Afghanistan Digital Library

adl0616

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv

This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (http://afghanistandl.nyu.edu/). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser. When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1 of 1786

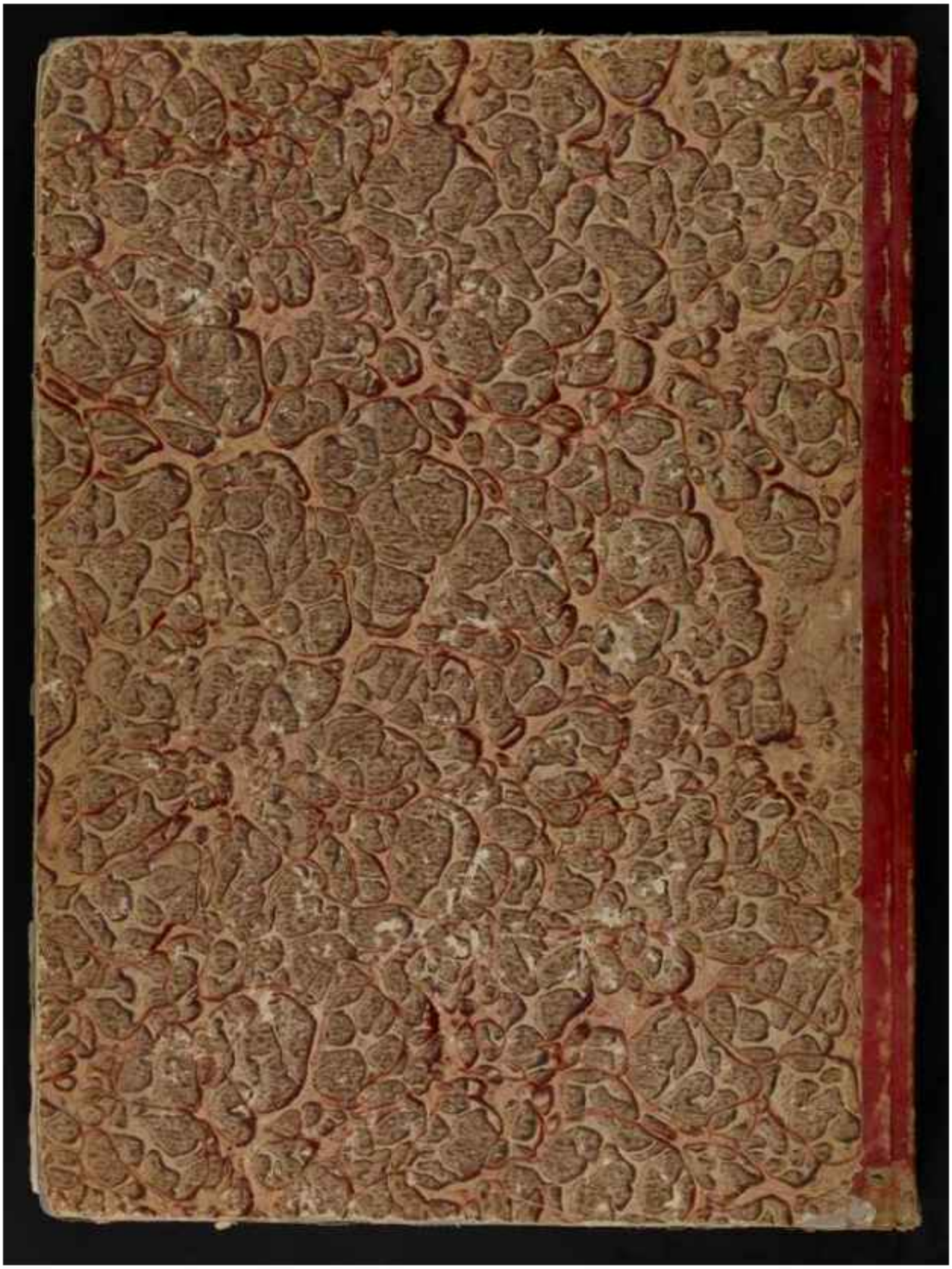

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 2 of 1786

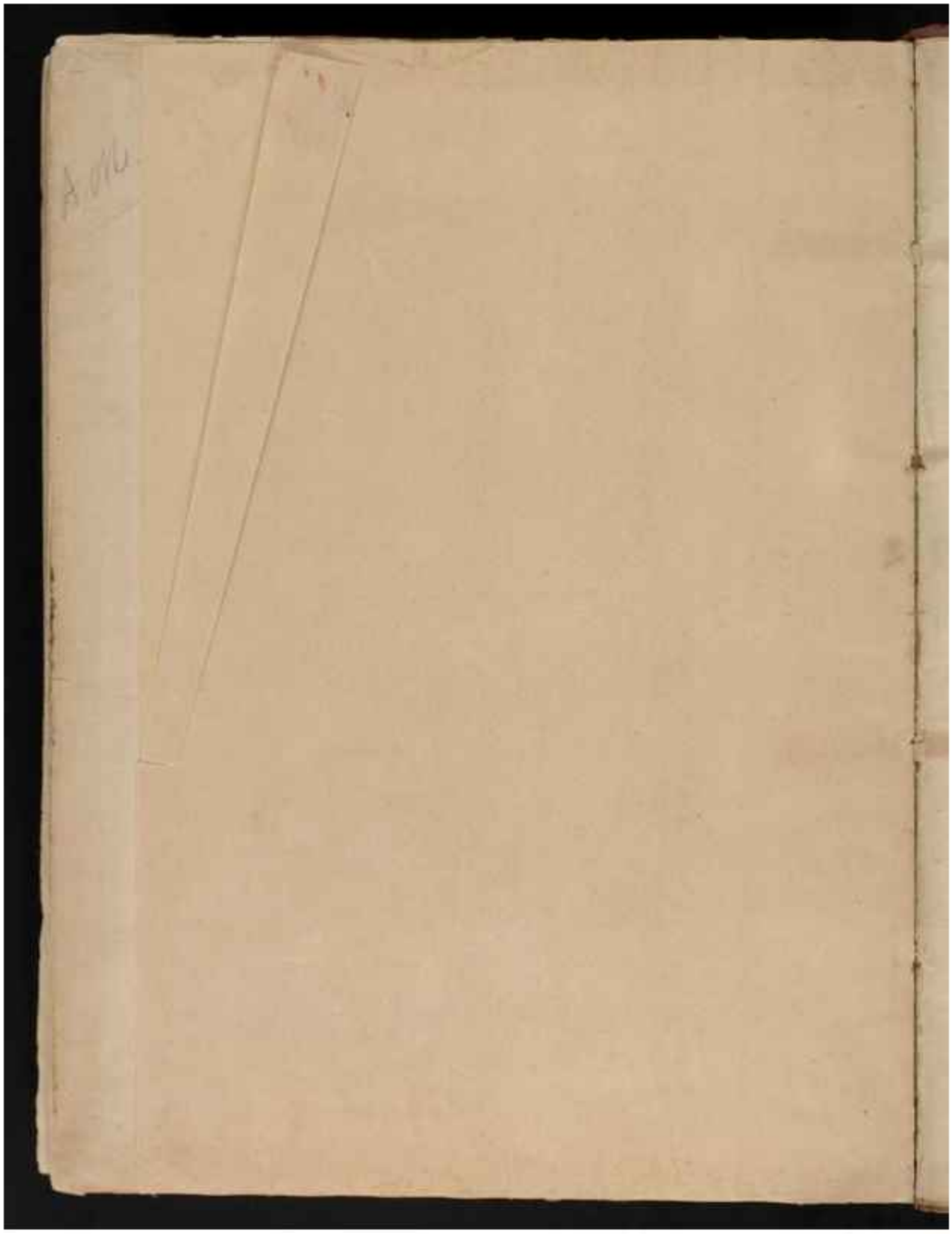

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 4 of 1786

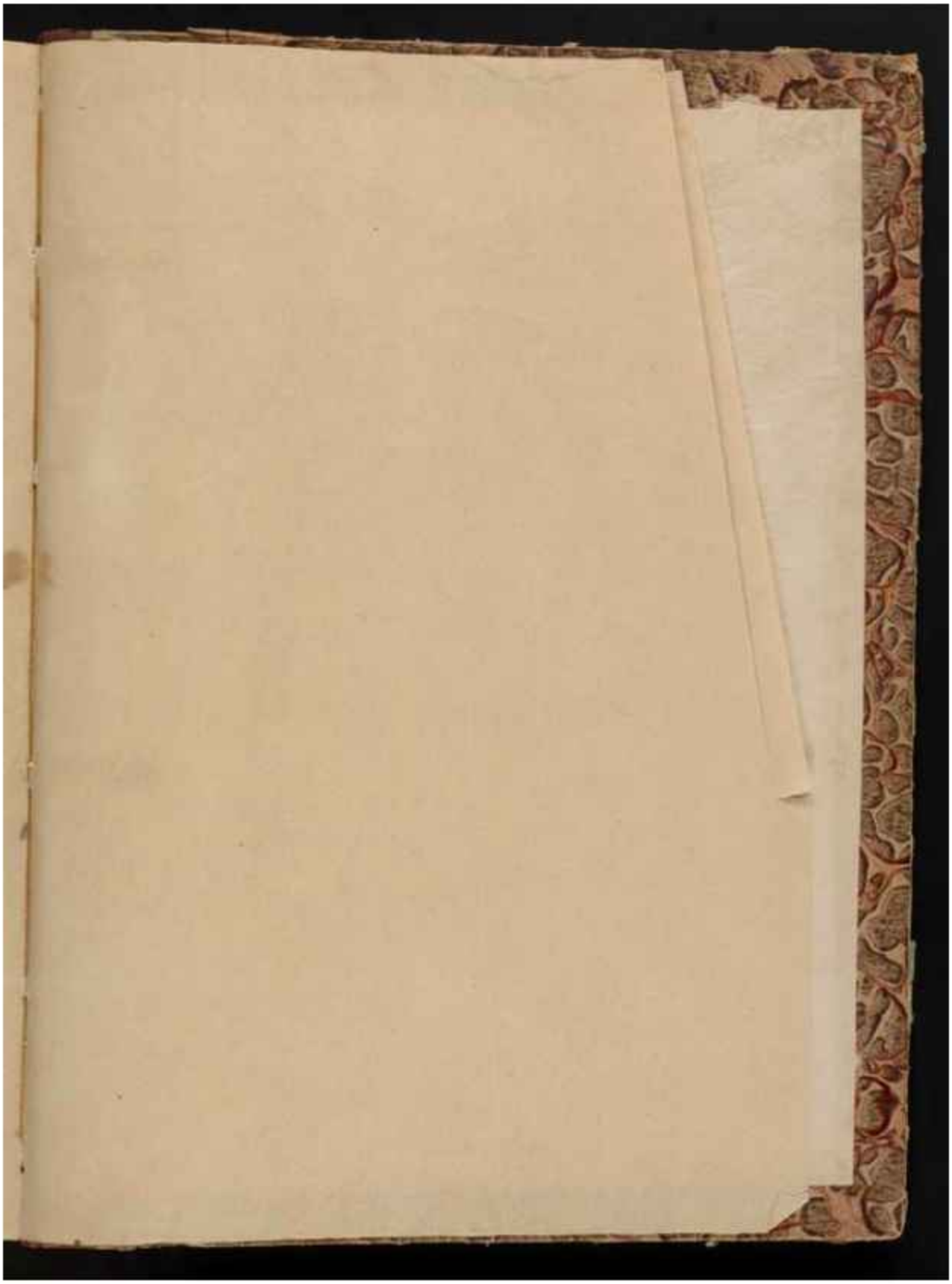

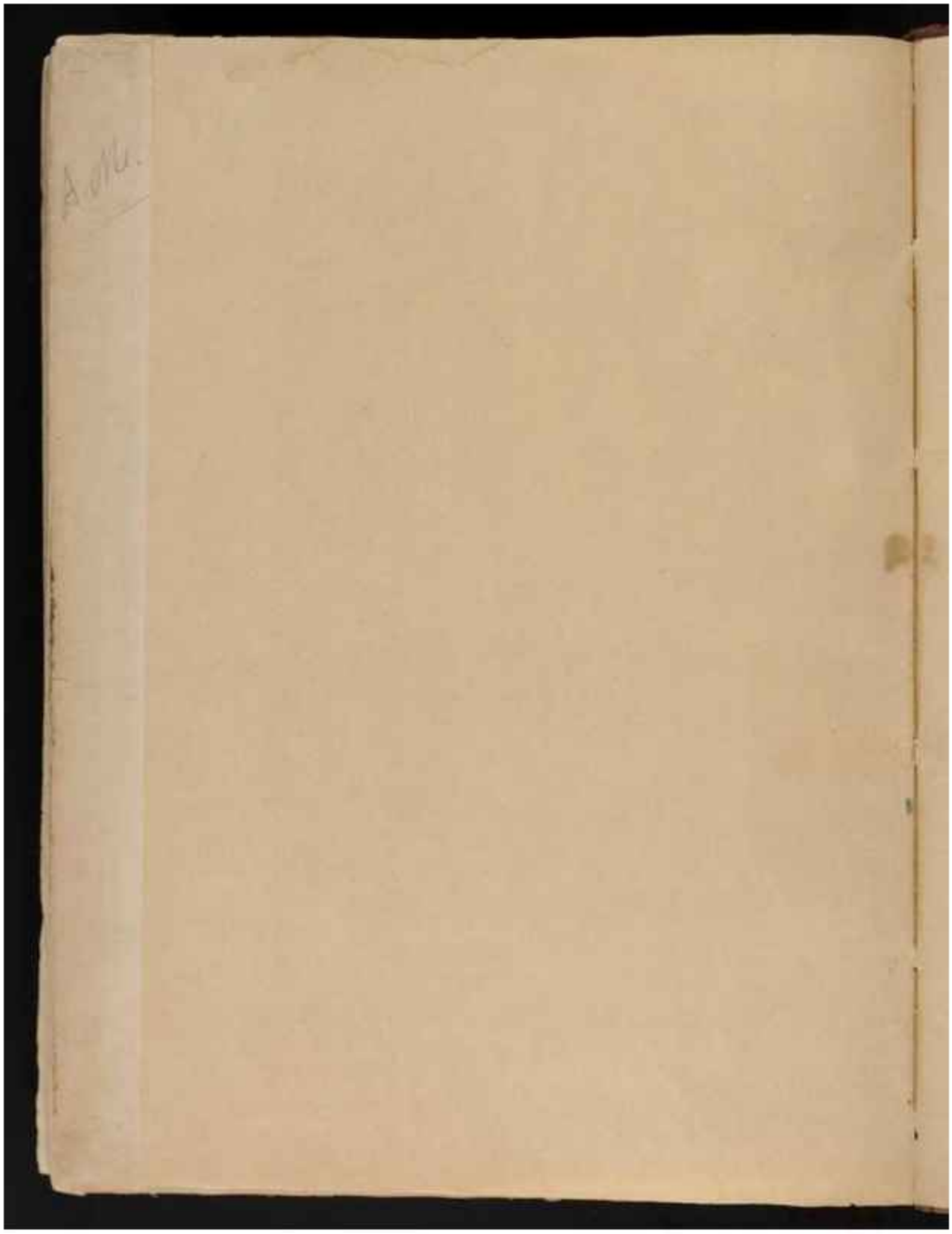

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 6 of 1786

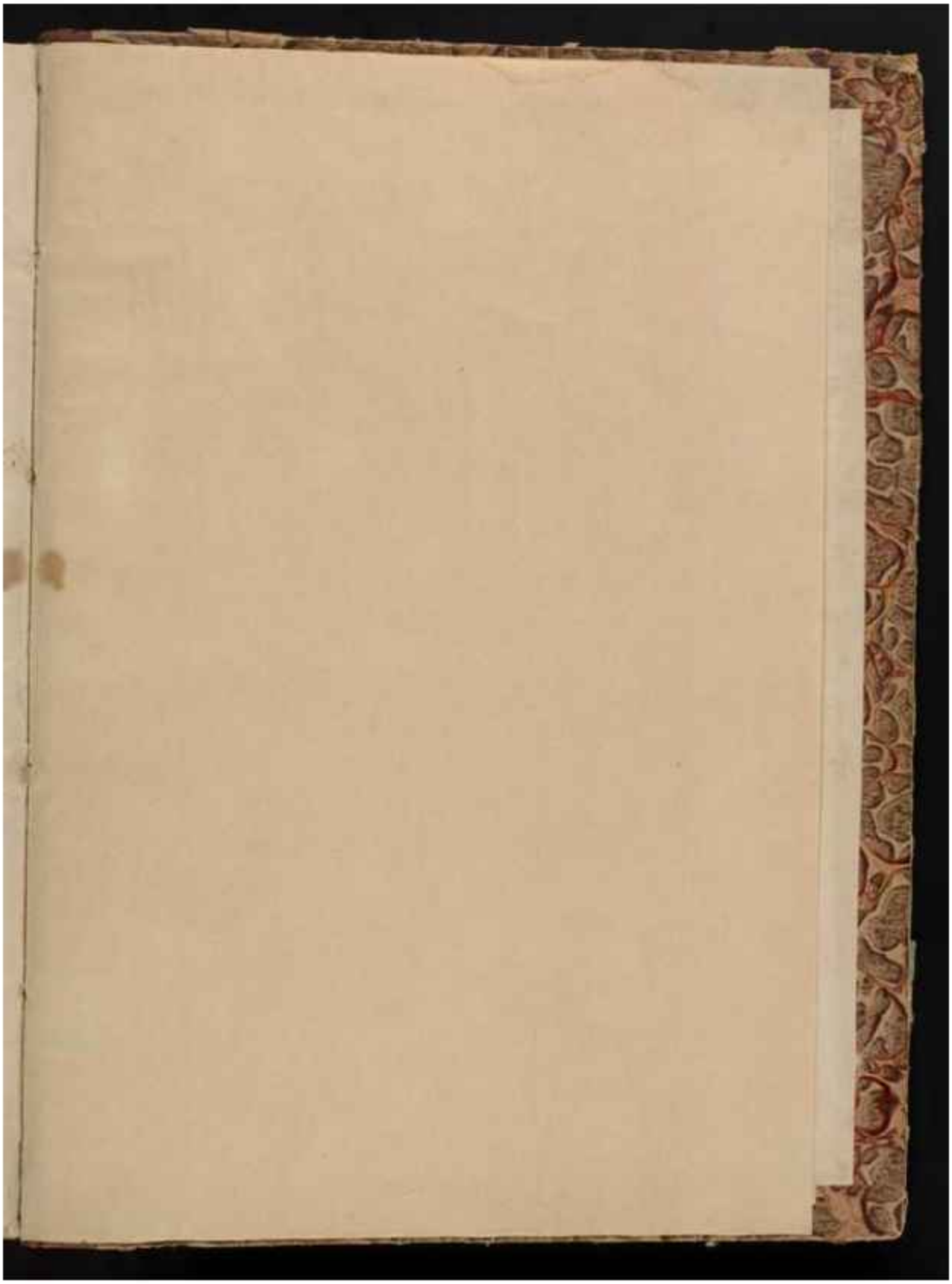

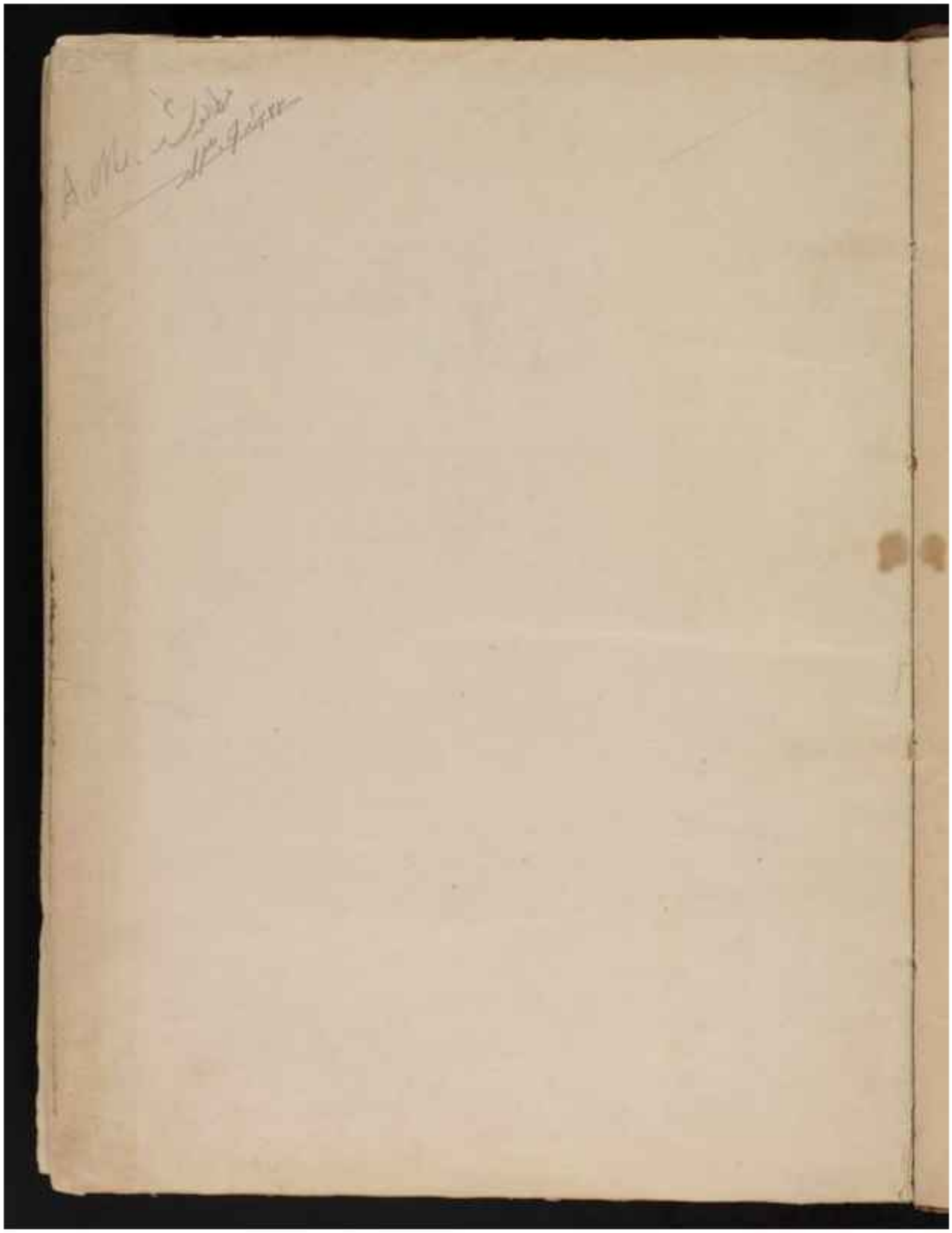

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 8 of 1786

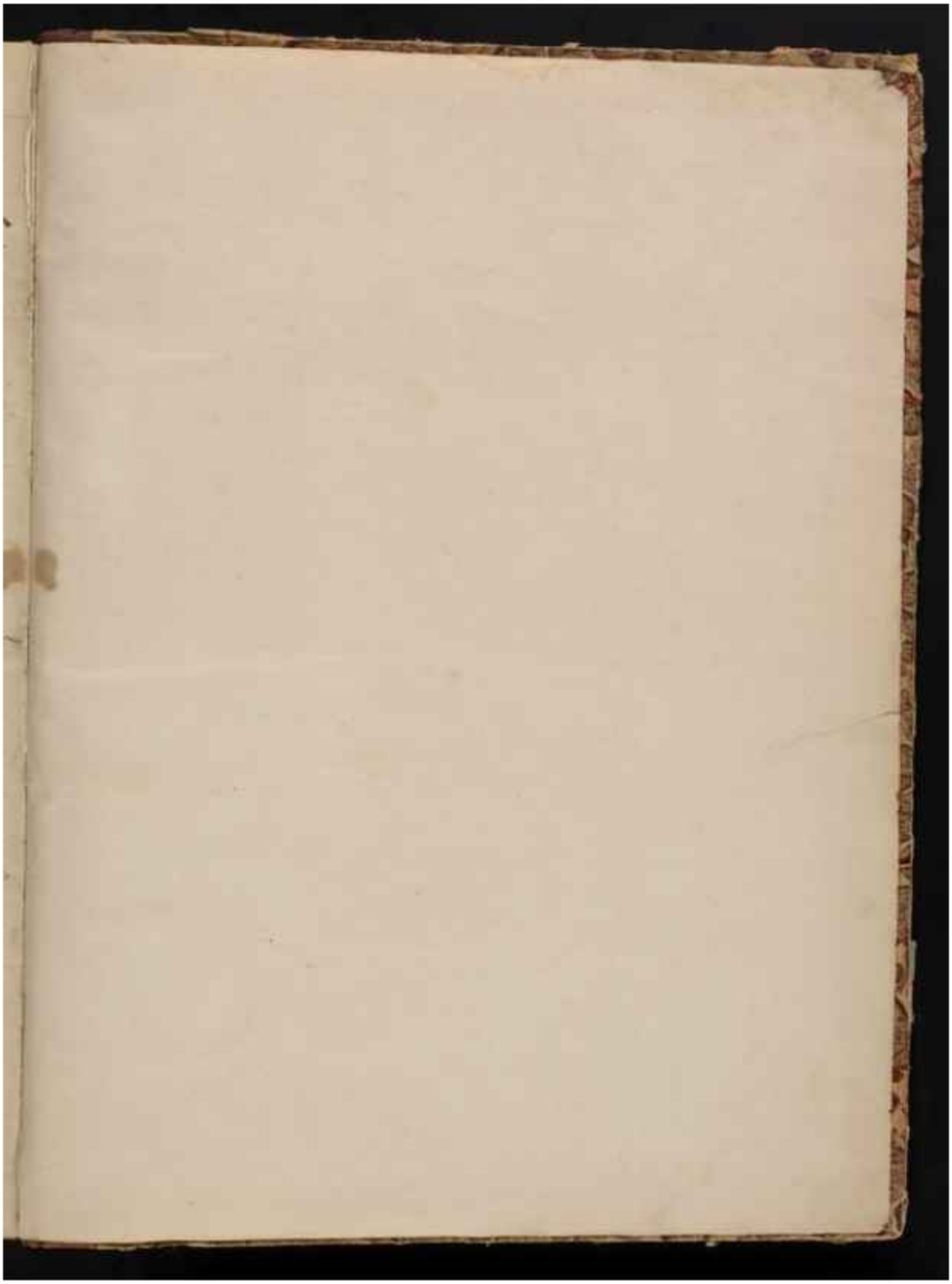

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 9 of 1786

صفحه ۱ سال یکم غره ۱

مدیر
ادیب افاضل علی حضرت بهائی

مدیر و مدیر مسئول
محمود طرزی

ادارهٔ شماطیه
در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل

مراسلات تحریریه باید اداره خانه بنام مدیر فرستاده شود

تاریخ عربی ۱۵ شوال ۱۳۲۹

سراج الاخبار
۱۳۲۹

قیمت سالیانهٔ آن
در داخل سلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف افغانستان و هندوستان ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اجرت چاپاک یکصد روپی انگریزی
قیمت یک نمره آن کابل ۱ عباسی

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی ۱۶ میزان ۱۲۹۰

در این اخبار از حوادث داخله خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

اقتباس کلام

بعد از اهدای سپاس حضرت عزیز الملک العلام ... درود بر روان حضرت سید خیر الانام و صاحب آل و اصحاب کرام و دعای پادشاه معدلت پناه سلام بعرض مرام میرساند که ...

این یک فایده و اشکار است که (اخبار) این عصر حاضر شاه زبان ملک و ملتها گردیده است ... و در وقت حاضر که اقوام و ملل روی زمین بیک دولت و قوی از نیروهای اتحادیه موجودیت که مالک اخبار باشند ...

اخبار جمع (خبر) است که ضد آن (بیخبری) است ... پس بنابر مفاد این قضیه بکلیه که (هر چیز ضد آن شناخته میشود) بخوبی معلوم میشود که (بیخبری) چه چیز است ...

پادشاه دوران گاه ترجمه و گاهی (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته چون از زمان خجسته توامان سلطنت میمنت اقتران خود بر وفق اساس مقدس اسلامیه مستقل افغانستان تا این زمان کلا از حاضر گردان سیاست ملکی و ملتی و دولت و قومی گردیده اند ... و تا یک چهارم مدت سلطنت پر دولت شان و روز بیاض تربیت و پرورش بصوری و معنوی رعایای صادق و خدمت گذار شان سعی و کوشش ورزیده اند ... لذا اخبار نویسی خصلتهای جلالت و اعزاز مسیحیه شاهانه شان کامل فرموده اند ... بیخبری ایالی را بیخبری جاهلانه فرمودن شده شدن (سراج الاخبار) موضوع اول فرموده این است که بواسطه عنایت شاهانه آن ایالی از حوادث داخله ملک ... و خبرهای خارجیه و بعضی معلومات فنی و ادبی و اخلاقی باخبر و آگاه و مستفید باشند

اگر چه جمع و منتشر شدن اخبار را در پای تخت سلطنت سنیه از اوایل جلوس میمنت مانوس شاه غازی ... ولی چون در سیزده سنه وقت و زمان آن موافق و مساعد نیست از آنرو تا به اینوقت در خصوص اخبار و ... فایده و مقابله اخبار ... اخبار نگاریست که اگر در آن باب هر چیز بگویم عبارت از اعلام معلوم و تحصیل حاصل شده و میشود ... ولی باز هم بعضی فایده های ظاهره و آشکار آن ... یک شمه بیان مینگارم تا بر سر گان معلوم شود که این اجانوذه مراحم عادیه پادشاه محبوب القلوب ما تا چه درجه یک الطاف رحمت الهیه میباشد

(اخبار) چنان یک آینه جهان نما است که در آن نشسته انسان از احوال جهان باخبر میگردد ... حتی بعضی اطباء گفته اند که عبارت از دماغ (یعنی) است (زبان) اخبار انسان هفتم نوشته می شود ...

(اخبار) چنان یک تیغ دو لبه است که زبان بدخواهان ملت و وطن را مقطوع میسازد ... چقدر فرق سر یک جامعه از سنان و رمح خونریزی خونخوار راحت و روح دوز است تا از یک زبان بدخواه ملت و وطن ...

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 10 of 1786

نگزانده باشد . چیست که اخبار یک زبان محرمین ماضیه است که اقوال رابحیث بدگویان را دیگذه و چنان پاک ساده
عاریست که از تعرض غش و غل پاک و صدق صفا نیک ، بارها وطن و فات گفته شود میدان حقیقت بروی آورد .

(اخبار) چنان معلم و حیست که استاذ بدون حاجت تعلیم یا اگر حتی بسی علوم و فنون عالیه شوق و رغبت میدهد ، ولی اگر
انسان علوم و فن را از کتابهای مدوّنه آن آموخته میتواند ، ولی اخبار آنرا مانند یک طبیب حاذقی که آهسته آهسته و پی هم بر مرض خود و امیدهد
مرضان پیری را باعلاجهای نافع خبر از معلومات خود معالجه میکند .

(اخبار) چنان گزارپرداز است که هرکس موافق طبع خود گی آن را چشیده میتواند ، و با چه میخواند ، و از غذا نشاریست که هرکس مناسب
مذاق خود تر قی آن را برمیگیرد ، و الحاصل از مطالعه اخبار هر صنف مردم مستفید میشوند و شده و میتوانند .

(سراج الاخبار) در وقت چون ابتدای تاسیس آن است در هر پانزده روز یکبار بایچاپ سنگی طبع و نشر میشود ، ولی بسایه
مراحمو ایه معارف پیرایه پادشاه معظم ترقیخواه مایه فیوضات اسباب ترقی و تکمل آن مهیا شده در آینده بعون و عنایت الهی دایمه یکبار
بچاپ حروفات عربی و تصاویر مختلفه رنگ رنگ گرانی بزیور طبع آراسته شده ، بعرض انتشار جلوه گر میشود .

پس بدرگاه خلاق عظیم شان کون و مکان آمین نیاز بجویت میسائیم و از ذات اقدس و اعم ترقی دولت علیه این مشعر ایرحمت کرد و خیر اندیش
عدالت کیش خود ، مزا نیاز و استمرار مدام میخواهیم ، و توفیق الهی را از بارگاه
بمدد و عنایت یار ، و من الله التوفیق

حوادث داخلیه

(رمضان شریف بیان)

(فضل و عنایت حضرت ایزد سبحان امسال ماه مبارک رمضان شریف رسیده و بسیار خوبی و سرور و کمال فرحت و حبور در وجود ... که بیچگونه عرض و بیان
بر خوبی ماند پارسال که هنوز وحشت آن از خاطرها فراموش نشده ، هویدا و جلوه گر است ، و این نهایت لطافت و خوبی بود ، از هیچ یک زمانه از گرمی و تنگی و غیره
شکایتی پیدا نبود .

(طبل شادمانی این ماه مبارک امسال بیک نغمه کلام قدیم حضرت صانع
علیم است که در دو شب اول ماه رمضان المبارک است تراویح با دشاه و ان گاه و
نیو طات گشته رحمت پیرا رجب منصب ماه رجایع بزرگ (چمن حضوری) که در
متصل شهر و متقابل اینی سبزه و خرم طرح (چمن حضوری) واقع است با حضور
آفتاب آرای عالمیان صادقه مسلمان خود ادا و اجرا فرموده اند .

تفصیلات مراسم این تشریف اینقرار است .

سه روز پیش از نهایت هلال ماه مبارک رمضان فرمان عالیشان پادشاهی
بر جال پیر منصب و اعیان کی و لشکری و اعیان دولت و ارکان و اعظم شرکت
اعلام این شهر و طوایف قریه های نزدیک شهر شرف صدور یافته بود ...

از طرف وحشت شامله و باب تشریف مذکور خبر داده شده بود
در مراسم پرتلی خود را خبر و بر این جهات رسیده اعیان اکابر شرف
تواضع و ادب استقبال و تسلیم واجب گردانیده بودند .

در بدو وقت تراویح و نزول ماه مبارک بهزار ها مان از دعاهای
دولت و ... مناسب بارگاه که جهانگیر در سپه ... و اعیان
حضرت پادشاه پرورت زمی شوکت و حشمت مس با شان و شوکت

خودشان بانواع راحت و طراحت و اقسام سعادت و لذت بسوی آنند
نوع خوش و گوارا آمده بودند .

پس از خیر نوشتار بود که وجهت چال ماه مبارک در محفل عالیه شروع شرف
نابت گردیده و خواهش سی و یک فرطوپ ، و ماه بودن فرد ایرجمگان
اعلان گردید .

ترتیبات و تحقیقات بکار برای اقطار و رفیعه گاه و معالی پایه گاه و جایوی ترتیب
و تنظیم یافته بود ، الحق که یک لطافت و ظرافت با شکوه و بسیار ، و تشبیهی هم
رسانیده بود این یک بر یک نیکه شهر لطافت بیدگاه دارا دیده و اند
پوشیده و نیست که با صفاترین و خوش فضاترین سیر انگاه های شهر عزیز
چمن شاه امن وسیع و فرحانست که سبزی ، (چمن حضوری) چیاشد
جهت غربی آن باجاده (سرک) پر آسیا ، با صفائیکه (سرک بیدگاه)
سوم است ، و جهت شرق آن با پیاسیا ، خوش ترکیبی که به (شهر)
مربوط) زیاده شده است ، و جهت شمال آن با قریه کوچک
(زنده باغان) و جهت جنوبی آن با جاده بزرگی که به (سرک بگرام)
سوم است و تا بجلال آباد محدود شده ، رفته است محدود اعلی قدیما
سطح زمین این چمن وسعت پهن همه است و هموار است کهیچ
پستی و بلندی در آن دیده نمیشود و همه با سبزه های سبز و شاداب
گرگوا از مخمل سبز پشتی فرش شده باشد مستور بست ، با لطافت
طبیعیه بلکه این چمن صفا خرمن در نظر بیدگان نظاره و طبعان بسا
صفوت تاریخ اخلاق استادان نیز در باب آن بسی و قایع غریب
عبرت پذیری در نظر مطالعه کنندگان آن آشکار و نمایان بنا
صرف نظر از احوال گذشته قدیمه آن تنها از بهجت سنه
تبدلات احوال آن که از نظر حاضر و دیده بصیرت علامات عواطف
پادشاهی ، و غیرت از مرابت بوطن آمدن قابل و سزاوار شده ، در

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 11 of 1786

نظری خواننده گان گرام عرض نماید .

در ۱۳۳۱ ه در اول بار واردات دولتی تحت عالی بحث قرار شد دیدیم این چمن همین چمنی که حالا دیده میشود نبود سطح زمین آن گرچه سبزه های نیمی بسته بود ولی از سبزی و تازگی و شادابی هیچ اثری در آن موجود نبود جای صفا و هوا ری نیکه در یوقت در آن دیده میشود بستی ها و بلندیها و چقورچاهای پر آبهای متعفنی موجود بود و جا جا پایان بعضاهای مختلف در آن بر میخورد .

از همت سپهسالار عظام که نظر بر اصلاحات پروراند اعلیحضرت سریر السلطنه والدین پادشاه دوران کامیابی خود آن نوجوان فرخنده امروز روزه این نظافت و تازگی و شادابی و هواری نیکه دیده میشود حاصل گردیده است .

حالا باز بر بیانات ترتیبات و انتظامات نیمه گاه و جایگاه رجعت نمائیم .

بر گاه اعلی پایه گاه و جایگاه فریبه بجهت جلوس همایون در آن مکان جامع شرفت بسیار بزرگ و چه گاه که از عمارات سپاه عالی عهد جانبانی خاقان سابق مرحوم جنت مکین حضرت صاحبقران (مغفور) است برپا شده بود .

اما غیر گاه که گفته شد جهان نشان نشود یک چند غیر دلخواهی در پیش داشته باشد ! لی طرف گاه جایگاه سپاه رئیس اعلی سپاه عالی و طرف مقابل جایگاه حضرات امرای نامداری نشیمن و جوب و فاقت حتی جامع و مقام و غیره دیده میشد طرز ساخت و وضع ترتیب این همه بالکل از اختراعات خلص خلوص پادشاه فریدون عدالت اسعد است از نظر بعضا نزدیک بتمام مشابهت میرساند زیرا که مجموع آن عمل یک سرای شوکت فرمو سلطنتی را بنظر جلوه میداده .

از یک طاق نصرت مصنوعی بسیار عالی و بسیار خوش نما که بسیار بزرگ و دروشن گالیس جهانی رنگ زرنگین و تنویر شده بود .

خوان مائده نعمت حضرت وبلغت عظمی بر چهار شکل

تشکیل یافته بود . اول سفره حضرت پادشاه بود که صد سفره و جود مسعود همایونی شرف افزای خوانهای گسترده شده گان عظمای دولت بود و ان ذوات بالاحترام دیگر ذوات گرامی بشرف حضور همایون از اعضای تشکیل یافته این عنوان نعمت بوده .

دوم سفره دیگری بود که مرکزی جمعیت از اعضای عالیه ملکی و نظامی جمع شده بود .

سوم سفره بود که برای خواتین گرام و معتبرین شهر گسترده شده بود .

چهارم طعام دان برای غربا و فقرای ایام بود که هر کس و ناکس وفق خود را آورده و طعام چشیده لذیذه مائده حاضره پادشاه رعیت پرور مرحمت ستر بود را گرفته در بردن جا های خود شان و یا خوردن در همان جا محل بودند . صدای جامی نوشی و همهمه خوری و شربت نوشی و آبدان مائده با یکی بانگی مصداهای طبیعی آب آن ناسر شده بود . در هر طرف وضع و ترتیب یافته بود .

بعد از فتحه شدن صوب غروب آفتاب هر کس هر چیز که دل شان بخواست افطار کرده و بعد از ادای نماز شام تا نماز مغرب آزاد گذرانیده بعد از ادای نماز مغرب هر سفره های خود شان جمع آمده و صرف طعام می شد . بعد از پوش یک صوب واقعه شده و مردمان را برای حاضر شدن نماز تراویح گاه سابقه نوح نوح مردمان در جامع شریف و گاه جامع . صدای تکبیر بلند شده و چیر چیر ات حضرت خلیفه ها در جامع شروع و در دو بصفا تراویح ادا می شد .

حضرت امامت و قرات را حافظ جید منظر حضرت شاه محمد حسن صاحب چاه میلو داشت که الحق در سرعت و جهارت و قرات و حسن قرات نداشت از هزاران حسین و احسن بود .

و الحاصل همین کیفیتی گردیده و ظروف ده شب بیست و یکم شروع اول ماه مبارک از ابتدای سوره تبارک الذی تا انتهای سوره والناس تمام ختم شده و بعد از ختم ختم تعلیم جلیل و دعا و نماز تراویح ادا گردیده شب دیگر باسم ختم شریف دعا خوانده شد و در شب ختم شریف شیرینی تقسیم شد و یک انشاد بسیار عجیب و غریب بزرگ و روشن گالیس جهانی رنگ زرنگین و تنویر شده بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 12 of 1786

از قرار استفسارات موثوق که بدست آورده‌ایم در شب ختم شریف تقریبا شش هزار آدم به این طلعت حضرت خلائق ظل‌الله با پادشاه قدر سنت خصال دولت آمال ما اشتراک ورزیده‌اند .

از قرار مسابی که از مسئولین ما به اداره جلیله سراج الاخبار رسیده و در هر شب به تجزیه و بخش شصت هفتصد پنجاه نفر که در حدود شب چهل و هشت هزار و یک صد نفر آدم طعام داده شده است .

سراج الاخبار

(سراج الاخبار) خود را بسیار بجا و بشعار و بشعار و کمال شعور اول ظهور خود را به درج کیفیت این ختم شریف که امثال آن هیچ وقوع نیافته زینت پرشرفی بخشیده .

حقیقتا نه تنها در صفحات تاریخ افغانستان فی بلکه در بسی تواریخ عالم از همچنین یک ختم شریفی که یکی از پادشاهان اسلام بجا آورده باشد دیده و شنیده نشده است .

از درگاه خالق لیل و نهار دوام بقای وجود مسعود سعد رس این شهریار مراحم کردار و دیانت شعار خود را نیازمند استدعا و از حضرت عالی تخت سلطنت سلطانی افغانیه را بوجود مبارک شان تا سالهای بی شمار شرف اندوز عز و اجلال میخواهیم که بسی امثال شان تا روز مضاعفا و عیدها به مراحم ولایه چاپونی پادشاه تبعه پرور لطف گستر محبوب القلوب ما برسد رجایای صادق شاهانه شان بکمال فرحت و مسرت ما مرور نماید .

عید سعید فطر

بوقت شام روز یکشنبه سلخ ماه مبارک رمضان المبارک و غره ماه شوال المکرم فیصله نامه تابان در نظر بزرگان جلوه گر گردیده و بتواتر شدن سی و یک فیر توپ قرار ثابت بودن عید سعید بین المردم بدیده فطر اعلان گردید ..

بدین حساب ماه مبارک رمضان امسال بسی روز تمام آمده عید سعید بروز دوشنبه مطابق دویم ماه میزان شمسی وقوع یافت بهشت بر صبیح یوم مذکور رجال منصب داران ملکی و نظامی دعلما و خوانین با البسه های رسمی در مقام عالی جناب قدرت مآب (حضرت نائب السلطنه سردار نصرالله خان) در قصر (زین العمارت) جمع آمده بهجت و بهرامی ذات عالی قامت پناهی شان بحضور پرنور قدسیت منشور پادشاه باشوکت دجاه و شهریار بلند اقبال معدلت پناه در قصر سعادت حصر (استور) مبارک شرفیابی عزت و سعادت بار حضور همایونی را حاصل کردند .

بعد از صرف چای و ناشتا اعلیحضرت همایونی بر اسپ صبا رفتار شاهانه سوار شده ، و همه منصب داران ملکی و نظامی نیز همرکابی همایونی شرفیاب آمده بقرار قواعد تشریفاتیکه در روزهای سواری رسمی همایونی دایما مرعی و جاری میباشد از دروازه بزرگ ارگ مبارک برسرک بسیار با صفای خوشش فضای (شهر نو) بسوی جامع شریف بزرگ (عیدگاه) رهسپار شوکت و اجلال گردیدند .

از دروازه ارگ مبارک تا دروازه جامع شریف (عیدگاه) از دو طرف صفوف مختلفه عساکر نظام آثار شاهانه با ریشهای رسمی خود شان صف بسته تعظیم و احترام بودند ، موزیکه های عسکری به ترنمات نغمه های جانفزا مترنم بوده سلام شاهانه را بحضور

تا اینکه ذات اعلیحضرت شاهانه داخل جامع شریف گردیده بعد از یک چند دقیقه که استراحت فرمودند بصلوات واجب عید سعید فطر آغاز شده ، و نماز و خطبه و دعا تقریبا بظرف چهل دقیقه باتمام رسیده ، باز بهمان تزئینات و خواهد یک تشریف شاهانه بوقوع آمده بود عودت همایونی وقوع یافت .

در میدان سلام خانه تمام همه منصب داران ذوی الاحترام ملکی و عسکری و خوانین عظام در پارسی ترتیبات و تنظیمات صف آرائی خود شان را گرفته بقواعد یک در روزهای دربار شاهانه مرعی الاجراست در دالان بسیار بزرگ سلام خانه با شکوه هرکس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 13 of 1786

بدرجه سامی مرتبه خودشان برآمده پوکیهای خود را جابجا شدند .

بعد از مرور یک چند دقیقه ذات اعلیحضرت شهریاری مانند شمس خاوری از دروازه غربی سلام خانه دربار همایونی وارد والان داخل شد و همه مردمان برپا خواستند ذات اعلیحضرت شاهانه بر تخت گاه سلطنت پرشوکت امارت عظمای اسلامیه خودشان که از سلح رنگین والان عظمت نشان سلام خانه با یک صف مربع سه قدمه بلندی بالاتر واقع شده بر آمدند . بعد از احوال پرسی و عید مبارکی یک نطق مختصر و مؤثری در بارهٔ شکرگذاری نعمای لایتناهی ذات اقدس الهی که توفیق بر اطاعت امر او سبحانه عطا فرموده بصحت و عافیت عمومی رمضان فیض رسان بعید سعید میامن پیدظر متبعی گردیده بیان فرموده و از مقدسی دانستن وظیفه تبعیات دولتی هرگان را یادآوری فرموده امر بنشستن فرمودند .

چایها شیرینیها سیگر تیها بر همه مردمان دربار حضور موفور السرور همایونی احسان و اکرام فرموده شد . بعد از ان سفره های میزهای مانده های الوان نعمت بترتیب بسیار لایقی در پیش روی مردمان دربار گذاشته شده ، و ذات اعلیحضرت شاهانه باشرف یافتگان (اهل میز حضور) در سلام خانه بر سفرهٔ پرشوکت و زینت شاهانه شرف جلوس فرموده و بکمال سرور و نشاط طعام به انجام رسیده دربار شوکت آثار روز فیروز عید میامن پدید ختام پذیر گردید .

(سردار عبد الله خان) نائب الحکومه گردیز یکی از مامورین صداقت شعار کارگذار بسیار محترم دولت علیه افغانستان . و از مدت بسیار سالهاست که نائب الحکومه ترکستان بوده چند سال پیش ازین در ولایت مزار شریف بیک داعی اجل را لبیک اجابت گفته جان قالی را پدرود نمودند . رحمة الله علیه

چون موقع عسکری هرات بیک فرمانده و افسر لایقی عرض احتیاج مینمود ذات اعلیحضرت پادشاهی جناب برگه (عبد الرحیم خان) را که در فرقه عسکر اردل حضور برگه بودند . بمنصب جرنیلی سه قراره سزاوار فرموده بگان افسری اردوی همایون هرات نصب و تعین فرمودند .

جرنیل مشارالیه در تاریخ ۱۴ سال ماه مبارک رمضان بصوب ماموریت شان عزیمت نموده اند .

بارادهٔ مراحم عاطفه اعلیحضرت پادشاهی جناب ایین المکاتیب (سردار عبد الوهاب خان) در ولایت مهتاجسته ترکستان نائب الحکومه نصب و تعین فرموده شده و درین قریب با بصوب ماموریت جدیده خودشان حرکت خواهند نمود .

انشاء الله در نمرهٔ آینده خود برخی از سوانح عمری و تراجم احوال ذوات مذکوره درج خواهیم نمود .

یک مرحمت انسانیت پسند اعلیحضرت شاهانه

از آنجا که مراحم سنیهٔ اعلیحضرت شهریارگار روزگار تنها بر رعایای صادقه شان نی بلکه بر همه عالم انسانیت شامل و رایگان است از آنروی چون خبر کدورت اثر آتش زدگی شهر شبر بستان بسمع مبارک همایونی رسید برای مدد رسانی خانمان سوختگان فلاکت زده آنشان مبلغ یکهزار روپیه - انگریزی که عبارت از سی هزار روپیه کابلی باشد بطریق اعانه از خزینهٔ عامره (عین المال)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 14 of 1786

ش ا ن ه ا ز خزینه (بیت المال) عطاء احسان فرموده از قرار یکه موثقا خبر گرفته ایم امیرزاده محمد خان پیش از حضور انور والا برسانیدن مبلغ مذکور مامور گردیده پس از یک هفته بطرف یمن حرکت نموده اند که در ضمن دیگر کارهای سرکاری که دارند مبلغ مذکور را نیز به توشه‌خانه دولت علیه ثانیه برده تسلیم کارداران دولت علیه ثانیه نماید تا بواسطه آنها برای آن حریق زدگان آتش بی امان و خانمان ویران بی سر و سامان فرستاده شده و تا یکدرجه مدار رفع احتیاجات شان گردد .

سراج الاخبار

حقیقتاً این احسان اعلیحضرت پادشاه دل آگاه پناهم شیر سنگر ما از چنان آثار مراحم کارانه انسانیت پسندانه بیت که برای ما مردم افغانستان و رعایای مخلوقه پادشاه وزی شوکت و شان موجب فخر و مباهات عظمی شمرده میشود .

بنی آدم اعضای یکدیگرند ... که در آفرینش ز یک جوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار ... دگر عضوها را نماند قرار

این کلام حکمت پیام حضرت (سعدی) را بنیوز در عالم مکتب بر دیم که خوانده بودیم . ولی فعلیات از اینها بالاتر حقایق اگاه و محبوب القلوب ما بران ، عاطفه حریق زدگان استانبول را عین الیقین نشان دادند . بلی معاونت و دستگاری قضا زدگان بنی نوع بشر علی الخصوص که اخوت دینیه و خصوصیه نیز موجود باشد از مهمترین فضایل انسانی شمرده میشود .

حوادث داخله و خارجه

آتش زدگی بزرگ و هشت ناک استانبول

(از اخبار رسمی ترکی نقل می شود)

در تاریخ ۲۶ رجب گذشته در شهر شهیر استانبول در روی چشم بر سر رفتی شان که جدا شان برای اظهار علاقه‌مندی و همدردی گرم فرحت وجود بوده در نفس استانبول یک آتش زدگی بسیار خانمان سوزی ظهور نموده بعد از نیم شبانه دکان و بازار و کاروان سراو جوامع شریفه را طعمه آتش جانسوز ساخته است . اکثر اهالی که برای اجرای رسومات جشن و شادی بیرون آمده بودند چون در جای آتش زدگی دویده آمدند در پیش روی خود تپه های خاکستر آتش مشاهده میکردند . از منظره فلاکت اور این حریق خانمان سوز همشهریها هیچیک منظره دیده نشده است در ویرانه زارهای پر غرمن های خاکستر بی والده های سر و پا برهنه دیده می شد که والده کوچک خود شان را در زیر سینه گرفته گریان و نالان بودند . بی سروسامان عیال و اطفال داری بنظر میخورد که موهای سر شان راست شده چشمهای شان از خوف و دهشت از کاسه خانه های چشم شان برون برآورده حیران حیران بسوی آشیانه سوخته شده شان میدیدند . بی اولاد یا از اولاد خود جدا مانده افغانها می کشیدند . بی والده و اولاد چیغ خونفانه می برآوردند . مقدار بنا نیکه درین حریق سوخته و محو شده است هفت هزار و پنج صد بنا واصل شده است که از انجمله صد خانه ان از مردم ارمنی و دو صد خانه آن از مردم نصاری روم بود . باقی دیگر همه خانه از مردم اسلام و دوائر حکومتی و جامع و مساجد بازها بوده است . آتش زدگی مدت (۱۲) ساعت دوام نموده . یک قسم کلی استانبول را بحال خرابه زاری درآورده است . از هر طرف حس انسانیت برادرانه بجوش و خروش آمده بامداد و معاونت مصیبت زدگان شتاب ورزیده شده است حتی جنرال (نورمان) مشهور ژاپانی که در وقت حریق در استانبول بود تیز در باب اعانه یعنی چندی ابراز انسانیت کرده است .

از اخبار عام نقل شده

مورخه یوم دوشنبه ۱۸ ستمبر ۱۸۹۰ مطابق ۲۲ رمضان ۱۳۰۸

در هندوستان یک پلتن پولیس نظامی ایجاد گردیده شده است که بار آینده در علاقه مشیخی بر سر حد سیاهم روانه گردیده شود پلتن مذکور رهبر راه بشندگان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 15 of 1786

مقام مذکور ملاقات دوستانه بعمل آید تا کدورت سابق از میان طرفین مذکور مرتفع گردد و اتحاد و اتفاق بین الطرفین تقویت یابد .

از کلکته خبر رسید که بمقام مذکور افغانان خانه بدوش به مردم عوام پریشان انداخته اند و سکونت آنها باعث خوف خیال کرده میشود ، چونکه افغانان مذکور برای قیام خود جای معلق ندارند تمام روز در بازار و شب بر سر راه استراحت میکنند ، لهذا حکومت بنگال از راه مهربانی بطرف شرقی کوه آلی هوره چند بیرک زمین برای سکونت شان مهیا کرده است و فیصله نموده شده است که بدین طریق ممکن شود بر زمین مذکور جوره ها خانه بزودی پرداخته شوند . در جوره های زمین مذکور تقریباً چار صد نفر بود و باش کرده می توانند .

بوقت دربار تاج پوشی مقام دهلی در هندوستان بر سکه جدید شاه پنج جاری کرده خواهد شد . (دربار دهلی) انتظام سرکاری هر نوع قابل تعریف است و نظم باب بازار فراهم کرده شده است و درین ایام بر اعیان و نوابان و تعلقداران و غیره از طرف سرکار هند پیغامات دعوت فرستاده میشوند (بدربار دهلی) - مذکور چار صد نفر معززین خاص از افغانستان بطریق سرکاری جهان کرده شده اند - علاوه بران قوس سیاه از ممالک خارجه بزیارت تماشای دربار خواهند آمد .

در شهر لاهور بروز جمعه بوقت یازده و نیم یک خانه پاشید و قطعه دختر خانه و زن مذکور دفن شدند افسران پولیس آورده دوات مذکور خبر یافته بر موقعه مذکور رسیده دو نفر دختر تمام زنهای مذکوره را از زیر خانه برآورده بعد از ده ساعت بروز زن بهوش آمده و نجات یافته گویا معجزه بظهور رسیده بود .

در پشاور گذشته ماه محرم یک نفر محمد یاور کار بار بروس نصب کرده شده بود و از روس مذکور

بجهة فتح بت مذکور صد تومان خود آمده بود جهان پور که وزیر اعظم روس برای تماشای تخت ابرا (تماشا گاه) رفته بود یک شخص بهوکه بگراف نام داشت بر وزیر اعظم مذکور دو فیر تفنگ کرد . یک گلوله تفنگچه بر سینه او خورد و دیگر بر دست . وزیر اعظم مذکور مجروح شده بیهوش افتاده و قاتل گرفته شد زار روس صبح دختران از مقام تماشا گاه روانه شده (و تماشا) موقوف گردید .

قبل از هفت سال یک حادثه بر وزیر اعظم مذکور نیز گذشته شده بود یعنی بر او گلوله انداخته شده بود که از صدمه آن یک پسر و یک دختر وزیر مذکور مجروح شده بودند - (۶۳) نفر هلاک گشته بودند - و خانه وزیر مذکور تمام و کمال ویران گردیده شده بود .

وزیر مذکور دوست زار روس میباشد .

و در زمانه حال نهایت هوشیار و عقلمند و محب وطن است .

نوچغانه میدان نمبر (۸۶) متصل برج بری سنگ (بیرون شهر پشاور) در مشق تیر اندازی چاند ماری مصروف بود که دفعتاً یک جماعت افغانان بران حمله کرده یک گور و توچغانه مذکور را خراب ساخت . بعد ازان همه افغانها از انجا گریختند و تا الحال معلوم نشده که جماعه مذکور از کدام قوم و از کدام علاقه بود .

نهایت دهم ستمبر مطابق ۱۶ شهر رمضان المبارک برای بیت العلوم مسلمانان واقع علیگده مبلغ یازده لک و هفتاد هزار و یک صد و چار روپیه گذار از مقامات مختلفه فراهم کرده شده بود .

منجمله آن مبلغ هفت لک و نود و هشت هزار و هشت صد روپیه در خزانه بنگال جمع خود شده است و مبلغ باقیمانده در خزانه های کمیشنانی مقامی جمع می باشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 16 of 1786

بمقام بمبی یادگار ایدوارد هفتم بصورت شفاخانه قدیم گردانده خواهد شد

سرکار هند یک قطعه اراضی بحیث تعمیر مذکور متصل گورنمنت بوسس بمجلس متنفذ شهر بمبی داده است که قیمت اراضی مذکور دو نیم لک روپیه تخمین میشود

چونکه در مکه معظمه و مدینه منوره وبای هیضه پیدا شده است امکان دارد که امسال حاجیان حجاز در روانگی خود احتیاط خواهند کرد

از طهران خبر رسید که معزول شاه ایران مقام گامبش تیب متیراست و همراهان او برباد شده اند

فوج مازندرانی او متفرق گردانده شده و جمعیت فوج مذکور اطاعت حکومت ایران قبول کرده اند

بمقام نیویارک (امریکه) بوقت سیر سرکاری درحین مقابله دو انجن موتر یک حادثه مهلک واقع شد - یعنی انجن یک موتر که بشدت سیر میرفت بر احاطه تماشاگاه متصادم شده شش تماشائی هلاک و چهار تماشائی زخمی شدند

ایم شالی بن وزیر اعظم روس از دوار تفنگچه جان برشده و بروز دوشنبه فوت گردید

بنابرین در مملکت روس ماتم اوگرده میشود

در شهر کیف خوف بلوائی پیدا شده است دسته سپاهیان نظامی برای دفع فساد شب و روز در بازارها گشت میکنند

سن وزیر اعظم مذکور (۴۸) سال بود

وازمدت پنج سال بر منصب وزیر اعظم روس مقرر شده بود

زار روس در نهایت دوست میداشت و قدر و منزلت او میکرد - چراکه همین وزیر اعظم زار روس را از دست مردم بلوائی نجات داده بود

بتاریخ ۱۷ سپتمبر مطابق ۲۳ شهر رمضان المبارک در آلات زلزله شناسی مقام شمله دو دفعه حرکت زلزله محسوس شد - زلزله اول بوقت ۷ بجه شب محسوس شده بود و معلوم میشد که در امریکه واقع شده است دوم زلزله بعد از ۹ بجه صبح محسوس گردید و معلوم شد که بفاصله چهار میل واقع شده است

چونکه از طهران خبر رسید شاه ایران معزول در آغوش خود ناکام شد اکنون برادرش که سالار الدوله نام دارد برای قسمت از مالی خود ایستاده شده است سالار الدوله خواهش تخت ایران دارد

در ملک سپانیه فساد و انقلاب حکومت رو بترقی دارد و سرخه های لاتعداد ماخود خوده شده اند و در نام قرقه قانون نظامی جاری کرده شده است

بمقام پارسیلونه دهیاوی دو دلیشه جنگ های متعدد بوقوع آمده اند و در شهر دلیشه قبضه مردم بلوائی میباشد

باجهای یک یادداشت طویل از بابت حقوق جزیره کریت به دول یورپ فرستاده است حکومت عثمانیه درین یادداشت تحریر کرده است که اگر بر جزیره کریت سرپرستی دولت عثمانیه تسلیم کرده شد جزیره مذکور را کامل حقوق خود مختاری عطا کرده خواهد شد اما مردم عیسائی جزیره کریت این را قبول نکرده برای سرکشی آماده و سر پرستی یونان میخواهند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 17 of 1786

دولت عثمانیه حفاظت حقوق خود میکند و نه در عقده هم دریغ خواهد کرد .

اخبار نامه تحریر کرده است : باجناب عوض عزیز افندی روپیه نقد داده شود ، دسوال مذکور پیچیدگی پیدا کرده است .

معاهده‌ای که درخصوص ریل ایران در مابین روس و دولت علیه عثمانیه تحریر نموده شده است دران معاهده تصفیه ریل ترکی نیز نموده شده است . چنانچه باب عالی بر این معاهده اعتراض سخت کرده است که از دولت علیه عثمانیه بچه سبب مشورت گرفته شده و دولت جرمنی در جواب آن تحریر نموده این گفتگو ابتدائی میباشد بوقت علاقه از دولت عثمانیه مشورت کرده خواهد شد .

از اخبار وکیل نقل شده .

مورخه یوم شنبه ۲۳ ستمبر سنه ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ رمضان ۱۳۲۹

محمود مختار پاشا وزیر مختار دولت علیه عثمانیه در انگلستان رفته است ، گفته می شود که متعلق بغاوت گذشته البانیه و پیچیدگی های موجوده عقده نیه از وقت خارجه آنان مباحثه خیالات خواهد کرد .

ریاست های یقطان در فراهم نمودن اتفاق اقوام مختلفه اهل فرنگ خیال دارند که در آنجا عقرب آتش فساد مشتعل خواهد شد .

باغیان البانی از جبل اسود واپس شده بخانه های خود رسیده اند ، سپاهیان ترکی باغیان مذکور را گرداگرد سنگ جان بلب شده بودند از پیش خود اطعام داده و از طرف سرکار ترکی برای مردم ضعیف و ناتوان مرر رشته سواری کرده شد مردم باهمی برضی خود نهایت شرمنده و شکر گذار دولت علیه عثمانیه میباشند . درمابین دولت عثمانیه و جبل اسود بشوند

راه آهن جاریست و مردم ترک شاکی میباشند که مطالبات امیر جبل اسود نامناسب و بیموقع اند .

حکومت ترکی برحدود یونان افواج فراهم نموده و جهازات را مکرر نموده و کشتی های زغال گرفته بسواحل کریت (قریطش) تیار باشند .

حکومت ترکی اسباب فتحی و جواهرات سلطان عبدالحمید خان را بغرض نوشش بمقام پاریس فرستاده است و در آنجا جواهری های فرانسس قیمت آنرا دو نیم ملک پونڈ فرانسس اندازه کرده اند .

یک ریل دیگر متوازی ریل بغداد تعمیر نموده شده است . محرک ریل جدید مردم انگریز میباشند و این ریل از بندر گاه سعید شروع شده و از نواحی عرب و بصره و کرمان گذشته با ریل نوشکی ملحق گردیده خواهد شد . ارباب ریل مذکور عنقریب خط و کتابت نموده خواهد شد .

تمامی تلفات و آتش زدگی گذشته مقام قسطنطنیه قسمت یک پونڈ گردانده شده است و از هر گوشه دنیا بجهة مصیبت زدگان استانبول روپیه فراهم کرده میشود . سیکات مصری در همین ایام مبلغ (۶۵۸) پونڈ برای مصیبت زدگان مذکور فرستاده اند .

سه نفر طلبای سلطان از جزیره هوریو که در اقریطا واقعست در جامع ازهر مقیم میباشند و در علوم تجارت تمام حاصل نموده اند آنها بیان میکنند که در جزیره هوریو ۳۵ هزار مسلمان آباد میباشند و نام سلطان آنها محمد صفی الدین است

چون در ایام گذشته مشرایدیس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 18 of 1786

از یکه در انگلستان رسیدیک مدیر اخبار از دو دریافت کرد که آیا شما در انگلستان برای مقصد خاص می ایید مستر ویلسن جواب گفت که من از چهار پانچ سال از خانه خود برای دیدن این مری برایم که اهل دنیا بکدام کار ها مصروف اند و اینکه از کار این قسم است که من از آن فایده حاصل کرده میتوانم علاوه بر این انسان را لازم است که گاهگاه از کار معمولی خود فراغت حاصل کنند

مستر ایدیسن گفت که اگر چه من ضرورت آرام محسوس میشود لکن من زیاده از سه ساعت نمیکنم چونکه انسان صد بیست سال زندگانی خود را در خواب صرف میکند و در این ایام در کل دنیا خلقه خواب زیاده است تا بنگه مدت مسافت خواب میکنند گویا نصف عمر خود را صرف ضایع میکنند

بعض اوقات که خود من برای حل نمودن یک مسئله مشکل یا روز شب و روز متواتر جد وجهد میکنم خواب از من می آید چون قلم و دفتر حل میکرده را پیش دست برداشته میخوابم یک شب و روز مسلسل خواب میکنم

حاصل مستر ایدیسن دریافت کرده که آیا شما نخست طلا حاصل مستر مذکور جواب گفت که حرف شما وقت انتظار دارد و آن وقت نزدیک است که برای سنجیدن طلا طریقه خاص آزمایش کیمیاوی فراهم دریافت شود و آن وقت آن اصول جواهر قطار که تحقیق بسنگ برای آن وقت دارد تبدیل کردن را فراموش شده چرا که ۲۸ من طلا بصرف ۵ یا ۶ روپیه تیار فروخته شده

و این حرف مرا یاد داشته باشید که آن وقت نهایت نزدیک رسیده است

اطفال برق آسا

طبیعت دانهای ایک سویڈن از چند سال پیشتر از عدد رسمی مشاهده نام اپاهی گفت سویڈن از تجربه برقی مصروف اند و دعای آنها است که بر عضای جسمانی اطفال عمل برقی دریافت کرده شود اخبار سٹینڈرڈ تحریر کرده است که تجربه تا الحال بقدر ترقی نشوونمای ثابت بذریعه قوت برقی نموده شده اند و در آن کامیابی حاصل شده است

پس ماہرین علم مذکور خیال کرده اند که نشوونمای جسم انسان بھی بذریعه قوت برقی ممکن است لهذا دو جماعه اطفال که سن آنها ۲ سال بود منتخب نمودند که اطفال هر دو جماعت بلحاظ صحت و وزن و قد قریبا مساوی بودند انتظام تعلیم هر دو جماعت در دو کمره جداگانه نموده شد فرق صرف این بود که در یک کمره امواج برقی بر دوش شده در کمره دیگر از امواج برقی خالی بود بعد از چند سال چون مقابله اطفال هر دو جماعت نموده شد معلوم گردید که اطفالیکه در کمره برقی بودند مقابله جماعت دیگر در قوت جسمانی و ذهنی بسیار ترقی کرده بودند اطفال کمره برقی در از قامت و زیاده وزنی بودند و قوای ذهنی نهایت مناسب و در از قامت ترقی یافته بودند بعض شماص تجربه مذکور را تسلیم نکرده اند بنا بر این در مدرسه دیگر سویڈن تجربه مذکور پیمانه وسیع نموده میشود اگر در این تجربه کامیابی ظاهر شد قریب این اطفال برقی خواهد بود

ادبیات

این مقاله بلاغت پیرایه جناب عالم فاضل کامل مولوی عبد الرؤف صاحب است که بنا بر استفسار چند تا در باب (ادبیات) نوشته اند که عینا از نظر میگذرانیم

ادبیات چیستند و از چه بحث میکنند

این فقره مطلبی است عالی و دانستن آن مناسب حال هر شخص از ریعت دوالی

این سوال مختصر است که مانند یک دانه تخم قوت در بلند توانندیرا از خود میرویاند - بلکه مانند مردم که در زمین و آسمان را یک وقعه در خود می گنجاند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 19 of 1786

بدانست

کہ لفظ ادب در لغت عربی زیرکی و نکمیدانستن حد ہر چیزرا گویند - و در اصطلاح علوم قدیمہ کہ در مدارس اسلامیہ خوانده میشوند (علوم ادبیہ) علمائی را میدانند کہ تعلق بزبان دانی مخصوص لغت عربی داشته باشند کہ اول آنها علم لغت عربی است .

دوم علم صرف کہ دانستن صیغہ لفظ عربی بآن مشروط است

سوم علم نحو کہ شناختن ترکیب و انتظام کلام عربی کہ فہمیدن کامل مقصد متکلم و مخاطب وابستہ آنست بآن مشتمل است .

چہارم علم فصاحت و بلاغت کہ خود علمے دریں باب قرآن مجید است کہ بجز اعجاز خود عین انس و جن را عاجز است . این علم نیز سہ شعبہ است و تفصیل آن درین مقام است .

این چہار علم را باعتقادات آنها دوازده علم ساخته اند کہ علم عروض و قافیہ و شعر و انشا نیز از آن جملہ است در اصطلاح کتب و مدارس اسلامیہ این دوازده را علوم ادبیہ گویند .

اما باصطلاح اخیر نویسندگان در روزنامچہ نگاران این زمان از اہل فرنگ و ایشیه و شماتات و غیره نظم کلا تبان مصر جمله علوم را سہ قسم ساخته - و سہ نام نہاده اند (علوم ادبیہ) (علوم سیاسیہ) (علوم اقتصادیہ)

اما علوم ادبیہ

کہ عام و با وسعت و شاملترین ہر سہ قسمت و آنہا را ادبیات نیز گویند اگر علمائیکہ عقلا نوع انسان با آنہا مشغول اند جمع آوری میکرد - جمیع ادبیات از علوم اعتقادی و حکمی و علوم روحانی مانند تصوف و علم اخلاق و علم متعلق باحکام ظاہری و بسمانی مانند علم فقہ شریف داخل دیباچہ شده - و جمیع علوم حکمت یونانی خواه متعلق بذات و صفات حق تعالی و فرشتگان و عالم ارواح باشند - و خواه متعلق بطبعیات و باقی ریاضیات از علم ہندسہ و حساب و مساحت و غیره باشند و خواه متعلق باحوالات عناصر و آنچه از آنها ترکیب یافته و پیدا شده مانند علم معدنیات و نباتات و علم متعلق باحوالات بیرانات و علم باحوال بدن انسان و علم طب و اکثری و کیمیا و سی و علم قوه برق و کہربائی و علم جمیع صنایع جدیده کہ اہل یورپ بسبب اقبال بر اہل سلام تقدم یافته و علم لغات و زبانہای مختلفه اہل عالم جدا از علوم ادبیہ دانسته اند .

و انچنین تر میتوان گفت

کہ اگر اہل فہم عالم را لفظ (ادب) و لفظ (ادبیات) آداب مجلس سلاطین باقی مجالس را در آداب معیشت با کسان و دیگران و زیستن با زیردستان و خوردان خود را مراد میدانند - بعضی ازینچنین اصطلاح دارند کہ فلان شخص خوب باادب شریعت است .

و نزدیک باین است قول حضرت مولانا رومی در مثنوی معنوی

از خدا جوئیم توفیق ادب — بی ادب محروم ماند از لطف رب

بی ادب تنہا نہ خود را داشت بد — بلکہ آتش در ہمہ آفاق زد

و آنچه در جای دیگر مثنوی فرموده

در میان قوم موسی چند کس — بی ادب گشتند و گم کردند راہ

و در این جا مراد از آداب شریعت و طریقت را اراده داشته

و آنچه بر زبان اشاره بدین جمیع نموده

ادب نیمے از عبادت پیش اہل — بغیر خاک شدن ہر چه است ہیچ

و آنچه عارف جامی در سلسلة الذہب فرموده

اَدَبُ النَّفسِ اَیُّها الاصحاب — طَرِیقُ العَیشِ کُلُّهٗ آداب

و این ہر دو فرد را در ادب طریقت مراد خواهند برد

و آنچه عارف ممدوح در دیوان اشعار بلاغت شعار خود فرموده

چه ای معلم از زور و شاب — باشد نگارم را بر مسند ادب

شد فرش دیبا از بہر بچه — از بہر اطفال ار نطع ادیم

تعلیم ادب او را بجوانی — از خود را خاطر آمد مرا

و آنچه حافظ شیراز فرموده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 20 of 1786

شوخی نرگس تو پیش تو نشکفت چشم در دیده ادب نگاه ندارد

و آنچه نفرموده

اگرچه عرض هنرپیش یار بی ادبی است

آداب نگاهبری بآن مراد داشته باشند . پس اصطلاح خود از ادب و ادبیات چیزی مراد داشته والله اعلم

و اما علوم سیاسیه

در اصطلاح اخباریان مذکور فوق علومی که متعلق بقاعده و قانون سلطنت از رعیت و لشکرداری وغیره باشند

و اما علوم اقتصادیه

در اصطلاح ایشان علومی هستند که بسیادت برابر ساختن دخل و خرج انسان بادشاه باشد یا سپاه و یا رعیت خلاصه

اقتصاد در لغت

رفتن را گویند در میانه راه و مجازاً توسط و اعتدال را گویند در خرج و صرف مال لهذا این علم را علم اقتصادی میگویند و علم الاقتصاد را علمای علیحده ساخته اند و کتابها در این علم تالیف نموده و پرداخته اند . و ستون فقیر خلص چیزی از خود بدرس .

یادآوری

(ناول) یعنی

افسانه گوئی و افسانه شنوی یک حس طبیعی بشری میباشد از ابتدای ایام طفولیت گوش انسان با افسانه شنوی عادت میگیرد و حتی اگر رومان تا افسانه نشنود خواب نمی برد .

در این اعصار آخر زمان چنانچه در هر چیز یا یک تبدل و نوی بظهور آمده افسانه نیز یک طرز نوی پیدا کرده که با افسانه های کهنه و قدیم ما هیچ شباهت نمیرساند .

افسانه های این وقت حاضر را در زبان و محاورات عثمانی (رومان) میگویند و در انگلست و امریکا (ناول) مینامند . رومانهای ناولها در این وقت از بهترین آثار ادبیه قلمداد شده میشود . زیرا ناول نویس حال اقتدار قلم خود را در باب تصویر نمودن خیال را بحقیقت صرف مینماید که ذاتاً شعر هم همچنین یک چیز است . (سراج الاخبار) میخواهد که برای تسلی و ساعت قبری خاطر خوانندگان کرام خود از افسانه گوئی طرز نویز کوتاهی کند لهذا به ترجمه (فابله های پاریس) نام ناولی که از آثار قلمیه (ف ویردو مونتپین) نام ادیب و شاعر مشهور فرانسه است آغاز نموده بعد ازین در هر نمره خود الشاء الله یک مقداری از آنرا درج معارف خواهد نمود .

مقصد ما از نشر کردن این ناول یا رومان یا افسانه دو چیز است یکی اینکه طرز افسانه گوئی زبان حاضر را برخوانندگان کرام عرض نمائیم . دیگر اینکه از احوال عجایب و غرایب ممالک متفرقه اوروپا و شمالی و جنوبی آسیا خوانندگان را در ضمن پیش میشود معلومات بدهیم تا معلوم گردد که در پاریس معیشت چگونه و چشتها مستتر است .

اشتهارات

در باب درج شدن اشتهارات تجارتی و صنعتگری

در روزنامه مبارک (سراج الاخبار) برای اشتهارات تجارتی رقی سوداگران و اهل عزیز ما که بخواهش بخواهند برسانند و یا بعضی صنعتهای پیشه ایله مبلغی از صنعت کران اخراج کرده و فرد فرد نخن آنرا آزاد میکنند حاضر آماده میباشد که مال سوداگران و صنعتگران را در صفحه آخرین اخبار خود اشتهار و اعلان نماید . لهذا هر کس که آرزوی اشتهار مال تجارتی و یا صنعت صنعتگری خود داشته باشد به اداره خانه سراج الاخبار رود ما شاء الله آنجا است آمده و از قرار سطر یک روپیه اجرت آنرا داده و مال و یا صنعت خود را بواسطه اخبار اشتهار میگنند و اگر کسی بخواهد که از یک بار زیاده در اشتهار خود را داخل نویسد بر سطر میگران گرفته

مدیر و مصحح سراج الاخبار

در مطبعه دار السلطنه کابل بسعی و اهتمام محترم اخلاص عبد الغنی بخط میرزا عبد الحق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 21 of 1786

صفحهٔ ۱ سال یکم نمبر ۲

قیمت سالیانه
در دارالسلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخل مملکت با اخراجات ڈاک ۱۴ روپیه
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک نیم پون انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک قپاسی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار

۱۳۲۹

نگران
بایتیک اقدس ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
مدیر و سرمحرر
محمود طرزی
ادارهٔ خاصهٔ مطبعه
در ماشین خانهٔ دارالسلطنه کابل
جمیع امور تحریریه باداره خانه بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی یکم ذی القعده ۱۳۲۹
تاریخ شمسی ۳۱ میزان ۱۲۹۰

در این اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

راهها و پلها

در رسم افتتاح پل سراج کلبهار

هرگاه یک ملی را یکجوی تشبیه بهیکل راههای متنفسهٔ آن راعروق و شرایین آن وجود و پلهای آن را مفاصل یعنی بندهای آن وجود اگر بگوئیم هیچ یک عضو مهمه نگفته ایم بود.

زیرا اگر در عروق و شرایین یک بے انتظامی و ناجوری را یابد بدوجه خون که مادهٔ حیات شمرده میشود به انتظام تمامی که لازم است اندامهای تحتانی و رئیسه هر طرف وجود جاری و ساری گردیده و حیات را در تبلگاه نمی آرد. و کذالک اگر در مفاصل یعنی بندهای اعضای بدن اشکالے و بے انتظامی واقع شود در ماهین عضوی با عضو دیگر خط مواصله و مرابطه منقطع گردیده و بسی عوارض مهلکه معروض میگردد.

راهها و پلهای مملکت ما همین اهمیت و مزیت را دارد. که در انتظام و درستی آن موجب عدم انتظام و درستی ملک میگردد. بی ذی پی چنانچه در حوادث و مخاطرات تجارتی طلب که بشکل خون در بدن است سکته و خرابی میرساند در تفلیات سوق العسکر نیز همچنان بسیار دقیقه بوقوع می آرد که مثالهای از اصفهای

تاریخ جلوسشان مید ه.

آورد و فیروز جلوس میامن مانوس اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه خردمند عدالت آیین شهریار حکیم همت ترقی کیش این دولت ابد مدت دایم دولت عرض مهلکه از وجود ذی جود عزیز مازایل و مرفوع گردیده است.

در وقت حاضر پایهٔ تخت دولت علیهٔ افغانیه از فیض همت سعی و کوشش بیش کم پادشاه ترقی پرور معظم ما در باب توجه در ساختن راهها از زان و شاهگان فرموده اند باهر سه طرف مملکت متصل و پیوست گردیده. بعضی از این راهها سرکهای پخته و پتنی است که ارابه و موتر بران رفت و آمد دارد. و بعضی از ان راهها نیست که در دست تعمیر پخته کاری میباشد. و بعضی از آنها راههای صاف و هموار یست که هنوز پخته کاری نشده.

ممالک محروسهٔ ما مملکت شاهانه چنانچه با راههای منظم کسب ترقی کرده به بعضی پلهای بسیار مهم و معتبری نیز رونق و اهمیت عظیمه پیدا نموده که از انجمله یکی این پل نهر نیلاب است که به (پل سراج) موسوم شده. زیبای مرحمت و خیر اندیشی

تفصیلات مراسم افتتاح پل مذکور را جناب سرکاتب (که بهمرکابی (اعلیحضرت همایونی) در مراسم مذکور شرفیابی داشته اند به اداره خانه فرستاده و است که عینا همان نوشته شان را درج میکنیم:

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 22 of 1786

بیان افتتاح پل نیل آب

نیل آب منبع آن از برف ها و یخ ها و چشمه سارهای کوه بنه واکش از حدود خاوداک که سمت شمالی کابل است درین دره بخیشیر آمده در حدود باگرام با پیگر دریاچه ها ملحق شده بطرف مشرقی میرود — سالهای سابق درین موضع که حال پل جدید بنا شده و اصلا آثاری از پل نبود مردمان متردین علاقه کوهدامن و کوهستان خصوصا نفری صد و هفتاد نفر مذکور بزحمات و تکالیف از نیل آب عبور می نمودند و زمان زیادتی آب تلفات زیادی برای عبور کنندگان مذکور حاصل میشد — چون اعلیحضرت سراج الملة والدین در موضع گل بهار تشریف برده ملاحظه فرمودند خیال داراده آبادی را دران موضع فرمودند ، چنانچه در سنه ۱۳۲۹ هجری به انجنیری عزت مند مستر تالیدی انگریز ملازم دولت خداداد پل مذکور آباد گردید — بتاریخ روز چهارشنبه ۱۷ ماه شوال المکرم مطابق ۱۸ ماه میزان موافق ۱۱ اکتوبر ماه انگریزی افتتاح پل نیل آب گردید — در آن روز ذات اقدس اعلیحضرت با برخی از خدام و حلقه حضور در موضع مذکور تشریف برده وجمعی از نفری خوانین و معتبرین کوهستان و کوهدامن که نفری زیاده بوده نیز در انجا حاضر گردیده از برای نفری مذکور و باقی خدام از همه گونه اطعمه و اشربه و چای و شیرینی وغیره موجود بود — بعد از ده بجه روز مذکور اعلیحضرت والا با پل تشریف بردند — پل مذکور را اعلیحضرت والا تشریف بردند اعلیحضرت والا اول بود اینکه اعلیحضرت والا تشریف بردند ایشک آقاسی باشی کلید قفل را با عزاز و احترام بحضور مبارک تقدیم نمود — اعلیحضرت والا کلید قفل را بدست مبارک گرفته این کلمات را نطق فرمودند — هرانسانی که یک بنای را بخیال خود تصور کرده در اجرای خیالات خود میکوشد برای ناظرین مشکوک است ، که آیا این بنا چه جنبه و لمرخواه داده و چه اندازه بخیال خود نظری می آرد تا اینکه آن بنا تکمیل یابد بعد که ناظرین از علاقه آن فرد و نتیجه نیکی آزاد میدانند ، تسکین خاطر هر یک میگردد — چنانچه ما اول زاویه که دیشب بدا تشریف آورده تکالیف رعایا را ملاحظه فرمودیم ضرورت دانسته خیال داراده آبادی یک پل جدید را بخاطر گذرانیده و در سر رشته تحصیل و آبادی آن بودیم — برفی که از خیالات ما واقفیت نداشتند به تصور و خیالی بودند — امروز که الحمدلله تعالی این حکم تکمیل یافت و پل بنا آباد شده و ظاهر است که چقدر راحت برای متردین و معتبرین پل نیل آب بوقوع رسید شخصی که قبل از آبادی این پل از این رود خانه گذر کرده باشد حال راحت احوال خود را میداند — اگرچه مانند آبادی این پل هزارها خیالات بفکر اعلیحضرت ما رسیده و است که از ابتدا بنا تا هزار یک آن قوا نبود امید بخداوند عالمیان است که خیالات ما چون بر بهبود رعایا و آبادی افغانستان است معطل نخواهد ماند و همه اجرا خواهد شد و از خداوند کریم میخواهیم که جمیع رعایا و خدام دولت بخیالات من یکدل و یک زبان باشند و برام دین مبین حضرت سید المرسلین محکم و ثابت قدم باشند — مستوفی الممالک که از حضور مبارک خان و سرکرده رعایای علاقه سمت شمالی است با خوانین کوهدامن و کوهستان بیک زبان سلامتی وجود مبارک را گفته ادای شکرانه مراحمات شاهانه را بوجه احسن نمودند و اعلیحضرت والا تفضل دروازه پل را باز فرمودند — باجه خانه های موجوده و دیگر سازهای مروجی علاقه مذکور ادای سلامتی را همه یک سرود و الحان خوش که پاینده باد پادشاه ما ادا نمودند — ذات اقدس والا اول پای مبارک برده بنا و معه خدام حضور و خانان و حکمان کوهستان از پل مذکور عبور فرمودند چند دیگر نفری رعیتی از پل مذکور عبور کرده ادای شکرانه مراحمات شاهانه را نمودند ثانیا اعلیحضرت شهریاری بموتر تشریف فرمودند و عبور فرمودند — از مستر تالیدی انگریز ملازم دولت خداداد به سبب خدمات سابقه او که از چند سال در افغانستان خدمت کرده و نیز از این خدمت او که در این پل ظاهر کرده اظهار مرحمت و مهربانی و خوشی را ازو کردند — و از عبارت و تقریر اعلیحضرت در حین افتتاح فرمودند نهایت موثر و جوشش آور بود (بسیار قابل شنید فقط) (شمس احمد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 23 of 1786

وَمِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ

(آب کابل)

دریای تحت سلطنت سنیه افغانیه اگرچه بسی انهار جاری موجود است، حتی (نهر کابل)، یک آب دایم البرکت است که تا تل آب که در اصل لفظ نام آن واقع است از وسط شهر همیشه جاری میباشد. ولی این آب بسبب مستعمل شدن آن در زراعت باغات زیاد پائین آمدن بسی چوی باران وقتیکه در شهر میرسد هم کم میشود و هم برای نوشیدن نافع و صاف نمیباشد. بعضی چشمه ها و چاهایکه موجود است آن هم به کفایت احتیاج اهالی دیده نمیشود. حالانکه آب یکی از محتاج بسیار ضروریه انسان است که خالق یگانه ارض و سما آنرا مدار حیات نوع بنی بشر گردانیده است.

لهذا ثابت شده است که تلفات نفوس شهر اینکه آب نوشیدنی آن ناگوار و مشتمل بر میکروب باشد نسبت بشهر بایکه آب آن خوشگوار و پاک و براق باشد چیلی از فزون تر است.

بنابرین این قضیه تفقد ان آب شهر کابل نظر وقت جلوسی پادشاه معظم محبوب قلوب ما را که افکار مراحم شعار ترقی آثار شاهانه شان دایما در باب عمران ملک و رفاه رعایا و خیر اندیشی برایا مصروف و معطوف است جلب و جذب نموده به آوردن آب بسیار با صفای خوشگوار (پغمان) را در کابل اراده و فرمان همایونی شاهانه را شرف اصدار فرمودند.

(پغمان) از کابل بسمت شمال غربی در فاصله کروه و نیم واقع است شمال غربی دره است کوه پغمان که از شعب های کوه (هندوکوه) که معروف بهندوکش میباشد در یک موقع بلند و بسیار سرد و خوش هوائی واقع شده است که روزهای گرمی تابستان رائحات اعلیحضرت شاهانه در قصر همایونی (سپیل) که از بناهای عصر ترقی عصر سراجیه است؛ بسر می آورند. و الی اصل پغمان صیفیه دونی پائی حکومت سلطنتی کابل میباشد.

آب پغمان از بسیار جاهای مرتفع از ترشحات چشمه سار مایکه از برف آبی تالاقهای کوهها حاصل میشود و بسیار براق و صفائی و نهایت سردی و خوشگواری جاری میباشد.

لهذا پادشاه رحیم القلب مهربان چنان تجویز فرمودند که آب مذکور را بایک بند پخته و متینی در یک موضع بزرگی جمع آورده و بواسطه نهای آهنین در شهر رسانیده در جاهای مشهور و تقاطع معروف شهر تقسیم شود.

درین باب پارسال در اثنائیکه در پغمان تشریف شاهانه شرف افزا بودند باستر (هنری) اسکات انجنیری که برای خدمت ماشین قماش باغی در دولت علیه خداداد افغانستان ملازمت دارد و حرف زده عطا شدن یک لک و پنجاه هزار روپیه کلدار را برای مصارف و آوردن نلهای آهنین آن بمشار الیه اراده فرمودند.

از قراریکه موثقا خبر گرفته ایم نلهای آهنین مذکور در دارالسلطنه کابل رسیده و درین قریب ایام بکار بسیار با صواب مذکور شروع میشود.

الحق که این لطف و مرحمت اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ذیخیر اندیش عدالت کیش، آب یاری قلوب شده دلدار رعایای آن شهر ما را مینماید. لهذا دعای دوام صحت و عافیت وجود مراحم آمود پادشاه معظم خود مان را با همه برادران همشهری خود (سراج الاخبار) رفیع مقام کرد گار جلیل و نهار مینماید.

عرض شکران

سبحان الله! چه خوشبختی و سعادت دارد افغانستان است که ذات پاک اقدس الهی ما را بدین مهین سلک شرف بخشیده و همه ما را یک ملت و یک مذهب ساخته و بر ما همچنین یک پادشاه دل آگاه و خیر خواه ترقی پرور لطف گستری مقرر و سرافراز فرموده که شب و روز افکار مراحم شعار همایونی شان در باب عمران ملک و آسایش رعایا مصروف است.

آیا الرکیفه ری بسوی احوال (یعنی خود) یک نظر عبرت آوری مینمائیم. و احوال حال خود را با آن مقایسه نمائیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 24 of 1786

چه قدر فرقها عظیم می بینیم ؟

صرف نظر از دیگر چیزها ، تنها احوال سابق بین نهر نیلاب را پیش نظر آریم !

این نهر یک آبست که از بالا بجهت حاصل خیز خوش آب و هوای (کوهستان) و (کوه دامن) زمین دامن عزیزیا را بشدت جریان خود از هم دو پاره کرده راه مرور و عبور را یک سد طویل شده و بود سبب وضعیت مجرای آن که بر یک سطح مایل واقع شده با آنکه آب بسیار هم دارد شدت جریان آن نیز خیلی پر قوت و شدید قابل مرور است .

در قریب همین نقطه نیکه در حوالی پل پر شوکت و مهابت آهنین (سراج) بنا یافته از چوب و خس و خاشاک یک پل موجود بود . که اگرچه پیاده و پا از آن بهزار بیم و خوف گذشته میتوانست ولی بار و حیوان از آن مرور نمیتوانست حالا که همین پل را نیز در هر سال سیلاب ویران ساخته مدت ها مرور و عبور بندگان خدا معطل میشود .

تصور بفرمائید : یک بیوه و مانده بیچاره دارای هیجده گوسفند برحسب مواشات از زمین آن طرف دریا قطع علاقه کرده بخواهد به اینطرف بیاید کاسه و کوزه و جل و جهیز فقیرانه خود را بر یک خری بار کرده و دو سه اولاد یا می کوچک یتیم خود را از دست گرفته و هاک تا بکنار دریا میرسد . در آنجا می بیند که آب پر جوش و خروش شدید الجریان نیلاب سد راهش میشود . بیچاره حیران میماند نه راه پیش رفتن نه روی بازگشتن !!

آیا چه کند بیچاره ؟ میشود که از پل خس و خاشاکی موجوده بگذرد ؟

آوه چه دهشتناک حال ! خس و خاشاک پل بثقلت خر زن بیچاره تاب آور مقاومت نیشود خر با بار و در دریا می افتد ، زن و اطفال واویلا میکنند ، هستیش غایب میشود ؟ .....

این است که مرحمت پادشاه رعیت پرور و پدر شفقت گستر ما به این ناگوار یهای ملک خود قایل نشده و این پل متین آهنین را بر نهر نیلاب ساخته ، و به این مرحمت خود یک مفصل یعنی یک بند بسیار مهم وجود مملکت شاهانه شان را که از هم جدا مانده و بود شکسته بندی فرمودند . و به آوردن آب سلسبیل آسای پنجاب آبیاری حیات بای تخت سلطنت سنیه خود را فرمودند (پایند و باد پادشاه ما) .

از درباریروردگار لیل و نهار دوام عمر و اقبال و ترقی فرخ مآل بادشاه مراحم گستر ما خواستار میگردیم که بسایه ترقی آیه شاهانه شان بیش بیش از پیشتر شاهد عمران ترقی دیار و وطن و دست شاهانه شان بر دوش کار آید آمین

جوابات خاصه

نقل از اخبار پایونیر مورخه ۲۷ ستمبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ شوال

از ابتدای امسال حالت پر تشویش جمیع ممالک کلان پر از شورش و فساد بوده است و اگر در یک طرف شورش مزدوران یا انقلاب خواهان فرو میشود دیگر ممالک جان تازه فساد بر پا می شود چنان اگر خطرات جنگ عالمگیر در یک صفحه دنیا معدوم میشود امکان جنگ مابین دو مملکت دیگر پیدا میشود غالبا متعلقان توجهات باطن این را اثر بستاره دار خیال خواهند کرد و سیاسی دانان آنرا به قواعد فلسفه منسوب خواهند نمود لاکن برای انسان معمولی فهمیدن این همه کشمکش و شورش مرآسان نمی نماید امید بهتری صرف در همین باقی مانده که شاید در زمانه آینده و سرشته صلح عمومی شود — اکنون چون قضیه مراکو تصفیه پذیرفته است تو به مردم به تنازع ترکی و ایطالیه منعطف گردیده است و اگرچه بظاهر آنسان اثبات دعاوی ایطالیه را در طرابلس بنیاد کرده نمی تواند لاکن باید داشت که نصف تجارت آن علاقه ترکی بدست تاجران ایطالیه است و کارداران ترکی در چند سال گذشته با تجاران ایطالیه سلوک خوب نموده اند و وزارت موجوده بارها اظهار تشویش و تعجب خود را متعلقه آن کرده است مگر در هر صورت وضع اینکه چنان است که حق را بجانب آن گفته نمی توانیم و هنوز هم توقع داریم که تنازع بر دو مملکت مذکور به خوش اسلوبی تصفیه خواهد پذیرفت .

نقل از اخبار پایونیر مورخه ۲۹ ستمبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ شوال

در لندن ۲۸ ستمبر سفیر اطالیه مقیم قسطنطنیه یک مراسله جوابی باب عالی باین مضمون فرستاده بود که ترکان در طرابلس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 25 of 1786

عربان را بر خلاف مردم اطالیه اشتعال داده و اند و اسلحه و سامان حرب را بقطار کشیر به طرابلس روانه کرده و اند و در جواب آن بابعالی برای سفیر مذکور اطلاع داده است که شورش عربان بر خلاف مردم اطالیه دروغ محض میباشد و سامان حرب مذکور صرف برای امنیت داخله ملک فرستاده شده است

برای ریوتر از اطالیه اطلاع معتبر رسیده است که اطالیه از بین سبب در طرابلس وضع محافظانه را اختیار کرده است تا از کاپی جواز حقوق مردم اطالیه را پایمال کرده و اند که بقرار معاهده جات سابقه حاصل کرده بوده و اند و از روزیکه حکومت شورائی در قسطنطنیه قایم شده است تدابیر آن سراسر مانع ترقی اطالیه بوده و اند و اطالیه در طرابلس خواهان حقوق خاص نمیباشد بلکه صرف همین قدر میخواهد که آن سلوک دوستانه سابق با ایشان کرده شود .

برای ریوتر از دولت عثمانیه اطلاع معتبر رسیده است که سرکار عثمانیه با اطالیه هرگز سلوک نزاکت نفرموده است و برای جمیع اقوام در طرابلس حقوق تجارت مساوی میباشد و اگر اطالیه خواهان حقوق خاص یا قبضه طرابلس نباشد قضیه قبضه موجود و امر آسان است .

در شهر رومادر و ان ریل زاین سبب اراده شورش را داشتند که اطالیه در طرابلس وضع محافظانه ترکی را اختیار نموده است لاکن شورش مذکور بتوسط چند نفر کارکنان معتبر فرو نشسته است .

از مالطه خبر تکراف آمده است که شش جهاز جنگی اطالیه از راه آن جزیره بطرف طرابلس رفته اند میگویند که چند جهاز جنگی اطالیه بر ساحل طرابلس رسیده و اند و افواج را برای جنگ ترکی آورده و اند و اهل اطالیه در شهر طرابلس خیلی مشوش میباشند که اگر فوج دیگر بر ساحل فرود آمده ترکان بقصد شورش عام مردم اطالیه را خواهند

در جهازات تجارتی اطالیه در این ایام باسواحی مردم اطالیه بیقرار و مضطرب و رجاء بطالیه در طرابلس برطانیای خود بیرق بلند کرده اند .

از قسطنطنیه تکراف آمده است که عرض سی زادان برای مصالحت ترکی و اطالیه میکنند و بالفعل جرنیل دوسنز با طالیه تشریف برده است که تصفیه معاملات متنازعه فیه بوقوع آید و چرخی بسی خود هم ترکی و اطالیه سر رشته مصالحت را خواهد نمود .

اگرچه اخبارات اطالیه می نویسد که مراسله اعلان جنگ به ترکی فرستاده شده است با وجود این ریوتر خیال دارد که هنوز مراسله مطالبات اطالیه جواب عالی نرسیده و خانم ترکی همه وجوه برای مصالحت کوشش خواهد نمود بشرطیکه عزت و توقیر ترکان بهیچ قسم صدمه نرسد اگر جواب دول یوروپ به این مضمون که آنها در معاملات ترکی و اطالیه دخل نخواهند داشت دولت عثمانیه اطمینان یافته است .

دولت عثمانیه اطمینان یافته است .

حاکم پورت قریبا صد نفر سپاهیان عربه را برای امنداد قلعه بندر جای دهانه آن شهر فرستاده بود لاکن آنها وقتی رسیدند که شورش فرو شده بود و جهازات برطانیه بعد از انتظام کافی از بندرگاه مذکور برآمده بودند و همچنان مذکور حتی تواجران اصلی میباشند اسپرکی از آنها دو یا سه تفنگ داشته در بندر جاسوس گماشته بود چونکه حاکم بندر جاسوس تابع آن بود بنابران آنها بر شهر حمله نموده چند نفر را مقتول و مجروح ساخته تا آنزمان از شهر بیرون نباشند که کل تفنگ را بغارت نرسانیدند و بوقت واپسی در مضافات شهر نیز اسباب مردم حاضر را بغارت برده از بندرگاه روانه شدند .

لندن ۲۸ ستمبر — یک جهاز ترکی در بندرگاه طرابلس چند نفر سپاهیان نظام عثمانی را مع سامان حرب آورده است و افسران جهازات جنگی اطالیه فرود آمدن آنها را دیده اند و اخبارات لندن اخبار وجه کافی برای جنگ میکنند .

از سلانیک خبر تکراف آمده است که جمیع جهازات اطالیه از بندرگاهای ترکی برآمده اند و در اکثر شهرهای اطالیه مردم به این سبب شورش کرده اند که چرا افواج اطالیه را در طرابلس فرستاده شده است لاکن سپاهیان نظام انتداد شورش نموده و اکنون مردم خواهش دارند که طرابلس در قبضه اطالیه نباشد .

با وجود این امر که اخبارهای فرود آمدن افواج اطالیه بر ساحل طرابلس مشهور شده و سرکار ترکی بجهة محافظت علاوه جهازات خود برای جنگ مستعد میباشد مردم خیال دارند که تصفیه معاملات متنازعه فیه عنقریب بوقوع می آید و چرخی بسی خود هم بین ترکی و اطالیه سر رشته مصالحت را خواهد نمود .

اگرچه اخبارات اطالیه می نویسد که مراسله اعلان جنگ به ترکی فرستاده شده است با وجود این ریوتر خیال دارد که هنوز مراسله مطالبات اطالیه جواب عالی نرسیده و خانم ترکی همه وجوه برای مصالحت کوشش خواهد نمود بشرطیکه عزت و توقیر ترکان بهیچ قسم صدمه نرسد اگر جواب دول یوروپ به این مضمون که آنها در معاملات ترکی و اطالیه دخل نخواهند داشت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 26 of 1786

سید امیر علی بیگ بسیار مخلصون دولت علیه بوده اخبار
میدارد است و گفته است که تمام اسلام در جنگ
اسلام به سبب حرکات اطالیه تراب خواسته کرده اگر اطالیه
بر طرابلس حمله نموده و کل عالم اهل اسلام بر خلاف
نصاری شورش خواسته نمود و یک دولت اسلامی
را گرفته برای نام خود. نصاری میگوید سبق هم خواسته
داده و اکثر اخبارات انگلستان حمایت خیالات مستر
مذکور را میکنند و برای دول یورپ خصوصیت پیشکنند
که در کل علاقه جات دنیا برای حفاظت ترکی سعی نموده
شود.

مراسله اعلان جنگ که اطالیه به ترکی فرستاده بود
در انگلستان و فرانس باعث مخالفت اطالیه گردیده است
هیچ کس حرکت آن دولت را پسند ندارد و باید
داشت که در این معامله اطالیه پیروی حرکات جرمنی
را در مراکو و استریا را در بوسنیا و هرزه
گروینا و فرانس را در تونس نموده است —
طرابلس یک علاقه وسیع است که برای بود
و باش اهل اطالیه خیلی موزون میباشد و چونکه
ترکی در عوض در ازکه قبضه آنرا داشته است
اذان استقلال نموده است بنابران اطالیه
خود را مجبور دانسته است که قبضه آنرا حاصل کرده
استعمال مناسب نماید اوندی را که در طرابلس
موجود اند بکند مگر با وجود آن حرکت اطالیه قزاقانه
است و همین است که اهل انگلستان برخلاف
وزیر خارجیه اعلیحضرت شاه جارج تجب میکنند و میخواهند
که انگلستان حمایت ترکی را بکند اما خاموشی وزیر
مذکور بعد از حل نیست — مداخلت انگلستان
امکان جنگ عالمگیر یورپ را بعید انوار نموده و کابل
وزیر خارجیه انگلستان اذهان سبب میباشد
و اقوام متمدن یورپ بسر نشسته اند که از نظر
یک علاقه از قلمروی دولت عثمانیه مردم مهذب
یورپ باهم جنگ نمی نمایند چنانچه در جرمنی خیلی
بالت شورش آن بوده اند چنانچه در سنه ۱۹۱۱
استریا با دوست خود یورپ معرض خطر افتاده
بود اگر اطالیه برای عثمان رفیق خود مسلمات

از اینجا بعد انوار است باید دید که در چند روز آینده
از پرده غیب چه بیرون می آید.

لندن ۳۰ ستمبر — از قسطنطنیه خبر تلگراف آمده
است که افواج اطالیه بر مقام بن غازی فرود آمده اند
— و از سلانیک اطلاع رسیده است که یک
گروه از زور اطالیه یک کشتی عثمانی محرب جهازات
جنگ را در مقام پروز (بحر) کرده است — و سپاهیان
را بر ساحل فرود آورده است افواج شاهی را
حکم شده است که فوراً بمقام مذکور برسند.

از قسطنطنیه خبر تلگراف آمده است برای وزیر اعظم
یونان اطلاع رسیده است که در خلیج از تا چند
گروه از زورهای اطالیه بر دو جهاز ترکی که افواج را
بطرابلس می بردند غیر کرده مجبور نمودند که آنها در
بندرگاه پیروز داخل شوند و میگویند جهازات
مذکور در آب پایاب رفته اند.

از قسطنطنیه خبر تلگراف آمده که وزارت موجود
استعفی شده و سعید پاشا صدر ایوان و کلا
وزیر اعظم جدید و کامل پاشا وزیر خارجیه و
محمود شوکت پاشا وزیر جنگ میباشد و برطانیه
افسران بحریه خود را از ترکی واپس خواسته
است وار اکین انجمن اتحاد و ترقی تصفیه نموده
اند که خرید و فروخت اسباب ساخت اطالیه
موقوف شود و اهل اطالیه را از طرابلس و
دیگر علاقه جات ترکی بدر کرده شود.

اخبارات جرمنی بر حرکت اطالیه تقرین بسیار
میکنند و میگویند که حرکت اطالیه در حالت سیاسی
موجوده خیلی باعث جرات میباشد و اخبارات
آستریا شوشش میباشند که شاید از
سبب حماقت اطالیه در علاقه بلقان شورش
و در کل یورپ جنگ پیدا شود.

از ذیت العلوم مبارکه حبیبه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 27 of 1786

ادبیات

در نمره گذشته در زیر عنوان (ادبیات) مقاله غرای بدایع انشای علام فاضل اول فضیلت مآب سوکی افندی صاحب را بهجت بخش صحایف اخبار خود نموده بودیم که فاضل مشار الیه در بحر محرریات سعادتی (ادبیات) نوعی صرف فصاحت و بلاغت فرموده بودند که سعادتی بدایع بیان آن قناعت بخش اذهان خوانی شده سالکان مستقیمین علم ادب میگردید.

(سراج الاخبار) چون در نمره خود چیزی چیزی از علم (ادبیات) بیرون درج نمودن را در نظر داشته از نخستین اول مرتبه خوانندگان گرام خود از زبان یک علام و فاضل مملکت عزیز خود با معانی راکد ادبیات در پرده اغماض خفته بود و بعد ازان از روش پسندیده کار باب ادبیات و اخبار خود پیش نهاد خاطر داریم بعرض معلومات پرداخته میگوییم: که مراد ما از چیز مانیکه در زیر عنوان ادبیات مینویسیم عبارت از شعرهای خوش ترانه و نثرهای منشیانه و تصورات افکار طریفه و تخیلات معانی نثار شاعرانه میباشد تا موجب تفریح قلب و تشحیذ فکر خوانندگان گرام گردد.

فاما حضرت استاد بیرجه از بیانات و تعریفیکه در آداب ادبیات بیان فرموده اند این یک را نیز لازم افتاد که هر کس باصطلاح خود از ادبیات چیز چرا مراد داشته لهذا مراد و مسلک ما نیز در علم ادبیات ازاد است. بر این وسیله هم از ادبیات شرقی و هم از ادبیات غربی - یعنی از مضامین بدیعه کلک شعرا و ادبای ممالک شرقیه تصور کرده اند و هم از تخیلات غریبه کلک شعرا و ادبای ممالک غربیه تحریر نموده اند درج و بیان خواهیم نمود.

ترجمه شعریکی از ظریف طبعان پرتغال

اگر یک (آدولات) یعنی قانون شناسی یک دختر دلبری طبعکار را وصال کرده میگوید:

— او! ای جانکه محل دل محکوم قانون عشق! چه شود گر وعده ای فوق العاده صلت تبدیل نمایم.

و اگر یک عسکری باشد میگوید:

نخواهی لی لفت بگذار بیان از نیکه بشنوی وعده صلت دیگر.

و اگر یک (آدولات) یعنی قانون شناسی یک دختر دلبری طبعکار را وصال کرده میگوید:

— او! ای جانکه محل دل محکوم قانون عشق! چه شود گر وعده ای فوق العاده صلت تبدیل نمایم.

و اگر یک عسکری باشد میگوید:

— دل یار ناتوان را بگرو ادعای وصلت دیگر چیزی نطلبی بهتر.

و اگر یک اخباری باشد میگوید:

— اگر ابهای چون برگ محت تمایک گل قبول برید و صد جایم یک گلستان سعادتی میشود.

و اگر یک بحارچی باشد میگوید:

— بیا کرکشانه سعادت خود را با هم بنا نهایم.

و اگر یک کشتیبانی باشد میگوید:

— در مقابل هر گونه طوفانهای حوادث حیات آغوش لطافت بدوشش ترا ساحل سلامت خواهی یافت.

و اگر جوهر فروشی باشد میگوید:

— ای دلبر! تنها رابطه ازدواج مایک زنجیر عرضی بوجودی آورد که محفظ ما می پرجواهر ابهای ما را بیکدیگر ربط خواهد.

و اگر یک عالمی باشد میگوید:

— حسنات قلب سلیمت را بسیئات جور و جفا تبدیل مکن. بگذار تا سعادت حیاتم را در پرتو محبت اشعاعت مطالعه نمایم.

و اگر یک می فروشی باشد میگوید:

— آیا کی سافر حیاتم را با وداد و صداقت لبریز میکنی

و اگر یک اخبار والی باشد میگوید:

— ای امید استقبالم! درخشان ترین حوادث جریده حیاتم اعلان ازدواجم با تو خواهد بود.

و اگر یک نوجوانی باشد چرا نگفته بگوید:

— تا که عالم بر دنیا باقی باشد ترا دوست دارم اگر سخنی نیابد.

سخن لطیفه امیز

پسر مفلسی با زر و مال بی آمد و مال خود را بدختر مال دار فرزند مال خود را با نکرده گفت:

— مدت سال محنت خواهی کشید بعد ازان راحت و آرامی خواهی دید.

مفلس پرسید که:

— آیا بعد ازان تو اگر خواهم شد؟

مال دار — بی تو اگر نمیشوی زیرا مفلسی و زحمت تو آمیخته شده و عادت میگیری و به آن سبب راحت میکنی.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 28 of 1786

(میرابو) کریکی از خطیبان بسیار مشهور فرانسه بود که پدرش وکریه المنظر یک شخصی بود. یک روزی برای دعوی کردند که یک دختر جوان را بازی داده و به ناموسش خلل رسانیده، و به این سبب بحکمه عدالت آوردندش.

حاکم — آیا این دعوا نکه بر شما شده دیچه دلیل از خود رد کرده میتوانید؟

— بدلیل نابینا بودن دختر!

حاکم — این چگونه دلیل است؟

میرابو — انصاف بفرمائید! آیا این شکل و شمایل کدام بینا را بازی داده خواهد توانست؟ حالانکه دختر بیناست.

کارد (پادرستون) مشهور یک روز خانه چی خود را برای دقتی بده و آوردن قماش امر نمود. این شخص بعد از نفس عزا به پی کران آمده گفت:

— این امر که فرموده کارد و دقیقه شناسان مطلع است صاحب!

— خوب! کارد و دقیقه شما چیست؟

— وظیفه من اسپ های عزا به را تیار کردن و آنها را بعزا پرستن و عزا به را راندن است.

— بسیار خوب! چون چنین است همین دم اسپ ها را بعزا به بندید و یکی از خدمتگاران مطیع را دوان سوار کرده برای آوردن قماش به دوبیر به زودی دقیقه ات را اجرا کنن!

ناپولیون بوناپارت در وقتیکه جنرال بود در اثنای یک مجلس مهمانی یکی از زنان معتبری که در آن مجلس بود جنرال را خطاب نموده گفت:

آیا چین قدرتمان و شرفیکه از این قدر مرتبه تجاوز حاصل کرده اید بس نیست که هنوز هم در پی شرف و شان دیگر اید؟

— بوناپارت — آیا این همه حسن و لطافت نظر از کدام خلقت بشما احسان نموده که باز هم بر خیال دلارای خودتان سرعلی و سفید دمیالید؟

(ادبیات موضوعه)

علم ثروت ملل

مترجمش محمود طرزی

(مقدمه)

بعد ادای واجب علینا

بسیاری از علم و فنهای نو برآمده عجایب و غرایبی درین عصر ما می نوظهور آمده که چون عنوان نام و نشان آنرا خوانندگان کرام ما پیهم بحیث رفته منتظر میشوند که آیا این چه علم است و از چه بحث خواهد راند؟

از انجمله یکی این علم (علم ثروت ملل) است که بعون الله تعالی جریده ما حیاراً (سراج الاخبار) در هر نمره خود فقره ازین مسایل آنرا در نظر مطالعه خوانندگان کرام خود عرض میکند.

معنی (علم) چیز است معلوم. (ثروت ملل) تواگری و دیدبه و سامان و مالداری عبارت گوئید. پس علم ثروت ملل تواگریست که خوبی تواگری و مالداری چیز است که انسان عاقل فقر و تنگدستی را بران ترجیح داده نخواهد.

و اذین رو عرض کنیم که هر علم یک موضوعی دارد که از همان موضوع خود یعنی چیزی که بنای آن بران هست یا باشد بحث و بیان میراند.

مثلاً موضوع علوم ادبیه یعنی صرف و نحو و بدیع و بیان و لغت همین است که تحریر و تقریر بزبان نوع بشر از ان صلاح یافته درست بگوید و درست بخواند و درست بنویسد. موضوع و مقصد (علم ثروت ملل) این است که احوال خصوصیه ظاهری و باطنی جمعیت نوع البشریه را تحقیق و تدقیق کرده برای اصلاح احوال و سعادت و رفاهیت حال و استقبال بنی بشر هدایت و رهبری نماید که اساس و بنیاد حاصل شدن این مقصد خیر رسی و کوشش جد و جهد و فکر همین و حق آهین موضوع همین میباشد.

پس میشنوید که علم ثروت چه میگوید؟ و برای سعادت و رفاهیت حال استقبال بنی بشر چی گونه قواعد و آئین رهبری مینماید؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 29 of 1786

باب اول

در بیان حاصل کردن توانگری

چون آدم بنا بر اقتضای آفرینش خود بسی احتیاجات صوری و معنوی محتاج است که آن احتیاجات خود را بحرکت و کوشش بدیگر صورت دفع و رفع نتواند انسانها بران قدر که در شدت و مدت پیش برند دایره احتیاجات ضروریشان نیز بهمان نسبت وسعت و فراخی پیدا میکند. گذران و زندگانی که اجدادما میکردند در سنوات برای ما آنچنان گذران و معیشت خیلی ناقص دلی کفایت دیده میشود.

هر روز از آنچنان اختراعات صنعتهای عالم مدنیت فایده برمیدارم و با آنچنان اسبابهای زندگانی عادت میگیرم که خاطر و خیال گذشتگان باهم نرسیده بود. ایا (کوسالی) خدمتی که در وقتهای قدیم برای ما میکرد کفایت میکرد در سنوات برای ما بچه صورت کافی خواهد آمد؟

در بیان فایده

قبل ازین گفته بودیم که احتیاجات بشریه با مدنیت بجای ترقی و افزونی میگیرد. پس هر چیزیکه درین عالم باوسعت خلقت و طبیعت برای دفع احتیاجات بشریت خدمت کند آن چیز را (فایده) میگویند. گندم و نان چون دفع احتیاج گرسنگی را میکند بافایده شمرده میشود از ماهوت و کشمیر و چون لباس ساخته میشود فایده آن محافظه ستر وجود است. کتاب چون مدار آموختن علوم و فن میباشد فایده مندیت دهد.

بعضی اشیای هست که در ذات خود فایده مند است ولی صفت رایگان است که همه مردمان ازان بلا استثنا استفاده کرده میتوانند و برای هیچکس تخصیص و تملیک آن قابل و ممکن نمیشود. مانند هوا و آب و ضیای آفتاب که هرکس بدون زحمت برایگان ازان استفاده میکند. حالانکه اکثر اشیای فایده دار ازین قبیل نیست بلکه استحصال آن بکوشش کردن و زحمت و مشقت کشیدن متوقف است. ازین سبب آنچنین مال و ملک همان آدمی میشود که آنرا پیدا کرده و بسی کوشش خود بوجود آورده است. پس آنچیز را بدیگری اگر بدهد البته بمقابل آن دیگر چیز با فایده و سود مندی گرفته میتواند. یعنی آن چیز قابل مبادله میشود. حتی چیزهای فایده و سودمندی که برای عموم مردمان صفت و رایگان است نیز گاهی میشود که قابل مبادله بشود مثلا آب با وجودیکه نفع آن عام و برای هرکس صفت و رایگان است هرگاه بازحمت اگر بیک جای کم آبی نقل داده شود فایده پیدا کرده قابل مبادله میشود. یعنی آن چیز را داده بعوض و بدل آن یک چیزی دیگر برای محتاج خود گرفته میتواند.

(باقی دارد)

نصیحت

ای همشهریان عزیز

حضرت پیغمبر برحق ذیشان صلی الله علیه وسلم (الدین نصیحة) فرموده اند. یعنی (دین عبارت از نصیحت است) بنا بر این بیگانه شرک نمی. هرملت و قوم با پیغمبران و هدایت ایمان بیارغازیکوان روزگار و غیره و علمای دینی همگی عبارت از یک پارچه نصیحت است که قبول کنندگان و پیروان آن نصیحتها نجات و سلامتی یافتند. و خلاف گیران و سرکشی کنندگان آن محل و شرسار ابدی گردیده

(نصیحت) کردن تنها برای بعضی کسان خاص نشده بلکه هر برادر مسلمان بر نصیحت دیگر برادر مسلمان خود حق دارد و خالی از عیب تنها ذات پاک خالق کائنات و دیگر هر فردی از افراد جمعیت بشریه بهر عیبها مبتلا است. قومها و جمعیتها بیکه ترقی کرده اند و بمردمان (مدنی) مشهور شده اند هیچ از عیب های خود شان رایگان دیده و رایگان را ترک کرده اند و دیگر چیزی نگرده اند.

این هم نیست که (نصیحت) کردن تنها برای مردمان بی عیب مخصوص باشد! زیرا هیچ کس از عیب خالی نیست. لاکن هرکس عیب خود را دیده نمیتواند. و عیب دیگر را زود می بیند. اگرچه عیب پوشی هم یک صفت بسیار بزرگ اخلاق است ولی بعضی چیزهائی هست که اگر آنرا یاد آوری نکنیم ضرر از ان حاصل میشود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 30 of 1786

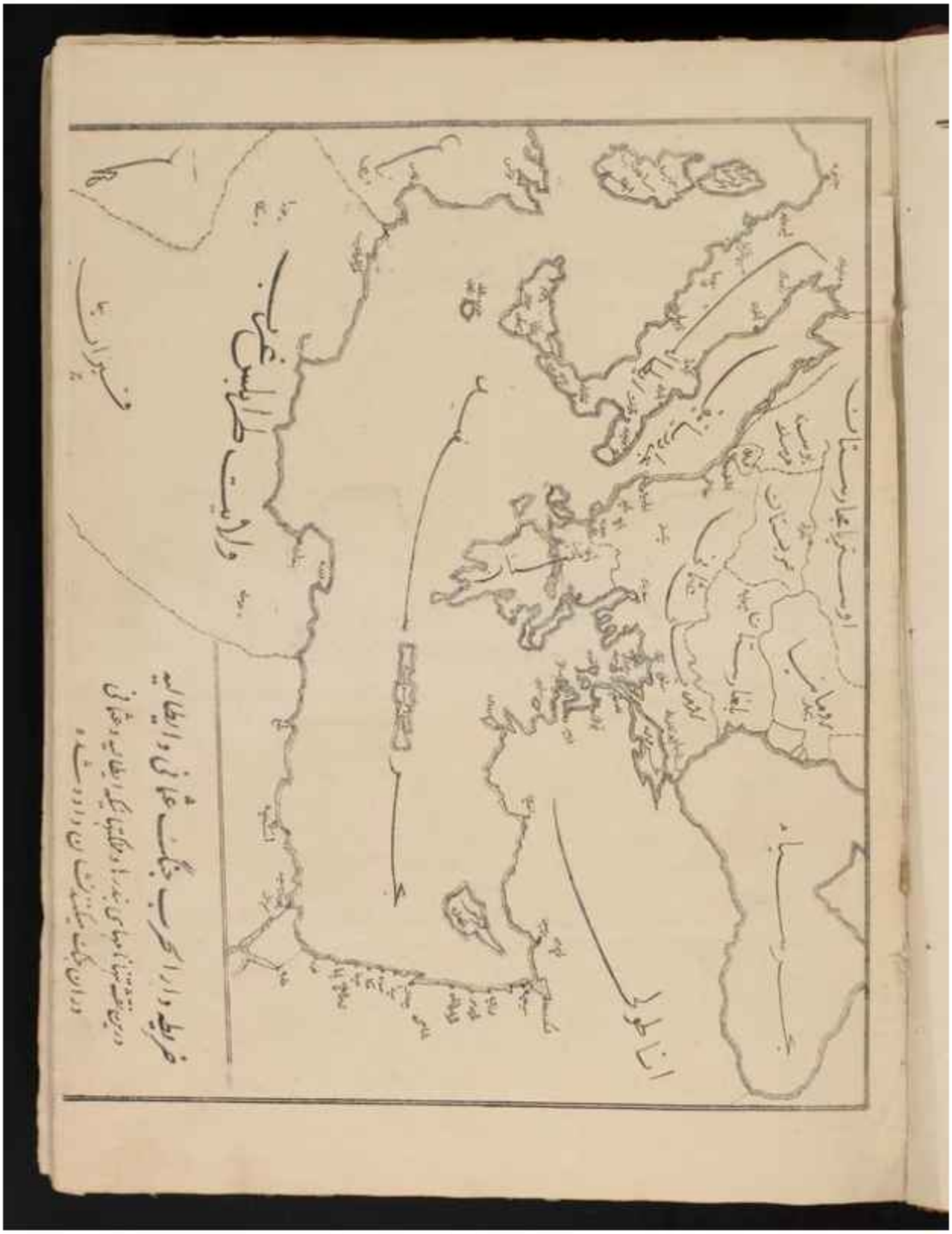

خریطه دار اراضی حرب جنگ عثمانی و ایطالیه
در بیان تقسیمات ممالک عثمانیه و مواقع ایطالیه و عثمانی
در ان جنگ میباشد ان داده شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 31 of 1786

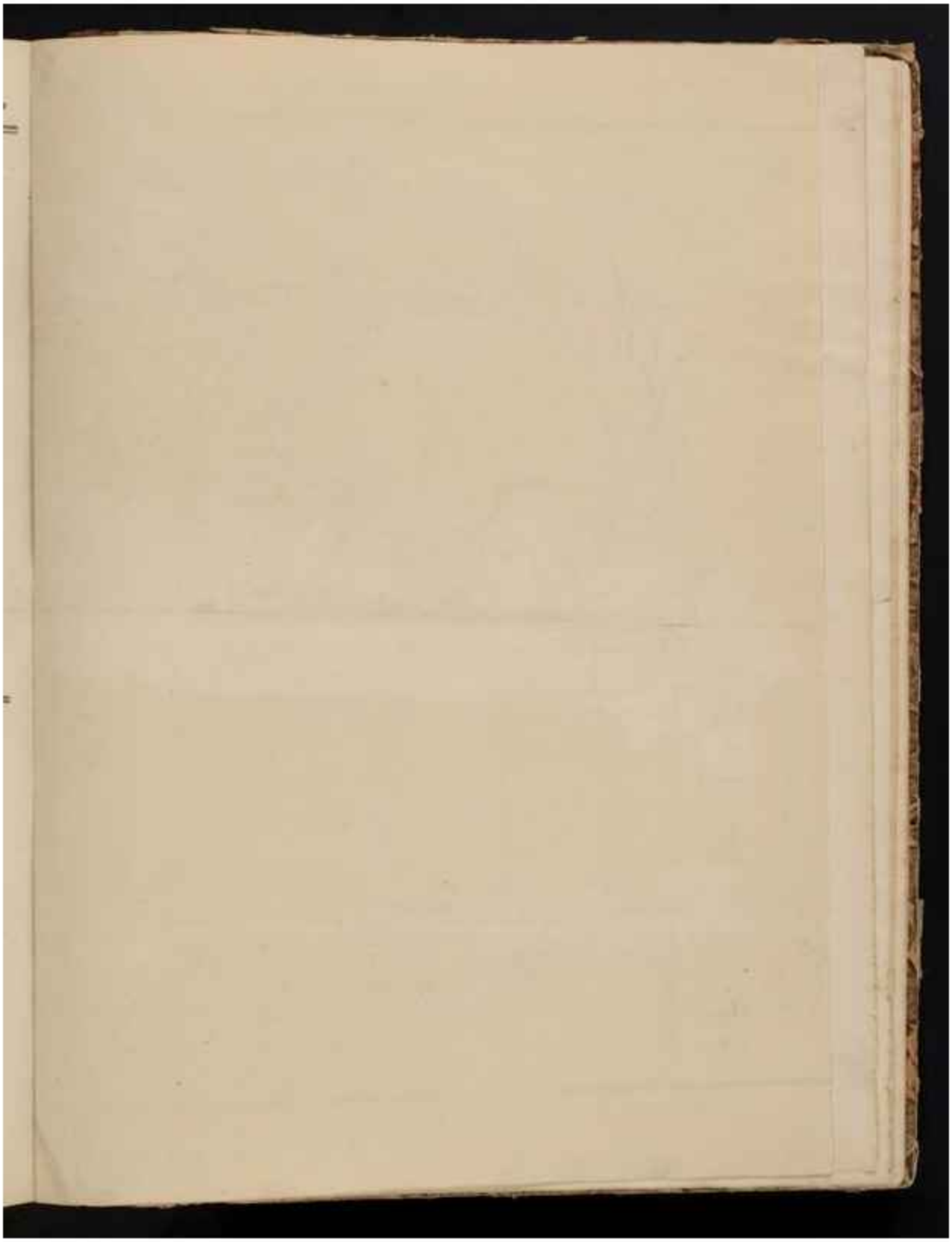

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 32 of 1786

درست که میگویم و یا دروغ میگویم باقی را تو خواه از سخن پند گیر و خواه ملال .

ای هم شهریان عزیز — بیائید که به اتفاق هم از این عادت بد و مضرتی که در میان راه ایستادن و سر کباب و بازار را پر از دحام با هم می آمیزیم و چنانچه در خانه خود با شیر با هم مخلوط و اختلاط نمیکنیم دست برداریم . شبهه نمی شود که اکثر ما سایه فتوحات آباء و اجداد ترکی پرور ما شهر خوش هوای با فضای ما روز بروز بسوی ترقی و آبادی میرود سرکباب بازار ما پلها طاق تماشا ساخته میشود عرابه ها موتر ها بای سکلها براه می افتد آیا اگر ما بهمین عادت میان راه ایستادن خود دوام دهیم چه قدر خطرها و چه قدر ضررها برای خود ما و دیگر برادران ما پیش خواهد آمد ؟

یکقدری انصاف کنید ! راه راه عام است همه کس یکسان از آن فایده میگیرد . هرگاه سه چهار نفر در میان راه با هم ایستاده و بنای اختلاط را گذاریم آیا حق بسیار برادران دیگر خود را غصب نکرده خواهیم بود ؟ علی الخصوص که بعضی از برادران دهقان ما شالیها و دوشابها و اگر بیمار پشتکی داشته باشند آنها نیز در پیش پایهای خودشان بر سرک مانده کرم صحبت میشوند .

پس اگر درین اثنا یک عرابه و یا یک بای سکل و یا یک موتر بیاید و جای هم یک کج گردشی باشد تا ایستاده و راننده خود داری هم گیر نکنند بهر حال یک مصادمه — یعنی هم خوردن — بوقوع می آید که قدغنا خواسته از بیگونه واقعه چه قدر جانها در تهلکه می افتد ! غیر از تلف جان مال بسیاری نیز تلف میشود . یک عرابه با اسپ و اجامه آن از یک هزار پنج هزار روپیه قیمت دارد یک بای سکل یا موتر های سکل چیز گران علی الخصوص موتر ! که تقریبا قیمت همه زمین داری یک زمین دار کلان را دارد !!!

حالا یکقدری ملاحظه کنیم ! مثلا یک عرابه را اسپ صبا رفتار آن بسرعت میکشد . تا از یک گردشی بخواهد گذرد یک جماعت هم صحبت (سرک مجلس) روبرو می آید . تا صحبت کنندگان بخواهند که شالیها و دوشابها و گرد و گرد بجای خودشان راجع کرده چپ شوند . و تا عرابه والا بخواهد که عرابه خود را چپ کند یا یک مصادمه بوقوع می آید که تلف جان در آن لحظه باشد و یا عرابه والا می شکند که آن هم تلف مال است .

لهذا ای هم شهریان عزیز ! بیائید که به اتفاق این عادت بد مضرت میان راه ایستاده شدن و صحبت کردن را ترک کنیم والسلام

(محمد)

فاجعه‌های پاریس

مواخش بزبان فرانسوی — مترجمش از ترکی بفارسی

قادیه دومونته پن — محمود طرزی

(افادهٔ مترجم)

قبل ازین یک چند رومان فنی را از زبان ترکی بفارسی ترجمه کرده بودم که همه آن رومانها تالیف (ژول ورن) فرانسوی و مستند برفن نوشته شده بود . درین بار خواستم که یک رومان هیجانی نیز برای هموطنان فارسی زبان خود یادگار بگذارم این است که این رومان را ترجمه کردم .

(قادیه دومونته پن) درین رومان خود بسیاری از احوال فجایع اشتمال شهر عظیم (پاریس) را بنظر دقت مطالعه کنندگان خود تصویر و زمین های مختلف بسیار الم انگیز ترتیب و تحریر کرده است که وقوعات مذکوره از تصادفات خوق العاده ، و امور خارق العاده فی بلکه از وقایع روزمره ایست که در چنان شهرهای بزرگ هر روز بوقوع می آید .

این رومان از دو جلد مستقل بسیار بزرگ تشکیل یافته که در جلد اول آن از دهایای حیله کارانه و جنایتهای الم انگیزانه یک شخص بحث میرانند که یکمیکل مجسمه جنایت و بدی شمرده میشود ، و در جلد دوم نتیجه انجام او را نشان میدهد . والحاصل این نوع رومانها نیز برای ساعت تیری و عبرت گیری قارئین کرام خیلی خدمت میکند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 33 of 1786

سخنان هر رقم

ساختن راه‌آهن در میان یک هفته از ماشین‌خانه‌ای
مان جستر می برآید

شهر مان جستر، در خصوص ترقیات صنعتگری لیورپول شهرهای انگلستان است. در شهر مذکور در یک هفته چهارده میلیون [هر دو لک یک میلیون است] نوک قلم آهنی سه صد میلیون پنج، یک میلیون چیزهای پرنگری رقم، رقم شش هزار چهارپای آهنی، هفت هزار تفنگ، بیست هزار جفت پنج انگشتی، چهار صد شش اسباب‌های آهنی بقیمت هفت صد و پنجاه هزار فرانک جواهر باب، یک صد ملیون سوزن که در سال پنج قیار شود. یعنی تقریباً چهار برابر جمعه مردمان کره زمین، سی هزار پنج بزرگ، هشت هزار پیانو، پنج هزار عرابه کوچک اطفال. و بسی آثار صنعت‌های گوناگون بوجود می آید.

غیر ازین‌ها که ذکر شد ماشین‌خانه‌های مان جستر در یک هفته برای کمپانی‌های موی بدرازی پنج صد و شصت و سه کیلومتر [هر کیلومتر هزار متر است] فیته می سازد و ماشین‌خانه‌ای یک سیم آهنی می سازد در یک هفته بدرازی شش هزار و چار صد کیلومتر سیم آهنی می برآرد که در سال سه صد و پنجاه هزار کیلومتر میشود و این مسافه معادل مسافه دوری کره قمر است از کره زمین. پس حاصلات یک سال سیم آهنی ماشین‌خانه‌های مانجستر برای کشیدن یک خط تلگرافی از زمین تا ماه کافی وافی می آید.

(وقس علیه البواقی)

اخراجات معدن آهن

در تمام کره زمین در سال (۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰) کیلوگرام [هر کیلوگرام هزار گرام است] کمعادل پنجاه هزار خروار خلک ماست آهن از معدنهای زیر زمین بروی زمین بیرون آورده میشود که از چهار حصه این مقدار سه حصه آن در ماشین‌های بخار و صنایعیکه ازان ماشین‌ها برمی آید بخرج میرسد. اگرچه این قدر آهن بنظر ما بسیار میخورد ولی نظر باحتیاجات وقت حاضر از کمبودی آهن شکایت کرده میشود.

(از ریچ حوف) محمد

مقدمه

این رومان بر یک مقدمه و پنج فصل مشتمل بوده و بعد از نشر خواهد گردید

دایهٔ زایانندهٔ

چنانچه اگر در شکل و صورت یک انسانی خوب دقت و غور کرده شود از احوال ظاهری او تا یکه درجه بر احوال باطنی او پی برده میتواند و در خانه‌ها نیز همین طور دیده میشود و از دیدن احوال خارجی آن خانه بر داخل آن فکر مخصوص بدست می آید.

بعضی خانه‌ها هست که از انسان در شکل و ساخت ظاهری و بیرونی آن نظر کنند میدانند که درین خانه کدام راحت و سعادت و آرامی و دیگر هیچ چیزی حکم فرما نیست.

دیگر بعضی خانه‌ها دیده میشود که یک نظر انسان را بی اختیار رم و وحشت میدهد. و در نظر انسان از دیدن آن خانه وارد میشود که ساکنان این خانه از ارباب حیثیت و ناموس نباشند.

این است که در سنه ۱۸۵۰ میلادی در کوچه (باتینیول) پاریس یک خانه دیده می شد که ازین قسم دوم بنظر میخورد.

این بازار (باتینیول) در یوقت یکی از محله‌های بسیار معتبر شهر پاریس است که با سرک بسیار فراخ و دلکشائی واقع و طرف باخانه‌ها و عمارتهای لطیف و زیبائی و دکانهای بزرگ مکلف و قهوه خانه‌ها و میخانه‌های نظر ربائی زینت و آرایش یافته و با انوار چراغهای برقی و غاز هوا روشن و منور شده که از سر شام تا بصبح کمال زینت و خاطر جمعی در آنجا ازادانه و مسرورانه گردش میشود.

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 34 of 1786

آخرترین خبرهای دارالحرب

ازطرابلس خبر سرکاری آمده است که دیروز بوقت چاشت بیرق اطالیه برقلعه سلطانیه نصب کرده شده و در اثنای ایستادن آن توپ های اطالیه فیرهای خوشی کردند — وسپاهیان بحریه زیر حفاظت توپ های جهازات در قلعه مذکور داخل شده بود .

ازمیلان خبر تلگراف آمده که جوش مردم برای جنگ درملک المانیه روبه ترقی است و پادریان شهرهای مختلفه اعلان نموده اند که برای فتح تهدیب و تمدن جنگ اطالیه وترکی ازضروریات میباشد و اکثر اشخاص معتبر داراین پارچینت خدمات خود را برای جنگ پیش کرده اند وچند جهاز هوائی بمقام بنغیزی جمع شده اند و هزار نفر سپاهیان جسیی که برساحل افریقوی بحیره قلزم زیر اطاعت اطالیه میباشند خواهش ظاهر کرده اند که آنها را برای جنگ ترکان درطرابلس فرستاده شود

سرکار برطانیه اعلان کرده است که درجنگ ترک واطالیه حمایت کسی کرده نمیشود بنابران باید که اهل هند نیز بران احکام پابند باشند .

بقطعه (خریطه) یعنی نقشه دارالحرب جنگ ایطالیا و عثمانی را نیز (سراج الاخبار) برای استفاده خوانندگان گرام خود دراین نمبر عرض و تقدیم میکند .

اشتهار

درباب درج شدن اشتهارات تجارتی وصنعتگری

روزنامه مبارکه (سراج الاخبار) برای اشتهارات مالهای تجارتی سودآوران وطن عزیز ما که بفکر دلش میخواهند برسانند ویا بعضی صنعتها و پیشه ها نیکه بعضی از صنعتگران اختراع کرده و فروختن آن را آرزو میکنند حاضر و آماده می باشد که مال سوداگران و صنعت صنعتگران را در صفحه آخرین اخبار خود اشتهار و اعلان نماید لهذا هرکس که آرزوی اشتهار مال تجارتی و یا صنعت صنعتگری خود را داشته باشد به اداره خانه سراج الاخبار کدر ماشین خانه است آمده و از قرار سطر یک روپیه اجرت آن را داده مال و یا صنعت خود را بواسطه اخبار اشتهار میکنند و اگر کسی بخواهد که از پنج بار زیاده تر اشتهار خود را در اخبار بنویسد بر سطر یک قران گرفته خواهد شد .

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق مهتمم چاپه خانه دارالسلطنه کابل
بقلم میرزا محمد جعفر خان
طبع شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 35 of 1786

سراج الاخبار

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی مکی حضور اعلیحضرت همایونی
مدیر و مسئول
محمود طرزی
اداره و چاپخانه مطبعه
در ساحه خانه دارالسلطنه کابل
جمله امور تحریریه باداره دخانه دوستاده میشود
تاریخ عربی ۱۵ ذی القعده ۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دارالسلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف خود مملکت با افغانستان ۱۴ روپیه
در خارج مملکت با افغانستان ۱۲ روپیه انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یک عباسی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۱۴ عقرب ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

اعانه یعنی چنده ـــــ شفاخانه ملکی ـــــ ۲
داخله خارجیه ـــــ مقالات صحیه و طبیه صحت عامه
ـــــ نصیحت ای همشهریان عزیز ـــــ ۱
بیانات شام غریبان ـــــ علم ثروت ملل
فایده ای پالیس

اعانه

یعنی چنده

ارباب (عدل بالطبع) بودن انسانها جمله علل و حکمای گذشته وجود و بسی کتابها تالیف و تصنیف نموده و اظهار و آشکار ساخته اند که معیشت و زندگانی انسانها ممکن نمیشود مگر بصورت اتحاد و معاونت همدیگر که (مدنی بالطبع) بودن عبارت ازهمین است.

و درین باب بسی دلایل معقوله و منقوله بیان کرده اند که از آنجمله در خصوص تدارک حوایج ضروریه انسانها برلازم بود ان یگانگی بسی و کوشش بر جهت نوع بشر بسی شباهد و دلیلها بیان کرده اند. شد از جمله احتیاجات صرف نظر: تنها برای یک قطعی کبریت که از بسیار بی اهمیتی ولی اعتباری هیچ بنظر نمی آید، و پیه یک بران میدهیم و اقل حساب هم نمی آریم علیهذا آدم سی و کوشش ورزیده اند تا انرا بوجود آورده اند.

آیا کبریت خام را از معدن های آن بیرون برآوردن و آنرا صاف ساختن و از جاهای دور بشهرها و کارخانه ها آوردن و مصالحهای آنرا حاضر ساختن و چوبهای آنرا از جنگلها بریدن و از ان تخته ها کشیدن و بآن برسیها بریدن به اتحاد و یگانگی سی ها و کوشش های چقدر نفوس بشر بوجود آمده؟

تنها برای نقل دادن چوب آنرا از جنگل هرگاه یکقدر نظر دقت نمائیم بگرداب حیرت فرو رفته حد و حساب دستهائیکه در ان باب کوشش ورزیده اند از ما گم میشود. هیچ نباشد در اول امر یک اره و تیشه محتاج میشود. آیا میدانید که برای کشیدن آهن این اره و تیشه را از کان، و باشین خانه های شهرهای بزرگ رسانیدن و آب کردن و آب دادن و فولاد ساختن و دندانه کشیدن چه طیوفها با هم نوع ما کوشش ورزیده اند؟

صرف نظر از دیگر کارها: تنها برای نقل دادن آهن اره و تیشه را از معدن تا بشهر لااقل یک عراده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 36 of 1786

احتیاج می افتد که برای آن عرایه ساختن بسی چیزها مجبوریت حاصل میشود مثلاً برای انجامه دشت وجوت وحلقه وبیخ وپیچ وسنگ وچرخ وغیره وهزارها دست ها وصدها پیشه وصنعت ها کار میبرد وهرکدام ازین چیزها نیز بکدر یا نفوس نوع بنی بشر اتحاد سی وکوشش می نمایند وهلم جرا !

این اعانه ومدد رسانی طبیعی وعمومی نوعی جمله انسانهاست بیکدیگرشان که محرک وبرانگیزنده این اعانه ومددگاری هاتا احتیاجات وضروریاتیست که نوع بنی بشر برای حیات ومعیشت خود به آن محتاج ومضطر راست .

غیر ازین اعانه عمومی نوعی که ذکر شد یک اعانه خصوصی دیگری نیز در میان عالم انسانیت متداول وجاری میباشد که آنرا باصطلاح فارسی مملکت عزیزما (چنده) مینامند . محرک وبرانگیزنده این چنه همین شفقت ومرحمت وجدانی نوعی انسانهاست بیکدیگرشان .

مثلاً در یک نقطه میشود ، ویا یک سیلاب رسیده گی ویا یک زلزله ، ویا یک حریق ویا دیگر گونه یک آفت زدگی پیش آمد وانسانهای آنجائک یک حال فلاکت اشتمالی گرفتار می آیند ، دیگر هم نوعان آن فلاکت زدگان را حس شفقت ومرحمت وجدانیه شان بجوش وخروش آمد وهمدردی وهمدستی بهم نوع خود از نقد وجنس وغله وذخیره گوناگونی میکنند که بهترین فصلهای انسانی همین حس بسیار عالی ایست که اشرفیت وافضلیت نوعی انسان به آن ظاهر وعیان میگردد .

یک نوع اعانه یعنی چنده دیگری نیز هست که خصوصی تر ومحدودتر است . مثلاً هر مملکت پاسی چیزها محتاجست که دائمی آن مملکت تادست یک نقطه ، وبقاعده بدیگر کوشش نورزند ثروت وقوت آنمملکتی شخصی واحد از عهده ایفا واجرای آن برآمده نمیتواند دین مبین اسلام باحکام شریف حضرت سید خیرالانام علیه السلام (زکوات) را برای اعانه ومعاونت نوع بشر یک منهاج وروشنی مستقیمی تعین فرموده که اگر بر قواعد مشروطه آن عموم اهل یک مملکت منتظما حرکت کنند بسی احتیاجات نوعی آن مملکت به آن رفع وزایل میشود ،

مثلاً از بیماری ومرض بد تریک حال ناگواری برای انسان نمیتوان تصور نمود - علی الخصوص که مرد بیمار فقیر وبی کس هم باشد .

تصور بفرمائید : یک کلبه احزانی که از فرش پخ یک بوریا واز اسباب ما یحتاج بغیر از یک کوزه گلی شکسته ویک کاسه لب پریده ویک پلاسی پاره کهنه دیگر چیز نداشته باشد . حتی هوا وضیا نیز که فیوضات حیات نثاری آن برجمله گان ارزان ورایگان است این کلبه حقیرانه را بسبب بی روزنی از هوای صاف وضیای حرارت اد صاف محروم گذاشته ! در یک گوشه این کلبه بر یک بستر متعفنی که از لته پاره های کهنه وحصیرهای شکسته وبوجود آمده یک مرد فقیر الحال بی مال وعیالی را بحال پر ملال ضعف وبیماری ناش کنان وناله کنان ونالان زنان افتاده می بینیم . نه یاری داد ونه غمخواری نه طبیبی ادرنه پرستاری !

این است که برای اینگونه بیماران فقیر الحال ما ، دیگر همشهریان صاحب ثروت ومالدار ما حس شفقت ومرحمت وجدانی شان بحرکت پر خیرتی آمده هرکس برابر حال وموافق احوال خود پیه اندازه میکنند ، وبا آن پیه جمع آمده یک (شفاخانه) بوجود آورده وهم داخل ثواب بسیار عظیمی میشوند وهم اینگونه احتیاج اهالی را بقوت معاونت همدیگر از مملکت رفع وزایل میکنند .

والحاصل بواسطه اینگونه اعانه ها یعنی (چنده) ایسی ازین قسم کارها بوجودی آید که نه بثروت اهالی مملکت خلل میرسد ونه از قوه مالیه مملکت چیزی میکاهد .

مثلاً یک ملکی که مالک شصت هفتاد ملک آدم باشد هرگاه هر آدم یک یک روپیه در یک صندوقی بیندازند شصت هفتاد ملک روپیه جمع می آید که باینقدر مبلغ برای سرپرستی بیماران فخراهی اهالی شفاخانه ها ، وبرای یتیمان بی سروسامان مملکت (یتیمخانه ها) وبرای تعلیم علوم وعرفان اولاد وطن مکتب ها وغیره اساس وبنیاد دیگر روپیه نمیکند ودران راه خرج میشود نیز برای اهالی معلوم نمیشود فقط

محمد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 37 of 1786

(یک نمونه از امثال)

شفاخانهٔ ملکی

در وطن عزیز ما اول اساس بنیاد یکه برای خیرات ومبرات از اعانه یعنی (چنده) بوجود آمده است همانا (شفاخانهٔ ملکی) دارالسلطنه کابل میباشد که موسس بنیاد آن بیرذات اعلیحضرت پادشاه مرحوم شهید معظم محبوب القلوب ما است که هنوز در ایام شهزاده گی سلطنت آباده گی شاهانه شان به این نظر عالی انسانیت پروری تشبث واقدام فرموده اند.

درین نشئه خود تنها صورت اعلان نامه یکه در آن وقت به امضای اعلیحضرت شهریاری و برادر والاگهر شان نائب السلطنه صاحب افتخار نشر و اعلان گردیده بود برای شاید مدعای خود درج کرده دانشته، انشاء الله در شماره های آینده خود از انتظامات، و ترقیات خواهد تا یکه از آن وقت تا بحال دران رخ داده شیئاً بعد شئی عرض معلومات میکنیم

نقل اعلان نامه در باب تاسیس و بنیاد شفاخانهٔ ملکی از (۱۶) ماه ذیقعده سنه ۱۳۱۶

برضمایر دیانت ذخایر کافهٔ مسلمین سکنهٔ دارالسلطنه کابل مخفی و پوشیده نماناد — چون برانسانی گاهی هیچ و سالکی مریض و بیمار و هر موجودی را از صحت و بیماری گزیر و گریز نیست تا وقتیکه خویش و اقربا و مسکن و مأوای دوا و غذا و از مند هر گاه مریض بستری میشوند البته بیمار داری و پرستاری آنها بخوبی میشود و دوا و غذای شان بدرستی میرسد مگر انیکه غریب و بیکس و فقیر و بی دست و بضاعت بوده نه دوا و نه غذا و نه مسکن و خانه محتاج میباشند نه جائی دارند که شب به استراحت بروز آرند و نه پرستاری که در حالت بیماری تیمارداری ایشان نماید نه خانه و نه بخانه نه دوائی و نه پرهیزانه بدوم شان آمده پرسش شان در جائگاه دست بچه عسرت و ناامیدی شب شان بروز خواهد رسید و روز شان شام خواهد کرد، هر کسی که از زمرهٔ اسلام است باید بر حال چنین درماندگان از دل و جان رحم نموده و چاره داری همچنین بیماران برسد تا از قابل گفته (الشفقة علی خلق الله) بهره مند گردد.

(بنی آدم اعضای یکدیگر اند)
(که در آفرینش ز یک جوهر اند)

لهذا برای علوفت پرداری بندگان درگاه الهی اقتضای آن نمود تا محض از برای رضای جناب الهی و خوشنودی روح مطهر حضرت رسالت پناهی تعمیر شفاخانه و سررشتهٔ طبیب و عطار و دوا و غذا و آنچه لازم شفاخانه باشد تمامیم تا مداوا و معالجهٔ مریضهای غریب و مسافر و بی استعداد بدرستی و خوبی شود مبلغ یازده هزار روپیهٔ کابلی بنیاز مند درگاه و صدری سردار حبیب الله خان و مبلغ هشت هزار روپیهٔ کابلی بندهٔ درگاه الهی سردار نصرالله خان برای تعمیر شفاخانه و چنین در سال نوزده هزار روپیه گی دیگر که جمله سی هزار روپیه شود برای مصارف دوا و غذا و اسباب شفاخانه، و تنخواه طبیب، و عطار، و خدمهٔ آن از عین المال خود امید هیم و میخواهیم که شما مردم مسلمین که برادران دینی ما میباشید نیز ازین ثواب بی بهره و محروم نباشید هر کس بقدر طاقت و میل خاطر و رضای خود برای مصارف تعمیر شفاخانه که در بارهٔ السنه جهت مخارج دوا و غذا که سال بسال بدیه از نقد و جنس کم یا زیاد بقدر وسع و فرصت خاطر در کتاب به این اسم خود نقد و جنسی را که برای مصارف تعمیر دوا و غذا و غیره سید به نوشته و مهر نماید انشاء الله عند الله و عند الرسول اجر او ضایع نخواهد بود اشخاصیکه تنخواه داشته باشند در کتاب برضای میل خود دستخط کنند که جهت تعمیر شفاخانه امسال بقدر وجه سید هیم و من بعد هر سال از تنخواه خود بالای دفتر تشخیص دیا و دفتر نظام رقمه بقدر وجه را سید هیم که برای مخارج دوا و غذا و غیره برسانند و کسیکه تنخواه نداشته باشد در کتاب به این دستخط و مهر میکند که سال بسال ذاتاً گرفته و سید داده شود فقط اگر کسی چیزی نداده هم مختار است هیچ تکلیف برای او نیست محض اطلاعی چند سطر بنا برای شما برادران دینی نوشته شد اگر خود را به این ثواب داخل میکنید هم خوب است و اگر نمیکنید هم مجبور نیست فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 38 of 1786

حوادث خارجیه

نقل از اختر چهارشنبه نمره ۱۲ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ شوال

مسلمانان شهر لندن در یک جلسه عام جمع شده در مرکت ایطالیه اظهار ناپسندی نمودند و عهد کردند که خرید و فروخت ساخت ایطالیه را موقوف خواهند نمود فقط

از طرابلس خبر خاص آمده است که ترکان پروز سه شنبه گذشته بوقت یک بجه بر افواج ایطالیه حمله نمودند لاکن جهازات جنگی مزبوره روشنی برق از آمدن آنها آگاه شدند و اگرچه آنها به شجاعت تمام جنگ نمودند اما توپهای جهازات آنها را پس پا کردند فقط

از روما خبر مخالف آمده است که دیروز بوقت ۱۰ بجه سه صد نفر ترکان از طرابلس بر بهره داران ایطالیه که چادرهای آب و آذوقه را محافظت میکردند حمله نمودند بعد از جنگ نیم ساعت توپهای ایطالیه ترکان مذکور را مجبور نمودند که پس پا شوند و مجروحین و مقتولین خود را هم تفنگ های شان در میدان جنگ گذارند و علی الصباح معلوم شد که در گرد و نواح افواج ایطالیه نام و نشان ترکان معلوم نیست فقط

از پرین خبر مخالف آمده که معاهده فرانس و جرمنی در باب اخلاق کامل فرانس در ملک مراکو استقلال شده است و اخلاق جنوب سودان متعلقه جرمنی باقی مانده است فقط

لندن ۱۲ اکتوبر برای سه کار اطلاع رسیده است که ترکان سی نفر کارداران اطالیانی را گرفته جهازات کارگر را منکر و قتل نموده اند و افواج ایطالیه بتاریخ ۱۱ ماه حال توپ تروک داخل گردیده اند و قبضه آن بندرگاه برای ایطالیه بسان قدر اهمیت دارد که باقی برای سر کار انگریزی داشته باشد چه اگر فاصله بندرگاه و ذکور از بهر بوز خیلی کم است و افواج ایطالیه در بندرگاه طرابلس نیز داخل شده اند و بیکس مخالفت آنها نموده است فقط

میر پاشا سپه سالار افواج ترکی در طرابلس تقریباً در کوه های غادیان که در عقب شهر طرابلس واقع است جمع گردیده رود و اودرا جهت برای شش هفته سامان خوراک وغیره فراهم نموده است — بطور مذکور این معلوم میشود که حتی الامکان مقابله ایطالیه را نموده و اخر الامر در تونس بگریزد فقط

بسبب جمع آوری افواج عثمانی در مقدونیه برای بغاوت شورش بسیار واقع گردیده است و میگویند که اهل بغاریه از طرف خواهد و بیانات صلح که کارداران عثمانی نموده اند هرگز مطمئن نمی باشند و قائل بغاریه اصرار خواهد کرد که افواج عثمانی را از ان علاقه بقاعده اخراج نموده شود فقط

برای اخبار تا بینز اطلاع رسیده است که ترکان در قرب دارد و نیز مصالح تیار کردن جهازات جنگی بدریای شور بطریق مخفی انداخته اند و از طرابلس خبر آمده است که بیست و دو جهاز سپاهیان ایطالیه در بندرگاه طرابلس داخل شده اند و سپاهیان بسیج و سلامت بر ساحل فرود آمده اند و از توپ روک خبر آمده است که یک سردار عرب دیگر سرداران را ترغیب میدهد که اطاعت ایطالیه را قبول کنند اکنون باشندگان مقرر واپس بشهر آمده میروند و میگویند که از مرکبی اطلاع نبود و است و اگرچه اقوام مختلفه بر شامل یمن جمع شده میروند لاکن بهش آنها لاحاصل میباشد چرا که ایطالیه بر تمام شهر کامل دارد فقط

در جنگ آخر گذشته افواج آسترالیه بود که افواج جرمنی بطرف سرحد بلجیم حرکت کرده و در راه اقوام بالنگ را مطیع ساخته میروند اکنون اطلاع رسیده است که افواج مذکور بلجیم و در علاقه تخیر رسوخ برطانیه رسیده اند و باید تمام کمک پیش رفت آنها را بالا توقف نموده شود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 39 of 1786

چرا که در همین ایام اوای انگریزی برای سرکوبی قوم ابوریز خواهد رفت فقط

سرکار اطالیه اعلان کرده است که برای حفاظت جهازات تجارتی در بحیره طرزم و بحیره روم سر رشته برقسم نرده شده است و اکنون باید که جهازات بدانجا بطرف منزل مقصود خود داده گردند فقط

نقل از اخبار پایونیر مورخه ۱۵ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ شوال ۱۳۲۹

لندن ۱۳ اکتوبر — دیروز سیزده هزار سپاهی اطالیائی در شهر طرابلس داخل شده و اکنون در شهر مذکور ۲۲ هزار سپاهیان اطالیائی میباشند و در چند روز آینده پانزده هزار نفر دیگر نیز خواهند رسید فقط

حاکم اطالیائی در شهر طرابلس اعلان نموده است که من برای حفاظت حقوق مردم و انتظام ملک و استیصال مرتکبین جرایم پیشه آمده ام و نه برای اینکه مردم را اطاعت بسازم بلکه مدعای اطالیه این است که اهل طرابلس آزاد و محفوظ باشند و حاکمشان خود سرداران مقامی خواهند بود که بر آنها حرف اطاعت شاه و اکثر ایطالوی داخله اطالیه لازمی قرار داده خواهد شد فقط

از قسطنطنیه خبر انحراف آمده است که از امین دیوان و کلای حال هیچ تصفیه نشده اند که شاید اطالیه چنگ نکرده شود بلکه اکثر اراکین از حمایت وزارت جمعیت اتحاد و ترقی مینمایند پس ظاهر است که وزارت مستعفی خواهد شد و یک وزارت جدید مقرر خواهد شد که مردم بر قرقه اکثر دوست داشته باشد

سرکار ترکی اعلان نموده است که جهازات جنگی ترکی در جنگ اسباب خوراکی هر قسم دوشت و مبلغ و غیره را نیز ضبط خواهند کرد

نقل از اخبار رئیس مورخه ۱۲ الی ۱۵ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ الی ۱۸ شوال ۱۳۲۹ و آبزرور مورخه ۱۱ و ۱۲ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ الی ۸ شوال

باید که ترکان نوجوان بدانند که گدای گرمی دریای جنگ بی سود میباشد و دول یوروپ هرگز امداد ترکی را نخواهند کرد چنان جلب نامی اخبار ناپسند وغیره که مسلمانان هند منتقد می نامند نیز لاحاصل هستند و باید که ترکی قوت بازوی خود را نشان بدهد ورنه خاموش بنشیند و از قبضه طرابلس دست بردارد (دول یوروپ کاهی امداد اهل مشرق را نخواهند کرد) اصلاح متحده امریکه آنوقت در قضیه جاپان و روس داخل شده بود که جاپان سرکوبی روس را نموده بود پس توقع ترکان در جنگ اطالیه سراسر معقول نمیباشد فقط

نقل از اخبار پایونیر مورخه ۱۶ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ شوال ۱۳۲۹

از قسطنطنیه خبر انحراف آمده است که امروز افتتاح مجلس شورای ترکی کرده شد و اعلیحضرت سلطان المعظم در تقریر رسمی خود علی الخصوص مذاکره و حرکات اطالیه را و تدابیر سرکار عثمانی بیان کرد که سرکار عثمانی حق دارد که حقوق و رسوخ و اقتدار ترکی را بهر صدمه قسم نرسد چون حاضرین تقریر ذکور را بکمال تمام گوش کردند و صدای تحسین وغیره از هیچ طرف بر نیامد و در قرب سلطان المعظم شهزاده و کلان معتبر نشسته بودند و خود سلطان خیلی مغموم معلوم میشد و بر اختتام تقریر دو تقریر اول برای فتح ترکی و ذلت اطالیه دعا کردند فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 40 of 1786

از پورت سعید خبر تلگراف آمده است که جهاز خدائی به قیصری در راه مصر سویز داخل شده و افواج را به مقام کنار فرود آورد — افواج مذکور برای انتقال بطرف فلسطین زیر حفاظت نظام مصری خواهند رفت و جهاز مذکور را جهاز شفاخانه سالمه بطرف بحیره قلزم روانه کرده اند فقط

نامه نگار سرحدی اخبار پذامینوسد که سبب موجودگی راهزنان اقوام مختلفه سرک کابل و جلال آباد بوناقیوما غیر محفوظ ترشده و میرود و کاروانان کابل تا حال سرگشته مفاکت تجاران و مسافران را کرده توانسته است فقط

سراج الاخبار

چنان معلوم میشود که نامه نگار سرحدی رفیق محترم ما اخبار (پایونیر) در باب احوال افغانستان خوب تحقیق نا کرده و معلومات برای اخبار خود نمیگارد . زیرا از قرار تحقیقاتی که از مقامات عالیه رسمی دولتی اجرا نمودیم امن و انتظامیش راه مذکور برقرار بوده سیاح رفت و آمد و امنی عرابه و موتر و اشیا و اموال تجارتی و سرکاری که درین جلال باد و کابل در کار است راه مذکور معمولیت و اهمیت کامل را دارا میباشد .

از واشنگتن برای اخبارات انگلستان اطلاع رسیده است که جرمنی بگرا سله به سرکار برطانیه باین مدعا فرستاده است که سررشته محدود کردن ترقی سامان حربی نموده شود و ابتدا ای تجویز مذکور از طرف جرمنی شده است فقط

سفر لی جینی که در ملک انگستان فن پرواز را یاد و دیگر سند کمال فن مذکور را از مدرسه سرکاری حاصل کرده است سفر مذکور را سرکار چین خاص برای همین مدعا به برطانیه فرستاده بود و اولین اهل چین میباشد که سند مذکور را حاصل نموده است فقط

یک افغان در شهر کلکته موجود است که علاج امراض مختلفه را به سحر و جادو میکند اجرت او برای یک روز فی مریض — چار روپیه یعنی یکقران میباشد فقط

سراج الاخبار

از خلاصت سحر و جادوگری افغان مذکور معالجی طلبان و دوا خواهان باور کنند تا او که چهار آنه خود را دوا از دوا بخواهند عجب تر و خنده آور است !....

بتاریخ ۱۵ ماه اکتوبر — امروز دو جهاز جنگی انگلیس از قسم دریدناث بخیل رسیده و بدریای شور داخل گردیدند

اقوام مختلفه مراکو دیروز بر افواج اسپانیه حمله آورده و جنرل افواج مذکور را مجروح سخت ساخته و یک کپتان و یک لفتنت و شانزده سپاهی نیز مجروح شده و خودشان بوقت شام پس باشنده و اکثر مجروحان و مقتولین خود را در میدان جنگ گذاشته فقط

بتاریخ ۲۱ ماه ستمبر برای اخبار دیلی تلگراف اطلاع رسیده است که در علاقه کوه آتش فشان وسیوس واقع اطالیه باران باین شدت باریده که از کوه مذکور جوی های گل و لای جاری شده و چند قریه جات را قطعاً تباه نموده و نظاره تباهی این قدر هولناک بوده که اکثر زنان تاشس متحد در اوجوی گل و لای دیده بیهوش شدند و هیچ کس جرات ننمود که امداد مصیبت زدگان را بنماید و یک علاقه وسیع که خیلی سرسبز بوده کاملاً تباه کرده است و اینقدر جان و مال تلف شده است که اندازه ان نمودن از امکان بعید است فقط

(از زبدة العلوم مبارکپور)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 41 of 1786

مقالات صحیه وطنیه

صحت عایله

بنا بر ثبوت و حیات حضرت انسان مخلوق جل و علا بصحت و عافیت وجود و توالی و تناسل بدن موکول بجهان سی و کوشش و اداء وظیفه و زحمت و گوئی نیز بصحت و عافیت بدن مشروط و مربوط است که از آن و علم الابدان را بر علم الادیان پیشتر ذکر فرموده اند .

حکایت حال و سعادت احوال هر کی بصحت و عافیت بدن قایم و دایر است . صحت یک نعمت بزرگ واجب الشکران حضرت ایزد سبحان است که زوال و نزدولت و نقاهت و وحشت بدان برابری کرده میتواند سلطان سلیمان قانونی کوئی از سلطانهای بزرگ و پادشاهان شاهان است در خطاب یک پیری بوتر لکه گفته اند لفظ ترجمه آن این است :

(اگر چون دولت نباشد هیچ چیز خوش نشود)

(لیکن از دولت چه لذت گر توانی چیز زد)

صحت و عافیت یک جوهر گران بهائیست که برای هر شخص جد اجد شرایط محافظه و نگهبانی آن از واجبات است علی الخصوص برای یک عایله که عبارت از یک زن و یک شوهر و ثمره های حیات آنها یعنی اولاد های آنهاست رعایت واجبات شرایط صحت از ستر و واجب تر شمرده میشود .

با صحت و عافیت بازی کردن ، و در شرایط صحت آن بی پروائی نمودن یک خطای بسیار بزرگیست که جزای اشد را جاری میسازد . بی پروائی در شرایط صحت نه تنها در یک جو خود و اجزای تاثیرات همیشه مینماید بلکه در اولاد و اولاد های اولاد و تا چند تاثیرات همیشه خود را اجرا نموده و نسل و ذریت را خراب و تیره بیچاره

لهذا از حیث صحت از مهمترین وظایف انسانیه شمرده میشود .

یک عایله یعنی یک عیال دار و که عبارت از جمعیت مجموعه یک زوج و یک زوجه و محصولات تناسلیه آنهاست خلیه تشکیلیه که بنای قصر جمعیت اجتماعیه بشریه را تشکیل میدهد . یک شخص تنها برای جمعیت بشریه هیچ خدمتی کرده نمی تواند . افراد عایله را بوجود می آورد . عایله ها قوم ها و قوم ها دولت ها را تشکیل میدهد . قوم ها و دولت ها جمعیت بشریه را تشکیل میدهد .

هر عایله یک واحد تسبیح است که رشته اتحاد جمعیت و اجتماعیه بشریه را بوجود می آورد .

لهذا در باب تشکیل عایله و محافظه صحت و تربیه اخلاق شان وقت و اندیشه لازمی لازمست

(خشت اول چون نهد معمار کج)
(تا ثریا میرود دیوار کج)

پس واضح شد که صحت و سعادت در میان عایله بحسن معاشرت یعنی بخوبی زندگانی کردن زوج و زوجه موقوف و منوط است . حسن معاشرت به حسن معامله یعنی خوب گذران کردن آنها حاصل میشود . خوشگذرانی و خوشی آمیزی یک زن خیر مرضیه مقدسیست که رابطه عایله به آنست و یک نمونه خوشی شمائیست که سرمشق اولاد و دست . حسن معاشرت (محبت عایله) را بوجود می آورد که در میان محبت عایله جوهر مقدس (حب وطن) جلوه گر میشود .

نصیحت

ای هموطنان عزیز

اگرچه عمر خود را صرف یک سجده شکران پروردگار عظیم الشان خود خویم بنمود نزده ادای شکر او سبحانه تعالی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 42 of 1786

یاد آور و دو تو ادیم بود . چشم بینا گوش شنوا بدین توانا داد و جدان با صفا ، عقل پا برجا با عطا و احسان فرمود . علی الخصوص که ما را به شرف ایمان سرفراز و بدین مبین حضرت خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم ممتاز فرمود که بزرگ ترین نعمتهای خدای مهربان است .

دین مبین بسیار محکم و متینی که ما را بر ان ثابت قدم ساخته به احکام مقدسه آن عین حکمت است و بجا آوردن آن حکمتها تو ابها و خیرات دنیا و آخرت را در بر دارد ، در هر حکم شریعت غرای محمدیه هزاران حکمت و مصلحتها پنهان است . و هر امر و نهی آن گنجینه نفوس بشر را ببهره فیض و امان .

ای همشهریان عزیز ! یکی از صفات عظیمه حضرت پیغمبر برحق صلی الله علیه وسلم (خلق عظیم) الحضرت است که ذات اقدس الهی در کلام قدیم خود ایشان را بعظمت جلیله (وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ) ممتاز فرموده . اخلاق حسنه یعنی خویها و عادتهای خوب و پسندیده را پیشه گرفتن و از کارهای قبیح و بد اجتناب ورزیدن برای ما امت نامجیه محمدیه از لوازمات ضروریه و سیئه شمرده میشود . به آداب شرع و حیا خود را آراستن و از بی ادبی و بی حیایی دوری کردن بهترین وسیله پیروی و متابعت ما است به حضرت رسول مقبول پروردگار ما . بلند ترین مخلوقات ذات پاک کبریا حضرت پیشوای انبیا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم افضل التحیات کما بحدیث شریف (أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي) درجه قدسیت آداب مقدسه شان تا یکدرجه معلوم میگردد .

﴿ ادب آموز از ان ادیب کرام ﴾

﴿ ادب از حضرت خدا آموخت ﴾

ای همشهریان عزیز ! ای برادران با تمیز ! مقصد تا حدی شما از ین مبحث است و بیاناتی که عرض شد یک یاد آوری ایست که بشما آنرا بیان میکنم . پیشتر گفته بودم که احکام دین مبین محمدی سراسر حکمت ، و هیچ یک از ان خالی از مصلحت است . بهینه یک مثالی برای شما عرض میکنم :

عبادت خالق یگانه بما فرض گردیده ، عبادات بر طهارت یعنی پاکیزه گی موقوف شده ، و اگر صاف و صحت ترجمه نمایم چنین میگویم که نماز فرض است و ادای نماز به استنجا و آبدست گرفتن وابسته است ، حکمت همه یکی در استنجا موجود است بیچ صورت انکار نمیشود ، زیرا اگر خارج بول یا خاک خشک در تحول امر خوب خشک گردد و بعد ازان با آب شسته شود خوبتر و بهتر طهارت یعنی پاکیزه گی بعمل میاید . لهذا لازم و ضروری است که اول با خلوخ استنجا شود ، و بعد ازان با آب شسته و وضو گرفته شود .

ولی هزار افسوس که درین کار با صواب همشهریان یک کار بسیار گریه و نالایقی را عادت گرفته ایم که سراسر مخالف آداب انسانیت و مغایر پیروی آداب پیشوای امت ما است .

ای همشهریان ، ای برادران ! انصاف فرمایید ! آیا ازین بدتر و گریه تر چیزی می تواند باشد که کاری را و سرگینی را و چیزی را یک آدمی برخورد که بند زیر جامه اش را که باز است بدست راست گرفته و دست چپش در درون پاجامه با یک عضوی که از گرفتن نام آن زبان قلم را حیا می آید بازی کند ؟ ... بلی خشک کردن استنجا ضرور است ، ولی نه اینچنین ! بلکه در هما نجا یکه حاجت خود را قضا کند خود را خوب خشک کرده و چند بار پای چپ خود را بر پای راست و پای راست خود را بر پای چپ خود فشار داده ، و بند پاجامه خود را بسته بر او خود روان شود .

بکمال افسوس بسیار همشهریان خود را می بینم که در راهها و کوچه ها و مزارها ی عام همین وضع و حالت گریه بیان شده براه میروند ، و هیچ یک از ایشان هم نمیکنند ، و حتی با همدیگر السلام علیکم و علیکم السلام هم میگویند ، و از همه عجیب تر اینکه اگر یکی سلام را دادن شان لازم آید او (معذور هستم) گفته اقتدار هم میکنند که با این حرکت خود شان اقرار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 43 of 1786

واثبات میکنند که من یکان گردار ناکاری مشغول که ست سلام را بجا آورده قیتواغم .

حیف حیف !! از آداب انسانیت چقدر دور است که انسان در مقام کهتر ، جوان ، خورد ، گلان علی الخصوص در زمان مستورهٔ اسلامیه درگذر و رفت و آمد باشد ، با این وضع نالایق که از زبان آن انسان را عجب می آید رفتار کند !

ای همشهریان عزیز ! این عرض مرا بوجدان صاف و دل پاک خود حواله فرمائید ، عقل خود را حاکم ساخته بیغرضانه و منصفانه حکم نمائید که آیا این خوب است یا بد ؟ اگر بد است پس بیائید که با اتفاق هم ازین عادت جابرانه ذاته دست بردار شویم والسلام .

﴿ ادبیات ﴾

﴿ شام غریبان ﴾

این لفظ (شام غریبان) ازین شعر بیدل نقل قرار گلشن را (از خواجه حافظ شیراز) خوانان گردیده مکرر میفرمایند :

﴿ تا زشام غریبان چو گرد آرام ﴾

﴿ بهوای طربیانه نقد پردازم ﴾

آیا زمان غروب آفتاب را چرا (شام غریبان) میگویند ؟ هر کس هر فکری که دارد داشته باشد ؛ فکر من در باب وجه تشبیه (شام غریبان) احوال محزونانه رقت آور و ناله این وقت مبارک است :

وقتها نیز مانند موسم ، احوالات روحانی مخصوصی دارند . موسم بهار ، با یک عالم حیات و جهان جهان نشاط ، و خرمن خرمن فرحت ، و دامن دامن طراوت ظهور می نماید :

در وقت ما ، وقت صبح صادق تصدیق صدق شباهت این وقت پر صباحت را با آن موسم سراسر لطافت ثابت میسازد .

موسم خزان ، و وقت شام غریبان نوعی حزن انگیز رقت آمیزی تصویر میدهند که مناسبت و مناسبت این وقت و این موسم را نیز خصیصت شناسان عالم ادب انکار کرده نمیتوانند . خلاق لیل و نهار و گردگار خزان و بهار که شمس ضیا نثار حرارت آثار را برای حیات عالم موجودات یک مخلوق بدیع غمخوار لطف گردار می خلق فرموده که ماشین خانهٔ کائنات بدور و حرکت او ثبات دارد ، و مخلوقات موجوده را خالق بدیع الصفات بفیضان حرارت او نشاط حیات میبارد . طلوع صبح سعادت پرشطارت موسم ربیع ریحان شباب نشان میدهد ، غروب شمس جهان را با یک پردهٔ ظلمت اندوده خزان با وضعیت پرحزن و اندوه می پرستاند .

وقت صبح و موسم بهار در تمام عالم اجسام حس استقبال یک حیات پرنشاطی را در می انگیزد . وقت شام ، و موسم خزان در همهٔ موجودات یک حزن فراق اندوه و کدورت عزلت انموده می بظهور می آرد .

بلکه یکه طلیعهٔ طلوع شمس خاوری از کوشهٔ افق پدیدار می شود ، و شعاعات زرین ابتدائی او نوک اسمی درختان بلند چنار ، و زردهای کهسار را طلاکاری مینمایند و در همه موجودات زمین یک حرکت حیات و زندگی و یک حس نشاط و دستگاهی پدید آمیشود . مرغان از شاخسار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 44 of 1786

درختان خزان دیده سر بگریبان خاموشی فرو برده اند
برگ آنها رنگ بهجر یاران مبارک را
میگویند . پرنده های خوش شوخ و شنگ
بال افشان شوق و شادی شده از بیاده ای
برگ های لطیف گهواره ها ساخته اند . ماهها
صبوحی گشایان بزم الفت بسر میگذرانند . در حیوانات
و نباتات ، حتی در جمادات نیز یک حیات
و نشاط و وجد خاصی حکم فرما میگردد .

سبحان الله ! بوقت غروب این
خلوق بدیع بعکس طلوع آن کائنات را یک
حزن فراقیه عجیبی غریبانه استیلا میکند .
پرنده گان ، چرنده گان ، انسان ، حیوان بسوی
خانه ها و آشیانه های خود میروند . گل ها ، سبزه ها ،
یک حال خواب آلودگی را پیدا میکنند .

گویا جمله اشیای کائنات یک زبان حزن بیانی
باین بیت مترنم میشوند :

زدخان تو من از نظرها غایب شدم
مفرتو کردی امن در وطن غریب شدم

این استفهام طوبیان

علم ثروت ملل

(مابعد از نمبر دوم)

(در بیان قیمت)

هر چیزیکه فایده داشته باشد ، و یک شخص آنرا
بسعی کوشش خود بوجود آورده مالک و متصرف
آن گردد ، و آن را قابل آن سازد که بآن
یک چیز فائده مند دیگر بتواند بگیرد در آن
وقت آن چیز یک حیثیت دیگر پیدا میکند
که آن را (قیمت) میگویند . لهذا
(قیمت) یک چیزیست که از مباد له اشیای
فائده مند بوجود می آید . پس معلوم میشود
که چیزیکه فائده داشته باشد ممکن نیست که قیمت

فاجعه های پاریس

(مولفش برادر فرانسوی | مترجمش از ترکی بعاربی)

(قادیه ده موزین | محمد افندی)

(مابعد از نمبر دوم)

هیچ یک آدم بتازه گی بخورده نمیشود .

اما پیش از چهل چهل و پنج سال حال این محله
باین حال تا لائی ادبیج قیاس قبول نمیکرد . و دران
تاریخ کوچه های تنگ و تاریک این محله در تابستان
از گرد و خاک و در زمستان از گل و لای گذشته نمیشد
و با یک چراغهای نیلی پرده دود خیره کننده ی روشن شده
بود . خانه های شبه ناک دو طرف کوچه ها که رو بهدم
گاه و خلاف بعضی اوباش ما بود .

درمیان این عمارت ها سی دو طرف محله مذکور و یک
عمارت دو قاته موجود بود که در طرز بنا از خانه های
دیگر چندان فرقی نداشت . ولی رنگ و روغن جبهه
عمارت مذکور که بطرف کوچه است از هر طرف
رنگین و رنگ ابرشمی پیدا کرده بود . پرچوها و
روزنهای خانه مذکور که سبوی بازار باز شده
پرده های رنگارنگ غیر متظم که از سیلاهای مختلف
خریده شدن آنها معلوم می شد آویخته شده بود .

صاحب اینخانه (ویتیو) نام داشت که بلقب
(سیم چار لایه) معروف بود در طبقه ارزترین خانه یک
دکان قهوه خانه مانند کوچکی باز کرده بود که مشتریهای آن اکثر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 45 of 1786

نداشته باشد . مگر مانند آب و هوا ، و ضیا بعضی چیزها که آنهم بقوت سعی و کوشش صنعت قابل مبادله شدن شان گفت .

مثلا در جاهای بسیار پر هوا اراضی که اشخاص برای ریضان آنجا را برای تبدیل هوا اختیار کنند یک اوتل بسیار مکلف بسازند تا قیمت آن از عهده ما یحتاج اقامت گزین خود برآید و از بعضی اوقات آن هوای صاف بیاید و از بعضی آن ضیای آفتاب بکمال خوبی تابد فائده عام هوا و ضیا نیز قابل قیمت میشود .

ازین تفصیلات این نتیجه حاصل میشود که (فائده) و قیمت عبارت از اجزاء خاصه های (ثروت) یعنی توانگری میباشد .

کلمه (فائده) نسبت اشیا را با احتیاجات خواهشات بشر نشان میدهد ؛ و کلمه (قیمت) نسبت اشیای فایده مند را بیکدیگر در وقت مبادله نمایان می سازد . بنا علیه هر چیز که بآن (ثروت) گفته شود لازم و لابد است که غیر از فایده و قیمت هم داشته باشد .

پس ازین معلوم شد که ثروت و توانگری عبارت از زر و نقره و مسکوکات طلا و نقره را در صندوقها نهفتن شده بلکه صرف کردن طلا و نقره را در اشیای فایده مندی قیمت سهل المبادله ثروت و توانگری شمرده میشود .

برای اثبات این مدعا و منفکی تصور شود که در یک مملکت اسباب محتاج زندگانی مردم آن بسیار ناقص ، و ادویه و مسکنهای شان برای محافظه وجود غذائی و اهمیت عامه و وسایط اخلاقیه در آن مفقود باشد ؛ و در دیگر مملکت بعکس آن بوده اسباب از همه گونه چیزهای فائده مند بهره ور ، و غیر از انکه حوایج ضروریه خود شان را تدارک کرده بتوانند حاصلات فائده مند خود شان را که بقوت سعی و کوشش گرد آورده اند با اجناسهای متنعمه و اسباب حمل و نقل چابک رو مکمل در ملکهای دور و نزدیک

از گروه اوباشهای سرسری بودند .

اگر شاید بیگانه در میان مردم رحل اوشایع است باور کنیم چنان معلوم میشود که (دیفو) بغیر از همین صنعت ظاهری که دارد بعضی کارهای شبیه تألیف غیر مشروع پنهانی دیگر نیز اجرا میکند . اما این کارهای خود را چون تا بحال بکمال مهارت که در هیچ یکی ازان کارها ذره خلل نشده است اجرا کرده از آنرو با پولیس بعضی عکس سروکاری پیدا نکرده است ، بلکه بسبب بعضی معاونتها بلکه گاه گاه در باب جستجوی دزدان و اهل پولیس کرده پولیس نیز از بعضی واقعات کوچک بی اهمیت او چشم پوشی میکرده است .

در دیوار طبقه بالای این خانه یک قطعه تصویر قلمی رو غنی بسیار بزرگی در یک چوکات چوبی سیاهی آویخته شده بود که هنوز رنگ آمیزی درخشان خود را به گرمی آفتاب ، و گرد و باران خراب نکرده بود .

این قطعه تصویر یک زنی را نشان میداد که یک لباس گلابی رنگ برهنه در بر ، و یک گلاه زرد پر سفید بزرگی بر سر ، و یک شال قرمز رنگی بدوش انداخته ، با دو دستهای بلورین ساعد سفید گلوله خود یک طفل نوزاد برهنه و لطیفی را از میان یک دو پرده گرم سبزی به آهستگی در وقت بیرون می برآورد .

در زیر این صورت که قلم مهارت رقم مصور بصورت بسیار ناز کانه اطفال و اشتهار صنعت زایانندگی را تصویر کرده بود بقلم جلی یک نامی نوشته شده بود که آن نام این است .

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 46 of 1786

واقوام ترک و تاجیک فرو خته طلا و نقرهای
آنرا جلب و جذب نمایند . حالا
خواسته مهمان گرام انصاف کنند
که ازین دو مملکت کدام یک توانگرتر
شده و خواهد شد ؟

هیچ شبهه نیست که مملکت و قوم اولین
که مذکور گردید فقیر و بیحال و ویران شده
میشود . و مملکت و قوم دوم که بیان شد
صاحب ثروت و توان گرے گفته
میشود .

در اثنای پیدا شدن معدنهای طلا
در مملکت (کالیفورنیا) که در قطعهٔ (امریکا)
میباشد هنگامیکه مردمان هجوم آورده
و جمع آورے طلا ها مشغول بودند یک
وقتی آمد که بسیاری از مردمان پر طلا
پر گردیدگی ترک و قطعه جات نمودند .
چنانچه حضرت سعدی در حکایت گلستان
خود فرموده که (شکم پنبه پر زلقمه و خام) .

ثروت

پس ازین تفصیلات چنان معلوم شد
که هر چیزی خانده میشود که قیمت
داشته باشد ، و بصورت مبادله
بآن داد و ستد شود انگیز (ثروت)
یعنی (توانگری) گفته میشود .

(باقی دارد)

اشتهار

در باب درج شدن اشتهارات تجارتے و صنعتگرے
روزنامهٔ مبارکهٔ (سراج الاخبار) برای
اشتهارات کالهای تجارتے سوداگران
وطن عزیز ما که بفروش میخواهند برسانند
و یا بعضے صنعتها و پیشه ها یکه بعضے صنعتگران
اختراع کرده و فروختن آن را آرزو
میکنند حاضر و آماده می باشد که مال
سوداگران و صنعت صنعتگران را در همهٔ
آخرین اخبار خود اشتهار و اعلان
نماید . لهذا هر کس که آرزوی اشتهار
مال تجارتے و یا صنعت صنعتگری خود را
داشته باشد به اداره و خانهٔ سراج الاخبار
که در ماشین خانه است آمده و از قرار
سطریک روپیه اجرت آن را داده
مال و یا صنعت خود را بواسطهٔ اخبار
اشتهار میکنند و اگر کسے بخواهد که
از هیچ یا زیادتر اشتهار خود را
در اخبار بنویسد بر سطریک قران
گرفته خواهد شد .

مدیر و محرر سراج الاخبار

طبعی و باهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی مهتمم چاپه خانهٔ
دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 47 of 1786

صفحه ۱ | سال یکم | نمبر ۴

نگران
ایشیک قاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی

مدیر و مسئول محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانهٔ جمعه
در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل
جمله امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ اولین نمبر ذی الحجه ۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه
در اطراف افغانستان ۱۰ روپیه
در خارج مملکت با تزئید اجرت پوسته ۱۲ روپیه
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک شاهی است
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۳۰ عقرب ۱۲۹۰

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

در این اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

دار الیتاما

سبحان الله ! چیزها می بینیم که گوشهای ما را با یک سرود خسروانی خوشش آهنگی و اهتزاز لطافت پرور از جای آورده و دلهای ما را بوجد و نشاط با منبع اصلی جدم میسازد .

(دار الیتاما) یعنی (یتیم خانه) اینچه لفظ عجیب و غریبیست ؟

آیا بخیال و خاطر کسی میگذشت که در افغانستان شفاخانه ها ، یتیم خانه ها ، کتب ها ، ماشین ها ، تلگراف ها ، برقی ها ، بروی کار آید ؟ راههای متین ، پلهای آهنین ساخته شود ؟ عرابه ها ، بای سکلها ، موترها بران براه افتد ؟

در افغانستان میگویم نه در دیگر جا ؛ اگر پیش از ده سال این سخن را کسی میگفت که در افغانستان این چیزها شدنیست بر عقل او میخندیدند ، ولی چون ارادهٔ ازلی حضرت خالق لایزالی بر یک چیزی رفته باشد هیچ قوتی از قوتهای کائنات دافع آن شده نمیتواند .

بلی ! حضرت پروردگار بینهایی ما خاک پاک وطن مقدس ما (افغانستان) را منور کردن میخواست ، لهذا در پانزدهم ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۱۹ هجری یک سراجی بر افروخت ، و این وقت ، وطن را به آن روشن ساخت !

بلی ! عصر سعادت عصر اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان (دام الله دولته) عصر ترقی ، عصر تمدن ، عصر عدالت ، عصر مرحمت ، عصر علم ، عصر کمال ، عصر آبادی ، عصر سرور و شادی وطن است .

از جمله آثار خیرات و مبراتی که در این عصر سراجیه بظهور آمده یکی تدارک رفع وزایل ساختن بی پدر ، بیکس و پریشان ماندن اولاد وطن است .

بادشاه بزرگ خردمند ، بسیار با کمال یک بادشاه معارف دوست است ، در اکثر علوم و فنون باخبری و آگاهی دارند ، حتی در بعضی صنایع نفیسه معلومات کامله را مالک اند ، از جمله فن نوتوگرافی ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 48 of 1786

یعنی عکاسی را بدرجه کمال بسیار عالی رسانیده اند. حتی اگر بگویم که این فن عالی را که از مهمترین صنایع عصر حاضر شمرده میشود در افغانستان اول بار ذات اعلیحضرت پادشاه معظم بانفس نفیس شاه خود ایجاد و اجرا فرموده اند هیچ مبالغه نگفته خواهم بود. لوحه های بدیعه یکه از (استودیو) مبارک چاپ بروی کار میبرآید الحق که از نفیس ترین لوحه های فوتوگرافی عصر حاضر شمرده میشود.

این است که چند ماه مقدم در باغ ارگ مبارک یک نمایش گاهی برپا نمودند، هزارها لوحه های بسیار بدیعه دلفریب فوتوگرافی چوکات شده و یا چوکات شده، هزارها رقم عکس های عجیب و غریب لطیفه بدیعه تشهیر و نمایش داده شد. جمع اجزاء و اشراف بدیدن نمایش گاه بسیار رغبت و زینت دعوت فرموده شد. ذات اعلیحضرت شاه یک نطق بسیار پر تاثیر عالی در کیفیت صنعت فوتوگرافی، و مقصد خیر مرصد شاهانه از برپا ساختن این نمایش گاه بیان فرموده نمایش گاه را باز فرمودند.

نطق ملوکانه این بود که همانکه از خزینه دولت این لوحه های عکس حاصل آید در راه تربیت و پرورش اطفال یتیم فقراء و غربا های اهالی صرف میشود در یک (دار الایتام) یعنی یتیم خانه بسیار مکمل به آن ساخته میشود که محتاج امداد و معنوی اطفال مذکور را در بر گیرد. پس هر شخصی از زوار حاضره که بخریداری عکس های مذکوره حسن رضای خود میل و رغبت نمایند هم مالک لوحه های بسیار بدیعه لطیفه میشوند و هم داخل ثواب های اعمال انسانیت کارانه میگردند.

این نطق خیر اندیشانه شاهانه یک تاثیر عظیمی بر دلهای حاضرین نموده هر کس بقدر حال و استطاعت مال خود در آن عمل خیر با اصواب اشتراک ورزیدند.

همانکه از این راه جمع آمده و بنوز در آمدست در یک صندوق مخصوصی جمع می آید و در امورات پرخسارات (دار الایتام) بخرج میرسد.

حقیقتاً این تاسیس خیریه مبتنی اعلیحضرت شاهانه یکی از تاسیسات بسیار خیر خواهانه دین و دارانه پدرانه ایست که برای ملک و ملت شاهانه شان یک فال خیر سعادت و مدنیت شمرده میشود. از یکسو اعمال انسانیت کارانه در ممالک متمدنه که برای ادلاء فقرای ملت بروی کار میآید حد و حساب ندارد. ولی و اما سفاکه ما ای وطن عزیز با وجودیکه خیرات و مبرات را فطرتاً خیلی دوست دارند، ولی راه صرف کردن آن را به اعمال پسندیده فایده آور هنوز نیافته نشده اند.

این است که اعلیحضرت پادشاه خیر اندیش مراحم آگاه ما در ضمن تاسیس (دار الایتام) یک باب مرحمت، و یک شاه راه مدنیت باز فرمودند. از درگاه واحدیت اقتدای اعلیحضرت و اقبال شاهانه شان را تا زمانیکه تا از بی بهی از یکسو اعمال حسنه شاهانه شان دامن وقت بهره یاب فیوضات بلا نهایات گردند آمین فقط

جواهر خانه سلطنتی

نقل از اخبار ترکستان نمبر ۲۱۹ مورخه ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ شوال ۱۳۲۹ و ۲۰۲۶

اکنون بعد از تحقیقات معلوم شده است که جماعه قزاقان که چندی قبل ازین بر قریه عیسی خیل حمله کرده بودند از مردم خوست پناه شده آن مردم در سنه ۱۹۱۰ سر کار برطانیه را آزار بسیار داده بودند و بقرار معلوم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 49 of 1786

را باعرض تبریک عرض کرده شده است لازم بود که آنها بدهلاقه
اطمینان نوشته دهی شد تا مردمان معلوم بشود که حرارت
آنها خیلی سست و کمزور بوده و گرنه آنها حرارت بیشتر داشتند که
بسرحد آمده باین قدر خاموش و از دور علاقه انگریزی داخل
می شدند یقینا که دراین اثنائی از حرکات آنها
ناخبر بوده باشند و اگر آنها خواهش میداشتند قبل از
رسیدن قرارداد به علاقه یاغستان کل تفصیل بمعاش
مذکور را نمودی نمودند اینچنین گرفته آنها به یاغستان برسد
این امر خیلی آسان میشد و اگر بعضی خیل حد کرده شود نظر
حد آنها این دلیل حاصل بوده است چرا که آنها مال
واسباب بیحد قسم را برده نتوانسته اند فقط

(سراج الاخبار)

اگرچه حقیقت این خبر بشود ازاد روزنامه ما نویسیده
ولی البته لحظه میشود اگر اینگونه قضاوت بد معاشان
سرحدی در دلهای ملک بوقوع می آید شتاد در سرحدهای
(افغان) کار در نقطه بوروپ است بیچ گاه اینگونه
قضاوت و منازعات گم نمیشود . بیع دالک از قرار
مسموعاتیکه از بعضی اشخاص معتبر گرفته ایم در علاقه دولت
یک جاده بزرگی از برای ان شقاوت پیشه را حکومت
سنیه اتحادیه گرفتار نموده مجبوس دار السلطنه کابل
آورده اند بجازات لازمه گرفتار آمده اند فقط .

نقل از اخبار یاپونیه مورخه ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ شوال ۱۳۲۹

نامه نگار اخبار یاپونیه از مصر مینویسد که ترکی از برطانیه
درخواست نموده است که برای مصر اخراج را بطرابلس
فرستاده بتواند و چونکه شیخ الاسلام مصر فی الواقع (بحضرت
سلطان المعظم) میباشد و حق (از دو که در صرف اخراج
خود را از علاقه ریاست باچگذار خود بگذارند بلکه از
ریاست استعداد مالی و عسکری هم بنماید پس لازم است
که برطانیه آن درخواست را قبول کند مگر از منظوری
آن درخواست احتمال بسی پیچیدگی ها پیدا شده حل مشکلات
صرف این طریق ممکن است که برق عثمانی و مصری را
در قاهره پایان نموده بگای آن برق برطانیه بلند
کرده شود چرا که خود اهالی مصر هم از دل میخواهند

از مصر به علاقه برطانیه کاغذ نمی گردد فقط

نقل از اخبار علم آمدنی قاهره مصر مورخه بیوم جمعه ۲۲ رمضان مطابق ۱۵ سنبله ۱۳۲۹ / ۱۹۱۱

(خطابه حضرت رئیس گروه وطنی)

(برادران عزیزمن!)

مابان امشب جمع شدیم نه برای عید دستور آزادی
وحکومت شورائی و نه برای بیان تاریخ برآمدن انگلیز براد مصر
ونه برای یادداشت کار ینگ که از دست امت مصر می
برآمده باشد ولاکن بانگلیس سخت بیشوع کرا اجتماع
امشب ما برای یادوبی شوم ترین ایام امت مصر یت
آنروزیکه شیر برطانیه پنگل خود را در دل این بلاد
در آورد —

آن روز سیاهی که بر امت مصری واجب است
که در آنروز لباس سیاه پوشیده و بیرقها را سرنگون
بر درخانه های خود ایستاده کند —

آن روز که بر هر شخص مصری واجب است که آن را
بیاد داشته باشد — و بفرزندان خود از مدت
شیرخواری آن را نشان بدهد — روز ۱۴ سپتمبر
سنه ۱۸۸۲ است که کاش آن روز موجود نمی شد و کاش
آفتاب آن روز نمی برآمد .

یادوبی مراست با یام منحوسه آن از جمله مقصودترین
واجبات ماست

پس بر ما واجب است که پرده فراموش شدن
وفراموش ساختن آن روزهای سیاه را برآنها
بیاویزیم

سراج الاخبار

درهامین فقره آخرین نامه نگار (ریوتر)
این مقاله را سیاه روز و از آنکه در روز نامه
(هو) نوشته شده و ما تنها بقدر مه آن اکتفا
ورزیده ایم آن قدر یک بعد و تضادی مشاهده میشود
که بعد مسافه شهر (لندن) و (مصر) پیش آن
هیچ است !! ....

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 50 of 1786

نقل از اخبار پاریز مورخه ۱۴ اکتوبر ۱۸۵۴ مطابق ۱۰ ذی القعده ۱۲۷۰

دیروز از چین خبر تازه رسید که ریش اوراق شنشای قریب دوازده ساعت کامل با اوراق باغی جنگ نمودند و از طرف آنجا چهل نفر مقتول و یک صد و پنج نفر مجروح گردیدند و از طرف باغیان قریب چهار صد نفر مقتول و مجروح شدند و سی عراده توپ باغیان بتصرف قشون اوراق شنشای افتاد و شهر لین کاد بدست اوراق شنشای افتاد است و در شهر صورپستری چراغان بر قرار شده و اندرین ایام اقتتاح پارلمنت چین میشود که وزیر اعظم آن جا از آن شکوهی خواهد نمود فقط

از آنجا خبر تازه آمده است که اکنون قشون عثمانی در سلع که در قریب شهر طرابلس برای جنگ اوراق اطالیه جمع شده و اندیشه شصت هزار رسیده است و آنجا سامان حرب و خوراک و غیره بقدر کفایت از کشور فراهم شده و استعکامات خوب اطراف محصور ساخته اند و مردم از علاقه جات دور و نزدیک طرابلس برای امداد ترکان رسیده میرسند و اوراق اطالیه قلعه خندق نما را ترک کرده اند و برای این حرکت این دلیل را بیان میکنند که در خندق مذکور این قدر گنجایش نا موجود می باشد که از بدبوی آن مظنه مرض و خراب شدن آب میباشد فقط

سفیر ترکی مقیم لندن بیان میکند که در جنگ ۲۳ اکتوبر از اوراق اطالیه صد نفر مقتول و هفت صد نفر مجروح شدند و برای اخبار ثوث لک از مصر خبر رسیده است که انور بی به تبدیل لباس از مصر جبور نموده در علاقه طرابلس داخل شده است و با شیخ سنوسی ملاقات نموده است و عثمانی جمیع علاقه طرابلس را برای جهاد مستعد کرده است

بتقریب صید شنشای انگلستان در اخبار ایلون از مصر پروا نموده بودند در روزنامه از ملک برمنگهم یافته شده و بردند — چهار های مذکور سفر به صید گاه طی نموده و بر زمین فرود آمده اند فقط

نامه کار اخبار (زمان) که از پیرس شایع میشود اطلاع فتح نهایی جنگ طرابلس ملاقات نموده است و ترک مذکور در اثنای مقاله بیان کرده است که قریب مقابل اطالیه که افسران عثمانی مرتب نموده اند خیلی عالم فهم میباشد — ترکان بر ساحل مقابل اوراق اطالیه را خواهند کرد و در کوه ای گرد و اوراق و در صحرا استکاهات خود را خواهند ساخت و اگر افسران نظامی ترکی در طرابلس بر پایات و زیر جنگ کار بند شده باشند اسلحه و سامان حرب و خوراک و غیره و جراید اوراق عثمانی بکوه ای مذکور بقدر کفیر فراهم شده باشد و در خود طرابلس زمال و اسباب حرکه ترکیه چیزی باقی نمانده باشد و چون دو هزار ترک دیست و پنجهزار عرب مسلح در مقام جبل جمع خواهند شد فی الواقع اشتهای جنگ از آن وقت خواهد شد و در میدان ترکان هرگز نخواهند جنگید چرا که قشون اطالیه قلیل است البته هر وقت و هر زمان برای پلتن های اطالیه آزار و اذیت خواهد شد تا پیشه خود اطالیه را بیزار گردد و خواهش جنگ تنفس و آرام را بخشد و چون ترکان دیدند که اوراق اطالیه حوصله خود را با خواهش حاصره طرابلس کرده میشود و در آن وقت شجاعت و مردانگی و حمیت اسلامی برای مردم یورپ معلوم خواهد شد و هیچ بروایت نیست که فتح حاصل شود یا شکست لاکن ترکی رعب و اقتدار خود را در نظر یورپ بایں دلیل خواهد کرد فقط

اخبار ثایمز لندن مرتب — مولین مشکلات اطالیه برای فتح طرابلس حمل و نقل سامان حرب و خوراک جهاز چرا که اگر اکثر ها از مصر یا تونس برای بارگیری و غیره نرسیدند نقل و حرکت اوراق اطالیه محال جهاز و چنانکه از بیانات افسران نظامی ترکی ظاهر میشود که ترکیه از جهان با اطالیه جنگ خواهد کرد و در کوهستان برای اوراق اطالیه آزار و اذیت خواهد رفت و ازان صورت مشکلات فتح طرابلس برای اطالیه آشکارا خواهند گردید فقط

بعد از جنگ ۲۳ ستمبر افسران اطالیه با طرابلس سلوک خیلی بی رحمانه کرده اند و روز کاملی تا شی جمیع خانه ها گرفته شده بود و در دو مشتبه اشخاص معصوم با شلیک گلوله چاند ماری کرده شده است و مردم جوان و معمر و زنان و غیره را بلا تمیز قتل کرده شده است فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 51 of 1786

﴿ نقل از اخبار ﴾

﴿ پاریز مورخه ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ شوال ۱۳۲۹ ﴾

اگرچه اعلیحضرت امیر صاحب از دوکهای کابل سرک برترساخته اند لاکن آن سرک برای تاجران مطلقاً مفید نمیباشد - علی الخصوص سرک مذکور از جلال آباد الی جگدلک پر از زیر زمان میباشد و چنان معلوم میشود که جاده وزان اقوام مختلفه پروای حاکمان مقامی را ندارند عرصه چند بوم میشود که اطلاع این امر شایع شده بود که سپاهیان نظام برای حفاظت آن سرک فرستاده میشوند لاکن چنان معلوم میشود که تعیین آن اتمام نشده است بهرحال وآوردات ای قراقی کثرت بروقوع می آیند و برای تاجران وغیره خطره بسیار میباشد شاید چون اعلیحضرت امیر صاحب حسب سفر کابل آید بروند صورت معاملات بهتر شود و از لاپروائی درباره کابل ظاهر است که انتظام تمام ملک چندان خوب نیست چنانچه میگویند که بتاریخ ۲۱ اکتوبر چند نفر از قوم زکاخیل بر علاقه دکه آمده و سپاهی را محبوس کرده و برده اند و الحال برای رهائی شان مطالبه مبلغ مینمایند فقط

﴿ سراج الاخبار ﴾

این خبر ذیل را که رفیق ما اخبار پاریز نیسه در نمبر ۱۶۵۵۰ مورخه ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ که ترجمه آن لفظ بلفظ کرده شده است درباب عدم امنیت سرک مابین دکه و کابل ملک در هر ملک یک شرعی نوشته که خبر مذکور هیچ اصل و اساس ندارد - سرک پرخطر که ساخته شده و امنیان کابل را مالک است - نظام و انتظام هر ملک بر محور لایق خود و در جریان است و در هر هر طرف ملک را اپهای منظره و عمارات و پل ها و نهرها و بسی آثار ترقی و تمدن بسایه اعلیحضرت پادشاهی جاری و در کار است - اما اگر بعضی کس یکه بدون تاخیر و بی هر تمدارکات برداشته روان شوند و بعضی روزها ان سرد و چار شوند انچنان روزها سرسری تنها در راه ها مابین دکه و کابل فی ملک در کوچه ها و سرک های شهرهای بزرگ پاریس و لندن وغیره نیز موجود خواهد بود که با کیسه ها زده و یا جات را گفته برانسان هجوم میاورند -

﴿ از اخبار مائن فرانسوی ﴾
﴿ نقل میشود ﴾

یک اداره نگار اخبار جرمنی مینویسد که حکومت ما غلط کرده که از یک طرف با حکومت فرانسس سلوک تا لایق را پیشه گرفت - و از دیگر طرف ایطالیا تنها را مانع حمله طرابلس شد - ایطالیا تنها عجب است که از هدایت و تجذیب بحث بکند و مانع ساختن و تجذیب دادن طرابلس را بنا گرفته بر طرابلس حمله بکند با چراین وقت دشمن را در ملک خود نشانده که در صدد میباشد این ناحیه را تا نویس میباشد - و بسیار جاهای آن بسوی زوال رفته است - دولت متفق ما یعنی ایطالیا بر دولت دوست عثمانی حمله کرده جائی یک ملک از او گرفته خواست کرائی خود دولت عثمانی را بگیرد زیرا برای تجارت ما در مصر و بندر عدن فایده کلی دارد -

﴿ از تلغراف آخرین اخبار (اقدام) استانبول ﴾
نقل میشود

(بشارت مهم)

خبر مخصوص ما از طرابلس غرب مینویسد که در (دوبات) هم موقع عساکر عثمانی برایطالیائیها شبیخون برده اند و مقدار (هفت صد) نفر از قشون کرایطالی را تلف نموده و اند و زخمی کرده و شهید افتاده است - قوه عثمانیه کما برجاست - بمقابله دشمن پا پیش میگیرند - امید واریم که غالب شوند -

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 52 of 1786

مقالات طبیه

بعضی قاعده های حفظ صحت در باب معده

۱ — تا میتوانید ساعات های منظم و وقتهای معین طعام بخورید یعنی چنین عمل کنید که یک روز نان چاشت را با دیگر روز با دیگر روز با دیگر. نی بلکه بر ساعتی را که برای نان چاشت یا نان شام خود مقرر کنید بهمان وقت و ساعت هر روز طعام بخورید.

۲ — اگر چه نان ضعیف باشد، ولی اشتهای هم داشته باشید وقتیکه گرسنه شوید بهمان دم طعام بخورید ولی کم بخورید و پی هم بخورید.

۳ — طعام را که میخورید خوب بجوید و بعد بتوان فرو برید.

۴ — وقتیکه طعام گرم میخورید آب و دیگر مشروبات بسیار سرد نخورید.

۵ — وقتیکه طعام بانجام رسید و میخواهید که از سفره برخیزید یک لقمه نان خشک بخورید، چونکه این عادت هم هضم را آسان میکند، و هم برای پاک کردن دندانها دلپسند است.

۶ — اگر بسیار تهر و غضب تان آمده باشد، و یا آنکه بسیار مانده شده باشید اصلا بسفره طعام نزدیک نشوید، زیرا طعامیکه بعد از قهر و غضب بسیار، و یا بعد از ماندگی و تعب بیشمار خورده شود معده را درهم و برهم میکند.

۷ — وقتیکه بر سفره طعام بنشینید بیجا و بجز از کتاب و یا مطالعه اخبار و یا توقعن مشغول نشوید که معده تان را خراب میکند.

۸ — با مردمان خوش طبع و خوش حال بر سفره بنشینید، و از چیزیکه خوش تان می آید، دل تان را خوش بسازد گفتگو و اختلاط کنید. زیرا طعامیکه بخوشی و فرحت خورده شود به آسانی هضم میشود.

۹ — بعد از آنکه از سفره طعام برخیزید زنهار بجان خود مکنید که شما را مانده و کند مشغول نشوید. بعد از آنکه خوب یک قدری آرام و راحت کردید باز بهر کار یکه دارید مشغول شوید.

۱۰ — از سفره طعام که هنوز اشتها بخوردن داشته باشید برخیزید. زنهار که معده تان را تا بآخر درجه پر نکنید.

۱۱ — از چیزیکه نفرت تان آمد زنهار آنرا نخورید.

۱۲ — پیش از طعام و بعد از طعام، و در وقت خوردن طعام اصلا قهر آلین و غضب ناک نشوید. زیرا هر لقمه یکه بقهر و غضب بخورید آن لقمه طعام نی بلکه یک سوزن دانی است که میخورید.

دو نصیحت برای صحت

اول برای صحت عمومیه :— وقت برخیزید وقت بخواب.

دوم برای صحت تنفس :— آب پاک، و هوای تازه مدار زنده گیست. اما بهوای صاف، و ضیای آفتاب نیز برای صحت بهمان درجه الزم شمرده میشود.

سوم برای صحت هضم :— اکسیر اعظم در ازدیاد عمر طعام را خفاف کار انه یعنی بدرجه کفایت خوردنست.

چهارم برای صحت پوست :— پاکی و شست و شوی بدن انسان را از زنگ گرفتن محافظه میکند. باشین تا بدنها خوب پاک شوند و بخوبی چرب و نگهداشته شوند تا بسیار سالها کار رسیده بند. علاج بقا، پاکی بدن آب و صابونست.

پنجم برای صحت خواب :— خوابیکه بدرجه کفایت باشد بدن و ذهن را قوت میدهد. استراحتی که از درجه لزوم بیشتر کرده وجود را ضعیف

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 53 of 1786

وناتوان می سازد .

ششم برای صحت پوشاک :— بهترین پوشاکها همان است که مانع حرکت بدن انسان نشود ، وگرمی لازمی که برای وجود بکار است حاصل کند ، واز برگرفتن تبدلات ناگهانی هوا بدن وجود انسان را حفظ کند .

هفتم برای صحت نشیمنگاه :— خانه نشیمنگاهی که آب وستره ، ورودشمن وفرحت ناک باشد ، عائله اش را گزین آنرا بیشتر محبوب ومقبول می سازد .

هشتم برای صحت نظر :— نظر بساعت تیری مستریح میشود ، اما اگر در ساعت تیری افراط شود وبدا ستعمالی دران پیش آید انسان را بهوسات می اندازد ، بهوسات نیز به سینات کشیده میبرد .

نهم برای صحت روح :— چستی وچالاکی وخوشی وفرحت زندگانی را به انسان شیرین میکند که جنت بیات نیم صحت است . حزن ومایوسیت زود انسان را پیر میکند .

دهم صحت مسلمات :— تنها مغفرت ترا نمی پروراند ، بریکار نماندن بنده های دست وپایت نیز وقت وملاحظه بلمن .

(از اخلاق عسکری ترجمه شده)

نصیحت

ای همشهریان عزیز

نصیحای گوناگون حضرت خالق بیچون در باره بندگان غفلت پیشه از حساب افزون است ، ذات پاک اقدس پروردگار بهتای با در کلام قدیم واجب التعظیم خود میفرماید که : (فَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا) یعنی اگر بخواهید نعمتهای خدا را شمارید

بیحد ، شمرده نخواهید توانست ، الحق که این کلام رب العلمین یکتای ما برای بیداری وآگاهی ما از خواب غفلت یک تازیانه شوق وغیرت شمرده میشود ، نعمتهای جسیم ما بعد از حصای او سبحانه را یگان یگان در پیش نظر عبرت آورده به طاعت وعبادت ، وتحصیل کمالات انسانیه حسی وغیرت ورزیم ، ولایق نام وعنوان جلیل شان (انسان) گردیم .

(انسان) چو جوهر بدیعیست که نه در شکل وصورت ، ونه در وضع وحرکت ، ونه در طرز معیشت ، ونه در ترکیب فضیلت بدیگر مخلوقات خدا هیچ شابهت نمیرساند ، بلی اگرچه در خوردن ، وآشامیدن ، وخسپیدن ، ودویدن ، وغضب وشهوت وتوالد وتناسل یعنی ذریت ونسل پیدا کردن با دیگر حیوانات چهارپا مشابهت ومشارکت داریم ، ولی خوردن ما وخوابیدن ما ونسل وذریت ما در دایره قاعده وقانونهای بسیار منظمی اجرا میشود که با حیوانات دیگر هیچ شابهت نمیرساند .

صرف نظر از دیگران تنها در یک (توالد وتناسل) یعنی اولاد آوردن ونسل پیدا کردن غور کنیم :

حیوانات دیگر در قبال بهشت همین یکه ذات آنها در نظرت شان نهاده معامله نموده ، در باب افزونی ذریت ، واندیشه استقبال نوعیت خود شان هیچ اندیشه ، وهیچ صنعت وپیشه ندارند حال آنکه توالد وتناسل انسانی به بسی علمهای زبانی ، وقواعد وطایف انسانی انتظام پذیرفته یک ترتیب واصول منظمی اجرا میشود .

حیوانات بعد از انکه اولادهای شان از ستن شیر خوارگی گذشت هیچ شناسائی ومعنوی در میان شان باقی نمانده هریک بی کار خود شان میروند ، حال آنکه انسان اینچنین نیست ، بلکه انسان ذریتی که تشکیل میکند در ان باب بسی چیزهای اندیشه ، واسباب استقبال وطن نموده از ان امید میکند .

ای همشهریان عزیز ! بیخواهیم یک قدری از اولاد یعنی ثمره های زندگانی خود بحث وبیان نمائیم ؟

اولاد ، نهالان تر وتازه بوستان (وطن) اند که اگر خوب تربیت شوند ، وخوب نگهبانی شوند ، میوه های بسیار شیرینی برای وطن بار میدهند ، واگر در ضمن تربیت واب یاری شان وقت را ضایع کرده شود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 54 of 1786

چرا بوب نشک، اگر هیچ ثمره از آنها حاصل نمیشود، که دارای مال و آنها تنها برای ملک نیست بلکه ترقی مدنیت و ابادی دولت و ملت، و طن نیز آباد و معمور میشود. تعلیم علم، آموختن هنر و صنعت تربیه اخلاق، و تادیب آداب اولاد و ای ما برما از تدارک پوشاک، و خوراک شان بهتر و از خیر شمرده میشود. زیرا اگر علم و هنر یاموزند، و اخلاق و آداب شان مکمل شود غیر از انکه حوایج ضروریه خود و عائله و اوطن خود را تدارک نمایند از ثمره علم و هنر شان دولت، ملت، و طن نیز مستفید میشود. و اگر ما بان جمع آوری مال دارند و خزن زر و دینار را برای استقبال یعنی آینده اولاد و خود دار غفلت و را شماریم غلط کرده خواهیم بود. چونکه اصل خیر با ثمر و ثروتگری همان است نه مال! مال سبب عدم علم و ادب، و فقدان هنر و صنعت یا اندک مدت تلف میشود. حال آنکه علم و هنر چنان سرمایه ایست که هیچ گاه نابود نمیشود.

ای هشهریان عزیز! وظیفه تعلیم و تربیه اولاد خود را زیاده کرا بهم چیز قرار نمیدهیم! بنا بر مراهم پیرایه صورت آنها باوست و خیر اندیش عدالت کیش جناب اعلیحضرت (سراج الملة والدین) الموفق در هر سر محله از محلات شهر مکتب های ابتدائیه صبیانیه باز گردیده و پس تا میتوانیم میباید که اطفال خود را خواندن و نوشتن ابتدائی بیاموزانیم.

ای هشهریان عزیز! اگرچه بسر چشمه های علم و هنر یعنی مکتب های ابتدائی و غیره و طن عزیز ما از حد زیاده محتاج است، و دولت متبوعه ما تقدیر سامی در باب افزودن آن صرف همت مینماید ولی این را هم فراموش نباید کرد که تشجیعات دولت در غیاب کافی نمیباشد. بلکه ما افراد امالی نیز در غیاب اگر سعی و کوشش و مدیریت و پیروی نیت و مقصد خیر خواهانه پدرانه شفیق ارحم تر خود مان را کرده دست اتفاق هم بهم دیگر بهم بدهیم و قلبا صمیمانه را که شرع شریف بر زکوة داون مال خود ما جواز امر قطعی فرموده، و اطفا زکوة را بدرجه اولای حلاوتبرا فرض ساخته دیکی گیرد آریم، و به اخلاص دل و صفای نیت آنرا بوجه احسن در راه تربیت و تعلیم اولاد و طن خود صرف نمائیم بی

لمحه ای ابتدائی طرز جدید انشا و ضبط داده خواهیم و امید ولی هزار افسوس که ما بهتر از هر علم و صنعت و هنر و صنعت را نمیشناسیم!

ای هشهریان عزیز! آیا در دفعه براه میرویدیکه؟ حقیقت چه ما در یک کوچه یا کدام میدانی که بجوز بازی مشغول باشند برخورده باشید یا نی، البته برخورده باشید زیرا هیچ گوشه و کناری نباشد که از جوز بازی بچه یا یک جمعیتی دیده نشود. حالا یک قدری گوش دهیم، و یک کمی توقف کنیم ببینیم که چه میگویند و چه میکنند!...

نی نی! بهتر این است که بگذریم، و نشنویم! سبحان الله! چه کلمات رذیله، چه فحشیات نامربوط شنیدیم، چه خوان قبیح بنگران نیز از شنیدن آن هم لرزه میگیرد!

چه روده دراز! بهزار زحمت ابله اش رشته، پاک و پاره کاه بیش را دوخته، پدر بهزار عرق جبین آن کالا را تدارک کرده و هزار افسوس که بچه بسبب عدم قوی دل بهزی یک جوز بازی که در حقیقت یک نوعی از قمار است کالا را در خاک و لای پاک آلوده ساخته، و بسبب چرکنوی فحش آلودی که با دگران شامل خود کرده کالا را پاره پاره کرده! چه قدر حسرت انگیز یک حال!!...

ای هشهریان عزیز! هیچ نباشد بیائید که بچارگان ارباب رفع و زوال ساختن این کلمات فحشیه ننگ اولاد های دوربا بین خود شان صرف بنمایند بیائید بشنویم من میگویم که بیائید به اتفاق چه گیر زبان خود را از شنیدن الفاظ رکیک فحشیه رذیله نجیب نگهداریم تا اولاد ما را تقلید نکنند!....

ادبیات

علم - و - معرفت

در عالم عرائف ترازیج چیزی بدرجه علم و معرفت نمیرسد و منزلت نمیشناسد، و برای پیدا کردن اسباب و وسایلیکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 55 of 1786

انسان با آن محتاج است بجز توسل بتحصیل معارف و صنایع و گریبی چاره نباشد .

در هیچ وقت ، و هیچ جا برای هیچ قوم ، در هیچ وقت بجز سلوک طریق علم و معرفت ، و بدست آوردن جواهر گران بهای هنر و صنعت ترقی و پیشرفت و عزت و توانگری حاصل نشد ، و نخواهد شد .

اینهمه ترقیات و اختراعات که در عالم مدنیت پدید آمده ، و اینهمه اختراعات غیر المعقول که گردش زمین را بدور خشیدن آورده و آیا غیر نوریز درخشان آفتاب عالمتاب علم و عرفان دگر چیز است ؟

علم ، صنعت ، دولت ، ثروت ، هیچ سطوت که در پیش جبروت آن آسمانسیر چیزی مقاومت و توانائی نتواند ، و چنان یک قوت (شعشعه) و (شعله الکتریکی یعنی (برق) ایست که در پیش دریاهای پر قوت خارق العاده او گوئی (قیر محن) از صفحه دیوار کائنات محو و نابود !

علم و عرفانست که انسانرا بر بحر و بر مسلط و قادر ، بر روی انسان و حیوان بر جنگل و کان حاکم و استیلای میسازد ، علم و معرفت ، اهل و ثروت است که انسان را نبیل ، عظیم ، سبیل عظیم میدهد .

— علم چیست ؟

— دانائی ؟

— معرفت چیست ؟

— شناسائی ؟

تا دانا نشوی نه خود را می شناسی نه خدا را !
تا شناسا نشوی نه غیر خود را می اندیشی نه غیر را !

غزل

بگذشت و رفت

وقت شعر است و سخنوری بگذشت و رفت
وقت سحر است و ساحری بگذشت و رفت

وقت اقدام است و سعی و جد و جهد
وقت خفت و تن پروری بگذشت و رفت

عصر عصر نور و برق است برق
گاه جای اشتری بگذشت و رفت

کیمیا از جمله اشیا زر شد
وقت اکسیر آوری بگذشت و رفت

نم عزلت بس ، صنعت پرسی
قصه دیو و پری بگذشت و رفت

تلگراف آر و خبر از شرق و غرب
نامه و نامه بری بگذشت و رفت

سیم آهن در سخن آمد ز برق
چنگلون بشنو ، گری بگذشت و رفت

کوچها سوراخ و بر از خر شده
جاسوسی را گهر بگذشت و رفت

شده هوا بر حالة نوع بشر
رنگ جبال و بری بگذشت و رفت

گفت دلجو این سخن را دیر رفت
سی کن خنکسری بگذشت و رفت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 56 of 1786

بوسه مادر

یک شب بسیار با صفائی که بعد از یک روز دلگشا آمده باشد ، و یک آسمانی را که با ستاره های زرد طنازی شیشه دار شده باشد ، و یک مهتاب نقره رنگی را که انوار بی جلای صفا شاه خود را بر کائنات خواب آلود پاشیده کردن آغاز کرده باشد دوست دارم اگر چه را دوست ندارم ؟

رودیع لطف شیرین جان افزائی را که بوقت صبح آهسته میوزد ، و شمام جان را بوی گلهای رنگارنگی معطر میسازد ، و نهالان نشسته در رقت وقت او اشک گریه بار شبنم تر شده باشد ، و زمزمه های عاشقانه را که مرغکان خوشلحان رنگارنگ در بیشه زارها پر از بار رنگین بر پا نموده باشند دوست دارم .

در یک شب حزن انگیزی صدای سازهای بلبوله شوق انگیز بر نغمه کار را نیز دوست دارم .

سیمای یک طفل زیبای پر شعاعت زرد رنگی را که از پای روی ابریشم زردش موج موج شده باشد ، و چشمهای سیاه گریه ناکش پر خوف و گاه پر حسرت ، و گاه غضب ، و گاه خنده و گاه گریه دلشان بدجور دوست دارم .

اقاقیا بهمه زیاد ، تر صدای شب شب بوسهای شیرین یک مادری را که از زبان بچه های ملطف تو بزبان آمده خود میگیرد ، و آواز بسیار تواز معصومانه لطفا تا در را که یک شکر بی و شکسته زبانی با مادر خود سخن میگیرد دوست دارم .

(از اشعار زنانه از اشعار ... ترجمه شده)

علم ثروت ملل

مابعد از نمبر سوم

در بیان قیمت

واین هم معلوم شد که اگر چیزی که فایده آن کم باشد

فاجعه یا پاریس

مابعد از نمبر سوم

مادام آنتو

زنانی را که میزایند باجرت میزاینده ، و پرستاری وقت ولادت پرستاری آنها را میکنند ، در قبضه استخوان اصرار بسیار داشتند بمورزه در اجرت

معلوم بسیار آسانی

عوض میکنند

پس معلوم شد که در طبقه دوم این خانه (مادام آنتو) نام دایه زاینده و قابله است دارد ، و در این خصوص باجرت خدمت و پرستاری میکند . اگر چه در ربط

در باب اصل و نسب این (مادام آنتو) معلومات نداریم ، مادر کوچه (باتیستول) این زن در سعادتداری و پرستاری خود بسیار راست و درست یک زنی بوده ، طبقه دوم خانه موسیو و مدموازل تیرسی در زیر اجاره خود داشت . و بسبب درست معاینه گی و اداره کردن کرایه خانه را بصورت منتظم نظر احترام و خشنودی موسیو و مدموازل تیرسی حاصل کرده است .

در برابر این قطعه تصویر اعلان صنعت مادام آنتو بر چهار طبقه سوم خانه مذکور یک قطعه اعلان نامه دیگری آویخته شده بود که بر آن قطعه نیز همچنین یک اعلان نامه نوشته شده بود :

((یک هفته گی ، یا نزده روزه ، یا ماهه گی ، دایه ها))

((خواسته شده و کرایه موجود است))

عبده برادر این دایه ها نیز خود موسیو و مدموازل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 57 of 1786

وقت نداشته، بصورت بیاورد بآن داد دست نشود. گیرد از جلد ثروت و توانگری شمرده نمیشود. مثلا با وجودیکه از جواهر و طیاره فایده مند تر چیزی برای حیات انسان تصور نمیشود باز هم بسیبی که بتصرف و ملکیت کسی نمی آید، و بصورت بیاورد بآن داد دست نمیشود از (ثروت) معدود نمیشوند. اگرچه اینها نیز تا یکدرجه بقرار یکه پیش ازین ذکر شد قابل قیمت میشوند ولی چون آنچنان قیمت شاذ و نادر است، و قابل بیاورد داد و ستد نمیباشد ازان رو در دایره تدقیقات (علم ثروت ملل) داخل نمیشود. اما آب چنانچه مذکور گردید مستثنا میباشد زیرا قابل بیاورد داد و ستد است. اگرچه بعضی از ارباب این علم معنای (ثروت) را بسیار وسیع و فراخ گرفته چیزهائیکه از قبیل معنویات و روحانیات باشد مانند علوم عقلیه، و فضایل اخلاقیه را نیز از جمله ثروت شمرده اند. ولی رای اکثر علمای (علم ثروت) برین است که ثروت برجان چیزهائی اطلاق میشود که مادی یعنی جسمانی باشد و بدست گرفته شود، و بچشم دیده شود. اما این را هم بگوئیم

که علوم عقلیه، و فضایل اخلاقیه اگرچه از چیزهای معنوی شمرده نمیشوند ولی چون مدار کلی ترقیات مدنیه و بسیط بلکه اکثر اول ثروت مادیه یعنی توانگری جسمانی میباشد از اسباب اصلی ثروت شمرده میشوند. اما چون اینها اساسا (بعلم اخلاق) و (علم حکمت) تعلق میگیرد از ضمن و بحث (علم ثروت) خارج افتاده است. اگرچه اینها را ثروت نام داده شود و بنا علوم آدبیه و علوم حکمیه اخلاقیه و عقلیه را داخل (علم ثروت) باید شود. حالانکه (علم ثروت) یک حکمت که مخصوص اشیاء مادی و جسمانی که قابل بیاورد و قیمت را جائز است میباشد.

از مشاهیر ارباب این علم (جون استوارت میل) و (آدام اسمیت) که هردو انگلیس میباشند در کتاب چنین میگویند:

این یک را هرکس میداند که توانگر شدن دیگر است، و عالم و فاضل شدن دیگر. این را هم هرکس تسلیم میکند که جستجو کردن اسباب فضایل اخلاقیه

(باقی دارد)

از یک زینه بسیار پیچیل و پرپیچ که در آخر یک رهرو تاریک و دیگر بدروازه بزرگی موجود بود داخل بدو اپارتمان میشوم. و از آنجا به اوتاقهای گرانی بالائی رفته می شد ماحالا باتاریکین گرام خود به اوتاق نمبر (۴) او تاقهای گرانی نه کورد داخل میشویم.

این اوتاق آنقدر ظلمات زده و بدقرشی بود که بدتر و عاوتی تر ازان هیچ یک اوتاقی تصور نمی شد. از سمان بسیار چرکین و پرگه سرخ رنگ پرده ها بر پنجره های آن آویخته شده بود. بر زمین خانه بجز قطعات های خود خانه دیگر هیچ فرشی گسترده نبود. بر یک قطعه تخته چهار تراشی یک لمپای بورنی گاو پرشده، و بر روی آن از قماش چیتی چرکین یک خواب گاهی موجود بود که پرده های چرکین این خواب گاه، و پوشش تکه های آن نیز

از قماش پرده های پنجره ها بود. یک الماری کهنه، و یک میز چوبین چرب و چیل و چار پوکی بوریائی پاره پاره بلا مفرد شاب این اوتاق را تشکیل میداد.

در زیر بر آمدگی بخاری که در دیوار بود یک منقل آهنین، و یک سماوار چودنی، یک دیگ مسی، یک دو سه شتاب آهن حلبی، دو صراحی قلیچ آب، یک دو کارد دسته شاخی، و دو پنجه و قاشق زنگ زده ظروف و ادوانی این اوتاق بود.

در باب مفروشات و ادوانی اوتاق مذکور همین قدر بود که بیان کردیم حالا به اشخاصی که درین اوتاق موجود هستند نظر کنیم!

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 58 of 1786

صنایع

صنعت (لیتوگرافی) یعنی چاپ سنگی

(اول کسیکه صنعت (لیتوگراف) یعنی چاپ سنگی را اختراع کرده (سنه غلط) نام جرمنی میباشد (سنه غلط) در تاریخ ۱۷۷۱ میلادی شهر (پراغ) تولد یافته در تاریخ ۱۸۳۴ بشهر (مونیخ) فوت شده است.

پدرش در تیاتر (تومیدیان) یعنی مسخره کار بود، خود او هم باین صنعت داخل شد. ولی پدرش میخواست که پسرش تحصیل علم حقوق کرده وکیل عدالت شود. (۱۷۹۱ سنه غلط) در ان علم شوقی نداشت از ان رو بتالیف پیس و تیاتر کاری مشغول و در زمره بعضی اشرار تالیف نموده بود.

(گوتنبرگ) نام جرمنی قبل ازان اصول چاپ کردن حروفات قابلی اختراع کرده بود ولی چون در انوقت مخارج چاپ کردن بسیار زحمت بود کتابهای (اول) و تیاتر (سنه غلط) را بهیچ کتاب فروشی نمیداد چاپ نمیکرد. لهذا خود مشق نموده کتابها خود را خود چاپ میکرد پس بفکر افتاد که طریقه سریعتر از طریقه حروف قابلی اختراع نماید که کتابها را بتوان بسرعت چاپ کرد. و در این فکر بود که اتفاقاً یعنی بصورت سهو چیزی نوشتن گرفت و در وقت چاپ دیده خواند و از همین قرار خود کتاب چاپ نماید.

بعد ازان فکر است که این طریقه خود را بر سنگ اجرا کند. در شهر (مونیخ) یک سنگ موجود بود که آنرا در دباغخانه استعمال میکردند که آن سنگها از نرم چون سنگ چاپ بود. لهذا چون طریقه خود را بران سنگ کار برده باز بر روی کاغذ چاپ کرد نتیجه بصورت تصاویری یعنی خود طریقه صنعت گوتنبرگ را بظهور رساند.

خود (سنه غلط) حکایت میکند که روزی بود که من مصروف کردن سنگ و دادن نقش و ارش بر آن طریقه مشغول بودم که والده من آمده گفت: ـ فرزند! دوش چون بخواب رفته حساب کتابهای شست گی را در بر چیزی نوشته بودم که حساب باو غلط نشود.

(من بر خاسته جستجو کردم و کاغذ یافتم بعد از ان تصمیم کردم که کاری کنم که در آنجا از نوشتن و حساب کردن فارغ شوم و دیدم که مرکب بود بر روی سنگ (سنگ چاپ) حساب کرده را شستم. بعد از ان خیال کردم که آیا بر این نوشته اگر تیزاب بریزم تیزاب سنگ را خورده حروفها را بر آورده خواهد توانست یافت؟ لهذا نوشته را بسیار بر نوشتم و دیدم که تیزاب نوشته را خورده تو انست.

برای این قرار یک حصه تیزاب را در ده حصه آب حل کرده بود در طرف کوچک ریخته بر سنگ نوشته ریخته پنج دقیقه صبر کردم.

(بعد ازان دیدم که نوشته با تقریب یک ورق کاغذ نقش پیدا کرد، ازین قرار دیدم زیاده شد یا تقریب را تجربه کردم، در بخار روشته، بسیار جلی نوشتم و بعد از یکقدر تیزاب سنگ سیاهی ام دیدم که بسیار خوب سیاهی گرفته.

باز با خود فکر کرد که اگر کاغذ را بر این نوشته بگذارم چه خواهد شد؟ لهذا چنین کردم دیدم که نوشته بعینه منعکس بر کاغذ ثبت گردید. ازین قرار این کار نوشته را تا چند مرتبه خواسته (کوتنبرگ) ساخته بقدر دو یا سه صد چاپ شود حال آنکه ازین قرار بیکطرز تجربی برایم پیدا شد. باز فکر کرد که اگر کاغذ سفید را بر نوشته و بر سنگ بگذارم و بغلتم چه میشود؟ چون قرار دیدم که نوشته بعینه منعکس بر کاغذ راست و درست بر آمد.

لهذا بمقصد خود از تجربه کاری کاملاً مطمئن گردیده خیال خاطرم جمع شد بعد ازان بمشق چند روز اصلاح سنگ و کاغذ و اقدام بر کار چاپ نموده رساله که در سنه (سنه غلط) صنعت (لیتوگرافی) یعنی چاپ سنگی را بنظر عموم رسانید که بعد از ان بمشق تمام و کمال صنعت (لیتوگرافی) را موفق و در ان طبع طباعت چهار شب بسیار جنسی است. م. فضلی

تاریخ تاسیس دفتر مبارک سراج الاخبار زاده طبع میرزا محمد حسین خان (الحرفت)

اندرین عصر پادشاه زمان — عادل و صاحبقران جهان
حضرت شه سراج ملت دین — شهریار رحیم و با احسان
گشته مرهم ز لطف او بر ریش — چون صراحی پر از نم نمی نان
بیکس و بیزبان وجود بود — مشفق و هم حبیب با غلطان
خواست تا جود خوم و دفتر او — گوی سبقت برد ز اقران
امر شد از حضور حضرت شاه — بهر طبع جریده و منشیان
طبع شد این جریده نیکو — چون صدف پر ز دُر رخشان
چونکه تاسیس سراج الاخبار است — باد در امن حق نگاهدار
رشک افاسی حضور امیر — علی احمد گشت سرنگران
سر محرر مدیر اخبار است — بیک محمد حسین الاقران
گر تو تاریخ سال طبع وی را — از ره صدق جستجو جویان
سنه یکهزار و سه صد و بیست — نه دگر لمن زیاده و بر ان
چید پرسال طبع او تنزلمن — علم و اباب طبع او فقران

هر مقاله یا نقطه و سطور که در اخبار از طرف سر محرر قلمی یا قلمی

مدیر و سر محرر سراج الاخبار

بسعی و اهتمام الحاج عبد الخالق پسر طرزی مهتمم چاپخانه دار السلطنه کابل

بقلم میرزا محمد حسین خان هزاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 59 of 1786

صفحه ۱ سال یکم نمبر ۵

نگران
اسسک اداسی علی حضرت راجعه شاهانه
محمد احمد

مدیر و صاحب امتیاز
محمد طرزی

اداره اخبار و مطبعه
در باشین خانه دار السلطنه کابل

هر امور تعلق به اداره روزنامه
مدیر فرستاده شود

تاریخ اول ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در ولایات اعلیحضرت پادشاه ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخذ تجارتی تمبر پوسته انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یک شاهی است
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۱۴ قوس ۱۲۹۰

سراج الاخبار
۱۳۲۹

در این اخبار از حوادث داخله و خارجه و بسی مقالات مفیده درج میشود

صورت نطق همایونی

در اثنای قرائت عریضه از اعیان و اشراف، و جمعیت و رعایای حضرت اوقاف ازهر گروه و اصناف مسلمانان مملکت محروسه شاهانه افغانستان پوشیده و پیداست،

بر انسان که در این جهان فانی هیئت و زندگانی بسر آرد در هر کار و جهه اشتغال خود دو منظور دارد یکی مادی یعنی جسمانی، دوم معنوی یعنی روحانی و هر دو حال برای هر کار خود انسان بسی وظیفه او مکلف، و به اجرای بسی کار را مکلف میباشد که بنا بر مقتضای کرامت و شرافت نوعی که ذات اقدس حضرت احسن الخالقین جل جلاله انسان را عطا فرموده و در بجا آوردن آن وظیفه مادی نمودن آن کار را هر به رفع و زایل ساختن احتیاجات و ضروریات جسمانی خود کامیاب می آید، و هم از ثوابات روحانی اخروی خود بهره یاب میگردد،

چنانچه طاعت و عبادت رب معبود انسان را بمقامات عالیات روحانی سرفراز میسازد و بجنان معاونت و مساعدت دوستانه بالمقابل گریبان بر رفع احتیاجات نوعی شان همتاز میگرداند،

در اینجا یک دو مثالی بیان میکنیم: هر گاه یک شهری فرض کنیم که مالک سه یک مردم باشد، و آب صاف و پاک گوارای نوشیدن، و کار بردن شان لازمست و در آن شهر موجود نباشد ولی بسا فاصله دور و نزدیک آب بافراط خوشگواری موجود باشد که صانع و نافع صحت شان باشد البته مردم آن شهر مجبور میگردد که کوزه های آب خود شان را بدوش گرفته کش کرده بسازد راهی کند، و کوزه خود را از آن آب پر کرده بیاورد، و در این حال دو نقصان وارد میشود که یکی تعب و مشقت وجوداست، دوم ضایع شدن وبیهوده رفتن وقت، حال آنکه ضایع شدن وقت تدارک کردن بسیاری از حوایج ضروریه انسان نیز متعلق و یکار میماند، زیرا انسان تنها بیک نوشیدن آب نی بلکه بسی چیزهای دیگر نیز برای زندگانی خود محتاج است، پس اگر در روز چهار پنج ساعت خود را یک انسان تنها به تدارک کردن آب خود ضایع کند آیا برای دیگر حوایج ضروریه خود کی وقت خواهد یافت؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 60 of 1786

بنابرین اگر دهان آشپزخانه (معدهٔ طبیعی) خودشان را بجای آورده و بمعاونت همدیگر دست یکی کرده هر شخص دو دو روپیه انداخت جمع شش لک روپیه میشود که برای آوردن آب مذکور (شهر) و جاری ساختن آب شمارهٔ ۱ و شهر بکمال سهولت موفق و کامیاب می آیند. حال اگر بر (شهر) معاونت نقدی بی اگر هیچ یک از خصوصه و منتی بر گردن آن شهر نمیشود از یک احتیاج کلی خودشان رهائی مییابند. شمار اکثر مردمان آن شهر گر از کم و بسیار ثلث مدت مذکور خود ثمار ابطلب میبود و خود را بیکار میدیدند اگر تنها همین میوه خوری را یک قدری تخفیف داده و یک مثال بجودیه میوه خوردن قناعت کنند و صنایع گردآمده آن را در ادای احتیاجات ضروری خودشان صرف نمایند بسی کار های نافعی بایشان بدست خواهند آورد.

مثال دیگر اینکه نوع بشر از اولاد آدم خلق شده و بر روی زمین آمده و بزبان مختلف و اقوام مختلف تقسیم گردیده اند که بین جمیع اینها یک نوع الفت پیدا شود. علی الخصوص که اغلب اوقات هر دو با همین موجود باشند. پس در اکثر اوقات هر فردی از افراد این جنس و مذهب یک عضوی از اعضای یک وجود شمرده میشود که بضرر و زیان آن اعضا دیگر هر عضو اضطراب بیقرار میگردد. مثلاً هر گاه در یکی از حواس خمسهٔ انسان درد و الم عارض گردد حواس دیگر را بجهت تمام و شامل متاثر مینماید. چشم اگر در دکند قوت استماع خلق های هزار در اچون نوکهای تیز اندکه بپردهٔ گوش بخلد و مشام از بوی گلهای رایحه نثار آزار میکشد. و ذوق از ذایقهٔ شیرینی تلخی می بیند. لمس چند دچار بر عضو بدرد اسیر سوزان کاری ام اجرا میکند. تنها در حواس خمسی بلکه در جمیع اعضای وجود همین احکام جاری میباشد.

ای رهایای بادیانت صادق! وای قلت خوش عقیدت افاضیه! مقصد و مراد شما از بین همه تمهیدات این است که شمار در باب یک عمل صالح بسیار پر خیر و منفعت یاد آوری کنم و بر یک کار بسیار با صواب انسانیت کار انه تشویق و ترغیب نمایم که معاد و مآد شما در شهر شاهجهان دنیا و آخرت باشد. و انا از فضل و رحمت خداوندی مستمر گذارم گر تا بحال همت در راه قلت صادق بادیانت خود بجهاد و تکوشیهای روحانی و جسمانی حسان دیگر چیزی چند نشده و دام دقوایم اندیشید.

ای طف! آگاه باشید که در جوقت دولت علیهٔ شما نیز بهم جنس دیگر همدرد باین مبتلا شد یک قسم ناگهانی ناحق دنیا دوانی صدر و چار شده و که فلاکت و وحشت اثر و اضطراب آن ما را نیز مضطرب و اضاکر ساخته است. معاد و جدوجهدی آن برادران دینی و دنیا و انسانیتا بر ما واجب و لازم است. و دوری راه بدنا و خلق ما را از معاونت آنها محروم داشته باری بمعاونت نقدی با آنها دستگیری کردن ما لازم است. چون شما هنوز لذتی را که فایده های بیگانه از معاونت با وجدو بیجا حاصل میشود حس نکرده اید لاجرم این اول بار است که شما را برین عمل صالح پر منافع باندات دلالت در بهری میکنم و فقر (اعانه) یعنی چنده آن را بدست بایولی خود باز میکنم. و اول مبلغ امیت هزار ا روپیه کابلی از بین اموال شخصی خودمان خود دران دفتر قید میکنم. و از غیرت و حمیت جوان مردی قوی شمار هایا صادق شما نیز خوا میدوارم که هر کس بقدر استعداد حال و احوال و اندازهٔ مال و دخل خود درین عمل خیر کوتاهی نکنند.

در بین باب بر شما امر دو چیز نیست. زیرا این یک کاریست که بوجدان و انسانیت تعلق دارد. هر صاحبان وجدان و هر انسان با ایمان بر هر اندازی که از مال زاید از نفقهٔ اهل و عیال خود درین راه بذل و اسم خود را درین دفتر قید نماید دو کار کرده خواهد بود. یکی اینکه مال خود را در راه رضای خداوند تعالی جد و سعی کرده خواهد بود که امر الهی را بجا آورده و نفاذ روحانی را ازان بردن. دوم اینکه بجد و سعی و دستگیری هم نوعان هم دین خود را بجا آورده خواهند بود که مشیت انسانیت را داد اکرده و شرف خیرت قلبیه را به آن برجا داشتن.

ای رهایای صادق! نام این قلم یعنی اعانهٔ شهدای شهید اوز خمیهای مجاهدین را بر طرف این طرف (بیمار) باشید. یک ماهی جمعیت نمازرا باز گذارید و نمازرا بآسانی شفقت برادری آسایش نمایید. برای اولاد های یتیم و نوای بیکس شهدای مصلوبین آن کار و اوجاقهٔ وطن و شرف جیشت خود جان باخته اند یقدر دستگاه یک معاشی کنید. برای زخمهای مجروحین شان یک دوا چیزی تدارک نمایید. و بقی کم و بیشش نمر ایدیهر قدر که دسترس دارید باشید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 61 of 1786

نوشش دارید ۵ نمبر از قید این دفتر آزاد باشد هر کسی که نوشش باشد دارد و نامه خود را که برضای وجدانی و رغبت خود بدهد بدفتر و خدمت و منصب خود را داخل و مختصر بگذارد خود بنویسد و به دستخط خود امضا کند. و هر کس که نوشش نباشد دیگری بنویسد و او دستخط بتواند دستخط کند، و اگر خود است مهر کند. و اگر نه مهر ندارد انگشت خود را بسیاهی زده و حوض خبر در زیر نوشته نام کرده بگذارند. باقی در هر باب برای خود و شما و همه اخوان دین و ملت همه جنس نوع انسان خوبی و نیکوئی و خیر و صلاح میطلبم فقط

کیفیت

یوم شنبه چهارم ماه ذی الحجه الحرام برای حاضر شدن در باب نصب علم بلشکری خواجه دربار بود. در سلام خانه علم خبر داده شده بود. در وقت مقرر همه امرای دربار و معتبرین شهر از خاصهای گرام و سادات عظام و ارباب مناصب ملکی و عسکری و از صنوف تجار از مسلمان و هندو در سلام خانه دربار بالباس معمولی غیر رسمی حاضر آمده بودند.

حاضرین دربار بصف بصف بصورت خلط و اختلاط در پی همدیگر اتفاق موقع کرده و بر چوکیها نشسته که در میان یک راه باقی گذاشته شده بود. و وقفه از دو بجه زاید گذشته ذات اعلیحضرت جاپوی شاهانه بدربار معالی تشریف فرمای شوکت و اجلال گردیدند.

اعلیحضرت جاپوی در سایه پرست مبارک شاهانشان یک کتابچه دانگشته اندوزه از جهت شاهی سلام خانه داشته قلوباً خمس جهان آمده داخل دربار شده و همه حاضرین قیام نمودند. کرسی نشین ذات شاهانه بر تخت عالی بلکه در اوقات دربار عامی رسمی گذاشته می شد نبود. بلکه تخت دالان از پیش روی تخت عالی بجهت جلوس گذاشته شده بود. بعد از آنکه ذات اعلیحضرت جاپوی بر چوکی شاهانشان جلوس و حاضرین را بنشستن امر و به احوال پرسی تلطیف فرمودند بر پا خواستن حاضرین را اراده و فرمان فرموده خودشان بر پا خواستند و یک آواز جیات جرازی نطق نیاب و مقاوتری را که صورت آن در بالا مذکور گردید یک خلاقت و بلاغت سیار غرا، و یک وضعیت جلوه شاهانه قسیت از بر حاضرین دربار معالی اخوار ادا فرمودند.

در اثنای نطق فرمودن جاپوی از جانب چپ مجلس

یک آواب و سلامت طنطنه نطق جاپوی را می شنیدند. و حسیات حیثیت اسلامی و غیرت قومی در اعضای شان بجوش و خروش می آمد. و هر گاه کلام در باره پادشاه محبوب القلوب خود شان را مانند پیام سروش لاهوتی خود می میدانستند. تا آنکه ذات اعلیحضرت شاهانه نطق جاپوی را باتمام رسانیده و علاوه از رابطه مذهبی و دینی اتحاد ملی را در این طغیانی خود شان بحث و بیان فرموده، و در ضمن بر اتفاق و یگانگی شده که جماعه از یک پدر و مادر بوجود آمده اند جدی و یک مذهبی را داشتن رابطه اخوت و محبتی ثابت ساخته فضیلت اتحاد و اتفاق بجای این سعادت دنیوی بزرگان دینی طغیانی را یک طرز بسیار دلنشین وقت آرای بیان و نشان داده فرمودند. علی الخصوص متاثر کننده این کلام فرخنده پیام را که فرمودند.

«پرسش بسیاری دولت ایطانیا برآنست که ما رعایای مجرد همین خود از ملک خود شان برداشته بحرب آمده ایم. آیا ما از زمان هم کمتر هستیم که ما را مجرد همین، و بیگانه شمرده برادران دینی شان بشمار نمیشویم؟ باز میگویم که مواضع معاونت بدل و قلبی ما گردیده باری به اعانه ای کوشش ورزیم.

قدر شناسد قابل روی دوست

ضائع از سعی نیابد اوست

ای حاضرین مجلس! این است که پادشاه شما برای خود و برای ما و شما را برین عمل شایسته کارانه دعوت میکند. حق غیرت ملیه و حمیت قومی اگر قلب معاونت نجنبد؟

این کلام ملکوتی پیام شاهانه چنان یک طرز دلنشین ادا فرمودند و چنان یک سنجیده و خیرانه وقت آرا بیان گردید که تاثیر حرارت آن در قلوب یک خوفناک وحشت شان بر سینه ظهور آورده، ایرای غیرت ملیه سای و اخوا را بستیطه فرو نظرات بارین سرشک صداقت و حمیت از دیده ها گرفت! اگر چه بارش

Digitized by Google

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 62 of 1786

از جانب اقتدار داری در زیر پا پیچیدن گرفت . از طرفی بنام دیانت اسلام جناب مولوی عبدالرؤف خان و طایفه از روی قول اعلیحضرت پادشاهی را به آیات بینات قرآن عظیم الشان تائید فرمودند دیوان نرخین دانسن که از طایفه بنود در رعایای دولت خداداد افغانستان است و برتبه گرنیل ملکی برفراز از طرف خود بنام طایفه مذکور در حضور حاضر بودن خودشان را بسر و مال و جان در راه رضای پادشاه مهربان خودشان بیان نمود . جناب ایشیک آقا بی دوست محمد خان ناظم از بدو اگر چهل عیون برادر دینی برای افغانستان بحث نموده و ذات اعلیحضرت همایونی را به این عمل صالح و نافع شاه شان تبریک نمود . چند نفر علمای که در دولت خداداد افغانستان در بعضی خدمات مانند دکتری ، و محکمی ، و انجنیری ، و معلمی و زیگر گرانی و دوا سازی توظف از طرف خودشان بنام همه علمایان عریضه شکرانیه تقدیم نمودند .

بعد ازان برادر عالی گهر شاه حضرت نائب السلطنه سردار (نصرالله خان) گرنیل عالی رتبت عسکری را طائر زاده از طرف خودشان بنام حرم محترم دولت افغانستان در حالیکه هر دو حضرت در بارگاه اعلی شان بپا ایستاده بودند ، در حواله اعلیحضرت پادشاه یک نطق بسیار بلیغ و پرجوشی بیان نمودند که در ان نطق از اطاعت و صداقت فطرت به ذات اعلیحضرت پادشاه و شوکت و شان شان و از حاضر بودن هر دو حضرت صاحبقران بهر گونه امر و جان فدا کردن با پادشاه محبوب القلوب همه خودشان بیان فرمود و منافع و محاسن این سفر و خیر اندیشی بسیار پر فوایدرا بیک زبان بسیار مناسب و پر وجدی تذکار دادند که اشکهای شوق و خیرت اینداری قطعی ، و صداقت پادشاه دوستی از دیده ها باریدن گرفت .

در ضمن این مطالعات عالی ذات اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه مقدس دولت مستقله خداداد افغانستان با جمیع شهزادگان عظام و جمیع حاضرین صداقت انتسام را دوچند آورده و از درگاه خالق یگانه بهبودی یک مقصد شاه شوکت بسیار خواستاری را با صبح فتح و نصرت اهل اسلام دعا و نیاز دستگاه گردند که فرستگان سماوات و ارواح قدسیان عالم بالا نیز گرد این خوان این دعا شده باشند هیچ جای شک و شبهه نخواهد بود .

بعد ازان نماز عصر به امامت اعلیحضرت پادشاه ولی نعمت ادا گردید و بامامت اعلیحضرت پادشاه یکسیکه فرد اسی ان روز فیروز سعادت اندوز سفر خجسته اثر اقبال پادشاه تشریف فرمای شوکت و اجلال شدند . [illegible]

مراسم دعا بعقیده ایلاء آورده مجلس اختتام یافت .

خصوصیت عرضداشت شکریه

باین گرد و جوانب عرض میکنیم اعلیحضرت پادشاه ذی شوکت شان دولت مستقله علیه (افغانستان) بخدمتگاری حضور پرنور شما این الطاف شاهانه بیگانه و بیاب اعانه شهداء و مجروحین مسلمین محاربه طرابلس غرب ایران حقیقی ترین و صمیمی ترین تشکرات عبودیت مندانه خود مانرا بکمال سر و رغبت تقدیم حضور شاهانه شان مینمائیم ، و بکمال صداقت و تمام حقیقت عرض میکنیم که باین مراحم الطاف کاریانه شما نه خودشان همه علمایان را که از زمانهای بسیار به برادران دینی افغانی خود یک حس احترام و محبت می پرورانیده ، و جمله جنبه عالم اسلامی را که از زمین نظر و غدر ایطالیا لقمه ناگوار مسموم بودند مسرور و شادان فرموده اند . هیچ شبهه نیست که این لطف همایون شما نه که هر گونه آن موجب قوای اسلامیت است در لوحه های افکار جمیع عالم اسلامیت تا ابد منقوش خواهد ماند و قوای اسلامیان بیان خواهد گردید .

باقی بار دیگر عرض شکران و عبودیت کردن خود را از واجبات میدانیم

از طرف علمایان کارخدمت دولت علیه

افغانستان سردفتر زاده بنام همه علمایان

متعرضات دیوان نرخین دانس

تمام سرگروه ان نرخین دانس گرنیل ملکی که از قدیم الایام پرورده دولت خداداد افغانستان بوده و جیاشم و فدائیان دولت و ملت خود میباشد قوم اهل هنود که در دولت خداداد در حالات و ولایات جانب غروبه افغانستان بوده باش دارند هستیم از طرف قوم خود داوطلب حضور پادشاه و تحفل آگردیم که ما مردم اهل هنود دولت افغانستان همواره با سر و مال و جان بستگی به پادشاه و اسلام و دولت افغانستان خود در خدمتگاری بودیم و هستیم پادشاه دوست دولت خداداد پادشاه خود را دوست و با دشمن دشمن میدانیم چون امر و فصلای که از خیراندیشی بر رعایای دولت خداداد فرمودند ما مردم اقوام اهل هنود افغانستان که از شاهی شاه در قلم قلمرو شریک پادشاه و بیانوی معظم محبوب القلوب خود هستیم بنابر ضمانی الهی و خوشنودی حضرت رسالت پناهی باین تیرانچه لازمه معاونت باشد کان دل جانفروی و همواره سرفرازی و سلامتی وجود مبارک بابرکت آسود اعلیحضرت پادشاه خود را از درگاه ایزد جل شانه خواستاریم

خدمتگار حقیر

عرض شکران مراسم الاخبار

ازین نطق همایونی که هر گاه آن یک شوق و [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 63 of 1786

(۱) ... (۲) ... (۳) ... (۴) ... (۵) ... (۶) ... (۷) ... (۸) ... (۹) ... (۱۰) ...

(۱۱) ... (۱۲) ... (۱۳) ... (۱۴) ... (۱۵) ... (۱۶) ... (۱۷) ... (۱۸) ... (۱۹) ... (۲۰) ...

(۲۱) ... (۲۲) ... (۲۳) ... (۲۴) ... (۲۵) ... (۲۶) ... (۲۷) ... (۲۸) ... (۲۹) ... (۳۰) ...

(۳۱) ... (۳۲) ... (۳۳) ... (۳۴) ... (۳۵) ... (۳۶) ... (۳۷) ... (۳۸) ... (۳۹) ... (۴۰) ...

(۴۱) ... (۴۲) ... (۴۳) ... (۴۴) ... (۴۵) ... (۴۶) ... (۴۷) ... (۴۸) ... (۴۹) ... (۵۰) ...

(۵۱) ... (۵۲) ... (۵۳) ... (۵۴) ... (۵۵) ... (۵۶) ... (۵۷) ... (۵۸) ... (۵۹) ... (۶۰) ...

(۶۱) ... (۶۲) ... (۶۳) ... (۶۴) ... (۶۵) ... (۶۶) ... (۶۷) ... (۶۸) ... (۶۹) ... (۷۰) ...

(۷۱) ... (۷۲) ... (۷۳) ... (۷۴) ... (۷۵) ... (۷۶) ... (۷۷) ... (۷۸) ... (۷۹) ... (۸۰) ...

(۸۱) ... (۸۲) ... (۸۳) ... (۸۴) ... (۸۵) ... (۸۶) ... (۸۷) ... (۸۸) ... (۸۹) ... (۹۰) ...

(۹۱) ... (۹۲) ... (۹۳) ... (۹۴) ... (۹۵) ... (۹۶) ... (۹۷) ... (۹۸) ... (۹۹) ... (۱۰۰) ...

(۱۰۱) ... (۱۰۲) ... (۱۰۳) ... (۱۰۴) ... (۱۰۵) ... (۱۰۶) ... (۱۰۷) ... (۱۰۸) ... (۱۰۹) ... (۱۱۰) ...

(۱۱۱) ... (۱۱۲) ... (۱۱۳) ... (۱۱۴) ... (۱۱۵) ... (۱۱۶) ... (۱۱۷) ... (۱۱۸) ... (۱۱۹) ... (۱۲۰) ...

(۱۲۱) ... (۱۲۲) ... (۱۲۳) ... (۱۲۴) ... (۱۲۵) ... (۱۲۶) ... (۱۲۷) ... (۱۲۸) ... (۱۲۹) ... (۱۳۰) ...

(۱۳۱) ... (۱۳۲) ... (۱۳۳) ... (۱۳۴) ... (۱۳۵) ... (۱۳۶) ... (۱۳۷) ... (۱۳۸) ... (۱۳۹) ... (۱۴۰) ...

(۱۴۱) ... (۱۴۲) ... (۱۴۳) ... (۱۴۴) ... (۱۴۵) ... (۱۴۶) ... (۱۴۷) ... (۱۴۸) ... (۱۴۹) ... (۱۵۰) ...

(۱۵۱) ... (۱۵۲) ... (۱۵۳) ... (۱۵۴) ... (۱۵۵) ... (۱۵۶) ... (۱۵۷) ... (۱۵۸) ... (۱۵۹) ... (۱۶۰) ...

(۱۶۱) ... (۱۶۲) ... (۱۶۳) ... (۱۶۴) ... (۱۶۵) ... (۱۶۶) ... (۱۶۷) ... (۱۶۸) ... (۱۶۹) ... (۱۷۰) ...

(۱۷۱) ... (۱۷۲) ... (۱۷۳) ... (۱۷۴) ... (۱۷۵) ... (۱۷۶) ... (۱۷۷) ... (۱۷۸) ... (۱۷۹) ... (۱۸۰) ...

(۱۸۱) ... (۱۸۲) ... (۱۸۳) ... (۱۸۴) ... (۱۸۵) ... (۱۸۶) ... (۱۸۷) ... (۱۸۸) ... (۱۸۹) ... (۱۹۰) ...

(۱۹۱) ... (۱۹۲) ... (۱۹۳) ... (۱۹۴) ... (۱۹۵) ... (۱۹۶) ... (۱۹۷) ... (۱۹۸) ... (۱۹۹) ... (۲۰۰) ...

(۲۰۱) ... (۲۰۲) ... (۲۰۳) ... (۲۰۴) ... (۲۰۵) ... (۲۰۶) ... (۲۰۷) ... (۲۰۸) ... (۲۰۹) ... (۲۱۰) ...

(۲۱۱) ... (۲۱۲) ... (۲۱۳) ... (۲۱۴) ... (۲۱۵) ... (۲۱۶) ... (۲۱۷) ... (۲۱۸) ... (۲۱۹) ... (۲۲۰) ...

(۲۲۱) ... (۲۲۲) ... (۲۲۳) ... (۲۲۴) ... (۲۲۵) ... (۲۲۶) ... (۲۲۷) ... (۲۲۸) ... (۲۲۹) ... (۲۳۰) ...

(۲۳۱) ... (۲۳۲) ... (۲۳۳) ... (۲۳۴) ... (۲۳۵) ... (۲۳۶) ... (۲۳۷) ... (۲۳۸) ... (۲۳۹) ... (۲۴۰) ...

(۲۴۱) ... (۲۴۲) ... (۲۴۳) ... (۲۴۴) ... (۲۴۵) ... (۲۴۶) ... (۲۴۷) ... (۲۴۸) ... (۲۴۹) ... (۲۵۰) ...

(۲۵۱) ... (۲۵۲) ... (۲۵۳) ... (۲۵۴) ... (۲۵۵) ... (۲۵۶) ... (۲۵۷) ... (۲۵۸) ... (۲۵۹) ... (۲۶۰) ...

(۲۶۱) ... (۲۶۲) ... (۲۶۳) ... (۲۶۴) ... (۲۶۵) ... (۲۶۶) ... (۲۶۷) ... (۲۶۸) ... (۲۶۹) ... (۲۷۰) ...

(۲۷۱) ... (۲۷۲) ... (۲۷۳) ... (۲۷۴) ... (۲۷۵) ... (۲۷۶) ... (۲۷۷) ... (۲۷۸) ... (۲۷۹) ... (۲۸۰) ...

(۲۸۱) ... (۲۸۲) ... (۲۸۳) ... (۲۸۴) ... (۲۸۵) ... (۲۸۶) ... (۲۸۷) ... (۲۸۸) ... (۲۸۹) ... (۲۹۰) ...

(۲۹۱) ... (۲۹۲) ... (۲۹۳) ... (۲۹۴) ... (۲۹۵) ... (۲۹۶) ... (۲۹۷) ... (۲۹۸) ... (۲۹۹) ... (۳۰۰) ...

(۳۰۱) ... (۳۰۲) ... (۳۰۳) ... (۳۰۴) ... (۳۰۵) ... (۳۰۶) ... (۳۰۷) ... (۳۰۸) ... (۳۰۹) ... (۳۱۰) ...

(۳۱۱) ... (۳۱۲) ... (۳۱۳) ... (۳۱۴) ... (۳۱۵) ... (۳۱۶) ... (۳۱۷) ... (۳۱۸) ... (۳۱۹) ... (۳۲۰) ...

(۳۲۱) ... (۳۲۲) ... (۳۲۳) ... (۳۲۴) ... (۳۲۵) ... (۳۲۶) ... (۳۲۷) ... (۳۲۸) ... (۳۲۹) ... (۳۳۰) ...

(۳۳۱) ... (۳۳۲) ... (۳۳۳) ... (۳۳۴) ... (۳۳۵) ... (۳۳۶) ... (۳۳۷) ... (۳۳۸) ... (۳۳۹) ... (۳۴۰) ...

(۳۴۱) ... (۳۴۲) ... (۳۴۳) ... (۳۴۴) ... (۳۴۵) ... (۳۴۶) ... (۳۴۷) ... (۳۴۸) ... (۳۴۹) ... (۳۵۰) ...

(۳۵۱) ... (۳۵۲) ... (۳۵۳) ... (۳۵۴) ... (۳۵۵) ... (۳۵۶) ... (۳۵۷) ... (۳۵۸) ... (۳۵۹) ... (۳۶۰) ...

(۳۶۱) ... (۳۶۲) ... (۳۶۳) ... (۳۶۴) ... (۳۶۵) ... (۳۶۶) ... (۳۶۷) ... (۳۶۸) ... (۳۶۹) ... (۳۷۰) ...

(۳۷۱) ... (۳۷۲) ... (۳۷۳) ... (۳۷۴) ... (۳۷۵) ... (۳۷۶) ... (۳۷۷) ... (۳۷۸) ... (۳۷۹) ... (۳۸۰) ...

(۳۸۱) ... (۳۸۲) ... (۳۸۳) ... (۳۸۴) ... (۳۸۵) ... (۳۸۶) ... (۳۸۷) ... (۳۸۸) ... (۳۸۹) ... (۳۹۰) ...

(۳۹۱) ... (۳۹۲) ... (۳۹۳) ... (۳۹۴) ... (۳۹۵) ... (۳۹۶) ... (۳۹۷) ... (۳۹۸) ... (۳۹۹) ... (۴۰۰) ...

(۴۰۱) ... (۴۰۲) ... (۴۰۳) ... (۴۰۴) ... (۴۰۵) ... (۴۰۶) ... (۴۰۷) ... (۴۰۸) ... (۴۰۹) ... (۴۱۰) ...

(۴۱۱) ... (۴۱۲) ... (۴۱۳) ... (۴۱۴) ... (۴۱۵) ... (۴۱۶) ... (۴۱۷) ... (۴۱۸) ... (۴۱۹) ... (۴۲۰) ...

(۴۲۱) ... (۴۲۲) ... (۴۲۳) ... (۴۲۴) ... (۴۲۵) ... (۴۲۶) ... (۴۲۷) ... (۴۲۸) ... (۴۲۹) ... (۴۳۰) ...

(۴۳۱) ... (۴۳۲) ... (۴۳۳) ... (۴۳۴) ... (۴۳۵) ... (۴۳۶) ... (۴۳۷) ... (۴۳۸) ... (۴۳۹) ... (۴۴۰) ...

(۴۴۱) ... (۴۴۲) ... (۴۴۳) ... (۴۴۴) ... (۴۴۵) ... (۴۴۶) ... (۴۴۷) ... (۴۴۸) ... (۴۴۹) ... (۴۵۰) ...

(۴۵۱) ... (۴۵۲) ... (۴۵۳) ... (۴۵۴) ... (۴۵۵) ... (۴۵۶) ... (۴۵۷) ... (۴۵۸) ... (۴۵۹) ... (۴۶۰) ...

(۴۶۱) ... (۴۶۲) ... (۴۶۳) ... (۴۶۴) ... (۴۶۵) ... (۴۶۶) ... (۴۶۷) ... (۴۶۸) ... (۴۶۹) ... (۴۷۰) ...

(۴۷۱) ... (۴۷۲) ... (۴۷۳) ... (۴۷۴) ... (۴۷۵) ... (۴۷۶) ... (۴۷۷) ... (۴۷۸) ... (۴۷۹) ... (۴۸۰) ...

(۴۸۱) ... (۴۸۲) ... (۴۸۳) ... (۴۸۴) ... (۴۸۵) ... (۴۸۶) ... (۴۸۷) ... (۴۸۸) ... (۴۸۹) ... (۴۹۰) ...

(۴۹۱) ... (۴۹۲) ... (۴۹۳) ... (۴۹۴) ... (۴۹۵) ... (۴۹۶) ... (۴۹۷) ... (۴۹۸) ... (۴۹۹) ... (۵۰۰) ...

(۵۰۱) ... (۵۰۲) ... (۵۰۳) ... (۵۰۴) ... (۵۰۵) ... (۵۰۶) ... (۵۰۷) ... (۵۰۸) ... (۵۰۹) ... (۵۱۰) ...

(۵۱۱) ... (۵۱۲) ... (۵۱۳) ... (۵۱۴) ... (۵۱۵) ... (۵۱۶) ... (۵۱۷) ... (۵۱۸) ... (۵۱۹) ... (۵۲۰) ...

(۵۲۱) ... (۵۲۲) ... (۵۲۳) ... (۵۲۴) ... (۵۲۵) ... (۵۲۶) ... (۵۲۷) ... (۵۲۸) ... (۵۲۹) ... (۵۳۰) ...

(۵۳۱) ... (۵۳۲) ... (۵۳۳) ... (۵۳۴) ... (۵۳۵) ... (۵۳۶) ... (۵۳۷) ... (۵۳۸) ... (۵۳۹) ... (۵۴۰) ...

(۵۴۱) ... (۵۴۲) ... (۵۴۳) ... (۵۴۴) ... (۵۴۵) ... (۵۴۶) ... (۵۴۷) ... (۵۴۸) ... (۵۴۹) ... (۵۵۰) ...

(۵۵۱) ... (۵۵۲) ... (۵۵۳) ... (۵۵۴) ... (۵۵۵) ... (۵۵۶) ... (۵۵۷) ... (۵۵۸) ... (۵۵۹) ... (۵۶۰) ...

(۵۶۱) ... (۵۶۲) ... (۵۶۳) ... (۵۶۴) ... (۵۶۵) ... (۵۶۶) ... (۵۶۷) ... (۵۶۸) ... (۵۶۹) ... (۵۷۰) ...

(۵۷۱) ... (۵۷۲) ... (۵۷۳) ... (۵۷۴) ... (۵۷۵) ... (۵۷۶) ... (۵۷۷) ... (۵۷۸) ... (۵۷۹) ... (۵۸۰) ...

(۵۸۱) ... (۵۸۲) ... (۵۸۳) ... (۵۸۴) ... (۵۸۵) ... (۵۸۶) ... (۵۸۷) ... (۵۸۸) ... (۵۸۹) ... (۵۹۰) ...

(۵۹۱) ... (۵۹۲) ... (۵۹۳) ... (۵۹۴) ... (۵۹۵) ... (۵۹۶) ... (۵۹۷) ... (۵۹۸) ... (۵۹۹) ... (۶۰۰) ...

(۶۰۱) ... (۶۰۲) ... (۶۰۳) ... (۶۰۴) ... (۶۰۵) ... (۶۰۶) ... (۶۰۷) ... (۶۰۸) ... (۶۰۹) ... (۶۱۰) ...

(۶۱۱) ... (۶۱۲) ... (۶۱۳) ... (۶۱۴) ... (۶۱۵) ... (۶۱۶) ... (۶۱۷) ... (۶۱۸) ... (۶۱۹) ... (۶۲۰) ...

(۶۲۱) ... (۶۲۲) ... (۶۲۳) ... (۶۲۴) ... (۶۲۵) ... (۶۲۶) ... (۶۲۷) ... (۶۲۸) ... (۶۲۹) ... (۶۳۰) ...

(۶۳۱) ... (۶۳۲) ... (۶۳۳) ... (۶۳۴) ... (۶۳۵) ... (۶۳۶) ... (۶۳۷) ... (۶۳۸) ... (۶۳۹) ... (۶۴۰) ...

(۶۴۱) ... (۶۴۲) ... (۶۴۳) ... (۶۴۴) ... (۶۴۵) ... (۶۴۶) ... (۶۴۷) ... (۶۴۸) ... (۶۴۹) ... (۶۵۰) ...

(۶۵۱) ... (۶۵۲) ... (۶۵۳) ... (۶۵۴) ... (۶۵۵) ... (۶۵۶) ... (۶۵۷) ... (۶۵۸) ... (۶۵۹) ... (۶۶۰) ...

(۶۶۱) ... (۶۶۲) ... (۶۶۳) ... (۶۶۴) ... (۶۶۵) ... (۶۶۶) ... (۶۶۷) ... (۶۶۸) ... (۶۶۹) ... (۶۷۰) ...

(۶۷۱) ... (۶۷۲) ... (۶۷۳) ... (۶۷۴) ... (۶۷۵) ... (۶۷۶) ... (۶۷۷) ... (۶۷۸) ... (۶۷۹) ... (۶۸۰) ...

(۶۸۱) ... (۶۸۲) ... (۶۸۳) ... (۶۸۴) ... (۶۸۵) ... (۶۸۶) ... (۶۸۷) ... (۶۸۸) ... (۶۸۹) ... (۶۹۰) ...

(۶۹۱) ... (۶۹۲) ... (۶۹۳) ... (۶۹۴) ... (۶۹۵) ... (۶۹۶) ... (۶۹۷) ... (۶۹۸) ... (۶۹۹) ... (۷۰۰) ...

(۷۰۱) ... (۷۰۲) ... (۷۰۳) ... (۷۰۴) ... (۷۰۵) ... (۷۰۶) ... (۷۰۷) ... (۷۰۸) ... (۷۰۹) ... (۷۱۰) ...

(۷۱۱) ... (۷۱۲) ... (۷۱۳) ... (۷۱۴) ... (۷۱۵) ... (۷۱۶) ... (۷۱۷) ... (۷۱۸) ... (۷۱۹) ... (۷۲۰) ...

(۷۲۱) ... (۷۲۲) ... (۷۲۳) ... (۷۲۴) ... (۷۲۵) ... (۷۲۶) ... (۷۲۷) ... (۷۲۸) ... (۷۲۹) ... (۷۳۰) ...

(۷۳۱) ... (۷۳۲) ... (۷۳۳) ... (۷۳۴) ... (۷۳۵) ... (۷۳۶) ... (۷۳۷) ... (۷۳۸) ... (۷۳۹) ... (۷۴۰) ...

(۷۴۱) ... (۷۴۲) ... (۷۴۳) ... (۷۴۴) ... (۷۴۵) ... (۷۴۶) ... (۷۴۷) ... (۷۴۸) ... (۷۴۹) ... (۷۵۰) ...

(۷۵۱) ... (۷۵۲) ... (۷۵۳) ... (۷۵۴) ... (۷۵۵) ... (۷۵۶) ... (۷۵۷) ... (۷۵۸) ... (۷۵۹) ... (۷۶۰) ...

(۷۶۱) ... (۷۶۲) ... (۷۶۳) ... (۷۶۴) ... (۷۶۵) ... (۷۶۶) ... (۷۶۷) ... (۷۶۸) ... (۷۶۹) ... (۷۷۰) ...

(۷۷۱) ... (۷۷۲) ... (۷۷۳) ... (۷۷۴) ... (۷۷۵) ... (۷۷۶) ... (۷۷۷) ... (۷۷۸) ... (۷۷۹) ... (۷۸۰) ...

(۷۸۱) ... (۷۸۲) ... (۷۸۳) ... (۷۸۴) ... (۷۸۵) ... (۷۸۶) ... (۷۸۷) ... (۷۸۸) ... (۷۸۹) ... (۷۹۰) ...

(۷۹۱) ... (۷۹۲) ... (۷۹۳) ... (۷۹۴) ... (۷۹۵) ... (۷۹۶) ... (۷۹۷) ... (۷۹۸) ... (۷۹۹) ... (۸۰۰) ...

(۸۰۱) ... (۸۰۲) ... (۸۰۳) ... (۸۰۴) ... (۸۰۵) ... (۸۰۶) ... (۸۰۷) ... (۸۰۸) ... (۸۰۹) ... (۸۱۰) ...

(۸۱۱) ... (۸۱۲) ... (۸۱۳) ... (۸۱۴) ... (۸۱۵) ... (۸۱۶) ... (۸۱۷) ... (۸۱۸) ... (۸۱۹) ... (۸۲۰) ...

(۸۲۱) ... (۸۲۲) ... (۸۲۳) ... (۸۲۴) ... (۸۲۵) ... (۸۲۶) ... (۸۲۷) ... (۸۲۸) ... (۸۲۹) ... (۸۳۰) ...

(۸۳۱) ... (۸۳۲) ... (۸۳۳) ... (۸۳۴) ... (۸۳۵) ... (۸۳۶) ... (۸۳۷) ... (۸۳۸) ... (۸۳۹) ... (۸۴۰) ...

(۸۴۱) ... (۸۴۲) ... (۸۴۳) ... (۸۴۴) ... (۸۴۵) ... (۸۴۶) ... (۸۴۷) ... (۸۴۸) ... (۸۴۹) ... (۸۵۰) ...

(۸۵۱) ... (۸۵۲) ... (۸۵۳) ... (۸۵۴) ... (۸۵۵) ... (۸۵۶) ... (۸۵۷) ... (۸۵۸) ... (۸۵۹) ... (۸۶۰) ...

(۸۶۱) ... (۸۶۲) ... (۸۶۳) ... (۸۶۴) ... (۸۶۵) ... (۸۶۶) ... (۸۶۷) ... (۸۶۸) ... (۸۶۹) ... (۸۷۰) ...

(۸۷۱) ... (۸۷۲) ... (۸۷۳) ... (۸۷۴) ... (۸۷۵) ... (۸۷۶) ... (۸۷۷) ... (۸۷۸) ... (۸۷۹) ... (۸۸۰) ...

(۸۸۱) ... (۸۸۲) ... (۸۸۳) ... (۸۸۴) ... (۸۸۵) ... (۸۸۶) ... (۸۸۷) ... (۸۸۸) ... (۸۸۹) ... (۸۹۰) ...

(۸۹۱) ... (۸۹۲) ... (۸۹۳) ... (۸۹۴) ... (۸۹۵) ... (۸۹۶) ... (۸۹۷) ... (۸۹۸) ... (۸۹۹) ... (۹۰۰) ...

(۹۰۱) ... (۹۰۲) ... (۹۰۳) ... (۹۰۴) ... (۹۰۵) ... (۹۰۶) ... (۹۰۷) ... (۹۰۸) ... (۹۰۹) ... (۹۱۰) ...

(۹۱۱) ... (۹۱۲) ... (۹۱۳) ... (۹۱۴) ... (۹۱۵) ... (۹۱۶) ... (۹۱۷) ... (۹۱۸) ... (۹۱۹) ... (۹۲۰) ...

(۹۲۱) ... (۹۲۲) ... (۹۲۳) ... (۹۲۴) ... (۹۲۵) ... (۹۲۶) ... (۹۲۷) ... (۹۲۸) ... (۹۲۹) ... (۹۳۰) ...

(۹۳۱) ... (۹۳۲) ... (۹۳۳) ... (۹۳۴) ... (۹۳۵) ... (۹۳۶) ... (۹۳۷) ... (۹۳۸) ... (۹۳۹) ... (۹۴۰) ...

(۹۴۱) ... (۹۴۲) ... (۹۴۳) ... (۹۴۴) ... (۹۴۵) ... (۹۴۶) ... (۹۴۷) ... (۹۴۸) ... (۹۴۹) ... (۹۵۰) ...

(۹۵۱) ... (۹۵۲) ... (۹۵۳) ... (۹۵۴) ... (۹۵۵) ... (۹۵۶) ... (۹۵۷) ... (۹۵۸) ... (۹۵۹) ... (۹۶۰) ...

(۹۶۱) ... (۹۶۲) ... (۹۶۳) ... (۹۶۴) ... (۹۶۵) ... (۹۶۶) ... (۹۶۷) ... (۹۶۸) ... (۹۶۹) ... (۹۷۰) ...

(۹۷۱) ... (۹۷۲) ... (۹۷۳) ... (۹۷۴) ... (۹۷۵) ... (۹۷۶) ... (۹۷۷) ... (۹۷۸) ... (۹۷۹) ... (۹۸۰) ...

(۹۸۱) ... (۹۸۲) ... (۹۸۳) ... (۹۸۴) ... (۹۸۵) ... (۹۸۶) ... (۹۸۷) ... (۹۸۸) ... (۹۸۹) ... (۹۹۰) ...

(۹۹۱) ... (۹۹۲) ... (۹۹۳) ... (۹۹۴) ... (۹۹۵) ... (۹۹۶) ... (۹۹۷) ... (۹۹۸) ... (۹۹۹) ... (۱۰۰۰) ...

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 64 of 1786

مقام وکالت

منصب و شان

انصاف شان و معاش

مقالہ

حرب حاضر

حوادث خارجیہ

نقل از اخبار پایونیر مورخہ ۵ نومبر سنہ ۱۹۱۱

مطابق ۱۴ ذی القعدہ سنہ ۱۳۲۹

لندن ۴ نومبر — در شهر برلن خبرنامه رسمی شایع نموده که معاهده جدید فرانسس و جرمنی جمیع تنازعات مابین را رفع میکند و امید است که در آینده جرمنی و فرانسس بوحدت کشش نخواهند یافت و این امر شیخ قابل مسرت خواهد گردید بر طانیه و جرمنی معاهده مذکور هرگز داخلت نموده است — شرایط بزرگ معاهده مذکور بقرار ذیل بیان شده فرانسس (۱) در ملک مراکو آزادی تجارت و کامل دارد و جرمنی در معاملات ملک مذکور آینده هرگز دخل نخواهد داد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 65 of 1786

(۲) جرنیل بوهوش شانزده هزار مربع میل مقاطعه فوجیوی مربع میل از خواهش خواهد گرفت چنانکه تعین حدود اطلاعات مذکور در خود معاهده کرده شده است فقط

یقین است که اطالیه اراده حصول قبضه مجمع البحرین ترکی را ترک نموده است و بالفعل طالیا بر ساحل شام خواهد آورد و از دو فیصله آمده است که سپاهیان روایت شده را برای خدمت نظام خواسته شده است و یک لشکر دیگر را مع سپاهیان آن حکم شده که بطرف طرابلس روانه شوند فقط

بزمی مارکوس تیبوڈالی که در مجلس متقننه قرضه دولتی طالیه وکیل طالیه میباشد از ملک ترکی مطالبه اخراج را داده شده است و باب عالی بدول یوروپ مراسلات اعتراض بانضمام این فرستاده است که اهل اطالیه بدون سبب قتل عام عربان نموده اند و آن برخلاف معاهده بین الاقوام مستقره میباشد فقط

گرنیل خلار سردار ایجنت اتحادی متیم مینی در شهر شهور رسیده است و از اقبال و اقبال خود راضی خواهد گردیده است فقط

یک جاسوس جرنیل راگ بتاریخ ۲۸ ماه اگست بمقام پلے واقع الجزائر ماخوذ شده و بموجب سزای قید ۲۱ ماه داده شده است فقط

(سراج الاخبار)

جاسوس و جاسوسی چند رقم است یعنی همین گونه جاسوسیات که دولتین قریب بهم گرد باهم قوه عسکریه و استحکامات و اسلحه و ادوات و افکار سیکنه و غیره دول بهم گر اجرا میکنند که این گونه جاسوسها و جاسوسیها مقبول و مرتضا نیست و دیگر یک رقم جاسوسی علیحده است که برای رسانیدن خبر و اخبار ابنی نوع خود بسبب وطن یا اهل و عیال ان را میکنند که اینگونه جاسوسی و جاسوسیها شایان لعنت و نفرین میباشند .

مخبر ای اخبار و جاسوس گفته شده (مخبر) گفته شده زیرا خبر رانی را گویند که برای فایده کار نشده و اشاعت میکند .

کیفیت ستاره و مدار که در چند ایام گذشته بوقت صبح دیده می شد همیشه باهر امن علم الافلاک معلوم شود لهذا اقوام آن ستاره را ستاره نباده اند فقط

سراج الاخبار

ستاره ایکه در (عالم شمس) بر اطراف مرکز خود حرکت دارد مدور سه نوعست . یکی (ستاره) دوم (یک) سوم (ستارات ذوالاذناب) یعنی ستاره های دار .

(ستاره) همان ستاره های معلوم و معروفیت مثل عطارد زهره ، مریخ وغیره میباشند . (یک) ستاره ایست که بر اطراف خود (ستاره) دوری میکند ، چنانچه (کره قمر) را یک کره ارض میگویند . ستاره های دار نیز ستاره ایست موصوف که بر اطراف شمس بدوری حرکت میباشند .

(دار) راه موهومی ایست که ستارات بران راه بر دور شمس دوری حرکت دارند مدار یعنی راه جهانیکه ستارات بران حرکت دارند گرد دوایر موهومی میباشد . تا مدارهای ستاره های دار بیضوی و مفتد میباشد .

بیضه (بین ستاره های دار بیست سال ، و بعضی ۷۵ سال ، و بعضی بعصر یک دور خود را بگرد اطراف آفتاب کامل میکنند ، و های جنس سیار تر یک جشوند و گاهی گرد دور نمی آیند ، لهذا این یک دور و حرکت نیست که از ابتدای خلقت کائنات ملک دار و رازق مخلوقات بوجود ات برآمده خلق فرموده شده و یک نظام لایتغیر است که هیچ تبدل ندارد . پس اعتقاد و افکار یکه در عالم برای ستاره های دار زبانزد شده و آمده است سراسر مردود و غلط میباشد . ستاره های دار بیچ تاثیر سعد و نحس و جنگ وغیره در کره ارض نمی بخشند .

از ملک مصر چهار هزار نفر مسلمان راسخ الاعتقاد بطرابلس رفته اند که برخلاف کفار جهاد نمایند و چون که اطالیه ملک مفلس میباشد و اخراجات جنگ بدوش بر نمیتواند و دولت پوشود و تا حال ملک مذکور سه کرور پوند برجنگ خرچ کرده است لهذا سیکرتان ملکه کوچ جرتن سفارش نموده اند که فی الفور سر رشته صلح کرده شود علاوه بران چونکه اهل اطالیه که در ابتدا برجنگ راضی شده بودند اکنون کاملا منصرف اجرائات جنگ بوده پارلیمنت پیش خواهند شد فریقین جمیع اراکین برای صلح اصرار خواهند کرد

(سراج الاخبار)

از یکی از خطای روزگار پرسیدند که

برای کار به اول پیشه یکار راست چه چیز است ؟

گفت — پیه !

باز پرسیدند که — دوم چه کار است ؟

گفت — پیه !

باز پرسیدند که — سوم چه کار است ؟

گفت — پیه !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 66 of 1786

سفیر سابق ایران در پاریس بشهر انگلستان سفیر ترکی و دیگر جائی رویه در این مدت اختیار نموده است که دوم با رفاقت اطالیه استقلال بوده اسیر نشده تا بدر تعقیب نمانده اطالیه و ترکی در عدالت سازمان بیک کرد شورای حرکت نا شایسته اطالیه آنرا سزاوار دانسته و شود ظاهر است که ترکان سفیر مذکور را بخیلی دوست داشته باشند و برای امداد وحش سر بسته بر قسم، آنوده باشند فقط

قبل از آنکه ترکان از بندگاه مانی طرابلس برآمده بودند آنها جمیع اسلحه را دیگر جانوران بار برداری را جبراً خود برده بودند و اکنون اطالیه برای حمل و نقل سامان خوراک و دیگر متعلقات سپاه محسوس میکند علاوه بر آن است بلی از سپاه انواع حضار برای جنگ طرابلس مقرر شده است فی الجمله بیاشد و عزم مصمم کرده است تا آخر با اطالیه جنگ خواهد نمود فقط

نقل از جواب سوال ایلچی عثمانی مرتبه ۱۰ ذیقعده مطابق ۱۵ ماه ۱۰ ای الحجه الحرام

خدمان طاهر سر وکیل بوتراز تصرف طرابلس بشهران سپاه است و بیان میکند که بر خلاف بیانات سرکار اطالیه تمام ترکان و عرب که در تاریخ ۳ اکتوبر با انواع اطالیه جنگ نموده بودند ده هزار نفر تخمین و زیاده و آنها با این سرعت و شجاعت حمله کرده بودند که انواع اطالیه متحیر شده و از یک هزار نفر زیاده و را مقتول و مجروح ساخته و اکثر حمله داده طرابلس اجرا از قبضه اطالیه واپس گرفته و اکنون دست علاقه اطالیه در طرابلس بیاسه باقی نمانده و فعلا صرف ۴ میل میباشد و ترکان اطمینان تمام خود را باین طریق کرده اند که از توپ خانه خود اندکی بر بالای انواع اطالیه قرار کرده اند و یک نفر باین سبب از اطالیه بقتل رسیده و انواع اطالیه نتوانسته اند واپس بیاورند که از آنکه سوار شدن بکشتی صرف وقت زیاده است لهذا انواع خود را بقلعه محصور اطالیه حواله کرده است و نیز از دیگر وادی طرابلس دست بقرار فعل بیست ترکان می باشد فی الواقع خود شهر طرابلس تمام محصور خیال کرده میشود و اگر امر جنگ اطالیانی را از آنجا اگر از اوضاع نمودار و سزا محصور اطالیان دست، بطلا مرتبان محصور می شود گر ترکان حرکت نموده آورده فقط

واضح طرابلس بر طرف سفارت کبرا این خبر فقط

نقل از جواب سوال ایلچی عثمانی مرتبه ۱۰ ذیقعده مطابق ۱۵ ماه ۱۰ ای الحجه الحرام

خدمان طاهر سر وکیل بوتراز تصرف طرابلس بشهران سپاه است و بیان میکند که بر خلاف بیانات سرکار اطالیه تمام ترکان و عرب که در تاریخ ۳ اکتوبر با انواع اطالیه جنگ نموده بودند ده هزار نفر تخمین و زیاده و آنها با این سرعت و شجاعت حمله کرده بودند که انواع اطالیه متحیر شده و از یک هزار نفر زیاده و را مقتول و مجروح ساخته و اکثر حمله داده طرابلس اجرا از قبضه اطالیه واپس گرفته و اکنون دست علاقه اطالیه در طرابلس بیاسه باقی نمانده و فعلا صرف ۴ میل میباشد و ترکان اطمینان تمام خود را باین طریق کرده اند که از توپ خانه خود اندکی بر بالای انواع اطالیه قرار کرده اند و یک نفر باین سبب از اطالیه بقتل رسیده و انواع اطالیه نتوانسته اند واپس بیاورند که از آنکه سوار شدن بکشتی صرف وقت زیاده است لهذا انواع خود را بقلعه محصور اطالیه حواله کرده است و نیز از دیگر وادی طرابلس دست بقرار فعل بیست ترکان می باشد فی الواقع خود شهر طرابلس تمام محصور خیال کرده میشود و اگر امر جنگ اطالیانی را از آنجا اگر از اوضاع نمودار و سزا محصور اطالیان دست، بطلا مرتبان محصور می شود گر ترکان حرکت نموده آورده فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 67 of 1786

تاریخ ۲۴ ماه اکتوبر مکتوب ذیل از شیراز رسیده است —

شهر ناامن قنصل بریطانیه مقیم شیراز برای تابستان مشهد رفته است توانایان و اسباب تجارتی را به اصفهان روانه نموده چراگ راه قشقائی غیر محفوظ میباشد — در همین ایام بر سر ایل کان راه زنی بکثرت بوقوع آمده اند دل و اسباب گران بها بغارت برده شده است تا ایران انگلستان هم قحط عصیان خیلی شیر شده اند و یک زن انگلیس از دزدان زدوکوب بسیار نموده پس لازم است که سرکار انگریزی اشد اقدامات این بد طرفی را بنماید — علاء الدوله نائب الحکومه شیراز مقرر شده است و او را کاشیفی از شهر برآورده اند تا کان توقع اجتماع کامل خیلی کم میباشد فقط

استشهار بانان طوایف کمپانیات تفنگ و سامان حرب وغیره برای افواج عثمانی و عربان صحرا نشینه میرونده و اکثر این افواج اطالیه اخذ و هم نموده لکن باوجود آن دفاداری شان متزلزل نشده است و هر وقت برای افواج عثمانی آب تازه میرساند و همین سبب است که هر جا فاتح آب اکثر اوقات حد کرده شده است — علاوه بران ترکان بیرقی سفید چند با آب تازه راه کمپ اطالیه هم بردوانده اند فقط

نقل اخبار رسول اشد فلکی گزت مورخه ۸ ماه نومبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ماه ذی الحجه ۱۳۲۹

لندن ۱۰ نومبر — اخبار ناشر شده است که جنرل کاینوا سرعسکر اطالیه مقیم طرابلس موقوف شده است و بجای او جنرل مردگونی سرعسکر مقرر گردیده است و جنرل کاینوا خانه حاکم قسطنطنیه مقرر خواهد شد و افغار ششصد و دو امروز یک طرف راشیع میکند که بروز سه شنبه و چهارشنبه گذشته ۸ هزار ترک و ۱۰ هزار عرب با افواج اطالیه حمله آورده وقوع کار واقع حاصل نموده و قریب پانصد هزار سپاهی اطالیه را مقتول و مجروح ساخته و دو قطعه توپ و سامان حرب را بغنیمت گرفته بتصرف خود آورده اند فقط

اطالیه برای دول مخلصه اطلاع داده است که کل بحر طرابلس و سایرین باطاعت اطالیه قبول کرده شده است و باید که اکنون دول دیگر رسمی این مرا بنمایند که ترکی برای مصالحت بخواهند شده و بر قطع و قلع باشد و خواهش خود را ظاهر نمایند تا گردد فقط

(سراج الاخبار)

آیا اطالیها چرا بر قسمت دیگر خود راضی نشده باشد

خودشان را از سوزه جنگ دور آگرده آیا منفعتی بر خود نبری کرده ؟

بمبئی ۱۵ — سرشته صفای شهر طرابلس غرب ناصر میباشد و اشتهاری چنان شهر که بواسطه امراض هیضه و گرسنگی و غیره مردم بروند از بازار رایاب شده و اند و ادی طرابلس پر از لاشها میباشد و تعفن و بدبوئی آن علاقه ناقابل برداشت است و دو افواج اطالیه تقریباً جمل تقریبه بجاره هیضه میرند فقط

در آبهای سمت شمال غرب جزیره صقلیه بحر یک جزیره دفعتاً پیدا شد و وقت برآمدن آن نظاره توپ دریا دود و شعله ناقابل دیده بوده است فقط

(سراج الاخبار)

برآمدن اینگونه جزیره ها از زیر آب بحر این اول بار نیست که وقوع می آید — بلکه بیشتر تا بیست دیگر جزایر همان وغیره جا بوقوع آمده اند حتی بعضی وقتها بعلل نهفته شده است که بعضی جزیره ها دفعتاً از زیر هم رفته است .

سبب اینگونه وقوعات بنا حرارت مرکزیه زمین یعنی آتش سیالیست که در وجه زمین میباشد . آتش سیال از بعضی جوشش و خروش است که از زلزله ها آتش فشان و اینگونه جزیره برآورده و بعضی دیگر را غیره جهارت خود بروی کار می آورد .

لندن ۱۰ نومبر — تاریخ ۱۰ ماه اکتوبر بحر سپاه ایران از طرف سنه ششصد سپاه ایرانی برای محافظت [illegible] رفته بودند و کاسبک آن روسی مزاحم شده و بتهاجم آن ایرانیان [illegible] و بیاران سرکار ایران مراسله اعتراض و به سرکار روس فرستاده و بوده کاسن سفیر روس مقیم ایران مراسله گزارنده بدون جواب و اپس به سرکار ایران فرستاده است بلکه مطالبه نموده است که ایران از روس به این سبب عذر خواهی کند و بعلاوه کور سپاهیان ایرانی تو این اقسام روسی گرده بوده اند اگر ایران عذر خواهی نکرد روس بر ایران لشکر خواهد فرستاد ازان تصرف خواهد نمود اگر ایران تصفیه نموده است که مطالبات روس را هرگز منظور کرده نشده و اقسام پولیس بغیر از قانون جاده و شاع السلطنه را ضبط خواهد کرده فقط

بمبئی اطالیه و ترکی خیلی جنگ قریب باشد و در تاریخ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 68 of 1786

بر گزیده دار دولت بدول یوروپ استاده میکند
گر سر رشته معاملات امین نیا گردد شود — ترکی مجبور شود که
این درخواست را کند چرا که سبب کمزوری فوج دولت عثمانیه
نمایند اطالیه را حال بیدا است لاکن حالت اطالیه مختلف
دیگر است چرا که دولت دولت بدون سبب بر عثمانی ترکی
حمله نموده است و از ابتدا استاده بود که کار بصلح طرابلس
آسان است اگر اکنون چون دیده است که کار اندکی دشوار
آسان می باشد گر خیال کرده شده بود پس دیگران را میگوید که از
این جنگ فوائد ببرید — فی الواقع اطالیه ملک مفلس میباشد
بتحمل اخراجات کثیر جنگ نشده و نمی تواند و همین سبب است
که جنگ مصالحت نمی خواست نمیاید لاکن بدول یوروپ خواهش
دولت ترکی را منظور نموده اند و هیچ وجه نیست که درخواست
اطالیه منظور شود علاوه بران این خبر بجای مزید اطالیه را
ظاهر میکند که از وجود خود ان شکست از اطلاق الحاق ملک
طرابلس گرده بمرده فقط

نقل از اخبار رسوائی گزت مورخه ۹ نومبر ۱۹۱۱ء مطابق ۱۱ ذی الحجه

از قسطنطنیه خبر رسیده گاری آمده است که ترکان انواع
اطالیه را شکست داده شهر دوناقابض شده و فوج اطالیه
متحمل نقصان عظیم گشته بیصد نفر را مقتول و بیصد و توپ را
در معرکه گذاشته اند

ما در گذار اخبار پایونیر چوپیده که اعلیحضرت امیر صاحب
فرمانروای جنگ ترکی و اطالیه را باشتیاق تمام مطالعه مینماید
چنانچه در باب جنگ بمن و بجا این توجه دل میکرده اند — بنابراین
چند مترجم اخبارات نگواعلیحضرت امیر صاحب مقرر فرموده شده تا
که اخبارات مذکوره را در فارسی ترجمه نموده هر روز برای مطالعه
حضور روانه کنند — کرنیل سلام رسول خان صاحب اعلیحضرت
امیر صاحب مغفور بمی که حال وارد بمبئی شده است مردم
اقامتشان را ترغیب نموده که تحریر دولت جمعه سلمانان
اطالیه را موقوف کنند و از این ظاهر میشود که کرنیل موصوف
از خیالات مسلمانان بمی که آنها در باب اطالیه دارند
غیر مطلع شده است تا هنوز هیچ معلوم نیست که اعلیحضرت
امیر صاحب تقلید این خیال را خواهند نمود یا نه فقط

(سراج الاخبار)

نقره آخرین این اخبار (پایونیر) را در تعلق بجاپان اعلیحضرت
جاپانی گرمی ای اول این کنوانشن را شرف وزیارت بخشیده و توجیح
و تفسیر نموده :

نقل از اخبار آبزرور مورخه ۹ نومبر ۱۹۱۱ء مطابق ۱۱ ذی الحجه

در اکثر جلسه مسلمانان معتبر در دس پلک مجلس
قائم کرده و تجویز نمودند که بر گورنمنت برطانیه واجب است که
گورنمنت بپاس خاطر مسلمانان که از رعایای انگریزی میباشند
در جنگ ترکی و اطالیه غیبت اختیار نماید و طریقه ای جابرانه
که اطالیه در قتل زن و بچه ای مسلمانان مظلوم طرابلس
نموده اند مشتمل دخیل دیده و برایشان روشن گردانیده
چنین بی مهری و سرد مهری برای اقوام بسیار خود را شایسته
دوست بیگانه خواهد ثابت شد و چون مسلمانان هندوستان
دوگروه تمام محمدیه برطانیه رعایای وفادار و خاصل اعتماد میباشند
لهذا گورنمنت را واجب باید که اظهار اجواب طمانیت قلوب
و خیالات عام شورش و بد امنی را بسیاس رسید تدارک
و تدافع نماید تا مسلمانان را جمعیت خاطر حاصل باشد —
در انجمن مذکور دیگر تجاویز نیز پیش شده مثلاً انجمن برای امداد
مظلومان طرابلس مبلغ کثیر بطور چنده فراهم نماید و قائل اسلام
برای محاربه ترکی بیج شوند و به وزیر اعظم قسطنطنیه درخواست کرده
که از واقعات اصل جنگ براه است بالتفصیل ترکی تعلیم بسفیر
اطلاع نماید فقط

مسلمانان لاهور در مسجد بادشاهی جمع برای
این غرض منعقد کرده اند که چنده و بر ماهی ادا و مصیبت
زدگان طرابلس فراهم نموده شود — چنانچه در جلسه
مذکوره مبلغ یکصد روپیه کلدار جمع شده و مسلمانان
طلبای کالج فضا دسے لاہور نیز کاسه گدائی بدست
گرفته از بازار و اناره سکے مبلغ یکصد و چهل روپیه کلدار
برای غرض مذکوره بالا چنده فراهم آورده اند فقط

از ترجمه اخبارات دیگر زبان که در دست
اسلام بند الحال ترجمه شده و نقل کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 69 of 1786

از اخبار ترکی

ترجمه و نقل کنیم که به امضای (سید امیر) در اخبار (تایمس) نوشته شده :

صاحبان !

خواه از نقطه نظر صلح و صلاح عمومی ، و خواه از جهت وضعیت تفاوت کلی را که بریطانیا در ممالک شرقیه پیش نهاد خود ساخته به این دو سبب باید که بریطانیا هیچ صورت از این محاربه مصون و خشنود نشود ، زیرا هیچ فایده و منفعت مادی و معنوی برای بریطانیا ندارد ، بلکه محقق است که موجب بی منفعتی میشود ، در این مسئله دو نقطه مهم موجود است که حقیقتاً شایان بحث و بیان است :

اول : سبب این محاربه جز اهل اسلام بجوش و خروش و قهر و غضب آمد ، ظاهر و علانیه سبب اطالیه بنظر شقی و رهزن می نمایند که در این باب هر مسلمان حق صریح هم دارند ، زیرا با وجود یک حکومت ایطالیه هر قوه حقوق دول ، و جمیع قوانین موضوعه مدنیه را پامال نمود بسیار شایان تعجب است که دولتهای اروپا در خصوص التزام حق و حقیقت عقیده ی دل پروائی را پیش گرفتند .

هر مسلمانها بلکه در مدینه ، طابه ، مکه ، قسطنطنیه ، و جمیع نقطه و سیعه هندوستان ، و مصر و دیگر بلاد اسلامیه زنده گانی دارند از این حرکات بیجای ایطالیا خائف ، اطمینان نفرت و توحش کردند که اینهم برای اثبات مدعای من کفایت میکند از همه مهمتر بریطانیه است کافی میباشد ، و در چنین جا ذکر کردید اجتماعات و مجلس های عمومی منعقد شده ، و نقطها و خطابه های بسیار آتشین حسیات دل خودشان را بیان کرده ، و یک زبان بسیار خوفناک و از خلاف طرفش پائی از دولت بریطانیه استرحام درجا کردند که ایطالیا را از این کار ناحق دلی را بوشان منع کند .

دوم : این است که ایطالیا تنها بسبب اینگونه حرکت ناحق و نالایق خودشان این محاربه را یک شکل و صورت دیگری داده ، و احساسات اسلامیه را بحرکت و هیجان آورده که اینهم محاربه را بنظر جنگ (اصلاحیت و نصرانیت) بظهور آورده ، حال آنکه اصل جای ترس و اندیشه هم نمایند نقطه نیاشد .

علی الخصوص دستهای پاپ تسبیح خود را برآورده بعضی جاها کشتیهای جنگی ایطالیا حقیقتاً موجب حیرت و دهشت شمرده میشود ، یا در بیانات و کلمهای پاپ است خلاصه دشمن پرستهای صلیب را بر دیوارهای قلعه طرابلس به پاپ مبارکباد گفته اند ، به این هم اکتفا نشده و چندی پیشتر در سفارتخانه ایطالیا در لندن یک جشنی برپا شده و بسی سخنان حرارتناکی بیان کردند که از آنچه تر کلمات از نقطه (یاروپ) بیرون راندن و مانند بهودیها بدیگر طرفها گرفتار زمین پرانکند و کردن بحث و بیان نموده اند که این سخنان جز هذیان و ابواگی دیگر چیزی نیست .

از کسانیکه منافع بریطانیا را مقدس میدانند ، و در انجمن حفظ آثار یک وقیعه نظیره برای خودی شناسند پرسیدن این سخن مجبور میشوم که ((آیا انجام و نتیجه این احوال را برای بریطانیه خوب و پرخیر میشمارند ؟)) !

در حالیکه دولت بریطانیه خود را یک دولت دوست حریت پرور میداند جمیع ممالک شرقیه تسخیر خانه ، و در هر وقت خود را حامی و حقانیت مشهور کرده ، آیا چسان میشود که با این حال حامی در زیر خانه اختیار سکوت بکند ؟ و اگر سوال شود که ((هرگاه سکوت نکند چه خواهد شد ؟)) بجوابش میگویم که یکی کردن بریطانیا غیر ممکن است ، زیرا دولت بریطانیا حاکم دارای (۴۰۰) میلیون نفوس بشر است که یک ربع آن مسلمانند ، و این مسلمانها بسیار سعادتمند است که برای حاصل شدن یک رحم و کرم از این شرق و غرب کوشش و رزیده و اند ، و برای بدست آوردن افزونی و اداوت این دو عنصر سعی و غیرت کرده اند . پس اگر دولت بریطانیه که در نظر مسلمانها از همه دولتها عالی تر و حقانیت پرور تر شمرده میشود مقابل این حق ناشناسی ایطالیا چیزی نگوید حقوق خود را خود پامال نماید ، لهذا نظر به این دلیلهای واضحه بیان شد باید که دولت بریطانیه بواسطه کشتیهای جنگی خود بصورت مردانه مداخلت کرده و این کار یک نهایتی بدهد ، و به اینصورت ثابت سازد که نصاری حامی و حقیقت را التزام کرده و نظر پامالی ضعیفان نمیاشند ، وجدان ، انصاف ، انسانیت همچنین اقتضا میکنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 70 of 1786

آخرین خبرهای اخبار

۱۳۲۶

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الاخبار افغان

[illegible]

اعلان

شرایط مشترکان سراج الاخبار در ممالک خارجه

مشترکین گرامی که در ممالک بیرون از اروپا و شمالی و جنوبی امریکا و هندوستان آزادی مشترک و خریداری سراج الاخبار را اراده فرموده اند قیمت سالیانه آنرا که نه (۹) است بیلگی برای جناب [illegible] سرمشق دار الکتابه دولت علیه افغانستان در پشاور بفرستند و رسید حاصل نمایند.

مضمون و محتویات خود شانرا برای مدیر سراج الاخبار مرقوم فرمایند.

مدیر سراج الاخبار هم بمجرد وصول قیمت و محتویات مشترکی را بنام ایشان در سراج الاخبار درج و ماشین خانه کابل بنام مدیر و مسطر مقرر میفرستد.

بعد از بسیدن نمبر اول سراج الاخبار بنام ایشان جاری میشود.

هنگام وصول پیغام درج آمدگی و مشترک شدن ایشان مدیر سراج الاخبار یکبارهٔ بگرفتن رسید از پشاور مطمئن گردیده و رسید حاصل کرده و بعد از آن الاوصیاء از مبلغ مذکور در خزانه عامره در حصه وجه مخصوص کر بنام سراج الاخبار معین و مقرر شده واجب می آید و آخر سال حساب آن داده میشود.

هر مخابرت و مکاتبات بنام خود مدیر و اداره خانه فرستاده میشود.

در ممالک بیرون از اقتدار افغانستان و روسی گسایکه آزادی مشترک سراج الاخبار را پیشه خود ساخته اند قیمت سالیانه آنرا [illegible] بیلگی برای جناب [illegible] کارپرداز دولت علیه افغانستان در پشاور مقدس میفرستند و نام و صفت و محل اقامت خود شانرا واضح و مفصل مینویسند. جناب [illegible] نیز مانند جناب غلام حیدر خان حرکت کرده اداره برای مشترکی خود اخبار جاری میکنند.

در بهاولپور اخبار را اداره مختار است.

هر مقاله ایکه دستخط اداره از طرف مسطر مقرر نباشد

مدیر و مسطر سراج الاخبار

بسبب کمی خبرهای زیادی دیرین خبرها درج شده نمی بود ما آن را عوض دوازده نمبر اول نوشته

بسعی و اهتمام الحاج عبد الخالق میرزا مسطر مقرر مطبع چاپخانه دار السلطنه کابل بطبع میرزا محمد جعفر خان طبع شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 71 of 1786

صفحه ۱ — سال کم — نمبر ۶

بتحریر
[illegible]
سید احمد

مدیر و محرر
محمود [illegible]

اداره خانه در اسلامبول

در امور تحریریه و اداره خانه بنام
مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی اول محرم الحرام ۱۳۳۰

قیمت سالیانه
در اسلامبول با پول ۸ روپیه کابلی
در ولایات عثمانیه با اجرت ڈاک ۱۲ روپیه
در ممالک خارجه با اجرت ڈاک بهر نمره گرشی
قیمت یک نمره آن در کابل یک شاهی است
چهار نمره در یکجا فرستاده میشود

تاریخ شمسی کم جدی ۱۲۹۰

در این اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

ڈاک — حوادث خارجیه — ادبیات — [illegible]
خاطره های پاریس — [illegible]

ڈاک

یکی از نعمتهای بیشمار و عطیه ای کبری که در سایه حریت حاصل شده تاسیس ڈاک است. ڈاک و ڈاک خانه تا وقت حاضر در کدام یک از ممالک متمدنه نبوده است؟ [illegible]

این بنده خواهد خاطر و افکار خود را بیان کرده بتوانم که ڈاک چیست و چه فوایدی دارد و بر قواعد و مقامات متکلم گردم. اما چونکه بحث سیاسات و ذکر یک گزارش مختصر از تاریخ ڈاک در ممالک متمدنه و مکالمات دوستانه و مخابرات سیاسیه و مذاکرات اقتصادیه وغیره یک قسم بر هم میخورد،

حاجی تجارت بجان یک مال خرابی استقبال و تجارت کرده ان [illegible] است. اطمینان میدهد. بلی از زیرا اگر بعضی ڈاک

شرکتهای تجارت بر گرسنه از شهرهای دور از کیفیت احوال و اشیای تجارتی و کمی و بیشی قیمت وغیره وغیره نوشته و تا چیزها را خریده و فروخت و از اسعار رسول گشته بجز زیان و گرسنگی سودی نخواهند دید.

و الی حال ڈاک یکی از لوازمات آسایش و ثروت و سعادت مملکت محسوب میشود. یک دولت شاهانه تا در جغرافیه نامی ڈاک درج کرده نگوید که اگر ڈاک نمیبود نامه چران یک عاشق فرقت زده و اهل کشیده از یار جدا مانده و ڈاکدار باد صبا و بال کبوتر بیارد [illegible]

اگرچه تلگراف در خصوص سرعت و تیزروی بارها از ڈاک فائقه و مقدم است. ولی مخابرات تلگراف نسبت بمخابرات ڈاک گرانتر بیشتر و دقیقتر میباشد. و [illegible] چون موضوع بحث تلگراف نی بلکه ڈاک است از آنرو از تلگراف بعد ازین بحث خواهیم نمود. و از وسایط تقلیه یعنی چیزهای زوردار مثل [illegible] و موتر و دوا پر کردن بالون و تلگراف تلفونی نامربوط ڈاک است نیز بعد ازین بحث خواهیم کرد. حالا بحکم از احوال سابق و لاحق ڈاک و طرز تحریر خود بیان کرده میگوئیم که [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 72 of 1786

طی نخست منظم نیز بود و اگر چه نخست راگ در زمان حکومت امیر مرحوم مغفور (امیر شیر علی خان) اول بار ایجاد شده، ولی در زمان سلطنت پر شوکت پادشاه غفور و خاقان مبرور (ضیاء الملة والدین امیر عبد الرحمن خان) یک طرز دیگری اصلاح و توسیع یافته است و این طرز خوش نما و با انتظامی که در نخست های این عصر ترقی محصر اعلیحضرت پادشاه دین پرور ترقی خواه ما دیده میشود و دیگر از نخست های قدیمه دولت علیه متبوعه شاهانه فیلگرد و نخست های رقم رقم بر صفحه که در این زمان سعادت اقتران بارونی بروی کار آمده و از نقش و نگار خطوط زرد و منبع ترکیب و نه در خوبی صورت از نخست های دیگر دولتهای متمدنه پایه کم نمی آرد.

در وقت حاضر در راگ خانه های سلطنت سنیه افغانستان نخست نوع نخست استعمال میشود. یکی نخست مکتوبهای مرغوبست که در قطعه کاغذ چک بر رنگ سفید و یکی برای مکتوبهای یک مثقال است که قیمت آن یکهاسی و رنگ آن لاجوردی میباشد. دوم برای مکتوبهای دو مثقالی و قیمت آن دو جای و رنگ آن سبز است. سوم برای مکتوبهای سه مثقالی و قیمت آن یکروپیه و رنگ آن آبی است.

نوع دوم نخست امی یا رسمی یعنی امانت است که در قطعه یک تعدی بزرگتر از آنهایست و رنگ ساخته شده. یکی برای پارسلهایست که یک خرواری باشد قیمت آن یکجای و رنگ آن زرد است. دوم برای امانتهایست که از یک خروار بالاتا پانزده خروار باشد. قیمت آن یکروپیه و رنگ آن لاجوردی است. سوم برای امانتهایست که یک پانزده خروار باشد. قیمت آن دو روپیه و رنگ آن سبز است.

غیر از نخستهای رقم نخست دیگر نیز این دسته که مخصوص برای پاکت امی گرامی دولتی میباشد.

یک نظام نامه مخصوصی نیز در باب راگ و اداره سنیه اعلیحضرت همایونی تنظیم گردیده و در ساعات راگ و راگ خانه ها و در زیر کار کنان صیغه راگ تشکیل آورده شده است لهذا راگ مبشور که در ولایت، قطعه اداره افغانستان چنان بسی آثار ترقی و تمدن در زمان سعادت اقتران اعلیحضرت پادشاه دین پرور انقلاب ایردی کار آمده و امورات انتظام راگ دولت علیه افغانستان نیز از ثمرات ترقیات بسیار زاغ این (عصر سراجی) شمرده میشود که در سابق نبوده.

در این خصوص حسن خدمتگزاری منشی (حسن علی لندی) خزانه دار راگ ساختن نخست ها و ترتیب نظام نامه و دیگر لوازمات راگ خانه ها نیز مرقوم همایونی ابراز نموده الحق که شایان تحسین و تقدیر است.

اعلیحضرت پادشاه ترقی پرور علاقات گسترده و در نخست های صنعتی رویه دیگر را بجای دولت علیه شاهانه شاخ ایزار، اوده و فرمان فرموده اند که اشیاء را حاضر کردن اسباب آن مامور فرموده اند.

امروز افغانستان تحت سایه پادشاه دین پرور ما در پایه پادشاه و استقبال ترقی پسندی آسوده و تامین راحت و سعادت را شته که عصر ترقی حضرت ایشان رشک فرمای اعصار سابقه افغانستان است از روز فیروز جلوس همایونی شاه ما شان سال اول پادشاه روز بروز یک اثر ترقی نوی و یک نمونه تازه جدیدی در ممالک محروسه السلطنه شاه ما شان جلوه پرداز ظهور شده و میشود که (سراج الاخبار) افتخار دارد خاصی یک تحسین خود را بر پرتو تکاپو و آوری آنجناب مزین ساخته اکتساب فخر و شرف نماید.

حوادث خارجیه

(از اخبار علم)

(اخبار علم) مطبوعه مصر و از اخبار المقتبس مطبوعه هسپانیول

در باب نظر حرکت مسلمانان با ایطالی این فقرات ذیل را تجویب و دیگر یکه هر کس از خوانندگان کرام که فقرات مذکوره ذیل پسند و قبول کند دستخط خود را بر این خود و بان صفحه را از اخبار مذکور پاره کرده و در نامه بر جریده بفرستد.

(فقره اول) هرگز با هیچ ایطالی معامله نمی خواهم کرد و نگرفت نمیکنم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 73 of 1786

(۲) امروز با آمدن ایطالی را بهر گز استعمال نمیکنم از آنها روی میگردانم.
(۳) با کشتی ایطالی هرگز سوار نمی شوم.
(۴) هرگز جنس ایطالی نخرم نمیکنم.
(۵) هیچ یک از اوراق خود را بکمپنی ایطالی داخل نمیکنم.
(۶) خط و خبر خود را بواسطه تلگراف ایطالی نمیفرستم.
(۷) هرگز شخص دشمن ایطالی را نوکر نمیگیرم.
(۸) با هیچ شخص ایطالی بر هیچ کاری مساعدت و یاری ننمایم.
که مخالف وسائی اخلاق کریمه اسلامیت منتج باشد.
(۹) بقدر طاقت خود و بقدر تقاضای اخلاق قویه ایذا و رنجش
هر شخص ایطالی میرسانم.
(۱۰) اوقات خود را بمبغض و دشمنی ایطالی تربیت میکنم. و افکار
ایشان را از هر زبان و مکان و بهر طریقیکه ممکن باشد رفع مینمایم.

تمام اسلامی جنین قرارات را قبول میکنند و بسبب آنکه
تجارت ایشان بغیر ملک ما رواج گیرد رواج میگیرد و باین حرکت
بیخ ایشان خراب آنور میشود و هرگ اقتصادی میمیرند و چون
اتحاد و اتفاق ما را بشکنند و اتحاد ما در بن حرکت این فایده
را میکند که دول غربیه از ما مسلمانان حسابی برمیگیرند و دیگر
از ایران کی مشعر نمیدهد از جور و شدت خود بر مسلمانان کوتاهی
میکنند پس باین حرکت از ایطالیه انتقام میگیریم و خدمت خود را
از جانب دیگر میکنیم.

ایضاً

غیرت و حمیت زنان مصر

زنان فاضلات غیرت دار مجمع زنان مصر که از معتبرین
مصر جمع شده و اسباب زحمت و هیجانی که در طرابلس مقام است
ایشان را از غیرت و حمیت میشود که با دولت علیه دارند بنهایت
درجه یک از ایشان خطابه غرائی در باب تعویذ دولت علیه برای
دفع واقعه طرابلس خواندند.

(خطابه زنانه)

(ای یادداران ایران ای خواهران من)

هر یکی را از ما باین جهت برانگیخته که هر یکی از ما باید واجبی است
از واجبات شخصیه تا است که خودستائی و شادمانی کنیم خصوصاً
در این اوقات — ولیکن برای ما زیاده اهمیت دارد خودستائی و شادمانی
واجبی که بر ذمه ما هست آنرا از دوش سازیم.

بعد از این فرصت بعد از اعتبار داده و عرض
از دو جهات است که وطن خود را دوست بداریم — و آنها
دوستی وطن را بهمسران و دختران خود بیاموزیم

و از جهات این جهت است که خود را در خدمت وطن عالی سازیم و بجای
واجبات و زحمت از وطن خود نگذاریم و نفس خود را مالی تلقین خود را
در حساب بذل و فداکنیم — شما میدانید که بلاد شرقیه بعد از انقطاع
رشته خود بعهد پیشین یا اتحاد و این پیر بر شما پوشیده نیست که سبب این
پیش رفتن سبب خود ماست — دولت علیه از حین تاریخ تمام وجود
دستور داده است که هر مسلمان در هر شهر با آن احترام نمایند — و این
مقام ایشان سبب سلاطین فاتح و ایران عهد در چنانچه در اکثر
اوقات پیش رو اهل یورپ سد محکم و مانع قوی بودند — اما
یورپ از طبیعیکه دولت علیه داشت مانع افتاد — و اطلاع و قدرت
دولت علیه کم گذاشت — چه را اهل یورپ بعد و قرب از
ایشان گرفتند کردند — و یورپ یا یابان محبت است
و تمدن مجاور میکنند — و این نیست مگر روحانی و نظام بدار ما
کاینکه ما را با آن قریب عهد و بلاد ما را اطلاع خود می سازد
و خون ما را میمکد — این است ایطالیه که یکی از ممالک دولت علیه را
غارت میکند — و برای این غارت بغیر طمع در ملک ما سعی نیست
— ای خواهران من بعید که چه خانه های آباد را ویران میکنند
و چه نفوس بیگناه را از جان میکنند که آنها مثل ما و شما
اطفال و عیال دارند — و چه را یتیمان و بیوه گان می سازند —
خواهران من سخن را بدینجا رسانیدم — و شما سامع بسیار پر
در لفظ تنها و نقطه ها و بی حس ظاهر صرف میکنند — کی را از
اخراجات تزیینه و زینت خود در جهان میان جنگ بیرحمانی خانه و بیت
خالیها و دودمانهای پاک شده و بعضی را از بیعصمتی صرف زینت
باطل میکنند باین مصرف برسانید

غربیان امید و آرزو دارند که مسلمانان پراکنده و شوند —
آیا باین امید و آرزوی خود میرسند یا نی؟

ما هم خود را بر پراکنده و ساقطن مسلمانان از مقام هستی محترم
نمودند — و از خواهات و نظر ما نیکه بر مسلمانان بی دین باقی که
دلیل قطعی برای خود یافته اند — و بعضی از ایشان میخواهند که
اعصاب مسلمانان را تحدیر و خوابیدگی بدهند بعد از میگویند
که طمع غربیان ملک شرقیان از راه مطالب سیاسی است
نه از راه اغراض دینی — و اینچنین است دلیل آنکه در فصل
دوم و صفحه ۱۲۳ (کتاب استانبول شرقی) تالیف
(کلود کارتی) گریکی از کمیسیان سیاسی است در جمع علمی
فرانسوی (نصر) پیرسش از این مضامین آمده و است — ولی
این را گفته است که اگر کل مسلمانان جنگ خواهند
باز میگوید که من هرگاه چیزی بنویسم برای منفعت خاص
مسیحی خواهد بود و آن اگر کل مسلمانان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 74 of 1786

وبهذیب عادات انسانی قرار گرفته باشند - گاه باشد که این ترقی بست ماهیت تحت است که حق بر آن احاطه نتواند داشت خواه نخواه آن میرسد - در باره مسیحیان واجب است که همه این امر عظیم و مصیبت سخت را از خود دفع نمایم - علاوه این است که اول کسیکه در این باب تحقیق نموده است نه ما هستیم بلکه بسیاری از فلاسفه علام در این باب تحقیق نموده - و علام مسیحی از انجام شدن این در آن مسابقه دارند -

آن امر عظیم و مصیبت سخت را که گفتم دین اسلام است که باعث قوت و بسیط ترقی مسلمانان و در راه تعلیمات مسیحیان ترقی بخت است - پس بر شما باد که خود و فرزندان خود را محفوظ سازید ازین - و اگر میپرسید که ما چطور بتوانیم شد - میگویم که باقی وقت خود را صرف دعا و ابتهال بدرگاه خدای مسیحیان بنمود - که چون شما متحد و مجتمع شوید - در نظر شما بر اهل این مسیحی شکست دیری نخست - و اسلام چیزی نیست که سبک شمرده شود و نه فریب دادن مسلمانان امر بسیط سهل و آسان بلکه دنیا اسلام و اهل اسلام برای جمیع بورپ و خطر عظیم می کنند و هرگاه مسلمانان قوت یافتند براکندگی عالم مسیحی بسیار برای ایشان آسانست - بیان این سخن این است که بر شما پنهان نیست که از وقایع سپاپول و غیره آگاه و شما شنیده سپ و رفیه ای و نصرت ایشان عجیب بود - و آن کتاب عظیم که از آسمان نازل شده بود آورده - باز در باب قرآن چیزی نوشته است که تا بحال نقل نیست و بر شما پنهان ندارم که این را شنیده که هرگاه مسلمانان بدیگر خود را متحد و دل نصرت یافتند بسیاری از مسیحیان را بقتل میرسانند و بر اصل نصرت یافتند مسیحیان را از بلغان و ترکستان اخراج نمودند - علاوه این است که اولاد و غیره ما می آنها را این زمان در ما می زیست خود نمی بینند که شما را خراب میکنند - و خانهای خود را از شما پس میگیرند - پس اگر هلاک نمودن مسلمانان تجویز می نمایند البته آنها سوگند است که هلاک میشویم - پس لازم است که ایشان را از خود دور بنماییم - پس لازم است که بر اموال و املاک ایشان استیلا و غلبه کنیم بعد از آن در گرفتن جان ایشان یکدیگر را مساعدت و تلاش میکنیم - و در محو نمودن قرآن ایشان سعی و کوشش کنند که البته سوگند است که در چشم من کتابی مثل این کتاب ندیده ام است - زیرا که در آن هزار ها هزار صفحه میشود - و نه مانند سررشته و سلسله این کتاب سررشته و سلسله نیست - تا نه نمودن مسئله شرعی بر شما لازم است - و از سستی و سهل انگاری و تن آسانی

ترسید - و این از نظر این فقره بخوبی واضح میشود که ایشان طوایف و اقوام را می سپرند و اساس حکومت است - و در دولت عثمانی اقوامی پیدا شده که رای ایشان مختلف و مذاهب ایشان متفرقند - بعضی از ایشان دینی و بعضی طریقی که دشمن ترکان شده و بعضی ترکی و بعضی از ایشان نسبت بمردمان عرب در تحت دولت مقرب تر و بسیاری از اوقات بر مجلس مذاهب ایشان و ترکان اعتراض میکنند - پس زود می کنید - باز زود می کنید بسوی خویش داشتن این قوم است - و بر هر یک از شما لازم است که جانبی را از اسلام برآخود مسخر کنند این سوگند است بر خلاف نفس و اظهار بیعینه نمود - و (ما فوق) آنچیز است که خلاصی مسلمانان این مسلمانان کار و شوار می بیند - و این کار بست که ما مسیحیان طالب آنیم و این است انگلیس که در بیشتر اتفاقات از طوایف اسلام را بدست دارد که از نفوس جزیره سلطنت ایشان بسیار ترند - و در روم در انقلاب اخیره که در قسطنطنیه در مجلس شورا اشرات آزادخواه تصریح نموده است که از تمسک و تحکیم مسلمانان بر دین خود چیزی دیده و دام که مراجعان و مدهوش ساخته است - و بنا شده است اینکه تا و تحکیم قرآن ایشان پیش روی ایشان است تا با ایشان مقابله نمائیم - وغیره وغیره -

باز جان مؤلف گفته است که اگر من فرصت بیدا کنم عبارتهای نفوس مسلمانان را که صلیب و چلیپا بر ایشان حرام گفته بر ای شما می نویسم - و شما فراموش نمیدارید این را که ما مسلمانان را از خلافت بورپ کشیدیم - و اموال و املاک ایشان را از دفعه سعی و کوشش داریم تا ایشان را خلاص سکونت در اینجا مضطر و ناچار سازیم - و در آخر ایل بلغان بر ایشان جوش میکنند پس ایشان را از خطه آخرین بلاد ایشان بیرون میکنیم - و غیر که و مدینه بر ای ایشان شهری باقی نمی ماند - و من بر این فقره واقف و مقدم که زمانه بر ای ما باین مطلب خاص است که بر هر دو شهر مذکور ایشان نیز استیلا و غلبه کنیم - و این سخن بیتر از دل شما بیرون نشود که دولت عثمانی که الآن بست ضرر اکبر بست که بخراب نمودن شما تهدید و سعی نشر میکند - و باد شاهان گذشته ایشان را فراموش نکرده باشید که عادت ایشان پراکنده نمودن شما بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 75 of 1786

از عالم هستی ... پس بر شما لازم است که او و شعرا... خود را از معنی این مسیح بعیدا نید ... باز گردانید این قوی که بر گاه و بی گاه از او و از قوت بالقوه ذم شما را از حقوق هستی خود خلع میکند و دل اطفال شیر خوار شما را می کشد و در اصنام قول خود آنها را از پستر سس رسول شما بیگانه و محروم می کنند آن از غلط بهتر است ... و آن اینکه :-

مسیح آمده است برای اینکه تعلیمات خود را در میان مردمان بیندازد و بدیرا ئی آنکه کوچکی را در راه تعلیمات خود بیابد .

و معنی این قول آنست که بر ما واجب است که کار دین مسیح را از این سیاسی برداشتیم تا عقلها با آن موافقه شوند .

و نه و است که نور صلیب و چلیپا بر دشتی مشتمل بر ... و نور نشان هلال آهسته آهسته خورده شده بر رود .

خلاصهٔ فصل مذکور کتاب مذکور همین بود .

پس این بر اظهار و اعتراف صریح است که مطلب بر و بیان اجرا دین مسیح است و دولت مطلب سیاسی ... و بلکه شهرت میدهند که (اسباب دینی ندارد) یا میگویند که (جلوگیری بر و بیان مضر عام است) اینهمه گفت و زاند و دیست که ساده لوحان را بآن فریب میدهند ... و این ساده لوحان از اقوال دانایان کار سیاست بر و پی اند (گلادستون) و (سالسبری) و ارباب حقیقت مسئلهٔ شرقیه غافل و ذاهلند .

(سراج الاخبار)

و این اظهار جریده منصفانه جواب ما است که میگوئیم

الحق یعلو ولا یعلی علیه

نقل از اخبارهای ترکی

ترجمهٔ تلگراف جناب امیر بی بحضرت سلطان المعظم

بسم الله الرحمن الرحیم

در استانبول بحضور سلطانی :

خبر شوم بر گوشهای از یگانگان در ممالک اسلامیه تولید هراس عظیم و در اکثر محل فتنه ای برپا کرده اند . من با صد هزار نفر از نجابای بلدی عرب و تمال با آنها حاضر و مستعد جهاد شم تا آنکه کلمة الله عالی باشد . والله ناصر المعین

فی ۱۲ شوال سنه ۱۳۲۹

امام الحرمین الشریفین علی الله

ترجمهٔ جواب تلگراف بالا بدین

بسم الله الرحمن الرحیم

عزم و جدی که در تلگراف خود اظهار نموده اید سبب زیادتی اقتدار اسلامیت است . بر ذمهٔ شما بزرگان عرب است که در این شهر شریف شعار بزرگواری خود را بدفع اسباب این فتنه عرب مشغول شوید . و این قضای صعوبت شما از آثار مستی قهرمانیت خاطرهٔ بیان مسرت میکنم . والله الموفق

محمد رشاد

از ایران تلگراف دادند که علمای مجاهدین بنا بر اغوای اجنبی ها اعلان جهاد کرده اند . عرب با عجم را با هم دشمن ساخته اند . چنانچه گویا جنگ با دشمن بر روی ایطالیا بجا مانده و نه تاب کرده اند و در وقت شب که گمان عباس استراحت و راحت داشت بلشکر خدای بزرگ و دشمن شیطان بسیار خونریزانه بر روی هم حمله بردند و تلفات بسیار بزرگ بر هم وارد آمد .

تخریب طیاره ... دو طیاره ایطالیا را خراب کرده اند . مواضع عساکر عثمانیه بر هوا کرده و بواسطه این بادشدت که میوزد و دیگر لازم بود دیده شده نتوانسته اند بجا خیر اتی تلگراف بزنند کردو هر دو طیاره را تخریب ساخته اند . لیکن حسن اقتدی پاره ای فرد طیاره مذکور را برای یادگار نگاه داشته است .

یک ذات مخلص سیلطنت ما تابع فلسفه قدیم عالم طبیعی از جنس خود دیده از ما چنین میپرسد :

(طبیعیات کس را بجهاد اگر یا ندا بی سوال و جواب)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 76 of 1786

قول کرده اند. بجای همه حرفها این کار را مردانگی کرده اند که با اسلحه سنگی که دست داشتند با دشمن جنگیدند و نگذاشتند سایر برادرانشان در بیابانها بمیرند. اگر جنرال (کابنا) گرفتار این بی عرضگی نمیشد هیچ گاه ایطالیا به این حال نمی افتاد. اینها با توپ و مسلسل و هواپیما و بمب گاز آمده بودند و با تفنگ و سرنیزه و شمشیر و دشنه از آنها پذیرائی شد. اینها با تانک و زره پوش آمده بودند و با سینه و دست و با برهنه مقابل گردیدند. بیش از سه هزار نفر از اینها را با سرنیزه و شمشیر و دشنه کشتند. ایطالیائی که با این وحشیگری و شرف خونشان را ریخت بجای خود، ولی آنها که با تانک و هواپیما و بمب گاز آمدند از مخلوقیکه آنها را نمیشناسند چه انتظاری میتوانند داشته باشند؟ آنها

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 77 of 1786

...دارند شدت یک دسته اسلوس با دل بیاورند و در نظر
فرستاده را طوری که از شهر خارج شوند بزنند و ...
که قوای اسلوس ای مذکور از شهر بیرون خواهد آمد

کیفیت جنگ بنغازی

کی از رشته وقایع جنگ ایطالیا و ترکیه است که
جنگ بنغازی را چنین حکایت میکند :

« چنانکه در کشتیهای جنگی ایطالیا در طرابلس بود
بودند که در بندر بنغازی خواهد شد . عساکر ایطالیا
داده بودند که در بندر بنغازی خواهد شد . عساکر ایطالیا
برآمدن عساکر ایطالیا را تحقیر و بی نتیجه میدانند . از
شهر هیچ اندیشه و پروائی نداشتیم . زیرا به این یک
حاصل کرده بودیم که در میان استحکاماتی داریم که
دشمن باشد . و نقطه بحریه خود یک اسکله
که معاونت دارد . مقصد ما همین بود که تا ممکن باشد
برایگان نگذاریم که عساکر دشمن داخل خاک ما آمده بتواند .

عساکر ما محکم بنیه بنیای ساحل مشغول بودند . (دو یوزباشی)
یک که از طرف ... الی بنغازی مبعوث است با آوجهای
(شیخ سنوسی) اخراج داده طوب قلعی را ترتیب و تشکیل داده
جاهای بلند اطراف را گرفته بودند . در وقت شب از طرف
قوماندان عسکریه اشعار داده شد که بوده ... الی
چون میدانستند که ایطالیها بیرحمانه هر شهر که خواهند گرفت
زنان و اطفال خود را شتاب از شهر بیرون برآورده بودند .
بعد از غروب آفتاب شهر ما تقریباً یک مزارستان ساکن و ساکت
بود . و هوای طوفانی برجوش عسکری و کرک و قلقلی به توپ می نمود .
فیر از صدای قدم زنان متظر گزمه های عسکری دیگر هیچ چیزی
شنیده نمی شد . قازیان سنوسی بر حرکات دشمن را از عسکر
خبر گرفته با اطلاعات میدادند که سفاین جنگی ایطالیا
از زمین خود را به دشمن داشته اخراج و قشون را تخلیه می نمود .

تا آنکه وقت صبح و دسته کشتیهای جنگی دشمن در افق پیدا
گردید . بود از هیچ روز یا بنظر بازدیاد و غلغله معلوم بود .
هشت قطعه کشتی جنگی ... و پوشش دشمن آهسته آهسته ساحل
نزدیک می شد . از یکی از کشتیهای جنگی یک کشتی کوچک
فرود آورده شد و در نظر قسم از آن نشسته . اشخاص
مذکور با یک عرابه صغیری بساحل برآمدند . و قوماندان
(یعنی از یک از طرف ... ساعت تنظیم شود تکلیف
دعوت کردند . گویا در این دعوت و تکلیف آنها

... و آنها بر جا دادم و خیلی نور برشته .

... دیگر چیز بسیار با اهمیتی بود . قوای عربی که برای
سرکاری فرستاده شده بود . فوق العاده شدت می نمود . طوبهای
چون مقابله کشتیهای دشمن را در خود دیده بسالت بودند . فهم
آن بود که چه وقت ایطالیها عسکر خود را از کشتیها بیرون
برآورند بعد از آنکه فیر اسه شد بطوپ ای کشتیهای جنگ
کار خود را به انجام رسانیده اند فهم کرده توقیف را فرو آورده
شده و سوق عسکر آغاز نهاد .

طوپهای ما متفکر نزدیک شده توقیف های دشمن
بودند . بجز یک در میدان محکم رسیس قرارهای ما شده اند
بنابر یک امر یک قوماندان عمومی یک عطا خود یک فشنگ
بسیار شدت ناکی طوپهای با زکرده اند . محکمه ای ما
در نظر گرفته توقیف های دشمن سه افتاده . یک دو ساعت
بنگامه برخاسته خیزی در عسکر دشمن برپا می نمود . گاهی با
پاره پاره می شد . جسدهای بی روح و پا مجروح دیده
میرفت .

ازین واقعه دشمن از این نقطه حرکت خود صرف نظر کرده
پس عقب نمود . باز مجدداً بار بی شده بدتر از اول آغاز
نهاده . آتش طوپ مدت شش ساعت بلا انقطاع دوام
ورزیده قسم اعظم شهر را خراب و پریشان ساخت .

درین اثنا از طرف طوپهای طوپ خبر رسید که
عساکر دشمن از طرف (جمی پولیانا) برآمده می آیند لهذا
مجبور شدیم که به استقبال ایشان بشتابیم . ما چون بطرف
توجه نمودیم ایطالیها بتیرزا خط نمودند . اول کاریکه کردند یک
(استی مشن) تلگراف جانباز و طوپهای صحرائی را در
جاهای بلند جا دادیم (استی مشن) مذکور را خراب کرده
و یک قسم از عساکر دشمن را تیرتلف ساخت .

در این وقت هر جاهای بلند حوالی بنغازی بدست
طلیانیاست . ایطالیها یک قدم به داخل قدم نهاده نمی توانستند
برای هجوم . دوم حاضر و آماده میباشیم . و فهمیدیم که ایطالیها
به جمی پولیانا برآمده از طرف دلاور این سنوسی
بضایعات عظیمه دوچار گشته .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 78 of 1786

ادبیات

تمنا

(از یاد گار، بامی صافی)

آیا هیچ وقتی تنها مانده اید — یعنی یکه می با خود نشسته اید؟ اگر نشسته باشید، آیا چه دیده اید، چه شنیده اید، چه گفته اید، یعنی وقتی که با خود آمده اید؟

عجب تنهایی! از یک سو از تنهایی، و با خود نشستن بیزار هم، و از دیگر سو از آمدن، و رفتن، و گفتن، و شنیدن، و دیدن، عرف میزنم!

عجب وحدت! غریب کثرت!....

یک آن وای میگوید:

از نفس تا چند شور سازم با اهل نشینم
دم فرو خورم دم بخود ناحرفی از دل نشنوم

بلی! اگر یکه می با دل نشینیم، و از دل بشنویم، و از دل بخواهیم گفتنیات را، از خود، و خود را گفتنیات خواهیم یافت. و چون خوب نظر کنیم، از خود، و خود، و از گفتنیات خواهیم دید!

— پس چه خواهیم دید؟

— هستی از لی خلق!

— چرا خواهیم شنید؟

— وحدت، وحدت، وحدت!

— چرا خواهیم گفت؟

— بهر خلق!

— کی خواهیم رفت؟

— بمقام حیرت!

— چسان خواهیم آمد؟

— به اتحاد، بطرز وحدت!

§

در باغی کوچک خطاب (اشجار پیرامون خوشش جویبار هوا داری کرد) (صافی) نام موضع باصفای (شادباغ) جنت مثال بود. (تنها) نشسته ام. (نیمه ام از حیرت) و نیمی بیشه زار اتحادی، (راضیه) دست بیداد م. (طبیعت) آنقدر از اختلاط عالم رم کرده که سوا و شهر، از آبادی هیچ ندارد و گوشه باغ صفا آباد و برای این خلوت تنهایی بهترین نشیمن بسیار مناسبی تشکیل داده. نه یاری دارم، نه غمگساری، نه با کسی کاری دارم نه با کسی را کاری؟ چه غم، نسیم خوش خبر جان فزا، هم گرم گفتگو، شب بخیر باد!

گاهی میشود که تنهایی مرا (مستغرق) (یعنی سیر ان کند) میسازد، نظرم بهر چیز که میخورد، از آن استفهام میکند، تنهایی می پرسد، (که تو کیستی) آن حیرت میدهد، (که تو چه) بار میکند، (که تو کجایی) آن دهشت آید، (طفل سیرتا) تمکین و (یا سین رنگین) دهیو دای شیرین عادت دارد، یک تبسم می پرورانند و از زبان لطافت رسان جویبار خوشگوار شیرزنده وای خیر جوهر آب صفا تاب را یک دیگر بوسه دادن خیزش و تیز میشنوند، ولی هر یک را بدیگر گونه میگوید، و دیگرون میگوید، و دیگر هم از آن چنین می آموزد.

از منش بدو زینگونه نشنود، و از سخن این تفکر خاطر تنهایی و فضای بی انتهای حیرت، مانند (ابر) بر فرق سرو پا صبوت و بیصدا میماند که در این (فضا آباد) با هیبت از حرکت رسد، یک مرتبه موجهای از آن (سکوت) و از این تنهایی حیرت با تنهایی و از آن سکوت بسوی خود جذب و جذب میکند، چنان میگردم، و در یک سکوت پر از حیرت مستغرق می شوم، تنهایی را از گریه اجسام و ذی حیات یاد میدهم، (زیرا) گریه و ناله مخصوص شده با (ذوات) پیوندی کرده اند، (فقط) بزبان بیان رسیده اند و (کلمات) یافته اند! ولی این یک حرکت تنهایی بود که بر حرکت (انجذابی) می افزود، و آواز (وحدت) را خود آواز متحد میکرد، و جان میگفت این آواز از مرتفع خوشتر، و از طناب (وحدانی) و از تنگ (جنس) جوانی می شنوم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 79 of 1786

بهوای آشیانه سعادت کاشانه این مرغ خوش نوا نه
گردد جهان شناسی هرچه دیده زیبائی‌ها آموزد
یک صنعت بنا سه‌ای بسیار طرحی بنیاد نهاد و نقشه‌ای
کاشانه محقر کوچک خس و خاشاک آماس ... زیبا برنا
عاقبت یک عایله انسانی بیچ پیر نشاط‌آور بعد امید دیگر در راه
گلهای زندگانی نوعی و پرورش و ترقیت افزودن گردد
جنس این مشت پر در آن آشیانه محقر سر بر میز و بیچ گاه
آغوش و کوشش یک پدر شفقت گستر و یک مادر
مهر آور روح بشر که در راه زندگانی و اداره‌ای محبت پرور
خود ابراهیمکنه باکم می آورد !

یک پدر برای نقطه حال و سعادت استقبال و آتی
خود بزرگوار جانبک و بیزار و تن فاطر را برخود گوارا میکند !
شب بیست اثر در وشیه و بیخ شیر نر را به آن می بندد !
در مقابل گلوله‌ای صد متری توپهای گردن ... و تگ‌های
پیکانی تفنگهای ماوزر بلکه کوب سینه‌اش را سپر میسازد ،
در وجوف خطات زمین در آمده و شیح جیاتش را در زیر پنجه
خفه کننده نیرش (حمض کاربون) تمام جوهر زغال
سنگ بر میچند ! به تهلکه‌ای جانفرسا خطیدن و اقتدن
کوهپاره‌ای جسیم انفجارات نخوه و با تیغه فولادی
در زیر قلب‌های دود و دود ذره‌ابهای آهن خاک
و سنگ برمی کند ! و در خیر خیر خدم بر کام نهنگ نهاده ،
و از تقطیع شدن نفس خود اصلا نیندیشیده و مشغول بنای
نهادن منزلی در پائی میشود ! آیا برای چه ؟ برای
نقطه حال و سعادت استقبال اطفال دلبند خود !....

این است که این مشت پر نظیر جان گوناگون حیوانات
خزنده و شوق و هوس عجیب برای نقطه و پرورش آن
بچه‌ای چون لخت جگرش بهر سوال و بیزند ! آغوش
در حفظ و ام میگیرد ، و سینه‌اش را آماج صدها پیکان
جفا و جفا بنیاد ، و وجودش را نقطه پیوند این سیستم بنیاد
قرار داده ، و بیزار گون خود به او را بر نوازگوار اساخته
از جمله کیکی ، و از هزاران بزرگ بال فشان نقطه آوری
میگردد ! آیا چرا ؟ برای آن دو بچه‌ای صغیر لی بال و پر
که پیش از چند روز از تخم چون نقطه جانی سر بر کشیده ،
بهم و پرورش محتاج است !

بگر سوی این دو نقطه گیاهای کوچک خس آشیانه ،
و این دو منقار کوچک نوشش تراند که چه گونه آشیانه

خالف نقاشان نون سرور و طرب را راست نیاید ، یکی حس
ذهبی بال امید و حضرت میزند ، آیا چرا ؟ چون میبیند که کاره
شفقت گستر ، و روی آن مخزن جان پرشور و شر را انتظار
محبت اثر گرفته از روی هوا بسوی آشیان او فرود
آمدنست !.....

§

سبحان الله ! آواز شپیر ملکوتی چرا از آن طایر
کوشش و سازنده مرغ نیرو از قوه منظره این منظر حیات
آفرین عجز قرین را به اوج بالاترین سمای حکمت پرواز
آورد ؟ دیدم که چرا ذره از ذرات کائنات ، و در هر جزء
فردی از اجزای فردیه موجودات یک نوع علمت پیدائی
هیروقی (ادای بویه است ؟ و در هر شکل هندسی ، و در هر یک دائره
علمی و غیر علمی یک نوع مصباح الانوار بسیار نقشه‌ای
پدیدار است !

این علمت از کیست ، و این نور از چیست ؟
از این استفهام ، روح از روح ، و جسم اجسام یک
حرکت بسیار دهشتی ، و یک لرزه سریع اسیری در آمده
از هر جانوری که اجزای فردیه انقطه و کائنات بی انتهار
تشکیل داده و اندر بعد ای بسیار لطیف (فولوکراف)
است چون خبر تکلیف و تکوین مرحمت انتاج این کلمه
قدسیت احتوا بگوش هوش این مخبر تحت بر میخورد
گردد (لا اله الا هو الحی القیوم)

از بیست و بشت این صورت ذی علمت بر علمت
اسلوبی این طرز تألیف چه عبرت یک طرفی و خارجی تماشا
چشود ، از حال صحرا بان شکر می رود ، کائنات را بدان از یک
تأثیر شعاع انوار شمشه شمار بر قوه رؤیتی می یابد ، قوه نظر کن
از تأثیر قوت و سرعت روشنی آن نور از شب و ظلمت دور
از کار بدانی افتد ، و در عصر صحت تکوین آن کائنات
نشود قوه منظره دهشتی پیرامند قوه نظر ذی که حاضر میماند ،
برای نقطه و در این نور قدسیت ظهر عبرند که بهجت
تلقین کنند ، از غروب و شرق خبرند ، و از فوق راحت
میزا بیاد بشر ، و در چه حیرت و دهشت بر چه وحی خارق طرب
و حدت الله بر خود بیاند که همیچ چیزی کی رسد ، و همیچ
چیز بی نیشود ، از خود ای خود مخبر می افتد ، اشعاع جهان
سوز عالم فروز جمال و کمال آن نور ، و کمال تنها حرص هستی
بخش انتشار ذاتی هدیه هستی و وجود بر موجود ، و جهان کون ان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 80 of 1786

بیگرداند که غیر هستی و عدم (یعنی چیزی) هستی اثری باقی نماند!
در این نقطه هستی واجب تجلی میکند - هر ذره از ذرات کائنات، و هر حقیری از حقیر موجودات آینه خدانمای میشود که انوار جمال بالکمال بی رنگ بی نشان شاهد قدسی آن پرتوی اندازد! عالم را دگرگونه روشنی پیدا میشود - سراپای اجزای فرد فرد کائنات از پرتو نور بدیعی که بیرنگ و نشان است بدرخشیدن می آید - موجودات ارض و سماوات از شدت تابش آن پرتو محو و معدوم گردیده و بجای آن جلوه نور اقدس ظاهر میگردد - و در این زمان ندای (اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ) [الآیه] در همه اشیاء گنبد کائنات می پیچد - پس هر چیز که اطلاق شمس بر آن میکنی آنست همه آن زمان حال زیبد (انه - انه - انه) میگوید - از صدای این کره مقدس و تنهای گزین عجز و نیاز (آنه) گریان بگوش می آید - و گوش هوش بسوی اشیا لیکه در نظرش می آید بر میخیزد :

نبات میگوید : تو نه انی من از توست ! جماد میگوید : ذرات منتشر گزین از توست ! هر ملک خوشه ترا نیز میگوید : از این خرمن منفعت ! و لاد پرور نی منهم از توست!

این منظر تجلی نیز بر این بیت مترنم میگردد :

وَفِیْ کُلِّ شَیْءٍ لَهٗ آیَةٌ
تَدُلُّ عَلٰی اَنَّهٗ وَاحِدٌ

عَلَیْهِ ثَرْوَتُ بِتَمْلِیْكٍ

(بعد از نمبر چهارم)

در بیان جست

(تتمه نبی صفت و سخاوت عبارت از جستجو کردن اسباب ثروت نباشد، اما اینچنین هم نیست که در ما بین این هر دو هیچ مناسبت و ربط هم نباشد - نی بلکه تا میزا یک بر دیگر شان قطعاً ثابت است، چونکه تدارک

فَاَیْنَمَا تُوَلُّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ

(بعد از نمبر چهارم)

در این اوراق (فحص موجود) که بی مرد و گرد یک زنی بود - مرد در پیش یک آینه چو کات نشسته، چه پرده ها بسیار خیره که بدیوار آویخته شده و بود و پیدا ایستاده و دستان گران خود را بسته میکرد - این امر کوشش می و جهاد می بحق لدنی تعین می شد از ظاهر حال چنان معلوم می شد که از مرد این شعر پرداخته می کرد که در این عرصه کار کوشش دارد نباشد - مولای زمان چه چیب دلپذیر دلنشین بسیاری دلچسپ لطافت می بخشید، دهنیت خوبه بجز دلنشین گرچه چیز جاذب حسن را مالک بود اما معلوم می شد که این جاذبه از ما تیرچ و ماند و چیزهای حسیه جوهر در زمان محو و نابود می شده است - پرده ولی رنگ پرستاره پوست رخساره نش که از پدید آوردن انواع

سطح ملک رنگ ای پدید آورده بود - و چین شکن ناموس کرده پیشانی پیدا شده بود - و خطهای آبی رنگی در اطراف کاسه خانه های چشم انتقاد نموده بود - و برگشته گی لب تریه نشس که رنگ طبیعی خود را گم کرده بود و خطهای روشنی بود که این خرابی های وجود او از سبب یک اندیشه عظیم و افسوسهای شدت ناک - و به غیبها و سفاهت های بیهایانی ظهور آمده باشد - نظری که از سیمای ظاهری یک انسان بر احوال باطنی آن حاصل میشود و قیاع لم یظهر بر میخورد - لهذا بر این حکم میشد که این مرد از سفاهت و بی عقلی مفرطی باین حال خرابی رسیده باشد -

لکن ای چشم این جوانیکه احوال او را تصور میکنم حقیقتاً اندیشه غلط نبوده - و نظر یکه از مردمکهای چشم او انعکاس پیکرد خیره و تیره بنظر میخورد - و آن مردمکهای چشم ای آبی رنگ خیره و پژمرده اش به حلقه های گرد و اب سیاه رو بهشتای که مشابهت بر سانید که از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 81 of 1786

اسباب مادی و معنوی که بجهارت از رجحان اول تجارت و صنعت
باندازک اسباب ثروت توام میبرد، و اطاعه و مقاومت
مواجهین ملت که هر مختصین مخالفت است با ثروت برادر
گفته میشود، ولی با وجود اینهم واجبست با حقیقت امر
این هر دو اسم اسرار بدرجه ایست، ارباب علم
اخلاق با چیزهای معنوی اکتفا ورزیده شخص را اگر از آن
رذائل، به انواع لذتهای، و حالی قابل و سزاوار شده
باشند ثروتمند میشمارند که به این سبب سزاوار
حق هم دارند، حال آنکه ارباب علم ثروت بچیزهای
جسمانی راکه فایده و قیمت مبادله در آن باشد
دگر چیزی را ثروت و تواگری نمی شمارند گر اینها هم
سزاوار حق بدست دارند،

خلاصه هر چیزیکه بقوت بیع و عمل انسان بدست
آمده باشد، و هم فایده و هم قیمت داشته باشد
آنچیز ثروت یعنی تواگری گفته میشود، و در هر ملکه که اینگونه
چیزها این فایده مند با قیمت افزونی گیرد آن ملت بانروت
و تواگری گفته میشود، و اگر ارباب علم اخلاق، و علم اجتماع
کدام تعاریفی تألیف کنند، یا ربوا بچه شعری بظهور آرند آن

کتاب را بزیور طبع آراسته شده و بازار یافته و قیمت
پیدا میکند، و در آید، تا وقت آنهم در شمار ثروت و تواگری
داخل میگردد، لهذا موضوع علم ثروت و اجتماع
آن برای چیزهاست که در تصرف و ملکیت انسان آید
و قابل مبادله و مالک فایده و قیمت باشد،

فصل دوم

در ماهیت صنعت

از معنای ثروت که تعریف و بیان آن مذکور
گردید چنان معلوم میشد که مقصد از آموختن علم ثروت
آنست که چیزها یکه فایده و قیمت نداشته باشند
آنچیزها را فایده مند و قیمت دار ساخته، و یا آنکه چیزهای
فایده مند و قیمت دار را که ذاتا قیمت فایده را داشته
باشند آن فایده و قیمت را زیاده تر میفزاینده، زیرا
بنی آدم بر وجود دادن یک ذره هم مقتدر نیست، مگر آنکه
جسمهای موجوده را که دست خلقت در عالم طبیعت بوجود
آورده بسعی و کوشش خود جمع و ترکیب نموده،

(باقی دارد)

ایجال معلوم میشد که فکر و ذهن او بایستی مقصدهای معظم
و جلیله که بگذشت آن پی برده میشود پرداخته شده، و این شخص
یک عرض و طمع بی نهایه مبتلا باشد،

این جوان را که اول بار دیدیم در پیش آینه ایستاده
دیدیم که بررسی و خبرت خود را در باب حاصل شدن انتظام
آرایش و زینت خود صرف میکرد، در این تاریخ سنه ۱۰۰۰
بود هنوز نخستین دستمال گردن بستن گرد و رجحی معتبر بود، لهذا
شخص مذکور برای اینکه یک گره بسیار خوبی حاصل کند
بقدر دو بار دستمال گردن خود را باز و بسته کرد و تا آنکه
مطلبش حاصل گردید و بعد از آن بسوی تمثال خود که آینه
خیره و بر نقش آن، اطراف بیکدیگر یک قسم تبسم بین معنی دار
عطف نموده و بر پوشیدن خود کوشت بسیار خوش برخی
گردید تا مستعد اقدام در باب بظهور آمدن و آغاز نهادن
و آشکار ساختن خود شده، و یک قطعه پارچه دستمال تکه کوچک
و یک چند پیچ که بر طاق فی سن اتفاق نموده بود

دیگی از جیب های خود انداخته، و کلاه بسیار خوشنمای خود را
بر سر یک وضع خیلی پسند آمده بسوی زنی که بر نزدیک
خود جا یکه تعریف آن در بالا بیان گردید در آورده
گفت:

— کلوئیله! من چیرایم،

این زن که نام آنرا از زبان عرب شنیدیم که کلوئیله است
بر جای خواب نشسته، و آنچه های خود را بر زانوی خود نگاه داشته
و چهره خود را با دستهای خود پوشیده بود، بمجرد شنیدن این
در میان یک لباس فراخی که از یک قماش چیر گزار ماند
چرک ساخته شده و بود ستور مانده بود از آن سبب
از چهره اعضایش تنها انگشتهای دستش که مانند مرمر سفید
بود، و موهای خرمائی رنگ پر چم پیشانیش پدید و آشکار
بنا بر معنی که به او خطاب گفته شده سر خود را بالا کرد،
نشستن پست ساده بود، با قد بریک برخی طول

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 82 of 1786

معلومات در باب

اژانس‌ها، واقعاً اخبارها

«اژانس» یک کلمه انگلیسی است که معنی اخبار را میدهد. اگر ترجمه لغوی «کمپنی تجارت خبر رسانی» باشد چندان بیراه نیست. این کمپنی تجارت این بیاست که اخبار جهان را (اژانس ها) به سراسر جهان خبر داده و پیغام ها را میرساند.

خوانندگان گرامی سراج الاخبار، از اقدام اژانس ها و روزنامه ها و از خودشان یک معلومات مختصر داده میشود.

اژانس‌ها — اژانس‌ها کمپنی های تجارت خبر رسانی هستند که مخبرهای این اژانس‌ها به شهرهای کلان و جاهای مهم مقرر موجود میباشند. این مخبرهای مذکور وقوعات جرایده مرکزی خود با تفصیلات اطلاع میدهند. و از کمپنی هم خبر و حوادث را تمام عالم بواسطه شعبه‌هایش خبر میدهند.

روزنامه‌ها و اخبارها به این اژانس‌ها سالانه یک چیزی داده خبرها را میگیرند. و اداره‌ها و دولت خانه‌ها و سلطان نیز از اژانس‌ها از احوال عالم خبردار میشوند. بغیر اخبارها تاسیس اتحادیه یک روزنامه موجود است که به خبرهای مخبرهای خصوصی و مستقل اژانس‌های معتبر دنیا مشتمل است. اژانس رویتر و اژانس تاسیس میباشد و اژانس‌های (هاواس) و (فوربز) کمپنی فرانسه هستند. و اسمای بنام اژانس پترسبورغ و بی را بنام هم یاد میکنیم.

این اژانس‌های مختلف هر حوادثی را که بعهده بگیرند بسیاست و خاصیاتی که حکومت شان به این یک دارند و نظر به حکومت شان و سیاست و پولیتیک خود چیزها را تحریف و خبرها را منتشر میکنند. اینگونه حوادث را ما ملتفت میشویم و تغیر اخبار را میکنیم و میشود. لیکن گیما چون نشر شود حوادث و خبرهای مذکور را فایده میرساند گاهی میشود که این اژانس‌ها بعضی خبرهای بی اصل و اساس را بنا بر منفعت حکومت خود شان انتشار میکنند. و متصور میشود که ما نمی دانیم که این خبر چه نتیجه بیار آورد؟ و اگر دروغ است آن کی شان بود و تکذیب میشد. این امر صورت راستی و حقیقت را نمی یابد. و در خصوص یک مثال عرض کنیم:

از اژانس مستقلی را برای حکومت و دولت ایشان خدمت میکنند و در باب احوال جنگ ترکان و روس و غیر حقیقت را نشر میکنند که اگر دیگر اژانس‌های انگلیسی هم بر ضرر ترکان و روس اخبار استقلالی تمام طاری میکردند و برای آنکه دولت جاهل عثمانی را از سبب است که هر طرف است بخود جلب کنند به نفع خود شان اژانس‌های مختلفه تشکیل میدهند.

اخبارها و روزنامه‌ها — روزنامه‌ها و اخبارها در قرای مختلف دنیا یک قسم اخبارها هست. بعضی از سخنان ادبی و علمی و فلسفی بحث میکنند و از خبرهای مختلف سیاسی هم چیزی مینویسند. بعضی اخبارها تنها از سیاست بحث میکنند و بعضی تنها از تجارت. و بعضی تنها از خبرهای سیاسی و تجارت بحث میکنند و دیگر چیزی نمینویسند. بعضی اخبارها تنها از اعلانات بحث میکنند و دیگر چیزی نمینویسند. بعضی اخبارها از همه قسم چیزها بحث میکنند. و بعضی اخبارها از قصه‌ها و بعضی از حکایات و بعضی از خبرهای مختلف و بعضی از سیاسی و بعضی از خبرهای مضحکه و بعضی از خبرهای جدی و بعضی از خبرهای مطبوعات و بعضی از خبرهای مسخره و بعضی از خبرهای سیاست و بعضی از خبرهای تجارت و بعضی از خبرهای اعلانات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 83 of 1786

پیکران
ایشیک آقاسی علی حضرات سلیمانی
مدیر و مسئول محرر
اداره خانه در داخل سلطنت کابل
جمیع امور تحریریه باداره و خانه بنام مدیر فرستاده میشود
تاریخ عربی ۱۵ محرم ۱۳۳۰

قیمت سالیانه
در داخل سلطنت کابل ۸ روپیه کابلی
در ولایات اتحاد ملکانه افغانستان ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت بحساب اجناس تبدیل خواهد شد
قیمت یک نمبر آن در کابل یک عباسی است
بیرانه داده نمیشود
تاریخ شمسی ۱۵ جدی ۱۲۹۰

سراج الاخبار
۱۳۲۹

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

تلفون موتر — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه —
اعلانات — مقالات فنیه — [illegible]

خواجه ها سی پاریس

تلفون موتر

[illegible] ۱ [illegible] ۲ [illegible] ۳ [illegible] ۴ [illegible] ۵ [illegible] ۶ [illegible] ۷ [illegible] ۸ [illegible] ۹ [illegible] ۱۰ [illegible] ۱۱ [illegible] ۱۲ [illegible] ۱۳ [illegible] ۱۴ [illegible] ۱۵ [illegible] ۱۶ [illegible] ۱۷ [illegible] ۱۸ [illegible] ۱۹ [illegible] ۲۰ [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 84 of 1786

[illegible] (فیض) یا [illegible] موتر تحت تردد [illegible] دولی نیز [illegible] چاپ [illegible] صاحب [illegible] موتر [illegible] این [illegible] تصاویل [illegible]

این دو اثر پر بهای این عصر به همت [illegible] سعادت اقتران ترقی نشان پادشاه با شوکت، [illegible] سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) [illegible] باتمه دیگر سیل آثار ترقی و رفاه [illegible] آماده است.

اول یادگار جاوید که از جانب [illegible] سراج [illegible] سیج مطبوعی مربوط گردیده، و یک سرعت و تسهیلات بسیار بزرگی در [illegible] انوار تابان پدید آمده، افکار ترقی آثار رعایای [illegible] تعمیم این آلات فواید اسلاف حضرت توجه فرموده در ظرف سه چهار سال [illegible] جمیع جلال آباد را [illegible] سراج المنة والدین امیر حبیب الله خان، و جمیل السراج ایالت کوهستان و قطغن و بدخشان به ارگ جاوید یادگار [illegible] مطبوعی از [illegible] پیدا گردد، و از فیوضات همت جهان قیمت اعلیحضرت پادشاه منعم ترقی پرور ما امید است که در اندک مدت دیگر دقایق های ممالک محروسه السنه شاه نیز با این خطا حیاتبخش ملک کسب [illegible] خود و جمیع ممالک محروسه السنه شاهانه علم یک مجلس فنی را تاسیس [illegible] زمان جاوید خواهد نمود.

[illegible] موتر برقی جسر نیز از آثار ترقی شاهد صداقت است که در دولت خود مقدر شده، و موقع تمک و تازه ترقی گستری آمده که شرح و تفصیل آن اثر، [illegible] در نمبرهای آینده سراج الاخبار درج خواهد گردید.

اعلیحضرت پادشاه محبوب المقلوب معظم با مساعی جمیله و اقدامات عظیمه [illegible] یک شهر با بسیار بزرگی در ترقی و تمدن ملک [illegible] باز خواهد نمود که فواید جلیله و منافع عدیده آن [illegible] هیچ عصریت انکار کرده و نخواهد شد. صرف نظر از منافع و فواید یکه در سیاست، و تجارت، از تمدن حاصل شده و یک قرب روحانی در قلب [illegible] رعایای [illegible] امر موضع گردیده است، بواسطه این آلات سیار شهر جلال آباد که تقریباً پنجاه کروه از شهر کابل مسافه دارد با چند گهنته و نیم مکالمه مینمایند. موتر سرعت گذار، مسافه نود و از روده بین این دو کابل را که تقریباً صد کروه میباشد بیشت یا دو ساعت طی میکند. اگرچه در این وقت این دو اثر عظیمه [illegible] یک طرز مخصوص پیش آورده و فایده دائمی عام شده است، ولی با تاسیس یا قائم مراکز تمدن در هر شهر، که آنرا پیشتر از آنهم در دست اجرا میباشد، و آمدن عرابه های کوچکان (موتر) که در [illegible] حمایه ترقی آیه شاهانه تشکیل یافته و عنصریت آن بعد ازین بیان خواهد شد انشاء الله تعالی این دو اثر فواید شاهانه مرئی بوده و سیر سفر و تجارت جانب مخرب را شاهانه تسهیلات [illegible] بصورت خوبی برده کار خواهد آورد.

بایان باید است که دفاتر دایر و عایدات اعلیحضرت پادشاه منعم محبوب القلوب خود را از روزگار [illegible] حضرت پیاده و حاجات عالیهم گریک سی و چهار سال مرور پادشاه [illegible] ترقی و تمدن حقیقی [illegible] وقت فوکانه خود شان صرف مرحمت [illegible]

حوادث داخلیه

صورت تلگرامیست که از طرف جناب سردار [illegible] پیشکش آقا سی علی حضور اعلیحضرت همایونی علی احمد خان پادشاه [illegible] رسیده، که جناب آقا سی [illegible]

[illegible] حضرت سراج الملة والدین بلاس [illegible] و [illegible] شاهانه [illegible] جلال آباد که از [illegible] شاهانه خود اعلیحضرت والا از [illegible] تشریف آورده [illegible] شهزاده های والاجاه و [illegible] خاص حضور اسلام مشرف شده [illegible] شاهانه [illegible] بلند [illegible] بعد اعلیحضرت شهریاری با [illegible] عوض برای ادای نماز جمعه در مسجد متصل باغ شاهی جلال آباد که [illegible] از بناهای خود اعلیحضرت والا بنا شده تشریف آورده و در زمین این مسجد سه سال قبل درین یک زمین قبرستان شوره زار [illegible] و یک [illegible] و خاشاک و استخوانهای پوسیده و دیگر چیزی بنظر نمی آمد — بهمت [illegible] و اهتمامات سنیه اعلیحضرت که بدست مبارک [illegible] میشود موصوف را خود وضع و در باغ یک قبر حسنی یک بنای عالی با صحنهای مرتب آباد گردیده — [illegible] نظامی و [illegible] صف در صف و یک یک [illegible] دو طرف از رده های [illegible] از [illegible] جلال آباد و [illegible] در میدان متصل مسجد موصوف برای ادای [illegible] منتظر بودند — جمع غفیر [illegible] از خدام و رعایای سکنهٔ شهر و سه کروهی از طرف جلال آباد برای ادای نماز جمعه در مسجد موصوف مشرف بودند [illegible] بعد از ادای نماز [illegible] انواع نظام و با چه های موجود و جریک سرود خوش دلی ان دلکش که (پادشاه پادشاه) [illegible] سلامی را نمودند و از ان جمله یک عدد توپ خبر شد بعد ازان انواع نظامی از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 85 of 1786

[illegible] سجدای باغ شاهی و ارتباع شاهی الی سراج العمارت و طرح
برای مجلس صاف کشیده شد — ذات شاهانه شهریاری
والاجاه و منصب داران هر باب حضور سراپای آب ارسی
در سراج العمارت تشریف برده بعد [illegible] خاص سراج العمارت
توقف فرمودند — منصب داران نظامی و ملکی و حکام علاقه
جلال آباد و اعیان و اکابر و مشایخ و سادات و اهالی شهر و
خوانین و ملکان علاقه مذکور در سلام خانه سراج العمارت حاضر
شده و برای هر یک بقدر لیاقت و منصب آنها جای داده
شده و منتظر گردیدند (سراج العمارت) یک بناهای پرشکوه است
که از مجموعه عمارت های بزرگ و معتبر گفته میشود در اخیر ۱۳۲۶
اعلیحضرت والا به مهندسی شخصی خود نقشه عمارت موصوف را تحریر
فرموده سر رشته تکمیل و آبادی آنرا نمودند چون نفوس با کثیر
زیادی برای تماشه عمارت مذکور مقرر و مهیا بیست و دو از تهداب الی
پرشش اول عمارت موصوف بسر رسید — این عمارت تنها سلام خانه
نیست بلکه خانه های وسیع زیادی و مطبخ و اردو خانه و کتب خانه و
دفتر خانه و اصطبل و اسلحه خانه و اسباب های بسیار گلان و با شکوه موجود است
و دیوار های عمارت موصوف از تهداب الی پرشش اول کاملا در یک
وجه پیاش کرده بطرز جدید و اصول درست آباد شده است
که تنها یک سلام خانه عمارت موصوف تخمیناً کنی پرشش شش صد جریب زمین
دارد — در ایک تقریبی منصب داران و غیره در سلام خانه
حاضر گردیدند و اعلیحضرت والا از زوره از خاص سلام خانه مذکور
تشریف آورده و از برای تمام دولت بهاری عید سعید اضحی را
فرمودند — حاضرین دربار موصوف نیز باعزاز و احترام و دعای
سلامتی وجود مبارک را عرض کردند و هوا زمی یازده ضرب توپ
برای استقبال حضور انور ایشان بر قلعه و توپ اقرا شده فیرشد
بعد ازین از جای حاضرین دربار موصوف طعام و چای شیرینی
داده شد بعد از اختتام طعام و شیرینی و ساعت بعد از نصف شبانه
اعلیحضرت والا از جوی برخواست و کرسی بار بست مبارک گرفته
حاضرین مجلس را حین فرمودند و بزبان فصیح البیان خویش نطق فرمودند
[نطق مذکور چون در شماره ۵ مندرج است بگذاریم تا آنجا]

(از مسموع و نطق فرمائی اعلیحضرت والا از برای حاضرین دربار
وقت و خوش زیادی حاصل شد چون نطق فرمائی اعلیحضرت والا
تمام شد اعلیحضرت برآمد — بعد ازینکه آتش بازی بحضور اعلیحضرت
از طرف حاضرین دربار بحضور مبارک عرض شود کار هایا دولت
انتظامات شکران نعمات شما یه اعلیحضرت را بطبع توضیح بیان کرده
می توانم لکن بخصوص در باب وجه اعاشه فقرا بس کرده بار عایا
دعا دولت و تعزیزی بر دوان و بی است اعلیحضرت از روی

صفای قلب و حسن اعتقاد نطق فرموده و تحقیقات ان را در بین امر تقریر فرمودند
شد و بیان هر آنچه داشته باشیم خاتمه داد و از جای خود شاهانه
اعلام کرده رفت است و اقدام درین کار خیر کرده و نمی خاتمه
از روی صدق بر خاطر می خود داده و در کتاب باطنی الوسع بسط
نموده بحضور مبارک تقدیم می نمایم — بعد کتاب موصوف را در
حاکم کلان ست مشرقی سپرده شد که تا حال نظری حکام و رعایای
دولت سلنه جلال آباد در کتاب موصوف قرار احوال خود بسط
میکنند آنچه جمع وجه اعانه رعایای جلال آباد و اطراف آن
البته هزار و باقی وجه اعانه بخش شده بعد تقدیم بحضور مبارک گردد و آنرا
بهر قرار رای مبارکشان قرار گرفت مرسته خواهد شد —

تحریر ۲۰ ماه ذی الحجه الحرام ۱۳۲۶

(ملف احمد)

هوای کابل

خلاصه رپوشهای درجاسه وی و قرمی مرتفع سرد و از اندازه

امسال زمستان شهر عزیزه تا به این وقت باعث این نام حرکت
کرده سرد یهای بسیار شدید خود را نشان نداده است —
از تاریخ یوم شنبه ۱۸ ذی الحجه الحرام تا به ایوم شنبه ۲۵ محرم الحرام
که روز چاپ شدن این نمبر ماست، چار بار برف باریده که
اول ان یوم شنبه ۱۸ ذی الحجه الحرام است، شروع برف از حین چاشت
یوم شنبه ۱۸ ذی الحجه الحرام الی دو پهر یوم مذکور دوام نموده از بقدر یک زرع و شش سوط
باریده برف دوم از حین دو پهر یوم شنبه ۱۸ ذی الحجه الی حین دو پهر
یوم مذکور بقدر سه زرع و هفت سوط باریده، برف سوم از حین چاشت
یوم شنبه ۲۵ ذی الحجه الحرام الی دو پهر یوم مذکور بقدر ۳ سوط باریده
برف چهارم از حین چاشت یوم شنبه دوم محرم الحرام الی شش بجه صبح
یوم مذکور بقدر ۳ سوط باریده است، اگرچه در روز دوشنبه
سوم و پنجشنبه ششم ابر مذکور یک چند دانه برنگک و یکقدر می برف باریده
و لیکن پیدایش نمی آمد، علی الخصوص برف آخری تا پنج و نیم بار یده است
تا یک بار یده این طرف [چونکه یک پاره ابر سیاه عظیم دامنی را گرفته
شده تا بسیار تمام شروع بباریدن برف نمود، و در پنج شش ساعت
و لی دو اسطه کرد بعد از پنج و نیم بار یدن شد، ایک آثار سیاه
گردی بنا نمی آمد، خاتمه —

و در پهلوی ابر مذکور پرشش مذکور، از یوم شنبه ۲۵ ذی الحجه
تا یوم شنبه مسلم الحرام حد اعظم آن ۳۲ درجه و حد اصغر آن ۲۵ درجه
نشان داده شده است که این حساب تا قریب ۱۵ درجه
امسال تا کنون بسیار شدت نکرده است —

از فضل این سایه حضرت الله اعلیحضرت پادشاهی
امن و آسایش طوری برقرار است —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 86 of 1786

حوادث خارجیه

از اخبارات ترکی

بعد از گذشتن جنگ ایطالیا و عرایض گذشته و اظهار عقیده دولت علیه عرایض سواحل بحر سفید را خاموش کرده بود و دولت اعلیحضرت پادشاه بزرگ انگلستان بسوی هند و ستان سفر میکرد تا بر رعایت شان عرایض سواحل مذکوره در آنجا حین گذشتن پادشاه و شاهزاده بر وشن داشتن اعلیحضرت سلطان المعظم امر فرمودند. و لهذا دوم محرم محمد شهزاده (ضیاء الدین) افندی برای استقبال شان رسم فرستادند. و ایشان بسبب سفیر دولت بریطانیا مقیم استانبول جناب (سیر ادوتر) دیروز بپالاتیا آمده به وزیر خارجیه دولت علیه بیان شکر گذاری نموده اند.

اخبار مخصوص (از اژانس عثمانی) از طرابلس غرب رسیده:

«عسکر ما در بارانهای شدت برد یه و سیب آن باران یک درجه برودی در عسکر ایطالیا وارد شده و بود و ذخیره و اغذیه بر گزارده ای پیش رو دی ایطالیا نها چو جهای شدت تاک گزارده و حتی از طبخ کشیدن قاصر گردیده اند»

«فوت فوتوف» نام یک سیاحی این روایت را که بچشم خود دیده چنین بیان میکند:

«در اثنائیکه ایطالیا بیان وحشی بر شهر طرابلس عسکر کشیده بودند عرب های شجاع جهاد را با آنها جنگ کردند. و بعد از آنکه شهر را گرفتند زن و دختر و اطفال و ان جا با فوج فوج بجبل نفوسه رفتند. و نزد یک جبل نفوسه عسکر ایطالیا استاده بودند. و بر بندیان عرب میگفتند که: دستهای تان را بالا کنید و گرنه تیر میکنیم». و این معامله را برای این میکردند که مبادا در میان بندیان سلاح باشد. یک زنی را دیدم که یک طفل در آغوش داشت. عسکر بر او فریاد کرد که دستت را بالا کن. آن بیچاره اطفال شان را در بغل خود محکم گرفته دست خود را بالا کرد. عسکر وحشی آن بی آزار را دست خیر کرده از بین یک فریاد جفا آورده بر بی چاره طپانچه زد. این احوال امت گذشته سوی عسکر دیدم. و گفتم «ای وحشی

برادر، ای ظالم بیت عظمت این چه کردی؟» باز بطرف آن زن دیدم که گلوله بر سینه اش خورده و از پشتش بر آمده و جان گلوله سیر خطر ایسترا پیدا کرده است. و بین آنها یک افسر ایطالیائی نیز و یک گلوله بر سر آن مقتول زده گفت: «قرآن روح ندارد. قتل آنها هیچ گناهی نیست»

(سراج الاخبار)

دولتهای یوروپ را (زوال سلطنت عثمانیه) میگویند که در بیان آنها دولت ایطالیا میباشد. بحقیقت که این قوم وحشی با این کارهای فجعت آلود خود نیک عقلی، و نیک مدبری برای دول سلطنت عثمانیه باقی گذاشت! اگر مدنیت چنین چیزی باشد هزار لعنت بر مدنیت.

آیا این را هم دیدیم که اگر بعضی عرب ها در مقابل شان هم جنس و هم مذهب خود شان می بود آیا این معامله را که در حق این بیچاره مسلمان روا داشته اند بر سلطنتها و ملتهای خود شان نیز اجرا میکردند؟ و آنها را نیز از روح غازی بهره داشتند؟ خیر! آنها غیر جنس و مذهب خود شان را از جوهر روح غازی بهره ندارند و بس. (فاعتبروا یا اولوالابصار).

بعد از یکه از احوال سیاسیه خبر گرفته شد و سفیر ای دولت علیه دولت فرانسه در استانبول مسئله بر سر صحیح از اجرای معاهده کرتا هی میکنند. و در باب این کار بین استانبول و لندن و فرانسه و ایطالیا مکاتبه ها بوده و جریان میشود.

سفیر ای فرانسه و امریکا و ایران باب عالی آمده با صدر اعظم و نظار خارجیه در باب مسایل حاضره ملاقات کرده اند. سفیر ای چرمنی و استریا، و روس نیز با نظار خارجیه، و باب عالی ملاقات کرده اند.

§ پرنس سنت ـ یعنی اعلیحضرت ملکه انگلستان برای ملاقات برادر گوچک (دوک آو کنت) که ولی عهد گمبریج و داماد حضرت صلیح اولی میباشد بجهت صلیح پرو دوان این جا خانه آمده است.

(از بابان) این حرکات و اعلانات ایطالیا را پرداخت میکنیم، قبل از آنکه بتدقیق و تحقیق باهیت و حقانیت و عدم حقانیت داخل شویم این را میگوئیم که ایطالیا بای اگر خبر و به معاهده بین دولت علیه و دیگر دولها که بین شان بعضی اسباب شکایت باقی و استمالی شده و میشود و هم این مسئله بین دولت علیه و دیگر دولها مذاکره و تحقیق میکنند. بعد از حل شدن این اختلافات بعضی (الیس) یا دیگر یک بهانه جهت تجدید اصرار، الخ میکنیم، و بدینگونه که بعضی دولتی با خلاق کردن از طرف دولت علیه برای ایطالیا موافقت نکنند این بیان نامه از طرف دولت علیه برای ایطالیا بهانه است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 87 of 1786

[illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 88 of 1786

ادبیات

حب وطن

حضرت فخر کائنات افصح الفصحاء و اکمل البریات صلوات الله علیه و آله
(حب الوطن من الایمان) فرموده، یعنی دوست داشتن
وطن جزو ایمان است، و البته هر یک از ما که از اهل ایمان باشیم
دوست و داشتن وطن نیز از واجبات ضروریه ما بر ما است.

حضرت خداوند متعال چه خوش وطن مقدس ما را میان دو آب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 89 of 1786

چیزی آفرید و با استعداد کار خود آزاد شده و بر وی و با آزادی [illegible] بزرگ با آزادی است و بر وی آزادی اعتبار از همین جاست ایم و سایر آزادی ها از بیان و بیعه تا دیگر گونه اعمال [illegible] دارد و است اند. حال آنکه (آزادی) یک امر نسبی است که این چیز ابیچ مناسبت ندارد. زیرا تا وقتی که وجدان ما بر [illegible] شاهین مراقبتی عدالت باشد، وی آورون حق خدا، و حق عادلین، و حق قوت، و حق و هیئت مقتدر نظر ما باشد. یعنی تا هنگامی که ما این گفته شوم، و از نهایم نا شیخ هیچ وقت آزاد نیستیم. بلکه بر ما زنجیر های مقدس مربوط و مقید خواهیم گردانید [illegible] [illegible] یعنی از آنها [illegible] همیشه حیات برابر است. و حال آنکه آزادی هرگز و هیچ [illegible] نبوده است خواست که مقصد بیرمرسه الصنعت آزاد شود و آن گاه روشن نصیر با تدبیر آزاد است (آزادی الغان و اقتدار الغان) نیز همین است و بس. مردمان بخ [illegible] همی باشند که از پس بیاید [illegible] چوپان را، گشت زار را، کهسار های ما را برد و غیره از تفسیر [illegible] چون آن خواهش را برد. یعنی آزادی شان را برد. و کشت زاری ماند. و غیره بیاید. الغرض چون حال این سیر تنزلی یک سیر گردیده است. ((اللهم اکفر سلطانا، وأمانی أو طانا)) آمین بحرمت سید المرسلین.

مقالات فنیه

الکتریک

یکی از مخلوقات بسیار عجیب و غریب حضرت خلاق کائنات جل سبحانه (الکتریک) یعنی قوت برقی) میباشد که اجزا (سیال برقیه) و (قوه کهربائیه) نیز همان ماهیت و حقیقت این بدیع عجیب را سراسر محتوی گردیده بلکه بر حال شهرت بحقیقت اصلی آن بر صد کشف و معلوم نگردیده است. و چنانچه اصل حقیقت (روح) هنوز بر فن مجهول مانده چنان اصل ماهیت (الکتریک) نیز همچنان سر مستور است.

(برق) در باب قوت، چنانچه در باب (روح) و (ضیا) و (حرارت) همین نسبت مخصوصیت [illegible] در باب حقیقت این قوه عجیبه چیزی که [illegible] [illegible]

بیان شده، ولی طرز تریک هر آنقدر در آن تأمل و تتبع کرده شود یک قضیه نوی، یک اسرار نوی دیگری از آن ظهور میکند.

در اول بار این قوت را (تالس) امام علیکر از متقدمین سبعه یونان شمرده چنانچه از پیغمبر حضرت عیسی علیه السلام پیشتر سه سال از فصل جذب و کشش کهربا موجود است کشف و پیدا کرده است. و (الکتریک) از لغت (الکترون) که در زبان یونانی معنی (کهربا) میباشد گرفته شده است.

در سنه (۱۵۶۵) میلادی دکتر (ژیلبرت) انگلیزی که دکتر خصوصی ملکه انگلستان (الیزابت) بود در مدت هفده سال محنت خود بود در گرفت، و در یک قسمی از سایر اجسام (بعضی درختان می باید، و در خاک، و در بعض) و در بسی مواد دیگر همین خاصیت جذب و کشش که در کهربا هست. و در ای دگر چیز ها وجود آن را کشف و اثبات نمود.

چون کار بر همین قدر بماند، علمای فلسفه شناس در باره اسباب این قضیه عجب، و سایر امور دیگر که مخبر با کائنات از آن بروز آمده، موجود بودن این قوت عجیب، و در یافت نمودند که بواسطه (دلک) است (دلک) یعنی هم الیدن دو چیز را بیکدیگر (تاسس) یعنی رگ دادن، و (حرارت) یعنی گرمی و سوختن نیز همراهی مذکور ظهور می آید. تا این یک چند سال مجهول بود که آیا این واسطه دلک بیان شد یا سبب و کدام کیفیت موجب حرکت دادن الکتریک میشود؟

اول شخصیکه از الکتریک کار گرفت، و عجایبات آن را از قوه بفعل بر آورده (فرانکلن) نام علمای شناس امریکا است که در سنه (۱۷۱۶) میلادی در (بشهر) (بوستن) امریکا تولد یافته و چون یک خورشش او تا یک تجربه می بود، و در بی آن بابت دلک (دلکتی) یعنی حرکات بسی گذران بکرد. ولی از اگر سوء تفصیل علوم طبیعیه کوشش و زیاده از (بشهر) علمای عصر جد جهد گردید.

(فرانکلن) در باب (ضیا) و (حرارت) سیار تجربه ها اجرا نموده، و بسی تحقیقات موثق شده است. و اول سیکه (صاعقه) یعنی برق در عهد او شناخته که سبب تخته آن چه است الکتریک است فرانکلن بود. و اول یک کاغذ باد طلسمی سوی ابر های سیاه رنگ دیگل بر هوا فرستاده و ریسمان آن را یک سنبشه (کاید) ربط داده از بند گذرد. و در بن سنبشه الکتریک جمع گردیده با آن تجربه بکار برده است.

(الکتریک) در اول امر بر دو نوع تقسیم شده، یکی را (شیشه) و دیگر را (مشمع) یا (لکی) میگویند که یکی خاصیت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 90 of 1786

(بقیہ) اور کرشش حاصل (واقع) (را) اور (بعض) یکے
بیشک اور دیگری میرانند، اور بعض اجسام، الکٹریسیٹ
اور بعض اجسام الکٹریسیٹی موجود است،

پس اجسامیکہ بی الکٹریسیٹ هستند، و دیگری الکٹر
سٹی را داشتہ باشند گیر خود شان را جذب میکنند
و چون ہم برابر میکرد و شوند و الکٹریسیٹ ہر دو طرف
بسیار ہر باشد ہر گاہ ہم آنہا یک قسمی از الکٹریسیٹی را
کہ در خود دارند بآن دیگر، و دل میکنند کہ این ہر
دو دل یک زوری و چابکی بسیار عجیبی بوقوع آمدہ در
وقت شرر، و صدا بحصول مے آید،

الکٹریسیٹی (زوقتی چیزہا چیزی میگذرد، و از بعضی چیزہا
بسیج میگذرد، مثلاً از چیزہاے معدنی، و آب، و درختان
و دیگر نباتات، و بدن انسان و بسیارے زودی و بنہایت
سرعت گذر میکند کہ ایشان را (ناقل الکٹریسیٹی)
میگویند، و از پشم، و ابریشم، و از ہوا، — علی الخصوص
گر ہوا خشک و بی رطوبت باشد بسیے دشواری گذر
میکند کہ ایشان را (غیر ناقل الکٹریسیٹی) میگویند،

الکٹریسیٹی کہ در گرد ہوا موجود است

در گرد و پیش ہوا الکٹریسیٹی طبیعی کہ بحالی مسکونہ
و آزادی موجود است یک قدری الکٹریسیٹی مثبت نیز موجود
میباشد، و وقت باریدن برف و باران بہ الکٹریسیٹی
منفی تحویل می یابد، شدت این الکٹریسیٹی اکثر باختلاف
موسم ازیش و کم میشود، و در طبقہ ہاے بلند ہوا موجود
میباشد، و در طبقہ ہاے نزدیک زمین کمتر پیدا
میشود،

اگرچہ سبب حقیقی ظہور یا فتن اینگونہ الکٹریسیٹی
در گرد ہوا تا ہنوز معلوم نیست، ولی بعض اہل علم بصیرت
شناس درین باب بیان کردہ اند کہ آن ہم عبارت
از ہمین ہا ست،

وقوع یا فتن دو لف یعنی مائش و رابہ زمین کردہ
ہوا و گرد و زمین — برابر نبودن و رجہ حرارت
در قسم ہاے مختلف گرد و زمین — قویل یا فتن رطوبت
بوقت،

علاوہ بر اضافہ ذی رطوبت (الکٹریسیٹی منفی)
میباشد، و سبب شدت بسیاری کہ بہ (میگنیٹ)
در بسیج یک نقطہ — ہوا خود را جمع کردہ

(بقیہ) آمدہ (آتشی) ہی شود، (ہاے) آن (در ہوا)
پراکندہ و پیاشدہ (الکٹریسیٹ ناقل) شدہ و (بسیج)
ابر (جمیع الکٹریسیٹ) حاصل میکنند، و (ہنگام) چون دو ابر
یا رہ یکدیگر بر گذرند (رجہ) (رقم الکٹریسیٹ) داشتہ باشند
(بہم) گرائش یابند، و (بدین) شان یک رو و بدلے
واقع شود کہ بسرعت و شدت آن رو و بدل آوازہ
در خشندگی حاصل میشود، این است کہ آن درخشندگی را
(برق) یعنی (آتش برنگ) و آن آواز را (رعد)
یعنی (پاے خوک) میگویند، و گاہی در (بین) زمین
و ابر این رو و بدل الکٹریسیٹی بوقوع می آید کہ در آنوقت
از بالا بپایان و از پایان بالا یک جریان الکٹریسیٹی
حاصل شدہ (صاعقہ) یعنی (تندر) وجود
می آورد،

صاعقہ برقیہ (آتش برنگ) ہوا را بسیار
سرعت رہا دادہ، و گاہی تیزی و شدت آنی از ہم پارہ
میکند و بر ہوا ی گرد آن چنانکہ پارہ شدہ و بہا ندہ
ہوا، از ہر طرف در آن جا ہجوم می آورد کہ صدا ہاے
مہیب رعد از صداہاے آن ہجوم ہوا در خا ہیا ظہور می آید
و چون سرعت و تیزی و شدت ہیا از سرعت و تیزروی
صدا ہیا زیادہ تر است از اینجہت اول (آتش برنگ)
برنگ، و بعد از ان صدا ہی پایہ شنیدہ و دیدہ میشود

نامورانِ زنانِ جہان

مقدمہ

(سراج الاخبار) میخواہد کہ سر از ین شمارہ گاہی
در بعضی شمارہ ہی خود یک قدری از حوال زنان مشہور
کہ این سبیج سرا ہی نانی زندگانی بسر آوردہ اند،
و نامہاے خود شان را در روزگارہاے تاریخ
یادگار گذاشتہ اند برا ے فایدہ بردا شتن بی بی ا
مستورات، و بیگمہا ی محترمات وطن عزیز خود
درج صفحہ ہا ی اوراق اخبار نماید،
در بنصاب اگرچہ بسیے اشخاص برابر اند و چنز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 91 of 1786

چرا نگذرد، چنان مردان اهل هنر را، که صد سال یک تن از ایشان در روزگار پدید نمیشود، از راه همت و سراج الاخبار، کارپرداز نباشد تا بدین روزگار نیفتند و چه جای زنان؟ ....

با آنکه در این اغراض خود شان نیز درجه حق هم دارند، ولی اینگونه اغراض با، و این چنین ایراد است بر شوق و کوشش ارباب خدمت شده معلومات نافعه خواهد گردید.

بالجمله دولت و هیچ ملتی نیست که از ابتدای ظهور خود شان عالم دانا، یا اخلاق، و تاثیر صنعتی بدنیا آمده باشند، اگر تاریخ اوروپا را بخوانیم بین اقوام فرنگستانی که در یونان قدیم به توانگری، و صنعت گری، و دانائی خود شان علاوه برای شده ذکر، و تهذیب عادات امور و اخلاق می پردازند بیش از چند عنوان جنگهای سخت و شدید بسیاری در و در و تنگه و در عصر خلفای عباسی در خلافت زنان اسلامیه بسی شاعره، ادیبه، صنعت گر، با موجود زنان اوروپا بلکه مردان شان نیز از الف تا یا هم شده است، و هیچ پیشه و یکی از چیزی هم باز نمانده است، حال آنکه در یونان زنان شان بدرجه نرسیده اند که در کارها و امورات دولتی رشد و لیاقت خود شان را اثبات کرده دعوای گرفتن مقامات عالیه را دارند.

پرفاضلان روزگار بر این اتفاق دارند که نوع انسان از یک زن و یک مرد بوجود آمده و اگر تنها آدم علیه السلام میبود و حضرت حلیم مطلق جل و علا امتها خواه علیه السلام را خلق نمی فرمود نوع انسان در دنیا بوجود نمی آمد. پس از این یک خوبی معلوم میشود که یک انسان از دو قسم خلق شده که یکی ذکر (نیست) یعنی مرد، و دیگری (آنیست) یعنی زنی باشد. هرگاه یک مرد باشد و زن نباشد، و یا تنها یک زن باشد و مرد نباشد نوع انسانی از صفحه کائنات در اندک مدتی نابود میگردد. لهذا یک زن و یک مرد را جا بجا یک انسان گفته میشود. یک یک زن و یک مرد را یکجا یک انسان گفته میشود. یعنی یک انسان را اگر ما نیم کنیم نیم آن زن و نیم آن مرد است. و چنانچه

چنانچه نوع انسان از مرد و زن مرکب گردیده است بنابر یک گردیده

واجب میدانیم که طایفه لطیف نسوان در عالم تربیت آنچه در یک کس بسیار مهم و بایه یک شخص لازم میباشد پس اگر آنها را از حق تعلیم و تربیت محروم داریم گویا نصف وجود خود شان را بیکار و بیشغل گذاشتیم. لابد ما اگر در سراج الاخبار کرر قصه بگانه آن شده معلومات نافعه برای اهل وطن هست بعضی سخن فی که موجب فایده و مستورات و خواتین وطن باشد درج اوراق خود نماید چیزی بدو دادن گرده خواهد بود.

علی الخصوص در این عصر سعادت عصر پادشاه ترجوا و پادشاه دین پناه اعلیحضرت سراج الله والدین کرمت، و عدالت، و شفقت و عاطفت شاهانه شان در بارها ذکور و اناث رعایای صادق ولوله شان عام و ایگانست.

بنابرین سزاوار نمیدانیم از تعلیم و تربیت امور خانه داری شده و اینچه در باب سرپرستی داشتن خانه و تربیت اولاد، و محافظه ناموس، و صحت و غیره چیزها یکه موجب فایده و برداشتن طایفه نسوان باشد بحث نمیاوریم از ترجمه احوال، و اعمال و اقوال زنان مشهور و نیز در زیر عنوان (ناموران زنان جهان) ثبت صحیفه عبرت مینمائیم.

از نوشتن احوال ناموران زنان جهان

دو منظور است: یکی اینکه خواننده از احوال گذشتگان نوشته خود شان در صحایف سراج الاخبار معلومات نافعه یافته موجب محظوظیت و مسرت شان میشود. دیگر اینکه چون در این باب تا حال یک کتاب مکمل و مبسوطی از فارسی نوشته نشده این عنوان یک کتابی در آخر کار بوجود خواهد آورد که بیادگار بماند. این است که بترتیب حروف تهجی یعنی الف با از حرف (الف) آغاز میکنیم.

و چون این کتاب ما بترتیب لغت تالیف میشود از زنان هر قوم و ملتی که بترتیب حروف تهجی برابر آید لابد بجان اسم نوشته خواهد شد. و در غایت شرافت و اهمیت خواهد شد. و چنانچه نوشتن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 92 of 1786

حروف الف مدوده

(آبدالرینگه) = از زنان ابرجان آریا است و هندوستان است که بلبس و جمال و دولت و ایمان مشهور بوده و با پادشاه بابل ازدواج نموده بود، و اولاد و ذرات باقی است.

(آپولینه) = یک دختری بود در اسکندریه که در آغاز انتشار دین عیسی علی نبینا علیه السلام در اسکندریه ایمان آورد و بود در سنه (۲۴۸) میلادی از طرف یهودی اگرفتار آمد، بجزای مواظبت مجلوم گردید، و آتش بزرگی برای سوختانیدن او افروخته شد، و او را بر انکار کردن و برگشتن از دین عیسی علیه السلام به آتش خوف دهم دادند، او از دین برنگشته پای خود در آتش در آمده خاکستر شده است.

(آنوسا) = دختر کیسر و بود که در اول امر با یک مرد می، و بعد از ان با سفنه یار، پسر کشته سپه و ازدواج نموده و از شوهر آخرینش که اسفنه یار باشد پسران و اولاد نموده، و او را برای جلب یاران برانگیخته است، این سخن که مذکور گردید در تواریخ

واقعه های پاریس

بعد از نمبر ششم

یک شخص معلوم هیئت و لباس شیک و سر و ریش تراشیده قیافه غمزن و الم بنظر میرسید.

خسته و ایش در سینه می از انگشتهایش بیرون میتراوید، و چنان گمان میشد که بدن او خواهش سکته عارض شده باشد، تنها در هیئت ای جنبش یک کمی سرخی نمود، و لکی نمایان، و اطراف جنبش با یک خط کبود خاصی احاطه شده، و مردمک چشمانش با یک پرده غمناکی مستور بود.

در حالیکه بر نوکهای مژگانش مانند دانه مرواری یک دو قطره سرشکی پیدا و ریزان بود نظر به جوان نیاز کرده و چنین گفت:

— آیا می بر انید؟ آیا من هم در زندان

با ان نوشته شده است، آنچنان معلوم میشود که در اینوان چیزی غلطی پیش شده باشد، و احتمال دارد که (استفی) نام زنی باشد که در تورات بترا محسن ذکر شده است.

(بقیه دارد، در نمبرهای آینده ملاحظه میشود)

علم ثروت ملل

بعد از نمبر ششم

دخل و صورت و دیگر کیفیت های اشیاء را تبدیل و تغییر داده و به صورت سود از خود فایده و قیمت بوجود آورد، این است که این عملیات را (عبارت) بتبدیل این شکل و کیفیت اجسام فایده و قیمت پیدا کردن (الصنعت) میگویند.

پیش ازین چون کسی ازین اساس مقصد آگاهی نداشت ثروت و توانگری را منحصر بر طلا و نقره پنداشته، و ازین آخرها (آدام اسمیت) اول مرد از این غلط را تصحیح کرده ثابت ساخت که اصل

عادت شماست و بجا مانند شما شاید باین جرئت و تعجب دیده میشود.

جوان — (بلطف) آیا مرا سرزنش میکنید خلوتیه؟

خلوتیه — سرزنش گفتید؟ من هیچ وقت معاذ سرزنش نشده نگردانم که خود شما بیرون این توانی پیدا شید مقصد من این بود که پیرسم به وقت بر میگردید.

— هر شب چه وقت که پرچلتر، شب بترجمان وقت برخواهم گشت.

— یعنی معلوم نشد که از این شب بسیار بهتر! شما هر شب چرا بیهوده می آیید، و تا بشام بجواب میروید، و باز برای بیرون برآمدن از خواب برمیخیزید، برای یکدو گوزگه ما بیهوده گوئیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 93 of 1786

نیز دانست، ثروت سی و عمل است، و ثروت حقیقی سعی و عمل حاصل کردن فایده و قیمت هاست.

مثلاً یک گندم‌کاری یک مقدار گندم را (که خود نیز از اثر سعی و عمل خود می‌داند) از راه واسطه گاو، و وجوه و تیر، و قوای طبیعی خاک و هوا و آب و حرارت شمس پیدا کرده است. حال اگر این گندم را آسیا نکند و به این صورت فایده و قیمتی را که گندم از آسیا دارد بدان ندهد، آن گندم را نمی‌توان خورد. و همچنان اسیابانی که به واسطه آب یا باد یا بخار آن گندم را آرد کند، و نانوائی که از آن آرد نان بپزد، هر یک از آن دو عمل فایده و قیمت بخشیده‌اند. و همچنان یک فابریک دار یعنی کارخانه‌دار که پشم و پنبه را به واسطه بعضی آلات و ادوات به پارچه‌ش تبدیل به فایده و قیمت پشم و پنبه را به این سعی و عمل خود می‌افزاید.

پس درین حال فرقی که در بین کشت‌کار، و دیگر صنعت‌گران میماند تنها آلات و ادوات و دیگر واسطه‌های صنعت‌شان میماند، که نتیجه آن عبارت از تبدیل دادن شکل و کیفیت اشیاء، و سرانجام فایده و قیمت پیدا کردن برای آنهاست.

اگرچه ثروت و توانگری به اجرای صنعت حاصل میشود، و صنعت فایده و قیمت را به وجود می‌آورد، اما شرط اعظم هر صنعت این است که هر صنعت‌کار چیزی را بدهد که قیمت داری را که وجودی آورد بیابد که قیمت آن نسبت به پیزی که برای وجود آورده

باقی بیدان نمی‌یابم. هر قدر از وجود بسیار داشت برای خود نظر کرده‌ام، دل، در چنین جا... به تنهائی گذشت.

— این را من هم تصدیق میکنم که اقامت‌گاه خوب جانست. اما بشما قول میدهم که در طرف یک هفته بسیار کمی ایجاره به یک اقامت‌گاه بسیار مطلوبی بدهم. و هم درین خانه برای شما هیچ تهلکه و خطری نیست! مستریح شده و بیائید.

— بشرطیکه هزار و شما باشم اگر صد بار بدتر ازین اقامت‌گاه باشد و هر قدر خطرناک باشد من در سیدهم که این را بر شما اثبات هم کرده‌ام، اما در اینجا دیگر به تنهائی به آوردن و خدا میداند که چنان حالی نیست که تحمل شود. دیگر اینکه در ذهن من بعضی فکرها خوفناکی هجوم میکنند. آیا وقت در زمان خود را در وقتیکه از پیش من میروید و تا پس می‌آئید جان،

که از یک آبی گیرد آن گرن بسیبی که آبی را نفید آب و معدن را از زیر خاک بیرون بر آورده برای او هیچ خرجی به انسان کار آمد ساخته، و قابل بسیار گران، اصلاً نه برای آبی و معدن که اگر در زیر آب و زیر خاک بیاند هیچ فایده از آن برای انسان حاصل نمی‌شد، ایشان نیز بر این عملیات خود فایده و قیمت حاصل کردند.

اهل تجارت نیز هر گاه اشیاء را از یک جائی گرفته بدیگر جائیکه طلب آن اشیاء باشد بواسطه عرابه و ریل و اپور و غیره نقل میدهند که به این سبب فایده و قیمت آن اشیاء را افزونی میدهند.

بنابرین جزء این کار را با سب با به اصطلاح علم ثروت (صنعت) مینامند، و کار دیگران را (صنعت کار) میگویند، و حاصل فرموده آنها را (محصول) میخوانند.

— با احوال گذشته خود که بنا بر اقتضای طالع نامساعد خراب گردیده دست و گریبان میباشم، و برای عاطر کردن یک آینده بسیار خوبی مشغول هستم، چگونه؟ برای قیمت کردن اسباب تبدیل دادن احوال گذشته یکه دوران هستم کوشش بسوزم.

— آیا در شب اباد این کار را مشغول میباشید؟ حال آنکه این چنین کار را در روز میشود.

— چرا مشغول نشوم؟ در پاریس امور اتباع خراتی در شب بیشتر میشود.

زن بیچاره از بین حرف او یک چیزی که باور کردن و عدم اعتماد را انسان میداد سر خود را جنبانید، از جائیکه تا حال بر آن نشسته بود برخاست.

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 94 of 1786

آن صرف کرده است همیشه باشد . یعنی برای ساختن یک چیز که ده روپیه صرف کنند حال باید که آن چیز از ده روپیه همیشه قیمت پیدا کند . و اگر این چنین نباشد صناع و کسانیکه برای حاصل کردن ثروت صرف نموده باشند چیزی که از ان حاصل شده برابر آمده از مبادله و قیمت هیچ نمی ثروت حاصل نمیشود .

مثلاً یک کشت کار یا یک ماشین خانه دار اگر ده هزار روپیه بر زراعت و یا کشیدن باغ یا خانه چیزها صرف کند و بمقابل آن خرچ و صرف خورده هزار روپیه غله و متاع حاصل کند نه ثروت و توانگری شخص خود آن صنعت کار و نه ثروت عمومیه چیزی که در ان زندگانی دارد افزوده نمی شود . و اگر مصارف و مخارج برقیمت حاصله آن همیشه آید در آنحال هم ثروت شخصیه خود صنعت کار و هم ثروت عمومیه جهت نقصان دچار میشود . و این حال تنها یک نوع صنعت مخصوص نیست . بلکه از همی سبب از سے مختلف و هر صنعت بطور می آید مثلاً چنان گمان شود که چیزها یک از یک ماشین خانه میرآید بسبب که از چیزهای خام گران قدر قیمت میشود از آنرو صنعت ماشین داری از زراعت یعنی کشت کاری همیشه موجب افزودگی ثروت و توان گری میشود . فی جمله حاصل کردن توان گری یک ماشین خانه دار یا بر عکس حاصل کردن توان گری کشت کار است مثلاً یک کشت کار سے که برگندم و کاه و زحمت کشی هر قدر قیمتی صرف کند اگر از ان قیمت صرف کرده خود همیشه قیمت حاصل کند گویا ثروت حاصل نکرده . که الک اگر یک ماشین خانه دار سے چیزی قیمتی کرباس خانه و آوردن آلات و ادوات و اجرت مزدوران کار و خریداری اشیای خام وغیره صرف میکند همیشه از ان قیمت صرف کرده گی خود قیمت حاصل نکند گویا توان گری را بدست آورده نتوانست .

پس ازین یک بخوبی معلوم گردید که افزودنی توان گری و ترقی صناع چنین قواعد و قانون بیان گردید صناع بوده خواه یک شخص باشد و خواه یک قوم باید که دایما در پی کار سے بیفتند که توان گری را بجنبد و چیزهای فایده مند بوجود آرند که از قیمت صرف کرده خود همیشه قیمت حاصل کند .

فصل سوم

اقسام صناع

صنعت ها دو اقسام اند بر سه قسم تقسیم میشود :
اول (کشت کاری) نام دیگر (صناع اولیه) دوم (اشیا سازی) سوم (سوداگری) .

یک قسمی از افراد بنی نوع بشر از زمانهای بسیار قدیمی به کشت کاری و زمین داری گرائش پیدا کرده و زمین را کنده و شیار کرده و پاره دادن آباد کرده انواع حبوبات و نباتات و میوجات را پرورانیده و بسیار سانیده و از ان روهم دفع احتیاجات خود کامیاب شده اند تا زمانیکه صرف کرده اند بیشتر قیمت حاصل کرده بصورت مبادله توانگری پیدا کرده و اگر این صنعت (زراعت) یعنی کشت کاری نباشد . این صنعت را (صناع اولیه) نیز میگویند که معدن کنی و شکار ماهی و میوه جات را از جنگل نیز داخل این صنعت نموده اند (صناع اولیه) گفته اند .

(باقی دارد)

بر مقاله ما کسی دستخط ندارد از طرف سررشته گزیرانه
مدیر و سررشته دار سراج الاخبار

بمی و اهتمام الحاج عبد الخالق پسر حاجی عبد الرحمن صاحب چاپه خانه سراج الاخبار طبع شد
بمقام میرزا محمد جعفر قصاری طبع شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 95 of 1786

صفحه ۱ — سال یکم — عاقرب ۸

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و صاحب امتیاز
محمود طرزی

ادارهٔ جریده و مطبعه
در شهر کابل، در سنطره

بهر اجرات تحریریه باید، در خانه
بنام مدیر مراسله داده شود

بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی ۳۰ جدی ۱۲۹۰

بهای اعلان
در صفحهٔ اخیر هر سطر یک روپیه کابلی

قیمت سالیانه
در داخلهٔ سلطنت کابل ۸ روپیه کابلی

در خارجهٔ مملکت با اجرت چاپارگی ۱۴ روپیه

در ممالک اجنبیه با اجرت چاپارگی غیر یوناگریکی
قیمت یکسنه آن در کابل یک عباسی است

تاریخ عربی یکم صفر ۱۳۳۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه دلچسپ مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

پل دختر — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — متفرقات — حوادث خارجیه — ادبیات — تجارت — اعلانات — تلگرافات

پل دختر

یک نگاه بر خصوصیات جغرافیای (افغانستان) تا کنون دیگر باره بر ما ثابت کرد که یک وطن عزیز با این گونه سلسله های بزرگ آسمانی و مساحات وسیعهٔ خود، چنانچه در حصول استقلال سلطنت، و یگانه جنسی و یگانه مذهبی، و شوکت و قوت و آسمانی و سلطانی یگانه، تنها بلند ماتمی و معنوی را مالک است، چنان آن بر تمام روی زمین نظیر بسیار عالی و بلند واقع شده است.

و خصوصیت این خاک پاک اینقدر باهم بسیط و بدیع گردیده است عرض کنم که این باهم از طرف شرق شمال بسلسلهٔ (پنجه و کوه) بنام دیگر (هندوکش) و از طرف غرب (پلوه یا پاه) و (گوهستان غور) اگر بهم غرب یکسر دانسته شود، راست مربع میباشد. اینجهت شرق آنجهت آمده فرود آمده (به سلیمان کوه) و از شمال بجنوب پهنه شده و رفته است ارتباط پیدا میکند.

این باهم بساحت (شمام و هندو کش) تشکیل داده که جزء آنها افغانستان از همین دو سلسلهٔ بابل و رجریانست. یکی ازین سلسلها از ارتفاعهای شرق و شمال مملکت جریان دارد و به این سلسلهٔ بابل فرود آمده به کوتل (زده) یا کوتل (سیلستان) میرسد و بزرگترین نهر اینک این حوضهٔ جنوب غربی را تشکیل داده و به کوتل (زده) میریزد نهر (هلمند) است.

سلسلهٔ بابل دوم عبارت از حوضهٔ کابل است که بسوی شرق و جنوب بین (پنجه کوه) و (سفید کوه) واقع شده است. آبهای منعقد شده و رفته از سلسلهای کوه (هندوکش) از میان دره های بسیار مخوف و هیبت در جریانست آبهای (پنجشیر) و (غوربند) و غیره و اگرفته و در رفته (دریای آب) نام موضع با اصل نهر کابل هم آمیخته و یک نهر بسیار جسیمی تشکیل داده از (بابا) بجنوب (سمت مشرق) رفته (به پشاور) میرسد، و در قریب آنی (پشاور) با آب (اتک) آمیخته از حوضه (سند) بحر عمان میریزد.

این نهر جسیم کابل (بابا) بسیار حاصل خیز بوده و (تلخاب) را از میان دوش نموده است که عالم نشینی بزرگ و جلالت (جلال آباد) و (اسپکه) و عالم نشینی (لغمان) زمین را بدیگر سوانحه است. طور و سیر و جریان دریا به وجهی است که از همین نهر و همین (بابا) بسیار جسیم را شده جالب کشتی نمی شود و در بعضی وقت از بعضی جاها گریوه گو... به دولی آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 96 of 1786

گذر از تنگه دلخراش بسیار است. گذشتن دیوار تنگی [illegible] در موقعیکه آدم (ورنته) ضمیمه دو از شهر جلال آباد تقریباً یکنیم ساعت مسافه دارد واقع شده است.

این موقع (ورنته) از عجایبات خلقت یک جائی میباشد که تیشه قوت منوفرا و طبیعت در کوه پاره و عظیم پرستگاه را بیک وضع بسیار شیرین و دل نشینی از هم دو پاره نموده و در میان بسیار عمیق (نهر کابل) را از میان آن جاری نموده است. این است که خسرو همایون خال مقدس (اعلیحضرت سراج الملة والدین) بادشاه ترجواه بادانش دوین همین موقع مذکور (ورنته) پل بسیار باشکوه و آهنینی میسوی بنا فرموده اند که در آسیای وسطا دیگر نظیر و مثیل آن را چشم هیچیک سیاح جهان گردی ندیده باشد.

تصور بفرمائید: یک دو کوه بلندی که ما تند دو دیوار سنگی کهلیست آن را از دو طرف سر بفلک برآورده باشد. در میان این دو دیوار طبیعت آنار یک آب بسیار سنگین و هیبتی بسیار را که مانند یک کوه بلند پایه در جریانست. این (سنگ) های گران (آبنا) گفته شود هم جاداده. تقریباً نیم میل دراز شده رفته است که اگر انسان در یک کشتی از دهنه خلیج یعنی آغاز تنگه در میان این دو دیوار هیبتی در نهایت عظمت و در ایهای خود او در یک عالم دیگری پنداشته در پیش بحر بیکران کارهای بوقلمون خلقت بچشم او بیحد حیرت فزا میرود. و در آن عالم حیرت و بیخودی بی اختیار از یک (هو!) گفته فریاد برمی آرد که عکس صدای آن (هو!) در رگهای سنگهای پرستگاخ آن دره لطافت مناخ هزارها بهو برمی انگیزد و انسان را از مشاهده آن اشکال، و استماع آن آوازهای عکس دار یک مستی نشاط و سروری دست میدهد.

بیاد دارم که در اوایل سنه (۱۳۲۴) چهر کابی موکب سعادت موهب اردوی همایونی از جلال آباد بسمت لغمان از همین جائیکه حالا پل بر هیبت (ورنته) بنا یافته عبور مینمود. آه چه عبور! یک اردوی معظم بادشاهی که از عساکر نظامیه پیاده و سوار، توپخانه و پیاده و سوار چرکاب که تقریباً پنج شش هزار آدم، و بهفت هشت هزار دواب و حیوان ترکب بود! آلات ثقیله جرار، دیگر چیزی موجود نبود. (جاده) عبارت از یک مشکهای باریک بود که دایت که بقدر بیست پنج سی مشک آن را پا چه بپا دقایقی گر بسته و بروی آن ماشه های تخته ئی بوجود آورده و انسان بواسطه آن از آب عبور میکند.

حالا تصور شود: نهر بدین جوش و خروشی، اردوی به این بزرگی و انبوهی، آلات ثقیله با این عجیبی و غریبی! .....

باز یاد دارم که ذات اعلیحضرت پادشاه متقدس برستگهای جسیمه تنگه حالا پایه پل بر هیبت ورنته بران بنا یافته نشسته و التفات اردوی همایون را نظارت میفرمودند. بعد از نقل یا نقل اردوی آنگونه بیحد تفات نفوس بر توقع آن اعلیحضرت پادشاه متقدس غیور مایوسی موقع مذکور یکنظر صمیمیت منظری عطف فرموده بحضرین حضور انور والا نه فرمودند:

— بحول الله تعالی عازم جزم بعد از ادراک مذاق این مشکلات انگیزی طبع و مرور این موقع صعب المرور را از راه و رفتارهای صادقانه رفع خواهد نمود.

آن وقت سال فرخنده فال چهارم جلوس میمنت مانوس همایونی شان بود یا رسال که بسعادت هجرت کابل همایونی بسوادی موتر از سر پل ورنته میگذشتم بسوی موقع مذکور دیده، و حال گذشتن بر خوف و دهشت طور سه سال پیشتر آن را بخاطر آورده بی اختیار بر صدق (کلام الملوک ملوک الکلام) اعتراف ورزیدم. و آن کلام حکمت پیام پادشاه متقدس خود را یاد آوری نموده عطف توجهات مولانا آن کلام مبارک شانرا بایک دعای نهانی از زبان گذاردم.

پل ورنته و فرخ دهنه دره معروف به ورنته بچهار ستون فولادی بهشت ریسمان گولادی بنا، و بصورت معلق برهوا نشسته شده است. دو پایه بسیار متین و خیلی مستحکم از سنگ و سمنت با یخ های بزرگ برزگ آهنین یکی باین طرف نهر و دیگری بآن طرف نهر بنا یافته. و بر این پایه های مستحکم دو ستون بسیار بلند باوش نمای مشبک فولادی باین طرف نهر و دو ستون دیگر بآنطرف نهر برپا شده که حبال این پل بزرین جسامت آهنین را بین دو پایه و بهین چار ستون ریسمان فولادی تاب داده شده معلق برهوا نشسته است.

طول این پل که از رقم (متر - پنج - شش - پنج) کرمتی معلق را در بر میگیرد (۳۰۵) فوت، و عرض سرک روی پل (۱۰) فوت است. هندسین معمار نمای این پل خواجه منزل مشر (الیه سے) انگلیز است که الحق در بستن پل مذکور عبارت صنعت خود را بطرز فن تعریف داده است.

— این مرحمت شعار بادی در ستمبر این پل بر نهر کابل فیروزاگی هزار و نهصد و سیاهی و چهار، و عسکر پاشان ست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 97 of 1786

[illegible] و مردم [illegible] ها و [illegible] نشان [illegible] هزار [illegible] و آسانی نشان [illegible] و [illegible] ها خالی از [illegible] هزار [illegible] نفوس [illegible] هزار [illegible] و [illegible] پادشاه [illegible] و [illegible] خودشان رفع بارگاه خالق کائنات بشود. (سراج الاخبار)

حوادث داخله

هوای کابل

امسال بستان شهر طرز بسیار یک رنگ عجیبی بکار برده که در اول مریک شدت و حدت برسنی و رعد و خود و باز زلزله آن شدت و حدت خود را یک رفیق اطلاعی بدیل داد.

از قرار رپوت رسیده جوانیکه از توقف مرده و از کابل سیاه پاره رسیده و در نیم هزار از روز یکشنبه ۱۹ محرم الحرام تا یوم شنبه (۲۴) یوم مذکور روز این (۴۵) و (۲۹) درجه حرارت نشان داده شده است. و در طرف این پانزده روز یکبار برف باریده که آنهم از طلوع آفتاب یکشنبه (۱۳) تا ده دقیقه مذکور روز و از نقطه یک بجه الی سه ساعت بارید و آب شده است. و در روز جمعه نیز اگرچه دانه دانه بارید ولی هیچ یک بارنده گی قابل پیدایش نبوده.

محرر حاضر هر روز که بوقت صبح از خانه برآمده پا داره میدوم در راه بعضی اوقات دامن و دهن بیرحمی کرتا بیاد آورده مشق های شان را در زیر بغل گرفته یک شوق و تلاش بسوی مکتب ابتدائی محله خود شان که از فیض مرحمت اعلیحضرت پادشاه معظم ما در شهر طرز تاسیس یافته رفته دانه دانه این حال را در آنجا یک جنس شادی دلگیران دران جا دیدن گرفتم. آنها از قدیمی که مسافران گرد و دامن و دهن از یک مدت تیری دست خطوط خود شان گرفته بودند، دو اوقاتی که در مشق داشته باشند زیاد از آنرا بند نیاز این محله ای دیده میشود که در بعضی جا آبادی های شده و بارش یک بسیار خلقی برای اولاد ها و جوانی دارد. قرار معلوم شد که پدران محله و دهه گان همین است که بدون تنخواه کاری دست طبیعت را نادیده بگذاشته خود و میرود. حالا که اساس این یک مکتب شده و از عدم مدت دقت فهمان شان و از کفایت خود داری جنبانده، دیگر گاه بگاه دل سوزیست

جای بخدان و الا است. هر دفعه که از دوه اخبار مان را خواندن آغاز کرده یا خبار میرود یعنی از این چار ده ما را و پیش گرد بست های قوت زای که آپ جرا و دان برای یکی بستن جاری داشته اند می بینم که یک نظر بسیار تاسف و حسرت بسوی آنها نظر کرده و پس می گردن خود شان را خاریده و میگذرند. و الی اصل چنانچه شاعر عرب میگوید که: (مصائب قوم عند قوم فوائد) یعنی: ((مصیبت های یکی برای یکی فایده است)) چنانچه بخدان و الا و بگاک خوار از مصیبت و غم بی بخی گرفتار اند فقرا نیز بفرحت و مسرت سیر روی زوال دل شاد اند فقط.

رد اراجیف

اخبار (سول اینڈ ملٹری گزٹ) از زبان وقایع نگار سرحدی اخبار (انگلشمین) یک خبر سراسر دروغ بیفروغ که قطعیاً اصل و اساس ندارد، نشر نموده که بواسطه چیلی شایان حیرت و هم بسیار موجب افسوس است. حیرت ازین است که آیا دروغ به این بزرگی را وقایع نگار سرحدی اخبار مذکور در خیال خانه تصورات پرور پرستی خود چسان اختراع نموده است؟ افسوس ازین است که آیا اخبار معتبر انگلشمین این چنین وقایع نگار بیزبان گفتار را برای وقایع نویسی اخبار معتبر خود چسان مقرر نموده است که بر دروغ بودن آن اخبار سول اینڈ ملٹری گزٹ نیز از اظهار تعجب خودداری نتوانسته است.

خبر دروغ مذکور این است:

((اعلیحضرت امیر صاحب کابل با دو تحریک سپاهی رسالهٔ شاهی شتابی به سلطان احمد روسی گردیده اند))

(سراج الاخبار) بکمال شدت این خبر دروغ بیفروغ را رد و تکذیب میکند. و علی اصل و اساس بودن این خبر دروغ را اعلان و تشهیر مینماید. هرگاه اخبار معتبر انگلشمین و وقایع نگار در باب اینان و وقایع نگار سرحدی او چنین قدرتی داشته باشد که دروغ را درج اخبار خود نماید به اختیار و حیثیت اخبار خود خواهد افزود و اگر هر سخن راست و دروغی که زبان گرداند و خیال و تصور برای نوشیدن یک پیاله چای و کشیدن یک قلیان بوقایع نگار سرحدی او بدهد بگوید و اداره ملاحظه نماید که صفحه های اخبار خود را به آن پر کند بسیار جای افسوس است.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 98 of 1786

حوادث خارجه

نقل از اخبار رسمی ایندیا مشرقی گزت

کورینشن دربار مورخه ۱۲ دسمبر — امروز دربار منعقد شد و قریب یازده نفر از اشراف و اکابر عالم برای دیدار اعلیحضرت شاه جارج و شمولیت جشن تاج پوشی که در تاریخ دنیا بی عدیل است و در مقابل تاج پوشی سلاطین سلف مثل جمشید در خشان جلوه شد و او دهلی شده نمیخورد و در وه اعلیحضرت شاه جارج در جائیکه برای دربار مخصوص بود و سر (سفیر دیپلک موهن) برای افتتاح دربار از شاه وغیره دستور یافت و با شاه و ملوک سلامی اقوام گرفته حاضرین دربار را طلب کرد و گفت که من و ملکه امپریس هند وستان خیلی خوشوقت و ایم و بر اطاعت و لیاقت مردم هند اظهار اطمینان می نمایم چون در سال گذشته بتاریخ ۲۲ جون من برای افغانستان شدم و چقدر با و امید وار بودم و امروز نهایت مغتنم شده و بودم که در خاک هند در آن سرزمین که دار الخلافه شاهان غنیه بوده است دربار ی منعقد کنم امروز تحمل آن آرزوی دیرینه ام مثمر شده و است و دعاهای قلبی ما بحصول پیوسته اند و مسرت من این است که محبت خود را برای بهبود و مرفه الحالی هند و بین خواهی و ایمان ریاست و فلاح رعایای هند و مستحکم انگار ، قایم من از دیدن حاضرین دربار و دار الکین و منصبداران انجمن هند وستان و رایجان و شهزاده گان ریاست های هند وستان و معتبرین نظام که از سایر ممالک محروسه برطانیه در این سرزمین برای اظهار صداقت و وداد و علامت احترام و تعظیم حاضر شده اند خیلی خوشنود شده ام و دل ما بدین خیال بسیار خوش شده است که شهزاده گان ریاست های هند و چین پسندیده گان ما را از نظر الفت و محبت و حسن نیت می بینند و محض بحالت ما را سعادت خود می پندارند من امید وارم که الله تعالی حفاظت حقوق و اختیارات شاهان کرده خواهد شد و من از بارگاه الهی میخواهم که این ما را بفیض و رضی و سعادت و توفیق عطا فرماید که برای ترقی و اقبال خود شهزادی و رعایای خود کوشان باشیم و

و امپیریل هند و حرا و اجمع ، جهان که حاضر بود با یورو و تحریر اصفه تقریر مذکور ، سر راخم و در وه شرایط تعظیم و احترامیت بجا آورد و و اعلیحضرت شاه جارج و ملکه برتخت نشستند — و امپیرای هند حسب الامر اعلیحضرت شاه جارج تقریر موصوف را بحاضرین دربار واضح نمود .

اخبار پایونیر میبوید

از تحریر نامه نگار سرحد ما معلوم میشود که امیر حبیب کابل در باب حالات موجوده ایران و ترکی دل چسپی زیاد و فی بر میگشند — چنانچه در این ایام شش نفر افغان و دو نفر افسران نظامی ترک را در شهر طهران و استانبول میفرستند که خبر های ایران و ترکی را باقاعده تحریر نموده برای سرکار کابل ارسال دارند فقط

(سراج الاخبار)

این خبر با فوق که « شش نفر افغان و دو نفر افسران نظامی ترکی را در شهر طهران و استانبول میفرستد » سراسر غلط ، و بی اصل و ساختنی است ، زیرا که دو نفر افسران نظامی ترکی در افغانستان موجود نیست تا که فرستاده شوند ؟ گمان میشود که نامه نگار سرحدی ما بقین این خبر خیالی را در خیال خود تصور داده باشد ، ولی هر دوی ما دل چسپی که اعلیحضرت امیر مستقل دولت خداداد افغانستان در باب معاملات چشیاده خارجی و تازه دامی ایطالیا نیا کرد مسلما با و خاطر جمع برقوع آمده و تجاوزات نزدیک آورد ایشان حقوق شکنانه دولت روس بر ایران را بیده اند و از امور طبیعی است که هر مسلمانان از آن در اضطراب و اندیشه میباشند علی الخصوص که ذات اعلیحضرت پادشاه خود مختار افغانستان یک رکن مهم عالم اسلام است در آسیا فقط

از گلشن اعلان شاهی این امر واضح شده است که مراسم جشن تاج گذاری و حصول آمال خود فیروز مند شده اند من الله کسی از باشنده گان هند نخواهد گفت که جشن تخت نشینی اعلیحضرت شاه جارج محض یک مبلغ زر خرچ نموده که بسبب آن رعایای هند چشم پوشیده اند ، خیر و کرده میشنده و از راه حیرت انگیزی و سامانی نمایش نکرده و هیچ اثری پیدا نکرد — فتح تعلیم بنگال یک فایده گران بها است که بر عاقبت بینی نتیجه اش بر عایای هند خواهد بخشید فقط

برای اخبار تا گیرا از طهران خبر رسیده که افواج روس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 99 of 1786

وارد مقام کوهی شده و اندوه مقام مذکور بر کل راهها و معابر بسیار تنگی واقع است و لهذا امکان دارد که مابین دولت روس و ترکی نزاع واقع شود فقط

اعلیحضرت شاه جارج انگلستان خواهش فرموده است که در آینده دو سیصد سال بعد از این عنوان شاهی انتخاب کرده شود سه لارد آرد ونگ دو سیصد سال موجوده اعلیحضرت خواهد بود فقط

اخبار سوئیل بنا علیه شرح داده میشود

پرولیسه مستطر در ذیل اخبارات لطایف زبان ملک عرض می دارد است نموده است که آنها برای زینت اسکیم اشیاء را بر سر نهند که پرای حاتون ها داشته باشد اگر زنان معتبر نظیر دشنبان انجمن کلاه و دیگر لباس سر که پرداز پیدا شده ترک نموده اند فقط

سراج الاخبار

این نظرات پرولیسه شایسته را اگر بعضی مرتبان خوش ادا فی که دست خطوط در لطافت و زینت و حلاوت و ظرافت پردازان آنها بدرجه حیرت جنات کاری پرحکمت بکار برده و از بعضی خطهای سیم ای نظر افتد که از جلگزاری نشین گاه های شان مروج نموده و در اثنای نشستن برآن گرفته باشند آیا پرولیسه شایسته را چه میرود خسروانی چه بگر تبت الفت باشند و در این اوقات خوشی پروری پرولیسه شایسته را چه شکر گذار پیدا کرده باشد!!

کراچی سن در بار مورخه ۱۳ دسمبر ۱۸۷۷ء جلسه بزرگی اجلاس منعقد گردید اکثر خواتین هند منجمله بیگم پال مهراجه خود و چهار رانی بروده و شهزادی بیگم امدادی و غیره شریک جلسه شده و خواتین مذکوره در خدمت ملکه یک گوهر نایاب الطور ارمغان تقدیم نمودند ملکه معظمه آن را قبول کرده و چیچ خواتین مذکوره را شکریه ادا نمود و خواتین برقدر افزائی ملکه اظهار مسرت نموده کلماتی دوستی عرض نمودند ملکه ادوه زبان ساخته فقط

اخبار ایروه در میرسید

سه حمالان رطب گرفتاری برای سفیر فرانسه نگران زده که در شب ۲۵ اکتوبر افواج عثمانیه بر قلعات افواج

مستقره در اصطبل های علیحده داخل شده و بر فراز بس خلاف آورند و حریف خود را پس پا کرده و دایره شهر شدند افواج اطاعتی را فوراً پیش گرفته و در اطراف پاه گزین شدند و در این ملک دو قلعه های بسیه مصری و فی را خالی کرده و ذخیره و سامان حرب وفی طرابلس را تاراج نموده و تخمیناً نقصان عظیم شده و از عساکر عثمانی چهل نفر شهید و صد نفر مجروح شده اند الحال امید است که عنقریب ترکان بر طرابلس تسلط خواهند نمود فقط

اخبار ترجمان می نویسد

اعلیحضرت امیر صاحب کابل ایشیک آقاسی سلطان را از کابل بسلطان پور متصل جلال آباد برای تعمیر یک قصر شاهی برچشمه گورو نامک فرستاده و اندچشمه مذکور را از چند حوضه اعلیحضرت میر صاحب در تشریف خود آورده اند فقط

سراج الاخبار

این چشمه که در قصر سلطان پور واقعست حقیقتاً یک چشمه غریب الخلقت بسیار صاف و روشنده و راست که در یک حلقه آبین کوچک پرستی و چندی منقش و چندهای کوچک و بزرگ در جوش و جریان میباشد از چشمه مذکور آنجا ذات اعلیحضرت شاه بابر بنا بر بنای یک قصر بقصر بسیار شیرین و دلنشین بنیاد فرموده و اند که الحق بسیار لطافت زینت معماری دارد و بروازه قصد میرود چنانچه از بنیاد این قصر شاه مذکور عمل و فصل یک مسئله متعلق بود که از بسیار وقت تا دراین زمانه عمارت اسلام و طایفه منود شاه آنشان موجب قیل و قال و منازعات بسیار آشده و می شد زیرا چنانچه رعایای هندو و رعایت مسلمان و دست نداد و در موقع مذکور بسبب بودن زیارت گاه شان حق طلب را و خواهیکردند هردم مسلمان بر حق خود و حق طلب خود شان را تقاضا کرده و از بسیار مباحثات که منجر و کشمکش شده بود لهذا اعلیحضرت شاه از تبدیر علماء فریقین را بالجوق شان بمانده و یک مبلغ معتنی بهر دین داده و هر دو طوف را قانع و راضی ساخته و محل مذکوره را زیر احوال خیر منظور سرکاری ادخال فرموده و الحق این مکت علیا پادشاه و انفته کار و ارباب معاملات و مناصب دوستی محافظه رعایای عباد و آسایش شان از تدابیر بسیار مستحسنه سیاسی شمرده میشود

---

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 100 of 1786

دیوان ترجمه اسس پنجسیر نه سالی از عهده خود مستعفی شده است و اعلیحضرت امیر صاحب کابل بجای ایشان دیوان تدلعل قندهاری را مقرر فرموده اند فقط

سراج الاخبار

این خبر اتوقی که اخبار ترجمان نوشته هیچ اصل و اساس ندارد دیوان ترجمه اسس بر کار و وظیفه خود در اوار و دقیقه (دقیقات) بکمال تندرستی دوام میورزد، و دیوان تدلعل که قندهاری نوشته شده قندهاری نیباشد و اوهم بر کار و وظیفه خود در دقیقه (دقیقش) مقرر دا مور است فقط

اقتباس از اخبار پایونیر نقل شده

برای اخبار رنگ پوست از طهران تلگراف آمده که سفارت ایران بروسس الغیثم (اعلان اخبر حنگ) فرستاده است و میخواهد که افواج روسس از صفحه کاوین خبر شوند و طرز دست دادن افواج مزبوره به ایران فتح نموده شود و باید که در اثنای سی ساعت روسس مطالبات مسبوق الذکر را بانجام رساند و الا ایران برسپاهیان نظام روسی حمله خواهد کرد فقط

بسبب حرکات ناپسندیده روس مردم پشمر خریده و فروخت اسباب ساخته روس را ترک نموده اند فقط

برای اخبار دیگر از طهران تلگراف آمده که مردم طهران وقتهای مساجد برخلاف برطانیه اخبار خیالات بدترین بیشتر میگویند که برطانیه در معاملات ایران اصول بی التفاتی را مرکوز خاطر داشته است و ازین ظاهر است که برطانیه مقرر در دربار کار نیباشد فقط

باشندگان اصفهان و شیراز خریده و فروخت اموال تجارت انگریزی را واگذاشته اند فقط

مصاحبه قلمیه

سراج الاخبار

با اخبار (ایدووکیٹ) که ترجمه آن از وقایع العلوم آمده

اخبار (ایدووکیٹ) هندوستان که بزبان انگریزی طبع و نشر میشود در باب سراج الاخبار یک شرح خوبی نوشته که مایگان بجای خود آن را شرح و تفصیل میدهیم:

«(ایدووکیٹ) میگوید که با اخبار جدید کابل مثل اخبارات هندوستان آزادی حاصل نموده شد — یعنی آزادی در نشر مقال خود دارد اعلیحضرت امیر صاحب کرده.»

این فقره اخبار مذکور دلیل واضحیست بر بیگانه نامه نگار اخبار مذکور از کیفیت خود و حق رعیتی اعلیحضرت پادشاه بزرگ افغانستان و حقیقت دیانت و اخلاق افغانیان خوب واقفیت و آگاهی ندارند. لهذا لازم دانستیم که درین کیفیت و حقیقت مختصر معلوماتی بنگاریم: خود حق رعیتی اعلیحضرت امیر صاحب یک چیزی نیست که تو که فقره ام اخبار بدهد یا ندهد و یا صفحه ای که ام اخبار رایج و خلق آن گردد. زیرا ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان یک پادشاه اسلام است. و خطه افغانستان از تاریخهای بسیار دور از زمیست که ملک اسلام است. مردم افغانستان طوعاً مسلمان است، تا هنگامیکه این شرافت باعظمت اسلامیت درین خطه باقی باشد — که انشاء الله تا ابد باقیست — خود حق ذات اعلیحضرت پادشاه افغانستان را هیچ چیزی و هیچ قوتی خلل رسانیده نمیتواند. چراکه اساس و بنای اسلام بر اطاعت خدا، و رسول، و پادشاه موقت، تعریف مسلمان اول و آخر این است که یک صاحب ایمان بر طبق اوامر دین اساس دین و مذهب خود ثابت و راضی نیشود و هرگز از ایمان نباشد.

بعد ازین فقره مینویسد: «این اعلان وارد که بعد از چند مدت اخبار مذکور آزادی حاصل نماید (شنیده و زیرا بعد از حکومت شورائی بوقوع آمده است) آقوانین کابل برای دفع آزادی و غیره نسبت به قوانین هند سخت تر و ثقیل تر میباشد.»

بجواب این فقره (ایدووکیٹ) میگوئیم: خدارا هزار بار شکر است که (سراج الاخبار) یک اخبار سیاسی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 101 of 1786

دارد و ملت که در زیر سایهٔ معارف پیرایا یک پادشاه بسیار آزاد
برای یک ملت بسیار آزادی، و یک وطن بسیار آزاد و شیرانوار
علم و عرفان میشود، اگر آزادی عبارت از لغو کلیهٔ حقوق
و نوامیس الهی، و هرج و مرج بودن شریعت غرا، و تحدی
و استقلال وحشی و دشمن، و عدم اسارت حکومت اجنبی
باشد - که اهل مقصد مسلمان از معنای آزادی همین است -
تالحد افغانستان به اکمل صورت آن را مالک است.
و اگر مقصد از آزادی در (لائیسیتی) بودن انسان باشد،
و تزلزل و انقلاب ملک و هرج و مرج افکار را آزادی
بگوئیم آن گونه آزادی عین اسارت را نتیجه میبخشد که
(سراج الاخبار) از آنگونه آزادی طلبی بخدای یگانه
حافظ و ناصر حقیقی خود پناه می گزیند. انقلاب پرهرج و مرج
بی اساس ایران و انعقاد حکومت شورائی آن برای
افغانستان یک نمونهٔ امثال نی بلکه یک درس عبرتی شمرده
میشود. تقریباً چار سال است که بغیر از خرابی و تزلزل
هیچ ثمرهٔ از آن آزادی دیده نشده، و اهالی محفوظ و امین
شان بی امنیتی پیدا کرده، راحت و آسایش شان مختل گردیده،
هیچ یک اثر ترقی و عمران در ملک شان پیدا نشده. آخر الامر
قوتهای دولت های اجنبی را نتیجه بخشیده، حال آنکه مردم ایران
نسبت بر مردم افغانستان حلیم، اساس، نرم مردم هستند،
و هم نسبتاً هر چه خواندگان و نویسندگان شان بیشتر
است. لاحول ولا قوة الا بالله! اگر این گونه افکار
واهی و بی اساس در افغانستان سرایت کند بغیر از محو
و نابود شدن افغانستان، و صفحهٔ کائنات دگر هیچ چیز
نوا نخواهد بخشید. زیرا این سفاهت، و تندی تیزی که افغانیان در
بسیج و تحریک شان دست یک کرده تا چند بیاند که پیشنهاد پیکنند
هیچ اسم و نشان شان باقی نخواهد ماند. تلخی که در پیکر نساء و فقرا
تحریر خواهد داشت و دشمن خود خواهد بود که الحمدلله ما که
سراج الاخبار از آن مبرا و به عاشق وطن، محب ملت،
صادق پادشاه و یک خدمت سلک پاکدامن محبوب المطلوبی
و رحیم القلبی پادشاه و رأفت نمایان ساختن، ملت را بحمیت
وطن و پادشاه و بیدار خوردن آبادی و بیگانه ملت باشد و راه
باخبری هموطنان عزیز خود کوشیده ست.

باز اخبار (ایده ولیت) میگوید: «در عهد حکومت
کمونی در روسستان چون مطابع بر حکومت اعتراض میکرد
و حکومت کمونی اعتراض را برای خود مضر میدید است معترض
را هم الحبس میگردید. حال آنکه سزای افغانستان نسبت
به سزای مذکوره نیز سخت تر است.»

به این فقره اگرچه رفیق، در ظاهر حال گویا یک خیر خواهی
و رهنمائی برای حکومت شوروی مقدمتاً سازا نموده، ولی ضمناً حکومت را
بر سراج الاخبار بدگمان ساختن و محو کردن آن را ایما کرده
که به این قول خود اسم خود را مخالف منتقی نشان داده است.

هر چه که هست از زبان در گذشته، این را بشنویم که
میگوید: «اگرچه بما تعلیم ایدئولوژی این اخبار جدید منقلب
ثابت میشود، و برای ترقی خیالات اهالی افغانستان که
نیز وحشی (!) میباشند خالی از دلچسپی نخواهد بود و لی اهل این
قول اخبار را افغانستان گفته نمیتوانیم.»

آیا اگر اهالی افغانستان را «نیم وحشی» بگوئیم ایطالیا
چه عنوان خواهیم داد؟ البته که تمام مدنی خواهیم گفت! زیرا
از دول معظمه آورده پا شمرده میشود، و در پایتخت شان
نائبه دگر چه چیز خواهد بود؟

هیچ وقت اهالی افغانستان نه در محاربات داخلی و نه
در محاربات خارجی خود اسلحهٔ جدید را ندیده و بکار نبرده اند،
زمان را بسیار دست و پا بریده و بتقلید پرداخته اند، اطفال صغیر را
گشته اند، شهری بر طلب دیگری تعرض کرده اند، اگر دیگری
تعرض کرده باشد تنها بدافعهٔ نفس خود کوشیده اند. عجیب
وحشت! غریب مدنیت!!....

تا برائیکه این اعمال وحشیانهٔ ایطالیا که بر مسلمان
حواس بوقوع آمده از صفحهٔ های خاطرها فراموش شده باشد
بسیار شرمست که کسی نام مدنیت و انسانیت را بر زبان راند.
به بشریت یاد وحشی تام یا نیم وحشی شمرده میشوند و السلام!

«ایده ولیت» که سراج الاخبار را اول اخبار افغانستان
خوانده و دلیل آن را چنین بیان میکند که گویا پانزده سال قبل از این
در زمان سعادتقرین خاقان مغفور جنت مکین، علیحضرت
(ضیاء الملة والدین) اول بار اخبار انتشار یافته بود، و باز
این را هم میگوید که عزآن اخبار محض چند روز بود، و سبب
بند شدن آن را نیز برای سبب مجهول حمل میکند، و در آخر فقره
خود در باب سبب تعطیل اخبار پانزده سال پیش از این چنین
مینویسد: «میگویند که شاهی افغانستان اجرای اخبار را
فریقهٔ اولی ترنگ تصور نموده، از ان نفرت میکردند، و چنان
خیال میکردند که از اشاعت اخبار روح شان از افاضهٔ
زایل میشود.»

اولاً این را بگوئیم که در باب تعطیل شدن اخبار چنین
از پانزده سال پیشگی نه معلوماتی دست یاب شدیم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 102 of 1786

[illegible] در مطبعه بوده، نه چون باشد بر عکس در جناب آقایی نه بسته و از نشر شدن ابتون اختیار اختیار نموده، اگرچه در تصور بوده باشد ولی فعلاً میدان اختیار در ان تاریخ نیز اندک است، و علی ای الاحترام وطن از برای هیچ وقت و هیچگاه مانع افکار سیاسی دولت علیه خود نشان نداده و نخواهد بود.

همچنین گزارشات اجزای اخبار را بچهار قسم تقسیم نموده اند اخبار داخله، خارجه، فرنگستان و آسیا آن، اخبار آسیای فرنگستانی، و اخبار ما یکدر عصر و شامات بزبان عربی است، همچنان اخبار آسیای عربی، و اخبار ایران ترکی و فارسی میباشد و دوباره (سراج الاخبار) کوچک و بزرگ نام نامی پادشاه عقیده سی و (سراج الملة والدین) عنوان شرف نشان پیدا کرده، حسن توجه و یک چیز بسیاری دارند، چنانچه از بعضی اسناده علوم تحریر آوا از بعضی مستفاد علیه تحسین و آفرین هم گردیده است.

ما بقی جوابات چاپارخانه

نقل از اخبار ترجمان مورخه ۲۰ ذی قعده ۱۲۹۰ هجری مطابق ۲۹ جنوری سنه ۱۸۷۳ عیسوی

مطابق سنه ۱۲۹۰ هجری ذی قعده ۲۰ مورخه

(بوتکش - تمدن)

اخبار دیلی پرمنوس مورخه (بوتکش و تمدن) یکه بحث غریب و غریبی کرده است و مقابله تو تکش اهل اسلام را از سابقه و تمدن دول متقدمه زمانه موجوده و زمینی ظاهر و عیان فرموده میخواهد که در آیات و آیات و روایات اهل یورپ اثنا زمانی مبالغه امیز و خرق اهل اسلام نگاشته و بیان شده و برای اطمینان و دستان مطالب یورپ تسلیم بکنیم که مسلمانان در زمانه سابقه علم و فضل و حکمت را بما معرفت تمدن اهل یورپ تعلیم نموده اند — ما ان چیزها که بقدر مقابله تو تکش اهل اسلام و تمدن اهل یورپ را توضیح بیان کنیم — در وقت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که آفتاب سریر آرای خلافت بود ذرات اظهار ای قلمرو نبوت بلکه ثابت بود، که ناگاه از طرف شام خبر آمد، که یک فوج محمدی را برای دعوت اسلام در ملک شام فرستاده بودند فوج مذکور در راه شده خود آنجا یک سیل بزرگ بر سر لشکر اسلامی گرد چهار سوار و چهار پیاده پارچه و مجروح ضرور ساخته فرمودند چون سر لشکر حال را بدین منوال دید دست بسته عرض کرد که (یا امیر المومنین رضی الله عنه) من این حالت را دیده جسارتاً گفتم که من بر اسپ سوار باشم و جناب پیاده بروند — امیر المومنین رضی الله عنه فرمودند که تو پیاده و شوی من سوار میشوم به تحقیق من نمی خواهم که من در راه خدا پیاده بروم بعد از ان این اصطلاح ذیل را انشا فرمودند:

و چون کار بسر انجام رسید و در حضور اعلیحضرت امیر صاحب از پشاور رخصتی بر ایشان داده میشود، اعلیحضرت امیر صاحب حسن خدمات میرزا را بشرف قبولیت رسانیده و بر سر زمانی مذکور بچ مرتبه اعلی و علاقه قندهار عنایت فرموده اند فقط

(سراج الاخبار)

این خبر فوق هیچ توضیح اخبار نمی نماید، اگرچه میرزا غلام جیلانی یاد آمده است ولی این آمدن او هیچ یک غرض و مطلب مهمی نیست بلکه در هر سال یا دو سال یکبار در اثنای تشریف فرمایی حواسپا اعلیحضرت پادشاه اسلام آنجا برای عرض احترام شرفیابی دولت می آید، و امیر هیچ گاه مامور و مکلف برای رد و اخراج وی از پشاور نیست بلکه او سر رشته دار اداره دولت علیه انگلستان است در پشاور، عنایت شدن او اعلی و رتبه از برای مامور هیچ اصل و اساس ندارد.

نقل از اخبار وکیل مورخه ۲۰ ذی قعده ۱۲۹۰ هجری مطابق سنه ۱۸۷۳ عیسوی

مطابق سنه ۱۲۹۰ هجری ذی قعده ۲۰ مورخه

(بوتکش - تمدن)

اخبار دیلی پرمنوس مورخه (بوتکش و تمدن) یکه بحث غریب و غریبی کرده است و مقابله تو تکش اهل اسلام را از سابقه و تمدن دول متقدمه زمانه موجوده و زمینی ظاهر و عیان فرموده میخواهد که در آیات و آیات و روایات اهل یورپ اثنا زمانی مبالغه امیز و خرق اهل اسلام نگاشته و بیان شده و برای اطمینان و دستان مطالب یورپ تسلیم بکنیم که مسلمانان در زمانه سابقه علم و فضل و حکمت را بما معرفت تمدن اهل یورپ تعلیم نموده اند — ما ان چیزها که بقدر مقابله تو تکش اهل اسلام و تمدن اهل یورپ را توضیح بیان کنیم — در وقت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که آفتاب سریر آرای خلافت بود ذرات اظهار ای قلمرو نبوت بلکه ثابت بود، که ناگاه از طرف شام خبر آمد، که یک فوج محمدی را برای دعوت اسلام در ملک شام فرستاده بودند فوج مذکور در راه شده خود آنجا یک سیل بزرگ بر سر لشکر اسلامی گرد چهار سوار و چهار پیاده پارچه و مجروح ضرور ساخته فرمودند چون سر لشکر حال را بدین منوال دید دست بسته عرض کرد که (یا امیر المومنین رضی الله عنه) من این حالت را دیده جسارتاً گفتم که من بر اسپ سوار باشم و جناب پیاده بروند — امیر المومنین رضی الله عنه فرمودند که تو پیاده و شوی من سوار میشوم به تحقیق من نمی خواهم که من در راه خدا پیاده بروم بعد از ان این اصطلاح ذیل را انشا فرمودند:

اعلیحضرت امیر صاحب کابل میرزا غلام حیدر خان سردار [illegible] از طرف پادشاه اسلام تصدیق صاحب [illegible] در بدان آباد [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 103 of 1786

(۱) گوش بکسی ندهید .
(۲) اسب بیگانه را تصرف نکنید مقتول شوند یا اجبار مردم آنجا سلوک قبیح با آنها قطع دوستی نکنید و دادار باشید .
(۳) پیرامون منازل خود را اگرچه او دیوار متعلقین او حریف جنگ شما باشند از هم نکنید .
(۴) بر زنان حمله آور نشوید .
(۵) به بچه ای شیر خوار و اطفال متعرض نشوید .
(۶) به مواشی آذیت مرسانید و پای ای گوسفند نیز نبرید .
(۷) اسلحه را غلاف نکنید و اگر بضرورت حال شما را حاجت گوشت افتد باید که بطریق مهاجم یکی از آنها را ذبح کنید .
(۹) گوجی خلستان را مسوزانید درخت سبز را نبرید و نه آن را آتش زنید .
(۱۰) جای آباد را خراب مسازید .
(۱۱) از زدوی و دست برداشتن تعلق دارید و بهیچ سخن فجار بزدلی و نامردی نکنید .

این است قواعد یکه حضرت خلیفه اعظم اسلام فوج خود را قبل از وقت بحیث وصیت فرموده بودند و مسلمان نیز در آن جنگ بزرگ آنها را شعار علی خود داشته بودند حالات آن بنده خدا را مطالعه کنید که اگر کدام یک تقریر داشت او ترکش نداشت و اگر کسی نیزه داشت شمشیر نداشت و اگر کسی شمشیر سپر نداشت شاخهای درخت را گرفته از آنها پیکان و خدنگ می ساختند و بدن های خود نه زره میپوشیدند نه خفتان و نه چار آینه و نه جوشن — و لباس های ساده و دریده ملبس شده و ذخیره شان خرما بود که هرکس ذخیره خود را برداشته عازم جنگ می شدند و در هر قریه و هر شهر که میرسیدند این کلمه را بلند گفته و که بیائید ای مردمان که کسی را بیگانه خدای بجا نه پرستش نکنیم و با او بهیچ چیز را شریک نگردانیم ۱۲ اگر مشرکان جواب این دعوت الهی را بزبان سنان و سوفار دادند مسلمان نیز شمشیر از میان کشیده و بر آنها تاخته و بعد از جنگ و دست بدست این نعره ظفر پذیر می شدند که از شوکت و جلالت نعره آ (اللّٰہ اکبر) فضای جنگهای کفر و ایمان و نگون ساری شده و بعد از چندی جمیع لشکریان از حمایت معبودان باطل برآمده و زیر حفاظت آن ذات بی نیاز که مالک ارض و سماست داخل می شدند و بجز و بلند شدن را بحث اسلام و اهل شهر آزادی حاصل میکردند و خانمان اسلام حاکمیت خود را در نظر داشته به مردمان شهر یکه تسخیر کرده بودند هیچ سروکاری نمیداشتند بلکه دست خود را در حفاظت شان صرف میکردند و از آنها جزیه میگرفتند و اگر مردم غیر دین

در پهلوی عبادت گاه اسلامی عازم تعمیر کردن مسجد خانه ای خود می شدند خانمان اسلام با اجازه خدا و بعد از آن و علاوه بران اهل اسلام دستگیری غربا میکردند و برای مدارست بیوه گان و یتیمان اخبار شوق می نمودند و برای امداد مردم مسجد پیش و مصیف خیرات خانه ها بنا میکردند و اطفال القلیم میدادند و برای کلیسا و بت خانه ها راضی وقف می نمودند .

از زمانه ای گذشته صرف نظر حالا در بهمین حرب عثمانی که در بین عثمانی و ایطالیه بوقوع آمده یک نظر کنیم ؛ درین جنگ طرابلس غرب بهفت هزار نفر اسیران اطالیه در دشتگاه اسلام محبوس می باشند بحکم شریعت جنگ سپاه عثمانی برای رفاه و آسایش اسیران مذکور در قید خانه شفاخانه ها تعمیر کرده شده و مجروحین اطالیه را معالجه های علاوه کرده می شود و مزید بران چهار نفر دوختر های کلیسا نصب کرده شده اند و دختران پادریان لقب کرده شده اند و جمیع اسیران اطالیه را بروز یکشنبه برای ادای رسوم مذهبی و اعیاد شان اجازه داده می شود — حالانکه با وجود اینهمه دل بورو پ مسلمانان را به وحشت متهم مینمایند ، حالا بیاید که بر خاک بورو پ یک نظر غور می نمایند از هم (اشتر (لشکر) کی یک اهل تعلم نامور (مربی) می باشد و انجا (نیو یارک و کنگ) تقریر میکنند که فوج اطالیه یک جماعت مسلح قطاع الطریق می باشند تقریباً چهار صد نفر اطفال در آنها مسلمان و چهار صد نفر عیسائیان عدالت نمیکنند و من جمله ظلمای شنیع آنها یکی این است که در وقت جنگ آنها بر گرفته اسپاهیان خون ریز اطالیه پیش گاه عریان این سو و آن سو می تاخته و چهره و دندان و دیگر شیرخوار عریان را میدریده برمیکردند — حالت افسران اطالیه نسبت از سپاهیان نظام بدتر — اخلاق فوج اطالیه معدوم شده است و کیفیت معرکه کار را نظر بر کار های خون ریز اینها خراب تر است — جریدهٔ کابو (حکومت) دارد که با ترکان جنگ میکنیم و چون عریان در لباس رسمی لشکری جلو سپاه نظام با جنگ میکنند باید که کل نفری ای عریان که در لباس رسمی نباشند و تسلیم یافته شوند اگرچه آنها بیرق سفید هم حرکت بدهند — چنانچه عریان را دیدم که در میان احاطه یک خانه محصور شده بودند و دوازده ساعت کامل با حریف خود مشغول پیکار بودند چون سامان حربی شان ختم شد مردم اطالوی آنها را خود گرفته و بعضی را ذبح کردند و بعضی از شرارت بدترین حرکات وحشیانه شان را کرده شاهد کردم این بود که وقت قتل عام عریان یک پیرمرد و یک اختر یکنفر و دو دختر نابالغ را دیدم که در یک دروازه اسپتال اطالیه در میان خرمن لاش ها وجد ها بحالت نزع بودند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 104 of 1786

وان نامه ... قلبی ... آمد چون کان ... نظر ... ناک ... بدم
جناب ... وه ... لشکری که متصل سپهبال ... بوده ... سیر
چنان معلوم ... که گویا ... ای نظر ... ای غیب ... قبل عالم ... شد ...
امداد آن ... گان ... کردم لکن ... کران ... گویچ ... فات
نمود ... باز دوم من ... عده ... جلب ... احرا ... علوم
کرامین ... زدگان ... دست گیری ... ا ... بزم ... ی ... دن
داده ... گفت ... پروائی ... ست ... گری ... سد ... علاوه ... ین
سپاهیان ... ایه ... گرانی آن ... ثبت ... زدگان ... شین ... بود
کسی ... جاره ... داد که آبهار ... یک ... ظره آب ... بد ... دین اثنا آن
مظلومان ... راحت ... چاره ... گی ... ه ... دشش جان ... داد ... مزید ... ران آن ... وج
اجانیه ... ترتیب ... جد ... فعال ... کرد ... ار ... وفاحت ... ولی ... ابانی ... شده ... است
وبرای ... ارتکاب ... این ... جد ... نظام ... جرنیل ... کاینو ... استوال ... میباشد ... جرنیل
مذکور ... یک ... نفه ... مصور ... است که آن ... قصد ... از ... فراد ... ابعه ... (باصطلاح
پیرزوف) ... یعنی ... اصلی ... که ... ان ... گوند ... ین ... چ ... ن ... ی ... گفته ... شود ... ی ... است
... جرنیل ... کاینو ... ا ... صلا ... از ... نفه ... خود ... بیرون ... نمی ... آید ... و ... در ... معرکه ... کار ... زار
شریک ... نمیشود ... بلکه ... در ... مقام ... موجودی ... جرنیل ... حالت ... فوج ... اجانیه ... جلبی
... ابتر ... شده ... است ... و ... من ... بچشم ... خود ... دیده ... ام ... که ... سپاهیان ... اطالوی ... در ... وقت
... دوار ... جمعه ... قریه ... جات ... موجود ... بوده ... و ... هر ... جا ... که ... میدیدند ... قهر ... میکردند ... و ... در ... اوقات ... دوستان ... خود ... را ... که ... از ... دور ... میدیدند ... آبهارا ... به ... غلطی ... و ... چپ ... چپ
میکرده ... می ... گشتند ... این ... مردم ... بسبب ... کثرت ... خون ... آشامی ... ست ... و ... مخور ... بوده ... و ... از ... چهره ... و ... حرکات ... و ... سکنات ... شان ... آثار ... ات ... منکرنایان ... بود
من ... دیدم ... که ... قریبا ... پنج ... نفر ... سپاهیان ... نظام ... اطالیه ... یک ... دهقان ... اسیران
حرب ... را ... به ... زنجیر ... کرده ... در ... حفاظت ... خود ... می ... بردند ... و ... جز ... سپاهیان ... دیگر
... نفر ... ان ... خود ... در ... عالم ... خود ... می ... مشک ... بودند ... چون ... سپاهیان ... از ... یک ... قریه ... رسیدند ... ابجی ... جرم ... کردند ... و ... جوانان ... مظلوم ... را ... وصف ... استاده
کرده ... بر ... آنها ... تیر ... کردند.

این است که دول ... روپ ... این ... حرکات ... خود ... را ... تهذیب
و ... دنیت ... نامند ... و ... اهل ... اسلام ... را ... وحشی ... میگویند ... و ... بر ... این
معیار ... وحش ... و ... تمدن ... شان ... گفته ... می ... توانیم ... که ... بین ... تمدن ... و
وحشیگری ... است ... تا ... یک ... نقطه

ادبیات

در ... خانه ... شاعر ... شیرین ... زبان ... ملا ... طب ... اصلی ... متخلص ... استغنی

بیا ای ... سه ... وقد ... ای ... لاله ... رخسار ... بیا ای ... سیمبر ... ای ... کبک ... رفتار
بیا ای ... گنج ... ای ... سرو ... قبا ... پوش ... بیا ای ... دلبر ... ای ... ماه ... نگه ... دار
بیا ای ... دل ... ز ... هجرت ... گشته ... پر ... خون ... بیا ای ... در ... فراقت ... دیده ... خون ... بار
بیا ای ... نی ... دانست ... چین ... زلف ... بیا ای ... گشت ... روز ... م ... شب ... تار
بیا ... چون ... قبا ... تنگم ... در ... آغوش ... بیا ... گر ... دسرت ... گردم ... چو ... دستار
بیا ای ... غره ... ات ... دل ... اشنید ... عید ... بیا ای ... عاطفت ... عید ... من ... زار
بیا ای ... گرده ... جان ... چشت ... نظر ... نه ... بیا ای ... گرده ... دل ... زلفت ... گرفتار
بیا ای ... غمزه ... ات ... تیر ... جگر ... دوز ... بیا ای ... ز ... گشت ... ترک ... کامگار ... دار
بیا ای ... عاشق ... از ... بارت ... فراموش ... بیا ای ... دمیدم ... در ... یاد ... اغیار
بیا ای ... دولت ... صبح ... آتشش ... بیا ای ... معجز ... حسنت ... نمودار
بیا تا ... بیند ... آن ... لب ... خصم ... منکر ... گندر ... صنع ... حسن ... تو ... اقرار
بیا تا ... بیند ... آن ... زلف ... مسلسل ... جلبی ... گر ... تسلسل ... دارد ... انکار
بیا بشنو ... حدیث ... ما ... شنیده ... ی ... تا ... سازم ... ترا ... اخبارت ... خبردار
خبردارت ... ازدور ... رهبر ... دبت ... خبردار ... ی ... خبردار ... ی ... ز ... اخبار ... ؟
رسید ... اول ... قدم ... تا ... کشور ... مهند ... هنوز ... این ... فضل ... نو ... آمد ... برفتار
شکر ... ریز ... است ... این ... شیرین ... سخن ... چو ... آن ... فضل ... که ... آید ... نو ... بگفتار
دمی ... بیدار ... شو ... از ... خواب ... غفلت ... گرد ... از ... این ... جوان ... افسانه ... بسیار
مشو ... غافل ... ازین ... گنجینه ... راز ... سخن ... بشنو ... سخن ... هشه ... ار ... هشدار
مشو ... غافل ... ازین ... دانای ... معلم ... از ... آموز ... هر ... دم ... علم ... اسرار
چو ... خواهی ... صورت ... حال ... زمانه ... مشو ... غافل ... ازین ... آئینه ... رخسار
مشو ... غافل ... ازین ... گویای ... خوش ... گر ... خانه ... خواهی ... سیر ... بازار
مشو ... غافل ... ازین ... گنگ ... سخن ... گوی ... که ... از ... هر ... زبان ... گردی ... خبردار
ز ... شش ... از ... شام ... می ... پرسی ... بگفتار ... دبش ... از ... دشنام ... می ... پرسی ... بگفتار
کهی ... از ... جنگ ... چین ... گوید ... که ... از ... دوا ... نو ... شد ... راه ... سکوی ... آئینه ... کردار
ز ... هر ... خیر ... و ... شر ... گیتی ... خبر ... گوی ... ز ... هر ... نیک ... و ... بد ... عالم ... خبردار

فاجعه پاریس

بعد از نمبر ... هفت

... ازین ... برخواستنش ... ظاهر ... گردید ... که ... حامله ... است ... و ... هم ... اتفاقات ... محلش ... همان

— ۳ —

قورن ... تران ... یک ... دفعه ... تماشای ... و ... صدیرش ... را ... خاطر

مباحثه گفت:

— عالم ... قطعه ... ؟ آیا ... چرا ... این ... چنین ... سری ... جنبانی ... ؟ مگر ... سخن ... مرا ... باور ... نمیکنی ... ؟

— بلی، ... میخواهم ... که ... باور ... کنم ... اما ... باز ... در ... راست ... بودن ... این ... چنین ... سخن ... شبه ... می ... کنم.

— آقا ... سیر ... شما ... کند ... مجزم ... که ...

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 105 of 1786

بجز ذکر حسن کس زنده جاوید نیست — هر آن شخصی که بیهوده بمرد از زندگی مرد

بود هر نفس که از پیش به گاهان — هر آن نفسی که بیهوده بمرد از زندگی مرد

زهر سود و زیان گردی بستی گیر — بود هر نوع سودا پیش بازار

ز خوابی شدن است و مردن — که او این درس هنگام بگیرد

سزد گر خویش جاوید جهان بین — ز دنیا ای شدن دانی برگ

جهان فانی و دور حرفهای — گزیده راز جهان گردد نمودار

خبرخواهی گزار ملک سکندر — گشاده اشتهای راز کشف اسرار

بقای جاودانه این دولت است — ز خاک راه این آئینه بردار

توان از دی خرد بردن بفرق آسمان — خدا را دامنش از دست مگذار

بیگرد و که این صاحب هوش — بیا گر هری اینک بگرد ار

ده از دست این زرینک دانش — جهانی را بدینار سے خرید؟

بود افغان خبر زین پایه هوش — مگر این گنج باد آورد بست آید

بود این مردمان آگاه از این غم — بود این قوم را زین علم اخبار

گر گشت این گنج در خاک نهان — بود این ملک زین دولت بزرگوار

گر دین عقل کل از خود به — گر دین بوم و بر زشت گزار

که بنهاد این اساس خوب و بابل — گر گشت این گنج دانش الطبار

گر دین گان زر خیز اشکار — که این خیره گر دید معمار

گر دین پوستان آبادان — گر دین گنج گوهر را پدیدار

گر دین گنگ ما در زاد گویا — گر دین نامه گل زیب آشکار

گر این یکی در باشد شفا بخش — گر دین خفته را از خواب بیدار

بسیج دین و ملت فخر اسلام — گر دین مست را زنگار زیبت

ترقی خواه دین و ملک و دولت — قوام ملک و دولت هم نگهدار

شهنشاهی که از عدلش بگیتی — جهانگیر و جهان جوی و جهاندار

بعهد او مت بگدل بود آهو — نشیمان گله باشد گرگ خونخوار

ز هیبش شیر نر افگنده ناخن — گند با باز بازی یک کبک

بگیتی یار بیرون رفته از پوست — ز قهرش باز و شاهین گند مقار

بود این جان و این جان جان بخت — نه موری و نه مرد و زن ازار

ز فرقم تا بگابل راقم از بوشش — بگابل گشت شایع عزت اخبار

چه گابل سر فراز از پاس قیصر — رسیدم تا بگابل نام از کار

چه گابل مرکز ملک جهان دار — چه گابل مرکز ملک جهان دار

چه گابل گنج خوش آب و هوا لی — هزار اینجا بسیگرد بر آرد

و گر خاموشش کن زین پس و دیگر — و گر خاموش کن زین حرف دلکش

ایا خامه سوخت این شور شکر ریز — زبان بر بند ازین نغمه گهربار

دعا سر کن و گرد ای بوشش خموش — مدہ هم ازین شور شکر بار

که تا اخبار جاوید ے در زمانه — که تا دور دبر شایع رسم این کار

که تا شاه بود در ظل مضمون — که تا گنجور بود در ذکر اخبار

که تا خاصه خبر آرد زاد سیر — نگاشتش دخاخوا بد زد لدار

زنام نیک این شاه نکوسیر — بیالم یاد جاری در بس اخبار

خبرها داد از عدلش بهر سوی — آئین نیک با دش آخر کار

آئین

تذکر اف بی نسیم

(زول در ن) اخر نسیمی کریکی از شاهیر ناول نویسان فرنسه بود، و چنان اتفاق افتاده که خود شغل ناول نویسی اختراعات غریبه قبل العقول بعمل آورده بود، حالانکه درین عصر مستم اختراعات عجیبه و غریبه که در عالم شهود ظهور و بروز نموده از تصورات و خیالات ژول ورن بارها بسبقت نموده است. ما درین مقاله خود از (تذکر اف بی نسیم) بحث و بیان میکنیم او تا این طرز اکه هم اجسام موجود یا که عالم کائنات از ان تشکیل یافته بر سه قسمت، (صلب) یعنی سخت، (مایع) یعنی آبگین، (غاز) یعنی بیهوا تقسیم کرده بعضی از موجودات مانند هوا و غیره که بچشم ما نامرئی شمرده میشوند، جزء این اجسام مذکوره از اجزاء لایتجزای که بچشم دیده میشوند مرکب گشته و بعضی آلات خورد بینیه دیده میشود و بوجود آمده اند، و یک قوت بسیار عجیبه که حضرت خالق اجسام مقرر فرموده آن قوت اجزاء لایتجزا را بایکدیگر می پیوندد، این قوت عارق العاده در اجسام صلب یعنی سخت مانند آهن و سنگ وغیره بیشتر، و در اجسام صلبی که مانند چوب و خاک و گوشت و امثال آن باشد کمتر است، و در اجسام مایع یعنی آبگین قطع از بقیه کمتر میباشد.

(از این مقدمه مختصر که خال جا نیست در باین جزء لایتجزا که موجودات بازیچه خالی نیست جلد از پا تر یا ریک و از پر است که هوای اتمسفر (اثیر) میگویند، چنانچه صیاد از مرکز آن که آفتاب است یک حرکات بسیار زود

— (بخشش را بدید) رجا میکنم، بسوگند موگشید چه نخشید بد، سوگند شما برای من چه سود میدهد؟ در اجرات کارهای خود مختار هستید، به این یک خوب میدانم که در رباب کار ما بلکه میکشید از من پنهان میدارید، اگرچه پیش ازین سبب تحقیق که با من داشتید یک قدری حکم بر شما کرده میتوانستم اما بجز افسوس که آن حکم از بسیار

وقتهاست که غایب گردیده، میدانم که شما بهیچ صورت ازین طرز معیشت و رفتار یکه پیش گرفته اید دست بردار شدنی نیستید، اما این گرداب مدهشی که دران افتاده اید روز بروز چشمهای روشن آن را دیده و ترس و بیم زیاده میشود، بجز یک ناموس و شرفیکه داریم هر چیز ما محو گردیده است خونشان! برمن مرحمت کن زیرا من می بینم

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 106 of 1786

(۰)
چراکبریت متحرک است که یک متر تقریباً یک متر
باشد

...

...

...

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 107 of 1786

مکتوبات
بشیکه آقای علی احمد خان صاحب جلالت مآب
قیمت سالیانه
در دارالسلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در ولایات اخذ مملکت افغانستان ۱۲ روپیه
در خارج مملکت افغانستان ۱۶ روپیه
قیمت یک نمبر آن در کابل یک عباسی است
تاریخ عربی ۱۵ صفر ۱۳۳۰

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر مسئول محرر
محمود طرزی
ادارهٔ جاری و مطبعه
در عمارت خاصهٔ دارالسلطنه کابل
جمیع امورات تحریریه ادارهٔ خاصه
بنام مدیر مسئول باید شود
هر پانزده روز یکمرتبه منتشر میشود
تاریخ شمسی ۱۴ دلو ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیهٔ خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

نهر سراج جلال آباد — هوای کابل — حوادث خارجیه
علم تاریخ — تاریخ علم تاریخ — حفظ صحت
ادبیات — نامهای جنان جهان —
علم ثروت ملل — فواید های پاریس

نهر سراج جلال آباد

یکی از آثار مکرمت و آثار خوانده شده این زمان سعادت قرین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) ادام الله دولته افتتاح نهرهای آبست که در هر طرف مملکت ایشان در بدو جلوس همایونی گردیده و گذشته ازینکه یکی ازین (نهر سراج جلال آباد) است

این یک نهر بیمثلیست و خیلی که آب بگانه مدار حیات گردیده ازین نمونه میشود، حضرت باری تعالی جل و علی از لطف بیغایه خود زندگانی هزاران هزار نفوس را در آب امرود بیاض فرموده، آب یک جویبار عظیم و یک انهار بیشمار و نسیم خضرت رحمت گردیده است که زمین را بعد از مرگ آن به آن برگردانیده زنده فرموده است، تمام آبهای زمین بواسطهٔ آن میرویده انبوه و درختان و هر مخلوقات آن لذت و آبادی پیدا میکند، پرندگان، چرندگان، خزندگان به آن نشو و حیات میگیرند، انسان، حیوان حتی جمادات بیشتر از ان زندگی و طراوت حاصل مینمایند.

اگر نهرهای جدیده مثل کابل رود، استالف، دشت ها، مانوی اسی سطح زمین را بقدرت بالغهٔ حضرت حکیم مطلق جل و علی چاک چاک کرده و در جریان نباشند کی بودی امروز زراعت بعضی کشتکاری از عالم مفقود و معدوم گشته نوع بشر از مدار شیرین زندگانی محروم گردیده نمی، و باز اگر اشقاق دست ها، و صنعت های نوع انسانی نمی بود که از ان نهرهای جدیده عظیمه دیگر جوی ها، و نهرها، و قنات ها نمیکشید نمی، باز هم اگر کشتکاری انسانها که بحیات و محصولات زمینی زندگانی دارند دست و قوائی پیدا نمیکرد، و به این سبب دایره زیست و بود و باش انسانها خیلی تنگی پیدا کرده تنها در نزدیکی های کنارهای آن نهرها بگرد آمدن مجبور می شدند که این هم موجب فلاکتهای عظیمه میگردید.

بعضی نهرهای بزرگی زمین موجود است که از هزارها میل مسافه زمین ها را شق کرده تا بحرهای محیط روان شده رفته است، ولی با وجود این هم از صنعت دست بشر کلاهای متعدده ی ازان نکشیده و استفاده تام ازان نشده است.

(نهر کابل) که بزبان افغانی مردم شکیبار زمین آنرا (سبین) مینامند اگرچه در اطراف بسیار وسایع مزارعی را آبیاری میکند، ولی تا بحال این چنین یک نهری که هزارها جریب زمین خالی از زراعت را آبیاری کند از همه این سمت بهره گرفته نشده بود. کشیده شدن نهر مبارک سراج

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 108 of 1786

شهر جلال آباد را بدان مستقبال سپار ترقی نماید و یک جلد کتاب سپار جان فزائی بشنود گردید.

حضرت ذات اقدس الهی بدون تردید یک مالک و صاحب خبر خواه و یار مهربان و دلسوز دارد که آن را بتأیید ذات و تائید قوای ذات اقدس خود بدست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 109 of 1786

یک شهریار عدالت پرور هفت ماه اول و سزاوار ریاست و بزرگداری و اهم حروف القبای پادشاه خوب القلب قدسی صفات خود ما را در زبان سازیم گریبان غمخواری او پرورش دست عاطفت شاه نشان وطن مأنوس خود ما مقدم مای بسیار مهمان داستواری و شهرا و ترقی و تمدن در پیش رفتن میباشیم.

هوای کابل

عجب تبدل! در شصت و سه ساعت خود از اقلیم هوا و مکان بولچی را بار برفی بخانه ان و الا و لی بچه ک ماندن او وه و او نشده بودیم، و بین سخنه خود از علت آن حال ایراد نمیم، بلی، شهر عزیز ما شدت و غلظت زمستان بر دولت شان نمود را بچه ای نشان داد، جهان جهان برف، عالم عالم یخ!

و خیلی ناز او گرو که آسمانی بسوی شهر نظر میشود و دره گذر گاه ما تعداد دهنه یک دریای عظیم می یابد که بهو خت از ان برف در جریان آمده باشد! کوه، باغ خانه، میدان، و درخت سرکه هر در ایستاده با یک رواج بیضای مجلسی مستور مانده اند، عالم عالم یکنواخت!...

بچه ان و الا های بچاره این تیرنگ پرداز جهان بحر کار ما نه عالم طبیعت را ناز گردن (یخ نهره) ما ی خود شان انتقاد میکنند، مگر (یخ نهره) نام یک چیزی دارند که اگر برف نبارد و آن را در زمین دفن کرده گویا برف بارید است!.. چه عجب خرافات!...

ولی این را هم گوئیم که اطفال ما ی ضعیف جسم ان پروای آن یخ نهره ما را ندارند، زیرا او قات زمستان را یم رسانیده اند، و شدت جدا ی کلان را بسهولت و آرا ی گذرانیده اند، تا از فیض رحمت پروردگار شهریار عزیز ما رحمت کرد و از اقلیم خود شان بسوی زغال فروشان فحکر یک نفر خدمت و حقارت بفکرند، زیرا ذات اعلیحضرت پادشاه مقتدر ما این احتیاج زغال زمستان ما ی را از اول اندیشیده، حاضر کردن زغال فراوا نی را اراده و فرمان فرموده بودند بجز دیگر زغال فروشان فحکر ما ی که ان فروشی را گاه پیشه آن زغالها بقیمت بسیار ارزان در میدان دفع احتیاجات شهر بر آورده زغال فحکران را آنقدر خوار و زار ساخته بود که حال بسیار بزرگی ارزغال را بقیمت چار روپیه گرفتن به استثنا ی فرسه یا در دکانها جام فروشنده هیچ دشوار نیشود.

و الحاصل از قرار رپوتی که از توقف سرد و دراگ چاره که در باب در جریده رسیده و در حقیقت بهو خت برف بارید است در این هفته اخیر ما یه ۱۲ انچ متر مکعب تر شده است.

از روز یکشنبه (۲۳ محرم تا به امروز که یوم سه شنبه (۲۵ صفر است سه چار برف خفیف بارید و گر شروع برف اول از کل ۸ گهنته قبل ازشب ۲۵ محرم تا به ۱۲ گهنته یوم مذکور (۲۴ محرم) در ظرف (۲۸ گهنته ۲ انچ و ۲ سطر) بارید یک گهنته قبل از چار شنبه (۲۶ تا به سه گهنته قبل از ظهر یوم مذکور (۲۴ محرم) باریده (۲۴ گهنته چار گهنته قبل چند (۲۶ تا به ظهر یوم مذکور تا به غروب یوم مذکور یک فوت و سه انچ بارید و باز از روز پنجشنبه تا یکشنبه فرد صفر بارید و پنج انچ و ۲ سطر این است کیفیت دو هفته و اوه ای کابل که تقریر کردیم فقط.

حوادث خارجیه

خبرای خصوصی سریع الاخبار افغانیه

از مصر ۳۰ ذی الحجه — عساکر خدیویه، اتفاق طرفان شیطان پرستهای صف حرب ایطالیا تجاوز برده و خطوط متینه دشمن را شکافته و اسکر سواری طرابلس بنا گهان رسیده، ایطالیا بصورت غیر منتظره و موضع (انی مصری) هجوم کرده، ولی اتفاقا ی سپاه ری و رضا ی شان در اقدام جدا ازان جسارت بر جسته فاش سزا ی شان گردانده.

دیگر — خواننده ان عسکر خوانی از مجلس نظر هریته بیش و زیر مطلب استحصال جون تیگراف و جنگ است که در ۱۰ و ۱۱ سپتمبر عساکر ما با طرفداران دشمن مجروم نمود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 110 of 1786

ناره اقبال در ماهین او درخشیدن گرفت. قشون سلامت کار بطاریه بسیار شدیدی بوقوع آمد. عساکر طرفین هر کز ای خود شان جا بجا ماندند. و برای یک جنگ بسیار شدیدی حاضر و منتظر ایستیم.

دیگر — محمود شوکت پاشا ناظر جریده یک خلق بسیار مؤثری در مجلس مبعوثان در باب عدلیات و آزادی فرقه ای مخالفه و اتفاق و دوست یک کردن شان باهم تقریر بیان نمود. و ثابت ساخت که وطن را باید فدا بجهات مذهبیه و از اختلافات دور گذشته دور باید اثبات مدعای خود. و اول مراکو و ایران را ضرب مثل آورده این خطبه پاشا ای مذکور تأثیر خوبی بر مجلس نمود.

دیگر — دیروز یک آرامی و سکون عمومی در استامبول پدید آمد و صبی با یک فرقه مستقل بکار بردند. و خلق با یک وزراء بیان کردند. و بیاناتی که اخبار های مستقل درج کرده یک تأثیر بزرگی بر مبعوثان و فرقه ای مخالفه اجرا نموده است.

دیگر — ۲۴ سپتمبر. قوماندان عساکر عثمانی از طرابلس بتلگراف خبر داده است که در ماهین عساکر عثمانی و ایطالیا یک جنگ بسیار خونریزانه در موقع (زنزور) بوقوع آمد. ایطالیا بنا بر استکشاف بتلگراف هجوم نمودند. ولی عساکر ما بکمال بهادری هجوم شان را دفع کرده برجعت مجبور نمودند. عساکر ایطالی از شدت آتش عسکر ما بریک قریه پناه گزین شدند. ولی عسکر ما بقوت سرنیزه آنها را از قریه کوره به بر آمدن مجبور کردند. ایطالیها سه نفر آسر و ۴۵ نفر عسکر در میدان محاربه مقتول گذاشته فرار نمودند. از طرف ما چهل و نه نفر مقتول و بجروح بوقوع آمده است.

دیگر — افریک قوماندان عساکر عثمانی از (زنزور) تلگراف داده است که در ۱۹ ماه مذکور عساکر عثمانیه بر خطای مالطه دشمن هجوم نمودند که در حوالی (زنزور) است. بعد از یک محاربه بسیار شدیده دشمن را به ترک کردن سه ترا مالطه شان مجبور ساختیم. و بضبط کردن موقعهای شان کامیاب آمدیم. بقدر سه طوپ. و مقدار بسیاری از ذخیره بدست ما آمد از ایطالیها بقدر (۲۵۰) نفر مقتول (۳۳۰) نفر مجروح در بین محاربه بوقوع آمده است. و از طرف ما تنها ۳۳ نفر قتیل و ۵۰ مجروح میباشد.

دیگر — از تاریخ (۳۱) سپتمبر از استامبول تلگراف میدهد:

امروز مستدعی القبول نظر (۳۵) قانون اساسی بر مجلس مبعوثان عرض شد. ولی بنابر اتفاق اعضای مستقله که (۴۵) نفر میباشند با اعضای فرقه حریت و ائتلاف) که (۸۵) نفر هستند در مجلس حاضر نشدند و تنها (فرقه (اتی و ترقی) جمع آمده بودند. و چون نصاب فرقه مذکوره و تشکیل هیئت مجلس را تکمیل نمیکرد. و هم از تکمیل آن امید نداشت از آنرو وزارت استعفا نمود و صدر اعظم سعید پاشا اعلان کرد که بعد ازین هیچ منصبی از مناصب دولتی را قبول نخواهد کرد.

دیگر — قوماندان سرحدی دولت عثمانیه بر حدود ایران برای وزیر جنگ تلگراف کشیده که دولت روس بر سرحدات ایران عسکر بسیاری فراهم آورده است. و ایلچی دولت روس استامبول ازین خبر مهم به اهتمامات عظیمه مشغول شده است.

دیگر — از (تورنوک) مخبر مخصوص اخبار (الهرام) مصر مینویسد:

در حوالی تورنوک محاربه بسیار خونریزانه بود (تورنوک) بوقوع آمده که چنانچه برای العین دیده و امر برای شما مینویسم:

عساکر عثمانی به اتفاق عرب بر استکشافات دشمن از هر سه طرف هجوم بردند. طوپخانه های استکشافات دشمن با طوپهای مشتبهای جنگ شان آتش بسیار شدیدی بر هجانین کشادند. حتی عده کثیفی از عساکر ترک و عرب های بزدل شان (۲۰۰) نفر رسیده. و هر آن عده که قتل و ضرب شدت بیکر و شجاعت و حماست عرب بیشتر فزون می نمود. و عده الله اکبر را بلند کرده بهجوم شدت میدادند. تا آنکه به استحکامات دشمن خود را رسانیدند. و دشمن از مقابل شان فرار نمود. درین معرکه از ایطالیها (۷۰۰) قتیل و (۷۰۰) مجروح بوقوع آمده و (۶) (مترالیوز) یعنی طوپ های ماشین دار آتش فشان و (۱۵۰) تفنگ و غیره بدست مسلمین در آمد. در میان شهداء عساکر اسلام یکی جناب (شیخ البصری) است که با خون پسر خود و امر وانه گی را داده خود را شهید کرده فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 111 of 1786

از اخبارات ترکی

احوال سیاسیه استانبول

از مطالعه (طنین) و (بنی فرقه) نام اخبارهای معتبره استانبول چنان معلوم میشود که اختلافات سیاسی در بین فرقه ای مخالفه (اتحاد و ترقی) و (حریت و ائتلاف) دوام میورزد. کابینه (سعید) پاشا بسبب کشمکش این اختلافات چنانچه شاید و باید کاری از پیش برده نمیتواند. و چون بالحقیقت که این اختلافها خورکرده شود بجز اغراض شخصی و اغراضات نفسانی، و جنگ جاه و پر اندن کلاه دگر چیزی دیده نمیشود. زیرا اگر مقصد تحقیق منافع دلچسپه فوایدیه میبود در چنین وقت نازک که وطن شان در یک تهلکه عظیمی میباشد اختلاف خودشان را یک اتحاد و ائتلاف حقیقی و جدی قویل داده و جمعیت یک کرده مجلس عالی خودشان را مطرح مناقشات و منازعات خانه گی نمیکردند. و بعد از انکه مرتفع و ازاله عوائق اخباریه خود موفق می شدند باز بخود میرداختند. اگرچه فرض شود که این اختلافات بیترای همان اتحاد و ائتلاف است. ولی هزار افسوس که وقت ضایع میشود!

ترجمه از اخبار طنین

اخبار (آواکی) بنا بر معلوماتی که از (روما) پایتخت ایطالیه گرفته چنین میگوید که: مجلس ای حکومتی از ین سبب که ترکان عثمانیه ایطالیه را در چنین موسم های نامواقع بحرکات پیش رفتن مجبور می سازند خیلی اخبار ناخشنودی و عصبانی میکنند.

مصادره حربیه ایطالیها

از (روما) پایتخت ایطالیا خبر میدهد — در بین نزدیکیها یک امر نامه شاهی منتشر میشود که به آن امر نامه وزارت جنگ را اجازه داده میشود که بقدر بیست و پنج ملیون دیگر بر مصارفه حرب منظم نماید که بدینصورت تا بسی دیکم ماه کانون اول مصارفات حرب به نود ملیون فرانک [که هر فرنک تقریبا یک روپیه پاکستانی میشود] بحل خواهد آمد.

مصارف بحریه ایطالیها

دیگر — از پاریس مینویسند: در (بودجه) یعنی میزان مداخلات و مخارجات وزارت بحریه ایطالیا برای مصارفات عادی به (۱۹۸٬۰۵۰٬۰۸۱) فرنک و میزان از فوق این اداره وزارت مذکور به (۱۵٬۴۵۱٬۶۰۰) فرنک واصل شده است. میزان کل مصارفات عمومیه وقت سنت سال گذشته (۳٬۱۶۶٬۰۰۰٬۰۰۰) فرنک افزوده شده است.

دیگر — حکومت علمانیه برای محاربه با طرابلس یک (دریدنوت) یعنی راننده نامی بحر جستجو داشت. این کشتی را موسیو (بارتل) کرانیار، نامی مشهور (دیاوه) پیاشه قبول کرده است. این موسیو بارتل عن اصل اوستریالی میباشد و در کارهای شناوری در بین اهالی یک شهر فنی پیدا کرده است. از پانزده ماه است که بسیاحت هوا مشغول میباشد. بایک (بیلوبو) که یک نوع طیاره است پرواز میکند. این طیاره بایک موتر یکه بقوت (۶۵) اسپ دست سیر دسفر میکند. و درین قریب ها بطرف طرابلس غرب حرکت میکند.

دیگر — این یک بصورت محقق ظاهر و آشکار گشته که ایطالیا در محاربه با طرابلس برخلاف معاهده نامه (لاهی) گلوله های (دم دم) و رطوب و تفنگ استعمال میکنند.

ترجمه از اخبار بنی فرقه

ذات حضرت پادشاهی دیروز بسبب روز اول سال جدید هجری مبارکباد دیهای حضرات وکلا را قبول فرموده و امر صدر اعظم سعید پاشا، و شیخ الاسلام افندی، و رئیس های مجلس مبعوثان و اعیان و مستشار صدارت به ولایات و رئیس مدیر نشریات عمومی یعنی اپشیک آقاسی بزرگ بحضور پادشاهی قبول شده و اند.

اوقاتی صدر اعظم سعید پاشا بنام هجده و نیم سال جدید هجریه را تبریکات حضرت پادشاهی تبریک نموده و ذات شوکت آیات شاه تبریکیه وی را پسندیده و قبول فرموده و بعد از ذات حضرت پادشاهی به این صورت مخابره فرموده اند:

«از تبریکات شما ممنون شدم. سال نو را من نیز شما تبریک میکنم. امید است این سال نو نتائج خیال برای ملک و ملت آغاز سعادت میشود. مقصد نهائی من سلامت و سعادت وطن است. بنابراین سعی و کوشش هر شما را مشتاقانه در این مقصد آرزو میکنم. بعضی اختلافات جزئی در اوقات موجود است. امید میکنم که زیاده بر این دوام و زیاد آن را نخواهید. بنده شما از صمیم قلب و کمالات بسته. دوام موفقیت و کامیابی شما خاص ترین آمال منست.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 112 of 1786

[illegible]

[illegible]

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 113 of 1786

یک فضای سیار راهم دچنین طور آماده داشت، و چنان گمان میشود که این فضا الکترون یک مخزن مثل گفته باشد. فرمانده (گازنت) با بیست نفر عملگی کشتی بصورت تهلکه رفتی شده اند در آنانکه کشتی (اودیسون) به تجربه باشین ای خود مشغول بود واقعه گفتند بر توقع آمده، کشتی بالائی که در دایره ماشین بود بصورت سیاره آتشی گی سوخته اند. یک صدبه دار کورشده و در حالیکه بر اسن دریان شعله با بود بیرون کشی برآورده اند، مجروحین را بخسته خانه ناقل داده اند.

علاج واقعه پیش از توقع

دیگر — اخبار (نه نقد) نام فرانسوی جریده شهر (نیویورک) که پای تخت دولت امریکه است از حالا در باب مال اندیشی تدارک آب کار آمدنی سی سال بعد خود آغاز داده است.

اخبار (نیویورک هرالد) مینویسد که احتیاج طرف باید همی سال بیشتر از بیشه کنیم! درین روزها نفوس شهر نیچ (نیویورک) [نیویورک و ملحقات] نفوس میرسد دو الفرد و ملی لیکن در پنجاه سال پیش چشود یک ملک و دوازده هزار نفوس است که درین حساب در سنه (۱۹۳۰) آینده به پنج ملیون متجاوز آب برای شهر احتیاج می افتد. لهذا این مستشار کمپنی آب بعد از سی سال از حالا نظر وقت شرکت ای کمپنی ای آب را جلب کرده برای جمع کردن آنها لیکه از کوه ای (کاستکل) جاری میباشد سد بستن مخزنها و حوض انبار ها مشغول شده اند که درین مخزن ها (۵۴۰) ملیارد لیتره آب می گنجد.

خدمت عسکریه زنان جرمنی

دیگر — از (برلین) پای تخت جرمنی مینویسد: زنان عالیجاه جرمنی یک مجلس وطن پروری تشکیل داده در باب قبول شدن شان در خدمات عسکریه تلفظا بیان نمودند. پرو فیسر (ویرشو) آشکارا بیان نمود که خواه در وقت حضر یعنی آسایش، و خواه در وقت سفر یعنی جنگ بهر حال میباید که زنان هم با تندرستان بخدمت ای عسکری تابع و مجبور گرفته شوند. بنا بر نگریرو فیسر مذکور از زنان در خدمات تقلیه و خسته خانه ها کار های سیار لازمی گرفته میشود

یک نامه و تلگراف بی سیم

دیگر — از برلین مینویسند: کمپنی ماهیگیران جرمن در دو کشتی ماهیگیری تلگراف بی سیم گذاشته اند. به این وسیله

کشتی ای ماهیگیران را که در دریا های دور از ساحل مشغول است بخرد یکبار و ستره او توره میتوانند بدل هوا و توقع طوفان را نشان بدهد از شهر تدریجه تلگراف بی سیم و آنها خبر میدهند، و آنها نیز علاج واقعه را پیش از توقع میکنند.

از جریده اخبار عربی

سید محمد کمی از اهل عثمان بین شخص عاقل فهیم مخلص خالص دولت اسلامی و ایالی دولت عثمانی از بندر ساسکه زیر سیاه برعقل اندیشه و عزم و شجاعت افسران عسکر عثمانی دولت پاشا که در بین است گواهی ها و شهادت ها داده کرد و یقین است که هر گاه افسران موصوف شخص عاقل و کاردان نمی بود صلح اهل بین دولت عثمانی بصورت پذیرفتن گشت و کاغذی بدستخط و مهر امام یحیی راشان داد مضمون دانش و فرزانگی دولت پاشا و افسران موصوف که سبب عقل و دانش و صلح اهل بین با دولت عثمانی صورت بست — و اینکه من گاه امام یحیی بیاشم خود و احتیاط تمام را از پنهان و در آمدگی ای کشتی آب را تیره میکنند و ماهی را در آن میگیرند بر خود لازم دانسته ام — و من معنی این آیه کریمه که (یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء) دانسته ام — ترجمه آیه کریمه — ای کسانیکه ایمان آورده اید بتحقیق ایمان شما این است که نگیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را دوستان خود — و از اخلاص امام یحیی آن است که در اقتراب صلح از بسیاری از حقوق قدیمه خود نزول کرده و در گذشت — و در همان وقت قدرت دولت عثمانی را دانسته بنوای کوکبان و ذمام و برم و حجه و جران و انس کفایه نموده اینها شش علاقه اند که در آن یک دنیم میان رعایای شیعه طایفه زیدیه که با ملت حضرت زید بن امام زین العابدین رضی الله عنه قایل میباشند سکونت دارند — و تابع امام یحیی مذکور میباشند که در بین نواحی حاکم شرعی برای من نصب نموده شود — و باقی امور اداره و مالیات و کار عسکری و ملکی بدست دولت عثمانی باشد مانند باقی ولایت یمن.

نقل از اخبار روسیه

مجلس پران منوخ شده است و الحال انتخابات پرآشوب که بر دولت ایران پرده تاریکی و شورش و فضاحت بوده باختتام خود رسید مجلس مذکور و برای اطفای آتش فتنه و شر هیچ اقدام ننموده و بود و مفید بران دیگر منصب داران دولت مرا که برای قیام امن و امان سامان می شد نمی خدمت می دریم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 114 of 1786

تا اینکه موجب بودن افواج روسی نیز در مجلس مذکور موجب اشکالی پیدا گردد و مصالحات ایران و فرمانفرمای اقتدار — پادشاه دوستدار اینست مخالفت مجلس در حالت بیچارگی بودند و حقیقت آن جمله تدابیر و سررشته هائی که برای اصلاح سلطنت خود با مصلحت روسی می اندیشیدند کالعدم می شد — چنانچه از ورود مارشال صاحب سفیر دولتین بگذارید و وقایع نگار پایونیر مقیم ایران چنین بیان میکند که ایران شاه و کراندلا صاحب گفته اند که باعث تخریب دولت ایران کوشش مشروطی ایران بیاشد نقط

وزارت ایران مشروطه سرگذشت موقوف کرده است اما سبب آن بگذارید که دولت ایران بهمت علیه داشت و گفته است که وقتیکه امام جانشین من بر عهده وزارت مالیات امور خود را شده من از عهده خود دست بردار خواهم شد — حالت شیراز بطیع اثر شده است — قنصل روسی از تبریز اطلاع داده است که باوجودیکه اهالیان ایران بهمراهی افواج روسی طهران گذشته کرده اند اعضای مقننه ایران روسی اپیلیه بیرحمی قطع و برید کرده اند اما افواج روسی در پادداشی مقام مذکور با ساکنان مقامی بخیلی انسانیت و مهربانی سلوک کرده اند و زنان و اطفال ایرانیان را از گلوله باری شده بحفاظت خود داده اند بلکه در ورود ایران گلوله باری قریباً یکصد نفر مردم روسی هلاک شده اند .

از رشت خبر آمده است که چند هزار ترکمان بهداتو قپانه بتاریخ ۲۵ ماه دسمبر بر بین خارجی حمله کرده اند اما بسبب گلوله باری شدید افواج اطالیه از بین خارجی برخاسته و دو هزار گز عقب نشسته و پیش رفته نتوانسته اند و بوقت غروب آفتاب بطرف ترکستان باز گشته اند نقط

در سنت پترزبرگ مشتهر شده است که چون کوشش ایران سررشته امور سلطنت خود را بکف خود گرفته و می خواهد بر اقتضای آسایش و بهبودی مردم عمل نماید و انگیزه بر افواج روسی بنام تبریز دست دراز نموده و مقام را در گرفته اند تا کوشش سلطنت روس انصرف نظر خود را بدایت نموده است که عساکر افواج روسی را مأخوذ گردانیده و عساکر جنگی شده بدهند و جمیع آلات حرب را از خود ایران و دیگر مردم قفقاز بردارند تا کوشش اصلاح ایران بخیال خود بر داشته و شده بجوار خود و آنرا در ان اصلاح درکار ایران اتفاق افتد و تقریب مقام هیچ گونه اسباب نمانند نقط

بین فرانس و سپانیا در باب مشورتی مراکش خیالات مخالف پیدا شده می شد و چند جرنل بوکور در بر خلاف هر گونه

که مردم فرانس مقیم مراکش و دیگر اهل فرنگستان را بر خلاف مردم سپانیه برانگیزند و نیز آنها را با حرب و آلات جنگ مهیا میکنند

بتاریخ ۲۹ ماه دسمبر از جنگ بین مردم سپانیه و مردم مراکش بوقوع آمده بود از افواج آن اذکر قریباً دو هزار مقتول و مقدار مجروح شده اخبار رسیاست رسمی که از قشون رؤسای سپانیه اموال شده معلوم شده است که بتاریخ ۲۹ ماه دسمبر از افواج سپانیه شصت و چهار نفر سپاهیان نظام و چهار نفر افسران نظام مقتول و (۲۱۰) نفر سپاهیان و ۸ نفر افسران مجروح شده اند — گفته اند که لشکر مزید برای امداد مردم مراکش رسیده است و عنقریب جنگ شدید بین مردم سپانیه و مردم مراکش اتفاق خواهد افتاد نقط

اخبار دول بیگانه مشتمل بر گزارت مختلفه

منشی سید احمد دهلوی تحریر نموده است که چون بادشاه شاه جهان مرحوم شهر دهلی را بنا کرد و نام آن را شاه جهان آباد مقرر نمود و بعد از وفات او چون دیگر شاهان متعاقب حکمران شده آنها نام آن را دهلی شاه جهان آباد نهادند — لهذا بایر که حضرت شاه جاه در دیار گاه تخت نشینی خود نام شهر دهلی را از آستانه دهلی مقرر دهلی قیصر آباد — دیا دهلی جاه آباد — دیا فرخنده بنیاد قیصر آباد — دیا محمد بنیاد جاه آباد — دیا شرف بنیاد قیصر آباد — دیا تاج گاه دهلی نقط

اخبار متفرقه از اخبار پایونیر

لندن مرسله ۱۵ جنوری ۱۹۱۳ء — بروز جمعه اعلیحضرت شاه جارج و ملکه ملکه معظمه البشان را معانقه نمودند — نظاره جهان مشتمل بر مجلس عظیم بود و در بر ان چند هزار مردم (ایلیه) بیرون قصر جمع بادشاه را ملاحظه کردند — کیفیت نظاره را یک وقایع نگار اخبار پایونیر را لفظ ذیل بیان کرده است — نظاره نامه دلکش و طرفه خیلی خوش و خرم و دلچسپ خیلی دلچسپان بوده و امکان ندارد که نامیس و شه کشش را قوت حافظه ناظرین آن بتحویل محو و حک کرده — اعلیحضرت شاه جارج و ملکه در کالسکه آهسته آهسته در میدان مذکور گردش کردند تا کسی زحمت نکشد مجلس از جمال شاهی محروم نگردد و چون مردم بادشاه را دیدند از افتخار بسبب فرط مسرت دیدار و ذوق جمال شاهی دو دقایق دانی خرشاد مذکور زبان بر آمد و گفتند که بوقت اقتضا نظاره کنند شاه جارج و ملکه از بیده ان واپس برگشت بجلس گردیدند بسیاری از مردم آنجا جمع شده بودند و بعضی از ایشان بر آنجا شاه جارج و ملکه نشسته بودند پرستش کردند (نعوذ باللہ من ذالک) و خاک زیر پای ایشان را تبرکاً برداشتند و

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 115 of 1786

بست کرده بخانه‌ای خود برده‌اند (ترجمان اخبار مذکور) ضعیف الاعتقادی انسان ضعیف البنیان را حد و حصر فرمائید فقط

(سراج الاخبار افغانیه)

ملت افغانیه بکمال تجرد و تمکن رهین منت و شاکر بارگاه خود میباشیم و به نهایت فخر و سرور میگوئیم الحمدلله هزار بار الحمدلله که با به امامت و پیش کاری پادشاه محبوب القلوب خود خالق یکتا را پرستش و بندگی او را نامی عظیم الشان خود را پرستش میکنیم و پیش از آنکه جبین ما بر خاک نیاز عبودیت برسد چهره مبارک پادشاه ما بر خاک پرستش میرسد، چه سعادت، چه مسرت، چه عظمت!

...

از روم ظفر لزوم آمده است که یکدسته سپاهیان نظام ایطالیه تا بتاریخ ۲۰ ماه رمضان برای حفاظت انجیزان خود الظفر در نواحی مه انجیزان مذکور بر یک جوی آب کار میکردند چون دسته مذکور بر جوی آب رسید فوج کشیرتکان که در قبضه خود اقتدار آب انتس داشت بر سپاهیان ایطالوی حمله آورد و بعد از جنگ شدید فوج ایطالوی پس باشد و سه نفر مقتول و سه نفر مجروح و اسیر معرکه کارزار گذاشت

اعلیحضرت شاه بلجیم در بخل لیال بست و یک بلک و بهار دوسن از تفنگ خود شکار نمود فقط

بلگشای بیگ روس موسوم به کاپس دیروز بمقام پوشهر رسیده یکصد و شصت و نه نفر سپاهیان نظام روس از کشتی مذکوره فرود آمدند فقط

نقل از اخبار سراج الاخبار افغانی کابل

دوباب مستقبل چین ما چیزی گفته نمی توانیم اما اگر بر حالت حوادث جنگ نظر چند اندازیم این امر اظهر من الشمس میباشد که انقلاب خواهان چین اظهار حماقت کرده اند و برای آنها مناسب بلکه انسب بود که در انعقاد مجلس مصالحت شان کهی تعلل نداز نمی شدند و ناظهور پذیرشدن فیصله آخری مجلس مذکوره برای بانگو صحی آورده چون باطیان در راه انعقاد مجلس مذکوره سد راه شده اند حامیان خاندان شاهی چینی سرور میباشند چرا که موانع الذکر مید انند که انتوای مزید موجب نضاح پادشاه خواهد بود فقط

شکر

اکثر اخبار های هندوستان از انگریزی و اردو که بتلغراف رسیده بود دستان طبع و نشر میشود و نقل حضرت پادشاه محبوب القلوب میکنیم را که در باب عافیت شفا و مجرد حین طلب قرب در سوم ماه جاری الحرام بیان فرموده شده بود در روزنامه های خود شان ترجمه و نقل کرده اند و اکثر تقاضی اهم عصر ما یک افتخار جدید

بسوی سراج الاخبار افغانیه نامی فرستاده که این چین توجه خاطر خیر مظاهر شاه را خاصه عرض تشکر میدانیم

بلجیم (اخبار افغان) که در پشاور نشر میشود نقل مذکور را بزبان دری افغانی ترجمه کرده نشر نموده از حقیقت اقرارات آن یک حس سرور برای ما حاصل شد، لهذا از درج خود چه اگاه نشکنیم.

علم تاریخ

یکی از علوم بسیار مفتنا پیدای خواید اشتا علم (تاریخ) است که مطالعه آن انسان را بسی عبرت ها، و فایده ها می بخشد، و انسان را با حوال این دنیا تا از زمان خفتش آگاه می سازد، و به این سبب با وجودیکه انسان را افتادن یکروزه خرخوار از خر عیسی که به اجل موعود خویش هستی میشود تا در نجوا شه بواسطه مطالعه تاریخ خر خود را اسفا تا بسیار سالهای میشاند بصورت رحمت تهقری تمدید داده می توانند.

بنابر مسامع و خوانندگان تاریخ دار و بعد ازین نسخه های روزنامه (سراج الاخبار افغان) بعضی لوحه های تاریخی نیز درین صحایف نموده مطالعه کنندگان کرام خود را مستفید می نماید.

تاریخ علم تاریخ

پیش از انکه از طبایع و حوادثی که علم تاریخ از آن بحث و بیان مینماید سخن رانیم اگر یک قدری از تاریخ خود این علم گپ بزنیم که ام وقت ظهور نموده، و چه صورت و چه کیفیت بشکل یک علم مخصوصی در آمده و بدرد و سر مطالعه کنندگان گرام خود جرأت و رزیم چیزی اضافی نکرده و خوانیم بود.

باید دانست که قبل از ایجاد خط و ثبت هیچ زمان هیچ وقت و زمانی که مرور نموده باشد برای اطلاع بر احوال گذشته بجز اشعب مقدمه ساوی دیگر چیزی یک ماخذ و منبع موجود نیست و آن کتابهای مقدسه را کتب ساوی میگوئیم نه تاریخ، بنا علیه علم تاریخ این اعصار اخیره برای این فرق سه دور تعیین و مقرر نموده اند که آنهم عبارت از سن (طفولیت) و سن (صباوت)، و سن (رجولیت) تاریخ است.

پیش از ایجاد خط و کتابت که مردمان (فنیقی) آنرا ایجاد کرده اند شاهد و دلاری (علم تاریخ) در رحم طبیعت کائنات بحال (جنین) مانده بود. این کائنات انقلابات کائنات مقابل آن جنین را از مشیمه مادر بیرون آورده و در قطار استعداد و قابلیت چیزها در گلهوار خلقت نشانده اند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 116 of 1786

در وقت ما که افراد بشر در شعبه‌ها و رشته‌های مختلف علوم و صنایع و فنون و آثار تمدن و حضارت بسی پیش رفته‌اند، و هیچ ملت یا دولتی بی‌نیاز از تاریخ نیست، و بدون آن نمی‌تواند بر پای خود بایستد، و بر مبنای گذشته‌ها و بنای بزرگ قدیمی، و بر موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و محلی بسی وقایع و حوادث گوناگون و مهمی که در طی قرون و اعصار بر ملت‌ها و دولت‌ها گذشته است، و در صفحه‌ی تاریخ ثبت شده، و در حافظه‌ی مردم باقی مانده، و در کتب و اسناد و آثار و بناهای قدیمی و غیره مندرج است، و بوسیله‌ی تاریخ و تحقیق در آن، و بوسیله‌ی آن خطاهای گذشته‌گان را می‌توان دانست، و از آن عبرت گرفت، و از آن درس آموخت، و بر آن خط بطلان کشید، و از تکرار آن جلوگیری کرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 117 of 1786

آنا بسی که اصل و نسب در ترکستان یک چیز بسیار معتبر و بالائی شمرده می شد و (عرب انساب) معلومات کافی داشتند که در میان شان در هر وقت پیش آمدی کرنیک نامی خودشان را مستقیماً شرح داده بتوانند موجود بود. خوبتر از همه مرثیه ایکه شعرای عرب در باب وقوعات حربیه که در میان قبیله ای شان بوقوع آمده بود نظم کرده بودند موجب فراموش نشدن آن وقوعات بیشتر میشد. و حکایات و روایاتی که از لسان ضرب مثلهای شان باقی مانده بود بیشتر موجب یادآوری حکایات واقعه آن ضرب مثل برای آن گفته شده بود هی شد. ولی باوجود این هم کتابهای مدون تاریخ نداشتند.

بعد از آنکه فتوحات اسلامیه روبه ترقی نهاد و دولت عباسیه در بغداد تشکیل یافت علوم و معارف در بین اسلام در راه ترقی یک سرعت بسیار عجیبی نشان داد و این گرفت که از آنجمله کار تدوین تاریخ بیشتر ترقی و بالائی گرفته بسی کتابهای تاریخی که بزبان یونانی نوشته شده بود با دیگر علوم حکمیه و فلسفیه بزبان عربی ترجمه گردید. رفته رفته مورخین اسلام خودشان گرفته بصدها بلکه تواریخ نوشتند. حتی در عصر ششم هجری (ابن عساکر) نام مورخ عرب در (۸۰) بلکه تاریخی نوشته که به (تاریخ ابن عساکر) معروف است. بعد از آن (ذهبی) و (ابن اثیر) و (ابن خلدون) و غیره و غیره تاریخهای مفیده نافعی تحریر نموده در راه ترقی متن و جزئیات تاریخ خیلی خدمت نائل گردیده اند

در اروپا بعد از زمان جهالت بسیاری از علوم و معارف آگاه نشده و کتاب ای عربی که در علوم و فنون مختلفه از زبان یونانی ترجمه شده بود بزبان لاتینی اروپائی از عربی ترجمه شده و تاریخ بیشتر در اینجا رونق حسن و جمال خود را روز افزونی نمود. و در وقت حاضر فن تاریخ با مجموعه نازنین صنعت فوتوگرافی و زینوگرافی ازدواج کرده در

بر اشیاء بعض صدا ها می پرتیل و قابل شفاوت پیشه گان شنیده و بچه ها و چه ترس از خواب بر می جهم بهر حال بر من شفقت می آورد! این محمد بسیار تهلکه ناک یک خدعه ایست که خودت هم باین تجربه واقفی. یک حسن قبل الوقوع و یک اندیشه دور دست بمن خبر میدهد که بصورت یک بلائی خواهد آمد. میترسم که کسی بمن نازیبنت سوء قصدی نکند. حالانکه برمن حق غداری که نفس خود را به تهلکه بیندازم. زیرا من امروز فردا اطفال دارم که نگهداری را میخواهم. آیا میتوانم که اولادت چون اقبال بدنیا قدم بنهند یتیم بماند! آیا آرزو داری که باین جرائی زوجه ات بیوه شود؟

— (بیچاره ام) و در جواب هیچ اندیشه نکن قلوپطره! من در تدبیر هیچ قصوری نمیورزم.

(باقی دارد)

سعی و مجاهدت خود را اثبات نموده و به چیزهائیکه شوق دارد خواهد رسید!!....

حفظ صحت

هر انسان که بخواهد بصحت، ثروت، طراوت و هوش خود محافظه کند میباید که بوقت بخوابد، و بوقت برخیزد و به وقتهای معین طعام بخورد، و در وقتهای معین بکار و فعالیت خود آغاز کند، یعنی اوقات خود را تقسیم کرده به اشغال و حرکات خود را در زیر یک قاعده و انتظامی در آرد. شب را خدا برای یگانه برای راحت و روز را برای کار و خدمت مقرر فرموده. وقت صبح هنگام فیوضات است. و جود ذهن، اگر بسبب بسترا حیف که از خواب کامل شب گرفته باشد تندرست، صفا، تیز میشود و بهر کار قابل و مستعد.

برای صحت وجود میباید که به این چند چیز رعایت شود: وقت خوابیدن وقت برخواستن؛ بدرجه بسیار پر نان خوردن طعام را تا خوب نخایند فرو نبردن؛ در وقت ماندگی و پر عرقی آب خوردن، و جود را بیشتر از تحمل آن ماندگی نساختن، هوای اوقاتی نشین گاه و خود را همیشه تبدیل نمودن، همیشه سر خود را سرد و پاهای خود را گرم، و بدن خود را معتدل نگاه داشتن، هرزه خوری نکردن، اگر در شب بیدار خواب باشد هیچگاه قصد آن را بخواب روز نکشیدن، و جود خود را تا میتواند پاک داشتن، تا کمکن باشد غیبت و غضب نکردن، ذهن خود را از حد زیاده ماندانساختن، از هر چیزی زود ماندشدن، خود را بیش و عشرت عوق نکردن، بیهوده ذوق و صفا عادت نکردن، هیچ چیز را برای خود یک درد و مراقبی نساختن، در حمام بسیار نماندن، و چون از حمام برایند زود خود را پوشانیدن، و الی اصل هر حرکت خود را یک عقد اعتدالی اجرا کردن برای حفظ صحت نافع و سود مند است، و هر چیزائیکه مخالف این چیزها مذکوره باشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 118 of 1786

ضرر آوردن بیماری پرهیز است.

بنابرین در هر خصوص باید که انسان بری از مضرت خود را نظر داشته باشد، از همه چیز اینکه اعتیاد عادتی آزار دهنده صحت نشان داده باید پرهیز کند. کتابهای کوچک و بزرگ که در باب حفظ صحت نوشته شده مطالعه کند.

ادبیات

تحصیل

سعادت انسان در کمالش در تحصیل — منت خدا را عز و جل کز علم شد حاصل

اکسیر سعادت در گدازه دانش — جز جاهل نادان نبود از دانش بیزار

ای مردم آزاده بیدار شوید از خواب — خیزید و بکوشید که دانش بود آداب

بی دانش و بی علم نباشد کسی آزاد — دانش بود انسان را در هر دو جهان یار

بی دانش و بی علم مشو در پی کاری — دانش بود اندر همه کاری ترا سالار

دانش بود اندر همه جا مایه عزت — دانش بود اندر همه جا مونس و غمخوار

دانش بود اندر همه جا مایه شادی — دانش بود اندر همه جا رونق بازار

دانش بود اندر همه جا مایه آسایش — دانش بود اندر همه جا راحت و دلدار

دانش بود اندر همه جا مایه فخر است — دانش بود اندر همه جا زینت دستار

دانش بود اندر همه جا مایه نیکی — دانش بود اندر همه جا مایه کردار

دانش بود اندر همه جا مایه نیکی — دانش بود اندر همه جا مایه کردار

دانش بود اندر همه جا مایه نیکی — دانش بود اندر همه جا مایه کردار

نامورانِ زنانِ جهان

(مابعد از نمبر ۶)

(آدلائیدِ) = از خاندان بادشاه فرانسه باین نام دو زن مشهور است که یکی افتخار (لوئی پانزدهم) و خاله (لوئی شانزدهم) بیاشد که در سنه (۱۷۳۲) تولد یافته، و در وقت اشتعال و شورش بزرگ فرانسس بشهر (ناپولی) در ایطالیا رخت اقامت کشیده و در تاریخ (۱۸۰۰) میلادی جهان فانی را بدرود گفته است. دوم همشیره (لوئی فلیپ) است که در سنه (۱۷۷۷)

تولد یافته، و در زیر تربیه (مادام ژنلیس) پرورش یافته است. در زمان حکومت دولت فرانسس که بعد از (ناپولیون بوناپارت) تشکیل یافته بود مشهورترین مردمان آزاد طلب را بطرف داری برادر خود (لوئی فلیپ) مجلوب و مایل ساخته، و در باب قبول کردن تاج فرانسه را برای برادر خود بیعار سی نا کرده است. در پیش لوئی فلیپ حکم و اقتدار بزرگی را مالک بود. ثروت و سامان بسیاری برای برادرزاده ها می خود میراث نهاده است.

(مابعدش در نمبر آئنده ایدی)

علم ثروت ملل

منشا پیشی را که گروه صنایع از صنعه از پشت حیوانات پرورش داده خود برگزیده اند، و چنه که گروه کشکاران آن را کشت کرده اند و بعد نباتی که کان کنان کنده اند گرفته انواع اشیای رنگارنگ و آلات و ادوات کارآمدی ازان ساخته، و فایده و قیمت برای آنها حاصل کرده بصورت بیاورده ازان راه کسب توان گری کرده اند که این گروه کار را (غایر یک کاری) یا (صنعت کاری) میگویند. ولی چون اینها از دیگر صنعت ها قاعدهٔ تفریق و جدا نیستند حصر کردن لفظ صنعت را تنها برای اینها

(باقی دارد)

بر مقاله ما نیک دستخط ندارد از طرف سرکار گزیرانه

مدیر دسر عزیز سراج الاخبار

بسعی و اهتمام الحاج عبد الخالق پسر عزیز مطبع چاپه خانه دار السلطنه کابل

بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 119 of 1786

صفحه ۱ — سال یکم — نمره ۱۰

مدیر و سیر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشین خانهٔ دار السلطنه کابل

جمله مراسلات تحریریه باداره خانه
نام مدیر فرستاده میشود

بیرون از تر و ده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی یکم حوت ۱۲۹۰

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

ریاست افغانستان
اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان

قیمت سالیانه
... در داخله کابل ۸ روپیه کابلی
... در ولایات داخله و ممالک اسلامیه ۱۰ روپیه کابلی
... در ممالک اجنبیه ۱۲ روپیه کابلی
قیمت یک نسخه آن ۱ کابلی یکصد پاسی است

تاریخ عربی یکم ربیع الاول ۱۳۳۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

سرگذاشتهای جدید ـــ تصحیح اغلاط ـــ حوادث خارجیه
ـــ آگهیات ـــ تلگرافات ـــ اقتباسات

مقالات غیر مندرجه مدیر ورد دائی دفتر مراسلات آن

سرگذشتهای جدید

یکی از آثار خیریت آثار حضرت شاهانه اعلیحضرت پادشاه معظم (سرک ۱) یعنی راههای پخته یعنی ست که مانند رگهای حیاتیه در وجود ممالک متمدنه موجود است.

هرگاه یک شخص گوید که بلی راهی از راه بهتر است چنان خواهد بود که بگوید یا راحت پیاده متمدن زودی از راحت سوار و یا دوی تر از دون تراست. آنوقتها یکه سنه دیندکر دن راههای نرم بود گذشت دیر تنها راههای زمینی بلکه دریا هم بسرگذشتهای متعدد سیر سفر باز گردیده راست و ندکر دن آن از عادت گرفته بقوت باشین آهن بر قوت جاذبه ...

یکی دیگر از دیان عالم است که بدون خود دین [illegible]

پیروان خود از خیرات و مبرات باقیات الصالحات امر و تشویق کرده باشد (رجع ذلک السبیل) یعنی برداشتن اذیت طریق از ریاده (اماطة الاذی عن الطریق) و امثال اینها که مستحقهای عالم اسلامیت است. درجه آثار اقتصادیه و اخلاقیه و ادبیه اسلامیه که نظر کرده شود راههای صاف و هموار پاک پر امن و امان از انواع آفات بخشنده الله [illegible] از شهرین بلها و آفتها یا نقش بنا یافته و در راههای حفظ و نظام و دوام دارای ملک و در نظر شرع شریف مسئول و ماخوذ شمرده میشوند. یعنی از تعمیر و حفظ و باقیات الصالحات، زنده آثار، آبادی ها مانند پل، و راههای و نهرها، و سبیلها و جامعها، و خیرات خانه ها، و کتب ها و امثال آن تفسیر کرده اند که باقیات و صالحاتی نگویند این همه چه خواهد بود؟ و در حدیث شریف حضرت خواجه عالم و سرور عالم صلی الله علیه وسلم (صدقه جاریه) وارد شده یعنی خیرات باقی و پاینده از که آن صدقه جاریه بگیرند همین آثاری که ذکر آن تمام و فایده آن موجب رفاه و راحت انام باشد و گرچه خواهی و یا ندهی و ازین است که بانی این اعمال و ابواب [illegible] صدقه جاریه بصیاد که تشویق و رغبت می آورد بانی نشان میدهد.

بلقدری اهمیت شود یک راه و مرور عامی نزدیکی که از شهری بشهری و یا از قصبه بقصبه نقل باشد و مسافر و گزار و آمد و شد عامی رندگان و وقفش تمام مسئول ران باشد و آن حفظ و نگاه داشتن راههای فیر مقطع در گویا و وقت [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 120 of 1786

وشیب با تازه روان شده و رقته باشد، سنگلاخ، سنگلاخ، ریگ
گل، خار، ماهور، آزاد، چراگاه، آن قطعات زمین مرتفع و هموار شده و باشد،
پس، کوتاه، صفت، دست بشتر، پر کار، چند کس، پر هنر، دراین پیکار
گرده باشد؛

حالا این راه یکنواخت، پر پیچ و قابل را که شاعران آزاد آنرا
جاده نامیده اند نوشان نشان داده و اند در پیش یک سرک
پخته سنگ بست صاف و هموار چنانکه کوچها را پر یده و اند
روی آنها می کشیده اند، و نهرها یا پلهای معلق آهنین در گذشته
و چند سر کار سوار آن را با صول هندسی در کوه و دره ها
عبور داده اند، گردش و آرایش و تناسب زاویه های تقاطعی
می دارد و سر پل پیدا آورد، و یک نظر علمی و ادبی پیشرفته
وجدانا و عقلا و نقلا گواهی میدهد که این یک راه بطبق عدالت سوانح تر
نمایا میم؛

نامه اینجا شد، از جهت معلومات روزانه بیان کردم
حالا یک نوری از روزنامه ها و مکاتبات و مجلات اروپا می خوانیم و دلی
آن نظر کنیم؛

امروز روزنامه گریک، یکی از ممالک و تخت این بزرگ
دریا پیش، روزنامه خارق العاده و آن مملکت بحیرت میبرد و اهل
شهرهای آن مملکت، از این سیر سفاین می چند، یعنی پیاده
بر سر کنها و اسطه عراده های موتور، سیر و رفتار میشود و در میان
این نهرها تیر و اسطه موتور چها و دلوها و استیم چاه و تشنیها
و غیره از شهر شهری و از قصبه بقصبه سیر و سفر میشود و بیزار
سرک های پیاده رو و دار چون پیاده و سنگ فرش در داخل
شهرها و قصبه ها موجود شده، و بر این سرکها هزارها هزاران
آلات نقلیه ناند عراده ها، اوتومبیلها، تراموایها، ماشینهای
برقی، موتورهای قسم قسم، در سیر و حرکت می بینند،
قطبهای عظیم، قطعه های سیم، ابا کوه و صحرا، و دشتها و
بارانها، تاچه راهها! و راههای آهنین یک دیگر را قطع
شده می بینند، شهرهای بزرگ این مملکت را می بینند که
تنها یه راه های روی زمین اکتفا کرده و در زیر های زمین
شهر بواسطه تونلهای زیر زمینی، و بر روی شهر بواسطه
پلهای بسیار بلند آهنی، راههای و قطارات حرکت سریع السیر
چیپ و طرف بکار انداخته شده است، و این راه آهنهای
تازه در بین اراضی و زمینهای اصلی پایان گرفته
چنین بواسطه دستگاه دود گرده (از دود و چان ها) بسی
آهنین (بی عیار) بالون ها اختراع شده است
که از حالا پیش از شرکتهای سیاحت روی کار آمده

تشکیل می یابد؛

حالا این راپک قدری پیشتر کرده این جا راههای آهن مملکتها
بر خانه، حاصل کرده و اند به اوقات، از روی وقت، که (نقد
دست خانه) گرفته اند یعنی یک حرکتی که یک ماه یکصد آنرا
بیکدیگر زیبل می آورند، کار یکروزه را یک ساعت، کار یکساعت را
یک دقیقه بوجود می آورند، و این صورت ترقی و تعمیر
حاصل میکنند، ثانیا، بالای قطعه و گرانی ازان طلبها یک قدر برتر
شده است، مجموزیک و یک ملک قطعه و گرانی ظهور نموده
از جهر طرف نقد و خوراکه در آن واحد به آنجا میرسد که اگر
احتمال رود در قطعه خبری دشت نامی زمین نامی ترکستان
و قحط گی بیفتد کو هستان نامی وطن نقد خس خود را نقاب
نامیم و به اهمیت خاید و راههای تاپلد رجه برده واضح میگردد؛

ثالث، برای تجارت و صنایع آن طلبها خاید و های
عظیم بسیار و راههای خام و کم قیمت، از جاهای بسیار دور و دراز
بسیار دور و دراز، با قطارهای سیع و در از پیاده رو دے
آسانی آورده و آنها را در ماشینهای قاریکها
صنایع مختلف خوب و مشکلها و صورتهای رنگارنگی بر آورده و در
بسرعت تمام بسیاری جاهای دور و دراز رسانیده و نقد را
زیر سرح طلبهای دیگر را بواسطه آن در جیب می اندازند،
و از انسب دیگران را تحقیر و محتاج خود را توانگر
و محتاج ایشان نسبت زده، اینها که از همه بهتر است فایده
عسکری آنست و تحقیق در کار مظفریت و جنگ، از این روان
این چند چیز است که عرض میشود، اول از قبل فرض کرده شود
پیشتر و بیشتر از قوتهای دشمن قوتهای عسکری بر سرحد خاک خود بر ساند،
و پیشتر در دشمن نقطه های جنگ دست آورده، و بر قوتهای جزئی
دشمن با قوتهای کلی حمله کرده و دشمن را پریشان سازد، لهذا
هر اندازه که قوتهای زیاده عسکری بزودی سوق کرده شود
بهان قدر مظفریت بیتر زود تر بدست می آید، اسباب
یکانه مغلوبیت دولت فلانی در جنگ روس، و اسباب
بد خاتمه روس در جنگ ژاپان بجز همین نبود که دولت
علیه راههای منظم را مالک نبود و قوتهای
کافی عسکری خود را بر سرحد خاک خود رسانده و طرف را هن
دیگری به نهایت نبود که قوای عظیمه روس را از طرف
موقع لازم و ضروریه برساند، یک دولت اگر دو یک هزار را
عرضه نابوده و لیکن دو یک سرکهای پخته منظم نباشد
که آن توپ را از ان برانیچی شده و قدیمه از آن آنها
حاصل نشود،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 121 of 1786

این است که ذات اقدس حضرت بادشاه دل آگاه و دقیقه
اکتشاه خود را مقتبا به مقدس معظم او از آغاز جلوس میامن مانوس
بایونی شان این کلات دقیقه مقصد را در زیر نظر مطالعه ساخته
بایونی در آورده و رباب اقتدار این ممالک محروسه الملک
شاه شان را بواسطه سرکهای منظم پخته بایکدیگر بصرف فرمودن
همت جهان قیمت بایونی بذل لطف و مرحمت فرموده اند.
در اول مرا اصلاح دانشای سرکهای قدیمی پای تخت سلطنت
سنیه و اطراف و جوانب شهر ایک وطبع بسیار و تحسینی اراده
فرموده و در اندک مدتی همه قصبات و نشیمنهای اطراف شهر عزیز را
با سرکهای پخته بسیار متین دل نشین موتر رو با نفس پای تخت
ارتباط یافت.

سرکهای پای تخت سلطنت اسلامیه کابل از چنان سرکها
نیست که در هر جا اشجار آن دیده شود. یا حسن ای خدا داد
رعنت کار بطبیعت بصورت بسیار خراوان، و رایگانی
باین نعمت شریفه عطا نموده پر کار پرگار همه مس نیز ضرور علا
شده چنان سرکهای لطیفی بوجود آورده که از هر دو کنار در زیر
سایه درختان بید و چنار، و جویبار لطافت نثار تا مسافت
بسیار یک وضع فرحت شماری ممدود شده رفته است.
علی الخصوص اگر بعضی از این سرکها را یک باغ صفا آباد و گلزار
نیز جاداده و مثلا سرکی که از دروازه بزرگ ارگ مبارک
تا به جامع شریف بزرگ (عیدگاه)، و باز از آنجا تا بالاحصار
راهی که در قریب (دروازه لاهوری) ممدود شده میباشد
چنان یک سرک با صفائیست که منظره پر لطافت آن دلها را
یک سرور و نشاط علی حده سے سازد.

سرکهای پخته منظمی که در حوضه (چار دهی) تا بقصبه
(چهل ستون)، و (جنگل باغ)، و (مهتاب باغ) وغیره ساخته
شده از چنان سرکهاییست که بمسافت یا مسافه را در میان
باغها و جنگلهای پر از میوه های رنگارنگ و آبشار و گلزارهای
شوخ و شنگ روبراه شده است.

سرک پخته موتر رو قصبه ای بیقصور (سبیل)، و (مثلا)
چنان، از (یک توت)، وغیره نیز چنان سرکهای دلخواه
باصفای نزهت پیرایست که انسان را در ظرف یک چند ساعت
باطراف، و نقریبا بظرفیت یکساعت با موتر در موضعهای تابستان
از یک هوای بسیار گرمی یک موضع بسیار بفنده و خوش هوای
بسیار سردی میرساند.

حالا بیائیم بر سرکهای بسیار مهمه جسیمه که پای تخت
سلطنت سنیه را با ولایات حاکمه ربط نموده است:

مهمترین این سرکها سرک راه جلال آباد است که
از نقطه چهار راهی دروازه لاهوری کابل آغاز کرده و بر گرای، و
وخاک جتاره و باریک آب، و جگدلک، و سیخ پل، و لغمان، و
باغ جلال آباد را صلت نموده است. این موضع اخیر که ذکر
گردید هر کدام یک منزل است که مسترلگاهای خاطر نامیده شده
فاصله مابین منزلها سر هم تقریبا شش شش کروه مسافه میباشد که
عبارت از یک منزل بادشاهیست و هر منزل برای شرف
نزول موکب بایونی عمارتهای بسیار نفیسی بنا یافته است که
همه لوازمات عیشت و عشرت موکب همایونی را به بسیار خوبی
کفایت میکند این منزلگاههای بایونی حقیقتا از عمارتهای بسیار
دلنشینی شمرده میشود که به ترتیب هندسه وضعی که خود ذات
اقدس حضرت بایونی امر و تعلیم فرموده اند بنا یافته که اصل عمارت
عبارت از یک دالان طعام خوری، و یک دالان نشیمن،
و اطاقهای متعدد و خواب و توالت وغیره، و برندهای
مقفل میباشد. و در یک جهت این عمارت به ترتیب بسیار
منظم جیت الخدمها ساخته شده است که برای معیشت
همرکاب خاص بایونی مخصوص است. لطف دیگر این منزل
جایهای بایونی این است که اکثر عمارات آن یک طرز یکصورت
معماری بنا یافته که انسان در اندک وقت میشود.

این عمارتها که بیان گردید مخصوص نزول موکب بایونی
نیست بلکه در هر منزل (رباط) بنا یافته که بالکل یک قلعه ساخته
شده و خارجا از یک دروازه داخل این رباط میشود. و در دور
این رباط با اوطاقهای متعدد برای بودوباش مسافران
دروازه گان احاطه شده است مسجد، آب، چایخانه و دیگر
ارزاق و غله برای دفع احتیاج مسافرین موجود است
که به هیچ وجه مسافران گرفته نمیتوانند. ولی خانه های مخصوص
مسافرین صفت در ایشان است.

این سرک که شمه از راحت منزلهای آن بیان گردید
خیلی متین و منظم یک سرک پخته موتر رو است که به اصول بسیار
بسیار درستی ساخته شده است. و بس شیده از دره ها
و کوهها و پستیها و بلندیها را قطع کرده، و با بعضی پلهای
بسیار متین از روی بعضی نهرها عبور نموده و شهر جلال آباد را
بدار السلطنه کابل مربوط گردانیده است. در جلال آباد
این سرک بر دو شعبه منقسم شده است که یکی از پل
جسیم آهنین در نقطه گذر کرده قطعه الصراط ایالت لغمان را
بجلال آباد مربوط گردانیده، و یک شعبه آن که از پل آهنین عبور
شده طریق مراوده پشه و طاو در زیر ایالت گرفته است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 122 of 1786

صبح افکار

هفته‌وار ادبی، پولیتیکی و تجارتی افغانستان

افغانستان (پاپولیر) یک شرعی در باب احوال داخلی و خارجی افغانستان (پولیتیکل ریویو) عرب؟ خوب و دل آن چرخیده ام که شرح نماید و ایشان را در نظر مطالعه دهم که آورده خصوصیت مخلوقیت دولت در جمله مسائل گاهی کرده خود فی نفسه آشکار سازم و این مسئله را که در هیچ یک از توضیح خواست آنرا ترجمه افغانستان ذکر میکنم یا

((دولت علیه افغانستان قدر و قابلیت قوی افغانه در زمانه موجوده پیدا شده است که آن همه نیاز و رنگ امیر صاحب کوچک را ای علاج پیموده و خیالات خلاف بیرون آمده))

این فقره را که دیده دل قبل و قال، ولی تطویل مقال از آنجا نموده و نگاهیت میکنیم، زیرا در افغانستان موقت تاریخ نویسی و وقایع نگاری و انتظام راپورتهای ادبی هنوز بکلی معدوم است، و نیز یک دانشمند محترم پولیتیکل

... عادی جدا نمودن شان از طرف بعضی از نظر تنگران میدان دیده، "ملی" نیکران ایده میشود، و بعکس بر خلاف آن حرکت میکند، بلکه از این نامه نگار مذکور می نگارد:

((قرین قرق بیشتر برداران و منصب داران نقطه جارت خود پیدا شده بر اجرای موتره و قطعات توپ و دیگر آلات حربی بنظر تشویش می بینند، و محض ساخت و سود و اسباب جنگ را که امیر عبدالرحمن خان مرحوم فراهم خاطره، شکته و دست به اورند))

بسیار عجب! برنگاه و نوک قلم جناب نامه نگار محترم شایع ((دوستان گرین)) با هم مالک می بود از بنقدر بزرگ با اهل ساز و کشف قلوب بنقدر برداران و منصب داران ملک، کا جواب نمی آمد! آیا این کشف قلوب خود جناب نامه نگار مذکور بر کدام دلیل و برهان استناد داده میتواند؟ آیا بر چه سان مجری بود و کدام یا بنقدر تجمع عظیمی از برداران و منصب داران شب و روز در زمین نه و جلسه شده و کدام ضمیر آنها معلومات گرفته باشد؟ بلی ابتی شبهه نیست که این نظر تشویش و بدگمانی که نامه نگار مسطور است که ما نمی الضمیر خفی دارد و زیرا ما هر دم افغانستان چندان گرفتاری نمیشویم و نمیفهمیم همین است که هر برداران و منصب داران و اعزه و اشراف مملکت دولت علیه نقطه نامه نگار ((شرکت موتره فابریک)) و در بر خلاف حضرت شاه غازی متفقه گردیده همگی یکدل و یک زبان و یک شوق و ذوق وجدان به آن شرکت پر منفعت اشتراک ورزیده، و اظهار فرحت و سرور نموده، و با دشاه خود شان تبریکها و شکرگذاری ها کرده اند، ولی این سخن نامه نگار پاپولیر را دیده گرده و نمیدانیم که مردم افغانستان و اسلحه و اسباب جنگ را دوست دارند، زیرا از زمانه تا کنون ای افغان بحضرت اسلحه و آلات حرب بدرجه عشق عاشقانه شیفته، چرا که وطن خود را دوست دارند، و عشق وطن بدون سلاح ممکن نیست.

باز جناب نامه نگار ((در فقره مذکور و مزید بران این عرض دارد که مردم افغانستان از اهالی آسیائی برای دلیل ساخته شده و بالفطرت مزید انگیزان انگلیس و جهت استیصال آزادی افغانستان باشد))

عجب قیاس تمام! آیا این راه آسیائی افغانستان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 123 of 1786

آیا این به سان خرف است که برین بیچاره افغانان اسناد میشود؟ یعنی: در افغانستان ساخته شدن راه‌های آهن دیل ممکن است. اما بدرستی باید دانست که آن راه‌های آهن از عهده‌ی خود افغانستان خواهد بود، و انگلیسان دیل آن از اولاد و طن خود افغانستان خواهد شد؛ نه غیر. همه مردم افغانستان بر پادشاه خود اعتقاد دینی، و اعتماد ایمانی دارند، و این الیقین از افکار بابوئی پادشاه خود آگاه‌اند که ذات شاهانه‌شان بسیار ترقی دوست، و طن پرور، دیندار، غیور یک پادشاه معظم است. لهذا ازین یک خاطر جمع و آسوده‌اند که تا بوقت بسر رسیدن انگلیسان معادن، و انگلیسان دیل از اولاد و طن شاهانه‌شان — که آنهم بسیار نزدیک است — هیچگاه برای ساختن دیل در ممالک خروسه افغانستان اقدام ورزیده نخواهد شد.

بعد ازین نامه نگار مذکور مینویسد: «علماء و خانین شریک این خیالات شده، عوام الناس را برخلاف تجدید تهذیب پند و نصایح میدهند»

این سخن نامه نگار بابوئی را نامه نگار سراج الاخبار افغان رد، و میگوید علمای کرام افغانستان بدرجه که نامه نگار بابوئی بر دوام از حال و احوال علماء سخن میکند، سید السند کرامات و اقتضیات عصر حاضر بر چیزها موقوف است. لهذا هیچگاه برای آیت قلقا با پادشاه خود شان چشم خلاف و نظر استکاف نمی‌بینند. علمای افغانستان بر تجدید امر میکنند، نه برخلاف تجدید.

نامه نگار مذکور برای تفریق فرقه‌های مخالف افغانستان چنین مینویسد: «واقعات است که در زمان گذشته جیلانی خان و امیر محمد خان سپه سالار سابق افواج و محمد حسین خان سپه سالار و دیگر اعیان نظامی در حمایت فرقه اول بودند»

ازینجا از مکالمات خارق العاده تصور زیبایی بابوئی دست نیست که مخصوص قلم نامه نگار انترنیشنل پرداز بابوئی است. اقلا این را بگویم که این دو ذات شاهانه از جان نثاران سلطنت اند که از قرار نشستن بر خدمت کردن استقرار سلطنت سنیه افغانیه و عدم مخالفت با پادشاه خود شان خواه در ایام سلطنت دیوث خان مغفور و خواه در ایام محبوب بابوئی قسم و طف اجر نموده‌اند. و مردان دیندار و هوشیاری هستند. هیچگاه نمیشود که دین مقدس خود شانرا بخلاف و رزی مقام سلطنت اسلامیه و خلاف خلق برهم زنند. و هم مردمان مذکور چه اشخاصی هستند که وزیر مرحوم همین بادشاه معظم بناصب عالی سرفراز شده‌اند چنانچه ایشیک آقاسی عبد القدوس خان بمنصب «اعتماد الدوله» و نائب سالار امیر محمد خان بمنصب «سپه سالار» و میرزا محمد حسین خان بمنصب «مستوفی الممالک» لهذا بادشاه پرورنده خود خلاف ورزیدن را هیچگاه بر وجدان خود بیان خود گوارا نمی‌سازند.

بعد ازین فرقه اخوند دوم عرض رانده میگوید: «(یعنی) این یک فرقه دیگر است که در حمایت امیر صاحب کوشان میباشند و شنیده شده است که نوی نائب حاکم کابل، و کوتوال شهر کابل، و ایشیک آقاسی علی احمد خان و ایشیک آقاسی محمد سلیمان خان از اراکین معتبرین فریق ثانی هستند»

ای آقای پانویس!

هر کس که ز شهر آشنایی نیست
داند که کلاه بر سر کی کج ست

اگرچه از مسئله (مراکو) دو سه سال گذشته، و اخبار آن یکی آن موضوع محیط را، و دیگری آن سوالهای عبد العزیز را از بعضی خاطرها فراموش شده، اما امروز روزنامه (ایران) در پیش چشم‌ها است. همه عالم دانسته و دیده‌اند که یکی از شاطر خود را فرستاده، و دیگر خان خود را حاضر شورا نشان برقرار داده شورا نشان را بتجدید و آن دولت را بقرب شاطر خان دعوت کرده‌اند. تحقیق میدانیم و گمان آزادی سخن شاید نکرده، میگوییم که شاطر شریف خود را جمعه دیده، و افغانستان فرقه‌های مختلفه نشده بجز نیست. بادشاه با ملت یکدل و راست، و ملت با بادشاه خود یار و دیار دور و بر حافظ وطن هوشیار. این فرقه‌های تصوری ایشان کجا بازار شریف، و توصیف فرقه ثانی دیگر سرائی آغاز کرده چنین میسراید: «فریق مذکور با دیگر منصب داران در زمان امیر صاحب مرحوم در چند و ستان حضور بودند و امیر صاحب مرحوم، و ام الطاف بعد از سریر آرائی امیر صاحب مرحوم گاهگاه جلوه حضور درین فریق را برای مراعات بوطن خود اجازه داده‌اند. فریق مذکور نسبت دیگر اهالی افغانستان شهر زیاده تعلیم یافته، و تهذیب است. دیگر اینکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 124 of 1786

که در ممالک افغانستان سرمایهای تجارت شود، و هر تاجر بآسانی حمل و نقل امتعهٔ خود را بتجارت بتواند نمود.

این هر یک از مشیت الهی خواهد بود، نه از جهتی که نامه نگار بایو غیرت کرده میگوید جناب نوی نایب صاحب است که ایشان از ذوات بسیار محترم قدیمی دولت علیه است که در زمان امیر شهید علیهان مرحوم نیز از رجال شمار بالجمله دولت شمرده می شدند، و چنانچه بهندوستان آمده بودند بسن شریف شان از سن تعلیم و تحصیل گذشته بود، چنانچه این النفس صاحب یعنی کوتوال بیرو هیچ قسمی از مکاتب هندوستان تحصیل نکرده اند. پس چون این قضیه معلوم شد باید دانست که علم بر دو قسم است یکی (موهبی) دیگری (تحصیلی) مردم افغانستان را اعتقاد کامل برین است که علم موهبی حضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما جعلهم الله علماء زمانی مظهر میباشند. چه آثار ترقی که روز بروز از فیض اقدامات مجدانهٔ نفس نفیس خود ذات شاهانه میباشد که در وطن عزیز ما بروز کار آمده است، و چه سرداران و منصب داران، و علما و اشراف و ملک بدولت و غایت این اقدامات شاهانه را برای دولت و ملت و وطن مفید دانسته پیروی پادشاه خود شان را کرده اند، تا بحال هیچ فرقه یی نطقی که بر ضد رأی و فکرت شاهانه حرکت کرده باشند نه دیده شده و نه شنیده شده. مقرر دین مذکور محض بجهت رحم و مرحمت شاهانه خواسته شده اند نه برای ترقی ملک.

حالا از بین سخنان شیرین آمیز آتش بگریز رفیق همصبر خود گذشته بر فقرهٔ آخری اعتراف حقیقت شان میایم که میگوید:

«در حقیقت حالت موجودهٔ افغانستان قبلهٔ دل هاست» و این خوش نصیبی امیر صاحب است که حالت ملک محروسهٔ شان از آئینهٔ سنین ماضیه و حاضره بهتر است هیچ کسی اتحاد و ترقی را نبوده و دولت علیهٔ در افغانستان موجود نیست که برای حکومت مطلق العنان امیر صاحب باعث تهدید و تعجب باشد»

آفرین ای نامه نگار! این سخن شما را نه ما بلکه تصدیق میکنیم، تنها این قدر میگوییم که خوش نصیبی افغانستان است که خداوند عالم ما تبعه اعلیحضرت (امیر حبیب الله خان) یک پادشاه دیانت همراه غیرخواه و اندیشه ی، آن نطفا فرموده،

آخر سخن فقرهٔ اخیر پایو این است که میگوید: «و اگر امیر صاحب ما یا نه در تغییر اختیار خود مخالفت کردند هر مجلسی یعنی اعلیحضرت در حصول آرزوهای ترقی و اصلاح امیاب خواهند شد»

در جواب این فقره شان همین قدر گفته میتوانیم که هر مجلسی یعنی اعلیحضرت با به این دهنائی و خصومت نامه نگار پایو نیز احتیاج ندارد. فقط

حوادث خارجیه

در باب هجرت

احوال احزاب سیاسی استانبول

اختلافات و مناقشات سیاسی فرقه های مختلفهٔ ملتی دوام میورزد. (فرقهٔ اتحاد و ترقی) و (فرقهٔ حریت و ائتلاف) هیچ یکی اتفاق و ائتلافی ندارند، و از نسیم آزادی و حریت هیچ یکی استفاده نمیشود.

از مطالعهٔ اخبار رسمی استانبول چنان معلوم میشود که جناب صدر اعظم سعید پاشا یک شخص بسیار زیرک سیاسی فاضلی میباشد، و چنانچه بسیار جد و جهد در باب اصلاح امور دولت کوشش میورزد.

صدر اعظم خواسته که فقرهٔ (۳۵) قانون اساسی اصلاح و تعدیل شود. یعنی حضرت سلطان المعظم اختیارات واسع تر و اقتدار قانون تر از این وقت حاضر داده شود که آن اختیار هم عبارت از اختیار فسخ کردن مجلس میباشد، فرقهٔ اتحاد و ترقی این رأی را قبول میکند، فرقهٔ حریت و ائتلاف بر ضد آن خروجا، و مخالفتش را اجرا میکنند. یک هرج و مرج یک قیل و قال است که دوام میورزد از هر حرکت فرقهٔ اتحاد و ترقی بسبب باربودن حکومت باتهام طعن خواهند کرد، و هم حرکات شان معقولانه تر و معقول تر معلوم میشود. اما فرقهٔ حریت و ائتلاف از هر حرکت و هر قول کلام شان اغراض شخصی، و بعضی حرکات خفی پدیدار است. و الی حاصل چنان معلوم میشود که فرقهٔ حریت و ائتلاف بهنوز بدرجه که لازم باشد لیاقت و قابلیت (مجلس ملتی) را پیدا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 125 of 1786

گرده خواسته اند به جاسی دیگران ؟ . . . .

«عربی و ارباب یک جان نیرنگ بجوا ؟»
«بجس محض توان پیش بردن نازنینها»

صورت مکاتیب محرمانه اخبار باهرام عصر

اعلان جهاد شیخ سنوسی

(سید احمد الشریف السنوسی) در اداره اش برنام مشایخ قبیله او زاویه یک دعوت نامه عمومی برای جهاد نشر نموده (بعنوان (الجنة تحت ظلال السیوف) مرکب از آیات و احادیث بیاناته و این دعوت نامه یک تاثیر عظیمی بر جمله عرب بخشیده، فوج فوج مردمان برای جهاد بسوی دار الحرب روان میشوند. حتی بسیاری از زنان عرب دیده می شود که در لقب مجاهدین شده ما، خرجهای مجاهدت آوارگیری بذل میخواهند.

اقتباسات

از اخبار های ترکی

اخبار (طنین) (اقدام) (صباح) گزارنامه ای سنبره مطبوعه استانبول است از حقیقت در باره معالی پاریم شهر سوم ذوالحجه گذشته دلقبل اعلیحضرت پادشاه معظم افغانستان دران دربار، در خصوص اعانه بنیان و شهدای سنگر گالیپلی عرب بیک لسان شکران و امتنان بحث و بیان نموده است و در آخر دعای (زنده باد پادشاه افغانستان و برادران افغان) ختم کلام نموده اند.

دیگر — در روز گذشته اعضای فرقه حریت و ائتلاف در مجلس مبعوثان حاضر شده چون دران روز فقره تعدیل (۳۵) قانون اساسی از طرف صدر اعظم در مجلس عرض می شد و فرقه حریت و ائتلاف ازان استنکاف ورزیده بنا بر آن فقره قانون هیئت وکلا سقوط نموده سعید پاشا با کابینه خود استعفا نمود.

دیگر — سعید پاشا دفعه ثانی بار صدارت اعظمی این نهمین بار است که پاشای مذکور منصب صدارت را اجرا میکند، سعید پاشا به تشکیل کابینه خود مشغول میباشد درین بار اگر باز تکلیف تعدیل (اصلاح فقره ۳۵) بمذکور اکثریت آرا در مجلس مبعوثان حاصل شده قانونا مجلس سنا مفسوخ و باعث به انتخابات جدیده از مجلس هم اکثریت حاصل میشود.

دیگر — درین اوقات شایعه صلح با ایطالیا شیوع تام در میدان دوران دارد. حتی خبرنگار تایمس که در سالونیک است قریب الوقوع بودن این امر را نیز به اخبار خود خبر داده اما باید دانست که وقت گذران از صلح قطعیا موافقت بر اینگه ایطالیا سخن خود را که در باب الحاق طرابلس و بنغازی بملک خود اعلان نموده واپس نگیرد.

دیگر — ازمیر خبر میدهند که اهالی برجای اجتماع و مجلس هجوم برده اشجار را خراب کرده اند.

دیگر — از آتنس و میتراز (پلیون) پای تخت چین خبر میدهد که دولتهای فرنگستانی راه آهن را که در داخل ساحل بحر و پلیون واقعست ضبط و استیلا کرده اند. شبهه اجنبه ازین تدبیر ا ممنون دیده میشوند.

دیگر — از پاریس خبر میدهند که یک قسمی از دستجات جنگی فرانسه که بفیلوی بحر سفید دولت مشار الیها منسوب است برای استقبال خاندان سلطنتی انگلستان به (جبل طارق) که یک آبنائیست داخل مملکت اسپین، و معرب اتصل خواهد رفت.

دیگر — اخبار (خودیه ورومیای) روسی در باب (ایران) مینویسد: ایرانیان هنوز بدرجه که اداره مطلقه مشروطه را تطبیق و عمل کرده بتوانند نشده اند، در حالیکه هنوز بسیاری از انها از مشروطیت خبر ندارند گفته معنی این کلمه چیست دفعة به دو دیانا و شورا مشورا می بعضی خویشان شده و گاهی حاکمیت خدایش سرا سیمه و دوانه شده، از حریت و مساوات دم زدن گرفته. و بالجمله و خوشبختانه این کلمات که بر روی کاغذ بسیار خوب و شیرین معلوم میشود در تعلیمات بسیار تلخ و ناگوار داشته قدم بقدم گاهی خنده و ازدن گرفته و دیدنه آنچه دیدند.

آخرین خبرها

مجلس اعیان استانبول انعقاد و شیخ مجلس شورای ملی افتتاح را منظور نموده است.

دیگر — اعلیحضرت سلطان اعظم از افتتاح مجلس ملی راضی و دعا نموده اند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 126 of 1786

از اخبار های فرانسوی

چنان معلوم میشود که در این روزها جاسوسی بهر طریقه بود در بسیار یک فضائیت پیدا کرده و بیکی یک هفته نیشود که یا در ملک جرمن و یا در ملک فرانس و یا غیره یک جاسوس دو جاسوس گرفتار نشوند .

دیگر — یک کپتان فرانسیسی مسمی به (لوکیس) بنابر حرکات جاسوسی در ملک جرمن گرفتار شده بود . دیوان حرب و محاکمه نظامی جرمن از حرکات جاسوسی کپتان مذکور ثابت کرده و شش سال قلعه بندی محکوم نموده بودند . کپتان لوکیس فرانسیس را بقلعه جات (لاج) که بسرحد فرانس بیست کیلو متره بفاصله واقع است بند می کرده شده بودند از بند می گرمی بسیار سخت که می فشاند و بسیار زیاد بود خود را خلاص کرده است . روزنامه های فرانس مینگارند که بسبب سعی بلیغ محافظان و افسران سرحدی گرفت شده کپتان فرانسیس از فرانس بهر وقت روزنامه ها میگذشت و های بستن آن ارابچ کرده و اخبار لازمی بدیگر است کرده . یک رسمان کلک ساخته و بواسطه آن از دیوار قلعه گریسیار از بود و پائین شده رفته است . و آن قلعه و بند گاه از سبب جاسوسی یک کپتان انگلیس (ترونچ) نام دارد و الآن بند می حیات . حقیقت فرانسیس افسران فرانسوی بسیار غیب یک نزاعی پیدا شده .

خبر ماخن از پیتزبورگ (امریکا) خبر میدهد که حکومت روسیه که در سیبیا و ترکستان چینی بسیار قوت آن اطاعت کردن و تصرف کردن آن جا پیدا خواهد نمود روزنامه های امریکه خیال میکند که باین روش ژاپان بسیار اتفاقات منعقد شده و منعقد روس و ژاپان معلوم گردیده و که این طور یک حرکت برای منافع امریکائی در آسیای شرقی مخالف پیدا شده .

خبر رسمی از پیتزبورگ خبر میدهد که در بوت شکر ایالت کولرادو آتش افروز شده معلوم میشود که محل سیمی است که بیچاره گان برای تفریح خبر می پیدا کرده و بعضی از اعضای خود را به قبر خبر فرستاده شده .

از بین خبر ماخن اطلاع میدهد که در نظر قانی از اداره ایالت (پای) (ترکیس) نشر شده معلوم میشود که وباس باقی قوت قوا تو لا را یاد کرده . این روزها

در استان جزاء اسباب سخل تا بوت نا میرده و انگشتانده و هر چه قدر جواهر و نفیسات اسباب یا قطعه آثار ابرده . این وقوعات بسیار تاثیر عمومی را موجب شده است .

پیش ازین خبر بر ملک صدیق را هم باز کرده و از بقیه علام او دستخوان کله دستش برا و بودند لیکن آن سفر یا اسباب جواهر و غیره را غرض نگرفته بودند .

ترجمه از اخبار روسیه اردو

اخبار (ملت) مورخه ۲۰ عموم مینویسد : اگرچه الغانستان در موقف یک سلطنت مستقل معلوم میشود اما نظر بر وضعیت موقع چنان یک بشتی دارد که بر سیاست جهه دنیا یک تاثیر بسیار عظیمه اجرا کرده میتواند . این هم از جهت باور کردنیست که تدابیر حکمت آمیزی که بر مجلس اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان غلطانه ملک در سیاست حاضره اجرا فرموده اند در حالت پر اشکل موجوده بسیار اثر خوبی بخشیده . و بر تمام عالم اسلامی بالعموم و بر ترکی و ایران بالخصوص عالیه ما فی نیز بجنبش یک مددگار بزرگی قدرت رسانیده است .

(سراج الاخبار جلد ۷) نام اخبار اردو مینویسد : اعلیحضرت امیر حاجی بل میبرده قومی را محسوس شده اند (۱۲) در جای خود امیر به این دو شریک ساخته اند . چنانچه در سیاست از اخبارات ذکر آن شده است که ملک ما در پیرا از افغانستان جمع میشود و بکمیشن (کال) حرف فرستاده میشود . چنان . حالا چیزی شک پیشه ده یا بیدادی افغانستان باقی نماند ؟ حالانکه در موقف از افغانستان اخبار میبرده بیدادن شروع کرده که این میبرده ترقی و معارف بخش معلوم است که چیست . صدا های اخبار بسیار اثر داده و برای جمع آوردن مصالح تعلقات قومی قایم می نماید که بواسطه آن روشنی علمی افغانستان ظلمن است که بزودی از خشه ناگی گیرد و بهمچو سراج الاخبار کابل سردار علی احمد خان صاحب است که از تعلیم یافته گان نامی (اسکول) ای پنجاب است (۱) ایشان سرد و گرم هوای زمانه را خوب خبر دارند . و هم میرآگاه اعلیحضرت امیر صاحب چا شنده و ازین معلوم میشود که ایشان در باب آزاد ساختن افغانستان را بر و علی سیبیا و میبرده (۲) (عزت در ۱۲) [زنده باد بادشاه ما]

رئیس مصر ما (لکهنؤ گزٹ) در ضمن مورخه ۵ جبر خود در بر خواندن (جلد دوم اعلای بزمجلس (اعلیحضرت امیر افغانستان) یک مقاله بسیار شیرین و دل چسپی نوشته و دیده از ان که از کیفیت جلد دوم اعلای و زمانهای سابق تاریخ بیان . و اعظاء و قدر دان آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 127 of 1786

آریانا

رخ چکر ہوا

غزل

عزل ختم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 128 of 1786

گر بر آن چشمان زاد آب جگر بود ۱ | دان صنوبر قد زنازه آب رخ جگر خوار ۱
یک خوابی ره دی هر گز نشد بیدار | دیده های قیر نازه آب رخ جگر بود ۱
ای دل خوشت دهد روی نازنین | یک نظر جانانه آب رخ جگر بود ۱
هر یک طفل دلک دیدار دلکش | جلوه های خسرو خانه آب رخ جگر بود ۱
از نجف تا های استقبال است صبح | زمین زیر شراره آب رخ جگر بود ۱
با نیاز اقبل شاه با ناز عید خوانم | بی نیازی را زنازه آب رخ جگر بود ۱

گفت محمود این سخن را چون جمال آن مثال
خواب غفلت را فسانه آب رخ جگر بود ۱

اعتقادات عجیبه در باب چیچک

یک مکالمه خنده آور

آشپز زن — آخ ! چه جمعیت یکدانه لگ بچه‌ها! چیچک از گرفتن لباسش گذشته کباب .

فخر — آیا چیزتان را خال زده بودید ؟

— نی آغا جان ! خالش نزده بودم ، ولی برچ دم گذه داده بودمش !

— برچ دم گذه چیست ؟

— وی آغا تو چه جاهلی ؟ مشک خلوت خانه‌ات هستی برچ دم گذه را چو نمی‌شناسی ؟

— مادر جان ! هرکس که خواسته باشد هر چیز را نمی‌شناسد ، بعضی را میشناسد بعضی را نمی‌شناسد .

زن — نه جم جگن سیچه است سر برچ دم میگذن بچی را میخورد ، نه کهنگ برچ دم گذه را دم خورده ام ، بچه نشده آی میزم که شیر و جوقه را میرسش باشم .

— شیر و جوقه ؟ آن برای چیست ؟

— اشه شو هفتش است نی ؟ از ده خاطر .

— در شب هفتم خوراندن شیر و جو برای مرض چیچک آیا فایده دارد ؟

— آی ، شام چه چیز اسیگن ! چیم خوبست که جو خوراندش ؟

— عفو بفرمائید بی بی ! آمدم بخواهم بدانم که در شب هفتم شیر و جو چسان فایده میدهد ؟

— ایشه ، در شو هفتم ده سر بچه (کاغذانی) میاید

(کاغذانی ؟) خوب بعد چی ؟

— نی انتظیره (کاغذانی) کیست ؟ و برای چه می آید ؟

— کاغذانی آنده دست آنده دانی چیچک را مانده است ، در کاغذ سیر خرش نوشته شده و شو هفتم ده سر نا خوش میاید . اگر دید که سیر دره از سر بچین گرد و مشنده زده شده بود ، دکاسی آنه دکاسی شیر و دشقاب جو ده سر نا جور بود پیشک خودش ، جوک خرش میخوره ، دانک گرفته ده سر نا جور پاش پشه نا جور جور پیشه ، دانگ دید که ای چیزانبود خاکستر بیگیره ده سر آبو انک پاشش بازکه خاکستر پاش داد — دور از جان بچه گلم — آبله جور میشه .

— مادر جان ! این اعتقاد بسیار باطل یک اعتقاد بست ، این فکر بسیار باطل یک فکریست ، الحمد لله ما و شما مسلمانیم از یکگونه اعتقاد و فکر باطل خدا پناه باید گرفت ، چیچک یک مرضیست از امراض مزمنه ساریه که همیشه در اطفال بنی بشر مسلط شده و بسی خرابیها میرساند ، و چنانچه خداوند عالم مرض آبله را خلق فرموده برای هر مرض دوای آنرا نیز خلق فرموده ، دوای یگانه چیچک خال زدن است ، خال زدن یک صنعتیست از صنعتهای حق و اکثر سے کربا آب چیچک گاو سالم را خال میزنند و بسبب آن خال زدن گاو سالم آبله میکند ، و باز و اکثر را آب آن آبله مار اورد (دُچوپ) نام لوله ای شیشه نی باریک میگیرند ، و در بازو و یا بند دست طفلها با نوک چاقو یک دو سه خط میکشند و از میان آب چیچک از لولهٔ شیشه نی بران یک قطره میچکانند ، بعد از چند روز در همان جا یک دو سه آبله می برآید و بعد سه چهار روز خشک شده و باره هم چیچک نمیکند .

— بلی زود آمد ! اگر هفت جنی خود دی و هفت دنیای آنی زنده پوست سیر و سوزن بسازم ای چیزانے را نمیگذارم پیدا کند و نخنانم .

— نی ، اینچنین نیست نه جنی خود دی و نه هفت آبنین حاجت دارد ، اعلیحضرت پادشاه مهربان ما از کمال شفقت و مرحمت پدرانه لطف کشیده اند که در بارهٔ مادشا رعایای خود توجه دارد و شفاخانه بسیار بزرگی در هر یک جا بنیاد گذاشته و از بسیار جاهای دور و اکثر بسیار قابل و ماهر را طلب فرموده ، هر قسم مرض های که بر جراحی و دوای تعلق داشته باشد در آنجا معالجه میشود ، خاصه چیچک هم در آنجا زده میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 129 of 1786

— آقای دکتر، خواهش می‌کنم بفرمائید...

دکتر چه شده؟

— خانم بیمار ما، که شما را به عنوان طبیب معالج خود انتخاب کرده‌اند، چند دقیقه پیش از این جهان رفت.

— خدایا! چه می‌گوئی؟ دیشب که من او را دیدم حالش خوب بود. چطور ممکن است؟

— بله، ولی از وقتی که شما از اینجا رفتید حالش بد شد و بعد از یک ساعت درگذشت.

— خدایا! چه بگویم؟ چه بکنم؟ آیا کسی را به منزل او فرستادید؟

— بله، یک نفر را فرستادیم، ولی او هم برگشت و گفت که در منزل کسی نیست.

— پس برای چه؟

— وای! دکتر، مگر نمی‌دانید که او یک خانم بیوه است و دو دختر جوان دارد؟

— آه! بله، بله، حالا یادم آمد. پس باید هر چه زودتر به منزل او بروم.

دکتر با عجله از مطب خارج شد و سوار اتومبیل خود گردید و به سرعت به طرف منزل مرحومه حرکت کرد.

در راه فکر می‌کرد که چه بگوید و چه کند تا بتواند دختران بیچاره را تسلی دهد. ولی هر چه فکر می‌کرد چیزی به نظرش نمی‌رسید. بالاخره تصمیم گرفت که هیچ نگوید و فقط با آنها گریه کند.

اتومبیل جلو در خانه ایستاد. دکتر پیاده شد و زنگ در را فشار داد. در باز شد و دکتر وارد حیاط شد. دید که دختران مرحومه در حیاط ایستاده‌اند و با دیدن او شروع به گریه کردند.

دکتر جلو رفت و گفت: دخترانم، گریه نکنید. من هم مادرم را از دست داده‌ام و می‌دانم که چه درد بزرگی است. ولی باید صبر کنید و به خدا توکل کنید.

دختران گریه‌کنان گفتند: ما نمی‌دانیم که چه کنیم. مادرمان ما را تنها گذاشته و رفته است.

دکتر گفت: من هم پدرم را از دست داده‌ام و می‌دانم که چه حالی دارید. ولی باید صبر کنید و به خدا توکل کنید.

دختران

اطلاع

بسبب کثرت مضامین گزارش ہیچ مقالات بعد دو دین فقط تا ہیچ
سر ہیچ نمبر ۱۲ ہیچ دین گزر بعد دو دات خواہیچ ہیچ بروہ ہات خط۔

جملہ مقالہ بانگ مستطاد و از طرف سر محرر تحریر یافت

مدیر و سر محرر سراج الاخبار

جس دو اہتمام الحاج عبد الخالق پسر طرزی مہتمم چاپہ خانہ دار السلطنت کابل
بقلم میرزا محمد حسن قندہاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 131 of 1786

صفحه ۱ — سال یکم — نمبر ۱۱

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره و چاپ و مطبعه
در دامن غازی دارالسلطنه کابل

هر اعتراف تحریریه به اداره خاص
باید مدیر فرستاده بشود

هر پارچه در ردی نگاشته نشده
نمیشود

تاریخ شمسی ۱۵ حوت ۱۲۹۰

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

بتصدیق ان
اجلاس کابینه ملی حضرت اعلیحضرت همایونی
مطبوع شد

قیمت سالیانه
در دارالسلطنه کابل ۸ روپیه چهل
در ولایات افغانستان با احتساب اجرت چاپار ۱۲ روپیه
در ممالک خارجه با اجرت چاپار ۱۶ روپیه
قیمت یک نسخه آن در کابل یکصد پول است

تاریخ هجری ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۰

در اینجا اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

بیانات مدیر — تعلیقات نگار در داخله —
حوادث داخلیه — حوادث خارجه —
نقد تاریخ — صنعت ملاحی — ادبیات
— یادآوری —

یک یادداشت مدیر

بیانات مدیر

یکی چیزی که در ظاهر حال بسیار کوچک و بی اهمیت بنظر می آید در حقیقت یک جهان حقیقت و کتابی از صنایع و حکمت در آن درج شده میباشد. مثلاً یک (درج ساعت) که در پیرامن حرکت دوری شهرهای بزرگ و دنیا را دور میزند بعضی اوقات بنظر ما یک اسباب بی قدر و بی اهمیت می آید. ولی در حقیقت این ساعت کوچک یک کتاب بزرگ صنایع بشری است. این ساعت کوچک در هر دولت و هر کشور و شهر و آبادی که میرود و هر گوشه و خانه ای که از اطراف آن بگذرد با آواز بلند و با آهنگ دلکش خوش آیند آن وقت و ساعت و هنگام را بمردم آن حدود بیان کرده و میگوید:

شهر شهر عزیز من (درج ساعت) که در این لحظه مقصد حال (دل کشا) نام یک دولت و دولت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 132 of 1786

کیفیت شکارهای همایونی در دره نور

جناب قدر قدرتی حاجی علی احمد خان ایشیک آقاسی علی حضور اعلیحضرت همایونی که همراهی همایونی در دره نور شرفیاب بودند کیفیت شکار اعلیحضرت پادشاه مظفر مارا در دره نور تحریر و بحضور خود بیاورد و ما تمام تحریر حاجی فرستاده و ما نگر ما آنرا اینجا درج صفحه اتحاف نمائیم ؛

دره نور سی است باسمی اگر بیانات آب و هوایش بپردازیم در صفحه نگنجد بیش ندارد در تابستان از تواجات گزاشت ، بطرف شرقی و شمالی جلال آباد واقع است که قله های کوه بندکر از بیخ شاهی جلال آباد به نظر می آید بعد آن از جلال آباد الی سنگچال راه موضعات دره نور پیدا میشود تخمیناً دو ازده کروه مسافت دارد و سنگچالی از نصب جات شکار میباشد که برخی اوقات چون اعلیحضرت سراج الملة والدین والایا برای شکار تشریف می برند در موضع مذکور محل توقف اردوی همایونی میباشد که ارتفاع منزل جای موصوف که عبارت از سنگچالی باشد از سطح سمندر ۴۳۲۰ فوت بلند می دارد — دره نور که بعد از سنگچالی بیک طرف آن دارد تا بر کوت و دیگر از بر کوت می گذرد — مردمان این دره از خود جلمه و لغات مخصوصی دارند که بر خلاف فارسی دافغانی است —

شده است و شب را آنجا بسر برده صباح روز دیگر از آنجا کوچ نموده بعد از طی دو فرسخ راه بدره نور رسیدند و در آن روز شب را در همان دره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 133 of 1786

حوادث داخلیه

هوای کابل

(مسافرین پشاور) هوای کابل (پایتخت افغانستان) بسیار خوش اعتدال و خنک است. در تابستان هوا بسیار گرم و در زمستان بسیار سرد است. در بهار و خزان هوا معتدل است. در زمستان برف زیاد می‌بارد و در تابستان باران کم می‌بارد. در بهار و خزان هوا گاهی ابری و گاهی آفتابی است. در زمستان هوا بسیار سرد است. در تابستان هوا بسیار گرم است. در بهار و خزان هوا معتدل است. در زمستان برف زیاد می‌بارد و در تابستان باران کم می‌بارد. در بهار و خزان هوا گاهی ابری و گاهی آفتابی است.

اخبار ایالت شمال

از یک از قلل بسیار مسافر انگلیزی به خبر داد که در شب چهارم ماه صفر المظفر سنه (۱۳۳۰) جناب ولی صاحب محترم منصور و والده سردار اعظم عطا محمد خان و علی یوسف خان مصاحبان خاص حضور اعلیحضرت غازی خانه و خانه او در جلال آباد از دار دنیا خانم رحلت سرای عقبا نمودند. مرحومه مشار الیها یکی از یادگارهای تاجدار مغفور سنیه افغانیه و حضرت محترمه (وزیر محمد اکبر خان) بود که در نگاه و تربیت سپهسالار جنت مکان (امیر دوست محمد خان) بوده و از برای بزرگوار ذیشان سبب تحایف تاریخ (افغانستان) شجاعت و حالات شان مستغنی از وصف و بیان میباشد. از اجر جمیله و مآثر خیر و خاتمه داری مرحومه مغفوره شمار الیها و از اهتمام و اشفاق اعلیحضرت همایونی بسیار واقف و احترام بعمل آمد. جنازه ایشان از جلال آباد به زیارت مبارکه (جبل السراج) صاحب که در ولایت لغمان تقل داده شده در الجوار و حضن خاک عطرناک مدفون نمودند. رحمة الله علیها

(سراج الاخبار افغانیه) افزوده می‌شود که اعلیحضرت شاهانه را از دوره بیماری نیز که دوچار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 134 of 1786

اوقات و احوال مرحوم مغفور به عرض حضرت پرداخته اظهار حسرت و اسف بنمایند .

خبر رسمی

عالیجاه دولت محمد خان ناظم حضور والا آقا شیخ آقاسی امیر مرحوم مرحوم برادر زاده ایشیک آقاسی شیر دل خان لوحی نا چیز مرحوم — بتاریخ یوم چهارشنبه ۱۲ ماه محرم الحرام از حضور مبارک اعلیحضرت سراج الملة والدین به خدمت (دار الخلافت حضور) سرکرده مقرر گردید — سابق برین نا چیز به خدمت سرپرستی تعمیرات شاهی مقرر بود و حالا بعوض او عالیجاه برگزیده محمد قلیخان ولد مرحوم سلطان محمد خان مرحوم سرپرست تعمیرات شاهی مقرر و سرافراز گردید — چون اعلیحضرت شهریاری اکثر اوقات برای سیر و شکار و سیاحت و ملاحظه ملک خود در هر جای تشریف می برند ضرور دانستند که یک محکمه همرکابی جهة خورد و برد و سایر ما یحتاج همرکاب مبارک در هر جای باشد — که محکمه مذکور مرکب از یک نفر قاضی و دو نفر منشی و یک نفر فراش و چهار نفر میرزا و هیئت نظر یاده و ده نفر سوار متعلق محکمه مذکور بوده برای اجرای امور محکمه حاضر همرکاب باشند — خیمه مخصوص برای کار مذکور و باقی انتظام کامل از حضور مبارک مرحمت گردید — هر شخصی از رعیت و غیره که عرض و دادی داشته باشد در هر جای که اردوی شان چشم پوشی کرده باشند محکمه مذکور خواسته کیفیت را بخود معلوم کرده و عرض آنرا بحضور مبارک میکند و اگر عارض در رفع گفته بود البته عرض گذارد حضور مبارک کرده و از شخص عارض باز خواست بعمل میشود که چرا عرض کرده بود و علی یا القیاس — و هر جا که اعلیحضرت شهریاری اقامه فرماید از چهار پنج روز در هر دو محکمه دار الخلافت حضور همرکاب باشد و اگر از چهار پنج روز زیاده گذر تشریف برده محکمه مذکور در جای خود بکار خود مشغول باشد فقط

سراج الاخبار افغانیه

سبحان الله ! ما رعایای صادق افغانستان شکر این نعمت عظمی را چگونه بجای آریم که خداوند ما را تا این درجه مورد الطاف خود گردانیده که چنان پادشاه مرحمت و رأفت شعار با لطف و احسان فرموده که در مقر دار الخلافت از گزاری دولت پروری و شفقت گستری رعایای صادق شاه دوست

فارغ البال نشسته ، این مرحمت ها و عنایتی که در باب تشکیل هیئت (دار الخلافت حضور) برای رسیدن معروضات مظلومان و خدمت کردن شاکیان رعایا بجمع مبارک شاهانی از چنان اعلیحضرت رعایت پرور شهریاری با رشاد منتظر تحریب انقلاب است که ایفای مشکلات آن از ذوات جسامت همت شعار دور میشود . جناب دولت محمد خان بلحاظیت ، دولت است ، و صداقت معروف یک ذاتیست . از درگاه باری توفیقات جزا امور دولت خیر و مصلحت شعار و در کارهای کوتاه شان نباشد میکنیم .

جواب شاخ جنگله

باهمال اهل سیاحت سیاحت علم

چون دولت های اروپائی جواب علم نظر بکشیدن و بارها در یک هیچ و هیچ پرتقه و آشوبی نمی یابم که از هر طرف سیاحان دست اتحادی دریای پر موج سیاحی پوشیده و جهازات آورده و آنها بخار راه خود را هوای هوا آب و داب شده و مرکز زمین هر طرف دنیا را زده و زلزله در آورده است ، و خبر کنترین منطقه که این زلزله پر تلفات و ان اجرای خرابی میکند جاپان ما مالک اعلیحضرت دولت علیه عثمانی دار السلطنه ، و چون یک قدری دور تر نظر بیندازیم مالک وسیعه چین را نیز در یک گرداب نابود هیچ و هیچ می یابیم ، و چون باز بسوی مغرب اقصی یک مختصر نظر کنیم انجا را نیز از ثمرات زلزله خالی نمی یابیم .

دولت فلانی در جاز ده و کشمکش پیچ و تاب و دولت استیلی (قفاز) در کشمکش خوابی خارجی و دیگری اختلافات فرقه های مختلفه داخلی انتباهست ، الخ که این شق و تر طبیعی داشتنکه خبر از اتوال میباشد ، و موجب آنرا بیشه بعد انحطاط و خراب اسلام میشود ، از وقت ها خبر فرقه های معلوم داریم که در وقت قلیلیه با همدیگر گلاویز و گریبان گریبان در افتاده و اند یکی (فرقه انگلوترک) و دیگری (فرقه حریت و ائتلاف) میباشند و غیر از این یک فرقه دیگر نیز هست که آنرا (فرقه مستقله) نامند این اختلاف فرقه ها برای قوام قرقش حکومت شورطه عثمانیه و دوام و حفظ دولت بر یک محور لایق یک مانع

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 135 of 1786

و مشکل طلبی مشغول بوده و هستند ؛

قابل تعجب است که از ابتدای اعلان مشروطیت بعضی از بیگانه پرور دولت مشغول ایجاد و آمده و از جهان خارجه قوت گرفته اند تا بحدیست که هر جا در توانایه آن نباشد مقاومت میشود ، مستند از مجامع و اتحاد بوسیله تلگراف اعلان استقلالیت بخارجه ، مستند بر جناب گرفته ، عصیان از کاوه ، شورش یمن و عسیر و کرد و کیلی از دولتهای سلطنه او دوپاکه من حیث اتفاق متفق گردیده سه دولت شهرده میشوند و خط تماس دارند و اهل سیاست را آورده یک نقطه ملک شما را یعنی یک پارچه گوشت بدن شما را در بر دارند ؛

بعد از عثمانی ایران را در یک شورش و اختلال عظیم می بینیم که در نهایت امر سیاست دوستی انگلیس آن مملکت را یک نمونه حالت نزعی در آورده است . اگر چه عثمانیه و عربی مشروطیت را گردن اجرا نداشتند (قانون اساسی) و از سیاهای بسیار پیش مرعی الاجرا داشته و بنا بر بعضی علل ها سکته داده و بوطن خود نداده ولی وقت ایران پیش از آنکه یک قانون اساسی داشته باشد ، و به درجه حالت غائی نگشیده و علمها و اتحادیان خود را بیقرار بیند و خود را تا یکدرجه مشروطیت شناس نساخته اند تا بگذارند و بیرنگ های میکرد و بهای سیاسی جز علم شناسی فریب خورده و قیا چیا نوشته و غلط ها انداخته ، و چنان بود که تاثیر آن میکرد و بیدار ، و جوانان بین آن دولت قدیمه کیانیه مرض های مختلفه بوجود آورده و قریب الوقوع گردانیده

احوال مغرب اقصی که یک هیئت اسلامیه مستقل و آزادی بودند چنان یک بحر انگلیزی بس میبرند که جرمنی و فرانسه بحل و فصل کرده که خود آن بازنده نیست چون نفوس نداشتند که چه بوده و چه شده و نمیدانند که چیست خودشان را مانند یک کسی خواهند یافت که تار های تنیده شده عنکبوتهای خرقیت شکار سراپای شما را چسبیده باشد ، سبحان الله ! از خرقیت دوم میرسند ، دوم بدوم در پی اسارت عالم میکوشند ! ...

و قایع چین را بتر چون در زیر علامه دور بینی بیاریم آن لحاف بسیار بزرگ را بتر برای بعضی منفعت است لیکن اگرچه بقدر یک شپش هم باشد در آتش های شعله افروز بعضی استفاده طلبان می بینیم مثلاً خیال بلعیدن روس عالک (مونغولیا) را ! ...

این است شمه از احوال اجمالی که عالم گرد خلاصه بر نظر مطالعین کرام خود عرض کردیم فقط

از اخبار های ترکی

(بنی عصر ما اخبار خواهد شد ، (طلبین) اگر در بعضی دولت علیه شایعه علمی داشته میشود از اخبار ما بیک لسان بیربالی جمله را نوشته و گفته است :

« قسم اعظم مقالاتی که در (سراج الاخبار) افندی خود بان نوشته ایم بی محابا بوده است . این قوته اگر صفحات خبر و ادبیات خارجیه خود ، اکثر اوقات بی غرضانه خرب و احوال سلطنت عثمانیه حصر کرده و بر اکثر شایان وقت بحث نموده است »

بعد ازین بر خود بعضی بوقت تحریر عثمانیه روی سخن را گردانیده و چنین است :

« در اینجا ، تکلیف بر اطلاعات اسلامیه از ماهیت و بیان میدانم ، و جمله شرق ، و بعالم اسلام بگانه ، امیدشان را بوجدات و سعادت ، یعنی بقوت عثمانیه معطوف نموده و اگر با این مقدمات سفید چاره و طن خود را بدست خود نگیرند تنها او نابود و اضمحلال خود نی بلکه بر همسن نیابند که این عالم اسلام پر کرده است بر ما لعنت خوان خواهند شد ! »

ما میگوییم که : از لعنت خوانی چه باشد ! ولی این یک محقق است که جمله عالم اسلام علی الخصوص افغانستان سعادت و نجات و فوز و فلاح مقام سلطنت سنیه عثمانیه و خصوصاً بودن سلطان المعظم را آرزو دارند و به این سخن هیچگاه راضی نیستند که وطن خود را و تبعگی جویند و از اتفاقات بین خود شان باز نیایند .

مصوبات دار السیاده حضرت سلطان المعظم

دار السیاده مجلس مبعوثان

(بموجب فقره چهارم قانون اساسی دعوت سنه مجلس مبعوثان را بجمع در اول سنه با انتخاب اجتماع بیانات جدیده مبعوثان را اراده و دعوت کردم .)

(بموجب کردن و بکار آوردن این اراده سنیه اعظم مامور دست)

محمد رشاد

این است که بموجب این اراده سنیه مجلس مبعوثان حاضر و بفتح بر طرف شده و با انتخابات جدیده دیگر افتتاح شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 136 of 1786

محاربه مصر مع از مصر جناب

لیدی ورتی

حضرت افاضل ! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

داشتم در شرح یکی از حوادث بامبک اسیر مصری که از ید من فرار فراهس آزاد آمده است دو باره بجنگ موجود بوده است قائم مقام است و در چون جبهه تواتر شنیده می شد که در افغان محاربه از ایطالیا با هشت صد نفر تلفات بوقوع آمده و از اسلام دو از دو نفر در افغان محاربه از ایطالیا پانصد نفر کشته شده و از اسلام نه نفر این مسئله پیشه و ایه تشویش و مراق انداخته بود . لهذا حقیقت این مسئله را از دشمن مذکور سوال نودم . حوی الیه قسم جلاله مذکور یاد کرده که من فهم خود دیده ام که در جبهه محاربه ما از بایه عدد ای هشت صد نفر از دشمن به صد تا تلفات بوقوع آمده است . و این را هم گفت که اگر ما بیاد اگر تعریف لوپکی باش را بطور چیا بسته باشیم . و اگر بجز و همین دکشته گان شان نرخم کرده از بشت برداشته اند . و آنا بنکه نرخم از پیش رو برداشته از خوای اسلام فی یک از آنها ای خود نانست که در دشمنای گرید تلفیهای خود شان را زیر بغل گرفته و من تعلق یاد و تلف کرده اید . هر یکی بزنده و هم خبر میکنند که اگر تلفات ای شان بر سیاه و تلفاتی شان اصابت بکند . و اگر بر دیک من تعجب نشینه م که بگویند چون عربها قیار و ما بیش کشتیها ی هوائی ایطالیا با ها در اول بار دیدند بسیار خوف اتفاق و گفته که این علامت سیه نا بهادی ست . اور یک از بین دل انداز ای عربها بایه اندیشه اتفاق و در باب فهمانیدن عربها را حوال قیار و بسیار کوشش نمود . تا انکه از چند عدد قیار و ما یک از فرانس خواست بودیکی از آنها به اردوگاه اسلام رسیده و اور یک عربها را در قیار و نشانده و بر هوا بلند کرده و به این صورت خوف در عرب آن بار از اذهان نمود فقط

(مقلد)

از مصر ۱۰ صفر سنه ۱۳۳۰ الحاج غلام نقشبند الاتصالی الکال

از اخبار مصر ما پاریس نقل میشود

رفیق ترک و عرب

بیان واقعات چشم دید یکنفر انگلیس در محاربه طرابلس

آپیر خبر مورخه ۲۴ جنوری استر ا سوئلک که برطانیت انواع شقاوتها در طرابلس بر خلاف مردم ایطالیا فی جنگ

گردیده و حال را بالتفصیل گاشته و اینان در ستاد بودند شهر مذکور رسیده است چنانچه واقعات جنگ را در سطور ذیل می نگارد — من بتاریخ ۲۱ ۲۲ دستجات لشکر گاه نشت باشا برا بزوا داده بودند شدم لاکن چون در مدین رسیدم بسبب ضعف طبیعت و از دیاد حالت تبش رفته نتوانستم دیگر را در مدین توقف کردم در کلستان طرابلس من سکرده یکدسته فوج طغانی بودم و تقریبا هر روز بر فوج ایطالیه حمله میکردیم و کسی از ما بر پشت اسپ سوار نمی شد . زیرا که سوار می شده و بنظر خصم می افتاد تفنگ می شد سوار اسپ گویا مطلب مرگ بود پس ما (ترک و عرب) پیاده جنگ میکردیم و من ترک و عرب را فیق شجاع دیگر از ان عرصه جنگ یاقتام — من تعداد قوه طغانیه سیصد و پنجاه الیت و دین کلام چست که از ابتدا ی محاربه تعداد عرب و ترک بواسطه اضافه میشود و هر عرب که در صحرای طرابلس موجود میباشد برای مقاتله مستعد است بسا اوقات شیوخ قبایل مختلف دو یا زده نفر با علاوه آن مسلح به آلات جنگ در عرصه کارزار می آمدند و مردم سنوسی نیز در تعداد برادران اسلامی شان اضافه میکنند — من اکثر خبرهای جنگ را از نقرا و ذرایع نامه نگاران ایطالیه شنیده می یابند و اخبارات بجز ادم و دیگران لفظ بقیه اتم که از واقعات غیب اطلاع ایطالیا قابل اعتبار بوده و مبالغ بسیار میباشد — مردم ایطالوی تلفات انواج شان خیلی خفیف تلقی نموده و علی الخصوص خبر ای آن جنگیکه من در ان شریک بوده ام سراسر اصل ندارند زیرا که ما خود اجساد مرده شان را شمار کرده ایم — ترک و عرب هیچ اعتبار اسلوه و نفری ندارند تا پنج سال دیگر جنگ کرده میتوانند لفظ کردم تا به عرصه وغا از هیچ چیز ها نداشته باشند مصروف نگاشته و چیز اند — چون بالستان آن حدود برای ترک و عرب گوشت و برنج و نان و ذالجات و قهوه لفظ گردیده هیچ چیز که برای حیات لابد است هیچ میکند از ما حال آن چیزی که برای فوج ایطالیه فایده مند ثابت شده است جهازات هوا پیمت جهازات مذکور هر روز بر سر ما پرواز میکنند و بر ما بمب می اندازند یکدفعه یک جهاز هوائی بر ما گلوله انداخت و بعضی از زخمیان عرب که در شفاخانه بودند شهید شدند من هیچ ضرر نرسید در شفاخانه طغانیه در عید ان جنگ الیت بسبب قلت ادویه خیلی تکلیف محسوس میشود و چون یک قطعی است که من در لشکر اسلامی مشاهده کرده ام — در شفاخانه ذکره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 137 of 1786

یک و اخیر حاذق که ذوق است طبع گرم و می بهر خود و جنس سیاه
رحمت کاوش شاه است بعد از آن سیر و ملک یک مشت
گور یار اعیان نمود و گفت که این است تحفه تحت و تاج
فشانی و اکثر ترک کرد و زبان می رحیان نشاط
کشید و است خط

از اخبار ما می آرد و

رفیق از اخبار (نیز اظهر) مینویسد:

چونکه اعلیحضرت امیر صاحب کابل بایت اداء پیشکش
شیدای طرابلس بر رعایای خود خطاب فرموده بودند
که: «در این چنین وقت که زنهای اطراف بحرکش جنت بلن
دیده و می قوی برای تیز داری و خط شکاری می جوشد چنین
دیدن این کار از امیر دنیا پس جای افسوس است که ما
از اداء وجه مالی هم اجتناب نمائیم» لحظه نکرده فوق دو
رعایای حضور ممدوح چنان اثر انداخت که نهایت داخ و
دلی موصول اطاعت مالی نمودند — و رعایای هندو با این
خیال که دوست پادشاه دوست ایشان و دشمن پادشاه
دشمن ایشان است و در یکسکه پادشاه و رعایا مخالفت می تواند
برداشت است نیز اداء مالی نمودند — آما دشمنان ملک
و مالی عداوت و نفاق که نفاق مسلمانان و هنود را پیوسته
ملک می بیند از این حرف بیگانه سر و دمی گشتند —
چنانچه بعض اخبارات آریه مخالفت آن می نمایند و آن
هنود که به رغبت خود معاونت مالی نموده اند اظهار به چیز
دلتنگی نمیکنند — حالانکه میدانند که
رعایا حیث حکم فرمان بردار پادشاه خود باشد
و خوشنودی پادشاه را دائم مدنظر داشته باشد
— چون اداء وجه چنین طرابلس به نزد پادشاه ضرور
و لازمی است و یک بیگه زمان عمل کند مظنه رخت از
پادشاه محروب میگردند — لاکن قدر و منزلت
این محض را فرقه آریه که فرض چنین شان بر طرابلس
پادشاه میباشد نمی دانند —

اخبارات هنود بر تشریف آوری اعلیحضرت
امیر صاحب در هندوستان تعریف بیحد نموده بودند
که اعلیحضرت ممدوح نهایت کریم النفس و رحیم المزاج
پادشاه میباشند و لی رعایای خود هیچ نظر ندارند
— تعریف مذکور اخبارات هنود در اوقت شایع
نموده بودند که اعلیحضرت ممدوح در ایام توقف

پیش از سفر رعایای هنود تبانی کرده برای مسلمانان منع فرموده
بودند — لاکن اکنون حضور ممدوح جابر و ظالم قرار داده
شده اند محض بر ملک اوشان از رعایای هنود ملک خود
بهت باز مانده گویان شبهه ای طرابلس الماعت مالی طلب
نموده اند و باحکم فرموده اند که رعایای هنود هم درین معامله
شریک باشند — اگر در حقیقت چنین مذکور اعلیحضرت
امیر صاحب صحیح باشد باید دانست که سرکار و الا رعایای
هنود خود را بسیار قابل اعتبار می شمارند چرا که فرمایش صرف
برآن شخص کرده میشود که از اداء امید بجا آوری حکم باشد
و اگر بر این چنین موقع که اعلیحضرت امیر صاحب رعایای
مسلمان خود را امر اطاعت فرموده بودند در حق رعایای
هنود خود چیزی نمی فرمودند در آن حالت چنین تصور کرده
می شد که اعلیحضرت ممدوح رعایای هنود خود را اعتقادی پندارند
بلکه چنان خیال میکنند که رعایای هنود فرمایش حضور عالی را
بجا نخواهد آورد — لاکن علاج این حرف ناحق است
که در دماغ دوستان ناخوش بوی میرسد و به تحقیق مبدل
میگردد و کل بنظر شان خار می نماید — یک انسان عاقل
کامل باخبر آنجا میداند که در مسلمانان و هنود افغانستان
مطلق نفاق و عداوت را و نیافته و رعایای هنود در افغانستان
دارند رعایای مسلمان باور دارند و صاحب عصمت میباشند — مسلمانان
و هنود با نفاق و اتفاق دیرینه چگونه زندگانی بسر میبرند — در کابل
شکایت هندو از مسلمانان و شکایت مسلمانان از هندو
شنیده و شنیده و اگر چنین می بود اخبارات هندوستان با چنان
مضامین طویل و شور و غوغا بر پا میکردند که از حد بیان بیرون
است لاکن لشکر خداوند است که سرزمین کابل از این
نفاق پاک است — چونکه روز آدینه روز مذهبی مسلمانان
روز تعطیل است و در آن یوم عموماً کاروبار از تخته بیاض
و اگر این هندو گر اثریه آنچنانیکه اخبارات هندوستان
تقلید مسلمانان میکنند و بروز جمعه و باغات رفته ساعت تیری
داخل و مشرب می نمایند و درین ساعت تیری مسلمانان و
هنود باهم متفق میباشند پس اگر در چنین صورت اهل هندو
اداء مسلمانان و مسلمانان اداء هنود متابعت در امی نمایند
هندوستان را افسوس کردن جا بجا است

(سراج الاخبار افغانیه)

از این سخن رفیق خود و جرا بهانگ در داخله و دولت
دولت جنود مقدسه ما چنان کرده و از اظهار لشکر خود داری
کرده نمیتوانیم — اگر چه از این لفظ (آریه) نامی مشهور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 138 of 1786

دنبود رجعت کرد کیف مسلک و منصفه آنجا آگهی ندارم ولی باوجود این هم الفاظ «کیرگشتاخانه» (جابر، ظالم) را بخود نشان داده گردد و هنگوم که اقول این سخن بشان غلط محض است که میگوید ذات اقدس حضرت پادشاه معظم ما گویا علمی و هیرمای از رعایای هندو خود دانسته باز نمانده گان طرز سیاسی غرب را طلب فرموده اند. نطق اعلیحضرت پادشاه ما بحروف بحروف در نمبر (۵۰) سراج الاخبار غایة مندرج است اگر خوانده باشند خواهند دید که در ان نطق بهیچ یک نطقی که چیره و علم رعایا کند قطعیه موجود نیست. رفیق ما نیز هرگز در پاسخ عدم شکایت، وحسن آمیزش رعایای مسلم و هندو افغانستان بیانات واضحه مجمله درج نموده که دهم بعضی چیزهای مشهودات واضحه خود را بر ان علاوه میکنم:

از مردم هندو در دولت افغانستان مردمانی هستند که بمنصب قاضی ماموریت های معتبره دولتی نشسته و وظیفه خوار میباشند، و در دربار های جلیل حضور رسمی دارند بلباس اعلی پوشاکی که بخصوص علامه قارئه طایفه زرد دیگر چیزی از دیگر منصب دار ان فرق نمی شود در مقامات مقرره خود نشسته، در صنف نه شگاه ان در بار منعقد از مردم هندو چه بالخصوص، و آبدار مخصوص، حتی خانه سامان و آشپز مخصوص برای معتبرین اهل هندو موجود است. همه امور صرافیه، عملکت که یک جزو مهم تجارت ملک شمرده میشود بدست مردم هندو است از نقطه نظر حقوق مساوات تامه در مابین رعایای مسلم و هندو دولت هیچ نوع مفقوده موجود است، در نظر شریعت و سیاست در مابین رعایای حقوقیه هیچ فرقی در مابین هندو و مسلم نیست. ذات اعلیحضرت پادشاه سیاسی شناس و دانای خردمند، انتهای عدم امتزاج و موجود اختلاف رعایای صادقه مسلم و هندو دولت خداداد خود شرا نی بلکه اختلافات مسلمین و هندو چندرا نیز بنظر استحسان می بینند. چنانچه مسئله (قربانی گاو) در اثنای سیاحت هندوستان شاهد شان و دلیل واضح این مدعا است. نقطه

رفیق مائوت مینویسد

مردم مسلمان پیروی کلام حق تعالی را داشته در معرض نظر خود را داخته اند - اگر انها آن دین پاک از دست نهید آوند در مابین آنها نزاع و تفرقه نمی افتاد - نبی کریم صلی الله علیه وآله وسلم بحیث مضبوط ساختن سیئه از ۱۲ قوم و بر نظر گرفتن آن تعلیم یک اصل نموده بود و آن تعلیم اصل ماخت خودن یک امیر است - مسئله امیر گردیدن چنان نیست و تعلیم آن در اسلام چنان وسیع نموده شده است که بوقت مسلم هم اگر زیاده از دو نفر نباشد در آن هم تقرر یک امیر ضرور می باشد - و در هر خانه و قبیله امیر تعیین بوده خود زنده آن بصورت ادم نمازگی شسته شده است تا که مسلمانان را در روز پنج مرتبه موقعه فکر کردن بر این اصل اسلامی بدست آید و اتحاد محکم گرفته باشند.

رفیق واجد حسین مینویسد

وقایع نگار مخصوص جریده ملک پیرالد امریکه اخبار، داده است روس غیر از خود بدون اخبار مذکور اطلاع داده از این قرار است - روسیان بدون گناه زنان و بچه گان بیطرف تبریز را مانند گوسفند بقتل رسانیده، عده مقتولین متجاوز از پانصد نفر است و هرچه الحاج میشود برای ترک این قضایها می وحشیانه روسیان هیچ قبول اصغای نمایند بسیاری از افسران حکومتی و بیست افسر پولیس محلی را بقتل رسانیده عمارات حکومتی را ایباره و خود و بسیاری از خانهای شخصی را با خاک یکسان کرده اند - برای اینها باستهای عصر این حرکات روس را برداشت نموده و بنظر تعجب و حیرت می نگرند چه وقتی باین حرکات وحشیانه اقدام خواهند کرد دولت ایران تمام مطالبات وی را قبول و حاضر شده بود برای همه گونه سلوک دوستانه با روس - روسیان در محلات اردبیل تبریز چهار نفر مسلمانان بی سلاح که بخانه خود در بازار بیگانه شسته بدون سبب و جهت بقتل رسانیده وقایع نگار مذکور مینویسد که حرکات قضایهای روس در تبریز قسمی بود که قضایهای ایطالی را در نظر انها غرب از یاد برده محو نمود.

مقدمه

علم تاریخ

در نمبر سابقه خوانده شده از (تاریخ علم تاریخ) بحث و بیان خود به پردیم، حالا در پیچا یکقدری از اهمیت و فایده این علم منشعبات و سرچشمه های آن که از کدام جاها معلومات میگیرد و اقسام تاریخ نویسان و اثار این علم و دیگر تعریفات آن بر مطالعه کنندگان گرام بعرض معلومات می پردازیم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 139 of 1786

ولی اینجا باید عرض کنیم که معلومات ما درباره تاریخ که مابیان مفاهیم بر اصول و قواعد تاریخ ترتیب داده این اطلاعات غیر و تقریبی باید از جهت خوبیت و تحقیق از بقیه ای مدت اولیه تاریخ ما تا یک پایه فرق و مباینت دارد و آنها عالم دارای تیاد، و خوبیت، و اعتبار تاریخ نیز یک اساس نوعی بخود گرفته اند، چیزی که وجود دارد چیزی

اهمیت و فایده های تاریخ — علم تاریخ را اگر بگوئیم که جامع همه علوم و فنون دنیا است جا دارد، زیرا واضح ترین بیانی که در باب علم تاریخ گفته شده همین است که «علم تاریخ یک علمیست که از احوال گذشته انبیاء و نوع بنی بشر بحث و بیان مینماید» تعریف حقیقی علم تاریخ همین است. آقای سیدی که در بیان احوال گذشته همه کس سیاسیات مدنیه [illegible] علوم [illegible] از علم تاریخ هر صنف و هر قوم مردم استفاده کرده میتوانند زیرا تاریخ هر اوال گذشته افراد و جمعیتهای بشر را تحقیق و تحقیق کرده اند از برجسته کاریهای فضیلت و نیکوئی گذشتگان ترغیب میدهد، و از کارهای لایعنی و بدی آنها انسان را درس های عبرت نافع داده و فضیلت و میزان میسازد. علی الخصوص مطالعه تاریخ برای مردمانی که به ادارهٔ عالم و علل تکلف اند بیشتر فایده می بخشد، زیرا وقایع و احوالی که موجب وحدت و اتحاد یک قوم و یا یک ملل گردیده و یا وقایع و اسبابی که موجب هلاکت و انقراض دیگر قوم و یا دیگر ملل شده و یکدیگر مقابله و مقایسه نموده پس احکام و اداره های نافع از آن بروی کار می آورد، پس به این سبب اگر علم تاریخ را بجوهر حقیقت یا (خبر احوال عالم) بفهمیم مناسب و موافق تر می آید.

سرچشمه های تاریخ — سرچشمه اینکه تاریخ از آنها معلومات گرفته میتواند چار است: (آثار) های بنی بشر است که این آثار سه نوعست:

اول — آثار های ضبط و ثبت کرده شده.

دوم — آثار های نقل و روایت کرده شده.

سوم — آثار حقیقه (یعنی آثار های کهنه و قدیمه).

آثار های ضبط و ثبت کرده شده همان آثار است که از طرف گذشتگان قدیم وقوعات و احوالات عصر خود شان را بر کاغذ پاپیروس حیوانات یا سنگها نوشته باشند و دست بدست تا بما بوقت آمده باشد.

آثار های نقل و روایت کرده شده همان آثار است که از پدر ها به اولاد و از اولاد به پسره نقل و روایت کرده آمده باشد، مانند خطابه ها و ضرب مثلها و شعار ها و قصه. گرچه اینگونه آثار پر مبالغه میباشد ولی باز هم تاریخ از آن استفاده کرده میتواند.

آثار حقیقه یعنی آثار های کهنه و قدیمه همان آثار است که از دست بنی بشر ساخته شده و باشد، از زیر خاکها های خراب زار ها پیدا شده، و یا بروی زمین باشند، مانند قلعه ها و بنیه ها، و هیکلها، و مجسمه ها، و صورت های سنگی نوشته شده، و سکه ها، و پیراقها، و آلات و آوانات دیگر که این آثار حقیقه هیچ ترین سرچشمه های وقوعات تاریخیه شمرده میشود، و بنام (آرخیولوژی) یعنی علم آثار حقیقه علیحده اگاه مخصص میباشد.

مددگاران تاریخ — بعضی علوم و فنونست که بتاریخ بسیار مدد ها میرساند که از آنجمله یکی فرق (آرخیولوژی) یعنی فرق آثار حقیقه چاشد که ذکر گردید. دوم فن (جغرافیا) ست که جای وموقع ظهور واتفاقات تاریخی را بما نشان میدهد. سوم تقویم ها و اما آنچیزیست که از آنچیز زمان واتفاقات تاریخی خبر میدهد. چارم (فن السنه) یعنی زبانهاست که در فرق و مناسبت اقوام مختلفه را بیکدیگر شان می شناساند، مثلاً از ریشه و یکی زبان، و دیگر بعضی احوال جنس (کاخلاس) پرده خاندان بزرگ تفتیش میشود که یکی از آنها (آریها) و دیگرش (سامیها) پیدا شده، مصریها، کلدانیها، حبرانیها، عربها، فنیکیها از خاندان سامیها پیدا شده، که تاریخ قدیم این ها با پسر (سام ابن نوح علیه السلام) نسبت میدهند، و هندیها، ایرانیها، افغانها، یونانیها، رومانیها، ترکها، اروپاییها از خاندان (آریها) پیدا شده که پدرشان (یافث ابن نوح علیه السلام) نسبت، و از آنها که تاریخ نیز از همین دو خاندان و از همین دو قوم بحث و بیان میدارد، زیرا از همین دو نسل آثار باقیانده که اساس تاریخ نیز آثار است.

اساس تاریخ — بعضی (سر تاریخ) هر قوم و هر ملت یکی از واقعه های عظیمه و مهمه را (سر تاریخ) گرفته اند، مثلاً ملت مبینه اسلام (هجرت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم) را از ذکر کرده بدینا مشهور و سر تاریخ شمرده میگویند که (قبل از هجرت یا ۵۳۲ سال ولادت حضرت عیسی علیه السلام وقوع آمده است.) یا میگویند که (بعد از هجرت نبوی یا ۹۳۱)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 140 of 1786

صنعت عکاسی

آیا فن عکاسی به حد نهایی رسیده و یا ...
عکاسی امروز برای ساحت تجربی و بررسی کاران آن خدمت ...
بلکه برای افراد و فنون مختلف کمک می‌رساند. عکاسی ...
صنعت و هنر است از یک طرف با ... و یعنی مشکل ...
فن با یک علم مخصوص سر و کار دارد ولی امروز در ...
با فنون علوم مختلف ارتباط دارد. فن عکاسی یک فن عظیم ...
و یک شعبه‌ی مهم پیدا شده است (عکاسی) یعنی شعبه‌ای ...
عکاسی در دو رشته تجربی بسیار ترقی کرده و سرعت ...
(عکاسی) یعنی عکاسی ... در این فن عکاسی ...
آن را ... است و دیگر فن عکاسی به حد نهایی ...
از آن فن عکاسی در موقعیت قابل استفاده و در بررسی علوم و اکتشاف ...
کرده است و دیگر فن عکاسی به حد نهایی رسیده است ...
از این به بعد فن تازه‌ای ... و فن‌های مختلف شده است ...
فن عکاسی از صنعت عکاسی تمام‌تر و پرارزش‌تر آورده است ...
از این جهت است که در داخل شدن به آثار هنری هر کس ...
بسیار مهیب می‌شود ولی عکاسی به آثار هنری بسیار ...
و در حال شده است. عکاسی لازم غیر مفارق عکاسی ...
است. چنانچه در مطبوعات یک مقاله را تشریح کند عکاسی هم ...
باشد و اسباب را که به صنایع مدیه لازم باشد ...
عکس آنها را تهیه و تکثیر کرده و تشریح سازد و بدین ترتیب ...
تفهیم و تعهد را آسان می‌کند.

عکاسی به فن جنگ هم بسیار خدمت نموده است ...
بی‌چیزهای دقایق، اگر چشم بشر آنها را دیده و نتوانسته ...
ضبط کرده و نشان داده است.

(سیقره و خط غرائی) (یعنی چیزهایی خورده و بین کرد ...
نشده و نمی‌شود و عکس آنها را گرفتن): این فن داخل ...
شده و برای تحلیل و مطالعه احتیاجات یعنی (کان شناسی) ...
نتایج عظیمه حاصل کرده.

(سینماتوگراف) یعنی چیزهای لازم‌تر نیز از صنایع ...
جدید فن عکاسی به بار آمده که حرکات و اوضاع ...
مختلف بشر را با عکس جمع کرده عکس را به آن زنده و ناطق ...
است. امروز بواسطه این شعبه عکاسی جنگها را مثل کنونی ...
به این جنگ با چشم تماشا میکنیم و بسی چیزهای دیگر را ...
هم به تماشا میکنیم.

فن عکاسی را علوم و فنون نیز یک خدمتی شده ...
چرخ بواسطه عکاسی خریطه آسمان را گرفته اند و پیشرفتهای ...
جدیده و کاشفهای حاصل شده است.

فن راکتری و فن بیقره و ... هم از این فن استفاده ...
و کمک حاصل کرده است. خصوصاً فن جراحی از ...
(رادیوغرافی) که یک قسمی از عکاسیست، حقیقتاً استفاده ...
عظیمه پیدا کرده. حال آن که یک زخمی را که جای گلوله ...
در وجودش معلوم نباشد بواسطه (رادیوغرافی) ...
معلوم میکنند و از آن جای گلوله را جدا میکنند ...
پیش از این بسیار مشکل بود. بسیار جاها را پاره میکردند ...
تا که گلوله پیدا شود.

و اما اصل جغرافیا، تاریخ علم آثار و حقیقت هم از ...

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 141 of 1786

غزل

حب وطن

کسیکه در دل او نیست حب خاک وطن
محقق است ز آدمیت مثل پاک وطن

دلی که گشت بحب وطن پر از غم
بهشت خالی از سودا بود تا بناک وطن

رسول گفت که حب وطن ز ایمان است
اگر تو مرد دلی دل بگیر پاک وطن

بخط و خدمت او خط مشو چاک
بهوش باش و بحب وطن زن از خاک وطن

بوقت حب وطن جامی و دل ملت
بداد باز ده قید بیشه و باک وطن

وطن بحب وطن قایم است هم محفوظ
که هست حب وطن تیر سینه چاک وطن

ز حق بنداز کنار طالب وطن (محمود)
که دشمنان وطن باد زیر خاک وطن

مخمس

از خامه شاعر شیرین کلام جناب عبد الحق المتخلص بمستغنی

بیرخ ادیبا بیت من از مفرحیا — چا نخوب برسید و بیاد و در حیا
ای سرا کلامه تا من ای بسیحیا — ای کرده خون فراق تو مژگانم حیا

بسیرم از برای تو گرد هم چو حیا
ای نو چو چشم مرغ است طاقت — این سر گرانیت بمن ای گنج بازه چیست

علامی بین المللی هیئت علمیه ایجاد شود. از اینرو این بار با
دو یا سه تن بیرون بازی تعلیم آتی و علمی آنرا ایجاد کنید
بعد از این آنها را از خارج بین کلان بیگذشت و با توافق
خریط و با لغت تعلیم را ایجاد، ملکی بدست آورد و بعد
من علامی بین المللی (یعنی کونسل) هر علم تنهای
عقد میکنند. و اینه علوم تنها این قاعده و اصول است
که چون یک اداره باشی بگیرد کونسل باید علمی اداره
میشود و هر قدر شریر و اداره باشی که در ملک باشد علمی آنجا
و حالات آنجا بدقت کونسل معتقد میباشد. بلکه مکتوبات ایطلو
اتفاقی مضر بهر حکومت روان میشود. تا که برای آنجا
هم معلوم شود. این علمی را به بندر ها و اداره کونسل
موجود میباشد هر گاه یک شریر و یا آدم شبهناک یک
جائی بیاید کونسل احوال ماضیه و شرارت او را خبر داشته
بشکل آزاد به گیر میکند
هر وقتیکه یک وقوعات و یا خیانت بوقوع آمده
باشد و قاتل گیر نشود.
حکومت علمی او باش ما را اشتهار کرده و بیانات
آویزان میکند. اگر کسی قاتل را دیده و باشد خبر میدهد که
قاتل این بود. چون کونسل نام و جای آنها را خبر دارد
گیر میکند.
این است که علامی معلوم و فنون بشریت
اینقدر فایده های بیشمار حاصل میکند.

م. خطیب

ادبیات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 142 of 1786

یادآوری

(سراج الاخبار افغانیه) باشتراک خود
نمبر ۱۱ را باتم خود یک روز مانده بختم رسانیده و از اقبال جاوید ابد
بشتر کین گرامی که بیشتر از یک سال اشتراک خود را تجدید نکرده اند
خواهش میشود که اشتراک خود را یاد آوری کرده و بیکروز
پیش از ختم نمبر ۱۱ اشتراک خود را تجدید نمایند تا از ارسال جریده
بسلسله خود بین گرامی عرض وجود خواهیم نمود.

بنابر آن در نظر داریم که از نمبر ۱۲ ستون دیگر را بنام (علم
و اسلامیت) نیز به کارین گرامی خود
بپیوندیم تحریر عرض و تقدیم کرده کسب فخر
و شرف نموده باشد.

در نظر داریم که از نمبر ۱۲ صفحه دیگر علاوه
کرده حجم خود را تا ۲۰ صفحه رسانیده صفحات
اضافی را بمبلغ ۲ نیم بر آن مقاله اینکه باقی دارد
داشته شروت علمی و ادبی و سیاسی را آینده
تقویه نموده و صفحات این منفعت آگین خود
بیشتر افزوده گردانیم. و این حصل از چهار چیز
یک اشتراک ترقی و تجدد شان داده و در طلب منفعت
و استفاده و فرائت کارین گرامی خود کوشش
نموده باشند انشاء الله تعالی.

هر مقاله ایکه دستخط نداشته از طرف مدیر و محرر مسئول راقم

مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

بمطبع و اهتمام الحاج عبد الاحد خان پسر مرحوم افغان مهتمم چاپخانه دارالسلطنت کابل

بمسلم میرزا محمد جعفر قندهاری

طبع شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 143 of 1786

صفحه ۱ سال پنجم نمره ۱۳

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره جاوه مطبعه
در شهین خانه دار السلطنه کابل

جمله امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر روستاد و میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی نمبر حمل ۱۲۹۱

شکر آن
ایشیک آقاسی اول حضرت پادشاهی
سلمه الله

قیمت سالیانه
در داخل سلطنت کابل ۸ روپیه کابلی
در داخل اتحاد مملکت و افغانستان ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت با خود جلد اک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نمبر آن در کابل یکصد سکه است
تاریخ عربی نمبر ربیع الثانی ۱۳۳۰

سراج الاخبار افغانیه
۱۲۲۹

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

تحسین علم و عرفان — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — معلومات فنیه — وظایف عسکریه — یک یادآوری مهم
خط بهشت — ابیات — ارمغان پادشاهان — عرضداشت عمل — خاتمه ای پاریس — سخنان هر دو نمبر

تحسین علم و عرفان و شکر از پادشاه شیوه کیش و نشان افغانستان

علم و عرفان، چنان نور تابنده و خشان بخالق کون و مکانست که هرگاه پرتو تابش مهر منیر ضیا افشانش بر یک مملکت و ملتی، یا قوم و ملتی پا نتشار انوار، و ایثار فیض آثار خود مساعدت نماید دل و ایمان تاریک ملت تیره و روح یکباره نادانی و گمراهی، و دهشت بلا متعرد ان جهالت منزل سعادت و هر اهی از ان ملک و ملت و قوم و ملت و واح ابدی گفته، انوار هدایت و سعادت و فیوضات راحت و نعمت هر طرف آن ملت و قوم را فرا میگیرد.

علم و عرفان، چنان لطف جمیل و صنع حضرت سبحانیست که اگر شمیم نسیم فیض بخش جان افزایش بر گشت زار ملت تشنه پر از خار زار یک کشور بی بهره و تفرات و فیوضات علم و حکمت و معرفت را بران بگانه مزرعه آمال ستقبال پیدا آن کشور را با از ار طراوت شار سعادت، و انوار اطافت آثار، رفاهیت بهره ور و شاداب میگرداند.

علم و عرفان، چنان نعمت گران قیمت حضرت ایزد منانست که هرگاه در ارق مطلق نفس و جان امر اعاشه و انتظام نوع شریف انسان را بآن مایه و فایده و حیات بخشای جان فزای اصالی و انسان نازل حیات جاودان و اصل بمنزل سعادت و دان میگردد.

راست نژاد حیوانات فخر کرا در تعریف سید؟ عقل و منطق! صیقل آئینه عقل و منطق چیز است؟ علم و معرفت! مبنع و منبع علم و معرفت کیست؟ مکاتب و مدارس!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 144 of 1786

است نزد ارباب عقل و هوش و دیده ور پنهان که این چیزها سبب چه چیز ها انسته میشود ؟ به افزودن یا نقصان علم و معرفت ! مشغول و قرون علم و معرفت چیست ؟ ترقی ای معرفت و علم با چه چیز ها ثابت است !

هزار بار شکر و ثنا خالق یکتا را که ملک وقت افغانستان با وجود وجود مقدس چنین یک پادشاه دانش دوست و شهریار دانش پرور و علم خان دانه اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) متعلم و سراز فرموده است که بسایه فیوضات آیه جاویدانی شان چنان بسی آثار ترقی و تعالی پروری کار آمده و در پهنه انتشار انوار علوم و معارف نیز یک شهراه بسیار عظیمی برای ملک وقت باز فرموده شده است .

از آثار جلوس میمنت مانوس همایون شان که آغاز سعادت و اقبال ملی مملکت است برای عام شدن و تاسیس یافتن مکتبها و مدرسه های اصول جدیده و امروز این شاه شرف و صدارت یافته اول از همه که بعد از جلوس در پای تخت سلطنت سنیه افغانستان یعنی شهر عزیز (کابل) اساس و بنیاد یافت ، مکتب مبارکه حبیبیه است که بنام نامی هوگاه نسب فخر و شرف نموده .

این مکتب اگرچه در اوائل امر ، یک مقیاس کوچکی نوشته بنیاد یافت ولی رفته رفته بتوجهات مراحم آیات حامی ذوی العلم اعظم خود وسعت و عظمت پیدا کرده ، و خوان شرف رسان (حبیبیه العلوم مبارکه حبیبیه) را افراشته و بسی شعبه های مکاتب ابتدائیه را در محله های شهر تعمیر داده است که منابع و فواید افزونی مکاتب ابتدائیه ضیائیه را برای ملک وقت چیزی نیست که انکار شده تواند باشد . زیرا کتبهای ابتدائیه قاعده های گلستان نزد بان قصر سعادت ملک شمرده میشود .

بعد از این مکتب بسیط عالی لیسه حربی (مکتب فنون حربیه سراجیه) برای اولاد های صنف زاده گان و خاندان دولت تاسیس یافت که تحت تعلیم ذات اعلیحضرت پادشاه معارف آگاه و مقدس با تشکیلات تازه بسبک بسیط عالی و پر تاثیری که ذات اعلیحضرت شاهانه در موضع (چمن حضوری) بر اکابر و اعیان مملکت بیان فرموده بنا کابر و اعیان مملکت کلام قدسیت پیام پادشاه معظم محبوب خود شان را یک فوز و فلاح عظیمی برای استقبال آمال و آتیه دار یهای آورده ، و در اعیان امرا و شاهی و داخل اولاد های خود شان را در آن مکتب عالی یک برو گرم سبقت داده اند . شهزاده گان عظام را نیز در صنف شاگرد داخل این مکتب داخل شده اند . حتی ذات اعلیحضرت شهریاری نیز در روز مراسم افتتاح مکتب مذکور در مجلس تاج گذاری مکتب را بخطاب دو مرحمت آمیز شاهانه شرف و شان مکتب عالی مذکور را بدان بخشیده اند .

در هنگام تاسیس (مکتب فنون حربیه سراجیه) یک قطعه نظم سراینده طبع قاصر این محرر عاجز گردیده بود که قطعه مذکور چون تاریخ تاسیس مکتب را با مدح حامی مقدس آن در بر دارد ، اینجا درج میشود :

قطعه

از شرح عظمت آن شه دانش پرور	کز دانش و فضل است بر اقران سرور	جانرا ز علوم و معارف سازد پر نور	چون علم و معارف است ملک را دستور
از نازد از فیض او افلاک بر خویش	در عهد همایون شه والا گهر ما	اساس مکتب حربیه را نهاد او	در اوج آورد بنیاد شاهان

بنازم همت عالیت فزون باد
که شد تاسیس این مکتب ز لطف شاه والا جاه

۱۳۲۷

ذات شوکت سمات پادشاه حقایق آگاه ، مقتدای یک حزب عظیمی در باب مسلک شریعت غرا و دین و علم و دانش فخر مسلمین میباشند . در طلس دار السلطنه کابل و ولایات شاهانه مدرسه های متعدده و عدیده معمور و آبادی موجود است . حامی گرامی که در وطن عزیز ما هستند اگر بخواهند و منصب و مأموریتهای محکمه عالیه دولتی موظف و مستخدم میباشند . فضل حضور پرنور جاویدانی در سفر و حضر از یکطرف و نظر عنایت بنام هیچگاه خالی نیست . در باب تشویق و پرورش حفاظ کلام مجید نیز ذات اعلیحضرت پادشاه و دیانت اکتناه منتظم اقدامات شاهانه اند که مبادل و رایگان فرموده اند حقیقتاً شایان شکران و افتخار است . و این مختصر هم برای جمعیت حفاظ تخصیص یافته در تعلیم و حفظ کلام مجید حضرت خالق وحید کوشش مزید بعمل آورده میشود . حفاظ قرآن عظیم الشان بعد از امتحان بخواهیدگی که مقرر است نایل و سزاوار میشوند ، و به این وسیله بوتا نیوم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 145 of 1786

سراج الاخبار افغانیه

جناب یک کتب خانهٔ کتب عالیست که هزارها از براهین دلیل و راهنمای معارف و آگاهی اهل خوان بصورت رایگان و رسالهٔ این مقالات مختلفهٔ جگر دوز شیخ شباب، عالم عامی، کبیر صغیر، زن مرد، پیر، قوم مردم ازین مدرسهٔ عرفان منظره پذیرائی عوام الناس کامیاب میشود، و مست از فیض این کتب گرانبهای مکتب بقدر وسعت همه مملکت افغانستان است. نی نی بلکه آواز صریر خامهٔ این دبستان خواید رسان قاف تا قاف جهان را در بر میگیرد. الحق که این رحمت مواهب پروردگی بادشاه، مشفق و رحیم محبوب القلوب معظم ما که در باب اجازه و فرمودن نشر اخبار بر رعایای صادق و فداکار خود اینقدر دل و ایگان فرموده، اند از چنان الطاف عمیم الاحسان ترقی جهانیست که از یکجا آوردن شکران آن قلت و دهن اظهار عجز مینماید.

ذات اقدس حضرت بادشاه مقدس ما برای تعمیم معارف و آگاهی رعایای صادقهٔ شان از احوال عالم اخبار را یک واسطهٔ مهمه لازمه شمرده اجازه نشر آنرا باین عبد احقر افاقه برابر شان (محمود طرزی) عطا و احسان فرموده اند این است که در زیر ظل عدالت و بیل پادشاهی باین نمره دوازده خود یکدوره دانشنامهٔ خود را اکمال نموده با بعضی:

تجدد ات ترقی

در نظر قارئین کرام و مشترکین ذوی الاحترام در جدول ذیل مطبوعات جلوه گر میگردد. تجددات ترقی (سراج الاخبار افغانیه) از نوعیت و این چند چیزست:

اولاً — در صفحهٔ اول اخبار خود سراجین شئی چهار صفحه علاوه کرده دوازده صفحهٔ خود را به شانزده صفحه ابلاغ نماید، و به اینوسیله در مضامین رنگین و مقالات شیرین خود افزونی داده و بعد ازین هیچ شئی خود را از مقالات مفیدهٔ داری که مسلسلاً نوشته میشود خالی نگذارد.

ثانیاً — با این شئی خود یک رساله بسیار سودمندی بنام (علم و سیاست) بر قارئین کرام اهدا نماید و الاحترام خود پیشکش قرین، و قطعهٔ قطار ازین عرض (تقدیم میکند. این اثر قوایه ثمر بخش بوده و مقصد مهمی بعهده گرفته شده است: یکی اینکه رد قول مخالفین است که دین مبین اسلام را دشمن علم و فن شان داده اند و دیگر اینکه برهمگان ظاهر شود که دین مبین اسلام مانع تحصیل علوم و فنونی که در عصر حاضره اکتساب آنها لازم آمده نیست، بلکه بنابر غیرت خالصانهٔ خدمت دین و دفع خواندن و آموختن آن علوم و فنون لازم و واجب شمرده میشود، و این هم ازین است که اگر بعد ازین از علوم و فنون حکمیه و طبیعیه و غیره در صحایف (سراج الاخبار افغانیه) مندرج شود این اثر یک براعت استهلال و مقدمه ایست مشعر آن گردد.

این تجددات ترقی که سراج الاخبار افغانیه محض برای استجلاب حسن توجه و مصونیت قارئین کرام خود در نظر شمارهٔ بروی کار آورده و امید داریم که برادران وطن عزیز ما از نظر گران قیمتی آن برگردانیده باشند، و این (سراج الاخبار افغانیه) بیشتر کین کرام خود را مسعود گردانده بفضل و عنایت الهی موفقیات مرام ایات اعلیحضرت بادشاهی و بهر شمارهٔ و بهر چنین یک تجدد ترقی بظهور آورده و در راه خدمت استقامت قارئین کرام خود بیشتر خدمت کند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 146 of 1786

واجب است قرار توجهات معالی غایات پادشاه حقایق آگاه معارف پرور دانشور پایه دانسته همواره معدلت گستر معظم
مقدمه سعی مالا یک نظر مخصوص حافظت شاه شاه شاه شاه و رباب این دولت پس بر دعای خالی از ریا
افزونی شوکت و اجلال دودمان عالیشان پادشاه محبوب القلوب ترقی آمال مقدس خود حتم شمال شمرده توقعات
صدائی دوام توجهات حضرت جهانبانی را از حق بعید ندانسته خود را بیاریم تا بواسطه خامه مجز علامه در راه
استفاده دوباجبری وطن خود یک عرض خدمتی نموده باشیم و من الله التوفیق

حوادث داخلیه

روسی

صورت عریضه دعاگوی صداقت شعار حقیقت آثار (غلامین) است که بواسطه حاکم خود شان
جناب (امیر محمد خان) بحضور معدلت گستر پادشاهی
عرض تقدیم نموده اند

چون باربار از زبان شاه در مجلس عالی عام علی الخصوص
در مسجد جامع بعد از ادای فریضه جمعه و خطبه باسم حضرت
صراج الملة والدین اخبارات و اقتدار دولت علیه شاهانه
و دست برد طایفه گمراه ایطالیه را که بیان کرده شنیده
بسیار متاسف و متاثر شدیم خصوصا غیرت دین و ارسی
و محبت سلطانی و مرحمت و مهربانی اعلیحضرت شاه را که از زنده
دل سوزی و حق پروری این ملت مظلومه ظهور و علم رجاء
داده اند و از جهت نجات این ملت جانی که به سعادت ما
بسته اند بگوش هوش خود استماع نموده سراپا دانسته شده
بر بصیرت و بینائی ما یان افزوده و علاوه برین اشتهارات
پادشاهی که داخل و خارج سراج الاخبار افغانیه میباشد چنانچه
دوالی مطابق امر حضور انور برای شما و غیره و گلان شوند گان
اینولایت رسیده و میرسد از مضامین و آیات آنین فقرات
و اخبارات داخله و خارجه اوراق اخبار مرحمت و عطوفت گستر
خبره و عیب پوشی دین و ملت و دادی و معالی آرای سلطانی
اینولایت بر مهربانی شاهانه ما یان را اطلاع و آگهی
حاصل گردیده و چنانچه از مضامین فقرات غیرت آثار مرحمت
همین یک فقره که حق برادری و سعادت اهل دین و ملت
و خیر خواهی ما یان است مفهوم و از ان خاطر جمع و

اعلیحضرت جهانبانی را بطریق نصیحت و صیغه موعظت یاد نموده ایم
ظاهر است که پادشاه ذی جاه عالیجناب رعیت پرور ما مرتع
این مبین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم بوده
و ما شده و از ابتدای جلوس میمنت مانوس الی یومنا هذا
شب و روز در استظلام مرحمت دین و دولت سی صیانه مصروف
داشته و ذکر الخیر تا کار دین و دولت در ترقی
و تزاید است کوتاهی نخواهد آمد پس ما مردم دعایا
و فقرای دولت اسلام سالخین ملک یا افغانستان از جمیعا
سراپا زبان و دیم و دوام الحیات شکر گذاری گوئیم ابتدا
بلکین منت را که عبارت از مرحمت اعلیحضرت است در باب
اعانه بر اوران دین باشکر گذاری میتوانیم نمود و لله الحمد
و المنه ما مردم رعایای دولت خداداد افغانستان ابتدا
عن جد مسلمان بوده و هستیم و اطاعت آیه کریمه
(اَطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم)
همیشه در دل و زبان و حرز دل و جان داریم دعای خلیفه زمان
دین دعای خاقان انس و جان ظل سبحانی و ارث ثانی مصداق
دعای صواب نمای اعلیحضرت شهریاری که در حقیقت خیر خواه
دنیا و دین اهل اسلام است برضا و رغبت و بکمال پسندیده
حق اعتقاد و بشهریت کوشش و جد نموده و بصلاح و رشد امت
زیاده کان و دقیقه فروگذاشت نمیکنند لهذا صادق دولت دین
علیحضرت شهریار عالیمقدار ظل سبحانی و ارث ثانی
شایان جان نثار و فدوی بی شمار و چه جای مذل مال با مردم
بصدق (انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم) بطلق خاطر و نظر
فاتر خود را قرار داده و بودیم که در دفتر این سرشته اعانه را
بقرار تقریر صلاح شما که در وقت حاکم ما میباشد اقدام
نموده باشد و دیگر ما چون خود شما میدانید که طلق مفصل
اعلیحضرت امیر بجناب شده و کتابچه ما می خبر کرده طلق جاپر ما
سبب اعانه دولت علیه شده و کتابچه ما می در دست کی بجا و بکدام نشان
رسیده و کدام عرایض که از ما مردم بحضور اعلیحضرت
شهریاری عرض کرده ایم و چه جواب رسیده و چه نشان شده
طلق حاضر نداشته و نمیدانیم و از کمال اطاعت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 147 of 1786

صورت جواب نامه

اعلیحضرت همایونی

عزت و صداقت و اخلاص همراهان عظام و اعوان فخام ثابت قدم ... هزار خوجه و چهارسد خوجه و ملکان و اعیان شهر نگران مردم تابعه قزوین با الطاف موفور امیدوار بوده و هست باشد ... [صورت تلگراف] ... ملک سلیمان خان ... ملک عبدالله خان ... ملک محمد خان پیشخدمت محمد خان نایب سالار مرحوم ... ملک فتح خان ... قاضی جلال الدین خان ... ملک عبدالحبیب خان ... سردار خان امین خیل ... ملک جعفر خان ... ملک جلال الدین خان گلان ... ملک جلال الدین خان خورد ... ملک دین محمد خان ... ملک محمد افضل خان ... ملک شاه وخ خان ... ملک سلیمان خان اقوام اندرمی ... ملک غلام نبی خان ... محمد تقی خان ترئیل علی ... ملک محمد حسین خان ... ملک نور محمد خان ... ملک محمد رفیع خان ... ملک محمد رفیع خان ... ملک عبدالحسین خان ... ملک محمد حسن خان ... ملک محمد حسن خان ... ملک علی اکبر خان ... ملک دیمر خان ... جان علیخان ... ملک نوروز علیخان ... ملک فیض محمد خان ... میرزا محمد تقی خان ... میرزا محمد علی خان ... میرزا محمد خان ... میرزا محمد خان ... ملک غلام علیخان ... سید محراب خان اقوام میرزا محمد خوجه و چهارسد و پنجاه ... جان محمد خان کرئیل برادر عالیجاه میرزا عبدالله خان برگمه ... عبدالصمد خان برادر میرزا عبدالله خان ... شاه محمد خان ... تفصیل ... سابقه بولک تابعیه ... فقیر محمد خان نایب سابقه بولک تابعیه ... ملک جعفر قلی خان ... ملک غلام محی الدین خان ... ملک دروازه میرزی ... ملک محمد یعقوب خان دروازه دشمک ... ملک امیر محمد خان دروازه بازار ... ملک لطف قریه خوجه احمد ... فیض الله خان امین الملک ... یار محمد خان ... میرزا عطاء الله خان ... ملک محمد عظیم خان ساکن رباط ... ملک دیمر خان ساکن رباط ... ملک عبدالغفور خان ساکن قطال ... عبدالحمید خان ساکن قلعه محمود خان ... ملک محمد فضل خان ساکن دروازه دشمک ... نظام الدین خان ساکن میرزاوه ... ملک جعفر خان ساکن ... ملک حاجی حیات خان ساکن سفلاوه ... ملک فتح محمد خان ساکن رباط ... ملک فقیر محمد خان ساکن دهخدا دان ... ملک عبدالرحمن خان ساکن ... ملک ... ساکن قلعه میرزا محمد خان ... محمد باقر خان ساکن شهر قزوین ... محمد تقی شاه وخ خان ... کلانتر محمد نبی خان ... کلانتر مرتضی خان ... کلانتران کذر محله های شهر قزوین ... کلانتر محمد ... کلانتر دوست محمد خان ... کلانتر اتو ... کلانتر نور محمد خان ... کلانتر خیر محمد خان ... کلانتران باره ... کلانتران شهر قزوین ... [illegible]

... عرض شد و تقدیم حضور انور والا داعی دعاگوی نامدار ... [illegible]

نوزدهم محرم الحرام سنه ۱۳۳۰ [صورت تلگراف]

... ملک سلیمان خان ... ملک عبدالله خان

ملک محمد خان پیشخدمت محمد خان نایب سالار مرحوم

ملک فتح محمد خان ... قاضی جلال الدین خان ... ملک عبدالحبیب خان ... سردار خان امین خیل ... ملک غلام حیدر خان ... ملک جعفر خان ... ملک جلال الدین خان گلان ... ملک جلال الدین خان خورد ... ملک دین محمد خان ... ملک محمد افضل خان ... ملک شاه وخ خان ... ملک سلیمان خان اقوام اندرمی ... ملک غلام نبی خان ... محمد تقی خان ترئیل علی ... ملک محمد حسین خان ... ملک نور محمد خان ... ملک محمد رفیع خان ... ملک محمد رفیع خان ... ملک عبدالحسین خان ... ملک محمد حسن خان ... ملک محمد حسن خان ... ملک علی اکبر خان ... ملک دیمر خان ... جان علیخان ... ملک نوروز علیخان ... ملک فیض محمد خان ... میرزا محمد تقی خان ... میرزا محمد علی خان ... میرزا محمد خان ... میرزا محمد خان ... ملک غلام علیخان ... سید محراب خان اقوام میرزا محمد خوجه و چهارسد و پنجاه ... جان محمد خان کرئیل برادر عالیجاه میرزا عبدالله خان برگمه ... عبدالصمد خان برادر میرزا عبدالله خان ... شاه محمد خان ... تفصیل ... سابقه بولک تابعیه ... فقیر محمد خان نایب سابقه بولک تابعیه ... ملک جعفر قلی خان ... ملک غلام محی الدین خان ... ملک دروازه میرزی ... ملک محمد یعقوب خان دروازه دشمک ... ملک امیر محمد خان دروازه بازار ... ملک لطف قریه خوجه احمد ... فیض الله خان امین الملک ... یار محمد خان ... میرزا عطاء الله خان ... ملک محمد عظیم خان ساکن رباط ... ملک دیمر خان ساکن رباط ... ملک عبدالغفور خان ساکن قطال ... عبدالحمید خان ساکن قلعه محمود خان ... ملک محمد فضل خان ساکن دروازه دشمک ... نظام الدین خان ساکن میرزاوه ... ملک جعفر خان ساکن ... ملک حاجی حیات خان ساکن سفلاوه ... ملک فتح محمد خان ساکن رباط ... ملک فقیر محمد خان ساکن دهخدا دان ... ملک عبدالرحمن خان ساکن ... ملک ... ساکن قلعه میرزا محمد خان ... محمد باقر خان ساکن شهر قزوین ... محمد تقی شاه وخ خان ... کلانتر محمد نبی خان ... کلانتر مرتضی خان ... کلانتران کذر محله های شهر قزوین ... کلانتر محمد ... کلانتر دوست محمد خان ... کلانتر اتو ... کلانتر نور محمد خان ... کلانتر خیر محمد خان ... کلانتران باره ... کلانتران شهر قزوین ... [illegible]

عزت و صداقت و اخلاص همراهان عظام و اعوان فخام ثابت قدم هزار خوجه و چهارسد خوجه و ملکان و اعیان شهر نگران مردم تابعه قزوین با الطاف موفور امیدوار بوده و هست باشد از اسعاف شایان مورخه ۱۹ محرم الحرام سنه ۱۳۳۰ که ... عالیجاه عزت همراه عزیزی بیان ارجمند می امیر محمد خان حاکم قزوین بود از ملاحظه حضور والا گذارش یافته باطلاق حاصل شرح آسوده شایان که ... اتفاق دین و ملت و غیرت و حمیت مسلمانی بود از ملاحظه حضور والا ترقی یافت سرکرده از جنس اتفاق و جوش در سوخ اتفاق و ذوق مسلمانی شایان خورسندی زیاد حاصل گردید و از خداوند جاثلیق خود مسئلت می نمایم که ... ایران افتادستان را ... دست برویی اعدای بیگانه در پناه ذات یگانه خویش مصون و مأمون دارد ... سایه مظفر و منصور داشته و بیخ فکر و خیال شان را ... در اقلب برین مبین حضرت خاتم النبیین صلوات الله علیه و آله و اصحابه و سلم و ... علی محمد و آله الامجاد تا نیاز بگذارد و باب کتابچه های اعانه شبه ای ... چاپ شده کرده ... بوده و ... فرستاده و ... که ... الله تعالی همراه فرمان آن ... شایان رسیده و خواهد بود ... خداوند آن ... الوسع مرعی دارید و عایله عمومی شایان کرامی جاکم شایسته و شاه ... بحضور ارسال داشته بود باداره سراج الاخبار اقتباساً ارسال فرموده و ... که مضمون عایله شما مضمون داخل اخبار مرحوم کرده و بچاپ برسانند تا دیگر برادران دینی شایان از جنس اتفاق و جوش و خروش مسلمانی شایان متحمد شده و خورسندی حاصل و ... باقی همه شایان را از جانب ... محفوظ و از عتبات جان محفوظ خواسته و خواهیم ... تحریر شهر صفر المظفر سنه ۱۳۳۰

[دستخط مبارک اعلیحضرت انور والا]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 148 of 1786

هوای کابل

طلیعه سلطان بهار

شمس جهان آرا از سیاحت شش ماهه نصف جنوبی کره زمین عودت نموده، یعنی به برج حمل رفته، اعتدال ربیعی را ایجاد نموده، و از این روز به بعد، نهار بر لیل غلبه می‌کند - یعنی سیاحت نصف کره شمالی آغاز کرده و هر گامهای خود را بطیبا و حرارت عدالت پرور خود زنده گانی میبخشد.

شهر شهیر و پذیرا، اول از ظهور های بیخ بندی ها و ظلمت و خلافت برفها آزادی و رهائی حاصل کرده، در عالم شوق و نشاط و انبساط قدم می نهد - سبزه های خرم و شاداب که در کشت زار ها از زیر برفها تر سر زده و بر آمده اند، آنچنان نشسته و رفته یک اطاقی دارد که اگر آنرا به فرش سبز انسان تشبیه بدهد یک تشبیه بسیار خشک و جامدی شمرده میشود. بعضی نهالان آلو بالو و گلاس و بادام به گلان گلکون شکوفه های سرخی دار، طراوت بار خود با سبزه های نو برآمده با سبز خرم سلطم آمده، انسان را در پیش فرصتی کاری و لذت جران می سازد.

اول بشارت بهار شهر عزیز را، میله های تی (تجه) شان میدهد - سراز ابتدای ماه حوت هر روز جمعه ای شهر - بشکل یک بازار گی میباشد - بموضع میله تجه که در قریه (دوه مزنگ) و در خشت ذیک دامنه تپه سبز با صفا و دلکشی برپا شده میرود، از طرف حکومت برای نظام و انتظام این میله ها، و ترتیب و تنظیف دکانهای موقتی آنها هر سنه مامور مخلی انتخاب شده است. این میله ها هفت ساعت فتری، معتبر است و هم برای تاجر و مشتری راحت و مطلق یک نوع پیکار و تماشا گاهی شمرده میشود.

(اگر چه در ایام بهار شهر عزیز ما، مشتاق میله و جای تفریح (باغ و بستان) و سیاحتگاه (طورنگ) فروشی یعنی (خوشه چینی) فروشی میباشد. بلکه آنرا می توان در این خوشاب در جمله اول بهار برای صحت ساکنین خوش گذرانیده و میرسانند. بنابرین فکر در هر جا بیشتر و آنجا بهار انسان به سیر و صفا و دشت گی می میلند که به سبزه ها و چشمه گلهای شقایق و سوسن خود رو می گذرانی آراسته شده و خوشاب های پاک خوش دره ها و کوه های گچی و صدفی طبیعت های مختلف نهاده شده

(ای بران مستقبل از نقطه ایام چگونه جلوه میکنند.

و حاصل شهر عزیز ما یک شوق و شادمانی عظیمی هم بپایه عرعه شاهزاده حریت موکب پر سعادت پادشاه مقدس محرب القلوب خود را زنده گی بخش قلوب و مسعود ترین مقدم استقبال سعادت آمالی حاضر و آماده میدارد.

حوادث جاریه

اجمال احوال سیاسیات عالم

چون در افق سیاسی عالم نظر میشود و قطعه (اسیا) را از یک دوره های طیار آلوده تیره و تاریکی می بینم که سحاب پارهای مظلم طوفان آثار هر طرف فضای آنرا احتیا کرده علایم یک گرد باد طوفانی جدیدی را بظهور آورده است. سیلاب آلامی که از چند عصر به اینطرف از جهتهای ممالک شمالی آن بر وحوش ساکنان جوانب پسیفیک هند جریان آمده و اکثر گوشه های طبیعی بلاد تاتار و قفقاس را و سیبریه ما وراء النهر و ترکستان چین را پر و محو ساخته آخرالامر کوه های شاهق بامیر بلند پامیر و خوانین را از مقابل جریان وحشت سامان خود باخت. چون از قانون طبیعی مسبوق هستید که اگر یک مانعی مقاومت کند رجعت بهر اجرا نموده و دیگر اطراف را چشمه ریز پر و محو میباید. از این رو چون کوه گاو پامیر و چترال را برای جریان خود با اتفاق برصفحه رقت خود دیده و دیافت یک پرتگی و انامس عمیقی حاصل کرده نا از جهت های سیبریا به جوانب ما چگونه یافته خواست نا با آبهای بحر محیط آبچه مقصد و مراد اصلی خود برساند. باز حریف پر کار صفحت کار باد صدا های متنوعی نا بسوی شهای آبهای ژاپان و روسیا به پیشرفت مقصد و مطلب آن بر انگیخت. و چنان بود که از آن جهت نیز راه بس شده و جنه بر جنه مصور و آبا پر از ناله و فغان ممالک اسلامیه (ایران) بجوم نموده، آنچه هجوم آورد، نا سقاط نا خون ریزانه .....

آنچنان گمان شده که آب این سیلاب یک آب صاف گوارا و تر اقی رشت انی باشد. لی انی آب این سیلاب از چه گلهای منقطع خفه کننده است که از خانه های تهلکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 149 of 1786

برباد گران این دنا موس ، و سلب کردن حقوق آزادی ملتها وقت است

ایران در موقعیت بحرانی خلافت استثنائی گرفتار است پس در تبریز ، و استرآباد ، و مازندران ، و مشهد ، خصوصاً در پانزده هزار لشکر گرد آورده است ، در تبریز مکنوبات روسی پیدا گردیده است ، آیا این را چه معنی بدهیم ؟ دولت بریطانیا اگرچه یک اعلان ام و صبوری و تحمل بر این عهد شکنی روس نظر میکند ، آیا این صبوری و تحمل را چه معنی داده خواهیم توانست ؟ آیا این دولت در باب استقلال و موجودیت ایران عهد انعقاد نامه و عهد نامه ها و اتفاقات نامه ها را در این عصر حاضر با چه قلم سرنیزه های تفنگ ها و سپاه های توپها ، بر کاغذ میتوانیم محو و پاک نوشت !

انقلابها ، و انقلابهای چین ، و تبدیل یافتن حکومت مشروطیت آن به جمهوریت در عصر حاضر چین نمونه را جلب که برای سیلاب بلای سرزده البیان از راه مونغولیا و ترکستان چین ، از دشتهای نوزائی بهاریا شکوفه های عقیده تهدید تشکیل داده بحران کرآزا آزاد داد و چریان گیرد ، ولی غافل از شکوفه تا ثمر حرکت آید حریف صنعت کار بر کار ، او دلالی های ما را در پشت خاطر داده ساخته باز خبر آمال حریف خود را ایجاد کرده اند .

آمدیم بر ایطالیا : در تاریخ گذشته خوانده بودیم که در زمانهای قدیم در روم یک نوع تیاتر هائی برپا شده بود که آنرا (تیاتر های خونی) میگفتند ، و آن چنین بود که یک شیر با یک گرگ یا یک پلنگ گرسنه را در مرکبی گذارده تیاتر مخصوص ساخته شده بود را میکردند ، بعد از ان یک مظلوم و بندی را از محلی ، از حبس خانه اسارت برآورده به آنجا میگفتند که با این جانور مفترس به تاوری و بهادری پنجه بدهد اگر غالب آمد از قتل و اعدام رهائی یابد ، محکوم چون رهائی جان خود را در آن میدید به آخرین قوت و توانائی بشری خود جد و جهد بعمل آورده ، و سر کنده و گاهی بر پاره پاره شدن اعضای بدنها خونهای آن بیگناه و بکمال لذت و فرحت تماشا میکردند ، خرابه زاده های ایکونه تیاتر ها تا حال از آثار عتیقه بقیه شهر روما شمرده میشود که زیارت گاه روزگار ایطالیا نیاست ، این است که در این عصر هیجده تمدن ایطالیا نیا سراز نو عهد دیرینه آن تیاتر ها را بدست جهارت و کف کفایت پیشوایان خود گرفته در یکی از میدان های شهر روما عقیده خود را بر سواحل از زمانه عاجز بایته و هجاز پیشگاه خود را

تماشا میدهند این تیاتر خونی بکمال بی پروائی و لاقیدی تماشا میکنند ، از جمله تماشائیان این جنگ ها میان درنده از اسلحه عاطل شده اند گاه گاهی بر تماشائیان نیز حمله می آورند — چنانچه بر کشتی های فرانسس و انگلیس حمله کرده اند — باز هم تماشائیان از کمال لذتی که از این تماشا گرفته اند بقام و دین این درام خونریزی اقدام صرف همت می نمایند .

این است اجمال احوال سیاسیات عالم که خلاصه آنرا بفکر قاصر انه خود از قرار ماوقع مصور نموده بنظر قارئین کرام خود عرض نمودیم حالا به خبرهای حوادث اخبارات عالم میپردازیم :

نقل از اخبار پایونیر

بیگم بهوپال بتاریخ ۱۹ ماه جنوری در یک جلسه انجمن خواتین بهوپال بر سیاحت یورپ خیالات خود را اظهار نمود که از ترقی و عروج قوم انگلیس بر تعلیم نسوان منحصر میباشد — یورپ در زمانه گذشته این قدر ترقی کرده بود که در زمانه حاضر بسبب اشاعت خیالات تعلیم و تمدن مابین فرقه نسوان ظهور پذیرفته است ، در اختتام تقریر خود بیگم مذکور از اعلیحضرت سلطان المعظم شاهنشاه ایران کرامی که یک موی پیش مبارک سرور کائنات و خلاصه موجودات آنحضرت صلی الله علیه وسلم است عطا نموده است تحفه

صدیه ۵ مورخه ۱۳ ماه فروری — تار تگرام ایطالیا بتاریخ ۲۷ ماه جنوری بر بنده و چاپانه گلوله باری کرده علاوه از این یکصد و چهار گلوله خبر کرده و باب خبر ، سوراخ یک پرده پاک ساخت (چه شجاعت ! چه شهامت !!) تحفه

در ایام گذشته مانگاشته بودیم که دولت روس تهدیدی در شمال ایران تصرف حاصل نموده چنانچه خبر تلگراف بوتزار خبر تصدیق بیان نموده است — روس سپاهیان نظام خود را بر استرآباد (واقع طاقه ترکمان) و با فروش (واقع مازندران) روانه میکند در حقیقت رفقای شاه سابق در علاقه های مازندران و استرآباد دخل اندازی کرده اند و اهالی بردم را بغارت برده وجه معاش پیدا میکنند ، و لهذا ضرور می است که روس برای حفاظت قنصل خانه و حقوق رعایای خود فوج گذرانده تحفه

مجلس جلالی آمرلندن

انجمن جلالی آمرلندن یک مشن طبی (جماعت طبی) را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 150 of 1786

(بقیه مقاله مجله دلچسپ فرانسیس الجزایر) دانه بنماید — جماعت بربر که مشتمل بر چهار اکثر وحشی تر بوده اند تاریخ خود را ده قرن پیش از زمان مسیح لازم فرانسیس خواهد شد و دولت فرانسه در ظرف سی سال اخیر آنها را مطیع کرده است

دلای لاما ی تبت

دلای لاما ی تبت بروز دوشنبه از دارجیلنگ وارد شهر لیهاسا رسیده و اکثر معتبرین تبت برای استقبال دلای لاما حاضر شده بودند آمده که دلای لاما ذکور بخواهد که بیشتر اوقات خود را در تبت بسر برده و چنانچه تجارتی های عظیم کرده میشود فقط [دلای لاما در گذشته و اجنبی شیطنات در همسایگی دولت برطانیا سوی تبت حرکت کرده است]

اعلیحضرت سلطان المعظم عنقریب با اعلیحضرت شاه جارج نشان خانه ان آل عثمان (گرانمایه ترین دولت عثمانیها) مرحمت خواهند نمود فقط

دیگر — لندن مورخه ۱۶ فروری — اعلیحضرت سلطان المعظم علاوه مرحمت نمودن نشان خانه ان آل عثمان برا اعلیحضرت شاه جارج تمام نشان اعتبار نامه پاالمسوی تا یدار مجمع چیا شد مقرر کرده اند فقط

نقل از اخبار ترجمان

اتفاق اهل اسلام و اهل هنود

خیالات نواب سر آغا اسلام (کلکته)

کلکته مورخه ۱۴ فروری — نواب سر آغا اسلام مدیر که در زمانه حاضر زیرک و فهیم بنگال بحق آمده بود بنگال (شرقی و غربی) آمده شده و اند لهذا لازم است که سر برآورده گان اقوام اهل اسلام و جنود آن و سایل را چیده شده که اتفاق و اتحاد دیرینه خود بسبب از پیشتر استوار تر گردد و چون مخالفت و منازعات فرو می معدوم شود — من تجویز مینمایم که یک انجمن اهل اسلام و هنود در کلکته و دیگر شهرها به غرض ذیل منعقد کرده شود اول اینکه انجمن مذکور برای مصالحت اهل اسلام و هنود مصروف شده و دوم اینکه انجمن مذکور برای ازدیاد آن کوشش کند که در بین سرکرده گان فرقتین رابطه قرار داده است سوم اینکه انجمن فوق در بین فرقتین خیالات اتفاق و محبت تازه کند فقط

اخبار چهره نما

(چهره نما) یک اخبار تازه نگاریست که بزبان شیرین بیان فارسی در مصر القاهره ماهی دو بار طبع کرده میشود

درخواست طبع و نگهداشتن مضامین و مقالات شیرین حقیقت خیلی دارا یک چهره نما نیست همزبانی را (خویش و پیوندی) گفته اند که بیگانه من مستقل و در حقیقت اخبار های همزبانان یک میل و جاذبه طبیعی هم دارد، چونکه بدین واسطه ترجمان باهم سخن میگویند، و همرام همگر را می فهمند.

سال نهم این اخبار خود را از صمیم دل شریک، و دوام اقتدار آنرا آرزو میکنیم. مطالعه این اخبار دوهفته و تماشای این آینه چهره نما را بصورت خصوصی بهوسکاران مطالعه اخبار های فارسی توصیه مینمائیم.

یک نظاره ناک طرابلس

از اخبار وکیل

شروع بر هضم ضعیف میبرد

سپاه و اطالوی چون در مقاومت یک تاز این عرصه کارزار عرب و ترک چیزی آشکار کرده نمیتواند خود مشغول شده و بر عربهای غیر جنگی شهر طرابلس مظالم فظیعه روا میدارد — چنانچه در ایام گذشته آن توپ سنگ و بی عزت صد اشخاص غریب و زن بیچاره و طفل بیگناه را هدف گردانیده و تقتیل عام نموده است و گفته میشود که در یک روز قریب ۹۰۰ نفر عرب شهر شهید کرده شده اند — قابل تعجب است که قنصل های دول اتحاد با وجود دیدن این واقعات روح فرسا از چشم خود مشاهده میکنند دولت های خود را از مداخلت آنها اطلاع نمیکنند.

انجمن نعمانیه لاهور

جلسه ۲۴ سالانه (انجمن نعمانیه لاهور) در عمارت خود واقع دروازه لکسمای بمقابل فصیل لاهور بتاریخ ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ اپریل سنه ۱۹۱۲ عیسوی مطابق ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ جمادی الاول سنه ۱۳۳۰ هجری بایام جمعه و شنبه و یکشنبه منعقد خواهد شد جلسه ها مشاهیر علماء و مقررین و ناظمین شریک گشته از وعظ فیض بیان خود مستفید خواهند ساخت برادران اسلام درین جلسه دینی که در آن شائبه دنیاوی متعلق نیست شریک گشته ثواب دارین حاصل کنند — و اداره انجمن حمی — دعوی — قدمی نموده ذخایر حسنات جمع فرمایند — انشاء الله مضامین قلمی یا نظم روانه کنند باید که قبل از ۱۵ اپریل سنه ۱۹۱۲ ارسال فرمایند — انشاء الله شریک جلسه شده عزت افزای انجمن نمایند انهاییزا اطلاع تشریف آوری خود را بعنوان هر یک بیان خود قبل از پانزدهم اپریل روانه کنند فقط

خاکسار رحیم علی چشتی

مورخه ۱۵ فروری سنه ۱۹۱۲

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 151 of 1786

معلومات مفیده

آگهی های پرواز هوا

بدین روزنامی آخر معلوم شد که بالونهاد ماشین هائی پرنده روی هوا برای جنگ بسی فایده های نافع سیر سانند بنابرین قدری ازین باب راندن مناسب دیده شد.

بالونها

بالون یک اختراع بسیار قدیم میباشد. در سال ۱۷۸۳ اول مرتبه برادران مالون از طرف (مونتگولفیر برادران) شده بود لیکن سه سال پیشتر که بالونها (آره نوتیکها) یعنی ماشین های پریدن بیک طرز مکمل تحویل یافت. و این ترقی بالونها و ماشین های سایر ترقی موتر سازی بر ترقی و کمال حاصل کردند درین وقت ماشین های موتر تا اندازه سبک گردیده که برای قوت یک اسپ (۱۰ دو پاو) تا سه پاو وزن داشته میباشد

بنابرین برای یک بالون قابل سیر تر این شرط لازم میباشد که هر چه قدر اسباب و ذخایر را پر اده بتواند اقتدار خوب است. این هم بگفتنی پیشت بالون تعلق دارد یعنی هر اقتدار که جای هوای بالون گلان باشد اقتدار اشیای وزنی را برده و بالا کرده میتواند. و درین صورت هوای خارج (موتگولفیر) که از هوا چهار دو کرت خفیف تر است پر کرده میشود چون این خارج از هوا خفیف تر میباشد باین سبب بالون بالا میشود. امروزه در جسامت جای هوای بالونها از ۱۰۰۰ تا ۴۲۰۰۰ متر مکعب گلان ساخته میشود. لیکن جرمنی ها (زه پلین) تام بالون خود را بگلان ۷۰۰۰ متر مکعب ساخته اند جای هوای آن از تنگ هائی که در آب (زیر) مانده شده ساخته میشود تا سامان نداشته باشد و فشار از بیرون نبرد. مشکل آن ماهی (فیش) است که مقاومت هوا نتواند. بالون زه پلین دو دانه (شکمان) داشته میباشد که یکی برای راست و چپ راندن و دیگر آن برای پائین و بالا شدن است قوت موتری که برای یک بالون که جسامت آن (۲۰۰۰) متر مکعب باشد تخمیناً (۱۰۰) اسپ پیدا و سرعت رفتار این بالون در ساعتی ۳۵ تا ۵۰ کیلو متر است. بهترین قسم یک بالون برای کش نظر جای داشته میباشد

(۱۷۰) ساعت حرکت کرده میتواند قیمت آن از (۲۵۰۰۰) الی (۳۰۰۰۰) فرانک پیدا شد. چنانچه (۱۰ موتور میل) یعنی ۱۰ موتر به زه پلین میرود. بالون هم در هوا مجال میرود و چون موتر آن حرکت نکند استاده میشود و زه پلین می افتد.

اوروپلان یعنی ماشین پرنده

اوروپلان مثل (کاغذ باد) حرکت میکند. کاغذ باد موازنه خود را بسه قوت میگیرد. یکی وزن آن که از هوا بر زمین افتادن کش میکند. دوم باد که یک قوت بالا کننده پیدا و تاثیر میکند. سیوم تار که به تاثیر باد از اطراف ماند که برود. اگر این قوت ها یکی تبدیل کند، مثلاً شدت و سرعت هوا کم و زیاد شود (کاغذ باد) بالا و پائین میشود. بسیار وقت دیده میشود که اگر باد نباشد بچه ها (کاغذ باد) خود را برای بالا کردن به بسیار دویدن بالا میکنند یعنی از حرکت هوا پیدا کرده به اخراسلا (کاغذ باد) خود را پرواز میدهند (آره پلان) یک پره دار است که با موتر حرکت میکند و مقدار پره دار. و ترتیب این موتر بقوت هر یک اسپ از دو پاو تا سه پاو است. یعنی سنگینی یک موتری که سی اسپ قوت حاصل میکند از شصت پاو تا به خود پاو میباشد.

(آره پلان ها) نسبت به (بالون) یک حسنی دارد که اگر به ماشین موتر آن یک نقصانی عارض شود و از حرکت معطل ماند هم بر زمین می افتد. زیرا یکی از سه قوتی که در کاغذ باد عرض شد مفقود میشود. لهذا هوا از حرکت (آره پلان) غیر ممکن میشود. اما اگر یک ماشین کار پرواز کند و مقدار وجزء کاری باشد آره پلان را میتواند که از اقتدار ان شده خاک محافظ کرده بلکه آهسته آهسته بر زمین فرو بیاورد (زیرا (آره پلان ها) سطح های بسیار عرض را مالک است که ازان سبب در وقت اقتدار بقاومت هوا عرض میباشد. لاجرم یک ماشین کار پرواز با اقتدار ازین حال فایده برداشته میتواند.

آره پلان ها از زمین که بالا میرایند یعنی که پرواز میکنند به اینصورت است. اولاً بواسطه موتر خود بر زمین رفتار میکنند و این رفتار خود را بر چرخهای هوا به خود اجرا کرده و آهسته آهسته بالا میشود. و برای بچپ و راست راندن و بالا و پایان کردن آن سکانها تعلق دارد.

قیمت یک آره پلان که در ساعتی (۵۰) میل یا از پنجاه میل چیزی زیاده تر حرکت میکند از پانزده هزار تا بیست و پنج هزار فرانک [یک فرانک تقریباً یکروپیه کابلی] میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 152 of 1786

و بر قلعت آن با تامین سی چهل اسپ قوت آن چهار صد یا دو است .

اختراق آنها کوان و بر و دو هواپیمای جراثی ایده و از دکه در کرمت تا ظرفیت دو صد بار گیر داشتن تا آنه و بالنها را بر سانند و هواپیمه دو بالن شش نفر آدم را بر سید از دو دک موتوره تا توپ دران میگذارند تا شاید اگر یک موتور را تقصانی برسد آن دیگر بجای آن کار کند . پس اگر این ایده با و تامین را بسر برسد هیچ یک قشی جراثی (آنه رو بلانها) باقی نمانند .

خوبی دیگر قرقی آنه رو بلانها بر بالونها این است که هم از بالونها کوچک است یک نفر پرواز کنند . نظر بیانات افسران اتریشی و روسی یک بلن سن جراثی را تقریبی تا سه هزار و پنجصد متر بالا بر آورده است . حالانکه بالونها تا دو هزار متر بالا بر آورده میتوانند . بر این علاوه پروازی آنه رو بلانها یک فائده دیگر هم دارد که گلوله ای که از زمین بر آن انداخته شود این خطر نمیماند .

تا به اینجا در باب (بالونها) و (آنه رو بلانها) مختصر یک مطلوبی دادم شد . حالا یک قدری از فوایدیکه این وسیله های نقلیه جو (نتیجه تجربیات و تتبعاتی که در جنگ عسکریه بحصول آمده است بحث بکنیم .

(بالونها) یا (آنه رو بلانها) که از بالونها کوچکتر و دو یا یک نفر است دو دقیقه آنها را (در فرقان حرب این منده در اول امر در خصوص (کشف) یعنی معلوم کردن جای و موقع و قوت دشمن خدمتهای فوق العاده بعمل می آید . در بدایت محاربه بجستجو کردن دو استین قوت دشمن شروع اهم شمرده میشود . و از این سبب هر روز کشفیات ضروری داده میشود . کشف اگر از طرف رساله اجرا میشود ، اما بسیار وقتها میشود که گزمه های رساله از دشمن پیشتی خبر گرفته نمیتوانند . و خبرهائی که هم میارند از داخل یک ساعت کمی آورده میتوانند . یعنی تنها از خط گرمیش و دشمن یعنی (قطاره) معلومات گرفته میتوانند . حالانکه (آنه رو بلان) از اردوگاه پرواز نموده همه قوت دشمن را بصورت بسیار صحیح و احوال زمین را برای حرب رئیس بسیار دقیق کشف میکنند . چنانچه ایطالیانها در محاربه طرابلس غرب (با آنه رو بلانها) که استعمال کرده خدمتهای نافع آشکار در حرب اثبات کردند .

بالونها برای کلی اندازی قطعه های توپخانه که تنها جا بجا بر قرار بسیار رده میرسانند . چونکه بالونها بزیر خبر میدهد که گلوله باری خود را طوری یا بکدام طرف متوجه کنند . زیرا از بالا باده دربین نامی بسیار بزیر بین هر طرف را دیده جای گلوله باری را خبر میدهد .

وظیفه دیگر بالونها این (در فرقان حرب) در زمان جنگ بین است از یک مرتبه فوق العاده با (پر بالها) و (دیناموبالها) دیگر جوابهای مستعجل بصد آنه رو بلانها مجهز گشته برجوابیشوند . در یک دو ساعت پر بالها ، و چتبالها ، و قطعه ها ، و گلوله ها ، و جبه خانه ، و غیره مواضع جدید عسکریه تا آن گلوله باری انداخته خرابیهای عظیمه میرسانند .

ازین سبب است که دو لتها برای مالک شدن این آلهای پرواز دهشت جراز یک بلای ساده ای شمرده چشم بسیار خرچ کار بها می اندیشند ، دولت جرمن در میزان دخل و خرج سنه (۱۹۱۲) خود (۸۰۰۰۰۰۰) مارک برای ساختن (آنه رو بلان ها) و (بالون ها) بصرف علاوه کرده مخصوص شده است . و غیر ازین برای بسر رسانیدن جهت سهای جراثی ، و ماشین کاران پرنده مکتبها ساخته اند . دولت بریطانیه ، و فرانسس ، و غیره نیز به افزودنی این آلهای حرب مجبور شده اند . حتی دولت عثمانیه نیز برای زده و خورد نمودن با دشمن در سواحل طرابلس مجبور گردید که برای آنه رو بلانهای مختلف بکارخانه های اروپا فرمایش بدهد . در طرابلس آنه رو بلانهای ایطالیانها جا بجا بدین عثمانیه بسیار ضرر زده و میتوانست زیرا بجز دیگر از دو در آمدن او رو بلان

جدیدة قطعات عسکریه از یکدیگر جدا میشدند ، و باین سبب تأثیر بوجهای شان کمی انداخته گشته میشد . اگرچه در جاهای محصور تأثیر او رو بلانها کمتر است ولی در محاصره ها قطعه بقطعه تأثیر آن خیلی زیاده میشود . زیرا بهر نقطه که ضرور باشد بلا تعطیل میتوانند بروند . و طرابلس غرب یکی از جاهائیست که عساکر اسلامیه این فرقان حرب را ایطالیانها مالک بودند چون افسران عثمانی که بقطعه ها و جاهای شهر طرابلس الغرب می شتافتند در آن نشسته و بر جاهای تازه بوجها انداخته ایطالیانها را چنان شکست فاحش میدادند که تا بجزیره (سیچیلیا) که از طرابلس غرب باز پور و ساعت ساده دور است فرصت گرفتن را نمی یافتند . اما افسوس که این مسئله برعکس شد . ایطالیانها هر روز بر پور از نموده بر هر حرکات جا بجا بین عثمانیه واقف می شدند . و با وجود دیگر پنج شش دانه آنه رو بلان و سه چهار بالون داشتند و چون این اسلحه بسیار مؤثر و بسیار ضرر رسانی است اگر دو بلانها بسیار اکثر تأثیر کرده ، اگر هر دو طرف جنگ کننده مالک این آلهای پرواز نباشند هیچ شبهه نیست که این فرقان حرب در روی هوا بر یکدیگر خود شان هجوم خواهند کرد .

م . ضیائی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 153 of 1786

برادران صنف نظامی بخوانید

با وجودیکه روزنامه (سراج الاخبار افغانیه) یک قطعه عسکری نیست، ولی بنابر خواهش دلی که به صنف نظامی خود مجبور شدیم که صفحه‌ای روزنامه خود را بصنف نظامی اختصاص بدهیم تا از مطالعه کتگان گرام فایده، لهذا درین نمبر ۱۲ خود به ترجمه بعضی مواد عسکریه پرداختیم، و لے چنان نگان نشود که خود ما عالم این فن جلیل شده‌ایم، هرگز نیستیم بلکه هر آنچه یک از این فن جلیل در کتابهای آخرین این فن دیده‌ایم عین ترجمه کرده میگذاریم و ابتدا از اخلاق و تهذیب عسکری سخن میرانیم:

وظایف عسکریه

(وظایف) جمع وظیفه است، اگرچه در اصطلاح ملک (۱) (وظیفه بدیگر معنی استعمال میشود، مثلاً وظیفه تحواه (۲) (هم میگویند، (۳) (وظیفه خوار) (۴) وظیفه (۵) (هم میگویند، (۶) مثلاً طالبها میگویند (وظیفه بیار) (۷) وظایف، بمعنی تلاوت کلام مجید (۸) (هم وظیفه میگویند، (۹) وظیفه یک کار) وظیفه عسکر این است که در وقت خطر جنگ در آسایش کوشیده باشد به قانون دولت اطاعت و فرمان برداری کند، و در وقت جنگ شر دشمن را از وطن، وقت، و ناموس دفع نماید. هر نفری یک قوت یک نفر عسکر است، و هر نفری عسکر یک جزوی از اجزای ملت است، و در دنیا هیچ قومی نیست که وطن خود را دوست نداشته باشد، رعیت خدای تعالی صلی الله علیه وآله وسلم دوست داشتن وطن را از ایمان قرار داده و وطن خود را دوست داشتن بر هر فرد شرعاً، و نسبتاً، و وجداناً، عقلاً فرض عین است، و ازین سبب است که هر یک از صنف شریف عسکری در اوقات صلح و آسایش وظایف خود را با شاه خود، و وطن خود، و ملت خود جان فدا کردن را شرف و فخر بزرگی می‌شناسد، و هر گز خود را بی‌پروای اندازد، و هیچ دشمن پادشاه، و وطن، و ملت را با قوت بیباکانه آتش اشتعال خود می‌شکافد، و با سر پنجه جان‌نثاری خود سینه دشمن را میدرد، اما این را هم باید دانست که مقصد اصلی تنها از فدا کردن جان در میدان هر تبه شهادت نیست، بلکه مقصد اصلی این است که دشمن را مغلوب و پریشان کند، و شان و سطوت دولت خود را بلند گرداند که این هم بیشتر میشود و قریه اینکه مشق و تعلیم عسکری را خوب بیاموزد، و در اطاعت و فرمان برداری، جان بکوشد، و به این صورت خود را برای جنگ حاضر کند تا ذات پاک کبریا، و ملایک سماوی، و پیشوای ما محمد مصطفی، و اولوالامر ما پادشاه و وطن و ملت، از ما راضی شود و ما هم وظیفه خود را ایفا آورده باشیم.

(باقی دارد)

(از اتفاق عسکری)
ترجمه شده

یک یادآوری میدهیم

در قرارداد که از طرف دولت (امیر عزت یکتان) (الزوداو) قونسلخانه ملکی دارالسلطنه کابل برای نشر شان در سراج الاخبار افغانیه بدادو ستد فرستاده است، نوشته نگورچون یک یادآوری بسیار مهمی در باب حق گمرکی شده بود عیناً درج گردید.

قبل ازین یک قاعده‌ایی که از گمرکات شده بود و حال آنکه در سنه ۱۳۰۰ دولت افراد شهر جوی بود و بسبب نا امنی حال تاجر افراد اطمینان نبود، مال هندی اجرا می‌شد، گویا گمرکچی مقطع بود که از پدر یا مادر روی مرض جذام دارد، و داشت، و مرض جذام مرض مسری است، و فرنگ یا غیر مرض، و در ظاهر صحت معلوم می‌شد، شخص تاجر را بعد از گمرک شدن تا آنرا گرفته نزد خود نگهداشته بعد از مدتی مرض مقطع را که در وطن خود بود، و ظاهر نبود، و در وقت گمرک نشده بود، و ظاهر میشد، و در وقت گمرک نشده بود، و ظاهر میشد، و در وقت گمرک نشده بود، و ظاهر میشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 154 of 1786

شکاف شکاف نمودہ جان بجانب حلق شک ، کہ از پی آمد گرفتہ بود باتی جراحت سوزان زدہ گی پیدا نمودہ ، جلی یا دیگر چیز استعمال کردہ باشد شود ، اثنا دانی مادر کودک ، از ہر چیز مبدا و بعد چہار پنج یوم چہ دانہ چیچک گرد اگرد سوزان زدہ گی جنگشید چہ دماغ خوب مستعد می شد نہ کہ بسرم ، اخال زدم از چیچک شیدن خلاص شد باین کیفیت چون اخال زن و والدین مشفق و الفت نداشتند کہ عرض مورونی یا عرض ظاہری سرایت بدیگری نشود و تا اخیر عرض مستعد عرض نباشد کہ علاج پذیر است تا این زمان از نادانی اخال زن و بیخبری والدین اکثر بچہ ہای مسلمانان گرفتار عرض ما گردیدہ اند ، چون اعلیحضرت (سراج الملۃ والدین) ادام اللہ دولتہ کہ ہمیشہ منظور نظر عواطف پروری شان بر رعایت و خبر خواہی رعایای دولت خداداد شان بودہ و میباشد حال درین تاریخ جشن شنشاہ مدالت گستر ظل خدا ، ظل اللہ ، سایہ یزدان ، پرتو رحمان ، ہمدم ہمایون ، ہمراز ہمایون ، ہمراز ہمایون ، ہمراز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 155 of 1786

(استحمام) — استحمام انسان بسیار نفیس است از آنرو از هر افراط زیاده تر سودای او جستن میکند که در زمستان با دستکش پوشیدن لازم است. و اگر خنک نخورد و در پیش خویش گرمه نگرم کردن آن لازم نیست بلکه مانیدن چه بگرما بعمل و عمل بیادن لازم است. و گرایکه استحمام را سودآگری و اگر می بسیار بیاید

(دندانها) — برای حفظ صحت دندانها نیز بسیار دقت و هوشیاری لازم است. زیرا برای خوب هضم کردن طعام خوب دندان بکار است. و چرم خوردن بشکل دشوار حفظ صحت دندانها بسیار ضرور است. هرکس که مخلی دوستی دندانهای خود را آرزو دارد باید که نه چیزهای بسیار گرم، و نه چیزهای بسیار سرد بخورد. و چیزهای سخت مانند بادام و پسته وغیره چیزها را بهگاه با دندانها نباید شکست. ماده که از لعاب دهن میگویند نیز برای هضم طعام بسیار لازم و ضرور یک چیزیست بجا از چیزهائیکه موجب غایب شدن آن باشد حذر باید کرد.

(حسن و جمال) — اگر مرد باشد گوزن، هرکس را که باشد حفظ حسن و جمال شان محض بسلامت و صحت وجود شان متوقف است. هرکس که بخواهد غرابت و تازه گی رخسار و قوت و تندرستی بدن و اندام خود را حفظ کند باید که پیروی قواعد حفظ صحت را نماید. مقبولی و خوش صورتی که بعضی زنان بواسطه بعضی استعمال رنگهای مسخ و سفید ساختگی برای رخسار خود شان حاصل کنند در آخر نتیجه خرابی و بدهیئی حسن خداداد طبیعی شان میگردد. زیرا اکثر آن گونه رنگها بعضی مواد ضرر ناکی دارد که برای پوست رخسار ضرر میرساند. چه سبب محبت تنها بمقبولی و خوش صورتی خارجی منحصر نیشود بلکه خوش صورتی و مقبولی روح را نیز بمعنی کردار اطوار گفتار افکار خود را مقبول و محبوب باید ساخت. پس صاحبان حسن و جمال را می بینیم که بسبب طبیعت های بد خود مردم را از خود بیزار کرده اند. و بسیاری از بدرنگها را دیده و ایم که بسبب حسن طبیعت خود مقبول و معتبر شده اند. بنابر هرکس چنانچه می لفظ حسن و جمال و صحت و غایبت وجود خود مجبور است چنان می لفظ اخلاقهای خوب و حسن طبیعت خود نیز بسیار کوشش باید بکند. — فقط

از (تعلیم قرائت) ترجمه شده

ادبیات

شعر — موسیقی

شعر موسیقی — دو همشیره خواهیست که در یک خانه زندگانی میکنند!

شعر موسیقی — دو تا جوهر مشترک المنفعه ایست که زبان مرجع نقصان آن دیگر گانیشود!

شعر موسیقی — دو رفیق جوهر شخصیت الطبیعت که سخن بدیگر خود شانرا شرح و تفسیر میکنند!

شعر موسیقی — دو ولد ارشد سودا زده مقتوح الیهم گویند که بهشت ای حیات خود شانرا باهم دیگر آب داده و برای جدا شدن از هم دیگر، عالم ازل عهد و پیمان بسته اند.

آب و نان دو جوهر طبیعت که رزاق عالمیان آن را مادیه پرورش (جسم) مقرر فرموده، آب و نان (روح) شعر و موسیقی است که خلاق جهان آنرا غذای روح معین نموده.

از کلمات اهل تصوف است که چون حضرت آدم از گل و آب خلق گردیده شد، روح لطیف از داخل شدن آن جسم کثیف بیا خود، حضرت رب عظیم الشان شعر و موسیقی را در وجود جد آدم علیه السلام خلق فرمود یک شعر بآهنگ خوش تولید لطیفی از جسد بظهور آمد، روح به آن شعر خوش صوت یک سیل لطیفی پیدا کرده در جسد داخل شد.

روح بر موسیقی عاشق است، موسیقی ای شعر نفس ندارد، مرده و بی عشق و خود میگردد، عشق بحری است طبیعت معده و مخلق است!

شعر چیست؟ شاعر کیست؟

هر چیز بیار، هر سخن زار، در آب زر، و الحاصل هر ربط طبیعت یک صنع یک میت، یک غزل، یک قصیده، یک مخمسه، یک مسدس، یک مثنوی، یک نظام، یک آهنگ، یک نغمه است که معنی (شعر) او را موسیقی را تفسیر میکنند. شاعر یک مخلوقیست که از نشر شعر جواهر، از اجتماع شاعر، از رنگ آمیزی کلمات، از آواز و آهنگ نغمه، از ربط لفظ و معنی سرشار یک و اعجاب بار و اهل اثر و جذبی حسن طبیعت متاثر و منعکس گردد، و این تاثرات و انعکاسات خود را خواه بنثر، خواه بنظم ترجمه کند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 156 of 1786

غزل

معارف

دمی با مردم عالم نشستن معارف
چه می گردی همیشه توشه ات معارف

جمیع است معارف رشته و جمع کاروان
شو پیرو و دور از سفر و عرفان معارف

گر معرفت حق بود مقصد و اقدام
این حبس بیابان تو بندگان معارف

در آرزوی ثروت و مسعودی دنیا
باشد بهوست یابی ز احسان معارف

گر بهره دهد مقصدت ای معرفت آگاه
یابی بخدا باز ز جهان معارف

شد چیره ی خلقه معارف تو بقبضه باین
بشناس بقدر کاربان معارف

(محمود) بشناسائی هر چیز بدنیا
مهتاب و بر پایه ارکان معارف

فاجعه های پاریس مابعد از نمبر ۹

یک ... دارم که آنرا بی ادبی دارم ... اگر دوشیزه وزیری با قطعی برمن حرکت بسیار خوبی مقابله خواهد داد ... آیا حالا حاضرت جمع شد؟ پس باذن خداوند من میروم.

— رجا میکنم، یک کمی توقف کن، بهمین یک سخن دیگر مرا بشنو ... آه حیف این اوقات مردار را که بیهوده و بیروز از پیش دوده از دست میرود.

— خوب، چه میخواست؟

— چنان معلوم میشود که گویا با تروده روز گرا به خانه بوده قرض داده بیستی ... حریف پیسه خود را میخواهد.

— او هم مگر یک چیزی بوده!!...

— من گفت که پیش تو خواهد آمد ... آقا، این دفعه هم که نیامده پیدا نم از چه سبب است؟ هر چه که باشد گفتی باشی بگو، مرا از تشویش آن رهائی ده ... زیرا از شدت بسیار ملال بستوه شدم ... رجا میکنم چیزی بمن بدهد.

— اگرچه اشتباه ... اگر دین این قرض طلب نیست، ولی فردا چه حال او میشود ... هم فردا از زین سفالت خانه برآمده در یک محله بسیار باصفا و دلکشائی در یک خانه بسیار لطیف جا بجا میشویم ... هیچ اندیشه مکن قلوبیلد، فردا انشاء الله موافق شرف اصالت خانوادگی خود یک خانه برایت پیدا میکنم.

— معلوم میشود که از یک جائی بدست پیدا بسیار می آید؟

نامه ران زنان پاریس

مابعد از نمبر ۹

(آدلاییدا) — دختر دوم لوئی دوم است که از باوشاهان (آکیتانیا) بود. پدرش در وقت مرگ خواست که ملک ایطالیا را از دست (بوزو) نام حاکم (پروانس) ضبط کند. ولی بنابر معاشقه (آدلاییدا) با پسر بوزو مذکور (لوتر) نام داشت. در وقت به ازدواج دختر خود رضی نشد. و او را از نظر می گذاشت صرف نظر نمود. بعد از وفات (لوتر) مذکور ملک ایطالیا را (برانگار) نام حکمران ضبط و استیلا نموده خواست که (آدلاییدا) را به پسر خود (آدالبرت) بدهد. ولی (آدلاییدا) از عشقیکه بشوهر متوفای خود داشت به این امر راضی نشد. به این سبب (برانگار) مذکور او را در یک قلعه محبوس ساخت. تا آنکه پسانها (البرتو آچو) که پرنس یعنی شهزاده ملک (فالوس) بود او را از محبوسیت رهائی داده در تاریخ (۹۵۱) میلادی با (اوتون) نام بادشاه (ساکسن) ازدواج نموده. و بسبب این ازدواج خود جی ضبط کرده این ایطالیا را به اوتون مذکور بخشیده است. و در تاریخ نوبت حکومت به خواهش (اوتون سوم) رسید چنانچه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 157 of 1786

کوچکی سنین اوقات دو سال تا به حکومت خود شده به اداره حکمرانی ملک بصورت بسیار رضایتمند اداره کامیاب آمده است. و در سنهٔ (۹۹۹) هجری وفات یافته است. وقت انصاری این زن (الاعزیزه ما) یعنی پیشوایان و بزرگان دین خود شمرده و هر سال شب نزدهم ماه کانون اول (فروردین یعنی جدی) مراسم آئین و دعائی آنرا اجرا میکنند.

بسیک زوجهٔ دو پادشاه شده بود و در کلان یک پادشاه از آنرو بلقب مادر دولتها ملقب شده بود.

بنام (سمنت آدلایدا) یک عزیزهٔ دیگر نیز در انصاری موجود است که دختر (توت ملک وسس) پادشاه و در کلیسای بزرگ (نوتردام) کانتربری مدفون بود. و در تاریخ (۱۰۱۵) هجری وفات یافته است.

به این نام یک زن دیگری نیز است که بخاندان پادشاهی فرانسس منسوب میباشد.

(اذرهایون) — یک ساحره بود که در آشکده اصفهان خدمت میکرد. بنظر روایت (مشاهیر النساء) نام کتابی مرقوم از اشعار سام نریمان بود که از اهل فرس قدیم است. آذرهایون چنانچه در دیگر ساحره‌گی خود کمال داشت بجمال حسن و جمال هیکل پروازی را نیز مالک بود. (اسکندر رومانی) مرقومه را به انیس خود حکیم (بلیناس) تزویج نمود و بلیناس سحر و علم را از او بیاموخت.

[باقی دارد]

— بلی عزیزهٔ من، هم خیلی بسیار یک چیز!

— آیا آنرا خواهم دانست که کیست؟

— آنچه یک تشبث عجیب گرفتن خواهی دانست. حالا در باب سخن گفتنم چه فکر میکنی؟ بس است من میروم. هم سعی میکنم وقت زیاد تر خود نگردم.

غلو تبلهٔ رفتن خواهران را بسوی دروازه دیده یک صدای لرزان و بالاتر از گفت:

— خودت هم میدانی که تا تو من یک چیز بسیار مهم مانده است.

— (از دروازه پس گشته) چه گفتی؟ یک چیز هم مانده؟

— بلی یک چیز بسیار مهم مانده.

— وای! چیزی که خود داده بودم اینقدر زود چسان خلاص شد؟ من یک طلای فرانسوی خود داده بودم.

— بلی یک طلا داده بودی اما بیش از دو روز.

— حال آنکه امروز من هم خیلی دست تنگ بودم. ولی هزار مشکر که آخرترین روز های دست تنگی من هم امروز است فردا بهر حال تو انگلیسی شوم یک اسب را با چند چیز گذران بکنیم. زیرا زیاده از این داده نخواهم.

خواهران این را گفته و یک فرانک از جیب خود برآورده بر میز انداخت و بسرعت تمام از دروازه برآمد. این وقت ساعت شش بود که یک چند دقیقه بعد و سه باقی مانده بود.

[باقی دارد]

علم و ملت

مابعد از نمبر ۹

علماً چنین گفته‌اند (فابریک) کارخانه یعنی ماشین خانه! دستگاه را، اگویند که یک جماعتی هم دست بکرده و یک شعبهٔ نوآلگری چیز صرف کرده و یک فابریکی برای یک کار و صنعتی بسازند، و اشیای خام را بدیگر اشکال و دیگر اقسام از آن بیرون بیاورند. یعنی از ابواب علم از ابواب عمارت ساختن، و راه آهن ساختن، و طرق و معابر و دیگر انشاآت را یک قسم جداگانه اعتبار کرده آنرا (صنایع الشابه) تعبیر کرده اند که باین سبب این قسم دوم صنایع یعنی (فابریک سازی) را این (صنایع الشابه) هر دو را یکجا کرده (عموماً صنایع) (عالیه) تعبیر کرده اند.

یعنی صنعت کار، آن اشیا و چیزهائی را که ارباب صنایع ارضیه و صنایع (عالیه) آنها را حاصل کرده اند گرفته یا آنکه به آنچیزها نزدم و احتیاج باشد رد و بدل میکنند که این کرده را (تجارت) یعنی سوداگری و این صنعت را تجارت میگویند. اما این را هم فراموش نباید کرد که مقصد از تجارت تنها نقلیات یعنی نقل و انتقال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 158 of 1786

یک چیزی را از جائی بجائی نیست بلکه مقصد کلی از تجارت اجرای مبادلات یعنی بدل کردن یک چیزی را بدیگر چیزی میباشد.

زراعت، یک صنعتیست که در روی زمین بسیاری از نفوس بنی بشر به آن مشغول میباشند، منشاء و منبع بسا اشیاء از زمین است، هر نوع اعمال بشر بر روی زمین بواسطه خود زمین اجرا میشود، بسا اشیاء حیوانات را زمین می پروراند، زیرا حیات شان بر چیزیا نیست که زمین آنرا می برآرد، آثار زراعت از روی تاریخ اقدم ترین صنایع شمرده میشود، اقوام محفوظ بشر پیش از آنکه اجرای فلاحت و زراعت بکنند به صید و شکار تعیش می نموده اند، و بعد ازین بصنایع اعلا یه آغاز کرده اند که وجود جبل و حریر و کتان شاهد عادل آنست و دلیل کلیست بر اینکه صنایع اعلا یه پیشتر از صنایع ارضیه ظهور نموده است.

آثار ترقی کردن صنایع اعلا یه بر روی بسی زمانها بسر آمده است، زیرا اغلب آن پیشتر از صنایع اعلا یه بر قرون یا قرن تعویض اعلی، و بوسیله و انتقاد یا قرن احتیاجات بشریه و انتشار و ترقی آن بیشتر محتاج است، صنایع اعلا یه در تاریخها می پیشتر از زین با صنعت زراعت یکجا اجرا می شد، و مردم مخصوص کار باب آن صنایع باشد نبود، بلکه کشاورزان در وقت خالی دیگار کی خود شان بر شاخ بسیار غلیظ خود شان را کرده بر میگرفته و اشیای عادی دیگر استعمال میکرده و گاهی می آورده اند، حتی این حال در روزه روز نیز در بسیار جا ها مشاهده میشود.

صنایع اعلا یه بعد از آنکه محصولات از حیث بسیار زیادتی کرد از زراعت جدا شده و هر یک صنعت مستقل گرفته توانسته است که آنچه بعد از نیازمندی شهر او قصبه وجمع آمدن مردمان در آن بوجود آمده است.

آمدیم بر تجارت، فایده ما یهم از فایده دیگر صنعتها پس نیفتاده، صنعت تجارت در هر جا و شهر ها می مختلف به مبادله حاصلات توسط بعض میانجی گری میکند، اگر هر کس بزارد رقم چیزائی را که بآن محتاج است راه براه

[باقی دارد]

سخنان هر رقمه

نسخه ها می فایده و نافائده
قاعده در رنگهای اصلی و بعضی ترکیب
از رنگ

گل لوگرد و رنگهای که برای جلا دادن استعمال میشود برابر وزن بهم یکجا باهم جوش کرده و با نیل زیتون و اگر نباشد با نیل شرشم آمیخته یک پارچه چرم (یعنی) نازکی که برای پوشش ساعت و یا پاک کردن عینک و بعضی دستگش ها استعمال میشود و آن نیل مخلوط شده را در جائی را که رنگ گرفته باشد باآن بمالد، بعد از آنکه رنگ پاک شد یک تکه زمرد نیل خاک یا و از زمین خوشه دار سلاح را قوی باآن رو طن و بهند، بهیچوقت اصلی تا زه رنگ نمیزند.

قاعده هر گاه در دانستن تصاویر زرگاه

کاغذ گاهی میخواهیم بر آن کاغذ یک تصویر و نقشی را ببرداریم آن کاغذ را بر روی تصویر و یا نقش پیشتر آرید و یک قدری پنبه را گرفته در روغن بادام زرد (یعنی بشرط اینکه خالص باشد) داده و بر کاغذ یکه گرده بران بریده باید بمالید که کاغذ شفاف شده و تصویر را بران گرده میکشید، قاعده دیگر بر آنین کار اینست که نیل شرشم و چرم را بمقدار مساوی بهم بر بر هم گرفته باهم می آمیزید و باز بقدر یکه پیش ازین گفته شد با پنبه بر روی کاغذ میمالید و بعقب ای گذاشته که کاغذ خشک شود بر روی تصویر و نقش مانده گرده تصویر را میگیرید.

قاعده در دانستن نقره چربی را از جامه

[illegible]

به اهتمام الحاج عبد الخالق پسر طرزی افغان مطبعه چاپخانه دولت علیه
بطبع رسید
بمدیریت میرزا محمد حیدر قندهاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 159 of 1786

نگران
بایسکل آقای ملی حضرت اعلیحضرت همایونی
شاه احمد

قیمت سالیانه
در دارالسلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در ولایات و ممالک اخراجات ڈاک ۱۴ روپیه
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک نیم پوند انگریز
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است
تاریخ عربی ۵ ربیع الثانی ۱۳۳۰

مدیر و صاحب امتیاز محمود طرزی

ادارهٔ حیاء و مطبعهٔ
در عمارت خانهٔ دارالسلطنه کابل

جمله امورات تحریریه به ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ خمسی ۱۵ حمل ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

قلعهٔ السراج لغمان — حوادث خارجیه
مقالات مختصره دینی و اسلام — علمای اسلام
مقالات علمیه — اوزبنات — انوار ذکاء جهان — طرز ثروت جمع
خاتمه ای بارمیس

قلعهٔ السراج لغمان

یکی از ملکهای گرمسیر حاصل خیز بسیار پر آب و دلکشای ممالک محروسهٔ دولت قوی شوکت خداداد افغانستان چون کشیدهٔ طلب (لغمان) است. وضعیت اراضی (لغمان) زمین یک وادی مستطیل سبزه خرمیست که بسمت از جهت شرق بسوی غرب حدوث داشته است. اطراف این وادی سرسبز را تپه ها و کوه پایه پست دلکشی احاطه نموده که این جهت از بعد یک منظرهٔ بسیار سبز خوشنمائی نشان میدهد. مزروعات این وادی اکثر از جهت شمالی کوه (بابا) سنجراست اگرچه دیگر مزروعات مانند گندم و جواری مکو غیره را نیز بسیر میرساند. ولی محصولات مهمهٔ زمینهای لغمان زمین برنج است.

وادی سرسبز لطیف لغمان را دو آب بنام (دوزخ بی آب) و (دیگر بی نهر دزنه) (آبشار) و دیگر بی نهر (ایشک) پیاشه. آب (دزنه) از جهت شرقی شمالی لغمان از چشمه سارهای کوه های دور دست آن سمت بسوی غرب گفته روانست که در حدود دوفرسخی (فرخ لی) با آب دوزخ (ایشک) که از جهت دره ای است شمال غربی موضع مذکور می آید باهم گرد آمده بدریای بزرگ کنری (نهر کابل) میریزد.

در محل و استقرار این وادی در راه بین دو آب نهر الشکار و ایشک بر یک زمین صاف و هموار در نقطهٔ محل سر دوزده (قلعهٔ السراج لغمان) بنا یافته است این بنا یکی از بناهای بسیار مهمهٔ است که ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه معظم مقدس از نقطهٔ نظر بسیار فایده و ناگزیر بنیاد آن فرمان فرموده اند.

اولاً نظر باهمیت موقعیهٔ که ایالت لغمان زمین دارد وجود همچنان یک قلعهٔ مستحکم عسکری ضروری دیده شد. بواسطهٔ این قلعه چنانچه در راه های عجیب و غریب محفوظ گردیده (نورستان) که سابقاً معروف به (کافرستان) و بازنام ایجاد الی) حدود شده رفته است و زیر اجبت گردانده شده همچنان ولایت جبل السراج حکم تشکیل جلال آباد را نیز از جهت شمالی تقویت داده است.

ثانیاً: بعد از بسته شدن پل چرخه (دورنته) بر نهر کابل که ولایت جلال آباد و لغمان را از همدیگر جدا کرده بود و بنا بالک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 160 of 1786

و اقصای ارامین دلایتین مذکور بوجود آمده. و چون ذات اقدس اعلیحضرت شاهانه موجب رستگاری و اسعار سال و رفاهی آنها و اجرا و پیشرفت امور و آسایش و راحتی اقامت شاهانه در جلال و اباهت اقطار این دایره و شهرهای مجاور و سکنه آن نیز و دایر ماجولاگاه و سیر و سیاحت همایونی قلمداد و محل میباشد از اینرو یک مرکز جاگاه و یک طرح شاهانه و پیشنهاد الزم و اهم شمرده میشد. بنابرین ذات اعلیحضرت شاهانه تاسیس و بنای این بنای بسیار بدیع (قلعه السراج الحق) پیش از دو سال را داده و فرمان فرموده و در بموقع اکمال و اتمام یافته است.

نقشه معماری این بنای عالی را اینزاتنده و دیگر ابنیه اصلی همایونی خود ذات اعلیحضرت شاهانه بزیر نظارت همایونی خود کشیده و دو یک بنای بسیار متین و دلنشینی که جامع اقتضائات رزم و بزم است بوجود آورده اند.

حالا این بنای فخیم را یکدیگر از مشهودات پارسال سفر خجسته اثر همایونی هر کابی اعلیحضرت شاهانه آنرا دیده و نقش پذیر خاطره تیره ما مانده و در نظر قارئین کرام تصویر و تعریف کردن میگوشیم:

این قلعه مربع الشکل و دو سور یک بر دیگر قرار یافته است سور خارجی و دیگری سور داخلی است. از یک دروازه بزرگ طوپ رو می که بسوی شمالی قلعه باز شده است داخل قلعه میگردیم. در ما بین دو سور این قلعه دیوار قلعه داخلی یکه بسیار صاف و هموار با فضائی از هر طرف موجود است که برای تحصن و قرارگاه عسکری مساعد میباشد. و دیوار قلعه خیلی متین و بیک دیوار بسیار گرانقدر اسی بسیار عمیق با سنگ و چونه بالا شده است. و بعد از ان از خشت، از سپس ان دگر باره از یک دروازه بقلعه داخلی میرسیم این قلعه داخلی بمقام ارگ قلعه السراج قایم است. دیوار این قلعه داخلی نیز مانند دیوار قلعه خارجیست. از دروازه که انسان در داخل میشود اول چیزیکه نظر و توجه را جلب میکند بنای قصر بیقصور عالی بسیار طریف و خوش نما که در وسط جنوبی محل قلعه یعنی در منتهای سمت جنوبی قلعه واقع شده است. این بنا مشتمل و بازیست یک عمارت بلند و پوشیده است که نظر زوار، ات جدید روی بنا باقه و در شب از بسی دایره های منقطه ایست که هر دایره از خود اناق نشیمن و اناق کار و سوئیتهای خواب و توالت و غسلخانه را حاوی میباشد. و اتاقهای بسیار فراخ با فضای خوش نما و دلپذیرای متوازی طولانی با صفای این عمارت جان افزا حقیقتاً خیلی دلنشین و خاطره انگیز است. اول از یک رزنه آبدار گذشته باید گفت که چهار طرف زینه از سه طرف دارد و داخل یک زینه دو طولانی و فراخی میشویم که از طرف چپ این دو زینه دو دهلیز و راهرو طولانی بسیار دلنشین و دلپذیر بسیار دلنشین و دلپذیر بسیار دلنشین و دلپذیر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 161 of 1786

دولت این قصر عالی امثال آن تخته دام بست نزدم این بادشاه مقدس یا پون خال ا معمور و آباد و درنگ آور ا معمار و بلاد باشد . آمین .

هوای کابل

دخت دلشاد بهار صفوت نثار دم بدم لطف بلطف خاصیت روح القدسی خودش را بکار میبرد . اسرار معجز آثار (یحیی الارض بعد موتها) در هر طرف ظاهر و آشکار میشود . حیوان ، نبات ، جماد ، هرکدام جداجدا سرمست بادهٔ نشاط و مسرت اند .

میدانی چیست که عادتا یک هنگامهٔ جشن پرجوش و خروش استقبال بهار شروع میشود و به اختتام میرسید چنانچه گذشته رسما اجرا گردید چنانچه دو روز قبل ازین از طرف سارجن میجر تشریفات بهمه مردمان اهل دربار خبر داده شده بود که صبح روز جمعه با لباس های پورهٔ دربار رسمی خود در گل خانهٔ ارگ مبارک حاضر شوند . بیازده و نیم بجه جناب شهزاده ولیعهد سردار (حیات الله خان) نائب الحکومهٔ ولایت قطغن و بدخشان با همه ارکان و اعیان و صاحب منصبان نظامی و ملکی بسواری اسپان مبارک در موقع جشن واصل گردیدند . در آنجا از طرف عساکر نظامی آزدل ، و کوتوالی ، و شاگردان مکتب حربیه سه اجیته رسم سلام اجرا گردید . شاهانه و خیمه گاهای مقام دربار بکمال انتظام آراسته و پیراسته بود . چایها شیرینیها ، طعامها همه دل و ایگان بود . موزیک عسکری و دیگر سازهای ملی ، دربارهای اپ و دانی وغیره تعینات اجرا می شد . و دنیای یک شوق و ذوق و سروری که هم بجولان نمی آید .

نوزده بجه بایک جماعتی که از پنج شهزاده آدم

مشکل بود اداگردیده و بدعاهای نصرت دین مبین اسلام و دوام سلطنت قوی شوکت افغانستان و صحت و اقبال بادشاهی به انجام رسید . تا بساعت چهار بجه روز بکمال خوشی و فرحت و مسرت گذرانده شد . والحمد لله هیچ یک واقعات و حادثهٔ ناگوار بی در ظهور نمود .

حوادث خارجیه

اردوی عسکری ایران

راجع باجتماع (طهران) سفیر استانبول تلغراف مفصله ذیل را مخابره نموده (تان) در باب اردوی عسکری ایران چنین مینویسد :

دولت ایران برای اردوی عسکری خود هیچ گونه مصرف نمیکند . افسران و نفری بیکار ، تنخواه خود شان را منظماً گرفته و از منزل خود بیرون میروند . اردوی عسکری و ملیشیا بطوری که آید نظر میشود اگر خود را قوت دفاع میبود . افسران و نفری عسکر ایران بیک صورت بی پروا و بی نظمی بیکار گردیده اند که هیچ انتظام و خوش صورتی ندارد . هیچ شبهه نیست که معلومات عسکری ایرانیان اردو نیز مشکل تواند بود . بکلیت خدمت عسکری در ایران بر همه خاصه و عوام یکسان شامل نیست . زیاده تر از طرفهای (آذربایجان) عسکر گرفته میشود . خدمت عسکریه تنها بر مردمان دانی افتاده است . خانواده های توانگر یا کسانیکه یک کسری استعداد داشته باشد خود شان را بهر صورت از عسکری رهائی داده میتوانند .

تخمین کنند که عسکر چند اند و تا چیست تومان یک مبلغ گزاف در سال بکمپانی چند اند و یا آنکه بعوض آن نفوس عسکری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 162 of 1786

[illegible] این [illegible] است که [illegible] ایران [illegible] ارتش [illegible] ارتش [illegible] ارتش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 163 of 1786

قصور این حکایت منظم

انتها

ملاقات با صوبه دار (مونتگو)

رفیق ما (طهمن) مینویسد: — جناب صوبه دار (مونتگو) که یکی از افسران اردوی انگلیس است و در طرابلس غرب بجنگ با مجاهدین عثمانیه اشتراک دارد چند روز قبل از شهر ما میباشد. دیروز یکی از محترمای خود را در نزد این افسر جلادت انگلیسی واجب دانسته رفتیم. شاید چون در وقت بسیدن محترما آماده نداشتن جوابی ملاقات ما را مقتضی نبود لهذا محترما را جواب گفته فرستاد:

وقتیکه مجددا بمنزل آمدیم شاگرد اسوال خود را گفته است: که این از سبب احوال پرسی شان پیش آمد ما و افسر اسبابت شان را دوخیت کرده اند. و بعد از آنکه تجربه کاران دیهاد ران نقاط اطراف آمده زیارت کردن جاهای تحت طوائی را نیز دقیقه دانسته است. بعد ازان از فرمایش عسکریه دانسته (نشت بگ) و (قهوه بگ) ایشان چیزی سفارش بیان کرده گفته است:

(برای حرکت کردن وزیر افسری انگلیس فوراً خاطر عسکر شان یک ظرف جزئی شعر ده بشود.)

مسئله (جریمه موتنگو) گویکی از صوبه داران اردوی انگلستان است و در طرابلس غرب با قشون اسلام و مجاهدین اسلامیت با ایطالیا نیز جنگ کرده است. و در آنجا به اسارت دول آمده. و در اول (پرابلاس) نزول نموده است. و بتب هشت یکی از افسران قشون مکتب حریت صوبه داران صنف اول (فرید بگ) و (جون بگ) و از صوبه داران صنف دوم (ناجی بگ) و اول گفته مسئله موتنگو را بسیار رغبت و احترام بمکتب حریت برای جهانی آورده. و احترامات مخصوصه درباره او در مکتب بجا آورده. فردا پس فردا اشرف مسئله موصوف ضیافتها و جاهای فوق العاده داده میشود. مسئله جریمت موتنگو در اینجا بحثه که در مکتب حریت برای او تخصیص شده بقدر بیست روز جهان خواهد ماند.

دیگر — در پونانستان نزدیک بسیار شده بود هیئتی بتوقع آمده که تلفات و ضایعات مالی و جانی بسیار و خسارات عظیمه بشما بلوحب گردیده است.

دیگر — از انس پترسبورگ از تبریز خبر میدهد که وال سابق تبریز جناب (ضیاء الدوله) که بقونسولخانه انگلیس التجا برده بود در قونسولخانه مذکور (انتحار) یعنی خودکشی کرده است.

مکاتیب محاربه

عینا مکتوب یکی از اکثران جمعیت هلال احمر است بمحترم

از صوبه مشتمل از بیانات و تعارفات نظریه جویا، و جمعیت حریت آنجا خبر میدهم. و نیز شایان حیرت ترین مشهودات ما بین مسلمه میباشد. بلی، جویا آنقدر جسور و آنقدر شجیع هستند که اگر ان انجار انگلیس نه بینند بیاوری و مردانگی شان را درک کرده نمیتواند. مهارت و اقتداری که جویا در سواره کاری و سلح شوری دارند بسیار عجیب است. وقتیکه در وقت ما را استقبال میکردند نمایش اداسپ دوانیدنها بسیار اجرا کردند. درین اسپ دوانیدنها مهارت سوار کاری و سلح شوری شان نمایان میشد. جویا اسپ های خود شان را که بر ان سوار بودند یک مرتبه فوق العاده جست دادند. و در اثنای شدت تاخت و تاز کارطوس را در تفنگ می انداختند و نشان گرفته آتش میکنند. باز کارطوس خالی را می برآرند. و دیگر کارطوس پر کرده آتش میکنند. اما چیزیکه شایان حیرت است این است که در اثنای دویدن آخر ترین چابکدستی اسپ تحفه ای که

می اندازند در صدی نود و نه آن بر آماج برابر میخورند ! بگوئی
عیب اسلحه که اگر این چیزها را بچشم خود ندیده بودم هیچگاه باور نمیکردم.
پیاده های شان نیز در چستی و چالاکی دشمن اندازی بدرجه
سوارشان سریع و چالاک است. از همه طرف تر شجاعت و
دلاوری (زنان) آنهاست ! اگر بگویم که هر یک از زنان غازی
حوالیک شیر میدان وغا است هیچ مبالغه نخواهم گفت. و اگر
بگویم که هر سوار و هر پیاده غازی تر اند بلکه بدرجه آنها
بشما بصورت راستی معارفه کرده خواهم بود. زنان اینجا
در میدان محاربه از مردان پیشتر از مرد این خود حرکت میکنند.
زیرا زنان بمقام موزیکه عسکریه جا شمرده میشود. طایفه
طایفه زنان دست دست بانتخ و خنجر تسلح بوده و همه از
خویش فشان خود شان آوازهای هالو لو ... ها
که آنرا زنان عرب شادمانی (زغاریت) و زنان اینجا
(زغراد) میگویند ولوله اند از هیبت و شوق و غیرت شده
بجاریه استاده اک میورزند. و زن و مرد بعضی با چوب
و سوته تیر میدان حرب میدانند از یکی ازین عوجائی
سوته دار پرسیدم که : (آیا با چوب و سوته بمقابل
طوپ و تفنگ جنگ میشود ؟) جواب داد و گفت :
(اگر ای تفنگ بر داریم. بی تفنگ برگشتیم. زیرا در اثنای
حرب تفنگ دار ان ، البته بسیار دشمن را میکشند.
باهم اسلحه و جبه خانه آنها. اگر ما صلح میشویم و بعد از زمان
مسلحی بجا بر دوام میورزیم.) یک چیز عجب دیگر که از
عوجائی اینجا دیده ام این است که مطلوب بگانه آنها چنین
که با هر گلوله که چند از مند باید چه حال یک دشمن را در خاک و خاک
بغلطاند. و از اینست که اگر هر قدر کار طوپ بسیار و فراوانی
هم داشته باشند باز هم گلوله را چنانی اندازند. اگر فراوانی
کار طوپ را بسیار و گلوله را بزرگی می شمارند. بهمه حال باید
که با یک گلوله اگر دو نفر را کشته تواند یک نفر را نکشد.
از همین جهت که بزرگی گردن دشمن هیچ قباحت نمیورزند. بهمه حال
کشتن هیچ ابهت. از اندازه برای تردیک شدن بدشمن نامه. دو صد گز
نیز هیچ پروا نمیکنند. و همینکه از فاصله بالا دشمن را آماج میکنند.
اگر سینه دشمن را نشان میگیرند. و اگر پشت را گلوله نشان
نخورد بیگاه گلوله خورد اهی اندازند. و از اینست که هر چند
اینطایفه در صدد ورشان میگیرند. بمقابل اینقدر شان اندازی
عوجا اسلحه آخر تر بین بسیار کمی اینطایفه هیچ کاری از پیش
برده نمیتواند. مگر کمی اینطایفه که از دست اهل غزا زنان
خودشان اند افتاده میشود و بهمین وجه انظرف اکثر

می افتد. و تا خیر نمی کنند. علی هذا باین گونه اندازی اینطایفه
عادت گرفته اند. و از اینست که از هجوم جرئت در داخل
منزل عوجا هیچ پروا نمیکنند. دیگر اینکه اصول محافظه گرانه
خودشان را نیز از زمان گذشته خوب آموخته اند. این است
که چون این چیزها را در پیش نظر محاکمه بیاریم معلوم میشود که از
اینطایفه چرا نسبت بسیاری از ملفات و ضایعات شان
بیشتر بر خورد می آید.

زن پرستی فرانسویان

خیالات یک برگدی فرانسیسی

برگه (لاپورت) بحرارت میگوید : اگرچه از یکدهه پیر
شده ام ولی باوجود آنهم اگر حرکت سر انگشت یک زن خوشرو
را از نقطه یک موزن کوچکی نگذشتن امر کند جاندم انتد یک شهید با
کمال چستی بازی میبرد به برآمدن چستی و چالاکی میورزم. اما
این را هم بگویم که به این قسم زن پرستی تنها من منسوب نی
بلکه تمام فرانسه ازین قسم عشق کسب فیض معرفت برده اند.
فرانسویان در میان جمیع موجودیت آدمیه نقطه زیبائی فقط
او را یک لگه سیار شوخ و شنگ شده و خواهیم ماند. و در قضیه
زن پرستی تا عصر آخیر همچو من از منظر خواهیم بود. حالا
از همه در گذشته مثلاً تجلیات این قسم خیال پرور
در پیش نظر آورده احوال جبهه و روحیه آنرا ملاحظه بکنید :
من از جهان آدمانی ام که در حضور عشق یک زن فسون گاه
هیچ کار و جان نثار نداشته و وجود خود یک قوت و اقتدار بزرگی حس میکنم.
خاصیه اند که هر گاه در زیر نگاه یک چشم غمزه باز یک زن شوخ
شریر نظر بازی با نمزه و خشمین یک شعله امیدی از آن چهره
لطیفه و چشمان عشق انگیزه در حق خود مشاهده میکنم فی الحال
در خود و جنان یک جسارت و دلاوری علیحده حس میکنم
که از هجوم و جبهه من هیچ امید نمیشود. چنان یک حرارتی
در وجودم شعله در میشود که دور و پیش خود را سراسر هیچ حس
میکنم. موقف میخواهم و همه اشیا را زیر و زبر کردن آرزو میکنم.
از هر کس زیاده تر مرد و دلاور میشوم. بهترین مردان
خود را می بینم.

اما در حقیقت حال این حسیات تنها بر ای من مخصوص نیست
بلکه برای همه اردوهای عسکری فرانسه مخصوص است.
بجز دیگر جبهات را نباید میدان بیاید از یک نظر چرخ تاریخی ناظر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 165 of 1786

[illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 166 of 1786

بوده‌اند. بلافاصله از ایشان پرسیدم:

— آیا بابا، خانم و بچه‌ها سلامت‌اند؟

حرکت کرده، برادر ارشد پیرمرد، از جای برخاست و با گام‌های بلند به سوی در رفت. دختر جوان برای یاری پدر پیر خود نیز از جای برخاست و به کمک او شتافت. اما پیرمرد بدون توجه به کمک آن دو، خود در را باز کرد و با شتاب از اتاق بیرون رفت. دختر جوان نیز به دنبال او از اتاق خارج شد. من و برادر ارشد پیرمرد تنها در اتاق ماندیم. برادر ارشد پیرمرد با نگاهی پرسشگر به من خیره شده بود. من نیز با نگاهی پرسشگر به او خیره شده بودم. هیچ یک از ما دو نفر سخنی نمی‌گفتیم. سکوت سنگینی بر فضای اتاق حکمفرما شده بود.

در این هنگام صدای پای چند نفر از پشت در به گوش رسید. در باز شد و پیرمرد همراه با دختر جوان و پسر جوانی وارد اتاق شدند. پیرمرد با شتاب به سوی من آمد و مرا در آغوش گرفت و بوسه‌های پیاپی بر گونه‌های من زد. سپس با صدایی که از شدت هیجان می‌لرزید، گفت:

— پسرم! پسرم! تو زنده‌ای؟ تو سالم برگشته‌ای؟ خدا را شکر که تو را دوباره می‌بینم!

پیرمرد سپس رو به پسر جوان کرد و گفت:

— این برادر تو است که سال‌ها پیش گم شده بود و ما گمان می‌کردیم که او را برای همیشه از دست داده‌ایم. اکنون او به خانه بازگشته است. باید جشن بگیریم!

پسر جوان با شادی فراوان به سوی من آمد و مرا در آغوش گرفت. سپس دختر جوان نیز به سوی من آمد و با چشمانی اشک‌آلود مرا در آغوش گرفت. او گفت:

— برادر عزیز، ما هرگز فکر نمی‌کردیم که تو را دوباره ببینیم. خدا را شکر که تو سالم برگشته‌ای!

پیرمرد سپس دست مرا گرفت و مرا به سوی صندلی راهنمایی کرد. من و برادر ارشد پیرمرد نیز به سوی صندلی‌ها رفتیم و نشستیم. پیرمرد سپس شروع به صحبت کرد و از سال‌هایی که من در آن‌ها گم شده بودم، سخن گفت. او از غم و اندوهی که خانواده در این سال‌ها تحمل کرده بودند، سخن گفت. او از امیدهایی که هرگز از دست نداده بودند، سخن گفت. او از دعاهایی که هر شب برای بازگشت من خوانده بودند، سخن گفت.

من نیز سخن گفتم. من از سرگذشت خود در این سال‌ها سخن گفتم. من از سختی‌ها و مشکلاتی که با آن‌ها روبرو شده بودم، سخن گفتم. من از کسانی که به من کمک کرده بودند، سخن گفتم. من از کسانی که به من آسیب رسانده بودند، سخن گفتم.

ساعت‌ها گذشت و ما همچنان با یکدیگر صحبت می‌کردیم. سرانجام پیرمرد گفت:

— پسرم، تو باید خسته باشی. باید استراحت کنی. برو و در اتاق خودت بخواب. فردا صبح دوباره با هم صحبت می‌کنیم.

من از جای برخاستم و به سوی اتاقی که برای من آماده شده بود، رفتم. در اتاق را بستم و روی تخت دراز کشیدم. اما خواب به چشمانم نیامد. من به فکر گذشته و آینده بودم. به فکر خانواده‌ام و به فکر زندگی‌ای که در پیش رو داشتم.

سرانجام خسته و بی‌حال به خواب رفتم و تا صبح روز بعد هیچ چیز نفهمیدم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 167 of 1786

از لشکر برآمده و با پوشنگ (پرچانگ) نام نفری را دیده و جویای آب و دانه و فریاد برآورده :

— زنده و باد خراسان !

این صدا را بسیار صدا را هراسان کرده است که از آن وقت تا بحال یک آن و یک زمان آن چهره لطیف آن زن تازه وجوان و دلی را فراموش نکرده ام . و هم خواهم کرد . اگر از من پرسید بالاتر از همه میگویم ، که موزیک یا بعضی باجه خانه ها را از قدیم الایام برای شوق و ترغیب جنگ دارند و لابد هم ضرور دیده اند . حال آنکه من آنها را یک چیز زاید می بینم ، من میگویم که بجای آنها در هر غلنده یک زن خان نوجوانی قایم باید کرد . چونکه گمان میبرم که بر قوه معنویه افراد لشکریه زنان نوجوان از موسیقی بارها بیشتر تاثیر ملون کارانه قطع نظر از شان میدهد . انتهی

[از نمره ۱۳۲۳ اخبار (طهران) ترجمه شده]

نقل از خبرهای اروپا

رفیق ما اخبار مسکو گزت نقل از اخبار (پاپوپر) آخر :

از کابل خبر آمده است که بر حسب اعلیحضرت امیر حبیب الله خان خواهش داده که در کارخانه اسلحه سازی کابل یک فشنگ سیمابی ساخته شود و به این سبب در کارخانه مذکور افزونی بزرگی بخواهند بود . و اینهم گفته میشود که بحث افغانی شده به این غرض فرستاده شده که برای باربرداری فوج تاخر خریداری کرده بفرستد . تعداد افسران ترکی که در افواج افغانی مستخدم میباشند (۴۰۰) نفر نشان داده شده و بعضی از آنها تا یکدرجه کمتر یافته افسر میباشند و اکثر آنها از افسرانیست که برای قواعد و تعلیم شان اندازه فوج مامور میباشند . و چند ترک دیگر هست که بصیغه ملکی کار میکنند اخبار پاپوپر این راهم روایت میکند که از خبرهای کابل معلوم میشود که در مابین گورنمنت های افغانی و ترکی خلط و کتابت جاری میباشد . مکتوبهای شان از راه هرات و مشهد رفت و آمد دارد .

ایضاح

این خبرهای اخبار مذکور از مبالغه و غلط هم خالی نیست مابین خانه اسلحه سازی کابل و میان یک آهنگ و یا چند نفری که از بیرون صاحب کار و کارخانه خود مشغول میباشند گمان بشود ترقی کرده میرود و بسبب انتظام یافتن سرکهای

نقل از (طهران) مینویسد : نظر بعضی مانیکه از چند روز به اخبار تان داده شد و چنان معلوم میشود که دولت روس و برطانیا در باب ایران به این نظر هستند که نامه ۱۹۰۷ خود شان را تغییر بدهند تا در ایران مشکل اجرای عقود خود شان را بصورت منفعت اور تر بعمل آرند .

دیگر — در روزنامه (موشاکو) که یکی از جریده اردوی انگلستان است و با اردوی عثمانی در خواهش بحاریه اشتراک نموده (مابین مابون) یعنی سرحد سلطانی رفته و با سلطه وزیر جنگ جناب انور پاشا بحضور اعلیحضرت سلطان معظم شرف قبول حاصل نموده و بانعامات مظهر التفات شاهانه شده است . از طرف ذات شاهانه به او (مدال امتیاز) با برات آن عطا فرموده شده است .

دیگر — جناب صوبه دار (موشاکو)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 168 of 1786

گرد که همین منصبی که دارد و را در ادای خدمات کشتی ایران بقیت را به نظارت حریق یعنی وزارت جنگ و بحری واگذار داده است .

آخرترین حوادث

بوسیله رویتر

نامه نگار مخصوص ما از مصر خبر میدهد که در (۳۰ ژوئن) سه فقره گلوله از دهانه ی ایطالیا در پیش گاه شهر شهیر (بیروت) آمده بر شهر و دو قطعه کشتی جنگی که در بندر بود تند بوسیله ی ما ... یعنی گلوله باری کردند . کشتی ای عثمانی را خود کرده بعد از جواب دادن کشتی ای جنگی ایطالیا طرق کردند گلوله ای ایطالیا در شهر جارت بنگ عثمانی و عمارت جنگ سلانیک ، و (محل رو زدی پاک) و غیره را خراب نمود . در باب مقدار خسایرات و تلفات مالی و جانی که ایطالیا نهای جانی رسانیده اند بعد ازین بتفصیل خواهم نوشت .

وقایع و اخبار (المنیر) نقلا از اخبار تایمس لندن مینویسد :

(اگر ترکان هنوز هم با ایطالیا صلح نکنند بجازای هوائی ایطالیائی بر خانه کعبه معظمه و روضه منوره حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بمب انداخته آن اماکن مقدسه را خراب خواهند کرد .) [عاکس بدین]

[سراج الاخبار اتفاقیه در جناب دوزیر خوان (مقاله مخصوصه) نگرد و قیاسات عاجزانه خود را مفصلا نوشته . مطالعه فرمایند .]

مقالهٔ مخصوصهٔ

اتحاد اسلام

در دنیا یک کلمه که معنی (تحصیل حاصل) را تداعی بر دیگر دهن کند (اتحاد اسلام) است . زیرا اتحاد ... یعنی یگانگی اسلام اصلا و اساسا بر سر چیز مربوط است که اهم عبارت از کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله) و جمل لسانیه (قرآن مبین) و جامعیت (کعبه معظمه) مسلمانان بر قومی از اقوام اسلام که خواه در مشرق باشد خواه در مغرب با این سلسله اتحاد مذهب این و مذهب چنان مربوط و متحد هستند که مفارقت و انفکاک شان هیچ قوتی از قوتها ممکن نشود مگر که با این سه واسطه مربوط نباشد ، و چون با این سه واسطه مربوط نباشد اسلام گفته نمیشود و لذا قال و هو (اتحاد اسلام) بتر جمه ای و شعوبیت ندارد . حالانکه غیر ازین سه اصل اساسی که بیان گردید بسی اصول و بازآن اصولها بسی فروعها دارد که عالم اسلام یک بدیگر متحد غیر مفارق ساخته . و این ریشه های ارتباط شان را هیچ قوتی از هم نمی گسلد .

پس برگ مقصد از مباحث (اتحاد اسلام) همین چیز معلوم باشد که بیان گردیده چیزیست که از هیئت و اعضا و کسوه برای مسلمانان حاصل و معلوم میباشد و به اعلام و تحصیل حاجت ندارد . اما اگر مقصد از اتحاد اسلام جهت دادن وظیفیات آن باشد آنهم دو صورت دارد که یکی قوی است و دیگری ضعیف . قوی همین است که صنایف اوراق خود را به اقسام و رنگ و دلایل معقول و منقول از این گونه بیان را نموده و میدانند . و مطبوعات طابع اسلامیه همی کتابها و رساله ها و جزنالهای مختلف در جناب نشر و پراکنده نموده و مینمایند . اگرچه فواید و منافع این بحث و نظم تر تا قابل انکار نیست ، ولی بکمال یاس و اسف دیده میشود که ما میگوئیم و دیگران آنرا فعلا بعمل می آرند ، تا جائیکه ما میگوئیم گرسخن گوئیم ، قلبهای ما باهم اتفاق نمیشود و خلاف در بین ما فعلا بهم میرسد ، تا ما با یکدیگر سخن از بهبودی و دستگیری بزنیم در حریفان ما عاملین کار اتفاق شان فعلا به اتحاد و اتفاق مبدل شده و انواع فضیحات همیشه فلاکت آوری بر ما می انگیزند .

لا جرم معلوم میشود که چنانچه در اسباب چیزها پس مانده ایم در باب اتفاق و اتحاد و حل نیز عقب افتاده ایم ، و چنانچه ما هنوز غالب را تا می شوسه نشده ایم و آنها بر ما پرواز کرده اند در دانستن معنای حقیقی اتحاد و نیز چنان بر زمین مانده ایم .

آیا این چه نوع شیاتی بود که از عصرها به اینطرف بر ما غلبه آورده و هیچ چشم ما را باز کردن نگذاشته است ؟ آیا این چه غفلت و کوتاه بینی بود که از آسیا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 169 of 1786

نامه اورد پا نظر کرده شنیده بدیم که در نجا در بنی خودش ما چه
بیرنگ ما چه نمونها بکار میبرد ؟ آیا ما چه ضرورت استقلالی
بود که بعد از انکه آنهمه شعشه پاشیهای خیره ساز عقول اورپا
را دیدیم یا شنیدیم و دینی بدست آوردن آن در خود اونا
یک تنزل و نوا فعلی ندیدیم ، و هنوز هم نمی بینیم ؟ یک زمانی
بود که به صدها طالبهای فن و حکمت از اورپا در مدرسه
دار القنون امی اندلس ، و مصر ، و استانبول ، و
بغداد می آمدند ، و از مدرسه ها و دار القنونهای اسلامیه
انجا تحصیل علوم حکمیه و فلسفیه کرده ، و باز بملکتهای خودشان
برگشته در علمیات آن میکوشیدند . بلی ، هیچ شبهه نیست
که علوم حکمیه و فلسفیه و ادبیه و غیره از همین دار القنونهای
اسلامیه در اورپا داخل گردیده است ، ولی هزار
افسوس که آنها آن علوم و فنون را که از ما آموخته
روز بروز لحظه بلحظه در ترقی نظری و عملی آن کوشیده ،
سلاحهای مدهش برای بنیا دکنی ما بدست آوردند .
و بالعکس آن ما نیز روز بروز لحظه بلحظه از تکمیلات آن یکسر
نظریات آن را بتو فراموش کرده رفتیم .

تنها علوم و فنون حکمیه و فلسفیه نی بلکه علوم اخلاقیه
و حیاتیه و اجتماعیه خود را نیز از سبب غفلت ما ، و تلبس
پرستیهای ما زدست داده ، و حال آنها را در دست اعدای
خود اسلحه قتال خود می بینم که از انجمله یکی همین مسئله
اخوت دینی است .

سبحان الله ! در حالتی که ما بمعاونت و مدد
رسانی همدیگر بهره دنی یکدیگر بجنت و اتحاد بهمدیگر
بحسن معاشرت و سلوک یکدیگر بقول خدا و رسول و
پیشوایان خود دینا مامور و مکلف هستیم و دیگر از امم غیر
که این مکلفیت ما را اصلا و فعلا اجرا میکنند . همه ملتهای
فرنگستان را مانند یک انجمن بزرگ دیده می بینم که
در یک مجلس بال مشعشع و لطافتی بر سفره فروبردن
مانده نه نیده ، ممالک شرقیه نشسته هریکی که بکباره دانه
فروبرده دیگران بحالت با آن یک قدح مشترکی
بسر میکشند ، و با وجود اختلافات قومیت و دیانت
عنصریت ، و نظریات مذاهب بجز دیگر مسئله بشرق تعلق
گیرد چقدر هم آن اختلافات سیاسی و عنصری ، و مذهبی
خود را یک گوشه گذاشته همدگی در اینباب یک وجود
و متفکر شده آن مسئله را بوفاق مصلحت بحث
در میان خود شان فیصله می نمایند .

حالی که در موقت کار ، و ابراز استعداد و کار ، و فعالیت
معیشت گاه ما می مقدسه دین و ایمان مسلمان نام گذاشته ،
حالا در اینجا یک سوالی دارد میشود که اگر بطالبانه
وحشی نما کار ، این تهدید بوجود اند اختن خود ،
بر دگمه مطلقه و مدیه مشروطه ، از قوه بفعل بیارند :

آیا مسلمانان چه خواهد کرد ؟

هرکس یک فکری می پروراند ، و یک تخمین و قیاسی
بیان میکند . اگرچه آن فکر و قیاس درست باشد یا نباشد
باز هم از بیان کردن آن خود داری نمی تواند . لهذا این
عجز عاجز نیز به بیان کردن فکر ناقصانه خود چیزکی دانی می بیند .

اولا این را بگویم که این تهدید و تخویف ایطالیا نها
یک سخن لغو و هیچ است که از قوه بفعل آمدن آن
در صدی نود علی الاحتمال بنماید . زیرا ایطالیا نه ما و بالقوه
شان هنوز به این درجه تحقق نرسیده که از روما ، یا
طرابلس یا متصرفه پرواز کرده تا به آن آماکن مقدسه
برسد ، و بوعیدهای خود شانرا عینا از وفرض کنیم
که این کلمات بلند پروازانه شیطنت جولانی را علانیه هم داشته
گمان یقین نزدیک ترین است که دولتهای دیگر اورپا
بهیچ صورت این فقره لا یعقل را به اخراجت بحر البیض المتوسط
و الله اعلم تحمل نخواهند شد زیرا فکر سیاسی دوراندیشی انها
زوبردن لقمه های چرب و نرم ممالک شرقیه است ،
نه یکباره گی ! چونکه خوب میدانند که هضم کرده نخواهند
و شکم درد شده میمیرند . علی الخصوص که بعضی لقمه های آن
چنان خارهای خونخوار آسائی دارد که در فروبردن آن حلق و دیگر
امعا نرا پاره پاره میکند ! ... گیرم که دولتها یتیجه
در سیاحرکات حقوق شکنانه وحشیانه آن قدر بی باکانه
چشم پوشی کرده اند در نهایم همان کسنده در افکار بعضی مسلمانان
ده می ذهن مانده روز بروز روشن خواهد میگردد که اعلان حرب
عمومی غرب با شرق آغاز خواهد نمود ، زیرا سکوت را دین رضا
گفته اند ، بنا علیه چنان گمان میشود که مسلمانها نقشه مسلک
خودشرا تبدیل داده یک مسلک (از شیشتی امفرط
جهلگی) از میان نها خود نمایند ، و چنانچه تا حال در پیروی
و تقلید کمالات و صنایع مدنیه انها کوشیده اند بعد از این
در پی تقلید و تعلیم عدد شکنیها ، و حقوق پامال کردنها ،
و خونریزیها ، و آتش زنیها ، و قتل نا حق و بالخصوص

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 170 of 1786

عالیهمتی ژاپان

سبحان الله ! چنانچه خلاق کائنات در سنه ۱۹۰۵ میلادی از ملت ژاپان بعضی ستاره ها را در آسمان دولت عثمانی طلوع فرموده و در قلوب و فضای این کره زمین نیز بعضی از اهالی یک درخشنده گی و فرخنده گی عطا نموده !

ملت قوم دولت ژاپان ! این قوم کوشش همه چیز غیرت که در آخر شرق — یعنی در منطقه طلوع آفتاب موجود میباشد در عالم ملت یگان یگان یک جوهر ذاتی بزرگ و شریف خلق نموده زمان شجاعت و علوم حربی و بحریه و جنان یک درخشنده گی در قوه جهاد و فضایل دنیا نشان داده که عقلهای عالم را حیران و چشمان دنیا نیان را خیره ساخته است .

(علی الرشید البرهمی) نام ذاتی که یکی از علمای بصیرت رسیدی شناس باحمیت دیندار قوم تاتار میباشد و در آخر نشر دین مبین اسلام جنگ ژاپان مسکو مسافرت کرده مشهورات و واقعات دیدنی و شنیدنی خود را بنام (افتخار اسلامیت در ژاپان) بقید تحریر آورده که ما

از انجا در روزنامه خود ، ترجمه قسمی پارچه از این معلومات قدر این کرم خود عرض خدمت میکنیم :

مفارقت از ولادیوستاک

در سنه ۱۹۰۹ میلادی (۲۰ اکتوبر یا ۲ نوامبر — یعنی کشتی بخاری (یوزان مارو) نام ژاپانی از (ولادیوستاک) بقصد مملکت روس مفارقت کرده و در بصیر مملکت ژاپان پیشوم . در روز مذکور بر اپور (یوزان مارو) سوار شده بعضی دوستان من برادر و اپور مشایعت کردند . بقدر یم ساعت در دالان استراحت و اپور نشسته بودیم . چون لنگر برداشتن و اپور نزدیک شد یکی از مامورین و اپور گفت : (رجا میکنیم کسانیکه رهروان و سفر کنندگان نباشند و اپور ترک نفرمایند .) بنابرین یاد آوری مردمان مشایعت کنندگان فوراً آمدند و اپور نیز حرکت نمود .

خواه در اثنای داخل شدن در و اپور ، و خواه در اثنای حرکت و اپور نه یک نفر اداره ، و نه یک پولیس و نه یک کسی که بگوید که تو کیستی ، و بکجا میروی ؟ تذکره را بدست کو ؟ هیچ برنخورد م . از اینحال بسیار تعجب کردم . و این تعجب من ازین بود که از (اوده سا) که بر کنار (بحر سیاه) ملک روس است تا به استانبول و باز تا به اینجا باوجود تذکره و پاسپورتی بهزار گونه زحمتها و تکلیفهای پرس و با الها در هر اثنای حرکت از شهر بشهری گرفتار شده بودم و در کشتی (یوزان مارو) که بیاپور خود از مملکت ژاپان است ازینها هیچ اثری ندیدم . تنها بوقت مجیء اپور یک (توسیر پولیس) روسی از زیر اپور بالا برآمد و بر سر زینه یک جوان امریکائی ژاپانی یک کاغذ یکه نامه ای و اپور نشینان مسافر بران نوشته شده بود پرسش داد و دو سه جمله گپ خود را سلام داده از راهی که آمده بود برگشت . حال آنکه در دیگر بندرگاههای داخل مملکت روس اول قونسول عثمانی می آید تذکره ها را بازدید میکند ، بانر پولیس می آید سوالهای چرا بسیار میکند ، باز در آخر هم یک نفر سویل آمده جا سوسی میکند . و الحاصل از مملکت خطرناک و خدا بها دشمنی (یوزان مارو) هیچ ندیدم .

نام مسافت ۱۲ روز اپور حرکت کرد . هر کس یک اشارت مخصوص مراعیه و ادعیه را ایفا نمودند . نه گرسنگی نه بیدماغی خود را بوسیدن ، نه مصافحه ، نه سوال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 171 of 1786

شود و این نیز ! حتی در میان دو مسافر جایز نیست و خلاف ادب است. در میان جمعی که همه با هم آشنا هستند و با یکدیگر صحبت می‌کنند، اگر کسی بخواهد با دیگری به زبان خارجی صحبت کند، این عمل بی‌ادبی است. اگر دو نفر از میان جمع به زبان خارجی صحبت کنند، دیگران حق دارند که از آنها بپرسند که چه می‌گویند. اگر آنها جواب ندهند، بی‌ادبی کرده‌اند.

در میان دو یا سه نفر هم همین قاعده است. علی‌الخصوص در جاهای عمومی مانند کشتی و راه‌آهن و غیره. در این جاها همه باید به زبان مملکت صحبت کنند. اگر نمی‌دانند، باید یاد بگیرند. در کشتی‌ها و راه‌آهن‌ها که مسافرین از ملل مختلف هستند، زبان فرانسه معمول است. اگر کسی فرانسه نداند، باید انگلیسی یا آلمانی یا روسی بداند. اگر هیچ‌کدام را نداند، باید دست از سفر بکشد و به جای خود بنشیند.

من یک روز در کشتی با یک مسافر روسی که فرانسه نمی‌دانست، صحبت می‌کردم. او از من پرسید که چه زبانی صحبت می‌کنیم. من گفتم که فرانسه. او گفت که من فرانسه نمی‌دانم، باید روسی صحبت کنیم. من گفتم که من روسی نمی‌دانم، باید انگلیسی صحبت کنیم. او گفت که من انگلیسی نمی‌دانم، باید آلمانی صحبت کنیم. من گفتم که من آلمانی نمی‌دانم، باید ایتالیایی صحبت کنیم. او گفت که من ایتالیایی نمی‌دانم، باید اسپانیولی صحبت کنیم. من گفتم که من اسپانیولی نمی‌دانم، باید ترکی صحبت کنیم. او گفت که من ترکی نمی‌دانم، باید عربی صحبت کنیم. من گفتم که من عربی نمی‌دانم، باید فارسی صحبت کنیم. او گفت که من فارسی نمی‌دانم، باید هندی صحبت کنیم. من گفتم که من هندی نمی‌دانم، باید چینی صحبت کنیم. او گفت که من چینی نمی‌دانم، باید ژاپنی صحبت کنیم. من گفتم که من ژاپنی نمی‌دانم، باید حبشی صحبت کنیم. او گفت که من حبشی نمی‌دانم، باید زنگی صحبت کنیم. من گفتم که من زنگی نمی‌دانم، باید هیچ صحبت نکنیم. او گفت که من هیچ نمی‌دانم، باید گریه کنیم. من گفتم که من گریه نمی‌دانم، باید خندید. او گفت که من خندیدن نمی‌دانم، باید مرد. من گفتم که من مردن نمی‌دانم، باید زنده بمانیم. او گفت که من زنده ماندن نمی‌دانم، باید بمیریم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 172 of 1786

ادبیات

شبنم

آسمان صاف بود .

دوش دیدم که سیه ابر ز دریا برخاست
ابر از بهر چه برخاست ؟ چه غوغا برخاست
ابر از بهر چه برخاست ؟ چه غوغا برخاست

یک ستاره که بر آن گوشه نظر داشتم از جای خود نیز نجنبید . و دیگر ستاره‌ها نیز بر گردش آرام خود ادامه دادند . ابر سیاه بالا آمد و بالا آمد تا همه آسمان را پوشانید . و آنگاه بارید . بارید و بارید . و من همچنان بر جای خود نشسته بودم و به ابر و باران می‌نگریستم . و با خود می‌اندیشیدم که ابر از بهر چه برخاست ؟ چه غوغا برخاست ؟

آسمان صاف بود .

شبنم از برگ گل سرخ فرو ریخت و بر خاک افتاد . و خاک او را در آغوش گرفت و در دل خود پنهان کرد . و من با خود گفتم که شبنم از بهر چه فرو ریخت ؟ چه غوغا برخاست ؟

آسمان صاف بود .

شبنم بر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 173 of 1786

غزل

اتحاد

علم قرآن بلند شد اتحاد — اصل دین این متین شد اتحاد
عرب و احد گردد اسلامیان — حاکم روی زمین شد اتحاد
اتحاد مسلمین فرض ست این — پس چرا مسئله دین شد اتحاد
صد اسف بر حال اسلامیان — خوار پیش ما چنین شد اتحاد
بیهده دادی این لفظ شریف — در میان مسلمین شد اتحاد
تا کی ما بود یم باهم متحد — از عرب تا سوریه چین شد اتحاد
از تخالفات و نفاق و تفرقه — مجتنب از تو مسلمین شد اتحاد
دیگران تفرقه ما دیدند رو — در فرنگستان چنین شد اتحاد
بیهنر زین درس ترک — در حریفان این کمین شد اتحاد
اتفاق سه دوبل چو گی — بهر جمع مسلمین شد اتحاد

ام مزمن (محمود زمی) [illegible]
نتیجه شود چنین شد اتحاد

از جناب استاد شیدا بن غلام حیدر المتخلص بستمگر

غزل

بروز هجر و فراق و ستم ستمگر من — تو چه خواهی از تو بجز صبر و داغ و درد و محن
دو شش ز دوم دل بیچاره شد ستمگر من — ز غیر شد آه و فغان و ناله و شیون
بس ز دست تو ای ستمگر خونخوار — دست بردار ز دامن ز جور و ظلم و فتن
رسید است بس دست عشق کسی — ماند و محزون و غمگین چه بیابان و چمن
خوشا بحالش پیر و جوان که ترک — نمود و دست ز جور و ستم سراسر من
بی سبب این همه جفا و جور — ایستادگی بکن ظلم و بیداد من
آب گردید دل از حسرت و داغ و محن — بعد ازین دست بشو ید عزیزان من
سخت مشکل بود از بهر دل غمزده آسان — گر چه او بر دل غمزده آسان من
بود از بهر پیش گر گلشن من گلخن — یافت رنگ و گر این تازه گلستان من
خورد خون جگرم ز دست ستمگر — خواهد این لطف و کرم بر دل بریان من
صبح گردم من زار و پاکیزه و شسته — باغ خود بس ز عیب و زلت و ان من
سن تقصیر خلق نباید هرگز — شرح این قصه بپرسی بقرآن من

باز بیاد خط عشق کهی ستمگر
یک از رنگ تو نیست آنچه بپایان کار

دختیکه از خواب بیدار شده صبح شده بود ، شوهرش ، خدا رحمتش کرده باشد ، بیچاره از مستی برخواسته در فکر چرخ و سیاه ، امروز از ابر تاریک و بسیار رقت انگیز بود ، یک بار از آسمان سیاه و سپید و گرجها بزرگ و کوچک از بالا بیک محل دلتنگ پرت پرت شده بود ، باران هزار انواع بی سروکار دوچار ، قطره تیله حاجره در خانه بی تشویش پرتاب میکرد ، از هوا آنرا میگرفت نمیتوانست بر خود جمع کند ، لهذا از میان پاهای بارها خود بچه و باز خود یک گوشه نشسته خود بگرید ، و شوهر خود را انتظار کشید و با خود میگفت که الله خوشتران هر جا باشد حالا خواهد آمد ، زیرا میداند که بیچاره گرفتار شده نمیتواند یک شب مرا هم تنها نخواهد گذاشت ،

چه دور امر به پیچم ، بهمین انتظار شب دیگر را نیز

بگرسنگی و سردی و تاریکی صبح رسانید ، نهایت در اثنائیکه ساعت های دلتنگ جهت بچه را خواهد بود بر سر زینه گذشته آمده قدمهای ثقیل و سنگینی را شنید ، این قدمها آمده آمده در پیش دروازه او توقف نمود ، که فوراً قبضه خلاصت پرید ، دران نشسته توقف در زید ، دروازه را یکدست بر قبضه برادی باز کردن قدرت در دان گرفت ، قبضه بر خود بلرزید ، از رسیدن یک خبر خلاصت آور و خوشتران بجان ترسید ، بیچاره بود که بیهوش شود ، دچون دیدگرش بر دروازه بیشتر شد گفت :

— کیستی ؟

صدای کلفت یک آدمی که ریش کرده باشد از پشت دروازه چنین جواب داد :

[باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 174 of 1786

نامورانِ زنانِ جهان

ما بعد از نمبر دوازده

افاتاب (قاموس الاعلام) این سخن را در دکرهٔ میگوید که: «در ماین عصر یک سکندر دران بود تا بعصر ما نظیر چهار صد سال فرقست. لهذا این روایت که سکندر آزار چون را با عباس تزویج کرده صحیح دیده نمیشود».

آرام بانو بیگم — دختر (ابو جلال الدین) بادشاه مشهور هندوستان است که از سلالهٔ امیر تیمور گورگان میباشد موقعه در زمان (جهانگیر بادشاه) در سن چهل سالگی وفات یافته است. در شهر (اگره) در (سکندره) نام موقع در جوار قبر پدرش مدفون میباشد. بر قبرش از سنگ مرمر یک تربهٔ بسیار پر صنعتی ساخته شده است. نام والدهٔ آرام بانو بیگم (دولت شاه خانم) بود. (شکر النسا بیگم) نام یک همشیرهٔ دیگری نیز داشت.

«عوامی (خانم) و (بیگم) مالی بی» و (خاتون) از «عوامیست که برای تعلیم زنان استعمال میشود. هرگاه از صفات» «ترکی نامدار شود (خان) کار تعلیم است برای مردان» «(خانم) و (خاتون) موئث است. (بیگ) اگر تعلیم از زنان» «(بیگم) موئث آنست. (بی بی) در لهجهٔ هندوستان» «از بیگم مخفف شده است.

آرام جان — در سنهٔ (۹۶۶) هجری در هندوستان در گذشته است. از اولیان بادشاه رویان بسیار با حسن و جمال و مرتبهٔ شناسان خیلی باکمال بود. آرام جان داده و گان، و آفت زده زاویان بود. در عصر خود بگانهٔ شهر آشوبان هندوستان شمرده می شد.

آرجیا — از زنان مشهور نامور است که دختر (آدراست) نام بادشاه شهیر قدیم (آرخوس) و زن (پولینک) نام جنرال رومانی میباشد. بجهت حفظ شئ پدر شوهر خود مشهور بود. شوهرش در محاربه که با (جنگ افت رئیسها) سر دفت کشته شده بود.

[باقی دارد]

علم تربیت و ملیت

ما بعد از نمبر دوازده

از مشتهیات اهل آنست یعنی از لسانیکه آنچیزها را حاصل کرده و بوجود آورده اند بلکه خلق خیلی چیزها میشوند که عبارت خود را بجستجو کردن آنها صرف کردن مجبور میشوند. و از بسیار مشکلاتی که در این خصوص میبینند از بسیار جاها جای خود شان در میگذشتند. تجار اشیاء را از جائیکه آن اشیا در آنجا ارزان و بسیار است میگیرند و بجائیکه آنچیزها کم و نایاب است ارسال مینمایند. و چیزها برای خریدن اشیائیکه برای فروختن ساخته میشود و از نظر فروختن اشیائیکه خریدار آنرا طلب میکنند حاضر و آماده و مهیا میباشند. مالهائی را که میگیرند نگه میدارند. و چون دیدند که مردمان بآن محتاج اند بوقت برمردمانی که به آن شایق و محتاج باشند آنرا عرض میکنند. و اموال و اشیای زیادی که مشتهیات یعنی صنعت کاران آن آنچیزها را می سازند بفروش میرسانند که به این سبب این صنعت هم برای مشتهیات یعنی حاصل کنندگان اشیا و هم برای مشتهیات یعنی صرف و خرج کننده گان این اشیا واسطهٔ عبادت شده فایده و قیمت حاصل میشود. این است که صنف تجار واسطهٔ ابتیاع و اموال و اسنده ایست که ارباب صنایع اعانه و اعضیت آن را حاصل میکنند. مثلا نه فقط بلکه واسطهٔ معاملات نقدیه هم شده نیز از صنف تجار شمرده میشوند.

صنعت نه تنها که اینجا شمار کردیم عبارت از کارهائیست که به اشیای غیر انسان متعلق میباشد.

[باقی دارد]

هذه نمبر نیز بدون خط و امضا از طرف سرمحرر محترم ارسال یافته
مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

چاپ در مطبعهٔ الحاج عبد الخالق سرمطبعه‌دار افغان مقیم چاپخانهٔ دولتی مطبوع گردید
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 175 of 1786

نمبر ۱۴ سال یکم صفحه ۱

مدیر و مسئول محمود غزنوی

اداره خانه و مطبعه

در مارشین خانه دارالسلطنه کابل

جمله امورات تحریریه به اداره خانه بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

قیمت سالیانه

در داخله دارالسلطنه کابل ۸ روپیه

در داخلات اخویه مملکت با افزایش ڈاک ۱۴ روپیه

در خارج مملکت با افزایش ڈاک هم پوند انگریزی

قیمت یک نمونه آن در کابل یکعباسی است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ عربی یکم جمادی الاول ۱۳۳۰ تاریخ ماه اگریزی ۱۹ اپریل ۱۹۱۲ تاریخ شمسی ۳۰ حمل ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

تمالیش عسکری — بیانات داخلیه — خارجیات — واقعات عسکریه — حالات پایتخت — اطلاعات — ادبیات — اخبار زنان جهان — عرضداشت حال — تلگرافهای پارس

تمالیش عسکری

صورت تحریریست که از طرف اعلیحضرت آقای ما

حضور اعلیحضرت همایونی تحریر ماه اسد ۱۳۳۰ ه

که از اینجا نقل و درج میکنیم

«اینجانب غلام محمد بیگ خان مدیر دستور تحریر تمالیش عسکری بخط آمر اعلیحضرت همایونی یک نقره اسپ تمالیش عسکری که بتاریخ روز دوشنبه ۱۵ ماه دبیع الثانی مواقق یکم حمل ۱۳۳۰ هجری در میدان چهاردهی جلال آباد انعقاد گردید برای شما خبر داده شد که بیدق و بیرق و الکمه مبارک سپهر الاخبار بدایه

عرضی منصب داران فلانی رطی خوانین جلال آباد رسیده بود

به مبارکی موصوف حاضر بودند — جای نظاره و تماشای قوای نیز یک خیمه گاه و سنگی ترتیب یافته بود — ایلچی اعلیحضرت والا بر اطلاع بعضی امور ملکی موتر تشریف آورده بعد یک دسته از قوای مقیم جلال آباد برای سلامی حاضر شده و سلامی حضور مبارک داده شد بعد ازان حضور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 176 of 1786

مسلمان قایل شوند و بای برادری بی خود از اصل باطل بگذشته اگر شخصی یک لفظ (A) کرالف انگریزی است بخیال نصرانیت بخواند پیش از آنکه بر زبان او جاری شود کافر مطلق است — و اگر به این خیال تا می علوم آنرا بخواند که از برادران دینی خود فایده و برسانم جایز است — پس ای مسلمان علی الخصوص از افغانستان باید از هر امری خود را قبل کافر نشوند تا یکدیگر را دوغ نشان نکنند که دین اسلام برحق است و خود را مسلمان کامل بدانند و غیر این اسلام را باطل

فرد

بگو بر کار یم دایم و شرع مستقیم تا یک پا سیر مقاد و دوست گرا

در مالیکه ما در مدرسه لاهور درس میخواندیم تبدیل لباس (اسلام پیشکاری) رفته بودیم تیز اگر همین قدر را نموده بودیم — پس تا الحال علم سماش را فرا نداده و فایده و تغیر دیم مشکل میشود — آیا امروز جای افسوس نیست که در تمامی دنیا چقدر ترقیات است و چه کارخانه ها برپاست — ما هم باید یک یکی دو تا هم بوجودی داشته باشیم که یک دو گز کشیده و ایکاچوقه برای پوشاک برادران مسلمان ما برآید و حال اینکه بقدر یک گز هم از دست گرده نمیتوانیم — مدعا از امتحان ما این است که این بچه ها که ملاحظه میکنید بعضی زاده و بعضی زاده کلان شان کافر و بی سر و سامان و وحشی بودند — چون ما نسبت اردلی ای حضور خود رای حضور دیم از هر قسم بزمی ملازمت اردلی ای حضور طلب نمودیم از ان جمله بعضی از مردم جدید الاسلام طلب شدند که داخل قلعه اردلی ای حضور باشند شود — این یکی ای خود رسال نیز در جمع همان نفری اضافه از قریه جات نورستان آورده شده بود و ما این ها را سپرد جرنیل حضور خود نمودیم که قواعد و قانون عسکری را به این ها تعلیم بده — حال از حسن تربیت دربار ما این ها دیده و است ملاحظه کنید که سابقه پدران شان کافر و وحشی بوده به این درجه تربیت شده اند آیا پسران شما قابل تربیت نیستند ؟ انشاء الله تعالی هم قابل تربیت میباشند — اینکه جرنیل حضور ما درباره این ها سعی زیاد کرده است وظیفه منصب دار است

فرد

بغلام سیاه اگر سی کند زجاده منصفی بگردد گر

یکسی خیلیده زنوصفه گرد

باید از شما هم باتفاق از جرنیل صاحب خوش باشیم — و از جرنیل خود لشکر میگیریم — امید از خداوند کریم داریم که در جمله کارها ما را توفیق ترقیات حاصل شود نقطه ۰)

حاضرین مجلس بوصف آقای سلامتی وجود مبارک اظهار کردند — از ۹ نفر بچه آقای مکتب اعلیحضرت الا امتحان گرفته و هر یک امتحان جداگانه خود را پسندیده و دستی دادند — اعلیحضرت والا با هر یک آنها با نهایت مهربانی شفقت و مرحمت میفرمودند — چنانچه در وقت امتحان ذات شاهانه پای مبارک پیشانده و هر یک که شرفیاب حضور مبارک می شدند از مرحمت دوباره پادشاهی آنها تعریف می شد و نگاهای شان می بردند — حضور مبارک از برای هر یک شان آب طلب فرمودند و آنها آب دادند

و انشاء الله خواهش زیاد میفرمودند و شب های کلان بعضی بچه های خود را نیز مثل ذکور زاده های خود در دست مبارک خود میفرمودند و دست مهربانی بر سر شان کشیده و جدا جدا امتحان درس شان را ملاحظه میفرمودند چنانچه تخمیناً بکنیم ساعت اعلیحضرت والا پای مبارک گاه ایستاده بودند نفری بچه های مذکور خود دو هشت نفر بودند — که جمله بر چهار جا تقسیم بود — جا نمبر اول ۵ نفر — جا نمبر دوم ۱۴ نفر جا نمبر سوم ۲۱ نفر — جا نمبر چهارم ۵۸ نفر — و این نفری بجز رؤسای حضار این ملی و قواعد و حسن سلیک و ادب سنتی میدانند از ان جمله از نفر مذکور که بحضور مبارک امتحان گرفته شده بموجب

نمره ۱ سر ۱۵ ساله مضمون دانی — ملا محمد عمر ۱۰ ساله مضمون فارسی
شیر محمد عمر ۱۵ ساله مضمون عسکری — جان محمد عمر ۱۹ ساله مضمون حساب
یار محمد عمر ۱۵ ساله جغرافیه — ملا محمد ۲ عمر ۱۴ ساله مضمون قاعده
عبدالواحد عمر ۱۹ ساله مضمون عربی — بیگ محمد عمر ۱۳ ساله مضمون فارسی
شیر محمد ۲ عمر ۹ ساله دعای شکریه حضور مبارک را به زبان فصیح عرض نموده که در ذیل بیانات خواهد شد ،

بعد از فراغ امتحان نفری مذکور بسیار دلجوئی و خاطر نظام قواعد خود و عسکری از قواعد خارج شده یک نفر آنها که شیر محمد نام دارد و عمر آن ۱۵ ساله میباشد از این نفری مذکور جدا شده و شکریه دعائیه دوام دولت و پادشاه دین گاه را به زبان کوتاه خود از طرف باقی نفری بحضور مبارک عرض نمود (شکریه که پیدا کرده عرض کرده بود) بعد ازین ذیل عرض کرد ،

« تشریف آوری اعلیحضرت برای ملاحظه کارهای نظامی این غلامان یک شرف عظمی است که شکر آن بهیچ زبان ادا نمیشود — زیرا که حالت قیام خود را با حالت موجوده خود مقابله نموده از همه جهات بادشاه معظم که در حق این غلامان شفقت و مرحمت فرموده اند معلوم میشود که چه بودیم و چه شدیم — لهذا برای این غلامان و باقی از افراد وطن فرض است محبت بادشاه خود و وطن عزیز خود — بنابران چون ترقی وطن عزیز ما انتظام وطن عزیز ما و نگهبانی وطن عزیز ما — و حتم خواهی اهل وطن تعلق بوجود بادشاه معظم نسبت مهربان ما دارد و دیگر آنها بیان نفرد افغانستان از هر قسم عسکری ضرور است که لشکر نه وجود بادشاه محبوب ما از سپاه مهربان خود را گیرد و برای لشکر افغانستان فرض است که شب و روز دست و پا برای سلامتی و صحت وی و دولت جهت حضور بادشاه معظم خود باشند زیرا که امید است که توجه ذات بادشاه معظم ما بر لشکر زیاده تر است — به روزهای بزرگ لباس بادشاه معظم و قسم حرکت همایونی سر سر نظامی و عسکری است — پس برای ما بیان نفری نظامی نهایت موجب فخر و شرف است و خاصتاً حضرت اعلیحضرت بر جمیع اهالی افغانستان فرض — چرا که برای وطن عزیز ما ذات بابرکات اعلیحضرت بادشاه معظم یک نعمت عظمی است این ذات شاهی که موجب آزادی و آسایش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 177 of 1786

دوکرور ۲۰۰۰۰۰۰۰ نفوس اهل اسلام و باعث نگهداشت دولک و هفتاد هزار ۲۷۰۰۰۰ میل مربع اراضی اسلامی گردید خداوند این وجود را از بلیات غیر دور برای ایشان توفیق خدمت عنایت کند

بعد شیرمحمد مذکور وعای شکریه را ادا نموده در وی خود بطرف یکی از کتب که بوضع پسیار درست نظامی ایستاده بودند امر سلامی حضور مبارک را به قاعده و انتظام داد — باجه خانه موجوده و قاعی نقره ی هریک او را از کاپتانه و یا پادشاه سلامی گرفته شد — نقش شیرمحمد خورد سال قبلا مؤثر و قابل ستایش بود — بعد اطفال مذکور برای تبدیل لباس رقته بلباس جن سنیک حاضر شدند و به انواع اشکال مختلف کار ستوازی و سیم و غیره را می نوازند چنانچه علاوه بر کار رای تعلیمی مذکور که ملاحظه شد — یک راس اسپ بدون زین و یراق در میدان مذکور حاضر آورده شد بعضی از نفری مذکور بدون واسطه و ذرایع از طرف راست اسپ به دویدن و پریدن تمام بطرف چپ اسپ مذکور می جسته و بعضی معلق خورده بطرف چپ آن پیدا می ایستاده می شد — همچنین یک اشتر را حاضر کرده از پشت اشتر بزیر یک چوب دراز بری جسته — ایشان کار جن سنیک تمام شده بعد قاعده و نظام جمع گردیده و یک آواز دفعتاً سلامتی وجود مبارک اعلیحضرت والا را عرض کردند — حاضرین ازیاده موصوف — و عوام رعیتی که برای تماشا حاضر بودند بعد یک آواز (پنج بنج) کف عشرت بهم سوده و منظوری حضور انور را ازبرای آنها مبارک باد گفتند انعام و ایزاد تحواه که از حضور مبارک برای آنها مرحمت فرموده شد بقرار ذیل است

انعام

ازبرای نوده هشت نفریه های مذکور فی نفر دو پوند انگریز که جمله ۱۹۶ پوند میشود بقسم انعام مرحمت شد .

ترقی تحواه ازبرای هریک

جماعه اول ۵ نفر —— درماه پنجروپیه کابل
جماعه دوم ۱۴ نفر —— درماه چهارروپیه کابل
جماعه سوم ۳۱ نفر —— درماه سه روپیه کابل
جماعه چهارم ۵۸ نفر —— درماه یک روپیه کابل

بعد دیگر درتحواه ما بوازره نوده هشت نفر مذکور افزوده بقرار تفاریق فوق مبلغ دوصد و دو روپیه کابل ماهوار میشود .

از حضور مبارک اعلیحضرت والا ازبرای اطفال مذکور ازجمله گوناگونات دیگر تاج مقرر است که طبیعت و دستورات و دگرگونات آنها برای شان پسیار درستی میرساند . معلمان عزیز و دانشمند خوان که از علم جغرافی و حساب و تاریخ باخبر میباشند و معلم جن سنیک وغیره نیز ازبرای اطفال مذکور مقرر و مامور

میباشند و ازبرای معلم تحواه و جیره مقرر است و ازبرای هر جماعه یک آدم از قوم خودشان (لاله) یعنی ترجمه دیده مقرر است که اشتی ص دانسته و فهمیده میباشند .

تقریر سرنگران سراج الاخبار افغانیه

پس حالا مردم افغانستان بفکر خود تصور کنیم که بانی این همه بناها و ناظم این انتظام ها و مروج این قواعد کیست ؟

آیا کیست که پدرمهربان رعیت گشته — کیست سردار تاج و تخت بادشاهی — کیست حافظ ناموس شریعت — کیست اشرف اعالی ملت نجیب افغانستان — کیست که خاک پاک وطن ما را از سیلاب حوادث اجانب محفوظ داشته — کیست که سنگ لاخ کوهستان ما را سرک های هموار موتر گاوی ساخته — کیست که خانه های بی در و عمارت های بی دیوار و زمین های بی حاصل و شوره زار ما را به باغهای فرح بخش و قصرهای قصور مزین و متبدل نموده — کیست که (سراج الاحصار) از یک پرتو خیالش مانند سد سدید از بروان کوهستان کابل برشب گردیده — کیست که (قلعه السراج) را مانند سراج وهاج در مقام تیشری اطمینان افزود جهانیان خود ساخته — کیست که در ایامی خطرناک دولت جلیله افغانستان در پیرشش کرده و او را یک یک رباط سراجیه باجه آذوقه و ما یحتاج ضروری مرتب نموده — کیست که ازبرای مریض های ناتوان و اطفال خانه ها و اکثر ادویه و اغذیه و اقلاب جزائی موجوده معین کرده — کیست که مخابره های مسافت دور و دراز را در ظرف یک لحظه بذریعه تلگراف برای ما میرساند — کیست که دشت ها و بیابانهای لامزروع سراب ما را به نهرهای سراجیه زمین های قابل زراعت و سیراب و سرسبز ساخته می سازد — کیست که اطفال بی پدر ما را پدر حقیقی گردیده و درس آدمیت از علم سعادت از علم معاش میدهد — کیست که سراج الاخبار در بین اخبار از القاب موخره و اخص احوالات عالم را برای اهل اعالی افغانستان خبر میدهد ؟ — کیست که علوم اسی برادران دینی ما بازمانده گان شهداء دوجود همین نظر انس غرب را در افغانستان میکند و به ایشان میدهد — کیست که فرزندان وطن را از بند دروم و بخارا و ایران طلب فرموده اموال مسروقه و املاک مغصوبه ما را باز داده و هر یک را بمناصب جلیله منصوب نموده — کیست که در دو خانه های بزرگ ما را بچه های ما جسیم آنچنین مزین ساخته — پس باید گفت که بادشاه معظم محبوب القلوب ما پدر عزیز تاجدار ملت (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) است که این همه ترقیات و برکات جسیمه بی مانند حسن توجه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 178 of 1786

نیک‌شان روبیده است — اینها همه از عنایات بادشاه مظفر است
که این قدر تجمل گیتی یافته — بادشاه مظفر اقبال از افغانستان
رایات عزت برداشت آورده اند و در هر قرار سبز و خرم افغانستان
خوش فرموده اند — و اوقات خاطر خویش را صرف آبیاری نشو و نمای
این نهال فرموده اند — که به زیر سایه این نهال از هر طرف
اجانب مستریح و مرفه الحال باشیم — و از شکوفه های رنگین
این نهال مشام را معطر کرده — و از عطوفت ثمرات این
نهال مذاق و کام را الی افغانستان شیرین شود — هنوز
این نهال به درجه کمال نشو و نما نیافته — هنوز این نهال گلهای
رنگین خود گلشن وطن را زینت نبخشیده — هنوز مذاق ما ثمرات
این نهال را نچشیده — این نهال نهال بید و خوط و
خاشاک و نوت نیست که از ریشه خود را برداشته تا آخر
ذوالحال زمستان و شاخهایش را مصروف دیگران خود نماید
بلکه هذه (شجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها
فی السماء) این نهالیست که هر ورق آن ستاره مرصع
و هر شاخش باعث استحکام دین و استراحت هزاران مؤمنین
اهل ملت است — از شکوفه های رنگینش هزاران گلهای
صنایع و بدایع مشکفته — و در ثمرات شیرینش انواع فواید
دنیوی و اخروی نهفته — پس بر ملت افغانستان فرض است
که سلامتی وجود بادشاه معظم خود را از خداوند ذوالجلال
التماس طلب کرده و در ایفای خدمت و استحکام این نهال
حضرت سید المرسلین صلی
یاور تاجدار خود یک دل و یک زبان و پیرو احکام او باشیم فقط

این خلق اعلیحضرت بادشاه مقدس محبوب القلوب ما
بر سر شش هزار ان خواهد دید و دیدار او بر هزاران
عالم عسکری هر گاه آن هزاران شوق الهی استقبال
برمی انگیزانند — سر افسر کل، و حکمدار بزرگ همه اردوهای
دولت علیهٔ افغانستان خود ذات اعلیحضرت شاه جان
گردانند ایام شهزادگی شاهانه شان به سر افسری اعلی کل
اردوهای سلطنت سنیه ممتاز و شرف انداز بوده و میباشند
و هیچ توجهات و عواطفات جهان داری جهانبانی را
بصورت مخصوص بر صنف جلیل سپاه شریف عسکری مصروف
و رایگان داشته اند، ما از درگاه خالق علیم السان جهت
کمال عمر اقبال نهال مبارکش دعا کرده فخر تاجدارانه و ایام
بر اعدای دین و دولت مظفر و منصور، و عواطفات

مراحم و ایات سر افسر بزرگ مقتدر شان همیشه بر این صنف
جلیل سپاه و رعیتی که محافظ دین و وطن شمرده و همیشه نظر
عنایت و توجه خصوصیات جناب (محمد نادر خان) است که این
حسن خدمت و سعی و همت شاهانه که در باره تعلیم و تربیه
عساکر شاهانه صرف نموده اند ما نیز از روی تاریخ بگفته
تبریک میدانیم .

حوادث داخله

تشریف آوری سامی سردار اکرم حضرت
نائب السلطنه صاحب افخم

جناب فخامت مآب سامی سردار اکرم حضرت نائب السلطنه صاحب
افخم سردار (نصر الله خان) اقامه عزه و اقباله تقریباً
عساعت دوازده روز سه شنبه ۱۹ ماه ربیع الثانی سنه جاری
عراده موتر بصورت رسمی داخل وارد السلطنه کابل گردیدند،
چنانچه پیش از یک روز از طرف ذات عالی جناب
شهزاده والا تبار نائب الحکومه مظفر و بدخشان سردار
(حیات الله خان) و السلطنه سارجن مجمر دربار جهة اهل دربار
امر و اشعار فرموده شده بود که به ساعت دوازده قیم علیا گاه
منزل دربار ی به (زین العمارت) در دایره عالی افخم
حاضر شوند . در وقت مذکور جمیع ذوات کرام از سردار ان
دربار به مناصب عسکری و ملکی و علماء و سادات در دایره
حضرت عالی مشار الیه بحضور عالی نائب الحکومه صاحب
جمع آمدند .

چنانچه بمجرد خبر حرکت سامی از (تنگی) نام منزل
که بقدر شش کروه از کابل مسافه دارد و بواسطه تلفون
رسید به حاضرین در دروازه سرک پیش روی زین العمارت
به ترتیب تازه صف بسته احترام گردیدند . و چون عراده
موتر سواری ذات سامی از دروازه باغ دایره
زین العمارت داخل شد از طرف یک بلوک عساکر شاهانه
و باجه خانه آن که بجهت خود ذات سامی مقرر گردیده شده
و همه حاضرین به امر و لی جناب نجاعت مآب سپه سالار
(امیر محمد خان) رسم سلام بجا آورده شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 179 of 1786

ذات سامی نشان از موتر فرود آمده قریب همه حاضرین را به تبلیغ سلام ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاهی و خیر صحت و سلامتی وجود مسعود مقدس ایشان فرمودند. و بدیدار مبارک و تلطفات و نوازشات احوال پرسی دلجوای همه مشتاقان دیدار مبارک ذات اقدس شانرا بسرور و ابتهاج ملو نمودند.

بعد ازان در دالان بزرگ طبقه پایانی زین العابدین بوسه دست بوسی را اجزاء و حاضرین گرام را بجای اکرام فرموده مراسم سلام به انجام رسید.

ذات سامی اقدس یوم یکشنبه ۱۸ ربیع الثانی پیش از عصر از چهل آباد بسواری موتر حرکت فرموده امشب را در (علم) بسر آورده و یوم دوشنبه باز بسواری موتر به جلگه لک و روز سه شنبه بدارالسلطنه کابل تشریف فرمای عز و اقبال شده اند.

از صمیم دل تشریف فرمائی ذات سامی اقدس را بکمال مسرت و فرحت تبریک میباید. و دعای دوام ترقی دولت شوکت سمت خود را از زیر سایه عدالت و رأفت پادشاه معظم محبوب القلوب خود رفیع بارگاه کبریا مینماید.

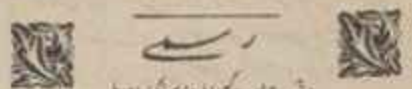

رسید

فیضاور تراست که از طرف سرکردگان ما
بدارالامارت رسیده

حاجی محبت هزاره محمد یگ خان مدیر و سرمحرر مسلح الاخبار
بخط آهنی باشد — یک قطره خیانت بملی مردم متحد که در کوهستان ما
ست جنوبی افغانستان واقع است و آنجا شیعه و بغاوت پیشه
شما خود دا کرده اند برای شما تحریر شده که عینا درج روزنامه مبارک
سراج الاخبار مینماید.

بموجب فرامین شکوهمند کارداران دولت وغیره علاقه
ست جنوبی که بحضور مبارک عرض داشت شده بودند دیگر مردم بهایان
مکلول از تاریخ ۱۹ ماه ربیع الاول بغرض بیش کردگی سفلی از لک
و مردمان قندوپیشه خیانت بغاوت را دارند چنانچه در تهانه
(حیدران خوار) یک جماعت از نفری مذکور آمده بودند چهار نفر
از سپاهی های مقیم تهانه مذکور مقتول نموده چیاخانه و دیگر اشیای
نفری مقیم تهانه مذکور را تاراج کرده تهانه مذکور را خراب کرده
و دو نفر از نفری مستحفظ مقتول و یک نفر مجروح شده اند.

چون کیفیت بسمع مبارک اعلیحضرت والا رسید یک نفر
فرمان مبارک بخط اقدس بواسطه عالیجاه حاجی محمد خان عرض
بیگی برای مضمون مذکور بدین مضمون اصدار یافت اینکه:

« اگر شما مردم از جهر و تعدی کارداران خود این وضع
و حرکات را کرده باشید پس راه عرض و داد بحضور والا
مسدود نبود چگونه بر اتباع فوجی و تهانه و چیاخانه دولت
خود دست اندازی کرده اید بهر صورت تا حال سرکار والا
اسیم یاغی و باغی شمایان را داده نمیتواند که بگذارند
— باید همه نفری ملکان شمایان و وکیل های رعایا همراه
حاجی محمد خان عرض بیگی بحضور حاضر شوید که تحقیقات شمایان
بدرستی تمام کرده شود اگر واقعا بر دو قضیه شمایان جبر شده
باشد باز خواست آنرا کرده در آینده سر رشته سلسله
قضیه مذکور کرده شود اگر چهار نفر نفری ما که مقتول شده است
فی نفر هفت هزار روپیه کابلی دیت دجریده بقرار قاعده
باقی ملک که جمعا هشت هزار روپیه کابلی میشود از
شمایان گرفته خواهد شد و دو حصه دیت بورثه مقتول
داده میشود — تهانه مذکور را که خراب و برهم کرده اید
بر عهده خود شمایان است که بالای شمایان آباد کرده میشود
— و اگر ملکان شمایان حاضر نشدند پس بموجب امر و حکم
حضرت الهی جل و علی شانه عمل نکرده اید و از آیه شریفه
(اطیعوالله و اطیعوالرسول و اولی الامر منکم) انکار
می نمائید درین صورت حکم باغی بر شمایان کرده میشود —
اگرچه منظور نظر ما این است که توپ و تفنگ و گلوله وغیره آلات
حرب را که صرف نشده آماده کرده ایم بمصرف معاندین دین
اسلام و شمایان میرسانم نه بمخرج وقت شما پس درین صورت
باید آماده قتال باشید که طریق مستقل حال و هیئت اجتماعی
شمایان بخاک مذلت یکسان کرده خواهد شد و چون که از دست
سامی شد باز مضایقه نکنید — همان که بیگ برای شما
خبر رسانده و با همراهان گفتگو دارید از حاکم کلان
کرسردار محمد اکبر خان باشد الی قوجداره و دیگر کارداران
اگر شما آمدنی باشید نام نویس هر کدام را علیحده بعرض بیگ
بدهید که همراه شما یک جا بیاورد — این حکم از حضور
بعرض بیگ داده شده است — و اگر همراه همین نصیحت
و همراهی ما که از حضور انور همراه شما شده بخوبی و بدی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 180 of 1786

علم شما را آورده شما چراوراست نیاورید پس باید لازم میشود که همراه شما بدمان توپ و تفنگ حرف بزنیم از این جهت که گوش های شما کر میباشد بشنیدن حرف آ توپ گرانی میدارد و بند میشود علاج آن بدوا، باروده گلوله کرده شود — اگر انسان میباشد همین گفتن بشما بس است والا صدای توپ و تفنگ خواهد بود تحریر شنبه ۲۹ ربیع الاول سنه ۱۳۳۰ ه.

چون فرمان مبارک حضرت والا بدینجا عالیجاه غلامخان عرض بیگی برای مذکوران فرستاده شد — از آنجا که غبار ضلالت و گمراهی دیده بصیرت شان را خیره نموده و چنین جهالت و غفلت بگوش هوش شان جایی گرفته شده بودند — نصایح پدرانه پادشاه معظم عزیز خود را نشنیده بهلاکت و استیصال خود اقدام نموده در قطع هستی خود ما تیشه اعادت برداشته فرمان مبارک را بسمع رضا و تسلیم اصغا ننمودند — چون این احوال بسمع مبارک رسید — از حضور مبارک امری منصب داران نظامی و حکام و خانان و خانین علاقه سمت جنوبی صادر شد که از چهار طرف آنجا نظر نظامی و آلوسی در قبضه را مقرر دارند که آن سخره خان جاده آدمیت را سر گونی سخت داده آنجا را برباد و بنده و آدم سازند تا دیگر اقوام از این افعال عبرت گیرند و نیز از طرف خوانین و مقرر نیز بقرار امر مبارک برای دفع بغاوت مشکل احواج مقرر شد فقط

فقره مذکور چون لازم نشد سراج الاخبار بود برای شما تحریر شد که بعلم درج دوز نامه مبارک سراج الاخبار بدارید فقط تحریر ۱۸ ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۳۰.

« علی احمد »

مطبعهٔ عنایت

چه سعادت مندروزگاییست این عصر ترقی قصیر اعلیحضرت پادشاه بحقایق آگاه محبوب القلوب مقدس من بالنشان میدهد! و اعلیحضرت پردلی پادشاه بزرگ مقدس ما بر شهزاده گان عظام و دولت متبوعهٔ مقدس ما نمایش مهر و محبت چه طرز میکشید،

این است که بزرگترین دولت و نجابت نهاد شاها نه نشان حضرت معین السلطنه (عنایت الله خان) شهزاده معظم دوست عزیز ما دولت و اعلیحضرتان بیار پیروی افکار مراحم آثار پدر بزرگوار والا مقدار خود بر حقوق شناسی شان محض بشوق و آرزوی شیفته گی در تعمیر مدارس ترویج و توسیع علوم و معرفت ملی پرور انجمن یک مطبعهٔ حضوصی که بکلی باحدثات آن طلب فرموده و دایر و اقامت گاه اهالی خود شان بنام (مطبعهٔ عنایت) که باسم مبارک خود شان نسبت داده شده تا سیس بنیاد نهاده،

جنسی چیزهائی است که در ظاهر حال اگرچه این آسایشی نبه داشته باشد ولی چون بحقیقت آن بکفه ای بنظر غور و تدقیق دیده شود جهان جهان منفعت و علائم آسایشت در آن منسوج میباشد، مثلاً تاسیس یک مطبعه کوچک که بعد مصروفات یک سال کاغذ و سیاهی و رنگ آن به چار پنج هزار روپیه تمام شده باشد چه آسایشی داشته خواهد بود؟

بلی، نسبت باهتیاجات علمیهٔ که وطن مقدس ما بفنون و معارف دارد هیچ چیزی نیست. اما چون ازین نقطه نظر ملاحظه شود که یک شهزاده بزرگ دولت متبوعهٔ مقدس ما یک شوق کمالات پروری، و هوس علم گستری این مطبعه بنیاد نهاده، و این هوس و شوق این شهزاده معظم برای دیگر شهزاده گان عظام که هر کدام شان صاحب ذکا و فطانت فطری میباشند، بکمال جدیت در پیروی انگیخته، عرفان شعار اعلیحضرت قدر و کعبهٔ اعظم شان پادشاه معظم محبوب القلوب را در راه تحصیل علم و معرفت یک حس شوق و هوس بزرگی می پرورانند این هوس و آرزوی برادرانه و ناگهان بزرگان یک سرشق افزائی شوق و هوس شان میگردد،

و چون اولادهای وطن این شوق و ذوق شهزاده گان دودمان سلطنت باشوکت و شان متبوعهٔ مقدسهٔ خود شانرا در خصوص کمال و هنر پیشه یک حرص و تهالک فوق العاده در تحصیل و تعلم علوم و معرفت میکوشند، و چون اولاد وطن در پی بدست آوردن علم و هنر از صمیم دل سعی و غیرت ورزند برای ترقی استقبال وطن یک شهراه عظیمی کشاده میشود، پس چون این چیزها را در زیر نظر غور و ملاحظه بیاریم اهمیت و منفعت (مطبعهٔ عنایت) تا کجا، و چه قدر خواهد بود،

از مراحم بیشمار اعلیحضرت پادشاه عرفان پناه و منعم محبوب القلوب، مطبعهٔ بسیار بزرگ لیتوگرافی بغیر چاپ سنگی که حیات از دست پایه، ماشین متحرک به کار میباشد، و یک مطبعه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 181 of 1786

بزرگ (تیپوگرافی) یعنی چاپ حروفات سربی که آنهم بیکار خواهد شد، و یک مدرسهٔ متعلق (زینکوگرافی) که تصاویر و نقشه‌ها و نوشته‌ها را بر چوب عکس و چاپ کرده، خانه‌های آنرا میسازد، و یک مدرسهٔ صفاحی و حکاکی که هرگونه خطوط و هر رقم حکاکی در آن تعلیم میشود، و ماشین خانه‌ها و استفاده کامل موجودات کیمیاوی فعالیت در کار میباشد، و غیر از این یک مدرسهٔ بسیار متعلق هست تا هر نوع تصاویر و خطی را که در آن تعلیم میشود نیز در خارج ماشین خانه موجود است که هر یکی از آنها از آغاز تا بهتر صنایع نفیسه تعلیم میدهند.

جناب شهزاده جوان بخت معظم ما که همه حرکات و همه روح و حواس خویش را در امر مشرب رضای اعلیحضرت همایونی کرسعادت ابدی دنیا و آخرت منحصر دانسته صرف و مصروف نموده و اندیشه کرده و دریافته اند که تأسیس مکتب و فابریکه تعلیم برای اهالی قبل از همه مقدس معظم شان اعلیحضرت پادشاه بزرگ، رحم دل، محسن دار، خود و دوستدار بیچارگان است این تشبث را (بعلاوه عنایت مخصوص از خود) که (افغانستان) نام دارد مسمی فرموده اند.

اگرچه ظرافت عاجزانه آن فیلسوف و محقق دانا نسبت بموضوع و معنای آن کلمه را از تعریف و تحلیل مقدس داشته و تجزیه آن را اعلیحضرت حامی حقیقی آن و علم شناس است قیل عالی و بزرگ یک اکثری شمرده و میشود، ولی مقصد عالی جناب شهزاده و معظم ما از طبع و نشر خود این رساله همین بود که نخستین بار در این طبقه خصوصی نخستین بار در افغانستان بنیاد یافته از نخستینی که طبع شود بخود افغانستان و مالک مقدس آن عاید باشد، و چاپخانه مرتب و ماشین کار نوآموز از خود افغانستان است، از نخستینی که طبع شود نیز خود (افغانستان) باشد.

ما از صمیم دل این تشبث عالی شاهزاده بیمثل و نظیر و دوام اقتدار تاجدار اعلیحضرت را از آغاز دل و جان آرزو میکنیم، و دعا خالی از یمای افزونی عمر و اقبال و ترقی شوکت و اجلال اعلیحضرت پادشاه مقدس همایون فال خود ما نداریم و زبان حال میگوید بیا تا بسایه معارف پیرایه همایون شان ملک و ملت افغانستان به بسی ترقیات مادی و معنوی نایل و سزاوار گردد آمین.

هوای کابل

هوای شهر عزیز ما درین دو هفته تبدلات بوقلمونی نشان داد، اولا چند روز یک جاده صاف و لطیفی دوام نمود، بعضی درختان بید اولا سرخی، و بعد از ان یک سبزی پسته رنگی کسب نمودند، تو گوئی مبادا تابش مهر آفتاب جهانتاب خاطر عزیز نباتات را مکدر سازد، بهمین خواست که در دشت و نهای نباتات شیر خوار نباتات یک کوشش بعمل آورد با زبحر انگیزی جادوی زمستان با سر شده و بازی های شیرگ آمیز خود کنان یک شدت و حدت قهرانه ظهور نمود که مردمانرا به تضرع و ابتهال مجبور نمود.

از شب یکشنبه ۱۱ ربیع الثانی دفعتا باران بسیار شدید با دانه برف باریدن گرفت، و در روز یکشنبه بکمال شدت دوام و رزید، بوقت شام روز مذکور بقدر یکنیم ساعت یک بسیار دهشتناکی گرجه دانه آن بدرجه قطر یک نارنگی قوی می آمد باریدن گرفت، زمین، خانه‌ها، باغها، از فرش بارش ماده خیلی آب گیلی گردید، اهالی را دهشت مستولی شود، باشندگان می تصور از شر قیامت رفع یا رگاه آلهی گردید، کوهها و دامنها، چنانچه بازجامه خاکی طبیعی خود را بیک لباس ابیض تبدیل دادند، یعنی نونهالان کز از و نوخاستات دنیای بی ثبات و صرصر حادثات بیخبر بودند و به عوالم بهر پروی آفتاب جهانتاب مست ناز و غرور شده و شکوفه‌ها شاداب نوبهار آورده و بر دوش این قهر مطلب بسیار دهشت انگیز و شتابرخورد لرزیدند، و پژمرده گشته و رعشه‌ها خود در خزیدند، این احوال بسیار دوام نمود بعد از دو روز بازشمس جهانتاب به بشاشه باشی حیات بخش خود جهانرا از تسخیر مزاج عاطفت مکارم سلطان نوبهار بشارت لطف و مرحمت رسانیده و بستگان قدوم میمنت لزوم آن خسرو ابریشم کرده دوباره زنده گی بخشید.

پیغام تلفونی

(۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۱)

از حضور اعلیحضرت سراج الملة والدین خلدالله ملکه

خواجه عزیز خان پسر سردار محمد یوسف خان مصاحب خاص حضور اعلیحضرت والا کرد تشکیل منصب نیابت سپهسالاری یکی براهی چند وقت و بعد ازان بمنصب نیابت سپهسالاری آقای نظامی مدت هفت سال مقرر بود از مراحمات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 182 of 1786

حضرت والا تاریخ سنبله ۱۳۰۸ ش مطابق ۱۳۴۷ منصب جلیله
ایشیک آقاسی خاصه را مرحمت فرموده چون نامه اشرف بتاریخ ۱۲ ماه
جدی شاهنشاهی وصول شد

از تعمیم این منصب علیه جناب محمد عزیز خان صاحب
مبارکباد و تبریک عرض و توفیقات الهی را از بارگاه آن قادر مختار خود
مسئلت مینمایم که بر مواقف رضای اعلیحضرت همایونی بکمال کامیابی
این وظیفه جلیله را فائز خود شان را موجب فخر و افتخار دانسته باشند .

ترفیع منصب

عالیجاه شجاعت همراه سید شاه خان جرنیل نظامی که از
اوایل جلوس سعادت مانوس حضرت ضیاء الملة والدین خلد الله
الی حال خدمات زیادی نموده در محاربات و معارکات
غازی لگ علاقه ترکستان وغیره بوده ، چون خدمتگذاری
و صداقت شعاری و جانثاری خود را بظهور رسانیده و
از خوان نوال پادشاهی به ترقی منصب الی درجه جرنیلی
سرافرازی یافته بود و حال به منصب جرنیلی نظام قندهار
استظهار بصداقت تمام مرخص و اقدام داشت
از حضور مبارک به منصب جلیل نائب سالاری نظام
حضرت مشرقی دولت خداداد افغانستان مفتخر و سرافراز
گردیده است

دیگر

عالیجاه محمد سرور خان کرنیل نظامی افواج مقیمه
جلال آباد که از جمله خان زاده های خوانین رهنورد است
و بنابر حسن عقیدت و خدمات شایسته خود بدرجات
به منصب کرنیلی سرافراز گردیده بود ، از حضور مبارک بایو
به منصب برگیدی افواج قندهار مقرر و مامور گردید .

دیگر

ولی احمد خان کرنیل نظامی قلعه اسمار پسر امیر احمد خان
جرنیل مرحوم که جرنیل مرحوم در زمان سابق از حضور حضرت
ضیاء الملة والدین خلد الله خانشان به منصب سفارت دولت
خداداد افغانستان در هند افتخار داشت و خدمات
صادقانه نموده بود ، کرنیل موصوف از حضور مبارک منصب
کرنیلی طی تبدیل گردیده بحکومت هزاره ده زنگی و نواحات آن
جوض عالیجاه جان محمد خان مقرر گردید . جان محمد خان بنابر
کبرسن و امراض مزمنه که ضعف بسیار در مزاج شان
غالب گردیده بود ، از خدمت مذکور امر معافی یافت .

جوابات اخبار رجیه

ترجمه اخبار المشیر

رفیق ما (المشیر) که یکی از اخبار های خوش تقریر
حقانیت ضمیر زبان شیرین بیان اردو ست در نمبر
مورخه ۱۱ مارچ خود چنین مینویسد :

« آیا وحدان چیان ملامت پیشه آنچنان مردمان را
که گویا بهانه بدست نمی یافتند بعضی واقعات بر خلاف واقع
غلط فهمی ما اندازند ، و در تعلقات و مناسبات
اتحاد دیگانگی برای تفرقه پیدا کردن کوشش نمیورزند ؟
حال انکه بسیار بار ما به این غلط فهمی انداختن ما روباه
بازیهای خودشان پیدا ان میبرایم .

« اگر چه پایونیر که از آغاز کار بدخواه مسلمانان
ریاست های اسلامی خود را قرار داده هیچ موجب اینگونه
غلط فهمی ما میگردد . چنانچه در نمبر موقت بازنامه نگار سرکاری او
خبر داده که خلاصه آن این است : « اعلیحضرت امیر صاحب
افغانستان خلد الله ملکه در افواج خود ترکانرا داخل کرده
تا کار را خسر پر انجام برسانند » پایونیر این مسئله را بیک نظر
خطرناکی جلوه میدهد و چنان می پندارد که اینگونه اقدام علمای
اسلام بقضیه دین و اصلیب تفرقه خواهد انداخت و
دو تابع ناگوار می پیدا خواهد کرد .

« اگر چه پایونیر این مسئله را بسیار خطرناک نشان میدهد
اما چون بنظر غور و تدقیق بر واقعات بقدر یکساعت دقت
کرده شود معلوم میشود که :

این گل افشانی خیال چنون است

« از واقعات تنها همین قدر معلوم میشود که یک چند نگار
خود بخود به افغانستان رسیده بودند ، و اعلیحضرت امیر صاحب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 183 of 1786

... اعلیحضرت امیر صاحب اگر یک چنین چیزی را استدعا کرده باشند هرگز چنان دست خیز یک چیزی نمیباشد که پاپونیر آنرا گمان کرده است، و بدین بهانه از تعلقات و مناسبات دوستانه اعلیحضرت امیر صاحب دگرگشت بریطانیا را که از قدیم بکار آمده است، و قید و توثیق آن شده است بهیچ غلط نخواهد دید، این را هم می فهمیم که مسئله تعلقات و مناسبات حکومت های اسلامی با همدیگر شت این نظر پاپونیر چرا خطرناک می آید؛ و در حالتی که در حکومت های آنها دو دیگانگی شان جلوه نمایش شود، و امروز و روز نه اورد پایمان همین نمایش میبرد داشته که حکومت های شان با همدیگر مانند شیر و شکر بشوند.

۵ اعلیحضرت امیر صاحب قبل عهد نامه را اگر قبول کرده باشند، آن عهد نامه این است که با دیگر ارکان حکومتی تعلقات اتحاد و تایم نگسلند، ایشان بر ان همیشه عامل هستند، و اگر این عهد نامه خلاف نظرت است لیکن اعلیحضرت امیر صاحب با تمام دوستهای بورپ برخلاف ورزی عهد نامه اقدام نمیورزند، نامه نگار پاپونیر نمیرود که این خبر بوده رسیده ملکن است که سراسر به اصل مسئله مختلف باشد، و اگر گورنمنت شما یا اعلیحضرت امیر صاحب خط و کتابت کرده باشد بلکه بر یک طریقه جایز و روا ای کرده باشد، مثلاً ممکن است که به اینصورت باشد: چونکه اعلیحضرت امیر صاحب امداد بخود همین دیار مانده گان شهدای مسلمین طرابلس را ضرور دانسته قبل ازین جمع کردن اعانه خود بالذات اقدام فرموده اند، لهذا گمان میشود که اگر خط و کتابتی هم شده باشد ممکن است که متعلق به اینگونه خط و کتابت جایزی شده باشد، یا ازهم عصر معزز خود سراج الاخبار افغانیه امید میکنیم که او برین معامله اهم یک نظر فارسی انداخته داد این تحریرات بعد اقت آمیز پاپونیر را بدهد، تا بر دنیا ثابت شود که این اخبار اینگونه اندیشن برای مسلمانان چقدر مضرهای اسلام چه فتنه انگیز بهای بروز داشته فقط

تا به اینجا سخنان رفیق محترم خود (المشیر) را نقل نمودیم؛ حالا چیزی که بفکر ناقصانه ما میرسد علاوه بیانات معروضه فوق خود میگویم که از روش نظر دبیر منصف بصیر پاپونیر بیان معروضه

کیک مرد با این بسیار منصف عقلمند و چالاک که با شنای (سر سپه خدا) باشد که محض برای تعصب دین و مذهب از بیگانه ها کار بهای بزرگ بردانا خود داری نمیخواند، اگرچه آن نیرنگ با فتنه انگیزی بسیار خون بریزانده مسلمانان را بهمراه باشد، و با تمام اتفاق و دوستی با دشمن دیرینه مسلمانان همدست و خویش را بهم زیر و زبر کند باز هم آن نیرنگ را برای تعصبات دینی برآن وا میدارد که از هیچ چیزی بهیچ وجه اتفاق نظر نداشته باشد، و اگر همچنین نمود زیرا یک مسئله بسیار مهم و حیاتی است که بحسن قیاسی دلوار (فرقه تفرقه) (بلال و صلیب) را بمیان نمی آورد.

۱۰ در نمره نمبر ۱۳ خود این قول بسالفه آمیز پاپونیر را که بقیناً اخبار ملت نفقه درج صحایف معتبره خود نموده بود و مجدداً تردید و تصحیح کرده بودیم در اینجا میخواهیم که تا یکدرجه بتفصیل این مطلب بپردازیم:

۱۱ آیا این یک امر مردم که یک نیرنگ نظر فانی که در دولت اسلامستان مستخدم شود آیا موجب تفرقه بلال و صلیب میشود؟ و کی و چطور کی؟ ... تفرقه بلال و صلیب معنی دیگر بساعت (اعتقاد توحید و تثلیث) آیا یک چیز است که امروز و روز به استخدام شان یک جمعیت مسلمان یک حکومت اسلام و دیگر حکومت اسلام طلب میشود؟ این تفرقه و مغایرت از روزی که دین مبین اسلام، خداوند تبارک و تعالی را بوحدانیت و بیشریکی، و نظیری مسلمانان شناخته داده، و از یکطرف دین حقیقی مسیح علیه السلام بواسطه تقسیمات نفسانی بعضی از رهبانان پاپونیر ما تحد از جاده حقیقت توحید بزاویه تثلیث را بپیروان خود آموخته و آنرا تا به این وقت قائم داشته و گروه آنها را با یکدیگر مسلمانان خدا و خدا کون و مکان را واحد گویند، و مسیحیان را به سه خاصیت یک، و او را دو و سه را باز سه را یک گویند، و در ضمن این دو فرقه آنرا خود بشان هم نداشته سرگردان مانده این تفرقه و مغایرت دوام خواهد ورزید، پس چسان میشود که تفرقه عقیده که از صدها عصر موجود آمده است امروز بگوئیم چیزی جزئی و بی معنی قرار داده شود؟

جز اینکه ما آقای پاپونیر عهد و پیمان اعلیحضرت پادشاه معظم اسلامیان (امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته را با تمام عهد و پیمان دولتهای اروپا میدانیم که بر ای یک منفعت شخصی رحم خورده اثری از آن باقی نمیماند، چند عهد شکنیهای ظاهر و علانیه که در همین دو زمانه پیش چشم ما بی همه مردم دنیا بوقوع آمده هنوز فراموش نشده است، زنهار اگر با یک بود اتفاق مناسبات دوستانه دولت علیه افغانستان با دولت فخیمه بریطانیا از چنان عهد ای هست ولی بنای این هست که تخم فتنه انگیز یک جنبه بلال و صلیب بتراوید و ناخوشی داده بتواند اگرچه فتنه انگیزی بلال و صلیب تیر بر پا نماید؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 184 of 1786

جدا غیر معقول یک نقطه است که سایر جزئیات سیاسیه را که اساس و بنیاد آن بر منافع دولتین بنا یافته با بعضی چیزهای که صرف در معلومات و احساسات خلق دارد و آنچه از آنچه قبله از نظر دور یا تصور کند!

عقد اتفاق این دو حکومت مسایل حیاتیه موجودیت ملت را تضمین موفقیت و تحقق میگیرد که اسباب مهمه شرایط اتحاد حکومتین افغانیه و برطانیه هنی بر حفظ شمالی هند وستان است از تجاوزات غیر دولت مستقله چنانچه عداوت قدیمی و ذات دشمن شمالی را از حالت شرقیا دولت برطانیا در زیر امیت میگیرد و همین زمان منافع موجود ملت افغانستان را نیز تامین میکند مثلا اصح الله اگر دولت ایران با عثمانی خواهد که از راه افغانستان اردوی خود را برای محاربه هند وستان برساند با وجود بیگانگی دین افغانستان تا جان دارد ملک خود را بدشمن خود دشمن دیگران گردد و گذاشت که دولت چنین خواهد که از راه افغانستان به ایران هجوم آید چنانکه افغانستان با چنین محارب شمرده میشود زیرا باز چنین تجاوزی بخشد و هیچ ملتی نمیتواند ...

بنا علیه بودن یک چند نقطه شمالی اینکه قبل از حکومت مشروطه عثمانیه از خارج ممالک عثمانیه بدولت افغانستان آمده باشند و بعد آنها بهمت چند نفر رسیده و آنها نیز باید و اکثری دوده اساسی و یا اکثری و اصناع نفیسه و یا بعلق یک امور باشند به این همه زنجیرهای قویه مناسبات دولت افغانستان و دولت برطانیا چگونه خلل میرساند؟ و چگونه رشته خیر مال و صلیت احسان برهم گسیخته میشود؟

بالفرض والتقدیر که افسران دولت عثمانی برای تعلیم اردوی افغانستان موجود باشند آیا مناسبات سیاسیه افغانستان و برطانیا چه ضرر و خطر را بهند رسانیده؟ آیا مقصد بکار از پرورانیدن اردوی عسکر افغانستان غیر از محافظه حدود شمالی هند وستان است؟ پس بهتر است که عساکر افغانستان منظم و تربیه شده باشند تا خوبتر تامین حاصل شود. و آقای را هم باید داشت که حیات هند وستان به استقلال حکومت، و قوت و ترقی افغانستان جهت تعلقات و مناسبات عقیده دارد.

آیا افسران جرمنی که در دولت عثمانی برای تعلیم اردوی عثمانی استخدام شده اند چرا بیگانگی مال و صلیت را موجود میدارد؟ آیا جنگ کردن آن افسر علیه جسور انگلیسی جناب هستر (مونتاگو) در اردوی همایون عثمانی با ایطالیا چرا علم افرازی بر جستجو با گاتو لیک بر پا نمود؟

مخابرات و مکاتبات سیاسیه گورنمنت های دوستانه سراج الاخبار افغانیه را دروغگو نمیباید. و بالفرض والتقدیر اگر مکاتبه و مخابره باهم باشد آن مخابره و مکاتبه خلقیه یا امورات سیاسیه و خلق الفتح نباشد خواهد بود، آیا بجز تعصبات مذهبی پروراندن یا بر تیز در حوصله بیچاره خلق میگذارد که اتحاد و سیاست مادی این دو دولت اسلام فایده مادی و یا خلل برای یکدیگرشان میرساند؟ اگر برساند چه خواهد بود؟ معلومات بحث اخبار است بهر دو دولت مال و دعا و خیر خواهیهای دو حکومت اسلام با یکدیگر شان بر اساس دینی و مذهبی اسلامیت بنا یافته است که این بحث و دوده آن رابطه و اتحاد بیگانه و مناسبات سیاسیه دولت متفق معاهد و بقدر ذره خلل نمیرساند و نخواهد. دولت عزیز افغانستان با دولت فخیمه برطانیا بحافظه و دفاع ملک بیگانه خود شان بمقابل سیبریا چای شمالی عهد و پیمان است اگر آنرا اخی و چنین را خرچ برخ نرخ خلق انگیزان غلط اندیش هیچگاه پیش آورده نخواهند و گذاشت که اتحاد و مناسبات دینی حکومتهای اسلام را تیرباران دولته بدهد آمیزش نفرت بال صلیب برهم زده نخواهند.

ما از جناب رفیق محترم خود (المشیر) عرض شکر و منت داریم چنانچه کرمفرمای اخبار خواهد آگاه خود را بدولت دولت بتر مناقشات مابین مقصود از روی حقیقت پر دا نموده است، چنانچه در میان اقرار مسلمانان اتحاد و اتفاق دیگانگی و محبت موجود است اخبار های اسلامیه تیرباران خود شان همچنین حسیات را پرورانده، سراج الاخبار افغانیه از همه اخبار های همعصر بر اردو زبان خود عرض امتنان مینماید.

اخبار مسلمان آمرتسر و چشمه بابا نانک

رفیق ما اخبار (مسلمان امرتسر) دریکی از شماره های سابق خود از اخبار (لائل گزت) نام که ام اخبار هند و بعضی هنر نمایهای تاریخی در باب چشمه (سلطان پور) که آنها از چشمه (بابا نانک) میگوید نقل کرده بود و ترجمه آنرا نیز بقلم شیرین رقم خود نموده و در آخر روشن ساختن این مسئله چشمه مذکوره را از (سراج الاخبار افغانیه) طلب کرده بود، این است که ما نیز نتیجه تحقیقات موشگافانه خود را که در جرائد انگلیسیه نیز با تصویر اخبار عاجز نا خود بنظر مطالعه کنندگان کرام عرض مینمائیم:

در شماره نمبر ۸ مورخه یکم صفر خود مختصری در جناب نوشته اظهار داشته بودیم که ذات اعلیحضرت پادشاه معظم ما در خصوص حل و فصل منازعات رعایای صادق مسلمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 185 of 1786

وشنده وی شاید نشان یک نحو خطی بسیار مستحسنی کار برده است
و صاحبان که از اسماعیلیه و باهمین این دو فرقه در باب این چشمه جوشا
بوده و تجوه ای دیگر از آن تولید شده بود تبدیر سیاحی شما را
خود را باین رفع نمود .

تفصیل این اجمال چنین است :

اولا این را بگوئم که از قضیه های خیال پرستانه و شهرت یکی
چنین است که در بر جا چون یک چشمه خارق العاده و یا یک
درخت عجیب الخلقت و یا یک کوهی و یا یک نقش و یک جائی
پیوسته آنرا بر سطوح خرافات خیالی و روایات اوهامی استناد
داده و برای اطفال خیران اهالی یک اهم تدویر خرچ نقش قرار داده
زیارتگاه و مقدسش می سازند ، حال نگاه بچه پرور از بهای کاوه
خلقت در عالم طبیعت چنان عجوبه های خارق العاده بظهور آورده
می آورد که نوک عصای یک مشت درویش آن یک خیال موهوم میشاید ،
مدبر عظیم الشان کائنات حضرت شمس منیر یک آله سیار
جلیله برای مدبرات خود از کائنات عالم ارض مقرر فرموده و تا بش
آفتاب یک قطعه از جزئی آبهارا بخار تحویل داده بهوا صعود میدهد
این بخارها در هوا بصورت ابر کثافت پیدا می نماید باز بصورت
باران بر زمین نزول میکند ، و از مسامات متخلخله زمین و اطراف
دامنی جریانها پیدا کرده و در گودالها و چقورها بصورت قطعات و
زمین جمع آمده حوض ها و مخزنهای طبیعی بوجود می آورند ، و بعد
از آنکه آن آبها در آن گودالها تعلیق و قف ، یابد بدی برای آن
قوت کرده از هر جا که برای خروج خود مساعد و موافق بیابد
بروی زمین جوشش نموده میجوشد و چشمه سارها را تشکیل آورده
جهات زمین را تامین میکند .

سبحان الله ! اینهمه آثار بدیعه صنعت خلق خلاق عالم را
و اینهمه تزئین آبادیها بر روی کره ارض نظر را بیاد یم بنوک عصای
یکی از اولیاء شیعه از خاک گفته مربوط نمایم ! چقدر بی انصافی ! ...

این است که هنوز از آغاز مسئله هیچ و دایر بودن
این اوهام خرافات آلود بر قارئین کرام ظاهر میگردد و اگر اطاله
و تنقیحات ورق پاره های خرافات آلود بهنوده نه خانه اینکه
اطفال نگاه های قطعه بازی می سازند خود بخود پی بهمدیگر
میبردند . زیرا طایفه چند بر مقدس بودن این چشمه سار
(سلطان پور) چنین ادعا میکنند که گویا جناب بابا نانک
لقمه گرچیل از سر چاه حصه قبول آن در این جا آمده بود و در همین
جای چشمه یا عصای تقریری زده و این آب فراوان از زیر
آن عصا جاری شده ، و آب این چشمه را در قدسیت عینا مانند
آب گنگ میدانند که گویا بر کرامت آن عصا یک زدن

آنان یک خارقه نشان داده که از سلطان پور جلال آباد
سابق افغانستان تا به نهر گنگ هزار دستان یک نفوذ تونل
خارق العاده در زمین بالطبع آورده آب نهر گنگ را از آن
چشمه جاری نمود .

خوش ! ما به اینهم مشکل نیم که آب آنچنان یک نهر
مشهور مانند گنگ به برکت نوک عصای جناب بابا نانک از
سلطان پور جاری شود ! ولی هزار افسوس که اولا
اثبات این مدعا مشکل ، ثانیا باور کردن این سخن را
بر این اولاد آدم عصر ستم از محالات میداند . بلی شبهه نیست که
اگر این روایات پر خرافات سابق غیر مبنوته را جوانان تعلیم یافته
تربیه شده انگلیس دماغ واسع خیال مند و این منکل خواننده
بسیار گرده ها خود شان نزلالش خواهند داد ! ... موضوع
از هم صرف نظر : اصل بلا اینجاست که چنان بر همین مزعومه
دهین مدعا مردمان مسلمان این نواحی نیز بر مقدس بودن
این نباتگاه اتفاق میکنند که گویا یک روایت حضرت امیر علیه السلام
و یک روایت (سلطان غازی بابا) که یکی از بزرگان است
این چشمه را بنوک عصای مبارک خودشان باز کرده اند .

ما در بحث از کرامات اولیا بحث نمیکنیم ، ولی در باره
این دو دعوای بی مدعا یکقدری می گوئیم که دلائل میباشم که آیا
این حل و فصل دعوا ، و رفع ساختن مسئله منازعه فیها کار اعلیحضرت
پادشاه حقایق آگاه سلیم ما اجرا فرموده اند یعنی عدالت در محکمه
است یا به اصطلاح در قهوه خانه های میهنا خلم :

این دو طایفه اهل هنود تا زمانی که اسلطنت سلیم
مرحوم تکان (امیر دوست محمد خان) در کابل افغانستان
کنکش نمانده ، و هیچ یک نتیجه قطعی در بین نداده است ، در زمان
حکام بدست هندو ، و در زمان حکام بدست مسلمان بوده ،
دعاوی سازند این دو فرقه مخالفه بر سر این چشمه بجای خود مقاوم
مخیر شده است . ذات اعلیحضرت پادشاهی بر این دعوا بنظر غور
طبیعانه نظر فرموده ، اولا اساس مسئله را بر روایات خلاف حقیقت
مستند یافته ، ثانیا سنده دوست او بزرگی بنظر زمین ، چون نگاه
فرموده در هیچکدام از آنها یک نسبت حقیقی که مدار حکم شود پیدا
نکرده یک آن دست آویز نما اگر عبارت از بزرگان و فرمانهای
کهنه و فرسوده خطاکاری بود که بنظر زمین داده شده بود ، ثالثا چون بسبب
اکثریت و اقلیت نظر فرمودند اکثریت را بسوی رعایای سلطان خود
یافتند ، زیرا در حالیکه از مسلمان هزار خانه در آن نواحی آباد است
از مردم هندو بیشتر از چل و پنجاه خانه نمی آید ، پس ملحوظ فرمودند
که اگر طرف رعایای مسلمان خود را التزام فرموده حق آنها را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 186 of 1786

بر موضع مذکور ثابت قرار بدهند رعایای هندوی شان سر سرپا پرس دکنده شده اگرچه ظاهراً چیزی گرده نتوانند ولی قلباً و باطناً دارای حقه و بغض بهوطنان مسلمان خود را در دل خواهند پرورید و اگر از رعایای هندوی خود شانرا التزام فرموده حق آنها را بدان موضع ثابت نمایند اگرچه مسلمانان بشاشت اطاعت امر او لامر جزئی گفته نتوانند ولی این قبض و کبض از بیخ و بن خود نکنده باشند هر وقتی که فرصت بدست بهوطنان هندوی خود شان ضرر مالی و جانی عظیمی برسانند لهذا در سنه ۱۳۲۵ هجری تشکیل یک مجلسی را اراده و فرمان فرموده و در آن ساده کلانتران فرقه مبین مذکوره مبین را جمع فرموده و دلایل واضحه و براهین قاطعه دالهی بودن این تکلیف را بدیشان بیان کرده که هر دو طرف قناعت و هدایت حاصل کنند ثابت ساخته و موقوف بودن رفع منازعه و دل بدی طرفین را بر ابر انمودن دکتب یکدیگر دو طرفین از موضع مذکور دوشن و آشکار اساخته طرفین را بر سبیل تکلیف فرموده بنا علیه هر دو فرقه مخالفین بخوشی خبر خواه استقبال اندیشانه پادشاه خود را بعین خود و اصلاح خود دانسته بکدیگر ان از حقوق خودشان بر موضع مذکور بحسن رضای خود ابرا نمودند و اگر صحایف بگجایش مبدأ است نقل ابرانامه جمهور اهل هندوی کامل جلال بار را که بهره اعضای خودشان به اطاعت هیئت پادشاهی تقدیم کرده اند عیناً درج صفحه دیم نامه نظمین قارئین کرام میگردد.

حالا ارباب عقول سلیم انصاف فرمایند که این عدل است یا جور؟ ....

نقل از اخبار پایونیر

کلکته مورخه ۹ مارچ — مراسله یکی از اهل کلکته بمحل نشر شده است — در زمانه گذشته افواهاً مشهور شده بود که گورنمنت انگلیه برای مسدود کردن راه های بنارس و بمبوی را اراده کرده بود — بنابران مسلمانان هندوستان در مدت این حرکات انگلیه بگورنمنت هند رجوع نموده بودند — گورنمنت هند در جواب هیچ اطلاع نداده و لهذا آن افواهای بی اصل اساس حاصل شده — گورنمنت هند اصلاً اعتبار ندارد که گورنمنت انگلیه مرتکب این چنین حرکات شده باشد که تاج اسلام را در مدت شان داخلت نماید — گورنمنت هندوستان بعض از برای تسکین قلوب اهل اسلام انگلیه را از این امر مطلع کرده است که گورنمنت انگلیه از انگلیه این حرکات بسبب رعایت خود و حلف هندوستان بر حملات انگلیه برانگیخته خواهد شد.

این نظر به آخرین تلگراف وزارت جلیله خارجه گورنمنت هند مستلزم این لازم است که قوای بحری و بری انگلیه بسیار منظم و معقول دیده میشود. هیچ شبهه نیست که دولت فخیمه برطانیا حق حقوق بقا و صیون نفوس رعایای هندی و امن خود شانرا بهیچصورت از دست نخواهند داد، و دولت آزاد و مستقل اسلامیه خود را بدین گونه کارهای ناشایسته و وحشیانه ایطالیا دفعةً و قطعیاً از خاطر او دور بالمقرت گردان و بیزار شدن مجبور نخواهد ساخت.

خبرهای مختصر

لندن ۹ ربیع الاول — در محافل دیپلماتیکی لندن چنین گفته میشود که دولت برطانیا با آنکه غایة مشتاق ایطالیا را آزرده نمیکند باین همه نخواهد گذاشت که ترکیه را از خود بکلیه دلگیر سازد.

دیگر — در خطابهٔ فریقه فرانسیس در افریقای غربی و خطابهٔ دوم ترجمه این پیمان اسلام عام شده و بدیر دولت آنجا تخصیص سر سید شیخ او در دیشهای مسلمانرا که در آنجا بهدایت مردمان مشغول بطاعتی که بر آمردان سرسری و در بدر صاحبه شده و در حق آنها معاونت مینمایند.

دیگر — بر اهل شوون اعتبار دین مبین اسلام بادر انگلیا (کلمه دون او (طوطو) که از انگلیا افریقا حکومت جرمنی است، حکومت شده بهیاهای تبدیر و وسیله ای بسیار آغاز کرده است. بسیاری و اطلاع داشتن بسبب کار تیک نصاری از برای افزونی دادن دخلهای دولت و مالی خودشان مبلغهای گزافی از هر سو بر طرف از قلت خود افاده و دگرفته اند.

دیگر — در جریدات عثمانیه مذکور است که از قلت بارندگی گذشته ایطالیه بسیار و قریب به صد و پنجاه نفر است. ضایعات مالی نیز بسیار است. امسال این گونه بارندگی تیز تر از یک گذشته سرخ و هشت نوعی بر چنین خود ندیده و دیگر هیچ صرف نبرده اند. با یه آنکه دولت علیه عثمانیه را هیچ ترس نرسانیده و در طرابلس محاربه بشدت دوام دارد. روز بروز در جوش و غلبه عساکر اسلام افزونی میگیرد و قوهٔ معنویهٔ ایطالیا از هر نوعی حاصل میشود و تا کمال هیچ یک فتوحات و غلبه صرفهٔ ایطالیا تنها ظهور نموده است. یکی از مشایخ سنوسیه با شش هفت هزار سوار عربها شجعان نوبه اردوی اسلام ملحق شده اند. و استقبال عظیمی از طرف اردوی عثمانی در باره آنها بعمل آمده است. شایعات ترسناک دال بر صلح در باین دولتین خاصم در روزنامه ها انتشار یافته.

دیگر — از لندن یک طریق بسیار عظیمی در عموم علاقه انها یعنی مرور کنار این معدنهای زغال سنگ بظهور آمده است. در قرنه رفتن این طریق برای عالم تجارت و صنایع یک تشکل بسیار وخیم خاکت آوری را میگیرد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 187 of 1786

برادر این صفحات نظامی ما نیز آماده

وظایف عسکریه

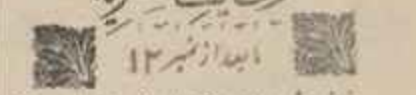

مابعد از نمبر ۱۲

چنانچه در شیوع دین مبین اسلام بعضی فرض ها موجود است در شروع عسکری ما آن فرض ها و دیگر شش فرض اساسی عسکری نیز موجود است که آنرا « وظایف خصوصیه عسکریه » نیز میخوانند. آن شش فرض این است که بیان میشود :

فرض اول (صداقت)
فرض دوم (حاضر شدن بوقت)
فرض سوم (دلاوری)
فرض چهارم (اطاعت)
فرض پنجم (اخلاق و حرکات راست و درست)
فرض ششم (بارفقای خود خوش گذرانی)

فرض اول صداقت

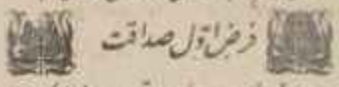

در دین و دولت و وطن و ملت ، هر فرد عسکری می باید که تا به آخرین نفس خود صادق باشد ، خواه در وقت صلح یعنی آسایش و خواه در وقت سفر یعنی در وقت جنگ اگر در دریا باشد و اگر در خشکه چنانچه عسکر از صداقت چه اشتهار ، اگرچه هزار ملاکت و صدمه نیز بر وی بیاید باز هم از صداقت چه انباید شد . و در هر امر و هر معاملات دولت و ملت و وطن صداقت لازمست باید کرد ، خلاف صداقت خیانت است که گفر محض عسکراست چنانچه مکافات صداقت در آخرت بهشت ، و در دنیا بلندی مکان و شرف است مجازات خیانت نیز در آخرت جهنم ، و در دنیا نقش ننگ است . هر عسکر باید از خیانت کردن بشدت اجتناب کند ، و اگر در میان خود هر کدام خائنی علم پیدا کند و بما هم از آن خبر بدهد از قدرت کند .

فرض دوم حاضر شدن بوقت

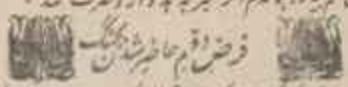

هر عسکر باید که استعمال کردن سلاح خود را خوب بیاموزد ، و بی خطا کردن تفنگ خود را بر هدف مقصود برساند ، و تعلیم قواعد و آداب عسکری که لازم است بخوبی و زودی بیاموزد ، و در مقابل دشمن آموختنیهای خود را اثبات کرده بدولت و ملت و وطن دین و فرض خود را ادا نماید ،

اگر عسکر با تفنگ خود را خوب نیاموزد و قواعد و تعلیم لازمی نیاموزد ، و اخلال و سستی نماید از وظایف خود بد عهده می شود ، زیرا با دشمنی که در مقابل او ایستاده است ، و حقیقتاً خود را بجا آورده نتوانست هیچ کاری از پیش برده نمیتواند ، هر نفری سپاهی عسکری باید بداند که در مابین یک آدمی که هر چیز را داند ، و یک آدمی که هیچ چیز نداند فرق بسیار است ، بنابرین بر هر فرد عسکری فرض عین است که تعلیم بعضی قواعد و تحریه و غیره در پیش که برای جنگ لابد و ضرور است دولت وقت از و انتظار طلب میکند بخوبی بیاموزد ، و تا به آخر وقت در رابه نرود آموختن آن کوشش نماید و خود را بجنگ تیار سازد ، و آماده عسکری نرسد

[باقی در نمبرهای آینده می آید]

عالیهمتان ژاپان

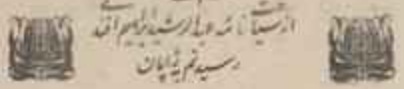

از سپاهی ناشد و یا رشید ابراهیم افندی رسید نمره ۱ ژاپان

در ۳۰ ماه تشرین ثانی صبح وقت بود که وارد بندر یاماگوچی (سودیفه) داخل میگردید . تاروت — یعنی خدمتگار قاره نامزاد دیگر مسافرانی را که فردا آمدنی انجا بودیم از خواب بیدار کردند . بیشه مسافرین چای می دادند ، من برسطح واپور برآمدم ، دیدم که جمله وظایفه واپور که در روز جنگل شبها شده بکثرت مطالعه و کتاب خوانی واپور (هوزان مارو) را یک کتابخانه تحویل داده بودند باز بلباس ملکان درآمده بر کار و خدمتهای خود شان بکمال چستی و چالاکی حاضر و مهیا بودند .

واپور با تقریب دو صد قدم دور تر از بندر لنگر انداخت زیرا در انجا بجز فرو آوردن بعضی مسافران دگر کار بار ندارد . بجز از لنگر انداختن واپور یک دستگی بزرگ تقلیل بواپور نزدیک شد . زینه واپور را فرو آورده با تفقد (نظر مائید) . رهبرانی را که در قاره ما بودند در کشتی مال کش فرو آوردند ، و به بندر برآوردند . بندر یک بندرگاه منظمی نبود . کشتیها در پیش یک پل چوبی استاده شده ، از زینه بر پل مذکور بندر خشکه برآمدیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 188 of 1786

ما را بجز زحمت و مشقت ای که در بندر دیده بودیم در بین بندر ثری ندیدیم ما بردن و برداشتن و برآوردن اشیای خود هیچ حاجت نمی بینیم. کشتیبانان ژاپانی گویا را به بندر آورده اند کالا و اشیای ما را به بسیار احتیاط و درستی میبرارند. هیچ کس از ما اجرت نقل کردن ما را از واپور تا به بندر نمیطلبد. هیچ کسی پیش (طوپراق باصدی) یعنی (برای کی تقدیم نهایش) را که تا به اینجا داد و آمد و ایم نمیخواهد. هیچ کسی از تذکره ما پرسش و بازجوئی نمیکند. و از کجا آمدی کجا میروی نمی پرسد. آخر من خود مجبور شدم که بپرسم: — آیا برای اینکه با این کشتی ما را از واپور تا به اینجا آورده اید. پیسه نمیخواهید؟

یکی از کشتیبانان خندیده گفت: — ما مسافران خود را از خشکه گرفته ایم باز پس آنها را بخشکه برآورده و ظیفه ما است. بعد از آنکه از دروازه (گرک) یعنی (چوترهٔ بندر) برآمدید هر جائیکه بخواهید. و هر رنگی که دل تان بخواهد بروید میتوانید.

در بندر رسیدن تذکره داری و دفع پاسپورت اشیا و کالا بود. تنها یک مامور گرک از هر کس همین سوال را میکرد که: — آیا توتون یعنی تنباکوی سیگریت یا سیگار دارید؟ یکی از مسافرانیکه با ما بود و مرد انگلیسی بود دو قطی سیگریت با خود داشت. آنرا بیرون برآورده نشان داد. و او هم چیزی نگفتند. معلوم شد که اگر انسان با خود بسیار سیگار یا سیگریت داشته باشد ممنوع است. بجز و یک از گرک برآمدیم یک پسر جوانی را دیدم که فریاد میکند: — ای مسافران گرام برای حرکت ظهار ربع چهل دقیقه باقیمانده است.

ما اسباب های خود را از در دروازه گرک تسلیم گرفتیم چنانچه در واپور گذاشته بودیم بچنان دریچه ای گرد گاست گرفتیم. اگر یک قدری به اطراف موازنه و مقایسه نمائیم آیا در اروپا به اینچنین مدنیت برمیخوریم؟ آیا سیاحان و مسافران در کدام مملکت به این قدر راحت نایل میشود که اشیای شان و خود شان از واپور تا به بندر مفت و رایگان نقل میشود؟ آیا مقنن های مدنیت اروپا گفته می توانند که در پاریس یا لندن نیز همچنین است؟ نا بلکه در بعضی ممالک بسا تنگ برسد که این اجرت قلیله مسافران را از واپور بخشکه نیز در وقت تکت دادن واپور حساب کرده بر قیمت تکت علم کرده باشند که اقلا بخیال خود من نیز همچنین رسیده بود. اما این چنین نیست: زیرا در واپور دوسر از دولاد بوستاک تا به این بندر (سوریه) در سطح واپور بر یک آدم (۹) روبله، دو قاره درجهٔ اول (۳۸) روبله میگیرند. و اپورشان درجهٔ دوم هم ندارد. حال آنکه در واپور ژاپان

فاجعه های پاریس مابعد از نمبر ۱۳

— مترس مادام، یک زنگه باز نیست. منم، من... یعنی موسیو (وینیم)... صاحب خانه... بگشا دررا... چابک شو به... در ملک خودم ایستاده ام... انتظار کشیدن را خوش نمی بینم؟...

قلو تیلد زنجیر دروازه را کشیده دررا باز کرد. آدم مذکور داخل شد. صاحب خانه موسیو وینیم یک آدم به چهره غلیظ صوتی بدن بزرگی بود که از جمال و طور اوده نامت طبیعت، و پیش نظر کس پدید بود. از یک برگ کاغذ تحقیق یک جاکت و پلتو تی

در برداشت. و یک پیش دامنی چرک تکه پاره ای که صاحبان خانه ها برگردن بنده در شکر و بیت منظمش مربوط بود. بعجله یک از خانه در آمد دست خود را بکلاه و فرنگی شب پوشی خود برده سلامی کرد. و بریکی از چوکیهای بود و بایی خود را تاب کرده ایستاد که چوکی به تقلت وجود ش مقاومت نمود. نزدیک بود که بشکند. بعد از آنکه یک قدری تفنگ زده مانده گی خود را گرفت یک طور مستهزیانه گفت:

— بی بی مادر، آیا تابه کی برای گرفتن کرایه خانه انتظار خواهیم کشید؟ آیا هنوز وقت ادای کرایه خانه نرسیده است؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 189 of 1786

در سطح دایره بریک آدم (۸) رو بله، و در قطار دوم (۱۸) رو بله میگیرند و بر سر قرعه هم مسافران را با شتابی شان بدون اجرت به خشکه هم بر آرند، و این قطعه را نیز علاوه میکنند که :

(۱) مسافران را از خشکه گردانیم باید که بخشکه پس بگشیم .

[باقی در نمبرهای آینده می آید]

ادبیات

قلم

به عظمت رتبه شوکت پناه و قلم
علاکرده ذاتست آیه قسم

قلم گرکند قصد جنگ و جدال
چه سرا بیقه بجاه و قسم

گر اصلاح خواهد بنوع بشر
چه گمراه آید براه قسم

قلم زنده گرده است نوع بشر
جهان روشن از نور ماه قلم

سخن از قسم شد جهانگیر وقت
بود علم و عرفان سپاه قسم

نه توپ گرد و نه تیغ دودم
کند کار بر دو سپاه قسم

بود گفتهٔ حضرتی (قلم شد نصیب
بود دایما فخر خواه قسم

لطیفه

— آیا این آشپزان چقل بخلی را چرا در سقف خانه تان گذاشته اید ؟

— از بی خاطر که میگن بخلی گردنی بای حضرت بلایی ست . (از خانی که باشه ثواب است ...

(۹)

قورتیله — امروز جیشه شاد و خندان شدم ، شوهرم مرا بخاطر جمعی و دون شما مهر خود داشت .

وجیو — (مستهزیانه) شوهرتان ها ! ... تا اگر کاغذ نانه شما را طلب کنند گمان میبرم که دوباره مشکلات خواهید شد .

قورتیله بیچاره از دین سخن غلیظ حقارت آمیز این حریف خیلی متأثر شده گفت :

— مرا چه حق تحقیر میکنید ؟ موسیو ! ...

وجیو — (بخنده) آها ! بغیر شدید ! !

خیر نیست دختر من ازدواج کردن شروع دیا خیر شروع شما چیزی نیست که من قطع داشته باشم

من بجز گرفتن حق خود و گرگاری انجام ندیشم . در اول که آمدید بگمان پرا پیشگی دادید ، از اسباب در پی جستجوی اوراق شما نیفتادیم . و تنها در کتابچه دختر خود نام شما را (موسیو دمارام عوضتران که به خانهٔ آسهام گذران میکنند) قید و ثبت نموده در پی کنج و کاو احوال شما نگشتم . و تا بوقتیکه گرانبهای خود را ماه بماه قطعاً میگرفتم هر چیز بر اه بود . اما چون پیه ندادن را گذاشتید قطعاً معاملهٔ ما و شما تبدل میکند . برداخت این دانه پیه خود را گذاشتن بدردم نمیخورد .

[باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 190 of 1786

نامورانِ نامِ جهان

مابعد از نمبر ۱۳

برای دیدن جسد در خاک و خون آغشته شوهر خود را در تردیکیهای شهر (تیبه) افتاده بود برفت، و در آنجا به اسیر رئیس (گراودن) بقتل رسید.

آرسلان خاتون — همشیرهٔ (طغرل) بیگ است که از پادشاهان سلجوقیه است و دختر (میکائیل) بن سلجوق بود. در سنهٔ (۴۴۸) مرقوم بر ذمهٔ حقیقت جاریست (قایم بامرالله) در جهاز تلاج خود در آورده بود بعد ازان در همین سال آرسلان خاتون (خلیفه خلفان و رئیس جیش) در تاریخ (۴۵۵) بر اوبش طغرل بیگ او را در زنده خود شهر (ری) آورد. ولی چهار سال بعد باز به بغداد برگشت از طرف خلیفه، وزیر نظام الدوله بن جهیر برای استقبال شاه الپ ارسلان برآمده با بسیار حرمت و احترام به بغداد داخل کردندش.

ارسینوئه — دختر (بطلیموس) است که از پادشاهان قدیم مصر بود. پیش از میلاد مسیح علیه السلام به (۳۰۰) سال پادشاه مقدونیه (تراکی) که در یونان امروز (اورنه) میگویند و در ممالک عثمانیه جا دارد (ارسینوئه) را به ازدواج کرده بود. نام آن پادشاه (لیسماخوس) بود. بعد از آنکه شوهرش وفات یافت (بطلیموس کرونوس) برادر (ارسینوئه) تاج و تخت را غصب کرده و (کشنده) نام موج او را جاهره کرده در زیر پای فیل انداخته و به او تکلیف کرد که او را به شوهری قبول کند. ارسینوئه این تکلیف او را رد نمود، ولی چون دید که چاره بر دست برادر او ولادی خود را گشته و جمله مال و منال خود را آتش زده و در یک کشتی که همیشه حاضر کرده بود سوار شده در جزیرهٔ (سمدرک) خود شد. بعد ازان در تاریخ (۴۹۰) که برادرش (بطلیموس فیلادلف) بر تخت مصر نشست:

[باقی دارد]

علم، هنر و صنعت

مابعد از نمبر ۱۳

و بجز این کار با یقواعد علم ثروت حل نمیشود.

اما بعد اعمال بشریه بر عبارت از همین چیزها نیست. بسیار کارهای دیگری نیز هست که آن خاص بخود انسان تعلق دارد. و بلکه در بسا جاها بر صنایع مشهوره و حِرَف که آنها عبارت از کارهایست که برای تعلیم و تربیه و اصلاح و تهذیب اخلاق و درستی افکار، و حفظ آزادی انفرادیه و بیشه و نگهبانی منافع مشترکه انسانها صرف میشود. لهذا بنا بر این کارها مشغول اند بر دو قسم است که یکی مشتغلین و مؤلفین علوم دینیه، و طبیعیه و ریاضیه، و اخلاقیه، و بیکها یکیه طبیب اما میباشند. و دیگر قسم آن هیئت حکام و مامورین ملکیه و عسکریه میباشند که در داخل مملکت برای حفظ عدالت و امنیت، و انتظام و آسایش، و ادارهٔ خلق مشغول اند که آنها هیئت حکام و مامورین ملکیه و عسکریه میباشند. غیر ازین کارها بعضی کارهای دیگر یست که آن کارها را انسانها بر اطراف، و حسن طبیعت الفت میدهد، و حسیات قلبیهٔ شان را اعلا و قوة خیالیه شان را توسیع میدهد، و یا آنکه بحاصل کردن تحقیقات معنویه، و آثار جمیله که موجب انشراح و انبساط انسانها گردد مشغول میباشند، مانند رسامی و شعر، و موسیقی، و تشخیص و تجسم تیاتر، و غیره.

[باقی دارد]

هر مقاله که مستظهر دارد ذمهٔ سر محرر مقرر باشد

مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

سنگی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی افغان مهتمم چاپخانهٔ دارالسلطنت کابل

بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 191 of 1786

نگران
ایشیک آقاسی حضور اعلیحضرت همایونی

قیمت سالیانه
در دارالسلطنه اول ۸ روپیه کلدار
در ولایات اخلاص مملکت محروسه ۱۴ روپیه
جزایر ممالک اجنبیه ۲۰ روپیه
قیمت یک نمره آن ۱ شاهی

مدیر و سرمحرر
محمود طهرزی
اداره چاپ و مطبعه
دارالطباعه خاصه دارالسلطنه کابل

جمله مراسلات تحریریه باداره خاصه
بنام مدیر نوشته بفرستند

هر پانزده روز یکبار منتشر میشود

تاریخ غره جمادی الاول ۱۳۳۰ تاریخ ۱۵ اپریل ۱۹۱۲ تاریخ شمسی ۱۳ ثور ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخله و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

سالگرد آلیحضرت پادشاهی در جلال آباد — حوادث داخله
— حوادث خارجیه — اخبار محلیه — اعلانات تجارتی
— اعلانهای زبان — دوشنبات — نامه از زبان حال
عرضات عمل — فاجعه ای یا سیاسی

مراسم جشن سالگره اعلیحضرت پادشاهی

عنوان دولت ما از طرف
مرحومان پادشاهان سابق

جناب وکالت مآب حضرات محترم، بیلک نشان مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

حضرت آلی بات — جشن سالگره اعلیحضرت پادشاهی در جلال آباد و انعقاد ریاست برای شاه محترم

گرچه اخبار سراج الاخبار مبارک اعلیحضرت پادشاهی در تاریخ بیل یکشنبه ۲۵ ربیع الثانی در باغ شاهی جلال آباد منعقد شده — باغ شاهی جلال آباد با وجود اشجار زیاد بهار گلها مسطر اوراق پر درد و خاطر دل و نگین اجزاء خاصه ای مجلس مهر آرا باغ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 192 of 1786

از جمیع جهات محفوظ و مصئون آسوده و خاطر جمع باشند و از مقاصد اهل سلام علی الخصوص مملکت دوست افغانستان کم و کیف اگر داند — و بعد خواهان و بعد اندیشان دین مبین حضرت سید المرسلین و باغیان دولت قوی شوکت اعلیحضرت (سراج الملة والدین) را همیشه پایدار ستم ستوران خاکسار بحق محمد و آله الامجاد — اعلیحضرت را با کمال شفقت و مرحمت و مهربانی مخاطبه مذکور فرمود و با حاضرین دربار بیک قدم — فرمودند — بعد از ان نظری حاضرین دربار بیک بیگانه مناسب و معین که از برای شان ترتیب یافته بود نشسته تماشای چراغانها و استماع سرود باجه های موجوده و نغمات مغنیان دربار طرب می نمودند — ذات شاهانه با شاهزاده گان عالیقدر و مجالس موصوف تشریف آورده و با بیک از خدام دولت و حاضرین دربار نوازش و الطاف میفرمودند — دو ساعت بعد از نصف شب دربار موصوف ختم شد — یوم ۲۶ در میدان سراج العمارت تماشای آتش بازی بود و اهالی دربار و مردم شهر و اطراف جلال آباد در تماشای مذکور حاضر بودند دو ساعت تماشای آتش بازی قایم داشت انواع و اشکال آتش بازی در روشنی شب — بعد از فراغ آتش بازی اعلیحضرت والا با خدام خاص حضور در باغ شاهی جلال آباد تشریف بردند — منصب داران دولت و مهمان جلال آباد در خارج باغ شاهی که سایه باغهای گل از برای تناول طعام مرتب یافته بود آمده طعام را تناول نموده بعد از فراغ طعام مرخص شدند

بقیه شرح فوق که ایف مرجوعه را عیناً درج سراج الاخبار نمبر (۱۵) تائید فقط تحریر یوم شنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۷

[ع ا ح]

حوادث داخله

مراسم جشن مبارک سال گره اعلیحضرت همایونی در پای تخت دار السلطنة کابل

جشن مبارک پرمسرت و دولت سراسر سعادت پادشاه عدالت آئین عالی (یعنی اعلیحضرت (سراج الملة والدین) ارشد و بزرگ دولت علیه مستقله افغانستان (امیر حبیب الله خان)

خلد الله دولته و اقبال الله غره و عافیته در شب یکشنبه ۲۵ ربیع الثانی بکمال شوکت و کامرانی و تمام سرور و شادمانی اجرا گردید

چنانچه یک روز پیشتر هر اهل دربار سعادت مدار از طرف سامی جناب فخامت پناهی حضرت نائب السلطنه صاحب اکرم بواسطه سارجن مهتر دربار اخبار داده شده بود که بعد از نماز شام بلباسهای رسمی حاضر دربار شوند و بهمان لباس سامی رکبی شاهانه در عمارت عالی سلام خانه حاضر شوند. در وقت موعود همه مدعوین حاضر شده بودند. اگرچه سیب بادشدید و سطعی نظر تاریک بار ان که در آن شب میبارید چراغان و زینتهای خارجی عمارت موصوفه را زحمت داده میساخت ولی داخل بزرگ سلام خانه بهزار ان لامپها و چراغها و جار ها منور و هر انواع پرده ها و گلها مزین بود. سفره های میوه و شیرینی و سیگریت وغیره در هر پرده به ترتیب کامل آراسته شده بود.

تقریباً بهشت بجه شب در حالیکه جمله بندگان و ارکان دولت صاحب منصبان دربار معالی بار در رنگ یک در وازه بهشت داخل بزرگ صف بسته باحترام ملتزم بعد از کی ذات سامی حضرت نائب السلطنه صاحب افخم ارزه و از تالار کهنه بر آمده داخل حاضرین یک نظر و حیز حیز عطفی در باب مراسم افتتاحیه این جشن مسعود مسرت آمد و دعای طول عمر و عالیت اعلیحضرت شاهانه و دوام شوکت و حضرت دولت افخم ان استاده و پایان فرموده و رسومات رسمیه را اختتام دادند. و مردمانرا به آزادی و بی تکلفی چنانچه از واجب این شب است مرخص و اجازه فرمودند.

الحق که این شب های جشن ما را اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس ما ارزانی یک توانین باحسن و جمال و آداب لطف و کمال تابع فرموده اند که جهان جهان فرحت، و عالم عالم عشرت در ان مندرج است. و در هر جا یک یک جمعیت محبت و پیش بینهای بسیار نفیس که سیگریت ها و انواع میوه ها و نقل ها ایران موجود است تشکیل میدهند از مراسم پیام و تکلفات رسمیه که در دربار دارد حاضرین سراسر مفتوح و آزاد و جا شنده. از هر نوع بازیها مانند شطرنج و نرد و کارته و سیر کردن گاهی تماشا و برد و مطالعه آنها آزادانه استفاده میشود.

باجه های لطیفه موزیک یعنی باجه خانه عسکری که مقامات مؤثره ملی را می نوازد و سامعه سامعین را یک نوع سرور استیلا میکند.

این شب جشن مبارک گذشته نیز جشن التفاتها و فرحت و سرور تمام دوام ورزیده، از طرف ذات سامی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 193 of 1786

آقای مسعود عریضه تبریکیه را بدرجه تلفون بحضور اعلیحضرت همایونی عرض شود. برحاضرین کرام قرائت فرموده شد. و همه حاضرین برآن تصدیق نموده بحضور اعلیحضرت همایونی بواسطه قاصد برق خارجه تقدیم عرض گردید. صورت عریضه تبریکیه مذکوره این است:

پیغام تلفون

عریضه تبریکیه

از طرف نائب السلطنه بحضور اعلیحضرت همایونی

۱ که این خادم و منصب دار ان کی بسلام خانه دار استعفیه شرفیاب حضور باشیم معروض حضور انور میدارد که خداوند متعال و شانه این جشن سال گره اعلیحضرت را مبارک و باشنده بادل و طبع اعلیحضرت را که باعث آرامی و آزادی ملت افغانستان میباشند از سرما حضرت گاران والا لی افغان کرنگهدار و بایندا توفیق خدمت گاری و اطاعت امرهای اعلیحضرت عطا فرماید.

تقریبا پانزده دیقه بعد از ختم این مجلس برخوان نعمت احسان بادشاهی دعوت شدند. و به تمام سرور و فور حضور از الوان نعمت اعلیحضرت بادشاه دریا نوال شان نوازچین عاطفت گردیدند. بعد از اختتام پیغام نامه جوابیه اعلیحضرت همایونی بذریعه تلفون رسیده ذات سامی جناب فخامت پناهی آقای قاطر برحاضرین کرام قرائت فرمودند که صورت آن این است:

پیغام تلفون

عواطف نامزجابیه استعفیه اعلیحضرت

۱ ارجمند عزیز الوجود ا — از شرح اخلاص و اظهار شکرانه شمایان سرکار و افتخار سنده ی حاصل شده توفیق خدمت رسمی برای شمایان و جمیع اهالی افغانستان از درگاه حضرت آلهی خوا هم که بکمال خورسندی در ظل عاطفت خود نگهدارد و باقی لطف آلهی شامل حال است سلطان باشید لیلیکشنبه ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ه

حاضرین کرام این پیغام نامه همایونی را بکمال آداب و احترام استماع نموده دعای دوام عمر و اقبال و ترقی شوکت و اجلال اعلیحضرت بادشاه بکمولی آمال همایون فال خود شانرا در زبان صداقت و اطاعت نمودند.

این لیله سمار که جشن پر سرور تابه دوازده بوقت بسیار فرصت و مسرت دوام درزیده بعد ازان از حضور سامی فخامت پناهی اجازه انصراف یافته فرموده شد و هر کس بخانه های خود شان عودت نمودند.

از درگاه خدای عظیم الشان همگی خلق افغانستان

بیاز بیکلیر که تا سالهای بسیار و الهای قلت صاحبقران بادشاه مقدس محبوب القلوب با بدین آیینگونه شب با شکوه صبح عید سعادت شمرده میشود بحضرت او مسرتهای نامتناهی و عمر جاودانی

آمین

عرض تبریک

۱ صبح عید سعادت مدت ۲ روشنی چشم دیده ات مدت
۲ شب جشن والا دولت باشد ۴ چهره ات با سعادت باشد

شب جشن ترا کلهم تبریک
باد بر دولت جهان تابیک

۱ باوجود (سراج ملت) دین ۲ بادشاه بزرگ عدل گستر
۲ ملک خان نمود رکسب جاه ۴ رحم و حلم و سخا و راست حق

شب جشن والا دلشین بر قوم
روز عید اری بود شان از نوم

۱ ملک و ملت زفیض بهت تو ۲ بود دعای دوام دولت تو
۲ بترقی رسیده ۱ داده ۴ پیش حق ملت رجا دارد

شاه محبوب خوبیها بدها
باد پاینده و شوکتش برجا

رسید

علنا و رقه ایست که از طرف سرکران
باداره رسیده

خانصاحب حضرت همراه محمد دلیگ خان مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانستان
خطه الله تعالی — یک نمبره مباب عرایض رعایا است مشتمل
کراسته های خط منشاری و جان نثاری خود را برای جلب و اجلب
منکل نموده بودند تحریر شد که چنانچه درج روزنامه مبارک سراج الاخبار
باداریه میموجب ۲

خوانین و ملکان و رعایای صادق سمت مشرقی افغانستان
که هر قوم فریق فریق عرایض جداگانه بحضور مبارک نوشته اند
شنواری — لغمانات — گنر چلیا — گنر سفلی —
قوم خرخون خوگیانی — قوم شیرزاد خوگیانی — قوم وزیر
خوگیانی — حصارک غلجائی — حصارک مزینه — کامه
— سرخ رود — بهسود — چپرهار — قوم جلندر جمیر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 194 of 1786

— قوم اودجیل — مهاجرین — رعایای مهمنه —
مضمون عرایض خوانین و ملکان و رعایای فوق که بحضور مبارک خود و اند ا :

ما بنده سایه پناه و حضرت ولینعمت پادشاه و مهربان اعلیحضرت سراج الملة والدین پرورش یافته ایم و در ابتدای سلطنت و بیعت آنحضرت اولوالامر خود دانسته و میدانیم و بجان و دل گرفتار محبت شده و ایم که تا زنده و از الطاف و مرحمت و دادگستری آنحضرت بهره مند و از دست خود و دست و پا و دشمنان او دست و پا و شاه خود و دشمن پاشیم تا وقتیکه حضرت حق جل و علی شانه و اعلی حضرت اولوالامر خود را بجا میآوردیم اکنون که مردم مشکل پاشی و از جاده عجز و پیمان منحرف شده و خلاف اولوالامر ما نموده اند — بنابران بر ما یان رعایای صادق دلیل واجب بلکه فرض است که با آنها جهاد نمایم و مقاتله کنیم و گردنهای خود را بدست و بازوی قوی آنحضرت و دوستان آن منحرفان جاده اطاعت و اصلاحیت برآریم و ما رعایای صادق پایین آرزو میباشیم که خون خود را فدای رکاب پادشاه معظم مهربان خود نمائیم امید واریم که بر همه ما یان اوتان حرب فرموده شود ۲۰

خوانین و ملکان قریه جات و محلات فوق بتاریخ روز ثلثین ۱۳۱۷ ربیع الثانی — در روز سه شنبه ۲۰ ماه مذکور در باغ شاهی جمال آباد خود نظری مذکور و عرایض نظری مذکور مذبیده جناب عالی نائب السلطنه صاحب و علی احمد خان پیشکار آقای حضور اعلیحضرت شرفیاب حضور مبارک گردیده و هر یک پیشکش و خروش از روی صدق و اخلاص مراسم خدمتگذاری و جان نثاری خود را عرض میکردند که پادشاه معظم ما بر ما رعایای صادق اوتان چه و بطریقه که باطاعت بی بنیاد مشکل که تنگ دودمان اوتان است مجاز به خود و دختران شانزده کنیز و پسران شانزده غلام خود سازیم — تا در صفحه روزگار یادگار باشد ،

نطق اعلیحضرت والا

« از شمار رعایای صادق خود آشکار میکنیم — حقیقتا این ورقه ورقه ان و برادران ما از روی اخلاص است — آنچه که پادشاه از رعیت دارد همین است — ورقه ای که بجهت پادشاه خود میکند همین بود — اگرچه از دولت خود شما باندازه اقتدار و اسلحه و جباخانه و غیره سامان حرب در ملک خود شما الحمد لله تعالی موجود و مکمل است که جواب هر دشمن بزرگ شما را بدستی بگوید آما دولت وقت ما تا یک مرتبه دوبال است که قت بدون دولت — و دولت بدون قت چیزی نمیتواند کرد — و باز میگویم که از یکه ست هیچ صدائی برنمی آید — پس ضرور است که پادشاه و رعیت یک دل و یک زبان باشند تا رعایای مشکل و دشوار آسان شود اینک میگویند دختران شانزده کنیز و پسران شان را غلام می سازیم با وجود این حرکات ایشان به این امر اعلی پیشتم اگر تنها این اعمال ناشایسته ما پیش نهاد خواها گردد از الطاف بیپایان اعلیحضرت والا بدور نیست ما بنده گان کار نداریم — چون شمار رعایای سمت مشرقی بحضور ما وابسته گردیده اند مانند رعایای غربی دولت خداداد که برادران شما میباشند همه باین آستانه بسته و اگر ما شاه رعایای سمت مشرقی را اجازت بدهیم تا بے تقوس مثل دو این آن هزار یک تقوس سمت مشرقی نمیشد و هیچ صورت با شما مقابله و جنگ و رزمی نتوانند و حال انواع نظامی و نظری را که در طاقت ست جوئی موجود است برای جنگ و کوبستی کفایت میکند — اینک شما درخواست کرده اید جانبران حواری ۲۰۰ نفر از مردم مشکواری و ۳۰۰ نفر از لفان و ۱۵۰ نفر از مردم کنرا — و ۳۰۰ نفر از مردم خوگیانی که از هر قوم یک صد نفر شود و ۵۰ نفر از حصار ک مزینه و ۴۰ نفر از مردم کاف و ۱۱۰ نفر از مردم سرخ رود و پسود و چهار — و ۵۰ نفر از مردم عبدالرحیم زائی و ۱۰۰ نفر از مردم اودجیل که جمله یکهزار و سه صد نفر شوند جوانان مسلح تقسیم فوجی ملکی جمع آوری کرده حاضر دارید — سررشته آن از حضور برای ایشیک آقاسی ملکی حضور فرموده شده و که اینچنین نظری را سابق که برای اخاره و غیره و که جمع کنی (ایلچی) ها گفته می شد — حال از حضور اسم شان (افواج ملکی) گزاشته شد اینک نظری مذکور را جمع آوری کرده و در جلال آباد حاضر گردیده از روی نظری مذکور یکهزار قاطه و تفنگ آماده و جباخانه داده میشود — بتقسیم بر نظری مذکور دسته بست میشود و بالای هر یک صد نفر یک نفر از خان زاده های ولسی شان صد باشی و بالای پنج صد نفر یک نفر از یک زاده های شان دو باشی مقرر میشود و تحواه صد باشی در ماه هشتاد تنگه و تحواه دو باشی در ماه سی و دو تنگه و تحواه و دیگر تا از برای سایر نفر سه در ماه بیست و پنج تنگه داده میشود — باینطریق که بکار تحواه در حال صد جباخانه برای مذکوران داده میشود که تحواه و جباخانه خود را گرفته رو انه خدمت مذکور شوند و گدام وقتی آنرا نفر برای آنها سررشته شده هرگاه از نظری مذکور شخصی بدرجه شهادت فایز شد از برای وارثانه وی از مستمری نفر را سررشته نظام مرحمت میشود و هر شخصی زخمها ملکی گردیده باندازه زخم او مرحمت و مهربانی در باره او خواهد فرمود چنانچه اگر زخم او زیاده و دو معیوب شده و یا باندازه که او را بیکار از حضور رانش میشود و اگر بزخم قلیل باو رسیده و بقدر زخم مشمول عواطف حضور و الا خواهد گردید و هر کسی که پیش قدمی و خدمت کرده و بنظر تقدیر بمنصب و انعام در آنجا حاضر خواهند شد در باره او مرحمت و مهربانی میفرمائیم — و نظری مذکوره هر قدر مدت که در محاربه و حال مذکور خدمت نماینده تحواه مقرری برای شان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 195 of 1786

[illegible] بعد تقریظی مذکور از حضور انور شرف تخلیص یافته از برای جمیع آقایان مرقوم مذکوره خود مذکور بعد فرامین جهانگیر از حضور مبارک برای هریکدام علیحده زیب اختتام یافته است رقعه که بقرار سرشته و احکام فرامین حضور تقریری مذکور را حاضر جلال آباد خود عازم منزل شوند.

کیفیت مذکور جزء لازم متمم سراج الاخبار بوده برای شما تحریر شد که در سراج الاخبار طبع و نشر شود فقط

تقریر سر نگران

بموجب اخبارات خارج ظاهر و هویدا است که در اروپا قشون سپاهی عالم را یک ابر تیره و تاری عجیب داده است که از هر طرف از صداهای هائل توپ و تفنگ و آزمایدن تلگراف گلوله های شرابنل در اطراف و جوانب مانند ابر نیسان معاینه میشود که خونهای جوانان هر ملت و هر قوم مانند سیلاب سراب مارا سیراب کرده است — مارهای دولت قوی شوکت افغانستان و دخیل عاطفت پادشاه معظم خود اعلیحضرت سراج الملة والدین بکمال امن و راحت بوده و در قصر بیقصور مملکت خود نشسته ایم و از منظره های پر افضای آن تماشا عالم را می نمائیم — پس ای برادران ملت و وطن عزیز — امروز بر هر فرد ملت افغانستان واجب است که قدر عافیت خود را بداند و دعای سلامتی وجود مقدس پادشاه معظم خود را از دل و جان بخواهد که خداوند کریم این پادشاه علیم حلیم مهربان را برما عنایت فرموده — یک جاده گمراه کن خیال انشقاق افروختن ملت و اداره این خانه ما نمود و از شیوه و جهالت خود ما را باعث خسران دنیا و آخرت نمود اگر حضرت تعالی بکرم سرسری و بدنامی و پیدا باقی حاصلی ندیده و فواید دیده اند

فرد

همچنان سایه خود دیده بدشمن گفت با همه کاهی چشم من بگذار گشته مدتی

اتق فتنه از زبان و اجب الاذعان اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم سرمایه جان می بیند که مردم طاغی باغی متفکل و به آیا پدیده باشند؟ خود رشته که برای اتحاد و سعادت شما از برای عزت و طن عزیز جان گیریم — عریضه سردار محمد اکبر جان حاکم ست جوابی حضور انور رسیده است اینکه مردم جدران را برای محاربه مردم باغی متفکل مقرر فرموده (رعد و برق متفکل) با مردم باغی متفقه کرده اند بقصد دست نظر از مردم باغی متفکل سپید سبزه و در بند قصبه ای بالش داده شده سی نفر از مردم باغی در همین خانه ای خود سوخته — شش نفر مجاهدین جدران مدرجه شهادت فایز شده اند — پس سرای بریده متفکلین باغی را درخواست آورده اند — در کوتوالی خوست بدروازه ها آویخته شد فقط

افسوس بر این بدبختان — حال ملاحظه کنید از جهلا

بزرگان دهن با یک طایفه شجیعه جدران که هر خانه و همسایه آن سپاهی بود چگونه سلوک همسایه گی بجا آورده در شجاعت و شهامت این طایفه بس قابل تعریف است که در دنیا جاوید نام و در آخرت بر جنات جسیمه سرافراز شده اند و همه مهربان رعیت را از خود خوشنود نموده و در بین اقوام نام نیک شان یادگار ماند —

رشید لی نام پس عشق غیرت بدان بیعت کجا آن کجا
هر دو افتاده اند آنجا بدین کجا آن کجا

افسوس افسوس —

بقرار فوق که ایف مذکور در اخبار نمبر ۱۵ درج صدر نامه مبارک سراج الاخبار افغانیه عیناً بنا بر ضبط تحریر ۲۷ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳

[سطر اخیر]

بغی و عصیان — باغی عاصی

از کل آیات بینات و خصوصاً از دو آیت اولی مشروحه اجزای تابیر کشت و خانه خرابی های نابودی بین کلمات عنوان ما فوق است، خرابیهائی که از طرف همیشه و دایما و علانیه در عالم مشروحه اجزا میکند بیچاره و بدبخت بغی و عصیان بر سر می پسیاله اری کرده و میخواند. زیرا بغی و عصیان تنها بر جسم و جان نه بلکه بر دین و ایمان نیز ضرر های زیانهای بر دوامی وارد می آورد.

حضرت خالق یگانه یا جل جلاله در قرآن عظیم الشان که بواسطه حضرت جبرئیل علیه السلام بر رسول برحق محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم نازل فرموده و صراحتاً امت ناجیه حقه را از (بغی) یعنی منع فرموده است، پس باغی بهای کسی است که به این نهی بر دوگانه عصیان نموده و بمجازات آیات بینات قرآن آفریده گار خود گرفتار میشود!

(اللهم احفظنا من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا)

اول کسیکه بغی و عصیان نمود یا شیطان علیه لعنة الله بود که بکمال تمرد و عناد بر درگاه پروردگار خود برخاست. و بر آدم علیه السلام اگر به نافرمانی نمود ولی بغی و عصیان نمود، یا شیطان و عصیان از دل و جان نابیت شیطان را قبول کرده میباشند و از تابعان و پیروان حقیقی شیطان نمره میشوند. شیطان یک توجه و التفات خصوصی در حق آن تابعان و پیروان حقیقی خود و شایان از داشته روز بروز بلطف و ترقی و ترفیع آن میکوشد. و از اینجا بغی و عصیان او را به تمرد و عناد و بالاخره آن را در تمرد و عناد و اغوا و اضلال میرساند که در حدیث از اجهنم اسفل ساقین کشیده شده است و الا تحریر نمیگردد.

و اگر نظر بر نسیان و خطا کار شیعه نشود است کدام نافرمانی و عصیانی سر زده و زده آب شک نداشت آنرا بشوید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 196 of 1786

افغان اشخاص فرزانه بحق آدم و اطفال زاده نصرده میشوند. دستور جبه غفران و رحمت الهی گردیده، در دنیا و آخرت مسعود و بختیار میگردند.

قوم او قبیله یا جماعت، از یک یک عضوی از اعضای بدن یک دولت مستقله وقت حاکمه شمرده میشود. اگر دیگر یکی از قوم او قبیله آن وقت باغی و عاصی شوند جایز هم حکم میشود که یکی از اعضای آن وجود مریض بیمار عارض گردید. چنانچه که در تمام ادوار و قرون قبیله یا قوم باغی بحضور کفایت دار و طبیب حاذق آن وقت میباشند که بسیار زود بگی اول درباب تشخیص مرض آن عضو به نظر تدقیق و ملاحظه پرغور و تحقیق می نگرند و این تحقیقات و تدقیقات خود را به آلات بحکم (میکروسکوپ) یعنی آینه نمای ذره بینی که یک را بقدر یک گنبد نشان داده میشود، مکشف میسازند، و با شعاعات برقی آینه نمای (حسکتی) که در زیر پوست گوشت و دردون استخوان مخفی را نشان داده، اسباب مرض را پیدا میکنند اجراءات لازمه و چون سبب امراض وقت را یافته به مداوات آن میپردازند که ممکن باشد آغاز میکنند تا آن عضو ضایع نشود و مرض به دیگر اعضا سرایت نکند. اهم مهمتر است که به قلع سبب مرض تیز ساعی میشوند. اما الاصح اگر آن مرض بدرجهٔ متمرن و در آن عضو متمکن شده و باشد بقطع کردن و نهایت الامر به بریدن مجبوریت حاصل میشود.

گاهی اتفاق میافتد که عضوی از اعضای مستولی بشود، از بعضی خواص خارجیه بنوع آمده میباشد. مثلاً در حالیکه آن عضو دیگر اعضا مرض و ضایع و از استعداد و مرض آزاد است بنابر حرکات بعضی عوارض خارجیه بمرض مبتلا میگردند که ایشگونه عوارض بسیار و هشت انگیز یک حالیست زیرا ایشگونه عارضه بروح آن عضو تا زمین عمل بر دین و ایمان آن تاثیر کرده میباشد که طبیب حاذق در آنوقت به تدابیر حفظ الصحه مجبور میشود. و در دفع آن عارضه از نوع خود و جان عارضه دارنده با برحمی انگیزد. و آن عارضه خارجیه را از آن عضو به دیگر اعضا جریان نکند از تدابیر حفظ الصحه. در بگرد عارضه را هوا حفظ و ضایع مشایخ کرام و علمای اعظام رد حاصل میباشد که تاثیرات عظیمه در مداوی انگیزد امراض عارضی اجرا نموده، و تا قاعدهٔ حقیقی این گروه بیمار گی بسیار لازم همین است که هیئت اصلاح روح اقوام و قبایل را در همه جا در سیر چنانچه آب حیات شان اجرا داشته باشند تا امت ناجیه را اختلالی بهم نرسد.

و اصل بنی و عصیان که از بقایای وحشت رسان خلق عظیم الشان است که چون بدو قوم و قبیله از آن کند خسر الله تبارک و تعالی عنوان باغی و عاصی چنان عنوان مردار و ناپاک آوریست که بشریت از آن نفرت و کراهت میکند. عنوان باغی بزبان مردمی اطلاق میشود که بآیات بینات کلمات الهی مخالفت ورزیده باشد: از فحش و ناسزا و بی حرمتی خداوند عظیم الشان بصدور الصح و انکار دینی فرموده و بس باغی جان کش

کرکم این دینی را بامال کرده بجاد عصیان بیفزاید. قرآن مبین اطاعت اولی الامور را بعد از اطاعت خدا و رسول امر صریح فرموده، پس باغی جان شخصیست که از این امر سرکشی میکند. حضرت رسول خاتم علیه الافضل التحایا به احادیث شریفهٔ خود از فساد و بغی و تفرقه امت ناجیه خود را منع فرموده. پس باغی چنان افرادیست که با این مخالفت رسول و پیشوای خود بی پروا بجنگ اقدام میورزد.

و چون بغی و عصیان را از نقطه نظر خرابی و فساد وقت که معاملات کلی و خدمت بزرگی به افکار غدارانهٔ دشمنان وطن وقت میرساند ملاحظه کنیم باغی و عاصی را کافر مطلق میدانیم.

پس از درگاه پروردگار یگانه خود نجات همه اعضای شریفه وجود خویش وقت اقتایه را از این مرض مهلک همیشه بکمال تضرع نیاز میکنیم. اللهم اقصر سلطاننا وآمنا فی اوطاننا آمین

پیغام ملفون از مقام جلال آباد

جلال آباد از نگران — کابل بدیر

امروز شنبه ۲ ماه جمادی الاول هفت بجه و پانزده دقیقه صبح از دوی اول هر کابل بیا بوتی اعلیحضرت والا قدر جلال آباد هر کاب جناب عالیه محمد ولی (یعنی حضرت صاحب سراج الواعظین) عازم و روانه دار السلطنه کابل گردید. موازی بیست یک توپ برای ادای سلام حضور عالیه فیر شد. درین اردو برخی از شهزاده ها و غیر از ین و اهل دربار و خدام حضور انور میباشند و اردوی اول منزل بمنزل طی مراحل نموده مع الخیر و الفائز روانهٔ دار السلطنه کابل می شوند. کیفیت مذکور را ادای روز نامه سراج الاخبار بدا ریدقط تحریر میدارد. ۱۳۳۰

هوای کابل

از تفضلات حضرت باری تعالی جل و علا هوای شهر عزیز ما بسیار لطافت ای بهار یه خود دوام میورزد. چیکونه یا امراض سار یه موجود نیست، بارانهای بهار که سبب حیات ارضی و انبات است بسیار بابی نامی فرو آورده ناگاه او باریده و می بارد و گهگاه باتفاق و باغبار ها ی موحشه بدیده (چار دهی) حقیقتاً عالم ها ی امروز خلقت را بنظر جلوه گری میاورد. آب بشیر عمری برکال است. یوم جمعه ۸ تا یک بجه یا شدیدی دهشتناکی بقدر یکساعت بارید. بعضی دانه های تگرگ کبوتر بزرگتر بود. بقدر شش شش حار بر زمین فراهم آمد. بسیار خانه های پخته و دروسیما را شکست. و الحمد لله بر حیات دیگری نرسید.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 197 of 1786

جوانب اخبار خارجیه

ایطالیا با عثمانی — عین تاریخ

رفیق ما (فتح) (هفتین) در شماره نمره ۱۳ چاپ خود مینویسد: شاید که در پیش این باب ترک اتصال کردن ایطالیا با موقع (عین زاره) را دوران داشت با تبلیغات رسمیه افکار عمومیه ثابت شد. بنابر نظر افی که از قرار معلوم طرفین حرب و ضرب جنگ سیاسیه جریان مصمم میشود که از قرار مسموع دیروز شبی که در ۲۶ فبریه از طرف عساکر اسلامیه ترتیب شده بود ایطالیا با (عین زاره) نام موقع را که در طرف این دو ماه پسیار جانگاه بوده و جان بسیار بها بدست آورده بودند ترک نموده و از پشته ای جهت شمالی موقع مذکور رد گشته اند. ایطالیا با چقدر پسیار تضایقات و مشکلات بدست آورده بودند. و آن موقع پسیار مهم و متین گردیده بود. و آنجا را یک اهمیت و قیمت پسیار میداده اند. و اما مجاهدین اسلامیه از همین خود را بیجا و بر احت نگاه داشتند. الحمد لله توفیقات بر قرار گاه همین مشجوعانه مشی اجرا میکرده اند و پیوسته ای پیدا پیش شانرا بقبل میرسانیده اند. نقطه ها و اسلحه ای را که از دست داده بودند پس گرفته اند. حتی بعضی از همین گاه و ما ای آن در آمده پسیار سلاح و جبه خانه و هر رقم اشیا بچنگ آورده اند.

این است که ایطالیا با یه نهمه هجوم های مدهش تاب آور مقاومت نشده و در موقع مذکور بوده باش خود را شانرا محال دیده، موقع مذکور را ترک کرده فرار نموده اند و بسی ما آلیا غنیمت بدست مجاهدین اسلام در آمده.

جواب [illegible] از اخبار ای [illegible]

ترجمه تلگراف خصوصی است که برای اخبار (المؤید) از مصر از اسپه بن حرب رسیده.

در ۱۳ مارچ

از شب گذشته یک قوه عسکری ما که مرکب از مجاهدین عرب بود در زیر نظر یکی از منصب داران نظامی بسوی استحکامات ایطالیا با حرکت کرده و در نزدیک استحکامات مذکور کمین گرفته تا اگر دو یک عسکر دشمن بطهور فرار پیش آمده خواستند نا گهان عساکر مجاهدین ما بآنها حمله غیر کرده و اتفاقا همچنین کردند. اما چه خبری که از آنجا گفتند باقی راه فرار گرفته. و در اثنائی که بعضی از عربها بدرقه خود مجاهدین و مقتولین بسیار ان عرب مشغول بودند همه قوه نجاتی عسکری ایطالیا با در زیر حمایت کشتیهای جنگی خود شان بیرون برآمده و با قتال در باب مجاهدین اسلام گرفت. و همین قوت کم مجاهدین یک ثبات و پایه داری بسیار عجیبی نشان داده تا اگر دو زیر دستان افسری جناب (خود) یک امداد کلی برای اخبار سیده و دشمن را بهزیمت مجبور ساخته. و دو استحکامات شان بپنهان شوند. و در این محاربه نجاعتی که مجاهدین اسلام ظاهر کرده

یک محاربه نجیبه عربیه

رفیق ما (مؤید الفقرا) در زیر عنوان (غیرت اسلامیه) از نجابت و بسالت یک زن نجیبه عربیه در این محاربه طرابلس بیان نموده که خلاصه آنرا اینجا میگیریم:

زنان عربیه مجاهدین در این محاربه با شجاعت و حمیت فوق العاده خود شانرا در نظر دولت دشمن ثابت ساخته اند. در هیچ محاربه از زمره این خود را شهادتا در دنیا آشکار ابر حرب و قتال تشویق و تشجیع نموده اند. و از نگاه ما می عرب و تفنگ دشمن خود پروا نکرده اند. حتی یک زن جوان عربیه در محاربه (قرقارش) چنان یک شجاعت و غیرت مردانگی نشان داده که نامه نگاران اجانب انگلیسی که آنرا بچشم خود دیده اند دهشت و حیرت کرده اند. و شرح آنها بدین اتفاق کرده اند که در اثنای (زمان در یک دوم) بعد ظهر [زمان یک جان دهقان زن فرانسه است که دولت فرانسه از دست تفنگ انگلیس رسانی داده و بدرجه اردوی انگلیس را ملحوظ ساخته است. مترجم] اما طور المؤید زن عربیه مذکوره را بلقب (خوله بنت ازور الهلالیه) ملقب میکند که حضرت (خوله) بشیره حضرت ضرار بن ازور الهلالی رضی الله عنه از شجاعت فوق العاده شان در محاربات شهرت دارد است. نامه نگاری که این محاربه را بچشم دیده چنین مینویسد: یک زن جوان عرب را دیدم که [illegible]

خبرہای مختلف

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 199 of 1786

[illegible]

خبرها از ایران

[illegible]

احوال ممالک خارجی

[illegible]

مرغان جنگ

[illegible]

آتش زدگی خوشگاه پاریس در

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 200 of 1786

مقالهٔ مخصوصه

لازم بودن اتفاق نبی بشر بجاریه توالی جنیه

خوانندگان گرام چون این سرلوحه را مطالعه فرمایند فوراً خواهند گفت که آخر چه ربطی دارد و گویست ؟ اتفاق کجا ؟ نبی بشر کجا ! درحالیکه دو فردی از افراد بشر را نه در شکل و شمایل ، نه در طبیعت و خصایل با هم یکسر برابر نمی یابیم ، چنین به آن نسبت رنگ و بست ، فکر ، و تصور ما ، و خیالهای ما را نیز از هم جدا و مغایر می بینیم چسان میشود که این قدر فرق نها فیمابین نفوس نبی بشر را که بر چهار فرقهٔ نامدار ملت اسامی قشنگ وجود داشته باشد ، هیچ ملتی یا اندیشه و رنگ طبیعت ، و نه در قصر و چیست ، و نه در فکر و عادت و نه در دین و نه در مذهب هیچ نشانی و نزدیکی هم نرسانند همه را یک اتفاق و اتحاد گردن الخ این یک سخن محال معلوم میشود .

واقعیکه در اول نظر همچنین معلوم میشود که این ادعای محال و غیر ممکن است ، بشریت از اغاز خلقت با یکسی دشمنان داخلی و خارجی خلق شده آمده است که دشمنان داخلی او حرص ، طمع ، شهوت ، غضب ، سرکشی ، غرور ، کبر ، حسد و دشمنان خارجی او اخلاق بد و ناپاک چیست که در انسان موجود و جبلت و ربانی عداوت هیچ گاهی نوعی او مشغول است ، دشمنان خارجی او قوای طبیعیه همیشه است که هر لحظه و هر دقیقه حیات نوعی او را در زیر لشکر و تهدید دارد مانند گرسنگی ، برهنه گی ، بی مسکنی ، طوفانهای دریا ها ، آتش زده گی ها ، زلزله ها وغیره . دشمنان داخلی بر نوع بنی بشر چنان تسلط و چیرگی حاصل کرده که دستبرد پا بها چشمهای شانرا لرزانیده و قرنا فکر بشر شانرا محو و دود کرده ساخته اند ، وحدت اتفاق و اتحاد و همدردی شانرا بمقابله دشمنان خارجی شان نیست و نابود !

اشتراک (اتفاق بالطبع) گفته اند (اتفاق بالطبع) را (اتفاق و جمعیت زیستن) معنی داده اند ، و درین خصوص از زمانهای پار این دم به طبقه نها سطرها نوشته اند و بحثها سیاهیها صرف کرده اند ، دلیلها و برهانها بیان کرده اند و مسئلهٔ جمعیت زیستن بشر را ثابت ساخته اند که ما در بحث برسر کار و تکرار آن حاجت نمی بینیم ، بلکه این قدر میگوئیم که همه بشریت بجان و دل بیک زبان میگوید که برای جمعیت زیستن و اتفاق و اتحاد همنوعی خویشتن لابق و سزاوار شده و باشد ، دشمنان داخلی یعنی اخلاق رذیلهٔ عالم بشری آنچنان راههای پر پیچ و خم مسدود نابابی رهبری کرده که از سرحد مقصد حقیقی مدنی بالطبع علیه چنان فرسخ دور افتاده اند ، چنان معلوم میشود که احکام این مدنی بالطبع یعنی بحقیقت اتحاد زیست کردن در او اول خلقت که بشر از همه حوایج ضروریه خود محروم بوده بیکار می و ناقد بوده ، رفته رفته مفسوخ و بیاد فنا جا معدوم گردیده است .

عجب منطق نقاد ! آقای محترم ، از چه میگوید ؟ آیا این همه تجربه های دشمنان عالم بشریت را حق نمیدهید که عالم بشریت را از مدنی بالطبع محروم می پندارد ؟ اگر نمی بینید از جای یک عینک دو عینک گذارید ! . . . .

آه ، چه عرض کنم ! اصل جا اینجاست که با وجود ضعف بصر خوبی می بینم ، دلی چسان می بینم ؟ سراب ، نقش بر آب کم بنیاد تر از حباب !! . . . هزار حسرت ! فیلسوف آسف که از همه مظفر تجربه های نابابی که عالم بشریت بر قوای طبیعیه نابکه وجه حاصل کرده اند ، و اینهمه اختراعات بشگفت مخترع العقول که از قوهٔ آن مظفر تجربه ها بروی کار آورده اند اگر آنها را دشمنان داخلی شان یکجا و از دست شان گرفته بر خود شان بمقام سلاح صد دم کین شان استعمال می نمایند !

آه بیچاره بشریت ! چقدر ضعیف و زبون یک حیوانی هستی که از دشمنان داخلیت که نام آن جناب (پهلوان طمع خان) میباشد بهترین و نافع ترین اختراعات را که برای مقصد مدنی بالطبع بوجود آورده از دست گرفته برای قتل و معدوم ساختن خودت استعمال میکنند !

آیا دشمن تر ، خطرناکتر از برق ، شناورتر ایجادی از دو پا ، سریعتر از طیارهٔ از دیل ، بلند پروازتر از طیارهٔ های هوائی در عالم بشریت چه چیز تصور خواهد شد ؟ « اسفا » واحسرتا که آن دشمن جان یعنی (طمع) نام قهرمان که از این سه حرف (ط ، م ، ع) مرکب است و هر سه حرف آن بیان خالی که هیچ چیزی پر نمیشود ، این چهار خزینهٔ ناشفه را برای پر کردن شکمهای خالی خود ، تا قیامت مادران خزانهٔ پیشین زمان بر کله خوری یکدیگر آن اشتغال میکنند !

وقتیکه بچابات پر عبرت بشریت در خصوص تسخیر نمودن قوای طبیعت نظر میشود مدنی بالطبع بودن بشر با تمام معانی آن در زیر نظر جلوه گر میگردد ، آیا آن کسانیکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 201 of 1786

بشریت از انسان مدنی بالطبع نظریه که آنها را غالبا و هزاران گونه معاون دیگر را از جزیره ها و قطعه های پر و خلوتی اخلاق طبیعت بیرون می برند و بخار نام یک خارقه طبیعت را در زیر تضییق و فشار تحکم و تسلط خود، در آورده و چنان از به آن سیلان آنند ابرق سیال جوال بی نام و نشان از نظر متماشیان از همه چیز جهان را الی آنکه تحقیق حقیقت آن هنوز بی پرده بیاید برای خبر رسانی خود شان را از غرب بشرق در یک لحظه بقصر استعمال میکنند. خانه ها، عمارتها، مناره های خود را بواسطه آن از صاعقه نام بلای مدهشه سماوی محافظه میکنند؛ و هنوز چه چیزها!....

بلی، بلی! هیچ شبهه نیست که اینها همه از مدنی بالطبعی بوجود آمده، اگر حقیقت و اتحاد نمیبود اینهمه بدایع غریبه و این همه اختراعات عجیبه کما ینبغی نمی آمد! مخترع دیگر چه گفتگو دارد؟

هیچ گفتگو ندارد، هزاران آفرین برین مدنی بالطبعی (!؟) موجهای عظیمه بحرهای محیطه را در زیر چرخهای ماشین های کشتیهای بخاری جنگی زده و پوش ما را در یک آن یک خانه آهنین آتش فشانی بیاشند مفصل ساخته چنان سرعت و شدت خود را برای سوختن، و محو کردن و معدوم ساختن خودش یعنی بشریت که مخترع آنست بزیر گمان آورده (بعض و کین) نام دو دشمن داخلی شدید البطش بجوف آنها داخل کرده انسان را در پیش آن مدنی بالطبع انگشت بدهان حیرت می سازد!....

صحراهای وسیعه، کوههای شامخه، نهرهای عمیقه را ریلهای چابک رو تیز دو بچنان سرعت، و چنان شدت در زیر اقسرغی (حسد و حرص) نام دو اژدر دهشتناک قطع کردن، و شکافتن، و عبور کردن برای محو کردن قدرت یا بدست آوردن ملکت بنی بشر برای انداختن انسان را در پیش آن اژدر بعد سریع الگذر (مدنی بالطبع) بشر صحرا نورد با دیده حیرت میگرداند!....

در حالیکه انسان بقدر یک ثانیه بر هوا تفوق نمیتواند جناب مدنی بالطبع چنان قطارهای کلی برای هوا پیدا بوجود آورده که مسافه های عمیقه را در چند ساعت طی نماید، آیا نمیدانید که این خارق العاده مدنی الطبعی بشریت را (بطعن و جدال) با دو دشمن داخلی او یعنی حسد و کین دستم اندوز او گردن بر خود جنان بشدت استعمال کرده که طراقه های هول انگیز (موجبه) اندازیش انسان را بر بحر پر وازی مدنی الطبع آفرینان بیاورد

واپس آرد!....

از همه بهتر اینکه (اویسن) نام حکیم خارقه پرداز برقی بواسطه بدایع آثار مدنی طبعیه (!) که تا بحال بروی کار آورده اکتفا نورزیده از قرار یکه در صحیفه های اخبار دیده میشود از چند سال به اینطرف در خلوتخانه مدنی طبعی خود در آمده، به اختراع یک آله بسیار خارق العاده برقی مشغول است که با آن آله در حواله یکهزار ها توپ و تفنگ را در یک آن واحد بصدا آرد!

واه، واه مدنی طبعی! جان، جان مدنی طبعی!...

قه، قه، قه، قه!!!....

خنده مکنید، زیرا «یکقطره اشک دوصد چکل بلاست» بشریت در وجود معدوم ساختن خود از این قطعه های شاهپرداز دماغ انسان بسیار خارق و معقد را که همه علوم و فنون متنوعه محققه همه اختراعات و صنایع بدیعه، و در اکه خلق عالم برای اصلاح نوعی او خلق و وضع نموده بمقام سلاحهای مدهشی بخود او استعمال میکند. فکر کجا و حکمت ترقی میکند. نتیجه اش باین منجر میشود که دنیا نیت های رقم رقم، بوجه های مختلف، با دردهای نوع نوع، اجزاء و مصایب ناگوار ناگون و چیزهای دیگر برای محو کردن بشریت بوجود آرد! فن میخانیک و هندسه ترقی میکند فقره آخرین آن این میشود که طوپهای [illegible]

آه بیچاره بشریت! انچه فلاکت بدست است که بر تو نازل آمده! خلاق عظیم الشان کون و مکان که ترا بهمین اصلاح کرده گاه بهمه ثروت و سامان بیمنتش بی منت احسان فرمود، لاکن چه فایده که بس دشمنان خانه ویران کن تیز دو داخل ملک وجودش برای آن خلق فرمود، آنها نه از گلوله مرحتی که در حق او داشت بمقابل آن دشمنان، جس و دستمان و نهایان، خونخواران داخلی تیز با او همراه خود. او چه ان عظیم الشان را برای آنها سلطان مقرر فرمود، بمقابل حرص طمع حسن اداره و استقامت و قناعت را بمقابل کین و خصومت حسد و اتحاد و ترقی و فلاحیت را بمقابل [illegible]

بیچاره بشریت! بیچاره بشریت! ابدا در وجود خود را بدست خود و در زیر علم قهر و تسلط دشمنان جان و وجدان خود در آورده بقدر سنجاب از صفحه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 202 of 1786

(دنیا بالطبع عینی) خود دوران دیده اند !

یک هیئت اجتماعیه عظیمه بشریه غربی را، با یک جمعیت بسیار مهیبه همیشه شرقی دشمنان بشریت چنان بهم دوانده اخته که دوستان و رهبران بشریت دست بسته بسوی آن می بینند و هیچ کاری از پیش برده نمیتوانند .

غرب در وقت حاضره با همه صنایع، و اختراعات و علوم و فنون خود در زیر سراسری از دودهای آتشین بمکس حرص و طمع بر شرق پی هم حمله آوریهای شوم پر دردی اجرا مینماید . و در عین زمان حس نام قهرمان کهین پرور دوران خودشان را تا بنهاد و خاکستر با زوری انگیزد . یکی که یک کشتی جنگی بسازد و آن دیگر از حرص آنکه مبادا او یک قطعه جرب زیاده تری برایه بماند هم یک دو جن کشتی طور رسید و سفارشش میدهد !...

آه بیچاره شرق ! تو بقول دوستان و رهبران خود پیروی کرده به مغلوب ساختن دشمنان داخلی خود کوشیدی ولی غافل که آن دشمنان داخلیت از تو فرار نموده با دشمنان داخلی ابنای جنس خود عقد اتفاق کردند و بکمال وحشت بر تو هجوم مینمایند !

ای بشر البشر ! آیا این کرات زمین، این مسکن انسان ذات خلق مهنا برای همین بشا عطا کرده که خاک آنرا با خونها خودتان آغشته سازید ؟ آیا اگر همه تان بیکبار دگر مجاهده را با دشمنان داخلی تان برسانید، و کلمه اتحاد بشریه غربی و شرقی، و شمالی و جنوبی، همه گی اتفاق کرده و دشمنان داخلی تان را مغلوب ساخته در پی خانه آبادی خود بیفتید، دوست یک کره با دشمنان خارجی تان است دگر بیان شوید چه مظفریت ها، چه غالبیت ها، چه سعادتها، چه کامرانیها خواهید بود که بدست نیارید ؟

از بسکه خود گرفتار بدبختی خانه خود یعنی کره زمین هنوز بچ کما بیش نیافته اید . سمت های جنوبی، و شمالی خانه خود را هنوز بچ ندیده اید، و بچ خبر ندارید که چیست و چه خزینه ها و دفینه ها در خود مضمر دارد ! زیرا دشمنان خارجی تان که عبارت از قوای همه طبیعیه جوهای سخت و جمودیه های یخ است مانع شما ست . اگر برستی خود تان مردمید ان اعلام و ندا و مامور اصلاح عالم شده زمین های غیر مکشوفه عالم را کشف کنید، و اعمار نمائید ؟ در حالیکه بیلیونها کیلو متر مربع زمین در پس غرب غیر مزروع باشد، برای چه نفوس شرق چشم میدوزید ؟

اگر قطعه آزاد های زمین باشد زمین های غیر مزروع را بطرف کنید . آنوقت خواهید دید که دنیا کم نیست . آنوقت خواهید دید که دنیا کم نیست . آنوقت خواهید دید که دنیا کم نیست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 203 of 1786

وظایف عسکریه

مابعد از نمبر ۱۴

فرض سوم شجاعت

یعنی دلاوریست که این دلاوری عبارت از چند چیز است :

هر فرد عسکری از وقتی که داخل خدمت این سلک جلیل میگردد باید که به هر گونه مشکلها و زحمت تا مشقت تا بیکه پای بر خود دلاوری را از دست ندهد و دیگر دیکه بر دین و وطن و پادشاه وقت یک تهلکه نجات دزد دشمن را به بیند جانمدم جان و سر خود را بمیدان نهاده برای رهائی دادن اوقات وقت خود یعنی برادران دین و وطن خود را از آن تهلکه کوشش ورزد؛ در وقتهای جنگ بروبیائی های ساقه های بسیار دراز گرسنه گیها، پشنه گیها، بیماریهای شدید تفنگهای طوپ و تفنگ دشمن، بدین گشته ها و زخمیهای رقفای خود هیچ صورت شجاعت و جسارت دلاوری خود را از دست نداده و بر خلاف نجات خود و کل نموده از میان زخمیها و شهیدها بیکه در راه محافظه وطن بر خاک غلطیده اند به دلاوری تمام گشته صداقت خود را به پادشاه وطن وقت اثبات نمایند ؛ و وظیفه که از وی منتظر است بخوبی صورت بجا آرد ؛ و دیگر رقفای خود را تیز در میدان جنگ دلداری داده و در دلاوری شوق بدهد ؛ و برای محو و خراب کردن دشمنی که شمشیر کین عداوت خود را بر دین و وطن ما زنیام کشیده باشد هیچ (پرچ زاد !) یعنی دایما پیش رفتن را شعار خود سازد ؛ کشته شدن خود را در این راه برای خود و برای سلسله و ذریت خود یک شرف عظیمی بداند ؛ وظیفه هر افسر و هر عسکری همین است که هر یک از افراد عسکری که در اثنای حرب سبب دلی خراشی بدهد و از دشمن روگردانیده و گریختن و تماشا طاهر سازد و بهر صورت که باشد رقفای خود را تیز گریختن بر انگیزاند جانمدم در جای وجود آنرا بردارد ؛ در تواریخ حرب بارها دیده شده است که یک چند نفر عسکر دلاور یک بوک عسکر دشمن را مجبور و مغلوب کرده است ؛ هر عسکر باید به این دانه گرد که عقب کشیده از دشمن بگریزند و دشمن را بر خود دلاور ساخته دین و وطن را به او تسلیم نمایند بهتر است که یک چند قدم پیشتر رفته دشمن را مجبور سازند باین مسئله میباید که اعتقاد کامل داشته باشند .

فرض چهارم اطاعت است

هر عسکر با فوق خود یعنی به بالاتر خود که عبارت از آمر یا افسرهای می باشد به اطاعت و فرمان برداری مجبور است . امر کننده گان را افسران هر امری که خواه زبانی و خواه تحریری به بند اطاعت کند و بهیچ فقره های قانون اطاعت در رعایت ننماید ؛ امرها و نظامها را بگوش جان شنیده و بپسیار خوشی و حسن قبول در عهده و رعایت اجرا و بجا آرند ؛ به آمری که این امر را به او میدهد از دل و جان محبت ورزیده امر را بجا بیاورند . امرها را منقاس باید بداند ، و به اجرای آن خود را ذمه دار و دین دار بشمارند ، و ادا کردن دین می باید که بخوشی ممنونیت او را شود . هر عسکری که امرهای به او داده شده را بخوبی و درستی بجا آرد ، فخر و شرف عظیمی حاصل میکند ؛ اطاعت ، امر آنچی است که امرها را بجا آوردن فرض است . عسکر بی اطاعت از روی قانون بجزاهای بسیار شدیدی دوچار میشوند . قانون نامه جزای عسکری بسیار سخت و شدید است . ماقوق افراد عسکری به افسران بزرگ و خورد رقمی ، (این مشرها و بعضی نفرهای قدیمه که خدمت کس مشرهی را ایفا میکنند میباشند . حتی اگر یک نفری عادی باشد اگر بر آنها آمر مقرر شوند باز هم ماقوق گفته شده و اطاعت کردن فرض است .

[باقی در نمبر آینده می آید]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 204 of 1786

عالمهای ژاپان

از سیاحت نامه عبدالرشید ابراهیم

مابعد از نمبر ۱۴

من چون از دروازه گوک یعنی جهنم تره بندر گاه (سوریه) برآمدم یک آدم کوچلی با یک عرابه دستی (دیشی) روی من آمد اشیای مرا و شخص مرا به پر کردن گرفت. و بعد از آن که اشیای مرا و عرابه بنام مرا نیز سوار شدن بران گالا اشارت کرد. ایدم که دیگر مسافران نیز بر گالای خود شان در عرابه ها نشسته اند. دل خود من برایم گوارا نمی نمود که اینقدر گالا در آن عرابه باشد و شخص بران نشیند. و آن عرابه را نیز یک نفر تانه خود میکشد. ازین سبب من از دو دیگر عرابه سوار شدم. این عرابه های آدم برانرا (ریکشا، بنام دیگر (کوروما) میگویند که عبارت از عرابه های خفیف بسبکیست که یک آدم آنرا می کشد. در اثنای که بسوی استیشن حرکت میکردیم یک جوان خوش پوشش خنده روی ژاپانی که تخمیناً شش هفده سال عمر داشت آمد من نزدیک شده بزبان روی گفت: آیا اگر میخواهید خدمت شما هم با شما بروم؟ بخاطرم آمد که چون زبان جدید نمی دانم اگر با من بیاید بد نخواهد بود. لهذا گفتم: بیا. چمدانم در عرابه که گالای من دران نهاده شده بود برچید. از گفت یک بیست قدم گذشته بودیم که در طرف راست چپ راه در داخل یک باغ تگ کنار، آهنی یک طوپ بزرگی چشم برخورد. جوان ژاپانی که همراه من آمده بود یکبار بسوی طوپ نگریست و سری جنبانید و یک جنبشی نمود. خواهی نخواهی ما نیز بسرعت یک سیر دیدیم و بعد از یک کمی پیاده شدیم. از زبان جوان که با من همراه بود پرسیدم که به این (عرابه ها) چه قدر میدهیم؟ گفت اگر ۲۰ کا یک بدهید ممنون میشوند، چونکه مردمان فقیر است.

استیشن نزدیک بود. تکت گرفتیم. ولی هنوز قطار ریل موجود نبود. جوان ژاپانی که با من بود گفت: اگر دل تان بخواهد آن طوپ را دیده و تماشا کرده میتوانید. زیرا تا قطار موجود شود وقت حرب از دست بیرون شده است. اگرچه هراسی زیادی برای دیدن آن طوپ پیدا شد ولی باید که اول دلیل جایی بایگرفت. اشیاء و گالای خود را جایی گذاشته بایدکرد. جوان ژاپانی این اندیشه مرا درک نمود و گفت: — اندیشه نکنید، با شیاء و گالای شما هیچکس دست نمیزند. چون شما تکت دارید اندیشه حال شما در ریل جایی هم میدهند، در ریلها بروقت جای پیدا میشود.

بنابرین سخن او خاطر جمعشده بطرف طوپ رفتیم. طوپ سیاه بزرگ یک طوپ بود. در کارخانه (توپخانین) که در نزدیک (پترسبورگ) است ساخته شده بود. از جوان ژاپانی پرسیدم:

— آیا این طوپ را برای چه در اینجا گذاشته اند؟ گفت — اگرچه این یک دو کوچکیست اما بسیار روز از مقتضیات غیر منتظره دران داده میشود که بدرد میخورد. بنابرین در استیشن ها بسیار خورد و بزرگ لازم و مهم و به میشود. چرا نقطه بندر گاهای که در ژاپان هست در جمله آنها همچنین یک طوپ سیاه بزرگ یادگار فتحهای ماست گذاشته شده است. حتی در اسیاب از قریه های داخل مملکت نیز یک یادگار فتح خواه طوپ باشد خواه بیرق خواه دیگر چیزی موجود باشد.

فاتحه های پاریس

مابعد از نمبر ۱۴

از وقت او گردن کرا به بعد روزگار خوش، بعد حال باید پرسید را بدهید، تا تفهیم نمیکنم ارم.

فلونیله — باز بیشتر گرا میکنم که شوهرم حالا خواهد آمد وقت شود، خواهد داد مرسیو.

دیفو — چه؟ آیا موسیو خواهران قرض خود را داده خواهد کرد؟ در همه عیاشی لباس سیاه اطلس که در بر دارد یک پیله سیاه هم پیدا میشود. با پنجه مطلسی کیر و دستکوت هم میفروشد. هر قطعه از دو پیسه نخواهی افتاد نه برایت بخواند. آنا از حالا بشما خبر میدهم که پیسه بابا (دیفو) از ان پیسه بائی نیست که در جعبه کسی بماند. او میخواهد که مرا بازی بدهد. آماده میشوا از انگلستان نیست که بازی نخورد.

دیفو این الفت پیدا نموده است، و در جزو صندوق گالای شان رتبه صندوق را پیدا کرد. از سبکی آن خالی بودن آنرا دانسته سر خود را به افسوس شور داده دن گرفت. باز در پیش آماده در دروازه استاد را باز کرد. و همه چیزهای آنرا بگان بگان پالیدن گرفت. ازین پالیدن چنان معلوم شد که یک قدری خاطر جمع شده باشد. لهذا بعد از یک قدری تفکر گفت:

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 205 of 1786

بعد از دو دقیقه باز به استیشن آدم. از استیشن بیرون آمده بودم. فکر دیل نیز آماده بود. نوجوان رهنمای من مرا گذاشته به دیدن آثار خود واز نظرم غایب گردید. بعد از چند دقیقه باز دوید آمده گفت:

— بفرمائید! جای شما حاضر است.

نوجوان مرا در دیل جای کرد. کالا و اشیای خود و دین مرا بالای دیل سپرد. همه کالا و اشیای من تحت و پر آنده بود و بهمان صورت در دیل گذاشته شد. و چون در جایگاه رفقای آنجا جا نرسید هر یکی یک دستمالی گم شود در آنجا بمن تسلیم کردند.

حالا اگر یک کسی وقت شود آهسته ملک و وقت ژاپان در همین قدح آبی که در طاقچه شان نهاده ام با همین چیزهای کوچکی که دیده ام معلوم میشود. در ملک روس اشیای قیمت دار فی بلکه صنعتی کالائی که از خارج خود شان بسته نشده میباشد در دیل فروش نمیکنند. چرا که در ملک وقت شان اهمیت نمیدهند. بدین اشیا طبع میشود که یعنی دیل نیز دخل برد. در آن صورت حال که در بنادر یک چیزی مسافر طبع شود و داده دیل در زیر بار نخواهد چیا شد و تاوان آنرا میدهد. بر همین نقطه میدانی شیخ سعدی کابلی اشیا و کالای مسافران را نیز دفعه و از یکجا نقل میکنند که اینها بعد برای استراحت وقت ایستاده شده و نصب شده است.

[باقی در فرمائی آینده میآید]

— اگرچه آنقدر مالیکه بر قرض دارم کفایت کند نمایم. ولی چه باید کرد. اگر امروز نتوانم بهمین قدر هم کفایت خواهم کرد. ما دام؟ شاید آنقدر مساعدت نشش نصیب شود! اگر پیش آن وقت نشش پیشه خود. و الا هرم اشیای ناقرا ضبط کرده خود ناقرا از دروازه بیرون خواهم راند. این آخر سخن است. و تا هوش کنید که امشب بیچاره در دین گویا بدین صفت کالای تمام بر نخیزید؟ چرا که من بر وقت در دروازه پهره چیکنم بعد از آن خود تان میدانید.

و چنین سخن خود را تمام کرده از دروازه بیرون آمد. و در ایستگاه تیر هر چه تاسر بند خود و جرات. قطار شیطان تا وقتی که صدای سیتی دیل شنیده نشد. بعد از آن سر بلند کرده

جریان داده گفت:

— یارب! تو جان رحیم خدائی که عاجز ترین حیوانات را نیز در سایه لطف و عنایت خود مستریح میداری. آیا بر من مرحمت میکنی؟ یا این خدایان سنگین دل و مرحمان عقل خواهد کرد؟ هیچ شبهه نیست که خود بلاک خواهم شد.

بعد از صرف نمودن این سخنان اشکهای چشم بان چیاره بر چهار طرف تک پرده آن مانند ابر بهاری گرفت. و آن جریان غم و اندوه را از دماغ بیرون کرده بر دل حزین خود سرد آورد و دیگر دیده نشد.

[باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 206 of 1786

نامورانِ زنانِ جهان

مابعد از نمبر ۱۴

سبب عشق بسیار شدیدی که برخواهر خود آرسینوه از بسیار وقت با در دل خود می پرورانید آرسینوه را از جزیره بذکور آورده بنابر عادت مقرره آن دیار که در آنوقتها جاری بود با او ازدواج نمود.

در خاندان بطلیوس اسمی مصر باین نام او زن دیگر نیست که یکی خواهر دیگر زوجه بطلیوس فیلوپاتور) است. این زن با شوهر خود بسبب برادر خود که لقب فیلوپاتور داشت بجنگ (رافیا) رفته در آن جنگ با وجود شجاعت و خدمت در باب مظفریت شوهر خود کار کرده است. اما بعد از چند سال از دست شوهر خود بقتل رسیده است.

دیگر شش دختر (بطلیوس آولیت) است. این بطلیوس اولیت دو دختر داشت: یکی (آرسینوه) دوم بریس (فیلوپاتره) احوال (فیلوپاتره) که یکی از زنان بسیار مشهور ما دنیا بود در حرف خاء انشاء الله تعالی بیان خواهد شد بعد از وفات (بطلیوس آولیت) حکومت را هر دو خواهر در مابین خود شان تقسیم نمودند. (قصر را) فیلوپاتره و (قبرس) را آرسینوه گرفت. ولی بعد از چندی آرسینوه تنها بقبرس (قبرس) اکتفا نموده خواست که مصر را نیز از دست خواهر خود برباید و با لشکر جرار سپاهی بر مصر حمله نمود. ولی قیصر روم که مرجع دانش گرفتار دام زلف (فیلوپاتره) بود جنگ و اعداد مجهز خود شتافته (آرسینوه) را مغلوب و اسیر نموده (دو مابرا) و بعد از ان برای هدیه آوردن توجه و محبت فیلوپاتره

[باقی دارد]

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر ۱۴

امید اهل وقوف محقق که بعد از مطالعه آن سایر سرگانه نگذارند گردیده برای اهمیت و راحت افراد خلق سعی نمایند. و از فوائد بیشمار و صرف شان و اشراح و انبساط و سرور شان خدمت جلیله که در ثروت و اقتصاد ملی تاثیرات کلیه این چیز را انکار نشائی نیست اما قواعد اساسیه، و صورت های اجرا کردن آن با بحوثه تعلق ندارد. مع افیه از بیگونه احوال در علم ثروت سر سر صرف نظر هم نمیشود. چونکه اگر دربارهٔ تقسیم ثروتیه اولا در یک مملکت سعی (هست) درزیده شود در آینده مدار استحصال ثروت میگردد. مثلا اگر هیئت حکام و مامورین ملکیه و عسکریه با شاه هیئت (اهمیت خوبیه) حاصل نمیشود. و چون اهمیت خوبیه حاصل نشود حاصل کردن ثروت میسر نمیشود.

(اهمیت خوبیه) عبارت از امن و امان و آسایش هر مردمان یک مملکت است که در دایرهٔ قانون عدالت هر کس آزادانه حرکت بکند.

که از ملک اگر در یک طبقه حسن اخلاق موجود نباشد و بعوض راستی و درستی، دروغ و خیانت رواج داشته باشد باز هم ثروت خوبیه حاصل نمیشود.

[باقی دارد]

بر مقاله ایکه مستقلا دارد از طرف سر محرر محترم باقی مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

بسی اهتمام الحاج برادران میرزا محمد جعفر قندهاری مطبع شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 207 of 1786

بکران
بسلسله آقای حضرت امیر
سلمه الله

قیمت سالیانه
در داخله کابل ۸ روپیه
در ولایات داخله مملکت با خرجات ڈاک ۱۲ روپیه
در خارج مملکت با خرجات ڈاک چهارده روپیه
قیمت یکصد نمبر آن دو کابلی محسوب است
تاریخ عربی یکم جمادی الثانی ۱۳۳۰
تاریخ انگریزی ۱۸ مے
تاریخ شمسی ۲۸ ثور ۱۲۹۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
محمد رضا

اداره کتابخانه و مطبعه
در داشین خانه دارالسلطنه کابل

جمیع مراسلات تحریریه باداره روزنامه
باسم مدیر فرستاده شود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

بکران

در بین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه دلچسپ مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات
صنایع و داشین خانه دارالسلطنه کابل — حوادث داخله — حوادث خارجه
مقالات حربی — مقالات علمیه — دقایق عسکریه — ملاحظات ادبیه
اوقات — تلگرافات — حرکات ملوکانه — تعیینات عسکریه

صنایع

داشین خانه دارالسلطنه کابل

حضرت خلاق علیم انسان نوع شریف انسان را
خلق فرمود، و بعد از خلق او را بجهت ترقی و تعالی
و ترفه و آسایش او در دنیا اسباب و وسایل مهیا
و فراهم فرمود، و بعد از تهیه اسباب و وسایل
او را بجهت استعمال و استفاده از آن اسباب
و وسایل عقل سلیم و فکر مستقیم عطا فرمود،
و بعد از عطای عقل سلیم و فکر مستقیم او را
بجهت استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
الهام فرمود، و بعد از الهام او را بجهت
استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
تعلیم فرمود، و بعد از تعلیم او را بجهت
استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
تکلیف فرمود، و بعد از تکلیف او را بجهت
استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
مکلف فرمود، و بعد از مکلف او را بجهت
استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
مسئول فرمود، و بعد از مسئول او را بجهت
استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
محاسب فرمود، و بعد از محاسب او را بجهت
استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
معاقب فرمود، و بعد از معاقب او را بجهت
استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
مثاب فرمود، و بعد از مثاب او را بجهت
استعمال و استفاده از آن اسباب و وسایل
مخلد فرمود، و بعد از مخلد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 208 of 1786

از صنایع خانه‌ای نیکی می‌یابیم. ولی در رشته‌های دیگر صنایع از قبیل ریخته‌گری و کارخانه‌جات چون تیگ نظر کنیم، ماشین خانه‌ها کارگاه‌های اسلحه کابل را اعظم ترین هدیه آنها می‌یابیم.

ذات اعلیحضرت شهریار بلند مقام آثار معظم محبوب القلوب ما از ایام شهزادگی سلطنت آماده‌گی شاهانه شان تا بحال توجه نظر اکسیر اثر جاودانی را به ترقی صنایع آن عصر فرمودند. در وقت حاضر بسی صنعت‌های خواهد نامی مکمل و نفیسی از حاصل میشود، بنا برین سراج الاخبار افغانیه که نیز از مخلصان دانشین خانه مذکور است برای اطلاع مطالعه کنندگان کرام خود از آثار صنایعی که در ماشین خانه مبارکه از توجهات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه ترقی خواه معظم ما ساخته میشود بحث و بیان خودش را لازم دانست.

اسلحه حربیه

صنف‌ترین مصنوعات صناعیه که از ماشین خانه مبارکه برای کار می‌آید بها اسلحه نفیسه مانند طوپها، اسلحه خفیفه مانند تفنگ‌ها، و اسلحه جارحه مانند کارد حربه‌ها میباشد. ذاتاً اصل مقصد از تاسیس و بنیاد این ماشین خانه مبارکه و استحضار آلات حربیه بوده است. ذات اعلیحضرت خاقان مغفور جنت مکین (ضیاء الملة والدین) از داعیان سلطنت شاهانه بمقصد تاسین اسلحه حربیه ماشین خانه مذکوره را بوجود آورده و در زمان سعادتقران خاقان مغفور جاودانی شان هیئت وزیر نظارت جنت اعلیحضرت پادشاه معظم معاصر ما که در اوقات شهزادگی بزرگ سلطنت سنیه افغانستان بوده ماشین خانه مذکور را بفعالیت مجهود و از اوقات تا بحال بلا انقطاع فعالیت خوده است و روز بروز ترقی کرده رفته است.

ماشین خانه دار السلطنه کابل از اسلحه حربیه این دو قسم چیزها را بیرون آورده می‌آورد:

اسلحه ناریه

۱ — طوپهای جبلی و نیاره پر صحرا
۲ — طوپهای دشت پر خاطری کوهی
۳ — طوپ کلان استحکام دهنده
۴ — طوپ زود فیر غرابین [یعنی تفنگ ماشین دار] دو قسم
۵ — تفنگ هنری دار تین رقم پیاده و سوار
۶ — تفنگ رقم ۳۰۳ بور رقم پیاده و سوار.
۷ — تفنگ رقم مخل پر.
۸ — تفنگ ۱۲ تگه
۹ — تفنگ ۵ تگه رقم رساله جاخورداره.
۱۰ — تفنگ دو میدانه شکاری.

اسلحه جارحه

۱ — کرچی های افسری رقم خلاف برقی، و رقم خلاف گرد طلا و نقره، و رقم خلاف آبنی.
۲ — کرچی های رساله — یعنی عسکر سواری.
۳ — برچه ابرای تفنگ ها
۴ — حربه های اهل هر رقم پیاده دار، بدون پیاده، از رقم پیاده و سوار، و طرچی، و خنجر، و کارد، و چاقوهای اهل برای عسکر

جبه خانه

در باب جبه خانه اول چیزیکه در خور سعادت اعلیحضرت شاه بکمال موفقیت و کامیابی در میدان ظهور ذات خانه ماشین خانه کابل برآمده یکی تجربه های (فیوز) است که بنا بر تشویقات پر مکافات توجهات شاهانه کارگران خود را وادار و وطن آنرا به تجربه های بسیار کامل العیار ساخته بر روی کار آورده اند. دیگر باروت (کارتوید) ایی روده است که آنهم از فیض توجهات مراحم آیات شاهانه بمعرفت عزت مند (محمد رضا بیگ خان) انجنیر ازده مصالحه کار و جفت مصالحه قحه اساسیه آن را دوره دانش های نکته که در ماشین خانه برای آن ساخته شده، از محصولات ارضیه خود افغانستان بوجود آمده دو سه مصالحه دیگر آن چنین که جنداول در ایگان است و همیشه پیدا میشود، نخ ابریشم آن تبلگرده، باروت سیاه و طوپ و تفنگ نیز در کارخانه باروت سازی دولت ساخته میشود؛ کارطوسهای طوپهای هر رقم؛ خولهای یک تگه برقی که باهر یک خول آن بعد ناغیر میشود؛ کارطوس تفنگ بنابر رقم خول درقی و خول گلفت؛ کارطوسهای رقم تفنگ ۳۰۳ بور؛ کارطوسهای تفنگ بغل پر؛ کارطوس تفنگ چوبانی شکاری وغیره.

گلنه های طوپ از رقم شرپ نل فولادی قسم [illegible]
تخمهای کارطوس تفنگ هر رقم مذکور.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 209 of 1786

بطاقی سازی که چاشنی بطاقی های کارخانه سرب توپ تفنگ
مذکوره راست خته در بطاقی ها پر میکنند .
فیوز های برنجی بغده و ثانیه وغیره برای گلوله های توپهای
هر رقم . فیوز چوبی برای توپها و گلوله های توپ آهن پرکه
از سالهای سابق بدولت ساخته شده بود .
بارود سازی که بارود کارد یه و بارود دعاوی
ساخته میشود .

صنایع مختلفه

وردی های نظامی هر رقم از منصب داری و عسکری
چرخ ها و عقاب ها و رایت های فوجی سوار و پیاده و توپخانه
چرم سازی که بگ های شتران محراب و منبر دار و ریشمالی های
نظامی ساخته میشود .
بیله های هر رقم منصب دار و سایر نظامیه بارگاه
و شاه سیانه و چتری سایه بانها وغیره و غیره
بوت های هر رقم خاصه گلان پای و خورد پای
در رقم فوجی یک کارخانه دارد شین چیره دارد
موزه های پیرهنی و دست کش و کمیش وغیره
اسباب های پاچه خانه از طرم های چنگ و پشتی دهل
و طنبور و جانچ وغیره
اسباب چرمی ستک نظامی و اسباب های مشق
و تعلیم قواعد و آماج وغیره
گلاه های هر رقم منصب داری و فوجی
و در همین های ساحت
که اکثریه این کارها بواسطه ماشین های که بتوسط بخار
گردش مینماید جاری بوده کار میدهد .
صنایع که بدولت جاری میباشد دو قسم است .
اول صنایع که بواسطه ماشین و بخار جاری میباشد که بواسطه
بخار که از آتشخانه های آهن احاصل میشود ماشین ها بگردش
آورده صنایع که نارم باشد ساخته میشود .
صنعت آهنگری که دوم مذکور بواسطه بخار راست
و دوان آن که بواسطه بخار حرکت میکند قریب پنج خروار
وزن چکش آن خواهد بود اسبابیکه حداد ها آتش کاری
میکنند بواسطه جرثقال نیز بروان آورده اسباب
میسازد . باوجود آن صنعت حدادی بدست نیز در کارخانجا
جاری میباشد .

صنعت نجاری که بواسطه آلات های گلان که بواسطه بخار
گردش مینماید چوبها را تراشه کرده و بواسطه ماشین های رنده
صاف و صفا نموده اسباب می سازد . باوجود کار ماشین
صنعت نجاری دستی نیز جاری میباشد .
صنعت سراجی
صنعت جلی سازی .
صنعت برنج کاری .
صنعت زرگری .
صنعت سلگری .
صنعت رنگ مالی گادی ها و موترها وغیره .
صنعت نقاشی .
صنعت علاقه بندی .
خزانه خانه و گدازخانه .
صنعت سیم سازی سیم نقره و طلا .
صنعت سیم دوزی .
صنعت گلیت کاری هر رقم گلیت طلا و نقره و سرمه .
صنعت صندوق سازی که صندوق ها و بکس های آهنی ساخته میشود .
صنعت میت بافی و پیچ سازی .
صنعت گل سازی که گلهای مصنوعی می سازد .
صنعت چاپ سنگ و حروف سربی .
صنعت زرنگار طرانی .
صنعت مگاکی از لعل و یاقوت و لاجورد سعد بهای اقلیم .
صنعت نقش کنی سکه ها وغیره
صنعت نجاری میز و چوکی و طراوه سازی .
صنعت جراب بافی و دست کش بافی .
صنعت سطرنجی بافی .
صنعت قالین بافی .
صنعت کاشی سازی .
صنعت دندان سازی .
صنعت نقشه کشی عمارات و ماشین و توپ و تفنگ .
صنعت مجاری از سنگ های معدن اقلیم
از قسم میز و ظروف و زینت خیرات حتی دانه های تسبیح .
صنعت چوب ریزی که در کوره های گلان که بواسطه
بخار تفتیش میشود چوب را آب کرده و بواسطه جرثقیل و قاچ
اسباب های چوبی ماشین ها وغیره میریزانند .
صنعت چرم گری که بواسطه بخار و ماشین چرم های
گاوی و بزی و گوسفندی و گاومیشی وغیره را تجفیف مینماید .

صنعت سفید و سازی سفید و رنگ های مختلف ؛
صنعت شیشه سازی ؛
صنعت اسپریت کشی که برای رنگ های وچراغ ها
و صابون پطاقی بواسطه ماشین های اسپریت حرق
کشیده میشود ؛
صنعت سوهان چینی که سوهان های کار آمد دولت
تیز میکند ؛
صنعت کاغذ سازی ؛
کارخانه پشم بافی که اسباب های آن کامل رسیده
و ماشین های آن بسته شده و هنوز جاری نشده ؛

این است که تا اینجا در باب ماشین خانه و صنایعیکه
از آن استخراج میشود همین مقدار معلومات اکتفا ورزیده
دعای خالی از بدی دوام ترقی و اقبال روز افزون دولت
و اجلال دولت متبوعه مقدسه خود ما را در زیر سایه اعلیحضرت
پادشاه ترقیخواه و محبوب القلوب معظم خود از درگاه خالق
لیل و نهار خیاز میکنیم ؛

افسر بزرگ و کارداران عمومی ماشین خانه های
دارالسلطنه کابل جناب برگدخر سردرخان است که از
زمان شجاعت و آگاهی اعلیحضرت والا تبار بر وظیفه خود
خود بحقوق رضای اعلیحضرت همایونی صادقانه و بیدارانه
سعی و دوام مبذول داشته و سر دفتر جمله ماشین خانه های
دولت علیه افغانستان میرزا محمد هاشم خان است
که از سادات کرام و اشخاص نیک خواجه است ؛

از درگاه آلهی حسن توفیق و صداقت و استقامت
در بارهٔ جمله مامورین دولت متبوعه مقدسه خود مسئلت
می نمائیم ؛

حوادث داخلیه

تشریف آوری موکب اعلیحضرت همایونی

اینهم از حسن اتفاقات است که در هر سال شهر عزیز ما پذیرای
دو جشن استقلال یکی فصل بهار بجهت تشریف آوری
اعلیحضرت غازی علیه الشان بکابل و دیگر جشن استقلال
که در همین فصل بهار بنیاد گذاری شده است ؛ امسال
جشن استقلال را بتوفیق الهی و بمساعدت بخت همایونی
و بدعای خیر رعایای صادق و وطن پرست در ۲۸ حمل
مطابق ۲۸ مارچ بعظمت و شوکت تمام بجا آوردند ؛
و در همین روز مبارک اعلیحضرت غازی با اقبال و کامرانی
از قندهار بکابل تشریف آوری فرمودند ؛ و در همین
روز مبارک بود که اعلیحضرت غازی امان الله خان
و اعلیحضرت ملکه ثریا با شاهزادگان عظام و شاهزادگان
کرام و شاهزادگان والا تبار و سایر اعضای خانواده
سلطنت و رجال دولت و اعیان و اشراف و ارباب مناصب
و اصناف و ملل مختلفه و رعایای صادق و وطن پرست
و سپاه دلیر و جانباز و قشون منظم و مسلح و مجهز
و مکمل و مرتب و مزین و مسلح و مجهز و مکمل و مرتب
و مزین و مسلح و مجهز و مکمل و مرتب و مزین
و مسلح و مجهز و مکمل و مرتب و مزین
و مسلح و مجهز و مکمل و مرتب و مزین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 211 of 1786

[illegible]

[illegible]

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 212 of 1786

کیفیت فرستاده شدن خط اول ایالت

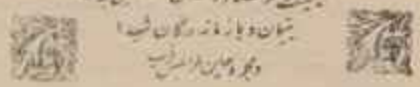

بتهران و بازماندگان شهدا
و مجروحین افسر ما

قبل ازین در ضمن اخبار مسافرت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله ملکه و افندینا بمازندران و مخصوص اردوی همایون شمه از مجروحین محترم افسران ما درج صفحات افتخار نموده و از توزیع و تقسیم شدن آن پول های اهدایی بر مجروحین و عیادت شاهانه خبر داده بودیم. اکنون از اهتمام مراتب اتحاد که مرقوم قلم اول دربار اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله ملکه و افندینا بمجال جمع آوری و جمع جزء آن مبلغ (۱۸۰۰۰) روپیه کابلی که (۶۰۰۰) شصت هزار پوند انگلیزی میشود بواسطه مامورین مخصوصی از خدمت حضور همایونی ارسالی بزرگی قونسل دولت علیه شاهانه فرستاده شده است که بواسطه اداره قنسلگری دولت علیه شاهانه بکمیشن مخصوص آن تسلیم شود. و بتریک قطعه تلگرام صورت سواد فرمان مبارک اعلیحضرت همایونی که برای جناب جنرال قونسل دولت علیه شاهانه بالخصوص وقوع کیفیت شرف تصدیر یافته بود دست یاب شده درج ذیل آن کسب فخر و مباهات مینمائیم:

بعد الاطلاع

چون از مطالعه اخبار واصله مفهوم و معلوم شده که در شهر طهران مجلس مآتم جهت شهدای افغانستان که در راه اطاعت و خدمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله ملکه و افندینا بمازندران بدرجه رفیع شهادت فائز گردیده اند منعقد شده و در آن مجلس اعیان دولت علیه شاهانه و اکابر ملت اسلام و سفرای دول اسلامیه و غیره حاضر بوده اند و از مشاهده این حال اهالی دولت افغانستان غایت مباهات و مسرت حاصل نموده اند لهذا بر ذمه همت علیه ما لازم و واجب است که از مراتب اتحاد و یگانگی دولت اسلامیه و اهالی ممالک محروسه ما نسبت بدولت افغانستان و اهالی آن که در راه اطاعت و خدمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله ملکه و افندینا بمازندران بدرجه رفیع شهادت فائز گردیده اند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 213 of 1786

حوادث خارجہ

اعلان جوابی سیاسی

خبر داخلی عرب

عرادہ خوار و زار و زبون

لیبیا و ایطالی

مراکو

حضرت شیخ سنوسی

اعلام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 214 of 1786

خطاب بہ یک افغان نوجوان

صورت یک قطعہ بیت کہ بجناب فوق ۔ خطاب (یک محب وطن) ارسال گردیدہ ایم ؛

حضرت الخلیل ، مرد و سرفراز سواح وطن ، خطاب پاشد ، از بسیار چیز

در حقیقت و بر آن

چند از دعا گوئی وجود مبارک پادشاہم ، اعلیحضرت سراج الملت والدین

مودی (زندہ باد) ۱۳ اختیار ، وطن مقدس خود را بسان اعلیٰ و اعظم

گوہر پاک و طاہر دانم ، علم الاعتبار و نعم العدد ، بر حال خود بسیار افسوس

خورم کہ نوگر نمایم ام را چرا ، تفصیل گیرد و خواہان صحت خود گردم کہ نوگر نمایم

آدم و زندہ و آخرت خود و ہم کسی بہتر این است کہ ( ) خلاص دل

و عالم کہ قرار ناید یا گیرد ( ) و تاریخ عالمہ یا ( ) ہم ، اعلیحضرت

سراج الملت والدین خلد ملکہ فرمودہ کہ برای خیر ملک و ملت خود و ایثار جان خود

فرمودہ ، و ہر آن خیر عظیم ، سعادتی قوم و ملت خود را العلم و یا قہرمان فرمودہ ،

و ہمان است مجری کہ صد سال زندگانی کند گویا عمارت است ، و یک

صاحب خرد افضل از صد سال ہست ، شاہم و اللہ من چند سالی از عمر خود را

دہند ہمہ ملک شاہ فرمودہ ، و ہر آنچہ بیند ( ) ، و آنچہ بیند

فرمودہ ، و ہر آنچہ بیند ( ) ، و

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 215 of 1786

مقالات علمیه

تاریخ

در نمبر ۱۱ روزنامه خود در زیر عنوان (مقدمه تاریخ) اشاره نموده بودیم که اقسام تاریخ شمه بیان کرده و اقسام را معین کرده و استدراج کیفیت نموده و بودیم که تا بعضی مطالعه کنندگان کرام بر کدام قسمی از اقسام تاریخ خواهد بود؟

و بنابر آن دانشمندان وطن دوست ما نهایت شوق و ذوق علم و فن به پیمایی انتظامات نامه ای شیرین و رنگینی تا حال و مستزاد ارشاد میکرد که هر یک به چه اجناس تاریخ از روی چه علم پرداخته خود شان را اظهار کرده اند. بعضی تواریخ تاریخ عمومی و بعضی تاریخ اختراعات مدنیه، و بعضی تاریخ خصوصی، و بعضی صرف تاریخ اسلام، و بعضی تنها تاریخ افغانستان از روی کرده اند، و هر کس در باب این آرزو و خواهش خود شان در پی واضحه و بیّنه بیان نموده که بگر تصدیق و تسلیم کرده بعقاید آن پیدا شویم.

— البته، اگر بنویسیم از هیچ کدام اقسام تاریخ تنها نداریم تا بر اقسام آن از ابتدا تا نهایت خلقت جسورت نموده بنویسیم از تاریخ این خصوصی چه حاصل خواهیم کرد.

— نی، ما باید این قدر دور و دراز مطالعات چیست؟ برای ما هر درجه تاریخ ما تاریخ خصوصی اسلام است تا بر طبق فضایل دین مبین خود فهرست شویم.

— آفتاب میزنیست ظاهر و دین مبین محمدی مثل ماهتاب روشن است. اما این چیست که بر هر ورقه از اوراق تاریخ اسلام نظر میکنیم آن دین متین یک لغزه تاریکی از خود نمایانده و یا شبه و شکه از دین نمایانیم. تاریخ الخلفا استدلام نموده و آنچه کتب سایر که بدست ما میرسد و در زمان ما بیان ما موجود و مطبوع است این را خبری از آن نمیدهند و ما نمیتوانیم تواریخ ایشان را بپذیریم. و بعد اختراعات متدینان را بدست گرفته و مقدمه های ما را طوق لعنت چیزها بگردن ما میگذارد تاریخ اختراعات آنها، و قصه قصه ترقی و تنزل آنها را بیان کرده.

— اینها چون چیزیست، آیا شنیده و یا دیده خواهی؟

و من شرف المرء ما قال فعل (زینه) یعنی هر کس که خود را شریف دانست، و ما اعلم، یا اتقانی لازم است. حیف بدیگران اول از تاریخ خود باخبر شویم و خود را بشناسیم، بعد از ان بدیگران پرداخته.

و الحاصل این است که مقالهٔ تاریخ نمبر ۱۱ سراج الاخبار افغانیه موجب ابتدا صدمات افکار حسین و دماغان هوسکاران علم وطن و خواهان چشمستان وطن گردیده که ما بجز خوش نگران و بوزن حق بدست چه شان دگر چیزی گفته نتوانیم. لاجرم لازم می آید که بروشنی اسرچه گاز نموده و از چه اقسام تاریخی که مذکور گردیده بقرار آغاز کنیم، و از چه جهت بتطبیب خاطر مطالعه کنندگان کرام خود کوشش ورزیم. سراج الاخبار افغانیه میخواهد که خاطر هیچکی از وطنان اعلیان وطن را شکسته یک مسلک مخصوص در باب قسم (علم تاریخ) خود پیشه گیرد؛ و مانند یک قبل پر شوق و مطالبی بی هر چمن و بعضی بال کشای سی و غیرت گردیده و مواد لطیفهٔ تنقیدیه که از جهت شبه نقصانی معلومات و باخبری برادران وطن را بار آورد تحریر نماید. چه از عمومی سخن کرده و چه از خصوصی، چه از تاریخ اسلام گفته و چه از تاریخ افغان؛

و بالخصوص نیک کتاب تاریخ شهری بیش نیست، و نه خلاصه بلکه کلام خود را بانجام (خلق ما حضاد ثم ما کذا)، و اسطر قرطاس بطرز انتخاب از هر هر گوشه و کنار عام و خاص این علم خواهد خواص مطالبهای بدیعه طریفه بنظر مطالعه کنندگان کرام خود عرض خواهیم.

اول بسوی کائنات یک نظری باید انداخت، و بسوی جای و موضع و مسکن و موقع خود باید دید که آیا ما در کجائیم؟ البته خواهیم دید که ما در (کره زمین) که خلاق عظیم الشان ما را مسکن و اقامت گاه و ما مقرر فرموده بیان و بیان را بنیم گردیده، و به وقت، و به کیفیت خلق فرموده شده است. حالا ببینیم که تاریخ (کره زمین) با چه میگوید؟

تاریخ کره زمین

این کتاب واقعاً یک کتابی است. زیرا از تاریخ خلقت کره زمین بحث میکند، و نه تنها بلکه در این بحث یکقدر [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 216 of 1786

علاوہ سراج الاخبار افغانیہ

تاریخ عربی کم جمادی الثانی ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی ۱۸ مے تاریخ شمسی ۲۸ ثور ۱۲۹۱ نمبر ۱۶

حضرت فخر افخم نجیب زادہ صاحب
سرگرمین ۱۲۹۱ ہ
رحمۃ اللہ

[صفحہ ۱]

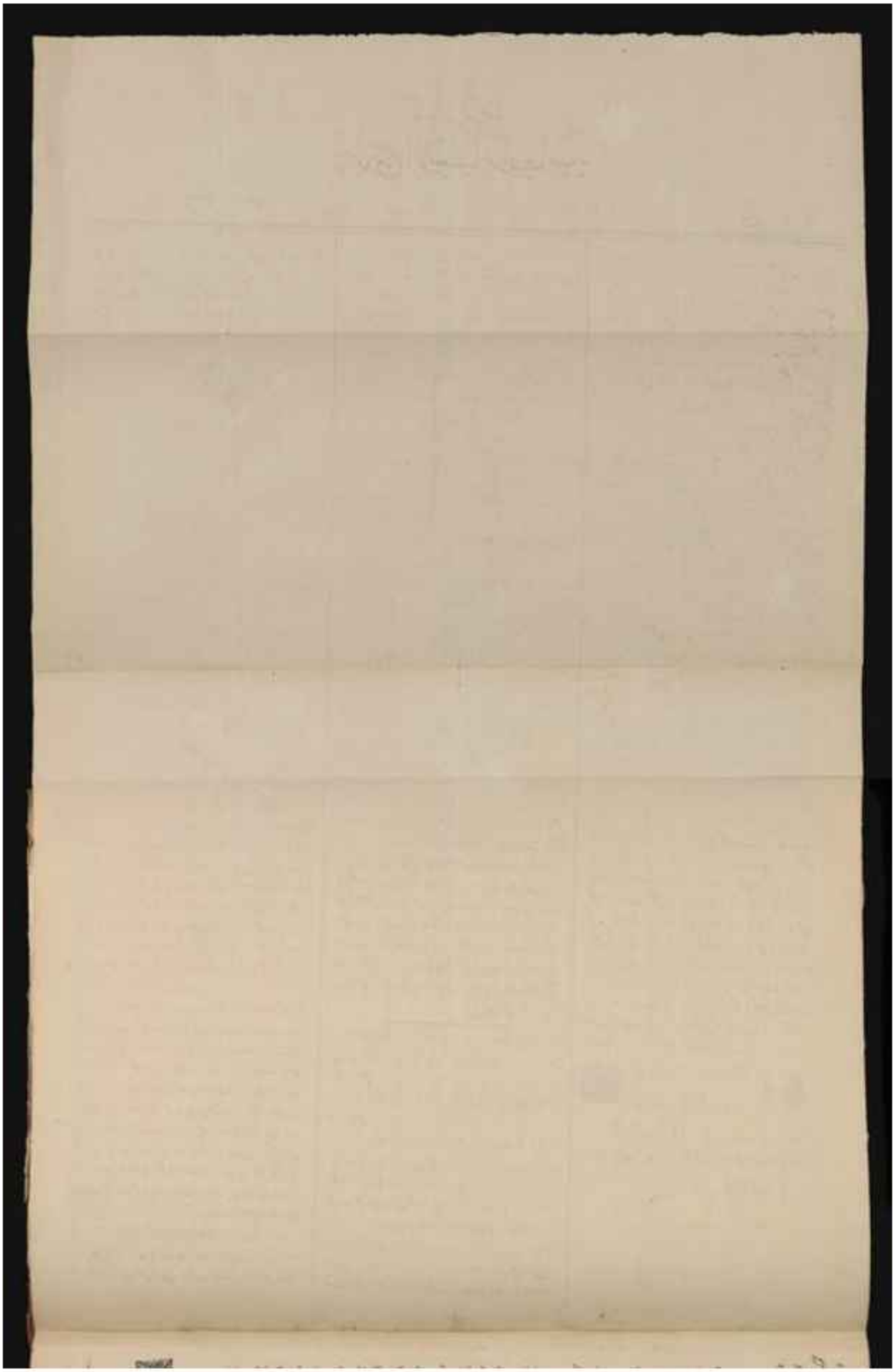

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 218 of 1786

کسانیکه پرونده را بنظری آورده اند تاریخ کره زمین را کهنه
دانسته و در عقیده خود اصرار میورزند. خداوند جهان را خلق کرد و زمین پیدا
شد و باشد آیا بچه مدرکات از زمین خلقت آن ثابت کرده
میتوانند؟ یک سند حقیقی و یک دست آویز مستقل و یکه نیز در اینباره
بدست نداریم. کتب مقدسه سماوی و جناب بصورت مجمل و موجز
معلومات عطا میفرمایند. (تورات شریف) در سفر (تکوین المخلوقات)
خود نسبت به دیگر کتب سماویه تا یکه درجه مفصلتر و واضح تر معلومات
بیان کرده که خلاصه (سفر تکوین المخلوقات) را در اینجا بر قارئین
کرام خود عینا ترجمه و بیان میکنیم:

سفر تکوین المخلوقات

«جناب حق اول زمین را آفرید که در آنوقت اینها از
هر حیثیتی خالی بوده. بعد از ان جناب حق روشن شدن اینها را
فرمان نموده و در نتیجه روشنی بحصول آمد. جناب حق نام روشنی را
(روز) نهاد. بعد از ان تاریک شدن را امر فرمود. و چون تاریکی
نیز بوجب اعلاوه آنچه بوجود آمد نام آنرا (شب) نهاد. جناب حق
این عملیات را در یک روز اکمال نمود.»

«بعد از ان جناب حق خلق فرمودن یک (رقیع) را
و امر فرمود که مقصد از ان این بود که آبهارا از تفریق و تقسیم کند.
بعد چون بامر فرمان الهی این (رقیع) نیز خلق گردید جناب حق نام
آنرا (آسمان) نهاد. و این آسمان آبهائی که در طرف زیر بود
از آبهائی که بطرف بالا بود جدا نمود. این عملیات نیز در یک روز
به انجام آمده و جناب حق این چیزها را که خلق فرموده و خوش نیز شدند»

«روز سوم حضرت حق تعالی جل و علی آبهائی را که در طرف
زیر آسمان بود در یکجا جمع شدن و یکجا بوجود آوردن فرمان نمود که
در یکطرف خشکه نمایان شود. چون اینهم بوجود آمد جناب حق
زمین آنرا (خشکه) و آبهارا (دریا) نام نهاد. و بر زمین
امر فرمود که (سبزه) بار و یاند. و همچنان بوجود آورد. و بموجب این
امر حق زمین هر نوع سبزه های تخم دار و میوه های تخم دار و هر نوع اشجار
بحصول آورد. و این عملیات نیز در یک روز تمام شد.»

«بعد از ان روز نهم جناب حق بر اجرای دو روز
از شب جدا کردن و برای نشان دادن اوقات و زمانها
در آسمان نصب نمودن آفتاب و مهتاب و ستاره گان و دیگر اجرام
نیز را امر فرمود. اینها هم چون حاصل شد جناب حق از میان اینها
دو نامی آنهائیکه بزرگترین همه بود از دیگرها تفریق داده و بزرگتر
را برای روز و دیگر را برای شب و دیگر جمیع اجرام صغیره و برای شب
حاصل نمود. و به اینصورت زینت تا نین دنیا نظر استحسان
جناب حق را نیز جلب و دعوت نمود.»

«روز پنجم جناب حق آفرینش ماهیان و مرغان
آبها شناور را میکنند و میفرماید: «و از این زمین و آسمان پرواز
کردن مرغان را امر فرموده» اینها نیز حاصل شدند حضرت حق تعالی
جل و علی آنها را برکت داده و بسیار شدن آنها را فرمان نمود.

«روز ششم حضرت سبحانه از عالم خلقت جانوران را بشمول
گروه وحوش زمین سیکروند فرمان فرمود. بعد از انکه اینها هم
بوجود آمد نوع شریف انسان را که بمقدری از صفات ذاتیه
و شوونیه خود به او عطا فرموده و به آن اقتدار و اقتدار تسلط
کردن دنیا و مافیها را بدو بخشیده خلق فرمود. این عملیات
خود را نیز در یک روز تکمیل فرموده خوبی و اتفاق همه این
عملیات خود را خود نیز اعتراف فرمود.

(جناب حق بعد از انکه جمله دنیا و مافیها را بهمینصورت
در شش روز ایجاد و ابداع نمود در روز هفتم عملیات را تعطیل
کرده استراحت فرمود.)

(این است که (سفر تکوین المخلوقات) تورات شریف
در باب (تاریخ کره زمین) عینا ترجمه و نقل نمودیم. اگر
جلسه قرآن کریم که بر جمله احکام ان بدل و زبان بیان آورده
و این تصدیق ایمان را برای خود مان فوز و فلاح دنیا و آخرت
عید انیم با بعضی آیات بینات خود نیز از خلقت سموات و زمینها
و تفریق آب و خشکه و خلیق دواب و آفرینش آفتاب
و مهتاب و شب و روز و دیگر حقیقت های خارقه نامی تاریخ خلقت
زمین بیان فرموده که در ان کتاب قدیم حکیم نیز بر مطابق
تورات شریف خلقت دنیا.

بعض از شش روز تعین فرموده شده است که صدق و حقیقت
این معلوماتی که کلام مبهای ربانی در باب خلقت عالم بما بیان
فرموده بدل و جان تصدیق و قبول کردن از اجابات
دینیه ما است. زیرا بهتر از ان آثار علمیه قدیمه نیز باقی
موجود است که انسان بکنه حقیقت انها رسیده میتواند.

حالا یک قدری از فرق (ثره تو لوژی) یعنی
حق (طبقات الارض) بشنویم که او در باب تاریخ
کره ارض چه میگوید:

[ ]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 219 of 1786

نگارش محمد

مسایل اقتصادیه

تجارت

چون سرگذاری مسئله بسیار مهمی از مسایل عمومیه مکلف و متعهد شروع میشود بحث و بیان رایم، و آنهم مسئله (تجارت) یعنی سوداگری میباشد. تجارت در این عصر حاضر آنچنان یک حیثیت و اعتباری پیدا کرده که در اساس اقتصادیات عمومی هر دولت و ملتی مسئله اول تبدیلی آن محسوب میشود. اکثر مباحثی که در پیشرفتهای حاضره موضوع بحث گردیده (اگر چنین اسمایی نیداشته باشد مگر (تجارت) مدار کلی هر صنعت او دایر بر یک امر و اختراعات بشر (تجارت) است اگر تجارت نبود این همه اختراعات مجیبه اصول صنایع مختلفه بکار استفاده و مبنی شده و همه روزه بر آنها علاوه میشود که دولتها می بردازند و حاضر می سازند چون بحقیقت نظر شده و مشکلات و مدار سیاست تجارت شان شمرده میشود. ایمیر اطورها، قرالها، پادشاهای دوره و با هر یک یک رئیس تجارت و گمرکی هستند (یا بعبارت) یعنی جنگهای تجارتی که در این زمان ابطور می آید بیشتر، و هشت و خرابی آن از جنگهای حربی تفنگ بالکن می آرد. دولتهای اروپ و با اگر یک کیلومتر سیاه بر یک تجارت بکوشیم بیچ یک سخن مبالغه نگفته خواهیم بود.

تجارت یا در داخل ملک، و یا با خارج ملک اجرا میشود که اول آنرا (تجارت داخلیه)، و دوم آنرا (تجارت خارجیه) میگویند.

قارئین کرام در نمره های سابق (مسایل اقتصادیه) در زیر عنوان (ثروت ملل)، و بحث (مبادله) مطالعه فرموده باشند که نوشته شده بود که هر فردی از افراد بشر در حیات عمومی را تشکیل داده و بواسطه مبادله اکثر احتیاجات خود را مرتفع گردانیده میتواند. لهذا مبادله تجارت را بوجود می آرد و اهمیت و منافع مبادله و تجارت بطور می آید.

اول از تجارت داخلیه بحث کنیم:

بلا مدارترقی تجارت داخلیه آزادی آنست یعنی در زیر انحصار بودن آن، هرگاه حاصلات و اشیای محتاج بهای ملک در زیر انحصار بعضی اشخاص در آید دایما گمرکی حراج و باج از آن گرفته شود و به اسباب تجارت آن در داخل ملک بصورت آزاد و اجرا نشود تجارت داخلیه ترقی نمیکند بلکه روز بروز تنزلی کرده آخر الامر موجب خرابی آن میشود. چونکه آزادی تجارت داخلیه بکلی تحصیل میکند

این یک پرنسیب است که حضرت خالق جهان حکمت علی الخصوص انسان را بچنین وضعیت ایجاد فرموده و شکل شمایل یکدیگر مشابهت نداده، قطعه های خاک را بچنان ترتیب داده که یکدیگر مشابهت نداشته و خاصیتهای مختلفه ممتاز نموده، و چنانچه یک وجب زمین با وجب دیگر مشابهت و مماثلت ندارد، خاک ولایت (جلال آباد) با خاک ولایت (کابل) مشابهت نداشته، حاصلات مختلفه میشود. مثلا در جلال آباد حاصل میشود که بحصولات کابل مانند نیست. مثلا در حالیکه خاک جلال آباد بیشتر بسر برسانیدن خاک کابل بسر برسانیده نمی تواند. پس چون چنین باشد، هرگاه گمرک یعنی باج گیری بحصولات، و اشیای یک ولایت از داخل ملک به داخل ملک دیگر داخل شود و بر مصنوعات تجار رجوع گردد یک آزادی کامل به تجارت داخلیه میدهد و بر کثرت حاصلات داخله افزوده شده، حاصلات مختلفه هر ولایت یک وسعت و برکت عرض الوجود پیدا کرده، هم به تجارت و ثروت و هم برفع احتیاجات مملکت خادم و منفعت می بخشد.

مثلا یک ولایتی فرض کنیم که در خاک آن چند بایسکل یا نیل، یا پسته، و امثال آن بحصول می آید، و دیگر ولایتها اطراف آن چیزهای مذکور وجود ندارد، هرگاه موانع گمرک و خرج گمرکیها نباشد و به آزادی تمام داد و ستد تجارت آن اجرا شود آن ملک که در آن چند بایسکل بسر میرسد زیاده تر چند بایسکل بحصول میدهد، زیرا که آن ولایت بسبب موانع مذکور و همان قدر چند بایسکل میکارند که زحمت بتوانند، و از خاصیت و استعداد زمین که در حصول پروراندن و بسر رسانیدن چند بایسکل دارد بتمامیها فایده و حاصل میکنند، و چون موانع رفع شود همه زمینهای خوب شناسا که استعداد و خاصیت بایسکل در بسر رسانیدن را دارد برای همان رقم چیز اختصاص کرده، و در باب افزونی آن سعی و کوشش بعمل آورده و حصولات حاصل کرده خود شناسا بکمال آزادی به یگر ولایت بجواز خود در بازار تجارت انداخته ربح و فایده بر میدارند. لذا از یک ولایت دیگری که از آنجا برنج و گلیم پوست و غیره خوب دواز قبیل می آید چون موانع برطرف شود در یک مقیاس واسع تر و بزرگتری آنچیزها رواج میگیرد، و الحاصل بر اتفاق که در تجارت و صنایع و اخلیه آزادی داده شود بواسطه تجارت و صنایع ترقی میکند.

ازین آزادی تجارت دو فایده حاصل میشود: یکی آنکه

(۲۰)
مبادله
بدل گردن یک چیزی
بدیگر چیزی (مبادله)
میگویند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 220 of 1786

از محصولات همسایه ولایت اولی بلکه ولایت دیگر باید منتفعت گردد و در محصولات اخروی دولت حاصل میشود و بهمان نسبت در تحویل اطلاعات مالیه گیری دولت اخروی گرفته نمیشود دولت تواگر میشود. و دیگر یک فایده نسبی است که آنهم عبارت از رفت و آمد و داد و معامله و دیدن و بازدید و تجدید قیدهای مختلفه مملکت بیکدیگر میشود و ازینهم سبب یگانگی و اتحاد متقی میگردد.

حالا یک قدری از تجارت خارجیه (یعنی گمرکات) اول چیزیکه در تجارت خارجیه نظر است عبارت از (موازنه تجارت) است. موازنه تجارت چیست؟ موازنه تجارت این است که (از خارجات) — یعنی اموال و اشیائی که از خارج مملکت بداخل مملکت میرسد — با (از داخلات) یعنی اموال و اشیائیکه از داخل مملکت بخارج میبرند — عدل و برابر آید. و درین مسئله افکار و آرای ارباب اقتصاد اختلاف دارد و بسی چیزها در بعضی بیان کرده اند. و این مسئله یکی از مسایل مهمه علم اقتصاد شمرده میشود.

کسانیکه ثروت و توانگری را از زر و دینار گمان کرده اند میگویند که (از خارجات) اگر از (از داخلات) بیشتر باشد موازنه تجارت برهم میخورد. و اگر کمتر باشد آن مملکت در موازنه تجارت خود غالب گردیده میباشد.

اگر ان اصحاب این فکر را نهایت ساخته گفته اند که: خدمت زر و دینار نقدی همین است که واسطه مبادلات شود. یعنی بیگانگی باشد در مابین بدل کردن اموال و اشیاء بایکدیگر. بنا علیه چیزی که افزونی و بیشتری آن آرزو میشود زر و دینار فی بلکه اموال و اشیا میباشد. زیرا مقدار مبیعه که در مملکت تداول میکند بمبادلات کافی میشود از بیشتری و افزونی مبیعه مملکت هیچ استفاده نمیکند. پس چون مسئله چنین باشد بیشتری و افزونی (از خارجات) باید که موجب فزونی ثروت و توانگری مملکت بشود. زیرا (از خارجات) نهایت ساخته ثروت یعنی توانگری زر و دینار فی بلکه اموال و اشیاء و زر و دینار واسطه مبادله اموال و اشیاست. پس بهر اندازه که اموال و اشیاء از خارج بداخل مملکت بیاید مبادله کنند اموال و اشیاء که عبارت از زر و دینار است بهمان اندازه فزونی میکند.

و دیگر بعضی از ارباب این علم گفته اند که اگر (از خارجات) از (از داخلات) افزون تر باشد یعنی اموال و اشیائی که از داخل مملکت بخارج مملکت بیرون میشود بیشتر از قدر بیشتر باشد پیه بسیاری از خارج بداخل منفعت می آید که باعث پیدا و رونق

[illegible] و خارجها و داخل [illegible] بیاید. و خارجها و غیره و صرف شود و بر چیزهای بی بنیاد مانند پوشاک و خوراک مستهلک گردد در هر دو حال هر دومی آنها از ثروت و توانگری خالی هست. و اگر عوض پیه اموال و اشیائی بیاید که در ین دو کار صرف شود و از عبارت از همان ثروت و توانگری بماند. پس در امثال پیه که از خارج بیاید و با آن پیه در داخل مملکت اموال و اشیا ساخته شود. و یا اموال و اشیائی ساخته شود و گر آورده شود و منفعت بیشتر از آنها چیزهائی که پیه آنها آورده شده است.

که در اوزانی و فراوانی و نفاست و خوبی بهر طرفی که باشد التزام کردن همان طرف نافع تر و سودمند تر است. مثلاً اگر بپسندند که آوردن پیه را از خارج و با آن پیه در داخل مملکت ثروت یعنی اموال و اشیا حاصل میشود. و هم منفعت آن ثروت با منفعتی که بعوض پیه مال و اشیا بیارند معادل و برابری آید طبیعاً پیه آوردن بازرگانی آید و اگر قضیه بعکس آن باشد از آوردن پیه بگذرند و دیگر چیزی بجای آن بیاورند.

گاهی این طور میشود که بعضی اجناسی که از مملکت بیرون برآورده شود و بیاورند که آن اموال و اشیا در خارج زیان و نقصان داشته باشد. ولی از دیگر جهت نفع داشته و زیان باشد با هم. خارج باید شود. مثلاً در یک ملکی که یاقوت گران باشد یک سوداگر هزار پوند یاقوت خریداری کرده بیک ملکی دیگری میبرد. و در ان ملک ان یاقوت را هشت صد پوند نظر میشد. و ان هشت صد پوند را از غال سنگ خریداری کرده باز بیارد. و آن زغال سنگ را در انجا چهارده صد پوند نظر میشد. تا چه بیاید که از ین هیچ و شش پاک زیان بیاید و بران زیاده ورزد.

فتأمل. پیچگاه این را آرزو نمیکنند که کالای مالی که میبرند پیه بیاید. چونکه در آمدن آن پیه منفعت نمی بینند. فتأمل. مجوز باشد که هم از مالیکه بخارج میفرستند سود و نفع بگیرد. و هم از مالیکه بعوض آن مال بگیرد فایده و منفعت حاصل کند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 221 of 1786

نمی‌شمارد و فقط همین قدر که تجارت از اینکه به بیرون می‌رود یا فقط وزیان نمی‌بیند، ولی این زیان خود را از اموالیکه به داخل می‌آورد به منفعت می‌برآرد چنانچه مثال آن دریافت شد وسنگ زغال بیان شد.

امّا از این سخنان چنان معلوم نشود که بر معاملات ومحصولات داخلی بصورت اغراض گفته میشود، نی بلکه معاملات صناعیه ومحصولات مالیه داخلی مملکت از جمله ترین سرچشمه‌های مملکت است که ثروت وسعادت از آن بیجوشد اگر معاملات ومحصولات داخلی که عبارت از اموال مشتمل یعنی ثروت داخلی ملک است نباشد، اخراجات حل نمی‌یابد، وچون اخراجات حل نیابد، دخلات نیز مفقود میگردد. مقصد این است که از ممالک خارجه آوردن مال از آوردن پیسه خایه، متاجر است، وصنایع داخلیه چیزیرا از خارج وارد نمی‌کنند، بلکه اگر تجار پیسه مایلک فروخته باشد اموالی را که از مالک وصنایع داخلی مملکت به آن محتاج است بیاورد، هم مملکت از آن مال کاید وی برود، ورد، وهم سوداگر از نفع آن مال مستفید میشود، وپیسه گرانقدر خلق آن مال خارج در داخل ملک حاصل میکند هر کاری که نافع‌تر باشد بحصول آورده میتواند.

هرگاه فایده ومنفعت در اخراجات بودن اخراجات از دخلات می‌بود، در حال یک مملکتی که دو لک روپیه مال بخارج برآرد، وبعوض آن بخ لک روپیه مال به داخل بیارد، گویا نفع وسود کرده خواهد بود، زیرا اخراجات یعنی بیرون برآوردن آن از دخلات یعنی به داخل آوردن آن افزونتر میشود، حال آنکه درحقیقت ملک الخراج کننده وبخ لک روپیه ضرر از این معامله میشود.

هرگاه فایده اخراجات از دخلات مشتمر بود، اخراجات ملک را باید از خلق زیاده‌تر منفعت آوری شد، زیرا دولایکه از ملک دو لک روپیه اخراجات می‌برد یک پیسه هم از دخلات دیده نمی‌شد.

اگر اخراجات از دخلات زیادتر موجب معمور بیت مملکت بود، تو انگرترین مملکتهای روی زمین آنها خواهند می‌آمد حال آنکه قضیه معکس است، زیرا انگرترین مملکتهای سیار تو انگر ومشهور عالم از دخلات شان بر اخراجات شان ازدیاد تر است.

برای اثبات این مدعا از جمیع اجناس عمومی تجارتی این جدول آتی را بنظر مطالعه کنندگان کرام عرض نموده مقاله تجارت خود را بختام میرسانیم:

جدول اخراجات وارده جلوه دخلات یعنی بیرون آوردن

اسامی ممالک	دخلات بحساب روپیه	اخراجات بمقابله
جرمنی	۳۷۰۵۳۶۵۰۰	۲۹۲۳۴۴۰۰۰
فرانس	۴۹۸۱۵۴۴۰۰	۴۴۲۹۸۳۲۰۰
انگلیس	۶۵۶۲۲۶۹۰۰	۴۵۹۱۵۰۱۵۳
اسپین	۹۹۷۰۸۸۸۶	۹۸۹۳۷۹۴۱
امریکه	۳۵۶۶۸۰۸۳	۳۰۳۳۱۹۳۸
هولنگ	۲۳۳۵۶۱۸۰۰	۱۸۳۴۵۹۴۴۰
بلجیم	۱۴۳۳۱۶۸۰۰	۹۶۰۶۵۲۰۰
سویدن	۵۰۵۷۹۴۹۲	۳۸۷۹۸۷۱۱

انتها

وظایف عسکریه

فرض پنجم اطوار وحرکات راست وورست

تعلیم وتمرین راستکاری وورست اطوار ی صنف عسکر است کسیکه از این عسکری میگریزد باید که از حق نمک، ورشت وبرخاست بگذرد، وقتاروخود را آماده، وسستی را پیشه گیرد، در پیروزان وپیره زنان حرکت کردن، بر زنان، وخنزان، وقفیدن بلسوزی خاصیت معاندت وآزار کردن، صدر بر خود را پیاله مشکم دادن که بر ابر یک عسکر خیز بد یک گفتن، بروقیه وقت خود خواهش کردن، از عسکر یا قلیه بیشتر بایستادن، بر کوهی کردن، از راست گوی بر است شدن، از جزا عسکری تر سیدن، بانگ وچرس، والیدن، خیره خیره راست پیش روی خود نگریستن، حال هیچ کس نپرسیدن، وظیفه، وقت، انتظار کردن، بیجان وخیان، خیانت کردن، خیانت، خیانت، خیانت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 222 of 1786

عالمی از ژاپان

از سیاحت نامهٔ جناب عبد الرشید ابراهیم افغان

مابعد از نمبر ۱۵

... سیاحی جوان بعد از آنکه مدت ... در ژاپان آمد و در وقت ورود ... گفت:

— حاجی شاه ... (یعنی گوما) میرود بعد از حرکت ریل پیاده ساعت پنجاه ... قصبه (یعنی) میرسید که در آنجا ریل شاخ تبدیل میشود و در وقت تبدیل ... ریل (یعنی سرعت) یعنی ریل دائره تیز، قاری دیده. الریک (یعنی ریل) ... میرسید و آن قطار سوار شده و پیاده ... (یعنی گوما) میرسید و ... ال ... خود قرار (یعنی گوما) میرسید، تا (یعنی یاما) پنج (یعنی ... گفت زیرا موجود است، در فاصله مابین ... نقدر خوب نیست ... بنقاط بین هر مسافر و نگهبان هست در ... ها کمک رسانی به او دارد. نوجوان بی تجربه چند است و در سفر ... دست بار خود، تحمل کرده (یعنی خود) حاجت به ... نیست که یک نوجوان که از صحت ... خال و حرارت کار، لحظه ... میشود و غریب دست قدرتی که صحت ... میشود و جسمانی معاف و قوی رحمتی. حاجی چون این جمله ... گفت ... ژاپان و ... انسان در نظر ... لحظات ... لحظه ... بگیرد ... گفت ... این قول ... که یک ... گفت ... میشود ... معلوم میکرد ... حاجی ... تنها ... روم غریب ... بدیار و مسافر ... بگذارد ... ژاپان ... خود ... این ... انواع ... ی ... ساده ... بگذارد ... بیچاره.

قطار ... حرکت خود ... و ... ی ... ریل ... سرعت ... ساعت ... سه ... خود ... و ... در نظر من ... خیلی ... آمد. اکثر ... در پاهای خود شان ... و ... و ... و ... و ... و ... ریل ... آمده ... تعطیل ... خود ... شده ... ریل ... یک ... سبک ... داشته ... ژاپانی ... و ... چای ... وقت ... تا ... ساعت ... بعد از ... ساعت ... شستند. بعد از ... ساعت ... و ... خود ... ریل ... و ... بر آورده ... خوش ... و ... بعد از ... ریل ... یک ... ژاپانی ... و ... بافت. ... از ... های اطراف ... ژاپانی ... سیر و ... شدند ... از ... سیر و ... ام ... و ... از ... ژاپان ... گفت.

واقعه‌های پاریس

مابعد از نمبر ۱۵

... ین ... ژاپونی ... نیاز ... و ... مناجات ... و ... و ... بدرگاه ... حاجات ... و ... از ... های لطیف ... زن که ... های ... تازه‌گی ... از ... ساخته ... و ... قوت ... نداز ... میگرد ... و ... اشنای ... کردن ... یک ... نمود ... باشد که ... بیکبار ... خواسته ... گفت:

بلی، بلی، جرأتی که ... از ... نمود ... بودم ... از ... میبودم. بلی، هرچه باد ... گفت میبودم! ...

بعد از ... گفتهٔ ... بر پا خواسته ... ری ... کرد و بهترین لباس خود ... را بیرون ... آورد و گفت: این لباس ... از یک ... ش ... ساخته شده بود، ... سیاه استعمال ... سیاه ... آن یک ... بود ... بود و ... ش یک ... پیچ ... بود. ... این لباس ... که ... ش ... شده بود ... بر ... بود، ... سر خود ... یک ... بود ... بافی ... که ... یک ... رنگه ... رفته ... هیچ ... بران ... بود ... سر کرد ... و یک ... گاه ... سیاهی ... و ... خود را ... بود ... از ... خود ... آمد ... از ... های ... فرود ... و ... که ... چه ... بنهد ... خانه ... بابا ... گفت ... و را ... نهایی ... نظر ... و ... نبیند، ... بود ... بروم ... گفت:

— سیر و ... تا ... بیخواهم ... بدانم ... که ... چیزی ... پرانده ... یا نه؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 223 of 1786

ادبیات

ای شهنشاه عرفان ز فیض خلق حسن
ای گل جان جانان ز فیض خلق حسن

تو ای بدوحه شاه و منبع مکرمت
تو ای چشمه اطفان ز فیض خلق حسن

ز غم دهر مژده جان جسته و نیرو
گسیخته ماند بر جان ز فیض خلق حسن

جمال تو بود و دولت جاوید و بخشد
ز بهر عارفان عریان ز فیض خلق حسن

اگر صد و نهانت گشته بصد پرده
شه حق چو خسرو نمایان ز فیض خلق حسن

ز فیض طبیعت و گذایی ز دریای دولی
شوی خلاص بیدان ز فیض خلق حسن

ز بارگاه خداوند انس جان و محبوبی
نیاز مملکت ایمان ز فیض خلق حسن

[...]

[...]

[...]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 224 of 1786

نامورانِ نامِ جهان

مابعد از نمبر ۱۵

درباره خود آرسینوئه را نقل بسا نیده است .

آرنولد صوفیا — از (قریس ۱) یعنی بازیگران رقاصه و خواننده مشهوره (لوبوا) یعنی تماشبین بزرگ رقص و خواندن شهر (پاریس) است درسنه (۱۷۴۰) پیدا شده تولد یافته و در سنه (۱۸۰۳) وفات کرده . در تصویر حسیات یعنی نشان دادن و مجسم ساختن حسیات بسیار تعجبی مالکه بوده و از شش هم بسیار آموخته و هم خیلی موثر بوده . در نکته گوئی و بذله سنجی نیز مهارت بسیاری داشت نکته های او جهان (آرنولدیانه) بصورت یکجائی طبع و نشر شده است .

آریانه — دختر (مینوس قسطین) است که از امپراطورهای روم بود و در قسطنطنیه . در تاریخ (۴۷۴) پیدا شده با (زنون) نام امپراطور که بر تخت قسطنطنیه جلوس نموده ازدواج کرد . شوهرش پیش یک آدم بد خلق ظالم و شرابی بود . از آنرو با (انسطاس) نام سرکرده اتفاق کرده در حالی که (زنون) مست لایعقل بود زنده و خلعش نموده و انسطاس بر تخت نشست (آریانه) را در نکاح خود در آورد . آریانه در سنه (۵۱۵) وفات کرده است .

آزاد — عم زاده جناب (فیروز دهلی) است که از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بحیث واسطه (شهربن باذان) است که از طرف حضرت پیغمبر در (صنعای یمن) والی بود . فیروز دهلی و شهربن باذان در اصل از مردم فرس هستند که در زمان (کسری انوشیروان) لشکری بودند که برای راندن و کشیدن مردم حبش از یمن به آن حوالی مامور شده آمده بودند .

[باقی دارد]

علم، ہنر و صنعت

مابعد از نمبر ۱۵

و نیز اگر ماند رستاخی و آذوقیات و موسیقی و غیره بناشد افکار را شطارت و انبساط حاصل نشده و از صنعت و عمل که دولت و دخل حاصل میشود . و نیز اگر علوم و فنون مانند ریاضی ، دهکی ، و فلسفی ، و طبیعی ، و کیمیای و غیره نباشد کشفیات و اختراعات تازه و بنیاد تازه عالم مدنیت در کارگاههای (صنایع اعالیه) بدرجه ترقی نمی آید ، و ثروت حاصل نمیشود . بمقصد یگانه از ترقی صنایع آنست که رفته رفته راحت و سعادت حال و آسوده گی پر مال و منال بر همه صنوف اهالی عام میگردد . بنابرین و بنگناب از اعالی که مذکور گردید نیز در جایش که بیاید بحث و بیان خواهد شد .

بنابر تفصیلاتی که تا به اینجا بیان گردید بخوبی معلوم میشود که ترجیح دادن بعضی صنایع را بر بعضی اساساً جایز نیست . مثلاً اگر گفته شود که صنعت زراعت بسی که مدار معیشت و زنده گانی نوع بشر است از آنرو باید که بصورت و آبادی یک مملکت مطلقاً به ترقی زراعت و فلاحت حصر باید کرد ، این است که اینگونه حکم علی جایز نمیشود .

[باقی دارد]

هر مقاله ایکه مستند ندارد از طرف مسئول محرر پابند

مدیر و مسئول محرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالغنی خان پسر مرحوم ملا فقیر جان تاجر چاپخانه دولتی مطبوعه کابل

بقلم میرزا محمد جعفر خان

طبع شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 225 of 1786

سال یکم

مدیر و صاحب امتیاز
محمود [illegible]

اداره چاپ و مطبعه

[illegible]

هر اعلانات تحریری باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پارچه اعلان یکبار نشر میشود

قیمت اعلانات

تاریخ قمری ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۳۰

تاریخ انگریزی ۱۱ جون ۱۹۱۲

در این اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

[illegible] — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — تاریخ [illegible]
[illegible] — عسکریه — علمیه [illegible] — ادبیات — غایبا
[illegible] — علم ثروت ملی — غایبا [illegible]

موعظه

[illegible]

مختصر از شاهی در باب [illegible]
و بیان تاثیر اعمال شخصیه پادشاه
در اعمال رعیت

[illegible]

چنانکه از حدیث شریف [illegible] و از [illegible] در حدیث دیگر [illegible] و از حضرت عمر رضی الله عنه مرفوعا [illegible] انما الاعمال بالنیات و انما لامرء ما نوی فمن کانت هجرته الی الله و رسوله فهجرته الی الله و رسوله و من کانت هجرته الی دنیا یصیبها او امرأة یتزوجها فهجرته الی ما هاجر الیه — پس هجرت نیست که ثواب کرده باشد و قبول آن بدرگاه حق تعالی مگر بنیت اعمال مذکوره — و نصیب هست بهر کس از عمل و ثواب آن قدر که نیت کرده — پس کسیکه باشد بر آمدن او از وطن بسوی خدا و رسول او و نیت او طلب رضای خدا و رسول او باشد — پس هجرت او بسوی خدا و رسول او است یعنی مقبول است — و ثواب بران مرتب است و کسیکه هجرت او بسوی دنیا باشد که بدست آورد یا بجهت آن زنیکه او را نکاح کند نیست برای او از رضای خدا و رسول پس هجرت او بسوی چیزیست که برای آن هجرت نموده — لاجرم در مذهب حنفی قاعده مقرر شده است که لا ثواب الا بالنیة یعنی نیست ثواب و هیچ عمل مگر بنیکه مقرون بنیت باشد —

و ایضا در روایات حدیث شریف این عبارت هم وارد شده است که نیة المؤمن خیر من عمله یعنی نیت شخص مسلمان و اهل ایمان بهتر است از عمل او و در وجه این حدیث اگرچه باصطلاح اهل حدیث بحسب موصوف نیست لکن موضوع و ناوراست هم گفته شده — و علماء متقدمین در دلیل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 226 of 1786

حضرت خداوند آن را فرموده اند که جنت تنها بعمل نمودن آن نیز عطا نمیشود است - و اجر و ثواب بر آن مرتب - بر خلاف عمل دنیا که بر عبادت بودن آن و مرتب شدن ثواب بر آن یقین موقوف است - و در حدیث شریف آمده است که هر خصلت و جنت نیکی برای مسلمان در نامهٔ اعمال وی هست کاملا مرقوم میشود و نیز در حدیث شریف آمده که هر گاه ثواب زیاده و جنت وی آن باشد که بر خیزد و نماز تهجد گذارد برای وی ثواب تهجد در نامهٔ اعمال وی نوشته میشود اگرچه بخواب غافل صبح دمید و نشود و تهجد از وی فوت گردد -

بیت

در بن دو وقت جانب ما چشم بست دل شب از تو الی بصبحدم بر نیز

دانیا که محل جنت دل است و دل محل معرفت الهی است لاجرم آنچه در محل معرفت زاید و از آن معدن بر آید فاضل تر و شریف تر است از آنچه از غیر آن از اعضا بدن حاصل شود - تا دانی که جنت از عمل بهتر است برای اینکه جنت پایدار و باقی است و عمل ناپایدار و فانی - و خلود و دوام بهشتیان در بهشت و کفار در دوزخ بموجب جنت است - که دائمی است بر مقدار عمل بود بجهان قدر از زمانه بودی که عمل کرده اند و زنده بوده اند - و ابدا تا که در عمل ریا عارض شود و بسبب آن عمل پذیرفته و فاسد گردد - بخلاف جنت خیر که در باطن است و ریا را با آن راه نیست و در روایات آمده که فرشتگان چون اعمال بندگان را به آسمان می برند حق تعالی بعضی از ایشان میفرماید اُلْقِ تِلْكَ الصَّحِيفَةَ اُلْقِ تِلْكَ الصَّحِيفَةَ یعنی بیفکن از این نامه را و بیفکن از آن نامه را آن فرشته میگوید بار خدایا بنده تو سخن خیر گفت و عمل خیر را و از آن شنیدیم و در دیوان حسنات او ثبت نمودیم چگونه از او بیفکنیم خطاب آید که لَمْ يَرُدَّ بِهِ وَجْهِي یعنی بخواست آن بنده بعمل بدی مرا - و بیفکنید دیگر از فرشتگان از بارگاه کبریا ندا آید اُكْتُبْ لِفُلَانٍ كَذَا وَكَذَا یعنی بنویسید در نامهٔ اعمال فلان بنده این عمل خیر را - فرشته گوید خداوندا این بنده این کار نکرده است چگونه در نامهٔ او نویسم - خطاب آید که وی نیت خیر کرده بود آن نموده است - خاصه آنکه اعمال خیر بجد و جهد بی پایان بود بلکه آن از دست مسلمان دشوار و مشکل - و نیت مسلمان چون بیت آن متعلق شود و ثواب هر را بیابد با چه قدر و شرف نیت خیر در شریعت غرا بجد و جهد بی اندازه است خصوصا نیت پادشاه

پادشاهان و سلاطین که نیت ایشان که روی زمین - و بر حفظ حوزهٔ عالم نگهبان و بایسته - شبان آدمند و نگهبانان عالم - و در نیت خیر ایشان خیر جهان مندرج است - و عزم و حزم ایشان با آسایش مملکت و امانی قرین و مزدوج - برکات

از زاق آسمانی افزاینده شوکت پیشانی ایشان است - و برکات شود و نامی فزاینده و حاصلات زمینی ثمر خیالات خیریت دلالت این برگزیدگان جهان - قصهٔ مشهور نوشیروان با پیسر دهقان و فشردن دو دانه انار از گوی ان این بیان است - و حیرت بادشاه از ان فزاینده عدالت نشان کجا نشینان خود بهمین نیت بجا بیان است - چنانکه شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی در باب بوستان است

شنیدم که خسرو بشیرین بگفت در آدم ز خشم تو دیده پر آب

بر این باش تا هر چه خیرت کنی نظر بر صلاح رعیت کنی

و چون حضرت بادشاه اسلام پناه و دیانت دستگاه ظاهر بن الظاهر بن الظاهر اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان - خلد الله ملکه وسلطانه و افاض علی العالمین برکات احسانه از اضافهٔ کمالات شرعی و حقیقی نیت خیر اخیر ایشان بر یوم چهارشنبه سلخ شهر ذی القعده الحرام گرشته سنه ۱۳۲۷ هجری قدسی که روز ان قطاع الطریق مفسد را از قرار دادند و عازم و حازم با خیر و بهشیار بسلسلهٔ نوین سپاه ملی شوق و حرارت گوهر پایه ای سمت جنوبی را بالسلطنه فرود آورده و گرفتاران جرایم و اجرای حقوق شرعی که حق امام الیوم است بحضور سدت فخر و اقبال حاضر نموده بودند - و بعد از ثبوت شرعی و اقرار عقیدت کلان ایشان را با چهار رفیقان دیگر بحق و عدل صدور شون آیهٔ انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض یعنی جزای این جنایت کسی که مرتکب شود و در زمین جنگ و فساد کند و با خدا و رسول حرب کننده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 227 of 1786

از توپ من نترسید - و از تفنگ من متوحش نشوید - و از شمشیر من نهراسید - تا از رعیت من نیرسید که چیست من پرسش شما بیجا است تا غیر - پایهٔ سلسلهٔ نظام سلطنت استقلام باین مقام رسیده که فرمودند - در این بیتی خواهد بگفت کرمن عالمم و دیگری خواهد گفت کرمن حساب دان و جغرافیه دانم - و دیگری خواهد گفت کرمن عالمم - در رفع این خیالات نسیم - امر عالم غیب و عالم بالا سزاوار و اولی است تا خطرهٔ خاطرهٔ اعتراض برحکم غیبی و امر لاریبی در خاطر ها نگذرد و

هزار نکتهٔ باریک تر ز مو اینجاست — که اعتراض بر اسرار علم غیب کند
شمار آدمی این بس بود براو — که چند سال کمال علم غیب کند

اکنون این حقیر بتقصیر بحسن نیت این پادشاه اسلام پناه را دشمن ضعیف دیانت تخمیر یک دیوث که خود دیده ام و بگوش خود شنیده و در خاطر ضعیف خود اندیشیده ام بجمعیت قاریان گرام بیان میکنم - ثانیاً دعائی که برخوش نیتی این پادشاه اسلام پناه گوش زد خاص و عام است بقلم انگاشته زبان می نگارم -

اما دلیلی که خود دیده و شنیده ام آنکه در سنوات سابقه که هنوز اوقات ابتهاج جلوس خاقان خلد آشیان حضرت غفران مکان مرحوم بود و در فصل تابستان در باغ بابر شاه مرحوم نزول اجلال میفرمود و در روزهای دربار شوکت مدار سرداران دعوا چین در میان باغ بسلام بادشاهی میرسیدند و منزل خاص اعیحضرت پادشاه حال در باغی که الحال مسمی بچهلستون است بود - و قصر چهل ستون آنوقت بنا نشده بود - و این حقیر اطلاع ندارم که حضرت پادشاه اسلام پناه حال در همان وقت سن تکلیف رسیده بودند یا خیر - بهر تقدیر این حقیر هر گز یک روز را در میان باغ بسلام حضرت پادشاه دیانت پناه در آن حال حاضر نشد - چون شرف اب سلام شاهانه را بصفا و با نهایت خوشی بود و روح افزا دیده و معروض داشتم که این باغ دلجای عجب باغیست و باغ جنت است - در جواب فرمودند که آری شمس خصوص من خوب است - و لاکن خیمه های خدم و حشم و غیره در آفتاب اند - بعد از آن این سه بیت کتاب بسلطان تخلیط فرمودند :

شنیدم که در وقت تنگ رواق — بهر مرغزی بگذشت نوشیروان
که خاطر نگهدار و لشکر بدار — نه در سنگ آسایش ملک و شاه
نیاساید آنکه در بند اوست — چو آسایش خلق آسایش اوست

این حقیر چون این ابیات حکمت سمات را از زبان سلطنت ترجمان شنید و در دل خود گفت منزل خود یک خالی دیده و آنرا غنیمت کمر گاه و در یک وقتی زمام اختیار مملکت افغانستان بکف کفایت این شهزاده والا مقام گذاشته شاید آسایش خلق الله و آرام رعیت و سپاه نسبت به اوقات سلاطین گذشتهٔ این خاندان عالی بیشتر باشد -

و بنابر این فکر و حسب این وجه دلیل این مالک الملکی را که امید دارم که در همان اوقات در دل خلوت منزل یافته بودم بر وجه احسن بظهور رسید - و یک قالی که از قالیچه صورت مطار خود داشتم بودم بطریق تحفهٔ اهل صفا و دعا بمیان آوردم - و حضرت پادشاه اسلام پناه از آن حال بر آوردهٔ سلطنت و جلال قدم گذاشته تبسم و خنده و مال در ترقی و آرامی رعایا و برایا سعی و جاهدند —

اما دلیلی که بر خوش نیتی این پادشاه عدالت انتباه گوش زد خاص و عام است (۱) اینکه مقارن جلوس بحضرت مانوس خود مبالغ عظیمه باقیات مایات سنوات گذشته که از عهد خاقان مرحوم بقدر سی لیان روپیهٔ کابلی (۳۰۰۰۰۰۰۰) که مساوی یک میلیان (۱۰۰۰۰۰۰) علمای انگریزی میشود کاهیش بر ذمهٔ رعایا مانده بود آنچه مبلغ عظیم برای عموم رعایا و جمهور برایا بخشش شاهانه فرمود که عموم رعایا و برایای اقطار افغانستان از این تخفیف نشان و تحفهٔ مشفقانه بالاطلاق بیاسودند (۲) بر ماجوره تنخواه و مواجب عسکر نظامی شمس یازده هزار روپیهٔ آنچه از هر فرد از سپاه و افسر بیفزودند که نسبت بسنوات سابقه دل بستگی و امید واری عساکر باین دولت جدیده که (یارب بجشه در سایهٔ این پادشاه رحمت پیوسته و سعید جوان برعمر و دولت باد) زیاده شده و در معاش ایشان امداد ی باشد (۳) آنچه از اشخاص قزاق ممالک غیر از اهالی افغانستان بودند معتبر و غیر معتبر و نامدار و گمنام را بر آمدن و لمن خود از نظام فرموده و بعد از رسیدن بپوسیدن پایهٔ سریر سلطنت برای هر یکی تنخواه و مواجب مرحمت فرمودند - بلکه برای بعضی اخراجات راه هر عنایت فرمودند (۴) با علمای و مشایخ طریقهٔ النقات و تبسم انجمنا لا تقدر رعایه فرمودند که هر فرد از افراد این هر دو طایفهٔ شریفهٔ این دولت دیانت صولت را از خود میداند - و خود را شریک دولت جلیله شمارد (۵) بجهت استراحت در عایهٔ رعیت سنگ شهر چون در سلطنتهای سابقهٔ اقامتیه در باب حرکت و آمد و رفت شبانهٔ اهالی شهر قاعده و دستور مشخصه چنان بود که در شب بعد از وقت معین ماند خواستن در دی باب خانهٔ عسکری یا صدای توپ یا زدن طبل هیچکس را اصلاً در شب در کوچه و بازار بر آمد و رفت نگذاشت و بدین سبب برای اهل شهر در باب آمد و رفت شبانه مشقت و زحمت زیاد بود — مریض ناگهانی بطبیب و علاج نمیرسید - و همچنان طویل المجلس بیگانه خود نمیتوانست رسید - اعیحضرت پادشاه دیانت پناه حال قاعدهٔ آمد و رفت شب را برای اهالی شهر چنان مقرر فرمودند که هر کس در دست خود قندیل فروخته داشت اور الفسر شب تا صبح از حرکت مانع نشود و لاجرم استراحت مریض و همچنان اهالی شهر و باقی خواب خود را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 228 of 1786

بدین قاعده و انتظار نسبت برادران سابق زود برگشت .

(۶) آنکه دیوان اول جلوس همیشه با دوستان و نزدیکان خود تنها بوده و بار عام نداده و این سلطنت شرعی مرضی عام و بار بیطنه اتفاق افتاده — و بیطنه دین سبب قوت و رونق حکومت این سلطان از حد طاقت زیادت و خلاصت خود این حکومت است — و حضرت رزاق مطلق و خلاق برحق علی الدوام و همیشه همین قدر تعلقات را از دامن این شاهین همیوه باز نگاه میدارد تا حکومت را کفایت کند و بخشید ان قدر از ممالک خارجه فتح نباشند — و این همین بادشاه پرتوفیق و خیر کار و خوش بخت باشد . حضرت پادشاه حال در سالهای گذشته فرصت نیافتند که با طرح فتوحات و ترقی پیشه و با بقانون سابقه اتفاقی کار و خلاصت را توسیع و فراخی بدهند از احادیث آثار این سر زمین با فرار اتفاقیه از اهالی ممالک خارجه کشیده و شوند — و همین کار خیر را حضرت پادشاه حال در این فرصتی اندیشیده و اختیار نفرموده و از اطراف و جوانب ممالک کشیده و تفصیل کیفیت آنها جواز سراج الاخبار است — القصه در همان سال فوج خال تحمل نبود و اتفاقت نداشت — و طبیبان و اکثر اطبای حاذق مرض عام مذکور را بر تبدیل هوا حکم قطعی نمودند . حضرت پادشاه حال جهانبان خال همان حکم قطعی طبیبان را منع فرموده و در تمامی ممالک سال در ارک سپهر کار و رونق افزا شدند — بیاحث همین قوت سر پنجه قدرت که مبادا این حکم و عقلی فقره فروشی فقره را فسخ دارند و بقضاوت و قوت شام نرسد .

(۷) آنکه در این سنوات تشعیر فقره نسبت بسنوات سابقه بلند شده و در فصل زمستان بکمیت برف گیری و اسقطه و بعضی ایام زمستان خوف مسدود شدن راه و قلیل فقره که بشهری آورند یا مشکل شدن آن ایشان هست — و این حکم و عقلی از عادت خود دست برداشته — اگرچه بعضی از ایشان بر دارشده و شوند — بنابرین اعلیحضرت سراج الملة والدین امر فرموده اند که از فقره جات سرکاری هر روزه فی روزه بقدر یا پاره اشتر کم را آورده و در بازار آورده فروشی بیندازند و در زمان تراز تشعیر یک فقره و شانزده برابل شهر مبلغ و بفکر بیش برسانند تا بیتم و بیوه که مالک یک روپیه و نیم روپیه اند از آفت فقره و عسکر بیقوت شمار نمانند .

بیت

از آب چشم خلق پاکیزه تر آن است کز دست ضعیفان بجهانی قوی است

(۸) در باب حفاظت خلق و پاسبانی رعایا مطلق حکم این حضرت شفیع الربا صلی الله علیه وسلم این پادشاه دیانت قرین گاه آفتاب را یک بینی و نکته چینی فرموده اند که پدر در حق پسر بهتر از آن نمیکند — چه میگوید که در سلطنتهای سابقه اتفاقیه بر فقهای زمان و اهل سلطنت کامل مزین و چین دار و متکلف

از آنجا نمی بیشه و دخترشده و بجوگیه و چین از شیطان زمان دیگر به وبازار جوانان گستاخ و نوخیز این بیباک را نظر نا شایسته بجانب آنها می افتاد — این بادشاه حال جایون خال دیانت خصال این معنی را بخراست شمایله و کیاست ملکانه در یافته پیشگی فرمودن بر تعهای زنان حکم فرموده آن زینت بجاصل بالعقل شده و زنان مسلمان از نظر بداغیار در حراست حکم این بادشاه دیانت کرد ار پناه حفاظت یافته اند — و در شهر قندهار در زمان حکومت سردار جلالت مدار سردار گل محمد خان مرحوم پدر امیر کبیر خلد الله سلطانه پسر دوست محمد خان حکم نیلی نمودن بر قعهای زنان اتفاقی قاضی تقوی شعار دیانت آثار قاضی ملا غلام قندهاری کرده بادی این فقیر کاتب الحروف است اینچنین حکم حضور آن سردار عظمت گستر صدور یافته حکم مزبور تا زمان حال جاری و محکوم است .

این است دلایل هشت گانه اجمالی دولت افغانستان آنها واقف و باخبر اند — و بر کاه تفصیل فصایل جزویه حضرت این بادشاه دستگاه و زود پی افتیم موجب تطویل پر ورق حکمت انطباق سراج الاخبار میگردد .

بیت

گر این همه سعدی بگوید بسر نرسد ور دفتری دیگر املا کند

و بخار الرکس بست یک حرف بس است .

اکنون خلاصه از آثار و ثمرات جلوس همیمنت مانوس این پادشاه دیانت دستگاه بخدمت خادمان کرام اهل و اتفاق میشود — که بر هدایت صحیح شبه و شائبه نیست که در شهر قندهار زن بیوه عاجزه و است پنجاه کاسه گری که بر وظایف جلالت و حفظ مبانی علوم و صلوة آنقدر استقرار و استقامت و مداومت دارد زنان بیوه سالها فرو گذاشته خود را تضاد آورده و یا آنکه از زیادت احسن مکلف بترک صلوة نرخیده نمی شود — لیکن غالب است آن که در باب صلوة و تعهدی زنان بر اجرای صوم و صلوة از اضافت پرسیدن نماز می خوانند خود را در وقت چرا صلوة بر ایشان نخوانده و خواندن آنها را چه موقع یافته نماز می چیل سال چرا از سر گرفته ادا نموده اند — بهر صورت حق تعالی امثال ما و زنان و مردان افغانستان بسیار بسیار دهد — از قبیله خشت اساس شرف الدوله احداث نباشده و شده و اینچنین قصه شبه و شائبه است و این همه ثمرات تاثیر استقامت این بادشاه و اسلام پناه و دیانت دستگاه و بر عایا و رعیت آنها و زنان و غیره آن بخصوص مقام صدق القائل علی دین ملوکهم) در افراد رعایا تاثیر تدریجی نموده و بنیاد بر تقوی آنها را فراخور دست و باطنی خود بدان تاثیر راقبول کرده و میکنند عن قریب انشاء الله تعالی بحمد الله و بعون الله و بفضل خود و بدان تاثیر راقبول کرده و میکنند توفیق رفیق از قرون بر ترقیت و برکشش رعایا و خلق الله عنایت فرموده تا صاحب کلاهان ادبیه و دنیویه از مملکت افغانستان بسیار و بشمار گردند — و حضرت بادشاه جوان بخت جوان دولت جلت بر اعداء دین و دولت غالب و مشایخ و دیگران را برای ترقیت و دستان رایند و دسایس تا شب — این دعا زمین و زمان جهان آمین یا رب العالمین بحرمة سید المرسلین ۲۹ ربیع الاول ۱۳۱۰

[دستخط غلام محمد عبد الرؤف مدیر]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 229 of 1786

حوادث داخلیہ

صورت تقریر است کہ از جناب سرنگران
باداره رسیده

عالیجاه، والی ملت پناه، محمد رحیم خان مدبر، صفوف صناید اعتبار، اکتساب
بکفایت خداوند باشنده — سنگی از ارباب رهنمون عالیجاه عزت همراه، محمد نادر
جرنیل حضور مبارک، والا گهر، فوج ظفر موج، آجودان پسر ارشد عالیجاه اقبال
منقبل، حضور مبارک مقرر و مامور گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری
از جلال آباد روانه گردیده بودند که شما را تعالی تفقد صنایع امتیاز خواهند نمود — بنگاه سمیع الخبیر اعلیحضرت شهریاری

خود جرنیل برحسب عالیجاه محمد نادر خان
جرنیل حضور مبارک والا

غلام قادر خان
علم بردار

سید باقر شیخ جان کرنیل
اردیان حضور مبارک

شیر احمد خان کرنیل
اردل

داؤد شاه خان
کرنیل
کوتوالی

محمد رحمان کریان
از خاصه
اردل

خوشدل خان کریان
از خاصه
کوتوالی

غلام قادر کریان
از خاصه
دار البطاقه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 230 of 1786

...	...	...
...	...	...
...	...	...
...	...	...

تقریر سررشتهداران — بسیار پادشاه بان دیا ... خوار نواج طلاے
واقعت خاص ... این کنزه واقع شده باشد که پادشاه ... بسیار مطلب رسال
... وی و صرف قوت بسمای و اتحادی جوش و قوت پردازی جیت
و دیاے تقریری نوجی خود بکمال رحمت بگذرانی ... و ... شهریر و ... و
... بان بسیار بن، کلام موثر شرف اعاظی کن این وصف را که ... تعالے
برای پادشاه، بجریب نظر ... مهربان و عطا فرما ... و ... کریم، پادشاه
پرور ... و ... ب افغانیان، مالی دولت و ... افغانستان را توفیق
صداقت و ... ستی و ... شکاری در خدمات دین مبین سید المرسلین و ...
پادشاه مهربان عطا فرماید — زیبی سعادت این حین قوت کرین تاج مرصع
سر ... و ... چه سپید، شکرانت بجا پادشاهی کرین حین قوت و ... وقت و ...
کوشی خود و بقدر بهوگیر خود را بندگان پادشاه خود اعتقاد کنان و ... و ... مزیرا
صرف خوشی پادشاه خود و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
پادشاه، مهربان پادشاه و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
گفته شود یا نباشد، ... ر بهادر افغان گفته شود یعنی صواب است
یعنی زنده باد پادشاه، پاینده باد پادشاه و ... —

عالیجاه وقت مهران سپهدار اعظم امین الملک حاجی میرزا محمد حسین خان حشمت الدوله صاحب دام اقباله
و اجلاله و عالیجاه میرزا محمد علی خان از حضور مبارک مرخص شده اند و امروز است
ضیافت نوجی مذکور از منزل مذکور خود و به از حضور ... حضور مبارک
مبلغ چهار هزار روپیه کابلی بطور انعامی ... برای فوج مذکور داده اند ...

دیگر — عالیجاه وقت جرنیل میرزا محمد خان امین الملک مرحوم
بطریق انعامی در منزل مذکور از برای نوجی مرحوم مبلغ دو هزار روپیه کابلی
داده اند و اظهار صداقت دولت خواهی خود را نموده اند، انشاء الله تعالی
که اسامی مذکور داخل ثواب و امین میباشند و برای اخلاف
شان عالی تحسین است فقط

[سنه ۱۳۰۱]

عالیجاه اخوی عزت همراه محمد رسول خان مدیر دوسه ... محرر
سراج الاخبار، اخلاص فقط خان داده باشند — بعضی نمره ... ایل
در باب مقدمه مشکل و طلبه و بازدید عالیجاه نوی الیشیک آقاسی
نظامی حضور والا برای بیده و آنهی رسید، که عیناً در سراج الاخبار
شود — بیمار بن جهت شما مرحوم بروید که خدمات ... کور را ... اخبار
و سراج الاخبار ... موصوف بید ... — اشکر آقا ... اخبار
عالیجاه عزت همراه محمد ... دخان جرنیل حضور که از قلمی عسکری

بنظر رسید و چنین مرقوم است که بتاریخ یوم چهارشنبه ۲۰ شهر
جمادی الاول سنه ۱۳۰۱ خبر رسید که مردان باغی مشرقی خیبر سر کوتل
تیراه در دره بین راه کوه دیزی چیاشت سنگرهای سپاه منصوره را
خیال نقب زده اند و نقبی زیاد چیاشته برای سرکوبی آنها از
توپ های قلعه فرش و بین کوهی و خواجه بین منصب دار و درست و افسر
سپاه و نظامی سنگرشت که شب چهارشنبه ... کوه و ... باشد و صبح
چهارشنبه ... صبح چهارشنبه ... که باغی سنگرهای شان حفظ نموده بروند
عساکر ... سررشته نظامی سنگرها استاده ... چهارشنبه حفظ نموده سپاه بخت کرده
عسکری مرحوم ... پس پا بر ... شست داده و قریب دو صد و بیشتر
مردم ... گرفته باغی مقتول و مجروح شده و ... گرفته فوج گردیده که
... پیشکش نموده بست — دیگر دو سنگرهای که مردم مذکور ... بودند
گرفته شده و ... خان کوکه ... شریک طرف مردم باغی بوده ... شش
روز است ... کوتل تیراه صاف شده یعنی امن شده — و ... از ... مرقوم
موصوف معلوم شده که مردم مخلص ... کوه ... سابق بسته خود ... نام پیشوای
شده و توبه نامه و عهد نامه سابق خود را بواسطه ... خان ... معتبر خود
بحضرت عالیجاه عبد العزیز خان برگد نظامی گلشن جرنیل ... داده اند
که بعرض ... حضور اعلی تقصیرات سابقه ... بیان نموده شود جرنیل حضور
کیفیت شان را بحضور عرض ... شته است ... کمالی معلوم شود ...
که مردم مذکور چه خیال خام بسته کرده ... جهل خود دست برداشته
شده و ... جنوز جهل خود قائم خواسته بود ... کیفیت مذکور ... شان
مرقوم شد که ... تعالی درج سراج الاخبار نمایند فقط محرر
یکشنبه ۲۰ جمادی الثانی سنه ۱۳۰۱

تقریر سررشتهداران — جرنیل مذکور از جانب ... منصب دار ... نظامی
افغانستان ... و ... عالیجاه وقت ... که ... ده که ترقی توفیق افغانستان
بزرگی ... دیان حضور داده عالی تحسین است ... حوال ... بلکه در ... به
ترقیات نوجی ... خود جنی ... حضور ... ظاهر کرده ... بسیار
اصولهای تعلیم جدیده ... و وقت ... اطلاعات نوجی که ... بر ... ت
کرا ... حضرت شهریاری معاینه ... خود ... دیگر ... حضرات نظامی
خود دارد، نظام ... بروده و ... بر ... زبان فارسی دارد ...
درجه اعلی لیاقت دارد — و ... زبان افغانی ... تقریر ... بدرجه
اوسط لیاقت دارد — و ... علم حساب هم ... نیک ... مستعد چاشد که کار ... ای خود ... کند — ... خلص
خدمت گذار ... و صادق دولت افغانستان ... باشد
فقط

[سنه ۱۳۰۱]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 231 of 1786

حوادث خارجیه

احوال سیاسی

دین مسئله بر همگنان پوشیده نیست که بریتانیا از افتتاح دولت ثانیه (جنگ بین‌المللی) برای اتلاف مواد جنگ مشغول بوده است که بلا واسطه دولت را پس بدهد ساعی باشد و خلاصه آن و غیر از نتایج و ثمرات اتفاقات اخیر است و دیگر چه تصور بر چه و نیا حاکم شود؟

این است که بنابرین دولت انگلیس پیشتر از آن پیش قدمی بازنایستاده و ندارد ولی چون مطمئن است از این عنصر و عرب خود است فعلا ای بسیار پنهان از این واقعی استفاده از قدرت بیگانه مشغول است که بخاطر بی‌کرده و قدرت است و در پایه داری و تقویت استقلال مشروطیت ملت آن کوشیده است. حتی از این راه مصارف و مخارج زیادی بر صرف کرده است. تا در نتیجه ظاهر شده و سیاست و پولیتیک دولت بریتانیا ظاهر شده و برقرار گردد. از این رو آنکه کشتی بخار و امریکا خود است و گریبان شود صرف سیاست علت علی خود را تمام و اطمینان از آن حاصل نماید. از اشغال بسوی جنوب و جوانی بسوی جنوبی بر روی ساحلان آب سیاسی خود باز نمود. که یکی از اقطاس آن بحر احمر بود. و آن را بر خود و اقدام نمود. و دیگری از راه مشهد بر سیستان و هم چنان با جوانی آن راه آهن خود بسوی آن زیر آب و خلیج فارس و بحر عمان و از چند بندر انگلیس بگیرد و از بر آن و خلیج فارس و بحر عمان را زیر آب بسوی خود آن آن را بگیرد. تمام این چیزها که از بیان و از راه آن خلیج فارس و بحر عمان و از راه آن خلیج فارس و بحر عمان و از راه آن خلیج فارس و بحر عم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 232 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 233 of 1786

۱۵ افسر ۲۰ ۴ سپاہی ۱۴ خال زائد ۱ ڈاک ساتھ — اس لشکر
بڑا چھ سب ہوا۔ اقرار کرتا ہے کہ وہ آقا باغی ہے اور جہاد کا کافر ہے
مخالف اصل واقع شدہ باشد کہ فوج مرکز سرکش شود و فتنہ فساد برپا
ہلاک کردند — در وقت سلطان جہاد نشر بادشاہ بلغاریہ است و بر
مرکز دولت دائمہ جاری ہست — فرانسس ہسپانیہ و جرمنی آزادی
دعوی داری مرکوز دائل کردند — در وہ ۱۰ مارچ کہ شتہ یک بڑی قرانسس
گفتہ ہوئی کہ اگر ہم کہ حالت راکہ درست باشد باید کہ بازدہی بر گورنمنٹ
حاضر ہیم — این مضمون ساختن را بعینہ کہ بعد از سلسلہ جلسہ شہر از سال
مرکوز در تصرف خود آوردہ و در جایہا باشا و ساخت با پرکار قلعہ دار
دارالخلافہ پر نشوب آن نوشتہ شود ہر کہ در دوم مرکز از نہایی جہاد بہ آنجا
دولت اتفاق دہ باشد کہ صف ای بر روز آنجا باد جہاد جہاد نمیدہ ۔

بیان ارزان ای چاپلس

حالت زندگانی چین از صدہا سال پیشتر از دولت و آسودگی کامل
بالطبع مشرقی آباد بود، ہی دولت چنانچہ چین جز تجمل حاصل کردہ و شمول بر
وجود پہ دولت قرار بود گشتہ اند — در پای دولت اتفاق پیراہ آپنی نظم
موقوف شدہ بسیار زیادہ جہاں دولت اصول فوج را مشق میکنند — سبب دولت
شدہ است کہ چینی را بہ ای تجمل و مشرقی آسودگی تجارت ہای خارجہ نمی
دولت چینی ہست و اگر ای انگلیسہ و جرمنی رابطہ و اتحاد پیدا کردہ و خواہان جہاد
جہاد پیدا شدہ و تجمل دولت اتفاق خود ساختہ اند — دولت فرانسس
ہنوز پہ ای نظم و تجمل دولت چینی جز چینیان دیگران محسوس نشدہ، تا حال
دولت چینی اتفاق دولت ہست — پہ ہمہ کہ خان صاحب قلعہ و ملک خود را
است خلاف پیدا نمط

جلسہ ۲ ہسٹیلوٹ کرنت

یوم چہارشنبہ ۱۰ ہی ۱۹۱۵ء مطابق ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۳ھ

جلسہ ۱ طالب بر جزیرہ نزدیک — جزیرہ دور — کہ غیر قوت خود ان اطالب
بران رسیدہ و است) ساحل ایشیائی کوچک واقع ہست — جزیرہ مذکور
اہل کرت در سنہ ۱۹۱۶ آباد کردہ بودند و در سنہ ۱۹۱۶) ترکان
آنرا فتح کردہ اند و از آن وقت تا الحال جزیرہ مذکور در تصرف ترکان بود
— در آغاز ایطالیہ از جلسہ خود ان جزیرہ خود را محافظ ہر آنست کہ از اوضاع خود را
و ایشیائی کوچک و خوب است ، و او ترکان برآمدہ اند ن رسید و سازد
— تا این سوء ظن ایطالیہ ہست چرا کہ ہیچ ترکان پہ رسیدن فوائد
مانع نمی شوند در ایشیائی کوچک کہ ہست ہای بسیار ، و از اند بقا جاہای
نواح کثیر آورد و میتوانند — ترکان آزردہ و از اند کہ مقابلہ آنچہ چرا و
ایطالیہ مستعد شود ، معلوم میشود کہ آزردہ ی آنہا تجاوز فوائد بس با چرا
ترکی در ایشیائی کوچک خواہد برآمد ساید پہ ایطالیہ ملحق شدہ
کہ چون اند و فوائد بس چرا و خواہان نو آباد ، ترکان محمد و القصد از
فتح ہسپانیہ و در ایشیائی چرا و خواہان خالص و بسیار اند و ترکیہ
[illegible] از جنگ فوائد بس چنان ہست ۔

یوم چہارشنبہ ۱۰ ہی ۱۹۱۵ء مطابق ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۳ھ

واقعہ تازہ از ایران بذریعہ تلگراف خبر رسید کہ دو صد نفر اتحاد
سرحد ایران داخل گردیدہ و یک جماعت کلان انگریزی ہمراہ
سرحد ایران داخل شدہ اند ۔ [ایران جزو ۱ صفحہ ۱ کالم ۱]

یوم چہارشنبہ ۱۰ ہی ۱۹۱۵ء مطابق ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۳ھ

اہل اتالی پہ تاریخ ۲۰ ہی در سیلہ پیشہ سپہ گ ۲ دسی ، سپہ
حالت مردم چین بسیار خوب خاطر نشان میباشد ۔

دولت دریاچہ ڈیاری سلک — در قصہ ۱ شہر و در کوہ
باشد و ۱ شہر اسلحی دشت ، از بنا بہ حمت پر بیش میکند ، ۱ لشکر ہا
با گروہ سپہ گ — اکنون در شہر پہ سپہ چنان ، قصہ گرفتہ
کردم کہ ، ای خواہم ، ای خواہش کردہ ، و آن و خواہش
کہ چنان مشہور ۔

یک آن چرا کہ خلو عمارت کہ ، ای قصہ ، ای سان کہ ، و ، ای
شدہ است ترک شدہ ، و ای بنا و خود سیلہ و در چرا پہ بنام سلک خود
پہ است — این سوئی نہ کہ در خواہش خود ، و ، ای و ، ای
کہ ای نشش و بنا باز قرار ، و ای ، حمت چنانچہ ۔

یوم چہارشنبہ ۱۰ ہی ۱۹۱۵ء

اہل ، بنا و ، قرار کردہ است کہ خلو حمت چنانچہ کثرت گرد و در پہ
گرفتہ ، پہ و ، و ، ای اتفاق شہر یک نفر پہ و ، ای نفران ، اہل کردہ است
کہ ای ، ای بردم ، ، اصرار ، قصہ سوال کہ بستہ جماع حمت ، و پہ چرچہ
کرت شود ۔

یوم چہارشنبہ ۱۰ ہی ۱۹۱۵ء

پہ چہ پرورت سفارت ، باشد چہ ، معلوم شد کہ در ، باشد ، کہ
۳۰ ، ، رسی عمومی کہ در ای ۱۳۳۴ ، قطع تجم حمت ، اصل بگفت ، ای پیشہ
— و تعداد ، ، رسی ، اصل ، باشد ، نگردیدہ و ۱۲ است کہ در ای ۱۱۵۲۹
قطع تجم حمت ، اصل بگفت ۔

اخبار الفضل پشاور

یوم پنجشنبہ ۱۱ ہی ۱۹۱۵ء مطابق ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۳ھ

خط بیانی اخبار ، پہ ولایت پنجاب ۔

پنجاب ، پہ ولایت ۱ — چہ خانہ ، ، ای ، ای ، ، ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 234 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 235 of 1786

تاریخ کرهٔ زمین

مابعد از شمارهٔ ۱۵

(ژئولوژی)

بقیه :

کرهٔ زمین پیش از صد (یا چند) هزار سال با سنگها و بیدهای موجود (نکونی کنونی) فعلی (آبگین) و (مایع) یعنی در آب شناور بود . سواد این تشبیه بود . هوائی که کرهٔ زمین را در بر گرفته (اگر نه پر از بخار بسیار تیره و غلیظی بود ولی) از انواع (ابخره) پر بود . چونکه آفتاب بیک کرهٔ تشنهٔ آب و بیست و شش درجه حرارت میداد . سنگها ، الیکه ما آنرا (خاک) می نامیم و در آن وقت آب بود (تشریح) عبارت بود از یک قسمی تشنج بسیار سخت که بسبب بسیاری حرارتی که آفتاب از شمس گرفته بود ، ولی در موقعیکه سرد و خاموش شده بود پیدا شد . در بعضی کرات قطعه های بسیار بزرگ و بعضی متلاشی پیدا شد که از آنها پیدا شدن سیارگان خاموش شده پیدا شد .

هر وقت بسیار بسیار از حصص این کرات زمین تشنج سخت پیدا کرده یا شده و بقدر حساب آب شده و یک قسمی گرفت که این قسمی رفته رفته بگی بسیتری پیدا کرده و یک قشر بسیار پوست پیدا کرده و این پوست از آب بالاتر بود و بسیار سخت (۲۱۲ درجه) فرنهایت آب بخار و دود غلیظ گرد زمین را احاطه نموده بود و تکاثف یعنی غلظت پیدا کرده و به آب تبدیل یافته در حالی خارج و جمع و پوست روی زمین جمع آمد . بعد از تکاثف گرد و دست سردی زمین مرور می نمود و قشر زمین غلیظ و پوست روی زمین نیز غلیظ و بگی بیشتر و بسیار بسیار می تشنج آب و در آب شده و در این پوست زمین بسیار غلیظ و قشر روی کره از پوست بران آمده و در این اثنا بسیار پوست را بسیار بگی شده و بیرون آب نموده است ، و در اثنا که پوست زمین و قشر سرد روی زمین بسیار بگی پیدا کرده بسیار بسیار بگی پیدا کرده .

در موقعیکه پوست زمین بعضی قسمهای قشر زمین بالا بر آمده و بعضی قسمهای آن فرو آمده . جا بر آن آب بسبب فرو جا زیاد شده و قسمهای بالا برآمده بسوی جاهای

عمیق و گود انجا روان شده و در آنجا جمع آمده و خواه از بسبب این سیلاب آمده و خواه بانجا خود بخود در این جاهای عمیق و گود زیاد بوجود آمد .

هر وقت کرهٔ زمین و دیگر وجودات و منجمله حیوانات و نباتی هر یک بوجود است . نباتات و حیوانات بگی یا شیر انگور و حیوانات و نباتات و موجودات کارهٔ زمین تلف شده و در سنگهای رسوبی قسمهای قشر زمین (تحجر) یعنی سنگ شده باقی مانده و در سنگ یک یک شاهد سالمات آن دوره پیدا و مشهور و میشود .

این است که فن (ژئولوژی) از این تبدلات (تحجرات) تدریجی قشر زمین و از ترقی نوعی حیوانات و نباتات آن بحث و بیان میدهد . و فن (جغرافیا) و فن فقط که فن (ژئولوژی) در آنجا حتی ضرور اتم می نماید آنها ، یعنی از ترتیب سطح حال حاضرهٔ کرهٔ زمین حتی میدهد .

ادوار

بحسب (دوره های) تشنج کرهٔ :

از باب فن (ژئولوژی) یعنی علمای علم (طبقات کارض) تغییرات و تبدلات بسیار دور و دراز که در سنگهای قشر زمین پاره های که قشر زمین از آن بحسب آمده اجرا نموده اند ، تاریخ مختصری آنها را ترتیب کشف ، استخراج نموده و تاریخ تبدیل کرهٔ زمین را در پیش در نظر گرفته اند که این تقسیم خود را بر تحجرات ، یعنی سنگ شده و لهذا می قشر زمین بنا کرده اند زیرا بسبب هر دوره از این ها بسیار قاعده و طریق شده و گیاهات مخصوص دور خود را پرورانیده و بسر رسانیده است .

(دور اول ــــ (مدت خالیه)) است که از ابتدا شکل یافتن کرهٔ زمین تا موقف ظهور یافتن حیات جانوریه مرور نموده است . و وقایع و وارداتی که پیش از حاصل شدن کرهٔ زمین برای زیست و زنده گانی حیوانات در آب بود و متشکله مرور نموده مخصوص این مدت خالیه میباشد .

(کلمهٔ) از زمین پاره های این مدت (تحجرات) یعنی دیگر چیزهای سنگ شده گی موجود نیست . کلمهٔ از زمین پاره های که بر طبیعت اغلب باشد تیر در بن دور نا دور است زیرا سنگهای این دور بقوت شدت تشنج سنگال زمین زیر و زبر شده و چه گی بصورت خود ی باقی نمانده و خاک شده و شکسته و ای اصل از وضع اصلی خود سر سر بر و ان برآمده است .

[باقی آن در نمبر ای آینده می آید]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 236 of 1786

کتب خانه‌ها

یکی از مهمترین مبانی که علم و عرفان امالی را تقویت میکند (کتب خانه‌های عمومی) میباشد. خدمات و منفعتهای این مبانی بر هیچکس علم و عرفان پوشیده و از نکته نارس نمیماند. یک کتب خانه منظم و مکمل چنان یک خزانهٔ علم و عرفان است که در دروازه آن هر جوینده‌ای که خواهش گرانقدری معلومات خود را میتواند بدون اشکال و زحمت بدست آورد.

در زمان تیمور و سلطان الغ بیگ امالی آنقدر رواج و قوت داشتند که کتاب‌های علمی و فنی را از هر جا کرده آورده و رفع احتیاج خود را به آن مینمودند. تیمور بعد از آوردن اینگونه کتب خانه‌ها را در کابل آورده بود.

علت الغ بیگ بعضی کتابهای است که بر سر آن خریده و نوشته‌اند. مثلاً انسکلوپیدی (انسکلوپیدی) اگر مرکب از سی جلد میباشد. و همچنین برای هر علم و هر صنعت (یکلوپیدی) موجود است. مثلاً برای صنعت نقاشی بنام (فاموس نقاشی) یک انسکلوپیدی علیحده موجود است که در صنعت کار از آن خریده و نوشته‌اند. حالا اگر از این رقم کتابها در کتب خانه‌های عمومی شهر ما یکی جمع آورده شده و هر کس که یک علمی را داشته باشد نزد من بیاید و در یک طرف یک کرسی مشغول خواندن شده حل کرده بتواند.

اگر حکومت ما برای رفع و ازالهٔ سه قسم فلاکت امالی جهل و نادانی و کسب علم و معرفت خود امالی خود را بچنین کتب خانه‌های امالی و بازدیدی هر ولایت نظام و قانون در ملک امالی خود شان بنا نهاده و این کتب خانه‌ها نظر به ارباب غیرات و همیات در پیش نظر گذارده هر دانشمند عمومی باز نموده و اندیشه کرده نیست. مثالاً در یکی از کتب خانه‌های عمومی شهر پاریس بیان میکنیم:

کتب خانهٔ (سن ژنیو) در پاریس

یکی از جمله کتب خانه‌های بزرگ و معروفی که در پاریس موجود است (سن ژنیو) نام کتب خانهٔ بزرگ و عالی است که در بعضی از شعبات عمارت طبقهٔ سوم (یا نهم) آن واقع شده. (سن ژنیو) نام شخصی بوده که این عمارت را بنا نموده است. در این عمارت اول از یک دروازهٔ بسیار بزرگ و عالی که دو طرف آن با ستونهای بسیار بزرگ و بلند سنگ مرمر زینت یافته داخل یک دهلیز بسیار با صفا و مشمول میشوم در حوالیهٔ یک زینهٔ بسیار فراخی که از چوب ناج و بیرق و انواع زینت و نقش و تصویرهای بزرگ و جنت قرین شده، می آید

این زینه دو طرف دهلیز با سه خورده پایه برآمده است. بعد از یک چند قدم که بر این زینه‌های بسیار وسیع و خوش تراش پر زحمت بالا شویم در یک دایرهٔ بسیار عالی که بر دو زینه در آن یکجا میشود میرسیم که این دایره‌ها از پیش یک دروازهٔ بلوری بر میخورد. از این دروازهٔ بلوری داخل دالان کتب خانه میشوم که یکطرف بسیار با صفای فراخی که بدرازی دالان برابر است و در سقف آن نباوه شده و در اطراف آن ارباب مطالعه یک سکوت عمیق بمطالعه مشغول دیده میشوند.

این دالان در شب با چراغهای (غازپوز) روز روشن میشود. و در موسم سرمای زمستان با بوای گرم بسیار مصنوع گرم کرده میشود. هر کس بکمال آزادی بتواند نظام و قانون کتب خانه هر گونه کتاب را در دالان با صفای گرم و روشن مطالعه کرده میتواند. و در شب‌های پر برف و سرد پاریس در این دالان عرفان میرفتم و کتاب‌های قیمت داری که متعلق بصنعت نقاشی و زینگوگرافی من بود، و از خریداری آن عاجز بودم بکمال راحت مطالعه میکردم. و بعضی چیزها که کار آمد من بود در کتابچهٔ خود نقل میکردم.

اول که از دروازهٔ آدم بعد رابه، از پیش یک مامور دانا که پشت یک کاتهٔ چابی میگیرد و بر آن کاغذ چاپی نام کتابی را که مطالعه کردن بخواهد و بنویسد، و کاغذ را بخدمتگار اتی که برای این کار بکمال ادب و تربیه مامور بسته نشان داده و کتاب را میگیرد، و بمطالعه مشغول میشوند. اگر نوعیت کتاب و تاریخ طبع آن معلوم باشد بر آن کاغذ آزاد مینویسند. و اگر معلوم نباشد در فهرست‌های بسیار مکمل که زده‌ای پیدا کرده مینویسند. و همچنان خاصیت خود را نیز مینویسند. چیزی که بنظر راقم سطور این کتب خانهٔ بسیار تواضع و حسن خلق جلب نمود و طالبهای مرد این روسی بود که برای بردن جواهر علم و عرفان را بملکت خود شان داخل تحصیل به پاریس آمده بودند. و با بابا سر امانی قوی خود شان هر شب یک جزء لطیفی تشکیل میدادند و یک هوس و شوق غیبی قوی در پای مطالعه می شدند. و دیگر چیزی که شان قیمتی بود ترتیب دادن مامورین و خدمتگاران این کتب خانه بود.

م. فضلی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 237 of 1786

عسکریه

برادران صنف عسکری ما بخوانند

اخبار ما چون یک کتاب مستقل عسکری نیست که در یکی از نمونه های مخصوص آن حصر مقال نماید، لهذا ما نیز یک خوشه چین خرمن علمیه این فن جلیل الشان شده و بعد از تحصیل معلومات فایده مند فن عسکری برای فایده و برادران عسکری خود به ترجمه و نشر خدمت میتوزیم، از وظایف عسکریه که یک شعبه مستقل این فن جلیل است تنها به ترجمه و نشر شش فرعیه عسکریه اکتفا ورزیده و در نمونه سابقا خود قدم داده ایم، حالا سه از این شش فرعیه دیگر یعنی تعرفات عسکریه پروانه اول، از ترجمه یعنی خطابه ای که پیش از جنگ، و قبال پادشاه یا سردار اعظم بزرگ بر عسکر، یا قبل خود بیان کرده اند بعنوان:

سخنان عرض که پیش از صدای طوپ و تفنگ شنیده شده است

درج میکنیم، این یک اخلاقیات و ادبی مطالب است که بعد از اعلان حرب و وقت یکه گیر شان پادشاه و یا سردار اعظم بزرگ این صنف بزرگ آنکه خود را برای حق و دشمن مقابل خود را ناحق بداند، و یا برای تهییج و تشجیع عسکر خود را برای جنگ یعنی للخطابه و خطابه را بیان کرده و اند که ما یعنی از آنها را نمونه عسکری گرفته ایم و یعنی آنها یکه ترجمه کرده و یا بیان گفته اند در زیر نظر مطالعه گذشته گان گرام خود عرض خواهیم.

(از محمد رحیم کریم) سنه ۱۸۵۳

خطابه (خواندن) یعنی سردار دوستی عثمانی جناب غازی پاشا برادر دوستی بلاویان

«عسکر!

«این غالبا یکه دشمن خونخوار و بیحیا را بر ما چیره شده است، ایمان ما را بخدا و آبا و اجداد ما را شکسته و خانه و کاشانه ما را خراب کرده و آتش زده و زنان و دختران ما را اسیر کرده و اموال ما را غارت کرده و اند، و ما را از خاک و وطن خود آواره ساخته و اند، و ما را از خاک و وطن خود آواره ساخته و اند، و ما را از خاک و وطن خود آواره ساخته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 238 of 1786

ادبیات

حسب حال باین شوخ طرز جدید و شعر قدیم از عشقی

عشقی — سپهر آرایست که از شاهچراغ یکطلاق و ترائت شعرا و غیشود، به این لفظ‌های غلیظ و ثقیل (تحصیل) و یا (سعادت) و یا (گذشت و رفت) و (وطن) و (فیض فیض حسن) و از همه بدتر (زغال سنگ) و سیاه کرشما بر سر و بر خود نزده و باید سر مو از اصفهان تجاوز نکرده و باید یک لفظ اجنبی کرده (سی پاک) شعر) نیاورده باید. حالا آنکه موضوع شعر و دنیا و شعر بر گل و سبل و برنطه و کاکل و بر باده و ساده و بر جاده و تلگی برموی گر و برنطه دهن و بر خط سبز و بر اشک ستان و بر عتاب لبان و خشی بر دیوانگی و بیابان گردی و قطع و بیابانه. هزار افسوس که شما دین بیچاره را آواره بیستگی با خود را هم ساخته بکلماتی ثقیل که در خور دوره ما نیست و دور و چراغ خورد جاهلیت ساخته باید و از مسجب ترک و اجنبی ثقیل و ثقیل خود نام تازه (شعر) هم گذاشته اید!

جدید — آه برادر! چه بگویم؛ نصیحت بدین مرا پریشان آوارا منهم جهان لطافت و زیبائی آراسته و پیراسته بودم. آستینم پر گل بود از ساغر رنگ حنا و شور و غلغل بود. از برگ گل نرد و ساخته در یکطرف آستینم گذاشته از آنجا که با بوی زلف یار معطر و مینگ شده، و در طرف آن جام لطیف مملو خورد آگه نشسته و زن میکردم. و در آنحال که آنقدر می چشیدم که جدم میرسیدم، در لفظ دهن آنقدر محو می شدم که بیخود می شدم. ناگاه سیاه روزی بود که با لفظ گرد یک مو بار یک شده بود، و دیو ماه شب چهارده بود که با یک چشمی گرد نقاله و بزرگی جنون و چشمان خود کاملی بود و بزرگی در پرده تاریک فرو رفته بود. از خانه بیرون آمدم و در تاریک خانه پیدا خود پرستی و اکسیاه و لجاج و غرور را خورده بود. مرا خانه بیرون آورد و بیکدیگر تکانی بود که تمام بنا برگشت. یک لاقانی شدت سخت که دل جگر را بدان آویخته شده بود، و با آنکه بیستگی، کان کیانی بیاند که دلها را به آن وابسته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 239 of 1786

غزل

ز غال سنگ

انوار امید شد هویدا از زغال سنگ
ظلمت زما بعید شده از غال سنگ

ظلمت کجا و نور کجا، این چه حکمت است
تاریک شب سیاه تر از زغال سنگ

(غاز هوا) کرد هشتی شهر ها ز دست
بیرضا مفید شد و از زغال سنگ

هستین چو کار گرد گرفته زمین
در دو دهین مدید شد و از زغال سنگ

این دو سیاه و تو هین چه هشتی بهین
چو ما زنده و گمان مبرده از زغال سنگ

بیرضا بدید حرکات حیات و هش
هستین به توش خود شد و از زغال سنگ

(نحوه) از دو ظلمت بود این چه برتری؟
موجود و خوش پدید شد و از زغال سنگ

(۰) غاز هوا

جسمهائی که کائنات از آن تشکیل یافته بر سه قسم است: (یکی) (عناصر) یعنی چیزهای بسیط مانند گوهر، آهن، سنگ، چوب و امثال آنها و غیره. (دوم) (مرکبات) یعنی چیزهائی که از عناصر ترکیب یافته مانند آبهای گوناگون، دریاها، رودها، چشمه‌ها، معدنیات و نبات، خاک و غیره. (سوم) (غازها) یعنی چیزهائی که بدست نمی‌توان گرفت و نه دیده میشود و نه پیشوند مانند بیروی و تاثیر هست میشوند، مثلا بوی عنبر و بوی گل بنفشه و امثال آنها، و چون بوی عنبر و بوی گل بنفشه را بدست نمی‌توان گرفت و نه دیده میشود پس آنها را (غاز) گویند، و همچنین (غاز الکتریک) و (غاز هوا) و (ستیارا الکتریک) یعنی برق و غیره و همچنین مثالهای فنی آنست که جمادات کیمیوی و حکمیه پیدا شده و بظهور می آید، (غاز هوا) از زغال سنگ بوجود می آید، از شعبه‌های بزرگ دنیا کاربن غاز هوا می بزرگ حاصل کرده غاز هوا برای روشن ساختن شهرها موجود است، در آن کارخانه‌ها و یک مای بسیار بزرگ مخصوص برای صنعت مذکور موجود است، که در آن از یک از زغال سنگ زجمادات مختلفه آن بنا تحویل حرارت و آن غاز را که مانند هوا بچشم دیده نمی‌شود بواسطه لوله‌های آهنین مانند آبهائی که از آب انبار بخانه‌ها می‌رود و کارخانه‌ها و بازارهای شهر تقسیم میکنند، و چنانچه چراغهای الکتریک بتبدیل و تحویل حاجت ندارد و چراغهای (غاز هوا) نیز همین است، تا فرق در همین چراغهای الکتریک و غاز هوا این است که چراغهای الکتریک بکبریت هم حاجت ندارد و لی چراغهای غاز هوا بکبریت محتاج است بسبب که فرقی این الکتریک تاثیرات در روشنی آن می‌باشد غاز هوا بعمل می آید، روشنی الکتریک نسبت به غاز هوا خصوصی ندارد، روشنی غاز هوا اگرچه از الکتریک کمتر است و لی از روشنی های دیگر چیزها بسیار بسیار افزوده‌تر است. انتهی

از دور آمده و خود را بمن یک باغچه صفا آباد دکه الحق در بین شهر گاه پرنس بود نشان داد، و در یک طرف دروازه یک کوشک کوچک که مخصوص نشستن دربان بود موجود بود، و دیگر طرف یک دار خانه بسیار مکلفی دیده می شد که در پیش روی آن یک دو نفر سپاهی یک عرابه شکاری بسیار بزرگ و مکلفی را نشسته و شه شغول بودند، در وقت مقابل دروازه مذکور باغچه یک قصر بسیار با شکوه و جسیمی که از سنگهای چست کاری ساخته شده بود، و بچراغهای بسیار با شکوه پرچاغان آمده، و گلهای رنگارنگ، و بیشکهای سنگ مرمر زینت و تحسین خاص و عام را بخود جلب یافته بود موجود بود.

یک خدمتکاری که در دروازه باغ در بان نشسته بود و بصورت بسیار متکلف یک درشنی در برداشت چون در آمدن یک زنی را دید حواله باغچه بدیده خواست، و سر تا پای زن مذکور را از نظر گذرانیده، و از لباس مکلف و پر عمل و حرکات و رفتار و حرکات متزلزل او دانست که گدا و از آن گدایان باشد ولی چون باوامر و نواهی بتاکید تمام بر خدمتگاران خود تنبیه نموده بود که هر که چه باشد چون بخانه بیاید و داخل شود نا گذاشته و او را بجا نیاورده نشنود، از آمدن این خدمتگار نیز به تعویق بصورت نا گذاشته پیش آمده گفت:

[باقی در شماره آینده می آید]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 240 of 1786

ناموران زبان جهان

(بقیه از شماره ۱)

(۱) بهمانجا دلیل آورده شد که در زبان (خسرو پرویز) و (بین دالی) و چون از طرف حضرت رحمت پناهی (سال هفتم هجرت) باسمای برای دعوت دین حق بهر طرف نامه ها [illegible] ی پیغمبری ارسال شد، بود (خسرو پرویز) که پادشاه ایران بود نامه مبارک حضرت فخر کائنات را پاره پاره کرد و برای (باذان) که والی یمن بود نوشت: «شخصی را که در طرف حجاز دعوای نبوت میکند باین سوی روانه کن». باذان دو نفر مامور مخصوص را با یک نامه رسمی بحضور آنحضرت فرستاد و هر دو رسیده را تبلیغ کرد. (علیک) مامور نامه بحضور آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم مشرف شده و هر دو رسیده را با نامه باذان تقدیم نمود و آنحضرت فرمودند که: «به باذان بگوئید که حق تعالی (شیرویه) پسر خسرو پرویز را بر او مسلط نموده و بقتلش رسانیده و دین من تا آنجایی که از دولت اسلام تا بجا است که حکومت کسری و اصل میشود ظاهر میشود. باذان را بگوئید که ایمان بیاورد». (۲) مامورای مذکور در رسالت پناهی را به باذان رسانیدند. بعد از چند روز خبر مذکور بحقیقت پیوست و از طرف شیرویه برای باذان امر شد که به آنحضرت عرض دارد شود. باذان این معجزه آنحضرت صلی الله علیه وسلم را حق دانسته به ایمان مشرف گشت. و بعد ازان از طرف حضرت رحمت پناهی والی یمن مقرر گردید. بعد ازان از قبیله (بنی نهج) که از قبایل یمن است (طیهک) بن کعب بن عوف نام یک شخص که به (اسود عنسی) ملقب، و یک مرد شعبده باز کهانت پرداز بود ظهور نموده بعضی شعبده باز یها و تاثیر کلا بیک داشت بعضی سبک سران جهل او را بخود گردیده مساعدت نموده با دعوای پیغمبری نمود. و اول قبیله بنی نهج به او تابع شده و بقوت آن بر (نجران) حمله برده و از انجا بر صنعا حمله آور شده و جناب باذان را شهید ساخت. و (آزاد) داماد زن باذان بود برزور و جبر جای گرفت.

[باقی آن در شماره آینده]

علم ثروت ملل

(بقیه از شماره ۱)

اگرچه صنایع را علیحده علیحده گرفته بسیاری از آنها بهم دیگر احتیاج دارند و بعضی از آنها بکلی از دیگری بی نیاز است و بعضی از آنها بکلی بهم دیگر احتیاج دارند. و برای مثال یک سماور را میتوانیم یک مثال بسیار بزرگی شمرده و میتوانیم که طبیعت آن را بخوبی بفهمیم و بزرگی که در صنایع بزرگ است. اگرچه سماور نیز چیزی است که از چشم پوشی شود. نقیض و ترک یا نقص زراعت بر تجارت است بر تجار مانند محصولات دیگر صنایع به آسانی صرف نمود. و عدم صرف بهادر قیمت و ثروت حاصل کند. و بهیچ معلوم است که زراعت صرف محصولات تازه صنایع را بغیر شهرهای بزرگ و قصبات آنها کفایت میباشد. زیرا آنچنان چیزها یک صنایع را بغیر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 241 of 1786

نمبر ۱۸ سال یکم صفحه ۱

مدیر و صاحب امتیاز
محمود عزمی

اداره چاپ و مطبعه
در شاهین خانه دار السلطنه کابل

هر اداره که مجله بریه یا اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
بهر پاتزده روز یکبار نشر میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه
در ولایات افغانستان و ممالک هند و ایران
در خارج مملکت از خریداران نیم پوند انگریز
قیمت یک نسخه آن کابل یکنیم اسا

تاریخ عربی یکم رجب ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی ۱۷ جون تاریخ شمسی ۲۷ جوزا ۱۲۹۱

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست نمبر جات

برق — حوادث داخله — حوادث خارجه —
اخبار محلی شهر: — تاریخ گرفتاری — سواد عسکریه
مکالمهای ژاپان — قصیده — ابیات —
دعوای زنان جهان — علم ثروت مل — مناجات بادشاه

برق

نمیدانم بشنیدن کدام صنف جلیل عسکریه تراوانجا بر و فضیلت اسلحه نظامیه شان یاد آوری میکنند و شرف و شان فتح نشان را بخاطر می سازند چنانچه بهر فتحیت از طرف اشرف اعلیحضرت پادشاهی بفقره اوکنه کمای عسکریه علاوه احسان فرموده شده است.

برق چنان یک آلت مقدس و غریب است که هیئت حواس انسانی را خود بخود بسوی وجود و مبدء برق بجذبه می آورد و دولت است.

برق یک علامت حقی قوت است. برق شرف مخصوص بهر ملت که دارای برق باشد بخشیده است.

لهذا برق یک سبب مقدس و غریب یک علامت مهمی و موجودیت عسکریه پیدا شده. یک قطعه عسکریه که شرف برق بزرگ خود شعار نماید آن قطعه عسکریه میتواند در میدان محاربه با گراه دشمن برابر شده آن قطعه عسکریه چنان است که گویا نیست و نابود گردیده. بنابرین در وقت محاربه تا وقتی که یک باز و باقی باشد برق خود را نباید فرو گذاشت که برزمین بیفتد. زیرا تاریخ اشاره بدست دشمن در آید. مثالهای تاریخیه که عسکرهای خدا گار جان سپارد و با بیرقهای دشمن را از دست دشمن نابکار بگذارد بوده اند بهترین از بیلتهای صفحات تاریخهای عرب شمرده میشود.

برق یک پرچم سعادت پیکر و هیئت عسکراست که دیدن آن عسکر را یک جوش و خروشی میدهد و در راه محافظه وطن و دین و دشمن شرف فدا کاری را در پیش میدهد. تا قول برقعه و یا استکی که بدست آزمند برق خود را نگذارند که صفحه شرف و کتاب محاربه را از پشت آن برق نشان میدهد.

علامه فارقه هر دولت برق آنست کشتیهای هر دولت بیرق آن مشاهده میشود. مفارت خانه ها، قونسلی خانه ها، دوایر حکومتی شان بیرق شان دانسته میشود.

چون در صفحات کتب تاریخ اسلام مذکور شده اول در غزوات جلیله حضرت فخر کائنات سید المرسلین صلعم در جنگهای استعمال شدن برق را مشاهده میکنیم. در راس دوای عسکر سعادت تاثر آنحضرت صلی الله علیه وسلم دو سه چار رقم برق موجود بوده است که بنامهای (عقاب) و (لواء) و (رایت) موسوم می شده. حتی یکی از بیرقهای آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم (عقاب) نام داشته بوده.

بعد ازان در هر دوره اسلامیه بیرق مخصوص و مهم عسکری شمرده شده آمده است. دیگر دولتهای عالم نیز هیئت دارای دوا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 242 of 1786

خود نشان بیرق استعمال کرده اند و بیرقهای خود را محترم و مقدس داشته اند .

دولت علیه مقدسه (افغانستان) اگر پیش از تاریخ سنه (۱۳۰۶) هجری بیرق و اصنافهای عسکری موجود بود، حتی در آلایهای حکومت اقتدایه هر سردار از خود یک بیرق و طبلچی داشته که جهان سردار را بشناسند و بیرق در افغانستان نیز یک انتظامی داشت و نه یک رنگ مخصوص و نه یک علامت فارقه که بواسطه آن علامت شناخته و فرق شود و نه یک نامی که بر آن نام انسان بدان پی برد . هر سردار هر رنگی را که می پسندید و هر رقم که دلش میخواست بیرق خود را می ساخت . حتی در اصنافهای عساکر نظامی نیز یک قاعده متقنی بر بیرقها موجود نبود و در هر فقره یک دسته و هر فقره یک دسته بیرقهای مختلف بیرقها دیده می شد . تا جائیکه همدیگر را هم نداشت . مثلاً اگر یک بیرق سفیدی که بر رنگ سرخ بران یک چلیپائی و یا یک بیرق زردی که بر رنگ سبز بران یک نقش دیده شود گاهی پرسیده شد که این چه بیرق است ؟ جواب میگرفتید که این بیرق (شمنی گندک) و یا بیرق (شی) میباشد . و این روش محکمای و اقتی نیز از علامت پر حمایت بیرق محروم بود .

ذات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب ما این نقیصه بزرگ بسیار مهمه را در زیر نظر ترقی پرور همایونی گرفته چهار سال قبل انتظام بیرقهای نفوس شاهانه خود شان ترتیب و مرتب شده بسیار دلایلی اجرا فرمودند .

درین وقت مناسب است که از دلایل بیرقها دولت علیه مقدسه با دلایل مشروحه ذیل بسایه اعلیحضرت پادشاه مرحوم حصال ترقی دلایل را فراشته میباشد :

اول — (بیرق مخصوص پادشاهی) که رنگ پرچم سعادت شفقر آن سرخ و نشان محراب و منبر آن سفید است و تنها بر رنگ سرخ زیرین و نشان فرق مهم میرساند و در هر جا یکه ذات اعلیحضرت شاهانه تشریف داشته باشند بران نظام برافراشته میباشد .

دوم — (بیرق دولتی) است که رنگ پرچم آن سبز و نشان دولتی که عبارت از نقش محراب و منبر است سفید بران مرسوم میباشد این بیرق دولت است . هر جا دایر حکومتی و مرجع محاکم دولتی و مصالح دایر باشد برافراشته میباشد و وقت سلام فرود آورده میشود .

سوم — بیرق مقدس برزگ عسکریست که (علم) اسم است . بزرگی هر (علم) یک علم از طرف شریف اعلیحضرت پادشاه اهدا فرموده شده است . بزرگترین بیرقهای عسکری عبارت از همین (علم) مبارک میباشد . اصل پرچم فخر قوائم (علم) از قماش قاوه ابریشمی سیاه بافت خود افغانستان است . نوشته های آن دستهای آن با ابریشم سفید نظر نقشه دوخته شده است . در طرف پرچم علم مبارک یک نشان دولتی (محراب و منبر) و یک نشان خود علم (دو شمشیر و دو قرص) بالای آن کلمه طیبه (لا اله الا الله محمد رسول الله) و در طرف پائین آن علم (ذات اعلیحضرت پادشاه افغانستان) و در وسط آن

[illegible] (ذات اقدس) و در سرنشانی که علامه خاصه است آیه کریمه (وما علیه الرسول الا البلاغ المبین) و در سرنشان دوم محراب و منبر آیه کریمه (وکان حقا علینا نصر المؤمنین) و در سرنشان سوم آیه کریمه (یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم) و در سرنشان چهارم آیه کریمه (ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص) و در چهار گوشه آن آیات مبارکه چهار طرف مقرب (جبرائیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل) نوشته شده است . بیخ نوشته ها و سنا علما ، ریشم سفید بصورت تکه دوزی نوشته شده است .

جناب سر علم مبارک آسمانی است . در وسط هلال سنی طرز (شمس مضیئه) که برای ازدیاد نور خلق شده است مرسوم میباشد و در طرف جناب آیه کریمه (ومن یتول الله ورسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون) طلا کار نوشته شده است . بین این علم و بیخ علم نوشته شده میباشد . چوب بیرق علم مبارک طول بیخ علم آن از بیخ آهن و بسر جناب تا زه خوت میباشد .

چهارم — بیرق جهاد (علم) است که جهاد را در زیر این بیرق فی سبیل الله کرده و میکنند و جهادیکه در زیر این بیرق نباشد جهاد نیست . این یک علم است که بسر نیزه آن پرچم مبارک سه گوشه است . طول پرچم علم نیزه آن دو برابر پهنی پرچم است . نشان دولتی (محراب و منبر) است . در طرف آن (لا اله الا الله محمد رسول الله) و در طرف دیگر آن (اسم اعظم الرحمن الرحیم) و در بالای آن اسم نامی (اعلیحضرت سراج الملة والدین) و در سر نیزه علم نشان (هلال) و در وسط آن کلمه (الله اکبر) نوشته شده است .

بیرق مبارک سواری که علامت خاصه اعلیحضرت پادشاه افغانستان است و بیرق سواری عسکریکه همیشه همراه موکب همایون میباشد و بیرقهای عسکری که بالای عمارات دولتی و مراکز حکومت نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای قطعات عسکری نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای قلعه ها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای سنگرها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای کشتی ها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای طیارات نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای بالونها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای موترها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای عرابه ها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای اسپها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای شتران نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای فیلها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای گاوها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای خرها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای گوسفندها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای بزها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای سگها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای گربه ها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای موشها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای مارها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای کرمها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای حشرات نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای پرندگان نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای ماهیها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای درختها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای گلها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای میوه ها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای سبزیها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای غله ها نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای نباتات نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای معادن نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای جواهرات نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای طلا نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای نقره نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای مس نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای آهن نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای فولاد نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای سنگ نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای خاک نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای آب نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای هوا نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای آتش نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای برق نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای نور نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای ظلمت نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای زمان نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای مکان نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای ماده نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای روح نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای خدا نصب میشود و بیرقهای عسکری که بالای هیچ نصب میشود .

حوادث داخلیه

کیفیت وقوعات محاربه بنگل

طایفه بدبخت بنگل که بر بهزنی شیطان لعین از جاده اطاعت امر خدا و رسول و اولی الامر انحراف نموده و راه بیدینی و ضلالت را گرفته، و از این سبب خاک مذلت در سیاهی دنیا و آخرت بر سر خود بیخته، امر بخربزپاشانی و ذلت و خجالت و خرابی خانه و خانمان دیدند.

ذات اعلیحضرت پادشاه رعیت پرور عدالت گستر با از کمال عواطف و مراحمی که در باره رعایا و بیچه خود شان دارند پیوسته این را آرزو نظر خود دارند که قوای عسکر نظامیه شاهانه را بر رعایای خود شان سوق نمایند. اگرچه بنابر عطوفت و مرحمت کامله عنصری از آنجا سرزده با رحم اول به آبادی لطف و مرحمت کرده و نصایح مشفقانه رجوع آن گمراهان را به جاده اطاعت راه نموده آزاد فرمودند. ولی چون تمرد و عناد شیطان پسند از آن بدبختان شوریده سامان از خلقه تحمل بیرون برآمد به سوء قابلیت عسکر ظفر مآثر نظامی شاهانه بجرئیت دست داد. و چنانچه از عساکر نظامی فوجهای مست خونی و شمشیر بیعطفی مفرزه ها سوق گردید بچنان از نقص دار السلطنه تیز یک خلقه عقل عساکر ظفر مآثر شاهانه در زیر کمان افسری جناب (محمد اکبر خان) جرنیل حضور اعلیحضرت ۱۲ سوق گردید. چنانچه در نسخه سابق خود تحریرات جناب نمرون خود را آنتاب بیناوج نموده و بر دیم حالا در این نسخه خود از بقیه آن گرفته خلقه مذکور تا به اینوقت از قرار استطلاع رات وقیقه گر اجرا نموده ایم و بعضی معلومات موثقه بدستیاب شده ایم درج صفحات نموده بقارئین کرام خود عرض خدمت میسوزد ایم.

جرنیل محمد اکبر خان

کیفیکی از تربیت یافتگان محفل حضور معارف منشور اعلیحضرت قدر قدرت اعظم و پادشاه معظم ما بانست. و از اوائل شباب تا بحال در صنف جلیل عسکر خاصه جا بولی یعنی اردلی تربیه و تعلیم یافته، و در زمان عسکریه تو محل کرده تدریجا بمنصب عالی جرنیلی نایل و سرافراز شده و است بتاریخ ۲۴ جمادی الاول ۱۳۱۷ هجری بقیه جمع از (والنتی) نام اردوگاه متصل دار السلطنه بعد از آنکه عساکر شاهانه بار سلام پادشاهی را داده نمودند حرکت به ساعت ۱۰ وارد منزل (چار شنبه) باشه اند.

ساعت ۴ صبح عساکر شاهانه از موضع مذکور حرکت کرده بساعت ۱۰ وارد منزل (محمد آغه لیوکر) گردیده اند. پیش داران عساکر ظفر مآثر شاهانه که بجرئیت هستگشا نه مرکب از جیت توپچی و زیر قوماندانی محمد جانخان سرکشیکچی باشی رفته بودند از محمد آغه برون و اندرون پوستین را به جرنیل مذکور رپورت داده و او بدون سرعت از محمد آغه به (حصارک) و از آنجا بتاریخ ۲۵ جمادی الاول بموضع (القور) رفته موضع گرفته.

تحقیق باغیان و اجرای مجازات شیطان جیم از زبان بیانات فرقان عظیم چشم پوشی کرده با باغیان قوم بنگل عقد اتفاق منافقات کرده بودند و از صف آنها و شیرها نام موضع را بسنگر با طابیه با سنگر داشته زیاده از پنج شش هزار آدم بی اکثرشان با تفنگ های انبار پر سلح بودند در موضع جمع آورده عداوت و شقاوت گرفته بودند.

جناب جنرال محمد اکبر خان چون بواسطه استطلاعاتی که از ابتدای حرکت در بارهٔ جمعیت باغیان اجرا نموده بود تفنگ باغیان را بخود یک جمعیت بسیار مستعدی ترتیب داده و در وقت صف برگیر (غلام حیدر خان) و برگیر (غلام حیدر خان) و کرنیل شیر احمد خان و دگر بعضی افسران نظام را با قوت کافی عسکر پیاده و توپهای کوهی ساخت جرئی بصوب توسی از ساحه تپه ای حرکت امر داده و بوقت صبح روانه گردانید. جنرال بزودی بر صفهای دشمن ظاهر و ناظر بوده تعیین گردانید. بوقت صبح دو کلک از فوج نظر انواج آورده و اول با دو توپ کوهی طرفهای خراسان آتش فشان و زیر خواند کرنیل (با قوت شاه خان) یک سرعت و شدت فوق العاده بخرج داده پیش آمدند.

عاصیان باغی بیمنتهی مستعد و آماده صف قتال خود یک کاری نیست قوای عسکر پاک از اجتماع چنین از شب بر صفهای عاکم نهیبت بوده و یک آتش بسیار شدید توپ و تفنگ بر دشمن بدفرجام روز رستاخیز برپا نمودند. و وقت بچند ساعت همه صوائح مستحکم دشمن بهم های روان و شرنیل پاره پاره گردیده. و باغیان مجرم از زده جان شده. (۳۰۰) نفر مقتول و مجروح در میدان کارزار آورده اند.

عساکر شاهانه باکمال مظفریت بر تمامی قوه و شانزار بر مواضع مستحکمه باغیان هجوم آورده و یک بلوک رساله یعنی سوار و یک بلوک تفنگ باشین داده و یک مفرزه از صنف اجیا طابجنب گیرکی باغیان روانه مورد یده. این مفرزه را دو مفرزه های عسکری نیز تقویت داده و اشتمان خاین را در اثر شان گرفته (غلام حیدر خان) باشه و در زیر فشار و فرقه و دو کلک توپ قلعه اجتماع کرده و باغیان بدفرجام را در کوه و صحرا و جنگلها متوضع بسیار پریشانی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 244 of 1786

پراکنده گردیدند .

حقیقتاً که در این محاربه جناب جرنیل فیلی با اصول و قواعد حربیه وقت حاضر موافق و مطابق حرکات عسکریه را اجرا نموده ، و شهامت و جلادتی عساکر شایانه ، و کار آگاهی و بیداری افسران عظام جداگانه شایان تحسین و آفرین است . خداوند متعال کیدان محمد علیم خراسانی و رفیق اندافت شرنیل را هم خیلی سبقت کرده است .

دیگر ـــــ اردوی منتظر بروز جمعه ۲۹ جمادی الاول از (القور) حرکت کرده ، و از سمت طرف خطوط مواصلات خود ، تا چهل و چهار ساعت راه مردان بازار است بر آنجا رسیده ، و چادر های خود را برپا نموده ، این مرتبه وحشت رسان توپ های مصنوعیه و تاب و توان باقی یاغیان بدبخت از ضرب ساچمه قوج قوج ، از آنجا عرض استیصال نموده ، از اطراف و جوانب طایفه احمدزائی جلالت قوم قزلباش شریف ، اجیر و دستگیر و شیفته آورده ، و باقی آنها قطعه نا امید ذات خود را ترک کرده و صعوبت طاقت مشکل فرار نموده ، (جانداد) ، جلالت جنابان کرنیل این گروه شقاوت پیشه پریشان نموده است . قلعه جانداد را دو توپی از عساکر شاهانه اشغال نموده ، بسیاری از توپی بدست آورده اند .

دیگر ـــــ از قرار راپرتی که از طرف جناب جرنیل از تاریخ ۳ جمادی الثانی بحضور عالی جناب معین السلطنه صاحب فرستاده چنان معلوم میشود که از جانداد ، اجراء ملک ، اصیل و غیره ، قوای مکمل قزلباش شریف را اجیر کرده و داخل کرده اند ، و بسیاری از ذات وحشی دستیاب نموده اند ، ولی محمد یار و زادهٔ جانداد ، اجراء و علیرضا و جهانبخش پاو ، ملی خان نام و دیگر یاران جانداد در یوم مذکور خدمت جناب جرنیل آمده و عرض اطاعت و خدمت کرده اند .

در وقوع این واقعه مکمل جراحت عظیم و بهر از جهت عساکر چنان صدماتها و تلفها بر یاغیان وارد آمده ، که سابقین این محاربه با دشمنان ، و محافظه شرف ملکی بکار برده که الحق شایان تحسین و آفرین و افتخار است . جناب مستطاب اجلالت ، و بهرز ، و امیر خان و دیگر مجاهدین ملکی در باب حاضر کردن عساکر ملی و سرباز و رسانیدن گذاهم و خلعه و بارگیری اقدامات لایقه بکار برده اند . جناب (دوست محمد خان ناظر) ، (خواجه محمد خان) ، (پیشکار) ، (مرزا) ، و دیگر فوق خاصه رفته بودند ، در باب خلعت و جایزه ، و ترفیع رتبه ، و نشان این قصه (مشهور) ، و بقوت عسکریه نظامیه ، و بیرق (عبد العزیز خان) ، و بیرق (اجمه خان) خدمات شایسته بکار برده اند .

ما از درگاه خالق جل و علا دوام عمر ، اقبال ، و ترقی شوکت و اجلال اعلیحضرت پادشاه ، و تمنا مند مراحم خصوصی جناب

خود هستیم ، و همیشه در عموم جنابان ، و توقیعات ، و دعای خیر از درگاه الهی مراحم و عنایات و الطاف خفیه شان آرزومندیم ، و امیدواریم که ملک و ملت را بجا دارند .

از جانب مدیر گلزار ، اداره سراج الاخبار افغانیه ـــ شماره دویم سیزدهم از اداره مراسلات خود داشت ـــ اینکه مذاهب مختلفه دنیا بیک تاسی اطاعت حضرت والا خبر رسید که از قرار مراسلات عالیجاه رشادت همراه محمد یار خان جرنیل حضور از تنگی عساکر شهر کوه دامن مراجعت نموده ، و در قریه ، و قلعه ، و دهی نقطه متحصن شده ، و در قریه جانداد ، و قلعه جانداد ، و قلعه ، و قریه ، و دهی نقطه دیگر تحصن حاصل است ـــ ولی محمد خان پدر زاده جانداد ، و از جمله دستیان حاجی آمده است ، و علیرضا خان ، و جهانبخش پاو ، ملی خان جانداد نموده ، و در این جانداد مکرر ایوم سه شنبه ۳ ماه جمادی الثانی حاضر شده ، و از این مردم احمدزائی ، و خوانین قبیله مجیدیه ، و غیره خود را رسیده ، و قاطبی مردم احمدزائی ، و مکمل از کرده ، و ای زیبه خود را تمام ، و مشغول گردیده ، و چنانچه جانداد ، و مردم مکمل نیز رسیده ـــ قبل ازین از برای سردار محمد اکبر خان از خوست ، و از برای خواجه محمد خان ، و میرک خان از جاجی نقطه مرسول داشته ، لهذا در روز پنجشنبه چهارم ماه جمادی الثانی ـ ۱۳۳۰ از هر طرف و جوانب بادی مردم یاغی طایفی مکمل جمع برده شود ـــ چون آنجا زمان شاهی شریف ، اجیر کرده ، مطلوب طلبا فرستاده بودند علیه محمد برون مذکور مطلق شد ـــ و الله تعالی عنقریب یاغیان مثل دیگر اقوام آنجا کاملا تایب میشوند ، یا هر شان مثل دیگر اقوام آنجا کاملا تایب میشوند ، یا اسیر و گرفتار ، یا فراری خواهند شد ـــ اینقدر خوف و ترس برای عموم مذکور غالب و مستولی شده که اکثر یاغیان همراه عیال و اولاد خود را بکابل فرستاده اند ، و کابل خود را خالی تر خواهی دانسته بکابل رسیده اند ، و هیم و توقیف شان زیاده تر است لاکن هر شان محمل ، و مکمل بوده بوعیه دولت علیه خانه زاد ، و بخلقه ای خود وارد شده ، و عهد نامه خود را بقرآن شریف نوشته ، و مهر کرده ارسال میدارند ـــ چنانچه تا اکنون سه جلد کلام الله شریف از هر طرف و هر قوم رسیده است فقط

کیفیت مذکور را جهت شاهکار شته شد که چنانچه در سراج الاخبار افغانیه نامید فقط قرار یوم شنبه ۱۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۰ [ـــ علی احمد]

حوادث خارجه

اجمال سیاسی

در عین حال که وراق حوادث عالم در این روزها از حرکات جنبه و تشبثات مدهشهٔ دول عظیمهٔ اروپا و آسیا و حکایتهای عجیبی بنظر برمیخورد، و چون در گذشته حقایق آنچه رویات بنظر خورد تدقیق و تعمق شود و همین یک نتیجه بظهور می آید که همه اقتضای طبیعی یک حرص و طمع نفسی و هوای فرو بردن لقمه ای چرب و شیرین ممالک شرقیه بخصایت و کارگزاری دراق داده اند. اگرچه اختلافات و آرای مختلفه و تزاحم و تشاور ظاهری هیئت و کیفیت نظر میشود هرچند نژاد و زیر بیرقهای جهان آدم صلیب قرون وسطی متفق و متحد میباشد که جلوگیری از خورد و برد تقسیم ممالک شرقیه اسلامیه باتفاق آرا اتخاذ کرده اند. ولی با وجود این اتحاد و سبب قرون لذات و علاقی که در لقمه موجود است برای خورد و فرو بردن آن خنجرها و رقابتهای بهمدیگر شان باعث بریک سفره نشستن شان میشود.

ایطالیا نباید از گرسنگی برحرص جوع الکلب گرفتار آمده بود. صبر و توانائی را در پیش آنها مانده لذیذه محال دید و بیک تهاجم بشکم پرورنی عجیبی بر لقمه حمله نمود. امّا با آنچنان یک تلاش و هیجانی لقمه را بدهن برد که حالا در حلقشان بند مانده و موجب اختناق نفس شان گردیده است و با زور آن لقمه را بلعیدن شان عرایض چنان گویش در زیر شکر گرفته راستشان کژ زدن، و دست افشاندن بسیل مانندشان رنگهای سواحل بحر احمر و سوریه، و جزایر بحر سفید متوسط را زرد و استانبول را بخونهای جانورانه خود آلوده ساخته.

اگرچه دیگر متفقین لقمه بودن او را زیر پرده (بیطرفی) نام قاعده که برای سهولت و آسانی لقمه فرو بردن خودشان وضع نموده اند بیک جرعه آبی و یا یک زیر بغل گرفتن و رسانیدن از زیر لب، و کج آبرو گرفتن (خوش جا خورد و دارد و دارد) گفته و لی

بی ادبانه پرده بر آنها،

برای دفع تقدم و پیش افتادن یکدیگر بسوی بیک خیر مشترک همین غرض و مقاصد نموده و بهمدیگر دست فرو برده اند. آیا چیز نزاعت و علاقی در این لقمه ای شیرین دیده اند که آنقدر وقت با دقت، تأنی و تحمل و مدارا با یکدیگر صرف کرده، و خیانتهای اتفاقی (اتحاد سه دولت) را بطاق نسیان نهاده و در فرو بردن لقمه بهمدیگر دست پیشدستی و یارمانی شده اند؟

حال آنکه خرسس شمالی از حرص حق دیگر رفقای متفق الجمیع خود با وجودیکه با شیر برای چندی بعد تراز ین در باب فرو بردن لقمه ایران عهد و پیمان کرده بود ولی چون دیگر گرسنگی ندیده بود و داوپس ماندن آب دهان آورده نتوانسته، و بعد و پیمان پس و پیش هم ندیده و هاتم بر لقمه محلوله و چشمهای رقیق و رقیب خود را بی دغدغه (خطای بصر) چنان ساخته تا میرود که بگیرش یک دست و پائی بزند، و سر چار لقمه سیار چرب و گرم شیرین را از دهن بود، شیر چون این دیگر تشبیثات چاره ندیده لاجرم او نیز لقمه وسیع درجهت جنوب ایران بگرب و چنگل فرو بردن کوشش میورزد.

فرو بردن لقمه ای چرب شده خیر از نتایج و فیضهای شیر و گرگ را خواهد بخشید. علیهذا سزاوار و متعلق بر مسلم که عبارت از خواجه بیگ، از علماء و سوال نه صلی الله علیه وسلم باشد، چنان الهام انگیز یک حالیت کریمه مسلمانان روی زمین از آن متأثر شوند. از همه بدتر که زمانت حمایت و فصل شیخ و دعوی و هیزنی را نیز با آنهمه شوکت و عظمت ساختگی خود از کف نموده، و تزیینه آثار تغلب حضرت او هم را چنان یک رهزنی که (گروه ادای پارسی) را حیران ساز دیده نموده، و متولیان و عازمان آنرا بدار و خلق ترسانیده و رضا و هم از اخلاق گرفته چه جرئت، چه شوکت!...

از رضا خان سیاسی پیر و از آنجهت که در رام کردن اهالی دین یک سخن زبان زد شده آمده است که «دولت بریطانیا بدین و مذهب و مقاید طرفی و دخیل و بخالفت روسس که از بیگانه از نگاه بات عمارت دین و نام مرکب لرتا هی میکنند»، و حقیقتاً که در دین و لقمه شبهه دین مسلک به اثبات رسید. زیرا بهمه کارهای سیاسی دولت بریطانیا در هند و مسلمان و سایر جاها همین مسلک سیاسی را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 246 of 1786

دل چیزی که شایان توجه و پیشود این است که این واقعه از توسل دولت انگلیس برای العین در شبه شاهد بوده است یا که امریکا بهانه برای این افعال جنایت کار از دست خواهد کرد یا نه ؟

یاد آوری تاسفانه

بعضی از اخبار فارسی را که بزبان انگلیسی در هند وستان چاپ میشود اکثر خبرهائی را که درباب دولت تزویه متعلقه سرحدی میکنند از زبان بعضی مخبرهای سرحدی خود جمع میکنند که آن مخبر آن خبرها را از زبان بعضی کلاپیاد کرده بگوش آنها که از افغانستان بیش وارد میشوند بطریق بالعکس قیاس و یک دو پیاله چائی گرفته براخبار دان تایلک — بسخنان خرافات آلود آنها گوش داده و از همه بیشتر نوشته

اگرچه ما به هزیانهای پر خرافات آن کار نداریم چندان اهمیتی نمیدهیم ، ولی جای تاسف این است که مردمان عوام بالسبب که از حقیقت مقاصد اسکوله ورق پارها بالکل آگاهی ندارند بالسبب این اخبار چنان گمان میکنند که خود دولت بریتانیه انگلستیه میگوید و باین سبب موجب دل سردی عمومی و بعضی گی نه میشود و بعد از برادران دینی داخلی و خارجی خود یاد آوری میکنیم که بهر بابهای اینگونه ورق پاره ها و درباب دولت علیه مستقله خداداد افغانستان بیجا جسارت و اظهار نکنند و آن سخنان زشت خیالان سرحدی را مخبرهای ورق پاره ها داشته بدیگر طرف شائع ننمایند .

پیمانه اخبار

یکی از اخبارهای بسیار خالی از بابهای پیشین اوراق (پیمانه) نام اخبار خواندگان ما است که در لاهور از طرف جناب ادیب کامل و لبیب فاضل (سید محمد نائم صاحب) در هفته یکبار هر دوشنبه روز دوم هفته وار طبع گردیده میگردد . این مخبر عاجز باجانب فاضل شان رابطه دوستانه (۱۳۱۱) هجری هنگامی که بعیت پدر مهربان حضرت (عرزمی) مرحوم مغفور نزد میان پشاور شریف اقامت داشتیم ملاقات کرده ام و در آنوقت جناب شان بعد از سیاحت اوروپا و استانبول بشاور آمده بودند حقیقتاً که ذات فاضلانه شان خواندگان را در حسن اخلاق و خوانندگان را در صحت معلومات یک سرو خود مینماید .

اخبار هفته وار پیمانه طلاوه از بابهای سراج الاخبار

از روی الف ی آید ، و این هفته اخبار بوصوف یک ورق نشر نموده که بدرج ترجمه آن می پردازیم و خواندگان خود را نیز در انتباب میگذاریم .

خبرهای سرحدی

افغانستان

نامه نگار سرحد شمالی مغربی پایونیر تا این زمان هرچه نوشت ما در هند وستان آنرا خلاف صحیح میدانستیم — چرا که بیچ صدائی در تصدیق یا تکذیب از طرف سرحد بلند نمی شد — اما اکنون یک اخبار نیم سرکاری از قلم دوست معزز ما سردار زاده (محمد رنگ خرزی صاحب) در کابل جاری شده است و در بر خلاف خبرهای آنسوی سرحد ، نسبت بنامه نگار سرحدی پایونیر بقیناً بهتر میدانند — چنانچه قبل از چند یوم نامه نگار سرحدی پایونیر خبر داده بود که چون سواری اعلیحضرت امیر صاحب از جنگل در تنگه شت حضور موج صدائی جان گنی چند اتفاق از جنگل شنیدند ، و چون سواران مراسم در جنگل تفتیش کرده و دو نفر دست و پا بسته را با تفنگ — (نفر اول دست و پا بسته را آزاد نموده و شد و نفر ثانی آنها معلوم شد که زدان دست و پای نفر اول بسته کرده مال و متاع آنها را برده بودند — چنانچه اعلیحضرت موج مخالف را دادن فرموده و دو زدان مذکور گرفتار کرده کشته شدند — اما سراج الاخبار مینویسد که این خبر محض غلط و بی بنیاد است نیز سفارش میکند پایونیر چنین نامه نگاران را که سخنان بسیار از تصور خود وضع میکنند بر نهج است اول نویسی مقرر نماید — خبرهای نامه نگار سرحدی پایونیر بعضی اوقات با تقسیم چیانکه از زبان اندیشه غلط فهمی ، خیالهای بند پیدا شود — غلط نیست که نامه نگار پایونیر را باعث اجرای سراج الاخبار ترغیب اخبار آشنا غلط خبرهای آینده خواهد شد — و سراج الاخبار وقتا فوقتا او را از تنقید خود بر این ضرورت متنبه خواهد ساخت فقط

در شماره سابق خود لفظ از بکی اخبارهای اردو که دو نیز از اخبار (گلشن هند کلکته) درباب بغاوت عوست بخبر نه بعضی سخنان لایخ خود بود که فقره مذکور را بقلم نقل خود دو بودیم و بسبب کجا بیش خواننده موضع بیان حوادث واقعیه که درباب حرکات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 247 of 1786

عسکریه نظامیه دولت جنوبی خواهد رجع کرده بودیم تردید آمیز کافی دیدیم. حال آنکه آن تفوقات اخبار مذکور را حوادث داخلیه این محل ما بخوبی تردید مینماید. مانیه اینرکه اخبارهای انگلیزی زبان ما چرا در باب افغانستان اینقدر سخن کی اندیشه صرف مینماید. آیا مقصدشان چیست ؟

«تلگراف مخابره (آلور) از بندرگاه وارسیلیا بوسه پاریس میرفت یک بکس جواهر اورا که خیلی گران قیمت بود، در ریل دزدیده بعد از تحقیقات وزود یافتند تا یک دزد انگلیسی بود !...

وفات پادشاه دانیمرک

تلگراف از کپنهاک مرکز ملک جرمنی رسید، که پادشاه دانیمرک در یک اونکی دفعتاً وفات یافت. پادشاه بالکه دو اولادهای خود از (پادیرا) ملک جرمن واپس به (کوپنهاک) پای تخت خودش می آمد. پادشاه پیری که صحت یافته بود و اسباب سیاحت خود را مهیا نموده بود و چند روز قبل که داشت بدو بجز شب از اونی که دوران بود بیرون برآمده و در سرکها قدم میزد. دفعتاً در نزدیک او تحمل بر صرع مشکل کرده بیفتاد. چون پولیس با او را شناخت برداشته به اسپتال بردند و چون وقت آمدنش دیر شد رفقا و ملازمانش تفحص افتاده بجستجویش برآمدند. بوقت صبح مرده اش را از اسپتال به اتل آورده و بروزی جنازه اش را به (کوپنهاک) نقل نمودند. چنانچه پادشاه و اکثر پولیسها در سرک یافته بودند مجالت بیهوشی یافته که از محل بود بعد به اسپتال در انتقل داده و در آنجا وفات یافت. و چون کسی او را نمی شناخت جسدش را در (تشهیرخانه) عمومی گذاشتند تا وارثش پیدا شود.

گریستن دوم پسر او دست بجای پدر خود که ولیعهد هشتم بود برخت جلوس نمود.

سالار الله ولی ایران

اخبار (نیو یورک هیرالد) اخبار روسی یک کاغذ سالار الله ولی را که از گرمانشاه به اردو سپرده نشر کرده است که خلاصه مضمون آن این است :

سالار الله مینویسد : من انقلاب کوشش نمیکنم بلکه من یک شهزاده وطن دوستی هستم، و فکر من اینست که وطن خود را از خال بربادشدن و خونشتن بخواهم رهائی بدهم. زیرا این حکومت موجوده که هست قابلیت اصلاح ملک را ندارد.

در وقت حاضر طرف داران سالار الله در بغداد دو لک ایرانی هستند، و یک حصه اردوی او کامل موفقیت بسوی طهران پیش شده میرود. سالار الله در این راهم مینویسد : من امیدوارم که بزودی تاجپوشی یک حکومت مستقل در ایران در انتهای اردو با طریق بی طرفی را اختیار کنند.

چاق قصه

آبنای چاق قصه — یعنی اردو انجیز باز شده و کشتیها برفت و آمد بطرز سابق آغاز کردند.

اسلام در ژاپان

رفیق محترم مجریده فریده (اخوت اسلامیه) که در ژاپان انگلیزی در ژاپان در ماه یک بار از طرف مستر (حسیب) دستر (برکت الله) انتشار می یابد و بطریق سیاله به ادارهٔ ما می آید چنین مینویسد :

(اسلامیت) در ژاپان آثار انتشار غیر معمولات خود را نشان میدهد. در دو گذشته یکی از کسانیکه بشرف اسلامیت مشرف شده اند جناب یاسین (کتاکو یمکی) میباشد که شاید در تاریخ ژاپان یک خاندان شاره بالمبانی نسبت میرساند. و نیز دختر محترم شان با داماد نیک نهاد شان که مستر (ماتاکو) نام دارد از طرز ای سیار مشهور ژاپان میباشد. چنانچه اخیراً انتشار دین مبین اسلام — یعنی خود کشیها نیکه روز بروز در ژاپان اقزونی میگیرد خیلی کم خواهد شد.

از اخبارهای ترکی و عربی

رفیق (اخلاص) مینویسد : — ایطالیا اخبار را ترسناک، و بدتر، و جنایت کار و الاصل هر چیز گفته میتوانم اما بی نزاکت و بی تربیه گفته نمیتوانم، در روزنامه اقدام چاپ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 248 of 1786

مجلس سنوتان شمالی برطرف عالیک عوسو فه در جان سرور پادشاه ایطالیا بود از این سبب ایطالیا نها اشتراک در زیده خاطر شادمانی خود را باین جشن شادمانی و سرور از وظیفه تزاکت و تواضع دانسته لهذا بدو وازده استامبول که عبارت از دهنه آبنای چنق قلعه سی دریل آمده افتتاح مجلس سنوتان را بپادشاهی گرفته . تا بهر صورتی که باشد : این مراسم سلامی خود شان را در پیش روی دایره مجلس سنوتان بجا آورده توانستند . بچراهی که یک قوای شمالی بر سیچ بکی از کشتیهای جنگی شان کلیه بمقابل تزاکت خود شان همین قدر دیده که گرفته ، گفتگو بمثل بمثل عقب کشیدند . این را ما بهزدلی و خیرخواهی شان قلمداد نمیکنیم ، ولی ما باز هم تشکر میکنیم که درچنین روز مسرت اندوز ما ما را فراموش نکردند ، بصدای توپ خود شان مراسم افتتاح مجلس سنوتان ما را یک رنگ باوقار و پر احتشام دیگری بخشید .

سیفری و ناجوان مردی ایطالیانها

مثالهای جوانمردی و سیفری ایطالیانها درین جا دیر است ، فاقط ثابت کرده : بیگانه و برهنه را و شهر ایکه دارالسلطنه دولت و عاصمه را مالک است بهوم نخوهند . مانند فرانسیس ، و بنفازی ، و مواصل بکر احمر و بیروت ، را بزیر توپ گرفته ، ولی درجای یا مداخله کردن خم نخوهند ، و مانند کرسی های حاشه خواهر جای که یک لاشه بیجان کنی یا فقد بران نشسته منتظر زدن گرفته . (جزایر بحر سفید) یکی از ولایتهای والی نشین دولت عثمانیه است که مرکز آن جزیره فلاروده مس باشد ، جزیره مارودس نیز مانند دیگر جزیره بیقوت مداخله بود ، از آنرو بران هجوم برده ضبط نخوهند .

ابنهاور عاشقی با لاسی علمای دیگر

رفیق ما (صباح) از اخبار (فوسیه چاتیوتیج) برمنی نقلا مینویسد که خلاصه آنرا در ذیل میگذاریم : اعلیحضرت امیر افغانستان برای گرفتن معلومات از احوال ملل که آیا در کانات سیاسیات چگونه چیزا جریان مینماید اثار بعده ، یعنی بزرگستان میدهد تا حال افغانستان را : ظرف خود تنها با علیک مساعده خود یعنی دولت انگلیس همیدهد ولی درینوقت این علیک را کافی نمی بیند ، چونکه درین زمانهای آخر در آسیا علی الخصوص در دور و پیش افغانستان بس انقلابات عظیمه بوقوع آمد ، دولت بزرگ چین یکمرتبه منقلب گردید ، تبت و مغولستان قریب است که بگریبان این سیاست بین الملل در آید ، ایران بگریبان این سیاست گرفتار آمده و برای خود و خلق شدنش رمقی باقی مانده است ، لهذا اعلیحضرت امیر دانای دور اندیش افغانستان بخوبی دانسته است که حالا وقت و زمان آن رسیده که افغانستان بخوبی وجه بروفوعات جهان باخبر گردد ، و تدبیرهای لازمی و لایزمه بکار برد که افغانستان را از اشکال این دوره بخطر سالمه که ایران دران افتاده نگهدارد .

ایضاح کیفیت

درباب افغانستان و ایران

درسیاری از صفحات اخبار ما مسطور شده و خواهد شد که حکومت علیه افغانستان برسر دو عالیک دولت علیه ایران و ایران از بابت سیستان و هرات دعوی یافته است لهذا بجهت اینکه از حقیقت حال بخبر انه بسط مقال خواهد داد ، لهذا بنابر رفع گردن شبهات ، و تصحیح نمودن روایات بیانات صفحات با یضاح کیفیت لزوم دیدیم :

این یک معلوم بر گاست که درین اوقات اخیره بسبب انقلابات عظیمه واقعه که در ایران بوقوع آمده و می آید یک حکومت جاریه بر بر طرف ملک قوه اجرائیه خود را بصورت مستقله اجرا نموده و جود نبود ، و اطراف و جوانب ملک چند ایلی چاقشای خود سر لیاقم بعضی بنام طرفداری این شاه و بعضی بنام حرفت پرست ، اعلیحضرت شجاعت و بهادری را برداشته چنانچه بخاطر دارید ، و سالار الدوله و غیره شناسهای ظاهر و آشکار است .

دیگر معلوم است که ملک (سیستان) بر دو حصه منقسم است : یک حصه ملک آن قسمت ملک افغانستان و یک حصه آن قسمت ملک ایرانست ، چند دفعه پیش ازین مردمان حصه ئی که در علاقه سیستان ایرانی میباشد مرکب از چند جماعتی مسلح شده و از حصه دیگی دزموده ، و بر مردمان حصه سیستان افغانی هجوم و حمله برده ، یک دو تخلیه رعایا و مقداری پانزده نفر از مردم رعایای افغانستان را مقتول و مجروح نموده ، و مواشی بسیاری نیز غارت برده ، دولت علیه افغانستان بجز یکدفعه از عسکر و قلعه خوب بر سر حمله نکرده برای محافظه و حمایت خود و افغانستان مقاومت کرده و جماعت سرسری بنا گزیر شده و ملک خود را محافظه کرده ، و عقب رانیده و تعقیب نکرده بدیگر قسمیت تعرض نگرده ، دیگر بهیچگونه حرکات تجاوزی اقدام نخوهده است .

اما عجب ترا نیکه از تجاوزات طوایف مسلح خود بیگانه ایران بر عالک ایران بیکس یعنی اسباب دربان شاه ، و بهجت تجاوز را بدولت علیه افغانستان نسبت داده ، حالانکه اگر بیده انصاف و حقیقت نگرند ، معلوم میگردد که دولت علیه افغانستان درین مسئله تا چه درجه حزم و تحمل بکار برده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 249 of 1786

مقاله مخصوصه

از تماشای یک ماشین خانه چه عبرت گرفته میشود؟

در کائنات نظر میکنیم: هیچ چیزی ساکن و بیحرکت نمی‌بینیم. یا ذرات، یا بالواسطه متحرک است. برکت و حرکت است، حرکت حیات است، بیحرکتی ممات!

خلاق علیم، شأن این عالم پیدایان را (الحمد لله موجود آن) قدرت و حکمت بالغهٔ ذرات آن مسمی بین خود، از هستی محض (کائنات) نام یک ماشین خانهٔ پرخاصیت بدیع، الحق بست فرمود. (طبیعت) نام یک ماشین کارپرداز عجایب سرا، بر وجود و حرکت آن مامور شود. افلاک یکی از دستگاه‌های این ماشین خانه است که عالم علوی را دور و حرکت میدهند و در کرهٔ ارض بقدرت شأنی جنبش حیات و نشو و حرکت بار میاورد و نوا بر آمد. شمس نیز برای کار خانهٔ عالم مستعار، یک چراغخانه و یک فانوس مقرر فرمود که بواسطهٔ ضیا و حرارت جاذبهٔ از خود عالم مستعار را دور و حرکت میدهد یعنی لیل و نهار آورد. خواهی نا خواهی ثابت میشود باز هم ثابت و بیحرکت نیست. بظاهر یک دور و حرکت مخصوص دارد که، از بسیاری دوری آن را دور و فراغتی و راحت انضمامی محسوس نمیشود و بیحرکتش میدانند! دوری که زمین ظرف بقدر تعیین کردن بقدرت آن، قدرت بخرج میدهد. وجه غرابتی دارد؟ که وجود و قیاس گمان حسابیه بهمه دوران محو و نابود میگردد.

و این اصل چون در اجرام سماوی نظر گنجیده بیحرکتی را بعید و دور میدانیم، و با زمین برابر میبینیم هیچ چیزی را بی‌حرکت نمی‌یابیم! دیگر بحرکت شاید یا نشاید، این میماند و وجدان قرار می‌یابد. حرارت، آب، خاک، بیحرکتی پرورانده، آسیا آرد میکند. نان بانان می‌پزد، لوازم عالم امکان طوعی همین برابر است. و از اهالی بیحرکتی و عطلت بسی شکایت دارند.

ای بسا ابله که خسپید از عمل — تا توانائی بگفت آید ز قال
جنبش اعضا ز بیداری دل است — شرط اصلاح نهاد آب و گل است

حرارت، آب، باد، خاک، نبات، حیوانات، حتی جمادات همه در یک حرکت، در یک جنایت، در یک کار گذاری که حیرت! حیرت!

حالا از میان زمین و آسمانی در گذشته و در یک ماشین خانهٔ صنع بشری داخل شده، میبینیم که از بیحرکت چرخها و آلات و قرص آن چه عبرت گرفته میشود.

[illegible] علوم سیاسیه، و از قضا در یزدی کاغذ میخواهیم در یک خانه یک ماشین خانهٔ آن قاعده را مجسم و مشخص می‌بینیم. اول یک بشکهٔ خانه می‌بینیم که آب را بخار تحویل داده و در میان دیگ‌های بزرگ آن بخار را بتضییق و فشار پر می‌سازد. و این عمل اول قاعدهٔ تقسیم اعمال است که اگر یک دولتی آنرا تضییق و فشار کمتر و خلاص سنگ باشد چیزی سوخت آنرا عبارت از قوهٔ (اول) و (عسکر) آنچه می‌یابیم. و قوهٔ تضییق و فشار بخار آنرا شبیه بقوهٔ (اجرائیه) آن می‌بینیم که اگر این سه چیز متفقه و شود ماشین خانهٔ جهان نظم یکدیگر

و یک بخار بقوت تضییق و فشار بسیار موثری بخار [illegible] بعد دیگر، یک دیگ ماشین خانه را دور و دور دایره‌ها تقسیم میکند. مراد از دیگ مؤسسهٔ جان کار است. یا آنرا بر صدها شعبه تقسیم نموده و در حق و صلاحیتی که در آن دایره خود داشته باشد آنرا واداء کار می‌برد. تضییق و فشار بخار ماشین، دیگ حکومت بقوهٔ (تشریعیه) یعنی قوتی که احکام و اوامر و نواهی بصورت قوانین و دستور العمل اتباع میکنند مشابهت میرساند و خانهٔ تقسیم آن بقوت و این چرخها و کارخانهٔ کارگاه بقوهٔ (اجرائیه) یعنی قوتی که آن قوانین را بر محور بی‌تغیر اجرا و آنچه قرارداد و امر و نهی کرده بانجا مشابهت میرساند.

کیا و سودن و یا یکدسته کاغذ بازی چه قدر خرد و بی‌اهمیت چیزیست، ولی ثمرهٔ خانهٔ تقسیم اعمال یعنی رسیدن و گردن و بواسطهٔ ماشین خانهٔ شانه یکدسته کاغذ و یا یک کاغذ خانه را صد آدم یک ماه و بوجود آورده نمیتوانند. حال اگر سبب یا جهت تقسیم اعمال ماشین خانه‌ها و خرد و کار باآلات و وسائلی که سبب تحقق چیزها شده چه رقم کارها را اجرا کرده و چند هشت هزار هوا آن می‌سازد که بیرون آوردن چیزها سودمند می‌افتد. و همچنان در کارخانهٔ کاغذ خانه بازی سه خانه یا دو دیگ بر بهر کاغذ خانه جداگانه و رقم علیحده و سی خانه یعنی در دو و دو یا خرد و بزرگ کاغذ بازی ساخته میتوانند که اگر همه این بهقده رقم کار بر گردن یک مزدور کار باشد در روز یک رم حاصل نخواهد آمد.

حالا از این حیثیات تقسیم اعمال یک ماشین خانه‌ای که آن [illegible] دین است از دو قسم اوضاع و امری باید که بین تقسیم اعمال پیشه گیرد. قسم اول در صرف و آلات شبانه روزی خانهٔ تقسیم اعمال [illegible] کردن لازم است. بزرگی، بهرسودگی این، هرچند خانهٔ تقسیم اعمال او، و آلات شبانه روزی خود تقسیم کند بهتر و سعادت می‌یابد. و از همه اجرات فی کرد این دو خانهٔ کاغذ بازی خانهٔ کاغذ بازی خود بهتر است که برای بهبودی و نگران خدمت کند و در بزرگی بهبودی و نگران خدمت کند بهبودی خود صرف میکند،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 250 of 1786

اگر بدانی گرسنگی با فقه ما گشته هم‌خانه و با فقه و جامه برای او تدارک کرده
نیوانده، لذا بعد از اقرار بضعیت بشریه بسبی و علل مجبور است، این سبب
داخل غور و بررسی گردیده موجب قاعده تقسیم اعمال برادوات تقسیم و تقسیم
بیگانه و تقسیم صنایع میشود، و چون تقسیم صنایع شده و از هر طرف و هر
سمی برود، و چون از هر طرف و هر سو حیرتش هم فزونش و هم به ارتقای
جلسش رسیده و میباشد.

از تماشای ماشین بازاین عبرت بهر ما میرسد: که چنانچه
هر چرخها و هر آلات را در کار، و هیچ چیز را مطلق و بیکار نمی‌بینیم همچنان
آن کارخانه علیا را بی انتظام و بیقانون هرگز نمی‌یابیم، همه آلات خرد
و کلان متحرکی که در یک کارخانه دیده میشود همه حرکات آن در
زیر یک قانون و نظام باقاعده درحرکت میباشد که یک آن از
همان قانون لاینفکی که برای آن وضع شده مخالف نمیتواند، و هر جای
یک دندره، و یک بالگرد، و یک آهنگ و حرکات متفرقه خود را در
کل انتظام و قانون نباشد یک آهنگ و یک رنگی و حرکات پیدا میشود
و چون یک آهنگی و یک نسقی در کار پیدا نشود هر چرخ و هر آلات
خود بخود دور خورده و هیچ سمی و کوششی بجا نخواهد آمد و شدن و از کار
افتادن و گرفتاری میباشد.

و از اصل تماشای یک ماشین علیحده چنانکه بیان شد
خلاصه آن عبارت از این چند چیز است: حرکت، قابلیت،
سعی و عمل، قانون و انتظام، تقسیم اعمال، تقسیم ادوات و آلات علیحده
و غیره مسایی است - یعنی بجا گانی، چنانکه نتیجه و ثمره این کارخانه
کارزنوع جوراب است بی‌اصل و این صنعتخانه، قسم، قسم نخواهد شد و هیچ
نسبتی نباید این چیزها را در علیحدگی بشری خود تفریق نماید - نتیجه و ثمره این
سه‌گانه نباید، و نشود، و نمی‌باشد. [انتها]

تاریخ کره زمین

(بقیه از نمبر ۱۷)

دوم دوم — (مدت فلق) است که آنرا (مدت سیلور) نیز میگویند، در آن مدت (سنگها و سنگلاخها و خاکی) و (نباتات) و (حیوانات) نباتات
و حیوانات بسیار ساده مشاهده میشود، و (نباتات از حیوانات
آبزی) یعنی (جانورهای نرم‌تن استخوان) مانند گربها، و گلها
و (حیوانات مفصلیه) یعنی (جانوران نرم‌پوست دار) و (حیوانات
شعاعیه) یعنی (جانوران درخشنده) نمودار آمده و حیات
بیشتر این حیوانات این عصر عبارت از حیوانات نامبرده نرم‌پوست

سوم

دوم سوم — (مدت سنگ) است که آنرا (مدت
دونی) نیز میگویند، و نخستین این مدت هم بسیار است، و هم
از نخستین پیشینه از حیوانات و نباتات عظیمی را شامل است
و نخستین این دو، اگرچه حیوانات مفصلیه و ماهی و شعاعیه بسیار
و ماهی و علی الخصوص از نوع سگ ماهی بسیار دیده میشود، اشرافی نشین نباتات و حیوانات که مخصوص بسنگ
امریکای شمالیست در سنگهای این مدت دیده میشود،

دوم چهارم — (مدت طبی) یعنی مدت زغال سنگ
است که آنرا (مدت کاربون) نیز میگویند، و در نخستین آن
(نباتات زاویه) یعنی حیوانات که بر سینه میروند
اشرافی نشین آن دیده میشود، (حیوانات دوزیستین)
یعنی جانور که هم در خشکی و هم در آب زندگانی دارند و
حشرات صغیره و تنفس و مادر یک و غیره، و (حیوانات
قشریه) یعنی جانوران پوست دار، مانند سنگ پشت و سنگ
و غیره در نخستین این مدت دیده میشود، از جنس نباتات
(سراخسیه) مانند آرچوپتریس و جلفوزه و غیره، و در نباتات نشو
و نمای زیادی دیده میشود، زغال سنگ از محصولات نباتات
این مدت است، و در نهایت حرارت فشرده زمین از نهایت
بارها بیشتر، و فراوانتر بود، و در هوای محیط آنوقت چهار
(کاربون) بسیار زیاده تر بود، از آنجهت در آن مدت
نموها بسیار ترقی کرده هر نوع نباتات و اشجار که
در بعضی جاها دیده میشود، آنوقتها بصد بار بزرگتر و غلیظ تر
از نباتات این وقت بوده است که این را نخستین معدن
زغال سنگ نشان میدهد، و همان جنگلهای بزرگ اول
جنگلها و بیشه‌ها علیحده بر روی زمین بوجود آورده، از خط
استوا تا قطبها بر روی زمین، از فراوانی حرارت بود، در
آنوقت حرارت عمومی زمین هم چنانست و در فشرده زمین
تبدلات و جابجائی بسیار علیحده بوقوع می‌آورد، بارها
از شدت انفس بر هر طرف زمین میلغزید، لیکن از همه
اسباب می‌گوییم که انفس فشان هوای محیط زمین را بجای
تحویل داده و طوفانهای علیحده را سبب می‌شد، آن طوفانها
همه آن جنگلها را زیر و زبر کرده و در طبقه‌های زمین مخلوط
و با آبها جذب شده و در جاهای چقور و گود انباشته می‌آمد
و فصل تبخیر — یعنی سرد شدن روی زمین عمل آمده
و دیر آمد و رفتی میگرفت که آن جنگلها در طبقات
زمین تخمیر — یعنی سنگ شدن گرفته زغال سنگ را
بوجود آورده است.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 251 of 1786

دوم عصر ـــــ : (مدت زمانی) است ـــ یعنی جانوران بلی پستانی زیست ، و پیدا شدند ، و حیوانات نامی در این عصر به فراوانی زیست و پیدا شدند ـ یعنی بسیار بزرگ شدند پیدا شدند حیوانات ، احد که در نهایت شایان ذکر پیدا شدند این چند چیز است که در تعریف عصر گذشت آنها از خواستن اند ـ از انجمله (ایکتیوسورس) نام جانوران دریائی بود که سر و دندانهایش به شباهت ـ یعنی ماهی شباهت داشت و از دو قدم نامی قدم درازی بداشت ، دیگر (پلاسیوسورس) نام جانوران بسیار عظیم الجثه بود که سر و گردنش بسیار شباهت بمار داشت ، از نوع پرندگان (پتروداکتیل) نام حیوانات بسیار عجیب بالدار موجود بود ، درین عصر سنگهای بسیاری دیده میشود ، فسیلین یا رحیوانات (ذوات آنشدی) ـ یعنی جانوران پستان دار در لایه های سنگ یا رسامی این وقت بنظر میخورد ،

دور سنتر ـــــ : (وقت ذوات آنشدی) یعنی حیوانات پستان دار است که در نهایت بسیاری از جنسهای بسیط حیوانات و نباتات عهد منقرض شده پیدا شد در نهایت (ساکنون) و (ریتفا) نامان ابتدائی از ارتفاع ـ یعنی از زیاد شدن و فزونتر دیده میشود ، در حیوانات و نباتات جنس ها و نوعهای کمتر بصوری آید ، در تپه های بید ، پیل و خرما دیده میشود ، حیوانات پستان دار کثرت و غلبه پیدا میکند ، در نهایت از جنس حیوانات ذوات آنشدی (پانوتری یوم) نام حیوان بزرگ و فیل جثه دراز ، و (دینوتریوم) نام حیوانی که بسیار عظیم الجثه بهت میرساند ، و (مستودون) نام حیوانی که از آنها فیل حبوشی نیز میگویند ، و (مگاتریوم) نام فیلی که از آنها فیل حبوشی نیز میگویند ، و (مگاتریوم) نام حیوانی که از جنس کرگدن بزرگ بود در تحولات این مدت پدید آمد است ،

دور هفتم ـــــ : (مدت زنده) است که همین دوره است که در آن هستیم ، حیوانات تحلیل رفته گردن زمین را ضبط کرده بودند در این دور هفتم خواسته و رفته اند ، و جای آنها ، حیوانات کوچک تر و ظریف تر از آنها گرفته اند ، در اثر حکمت خلاق ، اکثر کائنات در نهایت درجه دوره را کرده زمین را اصلاح کرده کرده ، و از جانبی کمالی انقلاب داده و داده تا بدرجه که یک مسکن داده تا بسیط گردانیده و در این تحولات دور دراز کتاب

کائنات یک رونق جدیدی پیدا کرده ، تا وقت تحسین نوع شریف انسان را بظهور آورده و کرده زمین را باین درجه دانش و بخشیده ، اگرچه در اوایل این دور نیز تبدلات و حوادثات بسیاری در قشر کره زمین بوقوع می آمده طوفانها و زلزله های مهیبی قشر زمین را زیر و زبر می نموده ولی بدرجه دوره های سابق نمی شد که شاه ، الته (تبدلات دور حاضر بعد ازین در فصل مخصوص آن بیان خواهیم کرد ، حالا باز بر تحقیق تاریخ کره زمین رجعت کرده در محاکمات و تطبیقات بیانات پروفیسورات کتب مقدسه سابقه و تفصیلات (فن ژه ثولوژی) بقدری که فصل و منتج دانیم :

محاکمات و تطبیقات

اگر یک قدری غور و دقت نمائیم در بین (سفر تکوین الخلقات) تورات شریف و تحقیقات اوده (فن ژه ثولوژی) ، ما ابحاث تطبیق و برابری معقول و مکمل پیدا کرده خواهیم ، زیرا در اینجا نمائشکافی کرده ، و ـ تطبیقات فن با کتب مقدسه سنه ، ا میشود جانا لغت یوم (یوم) یعنی (روز) میباشد ، این یک معلوم است که (روز) نام یک پارچه است از پارچه ها یکه زمانه را تشکیل داده ،

پس حالا اگر ما لفظ (یوم) را که در تورات فرموده شده بگیرد (دور) یا وقت تصور کنیم و ترتیب پرسفه زمین و تحقیقات الارض آثار اشیاء آن را دور یا یک دوره یکه سفر تکوین الخلقات بیان فرموده تطبیق نائیم ، تطابقات را یکه رجوع طرف کرده خواهیم بود ،

عالم نظامه کائنات (آنشدی) را تصنیف کرده در تقسیم (یوم) ظاهر و تمایت ساخته گفته است که بیان (یوم) برین شامل و مخصوص است که عبارت از زمانی باشد که از وقت طلوع آفتاب از طرف شرقی تا وقت غروب آن بطرف غرب یا باز تا وقت طلوع آن مرده است فی بلفظ (یوم) یک تعبیر عام و وسیع است که نام یک قسمی از وقت و زمانه میباشد ، مثلاً (یوم القیامة) یعنی (روز قیامت) چنان یک روزی شمرده میشود که در عبارت از وقت طلوع آفتاب تا غروب یا باز تا بطلوع دیگر باشد ، بلکه یک وقت عبارت است که روز جمعه یا روز ساعتی و پیش آن از گفت یک نام بر کمتر میماند ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 252 of 1786

[illegible] از این و دیگر بعضی نجفه ها تیز دارد و شده و که روز
از بین طلوع و غروب شمس بیرون آید، فقه شیعه آنکه
روز قیامت برابر هزار روز دنیاست یا آنکه یا چند
هزار سال، راه غیر تراست یا آنکه یا هر روز خداوند
تعالی در یک شانی است؟ این روز را که خود شما
چیزی از روز شب معروف و معلوم ندارید، نیز نیست
قدرتها و حکمتهای حق سبحانه و تعالی در هر روزی بلکه
در هر لحظه و هر لحظه در هر ذره ذره بدیگرشان
و دیگرالوان ظهور یافته بیند. تغییر هزار چیزها بین عادی
که بعد از نصف دقیقه دیده نمی آید نیست بلکه تشخیص نموده شود
و هم چه حاجت؟ هر گاه چیزی که بیان آن روز الفظ
میشود عبارت از بین مدت طلوع تا به غروب یا
طلوع تا به طلوع دیگر باشد، سفر تکوین، الخلوقات تورات
شریف از خلق نمودن خود آن روز، در یک روز
چنان خبر داده می شد؟ از خلق شدن خود روز
در یک روز چنان معلوم میشود که مخلوق مذکور بعد
روز چرا به مدت خلقت خود ظرف زمان میشود که
در آن حق تعالی خلق فرمودن ظرف پیش از مظروف
خود را لازم می آمد، حال آنکه در تورات شریف
خلق آفتاب و مهتاب و ستاره ها در روز چهارم
بیان فرموده شده که این هم مخلوق شدن مظروف
پیش از ظرف لازم می آید. لهذا روز عبارت از بین
مدت طلوع و غروب آفتاب گفته شد.

حالا نظر بر تغیر و تبدیلی که وقت و زمانه که
به اصطلاح تورات شریف روز گفته شده و آن
وقت و زمانه در اصطلاح فرنگ (ژه ئولوژی)
یعنی علم طبقات الارض) دور - یا مدت - گفته
شده است، دهر روز تورات شریف با یک
طبقه از طبقات زمین که یک دور تغییر شده قیاس
می آید.

حالا یک قدری از شش طبقه زمین و شش
روز سفر تکوین الخلوقات که تا یکدرجه ظهور یابد
تطبیقات آن کوشش ورزیدیم حکایات عقلیه
فلسفیه را نیز اجرا کرده و در باب تاریخ کرهٔ زمین
ختم کلام مینمائیم.

علم طبقات الارض روز اول، الطبقه نخستین

زمین که (بنا بر اهل فلسفه) زمین است - یعنی
(مدت خالیه) اختیار میکند که تا تورات شریف
نیز از هر چیز خالی بودن آن وقت زمین را (شعار بیقرار
و بیشه خلق فرمودن و دستی و تاریکی نیز در آن روز
بیان شده و خلق شدن آفتاب و مهتاب و دیگر
اجرام سماوی در روز دیگر روز گفته شده و نیز تمام این
مطابق است. زیرا برای موجود بودن روز مخلوق بودن
آفتاب لازم نمی آید چنانچه در روزهای ابر دانه
با وجود یک روشنی روز موجود است. ولی آفتاب
پدیدار نیست. و هم اگر یک قدری بغور و دقت تحقیق کرده
شود قطعاً معلوم می شود که همچنین باشد. زیرا در ابتدای
خلقت کرهٔ ارض هنوز یک آتشی جوالی بود که هوای
محیط آن عبارت از یک بخار رقیق غلیظ و کثیف بود
پس در آن حال محیط از میان آن کثافات حقیقه بخار برابر
آفتاب دیده نمی شد. و لی روشنی روز و تاریکی
شب موجود بود. و از همین این دور تا به دور دوم
که روز جدا کردن آبهای طرف زیر را از طرف
بالا و اسمًا خلق کردن آسمان است زمانه ای
بیشماری که در روز مذکور و عبارت از همان دوریست
که (ژه ئولوژی) آنرا (مدت خالیه) تعبیر نموده
است.

روز دوم همان دور دوم (ژه ئولوژیست)
که آنرا فرق مذکور (مدت سیلوری) گفته است،
و این دور بسبب زیاده تر سرد شدن و منجمد شدن
قشر زمین بخار محیط آن به آب تحویل یافته یکبارگی
بر کرهٔ زمین ریخته است. و چون در این دور هنوز حرارت
زمین بدرجه که آب را محافظت کند نبود آبها یکبار
روی زمین میریخت از بخار تحویل یافته بالا صعود میکرد
و این دور بارها طوفانهای طوفانی بر قشر زمین بوقوع
آمده و زلزله های شدید و پستیها و بلندیهای
بیشمار بوجود آورده و موجب سردی و دستبرد
قشر زمین شده. و در قدر قدم کم کم بر روی زمین
ایستاده شدن گرفته است.

روز سوم همان دوریست که آبها و خشکها
بوجود آمده، حیوانات بحری پیدا شده و نباتات
روئیده و روی زمین زیاده تر دستبرد حاصل کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 253 of 1786

دلی باز بجز آہ و حسرت و ندامت چیزے دیگر بدست نیاورد و خود را خاسر و مفلس یافت و بعد ازیں طبقہ ناخلف تاریخ نگاشتہ گردید و در زمرۂ نوآموزی امت درآمد و سے محسوب است ۔

دوز چہارم بیان دوریست کہ ذرہ ذرہ سے آثار (مدت کاربون) گفتہ است ۔ و درین دور بسیبی کہ زمین خوب سختی و سردی پیدا کردہ و بخار و تالابہا و جنگلہا بوجود آمدہ و ہوا ہی محیط کرہ زمین گردیدہ آفتاب از یک کتلہ عظیم گیتی و خاکے کتلہ کثیف مرکب بود آہستہ آہستہ ازان خلافت و کثافت برآمدہ آفتاب و مہتاب و دیگر اجرام سماویہ پدید آگردیدہ است کہ باینصورت روز چہارم سفر تکوین المخلوقات تورات شریف تاویل حسنی و با تطبیق فن حاصل میکند ۔

روز پنجم سفر تکوین المخلوقات یا (مدت رابعہ) فرق ذرہ ذرہ توئی مطابق می آید کہ درین مدت حیوانات لطیفہ الجنس و نباتات متنوع و بسیار بزرگ جثہ کے وغیرہ خلائق خوش الحان و طیور خوش رنگ و خوش نوا ہستند ۔

روز ششم بیان دوریست کہ حیوانات پستاندار پیدا شدہ و حیوانات قوی الجثہ پیشینہ کہ دائرہ اعراض با فتہ جای آنہا را حیوانات کوچک و خرد جثہ گرفتہ است کہ در آخر ایں نوع شریف انسان نیز بظہور آمدہ و درین مدت عظیم است خدا عز و جل ۔

ایں است کہ در باب (تاریخ کرہ ارض) ایں قدر اطلاعے معلومات پیدا کردہ توانستیم ۔ و ایں را ہم بجز تخمینہ و حساب سالہا و عصرہا و دہرہا و دورہا نمیتوانیم گفت ۔ و ایں یک دور نامحدود و غیر محدود بجز جناب خالق کون و مکان جل و علا دیگر کسی نمیداند ۔ تعالیٰ ثم تعالیٰ ۔ ثابت شدہ کہ تنہا تبدیل یا تغیر حال نباتی حال فوق بحری ہزار ہا ہزار سال موخر است ۔ پس برائے تقدمین معلومات بشری اعتراف ۔ و بر عظمت و قدرت و یکتائی خالق علیم الشان اقرار دل و زبان نمودہ از قول شاعر میگوئیم کہ :

از آغاز و از انجام محمد ان بیخبر ہم
اوّل آخر ایں کہنہ کتاب آخر ہست

[انتہا]

مواد عسکریہ

مابعد از نمبر ۱۷

حق سبحانہ و تعالیٰ کہ پیشین از صد ہا سال قبل ازیں خبر داد است

صورت تخلصیت کہ از ہا ہیں ایران (مصر) و انگلستان و (۱۹۰۵) ایطالیا و ہنگری و ایران و ۱۹۰۶ روسیہ با یکدیگر دست

مسئلہ ۱

[illegible]

مسئلہ ۲

[illegible]

مسئلہ ۳

[illegible]

(۱۷ مئی ۱۹۰۶)

عالم ہائے ژاپان

[illegible]

[مابقیش در نمبر آئندہ]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 254 of 1786

قصیده

از ناوک جمع گهرفشان شاعر شیرین زبان طاهره العلی المتخلص بقرة العین
در کیفیت بعضی منازل مشقات پیشه به عمل

ای بشیر بین کی در جهان آفاق مثل — دولت قدمگذر دهشت نشان فضل
تیغ کاهیز دشتنام تو بشیر بیت — نصرت ما زعنان چون فاتح مظفر
شه جهانی که نهالت بیرق و بیکتب — زمین بوسش خاب پریده اسپهبد
بنده بین عسکر ده طومار بگو — میکنه زلف درازت چو دستور گل
چشت از جان بی جسته چو خواهد آخر — دل و دین بردز دستم بیگاه دل
از دم تیغش تو بیرون نرود تا بابد — این عجبین کنه و بنام تو شد زاده دل
ای فرخال برای تو نویسه تقویم — اشک خونین کرکنه صفحه رو چهل
ای دست سنگلب ای شیشه شادی عاشق — جان من تا کی این سنگ گرانی بیدل
هر دم اسی دهد از شی غلط مشکین چوده — آو کجین آینه جز تیغ ندارد بمقتل
هست کوتاه چرا دست من از دامن تو — گرورازدست سر زلفت الفضل
خیز تا شهر بروی تو نسازد روشن — میکنم سیل بنیم بیاد و جوان محمل
میشمارند عزیزان بمقدم سحر هلال — گشته تا شوخ تو ای چو تو زخم خوش
دیده ام هر دو ی گناه بکی این بهاد — یک بر گلشن بکی ماه و دو چند اول
از خط عنبر سرشت خوبیم در ان — تا به او شرح غم خویش نامیزد اول
از زبان تو چه گویم که چه بیسیج — پیچ خفته و سخن گرد و بهیچ
با وجود تو سخن گفتن ما هیچ — خفته طاعات ی سنده ی هیچ
قوم بی باد سپر با بی مقتل کرد بود — ظاهر و باطن این قوم هم پرازکر و دغل
نوبت چند شد این قوم مخالف با ما — کس نبرد از دل این قوم خدا بیرون
مردم و مسکن این مرحوم نامردم دنیا — وحش چند و حیال دو سه پیچ و مغل
سر بصوق فلک برشده کوی ترسا — یک هر کوه ز اشجار سرا پا جنگل
گوش کن قصه این قوم بغاوت پیشه — تا بتفصیل کنم شرح و بیان این مجمل
شاه هم جاه فلک قدر (سراج الحق) — آنچه دست از جهت تاج گرانبار اصل
یافته چون این همه از شوم بغاوت دو سه — چون دماغ همه از نخوت فرسوده دغل

فاجعه های پاریس

مابعد از نمبر ۱۷

— چه میخواهید بدانید ؟ [۲۰۱۸ بقیه ۱۰۱]

قلم تیلد با یک صدای لرزان و پستی که باز هم یک قدر آمرانه از آن معلوم می شد گفت :

— برجا بنگرید به (باد گل و دو خوب) خبر به بید که (قوتس دورنداک) از شما آرزوی آمد او را دیدن کرده اند و بحضور خود قبول کنید .

خه جگار چون این عبارت (قوتس دورنداک) را شنید بقدر یک چند ثانیه کیف خود را محکم نگاه داشت . تا بعد از آن چون دانست که در پاریس از بیگانه نگرانی و خوشان را به ایگونه نامها بیگانه به بند کم نیست قلم تیلد را مخاطب نموده گفت :

— این خبر داون و فیفه من نیست . اگر ۱۰۱ ام نوتس درخت بمن بیاید که به ترا و خه جگار او نامی حضرت مارکی برشتام نامه بدو آورده بود .

این را گفته پیشتر روی قلم تیلد افتاد . و بر زینه بالا شد از گلشن یک کوچه دیگر پیدا و قریبی که چوب امی دو دیوار آن از چوب آبنوس و در همین آن با طاق ترین قالین ها فیلد فرش شده بود در آمد . و در آنجا دگه یک زنگی را فرو بر دالهام از پشت یک پرده که بالا شد یک خه جگار منظم قیافی که سر تا پایان بس سیاه پوشیده و بر دست دکف و کلاه و سینه پیش خیلی سفید و دستمال کرد پیش نیز سیاه بسته بود پدید آمد گردید و بجای رسمی قیافت دون ، دو باز سوی خه جگار نظر کرد و بشت و حرکت سر رفیق خود را استجواب نموده رفیقش گفت :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 255 of 1786

ادبیات

غزل

ترقی

علم است کہ ہمو وہ جا راہ ترقی
علم آمدہ مخصوبہ دلخواہ ترقی

بی علم و ہنر نیست ترقی بہ دو دنیا
از علم بجز میرسے جہ راہ ترقی

جہان علم و جہد کتب داد لاد وطن خون
جہل است مرضہای جگر کاہ ترقی

از طوطی و کتب بوطن نام نبودے
گر لطف نبودے ز شاہ ترقی

این عصر سراج است کہ ہر سو شدہ روشن
از پرتو خورشید و جون ماہ ترقی

از جہت شہ دولت و جہ رفت افغان
چون برق ز ابر است بشہر راہ ترقی

(محمود) ز اخلاص دعا گوید و خواہد
عالی شود این ملک ہوا خواہ ترقی

گر آن بچہ پریشان جو ہوس عاشق — بفریزد و سد آن سلسلہ و دلبر جعد مجعل
سد صد رخنہ طرفست از غم عشقش — خوب دیدہ طاقات ہوسہ مجعل
دیگران را تحف آرائند و ارباب نظر — سینہ از آتش دل تحفہ بیاران بتقبل
جنگ ابہت خود نزد و ان در دگر — دفع بیاران بنہاد نزد باد تفضل
جرگشت بصد ناز گریزان از کوہ — ہم سینہ کہ بفریاد گریزد ز جبل
چارہ خویش ندیدند دگر جز گریز — گر پرسی زنشستم کہ گریزند چہل
خود را یار دلبین فوج جگر دوز بدید — کز خانہ بیرون شکیبہ خود را بجدل
ہر ماند نہ بیم سر و جان ستان بل — چون دان کوہ گرفت بانگ بجل
بال شان صرف ابہراش و پران گل — این دو جانکی چو فرو شد بمحل
آخر ای خانہ خرابان جگر خانہ بلی دگر — خانہ ویران شدہ و اقبال بدو بار بجل
چون گریزند ندیدند جز از تسلیم — تن سپردند ز تدبیر جتہ بر ازل
جواز مجلس تقصیر رسن در گردن — دز پی خود رہا ہی ہمہ قربان بجل
عقو خواہند ز شاہ ملک لبوان گل — عفو آرند پیش شہ خورشید بحل
آنکہ در عصر دین عصر نداد و ثانی — آنکہ داد و ہست خداوند بداد عدل گر
شاہ آفاق ستان آنکہ بہر گہ ہست — دہش فتح خداوند جہان خرد جبل
نصرتش یار بہ بر دشمن این دولت — دولتش یار چو دین خوبتر از جملہ دول
شد مطول سخن مختصر ای طبع روان — گرچہ خود خیر کلام آمدہ و قل و دل
تا گفتہ است بایں مطلع چنین شعر بلند — دچنین قافیہ سخت کہ گوید بدل
کو بود بہتر از طرح قصاید چو سن — کیست مرد از چو من باخبر از فن غزل
زد آن چنین فن تمام است و ات بس — کہ ہمیشہ از لطف کلامش بہل

مدعی کیست کہ خصم تو فی (مستغنی)
لیکن طبع گہر خیز دین دور و بش

— ہوسیو (ژوزوف) شما بایدی این ہا دام خواہ بود ؟

ژوزوف کہ از حرف نگار او دلش بجای آمد نظر تبلد را یک نظر دقت معاینہ کرد و از مضمون پرسش سوال کرد و جان آلی گرفتہ نگار اول گرفتہ بود او نیز گرفتہ گفت :

— نیدا ، اگر آیا مارگی در خانہ است یا نیست ؟

— لطفاً تحقیق بکنید ہوسیو .

— آیا دام کہ تو نمی یک کارت دیزیت خود شما مہربانی میکنند ؟

— کارت دیزیت ندارم ، نام مرا کہ بگویند کفایت میکند .

از کارت دیزیت تو بخشش دن ژوزوف نظیر برگ

بود ن او اگرچہ حکم خود و لی قبول کردن و نگردن او را بسته خود حل کردہ نتوانستہ یک آرام چوکی پر قیمتی بزرگی راست ن دادہ دہنشستن اشارت نمودہ خود برای خبر دادن باز دربانی پرداہ غایب گردید نگار دیگر نیز کہ ای خود بسوی خود نمود .

نظر تبلد یک صورت بیہوشانہ پر چوکی خود را انداختہ در حال نشستن کہ تا ہی ، دانش نزدیک بضعف بود و در اتیکن رہا خود . بعد از یک کلی کہ ہوسیو ژوزوف براہ و پہرہ داشتن آمدہ بیشتر دیر بہا بیش یک تبسم دلچسپ آشنا یان بود و گفت :

— ہیکو بندہ گارگی رو موقوب از شرف شناختن بادام تو نمی دود از اقبال محروم است .

[باقی در نمبر ہای آینده می آید]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 256 of 1786

نامورانِ نامِ جهان

مابعد از نمبر ۱۷

وقتیکه این خبر در مرو منتشر شد و اصل جمع مبارک بنوی گرم بقلق آن فرزند نوی شرف صدور یافته بدلالت و رهنمائی (آزاد) وسعی و غیرت حضرت فیروز دیلمی وجود آن غیبت گزاب از نظر دنیا مستور و شد.

آذرمی دخت — دختر پرویز است که از پدر شاه ساسانیه بود. در زمان حضرت پیغمبر آخر زمان صلے اللہ علیہ وسلم بعد از سقوط (خسرو پرویز) نام پادشاه وقت ایران بلوس نمود و حسن و جمال بسیار با کمال را دارا بود. عقل و ذکاوت بسیار داشت ملکه خود را بسیار خوبی و درستی اداره کرد. حتی که از برای خود گرفته بذات خود بصنایع امور پرداخت (فرخ) بن هرمز که از طرف او در (خراسان) والی بود پسر خود (رستم) را بجای خود قبول گذاشته برای سلام و تهنیت جلوس بحضور ملکه آذرمی دخت آمد. و بچند بار با خاتون بحضور ملکه نیز ملتقی او را بر جگر خود. تاب و توانائی در خود محفوظ دید. از جمله از عشق خود ملکه آگاهی داده طلبگار بوده و چشم گردیده ملکه آذرمی دخت بفرخ که در آنوقت از نزدیکترین و مقتدرین بزرگان ایران بود پیغام فرستاد که (یک ملکه در زیر از دواج کسی در آمده نمیتواند ولی اگر مقصد شما جز آمیزش و وصال من باشد در همان شب بطلان جا بیابد) فرخ از عشق این وعده ملکه را یک شوق شهوت پرستی راست بحقیقت دانسته و در وقت موعود بجا معهود در وقت در آنجا بدر ملکه دو دقیقه حاضر باشش ایستاده بود و بجز و سیدن فرخ بقصر پیام فرستادند. رستم پسر فرخ چون از این ماجرا آگاه گردید برای گرفتن انتقام پدر خود از خراسان لشکر سوق کرده شهر بای قلعت که را ضبط و آذرمی دخت را با انواع عذاب بقتل رسانید. این بیان بسطی است که در زمان (یزدجرد) فرماندهان عسکر ایران بوده و بمقابل حضرت (سعد بن وقاص) رضی اللہ عنہ محاربه کرده است و در جنگ کشته شده است. — در بعضی تاریخها (آذرمی دخت) را آذرمی دخت نوشته اند.

[باقی در نمبر های آینده می آید]

علم ثروت ملت

مابعد از نمبر ۱۷

دعوت تجارتی شان آغاز کرد. و گرنه قاعده بر تقسیمات بیع حبشی ندارد. تعیین کردن حد و نهایتها نیز تا حال نیست کرده نشده. این مستثنا تا کی است؟ مشتری پیرسا قلتی و دون سا قلتی از عایست که بنده راحت خلق دارد. آیا حقیقت معلوم نیست که آیا بزراعت، یا بصنایع، داخل کردن آن لازم است؟ اگر پیشتر این حیثیات باشد، صنایع خرد شود یا نرخ از انها مس بیکه بگیرد والی می یابند. از یک طرف می بینیم که کسبیان، و دواش و از اصحاب صنایع ما نیز مشهور میشود. حال آنکه حقیقت برای زراعت خدمت بیشتر از دیگر طرف بزرگ. اما پنبه و کتان بیکار، و در ایران بسیار بهره می آورد. حال آنکه حقیقت برای صنایع اجانب کمتر مستعمل بوده. پس این مثال از رشته ارتباط، و ریشه و باقی گی صنایع چه بگر باشد معلوم میشود. خلاصه کلام بنا حال انسان از هر کسبیکه باشد بگر حداد، و مدوگر، و هر صنعت بدیگر صنعتی محتاج است. چنانچه بزگر برای حمل به آبادگر محتاج است همچنان، آهنگر گچ بر گر محتاج است. یک صنعت کرفصل عارض شود به دیگر نا تاثیر میکند. اگر دولی با قانون ثروت موجبه نسبت به استعداد، و خاصیت طبیعیه هر مملکت به اجرا شدن آید، و جمیع صنایع، و باداوران صنایع خرد با خاص بدان صنعتها نیکه بیشتر برای مملکت فایده دارد شده حاصل میشود.

فصل چهارم

عمل

شروع اول و خست اول بنیاد دستهٔ استعمال ثروت است، یعنی کوشش و عمل یعنی کار کردست.

[باقی در نمبر های آینده می آید]

جمله مضامین با کیفیه و مستند دارد و از طرف سر محرر تحریر یافته مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام حاجی ملا فاتح پسر ملا خان محمد خان مرحوم در مطبعه سراج الاخبار افغانیه کابل بطبع رسید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 257 of 1786

بکران

ایشیک آغاسی ملکی حضرت پادشاه

علی احمد

قیمت سالیانه

در دارالسلطنه کابل ۸ روپیه کابلی

در ولایات و خطه مملکت با اجرت جاداک ۱۲ روپیه کابلی

در خارج مملکت با اجرت جاداک نیم پوند انگریزی

قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

مدیر و سرمحرر

محمود طرزی

اداره نگار و مطبعه

در عقب خانه دارالسلطنه کابل

هذا امورات تحریریه باداره نگار

بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ قمری ۱۵ رجب ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی اول جولائی تاریخ شمسی ۱۰ اسد ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

ترقی پروری اعلیحضرت پادشاهی — حوادث داخله — خارجیه

مقاله مخصوصه — مقالات علمیه — سوانح عسکریه —

عالم اسلام — ادبیات — ناموران زمان جهان —

عرضداشت ها — خاتمه امای پاریس

ترقی پروری اعلیحضرت پادشاهی

بر هر یکنده ری بدیده انصاف و یک نی بنظر حقیقت بینی احوال ماضی و حال خود و مان نظر کنیم چنان ترقیهای ظاهره و عیانی در احوال خود و ملک خود می بینیم که از حیرت بحیرت می افتیم، و از شکرهای بشکری متر نم میشویم. از بسیار دور و قهقرا بحث نمیکنیم. تنها از همین چند سالی که خود بچشم خود دیده ایم یک شمه بیان کرده میخواهیم.

در سنه ۱۳۲۰ هجری بنابر بعضی امور که از طرف ذیشرف اعلیحضرت (صراج الملة والدین) پادشاه بزرگ عدالت آئین مقدس ما اعلان گردید. بعد از غربت بیست ساله از شام شریف بوطن عزیز مقدس خود احوت نمودم

نمبر ۱۹ سال یکم صفحه ۱

بکران

ایشیک آغاسی ملکی حضرت پادشاهی

علی احمد

قیمت سالیانه

در دارالسلطنه کابل ۸ روپیه کابلی

در ولایات و خطه مملکت با اجرت جاداک ۱۲ روپیه کابلی

در خارج مملکت با اجرت جاداک نیم پوند انگریزی

قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

مدیر و سرمحرر

محمود طرزی

اداره نگار و مطبعه

در عقب خانه دارالسلطنه کابل

هذا امورات تحریریه باداره نگار

بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ قمری ۱۵ رجب ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی اول جولائی تاریخ شمسی ۱۰ اسد ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

ترقی پروری اعلیحضرت پادشاهی — حوادث داخله — خارجیه

مقاله مخصوصه — مقالات علمیه — سوانح عسکریه —

عالم اسلام — ادبیات — ناموران زمان جهان —

عرضداشت ها — خاتمه امای پاریس

ترقی پروری اعلیحضرت پادشاهی

بر هر یکنده ری بدیده انصاف و یک نی بنظر حقیقت بینی احوال ماضی و حال خود و مان نظر کنیم چنان ترقیهای ظاهره و عیانی در احوال خود و ملک خود می بینیم که از حیرت بحیرت می افتیم، و از شکرهای بشکری متر نم میشویم. از بسیار دور و قهقرا بحث نمیکنیم. تنها از همین چند سالی که خود بچشم خود دیده ایم یک شمه بیان کرده میخواهیم.

در سنه ۱۳۲۰ هجری بنابر بعضی امور که از طرف ذیشرف اعلیحضرت (صراج الملة والدین) پادشاه بزرگ عدالت آئین مقدس ما اعلان گردید. بعد از غربت بیست ساله از شام شریف بوطن عزیز مقدس خود احوت نمود

در سال دوم جلوس میمنت مانوس پادشاه محبوب القلوب مابود. حالا نظر خود را یکقدری جمع کرده و آهسته آهسته بحال احوال رفته بدرجه یاد داشته و گیفیاتی خود و ملک خود را بنظر بصیرت کرده این کوشش پیوسته نیم، و با احوال سال گذشته حال را تا یکدرجه مقایسه و تبیین مینائیم:

در آنوقت اگرچه بعضی ظاهراتی عالی نو بنیادی که قبل از ورود از دارالسلطنه کابل موجود نبود، بعد از ان بوجود آمده بود، چنانچه انظار وقت میشود، ولی تعداد آن محدود، و طرز بنا و معماری آن با وجاهت، و شوکت، و عظمتی که دارند بعمارات جدیده فرنگ و شرق مشابهت میرسانید. ذات اعلیحضرت پادشاه ولی نعمت ما از آغاز جلوس همایون شان در خصوص تعمیرات عمارات مملکت همت بلیغ همایونی را بکمال جدیت صرف فرموده و در وقت حاضره خواه در دارالسلطنه و خواه ولایات بر سبی عمارتهای عالی بسیاره، و نقشه‌ای طرز جدید کسب رونق و عمارت نموده است.

در اثنای بنا و اصلاحات تعمیریه گاه در عصر ترقی عصر اعلیحضرت شهریاری بطور پیوسته بلدات اقلیمیه (برج شمالی) بیک طرز بسیار عالی و نقشه‌ای تعمیر از بین بافته، و ابنیه‌ای نشین و منظر و برج‌های صفا نما من آن بیان وضع طریف معماری و اتقان صنعت و تزیینات صنعت کاری اظهار و زینت آثار گردیده که هر ارباب بصیرت و اصحاب بصیرت را حیران مینماید.

بعد از برج شمالی (گلخانه) شاهدات که پیش روی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 258 of 1786

جهت شمالی دیده‌ان ارگ نیاوران بنا یافته است. این محل از جهت شمال یک محل تنه است که از هر طرف باد و هوا تماشا می‌آید و خوب است. و یک قصر شاه‌نشین بسیار عالی با همه نوع اثاثیه و تجملات آن محل‌ها می‌باشد. خواه در زمستان و خواه در تابستان و همچنین یک محل تنه نشاه‌نشین جداگانه

در مقابل این محل شاه‌نشین یک ایوان جامع بسیار عالی و خوش‌نما بنا یافته که از آب و هوا و قسم سفلی رودی و باغ‌های آن از سنگ‌های بسیار اعلای سفالی که با نقشه و موجاهای خیلی قشنگ و غریبی خلقتاً آراسته شده و از همه تماشای خود اطاقستان است زمین باغ و زمین محل آن با سنگ‌های مرمر سفید فرش کرده و آن از سنگ بسیار اعلا است. سقف و دیوارش شده و تماشا می‌باشد. و در وقت لزوم جهت محل مبارک با قالیچه‌های بسیار اعلای فرش می‌شود. و همیشه‌ها با قالیچه بسیار نفیس و قشنگ فرش می‌باشد.

از جمله بناهای شوکت عنوان جلوخانی که مقام با عظمت سلاطین عالیشان است. این ایوان عظیم بسیار بسیار بلند و رفیع است و در باغ ارگ مبارک بلندتر از همه بناها می‌باشد. و همه اطراف و جوانب آن اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره بسیار بسیار عالی و مرتفع بنا یافته است. و در باغ ارگ مبارک بسیار نفیس و قشنگ و با صفا می‌باشد. و آن اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره از سنگ‌های بسیار اعلای سفالی که از جهت خوبی و جنس و صفا و لطافت بی‌نظیر است بنا یافته است. و در همه اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره سنگ‌های مرمر سفید فرش شده و تماشا می‌باشد. و در وقت لزوم جهت محل مبارک با قالیچه‌های بسیار اعلای فرش می‌شود. و همیشه‌ها با قالیچه بسیار نفیس و قشنگ فرش می‌باشد.

از جمله بناهای شوکت عنوان جلوخانی که مقام با عظمت سلاطین عالیشان است. این ایوان عظیم بسیار بسیار بلند و رفیع است و در باغ ارگ مبارک بلندتر از همه بناها می‌باشد. و همه اطراف و جوانب آن اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره بسیار بسیار عالی و مرتفع بنا یافته است. و در باغ ارگ مبارک بسیار نفیس و قشنگ و با صفا می‌باشد. و آن اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره از سنگ‌های بسیار اعلای سفالی که از جهت خوبی و جنس و صفا و لطافت بی‌نظیر است بنا یافته است. و در همه اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره سنگ‌های مرمر سفید فرش شده و تماشا می‌باشد. و در وقت لزوم جهت محل مبارک با قالیچه‌های بسیار اعلای فرش می‌شود. و همیشه‌ها با قالیچه بسیار نفیس و قشنگ فرش می‌باشد.

از جمله بناهای شوکت عنوان جلوخانی که مقام با عظمت سلاطین عالیشان است. این ایوان عظیم بسیار بسیار بلند و رفیع است و در باغ ارگ مبارک بلندتر از همه بناها می‌باشد. و همه اطراف و جوانب آن اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره بسیار بسیار عالی و مرتفع بنا یافته است. و در باغ ارگ مبارک بسیار نفیس و قشنگ و با صفا می‌باشد. و آن اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره از سنگ‌های بسیار اعلای سفالی که از جهت خوبی و جنس و صفا و لطافت بی‌نظیر است بنا یافته است. و در همه اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره سنگ‌های مرمر سفید فرش شده و تماشا می‌باشد. و در وقت لزوم جهت محل مبارک با قالیچه‌های بسیار اعلای فرش می‌شود. و همیشه‌ها با قالیچه بسیار نفیس و قشنگ فرش می‌باشد.

از جمله بناهای شوکت عنوان جلوخانی که مقام با عظمت سلاطین عالیشان است. این ایوان عظیم بسیار بسیار بلند و رفیع است و در باغ ارگ مبارک بلندتر از همه بناها می‌باشد. و همه اطراف و جوانب آن اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره بسیار بسیار عالی و مرتفع بنا یافته است. و در باغ ارگ مبارک بسیار نفیس و قشنگ و با صفا می‌باشد. و آن اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره از سنگ‌های بسیار اعلای سفالی که از جهت خوبی و جنس و صفا و لطافت بی‌نظیر است بنا یافته است. و در همه اطاقات و دالان‌ها و پله‌ها و غیره سنگ‌های مرمر سفید فرش شده و تماشا می‌باشد. و در وقت لزوم جهت محل مبارک با قالیچه‌های بسیار اعلای فرش می‌شود. و همیشه‌ها با قالیچه بسیار نفیس و قشنگ فرش می‌باشد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 259 of 1786

[illegible] بهای تمام صنعت از [illegible] [illegible] [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 260 of 1786

حوادث خارجیه

احوال سیاسیه

اگرچه ماه یک نوشته جراید دنیا اخبار مهمه سیاسیه نرسیده و سیاسیات عالم مطلوبات خلق نیستیم ولی مثل مشهور است که (با همین چال را بهتری چند) علی الحکمه بعض مذکرات را قلمی میکنیم.

یک وقتی بود که سلاطین بخشایش و دولتهای بزرگ ساختمان دنیا هر سو بالا رفته بودند. اگرچه دولت عثمانیه تقریبا بیست سال پیش آثار انحطاط و فقر مالی بسیار بر جسته داشت و فرمایشهای تواگرتین دنیا را داشت (هند و ستان) (استرالیه) (کانادا) (مصر) (افریقای جنوبی) (جبل طارق) (قبرس) (عدن) و غیره را دارا بود که دیگران هیچ یک از این حسنات شان بهره نداشتند از این گونه نقطه های نوشکوه و دلچسپ فرمانفرمای تاجداری شاه نامدار اسبق ما بسیار بود و چنین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 261 of 1786

یک آیینه نمای تو، در ساحتش صیقلات برادرانه خیر خواهانه برادران دین بهستان زمین را باشان میدهد، چون صفحات ماگوشه درج بر آن نگاشت پیشتر از ان القفا در زبریم

افغانستان

چونکه مسلمان مسلم خداوند کریم ما را برشته (انما المؤمنون اخوة) منسلک ساخته است — و بهمین سبب اگر کدام مسلمان ساکن جهین مستقلی در دو گلوب بیشه مسلمانان اورپه در جهاد دنیا آرام میگیرد، اگر خبر ترقی یا راحت کدام مسلمان بورپ میرسد مسلمانان تمام دنیا مسرور و خوشوقت میگردد — الغرض مسلمانان کل عالم خواه سفید رنگ باشند خواه سیاه رنگ و خواه از امریکه باشند و یا از اسیا افراد یک قبیله و یا اعضای یک جسم شمرده میشوند

و چونکه افراد یک قبیله نسبت با افراد دیگر قبایل زیاده ترقی دارد بهمین نسبت هم ترقی مسلمانان بر دیگران زیاده باشد بنابرین مسلمانان هند اگر از حالات مسلمانان همسایه افغانستان خود دل چسپی حاصل نمایند یک امر قدرتی است و بهمین سبب مسلمانان هند بسبب اشاعت یافتن سراج الاخبار افغانیه دار السلطنه کابل بنهایت خوشوقتی خیر مقدم آن کرده ایم

ا بنابرچه سبب ؟

صرف بهمین سبب که مدیر اخبار موصوف در برادران افغان روح ترقی دیده اری پیدا خواهد شد سراج الاخبار افغانیه در آنجا اشاعت علم خواهد کرد — اگر اولی افغانستان کرام علوم و فنون نیافته اند رهنمائی آنجا خواهد کرد و رسوم مخالف شرع و عادات که باعث جهالت در آنجا پیدا شده اند از دل آنجا محو کرده اشاعت اسلام رونقی خواهد کرد — یعنی اخبار موصوف خدمت مذهبی مسلمانان افغانستان هم خواهد کرد و نیز نکته های ترقی دنیاوی آنجا ظاهر کرده راه بسیه بودن زندگانی باوقت پیدا خواهد ساخت

الحمد

ما اسباب برآری آمید آنده فوق می بینیم — سراج الاخبار افغانیه مضامین هند پایه چنیده و اگرچه اخبار موصوف یک کلمن نوشته و بانگ است اما بلوای طاقت و تدبیر کار خود را بنهایت دستی انجام داده است و بلطف امرا فوق مطالعه اخبارات انداخته آنرا گرویده خود ساخت و امید است که آینه وصف افراد وسیع خواهد گردید — اما اگر باین وجه اجرای اخبار موصوف ممنون احسان حکمران پیدار مغفر اعلیحضرت سراج الملة والدین بادشاه وقت خلد الله ملکه و سلطانه

دیم مشکل کار ما سهل خواهد بود — که از حسن کوشش

شما و شان روشنی علم جلوه گر شده و آینده بهمین روشنی افتخار خواهد فرمود — انشاء الله تعالی — ما هم مبارکباد حضرت سراج و تاریخ علی افغانستان قابل تحریر یافته از دیانت و اسلوبی آینده و اسم مبارک حضور سراج بنهایت ادب و تعظیم یاد خواهد کرد، و همین کوشش ما را که اعلیحضرت شما و شان مخصوص ترقی علوم و فنون افغانستان می نمایند به نظر احترام خواهند دید و اعلیحضرت سراج بنظر خدا و خلق خدا اظهار خواهند گشت چرا که از مبارک شان در ادا نمودن فرایض خصوصی شما از شان اعظم است

افغانستان بچه طریق ترقی کرده میتواند ؟

ما در این مقاله گذشته تحریر کرده ایم که راه های ترقی اسلام در این عصر را کجا خود را مسلمان پخته بسازند و قرآن مجید را بطور بسیار خواسته و بر احکام آن عمل نمایند — نکته های دقیق قرآن شریف را بحدیث های رسول مقبول صلی الله علیه وسلم حل کنند — و بسبب جهالت و اختلاط اقوام دیگر رسوم زشت و عادات بد را که ازما جدا شده بکلی ترک دهند و فکر کنند که آن کدام چیز بود که اسلاف ما بران عمل نمود و بر باهم متفق بسیه بودند و بسا قوی عالم گفته می شدند — و بکدام اسباب بود که ما بنا بود و بیداد ساخت و از هم جدا شده افتاده است — و در قرآن شریف و حدیث نبوی کدام اسباب مذکور شرح داده نوشته شده است اما افسوس که ما بطرف آن متوجه نمی شویم و آنرا ترک داده اسباب تباهی خود پیدا کرده ایم — اما از این امور ها در معراج الاخبار

جناب فخر و حسرتی صاحب

از این واقف می باشند مدار شیخی شده است بسیار

اول (علم و اطلاعیت) که از قلم پر زور شان تحریر یافته اگرچه مضمون مختصر است اما بر حسب حالت علمی افغانستان ما مضمون مذکور را قابلیت میدانیم

موجبات واقعات هولناکه در روسیه

در شماره سابق خود از گرفتن ایطالیا طرابلس را و در شماره (دوازده) روسیه نوشته بودیم کشتیهای جنگی ایطالیا بی باکانه بر یک قلعه سنگ و بیان مقرره و مشابهت مدیترانه از جهات ثانوی التعیشن یعنی جهاز آتی گرم بشکه و هر یک زنده گانی نتوانند نیست، تنها در آنجائیکه نزدیک ساحل باشد تقرب نتوانند و بجز آنکه از آب بر کجاهای ساحل بقیمت هلاک میشوند

دولت علیه عثمانیه، چون از قفا و حرب بیدانست که (روسیه) بوقت کشتیهای ایطالی خواهد شد از آنرو باوجودیکه اکثر اهل جزیره و از قفازی و دوم بودند بسیار بنهائی هم قرب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 262 of 1786

به دو صد هزار لشکر نظام و ... چه خانه سپاه و دیگر لوازم ... حربیه را در نظر حاضر کرده بود ... اول حمله اگرچه ایطالی بقوت دسته های کشتیهای جنگی بر ساحل رود دوسس [Dussens] را طی نموده سپاه و لشکر بیرون برده و ضبط کرده ... ولی چند نفر مامورین دیگر طی را اسیر گرفته ... ولی توانستند نظر خود را در یک موقع سپاه ... را طی که پیش از این نقشه و طریق آنرا حاضر کرده بود تعقیب کرده و علاوه بر طی کردن نقطه مذکوره بقدر پنجاه هزار نفر سپاه جرار و نیز مسلح خود را بیک چهار سپاه رسانده و پنجاه هزار نفر ترتیب داده و طی کرده ایطالی را چنان شکست فاحشی و چنان مغلوبیت مدهشی داده چاد گرفتند که ... هزار نفر کلی و قطعی شان هیچ گفتگوئی نماند. بقدر پنجاه هزار نفر اسیر و صد و پنجاه توپ در میدان محاربه گذاشته و زیر حمایت کشتیهای جنگی خود شتافتند.

از انجمن دانش فرانسوی

انجمن دانش فرانسوی در پاریس پاره ای وقت جرمن خبر بیاورد در مجلس عمومی آنان قانون نامه ... کردن قوای عسکریه به اکثریت آرای حاضرین قبول گردید. نظر به این قانون نامه ... حضر طی و هزار عسکر ... بر اصل قوت حاضره جرمن گردیده خواهد شد.

در مجلس مذکور خطابه ای سپاهی گفته و خوانده شده است ... از جمله یکی از رؤسای فرقه (لیبرال) که موسیو (یاسمران) نام دارد به این مضمون یک نطق بیان کرده دست را نهای شنیدن سپاه را در دوره آتی امر دهم بوقوع آید است:

«رقیب ما می باید بداند که ملت ما ... یکدل و یکجهت داعیه خود به افراد ... دارد و دین قدرت عسکریه خود معنی عزت میبیند و سبب بقای این نیز امر سیاست دولتی افراد ... است.

(... دوستی ما) چنان یک قوتیست که هیچ زمان به دوام ... خدمت خواهد کرد. و لیکن اگر ما را ضرورتی بشود هیچ شبهه ندارم که این ... دوازده یکسر سپر منزل مقصود و مقصد خواهد بود.»

باردون مارشال

باردون مارشال یک مرد سیاسی مشهور دولت جرمنی است که در استانبول سفارت دولت متبوعه خود مامور بود این مرد بقصد ... انگلیز مشتهر است.

از برلین به اخبار (ماتن) جنوبیه: (باردون مارشال) از سفارت استانبول به سفارت لندن تبدیل مأموریت خواهد است. از شنیدن این خبر ... وقت تا لک سپاه را ... نظر نداشته ... در اینجا ... سپاه را ... (سپاهی) با ... دون ... سال یک ... سپاه ... به ... کرده است. ... ها ... این مقاله ... در ... جناب ... موسیو ... گویا این سفیر ... برای ... کاری در ... کردن مسایل سیاسیه ... که در وقت حاضر ... این ... انگلیز و جرمن موجود است مأمور شده است. آقایان ... که اسباب مخصوصه انگلیز را مشتهر یک دیپلوماتی حیاتشان مشهور به این نوع نطق نبوده سپر ده شده است تا که ام در پرده خواهد آمد!!...

دو حمایت فاسس

این یک معلوم است که حمایتهای خلیفه سلطان بر ... بقدر ... شیم شد و حمایت ایشان را قبول کرده و بر ... در زیر حرف فرانس پنهان ساخت. مردم مسلمانان انگلیز این را ... نداشتند. بر خلیفه فرانسویان اعلان جهاد کرده سپاه از عسکر فرانس را در ... (فاسس) تعلق سپاه ... مقاله را ام مهور زده ... دشمنان دین گردن گشتگان عسکر فرانس مخصوص ... اجرای شد از طرف جنرال (مورتی) فرانسوی یک نطق سپاه را دل فراشی بیان کرده بعد از ان از طرف سلطان فاس (انگلیز) ها مورد زبان یک نطق سوزناکی در حق کشتگان عسکر فرانس بیان کرده است که جنرال مورتی اگر نکو یه حق دارد. اما نطق جناب مولای (خلیفه) یک مرثیه عبرت آور و فراست پرور ... که درج از مناسب مصلحت عبرت خواهیم دید.

ترجمه نطق سلطان مراکو

... یه دستانی که از ظفر ما غایب شده و به ... و بالطبع بیاد ... یاد آوری اخوان همسلک شما را بوطنی که کثرت ... در میان ... دوام در ... باشد ... اگرچه خود شما ... دنیا ... مستغنی ... دعوی شما ... بیاد آمده گمان نمائید یک خود شان غیرت و حمیت ... سپاه را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 263 of 1786

خبر بدهید که از جزئیات قلب آنها و انتقامهای شما که حسینات غالبه محو میباشد مأیوس و نا امید شده است.

دیگر — مخبر محمد حسن (ساکن) از (قاسمی) از انگلیس بی‌سیم خبر میدهد:

احوال وخیم است. قبیله‌های (زاپان) و (زانور) برای هجوم بر (عین الاورنایه) حاضر شده‌اند. در اهالی بومی تلفات زیاده است. و در شهر غلغله جمع آوری میشود. بیسیم از تجدید اعلان جهاد کرده‌اند.

بیانات سپه پاشا

مخبر محمد حسن (خبار) (ساکن) از ملاقات خود که با جناب فخامت مآب سپه پاشا صدر اعظم دولت علیه عثمانیه کرده بتلگراف خبر میدهد:

سپه پاشا میگوید: علما آوری ایطالیا چه بر (روس) و دیگر جریده اثبات و قرار دولت فخامتمآب ایطالیا نمیدهد. ما صلح را به این شرط قبول کرده بودیم که حقوق پادشاهی بصورت نظری نی بلکه بصورت تحقیق شناخته شود. از ما جزیره دیگر گرفتن یک حیله است. زیرا ما صاحب جزایر مسلمان خلیفه خود شان مطیع و مربوط هستند.

دعوت نامه

مسلمان آن که در ممالک جرمنی متمکنند

در وقت بخطه دعوت نامه مطبوعه بعبارت عربی پاسپورت ذیل در ممالک جرمنی بحضور عالی شهزاده اعظم دولت علیه عثمانیه جانبین بسفارت سردار (عنایت الله خان) سپرده و از دوستی لطف و عنایت پادشاه جرمنی خواهش نموده اند که اگر مناسب دیده شود در جمعه آزادی صفوف اخبار اطلاع داده شود. دعوت نامه مذکور چون یک نمونه باهره جوشش و حرکت اسلامیه را نشان میدهد ترجمه و درج آنرا از شما بحضور عالی با تقدیم:

بسم الله الرحمن الرحیم

هزار هزار تحیت اسلام و هزاران درود و سلام بر حضرت خیر الانام بعد از تعظیم تحیت الاسلام برای خود و جمیع اخوان دین شما باد! چنین مقام از درگاه رب الانام میطلبیم و از قرار ذیل کیفیت سفارت عرض میکنیم: شما خبر دارید که حکومت ایطالیا ظالم بر دولت فخامتمآب که صاحب خلافت عظما و حامی حرمین شریفین است حمله و تعدی نموده و دولت خود را در معرض تلف آورده که بر ولایت طرابلس غرب در افریقا نمود و برچم کفران آنجا رفراخت. و بسبب همین جنایت اسلامیه یک امت واحده شمرده میشوند. دلیل اول خداوند تعالی که میفرماید: (انما المؤمنون اخوة) و قول حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم که فرموده: (المؤمن للمؤمن کالبنیان مرصوص یشد بعضهم بعضا) و از همین کرسی سلطنتی رحمانی که ما بر پا داریم و بر آن افتخار میکنیم چنانچه فرموده: (من اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم)

پس واجب قطعی است بر همه مسلمان که از بیان خدا و پیغمبر قیامت و ملائکه و کتب و رسل و دین و شریعت این تعدی را که بر برادران مسلمین وارد آمده و آنها گیر کنان و بال (۲) دلیل قول خداوند تعالی (وجاهدوا فی سبیل الله باموالکم وانفسکم) آیا کدام راه جهاد قوی تر از این جهاد باشد که دفع تعدی حکومت ایطالیا بآنها نموده طالمه را از برادران مسلمین خود بگیریم.

لهذا شما را دعوت مینمایم اولا برانکه معاونت برسانند دین عرب دولت خلافت اسلامیه بصرف مال و نفس هر کس بقدر طاقت و استطاعت خود زیرا این یک اعانه است برای برادران مسلمان شما و ثانیا مینمایم که هر گونه معاملات تجارتیه و معاشیه را با ایطالیا جائیکه که در ممالک جرمنی شما باشند و یا بیایند قطع نمایند. یعنی یک خرما آنها انقطاع کلی شود.

این است دعوت ما برای شما که بقوت الهی خود داشتیم از شما رجا میکنیم که این دعوت نامه را در ما بین برادران مسلمان شما که در ملک شما ست نشر کنید و نیز رجا میکنیم که در مسجد ها و اماکن این را نشر کنند تا همه برادران دین ما باخبر شوند و هم معلوم شما باشد که از این دعوت نامه بهر طرف عالم اسلامی فرستاده شده و ما منتظر یم که شما چه میکنید بوای مژده حسنه که شما را الهام کند بصدای لبیک و بشارت طلب ثواب عظیمی برای ادای این فرض دینی فقط

امضا

برادران دینی شما مسلمان جانبک در ایطالیا

سفیر جرمن مقیم هستند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 264 of 1786

در (توکیو) پای تخت دولت علیه (ژاپان)

که آفتاب بسیار رخشان شرقش اگر چه گرم رو است
یک اخباری بنام (اسلامیات فرایدی) که معنی اخوت اسلامیه را میدهد، از طرف جناب فاضل محترم ((محمد برکت الله خان)) صاحب بزبان انگلیسی در ماه یک بار طبع و نشر میشود که نسخه اے آن بطریق مبادله (سراج الاخبار افغانیه) به اداره ما هم آید. اخبار مذکور صرف از منافع و احوال اسلامی بیان میکند و بطرز تحریر بسیار دلچسپی نشر معارف مینماید.

لهذا هموطنان عزیز خود را که بزبان انگلیسی آشنا میباشند سفارش میکنیم که با این اخبار اشتراک ورزند، و از مطالعه آن استفاده وافر نمایند. قیمت اشتراک سالیانه آن مبلغ دو روپیه کلدار است که نسبت بحسن قیمت و خیر مقصدی که صاحب فاضل آن پیش نهاد خود نموده هیچ است.

در بیانیه نمبر ۱۰ ماه اپریل اخبار موصوفه به اداره ما سراج الاخبار آمده که صفحه اول خود را به تصویر اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه معظم محبوب القلوب امرتین داشته و لطف اعلیحضرت پادشاه ترجمه احوال او را که در باب اعانه طرابلس غرب بیان نموده بود به انگلیسی ترجمه و نشر کرده است.

جناب محمد برکت الله صاحب آغاز سخن را بدین طور نموده میگوید: ((دیروز با دو برادر، و یک همشیره که نخستین بار در تاریخ ژاپان بشرف دین مبین اسلام مشرف شده اند در (مطعم اسلام) در شهر شهیر (توکیو) نشسته از عالم اسلام و فضایل دین مبین محمدیه صلی الله علیه وسلم صحبت میکردیم. و از اخوت و همدردی مسلمانها بحث میراندیم که در بین اثنا روزنامه گرامی (سراج الاخبار افغانیه) رسیده و بکمال افتخار لطف اعلیحضرت پادشاه غیور دین دار افغانستان را که بر تبعه و رعایای خود (که در اطراف عالم پراگنده اند) مانند فرزندان شفیق خود دارد و در باب اعانه طرابلس غرب بیان فرموده اند مطالعه نمودیم. لهذا بمطالعه آن لطف مبارک اعلیحضرت امیر افتخار کرده باعث افتخار اسلامیان است و آن امیر با تدبیر و دور اندیش قوت اردوهای عسکریه خود بیفزود و بهمین قوت اردوهای عسکریه خود بیفزود کوشش ورزیده و از زبان فارسی ترجمه میکنیم تا بر جمله کائنات معلوم شود که مسلمانها تا چه درجه با همدیگر خود جنس معاونت و همدردی میپرورانند.)

بعد از این مقدمه اف م محمد لطف بیانیون مذکور را ترجمه نموده درج کرده است. این واقعه بزرگ را محض برای انتشار دین خود اسلام در جهانگیر خوب ژاپان کوشش بیورزد. اکثر مقدارهای آن را از قرآن کریم و مثنوی شریف ارشاد میکند. ما بالخاصه سعی و همت آن فاضل محترم را تبریک میگوئیم.

از اخبار دولتی ترکی دعوت والی و مامورین ولایتیه در روده سس

اگرچه از انفاس استقامتی که مروج مشاغل ایطالیا پادشاه زاده سید شان والی و دیگر مامورین ولایت طرابلس غرب بوده خبر میرسد، ولی دیگر از انجا تکذیب این خبر را میکنند و میگویند که والی و جمله مامورین حکومت بحکم اطاعت خود اند.

پایه جشن های شاهانه برپا میگردد

بنا بر خبر انگلیس (۱۰ مارچ) پای تخت ایطالیا رسیده است معلوم میشود که سبب قبض نمودن روده سس در بحر حوالی ایطالیا یک سرت طیاره برپا شده است. در هر طرف جشن ها برپا شده است. حتی پاپ بزرگ نیز (بحیث بزرگ) سن ماری پاترلور) یک آئین جشن شاهانه برپا کرده است.

نصیحت انگلیز به ایطالیه

اخبار (سپکتاتور) جنوب: بلکه این اقدام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 265 of 1786

کردن جاپانیها بگاه بیدار و مستعد بودن است که در مشت آهنین قوانین مملکت ایطالیا مجبورند که حقوق حکمرانی دولت ملوکانه را بر قوانین تسلیم کنند.

یک نوجوان زن جاسوس

محترم (الوئید) الفرد نقلاً از (جاما ناک) نام اخبار در جنیف جنوبی:

((یکی از نظریه‌های عسکریه عثمانیه که در قسطنطنیه (قوجه) در مالکه و نیا بیاشد برای متعلقات خودش کرد (یوکه رد) نام موقع استانبول سکونت دارند. جنوبی که در قرقه با یک نفر عسکری از مردم نصاراسی رسم = [از مردم نصاراسی رعیت خود، دولت عثمانیه پیش از اعلان مشروطیت عسکر قبیلگرفت. بعد از اعلان مشروطیت در زیر قانون قرعه عسکریه گرفته شده اند.] = بیمار شده و بشفاخانه برده شدش. در انجا داکتر با خواسته که او را برهنه کرده معاینه کنند. ولی نظری ذکور نگذاشت، و یک راهب طب خود، چون راهب بیاد نظری بیاره رد گفت که من مرد نیم بلکه زن میباشم، بعد از انکه تحقیق شد که این یک دختری بود که میخواهد یک پدر و مادر و یک برادر دارد، چون قصد — یعنی پیشک عسکری — برادرش بر آمده، دختر مزبور نهایت داشت که اگر برادرش در عسکر رود دیگر کس برای نگاه کردن از عهیشت والدش نمی ماند، از آنرو بلباس دلاوری نام برادر خود را بر خود گذاشته و البسه او را پوشیده و بجای خود، او برده و در زیر سلاح در آمده و مدت مدید ماه بی آنکه کسی به احوال او پی ببرد بکمال خوبی و درستی در جمیع مشقات عظیمه عسکریه تاب و توانائی نموده است، و اگر بیماری شدت آخر مدت دو سال عسکری خود خدمت می نمود و کسی نفهمیده است که مرد است یا زن. بعد از انکه راهب احوال را بر داکتر بیان نموده، اکثر ان

وضعیت حال ایطالیا در طرابلس

اخبار (الاهرام) الغرا از بان سبب از بعوثا میشود نوازطرابلس وارد شده و جنوبی که وضعیت حال ایطالیا در طرابلس برهان یک قوال ضعف است از اشکالات خودشان یک قدم پیش برآمده، نمیتوانند. عسکر عثمانیه و مجاهدین عرب بجز از پیدا شدن شان همدم بحمله‌ای شدید از هر جهت قوه‌قهریه مجبورشان میکنند.

بنزیر، افسر فرقه خبر داده و تحقیقات رسمی آغاز کردند. سخن دختر به ثبوت رسید و در باب تداوی و احترام آن، امر نمودند. و کیفیت را بنا فرحریه (محمود شوکت) پاشا بتلگراف خبر دادند. و چون خبر مذکور مسموع ذات اعلیحضرت سلطان المعظم گردید بعفو برادرش از خدمت عسکریه فرمان نمود، و برای دختر مذکور یک تنخواه معینی از خزینه مقرر فرمود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 266 of 1786

مقالهٔ مخصوصه

ضرورتی بودن جنگ عمومی

چون یکبار دیگر نقطه را از نظر شود یک عالی بشاه و شیوه
کرانه نژاد از تعجب پیشتر اب ، و از تجزیه ، استراق
می اندازد ، چنان عجب بود ؟ ، یک نقطه ی هیچ که از
بسیاری تمدن و کثرت آبادی ، و از فروتنی معارف
و صنایع ، و ارتباط و اتصال شهرهای آن بیکدیگر و اسطه
آلات نقلیهٔ سریع السیر ، یک شهر بزرگ بسیار با زینت و شوکتی
مشابهت میرساند ، پاریس برچین ، لندن ، پترسبورگ
روما ، وینا ، و غیره پای تخت های اروپا و عبارت از یک
محل آن شهر میباشد ، از شهرهای شهر بی ، فعلن چنان است که
انسان از محل بمحل برود ، اگرچه آن نقطه ، یک کتب
خانه و خانهٔ تشریف بدیم شهرهای بزرگ آنرا بسیج ، های
صنعت و آن کتب خانه ، مانند چنانچه خواهیم نمود ، و اگر با یکدیگر ، الصاق بشوند
چنانچه شهرهای بزرگ آنرا یک ایستگاه های صنعتی نقطه بیش
می یابیم که اگر نقطه های دیگر این ، سوزن گرفته تا بیضاهای
آنچنین پیدای بزرگ ، و از مارچ گرفته تا بریسه بای چنین
معلق و آشتن آن پیدا ، آن صنایع خانه محتاج است ،
پس از این نقطه نظر چنان به و بیشه ، که نقطه ، و یا حاکم
و دیگر نقطه ، محکوم آن است ، یا آنکه آنقطه محتاج به دیگر
محتاج آن است .

بلی ، و لکن ، این چنین بنظر می آید ، ولی چون بحقیقت
غور شود ملبس آن نمودی باشد ، و از این است که ، استراق
تعجب ، و استراب ، و از تجزیه ، استراق می اندازد ،
حالا در جناب یکقدری بنظر ، تصاد نمود ، بعضی تفصیلات ، و توضیحاتی
بر کار ، بین کرام خود عرض میکنیم :

اولا از این نقطه نظر مسئله را دور بر محاکمه ، و مطالعه
می آوریم که بلی ، ما اروپا را یک شهر تمدن یک کتب خانه بزرگ
یک دار الصنایع عام گفته بودیم ولی بیگانه ، آن نقطه را حاکم
و دیگر نقطه ما را محکوم آن میدانیم ، یکه آن نقطه را بدارا ، ثروت
و مسکنت به نقطهٔ دیگر محتاج ، و محکوم می یابیم .

حضرت ، سعدی ، که اورا و پاشان ، (فیلسوف
شرق) بخوانند این نقطه را خیلی عالیانه فرموده که :

قطعه

گرنه باشد تخت و بر خواب توان کرد و گر بر پرنیان
ور نبود مرغ و بره پیش دست توان کرد و نان خشک جوین

و لکن :

این همه شکر که بیسیج هیچ صبر نداری که بسازو هیچ

بناء علیه ، اروپا هر چه دارد ، و دولی ، و اسطهٔ لشکر های حریص
بر دیگر ، شان ، هیچ گاه آن تمدن ، و آن علم و فن ، و آن
صنایع پرگرده نیستند ، زیرا اتفاقیست ، و لشکر را گذام
کوشت ، و دوغن ، سبزه ، و دیگر مصروفات ، ضروریه لازم
است .

(زیرا) ناکام علیم مشهور ، و پالی که ، در علوم اجتماعیه
صاحب یدطولی بوده چنین میگوید :

« هرگاه در یک ملکی که ، زمین های قابل زراعت آن
بوده کفایت ساکنان آن باشد ، عدد مردم آن ملک
روز بروز میفزاید ، و بیشتر شده و نامی یابد .

« اگر محصول زمین های یک ملک با عدد ساکنان آن
مساوی و برابر باشد عدد مردمان آن ملک بهمان حال
توقف نماید ، و زیاده و بیشتر نشود و نکاهد .

« و اگر عدد ساکنان آن ملک از محصولات آن
زیاده و تر باشد حال شان خراب و بتر میگردد ، قحط
و گرسنگی و مار شان را میگیرد ، و نامیک و بای جان شان را
و یک جنگ و قتال ، و هشت ، تا نابی نیاید ، و نفوس
زاید الوصف ، و عدد ، و شمار ، محصولات زمین با نفوس شان
برابر نیاید از حال سعادت و پر نشانی ، و نامی خواهند ماند »

حالا چون این ، و کلام علم ، و نشر این ، و فیلسوف شرق
و خوب را در زیر نظر گرفته یکبار ، سیمای و خصوصیت احوال
زمین های ، و دوباره نظر کنیم نقطه نکوره ، را از بیانات نفوس
و کمیت های محصولات زمین چنان یک علام جوابی دریافت
و لی شتی می بینیم که اساس ، و بنیاد بنای آنرا خیلی سست
و لی نیابت ، و بر دوده و باد هوی می یابیم .

بنا بر این حاصل شدن جوابی ، و چنانچی نفوس
با محصولات زمین ، و نوع یا فتن یک ، و یا خوبتر از آن عقیده
و نقطه مذکوره ، از طرف جهات طبیعیه عاید نمیدهد ، چنان
عاید نمیشود ، آیا از این قدر سالهای سال که این
چند اختراعات محیر العقول قتل و قتال ، و جنگ و جدال
کار بردی کار آمده ، و نه چنین مغلق و بیکار مگر ، زنده ،
و هیچ تحریک ، کننده ، و دست ، های کشتی های جنگی ، و بیانات ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 267 of 1786

[illegible] و [illegible] و [illegible] و [

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 268 of 1786

... قاشا احساسات پیشرو است بیهوده ... اگر ... زمانه ... فوا خواهد بود ... اگر ... زمانه ... صد سال بعد خواهد داد!

... اصل از جهت وقوع جنگ عمومی دول اروپا از ... ترقیات اختراعات ... پیدا شده است که جز ترقیات اختراعات ... العقول چیز دیگر نیست. از پرده خفا بیرون اختراعات ... می برآرد. لهذا این خارق ... انسان دادن لازم است. تا ساکنان کرهٔ سیارهٔ (مریخ) ... اختراعات محیر العقول ساکنان کرهٔ زمین آفریده نخوانند!.....

قطعه

از وضع علوی چو کنی سیر و سفر — ای نوع بشر صنع خدا را بنگر

از جنگ عمومی اخیر حیران نشو — تا آتی تو چه شود ز دانش مگذر

مقالات علمیه

علم تاریخ

تاریخ بشریت

اینجانب این کلمات خود را ... که در موضوع علم جلیل (تاریخ) در پیشگاه ادبا و استادان عرض خواهم نمود ... اول چون وارد اول تا از طرف سکان بیان می نمودم از بیان مطروف آن هیچ فایده حاصل نمیگردید. یعنی اگر از تاریخ خلقت کرهٔ زمین که ظرف تاریخ شده و میشود ... و تاریخ کره عبارت از بیانات و وقوعات بشر است ... مطروف آن بجناب میرسانند که یک نشئه برای یک آب خوشگوار می باشد ... و قوی داشته باشد که از این آب برداشته نوشد. تاریخ از احوال بشر بیان میکند. بشریت در زمین نشو و نما یافته. لهذا واجب بود که اول از خلقت و کیفیت خلقت زمین بیان کرده باز بحال بشر نظر کنیم.

هر علم و هنر را در ... موضوع است که آن علم بر آن واضع و بنا یافته است. ... تاریخ هم آن است که عبارت از ... خلقت ... آن است.

... کره گاه ... از موضوع علم تاریخ بیان نمایم عبارت از یک ... خلقتی میباشد که: (وجود خود یک دم بود.....) گفته بیان شده و میشود. حال آنکه مقصد عاجزانه این است که از (حکمت تاریخ) سخن رانده و به این وسیله در باب کشایش ذهن و فکر، و تربیهٔ عقل و وسعت معلومات مطالعه کنندگان کرام خود و ... خدمت ورزیده، و گرنه چیزیکه (عجایب المخلوقات) و اشباه آنگونه کتابها در باب خلقت عالم و خلقت آدم "علیه السلام" در فارسی هم موجود است کافی وافی شهرت یافته و بدیگر هرزه سرائی چه حاجت!

یکی از نقاط اساسی بیشتر از همه قدرت خداوند کریم است که مطلقاً و بدون هیچ تمثیل و تشبیه و بدون هیچ ... مردمان (مشتی جاهل و بیخبر را به بهانه تفسیر و تربیه فریب کردن میخواهند چنین است که شرک کردن خود را ... و خلقتیا بعلوم خلقیه که موجب وسعت ذهن و فکر شان گردد تاریک شدن میخواهند. زیرا که ذهن و عقل وسعت گیرد جهان و جهانیان و ... بر او ظاهر و آشکار خواهد شد.

بخلاف این چنین اشخاص که اگر هر قدر ذهن و فکر وسعت گیرد عظمت قدرت و خلقت ذات اقدس خالق اعظم کائنات جل شأنه نیز چنان قدر جلوه خواهد نمود. زیرا این چنین اشخاص ذات اقدس الله علیم است را بتمام معنی و بچنین خواص و کمال ان صفات و چنان واجب الوجود ذات شناخته و میدانند که هیچیک از اجزای خود و ذات کونیه این عوالم پیدا بازاء از هستی وجود بوجود و از نیستی بعرصهٔ وجود آمده و میآید و الی ... بیدال الامکان در هر شی بیان آن ذات و صفات عالی و قادری فی باشد. (و فی کل شیء له آیة تدل علی انه واحد)

(و بر هم چنانچه در شماره های سابق خود از (خلقت عالم) آنچه رجحان داشت حاصل کردیم، سزاوار چنین شماره خود نیز آنچه رجحان (خلقت آدم) علوم و تدقیق میکنیم؛ چنانچه در خلقت عالم هر یک از کتب مقدسه سماویه، و هر یک از این علوم خلقیه را که ما در گرفته بودیم، و در باب تطبیق و بر ابر می آنها اقوال علمای این فن را، هر یک خود سعی و کوشش ورزیده بودیم، در خلقت آدم (ع) نیز همان قاعده را پیش نهاد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 269 of 1786

خود میدانیم :

تاریخ خلقت ابوالبشر آدم علیه السلام

(علم تاریخ) در باب خلقت آدم علیه السلام بر دو اساس مبنای حق میباشد : کتب سماویه و دیگری کتب حکمیه طبیعیه میباشد. کتب مقدسه سماویه در خلقت آدم علیه السلام چنین میفرماید :

« چون حضرت خالق عالم جل و علا کائنات را در شش روز خلق فرمود و روز ششم خلق نمودن بنی آدم را اراده فرمود که از صفات ذاتیه و شئونیه خود یک مقدار جزوی به او ببخشد و به آن قوت و قدرت بر همه دنیا و ما فیها تسلط یابد و علما خود تا هر اندازه که در مصنوعات هر یک از اعضاء حضرت صانع مطلق جل و علا انتقال داده و مشکوة وجود گرانبهای خود چنان است بجا آرد. بنابرین به اسطه ملائکه کرام یک قسمی از خاک (تشکیل و صورت انسان داده و بکمال قوت و قدرت صفاتیه خود (روح) را در آن دمیده نام آدم گذاشته بود. »

« بعد از آن ملائکه کرام را امر سجود بر آدم بنا و فرمان شده همه ملائکه به سجود افتادند. تنها شیطان تکبر و غرور کرده از سجده کردن ابا نمود. لهذا ملعون و مطرود حضور خالق تعالی گردید. »

« بعد از آن حضرت ابوالبشر گرچه در جنت نعیم بذوق و صفا کامل زیست میفرمود ولی سبب تنهائی ملال حاصل کرده خدا حضرت خالق قادر قیوم تنها جل و علا زوج آدم - یعنی از جان حیرا به وجود آدم علیه السلام از آن ساخته شده و بوجود آمده خلق فرمود تا بحضرت ابوالبشر یار و یاور شود. نام این مخلوقه حوا (حیا) بود. »

« حضرت حق تعالی جل و علی حضرت (حوا) علیها السلام نیز با حضرت آدم علیه السلام در جنت نعیم بسکونت امر فرمود و از فرمود یک شجر یعنی یک درخت بنام (شجر ممنوعه) که حقیقت آن درخت بذات اقدس آلهی معلوم است منع فرمود. اما شیطان لعین اول حضرت حوا علیها السلام را فریب داده و بخوردن آن شجر ترغیب داده و بعد آدم علیه السلام را تشویق نموده و از آن شجر ممنوعه خوردند. لهذا بسبب این خطا و نافرمانی با این جنت سرای خالی بیرون برآورده شدند. و در آنجا به انواع مشاغل بشریه و اندوه و غم و بلیات و مصائب و فوت نمودن مامور و مجبور گردیدند. »

این است مختصر تاریخ در باب (خلقت آدم) از روی کتب مقدسه سماویه بما عطا فرموده. و با این آیات بینات حق و صواب کتب مقدسه ایمان کامل داریم و آن ایمان را خلقا و خود را در سلامت و نجاح خود میدانیم. و بقدر ذره و حق بود بر آن مشتبه و اندیشه بخاطر هم نمیگذاریم. ولی باچون (علم تاریخ) چیزی نمیفهمیم و نه خطاب نامه (از انتساب هر گونه علم تاریخ در باب (خلقت آدم) گفته باشد تخطئه مقدسه را برای هیچ کس از این علم نمیگذاریم.

این را هم بگوئیم که اگر در دین طریقه خود این مانده قضیت را با دیگر ادیان عالم بسنجیم و مقابله و موازنه کنیم بهای معتقدین مذاهب مختلفه مجبور بمصاحبه و مباحثه نمی شویم و از هم در خصوص هیچ چیزی نمی فهمیم. ولی چون در اثنای سیاحت دیده و خواه و ناخواه در دریا و خواه و ناخواه در صحرا بسی مردمان دانشمند عالم هر مسلک و مشرب و نشست و برخاست و مذاکره و مباحثات مجبوریم. و ما هر طریقت دینیه و خلقه حسنه خود همیشه بتقدم و فضایل حکمیه و خلقیه که اکثر مردمان دران طرفها به آن گرویده و میباشند و اقلام حسنه معتقدات خود را به اثبات کردن مجبور میشویم. و آنچه میشنویم و مطالعه میکنیم بعضا از نظم و انشر و رقم علما و حکمای اسلامیه این عصر حاضر برده و است. و اجرم در باب مسئله خلقت بشر (کائنات) نام اثر بزرگ یکی از علما و حکمای فاضل و فیلسوف کامل (احمد حلمی) افندی را که یکی از علمای مشهور استانبول است و بهره گرفته و بموجب حقیقت آیات کتب مقدسه را با محاکمات فنیه حکمیه تطبیق و برابر کرده بنظر قارئین کرام عرض میکنیم :

[باقیسی در شماره آینده میباشد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 270 of 1786

مواد عسکریه

سخنان خوبی که درشش رساله آخر پیرامون سپاه گفته شده است

بعد از شماره ۱۸

خطابه ایست که (در سنه ۱۸۰۹) از طرف (ناپلیون) مشهور بزرگ بجماعه (دولت و سترپا) برادر رسی فرو خوانده است:

عسکر ما!

برادر اخیر حکومات متحده (ان) کرشتی دست (وسترپا) صدا شناس شده از خود، این است که سعادت برش پیش آمده.

عسکر ما!

وقتیکه (پیتر اول) (وسترپا) را موضع (نوا) باز داد گاه من آمد، اطراف من شما موجود بود. گوش خود شنیده بود که چسان من تصرع و ابتهال میکرد و چسان از من رحمت می طلبید و چه قدر قسمها (راجع به دوست ماندن خود با) میخورد؛ آن پیمانها را بسا بار از خال عفاریت لت خورد و باز هم بیاد نیاورد. این است که بعلم خود حالت وحشی حال آنکه (وسترپا) باید بیاموزد که بر وحشت، مرحمت (بسیار) دیون عسکران میبود.

عسکر ما!

ملتفت شباشید که این ملفوظات حالا مارا (غیر) است که (ان) نباشد، زیرا (وسترپا) (فیل) است و مغلوب شماست. است شاید صداقت.

(از اقوال) روان شده با ملفوظات (ما) انتظار دارد، و (ما) دشمنان خود را (بهیت) خود جزء دوم (ما) [از الغای جلسه ۱۰ ...]

عالیهای پاریس

بعد از شماره ۱۸

(دریکشنبه) یعنی روز اول آذر

این روز پاریان اول بیرقهای که (بدو هم) است، (از آن) همیشه در مجلس بلدی معلومات میدهم: (دریکشنبه) یک عالیها است که دو رنگ است یعنی دو دایره دارد، یک دم دارد، یک دم دارد، و یک دم آزاد میکند. حالا این را خواهد پرسید که چرا عالیهای با دو دم و نفخه دو اسپه و چهار اسپه و یک اسپه و اسوار نمیشود که این همین عالیهای کوچک و محقر آدم کرشن را استعمال میکند؟ این است که بخصوص به تفصیلات محتاج است:

(۱) این را بخوبی که در پاریان صنایع حکمت بسیار، کم است. اسباب صنعت از سه هزار جزیره نمای کوچک بهم جمع آمده پاریان شده است. در میان اینها انتظار جزیره نمای کوچک موجود است که یک (۱) مالک است. مساحت این جزیره (۱۲۰۳۴۱۲) کیلومتر است که دین عدد زیاده از (۵۰۰۰۰۰۰) نفوس زندگانی دارند. تقریباً بر هر کیلومتر زمین بیشتر از چهار صد نفوس بر سد. اگر از میان آن کوهها و دشتها و کوهها و بیابانهای مستور بابرف را بیرون بزنیم بر هر کیلومتر مربع بالاقل پنجصد آدم میرسد. این است که بنگاه عالیهای اسپکیلیوی از نفوس شان است نسبت بنفوس شان زیرا این از اراضی تنگ میوانات را نی بلکه اشیاهای خود را نیز به بسیار

فاجعه‌های پاریس

بعد از نمبر ۱۸

از بین دختر تبله حال یک صاحبزاده را گرفته و بزرگ دست خود را بدول خود فرو رشته گفت:

— این را آیا خواهی گفت!!

— بلی، همین سخن است که از زبان خود شان برآمده من قدرت ندارم که یک حرف فرموده شما را تبدیل و تحریف بتوانم.

تلوتیلد برپا خواسته بیک صدای بسیار سوزنده گفت:

— بروید به پدر من بازگو و قوب خبر بدهید

که دختر از حیث دچار سعادت گرسنه است.

خدمتگار از شنیدن این سخن لرزید. و یک حال دهشتی پرده را بالا کرده بازار نظر غایب گردید.

در جائیکه تلوتیلد ایستاده بود از هر سو سیاه یک (استاتو) موجود بود که این استاتو تحیرات بلیغه یک انسان بیکل فخیمه، یک حشمتی را نشان میداد که یک شمعدان چهار شعله ئی را بدست گرفته بود.

تلوتیلد دانست که اگر یکبار باز بنشیند دوباره برخواسته نخواهد توانست. لهذا بر همین استاتو تکیه زده بود. بقدر دو سه دقیقه باستقرار مرور نمود. بعد ازان بر دهلیز خانه باز شده، موسیو روزه ف پدر گرفته تلوتیلد بر پرسیدن جواب کیفیت جرأت نمیورزید. تنها

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 271 of 1786

زادی پرواز کند، چه از جزایری و دیگر جزها تنگه اسپ و دیگر بارکش ها را پرواز داده بدر جزیره کشت میشود، جزایرات نیز به جزیره میرسد، بنابرین، طبقه بارکش با تیرات نجاری شان بجای آرند، حتی بارهای سنگین را نیز با شاهپا نقل میدهند.

یکشه با تشار در شهرهای بلند، روها و قریه ها نیز سیار است، یک قریه بدیگر قریه نیز با یکشه رفت و آمد میشود، راهای سیار، ورانهای را بآسانی قطع میکند، سرشیب ها، صعبالعبور را با یکشه می پیمایند، اگر از برشیب و درست حتی تا بده زاویه گیلیومتر را دوا بسرعت می پیماید، یک دور یکشه کشی بدویدن گرد و صاحتی دو گیلیومتر قطع آن متصل دو نیم تا سه ساعت راه را بکمال خوبی طی میکند، درجت این خواهای ادم کش و صاحتی حساب رایج ملک خود ما یعنی قاطر و الاغ های جدا نیست، و هر چه صاحتا میکشد شود، جرئت کشیدن من با یکشه سیار کردم گرد و تجربه های سیاری حاصل کردم، از پایه های که یکشه خواهد با آنقدر سرعت میکشد که شاید باین جرئت هیچ قوت این رشت کشش در پایه های آن میباشد، حتی صاحتهای پای ایشان است بدیگر وان قیاس گفت میتوانند، هزار بیدریغ روها نسبت بدیگر زود رکاران کرده میشود، در شهر (تولیو) چاره هزار یکشه در کار و فعالیت است، و در ماههای پیش زمستان پیشه بود، اما حالا بسبب سیار شدن تمام وسایط الکتریکی یکشه خیلی بی رونق شده است.

[باقی در شماره آینده]

ادبیات

غزل

چون خدا تو می نوایان میکنند
آرزوی شان روا سوی جهان میکنند

هر دو جهان و تو ان هم بسرز؟
بهر تمنای حق چو احسان میکنند؟

پادشاهی ها بقطع فرزاد
دیده و دل را پریشان میکنند

شه سراج ملت و دین شاه ما
نور داد هر سو چراغان میکنند

بلبل خیره کمال و مسلم او
روح بخشیها به اخوان میکنند

هر دو بینا حال رهر، عقل او
ملک و ملت را گلستان میکنند

میکنند (محمود غزنوی) مدح او
لیک بی اخلاق و بهتان میکنند

آهسته خطاب کرده بدوستش گفت که از حق او حکم آخرین را خواهم داد، چند دقیقه با یک حدسه سکوت گذشت، حکم را بصوت بلند خطاب بگفت:

— موسیو، من میخواهم که من و خانم را در دو واگون آخر قبول کرده ایشها را ترک نمائید.

این را گفت و بصورت ناز کانه بچهت خطای خود تبسم کرد و دست را پیش برد، تا تهنیت یک آن با خاطر جمعی کرده بصورت مغرور داده، اما بسیار بی قرار و دستش بکلماتی پیشین گردیده بود، خطای خود را بر این خانه بها میشد، موسیو از دولت بهوت ماند، چرا که در تمام عمر خود این اول بار است که در دست اجنبی خطای رقیبی را می بیند.

قطعه بعد از آنکه نقاب روی خود را کشید، راست کرد او بی آنکه یک حرف چیزی بگوید از زمینه دور و از دره بر آمده بر بوار (دوایند) خود را رسانید، باران بار بسیار بر آن آغاز نهاده بود، یک دانه گنبدی که روی شهر بود، بسیار دور نمایان بود و از یک طرف بصورت باران بر آب افتاده بود و از دیگر طرف یک طلعت تیره و شبیه انسانی حاصل کرده بود.

زنک بیچاره مجبور بود که تا بحطه با قطار بان ساعتی حضیره را قطع نماید، حالا آنکه از یک طرف اسپ چالاک یک اسپه دوانی آمده، از دیگر طرف کابوس طلاقت می آسیب نیز بر خطرات نوزادی و سعی او افزوده می گردید بود.

[باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 272 of 1786

نامورانِ زنانِ جهان

(بقیه از نمبر ۱۸)

آسپاسیا — یک زنیست از زنان یونان قدیم

که بحسن و عقل مشهور بوده و در شهر (میلت) تولد یافته. بعد ازان به (آتینه) رفته به تدریس علم بلاغت مشغول گردید. خانه اش در آتینه مجمع فضلا و علما و شعرا بود. در انجا طبیعیات و الهیات و سیاسیات در میان مذاکره و مناظره واقع میشد. از علمای مشهور یونان (سقراط) و (پریقلس) و (آل کیباد) همیشه از مداومین حکمت خانهٔ آسپاسیا بودند. نهایت الامر (پریقلس) که در آنوقت رئیس جمهور هم بود، به جاذبهٔ حسن و جمال، و تاثیر علم و کمال (آسپاسیا) تاب آورده مقاومت نتوانسته و وطن خود را طلاق کرده با آسپاسیا ازدواج نمود. علم و فضل و آسپاسیا بر (پریقلس) بدرجهٔ رسیده بود که بعد امور اداره و حکومت جمهوری به امر و نهی آسپاسیا منحصر مانده بود. حتی محاربه های یونان خود نیز تا نه (سیسام) و (مغاره) و (مورد) را آسپاسیا برانگیخته است. بعد ازان دشمنان آسپاسیا یک سن حکمی آورده (بهانه گرفته) به پیش آوردند که مضمونش ساقط شد. و در محکمه اش شهادت دادند که (پریقلس) برای رهائی دادن آسپاسیا خیلی کوشش و زیده حیلی کرده است. (آریباغ) برای تعیب مرحمت خانهای محکمهٔ اشک ریخته است. بعد از وفات (پریقلس) آسپاسیا با (لیسیقلس) نام یک نوجوانی که اصل و نسلش معلوم نبود ازدواج کرد. ولی بعلم و سیاست که داشت این شوهر خود را بمسند عالی جمهوریت باز برآورده است. آسپاسیا خانه اش مجمع علم و معارف و بالخصوص صنایع نفیسه بود. حتی در ترقیب سبب مجانه ترقی صنایع نفیسه آسپاسیا گردیده است. برادر (اردشیر) پادشاه ایران که (گیرکسس) نام داشت چون شهرت آسپاسیا در همسایه ها آسپاسیا را شیفته و بوالهوس خود کرد که (میراتو) نام دختر بنام آسپاسیا تعلیف نموده و بعد از وفات برادرش گیرکسس میراتو را در شبستر دوست مبدل نموده است.

[باقی در نمبر آینده می آید]

علم و ثروت و ملک

(بقیه از نمبر ۱۸)

انسانی که مسی و عمل را شعار خود نماید و تنبلی و تن پروری را از خود دور گرداند، هیچ فایده و ثمر نیست. زیرا این عالم پر از ثروت است که انسان تنها بکار و کوشش یک سر و احد خود نتواند درک کردن چیزهای لازمی که به بقای حیات زندگانی او کار است کامیاب نمی آید. چرا که در عین صنعتها بسیار عادی نیز بسیار آله و ادوات مختلف است. آدمهای بسیار وحشی نیز برای ستر عورت خود و دفع حرارت و برودت حیوانات مجبور است که برای پوست و ان حیوانات را قتل و شکار کند. و دائم محتاج میشوند و برای ساختن آنها بعضی آلات و ادوات مجبور میگردند که آن آلات و ادوات را تنها کوشش و عمل یک آدم هیچ نمیتواند. و ازین سبب انسانرا (مدنی بالطبع) یعنی مجبوریت زیست کننده گفته اند.

هر اقتدر که مدنیت پیش میرود علمها و معرفتها نیز پیش میرود و بهمان نسبت احتیاجات بشریه نیز افزونی گرفته (قوهٔ استحصالیه) شان نیز بیشتر میشود. و ازین سبب از یکطرف زمین و جنگلها و انواع معدنها و نباتات و حیوانات را ضبط و تصرف میکنند و با قانون و اکتشافات قوای طبیعیه را در خدمت خود استعمال نموده بیش ازین بسیار بسیار مدار استحصال ثروت شده بمردی کار می آورند. و از دیگر طرف بازجان ثروت را سرمایهٔ صنعت و حرف کرده جنسها و قماشهای اسبابی را که مدار پیدا کردن ثروت شود افزونی میدهند.

بنابرین وسایط استحصالیهٔ ثروت یعنی وسایط ثروت به آن پیدا میشود — بر سه قسم تقسیم میشود:

[مابقیش در نمبرهای آینده می آید]

همه مقاله ها بگلی دستخط ندارد و از طرف سرکار کلی ریاضت مدیر دستخط سراج الاخبار افغانیه

بمسی و اهتمام الحاج عبد الغنی پسر مرحوم ملا فتاح تهیم چاپخانه دارالسلطنه کابل

قلم میرزا محمد حیدر قندهاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 273 of 1786

نگران
ایشیک آقاسی مکی حضرت همایونی
مدیر و سرمحرر
محمود طرزی
ادارهٔ تجارتی و مطبعه
در شین چاغه دار السلطنه کابل
بصاحبزادگان تحریریه یا ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در نواحی حضرت مملکت اخراجات ڈاک ۱۴ روپیه
در خارج مملکت اخراجات ڈاک نیم پر، انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن ۱ کابل یکپیاسی است
تاریخ هجری شمسی ۲۵ سرطان ۱۲۹۱
تاریخ افرنجی ۱۶ جولائی
تاریخ هجری قمری ۲۰ شعبان ۱۳۳۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات
ترقی پرور ریها، اعلیحضرت همایونی — حوادث داخله — حوادث خارجه — ادبیات — — تاجران زبان جان — هدیهٔ های پارسی

ترقی پروریها

اعلیحضرت همایونی

درشماره سابقه خود از بعضی ترقیهای اخیرهٔ عصر ترقی مظهر اعلیحضرت پادشاه معظم خود دران چیزی نگاشته بودیم، درین نسخه خود از یک هوا خوری وقت عصر (چمن حضوری) نام موقع یا صفای شهر عزیز و دلپذیر خود دران یک شمه بیان میکنیم:

(چمن حضوری) در جهت شرقی متصل شهر صفا واقع، یک چمن بسیط خوش فضای لطیف هوای دلکش دارد بیاست که چیزی از چند سال بخیر یک تاموخالی چمن اگر یک خواستی را مالک نبود، لاکن بتوجهات ترقی صفات تاج پروری ذات مراجم صفات اعلیحضرت پادشاه معظم

ترقی پرور، و شهر یار مقتدر بس لطف گستر، او در طرف پنجسال نوزده چمنستان ارفع و بهی از خوش منظر ترین سیر انگاههای عالم گردیده است.

در اینجا ما تا حوال سابقه چمن موصوف چیزی نمینویسیم تنها از یک تفرج و هوا خوری یک عصریه وقت حاضر آن بیان میکنیم:

هر انسانی که خواه سوداگر باشد، و خواه پیشه ور، خواه مفلس باشد و خواه توانگر بهر حال در طرف بیست چهار ساعت بعد از فراغت کار و بار خود یک هوا خوری و استراحت کردن، و یک تنفس و جای نوشیدن احتیاج کلی دارد، و در ممالک متمدنه این مسئله مهمه تر، و فطرت اهالی در یک مقیاس بسیار وسیع در زیر نظر دقت و اعتنا گرفته شده و با انواع شکلها و نامهای مختلف و انگیزه احتیاجات انسانی جا و موضعها پیدا و برپا شده و میشود، قهوه خانه ها، قهوه خانه های تماشا، کافه شانتانها، تیاترها، سازخانه ها، سیرتو گراف خانه ها، باغها، سیرگاهها، میدانهای اسپ دوانیها و دیگر مسابقه ها و غیره چیزها موجود است که این چیزها برای استراحت، انبساطات و منهیات انسانها بدرجهٔ ضرورت، و ضرورت که برای حیوانات و مادیات انسانها حاجت مبرمه صرفه دارد، میرساند، و این چیز نه تنها که ذکر رفت بلکه دانشوران از طرف حکومت ساخته میشود تا از طرف حکومت برای این چیز یک قانونی وضع کرده و در دایره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 274 of 1786

جهان کوتوی [illegible] کمپنی ها، شرکتهای خود را می بکال آزاد ساز
و انتظام تشکیل و تاسیس می یابد.

در مملکت عزیز ما از یکصد چیز را که مخصوص به غیرت
اوروپا است هیچ چیزی موجود نیست، و هم موجود بودنش
لزوم دید نمیشود، زیرا مملکت عزیز ما در وقت حاضر
بدار العلوم ها و کتبخانه ها، دار الصناعه ها، و شرکتها
و امثال اینگونه چیزها که به ثروت و توانگری، و تربیه
عقلیه امالی خدمت کند احتیاج فوق العاده دارد.
لهذا ذات اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب سلطنتها
چنانچه از یک طرف در باب تاسیسات علمیه و صناعیه
مملکت شاهانه شان بذل همت جهان قیمت شاهانه را
مصروف داشته اند از دیگر جهت برای نشاط و انبساط
امالی مملکت نیز نزهتگاه باصفای (چمن حضوری) را
سراز امسال یکونوع دلنشین، و یک اصول فرحت
قرین بسیار پسندیده ترتیب داده اند.

این پادشاه بزرگ ترقیخواه مقدس، در هر خصوص
ترقی و تحسن مملکت محروسه شاهانه شان مجبور اند که بنفس
نفیس خودشان صرف مقدرت فرمایند، و معلوم هر کونه آثار
ترقی خود ذات شاهانه شان شوند، زیرا امالی مملکت
عزیز ما هنوز در حال صغوت، و خالصیت ابتدائی خودشان
زیست دارند، مثلا تشکیل (شرکتها) که یکی از مهمترین
اسباب ثروت، و توانگری مملکت شمرده میشود در
ذوات امالی ما سراسر مجهول، و مفقود مانده، شرکت، که
بزبان ذکمتانی آزاد (کمپنی) و یا (کوپانی) میگویند
انتظار غیر معروف یک کوایست که مشتریان اعلیحضرت
خلاد یکتور یارا، (کمپنی صاحب) بنا میدند، و ابتهم ازین
شائع کرده بود که حکومت انگلیسیه هند به در آغاز
دخول خود بهند بنام (کمپنی) یعنی (شرکت تجارتی) ضبط
مملکت هندوستان، حتی در اول بار که لشکر به افغانستان
سوق نموده بودند باز هم بهمین نام کمپنی بوکلک ویکتوریا
بهمان نام معروف و زبان زد شده آمده است.

حالا بینید که (کمپنیها) یعنی شرکتهای تجارتی چقدر
اهمیتهای علیه دارد، که یک مثال مجمل آن همین مسئله
ضبط نمودن خطه فسیحه هندوستان است که یک شرکت
جسیم انگلیسیه در زیر حمایت و نظارت دولت علیه
خود تشکیل یافته عسکر، توپ، تفنگ، کشتی، وغیره
وغیره را برابر کرده، هندوستان یک خزینه پرمال
مردم را بدست آورده، اگر یک شخص تواناکر
بخواهد که یک خط راه آهن تجارتی از کابل تا بقندهار تهیه
نماید، و قطارهای ریل را بران بکار اندازد، و بصدها
استیشن ها، هزاران ماموران و دیگر بیشمار کارهای آنرا
از سرمایه خود بوجود آرد آیا ثروت و توانگری را شان الان
آنچه درجه علیه خواهد بود؟

حال آنکه اینگونه تشبثات علیه را ثروت شخص
واحد هیچگاه پورا کرده نمیتواند، اینگونه کارها را اگر
بکند (شرکت) میکنند که به اصطلاح علماء (ابن
الوقت) آنرا (کمپنی) یعنی بسیار غنی میگویند، و امالی صول نموده منافع شرکتها و کمپنیها چنان
چیزی نیست که بیک مثال و دو مثال تمام شود، افسوس
که در مملکت عزیز ما حتی تشکیل و ادامه شرکتها بحواس هیچکس
از ما هنوز خطور هم نکرده است.

اول بار که نام شرکت شنیده شد، و چنانچه آن
نهاده شد (شرکت عرابه موتر) بود که پارسال
ذات اعلیحضرت پادشاهی بعد از انکه برهمه امالی
مملکت از خواجه شرکت یک نفوق بلیغ بسیار مؤثر
بیان فرمودند چشمان همه کس را بر منافع آن باز نموده
و هاندم یک سرمایه جسیمی بوجود آمده و شرکت تشکیل
یافت که الحال، الله منافع و فوایده آن در ثمانی
دیده خواهد شد.

دوم همین شرکت مختصر محدود است که بنابر
تشویقات ترقی آیات ذات اعلیحضرت شهریاری
امسال زیبنده ذوات منتدبی تشکیل یافت، مقصد خیر مهد
ذات اعلیحضرت پادشاه ترقی خواه و حقایق آگاه از
تشکیل دادن این شرکت دو چیز است: یکی اینکه
جنس تشکیل دادن شرکتها را در امالی پیدا کرده شود
و فایده های آنرا عام ساختن، دیگر اینکه همه کارهای
رعایای صادقه شاهانه شان را آهسته آهسته در یک
دایره نظام و انتظام درجه داخل کرده، و امالی
شیدا فشیدا به آثار تحسن آموخته کردن.

حالا وقت همراست. غیبت را نیز از کثرت
تحریر یک نسب وامانده گی حاصل شده، و از آنرو لازم
است که تا چمن صفا امین حضوری رفته یک تنزه بصرف
اجرا نمایم، اگر از تقدیر خانه خود که در محله (دوافغانان)
واقعست تا چمن موصوف پیاده برویم هم یکقدم زدن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 275 of 1786

مرحبی بعمل می آید و هر از چند گاهی ان نادره کار عارض نمیشود، این است که ما هم تحریر را از کف ننهاده قدم تشمیر را پیوسته داریم :

نصف یا زیاده افغانستان با سرک ما بین پلخم باغ ارگ سیارگرد (بستان سرا) را بسرعت طی نموده بر سرک سیاه (سرک دوم) از یک قسم (بازار ارگ) از زیر قوس جدید (چارسوق) بر سرک بسیار وسیع و دلگشای (سرک کلان) گذر، ما بین دو ردیف چنار سایه دار ارگ مبارک و چوبهای صف کرکوای شاهانه واقع شده است بقطع مسافت آغاز نمودیم. بطرف پنجه قرقه سرک مذکور را پیموده بر سرک بسیار با صفای سایه دار عزارت شاری که به (سرک جدید) موسوم است تا بسر (پل قومی باغ) رسیده از انجا مرور نموده بر سرک بزرگ بسیار زیبا و مستقیمی که از دو طرف با نهرهای جاری و پوته های متصل و نزدیک چنارکاری محاط، و تا مسافه بسیار درازی محدود شده رفته است، وارد جاده های بسیار متین شهر عزیز ما شده و بمنزل قرار اقامت دادیم. بعد از انکه از پیش گاه جامع شریف بزرگ (عیدگاه) می گذشتیم بدست چپ میل کرده از پل چوبیار گذشته بر سرک صفا نثار بر سرک پیاده رو چمن صفا ما من قدم نهادیم برین سرک از ابتدا تا منتهای آن که ساده ی با طول چمن است جابجا کنار پایین گوجه های تخمی رنگ شاخ بشاخ تقریبی وضع شده است که از ان بکمال حریت و آزادی بر آنها نشسته از تماشای خوب بازیهای داخل چمن، و هوا ی لطیف نسیم طراوت خرمن، و نغمه های سایعه نواز موزیکه عسکری بهوش افکن استفاده نمایند. دلگزاری نمای لاینتهای ابیات قدسی آهنگ، از آزادی وطن و پادشاه ملت پیرامن به اتفاقستان عطا فرموده بجا می آورند.

ما به این نظاره گنا به چمن صفا نثار قناعت نکرده و در چمن میدانیم، زیرا ابتدای دوستان ما را در انجا انتظار دارد و در چمن دو دایره نشیمن گاه آراسته و پیراسته دیده میشود که از طرف شرکت تجار مقصد تجارت برای وارد این آماده و مهیا شده است. یکی از انها خاص و دیگری برای عموم باز است. هر یکی از چوکیهای نشیمن، یک پیش خدمت خوش لباس با آدابی بسته یعنی فهرست خوردنیها و نوشیدنیهای مشروحه

موجوده را آورده در پیش ما بر روی میز میگذارد. اگر تنها باشیم از هر نوع نوشیدنی، خوردنیها یکه دل بخواهد بطریقتنها یعنی که برای هر چیز، از ان فهرست نوشته شده بجوابیم و اگر دوست خود را دعوت کنیم پسند خود از خوردنی و نوشیدنی او نیز تکلیف کرده بکمال سرعت با لطف و رفع غرض حاضر میبرد. از نشیمن گاه صفا نثار چون به اطراف و جوانب خود یک نظری پرتاب کنیم، بر طرف چمن را یک سرور و بهجت پرشعاری مستغرق می یابیم. در یکطرف یک دایره دار بسیم کرکشان (لکت جنته) در انجا بازی (گری کت) یک سرعت تمامی مشغولند و در یک سمت دیگر - یعنی سمت نشیمنگاه خاص یک بساط بازی دیگری می بینیم که از طرف شهزادگان عظام و امرای معین سعیت، و نقطه فاصله جایونی بازی (لایتنس) اجرا میشود، و در یک جهت دیگر شاگردان مکتب طابقه سنه ۱ افغانی وطن را می بینیم که یک شوق و شادمانی مخصوصی بازی (فت بال) سرگرم سرعت و سرور اند. در یک سمت نیز موزیکه عسکری به نغمات لاروهای ملی وطن دلها را یک سرور می بخشد. از یک طرف دار بازی پر مهارت بوکات ماهرانه چالاکانه خود را بسر بر قلوب بینندگان جیلوه میدهد. ذات اعلیحضرت شاهانه هر روز تشریف فرمای چمن حضوری میشوند، و بدیدار قدسیت آثار جایونی خود شان دلهای تیمه و رعایای صادق خود شاهانه شان را شادمان میفرمایند.

حالا یکقدری بدیده دقت نظر کنیم. به بینیم که یک شرکت مختصر محدود چقدر نیکبختی بروی کار ے آورده چه جوش چه خروش، چه سرور چه شادمانی! حال انکه در عین زمان شرکت نیز فایده منفعت میبرد، چون اینهمه ترقیات مدنیت پرورے از فیوضات توجهات مراحم ایات پادشاه مقدس محبوب القلوب اعلیحضرت (سراج الملة والدین) در وطن مقدس ما بروی کار ے آمده واجب است که دعاے تادیمی عمر و اقبال و برقراری شوکت و اجلال همایونے شاهانه از صمیم دل عرض بارگاه ایزد متعال نمائیم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 276 of 1786

حوادث داخلیه

استیناف رات خصوصی در باب توقیعات محکمه

وقوعات ناگواری که در محل رخ داده بود بعون و عنایت باری و فیوضات توجهات اعلیحضرت شهریاری چنانچه در شماره ۱۹ خود نوشته بودیم سراسر منعدم گردید و در روز جمعه ۵ رجب سنه (۱۳۳۰) اکثر ان طوایف جلیل و احزاب تقریباً با معتبرین و سفید ریشان خود شان بحضرت جناب جنرل محمد نادر خان حاضر شده و از مراحم اعلیحضرت شاهانه که برای شان قلم عفو کشیده بودند عرض شکران و امتنان بی پایان نموده اند و نیز از رادی عساکر ظفر مآثر شاهانه که در اثنای حرکات عسکریه بهیچ خانه و مال و مواشی شان اندک تعرضی نکرده اند و بلکه در محافظت آن کوشیده اند جداً عرض ممنونیت و مسرت نیت خود شان را بیک لسان شکریه بسیار پر خلوص و شعشعه گی بیان کرده اند و باین شهادت عساکر ظفر مآثر شاهانه را بالطبع بسیار بزرگی و عزت و علوی کرده اند .

تعمیر رباط و قرول خانها

رباط و بعضی قرول خانهای سرکاری که در اثنای این گیر و دار خراب شده بود اند از طرف خود ما سعی گزاران خود شان تا دم دم تعمیر شده و عرض استفاده نموده اند آباد شده و میرود . تعمیر رباط برج و خندق طایفه مردم (احمد زائی) و (طوطاخیل) و یکال بجز و سراغ بی در حال گرفته اند . و قرول خانه برج (پلان) از که مردم مشغل خراب کرده بودند خود مردم ذکور بتمام اطاعت و کمال عجز و نجابت آباد نموده مقرر ات مقرری عسکریه آنجا بقرار سابق در آنجا اقامت گزین شده اند .

برگیت العزیز خان

عالیجاه برگیت العزیز خان که برگیت جنوبی بود باتفاق ملکان و روسای قبایل مشغل در محرم رجب بمقام و انتظام سپیاه در دست بوقع (خه خیل) باداره سے جنرال محمد نادر خان التحاق نمود . ملکان و روسای مشغل استیون و مسما و تشکرنامه های خود شان را که مظهر عفو شاهانه شده و از بحضرت جناب جنرالی شان داریه عرض و تقدیم کرده اند .

نقل و انتقال

مقدار سی و پنج خانه دار که تقریباً دو صد نفوس را حاوی بود بنابر لزومی که دیده شد از مشغل کوچ داده در برگرامے کرنیل عبید الله خان (بهولی) انتقال داده شد که در آنجا در اطمینان مزید برای بود و باشش شان داده شود . و بقدر سر رشته سرکاری تا وقت رسیدن فصل نقله برای شان مقرر شود .

عفو عساکر طی

جمعیتهای عساکر طی داوطلب که از اقوام قتلان افغانستان مخلص بنابر صدق اخلاص و خدمتگاری دولت علیه در جهت خدمت در بریمیان بسته بود و ضبط آن در شماره ۱۶ سراج الاخبار افغانیه مندرج است بعد از ایفای خدمت باداره سنیه اعلیحضرت شاه با هزار عطیفات و نوازشات رخصت شده بخانهای خود شان عودت نموده .

اصلاحات بهتر و یکنیت قوانین جزیه

از قرار بعضی اطلاعات موثقی که پیدا شده است در مجلس گذشته وزارت عالی جناب شهزاده وزیر عدلیه دولت علیه افغانستان اعظمی مسئله سراجیه (یعنی مالیت اراضی) و طرز قانون جزیه سراجیه که باداره سنیه اعلیحضرت پادشاه مقدس مظفر و در زیر نظارت جلیله عالی شان مباشرت بعضی اصلاحات مهمه اجرا فرموده اند .

این یک معلوم است که کتب قانون جزیه سراجیه قبل از سال باداره سنیه اعلیحضرت پادشاه غازی بنا بر مقتضیات سپیار مهمه بسر سایدن افسران نظامی تشکیل و تاسیس یافته و ذات اعلیحضرت پادشاه معارف پناه داد انجمن مخصوص را بحضور سردار ان و اعیان و اشراف مملکت جمع و اجرات فرموده و یک نطق سپیار موثر و پر مغز بوجه اتم بیان فرموده که اعضای مخصوص آن مجلس پر فواید و تصمیمات مفیده را صدارت و اختتام داده و دولت بافتخار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 277 of 1786

نظامی و تأسیس فرمودن مکتب فنون حربیه سرچشمه را برای پسر رشید ان افسران نظامی یک ایران مرقت بیان حسیات پرورانه بیان فرمودند. در آخر خطبه شاهانه این را نیز علاوه فرمودند که اول بار شما را که اکابر و خانه ان و اعیان مملکت شمرده میشوید امر و تشویق میکنم که اولاد های خودتان را در مکتب داخل کنید تا اولاد های شما بان بشرف خدمت دولت و سعادت راهبت و دولت سر فراز شوند. و اگر شما اولاد های خود را برغبت و رغبت داخل مکتب نسازید مجبور خواهم شد که اولاد های دیگر اصناف رعایای صادقه شاهانه خود را مکتب داخل سازم. و بعد از آنکه اولاد های آثار برشته های عالی عسکری سرافراز شوند و اولاد های شما بقوت خود داخل برتری گیرند جای شکایت و گله را نداشته خواهید بود.

عالی حسب وراثت تقریباً بقدر صد و پنجاه نفر شاگردان از اولاد های اکابر و اعیان که شهزادگان عظام نیز در ان داخل بودند در ان مکتب فیض مکتب داخل شده و اداره و مکتب در یک مقیاس وسیعی بدست دربار مکتب جناب گریلی محمود سامی خان داده شده مدت رسال گذشت. عدد شاگردان مکتب روز بروز در ترقی دیده و حسن حسیات شاگردی نیز در بارنده ی اداره و سموح عالی شهزاده معظم گردیده. از اداره بعضی اصلاحات جدیده مکتب موصوف صرف همت عالی خود شان بمیدان میرفرمودند.

از آنجا یک نظامنامه برای اداره امور مکتب منتظم و ترتیب فرموده بعد از استئذان از حضور رحمت موفور. الحضرت شاهانه و مرتین شان بمستظل همایونی نظامنامه مکور دستور العمل اتخاذ شده و نسخه های مطبوعه آن را برسم شکرانه این هدیه اداره تعلیم و توزیع نمودند. و جناب برگلی. غلام جیلانی خان را که مامور محافظه برگلی عند گوتوالی عساکر شاهانه میباشند ما فوق بودن و فیصله ماهوریت موجوده شان علاوتاً به (منتظمین) مکتب فنون حربیه سراجیه و منقش مقرر فرمودند و تقریر انها توجه نام نظارت پناهی عالی شانرا مصروف. اصلاح و ترقی مکتب فرموده چنانکه روبجاده سعادت اداره و ما را شیئاً فشیئاً بر طرف جنانیه.

از درگاه خلائق عالمیان پناه میکنیم که سایه مرحمت

نظامنامه ذات عالی نظارت پناهی مکتب فنون حربیه سراجیه شهزادگان و شاگردان!

اگرچه هنوز یکی از هم صنفان یکدیگر شما برادران خود نیستید ولی چون حسب الوظیفه آیرو ناظر شما مستعد لازم است که شما را آگاه و مساز م و بدانم که در نوبت برای مکتب شما یک نظامنامه ترتیب شده و یک شخص صادق و امین را بحیث ناظر مکتب مقرر فرموده شده است تا بعضی ناگوار یکه در این مکتب مقدس بروز می آید برطرف شود. و اداره ما حسب یک نظام و انتظام تامی بر مجرای لایق خود شان دوران نماید.

شاگردان!

بدانید که اشرف ترین چیزها (علم) است. جای علم و سر چشمه علم مکتب است. پس بدانید که شما را چنان یک چیز شریف داخل مقام شریف یعنی گوتوالی یک محل شریف مشغول و مقیم میباشید! علی الخصوص که بران علم شرف و شان صنف جلیل عسکری نیز علاوه شود. صنف جلیل عسکری نگهبان ناموس و شرف (یعنی) دولت و وطن است.

شاگردان!

باد شما و حقایق آگاه و منظور تبه گاه تر نجیزا و کرتم دا این مکتب و جمع آمدن شما در ان محض بمقصد بسر رسیدن افسران جنگی نظامی کرا اردو های دولت علیه نظامنامه شان بران احتیاج کلی دارد تاسیس و تشکیل فرموده اند. پس کوشید زحمت بکشید و در راه تحصیل علوم و فنون عسکریه و آموختن تعلیم و قواعد حربیه سعی کنید. زحمتها و مشقتها را بر خود گوارا ساخته به افسران و منتظمان خود اطاعت کامل و در یک تابع تنبیهای شاهانه و دستورهای عالی شان. حسب شان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 278 of 1786

فایده برداری و خیر از حسنهای آن بر اهتمام و سعی و اتحاد دینی و دنیوی و فوائد و شرفهای مادی و معنوی متحمل گردد.

شاگردان!

آگاه باشید که بعد ازین اگر در نیامدن خود از آن مکتب و آموختن علوم و ادب مخالف نظامنامه و اوامر و خواهد یکی از طرف عالی شان داده و میشود و حرکت کنید به جزائی که لازمی آن خود را آماده و مناسب به بینید شما را اگر فکر و خواهیم کرد. زیرا مکاتب مقصد دولت متفق ما این است که از این کتب اطفال نظامی بیرون برآید. و چون شما را اصل مقصد دولت معظم خود تان خاطر نشان کنید البته که دولت علاوه و برجزائی که نظامنامه تعیین کرده شما را خواهد داد. ابدا باد بیاورید که سی و تغیرت و حمیت مردانه عسکری تا نازکراد آباد و اجداد شما میراث مانده پیش شما خود تان خود و در راه وطن مقدس شرف دشمنان دولت و ملت و وطن خود یکچند سالی زحمت بکشید تا خدا و رسول و پادشاه شما از شما راضی گردد و داد داد آباد و اجداد و وطن بر دوش تان شما را تقدیس کند و دولت و ملت و وطن از شما برخوردار و مفتخر

[غایت الدین معین السلطنه]

مراسم جشن اتفاق ملت در بابر

[illegible]

بلی از امروز جشن ملی بسیار مقدس پر مسرت و شعار ترقی کرده دولت علیه افغانستان اجرا میشود و مراسم (جشن اتفاق ملت) بدست گرفته از این جشن بسنه ۱۳۱۴ مطابق سنه ۱۹۳۶ عیسوی در سال چهارم جلوس سعادت مانوس اعلیحضرت مقدس ملجا و ملاذ ملت مظفر و منصور ملکان اعلیحضرت (امیر عبدالرحمن) خان طاب مثواه و نخستین بار در دولت علیه افغانستان بموقع اجرا آمده است.

بعد از آنکه دولت توانسته است بفضل خدا و بمرحمت خداوند ملی جل و علی و همت جان نثار اعلیحضرت امیر معظم طاب ثراه و اتحاد و اتفاق ملت عزیز ما بر دشمن داخلی و خارجی فائق آمده و در ظرف چهار و نیم سال بر استقلال تام و کامل سیاسی و حقوق و اختیار کامل خود نائل آمده و در زیر سایه امن و آسایش و در ظل عدالت و مساوات و حریت و ترقی و تعالی و تمدن و معارف و صنایع و زراعت و تجارت و سایر شعب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 279 of 1786

[illegible]

شعر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 280 of 1786

دارم جشن مختصری فراهم شده بود، چمن آل برای آغاز اجتماع یافتن نظری داد و ساختن صفه‌ای مقابل و طرف صحام و چمن پهلوی آن برای نشستن و تره و مصاحبه مخصوص شده بود.

اگر در اوصاف صفا و لطافت این چمن با لطافت پرداز زیبای نخوام شعر عشق را تحریش می‌آوردیم جایست که از زبان آنرا با سودا و زمرد و مغرمش می‌ساختیم. نظرات نشیمن را بران دانه‌ها می‌کوبرساخته می‌افتاد نیم تخته‌ای شیشه‌گاه آنرا از کرسیهای افلاک برتری نهادیم. سایبانهای آنرا از قبه فلک الافلاک عالیتری افراشتیم. دلی هزار افسوسها می‌بین تعبیرها سراسر حسن و صفای طبیعت آن چمنهای لطافت سیمار را برهم میزدیم. و بر سودا و زمرد دانه‌های مروارید درآنقدر چکیدهای جنه، دور زیر جان پلرگ از سیمار بست واقعی ندارد که در کیاست؟ و در فصاحت با سایه‌ی وقت لیکن دیم! البته اقرار جزا دادن آنرا تصور کرد، و لیکن دیم دان فصیح به آن ندادیم. تعریف و توصیف این دو قطعه چمن بشما و ما من بطرز دیگانگی چنین است که عرض میشود:

دو قطعه چمن یا هر دو چمن را از یک دیگر دو سرک مقرر که با چنارهای سیمار جنه می‌از دو طرف خاطر جدا شده بود. چمن کوچکتر شد معلوم است که زمین آن با دالان استوره مستور باشد. چمن اول یکقطعه زمین سبز و خرم از نسبت به سطح زمین باغ تقدیر (۳۰۰ × ۴۰۰) ذرع منظور بیش است نزدیک (۱۰۰ × ۵۲۰) ذرع، و طرف (۱۴۴) ذرع به نقشه هندسی مستطیل سیمار رنگی طرح شده و آب دیوارهای سیاچارهای جلدهای اطراف این قطعه با همه سطح آن یک سبزه یکدست و هموار خوش رنگ نرم و لطیفی تماشا - منظر بخش است که با شیشه‌ای دور دان منقل با خیابانها و چمن پیرایان و اجزا آنرا پیراسته اند. خرمی و نزاوت سطح چمن مسرت پیرا من را اگر به زنی یک فلس بلشت و یا یک نازنین دوازده ذرع شب کیسه تو دلبس از دان با یکدیگر زبر، اگر چه زنی با آنها یک رجه برابر بشن می‌یا بدولی یک ذرع جشن جنات نباتی از نسبت آن بر میگیرد و اگر نسبت چهار ذرع آن دانه بر میگیرد.

دو قطعه چمن صفا من بدر بیضوی رنگی کنه او گرداگرد منظری که انشسته شد و جنه سیمار دان را دان با واضحات مرتبه شده و کوان سبب صفت منظری با لباس دامن بسیار گرمی است. دالان شان بلس بوده بران کوچها پا انتظار قدم بست لذوم با دشاه منظر خود نشسته بود.

چمن سمت جنوب باقی بر دالان اعلیحضرت پادشاه سیمار دی ۱ دریکشنبه ۱۰ چمن بر صوف شرف نزول اجلال فرمود و جنه حاضرین قیام نموده و سلام شاهانه سرافراز شدند. بعد از صرف چای صفا و مشرب، دالان اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه دالان گردیده، تقریباً چهل و چهار پرستارهای خوان الوان نعمت پادشاهی بدو اعلیحضرتی القاب جاپوئی آغاز شده - میزهای طعام بسیار زینت و آراستگی ترتیب شده بود. علی الخصوص میز خصوصی دالان اعلیحضرت پادشاهی جنه زینتهای میزهای منظم طعام را مالک بود. اطراف با طبقهای چراغهای فانوسهای جا بجا، لطافت نشاری مستزاد انوار مجلس بود.

طعام پسیار رعصرت، و خوشت با انجام رسید. جنه ازان وقت تماشای چراغان، و استقاده دالان از نشاط افزای بزم جشن پرسرت دوچند. جنه حاضرین ازین چمن دالان چمن پرستاره شاهی بجا بر اشارت پسندیک آقای سیمان حضور رفته در پیش مرتبه نزدیک گاه چمن نه کوره صف بسته، اقدام گردید دالان اعلیحضرت جاپوئی با یکدیگر تشریف فرمای عزه اقبال گردیده و یک سر بر سر سایبان عالیشان، و افراشته و جنه حاضرین تحیت نموده و در مجلس انس بشب جشن پرسعادت گردیده انواع مطربه و شادیانه شنیده، و نیزنهای پرشعله مطربه شان و مزین بود فشرده شدند.

چمن اول را یکره تعریف و بیان کرده بودیم. اما از این چمن شاهانه خوش نیز چیزی گفتن لازم است، این قطعه نیز یک شکل مربع مستطیلی طرح شده است که طول آن (۱۸۲۲) ذرع و عرض آن (۲۱۱) ذرع پیمایش شد. و تمام دو اجزا مرتبه جهت شمالی قصر سعادت محل استوره واقع شده است. سطح زمین این چمن همایون سبزه خرم فرحت بهم مفروش است، و در (۱۲۲) ذرع این چمن را یک دیوار یک متری مصنوع احاطه کرده است که جای جای گل خشت خورده دان بکار رفته است. انوار رنگارنگ فانوسهای بلورین بر رنگی که دیوار و در او در چمن را در بر گرفته است چنان بنظر می‌آید که گویا یک نوع تزئین بسیار روشن یک شکل دیوار دیده می‌شود. دالان چمن شاهانه با من با آن رنگ دار و دیده، در قطعه بزرگ چنارهای جهت غربی این چمن که در دو طرف سرک عام واقع بر در چمن صف کشیده و جنه با انواع قنادیل، رنگ رنگ شاخ در شاخ شرح و دستگاه خود شاشا سوزه و مقرر ساخته که از قرار تفریق دانشمند حضرت مستند بر بعضی روایات آن چنانچه گفته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 281 of 1786

از مضمون یک واقعی که میتوانی آن را در بابت دم زدن [illegible]
به تصدیق کردن آن مجبور میباید.

در وجه جهت فوقانی چون یک سایبان بسیار واسع
و فراخی برپاست که در این سایبان بیشتر در وسط جهت این
آن، قابهای سیمین و طلائی مفروش است، و در پهلوی
بسا از این محفل انوار مستقل جایگاه میز آراسته گردیده،
چوگیان گشاده شده و چراغهای [illegible]
یک یک میز گرد آمده و بر روی آن انواع فواکه و تنقلات با شیشه
سیمگون و میوه جات طرح ادبیاء و طرفها سرگرم
زینت و صدور یافته شده، میزهای [illegible]
طرح بازی و میز [illegible] تابهای تصویر دار و تقطیع
دلوحه ها گذاشته شده و هیچ موجود است که هرکس آزادانه
از تماشا و مشغولیت به آنها استفاده کرده بتواند،
میزهای چای و سیگریت و قهوه و میگوات و شربتها
یک موضع مخصوصی که داشته شده که هرکس از آن استفاده
بتواند. خیر از انوار برقی که از پرده نورانی اطراف چون
درخشنده باریست در داخل چمن نیز در هر جا مرتبه ای
مصنوعی که با انواع گلها و چراغها زینت یافته و با تقلید یک
دلپذیر نمایی بنظر جلوه و میکند که داشته شده و که انوار
چراغهای الکتریکی بر تنه و شاخصار سعادت صورت
پوشیده ای بر انوار خود با انوار رنگارنگ دلپذیر نورانی
و انوار دلچسپ این انوار خرمن پرستش و شادمانی
یاری دهد. از آمده و انسان خود را مستغرق یک دریای
نوری دیده و بشادمانی عالم خیالات آغاز میکند. علی الخصوص
در لحظات خوش ترنمات موزیکای میشنود و وجد و
طربی، و آوازهای خواننده و نوازنده و
و نغمه های مختلف گرم و نوازنده و انسان صدای چهچه بلبلان
خوش الحان را بارد. و تکمیل این کیفیت شادمانی بیانات
پیرهن خود و جمله نمایی اعضو جنبانیدن، با یک چیزها به
مقامات معنوی به اهتزازی آورد.

علم زیارت علم چراغان

در این زمان چون لیله سیار جشن بسیار مشرف بانتهاء
گردیده، محفل مسرت منزل حضور بابوی برپاشده و یک تغیر مسرت
اصحاب سیار سودمند و خبری، انتظار میرود که آنها هم
عبارت از تشهیر شدن بعضی لوحه های بدیعه قصاید و نوشته های
تصویرات طرح شده حضور بابوی بود که هم برای زینت موقع

از مضمون یک واقعی که میتوانی آن را در بابت دم زدن انسان
به تصدیق کردن آن مجبور میباید.

در وجه جهت فوقانی چون یک سایبان بسیار واسع
و فراخی برپاست که در این سایبان بیشتر در وسط جهت این
آن، قابهای سیمین و طلائی مفروش است، و در پهلوی
بسا از این محفل انوار مستقل جایگاه میز آراسته گردیده،
چوگیان گشاده شده و چراغهای [illegible]
یک یک میز گرد آمده و بر روی آن انواع فواکه و تنقلات با شیشه
سیمگون و میوه جات طرح ادبیاء و طرفها سرگرم
زینت و صدور یافته شده، میزهای [illegible]
طرح بازی و میز [illegible] تابهای تصویر دار و تقطیع
دلوحه ها گذاشته شده و هیچ موجود است که هرکس آزادانه
از تماشا و مشغولیت به آنها استفاده کرده بتواند،
میزهای چای و سیگریت و قهوه و میگوات و شربتها
یک موضع مخصوصی که داشته شده که هرکس از آن استفاده
بتواند. خیر از انوار برقی که از پرده نورانی اطراف چون
درخشنده باریست در داخل چمن نیز در هر جا مرتبه ای
مصنوعی که با انواع گلها و چراغها زینت یافته و با تقلید یک
دلپذیر نمایی بنظر جلوه و میکند که داشته شده و که انوار
چراغهای الکتریکی بر تنه و شاخصار سعادت صورت
پوشیده ای بر انوار خود با انوار رنگارنگ دلپذیر نورانی
و انوار دلچسپ این انوار خرمن پرستش و شادمانی
یاری دهد. از آمده و انسان خود را مستغرق یک دریای
نوری دیده و بشادمانی عالم خیالات آغاز میکند. علی الخصوص
در لحظات خوش ترنمات موزیکای میشنود و وجد و
طربی، و آوازهای خواننده و نوازنده و
و نغمه های مختلف گرم و نوازنده و انسان صدای چهچه بلبلان
خوش الحان را بارد. و تکمیل این کیفیت شادمانی بیانات
پیرهن خود و جمله نمایی اعضو جنبانیدن، با یک چیزها به
مقامات معنوی به اهتزازی آورد.

علم زیارت علم چراغان

در این زمان چون لیله سیار جشن بسیار مشرف بانتهاء
گردیده، محفل مسرت منزل حضور بابوی برپاشده و یک تغیر مسرت
اصحاب سیار سودمند و خبری، انتظار میرود که آنها هم
عبارت از تشهیر شدن بعضی لوحه های بدیعه قصاید و نوشته های
تصویرات طرح شده حضور بابوی بود که هم برای زینت موقع

و هم برای گسانیکه آرزوی خریداری آن را داشته باشند
بعرض رسید و در آمده و حاصلات صنایع آن را اهل صنعت
برای چشم خود تخصیص شده است گردیده و گذاشته و هم
حاصل شود و هم [illegible] آن استفاده و گاه [illegible] آن
حقیقتاً لوحه های بدیعه صنایع مختلفه اخوان افسس
بطاقها و یادگارها و [illegible] برداشت که انسان از تحریر و ذهنی
بیان و وصی آن خود داری میتواند. این است که در این صورت
این بیانات مقدسه زائرین حضور حضور، السرور، حضرت پادشاه
و بانت پناه ترتیب داده وقت آگاه و مقدس معظم و هم زیارت
تماشا می پرداخته و هم [illegible] و [illegible]
را بیاد داشتن میگذرانند.

و الحاصل ایام صبح این لیلة جشن مقدس و هم روز بعد
هر کس و هر آن بسیار خوشحال و عالم عالم مسرت شکر پروردگار
عظیم الشان خود را بر این نعمای عظیم که بعنایت اخوان صفا و احسان
فرموده و تجلیل کنان [illegible] نعمای خود وحدت نمودند.

دو شب چراغان بازار
از طرف [illegible]

برادران عشیری چون این بنده تفصیلات مراسم جشن را
[illegible] خواسته گفت که: [illegible] معلوم و تفصیل
حاصل است که آقای سرور پیش خدا و خود کرفته؟ [illegible] جشن
اخلاق فلت [illegible] یک چیزیست معلوم، و همه فرد حاضرات آن با
چشم سر خود دیده و می بینیم. پس چه حاجت که [illegible]
[illegible] را بجواب دادن کرد و پیش چشم فوز و مسرت ما بوقوع آمده
پرسانده باز برای نقل و حکایه میکند [illegible]. اما انصاف باید
کرد: اگر اخبار ما تنها و شهر عزیز خود و اخوانمان همه داشت
و در دیگر اطراف نبود حق بدست شان بود، ولی چون
بسیار برادران دیگر ما در هر طرف افغانستان موجود و
اخبار ما برای شان میرود چه میشود که آنها نیز بوا سطه این مجله
اخبار از دیدنیهای مستفید شوند. علی الخصوص در ماه خارج
که بیشتر این جواب حاضرات و مراسم ما بقدر آرزو و حسن
دوره نداشت.

و اصل این شب عزیز را [illegible] و شب [illegible] و چراغان
چراغان و شهر آبین نزد برای ما [illegible] و [illegible]
تمام اهالی شان همین شب، اخلاق شان است بازار و رنگ و چراغ
و شور بازار و طبل و جنگی بازار، چراغها روشن و دکانهای تجار
تجلو گر از [illegible] و همه قصد و [illegible] چراغهای برنگ و اسلوب [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 282 of 1786

چاردخاجیه

اجزای سیاسی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 283 of 1786

[illegible] آتشی [illegible] طاق [illegible] سفید [illegible] آید [illegible]
طاق [illegible] مسجد [illegible] آن [illegible] که [illegible] این [illegible]
[illegible] بگیرد، [illegible] چسبان [illegible] شده [illegible] خواهد [illegible] است [illegible] ؟ [illegible] فرانسه [illegible] قوانین
بحریهٔ اتفاق [illegible] شش [illegible] برای [illegible] بحریهٔ [illegible] انتقاد [illegible] قشنگ [illegible] قرن [illegible] [illegible] بزرگ [illegible]

در [illegible] این [illegible] زمان [illegible] بین [illegible] اتفاق [illegible] شش [illegible] نیز [illegible] بعضی [illegible] تغاوتها [illegible]
[illegible] می [illegible] بینیم [illegible] که [illegible] اسلحهٔ [illegible] نزاع [illegible] بحریت [illegible] می [illegible] اندازد. [illegible] مثلاً [illegible] یکدفعه [illegible] بیسیم [illegible] برق
[illegible] که [illegible] یک [illegible] جنرال [illegible] ایطالیائی [illegible] یک [illegible] نطق [illegible] پرسوز [illegible] و [illegible] جوشی [illegible] میکرد [illegible] و [illegible] میگفت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 284 of 1786

اشتراک ورزیده و اند . بنابرین احوال بسیار مخیر است »

عرابه های موتر در پاریس

بمه اخبار های پاریس ، عدد عرابه های موتر ، و تراموا های موتر را با عدد دخل و نجاری آنها حساب کرده به اتفاق از حکومت طلب کرده و اند که یک قانونی برای سرعت موتر ساخته شود که در شهر و کوچه ها سرعت و قطار شان یکدیگر چه معین باشد .

بچه اوختران انگلیس در پاریس

یک خانه بشت صد و شصت و چار نفر بچه اوختران انگلیز به پاریس مده و اند . اینها در مسابقه موسیقی نوازی و غزل سرائی اشتراک میورزند و جاهای شایان تماشای پاریس را سیر میکنند . این انگلیزهای کوچک خورد و بزرگ در انسیتیوت بسیار مشهور اند و در هر طرف این مهمانان کوچک خود را بسیار عزیز میدارند .

۰۰ ۰۰ چاپان

از ایطالیا خبر میدهند : در شهر توورین امروز صبح ، خانم بنو نام صورت داده زنده و چان — یعنی کشتی هوائی برزمین افتاده و بالک شده است

از جزایر ترکیه و عربیه
سواحل بحر سفید

از جمله علاقه جاتیکه باین اوقات سیاسیه انگلیز در جزیره (الطا) بوقوع آمده ثابت کرده که دسته های کشتی جنگی بحر سفید دوست شده با ایها بمقابل بر نخواهد آمد . حتی الوقت انگلیز در انس بری استعمال کردن نو قطعه ، و بسلطنه جاتیکه در بحر سفید دارند پیشتر بها توجه اتفاق کرده و اند . انگلیز با عسکریکه در مصر و اردنی دارد لو اصباب نوغال احتیاطی که از جبل طارق و مالطه موجود و موثر محافظه و سرپرستی میشود ، تقصا جاتیکه در کشتیهای جنگی فرانس و انگلیز باشد در تحت آن تحمیل میشود .

بمقابل این حرکات فرانس انگلیز (دسته یا جاسوسان) نیز کار در موازنه بحر سفید بشدت علاقه دار است بحال گرمی ایران تقابلت و کارنه زی دارد . کارخانه کشتی سازی (چاپان) شب و روز بکار مشغول است . دسته های کشتی جنگی ایطالی مملو از یونانک و نازیها شده .

تکلیف اعضای اتحادیه اعراب

بسیاری از علمای کرام ایطالی با اردوگاه و طنانی در بنغازی خورا تسلیم کرده و اند . و سبب تسلیم شدن شان این است که هیچ چاره در او اصلت حرب نه دیده و اند . این تسلیم شدگان حالا بیان کرده و اند که ما علوم عسکری ایطالیا را ، چنانچه در نقشه ها و کتابها بیست و دو هزار نفر بسیاه ما انگلیز سپرده ، آنها عسیان کرده و اند پس

با ایطالیا دوستانه شده و اند و باقی آن سربازی با طیاره ها بروم چه فرستاده شده و اند .

از اتحاد اسلامیت ، سفیر ترکیه

در طرف چند هفته قبل مردم و نگستان از اثر مرد مان سرشار این قدر جاها را تلوس جمع کرده و اند .

نام جاها	میل مربع زمین	مقدار نفوس
در آسیا	۵۳۲۸۴۰	۳۳۴۲۱۰۰۰
در افریقا	۷۷۵۲۱۹۰	۹۸۱۸۵۰۰۰
در امریکا	۵۹۴۴۰۶	۱۰۷۶۰۰۰
در اوسترالیا	۱۶۰۹۷۵	۶۳۲۰۰۰
در جزیره ها	۱۰۳۲۷۸	۶۰۶۰۰۰
جمع زمینان هم	۹۱۲۱۴۶۹	۱۳۴۵۹۰۰۰

سفارتان جدید مراکو

مردمان جنوب غربی مراکو با شیخ بیب ، نام مریکه ، بسیار معتبری که بمردمان محوای کبیره سودان غربی بود ، اتفاق و ارتباط بهمت کرده و او را سلطانی خود برداشته و از بیت عبد الحق خاندان دین دار است خود ، گفته اند .

دسته های کشتی جنگی انگلیس در بحر سفید

اداره بحریه پارین اعلان کرده که کشتیهای جنگی انگلیس در بحر سفید کم شده و فقط ، حب دو دین یک دو کشتی زره پوش با دو آبهای معتد بها دل آنجا ساخت .

خطبه های سلطانیک کاتدرال یک

جناب کاتدرال یک والی ویلیت (سلانیک) بعد از خواندن خطبه جمعه (خاصه) یک خطبه بسیار مفصلی در باب (خاتمه سلطانی) ایراد نموده که از آن خلاصه (چهار) اجمال ذیلا مرقوم میگردد .

(۱) در قرن شمس شوکت و عظمت اسلام بوده و بعد از آن بسبب [illegible] اسلام بتدریج رو بانحطاط نهاده ، و در قرن هجدهم بدرجه [illegible] رسیده ، و در قرن نوزدهم [illegible] ترقی نموده ، و در قرن بیستم [illegible] (چهارم) — [illegible] (۱) [illegible] (۲) [illegible] (۳) [illegible] (۴) [illegible] (۵) [illegible] (۶) [illegible] (۷) [illegible] (۸) [illegible] (۹) [illegible] (۱۰) [illegible] (

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 285 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 286 of 1786

عیناً مکتوب

فاجعهٔ پاریس

بقیه از نمبر ۱۹

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 287 of 1786

جهت دیدن این رقص با خود دو دوم آن هم مستهلم میگفت که در این رقص قابل اظهار این حرفی نیست — پدر بیچاره راست میگفت چه جای شرم و حیا بود که دختر بیچاره در مقابل پدر خود با این حرکات قبیحه رقص میکرد و بعد از آن با خوشحالی و خوشوقتی تمام از پدر خود تحسین میطلبید — اما دختر بیچاره از کجا میدانست که این رقص چه قباحتی دارد و چه اثر بدی در اخلاق عامه دارد — او فقط میدانست که این رقص را در مجالس عروسی و جشن ها میکنند و همه کس از دیدن آن لذت میبرد و خوشوقت میشود و او هم از این جهت آنرا یاد گرفته بود که پدر خود را خوشوقت کند — اما پد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 288 of 1786

نامورانِ زنانِ جهان

مابعد از نمبر ۱۹

آستیداما — زن (نافاست) نام بادشاه مملکت تدیه (پولوس) بود. یکی از شهزاده‌گان مملکت (ثرای) که (پولوس) نام داشت بتزد (آفاست) التجا آورده بود آستیدامیا از دیدن شهزاده نوجوان مذکور بدام عرض عشق گرفتار آمده در شب بپنهانی خودرا بخوابگاه مهمان شوهر خود رسانیده و عرض تسلیت و مطالب وصال نمود. (شهزاده پولوس) از دیدن خیانت ابا کرد. لهذا آستیدامیا بر شهزاده مذکور تهمت زنا افترا نموده شوهر خود را بران داشت که شهزاده مذکور را به دار بیاویزد. ولی شهزاده مذکور بیشتر از آنکه بر دار دست بیابند بیش دستی کرده هم (آفاست) و هم آستیدامیا را بقتل آورده مملکت شانرا در زیر تسخیر خود در آورد.

آسیه — نام زنیست که حضرت موسی علیه السلام را از (نیل) گرفته پرورش و حمایه کرده است. اگرچه در تورات مذکور نیست که این زن زوجهٔ فرعون بوده باشد. ولی بنظر بتواریخ اسلام زوجهٔ فرعون است که در قرآن عظیم و احادیث نبی کریم ثنا فرموده شده است و بسببی که بحضرت حق تعالی جل و علی ایمان داشت و بدعوای الوهیت شوهر خود فرعون مخالفت باصیان نموده بود بسیار آزار و بلایا از فرعون کشیده است و آخر در زیر سنگ عذاب و شکنجه‌های سنگین او را خدا جان کرده است. حضرت موسی را صلوات الله علیه شبیها و علیه از شر فرعون رهائی داده، و در سرای فرعون پرورش داده، چنین زن مبارک است حالا میخواهیم که یک قدری از حقیقت این حکایت برخوادنهای محترم خودمان عرض بیان نمائیم:

[مابقیش در نمبر آینده خواهد بود]

علم ثروت و ملیت

مابعد از نمبر ۱۹

کرکی (سی)، دوم (سرمایه)، سوم (قوای طبیعیه) یعنی هر، شبانی که در خشک، و دریا، هوا، و دیگر وزیر کرهٔ زمین موجود است پیدا شده که این دو سه قوای طبیعیه تابع شده بران صرف شود و اجرای صنعت بر آنها کرده میشود. مثلاً هر صنعت یک قدری از (سرمایه) محتاج است. اما سرمایه چنانچه در اینجا مردمان را تذکر شده که عبارت از پیسه نقد نیست. تنها بر همان نقد منحصر نیست. بلکه هر شیائی که برای استحصال ثروت بکار است سرمایه شمرده میشود.

مثلاً یک کشت کار تخم، و گاو، و قوه، و غیره اسباب کشتکاری را تدارک نکند کشت کار نخواهد شد. گذا اگر یک ماشین خانه و الا اشیای خامی را که برای او بکار است، و آلات و ادوات دیگری ماشین خانه و مشغولات آنرا تدارک نکند اجرای صنعت کرده نمی تواند. و همچنان اگر کشتیهای تجارتی بخاری و بادی و دریایی و جو ایهای بادکش نباشد تجارت ممکن نمی شود که همهٔ این چیزها بالسویه برای صرف شدن از راه استحصال ثروت تدارک دیده شده است از جملهٔ سرمایه شمرده میشود.

سی و هفت یک چیزیست که مخصوص علوم بشر است و مقصد ازان اینست که یک فایده ازان خواه برای قوای عقلیه باشد و خواه برای قوای جسمانیه حاصل شود.

[باقی دارد]

هر مقاله ناییکه دستخط نداشته، و از طرف سر محرر تحریر یافته

مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر مرحوم حاجی پاینده، در مطبعهٔ کابل

بقلم میر محمد جعفر قندهاری

طبع شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 289 of 1786

مدیر و رئیس محرر
محمود طرزی

اداره خانه و طبعه
دواخانه جاده سراج کابل

جمعه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر دوستاده میشود

بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی ۱۹ سنبله ۱۲۹۱ ۱۰ اگریزی ۳۰ جولای تاریخ عربی ۱۵ شعبان ۱۳۳۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

تماشای آتش بازی در چمن حضوری — برات داخلی — حوادث خارجیه — خطابات عجیبه مرتاپ — حوادث سفر — مالهای زبان — ادبیات — تلگرامان زمان جان — عرضداشت عل

تماشای آتش بازی در چمن حضوری

در شماره سابقه خود از مراسم جشن اتفاق ملت تفصیلات داده بودیم ولی چون بعد از ترتیب و طبع آن اخبار بالکیفیت بوقوع آمده بود لهذا از ترتیب و طبع تماشای آتش بازی چمن حضوری که در شب یکشنبه ۲۱ ماه رجب المرجب بوقوع آمده بحث و بیان ننموده نشستیم لهذا الان مراد کرده تا یک درجه از کیفیت آن شب فیوضات موهب برقرار دین گرامی خود عرض نمائیم:

از هر چه میرود سخن دوست خوشتر است بیا

خاطره یاد آوری های خوش و اتفاق ملت و اتحاد و یگانگت شعار و شوق و داد و حماسس انسانی می اندازد

که انسان از تذکار و یاد آن ضبط عنان نتواند!

این جشن مبارک هر ساله یک روز و چهارشنبه آخر میشود، روز اول آن بمان روز فیروز و بار و رسم قرن الوم ملت است که در شمار روز سابق خود از آن بحث نمودیم. شب آن روز شب ما بعد آن نیز همان بود که تذکار یافته بود. حالا از شب آخرین جشن مبارک مذکور که ما از اتحاد ستان آنرا بسیار مقدس میشماریم یک شمه بیان میکنیم:

این چهارشنب جشن پر سرور (اتفاق ملت) اگر تقسیم شود دو شب آنرا یعنی شب اول و چهارم آنرا از طرف حکومت بشرف اهالی، دو شب وسطی آنرا از طرف اهالی بشرف حکومت جشن تازه میگردد، هر ساله این شب چهارم جشن مبارک منحصر بر تماشای چراغان و انواع آتش بازیهای نور افشان میباشد که در سنوات سابقه مجلس شبانه شب پر مسرت در برج شمالی وقوع می آمد، و مید این آتش بازی در باغ ارگ مبارک متصل برج شمالی تخصیص شده بود، درین سال فرخنده فال ذات اعلیحضرت پادشاه مرحوم خصال ما برای تماشای آتش بازی چمن صفا پیرامن حضوری را تخصیص فرموده که این فکر شاهانه بر دلها مقصد بنی بود، یکی اینکه اهالی و اداره یک میدان بسیار وسیعی را تماشای آتش بازی استفاده کنند دیگر اینکه مشقت گرمی که درین چند روز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 290 of 1786

در شهر عزیز ما حکم فرما میباشد بهوای دلچسب و فضای جسیم چمن شاط ما من تعدیل و تخفیف یابد. در همین زمان فایده برداشتن شرکت تجارتی کپ چای خوری عصرتی را نیز در بر میگیرد.

بنا بر تبلیغ نامه های رسمی که از طرف جناب ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی برای شرفیابی مجلس شب جشن مذکور بر همه اهل دربار حضور توزیع و تقسیم شده بود دعوت شدگان مجلس شبنشین عالیشان بر دو خط حرکت خود شان قطار وار از دگه آغاز شده بودند. ذوقی که از چهار و نیم بجه عصر در دایر ه شرکت چای خوری عصرتی بالای کشتی فرا گرفته بود هم تماشای بازیها و هم هوا خوریها خود را کرده بساعت هفت شام که شیر و باغ آفرینش آتش بازی میباشد مجلس تماشای آتش بازی حاضر میشوند. برای این اشخاصیکه از وقت عصر بیایند البته چای و شیرینی و میوه که شرکت تقدیم میکند خورده از کرده صرف خواهند نمود. و کل یکهفت بجه حاضر مجلس تماشای آتش بازی میشوند و بعد از انجام یافتن تماشا بعیت اعلیحضرت شاهانه در مجلس جشنی که در باغ ارگ مبارکه بکمال زینت و آراستگی برپا میباشد الوان مختلفه گونا گون مشروبات و مشروبات مشروبه علیه علیه از خوان نعمت الوان بادشاه علیم الاحسان نواله چین شکران بیکران میگردند.

بنا بریں مدعوین بر فتن خودشان در مجلس تماشای آتش بازی آزاد بوده از چهار و نیم بجه عصر بر فتن و جمع آمدن آغاز نهادند. در شماره سابقه خود از کیفیت چمن حضوری و شرکت عصرتیه و باز یهائیکه در ان میشود بیان کرده بودیم که در اینجا تکرار آن لزوم نمی بینیم. در وقت شام همه مدعوین دربار معلا بار در مجلس حضور اعلیحضرت همایونی حاضر شده بودند. و هزاران مردمان از اهالی شهر و اطراف بشوق کرانهای صحن چمن صفا ما من را پر و معمور نموده بودند.

تقریبا بساعت هشت و نیم به افروختن آتش بازی آغاز گردید. انواع و اقسام آتش بازی های رنگا رنگ عجیب و غریبی در داده شده فرحتها و سرورها کاملی حاصل گردید.

تقریبا نصف ساعت از وقت اعلیحضرت همایونی بهواری موتر شریف فرمای ارگ مبارکیت و مجلس

باشکوه و بسیار عالی را که در (حصه هشت برج) ام موقع باغ موصوف برپا شده بود به نشریف میامن رایف شاهانه شان مفتخر و سرافراز فرمودند. ذوات محترمه شاهگان مجلس مذکور یکان یکان جمع آمدند. جمعیتها مصاحبه و مسرت تشکیل یافت میوها، شیرینیها، چایها، اطعمها از خوان الوان نعمت بادشاهی بسفره دل دلچسپا صرف میشد. چراغان و تزئینات این مجلس شاهانه نظر ربائی و روح افزائی تمامی داشت. مجلس تا ساعت سه بانواع فرحت و مسرت دوام و مزید بعد از ان اجازه انصراف عطا فرموده شد و آخرین شب جشن مسرت آئین (اتفاق فت) به انجام رسید. از درگاه خالق یگانه خود نیاز میکنیم که بسی سالهای بیشمار سلطانی شهریار معدلت شعار ما این جشن بزرگ مسرت باقی و پایه دار باشد آمین

جواهر شاهراه حلب

احوال هوائیه

از چند بست که شهر عزیز دلپذیر ما بعضی روزهای بسیار گرمی شان میشود. هفته های سرد و سوزان ما من و محن متعاقب ما چون گرمی فوق العاده شان بوده و طبیعتان آن برخلاف ما حول آنرا یافته بسیار متاثر میشوند.

از قرار رپوت رجبه هوا که از توقف سرد و زمستان بهار که به اداره خانه ما رسیده و درجه گرمی هوا از تاریخ ۱۳ رجب تا به ۲۷ ماه مذکور در چهار یکه روزها در مابین (۹۰ الی ۹۹) درجه فارنهایت نشان داده شده است که درجه ۹۹ حقیقتاً برای کابل ما از گرمیهای شدیدی شمرده میشود. حالانکه اگر یکقدری سلسله پسندی کرده بر هفته های از خود گرمتر نظر نمائیم از گرمی شکرهای عظیمی خواهیم یافت. چونکه در یکی از اخبارنامه ها دیدیم که در همین روزها در بعضی جاهای هندوستان درجه گرمی تا به (۱۲۸) درجه حاصل شده است.

میوه های سرد در فصل لطیف ما تازه و الوانوا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 291 of 1786

حوادث خارجیه

احوال سیاسی

سبحان الله! این کشمکش خونریز حیات - یعنی جنگ کردن زندگی با یک سبب مصیبتی بر بشریت بوده است! نه تنها بر بشریت، بلکه تمام عالم طبیعت را به این کشمکش خونریز حیات گرفتار قتل و قتال و آماده جنگ و جدال می یابیم!

حیوانات منفکر نه زمینی، مرغان و درندگان و حیوانات شکاری خورنده دریائی، آیا با آهوان و کبوتران و ماهیها چه عداوت و چه رقابت، و چه مغایرت با هم از پدرهای شان میراث مانده، و کدام دعوی میراث از اصلی وغیره در مابین شان پیش آمده که از ابتدای خلقت شان تا به این زمان همیگر خود را پاره میکنند و میدرند و میخورند؟

نی نی!... نه عداوتی دارند نه دعوائی! بلکه این یک (بقای حیات) است و بس. هیچ گرگ شکم سیری را نه بینید که بر یک گوسفندی حمله آورده باشد، نه خونخوار شده را نه بینید که بر یک بوزینه بال و پنگ کشیده، هیچ سگ اهلی سیر شده را نه بینید که بر صاحبان دیگر دهن باز کند.

حیوانات غیر درنده نیز معصوم شمرده میشوند. بعضی از آنها سبزه و ماده و انواع نباتاتی را که یک نوع حیاتی دارند، و هزاران پشه و حشرات کوچکی که بر آنها نشست باشند میخورند. گنجشکان، کبوتران، وغیره نیز انواع گرمها و حشرات جاندار و تخمهای مستعد جانداری را فروبی برند. همان گنجشکان هنگام خوردن دانه بقای حیات را در عالم نباتات شروع میشود که در کائنات طبیعت بحکمت ازلی لم یزلی حضرت احدیت هم برای حیات دوم در همین زمان برای نباتات مخلوقات قانون لایتغیری وضع شده است.

ما در شماره ۱۹ اخبار خود در زیر عنوان (ضرورت بودن جنگ عمومی) یک مقاله مخصوصه نوشته بودیم.

رقم، قرمز، دلاکس، دانوبا و غیره، کمال بسیده گی و پخته گی را داشته و اند. قوت بیارک هنوز در جوش شیرینی و خوبی حیات است. انگور سیاه قنه مادری نو بنو خوشه های پر دین انما خود را بهتر و گرمی در آورده است.

آیا چنین وفور نعمتهای میوه دار از بهر بهبود حرارت شمس خلق شده یا از اوراق خلق یگانه از نقصان برسی دیگر چه چیز سبب شده خواهد بود؟ پس بر ما واجب و بر هم شهریان عزیز ما واجب است که این نعمتهای عظمای الهی را شکر کرده بجویم. شکر کرده خوردن آن این است که با احتیاط دانه اش را بجویم، از میوه های خام و یا برهم خورده اجتناب نمائیم.

مامورین صفائی شهر را نیز لازم است که در انجمن روزهای گرم پر میوه در باب ایفای وظیفه و فریضه منصبی خود شان کمال دقت و اقتدار بکار برند، و در صفائی شهر بیش از پیش کوشش ورزند.

صحت عمومی

الحمد لله صحت عمومی بر کمال است. همچنان امراض ساریه و حمه در شهر و دیگر اطراف موجودیت تنها مرض چیچک و سرخکان که بای بیش خانه ویران افتاده در شهر هنوز ما موجود است. لهذا صاحبان اطفال که هنوز بار دفعه خود شان را اطفال خود نداده اند اگر یک آن اول تر بشفاخانه ببارکریه رده بحال زود شان مساعدت ورزند احتیاط دور نخواهد بود.

آب پاشان

ما در یکی از نمبرهای سابق خود از مقصد خیر مرصد اعلیحضرت بادشاه مراحم خصال سکادم آبادی خود مان در باب آوردن آب باصفای خوشگوار بشهر و بکابل بیان نموده بودیم. در ینوقت بنظر شکران و امتنان دیده می شود که بکار تعدیه نمودن نهالهای آبخیز و ساختن مخزنهای آب آن بکابل سے وجهد صرف همت و کوشش بعمل می آید. و امید است که در اندک مدت (سراج الاخبار افغانیه) بکیفیت مراسم افتتاحیه آنرا مسروحاً صحایف افتخار بنماید.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 292 of 1786

دیپلماسی (اجمال سیاسی) خود آن ضرورت را از نقطه نظر (مجاورت جات) مجاز میدانیم:

گرم پیله را تنه دیده باشید. تخمهای کوچک بیجان، یک حرارت مخصوص جان گرفته بزرگ می شود. هر چه بزرگ میشود بیشتر میخورد. و همان قدر که میخورد مقدار و قوای خود را در تولید حریر بیشتر حاصل میکند و بر خود تنیده و تنیده و بار بار افزوده تر از جرم خود پیله میکند، و رفته رفته بال کشیده و بر هوا پرواز میکند که آنهم منتهای ترقی شان، و آغاز زوال عمرشان است.

این است که اروپا برادر و پانیان از خورده گرم پیله نیز خنگتر و پرفش رفته است. آسیا از نقطه را در یک هرج و مرج پر انتش و دودی در آن نقطه از کنار بحر محیط، طنین تا خلیج فارس بر افراشته یک قبه بزرگ مجازی درآورده اند. ممالک مغرب آسیا و تمام سواحل دریچه دی بحر سفید، و جزایر بحر مذکور، و با القابها و تمام روم ایلی و جمیع سواحل بحیره بحر احمر و سواحل عربیه بحر عمان تا خلیج فارس در زیر انتش های حرص و جمع مجاورة الحیاتیه اروپا پانیان مانده است.

این (مجاورة الحیات) یا بدست آوردن منافع مختلفه یک پرده ایست که چشمان شانرا از هر طرفی بپوشانده، همه فضیلتهای انسانیه را در نظر متدینین ترین دولتهای شان محو و بی نشان میگرداند، هیچ بخیال و خاطر ما نگذرد که اتفاقهای دول اروپا خالصانه و صمیمانه بوده باشد، در زیر پرده هر اتفاق یک نفاقی، و در هر صلحی هر صلح دادی یک کینه در خفایی مستتر و پنهان است. ولی با وجود، با هم اگر همه آن کینه ها در خاطرها یک گوشه نگه داشته، اتفاقهای سیاسی خود شانرا لباس های اتفاقهای سیاسی پوشانده در نقطه رقابتی خود شان کاملا جلوه نمی آیند که اینهم بازیک، خایت تازه و لکن بی اندازه دیگری را بوجودی آورده، و آن، خایت منفعت پرستی با دیگر گونه یک اتفاقهای دوستی را در زیر پرده اتفاق سیاسی می پرورانده و آن اتفاقها نیز نفاق میگیرد و دیگر گونه حرص و طمعها برمی افراز که نتیجه این همه کشمکش های مجاورة الحیات یک روزی از روزها بهمه حال مجاربه حقیقی حیات منجر شدنی است.

انگلیس به ایطالیا کمک نمیدهد، از مسئله ای سیاسی نشانده و تکاور از اتفاق مثلث بیرون برآمده آیا بیشتر از این چه باشد که بر بحر احمر که دروازه هند و ستان شمرده میشود، و در حکم خود، در مصر قاعده و پیطرفی را در باب دولت علیه عثمانیه تا مهمات مراعات خود، ولی در باب دولت ایطالیا در سیاه چیزهائی نوکار، نه حرکت کرده چون پرسیدند که چرا؟ گفت، دیر در مجاربه (تراشوال) با من معاونت کرده بود!

استاد کار یگانه این چالاکی از نقطه (مجاورة الحیات) است که از دیرینه بیشتر (مجاورة الحیات) مجرمانه است، زیرا در یک تنگنای بسیار پرفش، تنگی مانده است، همه راههای بدرفت خود را در زیر نخلهای رقیبان خود می یابد، در قوت برتری در وقت حاضر بمقابل هر چیزان قوی که باشد توانائی میدانند، اقدار حقیقت قوت بحر سیر باید بر رقیبان خود غالب آمده، و از این است که شب و روز در تزئید و تقویت آن همیکوشند، در عین زمان نفاقهای سیاسی یعنی لباس اتفاقهای سیاسی می اندازند.

فرانسس با وجود کینه ها و غضبهای تدیمه مجاربه ابدیه خود نیز از اتفاقهای سیاسی در راه تدبیرات دانگیز اسباب یگانه نقاطهای خود شده، و لحیفه ای تاریخ شده، عاقل آن، اتفاقات میباشد بازهم آن کینه ها و غضبها را بر اساس نفاق سیاسی بنیاد نهاده در موقت مناسب اتفاق سیاسی جلوه گر می سازند.

اتفاق مثلث که در حقیقت حال (اتفاق مثلث) باید بگوئیم، این بغض و کین و خایت بعد چگونه برای مجاورة الحیات یا بدست آوردن منافع مادیه بچنان تغییراتی باهم مربوط اند که حرص نفس ربانی (الکاک شان) را بجوش نمی آرد؟ آنها هم منتظر گی نشسته است. بلی اگر ایطالیا منقلب و منحل گردیده جرمن و اوستریا حالا ممالک ایطالیا را در بین خود شان تقسیم کرده تمام اوراق خریطه عالم برسیده اند، و چون جرمن بجبار از راه عالب ایطالیا بحر سفید را بیابد،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 293 of 1786

نسبتین نزدم نظر تب اوده رسید ان فتح و نصرتی ، رفتیات شعر ده میشود ، و الحاصل چون خوب نظر کرده شود هر دو تبلیغ را بیک (مجادله حیات) بسیار میشه پویان و منهمک می یابیم تا دیده شود کدام یک آن دیگری را گول زده یک طرف غرب و شیرین تازه تری بر باید .

مناسبات سیاسی

دولت علیه افغانستان — با — دولت علیه ایران

چندی میشود که بسیاری از اوراق جراید عالم یک سلسله اخبار سرحدی سمت جنوب غربی افغانستان و ایران را سرمایهٔ مقال اتخاذ کرده بسی حدس و قیاس های عجیب و غریبی حکایت و روایت مینمودند . بعضی گفتند که دولت افغانستان قوت و قابلیت دانسته ضم و الحاق نمودن خطهٔ (سیستان) را تبلیغ جانب دولت علیهٔ افغانستان منتظر نموده است . حتی بعضی از ارباب قلم این مسئله را بر موافق قانون اجتماع حیات دانسته جزء طبیعی و ضروری هم پنداشتند . بعضی از پیشین رفتن عساکر نظامی افغانستان در خاک ایران بکمال کامیابی و بلا موانع و مزاحم بحث رانده ، و الحاصل هر کس یک فرض و تخمینی و میدان تبلیغ اوراق حوادث را بیک واقعهٔ جدیدی و سرمایهٔ بافتن قیل و قال مدیدی منظور و امیدوار نموده .

اگر راست بگوئیم ما را نیز این اخبار و قول انگیز اخبار بفکر و اندیشه های دور و درازی انداخت . احوال جغرافی و تاریخی و خریطهٔ سیستان را زیر نظر مطالعه در آوردیم . سیستان را یک خطهٔ جنوبی و در جهت جنوب خراسان یافتیم ، نصف غربی آنرا به ایران و نصف شرقی آنرا به افغانستان تابع دیدیم . نهرهای معروفهٔ (هیرمند) و (هاروت رود) و (خاش رود) و (بغنه) را در (نیزار) و (زره) نام دریاچه — یعنی تالاب آن در آمیخته مشاهده کردیم . در تاریخ ایران قدیم سیستان را (سکستن) و (زابلستان) را نیز دیدیم ، و

(دارای) اسلام مسکن بسیاری از علما و ادبای معروف ، (سجزی) و یا (سجستانی) نیز آنرا یاد فرمودند . یک وقتی جدا آنرا در زیر تابعیت دولت علیهٔ افغانستان ، و باز وقتی در زیر حکم دولت علیهٔ افغانستان ، و باز سر در زیر تابعیت دولت صفوی ایران و باز یک وقتی — یعنی در اوایل تشکیل با لفظ حکومت مستقله افغانستان سر اسر در زیر حوزهٔ حاکمیت افغانستان و در بعضی وقت نصف بیشتر می آنرا باز مال افغانستان و نصف دیگر آنرا مال ایران می یافتیم .

با خود اندیشیدیم که اگر چنانچه تاسس و سر آزار جان و حرکات ، و دعاوی (کانفلاس) مقالی را در طرفهای (اروپ) بحرکت آورده ، تاسس خراسان آن نیز اگر افغانستان را در طرفهای (سیستان) بحرکت آورده باشد از قبال آنها پیش بینی داشته خواهد بود یا نی ، اگر در پس در شهد تحقیق در زیر افغانستان لازم میشود که برای جلوگیری سیلابهای آن رخنهٔ تفوق حداث و هوا سیستانرا با قوت های لازمه اشغال و مالال سازد .

این قبیل وقایعهای اخبار و این قبیل شبهات و افکار ما را مجبور بر این داشت که در باب سیستان بطریق بکار برده و تحقیقات موشگافانه اجرا نموده نتیجهٔ حقیقت را بر قارئین کرام خود عرض نمائیم اگرچه در شمارهٔ ۱۸ اخبار خود مستند بر بعضی استخبارات محل اقوالی نه تحریری که از بعضی دوایر دارالسلطنه نموده بودیم چیزی در باب ایضاح کیفیت این مسئله نگاشته بودیم اما در این بار نتیجهٔ تحقیقات ما بواسطهٔ بعضی نامه نگاران مخصوصهٔ روزنامهٔ مبارک ما ست که در حصول حوادث واقعه — یعنی در ولایت (هرات) و (چغانسور) حدود سیستان اقدامی اجرا نموده ما را خبر داده است ، حتی نامه نگار ما در (کابل) بصورت یک خطهٔ مکتوب والی یعنی نائب الحکومه هرات نیز دستیاب شده و بما داده گوشتا و اگر نوشته . تنها در این مکتوب از جمله اینواقعه که بسی تحسین ما و قیاس ما در اوراق حوادث را سبب شده است قارئین کرام را بحقیقت مسئله رهبری مینماید اصل حکایت را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 294 of 1786

نامه نگار ما از چغی نصور چنین مینویسد :

(سردار خداداد خان سیستانی)

کریمی : سردار ان صاحب نفوذ سیستانی ایرانی میباشد تا تاریخ یکم دهه ی اول باسبی از اتباع خود از حدود نخاوز نموده و بر قریه (دکدیه) واقع (قطع) خاک افغانستان هجوم برده و اموال یکصد خانواده را در غایاهی دولت علیه افغانستان را تاراج و یغما برده اند . و به اینهم قناعت نکرده بر اغراض و اکسوک نیز دست اندازی کرده عیال و دختران (محمد خان) نام شخص معتبر قریه مذکور را اسیر برده اند . این حادثه در ظرف یک هفته باز اگ ضروری از طرف جناب حاجی شیر دل خان حاکم سرحد داری چغانسور ، و جناب غلام احمد خان برگ عساکر نظامی آغاز قدمی بموجب تعلیمات مخصوص که گرفته به بلوک عسکر نظامی منتظم دیگر اردو طوب بوقی که آنرا دشت خوانگاه میگویند اعزام گردید . عساکر مذکور اشقیای سیستانی ایرانی را ضرب و تکیل نموده از مواضعهای شان که در منطقه (قطعی) غیر محمد شاه قناز خط قیبا بود بصورت فصولی در آن موضع گرفته بودند ، مردود نموده ، نیز مایحتاج شیر محمد خان بلوک عسکر با عبد الصمد خان بنزد جناب آقای حشمت الملک حاکم سیستان فرستاده شد . و از حاکم مذکور درین باره خواست گرفتن سردار خداداد خان را و ایستاده و اینهمه اموال غایا افغانیه را که تاراج برده اند با عیال و حیثیه های مجرم طلب نموده . فرقه عسکریه قرارداد چغانسور انجام یافته است که درین روزها استرداد مال و عرض رعایای دولت علیه مقدمتاً بحسن صورت و بکمال صلح و سلامت باتمام رسیده ، اموال و عسکر شما نیز درین محل تا گرفتار سردار سیستانی ایرانی فیصلی متأثر شده و به هیچان و بیصبری تمام به نتیجه انتظار میکشند .

این واقعاتی بود که نامه نگار مخصوص ما از چغانسور باحضور داده است . و نامه نگار ما

از هرات چنین مینویسد :

(خصوص) از هرات سرحد ی استقرار نموده

عنف این است که از جانب نماینده ایران بر ان حوالی آن مملکت بسا به دوست قدیمی ما یکجان معاهده چاکرانه اش گرفتن آمده و که با حکومت و قانون ، و با نظام و انتظام ما ندارد از نظم و نسق بیگانه و بشانی در این نامه ، یعنی این شعر گویا برای احوال حالی ایران نظم آورده است :

بر احوال آن شهر باید گریست که فریاد رس نیست فردا که کیست

و ازین است که مردمان سرحدی شبنه ایران از عدم قوت و انتظام دولت جنبه خود استفاده کرده چند می قبل زین مالداران جوین ایرانی بر اسب لطف چرا (قلعه کاه) و (کاروزه) از خاک دولت علیه افغانستان تجاوز نمودند . و نیز چندی پیشتر ازین ، زاغانی مردم (خانمنات) ایرانی منطقه برغ را تجاوز کرده و قریب سرحد خاک افغانستان بعضی از اهالی را بغیر حق شرعی و قانونی بزد و خورد و خلاصت آغاز کرده که این حرکات سراسر مغایر حقوق بسا یگی و دوستی شمرده می شد . و تا بحال مسیح چنین چیزی پیش نشده بود . طبیعت که سرحدات را از ان دولت علیه افغانستان آن تجاوز کننده گان اجنبی و ابله جلوگیری نمودند . بنابرین در بین دو فقره چنین خبرات سوء سیاسیه یا ذکر دیده که با دیگر فقرات آن نیز از طرف جناب آقای حاجی (خیل الملک) کارگزار آمور خارجه خراسان و سیستان و اطراف جناب عبد الله خان وکیل قنسولگری دولت خداداد افغانستان مقیم مشهد عرض شده بود که بار گاه سامی پایگاه بهایونی نموده و جواب و تعلیمات بنام رئیس قنسولگری سنیه جناب نائب الحکومه هرات رسیده و دستیاب نشده ، اهم و دوامی اگر با نظر به شما بعضی مقتضیات دیگر بعضی اوراق رسیده گان داخل نائب الحکومتی و از قنسولگری دولت علیه بدان شده بود که اصل مجاز از طرف ایران شده و از طرف افغانستان این راهم موقتاً شنیده خبریه هم که یک خلاف آرام از طرف جناب حشمت الملک و رئیس قنسولگری ایران برای جناب نائب الحکومه صاحب رسیده که از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 295 of 1786

دولتین علیتین عثمانیه و افغانیه

نقل و صورت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 296 of 1786

نقل و صورت

[illegible]

[illegible] ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۷

(محمد سعید [illegible])

جرائد مصر القاهره و افغانستان

ترجمه از اخبار (الاهرام) اغز

مکتوب

الدولة العلیة - و حضرت امیر افغان

حضرت افاضل مدیر جریده [illegible]

چون حضرت شاهانه [illegible] از میرمخت اسلامیه برای دولت علیه شاهانه جمع میشود از وقت [illegible] برای تجارت طرابلس غرب در صفحات جریده های خودشان نشر میکنید (آخره خواستیم که از یک طرف [illegible] حضرت امیر افغان جلالت امیر (امیر - ات) خان شاه غیور دام دولته نشر کرده باشیم که [illegible] حضرت امیر یک خطبه بر افغانیان خوانده و آنها را برای مدافعه دولت علیه شاهانه بقدر استطاعت خود شان تشویق فرموده و برای جمع آوری اعانه تلگرافهای مخصوصی در مقصد سرعت کابل جمع نموده و آنرا بر نام دولت علیه [illegible] و توزیع کرده که بعلاوه از این جمع آمده یک [illegible] بیرو انگلیز می باشد [illegible] پس از خدمت شما لازم میدانم که این کیفیت در جریده های شما نشر فائده تا یک

ترجمه از اخبار (المقطم)

حضرت فاضل حاجی میرزا عبدالحمید ایرانی مدیر اخبار جهره و آثار گرامی

[illegible] حضرت امیر افغان یک [illegible] خود [illegible] تحریک خود بر یک [illegible] و با [illegible] دولت علیه شاهانه [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 297 of 1786

[illegible]

جنگیدن را دیدم که لباس و کلاه و زنگستانی قلبس بود، ولی چهره و اندام از زیر کلاه و لباس خوبی پدید رخشید. این فریک نوجوانی از افغانهای سرحدی علاقهٔ انگلیزی بود که در لندن برای تحصیل طب رفته و در نیوقت کامل التحصیل شده بوطن خود برمی‌گشت بقید. یک صد و پنجاه پوند انگلیزی با خود داشت. مبلغ مذکور را با دیگر جواهر خود در بنجا در پیش یک شخص معتمدی بودیعت سپرد و گفت اگر بسلامت آدم وجه خود را می‌ستانم، اگر بر تبهٔ شهادت رسیدم بهمین مبلغ بجمعیت هلال احمر سپرده شود. این را گفته بمیدان حرب روانه شد. یکی از و پرسید که آیا شادی - یعنی ازدواج کرده اید؟ او جواب گفت که این وقت شادی مسلمانان نیست هر وقت که فتح میسر شود آن وقت شادی خواهیم کرد.

خبرهای مختلف

از برلین پایتخت جرمن خبر میرسد که یکهزار و سی امیر اطور جرمن با چهارده تن رؤسای دین قریبا ملاقات خواهد کرد. معلوم است که این یک خبر مهم بزرگیست که در عالم سیاسی بکار میبرود.

نصرت علیه عثمانی

بشرکت عثمانی از وزارت حربیه رسما تبلیغ شده است که در ۱۳ ماه جون بوقت صبح دو طوپ عسکر عثمانی بسیاری از بنجا بدین برآمده - پیش از ابرده استحکام بسیار متین دشمن که در جهت بیده واقع موضع بسیار محکمی ساخته بودند و با هشت دیوار سیمی پی هم محاطره بچه بودند و مدت سه ساعت محاربهٔ بسیار خونریزانه دوام ورزید. این دو استحکام متین را با سپاهیان آهنی و آلات ناریهٔ هشت مستحکم بودجه نابود ساخته و بدین ترتیب راه اسلامبول را باز کرده اند.

خودکشی از گرسنگی

از دویانه پایتخت اوستریا خبر میدهند که در قصبهٔ (دوون) (چند ورفر) نام یک شخص که پیری اش متجاوز بود از سنوات خلاکتی که داشت بعد از رنجیدگی بسیار که بیک خود را داخل منزل خود شده و در شش و پنج بر گشته و خود را خود کشت.

[illegible]

[illegible]

برادران افغانی کیان، برادران هندوستانی کجا

افغان، (العلم) منضمهٔ عصر القاهره، مینویسد که: یک جوان از افغانهای اروپا، که در هندوستان یک صنعتی مشغول بود و مخلص بدولت انگلیز بود، بعزم امداد امیر حبیب الله خان خود را بکابل رسانیده و بخدمت امیر مشغول شده بود. در اثنای جنگ عمومی، وقتیکه امیر حبیب الله خان بمیدان حرب میرفت، این جوان را با خود برده و در اثنای راه بامیر گفته بود که ما افغانها و هندیها برادر یکدیگر هستیم و ما باید بر ضد دشمن مشترک با شما یک برادر یکان و یک برادر وار جنگ کنیم.

بقیهٔ این بیان در گذشت، چنانچه ازین یک نظر افغانی از بنجا چنین و طبیعت افغانی از میدان قتال بدین قسم (العلم) رسیده و که مضمون آن اینست: (بدورنه) رسیدم، لشکر اسلام را منصور و دشمن را مخذول و مقهور دیدم.)

نامهٔ نگار ما از مصر مینویسد

دوست ما غلام غشنبه خان کمال افغانی از مصر در یک مکتوب خود برای بنجانب افغانی که در مصر و شام و بلغار و ولایات اسلامبول بود و هم چون از طرف ذات اعلیحضرت پادشاه مهربان خود و از سلسلهٔ سراج الاخبار افغانیه آگاه شده بود با خود گفتند که برادران ما در وطن بحال معاونت میطلبند و چرا در بنجا بنهای آزاد و توانای خود با برادران دین خود معاونت نکنیم؟ بنا برین بسیاری از افغانانی که در بن صفحات بودند هیچ هیچ دو دو از راه مصر بسمت بن حرب روانه گذشتند. حتی تا بحال قریب یک صد و پنجاه نفر افغان را خود ملاقات کرده ام که از بنجا در گذشته اند. از جمله یک افغان نوجوان سپاهی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 298 of 1786

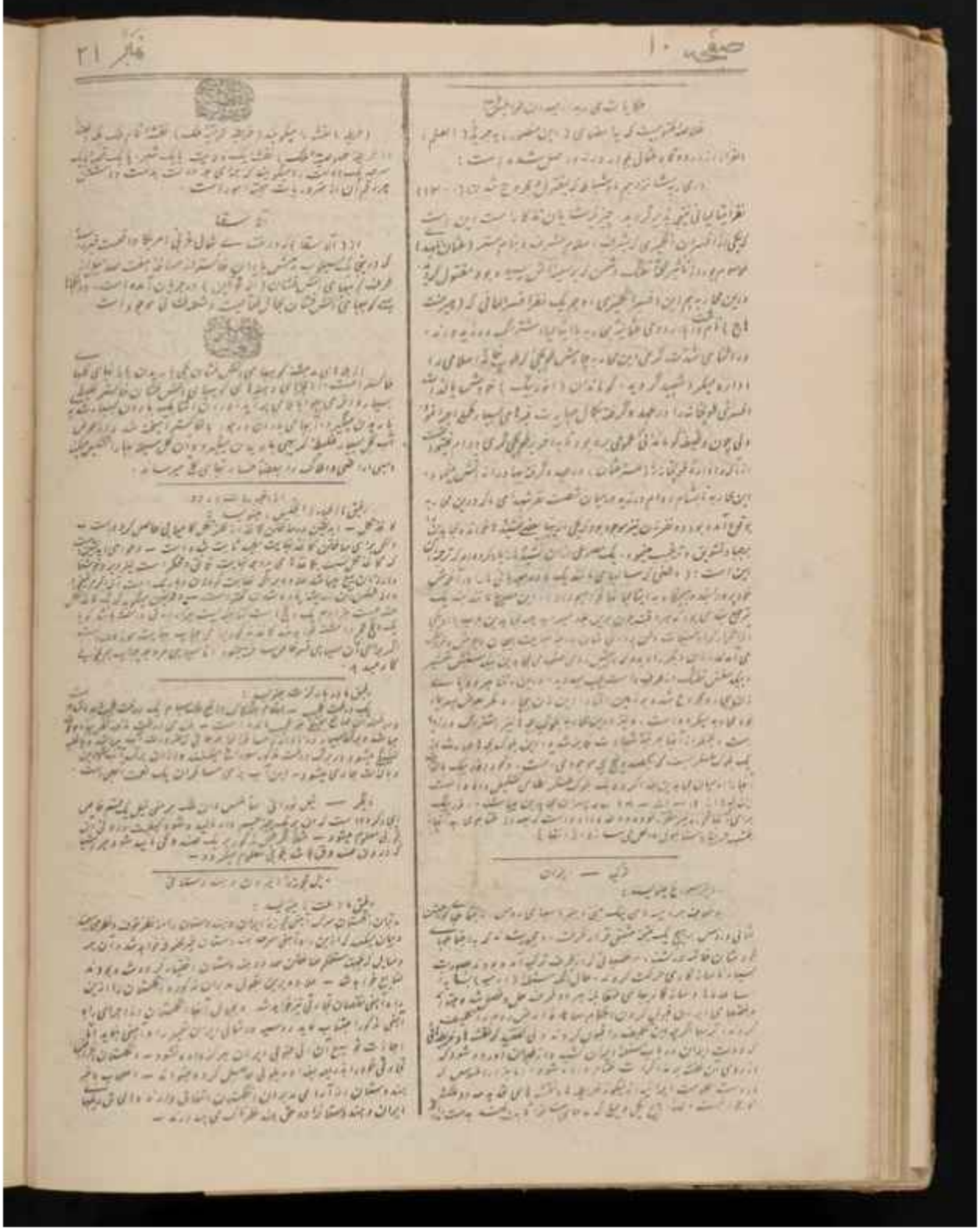

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 299 of 1786

مقالات علمیه

علم تاریخ

کیفیت خلقت بشر

مابعد از نمره ۱۹

مدتها قبل دسته یک بتحقیقات آغاز کرده و از اول مریخ‌شناسی برای اول مرتبه باب کیفیت خلقت بشر گشوده شد. باید دانست که مقصود چیست:

اگرچه مسئله تعیین کیفیت خلقت از زمان قدیم تا یکصد سال پیش اندیشه دوانی و تعیین نظر قاطع است ولی در باب خلقت بشر آدم و حوا و بقاء و تناسل و دلایل اثبات این عقیده و بعبارت دیگر فنون نشان میدهد که قضیه ساده و واضح است که یا از اندیشه و فکر کیفیت تعیین ظاهر و پیدا می‌شود.

مثلا برای اینکه معلوم گردد که در یک بیضی کوچک مرغ دانه‌ای داشته باشد در درون آن یک گربه پیدا میشود. هیچ بچه و خاطر نشان آورد که این گربه از خارج درون بیضه آمده است. زیرا هم فن نباتات و هم فن حیوانات اشکار نشان میدهد که این گربه از خود بیضه از خود بیضه بوجود آمده است.

اما در این سوال وارد خاطر میشود که آیا این گربه زنده چسان پیدا و چگونه حاصل میشود؟ گوئا در این جواب این سوال این است که مسلم علم و هم ایمان دارد که گربه با قدرت از صنع عجیب الاسرار یک صانع حکیم و خالق قادر علیم اثبات نیست که کیفیت صنع و قدرت او عقلها را حیران نماید بطوریکه عقل در گرداب حیرت مانده و قدم از قدم برداشته نمیتواند. ولی با وجود اینهم عقل و فکر و اندیشه از خود دست بردار نبوده از صنع عجیب الاسرار دلیل استدلال و تعلیل از نقش و آثار بدیعه در آن آثار صنع و قدرت پیدا میشود و خواه فنون بخصوص نباتات را پیروی کنید مقدمه علمیه ساده‌ایکه خود و یا بسیار جاهای بعد خود را نشان داده و میتوانید آورد. که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 300 of 1786

ای معشر مسلمین ! اگرچه رفعت ما خارج است ولی باید میکوشیم که از ما بدان آورنده کلام این کتاب مقدس کریم و ستاینده گان ، ذات اقدس متعال ، عظمت خود را بما نشان داده چشم حقیقت و دیده بصیرت خود را بر قرآن خود ما باز کنیم امید است که پروردگار عظیم الشان ما را اینطور فرموده این کتاب علم و حکمت و معرفت بر مخلوقات و بجز کائنات را بخوبی عطا فرموده است ، بر اتقان ترکیب حکمت و فلسفه ترقی کند حکمت پر عظمت آیات بینات آن بحالتی رسیده که بر اتقان ترکیب ماده پرستان و طبیعت شناسان در پیش حقیقت ماده ، و با طبیعت کوشش و زحمتهای شبانه روزی طبیعت شناسان و ماده پرستان معترف حق و قدرتی که بر ان قدم نهاده و بفرمان از ان بالا میرسند و از عظمت کرد آن فیلسوف و ادبی انگلیس قرآن را برداشته طنطنه فریاد برآورده و گفت : (ای قوم ! با بر این کتاب ایمان بیاورید و یا در محو کردن آن چند آنگه همت برگمارید ، آیا چرا چنین نیست ؟ زیرا هیچ چیز بر ازان بیرون نیافت ، و دانست که تا این کتاب بدست مسلمان باشد هیچ عزیز فن ، هیچ علمت بران غلبه نمیکند .

(بقیه دارد در شماره آینده)

مواد عسکریه

(بقیه از نمبر ۱۹)

(هر تخم آدم جنگ)

هرکس به این نظر است که با این آلات و ادوات ناریه که در وقت حاضر بر طرف همه طوفانهای گلوله فولاد را خرد و پاش پاش میکند ، محاربه های زمانهای قدیم خیلی خونریزتر و وحشیانه تر میباشد ، حال آنکه در حقیقت چنین نیست ، هرگاه محاربه های زمانهای قدیم را که اقوام وحشیه گلو بگلو بهم دیگر در می آویختند ، و با بالطاقن ، و تبر ، و نیزه و شمشیر و خنجر بهم دیگر خود را میکشتند با این محاربه های وقت حاضر با این طوفانهای وحشتناک ، و طوپهای خوفناک بوقوع می آید مقابله نمیشود آن محاربه های قدیمه را با این محاربه های وقت حاضر ، حتی محاربه ما یکه با تفنگهای بیاناتی و طوپهای دهن پر بر یکی بوقوع می آمد ، باز هم خونریزتر از این و وحشیانه تر بود ، و این از این است که هر گلوله آدم هلاک چند یکی از زخم گلوله ، شمشیر و سر نیزه زیاده تر عسکر را هلاک میکند

از آنجا که شیوه و جبلی گلوله چنان است که بهر چیز که برخورد آنرا سوراخ کرده و یا پاره پاره میکند ، و از طرف دیگر شیوه و جبلی شمشیر و سر نیزه چنان است که بهر چیز که برخورد آنرا قطع

عالیهای ژاپان

از سیاحت نامه عبدالرشید ابراهیم افندی
مابعد از نمبر ۱۹

یوکوهاما

یکی از بندرگاه های مشهور تجارتی ژاپان شهر (یوکوهاما) میباشد. من در ژاپان این اول شهریست که می بینم. و ملت ژاپان را بیزاول در همین شهر می بینم. زیرا چیزهائیکه در راه دیدم همه گی عبارت از یک نقاره فی بود. شهر (یوکوهاما) یک شهر بزرگیست که زیاده از دو صد هزار نفوس دارد. از ممالک ژاپان اول بندر یکه برای تجارت اروپائیان شده است همین بندر است. من در همین نشرین اول در یخا آدم. صبح وقت برای گردش و تماشای شهر بر آمدم. بصاحب خانه گفتم: — هر جائی کرده من نام پته و نشان خانه خود را بدهید که در وقت برگشتن زحمت نکشم. — صاحب خانه مکالمه ما بزبان ژاپانی بود. زیرا من هنوز بچگانه چیزی خود دیده و لغتها و نامها را با ادا ربط بهم بسته مقصد خود را می فهمانیدم. ضرورت و احتیاج نیز انسان را بزبان آموختن مجبور میکند. صاحب خانه بمن گفت: — که در شهر ما تنها یک باغچه موجود است. هر یکه را که می پرسید مرا در پیش روی باغچه برسانی گفت شما را در یخا می آرد.

پوشاکی که من پوشیده بودم طبعاً در نظر ژاپانی ها چیزی عجیب و غریب یک قیافه می باید شده بود. ولی این را به پیشبینی که تمام روز گردش کردم. هیچ یک شخصی که نظر حیرت و تعجب بمن نظر کند برخوردم حال آنکه هر حال و اطوار ژاپانیها موجب حیرت و تعجب من می شد. از همه پیشتر این را بگویم که در هر کس یک حرکت و فعالیت دیده میشود. گویا دانه جویای آدم احمد و نهایت آینده گان در وی نیست. هر کس بسیار سرعت براه میرود علی الخصوص صدای نعلین های زنان و مردی که در فضا را تمام بگوش انسان چیزی عجیب برمیخورد. اما صدای سنگر کوچه ها با سنگ فرش نیست. و هم در روز چند بار آب پاشی میشود. ازین سبب بسیار معلوم می شود. و گرنه آن صدای نعلین ها گوش را ناراحت میکرد.

حدود و شمالیه یوکوهاما بجاست و اطراف آن بسیار کوهستان است باکوهای عالی. اگرچه یک قسمی از شهر بروی آب واقع شده است اما قسم اعظم آن بر زمین هموار است. بلکه اگر براستی گفته شود شهر در میان یک دره واقع شده است. از میان شهر نهرهای بسیار میگذرد. و کانالهای بسیاری نیز موجود است. و آثار و بناهای عجیب و غریب بسیاری دیده میشود. هر روز از یک سر شهر تا بدیگر سر شهر باتراموای برقی رفت و آمد کردم. بسیار جاها را پیاده گردش نمودم.

در هر طرف شهر که گردش شود معلوم میگردد که ملت ژاپان در هر فوع استعداد و مالک و حیله خیال و کارگذاری یک ملتی میباشد. در دکان، طرز صنعت خانه ها بریک، در هیچ طرف هیچ یک از یکدیگر نشست باشد برخورده نمیشود. هر قدر بناهای بزرگی که دیده شود آن بناهای (کلب) است. بغیر از سرایهای حکومتی و توپخانه ها و بعضی دیگر هیچ یک بنای بزرگی مانند بناهای کلبهائیست. در همه عمارت خانه ها یک طبقه بیشتر عمارت دو طبقه کمتر نادر دیده میشود.

در سر هر جاده و بازار یک کلب ملفون عمومی و یک کلب پولیس دیده میشود که بطرز خود ژاپان بنا یافته است. هیچ یک سرکوچه و بازاری نیست که در آن یک تلفون خانه عمومی نباشد. در هر چهار راسیهای بزرگ صندوقهای سرخ رنگ دیده میشود که هر روز از ساعت شش صبح تا بهفتم شب در هر ساعت این صندوقها باز شده و مکتوبهایکه از مکاتب آن در آن انداخته شده گرفته میشود. و در هر جا جالان میشود. همچنین صندوقهای ڈاک خصوصاً در پوستخانه ها دائم یافت میشود.

(مابقیش در نمبر آینده می آید)

ادبیات

بهار — و — عشق

زمستان! با تمام شدت قهر و غضب خود دوام میکند. هر عالم زمهریر نه لطافت و حرارت! رفته رفته بگان هوا ملایم لطیف بوزیدن می آید. درختان، بلبلان، و یک شادی استیلا میکند. باز آن هوای لطیف بیک طوفان باد و باران برف آلود مبدل میشود. آه این طاقت!

کمی میگذرد و باز یک هوای لطیف بوزیدن می آید. و درین بار هر خان بهر خود را پیدا میکنند. و در کجاها ی اشجار آب حیات زندگی میدود. زمین یک تغیر کرمی میگیرد. تخمهای نباتات در زیر خاک یک بالیدن و گی پیدا میکنند. اگرچه یک دو بار باز بگان باد و باران تهاجم میبرند و میبوزد و لی بگان بگان صحرا و چمن را رایحت داده، شاخهای درختان باد کنان سبز نیم اخضر پوشیده، زمین می سازد. بلبلها، حنا، بی پا یکدیگر خود را مبارک باد میگویند. سبزها میروید شکوفه ها می شکفد، جویبارها، شلالها

آب رها از انجماد بر آمده یک نغمه لطیف بر نشاطی جریان میگیرد.

بهی شبنم، نمناک! بیا، صفا بخش، به تشریف فرمایی خود مرا حس حیات تازه با همه لطافتها و حسنها و جلوه های خود ظاهر و پدیدار گردان.

این است که اطراح شمس عشق در بگدل بی عشق چنان چنین خاصیت در انسان میبود؟ منجمد، افسرده، سرد، بی خبر، مستریح میباشد! وقتیکه پرتو انوار عشق شامل حال می آید یک گرمی یک بیخبری در دل نوجوان نوایان میگردد. تا بحدی که بداند چه بود؟ باز طوفان تسیان خاموشی بجوم آورده افسرده و گی و داغم میبورزد. آه این طاقت!

کمی میگذرد و باز هوای حیات افزای بهار حرارت شباب عشق بیک نحو دلفریب فسونکار بر دل بیگانه خالی از عشق یار، و افکار خالی از تخیلات یار و تخیلی میکند. درین بار دل نوجوان یک تپشی میبیند، میکند. بلی آخر یک چیزی قرار بدهد که آیا این چه حال است؟ و سبب هر لحظه بلحظه از حالی بحالی و از شوقی بذوقی و از هوسی بهوسی می افتد. و هر طرف که نظر میکند همان شوخی، همان خوبان، همان تو!

فاجعهٔ پاریس

(بقیه از نمبر ۲۰)

با نوجوان آزادمان خارج شد و درین واقعه خواننده یک طوریکه وجدانا و قدرا، اندیشه می شائست:

— میلورم چپه باشی! خاموش شو!

ذن جوان خاموش شد. بعد یک دقایقی در اواق بچه صدای تفنگ زدن یک آدم دیگر چیزی شنیده نشد. اما بعد از کمتری در طبقه زیرینا بعضی صداهای مختلف آدمان مخالف اصوات و قیل وقالها می دهشت سمات، و آوازهای پا ای

موزه پوشان و غیره اشخاص برخاسته و این شانتها و کرپ گوروپ ها از زینه ها بالا برآمده در پیش دروازه اتاق نمبر (۴) جمع میگشتند. بعد از کمی دروازه اتاق باخوند اتاق تفنگ نشان یا فتحی ها شد (در راینام قانون بازکنیه) نیز شنیده شد.

به این تکلیف خونسران دوباره ذال هیچ یک جوابی نداد. فقط تیله باو جوریکه بیدار بود، دلی چنان می پنداشت که یک خواب بسیار دهشتناکی می بیند. درین اثنا از زیر دون دروازه یک صدا تکرار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 303 of 1786

ای سخنه نامه! سلطان عشق، با همه دولت و عظمت خود بر ملک دل صعوبت نزل مستولی گردید. آن اندوه و گرانی آن بیداد آن تیرگی نماند. دل از همه چیز خاصه با همه کائنات پر گردید!

بلی، عشق کائنات است، عشق حیات است، عشق بهار است! عشق با دل کار دارد، دل با دل راه دارد: دل نشیمنگاه انوار احدیت است، دل اسرار لگاه تجلیات حقیقت است، دل آینهٔ تقابل عشقت، هر چیز یک در ان انعکاس نمایه بیتا جان انعکاس را بمقابل خود عکس میدهد. آفتاب بر آینه چنانچه بهمان انعکاس یک شعاع شدیدتر از ان چشم را میدرخشاند. این انعکاسات تنها بهمین شعر بیدل همدل را تنبیه می بخشد:

دل من داده تا در دو نگرم
من هم آینه در گفش دادم

فقط

غزل

سے

هر نفس کز هوشش کند اظهار شناخت
شک نیست که بگرد از کف سبحه بیفتاد

در باب هم محترم اهل جهان است
از سبحه کلوات بیابان همه عرات

صد از بشه شه تو بهر لمان دکلات است
از هود هنر جنبی شاسته شود حرمت

تحصیل معارف بکن ای نورده دیده
تا آنکه شوی مردمک دیده و رفعت

با گوشش دلسی بشهر، بتر قی
گیا پی و بهیکوشش و بشوی عاجز

انوار هنر لمه شمار است بدنیا
سامی شوداهر دم بجشا چشم بصیرت

با علم و هنر سعی چو شد ملزم و همدم
بی شبهه ز اقران بیری گوی سبقت

از علم و ادب گشت توان صاحب اوقات
در کسب هنر یافت توان پایه رفعت

گه نظم، و گهی نثر و گهی خوب، و گهی زشت
گفتم، همه را بهیکوشش و تصحیش شنیدم

نمونه لغت:

— اگر در راه بازی میکنید بگنید! و گرنه بنام قانون بزور باز خواهیم کرد.

باز صدای صاحب خانه موسیو و جنیو شنیده شد که میگفت:

— از برای خدا! بزور در وازه نشکنید من زبان میدانم من دیگر یک کلید می دارم بان باز میکنیم.

ملتزمان — (از درون) به این تدابیر شرف و اصالتی که من دارم در بند نخواهم در آمد.

بعد از این سخن یک روشنی بسیار خفیف در داخل اطاق پیدا شد که بواسطهٔ آن روشنی شبح مثال ظریف بهمان قد دیده و تواست که شوهرش بیاد استاده و دهن یک تفنگچه را بشقیقهٔ خود گرفته است. تا دیدن بان، و بر خواستن صدای (از زوجه) یک چیز چیز بهان بود!... در عقب صدا دو تیغ خانه را استیلا کرده، و اتا دن یک جسمی بر روی تخته ا و تاق خانه بزمین در آمد!... با اتا دن جسم مذکور صدای چاکها و تقان یک زنی نیز شنیده شد!...

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 304 of 1786

نامورانِ زمانہ جہان

مابعد از نمبر ۲۰

[باقی دارد]

علم ثروت و ملک

مابعد از نمبر ۲۰

[باقی دارد]

ہمہ مضامین کا لیکھک ذمہ دار ہے نہ کہ مدیر و مہتمم رسالہ الاخبار اقتباس

یہ رسالہ الاخبار مطبع اقتباس پریس حیدرآباد سے چھپ کر شائع ہوا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 305 of 1786

صفحه ۱ سال اکم نمبر ۳۲

مدیر و مسیر مجرّد

محمود همدرزی

اداره تجارت و مطبعه

در ماشین خانه دارالسلطنه کابل

جمله امورات تحریریه باداره خط

بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی ۲۳ اسد ۱۲۹۱ تاریخ انگریزی ۱۴ اگست تاریخ عربی اکم رمضان ۱۳۳۰

در ین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بس مقالات مفیده درج میشود

بخران

بشبکت تاسی علی اصغر راسخ تاجر

سلطنتی ایران

قیمت سالیانه

در داخله سلطنت کابل ۸ روپیه کابلی

در ممالک خارجه ممالک اکم ۱۴ روپیه کابلی

بخارج مملکت اخبار مجانا ارسال نمیشود

قیمت یک نمبر آن در کابل یکعباسی است

فهرست مندرجات

رمضان فیض رسان — قرآن عظیم الشان — مکتوب —
ابیات تبریکیه — حوادث خارجیه — اعلان
علم ثروت حل — خاتمه امای پلیس

رمضان فیض رسان

ماه مبارک رمضان فیض رسان که ذات اقدس خلاق العالمین و مکان بنازل فرمودن قرآن عظیم الشان را دران یک شرف و قدسیت مخصوص به آن احسان فرموده، بکمال مسرت و تمام افتخار باشرف ورود ارزانی فرمود.

آمد بشهر ما سفر پادشاه دین
دست بدار از طعام ماه مبارک رسید

تصور بنمودن فضایل و فرمایشاتی که در این شهر صیام

سفرت انجام دارد اگرچه از طاقت قلم شکسته رقم این محرر خاطی بار عالی تر و بلند تر افتاده است ولی چون این سنه شمار نمایست و دوام ما عقوه ماه مبارک رمضان تقاضا می نماید ضرور است که بقدر طاقت قلم مجرر رقم چیزی در باب این ماه سفرت توأم بعضی آثار ادبیه و اخلاقیه را تبع نموده و بگذاریم تا صحایف نخستین اخبار ما کسب فر و شرف نماید:

معلوم باد که روزه گرفتن — یعنی از یک وقت معین تا دیگر وقت معینی کرشته ترک تعیین فرموده و هیچ چیزی نخوردن و ننوشیدن و نکشیدن — بر همه امت ناجیه محمدیه صلی الله علیه وسلم با آیت جلیله قرآنیه که در سوره بقره نازل فرموده شده است (فرض) گردیده و کدام هیچ فردی از افراد این امت مجرمان مرتضیها و یا مسافران و غیره که باز شارع محمدیه فرموده از روزه گرفتن مستثنا شمرده میشوند معنی و مآل آیت جلیله قرآنیه این است:

(ای اهل ایمان! روزه چنانچه بر دیگر امتهای پیشتر از شما فرض گردیده و بود بر شما نیز فرض گردانیده شد، تا که نفس خود را از معاصی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 306 of 1786

بوآن نگاه کرده بتوانید ۰ ۹

اگرچه در فضیلت روزه که آیا از چه وقت فرض شده ۹ اختلاف است ۰ ولی این یک متفق علیه است که بعد از وقوع (تحویل قبله) آیه کریمه بر فرضیت آن شرف نزول فرموده است ۰ از آنجا که سیاق جمله آیت جلیله اطلاق صریحا معلوم میشود که قبل از دین مبین محمدی صلی الله علیه وآله وسلم در دیگر ادیان سالفه نیز روزه فرض بوده است حتی در توراة علی متفق علیه است که در شریعت حضرت ابوالبشر آدم صفی الله علیه السلام نیز روزه فرض بوده است ۰

حضرت ذات اقدس حکیم مطلق جل وعلی برای قوام انتظام و دوام اتم عالم در هر وقت و هر زمان بنابر مقتضای همان وقت و همان عصر مناسب باحتیاجات زنده همان اقوام و همان امم شرایع وضع فرموده است و اینهم از مقتضیات احکام حضرت الهی است که چون نوع بشر بر دور و بهر اندازه که ترقی و تکمل کرده اند در رفته رفته کسب صلاح و فلاح نموده اند ۰ از آنرو یک قسمی از احتیاجات بشریه شان زایل شده و بجای آن دیگر بعضی احتیاجات حادث گردیده است که تجدد شرایع نیز از آنسبب بحکمت بالغه سبحانیه اقتضا نموده است ۰ این است که از وقت خلقت آدم علیه السلام تا بعثت پیغمبر ذیشان حضرت محمد آخر زمان صلی الله تعالی علیه وسلم برای طوایف مختلفه بشریه از طرف حضرت باریتعالی جل وعلی بجای پیغمبرهای ذیشان و شریعتهای قدسیت نشان فرستاده شده است تا بهنگام سعادت پیام ظهور نور محمدی صلی الله علیه وسلم نوع انسان استعداد و تمام و قابلیت مالاکلام هر نوع معالی و معارف را پیدا کرده ۰ و تعلیمها و تربیه های ابتدائی خود را اکمال نموده مستعد ظهور آن نور باکمال گردیده آن تا به ابد دیگر نوری حاجت نماند گردید ۰ این است که در چنین زمان سعد اقتران آن

در شهر ماه رمضان در فضیلت صیام و روزه و سبب فرض شدن آن بر امت محمدیه صلی الله علیه وسلم

بسم الله الرحمن الرحیم ۰ نحمده ونصلی علی رسوله الکریم ۰

معلوم ناظرین باد که بنای شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم بر طبیعت بشریه و فطرت انسانیه بنیا و بانیه از زمره این شریعت مقدسه و این شهراه مستقیمه که به تمسک آن متمسکین و مبادی چاشیم باشک و شبهه تا بادام القیامه دایم و باقیست ۰ و بدیگر شریعت هیچ احتیاجی نیست ۰ اما چون دیگر شرایع بر مقتضیات زمان مبنی بود لهذا آن ضروری بوقوع می آمد ۰

این است که اساس بنای فرضیت روزه نیز طبیعت بشریه گرفته شده است ۰ زیرا اگر انسان سالها از دوازده ماه یک قرار و یک رنگ بخورد و نوشیدن و شهوات جسمانی مشغول شود طبیعت بهیمیه بجوش و خروش آمده در حظوظات و شهوات نفسانیه زیاده ترخواهشات و اتجاهات پیدا میکند ۰ و بر وجود یک کسالت و بطالت عارض شده تاثیر بدی آن برقوای ذهنیه نیز اثر کرده قوه عقلیه به ادراک معالی و انتقال اخلاق راه نمی یابد ۰ بصورت انسانیت که در نوعیت اصل گفته میشود از اوج اعلای خلقیت بحضیض انحطاط می بهیمیت نزول میکند ۰ چنانچه جناب (سعدی) که از پیشوایان عارفان است میفرماید :

شعر

تهی از خلق نیابت آن
که پری از طعام تا بینی

بر دانشمندان عالی گهر شرف منت اسلام و خلوص اعتقاد ایمان مشرف و منعم اند پوشیده نیست که صوم در میان عبادتها سید قوم است ۰ غیر از فواید روحانی که دارد منافع جسمانی آن نیز بسیار است ۰ شاعر عرب میگوید :

تنقل فذات الهوی تنقل

آیا این چه لذت و نعمتی است که آن دو از دو ماه کامل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 307 of 1786

بجای زادی صبح ، چاشت ، عصر ، شام میخورد و وقتیکه وقت بجاهای می آید که در تمام اقسام روز قطعیا نه چیزی میخورد و نه چیزی میاشامد ، آری بقای آن در تمام اقسام شب بخوردن آزاد است ، این یک شق حیات است که خیلی نه بد است .

در حدیث قدسی حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم آمده که :

«الصوم لی وانا اجزی به» زیرا که روزه ، ریا نیست ، روزه میگیرد و بگلم از شایبه ریا بری میباشد ، و بنابر معلوم است که بهترین عبادات عبادات بی ریاست ، و چون در صوم ریا نیست از خود بهترین عبادتهاست .

این است که رمضان ابیض سبب سعادتها و فیضیابی عالمی خود شرف حصول ارزانی فرموده ، (مترجم الاخبار)

قرآن عظیم الشان

و خدمات اعلیحضرت پادشاهی در راه آن

اقوام ثابته بحجه محمدیه صلی الله علیه وسلم از ذات قدسی حضرت واجب الوجود جل شانه کیان شرافتها و سعادتهای ما هستهای مطهره سرافراز فرموده که بهتر عالم بر رنگ و حسد می برد . بیچ شرحی از شرایع و اجله شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم با شریعتهای مخالفت و عدالت ، و آزادی ، و مساوات حکمفرما است ، و این همین سلامی است که بدیه خود و استقلال و غایت جانگیری و مصاحبتش بر دنیا ، بلکه دولت ، و یک حکومت ، و یک ملت مطهره محمدیه را قائل شده تا تاسیس و تشکیل یافته است که اگر در معانی قرآن عظیم الشان سطر خود و اعلان و قوت علم و عرفان تدقیق و تحقیق شود این معنی ظاهر و عیان بمستفتی خاص و عام بیان داده میشود ، و هیچگاه بقرار اول خود و اعتبار بدایت بر ارتقاء علوم آن قانون مقدس الهی را بایک آورده نمیشود ، و بهر دوری میکند و بیشتر میشود که غیر متناهی است ، و این خود مسلم و مقبول عموم است ، و این

(باقی در صفحه ۴)

جهاد ، و از این و حسد و بغض و بعضی از بعضی ها منع فرموده اقدام ، نشستن ، سعی و عمل را آگاه ، و بهر مقرر فرموده و از لذات بطالت ، عطالت غفلت سرا سر منع فرموده دروغ ، غیبت ، رشوت ، لعنت نموده ، و خلق را شنیدن غور و تدقیق کردن ، و از اثر بخوشی پی بردن پابند نموده کردن ، و شکر و ثنای ان استفاده ما را داده ، کردن از ان شمرده ، سیف و قلم را و وشیهای پرده از علوم دین شناخته پس اگر این قرآن عظیم الشان با این احکام متین قدسیت شان خود جهانگیر نباشد کدام حقوق و کدام قانون و کدام دستور جهانگیر خواهد بود ؟

این نکته را تنها جهان و اجنه علمای ربانی دریافته کرده بود و بس که بتفاوت علمی افتاده ، یا قبول و یا خود از برای خود آنرا دارشاد نموده ، اما غافل از اینکه [illegible] این همین قانون قدسیت قلمین از این تجدیدات و تاثرات [illegible] زیرا که مقسم نمودند ، زیرا بر محفوظ بودن ان تا دوام انقلاب بقرار علم بیان قرآن عظیم الشان ایمان آورده اند .

هرگاه ما اجرا بیم که تفاصیل و معانی قرآن عظیم الشان حضرت خالق کون و مکان را بیان فرموده ، زیرا که از اول وهله کائنات عنها بحث را بیرد که اعلم از فوق تصور است ، زیرا در صفوف تشخیص آن ام الکتاب علمت تا بحد آخا فرموده میشود بنابراین ما در اینجا همین قدر یک مختصر اکتفا نموده و از معانی آیات پادشاه دیانت ، این دشهریار عدالت ، اعلیحضرت (سراج الله والدین) که در باب خدمت این کتاب مبین اجرا فرموده اند یک مختصر عرض معلومات می پردازیم ، و در جناب حضرت یک تعلق خلوتی را که از قرائن اطلاعات تمام حاصل شده ، و در سجده و جنابت و حضرت و اتقیا رسیده ایم و مطالعه بین کتاب برقرار این قرائن ظاهر میباشد که ذات مبارکات دیانت صفات پادشاه متقین محبوب العلم ، سطحی را در تحصیل علوم تا بحد درجه جهت جهان بحث شاذ [illegible] و [illegible]

صورت مسلک

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 308 of 1786

بتاریخ ۲۸ شهر رمضان سنه ۱۳۱۷ از پیشگاه حضور انور اعلی حضرت نایب السلطنه صاحب فرمان صادر شده بود که اینک عالیجاه ارجمند سعادت و اقبال همراه مسعود، نظر به توجه نایب السلطنه راحفظه الله تعالی از آنجا که بهمت باسعادت اعلیحضرت سراج الملة والدین همواره در صدد ترقی و بهبود دین مبین حضرت خاتم النبیین است بنابراین رای صواب نمای والای، اقتضا بر این شد که شایسته بسی و کوشش بایسته هی عالیجاه غلام حضرت الهی در جاده خدمت مجدده دولت خداداد انسانستان سیار شوند و جایدادن خواص غلام پرست پس در اینصورت اگر فی الحال منظور دیده و خواسته ایم این است که مدرسه ما زیور برپا شود و حافظان تام و تمام از جانب سرکار منظر، السلطنه والا زاده نظری منظور و طالب و در هر ولایت منظر و محلی که لازم بدانند معین شود. اکنون به ارشاد نایب السلطنه کامل جاه، نظر حافظ منظر را چهار بیست تومان مقرر فرموده و خواهد شد و ولایج مدرسه حاضر را بقرار ذیل تجویز نمودیم که انشاء الله بهمین صرفه مدرسه مزبور برپا شود و حافظان تام و تمام و خوش قرائت و خوش خط و خوش آواز و خوش لهجه و خوش سلیقه و خوش اخلاق و خوش رفتار و خوش سیرت و خوش صورت و خوش سیرت و خوش سلوک و خوش معاشرت و خوش مشرب و خوش مذاق و خوش طبع و خوش فهم و خوش حافظه و خوش ذهن و خوش ادراک و خوش تمیز و خوش تشخیص و خوش تدبیر و خوش تفکر و خوش تعقل و خوش تأمل و خوش تروی و خوش تحمل و خوش تواضع و خوش تخلق و خوش تدین و خوش تورع و خوش تقوی و خوش تزهد و خوش تعبد و خوش تنسک و خوش تصوف و خوش تحقق و خوش تیقن و خوش تعین و خوش تشخص و خوش تمیز و خوش تشخیص و خوش تدبیر و خوش تفکر و خوش تعقل و خوش تأمل و خوش تروی و خوش تحمل و خوش تواضع و خوش تخلق و خوش تدین و خوش تورع و خوش تقوی و خوش تزهد و خوش تعبد و خوش تنسک و خوش تصوف و خوش تحقق و خوش تیقن و خوش تعین و خوش تشخص

۳ دست	۳
۱ زوج	۱
۲ طاقه	۲
۱ طاقه	۱
۱ ثوب	۱
۱	۱
۱۲ ۰۰ تومان	۱۲

جدول تعداد حفاظ و ولایات وداراالسلطنه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 309 of 1786

[illegible]	۲ نفر
[illegible]	۴ نفر
[illegible]	۱۳ نفر
[illegible]	۲ نفر
[illegible]	۱ نفر
[illegible]	۲۲ نفر
[illegible]	۱۰ نفر
[illegible]	۱۴ نفر
[illegible]	۱۰ نفر
[illegible]	۱ نفر
[illegible]	۳۸ نفر
میزان کل نفری	۱۱۶

[illegible]

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 310 of 1786

جواب اخبار جدید

لاهیحنا

در باب ترجمه اقوال خلقه تال (سنت نبال سنگ) نام هندو یک در اخبار عام شرشت بود از طرف رعایای هندوی دولت علیه افغانستان تقریر باقته و باداره ما جزاً نا فرستاده اند که عینا درج اخبار خود نمایم این که عینا درج میشود:

عالیجاه مشفق گرام مهربان دام اشان محمد رفیق خان مدیر سراج الاخبار بعزت باشند. چون در نیوقت از ترجمه اخبار عام مورخه ۱۵ ماه می ۱۹۱۲ مطابق ۲۷ ماه جمادی الاول ۱۳۳۰ ه چند نفر ما لحه خدمت از رعایای هندو و سکهه وارد سلطنه کابل رسیده که از شرح اخبار مذکور مفصل برای شما خبر داده و امید میکنیم که اصل اخبار مذکور و جواب ها می مایان اهل هنود رعایای دولت خداداد افغانستان که در اخبار بدستخط اسم خود ما مفصل اعلان کرده بجهت شما ارسال داشته ایم درج اخبار مبارکه خود نموده نشر فرمایند تا شخص که این اخبار را کرده بغلط صریح دشمنان لایعنی خود کرده در دروغ محض است جهالت بکشد تا دوباره چنین بهتان و دروغ را شایع نکند مهربانی کرده سرا اخبار داخل اخبار مذکور فرمایند — شرح ترجمه اخبار بابو شیر دیلکه یکنفر از اهل هنود (سنت نبال سنگ) ایک مضمون بسیط بعنوان این که در افغانستان چه دیده تحریر کرده و در ضمن آن چنگارده — درین ایام حال استقبال است که در دولت علیه افغانستان سرکهاوره ها ی پخته تعمیر شده و سیمهای تیلفون در سلطنه پشاور از جلال آباد الی دارالسلطنه کابل تکمیل یافته است و راه جلال آباد تا کابل پخته و پاکیزه است که مسافرین بران آمد و رفت دارند و طرابه ها بکثرت می آیند و میروند و عوام الناس بایکهها رواج داده اند — ساعتها بیشتر تر و بهر اشخاص یافت میشود و در اکثر بازارگاه ها چراغهای برقی روشن کرده میشوند و در همین شهر کابل یک منار ساعت تعمیر کرده شده و است مدارس بنا شده و شده و در جهار دن روز جمعه هر روزه قواعد نظامی عمل می آید حکام

و افسران اعلی حکما کلاهای بروضع انگلیس می پوشند — اعلیحضرت میخواهند که در ملک شان یک شهر عظیم جاری و ساری باشد — فن عکاسی که از نقطه خیال اهل اسلام کفر حیات نیز اجرا یافته و خود اعلیحضرت همایونی در آن ماهر کامل هستند و بسیار اوقات محض از برای تفریح طبع تصاویر شاهانه عکسهای اشکال مختلفه میگیرند — علاوه ازین ماشین خانه کامل بسیار وسیع است که اقمشهای دخانی در آنجا موجوده حاضر میباشند — چند نفر انگلیس نیز در افغانستان بر عهده های اعلی مامور و مقرر اند. چنانچه یکی از آن نامور ان اعلیحضرت امیر صاحب است قصه کوتاه اعلیحضرت امیر صاحب هر چیز زمانه جدید را دل و جان شیفته و عاشقند (افسوس که اعلیحضرت امیر صاحب در قیام امنیت ملک و حفاظت حقوق جایز در آن رعایای خود قدری غافل هستند در ملک افغانستان مسلمانان با حرم در تعداد کثیر و مردم مذاهب دیگر در تعداد قلیل یافته میشوند و کورنمنت افغانستان گاهی بر بین پولیتیک عمل نمیکند و گاه با افراد قلیل التعداد از ملوکین جسته و بهر رنگی رو آورد بر عکس آن اهل هنود رعایای دولت خداداد نیستند که اهل اسلام از آن مشرف و متنفر هستند بلکه اهل هنود بواسطه اینکه مذاهب جداگانه دارند — مبلغ چهار روپیه گهاریا نه جزیه ادا میکنند چون کدام اشخاص از اهل هنود در حدود افغانستان داخل و خارج میشوند و از ایجا داخل و خارج میشوند که سبب از اهل اسلام چار روپیه محصول اضافه ادا میکنند — کسی از اهل هنود اجازه ندارد که بموجب احکام مذاهب خود مصروف عبادت شود و در هر سال معبدهای خود و قوس نواخته بتواند کسی بر خلاف هندو باور نکند و یک از اولی ترین مسلمان را چیزی نگفته بتواند — تعداد هر سال معبدهای اهل هنود قلیل است اگر اهل اسلام در هر تعداد دو هر خانه مساجد و خانقاها بنا کرده میتوانند و کسی از انها اخبار ازین کار نخواهد کرد و هر سال معبدها در عهد خلد آشیان حضرت ضیاء الملة والدین مرحوم در هر تعداد و هر جاهائی که تخریب شده بودند موجود هستند در تعداد انها اسلامی اضافه نمیشود و این امر محض مشکل نه بلکه ناممکن است که در تعداد موجوده انها اضافه کرده بتوانند لفظ اضافه بلاشک از ناممکنات است چرا که در حال این تجارت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 311 of 1786

آزاد پیشه شده و اند که حق گفتن این است ، موجود و نیز حق آزاد و مشود
قطعاً و حق بیگم در خانه شهر کابل حب الامر اعلیحضرت امیر صاحب
خالصه دهرم سال بند کرده شده است اگرچه اهل هنود
حضور اعلیحضرت عرایض برای باز کردن آن عرضداشت
تقدیم نموده اند اما عریضه شان از بارگاه خسروی باجابت
مقرون نشد ، — همچنین حب الامر اعلیحضرت امیر صاحب
دام اجلاله در موضع سلطانپور پشه یا مالک که یک تیر پرتاب
معبر اهل هنود و غیر علاقه جات بیاشد مدد دهرم سال ضبط
خواهد شد است و بجای آن دهرم سال کر حال مستهلک
گردیده است خانه تعمیر کرده شده و اند علی الدوام
ست شمال جلال آباد در علاقه کامریک دهرم سال زمانه
قدیم منهدم گردیده است و نیز یک دهرم سال است
دفسوده شهر که از یک چهل اقامه دهرم مطلقاً ویران
گردیده است برای تعمیر آن اجازه داده شد ، بلکه
حاکم علاقه مذکور تجدید آن تعهد کرد که آغاز
چنین حرکات ناپسندیده باز آینده و اشخص تقصیر خواهد
شد چنانچه دهرم سال هنود شهر که هنوز در حالت تخریب
و خستگی است — اگر کدام مسلمان از راه عداوت
ذاتی عایقه گوید که فلان هندو با فلان زن مسلمان تعلق
ناجایز دارد و بهان وقت آن هندو ، اگر قادر کرده جبراً
در اسلام داخل کرده میشود و اگر عزم از ارتکاب این
حرکات قبیحه انکار کند او را بقتل میرسانی قتل خود میشود
اگر یک مسلمان با کدام زن هندو تعلقات ناجایز داشته
باشد از و هیچ باز خواست نمیشود و بعضی اوقات باین حیله
ناز اشیده ، که فلان زن هندو در دام عشق فلان شخص
مسلمان مبتلا شده و بخواهد که مشرف به اسلام شده
با شخص مذکور ازدواج کند خواه آن زن بیچاره و این
خیال هم نداشته باشد آن زن را جبراً گرفتار کرده و در مسلمانان
سپرده میشود من خود دیدم که از یک قریه متصل شهر
که یک زن هندو که در بستن بیست سالگی خود بود از شوهر
خود ناراض شده و جبراً و دالده خود سوی خانه والدین میرفت
که ناگاه یک مرد مسلمان زن هندو را دیده آمد و گفت که
این زن با من وعده کرده بود که از قید کفر آزاد شده
داخل این مذهب اسلام خواهم شد بعد از گفتن این الفاظ خود
مذکور زن هندو را گرفته در مسجد قریه متصل داخل کرد جبراً
او را در نکاح خود آورد و زن بیچاره خیلی شور و شغب کرده
و داد و بیداد آکشید در وقت اضطراب سر خود را

بر سنگ زده و خون آلود کرد و شور و غوغا چون حاکم این واقع مطلع گردیده
زده بنا که شده و در بارگاه اعلیحضرت امیر صاحب عریضه فاریاد
کرده و خواهش انا بجبر جواب برنیامد زیرا که خود اعلیحضرت
امیر صاحب در اشاعت اسلام کوشش می نمایند چنانچه برای
برای برهمن نو مسلم مبلغ هفت صد روپیه و برای چتری
نو مسلم شش صد روپیه و برای ویس نو مسلم مبلغ پنجصد روپیه
و برای شودر نو مسلم مبلغ چهار صد روپیه مقرر فرموده اند
پرتیکی اعلیحضرت امیر صاحب نسبت به پرتیکی اعلیحضرت امیر
حب مرحوم هر امر مخالف است و در عهد حکومت اعلیحضرت
امیر صاحب مرحوم اهل هنود بی مزاحمت هر وقت و هر جای
رفته میتوانستند اما در زمانه نحوست آنها بدون مخافت
آباد و میل راه رفته نمیتوانند بلکه بمعاش اندخیلی تکلیف
یافته اند و روزی نیگذرد که یک نفر یا دو نفر هندو و کدام
دو قتل نشود یا مال و اسباب آنها بغارت برده نشود قطع
جواب — این تکلیفات اجازه نامه کور که بلاطه یا
اهل هنود مقیم دار السلطنت کابل خدمتگاران و رعایای
اهل هنود دولت قویشوکت دولت خداداد افغانستان
رسید جواب تحریر میدارم که هر شخص این اقرارات
کرده باشد خالی از غرض الوده نمی و حسد بردن بر خدایان
دولت خداداد اهل هنود افغانستان که جمیع مایان بر حق
و خوشنودی چه از کارگذاران و غداران و ملک داران
و کسبکاران که مدت قویشوکت پادشاه قبل سه اعلیحضرت
امیر صاحب خود داریم و خود داریم شریک و یک جهت
با مردم مسلمان افغانستان بیدا نیم و هستیم از خود می
بسیار دیده و داریم که جهیشه و این اسباب سازی را
پیش خود ساخته ایشه خانی دارد و الا هر نفره را جوابی
چیزیسیم از زمان سعد اقترانی که سر کار شهریار یا چه منطاع
اعلیحضرت امیر صاحب باشد و افغانیکه متعلق و نظر پرست
یک یک را به تحریری آریم تا به اندازه بار و چنین حرکاتی
غرض جوئی را در میان نیاورد — اول نیکه به تحریر آورده
لاآبادی سرک او را و اداره کار خیر شده و سیم ها ے
تیلفون از جلال آباد الی کابل رفت و آمد ها به وبا یکل
و موتر را که نوشته است — الحق که جناب اعلیحضرت
امیر صاحب او را در آبادی سرکها و را می کل نکت
حمایه دولت خداداد افغانستان چه از سمت مشرقی از
دکه الی کابل و چه از سمت مغربی از کابل الی قندهار
و هرات و چه از سمت جنوبی از کابل الی خوست و پیوار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 312 of 1786

و بالای دره از سمت شمالی از قلعه بالای دریای نامو پیدا است بلخ و بخشان شب و روز صدوف در آبادی سرکجا را متوجه دارند الله تعالی روز بروز بترقی خواهد رسید — دوم ارباب ماشین خانه و اعانه نظامی و شمار ساعت و غیره که نوشته است کم نوشته اعلیحضرت سرکار والا می خیال دارند که نظامی و علمای افغانستان از مسلمان و هندو از اسباب و ساعت ماشین خانه دولت خداداد و یکی کسب و هنر با دیگر ندوم اسلحه و یراق از ساعت کارخانه های خود دولت خداداد افغانستان داشته باشند و هر زمانیکه خصمی بدولت پیش شود و بظهور برسد همگی کمر مردانگی بسته و بیکجهتی اقدام کنند انشاء الله تعالی که مسلمان و هندوی افغانستان بقرار یک خیال پادشاه جان و دل یکجهت بوده هر خصمی که هر زمان حکم شود بجا خواهیم آورد — سوم اینکه نوشته است که چند نفر انگلیس بدولت خداداد افغانستان ملازم است و عهده کارداری دارند چون پادشاه عظیم الشان اعلیحضرت امیر صاحب خیال گلان دارند و دولت خداداد افغانستان را از طریقه یکجهتی و اتفاق با دولت بهیه انگلیس دوست و متفق میباشد و میخواهند که هر چیز بدرستی سرانجام شود از اینرو از هر دولت دو نفر ملازمان جنگ دان و علاز مان برقن را که بیانه و براستی و صداقت کار کنند ملازم نگهداشته و میدارند که روز بروز در هر امور ترقی و ترقی کارهای دولت خداداد شود — چهارم اینکه نوشته است که اعلیحضرت در تمام ایالت ملک و حفاظت حقوق رعایا خود قدری غافل اند — جواب اینکه این حرف محض غلط صریح و بهتان قوی است که علم نیاورده چنین بهتان نموده است پادشاه عظیم الشان شب و روز در صدد آبادی و خوشحالی و نیکنامی رعایای دولت خداداد از مسلمان و هندو چیا شنده و تا حال حرفی دیده نشده که این سخن بهتان را ثابت سازد — پنجم اینکه نوشته است که مسلمانان بالعموم در تعداد کثیر و مردم مذاهب دیگر در تعداد قلیل و کورعنت افغانستان گاهی بر ضد پولیتیک عمل پیدا میشود که باز از قبیل التیداد و سلوک حسنه و بعدلی را رواداردو بر عکس آن اهل هنود ربع آزادی را مالک نیستند بواسطه اینکه مذهب چه اگاهه دارند — جواب اینکه این حرف را نمیدانم کرا از گذر درج اخبار آورده اند و در این چند مدعای غرض چی است

والا ما مردم اهل هنود افغانستان که از چندین پشت از چندین عقیده و سکونت در ولایات افغانستان داریم در هیچ زمان بدون عدل و انصاف و غمخواری حال از طرف پادشاه چیزی چیره و تعدی بر ما بوقوع نیامده خصوصا از طرف اعلیحضرت امیر صاحب سراج الملة و الدین که همواره متوجه احوال ما مردم اهل هنود بوده و در هیچ باب مرحمت پادشاهی را از ما بازه ما یان دریغ نفرموده اند چنانچه بقرار درجه خود تا بدربار معلی بعضی منصب و چوکی نشین مقرر یم و در جشن ها و عید ها بدربار معلی حاضر بوده چوکی ای منصب خود و از کار دار تر بدرجه خود و تجار و کلانتر و چودریها در محفل حضور نشسته شیرینی و میوه و قوار از شفقت پادشاهی برای ما یان میرسد و علاوه بران روزهای جشن نان و طعام برای همگی ما یان بقرار سررشته حضور اعلیحضرت همایونی طعامخانه های هنود خود ما طبخ مینمایند که تقریبی تجاران و کلان شونده گان و معتبرین چهار طایفه از برهمن و چتری و ویس میشود و در یک مبارک که متصل سلام خانه حضور حاضر گردیده و تناول میکنند این هم گاهی شده که عرض ما یان از هر یک مسمع مبارک پادشاه ما رسیده و باشد و اعلیحضرت امیر صاحب ما عدل و مرحمت دربار ه ما یان بقرار قانون و قاعده و مقرره خود رسی و عدالت و حقداری تقرر و باشنده گان ما یان این تقرر و امر نخصی نوشته از خاص جوئی است فقط — ششم اینکه نوشته است که مبلغ چهار روپیه کلدار سالیانه اهل هنود جزیه ادا میکنند چون کدام نفری از اهل هنود در حدود و قطر افغانستان داخل و خارج میشود در بندر د که از داخل و خروج چهار روپیه فی نفر تحصیل اضافه ادا میکنند — جواب اینکه این نفره جزیه که فی نفر الی مبلغ شانزده روپیه کابلی و فی نفر اوسط هشت روپیه کابلی و فی نفر ادنی چهار روپیه بقرار درجه توانائی ما مردم اهل هنود از قدیم الایام میدهیم این جدیدیت و از خارج علاقه مذکور که داخل شود بقرار درجه اوسط و ادنی است زیرا که کلا نهاد گی مشکل مردم اهل هنود این نفره را بنا بر خیر خواهی و بهبود اهل هنود افغانستان و شخصیکه داخل قلمرو شود قبول کرده اند بنابر اینکه بعد از ادای جزیه خون ما بهرا و خون مسلمان برابر میشود چنانچه در هر وقت که امر هند و را مردم مبارز خواهد شخصی از اهل اسلام بقتل رسانیده و یا برسانه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 313 of 1786

هرگاه مدعی او معلوم دار باشد ثبوت بر سند برابر دو بر حکم قتل از حضور بادشاه براو میشود و هرگاه مدعی بیدا نشود برابر خون مسلمان باز خواست شده دیت خون او گرفته وارث او میدهند چنانچه در همین زمان اعلیحضرت امیر صاحب این نوع شده و کسی دیوان چنگل هندو نویسنده دیزه کوهستان از قوم چترای بوده محمد زمان نام طرفی کوهستانی با چند نفر قطاع الطریقان همراه می خود در عرض راه کوهستان چنگل هندو را بقتل رسانیده بودند سرکار والا اعلیحضرت امیر صاحب باحقاقات زیادی نموده و خود محمد زمان را بداغ غوره حکم قتل فرموده و چار نفر همراهان او را بچشم کور کردن حکم داده و دو نفر دیگر را بقرار سیاست بادشاهی حکم قرار کرده اند — حال جای غور و تعجب است که عدل این اضافه چه باشد و باز خواست و غور رسی ازین زیاده چیست یک چار روپیه کدار که هشت روپیه کابلی شود چرا داده و این که باز خواست مایان ازین قرار شود چرا ندهیم و بهر حال شکرانه ایزد تعالی را از غور رسی بادشاه خود بجوار و بجا آوریم و بقرار شرع شریف و امر حق تعالی معمول میداریم فقط — هفتم اینکه نوشته است که کسی از اهل هنود اجازه ندارد که بموجب احکام خود معروف عبادت شود او هر سال و میعاد نامعین نواخته بتواند کسی بر خلاف هندو باور نکند — جواب اینکه این حرف هم محض لاغ اوداست زیرا که درین مدت دیده که قریب پنجصد سال بلکه اضافه میشود کلانهای مایان بادشاهان قدیم در افغانستان آورده اند هرگاه کسی برای عبادت خداوندی که حاصل نکاتی است آنجا رانیگذاشت تا این زمان در افغانستان احدی از اهل هنود نمی بود از مرحمت بادشاهی جد مایان بقرار قواعد دین داری و دهرم خود بهیچ وقت از عبادت حضرت رب المعبود فارغ نبودیم و نیستیم و گاهی از طرف بادشاهی ممانعت این حرف برای مایان نشده بلکه امداد فرموده اند چنانچه مامردم برای زیارت کردن تیرا کر پنجشیر هزار زحمت در مجال پنجشیر سیر قیم حضرت ضیاء الملة والدین مرحوم مغفور خلد آشیان جان تیاکر پنجشیر را دعاده ما امر فرموده اند که آورده در آسمائی که زیارت کل چار طایفه جات اهل هنود افغانستان و هندوستان است و اهل هنود افغانستان و هندوستان

به آسمائی چوتها کر پنجشیر اتفاقا دوازده تیا کر پنجشیر را دعا نگرا شته باز درین زمان اعلیحضرت امیر صاحب حال چون سرک دره ها بقرار رجه احکام هر جوانب از حضور دراه دهی و تعمیر ان شده بود سرک طرف سمت مغربی قندهار استاد کاران تعمیرات که رجه اند اخته برابر دره دستان آسمائی آمده برج آسمائی را کاردار ان تعمیر برای سرک می اندا خته اعلیحضرت بادشاه بطل اصلا زمان مبارک بدستخط مبارک خود تحریر نموده و عنایت کرده اند با دل جوئی و خورسندی از رعایای اهل هنود معماران تعمیر سرک را حمایت فرموده اند که الحال همان فرمان دستخط مبارک سرکار شهریار والای ما در آستانه آسمائی در چوکات و آینه کرفته بطریق یادکاری ما بایه نصب است چون حضرت سرکار والا امیر صاحب با این طریق نوازش و رعایا پروری در حق این گنه کاران دارند حرف مای نوشته اخبار نویس اگر غرض آلود نیست چیست و در باب نواختن ناقوس کاهی رواج در پنجاب است و بوده و کاهی مایان را کسی منع نکرده بلکه خود مایان نواختن آنرا دین والا بدل زیادی منظور می شماریم نه ناقوس داریم و نه می نوازیم فقط — هشتم اینکه نوشته است یک ادنی ترین مسلمان اعلی ترین هندو را دشنام و فحش داده چنو اند و بر خلاف این اعلی ترین هندو ادنی ترین مسلمان را چیزی گفته نمیتواند — جواب اینکه این نوشته هم چندان صحت ندارد اول اینکه شخصی که با چار عقل و فکر دارد بدون سبب کسی را دشنام و فحش نخفته و نمیکوید چون در هیچ دعایا و هیچ قال خالی از اشخاص نوچه و اوباش نیست اگر احیانا کدام نوچه و بد معاش بکسی دشنام بدهد همان وقت دشنام رد و بدل شده هرگاه شخصی زیر دستی کند سزای خود بسزای خود میرسد زیرا که بادشاه علی الدوام در هر کوچه و بازار پهره دار و تهانه دار ان کوتوالی و کلانتران برای همین مقرر فرموده اند که هرگاه کدام شخص نوچه بازور آور یا بد معاش بکسی چیزی بگوید و جنگ شود یا دکانی و خانه وزد می شود فی الحال او را بکوتوالی حاضر نمایند که بقدر کناه خود بسزا برسد و اینکه نوشته کراعلی ترین هندو به ادنی ترین مسلمان چیزی گفته نمی تواند این حرف هم محض غلط است اول اینکه غیر غرض دلی سبب چرا شخصی شخصی از مسلمان و هندو باشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 314 of 1786

چنانچه دهرم سال مبنوز در حالت تقریب وقت
است — جواب اینکه نوشته جات مذکور
از خود خیالی و پیچیده و سرا پا بی بنظری آید . و در خصوص
سعید خانه ها مردم اهل هنود که نوشته است که
اضافه کرده نمیشود نامردم چرا سعید خانه
خود را اضافه نکنیم این سعید خانه دهرم سالهای
موجوده خود را کامل برداخت کرده نمیتوانیم زیرا
که مردم اهل هنود در السلطنه کابل و نواح آن
جزوی جا نداشتیم هرگاه تقرری بود و باشش ماهگی
نفوس می بود و یک خانه داری سعید داشتیم
اگرچه مردم اهل هنود و افغانستان مطیع اوامر اسلام
و فرمان بردار بادشاه خود میباشیم و هستیم
سر رشته سعید خانه های موجوده خود را بخوبی
و درستی کامل مینمودیم و در باب تعداد اضافه
هرگاه کمبود سعید داشتیم بحضور بادشاه عرض
میکردیم ، نه ما عرض کردیم و نه در این باب از حضور
سر رشته حاصل کردیم که جدید بگذارند ایم —
در باب خالصه دهرم سال که بند شده بود این
که از جور و جبر بادشاهی بنا شده بود محض
از پی عاقلی و نادانی چند نفر سکه های مردم
اهل هنود که بحضور جناب معین السلطنه صاحب
شهزاده والا جاه عرض بیقانونی کرده بودند
و شمه بحضور شهزاده والا جاه اخبار کرده بود که
جای سعید اهل مسلمانان را مردم اهل هنود در
دهرم سال خود داخل کردند شهزاده ممدوح
از طریقه عدالت پروری برای تحقیق این فقره
بلاطه آن تشریف شریف برده بودند درین باب
تحقیق و غور و فکر آوری چار نفر سکه بغیر حق
شور و فتان و عرض بجا کردند شهزاده صاحب
اور کردند که فی الحال تحقیق بعمل شود و داده
نقل شود بعد ازان چون کیفیت تحقیق بحضور مبارک
سرکار شهریار والا اعلیحضرت سراج الله والدین
رسید احکام فرمودند که باصل دهرم سال
و حافظ تحقیق خود دهرم سال که از قدیم بود
و نقل نیست داده اگذار شده نقل و داده
دهرم سال را بازگرده برای اهل هنود برهنه
چنانچه دهرم سال خالصه بازداشت خط —

چیزی و شما هر بلوید دویم در هر جا شخص صاحب آب
و چه بگذارد و افعال خود اند خصوصا بعضی اشخاص یا
مردم اهل هنود که بقرار سی بادشاهی و بحمد الله بلاشک
و ارند بخوبی و درستی شخصی که کار و کار و طاعت
باشد بقرار قانون و قاعده و دستور العمل —
بادشاهی شخص کناه کار را بقدر لازمه سزا
سیاست چند اگر سزا و چند مال و محصول سر کار
چگونه جمع میکنند — فهم اینکه نوشته است :
تعداد دهرم سال و سعید های اهل هنود خیلی قلیل است
اما اهل اسلام در هر تعداد و هر جای مساجد
و خانقاها بنا کرده و میتوانند کسی آنها را ازین کار
خیر باز نمیدارد و دهرم سال و سعید ها در عهد اعلیحضرت
خلد الله ضیاء الملک و الدین مرحوم در هر تعداد
و هر جا که تعمیر شده بودند موجود هستند و در تعداد
آن هیچ اضافه نیاده و این امر محض مشکل بلکه
ناممکن است که در تعداد موجوده آن اضافه کرده
بتوانیم لفظ اضافه بلاشک از ناممکنات است
چرا که در حال این جا و بیرون اندیشیده و شده که چه کنیم
این تعداد موجوده بیشتر عمل آورده و شود و تشیلا
و عرض میکنم که در خود شهر کابل حسب الامر اعلیحضرت
امیر صاحب خالصه دهرم سال بند کرده شده
است و اگرچه اهل هنود بحضور اعلیحضرت همایونی
برای باز کردن آن عریضه داشت تقدیم خود
اند اما عریضه های شان از بارگاه خسروی
باجابت مقرون نشده و همچنین حسب الامر
اعلیحضرت امیر صاحب دام اجلاله در موضع
سلطان بورچشمه بابا نانک که یک تیرتهه زیارت
عبده اهل هنود بعد دهرم سال ضبط شده است
و جای دهرم سال که حال منهدم شده خانه ا
تعمیر کرده شده و علی ما القیاس سمت شمال
جلال آباد در علاقه کانر یک دهرم سال زمانه
تدویر منهدم کرده شده و نیز یک دهرم سال
قدیم در سوده شهر که در یک پهلو افتاده بود
مطلقا ویران کرده شده است و برای تعمیر آن
اجازه داده نشده و بلکه جاگیر علاقه دار تعمیر
اهل هنود را تنبیه کرده که اضافه ازین حرکات
ناشایسته دیگر باز آینده از تحقیق بخوبی واضح شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 315 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 316 of 1786

الطاف بی حضور عرض کرد اسی وجه از حاکم فرمان
داده شده که آباد گشته پس غور شود که نوشته جات
اخبار حاکم بنا بر غرض آلوده گی نیست چیست طبیعت
امیر صاحب ما گاهی بر اصل روداد نرسیده
که از طرف حاکم و غیره جبر و ستم در حق رعایا
شان شود و هوا و خیال شان این است
که رعایا باتفاق براه دولت خوشوقت
آسوده حال و بفکر خود اشتغال
داشته باشند چنانچه برای مسلمانان و هندو
که تجارت پیشه باشند و کم مایه شوند وجه تقاوی
بصیغه تقاوی از خزانه جات خاصه خود برای
تجارت بیزار روپیه میدهند چه از برای
اهل هنود در سلطنه کابل و جلال آباد و قندهار
و غیره بنا بر کار روائی که از دولت نفع
برای شان بطریق معاونت برسد
جای هزار روپیه شکوه گذاری بدرگاه ایزد
جل شانه نباشد و هر بابن خود دارم فقط
سوم این نوشته است که اگر کدام
مسلمان از روی عداوت ذاتی علانیه بگوید
که فلان هندو با فلان زن مسلمان تعلق ناجایز
دارد یا آن وقت آن هندو را اگر قرار کرده
جبراً او را اسلام داخل کرده میشود
و اگر ملزم شود از ارتکاب این حرکات
بیجا اظهار کند بخیر هم قتل خواهد شد
و اگر یک مسلمان با کدام زن هندو علاقات
ناجایز داشته باشد از وی باز خواست
کرده نمیشود و بعضی اوقات بر این حیله
ناقرا شنیده شود که فلان زن هندو را دام
عشق فلان مسلمان جلا شده میخواهد که
مشرف به اسلام شده با شخص مذکور
ازدواج کند خواه آن زن خیال هم
نداشته باشد جبراً قرار کرده هر دو
مسلمان میشوند و یک زن قوی شهر گجرات
تقریر دلپذیر خوش گذرانیده است جواب
اینکه این تقریر شما هم چندان صحت ندارد
زیرا که اعلیحضرت سرکار امیر صاحب
بسیار عدالت پروری در جناب دارند

و این را در نظر دارند که فتنه و فساد و
اتفاق و حسد از دست و زبان بی خبر خیز
از خلایق افغانستان دور شود اما چون
نیز نوع انسان در هر دیار در هر حال
یک قرار نیستند چنانچه در یک وقت پنج
انگشت برابر نمیباشد بر نهج خیال و نیت
بادشاه ما بسیار خوب و رعایا
پرور و در طریقه عدالت جبر و ستم را گاهی
روا نداشته و نمیدارند و در تفاوت
که پدید خواهد آمد چنانچه
درین زمان اعلیحضرت سرکار والا
یک صیغه هندو که بنده دهی نام از محال کنر
شیوه را شخصی مسلمان و مزدور او دعوا
کرد که مسلمان شده و مرا بشوهری خود قبول
کرده پدر صیغه مذکور چون منکر و براده
شوهر او امر منکر از محال کنر بعرض حضور
سرکار والا حاضر شدند و همان مسلمان
که دعوا کرده بود و در نزد قاضی محال
شاه ناهم گذرانیده بود حاضر صورت
حال هم بیان داده بود از قرار عرض
بسته دهی مذکور که میگفتند بالای
تحت کرده فرمان مبارک از حضور
بمحال کنر باسمی حاکم و قاضی فرستاده
زن شیوه هندو مذکور را با پسر او و مرا
مسلمان دعوا کننده را با شاهدان
او طلب حضور کرده و تحقیقات زیادی
در عدالت خانه بادشاهی نموده چنان
قرار می یافته صیغه عاجزه هندو را
بقرار عدالت بادشاهی رها کردند
و شخص مسلمان که دعوای خیر حق کرده
بود او را بجرم حکم کردند و شاهای
او را به سیاسه هندی حکم فرمودند و
صیغه هندو را برای دیوان نزد خود اش
گرفتند ملکی که گمان ما اهل هنود بدولت خداداد
است تسلیم فرمودند و مال و ملک و اسباب
و یراق او را اگر فته به او تسلیم کردند و
حکم فرمودند که بجان تربه شیوه محال کنر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 317 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 318 of 1786

جواب اینکه این فقره را در خیال داخل خود اختراع نموده
و در وقایع ضمن افزوده چون پولیتیکل اعلیحضرت امیر صاحب
مرحوم جنت مکان غفران آشیان هم خوب بوده و پولیتیکی
اعلیحضرت امیر صاحب سراج الله الدین
هم بسیار خوب و مرغوب است و اهل هنود در
سابق سوار اسپ نا و یا بر گردونها پیاده
و نظری گردش در هر محال و هر ولایت
رفت و آمد میکردند حال در این زمان که سرک
و راهها پخته و پاکیزه بهر طرف شده و هر سنه
تجار و سیاحان و ملک دار و غیره و باری یکی
دو دفعه و اسپه و یک اسپه با یک نفر یکه سوار
هندوستانی که بعضی یکی گرد و بعضی یکی خویش
از کابل الی محال جلال آباد و دگر سرحدات
و محال لغمان و محال چارباغ و محال بهسود
برای ملک داری و تجارتی مال و اسباب
خود میبرند و یک نفر دو نفر هندو یکنفر از خویش
خود و یک نفر دو نفر ملازم خود را از سایس
تا قاطر دار و ترکستانی تا غلزایی و گردیز
برای فروشش مال و خرید مال میبرند و
می آیند و در هر منزل جای را با طمأنینه آباد
و بفراغت تمام شب گذرانیده و به
آسوده حالی رفت و آمد دارند و اینکه
نوشته اند روزی نمیگذرد که یک دو نفر

هندو در کابل قتل نشوند یا مال و اسباب
شان بغارت برده نشود این حرف محض غلط
و بیهوده گوئی است هر هندو به آسایش تمام
در تجارت و ملک داری و کسب کاری خود
در شهر و دهات و محلات و ولایات
دولت خداداد افغانستان مشغول و مصروف
بوده و دعای دولت پادشاه خود را
داریم هرگاه یک نفر هندو آتا قتل شود
پادشاه ما خون او را بر ما از قاتل
میگیرد که در نمبر ششم سابق در باب
خون دو ان چند مفصل به تحریر آمده
افسوس است که اخبار نویس عالم
چنین حرف ها از خود سرانی دیهوده را
چگونه بلکه یک شخص اهل غرض و خلاف گو
تا تحقیق کرده درج اخبار خود میکند جای افسوس است
فقط

امضا

دیوان نرنجن اسس	دیوان نند لعل
گردیل ملک	سررشته دار
	دفتر سنجش
باباحت سنگ دوده	بلند اسس
بانک	کلاسترپل هنود

فاجعهٔ باریش

(بقیه از نمبر ۲۱)

و چشمانش از کاسه های چشمش برآمده و منظر
وحشتناکی را در نظر مجسم نموده بلند داد زد
گفت :

— بریده دهی ! این آدم خودش بالذات
(توت دوران وال) است !

(بیلی — بلی همین شخص است که این اوقات
در هالیوود گرفتار است — وال در حالی که
(بیلی) را تحت نظر گرفته بود و در
(بیلی) خشم و غضب موج میزد
(بیلی) را بسوی خود کشید و گفت
(بیلی) را بسوی خود کشید و گفت
موجود و بعد از آن وال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 319 of 1786

بهائی صوبه سنگه تجار	سفر کیشو داس برهمن	صدر بند و برهمن
بهائی دانی چند چودری قوم ملتان	فقیر چند تجار پسر بارر بند دل تجار	دیوان بهکو داس ولد دلمنی چوا ولد بکی قوم ملتان
گنیتا مل دکشن تجار قوم ملتان	بهکت دیوان تندلعل قوم ملتان	دیوان بیرمل
چودری رام چند قوم چنری	رام چند گوجر قوم دکنی قوم دلیش	دیوان چوچو دارجن قوم برهمن
بهکوان داس ولد دیوان ایشر داس	دیوان بال کمند مصر برهمن	
شنکر مل تجار قوم کمکران کهتری	لیپ سنگه تجار	شنکر داس کالی چودری

بهکت ایشر داس چودرے پسر ارجی مل عطار قوم دکنی		ایشر داس قوم شکار پوری
بهکوان سنگه قوم شودر	چاپ کشن چودری	دیارے دلال
بهکت ایشر داس لکر		ہری چند چودری قوم برهمن
دیوان رام چند سین چنری		

اجرا شده است.

یکی از غنچه ها ـــ بلی بلی، تو میراثی هی، همه خنده فوتی (دور زدال) است. ما از بساط زمان ما است که عقب گیر شی اورا داشتیم امروز این چنین گرفتار آمدن او از احوال بسیار عجیبی است! این چنین نوجوان بچه زودی مرد.

از این فاجعه الم انگیزی که در ظرف یکدو دقیقه بوقوع آمد غنچه دیگر، یک حیرت و بهدگی عظیمی داشته از دیدن هیچ چیزی نمیخندید و با هیچ چیزی لبخند در حال تبدیل یک سکته عارض شده بود.

اما سخن آخری غنچه باعث بوجد آمدنش شد، مانند بیمارانی که بعلت سیری از طعام گرفتار آمده باشند مدهوشانه گفت:

ـــ از مرده سخن میرانید؟ آنکه مرده؟

بعد از آنکه این سخن را گفت هر دو دست خود را بر جبین خود گذارنیده و موهای پریشان زرنگار خودش را که مانند یک چادر گاج زرین کار بر شانه هایش یکدم وضع پریشانی پرده پوشی داشت با پنجه های خود پنجه کندن گرفت.

[باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 320 of 1786

بامورین ارباب جهان

ما بعد از نمبر ۲۱

وچنانچه والده موسی علیه السلام طفل خود را در صندوق انداخته به نهر نیل انداخته به نهر نیل القا نمود، والده موسی سامری نیز طفل خود را خود را برده بیک مغاره در کوهستان گذاشت حضرت جبرئیل علیه السلام بنابر ارادهٔ ربانی او را در آن مغاره پرورش و تربیه فرموده است. به این مضمون یکی از شعرای عرب چنین یک رباعی انشا کرده است که نقل و ترجمه آنرا از فایده خالی نیافتیم:

رباعی

(۱) (۲) (۳)
اذا امر الله خلق عبدا بین الازل — فموسی الذی ربّاه جبریل فی الغار

(۴) (۵) (۶)
فخاب مربیه وخاب مؤمل — ومن موسی الذی ربّاه فرعون فی القصر

مضمون آن این است که هرگاه شخصی از ازل سعید نباشد، سعی و کوشش مربی او هیچ ثمره نمی بخشد، آن موسی که جبرئیل او را تربیت و پرورش کرد کافر بر آمد، و آن موسی که فرعون او را پرورش داد نبی مرسل گردید.

اگرچه این حکایه از صدد بحث ما خارج است ولی چون بحث سامری بمیان آمد ناگزیر آنرا بوجه ذیل از فایده خالی نیافتیم:

(در زمان خلافت حضرت علی کرم الله وجهه یک روزی که حضرت شان بخطبه مشغول بودند یکی از یهود بان عرب گفت: (ای علمای شما اکنون از وفات پیغمبر شان (۱۵) سال گذشته که شما یک بدیگر در اوبختید و خونهای بهم دیگر بان را ریختید؟) حضرت علی کرم الله وجهه حالا جواب شان فرمود:

[باقی دارد]

علیه ثروت ملک

ما بعد از نمبر ۲۱

بلکه موجب ضرر هم میشود، مثلاً هیکل بنا کرده وزیر، یا خان تواگر برای اینکه خیر و منفعتش بکار دیگران برسد یک عمارت خود را چنان خلف نیندیشد و باز سراز نو آباد کرد، حال آنکه اینچنین کار سراسر خطاست، پینیکه که جهان خراب اگرچه صاحب آن عمارت بخراب کردن و دیگر از نو آباد کردن عمارت خود عمله و مزدور کار را پرورش میدهد، ولی اگر عمارت را خراب نمیکرد و همان سابقی را که برای خراب کردن و دیگر از نو آباد ساختن آن صرف میشود دیگر احتیاجات خود صرف میکرد و باز هم بسی عمله و کارگران از فایده مند میشدند، و کالای که بعضی از عمله و مزدوران کمر ده بودند، دیگر بعضی از آن کالای را میخرید

بهر گونه سعی و عملی که در راه تلف شدن و اسراف شدن مصروف شود موجب ضیاع ثروت میگردد، مثلاً یک دهقانی گندم را طعمه کشت زار خود کاشته و دوده آدم آباد کرده و بتوانه هر گاه چهار دوده آدم بکار اندازد و مخارج و مصارف دوده دوده آدم زاید را تلف کرده باشد، گندم یک اگر یک صنعتکاری مواد اصلیه و اشیای خام را که در صنعت خود آنرا استعمال میکند بدرجه کفایت نشناخت و طی نباشد

[باقی دارد]

بر مقاله ایکه دستخط ندارد و از طرف سراج تحریر یافته مدیر و سراج الاخبار اعتنا نمیکند

بسعی و اهتمام الحاج عبد الخالق پسر غلام حیدر خان مرحوم چاپه خانه دارالسلطنت کابل بقلم میرزا محمد صفدر ادیب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 321 of 1786

وقایع اتفاقیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی حضرت اعلیحضرت همایونی

قیمت سالیانه
در داخله مملکت با ارسال تمام ۸ روپیه
در خارج مملکت با ارسال تمام ۱۴ روپیه
در خارج مملکت با ارسال نیم پوند انگریز
قیمت یک نمره آن در کالی کلکته ۱ آنه

مدیر و صاحب امتیاز
محمود افسر زی

اداره چاپ و مطبعه
در ماهین خانه دار السلطنه کابل

جمله امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار انتشار میشود

تاریخ هجری ۱۵ رمضان ۱۳۳۰
تاریخ انگریزی ۲۸ اگست
تاریخ شمسی ۵ سنبله ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

استقبال هلال رمضان — فیض سال بر رسم تحریر علم نشان — حوادث خارجیه — اعلان — مقاله محمدیه — حوادث داخلیه — سخن آخر رقم — بیان اعانه جات و یادگار — ادبیات — امور زنان جهان — علم و ترقی ملل — تاجرای ایس

استقبال هلال

غره شهر رمضان آفیض سبحانی و مرحمت الهی بر عباد مومنین و مسلمین ارزانی فرماید

بساعت پنج یوم شنبه گذشته که ۲۹ شعبان المعظم بود اخبار و اطلاعهای چمن حضوری برای قدم زدن و تماشا می رفتم در پیش یک منظره طبیعیه دلفریبی متعجب شدیم، با تعجب هرچه تمامتر دران حیرت ماندیم، از دو سه روز پیش ازان بی تاثرات و خاطره هایی بودیم در چمن حضرت پیران موقعیت دیده می شد، در پنج یخ مذکور صحن چمن را از حال هر روزه آن یک رونق و شکوه پر شعشعه افزونتری میدیدیم، در قریب بخرگاه عصریه هر وقت یک سایبان عالیشان سیاه رنگی برپا شده بود و آن سایبان از قرشها و چوبهای مسطح ای ترکی آراسته شده بود و از اطراف نیز چند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 322 of 1786

بلی بلی! این مجاز و حقیقت این حرکات را در نظر آورده نظر نایکه رجحت داد، گرانبیه زیب و زینت، گرانبیه شوق و شعارت، گرانبیه خیمه ها و سفره ها، گرانبیه نورها و صفا بازی استقبال دولت بقال یک ماه سعادت نمایست که خلاق مهربان ذوالجلال به امر فرمودن روزه گرفتن مسلمانان را سعادت و فیوضات عظیمی در پناه فیضرسان می بخشد، پادشاه بزرگ دیانت منش، عدالت روش مسلمانان افغانستان همه رجال دولت و اعیان مملکت و تبعهٔ خوش عقیدت و عساکر فداکار طبیعت خود را به اطاعت این امر جلیل پریعیت حضرت رب العزت رسانده دعوت میکند!

با سال دوم نمونهٔ اول سراج الاخبار افغانیه که نخستین آغاز انتشار آن بود از مراسم ختم قرآن عظیم الشان در دو روز اول ماه مبارک رمضان تفصیلات عرض نموده بودیم. درین سال فرخنده و فال سراج الاخبار افغانیه هزاران بشکر و ثنا بر سلامتی ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس خود گفته باز اوراق این نمونهٔ خود که آخرترین نمونهٔ سال اول عمر این نامهٔ گرامی حیات شده یکیفیت آن مراسم پر مکارم تزئین میدهد:

ذات دیانت سمات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه معظم ما به این دعوت و ضیافت شاهانهٔ خود شان حقیقت و عظمت احکام فرضیت روزه را از نظر غفلت دور داشته احکام شاهانهٔ شان اعلان میفرمایند. این دعوت سفرهٔ ملوکانه بسی فضایل و حسنات را در بر دارد. و اطاعت فرمان الهی را بیک توقی و سر دلیلی با همه تبعهٔ شاهانهٔ خود استقبال کردن، آنا نیا کلام خدا سنت پیام حضرت ختمی مآب علیه السلام را، سنت تراویح حضرت امیرالمؤمنین علیه افضل الصلوة و السلام بیک جماعت علیحدهٔ اهل اسلام در دو شب اول ماه رمضان منفرت انجام ختم نمودن آنا نیا، ظرف ترین الشرف یک پادشاه بزرگ با شکوه و شان اسلامیان برای عموم تبعهٔ همه اصناف شان شاهانه یک ضیافت بسیار پرحرج و احسانی گستردن، و ایجاد بارها، و عساکر، و اعیان، و ارکان دولت همه را در یک جا جمع نظارگران، و باز یکیفیت بجای جماعت تعیید گاه رفته بجماعت بسیار عظیمی صلوة سنت تراویح را با ادای قرآن عظیم الشان ادا کردن. غیر ازین ده سیشهای معنوی یک تکه بار یک سیاسی و اجتماعی را نیز شامل است که در نظر اربابِ عرفان چون عکس تابان عیان است.

حالا ما یکقدری از ترتیبات و انتظامات مراسم مقدس بیان میکنیم: اولا در تصویر موجع مذکور ترتیم تقریبا بقدر پنج شش جریب زمین چمن صفا مانند یک احاطهٔ دیوار سیمی که آدم ازان گذر کرده نتواند دور و حایل هم بنا شده گرفته شده و درین احاطه از سه دروازهٔ طاق محراب آسا یکه مذکور گردید از جهت جنوب و شمال آن داخل شدن ممکن است. جهت شمال احاطه را با یک محراب مانند مستقیمی گرفته شده که در پیش روی آن خیمه های بسیار فرحزا و عالی آراسته و پیراسته برای جلوس و حضور گرفتن و استراحت گرداندن مدعوین یک ترتیب منظم مستقیمی برپا شده و است ذات اعلیحضرت پادشاه مهربان ما از کمال مرحمت و شفقتی که در بارهٔ خاندان مبعث شاهانهٔ شان دارند حاضر بودن همه چیز را بلکه برآ اجناب مدعوین کرام بگار باشد امر فرموده اند هر خیمه بفرش ها و چوکیها و میزها و لامپها و سیگریت برای راحت مدعوین مزین و مهیا حاضر باش، حجرهٔ توالت هم نیز برای هر خیمه حاضر شده است. خیمهٔ استراحت ذات اعلیحضرت پادشاهی در وسط صف خیمه ها برپا شده است. و از طرف چپ و شمال آن خیمه های شهزادگان عظام و بعد ازان بترتیب نام دیگر خیمه های ذوات کرام برپا میباشد.

چون دوچار تا کار خیمه میان آمد، از میان او صاف این خیمه های مختلف ذات اعلیحضرت پادشاهی خود را که بهر طرف نظر بایوانی دارند، و کشاده و تابان به حال عبور و مرور شاهانهٔ شان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 323 of 1786

در وسط احاطه برپا میباشد تقریباً گنجایش دو صد پنجاه تا سه صد چوکی را دارد. این خیمه‌ای نمونه و صفت دارد که هم هیئت هم مشتوی میباشد مثلاً هرگاه ولی تغیر باشد هیئت و چون بر دور آن یک تغیری کشیده شود عبارت از یک دالان بسیار بزرگ مشتوی میشود و دگر هیئت رقم خیمه را ساخته شد، که چون در آن داخل شویم بیچاره خود را در خیمه تصور کرده، عادتاً یک دالان مربع مستطیل میبینیم. باز هشتی می‌یابیم که جهت اسباب راحت آنرا منظم کرده‌ایم.

والحاصل درین احاطه مراسم افطاریهٔ رمضان المبارک در چهار موضع سفره‌های خوان الوان نعمت پادشاهی گسترده شده است. موضع اول در زیر سایبان بزرگی که در وسط برپا شده چهل صف بصف میز دراز چوکیها گذاشته شده است که صدر وسط مجلس سفرهٔ خاصهٔ همایونی مزین و مشرف میباشد موضع دوم و سوم خیمه‌گاه درجهٔ اول و درجهٔ دوم (شرکت عصرخ) است که در بین دو شمال سایبان بزرگ همایونی موضع‌شان بوده با سفره میزها و چوکیها حاضر شده است. موضع چهارم و مجمع برجمن را رصفا شاه باز شهباز سفره‌ها برزمین حاضر شده است که موضع اول برای خیاطان عظام، و موضع دوم برای عسکر مقرر با انتظام تخصیص کرده شده است. غیر ازین هیچ موضع که در داخل احاطه میباشد یک موضع بسیار وسیع دیگری بترای غربا و مساکین و ابناء السبیل در خارج احاطه مذکور تخصیص شده که در آنجا بران دل گرسنگان خوان نعمت پادشاه جم جاه احسان طعام را دان احسان فرموده میشود.

از ابتدای شام مسلخ شبان بر صحن چمن و سرکهای فراخ آن با هزاران مردان شهر و اطراف پر و مالا مال بود، ارباب مناصب ملکی و عسکری و علماء و اعزه و خوانین درباری با لباسهای بسیار رسمی زیب و زینت خود شان صحن احاطه چمن را رشک گلشن خود ساخته بودند.

به نماز شام دو ساعت مانده، خدام با نقل افطار بر دهن تقسیم میکردند. چه مردمان عام و خاص در خارج که در خارج احاطه در میان چمن تخصیص شده است جمع می آیند صفها صفها جماعت مسلمین نمونهٔ جهان مرصوص را بطور ولی دو چوانه شده نان نوب افطار و گفته شان اذان مغرب صلعم هرکس یک چیزی روزه خود را شکسته، یک جماعت علیحده که از هزاران افراد مسلمان و بندگان خالق عظیم الشان مرکب بود نماز مغرب ادا میکردند. بعد از صلوة مغرب فرد اعلی از طرف دروازهٔ جنوبی در احاطه داخل شده هرکس از روی خلوص خود بر سفره و میزهای خوان انعامی الطاف و احسان پادشاه معظم مهربان و دولت خواه رعیت پرور شفقت مراحم بنیان خود به تناول طعام آغاز میکرد.

حقیقتاً که در وقت برگشتن از صلوة مغرب منظرهٔ حیران این دلسیلاب انسان که یکی از سمت جنوب و یکی از سمت شرق با احاطه موصوفه داخل می شدند انسان را در پیش عظمت و شوکت و جلال این احوال سعادت آمال مستغرق شکر این چنین نعمتهای ذات اقدس مطلق ذوالجلال میشود که از مرحمت بیکران دربارهٔ افغانستان اورا چنان یک پادشاه دیانت پناه عدالت خواه رعیت پرور دری عطا فرموده که بافت صادقه نخواهد یکجا به استقبال مراحم الهی می برابد، بافت خود یکجا روزه میگیرد و بافت خود یکجا نماز میخواند، بافت خود یکجا افطار میکند، خود مهمان میشود وقت خود را برای یکجا آوردن امر الهی خود مهمان میکند، زهی سعادت! زهی نعمت!

والی حاصل بعد از فراغت طعام هرکس برای خود گرفتن و حاضر شدن بصلوة تراویح قیام مینمودند، و بعد ازان نوع نوع انبوه انبوه اهالی در جامع شریف بزرگ عیدگاه که با چراغهای بسیار بزرگ و درخشان گیس - بیگی استعلین روشن شده بود جمع آمده صفها ترتیب میافت. نظر به این هزاران مردمان مسلمان برای عبادت یزدان علیم الشان با یک پادشاه اسلام باشوکت و شان اول هرفرد مسلمان را یک حس قدسی ایمانی تخمیس و درخشان مینمود. آهی دین پرعظمت! آهی پادشاه دولت خوش عاقبت!

این است که این مراسم پرنگار رمضان المبارک در قرآن علیم الشان حضرت خالق کون و مکان در روز اول مبارک رمضان پرعظمان به حضرت انشاء الله به انجام میرسد.

والسلام

من این مقالهٔ عاجزانهٔ خود را بنابر مجبوریت نگذاشتن وقت نوشتن و طبع کردن اخبار خود پیش از ختم شریف نگذاشته بودم الحمد لله که جهت مراسم شب ختم شریف و باقی دیگر تفرعات این مراسم بسیار مقدس در شهر و بیرون و چهارم خود درج خواهیم نمود، حالا چون سه قرد عاجزانه ختم مقال مینمایم:

خدایا تو این شاه پیروز دار
که رهبر بود هر وقت بهر کار
بدین نیکخو خدمت و هم بدو نیک
بلطف تو یک آب مشفق بود یار
نگهدار از آفات اورا و ملکش
سر دشمنان و همه کن نگون سار

آمین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 324 of 1786

جواد داخلیه

هم فال — هم تماشا

آیا بر دیده ما می توانیم ! انگیزه دلنگ در قصر فرمانفرما اعلیحضرت پادشاه و مقابل آگهی دیانت همراه و جوده سرور و طن عزیز خود شاه به دیگر هر یک چنان یک اقدام لازم و بجا می ترقی و سعادت و در تنه ای فضایل و مدنیت شمرده میشود . ما هیچ بحقیقت آن پی می بریم و مزایا می مقاصد آنرا درک میکنیم .

مثلا یک روزی نشست میباشیم : دفعتا بانند فیر طوپها که در بانوره ا میشود صدا ا میشنویم : آیا چیست گفته بر تحقیق آن میپردازیم . در قلل کوه آسمانی در یک نقطه که بر همه شهر حاکم و ناظر است بعضی علیقاپی می بینیم ! بقوت بارود سنگهای کوه را بیکدیگر آیا چه میشود گفته از یکدیگر خود میپرسیم . یکی میگوید چون فصل گرمی است ، شدت کرده اعلیحضرت امر فرموده اند که یک دالان بسیار فراخ و بزرگی که خدمت سرداب آب زیر دجلی را پیچیده در درون این کوه بلفته تا هر دو بار و دو بار از گرمی (دوشت گشته ، دیگری میگوید فی الحقیقین نیست و بجای گچ ذرک کرده اند بزمی پیدا کردن آن میگاوند . یکی دیگر که مبالغه گوئی را بیشتر دوست دارد میگوید فی الحقیقین نیست ، زیرا این کوه بزمی موتر اعلیحضرت یک سرک می سازند .

تا اینکه یک حقیقت باخبری پیدا شده ، بحقیقت دیگر کرده میگوید : — برادران ! پادشاه مرحمت شعیم پدر اشفق و ارحم ما اعلیحضرت سراج الملة والدین چون دید که شهر عزیز ما آب خوشگوار صاف و بزراقی را مالک نیست از اندوه و بر تشنگی مادل تشنگان رحم آورده و آب صاف و خوشگوار (پغمان) را از دسالو بسیار بعید بوا سطه نهایی آهنین می آورد . این تحفه بزرگ بزمی عنایت کرآن آب را در جای خزینه کرده و بهر بهر طرف شهر تقسیم میکنند .

از یک روزی می بینیم که میدان (قوی باغ) دارالامارت با تجمل و هیجانی بسیاری احاطه شده است

صورت اعلان

نقل صورت اعلان های اداره کل قصر تاج شاهی

چون همواره منظور نظر عدالت گستر اعلیحضرت والا حضرت پرتو قدر و همت و آسوده حالی رعایای دولت خداداد بوده و میباشد لهذا تصمیم در این اوقات که توجه شاهانه دارد اره سیئه اعلیحضرت همت سرشته و انتظام دهیوه ی و تحفه گذاری قبایل رعایای صادقشان بدرجه اکمل حسنه دل و مصروف است لهذا بایان علاقمندی خدا ترسی و اراده اجتماع رعایای یک تجویز را بخاطر خود معظم ساخته متوقع آنچه که از طرف بایان از حضور اعلیحضرت درخواست و استدعا نمایند گریکی از چنین حضوری یا دیگر جابرای هایا حق سرشته فرموده شود که بایان کارای تعلیمی خود را از قسم جنگ استک و قاعده و غیره را در بین ملت از توجه کامل اعلیحضرت شهریاری آموخته ایم در موقع ذکور از برای تماشای بزاد این قبیل خود بحضور بیاورم شوند در بصورت از طرف ما خشکا ، ان برا بایان از یک گله و معاونت بیدریغ هرگاه برای سعادت اعلیحضرت والا بر این تجویز باموافقت کنسول بر جنرل و نواب جلیل بیشتر باقی اعلیحضرت والا مالک و خواهد ماند لهذا اعلیحضرت والا درخواست نفرت جنگ را منظور فرموده چنین سرشته از حضور هدایت کرده است — تماشا جی جنگ میدان قوی باغ مقرر فرمودند — روز تماشا یوم جمعه ۱۸ شهر شعبان ۱۳۳۰ وقت حاضر تماشا گاه از چهار الی چار و نیم بجه عصر — وقت شروع تماشا چار بجه چهل دقیقه عصر — در باب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 325 of 1786

گرفتن تکت در بیرون احاطه تماشا و شخصی از برای دادن تکت و گرفتن وجه آن مقرر است و قیمت تکت اول پنجاه افغانی است مجلس خاص حضور والا — فی چوکی — پنجروپیه کلدار چوکیهائیکه بزیر خیمه میباشد — فی چوکی — سه روپیه کلدار درجه پیش روی چوکی بر زمین نشسته — فی نفری — دو روپیه درجه پشت چوکی بر زمین ایستاده — فی نفری — یک روپیه کلدار بیرون خیمه بالای چبوترهٔ بالکن نشسته — فی نفری — پنجافغانی بیرون احاطه بالکن نشسته — فی نفری — پنجافغانی بر زمین پیش روی چبوترهٔ بالکن نشسته — فی نفری پنجافغانی بر زمین پشت چبوترهٔ بالکن ایستاده — فی نفری — یک افغانی سر رشته چای و کیک و شیرینی و خانواده و میوه هم از طرف شرکای مصرف میباشد لکن بجزیه و بهین فی نفری شرکا هم از برای مصارف تیم خانه میباشد فقط

حالا چون این اعلانرا دادیم دیگر چه خواهیم کرد! در بهین و شمال مدخل احاطهٔ تماشا گاه دو دهنه کوچک در بین دو خیمه مامورین تکت دادن تکت میفروشند پنجروپیه، دو روپیه، سه روپیه چیست؟ تنها قیمت بهین یک پرزه کاغذ یکه تقریبا بقدر دو انچ مربع میباشد و بروی آن در میان یک چوکات گلکاری چاپی سه سطر نوشته شده که سطر اول آن (تکت تماشای جناستیک) سطر دوم آن (مجلس خاص حضور والا) سطر سوم آن (فی چوکی پنجروپیه کلدار) نوشته میباشد و در تذکره رسانان بهت قیمه افغانیه بمقدار خزینه ای عالم قیمت دارد!

این اول تماشا گاهیست که بر اجرت معتنا بهم وخوبه در افغانستان وضع شده است و این اول تکتی است که برای رسم وخوبه آن تماشا گرفته میشود. هم چه تماشا؟ تماشای بازیهای فنون صنف جلیل عسکریه! برای چه مقصد؟ برای مقصد اعانهٔ اولاد های یتیم و بیکس وطن!

حالا می بینیم که این پرزه کاغذ مطبوعه چه قرتیها و چه جسپیاتها و چه اهتمامها را در بر دارد. حسنات غیر پروری و شفقت تجلیهٔ صنف عسکری نظامی افغانستان با اولاد یتیم و بیکس افغانستان طرز و اسلوب افکار بیکران اهالی، شوق و ذوق علیم اهالی را در اشتراک به آن تماشای پر منوبات بوجود می سازد و همچنان

و بهبودی قطعیهای پادشاه مقدس محبوب القلوب ما را در باب تربیه و تعلیم عسکری و اندیشه های شایع و فواید رعیت پروری نمودار می سازد. پس اگر ما قیمت آن ورقچه را از این حیثیتها بخزینه های دنیا برای خود بگوئیم هیچ مبالغه نکفته خواهیم بود.

والی اصل تکت گرفته از مدخل احاطه میدانیم. تکت ما را ادران طرف مدخل مامورین مخصوص آن معاینه کرده علامه میکنند — هرکس بجای و موقع خود بقرار قیمت تکت خود می نشیند. باز جها شروع میشود. تکت دیگر احاطهٔ خاص حضور چه ارزیده میفروشند.

اول — یک توپ — یعنی یک بلوک — عسکر خورد سال که از اولاد های مردان جید الاسلام از مدت دو سال است که تشکیل یافته بدرسهای لیسه کتب و انتظام تام عسکری با موزیک از مدخل جهت مقابل مدخل اول بقدم متوسط عسکری در میدان احاطه درآمده، دور حوالیهٔ حضور اعلیحضرت پادشاهی توقف نموده سلام ذات اعلیحضرت پادشاهی را ادا و بعد ازان انواع تعلیم قواعد عسکری را بقدم و تفنگ اجرا نمودند. بعد ازان پس بصف حرب درآمده و یکی از نفریهای خورد سال ترین آنها از صف جدا شده تا پیشگاه حضور همایونی آمده و زبانی لفظاً مصوراً خود یک تقریر بلیغی در معرض تشکر از طرف همه رفقای سلاح خود برخوانده که صورت آنرا بدست آورده توانستیم. بعد ازان بتوانهٔ — یعنی بولی خود بهان نفری صغیر السن کبیر المعنی سلام شاهانه را گرفته بقدم دوروزه سلوتی از حضور شاهانه گذرنموده برای پوشیدن وردیشی جناستیک از احاطه برآمدند.

بعد از رفتن قولی مذکور قولی جناستیک اردو دار دل بدردیشی جناستیک خودشان و بقدم جناستیک در صفوف تماشا با موزیک درآمدند. دهها انواع بازیهای جناستیک بسیار عجیب و خوبی که بسبب عدم گنجایش موقع از تفصیلات بگان بگان بازیهای آن صرف نظر شد اجرا نمودند. نماز عصر و مغرب به امامت خود اعلیحضرت همایونی بجماعت بزرگی ادا گردید. بعد از نماز مغرب این تماشا گاه عظمت انتهای عالی عسکری پرخیر وصواب به انجام رسید.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 326 of 1786

اعلان

(سراج الاخبار افغانیه) بجمال مسرت و افتخار بر مشترکین کرام خود اعلان می نماید که سال هفتمین از نمبر یک تا نمبر ۲۴ که دو نمره ماه شوال المکرم می برآید دوازده نمبر یکجا خود را به انجام میرساند. لهذا هرکس که خواهد مشترک خود را با اخبار نجم شمس رضا آزاد دارند از حالا وجه قیمت سالیانه آنرا در داخل مملکت توسط خزانه دار مراسله کرده و رسید خزانه را گرفته به اداره ارسال دارند تا بموجب آن رسید اداره به آنها داده شده نامهای شان قید دفتر اداره گردد. و از نمبر اول سال دوم بالفعل و الطاف بنام شان اخبار جاری شود. و در خارج مملکت وجه قیمت سالیانه آنرا بوکلای ما که در خارج هستند تسلیم نمایند.

وکیل اداره در پشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار دارالکتابه دولت خداداد افغانستان میباشد.

نمونه های سابقه سال اول اخبار افغانیه چون دوباره گم شده از آنرو بعد ازین اگر کسی از نمونه های سابقه طلب کند بدون قیمتی که اداره برای آن تعیین میکند داده نمیشود.

واضح گردانی که تمام نمونه های سال یکم سراج الاخبار افغانیه را باجلد اعلی بطرز کتاب آرزو داشته باشند مبلغ - ۲۵ - روپیه کابلی تحویل خزانه خود و رسید آن را به اداره آورده کتاب سراج الاخبار افغانیه را باداره کتابچه ۸ به آن میگیرند در اطراف داخل مملکت و خارج مملکت اجرت داک بر قیمت کتاب افزوده میشود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 327 of 1786

مقالات مخصوصه

معارف. — مکتب‌ها

دولتها تا کمال حکومت‌شان سنه شده، دیپارتمانها بقدر قاعده تقسیم اعمال، تقسیم گردیده، و ایرادات متعلقه شان که در زیر نظارت یک وزیر مستقل است یکی از ارکان هیئت دولت شان شمرده میشود. مثلاً چنانچه وزیر داخله امور داخلیه بر جمیع امور داخلی مملکت دیده بانی و نگرانی میکند، بر امورات جزوی دقیقه بموجب نظامات و قوانین موضوعه‌اش اجرآت بکار می برد، و از جمیع امور داخلیه مسئول میباشد، چنان وزیر امور معارف نیز بر جمیع امور که بعلم و معرفت دولت تقسیم آن برالی مملکت تعلق باشد دیده بانی و نگرانی مینماید و مکتبهای ابتدائیه، رشدیه، و اعدادیه، و عالیه را تاسیس و بنیاد مینماید، جمیع مطبوعات، و مطبعه‌ها که در مملکت بنیاد می یابد، و جمیع آثار و اوضاعیکه از این جوهر انتشار می آید در زیر نظارت او اداره معارف میباشد.

مجلس بزرگ عمومی معارف دوزیر آن در مجلس پای تختها بوده، و در تمام ولایتها دارالمعارف و شعبه‌ها دارد. پروگرام‌های مکتبهاکه به اصطلاح جدید سیلابس نصاب میگویند از طرف مجلس معارف پای تخت نظر بحال و احوال هر ولایت ساخته میشود. هیچ کتب یا مطبوعه، یا تالیفات بغیر از اجازه رسمی او اداره معارف باز و بنیاد و نشر نمیشود. حتی در بعضی مملکتها تیاتر او دوپرا نیز در زیر نظارت معارف میباشد.

مجلس معارف هر دولت جهات سیاسی دولت و احتیاجات اساسی مملکت و آتی مملکت را دیده و از هما نقرار پروگرامها برای مکتبهای عمومی خود وضع میکند. مثلاً مجلس معارف دولت فرنسا (برتانیا) پروگرامی که برای مکتبهای مستعمرات خود (اوسترالیا) و یا (کانادا) و یا (ارجنتاین جنوبی) خود وضع کرده است هیچگاه با پروگرام مکتبهای متروپل انجا تطبیق نمی شود. زیرا در مستعمرات استعدادات خود و رشد دولت شان

هیچگاه چنین اقتضا نمیکند که اولاد اجانب حریت و حاکمیت و ملکیت و هیئت خود شانرا بیاموزند بلکه بر انجا تعلیمی باید بیابند که عدم آزادی و تابعیت و محکومیت را بر انجا گوارا و سائغ تعلیم و تلقین سازند.

از زبان یک سیاح فرانسوی در یک کتابی دیدم که نوشته بود: «در اوستراالیا سیاحت میکردم، از قریه براه جنگل بیک قریه میرفتم، در انثنای راه در پای یک درختی یک پسر دوازده ساله‌ای را دیدم که گوسفند رمه بود، از کسی که پرسیدم معلوم شد که از شاگردان مکتب است، در دل خود یک حسن تقدیر و تحسینی در حق انگلیز پیدا کردم که آثار علم و معرفت را در چنین جاها وحشی و دهشت انگیزی انتشار داده اند، هراق و اندیشه نمودم، صبر و تانی کردم تا که بیاده شود، و بدانم که درکجا چه سبق میخواند. بعد از کمی به این آرزو خود نائل شدم، طفل از خواب برخواست، و دوده بر پا خواسته میخواست براه بیفتد که به او نزدیک شده بزبان تلطف پرسیدم که:

— آیا شما شاگرد این مکتب هستید؟

— بلی!

— سبق شما چیست؟

— جغرافیا.

— شاباش! آفرین! آیا دنیا چند قطعه است؟ شاگرد — از پنج قطعه بودن دنیا و نامهای آنها مکمل بحث راند، بسیار خشنود شدم، و چون پرسیدم که: «آیا در اوستراالیا چند ولایت موجود است؟» شاگرد بسوی من حیران حیران نظر کرده گفت:

— از این سوال شما چیزی نفهمیدم، من در دنیا یک حکومت می شناسم که آنهم حکومت انگلیس است.

گفتم — آیا خانه، جرمن، روس، نمیشناسید؟

گفت — چرا می شناسم، آنها هر یک بیک ایالتیست از دولت انگلیز.

پس از این محاوره دانستم که سخن در کجاست، و مقصد شان چه و چیاست!...»

این است یک مثال در باب پروگرامهای مکتبهائی که از طرف ادارهٔ ملک بستر میشود. یعنی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 328 of 1786

اطلاعات معارف عمومیه دنیا بحسب حال و احوال مکاتب
مکتبهای خودشان ساخته میشود. از این مثال مستفاد میشود
بهیچگونه ایراد و اعتراض بر دولت انگلیز وارد نمی آید.
بلکه دولت مشار الیها چنین مکافات سیاست و کار دانی
خود را بخرج رسانیده است. چنانچه در هند دستان نیز
همین قاعده و اصول را مرعی داشته. شما برای مسلمان
یا هندو مکتبهای مخصوص که اکثر انسان در آنها جای حرب
قابل و رجوع و انگیزان بیرون آورد موجود نیست. آیا
چرا؟ زیرا سیاست شان همچنین اقتضا میکند که
کارمندان ایالت انگلیز باشد. که از یک برنامه و پروگرام
کتب خاص و اختلاط سیاسیه دینیه و علوم تربیه عقلیه
و کان شناسی و انگلیزی آشنا و هر چیز را نیکه برای
خود منحصر داشته اند دریافته و نشو و نما
بنا علیه معارف هر دولت بسیار سیاست و
احوال طبیعیه ملک شان پروگرام یعنی نصاب تعلیمی
ملت خود را وضع میکنند که از خود و طبیعی پروگرام مکتبهای
یک دولت دیگر دولت مخالف قبول کرده نمیتوانند. و اگر
کسی چنان می نماید که یک نوع اساس خارجی که گاه بسیار تنگ
و گاهی بسیار وسیع آمده باشد که وجود آن
علی الاستقلال نمیتواند.

در وطن عزیز ما افغانستان نظر از زمان جلوس
میامن مأنوس اعلیحضرت پادشاه با دانش و عرفان
مهربان ما از مکتبهای قدیمی اصول جدیده و فنون موجوده نبود.
بنابر معارف پیرایه شاهانه شان در رای ملت مستقله
سنیه شاهانه مکتبها به اصول و قواعد جدیده و اساس گردید.
مکتبهای ابتدائیه در هر طرف تأسیس و انتظام یافت
که این یک فال خیر عظیم سعادتها و ترقیهای ملک مشروده
میشود.

و مکتبهای اطراف داخل ممالک خود سه نیز تعلیم هم
و معرفت احتیاج کلی دارد. ولی بسیار افسوس که در اکثر
هموطنان عزیز ما هنوز هوس و ذوق تحصیل و تعلم فنون جدیده
پیدا نشده. هنوز قدر و قیمت تعلیم و تربیه فرزندان
بحیات خودشان یعنی اولاد شان تا حال معلوم نشده و ادراک
نموده اند. اما بنابر هر چیز را از حکومت امید و آرزو میکنند
حال آنکه یکقدری وسط و پابندی همت و جهد در این
خودشان نیز لازم است. مثلاً اگر اهالی قندهار و هرات
و غزنین احوال و بنادیه و منفعتهائی که از علم
و دانش و تعلم میسر میشود دریافته

و استقبال اولاد خود را می اندیشیدند هر ولایت معارف
مخارج یک دو باب مکتب را برذمه خودشان گرفته
و باب سر رشته اساس و بنیاد، و ترتیب و انتظام
و اصول و پروگرام آن از دولت قبول و مقدمه خواسته
و دستور العمل گرفته عاجز و ندانم بیچ شبهه نیست که دولت
و اعیان مجوزات بسیار نافعی اندیشیده و میتوانست
قواعد تعلیم معارف و مکاتب تنها بدولت نی بلکه بزرگان
و اهالی بیشتر بپردازد. هر صاحب اولاد اول چیزیکه
اندیشه نماید تعلیم و تربیه اولاد خودشان است.
هرگاه همین اندیشه خود شان را یک صورت مستحسن
و منظمی از روی فن بکار آرند و همان مخارجی را که در
هر سال در اداره تربیه و تعلیم اولاد خودشان از پوشاک
و خوراک و آخند و خوراک و غیره صرف میکنند، بمعاونت
و اتفاق همدیگر جمع آورده سر رشته و دستور العمل اداره
برکتهای فنی کمال ابتدائی و رشدی صرف نمایند
البته نتیجه های بسیار عالی بهتری خواهد بخشید.

چواد خارجیه

احوال سیاسی

عالم سیاسی مانند موجی زنی هر یه، گویا کره زمین
بحرارت مرکزیه خود را بکنار خویش عطا فرموده،
که موجهای شما را بجوش آورده، و حرارت
غریزی شما را چنان قوت و توانائی داده که بمقابل
قوتهای طبیعت خود را مسلح کرده اند!

قوه طبیعیه جاذبه مرکزیه با وجود یک احکام ثابته
شبانه روزیه عالم افلاک موجودات زمین را از این
وضع نموده، ولی بشریت بدرجه طغیان نموده و کوه آن
احکام گوش نبهه! با وجود یکه بیکدیگر دشمن بیگانه
چوب، یکقطعه آهن، و هر چیز دیگر را همه زمینی اگرچه
بمقدار یک قوه تعلق هم داشته باشد از هر مقدار
یک لطمه از زمین انفکاک کرده نمیتوانند. حال آنکه
بشر از سیر با اجسام سماویه و ثوابت زمین آرای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 329 of 1786

پرواز ساعته یک جسم ثقیل بزرگی را بقدر دو هزار متر و بلکه بیشتر از آن با خودشان بهوا از زمین الطاف دور می میدهند ! اگرچه خواهین میبینید بارها بدوش شان از دو هزار متر و یا بیشتر و کمتر از آن محکم خود را بهوا دل کا ! طیران و تردد بشر بهرجا نرسید و کار این محکوم بهتدگر شده لیها پرداخته ! یکی چون محکوم شود دو دیگر برخیزد .

زرقیب دیو سیرت بخدا می پناهم
گر آن شهاب ثاقب دزدی کند سهارا

ازین هم بدتر که خلق آسیا و افریقا را اروپا گردن میزنند ! چقدر جرات چقدر قدرت ! ... آیا اروپا هیچ اروپا را تهدید کرده است ؟ هیچ شبهه نیست که علت بنا بر چنین قوانین کردن نمودن آنرا اروپا و دیگری را آسیا ساخته .

خلقها چون در آسیا خواب طویل دارند چین و فیجر و خوشبو بها و میوه ها ، فیل ، و گرگدن و شتر مرغ پیدا میشود و اروپا گریبان دانه در بعضی از آنها نمونه ها ظهورات یا نباتات دیده شود ولی هیچ یک آنچنان پیدا نیست . که مانند جسیمه یا بلکه در اروپا دیده میشود ، آسیا می بیند و آنرا بخواب هم نمی بیند و اروپا شاید از جائیکه اروپائیان نسبت تمام روحیات بر آسیائیان خورده و میگیرند از ملک خودشان یک مردی که قوت و ثروت داشته باشد با یک چنین معاشرت کرده میتواند . و در حالیکه در آسیا شوهر یک زنی مرد نامحرم را جز و یک شئ گوشه چادر بخیال خود روی رخشان نمیدهد اروپائیان در مجلس رقص با زنهای خودشان آسیه دیگر و دست و سر و چهره یکدیگر خودشان برای (خاطر دل) تمام رقص سینه بسینه و آغوش به آغوش عرض و تقدیم میکنند . در حالیکه در بعضی شهرهای آسیا الکول ، بعضی شراب تمام مانع زهر آلود مخوس برای دوا پیدا نمیشود در کوچه های اروپا مانند نهری جاری می باشد ! در حالیکه اگر یک سیاه چهره بیابانهای آسیا یک مرد گرسنه یا تشنه دارد شود صاحب خیمه چهه هستی خود را از دریغ نمیکند اگر در کوچه های اروپا یک شخص از تشنه گی یا گرسنگی بحالت نزع بیفتد اروپائیان بمراق و اندیشه این که : « باعث چه چیز انسان از تشنگی جان جان میدهد ؟ » افتاده بی آنکه یک لیوان آبی یا یک کاسه آبی به او دستگیری کنند بحال مراق و هوس تماشای جان دادن او را میکنند !

این است که اروپا از قرنها و قصبانی که بمقابل طبایع برداشته اند به اینکه نه دفعتها آسیا را اروپا کردن بخواهند ، از اینهم بدتر که را به اروپا ساختن آسیا را نیز از قدم در هوا ت ، در گوشک ، یا شب و ظهران و بلند ، انتخاب میکنند .

زهی تصور باطل زهی خیال محال !

این مردان بیمار که یک جسمانیه بیمار خود بگویند ، « من میخواهم دالان بیمارخانه ، و دالان بیمارخانه را شما نه برای دالان خود بلکه برای دیگر جسمانیه گان یک دالان بیمارخانه » هیچ شبهه نیست که آن جسمانیه این خانه خرابی خود را بشی خواهد شد . ولی اگر خود صاحب خانه آنچنان یک راهی را برای منفعت خانه خود مفید و لازم ببیند خود صاحب خانه آن راه را بقوة الله و اصولی که برای خود نافع بداند موجب آبادی خانه اش شود نه خرابی خودش خواهد ساخت . اما تا جان داشته باشد راه دیگر برای درخانه خود باز نخواهد کرد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 330 of 1786

ترجمه نطق

جناب فیلد مارشال کارد (رابرتس) که در سنه ۱۹۰۵ در دانشگاه آکسفورد بیان کرده است

«فیلد مارشال کارد (رابرتس) ایران را پست نام جنرال گفته که در محاربه‌های (موشکی) و (بیدان) و (چاردیه) از دست دشمن پریشان یا ایران افغان شکست فاحشی خورده و در شهر کابل محصور گردیده، و در شهر کابل نیز مهاجرا مشاریه‌ه طاقت برانداز قازیان دشمن پدر و مادر آور مقاومت نشده و از استحکامات متینه که بر ذروه‌های کوهها ساخته (آسمائی) و (شیر دروازه) تعبیه کرده بودند فرار شده و در (شیرپور) نام قلعه عسکر افغان بشدت محصور گردیده بود. و اگر فیوضات سیاست شامل حال و افکارات آن اندیشه عالی اعلیحضرت غفران جنت مکین ضیاء الملة والدین مرحوم طفر پایش نمیرسید غلغله انتباه و هیجانی که از بررسش می‌آید آیات اعلیحضرت سیاستی اعظم مشرق زمین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم مدت مدیدی در حالت روسیه اقامت نموده از افکار استیلا جویانه روسها واقف شده بود و نخواستند اردوی انگلیزی چندان منافع وطنی از دیده و یک اردوی بسیار منعت آور ترکی اردو انگلیز را از افغانستان اخراج نموده و استقلال و استقبال دولت اسلامیه شاهانه این نزدیکی عالم اگر فیلد مارشال گرفته روزی که بکمال خضوع و خشوع در موقع (زمه) نام اردوگاه ایرانی برمی قلعه معاهده و آمده و این افکار خودشان در نطق ایراد خود بیان نموده چیزی میگفت گمان میشود که بدین نا قلعه پرداز کامیاب می آمد؟...

فیلد مارشال موصوف در نطق خود میگوید:

«تا چگاه دیده‌ایم حربیه بزرگ خواهیم شد مگر بسبب مرکزیاد نشرق کرده مسئولیتهای آنرا بگردن گرفته‌ایم، و چون قشونی و سوداد بر مملکت افغانستان در زیر نظر خود داشته‌ایم گمان میکنیم که ما را در اصلاحات حربیه و استعدادات قوای برّیه خود نیز عرض و طول کنیم تا برای یک حربه مستقبله حاضر باشیم.

«مملکت افغانستان را طبیعت چنان ساخته که هیچ دولت بیرونی را که از طرف شمال غربی بیاید مستحیل میماید در ابتدای آن. این امر در دوران گذشته نیز چنین بوده است. و همچنان برای ما اطمینان بخش است که در آینده نیز چنین خواهد بود. و همچنین مملکت افغانستان برزگترین اعمال مشکله آسانترین کارها ساخته، راه آهن ریل است زیرا بسیار مواد لازمه لیسه و مصنوعاتی سیاسی و اقتصادی بسیار می‌شد، اما افغانستان را بیک لشکر اگر هر قدر مصنوعاتی بزرگ باشد و آن مصنوعاتی با قوت و قوت باشد با هر چه بیشتر باشد و هر قدر که بیشتر آنها غالب بیایند نتیجه آن برای مصلحت ما خوب نخواهد بود.

«ما در محاربه روس و افغان دیدیم که روس بعدد خیلی عسکر خود را جمع کرده و بوسیله راه آهن ریل گاه بگاه قشون فرستاده توانست. حال اگر آن راه آهن ریل یکه خط بود، پس چون در حدود شمال و غرب دو خط راه آهن دارد بر ما لازم است که این حساب را بدقت غور کنیم.

«این دو خط آهن که هر کدام به اندازه استقلال دارد بدین صورت است که یک خط از بحر (خزر) (قازوین) (زنجان) نام موقع منتهی شده است که موقع مذکور از شهر طهران بیشتر از صد میل دوری ندارد. خط دوم از (اورنبورگ) و (طاشکند) گذشته به نهر (آمو) منتهی میشود که آنهم از (کابل) چهار صد میل بعد مسافه دارد.

«بنا علیه اگر در راه این دو روس نامزد قشون بجهت مملکت افغان در گیرد لازم و واجب است که از قوت روس بزرگتر و فوقیه قوت مقابل آن تجهیز نمائیم. و این قوت را بیاید که غیر از قوت عسکری وطنی باشد که بیدان قتال برآورده شود زیرا این قوت موقتیه جا برای ما لازم است تا با آن دیگر قبایل را بزنیم، چونکه افغانی که در یک مرکز غیر مطمئنی باشد بالطبع هر طرفی را که غالب دیده شد و ثابت بهمانطرف انجذاب میورزد. و در این کار مصلحت خانه‌ه خود ایشان است.

«پس در این حالت عاقبت اندیشی خود ما چیصورت پیش آمد که بیشتر از دو صد هزار عسکر مقابل خصم خود بیرون برآورده بودیم، چون چنین است سه صد هزار عسکر باقی را چسان تهیه خواهیم کرد؟ و در هر ماه عدد لازمی را که بموقع مقتضی بمیدان حرب برسانیم چسان تدارک خواهیم توانست؟»

مقصد از این تشریح این نطق آن داهی بزرگ حرب و آن جنگ دریای دغا این است که هیئت اکابر حربیه دولت علیه افغانستان نیز نقشه و پلان جنگ را بیک صورتی تحصیل نفع آن به دولت خود افغانستان عاید و راجع باشد. زیرا جناب فیلد مارشال موصوف هر اندازه نقشه و پلانی که بشده برای منافع خود خواه نشده برای نفع غیر.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 331 of 1786

اخبار مساعد

راپرتی محترم ما ترجمان حضرت

بریتانیه

«از وزارت اعلیحضرت (امیر) افغانستان با کمونی که بنام حضرت اعلیحضرت پادشاه فرستاده شده بود، و با مطبوعات متواتره منتشر گردیده معلوم میشود که بر تمام افکار عمومیه و مجامع سیاسیه دولت انگلیس تأثیر لایق و مطلوبی اجرا نموده. افغانستان امروزه در نظر دولت و ملل شمال هندوستان است. اگر صداقت و مرحمت افغانستان با انگلستان نمیبود و رسوخ و اقبال صد بار بر هندوستان حمله مینمود. اما افغانستان با کوهساران شامخ بلند و دره‌های تنگ و شجاعت غیر قابل شکست افغانان با مانند سد سکندر یک سپر و حفظ بسیار مهیب بین هندوستان بمقابل روسیه محسوب میشود. البته گرانبهاترین حسیات و افکار نیک امیر حالی حضرت افغانستان را که اظهار فرموده اند دولت متبوعه انگلیس از پیش نظر دقت دور نخواهد داشت. البته که انگلیس یک دولت دوست و متفق خود را از دست نخواهد گذاشت. ما با بهجوجه دیانت خود مان به این حسیات عالیه اسلامیه اعلیحضرت امیر حضرت پر ودگاهای تحسین آمیز مینمائیم و مبارکباد میگوئیم. هفت هزار لیره که بنام عالی خود شان و بنام اهالی افغانستان ارسال فرموده اند جداً ان اهمیتی ندارد. بلکه برای ما همین حسیات شما از ذات شان آنقدر گرانبها و قیمت دار است که بدنیا معادل است.

تبریک حضرت والا ... بخدمت ...

«غازی مختار پاشا» که یکی از شیران میدان جنگ ما بسیار مشهور و صاحب لیاقت عسکری و سیاسیست و در محاربه روسیه خدمتهای نمایانی نموده بود به پایه صدارت عظمی سرفراز و صدر اعظم مقرر گردید و کابینه جدید هیئت وزراء باینصورت تشکیل گردید:

کامل پاشا صدر اعظم و وزیر خارجه، ناظم پاشا والی سابق بغداد وزیر جنگ، حسین حلمی پاشا صدر اعظم وزیر داخلیه، محمد وحدی افندی وزارت بوتوع آمده کامل پاشا رئیس شورای دولت، و نوراد و نگیان افندی وزیر خارجه مقرر گردید. اخبار داد که کامل پاشا رئیس الوزراء گردید.

بمبئی

بمبئی پیش از این ساعت چهار شب ۸ نفر کشتی

با بیه وی ایطالی در مقابل اسامی و دلیل که مشهور بقیاق حمایت میباشد مانند دزدان بر چنین اوقات آمدند. ولی از طرف مستحفظان خلاصیت یافته بهمت و دانش سپاهیان بر طرف شده اگر قادر نمیشد در نقطه تاریکی دشمن که پیشتر از همه بود و غرق آتش شده آن خدمت زاده شده قرار نمودند.

استقبال رئیس سفارت افغانستان

از نگار خصوصی وارد شده چنین مینویسد: انگلیسانی که برای ملاقات با هیئت افغانستان رفته بودند یک خط بیسیم که آنها بین افغانستان را با شهرین موتهها، و منطقه موقتی آنها تعیین کرده بود حکومت افغانستان داده بودند مجموعیت تمامی دست کرده، و قبل از خروج خود شان بغارت اجناس دست زده بودند. چون صورت آن در دست رسید برای دست کشیدگان آنها مبلغ ۳۶ هزار پوند انعام مقرر گردید.

دیگر ـــ از نگار خصوصی از صفحه جنوب: یک شخص

از رئیس جاسوسی حکومت هند تقریر برای این مطلب از هند رانده شده به استانبول رفت که پدر آباد در بین افغانستان و هم مذهبان پدر از تخصیت، و از بهم از یک دهم و اندیشه پیش آمده است نام این شخص محمد دیخان پسر سید محمود آقا این سید محمد و سید محمود پاشا است این یک سید محمود که بلب دریای شط و دریاچه استان جاشد، وقتی که خبر آمدن ارجنین یک افغانی را گرفتم به استقبال رفتم. بعد از کی از اتفاقات عطا در پل آمده مردمان فرد آمدند شخص که در میان آنها پیشتر نمایانی که خبر گرفته بودم شناختم، پیش شده با او گفتگو و خوش آمدی کردم. کلاه فرنگی بر سر و لباس و بزبان اردو با من گفتگو کرد. فارسی و افغانی و انگلیزی و عربی نیز میدانست. هر چه کوشش کردم چیزی مطلب بدست نیاورده نتوانستم. مجبوراً در قلب او به اسکندریه رفتم. در اقامت بیست و چهار ساعت بخدمت او بودم. به یکدیگر بیشتر صورت چار نه دیدم الفاظ دیده یک دست خود را سر گرم آب نگهدار کردم که آن ام الخبائث ام الملاعب گردیده نمانده اخلاق را به ستم داد. معلوم شد که در خارجه این زیر دست (جیک ماین) سکرتری کار میکند. و از جزایر افغانستان واقف است. و از احوال علمای افغانان و در جمله از سفیر صاحب گرفته تا بخود و بزرگ کلیه آگاهی دارد. پل و فرمی به او داده شد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 332 of 1786

... دو چند و ما می بندد و لذا صرف نمایند و خود را از دوستان اسلام در شمار درآورد را بر خود و کشور نماید. از دولت عثمانی انتظاراتی قسم موجود داشت، چند صد و نهای جرمنی پر از اسباب نیز با او بود.

نامه نگار ما بعد از این نوشته خود این را نیز چیکارد کرد برای جلوگیری اینگونه دسایس کار پردازان ما لازم و ضرور است که حکومت چند نمایندگی دوم مخصوص خیر بکی در استانبول داشته باشد.

اعلیحضرت میکادو
امپراطور ژاپان

از چندی است که در اخبار ما خبر بیماری بسیار سخت اعلیحضرت (میکادو) امپراطور ژاپان انتشار می یابد این خبر بر هر کدام از ما معانی اسف انگیز تاثیر و فکر ما حاصل کرده است. از خبرهای اخیره چنان معلوم میشود که حالا دو بصحت نهاده اند. این خبر نیز بی اختیار دلهای ما گان را مسرور نمود.

در اینجا یک نکته باریکی جلب نظر دقت میکند: آیا چرا خبر بیماری یا صحت یک مرد ژاپانی برهندی، انگلیسی، ایرانی، عثمانی، سمرقندی، مصری، مغربی، انگلیسی فرانسوی، امریکائی و غیره و غیره تا این اندازه اجرا میکند؟ زیرا این شخص همان ذات مقدس و صفاتیست که دولت ژاپان را از گم نامی و بیخبری کشیده و نام ژاپان در عالمیان جهان نموده. اینجه ترقیها و خوشحالیها و شرفیابی و سعادتهائیکه دولت ژاپان را حاصل شده و میشود بسایه همت همین یک مرد عالی نهاد است. لهذا در قلوب دلهای یک موقع علیحده دارد که این تاثیر از است.

خبر وفات امپراطور ژاپان

اعلیحضرت (موتسوهیتو) امپراطور ژاپان از بیماری که بر آن گرفتار بود روز نهائی نهایت عازم رحلت سرای آخرت گردید. امپراطور متوفا یکی از شاهپر بادشاهان ذیشان ژاپان شمرده میشد. اشارات در شماره آینده خود چیزی از ترجمه حال ایشان و سایر صفایح اخبار خود خواهیم نمود.

سخنان هر قسم

بعضی معلومات در باب (سور چین)

(سور چین) که بعضی اوقات (ستی چین) و (سای ستی سکنه) بگویند اگر یکی از عجایب سبعه عالم شمرده شود جا دارد. این دیوار قلعه عظیمه در جهت غربی چین که صحرای (تبت) را از ممالک چین جدا میسکند، و در سمت شرقی ترکستان بنا یافته است.

درازی این دیوار (۱۷۳۸) میل است عرض پنج دیوار بهمه جا عرض سر دیوار پانزده فوت است بلندی دیوار بیست (پرده) است. تهدا بها و بنیادهای این دیوار عظمت آثار از سنگهای بسیار بزرگ ثبت برداشته شده، و خود دیوار از خشت بسیار پخته شده که با مصالحهای چینی آهنگ چسپاک ساخته شده است.

در هر دو صد یا سه صد (پرده) مسافه یک برجی دارد که از بیست و پنج تا چهل و شش فوت بلندی دارد، و بقدر بیست و پنج فوت فراخ است. بر سر دیوار از دو طرف دیوارچه ای یک قدم آدم سرباز گنجیده دارد که این گنجره از یک نوع خشت بسیار سختی که مخصوص خود چین است ساخته شده.

سورمذکور بر پستیها و بلندیهای زمین نظر کرده از کوهها، و تپه ها و دوایها و دره ها و نهرها و جویها بر یک خط مستقیم یک بلندی در ازشده رفته است حتی در بعضی جاها بر روی یک تپه (۱۰۰۰) فوت چوری دارد و فرق سر دیوار بجهت مقابل خود چها نقطه را تقاطع با دایره برهنه ای بوزنگی که در پیش رویش آمده باشد مانند پل گذر نموده، در جائیکه از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 333 of 1786

قهرمانی بزرگ میگذارد و در وقت خطر بر جای
دیگر بسیار فکر و تمکین و پیشبینی های خیلی قوی و عمیقی
ساخته گرد و اورد از ان گذرانیده و اند.

چیستان

از ایام قدیم گوش انسان بچیستان گرفتن
و چیستان شنوی عادت گرفته و این چیستان
گوئی در هر قوم و هر ملت رواج دارد لهذا در اینجا
یکچند مثال از چیستانهای فرانسوی بیان میکنیم

۱ — آیا در میان پاریس چه چیز است؟

۲ — آیا کلاه کدام پادشاه بزرگتر است؟

۳ — آیا زنان در کدام ماه کمتر حرف میزنند؟

۴ — در اردو کلاه های عسکری چرا بالا
میکنند؟

۵ — چیزیکه از کابل بجلال آباد رفتن
سه سه چیست؟

۶ — چیزیکه از هری سایه میگذرد چیست؟

این سه الجا اگرچه در حقیقت بسیار ساده و آسان
چیزاست ولی دماغ آدم را بسیار بفکری اندازد
که آیا چه باشد؛ مثلاً در یک آدم پرسیده شود
که در میان پاریس چیست؟ بیاید که آن آدم بپاریس
رفته باشد تا بداند که در میان پاریس چیست. حالانکه
جواب این سوال هیچ حاجت برفتن پاریس و جستجو
دران ندارد بلکه نقشهٔ پاریس را دیده باشد که
در میان پاریس (ر) میباشد.

سوال دوم اگرچه بسیار ساده و آسان است
ولی باز ذهن را بفکر وامیدارد که آیا کسیکه کلاه پادشاه
عالم را دیده باشد اندازه آنرا گرفته باشد میداند
که کلاه کدام پادشاه بزرگتر است. حالانکه اگر
بگوید که سر هر پادشاهی که بزرگتر باشد کلاهش
نیز بزرگتر است سخن تمام میشود.

سوال سوم از همه مشکل بنظر می آید زیرا
با وجود یکه ما از کودکی چند سالی با زنها نشست و برخواست

کرده ایم باز هم بفکر میافتیم و میگوئیم که باشد پرسش
کنیم که زنها در کدام ماه کمتر حرف میزنند؟ چیزیکه دیده
و فهمیده ایم همین است که عایشه همیشه زنها را همیشه
بحرف زدن مشغول یافته ایم. حالانکه اگر حساب
ماههای شمسی را بدانیم سخن آسان میشود. زیرا ماه
(حوت شمسی) ۲۸ روز است پس بیک شبهه میتوان
گفتن که در ماه حوت بیست و هشت روز و
نسبت با ماههای سی و سی و یک روزه کمتر حرف
میزنند.

سوال چارم نیز بسیار توجیهات و خیلی
مضمونهای معنوی عسکریرا اینجا طرح می آرد.
کسانی میگوید که برق شرف و شان
ملت است. و کسانی میگوید که حیات عسکری
بدان قایم است. حالانکه اگر گفته شود.
که برق چون خود بخود بالا نمیشود و از ان
سبب اورا بالا میکنند؛ سخن آسانتر میشود.

سوال پنجم خیلی عجیب تر است. زیرا
هیچ چیزی قصر نمیشود که راه تردد بکلال آباد
برساند. لهذا هر کس یک توجیهی و هر
شخص یک تعبیری میکنند. ولی
باز هم هیچ تعبیری نمی یابند. حالانکه
آسان ترین و ساده ترین سوالهای
همین است. چونکه آنهم خود (سرک
جلال آباد) است که خودش راه نمیرود
و بکلال آباد میرسد.

سوال ششم از همه آسانتر است
که هر کس چون یک قدری فکر کند آنرا
می یابد. ولی باز هم بسی توجیهات
و تعبیرات دران میکنند. لهذا این سوال را
برای تجربهٔ فطانت خوانندگان گرام
خود ترک میکنیم.

[از ریچ سوفت ترجمه شده]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 334 of 1786

بعضی از صفات عایله‌ها و آداب

قبل ازین در مقدمه (مأموران زنان جهان) وعده کرده بودیم که صفاتی (مزاج الاخلاقیه) گاه و بیگاهی عایله بر دوش زن اداره و طرز معاشرت او با شوهر خود و اطفال و خدمه و دوستان و آشنایان و اطرافیان خانه خود این است که سزاوار این شغل خود در باب بجا آوردن وعده خود کوشش بسیار نمایم. این را هم گفته بودیم که یک زن و یک مرد یک انسان گفته نمیشود، و تنها یک مرد یا یک زن یک شهر و نمیشود، چرا که بدون یک شخص یک مرد و یک زن (عایله) شکل و صورت نمیگیرد و چون عایله شکل و صورت گرفت دیگر عایله از بوجود نمی آید، و چون عایله با بوجود نیامد هیچ قصه‌ای تواند و نخواهد بود برپا نه پیدا نمیشود، و چون قوه‌ها و قبیله‌ها پیدا نشود و شیرازه جمعیت بشریه از هم گسیخته و دوا پخ کتاب نوعیت انسانی خود معدوم میشود.

(عایله) جمع (عیال) است که ما آنرا (چیال و اره) یا (خانه دار ه) میگوییم. هر عایله از یک زن و یک شوهر و ثمره و حیات شان یعنی اولاد و اهالی شان مرکب است. حالا از اینجا بعد ابحث میکنیم:

۱- زن در عایله چیست؟

زن، اصل و اساس عایله است. زن خدمتی را که خانه، و عایله و برادر صحت اسلامیت اولاد و موجب عافیت و نگهبانی بدن مال شوهر خود است، زنی که کمال شوق و خوشی در امور خانه خود و اجرای کارهای که بران مأمور است کوشش دارد

فاجعه‌های پاریس

مابعد از نمبر ۲۲

واز بستر خود را بپایان پرتاب کرده و در نزد نعش شوهر خود بیاید، و سرش را که تواند از خون آلوده در جریان بود بدست گرفته گفت:

— بلی، اگر صحیح بوده است! خونخوار مرده است!...

بعد از آن جیران، جیران صبوحی تو میسر صاحب خانه و خلیفه باشی عسکر با دیده و اخته به بیشه در نظر شش بگان بگان نگریسته خود، تو میسر از صاحب خانه باشی پرسید که:

— این زن کیست؟

و جیه — این زن زوجه مرده است یا آنکه زوجه اش نبوده ولی زوجه من است میگفته است. تقاضا نامه از دواج و نکاح نامه شان ندیده ام.

تو میسر، یک وضع بسیار شفقتکارانه، و یک طور احترام کارانه تحویلدار را مخاطب نموده گفت:

— آیا شما تو نفس دوراندازی هستید مادام؟

خلو تبلد — بلی تو نفس دوراندازم.

واز همین دلیل که در سرشت آدمی لطف کار و ماهیت زندگانی بدون آمد و رفت محبت و مشکلاتی که پیش پیش پیشه و شکایت نکند، و دیگر بیشه‌ها علاوه از شوهر خود و خود را شاد و این دغدغه و دلهره شان بدون حاضر باشد هر قدر در فلاکت و مفلسی و تنگی معیشت هم باشند از جهات و سعادات آن عایله شمرده میشود. خنده و روی و شیرین زبانی زن یک مرهم بسیار نافع و فایده مند است برای عایله. خوش خلقی و خوش طبعی زن بمنزله اعلای شوهر و اولاد عایله را دل میکند. شرکت و سازگاری که شوهر با یک تعلقاتی ناگهانی ضایع کرده باشد خوش خلقی و شیرین زبانی زن انرا در یک پیشه پیشرفت کلی کرده و میتواند، چونکه پاکیزه گی قناعت کار خوش خلقی، شیرین زبانی زن شوهر را قوای امید افزایش می بخشد. قوای امید کوشش و ثروت و سعادت را حاصل میکند.

یک خشم شیرین زن مانند نسیم خوشگوار فصل بهار باشد در دلهای امید و سعادت عایله را بار میدهد. زن در عایله مانند یک ملکه است که در زیر این یک خانه اداره میشود اگر آن ملکه گندم بود کدام بار بدیگر نکل و محفل بیرون باشد. زن خوش خلق شیرین زبان پسندیده اخلاق خانه را که در آن اداره باشد آباد میکند. زن بد خلق بد زبان بد اطوار خانه را که در آن اداره است خراب می سازد.

خمیر مایه اصلی یک عایله زن است. زن در عایله از شوهر بار بیشتر حق و صلاحیت سرپرستی و اداره خانه را مالک می باشد. چنانچه در امور خارجی شوهر حق مالکیت تمام را دارد زن نیز در امور داخل خانه مستقل یک جا کرایست رئیس عایله شوهر است چنانچه شوهر در افراد عایله یک حرمت و عزت مخصوصه را مالک است زن را نیز یک موقع خاص

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 335 of 1786

واعتبار مخصوصی موجود است . آبادی ، سعادت ، ثروت یک خانه بحث در اشتراک زن و شوهر مربوط است که آن محبت و حسن آمیزش را ، عقل ، کمال ، خوش خوئی شیرین زبانی زن بوجود آورده میتواند . حسن دوم درجه دوم است . زن عاقله مدبره همیشه چنان رفتار نمیکند که بحسن امتزاج و محبت ازدواج شوهر خود خلل برساند . برحق ریاست خانه و محبت مخصوصهٔ شوهر خود هیچگاه تجاوز نمیکند . بدون اجازهٔ شوهر خود هیچ امور اتی که خانه داری خانه خود میداند . سرکشی پیش قدمی نمیکند . بحسن و لطافت و نزاکت مخصوصهٔ خود و با دل شوهر خود را بدست آورده روز بروز در افزونی محبت و حرمت در حمایت شوهر خود ، با سوی خود کوشش بیورزد . عفت و ناموس ، سرمشقه داده پاکیزگی و خوشخلقی ، قناعت و صبوری چیزهائیست که زن بواسطهٔ این چیزها بر سعادت و رفاهیت خانه ، و آبادی کاشانهٔ خود کامیاب میآید .

ادبیات

اطاعه

از بهر شوهر فضل طبیعت اطاعه
گر این بود زنی نبود زناشه

سنن اطاعه مرد همسر گر آمد
گر نیست اطاعه تو زنان بال زناشه

محتاج ، ضعیفان بنی نوع بشر را
دریاب و مدد کن که شوی مرد دیانه

در جمله اشیای جهان بخشفر انگن
جز ابر بهاران مدد روی زمین کیست

آن روی زمین نیز مدد گردد دانه
گر شمس بخشش و کرمی دانوازه

جان داد و لبیاره ، شد او نیز فدا

الحمد که انسان شد اشرف نمونه
باید باطاعه نکند هیچ بهانه

تومیسر — آیا دختر مارکی دوموتوب نی ؟

فلوتیلد — بلی ، دختر اویم .

با دوبیتو ، از این سخن بحیرت افتاد و خود را گفت :

— این چه بلاست ! چه با قوت است ، با مارکی ، مگر در خانهٔ ما اصیل زاده گان ساکن بوده اند و ما هیچ خبر نداشتیم .

تومیسر فلوتیلد را خطاب نموده گفت :

— مادام بر ای تخفیف کردن این اضطرابات البته نیکه از احتمال اسف اشتمال بر ای شما پیش آمد هرگونه خدمتیکه لازم باشد اجرا خواهم کرد خاطر جمع باشید ، مأمورین عدالت در حق شوهر شما بر معلومات و زمره را بدست آورده ، و همچنان در باب خود شما نیز معلومات کافی بدست دارند . این آدمیکه وقات با قته یک منهم بسیار بزرگی بود که چنانچه این مسئله با مورین عدلیه معلوم است ، البته همچنان معلوم است که شما معصوم و بیگناه و بسیار عالیجناب یک زنی هستید . لهذا ما شما را مستحق هرگونه حرمت و توجه میدانیم .

زن بیچاره که همه شوهرش را برده از نوعی خوانده بود ، بکمال احترام پس برفتن نهاده و برپا شد [باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 336 of 1786

نامورانِ زنانِ جهان

مابعد از نمبر ۲۲

(آیا شما را پرسیده بودم که هنوز پیمانی از گل سوسن خشک نشده بود که (یا موسی اجعل لنا الٰهاً کما لهم آلهة) یعنی ای موسی بسازبرای ما خدائی چنانچه خدایان آنهاست! ازین جواب سکت چه دلی چه نجات به گفته میتواند؟

آسیه — نام هشیرهٔ (ضیاء الدین الفقی) بیاشد که ضیاء الدین الفقی از حافظهای مشهور حدیث است، و خود آسیه نیز از محدثهای مشهور است.

آسیه — [بنت جارالله بن صالح بن ابی المنصور] است که در تاریخ ۱۰۹۷ هجری در مکه مکرمه تولد یافته است، از محدثهای مشهور بیاشد، و از شیخهای جناب (امام سیوطی) است که امام مذکور از وی احادیث روایت کرده است، این آسیه والدهٔ قاضی مکه مکرمه (الجمال محمد بن الضیاء) بود.

آسیه — [بنت الفرج الجرجینه]- یک خاتون محدثی است که از نسوان عصر سعادت بیاشد.

آغاوه — دختر (فادوس) نام مرد فقیه ی است که مدنیت را اول در یونان داخل کرده است و والدهٔ (پانتیوس) نام حکیمیست از حکمای یونان قدیم که قبل از میلاد (۱۹۰) سال پیشتر در جزیرهٔ (رودوس) ولادت یافته است، و تا سال زندگانی کرده، و سیاحت بسیاری کرده و بعد از آن با ی تخت یونان برگشته، و بجای استاد خود مقرر شده بوده است.

[باقی دارد]

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر ۲۲

اشیائیکه از ان حاصل میشود و بکار برده و در میان فروخته نمیشود، و نیز اگر آن اشیا بمزاج خریدار ان موافقت نکند، و یا آنکه اجرت مزدورکاران را نداشته و اقتدار بدهد، و اگر اشیای اصلیه بنسبت فاضل خریده باشد و باشد، و از انسیها با دیگر ارباب صنایع تبادله کرده نتوانسته، احوال مستحصل خود را بی نقص و زیان فروخته نتواند، حتی اگر سیار اشیای قلیلی باشد و در مکانی که لزوم و احتیاج بآن نباشد، و یا قدرت از اکسی نداشته باشد، و یا قدرت داشته ای آنرا در انجا کسی نداشته باشد بیدان فروخت برارد، و یا آنکه اشیا بلکه از دیگر جا با بقیمت ارزان تر بیابد، و ان آنرا بمصارف و مخارج زیادی سراز توانسته در همه اینگونه احوال سیها و علتها یکه صرف شود مستلزم استحصال ثروت نبکرده، بلکه موجب ضرر هم بشود.

باقال صاحبه انسان به صفت اشتراک کرده میتواند، اول کسانی باشد که جهت قیمه آن کار و صنعت را مطالعه و ملاحظه میکنند که چه قسم مخترع او مهندسها، دیگر اگر او دستکاری این صفت را دارند، اینها از ارباب فنون صناعیه بیاشند.

[باقی دارد]

هر مقاله ایکه دستخط ندارد از طرف مجله مسئول نیست

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

به اهتمام الحاج عبدالغفار خان سرمحرر صحیفه چاپ خانه دارالسلطنت کابل

قلم میرزا محمد جعفر قندهاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 337 of 1786

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و مسئول محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعهٔ
در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل

جمله امورات تحریریه به ادارهٔ مذکوره
بنام مدیر فرستاده میشود

بهر پانزده روز یکجا نشر میشود

تاریخ افغانی ۱۳ سنبله

تاریخ شمسی ۲۱ سنبله ۱۲۹۱

تاریخ عربی یکم شوال المکرم ۱۳۳۰

قیمت سنوی آن در کابل یکجا سی است

در داخل مملکت با افواج جاوک نیم پوند انگریز

در خارج مملکت با افواج جاوک ۱۴ روپیه کابلی

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

فیمت سالیانه

ایشیک آقاسی حضرت صاحب العصمت بناوی

منکران

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

تبریک

سراج الاخبار افغانیه عید سعید میامن فطر را
بر جمله برادران اسلام و قادر کنام خود مبارکباد گفته
کسب فخر و شرف مینماید

فهرست مندرجات

تبریک — عید سعید فطر — تمام سال قبل بیان اخبار افغانیه
— اعلان — استقبال افطار — مسلمانان کرام را باد آوری —
حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — نامهای آن جهان
هم شروط حل — قاعدهای پارس

عید سعید فطر

هزار ان حمد و ثنای لایعد و لایحصی نثار بارگاه عظمت واجب الوجود جل و علی باد که رمضان فیض رسان این سال فرخنده فال بکمال صحت و سرور و تمام فرحت و حبور مرور نمود عید سعید میامن پدیه فطر شرف ورود ارزانی فرمود.

صد شکر بریں آمد و صد حیف بران رفت

الحق که رمضان فیض رسان این سال فرخنده فال ازجنان مضامینی بود که هر شب آن بصورت یک عید پر مسرت با فیض و برکتی مرور نمود. و شب اول آن نوید روز عید سعیدی شمرده می شد که جهان جهان عبادت، و عالم عالم فیض و برکت دران درج و مدرج شده بود. بر فرحت و مسرت اظهار، و فرحت امید واری تقاضای ذات اقدس آفریدگار یک فرحت و شوکت عظمت تازه دیگری نیز برای ما رعایای صادقهٔ افغانیه علاوه شده بود که انهم دیدار سعادت آثار پادشاه دل آگاه نکوئی کردار مراحم شعار مقتدس ما بود که با بذل امانی پای تخت سلطنت سنیهٔ خود یکجا اظهار دیدار بطاعت پروردگار خود جبوریت و بندگی اظهار فرمودند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 338 of 1786

بسایه ویافت پیرایه اطیعحضرت امیرالمسلمین وظل رب العالمین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) ماه صیام مغفرت توأم بوفور عبادات وطاعات خالق یگانه آسمان وزمین در مسرتها وفرحتهای بیشماری از انظار شرع متین حضرت محمد الامین صلوات الله علیه بلغاء الشئوات والاء رضین گذ وجود سعید فرآمد. مسلمانرا این روز مبارک یک عید بسیار بزرگیست. ویکی از روزهای مقدس اسلام شمرده میشود.

یک حدیث شریف حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم از ابن مسعود رضی الله تعالی عنه روایت شده است که مضمون عبارت آن بفارسی چنین است: «وقتیکه امت من در شهر رمضان صیام مانده و در روز عید بنماز میرایند حضرت عزت جل وعلی ملائکه کرام خود را خطاب نموده میفرماید: ای ملکهای من! هرکار کننده کار خود را بکمال اجرای کار خود را بیابد، بندگان من نیز که در شهر صیام روزه گرفته اند بنماز عید برآمدند، اجر خود را بیابند. شاهد باشید که من انها را مغفرت کردم».

این است که صوم صیام، ونماز عید مغفرت انجام اینگونه سعادتها ونعمتهای غفران پیام را در بر دارد. علی الخصوص که این عبادات حضرت رب الانام با یک وقار وشان بادین وبرئیس اسلام در یک مملکت آزاد ومستقل اسلام، با بیست سی هزار نفوس اسلام، در یک موقع ویک مقام به انجام ومختام آید.

قدر این نعمت را بدانیم. شکر الهی بجا آریم، بعد یکدیگر را در آغوش گشیم، بمصافحه ومعانقه بعد یکدیگر شیرازه های جامعه را واقع الکتر یک محبت واتحاد را بدلها وجگرهای یکدیگر خود مان نماید نمائیم. همه یک زبان ودوام آزادی وطن واستقلال خود مانرا از درگاه ذات اقدس احکم الحاکمین جل وعلی از صمیم دل نیاز کنیم. حال حالک در ادوار اسلامی خود مانرا که از نعمت آزادی وطن واستقلال خود محروم اند در زیر نظر عبرت داریم، بر حال واحوال خود هزاران ثنا بگوئیم، دعای خیر در حالیکه باشد مقدس آزادی خود مانرا که مرتبه های نعمت آزادی وطن را مانند یک معجزه باشفقت بانسان داده است ودر دوران صداقت نمائیم.

دین مقدسی که حضرت خلاق عالم ما را به آن هادی وجهان قرموده وبه احکام مبین آن چنگ زدن ما را دعوت نموده است ما را در بر دارد، هزاران نعمتهای پر سود ومنفعت سیاسی واجتماعی را نیز در خود مضمر دارد: مثلا در روز عید اهالی هر محله در جوامع مساجد محله های خود شان اجتماع میکنند، خالق یگانه خود را بجماعت میپرستند، تواضع وخضوع را حاصل میکنند، در عین زمان این اجتماع نتیجه الفت ومحبت وآشنائی را بار میاورد که از مقدسه اخوت واقعی ما از ان حاصل میشود، در هفته یکبار اهالی چند چند محله در یکیک جامع بزرگ شهر جمع می آیند، نماز جمعه را یک جماعت عظیمه ادا میکنند، یک خطیب بوعظ ونصیحت آنها را بر راه خیر وبنهائی میکند، باین عمل باصواب جمعهای تعلیم آخرت را مستحق میگردد، در عین زمان با یک تعبیر سیاسی اعتنای قضیه اتفاق واخوت نتیجه پذیر میشود، در سال یکبار اهالی شهر قریه های متصل شهر در یکجای بزرگ عید گاه گردهم آیند، صدقه فطر رمضان را بر فقرا هر کس بقدر یک وعده نماز خالق یگانه را از یک مقدار عظیم اسلام یکجا ادا میکنند وخطیب خطبه میخواند، از موجودیت سلطنت وامارت باستقلال اسلامی یک هیئت وشوکتی فت را یاد آوری میکند، مصافحه ومعانقه اجرا میشود وطوی چا فیر میشود، موزیکهای عسکر سلامی اهالی را بهر طرف توزیع میشود وکرنطای بر یشیهای بسیار را بهیت خود شان در جامع شریف بزرگ عید گاه وارد آن صف بسته احترام میشود، ارباب مناصب ملکی وعسکری واعیان اشراف همگی با لباسهای تمام رسمی خود شان در جامع فخر جمع میشوند، با دشاه اسلام ومؤید دین مبین حضرت امیرالانام با هیبت وشوکت واحتشام تشریف می آورند، تحیاتهای گیهای مسلمین رفع بارگاه ذات اقدس رب العالمین میگردد، چه جوشش، چه خروش! چه هیبت، چه عظمت!

ای ملت نجیبه افغان، ای قوم غیور بابا یان! ما اینها روزهای مقدس عید، وان چند روز مبارک رمضان را بنظر هادی وبینوری نمیبینم، وتنها عبارت از یک جادیه پرستی نمیدانیم، قدر وقیمت این نعمت عظمای الهی را که با عطای موفور شامل حال ما شده است میدانیم، چرا که ما مالک آزادی وطن خود هستیم، ویک ملت مالک آزادی هستیم، همه حقوق دینیه ودنیه، سیاسیه ما از آزادی با دشاه مقدس محمدی المقلوب خیر اندیش ما در محافظه آزادی وحاکمیت ما بجانفشانیهای شایانی شما را مصروف میفرماید ودر برابر این همه نعمتهای بزرگ آزادی ما چه خدمات میکنیم، چه ملت، چه معاونت! چه شکر گذاری!

یکبار بخیال برود این همسایگان شما، بشرق وجنوب خود نظر نمیکنیم؟ آنها در اجرای مراسم دینیه خود شان چقدر آزاد شده، مثلا در ممالک هند مسلمانان هشتاد ملیون نفوس اند که بیش از نیم آن قرآن میخوانند، ولی آیات جهاد را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 339 of 1786

نمیتوانند خوانند ، عسکر میشوند ، ولی برای منافع خودشان عسکر میگیرند ، ولی برای منافع خودشان عسکر نمیگیرند ، ولی برای منافع خودشان عسکر نمیگیرند ، ولی برای منافع خودشان عسکر نمی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 340 of 1786

در پانزدهم ماه مبارک رمضان پارسال اینجا از دستبار یک [illegible] داشتم و عرض داشته بودم به استحصال اجازه و شاگردی موفق شدم. و خبر کار بصیغه نخستین نامه گرامی (سراج الاخبار افغانیه) در ۱۵ شوال المکرم سنه ۱۳۲۹ از معرض انتشار بعرض رسانیدم.

مطبوعات ترجمان حسیات وطن است. زبان ملت است. جان و هیئت است. اساس اضافیت است. تا ملت بی سیم و بی سیم و ملفون برای شناسائی اقوام و ملل را بیکدیگر وسیله ندهد پیام و خبر و مکالمه با نوع بشر بیگانه با اخبار برابری کرده نمیتواند. با آن و سایط یک چند سطری با یکدو آدمی مکالمه ممکن و میسر میشود. ولی اخبار چنان یک شخص اسرار است که بصیغه با سخن میگوید. اگر اخبار نباشد اخبار است نظر اخبار و تلفنه نبود اگر بر عالم اشاعه خواهد کرد؟ هیچ کس که اخبار ندارد هرگز در حق او هرچیز گفته نمیتواند. ولی خود او نه در حق خود و نه در حق غیر هیچ چیزی گفته نمیتواند. غرض کارائی که اخبار دارد بدرجه حسیات افکار خود را در باب وطن و ملتی که اخبار ندارد بیش برای وطن خود بیدار نمیشود. اخبار است که اوضاع کارهای خوش کار را بر ایشان بر کرده دولت و ملت و وطن خود را واقف میسازد. اخبار است که از احوال قومی خارج، ملک، ملت و وطن را گاهی از احوال داخل و وطن مردمان خارج را خبر میدهد و دشمن وطن را گریبان و دوستانش را شادان میسازد. گاه از علم سخن میگوید گاه از فن، گاه از صنعت میگوید، گاه از احوال زمین و سمای (سراج الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در دولت جریده مقدسه ما در سراسر ستان عالم مطبوعات دایل نشأه وجود گردیده است. اگرچه پیشتر ازین که در زمان امیر شیر علیخان مرحوم تحریک اخباری نشر شده بود. ولی ما بدون پیروی از دعوای آن موفق نشدیم. مقصد ما از نخستین بروز اخبار آنست که در وقت قبضه و تأسیس استقلال دولت افغانستان این اخبار بست که نشر میشود.

افغانستان از آغاز تشکل خود سه دوره تجدد و تأسیس دیده است: یکی آغاز تأسیس است که از طرف احمد شاه بابا بروز کرده تا به انقراض یافتن دولت صاحبقرانیه و استیلا کردن دولت انگلیز افغانستان را دوام نموده است. دوم دوره ایست که اعلیحضرت امیر کبیر جنت مکان (امیر دوست محمد خان) دولت محمدزائی را در افغانستان تأسیس انگلیز از طرف دوام و اخراج نموده است که آنهم تا دفعه دوم استیلا نمودن انگلیزان افغانستان را دوام در زیده است.

سوم تأسیس از این دولت ضیاء پاشی اعلیحضرت غازی جنت مکین (ضیاء الملة والدین) است که انگلیزان را اخراج و دفع کرده دولت علیه خداداد را تأسیس نموده و از پرتو گاه ذات اقدس الهی جل و علی تا بقرنهای بیشمار پایدار افزایش میخواهیم.

این است که سراج الاخبار افغانیه نخستین اخبار است که بعد از تأسیس دولت قوی شوکت خداداد افغانستان و اکتساب ترقی و علو شان در عصر معارف عصر تحریک پادشاه خیر الاحسان اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی اخر الدهر در نخستین بار بنابر مقصد مقدس خدمت دولت ملت و وطن در پای تخت سلطنت سنیه عرض اعتبار جولان آمده است. و این یک سال کامل است که بر نشریات خود بکمال موفقیت دوام میورزد.

با شماره ۱۲ سال گذشته خود یک رساله بعنوان (علوم اسلامیت) را بدیانت تقاضا نموده بودیم که عرض و تقدیم نظر گاه علمای دین گرام ذوی الاحترام خود نموده و هدیه کرده بودیم که انشاء الله تعالی در هر شش ماه یکبار همچنین رساله علمی را بدیانت و اخبار عالم اسلام باشد خدمتانه تقدیم عرض خدمت و تقدیم خواهیم نمود. این است که در اینجا باز برای اجازه مکرر خود موفق و کامیاب آمده بعنوان:

آیا چه باید کرد؟

یک رساله مختصره با این شماره ۲۴ خود عرض نظر گاه و تأمین گرام خود میرسانیم. و این نیست مگر از اثر تشویقات معارف پروری و تلطفات شرقی گستری اعلیحضرت شاهانه شان که یک نظر خاص توجه همایونی را در باره این نامه گرامی معطوف میفرمایند.

آیا برای (سراج الاخبار افغانیه) ازین بهتر شرف، و ازین برتر سعادت چه باشد که نخستین مستمری آن ذات مستوده صفات همایونی اعلیحضرت سراج الملة والدین است!

و بعد از ان همه ذوات گرام، و معتبرین عظام و علمای خویش را بر تبه کریمی از صنف نظامی و ملکی و جدا از صنف ملکی رساله این نامه گرامی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 341 of 1786

اشتراک ورزیده اند، و قیمت اشتراک آنرا را اساً بر تخواه خود شان حواله نموده اند که بدون تعب و تکلیف بدادره عاید میشود و لی بنظر بسیار تاسف می بینیم که از گروه اصناف و تجار و غیره، هموطنان عزیز خود کمتر مشتری را نایل شده ایم و این نیست مگر از عدم استفاده لذا بذل علم و عرفان، و گیا نے هوس کاران علم آوری احوال جهان، حال آنکه ما از هموطنان عزیز خود بیشتر ازین امید توجه را داشتیم و داریم، میرزا صاحب اصفهانی میفرماید:

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد
غنچه خاموش بلبل را بگفتار آورد

بلا هیچ شبهه نیست که رغبت قارئین، و استماع سامعین و شیدایان شوق و غیرت محررین و مؤلفین است که بر اساس آن بر بسی معارج علومی پرواز کرده و میکنند مثلاً، اگر از صنف تجار بدفعه خود بیک دو مقاله نایل می شدیم البته که از بسی مسایل نافعه تجاریه نیز بحث میراندیم، و همچنان اگر زراعین و ارباب توانگر خود را، راغب و مستمع اخبار خود میدیدیم از بحث زراعت و حراثت نیز بعضی چیزهای پسندیده و مفیدی مینگاشتیم.

مع مافیه تا بوقتیکه جان در بدن، و قلم در کف داریم در بجا آوردن وظیفه خود که خدمت مقدسه تعلیم و طن است، کوشش مینمائیم، و این را هم وعده میکنیم که آنات، و اقات قلیله خود را از جوابات عرفان آیات معرفت پروران، بالخصوص شاگردان مکتب سراج الاخبار افغانیه، با بسی آثار بدیعه که از حالا کیفیت آنرا بیان میکنیم در بازار علم و عرفان جلوه گر کرده، این یک را نیز بطریق اعتذار نه غرور و افتخار عرض حضور او لوالابصار کرده میگوئیم که یکدست یک ساله است که قلم عجز رقم (محمود طرزی)

جدا امور تحریریه این نامه گرامی را از تصویر سه مقاله تا دو اجمال سیاسیه، و ترجمه جوابهای عالم را از اخبار، تا دو مقالات تاریخیه و طبیعیه، و مقاله ادبی مخصوصه بفضلا این طریقه، و مقالات علمیه و فنیه، و تاریخات بدیعه، و ترجمه بعضی سیاحات، و امور عسکریه، و صحیه، و ترجمه شرکت ملل و فاجعه های پاریس، و تالیف نامهای زنان جهان، بر سه آنجمله یک غزل هفت بیتی پر معانی عرفان را جلوه در جهد و گرفته بی یاد و معاون تنها بهوک چون پیکان آهن خارقه و خفیفه سه نموده ای را ابراز نموده است.

در عین زمان و تضیق مدیریت خود را نیز عاجز از اداره نموده است که امور تحریریه یک اخبار شانزده صفحه ای تنها یک قلم بجا آوردن از کارهای آسانی شمرده نمیشود.

لهذا اگر قصور و تقصیراتی دران دیده شود عفو و صفح آنرا بنظر غطا پوشی ارباب کرم حواله نموده دوامی عمر و طالبیت عالی مقدس کرزم و مربی محبوب اعلیحضرت خود را (سراج الاخبار افغانیه) تا بمدت موجودیت خود از صمیم دل از درگاه ذات اقدس خلاق علیم الصفات کائنات نیاز مینماید. ومن الله التوفیق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 342 of 1786

اعلان

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال مسرت واقفی بر مشترکین کرام خود اعلان مینماید که سال ششم آن از نمبر یک تا به این نمبر ۲۴ دوازده ماه یکسال خود را به انجام میرساند. لهذا هر کس که تجدید اشتراک خود را با اخبار پیشین رضا آرزو دارند از حالا وجه قیمت سالیانه آنرا در داخل مملکت تحویل خزانه عامره کرده رسید خزانه را گرفته به اداره ارسال دارند تا بعد ازین رسید اداره آنها داده شده نامهای شان قید دفتر اداره گردد. و از نمبر اول سال دوم بالخیر والعافیه بنام شان اخبار جاری شود. و در خارج مملکت وجه قیمت سالیانه آنرا بر کلای ما که در خارج هستند تسلیم نمایند.

وکیل ما در پشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار والگانه دولت علیه خداداد افغانستان میباشد.

نسخه های سابقه سال اول اخبار افغانیه چون در اداره کم مانده و از آنرو بعد ازین اگر کسی از نسخه های سابقه طلب کند بدون قیمتی که اداره برای آن تعیین میکند داده نمیشود.

خواهش کرامی که تمام نسخه های سال یکم سراج الاخبار افغانیه را با جلد اعلی بطرز کتاب ارزو داشته باشند مبلغ — ۲۵ — روپیه کابلی تحویل خزانه نموده رسید آن را به اداره آورده کتاب سراج الاخبار افغانیه را با دو جلد کتابچه هدیه آن میگیرند در اطراف داخل مملکت وخارج مملکت اجرت داک بر قیمت کتاب افزوده میشود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 343 of 1786

استجلاب انظار

بسیاری از مشترکین کرام
از اینکه از رسیدن اخبار
بوقت و زمان پیش شکایت
میکنند . لهذا جناب
نظر وقت بناب نوران
صاحب را بسوی سرپرستی
توزیعین بین تقسیم
کنندگان اخبار روانه
نمودیم

مشترکین کرام را یاد آوری

هر یکی از مشترکین گرامی که از توزیع اخبار
وقت ساپانده و خبار واضح شده باشد
از خواهش آنشان ترسیده باشد و یا
آنکه بعضی نمبرهای شان ضایع شده
باشد یک خودشان از توزیع کیفیت
باین مدیر عاجز خبر بدهند تا از انجاب
تحقیقات اجرا کرده در خصوص مقرر
شدن مشترکین کرام خود عرض خدمت نماید
چه کاپیهای اخبار از پیش ما شان ضایع شده
باشد و آزادی خریداری آزاد داشته باشد
بعضی که از برای آنها پیشتر خریده بودند
و اگر آنها مامورین تقسیم کننده اخبار که از وقت
جناب نوران صاحب مقرر میباشند باخبار بدهند
باشد بعد از تحقیق و اثبات آن نمبرهای
ادا و بآنها رسانیده خواهد شد .

حوادث داخلیه

مراسم جشن ختم قرآن عظیم الشان

در شماره سابقه وعده کرده بودیم که از کیفیت مراسم
جشن شب ختم شریف در شماره آینده خود بعرض معلومات
ی پردازیم . و این کیفیت سراسر سعادت ، ابرای جشن
خوانندگان خود نگاریم . زیرا هیچ یکی از برادران جشن ما
خواهد بود که باین مراسم پر انوار ختم سعادت شرکت نکرده
باشد . اما برادران و ولایات بعید نا که بشرف شرکت
آن نایل نبودند بعد امکان شامل شده باشند . البته که
از (سراج الاخبار افغانیه) تفصیل آن شب پر سعادت را
در روزنامه دیده اند که در تصویر آن شب بوده اند
تحریر بدینصورت خاکسار تقریر مینمایم :

در توضیح تعریف و توصیف احاطه جشن حضوری که برای
نیایش حضرت پادشاهی از بهر ختم قرآن عظیم الشان از
اقدس خانق کون و مکان تخصیص شده بود در شماره ماسابقه
خود تا یک درجه معلومات عرض کرده بودیم . این است
که در وقت شام روز جمعه دهم شهر رمضان المبارک از اطاق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 344 of 1786

[illegible] اعلیحضرت همایون شرف صدور یافت، و بیک هزار روپیه
[illegible] فرمودند و همه اعیان و اکابر را بصعود جاپونی قبول فرمودند و
[illegible] شب بین ختم شریف در دو شمال باغ جریه بر حاضرین تقسیم گردید
[illegible] برای تماشای آتشبازی که در جلو عمارت جنوبی خیمه در باغ چراغها
[illegible] آتش زده شده بود تشریف بردند

انواع آتشبازی جاپانیه و غریبه که تا بحال دیده و شنیده
[illegible] افروخته گردید. فشنگهای هوائی و انوار الوان سبعه طیاره
[illegible] هوا را بانوار فیض سعادت تجلی این شب فیوضات قرب
[illegible] در پیش انظار ساکنان عالم ارضی برزیخ انشاء!
[illegible] انوار رنگارنگ شعله های جواله ستاره های نادیده را
[illegible] بیننده و گمان داهی رانشیده. اکثر اهالی شهر و اطراف
[illegible] شده یک شهر بر از این تماشا شب مسرت افزا و بین لیلة
[illegible] شهر هیچ آمده بودند، در همه دلها جان جان فرحت شادی
[illegible] در همه چهره ها عالم عالم سرور گشاده پیشانی همی تابید ارواح
[illegible] لطیفه عالم علوی نیز این سعادت ملت بحقیقه اتفاقی را
تقدیس می نمود.

آیا بهتر و خوشتر از این سعادت جاپیتر دیگر از این
مسرت چه باشد که پادشاه و بانت اقتدا و معظم مسلمانان
قطعه پاک افغانستان با ملت نجیبه صادقه و باشجاعت
دلیران افغان در وطن آزاد و صفاناک افغانستان بر جان
یک طاعت ذات اقدس خلافت گران و عنان و جنان یک
خلافت پرخلوص و احسان موفق و کامیاب می آیند که صفحات
تاریخ قدیمه و جدیده و امثال آنرا در خاطرها می آورد و یکجا شاه
با ملت سی هزار نفر از رعایای خود بعبادت رب عظیم الشان
خود اشتراک ورزیده اند، و ملت سی هزار افراد رعایای خود
طعام داده ان چیزائی هست که هر وقت شنیده و یاد میشود
باشد!

نظارت و سرپرستی و نگرانی این مراسم جشن بر عهده
عهده نگران انتخاب اعلی احضرت امیر شیرعلیخان ناظم ملکی
عظمی، اعلیحضرت جاپونی محول بود که حقیقتاً در باب سررشته ها
و انتظامات، و اقسام طعام و حین و نظارت و رعایا و دولتی
و خاطر خواهی آنها بر وفق رضای متعالی از قضای جاپونی
بکمال همی و کوشش صرف همت نموده اند از قرار یکه
از دفتر شاهانه بما رسیده و دست کیفیت نداده
نظری که از رعایا و حاکر و نظر و حس کمین اقدام شده
و اخیر شریف اشتراک ورزیده اند بقرار حسب

عجبا مکتوب

[illegible]

[illegible] باشد چون خواهد نظری که از رشت می فرستند
[illegible] جشن اظهاری حاضر شده نه از اینجا سبب درخواست نمودند
[illegible] بنابران تحریر شد که هوازی چهار هزار و یکصد و شصت و یکنفر از
[illegible] هرشب از اول تا آخر رمضان المبارک الی لیل ۲۱ ماه مزبور بطور
[illegible] اظهاری بر آشان داده می شد و این نظری چهار نظر قرار
[illegible] یک حصه نظری مجلس خاص حضور، و دوحصه دوم نظری از حصار
[illegible] شهری حسن نجار، ان و کان شده و ماه معتبرین بوده و
[illegible] درجه دوم شهری حسن کاسب فیره بوده و نظری درجه سوم عوام
[illegible] طلای متفرقه دار السلطنه بوده و بعضی از نظری ما کهن
[illegible] و قریای شهر که از برای نظری مذکور از جمله گرده لوازمات
[illegible] و کاروبات و مشروبات مشروحه موجود و معین بوده و بطوریکه
[illegible] تراویح اول اهم ماه مذکور، آتش بازیهای غریب و غریب ساخته
[illegible] خواهد، استعداد، روشن شده و بعد از ختم تراویح از برای قطع
[illegible] و شریفه و جمیع نظری و تمام حصه گاوه مذکور و طلا زین معتبرین
[illegible] شهری نظر تراویح تعمیر شده اینکه ماه تراویح ختم شده از قرار
[illegible] شماره هوازی چهار هزار و یکصد و شصت نفر در مسجد موصوف
[illegible] حاضر بوده و کل نظری و معتبرین و رعایای مستقله شهر کابل
[illegible] یک قطعه عریضه تشکریه داده گاوی بحضور مبارک تقدیم نموده
[illegible] که اصل عریضه مذکور جهتاً برای شما فرستاده شد که در اخبار
[illegible] شریف درج و عریضه مذکور را عیناً مع تعداد نظری ادرج روزنامه
[illegible] مبارک سراج الاخبار بدایه فقط فقره ۲۰ ماه رمضان المبارک

[illegible] ۱۳۳۱]

صورت عریضه لشکریان اهالی

اعلیحضرت صاحب العلم التاج والحشمت شیم

وفرط افتخار، ما حاضرین حضور مبارک اعلیحضرت سراج الملة والدین
بحوست که ما غلامان و جان سپاران دین و دولت اسلام
مرسال نشئه شادمانی گردیده و سرمای پرسنه و گاوی تقویت
دین حضرت سید الانام سلطان حامد سلامتی وجود مسعود و عارضین
و گلهای دلسوز و گلزار دولت و ملت را از درباره حضرت
خداوند جل علی شانه سلامت نموده و هزار هزار زبان شکرگذار
حضرت پروردگار خود هستیم که در دین آوان سعادت اقتران
سلامتی اهالی ما از شعله و مزاحم شهریاری یک جهان رحمت
و رحمتی است و جهانستان حال ما از تسخیر نگارم اعلیحضرت
جنت عالم نوشین گلشن اینکه اعلیحضرت جاپونی از قبال هدایا
دین اوروز سعادت اندوز اوائل ماه مبارک رمضان
ما غلامان را در انجمن حضوری بحضور مبارک مشرف ساخته و دولت
خواهان خود را مورد مراحم شاهانه گردانیده و جمعه اقسام انعام
و اکرام است صلای عام داده بعد ادای نماز خفتن آنروز
مخصوص غلام طلب اعلام پرداخته و شب را که شب دهم ماه مبارک
است و مخصوص غلام گردیده شب صرف تماشای انعام دولت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 345 of 1786

دولت اسلام یک جشن سلطنتی آتشبازی را برای مسرت افزای خاطر حضرت مهربانی فرموده اند.

از دست و زبان که برآید — گر همه شکرش بر آید

امروز در ربیع مسکون بیچ ملت و ملیت را یارای خود نمائی و شکرگزاری نیست از حضور و عید اعظم که در این عصر سعادت مصدر روز و شب دولت سپری است — این ایام که عصر بهار را مانند است خود عالم و عالمیان شده و ایام و اوقات را لیلة القدر و عید اضحی و فطر و میلاد مسعود حضرت ظل سبحانی صاحب نظامی اعظم الخلافت العلیه و اقبال و اجلال و سعادت و اقتدار و شوکت و جلال و عظمت و جاه و جلال و عدالت و رأفت و مرحمت و شفقت و بخشش و بهبود و آسایش و آسودگی و رفاهیت و فراغت و امنیت و امانی و آمال و آرزوهای ملت و رعیت را برابر خود نامشکور و ممنون نیابیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 346 of 1786

حوادث خارجیه

احوال سیاسیه

راه آهن ریل - و - افغانستان

چندیست از تحریف اخبار ادبی عالم تلگرافی از اجرای کمپانی راه اتصال راه آهن اروپا و آسیا یعنی چیپا بند سابق بستانزا از راه خشکه بلندن جنبها میرانند و نقشه ها میکشند، و افکارها بیان میکنند، چه شعبده عظیم، چه اقدام نافع ؟..

ازین بهتر چه ؟ علی الخصوص برای یکه مرض سرچرخی دارد، یعنی سرچرخی را داشته باشند، ازین سبب از دیار خود نمیروند و مانده باشند ؟ اگرچه خود ما مرض سرچرخی را نداریم ولی باز هم برای سیاحت لندن ریل را بر اپار مرجحتر می پسندیم، چونکه در دریا بی دیا شیم دلچرخی !

از اثر این خطوط آهن بر یک پل عظیم معتقد که یکپایه آن بر دوش دیگر پایه آن بر دوش آسیا افریقای جنوبی دیگر پایه آن اروپا، پول برطانیا میرود، و از آن راه هندستان بالمشافه بواسطه ریل اتصال حیاتیه بیشتر خواهی می شدیم، زیرا هم خبر، اثاث میبردیم و هم بترها بلندن میرسیدیم، ایا در تحت این وقیعت پر دریها و بهانه گیر جان بشار آن هم فقیها اینگونه راه آهن معتقد چه بلده دوره دوره !..... تاج ! تاج ! تاج ! ...

باز هم اگر نقشه آن خطوط راه آهن از کراچی برکن و خلیج عمان بر ریل بلده از اتصال حیاتیه چیزی گفتگو نمی داشتیم، و از کابل بواسطه موتر یک روزه خود را بریل پشاور رسانیده و سر راست تخت لندن را میگرفتیم، ولی چون نقشه و پلان آن خطوط بقصد غرضکارانی که غیر از مقصد اتصال دادن آسیا را با اروپا و دیگر مقاصد خائنانه استیلا کارانه می پرورانند از راه پشنگ، و قندهار، و هرات، و مشهد و طهران انتخاب کرده اند مسئله را یکرنگ و بیشتناک و خطرناک می افتد که آزادی سیاحت لندن را برما هم قائل می شود، زیرا مسئله مجازات و حیات و طن مقدس ما اقتضی میکند و هر حیات طیبات و حیات و طن مقدس ما اقتضی میکند و هر حیات طیبات مارا در زیر حمایه می آورد.

چون یک اخبار والای افغان هستیم، و اخبار ما فی اخبار افغانستان میباشد، دیپلماتی و عرفان دایره الصلوت جنوبی مقدس خود در واقعه و قضیه از اراده تصویر افکار میتواند، در بیان افکار عاجزانه خود صرف نظر کرده

نمی اندیشیم، تحریک چیزیست که در زیر اختیار نمیدارد، پس از تحریر خود ما مسئول است بدیگر افکار چه تعلق ندارد، سخن یک اخبار والا پیچکاه دست آویز سخن دولتی شمرده نمیشود بلکه مطبوعه در اوراق خود او بنابر قیادت از افکار خود می نوشته میشود.

ریل و افغانستان

((فواید ریل))

منافع و فوائد یکه ریلها در عالم اتصالیت برای کاری تا هیچکس آنرا انکار کرده نمیتواند، از جمله صرف نظر از حمل و نقل مسافرین و اموال و اسباب، یکی از مهمات و فوائد ریل اینست که در زیر نظر دولت در آید، یک مسافر بهر دوری که از کابل بخواهد به هرات برود و بشرطیکه بهر منزل نقطع مسافت کند در مدت سی و پنج روز با هزار مشقتها، از حسنها، و بیدادگریها دستگیر شده آنجا به حضور حقیقی میرسد، و چون شهر در آید مردمان شهر هر یک از شکل و قیافت آن مرد حیلتند، سرد و داغ چشیده گرد و غبار، رنگ از آفتاب مانند مس، جوانی گریزان سوداست مانند خلجیت.

حالا مسافر یک روزه را بابریل تصور کنید، بساعت معینه مسافر ما در هر اخوری خود را یک بالاپوشی که بر ساعد انداخته، و یک کیسی در دست دارد از خانه خود برای یکجهته روانه گردد، و در یک عربانه نشسته به استیشن - یعنی ایستگاه ریل می آید، از عربانه فرود آمده در یک بنای خوشنمای بسیار دلکشی پر جوش خروشی میرسد یا بالجمله قطار در رفته دوم یعنی سکنن کلاس، اگر فرقه در یک خانه دارد، ایستاده میرسد که بعد از بساب بسرعت حرکت دادن داخل میشود، گرچه یک بار و بنه فراوان و دوده و دریکی از آنها چهار نشستن قطار ریل بحرکت می آید، و تقلیک خواهش بیاید خواب نمیماند، و اصلا بیمار را حس نمیکند، و تقلیک و طول گرفتن راه بیمار نشستن خاطر ما نباشد، در راه تا ش نوابت در آمده بکمال راحت آسوده حاجت خود را بجا میکند، و در هر وقت طعام قطار ریل در یک استیشن طعام خانه داری بقدر نیم ساعت توقف نموده و هر یک از طاعن استیشن مرکز پسیجر آزادی و استراحت طعام میخورند، و الحاصل قطار ریل استیشن بنفس بی خضرت در ظرف دو سه روز مسافران ریل نشین و بهران خربت گزین خود را پسیار آسوده کی و آرامی چنانچه انسان بر ای یک هوا خوری برابر از کابل به هرات میرساند، هم بشرط بسیار لطیف و سلیم میرساند، هم در هر لحظه و هر دقیقه، و هر ساعت مناظر بدیع و عجیبه و طرفه اطراف و اکناف و بلاد و امصار را مانند یک پهلوانی بنظر جلوه داده میرساند، صحراها، کوهها، دشتها، وادیها، نشیبها و فرازها، چون برق خاطف گذشته میرساند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 347 of 1786

حالا از نقطه نظر زراعت و تجارت، و صنایع منافع و فوایدی را که
در نظر خواننده تحقیق داریم: مثلاً دولت علیه افغانستان
چنانچه از حاصلی ذاتی و مالک است از کمیت و کیفیت اراضی آن خیلی
واقف و صالح الزراعت است. چنان از اراضیهای که وسعتی را
حاصل است که کمیت و وسعت اراضی آن استعداد و
قابلیت زراعت را دارد، و چون یک سالی وسیع ایده
کم بارشی دران بوقوع آید فقط و فقط بدیده از گذشته آبادی آنها
بقعه معرض تلف میگردند. پس اگر ریل باشد در اندک زمانی
ارزاق فقط و فقط از یک حاصل خیز جلگ کم حاصل آورده
اطراف مملکت برفاقت کمی زود بگرانی نان و ارزاق فقط
ولی شکر و نانج و امثال آن را بکمال سرعت بقدار
رسانیده و یک مبادله عظیمه جریان میگیرد. میوه های خشک
قندهار را مانند کشمش و بادام و غیره و غیره هرگاه در بیان
قلل های خوشنمای زمستانی بخوبی واضح و چیده شود، و بواسطه
ریل بخارج کشیده شود البته از پر کردن درجه الهای
پشمی و پوست شتر بردن بیشتر فایده و قیمت حاصل
خواهد کرد.

حالا یکقدری از نقطه نظر عسکری بسوی فواید ریل
نظر کنیم: فواید ریل در محاربات با غیر جرمن و فرانسه بدرجه
باهمیت اشکار و پدیدار گردید. زیرا یکهفته بعد از اعلان
حرب جرمن بقدر شش لک عسکر خود را بسبب نظم و کشیده
و نظام و انتظام متفقه ریلهای خود در طرف پانزده روز تقاطع
(تجمعات سوق الجیش) کامل ساخته از سرحد فاوز کردند.
حالانکه فرانسویان بسبب بی انتظامی ریلهای شان دو هفته
این مدت تنها دو صد هزار عسکر را بمقابله حاضر کرده توانستند
که به این سبب مغلوبیت شان نتیجه پذیر گردید. دیگر بلجیک
در محاربه بزرگ سی و شمانی نیز بکمال دهشت بصورت بسیار
قلیلی بعد ان تجربه برآمد. در حالیکه روسها بواسطه ریل بقدر
دو لک عسکر خود را از سرحد قفقاز داده دولت عثمانیه بغیر
از هفتاد هزار عسکری که در سرحد و نواحی آن داشت بسبب عدم
تقلیل جمیع عسکر رسانیده نتوانسته مغلوب شدند. بلجیک مغلوب
روسها در محاربه ژاپان باز چون نیک نظر شود ریل است
واقعاً اصل مملکتها. یک ریل از ان جگاه رود روز بروز
معمور میشوند. آبادی شان کسب توانگری میکند. نفوس شان
بیشتری میگیرد. اگر ریل نباشد مملکت خراب. آبادی
فقیر. نفوس کم میشود. بلی. اینها هر مسئله همه درست
هر صحیح. آیک مثل مشهور است که میگوید:
«اگر الرفاظ شود کسی در مسکر خود نمیرند».

مضرتهای ریل

«بهر ریل یکقسمی مضرتش نیز بگوی» اما قبل از ان
از حقوق مهمه حکمرانی دارد که هیچ دولت بکارهای حکمرانی دیگر
دولت حق مداخله کرده نمیتواند. مثلاً دولت افغانستان مطلقاً
حق این را ندارد که بدولت متفق همسایه خود بگوید که من چون یک
پنجره در یک اتاق دارم که از آنجا خارج نظر کنم لهذا میخواهم که یک
راه آهن ریلی از دامنه گرم سیر و بلوچستان برسانی و دکان بکنار
بحر عمان تعمیر نمایم و در آنجا یک بندر گاهی بدست آورم تا از انجا
وارد و صادر و اختلاط و معاشرت عالم استفاده کنم.

کذالک دولت متفق همسایه او نیز حق این را ندارد که بگوید
من چون خواهش دارم که چند ستمانر به بورد پ مربوط نمایم
و از آنجا راه آهن خود را از راه قندهار و هرات بر مشهد تعمیر نمایم
و اگر انگلیس مخالفت نماید چون بوقوع آید معلوم میشود که حقوق
حاکمیت و حکمرانی یکدیگرشان تجاوز میکنند که آنهم حق مقابله بالمثل
یعنی نشانختن حقوق حکمرانی بهمدیگر شان را نتیجه می بخشد. هرگاه
بالفرض التقدیر چنین تکلیفی بر افغانستان بوقوع آید حقوقی
که بر یک حکومت حاجب ترک میکند جانبدار محافظه میشود. زیرا
بما نداده دولت روس نیز اگر بگوید که من از (تکلیف) براه کابل
تا پیشاور یک خط راه آهنی تعمیر میکنم کسی منع کرده نمیتواند. چونکه
از قواعد حقوق دول است که از اتیاز یکه بکدیگر حق داده شود
دیگر دولت نیز حق استفاده را دارد. در چنین زمان دیگر
حقوق نیز زوال میگردد. مثلاً افغانستان این حق را نیز مالک میشود
که یا دیگر خارجان سکر تریهای دول اجنبیه خابرات و معاملات
سیاسیه خود را باز کند. زیرا این شرط به این مشروط است
که دولت بیطانیه بر یطانیه با مور داخلی افغانستان مداخله نکند.
و چون یکبار مانند ریل یکقسم مداخلت را بنهد همه شرایط دیگر از
بر هم میریزند.

یکی از دانشمندان انگلستان که (هربرت سپنسر)
نام دارد یکی از دانشمندان ژاپان که بارون (کاتو) نام
دارد نصیحت نامه نگاشته است و در یکی از فقرات آن نصیحت نامه
بیان کرده که اتیاز راه آهن و یا دیگر اتیازات را خیلی بتعجیل و
رغبتهای خود بدیگران ندادن بسیار دون خیلی تهلکه ناک است
علی الخصوص بدولتهای که قوتدار نباشند. و در خصوص دولت
عثمانیه و ایران و چین و مراکو و دنجار و امثالها سکار فرنا
فرصت که بسبب این حق اتیازات بدول اجنبیه بر ما جنبها
وجه دارد آنها دیده ضرر ما بر خمار تهاد و خواهد دید.
این نصیحت سیاسی فاضل انگلیسی را کسیکه قدم پیروی کرده
خواهد بخاطر دولت علیه افغانستان است. زیرا این نصیحت را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 348 of 1786

حال استقلال طبیعت و مزاج افغانستان موافق و مطابق است، دولت متفق با اگر این طبیعت و فطرت طبیعی و خلقی افغان استفاده و کند هیچ شبهه نیست که زیاده تر منتفع خواهد دید. و اگر خود بخود بر یکدو تخریب تشبث و اقدام ورزد صرف نظر از ضرر و خسارتهای افغانستان خود دولت تکلیف کند و نیز ضرر می خواهند دید که مهمترین آن ضرر، رفع شدن حجاب و حایلی، و در زیر تهلکه ماندن هندوستان است بهمه حالات و اتفاقات احتمالی. دیگر اینکه تا دولت دوست متفق ما - که در این وقت دولت متفق ما خواهد بود - برین تشبث و اقدام خود موفق و کامیاب نیاید ملیونها زر سرخ و هزارها نفوس تلف خواهد شد. کدام دولتی که در این اطراف نصیب مترصد فرصت منفعتی پیشتر و بیشتر از دولت انگلیس و مستفید نشود!

افغانستان را دولت حاجب در بین دولتین انگلیس و روس قرار داده اند. اتفاق و عهد و پیمان دولت فخیمه انگلیس با دولت علیه افغانستان هم مبنی بر دفع حاجات روسی است از هند و درین هیچ شبهه نیست که دولت افغانستان ایفای این وظیفه را بهمه امکن رعایت میکند ولی از بهر اقدام حاجب محافظه و مراقب مناطق بادیه و معنویه خود هم باشد و موجود بیت. و حقوق حاکمیت و استقلال خود را همیشه دارد. حال آنکه گفتگو شش راه آهن دولت انگلیس از راه قندهار، سیستان و هرات تا بمشهد و طهران و دولایت جنوبیه جهة سلامت سیئه افغانستان را دفعة از مرکز دار السلطنه چنان تشویش و قلق مقلص مارپاره میکند که این پاره کردن با سیئه شکافی راه ریلی که از کلیف برزه کابل بپیشاور انتقال یابد یک رنگ دوره، و یک نوع الم و یک شکل فلاکت بهمه رسیده و فن نیز می نماید. - یعنی تقسیم و تجزیه ملک، باری آدم که یعنی چنانچه آن خود انقراض است. البته که افغانستان برای خود بالکلیه احوال بهشت مثال را افتخار تلقی قرار خواهد داد و تا چنین یک تصمیم متین آنچنان چون که بیشتر از عالم هستی و موجودیت خود بر آید بسیار بر از خود پیشتر خواهد کرد بعد از آن البته که ما پس پیشتر که در آنوقت هندوستان خود را از دست حریف پرقوت خود چسان نگاه خواهد داشت؟

ضرورتی نوع دار ریل در افغانستان

در دنیا هیچ چیزی نیست که جامع الحسنات باشد. یعنی همه خوبیها را در بر داشته باشد و سراسر منفعت بود و هیچ مضرتی در او تصور نشود. هر چیز هم طرف منفعت و هم جهت مضرت را دارد. چون از جمیع وظهر ریل تا یکه بحث بیان کردیم حالا لازم آمد که یکقدری از ضرورت و لزوم آن نیز بحث برانیم:

چون ریل در بوقت حاضره یکی از وسائل مهمترین و لوازم اسباب تجارتی و تواشری و آبادی ملکها و ملتها بیاشد از آنرو ملکهای آهن ریلها را اگر عروق حیاتیه جسم یک دولت بگوئیم سزاست. و اگر شرایین ذاتیه وجود یک ملکت بخوانیم رواست

ملکت بی ریل مانند جسد بیحرکت است که همه اعضای آن معطل است، لهذا تا به راههای آهن ریل در مملکت افغانستان ضرور است. امروز روز به حرکات تواضیه عسکریه این نظام جدید بوجود هیچ قوتی فائق شده نمیتواند. حتی استعلامات خود وحی (پوراته ر) که بصرف شدن ملیونها پاره پیوجود آمده بودند بهمه جزء قوتهای عساکر نظامی تا بآن پایه داری حاجت نیست.

ریل در سطح بیگانه استیلای یک مملکت نمیشود. خراب کردن راههای آهن و پلهای دولت بیگانه را در ملک خود بسیار آسان است. لهذا برای افغانستان ریل خود افغانستان ضرور است نه ریل دولت غیر.

در روزه روز دشمنان با راههای آهن خود عساکر خود شانرا بر سرحدها بسیار سرعت میرسانند و از هر طرف تجاوز میتوانند. ما اگر هر قدر سعی کنیم با این حالت نقطه اسپ دشمن یا کراچی یک قند عسکر خود را از بیگاه بیشتر بر سرحد شمالی و غربی خود رسانیده نمیتوانیم که غیر ممکن است. حال آنکه پروردگار عظیم الشان ما جل و علا در قرآن کریم خود میفرماید که (بروا من خودی و دشمنان خود هر قدری که بر شما تجاوز و دست میکنند) لهذا چون سلاح تجاوز و قدرتی دشمنان ریل است ریل در مملکت افغانستان ضرور است.

در روزه روز خواهیم یا نخواهیم استقلال و استقلیت ما در راههای آهن ریل در نزد دول عالم تامه منحصر علیه است. اگر کسی از آن انکار کند از دیده بصیرت کور یا اگر میکند که ما هیچ خلاف مستقلیت و عدم حاکمیت ترقی و تمدن را نمیخواهیم بلکه ما هیچ یک از آنها خایفه و مترقب و خواهر و منفعت آور تر از استقلال و حاکمیت نمیدانیم. موجودیت و حاکمیت و استقلال و آزادی و طن است که اهم در نزد عموم اهل متمدن عالم متفق علیه است. اگر کسی از آن هم انکار کند با بر خلاف عقل و منطق حرکت کرده خواهد بود. لهذا برای افغانستان ریل ضرور و لازم است اما در عین زمان حافظ حاکمیت و استقلال و آزادی افغانستان که همین چیزها حقوق و وظایف دولت حاجب را ایفا کرده میتواند و دیر صداها و وسائل اتفاق خود با پایداری میتواند نیز ضرر و ترقی و تمدن را متزاید و میشود و گردانده تا چه راههای آهن هندوستان برای افغانستان چه ثمره حاصل میشود؟

بنا علیه اگر مسئله ریل و افغانستان را دو نفر اهل علاقه و دراز این نقطه نظر سیاست تتبع و تحقیق نمایند هیچ شبهه نیست که نقطه های اختلاف و نظریه های مخالفانه به تقریب نزدیک در التصویب پیدا شود. والله اعلم بالصواب

خبرهای مختلفه عالم

(یک عرب یک بها در)

سوز همصفیرا (پیک اخبار) از اخبار (سنترل پنجز) روما نقل مینماید که در جنگ سیاسی سعید در میان اسپرانی که بدست ایطالیا افتاده بود یک طرابلسی پسری نیز موجود بود که زخمی شده اسیر شده بود. این شبه پسر طرابلسی نژاد و در عالیکه از صف فشنگین نبرد آزمایان عسکر اسلام تا بوقت بهوش شدن خود با نقطی که بدست داشت بر محاربه دوام میورزید. تا آنکه آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 349 of 1786

خوشحال و راضی باشند چنانچه از یک طرف دعا و ثنای دولت و ملت را بجای آورده و از طرف دیگر بجهت خود و خانواده و اولاد و احفاد خود از خداوند متعال طلب عفو و مغفرت نمایند و بدین ترتیب از عذاب الیم آخرت نجات یابند و از طرف دیگر بجهت خود و خانواده و اولاد و احفاد خود در دنیا نیز از مجازات و عقوبات دولت و ملت محفوظ و مصون بمانند و بدین ترتیب از دو جهت سعادتمند شوند و از دو طرف راحت و آسایش حاصل نمایند و از دو جهت نیکنام و سرافراز گردند و از دو طرف مورد تحسین و آفرین عالمیان شوند و از دو جهت ذکر خیر و نام نیک آنها در صفحات روزگار و در دفاتر تاریخ ثبت و ضبط گردد و از دو طرف مورد عفو و مغفرت و رحمت و شفقت الهی شوند و از دو جهت مشمول الطاف و عنایات نامتناهی حضرت احدیت گردند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 350 of 1786

نا در چه بیجا بود و چرا به خاطر دعوام سلامت از دست داخت ولی بواسطه موقع شناسی رجال طرفین جنایات مقصود اجانب را حاصل و باطل گذارد. سابق هم نوشته حال هم مینویسیم که ما کار بقصور رجال سرحدی نداریم خواه این قصور از ایرانیان باشد یا از افغانان، چه مردمان جاهل خود خواه موقع ناشناس در هر قوم و هر مملکت موجود و فرصت وقت می جویند. فقط حرف ما این بوده است که امروزه روز موقع اسلام باندازه نازک گردیده که مسلمانان را اجازه هیچگونه مناقشات داخلی نبیند و هر گاه خدای ناخواسته مسلمین امروزی هم مانند اجداد گذشته بجهالت و موقع ناشناسی بپردازند دیری نمیگذرد که این چند دولت اسلامی هم که باقی مانده استقلال خود را خواهند باخت.

مسلم است اگر عثمانی پامال شود ایران پامال شده و اگر ایران پامال شده و اگر ایران نماند قطعیا افغانستان هم نتواند ماند، خواه باصول سیاست باشد یا بلا حفظ حفظ بیضه اسلام، ارباب حل و عقد ایران و افغان راست که بگذارند که مناقشات سرحدی پیش آید و اندک نام طمعی سرحد داران را وادار بجانی گشایند که طرفین زیان بینند.

هیچ مثالی برای تنبیه اسلامیان بهتر از مناقشات سرحد عثمانی و ایران نیست که در دوره عبد الحمید سرحد داران ترکیه آغاز به پیش قدمی نهاده و از ضعف طرف فایده خواسته کار بجائی کشید که روس با موقع یافته واضع امروزه که مورث ندامت طرفین گردیده پیش آمده گمان نبرد که رجال عاقل و متین بی این مناقشه برده بخوانند خود شان را بدون زیان بگذارند درحقیقت نفع این مناقشه تمام باید برد سیان گردید خدای ناخواسته اگر مناقشات سرحدی بین ایران و افغان هم پیش آید زیانش باید با نصف ونقش راج به گیری خورده شد.

فاجعه‌های پاریس

(بقیه از نمبر ۲۳)

و نمیخواست که در جواب تو هیچ چیزی بگوید یکی یک دردو اضطرابی که وصف آن ممکن نیست حس نموده مانع سخن گفتنش گردید. یک رعشه مدهشه از سر تا پا بهمه اعضای وجودش فرا گرفت. با دستهای خود قورنه های خود را فشرد و دون گرفت، از دهنش بی اختیار و نه یک صدای خفه شنیده شد؛ گویا بصدای بیچاره گانی که در قرون وسطا آنجا را شکنجه و عذاب میکردند در آمد.

تو میسر چون این حال را دید بحیرت بلکه بهشت پرسید که:

— سبحان الله! اینچه حال است؟ آیا بیچاره را چه شد؟

ویکتو — این حال زمین پیش آمده که جناب مادام عاطفه است و حالا میخواهد که یک طفل بدنیا بیارد. اما اگر راست بگویم، این فعل هم باید افتخار بکند که در چه موقع و زمان خوبی بدنیا قدم نهاده است!

تلوتیله بیچاره، بچار پا خود را کشان کشان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 351 of 1786

لذا رجال ایرانی و افغان راست
که از خطایای سابقهٔ مسلمانان عبرت گرفته
خویشتن را از جلب منافع دیگران قرار
ندهند و از پیش قدمی دور و زبان خودشان مغرور
نگردند که دانایان گفته اند که شتابزده را آخر
خوش است

امروزه روز بزرگترین اسباب حفظ بقای
استقلال سلاطین موجوده اسلام دین است
که بیگانه بیخبرند و خائنی با جانب ندهند بر اسلام و
بلکه بر خود ترحم نموده استقلال خودتان را
تشریح ننمایند، علاوه بر این بدانند که
مقتضیات سیاست این عهد تبدیل و تغییر
در اوضاع قدیمه است اگر ایران و
عثمانی امروزه برای تبدیل وضع
سلطنت مبتلای بانقلابات گردیده از
مافات سرحدی خودشان عاجز مانده
اند چند ان مورد شماتت شان
نتوان قرار داد، چه انقلابات سیاسی
در هر مملکت روی داده این پیش آمدها
در جلو داشته است و یقیناً روزی
هم اینگونه انقلابات در افغانستان پیش تواند

آمد

اگر بنا شود همسایگان اسلامی مراعات
برادری بنمایند خویشتن را به محو و نابودی
تدریجی ساخته اند، ما از سیاست دولت
علیهٔ پادشاه افغان امیدواریم که
خواهند گذارد و این موقع نازک که ارکان
عوالم اسلامیت متزلزل گردیده این جنبیات
موثر گردد و تقارب طرفین واقع گردد! چه آنگاه
دولتین متحابتین توانند صدمهٔ
ان بخودشان وارد تواند آمد، ما راست که
این رباعی را از یاد ندهیم:

ما بیخ برادران کز یک بیخیم
در پنجه روزگار ما یکشتیم
چون فرد شویم در نظرها علیم
چون جمع شویم بر دهن ها شتیم

تا بستر خود رسانیده و در آنجا به پیچاب خوردن آغاز
نهاد. توپسر چون ابخال زن بیچاره را دید دلش
سوخته گفت:

— این زن به بخت را در اینجا بحال یکسی
خودش گذاشتن و معاونت نکردن از شیوهٔ
عدالت و مروت دور است. بیائید یکدایه
بیابیم.

تا بخواست که یکی از خفیه تا برای اجرای
امر توپسر حاضر شود بابا دینو برداشته گفت:
آیا دایه گفتید؟ چه خوب فضاوت!

ذاتاً در خانهٔ مایک دایهٔ بسیار مشهوری موجود است.
هر طبقهٔ اول خانهٔ من او زیر اجارهٔ اوست. کرایهٔ
خود را هم بوقت وزمان معینش میدهد.

توپسر — چون چنین است، بروید او را
از خواب برخیزانید و بیارید.

دینو — اگر صدای این تفنگچه که یک آن
پیشتر فریاد کرده هم بخواب او خلل نرسانیده
باشد برگشتن او حکم خواهم کرد، اما یک بهت
مشکلی دارد.

[باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 352 of 1786

نامورانِ زنانِ جهان

مابعد از نمبر ۲۳

اگرچه یک چند کتاب تالیف کرده ولی نسخه‌های آنها موجود نیست.

آغرپینه — دختر جنرال (اطرپیا نام) که از جنرالهای مشهور رومیا بوده. جنرال مذکور در خدمت امپراطور (آدغستوس) خدمتهای نمایان بسیار بزرگی کرده است و نظر توجه و التفات مخصوص امپراطور مذکور را که از امپراطورهای اول (رومیا) بوده بسوی خود جلب نموده بدامادی امپراطور سرفراز شده است. و از (پولیا) نام دختر پری پیسکر امپراطور (آغرپینه) بدنیا آمده است. این دختر یکی از پریهای چهره جهان عصر خود بود. و صاحب اخلاق و ناموس یک مشهور نیز بود. و با (جرانیقوس) نام جنرال بسیار مشهور و مقبولی ازدواج کرد. و با شوهر خود بطرفهای (سوریه) برفت. در انجا (پیسون) نام والی ولایت حسن و جمال آغرپینه گرویده و شوهرش را از هر خورانیده دفعتاً هلاک گردانید. آغرپینه چند شوهر خود را سوختانیده و خاکستر او را با خود برداشته به رومیا آمد و بر پیسون در محکمهٔ عدالت دعوا برپا نمود. پیسون چون دید بجازات شدید گرفتار میشود خود را خود هلاک نمود. امپراطور (تیبر) که بعد از جد و پدرش برفت رومیا را داشته بود بر اینقدر حسیت و شهرت آغرپینه رشک برده او را بجزیرهٔ (پانداتاریا) نفی و اخراج نمود و در انجا در سنهٔ (۳۳) میلادی از گرسنگی هلاکش ساخت. از او یک پسر و یک دختر باقی ماند که در ذیل ذکر می شود.

آغرپینه — دختر آغرپینه سابقه الذکر بوده است. که از صلب جنرال (جرانیقوس) بدنیا آمد

[باقی دارد]

علم ثروت و مملکت

مابعد از نمبر ۲۳

دوم مردمانی اند که علمیات صناعیه را در عهده گرفته اند که اینها صفت سرمایه داران و بنگاه انداز ان، و علمه و مزدور از استخدام کنندگان میباشد.

سوم صفت علمه و مزدور کاران میباشد. پس همه اشخاصی که اجرای اعمال میکنند از این سه حال وصفت بری نمی باشند. و گاهی دو صفت و یا هر سه صفت در یک آدم نیز جمع میشود. مثلاً یک معماری که هم مهندس باشد هم خشت مال یا سنگ تراش.

فصل پنجم
قاعدهٔ آزادی اعمال

(آزادی اعمال) قاعده است سیه (علم ثروت) میباشد مقصد از این قاعده این است که هر کس هر صفتی را که آرزو کند و مرتبح بداند آنرا کار کرده بتواند. و در هر راهی که اختیار کند کوشش ورزیده بتواند و بشرطیکه سود و زیانش بخودش راجع باشد هر قسم — یعنی قسمی که بر محصولات خود بیفزاید و این محصولات و محصولات خود را در داخل و خارج مملکت هر صورتیکه خیر خود را بداند و سودمند بشمرد مبادله بتواند.

[باقی دارد]

همهٔ مقاله مابنگه دستخط ندارد از طرف سرمحرر مکرر یافته
مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانستان

بسعی و اهتمام الحاج ملا غلام سرور مهتمم چاپخانه دارالسلطنت کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 353 of 1786

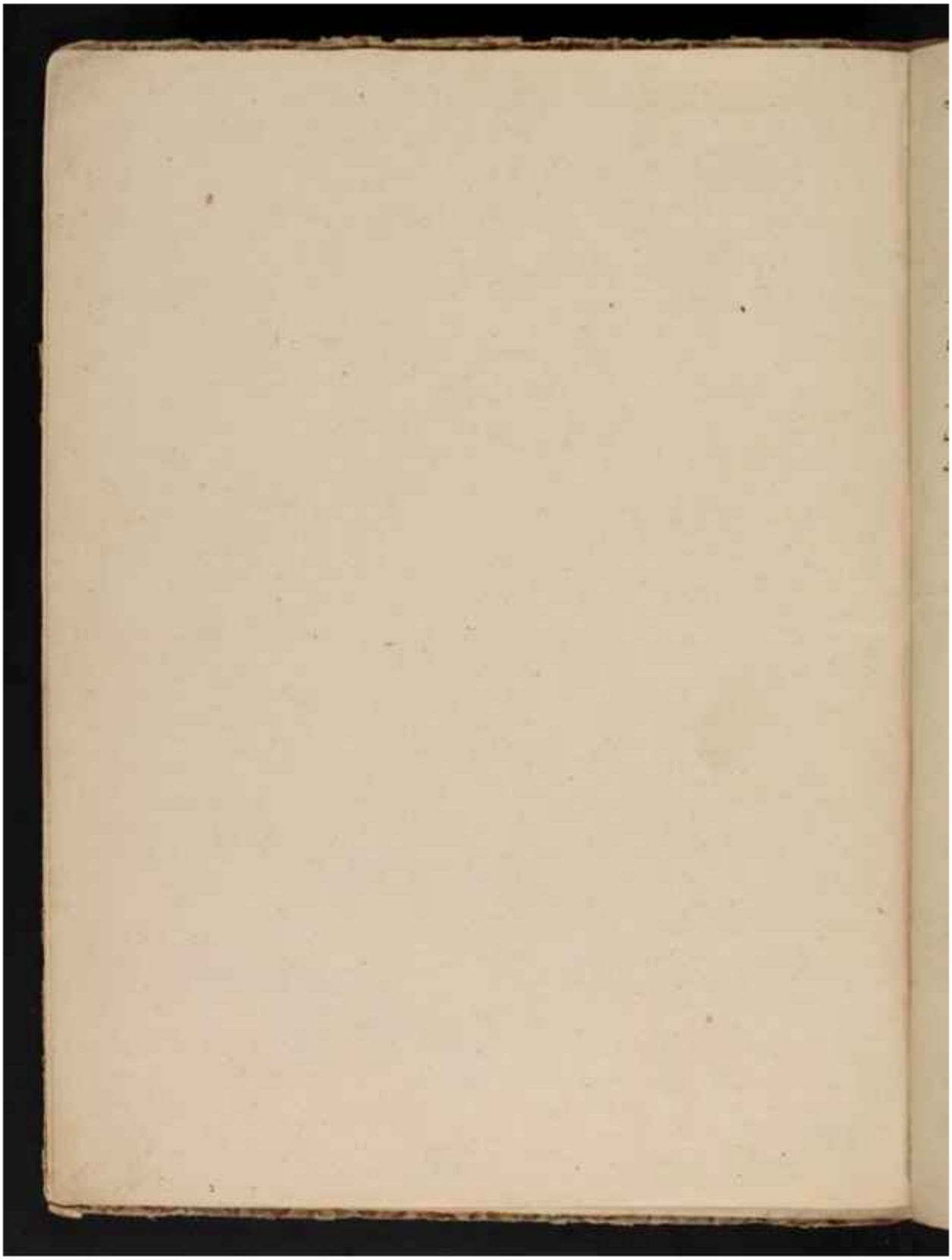

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 354 of 1786

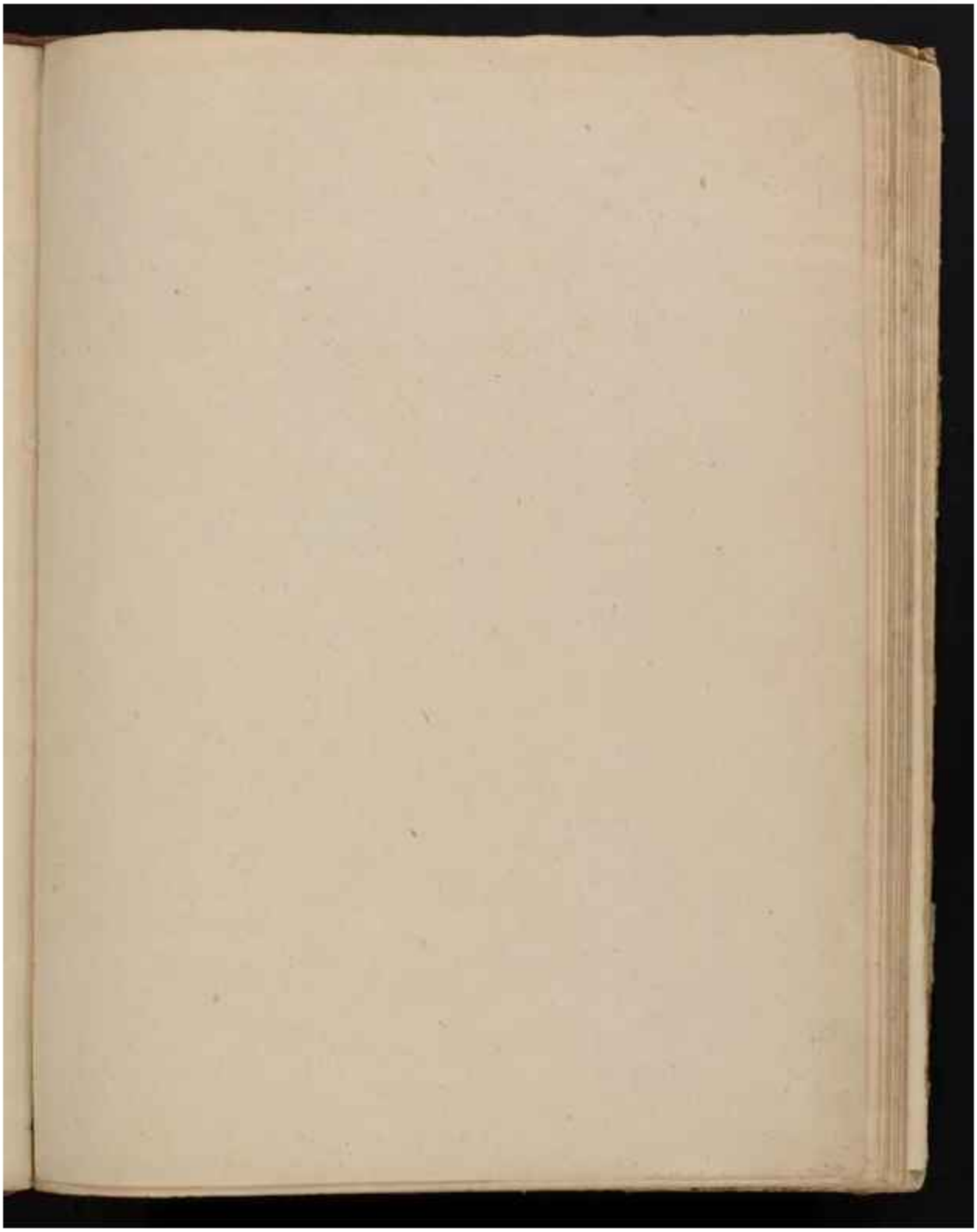

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 355 of 1786

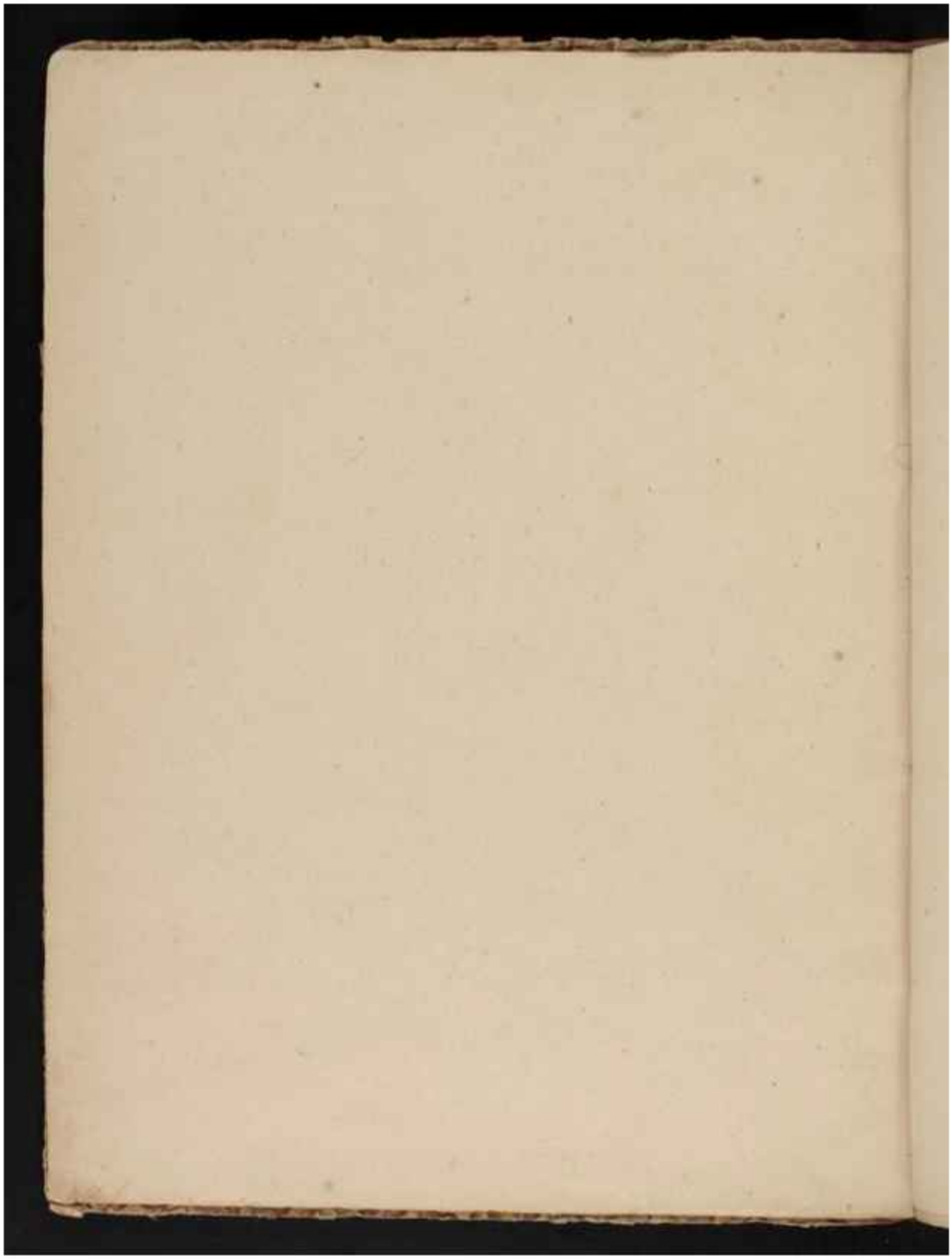

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 356 of 1786

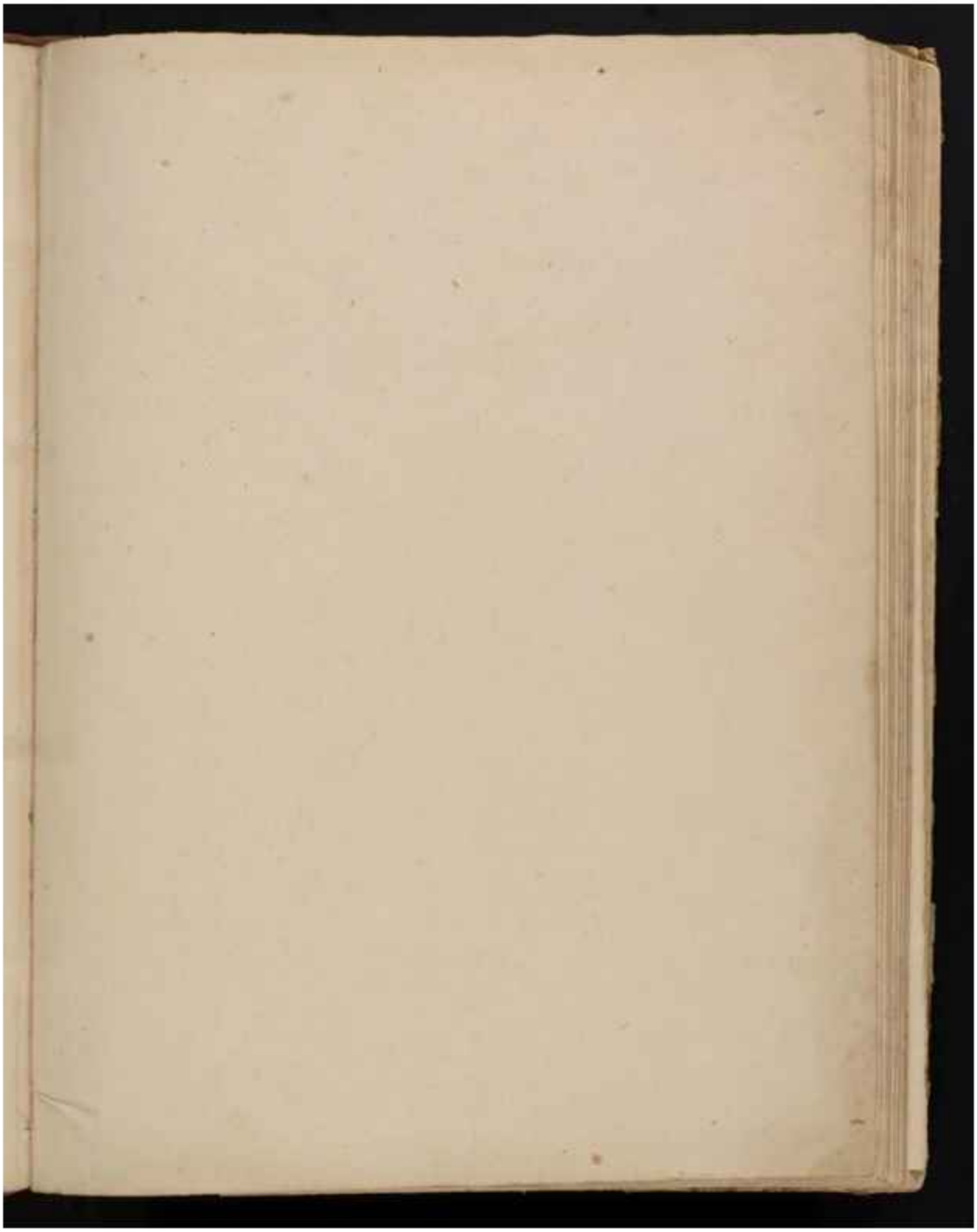

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 357 of 1786

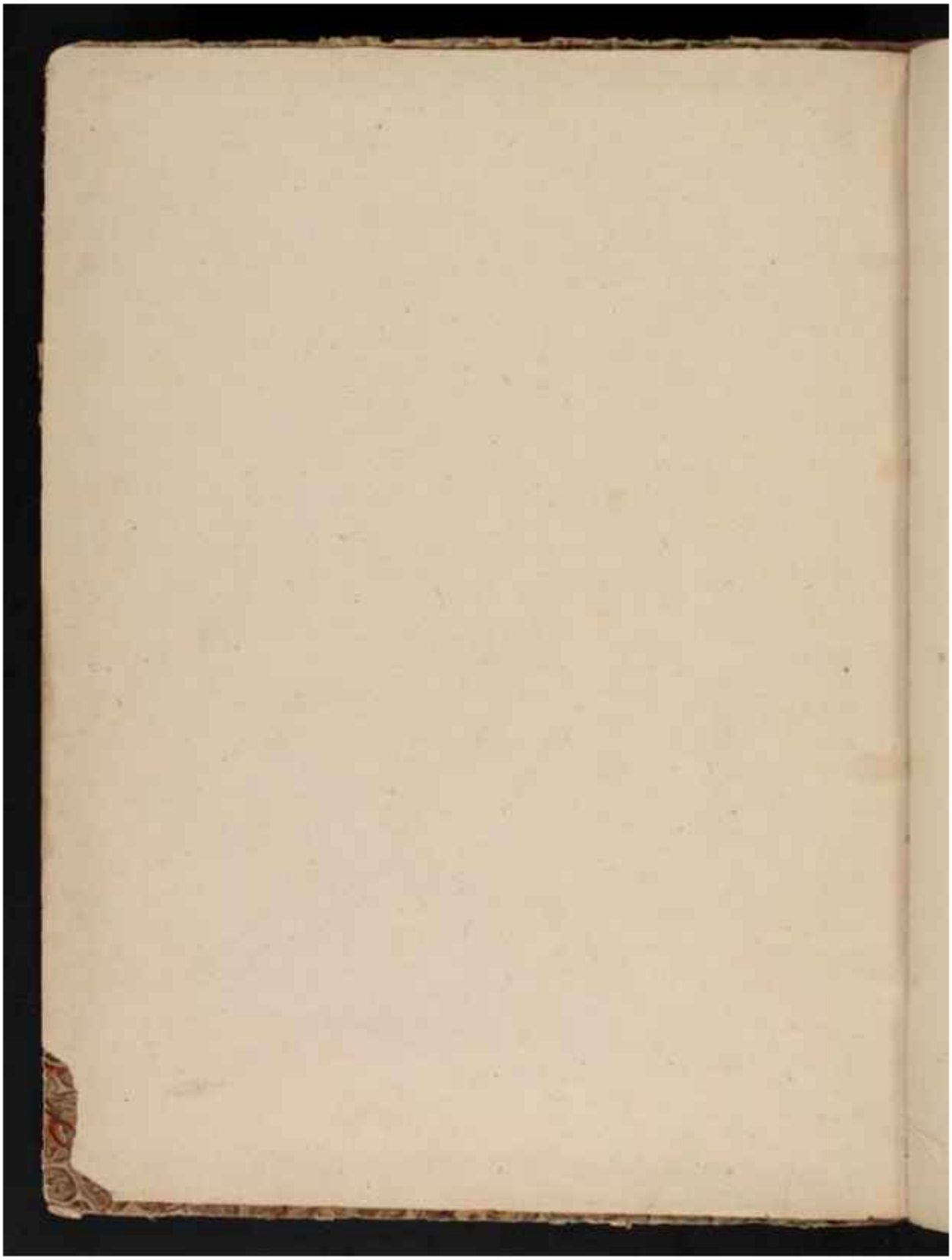

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 358 of 1786

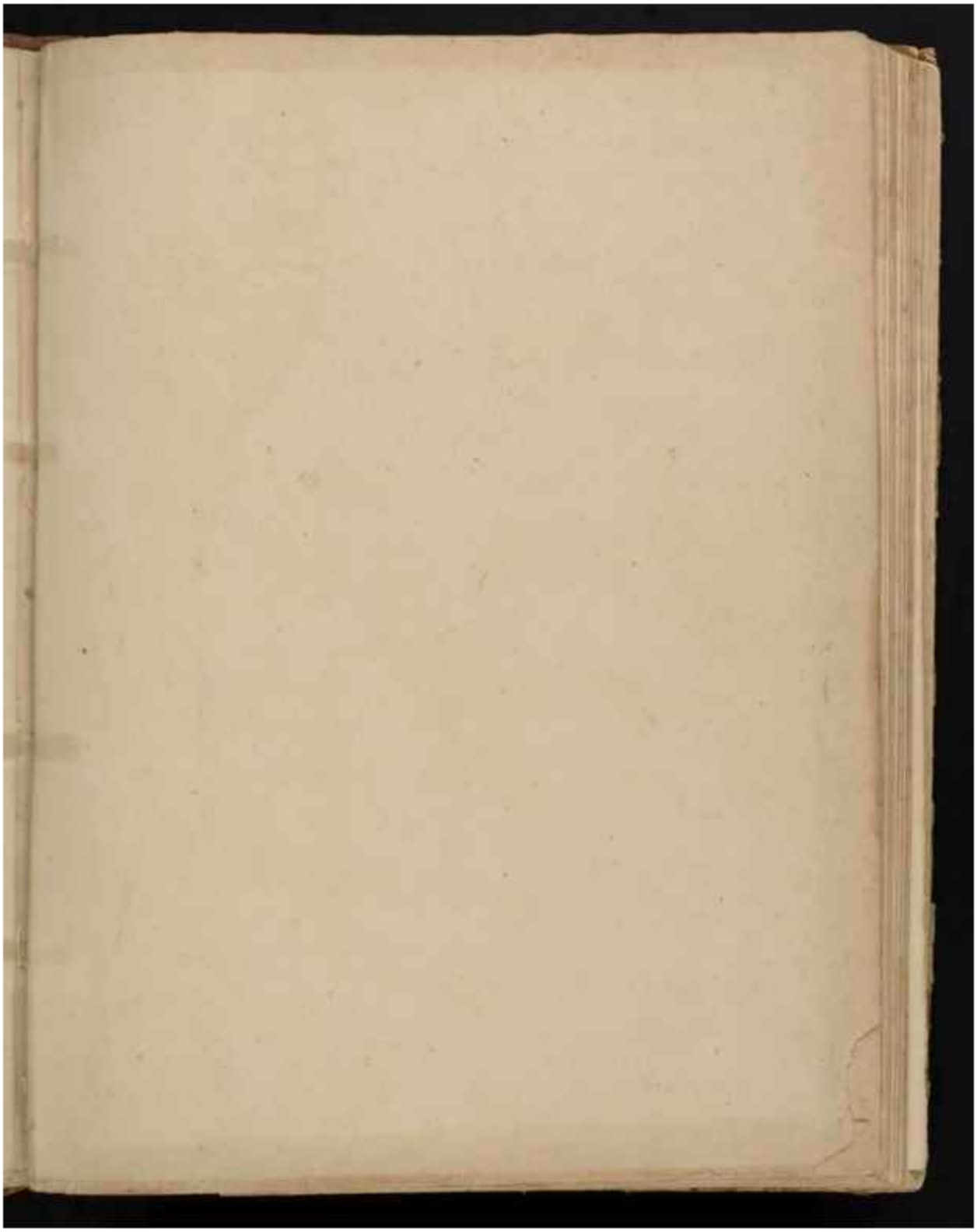

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 359 of 1786

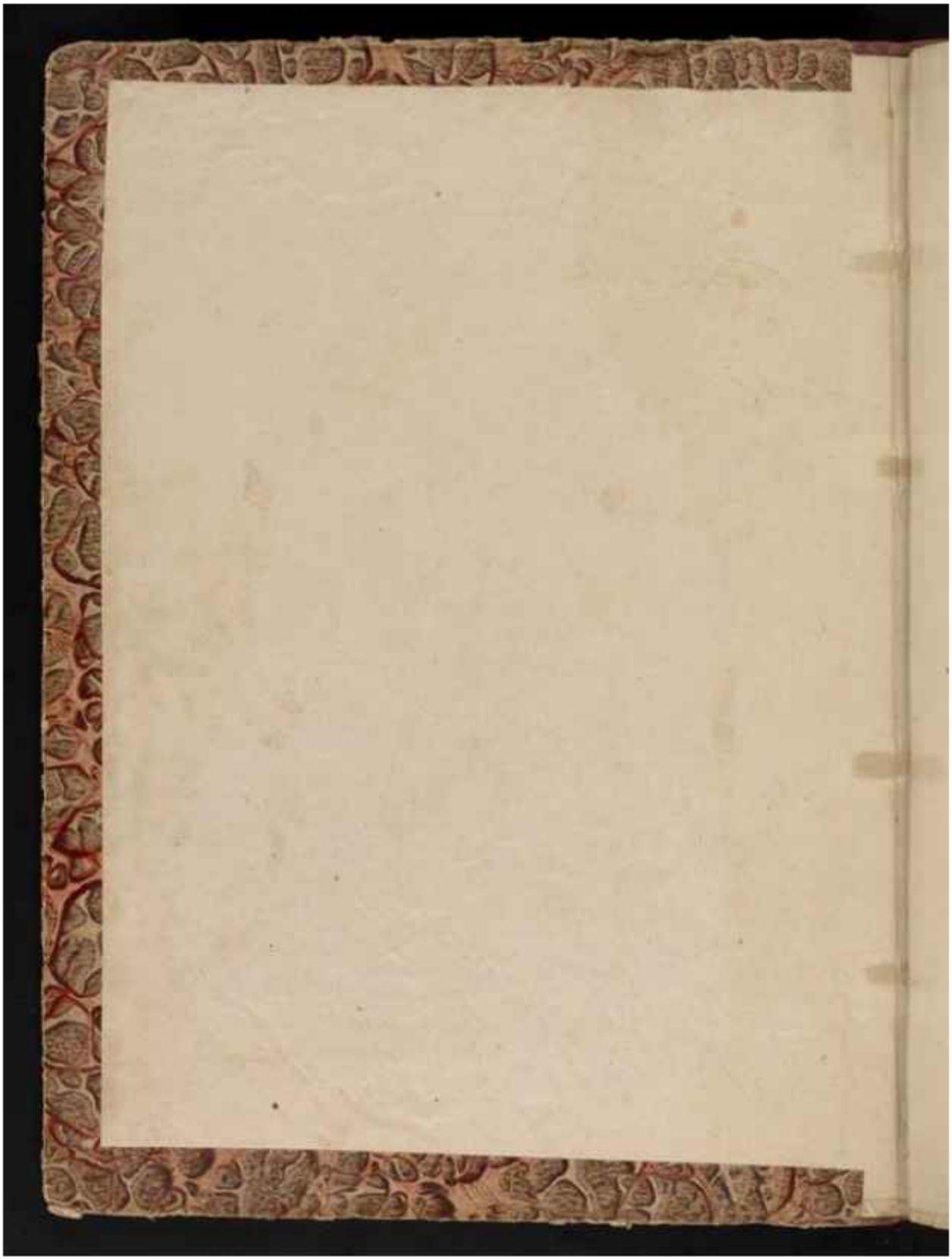

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 360 of 1786

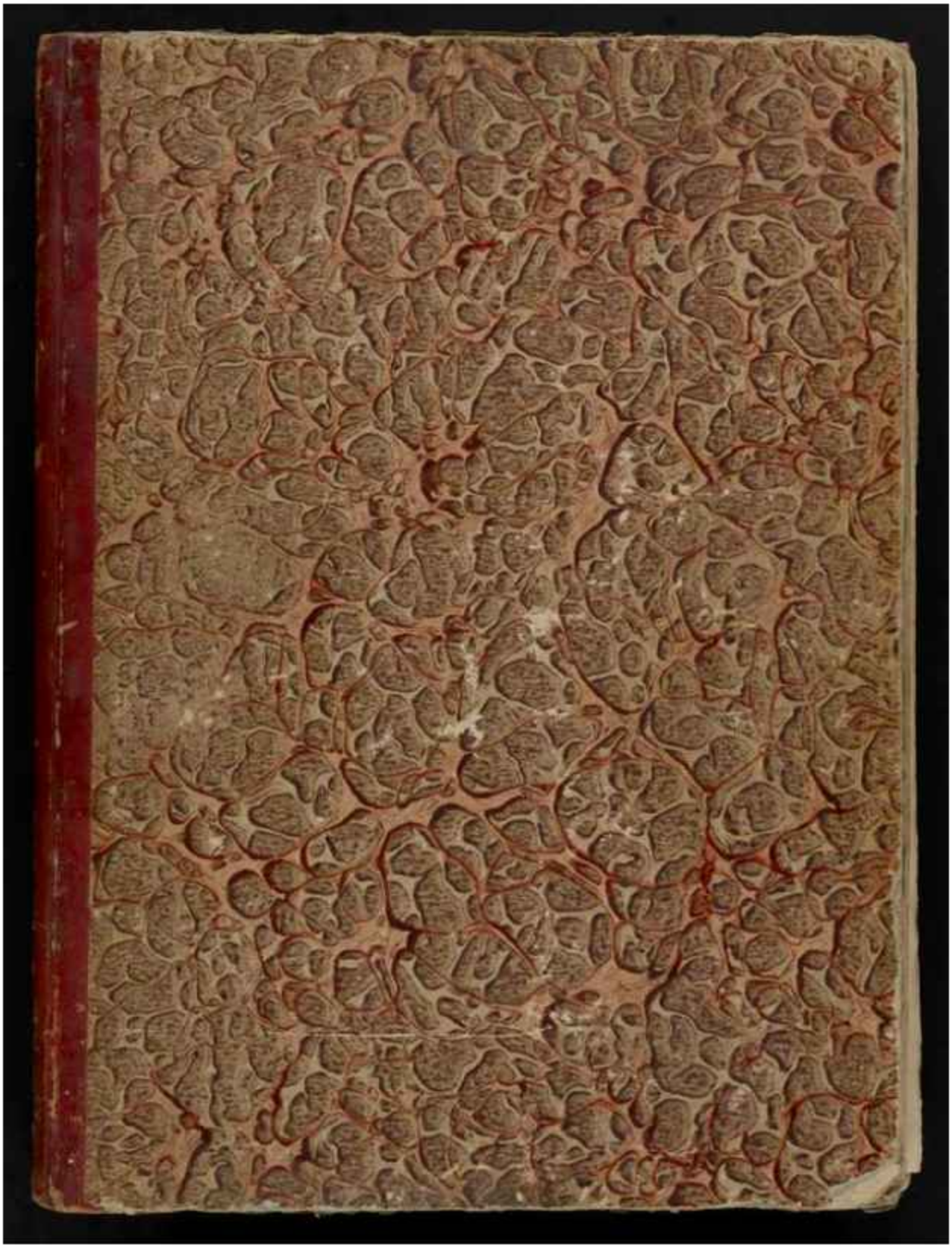

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 361 of 1786

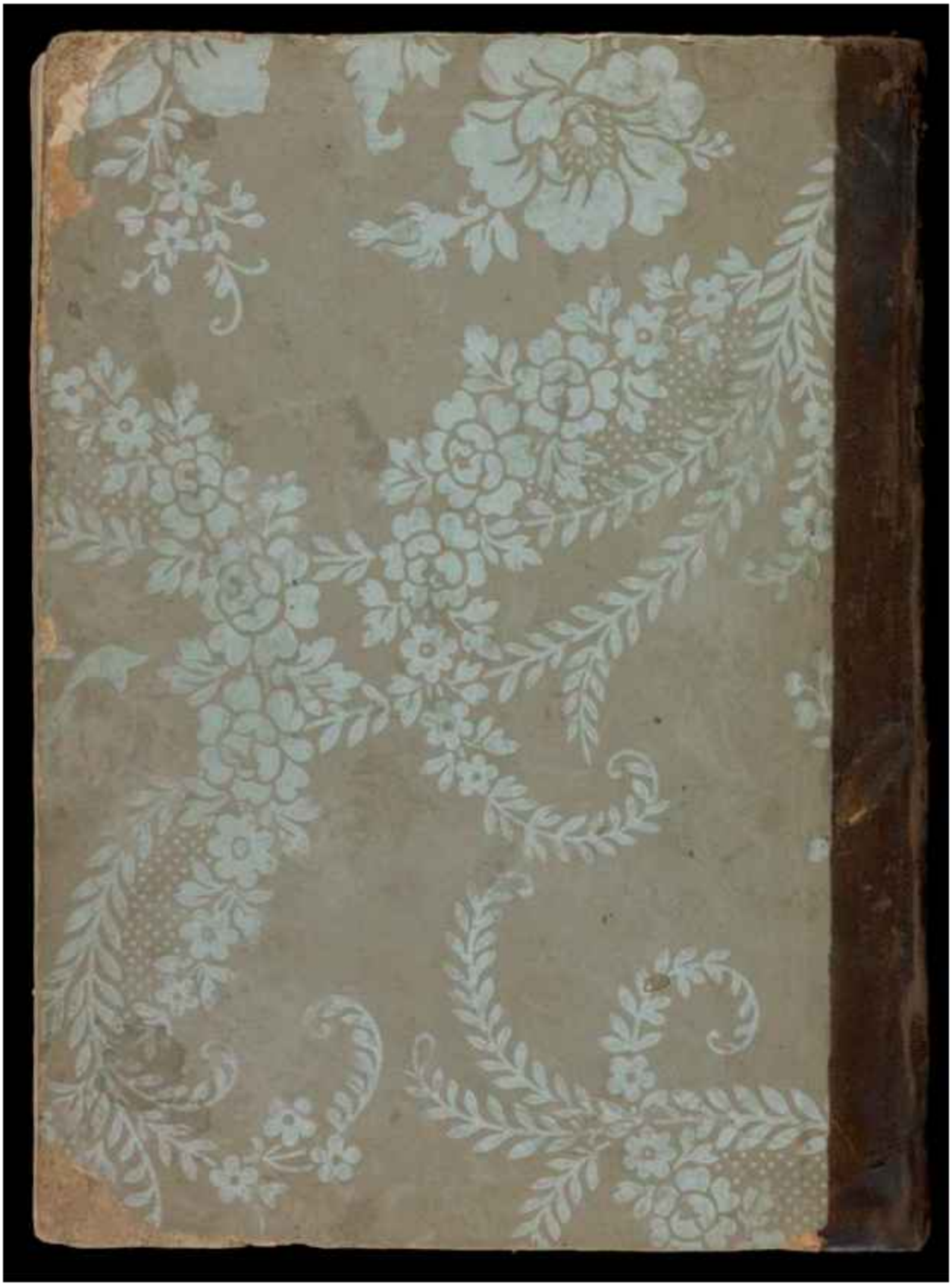

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 362 of 1786

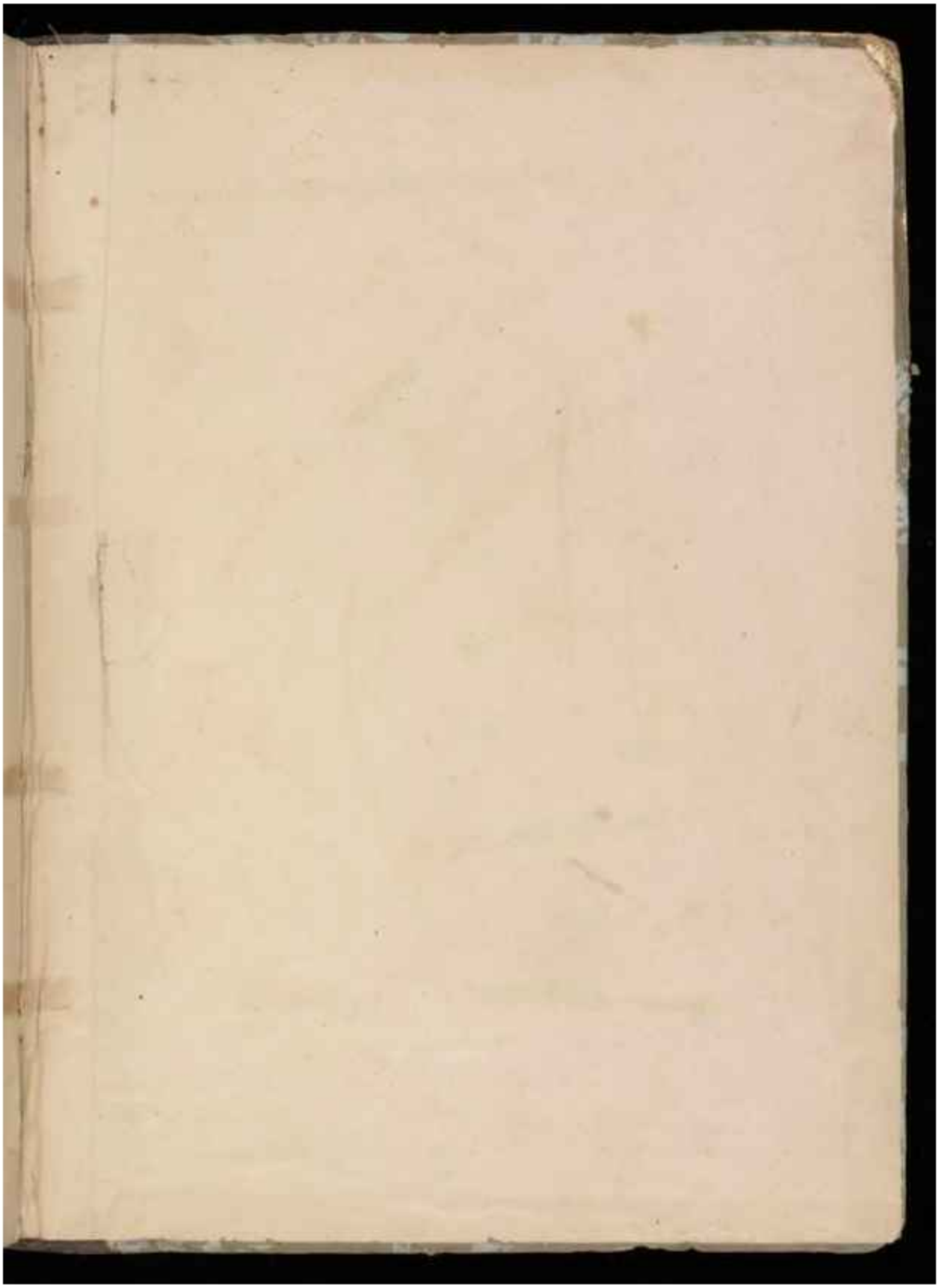

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 363 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 364 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 365 of 1786

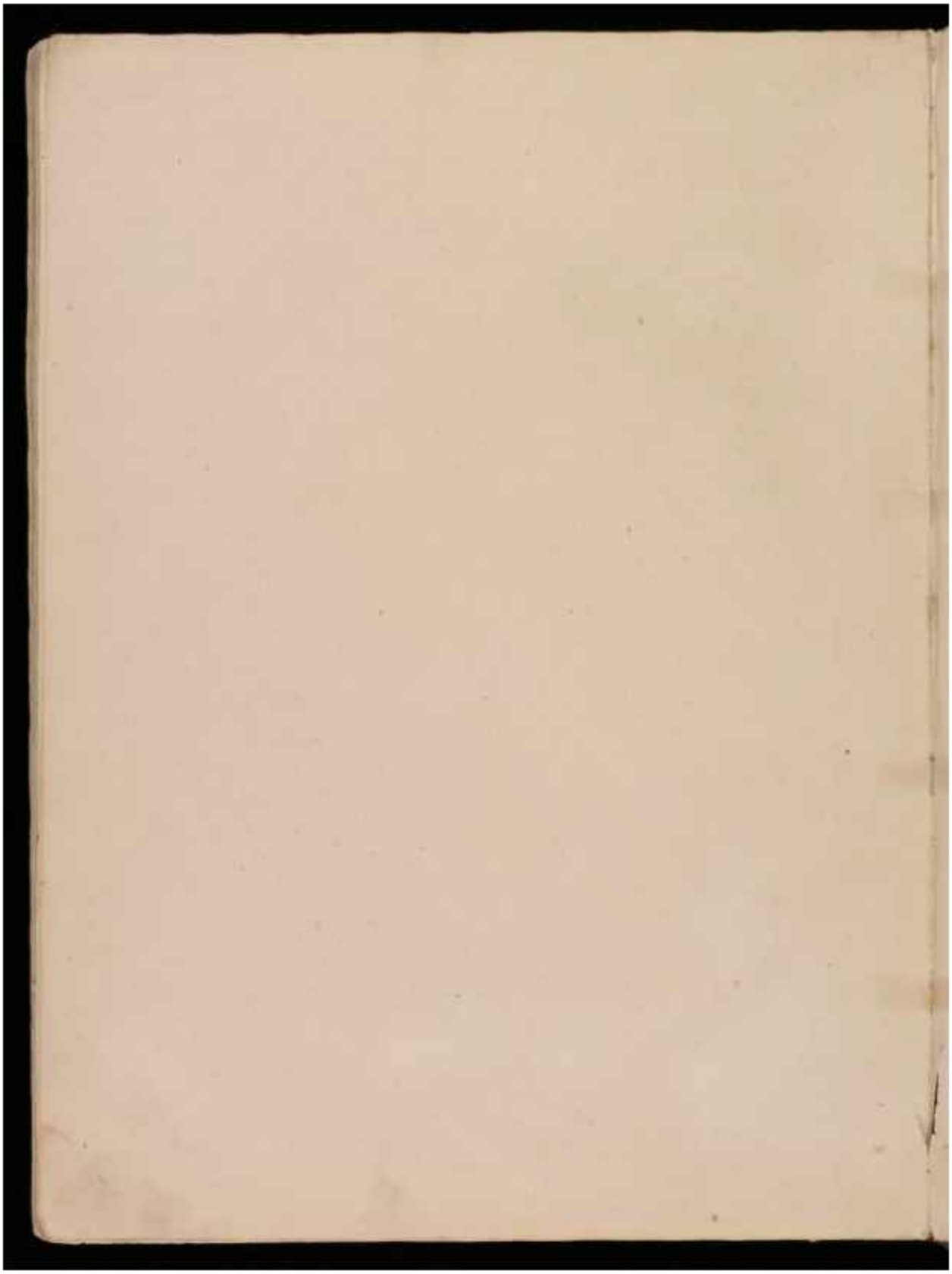

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 366 of 1786

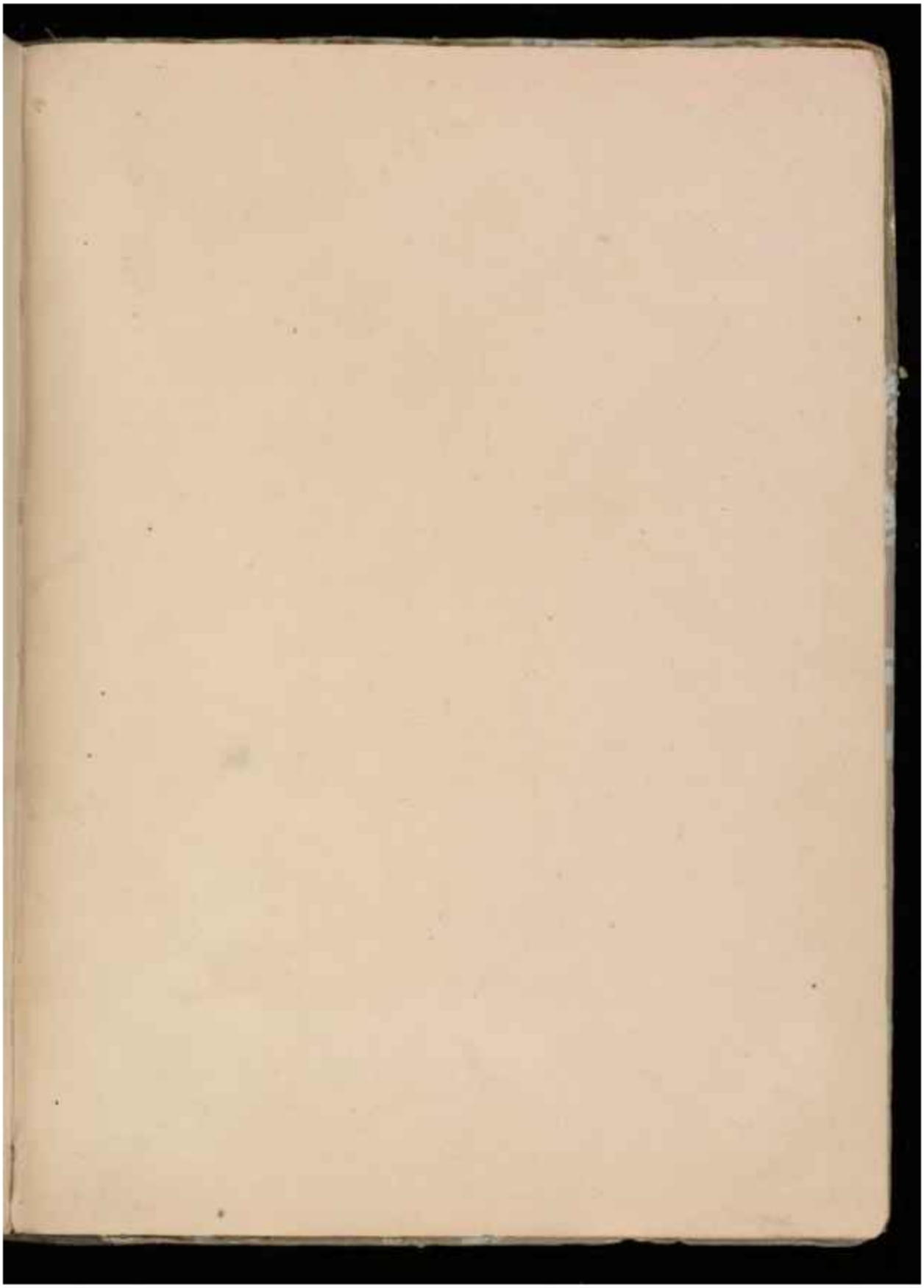

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 367 of 1786

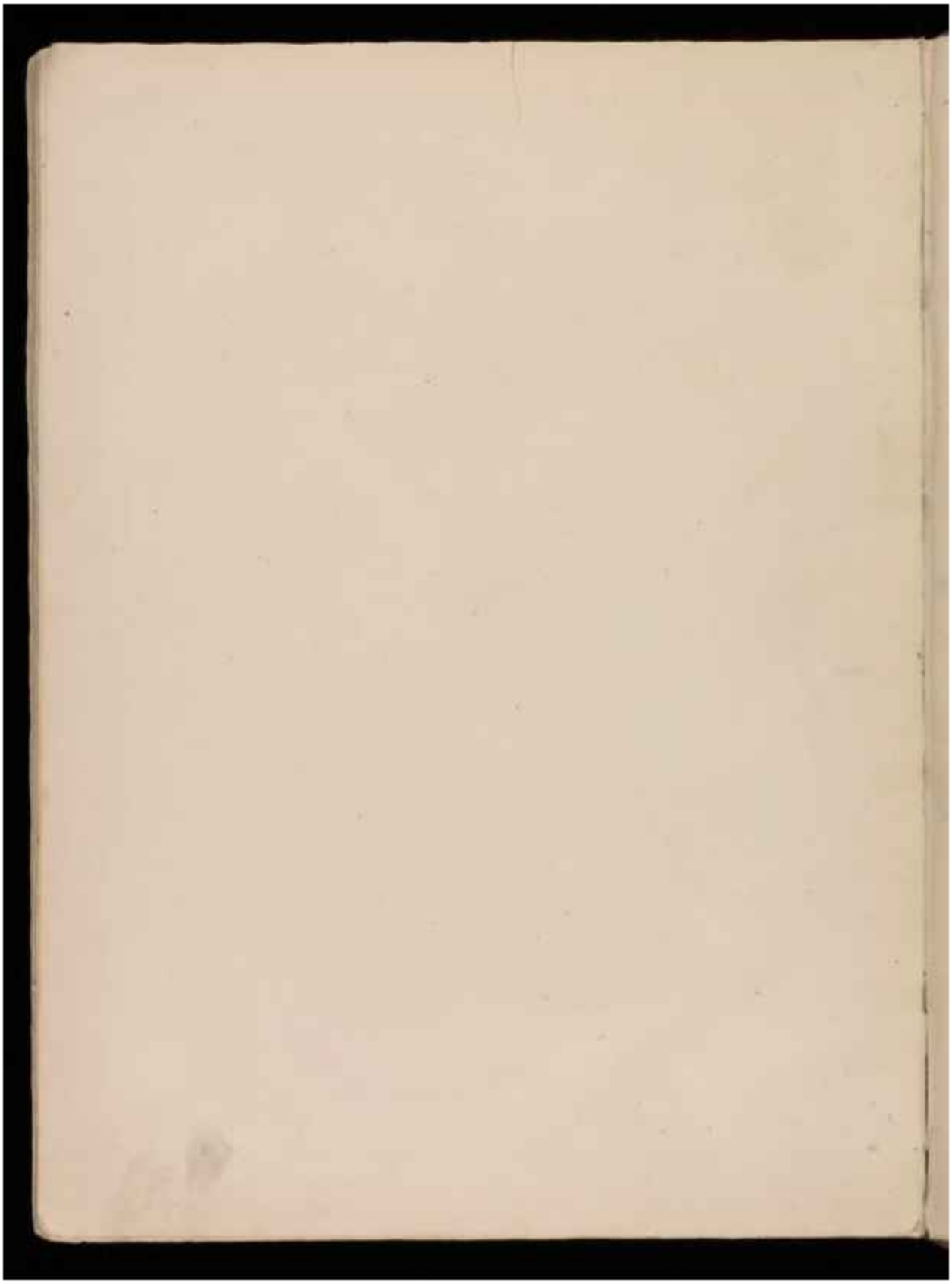

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 368 of 1786

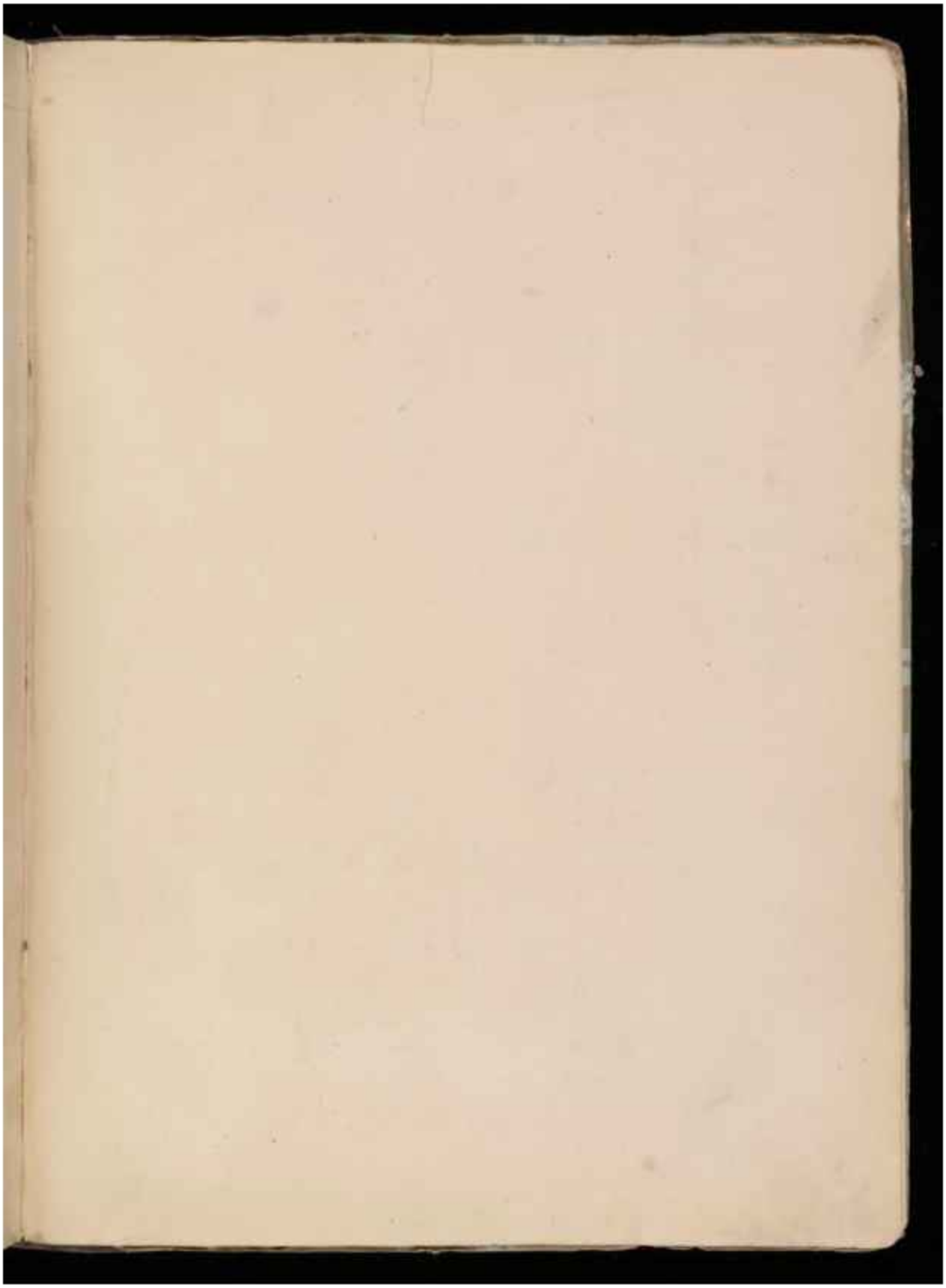

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 369 of 1786

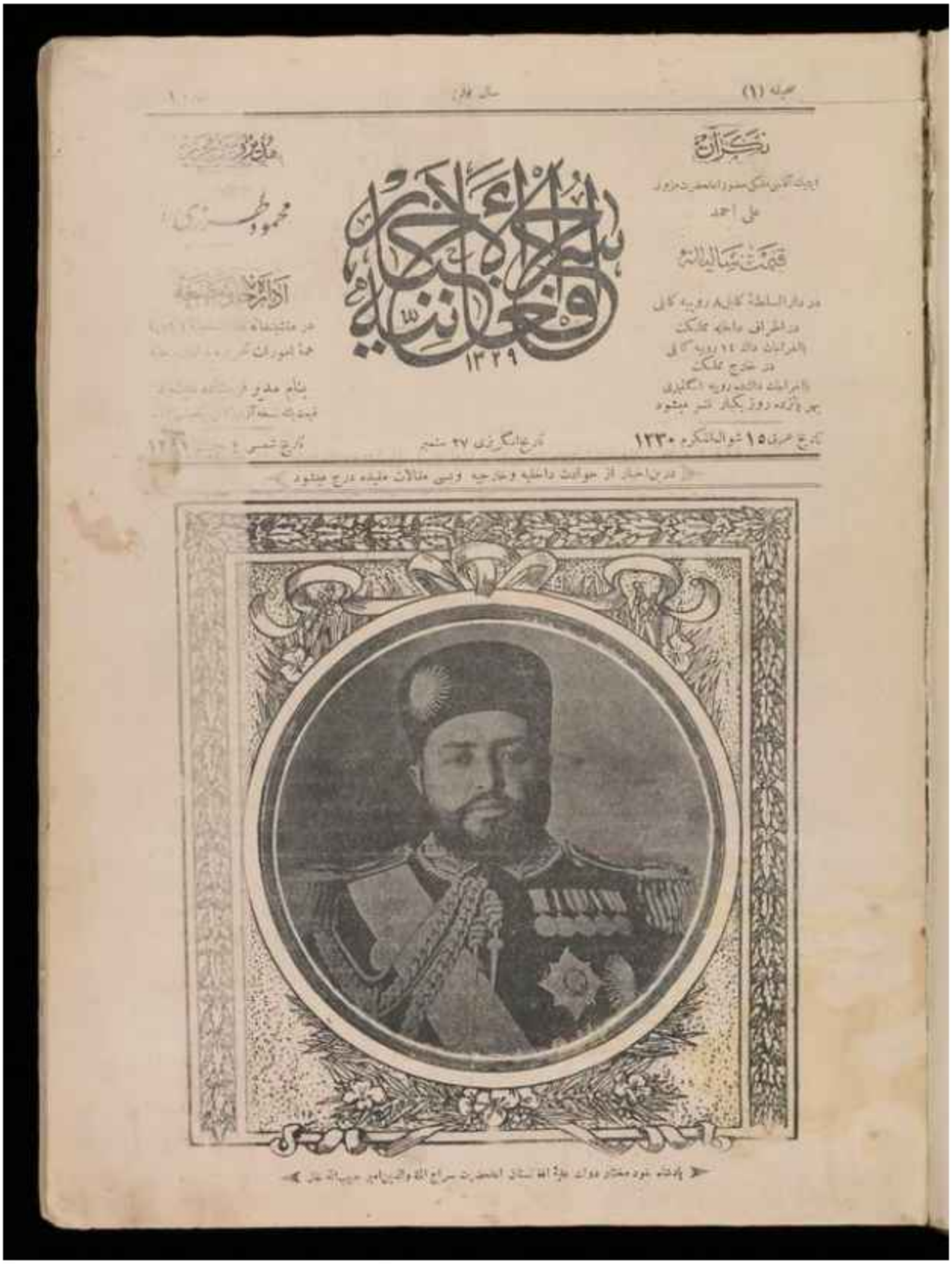

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 370 of 1786

عرض

بدایهٔ معارف پیرایهٔ اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه خود مختار دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان أمیر ابن الامیر ابن الامیر (أمیر حبیب الله خان) أبقاء الله دولته الی آخر الدوران مطبعه "جیوگرافی" دار السلطنهٔ کابل باحسن وجوه اکمال یافته این است که نامهٔ "گرامی" (سراج الاخبار افغانیه) (نسخهٔ شمارهٔ یکم سال دوم خودرا دران مطبعهٔ عالی به این رونق وجمال زیور طبعیه در بازار عرفان نثار عالم مطبوعات جلوه پیرا ساخت. وفیز نور علی نور گفته صحیفهٔ نخستین خودرا باتصویر زینکوگرافی" ذات مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب خویش زُیّن عزت وشرافت بخشید اگر بعضی خورده گیران (سراج الاخبار افغانیه) رااخبار نخستین افغانیه ندانندچون این نسخهٔ اورا ببینند سخن خودرا باید واپس بگیرند زیرا اینچنین اخبار بیشك نخستین اخبار است که بحصول عصرمعالی حضراعلیحضرت (سراج الملة والدین) است وبس:

زنده بادا پادشاه معرفت پرور که او — حامی علم است وعرفان عاقل است ونکته دان
پیر ملك وملت خود نشر عرفان میکند — زنده بادا شاد بادا پادشاه مهربان

آمین

آغاز سال دوم سراج الاخبار افغانیه

ذات اقدس خالق یگانه پیمنای خودرا تنا میگوئیم، وبرروان پاك رهبر وپیشوای برحق خود (محمد مصطفی علیه الصلوة والسلام) درودبیایان میفرستیم. وارواح مقدسهٔ آل واصحاب وی کلدین خودرا تعظیم وتقدیس مینمائیم. ودوعای طول عمر ودوام عافیت پادشاه معظم مقدس خودمارا ورهنمای صداقت کرده بعرض مقصد میپردازیم:

ملیون ملیون شکر. ملیار ملیار تنا بذات اقدس یکتا که مارا بر دوام این گرامی نامهٔ وطنیهٔ (سراج الاخبار الافغانیه) توفیق کرامت فرمود که سال اول آنرا به اتمام رسانیده با این نسخهٔ خود شماره اول سال دوم آنرا باین ترقیات موجوده بنظر مطالعهٔ قارئین کرام خود بعرض عرض میرسانیم.

"کسی اگر تلخست از دوستان است". گفته اند. سراج الاخبار افغانیه نیز اگر خوبست اگر بد اخبار وطنی" افغانست. وجنانچه هرچیز وطن شیرین وگوارا میباشد با وجود نواقصی که دارد (سراج الاخبار افغانیه) نیز بحمدالله تعالی در نظر ارباب نظر وهموطنان عزیز وطنپرور خود یك موقع عظیم رفعت وتوجه را حاصل کرده است روی سخن مابعضی یا کسانیکه غیرت ملی وحب وطنی راوندیده اند نیست. زیرآنچنان اشخاص چنانچه هیچ چیز وطن را نمی پسندند وتنها منافع شخصی خودرا می اندیشند البته که اخبار آنرا نیز نخواهند پسندیدورد خواهند کرد. حتی اخبار را یك چیز مضر ونابکاری نیز پنداشته مجو آنرا آرزو میکنند. ولی ماهزاران بار بخدای خود شکر میکنیم که بما ملت افغان چنان یك پادشاه عادل عاقل نکته دان. ودیدر شفیق خیراندیش مهربان مانند ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ابد الله دولته بالنصر والفوز وعلو الشان عطا فرموده که فکر رسا وعقل پارسا همه نکات باریك ترقی وتعالی وطن وملت شاهانهٔ شانرا موبمو درزیر نظر غور وتدقیق داشته اند. واز هرگونه اجراآت نافع ومفیدی که اندا سود وخیری بدولت وملت شان برساند دریغ نخواهند نمود. وازین است که اخبارراچنان چیز نافع وسود مندی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 371 of 1786

(سراج العمارات) نسبت بجسامت وعظمتی که دارد در مدت بسیار کمی بوجود آمده است . حالا آنکه بعضی عمارات عالی "بادشاهی" که به بزرگی وجسامت قریب آنست که پشت ونه سال به انجام نرسیده است . این از آنست که سراج العمارات جلال آباد بمهندسی "معماری" ذات اعلیحضرت همایونی ساخته شده . ومهندسی" آنگونه عمارات دیر تمام را مهندسان دل تاسوز آنجنی تخته مشق تجربه های خود کرده بودند . (کس نخارد پشت من جز ناخن وانگشت من)

قلعة السراج لمقان

در شمارهٔ (۱۳) اخبار ما احوال مفصل (قلعة السراج لمقان) مندرج است . درینجا اینقدر میگوئیم که در سال گذشته که اخبار ما تاریخچهٔ آنرا مینویسد همهٔ امورات انشائیه وتعریشهٔ آن اکمال واتمام یافته است .

این بنای معظم محتشم نیزیکی ازانشا آت بسیار فاخرهٔ عصر معاليحضر شاهانه شمرده میشود . غیر از محسنات تعمیریهٔ آن از نقطهٔ نظر حرکات عسکریه نیز اهمیت عظیمهٔ را حائزاست . چنانچه (سراج الامصار) در جهت شمالی ایالت قطغه کابل زمین یك مرکز عسکری" بسیار مستحکم منتظم میباشد (قلعة السراج) لمقان نیز در جهت شرق شمالی یك موقع عسکری بسیار مهمی شمرده میشود که همهٔ دره ها وگذرگاههای مهمهٔ آنسمت را در زیر رصد ورقبه گرفته است .

کیفیت افتتاح این عمارات بسیار مبارك نیز در شمارهٔ (۹) اخبار ما مندرج است . تمام سال گذشته در حفریات وعملیات آن کار شده . در خوبی وفواید آن بحث وبیان کردن را زایدی بنیم . کدام کس حکم خواهد کرد که بی آبی از با آبی بهتراست ؟ ویا آنکه تشنه گی از سیر ابی خوشتراست ؟

اصلاحات تعمیریه در باغ شاهی جلال آباد

باغ شاهی یکی از باغهای ارم مثال بی همالیست که از بناهای عصر فرخنده گی حضر خاقان مغفور جنت مکین اعلیحضرة (ضیاء الملة والدین أمیر عبد الرحمن خان) طاب مثواه میباشد . اگرچه از صدد بحث ما خارج است ، ولی چون درسال گذشته بعضی اصلاحات تعمیریهٔ مهمه دران اجرا شده ویك کول مصنوعی" بسیار بدیع الخلقتی در آن حفر وانشا گردیده تذکار آن را از وظایف تاریخچهٔ خود شمردیم .

چنانچه درقسمت قصر پرشکوه وسط باغ بعضی تعمیرات وترئینات بسیار بدیعی بکار برده شده درآخر جهت شرقی باغ نیز یك کول مصنوعی" بسیار بطیفی نزدیکی ساخته شده است که اطراف آن با نباتات وشجیرات بگولها مناسب تزئین یافته ، ودو جزیرهٔ بسیار ظریف ولطیف در کول موجوداست که باپلهای بسیار خوشنمای زینت ادایی مزین شده . والحاصل اگردر کدام شب جشن پرچراغان رنگارنگی بقدر یك چند دقیقهٔ در یك کشتی" درمیان این کول یك جولانی اجرا کنید هیچ شبهه نیست که خودرا مستغرق بلهٔ دریای حیرت دیده در یك عالمی دیگری فرض خواهید کرد !

نهر سراج قندهار

یکی از آثار عظیمهٔ عصر سراجیه حفریات نهر بسیار جسیم (نهر سراج قندهار) است که از تتابع مستحسنهٔ سفر خجسته اثر همایونیست که در سنهٔ ۱۳۲۵ تمام ممالك محروسهٔ شاهانه را دور وسیاحت فرمودند ودر هر ولایت وهر مملکت که قدوم میمنت لزوم موکب همایون رسید یك اثر عمران ، ویك علامهٔ ترقی نشان بیادگار نهادند . نهر سراج نیز از همان نشانه های سعادت وعمراست که از نهر (هلمند) برای انشا واجرا نمودن اراضی" حالیهٔ غیر مزروع زراعت صاف حفر شدن آن اراده فرموده اند . انشاء الله تفصیلات آثار در آینده سر مقالهٔ مفتخرهٔ اخبار خود خواهیم نمود . در اینجا چون در سال گذشته باتمام گرفتن وفعالیت در انشآت عملیهٔ آن دوام ورزیده شده بهمینقدر تذکار اکتفا نموده شد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 372 of 1786

(۱) سراج الاخبار افغانیه مندرجاست .

... ترکستان زمین افغانی از یك راه بسیار ... تأمین وتهیه میکنند که تنها همین نکته ... عادة از یك دلیل روشن بزرگی شمرده ... از همین دیگر پر نیز (غوربند) چسته شده ... سراج الامصار) جبل السراج ... اگرچه در عظمت وجسامت (پل درنه) ... وحدت بنظیری دارد . ویکی از آثار عظیمهٔ ... سراجیه شمرده میشود . ولی این دو پل ... بزرداهمیت موقع ازان پس نمیماند. وچنانچه ... لقلق زمین وقطعهٔ کافرستان مسمی به ... ولایت جلال آباد ارتباط داده وبسی ... اقتصادی بدولت متبوعهٔ ما رسانیده است ... (سراج الامصار) و (پل خاك) نیز ایالات (کابل) ... زمین وبا ایالات جنوبیهٔ (کوهستان) ... ارتباط داده خطوط مواصلهٔ سمت شمال را در ... گرفته است .

سراج الامصار

(سراج الامصار) کهپایهٔ مستحکمهٔ میکی جنوبی ... بسیار مهمی واقعشده یکی از آثار انشائیهٔ ... العصر سراجیه میباشد که چون قبل از ... به تأسیس وبنیاد رسیده درینجا موضوع بحث ... الله در آینده سرنامهٔ مقال خود خواهیم ... اینقدر گفته میتوانیم که در سال مذکور ... تعمیرات متسعهٔ آن دوامور زیدهشده است .

(سراج الامصار) در (جبل السراج) نام موضع ... (کوه دامن) مبنی شده است که در اوایل موضع مذکور ... (روان) زیاده بود . موضع مذکور از کابل تقریباً ... بسمت شمال بعد مسافه دارد . (سراج الامصار) در یك موقع بسیار ممتنا بهای عجیب وغریبی مبنی شده است . سه دره وگذرگاه بسیار مهمی که بسوی شمال یعنی ایالات ترکستان میرود این مستحکمه هر سه درهٔ مذکوره را در زیر حفاظت وامنیت میگیرد . علی الخصوص که فاریاب یعنی (کارخانهٔ برق) نیز بریکی ازین درهها که متصل (سراج الامصار) است مبنی شده است که تفصیلات آن بعد ازین ذکر میشود .

منظره های طبیعی کهسارها ، ودره ها ، ووادیها ، وآبشارها ، وجویبارها ، ومیوه زارها وگلستانهای این موضع لطافت موقع که (سراج الامصار) دران بنا یافته حقیقتاً خیلی دلکشایی ودلربایی دارد .

سراج العمارات

(سراج العمارات) در ولایت (جلال آباد) است که قبل از دو سال أساس آن بنا نهاده شده ، ودرسال گذشته بنام اعزاز واجلال به انجام رسیده است . این بنایکی از بناهای بسیار با عظمت وشکوه عالی خیلی دلربائیست که اگر مقدار زینت وسر فرازی یك شهر بزرگی شمرده شود جادارد .

(سراج العمارات) یك بنائیست که ذات اعلیحضرت همایونی بنفس نفیس شاهانهٔ خود نقشه وپلان آنرا حاضر کرده بر معمارهای خود افغانستان زیر نظارت شاهانهٔ خود شان اعمار وانشا فرموده اند. وایشهم از خارقه های معماریهٔ این بنای با شوکت وشانست که بظرف چهل روزه یك مدتی این بنای با اینهمه عظمت وجسامت تابحد پوشش از زمین بالا بر آمده است . این عمارات محتشم یك دایرهٔ بسیار جسیم سلطنتی ست که هم دایرهٔ دربارعام وهم دوایر دربار خاص ، وهم دالانهای بسیار واسع وفراخ بزرگ ، وهم اوتاقها وآپارتمان های خصوصی وباقی همه لوازمات قصر های پادشاهی را جامع میباشد . امور تعریشیه وتزئینیهٔ آن نیز به أحسن وجوه تکمیل شده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 373 of 1786

برای ملت ووطن شاهانهٔ شان بدهد که طبع ونشر آنرا اجازه فرمودند. همین شرف وافتخار برای سراج الاخبار کافی دیده میشود. چه جای که صدر و سر محرر عاجز آن کاهی تحریراً و گاهی شفاهاً مظهر مواطفات نجیبه وعنایات اعلیحضرت متبوع مقدس معظم وپادشاه محبوب القلوب عرفان شیوخود نیز گردیده باشد. آیا ازین سعادت برتر، وازین نعمت عظیمتر برای این عبد احقر باعث وبار گرانبهاتر تصور خواهشد؟

این گرامی نامهٔ وطنی در ظرف این پانسال که به نشریات آغاز کرده هرچه که گفته از بهبود وطن گفته وهرچه که نوشته در مدافعه وطن نوشته. مانند نحل عسل از هر گلشن وهر چمن خلاصهٔ مواد عطریهٔ علوم وآداب نافعهٔ مفیدهرا جمع کرده مشهد معلومات وباخبریهارا علی قدر الامکان بر اذهان مطالعین کرام خود عرض نموده. وبقدر استطاعت عاجز آنه واقتدار موراثهٔ خود هرآنچه سعی وکوشش قلبیهٔ که در وسعش بود بکار برده تا اینکه در زیر حمایهٔ عرفان آیهٔ شهریار هوشیار بیدار عدالت ومرحمت شعار مقدس خود سال اول خودرا به اتمام رسانیده بکمال شوق وتمام ذوق بسال دوم خود به این صورت ترقی امروزه روز خود قدم نهاده است. (سراج الاخبار افغانیه) باتمام موجودیت هستی خود یعنی باهر حرف، وهر کلمه وهر جمله، وهر عبارات، وهر سطر، وهر صفحه، وهر ورق، وهر عدد، خود از الطاف مراحم اوصاف ذات اعلیحضرت سامی اعظم وا کرم خود عرض تشکرات بلا نهایات وتقدیم تحمیدات وتحسینات بی غایات مینماید واز صمیم روح، واخلاص قلب، وصداقت وجدان اعتلای قوت وعلو شان دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خودرا، وحفاظت ونگهبانی وسعادتهای مادی ومعنوی وطن وملت مقدسهٔ خودرا که در وقت حاضر امیدگاه واسنا دجای بسیار قوی ومتین عموم مسلمان قطعهٔ آسیا شمرده میشود از بارگاه پر کبریای ذات اقدس الله عظیم الشان نیازواسترحام مینماید ودر بارهٔ خود توفیقات وعنایات صمدانی آن ذات اقدس احدیت جل وعلا را تضرع ومناجات میکند تا بآن توفیق وعنایات خدمات بالغهٔ بوطن مقدس خود بجا آرد. ومن الله التوفیق.

تاریخچه یکساله سراج الاخبار افغانیه

تاریخچه داخلی

حال اخبارما از یازدهم شوال سنهٔ ۱۳۲۹ تابه غرهٔ شوال سنهٔ ۱۳۳۰ اعتبار میشود. لهذا خواستیم که خلاصهٔ تاریخچهٔ وقوعاتی که در ظرف اینمدت در داخل مملکت بروی کار آمده درج صحایف افتخار نمائیم.

از انجا که توجهات جهانمدرجات اعلیحضرت همایونی دامعادلهٔ ترقی واعمار بلادوا مصار شاهانهٔ شان مصروف است از ابتدای جلوس میامن مانوس شاهانه درهرسال بسی آثار عمران وترقیات نمایانی بروی کار آمده است کما از همهٔ آن ها درینجا بحث وبیان نکرده تنها از بعضی آثار همین سال گذشتهٔ که اخبارما دران جاری شده است بصورت اجمال بیان میکنیم: ترقیات وانشا آت

(راهها وپلها)

بعضی طبایع چنانچه بالطبع مایل خرابی وطرفدار اجتری وبرا کنده گی میباشد بعکس آن بعضی طبایع طبعاً بسوی ابادی وانتظام مایل وشایق می افتد. ذات اعلیحضرت پادشاه معظم ما طبعاً مایل اعمار وانتظام مملکت شاهانهٔ شان میباشند. واز ین است که مسئلهٔ تعمیرات وانشا آت داخلیرا اهمیت میدهند. درینسال فرخنده فال گذشته چنانچه بعضی سرکهای جدید توبکشیدن آغاز نهاده سرکهای موجوده نیز تعمیر ودستکاری شده است. مهمترین این سرکهای سال مذکور سرك (جبل السراج)، و(سراج الامصار) تابه (پل سراج کلبار) است که یك شعبهٔ تو این سرك که بسوی قصبهٔ (استالف) میرود نیزدرین نزدیکیها به انجام رسیده است. در سرك (غزنین) وسرك (لهوگرد) نیزدر سال موصوف کار شده است.

ازانشا آت سنهٔ مذکور فرخنده فال گذشته یکی (پل سراج کلبار) است که برنهر تیلابسته شده وتفصیلات آن در

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 374 of 1786

بند سراج غزنین

یکی از معظمات امور اینعصر تعالی حصر مواجیه شمرده میشود ، اهالی غزنین از سبب کم آبی از زراعت خیلی بی بهره بودند ، وقتیکه حالت اعلیحضرت پادشاهی بدورهٔ سیاحت ممالک شاهانه در غزنین تشریف فرمای سعادت شدند این احتیاج اهالی جلب نظر دقت شاهانه شاراتیوده درین موضع مناسب ومساعدی در میدان قوتلی نهر غزنین اتخاذ شدن یک بند بسیار عظیمی را اراده وفرمان فرمودند که انشاءالله از تفصیلات آن در شماره های آیندهٔ خود بحث وبیان خواهیم نمود .

این بند به اصول وقواعد جدید از قرار فن معماری اتخاذ میشود ، آب دره درین حوضهٔ بند جمع می آید ، برای جریان آن سه درجه گذاشته شده ، اول در وقتی که آب دره وافر باشد دهنهٔ میدای بزرگ آن باز میشود ، وچون کمترشود دهنهٔ دوم وسوم آن بازشده تاحیا بشدار کفایت آب جریان داشته میباشد که به اینصورت احتیاج کم آبی اهالی رفع شده هزار ها هزار جریب زمین حال را زراعت مانند جلسان ارمیزوشاداب میگرداند ، چون بارسال بکمال سرعتی در تعمیرات اتمامیه ، وتدارکات جلب نمودن آلات وادوات لازمهٔ آن جد وجهد بلیغ بکار برده شده است بهمینقدر تذکار آن لزوم دیده شد ، مأمور این کار فواید آثار جناب مستر(دل) انگلیزیست که برای اینگونه امورات در دولت علیهٔ خداداد افغانستان مستخدم میباشند .

قصر دلکشا

یکی از عمارات بسیار حال وباشکوهی که موجب افتخار وزینت بیشمار پایخت سلطنت سنیه شمرده میشود هانا قصر بیقصور مهمات نمای (دلکشا) ست که درمواجههٔ (برج شمال) درپیرون قلعهٔ ارگ میباشد در جهت شرقی بنا یافته است ، اگرچه تذکار آن از صدر بحث تاریخچهٔ سال سراج الاخبار افغانیه سرانسر خارج افتاده است ، زیراکه عملیات انشائیهٔ عمارت مذکور از چند سالست که مباشرت شده است ، ولی چون درسالهای گذشته هانا اتمام آن تعمیرهٔ آنرا اکمال میشود واحتمال انشاءالله فروبات تزئینیه وتحریریهٔ آن اکمال میشود بهمینقدر تذکار آن لزوم دیدمشد امید است که در اقرب اوقات از رسم افتتاح آن عمارت جسیم پادشاهانه عرض معلومات پردازیم .

برج ساعت

در مواجههٔ قصر دلکشا برج بسیار خوشنمای نظر بای ساخت یافته است ، تعریفات وتوصیفات آن در تحت (سراج الاخبار افغانیه) سبقت نموده است که اینهم یکی ازآثارهای مهمهٔ سال اول ما میباشد .

آب پخان

آوردن آب خوشگوار بقدار یکلی چنانچه در شماره های سال اول مادر گزش سبقت نموده یز یکی از آثار حیات نثار اینعصر فرخنده گی حصر شمرده میشود ، از پارسال تا امسال در عملیات مهمهٔ این عمل پر خیر وصواب سعی وکوشش بلیغی بعمل آمده است که درین روز ها جدید نلهای آهنین وساختن حفرتهای آب آن مباشرت شده است .

بعضی تعمیرات دیگر

(۱) — یکی از عمارات بسیار خوشنما وبابهی که در پارسال فرخنده فال به اتمام رسیده (عین العمارات) نامیدارهٔ تلیفونگاه شهزادهٔ مکرم جناب (عین الدوله امان الله خان) است که در جهة غرب شمال (استور) مارکمی شده است .

(۲) — فکلخانهٔ بسیار منتظم حال است که محض بنا بریک واردات پیشخانه در نزدیکی ارگ مبارک در جهت چپ تهر برای هر شخصی که گرفتن عکس خودرا آرزو کند ساخته شدهٔ است .

(۳) — در (تهوز باغ) که برای تلیفونگاه مبلغهٔ دات معاونیه صدات (علیا حضرت سراج الحوانین) ساحهٔ معظمه تخصیص فرموده شده است باز بعضی ابنیه انشا گردیده است .

(٤) — یک بازار مکمل جدید بر کنار نهر تجارتی فکلخانهٔ شاهی باز جدید ساخته شده است .

دیگر بعضی آثار فنیه ومدنیه

(۱) — از آثار بسیار مهمهٔ که در سال نوستین ما بظهور آمده است شروع بانین حوضخانهٔ گرانما (سراج الاخبار افغانیه) میباشد که مبدأ سال اول اورا تشکیل میدهد .

(۲) — یکی چیز یکه شایان افتخار است تأمین تمدن ساختن پاروه گذید ی بودانست که اشجارهای مختلف ازان گرفته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 375 of 1786

شده بر استحصال آن خاطر جدی کامل حاصل آمده است . کذلك اصلاح یاتی ، ودیگر بعضی آلات تازه بوقوع آمده است .

(۳) — صنعت گرفتن آب چیچك از گوساله در شعاعهٔ مکتبی تعلیم وتعمیم یافته مسئلهٔ حل زدن اختلال مملکت تأمین شده است .

(٤) — مدرسهٔ زیشکوگرافی در باب بهتر رسانیدن شاگردان وا کمال نمودن قابلیتها تمام سال کوشش ورزیده ، وبرّ در باب تدارکات توسیع مطبعهٔ سرکاری وآوردن حروفات طیب وجلب مترجمین وتعلیم حروف چینی در تمام سال اقدامات معتداله بکار رفته شده این است که نامهٔ گرامی (سراج الاخبار افغانیه) بسایهٔ توجهات عرفان آیات هایونی ازان مطبعهٔ عالیه این شکل وقیافت امروزیهٔ خود بنظر قارئین کرام جلوه گر میگردد .

(۵) — یکی از آثار بسیار برگزیدهٔ عصر ترقیمصر اعلیحضرت پادشاه عرفان پرورما تأسیس یافتن چاپخانهٔ خصوصی (مطبعهٔ عنایت) است که از طرف عالی شهزادهٔ معظم حضرت (معین السلطنه عنایت الله خان) بیك ذوق وهوس محبت علم وفن ایجاد گردیده است . اگرچه در آغاز کار محض برای ملکه ومهارت پیدا کردن طرزهای جدید مطبعهٔ در ماشین باب ، ومترتبی یکی حروف چینی یك مطبعهٔ کوچك ومقدار کمی از حروفات تدارك شده بود ولی از قرار مسموعات موثوقهٔ که شنیده ایم چنان معلوم میشود که ذات عالی الاخی شهزادهٔ معظم حیال دارند که یك ماشین مکمل وحروفات بسیاری جلب نموده (مطبعهٔ عنایت) را بیك در خشانی وترقی نهایی ایصال نمایند .

(۶) — سنگ های رایج دولتی نیز در سال مذکور اصلاح یافته وقالبهای نو فولادی آن حك شده حسن وزینت جدیدی پیدا کرده است .

(۷) — یکی از مؤسسات مهمهٔ سال گذشته تشکیل یافتن شرکت عرابهٔ موتر ، ورسیدن عرابه های آنست که محسنات (یگونه شرکتها) آزادهٔ لعریف وبیانست . انشاء الله درشمارهای آینده تفصیلات این شرکت را سر مقالهٔ فخر ومباهات خواهیم نمود .

(۸) — برای تکثیر واردات پنبه درامد (پنبه خانه) ومکتب آن اقدامات بسیار کافی اجرا شده است ، چنانچه حصلای کارخانهٔ ذات اعلیحضرت پادشاهی بعمل می آید برای پنبه خانه مقرر گردیده است بعضی اقدامات دیگر نیز مانند حاصلات صافیهٔ اشرکت مصریه چن حضوری ، وگماشتای جناسیك وغیره نیز بکار برده شده است . نظامنامهٔ مکتب آن نیز ترتیب وتنظیم یافته است .

(۹) — مهمترین وعظیمترین مؤسسات عصر فرخنده گی عصر سراجیه تدارکات حاضر ساختن یك کارخانهٔ بزرگ حاصل کردن قوت الکتریك است که در سراج الاعصار قلعهٔ السراج وجود می آید . پادشاه حکیم دانشمند مقدس ما از قوای طبیعیهٔ مملکت شاهانهٔ شان که حضرت خالق عظیم الشان در یك مقیاس واسعی بخاك افغانستان عطا واحسان فرموده چگونه برداشتن را به مطلب تر دیده تر یافته . از آب سر تشیب واطرای که از درهٔ (سپاولنگ) از مشال جبل السراج میگذرد بقرار حسابی که بعمل آمده بقوت (۱۵۰۰) اسب یك قوت عظیمهٔ الکتریك حاصل میشود که با این قوت غیر از تحریك ماشینخانه های کابل را بقوت الکتریك مقدار بسیار واقر قوت برای تنویرات دارالسلطنه وسراج الاعصار ، ودیگر کار خانه هایی که سر از نوساخته شود فضله چست میاند . الحق که این اندیشه یکی از اقدامات عظیمهٔ شمرده میشود که موجب یك حیات تازه صنایع وتجارت دولت خداداد میگردد . درسال گذشته یکمال گرمی در باب حاضر ساختن نقشه ها ، وپلانها وتدارك کردن آلات وادوات لازمهٔ آنها کوشش ورزیده شده است .

(۱۰) — کارخانهٔ جبههٔ پشمینه باقی نیز تمام سال گذشته را به اکمال انشائات تعمیرهٔ خود پرداخته در وقت حاضر بعضی کارهای متفرقهٔ آن باقی مانده که آنهم روز بروز در اکمال شدنست .

(۱۱) — یکی از آثار عظیمه عصر سراجیه تمدید پلان خطوط تلفون است در ممالك شاهانهٔ شان . اگرچه ولایتهای مهمهٔ جلال آباد وکلان دو سال قبل ازین بادار السلطنه کابل واسطهٔ تلفون ارتباط یافته ولی در سال گذشته سراج الاعصار جبل السراج نیز بادار السلطنه به تلفون مربوط شده است .

سال سیاسی داخلی

از واقعات عمدهٔ مهمهٔ که درینسال گذشته رخ دادهاست یکی وعصیان طوایف مردم منگل واحمدزائی . ودیگر سوی یکهٔ عصیان مسطور از عدم ارادهٔ حاکمین آن سمت پیش آمده است مکدر ترین ایام سال وقوع همین وقوعاتست . چسان مکدر نباشد ؟ اقوام مسلمان یك وطن که بحبل دین وملت وتابعیت وزبان وغیره جز وهمدیگر شمرده میشوند دفعتاً به اغوای شیطان لعین و بغاوت وسرکشی اقدام نمودند که از دین اینچنین پلشمال ناگواری که موجب خسر الدین والدنیا شدن یك گروه ملت خودهاست مکدر وماتم نشدن ممکن نیست . ذات اعلیحضرت پادشاه شفیق معظم حرمت پرور مادر اول امر به تنبیه وتعزیت بعد از ان به تهدید وتکدیر . آخر الامر به استمالت سلاطین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 376 of 1786

ودرعین زمان باز برفق وملایمت آن کم گشته گان راه راست را راه آوردند. جنرال محمدامین خان را که جنرال حضور وکارشناسی بود ومظهر اعتماد وعواطف شاهانه خود بایك قشنه از طرف سرعسکر منتظم شاهانه بمأمورت اختیارات نامه به آسیوط وکیل فرمودند. جنرال مشار الیه هرگونه تدابیر سیاسی و عسکری خودرا بکار برده واصلاحات لازمه را درانست اجرا نموده از فراری که شنیده میشود گویا درپروزها عودت میکنند. غیر از همین غایله مشکل پراشکال دیگر چیز مکدری در داخل ملك طیوره نبوده وسایهٔ عدالتوانهٔ شاهانه بر همهٔ ممالك محروسهٔ السالك اعلیه تمام سال بامنیت آمن وآسایش وصحت تمام مرور نموده است.

با دولتهای همسایه وهمپیوار خود دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ماباقرار سابق بی غایله بسر آورده است. علی الخصوص با دولت دوست وحلیف خود یعنی دولت معظمهٔ برتانیا نیز به أحسن سلوك از جانبین رفتار شده. تهاجر سرحد بیستان با دولت علیهٔ ایران بنا بر تجاوزات حقوق شکنانهٔ یعنی خان های خودسر تبعهٔ دولت علیهٔ ایران کثری مذاکرات پیش آمده. آنهم بحمدالله به أحسن وجوه بر طرف گردیده است.

با دولت علیهٔ عثمانیه بنسبت یکدوامانه که درباب حریق دکان استانبول وبازماندگان شهدا ومجروحین طرابلس غرب بوقوع آمد عجارات ومکاتبات دوستانه وودادکار امیز مابین این دودولت علیهٔ اسلامیه احداث گردیده فوائد عظیمهٔ بعالم اسلامی رسانید. در حالی که از عصرها این دو دولت اسلامیا یکدیگرشان نه سلامی داشتند ونه کلامی این عداوی وفسادی بر قضای ایتالیا تهیا موجب ابتهاج والشاد عظیم مسلمانان گردیده بر همدیگر خود بنه صدای تبریک کردند وبه اطراف خودیك نظری انداختند. به همدردی ودستگیری وانحصار خود شارا مجبور دیدند. مقصد از اتحاد وهمدردی این نیست که اردوهای پر طوپ وتفنگ خودشارا بمعاونت یکدیگر سوق نمایند. نی بلکه تنها بدر دهمدیگر خود متأثر شدن. از احوال همدیگر خود پرسیدن. پیر جودموجود یکدست شان بر سد همدیگر شارا دستگیری کردن جان تابع عظیمهٔ اسلامی را دربرداره که همسایان ازرا آزباب علم دادند. سبب بگانهٔ این اتحاد اسلام ایتالیاست

(عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد)

تاریخچهٔ سیاسیهٔ خارجیه

(دولت علیهٔ عثمانیه ومحاربهٔ طرابلس غرب)

مهمترین واقعات وحوادثی که در طرف سال اول (سراج الأخبار افغانیه) بظهور پیوسته همان محاربهٔ طرابلس غرب است دولت ایتالیا که یکی از دول معظمهٔ اوروپا ویك رکنی از ارکان اتفاق مثلث میباشد از بسیار وقتیاست که ضبط واستیلای طرابلس غرب را در زیر نظر داشت. ودر وقتی که اپیراطورها. وکلاها. ودیپلوماتهای اوروپا ملاقاتها ومصاحبه های پنهانی خود شانرا در باب مقاسمهٔ ممالك اجرا میکردند ولایت طرابلس غرب به ممالك عثمانی حصهٔ ایتالیا افتاده بود. این است که در یوقت آن حصهٔ خودرا درمیخواست. دولتهای اوروپا چه گفته میتوانستند آیا خود شان رهین قرار داده بودند؟ لاجرم در نظر اوروپا ایتالیا بجزاینکه حصهٔ موروثی خودرا گرفته باشد دیگر کاری نکرده است! وازین دل پری بود که « ارض موعود » گفته بی محابا هجوم بردند. اما چه هجوم بی سبب. وغیر مشروع که تا بحال در بابر مدنیت امثال آن دیده وشنیده نشده است.

اما جای تعجب این است که این هجوم را دولت علیهٔ عثمانیه از بسیار وقتها تخمین وحساب میکرد. ولی هیچ به آندیشهٔ تدارك آلات مدافعهٔ انجایتاده. نه یك استحکامی. نه طوپخانه های مکمل نه یك مقدار عسکری بدرجهٔ کفایت در انجا آماده کرده توانسته. اگرچه این قباحت را دردور استبداد سلطان عبدالحمید خان انداخته ولی آیا در حالیکه حکومت مشروطه قایم شد وبعد از مدتی محاربهٔ طرابلس آغاز نهاد چرا در آغاز کار قوای کافیه در آنی تخصیص نمودند؟ این قباحت را نیز رجعیت اتحاد وترقی حل نمودند. تا به بینیم که حریت واتلاف چه میکند!

نتیجهٔ که بالحال ازین محاربه [بظهور آمده دو چیز است: یکی اینکه ایتالیا به این محاربهٔ نا حق وناروا موجب لعنت ونفرین تمام دنیا گردید. وچون بدوستان خود وعده کرده بود که هر چیز را مسخر کرده وبعزیمت حمله کردن وفروردن دگر هیچ چیزی نمانده. وبغیر یك نزه ودوا خوری دشمنی دگر هیچ چیزی شمره نمیشود. وبعد ازان چون لقمه در گلوش پیچید وبنای دست وپازدن را گذاشت موجب خندهٔ استهزای دوستانی را نگزیدهٔ خود شده ذلیل ورسوای اوروپا وآسیا گردید. وحالا حیران مانده است که چه کند. دوم نتیجه که این محاربهٔ پیشید این است که همهٔ مسلمانان دنیا را بر افکار اوروپا وحال خودشان بیدار وهوشیار ساخت. فکر همدردی ومعاونت همدیگر شارا اعلیم نمود. نرچه های غفلت وتساهل را در پیش نظرشان تجسم داد.

غیر از این محاربهٔ طرابلس غرب بنی گشمکشهای عجیب ومغرب دیگری نیز در دولت علیهٔ عثمانیه پیش آمده است که اگر بتفصیل همهٔ آن بپردازیم یك کتاب مستقل نوشتن لازم میآید. مهمترین این گشمکشها اختلافات فرقهای سیاسی داخلی شمرده میشود. اگرچه اختلاف امت را رحمت گفته اند ولی اگر اختلاف در بارهٔ اصلاح وترقی باشد نه برای اغراض نفسی واحترامات شخصی. هزار افسوس که جون در همهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 377 of 1786

افکار وحرکات فرقه های مخالف یك دیگر تدقیق وتحقیق شود غیر از این که یکی دیگر خودرا غلطانیدن ، ودوار حکومتی را بقبضهٔ خود در آوردن — یعنی از فرقهٔ خود وزراء ووکلاء تعین کردن — دگرچیزی دیده نمیشود . از ین اختلافهای فرقه ها در چنین وقت نازك بجز مضرت دگر هیچ منفعتی دیده نمیشود بهر صورت از درگاه الهی جل وعلا نجاح وفلاح وترقی ومحفوظ ماندن دولت علیهٔ عثمانیه را نیاز میکنیم .

(دولت علیهٔ ایران)

ایران نیز همهٔ سال را بخلاکتها ومصیبتهای عظیمهٔ بسر آورده تا بحال هیچ یك حکومت قویهٔ تأسیس داده نتوانست . هرکس یك خیال دارد . بجای تقویهٔ خود ما مشروطه شدن ایران خیلی بی وقت ویا بهنگام تندی بود از همه بدتر که ازمشروطه گشته جمهوریت طلبی را نیز ادا کردند . اما تا دانسته ادبا در تاریخ اسلام چون نظر کنیم حکومت جمهوری را هیچ نمی بینم . مشورت را اگرچه اساس می بینم ، ولی احکام خلفای راشدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین ، وپادشاهان ذیشان اسلام را چنان تفوق وحاکمی می بینم که اگر جمهور ومشروطه میان دیده نمیشود . پادشاهان ذیشان آل عثمان انبهه تو سائی که گرمندسیاهٔ خود وسطوت وشوکت استقلال خلافت شمس خود گردند نه بقوت مشروطه وجمهوری حکومت مشروطه دروقتی میشود که اکثر اهالی از زن ومرد عالم فاضل ، مخترع موجد ، صنعتکار ، در ده قوت ساز ، طیاره باز شود که دراوقت مشروطیت نیز خود بخود بظهور می انجامد .

در وقت حاضر ایران از یك طرف در زیر تهدیداجنبی واز دیگر طرف در میان اغتشاشات داخلی زبون وناتوان افتاده است آیا زنده گانی خواهد کرد ؟ ایهم معجول ؟ قال وقتال رؤسا در مشهد وتبریز ، وتخریب وتخریب قبور مزار مبارك حضرت امام رضا رضی الله تعالی عنه ازچنان چیز هائی نیست که هیچگاه مسلمانان راضی نگردند باشد . ما هیچگاه بقرار وصوشدن دولت همسایهٔ همدین مهربان خود راضی نیستیم ولی چه باید کرد : « زمانه ایست که هرکس بخود گرفتار است » . ازدرگاه الهی جل اسمه برای خود وهمه برادران مسلمان خود صلاح ونجاح را رجا میکنیم .

(چین)

چین که یکی از دولتهای بسیار بزرك وبس زمین کثیر النفوس آسیاست در سال گذشته یك انقلاب عظیمهٔ بر خورد ، که آنهم حکومت چندین صد سالهٔ سلطان (مانچو) بحکومت جمهوری انقلاب یافت . این واقعه نیز خیلی آشیان دلت یك حادثه ایست . چنان معلوم میشود که ملت چین از خواب بیدار شدند وحس ملیت شان بجوش آمد ، در چنین تماشگه تمدنی مانند چین تاسیس یافتن حکومت جمهوری خلی عجب مینماید . اما بقا وپایداری جمهوریت در چین امید نمیشود .

(ژاپان)

یکی از واقعات عظیمهٔ سال نوسین سابقه‌ها وفات یافتن امپراطور ژاپان اعلیحضرت (میکادو موتسو هیتو) میباشد که خبر وفات شانرا در شمارهٔ ۲۳ اخبار خود درج کرده بودیم . وگفته بودیم که انشاءالله ترجمهٔ حالش رانیز درج خواهیم نمود . این است که بمناسبه ترجمهٔ احوال شان را از همصر ممتاز (جریدهٔ) ی فارسی عیناً نقل مینمائیم :

امپراطور ژاپون

از فوت شاهنشاه عظیم الشان وامپراطور جلیل القدر ژاپان اعلیحضرت (متسوهیتو) میکادوی عادل نام حکیم مدبر دانای سیاسی ، جهان انسانیت گریه وماتم مدیت بلرزه‌افتد آمد . بزرا چنین نادرهٔ متعالی باخلاق ملکی ومتصف بصفات حمیده در این عصر تمدن حصر مادر روزگار یکبار نیاورده بود . نخارل از مقام اوهیت (استغفر الله) ومسلك بسك خودیت شدن ، احکام خائنانه مطالبه را مبدل بعادلهٔ مشروطه کردن ، وصلای مساوات وحریت در میانه شعب وطوایف دادن کار جلی آدمی انهم از پادشاهان مستبده عاصه در مترقیین نبوده ؟ پس میتوان این امپراطور مصلح وانسان فرشته خصایرا اول انسان کامل وشخص (اولتن‌کمید) ؟

(متسوهیتو) یعنی آدم حلیم ومرد لطیف طبع جناب (میکادو) یعنی آقای دربار سلطنتی (پالتو) یعنی پادشاه آسمانی وبسا القاب دگر که ملت ژاپون بدین پدر دلوق وپادشاه‌عطوف رعیت پرور عدالت گستر خود داده اند .

این امپراطور که سیت جلالت او وعظمت مقامش ژاپون شرق وغرب دنیرا فرا گرفت ودر تحت بارویش رأ وبحراً تفوق‌قوای لشکری ، وتمایر سیاسی ، وفضائل ملی خودرا بدول معظمه عالم نمود ، در ۳ نومبر ۱۸۵۲ میلادی مطابق سنهٔ ۱۲۷۰ هجری در شهر کیوتو بدنیا آمد ودر ۱۸۶۷ بر تخت سلطنت جلوس کردند . ۱۸۶۸ تاجگذاری نمود ودر سال ۱۸۶۹ شاهزاده خانم هاکوزا (زهره بهاری) که در جمال وکمال بی مثال واز خانواده های (اینچیزوا) بود زوج نمود — ولی چون از این امیره جمیله هرچه اولاد آورد تمامیکدوچندین مخدرات معظمه بعقد ازدواج در آورده (در ژاپون شکرر تعدد ازدواج

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 378 of 1786

مرسوم است همچون سایر مشرقیان) تا آنکه از سایر زوجات پنج پسر و هشت دختر بظهور آمد و از پنج پسر چهار نفرش نماندند و یك نفر سیمین که (وزی هیتو) باشد ماند که ولیعهد و وایت امپراطور گردید..

اعلیحضرت میکادو ژاپون در سنه ۱۲۵۵ ه که به تخت سلطنت جلوس نمود پانزده ساله بود و تمامی ملت ژاپون که چهل و پنجسال قبل باشد وحشی و مشهور بدزد دریائی بودند. تمام شاهزادگان و امرا و رؤسا در بلاد و قصبات مملکت ژاپون حاکم مطلق و قاضی اهالی و اطفال مادام از خود و رعیت زاینده و مملوك خود میدانستند در داخله بلاد و اشیا و تجار و اهالی ارزاق و ما کولات مردم را احتکار میکردند. هرکس میخواست وزیر یا امیر یا حاکمی را به بیند پس از دادن پیشکشها و رشوه ها و هدیه ها آنوقتهم معلوم نبود که در اثنای راه زنده جان بدر برد و مدتها سالم میماند

میکادوی ژاپون اول از عرش اقویت و کبریائی عرش هویت وی ربانی تنازل کرد و خطاب این الشباه و سلطان آسیای را یکباره انداخت بس دست حکام جابر و رؤسای ظالم را از سر رعیت کوتاه کرد و مکرر در مکرر خطابه ها خواند و گفت ای اولادان عزیز منهم مثل شما آدمی و شاهم مثل من آدم هستید صاحب حقوق میباشید. هما کو وها کات تعیین کرد. حکم مساوات و آزادی ادیان داد. عسکریرا بکلیات ریشه کن عسکریه بست و التگرافی احداث کرد. و چون بنا بخود سکه نبود (در ژاپون قبل از میکادو باسم پادشاه پول سکه نمیشد زیرا حرام میدانستند که دست بی طهارت باسم پادشاه بگذارند) مدارس بسیاری باز و تحصیل را اجباری قرار داد. تا هرکس خوانا و نویسنده گردد در عرض از جوانان تحصیل کردهٔ ژاپون بلاد اوروپا فرستاد و از معلمین اوروپائی بسیاری بلاد ژاپون آورد. چون ملتزا مستعد دید در سال ۱۸۸۹م — ۱۳۰۶ ه اعلان مشروطه داد و امر بانتخاب وکلا و افتتاح پارلمنت و مجلس اعیان کرد. و قانونی از قانون ناپلیون فرانسه اقتباس و باقتضای حال ژاپونیان موادی بر و افزود و اجرا نمود...

تاریخ ژاپونرا مبدل بتاریخ میلادی نمود. و احداث کارخانجات اسلحه سازی و کشتی سازی و اختراعات حدیثه کرد. مکرر خود بمدرسه یکشنبه مدارس حاضر و خطابه های متنوعه خواند و اطفال را بعلم تحریص کرد و انعام و جایزه داد. هم چنین مکرر بمیان ملت قشون حاضر شد. و سربازانرا تشویق و خطاب ای اولادان عزیز خود و ترك در غذای انها کرد. و با انها در یکجا نشست و با صاحبمنصبان نظامی سوار و در حاوره ها حاضر گردید. جرایدرسی متکثر و جرایدغیر رسمی بقیمت نازل مقرر کرد بیان ژاپونیان را کشاده کرد راه آهن و کشتیهای دریائی راه انداخت. تجارت باچین در سال ۱۸۹٤ — ۱۳۱۲ پیش آمد و مظفر و منصور گردید لیکن این غالبیت ژاپونرا اوروپائیان خاصه روس از اتفاقات وغلبت چین داشته تجارت بازوی ۱۳۲۲ پیش آمد و هفده ماه طول کشید و همه جا فتح و فیروزی را و بحراً سبب ژاپون شد خودرا ملت اقوی شرق نمود. و در امداد دول معظمه نام در آمد. چنانچه چند روز قبل رئیس الوزرا انگلیز شرحی مفصل دایر بر تمجید و ترقیات ربه و بحریه ژاپون بیان کرد. آری میکادوی ژاپون نمرده بلکه زنده ابدیست

(میکادوی ژاپون در ۱۲۷۰ بدنیا آمد و بایتخت که سال ۱۳۳۰ میباشد از دنیا رفت)

هندستان

یکی از وقایع مهمهٔ که در سال گذشته در آسیا بوقوع آمده تشریف آوری اعلیحضرت جارج پنجم پادشاه انگلستان، و ملکهٔ (مه ری) ملکهٔ انگلستان به سیاحت هندستان میباشد که مراسم جشن تاج پوشی خودرا اجرا نمود. اگر به روایات قدیمهٔ این مراسم برد به وضعیهٔ جدید تاجپوشی پردازیم هذا هیچ اختلافی با گذشته ندارد. لهذا از مهمترین نتایج آن بحث داشته میگوئیم که اعلیحضرت جارج پادشاه هندستان دارالملك (کلکته) به (دهلی) که از قدیم پایتخت پادشاهان اسلام بود نقل داد، و به اینصورت مسلمانان هندستانرا یك جبههٔ حسنه سیاسیه نشان داد.

وغیر ازین بی اجرا آن نکتهٔ دیگر نیز در هندستان بروی کار آوردند این راهم بنظر اختبار و مسرت می بینیم که مسلمانان هندستان روز بروز بیداری و آگاهی رونما میگردد. هرهمان مذهبی و ملیت را جهت مالی در ترقی روزی میگیرد. دار المطبوعها مجلسها، انجمنها، مکتبها مطبوعات شان کثرت پیدا میکند. یك چیز دیگری که جالب نظر دقت و موجب تمنیت است همان اتحادات واتفاقاتیست که در راه رفع اختلافات و منازعات هندو و مسلمان حاصل می آید که اگر زین کامیاب شوند حقیقتاً یك تیراه عظیم ترقی هندستان شمرده میشود.

مراکو

در افریقا چون نظر اندازیم دو واقعهٔ بسیار مهمهٔ دران می بینیم که یکی عبارتاً طرابلس غرب است که ذکر آن سبقت نمود، دوم انقراض باقی استقلال دولت اسلامیهٔ (مراکو) ست که سلطان آن (عبد الحفیظ) تبعیت وحمایهٔ دولت (فرانسه) را قبول کرده استقلال، وموجودیت، وحاکمیت، وآزادی وطن وملت خودرا محو نمود، با آنکه برین قبول کردن تبعیت ایرنگهای پرافسون اوروپا محرومش ساخت این بلاد سر مراکو از حرص وطمع دولت وحسد دولت جرمن وفرانسه پیش آمد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 379 of 1786

به تحریک سر انگلست آنها بعضی قبایل عرب بر مولای حفیظ خروج کردند. مولای حفیظ در شهر (فاس) محصور ماند. فرانسه بنا بر احکام معاهدهٔ (الجزیره) در الجا عسکر فرستاد سلطان (فاس) را از محاصره رهائی داد ودر حقیقت حال فاس را بقوهٔ عسکریهٔ خود ضبط نمود. از دیگر طرف جرمن که تحرک طرفداران عبد العزیز سلطان اسبق بودیك کشتی جنگ خودرا به بهانهٔ محافظه کردن حیات ومدافعهٔ نمای خود در بندر (اغادیر) مرا کو روانه نمود. عرق حمیت ورقابت فرانسه وجرمن بدرجهٔ رسید که دست بشمشیر شدند. ورای اختلاف عرب شان هیچ چیزی نمانده بود اگر دولت انگلیز فرانسه معاونت نکرده شکی بود که جرمن در حربه فصور نمیکرد. بعد از بسیار تهلکه ها وخاها مذاکره ها باهم ساخته. فرانسه یك قسمی از مغافات (قونغو) ی افریقای خودرا به جرمن ترك نمود. ودر فاس بعضی منافع تجاریه برای اوشان داده درضا کو در حرکات خود آزاد ماند.

بی این مخاصمه ها را جرمنان بردند اظهار نمودند که کشیده هیچ شبهه نیست که مرا کو ومرا کوئیان از بی غلطیهای اتفاق همین تیجه میشد. در نیوقت حاضر عبد الحفیظ بدامویبری فرجام بزرك تاج ویهت گذاشته به پاریس رفت. وخاجای (وسلف) تاج برادرش را فراموش نه احتیالات عقلیهٔ بمشاهدهٔ خود ساختند. قبایل مسلمانان عرب اطاعت مرا کو برده اند. فرانسه یکسال فعالیت کار خودرا پیش میرود.

اوروپا

در سال گذشته اوروپادر مقابل سرصرهای حوادث محسن مانده بود مسئلهٔ مرا کو وطرابلس غرب، وایران اقطهای غربی وشرقی، وجنوبی را با ابرهای طوفان از کشتی پوشانیده بود که هنوز هم آینده معلوم نیست که چه شود مسئلهٔ مرا کو دولتهای اتفاق مثلث، واتلاق مثلث. اوروپا را بی جرمن، وایتالیا، واوسترا که اتفاق مثلث اند، وانگلیز، وفرانسوروس که اتلاف مثلث اند بیکدیگرشان در آویخت. درمابین انگلیز وجرمن بحدی که انگلیز طرفداری فرانسرا در مسئلهٔ مرا کو نموده بود خیلی از خیلی کین ورقابت پیدا گردید. لذا این دو دولت درمابین خودشان هیچ بسا گاهی خارجانگلیز بگاه رقیب تجارتی وطرح خود جرمن رامی یافت. ازین سبب هیچ دیده خارد کاوری چند بجان معلوم میشود که این رقابت تا آخر احدیگریك مستوجهٔ شدیدرا نتیجه بخشد که خیلی بعیدی بنك مصادمهٔ مسلحانه بین هر دو دولت سیاسیهٔ اوروپا سالگشته را در میان اندیشه های دور ودرازی گذرانیدند.

مسایل بلقانیا وحالت تشویش وخطرناك طرابلس غرب وایران

بز اوروپا را در یك هرج ومرجی انداخته است. از یکطرف مقاسمه ها، واز دیگر طرف راست نیامدن در قسمتها، واز یکطرف اتفاقها، ودرزیر آن اتفاقها ظهور نمودن دیگر گونه اتفاقها، واز دیگر طرف سراز نو ظهور نمودن دیگر گونه حرسها وطمعها اوروپا را سراسر یك هیجان واضطراب محسن در آورده است. مثلا اولا روس وانگلیز در باب ایران یك اتلاق کرده بودند. نتیجهٔ آن اتلاق این شد که روس مسئلهٔ جزئیهٔ (نوسر) امریکائی را تهاجم کرده بر ایران هنگر سوق کرد. انگلیز دراول امر صدای خودرا بالانکرده ولی چون دید که روس درلقمه ربای پیشقدمی ورزید. وسلطان جنستان ودیگر طرفها ولوله ها انداخته از آرزو تحرکت آمده رفتار روسیارا که باگامهای بسیار فراخی بسوی بلعیدن ایران پیش می آمد توقیف نمود.

دیگر حکومتهای اوروپا در امورات داخلیهٔ خود مشغول مانده اند روس نیز در داخل ملك خود با ارباب جدید وآزادی دست وپنجه است. دولت پورتگال از پادشاهی بجمهوری انقلاب کرده است

امریکا

در امریکا نیز اختلال (مکسیکو) که گاهی بخموش وگاهی شعله ور میشود. ویك مسئلهٔ که در (کوبا) ظهور کرده دگر چیزی نیست.

اشی

حوادث داخلیه

مراسم دربار در عید سعید فیوضات آثار

چون بخشنبه سلخ شهر ماه مبارك رمضان فیضرسان بعد از غروب شمس بزر افشان وانداخته شدن طوپ آخرین افطار روزه پرفروغ اتفاق دارالسلطنهٔ دولت مستدامهٔ خود مختار افغانستان یعنی کابل جنت نشان ساه الله الی آخر الدوران باسداهای فرح خروشان طوپهای شرر افشان یك غلغله سرور وبهجت ولولهٔ پرفرحت طنین انداز بشارت دهی ومژده رسانی ورود عید مسعود بمابین رسید گردید با آن آوازهای بلند پرواز صداهای اطلاقات دمساز اولادهای مبارك وطن را دیانت همراز گردیدن الزم ساخت بانتظار انداخت طوپهای عید سرور انداز از بامهای خانه های خود شان بصوت بلند مراقبهٔ (زیاد ماهرو) گلوپ از القا انداخت میشود نظر انداز بودند همراز وهم آواز شده عدهٔ شمر را یك ولولهٔ سروری انشا نمود بنابر انحصاب کمرویت حال خریداران السبارك روز سه شنبه ثابت گردیده چهارشنبه روزه گرفته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 380 of 1786

شده وشام روز پنجشنبه رؤیت هلال شوال التکرمثابت شده ویوم‌جمعه عید سعید فطر اعلان گردیدثابت‌شد کارمندان فیض‌رسان امسال سی روز کامل عمل آمد.

هلال عید راوج‌جللت هویدا شد
سرورفرحت اسلامیان‌دوبالاشد

صبح روز فیروز جمعه که اجتماع عیدین مسلمین است ونادراً اتفاق میکند چنان یک صبح سعادت پرصفای بودکه تصور وتعریف آن ازقوهٔ فکر هر صاحب فکرتر افتاده است باوجود آن هم تادرجهٔ که ممکن باشد ازافکار دیدنیهائی که بچشم دیده ایم بتصور آن کوشش میورزیم.

پشت‌جهٔ صبح بموجب‌دقهٔ هاوطومار های خبری که‌ازطرف ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی بادوقه های مطبوعهٔ تعلیمنامهٔ قواعد شرعیهٔ صدقهٔ‌فطر روزه وکیفیت تکبیرها وادای نمازعید برعهده‌گان تقسیم وتوزیع شده بود در قصر معلی حضر (استور) تجمع آمدن آغاز نهادند. درقهٔ بزرگ پیش روی قصر همایونی بامفروشات وترئینات مکملهٔ بسیار فاخری تزئین یافته بود. هزاران مناصب ملکی وعسکری بادرجهٔ کبیرهای وشهزادگان عظام وسرداران کرام وعلما واشراف ذوی‌الاحترام جایجا درمقامهای خود شان اخذ موقع کردند. یک‌دوک ازعساکر خاصهٔ پیاده که باونیفورمهای بسیار خوشنما وباسلحهٔ نظر ربائی مجهز بودند ازدوطرف درقه‌صف بستهٔ‌احترام شدند. بساعت نوزده ذات‌عالی اعلیحضرت جناب (نائب السلطنه صاحب) تشریف آورده هیئت دربار را نظارت‌به آوردن کمانهای افطار صبح عید تشریف فرما گردیدند. بعد‌ازطرف اعلیحضرت پادشاهی مقررات اجازه فرمودند. شهزادهٔ جوانبخت معظم جناب (معین‌السلطنه) حسب‌الوظیفه صف آرائی عساکر شاهانه را از دروازهٔ ارگ مبارکه تاجامع شریف عیدگاه باتمام رسانیده تشریف آوردند.

تخمیناً ساعت ده ونیم بود کمانهای توپخانهٔ قصبهٔ صفات اعلیحضرت امیرالمؤمنین (سراج الملة والدین) پادشاه خیرخواه عدالت آئین ماهچون‌شمس تابان‌عنوری باهمهٔ شوکت وجلالت سلطنت وسر وری برحاضرین دربار معلی بارتو افروز انوار سعادت گردیدند. وسلام خدام صداقت التیام حاضرین حضور همایونی راقبول فرموده بعواطفات وعنایات احوالپرسی شاهانه مقلوب فیض‌پر معطوف صداقت کیشان حضور انور والارا اخباخرموده بحاضر شدن حرکت موکب سعادت موهب همایونی بسوی‌جامع شریف اذنه وفرمان بودند.

حاضرین کرام بانتظام تمام ازراه ارگ مبارکه گذشته در خارج ارگ ازقرار تکلیفهای نام نویسی که درهر کمن تقسیم شده بودبه‌نمبر های عرابه ها تطبیق‌داده درسی‌وشش عدد عرابه های سلطنتی جاجا گردیدند. تاآنکه گردونهٔ شوکت نمونهٔ اعلیحضرت شهریاری کهچهاراسپ توانای‌سارفتار کشیده میشدحرکت افتاده دیگر عرابه ها مثلاً بانظام ترتیب‌واقتضام وهمهٔ‌شوکت واحتشام موکب فرخنده‌گی موهب همایونی راتشکیل داده پیروی نمود.

درعرابهٔ سواری‌ذات اعلیحضرت پادشاهی جناب‌نائب‌السلطنه صاحب وهریو مصاحبان خاص شرف همرکابی حضور داشتند. دوم‌عرابهٔ‌شهزاده کان‌جوانبختان معظم‌جناب معین‌السلطنه وجناب عین‌الدوله‌صاحبان بودکه عرابهٔ دیگر شهزاده کان عظام وسرداران وصاحب منصبان‌گرام یکدیگررا بقرار سررشته تعقیب مینمودند.

ازدروازهٔ ارگ مبارکه‌تادروازهٔ جامع تمام سرک‌جدید وقوس باغ وفاوسرک بزرگ‌تاجامع ازدو طرفه باعساکر ظفر مآثر نظامی شاهانه محاط شده بود. عساکر خاصهٔ سلف‌سوار ازرکابی وسراوس ورسالهٔ شاهی موکب همایونی ازدو طرفه بحرکت بود. عساکر شاهانه باموزیکهای عسکری خود شان درهر موقعی که موکب همایونی‌شرف ورودی یافت سلام شاهانه‌را ادا میکردند در عقب صفهای عسکر جم غفیری از اهالی بنظارهٔ این موکبهٔ سعادت کوکبهٔ‌دولتدار‌شهریار‌مراحم‌گستر‌دادگستر منقه یافته‌سرورو‌شکران عظیمی‌موکب‌همایونی راتماشامیکردند.

باینصورت این موکب مطنطن ومهذب شوکت ومهابت‌مآب بدروازهٔ جامع بسیار‌بزرگ باصفای قدسیت احتوای عیدگاه مواصلت نمودند. اعلیحضرت پادشاه‌مراحم آگتامبیواری عرابهٔ‌شخصی رنگ‌شاه ودیگر همرکابان موکب‌همایونی بشرافت‌معیت همایونی‌همراه بوده ومحن‌جامع‌شریف‌را که باهزاران نفوس‌مسلمین خجاجنج پرومملو‌وجود گذر‌نموده درموقع‌نازگاه‌همایونی که‌درو‌سط بنای جامع درزیرقبهٔ بزرگ وسطانی معین است تشریف فرمای سعادت گردیدند. وبرحسب‌اولین سنهٔ مرعی جلوس فرموده صف‌آرائی صفوف‌مصلین راقرمان نمودند. وتاوقتیکه همهٔ‌عساکر شاهانه ورعایای متحرجین‌به‌نماز حاضرمیشدند مکث‌ودرنگ‌فرموده بادای صلوات عید وعبادت خالق یگانهٔ وحید آغاز وبعدازاتمام نمازخالق بیناز‌خطیب بایک‌خطبهٔ بلیغهٔ‌عربیه‌خطابت دینیه‌لازمه را اجرا‌وبرهنی وموجودیت سلطنت سنیهٔ‌اسلامیهٔ متفقهٔ‌افغانستان بنامقدسیت السام پادشاه دیانت آگاه اسلامیان همگانرا آگاه ویناساخت.

ملیون ملیون شکر، ملیار ملیارتا!

بعدازانکه بقدر ترتیب وتصنیف باقی‌عساکر شاهانه توقف‌همایونی درجامع شریف وقوع یافت بازبهمان شوکت واحتشام کهازهیت وسطوت دین‌مبین اسلام متشکل بود بمارک مبارکه عودت موکب باسعادت شاهانه وقوع آمد.

اینهم‌ازحسن اتفاقات است که امسال روز عید سعید فطر باروم جمعهٔ مبارکه مصادف گردیده است - ذات مکارم صفات اعلیحضرت پادشاه‌دیانت پناه‌مطابق آگاه معظم‌ما اجرای مراسم دربار معالی بارا بمقدار صلوات جمعه‌اعم فرمان نموده هرکس بحاضر شدن نمازجمعه مهیا گردیدند - ذات اعلیحضرت شهریاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 381 of 1786

نماز جمعه را در جامع انوار ملامع ارگ مبارک اقامه فرموده بعد ازان مراسم دربار معمالی بارزا در دالان عظیمهٔ سلام خاصًا ماجرا فرمودند - چایها ، خلعتها ، شیرینیها بقرار سررشتهٔ همسایه اعطای واحسان فرمودند . تقریباً بساعت سه دربار معالی بار عیدمید قطرچنان سعادت ما وفرحتها ومسرتها بانجام رسید که از لفاظ نمای آن کلمهٔ جان ملت افغان زبان حلاوت افشان خواهد ماند .

به درگاه حضرت رب عظیم الشان جل وعلا جبین جودیت میسائیم وشکران این نعمای لایتناهی را ورد زبان جودیت میسازیم که جناب حق و فیاض مطلق باحالت افغان جنان یک پادشاه دین پناه حق پرست آگاه بیدار مغز وقیوم خواه عدالت همراه مانند حالت اعلیحضرت (سراج الملة والدین) (امیر حبیب الله خان) ادامة دولته عطا واحسان فرموده که سایه ترفیه به شاهانه شان دولت علیهٔ افغانستان امروزه روز به این ساز و سامان علویت شوکت وشان واصل شده است . ودولت وملت افغان درموقف حاضر بلکه دولت مستقلهٔ بهمه استعدادات ترقی حاضر و آماده وملت افغان در شهراه ترقی وتمدن قدم انداز سعادت شده اند . رعایت که شکر این نعمت را بجا آریم ودعای دوام عمر وبقیت یاد شاه محبوب القلوب خود ما تراکه موجد ترقی ماست وردزبان صداقت تاثیم تا بدین پی اعیاد مسرت بنیاد ملت ووطن در زیر سایه همایونی شان فرمانروا اقتدار کردند .

واک شهر

از هالهٔ شهر کابل مکتوبی گرفته ایم که ورود موکب اردوی ظفر آموه همایونی را به مظفراً ومنصوراً از هجاره (مشکل) به ارزانسطاً کابل عودت نموده ها تصویر میکند لهذا مکتوب مذکور را عیناً درج میسازیم :

مکتوب

به اداره حالهٔ سراج الاخبار افغانیه بعد الالقاب

دروز یعنی یوم دوشنبه ۲۷ ماه رمضان المبارک که یک روز مقدس این ماه مبارک بود درهرطرف شهر یک شوق وشادمانی مشاهده می شد مردمان شهر فوج فوج بسوی سرک بزرگ (یعنی جاده) میرفتند ازین معلوم می شد که غیر از شرافت معنوی آن روز مبارک یک شرافت مادی دیگری نیز در بر دارد ما این مجلس شما نیز بعد فراغت از وظیفه که در ماشین خانه داشتم با یکی از رفقای خود درعرابه نشسته بهمان سمت عرابه چی را روانه کردیم عرابه ازحد قومی باغ هنوز نگذشته بود که یک منظرهٔ بسیار دلکشی برخورد دیم آمد آمد اردوی مظفر الزبان هرهگذر یک سرور مفاخر تنیده می شد عرابه راهم یک کناره کشیده درپیش یک منظرهٔ بسیار دلکشی خود را یافتیم که هیبت وسطوت موجودیت عسکریه افغانیه را بکمال مهابت در نظرها تجسم میداد : پیش ازهمه این را عرض کنم که شتافتم به این تماشا مبنی برمک وقت تمرانیدن وساعت تبری نبود ، از دو سه روز پیش ازین خبر گرفته بودم کهاردوی مظفر عودت میکند ، آمد اردو که یک نایبهٔ بزرگ گمراه شدن وآماده عصیان کردن یک قومی از اقوام و بلکه یک عضوی از اعضای بنام ما را بموجب رضا وتعلیمات همایونی راه آورده ، وماند یعنی وعصیان یک مرض مهلک وخبیثی راز آن قوم و عضو ملت به تدابیر حکیمانه کلی عملیات جراحیه اصلاح واصلاح توده عودت میکنند ایها الاستقلال وهزین آمدن میاهدین وطن را از زحمهٔ ملوثان شمردم .

عرابهٔ ما چون در مقابل توقفگاه ثبت بهرای جریان آمد اردو راتماشا میساختیم . صدای دهلهای عساکر رساله یعنی سوار وهو زیکه های عساکر پیاده تقریب تمرین از دو را اشعار میکرد . اولاً اولاً عساکر نظامی عند الرول وارد دل باعساکر دراقوان سواری عامهٔ یراق وزیور معهما یرسیی خودشان ملبس بودند وبه استقبال برآمده بودند هو زیکه های اهوهٔ لطیفهٔ فتح را نواخته بنمام نظام وانتظام مهابت انگیز عبور نمودند در عقب آن عساکر ملکی شاهانه که هر فرقه وهر جماعهٔ هر قبیله باتخذه جو پیاتیکه اسم وشهرت شان بران نوشته شده بودوکی ازانها که درصف اول شان میبود بدست داشته بودند شنا خته میشد که ازهمه پیشتر جماعهٔ قوم چمدان بود که بلدیت مجیب الحقمرمانه رئیس واقبرشان (چرخان) (— ازدور شناخته میشدند . بعدازان دیگر صنوف عساکر ملکی یک انتظام تمام در گذشتند که بسبب دوری وضعف بصر نوشتهٔ لفته های شان را خوانده نتوانستم در عقب آن یک منظره دهشتناک دیگری ظهور کرد که آنهم مرور گروه اشقیای گمراه شدهٔ بود که یکه یکه شان بازنجیر ها مربوط وجسمهای شان کچیده اندازه شده بود حقیقتاً که این منظر خیلی رقت آور بود معازات معدهٔ جنایات وشقاوت برای الدین اشان میداد تتمه شقاوت وعصیان زلت و خطارت وجدلالت که خدا نیارد از آن بلای عالمیان ازخطوطسیات خود نگهدارد بعد ازین منظره یک منظرهٔ نظر پرور دیگر پرور آغاز کرد که عبارت ازعساکر ظفر مآثر مساعد مساعر بودند که یک نشئه سرشار غالیت که ازسنوف پیاده وطوغانه و بلوکهای مترالیوز مرکب بود مرور نمود ودر عقب آن سواری خود جناب جنرال محمد نادر خان بابلوکهای عساکر سواری ممیاش و باقی افسران نظامی وبعضی از دوات مستقبلین ودر پی آن دیگر مظفر فات اردو گذشتند .

یارفیق خود دیجان قرار دادیم که از راه نزدیکتری پیش از رسیدن جنرال در قلعه یعنی چون خود را رسانیم و اگر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 382 of 1786

ممکن شود یك رسم علاقات استقلال را نیز بجا بیاریم ، و هم بیشتر و نزدیکتر از این آن برادران عسکری خودرا ببینیم

جناب جنرال ضمن از مراسم ایفای سلام اعلیحضرت پادشاهی در مقابل دروازهٔ ارك مبارکه فارغ نشده بودند که عرایضما درپیش دروازهٔ قشله توقف ورزید ، رفیقم چون از افسران صف نظامی بود در داخل شدن چون مزاحمتی نمیکشیدیم

اگر کسی میخواهد که یك میسه تشبیهات و صمیمانگی را بیند در چوق‌های عسکری درآمده حیات نظامی را آنجا کند . اتحاد یگانگی ، مشفقت ، سعی کوشش ، صبوری حقیقت پادشاه و وطن دوستی را درین منبع ناموس وشرف مشاهده خواهد کرد. امروز درین قشلهٔ خلد ازدل خاکریز شاهانه یك رونق تازه‌یك شکوه بی اندازهٔ دیگری دیده میشد. همه‌فری موجودی خلد بدرجه‌های مکمل خودشان ملبس بوده درمیدان چون صف بستهٔ احترام شده بودند. افسرها یك شوق وشعارت مشاهده میشد . درین اثنا جناب کریل (عبدالوکیل)خان که یکی از افسران بسیار لایق وحایق این قشله وقلعه مبارك میباشد بایش آمده اظهار لطف ومحبت نمود . دیگر بعضی کیدانها وافسران بهادر نیز باحسن توامع فرمودند .

ها ! این راهم برای شما بنویسم که یك فاضلی نام درشماره ۱۸ سراج الاخبار افغانیه وقوع آمده است که آرا به تصدق امروز خبر گرفتم درانجای خطابات مجازیه که افسران مشارالیهم خطابه میکردند (محمدعثمان خان) پسر سلمتر ازمامور شدن خود در ۲۵ ماه جمادی الاول برای استکشاف با ۲۰ قولی عسکر در موقع (حصارك) بحث رانده که درسطر ٤ ستون۲ صفحهٔ ۳ نمر ۱۸ سال یکم سراج‌الاخبار افغانیه بجوش محمد عثمان خان سر سلمتر محمد جمال خان سر سلمتر نوشته شده است . چون میدانستم کاشما این تصحیح خوشنود میشوید عرض کردیت جسارت ورزیدم .

والحاصل بعدازکی انتظار جناب جنرال صاحب مخترم ازمدخل جهت غربی چوق سواره باعسکر خود ازلی میت خود بچوق داخل شدند . ورصفوف عسکر رفته مراسم سلام وخوش آمدی واحوالپرسی را باهما کراجرا نمودند .

اگرچه فرصت مکالمه وپرسیدن بعض کوایف باجناب جنرال دست نداد ولی بیك مصافحه ومعانقهٔ بسیار صمیمانه‌ای شان تاثر شده و بسلامتی و کامیابی شان تاز هاوتناها گفته واپس عودت کردیم .

این است کسبا حت امروزی خود را بهمین قدر نوشته بدست آن ادیب محترم نامبرده رسیده تصویر وتحریر نمودم باقی وواپوتوجهات نارا در حق ما جزاء خود باز میکنم

ازده افغان کابل فی ۲۷ رمضان سنه ۱۳۳۰.

م . ط

خوادث خارجیه

خلاصهٔ خبر های میتاقه

ممالك عثمانیه

§ از قرار اخبار هائیکه درصبا فی اخبارها مطالعه میشود درین روزها دربابمصالحه درمابین عثمانی وایطالیا گرما گرم مذاکرات جاری شده است.

§ ـــ درطرابلس غرب وبنغازی هیچ گونه کامیابی برای ایطالی دست نداده است جناب شیخ سنوسی را نیز بدربار خود آمده باجناب انور بیك ملاقات کرده است. ومجاهدین زیاد جهاد را ترغیب نموده است .

§ ـــ مجلس مبعوثان عثمانی فتح شده بکار اتفاقات شروع میشود .

§ ـــ فرقهٔ اتحاد و ترقی که بیه حاضر ماعتماد خود راظاهر کرده بحساب خود مجلس را تعطیل کرده اند ، وکابینه بحساب خود مجلس رافتح کرده است .

§ ـــ قانون عرق فرقهٔ حریت واتلافی با آنکه قانون عرق ناظم پاشا نسبت‌بقانون دیوان عرق فرقهٔ اتحاد وترقی با آنکه قانون دیوان عرق محمود شوکت پاشا خیلی شدید تر ومنبع تر معلوم میشود .

§ ـــ اکثر اخبار های که بفرقهٔ اتحاد و ترقی منسوب بودند تعطیل اشتغال نمودند . اخبار های فرقهٔ حریت واتلافی انتشاراتیا دارند .

§ ـــ بارون (وینترهلم) بجای (بارون مارشال) از طرف دولت المان بسفارت استانبول مقرر شده اعتماد نامهٔ سفارت خودرا بحضور اعلیحضرت سلطان المعظم تقدیم کرده است .

ـــ دولت انگلیز در عراق عرب روز بروز نفوذ خود را زیاده میکند. درین اوقات در بغداد چنان پادشاه‌انه مال بیان جمعیی آباد نموده که از خانه یك شهری زیاده ترتیبه میشود . یعنی میگویند که این قونسلخانه سراسر به اسلحه مهمات حربیه مملو میباشد. یك واپور جنگی نیز همیشه در پیش روی آن قونسلخانه که در کنار نهر دجله بنا یافته لنگرانداز میباشد . عالبا در نقطهٔ ضعیم عراق را قلعهٔ خود قرار داده باشند ! . . .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 383 of 1786

ﷺ — آتش عصیان از ناووده‌ها در البانیا هنوز سراسر خاموش نشده ولی نسبت به اول سکوت حاصل شده است .

— اقسام عسکری بلغارستان باشعبه های مختلفه بلغار اتفاق کرده مجلسها و بیانامه ها در باب محاربه با عثمانی واحتلال ماکدونیا برپا و نشر نمودند و اوراق حوادث بسی چیز ها در آن باب نوشتند . ولی از خبر های اخیر معلوم میشود که حکومت بلغار بحکومت عثمانی رسما تبلیغ کرده که هیچگاه بدشمنی وعداوت در مقابل عثمانی ابتدا نمیکنی نخواهد کرد برغم شعبه های بلغاری .

زلزله

(— زلزلهٔ شدیدهٔ که در نواحی استانبول بوقوع آمده خیلی دهشتناک یک زلزله بوده است . زلزله در بحر مرمره و آبهای چناق قلعه یعنی در دنیل ظهور نموده آبهای بحر مانند یک طوفان عظیمی بحرکت آمده کشتیهای جنگی دولت عثمانیه که درانجا لنگر انداز بودهاند بگمان وبیشهٔ کفیدن طوریده یعنی لب در بالا انداخته شده است دو قریه کاملا در زیر آب بحر غرق شده است ودوسه قریه بسبب افتادن لامپها از شدت زلزله آتش گرفته باهالی یکسان شده است . بضرر (۱۵۰۰۰) هزار نفوس جانان مانده قریب دوهزار آدم تلف شده وچهار هزار هامیروح گردیده .

﴿ از اخبار تأسیس ترقی وتعالی افغانستان ﴾

داکتر (والترساز) یکی از اعضای جمعیت آسیاست که در لندن تشکیل یافته است اخیراً به (افغانستان) یک سیاحتی اجرا کرده وراپور سال در باب سیاحت خود در جمعیت مذکوره یک فوتوگرافسی داده دران فوتوگرافس چنین گفته است :

« افغانستان را هرکس یک مملکت عادی شرق میداند وآن مملکت را در زیر ادارهٔ یکی از امرای شرق میتناسد پیش از انکه بافغانستان سیاحت کنم من هم آنچنان میدانستم وهمان فکر بودم. اما وقتیکه بافغانستان رفته احوال آنجارا برأی العین مشاهده کردم چنان مناسب دیدم که برای تصحیح وتوسیع کردن حسیات ومعلومات هموطنان خود را در باب افغانستان این فوتوگرافس را ترتیب واعطا نمایم :

ای هموطنان افغانستان هان افغانستان قدیم نیست . شما را امین میکنم که سراسر تبدیل یافته است . اگر آنجا را بچشمهای خودتان ببینید عیچ باور نخواهید کرد که این یک مملکت شرق باشد .

در افغانستان هرچیزی موجود است . امیر سابق مرحوم عبدالرحمن خان جاده های قابده رادنیا را از مدنیت حقیقی اوروپا اندیشیده وبه دای های ترقی وتعالی افغانستان را وضع کرده بود . متارالیه در جناب به آخر درجه جهد و غیرت کرده است . درین خصوص شب وروز کوشیده است . خواب وراحت . وصحت وعافیت خود را برای حصول این مقصد فدا کرده است .

امیر عبدالرحمن خان مرحوم دروقتی که میتوانست ثمره های این مساعی خود را ببیند وقت یافت وفات یافت وپسرش بزرگ شان حضرت (امیر حبیبالله خان) چون بعد ازوفات آن امیر مالی خیال برتبت سلطنت جلوس نموده اثر پدر مرحوم خودشان اقتدا واقتضا کرده مملکت خودشان را احیا نمودند . امروزه روز در افغانستان کارخانه های طوب . وفنك . وکارطوس ومایزهٔ حربیه موجوداست . عسکر افغانستان کاملا منظم ومجهز . وبالونیور معاملیس میباشند :

در حالیکه پیش از بیست سال یکوجیداه شو سه یعنی سراك در افغانستان نبود امروز مروز شوسه ها مانند شبکهٔ خانهٔ جولا هر هر طرف رافرا گرفته است. ملت افغان که در اول بابندا گری . وچپاولی مشغول بودند امروزه روز زراعتگر . کاسب شده اند. در افغانستان حرف وصنایع خیلی ترقی کرده است . مکاتب ابتدائیه بسیار است . در کابل سر ازتو یکچند مکتب اعدادی ویك دارالفنون تأسیس شده است . افغانها در حالیکه از یك اروپای نفرت میکردند امروز درحلهٔ تدریس معلمهای اوروپای جان میاندازند . اعلیحضرت امیر بهاینهم آکتفانموز زیاده برای ترجمه کردن علوم وفنون جدیدهٔ اوروپا را بزبان فارسی کلزبان رسمی افغانستان است درکلکته یك دار الترجمه احداث کرده . ونگرانی آنرا نیز به وکیل سیاسی افغانستان مقیم کلکته حواله وتودیع فرموده اند . بعدازانکه آثار مترجمهٔ طبع میشود بکابل فرستاده شده در موقع استفاده وضع میگردد . اعلیحضرت امیر به اینصورت بملت وملت خود در یك مقیاس واسعی خدمت کرده ونام خود را ابدیا احیاوانما نموده اند .

برای امور زراعیهٔ افغانستان ماشینهای نوسیستم زراعت طلب کرده و اهالی بقیمت مناسب درفروختن است . وبدل قیمت آن از زراعت قسط قسط گرفته میشود در کابل چون کارخانه های الکتریك پشمینه بافی وسان بافی . وکاغذ . وآلات جارحه زادیدم حیران شدم . خود را عاداً در اسوبجره) یعنی سوزر لند گمان کردم . بعد از دهسال افغانستان در عمران ومدنیت هندستان را عقب خواهد گذاشت. اعلیحضرت امیر علماء وفضلاء وادباء وارباب تجارت وصنعت را دوست میدارند وبانها بدیده رعایت کرده تشویق وتقدیر میکنند تنها شهر کابل رانی . بلکه همه ایالتهای را که تابع وخراجگذار حکومت افغانستانست نیز گردش کردم . وازنظر گزرانیدم . درهرجا هرچیز نواست . روز بروز بفضل ومعرفت اهالی تنویر فکر میکند . از حرفت وصنایع استفاده میکنند . شهر غزنین) باین فعالیت عمران وقت تحسین خود را خواهد یافت بی احتمال دارد که باز بدرجهٔ کمالی که لایق مدح وستایش شاعر شهیر ایرانی یعنی (فردوسی) گردد واصل خواهد شد . فردوسی این مملکت را بهشت تشبیه داده بود. بحقیقت کهایا مانند بهشت است والحاصل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 384 of 1786

سبیل الرشاد

نمره اخبار مواد آگاریست که در استانبول از طرف رئاست جمعیت علمیه وفقهای سیار رزور ادبیه بزبان ترکی طبع ونشر میشود، این جمعیت برقیت اولانام (صراط المستقیم) یانه اخباری نشر میکردند. اما الان جدیدست که (سبیل الرشاد) صراط المستقیم را تعقیب میکند. مقصد وموضوع این اخبار اسلامی ایلماق وتبلیغ مسلما دانست. از عناصر شریعه واخلاقیه نبوه، وفلسفهٔ دینیه، وحکمت سیاسیهٔ اسلامیه بیک اسلوب بسیار متین بحث میدهد کما آن از بابعالی دیانت توأم الاتحاد وجمعیت برلنه گوریم، وتقدیر میکنیم، وکثرت باذن این گونه اکر فلسفهٔ اسلامیه در همه جهاتی کاملا مها به آن متکفل بسیار آرزو نیاز وقدا میکنیم، اخبار اسلامیت انتشار مرور غلاز اخبار (الغز) که آهم وبی از اخبارهای مدافع ودشمن اسلامیه شمرده میشود، ودر مصر القاهره بلغت عربی طبع ولنه میشود دریکی از نسخه‌های منتشرهٔ خود در زیر عنوان ذیل چنین میکارد:

(ایمیتزها در اعتقاد دین اسلام توانل وله داری میتوانند؟)

درین روزها میتزها بالفعل موجودیت وهمه‌سی وجود خودشان آنیدن‌ها وپاچه هارا وزده بیش از پیش در راه نشر کردن امراسیت پردرم ودسیه ووانطه، حالیکه از دستشان می آید جدیت نشیت میزنند. مکتبها بسیار خانه‌ها در مصر وکیکر بلاد اسلامیه بنا کرده اطفالرا تعلیم آموز وتدادی طلبه کورو ابتدا از ایکان دران قبول میکند. تکیه‌ها باز کرده فقراء وایتام مسلمین را در اتحاد اعظام واکا عوده اعانه کردن میخواهند. کتابها رساله‌ها، اخبار هاشر کرده را بکان هزاران هزار نسخه‌های آنرا درمیدان پراکنده میکند. اما عوام الناس کهان حیله‌های شیطان بسیاهٔ آنها را که بعض رای عمرانی ساختن است در بوات حیله مسلمانی ثبت کرده‌اند.

حالانکه رغم اینهمه سعیها وکوششهای میتزهای نصاری بازدیگر طرف از باب بصیرت وحقیقت‌اگر کروه وهر ملت فوج فوج بدین میین اسلام اعتناء میمایند. این است کشمارا از نمونهای بعض ازانها که در طرف این ماه تحت رضای خودشان بدین مبین اسلام در مصر مشرف شده‌اند خبر میدهیم: (محمد سیلداغ) از اهالی نصاری منیا: (عوض بیلک عریان) از اهالی نصاری قی سوف: (فیلوس محمد شنان افندی) از اشراف قوم انکلیز: جناب (عبدی افندی) از اهالی نصاری اسکندریه که این ذات دایما بحیر میگوید که: (ان الدین عند الله الاسلام) در اثنای توشق این سطرها بودم که یک اعلام شرعی را خواهم که در حضور حاکم محکمهٔ شرعیهٔ (منوف) بودن از زمان نصاری آنجا آمده برضای خود دین اسلام را قبول کرده‌اند. پس معلوم میشود که اسلامیت درسیر طبیعی خود سرراست قطع مراحل میکند. بلی دین هیچ شبهه نیست، زیرا این دین دین فطریت.

مشاریع الاتحاد الاسلامیه

دولتهای اوروپا در قرن بولیتیات در باب استیلای جهان میپرورانند و یکدیگر بوقت، در هدایت اوروپا و بلاد وغیره. دوم جمعیتهای علمیهٔ دینیهٔ کاپیتالیهٔ نصارا تشکیل مانند جمعیت (زمن ورتها) و (لازاریست ها) وغیره. این جمعیت ها بعض رای اصراری ساختن دنیا تشکیل یافته‌اند. تام کاپیتالیست چونکه دولتها نابکوشی امور وتاثیر عظیمی حائز ولی رفته رفته آن شدت تاثیر زایل کردید. تا آنکه سرانجام جمعیت در افتاده. موخراً دولتها راه استفاده را از آن جمعیتها تفکر کرده جمعیت های مذکوره را آله های پیشرفت مقاصد سیاسی خود ساختند.

درسال کزشته علاوه‌یه از طرف جمعیتهای مذکوره در راه نشر تخوم دین نصرانیت صرف میشود. مرکزهای جمعیتهای مذکوره در اوروپاست واز طرف آن جمعیت ها بنام (موسیونر سیانیتیق) پی فرستاده‌میشود هر طرف ما فرستاده میشود. میتزها در جاهائیکه میروند بساعدهٔ حکومتهای آنجا بکلیسا و بکتابخانه باب دوباب مکتب دکور وانات روبنا نموده ظاهراً بانسانیت ومدنیت خدمت کردن وضمناً نصرانیت وبا بولیتیکهٔ هیروانی را که آن منسوب باشند نشر تخوم بکاه موضوع مقصد میشنری را تشکیل میدهد. بزارها هزار کتابها ورساله‌ها واخبار هادر راه نشر مقصود خودشان طبع وراکان را کاه میسازند کارهای کهان جرکومهای شروعه در دنیا را تو سعه‌داده‌یکاه میکروبهای سامویه باعث آورده‌میتوانستند. مقاصدی که اوروپائیها ساعکرده‌اند اهی اقوای تاریخ موجود کرده‌اند. بلکه در بیست سی ملیون نفوس، وبهزارها کیلومتر اراضی چین را باندجه سال پیش ازین بقدوسه میلیون نفوس در زیر استیلای دولت جرمنیه آورد. والحاصل سعیها و کوششهای که این کروه لاینقطعون در هندستان ومصر وممالک عثمانی وافریقا وغیره بکار میبرند شایان حیرتست.

حالانکه از طرف علمای اسلامیه چکاه بهیچ‌چین جمعیتها وفرستاده هائین داده وبکه تحریک وتاخر کنی هیچکشته که به نشر کتابها وفرستادن واعظها در مقابلهٔ آنها کوشش شود. اکرچه میزان ترکی، وانلندرجه بحروارد و کتابهای مقابلهٔ دینیه نوشته شده است که آنهاست قطر را پر میکرد. ولی هزار افسوس که در زبان فارسی هیچ یک کتابی در یکو مقابلهٔ وبیدار بهای امت نوشته نشده است. مادر باب بعدازین یک مقالهٔ مخصوصهٔ خواهیم نوشت که از احوال میتزی ومیشزها آنرا مفصلا معلومات کامله عرض خواهیم کرد. آمادر اینجا اینقدر یک عرض شکرانی را یاد آوری میکنیم که الحمد لله هزار بار الحمدلله در وطن عزیز مقدس ما از فیض دیانت پروری اعلیحضرت پادشاهی این میکروبهای بلا فرجه باید محو ولشده نتوانسته آنها نابود خواهد شد که افسوس حقیقتاً شایان شکران عظیم است. زیرا اگر در وقت حاضر یک نقطهٔ از نقاط روی زمین را این جرثومه‌های بلا خالی نیابیم ما قطعه افغانستان خواهد بود.

خامه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته محمود طرزی

درچاپخانه خانه حروف دارالسلطنه کابل طبع کردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 385 of 1786

مجله (۱) سال دوم شماره (۲)

ذکر آن

ارباب آگاهی ملکی مخصوصاً محصلین عزیزان

علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنة کابل روپیه کابل
در اطراف داخله مملکت
با حوالجات مال ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با حوالجات داده روپیه انگلیزی
پهر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ صدور یکم ذی القعده ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی ۱۳ اکتوبر طرح شمسی ۲۰ میزان ۱۲۹۱

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

ادارهٔ سراج الاخبار و مطبعه

در عمارتخانه دار السلطنة (کابل)
عرض امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمتهای نسخه آنرا کابل یکسانی است

سراج الاخبار از حوادث داخله و خارجیه و سیاسی مقالات مفیده درج میشود

مؤسس بنیان سلطنت سنیهٔ افغانستان مبنیهٔ اتحاد و اتفاقیان از امارت یکانگان خلقان مغفور جنت مکان اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین أمیر عبد الرحمن خان) طاب مثواه ف رضوان تاریخ ولادت (۱۲۸۰ ه) مطابق (۱۲۶۰ ه) تاریخ جلوس بر تخت استقلال ف ممالک افغانستان (۱۲۸۱ ه) مطابق (۱۲۹۷ ه) تاریخ وفات (۱۳۰۱ ه) مطابق (۱۳۱۹ ه)

از آخرین تصویر مرحوم که اتفاق افتاده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 386 of 1786

مطبعه ها ومطبوعات

یکی از چیز هایی که مادر مدنیت وپدر ترقی گفته شود همانا (مطبعه ها) یعنی چاپخانه ها ، و (مطبوعات) یعنی چاپ شدتها میباشد . مثبهٔ علوم وفنون دماغ است. مربی ومرشدآن مطبعه ومطبوعات است . علوم وفنون را قریحه ودماغ تولید میکند . مطبعه ومطبوعات آنرا بزبان می آورد ، وراه روان میکند . علوم وفنون ، گوشه نشین حرمان ونسیانست . مطبعه ومطبوعات آنرا نایل آمال ومشار بالبنان میسازد .

بی بشر بحکمت أزلی خالق بحر وبر از آغاز خلقت بقوه حواس وعقل وذهنی که به أو عطا شده بود به استدراك أشیا واستعلام أمرها به تفکر وتدبر ابتدار ورزیدند . ازهمه پیشتر نظر شانرا فضای نامتناهی سمای نیلگون ودرخشنده کی اجرام بوقلمون جلب نموده درعلوم سماوی بدرجهٔ رسیدند که حواس طبیعیهٔ اجرام سماوی را باطبایع أجسام سفلی تطبیق داده پی استخراجات عجیبهٔ خارق العاده چون ساحری وکاهنی ونجومی را بروی کار آوردند کهسبب نبودن خط درینوقت از انها چیزی باقی نمانده است .

بعد از بسیار زمانها انسانها بفکر این افتادند که مقصد ومرام خود شانرا بواسطهٔ خط وکتابت یکدیگر بفهمانند درتپاب پساختن اشکال حروف مجبور شدند . اشکال مختلفهٔ عجیبه وغریبهٔ ایجاد کردند اما تا بسیار زمانها حروف از خود یك شکل مخصوصی نداشت بلکه هرچیزی را به اشکال آن مینوشتند . وبه این سبب فن رسامی وهیکلتراشی پیشتر از خط وکتابت بظهور آمده است . مثلا اگر میخواستند که نام یکی از بزرگان ونیاکان خودرا برای باقی ماندن به أخلاف شان بنویسند شکل وصورت آنرا از سنگ میتراشیدند . ویا بر سنگ رسم میکردند .

اشکال حروف خیلی پسانها بمیدان برامده . وهرملت وهر قوم در هر بتعه وهر زمان جداگانه اشکال حروف برای خودشان ایجاد کرده اند . ولی چون آلات وأدواتی که آن اشکال بران نوشته شود مفقود بود بر سنگها وخشتها نوشتند بسیار پسانها ایجادورق از تربیه کردن برگهای بعضی درختان برگ بزرگ مانند (پاپیروس) و (کیله) وبعد از ان از پوست حیوانات بظهور آمد .

حالا تصور بفرمائید که درانوقت ها تاچه درجه علوم وفنون مفقود ، ومحدود بوده خواهد بود ! یك شخصی که یك کتابی یا یکچندورق از پوست یا برگ درخت را مالك میبود انشخص مرجع عمومی شده حکیم یگانه فیلسوف فرزانه شمرده میشد .

رفته رفته کاغذ ایجاد گردید باز هم علم وفن عمومی نشد . زیرا بدست آوردن کاغذ ، ونویسندهٔ که کتابی را بنویسد از امور بسیار دشواری شمرده میشد . تا آنکه در سنهٔ (۱۴۴۰) میلادی از طرف موجد شهیر فن طباعت (گوتنبرغ) نام یك اسیتزادهٔ جرمنی فن طباعت اول بار ایجاد گردید . این ایجاد ، علم وفن را ترقی بخشیدواز انحصار وخصوصیت بیرون بر آورده مبذول وعمومی ساخت . از هنگام عمومی شدن علوم وفنون عالم یك عالم دیگری شده است ، وبشریت یك مرتبهٔ برتری پیدا کرده است!

ازین مقدمات چنین یك نتیجهٔ استخراج میشود : که ترقی وعمران ومدنیت دنیا وبشریت بعلم وفن منوط است وترقی ووسعت وتعمیم علم وفن بوجود مطبعه ها ومطبوعات مربوط است . لهذا اگر مطبعه ومطبوعات را پدرومادر علم وفن ، وعلم وفن را موجد مدنیت وعمران بگوئیم مخالف منطق چیزی نگفته خواهیم بود .

دروطن عزیزمقدس ما افغانستان ازمطبعه ومطبوعات پیش ازین هیچیك نام ونشانی موجود نبود . اگرچه در زمان أمیر اسبق مرحوم (شیر علیخان) یك پایه ماشین (په رس) ماشینهای اول بار در کابل آورده شده تمکت داك وبعضی مطبوعات دران طبع شده است ولی هیچیك أثری از آثار آن مطبعه پدیدار نیست . بازدر زمان خاقان جنت مکان اعلیحضرت (ضیاءالملة والدین) درپایتخت تیاس واسی اساس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 387 of 1786

مطبعهٔ لیتوگرافی یعنی چاپ سنگی وضع گردید. ولی مطبوعات آن مطبعه منحصر بر طبع کردن مکوکات دولتی وبعضی اشتهارات وتکت وغیره مانده بود.

عصر فرخنده کی حضرت اعلیحضرت (سراج الملت والدین) پادشاه خردمندبادانش عدالت آئین بزرگ مقدس ما هزاران أبواب فیض ورحمت، وأنواع آثار ترقی ومدنیت را در مملکت افغان وروح ملت افغان باز وبنیاد فرموده که از انجمله یکی مسئلهٔ مهمهٔ مطبعه ومطبوعات است. چنانچه مطبعه لیتوگرافی خواه ازجهت افزونی ماشینها وخواه تحریک آن بقوهٔ بخار خیلی ازخیلی ترقی ووسعت پیدا کرده همچنان یك مطبعهٔ بزرگ تیپوگرافی یعنی چاپ حروفات که اساس آن نیز بقوت بخار حرکت میکند سر از نو تأسیس وبنیاد یافته است. حروفات وافری نیز خواسته شده برای ترقی وتوسیع علم ومعرفت یك شهراه بزرگ خیر وسعادت باز شده است.

ذات اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب معظم مایك پادشاه جامع الکمالات بافضل وصرفاً یست که از هر علم وفن وحرفهٔ مزایای هنر وسخن واقف ودانا میباشند. چنانچه برای رفع هرگونه احتیاجات مملکت شاهانهٔ شان ماشینهای گوناگون آسلمه وبافندگی والکتریك وغیره رامیسیا فرموده‌اند این است که برای استحصال محصولات علمیه وفنیه که احتیاج اشیای محتاج الیه مملکت شمرده میشود این ماشین مطبعهٔ تیپوگرافی را تأسیس وبنیاد فرمودند. حقیقتاً که این مؤسسه یکی از آثار بسیار مهمهٔ این زمان سعد اقتران سلطنت سنیهٔ سراجیه شمرده میشود.

مطبعهٔ سر چشمهٔ معرفت است. مطبوعات بآب سلسبیل آسائیست که ازان سرچشمهٔ معرفت درجریانست. وأذهان أهالی مزرعه هائیست که از ان آب ایساری میتوانند.

مطبوعات، چیزهای چاپ شدنیست که عبارت از کتابها، ورساله هاومجموعه ها، واخبارهای دینی فنی علمی أدبی أخلاقی سیاسی واجتماعی وغیره میباشند. اهمترین عالم مطبوعات (أخبار) هاست در وقت حاضر در هر طرف عالم مدنیت زبان أخبار ها آنقدر عام شده است که یا بالذات ویا بالواسطه هیچ کوشی نخواهد بود که صدای آنرا نشنیده باشد وهیچ شکلی نخواهد بود که زبان آنرا نفهمیده باشد!

از قرار یك استاتستیك یعنی جدول های حسابی ـ که در یکی از المانافهای پارساله دیده شده در تمام دنیا (۶۰۰۰۰) نوع اخبار یومی و هفته یی، ودوهفته یی دو معرض انتشار میدراید پس یك چیزی که به ایندرجه تعمیم کرده باشد آیا فائده ومنفعت آن تنها عبارت از یك وقت گذرانی وساعت تیری خالی شمرده خواهد شد. حاشا! اگر اینچنین میبود اخبارها باینقدرجه مقبول خاص وعام نمیشد. وظیفهٔ یگانهٔ اخبارها اینست که مسائل سیاسیه أدبیه، فنیه، تجاریه، صناعیه، وخبرهای مختلفهٔ عالم را در پیشگاه نظر عموی عرض وبیان نماید. اما اگر گفته شود که این وظیفه ها را کتابهای مخصوصهٔ آن هانیز بجا آورده میتواند حاجت به اخبار چیست؟ گفته میشود که بلی! کتابها نیز این وظیفه را ایفا کرده میتوانند ولی بصورت بسیار ناقص ومحدود. زیرا اگر این مسایل در کتب مخصوصهٔ آن درج کردد البته که آن کتابها راهمان کسانی میخوانند ومیخرند که از أرباب همان علم وفن باشند بلکه همان ارباب آن نیزممکن است که بسبب گرانقیمتی کتاب ومفلسی خود از بدست آوردن آن محروم بمانند.

اما چون أخبار نسبت به قیمت کتاب ارزان بلکه رایگانست هرکس ازان استفاده کرده میتواند. واگر از ژوی خریداری آنرهم نداشته باشند یازهم چون دریك قهوه خانه، ویا یك کلوب روندانیه بر سر میزیکه پیش آن بنشینند یك اخباری می یابند که بمقابل یك پیاله قهوهٔ که نوشند بر ایگان آنرا بخوانند. حتی اگر خواننده نباشند هم بشنیدن آن فایده میبردارند.

واگر گفته شود که کتبخانه های عمومی که از هر رقم کتابها دارد بجای اخبار ها قایم شده میتواند. اینهم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 388 of 1786

درست نیست . زیرا حوادث ومسایلی که دراخبارها نشر میشود جدا جدا وبصورت وجیز ومفید درج میشود و تنها از یك رقم سخن نی بلکه رقم رقم سخنان را جامع میباشد که به ایتسب خواندن ومطالعهٔ آن انسانرا دلتنگ ودق نمیسازد . ووقت انسان نیز ضایع نمیشود . چونکه در کم وقت از بسیار چیزها با خبر میگردد . حالا آنکه مطالعهٔ کتابها در کتبخانه ها هیچگاه این آسانی را نشان داده نمیتواند . دیگر اینکه حوادث سیاسیه وتجاربه هر روز تبدیل میباید که اگر اینچیزها بشکل کتاب نوشته شود در وقت معین آن نمیرسد وبه اینسبب موجب ضایع فوایدمیگردد . مسایل سیاسیه اگرچه تنها برای ارباب آن بکار است ولی اگر آن مسایل دراخبارها نشر نشود، وهرکس از حقیقت آن با خبر نشود بصورتهای گوناگون ازافکار های بوقلمون شایع گردیده موجب تخدیش ذهنهای مردمان میگردد . لهذا نشر نمودن آن برای عموم افراد لازم دیده میشود . با خبری از مسایل فنیه واخلاقیه وادبیه وغیره نیز برای همه کس لازم است . حالا آنکه هرکس برای تحصیل آنها وقت واقتدار ندارد . این است که اخبارها

جناب مآب افخم سردار اکرم حضرت والا شمس السلطنه صاحب سردار (عمر آقا خان) برادر کبیر اعلیحضرت شاه والا جاه

نایب حکومت ولایت ایران (۱۲۸۱ ه.ق)

این مانع عظیم را از پیش روی مطالعه کننده آن خودبر میدارد . وآهسته آهسته انسانرا بر مسایل فنیه وأدبیه آگاه میسازد . وذوق وشوق خواننده آن خودرا بسوی تحصیل آنها جلب وجذب مینماید . ودر کمتر از بسیار چیزها انسانرا با خبر میگرداند .

والحاصل مطبعه ها ومطبوعات [illegible] وسایل ووسایطیست که برای ترقیٔ مدنیت ضروریست میکند . لهذا ذات مکارم صفات اعلیحضرت پادشاه [illegible] که بواسطهٔ قلوب ما که درباب تهیه وتدارك همه أسباب [illegible] نیت بهر گونه وسایل ووسایط بالفایده وبر منفعت همت جهانبیت شاهانه را مصروف داشته ومیدارند ایضاً مطبعه ومطبوعات را نیز که مهمترین أسباب بیداریها وباخبریها میباشد تأمین وتأسیس فرموده أبواب فیوضات علم وعرفان را بر ملت وملت شاهانهٔ شان باز فرمودند .

غیر ازین یك باب مدرسهٔ زینکوگرافی نیز تأسیس فرموده . مسألهٔ نشر شدن آثار مصورهٔ مطبوعه را نیز تأمین نمودند که آثار مطبوعهٔ مصوره عالم مطبوعات را یك زینت وروئق دیگری میبخشد ، ویك تجسم وزندگی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 389 of 1786

معلومهٔ میدهد . حتیٰ تا که صنعت زینکوگرافی ازچنان اختراعات مهمهٔ فن عکاسی وطبع شمرده میشود که عالم وقتون بواسطهٔ آن یك حیات تازهٔ پیدا کرده است مشاقهٔ

هر وقتی یك شاعد تا زبن جهة تبین پردهٔ صنعت وهجاست که قلم ارباب قلم آرا هر علت کرده بنظرگاه مشتاقانهٔ ارباب عرفان جلوه گرمیسازد ولی هرر آ گر هزار یالاکی بکار برده بازهم بشود یك لوحهٔ زینکوگرافی در انسان مناظر واشواج حقایق خدمت کرده نیتواند . مثلا محرر تا میتواند در تعریف . وتبیین یك شکل وتمایل بقلم کوشش میورزد وازاویهٔ وجهه . واوصاف اعضای بدیعهٔ آن تا میتواند بحث غریب بیان میکند . ولی صنعت عکاسی وبازدر عکاسی زینکوگرافی آن شکل وتمایل را مجسم کامعو نشان میدهد . علی الخصوص الخصوص در اعلانهای تجارتی خدمت زینکوگرافی ازحدافزونست اما باز هم آن صنعت بغیر از قوهٔ قلم محرر هیچ کاره نیتواند وهمچون نقش دیواری میماند

و الحاصل هر وقتی مطبعه و مطبوعات محرری وزینکوگرافی مصوری وعکاسی ، درمقام مدنیت عصر حاضر برای ترقی جهان دست اتفاق وعهد ودادیم دادند که هیچ یکدم ازعهدیگرخود شان جدانشده نیتوانند . واز معاونت یکدیگر ابدا ندارند !

این است که از فیوضات همان اعلیحضرت پادشاه عرفان پناه مقدس ما همه این فضای ترقی وتمدن را وطن مقدس ما(افغانستان) مظهر شده است . حالا به این یك قطعهٔ دو بابه از لسان حال (زینکوگرافی) ختم مقاله میمایم .

(قطعه)

زینکوگرافی گوید با یك لسان حال

بایده دار پا رب این شاه ملك الفخار

در عصر پادشاهی من آمدم به (کابل)

کی بست حال وماندند خلق هر دو سان

یکپاره معدن او بن فیست دولکی

از فیض پادشاهی کوم سعی چو سادان

ای پادشاه اعظم خواهم ز لطف عامت

زینکوگرافی کرده یك صنعت نمایان

حوادث داخلیه

ازجانب سرنگران اداره مبارکه سراج الاخبار افغانیه برای مدیروسرمحرر اداره موصوفه خبرداده میشود که کوایف ذیل را نشالله تعالی عیناًدرج روزنامه مبارکه سراج الاخبار نمایند اینکه

۱ — مالیحضرت رشادت همراه محمد نادر خان جرنیل حضور انور کامگاری تهنیت وتبریك طایفه منگل وهزاره ازحضور مبارك اعلیحضرت والاتبار ومامور گردیده همراهان شان فوج مکمل عازم وروبنا آنصوب گردیده بود بدست یاری فضل ازلی حل سلطانه در آنجارفته باصول درست وسررشته مناسب انتظام امورات آنولایرا نموده بتاج وفیروزی وکامیابی ازانجا مراجعت نموده چنانچه درآتی فواید انتظامات مذکور نتیجه های نیك خواهد بخشید روز دوشنبه ۲۷ ماه شریف رمضان واردبار السلطنه کابل گردید خود جرنیل صاحب موصوف وغلری منصبداران ماتحت او وعلماء طلاب واشواج غازی امواج همراه شان بود عافیت وخیریت روز مذکور بدارالسلطنه رسیدند ازمردم ریاست شهری باستقبال بادران نظامی خود رفته درسین آنها کامیابی شان خوشی های زیاد وغلوی سادی نامعودند وفرار قاعده طرزه موازی یازده ضرب توپ سلامی برای غازی الزالانی تیرشیر پور ازیا تیك توپ جاشت زده میشود فرشد وغری نظامی که همراه جرنیل صاحب رفته بودند چون بحد چوك های خود رسیدند چون ازدور اردل های حضور انور یادشت وازاردل حضور یادشت وازقدر کوتوال ومهار السلطنه علاوه یادشت برای خدمت مزبور رفته بودند باقی غری نفرشان کمرکابل بخدمت چوك بحد چوك های خود برادمقرار سررشته انتظامیای سلامی را بذوق تمام نموده هرسه مذکر همراه قدرهوه یکماندده داخل چوك های خودشدند جرنیل صاحب موصوف همراه غری منصبداران ماتحت خود بحضور مبارك اعلیحضرت والا حاضرشده شرف ادای پوس حضور مبارك را حاصل نمودند حضور انور والا ازروی عنایت مرگدام از منصبداران را گدیست چوشان مشرف میشدند یادفعه زیادست مبارك را بسروری شان گذیده نوازش ومهربانی می فرمودند حضورانورواعلا بعدازانکه جرنیل موصوف وغری منصبداران بدست بوس مبارك مشرف شدند زبان مبارك چنین بیان واضح فرمودند — صورت اتی هاوی اینکه — (من ازخدمت شماخوش شدم خداوند ازشماها خورسند باشد وهمدر واندازه که من ازحضور ازشماها خوش باشد من هم همان قدر خوش میباشم انشالله تعالی بعدازعود سررشته کارهای شماخواهد شد(در بالایاد تعمیل داده میشود درموقع آنکه خواهدشد) بعدازان جرنیل حضور وباقی غری منصبداران راامرخص فرمودند — چون ازحضور مبارك مرخص شدند باقی خدام حضور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 390 of 1786

کابحضور مبارک حاضر وازسلامه چوندیهراه تمری منصدران خدمتی مشکل بان کمپنی‌ها ومعاملات بحمت های تمام‌نمودند بسیار بلاقات همدیگر دوقوه خوشی وگرمجوشی‌های زیادکردند وقرارداد تمری منصدران مذکور درکوئل مهمانخانه آن بسیار مکلف‌طبع وآماده شدوبعد ازتمری مذکور تناول نمودند وگل‌تمری نوشی وغیره کارهاست مشکل رفتنوند حل‌میشها وغیره وغیره مکملا همان سرکاری درهمان شب خوردند وقا تمری صبح مشکل واحد زائدوغیره وغیره برای سلام حضور مبارک ودستور رفتنهای وغیره ازمشکان ومتمرین وپسران شان وغیره آن که بهمراه جرنیل صاحب موصوف آمده‌اند مزاری ۲۰ سابو بیست وهشت تمری شوند فقط

تمری سر تکران

تکرمیکوم وبیان میکوم مدارداجات قدرته بوجود مسعود این جنین شهریار رؤف که باوجود ازغلب این چنین معاصی وجرأت این‌خلق بزرگ که ازعموم نقان مشکل مدور ملت هیچ‌گاهی حضور مبارک بادشاه محبوب القلوبنا وقبله نجوارها روادار استرسال وذلل وی نوسس آنچنان مردمان خدا بیشه نبوده وندانند بارها ازآن مبارک مسموع خاص وعام افتاده کهبزه ازاند مردم‌نواز نظامی ومملکی کاشارت بتاج‌وتخت طایفه‌ای واشیصاف شان‌وابلاغ اموال شان‌نا بدر ذاتی آنقوم که عزت باقی اقرار شوه قسمهای کامل توبه ازبرای اثبات عرض حضور وسایبه جوند چون فرموده شده که من‌روادار نقان واشیصاف وی نوسس هیچ یک ازاقوام افغانستان نمی‌شوم وبدخواهزن‌های شان‌واشخاص کهبالفعل‌شان‌اسارت وین‌بندگی راجاز نمی‌دانم وابتنک توبه وندامت‌را ازانجاب نپسندیده خود عذرخواه بیارند باوجود غدرت دورا بهتر میدانم وعفو می‌کنم چنانچه حسب‌نیت مبارک درباره آن خطا کاران وبدوشان ازجرایم آنهاد کاران‌زده آنچنان‌غدرت کهغدرت ازقدرت آنچنان اقوام‌بعیداند کازهرطرف‌قریه‌جات‌مردمهای‌راچون‌حالفاکنتر درمیان گرفته‌بودند وجمعیت واتفاق‌جمیع اقوام افغانستان کهازابلاء دور وزدرات هزارها فرازهزارو وازهرطایفه ازبرای سرزدن طایفه یاقریه یاقوق وخودها عن خودها عزم جزم نموده روبرای آنطرف شده یاقریه‌زمین شارا رآنها تنگ ساخته چنانچه چون مردم یاسرکار توبه وندامت وخدمات خود هارا عذر خواه آوردند اعلیحضرت والاهتو وغفارش‌را شامل حال‌شان فرموده ازسرجرم وخطای شان درگذشتند حال میگوم کهاگر اهالی‌ملت افغانستان غافل ازفکر این نعمت عظما وفضل ومرحمت حضرت صمدیت واجب‌الوجود جل‌سلطانه که عبارت ازوجود مسعود وذات مقدس این‌چنین شهریار رؤف ورحیم باشدغافل نماند

وفقره ازبیان فرو نگذارند آیادای یک شکررا ازهزار گرده‌اند نتوانند کهادای یک‌شکررا ازهزار نمیتوانم زبان سعادت ملت ودولت افغانستان سزاوار است که رجوع مال نام غیر والتزاز بدر داشتن این‌چنین پادشاه مهربان راکنند الی‌یوم یادشاه‌ما فقط

روزدوم سعید مبارکه‌فطر اعلیحضرت همایون بعزمت سواری‌گاهی وتمری متمرین وخوانین واعیان هر حضور بهرکلاب مبارک سواری گذی‌ها بدوجوع یاد روز دیده ابای تازه‌ید موسوف تاپوروان ازای‌مسجد‌تابع عیدگاه شدندوبرمسجد موسوف ادای‌نمازعیدرا نمودوبعد نماز پادشاه‌وخرد‌وکلان صاحبان وخدامای کابلیه ودردهای‌بزرگ که بادشوه — که ازدیدن جمعیت مذکور وازشنیدن نعره‌های افتخار خداوندی دلها از خوشی‌های زیاد می‌اید وبدن موی راست می‌خواست کهاین هر ساعت وهرلحه چنین بودی — بعدازفراغ ادای نمازواین مراسمیت فرموده رونق افزای‌سلامخانه بادشدن وازانجابالتمای کل تمری حیاتالمای نمازجمعه درمسجد خاص‌داخل ارگ مبارک تشریف‌فرمانشده ادای‌فرض نمازجمعه‌را نمودند بعدازان واپس‌رونق افزای‌سلام‌خانه موصوفه شدند وقرار — رشتاسفرنامه بعدازادای نمازعید سواری یکصد و پانصدضرب توپ‌صدا تشریف‌فرمای‌بالاحضار شاهانه بدربار سلام‌خانه سواری سی‌وشش ضربتوپ فیرگردیدند وازدای تمری مذکور که درسلام خانه‌عام جهانسلام حضور حاضر جمعد وتعداد شان بیهزار نفرمیرسیدوبالطاف‌عام وفوقانه وشیرینی سرشاردست واپسول مرحوم یافتند پس‌از تناول طعام وبوده وبای وغیره وگرفتن شیرینی‌مرخص مذکور مرخص شدندوبرگشتند — روزدوم عیدمصرف تمری‌خوانین‌دیاری وغیره‌جای جانبهای نائب‌السلطنه صاحب جرنیلاکبر حضورهای ممدوح برای الطرف قریه اترف جانبهای ممدوح آن وبوده وبره وبای وشیرینی برای کل تمری دادشدند بعدازفراغ سلام وتناول آن وشیرینی وغیره مرخص شدند —

روزسیوم عید کهتجارت ازروزیکشنبه‌جمادی‌الثانیه حضورانور همایون معهذا عاص حضور رونق افزای کوئل زین‌العمارات سری جناب نائب‌السلطنه صاحب بقسم غیررسمی شدند وشب‌دوشنبه ۴ماه‌مذکور الی‌فصل‌بلندیه شب‌در کوئل زین‌العمارات تشریف داشتن وبعد بلندیه شب ازانجا مراجعت فرموده‌رونق افزای کوئل‌اندر شدندفقط مضمون فوق‌رادرج‌سراج الاخبار افغانیه‌می‌نمایند فقط تحریروم شنبه ۹ماه شوال‌المکرم سنه ۱۳۳۰

(نقل احمد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 391 of 1786

جوائد خارجیه

راه آهن دیل

در اخبار اتازید الغرا خوانده شد .

لورد (گرزن) حاکم سابق هندوستان راه آهن دیل که ممالک فارس را بکلیه بحدودهند متصل میشود افتتاح و تشیید شدنی کرده گفته است که بایان راه آهن مزیت اهالستان زایل میشود وقیمة موقع آن از اعتبار میافتد .وهم حدود هندرا عریه درزیر خطری افتد . لورد (مورلی) جواب گفته است که الیته حکومت برطانیا تعهد امتیاز این راه آهنرا بشرکتی که این خطرا تمدید کردن میخواهد نخواهد داد .

مغولستان

اوروپائیا مملکتهای شرقرا چسان استیلا میکنند ؟

در اخبار انوار تتار (سبیل الرشاد) خوانده شد

درما بین روس ومغولستان یك معاهده بانه که مبنی برپنج فقرهٔ ذیلست عقد گردیده است :(۱) حکومت روس ، مغولستان را بقبایل احتیاجات اجنبیهٔ که داوطلبی دیده شود مداخله میکند (۲) حکومت روسی درجمیع معاملاتهٔ حکومت چین بامور داخلیهٔ مغولستان کوشش میورزد (۳) مغولستان در عهده میگیرد که غیر ازروس ازدیگر دولتها قرض نگیرد (۴) حکومت روس برای قره داشتن قرون طبیعیهٔ مملکت مغولستان حقوق خصوصیهٔ را دارا میباشد (۵) حق ساختن راههای آهنی درتمام مغولستان وملحقات آن تنها بروس داده میشود .

استعمال مسکرات در ممالک روس

این هم :

درممالک روسی درسنهٔ (۱۹۰۸) تنها ازشراب مسکری که عرق روسی میگویندش بقیمت هفت صد وهفتاد وچار ملیون — (۷۷۴۰۰۰۰۰) روبل نوشیده شده که (۸۶) ملیون پیاست .درظرف یکسال درتمام ممالک روس عدد اشخاصی که از شراب خوری یعنی به (داء الکحول) مرده اند للتوسیز ده هزار وهشت صد وسی وپنج نفر آدم است . وعدد کسانیکه بسبب شراب نوشی بمرضهای عیرقابل مداوی گرفتار آمده اند بیست وشش هزار ویکصد وهفتاد وهشت نفراست .عدد کسانیکه از علت شرابنوشی بشفاخانه ها برای مداوی درآمده اند هفتاد ویکهزار وهفتصد وچهل وشه آدم است . کسانیکه بسبب آن امراضات برص جنون گرفتار آمده اند هفتهزار وچارصد وسی وچار آدم میباشد .

درپتاپیتسك — یعنی جدول حساب — نفس (پترسبورك) درهزار سی نفط ازشراب نوشی وفات می یابند . پس اگر بنظر حقیقت ملاحظه شود امتیازات روسیا نیکدرجه خاص میشود که چه منجر خواهد شد ! مسلمانان باید که قدر وقیمت شریعت غرای محمدیرا بشناسند برای حرام بودن خمر زیاده ازین دلیل چسان خوب وپسندیده شمرده میشود .

احوال ایران

روزنامهٔ حبل المتین (کلکته) درنمرهٔ ۱۲ سال بیستم خود ازقتل آقا میرزا محمد مدرس ثقة الاسلام مشهد بابری کهازعلمای نام ومجتهدین عظام ملت خود بودند ودرروز عاشورای ماه محرم بالحرام علمالسنه روسیا پدارش کشیده اند تفصیلات داده مینویسد :

(درثبوت وحشت کاریهای روس درقتل ثقة الاسلام وشیخ سلیم وشیخ العلماء وصادق خان وچهار نفر دیگر ازاعضای انجمن ایالتی تبریز کهاز ظهر عاشوری بدار زده اند بالاتر از عکسهائی چیست که پروفیسر برون برای جراید انگلستان فرستاده وملخص مراتبها بخلاصه نگارش دیر منچستر گاردین مورخه ۱۳ آگست اکتبا نموده درموقع خودشرح واثر آن رادراین دیرمه کور مینویسد کهچهار عکس قصابیهای روسیارا که پروفیسر برون برای ما فرستاده چنانچه خودش هم نگاشته خیلی دهشت ناك ونفرت انگیز است اولا دیدن یکچندان بایکدار معلق ازهر کوچه مالیه است ـ دیدن امور هشت نفر احرار تبریز که ماعدا مجتهد بزرگ ثقة الاسلام نیز موجوداست — دیگر عکسی است کهاورا پا تویده وسراورا جدا ساخته ومجدداً مانند کوسفند به تنش تو بخته اند سوم عکسی است که زمین افتاده وسینه اش خنجری زده شده چهارم عکسی است کهدارای نصف جسم وصلیب است. وبیان میشود کهحسب الحکم اورا شقه نموده اند — ازان نتواند حسن که جای هیچ گونه شبه وتردیدی برای احدی باقی نمی گذارد بخوبی مقاصد روس معلوم میگردد)

مزاج الاجتماعیه

میگویند که سبب یگانهٔ این اعمال شنیعهٔ وحشیانهٔ روسیا کهتبریز .وهنگامیکه درمشهدمقدس اجرا کردند این است کهملت مارا بهیجان وجوش وخروش فراوانی آورده باخود برسرجنگ آرند وبایصورت (طهران) راه آسانی ضبط نموده مقصدیکه درباب اسارت همنایان دارند روی کار آرند .

ازمطالعهٔ این حادثات اگرچه هیچ مناسبتی دربنا نهاردولی چون تصور حسیات حالی شمرده میشود فکرازترجمان آن صرف نظر نتوانست: قبل ازبیست وپنج سی سالی کهبارقرارداد عمومی همنولیا قانون اتو اسارت وضع پرده فروشی وضع گردیده درممالک عثمانی از اطبق گردیدهرد ماجز توپ آتشدهات دیده وشنیده ونخوندیده اورویا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 392 of 1786

چشم باز کرده بوده ، چون این انسانیت پروری و حقانیت گستری اورو با را در تعاقب اوراق حوادث مطالعه میکردم پادشاهی احترام وتکریم عظیمی به آن مدنیت میرود ، اینها را سبب اتم از استدراک شقاوت شان عاجز بوده و نیتوانست و از چون از حوادث تنبیهات صاعقه عمومی ، و سر رشته های ترقیات عمومی در قبضه تلاقی حیرتها میشدم ، وجدان مدنیت بالاتر از آنکه بیک نظر مأیوس والیاه میشکستم ، حالا چون می بینم حکماً منظماً کره ومونی عبدالعالی کدر بلاد طالق آرا موانده بوده در چنین نظر و تجسم میکند ، مگر آن انسانیت پرور ده یا صد ورده برای برده ساختن ملیونها برده بود ؟ و آن صاحب عمومی برای این خونریزیهای خصوصی بود ؟ و در زیر پردهٔ آن مدنیت هزارها دامهای وحشت گسترده شده بود ؟...

افکار تأثر آلی ابتدا و بغاوت متکل

همس ممزما اخبار روزانه (وطن) در نمبرهٔ مورخهٔ ۲۰ اگست خویش مضمون دور و دراز از اخبار (تایز آف انڈیا) کدر هندی باعث انگیزی طرح و نشر میشود در باب بغاوت (متکل) نشر کرده کما از نقل همهٔ آن صرف نظر نموده تنها از معنی غلط ساختار آن بیان میکنیم ، و در اینباب بدفع معنی غلط فهمیهای بی اصل و اساس و شبهه های دور از قیاس شان کوشش میورزیم :

اخبار تایز آف انڈیا در اول اصرار از تحریرات سابقهٔ خود کدر باب پی بار گیری اردو و تعطیل یافتن حرکات عسکری افغانستان در نمبرهای سابقهٔ خود نوشته بوده تحت کرده میگوید : ((چیزیکه پیش از این درباب عدم پیشرفت اردوی افغانستان ظاهر کرده شده بود ، یکدیگر سبب هم بود که آنهم دو وجوه بود : یکی مقصد الحادین الاقوامی دیگری عدم اعتماد بر انواع باقاعده یعنی عساکر منظمه — درخصوص سبب اول بیان کرده شده بود که کارکنان دارئ سازش حکومت کابل غالباً همین خیالداشت کابن امرائی فرمانروای اسلام سزاوار نیست که در بلاهای مسلمانان جیره خوار دولت خود را (بجیر کننده مسلمانان) مشهور سازد ، و همین خاطر از زمان افغانستان بجای سپاه جماعت ملاها روانه کرده شده بود که غلط کاریهای پادشاه بپذیرد و اصلاح کرده بطرف اطاعت فرمانروای خود مایل گرداند ، اما چون حزب روسای مذکوره کارگر نشد سپاه افغانی را بآهستگی قدم بقدم کوههای متکل سوق نمودند و طریقیکه از سپاه افغانی کارگر شده هرکس به آسانی تمام معلوم کرده میتواند که از باب حل و عقد افغانی را برسپاه مذکور چه درجه بی اعتمادی موجود بود)) .

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال اشتیاق دو نمبر آرامی هوش دردم نقوحات اخبار تأثر آف انڈیا را از سر تا پا شنیده یکان یکانرا تصحیح و تعدیل و تردید مینماید :

جناب تایز آف انڈیا به تخمینات و قیاسات خودشان خطا کرده اند اولا خوف و رعب حکومت افغانستان از عدم باز برداری نشان داده بودند ، و چون باز برداری عدم تملک وجوه پیدا کرده غنایم آن پیدان را مجبور شان مجبور گردید که خود شان سمن خود را واپس بگیرند ، لهذا آرا غلی کرده دو سبب دیگری اختراع فرمودند ، مسئلهٔ اتحاد بین الاقوامی را بادعدم اعتماد حکومت بر عسکر منظمهٔ خودش مخرج نموده یک خلیطهٔ غیر متجانس ساخته ، از یک طرف از اتحاد بین الاقوامی بحث رانده واز دیگر طرف بقدرکی عظیم قوم و ملت یعنی صنف عسکری خود همان قوم و ملت را از پارهٔ اتحاد و اتفاق بیرون راندن چقدر غیر متجانس و ضد همدیگر افتاده است ، آیا عساکر منظمه افغانستان را از دیگر قوم و ملت فرض و تخمین فرموده اند که آنرا از پارهٔ اتحاد بین الاقوامی و زمرهٔ معتمدین جنس و هم ملی بیرون کرده اند ؟ اگرچنین گمان و تخمین کرده باشند بیوزیم کدانکار نداریم صحیح نموده یکوئیم که عساکر منظمهٔ بقواعد افغانستان از خود قوم و ملت پادشاه افغانستان است ، پادشاه افغانستان و سر لشکر بزرگ همهٔ اردوهای افغانستان یعنی اعلیحضرت (سراج الملة والدین) (امیر حبیب الله خان) عساکر شاهانهٔ خود را اولاد خود میداند و اولاد خطاب میفرماید ، عسکر پادشاه خود را پدر مشفق و پیشوای مقدس خود میشناسد ، پارتی ها و فرقه های سازشی در حکومت افغانستان و در افغانستان موجود نیست .

درین فقرهٔ اخبار موصوف این قدر سخن را قابل تصحیح دیده ، مثلاً در فقرهٔ دوم آن که در زیر عنوان (سیل انکاری) نوشته اند اصلاً نظر نموده برای روشن ساختن حقیقت و اصلاح تحریرات شان کوشش ورزیم ، در فقرهٔ شان سه قطعه جلب نظر دقت میکند که یکی قابل تصحیح ، و یکی لایق تردید ، و سیوم سزاوار تأویل است .

آنکه قابل تصحیح است این است که میفرمایند :— سیل انکاری ازین ثابت میشود که از وقتیکه فوج فرستاده شد وقت آخر در جنگ شریک نشد و چون برف موقع به فوج مذکور برای جمع کردن و در (انور) حکم داده شد سپاهیان فوج چنان بنظمی انداخته که در بودن اعتماد در انها هیچ شائبه و شبهه باقی نماند))

درین باب انقدر گفته میتوانیم کهاولا هیچ جزئی که از طرف شان برای نامه نگار (تایز آف انڈیا) محاربه از (آبی) تا به افغانستان اختیار زحمت فرموده نشر یف آورده بودند ، آدم خیلی بی دل و بی جرأت بوده است که هیچوجه محاربه نکرده نشده است ، و از جاهای بسیار دوری پهان قدر شنیده گپهای که از کدام رهگذری مانند خود یکجزی گرفته کتابورزیده مطابق رای جناب (تایز آف انڈیا) جریده است .

غلط دوم قابل تردید است که میگوید : « ساکم خوست بالی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 393 of 1786

فساد بود مسئول شده درقدغنه کابل مقید کرده شده، حالا آنکه حاکم خوست ساغر را اگر ذره بین بیندازند درهیچیکی از تپه غنه های ملکی وعسکری کابل نخواهد یافت . بلکه اگر یابند یا در غله اش و یا در روزهای دربار بالو پنبور معرسیش در سلام غنه خواهند یافت

نقطهٔ سوم سزاوار تأویل است که می فرمایند: بالنتیجه قرایل بالمره فتح کلی حاصل شد ، بل فتح کلی حاصل شد اما برفکرها و خیالهای بعضی تبرداکیرانی که خرب را ازترقی ، حتی شرقرا نیز برخودشرقی تجلادی وقصابی تحریک وتشویق میکنند هزار افسوس که هردمان متمدن ما درین اوقات از شنیدن خبر های

شاه زاده جوان تخت معظم (معین السلطنه مرید عنایت الله خان) برادر کوچک اولاد علیات شاه افغانستان آمیر حبیب الله خان

حوتریزی خودبدن میلاردهای خون آمیز استفاده نسیم وصر میکنند ، وچون ازکنارق خبرهای خونریزی بشنوند قوت رابخود داده درصور وتعریف آن دادسخن طرازیها را میدهند ، وبسیاریکه ازصلح ومسالمت خوی نشیمند بیات کرده باس وتأمیدی اشاره بنای علمها وکتابخانها میکنند ، زیرا آنها ازدرامهای فاجعه انگیز کشته شدن مسلمانها دست یکدیگر شان راتنها وحدتها وقایدها میدانند .

۲

حالا بیائیم برنقرهٔ سوم که بعنوان (جوش اتحاد اسلامی) مینویسد درین فقرهٔ خودجناب (پاپز آف اپنها) ازوهم وخیالات

"عمومی که برای اوروپا ازمسئلهٔ (اتحاد اسلام) حاصل شده است بیانقلب دیگری بیان میکند ، وافغانستانرا یک رکن مهم این اتحاد بگرمیدهد ، واعلیحضرت پادشاه افغانستان را مانند اعلیحضرت سلطان ترکی کهبازیچهٔ دست انجمن اتحاد وترقی شده است بدست ملاهای متعصب مذهبی نشان میدهد . حالانکه این یک تصویر خشک وخیالی است که هیچ واقعهٔ جهتهای تردد وجود نورده وقایع سیاست اوروپارا برمسلمانها تحریک وتشویق نمی انگیزاند که اصل جای خوف وبیم باشد . بودن اتحاد اسلام ما یارها گفته ایم و بار دیگرهم میگوئیم که مسئلهٔ اتحاد را چنانچه شما را گمان کرده اند مبنی برقیام مسلمانان بر ضد ما نیست زیرا با شدت این

چنین اتحاد بجز مضرت هیچ منفعتی را برای مسلمانان متصور نیشود مقصد مسلمانان ازاتحاد شان این است که برای بیداری و آگاهی وترقی وتمدن ومحافظه حقوق خود اتحاد کنند . واین چنین اتحاد را هیچ دولت وهیچ ادیان بلکه همهٔ انسانیت مقبول وپسندیده یابد بشمرند جناب پاپز آف اپنها درین فقرهٔ خودشان بار بار افغانان را بیعقل ، وتعصب ، وجهالت نسبت کرده است که ما تحمل و اعتدال دیگران را ازدست داده ، آزمندان شارا بروی خود کوبنده آن میزنیم . ولی بیشتر میگوئیم که مادام ما همچنین اعتقاد داریم ، وحسب الوظیفهٔ مدنیت خودشان را برطرف العیسی علیه السلام مأمور رفع وازالهٔ این چنین چیزها میشمارند پس چرا اتحاد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 394 of 1786

سلام که اساسآمی برفع اینگونه چیزهاست ومقصد ازان ، آگاهی وترقی وتمدن وحفاظهٔ حقوق است

اندیشه وخوبی میکنند ، وآزاخطر نمیدانند ، اگر مسلمانان باتحاد ترقی وآگاهی وتمدن بکنند بکار بسیار سختی ازدوش جمعیات نه زده ویت ها برداشته میشود ، ودولتهای اوروپا نیز ازبار مصارف کلی کمپرداخت امداد ومعاونت آنها خارج میشوند وجای می یابند ، زیراهمین چیزی که آنها زور وقوت وباعیه وخدمه میخواهند وبام آزا (نشر اوراق مدنیت) نهاد خود خود بظهور میانجامد ، لکن اگر (نشر اوراق مدنیت) محض عبارت از تصرای ساختن مسلمانان وبا قسیر ساختن آنان باشد آن بحث دیگر است .

اعلیحضرت امان الله خان غازی پادشاه افغانستان (متولد ۱۸۹۱ ء) متابق (۱۳۰۹ ه)

همچنان یك هیئت حکومتی که چیز از نفس نفیس ذات اعلیحضرت پادشاهی باشد وجوده ندارد .

ذات اعلیحضرت پادشاهی آگاه مقدس مارا ازتجدیدت ملاهای متعصب پابر وخیالات جاهلی که برسر کار میباشند قرار مادهای که مانع تمامیت را برضری و عدم وقوف و آگاهی شان دانستند بسیار عالی پادشاه مقدس خودمان حق خود نامه تنگار تاجدار آفی ابتدارا معلومات بارجوهوجاهت کهما آن افکار انسانیت پرور (بومدنیت) سازاه پادشاه مقدس خودرا بر بی وفوقان آن اعلان نایم ، ماناً تبدل تاجدار آفی اند با که ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مارا بعنات اعلیحضرت سلطان ترکی در بازیچه شدن دست انجمن اتحاد وترقی نشیه دایما بدواهی وطن بمن شارا ثابت میکرداند زیرا چنانچه مانند انجمن اتحاد وترقی یك انجمنی در افغانستان موجود نیست

هیچ

ملا اگر یکقدری نظرهٔ چهارم مقاله (تاجر آف اینه با) که در زیردنوان (طریق سیاست کابل) مثل فروشی تحریر داده تحریر وداشته است بنظر غور وتدقیق ملاحظه نایم خلاصه اجمالاً آنرا برین موضوع می بینیم که جناب شان سیاست مادلانهٔ مدبرانهٔ انسانیت پرورانهٔ حاضرهٔ افغانستان را نمی پسندد ، ویك سیاست قتالانهٔ خالمانهٔ را انتظار دارد که منظره های نظر دنیای متل ما بها گاه مارها موکوش وبی رحم نها ، وخرید وفروش انسانها بانند

دوا بها وانکشیه هاوغذاهای انگلیسیون ما نصعار اهیون یك یك پورا ملهای بسیار خوشنای از زیر نظر استقلالشان بگذراند ، بنا علیه مادر خصوص هیچ چیزی نگوئیم و محاکمهٔ این مدنیت فروشی را بوجدان ارباب عقل وادنان حواله نموده نظرهٔ بنیم آن اصله نظر نموده به بینیم که چه میگوید :

نظرهٔ بنجم آن که بعنوان (لطفهیی) میانند آنازسخن راجع برداشت است : اگرچه در بن تلك بست کهی اخلال نصیهٔ مفاد خوست قطی شده است

اما نکات است کهدر کابل بلکه در تمام افغانستان ازین ترهی لطفهیی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 395 of 1786

حیث پیدا شود ، ملاز سی را برا بالعکس نفی میکنم زیرا انسان را بنده احسان میشمارم ، و هر هون حون میدانم ، وان سیاست نادان روزرا کمان اطیه ، نشانه مدرنیه ان دانم بکار برده اند موافق رائوان حکما و دواعی سیاست مدنیه اند پس راسم و پیدا شدن بلشویکی کس از ان برای عموم انسان میدانم ، سلا اگر آنان متدنما که خودشانرا رهبر و پیشوای تمدن میدانند بدینه که چه نامیده اند ؟ شنیده که چه جزی میفرماید ؟ :

« طرفهٔ پیشوای سکسران افغانستان شرار قرن های گذشته به کوی باید رود که در چنین موقع بزرگ وحشیانه داد شود ، وفساد را چرخی بسیار فرو گرفته بود ، وگوش وی هر سیاه ناز معالی هر بریده شود و سزاهای گونه گون بدو رسیده آماده شود وکسانیکه علانیهٔ مرتکب جنایت گشته اند حتی الامکان قلع وقمع آبادان گردد شود »

شنیدید ؟ شنیدید ووجیت عروه متدن را بردم وحشی ! ای معشر بشر ! یکقدری بنظر غور وقت بدوی ان گفت متدنه بنظر فرما ائید . آیا وحشی کان گفت را می توانست وجدانش هیچ اورا درزیر بجناب تکلیف عذاب میفرمود یا نه ؟ آیا دستش نلرزیده باشد ؟ آیا فکرش در نظر آن تردد نکرده باشد ؟ هیچ شبه نیست که هر انسان بلند وجدان دارد . بلاشبه که نوسندهٔ ان گفت را بزوجدان بود است البته که وجدانش اورا در وقت وقتی ان جنایت معذب هم کرده باشد ، ولی بیچاره چه کند ! لکن ، غرض ، احتراصات بشریه دایما براحکام وجدان غالب می آید !

سبحان الله ! اگر همین کارها از طرف ذات اقدس حضرت پادشاهی چرا می شد ، آیا در اوقت گمان میبرید که جناب باری تعالی ایشانرا آزاد نمیگذاشت و لعنت میکرد ؟ مانند ! بلکه در آن وقت جان و لوله های جنگیز نامه حل ، ونلسله های ملا کو بیاده های بیسوقت که السنه را از خواندن آن مو بر اندام راست میشد ! بلکه آن کارهارا وسیلهٔ ترقی دین متورث پنداشته ، ووحشیانه اینانیا در طرابلس ، وروسها در ترکستان نموده نمیتوانست قرائحه عربی خودرا قوت می بخشید ؛ بلکه دولت دوست دشمن همسایه حقوق شناس مارا بزلشویق و تحریک نمینمود که در چنین عصر مدنیت (!) سزاوار است که این گونه کارهای وحشیانه را بلشهایی بدهند ، جنایه در وقت اتلاف و انتشار میکند که از افکار احفاد بن آدم در حذر و متعلق باشند ! جنایه در فطرهٔ دل آدما نمیاید !

فطرهٔ پنجمین اخبار مدنیت آنکه انسانیت نثار (آیز آف ایدیا) (!) بعنوان (حضرتلکی) از مساع ودن همهٔ ملت افغانستان وافکار احفادین الافوانی اخبار بان وعضل ودن دیگر عاونها بحث وبیان داشته برن گفت ذان خانم کلام میبایه « چیزیکه این اعترضی ست که حکومت افغانستان برای محفوظ داشتن خودرا ازشه جنگ ، تحریک اتحاد بین الاسلامی را جاری کرده ، گواه خواهد کرد دست خونخوار باران انسان در معامله جوست وترین امر درج کرده چونه ، اینها سارا از نقطهٔ خیال وتلاوی در سیاسیات امثال این امر نهایت اهمیتناک بنظر می آیده

جناب ! شکر جناب (آیز آف ایدیا) چقدر دور اندیش بلند پایه است ! وا از خوانی کلام شان غالب ودن قوهٔ واهمهٔ شان معدوم میگردد ، زیرا با وجودیکه مسلمانها افغانهای نشان ، اتباع پان جان ، احفادهای بن الاقوامی عمومی ، ما را راضی پنده وهیچ جزی ما که آمرانی حکومتیکه مدعی پکمال بن پروائی وآزادی دلاوراته بدوی آن در برای اتحاد واتفاق واتلاف اظر میکنند ، وهیچ یک اتفاق واتحاد را بطبان آن زیان وخاطر خودهر نگذرانند ، سلا اگر حریتان ما از اتحاد خیال واسوری در معدوم اسلامی اندیشه ها وخوفها وریبها مرورانند ، چونکه به این پی برده اند که یکی از ارکان مهمهٔ تعمار دین مبین اسلام اخوت واتحاد است ، بلند کردن گواز جهاد بانکو بی مشروع در خیال وخاطر کس هر نگذرده ،

قل المحسوس در وقت حاضر جهاد آوقت مشروع ومعلوم است که بر وطن وحقوق سکسران وطن تجاوز واقع شود از هر طرف وهرکسی که باشد ، وچون انسان که متدین بعبادی وتجاوز بر حقوق انسانان شود از هیچ طرف دیده نشود از اروپا کمان جدی وحقیقت گرفته میشود که جهاد نیست ، ما باهیچیکی از دولتهای متمدنه هجوز خود فکر تجاوز وتعدی را بنام جهاد نمیرود است علی الخصوص ادوان قدیمه اخوت ودوستی خودرا با از دولتها از جهت نزدیکی وپیوان نزدیکی ، واتصال ومعاملات وسیاست متداوله ، آثار ودوستی متقابله نشانه می نمایم که بدون سبب مروجهاد از طرف متدنی آواز جهاد بلند کرده باشد از اینجهت جناب (آیز آف ایدیا) نظر میارخودرا خیلی آسوده ، واز اندیشه آزاده داشته باشند که ازین صورت وخوفی که در بارهٔ افغانستان پرورانیده اند هیچ چیزی در میان موجود نیست ، والله اعلم بالصواب ،

مراسم دفن میکادو امپراطور ژاپون

رئیس آن تهران گفت که بامدان نشان از دربارهای امپراطور جدید ژاپون وترک در مراسم دفن میکادو از طرف دولت انگلیس بود وارد یکوهاما واز انجا عازم توکیو گردیده در اینکار راه آهن امپراطور وخانواده سلطنت ووزرا حاضر بوده — نهایت بارانی از آسمان شده در قصر برای خوشی قیام شان داده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 396 of 1786

امپراطور به پاریس آمدن وپاریس هنری آف پروشیا نشان ممتاز سلطنت مرحمت فرمودند

پاریس هنری وکالت امپراطور آلمان برای شرکت در دفن امپراطور متوفی وارد وماندند شاهزاده انگلستان در ایستگاه راه آهن از ایشان هم پذیرائی شد ودر قصر (کاسوی گنگی) ایشان را قیام دادند —

مراسم شاهانهٔ دفن امپراطوری ۱۳ سپتمبر بعمل آمد جنازهٔ میکادو را در تالار سلطنتی گذارده وامپراطور جدید بالباس رسمی بازوجه امپراطور متوفی وامپراطریس خالیوشاهزادگان وحکام وامراء ورؤساء حاضر بودند مراسم ترحیم بر طبق مذهب رسمی مملکت بعمل آمد — طبل عزاهم می نواختند ودسته دسته برای ترحیم ونماز بر جنازه حاضر می شدند بسیاری از قومیان ژاپون را در این موقع ازادی بخشیدند ویک ملیون سکه پن خیرات دادند .

تمام جهازات جنگی ژاپونی وغیره بر فرای خودشان رایم کش که علامت ماتم است گذاردند تمام شهر بست وماتم زده وتمام جنرال ها وسرداران از قبیل جنرال اوکی امیر البحر توگو بارون میشو جنرال کروکی وامیر البحر جون یاماس در تشییع موجود بودند وموقع دفن اتواپ سلامی زده شد

قونسل ژاپون درچین از مراجعت ترحیم امپراطوری راجای آورد — وژاپونیان موجود بچی یاهوه وفارسیان شرکت داشتند . قونسل تلگراف داد بر سوانح امپراطوری وخدمات آن بمواز تدن بقیه شرق —

از فراق امپراطور خود جنرال نوگی قاع بعد از شهر بازوجه اش خود کشی نمودند —

جنرال نوگی کلوی خودرا با کارد بریده وزوجه اش باخنجر شکم خویش را دریده وان واقعه تا گواهی شد که صدای توپ دلن اتحضرت میکادو بگوش ایشان رسید این سانحه در خانه خودشان (دوکیو اکساکی) است واقع گردید — زن وشوهر در لباس ژاپونی بودند وقبل ازاقدام بقوه کسی از جای که امپراطور به آنها اعطا فرموده بود آخر تعریف نمود که توانند در مراسله بنام امپراطور نزد آنها دیده شد

یک از طلاب که در خانه جنرال نوگی بود عقبا آنهارا بخون خود غلطان دید!

یوم قبل از آن جنرال نوگی وزوجه اش عکس خودشان را گرفتند وعلی الصباح در خانه میکادو به نماز شرکت داشتند وان خود کشی خیلی مهم است وخیلی حضرت های با کیفیت نوشته گذاشته ودر آن خط مشی هم برای پاریس آف شهر گذاشته شده است .

(نقل از اخبار جون اتین)

در دنیا چه چیزها میشود وماخبر نداریم !

مسئله (محمد ولیمان)

در شمارهٔ ۲۳ اخبار خود یک خبری در باب (محمد ولی) نام شهری که ماه اسماً وله رسماً آنرا میشناسیم وله از حرکات وسکنات او وله از مسلک واخلاق اوا خبر هستیم مسئله برقول نامهٔ نگار خود از مد درج داده بودیم واین نشریات ما سرمشق از اغراض شخصی خالی بود چرا که اخبار ما صرف یک اخبار وطنی افغانی میباشد وهرگونه سخنی که جهت تعلق بمضرت به افغان ومنفعت افغانستان داشته باشد برای خیر دولت وملت ووطن خود آزادا بکمال آزادی وجسارت اشاعه واعلان مینماید . حالانکه آن نشریات ماورای رفقای ما وراء الخبر باطیل وقالهای مجهول وغرض پرآلوده است که مارا بر بسی حقایق دیگر نیز آگاه وبیدار ساخت .

مگر از بدبختی مسلمانان که بازیچه انقلاب روز گار اتفاق شاذا به تفاق واتفاق شاذا به اختلاف مبدل ساخته چنانچه در میان اخبارهای اسلامی ترکی وکذلک عربی بسبب اغراض شخصی وجرعام واقعی متاقفه هاوعادیه ها قلمیاً که بجز ضرر دکر هیچ نفعی بعموم ملل اسلامی نرساند موجود است در مابین اخبارهای روزنامهٔ اسلامی ما که زبان اردو در قطعهٔ هندوستان طبع وانتشار میشود نیز بیشتر ازانها معادلات ومناقشات اخبار راانباز از اختلافی پرورانا موجود بوده است که ما ازانها هیچ خبری نداشتیم .

(سراج الاخبار افغانیه) تنها یکدانه اخباریست کهازمملکت وملت افغانستان از فیوضات معارف پروری اعلیحضرت افغانستان در ظل تربیت اسلامی اول بار جلوه گر ظهور گردیده است وبنا بر مسلکی که پیش نهاد خود دارد همه رفقای قلمیه چی اخبارهای اسلامیهٔ مملکت ترکیه را بکار زبان ترکی طبع ونشر میشود بنا وجود واحد دانسته مناقشات ومنازعات قلمیهٔ اخبارات برای خودشان گذاشته است وهیچ جهت تعلق به آن ندارد . کذلک رفقای هم از اردو زبان مسلمان خودرا یک کتلهٔ واحده ویک وجود غیر از هم شناخته دانسته اغراض شخصی مادی شاذا برای خودشان میگذاریم . وهیچ جهت تعلق به آن ندارم

(سراج الاخبار افغانیه) بسیار افسوس میکند از یک خبری که بدون از غرض مسئله پیرامون قول نامه نگار مصری خود در شمارهٔ ۲۳ سال اول خود در باب (محمد ولی خان) نام شخصی اشتر نموده بود مستوجب ازدیاد مناقشات قلمیهٔ اخوان هم قلمداش گردید . مگر بعض از همسران عزیز ما محمد ولیمان مذکور را خیلی سنا پشکارانه وبعضی بند آن شناخانده بودند . فقرهٔ سراج الاخبار چنانچه برای کسانیکه طرفدار او بود باعث تاثیر بدی پرشد . همچنان برای فرصت طلبان فرقهٔ ضد آن نیز باعث

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 397 of 1786

سر زنند؛ مقالی پیدا شده موجب ازدیاد فعالیت و مبادلات گردید که ما ازین چیزها خبر نبودیم ، و بواسطه این خبر خبر شدیم ، و هزاران تأسف نبودیم . لهذا بکمال جدیت و حقیقت میگوئیم که مقصد ما از نشر این حوادث هیچ یک غرض شخصی و یا طرفداری و غیر طرفداری نبود . وقتی از شرح مذکوری که نامه نگار ماخیر داده بود نام این شخص را هم نشنیده بودیم ، و نه از کم و چون او خبر داشتیم که کیست و چه کاره است ، مقصد ما از نشر این خبر فقط جهت تعلق او به افغانستان بود . و چون هر خبری که ازین نقطهٔ نظر بنظر برخورد نشر و اشاعهٔ آنرا برای اطلاع هموطنان خود وظیفه میشماریم از آنرو در اشاعهٔ آن یک مقدوری نمیدیم .

به اینهم میدانیم که نامه نگار مایک شخص غرض و لا تعلیست که اینقدر یک سفر دور و دراز سیاحت نامه اسیائی را بی یک حقیقت معنوی از خود را شیفته نمیتواند ، هیچ شبهه نیست که وقوعات همچین است که او نوشته ، و سراج الاخبار افغانیه آنرا در شمارهٔ بیست و سوم سال اول خود نشر کرده است . ماهر خصوص شخصیات را هیچ نمیشناسیم ، جنم و کوش ، دل و هوش ما بسوی احوال عمومیهٔ اسلامیهٔ متوجه است ، ولی هزار افسوس که همهٔ ما از اخلاق و عادات و جمعیت و ترقی دوم میزنیم ، و هیچ اثری از پیشرفتها در ما دیده نمیشود ، و بغیر هیچ کس هیچ نمیداند از یکدیگر خود نمی بینیم ، حقیقت همین بود که نوشتیم باقی برای خود وهمه اخوان دین خود که در شرق اند دعا گو در غربت هدایت و توفیق را از درگاه رب العالمین حضرت هادی مطلق جل و علا نیاز میکنیم .

ادبیات

شعر — و — فن

(شعر) یکی از ارکان مهمهٔ بسیار معتنابهای مفاخرت نمای علوم ادبیه شمرده میشود ، شعر ، کلامیست موزون و مقفا که موضوع آن عواطف طبیعت است ، مثلا انتشارها چمنزارها کلها ، بلبلها ، باغها ، نقشها علی الخصوص حسن و جمال طائفهٔ انسان حوالیکه این آثار صنع خالق بیهمتاست سرمایههای دکاکین مضامین شعر شمرده میشوند ، کارخانه که شعر دران ساخته میشود (قوهٔ متصوره) است که استادکار (تخیل) بوت مائین (فکر) آنرا پهلوان پیچاب دران کارخانه خراب کاشانه رونق و زینت داده و بنظر تک ، و گونه گونه اشکال و اوان در بازار جواهر فروشی سخن بروز میدارد .

انسانها اول چون بصنعت بافندگی آغاز کردند ! آرزو کی شدی که یک پارچه قماش نفیس آن بافندگی را در یکوقت میدیدیم قابل پوشیدن ، یا کلا یق فرش زیر پا انداختن هم نمی یافتیم ، هر چه محنت ! یکبار چون بسوی قماش (کوس) سابق ملکت خود ما ، و کشمیرهای راهدار و پارچهٔ که درین وقتها دروطن عزیزما ساخته میشود نظر کنیم یک فکر اجمال حاصل کرده میتوانیم .

این است که شعر نیز از حال اولی خود تا به اینوقتهایی تبدلات گونا گون دیده کسب لطافت کرده است ، اشعار یونان قدیم ، و فرس قدیم ، و عرب قدیم ، و هند قدیم را چون بشنوید ، و بازیکار آنرا بشمار بیدل و صایب و کلیم مقایسه نمائید عبرت میافتید .

گوینده اول شعر یک در فارسی گفته شده این مصرع بوده است ، دلطفان غلطان همیرود تاک تو ، که گویا (پهراگوز) بیکاری که تالا مانده (گلف) یک چیزی بوده باشد بازی میکرده است ، وقتی کانو زی در هالب داخل شده ازبسیاری فرحت بی اختیار همین مصرع را بر زبان رانده است ، وبعد ازان حکما و ادبای آن عصر دران غور و خوض کرده شعر ایجاد شده است این یک روایتیست که اصل و اساس آن مسلم است ، مگر قضاءً خدا چنین می آید که شعر و موسیقی از آغاز خلقت بشر با بشریت توام آمده است ، زیرا هیچ ملتی از ملل بشر را نمی بینیم که شعر و موسیقی نداشته ، و چون موضوع شعر عواطف طبیعت است ، لذا وقتی که بشر درین عوالم قدم نهاده است با شعر یکجا حضور شده آمده است .

شعر و موسیقی با تجربیست که در حساب تأثیر اجرا میکند ، هر اندازه که حسیات انسانی کسب رقت و لطافت کرده شعر نیز هم اندازه زا کیا و رقیا عرض داده ، مثلا در هجو را اول بدهن دوات تشبیه دادند ، باز آوانیه و غلیظه یافته چنه آب قلم گفتند ، امافراخی و حینه ساری چون آن بعضی دهنهای لفافه شده آبدهن جاری را بخاطر آورده ازانهم صرف نظر شد ، باز غنچه های گلهارا در خوشبوی و لطافت و شکل و قیافت تشبیه نموده غنچه دهن گفتند ، ولی چون خوب غور کردند مناسبت نامه در مابین دهن اتق و غنچه صوری یافته لفظ گفتند ، باز آواهیقا یه لطیف تصور نیافته هیچ گفتند و السلام .

آن دهنرا هیچ قلم بار نداد در بیچ و تاب
از غضب گفتا چه گفتی باز گو گفتم که هیچ

این مصرع عاجز فطرتاً شاعر و بشاعر زادگی اقتدار دارد و یکی از عظیم و کریم کسدگان شعر خود را می شمارد ، دواوین استادان را حرز جان میداند ، ولی هر قدر شعر کج مجی که گفته توانسته است حیرت های غنی ، اخلاق و غنی آرا زمین انداخته است .

چه عیب دارد ، آیا موضوع شعر عواطف طبیعیه نیست آیس چه از گل و بلبل بگوی و چه از زنگ سنگ هردو شامل همان عواطف یک آهنگ است و بس ؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 398 of 1786

در وطن عزیز ما بین ما ایران باکباد گفتنهومو جودند که بر گزیدگان از صمیم دل رحمتها وگنجینها طبع میکنیم ، وموجود بودکان را دعاوثنا ها میگوئیم ، باجناب مستطاب که یکی ازشعرای پیشه بده اطوار آذربن گلشن موجو دهٔ شهر عزیز ماست درباب تطریق (شعر وطن) نحا وزه وصا حبه های بسیار میکردیم چون بسوی طبع سرشار و خوش مسموع گلشن آن بلبل چمنستان وطن ملاحظه میکردیم ازتحریك وتشویق نمو دن آن رفیق مهین خودرا بشعرهای قلمی هیچ خودداری نمیتوانستیم ولرفیق خود را مدد نکردیم بدرم. این لرزه دشتارا مبدا اسم کالا چیست ؟

البته طبعی که دایما درلطافتها و زیبائیهای سخن ازبرادران گل کدهٔ رازو ساخته نگهبت بوی یارا بانسیم نسیم سحر گهی دران وطن نموده باشد مانند موتور ، ریل ، بالون چیز های غلیظ وکثافت را چسان پرداشته میتواند ؟ امیدما منقطع نبود . تا آنکه در شمارهٔ پیشینه سوم اخبار خود یك غزل چون عسل شادا که بمناسبت جشن تماشای (جنایت) انشاء نموده بودند بکمال دوقدوسرور درج نمودیم . ازمصرع غزلشان که : ((دلاجنایتی بتوان کرد)) امیدما دوبالا شد. البته کسیکه جنایتیکی بتواند موتردای ، ریل چلاتی ، بالون پرانی را نیز میتواند !

این است که برحمت آرزوی ما بار ور گردیده این شماره سوم سالنامهٔ این نامه گرامی وطن مارا بانك غزل غرای بزمان و زمین موافق بسیار دلنشین شان تزئین می یابد . وامیدانست که همدازان دایما ازین دروازهٔ رهگذر مستان شرین ذایقهٔ خودمان رابکمال مسرت درج نمائیم .

ای شعر سرایان وطن ربط سخن آموز
جهدی کن و از پیر وطن طرز فن آموز
ای موی میان وطن جاه دهن گوی
علمی که بکار آیدت ای چشم من آموز
از پیر لب لعل بتان چند کنی جان
رو کسب ن کاراز برای وطن آموز
در نقطهٔ مو هوم دهن چند شوی محو
درهیچ مپیچ این سخن خوش زمن آموز
درحسرت بالای بتان چند توان زیست
رو صنعت بالون و بالا شدن آموز
چو گان زنکنی کرد گوئی ز کجاوه
ای زلف چو چوگان و بگوی ذقن آموز
مشکین ترش از حسرت لعل لب شیرین
رو کسب ن گوی کمر از کوه هکن آموز
کاهل مشو و پی هنر از خانه نشینی
چون ریل پی هنر هنر ساختن آموز
در آذن و بارپس پی کسب هنر شو
ای ترك خدا ای وطن شوخ حزن آموز
اغیار بین در پی چه خیال اندوئو غافل
ای یار توهم بهتری ازما وسن آموز
ای دل طرب اندوز سخنهای بلندت
مستغنی ازینگو نه بحیا یمن آموز

فاجعه های پاریس

مابعد از نمبر ۲۴ سال اول

و آنهم اینست که اگر مادام آنتوی دایه‌داد که اجرت زایانه دش را کمی نمیداد از جای خود حرکت هم نخواهد کرد . حالانکه این زن مالك سه واحد مهویست حتی منهم یازده روزه کرایه رو طلب دارم .

قومیسر — از اجرت خودیم باشد، اگر پدر این زن بچاره برخلاف امید ما مصارف زایدن دختر خود راندهد ، یا بر طلبی که بکسم ازطرف حکومت داده خواهد شد . واگر با قرض و التقدیر آنهم تکن نشود من خود از کیهٔ خود میدهم .

ویبو — اوه ! چون چنین است بعد از یکهفته دایگه مادام آنتو را درجا حاضر خواهید یافت .

این را گفته از اوتاق برامد . واز زینه ها فرو آمده بطبقه زیرین عمارت رفت . قومیسر پولیس نیز تا درآمدن داید فرو آمد ون تمش قوت خونزان دور القالرا بیان . وادرجهٔ که ممکن باشد پاك کردن خون را از روی خانه . وبرای خلاص ساختن راه فرقه فوطاه حاضر کردن یك دول را برخلیه ها و عسکرها امرنمود حتی خودش زور تاه واقعه رابیز از پر آمدن مرکز خود عاجز جمع بنویسه دربوقت بتأخیر انداخت .

چند دقیقه موسیو ویبو گفته بود بعد از سه دقیقه دایه مادام آنتو با یك تواك عجیبه از در وازه داخل اوتاق گردید . مرقومه سی سی ودوساله یك زن گونه فه سیمی بود که با وجود آنهم آثار ذکاوت حاذقانه درسیمایش پدیدار بود . لبهای باریك وبینی لرزش چنانچه برخصوصات طبیعه اش دلالت میکرد همچنان حرکت دایمی چشمهایش نیز درجهٔ انهماك حرص و طمعش را نشان میداد .

مادام آنتو بمجردیکه داخل اوتاق گردید بقومیسر سلام داده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 399 of 1786

غزل

گرچه در لفظ عرب جمع حبر شد اخبار
لیک یک نامهٔ بی علم و هنر شد اخبار

چند اوراق شده جمع و بهر ماه دو بار
میشود شرم چو یک سلک گهر شد اخبار

خیز جبهه بنما تو گویدهم دم
هست در خانه و بهداد خبر شد اخبار

گاه از دین و ز دنیا گهی از حب وطن
مرد هر بند و ترا واقع شعر شد اخبار

تیغ عریان وطن فکر و لسان ملت
هست اخبار و ترا تیغ و سپر شد اخبار

احمق خیره سر بی خبر از حب وطن
گویدش نفع کشد چه ضرر شد اخبار

از ازل تا شمر علم آمده جهل جاهل
بی خبر کی خوشی آید که خبر شد اخبار

بادشاهم چو سر بدار گناه و هنر است
زالیب گنج گهر محزن زر شد اخبار

حامی ملت و دین باد شه عدل گزین
چون پسندید به (محمود) هنرشد اخبار

نامورانِ نامیِ جهان

(مابعد از نمره ۲۴ سال اول)

این آمفریته باجبار (پومپیوس) ازدواج کرد و از سلب ایپر اطور (رون) نام مشهور را پیدا آورد است. بعد از آنکه شوهرش وفات کرد بادیعات منحو سهٔ آن جهان با کای خود ایپر اطور (فلاویوس) ازدواج نموده است، و به افسون کاریها وفتانیهای خود بشان رایپر اطور غالب آمد که همه امورات کار های حکومتی را بدست خود در آورد. دختر شوهر خود را که از دیگر زن مانده بود نام آن (اوکتاویا) و به پسر خود (رون) زویج نمود. و پسر شوهر بی عرضود را که (بریتانیکوس) نام داشت طرد و اخراج نمود، و ایپر اطور یعنی شوهر و عم خود را زان واداشت که پسر خودش (رون) را ولیعهد کند. و چون این کار ها را کرد ازآنکه مبادا پشیمان شود شوهر و عم خود ایپر اطور (فلاویوس) را هم بقتل رسانیده هلاک نمود. و بعد که پسرش (رون) نام ایپر اطور شد قرمانروائی و اداشتن امور حکومت را گذاشت تمونه مشار الیها را در بیت کنتی "سوار کرده امر نمود که در قعر دریا غرقش کنند. ولی آمفریته بهر دسیه و حیله که بود امور غرق کنندهٔ خود را فرقه نموده خود را خلاص کرد. ولی صدافسوس باز رون طالم بناشفر خود را بقبر زنهٔ کاوپاه گزین شده و در سنهٔ ۵۹ میلادی بقتلش رسانیده است. این زن در حسن و جمال یک آفت دوران و در دسیه پردازی و حیله انگیزی و غدر و ظلم صرفهٔ جهان بود.

(باقی دارد)

عفو تقصیر خود را در باب متهم نمودن دریشی و توالت خود بیان کرد و دفعه بستر زن بیچاره زده یک صدای لطیفی گفت:

— جسارت مادام! جسارت؟ آیا زمان زائیدن نزد یکشده ست؟ هیچ نترسید! همه ما از دواگذشته ام. مثلا آنکه پیچ یکی ما هیچ چیزی نشده است. من بشما معاونت میکنم. هیچ اندیشه مکنید. بسیار زودی رهای میابید. و باز خواهید گفت که «وای، زائیدن همین بود؟ اینهم آسان چیزیست!»

فوتینه از شدت درد و اضطراب این سخنان مضاری دادن داه را نشنید. مادام آمفرید بعد از آنکه تکمه و حلقه های زایچه را معاینه کرد قومیسر را خطاب نموده گفت.

— قومیسر افندی! این یک جرایست کار مادام پیش آمده بعد از دو دقیقه زایل میشود. اما مادام در بستر استراحت نمیتواند. وزا بتدانش مشکل میاید. اگر بدارهٔ من بیاید بسیار خوب میشود. من از قهای خوب و مفروش یکی دارم که همه اسباب استراحت را مالک است و هم اجرت بسیار ارزان است. بدهید.

قومیسر — جانم، سعی اجرت را بکنارید. از آن هنگتر خاطر جمع باشید. اما مادام به اهمال دوازده به پانزده را چسان پایان شده خواهد توانست؟

مادام آمفرید — (نظر پای عسکری را نشانداده) این جوانان چار نفر که یکیک گوشهٔ تهاین را بگیرند بهر جیکه دل ما خواهد بیار خود را برده میتوانم.

این ذکر داه چون آسان یک چیزی بود همانده قومیسر به عسکر ها اشارت کرده چهار نفر چهار گوشهٔ تهاین را گرفته برداشتند. بعد از یک دو دقیقه فوتینه یک اوتیکه داه آرا بسیار اعلا فرش شده گی تعریف کرده بود وان فرش عبارت از یک جار پای آهنین تنگ، و یک آرام چوکی پشتی دار، و یک البادی گالا گشتش بود ساخا گردید.

در بعضی بود های اول زن بیچاره یکدفعه ی ارام شد اگر به یک گی راحت نفس میگرفت ولی از بهر اضطرابات البته نگه کشیده بود. در تفرقه یک مرتبهٔ دا گرفته بود (باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 400 of 1786

علم ثروت ملل

(مابعد از نمبر ۲۴ سال اول)

قول مشهور کروه (فیرو فرات) که (لیه فر لیه پاسه) گفته اند این قاعدهٔ آزادی اعمال را بر معنای آزادی اعمالیه و آزادی مبادلات) متضمن دانسته اند. حالا ما اول از آزادی اعمالیه بحث میکنیم:

آزادی اعمال چنانچه روح صنایع را پرورده میشود. (میتوانیم) که یکی از متخصصین متبحر علم ثروت ملل میباشد چنین میگوید: «اجرای صنعت تنها عبارت از صرف کردن قوه مدبره و بعضی عملیات عادیه نیست. بلکه اول چیزیکه در اجرای صنعت دیده میشود حکم و تاثر عقل بشر است بر قاعدهٔ طبیعت و عقل بشر باطاعه به حریت و آزادی منتصف میباشد. لاجرم برای ترقی کردن میباید که آزاد و به حرکت کرده بتواند». آزادی صنعت این را نتیجه میدهد که هرکس بهرکار یک آزادی خود انتخاب کرده بتواند حصر نفس کرده میتواند که به این صورت هر صاحب صنعت از قوتهای ذاتی خود، و از اقتدار ملت خود زیاده ترمتفید شده بر منفعت خود مقتدر میشود. برای پیش بردن صنعت خود گونه گونه چاره ها می اندیشد. قابلیت مخصوصهٔ آن نیز در درجهٔ امکان نشو و نما می یابد. به این صورت هم محصولات به فراوانی و آسانی بحصول می آید. و جنسهای آن نیز اصلاح شده میرود. و الحاصل همه ترقیات صناعیه ازین منبع نشأت میکند.

هرگاه آزادی اعمال منع و تحدید شود ارباب صنایع اجرای صنعت خودرا بصورتی که برای منفعت شان سودمند باشد نمیتوانند و درکارهائیکه بالشوق و هوس بران رغبت کرده اند به گونه گونه مانعه ها وقیدها بر خورده به ترقی و عمران گرفتار میشوند. و بقوت ابتدائیه شان ضعف وارد میشود ترقی کردن ثروت عمومیه نیز تمکن نمیشود. انحصارها — یعنی صنعتها را درزیر قیدحصر کردن — وامتیازها — یعنی بشخصی یا شرکت یک صنعتی را بمثال یک مبلغ معینی از حکومت به اجاره گرفته و تنها برای خود آنرا بمثل ساعته حق دیگری را از اجرای آن صنعت منع کردن — قاعدهٔ آزادی اعمال را سراسر خلل میرساند. زیرا اولا موجب سستی و پژمردی مستعدیهای آنها میشود. ثانیا صنعتکار آن که امتیاز یک صنعت را میگیرند ازین یک خاطر جمع میشوند که دیگری آنرا بساعته. لهذا بهر قدر فایدهٔ که بر دارند قناعت کرده دیگر اصلاح و ترقی و ازدیاد آن نمیکنند. چونکه میدانند مردم به این چیز احتیاج است. و دیگری هم ساخته نمیتواند.

(باقی دارد)

اعلان

(سراج الاخبار افغانیه) بسی کمخواه درخور کافه وجمعی طبقه وخواه درتصاویر زیبکو گوناگون نقش رنگ وتجدید تمامی نشان داده است. هیچ شبهه نیست که خارج آیند براداره گرانقدر تعلم میشود. مثل آنکه محض بنابر خدمت وطن ازربح وفایده خود بیکقدرچه صرفی نظر کرده برای هموطنان عزیز خود درداخل ملک یک افغانستان درقیمت آن هیچ نیفزودیم وطراز سابق در پانصد سطحت سیه سالیانه قیمت آن همان (۸) روپیهٔ کابلی، ودرولایات اطراف مملکت ظلمرو افغانستان بهمان(۱۴) روپیهٔ کابلی میباشد کدان مراسلات اداره الاتحادمتذکر کی گرانقدر خواهند فرمود مابان مراسلات را درحق متذکر کی گرانی که درخارج مملکت داریم نیزاجرا می نمودیم ولی چون اجرت داك درخارج موجب ضرر وخسارت اداره میشد بنوراً قیمت سالیانهٔ آنرا (۱۰) روپیهٔ انگلیزی وضع نمودیم که اگر بنظر انصاف دیده شود هیچ اجرت داك بلازم چیزی نیفزوده ایم.

اینها اعلان میشود که قیمت سالیانه اخبار ما سر از شمارهٔ اول سال دوم درخارج مملکت افغانستان علی العموم ۱۰ روپیه کلدار انگلیزی وششماههٔ آن شش روپیهٔ کلدار انگلیزی میباشد. هرکه از دولت گرامی که آرزوی اشتراك سراج الاخبار افغانیه را در هندستان، و ممالک ترکی و آسیا واو روپه امریکا داشته باشند مبلغ مزبور را برای وکیل ما میرزا غلامحیدر خان پوست ماستر دولت علیه افغانستان مقیم پشاور بفرستند اخبار بنامشان جاری میشود بمجرد اشتراك قبول نمیشود. در داخل و خارج مملکت هرشخصی که از هر شمارهٔ سال اول اشتراك فرموده باشند تابمان شمارهٔ سال دوم استحقاق پوره. ثمن مدت اشتراك خود شمارادارند. واداره حق زیاده طلبی را بگام شدن مدت اشتراك نشان ندارد.

تصحیح واعتذار

در شمارهٔ اول مابسبب آنکه دران کار درسحیهٔ بعجله مذکور نتوان واقعهٔ اشتراح لئالی (یک شهر مرتب ومصحح چاپ شده است وآنهم به اینصورتند که بعد از عبارت (در زیر ترجمه وزقی کرده شده) عنوان کنید (خط انواع لئالی) تمام میشود. بعد ازان این عنوان وبعد سطر ذیل از قلم ناقصه است که برای ناقص تامان سعی مدروج تصحیح میشود.

شهر سراج جلال آباد

دیگر

در آخر سطور دوم صحیفهٔ ۱۰ بعد از کلمهٔ (داخل) اینچنین سطر سهواً از ترتیب مانده مدرجهٔ تصحیح میشود.

ملك افغانستان، وبعضی اقطار خیلی از خلق بیمان یافته، و دیگر طریق صنوبر بمرغ آبی قطع منازل میکنند.))

از مقالهٔ اصلهٔ ثروت ملل بقلم ترجمه شده

همه مقاله هائیکه منتشر میشود از طرف مدیر و سرمحرر تحریر یافته محمود طرزی

درچاپخانه خاصهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 401 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۲)

ذکر آن

ادبیات آقایی ملکی مقرون اعلیحضرت حزوی
علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با امانات داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با امانات داک ۲۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ هجری ۱۵ ذی القعده ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی ۲۷ اکتوبر تاریخ شمسی ٤ عقرب ۱۲۹۱

سراج الاخبار افغانیه

مدیر و مسئول محرر

محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و طبع

در مانچستر دار السلطنه (کابل)
عمدهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکصای است

در این اخبار از حوادث داخله و خارجه و بس مقالات مفیده درج میشود

در دار السلطنه کابل در مواجهه قصر (دلکشا) درج شمال جانب

جنوب سمت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 402 of 1786

ترقی پرورهای اعلیحضرت همایونی

(غزنین)

(أحوال جغرافی وتاریخی)

(غزنین) بنام دیگر (غزنه) یکی از ولایتهای حاکم نشین بسیار ممتاز ومهم دولت علیهٔ افغانستان صانها الله عن التلف والاسان میباشد که به مسافهٔ ۱۳۵ کیلو متر[1] بجهت جنوب غربی دار السلطنهٔ (کابل) در ۳۳ درجه و۳۴ دقیقه عرض شمالی، و۶۸ درجه و۸ دقیقه طول شرقی بر یك موقعی که از سطح بحر ۲۳۵۰ متر بلندی دارد واقع شده است. وبه این سبب موسم زمستان غزنین بسیار سخت وشدیداست. خواه از نقطهٔ نظر عسکری وخواه از نقطهٔ نظر تجارت موقع شهر غزنین أهمیت بسیار عظیمی را مالك میباشد. دو سه راه بسیار تجارت کاری که از سمت جنوب غربی افغانستان به هندستان قروی آید مرکز عمومی آنها غزنین است. ونیز راه بزرگی که از کابل به (قندهار) می رود از غزنین میگذرد که اینهم موجب أهمیت بزرگ اینولایت شده است. علی الخصوص که بسمت شمال، وشمال غربی نیز بر (بامیان) و(هزاره جات) از دره ها ووادیهای عجیب وغریبی راههای مکمل را مالك است که به اختصار اینها أهمیت موقعیهٔ عسکری وتجاری آن تا یکدرجه ظاهر میشود.

چون به تاریخ نظر کنیم شهر غزنین رایك حوادثگاه انقلابات دهر بو قلمون می یابیم. در یکوقتی - یعنی پیش از هفتصد وهفتصد سال در زمان سلطنت سلاطین غزنویه غزنین را مرکز یکدولت بسیار پر سطوت وشوکت اسلامیه در آسیای یافتیم که دایرهٔ فتوحاتش از ایران وما وراء النهر گرفته تا به بسیار جاهای هندوستان وسعت گرفته بود. بصدها قصرها وسرایهای حکومتی وهزاران جوامع ومدارس، وباغها، وگلزارها آن شهررا نمونهٔ باغ ارم ساخته بود، مشاهیر شعرا وأدبا وعلما ومشایخ وحکما واولیا را بظهور آورده است که تراجم احوال هریکی ازانها یك کتاب تحریر بکار دارد. در وقت حاضر مرقدهای مبارك سلطان (محمود) غزنوی و(حکیم سنایی) و(علی لالا) و(بهلول دانا) وسی اولیا. وأماکن رجال اسلامیه زیارتگاه آنامست.

باز یکوقتی غزنین را چنان یك حال فلاکت اشتمال پر حزن ومالالی می بینیم که دولت (غوری) آنرا بقتل عام واحراق بالنار زیروز بر کردن، وخاکش را به طوریه کشیدن از صفحهٔ سطح زمین سراسر محو ومعدوم ساخته است. باز یکوقتی جولانگاه مهاجمات خونریزانهٔ مغولها، وتاتارهامی یابیم. وباز یکمدتی ممرگاه لشکر ایران وبعد ازان میدان محاربات داخلی خوددولت افغانستان می بینیم. باز در سنهٔ (۱۸۴۲) ودر سنهٔ (۱۸۸۰م) دوبار در چنگ اغتصاب دولت أجنبی انگلیز وباز درینوقت آرایك ولایتی از ولایتهای بسیار معتبر وممتاز یکدولت مستقله پرشوکت اسلامیه افغانستان مستقل بظلال مرحمت وعدالت پادشاه ذی الطف واحسان اعلیحضرت (سراج الملة والدین أمیر حبیب الله خان) در شهراه ترقی وعمران پویان، ودر زیر قوانین عدالت پروری در حفاظت وأمان می بینیم.

شهر غزنین چون انکدکوب اینقدر حوادثات دهر شده باشد، ونیا بتدریج عصر یکمدتی را نیز براحت وآرامی بسر نیاورده باشد، آیا برای عمران وآبادی کجا وقت یافته خواهد بود؟ سعادتمند ترین أیام کامرانی تاریخیهٔ غزنین عیناً زمان سلطنت (سلطان محمود) غزنویست که شهر مذکور را پایتخت اتخاذ کرده وهمهٔ ثروت وساماني که از فتوحات وجهادات قطعهٔ پر ثروت وساماز هندستان بدست آورده همه را بر تزئین وآبادی آن صرف نموده شهر غزنین را نمونهٔ باغ فردوس برین، وفردوسی شاعررا بایل قصیده سرای آن باغ ارم قرین ساخته بودازان زمان باز تا به این آوان هیچ یکدم استراحتی ندیده، وهیچ کسی در پی آبادی

(۱) یك کروه هزار متر، و هر متر تقریباً یك گز میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 403 of 1786

وعمران آن نگذشته که در وقت حاضر خرابه زارهای پر آثار عتیقهٔ آن ، وبعضی آثار وابنیهٔ قدیمهٔ آن شاهد های ساکت وصامت اعصار سالفهٔ آن میباشند .

ـ§ تجددات غزنین §ـ

یك خانه فرض کنیم که صاحب آن خانه به آبادی ویا کیزه گی وسررشته وسامان کاری ماهر ، وبهمه اُمورات مسایل جزئیه وطبیهٔ (صیانت البیت) شاطر باشد . هیچ شبهه نیست که آن خانه را روز بروز آباد ، وهمه اُمورات آنرا با فاعده وانتظام می بینیم . همچنانست اُحوال یك مملکی که بادشاه آن درپی آبادی ، وعمران وانتظام وانتظام آن باشد . البته که آن مملکت روز بروز کسب سعادت وعمارت مینماید ولحظه بلحظه اکتساب فیض وبرکت میورزد .

مثال مجسم این قضیه را اگر کسی میخواهد عیاناً مشاهده نماید به عصر ترقیعصر اُعلیحضرت همایونی یك لاحظهٔ اُنظار دقت فرماید : از روز فیروز جلوس میامن مأنوس همایونی شان تا بحال در هر طرف مملکت یك اُنوار ترقی ویك آثار تعالی عیان وتمایان گردیده است که شهر شهیر (غزنین) نیزاز فیوضات اُنوار آن شمس ضیا پاش ترقی محروم نمانده به بسی آثار تجدد وترقی جلوه گر ، وبدیدن استعداد وقابلیت استقبال تمدن منتظر ورهبر گردیده است .

در سنهٔ ۱۳۲۵ ذات اعلیحضرت بادشاهی یك تثبت بسیار نادری فرمودند که آن هم عبارت از دورهٔ سیاحت عظیمهٔ بود که اُولا بلاد واسعهٔ هندستان ، وبعد از آن همهٔ ممالك شاها نهٔ شانرا دور وسیاحت فرمودند . ودر هر طرف مملکت شاهانهٔ شان احتیاجات اُهالی ، ولوازمات آبادی را بنظر مرحمت پرور شاهانه ملاحظه فرموده در تعارکات وتبرهٔ اُسباب آن اُوامر سنیهٔ همایونی را شرف اصدار فرمودند . ازانجمله چون در ولایت شهیر غزنین اُراضی بسیار واسعی را مشاهده فرمودند که بسبب کافی نبودن آب غزنین از فیض بخاری طیبی زراعت لب تشنهٔ حرمان مانده است . وبسبب قلت زراعت تنگی معیشت اُهالی نتیجه پذیر گردیده است .

بنا برین برای بنیاد نمودن یك اُمری که این احتیاج اُهالی واُراضی را رفع کند یك اندیشه وتصور حکیمانهٔ هندسه شناسانهٔ بسیار عالی را مد نظر شاهانه فرموده تاسیس یك بند جسیمهٔ را مصمم فرمودند .

ـ§ بند سراج غزنین §ـ

در خصوص کیفیت اعماریه ، وهندسهٔ انشائیه ، (بند سراج غزنین) که یکی از اعمال شاقهٔ جسیمهٔ فن معماری شمرده میشود هنوز بیك معلومات فنیه از روی نقشه وپلان دسترس نیافته ایم اُمیداست که بعد ازین مراسم انشائیه آنرا با همهٔ تعریفات لازمهٔ انشائیهٔ آن بنظر قارئین کرام عرض کرده بتوانیم . ولی درینجا تنها از اُهمیت فوق العادهٔ منافع وفواید آن وشرایط جهتهای اقتصادیهٔ آن بحث میرانیم .

اُولا این را بیان کنیم که در همین جاییکه حالا بند سراج انشا میشود در زمانهای سابق نیز موجودبودن یك بندی را صنعات تاریخ ، وبقایات بعضی آثار عتیق بما نشان میدهد . بنابیك روایت ازمأخوذ بی (صنار) (عجرن الیت) وبروایت دیگر ازمأخوذ غزنویه (سلطان محمود بن سبکتکین) نیز این بندرا انشا نموده اند که مرور دهور ازان بند بهمین بعضی علامتهای خفیف اُثری نگذاشته . وفیزتابت میشود که اگر این بند نمیبود آن عمارت وروئق که غزنین در زمان سلطان محمود داشت وصنعات تاریخ ازان مبالغه ها بحث میراند آیا از کدام آب بظهور می آمد ؟

بناء علیه معلوم میشود که روئق وتازه گی ، وعمارت وآبادی غزنین بوجودهمین بند موقوف بوده است . حالا که نوبهٔ حوادث دهر بر قانون برای خرابیها وتبدلها وتغیرها چنان رخنه هایی باز نموده که از عصرها به اینطرف ازان بند هیچ کس اُثری هم ندیده . وبسبب آن بی بندی برروی غزنین بسی اُبواب خرابی وبی آبی باز گردیده آمده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 404 of 1786

این است که ذات اعلیحضرت پادشاه خردمند دانشمند معظم شوکتپناه ترقی آگاه ما این نکات باریك ترقی وآبادی قزوین را بلاحظهٔ دقیقهٔ موشکافانهٔ شاهانه استدراك فرموده انشاء بتمدد کور را اراده وفرمان فرمودند. مصارف انشائیهٔ بتمدد کور را هیئت کشیهٔ که مقرر شده بود سه لك روپیهٔ کابل تخمین نموده بودند. این مبلغ بر سه سهم قسمت گردید. یك سهم آن بر اهالی، ودو سهم آن بر دولت، ویك سهم متبقی آن تنها بر جناب برکت عبدالاحد خان که عم وظیفهٔ نائب مستوفی الممالك یعنی مستشار خزانهٔ مالیهٔ دولت

(از مناظر عمارات و آثار قدیمه که در سیلاب در نمایان شد (۱) سال دوم)

ومحسنات بتمدد کور بیان فرموده همه دلهای تشنه لبان ترقی وآبادی را به این فکر بسیار عالی همایونی آبیاری آمال استقبال نمودند.

وظیفهٔ فن معماری ومهندسی بتن این بتمد و آوردن وخریدن آلات ولوازمات آن بعهدهٔ جناب مستر میلر انکلیسی محول گردید. اگرچه ما در خصوص جهتهای قوت بتمد سراج قزوین معلومات مکمله نداریم که بر کدام اصول وکدام قواعد فن مهمهٔ معماری بنا وانشا می باید اما اینقدر گفته میتوانیم که اثنای بتمدها در عراهای درهها وآبهای دایم الجریان از مسایل بسیار مهمهٔ فن معماری شمرده میشود. زیرا اگر ادنا خطائی بوقوع آید حضرت سیلابش بر فایدهٔ که ازان ملحوظ باشد غالب میآید. لهذا هیچ شبهه نداریم که مهندس ومعمار بتمدکور همه جهات فنی آنرا ملاحظه کرده بکار انداخته باشند.

واحاصل بتمد سراج قزوین یکی از آثار مهمهٔ بسیار ممتاز وعالی عصر ترقیمحور مراجیه شمرده میشود که بواسطهٔ این بتمد تخمیناً یك لك جریب زمین غیر مزروع موظف، وهم به عهدهٔ خانی سمت قزوین مکلف است توزیع وتقسیم یافت. خان موصوف عهدهٔ نظارت سررشتهٔ أمورات انشائیهٔ، وتسویات انتظامات آنرا بر ذمه گرفته از طرف قزوین الشرف اعلیحضرت همایونی بمأموریت انتظام آن سر افراز گردید. خان مذکور همه ملکان وخوانین ومعتبرین طوایف ولایت قزوین را بحضور اعلیحضرت همایونی دربهار گذشته حاضر نمود. ذات اعلیحضرت پادشاهی همهٔ آنهارا در بندهٔ مابین قصر (استور مبارك) بحضور شاهانه شان قبول ویك نان شاهانهٔ مبارك بسیار مؤثر افتاد

را بزراعت وفلاحت آباد میسازد در وقت حاضر بعضی أقسام مهمهٔ آن با انجام رسیده وسرك موتر رو آن نیز ختام یافته این است که ذات اعلیحضرت شاهانه برای معاینهٔ آن بسواری موتر عازم صوب قزوین شدند که در ذیل حوادث داخلیه ذکر میشود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 405 of 1786

جوادث داخلیه

(عزیمت موکب همایونی بسوی غزنین)

چهار شنبه ۲۸ شوال

یکی از ترقیات باهرهٔ عصر اعلیحضرت (سراج الملة والدین) که در مملکت شاهانه روی کار آمده است سرکها یعنی راه های شوسه و جاده های پخته ایست که سراج الاخبار افغانیه بار بار ازان بحث وبیان رانده است . ولی چون سرکهٔ غزنین که تماسال در آن کار شده ، وحال تا غزنین سراسر تمام شده موضوع بحث ما نشده بود در اینجا یك شمه ازان بحث کردن را لازم دیدیم .

این سرك خط مواصلهٔ دار السلطنهٔ کابل را تنها با ولایات غزنین ی بلکه با ولایت جنوبیهٔ (قندهار) و باز گونه [هرات] در زیر نامیت گرفته است. اثبات موجودیت اتمام باقی این سرك همین است که ذات اعلیحضرت پادشاه معظم ماهم روز پنجشنبه ۲۸ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۳۰ در حالیکه (١٤) قطعه عراده موتر که عادتاً عبارت از یکقطار ریل سرعت شمرده میشود درمعیت شاهانه شان هرکاب بود به هفت نجم صبح بکمال شوکت و اجلال وتمام بن واقبال بسمت غزنین حرکت فرمودند .

مقصد معلق مرصد همایونی ازین سفر حضرت اردوسه چیز بسیار مهمی بوده است : یکی معاینهٔ وتجربه راه ، دوم معاینهٔ (پلهٔ سراج) سوم زیارات متبرکه . زیارت فرمودن . اما نکتهٔ باریك شاهرانهٔ آن این است که چون پنج سال پیش ازین ذات اعلیحضرت شاهانه بسفر دورهٔ ممالك ملوکانهٔ شان تشریف آورده بودن مرحله هائیکه حالا بسرعت برق وباد می گذرند مرور میفرمودند شکرهای زحمت افزای منزلهای پرنشیب وفراز آن ازکابل تاغزنین به پنج شش روز سفر شاهانه امتداد داده بود. حالا که در یکوقت بطرف (۳ ساعت و ۴ دقیقه) ازکابل غزنین مواصلت شاهانه بوقوع آمده است که این مسیر بشکتال عجلهٔ عزم وهمت ملوکانه را جلوه گر میسازد بس . همت جهانگیر پادشاه ترقی خواه معظم ما درطرف این پنج شش ساله چسان ترقیها و خدمات های تمدن را بروی کار آورده است که چشم های همه ترقی خواهان وطن را مبهوت خشاند ودلهای همه خیراندیشان دولت را می بالاند .

کلمات این سیاحت همایونی از محررات رسمی که جانب نگران این مجلهٔ ما بعد از عودت فرمودن همایونی بدارالسلطنه بنظر مطالعه شان میشود در کلمات آتیهٔ شماره آینده خود ازان بحث خواهیم آورد ما اینجا دعای سلامتی وجود مراحم آمود ذات اعلیحضرت پادشاه معظم غروب القلوب خود مان حتم مقال وسعودت وخیریت سفر فوایدآثار همایونی را ازدرگاه الهی نیازمندیم

جوادث خارجیه

اخبارهای ترکی مینویسند

(شیخ عبدالعزیز جاویش) صاحب جریدهٔ (الهلال المصری) که یك شخص عرب تونس الاصل بسیارعالم وباکمال وکامل بوده ومدتی درمصر القاهره اززمرهٔ علمای معروف شمرده میشد ، وبنا برشبههٔ که ازطرف حکومت مصریه در خصوص یك جمعیت پنهانی وطنیهٔ اسلامیه رو افتاده بود ازطرف خدیوهای پولیس درزیر ترقب وتجسس گرفته شده بود ، شیخ موصوف بصورت آبرار قرارداده بدارالخلافهٔ استانبول گاه سالهای درازی علیه وبناه افتادگان وشکسته گان شمرده میشد الیها آورده درآنجا یك اخباری بنام (الهلال العثمانی) اول بترکی وعربی ، وباز بعربی خالص ، وباز بترکی خالص نشر نمود ، مقالههای آتشین او درمدافعهٔ اسلامیهٔ خیلی دهشت آور بود ، درینبار شیخ منار البدرا بنارمطالبهٔ دولت انگلیز دولت عثمانیه بدست حکومت انگلیز تسلیم نمود ، دوتن پولیسهای خدیو که مخصوصاً ازمصر آمده بودند بمعاونت پولیسهای حکومت عثمانیه بر اقامتگاه شیخ هجوم برده واوراق وکتابهایش را دیده ومتنی اوراق وکتابهارا باخود شیخ دستگیر کرده بحضرش برده مخصوصاً درزیر محافظتش گرفتند .

بناءبان مناسبت بعضی اخبارهامینویسند که درسنهٔ ۸۰۴ هجری درزمان سلطان (بیلدرم بایزید) خان کهچارم سلطان عثمانی بود (قراوسف) و (احمدجلایر) نام دوشهبی از (امیر تیمور) گورگان گرفته بدولت عثمانی پناه آورده بودند ، وامیرتیمور در مطالبهٔ تسلیم کردن آنها وا راندن آنرا ازخاك خود نامهٔ بسلطان عثمانی نوشت ، غیرت وشهامت پادشاهی تسلیم نمودن پناه آورندهٔ خودرا بدست دشمن قهوتار نشده جواب ردنوشت ، تاآنکه تمارته عساکره ومهماته منحرشده سلطان بیلدرم بایزید خان مامور آنهه فلاکتها را برخود گوارا ساخته ولی محبی خودرا بدشمن تسلیم نمود .

باز در تاریخ ۱۱۲۱ هجری پادشاه (اسوج) یعنی (سویدن) درمجارستان که با (بترکیه) پادشاه روس توده مغلوب گردید وپتر از هرطرف اوردوی اورا محاصره کرده راه را برو مسدود نمود (شارلدوازدهم) که پادشاه سویدن بود بدولت عثمانیه التجا آورده در زیر حمایت (سلطان احمد خان ثالث) پادشاه عثمانی پناه گزین گردید ، (بترکیه) در دفع حمایهٔ آن لشکر نمود ، وبه آن سبب درمابین شان محاربه برگرفت ، دربن محاربه عساکر عثمانیه عساکر روس را درکنار نهر (درت) سراسر مغلوب ومنهزم ساخته یك رمق مانده بود که (بترکیه) بدست عثمانیان اسیر بیفتند ، ولی بایزید پاشا که زوجهٔ بترکیه اکرام کرده بالتماس محمدپاشا را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 406 of 1786

که سرافسر کل اردوی عثمانی بود فرصتهٔ خود ساخته بصلح راضی نمود . این است که به اینصورت دولت علیهٔ عثمانیه غیرت وشهامت عثمانیهٔ خود رانشان داده غیرازانکه جایت محمی خودرا تمودانتقام اورا نیز ازدشمنش گرفته شارل دوازدهم را بازیلك وتیت خودش رسانید .

ازهمه نزدیکتر واقعهٔ قتل (ناصرالدین شاه) و (سید جمالالدین افغانی) و(سلطان عبدالحمیدخان) است . هنگامیکه (رضای کرمانی) شاه را در زیارت (شهزاده عبدالعظیم) حذف گله زده وروده رمیساخت (بگیر بعشق سید جمالالدین) گفته قیر نمود . وچون اینهم به تحقیق پیوسته بود که قاتل مذکور یکی ازمریدان فدائی سید مشارالیه بود سفیر دولت ایران بحرکت ومشوق یکانهٔ این قتل سید جمالالدین افغانی را دانسته ودلایل وبراهین قویه بیان کرده سید جمالالدین رابشدت ازاغبضرت سلطان عبدالحمیدخان طلب نمود. باوجودیکه سلطان عبدالحمید خان افکارسید جمالالدین را برای مسلك خود خیلی مضری دانست ، وبه بسیار تیرنگها واغفونها اورا از اوروپ به استانبول جلب نموده معززاً در استانبول نگهیداشت ولی بازهم ازتسلیم نمودن قطعیاً ابا ورزید .

(سبحان من یقول ولا یتغیر)(همان باغ وهمان سایه ولی یاران نمی بینم) ! دولت علیهٔ عثمانیه همان دولت ولی کجاست آن غیرتها وشهامتها !....

تمکی است که اغبضرت(سلطان عبدالحمید خان ثانی) ازدرین مسلك بالمرهٔ عظام خود پروی میفرمودند . ولی هزار افسوس که تسلیم شیخ عبدالعزیز جاویش از طرف حکومت سلطانی آنملکه ازطرف حکومت فرقها وجمعیت ها وقوع آمده است .

(عیناً مکتوب)

از دمشق الشامیه دار السلطنهٔ اسلامیهٔ کابل .

حضرة الفاضل الفخم مدیر جریده سراج الاخبار افغانیه

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته . بعد از سوال خاطر شریف تنها عرض میشود که از یك حریق بسیار جانسوز دهشتناکی بشما به خبر دادن میبودم که درین روزها در شهر ما صدای مهیب ما بظهور آمده . اگرچه میدانم که از بنواقعه بواسطهٔ اخبارها خبر شده باشید.ولی من تنها از موقعهای حریق مینویسم آن بازار لطافت نثار پر ثروت وسامان (سوق حمیدیه) که هر روز دران میچمیدید ومیرامیدید دربنوقت یك حال کئیب و غلا کتی تبدیل قیافت کرده که منظرهٔ دهشت نمون آن اطراف و آوار یك جهنم خاموش شدهٔ را بنظر جلوه میدهد . آن سقف عالیشان ، آن دکانهای پر ثروت وسامان آن حسن بنا ، آن ترتیب وزینت خونشایك منظرهٔ فلاکت افزای تغیر حال واحوال نموده که اگر ببینید اختیار خواهید گریست . بازار (سوق حمیدیه) که خود شما هم ازینه اعتراف خواهید کرد که در بسیار جاهایه این وضعیت وخوشنمایی" واین حسن بنا وزیبایی بازاری که دیده شده است از حد (سوق حمیدیه) که مبداء آنست تاپه (باب البرید که منتهای آنست همه آن بازار پر تجمل وشوکت با همه دکانها وتکیه های للتیتی وکرور پتی آن طعمهٔ آتش گردید . بازار (عصرونیهٔ عتیق) که در عقب (سوق حمیدیه) نیاندیاسه چهار بازار مستقیم لطیف کهرش پتی فروشی که از سوق حمیدیه سرراست به سوق عصرونیه عتیق کشیده شده بزیاهمه موجودات خود احراق باتمام گردید . از جهت دیگر کوچه (سوقالبوس) از بوسهٔ آتشین حریق دهشت آگین نیز محروم نمانده همه خانه های بسیار عالی" توانگران ومتمولان که میتناسید مانند بیت الاسطوانی ، وبیوت مردم یك ، وبیتقدسی ، وبیت ترزی ، تاجد بهارستان ، وتاجد کوچهٔ محکمهٔ شرعیه بصدهاخانه وسرایهاباخاك یکسان گردید . واگر بازار کتاب فروشی" (مسکیه) را نمی غلطایدند لابد جامع مبارك امویه نیز محروق میشد . مسافیه مشرفه های رفراف منارهٔ غربی" جامع شریف از آتش رهایی نیافته سوخته شده . واز جهت دیگر تاپه عقب محلهٔ (کلاسه) وعقب (زاویهٔ) (افغانان) آتش سرایت کرده . ازجهت سوق جدید نیز هفت هشت دکانهای معتبر طعمهٔ نار لهب گردید کرده شرار سرسری فرصت را غنیمت دانسته تهب وتارت لجبی نیز بعمل آمد . والحاصل این یك مصیبت وفلاکت عظیمی بودکه من طرف الله برشام وارد شد . بسیاری از مردمان صاحب ثروت وبساری که به لکها وکرور ها روپیه را مالك بودند به یك پیسهٔ سیاه محتاج شدند . از هرهن طرف دنیا اناله جمع میشود.از درگاه الله عظیم الشان جل وعلی همه بلاد اسلام را ازینگونه مصایب در امان خواسته ایم باقی بسلامت باشید فقط .

فی ١٥ رمضان سنهٔ ١٣٣٠ محمد صالح

(همصر معزز اخبار زمین دارمینویسد)

(وصیت مرگ جنرال نوگی)

توکیو — ١٦سپتمبر — وصیت جنرال نوگی یك تحریر دردانگیز است — جنرال متوفی درد وصیت خود تحریر کرده است کمین درعقب شهنشاه خودمیروم چرا که اکنون ضرورت خدمات من نمانده — من بارها خواهش مردن ظاهرکرده بودم ومن برای مرگ خود موقعهٔ مصیبت عظیم فوجی را پسند میکنم — جنرال نوگی جانداد.خودرا به زن خود ودوستهای خود وبه انجمن های عمومی تقسیم کرده است — جنرال متوفی دروصیت چنین تجویز پیش کرده است که لعش اودر مدرسة العلوم طبی دادهشود وصرف دندان وموی وناخن او دفن کرده شوند — بجائی جنرال نوگی جنرال تو گو ، پرست انجمن استقبالیه مقرر خواهد شد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 407 of 1786

خانوادان ایران

هرعصر مورخ ژمیدار مینویسد خانوادهای ایران از سنه ۱۹۰۷ مقدمهٔ قدم درمیدان ترقی نهاده ثابت کرده‌اند که شایان آنها در آن ژاپان دنیا کرده می‌شود کهازهمه زیادهٔ ترقی کننده می باشند — ازین بیان خیالات سافکه از صدها سال ذهن نشین بود برطرف شد — این امر داخل مبالغه کرده نخواهد شد که اگر طاقت زبردست خانوادان ایران نبود غائلهٔ تحریک انقلابی چند روزه بزودی می شد — خانون های ایران برای روشن داشتن اشعلهٔ آزادی بهمت عدیم النظیر کار کردند — وصمویت‌های اقتصادی ومعاشری برخودگوارا کردهاماهمیت مصیبت آنهارا بیدار کرده وقت وچون این اقوام مشهور گردید که مجلس جامعت وطن پرستان از اعلان جنگ روسیه خائف گشته پیش‌روس سرتسلیم خم خواهد کرد سه صد خانوادان ایرانی ازحرمسرا های خود بدر آمدند — ازبشرهٔ آنها عزم واستقلال غیرفانی متشح بود ومطالبه کردند که آنهارا پیش صدرمجلس برند — جماعهٔ صدر مجلس وهدستوانرا پیش‌خودطلبیده — خانوادان پیش روی‌صدر مجلس ایستاده شده ازین خیال کهمبادا صدر مجلس وهمنشینان‌او مدعای آنهارا نفهمند به اندازه تحویف آمیز تمنگچه های خودرا ظاهر نموده برقصرا دریدند وعزم‌خودرا علی‌رؤس الاشهاد ظاهر کردند که اگر اراکین مجلس به‌برقرار داشتن عظمت و آزادی ایران پیشقدمی کردند شوهرها وپسران خودرا اول نشانهٔ همین تمنگچه خواهیم ساخت وبعد ازان خود کشی خواهیم نمود — ازهمت مردانهٔ نسوان‌مذکورهچنان‌شد کهدامن مجلس ازلکهٔ‌ننگ قوم‌وملت فروشی محفوظ گردید ..

تریاق زهر طیاره ها

لندن ۲۸ سنمبر — بیان کرده می‌شود که هر چهارجنگی جهازاوپاب چهارانع دهن‌مسلح کرده خواهدشد تاکهاوپاب مذکور برزاویهٔ هشتاد درجه نهزار گردند — وازفاصلهٔ چهارمیل بخصد گز بلند طیارهارا نشانه ساخته بتواند ..

چراغ ایطالیا گل شد

بقام ورنه وغیره امداد جدید رسیده است — واطالوی آنقدر مایوس شدهاند کهیک قدمپیش رفته‌نمی توانند — افسران‌اطالوی بفوف گونه باری‌بقای شمع‌های کشتی‌های خودگل کردهاند. شیخ سنوسی امام الله علیه بقام سالو (مسافت دوهفته ازمقام جغبوب واقع است) رسیده است وباهزار توده بطرف میدان جنگ می آید .

آمدن‌وزیر خارجهٔ روسیه در لندن

لندن ۲۹ سنمبر — امروزموسیو سازونف وزیر خارجهٔروسیه در محکمهٔ خارجیه‌هزاراتراند ورود گرمی گفتگوخواهد کرد — وهمازان مذاکرات هردو سلطنت بطرف بالنورل رفته بر امورات بسیار واهم بحث خواهند کرد — اخبارات انگریزی مباحثه هردومذاکرات مذکوررا درباب معاملات ایران می دانند — اخبار تائیزوم گذشته براین‌اصرار کرد که درمعاهدهٔ انگلیس‌وروس متعلق ایران ترمیم کرده شود تا که برطانیه را درجنوبی ایران بهمان قسم آزادی حاصل شود که روسیه‌را درشمالی ایران حاصل است — اخبار ڈیلی نیوز درانشاعت‌مروزه درباب تقسیم ایران برتجویز اخبار تائیز اظهار غصه ونفرت نموده تحریر کرده است کهتجویز تائیز شوخ چشمانه ونفرت انگیزاست — ڈیلی نیوز می‌نویسد که اراکین فریق آزادخیال تاهرصهٔ دراز درباب تقسیم ایران‌چون وچرانکردند — واکنون‌لازماست که اراکین‌مذکور برابندگی معاهدهٔ انگلیس‌وروس‌اصرار نمایند ویکی ازشرائط آن‌ایست که‌برای قائم‌داشتن اتحاد برطانیه ضروریست که روس فوج خودرا ازایران واپس‌کند — اخبار ڈیلی کرانیکل تحریر میکند کهسرایڈورڈ گری هرچند که زیاده شدن‌زمه‌داری‌های رادر ایران پسند نکند امانکی است که حالات آن یک صورت نشویشناک اختیارکنند — لیذابرای محفوظداشتن ملک‌ازبدنظمی کارروائی‌خاص بایدکرد .

شیصبحه‌بروت ورود موسیوسازونف صدای مخالفت‌بلند کرده جماعوراپک مراسلهٔ بی‌خبر تصور کرده رهاکردند .

(ترجمه از اخبارات انگریزی)

—(مرگ سفیر جرمنی)—

لندن مورخه ۲۴ سنمبر — ازمقام پیدن وپر خط رسیده که سفیر خارجهٔ جرمنی مقیم لندن وفات کرده است — اخبارات انگریزی برای سفیر مذکور ثنا خوان شده می نگارند که در دو دولت سفارت متوفی رابطهٔ اتحاد دولت انگلیس وجرمنی بسیار استوار گردیده بود — واهالی جرمنی برمرگ مقامات سفیر متوفی بسیار ماتم می‌باشند فقط

طوفان شدید جاپان

(اندازهٔ تلفات وخسارات کثیر)

(تباهی وخراب شهر توکیو)

لندن مؤرخه ۲۴ سنمبر — بتاریخ ۲۴ سنمبر از شهر توکیو خبر تلگراف رسیده که شهر توکیو دار السلطنه جاپان به سبب وزیدن طوفان شدید بالکلیه تباه گردیده است — میگویند که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 408 of 1786

طوفان باد شدید در هر علاقه جریان وزیده وحصوصاً سطی وساحل جنوبی قطعهٔ جاپان نسبت به دیگر علاقه جات متصل قصبان شدید شده

جهاز فرانسوی موسومهٔ دو یل تندی وشدت باد شدید را مقابل نموده نتوانست وجاب ساحل بوکوهاما آورده شد.

یك کشتی جاپانی با یك تیهٔ تحت البحری مصادمه نمود ومنهدم شد.

تعداد تلفات هنوز معلوم نیست ـ جهازات جنگی موسومه (ست سوما ومیکاسو) خراب شدند وجهاز جهاز غرب وینج کشتی تارپیدو سمت ساحل آمدند

شهر ناگویا متصل قصبان عظیم شده است ـ تاریخ ۲۲ ماه جاری یك کشتی تارپیدو در قرب شهر مذکور تباه شد وهمه نفوس که در کشتی مذکور سوار بودند نیز در معرض تلف رسیدند برای دو کشتی تارپیدو نیز زیانی عظیم رسید.

طوفان باد شدید که در اینچین وقت وقوع آمده شهر توکیو را بالکل ویران کرده است وابنقدر قصبان رسیده که تلافی آن در پنجاه سال آینده نیز بمشکل خواهد بود گفته اند که اهالی توکیو متصل قصبان مبلغ چهل لك ین گفته ـ وتعداد کثیر نفوس هر معرض تلف رسیده ومزروعات تباه وخراب گردیده اند. طوفان مذکور بالخصوص در شهر های ناگویا واوساکا وکوبه وتاراه این تیزی وشدت وزیده که هزارها خانه منهدم گردیده وتلف هاغر بی خانمان ودر تلاش جای پناه آواره می گردند وهیچ خانه اینچین نمانده که به آن زیانی نه رسیده باشد ـ بندر شهر ناگویا از مد وجزر دریا تباه شده است وسه جهاز غرق آب شده اند ـ در شهر مذکور ۲۶۲ نفر تلف و ۲۸۳ نفر زخمی شده اند ـ جهاز موسومه (کیکوماروه) با کوه تحت البحری مصادمه نمود وجمیع نفری جهاز مسافران وعمله اش تلف شدند ـ در شهر اوساکا بیست هزار خانه ویران وبندرگاه منهدم شده ودر شهر تارا یك مسجد قدیمه که از یك هزار سال زیاد قائم ومستحکم بود منهدم گردیده است فقط.

از مناظر دربار عیدسعید فطر عودت شاهانه از جامع کیر عیدگاه

ـ﴿ شخصی عالم چاپا ﴾ـ

مارك جزهندن که برای گشتن کل عالم درظرف چهار ساله دعوی میکند ودرای چون انعام مبلغ یکهزار چند رجیٔ دانق دارد از لندن برسفر دنیا روانه شده است فقط

(ادارهٔ جهازات انگریزی)

ادارهٔ جهازات برطانوی تصفیه نموده است که تاتواند هر جهاز جنگی را بایك کشتی موتر که طولش ۲۰ فت باشد میرا کند فقط

لندن مؤرخه ۲۷ ستمبر ـ حالت بالقان خیلی تشویش انگیز میباشد ـ دولتهای اجنبی دولت ترکی را برای تعاد اصلاحات مجبور میسازند ـ بناء علیه سرکار ترکی بسیار پریشان خاطر ومشغول شده است ومیخواهد که بواسطهٔ جیرول مذکور برای اختتام جنك وگفتگوی مصالحت سررشته نماید ـ رشید پاشاه وزیر معارف از قسطنطنیه سمت سوئزرلند روانه گردیده است وبعضی سیاسی دانان میگویند که وزیر موصوف جهت سررشته وتعجیل اختتام گفتگوی مصالحت رفته است فقط

(هم عصر معزز ما زمین مار مینویسد)

(اللهم اید الاسلام والمسلمین)

(درحق خلیفة المسلمین دعای فتح ونصرت)

درشهر کلکته بتاریخ ۲۷ اکتوبر یك جلس منعقد شده و در آن مجوز نموده شد که در کل هندوستان بعد از نماز جمعه برای فتح ونصرت اعلیحضرت سلطان المعظم خشوع وخضوع دعا کرده شود امید است که درمساجد لاهور هم جایکه نماز جمعه ادا کرده میشود المومنین المتظرین دعا خواهند کرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 409 of 1786

(ترانه سپاه ایطالیا)

نامه نگار اتحاد از مقام بنغازی نقل آن ترانه که سپاه ایطالیه وقت جنك می‌سرایند بعنوان (سپاهی را از مادر خود رخصت شدن) فرستاده است و مضمون آن این ست :- ای جوان ده ساله مصیبت کلان آنست که او برای وطن خود جنك نکند. بحالیکه در طرابلس جنك جاریست و برق به رنك اطالیه و ترانه نظامی هرحب وطن را بطرف خود میخواهد - پس ایادر ، دهاکی وگرنه مکن بلکه خوشوقت شو تا کمی خوشوقتی در طرابلس بروم ورای وطن خون خودرا بریزم . این جنك بخلاف مذهب اسلام است که برای سلطان زنهای باکره را جایز کرده است . من برای نابود نمودن قرآن به قوت تمام خود جنك خواهم کرد . برای وطن خودرا هلاك نکردن هیچ عزت ندارد - ایادر قصهٔ آن خاتون یادگی که پسران خودرا بروطن قربان کرده بود - ایادر من اکنون میروم جبارین رواله میشود ومن بطرف طرابلس خوشوقتی میروم - چراکه غم مثلث الاوان که زیر سایه آن طرابلس است مرا میخواهد - شما خودرا هلاك نسازید که من هنوز زنده‌ام واگر من واپس نرسیدم شما برای پسر خود ماتم نکنید بلکه هرروز زیارت قبر بکنید - الفاتحه رخصتی شما که نهار ازماتم منع کنند ازقبر طرابلس من همراه نسیم صبح بشما خواهند رسید واگر کسی سبب نکردن ماتم ازشما دریافت کند بگوئید که پسر من درطرابلس ازدست ترکان کشته شده است - اکنون طبل کوچ زده شد و من از شما رخصت میشوم -

درین زمانهٔ تهذیب یك سلطنت متمدن جوش سپاهیان خودرا بقدریهٔ ترانهٔ مذکوره مشتعل می سازد - وگفته میشود که این جنك جنك ملی نیست - اگرجنك مذهبی نمیباشد اطالیه‌را که

ازمناظر دربار عید سعید فطر فصیلا - درشمارهٔ (۱) سال دوم

رعایای اوسلمان هم میباشند احترام مذهب شان لازم بود - وباوجود ترانه‌های این قسم مردانگی که سپاه ایطالیهٔ در میدان کارزار نموده‌است برگل عالم ظاهر است وچون عنوان از مضامین ترانه‌های مذکور واقف گشته بخلاف ایطالیه خیال جدید قائم کردند آن نیز ظاهر خواهد شد :

مقاله مخصوصه
داکترها — وداکتری

(داکتر — دوکتور — دکتور) کلمایست مترادف که بلهجهٔ ملت ما داکتر ، وبلهجهٔ ترکی دوختور ، وبلهجهٔ عربی دکتور تلفظ وتکتب میشود . این کلمه لفظ (لاتینی) ست که درعرب یعنی (معلم) یعنی(استاد) استعمال میشود . اصل موضع این کلمه یك لقب وخطابیست که برای جان‌اشناسیکه جمع معارف ، وهمهٔ درجات علمیهٔ راحاصل کرده باشند و اجازهٔ تعلیم آنهارا گرفته باشند داده میشود کهدرعربی بمقابل لقب (داکتر)کلمهٔ (حکیم) ودر فارسی قدیم (پزشك) یا (مؤید) گفته میشود دراوایل قرن دوازدهم میلادی لقب [داکتر] تنها بعلمای قانون دان قانون شناس مخصوص بوده دیگری اطلاق نمیشد . وبار یکوقتی شد که لقب داکتری مخصوص علمای آلیات ولاهوتی بود . وبار برای حاذقین اطبا و ماهرین فن موسیقی تخصیص شد . که درین وقت تنها طبیبان را [داکتر یادوختور — یاد کتور] میگویند . لهذا اگر داکتر یعنی (حکیم) باشد اطلاق عنوان جلیل [حکیم] برهرطبیب و جراح جائز نیست . حکمت یك علم وعلمیست که طبابت یك شعبهٔ از شعبات آنست . و آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 410 of 1786

علمیست که از حقایق اشیاء که کائنات بسروار اشکیل داده بانقدر طاقت بشری بحث میکند ، و هر یک از حقایق اعیان آن ، و مادهٔ مشترکهٔ آن بحث میکند همه اقوام فلسفه وسیاسیه ومدنیه داخل علم حکمت است ، همه علوم اخلاقیه وادبیه نیز داخل علم حکمت است - موضوع حکمت اشیاء موجوده سافلی وعالی کائنات غایت وغیبه‌اش پی بردن بکیفیت ایجاد وصنع واجب الوجود موجوداتست - (حکیم) آنست که بر حقایق اشیاء آگاه و از حقایق اشیا خالق اشیا را بشناسد ، و از او بترسد . [رأس الحکمة مخافة الله] حالا ما بخواز [حکمت] و (حکیم) صرف نظر کرده تنها از (طبابت) و [طبیب ها] و [داکتر] و [داکترها] ی وطن عزیز خود یکقدری بحث میکنیم :

این یک آوازهٔ قدیم بیانست که علم جلیل طب مقتدا ترین شعبهٔ حکمت است ، زیرا موضوع آن خدمت حیات بشر است وچون نوع بشر اشرف ترین حیوانات و معتبر ترین موجودات است از آنرو اگر علم طب نیز اشرف ترین علوم ومعتبر ترین فنون گفته شود جادارد این هم از امور بدیهی واشکار است که بجانب دیگر علوم وفنون از آغاز تشکیل خود باحوال خیلی ترقی کرده است ، چنانکه علم جلیل طب نیز بیکدرجهٔ اعلای ترقی واصل شده است ، واگر کسی بگوید که اطبای یکعصر بیشتر از زمان اسلاف عصر حاضر قابل وماهر بودند سخن بی‌دلیل وبرهان خواهد بود ، زیرا ترقی هر علم وهر صنعت ، وهر هنر از تجارب کثیره وتوفیق آلات وادوات عدیده وجودتی آید اگر در یکی از [داکتر خانه] و (دار الاستشفاء) و (کیمیاخانه) های طبی بلادشدهٔ اینعصر حاضر مدارج ویکبار بسوی دکانهای عطاری یعنی ممالک شرقیه نظر اندازیم ترقی علم طب تنها بهمین دومحل ومقایسه کردن خود بخود ظاهر میگردد ! آن قطی‌های چوبی رنگه که ازپس چرکی وچتل یک رنگ ماوراء الالوانی پیدا کرده و هتناد بار بهلیه پرشده ، و تودار بهلیه ، و از زیر چوبه پرشده ، و از تمام خانهٔ دکان عطارها را پاآن بلورستان آئینه‌زار اجزا خانه‌ها ، و دواسازها قیاس کنیم معلوم میگردد که طب چه‌بوده و چه شد -

در وطن عزیزما دو طب معروف و رایج شده است یکی طب یونانی ، دیگری داکتری ، اگرچه این تعریف درست نیست زیرا اساس وموضوع هر دو یک چیز است که آنهم عبارت از مداوی امراض مختلفه میباشد ، ولی در اصول مداوی اختلاف دارد که سبب این تعریف شده است ، مثلا طب یونانی که از قدیم الایام در ممالک عزیزما موجود بوده و هست بر اصول و قواعد همان کتابها و خوانده گیهای که از عصر های افلاطون‌ها و ارسطوها ، و جالینوس‌ها وغیره‌ها مداوی میکنند ، و از همان اصول صاحب های مورد به خورده کپه بگذشته به آن طرف نمیرایند ، و داکترها بر تجربه‌ها و تحقیقات و دقیقات موشکافانه که روزمره در بازار علوم و فنون و صنایع وقلمون بواسطهٔ تجدد و تنوع آلات وادوات کونا کون از عوالم طبیعیه بروز میدهد اجرای مداوی میکنند ، و هر روز و هر وقت یک طرز نوی و یک اختراع جدیدی پیدا میکردند ، بنا علیه اگر بگویم که کشتی بادبان از کشتی بادبان دار ، و کشتی بادبان دار از وابورهای تجاری سریع السیر آتش نفس پیشتر است ، و یا آنکه قاصدهای تامه پرنده پای عصار تکثار از قطار های ریل‌دار آتشین رفتار پیشتر است این ادعا خواهیم کرد که طبابت اصول قدیمه از طبابت اصول جدیده بهتر و خوبتر خواهد بود -

بلی ، درین هیچ گفتگو نداریم ، اما گفتگوی ما در عدم کفایت داکترهاست نسبت باحتیاج خوش‌شهر ، واقعا بنابهٔ مراعات اعلیحضرت پادشاهی یک باب شفاخانه مکمل ملکی ویک باب شفاخانه عسکری موجود است ، وهمه ساله ادویه و اجزای طبیه در یک میزانی واسعی طلب شده بر مردمان تداوی طلب رایگان احسان میشود ، ولی پنج نفر داکتری که آنهم از طرف سرکار مأمور ومستعد باشند ، ویک دوسه دواخانه که آنهم در شفاخانه یا دوایر حکومتی باشد مستوجب تسهیلات تداوی هفتاد هشتاد هزار نفر آدم شهر نمیشود -

علی الخصوص که بعضی داکترها پرغرور وعظمت فروش هم باشند !! -

در شفاخانه ملکی همه روزه بغیر از یارانی که برای تداوی خوابانیده شده اند بصدها مردوزن فقرا وغربا واصناف اهالی تداوی میشوند ودوا میبرند یک دو داکتر صاحبانی که در آن مامور اند به بیمارستی وخوبی وظیفهٔ خود شانرا بکمال سعی وکوشش ایفا میتوانند ، ولی به تداوی عموم کفایت نمیکنند -

در شفاخانه عسکری نیز همدروزه بصدها نفر افراد عسکری تداوی میشوند ودوا داده میشوند وغیر ازآن درهر چوبیای عسکری داکتران مخصوص هم موجود است که تابیکدرجه تداوی افراد عسکری نیز در زیر امنیت گرفته شده است که بصورت خواه صنف افراد عسکری وخواه صنف غربا وفقرا و اکثریکه در شفاخانه بخواه ابتدا از جهت تداوی ودوا محروم نیستند و کذلک ذوات معتبرین وعمله حضور همایونی نیز هداکتر ودوا احتیاج ندارند ، چونکه داکترهای عدهٔ حضور همایونی وهم داکترهای شفاخانه معاملاتوه رایحای مامورین خودشان از عهدهٔ آن خدمتهم برامده میتوانند -

حالا آمدیم بر صنف مردمان متوسط‌حال مانند تجار وصنعتکار وغیره که حال وامورالشان برای خواستن داکتر اجازه نمیدهد تداوی کردن خود مساعدست ولی بسبب دستیاب نشدن داکتر در هر وقت وهر زمان موجود نبودن اجزا خانه‌ها ودواخانه‌ها در شهر واطراف آن از تداوی حقیق محروم مانده مجبوراً بهمان قطی‌های چرک وچتل دکانهای عطارها مراجعت کردن مجبور میشوند -

لاجرم اگر ادارهٔ بلدیه یعنی میتسپالتی شهر نظر توجه خود را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 411 of 1786

بسوی این نقطه مهمهٔ احتیاج ضروری اهالی متوجه تواند و یک سرمایه وضع نموده ، و در نقاط مهمهٔ شهر یکچند دواخانهٔ مکمله باصول جدیده باز کرده یکدو سه داکتری بافیس معین استخدام نماید بفکر نگارندهٔ ما چنان میرسد که هم احتیاج اهالی رفع شود ، و هم یک مداخلات خوبی برای صندوق بلدیه حاصل شود .

عالم عسکری

(قاعدهٔ خراب کردن راههای آهن دیل)

هر گاه عساکر در یک منطقهٔ اراضی که خطهای راه آهن دشمن را خراب کردن لازم باشد وقتیکه آید به این اصولهای که در ذیل ذکر میشود خط راه آهن را خراب باید کرد :

۱ — هر اندازه آلات وادواتی که بیابند بر دارند و محافظها دیده بانها ، و مأمورین را اسیر کنند ، در کهای تلگراف را بقطعانند ، سیمهای آنرا ببرند ، مانند استیشن پل ، و جاهای مقراس که دیل را از یک خط بر دیگر خط میگرداند ، و نقطه های پیچاپیچ دار خط را مانند زیر احاطه باید کرد ، خراب کردن خط را با اسباب و آلات باید نمود نه بادست ، و اگر احتمال ظهور یافتن دشمن پیش از فرصت خراب کردن خط باشد از کارتوس هایی که برای خراب کردن مخصوص است بقدر کفایت بخط ربط باید کرد ، همهٔ مأمورین و عملهٔ که در خط راه آهن برای کار بیایند اسیر باید ساخت .

۲ — در جاهای کج و پیچ خط و جاهای مقراس دار خط هر دو آهن هر دو طرف خط را خراب کردن لازم است ، در هر ۳۰۰ گام تا به ۱۵۰۰ گام مسافت بقدر ۳۰ گام خط را خراب باید کرد یعنی چون یکبار بقدر سی گام خط را خراب کردند ، از سه صد تا به هزار و پنج صد گام مسافه را در نقطهٔ بازبقدر ۳۰ گام خط آهن را باز خراب کنند ، و بر همین منوال بر کار خراب کردن دوام ورزند ، در جاهای پیچاب دار از ۲۰۰ تا به ۸۰۰ گام مسافه خط راه آهن را خراب باید کرد ، در جاهای مقراس دار از ۱۶ تا به ۲۵ گام مسافه خط را خراب کردن کفایت میکند .

برای بجا آوردن این وظیفه یک بلوک رسالهٔ یعنی عسکر سواری را بر شش قسم تقسیم باید نمود ، بعهدهٔ هرقسمی از آنها یک یک وظیفهٔ مقرر شود که باید بجا بیارند . بدیوجب :

قسم اول : از ۸ نفر مرکب میباشد که اینها بلوک وکلنگ و تبر داشته میباشند ، ووظیفهٔ شان این است که تخته جوبها ، یا تخته آهنی را که در سرک دیل پهرش انداخته میشود ، وخطهای راه آهن بطول بران تمدید وحکم میشود از زیر سنگچل ها و ریلها وخلک ها بیرون برآرند .

قسم دوم : از شش نفر عبارتست که دو نفر آنها با کلنگ‌های مخصوصی که باخود دارند خشتهای آهنین پیچهای خطهای راه آهن را که با یکدیگر بواسطهٔ آن پیچهای خشت دار ربط شده است باز میکنند ، دو نفر آن کلیدهای دندانه دار ، ودو نفر دیگر آن چکش های ثقیل داشته میباشند که با آنها پارچه های دو طرفهٔ خطهای راه آهن را که با یکدیگر چسپانیده شده اند بر میدارند .

قسم سوم : — مرکب از ۸ نفر است که چهار نفر آن بر یک طرف خط وچهار دیگر بر دیگر طرف خط مأمور گشته با میلهای آهنین سرپنجره دار وپیچ زرکی که با خود دارند میخهای دندانه داری که از بالای خط آهن بر تخته جوبهایشه آهنهای زیر آن میخ شده است بیرون میبرآرند .

قسم چارم : — مرکب از ۱۶ نفراست که هشت نفر آن به برداشتن یک یک رای یعنی خط مأمور میباشند که برای اینها دیگر آلات وادواتی لازم نیست ، اما اگر موسم زمستان باشد ریسمان برای شان لازم است که آهنهای خط را به آن بسته کش کنند ، این نفرهای ها یعنی خطهای آهنین را از روی تخته های جوب یا آهن برداشته یا در زیر خاکها پنهان کنند ویا اگر نهری دران نزدیکها موجود باشد دران غرق کنند ، ویا از لاش های بلند کوه در نهرها بیندازند ، واگر این چیزها نباشد ، وفرصت دفن کردن آن هم نبود تا بحد شانه بالا برده سه چهار بار بر سنگ ها آنرا بیندازند .

قسم پنجم : — از ۱۶ نفر مرکب است که اینها بایل وکلنگ مجهز میباشند ، وظیفهٔ اینها این است که تخته جوبها یا تخته آهنهای که پهرض فرش شده وخطهای راه آهن بران مربوط بوده است از راه بر دارند ، اگر از چوب باشد همه را در یک جا خاکستر کرده آتش بدهند ، واگر از آهن باشد همان مصالحه را که برای خطهای راه آهن کرده اند یعنی دفن کردن ، واز لاش انداختن ودر آب غرق کردن یا بالا کرده بر زمین انداختن — را اجرا نمایند .

قسم ششم : — مرکب از ۱۶ نفراست که عبارت از نفرهای نردبانیست که درکهای تلگراف را میبند وسیم های آنرا قطع میکنند .

از موجودهٔ یک بلوک سواری باشد وبخواه نخواه شصت ویا هشتاد نفر شان با این عملیات مذکور مشغول شوند ، وباقی آن بصورت محافظ پهره بدهند ، واسبارا نگهدارند ، به این طرز بهمین ترتیبی که ذکر شد اگر یکدسته انتظام وجد وجهد کوشش ورزیده شود در ظرف یکساعت بقدر ۶۰۰ گام راه آهن دیل خراب کرده میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 412 of 1786

بی‌بی‌های صاحبه های مایله هارا یادگار

در نمره‌های سابق خود در خصوص مایه‌وبی‌بی‌های صاحبه‌های مایه بعضی چیزها نوشته بودیم در این نمرهٔ خود از بعض اُمورات که در سر رشته‌داری مایه در منزل صاحبهٔ خدمهٔ زنان هر وقت و هر زمان به آن بسیار محتاج میشوند بعضی چیزهای فایده‌مند بعرض میرسانیم.

**

(رخت شوئی)

یکی از کار های بسیار ضروری ولازمی وبسیار مهم خانه داری ومایه در رشته رخت ولباس مایه است که یک مخارج کلی برای صاحبان مایه تشکیل میدهد . بیچاره بدبخته بسیار زحمت وریزش عرق جبین بوشاك أولاد وعیال خودرا تدارك میکند . والدهٔ ماجده دوتور چشم خودرا صرف کرده رختهای خودواولاد وشوهر خودرا میدوزد . به بسیار شوق وذوق آرا میوشند . فرحت بر فرحت مسرت بر مسرت !

چند روزبعد بوشاك شان چرك میشود وبشستن محتاج میگردد . بوشاك شان البته با از چیت ، وصندوف وگاج فلانن ویا از یك جنس پشمی رنگ میباشد . صابون میخرند ، چوب میسوزانند آب گرم میکنند ، رختهارا در لگن می اندازند ، صابون وآب وقوت باز وصرف میکنند ، نتیجه چه میشود ؟

زن بیچارهٔ ماجده مانده ، واز شانه وباز وافتاده ، وصابون

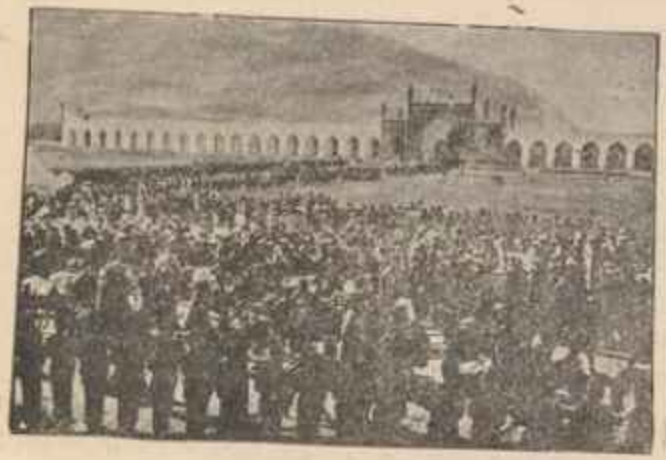

از مناظر مراسم دربار عیدسعید فطر خودت موکب همایونی از جامع عیدگاه

وجوب برایگان رفته ، وبوشاك های نفیس ونگار خوش رنگ شان همه از یکسر رنگ های شان را باخته ، وآب‌وآب شانرا سراسر بر باد داده می بینند ، همهٔ آن ذوق وحظ و مسرتی که از لطافت رنگها وظرافت جلوه های آن بوشاك گرفته بودند یك حزن وأسفی مبدل میشود .

لهذا اگر بی‌بی‌های صاحبه های مایه‌ها به این اصول قاعده که (سراج الاخبار افغانیه) آنرا نشان میدهد رختهای رنگ خود شانرا بشویند ، فایده های بسیاری الله تعالی خواهند دید که اگر نتیجهٔ این قاعده درست وصحیح برآید از عهدهٔ ما این قاعده را از ان ترجمه کرده ایم دیگر چیز های فایده مندرا نیز پیدا میکنیم در نظر قارئه های کرام خود عرض خواهیم نمود .

قاعده

هرگاه شان رختهای رنگ مانند چیت ، وصندوف وگاج وفلانن ، وأمثال آنهارا میخواهید بشوئید به اینصورت بشوئید .

اولا — برای شستن اینگونه رختها به لگن یا اطاق لازم است . در یك لگن آب سرد انداخته بقدر یك قاشق زهرهٔ یعنی تخم گاو دران بیامیزید ولگن را در یك طرف بگذارید در لگن دوم نیز آب سرد انداخته وبقدر یك قاشق سرکه دران آمیخته این لگن را هم در یك سو بنهید . در لگن سوم آب گرم باشد اما بشرطیکه بسیار داغ نباشد دران یك کاسه صابون را انداخته هم میزنند تا خوب کف کند . بعد ازان جامهٔ رنگینی را که میخواهید بشویند در همین آب گرم صابون‌دار می اندازند وجامه را دران هوار وغوده ی آنگاه فشار بدهند ، وبیالند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 413 of 1786

صابون را بر هر طرف جامه آهسته مالیده وهیچ فشار وقوت باز وصرف نکرده بانسدر پنج ده دقیقه بحمال خودش بگذارند . بعد ازان جامه را ازان آب صابون دار بدون فشار دادن بر آورده در لگن یا تغاری که تا نصف کلو در آب آن آمیخته شده بدون فشار دادن ومالش دادن جامه را بران آب بشویند . وبعد ازان در لگنی که آب سرد دارد دو بار خوب آبکش کرده در یکجای مناسبی برای خشک شدن بیا ویزند . وان راهم هوش کنند که آفتاب بسیار تیز رنگ رختهای رنگه را خراب میکند پس اگر اینگونه رختها را در جائی که آفتاب وباشدید نباشد بیا ویزند بهتراست . وپیش ازانکه بسیار خشک شود پی هنوز کمی نم داشته باشد رخت را بر داشته اوتو کنند . در موسمهای زمستان اگر این گونه رختها را پی پزند باز رنگ شانرا خراب میکند . لهذا در جای سایه ویزند که پی بشود .

درین نمبره خود بهمیقدر معلومات اکتفا ورزیده انشاءالله بعد ازین از دیگر سر رشته ها بحث وبیان خواهیم نمود.

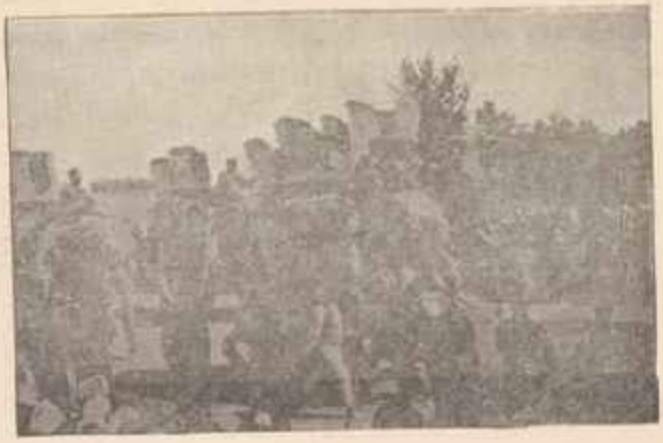

از مناظر مراسم دربار عید سعید فطر (بابا)

ادبیات

غزل

ای طفل تو آموز دبستان تمدن
جهدی که شوی صاحب عرفان تمدن
زنهار بوحشت ندهی دست بگریبان
منگذار دمی دست ز دامان تمدن
وحشت نشود خار ره دامن گلچین
پر گل شده امروز گلستان تمدن

بیسته کمر وحشت و وحشی صفت چند
باشند بجنگی و سیهدان تمدن
از ما تو علم و ادب آموخت اماری
گشتند ز نادید نوشابان تمدن
آدم شده اند از اثر علم و گرنه
بودند اماری همه غولان تمدن
علم است که خاکی نسپارند فلک سیر
بادن هوائی شده پرهان تمدن
پرخروش حکم روان بودازین پیش
گردید هوا پز بفرمان تمدن
شاهنشه آفاق که در دولت اقبال
امروز بلند است از و شان تمدن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 414 of 1786

شمع ره دین است و سراج ره ملت
شد پرتو او لطف نمایان تمدن
پاینده بود بر سر این ملک الهی
کز وی همه ملت شده جویان تمدن
مضمون خط و خال مکرر شده بسیار
بشنو سخن تازه ز دیوان تمدن
کس نیست درین عهد چو مستغنی یزدان
در شعر سخن سنج و سخندان تمدن

غزل کاغذ

نوگشت دنیا زایجاد کاغذ — احیای علم است بنیاد کاغذ
گر می نبودی کاغذ بدنیا — آیا چه می شد برباد کاغذ
برگ درختان پاپوست حیوان — بد چیز انسان استاد کاغذ
پوسنگ بنوشت برخشت پنگاشت — عردم کاغذ کاشاد کاغذ
بعضی زچین گشت بعضی زاعراب — ایجاد کاغذ استاد کاغذ
هرکس که بوده صد آفرین باد — برهستی او زاجداد کاغذ
امروز (دیگر محو طرزی) — گفته تمدن منقاد کاغذ

غزل

مرکبی دیدم قوی هیکل که بس خوش پیکر است
صورت زیباش چون طاوس بیکو منظر است
حسن ترکیبش بود مرغوب طبع خاص و عام
در صفایی جسم او با آینه هم گوهر است
میدود رند انسان دیگر که جوهر جا و لیك
آب و آتش خورد ون این اشهب میمون فر است
پاك دیگر اسب هارا نیست چندان هیبتی
در گداز از نعره او زهرهٔ شیر نر است
چشمها بش زیر دیبای روز ها پنهان بود
وقت شب تا نیمه هر چشمش بسان اختر است
احتیاج دیگر اسیا نیست بر زین ولجام
بی نیاز کفت زین ولجام این اشقر است
بیت او بی زین بود چون مسند شاهنشهان
بی لجام ایمای دست راکب اورا رهبر است
چار پا دارد بلانه ستور آن دیگر
لیك در رفتار جابك تر ز باد صر صر است
هیچ مرغی پیرو نتواند به سیر او رسید
گرچه اورا بال و پرون راته پاك و نی پراست
تیست فرسخ راه را طی میکند در یم روز
گوئی از تیت سلیمان نشانی در بر است
چاکری از بهر خدمت پیش او استاده بود
کاسم این اشهب چه کام واز کدامین سرور است
کاشت این مرکب بود تخت روان شهریار
راکبش سلطان نامش در زمانها مؤثر است

فاجعه ماه پاریس

(مابعد از شماره دوم)

بشنیدن چشمش بحال طبعی خود نمانده مانند خریطه شده بود سیدی چشمش پرسیاهی آن غالب آمده یك شکل مدوری ترکه بود. لب بالائی آن یك قدری بسوی بالا کش شده دیده های بی خون ودندانهای سفیدش را پنهان نمیتوانست.

غوسیر پولیس پیش ازانکه ازانجا برود باز بدایه تعریفات و تاکیدات لازمه اجرا نمود که دایه نیز بجوابش چنین گفت:

چیزیکه از دست ما بیاید قصور نخواهیم کرد. لیکن چنان معلوم میشود که این زن بیچاره از بیمار وقتیاست که بسیار عذابها دیده باشد، وان ضربهٔ شدیده تیکه پیش از یکساعت دیده خارج از درجهٔ تحمل او بود است. چون ضعف وناتوانی بیماری دارد از بلا گفته نمیتوانم که بچهٔ حالش چه خواهد شد. صبایه درین وقت اورا یك کاسه آبگوشت میخورانم اگر رهایی بیابد اثرات مرا دیدا خواهد کرد.

آرامی بیهوشی مانندی که بقدر یکدو دقیقه طولیابد بآن قابل شده بود به آرامی یك حملهٔ طوفان بسیار شدیدی متابعت میساند که بعد از یك کی باز دره های شدیده مافوق التحمل زائیدن بکمال شدت ظهور نمود.

والحاصل درد بردرد دافع یکدیگر نمود وجود ناتوان ضعیف فلوئیلد بیچاره را در حالتی که سراسر از کار افتاده بود وضع حملش بوقوع آمده یك دختری بدنیا آورد که دره های شدیدهٔ فلوئیلد بصدای ولك ولك) تسکین کرده اولا دش رفع کردید. ما دام آن غو خلق نوزاد را دیده گفت:

«آه خانم اگر بدانید که بقدر تازه وخوش شکل یکدختر کی زائیده اید همه درد های تازا فراموش خواهید کرد. چقدر اندام متناسب دارد. وهم بسیار صحیح وسالم است که درباب زنده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 415 of 1786

شاه وهم شهزاد کان را با دختر اعیان او
درهمه سیر و سفر روی سواری آکثر است
کیست آن سلطان سراج ملت و دینش لقب
دین و ملت را مدد کار و رعیت پرور است
اسم خاص او حبیب الله در نام عیان
کز شهان دهر در عدل و کرم نام آور است
کشت زار دین و دولت ملت و ملت این زمان
از وجود فیض آمودش سراسر اخضر است
در کنش کهف امان و امن جمله مومنان
ملت اسلام و دین مصطفی را یاور است
یاد باد دولت واقبال و عمرش پایدار
کز وجود او قوام ملت پیغمبر است
(عکاس) صدق الفاهمواره درصبح ومسا
داعی طول حیات این خدیو کشور است

نامورانِ نسوانِ جهان

(مابقیه از شماره دوم)

آلافقو — درذکرهٔ بطلی به این عبارت نام آلافقی را ذکر کرده که : « ازشعرای قدیم زنان ایران یک نامهٔ مهرسپهر بلافت است که از اشراق شمس شعر وافق بلافت طلوع کرده است ولی دیگر هیچ احوالی ازو دیده نشده است.

آلافقو — ازنامهای مغول است که قبل از اسلام گذشته است. صاحبهٔ حسن وجمال وعفت وناموس پاکدامنی بود که درجوانی بیوه مانده بود. اولادهم نداشت. درسلسلهٔ خاندانش چون پیر ازو کسی نمانده بود درتخت سلطنت جلوس نموده باسال خوبی وعدالت حکومت نموده. درین اثنا بود که حامله گردید وچون شوهر نداشت مردم رو بدگمان شدند. بلکه آلافقو همه مردمان قومخودرا جمع کرده در پیش روی آنها بهمان سوگندی که درپیش شان معتبر بود سوگند یاد کرده که زنا نکرده است. وهیچ مردی باو جمع نشده است. مگر درموقعیکه بخوابگاه خود بخواب بوده یک نوری ازروزن خواب داخل درآمده در دهنش درآمده واز آنوقت حامله مانده است ». پادشاه شبهٔ شبهه کشته گلن زایل گردید. بعداز اتمام یافتن مدت حاملی سه پسر بدنیا آورد و آنها را درورثه داده بسیار عاقل بسر رسانیده است. بعداز وفات او پسر بزرگش (چوزلخر خان) وارث سلطنت گردیده است که (بااوسلو خراسان) همعصر بوده است.

الاسانده — دختر (پرکام) نام حکمدار ممالک (زوآ) میباشد که نام (السانده) معروف است و در حرف (ا) بیان خواهد شد.

ماندن آن اگر سندهم بخواهید میدهم.

قلوپاتر — اگر مرده زائیده میشد آیا خوبتر نمیشد؟

دایه بعدازانکه معامله لازمهٔ تولد را اجرا خود پرسید:

— آیا میخواهید که طفلک شیرزنان تانرا بغل بگیرد؟

قلوپاتر یک شوق وحشت مادرانه دستهای خود را دراز کرده طفل خود را گرفت. وبیهوش خود چپ یافته چسبید. بعد ازان بزیر پستان خود انداخت. ولی هزار افسوس که سبب تاخیر آلام وامراض مادی ومعنوی که بنی انسان گرفتار آمده بود پستانهائی که دو سرچشمهٔ حیات این طفل نوزاد شمرده میشد سراسر خشکیده بود. دایه چون اینحالرا دید گفت:

— بگذارید برای او شیر جوشانده بپزانم. چیزیکه این بچهٔ چشمهای خود را باز کند بدهنش شیر جوشانده بریزم.

قلوپاتر — آه: باین درجه رسیده ام که جگر پارهٔ خود را یک قطره شیرهم داده نمیتوانم. آه مگر چقدر بدبخت یک زن بوده ام.

مرحوم، بعد ازانکه یکمدتی ساکت ماند خواست که به پهلو گشته مادرا ببیند، ولی وا اسفا که از بنای خود دیگر حرکت میال هم نداشت. وجودش یک حال رسیده بود که بحکم واختیار خودش تابع نبود. عمدتاً یک صدای که خوب فهمیده نمیشد گفت:

— مادام اگر از شما یک خدمتی برای خود طلب کنم آیا گستاخی ازده خواهم بودن؟

دایه — بمنی که خدمت تانرا نموده ام کجیدت ازانرو درباب ردوقبول آن از سالا یک جواب داده نمیتوانم. شما اول خدمتی را که از من میخواهید تعین بکنید بعد ازان.

— خدمتی که میخواهم بجز این نیست که یکسوال صادقی و حقیقت جواب بدهید. من جان حس میکنم که برای لحظه بلحظه از دست میشوم. ومیبینم که ساعت ساعت جان از بدنم برامدن میکوشد امادر این باب یک فکر باطلی پیدا کردن میخواهم کهاین راهم راستکوئی شما بدانم گرد. (باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 416 of 1786

آلکساندره — زوجهٔ (یوحنا) نمایندهٔ ملک (فلسطین) است که بعد ازوفات شوهرخود کاپتن ازسنه ۷۹ سال بصلت وصیهٔ (هرقان) نمایندهٔ خود حکومت نموده است .

آلکساندره — دختر (هرقان) است که مذکور گردید این زن نیزحکومت کرده است . و ۲۹ سال پیش ازسنه ۱ میلاد بدست (هرود) نمایندهٔ روم بقتل رسیده است .

آلکساندره

ملکهٔ سابقهٔ انگلستان وزوجهٔ عزیزهٔ متوفا هنری هشتم (ادوارد هفتم) پادشاه انگلستان ودختر (کریستیم) پادشاه (دانیمرک) است . اگرچه سنین عالیهٔ عزیزمشار الیها ازسنهٔ تاریخ نویسی ما خوشی احوال شان خارج است ولی چون این زن عزیز بی اوصاف پسندیدهٔ عالیهٔ ملکه میباشند از ذکر نامشارالیها درصف (نامورزنان جهان) خود داری نتوانستیم . ما ازاحوال دیده ودانسته سائقی ، وطن ها وشمشیر های ملکهٔ مشار الیها بیان میکنیم مزدا این یک معلومات کاملترین وتوانگرترین دولتهای روی زمین انگلستان است . هیچ شبه نیست که ملکهٔ آن بزرگترین وشمشیرداترین ملکها خواهد بود . امادر اینجا تنها ازبعضی اطوار واخلاق پسندیدهٔ مشار الیها بیان میکنیم :

یکی از اوصاف پسندیدهٔ ملکه این است که مانند دیگر رئیسها بجهت سیاسیات هیچ اقدام نموده است . بلکه همهٔ قلب وجدیت خودرا بجلب قلب شوهر ومحبت بابه وامداد محتاجین وقفا حصر ووقف کرده است . تا از زمان آغاز ازدواج خود بحسن خلق وتلطف ومرحمت خود مظهر تعزیز وتبجیل همه بابه حکمداری بلکه جمله ملت انگلار شده است . بسیار مردمان پیروپیار را خود بدست خود غذاوی کرده . برای شفاخانه ها وتربیه خانه های . اطفال یک حاصهٔ معظمهٔ میباشند . در زمانهای حرب اقرحای جنوبی همه سعی وکوشش خودرا درباب بیوه ها ویتیمها ومجروحین صرف کرده بود . یک کشتی شفاخانه مخصوصی از خود ساخت مجروحان جزیرا دران غذاوی میکرد وهمیاری که کشتی مذکور از افرغا و میکنت خودش بالمان بکشتی میرفت . . ومریضان را دیده اداره وتربیات سابهٔ خودرا تعیین میکرد . غیر ازان دیگر شفاخانه های غربا وفقرا را نیز پرداخت میکرد . حتی یک روزی که یک حصه سهٔ زیاد بود کلاه های پیاز را پی انتاب آورده بی آنکه چیزی بگوید روز دیگر بعدد دیپاران شفاخانه بی انتاب گرهاورد نموده است . درجشنی که برای پوره شدن سال شصتم سلطنت ملکهٔ متوفا اعلیحضرت (ویکتوریا) در لندن برپا شده بود برای دادن طعام بفقرا در یکی از (توگان) یعنی طعامخانه های لندن میانها ترتیب کرده . وهر گداورا خودش جدا جدا پذیرش نموده مردمان را از اطلاف خود (باقیدارد)

علم ثروت ملل

(ما بعد از شماره دوم سال دوم)

پس به این صورت منفعت آن صاحبان امتیازدر گرانی مالهای دیگران و منع ترقیات صنایع و مفقود شدن اختراعات جدیده حاصل میشود .

حکومت هرگاه از روی اداره صنعت صنعتگران و محصولات مستعملان را جایه که بلزهم این تدبیر هیچ منفعتی ندارد . بلکه مضرتهم میرساند . درست ترین چاره ها و بهترین راه ها برای ترقی صنایع و بظهور آمدن اختراعات همین است که ارباب صنایع را درکارهائیکه متعلق بمنافع خصوصیه خود شان باشند آزاد باید گذاشت و کار شان را بخود شان حواله باید کرد . حکومتهای که به بهانهٔ جابه کردن صنایع و بالتشویق دادن اهالی را بکوشش ورزیدن برای صعود کردن صنایع را بهانهٔ برای کارهای خود حکومت قانونها وضع کرده اند و بحال شان نفع آمده هیچ نفعی ندارد . باو جودیکه صنف زراع که وظیفهٔ تدارک متکردین اسباب تعیش اهالی مکلف حکومتها هیچگاه برای آنها این گونه قانون جابکا راه وضع نکرده که به آنها نسبت کند که این قدر تخم خودرا بصرف رسانید واین قدر تخم خودرا برای زراعت نگهدارید . زیرا این نسبت نامه یا قانون نامه را منفعت شخصیهٔ خود دهقان انتاداده است که اگرهرقدر که محصول در بعضی سالها بردارند بازهم درین و نظرهٔ مهمهٔ خود شان قصور نمیکنند . لاجرم درصنایع دیگر نیز حال برهمین منوال است از روی اداره هیچ تدبیری نیست که جای منفعت شخصیه را بگیرد و ازان بالاتر نباشد . واگر حکومت صنعتها را خود در عهده بگیرد همهٔ افراد صنعتکران . خود شان را ازمسؤلیت خوبشدن وباشدن آن آزاد مینمایند . وبطرز بیگاری کار کرده درصنایع ترقی حاصل نمیشود . وچون ارباب صنایع برای منفعت شخصیهٔ خود شان و توانگری خودشان آزادانه کوشش نمایند ویا پیوفکر این باشند که صنعت خودرا ترقی بدهند توانگر شوند دران وقت صنایع ترقی میکند . وسیادلات افزون میگردد . واهالی توانگر شده خزینهٔ دولت از تحفات آن مملو میگردد . وصنعتکاری که درصنعت خود آزاد نباشد وبه این هم یقین نداشته نیست سعی وعمل خود مکافات نمی بیند . وسعی وکوشش که میکند برای منفعت دیگری میکند .

(باقی دارد)

همقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر تحریر نمیشود

محمود طرزی

در چاپخانه خانه جوزی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 417 of 1786

هفته (۱) سال دوم شماره (٤)

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

ادارهٔ اتحاد و طبعه

در مائیتخانه دار السلطنهٔ (کابل)
جملهٔ امورات تحریریه اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ شمسی ۱۹ عقرب ۱۲۹۱ تاریخ انگریزی ۱۱ نومبر تاریخ عربی یکم ذی الحجه ۱۳۳۰

ذکر آن

بدیباچه آقای ملکی مقور اعلیحضرت حزوی
علی احمد

قیمت رسالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با امرایات داک ۱٤ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با امرایات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
پیر بانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وسی مقالات مفیده درج میشود

پادشاه خود مختار دولت مستقله افغانستان
اعلیحضرت سراج الملة والدین أمیر حبیب الله خان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 418 of 1786

فهرست مندرجات

لیلهٔ جشن	ادبیات
حوادث داخله	نامه‌دان زنان جهان
حوادث خارجه	علم ثروت ملل
علم عسکری	فاجعه های پاریس
سخنان هر رقم	

لیلهٔ جشن

(سالگره ولادت شهزادهٔ بلند اقبال مکرم)

(عین الدوله)

سردار أمان الله خان

شب پنجشنبهٔ گذشته یك شب پر فیض وسروری بود که آنهم عبارت از قدم نهادن عمر شریف حضرت شهزادهٔ مکرم بلند اقبال جناب (عین الدوله سردار أمان الله خان) بسن (۲۱) سالگی میباشد . أطال الله عمره وافاضه .

شهزادهٔ مشار الیه در یکم ماه ذیقعدهٔ سنهٔ ۱۳۰۹ هجری قدم نهادهٔ گیهوارهٔ شهود شده‌اند که درشب کنه شنبسال بیستم مرحله عمر شریف را اکمال فرموده بقدمهٔ بیست ویکم زدمان عروج عمر وکامرانی وعشرت وشادمانی قدمنهادهٔ عز واقبال گردیده‌اند لهذا درشب مذکور یك جشن پر سروری دردالان بسیار بزرگ سلام خانهٔ دربار ترتیب یافته همهٔ ذوات کرامی که در این جشن فرخنده کی بپذیرای پر سعادت بتارگرقعه های رسمی جناب ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی دعوت شده بودند ساعت شش شام لیلهٔ مذکوره دردالان جهت شمال سلاملانه یکان یکان جمع آمده از طرف شهزادگان جوانبخت وفرزند الاعین ملت افغان (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) و (عین الدوله سردار أمان الله خان) پذیرائی میشدند. وحضرت عین الدوله صاحب بکمال ذاکت وتلطف تبریکات مبارکباد گویان را قبول میفرمودند تا آنکه تقریباً ساعت هفت و نیم شریف فرمای ذات اعلیحضرت پادشاهی استبشار شده همه حاضرین کرام بمعیت شهزادگان عظام از دالان مذکور براهنده در پیش زینهٔ جهت غربی عمارت شاهانهٔ سلاملانه بردو صف عقب هدیگر صف بستهٔ احترام گردیدند .

ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما بسواری مبارکهٔ موتری ریگستان حالیکه یك مقدار فضا کرخانهٔ سراوس ورکاب وباورچی ومصاحبان خاص ودیگر نفری معیت شاهانه بالوتینورمهای مخصوصهٔ اپسکوه شهای جشن ملبس بوده منتظماً بهمرکابی شاهانهٔ شان بحرکت بود ازدروازهٔ ارگ مبارکه برامده از سرکی که با چراغها وپرقها وصاکرخانهٔ شاهانه باموزیك بزرگ شان صف بسته وآراسته بودند تا بسر صفوف مدعوین محترام تشریف فرمای شوکت گردیده درانجا از ریگستا فرود آمدند .

درشبی که از سفر خیریت أثر همایون تشریف جلالت ردیف همایونی وقوع آمد بنا بر عدم وقت وگنجایش زمان حاضرین مستقبلین از شرف دستبوسی همایونی محروم مانده بودند بنا برین پادشاه بادانش ودین وشهریار خواتم مراحم گزین مقدمی مانجیرهٔ ما ثلث یکشب پیشتر پرداخته از نفری اول آخر صف اول آغاز بصافحه فرموده تابه نفری آخر صف دوم همه صداقت کیشان خدمتگاران فدایی منشان شاهانه را بدستبوسی ومصافحهٔ همایونی سر افراز فرمودند . حقیقتاً که این نوازش بزرگ منشانه مراحم پر وراهٔ شاهانه چنان یك آثار بزرگی پادشاهی را در یك موضع توجهکارانه نوازش پروراهٔ جلوه گر فرموده بودند که نکات معانی دقیقهٔ عالیهٔ آنرا دقیقه شناسان معارف نقد پر میتوانند. یك پادشاه شوکت دستگاه معظم پر خیل وحشم بنفس نفیس همایونی خودشان بر رجال وارکان واعیان دولت معظمه خود پیاده میدور میفرمایند . ویا یکان یکان مصافحه فرموده ودستبوسی شاهانهٔ خودسرافراز میبایند . زهی بنده پروری پادشاه ، زهی سعادتمندی خدمتگار !

بعد ازان ذات اعلیحضرت پادشاهی به دالان بزرگ سلاملانه تشریف شاهانه را ارزانی فرموده همه مدعوین کرام شیعت نمودند . دالان بقرار همه شهای جشنها بکمال زینت وآراستگی هر چیزی در هر جا حاضر وآماده داشت . همهٔ مدعوین حاضره با لوتینورمهای رسمی طماطوری شاهانه شان ملبس بودند . ذات اعلیحضرت پادشاهی بمناسبت این سیاحت سفر خیریت أثر همایونی شان معلومات تاریخیه بسیار مهمهٔ درباب خزاین وبنه سراج ، وزیارات ، وبعضی کشفیات جدیدهٔ آثار عتیقه بیان فرمودند . جناب عالی سردار اکرم نائب السلطنه صاحب افخم نیز بعداً بالوتینورمهای رسمی طماطوری شاهانه تشریف فرمای مجلس جشن گردیده بنابرارادهٔ سنیهٔ همایونی حاضرین طعامبدعوت فرموده شدند . میزهای سفرهٔ خوان الوان نعمت پادشاهی بنام انتظام ترتیب شده بود . طعام باهمهٔ شوق ونشاط وسرور وطرب به اتمام رسید . بعد از طعام حاضرین کرام دردالان با صفادر پیش میزهای هوا که وذریعی ، وسیگرت کشی مجلسها ومحفلهای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 419 of 1786

انسی وحزنی تشکیل داده به استماع هواهای لطیفهٔ ملی موزیکهای عسکری ، وسازنده ها وخواننده های هندی واراتی به تنشیط قوهٔ سمع میپرداختند . جمیت سطرنج بازان نیز یك ها یهوی پر جوش وخروشی داشت یعنی پیشانی کتابهای تصویر دار ، کسانی به بازی برد وقلمه ، کسانی بمصاحبه ومنادمه تا ساعت یازده شب به انواع مسرتها وفرحتها بسر آورده لیلهٔ جشن پر سعادت سالگره شهزادهٔ بلند اقبال مکرم به تمام سرور وکامجوی به انجام رسید .

(سراج الاخبار افغانیه) از صمیم دل به تبریك این جشن مبارك مسارعت میورزد ، واز درگاه ذات اقدس خالق یگانه بی همتا نیاز واستدعا میکند که نامال های بیشمار بند کار این لیله های مسعودهٔ فرخنده گی آثار ترین صحایف اخبار نماید .

حوادث داخلیه

مکتب حربیه سراجیه

مکتب حربیه سراجیه در سنهٔ ۱۳۲۵ هجری باارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی در دار السلطنه کابل تأسیس وبنیاد یافت . (محمود سامی) نام یك شخصی که در بغداد معلم جغرافیه بود ، وازانجا فرار نموده بکابل آمده بود با ارادهٔ سنیه اعلیحضرت همایونی در زیر نظارت ذات عالیهٔ جناب (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) بوظیفهٔ مدیریهٔ مکتب مذکور مقرر گردید اولادهای بسیاری ازاعزه واشراف مملکت بمکتب ادخال نموده شد . چنانچه تحصیل آن در شهزادهٔ های سابقهٔ ما سبقت نموده .

در طرف اینمدت از مدیر موصوف بدی کارهای مخالف نظام وقانون سرزد . مثلا یعنی شاگردان وغربها را بدرجهٔ بزرگ ، وبلکه بعض رابجرنال وکوپ نمود ، در مشیرگاهای عمومی مردم را بشمشیرزد ، پاها ، دستها ، سرها شکست . در ادارهٔ مکتب بسیار ناگوارها بعمل آمد ، در هر وقوع جنایت وخیانتش نظر به غروب اقتدار بودنش تصدیت واقدرز کرده شد ، رفته رفته قباحت ها به جنجعه وجنایتها کشید ، به تکرار وتوبیخ وتحقیر نیز پراه نیامده به تحریکات فسادهای خلاف قانون وآداب در میان شاگردان آغازنهاد ، حرکات ناشایستهٔ آن بست فطرت ازدرجهٔ تحمل خارج شد . بناء علیه بجازات لازمهٔ قانونیهٔ افغانیه گرفتار آمد ، واز رتبهٔ ، ومنصبش تجرید شده وبعدی واخراجش از مملکت دولت علیه افغانیه ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت همایونی شرف صدور یافت .

ما به اینحسن بسیار افسوس میکنیم که محمود سامی باوجود اینهمه احسانها ومرحمتها یی که از طرف دولت علیهٔ افغانستان درباره او شد ، وهمهٔ امورات مکتب مستقلا به او محول گردید ، واولادهای وطن که جگرپارهای ملت است بدست او سپرده شد ، ولی هزار افسوس که بسبب بی وجدانی وبا اصل نه شرف رتبه ومنصب ومسلمانی خودرا محافظه نتوانست وبه یك فایدهٔ ازو بدولت وملت ما نرسید . غیر ازینکه بی اختلاسات در اداره مکتب روداشت شرف وحیثیت مکتب ومعلم وعرفارا نیز پامال نمودن جرأت ورزید . وازین است که به جزای سزای خود واصل گردید

(واقعه نگار هرات مینویسد)

در یوم سه شنبه ۲۵ ماه جمادی الثانی هوا گرم بوده تقار عصر روز مذکور ابر روی هوا پیدا شده تا نماز مغرب باد سخت وشدید پیدا گردیده نم نم باران هم باریدن گرفت وطوفان باد دقیقه بدقیقه بزاید گوشیده از شدت آن یکدر بندخانه جدید عالیجاه رشادت همراه عبد الرحیم خان جرنیل نظامی مقیم الحال که قریب برج شهالی ارگ مبارك هرات انداخته بودخانه مذکور را برداشته تخمیناً سی زرعه دور انداخته میباشد چون فقرهٔ مذکور از جمله ندرت است لهذا تحریر نمودم فقط .

(حوادث منگل)

عیناً تحریرات رسیده ایست که از طرف نگران ما جناب ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی برای عیناً درج شدن به اداره رسیده است

عالیجاه محمد اکبرخان مدیر وسر محرر سراج الاخبار افغانیه بحفظ حضرت الهی باشند ، قری ملکان سمت جنوبی کدر محاربه منگل خدمت کرده بودند وقری ملکان احمدزائی ومنگل وطوطاخیل کهابتدا یاغی بوده بودند وقری بچه های ملکان احمدزائی ومنگل وطوطاخیل که بضبط رقبل آورده شده بود وبیز یعنی ازقری رمایاکه خدمت کرده بودند بتاریخ ۲۷ ماه رمضان المبارك همرکاب اردوی عسکری بدار السلطنه حاضر شدند — حالا لازم است که قدرحی ازدربار های اعلیحضرت والا وشرفیابی قری مذکور که بحضور مبارك اعلیحضرت سراج الملوالدین پدر مهربان رعیت مشرف شدند تحصیل واردای شها ارقام دارم کهعیناً درج روزنامه مبارك سراج الاخبار افغانیه خواهید که براد ران وطن ازچگونگی حالات اوشان واطلاعهای اعلیحضرت والا مستحضر شوند .

روز دوشنبه ۱۸ ماه شوال المکرم پسران مردم منگل واحد زائی وطوطا خیل در خیابان مشرقی کوتی مبارك استور بسلام حضور مشرف شدند قری مذکور بهمراه پادشاهچه عسکری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 420 of 1786

بقرار قواعد فلسفی داخل باغ ارگ میشدند که گروه مردمیان موصوف صف کشیده وسلامی بادشاهی را ادا نمودند ذات شاهانه در زده کوتل مبارک استور تشریف داشتند اینکه سلامی حضرت پادشاه بچه های مذکور بقرار نام نویس از ملاحظه حضور مبارک گذشتند و بعد ازان همه یکجا جمع شده دعای سلامتی وجود مبارک اعلیحضرت والا را نمودند شاهانه بکمال شفقت و مرحمت بچه های مذکور این چنین تطق بیان فرمودند .

لفظاً نطق مبارك است

(ماهمراه شما دو قسم گفتار داریم یکی بحال ودیگر آن مفصل — مفصل آنرا روزیکه ملک های ملک وخودشاها بحضور حاضر شدید بیان میکنم ومجمل آنرا حال میگویم — شما چه ها خواطر خودرا جمع دارید من شمارا از برای تعلیم وتربیت دینی ودنیوی خواسته ام که از احکام الهی واز حقوق بادشاه اسلام که بالای رعیت خوددارد واجب وطن خود کماحقه مرا دانسته علم معاد وعلم معاش یاد کنید که هم درین دنیا بکار شما بیاید وهم در آخرت که بعد از سه چهار سال بهره ور وتعلیم یافته شوید بعد مع الخیر بجاهای خود واپس مرخص میشوید پدرها وبادمو وبرادر شماها که در حال ملک وکلان قوم خود میباشند آنها تعلیم یافته نیستند ومطلق خبر ندارند که حب وطن وحقوق بادشاه اسلام بقرار امر کتاب الهی بالای رعیت چیست اینکه شما مع الخیر تعلیم یافته شدید ودر جای های خود رائید خرابی وآبادی کار برای شماها بدرستی معلوم میشود وشما لای آنها خنده خواهید کرد — اگر عموهای شما وپدران شما از ظلم بدی ودنیوی بهره یاب می بودند گاهی این افعال ازان ها صادر نمیشد وگفته بعضی شیطان هاعمل نمیکردند مارای شما یک مثال می آوریم — شخصی باشیطان آشنائی داشت روزی شیطان را گفت چحکمت

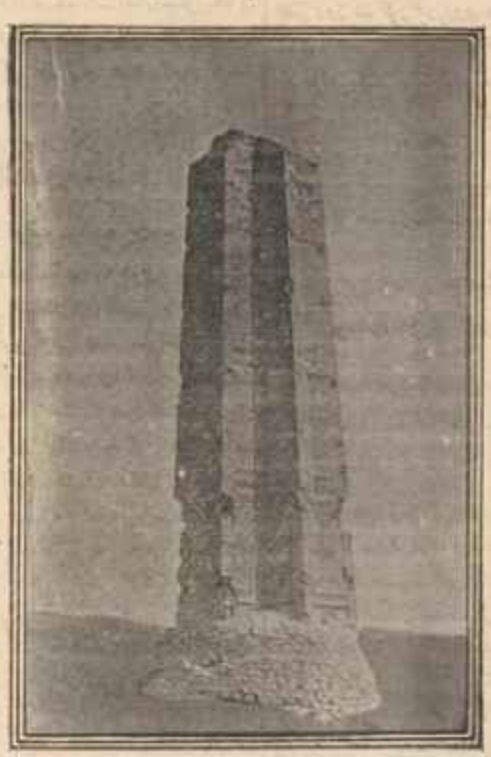

از آثار غزنه مربوط عهد سلطنت شرقی شهر غزنین

بکار میری که مردمان بقول تو فریفته می شوند امروز مرا از فریب های خود یک چیزی بمن شیطان قبول کرده وگفت همراه من بیا همین آشنای شیطان وخود او باتفاق روانه شدند تا اینکه بیالشفیه رسیدند شیطان گفت تو در اینجا تحمل کن وببین که من چه میکنم — درین قریه یکزن از سیاه خانه خود بر آمده یک زنبیل خودرا گرفته شیر آنرا دوشید شیطان خودرا از نظر زن غائب کرده آمده صرف یک موی از پستان بزگله زلکه زده وخره شیررا کامل بریخت — زن خره حال را گرفته واپس بسیاه خیمه خود رفت ساعتی نشد شوهر همان زن از دور پیدا شد در حال شیطان خودرا بلباس یک مرد ریش سفید ساخته بنزد شوهر زن رفت وبمکر وحیله بشوهر زن گفت که حیوان تو بدکار است ورفیق دارد هروقتیکه تو حاضر نیستی در غیاب تو رفیق خودرا میخواهد وآنچه در خانه موجود داری برای او میدهد ومیبوراند — چنانچه امروز رفیق آن آمده بود شیرهای بزرا برای رفیق خود داد اگر سخن مرا قبول نداری چون برا برای از حیوان خود شیر بخواه سخن راست ودروغ معلوم میشود شوهر زن در سیاه خانه آمده ازان خود شیر طلب کرد زن اظهار نمود که شیررا از لکه زده رخصت در اینین ما بین زن ومرد گفتگو ومناقشه پیدا شده شوهر زن خودرا لت وکوب نمود — شیطان علی الفور خودرا درقریه دیگر که اقوام زن او زیاده گاه که چه نشسته اید که فلان شخص حیوان خودرا بیموجب زده بحال آورده اید اقوام زن هر کدام بچوب وکارد وسلاح وتیر ماسایر جنگ را گرفته بطرف قریه شوهر زن آمدند شیطان بار خودرا زودی درقریه شوهر زن پیشتر از آنها رسانیده خبرداد که چه نشسته اید که اقوام زن با آلات جنگ همه آمدند ازین قریه نیز هم زیادی با آلات جنگ رخصت مقابل نفری آمدند ودرین یکدیگر گفتگو ومنازعه را برا کردند عاقبت الامر می چدل نفر از هردو قبیله مجروح ومقتول گردیدند شیطان در آشنای خود آمده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 421 of 1786

گفت که بیك کندن موی پستان زچه تماشا دارا رایت نشان دادم — حال درسر بخن آمدیم مردمان فساد پیشه وشیطان به مدعای نفس خود چندین خانه‌ها را خراب میکنند — شما بچه‌ها خواطر جمع باشید ازبرای شما لاله ازاقوام خودشما مقرر میشود وبرای شما تعلیم داده میشود وانشاءالله تعالی چهارسال بمدرسه‌های خود مرخص میشوید اگر مادر وبااقوام غریب شما بچه‌ها بدیدن شما بیاید منع نیست) بمدیحه‌های مذکور همه بیك زبان دوبای سلامتی وجود مبارك را عرض کرده سلامی بادشاهی را داده وبخسم سلوتی مرخص شدند (یعنی چهار نفری)

روز سه‌شنبه ۱۹ ماه شوال المکرم ۱۳۳۰ ه ملکان سمت جنوبی مثل خوست وارگون وزرمت وگردیز وغیره که هرمحل بمشکل خدمت کرده بودند شرفیاب حضور مبارك شدند نفری مذکور در پرده شمالی کوشك مبارك استور حاضر گردیده ذات شاهانه تشریف آوردند ونفری مذکور بعد ازادای سلام دوبای ازدیاد عمر واقبال اعلیحضرت والا را نمودند باعلیحضرت والا از کمال شفقت ومرحمت فرمودند .

(صورت نطق)

(همایونی لفظاً)

برهیچ نام ظاهر است که هرطایفه ازملل موجوده مثل مسلمان وهندو ویهودی ونصاری وغیره وغیره در کیش

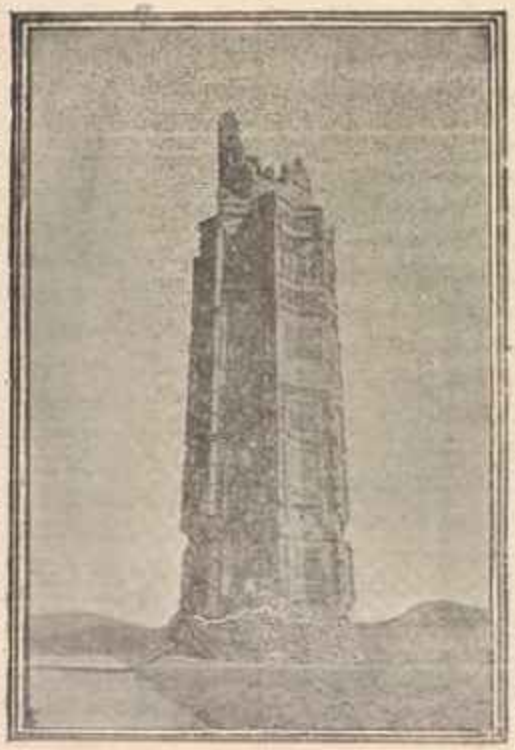

از آثار جیقه مربعه مناره سمت غربی شهر غزنین

خود دین خودرا برحق میداند هرگاه هریك ازین طوایف وافرادی از افراد شان بداند که دین باطل است هیچ وقت در کیش وروش دین خود نمیمانند وچنانچه ملت اسلامیه بآن کلام حضرت الهی اثبات دین خودرا می نمایم که ازطرف خداوند بواسطه حضرت رسول اکرم ما نازل شده است وعقیده ما که مرادازامنا عظم صاحب باشد می فرمایند که هرفردی از افراد اسلام دوچیز درخواست دارد که یکی (دین) — ودیگری — (دنیاست) — دین رستگاری آخرت است که خداوند عفو تقصیرات مارا نموده در آخرت رستگار باشیم ودردنیا بیکنام — بیکنامی دنیا مراد از فرمان برداری خداوند کریم ورسول مقبول صلی الله علیه وسلم وپادشاه اسلام است چون بکلام حضرت الهی ایمان آورده‌ایم از خداوند بیکنامی دارین را برای شما رعایای دولت افغانستان میخواهیم واز شما وتمامی رعایای دولت افغانستان که فرزندان من میباشید رضامندی تمام داریم ازشما ملکان ورعایای سمت جنوبی خشنودی زیاد داریم که باشناسیکه از جاده راستی منحرف شده بودند شرکت نکردید بلکه ازخدمت‌های شما که برای دین ودولت خود نموده اید راضی میباشم — مردم ملکل بواسطه بعضی مردم فساد پیشه با ما مخالفت نمودند وچند دوزی به گردی کردند واز آیت شریفه اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم غافل شده فرمان‌های مارا که ازبرای هدایت‌شان فرستاده بودیم قبول نکردند ملاعبد خان عرض بیگی را که فرستاده بودیم نسبت او را تاراج کرده بودند تا نالت بواسطه جرنیل حضور برای تادیب شان لشکر فرستادیم وآنها براه آمدند ما به آنها حالا هیچ چیزی نمیگوئیم بلکه از سبب راه آمدن شان رضامندی میباشیم وچیز از جرنیل حضور که خدمت خودرا بدرستی نموده خورسند میباشیم — حالا یك مثال برای شما بیان آوریم سیصد سال قبل ازین که توپ وتفنگ نبود مردم آن وقت بعوض آن تیر وکمان را استعمال می کردند وتیرهای خود از پری شخر که یك جنس مرغی است نصب میکردند که بسرعت رفتار کند — دوشخر بهوا در جنگ بودند شخصی که درساختن تیرمهارت داشت جنگ شان را ملاحظه کرده منتظر بود که کدام یك زمین میافتد که پرهایش را بگیرد چنانچه میگوید — (جنگ دوشخر فایده تیر ازاست) اگر فوجی مادر آنجا مقدمه میکرد لاکهال بچهوار غراز مردم ملکل مثل میرسیدویك هزار دوهزار غراز اشنی — پس بنظر غور ملاحظه کنیم که آیا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 422 of 1786

تفص آن برای کدام شیص حاصل میشد ظاهراست که اگر دعیت بخال میرسید ویا از نفری نظامی درحقیقت هردو نفس دولت بود دولت ازدعیت ودعیت از دولت دل بد مینه وباعث مخالفت فی بین میگردید وتفاوتی فایده خود را مثل نیز در بین حاصل می نمود مادرین فقره خوشبودیم که بدون جنگ وجدال نفری مذکور باصلاح آمدند وگمراهی خود قایم نماندند — ماه تنها از شبا بلکه ازتمامی رعایای سمت جنوبی وتنهاها که از طرف آنها بحضور می بضم وکیل حاضر شده اید رضامندی وخوشی تمام داریم امروز که شبا ملکان سمت جنوبی راطلب فرمودیم وصف های مشکل واحدزائی را امروز طلب نکردیم ایهم سبب دانست آنسبب آن چه خواهد بود — درین مجلس بعضی ازملاها هم حاضر خواهند بود مناسب آنرا برای شما بدرستی واضحه میکنیم سبب این است .

هم موصوف درلباس صوف باش — باصفتهای خدا موصوف باش — مراد از موصوف بودن بصفت های خداوند چیست این است هرشخصی که دردل خود رحم دارد آنرا رحیم میگوییم وکسانیکه سخاوت دارند آنهارا کریم میگوییم که ازنشانهای صفات حضرت الهی است ما ملکان مشکل را ازاین سبب درین دربار طلب نفرمودیم که آن نفری بحضور شبا خجالت می کشیدند همین قدر کافی است که بحضور من خجل میباشند — کرم بین و لطف خداوند کار — کهبنده کردست او شرمسار — باوجود اعمال بدشان من عفو کردم واز آنهاراضی شدم وسخن بسخت باشها نگفتم درفرصتیکه ازایشان رضامندی بکنم پس از کسانیکه درراه دین ودولت خودها خدمت کرده اند تصور کنید که بکدام درجه خوشنود خواهم بود وانشاءالله که خدمت شباهم خواهند شد — ونیز درخصوص چهار فقره که بعضی ملکان شباعضور عرض کرده اند ماجواب نفرات شمارا قبل از مرخص شدن شبها میفرمائیم واگر طول کشید سه چهار نفر آدمهای دانسته ازجمله نفری شباعضال باشند وباقی نفری بعداز گرفتن خلعت ونشان خدمت وخرجی یک دفعه دیگر به سلام حضور مشرف شده بعد مرخص بخانه های خود میشوید انشاءالله تعالی فقط]

بعد نفری مذکور همه سرهای خودرا برهنه کرده ودعای عمر واقبال ذات شاهانه را نموده مرخص شدند ودربار موصوف ختم شد فقط .

نفری ملکان مشکل واحدزائی و خوشاخیل که درین شریک بودند وبدربار روز چهارشنبه ۲۰ ماه شوال المکرم ۱۳۳۰ همه بجمعهای رخیل درگوشهٔ مبارک استور سلام حضور مشرف شدند..... تشکیل نفری — نیر الف کسانی است ازاین هریسه طایفه فوق که درروز ورود جرنیل محمدنادرخان درگردیز برای سلام حاضر شده اند — نیر ب کسانی است که در موضع میدان خوله چون جرنیل حضور رسید این نفری در خط قافله سرحد بودند وازانجا باهزاران دلمت وخجالت بسلام تالی آمدهاند ..... نفری مذکور که مراد از الف) وب (باشد چه توده و شش نفری شوند همه بجمعهای رخیل در زنده شبالی گوشهٔ مبارک استور حاضر شدند اینکه ذات شاهانه تشریف آوردند ازجمله بجمعهای رخیل یکنفر آن عریضه توپهانه را زبان عجزوانکسار عرض نموده بچه مذکور عمر ۹ سالهخان نام پسر ملکسنگ خان قوم موسی خیل مشکل بود که عریضه توپهانه مذکوره را بحضور اعلیحضرت والاپیشکار عجزوانکسار باآوازفصیح خواند باقی ملک زادگان همراه او بودند ومناصب شان ملکان که پدران شان بود حاضر بودند بدین تفصیل .

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی هدانا وجعلنا من المسلمین وذرقنا بحضرة سراج الظلمة الدین والصلوات والسلام علی سیدنا محمد وآله واصحابه اجمعین ای پدر مهربان ما وحامی اهل اسلام هزار بارشکر می کنیم که خداوند کریم برای مازیارت حضور مبارک را مصادف موده پدران ما که بافتوای شیطان لعین گرفتار خیالات بیهوده گردیده بودند وبراهم زیاد پدرمهربان که هیچ حق نداشتند براه هدایت گردیده گردیدند وما فرزندان خودرا که غلامان واقعی پادشاه ترحم کار خود میباشیم ندخلاصی جان خودها قرار دادیم توسط منصب دار معظم حضور مبارک برای قربانی آستانه حضور انور نموده اند بنابراین بهدایت پدران خود خواهیم که راه راست را دانسته وما را بحضور چنین پادشاه والاشان برای قربانی سپرده اند که امر اوحکم قضاو وجود او کتاب خدا اگر امر کنان شد وبراحکم چنین فرماید چون رضای ایشان باشد غیر ازجهاد اهل اسلام وجانفشانی وشکر مرخدای را که ما رالسلیم رضای پدرمهربان و پادشاه والاشان مافرموده که مراحم اونیکوئی احوال آینده پدران ما وما را شامل است زنده باد پادشاه مهربان ما پاینده باد دولت رحیم ما آمین یارب العالمین وهمه یک زبان آمین گفته سرهای خودرا برهنه کردند

بعدازان میرزا عبدالرشید خان کتاب خوان حضور انور عریضه وتوپهانه ملکان فوق راحضور نثار خواند بدین موجب هزار بار فدای حضور مبارک پادشاه معظم ترحم کارخود شویم غلامان روسیاه بحالت عجزوانکسار سرهای خودرا زمین نیاز وعبودیت گذاشته عرض حضور مبارک میرساند خجالتی که ازبدبختی خود وافتوای شیطان لعین امروزه روز رای ما بحضور چنین پادشاه مراحم آگاه ماحاصل گردیده وهیچ زبان عذر ومعذرت برای ما نیست که بحضور مبارک تقدیم نمائیم ازانجا که حضرت رب العزت جل جلاله وجود مبارک را ازجمله خلقت اهالی افغانستان برگزیده وعلمت سرپرستی وپادشاهی وقم خواری اینقدر قلوبی بندگان خودمقرر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 423 of 1786

گردانیده همچنان خلق عظیم و عفو کریم عطا فرموده هزاران گناه گناهکاران رعیت خود را بعفو و هزاران روسیاه تخطه دولت خود را بمرحمت و هزاران معصیت کاران این ملت را بکرم و احسان خود بخشش فرموده و نیت مقدس خود را بروی کار آورده ملاحظه گناه و کردار ایشان را نفرموده اند چنانچه باوجود چنین گناه کبیره که ازغلامان سرزده و بظهور رسید اگر هزاران خدمت از دست ما و اولاد ما بدولت شود که ازین بار این شرمساری این کردار بد خود که داریم بیرون شده نمی توانیم حضور مبارک عنایات و نوازشات بیکرانه خود فرمان عفو گناه غلامان را زیبا رقم فرموده بواسطه منصبدار معظم حضور مبارک خود برای مشرق غلامان زیارت آن مرحمت نمودند غلامان ادای شکر چنین مرحمت و بیان دعا گوئی را در مقابل چنین نعمت عظمی به هیچ زبان نمی توانیم بدون اینکه این التجای که ازدربار حضرت خداوندی داریم و اجابت آن را امید میکنیم که الهی ما غلامان و جمله اهالی ملت افغانستان را توفیق شکر گذاری مراحم پادشاه معظم ما را عطا فرموده و سروجان و زندگی ما را فدا و تصدق رضای حضور اقدس آن شهریار والاشان ما نماید و خودما و عیال و اطفال و اموال ما را فدای ذرهٔ نگرانی خاطر مبارک اعلیحضرت رؤف ما فرماید و ما وجوه افغانستان را اهمیته پدر عینی و اطاعت این پدر فهم خوار و پادشاه مهربان ما صادق بدارد و کارمایک قیام لیل و نهار را از حکمت خاص خود برقرار فرموده ما و اولاد اولادهای ما را رعیت صادق و خدمتکار و لایق این دودمان بداراد ما را بخدمات لایق و رضاجوئی حضور مبارک ازین بار شرمندگی بحرمت رسول خود بیرون بیاید قادر آخرت این اتجات و دعا را باجود ببریم آمین ثم آمین یا رب العالمین روزا باوجود

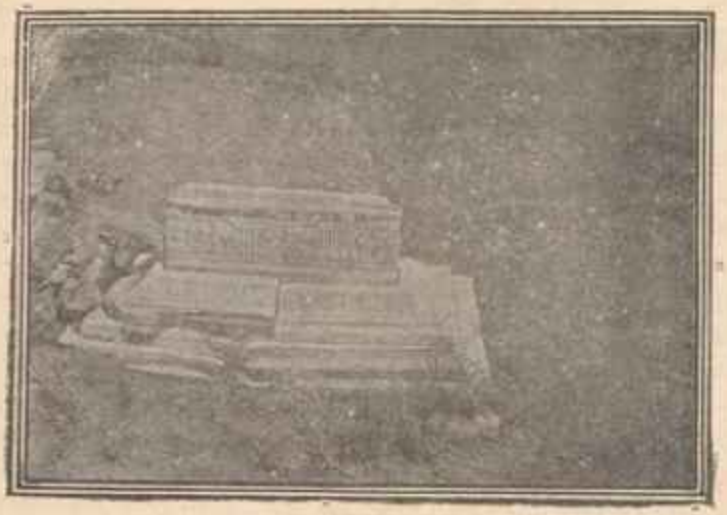

قبر سبکتگین پدر سلطان محمود غزنوی
که
این قبر سراسر ضایع بود در بنا که ذات اعلیحضرت همایو
تشریف فرما غزنین شدند بمیدان برآورده شده است

فرمان عفو و مرحمت حضور مبارک شهریاری چون گناه خودها را زیاد و بار خود را گران میدیدیم بذریعه منصبداران بزرگ حضور مبارک بازمرسانیده همه حاضر شدیم آنچه را از حضور اقدس همایونی سبب نجات دارین ما دانسته و بواسطه آن حکم پادشاه مقدس ما گناه گذشته ما ازدربار خداوندی بخشیده شود و در دارین وسیله نجات ما گردد زمه کارانه حضور مبارک اعلیحضرت رؤف ما باشد بسیار سرافرازی و ذخیره تمیل آن را حاضریم که باعث بهبود و فلاح دارین ما و دارایست زیاده ترقی دولت و سلامتی ذات ولینعمت خود را از بارگاه کبریائی مسئلت داریم. نظری مذکور سرهای رهنه باهزاران فخر و افتخار علو تقصیرات خود را درخواست نمودند مهر ملکان متکل

ملک محمد سید نور ، ملک زینده جان ، ملک حضرت گل ، ملک سنان ، ملک ذاهی ، ملک دوست محمد ، ملک جان ، ملک مقام الدین ، ملک ادرک ، ملک سیف الدین ، ملک لاون ، ملک کاظم شاه ، ملک عزت ، ملک میرقم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 424 of 1786

ملک نور محمد، ملک جان محمد، ملک حاجی، ملک حلابت، ملک میرگل، ملک شیرالله، ملک ملتان، ملک خان ولی، ملک جهانگیر، ملک خمیر، وغیره ملکان

مهر ملکان احمدزائی

ملک صابغ محمد، ملک محمد خان، ملک الله نور خان، ملک غلام اکبر، ملک میرک، ملک نظر محمد، ملک سرور خان، ملک عبدالرشید، برادر ملک عبدالحکیم، ملک بهرام برادر غلام محمد، ملک طاهر، ملک سردار، ملک سرور، وکیل امیر خان، خان باز، تازه گل، ملک کالی، دولت محمد، ملک نور محمد، شیرالله خان وغیره ملکان

مهر ملکان طوطاخیل

ملک تاج محمد، ملک مثل، ملک لعلیر، ملک صابغ خان، ملک شیرداد، ملک نظام گل، ملک زری، ملک نظر محمد، ملک جان محمد، ملک خدای نور، ملک معاذ الله

نطق اعلیحضرت والا

که بجواب نطری مذکور برای ایشیک آقاسی ملکان حضور امر می شد وبامبرده به زبان افغانی دانستن نطری مذکور می نمود (فرمان علو جان بود که ما بواسطه جرنیل حضور برای شما در آنجا فرستادیم وشما مستحضر شدید وسن ماهان است بگو یک چند درد دل که دارم می باید بگویم — اول میگویم که شاها که حاضر هستید ملکان ووکیل های اهل زال وطوطاخیل میباشید که مایه شاها خود داخل کرده اید — قسم الف — وقسم ب میباشد نطری الف کسانیست که جرنیل در گردیز دیده آنها ترد جرنیل آمدند — وقسم ب کسانیست که اول نیامدند وتامی خانه داری شان در بغاوت خود استاده بودند تا اینکه جرنیل حضور در میدان خوله رفت وآنها به خط فاصله سر حد رفتند وتعداد آنها بین معلوم است که از چهار هزار نفری واز شش هزار نفر زیاده نه بودند وبعد همه آنها وشما ملکان قسم ب درمیدان خوله ترد جرنیل آمدید — من میخواهم چند حرف بگویم وبعد بالای مدعا بیایم ابتدای بغاوت متکلی ۱۹ ماه ربیع الاول بود وانتهای آن ۶ ماه شعبان المعظم که جمعه ۵ ماه ویازده روز میشود من از شما سوال میکنم آیا در همین موعد سر کردان که از برای دولت رویداد واخراجات دولت شد ومن حاضال وسر کردان شاها در همین گناه که از برای شما حاصل شد برای شما چه فایده بخشید — خود میدانید کسی که از بادشاه خود یاغی شود چقدر گناه دارد — در همین مدت نطری شاها که چهارصد و یا قصد نفر کشته شدند وبعض نطری که بمرگ خود در ایام بغاوت مرده اند آیا در روز اخرت بحضور خداوند عالم چه جواب خواهند گفت — حدیث شریف است هر شخصیکه سلطان خودرا نشناخت رسول خودرا نمی شناسد وشخصیکه حضرت رسول را نشناخت خداوند تبارک وتعالی را نمی شناسد وتا به قیامت به ذات ابدی می ماند — الحمد لله تعالی ما وشما مسلمان وبه قرآن ایمان آورده ایم ۱ عصر همین ۵ ماه ویازده روز عمل شما درمیزان عدالت الهی سنجیده شود صد ساله عبادات شاها موافق یک روزه بغاوت کان نیست آیا شما تاب سوختن ۵ ماه ویازده روز عمل خودرا در آتش دوزخ دارید که هردوزه دوزخ موافق هزار سال دنیاست حال چیزی از دنیا میگوئیم آیا همین سر گردانی که برای دولت رویداد برای شما چه فایده بخشید ظاهر است بجز پریشانی وخانه خرابی بر شما هیچ فایده نه بخشیده دردول ما همین بود که گفتیم که در گوش های شما سایگیر شود وبعد ازین به گفتار مردمان فساد پیشه وشیطان عمل نکنید وشیطان را خورد ندانید که شیطان انسان از شیطان جنی بتراست چنانچه خداوند در قرآن خود میفرماید (من شر وسواس صدور الناس من الجنة والناس) شیطان جن چون بانسان جنسیت ندارد لهذا به شیطان انسان در فن خود کمزور است وشیطان انسان با سبب هم نوعی گفتارش از شیطان جن کار گرتراست ما برای شما مثالاً بیان میکنیم که شیطان باشخاص آشنائی داشت اتفاقاً عروسی پسر خودرا این شخص می نمود — قبل از عروسی باشیطان ملاقات کرد وبا شیطان گفت مدت بیست سال تعمیباً می شود که همراه تو دوست وآشنائی دارم میخواهم که پسر عروسی پسر من در مجلس نیاید زیرا که در آمدن ضرور یک دلبدی در بین نطری مجلس واقع میشود وما بین آنها جنگ وگفتگو خواهد شد — شیطان سخن آشنای خودرا قبول کرد گفت در مجلس نیروم وقتیکه مردم در مجلس عروسی حاضر شدند مجلس عروسی در کنار نهری متصل یک باغ اتفاق افتاده بود شیطان از دور آمده تماشای مجلس عروسی را میکرد وباخود گفت که چون عهد کرده ام در مجلس نیروم مگر دل قرار نگرفت بعد ازان شیطان داخل باغ شد درباغ مذکور گل های رنگین معطر دیدچند دسته از گل های باغ را گرفته در نهر انداخت گل ها را آب بسوی مجلس عروسی آورده حاضرین مجلس هر یک قصد گرفتن گل ها را میکردند تا وقت بواسطه گرفتن گل ما بین چند نفر گفتگو ومنازعه پیدا شد کار به جنگ وجدل کشیده بعضی زخمی ودرهم کشته شدند آشنای شیطان از مجلس بر آمده عقب شیطان رفت دید که شیطان در لب نهر زیر سایه درخت نشسته است باشیطان گفت چرا در مجلس آمدی که فساد برپا شد شیطان گفت من همین جاوهم چیزی نکرده ام مگر چند دسته گل را با آب انداختم اینست که میگویند (شیطان گل را با آب داد) مردمان فساد پیشه اگر چه بظاهر شما میرسند که باما دوست هستند واز گفتار شان نیکی حاصل خواهد شد در حقیقت گل را با آب دادند وهیچ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 425 of 1786

نکردند شما نفری که بچه های خودرا بر عمل داده اید وعذریه خودرا دوباره عریضه کرده اید مابچه های شمارا مثل اولادهای خودنگهمیداریم وتعلیم دینی ودنیوی میدهیم چرا که این ها از خیر وشر خود واقف شوند وطن خود ومحبت وطن خود وحقوق پادشاه خودرا بشناسند بعد از مدت چهار سال وقتیکه تعلیم یافتند واز علم دین ودنیا واقف شدند آنها در وطن خود نزد شما می آیند وبازوی شما میشوند ودر این مدت اگر مادر وبرادروسایر اقوام شان دیدن شان بیاید منع نیست ومدت زیاد نمی خواهم که این بچه ها غریب باشند مگر چند نفر آنها بیماری خورد هستند که آنها مرخص می شوند وبه عوض شان برادر وياقوم شان برای تعلیم خواسته می شوند ودر ماه سی روپیه بچه برای اخراجات وخوراک وپوشاک شان مقرر کردم وازبرای هرده نفر یک یک لاله از قوم خودشان مقرر می شود وبرای هر جامه از روی سی وسال چای داده می شود که در شب ها بغیر از لاله شان دیگری که باهر باآنها موافقت نداشته باشد اختیار ندارد که بدیدن شان برود ومن از برای این آنها را تعلیم میدهم که بعد از مدت چهار سال در وطن خودها آمده به حرکات وکردار شماها خنده کنند — حال بر سرمدعا آمدیم سوگند بپروردگار ما وشما را خلق کرده است که نازنده باشید وزنده باشم اگر دیگر مخالفت از شما سر نزند حرکات پنج ماه ویازده روز شمارا یاد نخواهم کرد وفکر میکنیم که شما عمل نکردید که امروز شمارا نزد من زنجیروبه زولانمی آوردند واین را برای شما میگویم که بعد ازین شما خود هارا شرمنده ننمائید ومن از خداوند می خواهم که در همین قدر روز که بجهالت گرفتار بودید عفو تقصیرات شمارا کند چونمن یکی از بندگان خدا میباشم عفو کردم رحیمی خداوند هزاران هزار چند از بندگان پیشتراست خدا عفو کند — عفو کند — عفو کند — یک دفعه دیگر شمارا میدی هستم وسنتی را که من برای شما کلمه صرف از برای شما نیست بلکه از برای تمامی رعایای ملکی واحد زائی وطوطا خیل کلمه که من بدیده ام خداوند به بخشد — فرق در مابین نفری الف وبه رضامندی من از نفری الف زیاده است چرا که من میخواستم که معامله اینقدر طول نکشد پس صورت گذشت آنچه گذشت — از برای جرنیل حضور سررشته داده ام که از برای نفری ملکای که خدمت کرده اندخلعت وخرچی داده می شودو نیز یک نشان خدمت داده شود — واز برای شما نفری که در بین قوم خود میروید نفری الف را خلعت وخرچی داده میشود ونفری ب را شما خلعت داده میشود زیرا که این فرق را خود شما درین خود کردید — بازهم همه شماها منصف شوید که اگر امروز همه شماها را بشکل پرسانم می توانم واز خواست درد نیاوآخرت از من نمی شود وتکیه من بوجود حرکات ناشایسته شماها هراه گان این قسم سلوک کردم وبه پاداش بدی شماها یکی کردم آیا کسانیکه درین راه خدمت کرده اند چقدر استحقاق دارند ومن باآنها چطورفتار خواهم کرد از برای نفری هیوسین که آورده شده جرنیل راسررشته داده ام که برای شان جرده ولباس پوشا که مثل پیرهن وزیر جامه وپوستینچه وکلاه وغیره بدهد که گرسنه وبرهنه نباشند — اگر در میان که کوایف شان ملاحظه شد ولایق وکشتی بودند آنها را خواهم گفت مگر برهنه ولوچ وگرسنه نخواهم ماند بعد نفری مذکور همه دعای سلامتی ذات شاهانه راگفته سرهای خودرا برهنه کرده هریک زبان معذرت وعفو در خواست عفو تقصیرات خودها را نمودند وبعد ازان دربار موصوف ختم شد — .

روزشنبه ۲۳ ماه شوال المکرم نفری ملکان سمت جنوبی که درمحاوت ملکی خدمت کرده بودندو نفری ملکان منکل واحدزائی وطوطاخیل که افعال ناصواب خود منفعل گردیده بودندونفری رعیتی که خدمت کرده بودند همه بقرار نام نویس در سلام خانه عام حاضر شدند درینجه جنوبی سلام خانه عام بذریعه اینیک آقای ملکی حضور اعلیحضرت وجرنیل محمدنادرخان جرنیل حضوراانور در آنجا رتبه بلندیک ازملکان مذکور راطلب کرده ازروی درجه ولیاقت وخدمت آنها بقرار امر اعلیحضرت والا خلعت واشان خدمت وخرچی برای نفری که خدمت کرده بودند دادمشد — واز برای نفری ملکان منکل وطوطاخیل و احدزائی برای قسم الف آنها خلعت وخرچی فی نفر بیست روپیه کابل داده شد — واز برای نفری قسم ب خلعت قرارد رجات آنها برای شان دادمشد واز برای نفری رعیتی که درزمان بی ملکی خدمت کرده بودند خرچی دادمشد وبعداز ختم خلعت وخرچی همه وبرای سلامتی ذات شاهانه را نموده یکدیگر خود هارا مبارکباد گفتند اینیک آقای ملکی حضور اعلیحضرت وجرنیل حضور مبارکی اشان وخلعت واز برای ملکان سمت جنوبی واز برای نفری مبارکی خلعت را دادند و همه یک آواز شکرانه مراحمات اعلیحضرت والا را عرض کردند وهمان روز در اقامت گاه خود که در دارالسلطنه ازحضور مبارک مرخص شده بود مرخص گردیدند — تعداد ودرجه خانها وملکان ورعیت سمت جنوبی که از برای اوشان خلعت ونشان خدمت و صداقت وخرچی ازحضور مبارک مرحمت شده بقرار ذیل است —

خانها ومتعبرین نجیفر —

(۱) جرگ خان جدران (۲) لالابیر خان وکیل کل خوست
(۳) شیرمحمد خان کتوازی (٤) نیک محمد خان تحصیلدار
ومعتبرچکنی (۵) رحمت الله خان جاجی از برای این نفری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 426 of 1786

خلعت این دار وشال خایل خان و نشان طلا - یعنی از برای یوسف خان نشان صداقت واز برای چهار نفر دیگر نشان خدمت عنایت شد — چرا که نشان خدمت طلا پیشتر از طرف دولت داشت —

ملکان ست جنوبی که خدمت نموده اند از علاقه جدران — وجزی — خوست — زرمت و ژوبز — ازگون سلیمان خیل — وخروت — وزیر وغیره — ساصد وهفتاد و دو نفر - ۳۷۲ نفر از برای این نفری بقرار درجات خلعت و یك یك نشان خدمت نقره — وفی نفری بست روپیه کابلی خرجی مرحمت شد —

نفری رعیتی که خدمت کرده اند — دوسد و نود نفر — ۲۹۰ نفر — ازبرای این نفری فی نفر ه روپیه کابلی خرجی مرحمت شد —

ملکان ست جنوبی ازقوم مکی واحمدزائی وطوطا خیل — توبو شتن نفر — ۹۶ نفر —

ملکان قسم الف ست ویکنفر — ۶۱ —

ازبرای این نفری خلعت بقرار درجات وفی نفری بست روپیه خرجی مرحمت شد

ملکان قسم (ب) سی وپنج نفر — ۳۵ نفر —

از برای این نفری بقرار درجات خلعت عنایت گردید —

ودراین مدت یکماه دو نفری مذکور بدارالسلطنه کابل تشریف شدن شان بحضور مبارك توقف داشتند برای هر از روی درجه جیره وخرجی سرکاری داده می شد —

کل ملکان ست جنوبی خدمت کرده کی وعبادت کرده کی همدستان بصدر بر افراشتن خلعت ها ونشانها وخرجی که بدربار روز یکشنبه ۲۴ جمادی الثانی در میرقباب حضور انور شدند — اول کل نفری بقرار نام نویس فرد فرد از ملاحظه حضور مبارك گذارش یافتند واعلیحضرت والاشیمتاً نام نویس مذکور ان را بزبان مبارك خوانده نفری از ملاحظه حضور مبارك می گذشتند — بعد نفری مذکور درزیر پرده شمال همدیگر جمع شدند دان شاهانه در آنجا تشریف آورده ازبرای نفری مذکور فرمودند —

(نطق اعلیحضرت والا)

عامی خواهیم دوقسم حرف همراهشما بگوئیم یکی به همراه نفری که خدمت کرده اند ودیگر همراه نفری که غائب شده اند بازباد نمی کنیم وهمین قدر میگوئیم که خدمت کرده اند — حال همراه شما نفری که خدمت کرده اید میگوئیم اول جواب هر چهار نقره که عرض کرده بودید سابق برای شما گفته بودیم که تا بوقت رفتن شما یك نقره وباد و نقره آنرا اگر جواب گفتیم ودیگر نقرات آنرا همه شما را معطل نمی کنیم چهار نفر را از طرف خود منتخب ساخته در انجا معطل دارید که جواب نقرات شمارا برای شما در ملك بیاورد وخودشما مرخص می شوید — حال جواب هر چهار نقره شمارا میگوئیم وحاجت به معطل سه چهار نفر شما نیست — نقره اول درباب ملکی عرض کرده بودید که خواه از سرکار داریم باید نقره عرض رعیت موقوف نشویم جواب اینست که ما ازروز معلوم کردیم سال هاست که عزل ونصب ملکها نقره رضامندی رعیت است ما قاعده وقانون را شکسته نمی توانیم وفی نکنیم — مگر جرق کملیك بقاعده بگوید ورعیت عمل نکنند از رعیت باز خواست می شود مثال از پادشاهی حکمرانی ملك رسید که خلق جمع آوری شود وباسرکار آباد شود اگر رعیت قول ملك را قبول نکرد ملك بما که همان محال عرض کند که از رعیت باز خواست کرده شود

نقره دوم درباب غله ربط خانه خیل عرض کرده اید — جواب اینکه حاکم کرده ایم که مصارف پنج وشش ساله غله ربط مذکور سنجیده شود که چقدر غله دریك سال بمصرف قوچی میرسد بعد ازین همانقدر غله بقدر کفاف حواله کنند که هرغله اضافه حواله نشود وهرسال قوچی تکلیف نشود — نقره سوم عرض کرده اید که سردار محمد گرجان قانون غله مندوی را گذاشته ودهن قدر غله را که درمندوی میسنجیدیم همان تحویل داری که تسلیم می شد یك خروار غله را شصت سیر وزن می کرد این سررشته را سردار محمد گرجان از برای کار داران همان حال گذاشته بود واین قاعده غلط است زیرا که وجه قیمت غله شما بقدری میرسد مزدن باب دوسررشته است نفری نظامی از گدام سرکاری میگیرند برای حاجی وکار دار وغیره که سررشته مندوی شده بود موقوف کردیم وفرمان امسی آنها نوشته می شود که هرشخصیکه غله خریداری میکند باید تمام خودها وزارگر خودها را وبار گیری که برشاه وجه نقد داده کرایه کرده است درمقطع رواه دارند ودر آنجا وجه نقد داده بقرار نرخ روزغله خریداری کنند —

ونیز ملکان خط بدهند که هروقت ادم کاردار همراه وجه نقد بیاید آنچه غله پیدایش داشته باشد بقرار نرخ روز بفروش رسانند واگر نداشته باشند چیزاً بالای شان حکم نیست — نقره چهارم درباب رشته که فی جریب شش روپیه قرار قاعده دفتر مقرر است وقتیکه میزهای سرکاری می آید بالای خود شما جریب چهار روپیه وفی خانه روپیه می فروشند غلط است اول مال پادشاهی هیچ نمی خورد دوم برای رعیت نفعی میرسد وقاعده ها چهار نفر آدمان بلچیو باش می شود در حقیقت نفع شما منافع دولت است ونقص شما نقص دولت آبادی شما آبادی دولت است خرابی شما خرابی دولت شماچندین نمیدانید ومن افسوس می کنم هرقدر کاردار یکه مقرر میکنم باید اندوبامیدانه عمل نمیکند — در حقیقت رعیت یك دست وسلطنت یك دست می باشد ازصادق دودست آواز برمی آید مرغ دوبال دارد اگر هردوبال متفق وپرواز می کند والاخیر هیچ خورد عقاب که یك نوع مرغیست خرگوش وروباه می باشد اگر یك بال عقاب بشکند روباه عقاب را می خورد —

ومن برای شما وتمامی اهالی افغانستان می گویم که بدانید که پادشاهی وشهادر حقیقت یك عضو می باشید پادشاهی از شما است وشما از پادشاهی می باشید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 427 of 1786

حال برای شما یک مثل می آورم شخص یک باغ داشت که از همه گونه میوه های لذیذه دران موجود بود اتفاقاً روزی درین باغ خود آمده دید که سه شخص درمیان باغ آمده میوه های باغ را اجیف و میل میکنند یکی آن سید — ودیگر ملا — وسیومین عامی بود صاحب باغ با خود فکر کرد که چگونه باز خواست میوه خودرا از آنها کنم بعد روی خودرا بطرف سید کرد که تو سید میانی و حق توهست که از میوه های باغ خوری و بملا گفت که تو هم ملا هستی حق توهست این شخص عامی چه حق دارد هریه باتفاق شیر مادر خود را بیشتر بعد از ساختن روی خودرا بطرف ملا کرده گفت که این شیر سیداست انچه از میوه های باغ خورد حق دارد ترا که گفت که آمده میوه های باغ مرا می خوری ملا لا جواب شد صاحب باغ رسیده هردو با تفاق ملا را بسته کرده یک خط بند صاحب باغ درخواسته سیدرا محکم بسته کرد وهریک نفررا اندر چوبزده کاری هوش شدند — اگر سید و ملا عامی درابتداء متفق می بودند صاحب باغ هیچ نمی توانست چون در بین شان تفاق پیدا شد هریک برای خود رسیدند حال برای شما میگویم که اگر شما بادول خود متفق باشید ودول را از خود دانسته خیر دول را خیر خود وشر دول را شر خود بدانید کلیت ملا وسید وعامی رشتا واقع نمیشد واگر هریک متفرق شدید البته احوال شما مثل آنهاست باز آمدیم بالای حرف — من شنیدم موثوق گردم که از شما به ان قیمت گرفته نشود منصب دار یکه در آنجا می باشد معلوم کنند چقدر اسپ و بارگیر سرکاری در انجا توقف دارد اسپهائیکه قابل رشته دادن باشد بقدر خود را که آنها از روی حیرتی آنچه شود بقرار نرخ روز خریداری کرده وجه آن به مالیه صاحب زمین مجری داده شود — امروز جای شکرات گفتنیا نرسما آمدید وما از خدمت شما خوشی کردیم ورای شما فقان خدمت وخاصه دادیم ورای شما دولتهاو ملتهای افغانستان از خداوند می خواهم که نیکی های عالم را نصیب کند حرف ما وشما ختم شد —

(نطق اعلیحضرت والا)

برای ملتقان متکل واحد زای — بدین موجب آنچه لایق گفتن بود وگله که ازشما داشتم دربار گذشتهٔ شماهاشما گفتیم ودیگر از افعال شما یادنمیخواهم کرد — شما باخبر باشید که دل ما صاف است حرفی را که لایق گفتن ندانیم اظهار نمی کنیم و آنچه باشما گفتایم راست است از خداوند میخوا هم که در آینده از شما کاری سرنزند که نیکی های ماضیه شود ما حال درمیان شما ودیگر ملتقان سمت جنوبی هیچ فرق نمیبینم درباب خدمتی که آنها کرده اند باش خدمت خودرا دیدند شماها آنچه کرده بودید گذشت ما بموش آن باشما نیکی کردیم در آینده باز آنچه دل شما خواست بکنید آنچه دل ما خواهد مانیز خواهیم کرد امید بداوند است که نصیحت های ما فراموش شما نخواهد شد حال برای هردو فریق میگوئیم برای فریق اول شماها وخاصه ها و برای فریق دوم خلعت های شما مبارک باشد از خداوند باز برای اهالی افغانستان نیکی وخوبی و برکت دین ودنیا را میخواهم چون امروز در مملکت اسلام کمزور شده است جانبه دولت علیه که برادران ما وشما هستند و نیز دولت ایران که کشتی های کوه کون کرنارند یک نقطه که افغانستان است باقی مانده از خداوند تمام میخواهم که از انوار صفات خود این نقطه را منور وروشن و محفظ خود داشته باشد .

(علی احمد)

(جناب جنرال محمدنادر خان)

(جنرال قسا کرخاصه حضور اعلیحضرت همایونی)

﴿ عیناً مکتوب ﴾

بعدالالقاب

چون درباوقت بعض اخبارهای اجنبی درباب وقوعات ﴿ منگل ﴾ بعضی سمتان کجوزاد بسیاری درج میکنند وآنسخنان موجب تشویش اذهان میشود — لهذا از حقیقت کوایق که در آنولا روی داده وخود آن جناب سرافسر پردوی حرکت بودید وواقعات کاشفه بشما معلوم است بعضی معلومات امتد نمودارم . وامید میکنم که در جناب لطف خود نارا دریغ نفرمائید .) ۱۸ ذی القعده ۱۳۳۰

مدیروسر محرر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 428 of 1786

جواب

بعدالالقاب

درباب وقایع منکل معلومات خواسته اید این است که برای شما کوایف را بقرار واقع می‌نویسیم : احوالاتی که تاوقت رسیدن اردوی عسکری ماه گذری در تبر ۱۸ سال اول سراج‌الاخبار افغانیهٔ درج کرده اید درست . بعدازان کیفیت ازینقرار است که چون اردوی عسکری درگذرگ رسیدند

درین قری باغی دوطریق پیدا شد یک طریق همان قری بودند که عیال وارد خودها را ازسای‌های خودحرکت نداده خودشان برای عذرخواهی وجان بخشی همراه قرآن شریف بسر وریسمان‌ها بگردن انداخته در اردوی به اردوی عسکری حاضر گردیدند چنانچه کیفیت آنهارا مفصل همراه عریضهٔ عذرخان خلاصی دتو به نامهٔ شان بحضور مبارک اعلحضرت پادشاه معظم فرستادم وازحضور مبارک فرمان جان‌بخشی شان رسید چنانچه بزیارت نمودن فرمان مبارک جان سراز نوبه بدن وجسم‌های شان پیدا شد وهمه شان نهایت بجوش وخروش درمسجدها ویاس‌ها دعای سلامتی وجود مبارک اعلحضرت واستحکام دولت قوی شوکت را کردند وهیگفتند که مابان از پادشاه مراحم کار مهربان رعیت پرور خودمان گزی دسر کنی ندانستیم صرف درباب زبردستی ما که خود خیال عرض را بحضور مبارک نموده بودیم که چون ازطرف خداوند همین روسیاهی مقرر برای مابان بود وشیطانهای انسی همان صورت عذررا بایننسم صورت شیطانی مبدل نمودند مگربازهم شکرانه پروردگاررا میکنیم که مابان‌را ازراه غلط کشید هدایت راه‌راست راتوفیق شکرانه ذات‌پادشاه معظم خودرا میدانیم که باوجود اینقدر گناه عظیم ازمابان سرزده بود بمهربانی های‌زیاد عفو نموده جان‌بخشی هارای مابان گناه‌کاران داده‌شد .

طایفه دیگرشان ازجهالت وخوف که ازطایفه اول‌کمتر بودند عیالهای خود هارا گذیده یکوه‌های منکل‌الا شدند چون اردوی عسکری داخل میدان خوله منکل گردید وچندروز درمیدان‌خوله منکل سکونت کرد قری طایفه دوم عیال‌واره خود هارا ازکوه های منکل‌قبل ازرسیدن اردوی عسکری گذیده بحد سرحد کرم متصل علاقه‌غیر سکونت اختیار نموده بودند دراین وقت بقرار اصل وحدایات که از حضور مبارک بهرداک برای قندوی میرسید یعنی یک دستور العمل مکمل نظامی درباب طریقه های رفتار از دوی عسکری وانتظام قه وخورا که فوجی درباب محافظت وطریق طایفه همراه قری مفسد وغیره یک امرنامه نظامی مکمل‌مشتمل برای‌این قندوی میرسید همین بود که چون اردوی عسکری درمیدان‌خوله منکل رسیدند وکیفیت قری مفسد که درحدسرحد خودها را قایم کرده بودند بحضور مبارک عرض‌شد امرمبارک شرف‌صادر گردید که چون آنها بدرستی خیالهای آمدن راندارند وخیال‌مقدمه‌رادارند‌شان‌از دوطرف یعنی ازطرف چکنی واز طرف خوست برای فوجی آن دوست وخود اردوی عسکری از میدان خوله بالای شان بروند وقتیکه آنها مقابله نمایند همراه مردیه مقابله شود بزن وبچه‌ها ضرر نرسد وهروقت که آنها ازعلاقه دولت افغانستان پس‌اشدند وعلاقه انگرزی رسیدند تعاقبی ورعیتی تعقب شان را رها کرده واپس بیایند وهرقدر که اسیر شدند بدرستی نگهداشت شان شود وبرای زخمی‌های شان که بدست بیاید بدرستی مثل فوجی معالجه درانبطال نموده شود بعدماگه نهایت یک دستور العمل مکمل برای این قندوی دولت رسید همان بود که بقرار امر مبارک سرتاجه سه‌طرفهٔ را بالای شان نموده چون آنها از جهه‌سه طرفهٔ خود واقف گردیدند وازطرف چونکل اقدر کرم هم برای شان اطلاع رسید که اگرشما خیال داخل شدن علاقهٔ برطانیه رادارید اسلحه خودهارا تحویل نموده وبیوه‌تانها تعییناً بجانبیل ازسرحد دور جای داده خواهد شد رسید .

جمیع ملک های شان همراه پسران جبا نداد مفسد در میدان خوله منکل همراه قرآن شریف بسرور پسرانها بگردن انداخته بدرون اردو آمدند و برای شان اجازه وقبل شدن داده شد همه ملک های شان باتفاق عرض نمودند که هزار دفعه مرگ خودرا بهتر میدانیم که با همراه فوجی اسلام یعنی برادر های خود مقابله کنیم و یا بلک غیر قرار شویم حال خود ماها همراه پسران خود حاضر میباشیم که شما منصب دار بزرگ پادشاه معظم اعلحضرت (سراج‌الملة والدین) میباشید اگر خودشماها مابان را بلک میرسانید باشفاعت جان بخشی مابان گناه کاران را از حضور پادشاه‌مهربان‌رعیت‌پرور میخواهیداختیاردارید — همین بود که آنها رادر اردوی‌عسکری منکل‌نگاه‌داشته و بحضور مبارک کیفیت شان را عرض نمودم از حضور درجواب فرمان مبارک رسید که اعلحضرت نمیخواهند که رعیت شان سرگردان و یتیمان باشند عریضه شماها ازحضور گذارش یافت ورای جرئیل حضور امر گردید که شماهارا همراه پسران‌شما بحضور حاضر نماید وعیال‌واره شماهارا نیز اجازه دادمشد که جای بجای شوند وهرقدر نقصان سرکار راکه درباب خرابی تپاه وغیره شده‌باشد پوره میکنید همین بود که نامبرده هاوقت که تپاه یتان را آباد نمودند وبعضی تپاه را که درروقت جهالت ضرر رسانیده بودند مکمل درست کردند وهوازی دوصدوشصت میل تشنگ که بدست شان دروقت فساد آمده بودواپس‌تحویل نمودند وخودشان‌همراه یک صدنفر پسران خود همراه اردوی عسکر روانه دارالسلطنه‌کابل گردیدند .

حال دراردوی‌عسکری‌دوجامه ملک ها موجود اند یک‌همین ملک ها که ذکر شان شد ویک جامه ملک های باقی قوم های سمت جنوبی که ازطرف پادشاهی همراه قری باغی قرارازرسیدن اردوی عسکری مقدمه نموده بودند وازجانبین بعضی قری متابع شده بودند که تفصیل آنها ازبترار میباشد ملکان قوم جدران

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 429 of 1786

خوست . جاجی . زرمت . گردیز . کته واز . ارگون . خروتی . وزیر . سلیمان‌خیل . اندری . ترکی . وغیره تقریباً جمیع ملکان تا بحصه تگری شده‌اند وملک های طایفه اول یعنی منگل واحمدزائی وطوطاخیل که یعنی اول درفساد شامل بودند و بعد ازان تائب گردیدند وهمراه پسران خودحاضر گردیده روانه دارالسلطنه میباشند تقریباً یکصد نفر ملک ویکصد نفر پسران شان که بضم برقه مل ملکان معتبرشان آورده بودند وموازی یک کمپنی یعنی یکصد و هشتاد نفر نظامی برای ملازمت نظام داده تگری مذکور داخل عسکر اردوی شده بکابل بجریت تمام اردوی عسکری رسیدند ازحضور مبارک هرطایفه علیحده علیحده گذشت وبعد ازان یک روز جمیع ملکان یکجا بعد از مهربانی اعلیحضرت بحضور پیش شدند وزبان مبارکشان تقریر نهایت مؤثر اعلیحضرت والا درباب تگری ملک هائیکه خدمت نموده بودند وتصیحت برای ملکان که عصاه شامل شده بودند مرحمت نمودند وهمان پسران ملکان را که برقه مل داده بودند برای آنها فی نفری روپیه تنخواه مقرر گردید وسررشته تعلیم شان وجای رفاهیت شان وانتظام نگهداشت از خورا که وپوشا که بنهایت اصول درست ولایق برای شان مقرر گردید وامر مبارک درباب شان چنین شد که عمدتا از گرفتن پسران شما صرف بلحاظ اعتبار شما نمی باشد بلکه سر کار والا خیال ترقی اقوام افغانستان را دارند برای پسران شما تعلیم درست به اصول جدید داده میشود وبعد از چند سال این بچه‌ها روند ودیگر بچه‌ها بیایند عمدتا که همه پسران ملکان ومعتبران به یکزمان تعلیم یافته دروطن های خود روند لطق والا موجب عمده ملک ها درباب صرف تکریه جان بختی وعذر زبانی پسران شان

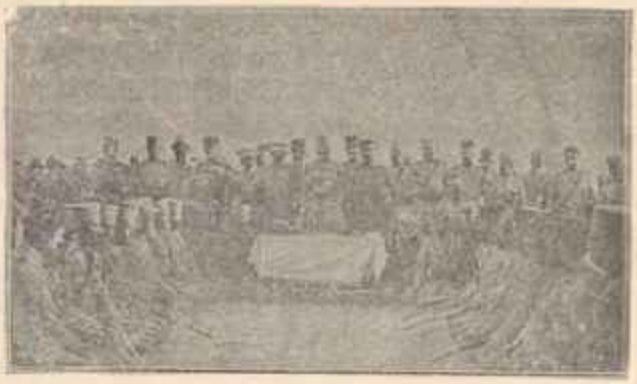

گروپ افسران کوچك وبزرگ عساکر اردوی ظفر ماثر که
در تجاریه منگل ایراد خدمت کرده اند

برای اینیك آقای صاحب ملکی معلوم است که برای شما روانه خواهد داشت — رعایت ازطرف سرکاری برای تگری ملک های منگل واحمدزائی وغیره درمالیات وغیره هیچ چیز نخرمودند وبه آنها زبان عرض را داشتند ونمیدر فقره مالیات وغیره آنها چیزی عرض نداشتند صرف عرض آنها از سبب تبدیل حاکم بود دگر برای ملکان دیگر که خدمت نموده بودند آنها سه فقره بحضور اعلیحضرت عرض نمودند که هر سه فقره مذکور بقرار ذیل است .

فقره اول برای موانی سرکاری بالای مایان رعایا حواله رشته تقریباً شش صد جریب میشود وفی جریب شش روپیه برای مایان عرادادہ میشود اگرچه فی جریب رشته یکجاه ربیه وشصت روپیه قیمت دارد — بنابران سرکار والا امرفرمودند که همین قاعده خلاق گذاشته شده موانی سرکاری رشته بقدر مورث بجنت مروجه ازرعیت خریداری کنند وهمین رشته بدون مالیه باشد مقرر شده بود .

فقره دوم — درباب مندئی یعنی ازرعیت بضم حواله خورا که جمع میشود وبدوکان ها تقسیم میشود بعد ازفروش اجناس وجه بدرسی برای مایان میرسد چون سرکار والا سر رشته مذکور را نگذاشته بودند ودیگر هیچ جای افغانستان اینقسم احوالداری نمی باشد اعلیحضرت والا امرفرمودند که بعد ازین خوش رضا کار دارهای سرکاری اگر جنس وغیره بکار داشته باشند از رعیت بقرار روزنرخ بوجه نقد خریداری کنند که برای رعیت تکلیف نشود —

فقره سوم — عرض نموده بودند که در رباط خداخیل غله ازاندازه خارج اضافه تحویل می شود دراین صورت برای مایان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 430 of 1786

رساندن غله تکلیف ورای سرکار اساسه غله از خارج می ماند وخراب می شود نفس سرکار است امرمبارک شد که معلوم شود که در ربط موصوف درین چندسال چقدر غله بمصرف سالیانه رسیده یك اندازه را استاد گرفته همان قدر غله حواله شود و باقی آن طبق سابق تحویل تحصیلدارها شود همین سه فقره عرض را گذارباتی که خدمت نموده بودند کرده اند دیگر کس هیچ عرض درباب تخفیف مالیات ونفرمه نموده، جناب خوی ام محمود بیك خان سرمحرر سراج الاخبار افغانیه در حفظ الصحه باشد این است که بعضی معلومات مختصر برای ثنا روانه نمودم تعداد ملکها وتفاوت اطمینان وتفاصیل مراتب ملکها وبحمدها زمانیك آقای ملکی حضور والا سابق داده شده که برای تهیه ساند ازدستشان میگیرند یوم چهار شنبه ۱۸ ذی القعدة الاحرام ۱۳۳۰ (محمد نادر)

« سراج الاخبار افغانیه »

خواندگان محترم رسمی جناب نگران ما ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی وخبر تحریرات جناب جنرال محمد نادر خان جرنال حضور همایون که قومندان وقت اردوی عسکری اصلاحات متکل بودند دوشاهد عدلیست در باب تردید وتکذیب فقرات اخبار پاونیر که در ذیل حوادث خارجیه آنرا قارئین کرام مطالعه خواهند فرمود .

طایفهٔ هندوهای رتنای سادوه ۱۵ ساله نیز در زیر حمایت رحمتی خود سلاح بدست شده بلوی مطیع وداو طلب در صف عساکر ملکی بمحاربه اشتراك ورزیده اند

حوادث خارجیه

أخبار پاونیر ـ وحوادثات منکل

در ترجمه اخبار پاونیر که درین روزها اداره رسیده بعضی فقرات دور از حقیقت سرا پا غلط بنظر رسیده که برای تصحیح أفکار عمومی ، وظاهر ساختن اغراض خصوصی به تردید آن « سراج الاخبار افغانیه » خودرا مجبور می بیند .

أخبار موصوف بر بیانات مخبر سرحدی خود استناد قوی نموده مینویسد :

« مخبر سرحدی ما بیان میکند که أکثر قبایل « خروجین » که حسب الامر هز میستی امیرصاحب از سرحدات « قاصله بعید » بود وباش میداشتند در وادی خوست آمده اند می گویند که در علاقهٔ خوست باز شورش وفساد بر پاشده است وکارمندان افغانیه قیام امن نموده نمی توانند »

اولا باید دید ببینیم که [مخبر سرحدی] آقای پاونیر آیا در سرحد بعلاقهٔ خاك افغانی نشسته واین وظیفهٔ خطیری را ایفا میکند ، یا آنکه بعلاقهٔ خاك انگلیزی نشسته واز انجامه نگاری پر "لی افشانی میفرماید ! اگر در علاقهٔ خاك افغانی باشد — وازانجا مینویسد هیچ شبهه نیست که اینگونه حوادث را یا پر "پاگندهٔ خصوصی مینویسد که آقای پاونیر هم بقصد پیشانی اوپی نبرده است ! ودلیل واضح آن این است که این خبر ما فوق را سراسر از "خود اختراع کرده توشته است ، وهیچ أصل واساسی ندارد . آیا از کلمهٔ (قبایل خروجین) مراد شان کدام خروجین است ؟ واز (قاصلهٔ بعید) کدام ابعاد بعید مراد است ؟ این نقطه هارا تعین نموده واز بر پاشدن شورش وفساد خوست بیان میکند که برای آن هم یك جهت معلول نشان داده توانسته است . لا جرم معلوم است که مخبر سرحدی" شان بعض بازار ساعت تربی" خود ایجاد یك خبر دروغی را نموده بقایضا فکار اخبار خود کوشیده است ، واگر مخبر شان در خارج علاقهٔ خاك افغانی باشد معذور اند ، زیرا خبر صحیح گرفتن درین وقت ها از وادی" خوست یکقدری بازار انتشاراتی که گرفته شده برای خارج علاقه مشکلست لازم اگر برای دلخوشی" اخبار خود یك دروغی ایجاد کرده باشند چه عیبی دارد ؟ ...

§ در فقرهٔ دوم خود اخبار پاونیر ازمؤرخهٔ ۱۶ ماه اکتوبر باز از خبرهای سرحدی" خود فساد وشورش خوست را تائید نموده میگوید : « قبایل متفرقهٔ خوست ازاطلاعات نامبرصاحب چنان شرایط نرم حاصل کرده بودند که اکنون علانیه ازاطاعت احکام افسران وکارمندان افغانیه انحراف می نمایند »

ما از عبارهٔ « شرایط نرم » چیزی نفهمیدیم ! مگر اینقدر می بینیم که مقصد حرفان ما از شرایط نرم عدم تکمیل نام وعدم اسیر ساختن زن ومرد اقوام است ، زیرا همردمان غربی ومردمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 431 of 1786

شرق از زمانهای قدیم یك اعتقادی میبوده‌اند که آن هم عبارت از خونریزی ها وقاجعه ها ، وبدعت هایست که خود یهود آنرا وانها ثابت ساخته اند ، وآنرا مدار اساس وحشت آنها ووسیله نشر مدنیت خودها در نظر ها جلوه داده اند ، وچون برخلاف امیدها وآرزوها نیکه ازین واقعهٔ ننگین در مد نظر داشتند بوقوع آمد حقیقتاً که آقایان مدنیت‌خواهان را خیلی دلتنك نمود بمجردیکه حرارت عصیان مردم ننگ در وادی‌ٔ خوست بالاشده بود اخبار والاهای مدنیت پرور ما نوشته خانه های خود شانرا بیك اهمیت فوق العادهٔ حاضر ساخته ، وقلم های خود شانرا تیز کرده منتظر نوشتن چنان فاجعه ها ودرامهای گردیده بودند که بلذت استماع آنها آب دهن شان جاری شده بود وچون آوازهٔ چندین حکایه ، وصورت بلاله قیصه پذیر گردید قهر وغیظ یا مال شدن آرزوهای شان برین منجر شد که سر از عواقب یك حادثهٔ فساد آنچنانرا تازه کنند ، تا شاید بقصد ومدعای خود برسند ، لهذا بکمال خاطر جمعی میگوئیم که نه در وادی‌ٔ خوست سر از نو یك شورش وفسادی بر پاشده است ، ونه کسی از احکام دولت اقتایه انحراف ورزیده توانسته است.

بعد ازین فقرهٔ اخبار موصوف گلهٔ (خروجین) را نیز تا یکدرجه تفسیر نموده میگوید : «یك جمعیت خروجین که اعلیحضرت امیر صاحب آنها را از علاقهٔ خود خارج کرده امر فرموده بودند که از سرحدات دور باشند در خوست هجوم آورده‌اند»

ازین اخذ خارج علاقه چنان معلوم میشود که این خروجین جمعیتی باشند که بعلاقهٔ یکدولتی که خارج افغانستان است اخراج شده باشند ، اگر هم چنین باشد آن جمعیت اخراج شدگان آیا بدون اجازه واشارهٔ غیر از علاقهٔ که دران اخراج شده اند چسان درخوست آمده توانسته اند ؟ لهذا معلوم میشود فسادی بلکه افساد ، بغاوت ئی ، بلکه اغوا میباشد ، زیرا از عبارت ما بعد آن که مینویسد : « مآلا درپارهٔ شورش وبغاوت آنها عنقریب خواهیم شنید » نیز همین ظاهر میشود که امید واری وارزو مندی‌ٔ بسیار بزرگی نیز از افشاندن آن تخم فساد دارند وهم بر داشتن محصولات آنرا عنقریب بر داشتن میخواهند ! ولی هزار افسوس که نمدی وارزی‌ٔ آب وهوای افغانستان این گونه تخم هارا زود خراب وغیر قابل نشو ونما میسازد ، وامیدواران محصولات شکر خود شانرا خطاط تا امیدی یار میدهد !

بعد ازین فوهات از غلط مدعی حکومت افغانستان درباب قیام دادن یك قوج غلطی درخوست بحث وبیان کرده مینویسد: «شکی است که اکنون مانند چندماه سابقه بدارش بر پانکرده ولی درین شبهه نیست که شورش وعدم قناعت مردم عیان شده است »

غلط صریح قیام دادن قوج را که بیان نموده یك اعتراضیست که از حکمت عسکری دور افتاده است زیرا هر دولت استعمال کردن قوای عسکریهٔ خودرا در نقاط مخالفهٔ مملکت خود خویش میداند شیمیکه از اقسام عسکر یه واز اصول وقواعد لمیه وعملیهٔ یك حکومت خبرباشد واعتراض کند البته که خارج حکمت شمرده میشود ، حکومت‌شیوعهٔ متمدنه ما انواع مخصوصهٔ عسکریهٔ برای خود نسبت‌بعادات واخلاق‌وطبایع اهالی واراضی‌ٔ خود دارد که بحث کردن ازان خارج‌وظیفهٔ ماست ، اما اینقدر میگوئیم که خوست هیچگاه بی عسکر نبوده واز افواج خالی نمانده وازانسبب هیچ شورش وبغاوتی که موجب اندیشه باشد ظهور نموده ، چنانچه باوجود همهٔ این کیه اندیشی ها باز هم خود آقای پاوینر اعتراف میکند که « اکنون مانند چند ماه سابقه بغاوت بر پانگردید » پس معلوم است که غایر سپاهیه وعسکریهٔ دولت در خوست بر وجه دلخواه آماده کننده گان افساد واغوا جندان امید واری‌ٔ در خود نمی بیند !

در آخر مقالهٔ خود از در نصیحت وباد آوری‌ٔ دوستانه رقمطراز عقل فروش گردیده مینویسد : « اگر هر مجتنی امیر صاحب جهة اطفای نایره شورش وفساد به تعجیل سررشته نکردد حالت موجوده از درجهٔ خراب به درجهٔ خرابتر خواهد رسید »

حقیقتاً که ازین خیر خواهی وباد آوری‌ٔ آقای پاوینر تشکر نکردن ازدست مانی آید ! چقدر دوستی چقدر غم خواری ! .. اما به این مسئله‌دهی وآشکار پی برده اند که صاحب یك مزرعه کوچکی نیز اگر درباب مزرعهٔ خود غفلت روادارد ، وسر رشته آنرا بدوی نکند مزرعه اش خراب وابتر میگردد ، چه جای صاحب یك مملکت بسیار با وسعت در حریل میگوئید (صاحب البیت ادری بما فیها) یعنی صاحب‌خانه به امورات خانهٔ خود واقف وداناتراست آقای پاوینر به سینان بادر هوای غیر سرحدی‌ٔ خود گردیده نتوانند که آن غیر پیر دروغ ترانی دگر چیزی نمیداند چنانچه بازار ازینگونه سینان نا ترانیده ودروغهای ایجاد کرده شده را به افکار خود خورده وبصورت غیر قابل اعتراض دیده شده است ، ذات اعلیحضرت پادشاه ما تای آگاه ماخطهٔ از سر رشته ها وتدبیرهای مخالفت شاهانهٔ شان غفلت نمیورزند ، ولی به آن تدبیر ها وسر رشته ها غیر آقای پاوینر پی برده نمیتواند ، چرا که بر خلاف مأمول خود شان سر رشته ها می بینند که حکایت شان بحکایت شیص گر وعیادت بیار میاند که هر چه در تصور خود حاضر ساخته اند عکس آنرا می بینند ، ولی افسوس که از گرانشوی وعقل پسندی حقیقت رادیده بر همان حدس وقیاسی تصور کرده کی خودشان اصرار میورزند ، وبه اینسبب از شهراه حقیقت بغرسخها دور می افتند ، حالانکه یك اخبار توبس ضرورست که بر حقیقت کوائف بقوی واقفیت داشته باشد علی الخصوص که اخبار نگار اگر بدیده انصاف نگرند هیچ حق اعتراض را در خود نیابند ، پادشاهی که امور پیرامه یك مملکت را بدست دارد مانند یك طبیب حاذقیست کهی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 432 of 1786

گاه یك بیماری در وجود ملك عارض شود ومداوات آن بیك مرهمی ویا یك ضماد بندی، ممکن باشد بداغ کردن ویا قطع کردن آنرا ارباب حکمت چسان تجویز خواهند داد؟

—(محمد ولیخان)—

(اخبار زمیندار — ومراج الاخبار افغانیه)

رفیق محترم معزز ما اخبار (زمیندار) از ری بودن (محمد ولیخان) از اعمال روبهٔ غیر مرضیه در اخبار معتبر خود بحث رانده سخن قطع علاقهٔ خود شارا که با متبارالیه بوده بودند واپس گرفته اند .

چون خوبی از بدی ، وخوش نیتی از بدنیتی ، وحسن ظن از سوء ظن پیداست ، ومراج الاخبار افغانیه در حق همه برادران مسلمان خود خوبی وخوش نیتی ، وحسن ظن درحق میروراند ازآرزو سخن همصر معزز خود زمیندار را پیروی نموده هیچ بدگمانی درحق برادردین خود (محمد ولی خان) درحق قوم پروریم ودر پی بودن او سخن همصر خودرا تصدیق کرده هیچ گاه با برادران دینی خود اختلاف نمیورزیم .

(نقشه روم ایلی و البانیا که جنك میان ترکوع شده است)

—﴿ از اخبارات اردو ﴾—

—﴿ خبرهای تلگراف ﴾—

—﴿ جنك ترکی وایطالیه ﴾—

لندن ۱۵ اکتوبر — در باب ترکی وایطالیه مصالحت شده وشرایط طرفین برصحنامه ثبت شدند .

(بختام توزی فتح ترکان شده است نه از مانی نگرو)

قسطنطنیه ۱۵ اکتوبر بذریعه تلگراف سرکاری معلوم میشود که امداد افواج ترکیه در نواح کسنجی (ازمقام بداکور تا بجانب شمال ومشرق واقع است) رسیده است وبمجرد رسیدن برمانی نگرو حمله نموده شکست داده است واکنون اندرون علاقه مانی نگرو جنك جاریست

—(یکهزار مانی نگرو هلاك شدند)—

لندن ۱۵ اکتوبر — برای اخبارنا تراز مقام سنجی (واقعست مانی نگرو) تلگراف رسیده که بتاریخ ۱۱ ماه جاری روشنی برقی بحری مقام سفوطری دریکهزار مانی نگروی که تیاری جنگ دارا بودن میکردند افتاد — وتوپهای آنش فشان مقام مذکورا بوش فوراً آنش باران نموده مانی نگروی مذکورا نابود ساخت — هرچند که افسران مانی نگروی عدایت واپس رفتن میکردند اما آنها بسیل حکم نکرده مینمودند که احدی از آنها زنده نماند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 433 of 1786

(بلغاری جنك نكردند)

صوفیه ۱۵ اکتوبر ـ نجمدفر از ترکان بتاریخ ۱۳ اکتوبر بر پهره خانه ضلع نامروش حمله کردند محافظان پهره خانه بموجب هدایات حکومت خود پهره خانه را گذاشته پسپا شدند ـ

(سروی هزیمت خورده گریختند)

بلگرید ـ ۱۵ اکتوبر ـ یوم گذشته بر سرحد سروبه تمام روز جنك بود ـ ترك بتعداد سه هزار بودند ۲٤ باشندگان سروبه هلاك و ٤ زخمی شدند بسازان از میدان جنك بگریز نهادند ـ حکومت سروبه حمله مذکور را اشتعال انگیز قرار میدهد اما نیز اعلان نموده است که تاوقتیکه دریاچه وسیع حمله نشود او از جای مدافعت پشتدی نمیواهد کرد ـ

(عالیجاه آقا خان وجنك بلقان)

عالیجاه آقاخان برای هلال احمر روسی مبلغ دوهزار روپه فرستاده است وامید ظاهر کرده است که مسلمانان هند منصوبهای خودرا ملغوی نموده توجه وکوشش خودرا بطرف اعانت معیشت وزندگان ترکی مبذول نمایند ـ

لندن ۱۸ اکتوبر ـ فوج ترکی درشب دهم اکتوبر سرحد بلغاریه عبور کرده بمسافت چند میل در علاقهٔ بلغاریه داخل شده واز دهم شب جنگ جاری شده وتاحال جاریست ـ

خبرما بعد ـ یونان بخلاف ترکی اعلان جنگ کرده است ووکلای ریاست های بلقان از قسطنطنیه رخصت گردیده اند ـ

ایتهز ۱۸ اکتوبر ـ امروز شاه یونان معائنه جهازات نمود وخیر مقدش نهایت پرجوش بودشاه مذکور ثنای کامیابی وسلامتی فوج بحری ظاهر کرد وجهازات وقت شب احکام سرحدی گرفته راوانه خواهند شد ـ

لندن ۱۸ اکتوبر ـ سلطان المعظم بذریعهٔ اعلان به افواج خود ارشاد فرموده اند که احترام جان ومال آبادی غیر مصاف نموده شود وهمراهانها واطفال نزتعرض نکنند ـ

جهاز رو مانیاء ور غسس هبری ،، رها کرده شد وبخام بلسفورس رسید ـ

لندن ۱۸ اکتوبر ـ روسیه ازبابالی تحریك پرزور کرده است که نیز ازدول یوروپ درین باب گفتگو دارد که درمابتال برای جهازات تجارتی غیر جانبدار باشد ـ

قسطنطنیه ـ شهزاده وحیدالدین برادرسلطان محمد پنجم وشهزاده عبدالرحیم برادر زادهٔ سلطان مو صوف (وفرزند غازی سلطان عبدالحمید خان مرحوم) بصورت جنگ آمادگی رفتن میدان ظاهر کرده اند ـ

ـ(عالم عسکری)ـ

جنرال (درا گومیروف) دریك مجلس عسکری یك لطیف بیان کرده، و(فن نمیه)را بوصوف ثلاثهٔ عسکری ازقرار ذیل [تلاش کرده است]

ـ(خطاب به پیاده)ـ

جبه خانه اتراپوده اسراف مکن! بعد ازانکه خوبتشانه بگیری فیرکن! ازده گلهٔ پیوده انداختن یك گلهٔ کاری انداختن بهتراست! بی آنکه به پشت سرت به بینی بی روا خودرا بردشمن بینداز! اگر ترده بکنی ودو دله شوی زنده میشوی، و سبب مظنونیت میگردی! اگردشمن را دیدی که برتر هجوم نمود تاوقتی که در وجود خود قوت می بینی فیرکرده رو! ازجای خود یك قطعه شور مخور! ده ازده فیرعسکری که بناگهان (رجه یك) کرده، و(الله اکبر (۱) (گفته به پیش روی عسکر حمله آورده خودرا بیندازد هنر صدفیر خوف ودهشت میدهد! درهنگامیکه دشمن بناگهان هجوم وبورش بیارد، هرعسکری که ازهمه پیشتر باصدای های (الله اکبر) خودرا بروبچه های تفنگ دشمن بیحیا برتاب کند دلاور وبهادر گفته میشود! درهجوم وبورش صوری یعنی وقتیکه بول (یرجا زاو) داده شود هرنفرعسکری که جای خود را دیر ترترك کند وای برمردی تو!!...

ـ(خطاب به رساله)ـ

ای رساله! توهم اسب خود را خوب تربیه وپرورش بده! شمشیرت را کند نگاه مدار! چونکه! تیر امنیت وشمشیرت کند باشد بدشمن نرسیده، واو را کوبیده نمیتوانی! اگردیدی که اسپ بدشمن نمیرسد همانهم به تفنگ کوتاهت نشان گرفته فیرکن! برای آنکه دلاوری ومردانگی وغیرت را نشان دهی اسپ دو سه رقم سلاح پشت داده شده! غیرت کی مردانگیت را نشان بده! چون دیدی که بدشمن بارفرار را قبول کرده روروز گریز نهاد هماندم به راسپ خود وبه روجود خود هیچ دل مسوزان! وتاوقتیکه توك گریجت را به پشتش نعلای ازعقب گیری روحتاب!

(خطاب به طوپچی)

ای طوپچی! توهم نامیتوانی بزودی وچالاکی فیرکرده رو! سعی کن که آماج را بزنی! برای طوپ توهین دوعنصر لازمیست که! اهم زود فیرکردن، وآماج را زدنست! توهیچ فیر کردن ودشمن را کوبیدن دیگر هیچ چیزی میدنی! به این یك اعتبارکی که پیاده ورساله توانها پسر خود نیگذارد! لهذا! بجان خود اندیشه نکرده باز ودوصحیح گهاندازی به پیاده ورساله مددرسان! برای کشادن راه مظفریت عسکر خود، وبرهان صاعقه های بلاردشمن خودازهمه پیشتر تو درمیان میدان خودرا جلوه گر بساز! برای طوپها وطوپچیهاتیکه اول بار بحدافعهٔ دشمن آتش فیرخودرا بازنماید چقدر سعادت وچقدر شرافت شمرده میشود!..... اگر دشمن هجوم یعنی حملهٔ بورش بیارد هیچ بیدست وپا مشو، ودرموضع خود جایجا قائم وثابت مانده بر فیر آتش پشت دوام بکن! وچون دیدی که دشمن تاپجلو گرفتن امکانات نزدیك شد، آنوقت حربهٔ تیز ردارت را کشیده بحدافعهٔ نخست بپرداز! تو هرقدر که بدشمن نزدیکتر موضع گیری هماندر بدشمن خوف ودهشت میدهی، وبرای عسکرت راه ظفر باز میکنی!... (ازالتاتاق عسکری ترجمه شده)

---

(۱) دراصل کتابی که ماازان ترجمه کرده ایم کلمهٔ (هورا) نوشته شده بود بامعنی آنکه (الله اکبر) وشد ایم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 434 of 1786

(سخنان هر رقم)

دکاکین زغال فروشی شهر پاریس

در مملکتیکه مدنیت مرتبه کاملا یافته وقتیکه انسان میکرده بسی چیزها میخورد که هرگاه الجز را انسان بچشم خود نبیند از شنیدن آن عقل انسان استبعاد نموده روایت راوی را بر مبالغه (جهانیده بسیار گوید دروغ) حمل مینماید. مثلا اگر گفته شود که من در پاریس دیدم که مردمان در روی هوا پیر و سیاحت میکردند. یا آنکه در راین درمیان یك خانه مزین آراسته سیار - یعنی رونده — نشستم که این قصر در ظرف یکدقیقه نهصد متر قطع مسافه مینمود ومن بواسطه این خانه سیار در ظرف یکشبانه روز که عبارت از بیست وچار ساعت باشد یك ملیون و دو صد ونود و ششهزار متر مسافه را در نوردم. ویا آنکه بگویدمن ازاستانبول بظرف پانزده دقیقه بایالات هندستان عازم بودم، پس حالا اگر کسی (اتون) و (شنه دوفر) وتلگراف بیسیم دانسته باشد بوجود همچنین چیزهای مافوق التصور هیچکاهی راضی وقایل نمیگردد؟

همچنین است دکانهای زغال فروشی شهر پاریس که هرگاه انسان آنرا بچشم خویشتن معاینه ننماید سخن را ویرا هیچ وجه تصدیق نخواهد کرد. بلی اگر واقعیتی دکانهای زغال فروشی شهرهای مانند دکانهای زغال فروشی شهرپاریس را تا یکدرجه منظم فرض خواهیم کرد. حالانکه در بلادهای جسیمهٔ اوروپا ازحصر بیرون در میان بازارهای منظمهٔ که در و دیوار و زمین ودکانش ازغایت صفائی وزینت ویا کیزه گی مانند آینه درتلمع است کسی در دکانها ومغازها فروختن زغالسنه رو را هیچ یاد ندارد؛ بلکه زغال وچوب در (دپوز) های بسیار بزرگی در خارج شهر موجود میباشد.

حالا در این جا بخاطر میرسد که آیا اگر کسی در مرکز شهر پاریس اقامت گزیده باشد چسان میشود که از برای یك زغال خریدن تا بیرونهای شهر رفته دوساعت مسافه را قطع نماید!

خیر! کسیکه در مرکز پاریس اقامت داشته باشد بدان احتیاج نمیکرد که برای زغال کرفتن بخارج شهر رود. بلکه کسیکه آرزوی زغال کرفتن داشته باشد می آید در بازارهای بسیار نامدار منتظمهٔ مانند (بولوار هاوسمن) و (بولوار مزیتالیان) و (بولوار سوبتیر) در انجا یك یك دکانی می بیند که روی آن یا یکپارچه بلوری که مرتفعش هفت متر و طولش از تقاطع پنج پنج شش متر و سطحیرش نیز قدر دوسه انگشت میباشد مستور است و در دو طرف این آینهٔ بلورین دو در و از. ملاکار مزینی که آنهم از بلوراست کشاده میشود که انسان از ین دو باب در آمدن دکان داخل میشود. در درون دکان بترتیب صیاد مثالی دوازده عدد چوکی قیمتدار مخملین چیده، و زمین آنرا بقالین انکریزی مفروش شده، و در دیوار هایش نیز چند عدد دولابهای بسیار مصنع بلورین گذاشته، و در زد هر دولاب نیز بدرجه جیب مخملین بسیار خوشنمائی آویخته میشود که در درون این جیبها نیز سی ورقهای مبلوغه گذاشته شده است.

در پشت در آینهٔ زرگ بلورین روی دکان و در دولابهای آینه دار داخل وضع وترتیب بسیار مصنای خوش تا چندعدد طبقهای قهوه خانه مصنع جیبی گذاشته اند که درمیان این طبقها نیز وضع وترتیب بسیار خوشنمائی انواع چوبهای بریده و اقسام زغالهای رهم چیده، واشکال زغالهای معدنی منجمده را نهاده اند، که انسان هرگاه

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره (۳) سال دوم)

لهذا رجا میکنم که حقیقت حالرا بمن بیان بکنید.

— این خواهیکه طلب میکنید یکقدری مشکل بنظر میاید آیا چسان ممکن میشود که در بن باب یك، فکر قطعی بیان بتوانم؟ آیا استفهاما دانستن ممکن است؟ از شما بسیار بدرزاچه عاجزه لم که لحظه بلحظه وقت شارا انتظار میکشیدم ولی باز بساحل سلامت رسیده نتوانسته اند.

— من از زاچه های نیستم که ساحل سلامت را پیدا نتوانم که خود شما نیز باین قوی میباشید. لهذا لطف فرموده این دانستی خودرا اقرار واعتراف بکنید. ازین مزید کتمانرا من دل پسندازم وحاد وضیعی که دارم وضیعتر بتوانرا ازشمارجا ونیاز میکنم. بشما سوگند میخورم که ازمرتبه ترس نی بلکه من آنرا طلب و تمنی هم میکنم.

— چون چنست منهم حقیقت حالرا بشما راستی میکویم: درونیا هرچیز ممکنست. امادرزمانهای ماوقع شدن امور خارق العاده بسیار کم ونادر است. حالانکه اگر شما زنجه یابید از امور راست خارق العاده شمرده میشود.

— لکن میکنم مادام. مرامتدار خود نمودید. حالا قناعت حاصل کردم. برای کاریکه میخواهم آنرا اجرا کم قناعت حاصل کردم دربیاب لازم بود. حالا یکقدری توشان میخواهم.

— توشن؟ این امکان ندارد.

— آیا چرا؟

— چونکه قوت ندارید از انسب. اما من یك کار آسان برای شما نشان میدهم و آنهم این ست که شما بگوئید ومن بنویسم.

— نی نمیشود باید که خود بنویسم. رجا میکنم. مرا یکقدری بالا کنید. درزیر بالهایم یك دوتکا بگذارید. وچون زبان قلم وکاغذ هم بدستم بدهید خواهید دید که برای یك آن دستهایم که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 435 of 1786

ترتیب ووضع دلنشین اینها را می‌بیند گمان میرود که در خصوص فن معدنیات یك معرضی برداشته‌اند . درمیان دکان درخصوص زغال فروختن هیچیك فردی هم‌دیده نمیشود . پس چون کسی درخصوص زغال فروختن درمیان دکان نباشد آیا چسان میتوند که انسان زغال‌بتواند بخرد ؟ حالا حال اینکه بازچنان است ، که چاچه گرفته شده‌بود که در پشت دولابهای بلورین داخل دکان یك جعبه رنگی کوزان ودرمیان آن جبها بزرسی اوراق مطبوعهٔ گذاشته‌شده است . اینست که آن ورقه‌های مطبوعه از نیم عکاسهٔ اجناس زغالها وچوبها ، وتعریف محل دپوزغروش شهررا باغیر تافون خانهٔ صاحبان دکان‌زغال فروشی حاکی وناطقست .

پس چون کسی خیال زغال‌خریدن داشته باشد ازین‌کاغذ ها یکی‌را برداشته وعجب خود انداخته بخانه میرود ، ودر آنجادهن خودرا بمتزه ماکنهٔ تافونیکه در دیوار خانهاش منصوبست رسانیده نمره‌خانهٔ صاحبان زغال‌فروشی‌را مرکز تافون خبرمیدهد مرکز بزیهمان لحظه صاحبان دکانرا اخبار نموده بعدا زتحدیقه باصاحب دکان انسان بسمن می‌آید ، وازهر نوع زغال وچوبی که هرقدر لازم داشته‌باشدمیطلبد بعداز مرور بمسافت صاحبان زغال زغالهای مطلوبهٔ انسانرا در میان عرابه‌های سرپوشیده انداخته بخانه‌یا مدرسه انسان میرسانند ، ووجه آنرا گرفته بی‌کار خودمیروند .

درشهرما باز درانمدرون این دکانها سه چهار عدد فانوس الکتریك درانشعال است ، ولی دروازهٔ دکان مسدود میباشد ، ودریشت آینهٔ بلورین روی دکان بخط‌بسیار جلی یك نوحه کاغذی نمره وغیره‌ذلك دکان وزغالرا نوشته اویخته اند تا اگر کسی رادر نیم شب هم زغال احتیاج افتددر زودکان آمده ازروی همان نوشته کارخود شرانجام میکند .

اینست که دکانهای زغال فروشی‌شهرمادرین ازاینتراست اخبار شهریهٔ این‌دکانها نیز ازصدنامه وبخار طلا کثر بست . پس زغال فروشانیکه درسال هزارو هشتصد طلا تنها کرایهٔ دکانرا میدهند ثروت وسامان وسرمایهٔ مالی شانرا قیاس وحساب باید کرد !

لاجرم درمالمدنیت هرچیزی‌را باین‌دکانهای زغال‌فروشی‌قیاس باید کرد . وتعریق باید نمود که ظرافت وزینت باروق ووسعت مدنیت بزرگ‌ادر درقبال احیا حیات‌بشریه مقام بلندی پیدامیکند .

(ادبیات)

غزل

ای گرم بدوران تو بازار معارف
اخبار بعهد تو دکاندار معارف
معروف در اوقات تو آثار تمدن
مشهور ز حالات تو اخبار معارف
نامم نکوی تو بود زینت اخبار
اخبار بود عزن امرار معارف
ای کرده‌بنالطف تو هرگوشه‌مدارس
وی خلق توبا خلق بکردار معارف
ای شمع ره دین‌و سراج ره ملت
شد دولت‌وملت‌ازتوبرانوار معارف
از فیض تو شد شهر شناسای معالم
وزلطف تو شدهرخریدار معارف
تا فکر بلندت شده معمار ترقی
کردانست‌جهان‌زیت‌خود کار معارف
خلق است زامداد تو سرگرم‌صنایع
حق است‌ازشادو سرشار معارف
درعصر فرخ چون‌توشهریارآفاق
درفن و صنایع اگر آثار معارف
مستغنی پیدا چه کند کی خاید
روزان وشبان‌صرف بگفتار معارف
دارد اگر الطاف عمیم تو قبولش
دارم به بغل دفتر اشعار معارف

به رؤوت تمام منهدم شده حیات تازهٔ پیداخواهد کرد .

— چون بهمه حال این را آرزو میکنید منهم اجرا میکنم . من‌هرگونه خواهش یاران خود را به اجرا کردن حاضرم .

مادام آلفو آرزوی آخرین شوهرش را اجرا نمود . و بکمال تعجب دید که انگشتهای بحرکت قلوبیك برکاغذ یکنواخت سطریکه غیرمنظم ولی خیلی خوانا بود نوشته توانست . بعدهٔ قلوبیك یك پاکتی خواسته وکاغذ رادران گذاشته بر پاکت‌اینچنین عنوان انداخت : ((موسیو وقونت دوخرالیو ، کوچهٔ سنت‌نوره))

بعد از بسته کردن پاکت با یك صدای بسیار خفیفی که از شنیده میشد گفت :

— مقصد حاصلشد . اگر یکقدری معطل میکردم برمن‌هم موفق نمیشدم

مادام — خوب حالا این مکتوب را به قطی‌دلیژانس ازبرای قلوبیك — ی ی ی ... بایك شخصی بجایش دوانه کرده‌جواب باید گرفت .

— آیا اجرت آن شخص را که خواهد داد ؟

قلوبیك انگشتان ضعیف وسفید خودرا که باید آلوفت بر خلق انداخته بود برداشته وسوی مادام دراز کرده گفت :

— در یکی از انگشتان دست‌چپ من‌یك انگشتری‌طلائی موجوداست که آن انگشتر نکاح منست ، آنرا کرایه بفروشید . بهر قسمی قیمت که فروخته شود باز هم دو مقابل اجرت مکتوب برذمه را ادا خواهد کرد .

باورکنید که مادام آلفو این انگشتر زن بیچاره را که در حال جانکندنست ، ویك بادکارقیمتدار ایام ماضیهٔ حیات‌اوست از کلکش بیرون براورد ، وهیچ از مروت وبالیدان درباب بکشیدن او نشان نداده گفت :

بسیار خوب ، این انگشتر شمارا من میگیرم واجرت لازمه را من ادا کرده بعد از چند دقیقه قاصد نامه بر را براه می اندازم .

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 436 of 1786

ناموران نباتی جهان

(ما بعد از شماره ۳ سال دوم)

مستفید دانسته است ، حتی برای آنکه پهلوان فلیر ارزان طعام داده شود در یك طرف شهر یك لوکانهٔ مخصوص باز کرده است ، و بعد از یکچند روزی که گذشت با گهان خودش پالتو هرخود پوشی (دوتال) بهان لوکانه رفته و در یك اوطاق نشسته یك عدد طعام به « شاهیگی » طلب کرده است ، و به این صورت هم تفتیش طعام لوکانهٔ خود را کرده ، و هم بوجود تازین بسیار مقبول خود این لوکانهٔ را که بلطف و مداخلت خود تأسیس نموده تازین و معطر گردانیده است .

از حکایاتیکه درباب مرحمت و تلطف ملکه حکایه میکنند یکی این است : که یك روزی از سرای خود برامده بود که یك دختر نوجوان بسیار لطیف الاندام خوش شکلی برخورد که یك چیزی در دست دارد بجانبیده دست داشت از حال و وضع دختر چنان معلوم میشد که یك چیزی میخواهد ، ملکه یکمال را که باو نزدیك شده پرسید که چه میخواهد ؟ دختر بحکایت آغاز کرده گفت : — مادر پیر و علیل دارد که بصنعت خیاطی و کنتو دوزی کار کرده و نیروی آنرا باخود دارد و خودرا و والدهٔ خودرا اعاشه میکند ، ولی چون از خود یك ماشین ندارد که در خانه پیش مادر خود عمل بکند و هم مادر پیر خودرا خدمت کند از او خیلی پریشان میباشد ، ملکه اورا بتلطف و مدارا بسکوت و شیرینی داده تسلی نموده است ، بنه و عنوان او را گرفته روز دیگر که صبح عید اول سال بود یك ماشین کنتو دوزی نو و تازه که بر سندوقهٔ آن این عبارت : ((از طرف الکساندرا عیدیه سیر سال)) نوشته شده بود آن دختر بیچاره سراسر از دست گوردن آن نومید بود در حضور خود حاضر یافت ، حالا تصور بکنید که آن دختر چقدر شکر گذار و ممنون خواهد بود .

غیر از اعلی سیرت و صورت عالی النوعی که دارند در حسن اداره و سررشته ، و تربیهٔ اولاد نیز یك تمایزیت فوق العادهٔ دارند ، بعد از ازدواجش دو ماه یك سال بسیار زندگی را کدورز بنظارت و ادارهٔ خود ملکه بود بسیار خوبی و درستی سررشته و اداره کرده است ، و مظهر تحسین و آفرین همه موجودین و الآن شده است . این دالان با دو هزار زن و صد خانمهای اصیل و بزرگ طی بوده است ، تنها تحفه رسم تقدیم — یعنی معارفه و شناسائی بحضور ملکه تقدیم شده است که خاطر نوازی و دلجوئی اینقدر مردم بیخانواده را بسیار خوبی بجا آوردن ، و اینچنین یك دالان بزرگ را خواه از جهت تعریف و تزیین ، و خواه از جهت حسن اداره و انتظام اداره کردن از کارهای آسان شمرده نمیشود . (باقی دارد)

علم ثروت ملل

(ما بعد از شماره ۳ سال دوم)

و اگر یك سی و کوششی هم بکنند از ترس مجازات بکنند الجبان صنعت البته که ناقص و بی ترقی میماند .

رقابت — نتیجهٔ طبیعیه آزادی اعمال (رقابت) است چونکه هرگاه قاعدهٔ آزادی اعمال وضع شود ، وهرکس به آرزو و خواهش خود قوت سرمایه و صنعت خودرا بصرف کردن مختار و آزاد باشد در اعمال یك صنعت بسیار مردمان سالك شده میتوانند ، وچون هم پیشه کان بسیار شود لابد در مابین شان رقابت و همچشمی و مسابقت و از یکدیگر پیش دوی ظهور میکند که این رقابت از آرزوی این پیش میشود که ارباب صنایع میخواهند محصولات خودشان را بسبب خوبی و خاصیت ، و دانشت داری و ارزانی بر یکدیگر فوق و برتری دهند ، و بواسطهٔ سبب یکانهٔ افزونی و خوبی محصولات صنایع گردیده محسنات قاعدهٔ آزادی اعمالرا پیدان میاورد .

وقتیکه رقابت در میدان صنایع پراید هروقت و زمانیکه احتیاج انسان یك چیزی پیدا شود ارباب صنایع هاندم آن احتیاج اهالی را دریافت کرده بسی که از دیگران پیشتر آنرا تدارك کنند و منفعت بردارند درباب اختراع آن و بوجود آوردن آن سعی و کوشش میورزند ، و باز دیگر رقیبی ظهور نموده در بهتری و خوبتری آن کوشش میورزد ، و دیگر رقیب به ارزانی دانشت دارای آن سعی میکند ، و باین صورت روز بروز اختراعهای نو و ایجادهای تازه سازه در عالم صنایع جلوه گر میگردد ، مثلا یکی از ارباب صنایع چون یك صنعتی را بظهور آورد ، آن دیگری در دل این میاندیشد که چون علی میکانیك یك ماشین ایجاد کند که آن صنعت را از حد کثر و خارج اهوبتر بوجود آرد ، دیگری هم کیمیارا دران صنعت تطبیق داده یك ترقی نوی در آن صنعت بکار میبرد ، دیگری برای خلل دادن محصولات آن صنعت را از جای بجای یك راه آسان و کوتاهی کشف میکند که باین صورت اگر رقابت را در صنایع منحرف یکانهٔ ترقیات صنایع نگوئیم جاداره . (باقی دارد)

چون درین بار درج کردن بعضی تحریرات رسمی مجبور بودیم ازان رو اخبار شماره چهارم ما به ۲۰ صفحه انتشار یافت

همه‌ماهه هاییکه دستخط ندارد ازطرف مدیر و سرمحرر تحریر یافته عمود طرزی

درچاپ خانه‌محروق دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 437 of 1786

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحاوی و طبعیه
در ماشینخانه دار السلطنهٔ (کابل)
عرضهٔ امورات تحریریه به ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعبایی است

تاریخ شمسی ۳ قوس ۱۲۹۱ تاریخ انگریزی ۲۵ نومبر تاریخ عربی ۱۵ ذی الحجه ۱۳۳۰

ذکر آن

در یک آقای مذکی مقرر اداره حضرت حزین علی احمد

قیمت نسالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با ضمائمات دائم ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با ضمائمات دائم ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

درین اخبار از حوادث داخله و خارجه وسی طلاعات مفیده درج میشود

یادگار شکار چناری سنه ۱۳۲۸

ذات اعلیحضرت شاهانه با محصول شکار شان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 438 of 1786

سراج الاخبار افغانیه
عید سعید اضحی را برحمه برادران اسلام ،وقارئین
وقاریهٔ های کرام خود از صمیم دل مبارکباد میگوید .

-(آثار عتیقهٔ غزنین)-

(افغانستان) حامیه الله فی الحفظ والامان چنانچه در خصوص هر رقم (معادن) یعنی کانها خیلی توانگر است. در خصوص (آثار عتیقه) که عادتاً زبان فن تاریخ شمرده میشود نیز بسیار توانگر شمرده میشود . این خاك پاك مقدس وطن عزیز ما از زمانهای بسیار قدیم مظهر بس انقلابات دهر پر قلبون ، ومحدث بسی حوادثات گوناگون گردیده است که در هر هر طرف غیر از انکه حفریات فنیه اجرا کرده شود در ظاهر ارض به بعضی آثار عتیقهٔ مهمهٔ دسترس شده است . مثلا سکه های بسیاری از ضرب اسکندر یونانی ، وپراهاها ، وبودهای قدیم ، وبسی سکه های اسلامی دستیاب شده است . بعضی سنگهای نوشته که از عصر ها پیشتر از میلاد عیسی علیه السلام زمانها را حکایت میکند در بعضی جاها موجوداست .

شهر شهیر (غزنین) در آثار عتیقه توانگر ترین جاهاست که اگر حفریات آن بقرار قاعدهٔ فن اجرا شود آثار عتیقهٔ بسیار گرانبهائی ازان بظهور میرسد . ذات اعلیحضرت پادشاه معارف آگاه مقدس ما در مطالعهٔ علم تاریخ یك ذوق وهوسی فوق العادهٔ دارند که ازانسبب آثار عتیقهٔ تاریخیه را بیك نظر تقدیر واستحسان تلقی میفرمایند مثلا پارسال در اثنای بعضی تعمیراتی که در غزنین اجرا میشد از زیر یك پشتهٔ خاکی یك قبهٔ دخمه مانندی ظهور نمود که همهٔ آن قبه از یك رقم جسمهای کلولهٔ گلینی پر بود. چون آنرا میشکستند یك پاره گل مدوری مانند یك روپیه که بر هر دوروی آن چون سکهٔ مسکوکات بعضی نوشته ها بخط سانسکریت چاپ شده بود ظهور می یافت. ونیز دیگر بعضی اوانی آهنی وسنگی وغیره تصادفاً ظهور یافته است که هر یك جداگانه قیمتهای تاریخی را حایز بوده است .

مناره های غزنین ، وبعضی مراقد ، ومزارات شریفهٔ غزنین از چنان آثار عتیقهٔ معتبرهٔ شمرده میشود که زبان صامت ساکت خودشان ازبسی حوادثات گذشتهٔ بشریت حکایتها میراند . مثلا اگر یك لحظهٔ دریش یکی ازان آثار یك تفکری بکنیم ، وصفحه های تاریخ را در زیر نظر آورده بسوی ماضی یك نظری بگردانیم همان یك مشت خاك ، یا یکپاره سنگ یا یك تپای متدرس پرما کتابها میخواند ، وعبرتها واندرزها میدهد.وچشمهای بصیرت ما را میکشاید .

-(یکدوسخن در اهمیت آثار عتیقه)-

حالا یکقدری از اهمیت واعتبار آثار عتیقه بحث میرانیم تا قارئین کرام ما تا یکدرجه بر قیمت وحیثیت آثار عتیقه اطلاع حاصل نمایند ، ودر دل خود نگویند که آیا چیزهای کهنهٔ فرسوده را چه قدر وقیمت خواهد بود که آقای محرر ازان بحث میراند ! ...

جستجوی آثار عتیقهٔ قدیمه امروزه روز آنقدر پیش رفته که بعضی حقیقتهایی که به آغوش اطلاع تاریخ نرسیده بواسطهٔ این جستجوهای آثار عتیقه کشف وپیدا شده است. از نتیجهٔ این جستجوها بعضی هیکلها وعجسمه ها یی که پیش از وجود یافتن تاریخ موجود بوده ، وبه اساطیر الاولین متعلق مانده از زیر خاکها بیرون بر اورده شده است . وخطهای گوناگونی که چار هزار سال پیش ازین بر سر سنگها نوشته شده بود ودر زیر هزار ها من خاك پنهان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 439 of 1786

مانده بود کشیده شده وبزودی تدقیق وتحقیق حل شده احوال گذشته گان رابه آینده گان نقل وحکایه کرده است .

به آنقدر چیزهای بسیار کهنه حاجت نیست ؛ زیرا بسیاری از هوس کاران توانگر اوروپارامی بینیم که بعضی چیزهای بسیار کوچك ومحقری را که یکی از مشاهیر نسبت داشته بمبالغ گرانی خریداری کرده اند که مادر اینجا از روی یکی از مجموعه های فنی بصورت مجمل بعضی معلومات دربباب بر قارئین کرام خود عرض میداریم :

یك دندان پوسیدهٔ کشیده شدهٔ (نیوتون) نام حکیم وریاضی مشهور انگلیسی را در سنهٔ (۱۸۱۶) یکی از امیرزادگان انگلیز بقیمت هفتصد وسی پوند انگلیزی خریده ، ودریك محفظهٔ طلایی منع نموده از همهٔ اشیای قیمتدار خود بالاتر گذاشته است .

کلاهی که (ناپولیون بوناپارت) در محاربهٔ (ایلو) پوشیده بود از طرف یکنفر توانگر به نوزده هزار ودو صد فرانك خریده شده است .

یك لباسی که (شارل دوازدهم) در محاربهٔ (پولتاوا) پوشیده بود به پنج لك وشصت ویکهزار فرانك فروخته شده است .

یك دانه قلم که درامضا کردن معاهدهنامهٔ (ایاشی) استعمال شده بود بقیمت دوازده هزار وقیصد فرانك خریده شده است .

شاعر مشهور فرانسوی (وکتور هوگو) تألیف مشهور خودرا که بعنوان (سیبلها) نوشته بود به زوجهٔ خود یك نسخهٔ آنرا نقل واستنساخ کرده بود . زن خادمهٔ که در نزد زوجهٔ شاعر موصوف بود همان قلم را که پی پی اش آن کتاب را نوشته بود برای تبرك از پی پی خود طلب نمود . پی پی ازین قدرشناسی خادمهٔ خود ممنون گشته وبا همان قلم یك مکتوب تحسین کارانهٔ نوشته مکتوب وقلم را به او بخشید . این قلم بعد از وفات شاعر مذکور از طرف یك انگلیز بجهل وپنجهزار فرانك خریده شده است .

اگرچه برای کاغذیکه زوجهٔ وکتور هوگو نوشته بود نیز پنجهزار فرانك تکلیف کردند ول خادمه بنا بر قدرشناسی کهنه پی پی خودداشت بیان کرد که اگر صد هزار ملایم بدهند آن کاغذ را از خود جدا نخواهد کرد .

حکیم ذو فنون (ولتر) یك چوب دست کج وکاوچی داشت که همیشه آنرا استعمال میکرد . آن چوب بعد از وفاتش به پنجصد فرانك فروخته شده است .

جنرال (ناریبالدی) مشهور در یکی از محاربه ها یك گلوله به پایش خورده بود که جراح آنرا از پایش بیرون بر آورده بود همان گله به قیمت سی وپنجهزار فرانك فروخته شده است .

یك چوبکی که (مولیر) نام شاعر فرانسوی در دکان یك دلاك پران نشسته بود بعد از وفات شاعر به پنجهزار فرانك ، وبعد از چند سال به پانزده هزار فرانك فروخته شده است .

حالا چون بسوی این بیانات بنظر غور وملاحظه نمائیم معلوم میشود که آثار عتیقهٔ که یکی از مشاهیر نسبت پیدا کرده باشد ، ویا یك وقعهٔ تاریخیه را بیاد آرد تاچه درجه اهمیت واعتبار دارد ، وقدر شناسان عالم آنرا بچه غدا کاریها پست می آرند . وبچه قدر مصارف وخسارج (موزیها) یعنی آثار عتیقه خانه ها بوجود می آورند ! والحاصل هر گونه آثار عتیقه یکیك صحیفهٔ تاریخ است که اگر کسی آرزوی خبر گرفتن احوال عالم را دارد این صحیفه را باید بخواند .

خواطر داخلیه

(مراسم عید سعید اضحی)

بوقت شام روز سه شنبه ۹ ذی الحجة الحرام بالخاصه (۳۱) تیر طوپ عید سعید اضحی اعلان گردید یوم بیست وسه ۱۰ ذی الحجة الحرام همه ارکان واعیان دولت ، وارباب مناصب ملکی وعسکری سلطنت بالبسه های رسمی موجب تعلیمات همه ساله به ساعت هشت بعد صبح در دایرهٔ عالی جناب مستطاب حضرت (نائب السلطنه) صاحب اقتدار جمع آمده ، وباز بعیت عالی اقتدار شان بکجاوه قصر سعادت حضور سنور) م . ر . الجا بعداز صرف ناشتاوچی بجمعیت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 440 of 1786

در معیت عالی (بگلربگی) شاهانه ازاردو مبارکه آمدند .

ذات مراحم صفات پادشاه معظم مقدس محبوب القلوب ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) مدالله ظله فی العالمین در اینجا هم گاردا بار حضور همایونی حاضر بوده . وبعد ازانکه مظهر سلام وتملیقات شاهانه شدند اجازهٔ رکوب بمراکب ها . وحاضر شدن برفتن عیدگاه . برای ادای صلوة عید اضحی بمعیت اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه عطاء فرموده شده همه اعیان وارکان در مراتب های متناظی که در برون ارگ مبارکه به ترتیب توقف داشته از قرار سررشته نشسته . تاآنکه گردونهٔ شوکت توأمان رکوب همایونی از دروازهٔ ارگ مبارکه خروج نموده بشوکت واجلال تمام بسوی جامع فیوضات لامع رونق عید گاه حرکت فرمودند در حین جامع از طرف عساکر خاصهٔ حضرت مؤثر شاهانه رسم سلام شاهانه ایفا گردیده . وقت حاضر شدن عساکر برای صلوة توقف شاهانه در جامع بوقوع آمده بعد از ان صلوة عید بایک جان دلیرانه ادا گردیده عودت موکب شاهانه بدر بار سلام شاه شرف صدور اجلال فرمود . وبقرار مراسم هرونه تا به دوبجهٔ روز دربار معلی بار فیوضات آثار عید سعید اضحی دوام ورزیده مراسم موصوف به اختام رسید .

(حضرت معین السلطنه پدر زن شاه عازی)

چون شمارهٔ نفوس اخبارها پیش ازین ترتیب شده ودر ان الی پهپلندی بیان گردیده اکنا درزیده شد . از مدرکه بیان این وبهار دوام عروسانه ودوکت واجلال پادشاه عالم حامی همایون فال متدین محبوب القلوب حضرت ما بارا بر مرکز دوام عید سعید عیان پدید را رهنمای اقبال مسلمین خودمان عزت وتمکین میخواهیم . وبقای ذات وسلطنت دارندهٔ فال بین خود مارا که درسلوت بزرگ انگیخته ها . وبدامن وانسپاری او ما ازگیر پیوتها افتاده . وبکدام چیزی که ما را بدو راه مرکشد از صمیم دل ورد زبان مسلمانان میسازیم .

—(روز دوم عید سعید)—

روز دوم عید سعید اعنی همهٔ اهل دربار معلی بار بقرار قاعده وسررشتهٔ همه ساله وقت صبح دولت مآل (زین العمارات) که ملتقم سلامی حضرت نائب السلطنه صاحب اعظم میباشد جمع آمدند .

امرا، واشراف وارباب مناصب ملکی وعسکری را حضرت شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه ، وشهزادهٔ بلندا قبال مکرم معین الدوله صاحبان پسران مواجههٔ اعلی صف وترتیب نمودند جناب عالی اعظم سردار اکرم نائب السلطنه صاحب ازاقصر زین العمارات پالکی رسمی خود شان چون خروج فرمودند از طرف عالی حضرت شهزادهٔ معظم معین السلطنه صاحب امروولی (سلام) داده شده موزیکهٔ عسکری وهمه حاضرین سلام حال رالحا نمودند .

بان حال الحمی شان بمواجههٔ صف تشریف آورده پیک نیک اختصری احوالپرسی وبدیدار گی ودعای سلامتی اعلیحضرت پادشاهی وتوفیقات اسلامی را بیان نموده عودت فرمودند . انسران ملکی والعلمی بدولی که ازطرف شهزادهٔ معظم معین السلطنه صاحب بدولی داده شده بود بشرف ملاقات شهزادهٔ معظم معین السلطنه صاحب مشرف گردیده بعد از ان بدولی خود شان بشرف ملاقات نائب السلطنه صاحب اعظم میباشند جمع آمدند .

وزیر مختار دولت علیه انگلستان پادشاه معظم الیه را از طرف حضرت پادشاه شان بقرار همه ساله بدارالحال رفته شان شان حضرت نائب السلطنه بشرف ملاقی فرمودند و جلالت گردیده بعد از ان بدولی خود شان تشریف فرمای گردیده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 441 of 1786

(ترفیع منصب واحسان نشان)

ازطرف قرین الشرف اعلیحضرت پادشاهی جناب جنرال (محمدنادرخان) ازمنصب جنرالی حضور به منصب عالی (نائب سالاری حضور اعلیحضرت همایونی) به ترفیع منصب مفتخر و سرافراز و یکقطعه نشان زیبای (سردار) نایل و ممتاز گردیدند .

ذات اعلیحضرت پادشاهی در آخر دربار مجلل یازدهم عیدسعید بزرگان قوم را مخاطب فرموده درباب خدمات نمایان جناب جنرال در واقعهٔ سنگ بیان رأی طلب فرمودند . همهٔ حاضرین بر حسن خدمت وشایسته گی ولیاقت جنرال تصدیق وشهادت دادند . بعد ازان ذات اعلیحضرت شهریاری جنرال خطاب نموده فرمودند که ترا بمنصب نائب سالاری سر افراز فرمودیم ویکقطعه نشان سرداری را بتو احسان کردیم ، یا اینهمه از حضور خود دور نداشته (نائب سالار حضور) مقرر داشتیم .

الحق کمان لطیف ومکالمات جهانداری شاهانهٔ پدر بار قهار الهٔ شایان هزاران تبریک است که باوجود ترفیع منصب ونشان شرف دوان سعادت دثور (حضور) از برایشان باقی ماند . ما جناب (نائب سالار حضور اعلیحضرت همایونی ، برادر محمدنادرخان) را به این مطیریت صمیم شاهانه تبریک میگوئیم .

اخبار خارجیه

ازمطالعهٔ اوراق جرائد عالم چنان مستفاد میشود که مباحثه های اهل صلیب زمانهای گذشته درینوقت بیکو صحبت بسیار مدهشهٔ باز جدیدان آمده چشمهای دولتهای اوروپا را پردهٔ خون آلودی فرا گرفته است ، چنانچه ما هیاکلدر که در تحت غیر قابلهٔ خودشان ترقی میکنند هماندم حرص فسانی وطمع فسادی شان افزونتر میگردد . این است که درینوقت دولتهای شوکتمند بسیار بزرگ بدایت معروف ومشهور عالم چهار دولتهای کوچک خودشانرا بدولت اسلامیهٔ عثمانیه از چهارطرف بهجوم وتورش وانگیخته درپارچهٔ حصهٔ اوروپای شرق یک شکافهٔ زشت خونی پیدا کرده اند .

منظرهٔ دوایلی وبالقانها درینوقت صحنهٔ تیاتر خونی زمانهای روما های قدیمرا بنظر جلوه گر میسازد . آثور های این تیاتر خون آلود ، رجال سیاسیهٔ دولتهای اوروپست که پیش ازبالاشدن پردهٔ نخستین بازی یعنی افروخته شدن آتش حرب در حدود بلغار ، وسرویا ومانتینگرو ، وچون دوبدل زیارات خودشانرا باهمدیگر اجرا کرده ، وترتیب دولتهای فتنه انگیز بازی را دوا پی آزمایش کرده بکار شروع نمودند .

دولتهای کوچک بالقانها مانند (قره طاغ) یعنی مانتینگرو و (صرب) یعنی سرویه ، وبلغار ، وچون که چهار طرف اوروپای عثمانیرا احاطه داشته اند بحریک دول مسدس یدولت علیهٔ عثمانیه که مقام خلافت اسلامیه شمرده میشود هجوم وورش میدهند . وهیچ شبهه نیست که بقصد اصل شان که بموجب عقدهٔ که درباب محو کردن اسلامیازدر کاهها کشیده اند آغاز نهادند . اما بصورت بسیار مدهش آغازنهادند . اولاً یکی ازدولتهای معظمهٔ شان اوزیو خوردرا پناهاه . چون خوب مادهای کرد چاردولت بمقدار شان یکپاره گی هجوم نمودند . ایتالیا الیت کهدرین جنگ فایده های نمایان دارد که حاجت تحصیل نیست . استریاناً رانگیزندهٔ حکومتهای بالقانهاست . روس از ایطالیا درباب باز شدن آبنای بوسفور وعدهٔ مساعدت را گرفته وثانیاً جنسیت اسلاو از درمیان بوده جامی یگانهٔ بالقانهاست . جرمن چون داخل اتفاق ثلاثه میباشد هیچشبه نیست که تعقیب کردن وانیتک دولتهای متفقهٔ خودرا زیادهتر الترام مینماید . فرانسه چون از محاربهٔ ژاپان تا بدینوقت بتاو بعضی منافع متقابله باروس رابطهٔ دوستی دارد . ودرملاقات سازانوف وزیرخارجهٔ روسیا وزیر خارجیهٔ فرانسه درپاریس وعدههای متقابله باز ساختن آبنای استانبول را بروی جهازات روس قرار دادهاند طبعاً جانب کدروس را بشاشه دیگری راجح را خواهد کرد .

آمدیم بوانگلیس که اسرار افکار آنرا چون کسی درک کرده نمیتواند . ازیکطرف درقرارهٔ اصلاحات دولتها متفق دیده شده الزام چون اجرای فقرهٔ ۲۳ معاهده (ژاپن) درباب اصلاحات (لکتوریا) اعتراضات الزام نمودن جنگ وجدال رابیان نموده ازطرف دیگر چون جنگ آغاز نهاد اعلان بیطرفی کرد . بناءً علیهذا مشاهده گردید که درموقت حاضر دولت علیه عثمانی تباصر خود در مقابل اینهمه مهاجمات سیاسی وعسکری دولتهای اسارا سینه سپر کرده ایستاده است .

چون روش حاضر کرده شود ظاهر میگردد که کلیهٔ بلسها وحیلهایکه درباب محو کردن اسلام مبتذل شده بود ازقوه بفعل الجامیدن آغازنهاده اند که دولت علیهٔ عثمانیه اگر ازفولاد هم باشد باین همه سوهان کاریهای دشمنان طاقت آورده نخواهد توانست . وچون روی نقشه دیده شود مالک اوروپای عثمانیرا درزیر فشار وسطی ازچهارطرف میبینیم که بظاهر حال هیچ امید نجاتی برای اوروپای عثمان دیده نمیشود دیگر دولتهای قوی وتوانگر و قوت اسلامیه که به او نزدیک باشد ومقابلهٔ اتفاقها واتحادهای آنها را یکه نیز موجود نیست وتنها همین یکدولت اسلام است که بجنگ همهٔ شان در راه محافظهٔ وطن وموجودیت خودشان تن بتندر خدا نهاده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 442 of 1786

معلوم است که آن اختلافهای جزئهٔ زمانه های قدیم کجا و این کلی را بارمیدانستند ، و بر سر ناچیزان واناکسان سمند تیز اندند درینوقت به ترد اوروپائیان یك هر عظیم ، و یك ملت بسیار کربی شمرده میشود . چون به وجدان وانسانیت مسئله را حواله نمائیم بینگونه زبون کلی بجز غرت دگر چیزی حس نمیکنیم . یك انسانی را تصور کنیم که در یك دشتی تنها بسر خود ماهده باشد ، و یك گرگ درندهٔ گرسنه باطراف آن یك دایرهٔ تشکیل داده از هرطرف حمله میاید . این است حال دولت عثمانی درمیان گرگان بالقانها ! . . .

میگویند که مسلمانها به بچه گیهای سیاست اوروپ پی برده نمیتوانند ، بلی ، اگر مسئله مانند شمس اشکارا نمیبود پی برده نمیتوانستند . ولی هزار افسوس که پرده از روی کار میفتاد ، و بچه گیها آشکار گردید ! هرگاه مسئله تنها سیاست دولیه میبود البته که یکدولت یادو دولت طرفدار عثمانی نیز میشدند . علی الخصوص دولت فخیمهٔ بریتانیای عظمی که همهٔ این عظمت وفخامت را بسایهٔ حمایت ترقه ، و بالخاصه هندوستان حاصل کرده ونیز نه خود دولت انگلیس بلکه عموم عالم میدانند که مغلوبیت ومحو شدن دولت علیهٔ عثمانیه بازشدن آبهای وسفور را نتیجه میدهد ، باز شدن آن آبها باز های سیاه بحر سیاه را بکانال سویس وهندستان باز میاید ، آبهای غلیظ بحر سیاه چون با آبهای ازدخشان بحر سفید وبالتبع یامیزد هیچ شبهه نیست که باز این بریتانیای باشوکت وعظمت نهاد همان جزیرهٔ بریتانیای کم وسعت بگذیدن مجبور گردد .

حالانکه باوجود این بدیهات ، انحصارات رهبانیهٔ سیاست عالم اوروپا برطرف کردن حکومات مسلمانهارا دراول امر از همه چیز اقدم ولازم دانسته علاج وچارهٔ اینگونه کار های خانگی مابین خودشارا وقت آخر یعنی بعد از نبودن آنها میدانند . جنایت جنایت را تعقیب میکند ، مثلا یك شخصی قتل سرقتدا اجرا میکند ، دران اثنایك شخصی اورا میبیند ، مجبور میگردد که قتل اجرا کند ، آن قتل قتل دیگر منجر شده میرود ، تایك روزی اویز بحارات آلهی گرفتار آمده از بحبوحهٔ هستی زدوده میشود

جنایتکاران انحصارات رهبانیه ، رهبانیت یعنی تفرد و تنهائی میخواهند که بجز راهبها دیگری در دنیا نماند ، امابچه خیال خام چه تصور جنایت انجام ! آیا غیر از ملت صلیب در دنیا دیگر ملتی نیست ! نفوس جمیع کرهٔ زمین بقدر یك دوازدهم ملیارو کسور میباشد که تقریباً (٤٤٨) ملیون ملت صلیب ، وباقی یك ملیارو کسور آن ملتهای غیرصلیب است . آیا درین عدد غیر متناسب تفرد وتنهائی چسان میسر میشود؟ فرض محال گفته میگوئیم که حکومتهای ملت اسلام والاسمح الله محو کردند! آیا بحکومت سه صد سی ملیونهٔ چین ، وحکومت یکصد ملیونهٔ ژاپان چه خواهند کرد ؟ این ، جنایت جنایت را تعقیب میکند ، بعد از اسلام نوبت آنها میرسد ، اما آخر به بینیم که درمابین خودشان چسان دنیا را تقسیم کرده خواهند توانست ، واقعهٔ جرب وکرم وشپرین هندستانرا چسان برای تکپروری یك شخص وا خواهند گذاشت ؟

(ترجمه از اخبار المؤید الغراء)

(مدد بدهید دولت خودتانرا ، وظاهر کنید حب وطن خودتانرا)

ای ابنای شرق ! دولت شما شرف شماست ، جاه شماست ، حریت شماست وجود وهستی شماست ! این وجود شما درینوقت از فشاری بفشارهای واز بلایی به بلایای گرفتار آمده که بعد از کمی نمودیافته هلاك آن محقق دیده میشود .

اعضای وجود شما یعنی دشمنان دولت شما همه کی برپا خاسته وهریکی خودشارا قوت وتوانایی میدهد وهریکی خودشانه میدهد وهریکی خودرا نصرت میدهند ظاهر ترین آنها امروزه روز دولت بلغار ، دولت یونان ، ودولت صرب ، ودولت قره طاغ میباشند که بالفکر خود وآتش خود جهه آور گردیده است ، در عقب آنها دو طایفه خطوطیست که به ابض واموال وبدین خود باآنها کرم میکنند ودر عقب آنها دولتهای بسیار کلانی در ترصد وبگرانی نشسته اند که لابد به آنها مدد های پنهانی میرسانند .

دولت خودتانرا اگر امروز بدست غیرت ملیوحمیت مشرقیه خود نگرفتید بعد از کمی هیچ فایدهٔ نمیتواهد کرد که دورگریه وباندامت بکنید چرا که ندامت وگریستن سودی نمیتواهد داشت .

دولت شما از شما مردان خلوص یعنی داد طلب نمیتواهد ، زیرا بقدر یك ملیون ودو صد هزار لشکر شجاع بهادر دارد که برای محاربه ومدافعه حاضر ومستعدند ، ولی دولت بمخارج حربیه ومصارف جنگاوران خود محتاج است ، چرا که حربیه مابش استطاعت وقدرت آنرا ندارد که ازیك ملیون ودوصد هزار عسکر خود اسلحه آنرا تجویز وحاضر کرده بتواند ، وباقی آنها مانند شیرهای دهن وچنك بسته میباشند که بسبب بی ذخیره کی وبی زاد وراحله کی بجنك راوزده نمیشوند ، وجنك را ودرین این شیرهای دست وپاشکسته که برای شرف وطن عزیز وحیات ملت بعد خدمت کرده بتوانند هیچ چارهٔ نیست مگر فیاضی وکرم بحتی دستهای کریم شما که بصورت اعانه یعنی چنده بر عاجزین احسان بکنید .

پس ای شرقیان فی الدولة العثمانیة وای مسلمانان فی الخلافة الحمدیه که در شرق وغرب زمین هستید ! آگاه باشید که امروز روزیست که در مابین دو چیز فصل میشود (یاوجود باشدو) پس لازم است که محافظه کنید شرق تانرا ، رحم کنید اهلی تانرا ، مدد بدهید دولت تانرا ، یادآوری کنید ملت تانرا ، در یابید ، باز در یابید! چرا که بر شما ندای ها تی کرده میگوید : یاقوما

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 443 of 1786

باز یافوته ! آیا کدام شونده رشیدی خواهد بود که رشادت وکرم خودرا نشان ندهد ؟

طیاره بازان روسی

رفیق محترم ما (طین) مینویسد

پنج نفر طیارهبازان یعنی کتبی هواسواران روس بیار هرمذهبی وهمدردی که بالفعل دارنداطیارهها یعنی کشتیهای هوائی خود شان بشهر (صوفیه) بلغار رسیده اند . این پنج نفر کشتی هوا سواران روسی در خدمت اردوی بلغارستان داخل شده اند بلغارستان درینوقت ۹ عدد طیاره را مالکست .

(اعلان حرب بالقانها)

دراستانبول آیا چه تاثیر بخشید ؟

اقتباس ازرفیق معززما [سیل‌الرشاد] :

درین هفته استانبول یکدام دیگری گذرانید : هرکس حرب میخواهد . همه‌ملت بحرب حاضرمیشوند . اهالی عادتاً بیانه‌سامانهٔ حیثدر آمده ابرازحماست میکنند . کسانی خودرا درسلک‌نامزد داوطلب مینویسانند . کسانی خودرا در خدمت هلال احمر قید میکنند . کسانی خدمتیه اعانه دادن میپردازند . فرقه ها یکدیگر خودشان آشتی میکنند . حالیا . عراده جیها . کپی های واپور همه‌گی بحکومت عرض خدمت میکنند . و هرگونه فداکاری و درهرخصوص مددکاری خودشانرا بحکومت اعلان میکنند . زنان حیثمند اسلام نیز بجمعیت هلال‌احمر مراجعت کرده‌برای‌خدمت کردن به یاران و مجروحین فرستادن خود شانرا بمیدان محاربه میخواهند . چنان یکجوش وخروشی که ازجنگ‌یکدیگر وسی هیچ فرق نیست .

از ژاپان یک ندای اتحاد

کذا : — اخبار (اخوت اسلامیه) که در (توکیو) پایتخت (ژاپان) بلغت انگریزی انتشرمیشود یک مقاله درباب حال حاضر اسلام نوشته است که دران مقاله خود بیان نموده‌است که اوروپ بجنان وسیلهها وحیلهها بممالک اسلامیه هجوم مینمایند . ودرماین ملل اسلامیه بچصورت تفاق و تفرقه میاندازند . و اخبار های اوروپادرباب‌اسلام وملل‌اسلام چگونه‌سخنان غرضکارانه‌نشرمیکنند بعداز انکه این‌چیز هارا بتفصیل بیان میکند همهٔ ملل اسلامیه را یعنی ممالک عثمانی . ایران . افغان هندستان را به اتحاد دعوت میکند . وبهجومهای خانه ویرانکن اوروپ غیر ازاتحاد اسلام بدون دیگرهیچ چارهٔ صحیحه بیان‌میکند . در آخر آن‌میگوید : « امروزه روز برهه طایفه های اسلامیه واجب‌است که احوال خلافت عثمانیه‌را که یگانه طویق‌نجات ماقیمانده‌است ادبته نمائیم .

محمد ولیخان باسراج‌الاخبار افغانیه

(ازهیچ جهت هیچ تعلق ندارد)

درشمارهٔ سابقهٔ خودازرفع یدکمالی خودمان ازمحمد ولیخان به پروی همعصر معزز خود (زمیندار) چیزی نوشته بودیم ، ویزا چنان قرار داده بودیم که دیگر هیچ ازوبحث نرانیم ولی بنابرلزوای (الضرورت لهاالحکام) بازهبور شدیم که لاتعلق بودن خان موصوف را بالدرهٔ سراج‌الاخبار افغانیهٔ علناً اعلان نمائیم : واین بصورت ازین پادستداده که چون درینوقت دراخبار فواید آثار (سیل‌الرشاد) رفیق معززخود یکفقرهٔ مطالعه کردیم که آن فقرهٔ مارابرین اعلان علی‌العبور ساخت .

درنسخهٔ مورخه ۲۹ شوال اخبار راسلی نهاد (سیل‌الرشاد) درزیرعنوان

(یک هورت مشکوک)

چنین مینویسد که ما عیناً آنرا ترجمه کرده میناگاریم :

« رفیق ما (سراج‌الاخبار) که اخبار یم رسمی حکومت افغانستان است در آخرین نسخه‌ای که برای ما رسیده درباب (محمد ولی خان) صاحب که دروقت حاضر درشهرما [یعنی استانبول] میباشد وخودشرا [اخبار نگاری سراج‌الاخبار افغانیهٔ] شناخته داده‌است یک خبری که موجب حیرت وافسوس است خواندیم که ضمن خدمت کردن در کشف نمودن حقیقت حال عیناً به ترجمهٔ آن ازوم دیدیم . »

بعدازین تحریر مافوق رفیق معززما (سیل‌الرشاد) عیناً همان تحریرات مارا که درشمارهٔ (۲۳) سال‌اول ازقول نامهٔ نگار مصری خود نوشته بودیم بزبان ترکی ترجمهٔ نموده درج کرده است . وبعد ازان یک فقرهٔ که (فی فقره) نام یک اخبار یومی استانبول درباب نشرنموده آنرا نیزعیناً درج کرده است که ما نیزعیناً آنرا ترجمهٔ وذیل مینائیم :

فی فقره درزیرعنوان مینگ در هندستان

چنین مینویسد : — « اخبار مصری اخبار (سراج‌الاخبار) که درکابل منتشرمیشود درحق اخبارهای هند محمدولیخان که الیوم دراستانبول میباشد یعنی نشریات غرضکارانه نوشته است که چون این خبر را اهالی مملکت هندستان شنیدند درزیر ریاست [نوابزاده امیرالهندستان] که از مأمورینهای مکتب دل (علی‌گهر) میباشد یک‌مینگ بسیارعظیم عقدکرده‌نشریات اخبارمومی الیه راکه سراسر خلاف حقیقت‌است لعن کرده‌اند . وبه‌اتفاق‌ومتحد [علی‌عباس هوشدی] از پشاور بنام صدر تعلیمای استانبول تلگرافی کشیده‌شده‌است که محمدولیخان یک‌شاهد معروف اسلام است وبرخیات‌بالیدریست که این‌واعتماد مسلمانهارا حایزمیباشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 444 of 1786

بعداز نقل این روایت (بی‌قرنه) باز اخبار اسلامیه معتبرهٔ (سیل‌الرشاد) چنین مینویسد:

«اما چگرما [یعنی سیل‌الرشاد] چنین میرسد که اگر محمدولی خان خودرا بایان بصفت افغان ومانند یك شخصیکه درادارهٔ (سراج‌الاخبار) معروف‌شده نمیشناخت‌شاید فکر بود که‌باین‌نشریاتی که درحق شان واقع‌شده چندان اهمیت واعتباری نمیدادیم، دیگراینکه چون جنگ دروزیر ریاست (نوازاده امیرافغان) بوقوع آمده‌است آیا چسان میشود که تلگراق که بقلم‌صدارت کشیده‌شده خودش امضاودستخط نکرده (علی‌عباس‌هوخدی) نام یك نهمی آنرا امضا ودستخط میکند؟ دیگر اینکه انسانرا یك تردد یعنی شبهه حاصل میشود که آیاچنین یك میثاق عقد شده یانه یا؟ این است درخصوص هویت - یعنی که چون محمدولی خان بعضی سوالهاوملاحظه هائیکه جوابهای صریح میخواهد ناگزیری وجدان وحقیقت یك رأی قطعی درانباب دادمشود.....

سراج‌الاخبار افغانیهٔ بتاریخ دهیکه درشمارهٔ سابقهٔ خود نموده درین‌باب دیگر دلایل وبراهین موثوقهٔ ملاحظات خودرا بیان نمیکنیم، ودرحق شان‌هیچ‌گفتاری نمیخواهیم بنویسیم، ولی‌بایدباز اعلان بنمود هستیم که بگوئیم: (محمدولی خان بادارالاخبار افغانیه‌ازهیچ جهت هیچ تعلق ندارد) ونه خودش‌را ونه‌آنرا قبل‌ازخبردادن افکار مصری خود هیچ نشناخته ونشنیده بودیم، ونه‌اوتاهیچ معرفت وشناسائی دارد، هیچ غرض شخصی وهیچ منفعت مادی ومعنوی درمابینانمیبودنه هست، مابان خبردادن نیز لزوم ندیدیم، ولی چه چاره که ماشرف افکارعمومی شان چون سراغراز نمیباشیم، ونمیدانیم‌چه‌هستیم‌ازاو بدانند کیست خودرا بمعرفی میدهد.

(ترجمهٔ اخبارات اردو)

ازپیل‌مستعارف کمپنی‌ازممزز شرفاً کلکته هست‌جهت‌معلوم کردن حالات جنگ بلقان یدربعه تاریخ ازخدمت حلیم پاشا سابق وزیر اعظم وحال میر پلس تمام انجمن های هلال احمر قسطنطنیه استفسار نموده بودند چنانچه بجواب جهت ذیل‌تار پاشاه موصوف فرستاده‌اند — خبرشدن بخانمهزار ترك بی‌بناهاست تاحال هرقدرعثمانی سپاه‌بطور کشته‌درمیدان جنگ رفته‌همه نصف لك‌تست حصه بزرگ سپاه‌ما درایشیای کوچك ومملك شاهست بسبب جنگ اطالی و ترکی سپاه‌را ازراه دریا فرستادن دشوار بود — درین‌اثنا ریاست های‌بلقان انتظام خودهارا مکمل کرده باشش لك سپاه در سرحدها حمله‌آور شد ماهرای ابتدای سپاه مقابی‌خود کهسوم حصه‌فوج غنیم‌شمرده می‌شود حفاظت تجارت وبندر گاهارا میکنیم مسلسل گلله‌فرستاده جمیت خودرا تقویت میدهیم اگرچه درچندجا فتح‌حصه مارسید لاکن درچند جاهای دیگر دقت ودشواری هریش آمد ماازخداوند ماامید داریم که آخرفتح نصیبما خواهدشد درجنگ کرك‌کلیسه چهل‌هزار ترکی فوج همراه لشکر غنیم برسر پیکار بودند ازین یك هزار هم نقصان نشده مابارا کامل امید هست کهدوستانی مسلمانها وهم‌مذهبان خودما کامل‌همدردی بامابان‌دارند درینوقت ضرورت مالی‌امداد داریم تاکه مرهت بی زخمیها بوجه احسن کرده‌شود دوستان عثمانیه ومسلمانان برطانیه را لازمست که ضروری سامان چهار هیئت‌هارا سرانجام نمایندواعضین هلال‌احمر توقع‌دارد که‌مصارف یك‌حصه شفاخانهارا مسلمانان هندیه خودبگیرند.

برطانوی مجلس هلال‌احمر بهمت جمه مسلمانان برطانیه وبیز خدمت برلش قوم اپیل میکند که ریاست های بلقان بردولت عثمانیه یورش آورده بجنگ بپود ساخته این خوفناك تکلیف ومصیبت را مدنظر داشته تمام مصالح وغیر مصالح آمادی یك‌سان درمیك جنگ خواهدشد ماهیت‌التجا میکنیم کهچهار داری بیمارها وزخمیها ومصیبت زدهها مالی‌امداد فرمایند برادران جنگی متحده بلقان مسلسل هرقسم کوشش برای شان دارند برطانوی انجمن هلال‌احمریتن وانی‌میکند کهقوت‌سلطنت برطانیه حقیقت‌مسلمان ریایی خودرا مدنظر داشته درسر مایه مجلس‌هلال‌احمر بصحت حمه خواهد آرزو.

لندن ۱۰ اکتوبر — فوجی مصدرین رای میدهند کهدر مرکه گردوناح ادرنا تونل لسیه خلع جانب ترکها وزیده بالای سوفیه کامل‌زده سکوت اشاره‌علاوه‌محصورشده فوج ادرنا تونل‌یك‌لك هشت‌هزار جوانان جرار ترکان تاجلو پاشاه در میدان جنگ هست ازا وپیش خبرهای کارنامه معلوم میشود کهرتبه جنگ جانب دلاله چرکیس کوی سرای واستر نجه‌متقل شده(چرکیس کوی سرای ازاول برقاس ۱۵ میل جانب جنوب واستر نجه از چرکیس کوی‌سرای جانب بحراسود ۴۰ میل دوروقع هست) چیرما بعدناظم‌پاشادیشب‌ازمیدان‌جنگ‌تارمیدهند کهیك اهم جنگ از دوشنبه شروع شده تاحال جاریست ترك مظفر ومنصور دیده میشوندیك بلغاریه بتالچی‌را ترکهاازلشکر بزرگ‌بلغاریه جدا کرده درمیان میدان کرك کلیسه ویرا سخت نقصان رساندند.

ناظم پاشاه دریك مراسله خود مینویسد امروز وقت صبح کهمراد ازدوروز خواهدبود یك‌عظیم الشان جنگ شروع‌شده یکمیم لك افواج فرقین در میدان معرکه ازاهستند سه لك ترکها قرین نصرت وقابل اطمینان هست.

خبرمد مابعد — فوج ادرنا تونل ازقلعه‌بیرون آمده ازجانب مرشن سمت‌مغرب یك‌بلغاریه برگذرا سخت‌نقصان رسانیده‌جانب هراج کوی وکان کوی گریزا نید نقصان برگه بقدر هشت صد نفوس شد.

لندن ۱۳ اکتوبر — سرکاری ترکی‌تار مظهر هست که‌در شمال‌ومغرب ـ رشقی بقامقزی جنگ‌هست‌چونانیان‌پاشاه‌میروند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 445 of 1786

قسطنطنیه ترکی وزیراعظم اسمعا داخل کرد بجایش کامل پاشا وزیر اعظم مقرر شده‌اند ودرساحتای فرمان وزیراعظم راهدایت کرده‌شده که مستعدی واستقلال جنك جاری دارد تاشان دارفتح حاصل کرده شود.

(مترجم عبدالرحمن بیك)

ازپیمه اخبار - مورخه ۲۲ اکتوبر سنه ۱۹۱۲

ریل افغانستان

دراثناف گفت همصر سراج‌الاخبار پرواقع وقضایای ریل بحث رانده ظاهر نموده شده است که اجرای ریل در مملکت افغانستان چه نوع مفیداست لاکن الحاق ریل افغانستان بسلسله ریل روسی ویا انگریزی برای خود مختاری ملك نهایت خطرناك است اخبارژونیزرای زنی میکند که چونکه سراج الاخبار اخبار سرکاری است وهیچ کدام مضمون بغیر منظوری اعلیحضرت امیرصاحب دران شایع نمی‌شود بنابرین کلیهٔ مضمون فوق آنست که در افغانستان سلسله ریلوی که راه راست گذشته به سلسله ریل ممالك غیر ملحق گردد مرکز اجرا نخواهد یافت

(اعلیحضرت مرحوم وزیر فتح خان مرحوم فاتحه میخوانند)

البته اندرون ملك افغانستان بمدار چند مدت ریل جاری کرده خواهد شد —

درحقیقت ریل نهایت مفیدشی‌است امابعض اوقات مصالحات سیاسی بخلاف آن‌متقاضی میکردند فقط

(سراج الاخبار افغانیه)

مابارها گفته‌ایم که (سراج الاخبار افغانیه) اخبار سرکاری نی بلکه اخبار تجارتی وطنی میباشد که ابن عبدالحی (محمود طرزی) بزعم صاحب امتیاز ومحرر وناشر آنست. حالا آنکه اخبار ژونیزر رأی زنی کرده اخبار ما را ومقاله که درباب ریل نوشته ایم همه را سرکاری رقم داده ومانند یك سخن رسمی دولتی نقل کرده است. واین شیوه اکثر ازین پیش می‌آید که پرسر اخبار ما عبارة (نگران علی احمد خان ایشیك آقاسی حضور اعلیحضرت همایونی) نوشته میباشد. حالا آنکه این نگران جناب سعادتمآب علی احمد خان ایشیك آقاسی‌طرز (سانسور) یعنی جاسوس تحریرات محتویهٔ اخبار مانیست. وبجز بعضی تبلیغات رسمی که گاه گاهی برای نشرشدن به اخبار ما میدهند وبه امضای خود شان درج میشود دیگرهیچ مقاوت تحریریه باهم ندارند. وتنها ازنقطهٔ نظر تجارت وسرمایهٔ ملی باهم شریك میباشند واسم شانرا ازانجهت مینویسم مقاله که ما درشماره ۲۴ سال اول خود بعنوان (راه آهن ریل افغانستان) نوشته‌ایم اگرچه امضا ودستخط جناب نگران مامبود الك که بصورت رسمی شناخته‌میشد. حالا آنکه‌ما در آخرهراخبار خودمینویسیم که‌مقاله‌های پرمغز خودمدیروسرمحرراست حتی اگر محرر اخبار ژونیزهان مقالهٔ مارا بخوبی وقت مطالعه مینمودند هیچ شبهه نیست که این فقره ازخاطرشان میگذشت: [فکرشك بیزیست که در زود انحصار نمیدارید. هرکس از فکرخودش مسئولست ودیگر افکار جهت نمی‌ندارد. شریك اخبار والا هیچگاه دست آویزسین دولتی شمرده نمیشود.]

پس اگرد اخبار ما هم رأی وفکر شیعی وهندی مارا سخن رسمی دولتی نقل کرده بعضی غلط فهمیها رامیدان میدهد اگر بقرار قول ژونیزر بهیچکدام مضمون بغیرمنظوری اعلیحضرت امیر صاحب در اخبارما درج وشایع نمیشد ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما میباشد که همکار های مهمهٔ سلطنت رانك داده تنها به تصحیحات ومنظورات مضامین اخبار مشغول میشدند حالا آنکه ذات اعلیحضرت شهریاری وظایف مقدسهٔ مهمه سلطنت مشغولند که منظوری ومنظوری مضامین اخبار یك اخبار والا اوقات مسعودهٔ شریف شانرا بمشغول نمودن وقت نمیباید! ابن عبدالحی بجزیك اخبار والای افغانی دیگرهیچ چیزی نیستیم. ونوشته‌های ما ترجمان افکار وحسیات خود ماست درباب دولت وملت ووطن ما. مسایل مهمه رسمیهٔ سیاسیهٔ دولت را بدون اجازهٔ دولتمداران نگران خود درج کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 446 of 1786

نمیتوانیم . دربارهٔ قوانین ، وضرورات ، وضروریات دول همین قدر چیزی که بفکر ناقصهٔ ما رسیده بود نوشته بودیم ، وبسبب رفع غلطفهمی پیشقدر توضیح ضرور گردیدیم .

مابازبانك بلندمیگوئیم که تاوقتیکه دول مستقلهٔ افغانستان برپوا نباشد ، وقوای دفاعیهٔ آن بیدار اقطار اروپی زمین خود تاوقت نشده باشد گذشتن ریل دولت غیردین از افغانستان محال وغیر جایز است ، ولی برای خود افغانستان از طرف خود دولت افغانستان ریل لازم وضروریست .

(عیناً مکتوب)

ازپشاور .

(جنگ بلقان ومسلمانان پشاور —)

الیوم یکشنبه سابع ماه ذی قعده الحرام بیرون در وازهٔ لاہوری وکنوریه یك جلسهٔ شاندار ی ازطرف مسلمانان پشاور برای جنگ بلقان منعقد گردید منظر عجیب آن قابل سماع هرفرد مسلم میباشد لهذا اکثریت آرا برای شما مع تکالیف ملتصه ازین جلسه شرف حیث

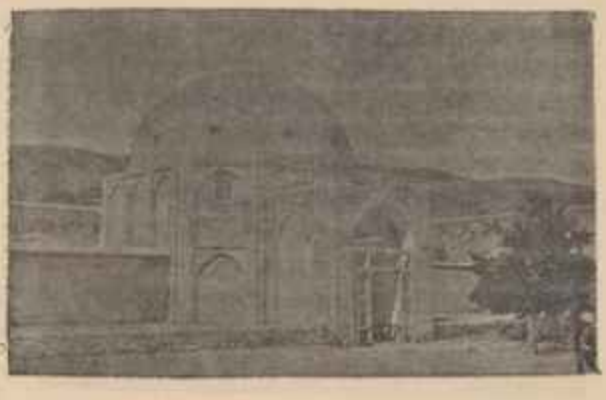

گنبد دایرهٔ حضرت سلطان محمود غزنوی که حسب الامر اعلیحضرت سراج الملة والدین روشن وچسپی عطاء ساخته شده است

دینی وجوش اسلامی وهمدردی همراه برادران اسلامی وشهدای جنگ وپیش مانده گان شان جوهر مردم پشاور بسیار چراغ دل چسپانده دادند وقریب یازده هزار روپیه کلدار نقد در حضور جلسه منعقد ومولانا سعدی کدر ها قابل ذکر است جوانمردی بلندتر است کدر جلسهٔ مذکور پسر خود را پیش نموده گاپن را اعلام نموده هرقدر روپیه کهوصولشود برای جنگ بلقان وبرای مدد بیروطن جنگ فرستاده شود چه عرض کنم : درین وقت مالی کار مسلمانان ضاری بود برای بیان اندرقم نمی نویسم فاجاله آن طفل چهارم یکهزار روپیه کلدار بفروش رسید هزار وصول روپیه طلا مدار واپس بخدمتش سپرده وچون آن مدت یازده سال بسیار غریب است جان سب برادران بزرگ نموده ومن بی روپیه بازداشته وگر مسمحیت آن روپیه را نیز برای مدد هیروین ازطرف خود هدیه نموده

اخبار ته واله گذرمسلمانان هرگاه بیداری حالا بخوبی پیدا شده گاچنین زمان ازطلبود میرسد فقط بمعالجین چیزی که زیادتر ضرورت الزامست اینست که برادران ترك بانتفاع طبی برابطه های خود کشف حاصل کردند گذرنافع دنیا باشکر خواهند شد — پس برادران ترك اهل بخارید! که جمعیت دولت لشکر چه نموده وچند بقام (ادرنه وتویل) تنگست فاحش دادند چنانچه شاهزاده بخاره هیدر چنان مگ بقتل رسید — وبسیار دیگر وتوپ وتفنگ وسامان حد بست بهادران ترك افتاد الحمدلله عن کل ما ک قطعاً ضرر بقدر کافی برای مسلمانان پشاور رسیده هنوز در اخبارات شایع نشده وخبر از قسطنطنیه میباشد وبکل صحیح ودرست است .

امضا

س — ا

(مقاله مخصوصه)

(بشریت تا کجاها ترقی میکند ؟)

بشریت که گفته شد مراد از تمامهٔ وحیده ایست که آنرا (دماغ) میگوئیم . وگرنه در خون وحرکت وخوراك وخواب ورفتار ، از دیگر حیوانات چه فرق است ؟ .

حضرت خالق علیم القدر جل عظمته ماتین دماغ انسانرا به چنان یك ترکیب بدیع ، وتشکیل غریبی تخلیق فرموده وچنان یك قوتهای خارق العادة را درآن وضع نموده که همه کائنات جزین عالم راهزان گنجاییده ، وخمسهٔ اشیا را با آن به او مسخر ساخته !

لسان وجود شهر را اگر باکوه بلند (هالایا) بکنیم آیا شهر چقدر گوچك وکوه چقدر بزرگ خواهد ماند ؟ وچون آن کوه را لسان بهم رسانیده گرداگرد آن کوههای بلند نسبت به آن هیچ آنها و انسانهای روی آن مرتع بوده مرتع مهیا به پیدا کنیم ، و اگر چنین را اگر شمس منیر — گهواره تمام [illegible] چنان از زمین افزونتراست — [illegible] از شمس ذره های پر مکان که به کرور ها

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 447 of 1786

افکارها دوران دور وسیع دارد قیاس نمائیم آیا در انوقت انسان را چه خواهیم یافت ؟

هیچ !

البته هیچ ! اما چه هیچ ! هیچی که همهٔ آنهمه را در محفظهٔ دماغش گنجانیده ! بهمهٔ موجوداتش رهبری کرده ، بوسعت بلا انتهای سیای بعد وبابانش آشنا دوانیده که غیر محدود بودن هر دوی شان ثابت گردیده ! (ایجاد) نام یك قوئی را مالك شده که بواسطهٔ آن صاعقه نام بلای انسان را بدام آورده ودر آبش غرق ونابود کردانیده ! کوهها پای پرستگلاخ سربفلك کشیده را از هم شکافته وراه خودرا در میانش باز نموده ! برای دوران خون حیات آبادی زمین رگهای آهنین خطهای دریاهای سرعت مکین را تمدید کرده ! الکتریك نام یك اسرار بدیعهٔ غیر مرئی را در زیر حکم وسیط خود در آورده همهٔ کرهٔ زمین را بواسطهٔ آن یك پلس آلس مکالمه ومحاوره ساخته ! سنهٔ ثروت دهندهٔ زمین را غربال آسا شکافته وهمهٔ ثروتهای غالبه اش را در تصرف خود در آورده ! غیر یدان عظمت ، هوای پا آن وسعت را نیز در زیر چرخهای دریدهٔ تکوت ها ، واورو پلان های خویش رام ومطیع ساخته !

حالا معلوم میشود که در یك لفظهٔ (هیچ) چه اسرار ها وچه بدیعه ها مندرجست ، ذات اقدس حضرت أحسن الخالقین جل وعلا کائنات پی منتها را در نقطهٔ دماغ بشر یعنی انسان پنهان وگنجنان نموده که خود ذات اقدسش نیز مدح آن کمال حکمت الوهیت را بکلمهٔ (أحسن الخالقین) تبرك فرموده است.

دماغ بشر ، که عبارت از یکجنده پر چه استخوان ، ویك

(ژین امارات)

﴿ مقام عالی نائب السلطنه صاحب الفخم ﴾

جسم نرم منکه مانند بیت آلیهٔ کائنات را چسان در برگرفته توانسته است ؟ یکپاره آتش یك پاره سیای با عظمت را با احترام آن چسان در خود منعکس میتواند ، دماغ یز کائنات را همچنان در بر میتواند بگیرد !

فکر ایجاد ، واختراع چنان یك واسطهٔ عجزنه ئیست که ماشین دماغ به تشبیق وفشار ابرهٔ حواس عشره هزاران هزار عارفه ها ، وبدیعه ها ازان بروی کار آورده ، درتسخیر دام طبیعت آنرا استعمال مینماید ، فکر ایجاد از فعالیت دایمهٔ ذهن ودماغ بوجود می آید ، هر اندازه که دماغ دایما در کار افتد عالمش بیشتر مانده میشود ، وچون از یك کار مانده شود طبعاً دریهٔ کار نو دیگری میماند که این تجددات اعمال ذهنیه (فکر ایجاد) را بوجود می آورد ،

یعنی فکر ایجاد را از احتیاجات روز افزون مدنیت میدانند هر اندازه که مدنیت ترقی کند احتیاجات بشریت یز ها بقدر افزونی میگیرد ، مثلا از وقت خلقت آغاز کنیم : انسانها عریان وبی خانه وسامان پیدا شدند ، احتیاج پوشاك شان بران داشت که ایجاد دام وکنند ، وقت را ازپنهای نباتات یکنند ، وبواسطهٔ آن حیوانات پوست دار پشم دار را بدام آورده وپوستین شانرا از دوش شان درآورده بر خود بپوشند ، وچون یکقدری مدنیت بهی جهت شان ترقی کرد این گونه پوشاك را برای خود کافی ندیده ریشان وناخن پشم شان ایجاد گردید ، تا آنکه رفته رفته به اینقدر چه قماشهای دور خشان امروزه روز واصل گردید ، کلمات در اول امر بی معنی بودند ، حیوانات را دیدند که زمینها وعلفها را میکاوند ، ودران سکونت میگیرند ، وحرکات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 448 of 1786

درشاخهای در خلال از حس وحشتناک آنیان میسازند . لهذا ایجاد سمج ، وچیزی بوجود آمد . وچون مدنیت روبه ترقی نهاد لانگوه نشین گاه را کافی ندیده از خشت وگل ، ورداسه رفته رفته از آهن وبلور خانه ها عمارتها کاخها ساختند . تا آنکه رفته رفته رجهای سه صد متره آهنین اهل پاریس ، وعمارتهای بیست وپنج طبقه‌ئی امریکا بوجود آمد .

واخلاصل فکر ایجاد محصول دماغ است ، محرک دماغ شصته پلتهای مدنیت است . فکر ایجاد ، یا ترقی صناعات مدنیه یکیا ترقی میکند ، در حالیکه تنها یك پوست حیوانی برای پوشانیدن بشر کفایت میکرد ، درینوقت غیر از چند رقم درجه‌های تکمیل بدرجها کت وکلاه ، حتی یکچند رقم دسمالهای گردن ، وبرسر آن چار رقم (ژن) یعنی سنجاقهای ان دسمال گردن بزرگای یك انسان مدنی این زمان کفایت نمیکند ! انسانها چون اول یك کشتی چوبی ازنه هائی کلفت میان کلوك درخان بدست آوردند وبواسطه آن بر روی آب یك نهری یا یك تالابی یك حوالای اجرا نمودند آیا چه مسرتها وخوشوقتیها برای شان حاصل شده باشد ! حالانکه رفته رفته مانند (پناپك) واپورهای شهر آسایش به احتیاجات مدنیهٔ عصر حاضر کفایت نمیکند کذلك هنگامیکه اول بار انسانها یك مرکوبی بدست آورده بواسطه آن یك سیر ودوری کرده باشند آیا چه قدر یك ضروری وجسان یك سروری بهمرسانیده باشند ! حالانکه رفته رفته بدرجه‌ئی رسیده اندکه قطارهای ریلهای اکسپرس یعنی ریلهای دائه اداری را کافی ندیده بقوت برقی رفتار ریلی را مطلوب دانسته ولی علی هذا الوالق .

آیا تدریجن رهین قدر ترقیات مدنیه قناعت کرده دیگر ایجاد های غیر ضروریه نمیوانند انتاج ؟ حاشا ! ذهن بشر آنقدر وسعی دارد که ایجادات واختراعات خارق العادهٔ غرائبات آرا حدی ونهایی باشد . قوهٔ الکتریك هنوز تولید رحسارتدر خشان خودرا از پس پردهٔ اسرار خلقیتمکتوم داشته است که هنوز از امید های عامهٔ که ازان مشروط است بدرهٔ روی کار نیامده ؟ یاخود داوردیان یعنی کشتیهای هوائی هنوز چه جای تکمیلیست که نورانیه شده انسان حیران بگرد پرواز میگشت ! (رادیو) نام جوهر حیات تنها نام خودرا هنوز غایت نشان داده ولی هنوز نشانیات میدان خوارق خدانمده !

آیا کان میرسد که غیر ازین دیگر فکر ایجادی باقی نمانده باشد ؟ ی . ق ! هنوز چه چیزها خواهیم شنید ! بشنوید که یك چیزی ازانچیزها عرض کنیم : یك ذوی از توانگران فرانسی وفات یافت . مبلغ (۲۰۰۰۰۰) هزار فرانگ به دار الفنون وصیت نمود . اما میدانید که این مبلغ برای چه چیز وصیت شده بود؟ هیچ حیرت مکنید ، چونکه این مبلغ برای یك مقصد بسیار بالی به دارالفنون پیشنهاد شده است که انهم برای آشپزی داده میشود که اصول عجاره وپیام رسانی را یکی از سیارات ـ غیر از قمر ومریخ ـ کشف نماید !

شاید این است که استعداد وکشفیات واختراعات بشر سیارهٔ کرهٔ زمین را با دیگر سیارهٔ های همسایگی بدرجهٔ عجاره وپیام رسان وامیکند !! اما آیا این ممکن خواهد بود ؟ این است که یکی چون ونبودن آرا مرور زمان وترقیات فلاسفین میگرداند ! . . .

پس مدنیه که مدنیت؟ کجاها ترقی کرده میتواند ؟ . . .

﴿ مقالات علمیه ﴾

﴿ فن جغرافیا ﴾

﴿ تعریف معنی لغوی واقسام آن ﴾

(جغرافیا) علمیست که از (کرهٔ ارض) بحث وبیان مینماید . جغرافیا از لغات لسان یونانی است که درلسان یونانی (جی) یعنی (کرهٔ ارض) و(وگرافو) (یازیدن) (تعریف) مستعمل میشود پس اصل ان گا [جیووگرافو] است که بتاریخ تخفیف (جغرافیا) میگردد پس اصل ترجمه آن عبارت از (تعریف کرهٔ ارض) است . اما فن جغرافیا نه یك تعریف کرهٔ ارض منحصر بل بلکه هر وقایع طبیعیه که به کرهٔ ارض متعلق است وهم قواعد انواع را توضیح وبیان میکند .

فن جغرافیا تماماً بر سه قسم منقسم است که اول آنرا ـ (جغرافیای ریاضی) دوثانی آنرا [جغرافیای طبیعی] وثالث آنرا (جغرافیای سیاسی یاملکی) مینامند .

جغرافیای ریاضی علاقه کرهٔ ارض را بالمقومه شمسیه اساس اتخاذ نموده ازشکل وجسامت ارض وازدوال لیل ونهار وانتاج فصول بحث وازاصول ترسیم کرهٔ جسمه وخریطه هاحث میکند .

(جغرافیای طبیعی) علاقه کرهٔ ارض را بقواعد طبیعیه اساس اتخاذ نموده از خشکه ، واز آب ، واز هوا که ترکیب کرهٔ ارض ازانها بعمل آمده است ، واز نباتات ، واز حیوانات که بر روی زمین وتحت زمین تشکل دارند بحث وبیان مینماید .

(جغرافیای ملکی) یانام دیگر جغرافیای سیاسی علاقه کرهٔ ارض را باانسان اساس اتخاذ نموده ازتقسیم مملکت وسیاسی ، واز اصول تعالی ومدنیت ومشروطیت اهالی ، وازاحوال حکومات که زمام امورات اداره وحکمرانی اینان متعلق بدانست بحث و تطبیق است .

فن جغرافیا بواهمیت اقسام مختلفهایش ازعلوم بسیار گرانبها و بغایت مفتاحها یك فنیست که از مطالعه آن انسانرا بصیرت تام ، ومعلومات مالاکلام حاصل میآید .

اساس این فن علی را اگرچه قرن از مدت مدیدی حکمای قدیمه یونانیون گذاشته اند اما در اعصار جدیده وزمان حاضره ترقی ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 449 of 1786

ووسعت . واضحا واهمیت آن بدرجه پیش رفته که تطبیق آن باجغرافیای قدیمه هیچ مناسبت ندارد . درزمان فن جغرافیا از علوم بسیار متداوله وهمه میست که اگرکسی از نظریات آن باخبر واگاه نباشد خود را مانند نابینا در میان نشسته گمان می پندارد . درمکاتب عالیه وابتدائیه اولیائی که متعلمین رابمی اموزند همانقدر جغرافیات ، چونکه فن جغرافیا از احوال عالم واعداد حکومات وحساب تلون وطرق موازنات ، واصول تجارت ، وانواع معیشت ، واکتساب حرفت ومنفعت انسانرا بهوی باخبرواگاه میسازد که ازروی موخن وتعلم این فن جلیل مراولاد وطن را لازم ولوازم مالست . (سراج الاخبار افغانیه) چونکه برخود لازم دانسته که ازهرگونه علوم وفنون مالیه قارئین کرامرا مستفید نماید ازاساس فن جغرافیا وتقسیمات آن بزشتهٔ عرض نموده وبتوفیق خداوندی امیدوارست که ازهرقسم آنرا جداجدا مباحث مختصره مفیده برقارئین گرام عرضه نماید .

(عیناً ترجمهٔ مکتوب)

(فن اسپنجیاری یعنی دواسازی)

انسانها برای دوام وادمن حیات چنانچه بغذا محتاج است همچنان بدواهابزیهان نسبت محتاج میباشد . این است که این مسئله ازطرف همهٔ دولتها بنظر اعتبار گرفته شده برای هر رساعین طبیها (واسپنجیار) یعنی دواسازهای بایدوفن لزوم میدهند . وبنابرین اساس بویل گفت ومخارج بازنمودن مکتبهای این فن لزار داده اند . درجهٔ حذاقت ومهارت طبیب هر اینی که باشد باشد ولیکن همه حال لازم وضرور میداند که (رچته) یعنی نسخهٔ دوائی را که ترتیب میکند آنرا بدست اشخاص یک دواساز بادوفن که صاحب شهادت نامهٔ مکتب باشد توزیع وتسلیم نماید . زیرا در دارالفنون نمسهٔ (فن طب) جدا ، ونمسهٔ (فن اسپنجیاری) جداست .

پس اسپنجیار عالم یعنی یک دواساز شهادت نامه دار دوفن بهوراست برین که هر رچته یعنی نسخهٔ دوائی را که بیواهد بسازد اولا ازروی فن تدقیق کند که آیا این نسخه درعبارهٔ نوشته شده است یا نشده است ، یعنی مقدارهای طبیهٔ آن یعنی برابراست یا نی . ثانیاً به بسیار دقت بین باید که تدقیق کند که آیا این نسخه (عدم قابلیت اتلاف) تشکل میکند یا نکند ؟

(عدم قابلیت اتلاف) چیست ؟ برای فهمانیدن این مسئله ازقوانین (رژه) بحث نوکنیم ، بلکه بصورت تذکار اعادهٔ مرام باید بکنیم : مثلاً دوائی که قدّ وروزه بایست گرام صورده شود هرگاه سهواً ازطرف طبیب در مقدار آمیختن و آمیختن آن دوای مضاد آن فلط نوشته شود ودواساز هم با وصاحبش نبوده آنرا بهمان صورتی که طبیب بسبب اشتغالات ذهنیهٔ خود سهواً نوشته باشد بسازد ، حادثه دران دوا یک فعل کیموی بعمل آمده یک زهر شدید قاتل تشکل میکند که بست هزار آدمی یکجا بیکگرام آن برای تلف کردن یک انسان کافی می آید طبیبا اگرهرقدر حاذق باشد لازم برحسب بشریت یک روزی میشود که ازمشغولیت بسیار یا گرفتاری افکار مقدار یک دوائی را ازحدلازمی آن بیشتر ویا یک مضاد آن بزار درنسخهٔ خود بنویسد . این است که این چیزهارا اسپنجیار یعنی دواساز عاروفی خواندهٔ مکتب دیدهٔ باشهادت نامهٔ مبهمه ومعاینه میکند . اگر اسپنجیار درفن اسپنجاری ، ودرفن کیمیای وقوف بوده مانند یک عطار عادق نسخهٔ را چنانچه حکیم نوشته باشد نسازد حیات مریض را تعریض بلکه تخریب میکند ، یعنی سبب وفات اومیشود .

فن اسپنجاری یکی جهت نظری ، ویکی جهت عمل دارد جهت نظری آن این است که خواص حکیب وکیمیو بوطیقهٔ حیوانات ، ومعدنیات ، وحیوانی را که درفن طبابت مستعمل است همرا بخواند وبداند ، وازجوهر های همهٔ دواها راه قدمه پرداشتن را بفهمد . جهت عملیهٔ آن این است که مرتوع مستحضرات طبیهٔ همهٔ دواهارا موافق رژه (گودکس) نام دستورالادویهٔ فی ساخته بتواند ، ودر (لابوراتوار) هایی کارخانه های دواسازی عملیات رابه بیند ، وبدست خودامرا کرده دواسازی را بیاموزد .

این است که دولتها برای آنکه همهٔ مستحضرات اسپنجیاری رابدانند ، وحلاصه ها ، واکسیرها وجوهر دواهای حاضرشدهٔ طبی خودشانرا ازنو بتازه درکلکتهای خودشان بسازند وبه آوردن ازخارج احتیاج نشوند بوجود دواسازهای حاذق وشهادت نامه دار بشدت لزوم میدهند .

درسایه توجهات آیه اعلیحضرت (سراج الملة والدین) دولت علیهٔ افغانستان بزاصرورده روز بیک اجزاخانه یعنی دواخانه مالک است که هرنوع مستحضرات خودرا درکلکتهای خود ساخته واشته است که آنهم دواخانه (شفاخانه ملکی شاهانه) میباشد .

[سر دواساز شفاخانهٔ ملکی شاهانه]

(م . شمس الدین)

بسم الله الرحمن الرحیم

نسئل الله تعالی ان یجمع شمل المسلمین ویعلو کلمة الاسلام علی العالمین وابقائه لنبوی السراج الملة والدین آمین

جناب محترم والا قدر سعادت وکرامات نصاب ، ایاله محمودخان آقا را اکثر الله تعالی امثاله . عمده واصیعاظر شریف آنکه گرامانامه معارف پناه سند السلاطین ظل الله تعالی فی الارضین اعلیحضرت سراج الملة والدین لازالت ظلال دولته ممدودة و آثار شوکته مجودة درامور مذهبیه جمع آهالی افغانستان را هر قسم امانت وحراهی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 450 of 1786

دارد بنوعی ژی‌یند احکام شریعه اند که جمیع نقطهٔ ازوظایف دینی را معوق گذارند ترقی‌خواه رعیت پرور عادل پاک معارف‌شناس عزدوست اند درترویج دین‌مبین وترتیب ملت‌ورفع‌احتیاجات‌دولت ما آی‌را فروگذار نداره میتوانم گفت دراسلامیان خصوصاً درافغانستان این دیانت وملت ورعیت پروری کمتر کسی قیام کرده باشند ترقیاتی کهدرین‌چندساله سلطنت‌شهریار‌جوان‌بخت‌مادرامور دولت وتجارت وانتظام‌کشور وتربیت لشکر ومدارس‌علوم‌وغیره شده‌است خاطرمیدارد که در زمان قابل این ملت نجیب ودولت قویم افغانستان را بمدارج بزرگ نایل‌خواهد شدوامروز ترقی گونه گونه اسلامیان عالم خواهد گردید اگر بخواهم جزئیات ترقیات دولت خودرا شرح دهم بات تطویل است‌لکن وقت مانع‌می‌آید

خلاصه آنکه چون وطن‌خواهی‌واخلاص‌وخدمت شمارا بپیشگاه پادشاه دل‌آگاه درین‌چندسال درسراج‌الاخبار ملاحظه کرده‌وجوه ثنا وخیرخواهی شمارا غیبت‌دانست همواره درحق‌تان دعاگوئیم زیرا که امروز رعایت‌شما لازم است که ازبقاء وطن عزیز را ترتیب بحمدت پادشاه سعادت آگاه وحفاظه وطن ومدد آموختن امور دقیقه کنیم که عقل است که پریشان وحشی الوطن را ازتزلزه حیات بروضهٔ هدایت آورند مثال عقل است که در کوچکترین دهکده‌های یورپ ترقیات وحشمت سبب اسباب ساخت درانش عهد اول ازین دولت اسلام نیستین دولت‌متمدن‌روی زمین بود مسلمانان اولین ملت عالم ومعلمین اوربا ازاهل اسلام بودند چنانچه السباب که است پیشتر نقاط یورپ به نظر آن واساس تمدن دانند بواسطهٔ حکماء والشمندان اسلام عز وحکمت دارا بود کرده تاالآن نام علماوحکماء اسلام را اوربائیان باحترادنام می‌برند اگر کسی کتاب اکتفاء القنوع را ملاحظه فرمایند خواهد دانست که چه قدر کتاب ها را اهل فرنگ از اهل اسلام ترجمه کرده است وزبانهای مختلفهٔ یورپ درمملکت های‌شان متداول ست پس‌چه شد که آنها بعلت علمی که از ما گرفتند الزما پیش افتادند الیوم برخداوندان حل وعقد وصدران رتق وفتق امور واجب ومحتم است که درین هنگام درخت سعادت ابدی بزنند وبع مرادوطن بنشانند واساس وترقی وپیش‌رفت امور این‌مملکت را برپایهٔ استوارتر نهند بنویسید تاطباع هموطنان مارا تب‌وعلو ازهمت پادشاه عدالت قرین اعلیحضرت سراج‌الملة‌والدین دامملکه وحب وطن وملت گردد ویکی بدیگر اتحاد ومواسات کرده‌بوده اخلاصانه دان مقدس شهریاری را رطب‌اللسان فریضهٔ وقت خود بدانند ووجود مبارکش را درمملکت افغانستان از معتقدات بشمارند جناب مدیر محترما ازآیت خالصانه وصنایع بی غرضانه و وطن خواهی وملت اسلامی شما که درسراج‌الاخبار درج ونشر میکنید نهایت ممنون ومشکوریم انشاءالله تعالی که نوشته های شما درهیچ خصوص بی اثر نخواهد ماند (انه الوسیل ربنا بالحکمة والموعظةالحسنة) الا آنکه ازخداوند تعالی مسئلت مینمایم که همواره دروش خیرخواهی شما ورقات وشفقت‌ورحمت های‌پادشاه ما وتعدی های اجانب درحق راعیان اسلامی ما بملت غریب افغانستان ترقیم دارید که بوضع سال واقف گردد کدورت را بصدر وآمال را بپاور وملکت را بـ"ـه" خود ها بشمارند زیاده بحد دوام پادشاه اسلام پناه جاعرض شود والسلام علی من اتبع الهدی وحشی الموا وبارودی قلمدار (التسق لهندالسور حکیم‌میرحسن قندهاری)

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره ۴ سال دوم)

فلوئیمه — ساعت چند است ؟

دایه — هشت بجه صبح است .

— یعنی تا چهارده ده پس‌خواهد آمد. اما باز هم ازانجا رسیا میکنم که هر چه زود تراین کار اجرا شود خوب خواهدشد. زیرا خیلی کم‌زمان مانده است که به ترک دنیا حیات بگویم . لهذا آرزو میکنم که تا آنمدن جوابم زنده باشم .

— شما صدسال‌باشید . تا بدرجه‌یکه ممکن باشد زودی اجرای وظیفه خواهم کرد . دیگرانیکه شما چرا اینقدرامیدبه میکنید. صحت شما ماشاءالله بسیار خوبست . بیدا مزاح نمیکنم . حقیقت را میگویم .

در اینای سخن پارچهٔ رنگ پریدهٔ فلوئیمه یک نسیم خنده‌ناک پیدا کرده‌هریو جواب داده نتوانست .

دایه — من سلا اول مکتوب را میفرستم . بعد ازان‌چوچه کک را یکقدری شیرزمینوشانم . اما آیا شما یکبار دیگر اورادر آغوش کردن نمیخواهید ؟

فلوئیمه — بلی ، بلی — چرا نمیخواهم .

مادام فلو دخترک را به بغل گرفته بسوی والده اش خم کرد . وردو یکدیگر را بغل کردند . والده اش تبسم ساخت . والدهٔ بیچاره چوچه کک خودرا از یکطرف میبوسید واز دیگر طرف میگفت :

— آه چوچه کک بیچارهٔ من . بامیوه های خود ترابرورده نمیتوانم . باچشمهای خود بزرگ شدن ترا نمی بینم . تو درینجا بدنیا آمدی نمودی . من درینجا مردن نمودم . اما چه چارهکه تقدیر همچنین بود....

دایه زاچه را بجواب کردن سفارش کرده ازاوتاق برامد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 451 of 1786

چیستان

(عیناً مکتوب)

از استانبول ۲۰ شوال سنه ۱۳۳۰

—(بحضور مدیر و مرهرر سراج الاخبار افغانیه)—

مادر استانبول از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه شمرده هیتوم در جریدهٔ فریدهٔ نمبر ۲۳ را خواندم در اثنای قرائت درزیر سرلوحهٔ چیستان شش سوال نوشته بودید پنج سوال را هم جواب نوشتهاید که یک سوال که سوال ششم است اورا برخوانندگان گذاشته بودید ما هم قارئین سراج الاخبار میباشیم عاجزانه این جواب را مینویسم : آن چیز که در نهر بی سایه میکند در علل طفلانهٔ من خود (آب) است . شیر دوازده است این قدر فارسی آموخته ام این نامه را بخدمت نوشته ام اگر جواب عاجز مطابق باشد در نسخهٔ آینده خواهم خواند باقی دعاوسلام ودست بوس میکنم

ازقارئین سراج الاخبار افغانیه

محمد نورالدین افغانی بن ولی محمد افغان

—(سراج الاخبار افغانیه)—

ما جواب این هشیری گفتگوی خود را بنفس الامر مطابق یافته بکمال مسرت درج نمودیم . اگر چه بعضی (خورشید منور) وبعضی (وزش باد) گفته . ولی چون خورشید منور خودش موجد سایه میباشد و (وزش باد) نیز در نهر بی بلکه در همه جا بی سایه میکند . لذا نو جواب موافق شمرده نمیشود اما خود آب ازجهان نهر آب البته بی سایه میکند زیرا سایه است وسایه از خواص جسم است . محمد نور الدین افغانی گفته میرسد که پرسیدن گفتن آب را از رفتار نکردن و وزن رسیدن راه استنباط کرده باشند چونکه سرگ کابل تا غلجائی میرسد ول خودش راه نمیبرود . همچنان است آب که از نهر میگذرد ولی سایه نمی اندازد .

ادبیات

غزل

ای علم محدود است یا غیر محدود ؟
مایش چه بودم ودرینوقت چه گشتیم
بودم بر قرار و راحت نه نشستم
آسوده گی و عیش وسفا جات ونعم
بگذاشته بودم وپیش هیچ نگشتیم
مدرك کف مانع عدالت بد کرکف
میزان عدالت بدو آفاق کرقتیم
در فکر حق ولغو اسارت طلب علم
هر لحظه دویدیم وز دودیم نهشتیم
افسوس که این فضل وکمالات وعدالت
ما ترك نمودیم ودگر هیچ نجستیم
محدود نبودیم علوم وز حدودش
یك خطوه چو بیرون نهشتیم گشتیم
(محمود) چو محدود نبودیم در علم
تحدید ترقی شد و محدود نشستیم

گوئیه چشمهای خودرا پوشید وچنان واموده که چیزی نرفت، یا آنکه راستی چیزی نرفت . اندیشه میشد که مادام سرشك حزن وتأس از چشمهای پوشیده اش بگونهٔ زرد بیرنگ بیحسار بیرنگ آمدنش در جریان بود . بعد از دوساعت مادام آنو تکان اخیاط در اتاق داخل شد گوئیه چشمان خودرا باز کرده گفت :

— آیا کسی هست مادام ؟

— آری که فرستاده بود سالا آمده . موسیو وقوتی که شما برای او مکتوب فرستاده بودید در خانه بود . اما چه خانه ! حقیقتاً لایق اقامتگاه رئیسها ! فرستاده مامکتوب شما را بخدمتکار آقای او تسلیم کرده .

— بسیار خوب اما جواب نگرفته ؟ آیا جواب چه شد ؟

— موسیو وقوتی تحریراً جواب نداده . لاکن گفته که خودم حالاً می آیم .

پنج دقیقه بعد از این سخن گوئیه چنان بیکبار بزرگ وسنگینی از سر دلش فرو آمده باشد یك آن کشید، چونکه فکر حزن وتأسف بسیار روزها یکه بعد از ماجرا وسالها امروز پیمین خبر یکطرفی مسرت وسرور حس نموده بود بیاد مادام آنو گفت :

— پس معلوم شد که ما بیجا ! ظالمانه بآقای او بدگمان شده بودیم واز آمدنش خطر جو بودیم . آه چه نادانیم ! سعادتیکه از روی این آمدن پیش آمدنی بود خود بدگمان زدیم ، اما این لکه زدن روحی بسیار گرانبها تمام شد !

هنوز پنج دقیقه نگذشته بود که صداهای گرپ گرپ پاهای اسپهای اصیل یك عراده یکه از کوچه میگذشت بگوش آمد . بعد از کمی یك عراده بسیار مکمل وظریف قوچه درپیش دروازهٔ خانه با وپتیو استاده شد ، وعرابه چی وقوتی (دوعرابلیو) نیز در آمدن بار خود در اراضی خانه ئیکه هیچ مناسب نبود شان اوتیو بیکباره جرئت نمانا کرد . وقوتی نوجوان بسیار سرخ از زینهٔ خانه طبقهٔ اول خانه بالا بر آمده در کوریدور خانه بپایه مادام آنو که منتظر او بود روبرو آمد .

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 452 of 1786

ناموران نامبردار جهان

(تابعه از شماره ۴ سال دوم)

از حالات ممتازهٔ ملکه یکی پیدا آوردن وظایف والده گرانی شانست که در تربیت و پرورش اولادهای خودشان بسیار دقیق وغیور هستند - و دراین باب باذوق وهوس عجیبی میبرورانند دختر شان پرنسس (ایدی) را که تولید نمودند برای شست‌وشو کردن آن طفل خود را بدست خود بلطافت وشوق عجیبی پیدا کرده بودند. مدتها نگاه طفل بلند پراهن بسیار فراخ وبزرگ از قماش قابیه" عادتی برای خود آماده کرده بودند. بمجردیکه وقت شست‌وشوی طفل میرسید ساقها و بازوهای شمشه دار را ترک کرده به اوتاق طفل می‌درآمد. و آن پیراهن واسع را پراسپای بسیار فاخر طمطراقی خودپوشیده وطفل خود را درحوض آب اندامه ازشست‌وشوی وبازیهای آن خط میبرداشت - در موسیقی وکارهای دست نیز ملکه مهارت کامله را مالکه بود. بطرزیکه بی‌نموده بی‌فیش لباس هیچ علامهٔ نشان نداده است. باوجودیکه دریکی ازمکاتیب‌های نویسنده خود که به دایرهٔ نوشته بود ازعظمت وقیمت البسه‌های خودبیان کرده گفته است که قیمت البسه‌های اوسطاوی باوساطه آمدنی پدرش میباشد ولی باوجود آنهم بصرف بسیار کم بسیار خوش پوش یک زنی میباشند.

باقی دارد

علم ثروت ملل

(تابعه از شماره ۴ سال دوم)

یعنی رقابت حلیه کاریرا بمیدان عالمهای خراب وبیکاره را برمشتریها درازار بیع والمراوح میدهد. مثلاً آنکه چون بملاحظهٔ نظر شود این اقتضای رقابت نی بلکه راعلاج وافکار وجدانی انسانست. چارهٔ تعریح وعلاج صریح آن درست کردن واصلاح نمودن اخلاق وافکار عمومی میباشد. حتی درطرف کردن آن گونه حالات گوارخانه راه زایل ساختن ورفع نمودن اسبابی که مانع آزادی جریان رقابت باشد جستجو کردن لازم است. وگرنه منع وتحدید کردن (قاعدهٔ رقابت) که ازشرایط اساسیهٔ ترقی صنایع وثروت شمرده میشود مدار رفع ودفع آنگونه احوال منافیهٔ اخلاقیه شمرده نمیشود.

ازاینجاست‌یکه حیله کاری، وحقه سازی زیاده کنه‌سود ومنفعت‌شان محدود وکوتاه میباشد چونکه آن حیله کاری

باقی دارد

اعلان

سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین

چندرقیده‌اوتیرنیها داره! علی‌الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی دوسعت

بهشتاد روز

اجرا شوه! آرزو کننده‌گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری "کتاب
(سیاحت بردورا دور کره زمین)

پیشنهاد روز

بقدر دوربه کابل یکصباح کشکی‌را صرف نمایند این‌سیاحت را گویا (عباس‌فوق) سیاح ورقفاتی یکاجرا کرده‌خواهند بود! محل خریداری" این کتاب دکان (ملاغلام‌محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد.

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی‌است که در نوشتن ناولهای ای‌مشهور آوقعت. ازفرانسوی به‌ترکی‌وازترکی بفارسی ترجمه‌شده است. کتاب مذکور تماناولی‌است که درناول فن‌جغرافیا وجغرافیای دریایی‌را بطرزیکه شمه نشان میدهد.

در (مطبعهٔ عنایت) کتاب مؤسسهٔ شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت‌علیه افغانستان جناب‌مال(سین‌السلطنه - برادر عنایت‌الله‌خان) بزورطبع آراسته شده‌است. این کتاب نایابرا زودبدست آرید وقیمت را موت مکنید کاپیهای آن زود تمام‌خواهد شد. وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید

هر مقاله‌ایکه‌مستند نداردازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپخانه عنایت حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 453 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۶)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ادیبه کابلی مدیر امور امانیه حضرت مولوی
علی احمد

قیمت سنه‌الیه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با اضافات داک ۱۱ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اضافات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر هفته روز یکشنبه نشر میشود

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه
در ماتحت خانه دار السلطنه (کابل)
جملهٔ امورات تحریریه به ادارهٔ ما
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی یکم محرم ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۱۱ دسمبر تاریخ شمسی ۱۹ قوس ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخله و خارجه وبسی مقالات مفیده درج میشود

از یادگار شکار چناری سنه ۱۳۲۸

ذات اعلیحضرت شاهانه وجمعیت شکاریان معیت همایونی با محصول شکار شان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 454 of 1786

فهرست مندرجات

نمایش عسکری	ادبیات
خزان خوب و تمت	میدان هرزه‌گرد
تاریخ بنای مسجد علیا	امور ان زندگی جهان
حرارت خارجه	ام ثروت ملل
مقاله افتتاحیه	فاجعه‌های ژاپن
اینا حرارت خارجه	اعلان

(نمایش هیئت نمای عسکری)

عسکر ! چه نیکنام عنوان ! بلی ، عنوان جلیل (عسکر) چنان یک عنوان مؤثر هیجان انگیزیست که گوش تم آوردشنیدن عنوان آن انسانرا بی چرهای قوی بسیار مقدسی را بیادمی آورد ، ورقیقترین حسیات را تحریک میکند . بمجرد یکه عسکر گفته شود قیافه یک دسته هیئت ، وشوکت ، در نظر مجسم میکند ، ویک هیئت بهمهٔ مسایهٔ دیرینگاه دیده جلوه گرمیشود که هدفش دراقت ملت وپادشاه ملت ، وحتی وحاکمیت قومیت ، وبالجمله ناموس وطن مقدس از زیان تجاوز دشمن ودیوانت همه را مطابق بنوک پر چمها وتیزه ها وتیغهای آنها می بیند . بأس شدید حدید را دران جلوه گری باید . شکوه هیئت عسکریرا عیناً آشکار میسازد .

خلاصه ، وجوهرهمان عسکر آن است ! ملت جوهرهاوزیدهها وخلاصه های خودرا به تحلیلات کیمویهٔ قوت وحیت تعلیم وتعلم نموده صنف عسکریهٔ خودرا بوجود می آورد . آن جوهر بازهرو واقیوسم اقتضا ، وازدرهاو خطرهای دشمنان خاک مقدس وطن است که جهان جوهر وازهر از زهم های آتشین آن اقتضا والزدها وطن رحال می باید .

پادشاه ملت را ، پادشاه پادشاهان جهان وجهانیان یعنی ذات اقدس حالق یکتا کون ومکان یک ازعدوات عظیمهٔ ملک وملت ووطن مقدر میفرماید ، وتأیدات غیبیهٔ خویش مؤید میسازد ، پادشاه هرملت وهر قوم ومملکت غیر از صفت پادشاهی صفت سرافسری عمومی همه صنوف عسکریهٔ دولت خودموصوف میباشد . پادشاه بر رعیت خود حق اولوا الامری وسیدی را دارد . مثلا کسیکه بر صنف عسکری ، ما فوق این دو حق ، حق سر افسری کل را هم دارد که اطاعت پادشاه بر صنف جلیل عسکر به سه حق فرض عین میباشد .

عسکر ! چه هیبت نما عنوان ! بلی ، عنوان مهیب (عسکر) یک ذخیر آهنین سنگین آشین دهشت آگینی را در صدور خانهٔ دجاج ملت مصور میسازد که بر دورا دور حدود وطن مقدس چیده ، و آرزوهای خائنانهٔ عداوتهٔ دشمنان بداندیش وطن را زخیر بدبختی ویأس وناامیدی وهجوم فتنه بدنحرمان وحسرتمندی ساخته است ! بلی ، قوت است که حق را محافظه میکند ، قوت است که درین زمان حقوق را بامان کرده میگذارد ، قوت (عسکر) است و عسکر (قوت) است . شرافت سلامت ملت ، عظمت ناموس وحیثیت ملت ، نگهبان وحیت ملت ، حرمت وسعادت ملت به (قوة) موقوفاست ، قوت (عسکر) است ، عسکر : پیاده ، سواره ، طوپچه ، بمبر مدانت ! ...

ا

نظامات ملت صنع دوره تنه "تمدن" ، اگر برسیر بزرگی قرائع وبوی مستقیم که بگذر بنوی (حق نظامیه) محدود شده رکه استقامت بیچ وضع مناسبی اجرا مکردید یک منظره های بسیار نظربای دیدنی خواهید که همه یکی (عسکر) را بانام موجودی که در پیرامون خود عیناً مشاهده میکردید !

جهت دست چپ سرک وسیع مذکور را تا یکه جائیکه نظر کار میکند یک خط مستقیم عسکری ، وجهت راست آنرا یک گروه جماعتهای افراد زنجی چشمه میدهید . پیاده ، سواره طوپچی ، یک انتظام تام قسم متوسط برقرار داشته ، در خدمه کی اطاعت تمام ، خوش زیبی البستان ، نسبه‌های لطیف موزیک نشان ملحارا قوت نظر هارا لذت ، گوشهارا مسرت میبخشید .

هرورد درین کودهٔ عرابه‌لریان لهٔ خودخزنده ، ودر بالاپوش زندهٔ خود پچیده آهسته آهسته این سیلاب خروشان رهبت مرافسر عظمت را تعقیب میکند ، ومشاهدان خودرا یکچنان درجهٔ که میدهد توانند است تصویر میاید اما حیات تلقیهٔ خودرا تصور کرده نتواند ، زیرا حیاتی از یکچنان از یکچنان بسیار ، ویک جوش وخروش بیشماری که حاصل کرده نمیتوان تصور است ! ...

سرک باروخانهٔ آن به (جن نظامیه) واصل شد ، جن نظامیه تقریباً بمسافهٔ دو کیلومتر جهت شمال شرق شهر واقع شده است . این جن در اول به (جن حوجه دواش) معروف بود . ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم ما ، وسرافسر اعظم ما کرهها این میدان صاف وهموار بسیار واسع وپهنا را برای (مانور) یعنی تعلیمها وقواعدها ورزشهای نزدیک عسکری وعلی الخصوص تعلیم طوپ ، وتفنگ اندازی آتشبار ، وتحریرهای قیوز ، وارود کار دید ودیگر آلات نار یه تخصیص فرموده نام آنرا (جن نظامیه) نهادند . وازچند سال پادشاه مقدس مرحمت پادشاهانه وتوجهات حمایت شریف سلطنت رفیف همایونی درحصر حال که درین میدان شرافت نشان بیان زلف وقوع می آید ، ودرآنوان معلمات عسکری میپردازد که ازنتیجهٔ این تجربات وانتقالات همایون ترقیات پی عظیمی درانتظامات عسکری روی کار آمد ، ومانند (قیوز) یک اژگرا بهای حرب بمجربه های عدیده ولطوفات عسکر پروریهٔ شاهانه ازطرف خود طوپچیان افغانستان بوجود آمد ، ومانند بارودیه ودوغیره آلات نار یه ایجاد کردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 455 of 1786

سالاماباز برسیاست خودداوامنوده بتصویروتحریر مشهودات خود کوشش ورزیم : اهالی وعسکر میدان واسع وفراخ چن قلعه را که بقدرسه چهار کیلو متریک زمین سبز هواری را دربرداردوبملاحظه سلسله کوهها وتپه‌های متسلسل (دمبر) وغیره ازجهت شمال بجهت شرقی میدان بشکل یك دایرهٔ میدانرا احاطه نموده . پس ازآن اقسام صنوف عسکر نظامیه بصف نظام حرب صف کشیده . دیگرجهات واطراف را اهالی تماشاچن پرو مملوساخته . دریکطرف خیمه‌ها وسرا پرده‌های محفوظ ومستور حریم حرم مجلل سلطنت مقدسهٔ ما موضوع دیده میشد . مکرما درشفقت مآثر مهربان عسکر وملت عالیهٔ (سراج الحواتین علیاحضرت) باهمهٔ بانوهای سرایردهٔ عفت وعصمت معیت خود برای تماشای این نمایش عسکری تشریف آورده‌اند .. دریکسوی دیگر یك خیمهٔ عالی سایبانی دیده میشد که مقام مرکز عمومی شاهانه را نشان میداد . دراینجا یك برق بزرگ بسیار سفیدی که بران ازقماش سرخ شکریك (عرابه احمر) منقوش شده بود بکمال شوکت وحشمت برافراشته شده بود که تفصیلات آنرا درآن هنگام درج خواهیم نمود . درانجا نیز از مشاهدات ظاهر خود مکمله درزیر دیدگان همگان تابان انتظارمیان میباشیم :

شهزادگان عظام وبسیاری از ارباب مناصب ملکی وعسکری را باونیفورمهای مکمل فراخورده رتبه ومنصب خود ملبس دیده میشدند ..

دقیقهٔ پلتشور وحرکتی درهمهٔ موجودین وحاضرین پیداشد صدای طرمپای (تیاربی) یعنی حاضر شوید از هرهر طرف کرهٔ نسیمی را به اهتزاز آورد ! بام کوپاك چند طوا برهٔ افسردهٔ بود که روح تازه بآن دمیده باشد ! این پولّ تیاربی از افسران بزرگ براقسران کوچك واز آنها برهمه افراد عسکری مانند پلتسیاهٔ برق تأثیر بخشیده همرا برسلام گرفتن شاهانه حاضر و بیدار ساخت .

دات شوکت مآب پادشاه معظم . ویدر اشفق وارحم . وسر افسر اعظم عموم اردوهای سلطنت پرشوکت وحشم وافوتورم بزرگ رسمی سلطنتی خودشان در سالیکذشته مال امسی (نائب السلطنه سردار نصرالله خان) ومصاحبان وباوران شاهانه پسرهای شان موجود بود اسب سوار تشریف فرماشدند . پولّ (سلامی) ازطرف شهزادهٔ جوانبخت معظم (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) که بصفت ناظر عمومی حربه تعیین شده بود اجرا گردید . وذات اعلیحضرت شهریاری بصنوف عسکر ظفر مآثر شاهانهٔ شان اسب تاخته ازاول صف گرفته تا آخر گشت وگذار فرمودند وبدیدار سعادت آثار علویت تبار شاهانه . واعلیحضرت والاشان ملوکانه عسکر ظفر مآثر شاهانه را مسرور ومفتخر فرمودند . وهرفرقه . وهرصنف که مرور شاهانه بوقوع می آمد یك خروسیدولهٔ انگلیزی از آوازهای موزیکهای سلامی طرب وساز . وصداهای تادی ادای (زنده بادپادشاهما) ازصنوف عسکر تبعیت وولاوری موصوف شاهانه بلند میگردید . بعدازانکه از آغاز صنوف تاه انجام دورفرمودند درمقام مرکزیت عمومی کمابیرق مخصوص خودشان اعلیحضرت شاهانه شناخته میشد عودت نموده توقف فرمودند . وفرمان شاهانه درخصوص (رسم گچرد) یعنی مرور عسکر شاهانه ازپیشگاه ملوکانه شرف صدور یافت اولا اصناف عسکر سواری معیت شاهانه مانند سرانوس . ورکاپ . ومیرالیور . وخان الیور . وبعدازان قندهای عسکر خاصهٔ اردل . واردل . وقندهای کوتوالی دارالسلطنه بکمال انتظام . وهمهٔ ترتیب واحتشامیه سه طرز واصول قواعد عسکری مرور نمودند . وتاسه چهارروز این مراسم نمایش ورسم مرور دوام ورزیده وعساکر شاهانه جلباً بازقرارا ولی بصف حربیه درآمده وسلام بزرگ شاهانه را ادا کرده این نمایش هیئت نمای عسکری به انجام رسید .

این بود دیدنیهای ما که باهمه هموطنان عزیزخود آنرا دیده وشنیده حالتی که درقلم نمیگنجد بود برای معلومات دیگر هموطنان دیار بعیدهٔ خود تحریر نمودیم . حالا باهمهٔ عسکر وهمه ملت عدل وهمزبان گشته ازصمیم دل : « زنده بادپادشاهما . زنده باد عسکر . زنده باد ملت . زنده باد اتفاق و اتفاقستان ! » گفته ختم کلام مینمائیم .

غزل

طوپ وتفنك

صلاح وصلح عمومی بود طوپ وتفنك
امان وراحت وآسودگی زطوپ وتفنك

اگرچه بهرهٔ زورآستم وجنك وقتال
ولی نتیجهٔ صلح آمده زطوپ وتفنك

زترس قوت همیگراند بنای دعوان
ببین که صلح عمومی شدمزطوپ وتفنك

اگر توخواهی که جای ری زحرص وشر
بعهد نامه مبین ساز شوز طوپ وتفنك

چوبید توت وزورت که هست افزون تر
بصلح وترس والفت دود زطوپ وتفنك

اگر زطوپ وتفنك بدید لی بهره
همان دم آوردت صد بلازطوپ وتفنك

اگر بصلح ودآر زودت ای (عوده)
بجنك ساختر وآماده توزه‌طوپ وتفنك

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 456 of 1786

(عیناً مکتوب)

تاریخ بنای مسجد علیا

جناب کالات انتساب عزتمآب مهربان والاقتدار محمودبیک حاجاصاحب مدیرومحرر صاحب سراج‌الاخبار افغانیه زادالله ... انشاءالله تعالی آتیانرا اطلاع خواهدبود کهجناب عمدة معظمةمکرمه عزتمه امالمومنین علیا حضرت صاحبه ـ سراج الخواتین زاد عزها وفخارها از آثار خیر خود مسجد سایهٔ مذکیرا کهواقع شور بازار دار السلطنه کابل بود وبالکل خراب ومنهدم شده بود در سنه ۱۳۲۸ بنای تعمیر گذاشته مصارف کثیر بران کردند واز مرحمت باری تعالی وین توجه آنعمدومعظمه به بسیار طرز خوب ووسعت تمام درسنه۱۳۳۰ اتمام پذیرفت ومسجد عالی‌وجامع ایست که نماز آدینه‌را مردم کثیر درو میگذارند و بخوف ادای صلوة وآذان درو جاری است ودکاکین اوقاف هم بیشتر دارمیان جاگرد رکاه شهرداری بحق‌ملک خواری وطرز بازکاری قطعه‌تاریخ تمام آنرا ساخته بود ونقل آن برای آنجناب ارسال شد اگرلازم شمرید قطعه‌رادرج سراج‌الاخبار خواهید بود که مومنان دور دست از اعمال حسنه وخیر جاریه صاحب‌مثوبه‌ماموربود حاظر گردیده ودر دعوات خیرمشغول شوند فقط ابدا

(میرزا شیر احمد عفی عنه)

(قطعهٔ تاریخ مسجد عصمت مآب)

عمدهٔ جهان علیا حضرت صاحبه سراج الخواتین زاد عزها وفخارها

بود این مسجد ز عالم یادگار در سالی ز مان
کو ازین دنیای‌دون عمریست کرده رحلت است
مسجد او منهدم گردیده بود بس خراب
لاجرم خواری مسجد چون سنت است
این ز مان تعمیر او را کرد با نوی که او
کوهر شهوار در پای حیا و عصمت است
در حرم شهر یا ری ز عمه اهل حرم
رتبهٔ او نزد سلطان در کمال رفعت است
کیست آن سلطان حبیب الله شاه نامدار
در لقب اورا سراج ملت و دین شهرت است
در سرای دو لتی این کوهر درج عفاف
نیک خلق و پارسا خیر و حال همت است
مو منان او را ز طرز صدق مادر گفته اند
زان سبب در موضعا تش «چو مادر» شفقت است
در شبستان خواتین است ذاتش چون سراج
وز جناب ذوالجلال اورا لقبا حضرت است
ازپی تعمیر این فرخنده مسجد عزم کرد
کاینچنین خیرات ـ ری‌درجهان خوش نعمت است

شاه با اقبال کامل مانند بنیا دش بغیر
واضع بنیاد او سراج الملت است
مبلغ بسیار در آبادی او صرف کرد
هر که صرف زر کند اینجا زاهل جنت است
چون زعلیا حضرت این مسجد بگیتی ماند یاد
مسجد علیای نامو جای فیض و رحمت است
سال تاریخش چو عباسی ازخرد پرسید گفت
مسجد علیا بحال بنده گی و طاعت است

۱۳۳۰

حوادث خارجیه

احوال عربستان

عاریه دوام میورزد ، یک جمعیت عظیمهٔ بشر دیگر خود شانرا با تشبثای مدهشهٔ خوب وخشک ودیپلمات ووجیه جیبو زانه‌بازیچه ، وحربه ، وشمشیر ، وخنجر ، وتپانچه یکدیگر خود شانرا میکشند ومیدرند ، اگرشریت صحیحاً اعضای همدیگر باشند هیئت جمعیتهای عظیمه بیات شعبی دیوانهٔ بدمستی میباشد گیروجود خود تیم کایده است !

هر نامدار جریده‌ای که از بنادر هوا خواهان باغانیا ترشح میکند از نفوسات پر در پ بلغار ها ، وصربها ، ویونانها ، وکومپانیت میدانند ، وافکار های هوا خواهان اسلامیه در زیرو زبر میسازند ، وچون درپ جمعیتها خبرهای اخبار های اوروپ یگان یگان بعربستان از ممالک عثمانیه میرسد باز دنیارا یک نازگی وخبری میبخشد .

حال دولت علیهٔ عثمانیه دربیرقت یک شیر پرهیبت ژولیده بال میماند که پنجه‌ش ترشکار بازیک کله‌بیگ زار ان سرداده باشد ! کبار میبینیم که ازطرف غرب یک کله بیگ روه‌بروم میکنند ، نادیده‌اند که آنهارا پاره پاره کند ازدوطرف دیگر دوکله‌بیگ دگر حمله میکنند ، وباز نادفع ان میخواهند بکوشد ازعقب یک کله بیگ تازه دم دیگر میرسد ! وبا آنکه رشتها ، وعنترها ، وامیرحزه ها وغیره پهلوانهای اساطیرالاولین را بیادی آورد که تنها بسر خود بالشکر ها جنگیدن شان را میشنیدیم ومیدانستیم ! بازهم اگرهمه شا باشند ، وهمو با کشکشها ، ویکان طعمه انداختنهای شکاریان کان ازعقب تیکران نمیرود باز بعده وندان شیر ازدرین همهٔ آن‌ها ماجز نمیاند .

با اینها واردیهای عمارا صلیب های بزرگ بزرگ بدست گرفته درهر طرف وهرهر سوگردش کردند ، وهردمان عمارا بر اسلام بانگیزند ، عادهٔ یک عمارهٔ صلیب ! جهان کهن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 457 of 1786

اگر ازینگونه معامله خیالات مرکز شرمساری گردد جا دارد. (فردیناند) پادشاه بلغار در پیاناده رسمی خود اعلان محاربه صلیبیه را علناً بیان نمود. برسرایپه عثمانیان دایما مسلمانانرا به تداکش بچنده گیهای سیاست اوروپا متهم ساخته بخونریزی متهم میسازند؛ لازم است که بعد ازینگونه حرکات دلیل خود دم بچنده گیهای سیاست را بیان نیارند. واعتراف کنند که یگانه سیاست، یگانه مقصد پیروی احکام پادریهای صلیب پرست است و بس!

دولتها اعلان بیطرفی خود را درمحاربه بالتبا باعثمانی رسما اشعار وانتشار کردند. چه قدر انسانیت، چقدر مدنیت؟ آیا قونترول کنندهٔ بیطرفی آن ها کیست؟ باز خود دولتها! زیرا اگر آن قونترول ازطرف مسلمانها اجرا شود بازهم خود دولت عثمانیست که آنهم از هر طرف محصور وبحال خود گرفتار است. یعنی دولتها هنوز رسماً بیطرفی خودشانرا نیز اعلان نکرده اند. وآنهم ازین سبب است که اگر دولت عثمانی مغلوب آید دولتهای محاربهای خود شان مظفراً ومنصوراً داخل شوند. دراوقت دفعهٔ بکار مداخلت نایند. و «بس» بس: «گفته وخاطر نشان

(مدیر ومحرر «راپ الاخبار العثمانیه»)

(محمود طرزی)

انداخته ملك هرمذهبان وهرکیشان خود شانرا رهای دادند. چنانچه مثال بدهم آنرا درمحاربهٔ یونان وعثمانی که در زمان سلطان عبدالحمید خان بوقوع آمد عیاناً مشاهده کردیم.

(فردیناند) بلغاری وپادریهای نصرانی چون رسماً وعلناً محاربهٔ مذهبی خود شانرا اعلان کردند شیخ الاسلام استانبول باز بجهاد امر نمود. زن ومرد پیر وتا هرحربه سلاح شدند. خود اعلیحضرت سلطان المعظم نیز آن روی رفتن محاربه را فرمودند معنی لغوی (جهاد) بزرگترین زحمتها ومشقتها ست. کدام مصیبت، وکدام مشقت بزرگتر از تجاوز ونهب بردن خواهدبود! لهذا جهاد همین جهاد است. برهمه افراد مسلمین ممالك عثمانی جهاد فرض گردید. وبرمسلمینی که بدین شان بدارالحرب محال وغیر ممکن باشد یحال وقت معاونت آ عاجدین فرض است. وازین است که همه مردمان تما عا حق زنان

برای مدافعه آماده شده اند. ودرهرطرف دنیا هرقدر مسلمانان که هستند همه برای اعانه وجمع آوری مال صرف همت مینایند.

از درگاه رب متعال جل سبحانه انجام این ملحمهٔ کبرا را بنفع وظفر مسلمانان علیه یدبر میخواهیم. وبر مال وحیثیة بالتبا تفرین وامنت مینوایم.

{خبرهای محاربه}

(ترجمه از اخبارهای ترکی)

خطاباً ناظر حربیه ووکیل وزیر اکبر جناب ناظم پاشا

(توسط امیرمیرمران مارشال تبوع اعظم وافخم پادشاه متبوع کمسر افسر)

(عسکریه وبحریه سیاسه بدا: یعنی جاریوی شجاع شاهان)

(و اینصورت توجه خطاب میکنم)

«ای افسران وافراد!

«ازبسیار عصرهاست که انجمن بنا ساعت بسیار مهمی برای

«وطن مایش نیامده

«وجود حکم حکومتهای

«بلغارستان صربستان

«یونانستان وقره طاغ

«کماباً آنها بجز دوستانه

«رفتن دگر چیزی

«نمیخواستیم هرگونه

«قاعدهٔ عدالت وحق

«حقوقرا درزیرپا

«انداخته وبه نصایح

«واخطارات واقعهٔ

«دول معظمهٔ اوروپ

«بالاهمیت نداده رای

«آنکه همه سمیا

«وکوششهای مارا

«که درباب محافظهٔ صلح ومسالمت بکار میبردیم بی حکم بگذارده

«گستاخانه بما میدان خواندند. هرملت این وضع جرأ

«تکارانهٔ آنها را بکمال نفرت وحقارت تلقی کردهٔ وکار زدن

«این جرأت گستاخانه شانرا بروی خود شان بشما سپرده است.»

«ای افسران وافراد!

«انتقام این حقارت را گرفتن، وشرف وناموس دولت

«مارا وحقوق مقدسهٔ آنرا مدافعه کردن بشما مانده است پس

«شما راست که برکائنات اثبات نمایید که هنوز بزرگیهای اخلاقی

«عثمانیان شاندار خالی نرسیده، وهنوز ازقدما کاریهای بی حدود

«بازبان خود شان درراه سلامت وطن بازنه ایستاده، وهمینان

«شجاعت ومسالت شان پارجا مانده است. از اجداد شجاعان یك

«همت شمهان دریکوقتی ازجهت اناطولی، بجهت روم ایلی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 458 of 1786

« گذشته این اقلیم عظیم را تابع کردند . واولاد های نامدار »
« آنها نیز از الوقت بامال درهر محاربه بلاد راه وقهرمانانه »
« حرکت کرده تحسین وحیرت همه جهانرا بخود جلب کرده اند »
« دشمنان مقابل شما درمقابل عسکریه زار شایست . چون »
« حمایت پروردگار مانند یك درس بسیار خوبی به آنها ازوخریده »
« های حیات ومردانگی شما باشد . وطن بشما امید داره . »
« شما هستید که بحیات خود پاشیدید . وناموس دولت ووطن »
« خود تانرا مدافعه نکنید . مقدس وظیفه بسیار عالی ومقدس »
« است . اما این راهم ازخاطر نکنید که بمقابل انسانیت از »
« انظام وانتظام جدا نشوید . وبه آمر های خود تان اطاعت »
« مطلقه نمائید .

« بدون موجب بصورت غدارانه خونریزی نکنید . بمسلمان »
« ویاجیران وبیوان ومسلمان ، وباسران هیچ وقتدی روا ندارید »
« مال وجان افراد اهالی که سلاح ندارند . رعیتهای روحانی »
« که درکردهی قوم اعتزام شده میشود محافظه باید بکنید . بران »
« دهندگان چاره که بازی خورده بشما حربه میکشند . ودرفال بردن »
« محاربه لحت میدانند . وشما دراز کردن دست دوستی بایشان »
« حت میدانند مرحمت باید بکنید .

« ای مدافعهای بسیار جنگاور وطن !

« درمیدان نبرد عمومی ازحیرت زبان ازمعدگردیده »
« ووظیفه خود تا نهایته پیش روید !

« عارض ایشی ! — یعنی پرچمدار ! —

« خلق بدانید که سعدپرور دگار . وروح همت باثبات »
« در عقب شما بزرگان ونیای سابق دوعسکری موجود است »
« که به اجرا کردن مکافات جرائت ومردانگی نشان . ودفع »
« کردن اشتباهات کن . ومداوا کردن زخمهای آن هم کوشه »
« فعالکاری اجرا بکنند .

« عارض ایشی ! — یعنی پرچمدار !

« یا مخاطر ظفر . ویا پسر رسانیدن وبجا آوردن بالدوظیفه »
« بسیار بزرگ همه نابه واقرا . وجه هموطنان خودرا مسرور »
« ومتفاخر بسازید . حضرت ذوالجلال جل وعلا توفیق خودرا »
« همه جانبان رفیق بگرداند .

امضا

ناظر حربیه ووکیل سر کوماندان
اردوی همایونی
فریق اول
ناظم

(خلاصهٔ خبرهای محاربه)

اخبارهای ترکی وعرب که جانب بادارهٔ مارسیده جنان معلوم میشود که سنان دیاغ آبری که دراخبارهای انگلیزی نوشته شده است چندان اعتباری ندارد . خلاصهٔ آن اخبارها درباب محاربه ترکی وبالقان ازقرار ذیل است :

سپرعلی پیشقدمی که دولمار بهٔ مذکوره غنایم حاصل کردند ازین بود که سپاه اعدای مقابل دشمنان بعدیگر وراههای متلاقی شان مانع یکدیگر زده لشکر خود تانرا بدفاعی یکدیگر رسانیده نتوانستند . حالانکه دولت علیه عسکر جرار بسیاری درآناطولی بود که رسانیدن آنهارا بمحاربه بسیار زمان متوقف بود . ولی درینوقت که بالبالیا صلح شده دوزاه بحر باز کردید ازهرطرف عسکردرجوع شدست . وبخارجه‌های قطعی ولازمی هنوز بعضاری بناپور خواهد وکمامید .

هرقدرعسکری که ازعثمانیان تسلیم شده بودند دست بخارها گشاده وبصوفیه اورده شده اند . اکثر آنها ازعساکری هستند که بمدافعه وطنیه دولت علیه ازبرای فداکاری خود کرده اند .

خبرهای مذکور درسوفیه اعتراف کرده اند که ما درجات هیچ که بروی برادران دینی بخاری خود نینداخته ایم . وچون برادران بخاری خود ازبدو تدبیر همانهم خودرا تسلیم کردیم . اینهم یکی ازکارهای غلط حکومت مشروطه بود که اردوی صاف وخالص خودرا اینگونه غدامر مقوله غلوط ساخته اند . عساکری که بدست یونانیها وصربها اذعان نموده اند .

تکراف خصوصی

(الزیدالغرا)

۲ تموز — بعدازانکه در (یلدر حصار) یك مظفریت عظیمهٔ بلامیه حاصل شد عسکر بسوی بیاك هیوم رده جناح چپ دشمن رامنهزم کرده وخطوط عالیهٔ دشمن رسیده اند . واسلحه وذخیره بسیاری بدست اردوی عثمانی درامد ودوایا عسکر پیش میرود .

غیرازانکه اردوی عثمانی رموقعهای خودقایم واستوارند حمله های متواتره نیز پدشمن میکنند .

فرقهٔ عسکریهٔ (محمود مختار پاشا) یك فرقهٔ بلغاررا سراسر شکست فاحش داده طوپ واسلحه وذخایر بسیاری بدست اورده است .

همه عساکر عثمانی او امر قطعی گرفته اند که سردوباره بهجوم آغاز نمایند . عساکر عثمانی تدریجاً ازهرطرف عسکر بلغاررا احاطه میکنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 459 of 1786

محاربه های دروز وامروز آنقدر شورانگیز ودهشتناک بود که تصور آن انسانرا بلرزه می آورد . افسوس به انسانی گو بگلو محاربه کرده اند . ولی نجاح دفوز طرف عثمانی بود شدت این محاربه والزین تصور پیدا کرد که دوازده هزار بروح به استانبول آورده شده است .

(جنیف مکتوب)

۱۹ اکتوبر سنه ۱۹۱۲ میلادی

جانبمی

بسیار محزون خواهم شد اگر مدة کوتاهی را در جریدهٔ خود شائع کنید که مجلس مستشرقین در دارالفنون اوکسفورد بیوم شنبه دوازدهم اکتوبر سنه ۱۹۱۲ ع منعقد شد . سید رضا صاحب از جزئی کالج (یکی از مدارس عالیه) صدارت اجلاس نموده ورقی تجاویز مرقومهٔ ذیل متفقاً امضاء نمودند :-

۱

اینکه این مجلس مستشرقین مدرا کنونه بشدت تمام اعلام نارضامندی میکند واظهار غضب سخت ترین مینماید برین محاربهٔ بیمدادانهٔ دوم که بوجوده بعض غیر متمدنانه دولت ترکیه را در آن افکنده، غیر ازینکه آن هنوز در پنجهٔ جنگ وحشیانهٔ ملل نرانیت مثلا میباشد ، مجلس ازین هم بیشتر صدمه وحیرت خورده است برروال عظمی واقوام گرمی که آنها حمایت اینچنین حمله های ظالمانه می ورزند بویژه یک واحد وتنها ملت متمدنه ومن ذالک ظاهر میبود که برای مقاومهٔ هلاکت‌فجایه اوربا سعی متحد واتفاق خلیه بدست گرفته است

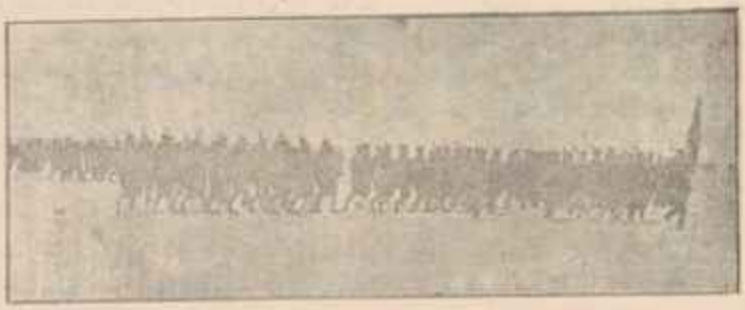

(از ناظر کلای عصری) عرض عساکر زاده پاشا (دوا کری)

دیگر دال مجلس این هم حسب وآرا بزور اظهار میدهد که نظر برداخت کافهٔ فی قدم چنین عداوات ومقالات که جواز داده نشود .

ب

اینکه این مجلس مراسلات تام و اکمل بخدمت سلطان المعظم و سلطنت عثمانیهٔ عظمی میرساند در اثنای محاصرهٔ شان که عثمانیه عساکر اعدا رو داده . مجلس اظهار کامل خودرا اعلان مینماید در عساکر ظفر مآثر عثمانیه ورای مبارزان ترکیه هر قسم فوز و مرام و فتوحات بالاحتشام را خواهان است مجلس نیز به پیروان صادق رسول اقدس ودال ترکیه اثبا مینماید که دولت ترکیرا حق اوضع بوجه احسن تامین کنند .

ج

اینکاین آرای فوزه دار الاقامت تمام اقوام فرستادمشود وبحکام ترکیه مرسول گردد .

جزئی کالج (از مدرسهٔ دانهٔ عیسوی) اوکسفورد — انگلستان

عضو مجلس ناظر الزاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 460 of 1786

اخبار مارشالت پوست مؤرخه ۱۳ نومبر مطابق ۱۰
شهر ذی‌الحجه‌الحرام سنه ۱۳۳۰

(کوایف افغانستان)

از مخابر خودما

(افغانستان مورخه یکم نومبر) یک جدید غزنین یکی از خوبترین صنایع مهنده سی در افغانستان می باشد — گام یک بالای بنی (خشت) یکمی بند چسپم ترسیده وازان رو فرستاده، نی توانم — این امر بلا اشتباه موجب دلچسپی ما خواهد بود که یک جدید رجای سابقه وتاریخی لعمیر نموده شده است — قرار یک روایتی عمر بن لیث در ازمنه سابقه دربنجا یک بند بنا واباد نمود وقرار دیگر سلطان محمود بن سبکتگین بانی آن بنموده لاکن دروقت حاضر چند آثارات معدوده بنه سابقه نمایان می باشد اگر چه شك نیست که اگر بند مذکور معمور نموده نمی شد دیگر آبادی وترفع الشان که در عهد سلطنت سلطان محمود باعث رونق وزینن ولایت غزنین گردیده بود قطعاً بنا نموده نمی شد ازین واضح ولائح است که همهٔ عظمت سابقه غزنین در معموری بند مذکور انحصار داشت وچون بند نزل پذیرفت آب وتاب شیر غزنین وعمارات بی نهو ومفقود شده رفت و اطال لها بجهت الساط عظمت گذشته غزنین بود که تاجدار غیاث وبیدار مقر کار مهمهٔ معموری بند مذکور را بذمهٔ خودگرفت — مصارف و مخارج این کار (مهمهٔ عظیمهٔ) مبلغ سه لك روپیه تخمیناً گرفته شده است که ازانجمله سه حصه از اعانهٔ عمومی فراهم و باقیمانده از سرکار افغانستان عطا نموده شده است عوام الناس آبادی بند مذکور را خیر مقدمش نموده خیل و نمان گردیده — چیف انجنیر (مهندس کلان) عبد الاحد خان می باشد فقط (تخمین مخارج مبلغ سه لك روپیه ثانیاً بسای ترجمان اخبارات انگریزی)

(سراج الاخبار افغانیه)

همعصر ما اخبار مارشالت پوست انجنیر بند سراج غزنین را جناب عبد الاحد خان گفته است حالانکه عبد الاحد خان بوظیفهٔ انجنیری بند مذکور تعلق ندارد . بلکه مهندس کلان فن معماری آن (صنتر میلر) نام یک مهندس انگلستانی میباشد که در دولت علیه خداداد افغانستان مستخدم وموظف میباشد ایضاً بهیندر تصریح قول هزار همصر خود ظهور شدیم .

(از رفیق محترم اخبار چپره تلفوناً نقل میشود)

(قوای جنگی مجتمعه دول بالکان وعثمانی)

قوای متحده اینکا کنون (۲۸ ذیقعده) در حدود کرمتحده جنگی از اثنان ودول چهارگانه بالکان جمع گردیده بقرار ذیل است ولی خبر جنگی تیمس لندن تلگرافاً خبر داد که امکان تا آخر اکتوبر — ۲۱ ذیقعده ۱۳۳۰ هفتصد هزار قشون در ساحات شمال تحت السلاح موجود خواهد گردیدچنانچه شبانه‌روز از اسلامبول یازده هزار نفر حرکت میکند وهرقدر از قوای دول بالکان کشته گردد بر خلاف بر قوای عثمانی افزوده میگردد بواسطه نزدیك بودن باسلامبول بشرط انکه این قوه را تا آخر ماه بتواند پر ساخت والا مشکل است .

اسم دولت	شماره سپاهی
عثمانی	۵۰۰،۰۰۰
بلغارستان	۴۰۰،۰۰۰
صربستان	۲۵۰،۰۰۰
یونانستان	۱۲۵،۰۰۰
قره داغ	۳۰،۰۰۰
جمع کل یکملیون سیصد وپنجهزار نفر	

(فاصله ریلی نقاط دول بالکان تا اسلامبول)

از آنجه ریلی تفت یونان تا اسلامبول یانصدوهفتاد کیلومتر واز استانیه ریلی تفت قره داغ تا اسلامبول ۸۶۰ کیلو متر واز بلغراد ریلی تفت سرب تا اسلامبول ۸۶۵ کیلو متر واز سوفیه‌ای تخت بلغار تا اسلامبول ۵۲۰ کیلو متراست وازدیکتزن حدود دول چهار گانه سرحدات بلغارستان تا اسلامبول که یکصدوهفتاد ودو کیلو متراست (یانصد کیلو متر مطابق است) یا (۹۵۷ درع شاه)

(همدردی ومعاونت روسیا بدول بالکان)

از آغاز این جنگ ملت روسیه خصوصاً صلیب احمر روس بتاسیات هر مذهبی با دول محاربه بالکان مالاازدیك یکصدوپنجاه هزار لیره ارسال فرستاده اند وهفتاد هزار داو طلب از روسیا بدول بالکانیا ازروسیه حرکت وخودرابمیادین جنگ رسانیده‌اند وقریب دویست تفت خراب بیاد واسباب جراحی وچندین نفر حکیم وزن وصرد پر ستار وصلیب احمر روسیا بشهرهای بالکان فرستاده اند این است معنی همدردی ومتعاونی .

«مقاله مخصوصه»

«علم ما محدود بگوئیم یا غیر محدود ؟»

نمیدانم که چه بگوئیم ؟ زیرا گاه گاه چیزی گفته نمیتوانم ؟ اگر بگوئیم به بعضی جاهلان میرسم که خودرا هم گم میکنیم . مثلاً اگر بگوئیم که (علم) یعنی دانش است آنوقت دانش عبارت از دانش همچیز خواهد بود ؛ اگر دانش اشیای کائنات مراد باشد یکی از جملهٔ اشیای کائنات فضای کبود قایست که بر سرما

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 461 of 1786

سایان دارد ، وما آرا (آسمان) میگوئیم ، مادامکه غیرمحدود بودن آن ، وغیر قابل بودن شمار کواکب درخشان آن ثابت است .

درباب وسعت غیرمحدودهٔ این فضای بلا انتها ، از ابعاد بین دورپهای سیاراتی که در (مانشمسی) پیرامون همین آفتابی که مارا وکرهٔ زمین مارا بضیا وحرارت خود جاذبی میکند بحث نمیراییم ، چونکه دور ترین سیارات مانشمسی (پلتون) نام سیارهٔ ایست که بقدر یک میلیار فرسخ ، ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ، از کرهٔ زمین مادور میباشد که ماموز این وسعت حدودرا درباب وسعت سیارات بعد بعیدی نمیشماریم ؛ بلکه ازانهم یکقدری دور ترند ، ازانجا یکسیاری برمحدود بودن وغیر محدود بودن فضای بلاانتها میاندازیم تابینیم که یکیاهمیریم :

فرهیخت بگوید : هرکوکب درخشان ثابت که درجولا پتیاهی بنظرما برمیخورد یکیک خورشیدیست کهانبوای ذاتی خود مانند اراست یعنی غیراز ستاره‌های سیار دیگرهمه ستارگان ثابت که دورشان دیده نمیشود هرکدام یکیک آفتابیست مانند همین آفتاب درخشان معلومی که آرا می بینیم . از قرار تحقیقاتی که ذهناً بعمل آمده همین شمس‌ما یاهمه علم خود یعنی سیارات خود دایا بسوی یکی‌ازان اندا بهاییکه جوسیارا محلولات ، وتعداد آن غیرمحدود است رفتار دارد . وآن شمسی یعنی ستارهٔ ثابت که دراصطلاح فرهیخت آرا (رجل‌الدئورس) نام‌نهاده‌اند نزدیکترین ثوابت یعنی آفتابیست به آفتاب ماکه از بعد مسافهٔ هفت هزار ملیار ، ۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ، فرسخ برماشعاعات نعمار خودرا بشکلیک مینجهٔ زرینی میساند ، تبار هفت هزار ملیار فرسخ بزبان بسیار آسان می آید ولی‌حقیقت آن بچزبیان کردن یکدومثال معلوم نمیشود ، خلاصه اگر یک قطار ریل بسیار سریع دانه که در هرساعت ٦٠ کیلومتر مسافه را طی‌کند ، وی آنکه هیچ کندی کند ، وتوقف‌نماید برپک خط مستقیم سرراست بسوی نزدیک ترین ثابت‌ها یعنی (قنطورس) نام آفتاب بیلندرتار بزرواز‌ناه دایمی انار ، بمدار شصت ملیون ، ۶۰۰۰۰۰۰۰ ، سال به آن رسیدان تمکن میشود !....

شصت ملیون ، پی‌شش کرورسال ، چقدر یک عمرکوتاه بقول مذبور مؤرخ‌بنازمان هبوط حضرت‌اونا آدم‌علیه‌السلام تاکنون ، ازهشت ماه ، هزار سال بلندزمان مرور نموده است پس تامل کنیم که شصت ملیون سال‌تاکیجاها توسیع دامان دارد !... یکمثال دیگر نیز درباب بعدمسافهٔ نزدیک‌ترین آفتابهارا به آفتاب خودمابیان نمائیم :

سرعت یک‌ثانیهٔ بسیار بزرگی که بقدر دوخط سرعت صدا باشد ، پی‌دریک ثانیه (٦٨٠) فرسخ را قطع کند ، وچنین سرعت به آسمان نوردی آغاز شود ، باین پیچه‌نگ‌ترین کوچات که نزدیکترین آفتابهاست به‌آفتاب مادر مدت پانزده ملیون (۱۵۰۰۰۰۰۰) سال رسیدن لازم می‌آید ، وچون‌درانجارسیدن ممکن‌شود ، وازانجا بسوی آفتابما یکنظری انداخته شود این آفتاب باین جسامت وروشنی بچزیک مینیه‌گنگ کوچک زرینی دگر بچزی دیده نمیشود ، وسیارات این آفتاب‌مانند دارد کرهٔ ارض ، زهره ، مریخ ، مشتری زحل ، اورانوس ، پلتون بسبب بعدیت مناظر باخود آفتاب چیزیده ودرمیان شعاعات آن بدرجهٔ غیرمرئی غایب شده رفته‌اند .

حالا می‌بینیم گهیک ذره از ذرات کائنات که آنهم بقدر یک مینیه‌گنگ کوچک‌درخشانی‌بنظرمیشود وعبارت از (زحل الفنطورس) نام ثابتیست که از ستاره‌های ثابتهٔ (قنطورس) نام برجیست از بروج فلک ، ونزدیک‌ترین شمسی‌ست بشمس ما از شمسهای‌لایعد ولایحصائی که درجوفضای بی‌انتاجولان‌دارند باین‌قدر غیرمحدود پنداشته‌میشودیم ، حالا که تعداد این آفتابهای عظیمهٔ که هریک منابع ، ضیا ، وحرارت ، والکتریک ، وجاذبه میباشند غیرمحدود است ، پس هرکاه علم‌مارا از دانستن وعلم آوردن واقعیای کائنات باشد این‌است انتهاپیابند ، تحدید نمایند !...

که نه خواهندشد که (علم) مارا از آسمان تازی نیست چراکه گفته‌اند : « توکار زمین را نکوساختی : کهاآسمان نیز پرداختی » مارا بعلم‌آوری ودانستن این‌قدر مسافات بعیده چه ضرور ، علم همین‌است که واقعیای موجودهٔ‌همین‌زمین‌خود علم پیداکنیم وبدانیم .

بلی ، بسیار صحیح است ، زیراهیم ومساحهٔ سطحیهٔ کرهٔ‌زمین محدود است ، ومانند فضای لایتناهی که مانند سیارهٔ زمین‌ما به کرورها کرورملیار کرهٔ‌مارا در جیب‌دارد غیرمحدود گفته نمیشود ولی واقعا که درین کرهٔ‌کلک محدودهٔ خود نیزچنان چیزهایی برمیخوریم که علم‌مارا الی‌غیرالنهایه‌باخود کشیده میبرد ، وچنانچه علم‌مادر جولایتناهی کوشش میکرده ، درهمین اشیای زمینی نیز همچنان غیرمحدود میماند ! اگرچه علم‌هنوز مارا بدانستن حدود کرهٔ‌ما ازقطبیهٔ‌نسبطولاً نیزموفق نساخته ، ولی‌مااز‌این‌هم‌صرف نظر کرده ، رویک فرازی‌مانند ذروه‌های بلند کوهای (هالایا) که بعضی‌ازان ذروه‌ها تابه‌هزار متر‌ازسطح بحر بلندی دارد ، یک تشبیه‌مانند عاکها ورگهای قعرهای بعضی‌جاهای بحر محیط که تا بربعضی روایتها تابه بیست وپنجهزار متر عمق دارد بالا وپایان نمیتوبم ، ودرپی احوال روحیه ، وتحالات‌نوعیه ولسانیه واخلاق وعادات واطوار وطرز معیشت جمعیتهای امتانه واقوام واجناس وادیان متنوعهٔ پکنوزملیار (۹۰۰۰۰۰۰۰۰) نفوس‌بشر‌از‌علم‌دوان نمیکنیم ، ازملیارها حیوانات درنده وبستاردار وازملیارها حشرات‌زنده ، واز ملیارها ملیار حشرات‌وهوا‌پرنده وخزنده ، وازملیارها ملیار حیوانات بحره نزبحث نمیاریم !

و در اجزای ذریهٔ ذرات متراکمهٔ اجسام غیر معدودهٔ زمین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 462 of 1786

وحرکات میکانیکیه ، وترکیبات وتحلیلات کیمیویه وحکمیه اجزای فردیه اشیای این کره نیز لسبق فکر واندیشه نمی کنم ، بلکه تا اگر بسوی (میکروب) نامرئی بسیار کوچك و حقیری که از کوچکی بسیار بچشم نمیآید وبواسطهٔ آلات خورده بینیه (میکروسکوپ) دیده میشود یك توجهی بقایم خودرا سرامر گم وضایع نکنیم :

در یکقطره آب صاف اگرما (میکروسکوپ) نام آلهٔ نی نظر کرده شود بهاشام واشکال مختلفه بیزاران حیوانات جاندار غریبه مشاهده میشود که آرا (میکروپ) میگویند . اینك باز نگریست که اگر درین مادهٔ آرایش جاندار جولا بشاق وسیع وفراخ می یابم که اذهال غیر النهایه دران سیران ، و جولان میتواند .

بعضی ازاهل نظران حقایق بیان این چیز ها راخارج مادهٔ محدودهٔ پنداشته حقیقت (نور) را عبارت ازین وجود بی پایان اقدس خلاق عظیم الشان جهه کاینات ، ودانسته حقیقت آن واجب الوجود همه موجودات جلت حشمت میگویند چرس ؟

سبحان الله ! الزاید محدود بودن نعمای لایتناهی بیان کردیم علی بذا جان آن بحر محیط بی پایان وجود بی انکران رنك رنك غیر محدود گردید ! حاشا آنکه این موجود بی پایان ، واین وجود وفراخ عظیم الشان که عرضه میدارد ، ودر حاشیه حضوری دراید در تعداد واعداد این محیط پهنوم درنیاید ، بلکه بصدها هزار بیشمار نسبت به آن لایعد ولایحصی محیط نامتناهی اولین وآخرین نقطهٔ کوچك موهوم میگوییم آیا کدام فرد بشررا یارا وکدام عقل وذهن را توانا که بتحدید حدود آن مبادرت کرده و ترصید غیر محدود آن جلالت وابهتلا جرأت تواند ، وچه تعداد وشمار آن جنود غیرمحدود رب عظیم ودود جسارت ورزد ؟ .....

حالا خودرا بینیم که آیا دراحدود بگوئیم یا دراحدود ؟ ودر نظی که زخیر بند کرده ، ورای دانش حقایق اشیای ثابت هیچ یك مقیاس تحدید وتعدادی بدست نداشته باشد آیا چسان غیر محدود گفته شود ؟ امام غایالی نیزیه (تکس العمل) بظهور می آید که آن نازیه نوشتن یك مقالهٔ مخصوص دیگری موقوفست . چون وقت نداریم آن بحث را وقت آخر تعلیق نموده تنها درین قطعهٔ عارف مآلی راز حضرت سعدی شیرازی خودمانرا خاتمه میکنیم :

قطعه

ای بر تر از قیاس وخیال وگمان وهم
وز هرچه گفته ایم وشنیده وخوانده ایم
دفتر تمام گشت و بآخر رسید عمر
ما همچنان در اول وصف تو مانده ایم

(ایضاً حوادث خارجیه)
(آخرترین خبرهای محاربه)

—(خبر های حرب)—

از مصر مورخ ۲۰ برای اخبار ذیل از طرف جانبعلم رسید که :—

ترکان روز یکشنبه (۱۷ نومبر) وقت نیم شب پیشقدمی کرده در موضع بالا دوباس مصروف شدند . بامدار لشکرهارا بخطوط سرانسنگی حال کرده روبه ترقی نهادند . از حالت الموجوده معلوم می شود که از پیشقدمی کردن بر فوج میسرهٔ ترکی (در لی عربهٔ مارمورا) بالکل ماموشده اند چرا که توپهای ترکی باسمال تمام بخطوط ما از پیشقدمی مانع می آید . بنابرین بامدارپان ازجانب خود یك قدم هم پیش رفته نمی توانند .

—(تائید مطالبهٔ استریا)—

(بامدار ۱۹ نومبر) سفرای جرمنی وایتالیا به وزیر اعظم مروه کرده اند که سلطنت عثمانی ما درباب مطالبهٔ توسیع قلمی وسرحدیه تائید خیالات استریا میکنند وزیر اعظم مدکور بجواب نامه گفته که قبل از اختتام جنگ جواب قطعی داده نمی شود .

(گفتگوی مصالحت مفروضه)

قسطنطنیه ۲۰ نومبر — باعمال برای گفتگوی وکلای بلغاری بتاریخ ۲۹ نومبر وکلای خودرا مقرر خواهند کرد (خواهش مصالحت) پیشه از جانب مغلوب بظهور میرسد) .

(راز گفتگوی مصالحت مفروضه فاش گردید)

قسطنطنیه ۲۱ نومبر — باعمال شرائط بلغار را نا منظور کرده برای تنظیم بنا حکم داده است که کار روائی جنگ جاری داشته باشد .

صوفیا ۲۱ نومبر — حکومت بلغار برای باعمال اطلاع داده است که شرائط ما هر گز قطعی نبوده طریق پیغام آخری است که باعمال بر آن عبور کرده بلکه باعمال اختیار کلی دارد که اگر شرائط بلغاری را پسند خاطر یافته بمقابل آن شرائط خودرا تحویل نماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 463 of 1786

ادبیات

غزل

امروز که ظاهر بود آثار ترقی
فال منتظر یکدلی ازکار ترقی

درعهد شبینه چیز آثار نزاد
هرکس که نباشد پی کردار ترقی

چون نقش قدم جاده شین گشت درین راه
هرکس که نگردید هوادار ترقی

سرمایهٔ عزو هراندوز که تاید
حاصل نبود سود بازار ترقی

پی هر هو دنیهٔ بان که نبودند
رفعت طلبان ازهر اظهار ترقی

شاهنده آفاق جهاندار جوان بخت
گوفکر بادر تعدد معمار ترقی

چون اوه کری نیست هوادار تمدن
چون اره کری نیست خریدار ترقی

درعهد توای خسرو آفاق گرداست
آفاق جهان سربسر اخبار ترقی

درفکر سایع بودت روز و شبان صرف
تاکشف شدت اسرار ترقی

شعر من و جدل تو گرفته جهان را؟
درومف تو کفتوزدن اشعار ترقی

خوش باد دلو طبع توصانی بعدل
ای طبع تلد تو سزاوار ترقی

(بشریف سراج الاخبار)

هرکه شد واقف اسرار سراج الاخبار
اوبجان است خریدار سراج الاخبار

دلبار بود ازحسن و جمال خوبان
خطو خال اوو رخسار سراج الاخبار

میل صبا نکند انکه بکاهش برسد
حرفهٔ سائر سرشار سراج الاخبار

کان یاقوت و درو لعل خجالت دارد
از معاین کهر بار سراج الاخبار

هرمتاعی که ترا هست هوس درعالم
میتوان یافت بازار سراج الاخبار

چون کل ازباد صبا غنچه دلهای کشاد
میشود کازه زگلزار سراج الاخبار

ترزبانات جهان خواهش کلچین داری
روبه لشارهٔ کلزار سراج الاخبار

آفرین بر نگران و بمددرس که بخوش
بدلو جان شده دلخوار سراج الاخبار

پی سفر درحضر خویش بکلی آفاق
میکنی سیر زآثار سراج الاخبار

خیزدبو زدبو روبرو همه دولها
میرسد بانوز اخبار سراج الاخبار

پیش ازین چشم دل مردم افغانستان
بود بی پرده زدیدار سراج الاخبار

از عنایات شهنشاه سراج الملت
شد بافغانیه اظهار سراج الاخبار

شاه دین دور خوش نیتیر خلد خصال
نیر اسلامو مدکار سراج الاخبار

خسروی آموزی انکه زمکی رویش
رونق مشعل شده انوار سراج الاخبار

ملت دولت اسلام ترقی ها کرد
در زمان شه مختار سراج الاخبار

بس کیا لاند و مستایم که غیر دولت
کرد ایجاد چو غمکار سراج الاخبار

مخلص از کنج معان بودت مقصد دل
جمع کن کوهر شهوار سراج الاخبار

(سلطان صدقی)

حبس خانه های امریکا

معلوم جمع عالمست : که قطعهٔ جدیدهٔ (امریکا) بوجودیکه زائار مدنیت ، واصول مبادی انسانیت سراسر محروم ویی بهره بوده مت چند عصر پدینطرف ابوه وحشت وبدویت السرزمین بجان تمدن وترقی تبدل ورزیده که حقیقتاً انسانرا واله وحیران میسازد . درینوقت حاضرا کثر اختراعات عجیبه وکشفیات غریبه ازان سرزمین روی کار میاید .

ازجمله ترقیات عجیبه ، واختراعات غریبهٔ آنسرزمین یکی از اصول حبس ومحبوسین آنقطعهٔ ترقی کین است .

درشهر (نیورك) که مرکز تجارت مالك ومتمدنهٔ امریکای شمالی وشهر معمور بسیار عالیست محبس کبیر بسیار جسیمی موجودست که به اسم (آلبرا) تسمیه میکنندش. این محبس بهانتساب سه هزار محبوس جسامت دارد کدر نظم ونسق نیز بر عجایب جمیع دنیا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 464 of 1786

فوقیت بهم میرساند . محبوسینیکه درین محبس ادخال میشوند البته ازروی قباحت وجنایتیکه مخالف آداب واخلاق هیئت اجتماعیه باشند گرفتار عقوبت وتنکیل عازات قانونیه گردیده بدین محبس الفامیشوند . حالانکه چون دردرون این محبس داخل کردند بعد از چندی هریك ازایشان معلمان علوم وفنون متنوعه ، وساحبان اخلاق حسنه گردیده بیرون میآیند .

درحبس خانه مذکوره ازطرف حکومت درخصوص هرعلم ، وهرفن وهر صنعت معلمان متعددهٔ مخصوصهٔ متعددند کههریك از محبوسین رابامقدار میل وفطریش دیدمدر آن علم وعمل تعلیم مینمایند کهازین سبب هم مردمان باخلاق قبیح الاطوار نائل سعادت اخلاق و آداب میگردند ، وهرمملکت وملت ازثمرهٔ تحصیلات علوم وفنون ایشان بهره ور وکامیاب میشوند .

محبوسین مذکورهٔ مدعوهٔ محبس آنرا ازطرف مدت جزائیه خودشان برصنوف مختلفهٔ متعددهٔ تقسیم میشوند ودر آنجا هرصنف بفنون وصنایع متنوعهٔ مختارهٔ مشغول تحصیل وتعلم میگردند . وهریك ازین محبوسین احوال سنویهٔ خویشتن را ازروی محصلهٔ خودشان که در درون محبس اجرا داشته اند علی وجه السحه یکم وکلست درقیدتحریر درآورده مکمل بکتابچه جداگانه نیز بدیدان میرانند .

محبوسین محبس آنرا خودشانرا بنام محکوم ومحبوس یادنمیکنند بلکه باسم (پنسیونر) یعنی شاگردان مکتب داخل توسیم مینمایند که اگر بنظر انصاف نظر کنیم سزاوار این اسم هستند . درسنه گذشته ازروی ایستاتستیق ؟ در محبوسین محبس آنرا اجرا نموده اند چنان معلوم میشود که ازجملهٔ هزار وچهصد محبوس موجوده هزار ودوصد نفر دربیست و شش نوع صنایع ازازمهارت کرده اند .

محبوسین مدعوهٔ محبس آنرا برتنزیل مدت جزائیهٔ خودشان موفق هم میتوانند شد . مثلا اگریکی از محبوسین بجزای حبس شش ساله محکوم باشدهرگاه اصلاح نفس وصنعت ومهارت خود شرعاً وعملاً به اثبات رساند میتواند که حبس شش ساله اش را بدوسال یاپنسال ویا سرا ، رازدی تنزیل وتنزیل بدهد ، هرگاهیکه یکی ازمحبوسین وجدانموصورت احسن هرومعرفت خود رااثبات میکند انگاه ازطرف مدیرمحبس چندگاه ازدیانت واخلاق حسنه اوتقدیر نموده وشهادتنامهٔ بدستش داده ازدادش میکنند .

حکومت اکثرملزمهٔ عسکریه ، وسائر اشیای مقتضیه را نیز بواسطهٔ صنعت ومهارت محبوسین مذکور بعمل می آرد که ازین دوهرسال بالغ بدو بیست هزار فرانک درخزینهٔ دولتی تصرف حاصل میشود .

(انتها)

ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی (علی احمد خان)

ناموران جهان

(مابعد از نمبره ۵ سال دوم)

والخاصل ازهرلحاظ نظر که دیده شود جناب ملکه (الکساندره) یك ملکهٔ بزرگیست که جداً لایق بزرگی انگلستان بزرگ میباشند . [اقتباساً ترجمه از (عباس) نام اخبار زنانه]

آلتوال — یك دایرهٔ قابله بود که در تاریخ ۱۷۰۰ میلادی در خطهٔ (شارتره) فرانس تولد ، ودر سنهٔ ۱۷۵۳ در پاریس وفات کرده است . محرره یك زن بود که بعضی ناجمه های خوبی نوشته است .

آلیکس — ملکهٔ فرانس بود ، در اصل دختر قونت یعنی خان ایالت (شامپانیا) بود ، در سنهٔ ۱۱۶۰ میلادی با (لوی هفتم) پادشاه فرانس ازدواج کرده ملکهٔ فرانس شده است . وچون شوهرش بمداریهٔ اهل صلیب حرکت آلیکس را وکیله حکومت نموده بود ، نجو بصورت ادارهٔ مملکت را کرده بود ، در سنهٔ ۱۲۰۹ میلادی وفات یافته است .

آمازون — در تواریخ یونان قدیم مذکوراست که در طرفهای شرق جنوبی بحر سیاه یعنی در جوار (لازستان) آمازون نام یك قومی بود که صرف از طایفهٔ زنان مرکب بودند . درایام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 465 of 1786

این طایفهٔ آمازون روایتها وحکایتهای عجیب وغریبی روایت میشود.
مویا در زمان پیشین در همین نواحی لازستان یك حکومت مستقلهٔ از زنان برپابود که سطوت وشوکت آن دولت زن شرقاً تا ممالك (آتور) وغرباً تا به بحر جزیره ها ممدود شده بود. هیچ یك فردی از افراد مرد درین طایفه موجود نبود. برای باقی ماندن ذریت ونسل خودشان درهرسال زنان جوان وتوانای آنها یك اردوی مکمل تشکیل داده بر ممالك همجواری خود میرفتند. ودر جوار آن مملکت ازدوگاه خودشانرا زده بامردان آنجا معاشرت میکردند. وچون آثار حمل را در خود مشاهده میکردند بر میگشتند. وبعد از انکه میزائیدند اگر نرینه میبود آنرا در بحری انداخته. واگر دختر میبود آنرا تربیه وپرورش میدادند. تربیهٔ حقیقیهٔ دختران این بود که آنها را بسلیشوری وسپاهیگری تعلیم وتربیه داده تمام عمر میباختند. حتی برای اینکه مانع تیراندازی شان نشود از طفلی پستان راست دختر آنرا داغ میکردند که پستان نیراید. آمازون ها چنان پادشاه هر عسکر جنگ آوری بودند که محاربهٔ خونریزانهٔ شدیدهٔ آنها با دولت یونان سرحداً بسیار بزرگ مازار شاهرها ومصور های یونان گردیده است. یك روایت شهرهای ازمیر — یعنی سمرنا. ومفسیا واقس از بناهای آمازونهاست. از ملکه های آمازون نامهای بعضی نیز در کتب تاریخه مذکوراست که یکی آنالیپ (بن لسیلیه) نام ملکه آمازون است که با سی هزار سوار جنگ آورزن بدعکاری حکومت (ثروا) آمده باحکومت یونان محاربه کرده است. دیگر (کالستریس) نام ملکه آمازون است که با اسکندر ذو القرنین ملاقات کرده است. غیر ازین آمازونهای آسیا دراقرطاغیز همچنین یك حکومت آمازون که سراسراز زن مرکب بود موجود بود که هر طرف اقرضای شمال را ضبط واستیلا نموده بودند. وبابای صغری نیز درآمده ازطرف یونانیها مغلوب شده بودند.

(حضرت آمنه)

والدهٔ محترمهٔ حضرت مخبر موجودات صلی الله علیه وسلم آمنه — دختر وهب بن عبد مناف. بن زهره. بن کلاب. بن مره. بن کعب. بن لوی. بن غالب میباشند که سلسلهٔ نسب شان بده طی سلسلهٔ مبارکه پیغمبری یکجا میشود. ازطرف والدهٔ شان که (بره) نام دارد. ودختر عبدالعزی. بن عثمان عبدالدار بن قصی. بن کلاب. میباشند. پس چهار طی پانسب شریف حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلمی آمیزد. بنابرین حضرت (عبد المطلب) حضرت (آمنه) را برای پسر خودشان جناب (عبد الله). و(هاله) بنت وهیب را که عمزادهٔ حضرت آمنه بود برای نفس خود زوج کردند. از (هاله) حضرت (حمزه) رضی الله تعالی عنه واز جناب (آمنه) حضرت مخبر کائنات ومفخر موجودات (محمد مصطفی) صلی الله علیه وسلم بدنیا آمد. جناب عبد الله ابن عبد المطلب باوجودیکه شرافت حسب ونسب را مالك ودیك دیگر اوصافهای بزرگ داشت. وسبب تزویجی که بآمنه شریف آری حضرت خاتم النبیین علیه صلوات الله المالکین بود ودر جبههٔ جناب عبدالله می تابید جلال وجمالشان افزوده بود. لهذا درمیان زنان قریش بسیاری ازآن آرزو واشتیاق شرف یابی ازدواج شانرا درضمیر ورانیدند نتائجه که بشرف آن نور احمدی نایل وسر افراز گردند. حتی باین امید بسیار از زنان عرض نفس هم کردند. ولی چون تقدیر الهی این شرف را برای حضرت آمنه مقرر نموده بود دیگری نرسید. بعد از وقوع زفاف همان نوری که درجبههٔ حضرت عبدالله میتابید درجبین حضرت آمنه انتقال نمود. در آنشب دختران قریش ازرشك بجانت ودراضطراب شدند. یکی از زنان که برای ترفیهٔ آن نور بحضرت عبدالله شتافته بود. وبابای صغری نیز درآمده ازطرف یونانیها مغلوب شده بودند.

(حضرت آمنه)

والدهٔ محترمهٔ حضرت مخبر موجودات صلی الله علیه وسلم آمنه — دختر وهب بن عبد مناف. بن زهره. بن کلاب. بن مره. بن کعب. بن لوی. بن غالب میباشند که سلسلهٔ نسب شان بده طی سلسلهٔ مبارکه پیغمبری یکجا میشود. ازطرف والدهٔ شان که (بره) نام دارد. ودختر عبدالعزی. بن عثمان عبدالدار بن قصی. بن کلاب. میباشند. پس چهار طی پانسب شریف حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلمی آمیزد. بنابرین حضرت (عبد المطلب) حضرت (آمنه) را برای پسر خودشان جناب (عبد الله). و(هاله) بنت وهیب را که عمزادهٔ حضرت آمنه بود برای نفس خود زوج کردند. از (هاله) حضرت (حمزه) رضی الله تعالی عنه واز جناب (آمنه) حضرت مخبر کائنات ومفخر موجودات (محمد مصطفی) صلی الله علیه وسلم بدنیا آمد. جناب عبد الله ابن عبد المطلب باوجودیکه شرافت حسب ونسب را مالك ودیك دیگر اوصافهای بزرگ داشت. وسبب تزویجی که بآمنه شریف آری حضرت خاتم النبیین علیه صلوات الله المالکین بود ودر جبههٔ جناب عبدالله می تابید جلال وجمالشان افزوده بود. لهذا درمیان زنان قریش بسیاری ازآن آرزو واشتیاق شرف یابی ازدواج شانرا درضمیر ورانیدند نتائجه که بشرف آن نور احمدی نایل وسر افراز گردند. حتی باین امید بسیار از زنان عرض نفس هم کردند. ولی چون تقدیر الهی این شرف را برای حضرت آمنه مقرر نموده بود دیگری نرسید. بعد از وقوع زفاف همان نوری که درجبههٔ حضرت عبدالله میتابید درجبین حضرت آمنه انتقال نمود. در آنشب دختران قریش ازرشك بجانت ودراضطراب شدند. یکی از زنان که برای ترفیهٔ آن نور بحضرت عبدالله

فاجعه های پاریس

مابعد از شماره ۵ سال دوم

نوجوان. مادام آنفورا یك خدمتکار قوشنی فلوتیله کیان کرده بود که:

— تقریباً گفته میتوانید که مادام لافوئس دوراندال درکجا میباشند؟

— درعجالت، موسیو آیا ذات اختیار فرموده به اوتکل من تشریف می آرید؟ مادام درپیش من مهمان هستند. درحق شان بدرجه نیکه ممکن باشد آنا دقت واهتمام روامیدارم. آیا ذات عالی شما جناب قونتی که امروز صبح برای شان مکتوب فرستاده بودند میباشند؟

— بلی همان آدم منم.

— چون چنین است بفرمائید که شمارا درنزدش ببرم زیرا شمارا بسیار انتها انتظار میکشد. جلك شوید موسیو.

شما دراول اسپانیا بگوئید که آیا براستی حیات فوئس درتهلکه است؟

— بلی گمان قوی دارم که در تهلکه است. بیچاره زن!... میترسم کهپش ازشام جانش بانجام برسد. خودتها تصور بکنید. یك وجود ضعیفی که غربا والمهای دنیا آرانیابند رجماً ناتوانی رسانیده باشد وباز برسر آنهمه ازتأثیر جنان واقعهٔ مدهشهٔ تیکه وجود های بسیار سالمی نیزه آن مقاومت نتواند ونتیجه حل کند آیا چه خواهد شد؟ البته خواهید دانست که از کدام واقعهٔ مدهشه بحث میرانم؟

— نی من ازهیچ واقعه خبر ندارم...

بنابرین مادام آنفورهٔ وقوعات رانتل وبیان نمود. وموفونت نیز ازین واقعهٔ مدهشه حیرت کرده خیلی متأثر گردید. مادام آنفو باز سخن خود دوام نموده گفت:

— خلقکش خوبست. اما حیات واقعه اش جداً درتهلکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 466 of 1786

عرض نمی کرده است (رقیه) نام دختری عربیست که همشیره (ورقه بن نوفل) میباشد .ورقه یک کسی از مردان عاقل وکامل خورده سال عربیبود که همشیرهاش رقیه بارها اززبان گوشنیده بود که بدین زودی یکنبی آخرزمان تشریف خواهد آورد. واز صلب هرکس که آمدنی باشد درجبین آن شخص یک نور درخشانی نمایان وتابان میباشد . لهذا رقیه مسافرت اختیار کرده فوایان راگشت وگذار میکرد تاآنکه بحضرت عبدالله برخورده از ناصیهاش آن نوررا تابان یافت . لهذا برای محمل شدن آن نور مکرم به عبدالله اگرچه عرض حال وبی وعده های مال ومنال نمود . ولی عبدالله بناربا کدامی که داشت ابا ورزیده تکلیفش را به این دوفرد عربی رد نمود :

اما الحرام فالحمام دونه والحل لاحل فاستبینه
فکیف بالامر الذی تبغیه یحمی الکریم عرضه ودینه

معنی اجمالی آن این است که درزد اهل عرض وشرف هرگز نیست به حرام استراحت . خواهم مرد . ولی حرام را درانکاب نخواهم کرد .

چه شرف . وچه سعادت برای حضرت سیده (آمنه) که محل آن نور بدیع در جنان . وشاهد قصر هردوجهان گردید. حضرت(آمنه) جانبه محاسن طاوسیرت وصورت راماندکه چون همپهلوان در حرمپای خم وآواب نیز همتاز بودند که بعضی ازاشعار فصیح وبلیغ ایشانرا از (مشاهیر النسا) نام کتاب مستطاب نقل مینمائیم :

زوج مکرم شان جناب (عبد الله) نوزحضرت خاتم الرسل علیه الصلوات والسلام در رحم مادر شنیده بودند که وفات یافت. این چند بیت از مرثیه ایست که در وقت ارتحال نوشهر خود حضرت عبد الله انشاء نموده اند :

هنا جانب البطحاء من آل هاشم
ویجاور لحدا خارجاً فی الصمائم
دعته المنایا دعوة فأجابها
وما ترکت فی الناس مثل ابن هاشم
عفیفة راحوا یحملون سریره
تعاوره أصحابه فی التزاحم
فأن تک غالته المنون وریبها
فقد کان معطاء کثیر التراحم

معنی اجمالی آن این است که : — بطحاء یعنی اراضی مکه مکرمه از آل هاشم خالی ماند . یعنی در میان آل هاشم دیگری که جای ترا بگیرد چون نیست از آرو درون مکه سراسر از آل هاشم خالی مانده . ازخانهٔ خود درمیان کفنپوشیده شده رامنزله وبه لحد مجاورت نمود .بدعوت موت اجابت نمود .بامامونت بجای او بالتمثال دیگرش در آل هاشم نگذاشت . وقتیکه نعشش را برداشته میبردند . اصحاب وبارانش یکدیگر وازدحام دست بدست او را میبردند . اجل اورا بغفلت گریبان گیر شد . لکن مردمان اسف علیه میکنند که عطائش بسیار . وکریم ورحیم یک ذاتی بود .

در (مواهب لدنیه) نام کتاب نوشته است که حضرت آمنه درسال ششم ولادت حضرت نبوه رحلت فرموده اند وعمرشان درحدود بیست سالگی بود . دروقتیکه حضرت آمنه بحال احتضار یعنی غریبانموت بودند بوجود مبارک حضرت رسولنا اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نظر فرموده این نظم دیل را فرموده است :

باقی دارد

میباشد حالا از هرچیز خبردار شدید ی ! خرمائید که برای عید وازدید تان گم فرصت یافته .

وقوت چشمان تمداد خودرا بذکرده درعقبدایه رواجشد .

فوتس دور اتاق چون باز شدن در وازه رادید خنیف یکسرکتی اجرا نمود . دایه نیز یکو صبح وتسان ملا طفاله بجاو گفت :

— گمان میرم که خواب نیستید عزیزمن . برای شما بسیار خوبیک خبر آوردهام . این است کهسوپرنو قوت که برای ملا قات او بسیار انتظار شدید میکشیدید آمدند .

حالا شمارا نمیگذارم . هردوی تان تنهاهم بمن بگوئید. اماموش کنید که بسیار سری نگوئید تاخودرا مانده ورسوا نکنید . چرا که برای مانند شما یک زاویه بسیار . بلکه ازبسیار هربسیار احتیاط لازم است .

باز بوقوت خطاب کرده گفت :

— هزمان بخدمت شما حاضرم جناب وقوت . هروقتی که صرا بخواهید دربرروی این اوتاق خدمت میباشم. چرا که دران واتاق ازیک دیگر زاویه دارم که آنهم بسیار جوان بانمزیست . ومانند خوب تربیک پیر زائیده است .

مادام آنمو بعدازانکه ایستمان لازمی وغیر لازمی راگذشته نامزود وقوت را سلام داده وپرنده های پای خود حرکت کرده ازدروازه رامد . درین اثنا سپای فوتیندا یک سرخی یک در اثنای جانکندن پیش میشود استیلا کرده بود . چون نظرش بر وقوت افتاد سی کرد که دست خودرا بسوی او دراز کند وبیک صدای بسیار خفیف گفت :

— باول دعوت من اجابت کرده آمدید ها ! آه آرمان از صداقت شما هیوقت شبه نکردهام . تنهازوقت خلقت خود عالیجناب وخوب آدم هستید . لفکر میکنم دوستم . ازجان ودل عرض شکر گذاری میکنم .

موسیو آرمان دوفرانیو . دربرش دستفوتس فوتیندا اوی خود را برزمین نهاده . ودست فوتیندا که بسوی او دراز کرده بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 467 of 1786

علم ثروت ملل

(مابعد از شماره ۵ سال دوم)

اگر یک دوست ماهی دو وام هر نماید، ولی ممکن نیست که آخر الامر آن جنبه گرداندن معاوضه بود، و امنیت و اعتماد متقابل از بین نرفته. حالا که راستی و استقامت در تجارت معتبر یکانه ثروت و منفعت است، ارباب صنایع و تجاری که راستی و درستی معامله کنند اعتبار و شهرت شان بمرور ایام گردیده بیشتر مشتری جلب میکنند و سود زیاد میبرند.

بنابرین یگانه اساس و بنیاد گاه تجارت ناموس و حیثیت و انتظام تجار می باشد احوال ملت های متمدنه علی الخصوص ملت انگلیز که در راه ازادی اعمال و طرق ثروت باهم مطلق پیشرفت اند همین سخنان مارا تصدیق میکنند.

—(فصل ششم)—

(درمیان موانعی که آزادی اعمال مارا میشوند)

قاعده کلیه‌ی اعمال و بیاری از موانع را بهم پیوند کنیم تمام آنرا (موانع طبیعی) میگویند. مانند حدادت چون بکار استعداد انسانی کاهش دگی وسعت پیدا از اندیگر یکدیگر باو کثر دگی وسعت میابند بهر وجه نیز قیمه میدارد. وقوه روابین زمینها که بعضی از اعلی تر میباشد و بعد وسعاً کابل دسترس و بیره کدام از موانع طبیعیه شمرده میشوند. بالعکس دیگر آرا موانع موضوعه) میگویند. مانند قوانین وغلط دادن گمرک، و بنابرین کسی دست یک قرانچی را بیوسه نمی دهد آغاز نهاده گفت :

— لوئیزه، لوئیزه امن آرا چون ساده بینم ها ! چطور بدبخت لوئیس ! آرا چون بیاعتدال می بینم بگریم دارد میشود

— رحمی مادموازل دیزه باعتدال مستعملم ! معاذلک یکوقتی خود بخود بی توجه لوئیزه بصورت عمومی آرارد کردم، این است کاملا جزای آن خطای خود را میکشم. معمالیه بال خود را اختیار میشمارم. چونکه درمیان این گونه مصیبت مدعیه مانند شما یک طبیب صادق زمانکم. آه آرمان دردنیا بجز تو دگر کسی برای من نمانده است.

— لوئیزه ! لحق میکنید. آیا بدکارا فراموش میکنید؟

— پدرم مارگی دوموتوب هنوز دیروز بی گناه گفت دنیا اورا لوئیزه‌ام دختری نیست.

— (بیلتطور فریاد) آه، چقدر سنگدلی !

— درین خصوص حق بدست اوست. چونکه او درها وقت میدانست کارچه کار خواهد شد، و بن گفته بود، و او مرا رهایی دادن میخواست. خلقت او کاشی این بلارا بر سرم آورده. دیانا چشم تحریک ساخت، پدرم بن گفت که « اگر بخیرما نشوی بعد ازین دخترمن نیواهی بود » من نیز اورا نشنیدم. بنابرین در نظراو وجود وعدم یکسانست. ازینست کاحق دارد کاورا ملامت کند.

— دربنباب اگرچه مارگی حق دارد، ولی این حق خودرا بصورت مفرط سوء استعمال کردن یک حرکت زشت شمرده میشود.

— من اورا چند صورت تحقیر کرده بودم . . .

— معلوم میشود کاباز خود شما اورا مذاقمه و طرفداری میکنید.

— بلی خودرا میبینم، واورا بدی اندیشه میدانم.

— بعد ازینستان یکقدری در اتاق یک سکوت حاصل شد. بعد ازان بارمادام دورانداک بسخن آغاز کرده گفت :

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 468 of 1786

ویا برای منفعت بسیار اشخاص وضع شده میباشد ، یا آنکه برای نظم وتسهیل حیات صناعیه ، ووقایه وحفاظهٔ صنایع بوجود آورده میشود . . وبعضی از موانع بنابر مقصد حافظهٔ هیئت عمومیه از طرف حکومت وضع میشود .

موانعیکه برای منفعت اشخاص وضع میشود ، وامتیازاتی که ازان وجود می آید عبارت ازین چند مواداست : یك کاری که بطریق انحصار بیك شخص ، ویا بیك شرکت داده شود. وبرای اجرای بعضی صنایع بعضی اشخاص را مأذون دارند . وتحدید عدد ، وتعین معاملات آنهاست .

موانعی که برای اجرا نشدن صنایع بدون اجازه درست وضع شده است یعنی که اساساً به (رقابت) و (آزادی اعمال) مخالف است از آنرو در ردهٔ علل ثروت مضر شمرده میشود . قبل ازین در ممالك متمدنه صنایع اصناف صنعتکاران دوزیر نظام وقانون گرفته شده بود . وهر گونه اعمالی که به اجرای آن هر صنفی از ارباب صنایع مأذون میبود با قوانین ونظامات مخصوصهٔ معین میگردید . وهر صنعت از پدر به اولاد انتقال می یافت . هر کس تا یکدرجه شاگردی نکرده ، واستادهای آن صنعت را تصدیق نمیکردند آن کس اجرای صنعت نمیتوانست . وآن تصدیق را بدست آوردن بر خوش کردن خاطر استادها متوقف بود که آن نیز به بعضی مصارفات وزحمات موقوف بود . هر صنعت از خود یك دایره یعنی محکمهٔ مخصوصی داشت که آن هر از خود باشیها وسرپرستهای جداگانه را مالك بود . وبزرگ هیئت ادارهٔ داشت که نظام وقانون آن صنعت را اجرا میکردند که اعضاب صنایع را به تکلیفها وزحمتهای بسیار گرفتار می آوردند . از دیگر طرف برای اجرای هر صنعت جاهای معین ومحدودی بود که به اینصورت از صنایع محدود شده بود . حتی نانبایی وقصابی وطباخی که از صنعتهای احتیاجات ضروریه شمرده میشود از مدت زیر دست بگیرند نظری به انحصار در آمده بود . تا آنکه رشته رفته این نظامات اصناف وارباب صنایع لغو وبر طرف گردید .

کسانیکه از لغو شدن نظامات وقوانین اصناف صنعتکاران افسوس میکنند یکبار احوال سابقهٔ اوروپا وبالخصوص احوال سابقهٔ مملکت فرانسه را با احوال حالیهٔ آن یکقدری مقایسه ومطالعه نمایند در فرون وسطا در شهر (میلان پایتخت ایطالیا) آزادی صنایع کاملا جاری ودر دیگر جاهای اوروپا جاری نبود . بالخصوص صنوجات یعنی صنعت باقندگی این شهر در اوقتها بغایت ومنتهای مشهور مانده بود . ودر هرطرف بکلی اموال بیرون براورده میشد . وشهر (میلان) ازاثر خیلی کسب ثروت وقدرت کرده بود . امارفته رفته خواه درایطالیا وخواه در دیگر ممالك اوروپا اصناف ارباب صنایع به نظام وقانون ربط گردیده ، ورفته رفته

باقی دارد

اعلان

سیاحت بدور ادور کرهٔ زمین

چندر فایده معلومات بشریها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی ووسعت

بهشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری " کتاب

(سیاحت بدورا دور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دوربه کابل یکمبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوگ) سیاح ورقابش چگونه اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری " این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در توشتن ناولهای فی مشهور آفاقست. از فرانسوی به ترکی واز ترکی بفارسی ترجمه شده است. کتاب مذکور نه تنها ناولش بلکه در ناول فی جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز فسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) کتابخانهٔ مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب مال (معین السلطنه - سردار عنایت الله خان) است زیور طبع آراسته شده است . این کتاب باید ازوی بدست آرید وفرصت را فوت مکنید کاپیهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

همه مقاله هائیکه دستخط خارد از طرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپخانه خانه حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 469 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۷)

نگران

وجیهٔ آقای مشکوة حضور اعلیحضرت همایون

علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با اضافات داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اضافات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ محرم ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۵ دسمبر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و طبع
در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به ادارهٔ مذکوره
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ شمسی ٤ جدی ۱۲۹۱

﴿ درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وبعضی مقالات مفیده درج میشود ﴾

﴿ عکس اعلیحضرت پادشاه معظم دولت علیه افغانستان شوکتمآب اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان ﴾

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 470 of 1786

فهرست مندرجات

کوهستان کابل	ادبیات
حوادث داخله	میدان هجرة
حوادث خارجه	کهوارهٔ نژاد جوان
مقالات فنیه	مژدهٔ ملی
حالات خزری صاحب مرحوم	فاجعهٔ هائی زمین
علم عسکری	ادبیون

(کوهستان کابل)

(کابل) که مرکز دولت علیهٔ افغانستان است ، تنها عبارت ازهمین شهر شهیر معروفی ، بلکه بلاد (کابلستان) یک حصهٔ اقلیم جسیمهٔ را مالک است که میتوان اراضی که این حصه را تشکیل میدهد ، قرار شمال کابل میدانند که آنرا (کوهستان) میدانند . غیر ازسمت های جنوب شرق (لغمان) که یکسر جلگه وهموار است دیگر حصهٔ این قطعه عبارت از یک شبکهٔ کوه های متسلسل عظیمهٔ میباشد که غرب بشرق واز شمال بجنوب یک دیگر را قاطع نموده اند ، وآبها ودشتها وایالتها درمیان وادیها و دامنهای این شبکه جایه والقدر شده است .

بلندترین وزرگترین کوههای آبیانسلهٔ عظیمهٔ جبال متسلسله (هیالایا) میباشد کهاین سلسلهٔ عظیمه جهت جنوب شرق قطعهٔ آسیارا دوسلسلهٔ عظیمی تطریق نموده که سطح مابین جنوبی آن قطعهٔ کوچک هندستان راوسطمابین شمالی آن صحراها ودشتهای بلندیت وتبتارا تشکیل مایدهایت . بلندترین زروه های کوهای هیالایا (اورست) نامزروه ایست که بیشتر ازهفت وپنجاه قدم یعنی (فوت) بلندی دارد . در جهت شرق این سلسلهٔ کوههای عظیمهٔ (قراقرم) و (قره قروم) که ازجهت شرق قیاس می آید بسلسلهٔ جلگه جنوبیهٔ (هیالایا) کهاز جهت شرق جنوب آمده است یکیا شعبهٔ (زاگرس) یک زاویهٔ حیاتی تشکیل میدهند که این زاویه یعنی کوه سلسله ها را (بامیریا) میدانند .

ازین زاویهٔ (بامیریا - یعنی - پامیر) یک سلسلهٔ جسیمهٔ دیگری کهنام (هندوکوه) معروف و (هندو کش) میباشد جدا شده یکسر بسوی غرب امتداد کرده میرود . این سلسلهٔ (هندوکوه) در حدودیت از سلسلهٔ (قره قورم) جدا شده در جهت جنوبی مملکت (زابل) اولا در میان (وادان) (وارد ستان) ، وبعد ازان در میان (بدخشان) (وکافرستان) یکسر بسوی غرب جنوبی دراز شده رفته است . و حوضهٔ نهر جیحون را ازحوضهٔ نهرکابل گاهی آخر بحوضهٔ موسوم بیشود تفریق میکند . درجهت شمال قطعهٔ کابل بازدو سلسلهٔ جسیمهٔ دیگری احاطه شده یکی بنام (کوه با) یکسر بسوی غرب امتداد نموده بکتل هزارمیل وفورزدا بدهرات تعاقب میکند . ویک سلسلهٔ دیگر آن بنام (سفید کوه) یکسر بسوی شرق وشرق جنوبی امتداد نموده رفته است . بعضی از زروه های سلسلهٔ (هندوکوه) که ازافغانستان درمیان منظومهٔ آن واقع شده تاه هفت هزار وششصد متر ارتفاع را مالک است .

این عمارهٔ عظیمهٔ جبال متسلسل افغانستان بین دره های بسیار عمیق و وسیعی و بین وادیها و حوضه های سبز وخرم مرروع ومعمور تقسیم شده میرود . مثلا چون یکطرف ازدرهٔ تنگ وعمیق (خیبر) به (دکه) نام موضع رائم تاه درهٔ عجیب وغریب (تنگ ناره) خودرا درمیان وادی بسیار پهنای جبل دلکشای سبز وخرم می بینم که از یکطرف بادوار های کوههای سرطلک سکشیدهٔ شنوار وغیره که از تنه های شاید کوهست واز دیگر طرفیرا کوههای اسمار وکافرستان احاطه میباشد ونهر کابل در وسط این وادی مستطیل پهناور جریان دارد که قطعه های بزرگ اشجار انار ، وبات پسته وتیکر ، والوچی وغیره آنها نظر بانسان میکند . بازچون ازدرهٔ تنگ ناره ، وارد درهٔ (جوره کابل) رائم درمیان درهٔ بسیار وسیع حوضهٔ (کابل) میدانم که دارای انهار این حوضه را باکوههای پست وبلند زخیز آسیای احاطه می بینم که بازچون ازدرهٔ (کندکاه) آن رائم حوضهٔ کوچک فردوس (چاردهی) واگر ازجهت شمال ازدرهٔ (کوتل خیرخانه) بروی شوم خودرا درحوضهٔ (سنگوهستان) و (کوهدامن) زمین کابل می بینم که اصل موضوع بحث ما درینجا عبارت از همین درزمین دلنشین است .

ایالت (کوهدامن) و (کوهستان) کابل عبارت ازیک زمین بسیار وسیع وفراخ رمنوه ورودخانه خیلی مهم وکثیر النفوس میباشد کهازجهت شمال بهر زرگ (پلاب) الغایهٔ (زه کوهستان) (پغمر) تفریق میرابد . ازطرف جنوب باز بهمین نهر ازغایهٔ (کهاب) وازطرف غرب بسلسلهٔ سنگوهای (هندوسکش) وازجهت غرب باکوتلهای (خیرخانه) و (پلانگ) از غایهٔ (کابل) محدود شده است . تقریباً صد شصت هفتاد سکیلو متر مربع یک زمین دلنشینی ست که آبهای براق و خوشگوار پلاب سالنگ ، چاک ، غوربند وغیره این زمین وسیع را آبیاری مینماید هژدهوس سنگوهستان ، و کوهدامن تقریباً یک ملیون نفوس میرسد . اهالی این جهت بسیار جسور ، وتوانا ، وجنگ آور ونشان انداز میباشند . قریه ها وقصبه های بسیار معموری دارد پنبه ، گندم ، جو ، جواری وغیره از محصولات زمینی ، توت جوز ، انواع آلو ، سیب ، تاک ، انگور رقم رقم از محصولات در

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 471 of 1786

درختی" است ، علی الخصوص توت ، وجوز آنقدر وافر و مبذول است که بان قسم کل از زائر مرده مان این نواحی رافع میکند تلافوت را خشک میکنند ، ومعذالک بامزه جوز آرا میگویند ، واز ان قدر یک تلاغ یا قدری زرگر کوکها میسازند ، که یک کاروان مردمسافر باحتاب را بقدر ۴ ساعت جوی از غذا فارغ میسازد جنانچه در بعضی جاها که با انگلیسان جنوع آمد آنرو" یاعدین کوهستان را همین غذا تشکیل داده بود .

ازروایات موثوقهٔ کاریزیه چنان معلوم میشود که در زمانهای قدیم اصل شهر (کابل) درهمین موقع کوهستان درموضعی که آنرا (بگرام) مینامند بنا یافته بود که ازبعضی علایم و آثار پرزهت این روایت خاص و آشکار میگردد ، دراثرهای مورخین زمان اسکندر رومی وجغرافیای (بطلمیوس) نیزازهمین کابل بگرام بحث وبیان شده ، وکابل را به تحریف (کاوره) ذکر کرده اند ، فردوسی درشاهنامهٔ خود نیزازکابل وکابلستان که تحت اراده مقصد همین کابل (بگرام) است .

بعدازان زمانهای قدیم در کوهستان زمین کابل هیچ یک شهر معتبر ومشهوری بنا نیافته بود ، تا آنکه درزمان سعادتقرین پادشاه دیندوست وشان دولت علیهٔ مستقلهٔ اسلامیهٔ افغانستان (اعلیحضرت سراج الله والدین امیرحبیب الله خان) در (پروان) یکم موضع کهه (جبل السراج) موسوم شمالست بنا بانی (سراج الامصار) نامپایتخت شهرهای بسیار مستحکمی را اراده فرمودند ، وبه این سبب اهمیت روانی وشکوه کوهستان کابل را سرازنو زنده وتازه فرمودند .

§

ذات اعلیحضرت پادشاه عمران پرور بزرگ مادر اواخر سنه ۱۳۲۴ هجری تخت نشان کابل ـ یعنی کوهدامن ، وکوهستان شاهانهٔ شانرا بدورو سیاحت فرموده بنابر اهمیت موقع این ولایت یک موضع دوائی وعسکری را درانجا خیلی لازم وضروری یافتند و چون در (پروان) نامموقع موکب همایونی شرف مواصلت فرمود آنجارا برای اجرای افکار شاهانهٔ شان خیلی موقع لایق وپسندیده یافتند ، زیرا این موقع جنانچه ازجهت بلندی رهنمای کوهدامن زمین ناظر وحاکم افتاده همچنان برسه چهار درههای بسیار مهمی که گذر کاههای یکانه سمت شمال ـ یعنی ترکستان ـ شمرده میشود نیز حاکم میباشد .

مهمترین این راههاراه (خواک) است که ازدرهٔ پغمان عبور میکند ذات اعلیحضرت شاهانه دروقت عودت ازدورهٔ سیاحت شاهانهٔ شان ، ازترکستان برهمین راه خواک تشریف آورده اند ، دیگر راههٔ (صابخ اونگ) معروف به (سانگ) است که یک (خنجان) میرساند ، دو راه دیگری که یکی ازدرهٔ (غوربند) ودیگر آن به (دامیان) مروه نیز خیلی گذر کاههای مهمی شمرده میشوند .

هیئت مجموعهٔ این شهر مینو پیکر دو کروه (۱) درسه کروه می آید ارکی مبارکه که درسرای الامارات ، و ژندیک باتمام رسیده دریک موقع مرتفع بسیار دلکشای بنا یافته که عنوی یک قصر بسیار عالی" پادشاهی ، ویک دایرهٔ حرمسرای همایون ، ویک چوتی" عسکری" که بروقت ضرورت ۵ دوهزار نفر عسکر را بمنتهیه خانه وگاه تام بگنجاند ، وبسی خانه های خصوصی" دیگر برای نفری معزت شاهانه میباشد ، دیوانخانه روح ، جوتی ، خانه های خصوصی نحویاخانه ها ، حزینه ، ومیکرن وغیره این ارکی مبارکه که سراسر باتمام رسیده است ، تنها تیمکاه ذات شاهانه هنوز اتمام نیافته .

دیگر چیزی کهمدار افتخار (کوهستان) گردیده ، و برای ترقی استقبال آن پایتخت شهیراه زرگری را تأمین نموده علاوتاً تأسیس یافتن کارخانهٔ بزرگ برفیبت کهدن (سراج الامصار) انتا میشود .

زمان ، زمان صنعت است ! صنایع دروقت حاضر بدرجهٔ ترقی نموده کهدار حیات وحرکت نام گردیده است ، درهر مملکتی کدوده کتلهای بلندنا بریکها ـ یعنی کارخانها ـ بیشتر وجود اشتان" شان افزونتر است ، ثروت ، قوت حشمت شان نیز بسیار تزاید میباشد ، عمارتی که جرخهای ماشین ها دریک ملکی زیادتر بدورافتد ، همان قدر درکثرت نفوس آن مملک می افزاید ، زیرا چرخ های یک ماشین ، قوت دستهای یک جمع کثیری از انسانهارا دارد که همان سبب ماشینها ، خدمت صنایع را بجا آورده قوت نفوس بسیاری راحاصل میکند ، مثلا : یک قصبهٔ تصور کنیم که بیست هزار نفوس را حائل است ، یک قاز یکنسان باقی" دران قصبه تصور کنیم که قوت پنجصد اسب در شبانه روزی حرکت کرده دزماه شش هزار توپ سازد ، کهر توپش صدگز باشد بعمل می آرد ، اینقدر توپ سان ، غیرازانکه احتیاج اهالی قصبه را بتمامها دفع کند بفوض سان که خارج بیرون میدارد ، زر وبسیار وافری بزیر آن قصبه داخل گردیدهدار ثروت وتوانگری آن قصبه میشود ، حالانکه اگر خود آن اهالی قوت دستهای خود شان این شش هزار توپ سازا بسازند چیست مثل نفوس خود ساخته نمیتوانند ، پس معلوم شد کهماریکها نفوس را چند افزونی میدهد !

یعنی ازاهالی کوهستان وکوهدامن ، استعداد وقابلیت زیادی برای زراعت پنجهاردهی اکثر پنبهکار آمدکابل را پنبه کوهستان شمارند میکنند ، وصنعت بافندگی یعنی چرخها بزیاد درجهدرین سرزمین ترقی دارد ، مثلا : غیراز (کرباس) نامپارچهائی کهپوشاک عمومی ازان ساخته میشود (کپن) نامپوشاکی کهخدمت شاه چوتی" شانرا ایفا کند نیزبافته میشود ، برای مفروشات خانهها کهبوض چندی استعمال شود نیز یعنی قالینهای خوب وچلپی

(۱) کروه باصطلاح مساحة مروجهٔ افغانستان ، هرکروه چهار هزار گز عربی — یعنی گز زراعی" — افغانستان هرگز عربی مساوی ۹۱ انچ انگلیسی میباشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 472 of 1786

ساخته میشود . حالا آنکه اگر قوا برباد میرفت و ماشین ها بکار افتد غیر از آنکه در تمام وطنمان آبها ترقیات بدیعی پیش شود — کثرت دسیسات وقوت ، ومنافع بیزیشتر شده مدار ثروت و توانگری اهالی ، ورقی و آبادی ملک میگردد .

ذات اعلیحضرت پادشاه ترقی‌پرور ما کافهٔ اوقات عزیز شاهانهٔ شانرا برای ترقی ، وبهبودی ملک وملت شان مصروف داشته اند هیچ یکی از نکات بارزهٔ اسباب ترقی وتعالی دولت علیه انعامشانرا از زیر نظر همایون دور نداشته اند ، قاریکهارا اساس یگانهٔ ترقی وتوانگری ملک دانسته — غیراز ماشین خانهٔ بزرگ دارالسلطنه پنج تا بریکهای دیگری نیز برای پنبه پاک وجرم گری وغیره درعصر فرخنده عصر شاهانه وجود آمده است ، ولی چون مسئلهٔ حیات قاریکها به سوختی وابسته میباشد ، ومادهٔ مهمهٔ سوختی زغال سنگ است کهان معدنهای ای وتوانگر آن درون آغوش کوه دور وحرک ماشین های قاریکها را بکار انداخته میتواند ، بلاجودیک معدنهای بزیاد درایه پیدا کردن معدن زغال سنگ بکار رفته یک معدن قابل پیدا شده ، جنگلهای چوب بسیار غنی وتوانگری در سمت جنوب وغرب شهر (افغانستان اکریه موجود است ، ولی بسبب بعد مسافه ، و خاطر خراب وخوشدن جنگلها که آنهم یکی ازمدار ثروت مملکت است جلانجه شاید وباید ازجنوب ادارات نمیشود .

لهذا ذات اعلیحضرت پادشاهی طریق استفادهٔ از قوت برق اندیشیده ، درهمین موضع جان سراج از آبشار درفل جانیالک — ما ثلاث) می آید ، و بقدرت و کثرت کار از زیر قلعهٔ (سراج الاعصار) جریان دارد ، پس بادارت کارخانهٔ برق را مصمم آرزوی شاهانه فرمودند .

حساب معلوم گردید که قوت جریان آب این دره برای قوت (۹۵۰۰) اسپ بک قوت که بکار باید کافی دیده میشود که این قوت غیر ازانکه همهٔ بریکهای موجودهٔ کابل را بدور وحرک آرد مقدار بسیاری از قوت برای تنویرات شهر ، وفابریکها ودیگر کارهای که سراز کوتاهی بدکابل وابی میاید لهذا ارادهٔ سنیهٔ همایونی برعملیات جدیده ، انشائیهٔ آن در تعلق یدوک دنیاموها ، ولوزین ها ، ودیگر آلات وادوات لازمه آن تخمیناً یک‌ملیون پنی دملتروپه گذارجریده شد که آشیائی مذکوره پی‌هردر آمدنست ، امابیکمانجوش وخروش کار دران جاری بود ، مشکل‌ترین عملیات آن‌تبدیل دادن‌برای نیرست که تعمیل آرالتناه‌اند بعداز اختتام عملیات آن بقدرتین عرضی خواهم نمود ، ما راست که دعای عمر و اقبال و شوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب — خودمارا ورد زبان صداقت سازیم تا بسایه عمرزان پایهٔ ها یونی شان بی آکار نافعهٔ عایده درملک وملت شاهانه روی کار آید .

حوادث داخلیه

(هوای کابل)

زمستان هیبت نشان شهریار دلیرما با دبدبه وعادات دیرینهٔ آبای خویش بکمال تمکین ووقار تشریف فرمای اقلیم تسخیر گردید ! اول بهمن ، کوههای بلند شاهقهٔ هندوکوه که از مسافه های دوری عظمت قامت خود (کابل) را دوتق متانت می‌پیشند ، ردای بیضای‌خود را کابسب گرمیهای تابستان یعنی شفا ، وخاک آلودی بهم رسانیده‌بود ، وازطرف دامان یکقدری برفهای بلند بالایش کوتاهی کرده بود سراز نو تازه وسفیدی بی‌اندازهٔ بخشیده هوای جهت شمالی شهرمارا بسیار سردی وبرودی برزخی دراورده ! حیوانات ، حشرات نباتات : ترسیده ! خزیده ! لرزیده ! . . .

برفهای مصادره‌ها ، ودست وگریبان شدن هوا های گرم جهت غرب جنوب بهوا های برف آلوده جهت شمال شرقی آغاز نموده ، وبادهای سختی را بوجود آورده وبادها نیز کتله های جسیم برفهای ملک تاراز روی ما بجولان آورده همهٔ موجودات ذی طبیعت را بورود قهرمان شتابیدار وهشیار ساخت !

اول برقی که بازیده روم جاری‌شده ۲۴ ذی‌الحجهٔ‌الحرام مطابق ۴ دسمبر است که با باران خطوط وبارهای بزرگ بزرگی را حاوی بود ، ولی بروی آب شد ، ودرجاهای که ازطرف مامورین برودت درجهٔ هوای توقف سردوازدهٔ اگی مبارکه پیدایش شده است یک سوت بوده است .

(تشریف فرمائی علیاحضرت سراج‌الحواتین)

(بسوی جلال آباد)

روم یکشنبه ۲۸ ذی‌الحجهٔ‌الحرام بساعت هشت ونیم صبح ذات عالیهٔ مقدسهٔ معظمه (علیاحضرت سراج‌الحواتین) بسواری عرابهٔ موتر از ارگ مبارکهٔ دارالسلطنهٔ کابل حرک فرموده بکمال عز واجلال عازم سمت (جلال آباد) گردیدند . هر چند وجاریه کلان میمنت‌حضرت عالیهٔ مقدسه قبل از سه روز پس روم جاری شده بسواری موتر بجلال آباد فرستاده شده بودند . خود ذات عالیه معظمه وجناب عالی حضرت سردارا کرم نائب‌السلطنه صاحب اهتمام ، وشهزاده جوانبخت معظم معین‌السلطنه وشهزادهٔ دلیر عین‌الدوله وشهزاده محمد کبرجان ، ودیگر همه رئیسها وبالا های معظمهٔ سرا پردهٔ عصمت در ده قلعه موتر صدارتاریصوب منزل مقصود رهسپار گردیدند . ازدرگاه پروردگار محت وسلامت وعزت وسعادت بایشان رفیق وهمراه میخواهیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 473 of 1786

(خبر تلفون)

از جلال آباد بدریعهٔ تلفون خبر رسیده که ذات مبارکهٔ معظمه وجناب مالی وشهزاده کان عظام وهمه افراد مابهٔ بادشای ومعیت شان بکمال عزو اجلال وسلامتی واقبال ساعت شش شام یوم یکشنبه ۲۸ ذی الحجهٔ جلال آباد مواصلت فرموده درباغ کوک شرف نزول فرمودند.

(ذات اعلیحضرت همایونی)

بنابر بعضی کار های مهمی که در دارالسلطنه موجود بود ذات اعلیحضرت پادشاه مهربان ملت ورعیت پرور سفر هجرت ازشاهانه را بصوب (جلال آباد) یکچندروزی بتعویق انداخته. از مدت یکنیم ماهست که هرروزه دربار عرض وداد، واصلاحات مهمهٔ مملکتداری مبذول میباشد.

به جسبنامه های دارالسلطنه بالتوجه خاص همایونی را صرف فرموده پی اصلاحات مهمه دران اجرا فرمودند. بندهای که ازبسیار مدتها گوشه نشین مسبها بودند هرروزه بدربار حضور همایونی حاضر شده، ویکان یکان فقرات شان که از محکمهٔ اجلاس عمومین مسیل شده بود بحضور قرائت شده احکام همایونی بموجب عدالت، وقوانین سلطنت اجرا گردید.

قاتلها وجنایتکارانی که جنایت شان ثابت شده بود اعدام، وکسانیکه بتا پردهاوی محتلمه محبوس بودند واحکام آن به ارادهٔ سنیهٔ همایونی متوقف بود فیصلهٔ دایمی وکسانیکه آزاد شدنی بودند آزاد وکسانیکه ماندنی بودند بمدتهای مختلفه محکوم بحبس شدند.

از جملهٔ احکام صادره اجرای اعلیحضرت همایونی یکی از بیخ وبن برکندن (سیاه چاه) نام جسبخانهٔ جهنم نشانهٔ بود که محکوم شدن بحبس آن بار بار بدتر از اعدام بود! بنشاشهٔ تعدیلات آوا بعد ازین بدست آورده سرمقالهٔ افتخار خواهیم نمود.

جوانب خارجیه

(به بینید که نصرانیت چه میکند)

اسلامی مسلمانانرا وحشت وخونریزی وعدم مدنیت هم، دم وهمه وقت میتاباند. دولتهای معظمه وغیر معظمه، نکلیفی که میدارند همین بود که درممالکشان اصلاحات یعنی عدالت ومدنیت جاری کرده، یعنی حکومت نصرانیت برپاشود. ببینید که بلیونها رعیت عثمانی که ازملت نصارا ست درچنین وقت محاربهٔ صلیب نیز بکمال امن وآسایش درهرطرف مملکت عثمانی بکار وبارخود مشغول هستند، وهیچ تعرض وآزاری به آنها نمیرسد. حالا یکقدری ازاحوال مسلمانانیکه درمملکت بلغارستان ورعیت حکومت بلغار میباشند بشنوید که ما آنرا ازجریدهٔ الژیدالفرانسوی نقل مینمائیم: «درمملکت بلغارستان شش لک نو نجامعزار نفوس مسلمان ازنژادهای بلغار موجوداست که درموقع سفر بکار هذا بالگرد وواویلامیباشند، وبیک حال هستند که هرلحظه برانهادنش میسوزد! غلاً خبرهای شانرا بهسیار آسانی میبرند، زنهای شانرا زور وجبر بسیرت میکنند، ازالهٔ بکارت دختران شان امروز عادت یکانهٔ عسکر بلغار شده است، حتی باکید رسید که امروزه روز درشهرهای سلیتره، وفودت بیکار، وبالیکا هیچ یکدختر بکری ازمسلمانان باقی نمانده است. «چندروز پیش ازین درمیان راه وبلاسب سه نفر مسلمانرا در (راوادی) بقتل رسانیدند، ودر (پلونه) هشت نفرمسلمان بیگناه راسر بریدند. ویکصد مسلمانان رعیت خودشانرا تمامیا آتش زدند.

«برسرسرک عرابه روشهر، شمنی، بصدها جسدهای کشته شدهٔ مسلمانان یافت شده که محض بیگناه مسلمان بودن کشته شده اند. دریک کشتی که عسکر بلغار ازنهر (طونه) میگذشتند سه نفر مسلمان هم دران کشتی بود، محض بسبب تعصب نصرانیت آن سه نفر بچارهرا برداشته بنهر انداختند.

«همهٔ این کارها درپیش چشمهای حکومت بلغاریه اجرامیشود وهیچکس برآن اعتراض نمیکند. چسان اعتراض بکند که خود اوبانیانند. میگویند که این محاربه صلیبیست ومقصد ازین محاربه این است که اهل اسلامرا ازهمهٔ اوروپا برون برانند، واگرممکن باشد ازهمهٔ آسیا واوروپا برون کنند.

«غیر ازینکه خودحکومت اعالی را برقتل مسلمین برمی انگیزاند، وافسران عسکر بلغار خودشان برناموس وعرض اهالی مسلم تجاوز میکنند، وهم باقوتی اثر کرده است که هرکس ازمسلمانان کهجرت کند ملک ومالشان غصب میشود. بهانسب مسلمانان مضطر میشوند که برون بروند وبلغاریان بوجه دلخواه خود شان برعرض وجانشان مسلط گردد.

«دریکی ازجوامع یکی ازقصبه ها عسکرهای بلغار درآمده همه مسلمانان نماز خوانرا ضرب وجرح نموده گفتند که درمیان آنها مفتی آن قصبه نیز موجود بود، وچون بافسرشان عرضی شکایت نمودند گفت: «تمامستحق همین معاملهها میباشید چراکه مسلمان هستید.»

«دریکی ازقصبه های دیگر که درزیر تصرف شان است چند نفرافسران بلغاری درخانهٔ اشرف افندی نام بکمفتی درآمده بر (ناظمه) و (افروزه) نام دودختر نوجوان باعصمت اوحمله بردند، دختران تاجان داشته بدافعه نفس خود کوشش ورزیدند ولی آخرالامر مغلوب گردیده افسران بلغار ناکار برده عرض وناموس شانرا دریده ودست بسته بخانه خود بردند.»

حالاشنیدید که نصرانیت چها میکند! لعنت برآن اشخاصی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 474 of 1786

که میگویند :— چه میشود که اجزای پراکنده بیاید از زمینها ومزرعه‌ها ـ وخانه های ما را خود به پشت کرده نمیروند ؟.....

وطن بحب وطن وبهاست هرمحیط
کهست حبوطن ازسرمهنماك وطن
زحق نیازکند عاشق وطن (محمود)
که دشمنان وطن بادزیر خاك وطن

(تبریك)

رفیق معزز و محترم ما اخبار گهربار (چهره نما) رفیق همزبان خود (سراج الاخبار افغانیه) به اینصورت تبریك میگوید

« تهانی عالصانه بدخول سال دوم گرامی نامه (سراج الاخبار افغانیه) منطبعه کابل کابنزار سرا در ترخانهٔ مشکین خانهٔ یکانه فاضل ارجمند وعزیزانه بازروهند (محمود بیك خان) است سروده وطرفداران معارف و مطبوعاتما زرك بشارتی میدهیم که این روز نامهٔ نامی از توجهات ذات ملکوتی صفات (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان)پادشاه معارفگستر افغانستان واز الطاف عوارف انعطاف شاهزاده معارف و ساده (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) وبمساعدت عالیانه محصر محترم ما (محمود بیك خان) شروع بسال دوم کرده باچندین مزایای تازه که یکی بحروف سربی بسیار قشنك تمام (همچون حروف چهره نما) چاپخانه وبه تمثال بی مثال اعلیحضرت ظل الله ثمت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان)پادشاه خانواده مسلطنتی دولت خداداد مستقل اسلامیه افغانستان جنتی بس زینت یافته الحق (این طفل یکشبه ره صد ساله میرود) آری (این همه آوازها از شه بود) امضاء اداره چهره نما ازدرگاه تعالی آن جاودان نامدار دلایه را باجراء از درگاه حضرت باری خواهانند . »

(محصر معزز اخبار ملت)

چرم حمد ۲۹ نومبر سنه ۱۹۱۲ ع مطابق ۱۹ ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۳۰

ناظم پاتنا بذریعهٔ تلگرافی خبر میدهد که آن فوج بلغاریه که بطرف جبرة مامور چل بنده جنك میکرد در شب گذشته به بناء تاریکی مورچل های خودرا خالی کرده فرارنمد ـ وقت صبح چون فوج ما برای تجسس قبیم میگشت بقصد اینکه ما را بر زمین افتاده دید واز اینای لاش های مذکور معلوم شد که سپاهیان بلغار غیر از اول سوقیه می باشند ـ آن بلغارها که کرتار کرده آورده اند بزبانی شان معلوم شده است که سپاه بلغار را از زمره قوی حوزك میشمرنشده .

درمانده حصر متعلق جنك بلقان پیدا کی هاییدانشمند ـ خدیو مصر ووزرای سلطنت بر امداد سلطنت عثمانیه اماده میباشند وبموجب معاهدهٔ هفده هزار فوج برای امداد ترکیه تیار کرده اند اما لارد کچنر میگوید که اگر سلطنت مصر همراه چون خطات سلانیك قطع باید جهازات جنگی چون ، بریتانیه در مصری کلوله اندازی خواهند کرد و به تجارت مصر تلمان خواهد رسید اما حکومت مصر بجوابش میگوید که قوت بحری چون دست قوت بحری ترکی کروزات ومابعدش جهازات چون از سلطنت شاهی خود هر گز دست بردار نخواهیم شد ـ لارد کچنر بزخیال دارد که اگر فوج مصری برای امداد ترکی فرستاده شود افسران انگلیزی آن که انگلیز می باشند همراه فوج مذکور رفته نمی توانند وچون افسران اهل همراهی نباشند فوج امدادی مذکور مفید وکار آمد نخواهد بود ـ این امر شك از دخلیس نیست که باعمال حسب معاهده از مصر فوج طلب کرده است وحکم داده است اعلان قطع اعانی بلقان وچون دراخبار سرکاری مصر شایع نماید ـ وسایر چون راقروانه راهداری داده از مصر بدرکند مشیران انگلیزی مصر به دوق افروزی خدیو المعظم در قسطنطنیه مشوش گشته اند وخیال کرده می شود که خدیو هر مصالح را بر خود گوارا خواهد کرد اما رفاقت سلطنت شاهی خودرا ترك داده نمی تواند ـ الغرض بباعث اجرای این تعلق لارد کچنر جوش مادهٔ مصر ترقی پذیرفته است ـ واگر مصر رسماً اعلان بی اعانی نمودا حتمال دارد که در مصر جوش حمالت سخت وقوع خواهد رسید بهر حال مسئله مصر صورت نازك اختیار کرده است امید که ارباب حل وعقد دوست بریطانیه ترکان ومصریان را کشیده خاطر وبد ظن نخواهد ساخت .

« از محصر معزز پسه اخبار — ١٤ نومبر »

(اعانات مجروحین ترك)

اسلامیان هندوستان اهمیت موقع را دانسته ازهرمقام امداد برای دادن مجروحین ترك روانه میکنند ـ جنابجی التجار خواجه عزیز روپیهٔ کادار مرکز چهل از بمبئی ارسال نموده است وهفته دیگر مبلغ کثیرهم فرستاده میشود ـ ازدهلی تاسه لاکه وشصت هزار روپیه واز مدراس بیست وپنجهزار واز کراچی سی هزار روپیه واز لکنهو سی هزار واز پشاور دوازده هزار روپیه ویك رقم خطیر ازکلکته فراهم شده است واز لاهور هم علی هذا القیاس انجمن های علاحده در هرجای قائم شده اند وبسرگرمی کار میکنند انگریزها بزعموت می نمایند چنانچه یکهزار لکنهو صدارت جلسهٔ علاحده نمود واز انجا گورنر (سا گلان) پیغام همدردی همراه امانت مالروانه کرد ـ علاوه براین خودان هم امدادمالی می نمایند اعلیحضرت ایران هم دیگر وعده کرده است که فعلی روانه وسیهٔ امدادی روانه خواهد کرد ـ یك خانم خواجه خانس که نام خود را شاهد نبوده است مبلغ یکهزار وپنجاه روپیه عطا نموده وعده کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 475 of 1786

است که اگر جنگ کشتی داد باختتام نرسید عین رقم بسیار هرکشتی ماه خواهم داد ـ

قتل وزیر اعظم هسپانیه

چون وزیراعظم هسپانیه تهیای صدارت مجلس مبعوثان پیش دکان کتب‌فروش ایستاده‌بشد ـ یک اناركست (اجنبی خواه) چهار فیر تفنگچه براو سر کرد ـ وچون وزیر مذکور بزمین افتاد قاتل فی‌الفور خودکشی کرد !

درلشکرگاه شاهنشورش جنگ‌وزارت خودمختار پاشا راجع بلغاریه حل کرده ترتیب اوضاع شان را درهم برهم ساخت واگرچه خودهم خصال رعنائی اما بسیار توپهای دشمن را بدست آورد. اهل بلغاریه رقعه جدیده جوآور شده بودند باوجود کاوله بازی شدید شان فوج عثمانیه بی کمک دیگر دشمن را پسانبود .

بلغرها یکبار میدان جنگ خالی کرده اند لاکن تاکنون که روشی موقع آرا به ترکان نشانداده واز ـ جهازعثمانی که اندازی شروع شده‌وکار کرگردید جهاز جدیده خوبحفاظه کرد ـ

یک‌علازم سفارت فوجی این‌چنین اظهار رای کرده است که آتشباری بلغران ناقص بود ـ قریب‌بی آنها سه‌صد کاوله انداخته اما یک‌مختصی را هم‌صدمه نرسید ـ درپای محود پاشا یک‌کاوله‌در آمده بود که دربلندار الشنای جرمی کنیده‌شد .

هدیه پدری

جامعه‌یی که ادراک تجارت میکند یکپارچه‌ی جامعه‌ی های سلیم‌احر وهلال‌احمر عطا کرده است که در جنگ بلغان کار نکنند . مسلمانان برشوریا (افریقه جنوبی) ۵۵۰ پوند امانت بدی هروجین ترک داده‌اند ـ

جهازات عثمانی بربلغرها که باری کرده آنرا تاقصبه نرسه هشت‌هزار میترپس‌اکرده‌اند ـ

جبل‌اسودیان بربنادرهای سلوطری یورش کرده‌بودند ویکسه طرخودرا مقتول گذاشته پس گرخیده ـ

(از اخبار مارننگ پوست)

دوغرا نگرز مستراح ومستراحلی سوی کابل روانه شده‌اند تار رشته تیارکردن صابون وشمع‌قائم نمایند ـ

تلگرافی باخبار تازه لندن رسیده که جنگ سخت درمواضع بیشه واقع شده‌ترکان درمواقع قریبانه وخندقهای خودرا بلغرها پرکرده‌باشند ـ پلان‌های بلغران دوباره پیش‌قدمی نمودند اما کاوله‌باری متاثر ترکان نشانه‌درست دربالای آنهارا پی‌درپی کردند ـ کاوله‌های بلغران بسیار بلندرت بترکان هیچ‌نقصان نمیرسانید ـ آوازکاوله هامانند رعد وبرق‌زمین آسمان‌را پرکرده بود ومثل آن جنگ‌روس وجاپان بود که انواع علوم‌جاپانیان بلغاریان بیگانه . لشکر مؤخر جریل گرنکاف‌را سپه‌سپه ساخته بود ـ بعدازان معرکه این قسم‌کاوله بازی‌مروب کاهرشنیده نشده ـ

دسته‌های فوج‌دول اوروپا درقسطنطنیه فرود آمده‌اند وآنها درمقامات‌خود برای حفاظت دارالخلافه‌ها وسفارت خانه‌ها وسایر عمارات خارجه تاوقت ضرورت مقیم خواهندبود این‌حرکت بین‌الدولی باستحسان دیده شده‌است .

پاشوقدسردارات وعهده‌داران منگولیا درپیکن رسیده اعلان کرده است که منگولیا بواسطه روسیا خودمختاری نخواسته بلکه آن باچین‌بسته است .

ریوتر حالاخبرمیدهد که مستحفظین نظامی ترکان پکن‌استقلال برای بلغران معلومشده اکنون پیش‌قدمی بلغران لازم وهراس مسدود شده‌است .

درلشکر بلغاریای جبهه‌سرکشیده است وشاه فردیناند باکثر راتبه‌جرمنی را طارده است .

مارننگ پوست — ۲۲ نومبر

خبرهای جنگ شاهده بهادری و شجاعت وخوش اسلوبی ترکان را ظاهر میکند ـ بلغران شکست خوردند ـ ترکان بعضی مقامات متصرف شدند ـ توپ خانه های بلغاریان بقابله ترکان هیچ‌کار نمیکنند وقوپهای ترکان پیشرو دورتر میروند ـ

جهاز جدیده دوکشتی بار پیدوی بلغار بادراکه زیرآب برآن حمله کرده بودند غرق‌کرد ـ مصدمداران ترکی درجهاز بشجاعت واستقلال کاربردند جریل‌شکری برای‌شجاعت وحمایت خود که درابتدا باویل‌ظاهر نموده‌بود وبلغاریان‌را پیوی پی‌را نموده بود نشان‌وخطاب غازی‌عطا کرده شده است .

جنگ ترکی وبلغاری

مصر معزز زمین‌دار مینویسد

لندن ۲۶ نومبر — طرف آخری توپخانه‌را که راجع‌الحدده ساله متعامل است جداگرفتند آموزی نه‌هست درمیدان جنگ فرستاده شده ـ بتحقیق رسیده است که درین جنگ یک‌لک سپاه بلغاری کشته شده ـ وان نفسان جان‌باخته‌اند آنهای قتیل بلغاریه وبه‌وساطی نظامی ان‌کی آورده شده‌است ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 476 of 1786

شکست بلغاریان وسروبان

نامه نگار دیلی نیوز در اشتاف ۲۵ اکتوبر تحریر می نماید : —
افواج بلغاریا و سروبارا که از جانب اجرای بلانکا کوشش دفع مقام اسکپ میکرد متصل کاودا شکست کامل رسید فوج ترکی که سرعت تمام بمقام کاودا فرستاده شده بود پیشقدمی کرده خبررا برمعرکه آرای غیور ساخت وتتبیه‌اش چنان شد که فوج سروبا که عازم شهزاده اسکندر بودپسپا گردیدواتواپ بسیارسروبا بدست ترکان افتاد —

پنجه اخبار سیوم پنجشنبه ۲۸ نومبر مطابق ۱۸ ذی الحجه احرام
امداد عیسائیان وهندوان در اعانت هلال احمر

قاضی گیرادین ازجمله مسلمانان بمبئی خبر میدهد که بعضی دوست هندو مستر دامودر داس گوردهن داس سکین والا اعانت هلال احمر مبلغ یکهزار روپیه گذار میدهد بزودی می نماید که اگر مسلمانان هند بغرض شرکت جنگ بطرف ترکی بروند بلکه مصارف اخراجات سفرانهارا خواهد کرد مستر سکین والاهندوی نیک دل امیدوقوی است که درهندوستان گیاهندوان شریف دل ونیک نیت دیگر هم خواهند بود امالهار اخلاص طرف کار همدردی بنوع انسان متوجه ساخته نشده — درین شان نیست که ضروریات هرشخص وهرقوم جداگانه فرض باشند اما درین ضروریات همدردی انسان همه اقوام بلاتخلف مذهب وقوم تاثیر ثابت شده می تواند —

اخبار دیلی نیوز گاهی انگلستان بلکه اخبار آزادانه وبازرگان مستقل دوستی ندارد بلکه بروایات مستر گلادستون متوفی که یکی دشمن جانی ترکان بود عامل است واعانت صلیب احمر فراهم می نماید بمستر انگرزان همراه وجهٔ اعانت باواطلاع داده‌اند که نصف مبلغ ازین به امداد عیسائیان ونصف آن بامداد زخمی های مسلمانان داده شود

جوش وخروش عربان

تلگراف های متعدد ازطرابلس به آستانه علیه بحضور رسیده اند که عربان تمام آخرین جنگ خواهند کرد — به حکومت نهایه درخواست دارند که آنهارا بصلح بپور ساده آنهابزدولت نهایه وادرین امر معذور میدانند وی فهمند که حکومت ترکیه مثلای مصالب سخت گشته است وزنه هرگز بابطالیه مصالحت نکرده — ما آنهاکه جان درتن دارند ایطالیان را درطرابلس خواهند گذاشت

مثال نادرهٔ ایثار وحمیت ترکیه

نامه نگار اخبار مالن فرانسه ازعثمانیه خبرمیدهد که اگرچه ترکان درجانبازی وقربان کردن جان درمیدان جنگ شهرت دارند فعالیک واقعهٔ تازهٔ حیرت وایثار شان که درتاریخ عثمانی بالاتبار تمام درج کرده خواهند شد اینست که چون ترکان ازمحاصره بتنگ میگردند چنان قصه نمودند که یک جسر یکی برنهر مارتزا واقع بود برباد سازند درین برادی پل هلاک انجام بعدهٔ کار بتعطیل بود وهنوز گفتگو جاری بود که کدام شخص است که خودرا قربان کرده راه دشمن را مسدود سازد که قائم مقام وحاکم مصطفی پاشا خدمت مهاکمه کوره بذمه خودگرفت وچون فوج عثمانیه باطمینان تمام ازپل گذشت حاکم موصوف باثابت پست خودگرفته دروسط جسر ایستاده شدودر آنوقت که فوج بلغاری ارادهٔ عبور کردن پل داشت حاکم موصوف جسررا بذریعه ٔ ثالثا مبت منهدم ساخت وخودش بزخم تحق تسلیم نمود —

حالت سنگینی یوروپ

خیروحشت ازفراهمی افواج جنگی که دراخبارات آخرنا وجرمنی شایع شده بود درانطمینان یوروپ باین سبب خلل انداز نشده که چه فریق سروبا ملاحظات وزمی ورزیده بودند نیز معلوم می شود که سروبه بجهت حصول یک بندرگاه بحیرهٔ ادریاتک ازمطامعت آستریا منحرف نخواهدشد — بالبانیه ازاخبار کوشکی زیستگ درضمن سخنان اطمینان بخش صدای خفیف شورش انگیز شنیده می شود

شهزاده عزیز کنارستان جدیو مصر است وبخطابه بلغاریه از جانب ترکیه بشور متوقع جنگ میکند روز درخصوص شهزاده موصوف خبرداده بود که چونکه شهزاده عزیزازمیدان فرق کلیسا گریخته بود اوبجزیرگی ازاعدائش نقاشه ننگ ساخته اند اعدائش نوشته خبر مذکورهٔ فوق نوشته شد اکنون اخبارات مصری درتلاشی شهزاده مذکور اظهار تهنیت نموده بخبرهای روز منکر می نمایند واهل مصررا مشورت میدهند که خبرهای روز را اعتبار واعتماد نکنند —

قسطنطنیه ۳ نومبر — نامه نگار الویدیریهٔ تلگراف خبرمیدهد که در فوج ظفر موج ما و بلغاریان جنگ متواتر جا ریست ودرمعرکه های آخری فتح ونصرت شامل حال ماست .

دعوی روس وترکی در عدالت لهایه

بقابل ثاوان جلتروس و روم سنه ۱۸۷۷ع بذمهٔ ترکی باقی است وحکومت ترکیا کنون آزادا کردن بقایای ثاوان جنگ انکار میکند لهذا حکومت روسیه دعوی مذکور را در عدالت ثالثی هیلک پیش کرده است

درخوست بکلی امراست

نامه نگاری در حدی تحریر کرده است که اعلیحضرت امیر صاحب خواتین نوبنگال را که درکابل زیر حراست بودند اجازت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 477 of 1786

رفتن خوست عطا نموده اند — خوانین مذکور به اعلیحضرت تمدوح اقرار کرده اند که در خوست دولت غیری برای انتظام میرا خواهند کرد اکنون حالت خوست نهایت پر است ودر آنجا بهرطریق امن وامان است. کمترین عبدالرحمن پاشمزجم

همصر معزز اخبار وطن دیده شد
خبر غریب واقعاتی حیرت انگیز

لندن ۲۷ تموز — منطقام صوفیه بازار استانبول خبرحیرت انگیزرسید که دولت ترکیه خواهشمند تسویه اتحادبلغان میباشد واو اطلاع ارادهٔخود بهبلغان داده است — اگرچه خبرمذکور بوجود اغلب غلط خواهد بود لاکن این امر محض غلط است که خواهش اتحادازجانب دولت ترکیه نموده شده است — مقتضای فطرت انسانی این است که فریق مغلوب فرد باشد یا قوم فریق غالب زار مائل نبودن خطاپوشی منهمله حیل ومکایر ازین الناس بزکار میگیرد که من آینده دوست صادق ودست و بازوی ثنا خواهم بود — ریاستهای متحدهٔ بلغان مدای مشکلات ترکیه واز عدیدهٔ همسایهٔ طاقتورا وی بهره نیست پس چون است که بلغاریه وغیره برای کنون خلاصی خود چنین حیله نموده باشد وامکان دارد که مدبران ترکیه برای محفوظ داشتن مملکت خود ازتجاوز طامعانه روسیه وآستریا وایطالیه اتحاد مذکوره راجندان قبول نخواهد داشت.

(افسرکل نادین خانه‌ی دولت علیهٔ انگلستان حامل نامهٔ همصر ورخا)

همصر معزز زمین دار مورخه ۲۴ ذی‌الحجه‌الحرام سنه ۱۳۳۰

لندن — ۲ دسمبر — بلغاران دردوی اتفاق سفا کی بسیار ظاهرکرده یک‌محله ترکیه‌رامنهدم‌ساخته‌اند ودر گشت‌و خون نخصه غیر نصرانی هرملت خودرا بتیغ تعدیه

لندن ۲ دسمبر — دولت روس بآستریا اطمینان داده است که او ارادهٔ تأیید هر تجاوز سرویه را ندارد — باین روس روسیه قدری سکوت در آستریا پیدا شده است — آستریا هیچ اعتراض ندارد که البانیا دولت مستقل ساخته شود ودر وباناحت آن یک بندر وساحل دریا بالت (اوفیا توس) ضمیمه نماید — چرآستریا امیدوار که اوروپ آن مطالبات را که دران از جانب آستریا گنجانیده گی ممکن نیست وجه احسن یاد خواهد ساخت. بسام گرت لکهوژ میویسد که در اخبار ان هفتهٔ هدا که از مصر

قسطنطنیه یکم‌دسمبر — برای مصالحت عارضی گفت وشنید جاری است واین تونک تجارت یک هفته خواهد بود که درین عرصه برای مصالحت مستقله عهد و پیمان بسته گردد

قطعه تاریخ جلوس موجودهٔ سلطان روم با ریاستهای بلغان ازمنشی زین‌العابدین صاحب حاکم گنجوی عظیم آبادی متخلص بشیم

—(قطعه)—

کرده کفار جهور اسلام	دل مومن نه چون دو نیم بود
آتش قهر فرو نمواهد شد	تا خون دزی عظیم بود
حق بدا داد استوار ترا	نصرا طیک مستقیم بود
گوش کن این نصیحتم از دل	گر ترا دانش سلیم بود
رحم کن بر جراحت ژکان	تا بتو رحمت کریم بود
ده به امداد زخمیان وقا	زیورو زر چه که سیم بود
در نهیه مدا کن از جان	که زدین لشکر انیم بود
رجز اعدا شود زسنان وا	منتشر کافر رجیم بود
دوج بلغاریه بشهیر خدا	غرق دریای خوف و بیم بود
تاج تسلیب شود یکسر	شوکت و حشمت قدیم بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 478 of 1786

بهر کجا رود جنگ در هیری گر ترا فکر ای پسر بود
در اعتدا جدا کن و بتوابی جای باشد با جمیع بود
۱۳۳۰

از زمین دار

(هزار آفرین ای مدیر سراج الاخبار افغانیه)

وینه ـ ۳۰ نومبر ـ دولت آستریا حکمی صادر نموده است که برآمدن اسپان از ملک ممنوع شود ـ بزعم مان دیگر شایع شده است که مردم هائیکه زیاده از یکهاد سال عمر نداشته باشند برای خدمت لطکی آماده باشند .

لندن ۳۰ نومبر ـ تووی در پیا از خبار روسیه مظهر است که فوج چین بدون جنگ و مقدمه بزمام کابدو قابض گردید واهالی شهر و علاوه اسلحه های خود نهادند و برای فوج چین خیمه ها زدند و در جواطر ومدارات شان گوشیدند ـ

لندن ۲ دسمبر ـ پیغامی به اخبار تایمز لندن از سلانیک بدینمضمون رسیده است که در مقدونیه کشت و خون جاریست و بسیار بیگناهان از دست یونانیان و بلغران بقتل میرسند و مسلمانان هم دران غارت تام تراج دارند ـ

لندن ۲ دسمبر ـ یونان در تهدید مساعی بازرگان وریاست های بلقان خودرا کنار ساخته است و بر بلغران اعتماد ندارد ـ و بلغران از طرف جنال اسود و سروبا وکالت میکنند .

تصرف هوا

از برلن (پایه تخت جرمنی) خبر رسیده که در انجا تحریک پیدا شده است که دولت جرمنی یک دسته جهازات هوائی مساعد زپلین تیار کند ـ تا بر دشمنان بدون مصرف گذاشتن بم کار بر آنها هم مسلط شود ـ عبدالرحمن پشتون

مقالات فنیه

ـ(حکمت طبیعیه)ـ

آیا درخصوص جلب انظار دقت بشریه ، ازکتب وصحف از حوادث غریبهٔ علم طبیعیت که طفلک بامعلم دروقوع وتجدد است دکر چه چیزی خواهد بود ؟

مثلا حالاتی سیاق باصدای نظر برای فیروزه رنگی که بضیای شمس نورانی بغایت خوش رنگی ، ونهایت قشنگی جلوه میکند میبینم که بعد ازلحظهٔ بشپور ابرهای مدام قسمت تاریکی پیدا میکند ، که هرانسان باریکبین مدقق الاستماعت چین تبدل وتغیر ناگهانی حوالی لمانت اداء ودفعةً ظهور چنین ابرهای مدهش کثافت برا اظهار نهیب نموده خواستوار گردید تکثر وتغیر میکردد وسبب انهمه تغیرات آسمانی را خود بخود سوال میکند !

پس از زمانیکه اشغال حیرت حال دوام نماید خطرات خاطر مطر ، وشعشعات تعاول برق ، وتحدیدات تعاول رعد ، ونتایجات تصادم صاعقه ظهور ووقوع می یابد که وقوع این وقوعات غریبه وحوادثات عجیبه برتفکر وتعمق آن انسان متفکر مدقق میافزاید پس از خود بخود سوال میکند که اباظهورات این ابرها وبارش این بارانها ، وتصادم این صاعقه ها ازچه سبب وکدام جهت بعمل آمد ؟

امامالا بیدیم که سوالهای این مردمایل متفکر را که جواب میدهد ، وحل اشکال غامضهٔ متفکره را که میتواند ؟ مکر انکه انسان در نجا (هوفعالمایرید) کفته ارکان عظمت وکبریائی ووحدانیت ویکتائی حضرت خلاق کائنات جل وعلی اقرار نموده بکوید که اکر غریزهٔ خالق رحیم وصنایع بدیعهٔ حکیم مطلق در حوصله وشعور انسانی نمی کنجید ، وانسان عاجز ازدرك اینچنین اثر وحوادث بدیعه ناچراست دکرچیزی نمیتواند .

ولی چون آن حکیم دانای یکتای پاك ، قوه متفکره وادراك که موهبهٔ عظیم ، وعطیهٔ جسیمی است میان نوع شریف را مخصوص ومیاول فرموده ، وبدین سبب اورا ازهمه اشیاء زیاده است لاجرم آن مردمان متفکر بدین نکات دقیق نکریده میکویند که عقل وفکر که اعظم اعطای حکیم مطلقست ما انسانرا برای آن اعطا کردیده که بواسطهٔ آن درك حقایق مرکب وضوابط اشیاء نموده ، مدارج معارج (حکمت) که مرتبهٔ استحقاق (خلافت) بدانست عروج نماید ، وبهدایت آن شمع نورانی کشف عظام جهل وناداینرا نموده ازحیوانات ، وتغیروتبدل عالم مادیات درك قدیمیت وقیومیت اوسبحانه را نماید ، واز نظم ونسق وتربیت مکونات حق حکیمیت ، ومالکیت ، وخالقیت اورا محقق شناسد ؟ .

پس جواب اینسمن مردمایل متفق بجرائکه بکوئیم که جواب استفهامات را سرکمهٔ مقالهٔ مابعی (علم حکمت طبیعیه) کهنام دیکر آن (حوادثات مادیه) میباشد جوابهای شافی ومعلومات کافی اعطا میکند دکر چیزی نیست !

بنا علیه علم حکمت طبیعیه ازعلوم بسیار کرانبها وفنون بغایت مهتابهائیست که منافع وفوائد آن بوتحصیل وتعلم آن مرشایقین حکمت وراغبین معرفت را ازحد افزونست . اولا بادهٔ ظاهر ومنفعت پهر آن اعطای جواب سوالهای سالف الذکراست . مثلا اگر یکدفعه انسان از ماهیت کره هوا وانقلابات خانه وحوادثات متنوعهٔ آن باخبر کردد ، واز کم وکیفیات ارجمندی مختلف الالوان هیئهٔ ابرها ، وبیکونکی نزول امطار ، وزاله وبرف ، وظهورات ورعد ، وبرق ، وصاعقه ، که حیرت از آن بکف بدیهٔ تحیرتست آکاهی حاصل نماید آیا بدون بدیهه اظهار دانستن ابرهم سوال خواهد شد ؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 479 of 1786

اینستکه علم حکمت طبیعیه ماهیت و کم وکیف این احوال غرایب اشیارا بکمال وضوح واشکار میکرداند . سالانکه این همه توضیحات مواد مذکوره تنها وظیفهٔ شمهٔ (کائنات الجو) فن حکمت طبیعیه است . وکرنه بسی شعبات دیگر بزرگ مذکوررا شاملست که محیط برتوضیح وتعریف جمیع احوالات وتکومات اجسام عضوی وغیرعضوی . وحوادث هوائیه وتوفونات الکتریقیه . واحوال بصریه . وخواص مغناطیسیه وظهورات برکانیه وغیرذالك میباشد .

بالا مادر نظر بدینقدر تعریف وتوضیحی که درخصوص موضوع علم حکمت طبیعیه عرض وبیان نمودیم اکتفا ورزیده انشاءالله ازمواد ومباحث ساره آن در فرصای آتی معلومات کثیری رقارئین کرام عرضه خواهیم داشت . این مبحث مذکور دیباچه ومقدمه فن مذکوراست که هرگاه بعدازین درتحت عنوان (حکمت طبیعیه) مقالات بنظر قارئین کرام تصادف کند بدانند که حکمت طبیعیه عبارت ازچه علم است .

انتها

(الامضاهیر سرداران افغانستان ودانش مشهور محمد یارخان مصور مقبور)
(سردار غلام محمد خان طرزی صاحب)

حضرت طرزی صاحب مرحوم

سردار غلام محمد خان ، ابن سردار رحمدل خان ، ابن سردار یارمحمد خان الکزائی میباشد که در فن شعر (طرزی) را تخلص اختیار کرده اند . ووجه تسمیهٔ این تخلص را بخود این عزیز دانش که اهل فرزندان شانرا از این عبارت شان چنین شنیده ام که چون درشعر یك طرزنوی پیش گرفته اند ازانسبب همین تخلص را انتخاب فرموده اند . در سنهٔ ۱۲۴۵ درشهر تورد احمد شاهی قندهار از کتم عدم بعرصهٔ وجود گذاشته پرای علم شهود شده اند . در اواخر سنهٔ ۱۲۹۹ بتاریخ بعضی رزوم های سیاسی که از اینجانب زمان بود از راه قندهار بسوی کراچی پی واخراج شده اند . درسنهٔ ۱۳۰۲ از کراچی به بغداد تشریف هجرت کرده اند . وبعد از شش ماه به استانبول . وازانجا با ارادهٔ سنیهٔ سلطان عبد الحمید خان با آغواز واحتزاز در ولایت شام بعنوان (مهمان خاص حضرت شهریاری) تا به آخر عمر تشریف شان مقیم مانده اند که تاریخ رحلت شان شب جمعه ۱۵ ماه شعبان المعظم ۱۳۳۸ میباشد . در مقبرهٔ حضرت (دحداح) رضی الله عنه که بسمت جنوبی شهر شام شریف واقع وبین اصحاب واهل بیت ومشاهیر علما دران مدفونست دفن خاکسار شان میباشند . رحمة الله علیه رحمة واسعة .

اگر بخواهیم که از همه تفصیلات ترجمهٔ احوال حضرت (طرزی صاحب) مرحوم بتکاریم نهایت اوراق اخبار ما گنجایش آرا ندارد . لهذا بنابیت درج شدن تصویر عالی شان بهمینقدر یك مختصری ازتاریخ های ولادت . اخراج . هجرت . وفات شان اکتفا ورزیده میگوئیم که حضرت طرزی در کمالات علمیه وادبیه . وصنایع نفیسه ماهر رسامی . وخطاطی ودر فضایل روحان چون زهد وتقوا . وکرم . وسخا از مشاهیر خاندان الله متعال شمرده میشوند . درهمه اقسام شعر مانند قصیده . غزل . مثنوی . ترجیع بند . ترکیب بند . تخمیس . رباعی . قطعه اشعار آبدار پرکزنده فراوان انشاء فرموده اند که کلیات اشعار شان درکراچی به اهتمام برادر زادهٔ شان محمد انورخان . وخط جوئی خط پسر بزرگ وهوشمند شان جناب مدرس الکتب محمد زمان خان در (فیض محمدی) تمام مطبعه بسیارخوبی بزیور طبع آراسته گردیده است . غیر ازین کلیات مذبوحهٔ شان دیگر بعضی آثار غیر مطبوعهٔ شان نیز موجود است که ازانجمله بنام (نغمهٔ آهنگ حجاز) یك اثر چون گنجینهٔ وهر شاهست کمال بیظیر وتاثیر مرکب میباشد . ادبی . تصوفی . حکمی یك از بسیار گرانبهای کتبخانهٔ ادب شمرده میشود .

(نغمهٔ آهنگ حجاز) از محصولات تجلیات جمالات وجمال متجلای پر تلالای شاهد بیرنگ بانم قدس است که هرخطهٔ وسنگ وهر خطه به چنگی پر آینه دل پرنگ مسکن شان در طرف شاهد اشتیاق که در حضور حضرت کعبهٔ معظمه ومدینهٔ منوره کشیده اند پر توافگنده است . درینجا یك نغمهٔ علوی ملکوتی آن آهنگ های حجازی را در صباح سباح اهل راز میرسانیم که از پرتو تجلی جلالت عظمت مثال احرام بسته شدن گمنه درحرم حرم قدس حکایت میکنند :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 480 of 1786

(قطعه)

(در معنی احرام بستن کعبه که در موسم حج رومیدانند)

رفتم چو بر طوف در خانهٔ خدا
دیدم که کعبه هم، چو من احرام بسته است
رفتم ز هجر پیش و نیامد جبین بخاك
زیرا که خاطرم ز غمش سخت خسته است
گفتم خدای را بمن ای کعبه راستگوی
زین سرسر نهفته که از طبع جسته است
عالم برای طوف تو احرام بسته اند
کز پای بسته است و ز خویش رسته است
آخر بگو تو بهر که احرام بسته
یا آنکه خاطرت زده و دامن گسسته است
گفتا خموش (طرزی) ازین سرسر نهفت
اسرار این رموز در باز بسته است
زان پس برمز گفت که طبع منم ز دهر
چون پسته سینه چاك و چو بادام خسته است
کو بند مردمان سسته منم خانهٔ خدا
من خود خدیده ام، وله باغی نشسته است
آن بار بینشان که نگنجد بهر دو کون
داری گمان مگر که زین تبع دسته است
من خود ز هجر سوزم ازان بار بینشان
این نیست وصال بن خلق بسته است
من خود هیشه کرد درش میدوم بسر
ارکان من اگر چه دویی نشسته است
من کیستم که عرض به این عظمت دهم
یا اشك حسرت ازرخ اودست شسته است
ازقوس چرخ وشست زمان وزه مکان
یك لامکان چو تیر پرازناب جسته است
گفتا که (طرزی) آن در یکتای بینشان
حسنی ز روی هر که بود چشم بسته است

(عالم عسکری)

(برادران صنف نظامی ما بخوانند)

(پرنس بیسارك) جرمنی که شهرتش مشهور آفاقست گفته است: «مظفریت راجع الثانیا — یعنی جرمنی ها — تنها علم کافی کرده است وبس».

زنده گی این علم چقدر پشتیبان گرانیست. جاهلان که خواننده و نویسنده نباشند گویا هیچ یك سلاح مدافعه بدست ندارند. در اردو های اوروپ افرادی که بقرعه — یعنی به پشك — جمع میشوند وکا خوان وناخوش هستند در کندکها وقشلها نوشتن وخواندن می آموزانند. زیرا عصر ما عصر علم است. هیچ کاری بیعلم آن پذیرائی ندارد. امروز وروقت حاضر برای هر هر کار واسطه های بسیار گوناگون تدارك شده است. وجود آنهم باز از روی حساب چنان معلوم میشود که در نفریاتی که داخل سر عسکری شده بقرعه گرفته میشوند بسیار خری ناخوان وناقوس میباشند. درین حساب ذیل نظر کنید [حقیقت بودن قول (پرنس بیسارك)] جرمنی را برأی العین تصدیق میکنید:

در اردوی روس در ۱۰۰۰	۶۱۵ ناخوان
در اردوی ایتالیه در ۱۰۰۰	۳۸۰ ناخوان
در اردوی اوسترا در ۱۰۰۰	۲۲۰ ناخوان
در اردوی بلجیك در ۱۰۰۰	۱۳۰ ناخوان
در اردوی فرانس در ۱۰۰۰	۵۰ ناخوان
در اردوی سویچر در ۱۰۰۰	۲۰ ناخوان
در اردوی جرمن در ۱۰۰۰	۱ ناخوان

این است که ازین ایستاتیستیك یعنی حساب جدول بخوبی معلوم میشود که سبب یگانهٔ مظفریت اردوی جرمن بنایهٔ علم ودانایی بود. برای مظفر شدن، در راه علم ومعارف کوشیدن لازم است. کوشش کنیم. تا اولادهای وطن که پس پشك عسکری درآمده در بلوکهای ما، در کندکهای ما، در خندقهای ما می آیند آنها را بدرجهٔ که ممکن باشد چوانا یم، بنویسایم. تا جنگ را علماً به آنها بیاموزانیم، واز نتیجهٔ آن ما هم مظفر شویم.

هر دولت برای انتشار وتعمیم علم ومعارف عمومی در مملکت خود مخارج بسیاری صرف می کنند. حکومت اسویچره — یعنی سویزرلند — در هر سال از قرار هر یك نفوس مملکت خود ۱۵ فرانك، حکومت جرمن ۷ فرانك، انگلیز ۶ فرانك، رومانیا ۵ فرانك، سویدن ۴ فرانك، اوسترا ۳ فرانك، ایتالیا ۱ فرانك روس تنها یك ربع فرانك برای علم ومعارف مملکت خود صرف وخرج میکنند. ازین حساب بخوبی معلوم میگردد که هر دولتیکه بیشتر مصرف برای علم نموده اند هماندم در افراد عسکریهٔ شان بیشتر خوانا ونویسنده بیشتر بوده است. چونکه عسکر از افراد رعیت گرفته میشود. وچون رعیت خواننده ونویسنده باشد البته که افراد عساکری نیز بهمان نسبت خواننده ونویسنده وخواهند بود. ازین مسئله معلوم میشود که تعمیم علم ومعارف در ملك برای عالم عسکری چه فایده ها میرساند.

(از آثار فکری ترجمه شده)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 481 of 1786

ادبیات

این نشیده بانتقاد در دار السلطنهٔ کابل رای مداومهٔ نفس از ملامت خلق دربارهٔ آمدنم بوطن گفته شده وزرا بعضی ازرفقا زحمتم را بردوانگی حمل نموده ملامت میکردند

(عشق وطن)

هر کس که دل بعشق وطن کرد مبتلا
ایمان وعقل ودین نشود هیچ ازو جدا
قول رسول برحق ما این چنین بود
حب وطن نماند ایمان ودین بود
حب وطن نماند وکل وجوب وسنت است
زیرا نجات وسنت قرار ودرک نیست
حب وطن بیوه وگزار وداع نیست
حب وطن بکوه وبصحرا وراع نیست
حب وطن بشهر وبه انهار ومزرعه
بود چرا که برشده دنیا باین همه
اینها عوارضست ومحبت به ذاتیست
آن جوهریست خاص که ازوضع معنویست
حب وطن معانی دیگر بود ورا
کز حب خانه وسنت ودرخت آمده جدا
انچیزها که باعث حب وطن بود
گویم ترا که ثمرهٔ اصلی ان بود
لنگلی جسم وجان بشر زاب اطفه شد
آن آب هم زجوهر خون آب بسته شد
خون از غذا وآب وهوا حاصل آمده
از امتزاج این همه آن کامل آمده
خاک وطن بود که پدید آورد خدا
خاک وطن بود که شدش آب وهم هوا
پاک وطن بدایت لنگیل هر وجود
گردست با هزار جدوجهد وکار وزود
خاک وطن به حکمت حی قدیم فرد
از بدؤ جسم وجان بشر اشکار کرد
حس بصر که نعمت عظمای خالق است
اول بخاک پاک وطن در تعلق است
سمعست قوتیکه سمیع علیم حی
احسان نموده است به انسان نیک پی
اول صدا بگوش زهب وطن رسید
صوتیکه بشنود همه زاهل وطن شنید

لطفست خاصهٔ که خداوند لا یزال
فرق بشر نمود زحیوان باین کمال
اول کلام چون زدهان می‌شود برون
نطق زبان اهل وطن گشته زه نمون
اول منام هم زوطن بوی عشق یافت
دوق از وطن بدایت لذات رزق یافت
اول قدم بنی چو آغاز می کنند
از نس خاک پاک وطن ناز می کنند
اول نفس که یافت مدخیان بود
از آن هواست کان وطنت را محافظ بود
پس گر مراجعت سوی وجدان کنی بجد
وانگاه فکر این همه اسباب بیعدد
یا بی زسر عشق وطن خویش را مطلع
معبود حب اوست شریعت گر وضع
ای خاک پاک عاشق افتادهٔ توام
با جسم وجان فدائی دلدادهٔ توام
بیود حب تست هوای وهوای من
عشقت زسر هر مرض من دوای من
بشنو که عشق ازچه به انسان شود بلا
تا گویمت زقول حکیمان پردها
هر قطعه یک جمع دروشه حواس خمس
سمع وبصر مشام وذگر حس ذوق ولمس
ممثوق تام مجمع این پنجگانه است
عاشق همان که جمع حواسش بهانه است
ممثوق من وطن بود ازان سبب که او
مجمع زسر جمله حواسم شنده است او
عاشق ازان منم که جمع حواس را
کردم بخاک پاک وطن جمع وبجا
عشق وطن حواس و دلو جسم و جان من
مربوط کرده است بیود با هزار فن
چون اصل و فطرت و نسب و قوم و ملم
چون جسم وجان و دل و زبان نیک و مهتم
چون اب و جد و جده و مادر زهست پشت
ازنست ودر تو بوده و درخاک تو تعلق
چون جمله حواس من ازجمله وجود
گردست با تو رابطه ازجمله تارو پود
پس عشق تو چسان زسر من بدر شود
با تیر اندرون شده و با جان بدر شود
شد سالها که داغ جدائی و فرقتت
میسوخت همچو شمع دلو جان عاشقت

شاپیاد وصل تو بخواب مانده‌ام
در روزها فکر تو در تب مانده‌ام
هرجا وفن که خوانده وتحصیل کرده‌ام
نیت برای خدمت وطنم بوده‌ام
نیت باز عمل چو نبی مکرم سنتست
امیدوم آن بود که عمل نیستم بدفت
چشم عنایت وروسیه‌ئی وبدی من
پوشد خطا وجمله سیات ردی من
الله ذوالجلال عکسه علام لیها است
داند که فکروبیت من خالص وصفا است
باصد هوس هزار تصور زمفت شام
آن شام کوزصبح سعادت شده بکام
آن شام کوز خط برین میدهد نشان
قد سیتی زروح بزرگان وقهرمان
هرگونه عیش وعشرت وراحت گذاشتم
از عشق تو دویده زسر پای ساختم
ازجذب عشق تو عکسه سوت بیامدم
فی بهرجاه وثروت وحشمت بیامدم
عکس صدهزار سنانحلامت بسرخورم
عکس صدهزار طعنه و توبیخ بر دم
گر صد هزار بار بدیوانه گی مرا
نسبت نهند وعقل بدانند زمن جدا
من جمله قبول کنم باهمه محبت
این آرزو که شیوه گشتم وطن پرست
ای خاک پاک ای وطن خوش زمین من
معشوق من حبیب من ودل نشین من
مسعود باش وشاد زی آباد بان
درحفظ ورزقی و معمور ی وامان
از شر دشمنان ضرر قوی فزد
محفوظ باد جان تو در حضرت احد
درمملکت تمدن وعمران وبرتری
درعلم و در صنایع و در هر ضروری
رشک آوری بلاد تمدن نشان شوی
درشرق همچوشمس درخشان عیان شوی
ابنا واهل کوز فیوضات اخلاق
عکس دهند چهره یاب و برابنه از نفاق
عکس دهند پاک وجود وغایند دست پاک
نبند جهالتی کمر محنت و شکاف
ازبهر دفع دشمن و جذب علوم و فن
از بهر اخذ صنعت وهم عسکری شدن
خلاق ذوالجلال عنایت عکسه ترا
انواع عزت وشرف ونعمت وبنا
امنیت عمومی وحق و حقوق عدل
آسایش ورفاه ومساوات وعلم وعقل
عزت وسعادت وثروت نظام وانتظم
قانون حرب وانتظم سپاهی وجندرزم
آزادی وتجارت وصنعت زراعت
مال عکثیر وراه وسیع و عمارت
ازاین همه تواکمر وهم بهره‌ور شوی
در کرهٔ زمین به ترقی سمر شوی
خود بنوا شب وروز ازین دعا
مبعکرده است وباد اجابت زکبریا

(دردارالسلطنه کابل ۱۳۲۵)

فاجعه ماه پاریس

(ماجد ازشماره (۶) سال دوم)

— عزیزما وشاپسیار دراز خواهدشد . شاپسیار گفتنیها دارم حتی یک رجا و امید بسیار بزرگی نیز دارم که عرض کنم

— آیک رجا ! اگرچه تاپاد هنوز نمیدانم کدام‌ی شما چه خواهد بود اما بازهم الحلا سوگند میخورم که آنرا بدل وجان قبول کنم .

— منهم این‌سن شمارا سند برای خود دانسته خاطر جمع شاپسیارم گوهده خلاق خواهد کرد . اینکار پیش‌من بشنید، دور نشوید، غم بسیار خفیف است . ورنکرده خیلی‌مشکوک آیا میدانید کمن میمیرم .

— چه میگوئید ! اینچین چیزرا بخیال وخواطر خودهم راه مدهید من شما یک زن جوان میمیرد ؟ برای رهایدن شما بجز دفن و اعتناء وبد رستی پرستاری کردن دگر چیزی بکار نیست . ازمن پیر پرستار آیا برای شما خواهد بود ؟ شما روحاً وجسماً بسیار بسیار مضطرب شدید . لیکن زمانهای اضطرابها گذشت، بعدازین بلکه بتیاراه عرجوا هید گذاشت واحوالماضی مدعش کاراموشی خواهید کرد . واین‌را هم بتیوهید میکنم که پدر شما نیز شمارا قبول کرده محبت‌شابع شده اش پس‌عودت کند . به این یک خبر شدم که بیوه مانده اید، بیوه کی شما مشی، شاید‌اگر شمارا بعدم آبادبینی‌رود . من شمارا جانبه از از اول دوست داشتم حالا هم همچنان دوست میدارم . وهم بعد ازین زیادتر دوست خواهم داشت . و درخود این قوت راهم میبینم که جان صدقه‌ها . و سعیا یکم که محبت شمارا از بعود جلب کنم . شمانیا همینقدر بگوئید کاسبخن من موافقت میکنید یانی ؟

— آه ! کار ازکار گذشته است ... برای‌من امید چه‌یاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 483 of 1786

(سخنان هر رقم)

(میکروب در شیر)

موسیو میکی نام یك حکمت شناسی میکروب - یعنی حیوانات هوا نگوئیم که عالم نمی آید - شیر را بقرار ذیل حساب کرده است :

در یك تیله شیری که از حرارت دوره در یك ساعت ؟ ملیون میکروب موجود میشود بعد از سه ساعت ۳۰ ملیون و بعد از چهار ساعت به ۱۲۰ ملیون ، بعد از بیست و پنج ساعت به ۶۳ ملیارد و ۵۰۰ ملیون میرسد !

[اگر کسی باور ندارد حساب کند!... سراج الاخبار افغانیه]

(قضاها و تهلکه های سیاحت)

چون هر روز در اوراق جرائد از قضاهای دریایی خبرها مینویسم چنان میپنداریم که سیاحتهای این زمان خیلی تهلکه ناك کار یست . حالا آنکه نظر شما (فه رو) تا یك شخص باقی اجرا نموده چنان معلوم میشود که تهلکه و قضاهای سیاحتهای زمان قدیم از زمان بیشتر بوده است .

در سیاحتهای قدیم ، در ۳۵۵۰۰۰ نفر آدم یك شخص مقتول و در ۳۰۰۰۰ آدم یك نفر عروج میگردیدند . حال آنکه در سیاحتهای اسوف کمپاریها دواپور هاجر امیتو در ۲۶۷۲۰۰۰ نفر آدم یك مقتول ، و در ۱۰۶۰۰۰۰ نفر آدم یك نفر آدم عروج میکرده . نظر به احساب است زمانهای قدیم ۷۵ بار کرکتن ۳۵ بار گیر جریح در سیاحتها وقوع می آمد .

تاریخ ایجاد تیکن دالا

تیکن دالا اولا در قلعه (اسلوجا) در شهر (دونده) از طرف (جیمس چالس) نام یك دونده والایی ایجاد گردیده است در سنهٔ ۱۸۲۹ عیسوی بار در انگلستان با یك پیمانهٔ رسمی استعمال آن قبول شده است . وبعد از یکسال به استعمال آثار هو کردند . بی آکر زنده میباشم تیکن را بسیار دوست میدانم این غلب شکسر چاره که از تیکن امراض گریه ، رود وساحق و غفلت میل خورده بود یکباب حواسش و آزاد بحث تیکن پر دوده میباشد . تیکن مرا یك دورهٔ سعادت و بختیاری نشان میدهد اما هزار افسوس که دیدن آن مرا میسر نمیشود . رود مارین آن دو زنده‌ات و من نیز قایل میرود یك ماهیهٔ هست که آنهم (هزار) میباشد .

— من میگویم که تیکن تیکنید ، زنده باد میکنید .

— حالا آنکه پیش از تمام میرویم .

وطوبات روی خود را در میان دستهای خود ستر کرده یك طرف زار زار بگریستن آغاز نهاد ، و در اوراق خیلی فوق فوق کرده دکر چیزی نشنیده نشد . این (آزمان روزه) نام آدم که معروف به (وطوبات دوفرانلیو) میباشد و از اشخاص مهم این کتاب ما خواهد شد در وقتی که قارئین کرام ما اورا دیده اند یعنی در ماه نشرین اول سنه (۱۸۵۰) بسن چهل و پنج ساله گرده است . بعد ازان قاعده وضع آن درگ مدت در هر طرف ظاهر و آشکار شده بعد از انکلیس بیکسال جامعه متحدهٔ امریکا ، وبعد ازان سویدن ، وبعد ازان پاپوه را ، وبعد ازان بلجیم ، وبعد ازان عرابی ، واسد ازان دیگر دولتها استعمال وقبول کرده اند .

(قوت هر ماشینهای که در کرهٔ زمین است)

قوت هر ماشینهای کارخانستان موجود است ، ۷۰۰۰۰۰۰ اسپ است . قوت ماشینهای جامعه متحدهٔ امریکا ۷۵۰۰۰۰۰۰ اسپ . قوت ماشینهای تجارت جرمنی ۴۵۰۰۰۰۰۰ اسپ ، واز فرانس ۲۲۲۳۰۰۰ اسپ است . اما در میان این تعداد قوت (ژوموتیفیا) — یعنی انجنهای دریایی داخل نیست . عدد همهٔ ژوموتیفهای دنیا تقریباً ۱۲۵ هزار می آید که قوت همهٔ آنها بیشتر ملیون اسپ بالغ میشود . وچون دیگر قوتهای ماشینها روی زمین را نیز با این عدد های مذکوره ضم وعلاوه کنیم قوت همه ماشینهای روی زمین به پانصد ملیون اسپ واصل میشود .

[از یك رساله فرانسوی ترجمه شده]

نامورانِ نامِ جهان

(مابعد از شماره ۶ سال دوم)

(نظم)

یارب انك قلت من غلام یا ابن الذی من حومة الحمام
تجاوبون الملك للمنام فؤادی فداك الضرب بالسهام
یلة من ابن سوام تخرج حاضرت فی الشام
فانت مبعوث الی الانام ثمت فی الحل وفی الحرام

سلطنهٔ امیل و نجیب یك آدم خوش شکل و خوش شمایل بود . دانش بلند ، تاب و توانائی برسا ، در کوشت خود پر ، اوضاع واطوارش پر طراوت و نزاکت بود . هر ساله و طور او اصالت و خجلتش را در نظرها جلوه میداد ، سرتی یکان یکان تار سفیدی پیدا کرده بود و چنان یکرصفتی که لایق منصبها وخود های اجتماعش که (نوالیه) ها باشد بنظر جلوه مینمود ، شانه های پر قوت ، و سینهٔ فراخش نیز مستعد پوشیدن جوشنهای آنها بنظر در میخورد .

— چنانچه هر شخصی که در طبیعت خود خیلی شدید وحال هست باشد یك حلم طبیعی نیز داشته میباشد قوت دوفرانیلو نیز حلیم الطبع یك آدمی بود . اما این حلم مانع شامت عزم ، وشدت اراده اش نشده بود .

در حد ذات خود مالك یك زکاوت فوق العادهٔ بود ، و در تحصیل علم و فن نیز در دیگر اقران و امثال خود قابل بود .

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 484 of 1786

تمت فی التحقیق والاسلام دین أبیك البرار اهلم
فلله انهك عن الاصنام أن لا توالیها مع الاقوام

یعنی مبارك کرده است خدا را ای پسر که تو فرزند آن شخصی هستی که خدا را حضرت ملك علام از مرگ شدید نجات داد بفرمودهٔ خدا کردن صنعتگر .)) معنی این بیت اول صنعت (تلویح) است که اشارت بحکایت میکند . و آن حکایت چنین است که جناب عبدالمطلب که جد حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم بود چون عزم را که از یمن بقصد زیارت بیت الله الحرام مراجعت میفرمود و بمکه معظمه میرسید خواهی نخواهی چاه زمزم را که از بسیار وقتها خراب شده بود بتاریخ خوابی که دیده بود جای آرایش کرده کار بیرون راوردن آن را خود مستقل در عهده خود باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شماره (۶) سال دوم)

تقویت یافت . علی الخصوص سلطانی که بنام (لوی چهاردهم) در فرانس برای اصناف صنعتکاران تشکیل یافته بود تا بسنهٔ ۱۷۷۶ میلادی دوام ورزیده تا آنکه (تورگو) نام وزیر فرانس که از ارباب علم ثروت بود بالرسالهٔ مشهوریکه در خلع مذکور اصدار نمود آن تشکیلات انحصاریه را قطع وباطل گردید . قبل از قطع شدن آن تشکیلات که آن هم از آثار (کولبر) نام وزیر بسیار بزرگ فرانس بود که بجهت حمایهٔ اصلاح واجرای صنایع ساخته بود صنایع خیلی تحصور مانده بود .

(کولبر) چنان گمان کرده بود که اصلاحات وترقیات مطلوبه صنایع بواسطهٔ وقوانینیکه از طرف حکومت تعین ومقرر شود حاصل میگردد . حالانکه این چنین یك فکر سراسر خطا وغلط بود . وازنتیجهٔ طبیعیهٔ این خطا بود که پس تشکیلات دقیقه وشدیده دربارهٔ ارباب صنعت وضع شده بود . در همه شهرهای فرانس اجرا کردن صنعت بیك چند فرانسا کار منحصر مانده بود . وبجز اولادهای که از خود استادها میبودند دیگری آن صنعت را اجرا کرده نمیتوانستند . صنایع در زراوانع قیود مقید گردیده شده بود هیچکس صنعت خودرا طرازه خواه خود بکار برده نمیتوانست هر چیزیکه ساخته میشد . اصول ساختن . ومواد کار آمد آنچیز . حتی شکل وصورت آن نیز از طرف حکومت معین ومقرر میشد . خوبی کار واصلاح ودرستی آن را کسی نمیپرسید . بلکه اصل مطلوب این بود که باحکام قانون کار کرده شود . حتی وصلاحیتکار کردن صنعتکاران بصنعت خود شان از طرف حکومت توجیه ومقرر میشد . معمولات صنایع برای طبایع ومزاج صنعتکاران نی . بلکه برموافق قانون حکومت تابع بود . بسیار اوقاتها بمشاهده احکامیکه این صنایع مامور بودند . درکارخانه هایکه بانظام وقانون حکومتی

باقی دارد

اعلان

سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین

چندر فایده محسوس دنیا دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی وونست

بهشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کنندگان این سیاحت غرق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بر دور ادور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دوربیه کامل بلتحاق کمکی را صرف نماید این سیاحت را گویا (فلیاس فوگ) سیاح ورقابتی بیکا اجرا کرده خواهد بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملاغلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن کتابهای فی مشهور آوقت از فرانسوی بترکی وازترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور نه تا کتابهای بلکه در کتب فن جغرافیا وجغرافیای ریاضی را از طرزا فساله نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) کتاب مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب مالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است زور طبع آراسته شده است باین کتاب بایدازود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید کاپیهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

همه مقاله هاییکه مستعد نشر از طرف مدیر وسر محرر مجریر باشد

محمود طرزی

در چاپخانه دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 485 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۸)

تکران

ادبیات آقای ملکی مطبوعه امانیه حضرت مولوی
علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابل
در اطراف داخله مملکت
با امانیات داک ۱۴ روپیه کابل
در خارج مملکت
با امانیات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ هجری یکم صفر ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۹ جنوری

صاحب امتیاز مدیر محترم

محمود طرزی

ادارهٔ جاوطبعه

در ماشینخانه دار السلطنه (کابل)
جملهٔ امورات تحریریه به ادارهٔ مذکوره
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن درکابل یکعباسی است

یکشنبه شمسی ۱۹ جدی ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وبسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

اعتذار	اخلاقیات — ادبیات
تجملات کابل	حیا ورذ، ترکیب خمس
حوادث داخله	سیمان هرقم
حوادث خارجه	نامورات زنان جهان
حکمت طبیعیه	عز ترون ملل
علم عسکری	فائده‌های پارس

(اعتذار)

بسبب بعضی تعمیرات واصلاحاتی که درزینکوگرافخانه لازم آمده این نمبرهٔ مان دیر بطبع رسید . ازمشترکین کرام خودکمال افسوس معذرت مینمائیم . وهرامید میکنیم که اگر یک دو نمبرهٔ ما درخصوص تصاویر یا معذرتی که پیش آمده قصاً بذره خورده نگردانیده باشد درنمبرهای آینده جبرانات کرده بدرج کردن بسی مناظر لطیفه وتمایل بدیعهٔ جاهای بارعت وصفای دار السلطنه که سرمقالهٔ این نمبرهٔ ما ازان بحث میراند بامیدی حاضر مشترکین کرام خودعرض خدمت خواهیم ورزید

تجملات کابل

جغرافیون ، تعریف مدنیت ، بدویت ، وحشت انسانها را چنین کرده‌اند : مردمان وحشی همان افراد نوع بشراست که نه از صنایع وحرفت خبردارند ، وحشت وبرهنه درمغاره های کوهها ویا کلوا کی درختها وبادرچرمهای شاخها وپرکهاز تدکانی میورزند

مردمان بدوی همان جمعیتهای نوع بشر است که درسیه خیمه‌ها وباچرمها ، وپاخانه های دیوارچسته‌ئی خمیروشی زندگانی میکنند وصنعت وحرفت شان خیلی محدود وساده است . مردمان مدنی همان جمعیتهای منظمهٔ بشراست که درعلم وادبیات ، وصنایع وحرفات کوشش دارند ودرخانه‌های از چوب وسنگ وآینه واهی اقامت کردن تحمل میباشند .

پس معلوم است که خانه‌های اشکاله منتظم یکی ازعلامات قارعهٔ مدنیت شمرده میشود ، اگر کسی تجملات شهنشهر های بزرگ اوروپارا مشاهده کند وطریق مدنیت را از بدویت بیناها وعمارتها بداند هیچ شبهه‌نیست که برین طریق تصدیق خواهد کرد وچون به احوال تاریخ بشریت نظر کرده شود براین معنی تحقیقات میرسد که علامهٔ مهمهٔ مدنیت السنهٔ قدیمه بناها و عمارتهای شان بوده است ، چنانچه آثار باقیماندهٔ بناهای بابل هیکلهای مصریها ، یونانیها ، رومانیها عربها طاقهای یکانهٔ درجه های مدنیت شان شمرده میشود .

باعث سلطنت سنیهٔ افغانستان صانه الله عن الخلط والامان یعنی شهرشهر صدالجمع ، کابل ، قبل از زمان سعد اقتران خاقان جنت مکان اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین) چنانچه ازهمه‌یشها وانتظامها محروم بود ازعمارتها وبناهای باشکوه بزرگ بهره‌مانده بود ، بعضی عمارات وبناهائی که درعصر شاهان صدوزائی ویا از طرف امرای محمدزائی ساخته‌شده بود هیچ‌یک رونق وشکوهی که زینت وحیثیت شهررا چنان بیفزاید حائز نبودند که درزمان سعادتقران مذکور ازانها هم هیچ اثری باقی نمانده بود ، ونیز اختلالات داخلی واستیلای دول اجنبی همه‌را ازبیخ وبن برافکنده بود .

ذات اعلیحضرت خاقان مغفور چنانچه در همهٔ امور کشوری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 486 of 1786

تجددات عظیمهٔ بکار برده بعضی عمارات رگرفتهٔ بسیار عالی و مفتنمی بزرگ بنا نهاده که مدار زینت و مفخرت شهر صفا تعمیر کامل شده است. ارگ مبارکه که یکی از معظمات امور تعمیر بدار السلطنه میباشد (ارگ) در اصطلاح فارسی عبارت از دارالاماره و احاطه ایست که مقر اقامگاه پادشاه و بقیهٔ سلطنت یا جملهٔ لوازمات پادشاهی شان باشد. از وقتیکه کابل مرکز حکومت افغانستان گردیده (بالاحصار) نام موقع مهم و مرتفعی که در سمت شرق جنوبی شهر واقعست مقر اقامگاه پادشاهی و بلکه اکثر دوایر حکومت بوده (ارگ) شهرت میشد. حالا که در انجا بجز یک دوسه بنای معروفیکه از پادشاهان قدیم مانده وجود دیگر یک ابنیهٔ ثابتهٔ را مالک نبود. حتی بالاحصار بلکه صفت ممتازهٔ ارگ را هم نداشت بلکه یک عده از اهالی یکقدری ممتازهٔ شهر شمرده میشد که آنهم در وقت استیلای انگلیز سراسر ویران و باخاک یکسان شده است.

ذات اعلیحضرت خالق جنت مکان طاب مثواه فی الرضوان چون افغانستان را از چنگ غصب و تجاوز دولت انگلیز رهائی داده تاج استقلال و حاکمیت موروثهٔ مشروطهٔ دولت خودمختار مستقله شاهوار افغانستان را بحق بر سر نهاد اولا لزوم یک مقر گاه سلطنتی را حس فرموده در جهت شمال شهر در یک زمین صاف و هموار که بقایای دهافغان را تشکیل داده بود همین ارگ مبارکهٔ موجوده را تأسیس و بنیاد فرمودند.

ارگ مبارک! اولا عبارت از یک قلعهٔ بسیار مصنع و خوش ترکیب طرز جدیدیست که خواه از جهت متانتی و خواه از جهت زینت و تکمیل یک بنای مایه الافتخاری شمرده میشود. حرمسراها سراچه ها خزینه خانه و قشله ها میگرن و غیره را در داره بنای معظم (سلام خانه) نام و اهارت بسیار طریف (سلامخانهٔ خاص) واقع ارگ مبارکه از مشتملات خارجی قلعهٔ ارگ مبارکه است

اما چون از قواعد یک آهنگ ترقی و تکمیل همین است که یکی آمده یک اساسی می نهد دیگری آمده بران اساس بنای میکند و رفته رفته ترقی و تکمیل بظهور می آید. در همه امور مادیات چون نظر کنیم جریان یک آهنگ این قاعده را دائماً مسلسل می بینیم. بنابرین ذات اعلیحضرت خالق مفخرت قرن اساس دولت را نهادند بعد از یک دور سلطنت پرشوکت و سعادت تمدن آثار شهریار مکارم کردار اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) امام الله دولته الی مدید الزمان در رسید. بران اساسها بسر پناها و بران بناهای تجملیها و ظرافتها علاوه گردید که اگر کسی حال سابق آنهارا باهیئت حالالی آنها مقایسه نماید یک فرق آشکار و پیدایی در آنها مشاهده میکند.

حالا در جهت شمال ارگ اعلیحضرت بسیار باشکوهی بنام (برج شمالی) تعمیر یافته که در تحسینات تعمیرات و زینت و ظرافت و تجملات از هر جهت لایق مسکن پادشاهی و سزاوار اقامگاه ملوکی میباشد.

دالانها! اوتاقها! کمرها! دهلیزها راهروهای این قصر باشکوه بهمهٔ تزئینات و ملزومات پرتجمل مدنیهٔ حاضره زیبنت و تفرش شده و از هرگونه آثار غیبهٔ که در خورد دالانهای بسیار عظیم عالیه مانند میباشد درآن جمع آمده است. پرتوهٔ جهتشمال آن که بشکل نصف دایره میباشد نظارهٔ بسیار بدیع را حائز است که در مواجهٔ آن قصر زمانی برای شوکت احتوای (دلکشا) و منار ساعت اطاف اداریانه است.

گلخانهٔ شاهانه و قصر ثانوی دلفریبانهٔ آن بر از باغهای پرشوکت و تجملیست که از آثار اعمار یه عصر سعادتحصر سراجیه میباشد. اصل گلخانه از سقف و جدار با آینه های بلورین مصفا و روشنی فراگرفته شده است که عوامیدقیقهٔ آن جهاز نهای آهنین پرتجملیست که سقف را نگهداریست. گلدانه های گلهای رنگارنگ، نغمه های مرغان خوش آهنگ، لوحه های تصاویر نوع بوقلمون جوان انسانرا بحسیات عالم مدنیت تازه وارد میسازد. علی الخصوص حوض بازمین هموار یکپارچه سنگ سیاق بسیار بزرگ حلقه آمنش آن. وفوارهٔ نار کافی بصوت وصدای شیرشاداب افشان آن لطافتهای یکهزاربهار نشاط آثاری را جلوه گر میسازد.

جهت شمالی گلخانهٔ شاهانه باعمارات قصر ثانوی آن فراگرفته شده است که پایان قصر مایل هم از طرف خارج گلخانه و هم از نفس خود گلخانه داخل میشوند. جهت آن پست گلخانه است که از دوسمهٔ بسیار خوش نمای آن به دالان زرگت آن در آمده میشود. این دالان از دالانهای بسیار غریب غریب و زیبای ست که هر لوازمات تجمل را حائزاست و الحاصل اگر کسی درعین زمستان زمهریر آسا بمحل پربهار جانفزای فردوسی هوا آرزو کند گلخانهٔ شاهانه را تماشا کند!

باغ ارگ مبارک که اطراف قلعه را احاطه کرده است از جنان باغهای بزرگ پردرختی خوش هوا و فضائیست که از باغهای بسیار عظیم شمرده میشود. این باغ نیز در عصر سعادتحصر سراجیه جنان تبدلات وتحولات بدیعهٔ برخورده که از حال اصلی خود سراسر بدرگ هیئت تبدیل قیافت نموده است. در اوایل بهیئت باغ جنگل مهیب پردرختی میبود که بروقت ناصر غیرازانکه بعضی قصرهای بالی دران بنا یافته در طرحها، وجنا، وجدیدها، وگلکاریها نیز یک لباس بسیار دلآرا و دلربائی در بر کرده است. علی الخصوص در بهای بعضی جشنهای مسرت افزا منظرهٔ چراغان قصر یعنی (استور) مبارک وجهای اطراف آن و (صفه هشت درج) که یک سدهٔ بسیار واسع منتهی الاعلای میباشد. وبا چار های بسیار بزرگ هشتم محافظه شده است آنچنان یک حشمت وتجملی بهم میرساند که انسان خودرا در یک باغ صفاوسرور نزهت موفوری می پندارد.

اینهاهمه از آثار تمدن وترقی شمرده میشود. بلی از قواعد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 487 of 1786

لایدی مدنیت یکی تجملات آن است . درباب مثالهای واضح و آشکار آن شهرهای بزرگ دنیاست که هرقدر در راه تمدن پیشتر رفته هرقدر تجملات تربیه آن افزون ترقه است. عصر سعادتمصر اعلیحضرت سلطان مغفور (ابتدای تأسیس دولت ، ومظهر تجلی جلال بود که در هرعرصه طرق یک عظمت ، یک شوکت درتجلی بود، عصر ترقیمصر ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس محبوب القلوب سلالای ماالمال الله عمره وابقاه یک عصر تمدن وتعالی است که همان شوکت وعظمت رعیت را یک تجلی جان ترقی آمال مظهر گردیده است !

چون دورهٔ زمامداری خود بهترین نمونهٔ بعضی آثار عالیهٔ پرتجمل وشکوه عصر شاهانه کامیاب آمدیم سرمقاله خودرا بتفصیل وتعریف هرقدر حدود درقید تحریر آوردیم ! حالا که آثار اخباریه عصر شاهانه شان تنها منحصر بهمین نیست بلکه خیلی دایرهٔ وسیعی دارد که سراج الاخبار افغانیه انشاءالله تعالی پی هر ازان آثار بادرج نمودن تصاویرشان بخصوصیان میداد ! حالا دوعای خالی از ریای عمر واقبال وشوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه ترقی آمال بپیمان خود ختم کلام مینمائیم .

حوادث داخلیه

تشریف فرمائی موکب سعادت موهب ذات اعلیحضرت پادشاهی بسوی جلال آباد

ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس محبوب القلوب ماالمال قسمت بسالهای دیگر سفر هجرت آرشاهانهٔ شان را یکقدری از وقت ومیعاد همه ساله آن به تعویق انداخته، ودر طرق ابتدت در امورات ملکی وعسکری بنی اجرآت نافعهٔ مبینهٔ بکار بردند . وبعد ازانجام کارهای سلطنتی یوم شنبه ۱۱ ماه محرم الحرام سنه ۱۳۳۶ اهل دربار معالی دارجاوی را برای وداع بحضور شوکتنمو فور شاهانه در قصر استور عمارت بار حضورداده . ووداع شاهانه تایل وسرافرازفرموده یوم یکشنبه ۱۲ ماه نفس الصباح به ساعت شش ونیم صبح بسواری موتر بکمال شوکت واجلال ، وتمام عز واقبال رهسپار سمت جلال آباد گردیدند . از درگاه خالق یکتا سموات وزمین جل ثناء نیاز میکنیم که صحت ، وسلامت همعنان ، وشوکت وجلالت همرکاب جاوی شاهانهٔ شان بوده در هریا وهر مقامی که باشند بکمال صحت وشادمانی وتمام مسرت وکامرانی جهان بکامشان وبادهٔ مرام بجامشان باد آمین .

مقام وکالت

در دار السلطنهٔ کابل جناب شهزادهٔ والاجاه نائب الحکومهٔ قطغن وبدخشان (سردار حیات الله خان) وکالة به ادارهٔ امور مأمور فرموده شده اند .

تعین مناصب ملکی

منصدارانی که ازتحصیل یافته گان مکتب حربیه سراجیه در عهدها مقرر شده اند .

(اول در غندار دل)

غلام محمد خان پسر جناب سپه سالار امیر محمد خان بمنصب کرنیل ، شاه علیرضا خان پسر نائب سالار سپهسالار خان ، ومحمد صدیق خان پسر خواجه جان صاحبزادهٔ ، وحبیب الله خان پسر عبد الحکیم خان بمنصب نائب کرنیل ، عبد الودود خان پسر عبد الغیاث خان ، ولیک محمد خان پسر سکندر خان بمنصب کپتان ، محمد قاسم خان پسر محمد یوسف خان جوانشیر ، وعبدالرزاق خان پسر ملا پس الدین خان ، ومحمد عمر خان پسر غلام نبی خان بمنصب اجیدن به ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی تعین ومقرر گردیده اند .

(دوم در غندار دل)

محمد اسمعیل خان پسر جناب سردار محمدیوسف خان بمنصب کرنیل ، داد محمد خان پسر سپه سالار غلام حیدرخان ارگزائی محمد اکبل خان پسر محمد افضل خان در وازی بمنصب کپتان عبدالغفور خان پسر عبدالغیاث خان و احمد شاه خان اول واحمد شاهخان دوم بمنصب سر بلمشر ، میرشهاب الدین خان پسر میراحمد شاهخان بمنصب اجیدن بارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی تعین ومقرر فرموده شده اند .

سوم درغند کوتوالی

میر محمد عثمان خان پسرمیر ابوطالب خان ، وسید علی خان پسر سیدامیرخان بمنصب کپتان ، عبدالرحیم خان پسر عباس خان محمد زائی ، محمد آصف خان پسر محمدیوسف خان جوان پسر محمدتوکل خان پسر سلطان محمد خان در وازی بمنصب سر بلمشر بارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی تعین ومقرر فرموده شدند .

چارم درغند دار السلطنه

فضل احمدخان پسر لعل محمدخان بمنصب کپتان ، محمد اکبرخان پسر عبدالغنی خان محمدزائی عبدالرءوف خان پسر حبیب الله محمدزائی عبدالکریم خان نوابهٔ مستوفی حبیب الله خان بمنصب سر بلمشر بارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی تعین ومقرر فرموده شده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 488 of 1786

پنجم متفرقه

عبدالغفور خان پسر سمندر خان‌دراز دایان جناب نائب‌السلطنه صاحب افخم کیدان . وحبیب‌الله خان پسر میرزا عبدالله خان‌در تولی‌های ماذین‌شاه کیدان ، فاضل‌محمدخان پسر امیر محمدخان محمد زائی درتولی‌های حیدخانه کیدان . محمدنبی‌خان پسر عبدالسلام خان درلغان کیدان مقرر فرموده شده اند .

ترفیع وترقی مناصب

منصبدارانیکه درانواع نظامی بودند وبه ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی ترقی نموده‌اند :

جناب‌عبدالوکیل خان کرنیل درغندارول برگد مقرر شد . غلام‌نبی خان کرنیل‌درغندارولی‌برگد مقرر شدسید یاقوت‌شاه‌خان کرنیل بمنصب قلعه بیگی و برگدی مقررشد . محمد انورخان سرسلمتر درتوپی متداولی کرنیل مقررشد . عبدالقادر خان کیدان درمنزلی مت کرنیل مقرر شد .عاشور محمد خان کیدان در جلال آباد کرنیل مقرر شد . محمد عثمان خان سرسلمتر درجلال آباد کرنیل مقرر شد . محمد رحیم خان کیدان درجبل السراج کرنیل مقرر شد .

عبدالرحمن کیدان در غند اردل کرنیل مقرر شد . فاضل محمد خان سرسلمتر درجبل‌السراج کیدان مقرر شد . محمد اکرم‌خان کپتان به‌منزلی مت اردلی سرسلمتر مقرر شد . محمد اعظم‌خان کپتان به‌توپی‌مت اردلی سرسلمتر مقرر شد .ولی مادرخان کپتان به‌توپچاه‌های‌توپ کیدان مقرر شد . محمد شریف خان مهمند در کپن مت اردلی سرسلمتر مقرر شد . داد محمد خان جمعدار کپتان مقرر شد . فیض محمد خان صوبدار کپتان مقرر شد . عبدالعزیز خان صوبدار کپتان مقرر شد .

منصب جرنیلی

جناب صاحبزاده محمد حسن که بمنصب برگدی سرافراز بودند بارادهٔ ترقی معتادهٔ اعلیحضرت پادشاهی در غند اردل جرنیل مقرر فرموده شدند .

برگد اعزازی

برگد غلام نبی خان پسر سپه سالار غلام حیدر خان مرحوم که قبل ازین منصب برگدی اعزازی داشت بارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی بمنصب برگدی غند دارالسلطنه مقرر و سر افراز گردیدند .

تبدیل صنف

محمد اکبر خان که سابق در صنف عسکر ، راوسپای ذات

بعلیحضرت پادشاهی سلمتر بود بارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی در غند دارالسلطنه کرنیل مقرر گردید .

نشان صداقت

عزت مند علی افندی که در مکتب حربیه‌شاهانه معلم است بپاس خدماتش مظهر عواطفات جهانداریات شاهانه گردیده بیکقطعه (نشان صداقت) نایل و سرافراز شدند .

(عفو ومرحمت اعلیحضرت شاهانه)

ازانجا که مراحم وعواطف مالانهایهٔ ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس مکارم آکناه ما برهمهٔ خدام دولت فوبشوکت شاهانه‌شان دایما مبذول ورایگانست کرنیل محمود سامی بیک که بنابر بعضی حرکات ناشایسته ممنوع الخدمت گردیده بود مظهر عفو جانبخشای ذات اعلیحضرت شاهانه گردیده مراتب‌واجبا فرموده‌اند . وغیر ازانکه رگناهان سابقش رقم‌عفو کشیده وظیفه‌ومنصبش‌را بزعطا فرموده بترطیکه بعدازین‌از اطاعت مافوق‌ونظامات مربوطه‌سرموانحراف‌نورزد بازبهمان منصب کرنیلی ووظیفه‌نیکه درمکتب حربیهٔ سراجیه داشت نایل وسرافراز گردید .

حوادث خارجیه

اجمال اسپانیا

در درین هیچ‌شبهه‌نیست که قبل‌تر از آغاز فطرت برقتال وقتال همدیگر تیغ‌مخالفت کشیده اند زیرا در خمیرمایهٔ سرشت آدمی دو خاصهٔ ضد همدیگر که عبارت‌از(خیر) و(شر) باشند بصورت خاصهٔ جذب‌ودفع‌از اول خلقت آمیخته‌شده آمده‌است . خاصهٔ (خیر) از خواص روحانیت اوست . خاصهٔ (شر) از اساس حیوانیت اوست .این‌دوخاصه مدار قوام‌حیات اوست . اگر نبوده ، نخواهد نبود ، نکوشد نه پوید ، بیامیزد حیات نویش پایدار نپاید .واگر لجام فضایل جبلهٔ روحانی ، نباشد آن خوردن ، وپوشیدنش‌درجهٔ میرسد که بهنگام‌وناگهانی ، واژدرها ، وامثالها درپیش آن به پشیزی هم نمی‌ارزند !

دعوی آهنین این‌لجام (وجدان) است دروقت حاضر از روشنی چنین‌معلوم‌میشود که اوروپ این‌لجام را بکجاه جسارت ازسرراورده ، ودرخونریزی فی‌نوع‌خود چنان‌پیروشده که هیچ چیزی مانع‌نمیشود ، وفرونمی‌شاند فیکرده !

غلط‌کردیم ! (درخونریزی فی‌نوع) گفتیم !... حالا که اوروپ‌را کمابیش دیده باشید باین گفتار ما چه خواهید خندید !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 489 of 1786

یك قطعهٔ تصور کنید ؟ آی آی : یك خانهٔ فرض کنید که مساحهٔ سطحیهٔ آن ۹۷۷۲۵۹ کیلومتر مربع باشد ، وزن قدر زمین ۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مردم سکونت داشته باشند ، واین همه زمین ومردم باهمدیگر چنان مخلوط وآمیخته باشند که ازبودوباش یك پارچهٔ بسیار بزرگ ، دریك حوض بسیار جسیمی هیچ فرق نداشته باشد ، یك قصر بسیار بلند خوشنما ومزین آن برتانیا باشد که اقامتگاه مدیر امور جمهوریا پادشاهنشاه ، جرمن ، اوستریا ، ایتالیا ، فرانس ، روس یك یك دایرهٔ بسیار فاخر ومنظمی باشد که مهمترین ومعظمترین اعضای بایه دران سکونت داشته باشند ، غیرازینها بسی دایره های کوچکتر مانند اسپین پورتگال ، دانیمرك ، هولاند ، بلژیك ، اسویدن نارویی ، رومانیا ، وبسی بیادهخانه ها مانند بوگان ، بلغار صرب ، مونتنیگرو درطرف دروازهٔ آن خانه موجود باشند ، ودرین های بایه جهة باهمدیگر خویش وقربا ، ومانند شیر وشکر بهم آمیخته ، ودایا یکی به دایرهٔ دیگری درزفت وآمد باشند ، ووکیلها وناظرها ومدیرهای دایره های شان درباب اداره ، وتصرف وانتظام دایره ها همیشه مخفیا وعلنا تشکیل کنند ، پس چنان میشود که دران چنین یك نظام وانتظام تهمت (خونریزی بی نوع بشر ، راه بیابد ! ...

بل این تهمت است ، افتراست ! اوروپا تنها اوروپا را (بشر) واوروپائیانرا (بی نوع بشر) میگویند وبس ! دیگر نوع بشر را بنظر دواب ، وموانی ، دانسته برای تکمیل پروری بایه های دایره های خودشان زیبهٔ مطبخها میشمارند ، وبرای خدمتهای مخلفهٔ دایره های خودشان اسیران مزدور کاری میدانند !... آیا کشتن وپختن ، وخوردن جانداران غیرنوع خودرا (بی نوع بشر) چسان (خونریزی) خواهند شمرد !...

دریك گوشهٔ این سرای جبروتی نمای نوع بی نوع بشر (!) آشیان یك غیرنوع شان موجود بود ! بی نوع بشر آنرا اجنبی دانسته ، وعقل زینت وراحت پرشمهٔ سرای خود پنداشته بپهنهٔ وسعت دامن وفراخ کردن بیادهخانه های خود آن آشیانرا وه اتش میخواهند !...

چرك خودرا اگر باچر درمدت یکچند سال که درین آشیان محقر غیر نوع بشر (!) بچشم سر دیدهام ازروی حقیقت درانظر قارئین کرام عرض میکنم : ازجنس بی نوع بشر ـ یعنی ملت نصارا ـ خواه در استانبول وخواه درشام ، وبیروت ، واناطول وروملی بسیار نوعی راحت گزین امن وامان بودند که راحت ورفاه ، وثروت وجاه آنهارا هیچگاه صاحبان آشیان نداشتند ، حرفی که آنهامالك بودند هیچوقت دیگران مالك نبودند ، حقوق دینیه مذهبیه ، مدنیهٔ شان چنان مخلوطبود که هیچگاه بی نوع بشر (!) آنرا محافظه کرده نتوانند ، چنان امتیاز ها ، واستثناهائی داشتند که دیگران ، زان غبطه میبردند ، وایسها حارسها ، محافظهارای نگهبانی عرض ، وجان ومال آنهاازدیگران بیشتر کوشش میورزیدند ، عیبها ، کوچیهای آنهارا صدان والا یك اعتنای بیشتری ستور وتیطف مینمود ، اعضا گری عیبها مأمور بشها ، وزارتها ، اعظارتها ازآنهما بود ، برسراین همه از خدمتهای شاه مانند عسکری وغیره بزمعاف بودند ، تجارت ، ثروت ، حریت آنهارا دیگرکسی نداشت ، صاحبان آشیان بانوع بی بشر (؟) ونوع بشر (!) باآنها چنان مأنوس ، مألوف ، محضور بودند که بزیارت همدیگر ، بمراسم اعیاد همدیگر نیز مشارکت میورزیدند .

پس آیا گناه شان چه بود که آشیان شانرا میسوزند ، وخود شانرا ازهمسایگی خودراندن میخواهند ! اگرهیچ چیزی نیست مگر ازنوع بی بشر نبودن آنها ! زیرا بی نوع بشر بودن ، به صلیب پرستیدن ، وباعتقاد کردن بدار کشیده شدن حضرت مسیح علیه السلام ازدست اداترین خلق موقوف است ، وچون صلیبرا نپرستیدند ، وقرآنی ایمان اوردند که بردار کشیده شدن آنچنان یك وجود مقدس روح القدس را منافی قدسیت عظیم الشان آنیده متجاسر آنرا بمعجزهٔ روح القدسی یاوتشبیه داده بموشی بردار کشیده وحضرت مسیح علیه السلام ازنده وحی وابهدر ملکوت السموات شناخانده ، باین گناه ازنوع بی بشر خارج شمرده شدند !

امامسلمانان بااینکه نجاوزات ، وبااینکه ظلمات نازنوع بی بشرخارج ، ونابودیا صایر خواهند شد ، نامیدی ومأیوسی راهسلمانان خاطر خودهرگز نمیدهند ، چونکه آنها ازنا امیدی مبرا شده اند ، حتا باین نتیجات صلیب پرستان ، بلکه دوسه چهاربار هلاکوها ، جنگیزها بزقتلهای نامهاتوده ، حتی بعضی ازجنگیزیان برقطار دربت اسلامیان بزبعضی کارهای وحشیانه اجرا کردند ، اول بزهم دنیا ازاسلام روگرداند ، وبعدازان بازدولتهای عظیمهٔ اسلامیه تشکیل یافته دنیارا بلرزاند !

ولی چیزیکه موجب خوف وامنیهٔ مسلمانانست همانا بدیهای "خلافیت" که درانها سرایت کرده است ، وازشیراه حقیقت دورشده رفته است ، بسوی سه چار سانه وقوعات تلك عثمانی بدیدهٔ عبرت نظر انداریم : یکبار دیدیم که خود اهل وقشلهسلطان رااستبداد کام نهاده وسلطنت رابه مشروطیت تبدیل داده ازاتحاد وترقی دم زدند ، این گلات بسیار بزرگ ومقدس تنها برروی کاغذ توته مانده بجزی اتحادی ونفاق ، وتنزل وانشقاق دگر هیچ ثمرهٔ دیده نشد ، بازیك حریت واتفاق ظهور نبود ، ازانهم بجز اسارت واختلاق دگرهیچ نتیجهٔ معلوم نشد ، بی اتحادی وبی اتفاق چنان آزادانه ترقی نمود که برؤسر ودست خود اره وتیشه وبرزدند ، خودرا آلههای شرقتل نفس خود ساختند ! بی اینها همه یکایك درس عبرتیست که ماازان چشم عبرت را نباید بپوشیم ، وازحال دیگران پندونصیحت گیریم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 490 of 1786

(حکایت پرسیل تمثیل)

درختان ، باطراق آرایام قرار دادند که ازدست جور وتعدی ازه وتیشه ، وره ، ورنده ، واسکنه وغیره آلات نجاری بحاکم وقت شکایت حال وانظر احوال نمایند . وهمه جمعیت بسوی دربار روانه شدند درانثنای راه بیاد درخت زیتون خورده سالفرسوده حالی برخوردند . گفتند باشید تاازین پیر جهان خورده نیزیك استمارة نمائیم .

پیر پرسید : — خیرباشد برادران ! کجا چیر میروید ؟

گفتند : — میخواهیم ازجور وتعدی ازه ، وتیشه وغیره بحاکم شکایت بریم که مارا ازبیخ وبن برمیکنند . وشق شق میسازند . وجگرهای مارا میشکافند . وگوشت وپوست مارا میخراشند .

پیر گفت : — سراسر حق دست شماست . البته ازشکوه ناروائیها وجگر خراشیها شکایت کردن واجب ولازم است حق هم باشما شریکم ولی اینقدر میخواهم که شما یکقدری ازاوصاف اشکال وصورت آن آلاتی که ازجور آنهاشکایت کردن میخواهید بیان کنید تادانسته وبصراحه عرضی حال کرده بتوانم .

رفقا از کیفیت اشکال مدعی علیهان خود بیان کردند یکی تیشه را تعریف کرده یك آهن پهن بزرگ سر فرو آورده گفت ! دیگری از بریخت بیان آورده همان آهن بزرا طولا تعبیر کرد . آن دیگری ازاره ، وآن یکی ازرنده ورنده بقرار واقع بیان نمودند .

پیرپرسید : — آیاهمین آهن پارهای که تعریف کردید تنها درخود کار میکنند یا آنکه دیگر یك معاونی هم دارند؟

گفتند : — نی تنها بسر خودکاری ازپیش برده نمیتوانند . بلکه (دسته) نام یکچیزیست که اگر آن نباشد هیچ کار کرده نمیتوانند .

پیر گفت : — آندسته ازچیست ، واز کیست تعریف فرمائید .

درخت بلوط گفت : دستهٔ تبر ازمن است . درخت جوز گفت : دستهٔ تیشه ازمنست . ازچه گفت همگنه عبارت ازمنست : تنهایکبار ، کک آهن درانست . والحاصل هریك ازدرختان ازدسته بودن بریکی ازآلات قتل خودشان را بیان نمودند .

پیر گفت : — پس حالا خود تان حاکم شوید وحکم دهید که از کیست که بر کیست ؟

(فاعتبروا یااولوالابصار)

(خبر های محاربه)

ازاخبار عربی (الوطن) منطبعهٔ مصرالقاهره ترجمه میشود : اخبار مذکور دروزیر عنوان (وحشتکاریهای الیانکی) مینویسد :

اخبار (دیلی کرونیکل) یك مقالهٔ دراز نامه نگار حرب خود را که در لشکرگاه صربیه — یعنی سروبه — بود نشر کرده است . ووحشت کاریهای الیانکیز عسکر صربی را که بکار برده اند وصف کرده است که ماخلاصهٔ آن مقاله رابرای اطلاع قارئین خود مینویسیم تابدانند که چه اعمال وحشیانه در اوروپا درپیش چشم دولتهای بزرگ اوروپا ارتکاب کرده میشود :

نامه نگار مذکور مینویسد : صدها نفر عسکر وبسیاری از افسران وسوداگران صربی بی حکمه کردند . که صربها وحشتکاریهای بسیار الیانکیز رالیانیها اجرا کردند . ومقدار ۲۰۰۰۰ الیانی بی گناه راقد ماین (کوماتوو) و (اسکوب) قتل رسانیدند . ومقدار (۵۰۰۰) الیانی بیگناه را در (رشته) تیغ دیغ نمودند . وبعد ازانکه شهر (اسکوب) را گرفتند غیر ازانکه درشهر بی یکناهان ریارا قتل رسانیدند عسکر ها را دراطراف دهات وقصبات شهر فرستاده قریه ها وده ها را باهمهٔ موجودی آن بر خانه آتش زدند . وهمانقدر مردان دهقان وباجزی را که یافتند بکلهٔ تفنگ چاند ماری کردند . وخود افسران صربی درکره من اعتراف کردند که روانی آنهای چهره های زیبای لاشه های جسدهای مسلمانان ازجریان باز ماند .

نیز کپتان (رسیوس) جرمنی رای اخبار (برایز کانفلات) نوشته است که افسرهای معتبر صربی بی گفتند که ما ازطرف حکومت خود برهمین کار مأمورهستیم که الیانی هارا قتل عام کنیم وهیچ الیانی را روی زمین نگذاریم . [الیانیها همان البانیاست که پیش ازچندی بنابرتحریك اغراض شخصی فرقها بدولت عصیان کردند . ودستهٔ تپهٔ چین بیخ کنی خودشان شدند . مراج الاخبار افغانیه]

نیز نامه نگار اخبار (منچسترنیوز) ازوحشتهای عسکر بلغار بحث رانده مینویسد که بلغارها محروحین عثمانی را که بدست شان میافتاد انواع عذابها وایذاها اجرامیکردند گاز دیدن آنهاچگرانسان پاره پاره میشد . درمحاربهٔ (پنارحصار) بسیاری ازمجروحین عثمانی را بلغارها دست وپاریده برزمین میگذاشتند که ازدیدن آنهامویر بدن انسان راست میشد . درمحاربهٔ (لوله برناس) در اثنائیکه عسکر بلغار ازقریه های مسلمانان میگذشتند بچشم خود دیدم که اهالی بعضی قریه هارا سراسر قتل رسانیده ، ویسران شانرا کشتند ، وزنان ودختران شانرا بی سیرت کردند . [فاعتبروا الآیه]

اخبار غرای (الاهرام) درذیل تذکرافهای خصوصی خود مینویسد :

قومانداں (انقوده) خبرداده است که عسکر عثمانی رهعت کنندهٔ تذکر ماتیگروی هوم بوده بعدازمحاربهٔ بسیارشدید دشمن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 491 of 1786

را شکست فاحش دادند . طوپ خانه وذخیره واموال بسیاری بدست عساکر عثمانی درامد که درمیان اموال البسهٔ جنرال(فنو دویش) نیز موجود بود .

ایضاً :— کشتیهای جنگی هردولت دراستانبول آمدند . ولشکر فرو آوردند . بامعالی بان سبب بلشکر فرو آوردن آنها اجازه داده است که مردمان اوربی که دراستانبول بودند بدون سبب یك خوف ورعبی براتها مستولی شده بود لهذا برای تسکین باقی اوروپائیان مقیم استانبول این اجازه را داده است .

ایضاً درموقع بتالجه محاربه شدت دارد . کشتیهای جنگی عثمانی برطوپخانه های بلغار فیرنموده بسیاری از طوپخانه هارا محو کرده است . وبلغار ها هیچ کاری براستحکامهای چتالجه پیش برده نتوانسته اند .

گفتگوی متارکه وبعد ازان مصالحه درمابین دول بالقان وعثمانی جاریست .

درمابین صرب واسترا اختلافات عظیمهٔ پیدا شده واسترا ازصرب ترشیه مینماید که قوتسل اوترا درپره زرین تحقیر کرده است .

مرض وبا بکمال دهشت درارد وهای حرب بکمال شدت سرایت کرده وازین بیت مکر از تعفن جسد های کثیرهٔ مقتولین . زیرا این محاربه ازمحاربه‌های بسیارعظیمهٔ شمرده میشود که درین عصر ظهور آنمده است . وتخمیناً یك ونیم ملیون عسکر باهمدیگر دراویخته‌است .

مجلس اعانه در مصر

(وجمع شدن سه الف وشصت هزار بوند درظرف دوساعت)

از اخبار الموید الغرا خلاصهٔ ترجمه میشود : — یك مجلس بسیار حافل وعظیمی در مصر برای جمع نمودن اعانهٔ هلال احمر در خانهٔ مدیریه جمعیت (هلال احمر) منعقد گردید . واکثر ذوات معتبر وتوانگر اهالی دران جمع آمدند . وجناب عزتلو سون پاشا که یکی از اعضای بزرگ مابهٔ سمو خدیویست نیز دران مجلس آمده یك اطاق بسیار بابق ایراد نمود که خلاصهٔ مضمون آن این است :

« ای سادات کرام — البته از خیر تعدی وظلمی که بر دولت شما وبرادران عثمانی شما وارد آمده شنیده باشید . دشمنان شمشیر وآتش خودرا براتها کشیدند وباشیدند . بسیاری ازدکانرا بیوه وبی اطفالرا یتیم کردند . اکثرمردمان بچاره ازترس جان بفرار الامان پناه آوردند . کوچه‌ها . مسجدها . عمارتها ازعثمانیان پر . وسامان برگردید . وبسیاری معروض همان مرگی که ازان بگریزند گردیدند . پس کیست که معاونت کند بر برادران قوی . وتیمار کند زخم زخمیها . وتخفیف بدهد واویلای بیوه هارا ....»

بعد ازین اطاق شروع بجمع اعانه گردیده در ظرف دوساعت مبلغ ۳۶۰۰۰۰ بوند جمع گردید .

دعوت علما بجهاد اسلام

(از طرف سیاحت حضرت شیخ الاسلام در استانبول)

ازرفیق محترم ما (ژورنال حقیقت) خلاصهٔ استانبول ترجمه شده:

« دشمنانی که اطراف مارا احاطه کرده اند برای شوق دادن، ودلاور کردن عسکرهای شان رئیسهای روحانی — یعنی پادریها — ی شان صلیب بدست شده بکوشش افتادند . حالا که از طرف علمای ما هنوز از بجا آوردن اینچنین وظیفه تغافل ورزیدن اصلا وقطعاً جایز نبوده برای آنکه نصرت ومظفریتی که من عند الله موعوداست بك آن اولی تر بجانب عساکر عثمانیه تابان گردد ازطرف علماء کرام نیزاجرای همچنین یك جهاد وطوبت واعلای قوهٔ معنویهٔ افراد عساکر عثمانیه که هر یك یك عنصر میدان وغایت درجهٔ فرض واصل شده است .

« برای اشتراك کردن به این وظیفهٔ مقدسه بکمال اهمیت بر همهٔ علمای دین اعلان میشود که برای انتخاب تمدن وفرستادن شان بزودی بوکالت درس درباب فتوانشان شوند . »

(خبر مسرت اثر)

ازمکهٔ مکرمه زادالله شرفها مینویسند :

ازشهر استانبول تلگراف رسمی برای احمدرشید پاشا والی مکه معظمه رسیده‌است که الحمدلله‌ای دولت عثمانیه درمحاربه‌خلیج‌بالی حاصل آمده وقتل تلگراف رسمی مذکور را جداً بخدمت شما بالفظ عربی فرستادم : (میرزا اسحق)

(ترجمهٔ نقل تلگراف)

عساکر عثمانیه سلاتیك را بدادن هفتهزار تلفات پس گرفتند. ودوازده هزار نفر اسیرگرفتند . وبیز بلغارها را ازخط مصافحهٔ چتالجه بمسافهٔ شش ساعت دورتر طرد ودفع کردند . وسی قطعه طوپ غنیمت گرفتند . وبیر سه کشتی جنگی یونان را غرق کردند . وصلح را رد کردند .

ترجمه ازاخبارهای اردو

کلیله دمنهٔ سیاسی تاجدار کابل

همه ر محترما زمیندار در زیر عنوان فوق چنین مینویسد :

ناظرین کرام واقعهٔ خوست را فراموش نکرده باشند که در ایام گذشته در دولت ابدمدت اعلیحضرت غفرانمآبی افغانستان خلدالله ملکهم وحمایهٔ بطول حیاتهم یك جماعت شورشیان وقبایل گم کردهراه ازاولاد مرسه کانهٔ اطیعوالله واطیعوا الرسول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 492 of 1786

واول الامر متکم خالق الذهن کرده بود — آن کنا نیکه بیاعث اغوای یعنی ابلیسانه انتقامی فتنه آفرین از جادهٔ اطاعت پادشاه ظل الله خود منصرف گشته بودند برای چند ماه در امن و امان افغانستان اندیشه پیدا شده بود — و چونکه اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان طاب ثراهم این چنین فتنه هارا بمکث وشون فرو می کردند بنابرین بعضی باقلان بی بصر که افغانستان واهالی افغانستان را هنوز بآن خوبی حالیت وغیر متحرک می پنداشتند چنان دهن نشین خود کرده بودند که فساد خوست بموجب عادات افغانیه حواله خون و آتش کرده خواهد شد — چنانچه زبونیر ودیگر اخبارهای هنوای او که بمعاملات افغانستان دخلیبی غیر معمول دارند این امید ظاهر کرده بودند که اعلیحضرت سراج الملة والدین فتنهٔ خوست را آنچنان دانسته که برای قوچوجئی وجاهل افغان لازمی است فرو خواهند کرد لاکن پادشاه خودمختار دولت مستقله یعنی افغانستان از حالات ملک وذمه داریهای اسلامی دقیقی ومسلمیت المدونی ملت خود کاملا واقف بود لهذا اعلیحضرت ممدوح بجای درشتی ازنرمی کار گرفت وهوش انوار فرمان بدیه را بکار آورده و بجای حربیل ها واعظ ها فرستاد وبجای توپ وتفنگ استعمال پند و نصیحت نمود و نتیجه اش چنان ظهور رسید که اگرچه بعض اخبارات انگریزی هندوستان کمپرومی تاثر آف اندیا نمایندهٔ موقعهٔ رخنه اندازی تعلقات دوستانهٔ روابط برطانیه و افغانستان را ازدست تبدیل بالضرور صدمه رسیده باشد که آتش فساد خوست در حصص دیگر افغانستان چرا منتقل نشد واز شراره آتش مذکوره در جلال آباد بچه سبب نرسید.. لاکن فساد مذکوره نهایت خوش اسلوبی فرو شد و قبائل شوریده سر بندگی واطاعت در گردن خود انداخته بدار السلطنه کابل حاضر شدند واعتراف گناه خود کرده خواستگار عفو تقصیرات شدند — و اولاد خودهارا بطور یرغمال برقدوم پادشاه جرجه خود انداختند — همصر محترم سراج الاخبار کابل که نشانی ترقی های کونا کون شاهدار علمی عهد میمنت مهد اعلیحضرت سراج الملة والدین است و باعتبار صوری و معنوی ترقی روز افزون دارد یک مضمون بسیط در اشاعت توسر بعنوان حوادث منگل زیر تحریر آورده اولا تفصیل حاصل نمودن شرف حضوری پسران مردم منگل واحد زائی وطوطاخیل وتقریر دلپذیر اعلیحضرت که برای اطمینان اقوام مذکوره بطور نصیحت ارشاد فرموده اند درج نموده است و بعد از آن مذکرهٔ آستان بوسی آن سرداران قبائل علاقجات خوست و از کون و زرمت وکرز و غیره داخل اخبار نموده است که بوقت بغاوت منگل بحمایت دولت علیه افغانستان سینه سپر شده بودند حضور ممدوح همراه سرداران علاقجات مذکوره فوق عکسلام شدند و بعد ازان یک تقریر ارشاد فرمودند که هر یک فقرهٔ آن شارح حقیقت زرین کلام الملوک ملوک الکلام است — قبائل منگل واحدزائی وطو طاخیل که در بغاوت خوست شریک بودند شرف بار یابی عطا نموده شد — علاوه برین اعلیحضرت تاجدار کابل که بوقت تشریف آوری علیگذها کابل در تحریر کوهر بار خود که خود را پادشاه و هم سپاهی و هم ملا بزبان خود ظاهر نموده بودند هرگز ازدل مردم فراموش نخواهد شد .

چونکه ارشادات کهربار اعلیحضرت که در کیرته نکات سیاسی وفلسفی ودر لباس سلاست تخیلی دلآویز ودلپذیر ملبس اند بنا برین ما آنرا بقلب کلیه دهنهٔ سیاسی مطلب ساخته ایم .

پسران اقوام منگل و احد زائی که بطور یرغمال در کابل آورده شده اند بتاریخ ۱۸ شهر شوال المکرم در خیابان شرقی قصر مبارک بحضور اعلیحضرت تاجدار افغانستان پیش نموده شدند جلالتمآب ممدوح در پیرایهٔ تلطف آمیز با آنها مخاطب شده تقریر بلیغ ومعنی خیزار شاد فرمودند .

تیاری جنگ در روسیه وآستریا

رفیق معزز همصر محترم بسیاراخبار میرسند بذریعهٔ تلگرافی های تازه مفهوم میشود که بعضی مدبران وبالخصوص توفیق پاشا وکامل پاشا صدر اعظم جنگ ملکیرا بباعث جنگ بلقان ظاهر نموده بودند آثار آن اکنون هویدا شده اند — ونه صرف درمابین بلغاریه ویونان درباب سالونیکا بلکه درمرکز روز افزون است بلکه دعوت سروبا دولت آستریا هنگریرا نهایت غضبناک ساخته است — آستریا برای کامیابی وروسیه بحمایت او فراهمی وآراستگی افواج شروع کرده اند — جرمنی نیز بعهدالصرو رت خود یک لک ومی هزار فوج مخصوص طلب نموده است — پیرامون امورات فوق الذکر گمان برده میشود که شاید بدست رد بسینه ربا سنهای بلقان وربنه دولتی متحصنه دول یوروپ برای شان ازبردهٔ غیب سزائی مقرر کرده شده است . (مترجم اردو عبدالرحمن بیتاب)

(حکمت طبیعیه)

(مته اورلوژی)

— (کرهٔ هوا) —

یکی ازفنون متناپای عصر حاضر فن (مته اورلوژی) ست که ترجمهٔ فارسی آن (علم احوالهوا) وعربی آن (علم الموادث الجو) می آید . فن مته اورلوژی متاز ترین شعبه ایست از شعبات حکمت طبیعیه که در عالم تدریج چنانچه قبل ازین وعده نموده ایم ازهر گونه علوم طبیعیه درلحت سرلوحهٔ (حکمت طبیعیه) بنظر قارئین کرام عرض خواهیم نمود که از انجمله یکی نیز همین عنوان ، ماتوفیقنا .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 493 of 1786

مدخل

هیئت اجتماعیهٔ نادر بسیار لطیف که کره ارض مارا ازهرطرف احاطه دانسته است بدین کلمهٔ تازه (کره‌هوا) تسمیه میشود . چنانچه اگر تخم مرغی را مثال اخذ نموده زردهٔ آنرا کرهٔ ارض اعتبار نمائیم سفیدی که زرده را ازهرطرف احاطه نموده کرهٔ هوا اعتبار خواهیم نمود . پس ازین تعریف چنان معلوم می شود که انچیزیکه مابازای کرهٔ هوا میخواهیم عبارت ازیک قدر بسیار لطیف است که کرهٔ ارض را ازهرطرف احاطه نموده است .

قدرت بالغه ، وحکمت نامهٔ ، حضرت حکیم علی الاطلاق جل ـ بحانه حیات وحصول کرهٔ ارض را موقوف ومنوط بکرهٔ هوا فرموده که اگر این کره نبود کرهٔ ارض ازحیات وحصولات محروم میماند .

(کره هوا) حاوی برماده حاتیست که حیات ، وبقای اجسام عضوی چون حیوان ، ونبات جداً رومنحصر است تعدیل وتحفظ حرارت را کردن ، وبخار را ازکره ارض جذب واخذ نمودن وبعده آنرا بوشت برف وباران بازدادن ازخصایص ومزیات نافعه وفیدهٔ کره هواست که کره ارض را بدان زنده وسرسبز میدارد .

فن (مه تـ اور لوژی) یعنی علم (حوادث الجو) عبارت از علمیست که ازکرهٔ هوا وتحولات ووقوعاتیکه درکرهٔ هوا ظهور میکند باوضیح وتعریف قواعد آن بحث وبیان میماید .

ماهیت ، ـــ مواد متشکله ، ـــ مقدار ثقل ،
اتل وزن ، ـــ لون ، ـــ وخصایص سائره

(کرهٔ هوا)

هوا جسمیست که مرکب است ازسه نوع غاز ، که عبارت است از (موتـ اخسوته) و (آزوت) و (حامض فم) . وچون موزون بودن هرجسم طبعاً لابدولازم میباشد لهذا هوا نیز ثقل طبیعیهٔ موجودست که بنا بر حسابیکه اهل فن اجرا نموده اند چنان معلوم میشود که یك مقدار هوای خشکی که ازقرار حساب مقیاس الحرارهٔ (فهرنهایت) درشصتم درجه حرارت باشد ، وحجمش نیز بقدر ده انگشت مکعب بود ثقل آن معادل ثقل سی ویك عدد حبه گندم میآید ، واین یك را نیزباید دانست که این ثقل هواعضی از همان سه نوع غازی که مذکور گردید نیست بلکه درکرهٔ نسبه خیلی الکتریك نیزموجود است که ازتحلیل آن نیز بعضی غاز هاحاصل میشود .

ومانعدا ازان درثقل هوا بعضاً در صدی چهار ، وبکوراً درصدی کمترازیك بخار ، ورطوبت آبهائیکه ازروی ارض بالتبخیر حاصل میشوند نیزمیافزاید ، چنانچه اگریکقدری هوارا کثافت ذهد بخار مذکور بحالت آب رجعت میکند ودرخصوص تجربهٔ اینکه درهوا بخار ورطوبت نیزموجود است این یك مثال کافی بنظر میآید (مثلا لامپه های پترول ، وباشمدانهای خود مارا وقتیکه روشن کرده شیشه اش را برای می نهیم درمیان شیشه همان لحظه بالدود میبینیم ، این دود سفید عبارت ازهمان بخار ورطوبت آبیست که در هوا موجود است ، یعنی وقتیکه بسبب حرارت جزیکه درشیشه حاصل شد هوائیکه در درون شیشه موجود است بسبب حرارت انبساط نموده فرار نمود ، لکن بخار ورطوبتیکه درهوا موجود است بسبب ثقلت خویش هالانبساط فرار نتوانسته دراطراف شیشه باقی ماند تاآنکه بدوام حرارت آن نیزانبساط حاصل کرده پرتن گرفت .)

حالا بتاریخلده مان چنان معلوم میشود که این هوائیکه از غایت صغف دیده نمیشود ، وبلکه هستیش بزاقدرمحس نمیاید بلکه جسمی بوده است .

بل هوا یکی از سه نوع اجسام موجوده ایستکه کیفیت جسمانیت آن نیز بدهی واشکار است ، حتی سنگینی ووزن آن نیز بواسطهٔ آلهٔ که اورا (بارومتر) یعنی میزان الهوا میمانند وزن کرده میشود ، این آله را (تور بچلی) نام فیلسوف ماهر ایتالیائی ایجاد کرده است ، اما اول کسیکه موزونیت هوارا حس نموده فیلسوف مشهور (ارسطالیس) است ، ولی موجزاً یعنی درین قرون جدیده (غالیله) نام فیلسوف بواسطهٔ تجربهٔ آتی موزونیت هوارا بدرجهٔ تبیون رسانیده :

چنانچه ـ حکیم مشهور بر سطح چاه آن بواسطهٔ بعضی آلات مانند (طولومبه) ثقلت هوارافتاردادند طولومبه نیز اب چاه را بخارج اخراج داده است .

بعده (تورچلی) مذکور که از شاگردان غالیله است پس از پنج تجاربه جربهٔ ماهرانه آلهٔ بارومتررا درسنهٔ (۱۶۴۳) میلادی ایجاد واختراع نموده که بواسطهٔ آن تماماً وبداهةً به اثبات آن موفق گردیده است .

از قرار تبیینات فیه که اهل فن اجرا نموده اند چنان استنباط میشود که هرگاه یکشخصی که سطح وجودش یازده قدم مربع تخمین کرده آید آنشخص در زیر ضغیق ثقلت (۱۱۳۴۰) اوقیه خواهد بود ، وچون حساب وسطی سطح وجودمردم اکثر حین یازده قدم مربع تخمین میشود لاجرم هر شخص همیشه زیر ثقلت یازده هزاروسه صد وچهل اوقیه میباشند ، امامایان که ثقلت اورا حس نمیکنیم سبباینکه هوا ازهرطرف مارا احاطه دانسته است ، چنانچه اگرانسان درقعر بحرغوطه خورد باوجود آنکه بر سر آن هزاران خروار آب ایستاده میباشد باز هم بسبب آب اورا از هر طرف احاطه نموده است انهمه بار گرانرا هیچ حس نمیکند ، وبابنکه مابان هوارانه تمییم بسبب غایت شفاف ونهایت رقیق جسم اوست ، اما سبب اصلی نبودن ما هوارا از انست که چنانچه در فن منافع الاعضا در مباحث (رویت)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 494 of 1786

و (عین) مفصلا مذکوراست : که هرگاه یکچیزی ازپیش نظر ما بیك بعد معلومی دور نباشد چشم ما انچیز را دیده نمیتواند . وچون کره هوا در پیش چشم مابقدرچه زویك افتاده که با برده های چشم ما فاصله میباید لهذا دیدن ان ممکن نمی شود .

مقدار جسامت ، وارتفاع حقیقی کرهٔ هوا تابك وقتی درنزد بعضی حکماءاللی غیر النهایه پنداشته شده بود ، ولی موخرآمانند (کی لوساك) ، و(هومبولت) و (لاپلاس) نام مشاهیر اهل فن به اثبات رسانیدند که کرهٔ نسیم خیلی محدوداست . حتی به براهین قاطعه ودلایل متقنه واضح نموده اند که ازسطح بحرتابلند ترین طبقه کرهٔ هوا در بین ٤٣ هزارگام ٤٧ هزارمتر ومرتفع میباشد . وبعضی ازاهل فن چنین میگویند : که قوهٔ واقعهٔ سطح فوقانی کرهٔ هوا بایدکه باقوهٔ جاذبهٔ کرهٔ ارض دریك نقطه مساوی باشد . پس این نقطه از سطح بحر بنابر قول بعض از حکماء در مسافه ٥٠٠ میل ، وبقول ٥٠ میل کائن میباشد . ثقلت هوا ٧٧٠ دفعه از اب خفیفتراست . وتضیق ثقلت ان در هر طرف کرهٔ ارض بر یکنواق نیست . چنانچه از خط استوا بطرفهای قطب شمالی هر قدر که رفته شود روبه تزاید مینهد تا انکه در بیست ودوم درجه بالتدریج نزول نموده از انجا نیز تابه قطب باز روبه تزاید میکرد . ومن حیث تزاید وتناقص رطوبت بزهر روز در هرمحل به تبدلات کونا کون گرفتار می آید .

درجه کثافت هوا زیادی ارتفاع بزخالف میکند.چونکه طبقات تحتانی کرهٔ هوا بسبب تضیق طبقات فوقانی ان کثیفتر وثقیلتر میباشد . چنانچه اگرکسی بر سر جبال مرتفعه رابدخلت هوا را بدقة حس میکند . چونکه بر شواهق جبال مرتفعه از سبیکه هوای کثیف درتحت میماند لاجرم درانجا بواسطهٔ میزان البوا تناقص تضیق هوا بنوبی مشاهده میشود . بناء علیه ارتفاع نظری جبال ومحال سائره بواسطهٔ آلت مذکور بسهل وجوه مفهوم ومعلوم میگردد چنانچه اگر در استانبول وبا بلاد سائره بالون را بهوا کشند وقتیکه در بالون مذکور سیاهیکه در میان ستون میزان البوا موضوعست بقدر یك انکشت فرواید ، در انوقت معلوم میشود که بالون از سطح بحر ٩١٧ قدم بالارامده است . واگر پنج انکشت فرود شود درانحال ٤٨٤١ قدم بالا بر آمدن بالون را اثمار میکند . ولیکن بسبیکه تبدل درجهٔ ارتفاع با تبدل کثافت هوا بتدریج میشود . وکذلك تاثیر حرارت نیزبرقرار ویکنواق نمیاند لهذا ارتفاع حقیقی یك محل را بواسطهٔ میزان البوا معلوم کردن مشکلست .

درکرهٔ هوا عنصریکه مدخل زیادی درترکیبات کیموی مینماید همانا عنصر مواد اکسوجنه میباشد که این عنصر در عالم طبیعی بغیر از عنصر (ازوت) باجمع عناصر بنهایت سهولت امتزاج میکند . این غاز که عبارت از مواد اکسوجنه است ازبرای مادهٔ احتراق وبزمن حیث تنفس از برای بقای حیات الزمیت واهمیت فوق العادهٔ دارد . واز بسکه درانجاد ، وترکیبات کیموی بنهایت درجه میالست در مواد متکثره ارض تبدلات مهمی بحصول میآورد .

کرهٔ هوا نیز مانند کرهٔ ارض بشکل تبه کره میباشد یعنی کرهٔ تام نیست . وهمچون کرهٔ ارض طرف قطبیاش بحل تراست . نظر به اجرای عملیات رصدخانیکه کرده اند چنین بنظر میاید که اجرام سماویه سائره نیز همچون کرهٔ ارض بهوای نسبی محاط باشند .

(حرارة هوا)

درجه حرارة محسوسة ، وترمامتر ویعنی میزان الحرارة

(حرارت محسوسه) حرارتیرا میگویند که جسم انرا حس بتواند نمود . حرارت محسوسه ، بواسطه آلهٔ که انرا (ترمامیترو) یعنی مقیاس الحراره میامند معلوم میکردد ، این آله را بنابرین اساس اعمال نمودهاند : (که هر جسمیکه گرم شود انرا انبساط ، وچون سرد شود انقباض حاصل میشود) لاجرم این مسئله را اساس انحاذ نموده آلهٔ مذکوررا ایجاد نموده اند .

ترمامترو ، عبارت ازیك لولهٔ بلورین بوقیست که سرخنانی آن کروی الشکلست واین لولهٔ مذکور بر یك لوحهٔ که منقسم بر اشارات درجات میباشد مربوط ، وجوف لولهٔ کروی الشکل زیر پیش ازسیماب ملو میباشد.سیماب مذکوررا وقتیکه گرم کنند انبساط پیدا نموده بالا میاید ، وهوائیکه در داخل لوله باشد برداشته بالدهن لوله میرسند ، پس درانزمان دهن لوله را بند کرده بر لوحهٔ مذکورش میدهند . بعده طرف کروی لولهٔ مذکور را در میان یارچههای یخ کرفته سیماب آهسته آهسته روبه انقباض مینهد تا انکه انجماد کرده میایستد ، پس در همان نقطه که سیماب توقف نماید بر لوحهٔ مذکور اشارت درجهٔ انجماد را مینویسند . وبعده در آب جوشانی کرفته سیماب آهسته آهسته رویدرازی مینهند ، پس درهمان نقطه که توقف نماید برلوحهٔ مذکور اشارت درجهٔ غلیان ارامینویسند . بعد ازان از برای درجات سائرهٔ حرارت ورودت بزدد بالاتر وفر وتراند واقعهٔ اشارات کذاشته ترمامتر ویعنی مقیاس الحرارة را بعمل میاورند .

کرهٔ هوا ، حرارت را چیزی از شمس ، وقسم اعظمش را از کرهٔ ارض که بسبب تاثیر حرارت شمس کرم کشته است بواسطهٔ واشر وتماس اخذ وجذب میکند . بنابرین طبقات فوقانی کرهٔ هوا بوجودیکه به شمس نزدیکتراند اما مانند طبقات تحتانی آن که بارض نزدیکست حرارت ندارد . از تجاربیکه بواسطهٔ بالونها کرده شده است اعمی به اثبات رسیده که درهر ٣٥٠ قدم ارتفاع حرارت کرهٔ هوا یکدرجه تناقص میکند . واز اینست که بزروههای جبال مرتفعه برف وثلج آب نمیشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 495 of 1786

موقعیکه در سطح کره ارض ، حرارت را زیاده از شمس اخذ وضبط می کند همان منطقهٔ حاره میباشد چونکه در آن منطقه شعاع شمس دائماراست وعموداً میافتد . وسمتهای قطبی جائیکه از شعاع شمس مائلا استفاده مینماید بالعکس آنست . لاجرم هوائیکه سبب حرارتش از کره ارض است درسمتهای خط استوا بیشتر ودر طرفهای قطبین کمتراست .

چنانچه درجهٔ قلت هوارا آلت بار ومتر و یعنی میزان الهوا تعیین مینمود ، درجه حرارت را بزآلت ترمامتر و یعنی میزان الحراره که تفصیلش مذکور گردیدچنین توضیح مینماید ، وچون شمس دائماً یعنی در هر موسم بر کره ارض بریك قرار برتو نمی اندازد بلکه گاهی عموداً ، وگاهی مائلاً تصادف میکند لاجرم مواسم مختلفهٔ اربعه ازینسبب نشان میکند ، چنانچه تفصیلات اینگونه (درجغرافیای ریاضی) به اثبات رسیده است .

حرارت هوائیکه بسطح بحر قریب باشد بمناسبتیکه باهوای بحر مناسبت هنگامیکه بادآن هوارا بسوی خشکه سوقمیکند بالطبع معتدل وخوش میآید ، لاجرم هوای سواحل وجزایر نسبت بمحلاتیکه از بحر دور باشدخوشتر ومعتدلتراست .

واین یکرا بایدباید دانست : که بعضی جهه درزمستانها حرارتش نسبت بخشکه ها بیشتر ، ودرتابستانها بزمردیش بیشتر میباشدوسبش آنکه حرارت شمس بسبب متخلخل بودن آب تاعمقی آن تاثیرمیکند وبسبب بزرگی حجمش آن حرارت درمیان آن حل وتاجید کرده وقتیکه در زمستان آب سرد گردد حرارت محلوله مذکور بازپس پیدان بروز مینماید ، امادر خشکه حرارت شمس بسبب مصمت بودنش باعمق آن نمیرسد ، لاجرم بحر دیر گرم ودیرسرد میشود ، وخشکه زود گرم وزود سردی پیدا میکند ، ودرفن (ژه ولوژی) یعنی طبقات الارض این یکنیز به اثبات رسیده : که حرارت داخل گرمتارض خیلی قسم جزییش بسطح ارض واصل میگردد وارض هرحرارتیکه دارد کلیاً ازشمس ضیانتاراست . انتها

از رسالهٔ حوادثات طبیعه ورسالهٔ موقوته
قرقاناپار ، وجغرافیای طبیعی گل وترجمه کرمید

(علم عسکری)

(جل حکمهٔ عسکریه)

۱ — دشمن بگاهٔ عسکر نا امیدیست

۲ — قومندانها شان شمشیررا اعلا ، وحق قدر را یف باید کنند .

۳ — توپه مافوق اطاعت یکن ، که مادون بتواطاعت کند .

٤ — تنها غلبه وظفر کافی نیست ، بلکه دانستن راه استفاده را از غلبه وظفر لازم است .

۵ — کسیکه دشمن خودرا درخواب گمان کند ، بمانست که خودش خواب بسیار شیرینی میبیند .

٦ — شمشیری که بسرعت کشیده شود ، کامیابی وموفقیت دایما اورا به شاباشها استقبال میکند .

۷ — درهر اردو یی که اطاعت عسکریه کامل باشد ، بمانست که آن اردو یك سیر آهنینی بدست دارد .

۸ — در اردوهایی که ضبط وربط عسکریهٔ آن مختل وبرهم باشد ، مطلق انهزام واضمحلال آغاز میکند .

۹ — اسرارهای موفقیت وکامیابی محاربه ، درکلهٔ (جرأت) مکنوز میباشد .

۱۰ — عسکر در وقت تعرض وهجوم مانند بازی دشمن را پیش اندازد ، در وقت گریز مانند روباه بچهٔ دشمنرا بازی داده بگریزد ، دروقت جنك ومدافعه مانند گوهای زنجیری حرکت کند .

۱۱ — روح عسکر ، میباید که باغضب وعداوت دشمن ، وعشق ومحبت وطن مخمر باشد .

۱۲ — سلامت وطن ، بدوچیز وابسته است : یکی اینکه اولاد وطن در راه محافظهٔ وطن مرگ را بسیار آسان وحقیر بشناسند ، دیگر اینکه دردنیا منفوس تر ومشمئز ازدشمن وطن کسی را نداشته .

۱۳ — بقای هر ملت ، به تیز بودن شمشیر آن ملت موقوف است ، شمشیر ملت عسکراست ، تیزی آن آموختن تعلیم وقواعد جنك است .

۱٤ — دانستن حرب ، به دانستن اصول وقواعد جنك موقوفست ، برای دانستن اصول وقواعد جنك عسکر شدن واجباست .

۱۵ — عسکر ، نگهبان وطن است ، مکافات حقیقی عسکر نام نیکیست که در محافظهٔ وطن کائی کند .

۱٦ — محبت وطن از ایمانست ، عسکر ، میباید که ایماندار باشد ، در عسکری که ایمان نباشد جرأت وجسارت هم نمیباشد .

۱۷ — عسکر ، درادب وتراکت ، ورفق وملایمت ازموتاز کتر ودر وقت کار زار از شمشیر تیزتر باید بود .

۱۸ — شرف وناموس شمشیر ، تنها بدان محافظه واکتفا نمیشود که آنرا باکرچ بندهای زرین درازبرگردنه ، وبرسر کپا شراق شراق آنرا براند ، بلکه ناموس شمشیر بمهارت استعمال آن ازطرف شمشیربدان آنرا کامل میشود .

۱۹ — یکنفرعسکر ومتانت یك عسکری راکه رقیضهٔ شمشیر انتظام وطن افشرده شود ، بجز خون دشمن دگر هیچ چیزی اورا نرم کرده نمیتواند .

۲۰ — قیمت وعزت عسکر هارا از هرچیزی زیاده صیر وتوانایی شان بمشکلات وزحمات عسکری نشان داده میتواندوس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 496 of 1786

۲۱ — عسکرهایی که موی خودرا در راه وظیفهٔ عسکری شان سفید کرده‌اند بقدر عزت نفس افسران نوجوان شایان حرمت میباشد .

۲۲ — عسکرهایی که مشقها وزحمتهای جانفرا خوار وحقیر بشمارند ، قیمت نصرت مبارکباد گفته به آسایش می‌آیند .

(از آثار غازی عسکری ترجمه شده)

(اخلاقیات)

سخنان حکمی در حسد

۱ — در دنیا کسی که بسیار شادمان مرحمت است همانا (حاسد) است . چونکه آن پاره درمیان آتش بسیار شعله افزای میسوزد ، وسوزنده اش را هیچ خبری نیست .

۲ — آتش حسد ، درمیان سینه شعله میکشد ، صاحب خودرا سوختن میخواهد ، به دگری ، به غیبت ، به تحقیر صاحب خود میکوشد ، وبه اینصورت یک آن از آتش سوزان خود رهائی میخواهد . ولی هزار افسوس که آنچیزها تمام ، بیقول ، مولد اندوخته شده در تنگنه خودش را میسوزد .

۳ — سر افسر حاسدان ، ابولهب بود . هر کس که عیال لهب حسد دردش افزونتر ، به ابو لهب نزدیکتر ، وهر که به لهب نزدیکتر ، لهب جهنمش فریبنده است .

۴ — حسد ، آتشیست که میسوزاند ، ولی نمیسوزد . محسود آنست که نمیسوزد ، ولی میسوزاند .

۵ — حسد بر مال وجاه است ، حسد بر جاه گناه است ، حسد بر دانش آتش است ، حسد بر تقرب تلهب است ، من حیث المجموع حاسدان ، بمشیت وارادهٔ ازلی در کفر وعصیان ، ودر دنیا وآخرت در آتش سوزان ولهب نیرانیست .

۶ — حسد وغرور ، از صفات ممتازهٔ شیطان رجیم است که همین دو صفت ملعونه سبب رجم وطردش گردید . اولا بر علم آدم حسد برد ، زیرا علم اشیا را او نمیدانست وحضرت آدم علیه السلام به ارادهٔ ازلی بگان بگان بیان نمود ، ازین حسد بغض وعداوت تولد نمود . ثانیاً بر تقرب آدم به بارگاه الهی جل اسمه حسد برد ، زیرا اول او آن تقرب را حاز بود وچون حضرت آدم مظهر تقرب ذاتی گردید ، واغلاز اوشد آتش حسد بشدت هر چه تمامتر دردش شعله ور گردید ، ازین حسد کبر وغرور تولید یافت ، بغض وعداوتش بران واداشت که آدم را فریب دهد ، کبر وغرورش بران واداشت که اورا به میان کاوا کی وطنیت خاکی تحقیر وتزئیف نماید ، پس حاسدان همان اشامیست که از پیروان ممتاز شیطان رجیم شمرده میشوند .

بناء علیه از درگاه ذات اقدس حضرت مقلب القلوب والابصار دعا وتمنا میکنیم که ما را وجمیع برادران دین ما را از آتش سوزان حسد ، وشعلهٔ شرر افشان غرور بحفظ وحمایت صمدانی خود نگهدارد . آمین

ادبیات

غرور

ای جان مکن غرور به آنسو مرو مرو
شیطان غرور کرد تورا او مرو مرو
گر وغرور خصلت دون همتان بود
تست عزیز دار پس کو مرو مرو
گر وغرور دیگر ودیگر علو نفس
پس غرور خود به تنگنا پو مرو مرو
من چل میشوی که فنای غرور خود
ای خود نما چو مردم بی رو مرو مرو
تحقیر میکنی همه خلق وجود بین
خود بین شو ، مشو پی جادو مرو مرو
باشد اگر ترا مرض سخت ومهلکی
پیش طبیب تند تر شرو مرو مرو
(محمود) را بگو مکن متهم که او :
مرشد به او نبوده که هم سو مرو مرو

(وطن)

خوشست سیر وتماشای کوهسار وطن
مکن زسینه برون مار لاله زار وطن
مشو زغیرت ناموس مملکت غافل
بپاش خلعت ابدی ز ننگ وعار وطن
رسول گفت که حب الوطن من الایمان
روا نباشد مؤمن اگر هست بیقرار وطن
مکن بخاطر وطن دروطن نفاق مکن
گر خواست بین خصم وبن کنار وطن
رهید هر وطنان دست آفاق چوم
بود امید که گردد همین حصار وطن
پی حفاظت ملک ووطن سزد که کنند
همیشه اهل وطن جان وتن نثار وطن
مکن زسینه برون حرف کین دشمن دین
مکن بخصم وطن صلح دوستدار وطن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 497 of 1786

سزد که خلق وطن پروری بیاموزند
ز عامل همه کشور ز شهریار وطن
سراج ملت و دین آفتاب دولت و ملت
کهست روز و شبش صرف کار و بار وطن
خوشست سر مه زعلک دبار (مستفی)
بی خوشست ز گلزار غیرخار وطن

(عیناً ورقه)

جناب من تسلیم

یك ترکیب مخمس بسیار شیرینی ازادهٔ طبع وقاد جناب نواب سید جهانداز میرزا صاحب که از خاندان حکومت اوده و بنگاله‌اند و (ناظل) تخلص دارند بخدمت فرستاده شد توقع که در یك گوشهٔ اخبار خواهد آگاران درج نموده ممنون منت واحسان فرمایند زیاده والسلام نیازمند

سید محبوب عبد الطایل

(ترکیب مخمس)

دست غارت بطرابلس چو ستانه زدند
بر سنگت هوس شیشهٔ و پیمانه زدند
عربو ترك بهم گشته و شیرازه زدند
خیره سر بود عدو گر دن ایکانه زدند
قصد اشرار دگر حرم مسلمان دگراست
کینه تیغ بهایم بسی نوان عرب
پرد بیمار عرب طفل دبستان عرب
رشك خون ریخته اسلامیه حرمان عرب
کرد ثابت به جهان حرب دلیران عرب
جهاد مکرد گر شیوهٔ مردان دگراست
زرد آلوده ملبوس به مسلم عدوه
فوج کودر داخل و خارج مسدود
توپ بندوق جراز ازپی لشکر ممدود
تنگ از جنگ اطاق شده شان معود
لشکر و زرد گرو رخت زدان دگراست
باطالی چو هزیمت شده کفتار نماند
گشته بسته جانشد سر پیکار نماند
فوج پامال شدو دعوی پیکار نماند
پیش شمشیر مسلمان صف اشرار نماند
جوش باطل دگرد جذبهٔ ایمان دگراست
دور ازدحمت غبار بدامنش للیم
ملکت گربه امین و فراف تقدیم
گشت پرباده دستش همه میرات قدیم
شد زپی دانشش مغرب اقصی تسلیم
رهنمای دگرو حافظ مسلمان دگراست
سرنگون قوم ثنوه پیش جرثقان قدیم
همت عالی اصحاب کند کی تسلیم
اهل اسلام درین معرکه یاهم صمیم
عرصه را تنگ نمودند به خصمان للیم
نبی طبع دگر همت مردان دگراست
یوسف دانشده ازرنج بچاه افغن
همه بهودی مقاساست براه افغن
گرود دولت افغان به پناه افغن
فوج گردد پی دشمن چو سیاه افغن
راکب زیل دگر رهرو میران دگراست
رعدو طرح ظفر باده‌اهن افگن
بیخ بنیاد حسودان ستمگر برکن
ازمن خامهٔ نشین گوش کی ای شاه سخن
نشود نقل عساکر ره دور ازتوسن
سرعت زیل دگر سرعت انسان دگراست
دامن سوخت بدین خانه‌ان ایران
بادم آید همه ازحشمت و جاه ایران
کرد معدوم مگر روز سیاه ایران
خطل ایران زرایران و سیاه ایران
عباس وبخت دگر فکر عزیزان دگراست
خبر حرب زبلقان چه نوائیست الیم
رفت زوعلم اسلام بهیجان عظیم
بر حفظ وطن دین شده از فضل کریم
همه مشتاق شهادت همه مشتاق لیم
ناظل افغانی دگر حسرت و حرمان دگراست

(سخنان هر رقم)

میکروب

نظر بحساب یکی از فیلسوفان در هر نفسی که انسان با هوا فرومیبرد ۴۰۰۰۰ میکروب بجگرهای انسان میدراید. در هر نفسی که بر میکشد ازان همه میکروبها تنها (۴۰) دانهٔ آنرا برون میکشد. باقی ۳۹۹۹۶۰ میکروب درپی، وخنجره وجگر ودیگر اقسام بدن جایگیر میشوند. ولی هزار شکر که همهٔ این میکروبها مضر نیستند.

کبوتر، وحشی

غیر از قطار راه آهن مادر زودتر پیدائی واقع شده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 498 of 1786

چندی پیش ازین برای تجربهٔ نیز پروازی کوتر وحشی در شهر (آلوه رس) که در بلژیک واقع است یک اشتیان اجرا شد. از شهر مذکور یک چند کبوتر وحشی را که آشیان شان در انجا بود با ریل دلک به فاصلهٔ (کوپنهن) که (۱۵۰) میل از (آلوه رس) دورتر واقع شده روند. و ساعت هفت وربع کبوتر ها وحشی ها را از انجا رها کردند. وحشی به آشیان خود از هشت بیست دقیقه گذشته رسید. حالانکه سریع پرواز ترین کبوتران بعد از سه ساعت واصل گردید. به این معلومند که وحشی در ساعتی ۱۳٤ میل، و کبوتر در ساعتی ۳۵ میل پرواز کرده توانسته اند.

﴿ پوشاک در ژاپن ﴾

در ممالک ژاپن قماشهائیکه برای زنان شوهردار، و زنان بیوه، و زنان جوان، و زنان پیر، و دختران مخصوص است جدا جدا بوضع رقم زده قماش خاص مقرر و معین است که هیچگاه زن شوهردار قماش لباس زن بیوه را و زن جوان لباس پیران را و دختر لباس زن را پوشیده نمیتواند. بنابرین یک زنی که برای قماش خریدن پوشاک خود بیاک دکان میرود تنها بهمین قدر احتیاج دارد که از عمر خود و شوهردار یا بیوه بودن، و دختر بالغ بودن خود بدکاندار خبر بدهد بعد ازان دکاندار از همان رقم قماش برای او آورده انتخاب میکند.

(یک سرای عجیب التشکل دنیا)

سرای پادشاهی (ئه سکوریال) که در (طلیطله) نام شهر اسپانیا میباشد ازجهت عجیب التشکلی سرای یکانهٔ دنیا شمرده میشود این سرای بسیار بزرگ عجیب التشکل را (فیلپ دوم) که از پادشاهان اسپانیا بود هنگامیکه بدولت فرانس غالب آمده بود بیادبود کار خود احداث نموده بود، و این بنا سرای است بنای سرای مذکور را بشکل (استاره) نام سیمهای کمان که از گلو بشکل شکمک میسازند وبانگشت میدانند بنا نموده اند و در یکطرف آن یک کلیسا بزرگی هم داخله میباشد که روضهٔ کتاب مردان جمع می آید - نقشه و ترتیب کرده بود، بجای هشت استاره مضلع بناها و عمارتهای بسیار عالیشانی ساخته و بجای دستهٔ آن یک کلیسای با گرده است این سرای دو هزار اوتاق و صد هزار دروازه و غیره، و هشتاد زینهای متعلم و هفتاد و چشمهٔ آبدار ما لالتناست تنها برای تسکین حرارت تشنگی ساکنان این سرا چهل و هشت خزن شراب در آن ساخته شده است!

﴿ آلهٔ منع قضا زده گی ریلها ﴾

دروازه های آهنی ضربی فرانس برای منع نمودن قضا رسیده گیهای قطارهای ریلها که از بهم خوردن شان بیکدیگر وقوع می آید یک آله اختراع و تجربه شده است که آلهٔ مذکور ماگنیست - یعنی اجبر ریل را زاویهٔ از وقوع تهلکه و قضا خبر میدهد معلوم است که این گونه قضاها و تهلکه ها اکثر از غلط ماگنیست های ریل پیش میآید که بنا برحصی سیما ماگنیست اشارت و علامهٔ قضا و تهلکه را که عبارت از یک برق سرخ و یا یک چراغ سرخ باشد نمی بیند و ریل را بسرعت از ان میگذراند لهذا این آله در همان جای که ریل از ان بناید بگذرد گذاشته میشود و چون یک ریل میخواهد از انجا بگذرد آلهٔ مذکور مانند خود ریل صفیرها و صداهای پی هم میکند و آتش و شرارها می افشاند که بهمه حال ماگنیست از ان خبردار میشود!

﴿ خربطه - یعنی قشه لدن ﴾

خربطه یعنی قشهٔ شهر لدن و نواحی آن که در این وقتها بالاتمام

فاجعه نامهٔ پاریس

(تابعه از شمارهٔ (۷) سال دوم)

اگر آرزو میکرد خواه درامور عسکری و خواه درامور سیاسی موقعهای خیلی درخشانی برای خود حاضر کرده میتوانست، ولی نقصان حرص و طمعش او را داشته بود که واردات سالیانه سیصد هزار طلای خود را مانند میلیونرهای بسیار بزرگی صرف کند، و حیوانات اعلا و شکار های خوب به پروراند واجرا کند، و در صنایع و کمالات هرگونه آثار حسنه و نافعه نیکو وجود آمدنست آورده بصورت امرار ایام حیات نماید.

وبغوث آرمان دوخرالیو از دوستان صمیمی مارگی دوموقوب بود، از معاصرهای سالهٔ بولوار (اتوالید) مارگی بود - پیش ازین حال برفلوئید عاشق شده از پدرش او را طلبگاری کرده بود،

مارگی دوموقوب به این من خیلی راضی بود - ویکباره آرزو پیش همین بود که دختر یکدانهٔ جورژ لافونس دوخرالیو) به بیند اما ایام رخود فلوئید - مرقومه نیز به آرمان دوخرالیو خیلی مایل بود، و باوجودی که فوت از خودش قدر بیست سال بزرگتر بود باز هم بیک شوق فوق العاده ی بیاک بیک تحویت صبیا ه اگرچه بازدواج با فوت دوخرالیودی رضا میداد ولی چه فائده که یک چیزی به این رضا دادن مانع شده بود - و آنهم دلباختگی او بود بر یک دیگری - ماموازل فلوئیدازدختران نبود که چون یکبار یکی دل بدهد باز آنرا را واپس بستاند.

مارگی دوموقوب از مدت مدیدهٔ بی زن مانده بود - یعنی والدهٔ فلوئید در وقتی که فلوئید بچه ساله بود وداع ابدی مار آخرت نموده بود عمر مارگی هم ازشصت افزون گرفته بود وخود آنهم اختلاط و انبیتش با اقران واماثالش خیلی زیاد بود، فلوئید چون شانزده ساله شد یک آفت دوران و یک صدمهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 499 of 1786

رسیده درظرف یازده سال و پنج ۱۶ هزار بوند بوجود آمده است هرطرف وهرناحیهٔ آن جداجدا قشنگ شده است که چون همه یکجا جمع شوند همدیگر را متمم اطراف خود را موجب وجب نشان میدهد اگر هریک از جاهای این قشنگ پهلو بپهلو آورده شده بزمین هموار شود یکصد و سی هزار گام یا ۳۰ فوت طول و ۲۰ فوت عرض داشته باشد فراهم گردد ولی برای آسانی این خریطه قات شده بشکل کنونی ساخته شده است .

ناموران نابجهان

(مابعد از شمارهٔ (۷) سال دوم)

ولی چون از قریش مخالفت دید بپیش خدا مناجات ونذر نمود که اگر جناب حق دعا فرماید باو احسان کند که درین کار با او معاونت کند یکی از آنهارا قربان میکند وچون خدا او را پسر عطا نمود وهمه صاحب رشد شدند ایفای نذر واجب گردید همه پسران شان انقیاد واطاعت کردند . لهذا قرار دادند که کلفرعه یعنی پشک بیندازند ، چون قرعه انداختند بنام (عبدالله) که آنرا ازهمه بیشتر دوست داشته برآمد بنا برمنسوب غلطا درمابین عبدالله وخون بهای آن ـ که عبارت ازصد شتر باشد ـ قرعه انداختند . بازقرعه بنام عبدالله برامد ، وبهمینصورت دوبار ودرهربار دهه شتر علاوه نمودند ، تا آنکه درمرتبهٔ دهم قرعه برشتران برامده حضرت عبدالله بصدشتر فدیه نجات یافت وعبدالمطلب عبدالله را

تاحسن و آن گردید ، پدرش در هرجا نیکه میرفت دختر خودرا نیز باخود میبرد که با اینصورت دختر هنوز در سن صباوت خود درمیان گردبادهای رزمش وسرورهای خاندان کار پدر بی نهایت خود جوان گردیده مانده بود ، ازعده‌های موسیو موقوبا گرچه تاحدی بی‌لیاقته گری وسرشته داری دختر مأمور بود ولی ازانجائی محافظها دقت مادی وبیده باکی مخصوصاً والدها کجا بسر می‌آید ؟

والحاصل قوتیکه درسالهای بزرگان واصیزاده‌گی که مبادیاً دران دوام داشت یکنفر پانک جوان تروتازهٔ سی سالهٔ صادق نبود که این وجوان بسایهٔ عنوان قوتیکه داشته وه ، قوت توتران دورانمان ، معروف بودرهمه حالاتهای کارپدر دخیل و آمد میتوانست . ذاتاً حسن وظرافتش بزیادرجه فوق العاده بود که هر پسندهٔ خودرا خود مایل میساخت .

تنها همینقدر زیاد بود که بالسرات فامیلیه نیکه جلوگیری آنرا نمیتواند ثروت وتوانگری خودرا رخنه‌دار گردانست حالانکه حرکت حال خیلی مأنوس این گمان بود ، ودرا موسیو بودانمال غیر ازانکه همه‌روز خودرا درمقام سلامت محسوب نموده درزیر بارقرض بیشماری نیز در آمده بود ، فرصتدارهایی یافت آنکه یک روزی مکالمهٔ یک دختر توانگری ازدواج کرده پس توانگر بشود بازهم بقدریکه گذرانش بشود قرضیه اومیدانند ، موسیو دوراند الیزدرد الاتهای اکاریرای همین کارعرض اندام مینمود ، دیگه مقصدش همین بود که بتوانن توانگری که امیدیت میراث بزرگی داشته باشد بدام آرد ، حتی اگر دنگ ومس هم باشد راضی بود .

درین اثنا بود که مادموازل دومونوبره راستش را در آمد ، هم جوان وهم مقبول وهم دختر یک مارکی" توانگری که بازیاد صاحب ملیونها باشد وهم بعد ازانکه پس رشد برسد میراث کلی" مادر حرمهٔ خودرا نایل بشود ، آیا موسیو دورانمال ازین بهتر چه میخواهد ؟ امااین راهم محقق میدانست که مارکی دومونوبره

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 500 of 1786

وگمنامرا بخوبی بادکردن برای هر مومن فرض است (حضرت عبدالله) شیراز (حضرت آمنه) یادیگر هیچ زنی ازدواج وعفاف نکرده . وهرچند (حضرت آمنه) نیز شیراز (حضرت عبدالله) یادیگر هیچ مردی ازدواج نکرده بودند . وبیز ازحضرت بی زیدان دیگر هیچ اولادی بدنیا نیاورده است .

(آمنه) — بنابر دیگر (امینه) زوجهٔ (ابن الدمینه) گلدار شعرای مشهور عرب میباشد . آمنه مزبوره نیز در شعروفصاحت خیلی مشهوره یك زنیست . ابن الدمینه پیش از آمنه (حاء) نام بلندزنی داشت که فاحشه بود . روزی ابن الدمینه حمارا با زنش یکجا خلل رسانید . بعدازان آمنه ازدواج نمود . امابیش ازازدواج بزودی مابین شان معاشقه موجود بود . آمنه در یك مجلس انس درحضور سر زنش وعتاب ابن دمینه گفته است :

وانت الذی اخلفتنی ما وعدتنی و امنت بی من کان فیك یلوم
و ابرزتنی للناس ثم ترکتنی لهم غرضاً ارمی و انت سلیم
فلوکان قول یکلم الجسم قدیرا بجسمی من قولیلاو شاة کلوم

یعنی : توی آنکه وعده ات را خلاف کردی . ومرا از بهر خودت مظهر شماتت ملامت کنندگان نمودی . خود را ازمرار مردمان انتکار ساخته هدف طعنهٔ رقیبان کردی وخودرا بکنار سلامت کشیدی . اگر ازمن بروست وجسد انسان زخمها پیدا میگردید این است که در جسم من نیز ازسخنان رقیبها وعذلها بسی زخمها پیدا گردیده است .

ابن دمینه نیز بجوابش این ابیات را سروده است :

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مأخذ ازشماره (۷) سال دوم)

اوّلا غالب یکچیز ساخته میشد . ماشین های آن فابریك نگذاشته میشد . محصولاتش سوخانده میشد . صاحبانش بمجازاهای سخت گرفتار میشد .

ازنمونهٔ هنت (تورگو) ودیگر طرفداران آزادی اعمال . واشتهار یافتن قواعد عمومیهٔ ثروت این اصولها وقاعده معاینکه بیان کردند درملك فرانس ودردیگر طرفها صنایع ولموگردیده ترقیات سابقه دفعةً درانواع یك رونق دیگری پیداکرده . وثابت ساخت مسئله اصول وقاعدهٔ تنسیق وتنظیم صنایع سراسر باطل ومضرباك چیزی بود .

والحاصل ازخلل پذیرفتن آزادی اعمال . ورهم خوردن قاعده رقابت هم اصحاب صنایع . وهم مستهلکین یعنی خریداران وصرف کنندگان آن صنایع متضرر میشدند وغیرازاینکه اصول وقاعدهٔ ازروی عدالت نیز غیرجایز شمرده میشود . آیا کدام عدالت جواز میدهد مسئله یك شخصی را ازمسلك وطریقهٔ مسلکه آنرا اختیار کننده منع نماید . وبقوهٔ خلل . وبه زور تعدد خودرا بخرار وخلواه خود استعمال کرده بتواند ؟

یعنی امتیازهای مسئله محکومیت آنرا برای خود حصر میکند ازدوحال خالی نیست یا بنابر مقصد افزونی واردات یعنی مداخل ودرامد عمومیه وضع میشود مسئله درالحال آن امتیازیك مال موجده فوق العادهٔ گذاه میشود . یا برای محافظهٔ حقوق ومنافع عمومیه وضع میکردد .

آن امتیازاتی مسئله برای درامد عمومیه وضع میشود مانند انحصار تمك وتباکو . وکاغذ قطعه بازی گداخلی وفروختن آن بحکومت میرسد . وآن امتیازاتی که برای صحت وحفظ اخلاق وضع شود بهردوحال مقصد اصلی آن افزونی مداخل ودرامد حکومت است که هر ثروت دراین باب چیزی گفته نمیتوانم . مثلا ساختن باروت . وشوره وکشتیهای جنگی گاهی بعضی اسبابی که باهمیت عمومیه متعلق است امروزدروز بحکومت منحصر است . بازهم اگرموافق بقاعدهٔ آزادی صنایع اجرا کرده البته بموجب اهمیت وسهولت میشود گاهی راهم این مسئله بثبوت میرساند که اکثر دولتها برای نداشتن کشتیهای جنگی خودشان بفابریکهای کشتی سازی انگلستان مراجعت مینمایند مع ذالك این گونه خصوصات چون رأی وتدبیر ادارهٔ حکومت تعلق دارد مطلق بقواعد عمومی ثروت تابع شمرده نمیشود .

غیرازین گاهی میشود که حکومت بعضی فابریکهای داخلی نیز برای خود بازمیکند . اما این یك نادرشبیه وارسته است که برای ترقیات صنایعه واسطه ورهبر شدن حکومت از قواعد عمومی ثروت سراسر مخالف است . زیرا حکومت مأمورها وکاردارانی را که برای اینکونه نشانات استخدام ومأمور نماید . اگرهرقدر صاحب معلومات . وباحیت باشد بازهم نمیتواند شخصیهٔ خودشان مانند یك صنعتکاری که بحساب منفعت خود بکوشد کارواپش برده نمیتواند

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر نخواهد شد

محمود طرزی

در چاپخانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 501 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۹)

نگارنده
ویک آقای ملکی مطبوعات حضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با اجرات داک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اجرات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ انتظام و مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنه (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن درکابل یکعبایی است

تاریخ عربی ۱۵ صفر ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۳ جنوری تاریخ شمسی ۳ دلو ۱۳۹۱

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وبسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

عرفان پروریهای اعلیحضرت همایونی
اعلیحضرت همایونی
حوادث خارجه
مقاله مخصوصه
مقالات عامیه

ادبیات
ماموران زنان جهان
علم ثروت ملل
قاعده‌های پاریس

عرفان پروریهای اعلیحضرت همایونی

بسوی کائنات یک نظری بیندازیم ! در همهٔ حیوانات ، نباتات خشکها ، بحرها ، هوا بحیات ، یک فعالیت ، یک دور وحرکت یک نمو و نمای بی نهایی مشاهده میکنیم ! آیا حضرت مسبب الاسباب سبب کافهٔ این حیات و نمو و حرکت را بیهوده وقوف فرموده ؟ هیچ شبهه نیست که واسطه یکذا : آن هما خورشید جهانتاب است . این حرکت وحیات کائنات را در هر بیست و چهار ساعت یکبار برای العین مشاهده میکنیم :

بغروب شمس جهان آرا یک پرده ظلمت تیره درون تمام عالم را فرا میگیرد ، حیوانات می خسبند ، نباتات می پژمرند ، انسانها می آرامند ، انجماد ، افسردگی ، تمام همهٔ کائنات را فرا میگیرد !

بمجرد یکه پیش قراولهای حیات همراه شهریار گردون اقتدار آفتاب زندگی توأم — یعنی سپیده دم بمشیو رخش نسیم سحرگهی از ورود آن سلطان زندگی زمان خبر میدهد ، در همه موجودات کائنات زندگی وحرکت پدیدار میشود . در دامنها ، صحراها ، کهسارها ، جنگلها ، بیشه‌ها ، آبشارها ، گلزارها یک دیگر جوش وخروشی آشکار میکردد . بنفشه‌ها میشگفند ، بوهای لطیف خود دامنهای سودا زده‌ها را پر از عطر بار رهبری میکند ، یک جویبار پلدرمه رمه‌های سفید چون لکه‌های پنبهٔ خودرا در یک دامنه سبزی بحرانیدن آغاز مینهد ، یک آسیابان یک دره را مزمه کرده دروازهٔ آبیارا باز میکند جرخهای آسیا یکصدای پرخروی میبراند ، طفل نازنین طبیعت را بیدار میکند ، دران طرف یک جویبار صفا بار به آب پرشر شر چون آبشار خود سبزه‌های لبریز کنار خودرا نوازش میکند ، دراینجا یک کول ، فلکی طلوع صبح صادق یک سرو سیمین دران تشکیل داده در خنهای لبریز کنار آن یک سایه خیز و بر در آب انداخته ، قازها و مرغابیها درمیان آن دریی ، یکدیگر با افشانی شطارت دارند دوشاخه دلیاخهٔ که از سرچشمه جنار بلند آن باله افشانیها راهی بینند حیات عاشقانه‌شان بپرواز آمده کوکوگویان مسرت صبوحی را تبریک میکوئید ! دمدم خدای بالیطه یک نور ، یک نور ، یک دور یک حرکت می افزاید ! افق یک رنک لعلفوئی پیدا میکند ابرزه های ذره‌های کهسار رنک های قوس قزحی پیدا میکند ، نوکهای شاخسار ذهب طلاکاری میکیرد ، سماحرا ، دریا مستغرق نور انوار میشود ، از دود کشهای بلند قاریکها دود هامیراید ، از نوالههای شان صدیرها کشیده میشود ، دروازه‌های قاریکها شکار یک شان عملی را میکیرد ، کاریکرها عجله‌امانند زنبورهای عسل کم شده صنایع را حاصل میکنند ، بعقاریک میدراید ، پرندکان ، کاوهای قوله رانی را پیش انداخته بصحرا میرود ، یک پسر مکتبی را از خوابکاهش بالجبر برمیخیزانند ، زوری میکریزد ، میپوشد یکی کتابهارا یکردن آویزد بسرعت از خانه میراید ، عالم درمقابل یک لوحهٔ درخشان قدرت خودرا می یابد ، چشمانش بافقهٔ افق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 502 of 1786

شرق دوخته ماخذه و « آه! آفتاب برآمد!... » گفته بسرعت میدود!...

بلی آفتاب جهانتاب طلوع میکند حیات حرکت در همهٔ کائنات رونما میشود. آفتاب کائنات شرق و تمدن بزرگوار (علم و عرفان) است. همینکه انوار لامتناهی آن بر یک ملت و ملتی بتابد حیات حرکت در همه اطراف آن وهمهٔ افراد آن پدیدار میگردد.

معارف یک برق سماویست که دنیارا سراسر غرق انوار میسازد معارف یک نسیم نجاتست که بر هر امتی وزد آنرا بکشور ای علم میکشد. خدایان ترقی بر شاخسار آن نغمه پرداز افتخار میشوند. عالم را سرمست حیرت میسازد. رفاهیت حال، سعادت استقبال سایهٔ علم و معارف بر تو افزای احوال میگردد. صحراها بزرعتها، دشتها بگلزارها تبدیل میکند. خرابه زارها بدشوکت سراها، سراهابه انوارها مستغرق میشود.

علم و عرفان، حیات بخش جهان، وغذای روح و افکار انسان ست. در هر ملت و هر قوم که بهمتعه افشانی آید مظهر احیات می باشد، وقوه و امنیت صفات میسازد. ملک سلطانی مدیر میشود الایه اخلاق حسنه رهبر ومنهاج اخلاق حسنه قرآن عظیم الشان خالق کون ومکان است. از علم بی اخلاق هیچ فایدهٔ نیست.

معارف در ملت و ملت خود بخود پیدا نمیشود. محرکی محرک میخواهد: محرکی مشوق آن پادشاه ملت و ملت است که خالق خیر و شر، وطلوع دهندهٔ شمس وقمر، ومدبر کائنات بر بر و بحر آرا از ملیونها نفوس بشر برمیگزیند، وزمام ادارهٔ خیروشر آنرا بدست او میسپارد. بلی! این یک موهبهٔ قدرتیست که از وقت خلقت بشر جاری آمده است. چون قدرت خالق مطلق هیچ فعالیتی را بکار انداخته نخواهد گذاشت و ملتی را بنور آفتاب عرفان منور ساز و پادشاه عادلانهٔ ذی عرفان معارف پرور بر آن مرحمت میفرماید، چنانچه ملک مقدس ما افغانستان وملت معزز ما افغانیان غطا واحسان فرموده است.

آری، آری! وجود مسعود ذات شو کتمآب اعلیحضرت (سراج الملة والدین) حامی ملت و الدین یک آفتاب درخشان تابان علم و عرفانست که افق تمام مملکت افغانستان بطلوع سعود مسعود و رسودش بشرای رنجهای متلالای علم و معرفت منور و روشن شده است.

واقعاً در زمان سعادتقران اعلیحضرت خلدالله ملکه و لور جنت مکان حضرت (ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان) طاب مثواه فی الرضوان بی ترقیها و تجددات عظیمهٔ در افغانستان بظهور رسید، ولی در خصوص نشر معارف مانند تأسیس مکاتب عمومیهٔ اصول جدیدهٔ عصر حاضر هنوز هیچ یک تأسیس واقتضای نشده بود. ذات عرفان صفات اعلیحضرت این پادشاه مقدس محبوب القلوب معظم ما از ابتدای جلوس همایونی شاهانهٔ شان چنانچه بنی انوار فیض و سعادت را بروی ملک وملت باز نمودند تأسیس مکاتب ملکی و عسکریرا نیز اراده فرمودند. تا آنکه امروزه روز افسران عسکری و کارداران ملکی از ان مکاتب بیرون برآمدن آغاز نهاده است.

این کیفیت جلیلهٔ مهم یک مسئله ایست که بحیات و سعادت ملت و ملت تعلق میگیرد. بل علم معرف، دانائی توانائی سبب حرکت حیات است. خلاقی آن دده آنست این اشرف بالمعالی همایونی موجب حیات پرتوبال ملک شاهانهٔ شانست. بازمیگوئیم کدام علم هیچ ثمرهٔ حاصل نمیشود تااخلاق حسنه نباشد. رهبر ومنبع اخلاق حسنه قرآن عظیم الشان حضرت خالق زمین و آسمانست کدام اعلیحضرت پادشاه مقدس ما اول درباب توسیع دایرهٔ علم قرآنی کوشیده در حالیکه یکان یکان حافظ قرآن بصورت مکمل بالبنان در افغانستان پیدا میشد در وقت حاضر از مدرسه های حفاظ کلام مجید بصدها حافظ میرسد این بالت پوری ذات اعلیحضرت پادشاهی حقیقتاً برای افغانستان یک آفتابی شمرده میشود. زیرا درین وقتها دوسه هزار جلدرسالهٔ ماجراتهٔ خودما از استانبول وبیروت، وبغداد بعضی نامه های مطبوع وغیر مطبوع وارد شده میبینند که، از چندی میشود قرآنهای تحریف شدهٔ غلط در مطبعه های مختلفهٔ بعضی ارباب غرض درموقع انتشار آمده، وبهرهر طرف توزیع وتقسیم شده است. لهذا باخبر باشید، پس ازین یک معلوم میشود که این مدرسه های حفاظ کلام مجید که بسایهٔ فیوضات آیات بینات این دین مبین حضرت سید المرسلین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) دروطن مقدسهٔ ما تأسیس وبنیاد یافته تا چه درجه یک اهمیت عظیمهٔ میتواند در دارد کجقدر شناسان ملل اسلامیت الیه آنرا تقدیر خواهند نمود.

غیر از مکاتب ابتدائیه وعالیهٔ ملکیه وعسکریه که در دارالسلطنه بنیاد یافته در (بیت العلوم) مبارکه یک (دارالتالیف) نیز بسایهٔ معارفواریه شاهانه تشکیل یافته است که اکثر کتب نفیسهٔ مکاتب دولت علیه افغانستان در انجا ترجمه وتألیف میشود. بعضی اثرهائی که از دار التألیف مذکور درفنون حاضره بنظر حقیر در آمده الحق کتبخانی پسندیده وبرگزیده آثار است. خود این حقیر احقر بانطار دار بیشمار تصنیفات معارفپروری اعلیحضرت پادشاه مقدس خود الزبان ترکی عثمانی یکجلد اثر ادبی وفنی ترجمه وبعضی تألیفات وجود آورده است کدام جمله یکی ترجمهٔ پنج جلد کتاب (تاریخ محاربهٔ روس وژاپان) است که بموجب فرمان واجب الاذعان اعلیحضرت پادشاه مقدس خود ترجمه کرده ام.

علم، علم طلب است، دانا، دانش خواه است، اعلیحضرت پادشاه مقدس ما نیز دانا است، دانست، دین پرور، مرحمت گستر، عدالت خواه، ترقی آگاه یک پادشاه عدالت پناهیست که بنصر وعرفان وعدل واحسان ملک وملت شاهانه شانرا به انوار ترقی عرفان منور فرموده اند، و به شهراه تعالی وایقان رهبر گشته اند از درگاه ذات ذوالجلال طول بقا و دوام دولت واجلال شاهانه شانرا نیاز میکنیم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 503 of 1786

حوادث خارجیه

اخبار روسیه

دنیا بسیار کهنه و فرسوده ، و چرخهای دوران آن سابیده شده است . لایحات اخلاق و اشفاق عظیمی دران محتمل الظهور است !

دیگ بخار ماشین خانهٔ روی زمین (اوروپا) ست ، چنان معلوم میشود که آلهٔ مقیاس البخار آن اخراق پیش آمده است که از حد و اندازهٔ لازمی آن بیشتر ابخره دران تراکم میکند ، و رفته رفته دیگ مذکور بتسخاب همهٔ آن قوت تاب آور مقاومت نگردیده چنان بت اخلاق عظیمه ، و ازهم ترکیدن دهشتناک وقوع آرد که پارههای اخاص آن از کوههای آسیائی بلکه از کوههای هیالایا وفره قورم بزیالاتر برهوا گشته در بحر محیط کبیر برزدا

آلهٔ مقیاس ابخار ماشین اوروپا حسیات انسانیت ، عدالت مساوات حریت ، حقانیت بود که برهمهٔ آن برملیونها عرب ، برملیونها توک و تاتار ، برملیونها هند ستانی ، وهندو ، وفارسی وغیره حاکم و مسلط گردیدند ، درهرجا که رسیدند همین پرقهارا برافراشتند ، وملل را درزیر ظل حمایت آن دعوت کردند مردمان شرق چون ازبسیار وقتها ماشینهای شان بسبب خرابی مقیاس البخار شان پاره پاره شده بود آن پرقهارا بت سایبان سعادت دانسته بودند .

سبحان الله ! کدام مدنیت کدام مدنیت بربت خلوبت موالی دوام ورزیده است ؟ اگرجا کهای طلاء های زمین را بجاهای بسیار عریق بکلوبم ، وخرابهای غایم بجز آثارها ، واطلالهای مدنیتها واکلیلهای شریعتی لواهیم یافت ؟

چنانچه بین مدنیتها وعدالت ها ، ومساواتها ، وحریتها وحمایتها طعمهٔ حرصها ، وکینها ، وغض پرستیها واسارتها شده است ، همچنان مدنیت اوروپای را بزهمین اژدهاها ، وناگوها واقعیها چنان فرو برده اند که کمتر اثری ازان ها باقی مانده است !

همهٔ اسیرهای دام احتیال ، شان آهسته آهسته بچاه پی میرند که بمن چیست ، ول نه چنان کاوسی برانها فرو آمده که بال حرکت برای شان مانده باشد !

ازجنگها ، وفتوحات آخرین اوروپا معلوم کرید که چه وحشی ، چه خونخوار ، چه درنده مخلوق میباشند ، پیش ازین درهرجای که میرسیدند قانون عدالت را میکردند ، درینوقت حرف عسکری را اعلان داده قتل عامها ، حمله سوزیها ، تسلط برعرضها ، بیگناهانرا بدار کشیدنها اجرا می کنند !

چوخواهد فلک ، رنگوش کند
به اهمال بد رهنمونش کند

همین سبب است که استیم دیگ بخار شان افزونی میگیرد ! حرص وطمع به شره و آز میکشد اعصاب البخارشان چون زهم شده از درجهٔ شدت وتراکم اخرة اعمالهشان آگاهی نمی یابند ! دفعهٔ آن بخارهای کثیفهٔ مترا کمهٔ شان چنان ازهم کفیدن مدهشهٔ هول انگیزی بظهور بیارد که آواز دهشت عمراز آن ساکنان کرات سماوی را نیز بلرزه در آرد ! . . . .

(ترجمه از اخبارهای)

ترکی و عربی

از سبیل الرشاد :

ظلمهای که اردوهای اهل صلیب ، در ایطالیا وروم ایلی اجرا کرده اند از جنایتهای انگیز یسوعیها بزدر گذشت ، یسوعیها انسان از وحش شان راننده و آواره شدند ، صدها هزار معصوم در کوچه ها درمیان گلها ریختند ، بی نهایه عرضها پامال کرده شد ، همهٔ مال ومنال اسلام یغما وتاراج گردید ، بی آنکه زنان وبچه رحم آرند قتلهای عام اسلام را بجا آوردند ، حتی بسیاری ازمعصومها را زنده زنده زمین دفن کردند ، بسیاری از بچاره کارا از ترسنگی کشتند ، نان خوردن ، جای خوابیدن حتی برای دفع حاجت محل نماند ، این مظالم وحشیانه به آندرجه ها رسید که هرچیت مایهٔ مسلمانان ازین مصیبت آزاده نماند ، ازاحوال قیمهٔ (اندلس) بزرگشت ، ظلم ووحشت اردوهای اهل صلیب را جراید اوربه هرقدر که مینویسند تمام نمیتواند ، مهاجرینی که می آیند بحکایت کردن تمام نمیتوانند ، ما اینهارا زیر نظر انتباه واکاهی عام اسلام که قدر استقلال را نمیدانند عرض کردن میخواستیم ، اما چه چاره که عینهها محدوداست وبچهها کتابها ازاین را استیعاب نمیتواند ، این است که چیرهٔ خونریز جلاد عصر بست و یکم را همهٔ کائنات به بیند که چیست !

واقعیکه ایقدر مظالم بی جزا نماند ، اما چه چاره بعدازانکه یلیونها اسلام در کوچه ها ، وگل ها درافتادند وصدها هزار ! معصومها محو گردیدند ، وگرنه ایقدر وحشت آنها بی جزا نماند ، زیرا عدالت آلهیه هیچگاه به این مساعد نیست ، ایقدر معصومهای اسلام ، ایقدر بیگناه معصومان را اوروپا به کله های جانور های اهل صلیب محو کردند ، آیا کمان میبرند که بمیتهای بار بار ازین روز بگوگرنمان نیایند ؟ انشاءالله عالم اسلام درقریب اوقات آنروزهارا خواهد دید .

که میداند که چقدر زرگ کناه ها ، وبه او امر آلهیه وقوانین فطرت چه مدهش عصیانها ارتکاب کردیم که به ایندرجه هلاکت الیم وبه اینکونه مصیبت عمومیهٔ عظیم دوچار گردیدیم ، درکارپیها میبینیم که یك قوم پاك دیاردیگر آن محو کردید ، ول نمیدانیم ، این است که حالا استحلال الیم واقوام طبع یك قطعه را تمامها دریکماه مشاهده میکنیم ، این کیفیت برای تمام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 504 of 1786

جهان برای تمام عالم اسلام چه عبرت بزرگیست ! بخوبی باید دانست که قوانین آلیه بپاس عاطفه شریف مسلمانان حکم خود را تبدیل نمیدهد .

این را اعتراف باید کنیم که مایه اعمال وافعال خود به این حالها گرفتار آمدیم . « انالله لایغیر ماقوم حتی یغیروا ماانفسهم » مایه‌های خود را دیدیم . به انواع ظلمها و وحشیهای انگیز بسیوق دوچار آمدیم . حالاوقت آنست که توبه عرتکبها ومتوقعهای آن آمده است . آیا گمان میبرید که آه واین اندازه معصومها درفضا های لاهوتی محوشده میرود ؟ البته که برای این ملت وبلکه برای همه کره ها وبرای همه انسانها یك صاحب حقیق موجود است ، یك سلطان عظیم‌الشان ، یك حکم عادل یك قاهر وذوالجلال موجوداست . آیا گمان میبرید که آن مالشالملك والملکوت چشمهای اوروپای بار بار را بازپیوشان پرنکند ؟ برای اینکه آنها را دریك آن هوسازه اسباب آترا بدست خودشان برای شان حاضر کرده است . انشاءالله فردا فردا نباشد پس فردا بهمه ما ه دهشت انتقام آلهی را خواهیم دید .

ای مسلمانان ! بیائید که همهٔ مابیك زبان :

— حی‌لاتموت ؛

گفته رفع آواز بکنیم ، بپیچم که جهان لایتناهی ازپلشسیع دویی خالیست ؛ البته که نیست .

﴿ سیاست انگلیز بمقابل عالم اسلام ودول عثمانیه ﴾

اقتباس از اخبار (رأی العام) منطقهٔ بیروت بامضای (ظاهردور) :

« بسیار بارها ست که درمعنی اخبار های استانبول این فکره مصادف نظرم میشود که مینویسند : « مقصد یگانهٔ دولت انگلیز تمامیت ملکیه و ، محفوظیت ساحهٔ دولت عثمانیه میباشد . ! !

« من چون به اینگونه فکره های زراندودی که بابك غرور بسیار بزرگی وبی بصیرتی تمام نوشته شده است نظر میکنم از حیرت وتعجب خودداری نمیتوانم . زیرا من ازاین یك آسوده وخاطر جمع که درعالم پولیتیکی هراندم انگلیز وحیله های سیاسی که رمادور میخورد همهٔ آن با اردسیمه های پنهانی دولت انگلیز . وبا آنکه لااقل رضا وموافقت او روی کار می آید .

« این یك معلوم است که انگلیز تقریباً رصد ملیون نفوس مسلمان اعلان حاکمیت میکند . اگرچه ادارهٔ داخلیهٔ اینقدر نفوس عظیمهٔ مسلمانان درزیر حکم وقبوذ آدمان میباشد . ولی این راهم بگویم که معماً آنهارا هنوز درزیر حاکمیت خودکرفته عتزالست . زیرا مسلمانان ، باعمومیت خودشان بنظام معارف خلافت استانبول توجه واعلان ارتباط میکنند .

« دولت انگلیز هراندم که به اعمال روحیهٔ مسلمانها واقف میشود خاطر بیك حیرت دهشتناکی گرفتار می آید . که گاهی از بسیاری اعمال خود داری نتوانسته بصورت آشکار درسر دولت عثمانیه بعضی مشکلات معضلهٔ سیاسیهٔ بوقوع می آرد . وبه اینصورت روز بروز مقام خلافت را بلرزه میدارد . تاباشد که یك روزی (معاذالله) این دشمن بزرگ واین رقیب مقهورخود را ازمیان بردارد ! واین صد ملیون مسلمانراهم معماً وهم مادهٔ بجز اتحاد بدیکر طرف علاقه داروضروط انکنداند . چونکه ایمپراطوری هند بدیکرصورت دوزوا مدت نامه کرفته نمیشود .

« دولت انگلیز اگرچه پیش ازین این اتریکه های خود را بصورت خیلی اجرا میکرد . امادرین زمانهای آخر این پولیتیك خودرا درمحیط مصروصوریه بصورت بسیار علنی وآشکار تحمیل میدهد .

« دولت انگلیز بسببی که از جرمن میترسد درین وقتها میخواهد که مستملکات خودرا بارابطه های بسیار قوی ومتین بکسر به اتحاد مربوط نماید . ودرینباب بسیار فعالیتهای بزرگ نشان میدهد . اما این راهم فراموش نباید کرد که هانفدرازجرمن میترسد . دوچندان از افکار (وحدت اسلامیه) نیز میترسد . ازفعالیت فوق العادهٔ که درین روزها دولت انگلیز در پیشقدمی مسألهٔ (وحدت اسلام) درعالم اسلامی مشاهده میکنند خیلی اندیشناك شده است . این است که دولت انگلیز درپیش روی تخرهٔ سعیهای اسلامها که بسوی وحدت گامهای بسیارفراخی میدواهد پندازدهاند یك دشمنی بی‌امانی ایستانده شده هرانچیزی که عامل وبرانگیزندهٔ مسلمانهارا بوحدت به پیوند آنچیز را پرسودانیکه باشد ازمیان برمیدارند . وآزاهو ویرشان می‌کنند . وچون عامل بکانه وبرانگیزندهٔ فرزانهٔ این تشویقات وتحریکات (وحدت اسلام) اخبارهای اسلامی میباشد ازینسبب هراقدر اخبار های که درمصر بزبان عربی طبع ونشرمیشه ، وهمیشه درباب وحدت اسلام وبیداری وآگاهی مسلمانان قلم میفرسودند همهٔ آنهارا با بعضی اسباب واهی منع وتعطیل نمودند .

« ازین تحریر اینکه دولت انگلیز بکمال سعی وکوشش برای تأسیس دادن یك خلافت جدیداسلامیه درمصر همهٔ قوت وسیسه های خودرا استعمال میکند که این فکرسایهٔ دولت مشارالیها را این به اثبات میرساند که درعجارهٔ طرابلس غرب وبالکانهای بیطرفی مصررا پرنهاد . »

﴿ مکتوب ازپشاور ﴾

« زیب آوری » وبسرای هند درهمل به حیثیت نائب السلطنهٔ هند ویك واقعهٔ عجیبه

جناب !

چون درین ایام یك واقعهٔ بسیار نا گوار عجیبه درهندستان بوقوع آمده است خواستم که برای اطلاع آنجناب تحریرداره : البته آنجناب از کیفیت تبدیل پایتخت دارالسلطنهٔ هندستان از کلکته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 505 of 1786

به دهن خبر خواهد بود . لاکن تا حال تکمیل آن عملی نشده بود . در ۲۳ دسامبر مزایکلفسی وایسرای جدید برای رسم افتتاح راه آهن جدید رسماً بسمت تاشی بعمل داخل گردیدند . در ۲۱ همان روز جناب وایسرای ممدوح بعزم اینکه "خودیدریه" (اسپیشل ترین) یعنی ریل دار به اسپیشن دهلی رسیده . واز اسپیشن بعزم همراهان خود وجهه را بکان وتوابع وایسرا بسواری پیلان از راه دور ، وبدیه وحشمت بسیار عظمت خود ازراه های ملتکه گذشته به یادگی جوک رسیدند . درحالیکه حمایم جلوس کمال دبدبه واحتشام از یادگی جوک میگذشت دفعتاً از یکی خانه ها از دست یک شیوعی بروایسرای ممدوح بمبه انداخته شد . جمدار وایسرای که پس پشت وایسرای بر همان پیل سوار بود فوراً هلاک شد . وخود وایسرای را زخم جزئی رسید . یکی برشانه ودیگری بر گردن . وایسرای از شدت زخم بیهوش شد . بعد از کمی بهوش آمد ورفتن جلوس را مسوی در انتظار کرده خود شانرا بشفاخانه رسانیدند . میگویند که خانمه مذکور را فوراً پولیس حاضره نموده ، ودروازههای شهریار در زیر ترک مراقبه شد . لاکن قاتل هنوز معلوم نیست مسئر قایت ودوان دربنوقت بجای وایسرای ممدوح کار دربار را انجام میدهد . باقی خیریت است ۱۶ دسمبر سنه ۲۲۲۹

* * *

(ترجمه از اخبارهای اردو)

درین ایام حالت جنگ یلقان بجنگ آخری روس وجاپان بسیار مشابه است — جاپان در جنگ های بحری وبری همیشه کامیاب بود اماچون شرائط صلحیه درپیش شد دولت روسیه بحیله بکار آورده به فیر فودن مسئله بروان جنگ اشکار کرده درینوقت کل بام مدبر بود که جاپان ازمسئله بروان جنگ دست بردار گردید — وبیش هل آورد کاگرچه روسیه یک بعد دیگری ازهرمقام پیدا کرده لیکن بوداماو نیست بهشمی جنگ زاکافرض دوران جاری دانسته می توانست — اکنون جان کویت در ترکیه پیش آمده است — یعنی بلغاریه از بدواری گذشتن تشنه آگین دارد وسروبا باختیار جنگ استربا درسی وسائل خود میخواهد — مانی دیگرو تدبیر سفوطری زاد باده ازامید دقت طلب میداند — ولو دسوال فیصله تهریس ترکان کنر دجلیبی داردشرطیکه البانیه راگر آزادی کلی دهانشود خود مختاری اندرونی بالضرور داده شود — و هرچند که ریاستهای متحده متواتر کامیاب بوده اند اما آن شرائط را که دولت ترکیه منظور نکنند هرگز باید کرده نمیتوانند .

(دست درازی روسیه برمنگولیا)

این امر محتاج تصدیق نیست که روسیه بعد ازصدمهٔ شکست کلان جاپان خورده بود تحریک خلیه حاصل نمودن اغراض سابقه مشرق وسطی شروع کرده از واقعهٔ عظیم الشان اطلاب چین فوائد کلی حاصل کرده است — چنانچه حکومت مرکزی چین را درمشکلات داخلهٔ گرفتار دیدسویهٔ منگولیارا مرکش ساخت وچون حکومت مقامی درصوبه مذکور قائم شد مراسلات آپس بمیر ریل وتلیفون معاون وتوسیل اسباب تجارت وغیره برای خود حاصل کرد — مراسلات مذکوره آینده برای چین نهایت خطرناک ثابت خواهند شد ومراسلات مرقومهٔ فوق گویا پیش خیمهٔ روسیه است لهذا برای وزارات خارجهٔ برطانیه لازم است کماندازهٔ بدیی دولت روسیه کرده درمعاملات ایران هوشیار باشد .

(اشیای عجیب وغریب وقابل تعریف امریکا)

۱ — یک کپی شهر نیویارک امریکه ۶۶۸ دکانها درشهرهای متفرقه امریکا دارد ما کپیت یک دکان که درشهر نیویارک واقع است بیان میکنیم — این دکان بخانه پنج منزل داردویلندی عمارت آنهائی آن ۷۵۰ فت بلند است وباخراجات یک کرور وبیست لک دالر (دالر مساوی است بسه روپیه کلدار) تعمیر شده است وزن عمارت مذکور سی وشش کرور پونهٔ است — عمارت مذکور درکل عمارتهای دنیا بلند است — اگر همه خرمهای بخانه پنج منزلهٔ دکان مذکوره رفته زمین تعمیر کرده شود (۲۷) ایکر زمین را احاطه خواهد کرد چون کپیت یک دکان از ۶۶۸ دکانهای کپی مذکوره چنین باشد اندازه آمدنی آن بآسانی کرده میشود .

۲ — کپیت دیگر یلغان که پرنس وکتوریه نامیدارد وهمراه یلغانهایش دورمیکند — پرنس وکتوریه ۲۵ — انچ بلند و ۱۹ — پوند وزن دارد سن آن ۲۳ ساله است ومردم را بخنده وسرور مسرور میسازد .

۳ — همراه یلغانهای مذکوره یلغان دیگر است که بلندی فداو مثل مردم بالغ است لاکن زیاده از حد فربه است وزن جسم او ۶۵۸ پونهاست — مردم کثیراز بازدیدنه رانکث خریده برای بدن او میروند .

تنخواه نامه نگاران جنگ

برای اخبار والاهای یورپ وامریکا وقوع جنگ نا گوارثابت میشود چراکه از وقوع جنگ در اخراجات اخبارات اتفاقی فوق العاده پیدا میشود ومعاونهٔ اخراجات مذکور باآنها داده نمی شود — درین شک نیست که جنگ موجودهٔ بلقان راخبارات روزانهٔ لاندن بار اخراجات بسیار خواهد انداخت — وهرقدر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 506 of 1786

زودی خاتمهٔ آن شود برای مالکان اخبارات موجب خوشوقتی خواهد بود .

خرج دو اخبار در جنگ هسپانیه و امریکا

اندازهٔ اخراجات اخبارات جنگ ازین کرده میشود که چون درمابین هسپانیه و امریکا جنگ واقع شد دو اخبارات نیویارک را از ۸۰۰۰ هزار الی یکمالت و پنجاهزار پوند سالانه منافع میشد درحالت جنگ بحساب یکمالت و بیست و پنجهزار پوند سالانه خرج میکردند .

مخارج یک اخبار روزانه

یک مشهور روزانهٔ اخبار لندن گفتش نامه نگار او درمیدان جنگ باشد هرگاه آنهارا از دهوند الی صدپوند مامور خواه داده میشود ورقم مذکوره نامش هزار پوند سالانه میرسد و اگر دیگر اخبارات هم نامه نگاران خودرا درمیدان جنگ روانه کنند مخارج مذکوره تا پانزده هزار پوند سالانه میکردد نامه نگاران اخبارات درمیدان کارزار بسیار ضرورتها مقرر میکنند که آنهارا بعاوضه خبررسانی رقم معقول داده میشود — علاوه برین دیگر نامه نگار هم دران زمه تحت سانحات ها که در مابین شان جنگ میباشد مقرر میدارند تا کاملا از آرای اخبارات ومدیران زمانت آگهی داشته خبرهای درست برای اخبارات خود روانه دارند .

سفر خرج نامه نگاران

سفر خرج نامه نگاران اخبارات بحالت جنگ نسبت بهرگز اخراجات شان زیاده تر میباشد — چراکه بوقت قال و حرکت شان ضرورت مخارج بسیار میافتد و آن اخبار که اخراجات سفر او زیاده از صد پوند نباشد خودرا نهایت خوش قسمت میشمارد — واگر حاصل نمودن خبرهای جنگ بحری ضرورت افتد آنوقت مبلغ یکهزار پوند به کرایه کشتی دادن می افتد .

معاوضهٔ جان نامه نگاران

مالکان اخبارات نامه نگاران را که برای فرستادن خبر درمیدان جنگ روانه میکنند با تهه قرارداد کرده میشود که اگر نامه نگار درمیدان کشته شود برای گذران خاندان او معاوضهٔ معلوم داده خواهد شد — ازین ظاهراست که بدون آن اخراجات که بوقت جنگ مالکان اخبارات متحمل آن میکردند هریک اخبار قریب بیست هزار پوند معاوضه زندگانی نامه نگار پرداخته میکنند — اخباریکه مشهور و معروف اند اخراجات شان نسبت باخراجات مذکورهٔ فوق زیاده تراست .

خرج تلگرافات

خبرهائیکه از میدان جنگ و یا از مقامات دیگر خبرهای متعلق جنگ خواسته میشوند محصول آنها بهزار هاپوند میرسد — درجنگ روس و جاپان محصول تلگرافات خبرهایک شلنگ و یازده پنس یعنی قریباً یک و نیم روپیه کلدار فیک کلمه بود — اما شرح محصول معمول برای فرستادن خبرها فی کلمه چهار شلنگ و ۱۰ پنس بود — چونکه برای ضرورت بطابق شرح معمول خبرها فرستاده میشدند بنا برین یک خبر که متضمن پنجکلمه می بود مبلغ ۲۰ پوند ادا کرده میشود — اما در خبرهای متصل ومدرج کمتضمن پنجهزار الفاظ میبود مبلغ ۲۵۰ پوند بدفتر تلگراف تحویل کرده میشد — اخبارات اسف در حین لندن دریکروز مبلغ ۱۰۵۰ پوند محصول برای فرستادن خبرهای جنگ مذکوره داخل دفتر تلگراف نموده بودند .

مخارج خبرهای تلگراف جنگ افریقهٔ جنوبی

محصول معمولی فرستادن خبرهای پذیرهٔ تلگراف جنگ جنوبی افریقه در مابین بریطانیه و بوئرها واقع شده بود چهار شلنگ فی کلمه مقرر بود و یک اخبار برای حصول خبر کیفیت معرکهٔ خاص زیاد ۳۲۵۱ پوند می شد — محصول تلگراف خبر معمولی کاظرین یکمرتبه مطالعه کرده آنطرف میاندازند ۲۵ پوند و محصول خبر متصل ۳۲۵ پوند میباشد .

§ اکثر خبرها بیکار هم میباشند §

اگر یک خبر طویل کدر یک اخبار شایع میشود و خبرهای دیگر بهمان قسم و بهمان مضمون در دفتر اخبارات میرسند آنهمه بیکار میباشند — چراکه در اخبارات خبرهای اهم ترین شایع کرده میشوند بعضی اوقات یک خبر کدر اخبار دیگر از همه بیشتر شایع میشود آن نیز بیکار میکردد .

بعضی اوقات یک خبر که در آن نجارپوند صرف کرده میشود برارفیت آن کاغذ هم نمی باشد که بران تحریر کرده می شود — یک اخبار درجنگ هسپانیه و امریکا خبر هائیکه بخط رمز ۱۰۰ پوند برای اوریسه بود بیکار ساخت — یک نامه نگار سر کرم درجنگ ترنسوال خبرهای که بمصارف ۳۰۲۰ پوند برای اخبار لندن فرستاده بود بیکار کردید .

کشیده شدن ترکان از اروپا محال است

اکنون اخبارات انگریزی هم اعتراف نموده اند که ترکان درزمین اوروپا خیلی مستحکم و ثابت قدم میباشند واخراج شان از زمین اوروپا بمشکل است چنانچه تاثیر آن اخبار رقمطراز است که هنوز توقعات مصالحت بسیار دور است واگرچه دول یوروپ کوشش دارند که علاقهٔ متنوعهٔ بلقان بطریق مناسب منقسم شود اما قوت مدافعانهٔ ترکان برخطوط دفاعی شتالجه بهمان قرار زبردست است که پیش بود افواج اناطولیه بتجارسپه روز بروز در تعداد فوج می افزاید — دیگر جانب بلغاریا هزیمت و خسران

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 507 of 1786

بسیار برداشته ازاعلان فتوحات خودست برداشته‌اند ـ وبهترین نقریبی‌قوج سروی بخاک‌رسیده پیوز شده‌اند که‌قوایخارا درنظام داخل‌کنند ـ واگرچه بادصرت بعدازتغیر بسیار رخ خودرا جانب ترکان گردانیده است‌بازهم این‌کیفیه مرتب میشود که‌ترکان ازاوروپا خارج‌کرده نمی‌شوند بلکه آنهاحقوق این‌مطالبه دارند که‌علاوهٔ کلان بوروپ زرنگین شان باشد .

بعدازین اخبارات‌انگرزی اقرارکرده اند که‌حسرت کارچن مستر گلید ستون که‌ترکان بیك پی ودوگوش از اوروپا کشیده شوند در کنج مرقدهم بتکمیل نرسیده وبوروپ چین امر کمر بسته است که باوجود شکست های بلقان ترکانرا برحصهٔ کوچك بوروپ قانع گرداند امآن خدانیکه‌فتح‌ونصرت‌بدست اوست‌دول بوروپ را محروم وناامید خواهد ساخت .

مسئله البانیا

علم البانیا سرخ وزآن عقاب سیاهست ودر (دور ازو) برافراشته شده‌است ـ درشهر حالی کلان‌البانیا اعلان‌خودمختاری شائع شده است واسمعیل کمال بی صدرعارضی‌البانیا مقرر شده است .

وعلاوهٔ مصاحبت منجانب‌ترکیه‌صاحبزاده وزیرمحمود پاشا وزیر زراعت وعطائی بی‌سابر یان (جرمنی) میباشند ـ عطائی بی‌در ایام گذشته از برای مراجعت نموده با وزیر خارجه آسترا وشاه رومانیا ملاقی شده بود وشرکت او در مجلس صلح هکلس باعث طمانیت است .

مسلمانان روس خیل‌اعانت مالی بابرادران ترکنموده اندوزیاده ازوسع خود روپیه فرستاده اند از یکصد مسلمان روس بخیال شراکت جنگ در قسطنطنیه رسیده‌اند .

تقصان فرانسه درمراکو

درمعرکه های‌خونریز وزارت مراکو ۲۸۰ فرانسوی ازدست اهل‌مراکو مقتولو ۸۱۳ فرانسوی مجروح گشته‌اند ـ منجمله آن ۱۲۶ افسران مقتول و ۴۰ زخمی بودند ـ تعداد مقتولین ومجروحین مذکورازماه جنوری الی‌ماه دسمبر بشمار رسیده بود واگرتعداد مقتولین سال گذشته دران‌شامل کرده شودهر آنوقت شمارمقتولین‌فرانسوی ها ۱۲۳۴ وتعداد مجروحین ۷۴۱۲ می‌باشد .

یك خاتون مسیحی رجعت غائیه بیان میکند که درطرابلس مرکز پنج کرور بودند خرج وبیست هزار نفوس کشته شده‌اند ـ باوجود آن هنوز ایطالیه غیراز ساحل و دیگر جای‌ها متصرف شده است واگردولت ترکیه روم ایلی را در طرابلس ترجیح نمیداد وایطالیه صلح نمیکرد اطالیه هرگز برطرابلس متصرف نمی شد ـ ترکان بدول اوروپا اعتماد کردند حالانکه پیشتر ثابت‌بود که‌براوروپا تکیه‌کردن غلطمحض است ـ دولت‌برطانیه وعده کرده بود که‌اگر ریاستهای بلقان بر ترکیه حمله‌آور شدند مقبوضات حاصل کردند درنقشهٔ بلقان تغییر وتبدیل نخواهد شد بلکه دول عظمی مداخلت کرده علاقه ترکیهرا پس‌ممالکان آن خواهند سپرد ـ اکنونکه بلقانیان اول انتخاب شدند دولت انگرزی حیران است که قول خود را چگونه بکرداند امانفیر اقوال وخلاف وعده پیش اوروپا هیچ‌است فالفور ازانگلستان صدای برآمد که‌ما کنون چون بلقانیان بمدار صرف اموال وتلف‌نفوس برمعنی مقامات قابض‌شده اندضرور است‌که‌معاونهٔ تحت ومشقت شان داده شود ـ سپش ظاهراست که‌اول دول اوروپا خیال‌کرده بودند که‌ترکان بیتأملفرار شده‌وعلاوهٔ بلقان متصرف خواهند شد ومابان ترکانرا برای پهل کردن آن‌مقامات مجبور خواهیم کرد ـ اماچونکه ترکان آمادهٔ پیکار نبودند وغیر افواج غیرمتفرقه درمیدان کارزار آورد وترکان‌منهزم گشتندلاکن زود جهت خودرا بسته رو بفتوحات نهادند وبسی حمله‌آورانرا کشتند وپسپا ساختند وامید منصوریت شان هرجای ظاهرشد ـ دول اوروپا بازرنگ خودرا تبدیل کردند وهمراه ترکان هم‌نوا شدند ـ چه‌استقلال ؟ چه استقامت ! کاش کهدول اوروپا شرم میداشت وبایستی اقوال خود میکرد .

وزارت آسترا مستعفی شده‌است وجرنیل های‌نامحدود مشهور برای جنگ مامور شده اند ـ واین تهدید حمله برای سروپا است ـ روسیا به حمایت سروپا ایستاده است و آسترا خواهد سروپارا مخالف‌مادخود می‌پندارد وهروقت درماین آنهاآتش جنگ گرده می‌شود .

مجلس سفرای‌دول که‌برای‌مصالحت‌مابین‌دولت ترکیه ودول‌صغرائی بلقان منتخب شده است در لندن اجلاس خواهد کرد واگر معاملات زیر بحث طول کشیداجلاس‌دیگر آن‌دریرس‌خواهدشد .

درایران متصل شیراز مردم قبایل یك کپتان انگرز که تعلق بچرساله هندو سفی داشت قتل نموده اند .

زنان طالب حقوق اندن یك تجویز تو اختراع کرده اند ـ شیر شور و شریا کردند که آتش در کرنت آتش در کرنت ازصدای مذکور بسیارتشویش درامعالی شهرافتاد وزنیکه اعلان این‌خبر کرده بودواریست بودند جریموقیدومامورازداده شد ـ بعدازان بافسران محکمهٔ اطفای نارخطاب زنانرسید که‌حقوق زنان میگیریم و آتش سفی ما را کس گل کرده نمیتواند .

هندوان‌وسکهان سیالکوت‌نزد صدارت‌حاکم انگرز باظهار همدردی مسلمانان‌خود که‌بسبب برادرانه‌دینی ترك مغموم ومحزون میباشندعزائی منعقد کردند وترغیبات‌الناظ‌زورداده‌اند ـ انجمن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 508 of 1786

هلال احمر کوهات شش‌هزار روبیه درین ایام بیدان جنگ روانه کرده است و درینگر موانع هندوستان هم تجویز مد کوره بفروش وخروش جاری است .

از ایتهز (پایتخت یونان) خبر رسید که مابین ترکان و یونان جنگ شدید واقع شد و دوصد یونان مجروح شدند — قریباً چهار ساعت گلوله باری شدید جاری بود و بعد ازان به سر نیزه کار گرفته شد .

ازمقام رای (ولایت جرمنی) خبر رسید که یک جماعت اعیان ترکی برای خریداری اسلحهٔ حرب بقدار کثیر بطرف مارفته است .

رومانیا باآسترا معاهدهٔ عقد نموده است که اگر ریاستهای متحدهٔ بلقان بالفرض محال کامیاب شوند رومانیا هم برای ریاستهای مذکور مطالبه خواهد کرد ، لهذا ریاستهای بلقان ازکامیابی خود مستفید نگردند — بنا برین رومانیا ابواب احتیاطی خودرا طلب کرده در تیاری و تهیهٔ جنگ سرگرم است .

روسیا باوجود غیر طرفداری جنگ یک لک روبل تندو دولت عثمانی برای بلغاریا رواله کرده است و قبل ازین که امداد مبرو چین بلغاریا می نمود در آنجا نیز معاونت حربیه جزائی نمود .

در مجلس شورای جدید روسیا متصله ۴۵۳ اعضای مجلس هفت رکن مسلمان مقرر شده اند .

داکتر محمد حسین ـ ایم ـ ن ـ همراه نفری خدمتگاران وسامان ادویه با اعزازات خود از مدراس سوی میدان جنگ روانه شده است

ترکها برمقام جبلنا قابض شده توپهاء کوهی یونانیان را بدست خود آوردند ویونانیان در آنجا هر شکست خوردند و بدر دانیال هم ناکام گشتند چرا که یونانیان بذریعهٔ کشتیهای تاربید و بدر دانیال حمله کرده بودند و ترکان گلوله باری کرده آنهارا پسپا ساخته .

« جنگ بحری ترکان و یونانیان »

جهازات ترکی درمابین دردانیال و امبروس هرای جهازات یونان تاپک ساعت جنگ کردند . ترک میگوید که چند گلوله توپ کار جهاز جنگی چار جرو سیورلف یونان اتفاد صدای انواب جهازات یونان بند شد . بعد ازان جهازات یونان بطرف اژیس راه گریز گرفتند . درین جنگ نقصان ترکان مطلق نشد — اما یونانیان بیان میکنند که ترکان درحفاظت قلعجات پناه ورزیدند و بعد ازان بطرف دردانیال رفتند و بسیار نسف روز جهازات یونان درنظر میگشتند و صرف بقصد یونانی مجروح گشتند .

(خون بهائی کپطان آکفورد)

ایران از مدت دوسال در کشمکش حیات و ممات مبتلا است . و ایران کوالف گوناگون به جان کنی میگذراند — و اگرچه ان بظاهر زنده است اما از مرده بدتر —

از یک جانب شیر انگلستان مندان تیز و ناخن دراز کرده نشسته است ودیگر جانب خرس روس دهن باز کرده ایستاده است — چونکه خرس صاحب حریص و طامع زیادتر میباشد بنا برین خر گوش ایران را بلا شراکت غیری و اثبات احدی غصب کردن میخواهد و برای فرو بردن درشکم خود هرساعت و هر دقیقه بیقرار است و دمی آرام و هر وقت پر از آب میباشد اما مجبور است و چیزی کرده نمیتواند — درسال گذشته چون طاقت صبر و سکون ازدست رفت میدان خودرا اشاره کرد که در تبریز و رشت دراه شکار بیایید — آنها بدون عذر و حیله در سرزمین ایران فساد های بسیار برپا کردند و وطن پرستان وثقة الاسلامرا بردار کشیدند و بروضهٔ مقدس حضرت امام رضارا به گلوله های توپ خبر رسانیدند — شیر انگلستان که در کمینگاه سیاسی همه حرکات و سکنات خرس رامیدید دفعهٔ برجست و خرس را چشم بالی کرد که خبردار برای این شکار زنده سعی و کوشش نکنید — خر گوش این احساند شیر انگلستان گردید که ازدست خرس خلاص داد و چند روز هیکرم اورا در دنیا زندگان میسر شد —

احوال ایران بعد از تاخت و تاراج روس چنان شکست و زوایده شده بود که چون در همان ایام سلیم جدید ترکیه بسر زمین ایران رسید برای اداکردن رسم سلامی او پیش ایرانیان یک توپ هم نبود — سلیم ترکیه خاموشی ایرانیانرا موجب اهانت خود دانسته بذریعهٔ تلگراف بحکومت خود اطلاع داد باستمال بازی خیال که چونکه ایران یک سلطنت اسلامی است ودر و گذاشت خلیفه او قابل درگذر است بنابرین سلیم خودرا بحرفن خیران عنایت کرد — وچون ایران ازواقعهٔ مذکور وقوف یافت خواهٔ یکمی خودرا دادهاظهار کسف نمود — اکنون کمال شوریده حالی ایران بتاریخ ۱۱ دسمبر سنه ۱۹۱۲ کپطان آکفورد در علاقهٔ ایران نشانه تشک ساختند از بابت حل وعقد ایران افسوس جداگانه می نمایند وبعرفت سفیرمتبعه لندن خود خوشامد ورکاب کپطان مقتول جدامی کنند — شاید کسانرا کین سادهلوح ایران آگهی ندارند که بالای قتل کپطان آکفورد از لحین صدهٔ صدرد خواهدشد وبذریعهٔ خوشامد مراد حاصل نخواهدشد — اخبار سر راورد انگریزان لندن تاثر قتل ازجنده‌اه دریک مضمون اطلاع داده بود که کل ملک ایران برابر یک قطرهٔ خون سیاهی فوج انگریزی قدروقیمت ندارد — یعنی یک قطرشون سیاهی انگریز ازملک ایران ثقیل‌الوزن است — اکنونکه واقعهٔ قتل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 509 of 1786

یك کیلان بوقوع رسیده است پیدائم که خونش چه آثار وزن داشته خواهد بود وچند قطرات ازخون اوساخته خواهند شد وچون مملکت ایران برابر یك قطره خون سپاهی قیمت ندارد خون یك افسر کمابیش پنجون سپاهی زیادتر غلیظ وشوخ تر است نتوان اورا مملکت ایران بچه‌طریق ادا کرده می‌تواند — قسه مختصر اینکه مملکت ایران طاقت واستطاعت ادا کردن خونهای "کیلان" کمورندارد — دولت ایران "کاخزانه" او یکی حالیست ویش دولت روسیه و برطانیه بارها دست سوال دراز کرده است رقم خونهاهی چند که قابل همباشد ازکجا ادا خواهد کرد — اگرچه ایران اقرار اداکردن خونهای "کیلان" مقتول کرده است امارقم مذکور ازان مبلغ که از دولت برطانیه مبلغ پنجاه هزار چند قرض خواهد کرد ادا کرده خواهد شد واگر از همان رقم قرضه چیزی مبلغ از ایران در خونهای "آکبورد" مقتول گرفت بعض مردم خیال خواهند کرد که حکومت برطانیه ازایران یك جزو کلان رقم قرضه درشکل خون بها میگرداند — این امر منافی جبروت و سطوت دولت برطانیه است — چنین واقعات ندرا کثر سلطنت هاوقوع پذیرمی‌شوند وارباب حل وعقد اقرار سزادادن قاتلان بذمهٔ خود میکنند وبعض اوقات خون بها پرداخته میشده — وچونکه ایران رتبهٔ اکبورد نداشته می گفتند وصاق می‌طلبد وجزا دادن قاتلان امدادات پرزوهنده ادا کردن خون‌بهای اومی‌تواند بنابرین بدولت برطانیه فرض است که بجهت برقرار ماندن شان‌وشوکت سیاسی چنان کار روائی بعمل خواهد آورد که‌برای ماموردبموقع اعتراض وحرف گیری پیدانشود .

(زمیندار)

(جادوی سیاسی روسیه)

لندن ۱۸ دسمبر — موسیو کوکوفتروف وزیر اعظم روس درحین تقریر دوما (مجلس شوری) بیان کرد که روس بحیثیت چون یك دولت عظیم‌الشان و قدیم این امررا نظر انداز کرده نمیتواند که ریاستهای بلقان برای حفاظت سیاسی خود چنان اسباب پیدا کرده‌اند که تعلق آن با کار نامه‌جات جنگی وخونریزی وابسته است — ریاستهای مذکور میباشد کار نامیات خونریز از پیچیدگی های سیاسی آینده محفوظ شده اند — حکومت روس نمی خواهد که مقاصد تاریخی ووقت مقاصد اورا صدمه برسد نیز خیال ندارد که متعلق تائید وثوق آمیز دوستان در مارز عمل خودش خود تبدیل نماید و دولت روسیه امید دارد که دول یوروپ چنان لصدیهٔ خواهند بود که در مطالبات جائز ریاستهای بلقان و مقاصد روسیه مخالفت و موانعت پیدا کردد بنابرین حکومت روسیه بصدق دل خیر مقدم کار روائی برطانیه مینماید که برطانیه در بحث مسئله بلقان ابتدا کرده است .

نامه نگار اخبار ذیل کرانیکل تحریر میکند کماندران ترکیه در جنگ چنانچه ثبوت مردانگی وشجاعت زیاده ازتحریر داده‌اند — چنانچه افسران همیشه‌برای حوصله افزائی سپاهیان صف‌جوده‌اند وخود مختار پاشا بهمان جوش مد کوره عروج کننده است اما بنای‌موصوف ناختام جنگ به مستعدی تمام دشمن حمله میکرد وچون وقت شب بافسران راه‌گزر گرفتنهای" موصوف درقسطنطنیه رتبه درمعالجه مصروف شد — دروان ثنی بنای موصوف کلوله رتبه بود امابنایت کامیابی برآورده‌شد واکنون خود مختار باز بخدمت خود رتبه سرگرم پیکار است .

وجوه پیدائی ترکان

یك‌مضمون بعنوان‌فوق دراخبار همصر الوبدنشایع شده‌است ازان تصدیق نفسان النوسلاف ترکان می‌شود — چنانچه همصر الوبد بالفاظ صاف ظاهر کرده است که‌دول غیر یوروپه های یوروپ اختیار کرده تیاری‌جنگ معلق‌کرده بودند وچون‌دشمن نهایت نزدیك رسید ثوب‌اورا چنانچه سابق گمان کرده بودند بی حرکت یافتند — حالانکه ریاستهای‌بلقان ازسالهای" درازتیاری جنگ میکردند وبعض دولت‌های کلان‌امداد شان‌خوب میکردند وسپاه بلقان مظفرمی‌بود که‌اکراو قائم گردید ازآثار تاج‌پوشنده خواهد شد واگرشکست خورد دول عظمی ترکارا ازقاعده‌ملك کبری محروم خواهد ساخت — نیز سپاه الیان در میدان جنگ قدم بدرجات وتالاتی افسران ترکیه شیاهت میدادند محو ساخت وبد انتظامی رسد رسانی ترکارا محبوبه بسیالی نمود .

(بترجم اخبارهای اردو عبدالرحمن بیك)

مقالهٔ مخصوصه

(مبحث زبان)

﴿ زبان اخلاق اجداد زبانهاست ﴾

مبحث‌لسان ازمهمترین مسایل (انثوغرافی) یعنی (علم‌انساب بشر) میباشد که مالفظر مطالعهٔ قارئین کرام خودرا بمسایل پیچیده ومواد‌معضلهٔ آن‌زحمت نداده تنهاازبعضی مواد‌ساده وبسیط آن بحث میاریم :

اول‌ان را عرض میکنیم که ازبسیار دلایل و براهینی که مدّعی وحکمتاًبیان‌شده اینك بثبوت‌رسیده که برخلاف بعضی مادعوی که برتناسخ انسان ازحیوانه یادیگر حیوانات قایل‌شده‌اند انسان خلقتاًانسان خلق‌شده‌است . وازاول‌خلقت خودبهمین‌شکل وقبابت موجودهٔ خودمخلوق بوده ازدیگر حیوانات تناسخ نکرده‌است . واگر درین‌باب بدلایلی که ازهردوطرف بیان‌شده وتردیدهدیگر را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 510 of 1786

نموده‌اند آغاز کنیم کتابها چنین نمودن لازم می‌آید . و هم چه حاجت ماچون مسلمانیم و کتاب دین ما نیز همچنین ناطق است بخلق مبدا ما که انسان خلقاً انسان خلق شده است و از یک زوج و زوجه که حضرت آدم علیه‌السلام و حوا علیها السلام باشند در شهر سلاله‌های بشر بوجود آمده‌است .

ازین کیفیت ایشان بثبوت میرسد که این همه زبانهای مختلفهٔ متنوعهٔ بشر که امروزه روز درمیان انسانهای ساکنان کرهٔ زمین متداول است در اصل ابتدا یک زبان بوده . و هر اندر که از اولی گرفته‌اند . و رفته‌ها وطایفها . وجسها . ورگها تقسیم و تفریق شده‌اند اختلاف السنه و رنگ . وجهره . وعادات . وطبایع شان نیز بوقوع آمده‌است . لهذا پیش از انکه از مبحث لسان بحث و ایم یکقدری اگر از تقسیم . وسلاسل بشر بیان نمائیم برای اصل موضوع بحث خود یک زمین موافق و مساعدتری حاضر کرده خواهیم بود :

(تقسیم انسانی بشر)

مقصدما از تقسیم بشر این است که یکقدری تحقیق و تدقیق نمائیم که همه طایفها وفیله‌های که از نوع بشر در دنیا موجوداند آیا همدیگر نامه‌درجه نزدیکی و قرابت دارند . و کدام کدام طایفه‌ها نسبت شان بیک جد . قریب الاحیا تری آید : درین خصوص این چند چیزرا ملاحظه باید کرد .

ا — (خاصه‌های جسمانی) . مثلا : رنگ پوست هیئت موی قدوقامت .

ب — (زبان) . مثلا : مشابهت کلمه های یک چند قومیکه بیگدیگر شان . ومشابهت ترکیب اجزای کلام شان .

ج — (اقسامهای کهنیره زبان) . مثلا : اقسامها و بعضی قسمیها . وبعضی اعتقادهای خرافت آلود وغیره .

د — (آثار عتیقه) . مثلا : سنگهای کنده شده . بعضی هیکلها و مجسمه‌ها . بناهای قدیمه . قبرها . سلاحها . اوانی کهنه که از زیر خاکها ظهور کند .

این است که هرانقدر درین چیزها درمابین اقوام وقبایل نزدیکی ومشابهت باشد معلوم میشود که آن قومها وفیله‌ها یک جد منسوب میباشند . باوجود این هرازدوی تمام بحث درین حکم نمیشود که سلسله‌ها و انسابهای مختلفهٔ بشر در کجا . وچوقت . وچگونه بظهور آمده‌اند . زیرا هیچ یک سلسله نیست که گویش به آن سلسلهٔ دیگر آمیخته نشده باشد . باهم (حکمای تاریخ طبیعی) بسیار تحقیق و تدقیق بعمل آورده نظر بخصایص جسمانی قومهای مختلفهٔ . تقسیم اقوام بشر را بر پنج سلسله نموده‌اند .

ا — سلسلهٔ کاقکاسی — ۲ — سلسلهٔ مغول — ۳ — سلسلهٔ زنجی — ٤ — سلسلهٔ مالای — ٥ — سلسلهٔ امریکی که مادر بنیا ازدیگر سلسله‌ها بحث نداریم . زیرا در کتابهای جغرافیا مفصل از ان بحث شده است . بلکه تنها واجب حاضر کردن (مبحث لسان) ازیک سلسلهٔ (کاقکاسی) وباز در سلسلهٔ کاقکاسی تنها از شعبهٔ (آریان) آن بحث میداریم :

(سلسلهٔ کاقکاسی)

این سلسله بسفیدی پوست . وموهای صاف . ویا کمی موج . وچهره بیضوی . وکشیده کی بینی . ودندانهای عمودی . وخوش ترکیبی قامت واندام . وچابکی حرکت از دیگر سلسله‌ها تمیز میدهد .

این سلسله در جهت جنوب غربی آسیا وجهت شمال افریقا . واکثر اوروپا . ودرین اواخر در یک قسم بزرگ امریکای جنوبی وشمالی . وباز در اوقات اخیر در بسیار جاهای اوستراليا توطن کرده صاحب روی زمین شده‌اند : زیرا قومهای که متمدن ترین دنیا وصاحبان تاریخ مهم میباشند ازهمین سلسله بظهور آمده‌اند . ازین سبب این سلسله را فعال — یعنی (بسیار کار کن) و دیگر قومهای راکه نامعالیوحشی وبی‌تمدن مانده‌اند مهمل — یعنی (اهمال کننده) گفته‌اند .

وطن اصلی سلسلهٔ کاقکاسی در سمت غربی کوههای هیالایا که بلندترین کوههای دنیاست . نزدیک به کوههای هندوکش در یک جای بوده‌است . وازانجا شعبه شعبه شده ازدامنهای همان کوهها به اطراف دنیا پراگنده شده‌اند که ماازدیگر شعبه‌های آن بحث نرانده تنها ازشعبهٔ آریان آن بیان میکنیم :

(شعبهٔ آریان)

قومهائیکه بشعبهٔ آریان منسوبند ازاصل قوم (آریا) ی قدیم هستند که قبل ازاطلاع تاریخ هنوز در جوار کوههای (هندوکوش) ساکن بودند . همه فیله‌های اوروپا — بغیر ازاقوامی که بسلسله مغولیه در اوروپا منسوبند — وهمه ایران . و افغانستان . و هندستان به این شعبه شامل میباشند . شعبهٔ آریان سلسلهٔ کاقکاسی را در اصطلاح یوروپ (هندوجرمانیک) میگویند . اگرچه درخصوص احوال ابتدائی نشات و توطن (آریان) هیچ یک معلومات حقیقی بدست ارباب نیست ولی بتاریخات و تدقیقات عمیقهٔ که ازطرف ارباب این فن اجرا شده ثابت گردیده است که جرمن . وکلت . و هندی وافغانی . وایرانی . ازاصل شعبهٔ آریان سلسله کاقکاسی میباشند که این مسئله ازشهادت زبانهای شان اثبات میشود . حالا چون باین جدول ذیل نظر فرمایند تا اندرجه مشابهت زبانها را برای العین مشاهده خواهند فرمود :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 511 of 1786

(جدول زبانها)

اگرچه غیر ازین بررسی مثالهاست ولی ما بهمین اندازه در یک جدول اکتفا نمودیم . ازین معلوم میشود که این قومها وجودیکه از همدیگر خیلی دور افتاده اند ، ودرمابین شان هیچ علاقهٔ تجارتی وحرب نیز موجود نبوده باز هم این چنین کلمه های مشترک که هم بالفظ وهم معنا بهم میباشد بطریق مشابهت میرساند . وهمین کلمه ها از کجاست که در ابتدا به آن تکلم میشود آیا از چسب خواهد بود ؟ هیچ شبهه نیست که اجداد قومهای مذکور در یکوقتی اینجا بوده اند اقوام بوده اند وبعد ازان فرقه ها وشعبه هائی که بهین طرف و آنطرف رفته اند جداجدا قومیانده اند واین مشابهت کلمه های ابتدائی همه کی از آثار میباشد قوم آریاست که اجداد این قومها شمرده میشود وتنها یک قوم بود که اصل منشأ ومبداء آن قوم هم اطراف جیال (هندوکش) نشانداده نمیشد .

حالا سخنانرا از کتابهای معتبر این فن دراینجا درج نمودیم این روایات اگرچه بحقایق تاریخیه مستند نیست زیرا قبل از ایجاد تاریخ چیزهائیست که بواسطه لات وتتبعات عمیقهٔ فکریه بیانداخته است . احتمال دارد که چنین نباشد ! اما اگر کیفیت همچنین باشد که ما از کتابها نقل کردیم آیا کافی کرده میتواند که جبال هندوکش در (افغانستان) نیست و که میتواند گفته شود اجداد اصلی اقوام مذکور (افغان) نیست ! ...

مقصد اصلی ما از (مجمع زبان) این است که یکقدری از زبان افغانی بحث برایم چونکه ازین زبان لسنت زبانهای دیگر خیلی کم بحث بمیان آمده است وبسبب محدود بودن آن در حدود افغانستان بادیگر زبانها بسیار وقتها کمتر آمیخته شده است وقواعد اصلی خود را تماما محافظه کرده آمده است !

§ زبان افغانی §

ازبیانهای که در بالا بحث رانده یم معلوم شد که اصل بسیاری از اقوام شرق وغرب ازسلالهٔ شعبهٔ آریان سلسلهٔ جنس کاکاسی میباشند واصل منشأ شعبهٔ آریان محل سکنای شان جبال هندوکش واطراف آنست که ازانجا فرقه های مختلف تشکیل داده وبه اطراف واکناف بازوا کرده شده قومها وملل مختلفهٔ را بوجود آورده است . درباب این انتشار ومهاجرتها یکی از کتب هیئهٔ علم انساب بشر چنین بیان میکند :

« اگرچه این بابت را هیچ کس تعین کرده نتواند که قوم آریانه کدام زمانه وبچه سبب برفرقه ها جدا شده وبعضی ازانها به اوروپا وبعضی ازانها به ایران وهندستان چطوقت هجرت کرده اند اما اغلب احتمالات واصح قیاسات چنان نشان میدهد که هجرت فرقه های آریان بقرار ذیل شده باشد :

۱ — نخستین فرقهٔ که از اقوام آریا از طرفهای عقبهای هندوکش جدا شده اند فرقهٔ (کلت) هاست که اجداد قومهای ایرلاندیان ومردمان ولز وقومهای فرانس میباشند کلتها از ساحل شرقی بحر خزر بشمال وازانجا بکنار بسوی غربی رفته به اوروپای وسطی رسیده اند .

۲ — فرقهٔ دوم از جهت جنوب سلسلهٔ کوههای قفقاس گذشته وبعد ازانکه در سواحل دریاچهٔ پانتوبحر سیاه بسیار گردش کرده اند در شبه جزیرهٔ یونان وایتالیا توطن ورزیده اند این فرقه یونانیها ورومانی های قدیم را تشکیل داده بردو حصه جدا شده اند که باجمله قومهائی که درین وقت آنرا (رومانیک) میگویند یعنی بالاجداد قومهای فرانسیزی وایتالیان واسپانیول وغیره آمیخته یک خیر شده اند !

۳ — سومین فرقهٔ آریان که هجرت کرده اند قوم (جرمانیک) است که از اراضی کنار به اوروپای وسطی وشمالی رفته وکنار اکه پیش ازانها در انجا متمکن شده بودند ازانجا بسواحل غربی اوروپا وجزیره های بحر محیط اتلانتیک طرد ودفع کرده اند جرمنها انگلیزها سکاندیناویها فلمنگها سویدن ناروی یعنی که ازنسل این فرقهٔ سوم مهاجرین آریان میباشند (قومهای جرمانیک) گفته میشوند !

۴ — فرقهٔ چهارم بها جرین اقوام آریان قوم (سلاو) است که این قوم در اعصار وقتهای پرتاک اوروپای شرقی سکونت پذیر گشتند روسها لهها زیها وسکنه بلغستان ازنقطه جزیرهٔ مکه درطرف جنوب تیر (طوء) میباشند نسل این فرقه چار بعسند !

۵ — فرقهٔ (زند) است که قوم ایران قدیم وکردها وارمنیها وبلوچیها ازنسل قوم زند میباشند !

۶ — آخرترین اقوام آریا که دروطن اصلی خود مانده بودند بحرکت مقدارکی که درهند وطریق مانند دیگر همه شان بسوی شرق جنوبی وطن خود هجرت نمودند وازنهر اینوس بحاب عبور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 512 of 1786

گرده در افغانستان مثل ترخ‌پشی (کشک) پراکنده شده باقیمانده بنگال بقیه‌ها بقیه‌ها (هندی) موسوم شدند. اما در آغاز هجرت خودشان در السنه (میانا) یعنی قبیله‌های سیاه یعنی نسلهای دیگر برخورده عادتهای بسیار خوبرا زاده درمابین شان درگرفته است که مکالمات آنرا (مهابها راتا) و (رامایانا) نام کتابهای اعلی که زبان (سانسکریت) ثبت شده است حاکی میباشد. ولی آخر الامر این قوم هندی آریان بران سرانهای نسلهای دیگر غالب آمده و آنهارا بطرف جنوب هندوستان (قاره) دفع وطرد نموده تا بحال در قطعهٔ مذکور پایدار مانده اند.

این است روایاتی که دربارهٔ تفریق فرقه‌ها ومهاجرات اقوام آریانها در کتابهای (هی‌انتو سرایا) یعنی (هوا سانسکریت) بنظر حقیر آمده این مختصر را جمع نموده. و برای استفادهٔ مطالعه کنندگان هموطن وهم‌قوم خود جمع وتدوین نموده درج عرایض مینماید. کار ساختیم حالا اگر این مسئله را ثابت کردن لازم آید چند دلیل تاریخ بظهور میاوریم که اصل منشأ آریان اطراف حالا هندوکش بوده وچون کوههای هندوکش با هندوکوه وخطهٔ خود شباهت جنسیه میدهد که در افغانستان است هیچ تردید نباید که اصل منشأ وماوای آریان افغانستان است. واجداد اصل هفت فرقه‌های آریان بزبان خود ناموافقان است. حال مقدار کمی که در وطن اصل خود باقی مانده وشدند همین قوم افغانست که از هجوم تاخت وتاز بلغوميت وزبان خودرا محافظه کرده‌اند. وچون بواقعترین دلیلهای که بعد از ایجاد توشن تحریر شده است مراجعت نمایم باز هم همین قوم را در همین خطهٔ موجود میابیم. وچون بعضی سنگهای نوشتهٔ که در بعض سنگلاخهای گوشه‌وتپهای کوههای شاهد افغانستان نظر اندازیم وارقام وعلمهای سانسکریت بنظر درآید بیشتر قدیمهٔ آریانها را بظهور میتوانیم کاملتر از اجداد نخستین اصل ثمرهٔ آریان سلسلهٔ کاملتری بگوئیم. وچون از نظر لهجه واسلوب زبان الفبای بنور وتدقیق تعاوقات کنیم زبان بسیار اندازوسیعی که بین (انها) بشر و شمرده میشود میابیم که اگر اجداد اصل هفت آریانها بشر هم باشد. ول چون زمان بسیار مدیدی مرور نموده. واز احوال بسیار قدیم قبل التاریخ آن کثر چیزی بما خلاف واصل شده. وعلیهذا اوقات جویا کنکاه مراجعات واتلاق اقوام مختلفه بهمدیگر خود مانده ازین‌رو زبان الفبای آکتساب وسعت نموده. وبنابرین هزاروارهای جمله‌سر خلک، کثیره‌صور مانده‌است.

این بیانات مارا سعی برانصاف‌ملی‌ما حل کرده خواهد کفت که، آقای اخبار والای افغان. این چنین زبان غلیظ وثقیل کلمات را که کیفیت مکالمهٔ آن مادهٔ بصوت سنگهای میاندیه مشابهت میرساند میخواهد که اجداد زبان‌ها، وافغانهای باین کثافتی وکم عقلی، وسادگی، وکوهستانی وحشی‌را میخواهد اجدادیک کتلهٔ عظیمهٔ بشریه برقرار دهد. حالانکه این بیانات ما جزء ماضی زنده بی مطالعات وتبعات فکریه‌ایست که برفن مستند است. اگر کسیرین مقاله‌رشود که جمال هندوکش را از افغانستان برداشته بدیگر سرزمین‌ها ببرد، زبان هم‌عوض خواهد شد که افغانهارا اجداد آریان نمیداند همین تفاوت و تغایر زبان افغانی بزبان اضداد بودن است. زیرا هیچ‌چیزی در آثار وابنای خلقت قبل ولادت بوده‌است وصورت‌زمان، وترقی‌دور آثار آک واضافت بشریه‌است لهذا زبان افغان رجحان‌ملی اصالتی خودرا هم حائز است.

سخن بطول انجامید. این نبذه‌را اختصار ما زیاده‌ازین گنجایش نمیدارد. هنوز در بیگانه‌ایم که زبان افغانی اجداد آریانها وجات افغانی اجداد اقوام اروپاییانند، زیرا چنانچه بعضی ازین سخن مارا بتعصب‌ملی ما حمل کنند، همچنان بعضی منصفه افغانرا بی‌غیرت اروپایی وبافریبیت میدهند. بزرگ‌ملت افغانی خواهند انداخت. اما چیزیکه جانب‌نظر مطالعین کرام عرض نمودیم یک‌فکر وتتبع شخصی ناچیز افغانست که از مطالعهٔ فی حاصل شده است. هرمان را تعصب وحرص شان ملی‌شان اظهار واشتهار نمودنست. پس اگر ما شان وشرف اجداد بودن ملت خودرا بلوتاریه کاپیتالیستی کوشش ورزیده باشیم جرأتی دارد.

والله اعلم بالصواب

مقالات طبیعیه

(حکمت طبیعیه)

(من)

(مئه اورلوژی)

(یاد)

بیشتر ازین در انبار نمره (۸) درخصوص کرهٔ هوا ومعلومات، وکیفیت سازهٔ کرهٔ هوا معلومات کافیهٔ روانبین کرام اعطا کرده بودیم. وکثت وتراکم اتمسفاره در موسم‌های آنی درخصوص دیگر حوادثات طبیعیهٔ قرمانه اورلوژیه یعنی (کائنات الجو) نیز بحثها خواهم‌داد. این است که سلاوه خودمارا اماکرده از کوکب بادوابساب ظهور، واقسام، وجریانها، ودیگر موضوعات آن بعرض معلومات ایشاد میکنیم:

ماهیت، واسباب تولید باد

(باد) — عبارت از نموج وجریان هوائیست که از ایزشدن وخلل یافتن انتظام همان مادهٔ هوائیکه کرهٔ هوا از آن متشکل‌ست بظهور میرسد. بخصوص جریان درمابین (آب) و (هوا) مناسبت بسیار بزرگی موجودست:

آب چنانچه از برای اعلای هرخلا هجوم آورده یک جریانی حاصل میکند هوا نیز درداخل کرهٔ خودش بهمچنین جریانها

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 513 of 1786

طبعاً مجبور است که بادعبارت ازهمان جریان است .

اما دراینجا یك سوال وارد میشود : که آن چیز خارج امکان بودن خلای هواست درداخل کرهٔ هوا . زیرا درداخل کرهٔ هوا غیراز محلهائیکه باجسام صلبه کرفته شده دیگر همه اطراف بدن مالامال است . چنانچه اکر یك حوضی آب راکرهٔ هوا فرض کنیم ودرمیان آن چند دانه سنگی بنویم آب بجز همانجاهائیکه سنگ درآنجا موضوعست دکرهٔ هوا هارا پرداشته است .

حالا آنکه این سوال تائید وتاکید مقصد ماست . چنانچه بعد ازین کیفیت آن ازبیانات آینده معلوم میشود . مثلا کفته بودیم که باد عبارت ازتموج وجریان هوائیست که ازانبرشدن وخلاءیافتن همان هوا بظهور میرسد . پس کیفیت خلاءیافتن هوا ازاثرحرارت مخالفهٔ اوست که ازمحلات مختلف بصور متخالف اخذوکسب میکند . یعنی هوا چون کرم شود کسب انبساط کرده خفت حاصل میکند وچون سرد شود منقبض میشود وهوای سرد وکثیف منقبض تر بنابك موازنه باآن هوای کرم کشته متوسط حاصل کند بحالی که آن ازهرطرف هجوم میکند کهازین هیجانها وجریانها بعمل میآید .

ازین نیز قدری واضحتر بیان کنیم : — چنانچه هر جسم به برودت منقبض . وبه سخونت منبسط میکردد هوا ازبسبب شعاعات شمس که کرهٔ ارض رانشین میکند ازتماس کرهٔ ارض کسب کرمی کرده انبساط پیدامیکند . وچون یکقسم کرهٔ هوا بدینصورت کرمی نمود درمیان این هوای کرم کشته که بسبب کرمی بخلافش تمدن طاری کردیده هوای ثقیل دیکر که بسبب برودت ثقلش کاکاست بدرجهٔ ممکن بودن خلاءداخل میکردد که ماهیت جریان وتموج متلاقی هوای کرم را بهوای سرد (باد) میخوانیم .

والحاصل نتیجهٔ این شد که دانستند که بکوئیم که ماهیت تولید باد ازمصادمه وملاقات هوای کرم ست بهوای سرد واین ملاقات سبب میشود ازبرای هیجان وجریان هوا . که بادنیز عبارت ازهمان هیجان وجریانست .

وکشف این مطلب درجائی بخوبی معلوم میکردد که دواطاق بهم متصل را هوای یکی را اکرم بکنیم وهوای دیکررا سرد . چون درمیانرا بازکنیم محسوس میشود که ازاطاق سرد بسمت بالای اطاق کرم هوا بطور لطیف وفشار داخل میشود . وهمچنین ازاطاق کرم بطرف پائین اطاق سرد هوای کرم داخل میشود . ولایقطع درمیان درمیانی اینداطاق یك تموج شدیدی ازهوا مشاهده میکنیم . بطوریکه چراغرا خاموش میکند . ودامن جبه وپاپوش را بیکدیکر میافکند حالا آنکه ازهیچ طرف بادی داخل اطاق نشده است .

پس بخوبی معلوم کردید که سبب تولید باد خلاءیافتن وبازشدن هواست که ازمصادمهٔ ملاقات هوای متبسط یعنی خفیف وهوای منقبض بظهور میرسد . وهمین داخل شدن هوای کرم بهوای سرد باعث احداث این تموج هوائی میکردد .

ودروقت امتزاج الضدین که باد بسیار میوزد سبش همین است که هوای سرد زمستان بهوای کرم تابستان ملاقات میکند . چنانچه در کرمخانه‌های حمامها چون در رابازکنند ازمحل جامه کن فوراً نسیمی داخل کرمخانه میوزد . حالا آنکه منفذی ازخارج ندارد پس بازهم سبب همان ملاقات هوای سرد بیرونیست بلهوای کرم اندرونی .

ووقت صبح . وعصر نیز شدن رياح بهمین مناسبتست که هوای شب باروز ملاقات میکند . ودریلادیکه پرزخ درمیان سرد سیر . وکرم سیر باشد نیزسبب همین است که دائما بادهای تند میوزد وأکثر بادهای صرصر شدیدیکه درموسم زمستان بظهور میرسد سبش همین است که دراثرقت هوا بنسبت برودت فوق العاده منقبض است . وچون ادنا کرمی بهمرساند فوراً انبساط زیادی حاصل وبشدت وهیجان تمام تموج وهبوب میکند .

این بیان معقول ومدلل که درخصوص تولید وماهیت بادزدا نموده بموجب اکتشافات جدیدهٔ حکمای متاخرین است . واما متقدمین درباب تولید رياح قائل بصعود بخارات وحرارات ارضیه شده اند . وکفته اند :

بواسطهٔ تشعشع شمس بهواصلات کواکب ، درمرکز زمین نارهٔ جذبی احداث میشود . وکاهی بسبب قوی وتاثیر امتزاجات کواکب آن آتش سیال بهیجان آمده ازمسامات معادن ومنافذ جبال ، وسطح دریاها خارج وبسعید اخیره واقعهٔ جذبی میباید وداخل شدن آن اخیره بادخانه بهوای جوی سبب حدوث امطار ، ورياح وسائرحوادثات جویه میشود . وازین جهت قدماکائنات جویه را موالید ثلاثه میامیدند که ترکیب نام درانها متحقق نکشته . بخلاف موالید ثلاثه که ترکیب نام درانها موجود شده است .

اکرچه دربادی نظرمیان مقدمات این وقول اختلاف سطحی مشاهده میشود امابالتأمل والتدبیه هردو بیك نقطه سرهم میزند .

اینکه درخصوص ماهیت وتولید بادکه اجمالا معلوم شد کافی وشافی اعلام نمودیم . حالا باز لازم است که درخصوص (جریان) آن توضیحات لازمه بیان کنیم :

(جریانهای باد)

جریان هوائیکه ازرا (باد) میخوانند منسوبست بجهتیکه ازاطرف میآید . چنانچه جریان غربی منسوب بطرف است که میوزد . مثلا بادیکه ازطرف شمال میوزد آنرا (بادشمالی) وجریان غربی که ازطرف شمال میوزد آنرا جریان شمال میخوانند .

چنانچه قبلا ازین درذیل تعریف حرارت کرمها در شماره ۸ کفته بودیم که سمت خط استوا بنسبت قرب وبعد شعاعات شمسیهٔ ازسنتهای دیکر حرارت راسیارتر میکردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 514 of 1786

لهذا از برای دانستن سبب جریان بادها که برروی کرهٔ ارض میوزند وهبوب است اولا بدانطرف دقت کردن لازم است .

سالیانه قاعدهٔ کلیهٔ ماقبل که تولید عادت از ملاقات هوای گرم وهوای سرد است لاجرم کشف میشود که هوای آسمت چون گرم شود انبساط یافته کسب خفت میکند . وهوا های سرد و کثیف طرفین فطبین بجای آن از دو طرف بطور تضیق وفشار هجوم مینماید وهوای گرم کشته منبسط را بطرف بالا صعود میدهد . اما اینقدر ملاحظه باید نمود که دو هوائیکه از جانب جنوب ، وشمال بطرف خط استوا هجوم میکنند هوای دیگری نیز لازم است که بجای آن دو هوا را بگوکند . واگر چنین نشود تکمیل کرهٔ هوا بطلقه مادره مجمع نبوده موجب تخریب نظام وانتظام کرهٔ ارض میگردد . لهذا حکمت حکیم مطلق جل وعلا چنان اقتضا نموده که آن هوائیکه از سبب انبساط واخفاف بسوی بالا صعود نموده است بمقدار اکدرجهٔ معین ارتفاع خودش را باید بطرفین جنوب وشمال جریان نموده بجای هوائی را که از قطبین خروج نموده است بگوید .

بس بان وقوعات مذکوره این اساس کلی مهمهٔ عظمهٔ جریانهای دهارا بیان ونشان دادیم . حالا شمهٔ از انواع این جریان ها را بیان کردن خالی از فائده نیست :

انواع جریانها ، اسباب تغییر وتبدیل

جریانها

سالیانه قواعد کلیهٔ ماقبل ، جریان بادهائیکه برسطح کرهٔ ارض هوبدارند بر (سه) نوعند :

اول — جریانی که درخط استوا بسوی فوق صعود میکند .

ثانی — جریان قطبی که از قطبین است بسوی خط استوا میاید .

ثالثاً — دو جریان استوائی که از خط استوا راست بسوی قطبین میروند .

واین یک را نیز باید دانست که اگر (کرهٔ ارض) برمحور خودش دوران نمیداشتی جریانهای قطبی واستوائی محض بر دو اثر نصف النهار واقع میشدی . اما حرکت وضعیه کرهٔ ارض جهات این جریانها را تغییر وتبدیل میدهد .

مبحث حرکت دورانیه کرهٔ ارض وتالیجیکه ازان منتج میشود درفن (جغرافیای ریاضی) واضح وبان است که اگر در اینجا حاجت شود معلومات کافیهٔ حاصل میشود . درینجا چون مبحث جغرافی خارج از صدد بحث ماست لاجرم همینقدر میگوئیم که حرکت دورانیهٔ ارض درخصوص استقامت جریانهای الآنه تاثیرات بس عظیمی اجرا مینماید .

حرکت وضعیه کرهٔ ارض درمواقع سمتهای قطبین است بمواقع خطوط استوا کثر مباعدند . لهذا جریانهائیکه از قطب بسوی خط استوا در آمدند براستقامت دایره نصف النهار که مرشد است باقی نمیمانند زراسمتهای خطوط استوا دران سال از زیر جریانهای مذکور کنار ش میکند . بس در اوقت چنان محسوس میشود که گویا باد از جانب شرق میاید . لاجرم در اوقت جریانهای مذکور در نصف کرهٔ شمال (بادشمال شرق) ودر نصف کرهٔ جنوبی (بادجنوب شرق) نسبه میشود .

حرکت وضعیه کرهٔ ارض جریانهائیکه بطرف قطبین حرکت دارند زیادتیکوه تاثیر میکند . چنانچه جریانهائیکه از قطب بسوی خط استوا میاید وقتیکه واصل خط استوا شود سرعت حرکت وضعیهٔ هوای انجارا مالک میشود . وچون در انجا جریانیکه بطرف بالا صعود دارد منظور کرد سرعت هوای خط استوا را سراسر شامل

فاجعه های پاریس

[مابعد از شمارهٔ [۸] سال دوم]

به این ازدواج راضی نخواهد شد . ولی بازهم این مسئله را بوقت آخر گذاشته درانول امر برقرار داد که دلبر عشق ومحبت فلوتیل را خود جلب نماید .

تجربه دیده بلانژ که جوان وهم صاحب حسن وآن بلند ، ودرچیدگی وگیرندگی مهارت تامه داشته باشد ویکه چیزی که هنوز معلوم نشده میشود رودی ظریف شدنش آزادهٔ شیفته وگیانست . چنانچه همین هرشد کمی نگذشته بود که فلوتیل اورا بدرجهٔ جنون دوست داشتن گرفت وعشق عنوانه دردلش جاگیر شد . حتی اینقدر عشق بخدی رسید که پدرش مارکی دومونو — چون ازو پرسید که : « آیا چرا دست از دواج موسیو ضرانیورا رد میکنی ؟ » دختر بیچاره به پدر خود چنین جواب داد که : « بسبب که قوت دور اندال را دوست دارم دست از دواج اورا رد میکنم . » مارکی چون عشق دختر خودرا به قوت دور اندال مشاهده کرد میبور شد که در باب احوال ضمیر قوت دور اندال معلومات بدست آرد . حالا آنکه نتیجهٔ معلوماتیکه بدست آورد خیلی شایان آنست یک معلومای بود . چرا که موسیو دور اندال فی آنکه همه قوت وسامان خودرا بقمار ، وساعتهای گوناگون محو ونابود گردانیده ، الآن نیز ازقمار بازی وساعت دست بردار نیست . وابنرا هم به تحقیق رسانید که باوجودیکه تاکردن در قرض غرق است دو صورت وات خودرا میگرداند . یک قسمی ازاوقات خودرا در سالون های بزرگان ویاتقسیم گیرا در جاهای بسیار مردار بقمار ، وصباحت زنان فاحشهٔ بسیار پس پاه ومردان شریر شلوان پاک بسر می آرد . ابداهم اندیشه وتصوری که برای پدر لازم باشد ، ومناسب گفتن یکدختر نوجوان بودباشد همرا برفلوتیل صرف نمود . وابنراهم فهمانید که اگر دوضرانیورا نگیرد روزی خواهد گرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 515 of 1786

میکرده . بعده درموقعیکه بین بطرف قطبین رجعت مینماید لابد بسمتهای میرود که حرکت وضعیاش کمتر بسرعت سمتهای خط استوا اکثر باشد . بنابرعلیه جریان بیکسرعت زیادهتر ازسرعت نقطهالنهار انسمتها یکسر بسوی شرق حرکت میکنند .

والحاصل هریك از جریانهای قطبی واستوائی در تحت تضیق دوقوتاند . وحرکاتشان نیزازکاهیابد وقوت حاصل میشود .

جریانهای قطبی در (نصف کرهٔ شمالی) (بادشمال شرق) ودر نصف کرهٔجنوبی (بادجنوب شرق) تسمیه میشوند . وچون یکسر بسوی خط استوا درنزدیك اند در سمتهای مذکور بنام (تردونه) یعنی (رياح تجارت) مسمی میشوند زرابسرعتشان تجار خیلسهولت میرسانند . واین تعبیر اکثر دروجهت خطاستوائی (۳۰) درجهٔ عرض مستعمل میشود . ونیز بادهائیکه بسطح کرهٔارض خیلقریب دروزناند همینتعبیر اطلاق میشود .

[باقی دارد]

ادبیات

(غزل عاشقانه)

دروصف مکهٔ معظمه زادها الله شرفها

ازنغمه آهنگ حجاز کلام حضرت طرزی صاحب مرحوم

محب معشوق بی‌پروا بصحرا گردهم پیدا
بطاهر درمیان خلق درباطن دوتنها
بیادامن کشان ازطرزناز جلوه می‌آید
گریبان چاك دست افشان وخندان آبله پا

قیامت میشود تاکیکقدم بردار ازتمکین
مرا پاشور استغنا زناز بی نیازیها
بکارشوخوشنگ فتنه سازی سحر پردازی
بلب شیرین برخ رنگین بلد ازمارا بلا
زبرنگیزاین صدرنگ طرزجلوهادارد
ندانم قطره خوانم یا گهر یاموج یادریا
بسان کعبه معشوقی‌به پوشی نمیباشد
ولی درچشم ظاهربین بودچون خانهٔ دل
تجلّیٔ حق ازهرگوشهٔ این خانه میزاید
بظاهرگرچه درلفظاست پنهان صورت معنی
جهانی ازصفا درسعی طوفش میدود خود
گهی بامروه وزمزم گهی تاعره ومینا
زبس ازناوهاش آید حجت هیچکه دایم
زعرق لشکان یکقطره‌رودو امواج اولا
نیاید دربیان توصیف تمکین جلالاو
که تامژگان کشایم‌ررخش دلمیرودازجا
تعالیالله زشانو شوکت عزو علواو
که‌وایش‌دستی میکندرسیده‌اش‌سرها
صدای ذکرتسبیح خلایق‌رددرش هرشب
بگوش ملأاعلی رسد درمسجد اقصی
بکدش رنیاید تاهیچی دوی زیبایش
شنیده کی‌رود ماننددیده بشنو ایدانا
زهره پیروپای بطوفش هرطرف پی
غریبو منهو شادوگداو عاشقو شیدا
ازین‌درهیچکس نومیدطرزی‌برنگردد
درآغوش تمنا آورد دنیاو مافیها

[ازمکهٔ مکرمه ۱۲ شوال ۱۳۱۷]

ولیه ازدواجش باقوتزان نیز بهیچصورت روی‌رضا نخواهدداد ورای آنکه جلوگیری وقهرایکند پای‌دختر خودرا ازصاقونهای گرانبها منقطع نمود . دخترجوان برغم‌همه‌این تضایق وتقیدات پدرخود روزبروز عشق قوتزانرا دردلخود افزونتر مینمود . وهمهٔاین‌سیاترا که‌درحق قوتزان‌میشنیدبرکلب وافترای‌خاندان حمل نموده قدر وقیمت قوتزان در نظرش عالیتر میشد . وبدل خود عزم جزم قطعی‌نمود که بجزاو بدیگری نن نخواهد داد زیرا دخترباز درثبات قول وشدت عزم ازپدرخود باکم نمی‌آورد . وچون‌عشق میدانست که‌پدرش چون یکبار بیك‌چیزی قرارداد دوباره ازان برنمیگردد ازاینرو باین معاملهٔ محکمانهٔ پدر خود هیچ مقابله ننمود . وصبر واستقامت منتظر رسیدن فرصت شد .

ازین میان قدر دوسه سال یکمدت مرور نمود . قوتزان درتحت در میان یك سکوت رخوت انگیز که در خانهٔ جسیم (آوالید) خود داشت ظاهراً . ساکن . تسلیمیت کار . متبسم خود را نشانداده اصرار وقت مینمود . واگرچه با عاشق خود بصورت خلیهٔیکه محافظ وناموس باشد دیدوبازدید نمیکردوش واسطهٔ مراسلهٔاطاق خودهیشهاو کاغذروی‌وکاغذگیری‌داشتند . وبواسطهٔ این‌مکاتبه وهاره تفاهمات مکملهٔ ازو میگرفت .

نهایت یوم منتظری که تجار چشم انتشاق ورود آرا انتظار میکشیدرسید که آنهم وقت‌اثبات رشدکردن اوبود که‌بعدازان درنظر قانون باقعال واجرآت خود صاحب وصالت میگردید .

پیش ازیك روزیکه فردای آن بس بیست ویکساله گی قدم مینهاد یعنی بس بلوغ قانونی واصل میشد وقت صبح درزد پدر خوددرآمده وی‌پروا ازدرجهٔ شدت‌عشق خودبقوت دوراندیشی بیان کرده موافقت نمودن رضای پدر خود را به ازدواج خود باقوتزان نمود . پدرش ازینگونه جرأت وبیباکی دخترخودزم خورده گفت :

— ازدواجت باقوت دور اندیش یك مصیبت بسیار مدهشه ایست کمن به آن تحمل کرده نمیتوانم . سیمای متعددیکه درنظرم

[باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 516 of 1786

ناموران نسوان جهان

(مابعد الشمارهٔ (۸) سال دوم)

وانت التی قطعت فلی حزازة و عرفت فرج القلب فهو لیم
وانت التی کانتی دلج السری وجبون الفطا طلتین جنوم
وانت التی احفظت قومی بعد ارض دانی الصدود کعظم

آمنه : — (بنت الله مهوجی الفهل) دختر شرف الدین موسی بن احمد بن محمد الانصاری الدمیوجی الفهل میباشد که شرف الدین از اعیان عهلیست . ودختر آمنه نیز از محدثات مشهوره ، واز اشیاخ یعنی استادهای ـ امام ابوعلی بود که امام مشار الیه از و اخذ حدیث کرده است . (عهل) نام یك موضعیست از بلاد مصر .

آمنة الرمله : — یکی از خاتونهای اولیاء الله ست با بالا عواقاست که در شهر (رمله) که از نواحی بیت المقدس میباشد ظهور نموده اند در اواخر عصر دوم هجری رحلت نمودند . به عز وزهد و کثرت عبادت و ریاضت مشهوره بودند . در طبقات شعرانی مذکور است که (بشر بن حارث) که از اولیاء الله واجله علما بودند بسیار شده بود . جناب آمنه برای عبادت شان رفته بود در انجا حضرت (امام احمد حنبل) رضی الله عنه نیز برای احوال پرسی جناب (بشر) آمده بودند ، حضرت امام از جناب بشر از احوال آمنه پرسیدند که کیست ، وچون دانستند که جناب (آمنة الرمله) میباشند بطلب دعای شان عرض احتیاج نمودند که همین یك بزرگی آمنه دلیل بزرگی شمرده میشود .

آمنه : — غیر از اینها که بیان شد باین نام از نسوان عرب این چند نفر نیز مشهور است : آمنه بنت الارقم ، آمنه بنت خلف الاسلمیه ، آمنه بنت رقیش ، آمنه بنت سعد ، آمنه بنت ابی الصلت ، آمنه بنت عفان و آمنه بنت قیس از خاتون های عهلیه ایست که بدیدار سعادت آثار حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وسلم مشرف شده اند از آنجمله رسول الله صلی الله علیه وسلم از دو خاتون باین اسم صحبت میباشند که یکی کریمهٔ محترمهٔ حضرت امام محمد باقر و دیگری کریمهٔ محترمهٔ حضرت امام موسی کاظم رضی الله عنهم میباشند که مدفن هردوی شان در مصر است .

آنسلو : — در عالم ادبیات فرانس بانوان بسیار مشهوره ایست که در سنهٔ ۱۷۹۲م در [دیژون] نامشهر فرانس تولد یافته و آنسلو نام ادیب مشهور فرانس ازدواج کرده به [مادام آنسلو] شهرت یافته است در نوشتن بعضی حکایات تاجیه انگیز ، ومضحکه آمیز باشوهر خویش معاونت کلیه نموده است غیر از ان خودش نیز بعضی

[باقی دارد]

علم ثروت ملل

[مابعد الشمارهٔ [۸] سال دوم]

بتواند . فابریکهای که خود دولت بسازد اولا مامورین و عمله بسیار زیاد استخدام میکند . ثانیاً چون کار سرکاری میباشد مواد اصلیهٔ خام آن به ارزان ترین قیمتها خریداری میشود . ثالثاً اشیا و مواد گوناگون المصنوع میشود . رابعاً چون دولت آزاد برای بعضی کارهای ضروری بکار انداخته ترقیات واختراعات نو بروز ظهور نمی آید . حالانکه اگر فابریکهای تجارتی صنعتگران اهالی از نقطهٔ نظر تجارت ورقابت بکار افتد آن فابریکها تمام اینگونه محذور ها نمیباشد . دیگر اینکه احتیاجات وخواهشات مردم که دایما تحول وتبدل میکند آیا چنان در بند تجارهٔ رسمی محدود مانده میتواند ؟ واز این است که اشیا و معمولات فابریکهای دولتی اگرچه بسیار خوب واعلا هم باشد ولی چون حساب شود در همه جا موفقیت نسبت بفابریکهای تجارتی اهالی گرانتر تمام میشود . بکار انداختن ، وکندن کارخانه چون یك صنعتی از صنایع میباشد آن نیز از همین محذورها وعلتهای کهدر فابریکهای دولتی وتجارتی بیان گردید حالی نیست . یعنی اگر خود دولت کان کنی کند گرانتر وآکر یك شرکت تجارتی در ان کار اندازد ارزانتر تمام میشود . ولی این را هم شرط آنهم بگوئیم که آن شرکت وکیل از خودهای اهالی ورعایای خود همان دولت باشد نه خارجی واجنبی .

(فصل هفتم)

(قاعدهٔ تقسیم اعمال)

تقسیم اعمال در صنعت این است که هریك از عمله یعنی کارگران یك وتیره ویکرنگ هیئت یکنفره ویا یك چندنفر کار مشغول باشند . وچون اعمال یعنی کارها به اینصورت تقسیم شود کار عمله آدم را یك آدم وجود آورده میتواند . برای اثبات این مدعا (ژان باپست ساى) که از مشاهیر علم ثروت میباشد این مثال را آورده است :

« در کارخانه یکهای که کاغذ قطعه بازی در آن ساخته میشود هر قطعه عضاء رقم کار اجرا میشود . مثلا کارگر در یك روز پانزده هزار کاغذ قطعه بازی ساخته میتواند . حالانکه تنها یك آدم اگر هرقدر ملکه ومهارت هم داشته باشد . وهمان

[باقی دارد]

همه مطالبه عائیکه منسوب نداردازطرف مدیر ومحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپخانه خانه حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 517 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۰)

ذکر آن

از یک آقای ملکی بحضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با امرات دالر ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با امرات دالر ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر یکدفعه دو نمبر نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و مسئول محرر

محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه

در ماتحت داره دار السلطنه (کابل)
عمدهٔ امورات تحریریه به اداره مسئله
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن درکابل یکعبانی است

تاریخ عربی یکم ربیع الاول ۱۳۳۱ تاریخ انگلیزی ۸ فروری تاریخ شمسی ۱۹ دلو ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وسیی مقالات مفیده درج میشود

(از مناظر باغ شاهی جلال آباد)

(یک قسمی از عمارت دوم باغ شاهی : ذات اعلیحضرت همایونی با افراد ملت)
(سنهٔ ۱۳۲۸ بکمال حوش بصفای آن قدم میزنند)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 518 of 1786

فهرست مندرجات

جلال آباد	ناموران زنگ جهان
حوادث خارجه	عز ثروت ملل
مقاله مخصوصه	فایده‌های پارس
مقالات علمیه	
ادبیات	

— جلال آباد —

یکی از ولایتهای مهم تابع بسیار معتبر ومعروف دولت قویشوکت مشوعهٔ مقدسهٔ ما (افغانستان) صانه الله عن الحوادث والامان ولایت سمت شرقی است که همهٔ اراضیٔ این ولایت را (تنگنهار) میگویند . مرکز عمومیٔ این ولایت شهر معروف (جلال آباد) است که ۱۳۰ کیلو مترجهت شرقیٔ پایتخت مالیت کابل واقع شده ، وتقریباً بهمین درجه مسافه بسوی شرقیٔ جلال آباد میباشد که به اینصورت (جلال آباد) در وسط راه کابل وپیشاور کان است .

هیئت عمومیٔ این ولایت عبارت از یک وادی بسیار متسع وسرسبزیست که (نهر کابل) در میان این وادی از جهت غرب بشرق مانند اژدهای بزرگ جریان دارد . اراضیٔ این ولایت شمالاً با کوههای چترال وکافرستان ، جنوباً باسنید کوه ، شرقاً با کوهها ودره های خیبر ، وباجور ، ومهمند ، وآکای غرباً با کوههای تکاب ، وکابل محدود شده است . اگرچه هوای جهتهای شمالیٔ این ولایت سرد است ، ولی هوای عمومیٔ آن گرم ومعتدل میباشد .

دره های عجیب وغریب ، ووادیهای بسیار لطیف وظریف ، وکوههای مهیب در جنگلی را این ولایت دارا میباشد . غیر از نهر جسیم کابل که از وسط تنگنهار واز زرکیٔ جلال آباد میگذرد دیگر آبهای متعددی از این سر زمین را اروا وانشا میکند که معروفترین آنها آب چترال ، وکنر ، وپیکری وغیره میباشد . همهٔ این آبها با نهر کابل آمیخته ازدره های خوف‌انگیز وباجور افغانستان گذشته با نهرات می آمیزد .

وادیهای واسع وفراخ این ولایت زراعت برنج ، وپشکر ، وپنبه ، وگندم وجواری وغیره مزروع ومعمور است . جنگلهای بسیار مفید وتوانگری در سمتهای شمال وجنوب این ولایت موجود است . کان یاقوت بسیار مشهور (جگدلک) نیز در منطقهٔ همین ولایت میباشد . وادیٔ نغان وگنر ، وباجور ، واسمار معمور ودر تحت وادیهائیست که خواه از زراعت وخواه از تحت پر وتوانگر میباشد . درین دره ها ووادیها اقوام وقبایل مختلفهٔ افغانیه سکونت پذیرند ، وهمهٔ آنها مردمان دیندار وشجیع میباشند . مشایخ ، ومرشدین ، وعلمای بسیار اهل حل واعقاد درین سرزمینها موجوداند که اهالی را دایما بدینداری واطاعت بادشاه ، ومحبت وطن وعصبیت قومی وملی رهنمایی وارشاد مینمایند اهالی حق حکومت باز آنها را محترم میشناسند .

§

از نقطهٔ نظر تجارت ، واهمیت موقع عسکری شهر جلال آباد جسیل مهم یک نقطهٔ شمرده میشود . اگرچه خود شهر نه از جهت زینت عمارت ، ونه در حسن ورونق بهیچ یک مدینهٔ وحیثیتی ندارد ، ولی چونکه رونق وشکوه (جلال آباد) را افزوده ومدار فخر ومباهاتش گردیده علاوتاً بعضی باغهای روح افزا ، وسرایها وعمارتهای عالی بنا یافته که نظرهای ناظرین ، ودلهای زائرین را بلطافت منظر ، وظرافت پیکر در خشنودگی وسرور میبخشد !

مثلاً باغ وعمارتی که مسمی به (باغ شاهی) میباشد ازجمله باغها وعمارتهای عالی شمرده میشود که تا در الامثال است . این باغ تقریباً دوازده جریب زمین بالمساحهٔ را در بر دارد که عمارت بزرگ بسیار خوشنمای آن در مرتبهٔ نخستین وقسم اولین باغ بنیاد یافته است . همهٔ باغ بر پنج مرتبهٔ یک بر دیگر مرتفع ترتیب یافته که هر مرتبهٔ آن یک منظرهٔ دیگر ، وبابت لطافت مخصوصهٔ روح پروری بنظر جلوه میدهد . ازدروازهٔ بزرگ سمت شمالیٔ باغ عالیٔ شاهی چون داخل شویم یک درگ مستقیم بسیار باصفای که از دو طرف باغچه جات کاکلدار بسیار لطیف المنظر ، ودرختهای پر جست پهم پرار در برگرفته شده مارا به پیش زینهٔ عمارت برجسته وشکوهی رونق شاهی میرساند . این قصر سمارکبیر از کارهای تعمیریهٔ غازیان جنت مکان اعلیحضرت سراج الله والدین است که در مالت وجسامت ورونق وشکوه همه صفات معماری را حائز است . دالان عظیم وسطیٔ آن که در زیر یک قبهٔ بسیار جسیم وعالی میباشد تقریباً بخاصه چوکی را استیعاب مینماید . دایره‌ها وانوناهای متعدد اطراف آن از خارج منکل ، ودرنده های فیل پایه دار مزیناً مادار آن از یک رونق وشکوه بی اندازه به این قصر سعادت مصدر بخشیده است .

ذات شوکتسمات بادشاه ترقی آمال مراحم خصال مقدس ما اعلیحضرت (سراج الله والدین) مد الله ظله فی العالمین چون یک بادشاه طبیعت آگاه مجددوترقیپرداز عصر وقرن میباشند ازآرزو اصلاحات تعمیریهٔ که در قصر وباغ موصوف خواهند فی هندسهٔ معماری بکار برده اند لطفی که سزاوار هزاران تحسین وتمجید است ، بی آنکه به هیئت اصلی وبنای اساسیٔ آن چیزی تغییری حاصل آید بعضی علاوه ها ، وتنظیمات درآن بدرج رفته که فرق محسنات آنرا ازباب نظر ، واز فن معماری با خبر بخوبی درک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 519 of 1786

میکند که اول چه بود ، وبالا چه شد !

دنیا ، در تجدد وتحولست ! حال بیست سال پیش انسانها به حال امروزی آن نمیاند . طرز معیشت وسکونت ومتواریوسرک سابق بالاخص هیچ مناسبتی ندیگرد . مثلا بیست سال پیش ازین در بغداد این را کسی نمیدانست وشاعر خود هم نمی گوید که طعام بر روی میز وبر کرسی وبا کارد وچنگال خورده شود ، وبا آنکه بعد از خوردن طعام دست با صابون شسته شود . علی الخصوص اگر کسی سروکارش خودرا با صابون درسابق می شست یک جعبه بسیار بزرگ شمرده میشد . حالا آنکه زمان تبدیل میکند ، زمانهٔ اول حکم نقوش پارینه را میگیرد ، معیشت وزنده گانی انسانها نیز تابع تبدلات مدنیهٔ زمانه گردیده . از سال گهه کی بیک تجدد وتازه گی قدم میزند . ترقی وتمدن چنان یک شاهد رعنای دلفریب لطیفیست که طرافت ، لطافت ، نظافت مطالبه در زمانیکه یک والاتر ، هم برای نشستن ، وهم برای طعام خوردن ، وهم برای خوابیدن کفایت میکرد ، دربیدقت نمنها برای این سه چیز که بیان شد بلکه برای وضو وشست وشو ، ودرزش ، وسگریت کشی ، وپیانو نوازی وغیره وغیره جداگانه اوطاقهایی بکار می آید که یک عمارت متمدنین این عصر بیست وپنج از وجود آن ها چارهٔ ندارد .

این است که ذات اعلیحضرت پادشاه ترقی پرور مدنیتگستر ملتدوس ما اصلاحات ونشئات دوار عمارت عالی باغ شاهی را ازین نقاط نظر ترتیب وتنظیم فرموده جبههٔ سمت مشرقی عمارت عالی بجنان یک هیئت ظریف دلکشی تحویل یافته که از نظارهٔ آن دلها را یک مسرت وفرحت بی اندازهٔ حاصل میشود . دالان عالیشان بسیار باشکلف ومزین جدیدی که به این سمت عمارت عالی موصوف از روی نقشه هندسی ذات اعلیحضرت همایون ملحق گردیده همهٔ اطاقها وطرافت ها رادر بر دارد .

حالا ما یکقدری از شکل وهیئت عمومی این باغ ازمثال بیان مینمائیم : گفته بودیم که این باغ بیک وضعیت مربعه داری تشکیل یافته است . مربعهٔ اول آن همین است که از دروازهٔ سمت شمال داخل میشویم ، وعمارت عالی موصوف را تقریباً در آخر این مربعه می بینیم . جهت غربی احاطهٔ این مربعهٔ اول را دیوار غربی باغ که بصدای آن میرسیم ، وحمام ، واوطاق های مخصوصهٔ خدمهٔ حضرت شاهانه موجوداست ، ویک نهر با صدای بزرگ از پشت روی آن جاری میباشد که این نهر واوطاقهارا عقب های جهای اطاقت برا از جههٔ سمت غربی عمارت شاهی تفریق نموده .

ازین میدانچهٔ که قصر سعادتحضر شاهی بران بنا یافته از دو جهت به احاطهٔ مربعهٔ دوم فرو آمده میشود : یکی از جهت جههٔ جنوبی ، ویکی از جهت جههٔ شرقی ، جههٔ سمت شرقی قصر هایونی سراسر از تعمیرات مربعهٔ عصر اعلیحضرت سراج الملة والدین است که عادتاً یک قصر بسیار دلنوازی جدیدیست که بر اصل عمارت افزوده شده است ازین مواجههٔ شرقی عمارت عالی شاهی از دو سرچکه های بسیار خوشنمای سنگپایی فرش شدهٔ مایل بر دو سرلهٔ مستوی بسیار با صفایی که از بغل حوض بسیار بزرگ معدلا تا آخر این مربعه ممدود شده است مربعهٔ دومین فرومی آئیم .

چیزی که مدار زینت وافتخار بگانهٔ این مربعهٔ دوم شمرده میشود همان حوض بسیار بزرگ مستطیلیست که نظارهٔ آب با صدا وفوارههای لطافت نمای آن با انواع گلهای عطر آمیز درختهای باغ ومحاله وغیره درختها وگلهای مخصوصهٔ محالات مارهومعدله آمیخته ، ویکان نغمه های مرغان رنگارنگ موسیقی آهنگ که مخصوص این محله است با آن دمساز آمده حواس خمسهٔ یک شاعر متفکر بار یک بین را که در یک گوشهٔ این بستان جنت نشان بر یک دراز چوکی در یکوقت صبحدمی یا یک شبمهتابی نشسته باشد در سیادت عالم خیال ، غوطه خوار گرداب حیرت میگرداند . چهای پرگل ودرخت سرکهای با صدای خوش زهت این مربعه خیلی لطافتها دارد . یک چوکهٔ چوبی بسیار مصنع خوشنما در یک گوشهٔ این مربعه بنا یافته آرام چوکهای منتظم در هر هر طرف گلستانها وسرکهای این احاطهٔ مربعهٔ دوم گذاشته شده است .

ازین مربعه بز یک وسرچکهٔ مایل پهلوی سرکهای اول بمربعهٔ سوم فرومی آئیم که این مربعه نیز باقوسهای عالی کاشاد وانواع درختان خوشنمای ۴۰ گونه میوه های گرمسیر ، ویک بریخ های طبقه بر طبقهٔ گلدسته های انواع گلهای عطر بیز رنگین وتنظیم یافته ، ودر هرگوشهٔ آن هزاران غارههای لطافت بخش در هر پیشهٔ آن صدها مسرت وشطارت مندرج گشته است .

ازین مربعه باز بهمان کیفیت بمربعهٔ چارمیفرمائیم گلستانهای چهای پرگل ودرخت آن نیز دلگشایها وافر دارنها دارد ، ولی ازین مربعه یک منظره بدیعهٔ دیگر از مربعهٔ پنجم جلب انظار دقت مارا کرده همان دو مربعهٔ پنجم فرومی آئیم . درینجا در پیش یک منظرهٔ با صفای حارقه نمای فوجودرا می یابم که از نظارهٔ آن در گرداب مسرت فرومیروم .

یک کول ، نی ! یک بحیرهٔ خوش منظرهٔ که اگر از آب با صدای خوشگوارش سخن رانده شود قلب نمودان آبدرحت میکرد . واگر بوضعیت وترکیب هیئتی نظر کرده شود چشمهٔ چشم بیننده را یک سر چشمهٔ آبحیاتی میسازد این مقبول از مصنوعات طبیعت شاهانهٔ ذات اعلیحضرت پادشاه دانای حقایق آگاه ماست که در سنهٔ ۱۳۲۹ هجت جهانگیریت همایون بخطرات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 520 of 1786

آن ازاده مرحومه در ظرف یك چند ایام معدودی به انجمن رسانیده اند.

این کوه جبل فراخ وعدیم وهمتا مرتبه آخری بلغ ارم سراغ را عدیم داشته است. کوه سنی بصیری زدنك پادشاه جلال آباد یك جزیره ویك شبه جزیره را حاویست که الطاف های غیبیهٔ آن هر صاحب طبیعت را تحسین خوان هزاران آفرین برائی معدلت قرین آن میسازد.

سراج الاخبار افغانیه نیز بکمال صمیمیت وتمام خلوصیت بدعای حال از برای عمر واقبال وشوکت واجلال حامی معظم ترقی آمال، وموروع مقدس مراحم خصال خود رطب اللسان گشته از درگاه الهی جل اسمه نیاز میکند که تاسالهای بیشمار این اعاکی صاحب اقتدار وجود مراحم آمود شاهانهٔ شان شرق وغرب عالم بلاد وامصار جهان کردد. آمین.

جوائد خارجیه

اخبار اسیا

دراوروپا شش دولت بسیار بزرگ وبقوت معروف وپرداری موجودند که در وقت حاضر سه دولت آنها (اتحاد ثلاثه) وسه دولت دیگر آنها (اتفاق ثلاث) معروف ومعنون شده اند. اتحاد ثلاثه جرمن، اوسترا، ایطالیا. واتفاق ثلاث روس، فرانس انگلیزاست. کمه های میزان اقتدار باز همین دول متاشره میشود که تعداد قوتهای حربیه شان ازقرار ذیل است:

(قوت برهٔ جرمن)

موجودی عسکرش در وقت حضر :-	٩٠٩٢٠٠
موجودی عسکرش در وقت جنك :-	٥٠٠٠٠٠٠
موجودی عسکری سوراخ :-	٧٠٤٠٠
موجودی اسپای طوپخانه وبارکیرش :-	١٠٧٧٤٨

(قوت بحریهٔ جرمن)

عدد کشتیهای زرك دربدکوت	٤
عدد کشتیهای زرهپوش	٤٣
عدد کشتیهای بی زره	٩٠
عدد کشتیهای طوربیل	١٢٦
موجودی عسکر بحریه اش	٤٠٦٠٠

(قوت برهٔ اوسترا)

موجودی عسکرش در وقت حضر	٤٨٢٤٠٠
موجودی عسکرش در وقت جنك	٢٨٧٢٠٠٠
موجودی عسکرسواری وطوپخی وغیره	٦٩٨٧٠
عدد طوپ	٢١٦٠

(قوهٔ بحریه اوسترا)

عدد کشتیهای زرهپوش	١٠
عدد کرو وازور وغیره	٢٤
عدد کشتیهای طوربیل	٦٤
عدد کشتیهای بی زره	٢٠
عدد طوپ	٩٨٩
عسکر بحری	٢٤٣٠٠

(قوهٔ برهٔ ایطالیا)

موجودی عسکرش در وقت حضر	٢٧٨١٠٠
موجودی عسکرش در وقت جنك	٢٣٥٣٤٠٠
اسپای زساله وطوپخانه وبارکیری	٨٧١٩٢

(قوهٔ بحریه ایطالیا)

کشتیهای زره پوش	٥٠
دیگر کشتیهای جنگی	١٥١
کشتیهای طوربیل	١٧١
عدد طوپهای بحری	٢١٢١
موجودی عسکر بحری	٥٣٣٠٩

(قوهٔ برهٔ فرانس)

موجودی عسکرش در وقت حضر	٥٧٥٠٠٠
موجودی عسکرش در وقت جنك	٤٣٥٠٠٠٠
اسپای عسکرسواری وطوپخی وبارکیری	١٢٣٣٨٥

(قوهٔ بحریهٔ فرانس)

کشتیهای زرهپوش	٦١
کرو وازور	٤٤
دیگر رقم کشتیهای جنگی	٧٨
کشتیهای طوربیل	٢٣٣
عدد طوپ بحری	٣٧٢٧
موجودی عسکر بحری	١٠٩٣٧٠

(قوهٔ برهٔ روس)

در وقت حضر	١٢٠٣٠٠٠
در وقت جنك	٢٩١٦٠٠٠
عدد افسران	٢٢٠٠٠
عدد طوپ	٥٨٠٠
اسپای سواری وطوپخانه وبارکیری	٥٦٢٠٠٠

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 521 of 1786

کشتیهای زرهپوش	۸
کروزر ازور وغیره	۴۷
کشتیهای طوپیدو	۴۷
عدد طوپ بحری	۷۰۰
عساکر بحری	۴۰۰۰۰

(قوهٔ بریهٔ انگلیز)

در وقت حضر	۲۵۰۲۰۰
در وقت جنگ	۱۰۳۳۳۵۰
افسران	۳۸۸۰۰
عدد طوپ	۱۲۸۴
اسپای رساله وطوپچی وبارکیری	۱۰۳۱۵۵

(قوهٔ بحریهٔ انگلیز)

کشتیهای زرهپوش	۸۸
کروزر ازور	۱۲۳
کشتیهای طوربیل	۲۸۱
دیگر رقم کشتیها	۳۵۷
عدد طوپ بحری	۲۱۳۸۲
عساکر بحریه	۱۹۲۰۰۰

این رقمهای حساب را چون در زیر نظر دقت بگریم وادیته نهاثیم که اگر این قوتهایکبار بادیگر مصادمه نماید آیا طرفهای دهشت انهای آن کوشی ساکنان کرات ساوداکر خواهد کرد ؟ درینهم هیچ شبهه نیست که چون این دول دشمن کابیاهم بیوزند دیگر دولتهارا نیز باخود شریك مهاجات ساخته وبه آن جریان دریای مهاجات خون آلوده تاج توده پاك هرج ومرج رستاخیزی برمیانیزند که مرجع نشان آخرین چوق آنقدر ملاح ازرشك این خونریزی ساکنان کرهٔ خاکی هلاك خواهدشد !

ولی این امر دربنوقتها بعید الاحتمال میاید . زیرا دربنوقت اوروپا همه یك اتفاق واتحاد مسلحی دارند که یك کار بسیار مهمی را میخواهند از پیش ببرند ! وآن را (صالح مسالح) در میان خودشان نام نهاده تاآن مهمه را از روی خود بر ندارند بدیگرکار آغاز نخواهند کرد ! . اما ازین غافل اند که آن مهمه از چنان مهمه هایی نیست که به آسانی از پیش برداشته بتوانند تا باآن مهمه سر خود شان نیز برباد نرود دگر احتمالی نیست ! (پك القدس) ، (استانبول) ازان جاهایی نیست که در زیر حکم مذهب اورتودوکس دراید . وروسستان وکاتولیسك به آن راضی شود ! یا آنکه کاتولیك روان بیرق بیفرازد وروسستان چشم آرا داشته باشد که آرا دیده بتواند ! این صالح مسالح شان تابه آنوقت دوام خواهد کرد که سخن به انجامانکشد .

وجوابهای من به آنجاها رسیده تا آنکه نامهٔ رستمیزه پاشا نیست ! ...

چه تماشای دهشت افزا ! ... این سیمای هایل خونین پنجه هم دیگر را مقارعه میکنند ، آسیای اوروپا بهم دیگر درمی آفریزد ، شرارهای آتشفشان دریاهای آتش شان تابه سماء الفلك میکشد ، وتوکیو سرایت میکند ! کرهٔ ارض را از حیلهٔ ناچیز پك دریای آتش وخون امثال میکنند دوههای عظیمهٔ طوپها وتفنگها ، وبومه ها ، وبمبامیتها ، و آتش افروزی شهرها ، وقلعه ها اقدر بهوا میشود که کرهٔ نسیی از ثقل وحرارت آن بشکل بخار ودهٔ سال ابتدائی خلقت زمین بحول می یابد ! دفعهٔ به آب تحویل یافته بر کرهٔ زمین میزند ! طوفان عظیم الشان هوی کرهٔ زمین را یکباره کی می شوید ! کرهٔ زمین را ازان آلایشهاصاف ویك میسازد ! بازهمان طراوت وهمان خضارت اولی آغاز میکند !

وقول برحق « نیست ملك مگر از حضرت واحد یکتهٔ قهار » حق میشود وچون این پیکان پر عصیان طغیان نموده الله آنهارا محو کرده دیگر مخلوق که اورا به یگانگی بشناسند ، وملك وما نکند خلق خواهد فرمود ! ...

—(قلمه)—

(محمود) چون پلنرشده سفك خون خویش
وزراه حق برون شده اند وبه ناحق اند
لابد مکفه مالك احمد بمثیل مکنون
بر داره این گروه که گمراه ومزهق اند
اوروپ بحرص وکین وطمع شد جان جوش
کز آتش خویش همه عروق محترق اند
یارب تو خود بساز کروهی که در فجور
غرقاند ودور از حق وباطش ملصق اند
یا رب تو مالك ملکوتی وارض وخلق
محفوظ دارقومی که بر دین بر حق اند
(آمین)

ترجمه از اخبارهای ترکی وعربی

(چین)

یکی از سیاسی شناسان چین که (سون یات سه ن) نامدارد برای رئیس جمهور چین (یوآن شیقای) یك مکتوبی نوشته گفته است ، که از واقعات ترکیه یك درس عبرت گرفتن لازم است . زیرا بجز یك شرق قریب را تغییر کنند هیچ شبهه نیست که به تغییر شرق بعید یعنی چین وژاپان آغاز خواهد نهاد . لهذا لازم است که چین وژاپان نیز ما بین خودشان یك اتحاد دفاعی عقد نمایند ، ومانند عثمانیان که به قوتهای ملتی خود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 522 of 1786

فکر (سون یاتسه ن) این است که (استاوقو) ی اوروپا هیچ اهمیت واعتباری ندارد . وایشانرا وقوعات مالک ترکیه ثابت ساخته است . لهذا اگر مغولها با یکدیگر خود شان اتحاد نکنند باز یکحطای مهلکی را تکرار خواهند نمود . در (توکیو) پایتخت ژاپان نیز به ایشانه "اتحاد مغول بسیار انتظار وامیدواری دیده میشود .

(تانکین)

عدد اسلامهایی که در تانکین مقیم اند از عدد اسلامهای که در (یکین) موجودند کمتریست . درینوقتها یك جمعیت قوی بنام (نشر معارف واسلام) تشکیل داده اند . مقصد این جمعیت اسلامیه این چندچیز است . رسالهها وکتابها نشر کردن ، حسیات ملیه ومعارف عمومیه را وسعت دادن ، باتعصبهای جاهلانه پیشینه مبارزه وجدل کردن ، بفقرا ومساکین مدد کردن وغیره میباشد .

(خلاصهٔ حوادث عالمیه)

از سلح هنوز هیچ نتیجهٔ ظهور نبود . کارها مانند سوی زنگی بهم پیچیده مانده است .

ظلمها وحشتهاییکه بلغارها وصربها وجوناپها وکوهیها برمسلمانان

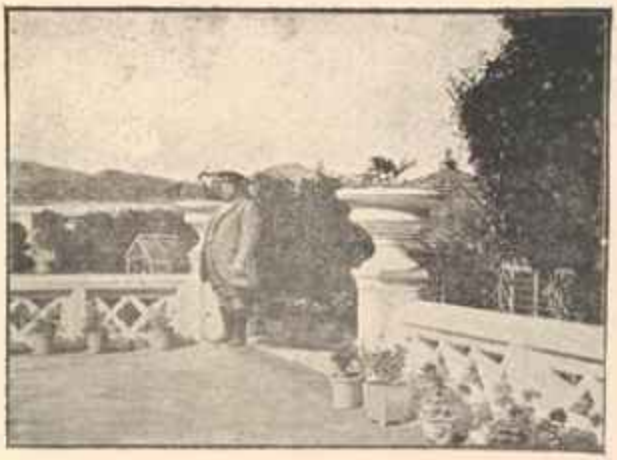

از مناظر باغ شاهی جلال آباد

(سمو منمود ذات شوکتسمات اعلیحضرت شاهانه از مرتبهٔ دوم باغ بمرتبهٔ اول در آنسی قدم زدن مباحی)

ملکهای روم ایلی اجرا کرده اند تاکنون هیچ دیده وشنیده نشده است . قتل عامها وزن نحوسیها کم نبود که بسیاری از مساجد ومعابد اسلامیه را نیز بعضی خراب وبعضی را به کلیسا تحویل داده اند . در (وردی) کم محل دوسد نفر اسلام را در سلانیك آن شهر زنده مانند کوسفند با کارد سر بریدند . تنها مردان را نی بلکه زنان اسلام را نیز از خانه های شان براورده بعد از آنکه ناموس وعرض شانرا پامال ساختند جسد شانرا کشتند . سر شانرا بریده باخود بردند . راه ها ، مرکها ، کوچالها ، پشتها از جسدهای قتل عام شدهٔ زنان ومردان مسلمانان مالامال است .

(حوادث ترکستان روسی)

اخبار (توران) که در بخارای نو طبع ونشر میشود در زیر عنوان (آبادی وطن) از فواید کشیده شدن یك نهری از دریای آمو به بخارا بحث رانده مینویسد که اهالی شهر بخارا واطراف آن از کم آبی بعضی سالها بسیار پریشان میشوند . وبسبب نوشیدن آبهای خراب دشها وحوضها در هر سال طاعون بسیاری حلاك میشوند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 523 of 1786

(از سمرقند)

اخبار تورات از گزاف خرجیها و بیهوده صرفهای مسلمانان سمرقند در عروسیها وجشنهای شان بحث راندهمینویسد که اگر مبلغ مذکور را بر اعمال خیر ومنفعت آوری صرف نمایند بهتر خواهد بود .

(سلطان عبدالحمید خان)

بعضی اخبارهای عربی مینویسند که سلطان عبد الحمید خانرا به بسیار زحمت به آمدن استانبول راضی کرده به استانبول آوردند عقلش خیلی خوب بود واو میگفت که من از سلانیك نمیروم . چرا که باهین جسمانهٔ خودخوب انسیت پیدا کردهام وهوای اینجا بر من خوب آمده . دو شهزادهٔ که برای آوردن وقایع ساختن اوفرستاده بودند جواب رسیده . وچون کپتان کشتی جرمنی درزمان رفت بالوراضی به آمدن شد . میگویند چون باستانبول رسیدفریادکشیده میگفت : کجاست هشتادهزار پوند من که برای جنك بلغار شکیدادته بودم . این هشتاد هزار پوند همان پسهٔ بود که سلطان مشار الیه در وقت محاربهٔ بونان از کیسهٔ خودصرف کرده بود وچون محاربهٔ ختام یافت . پس از خزانه گرفته در یك صندوق آهنی انداخته وگاه (بانکا) زارآن نوشته در یك گوشهٔ سرای بیطرز گذاشته بود . وقتیکه خلع شده حکومت فرقهها وزارتها بر پا کردند آن مبلغ را ازانجا برآورده بخرج رسانیدند . لهذا سلطان فریاد کرده میگفت که کجاست هشتاد هزار پوندمن ! اینهم پلتهایست ازدورانديشهای سلطان سابق ...

(مکتوب)

از اطالیه مملکت ترکیه به دارالسلطنهٔ کابل .

(فضیلتمآبا !)

من از برادران هموطن شما یك درویش سیاح افغانی میباشم کهمدت چند سال پیش ازین برای ادای فریضهٔ حج رامده درممالك اسلامیهٔ ترکیه بسیاحت درویشانه میباشم . البته درین وقتها از ملاکت ومصیبتی که بر دولت عثمانیه وارد آمده خبر شده باشید . من باکم نمیدانم . سیاسی شمارا هم نمیدانم که چیست . من تنها از چیزهایرا که بچشم خود به بینم ویا بگوش خود بشنوم همان چیزهارا که دیدم فهمیده ونوشته میتوانم . سبب این بلاها واین مصیبتهارا من بعقل جاهلانه خود از کردیاتی وسست اعتقادی پدرها وبزرگان آنها یافتهام . دراستانبول ازخانه خود سلطان گرفته تابهمهٔ پاشایان و وزرا ووکلا این چند کار است که بزرگهٔ ارمنیها وروسهای نصارااست : اولاً دایههای شیری . دوم عروسها یعنی دادهها ولالهها . سوم آشپزها ، چارم قهوه چیها . درهر خانه پاشا و وزیر وبزرگان وتوانگران ومعتبران ترك همین کارها را زنان ومردان نصارا بعمل می آرند . وبه اینصورت از اول طفولیت نصرانیت بالتبع در وجودشان میدراید وبهمالصورت تربیه میشوند وخوراك شان که خون ازان حاصل میشود ازدست آنها میخورند در استانبول ترك خالص وجاهلی پاك کمتر پیدا میشود . ترك های خالص ومسلمان که بادیگر خون آمیخته نشده باشد در اناطول یعنی اسیای صغرا موجود اند که بسیار دیندار و بر احکام دینیه پابند میباشند حالانکه در استانبول بسیار زنان نیکردار مسلمان خودشان در کوچهها گدایی میکنند . ودایی گریبی یاکه یك لب نانی هم به آنها کسی نمیدهد . وازین بود که درسلانیك بی هزار عسکر مکمل اسباب را بخانه خانه و استحکامات به بسیار آسانی تسلیم دست رومیهای یونان نمودند . وازبعضی عسکر هائیکه ازاناطول بجنگ بلغار رفته بودند پرسیدم که چرا گرفتید ؟ گفتند دشمن مارا وزیر افغرما مارا جنگ امر نمیداد خوراکهم یا نمیرسید از گشنگی برگ های درختارا می خوردیم. در موقع قره بروون سه روز یا هیچ کس هیچ خورا که نداد بعد ازسه روز هردوازده آدم شش پاپ آرد خشك تقسیم کردند. هرگاه با ارزاق واسلحه جنگ میدادند درطرف یکهفته پایتخت بلغار را ضبط میکردیم . این شنیدنیهاییست که بگوش خود ازعسکرها شنیدهام . اما راستست در وقت نبودم دیگر چیزیکه درنصاها میشنوم این است که میگویند بمجردیکه مسئلهٔ استانبولرا فیصله کنند روس واکثر مسئلهٔ افغانستان آغاز میکنند زیرا مقصد عمدهٔ فرنگ همین است که دنیای کوهای مستقل وملته راز اسلام بکنارند ایران ومصر اکورا تقسیم کردند حال کار استانبول را تمام میکنند وبعدازان بکار افغانستان آغاز مینهند . اما انشاءالله تعالی درین مقصد خود کامیاب نمیآیند کابین دیانت ومحبت وطن وعدالت کهدروقت حاضر بسایهٔ لطف حضرت (سراج الملة والدین) درافغانستان پایدار است انشاءالله کاهی دشمنانرا بران ظفر نمیشود این را هم میشنوم که میگویند در همین فرصت پادشاه افغانستان در قوت و سلاح واستحکامات خود بیفزاید وبخصاله جیشخانه وگدام خودرا حاضر کند . وکشتیهای هوایی (ازحالا خریداری کند . واستحکامهای خاکی بسیار درهرهر جای پرحدها بنا کند . اما ازهمه قوتها برتر غیرت دینی . وعدالت وحب وطنی ست کهاطمئنهٔ افغانستان آنرادارد . درینطرفها همهمردمان کهسعیواقدامهای اعلیحضرت پادشاه معظم ما امیر حبیبالله سنرا میشنوند بسیار شکرها ودعاها میکنند . باقی ما هرشب وروز دست بدعا میباشیم که خداوند بالم اعلیحضرت امیرمارا بسالهای درازبرما ملت پایدار ومستقیم دارد وشهزادگان ووزراووکلا وهمهٔ ما رابادا رعایات ، و اطاعت ، واتفاق کامیاب بسازد آمین (بلند درویش سیاح افغانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 524 of 1786

... ۱۵ جنوری ... تجویز شده است که ... دول اروپا ... داده شود تا ضروری ... خود را ... کنند ... ظاهر میشود که صلح ... باقی دارد ...

ناظم پاشا وکورد ... گزارش داده ... سوار شده برای ملاقات جرنیل سیواف وقتنه کاربارهٔ مصالحت با جرنیل بلغاری گفتگو کنند — خبر منتشر شده است که ناظم پاشا درباب رسید رسائی ایدرنا تویل وتصرف آن شهر مذاکره کرده اعیان هردو امر مجلس کابنه محول بوده تلاقی این امر جرنیسلان و وزیران عبث رفت —

(ازمناظر باغ شاهی جلال آباد)

﴿ یک سرک باصفای مزین سوم باغ روحانی هوا ﴾

در استانبول مجلس وزارت درباب مقرر کردن انوری و حلمی پاشا بطور افسران شتابه بحثی آورده ، جمعیت ترکان نوجوان برای جنگ کمر بسته اند وصلح نمی خواهند .

دول اتلاقی تلاقه حمایت این امر میکنند که جزائر روس کوس می‌نیز کاس وجزائر قریب ددانیل در تصرف ترکی باشند تاموازنه قوت دول مختل نشود .

بعضی تذکرات ظاهر میکنند که دول اوروپا بر این امر متفق اند که ایدرنا تویل به بلغاریا سپرده شود باین شرطیکه مساجد ومقابر سلاطین عثمانیه زیر حفاظت مجلس بین‌الدول باشد ، دولت برطانیه این تجویز هم نموده است که ایدرنا تویل در تصرف ترکی باشد اما مستحکمات آن مفقود شود وبیکر حد بلغاریا نیز کرده شود در قسطنطنیه رسول اتحاد ثلاثه یعنی روس وفرانس الزام نهاده میشود که آنها بلغاریان را امتثالات میدهند .

درسنجی‌شاه جبل اسود مقرر نموده است که مانتو طری پای تخت قدیم خودرا اگر بصلح بدست آید وبالجنگ میگیرم شاه جبل اسود اشارت بجانب اظراهر کرده که اوطالت ورزیده نمی‌خواهد که سقوطری وتیره در حدود سویه خود مختار آیه داخل شود .

(روس وجنگ بلقان)

وزیر اعظم روس در مجلس شوری بیان کرده که وقتی بود چون روسیا

... است که باوجود بلغاریا ورومانیا کشمکش جاری است اوکنه مذکور که بلغاریا یک قسمت مالک در بحیرهٔ اسود بدرومانیا ...

به توح رومانیا امر شده است که آلاتی جنگ آماده باشد باکه فوج مذکور برای قبضه نمودن یک علاقهٔ بلغاریا هم مامور شده بود اما بسبب مداخلت روسیه وآنرا قبضهٔ خودرا برای دو روز ملتوی کرده ، چون یکطرف رومانیا همراه بلغاریا این روش اختیار کرده است . و وزیر زراعت خودرا به استانبول فرستاده است وآمدن فلیکیو وزیر رومانیا در دار خلافه البته مدعای رابطهٔ با ترکان دارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 525 of 1786

مصالحت ترکیه

در طبقات سیاسی ترکیه این خیالست که اگر دول اورو ایدریا توپل را ورودیه از عثمانیان گرفته قصد دارند به بلغران کرده و عزم خود را باعلان قوت و نمایش بحری موید هر ساخته ترکان کاهی قبول نمواهند کرد که ایدریا توپل از دست بدهند —

باعمال بلغرستان بنامسفرای خود فرستاده است باین امر که اگر شرائط عهودهٔ ترکان را بلغاریان قبول کردند وکلای ترکیه از لندن رخصت گردیده در استانبول مساعدت نمایند —

بلغران باوجود تذکار مصالحت برای بدست نیکراف جمعی روانه کردند وچندی بتاخیر دوکاس در مابین آنها و ترکان جنگ واقع شد بلغران تاب مقاومت نیاورده پیشنهاد صلح نمودند و در استانبول رسیده اند —

در بحرها هنوز تلاطم جاری است یک جهاز آستریا هنگام عزیمت غرق شد و دیگر جهازات باهم برخوردند و صدمه‌های جانی و مالی رسانیده در جهاز نیل آستریا سی و سه نفر تلف شدند — یک جهاز دخانی از کلکته روانه شده بشکست کلاغ خورده خراب گردید وچون مسافران از جهاز مذکور بر آمده بساحل رسیدند جهاز مزبور یکباره غرق آب گردید —

منظر ایران

کانرانس میگوید که حالت ایران از پیشتر شدت و بهر حال اگرچه برطانیه برای اصلاح قرضه هر دهد و ایران سویه ن انتظام هر بکند اما جریان روز بروز زیاده میشود — هیچکس خیال ندارد که در وروپ حالت موجودهٔ متوش سوی ایران حرکت قوی کند و برای سزای دهی قتل اگر قوج فرستاده شد امکان ندارد که قوج مذکور برای جستجوی بیرمان بگردد بلکه در آنجا مقیم خواهند شد و در کهار امفتوح و مامون خواهد ساخت — و احتمال است که جهت مذکور همیشه در ایران باشد و کاهی پس نگردد — و اگر برطانیه مداخلت نکرد بلشویک دیگر خواهد کرد چرا که حال جنوبی ایران بسیار مخدوش است و بهمین باعث برطانیه هر از چند مداخلت میکند —

بعد از چهار ماه محاصره برای جنایت رایها بکار است که بشوانیها و جوانیها بگیرند و مدافعه مدتی بکار انتظار نبوده اکثر جنایی ها خود را در معرض هلاک میدیدند چنانچه تجربهٔ مذکور در هندوستان سپاهی شده است — اگر از ساحل کاتیاواز و اصفهان بلند اداره شود باز هم امید ر ناهیت است وشاید باین قوت برطانیه را دیده والانتظام رسیده بهوش خواهند آمد —

همصر رمعزز زمیندار می نویسد

امداد بحری بحرین ترک

راجه کناتور از طرف خود ودیگر باشندگان بمبئی بک مدراس دو جهاز و پنج صد روند بوزیر اعظم ترکی فرستاده است ، حاجی آدم صدر مجلس تعارف ترکی یکهزار پانصد روپیه نقد روانه کرده است که بمبر وجین ترکان داده شود .

تلگراف از لندن مظهر است که در یک عمارت مالیان اهالیان کوتوالی در آمده قریب از اکلیاس فاخره در کرده بازی هزارها روپیه دزدند گرفتار کرده — زنهای معتبره نیز با دزدان گرفتار شدند که مرصع آلات وزیورات بودند .

(کیفیت اخفای آسلحه در بنکال)

بعض نوجوانان بنکال از مدت دراز بر خلاف دولت حکمران خود در تکاپو داشتن اسلحه مصروف میباشند و از همین جهت ها اکثر بر امکن و آمده بر حکام انگریز تکرار حمله کرده اند — از همین قسم یک واقعه دردها که وقوع یافت — اینک دو طالبعلم شب یکجا نشسته همراه دیگر جوانان مشوره ها میکردند که مادر و برادر یکی ازین شب بیداری ها وقوف یافته آن طالبعلم را منع کردند که ازین خیال باز آید — اما او مصر بود — چنانچه پدرش را که در یک شهر دیگر ملازم بود اطلاع داده شد — او چون در خانه آمد پسر خود را با دیگر رفیقهایش حوالهٔ کوتوالی ساخت چرا که پیش پدرش یک صندوق پر از کاغذات بطوت انگیز و نقشه ها بر آمد — پدر از همین بچهٔ خود را به عدالت سپرده خلاف اوشهادت داده است .

(تحقیقات حادثهٔ بم دهلی)

کار تحقیقات حادثهٔ بم مذکور باو عبدالله خان صاحب نائب منتظم سیشه کوتوالی سپرده شده است وچونکه کار وبار بخاب پشتل بنک (سرمایه قومی) دهلی از روز حادثهٔ بم معطل است لهذا منتظمان سرمایه به حاکم کلان دهلی درخواست نموده اند که باینها اجازت اجرا نمودن کار وبار عطا شود اما در خواست شان نامنظور گردید وحکم شد که کار اجرا دادن و بامضا ساختن تعلق بحاف ان کوتوال دارد وقتیکه افسران مذکور مناسب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 526 of 1786

دانستند از عمارت بنك پیره برطرف كرده اجازت رفت و آمد عوام خواهند داد — ازشهر لاهور بانكو كيل عدالت وبانك نرمدور اختیار وبانك بچه ویكنفر ای — ای — سی كه بروز واقعه بهم در عمارت بنك مذكوره نشسته بودند بذریعه اعلان تلگرافی طلب كرده شده اند — ومیثم بجانب بشال بنك كه از مردم هنود است بطریق خاص ذریعه راست است .

(همعصر معزز مخبر عالم در شماره ۸ جنوری تحریر می نماید)

طفل ریاضی دان قدرتی —

یك بچهٔ سا كن مدراس مسمی به ارمو كه شهرت غیر معمولی درعلم ریاضی حاصل نموده است درهمین ایام یك شمهٔ اعجوبه روزگار وشبانك سوسائتی ژرنه صدارت سرهوكیارد سكنر نوآدی علم

سیلون جلسهٔ منعقد نموده بود وافسرهای كلان سررشتهٔ تعلیم درجلسهٔ مذكور شریك بودند واز بچهٔ ریاضی دان مذكوره سوالات چند كرده شدند و ارمو كه جواب سوالات شارا فی الفور داد — ویكی از سوالات شان این بود — یك شخص مبلغ ۱۷۳ روپیه مدعوساخت وقریب یك آنار انگریزی (مساوی نیم جریب كابل) برنج تقسیم نمود — درهر آنار انگریزی ۳۲۳۱۲۷۲ دانه برنج بود — شخص مذكور گفت كه اگر ازبرنج مذكوره ۱۷ فی صدی دانه برای مصرف جدا كرده شود برای مابقی چند عدد برنج چه خواهد شد — ارمو كه مذكور درسه ثانیه جواب شارا گفت — اهالیان ریاضی دان كه سوال مذكورهٔ فوق را از خانه حل نموده آمده بود بچه گفت كه جواب شما غلط است درجواب چهل ۷۰۹ دانه ۷۱۹ می شاید — ارمو كه گفت كه جواب من

(از مناظر داخل ارگ مبارکه کابل)

سلام مطربهٔ یك قسمی از قصر سعادتخصر (برج شهان) دیده قسمی از كابل از شاهنامه بچه
[اعراضات دیگر ندارد ( ) دور رمون تحلیلات كارنامه كور نمود]

غلط نیست وچون حل سوال مذكور تكرار نموده شد — جواب ارمو كه صحیح بود .

(افسران نظامی طرابلس)

بذریعهٔ تلگرافات جرنیل جیوه دیگرده كه افسران عثمانیه مقیم طرابلس باقبایل كه دشمنان دروغ ایتالیه را ازهر طرف محاصره نموده اند طرابلس را گذاشته درلیبیا رسیده اند وامید است كه عنقریب هزاران مجاهدین خود شامل خواهند شد .

(حالات بلغاریا و بابل)

بذریعهٔ تلگرافات اخبار دیلی تیلیگراف كه ازاخبارهای است كه فوج اقتدار قیود بلغاریا محاصرهٔ ادریانوپل كرده نتوانست ازمحاصرین مذكور گلوله وبارود لازمی كفایتی ندارند — علاوه ترین فوج سه بیتهٔ بلغار بافقدان یاس به استقامت كردنی تواند چرا كه گلوله اندازان عثمانیه لشكر بلغاریا را از مقام مذكور پس ساخت وهمه كوشش لشكر بلغاریا صرف رفت — فوج عثمانیه جمیع آوری مال غنیمت مصروف است . لشكر بلغاریا هزیمت خورده بطرف یسار ادریانوپل بفاصلهٔ چهار میل پس رفت وجوقت پیشانیان نهایت پی سروسامان بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 527 of 1786

درایام گذشته معاصرین بمقام قهره تاج قاض گذشته بودند اما بعد از یك جنگ سخت وخونریز راه فرار گرفتند — افواج سروبا وبلغاریا که بمقام ادریانوپل مقیم است دوازده هزار نفر آن کشته شده است .

(همعصر معزز پیشه اخبار در اشاعت ۹ جنوری)

رقمطراز است

الزام واقعهٔ کلوله بم برهیچ قوم نهاده نمی شود .

قول برن برشاه هسپانیه واعلیحضرت کلوله بم نموده شده بود بعد ازان واقعهٔ همین قسم بررئیس جمهور امریکا درپیش شد واکنون شنیده شده است که پرنس زاده جاپان باما کاتا حضرت زدلانه همین قسم کرده شده است امامه مرتکب جرم یك شخص بمنون وفاقد العقل تصور کرده نظر انداز کرده می شود درایران اکثر حوادث کلوله های بم واقع شده اند الغرض حادثه بم درممالك مشرق ومغرب سخن غیرمعمول نمیباشند . امابجون درهندوستان براین چنین امور بحث رانده می شود ملزم های واقعات از فرقه سیاسی خیال کرده می شوند . درممالك اروپ بلحاظ مذهب وقومیت هیچ کس متهم نمیکردد ودرهندوستان تحقیقات امورات مذکوره ازقومیت ومذهب شروع نموده می شود .

(اعتراف بهادران عثمانیه)

اخبار فرانسوی موسوم به جرنیل درچین مذاکرهٔ که درمابین عثمانیه وسربیادر منعقد واقع شده بود تحریر می کند — امروز آن روز است که پیش بهادری سپاهیان عثمانیه وشهامت دایرهٔ یادران افواج مذکوره که درمعرکهٔ گذشته اظهار آن نموده اند سرتسلیم خم کرده شود .

(عیناً مکتوب ازبادکوبه)

(اظهار تشکر)

جناب معارف پرور !

باکمال اعزاز واینشانه کی عرض میشود !

سابق درجریده ... اقبال ... منطبعه بادکوبه خوانده شد که درمملکت خداداد افغانستان : دربار السلطنه کابل بساپه توق آیه اعلیحضرت پادشاه معارف خواهان . روزنامهٔ ... جلد موسوم به (سراج الاخبار افغانیه) درتحت مدیریت جناب معارف مآب محترم (محمود طرزی) طبع وتوزیع میشود . به تصفح مطالعهٔ این خبر بحدی از مژدهٔ سرور وفرح حاصل کردیم . وبواسطهٔ این سراج منور قلوب پژمردهٔ ملت نجیب افغانیان رانتویر وبیك یك خدمت بزرك به امر معارف والسنایت ومطبوعات کرده میشود . فلهذا موسیو (فرات خانه نجات) من باب الاظهار ومباهات بهادارهٔ مبارکه شما سپاه اظهار داشته سرکار آن نیز بعض خدمت بمانع انسانیت وحریفیت را بکان من باب اعانه سالیانه ازبرای (فرات خانه نجات لنکران) روزنامه می فرستادید دراین باره موسیو فرات خانه باکمال احترام ازین مهربانی انسانیت رورانهٔ شما صمیم القلب کاماستان وتشکر وعبودیت دارند ازحضرت احدیت پاینده کی ادارهٔ مبارکه شما را مسئلت مینمایند .

مدیر : فرات خانه نجات ..

میرزا آقاعلی میرزا عزیز زاده علی اوف لنکرانی

مقالهٔ مخصوصه

فارسی زبانان قدر اخبارهای فارسی را بشناسند !

یکی اززبانهای بسیار مهمهٔ عالم اسلامی زبان شیرین بیان فارسی میباشد که بعد از زبان دینی عربی مبین بلندرکن بسیار عالی زبان اسلامیانرا تشکیل میدهد .

درین جا ما اززبانهای متداوله غرب بحث نمیرانیم . بلکه مقصدما اززبانهایست که درممالك شرقیه وبالخاصه زبانهای که درمیان مسلمانان متداول است . اولا لسان عربیست که ازساحل بحر محیط اتلانتیك یعنی ازانتهای مغرب زمین گرفته همه جنوب شمالی . وتابسیار جاها ازسمت شرق افریقا ، وهمهٔ قطعهٔ عربستان ، وارض فلسطین وسوریه ، وعراق ، وبحرین درزیر احاطهٔ این زبان میباشد ومتکلمین آن تقریباً چهل ملیون نفوس میرسد . ثانیاً زبان ترکی عثمانیست که بهمه مصر درحود ممالك عثمانیه است ولیکن من حیث الاساس ترکی بودنش درهمه ترکستان وماوراء النهر متداول است که متکلمین آن نیز تقریباً بیست ملیون تخمین میرسد . ثالثاً زبان فارسیست که درتمام قطعهٔ ایران وافغانستان ومن حیث السان اردو وداش درتمام ماوراء النهر وهندوستان معروف ومتداول میباشد که زبان دانان این زبان نیز یك جمع کثیری ازخود بشر میباشند . رابعاً زبان اردوست که منحصر درقطعهٔ وسیعهٔ هندستان است وتقریباً هفتاد هشتاد ملیون مسلمانان هندستان بهان زبان متکلم هستند .

حالا همین چهار زبانرا موضوع بحث نموده بعض نکات فکریه خودرا درانباب بیان مینمائیم : اولا این را عرض کنیم که زبان عربی که قرآن مجید وفرقان حمید حضرت خالق وحید جلت کلمته بهاین لسان مبین شرف نزول فرموده عندالمسلمین اقدس وافرض زبانها شمرده میشود . غیراز این شرافت وقدسیت معنوی دراصل ذات خود نیز لسان عربی بلندوسعت وقوت ومتانت عظیمی درقواعد وسلوب کلام دارد که درلغات بسیار کم معانی بسیاری را افاده وبیان میکند وهمین جهت اگرسراج زبانها شمرده میشود جادارد . وچون زبان دینی مسلمانها شمرده میشود ازاین سبب برای جمعهٔ مسلمانان روی زمین حکم زبان عمومی را دارد . مسلمان اگر ترکست اگر فرس اگر افغانست اگر هند اگر چین است اگر جاوا بهه جا میباید که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 528 of 1786

که قرآن کریم را تلاوت کنند؛ هیچ نباشد نام پیغمبر خود را بخوانند و بفهمند و قرائت کردن لازم است و لهذا در مدارس مسلمانان که خواهد در فارس باشد و خواهد در هر جای دیگر این زبان ممزوج بزبان عربی معروف تدریس میشود.

ازهمه مهمتر آنکه اساس دین و دولت جمیع مسلمانان که غیر از عربستان و عربستان هم باشند بزبان عربی بنیاد است. در ایران، ترکستان هندستان، افغانستان و غیره علمای دین اصول تحصیل علوم و لسان عربی منحصر است. مؤلفین فرموده اند و میفرمایند اکثر تالیفات و تصنیفات مهمهٔ علمیهٔ که تا حال در ممالک اسلامیه بزبان عربی نوشته اند در مملکت عربی با اصول تحصیل مدرسها و طلبها از قاعده الفبای بعدادی آغاز کرده بصرف و نحو و منطق و معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه و علوم بلاغیه، و منطق را تحصیل کرده، و بادبیات و علوم فلسفه و حدیث و تفسیر و غیره قطع مراتب آرزو کنند بازهم زبان عربی بادخواهند.

ازین هم محتاجتر آنکه چون دیگر زبانهای سه گانه یعنی ترکی عثمانی و فارسی و اردو نظر کنیم در وقت خواندن هیچ یک و سطر تحریر را بدون معاونت کلمات و لغات عربیه نمی یابیم. علی الخصوص تحریراتی که بادبیات، و حکمیات تعلق داشته باشد که آن چنان تحریر و تقریر بهیچ یک از آن زبانهای چارگانه که موضوع بحث ماست بدون استعمال کلمات و لغات عربی تحریر آن خارج از اقتدار تحریر است بنابرین معلوم میشود که زبان عربی بمنزلهٔ روح فعال زبانهای مسلمان میباشد.

اسباب یگانهٔ این عمومیت و شمولیت زبان عربی را دو چیز می یابم: یکی سبب معنوی دینی است که آنهم معجزهٔ قرآن عظیم الشان، دوم سبب مادی سیاسی است که در اسباب چیزی تفصیل دادن لازم است:

هنگامیکه ظهور آفتاب تابناک دین مبین مقدس اسلام بوجود رحمت آمود حضرت (محمد) علیه الصلوة والسلام از مشرق یثرب و مناطق در خشنده کی گرفت گذری نگذشته بود که اکثر اقطار عالم را پرتو آن نور بر درخشان منور ساخت. عساکر اسلامیه در هر مملکتی که در آمدند احکام دینیه و سیاسیه اسلامیه را بزبان عربی نشر دادند. فاتحان عرب در اصل و اساس خود بزبان زبان بلیغ و فصیح زمان بود که بیان بلاغت و فصاحت اصلیه بلاغت و فصاحت معجزه نمای فرقانیه بر علاوه شده بانوار ایمان زبان نیز تعمیر گردانست تا آنکه در زمان سلطنتهای امویون و عباسیون حاکم عثمانیهای ۰ قدر زبان عربی گردیده بود.

دولت عرب بر عباسیون در آفل به انجام رسید. اگرچه بعد از ان طوایف الملوکی ظهور آمده اکثر از مردمان از اولاد ناصر سلجوقیها، و خانهای آبها، و خانوبها و عثمانیها وغیره آل و ما هذا بظهور آمد. ولی حاکمیت زبان جانکاه، دومعنویات و دینیات بزبان عربی باقی ماند همچنان جهت سیاسیات آن زبان فارسی توارث و انتقال نمود.

[illegible] زبان عربی [illegible] دولت عرب بر ایران بازبان فارسی [illegible] و فصاحت و بلاغت عربی را بازاک و لطافت آمیخته فارسی تطبیق داده یک زبان بسیار سلاست و لطافت بظهور آوردند که آنرا [زبان دری] میگویند.

اصل زبان فارسی از تصنیفات ایرانیهای سلاله کاکائی میباشد که تفصیل آن در مقاله سابقه گذشته است. از اصل زبان فارسی قدیم چیزیکه الی یومنا خلاف رسیده است مکرر یک کتاب نامهٔ مذهبی آئین زردشتی زردشتی ایران که بنام [زند] یا [زندوستا] معروف است و زبان اصل فرس قدیم نوشته شده است، و بعد از چندی به [زبان پهلوی] ترجمه شده که آن ترجمه را [بازند] مینامند. اصل کتاب نامهٔ [زندوستا] از طرف اوروپائیان بطبع رسیده است. و زبان شان ترجمه شده است و از این سبب زبان قدیم ایرانرا [زند] نام نهاده اند از قرار تحقیقاتی که اوروپائیان در زبان زند بعمل آورده اند مشابهت آنرا از فارسی بیشتر بزبان سانسکریت یافته اند که از اینهم معلوم میشود که اقوام ایرانی از شعبهٔ آریائیهای هندوکش جدا شده در ایران قایم شده اند.

ما از زبانهای قدیمهٔ فرس که هیچ آثاری از آنها بدست نیست صرف نظر کرده بازهم بر زبان فارسی مذکوره که بعد از آمیزش با لسان عرب وجود گرفته، و بهر ایران از همه زبانهای کتابهای مشهوره در آن تحریر یافته بحث میدارم!

این زبان، بعد از انقراض دولت حکومت عرب در همه سلطنتهای طوایف الملوکی که از اقوام مختلفه در هر عصر طرف آسیا تشکیل یافته زبان رسمی حاکمه گردید. حکمرانهای سابوقه عراق و ایران و فرغانه همه مکالمات رسمی شان بهمین زبان دار و جاری بوده است. سامانیان خوارزم، غوریان این زبانرا خیلی ترقی داده اند در عصر پادشاهان گورکانیهٔ چغتائی زبان عمومی بسیار وسیعی بود که ادبیات آن از دوران عصر تیموریان بدیعاً نشان داده است زبان فارسی در هندستان از طرف پادشاهان چغتائیه وغیره تا پایان اعصار اخیره زبان رسمی و ادبی عمومی بوده در زمان رسمی آثار عدیدهٔ ادبیه و حکمیه بدیعی پدیدان نهاده است. در دولت علیه عثمانیه نیز بسیار وقتها زبان رسمی و ادبی مهمه آن زبان فارسی بود!

زیاده علیه گفته میشود که بعد از زبان عربی من زبان فارسی شیرین بلندگی بسیار مهم زبانهای عالم اسلام شمرده میشود ولی در وقت حاضر زبان رسمی دولت علیهٔ ایران و دولت علیه افغانستان زبان فارسی بوده بذکر طرفهای چهارگانه جهت ادبی آن فکر شمولی ندارد امید هم زبان ترکی عثمانی اولاً این را بگوئیم که این زبان چنانچه زبان فارسی از آمیزش زبان عربی یک حسن و لطافت کامله حاصل کرده است زبان عثمانی نیز از آمیزش و امتزاجش با زبان عربی و فارسی یک

شیرین وشیوه بسیار رنگین پیدا کرده که هیچ یک از زبان را چون لجه نمایوک همه آوا نمی دهد و یک حصه آرا فارسی و یکحصه آرا فرانسوی و یکحصه را آزادگی میدانم . ولی چون زبان عثمانی از بسیار وقتهاست که زبان کلمات بسیار بزرگ اسلامیان که مظاهر خلافت شمرده میشود و محترمترین دولتهای اسلامگذشته میشود میباشد از آنرو یکی از زبانهای بسیار مهم و عمده اسلامیاست وچون اهالی آن در مرکز مدنیت حاضره یعنی قطعهٔ اروپ واقع شده وعلوم وفنون جدیدهٔ را بیشتر احتیاج دیده از آنرو در تمام زبانهای موجودهٔ اسلامی بخصوص علوم وفنون جدیده تواناتر میباشد این قدر آثار و تألیفات علوم وفنون عصر حاضر که از زبانهای اجنبی بلسان عثمانی ترجمه و تألیف و طبع شده است نه در عربی و نه در فارسی و نه در اردو شده است :

بنابرین زبان عثمانی در میان زبانهای مسلمانان که در شکل احروفات الفبا باهم یکریک میباشد برای مسلمانان یک زبان لازم التحصیل عصر حاضر میباشد . زیرا علوم وفنون عصر حاضر برای مسلمانان شد لزوم را دارد . و برای تحصیل آن لابد به آموختن زبان بوریت حاصل میشود . وچون زبان عثمانی سبب یکانگی الفبا ، و آمیختگی آن با زبان فارسی و عربی نسبت بزبانهای اجنبی آسانتر تحصیل میشود از اردو زبان عثمانی در زبانهای مسلمانان زبان بسیار مهم و مفیدی میباشد

(زبان اردو) از یک زبان مهمیست که بسیاری از مسلمانان در یکقطعهٔ بسیار وسیعی با آن تکلم . این زبان نیز زبانیست که از ترکیب سانسکریت با عربی ، و فارسی در این اوقات بتاکید انگلیزی بوجود آمده است . زبان اردو در زمانه زبان عثمانی یک زبان وی میباشد ولی درجهٔ زبان عثمانی در علوم وفنون جدیده تواناتر نیست چرا که زبان مذکور یک زبان ملکی زبان محکوم است و زبان حاکم هندستان زبان انگلیزیست . تحصیل کسانیکه علوم وفنون جدیده بخواهند که زبان انگلیزی را تحصیل کنند . و زبان انگلیزی را تاکیا موزنده مالک میشوند و این لهذا بورثیت کلی برای تألیفات و ترجمتون جدیده دران دیده شده است . اما از بابت نظر بر ثروت وقدمات اردو زبان در باب اصلاح ، وخوبی وجامع العلوم ساختن از خیلی بعیدا و کوششها بعمل آورده زبان اردو نیز در وقت حاضر از زبانهای خوب ترقی شمرده میشود .

حالا بیائیم بر اصل مقصد خودمان که این مقاله را برای آن تحریر میکنیم ، و آن عبارت از اظهار یک اسف وحسرتیست که ما از سیم در حسرت مزلما برمیبرد ، چون زبان شیرین بیان فارسی را که زبان مادست و زبان رسمی دولت خنوعهٔ مقدسهٔ افغانستان است بدان بی بضاعه گی و بیسرمایه گی علوم وفنون عاصر عصر وزمان می بینیم از جوش حسرت یک نا امیدی غودانه در دل خود حس میکنیم این زبان که در یکوقتی در تمام قطعهٔ آسیا علم افراز جهانگیری بود در بسوقت می بینیم که روز بروز در تنزل وفراموشی بروان میشود . در حالیکه در یک زمانی از بهر گستگاه دربای سیر و قسطنطنیهٔ این زبان حکمرانی داشت در بسوقت نهادر خاک ایران وافغانستان حرمه یکنیم و آثار و تألیفاتی که از اسلافی ما خلاف باقیمانده از آنهای بیست که السنهای این زمان از ان استفاده نتوانند . در این باب دولت ایران خلت وکسانی که روانه اند شایان حیرت دیده میشود . یک اثر ، دو اثر ، بیست اثر چیزی نیست که در احتیاج ما باشد هزارها نوع اثر کار است . انگلو پیدیای یک مجلد متعدد کار است . کاید شمس اللغت وفرهنگ وغیره در بر نمیبرد . از دواوین اشعارهای مجرد کلیات ساده و بلند الطبای این عصر چه خواهد آموخت ! مجلهٔ تاریخ سیاسی و تاریخ حرب لازم است . یک درامهٔ دینی و تاریخی نیز نه یکی کار خواهد کرد و الخاصل این در دانرجان در دهان نیست که دوا پیدا شود . و این است که ما را بت حسرت و نا امیدی در طپیدن میشود . اما که میداند که استقبال چه خواهد کرد ! ...

(از مناظر باغ رگ مبارکه کابل)

سلایک قدیمی از عمدهٔ دشت ریمناطق ، وهیکل دوشیر مهابت گیز یکه (تصاویر این درقه را (۵) دراز دوان غلامان کابل میکویند)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 530 of 1786

ازهمه در گذشته، یکبار بسوی اخبارهای دنیا نظر کنیم :

اخبارهای کهدرین السنهٔ چاپکاه اثیر میشود درهمدان بصدها اخبارهای روزانه وهفتهوار درمعروض انتشار برای ارباب آن زبان میباشد حالآنکه درهمدنیا بغربت هفت اخبارهای که بزبان فارسی مانند ستاره های درخشانی که درپارک سپهر بسیار پراکنده‌اند ازمعنی گوشهها وکنارها دردرخشیدن ست دیگر هیچ اخباری نیز به این زبان پیدار نیست .

آه ! ... درخصوص بسیار گفتنیست ، ولی افسوس که طایب محدود ، وشهراه فرسوده است ، لهذا درهمین بالاختم مقالهٔ میمانیم که فارسی زبانان قدری چند اخبارهای فارسی خودشانرا بسیار بشناسند .

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(من)

(دکتور فوزی)

(دار)

(۱۰ ، از شمارهٔ ۹)

جرانهای استوائی ، که از ما فوق جرانهای قطبی یکسر بسوی قطبین جریان دارند در نصف کرهٔ شمالی (بادجنوب غربی) و در نصف کرهٔ جنوبی (باد شمال غربی) گفته میشود که در سمتهای منطقهٔ حاره بنام (ریاح تجارت ممکنه) تعبیر میشوند .

لا جرم در میان جرانهای قطبی واستوائی دائما بدینوجه یک مبادله واقع میشود اینست اسباب کلی تغیر وتبدیل جرانهای باد که از حرکت وضعیه کرهٔ ارض بعمل میآید ، اما جریان عمومی کرهٔ هوا را بعضی اسبابات دیگر نیز هست که غیر وتبدیل میدهد :

مثلا در منطقهٔ حاره جرانهای استوائی که بالای جرانهای قطبی در وزمین اندکاهی قبل از واصل شدن بمرجع شان در اثنای راه سردوکثیف گردیده با جرانهای قطبی مبارزه‌دارد، واین ازرش اکثر در ما بین خط استوا وقطبین بعمل میآید، بین جرانهای قطبی واستوائی فقط درمنطقه حاره بنام ریاح تجارت وریاح تجارت ممکنه موسوم میشوند ، ولی در مابین آن وخط استوا بسبب ازرش به اسم (ریاح هادئه) مسمی میشوند چونکه درین منطقهٔ ریاح هادئه گاه یکی وگاه دیگری برسطح کرهٔ ارض هبوزد ، وهانند ریاح تجارت بر یک نظام ویک نسق نمیتوزند چنانچه تفصیلاتش در ذیل منطقهٔ ریاح بیان میشود .

(منطقهٔ ریاح)

از حرکات مذکورهٔ کرهٔ هوا (۷) منطقهٔ ریاح تشکیل میکند

۱ اولی — (منطقهٔ سکونت) است ، که این منطقه مطابق منطقه ایست که حرارت در سطح استوائی خیلی زیاده باشد، درمنطقه بادی که انعرای حکم خودرا میکند همان جرانیست که از سبب حرارت منبسط گشته بسوی بالا صعود میکند، وبسبب صعودش ابخرات حین تکرده آنرا منطقهٔ سکوت گفته میشود ، این منطقه از یکدیم درجهٔ عرض جنوبی تا به (۱۱) درجهٔ عرض شمالی امتداد می یابد .

دوم وسوم — (دو منطقهٔ ریاح تجارت اند) که یکی در نصف کرهٔ شمالی ، ودیگری درنصف کرهٔ جنوبی واقع شده است که از منطقهٔ سکوت تا به (۳۰) درجهٔ عرض امتداد میکنند ، دراینجا بنا جرانهای قطبی حین میشود چونکه از سطح ارض

فاجعه های پاریس

[مابعد ازشمارهٔ [۹] سال دوم]

درباب عدوان ازدواج آشکار گردیده بیش ازپیش است بجای ازدواج ازاولیازیادتر غالب میباشم ، رجاءمیکنم دختر ! بصدازین درباب این چیزی مگو زیرا قراری که درباب داده‌ام غیرقابل تغیروتبدیل است .

فلوئید — (بکمال جرأت) آیا این را فراموش میکنید کهفردا بسن بلوغ واصل شده اثبات رشد میکنم ، و بناوران بر اراده و آزادی خود صاحب میشوم .

مارگی ، ازین درجهٔ جرأت وپیاکی دختر خود مبهوت مانده گفت — آیا این بی اطاعتی ومخالفت خواهی کرد ها ؟

— بلی ، بنهایمخالفت خواهم کرد پدر ! میدانید که قانون درین کار همچنین حکم داده است ،

— بلی حکم قانون رامیدانم ، لکن ایدختر عزیزم گمانمیکنم اصل زادهٔ تربیت واطاعت فرزندانه خودرا فراموش کرده وباز وجدانرا درزیر پای خود انداخته واحکام قانونیه را بتسخیر مقاومت برای خود ساخته بپدرخود اعلان عصیان ورزدتاچهال دیده نشده است ، آیا میدانی که این حرکتت تادرجه بی ادبانه ورذیلانه یک حرکتی خواهد بود ؟

— آیا چنان یک کاری که قانون آنرا جوازداده باشد چسان بی ادبانه شمرده میشود ؟

— یک قانونیکه شریک تهمت وجنایت عصیان وبی اطاعتی یک اولادی به پدرش گردد وبال کنندهٔ حقوق مقدسه است که بسیار بچیز شمرده میشود ، ای فلوئید ! من هیچ امید نمیکنم که تو در چنین کار جرأت بنوائی .

— اگرمرا پیور کنید جرأت خواهم کرد پدر ، رجا میکنم پدر ، ایشتان مرا مجبور بعمل نکنید بلکه بصورت طلب عاطفت بنگرید این است که پایهای تان میافتم مرحمت کنید ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 531 of 1786

قریب وزیدن دارد . ولی جریانهای استوائی مخصوص نمیشود چونکه در طبقه فوقانی وزش دارند .

سوم وچهارم — (دومنطقهٔ مداراند) که درمابین حدود تابستان وزمستان منطقه های رياح تجارت که در نصف کرهٔ جنوبی ونصف کرهٔ شمالی واقع اند موجود میباشند . در موسم تابستان رياح تجارت درین منطقه میوزد . ودر موسم زمستان رياح مختلفه درمنطقه اجرای حکم خودرا میکنند بناء علیه این منطقه برزخ است در میان رياح تجارت ورياح مخالفه .

ششم وهفتم — (دومنطقهٔ رياح مخالفه اند) که از حدود منطقهٔ مدار بقطبین امتداد میورزند . درین منطقه ها جریانهای قطبی واستوائی همیشه بدرجات میوزند .وچنانچه قبل ازین مذکور گردید که جریانهای استوائی کاهی در راه سرد وکثیف گردیده (جریانهای قطبی میامیزد وعمل این امیزش نیز همین منطقهٔ رياح مخالفه است . ودرین منطقه جریانهای استوائی که ازسمتهای فوقانی کرهٔ هوا نزول میکند به (باد غربی) وجریانهای قطبی که در زیر جریانهای استوائی میاید به (باد شرقی) تحویل میشوند . اما بسیار کم میوزد باد غربیست که در نصف کرهٔ شمالی به (بادجنوب غربی) ودر نصف کرهٔ جنوبی به (بادشمال غربی) تحول میکند . (باقی دارد)

ادبیات

(غزل)

ای هموطنان کوشش اخیار ببینید
ما عاقل وایشان همه عیار ببینید
یکبار بحرف من ودما کوش کنارید
از دیدهٔ عبرت همه یکبار ببینید
یکبار ازین غفلت خود چشم کشایید
ما خواب جهالی همه بیدار ببینید
اسلام چسان بود وچسانند زار بگریید
بسیار وکم این کم وبسیار ببینید
امروز کیانند وچسانند غیرت اسلام
ازبهر خدا غیرت کفار ببینید
ازبهر خدا یکنفس ازصدق بکوشید
تاغیرت این قوم ستمکار ببینید
در نار نهان بود ز اسلام نصاری
از نار برون آمده بگذار ببینید
درحلقهٔ ماجد بود حلقهٔ غیر
زین ننگ بیردو بان نار ببینید
بیتابه بگا بك همه را دست بکردن
چون چاره کوشید بناچار ببینید
غیرت فتاید که مشکل شود آسان
همت بگمارید چو دشوار ببینید
درد دل صدهزارهٔ مستعفی بیدل
اخبار نمودید و باخبار ببینید
گر درهی جان اسلام ندیدید
احوال من و طرهٔ دستار ببینید

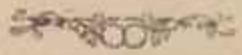

من قوت قوتان را دوست دارم . این علت ازسالهاست که زمام دل وحواسم مستولی میباشد . ازجهالم زیاده تر اورا دوست دارم . اگرزوجهٔ اوشود برای من سعادت میسر نمیشود . چرا نشود . اورا عرزندی قبول کنید .

— هیچ وقت قبول نخواهم کرد !

— رضایکنم . دل خودرا نرو کنید پدرم .

— ممکن نیست !

— پس خودتانهم تسلیم میکنید که اجرای کن شما بسیار بیرحمانه جرکن است . اگرمراجعتکاه آخری ندارد ست این قانون نبود آیا من چه میکردم !

— اگرجرأت وجسارت داشته باشی به آن قانون مراجعت کن که بینم .

— بیکنم میورم پدرم . دل خود حکم کرده نمیتوانم . اگرادنی امید بن میدهید بازهم میخواهم کرد . اما شما حاصل نشدن اقصد را قطعاً حکم میکنید .

— دوروغ نکویم . ازین هیچ امیدی در خصوص مکن !

— پس معلوم شد که آخرمن تنها همین است دکر کسی نماند .

— نی هنوز سرانجام تمام نشده . بشنوای اولاد کافر مست بحل قوت دوراندال را ازتو کرده زیاده من خوب میشناسم . اوبك آدمیست که برهرکونه شناعت وشقاوت مقتدراست . ازینکه تو زوجهٔ اوبینم بدن مرکب را اولیزمیدانم . اگرتو بالواز دواج کنی ازیك مصیبت بدیکرمصیبت ازیك غم بدیکرغم دوچار خواهی شد . ترا ازینی ناهنای مرداری دور دانه ازشناعت بسالت ازسفالت بشناعت وبدنامیها سوق خواهد کرد . توقوت قانون وخلاف رضای پدرخود بالو از دواج کرده خواهی توانست اما بخلق جان که باز برای رهانیدن توست معاونت خودرا دراز نخواهد کرد . وچنان هم آکاه باش که جان روزی که تو بمادهٔ قانون مراجعت کنی . ومأمورین قانونیه بخانهٔ من قدم بکذارند قوتیلد نام یك دختری دردنیا برای من موجود نخواهد بود .

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 532 of 1786

نامورانِ نابِ جهان

(مابقه از شمارهٔ (۹) سال دوم)

آثار ادبیهٔ بسیار شریفی نوشته که آثارش مطبوع بسیار محسن قبول گردیده است.

آنه :- که در زبان نصارا الف (حنا) ست و در حرف (ع) بیان میشود. باین نام در اوروپا پنج زنان مشهورهٔ گذشته که یکی از آنها دختر (الکسی کومنینوس) امپراطور روم است و در سنهٔ (۱۰۸۳م) تولد یافته ادبیه و محرر مملکتی بوده است و تاریخ عصر پدر خودرا نوشته که الیوم موجود میباشد. دیگر: دختر (لوئی یکم) و برادر (شارل هشتم) از پادشاهان فرانس است که در تاریخ ۱۴۶۲م تولد یافته و در هنگام صباوت برادر خود بصفت نایبهٔ حکومت مملکت را خوب اداره کرده است دیگر: دختر (فرانسوای دوم) که دوچار بربتانیا میباشد. و در سنهٔ ۱۴۷۶م تولد یافته. وچون به رشد رسیده پادشاه هشتم پادشاه فرانس ازدواج کرده سبب اطاق (بربتانیا) بفرانس شده است و در وقتیکه شوهرش بمحاربهٔ ایتالیا میرفت آنه را وکیلهٔ سلطنت مقرر نموده بود که مملکت را بسیار خوبی اداره کرده است. بعد ازوفات شارل با (لوئی دوازدهم) پادشاه فرانس ازدواج کرده. دیگر: دختر (لادیلاس ششم) پادشاه هنگاریستان است که در سنهٔ ۱۵۲۷ م تاج چیستان وهنگاریستانرا برای شوهر خود (فردیناند) اولتریش کابل کرده است و در جنگها بسیار حرباه گیها نشانداده است. دیگر: دختر (فلیپ سوم) پادشاه اسپانیاست که در تاریخ ۱۶۱۵ در فرانس با (لوئی هشتم) پادشاه فرانس ازدواج کرده است. دیگر: دختر (ژاق دوم) پادشاه انگلستان است که در سنهٔ ۱۶۶۴ تولد یافته و در سنهٔ ۱۶۸۴ با (پرنس جورج) پادشاه دانمارک از دواج کرده. بعد ازوفات (گیوم) پادشاه انگلستان از طرف انگلزها ازدانمارک دعوت شده در سنه ۱۷۰۲ برتخت پادشاهی انگلستان جلوس نموده است. در زمان سلطنتی خود سعادت عظیمه برای دولت انگلیس پیش آمده. دور حکومتش را یک دورهٔ بی اندازهٔ حاصل شده. و در معاهدهٔ (اوترخت) رهنهٔ دولتیها خود خودرا اخاذ کرده است یکی از کارهای بزرگ این ملکه اینست که (اسکوچیا) را با انگلستان ضامیا یکی ساخته است. ادبیات انگلیز در زمان ملکه آنه خیلی ترقی کرده است. دیگر: ملکهٔ روس دآنه ایوانوونه. میباشد که در سنهٔ ۱۷۳۰ بتاریخ پنجوی دوم برتخت روس جلوس نموده. و امور دولت راه (از ان دوبرن) نام یکی از مقربین خود تسلیم کرده باوجودیکه ملکه خیلی مرحمتکار بلندی بوده و برون مذکور نابابواع ظالمانه در ملک اجرا کرده است. (باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابقه از شمارهٔ (۹) سال دوم)

عملیات را بنهایت خود بتواند که اجرا کند در روزی از دو قطعه کاغذ زیادتر ساخته نتواند. »

(آدام اسمیت) که او از از متاخرین است چنین میگوید: «در یک فابریک سوزنسازی دهفر کار یکر همدرفع عملیات اجرا کرده در یک روز چهارده هشت هزار سوزن ساخته میتوانند. که رهر آدم چهار هزار سوزن میشود. و اگر هر این عملیات را تنها یک آدم اجرا کند بسیار دشواری بیست سوزن هر روز وجود آورده نتواند. »

« آدام اسمیت » این فوائد عمدهٔ قاعدهٔ تقسیم اعمال را در سبب حل میکند: اولاً. کارگران که بواسطهٔ تقسیم اعمال کار کنند. بسبب که کارشان و آلات و ادوات شان. و جای و موضع شان تبدیل نمی یابد و دست شان و فکر شان بسان یک کار عادت و مهارت پیدا میکنند. ثانیاً. در یک عمل باقی عامده وقت و زمان ضایع نمیشود. ثالثاً. دست و ذهن انسان. با اختیار دسیاق و یک طرز یک کار و یک عمل مشغول گشته چشم و شیده هر همان کار را اجرا کرده میتواند. رابعاً. تقسیم اعمال سبب کشف و اختراع بعضی کارهای آسان و کوتاه میشود. زیرا که کارگر یکه در یک وقت و زمان خود را بیک کار صرف و حصر میکند. و از او و هیچ شبهه نیست که دایما از جستجوی پیدا کردن وسیله‌های که آن کار او را آسان و چابک سازد هیچگاه فارغ نمیشود. بواقعیکه اکثر آلات و یعنی ماشینها از این چیزهایست که عملهای دقیق و بعضی آرا اختراع کرده‌اند. بر سبب دو سبب دیگر نیز علاوه کرده. داده که در تقسیم اعمال برای کار گرفتن از قابلیت واستعداد هر یک کارگران موجب آسانی دا میشود. و نیز برای تطبیق دادن قوت وسعی که صرف میشود بحاصل تنبیه و ثروة کار یکه آن قوت بران صرف شده رهنمایی میکند. مثلاً در فابریکهای سیاق سازی. متکلمترین کارها بماهر ترین عمله و کارگران محول میشود. و سیاق هارا بروی کاغذها خلاندن. و صنعت که آسانترین کارهاست بزنان و پسران جوان الهمیشود که با این صورت از قابلیت واستعداد [illegible] ود. اگر همه این کارها بخلاف قاعدهٔ تقسیم اعمال اجرا و بیک آدم بارشود این صاحب مهارت و قابلیت کارهای مهم و عمده. بدون میکرده کارهای آسان را هم اجرا کند. و اگر مهارت و قابلیت نداشته باشد بااجرای

[باقی دارد]

همه مقاله هائیکه منتظر نشر دارد از طرف مدیر و سر محرر محترم یافته

محمود طرزی

در چاپخانه خانه حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 533 of 1786

هفته (۱) سال دوم شماره (۱۱)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

زبان
ایدیک آفیسی ملکی حضور اعلیحضرت هزاوی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنة کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پنجشنبه روز یکبار نشر میشود

مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنة (کابل)
جمیع امورات تحریریه به ادارهخانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن درکابل یکعبای است

تاریخ هجری ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۲ فروری تاریخ شمسی ٤ حوت ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وسی مقالات مفیده درج میشود

خروج شوکت خروج موکب سامی حضرت سراج الملة والدین
با شوکت وهیبت عسکری از دروازهٔ بزرگ ارگ مبارک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 534 of 1786

فهرست مندرجات

عسکر پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی	مقالات فنیه
حوادث داخلیه	ادبیات
حوادث خارجیه	مأموران زنان جهان
باب التفسیر	عز ثروت ملل
	قاجعه‌های پاریس

(عسکر پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی)

درین شمارهٔ خود به طبع و نشر چند قطعه وضعیتهای عسکری ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم ، و سرافسر گی اردوهای ظفر پرچم خودمان کامیاب آمده ایم .

خلاق عظیم الشان زمان و زمین چنانچه ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه محبوب القلوب عدالت آئین مارا به انواع صفات عالی که پادشاه هارا لازم است تزئین ذات‌وصفات داده ، همچنان فطرتاً بصفت جلیلهٔ عسکر وعسکر پروری نیز مفطور ساخته است . وچنانچه والد ماجد خلد آرامگاه شان ذات اعلیحضرت خاقان مغفور ، تا ازمان طفولیت به امور عسکری وملکی مأمور وموظف بوده اکثر عمر گرانمایه را پرهشت گیت شجاعت ، وسیر وسفر شهامت به امور سلطنت بسر آورده اند همچنان خود ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس حایز تا از ایام سن صباوت شاهانهٔ شان به امور مملکتداری عی‌الخصوص برتنظام امور نظامی‌صنف عسکری‌ازطرف اعلیحضرت خاقان مغفور به سر افسری عمومی مقرر ومأمور فرموده شده اند . وازازمان تابه‌این آوان چنان ترقیهای نمایان ، وموفقیتهای درخشان درنظم عسکری دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما اعضا نشان ظاهر وعیان گردیده که درزمانهای سابقه دیده نشده بود .

همه تشکیلات ، وانتظامات اردوهای عسکریهٔ افغانستان درعصر توقیعصر اعلیحضرت(سراج الملة والدین) بروی کار آمده است . ما از اصول وقواعد تشکیلات وترتیبات اردوهای منصورهٔ خود بحث راقدرا مناسب نمی بینم : زیرا آن یک چیزیست که به اسرار عسکری تعلق دارد . ولی اینقدر گفته میتوانم که ذات اعلیحضرت پادشاه جسور غیور امور آگاه وطن پناه‌ما یک نظر توجه خاص همایونی را درامورعسکری صرف میفرمایند که از فیوضات آن توجهات عسکری صفات شاهانه ، اردوهای عسکری دولت قویشوکت افغانیه درتعلیم وتربیه ، ونظم ونسق ، ولباس وسلاح ، وهمه لوازمات عسکریه هیچگاه به عساکر ده سال سابق آن مشابهت نمیرساند .

ذات اعلیحضرت قوماندان اعظم وپادشاه پرشوکت وحشم ما به حرکت وسفر یک میل وذوق طبیعی دارند که اکثر زحمات ومشقات سفررا برراحت گزینی عطالت حضرترجیح میدهند . همهٔ سالک شاهانهٔ شانرا دوروسیاحت فرموده اند هیچ کهسار وانهار ممالک شاهانهٔ شان نباشد که پران عزم آوری نفرموده باشند . مثلا درهرسال تخریباً سه چهار ماه آن‌را بسفرجلال آباد بسری آورند که ازانجا بزمه ساله کهسارها ووادیهای اطراف واکناف ولایت سمت مشرقی ممالک شاهانه را گشت وگذار میفرمایند که ازان جمله شکارهای (درهٔ نور) ، و(درهٔ وایکل) و(پرباله) ، وغیره میباشد .

ازقراریک خود این محرر احقر باعتباربرآورد درسنوات سابقه یک دوبار بهمرکابی شاهانه به این شکارگاههای همایون‌بابل‌وسر فراز بوده وبچشم خود دیده ام این شکارهارا عبارت ازیکنیک (مانوره) (٥) یعنی قواعد های جنگی عسکری یافته ام . ودرمانوره ها نیزآنرا یک اصول نواینجاد بسیارعجیبی دیده ام .

اولا این راگویم که عسکرمیهن افغانستان ملت افغانستانست که همه شان مسلح ونشان انداز وجنگجو وتوانا یک عسکر دلاوری میباشند . ذات اعلیحضرت پادشاهی درسال دوسه بار درجهات مختلفه بعضی شکارهای ترتیب میفرمایند که حقیقتاً شایان تماشا ، ودرحقیقت یک مانورهٔ عسکریهٔ هیئت‌های شمرده میشود . مثلا یک مسافهٔ بزرگی‌را که ازاول نقشه شده میباشد دردایرهٔ احاطهٔ حرکات قرار داده اهالیٔ همهٔ آن نواحی را که دست شان سلاح گرفته میتواند بقرار امر وسررشتهٔ مخصوصه جمع آوری میشوند . چندیک طاور یعنی‌یک‌کندک عساکرنظامی بسیار مجرب خاصه بهمراه افسران کارشناس راهالیٔ جمع آمده که تعداد آنها به سه چار هزارنفوس میرسد تقریق وتقسیم میباید . حرکات عمومی از طرف هیئت ارکان حربیهٔ معیت خود ذات اعلیحضرت شاهانه اداره میشود که درین شمارهٔ مابصور۳ و٤مطرحهٔ بعضی تعلیماتی را نشان میدهد که ذات اعلیحضرت پادشاهی به ارکان معین‌شاهانهٔ شان عطا میفرمایند .

این یک‌کندک عسکرنظامی تعلیم دیده بصورتی درمیان این سه چهار هزارمردم دهاتی تقریق وتقسیم میشود که هرمانده یعنی هر یک یک بلوک ازاهالی را بموجب تعلیماتی که دست دارند بحرکات نظامی خود پروساخته از روی نقشه وپلان ضبط واستیلای نقاط لازمهٔ که ازطرف کوماندانها نشان داده میشود سوق میشوند . وهمانقدر مسافهٔ که دارالحرکات انداز شده است از هرهر طرف در زیر انحصاروفشار حرکات عسکریه گرفته شده دروه های کوهها ، دامنهای تپه ها کنارهای وادیها بامیلاب انسانها یک جوش وحرکت می‌آید .

(٥) مانوره قواعدهای جنگی بزرگ عسکری را میگویند که دوزیر عنوان (عالم عسکری) انشاءالله ازان متعلا بحث رانده میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 535 of 1786

مدت یکهفته یا بیشتر وکشتی که درینگونه (مانوره) هایشان دیگر شکارها بسر آورده میشود به بینید که چه ثمره ها وفایده ها تربیه می بخشد ؛ اولا یکمقدار بزرگی از اهالی بحرکات عسکریه که بنوبهٔ محاربه است عادت کرده اصول فن محاربه های کوهی را بواسطهٔ مساکر نظامیه معلم می آموزند . ثانیاً عسکر با اهالی واهالی باعسکر تماس یافته بك محبت ویکجهتی حرکات درمیان شان پیدا میشود که دروقتهای محاربه فواید عظیمهٔ آن برای افغانستان خیلی شایان اهمیت است . ثالثاً این یکنوع مانوره ایست که بمقدار کمی از عسکر نظامی مقدار بسیاری ازنفریهای دهقی را براصول نظام مطابق بحرکت آورده قواعد جنگ رامی آموزاند . راساً درهرطرفیکه این مانوره ها اجرامی یابد راهالی آنطرف یك عید پرسروری میباشد ویك جشن شاهانه برپا میگردد . موزیکهای عسکری بادهل سرناهای ملی هرآواز شنیده قریه ها وقصبه های آن اطراف رابیك جوش خروش فرحت وسروری می اندازد . اهالی آنسمت ازدن وصد . ویر وزنامنتظر دیدار سعادت آثارمطبوع ومقدس خود میگردند . اردوی ظفرنمود همایونی دریك موقع مناسبی رفع خیام پراحتشام مینماید . اهالی بایرقهای رنگارنگ وسازهای میدهٔ خوش آهنگ شان صف بستهٔ احترام میشوند . سواری ذات اعلیحضرت پادشاهی بشوکت وشکوه تمام می آید . ذات اعلیحضرت بایك دونفر ازحمیت شاهانه برصنوف اهالی اسپ می تازد . یکان یکان را دلجوئی وخاطر نوازی فرموده از مشاهدهٔ دیدار همایونی بهره ور وکامیاب میسازند . عساکرنظامی بطرز وترتیب مخصوصی دراهالی تقسیم شده بحرکات آغاز میشود . زنان وطفلان پیران شان از بامهای ده ها به آواز های شا باشها ، وتحسینها آنهارا تشجیع وتحریك میکنند . یك مسافهٔ بزرگی را بطرف یکنیمه روز مانند یك زنجیری احاطه میکنند . درین محیط هراندازه کبك یاآهو وغیره حیواناتی که موجود باشند راه فرار را نیافته در درههاووادیها فرو می آیند . نشان اندازان معیت شاهانه فرقه فرقه شده درنقطه های معینی که از روی نقشه ویلان مقرر شده اند منتظری نشینند . دروقت معین یك بناقی بزرگی که مانند یك طوپ جبهی فریاد میکند آتش داده میشود . از هرهرطرف به هجوم آغاز میشود . از در وه های کوهها بانعرهها ، ودهلها وآتش افروختنها ، وسنگ غلطانیدنها حیوانات محصور مانده را درتنگه ها ودره هائیکه شکار بان درآن به نقاط معینه متفرق شده اند بطرف آمدن مجبور میسازند . بازنها مرغان شکاری را مانند باز وشاهین وغیره را از دروه های کوهها پرواکرده کبك وسیسی وغیره پرندگان را بگذارند که از اسلحه پرانند . وبه اینصورت یك شکار بسیار وافری فراهم می آید . وما نورهٔ حرکات عسکریه ی میوهٔ مانده گی هم نمیاند .

والحاصل اینچند روزی که درین مانوره های عسکری بشاهی شکار افکنی میگذرد جنان لذت آور وجنان فرحت پرور روز هائیست که بسی فوائد مادی ومعنوی دران مندرج است . علی الخصوص دروقت انجام کار که ذات اعلیحضرت پادشاه کرم گستر سیما شمار مقدس ماریك موقع مرتفعی آرام گزین جود وعطامیکردند . وهمهٔ اهالی که بحرکات عسکری اشتراك ورزیده اند بحضور همایونی صف بستهٔ احترام میشوند . وزنان وطفلان وپیران شان جداگانه صف کشیده بترتیب می نشینند . حتی دربعضی موقعها که طایفهٔ هندوهای رعایای صادقهٔ شاهانه سکنا پذیر بوده اند زنان ومردان وطفلان آنهارا نیزشامل عواطف شاهانه دیدهام .

بعد ازانکه همکان ترتیب یافته حضرگشتند اعلیحضرت پادشاه رعیت پرور فطرتاً عسکر عواطف گستر مانند کنیهٔ جود وعطایای شاهانه را بازفرموده فرا خوراحوال هرکس زرودینار بسیاری بپرسش وانعام میفرمایند . وتقسیم وتوزیع این بخشش وانعام شاهانه بیك ترتیب وانتظام بسیار سا کتانهٔ بحضور اعلیحضرت شاهانه اجرامی یابد . بعد ازانکه انهم شد محمنها ، وجایزهای مخصوصی مقرر شده ارامی ومزروعاتی که اکراحیاناً در تحرکات عسکریه پامال وتلف شده باشد تخمین وتخمیز نموده میشود . وحق آن یا از مالیهٔ شان بصورت تخفیف دادن ، یانقداً تسویه کردن رأیده وتطمین کرده میشود .

بعد از انجام اینهمه کارها عودت فرمودن شاهانه بوقوع می آید . درین اثنا ازهمهٔ صنوف اهالی یك غریوی میرآید . صدای [زنده باد پادشاه ما] ازبیر ورنا وزن وبچه ها وحتی عساکرنظم هیادر فضای بالا انقدر رفع بارگاه گبریا میشود که اگر ارواح قدسیان عالم بالانیز آمین خوان این دعای به اجابت منتهی کردند هیچ شبههٔ نداریم .

ما این بیانات اخطرانهٔ خودرا بنابر مشهودانیکه دوسه سال قبل ازین برأی العین مشاهده کرده ایم ، ودرینوقت هراندازه که بخاطر آورده توانسته ایم بمناسبت امساله تشریح فرمان موکب همایونی به (درهٔ نور) درج صفحات غروسرور نمودیم که الشاءالله بعد ازانکه کیفیت این سفر خیریت اثر همایونی از طرف جناب نگران ما ایشیك آقاسی صاحب ملکی حضور همایونی رسید درج ستون افتخار خواهیم نمود . حالاردعای خال از برای عمر واقبال وشوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه مراحم آمال عسکر ورعیت پرور ، وشهریار مکارم خصال ترقی وعدالت گسترمقدس خودمان ختم طلاء صداقت مینمائیم .

(منظومه)

(ازایاد گارهای (درهٔ پرنیان) سنه ۱۳۲۹)

پیش ازین شاعران خوش اقوال
چون نمودندی بحق از احوال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 536 of 1786

بس مضامین عالی شیرین
بهر هر قافیه مطلبی بس رنگین
هر چه مطلبی مبالغه مطلبی
هر چه سخنی مکرر هم سخنی
من عاجز مسکین نظم و نثر مرا
قدرو قیمت نباشدش بر جا
ساده مکتوبم سخن ولی بی کار
هر چه دیدم همان کنم اظهار
نیست مضمون بمکرو شیرینم
نی عبارات نغز و رنگینم
نظم و نثری که میکنم تحریر
عالی ز اغراق و ساده چون تصویر
هر چه دیدم عیان همان گویم
نه دروغی به رایگان مکنویم
آنچه دیدم بوقت حضرت شاه
میکنم وصف تا شوی آگاه
باغ و شهر و عمارات است چند
روح آسایشه بزرگی خرد
خرد و عقل و دانش و هم دین
هست نور (سراج ملت و دین)
شد حبیب خدا و ظل آله
هست محبوب جمله خلق الله
عدل او تازه ساخت ملک را
مکرمش شست نام حاتم را
رزم و بزمش چو نارو نور بود
رزم نار است و بزه نور بود
قهر و رحمش بود چو آتش و آب
لیک رحمش ظهر غالب یاب
قهر او میکند ادب را رام
رحم او زنده کی دهد به انام
عرصاتش اگر کنم تحریر میشود نطق و سمع تحریر
در سخا و کرم چه پیش و چه کم دهر و فضه مقلد و مالدرم
بخش و احسان نموده بر همه کس کرمش او بوخلق چون کدم
پیر و طفل و شباب و مرد و زن صف کشیده بپیش شاه زمن
او نشسته بتخت لطف و کرم کرده شادان یکان یکان بدرم
من بجان بنده صفات او
من بدل داعی حیات او

حوادث داخلیه

جناب حق و یاس مطلق تعالی شانه عروسهٔ شاهنامه را از آفات و بلیات ارضی و سماوی محفوظ و در امان دارد. اول سعد تنه شب بیستم ماه صفر بساعت (۹) از شب یک آتش خانمانسوز بسیار مدهشی در بازار (شاه سازی مدهش) شعله افروزی جهنم آسایی گرفته قدر (۲۳) دکان و [۱] اصطبل و [٤] درشته خانه . و [٤٢] حجره از کاروانسرای ناظر خیر اقتراضهٔ آتش بی امان نموده است .

بازار مذکور در یک موقع بسیار مهم شهر خرزما واقعست که از یکطرف بازار [بالاچوك] و بازار [چنه] مربوط میباشد و از یکطرف بازار [مدهش] که یک دایرهٔ بسیار وسیع غله وار زاق فروشی و انواع حیوانات و میوه کاری و غیره اشیاین که همیشه محتاج الیه میباشد در آن خرید و فروخت میشود متصل است طبقهٔ بالای آن عبارت از دکانهای تجارهایست که شانه میسازند . طبقهٔ بالای آن را کاروانسرای معروف که به (سرای ناظر خیراته) مشهور است تشکیل داده است سرای مذکور عبارت از پنج شش پوشته یک بنائیست که چوبکاری بسیاری دارد . دکانهای زیر آن نیز همه شانه سازی بود که از چوب و رنگ فروشی میباشد . از همه بدتر اینکه سرای مذکور بر بازار زرنگار چه که همه پوش آن سراسر از چوبست اشتعال دارد . و خانه های بهر پوست از چوبکاری علوی شهر نیز در همین اطراف است . پس چون این چنین موقع بسیار نازك و چوبه شهر و آتش افروختگی را از زیر نظر دقت بیدار بفضل الهی را شامل حال . و سعی و کوشش مامورین حکومت را شایان تحسین می یابم .

از قرار اظهارات موثوقهٔ رسمی که بدست آورده ایم آتش ابتدا از دکان عبدالله نامشانساز که در سرای مذکور بود آغاز گردیده بالا و اطراف سرایت کرده است . فوراً تلفن امین النفس محمد قاسم خان و عبدالعزیز خان . و برگ غلام حیدر خان برگ غدگوتوالی . و گزیل پادشاه خان و دیگر مصدران نظامی قند مذکور با فوجهای نظامی آن . و عبدالله خان مامور صفایی و نفرهای صفایی و گوتوالی بهمراه بدهای گوتوالی و بدهای ارگ بمبار که در موقع حریق رسیده . و در اول امر علاقه محل حریق را از اطراف قلع نموده بقوت بدها وسی و هشت اطفائیان در طرف سه چهار ساعت آتش مهیب را بیوب را خاموش نمودند . و نهایکه سرایت آتش بدیگر اطراف مندفع گردید . اما اطفای همه آتش که در زیر خاکها و آوارها مانده بود تا بساعت یازده و نیم روز دیگر میسر گردید . از قرار را پوت دایرهٔ گوتوالی قیمت همهٔ امانات و سایمان مالی معیت دوکان این حریق دهشت طریق تقریباً بلغ شصت و سه هزار روپیهٔ قابل میباشد .

والحاصل این بلیه عظمای آتش دهشت اشتعال فضل و عنایت باریتعالی و توجهات مراحم آیات پادشاه مقدس ما . و سعی و کوشش مامورین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 537 of 1786

وعساکر شاهانه عجلی وتعمیل تمام بحاصل وقضیه درست عمل گردید . از قرار مسموعان که شنیده‌ایم جناب آقای حکومت‌مآب مکرمت‌مآبی الحراق که درمزاج عالی‌شان مارش شده بود بشعبه اگرچه درموقع حریق حاضر شده نتوانسته ولی از آغاز تا پایان بواسطهٔ تلفون اوامر مهمه فرموده باخری تمام بکار برده‌اند .

درخاتمه دو کلمه عرض کردن میخواهیم : این یک معلوم عموم است که انسانها اشرف واکرم مخلوقات ذات اقدس خلاق کائنات است این اشرفیت واکرمیت نوع بشر انسان را سزاوار بسیار است که مهمترین آنها وجدان وحس شفقت و معاونت بنوعی اوست باهمدیگر شان .

چندروز مضی یک حالیست که یک تاجر مالدار یا یک کاسب صنعتکار ، یک بازرگان دکاندار ، یا یک عمارت‌دار خانه دار ، در حالیکه پیش ازیک روز مالدار ، باکسب وکار ذی ثروت وبسار بود دفعةً یک شرر آتش آنهار ا باخاک

از مناظر مأوره های عسکری

مرور شوکتموفور ذات اقدس اعلیحضرت پادشاهی از مواضع عساکر ظفر مآثر شاهانه

یکسان ، وازهرهٔ ثروت وسامان ، وخانه ودکان ، در حسرت وحرمان میگذارد ، ودر حالیکه خودشان بفرط صدمه احسان میکردند بیکباب نانی ، ویک خانه خوان محتاج وحیران میشوند این است که درچنین وقتها حسیات انسانیت وشفقت ومعاونت بنوعی انسانی بجوش آمده آن فلاکت زدگان بی‌سروسامانرا مدد میرسانند ، وبالجمله آنها بطریق [الجود بالوجود] صرف همت مینمایند . این حس مخصوص انسانهاست . دیگر حیوانات ازین حس مقدس محروم‌اند . لهذا بگانه مذیت نزهمین حس شریفست . علی الخصوص که دین مبین اسلام شفقت وایثار راشرط اهم امهات اسلامیه نهاده‌است .

بناء علیه اگرهمشهریان محترم ازیکدانه دروبه هرکس بقدروسع وسماحت خود بتالمهٔ بازگشته درانعاندنی هرچقدر بتوانیم جمع آوری کرده‌میتوانند که بعضی ازاحتیاجات حالیان سوختگانرا آسانی بخشند ، واگرهمهٔ آن مبلغ جمع نشده را تمارک کرده‌نتوانند نصف یاثلث آن نیزمدار آسانی بعضی احتیاجات آن مصیبت رسیدگان میشود که باین عمل نمدحس انسانیت وایثار وشفقت حاصل آمده ثواب دنیا وآخرت حاصل میشود . والله موفق بالخیر والصواب .

اشریف فرمای موکب همایونی

بدرهٔ نور

دربیان از جناب سرکردگان خودمان هیچگونه حوادث ومعلوماتی از جلال آباد نگرفته‌ایم . امابازقرار اشعارات خصوصیه که حاصل کرده‌ایم یوم دو شنبه ۱۹ صفر الظفر ذات قدسیت سمات اعلیحضرت همایونی پشوکت وحشمت تمام بسمت جلال (درهٔ نور) که مسافهٔ [۷۵] کروه از جلال آباد بسوی شمال شرق واقعست زهرواجلال گردیدند . شب را درمنزل [شیوه] که درکنار نهر [کنر] واقعست بسر آورده یوم سه‌شنبه ۲۰ صفر بدرهٔ نور] مواصلت فرمودند . وبضدر روز دران اطراف مانده پس بجلال آباد مراجعت شاهانه بوقوع خواهد آمد .

از درگاه الهی صحت وعافیت وشوکت وسعادت را همرکاب جلالت انتساب پادشاه حقایق آگاه مقدس محبوب القلوب خود عاجزانه نیاز میکنیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 538 of 1786

(کیفیت جشن تولدی شهزادهٔ جوانبخت)

(معظم‌جناب‌معین‌السلطنه)

(سردار عنایت‌الله خان)

از قرار استخباراتِ خصوصیهٔ که حاصلکرده ایم شب چهار شنبه که لیلهٔ ١٤ شهر صفر اظفر سنهٔ ١٣٣١ بود لیلهٔ ولادت پر سعادت شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیهٔ شوکت افغانستان جناب (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) کامگار فرزند دلبند ا کبر وارشد ذات قدسیت صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین خلد الله ملکه میباشند مصادف بوده بارادهٔ وفرمان مرحمت‌رسان اعلیحضرت شاهانه در (باغ‌شاهی) بنای جشن‌بسیار با شکوه‌وسروری ترتیب وتنظیم یافته است .

بساعت‌هفت شب‌همه‌معززین اهل‌دربار معالی بار ، ومعززین اطراف ازعلماء وادبا،وصاحبان امکان‌وخوانین وملکان درباغ شاهی بواسطهٔ

(ازمناظرمأموره های عسکری)

﴿ ذات اعلیحضرت پادشاهی به نائب سالارحضور سردار محمدنادرخان نقشه وپلان حرکات عسکریه راعطامیفرمایند ﴾

﴿ بطرف راست‌هاوی‌به ازنائب‌سالارحضورشاه ولی خان رکاب باقی بعداز،فرمودهان خان امیرو بطرف‌چپ هاوی اینبنه آقای‌ملکی‌حضور ﴾

(علی احمدخان دومنط شهزادهٔ معظم سردار عنایت‌الله‌خان معین‌السلطنه — درپیلوی شاه اعلیحضرت غازی‌امیرامیرو منتظراوامرشاهانه میباشند)

اینبنهٔ آقای صاحب ملکی جناب‌علی‌احمدخان بنیاد اراده وفرمان اعلیحضرت‌پادشاه‌عزیزالاحسان‌در چوبزهٔ خاص بارحضور هاوی را بلقه به انواع لطفات ومواظبات شاهانه نایل وسرافراز شدند .

اعلیحضرت هاوی مد ظله العالی زبان مرحمت ترجمان چنین کرامت عام فرمودند که : (سراج العماره) هوز چنانچه‌شاید وباید بدرجهٔ ترمیده که ما وتمام لشری معززین در یک مجلس نشسته جشن رامیگذرانیدیم . درینجا بنابر عدم گنجایش موضع بعضی در چوبزهٔ خاص ، وبعضی در زیدهٔ خانهٔ خاص عمارت شاهی این جشن را بمدت‌دوحوتی‌بسری آوردیم ، جناب عالی نائب السلطنه صاحب افهیم از طرف خود وحاضرین دعای ترقی عمر واقبال شاهانه را بانهار کاری این جشن سعید بیان فرمودند . ذات مقدس اعلیحضرت نیز تکرمه نموده مبارکباد فرمودند . جناب شهزادهٔ معظم به قدمبوسی والد ماجد مقدس اعظم خود به پادای تکرمه مبارکباد شان آداب تعظیم راتجا آوردند . وذات قدسی صفات اعلیحضرت بدیده رحمی فرقالعین شاهانهٔ شان خورسندیها فرمودند .

بعد ازان ذات‌اعلیحضرت‌شهریار گردون‌وقار وشهزادگان عظام والاتبار ، ومصاحبان ومعززین اهل میز حضور صباحم نثار در دایرهٔ جهة شرقی عمارت شاهی شوکت آثار تشریف سعادت ردیف هاوی را ارزانی فرمودند . وباقی معززین درباغ معالی بار در چوبزهٔ خاص آرام ور قرار مانده جشن مسرت وسرور تزیا گردید . از انجا که مراحم اعلیحضرت‌هاوی در بارهٔ همه رعایا ورایا وخدام صداقت التیام شان یکسانست محضی برای دلجوئی دوات کرامی که در چوبزهٔ خاص‌وجودذات عالی شهزادهٔ معظم‌معین‌السلطنه صاحب را فرستاده،بوقت طعام در میانس عالی‌مذکور بودند ، وحاضرین‌رابه انواع‌لطفات وعنایات عالی شان نوازش فرمودند وهر چه گفتنبودند در موضوع فواید اتفاق واتحاد وهمدردی توعی وعلی‌الخصوص از نتیجه‌های پر خیر وصواب امن و آسایش عمومی که‌محض به اطاعت رعیت به پادشاه که ظل آلهوخیرخواه خلق الله است بیانها فرمودند ، ودر دعای سلامتی ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه عدالت آگاه‌خودشان عموماً رطب اللسان گردیدند .

چایها ، میوها طعامها ، شیرینیها سازها ، سرودها مبذول ورایگان بود . بالجمله ساعت دو از شب مذکور به انواع فرحت وسرور ، وانوان نعمت جرعت موفور بدر آمده لیلهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 539 of 1786

جشن پر سعادت پیتام انجامید .

(سراج الاخبار افغانیه) باقام نیر وسرور این لیلهٔ جشن پر حبور را که عبارت از قدم نهادن عمر شریف شهزادهٔ عرفان وسادهٔ جوانخت معظم دولت متبوعهٔ ماست بمرحلهٔ بیست وچهارمین سال در خدمه قال شان الرصیع قلبوجهه حوالس تبریك میگوید . وطول عمر ، واقبال سعادت آثار عالی شانرا از درگاه خالق یگانه خواهان جل اسمه نیاز میکند ودعای سلامتی اعلیحضرت متبوع مقدس اعظم وملجای اشفق وارحم خودرا ورد زبان صداقت میسازد .

خوادث خارجیه

اجمال سیاسیه

﴿ فرقه‌ها ـ وارثها ﴾

درهرملکی که فرقه‌ها وارثها افزون گردد ـ یعنی (گنده) وگنده بازی‌ها بسیارشده اختلافها ، وپراکنده گیها ، وپریشانیها بیشتر شده‌است . زیراصل حقیقی بازی و گنده (نفاق) ، و (اتفاق) است که یگانه موجد خرابی ، وموجب زیادی میباشد :

(دولت همه ازاتفاق خیزد)
(بی دهلی ازنفاق خیزد)

اتفاق واتحاد ، ترقی و آزادی بارمیدهد . نفاق ، وشقاق تنزل واسارت تهیه میکند . ملتهای که باهم اتفاق میکنند جهانگیر میشوند ، ملتی که درمابین خودشان آتش نفاق میافروزند خود وراه آن میسوزند ومحو میکنند

(حسنت باتفاق ملاحت جهان گرفت)
(آری باتفاق جهان میتوان گرفت)

یعنی ملتها درپارتی سازی وگنده بازی بلندحیل مفرطی داشته میباشند . حتی اگر یکچند نفرشان دریك سرزمین بسیار دوری هم باشند بازپارتی سازی وگنده بازی درمابین خود شان قانع نمیشوند ، دین مبین اسلام اخوت واتحادرا اساس اتحاد داده براین اساس بنای یکدولت عظیمه‌راوضع نمودند که ازهزاروسیصد سال به اینطرف پایدار واستوار مانده‌است . دولت علیهٔ عثمانی باتفاق واتحاد عناصر یکدل ویکدوجود شده درصفوف اعدارزمند وازآسیا واوروپا وافریقا بسی ممالکرا درقبضهٔ تسخیر درآوردند وکچونکه اختلافی درعسکر وحکومت وملت شان موجود نبود زود ملت فتوحات ، وازاهالی بهادران عالم افتخار مبادت میدند . وازوقتیکه نفاق وشقاق درمابین عساکری جری وملت وحکومت شان پیدا گردید تنزل وخرابیها نیزبروزدهٔ ظهور شد .

دربنابرهمین گپهای گذشته حاجت تکرر نیست . تنهاوقوعات عصر همین دوسه سالهٔ اخیرهٔ اطراف قارئین کرام معروض میداریم . ولی این رامعروض بدارد که هرکس خودرا ازدیگری پیشتر میداند ، مانیز هرچه که دربنابر مینویسیم بطریق اعتراض ، وتسبیل لوم دیگران نمینویسیم ، بلکه نظر بعبرت وانتباه خود مارا مینوازیم بازکنیم وقدرامنت آزادی ، واستقلال خودمارا بشناسیم ، بازی سازی وگنده بازی ـ یعنی نفاق وبی اتفاقی ـ رو بزوال وخاطر خودهمراه ندهیم .

نوجوانان ترکستان درعلم وفن وتحصیل زبانهای اجنبی ومعاشرت واختلاط سیاحهای اوروپا بدرجهٔ همردمان پاریس وبرلین تحصیل مکاوتربیه دیده شدند ، وچون طرف شعله‌های اوروپارامیدیدند ، ووطن عزیزخود شانرا ازان شعله‌های نظر باحروم میدانستند بجوش وخروش حسرت واضطراب آمده یگانه سبب آن حرمانرا ازاستبداد میدانستند . همانبود که بصورت بسیارحق تشکیل اتحاد واتفاق نموده‌استبدادرا برانگیختند ، ومشروطیت وعدلی ملتدرا قایم وبرپانمودند . وچنان گمان کردند که مجلس ملت چون قایم شود همهٔ آن شعله‌های درخشان نیره رادون اوروپرا نایل خواهند شد .

ولی هزار افسوس که ازسبب نقصان تربیهٔ سیاسیه وغلیان حرصها وغرضهای شخصیه که درعموم ملت سرایت کرده بود مجلس ملت یك جولانگاه احتراسات مأموریتها وکارداری های دولتی گردیده هیچگونه یك ترقی ، دران دیده نشد . یك مجلسی که مرکب از (۳۰۰) نفراعضا باشد ، واین سه صد نفرهریك ازطرف یك قضای ازملت وکیل شده باشد بجای آنکه درباب مشروطیت موکلهای خود شان ازتجارت ، وصنعت ، وزراعت شان چیزی بیندیشند بگویند وحکومتدرا درزیر مراقبه بگیرند درعوض مامورینها وکارداریهای دولتی افتاده ازاصل مدعاسی دورافتادند . درمیان هرد این مجلس چنان دشمنی که وکیلهای حاکمیت ملیت شمرده میشوند بازده پیست نفری که حق مشروطیت واداره حکومتدرا میدانستهبود ، ولی آن کفایت نمیکرد ، زیرا زیاده احتراسات بر رقابتها وکینها مبدلشد . درحالیکه یك حزب ، ویك فرقه بودند ، حزبها وفرقه‌ها بوجود آمد . ایکاش که فرقه‌ها وحزبها بازیریك خط حرکت خیراندیشی رفتار مینمودند ، زیمقصد یگانهٔ حزبها وفرقه‌ها یکی آمدگیرا ازاتحاد واتفاق وکاپیه حکومتدرا ازحزب وفرقهٔ خود تشکیل دادن بود ، ودیگر چیزی نمیپرداختند . بازار سقوطها ، وسرازیرتشکیلهای کابینه بظهور آمد .

والحاصل اختلافها ، وزیادتهای فرقه‌وحزبهاوارثهاوگنده‌ها درجهٔ شدت ونفرتی بود که چشمهای ملتدرا ازدیدهای ودیعتهای که اوروپا وبالقابها ازرمانیها برای برهوا کردن شان درروم پل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 540 of 1786

وسیع و خیره خوده بودند دیدند ، بایدند و خواص این گردند ، بهرصورت تفرقه و نفاق جای وحدت را گرفت و کار بجائی رسید که دشمنان اسلام از این اختلاف استفاده کرده و ممالک جسیم نازنین دولت متحد اسلامی را یکی پس از دیگری از چنگ او بیرون آوردند .

(یک نظریهٔ مختصرهٔ سیاسیهٔ)

صاحب من !

یک نظریه مختصرهٔ در شؤنات عالم فکر قاصر به رسیده این است که تقدیم خودم هرگاه مناسب بینم در یک گوشهٔ اخبار در یغرما یعنی فقط در شماره (۱۱) سال اول اختر گهربار (سراج الاخبار افغانیه) در ذیل حوادث یا در جیه در اجمال سیاسی عالم این فقره را خوانده بودیم : « در صفحه های اوراق عالم نظر میکنیم دنیا را در یک هرج و مرج پرفته و آشوبی می یابیم که از هر طرف سیلا بهای دهشت

(از مناظر ماتوره های عسکری)

﴿ ذات اعلیحضرت پادشاه مواقع دار الحرکات را به هیئت ارکان حربیهٔ هرکاب شاهانه شان نشان میدهند ﴾

﴿ ذات شاهانه هست مبارک حضرت عسکر منکر را به اینیک آکسی ملکی حضور که طرف چپ اعلیحضرت نشسته نشان میدهد ، ﴾

﴿ درطرف دست راست اعلیحضرت اند از هندست هزولی ، اول شاه ولیعهد زکاء الملکی — دوم نائب سالار حضور سردار محمد نادر خان ﴾

﴿ باقی عمودهای عالیشان کلا هی یدید ایست پنج شیرازه سردار عنایت الله خان صین السلطنه که تعلیمات هزولی را باید داشته میبوده ﴾

[عکس احمد شاه خان میرآخور که در دنبال شیرازهٔ معظم نشسته مشاهده میکنید]

سراج الاخبار الافغانیه سراج الاخبار الافغانیه

درذیل حوادث یا در جیه در اجمال سیاسی عالم این فقره را خوانده بودیم : « در صفحه های اوراق عالم نظر میکنیم دنیا را در یک هرج و مرج پرفته و آشوبی می یابیم که از هر طرف سیلا بهای دهشت

آشیانهای دریای پرموج سیاسی بجوش و جریان آمده مانند بخارها و گازهای مواد آب و مذاب شدهٔ مرکز زمین هر هر طرف دنیا را بلرزه و زلزله در آورده است و بزرگترین منطقه که این زلزله پرغلغله در آن اجرای خرابی میکند همانا ممالک اسلامیه دولت علیه عثمانی و ایران است .

چون از آن وقت تاحالا که نظر میکنیم تنبیه های از اینگونه بکان ظاهر میبینیم و عالم اسلامیرا در تهلکه های بسیار مبتلی می یابیم چنانچه در همان اجمال سیاسی باز گفته شده بود ، که اعلان استقلالیت بلغاریا مسئله پرجریانی است ، چنانچه در یوقت حاضر قضیهٔ آن کلام حکمت انجام آشکار گردید .

و لی جیدهٔ تأسف میبینم که از آن وقت تاحال باوجود این همه عداوتهای دشمنان خارجی ، دشمنیها و بی اتحادی های مملکت اسلامی عثمانی برطرف نشد ، و باید آخر علی برزقوت و عداوت همدیگر خود جسورانه و ثابت قدمانهٔ بی اتحادی و بی اتفاقی دوام ورزیده و میباشند ، گفتنیست چون بسوی ایران بدبینم از آن وقت تاحال هیچ یک اتفاق و اتحادی درمابین اهالی و حکومت دیده نشد .

لهذا برحال و من عزیز خودما هزاران هزار شکر و ثنای آنرا که درطرف این مدت یک نایبه و توفانگیز عصیان قوم منگل که بسبب جهالت در یک گوشهٔ وطن عزیز مقدس ما شعله افروز دهشت گردید بانظر بسیار فکر و مباحثات دیدیم که بیش ما یعنی اعلیحضرت صداقت و اطاعت عظیم ملت را بهادشاه و یک مرحمت و شفقت بسیار پدرانهٔ رحیمانهٔ پادشاه را به ملت مانند شمس تابان عیان دیدیم که اگر ملت نجیبهٔ افغانیه در عالم کتمکش بی اتحادیها و زلزلهای این فتنه خطرو مباحثات نمایند سراسر حق بدست دارند .

[یکی از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه]

ج ۰ ۲

(خبرهای اخیرهٔ فاجعه آمیز استانبول)

خلاصه خبرهای که در اثنای ترتیب و انتشار این شمارهٔ ما رسیده خیلی مهم و فاجعه آمیز و دردانگیز است : در اندن تیراز مرخصهای صبایح که جمع شده بودند سفیرهای دولت معظمه یزجم آمده بودند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 541 of 1786

بلغانیا آخرین قرارقطعی خودشارا بوکیلیان ترکیه وسفیرهای دولتها رسما بیان نمودند . مجلس سفیرها این قرارداد بالقانیان را باستانبول فرستاده سفارش کردند که قبول باید شود . قبول شدن این قرار این نتیجه‌می‌دهد که دولت علیهٔ عثمانیه ازاوربا طرد ودفع بشود . این نوت رسمی چون باستانبول واصل شد . درسرای طوپه باچه باجتماع فوق‌العادهٔ تشکیل یافته اکثر اعضای مجلس اعیان وچند نفری ازروسای روحانی ومعتبرین جمع آمده درباب قبول کردن ونکردن نوت مذکور بمذاکره ومشاوره پرداختند . درین جلسه صدر اعظم کامل پاشا . ناظر حربیه ناظم پاشا . وناظرهای خارجیه . ومالیه نطقها بیان کردند وفهمانیدند که خودشان طرفدار قبول کردن آنست ودرباب بسی دلیلها هم بیان نمودند . حتی ناظر خارجیه که یک شیخ‌الاسلام میباشد در نطق خود این‌را نیز علاوه کرده گفت : « دولت روس پانوته است که اگر صلح‌را بهمین شرایط قبول نکنیم رعایت بیطرفی را نخواهد کرد » . والحاصل بعد ازمذاکرات ومجادلات بسیاری کابینه کامل پاشانوت مذکوررا قبول کرده وبه آنصورت جواب مصالحه قرار دادند .

بعد‌ازیکه این خبر درباستانبول واطراف شایع میشود هنامهم مردمان فرقهٔ (اتحاد وترقی) بهروپاشده‌ها . وولوله‌ها . وغیل وقالها آغاز میورزند . وروزدوم جمعیتهای بسیاری ازمردمان درپیش بابعالی جمع آمده فریادها برآورده‌اند . وافسربک وباشی بلکرا برای استفسار کیفیت بنزد صدراعظم فرستادند . وچون بدرباب عالی داخل شدند . باورصدر اعظم تعلیف‌بیک رجوم آورده‌کان باطپانچه آتش کرده‌است ویکنفر آنهارا مجروح نموده . باورمذکوررا هنامهم‌بقتل رسانیده‌اند . درین‌اثنا باورناظرحربیه نیزفیر کرده اورا نیز هنامحطه بقتل رسانیدند . ناظم پاشا خود ازاتاق هیئت وکلا برآمده وبیانهای غلیظ‌مردم‌رابه آرام شدن وباآنکه حکم فیرداده‌نمیدید نموده‌است که آن‌سرافسربسیار بزرگ ومشهور را نیزهنامهم بقتل رسانیده‌اند . یک عریضه وولوله که خدامیداند !

(قصیدهٔ فارسیه)

برای امداد عروجین وبیان‌حسن کار دولت علیه دراینهنگامهای فتنی

عبدالله تیلس‌خاکسار از کشمیر باداره رسیده

باستمداد خودیاران کنیدامداد عروجین
غنیمت این‌زمان دانید استمداد عروجین
بودواجب‌برهرمومن کنداحسان‌درین‌دوران
بنهانو شهیدارا وبراولاد عروجین
برای قوت‌دین قدری ازقوت عیال خود
بخرج غازیان بدهید بهر زاد عروجین
چودم ازقدم بالازقلم امداد بنمایید
پس‌ازاداد خدادانید ایندمداد عروجین
عدو دولت علیه اعدای دین هستند
محبدین حق‌اعتقادو هم‌اجداد عروجین
بانصاف‌و وفابائید بااهل جفا دیده
زاخوان الصفا دانید هرافراد عروجین
الهی وعده‌کردی فرستم مهدی‌وعیسی
فرستادیدم‌گمدارد گوش‌رفریادعروجین
زظلم ظالمان امن وامان بفتند مابرا
شود دین‌خداروشن رسدبرداد عروجین
نیارد جزمسیحا برهدا قوم مسیحارا
نه جزرویش‌شود خرمدلشاد عروجین
بغیر ازحضرت‌عیسی‌و مهدی‌کس نجیساند
دوائی دردحاصل مرهم اجساد عروجین

(خلص خاکسار)

اخبار (اخوت اسلامیه) کهدر (تو کیو) پایتخت دولت معظمهٔ ژاپان بلغت انگلیزی از طرف یک هیئت اسلامیه بسیار غیور دیندار نشر میشود . ونسخه‌های قیمتدار آن بمادهٔ (سراج‌الاخبار افغانیه) به اداره میرسید . چندی بود که منع شده نمی‌آمد . در ذیل اینهفته همهٔ نسخه‌های منتشرهٔ آن بیکبارگی به ادارهٔ ماجزاله مارسید . و کیفیت تعطیل آن نیز معلوم گردید . مگر در ژاپان اخبار سیاسی نشر کردن به این موقوف است که صاحب اخبار مبلغ (۱۰۰ مدن) بحکومت بصیغهٔ رهن تسلیم کند . واخبار اخوت اسلامیه چون یک اخبار "دینی" اسلامی بود ازین تکلیف معاف بود . ولی اخبار (روتر) انگلیزی چون تأثیر عجیب آن اخبارها در سیاسی مشاهده کرد در حق اخبار (اخوت اسلامیه) انواع تشریبات تهمت آلود غرض آمودرا آغاز نهاد تا آنکه حکومت ژاپان صاحب جریده‌را بین امر مجبور میکند که یا سراسر مقالات دیگر بنویسد . و یا اگر میخواهد که مقالات سیاسیه نشر کند باید که (۱۰۰ مدن) بدهد .

اخبار (اخوت اسلامیه) ازین واقعات بتفصیل بیان میکند . ومیگوید که بسبب یکنیم سال مناداً نشر کردن اخبار نه : مالیهٔ صاحبش از دادن (۱۰۰ مدن) عاجز مانده بود . بناء علیه این اخبار یکدر آنیکه مدافع عموم مسلمانان شمرده میشود ازهرجهت معاونت وحمد کاری مالی لازم است . مسلمان شهرکان ژاپان زیر ادارهٔ (حسن هوتانو) نامیک ژاپانی نوجوان آنتین دماغ یک اخبار دیگری بنام (الاسلام) که نصف آن بلغت انگلیزی ونصف آن بلغت وخط ژاپانی میباشد نشر کرده که بدین یک نسخهٔ آن کامیاب شده‌ایم . ازخداوند یکتا مادوام موفقیت شانرا تمنی میکنیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 542 of 1786

(حکایت از عریضهٔ شکایت)

رفیق محترم ما اخبار (مسلمان امرتسر) در نمرهٔ مورخهٔ ۲۱ جنوری سنهٔ ۱۹۱۳ عیسوی خود بعنوان عریضهٔ شکایت از قرار ذیل رقم زده اند :

عریضهٔ شکایت

بخدمت جناب محمود طرزی صاحب مدیر سراج الاخبار کابل

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ـ مدتی گذشت که در اخبار مسلمان یک مراسله بدیخصوص شایع شده بود که جلالتمآب امیر الموحدین امیر حبیب الله خان دام بقاه مادام الوان امر اجرا فرماید که در مملکت محروسهٔ افغانستان کوشیکه بچه ها و دختر ها از حفظ آن عبدرا در زبان مادری خود قرائت کرده نتوانند گشاده کرده نشود در مضمون مذکور قواعد آن نیز تحریر نموده شده بود واز جناب امید داشتم که مضمون مذکور را بحضور اعلیحضرت پیش نموده سررشتهٔ آنرا بیابید بعد ازان مراسله صاحب رسید که انتشارات بر مذکوره بخلاف دستور افغانستان می باشد ـ ونیز مضمون مذکور را بفارسی ترجمه نموده بدریعه مراسله رواله دارید چنانچه ترجمه آن حسب منشای صاحب بدریعه دالدرجستری نموده بخدمت صاحب رواله نموده شد وهمان مضمون در انتشار مسلمان مورخه ۱۰ شهر سنه ۱۹۱۲ عیسوی بدرج نموده شد امید که از ملاحظه گذشته باشد ـ اما هنوز ما بدرود اول مضمون مذکور را درج صحیفه گرامی خود نموده ایم لهذا مکرر متوجه میسازد که در باب آن زودی کارروائی اجرا نمائید ـ مضمون عریضهٔ مذکور لایق تحریر نیاند ـ ایدا امیدست که کارهدارا خدمت سلطنت خود بنصوب توجه مبذول فرمایند ـ والسلام مع الاکرام ـ

[عاکسار ابوالوفاء نمایندهٔ مدیر اخبار مسلمان امرتسر]

— ۱ —

چون این تحریرات جناب موصوف صاحب فاضل محترم را آماج عتاب شده وعنوان آنرا (عریضهٔ شکایت) نهاده اند وما چون وقت نمیخواهم که یک راه درد بی وآبادی ما ازما شاکی باشد علی الخصوص که آن راه را ما باداعیات قلبیه ومسلک راهم داشته باشند لهذا دیدیم که ما نیز بصورت علنی از حقیقت این حکایت عریضهٔ شکایت بحث نموده وکیفیت را در نظر عموم آشکار ساخته حق شکایت داشتن ، یا نداشتن شارا به آرای ارباب انصاف حواله نمائیم :

راستست که در اخبار مسلمان پیش ازین بعنوان (عریضه نیاز) یک عریضهٔ منسل که خطاب به ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین بود مضمونی که در شناسنامه خود بصورت خاص ازان اشارت کرده اند درج نموده ، در آخر آن ازین حقیر استدعا نموده بودند که عریضهٔ شارا بحضور اعلیحضرت پیش نموده سررشته آنرا بیابم ـ در آنوقت ما حیران ماندیم که این چه قسم عریضه است که بزبان ردو در اخبار نشر میشود وعرض شدن وپیش کردن آنرا بحضور یک پادشاه معظم یک دولت محترم از یک اخبار والای خارجی استدعا مینمود ؟

(شهزادهٔ مکرم سردار حیات الله خان)

نائب الحکومهٔ قطغن وبدخشان که در دربار عظام وکالت بدار السلطنه کابل مأمور شده مانده اند

چیزیکه ما آنرا (عریضه) میشناسیم اینست که بکاغذ مخصوصی نوشته شده ، ودر پاکتی انداخته سر بمهر واسطهٔ داک سرکاری بنام شخصی که نوشته شده باشد فرستاده میشود ، اما عریضهٔ که در اخبار نوشته شود ، وهر بیک زبان خبر مروج مملکت باشد صورت عرض وتقدیم کردن آنرا بخط ناقص خود هیچ نمیدانیم ، آیا آنرا چه کرده وبکاغذ مخصوص نوشته عرض وتقدیم میکردیم ؟ در آن وقت امضای شارا از کجا می آوردیم ؟ حالا تکه دستخط وامضای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 543 of 1786

خودصاحب عریضه درعریضه شرط است ، عرض کنیم که ایبم میتنه آیاتکلیف عریضه پیش کرده برایپادشاه یک اخبار والاچه قسم تکلیف است ؟ حالا که آن یک عریضهٔ بود که در ان ادعای خدمت طلبی بود ، وپیش شمن آنرا بحضور همایونی برسانند ما یک اخبار والاآن تکلیف میکردند ، لهذا هیچ چارهٔ بجز سکوت در اوقت ندیدیم

بعدازچندی بازدر اخبار مسلمان بطریق یاد آوری این ماجررا خطاب نموده تسریع تقدیم عریضه را تأکید فرمودند لاجرم مجبور شدیم که بعدمتشان بواسطهٔ یک نامهٔ خصوصی از کیفیت بیان کرده عرض اعتذار نمائیم . اینست که این مکتوب ذیلرا برای شان نوشته بودیم :

« قل مکتوب نمبر ۲۹۹ »

جناب فاضل محترم ادیب صاحب اخبار قوانداز (مسلمان) سرت سر را زحمت عرض میدهد : شما در نمبر مورخه ۲۶ مارچ خود بعنوان (عریضهٔ نیاز) یک مضمون نشر فرموده بودید . ودر آخر آن بواسطهٔ اخبار ما جزائه ما بسان آن عریضه را بسمع مبارک اعلیحضرت پادشاهی رسانده بودید و از درمنهٔ نمبر ۲ ماه جون خود تکرار آ ازهمان مضمون را بسراج الاخبار افغانیه بخط رانده اید . ابتدا لازم دانستم که بیان نامه نخستین آن فاضل محترم را ذیلا درج کرده ، از آن پس این یک امر اصول وقاعدهٔ جدیدیست که عریضه های اخبارها واسطه نشر عرایض خصوصی مردمان گردد . وماهنوز باین اصول وقاعده وقوف کامله پیدا نکرده ایم . اگر چه دیگر اخبارها این آمده را مرعی میدارند ، ولی مسلک وروشیکه ثبت بوده خود سراج الاخبار انعالیه پیش نهاد خودداشته قطعاً برای نشر عرایض مساعد نیست . واگر چنین نباشد عریضه های اخبارها بهیچصورت از عهدهٔ نشر عرایض بیرون برآمده نمیتواند » . حالا که ترجمان ادارهٔ اخبار مسلمان این بیانات مارا باین صورت ترجمه کرده اند : « بعدازان مراسله نشر رسید که امتیاز نشر مذکوره بخلاف دستور افغانستان میباشد » . این است که در بخانهٔ غلط مبهم پیش آمده که موجب توشتن این (عریضه شکایت) بصورت علنی گردیده است .

هرصاحب اخبار در نشر وعدم نشر مضامین اخبار خود آزاد است. ما اگر عریضه های مرا در را که در خصوص استدعای خدمت وباطلب سررشته های کارهای حکومت باشد ونشر نکنیم کسی چه حق شکایت ومأخواهد داشت ؟ وبالفرض هم شان رانشر نکنیم عریضه کرده ایم هرچیزی خطا نکرده خواهیم بود . زیرا تحریرات شان مقاله نبوده ، مستقل یک عریضه بود که در آخر آن ادعای خدمت کرده بودند (عریضهٔ نیاز) شان که بارسیده باجای وعده خود صادرت ورزیده یکروز بعد یک تحریرات ازطرف خود بجواب دو حکمه که مأمور عرایض مراجعه میباشد ارسال نموده تقدیم آنرا باجناب سپرده جوابش رخواستیم . درخواستهٔ ما انجام یافت .

این نکته است که یک شمهٔ برای امور خانه یک شخص آخر بعضی تحریرات ومراسلات هم میشود ادبیانه آنرا بصاحب خانه عرض کنند ، ولی این بر نکته است که درباب اجرای آن حق اصرار واظهار ادا نشده باشد .

حالا تقدیم داصل مدعا : فاضل محترم (اوقوطه ثالثه) صاحب جوزی که خداوند بسیار دیدار کند ، وحیف فلانه یک نجوزیست ولزان راخر عرض کنیم که این تجویز هرگاه قانونی وجری شود درطرف یکهفت سال یک مقدار کلی نفوس افغانستان ضایع خواهد شد . زیرا تمام پسرانی که دختران وپسران افغانستان قرار اصول تعلیم وتواند تدریسی که خود فاضل مشارالیه آرزوشان بعد وقرآن کریم را بزبان مادری خود ترجمه بتوانند اصلاح وتواند وتسلسل سراسر منقطع گردیده وفیات بحال خود خواهد ماند که باین صورت ضایعات کلی در نفوس وارد خواهد شد . آیا نتیجهٔ مقصد از ترجمه قرآن شریف را بزبان مادری چه خواهد بود ؟ هرگاه مراد از دانستن معانی آن کلام مقدس عظیم الشان باشد نه انسان یک صرف ونحو کفایت نمیکند ، همه علوم بلاغت ، وحکمت ، وطبیعیه وفلسفه ، وحکمت تاریخ ، وجغرافیه وتمام علم انشاء ، وعروض وغیره را دانستن لازم است تا مفهوم معانی آیات بینات آن کلام جامع الکائنات بیکدرجه پذیرفته شود . مع ذالک ما برفکر جناب فاضل مشارالیه اعتراض نمیکنیم . ولی (عریضهٔ شکایت) شان را بهیچ وجه من الامر مطابق نمی بینیم . باقی والسلام مع الاکرام .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 544 of 1786

(ترجمه اخبارهای انگریزی واردو)

(مترجم عبدالرحمن بیك)

(علم تاریخی ترکی)

بر حسب حکم سلطان المعظم علم عثمانی که بادکار عهد حشمت مهد سلیمان ذوالقانون است برجهاز زره پوش باربروس نصب شده است بیشترازین علم مذکوردر محاربه کریمیا مدرع محمودیه منصوب گشته بود واحال برجهازیکه بادکار خیرالدین باربروسه ساخته شده بودنمودار شده است انشاالله النصر باعث عبرت خواهد گشت .

(غیرت وحمیت یك خاتون ترکیه)

یك دسته فوج بلغاریا قبل از رسیدن شتابجه دریك قریهٔ اسلام رسیده پس پرده نشینان را پرده دری کرده وصیان وجوانان را تتبع نمود ـ یك افسر بلغاریه در یك خانه زیبا رایید که طفل نورسیده پیش او افتاده است ـ افسر قسی القلب بداطن آن معصوم را بشمشیر دونیم ساخته به زن مذکوره مخاطب گردید و گفت که از امروز محبوبهٔ من باش ـ آن غیور غیرت خموش مانده تا که آن شیطان قرار کرات ومایوسات واسلحهٔ خودرا بر کنیده برای حاجت طبعی بیرون رفت ـ خاتون ترکی موقع را غنیمت دانسته لباس بلغر مذکور را دربر کرده واسلحهٔ اورا نیز باخود کرده در انتظار او منتظر شد ـ چون آن لعین درخانه رسید خاتون مذکوره بهمان شمشیر که چگر گوشهٔ اورا دو نصف کرده بود یك ضرب فی النار والسقر گردانید ـ ویراست او سوار شده راه شتابه گرفت ـ افسران ترکی خاتون مرحومه صفت را در آستانهٔ علیه فرستاده واکنون او زیر علاج است ـ شافی مطلق اورا شفای کامل وعفت ماجل عطا کند .

(عزل وزارت وقتل ناظم پاشا)

چون وزارت ترکیه بسر کرده کی کامل پاشا فیصله کرد که ایدریا تویل وجزائر بتصرف یلغاریان باشند در جمعیت های اتحاد وترقی شورش پاشده درکی مردم ضرر برخواست ـ وبنجاه هزار نفر پر طوم ـ دستخط کرده انور بیرا رواله کردند که از وزراء استعفا بدهد ـ زیرا وزارت مذکوره حقوق ملی را پامال ساخته فیصلهٔ غیر آیینی داده است ـ انوربیرا در اول مباحثه داخل شده با وزرا مخاطبه خواست درین وقت از دحام خلقت بیرون ایوان ایستاده بود که نظیف پاشا برمردم تنگچه سر کرده ازدحام مذکور جواب تنگچه را بتنگ داده نظیف پاشارا هلاك کرد ـ بعد ازان یك افسر دیگر که ملازم ناظم پاشا بود بر گروه مذکور گلوله زد او نیز قتل کرده شد ـ اکنون ناظم پاشا این کیفیت را ملاحظه کرده بطرف مردم بشتافت وآنهارا سکهای باطوار گفت قوم خلق نشیدن لفظ تنگ اورا هم گشتند ـ علاوه برین یك شخص ازجولایی علیه ویك ملازم شیخ الاسلام نیز درین کشمکش کشته شدند ـ ارکان اتحادوترقی ناظم پاشا را بنظر وقعت وعزت میدیدند وقتل اورا محض اتفاق میگویند ـ

چون انور کشت وخون فراقت شد انوری همراه نیازی وطلعت بی ودیگر منصداران تلگرافی بکامل پاشا گفت که باقرار حالیه بنمایند که جنگ جاری خواهد شد وباستعفی شوید ـ وزراعظم مذکور باطمینان استعفی پیش کرد وانور بی بحضور سلطان المعظم رفته برای تقرر محمود شوکت پاشا فرمان آورد ـ وعلاوه بروزارت حربی قائمقام مارشل (سپه سالار) بزیافت سرآیین وزارت سابقه تاوقتیکه ظهور مقید جودند وبعدازان رهای یافتند ـ درینوقت هیوم مردم تقررهای پرجوش کرده میخواستند والتعمار حب الوطنی خواهند ـ

دوظر مسلمانان هندوستان هردریك مجمع تقرر نموده بیان کردند که مسلمانان هندوستان بدل وجان باترکی نزدیك میباشند وتوقع دارند که جنگ تا آخر ختم کرده نیواهد شد که انجام آن ریخ نخواهد بود ـ هردو نفر مذکور علاوه علاحضرت داشتند که ازهندوستان به قسطنطنیه رفته است ـ

(منع خرید اسباب ساخت یوروپ)

مجلس سیاسی مسلمانان کل هندستان یك عریضه بسرکار انگریزی تقدیم کرده بود که جنایات کورکارهای مسلمانان هندوستان رانگاهداشته بدولت برطانیه لازم است که مدات ترکی را رواله داشته خواهان عزت اوباشد ـ چونکه برطانیه وضع محالفانه شروع کرده است وبادول شریك شده دراهانت عثمانیه میکوشد یك جماعت سیاسی مجلس مذکور ازمقام پریل بالاتفاق فیصله نموده است که مصنوعات ودیگر اسباب ساخت انگریزی وبورپ راتمام مسلمان هند قطعاً متروك نموده اشیائی ساخت هند ویاامریکه وجاپانی راستعمال نمایند ـ

اخبارهای جرمنی بحمایت ترکی

کل اخبارات جرمنی برخلاف حکومت خود مضامین شایع کرده اند که چرا همراه دیگر دول اوروپ شریك شده برعثمانیان اصرار مصالحت نمی نماید ـ روس تهدید نموده است که اگر مصالحت نشد درولایت های ایشیائی حمله خواهد کرد ـ وجرمنی هم تائید آن کرده ترکان را بسبب درشکنیه حیرت وکشمکش افگنده است ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 545 of 1786

سانحهٔ غرق شدن حجاج

قافلهٔ حاجیان که بمقصد بهبستان داشتند ماین مدینه و ینبوع بعظام ناگهان سیلاب آمدند که ناگهان در یک شب از کوهها فرود آمده ۲۵۰ صد و پنجاه حاجی را غرقاب ساخت و صرف بچند جانبر ماندند ـ

صحت یابی وایسرای هند

لارد رنگ وایسرای هند در علی بر کرسی صدارت نشسته بازوی بسته خود تقریر برآمد کرد ـ که چون بعد از زخمی شدن و بیهوش گردیدن بهوش خود رسیدم اول خیال شکرانه قدر مطابق بود که بین و خیال من از مرگ نجات یافتید ـ دوم خیال مردن آن نفری بود که در اثنای فرض ملازمت خود جان داده ـ پیغامات و مراسلات عیادت پرسی و همدردی که از مردم هر فرقه و هر طبقه بمن رسیده اند ظاهر می شود که باشندگان هندوستان بر آن جرم لعنت و ملامت می کنند که خلاف مذهب و کیش خود این چنین جرم را اقدام نموده است ـ وایسرای شکریه دل این مردم نژاد اکرم

جنگ ترکی و یونان

در نواح جبنا جنگ زوروشور جاریست ـ یونانیان بسبب باران شدید از جای خود حرکت کرده نمی توانند ـ ولیعهد یونان اراده همهٔ تازه دارد و رخ بپیروزی نهاده است ـ ترکان بهر نوع گلت زیاده افتاده و برای مقابله آمادگی نموده اند ـ

تعدی دول یوروپ بر ترکیه

نهایت افسوس است که دول یوروپ انصاف و اخلاق را بالای طاق گذاشته دولت ترکیه در حمایت ریاستهای بلقان تعدی می نماید و بندر منتفه در بحر حواله نمودن ایدریانوپل از طرف بلغاریه پیش می شد اما ارکان هنوز بمخالفت نجوز مذکور ثابت قدم میباشند و بکلان مصالحت عثمانی منتظر پیش شدن جواب آن نشسته اند و بزرگان از طرف حکومت ترکیه داشت منتفه مذکور منظور نخواهد شد یعنی جنگ باز اجرا خواهد یافت ـ اما الحدیثه آنست که حکمت اهل یوروپ کما ینبغی بخلاف ترکیه روائی می نماید خدا نخواسته باشد ترکانرا از جنگ مانع گردد ـ و بمجال میدان کارزار لصفحهٔ دوم تا قسمت آخری آن در شمارهٔ ما صادر شود ـ

سرگرمی مقوبانه

جای افسوس است که اکثر طلبات بنگال بمجاز واقعهٔ بمبازی دهلی آثار سرگرمی انقلاب کوش نمودار شده است و بعد از دریافت شدن اعلان مقوبانه در بیدن سکوت یکسکه یکباشتهار هائی قسم درمیدن سنگ بزدیده شده است ـ و مردان بمجاز حضور باقیانه رجوع بدخل تحسین نموده شده است ـ و در همان ایام بزنجیر رسید که مسترد بیندرو کمان گیوش کم که پسر نوجوان بلندو گیل بود در شب سه شنبه از دست بنگالیس نامعلوم بذریعهٔ گلولهٔ تفنگ هلاک کرده شد ـ و قاتل او تا حال ماخوذ نشده ، معلوم شده است که مقتول مذکور در باب بلند قرائی سیاسی به پولیس اطلاع داده چند نفرا عرضه قرار داده بود ـ ذهن مال است که مقتول در انتظام «جان افشانی» راز کشته شده است ـ ازینچنین واقعات در حق ملت نهایت مضرت رسان میباشند و هر بنی محب وطن آرزو دارد که پولیس سراغ مجرمان ابتسم پیدا کرده در باره کردن سرگرمی مقوبانه کامیاب گردد ـ

مکتوب

بخدمت مدیر صاحب سراج الاخبار افغانیه

جناب من ـ اوراق هذارا براه عنایت در جریدهٔ وسیع الاشاعت خود درج نموده ممنون فرمایند و حصه در خدمت برادران اسلام بگیرند ـ

یک نجوز از خود حقیر است و دیگر ازانا کثر عبد الرحمن صاحب است و مدعای هردو نجاو زفراهمی اعانت برای ترکان است فقط

راقم محمد انیس الدین از کلکته

خلاصهٔ نجوز محمد انیس صاحب

چونکه برادران تراه در حمایت و حفاظت بیت الله جانهای خودرا قربان میکنند اگر برای شان مسلمانان هند امداد نخاسته روح مقدس رسول الله صلی الله علیه وسلم صدمه خورده از ایشان ناراض خواهد شد ـ بنا برین ضرور است که در روزی چهار لک روپیه کلدار نامدت یکسال از هندوستان جمع شود ـ باین حساب یکباری فی نفر میباشد و باید که مسلمانان هندوستان از دعوی های خود باز آیند و در اخبارات و اشتهارات شور و شر بپا نکنند بلکه برای معاونت برادران تراه گرمسته مبلغ چهار لک روپیهٔ کلدار روزانه برای شان ارسال کنند ـ مردم هر شهر و هر محله برای جمع نمودن این روپیه مقرر شوند و کتابهای رسید و جمله انتظام حصول روپیه بدست انجمن شهر و محله باشد و صدر آن همان شهر باشد که روپیهٔ زیاده ترین عنایت کرده باشد اگر ازین طرفه کار گرفته شد امید قوی است که خلیفهٔ اسلام برای محافظت خانه کعبهٔ اسباب کافی بدست داشته خواهد بود ـ و اگر مسلمانان هند غفلت ورزیدند باید که از روح مطهرهٔ رسول اکرم خوف نمایند ـ

(نجوز داکتر عبد الرحمن صاحب مدراس)

چونکه در هندوستان هفت کرور نفوس مسلمان موجود است باید که یک روپیه فی النور برای امداد برادران تراه روانه کنند و برای فراهمی این روپیه زودی انتظام کرده شود و مبلغ هفت کرور روپیه که دارین تاخیر فراهم شده بخدمت خلیفهٔ اسلام برسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 546 of 1786

هو الموفق

(باب التفسیر)

جریدهٔ وطنیهٔ سراج الاخبار افغانیه چون جریدهٔ اسلامیه میباشد از آن رو لازم گردید که از فوائد دینیه در هر عدد آن خوانندگان را حظ دینی بر سد ـ وچون اشرف حظوظ اهالیه وا کمل ادوات اسلامیه علما استفاده از قرآن عظیم الشان است درین عدد جریدهٔ وطنیه (باب التفسیر) را مفتوح نمودیم ـــ ورای آغاز این ارادهٔ مبارکه چند آیهٔ کریمه را برای تسلی مسلمانان وقت حاضر با ترجمه ساده نگاشتیم ـ واستدراج نکات بدیعه واشارات بدیعهٔ کلام مبین را که هر کس بقدر فهم خود از آن مستفید میتواند شد حوالهٔ همت خوانندگان عظام نمودیم وشرح مفصل (باب التفسیر) را بپوانندگان عظام در ما بعد وعده میدهیم انشاء الله الکریم

(اعوذ بالله من الشیطان الرجیم)

(الذین استجابوا لله والرسول من بعد ما اصابهم القرح للذین أحسنوا منهم واتقوا أجر عظیم) ۱۰ سورهٔ آل عمران جزء ۴ ۰

ترجمه ـــ کسانیکه از روی صدق اجابت نمودند فرمان خدای ورسول را بعد ازانکه رسیده بود بایشان جراحتهای زیاد مرآنکسانی را که نیکوئی کردند وقتی عهد ورسیدند از غضب خدای تعالی مزدبزرگی است :

این آیهٔ کریمه در وقتی نازل گشت حضرت حضرت مرتضی علیه الصلوة والتحیت در سنه سوم هجرت از جنگ احد برگشته وذات ملکوتی صفات پیمبری ازدحم شان شکار اعدای دین هجوم کرده روی مبارک زخمی ودو دندان مرفقشان شان از سنگ کفار سنگ دل شکسته حلقهای خود در سر مبارک در آمده واز زخت جراحتها از لب زیر الناده ابو بکر صدیق وعمر فاروق وعلی مرتضی همگنان هجوم کرده وهم سیدالبشر حضرت حزه سید الشهدا با تحمیاً عناد غرضگار از کبار اصحاب اجاد بشهادت رسیده ـــ وبعد از ختم محاربه بجانب مدینه عودت فرموده تا احوال در رسید که عسکر کفار قریش از زخت آنحضرت واصحاب اظهار اطلاع یافته باز لشکر خبانت آثر را ترتیب داده اراده نموده اند که بمدینه باز گشته باستیصال اسلام دوباره عودت نمایند ـــ حضرت سید البشر علیه الصلوة والسلام که به فتوح لاریب وکشایش غیبی مستند اظاهر بودند بوضع ظاهری ضعف وناتوانی لشکر اسلام در عزم مصمم شان هیچ فتورنی نمودند حکم فرمودند که فردا یعنی یکروز بعد ازوصول مدینه تارم تا نموده همان افراد لشکر اسلام که در احد حاضر بودند خودرا مهیا نموده در رکاب ظافرما پیمبری باز بمدینه بر آمده وبموضع حمراء الاسد که (هشت میل از مدینه منوره دوری دارد) برای جهاد اعدای دین حاضر و آماده باشند آن شیران بیشهٔ حقیقت ونهنگان دریای طریقت بجان منت پذیرفته با وجود جراحات زیاد بدون تعطیل وامهال با حضرت حضیت مرتضیٰ حاضر خدمت گردیده وتا حمراء الاسد رفته راندرای در ایشان موجود بوده است که از محاربه روز گذشته مجروح بوده وبتوت یکدیگر را بر پشت خود برداشته می بردند ـــ از روز نازدهم شوال الی نوزدهم آن اقامت فرمودند ـــ واعدای نابکار که خیال نا بود شان بسبب ضعف ظاهری لشکر اسلام وکثرت وقوت خودها بر استیصال اسلام رفته بود اطلاع یافته واشته را برگشت دادند وعزم خودرا فسخ نمودند ـــ وبمکه باز گشته عدا برداشتند کما (محمد صلی الله علیه وسلم) بهمراهانش مقابله دشوار است کیفیت جزء مذکور را خداوند عالم در آیهٔ فوق چنین حکم میفرماید :ـــ

(الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایماناً وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم)

ـــ ترجمه ـــ اجابت کنندگان مذکورین آنانند که برای تخویف مردمان ایشانرا گفتند که گفتار مذکور الکلمه گفته اند برای قتل شما پس بترسید از آنها زیرا که شمارا با آنها طاقت حرب نیست ـــ پس زیاده گردانید این قول مردمان ایمان ایشانرا و گفتند بسنده وکافی است مارا خدای ـــ ونیکو کارگزار است او تعالی پس باز گشتند از حمراء الاسد بعافیتی تمام وثواب مالا کلام وزیادتی حرمت از جناب خدای تعالی ـــ نرسید ایشانرا هیچ مکروهی الفتال وجرح و هزیت وبروی کردند خوشنودی خدای را باطاعت رسول برحق وخدای تعالی خداوند فضل بزرگ است بدفع مشرکان از مومنان ـــ (انما ذلکم الشیطان یخوف اولیاءه فلا تخافوهم وخافون ان کنتم مؤمنین) ترجمه فی الحقیقت آن تخویف وتحذیر مسلمانان از جناب شیطان بود که دوستان وعیان خودرا ترسانیده وعبدالله بن ابی سه صد نفر یهود ومنافقان بعد از خروج بالشکر اسلام واپس عودت نموده ولشکر اسلامرا که یک هزار نفر بودند برای مقابلهٔ سه هزار نفر از کفار قریش آماده بودند بسبب تخلف خود ها اقل قلیل گردانیده وبعضاً رسانیدند باوجودان همه ای مومنان نباشید از اولیای شیطان وبترسید از من در مخالفت امر من اگر مسلمان وموحد من میباشید .

ای افراد مسلمانان از وقوعات محاربات کفر واسلام کدرین جزو زمان رخ نموده استوا عدای خدای جهان آفرین رفع وقمع افراد مسلمین متفق الکلمه گشته اند حزن وغم واندوه وحسرت وغوغاء مدهیه پس هذا اول فاروزهٔ کبرت فی الاسلام توحیدرا باشرک از آنهم تاخیم نزاع برولایت واسلام وکفررا از اول تا اخر اختلاف وضدیت ورجا (کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله) کلام مبین حضرت ارحم الراحمین است (وجعل رزقی تحت ظل رمحی) قول متین حبیب الثقلین حضرت ارحم الراحمین باوجود قدرت تامه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 547 of 1786

وخلاقیت نامه روی حبیب خود را در اعلای کلمة الله عروج میکرداند وباوعدهٔ منع الاخلاف نصرت وامانت لشکر اسلام کافکه ابتلای وامتحان میفرماید — (سبحانك لاعلم لنا الا ما علمتنا انك انت العلیم الحکیم) اما واضح ولایح است که نصرت آلهی غالبت باور بندگان رب الارباب است وفتح وظفر موعود مسبب الاسباب است کما قال جل وتعالی شانه (فالذین هاجروا واخرجوا من دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لاکفرن عنهم سیاتهم ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا من عندالله والله عنده حسن الثواب) . ترجمه پس آنانکه هجرت کردند ازاوطان خود وخارج گردیدند ازسراها ومنازل خود ودرنجاییده شدند درراه طاعت من وکار زار کردند با کفار و کشته شدند درجهاد هرآینه در گذارم از ایشان بدیهای ایشان را ودر آرم ایشان را ببوستانهای که میرود از زیر درختان وقصرهای آن جویها واین پاداش دادنی است ازجانب خدا تعالی و پاداش نیکی نزد خدا تعالی است . غلط

(عبد الرب)

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(فن)

(هوا شناسی)

(باد)

مابعد از شمارهٔ ۱۰

پس منطقهٔ اصلی ریاح عبارت از همین هشت منطقه است که بیان کردیم . اما بعضی ازجغرافیون مسافهٔ را که ازششم درجهٔ عرض تا به قطبین امتداد میابد دو منطقهٔ جنوبی وشمالی جدا گانهٔ اعتبار نموده اند واورا به اسم (منطقهٔ ریاح قطبیه) مسمی گردانده اند که درین منطقه جمیع که مذکور گردیده بود در نصف کرهٔ شمال (باد شمال شرق) ودر نصف کرهٔ جنوبی (باد جنوب شرق) در وزیدن میباشند .

اینست ترتیب اساسی ومنظومهٔ کلی منطقه های باد پس درهر قطعهٔ کرهٔ ارض پیش کوه بادیکه تصادف شود ان باد البته درین منظومه منسوب خواهد بود . ولابد یکی ازین جریانها مائد وراجع است . اما باوجود آن بازهم تعیین موقع مخصوص هربادرا مطابق این منظومه نمودن ، وجریان هربادرا یکی ازین منطقه ها موافق ساختن کار هرکسی نی بلکه حکمتان فی منه اورلوزی نیز ازآن عاجز است . واسباب صعوبت واشکال ان ازانستکه در هر موقع وضعیت ومناسبت آب باخشکه دیگر گون افتاده . وامتداد وارتفاع جبال ووادیها ووسعت صحاری وبیابانها ویست وبلندی ساحهٔ کره ارض استقامت جریانها را تغییر وتبدیل میدهد که ازین سبب تعیین موقع مخصوص هر بادرا نمودن خیلی مشکل است .

(اقسام بادها)

چون اسباب مهمه . واساسکلیه ماهیت ، وجریان ، ومنطقه های ریاح مذکور گردیدا کنون شمهٔ ازاقسام ، واسامی که باد های منوعه اطلاق میشود بیان میکنیم :

(بادهای موسم)

بادهائیکه اورا (باد موسم) میخوانند چون از برای تبدیل استقامت جریانهایك مناسبت ، ونیز ازبرای جغرافیا اهمیت زیادی دارد لاجرم درخصوص تفصیلات آنی شایان وقت است

باقی دارد

فاجعه های پاریس

(ما بعد شمارهٔ (۱۰) سال دوم)

وهمانروز وقت یافتن زرا تحقق پیدانشده علاوهٔ پدری ودختری از مابین من وتو بر طرف خواهد شد . این آخر سخن است که بتو گفتم . دیگر سخن ندارم .

مادموازل دوموقوب رنگش مانند یك صفحهٔ زرد شدولی خشم ومذمتش بقدر یکساعت خفه ریخته بی آنکه بحرف بگوید به پدر خود گردن خم کرده آهسته از سالون برامد .

فردای آنروز که روز وصال شدن سرلوغی بوداخدمتکار اتاق خود از خانهٔ پدر برامده در یکی از خانه های راهبه هائیکه به اجرت مسافر قبول میکرد در گشید . سه روز بعد دو نفر محرر مقاولات ازطرف دایرهٔ قانونیهٔ عدالتخانهٔ مارگی دوموقوب آمده بیکطور احترامکارانهٔ وظیفهٔ قانونیه را بجا آوردند . بعد از برامدن آنها مارکی بزر و وبر خود گاهی قدم مانده فلوئیك نام دخترخودرا مرده فرض نموده اساس یأس وماتم آزادر برکرد .

بعد از اتمام یافتن مهلت قانونی نیکه معین بود رسم نکاح قوت دوم ازدواج با مادموازل دورآمال اجرا گردید . خوشزاران در سال که منتظر ملیون ها طلا یك ثروتی بود دیدکه زوجهاش تنها با سیصد هزار فرانك یك ثروت مختصرهٔ جسامتی رسید . ازین کم بودن ثروت مادموازل دوموقوب تعیب نباید کرد زیرا فلوئیك به اعلان حریت و آزادی خویش تنها به ثروت وسامانی که از مادر به او میراث میرسید حق تصرف را داشت که آنهم عبارت ازهیشدر مبلغ بود . وآنهازین پیش آمده بود که مارکی دوموقوب نسبت به اصالت وثروت وخانگری خود بایك زن فقیری ازدواج کرده بود .

وقایع ما بعد این واقعه را یکدو سخن اختصار میکنیم :

خوشزاران چون دید که واسطهٔ این ازدواج مالك ثروت

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 548 of 1786

ادبیات

هیکس نشنیده در آفاق اخبار انجمن
از کسی که دیده ام طرز شکر بار انجمن
انجمن کو را و دکانهای مسنون رنگارنگ
در بهاران هیچگه نشکفت گلزار انجمن
کوهجان پرشکر از شیرین زبانهای اوست
دیده ام طوطی نمی آید بگفتار انجمن
سرو سر آزاد را گویند در یکسانگی
کو دگی یکساله می آید برفتار انجمن
از مضامین بلند و از خیالات بزرگ
کی کلاهش بلند افتاده کهسار انجمن
جام جم میگفتمش در صورت حالجهان
جام جم گر نگردی کشف اسرار انجمن
می رباید دل بناز جان روان از یکدگر
باد این جنس گرامی را خریدار انجمن
مادر کشور سراج دین و ملت بحر جود
ای که در عهد تو شایع گشته اخبار انجمن
سایهٔ حق آفتاب دهر شاه غازی ملک
ای که در گیتی نمی بینم خریدار انجمن
رونق دیگر گرفت امروز از لطف جهان
در جهان اصولگی باشد جهاندار انجمن
گفته از فیض تو مستغنی چو بلبل عندلیب
کیست تا گوید چو او نظم گهربار انجمن

ناموران نامیرای جهان

(مابقیه از شمارهٔ (۱۰) سال دوم)

آنی فاطمه خانوم :— از ادبیه های استانبول است . از اسمال صاحب (تاج التواریخ) خواجه سعدالدین حسن یک شاعرهٔ معروفه ایست که در سنهٔ ۱۱۲۲ ه در وفات شوهر وفات یافته است . صاحب دیوان یک شاعرهٔ بلیغهٔ و دولی بحر همین دولت ترکی که در تذکره های شعرا ذکر و دیوانی منتشر نشده است چه :

خیال عارضکه دیده محن گلستانمدر
آیلمش تیر جفا رسینه مه غلبارغوانمدر
امید وصلنای قاشری یاسینه دن گهمدر
خیال تیر غمزنك آیناطمر نشانمدر .

یعنی — خیال عارضت دیده محن گلستان میاست . شرحه ها تیکه در سینه ام گشاده شده همچو یک غلبان ارغوان مست . ای کمان ابرو ! امید وصل تو از سینه ام هیچدم پیکانرده . خیال تیر غمزمات خاطرنشان آنی بجاره است .

آنیس :— باین نام چند شعرا ذکر شده است : یکی دختری بوده که در جزیرهٔ (سیپلا) در زمان (دیوقلیس) نام پادشاه روما بدین نصارا درآمده بود ، وچون پادشاه مذکور در اوقات بسب دین پرستی نصارا را قتل میسانیده آنیس را از قتل رسانیده باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابقیه از شمارهٔ (۱۰) سال دوم)

کار های دشوار بزحمت میگردد ، و بدان صورت هم اجرت کارگران افزونی میگیرد ، و هم مصارف و خارج زیاد میگردد ، واز فوائد کمصرف شود بزبانها فایده برداشته نمیشود .

دیگر بلحسابی گمان کرده اند این است که اگر اعمال یعنی کارها بصورت خوب ودرست تقسیم گردد همه آلات ، وماشینها وبنای فابریکه وغیره چیزهائیکه از اصل سرمایه شمرده میشوند بیکار مانده ازهمهٔ آنها فایده برداشته میشود واگر قاعدهٔ تقسیم اعمال نباشد نمیشود ، چونکه اصول تقسیم اعمال درجمیع صنایع کارهارا بسیار ساده وآسان ساخته خوبی وسهولت ازهر چیزی مستفاده میشود ، وبدانصورت مصارف بازگذارده خوبی وطاعت وبیشتری وارزانی محصولات بالبته میدهد .

مبدأ یکلهٔ اصول تقسیم اعمال (مبادله) میباشد . اگر مبادله بسارحس نمیباشد وقوع نیابد تقسیم اعمال نیز وسعت نمیابد واز نبیهٔ آن مشکلات نیز محدود نمیشود . بنابرین برای سهولت یافتن تقسیم اعمال اولا میباید کالهای مبایعه — یعنی جای فروخت اشیا موجود باشد . مثلا چنانچه پیش ازین گفته بودیم گاهگر سی نفر کارگر بحاصول تقسیم اعمال کار کنند درروز پانزده هزار کاغذ قطعه بازی تیار کرده میتوانند ، پس یک فابریکی که درروز پانزده هزار کاغذ را بروی قاعدهٔ تقسیم اعمال بسازد لازم است که آن صاحب فابریک درروز پانزده هزار کاغذ را فروخته بتواند واگر لااقل ده هزار آنرا فروخته نتواند لازمست کپک غنی ازعهدهٔ خودرا جواب بدهد . یا آنکه رهبریک آدم رقم کارهارا اجرا کند باقی دارد

هر مقاله ایکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سرمحرر محرر یافته

محمود طرزی

در چاپخانه خانه حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 549 of 1786

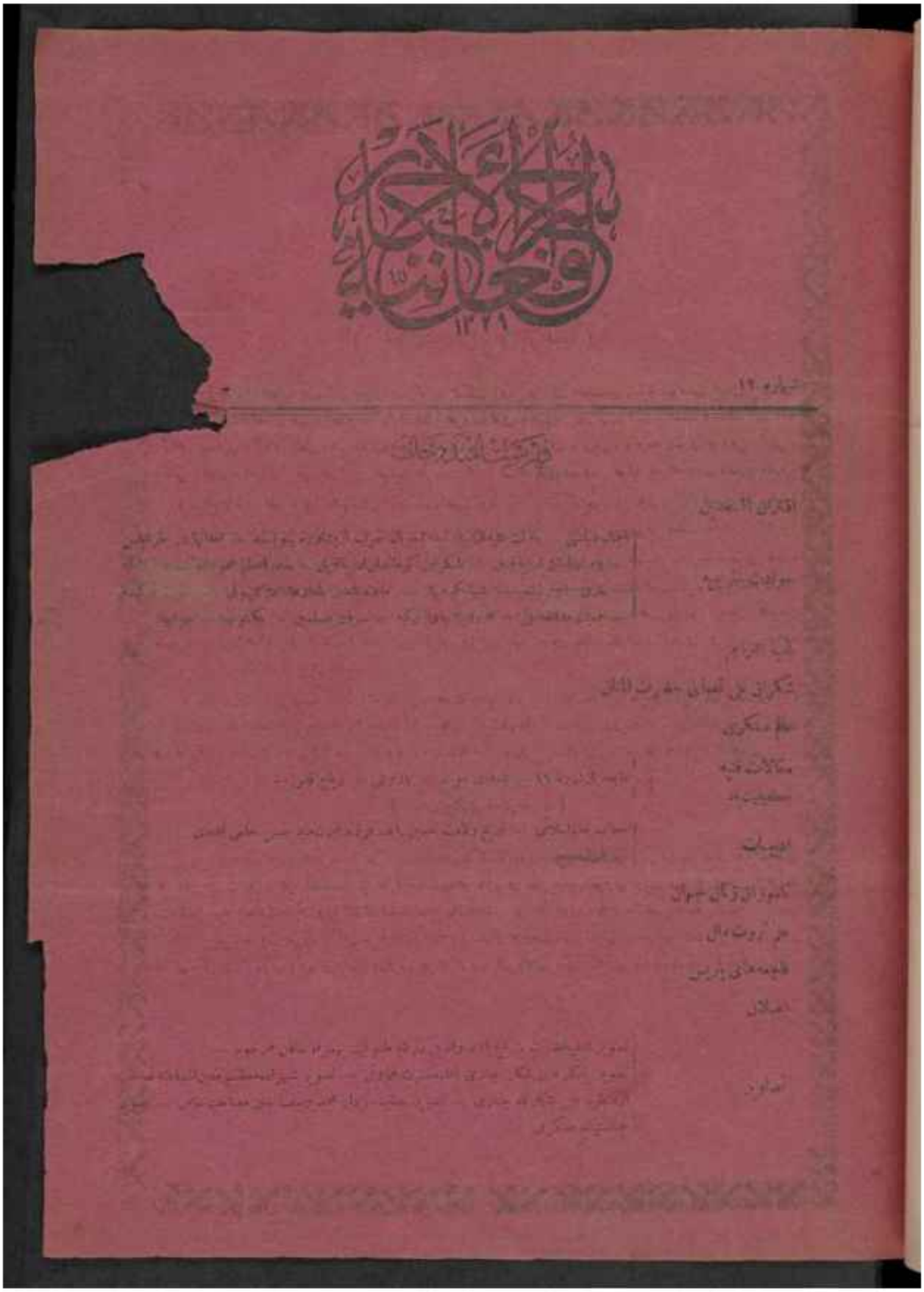

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 550 of 1786

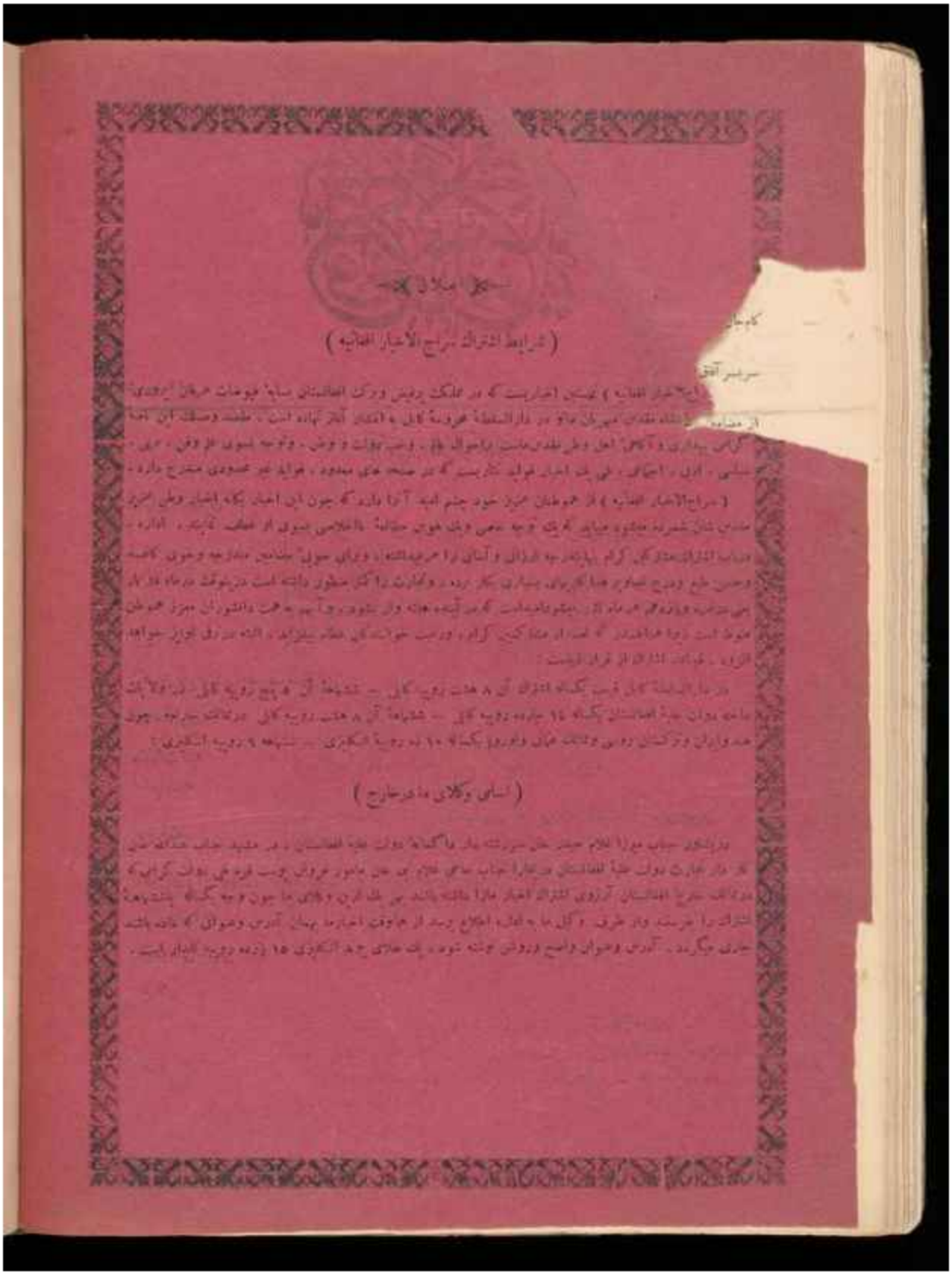

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج الاخبار افغانیه) نهمین اخباریست که در مملکت روسیه و ترکستان افغانستان بنام همایون اعلیحضرت [illegible] از مطبعه [illegible] مقدس میمنت مآب در دارالسلطنة عزونة کابل به اشتهار آثار نهاده است . غایت وضعیت این نامه گرامی بیداری و آگاهی اهل وطن مقدس ماست باحوال خود . و سبب بقوت و وطن . و توجه بسوی علوم و فنون . دین . سیاسی . اول . اجتماعی . فی یک اخبار خواند نخواهد که در صفحه های محدود . فوائد غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطنی اسیر مدتی شان شمرده میشود میباید که یک توجه سعی و یک هوش مخلصانه باخلاصی بسوی او عطف نمایند . آنرا در دیار اشتراک عدد کل کرام بیاورند به اقربای و آشنای را تحریص نمایند و برای خود و اقربای خود مشتاق شوند و بسوی کاسه وحسن طبع و مدح شعار هذا کاریای بسیار بکار برده و گفتار را کم مشهور دانسته است در موقف درخواست بی مدعا و وارد نمی شود از بیشتر بادداشت که در آینده هفته وار نشود . و آنرا به قدر دانشوران میرزا خود مشوق است زیرا خواهندان که قدر از متاعی کرام . و دست خواهان کی خطاب نیفزاید . البته در دل نوازش خواهد افزود . بنابر اشتراک قرار ذیلست :

در دار السلطنة کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپیه کابلی . شش ماهه آن ۴ چهار روپیه کابلی . در ولایات جامه دوان دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۲ دوازده روپیه کابلی . شش ماهه آن ۶ شش روپیه کابلی . در ولایات سرحد چون هندوستان و ترکستان روسی و ولایات عثمانی و فرنگ یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی . شش ماهه ۵ پنج روپیه انگلیزی .

(نسای وکلای ما در خارج)

در اینجا بر جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار ما کتابهٔ دولت علیهٔ افغانستان و در مقید جناب خلیفه نبی کار دار خارجه دولت علیهٔ افغانستان در بخارا جناب ملا غلام نبی خان مامور عروض چوب قره علی دولت گرامی که در ولایت سمرقند افغانستان آزروی اشتراک اخبار عالیه داشته باشند بر یک ازین وکلای ما چون توجه یکساله یا شش ماهه اشتراک را خواسته دار طرف . و کل ما به اعلی اخلاع رسد از هر وقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوان که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح و روشن نوشته شود . یک طلای چهار انگلیزی ۱۵ دوازده روپیه کابلی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 551 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم (شماره ۱۲)

ارکان

ایدیت کاری ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنة کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف واحه مملکت
بالمراسلات دالی ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بالمراسلات دالی ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر مسئول محرر
محمود طرزی

ادارهٔ آن محل وطبعه
در مطبعهٔ دار السلطنة (کابل)
عمدهٔ امورات تحریریه به ادارهٔ مذکوره
باسم مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعدد اسه

تاریخ عربی یکم ربیع الثانی ۱۳۳۱ تاریخ انگلزی ۱۰ مارچ تاریخ شمسی ۲۰ حوت ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وبسی مقالات مفیده درج میشود

(اقتراق السعدین)

(یك لوحهٔ بدیعهٔ عبرت منظر ، یك تحفهٔ روح پرور سعادت مظهره)

(صور تلو گراف فاتك اعلیحضرت غازی امیر مکرم مزار اقدس والدین امیر مغفور علی وافاضه سیدعدنت)

(اعلیحضرت سراج الله والدین امیر حبیب الله خان عمر ٤ سالگی در سنه ۱۲۹۳)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 552 of 1786

(اقتران السعدین)

(یکصد صفحهٔ بسیار درخشان ذریشان تاریخ افغانستان)

این شمارهٔ ۱۲ سراج الاخبار افغانیه مدرج بودن یک لوحهٔ بدیعهٔ علویت منظرهٔ شرف اندوز قصر و مباهات گردیده ، که یکی مجسمهٔ عبرت ، وشیاعت ، وقهرمان ، وقوهٔ مکدیه عدالت ، وسیاست وخردمندی را بیکنظر بنظر هر صاحب نظر جلوه گر میسازد .

چه قدسی منظره ! وجود مسعودی که یک مملکت جسیمه ، ویک ملت معظمه را یکی از ممدومی محو و اضمحلال رهائی داده بنیاد هستی وجودش را گذاشته ، و چنانش مستحکم واستوار ساخته که در مقابل سیلابهای هلاکت اندوز ، وانقلابهای آتش افروز یکسال ثبات واستقامت مقاومت مینماید . و آن دیگری بران اساس بنیاد چنان یک بنای متین الارکانی وضع نموده و آن چنان درخشنده گیهای تمدن وتجدد شعشعه افروز گردانیده که برای حال واستقبال ملت وملت یک تحسینگاه امید ، ویک آمال ترقی نوبدی حاضر و آماده شده است .

چه علوی منظره ! دوبیکر مهر منظری که یکی خورشید ضیا نثاریست که بطلوع سعادت بطوع جهان افروزی ملت وملت از انجماد افسرده گی اسارت رهائی یافته ، حیات کرهٔ سعادت وشو و نمای حریت را اکتساب ورزیده ، و آندیگری به تحلیل طبیق آن ضیای فیوضات مآب کامیاب آمده به انوار رنگا رنگ مدنیت وترقی ، و آثار بسیار شوع وشنگ تو گ ولعالی آرا درخشنده گی سراسر زنده گی عشیمه است .

بلی ! بلی ! همین دو وجود مقدس است که افغانستانرا به نعمت آزادی و استقلال مظهر نموده ، وافغانیانرا بعالم تمدنیابی داده ، یکی شمس ست ، و آندیگری انوار یکی مؤسس ست و آندیگری معمار ، یکی شیر است و آندیگری نر یکی عصر است و آندیگری جوهر ، یکی مرشد است و آندیگری رشید ، یکی سعد است و آندیگری سعید .

این اقتران السعدین ، واین چنین بی عیب وشین تصویر دلپذیر خاقان خلد آرامگاه اعلیحضرت (ضیاالملة والدین امیر عبدالرحمن خان) طاب ثراه است که ذات شو کتمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) خلد الله عمره واعضاء درس خلوت بهمراه شان میباشند ، این عکس فوتو گرافی ایست که در اثنای اقامت شان در سمرقند گرفته شده است . لهذا لازم آمد که بهاسی یک عطف نظر نموده یک دوصفحه از تاریخ افغانستانرا مطالعه نمائیم تا بکیفیت اینکه بادشاه افغانستان در سمرقند ترکستان چه کوه جسان بوده تا یکدرجه آگاهی بهم رسانیم :

(محاربه شش گاو)

در اینجا از تاریخ واقعات افغانستان که بعد از وفات امیر کبیر جنت مکان اعلیحضرت (امیر دوست محمد خان) طاب ثراه ظهور یافته تفصیلا بیان نمیکنیم ، وبهز از اختلافات ونازعاتی که در مابین اولاد شان ـ که حضرت حافظ حقیقی دوباره افغانستانرا چنان روزهای بی اتفاق وخانه جنگی را نشان ندهد . بازهم بحث نمیآریم ، تنها از آخر زمن محاربه هائیکه موجب حرکت اعلیحضرت خاقان مغفور سابق بطرف سمرقند گردیده شمهٔ حرف میزنیم :

تقریباً در اواسط سنهٔ ۱۲۸۷ هجری هرگاه بسوی منطقهٔ ارغانی (غزنین) ونواحی آن یک نظری می انداختیم کوهها ، دامانها ، تپه‌هاشپه‌هارا یک ردای بیضای اعلای برف بسیار کثیف وتحیل مستور میدیدیم که زمینهای اطراف سراسر یک طبقهٔ برفی که یکنیم متر کافی مارد پوشیده شده است . درین ارغانی پر برف مقابل همدیگر ، دو اردوی عسکری خمیس وهمقوم وهردین وهم مذهبرا که از طرفین تقریباً به شصت هفتاد هزار عسکر میرسد در مقابل همدیگر به ترزی و کشن یکدیگر مشغول می بینیم گوماندانهای بزرگ این دو اردوی مخاصمرا برادر حقیقی همدیگر می بینیم !

چه دهشتناحوال ! اما چه باید کرد ! ظروف زمان همچنین اقتضا کرده بود . عجایب تاریخ واقعات بشر ، از رنگارنگ قاجعهای پر تنوع وخیلی بسیار پا نشان داده است ! حالا مابی محاکات فلسفیه ، وتحقیقات حکمیهٔ واقعه‌نگاری از حوادث بیان میکنیم :

اردو که عسا کر اعلیحضرت (امیر محمد اعظم) خان بدر قهریٔ برادر زادهٔ شان ذات اعلیحضرت (امیر عبد الرحمن خان) در (روسه) نام موضع ، و اردو که اعلیحضرت (امیر شیر علی خان) در (شش گاو) نام موضع نصب خیام خصام نموده بودند . غفلة جنگی که از طرف گوماندان پیشان نشان وسر لشکر جرار ترکستان گ وشان اعلیحضرت امیر عبد الرحمن خان کشیده شده بود ، ومنصوبهٔ حربیهٔ که از روی همان غفلته به حرکت می افتاد اگرچه در صدی نود و نه تپه پذیر موفقیت و کامیابی بود ، ومانند محاربات سابقهٔشان جامع وظافر ظهور بود ، ولی چه فایده که بنا بر بعضی حرکاتی که از طرف خود امیر محمد اعظم خان برخلاف قاعدهٔ حرب بوقوع آمد این محاربه‌هم‌مانند فتح بشکست مبدل گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 553 of 1786

همین عبارة موجب خروج ذات اعلیحضرت خاقان جنت مکان ضیاء الملة والدین از افغانستان گردیده است که از راه ملک وزیری وبنان ، وبلوچستان ، وسیستان به ایران ، وازانجا بر راه (در گز ، وطرن ، وآق کیج) از ملک (خیوه) گذر نموده به (بخارا) ، وازانجا به (سمرقند) تشریف فرمای سعادت شده اند .

(سمر قند)

(سمر) نام یك شهری بود از اجداد قدیمهٔ آنراك ، و (کند) بزبان ترکی قدیم شهر وقریرا گویند که باینصورت معنی (سمر قند) شهر سمر ، یا ده سمر میباشد [برهان قاطع]

ذات اعلیحضرت خاقان مغفور بعد ازانکه از اقتضای گردش چرخ دوار از وطن اصلی " موروثی " شاهانه شان بیرون برامده آبسیر قدرسیده اند در همه حکومتهای هموار خود که رسیده اند به بسیار احترام واکرام پذیرائی شده اند ، دولت ایران باهمراه های دولتی به مشهد مقدس رسانیده ، واعلیحضرت (ناصر الدین شاه) مرحوم باستقبال واحوال پرسی " صمیمانه دعوتی کرده اند ، وازانجا به احترام تمام بسوی (خیوه) حرکت فرموده اند ، جناب خان اعظم خیوه نیز غیر ازانکه پذیرائی که در خور شاهان لایق وسزاوار است اجرا نمود هر گونه معاونت مالی وعسکری نیز از آماده بودن خود عرض انسانیت بجا آورده

ذات اعلیحضرت خاقان مغفور در سوانح عمری " شاهانه شان در اثنای سفر شاهانه از (در گز) به (خیوه) چنین میفرمایند :

« روزی بیك قافله از ترکمانها بر خوردیم ، آنها خیال اینکه ما ایران هستیم ، وی خواهیم به آنها حمله کنیم خودرا پنهان نمودند ، در اینجا باید مذکور بشود که ایرانیها وترکمانها همدیگر دشمن هستند ، اگرچه همدو مسلمان میباشند ولی علمای جاهل آنها بهوای نفس خود رفتار نموده آنهارا ترغیب مینمایند که یکدیگر خودرا قتل رسانند یا غرو شند ، واینکار وحشیانه ایست ، خدا میفرماید همه مسلمانان برادر واجزای یکدیگر اند ، هر چند هردو طایفه خودرا مسلمان میدانند لکن بسبب جهالت یکدیگر شارا چون مشرك می بینند ، وازینست که کفار بر اسلام غالب میشوند چرا که بین خود شان نفاق دارند ، اما این عیب در دین اسلام نیست بلکه خود مان مملو بعایب هستیم »

چون اینکلام حکمت انجام اعلیحضرت ممدوح برای سال وحال بلو اسلامی یك درس عبرت آمیزی بود بمناسبت موقع از درج آن صرفنظر کرده نتوانستیم .

والحاصل ذات اعلیحضرت خاقان جنت مکان از ممالك ترکمان پشیمان غرو شان برامده به بخارا ، وچون جناب پادشاه بخارا به (حصار) نام موقع برای بابع ساختن مردم آنجا رفته بود بنا بر دعوت مخصوصیه به آنجائیکه تشریف فرمای سعادت شده اند ، در اثنای این سفر شاهانه چیزی که شایان تذکار است این کلام حکمت انجام اجنابی " اسلامی " شماست که بدرج آن کتب افتخار میتایم :

« چون وارد بخارا شدم ، دیدم که پادشاه بخارا حسب حکم دولت روس به (حصار) و (قلاب) رفته است که امیر (میرزا بیك) جنگ نماید چرا که امیر منه کور اطاعت دولت روس را قبول نکرده است ، چون با امیر بخارا سابقهٔ آشنائی داشتم کاغذی به او نوشته از آمدن خود اطلاع دادم پرسیدم که آیا میل دارید بامراجعت شما در بخارا باشم یا نزد شما بحصار بیایم زیرا که میخواهم زوده تر بلازم سمر قند شوم ، بجوابم نوشت که بلاقات او روم ، علیهذا الترفیهاتیکه خان خیوه بن داده بود فروختم بهیهٔ خودرا دیده وبا صد خر بلازم (حصار) شدم ، وغلامانیکه خان خیوه بن داده بود همرا آزاد کردم ، مدت ده روز این مسافرت طول کشید ، روزی در بین راه قصهٔ زمین مرتفعی را دیدم که بجهت چادرها وخیمه که امیر بخارا مصلح کرده بودند ، واین قطعه زمین با خون آلوده بود ، اول خیال کردم این خون قربانی هائیست که بجهة نصرة وفتحی که بجهت امیر بخارا رخ داده ذبح نموده اند ، پرسیدم که چرا قربانیهارا دورتر ذبح نکرده اند که در پیش روی خیمهٔ امیر ذبح کرده اند ، مردمان آنجائی گفتند : این خون انسانست نه از حیوان ! بعد معلوم شد که یازده روز قبل وقتیکه پادر امیر بخارا اینجا سرا پرده قلعهٔ حصار منصوب شده یکهزار نفر اسیری که تسلیم شده بودند نزد امیر آورده اند ، فوراً حکم داده است در جلو روی او همدرا کشته اند ، از استماع این کار غالباً خیلی متأثر شده گفتم شاید اینها تقصیری داشته اند والا هیچکس اسرارا نمیکشد ، مردم جواب دادند : امیر صد ها آنهارا بدون تقصیر یا باز خواست بحبث کشته است ، از شنیدن اینحرف تعجب نموده با خود خیال کردم که چون حکمرانان آنها از خدا ودین خدا غافل میباشند ، ومسلمانارا بملاحی میگیرند ، وحقوق خدارا بدون تقصیر میکشند ، وامیر بخارا هم اطمینان به احکام خدا وشرع پیغمبر ندارد ، وعلما که حامی ومروج این شریعت هستند اقتدار ندارند ، ازین سبب روسیا را برانها مسلط ساخته ملکهای شارا استیلا نموده ، ازین سبب خیلی متأثر شدم که اهالی بخارا که به تدین شهرت دارند بر خلاف قانون اسلامیت وانسانیت رفتار مینمایند ، وازین متألم شدم که روسیا آنهارا ایشان جاهل وبی خبر ، وخداند یکربان دیده ازین فقره منتفع ومستفید میشوند ، از گفته شدن این اشخاص بیگناه گریستم ، وچند خر سوار ان خودرا مقرر داشتم که خون آنهارا با خاك چوشانیده صورت قبررا روان سازند »

درینجا اگر از تفصیلات واتمات اختتام اقامت وایام عزت اعلیحضرت شاهانه سخن رانیم گفتاریش اوراق ما ازان عاجز میماند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 554 of 1786

لیسدا بر اصل مقصد رجوع کرده میگوئم که ذات اعلیحضرت خاقان مغفور مدت یازده سال تمام در سمرقند وکلکته بسر آورده اند ، درین مدت دولت روس ومردمان آنجا به بسیار شیوهٔ مرغوب رفتار نموده اند ، واز طرف دولت روس نیز اگرچه در اواخر بشما بر بعضی ازرفتارها کول خورده ذات شاهانهٔ شانرا از سمرقند به تاشکند نقل داده اند ولی من حیث الاجمال باینها در احترام واکرام شان کوتاهی نشده است .

اینست که این تصویر وایدربگ سررشتهٔ افتخار ما شده است محصولات آن اقامت زمان سمرقندمیباشد ، ذات اعلیحضرت خاقان مغفور درسنهٔ ۱۲۸۷ بسمرقند وارد شده اند ، و درسنهٔ ۱۲۸۹ یعنی دوسال بعد ولادت پرسعادت ذات قدسیت صفات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی مدید الزمان وقوع آمده است ، تقریباً عمر شریف اعلیحضرت درموقع گرفتن این عکس پنج ساله بوده است .

در خصوص گرفتن عکس ، یک فقرهٔ دیگری در سوانح عمری اعلیحضرت خاقان مغفور مصادف نظر گردید که بهیچ عنوان از درج آن خود دارای نتوانستیم :

« فرمانفرما گفت : امیر اطور عکس شما وچند نفر از سر کرده های عراقان شانرا خواسته اند . جوابداده حاضر خواهم نمود . روز بعد باب فرمانفرما مارا بدکان عکاسی برد ، ولی سر کرده های من از گرفتن عکس خود شان انکار کرده گفتند : هرکس عکس خود را بسپارد کافر میشود ، ما جان خیال میکردیم که عراقان من عقل دارند ، ولی اینوقت دانستم که هیچ عقل ندارند ، وبعد ازان در هیچ کاری با آنها مشوره نکردم » .

سبحان الله ! با گفت من پرورد گاری را که هر چیزی را تغیر میدهد ، وخودش هیچ تغیر وتبدل ندارد ، در وقت حاضر همین توجهٔ بدیعهٔ که سر توجهٔ افتخار دانست از عکاسخانه شاهانه جا دیده است که در دارالسلطنه کابل قصر بنا بر مقصد تغیر مرصد یک مسئلهٔ جاری تأسیس یافته ، وآنهم این است که واردات صافیهٔ آن بر اولاد یکس وبرابر تقسیم شده صرف میشود ، وهیچ کس ازسر کرد گان ورزر کابر اعالی نباشد که بکار به این عکاس خانه یک عکس دو عکس نگرفته باشند .

بین خلوت راه از کیست تابه کجا
انتها

(از یادگارهای شکار چغاری)

(ذات اعلیحضرت پادشاهی پاسر اس آهوی که خود شکار فرموده اند)

خواطر خارجیه

(اجمال سیاسی)

سخن دنیا جمعت قهقری میکند ؟

نادرست ، یک آیهٔ قدغای نیست ، ولی چشم عبرت بین کجاست یکوئی بود که بیاعاد پدرهای نصارا از جهالت اعمال ، ومطاوعت زرکان شان تمام کلیسارا که استاده را یا که برای رهایی دادن بیت المقدس را از دست مسلمانان مانند سیلابهای از هرطرف بر ممالک اسلامیه هجوم آوردند ، امادر آخر شکستها نامانند (فاتح ارسلان)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 555 of 1786

سلجوق وبعدازان خاندسلطان (صلاح‌الدین) ایوبی ، وبعدازان خاندسلطان (مراد خداوندکار) عثمانی پادشاهان اسلام موجود بودند که درپرتو قوت شمشیر آنها بجزفرو آوردن سرتسلیم دگر هیچ چارهٔ نمیدیدند .

رفته رفته دراوربا حکما ، وفیلسوفان باطل‌ودنکا افزونی کرده ومردمان ازعلم وصنعت وحکمت آشنایی پیدا کرده قوت وشوکت پاپها وکلیسارا ازپی برافکندند . وواهی بودن این گونه خودپرستیهای دینی برهمگان ثابت گردید . اگرچه محاربه‌های سیاسی بوقوع آمده وپی آمد وفی کی نام محاربه‌های دینی ومذهبی را بزبان نمی آورد .

عدهٔ فکرها وتصورها در پی ترقی وتمدن ، وصنایع ، وتوانگری ، وثروت وتجارت مصروف شده اوروپا عروس دنیا ، ومعدن عمران وذکا گردیده بعدل وعلم ، وحریت ، ومساوات مفتخرباشد .

ولی بنابر مقتضای (کل شی یرجع الی اصله) درین عصر چست وبکم برغم عدهٔ آن مدینها ودر خشندگیها دفعهٔ باز بحال یك دست وحدت وحشیانه ، بالقابهای دورازذکا اعلان حرب صلیبیه راشودند که دولتهای بزرگ اوروپا را نیز حیران ساختند ، چه تهیه جمعیت قهقری ! ...

(ازمنظره‌های شکارگاه چناوی)

(شهزادهٔ معظم معین السلطنه مرحوم عنایت‌الله خان باحصول شکار شان)

کذالك احوال عصرها پیشروان علیه‌عثمانیه را درمبدوات باز بکمال دهشت می‌بینم که رجعت نموده است . مسئله‌های زوریاها ، وپیچیها بازبیك‌لباس دیگری جلوه‌گر گردیده‌است . حرکات مزاحمانه بران قیام نمودند چون برای کلیات عدالت مساوات حریت بود ، وهمین کلیات درتصورها ، واخبارها ، وهم آثار مطبوعاتشان دیده‌میشد شنوندکان وبینندکان دوروزدیك آنها برای‌ایدعسرت توهمی افتادند ، وبهاتحاد وترقی‌یك‌شوق پرهوس غریبی درخود حس نمودند ، چونکه هردوافکار وآمال علیه‌را بر سلامت وسعادت مملکت منحصر میدیدند ، کی نگذشته بود که صداهای تشکیل‌یافتن فرقه‌ها کوشهارا به اهتزاز آورد . آن میانی زودیك‌ست که هرکس آرا مطرح اصلاح واتحاد ، ویکانکی ملم اسلامی اختفاء کرده بودند محل ومعدن اختلافات ، واختراصات گردید . آن اختلافات چون در منابع خسیسهٔ‌شریعه مستند گردید اتفاق به اتفاق انقلاب یافت . اختراصات بدرجهٔ پیش رفت که سلامت مملکت حکماً متسبباً گرفت . دران دولتها یك‌غلغلهٔ محاربهٔ ایتالیانها رامده زیاده ازیك سال‌دوام ورزید . اختراصات تشکیل دادن کابینه‌ها درمیان فرقه‌ها بدرجهٔ آتشفشانی داشت که آن آتشهای محاربه‌را بجز بعضی قهرمانان غیوری مانند (انور) بیگ ورفقاش که دراینجاوجودندیگر هیچکسی حس کرده نمیتوانست . تاآنکه ان مملکت جسیمه نیز از دست رفت باوجودیکه حرکات خصمکارانهٔ بلغارها وشرکای جنایش از آغاز مستهیدبارود ، ولی اتفاق فرقه‌ها هیچ نمیگذاشت که تدارك واقعه پیش ازوقوع کرده شود . فهردیکه حربیالقابهای وحشی که چندی پیش ازین باع دمغانیه رودوش‌شان بود آغاز نهاد عدهٔ نواقصات وعدم حاضری‌شان میدان دامد . ازمغلوبیت بمغلوبیت گرفتار آمده دراستانبول محصور شدند . باوجود اینهم اختلافات ومناقشات اتفاق

انگیز فرقه‌ها ازشدت ودهشت فارغ نگردید . تاآنکه دولتها وبالقابها برن قرارداده که هزاروبایل وجزایرمحرسنید ازعثمانی تجزیه شود ، ونهادرولایت‌استانبول باقی . هیئت وکلاووزرای استانبول هم بهمین قسمت خود راضی شده که ماده ودکه برین شرایط امضا کنند که بناگهان فرصت طلبان جمعیت اتحادوترقی که درکمین بودندفرقهٔ زعیم‌خودخروج نمودند . اماچه‌خروج ! خروجی که انسان رانامه سنه ۱۳۲۷ هجری تقریباً یکعدسال پیش ازین بپایتخت جمعیت قهقری میسازد ! .

معلوم میشود که دنیا رجعت قهقری آغازنهاده است . بازهم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 556 of 1786

تاکید بیشتر، اینگونه کارها را بخارج حواله کرده والعان سنهٔ ۱۸۷۰ میلادی مملکت فرانس وداخل شدن جرثقیل ایفل در زیر نظر آورده اسل باب میشود که بعد از هفتهٔ ان دولت عثمانیه از همه دولت فرانس ترکه است ویکی از اعضدن دولتهای دنیا شمرده میشود . امادگرفت عثمانیه بجز همان اقتدار مالی - وغیرت ملی را داشته باشند که پنج ملیار (۵۰۰۰۰۰۰۰۰) فرنک تعدیات حربیه را در اندک مدتی ادا نموده وسر از توشرف دولت خود در اورده باشد ! اما بیم معلوم نیست که آیا دولتهای (النماس ولورن) باطمه رومیلی وجزایر بحرسفید راضی کرده میتواند باشد ! بهرحال ماجز اینکه از تسمیم دلوهٔ حسیات دربار شاهانهٔ وکابینهٔ واعلا

(از منظره های بلاق آباد)

(جناب ، یاور اکرم ، وسف خان مصاحب خاص اعلیحضرت همایون در باغ شاهی قدم میزنند)

بودن دولت علیهٔ عثمانیه که دولت معظمهٔ اسلام ومظهر خلافت است بدگمان حضرت صاحب الدعوات داکتیم دکرچه خواهیم کرد .

مارا بطرق های متعالیه شان سروکاری نیست بلکه به احوال وافکار وروحیهٔ اهالی آنها از چندان معلوماتی ندارم ، اما چون خوب نظر میکنیم اسباب بدگمانی ازهمه بالاکتر ما از تعلیمات اتفاقیهٔ دولتها میباشد که گویا برای حسن ادارهٔ مشروطیت سیر خطی کرده اند ! اولین چاره از همان پیشتر به این ملاکت مبتلا گردید ، پس ملاحظه شود که برای مشروطیت چاندر حاضر یا وتجربه قابلیتها کار است .

(بیت)

بعمرکی طرف کاه کج نهاد و نه نشست
کلاه داری و آئین ـ وری داند

دولت علیهٔ عثمانیه

همچو یک مسلمانی نباشد که از این وقوعاتیکه در طرف این دو سه سال اخیره در ممالک دولت علیهٔ عثمانیه رخ داده متأثر نشده باشد چسان متأثر نشود . وچون نگرید که در ایام کریمه از این دولت بزرگتر ، از این دولت قدیمتر ، از این دولت پادشوکت تر دکر هیچ دولتی در مسلمانها موجود نیست از تاریخ ۶۹۹ هجری که اعلیحضرت (عثمان خان غازی) بعداز مندرس شدن دولت (سلجوق) بالا مستقلال دولت علیهٔ عثمانیه را تاسیس وتشکیل داده اند تا این وقت که مدت ۶۳۲ سال میشود دایما علو بلاد ، ومقاومت بادولتهای قوی بنیاد کوناکون نموده اند ، اول قهرمان دلاوری که از آسیا به اوروپا پایه ها گذار کرده ، وقلعهٔ دوبابی را فتح کرده شهزاده (سلیمان پاشا) ست که پسر بزرک سلطان عثمان غازی وبرادر بزرک سلطان (اورخان غازی) میباشد ، سوم سلطان مراد خان خداوندکار) بود که در عهدای (قوصوه) از دوی بسیار جیر اهل صلیب اوروپا را یکبار از استماد حکومتهای (صربیه ـ بلی سرویه ـ وبوسنا) جمع آوری کرده بودند همه را مغلوب پریشان ساخت ، وخودش نیز در آنجای که بعداز جانش در میان کشتها وزخمها اطبای افتوس کرده میگشت چنبر طلا وسم (بایزید قایلدریم) آنجایک هم بصرف شده است ، شهر شهر قسطنطنیه را اخذ نمود (سلطان محمد خان فاتح) همسی وهمت وچه دها کاری وبرین علاوه کرده است که محاکمهٔ تاریخ آن انسان را حیران میسازد ، (یاوز سلطان سلیم) خان پادشاهیست حقله عنوان [خلافت] را احراز نموده بالطبع جزئی [خادم الحرمین الشریفین] مالب گردیده است ، وزمان سلطنت پدرشان سلطان [سلیمان خان] شوکت وسطوت دولت علیهٔ عثمانیه رفعه آسیا واوروپا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 557 of 1786

واقعاً بدبخت بودیم که در آن وقت از دولت علیه هیچ‌وقت برکتی نمی‌دیدیم، و بلکه همواره زیر و زبری بانتظار ما بود. و الحمد لله از زمانیکه گیتی گردان این دولت مظلمهٔ اسلام را جهان‌دیده پی سیلابهای دشمان خود ساخته موقع و مرکز سلطنت خود شان را بکمال بهادری، و دلاوری و ترف غیرت ورزی محافظه کرده آمده‌اند، چنین صورت یک من عظیمی دارد حمله و جانبازی فلاک و مصیبت‌های که دولتهای بالقان تکمیراو از هر طرف مانند دیوان وحشیانه حمله آور شده‌اند روده‌های مظلمه از طرفداری آنها عاجز میکند، و نمایندهٔ خود آنرا بالقوت رجعت اسلامیه باهزار آه و ناله میکند و در حقیقت از طرف همه اسلامیان مدافعه میباید همه مسلمانان جهان راه را راست حمله بکردیم، قلم، قدم، و مدد آنها معاونت کنیم، و در اوقات حمله از صمیم دل برای فتح و ظفر شان دعا و مناجات نمایند، تا مسلمانان القلستان را هم سرو کاری با اختلافات فرقه های سیاسی شان نیست، و همزلوم آنها نیز که در اثر فراه بازی آنها بدبختیم، و طرفداری یکی را کرده طرف دوم و دشمن آن دولت مظلمهٔ اسلامیست که هم وجیبهٔ قوت و غیرت و ذات اسلام شریف میشود، الیوم آمدن اصحابی محمد صلی الله علیه وسلم

احوال حرب

جناب معظم محترم مدیر صاحب!

سلام! که وقت ۸ نوشته است برای خصوصی برای مردم پشاور که مشتمل وقایع عظیم داردلار آنها نوشته شده لازم دانستم که برای خوش خبری اهل اسلامیان آن جناب بنویسم:

کراونه ۹ فروری — عربات جانم عظیمی که در گرد و نواح ادرنه بودند آن طرف آمده بمقابل وقصابات عظیمی رسانده روبگرز نهادند. و ترکان تعاقب میکنند. فوجی که به ادرنه بودند حصور جویند از قلعه ها برامده سمت مقابله بازپس نمود و دشمنرا هزیمت سخت داد. دشمن روبگرز است.

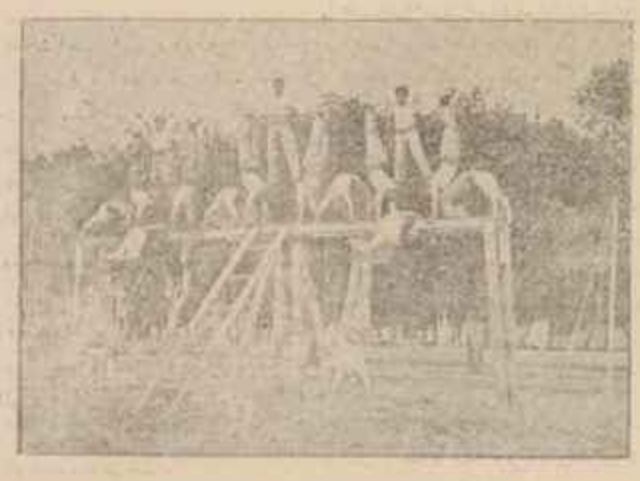

(جنایتیک عسکری در جلال آباد)

(طیاره عده اردل حضور هاوی در این جنایتیک هرها بکار میزند)

دیگر زاده وقبح قایم‌نمایه جوان‌مصیبها راسراسر الزهن اختلافات متعدده‌یکه از اظهار اسف‌سودای قلم نم، هر فرد مسلمان اتحادوثوق ملت‌اسلامیه خودرا آرزو میکند، حتی که حقیقت عدیان فکر بسیار مال باشد هیچ شبه‌نیست که هزاره مسلمان به آن فکرهای گرد بیشود. کدام‌جنبی که فکر الت و آزادی اسلامرا پیش نهاد خود کرده باشد، و اگر حقیقت هم چنان باشد کیست حمله آنرا عزم‌نماید.

سعادت! اگر این‌گان مظلمه، اسبهای نمی‌باشد وازا غراض شخصی، دو اولاد های واقعی مرا بوده بالاتحاد والا تفاق بحقیقت موضوع آن‌گان جدیت و کوشش ورزیده شود چه نتیجه‌های عظیمی برای عموم بلاسلام روی‌کار خواهد آمد.

بهرصورت حقصداصل و آرزوی حقیقی‌ما وهمه‌مسلمانان بدو

کاردوم: — هزاران جوان غیور ومستعد که از قوانین جات پنوی با حراره از آسیای کوچک برای مدد آنان روانه شده‌اند، چندفقره سوپارات بخزارها عسکربارشده ازقسطنطنیه بسمت طرف آ معلوی رواه شده‌اند، حضورین ادرنه‌اول درهم ماه فروری ازقلعه برامده بوج بلغاریه بجوش وخروش حمله اور شدند، وبه مدد ازدوکوا، وسلا کی عسکر شجاعت احتوا بوج بلغاریا در حلقه (والاکوی) هزیمت سخت‌داده وفوج غیر تعدد از طایفه سخت از مورچه‌ها وسنگرهای خود گرفته، وغنایم کثیر بدستشان افتاده.

کاردوم: — فوجهای اسلامی از میدان ادرنه اول حمله آورشده بقام (زارتاس) هرقه فوج اسلامی" شتابیه ملحق شدند، ومتفقاً بر فوج عنیم بسیارجوش وخروش حمله آوردند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 558 of 1786

وجه دشمنانرا که در قرب وجوار او پراکنده بودند یکان یکان بخاک رسانیدند واسیر نمودند صرف ده نفر زنده گرفتند . وبعد ازان فوج اسلام (پی کادس؟) را قبضه نمودند .

نمرهٔ چارم : — خانونهای ترک در استانبول یک عظیم الشان جلسه منعقد نمودند . وقراری که دران جلسه داده بودند به افسران فوج فرستادند . دران قرار داد چنین نوشته بودند : که اگر کدام سپاهی یا افسر از بزدلی وناصردی از میدان جنگ گریخته بخانهٔ خود آیند اورا هرگز نباید های خود نپذیرفته نماند.

این بود خبرهای تلگرافی که دیشب رسیده وامروزه داد خدمت شما فرستادم . اما درباب واقعهٔ بومبه که در دهلی بر هزا کسلیسی ویسرای انداخته شده بود اضافه حالات چنان بیان میشود :

وایسرای رو بصحت است . از بمب هنوز هیچ آثری معلوم نشد . برای گرفتار کنندهٔ مجرم العامیکه مقرر شده تعداد آن بمبلغ دولک روپیه رسیده . لکن مجرم را هیچکسی نمیدانسته .

میگویند که بر دیوار بیرونی مسجد دهلی یک اشتهاری چسپان یافته شد که مضمونش حسب ذیلست : — این اشتهار ازطرف مجرمیست که روایسرای کلهٔ بمب انداخته من همان آدم که بارسال روی تصویر بهسه ملکه را سیاه کرده بودم . من همانادم که ازمسجد دهلی جار روشنی راکه امیر صاحب جمعه عطا فرموده بودند دزدی نمودم ومن همان آدمم که درین روزها وایسرای گوله بمباهاختم لاکن افسوس است که زنده ماند . خیر آینده دیده میشود مثلا من اشتهار میکنم که هرکسی که نشان مرا بیابد ومرا گرفتار نماید بغراز انعامی که برای او مقرراست مبلغ پانزده هزار روپیه من ازطرف خود بهاو انعام میدهم فقط .

درکلکته نیز یک اشتهار بدینمضمون یافت شده که دران اشتهار واقعه بسیار خوشنودی ظاهر نموده شده . وبزنندهٔ بمب بسیار ثنا باش وآفرین گفته ونیز نوشته است که این کار ما مردمان بنگالی میباشد . وانگریزان را باید که ازما مردم بیم نباشند فقط .

درین وقت بهمینقدر خبرها آکنفا ورزیده انشاءالله درمان آینده بازمینویسم . باقی عرض احترام فقط .

(...)

(افغانها درطرابلس)

قبل ازین دریکی از شمارهٔ های (سراج الاخبار افغانیه) نوشته شده بود که : بعضی افغانانی که درممالک دولت علیه عثمانیه راکنده میباشند باین مقصد که پادشاه مقدس ما چون درحق عزیزما پادشاه مالی به برادران عثمانی ما همچیها نعمت شاهانه را صرف فرموده اند مایان چون درانجا بحرکات خود آزادیم چرا بمعاونت جانی کوشش نورزیم . وبهانقصد بسیاری ازافغانان مقیم آن صفحات بمزم جهاد از راه مصر عازم طرابلس غرب شدند . ویکدوست ما ازمصر این خبررا برای ما نوشته بود که بعضی ازانها معاونت هم کرده بود .

درینوقت در اخبار مصور بسیار قیمتدار (شهباز) سکه دراستانبول یک حس وظرافت فوق العادهٔ نشر میشود عکس یک صف داوطلبان افغانی را بلیات ووضعیت عسکری طبع واذ نموده بست . ازقرار مسموعات کوپا افغانان درمیدان محاربه جداد مردانگی وشجاعت را داده اند . ومظهر توجه وتقدیر کوماندان بسالت نشان غازی انور بیک ومیگر افسران غیور عثمانی گردیده اند .

بمبارد مان ادرنه و پاویل

بعداز برهم خوردن کنفرانس مصالحه اول آغاز محاربه بابومباردمان یعنی کله باری ادرنه و پاویل ابتدا ورزیده است . بلغارها به آتش ریزی شهر در چارم فروری ابتدا ورزیدند . یک قسمی ازشهر ادرنه و پاویل ازکثیر آتش طوپ درگرفته است مدافعین اسلامیه درجه شایان حیرت دلاوریها وجسارتها نشان میدهند .

تلگراف کوماندان ادرنه و پاویل

بتاریخ ۶ فروری کوماندان ادرنه و پاویل بتلگراف بی سیم خبررا فرستاده است : « دشمن مارا بومباردمان میکند . ۱۳۸ گله طوپ ، و ۱۱ گله ، نیل بشهر افتاده است ۸ نفر مقتول و ۱۰ نفر مجروح شده اند ۵۲ خانه محروق شده است . هنوز هم گله ریزی دوام دارد .

درشتالجه

صدر اعظم (محمود شوکت) پاشا خط مدافعهٔ شتالجه رفته است . بلغارها دفعا وقریه های اطراف شتالجه را ویران وخرابه وخراب کرده فرار نموده اند .

غازی انور بیک

تاریک قطعهٔ بسیار خوبی که برای حرکت حربیه غازی انور بیگ کشیده بود بقدر بیست هزار عسکررا درکنتیا انداخته ازراه بحر بر حناح چپ لشکر بلغار رانورده واز طرف دیگر بلغارها هجوم برده عسکر بلغاررا درکلیولی واطراف آن پریشان کرده است .

کوههای چه میکنند ؟

سیاه کوهیا ، بسیار پریشانند ، مدافعین اسلام درمدافعات شیرانه خودشان دوانیدارند . بحرکتهای خروج خودشان ازقلعهٔ (اشقودره یعنی سقوطری) کوهیا راپریشان مینمایند وتلفات بسیاری ازکوهیا بعمل می آید .

درکلیولی

درکلیولی که بساحل آبنای (چتلی قله ـ یعنی دارد نیال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 559 of 1786

واقعست) عسکر بلغار مانده وخسته شده درمقابل عسکر تازه دم
ژکان هیچکاری ازپیش برده نتوانسته اند .

ترکیه قوت پیدا کرده

استانبول ازتاریخ ۷ فروری خبرمیدهد که یک قوت بسیار
عظیمی ازاناطول جمع آوری شده ودرزیر کمان افسری اوربیگ
رکوه تکفور دامنه جناح بلغارهارا فراگرفته است . وبهمین
سبب بلغارها ازاشتاجه عقب میکشند .

جمعیت مدافعهٔ ملی

ازعصر وهند ستان ودیگر بلاد اسلامیه پیه بسیاری جمع
میشود . فوتبولی عثمانی دربی نیز درمیاب بسیار کوشش
میورزد . پسه که جمع اوری شده یک ماپون لیرهٔ انگلیزی واقع
شده است .

اورو پلانهای ترکیه

دراستانبول یک فعالیت عظیم عسکریه دیده میشود . اورپلانها
یعنی کشتیهای هوائی ترک رجعت کردن بلغارهارا ازاشتاجه خبر
میدهند .

سرور المسلمین

اخبار غراء (الشعب) منتشرهٔ مصر درزیر عنوان فوق
مینویسد :

انقلاب حاضری که دراستانبول وقوع آمد دردل هرمسلمان
جداگانه یک سور وفرحی حاصل نمود . وهر شخص بحدا گانه
بیک طریق باظهار مسرت خودشان اشتراک ورزیدند . بعضی
واسطهٔ تلگرافات مبارکباد اظهار خشنودی وسرور نمودند .
وبعضی برادران خود شانرا برجوع کردن امانه تشویق وتحریک
نمودند .

ولکن حضرت حاجی غلام محمد افغانی کمال که ازساکنان
هلهٔ سیمه زیب میباشند برای بیان مسروریت خود یک طریقهٔ
دیگری استنباط کرده که آن هم عبارت ازفرستادن حوالهٔ ۱۰
پوندانگلیزیست درینگ افغانی شرقی بنام یکانه بهادر دارالاسلام
(انور بیک) برای امانهٔ دولت . بارسالهٔ به همتش . وبسیار
کمند افغانی .

مکتوب

خدمت سر محرر ومدیر محترم . براع الاخبار افغانیه زحمت
افزا میگردد .

در شمارهٔ ۱۰ اخبار معتبر شما یک مکتوبی به امضای یک
(سیاح درویش افغانی) مندرج بود که از اطالیه فرستاده شده
بود . در مکتوب مذکور اسباب یکانهٔ غلاکتها ، وهزیمتهای
را که ترکیه به آن دوچار آمده سیاح موصی الیه بنظر بسیار
کوته بین خود بسیار غلط محاکمه کرده . وبیک طرز دلشکنانهٔ
تحریر نموده است که بسبب آن بودن خودمتاسم خودم به ردکردن
آن میبودم :

معلوم باد که عناصر اسلامیه که درممالک عثمانیه زندگانی دارند
هیچ یکی ازانها ازمایه های نصارا اولاد خودرا شیر نمیدهند .
در پیش ما مسئلهٔ شیر بسیار مهم است . در خانه های ترکان
از زنان نصارا خدمتکار گرفتن یک امر عمومیست . چرا که
این زنها هم در بیرون وهم در حرم خدمت میکنند . آمدیم بر
مسئلهٔ آشپزها : خواه در سرای همایون ، وخواه در خانه های
وکلا وکبرا آشپزها همگی مسلمان واز اهالی (جول) نام شهر
میباشند . روطیروری ، وجنگاوری انسران عثمانی این عساکرها
ومحاربه های طرابلس شهادت میدهد . لهذا درویش سیاح این
محاکمات خودرا بر ملاقاتی که با غربها وگروه عوام نموده اسناد
میدهد . وانهم در نزدکانتات مسلم است که طبقهٔ عوام ازینگونه
مسایل بیخبراند . اگر سیاح اسباب این مصیبتها را در مسئلهٔ
همومیهای (اهل صلیب) اوروپائیان که در زمانهای پیش نیز
اجرا کرده اند جستجو میکرد محاکماتش بحقیقت نزدیکتر میبود .
گر چه اینکونه سیاحتهای که بامایه ومستند بر ملاقات غربهای
عسکریهٔ عوام میباشد به تنقید احتیاج ندارد ولی چون درینجا
بنابر دوریهٔ مسافه هنوز بر حیات عثمانی وقوف تام حاصل نشده
احتمال دارد که اینگونه سخنان بحسیات مودتکارانه وبرادرانه
یک اغبر وتقیصهٔ وارد شود ازاینرو برای معلوم کردن حقیقت
حال درج کردن این مکتوب مرا در اخبار محترم ومعتبر خودتان
استرحام وتقدیم احترام مینمایم .

(محمد فضل)

(جواب)

چیزیکه برادر ما محمد فضل افندی نوشته صحیح ودرستست .
در اکثر کتابهای (حافظ تحت اطفال) که در زبان عثمانی
نوشته شده ونظر مطالعهٔ باجازهٔ ما بر خورده توصیهٔ یکانهٔ شان
همین است که اطفالرا والده های شان باید شیر بدهند . ولی این
راهم عرض کنیم که درویش سیاح افغانی این چیزهای را که
نوشته از بغض وعداوت با دولت علیه عثمانیه نوشته . بلکه از
سوزدل ودرد حسرت بر شکستهای که بما کرد اسلام بی‌هم
وارد آمده نوشته است زیرا چندی پیش ازین یک مکتوب اورا
که از دیگر شهر کرته چوبم سراسر بر خلاف ایستمدان بود ،
واز بهادریهای ما کرد عثمانیه درطرابلس غرب ومدح وثناهای
قهرمان بسالت نشان (انور بیک) بخها رانده بود ، مابنزا کرد
همان اختیار خود اورا که در آغاز مکتوب خود نوشته بود ،
واز عالم نبودن وسیاسی ندانستن خود بحث رانده بود نمیدیدیم از
درج آن فقرهٔ آن صرفنظر میکردیم واما چون مینویسد که من

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 560 of 1786

هرکدام چیزیکه بدیم یا بشنوم چشم میتواند ... صاحب میشود که فلسفه‌ها و نادانی‌ها میدیده باشد زیرا آنچنان در دنیای سیاح به ... های اسلامی و بزرگان نگاه خواهد کرد که از نگاه به مسئله های جنگی با هر گروه با حسبان برابر داده و بدون نگاه به مسلمان ... چیزهای عرضی موقوف و مربوط میباشد که ارتباط در جامعیت کار ندارد آنچه چیزی چه مزیت میتواند مسئله دین را اگر چه راهنما هم عقل اصلی بیان ۱۴ دین داده باشد ، ولی اگر یکدفعه‌ی نظر دقیق دیده شود آنقدر اهمیت ندارد : زیرا در مادهٔ عقائد غیر هیچگاه دین را چنین تعلق نیست ، دین به اقرار باللسان والتصدیق بالجنان موقوف است که آنهم بعد از رسی عقل و شعور آغاز میکند . حتی اطفال غیر دین پدر در نظر اسلام یک رنج جداگانه شمرده میشود ، اگر دین ، یا غیر دین ... دین داخل میشد آن اطفال را بسبب متابعت دین پدران مادران بشمر کفار و غیره حوالت دوزخی می باشد اسلام بود گاهانیکه آن صورت را از دیدهای خود دور نگاه میدارند ؟ مثلاً کسی ... مجنون جاری غیر مکلف نیز معذورات سابق از رکاه عقائل اعظم کائنات حل نشده گذاشته و کسی والدین مسلمان را بکافر شمرده نمیگیرد .

هوائد الرزق

بقلم الزارع

الخیر یرزق وفاعل چون ارادهٔ معونت ملت باجنت شهریار ارزانی تعالی فرموده است و شهریار دیندار بردوست هر دو عنایت آلهی اطیب رزق سراج افتخار آن حضرت نامدار را از چه وجوه میسر ساخته و چه چیزها بکار میدارد و مکلف موفق و مؤید فرموده و علاوه بر آن زبان ملت و خطیب مملکت نامبرده سراج الافتخار اقلیم نیز از ارزانی خواهی رعایت ملی شهریار عدالت مدار برخوردار گردانیده اند اکنون هوائد عدیدهٔ گوناگون و فوائد مفیده رنگا رنگ را برای ملت ایثار فرموده است — الزارع اراده نموده که برای بهتری دینی افراد ملت خود عظمای اسلام و مشاهیر دین متین حضرت خیرالانام را بسمت مربای ... خطیه بشناسانم و تواریخ کمالیه را بنویسم گوش راه دین حنیف را رنگا رنگ فرموده و باطول و باعمال بالای دین فائده رسانیده و ما بجزان از برکات وجوده آن با کن و آن رسیده تقلید ایشان را موجب خلاص از زندان و موطن جنان دانسته به تجدید قواعد آنای جریان آب رفتار را بزرد جوی خواهیم در عنا لکه اختیار تعلیم و تربیت در تصرف افراد غیر خواهان اسلام نیست چنان از قلت اجرای امور دینی لابل از عدم فهم افراد تعلیم یافتگان مدارس جدیدیات وفرائض اسلامی شکوه‌ها نموده میشود — جناب فضائل

آنمآب مولوی اصغر علی روحی استاد زبان عربی و فلسفی مدارس اسلامیه لاهور در جلد (۷) و (۱۰) رساله ما موازنه الهادی در حسرت از امر میفرمایند که یکی از ارباب یافتگان مدارس اعلای مدارس الی پرسید که حضرت نبایه صدیقه را باجناب رسول خدا کدام رشتهٔ قرابت در بین موجود بود و همین بات از زبان اموال منصف بیرون نرفته گوئی خدا کی گردد افسوس و حسرت بی مدار اکتساب کرده !!

این مدار حکم من ، بنگر اساس دینگرانه اولاً لازم است که شکرانهٔ وجود مسعود مرحمت آلود اعلیحضرت شهریار دین‌دار خود را بسجده‌های طلائیه بدهند که حضرت عزت نامپاپوریم کدا فرموده : لئن شکرتم لازیدنکم بنوی باخیاند کدر عقائل رسمیه وعالمی افتاد ولیال عبادات که علمای عظام و فضلای ذوی الاحترام در اجلال حضور لامع النور حضور داشته میباشند از تخریبات خلیه و تدقیقات دینیه ان شهریار دین‌دار تحریص نموده و تذکر دهند و علاوه دین اصول عاوه دینه و تشکیل عقائد اسلامیه را در جمیع مدارس و مکاتب امارتین و مجزو لازمی تعلیم دینی قرار بدهد و در تعلیمات خلوتگاه و مکتبهای شاهانه از زمخشری و بیضاوی چنین مقرر فرمایند (شهر یکه بگذارد شریعت مستقیم) زیرا که بی مدار دولت دنیا و آخرت نمیباشد (دیگر) نامبارد جنته واید جنته راشتك اندراك واشر اضطراك کنج

چون تعلیل از امور ذیل الذکر بر اعتقاد جامعه مستور خواهد شد ، بنابران برکات و ثمرات حالات حضرت سید الساداتعلیه الصلوة والسلام را بیان نموده منابع استفاده را باید و خلال نوع دین و بیدار خود آن ماه بخصه آن نبی ... و حبیب حضرت احدیت که جانان دو عالم راجان و دل بود فدا کنیم و هزاران درود و هزاران سلام نثار محمد علیه السلام گفته کسب شرف میناییم .

هزار بار بنویسم دهن معطر خود را نوشتن تو بدین گانبی لعبت حضرت خدیجة‌الکبری محمد مصطفی احمد مجتبی علیه الصلوة والسلام نسب شریف محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک ابن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار ابن معد بن عدنان — تاعدنان کلمه بیشم آنحضرت است متفق علیه محدثین و ارباب فن انساب میباشد و از عدنان تا اسمعیل علیه السلام و از اسمعیل علیه السلام تا آدم علیه السلام مختلف فیه وجود ... دین متین انساب در روایات صحیح کتابهای از معارض بانده ثبوت نمیپیوسته و بنا بر ارشاد آنحضرت سکوت درمان اولی است — اما یاد کردن وسیلهٔ بودن همین قدر انساب اطهر اعلیای دین از آدمایه دین شمرده آمد .

ولادت باسعادت آن حضرت در عام الفیل گماند چهل از جلوس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 561 of 1786

تولد وان مطلب بعدازوجود درروزدوشنبه دوازدهم شهرسعادت چهاردهم الاول وقوع یافته و بقول اصح بعداز چهار و پنج روز بعداز ولادت ایشان حضرت حق تعالی وتقدس به برکت مقدم وی بابهٔ اصحاب فیل را که عزم خراب بیت الله آمده بودند ازمکه واطراف آنجا دفع فرمود چنانچه علماء این معنی داخل علامات خارق العادت نبوت میباشد منصف ادنا دارد که ولادت پیغمبر در هنگام طلوع فجر که یکی ازممتازات چست و متکفلهٔ فراست بوده واهل حساب آن روز را موافق بیست وهشتم ماه نیسان ازشهور رومیه دانسته اند وهشتم ماه نیسان ازشهور رومیه مطابق بیست وسوم شهر فرس درسنه هشتصد وهفتاد ودوی اسکندر رومی بوده شصت عیسوی محسوب میدارند . اومعتبر باقی گذاشته است طالع آنحضرت را درجهٔ بیستم جدی وقمر را در اول میزان استخراج نموده است .

در چهل سالگی به وحی الهی سرفراز شده بامت دعوت نمود وبرزمستان درمکه معظمه ابتدای هجرتان کشیده ودهسال درمدینه بقوت واتردین کوشیده دربدر توقف داده وجان ودل خدمت مولایان و آقایان خود نموده دین حنیف وملت که در اصل آن ابرو را کشیدن اکبر دیگر را امت نامیدن و رضیت لکم الاسلام دیناً نازل شده است . قرآن عظیم الشان بتکمیل رسیده ودرروز دوازدهم ربیع الاول سنه سیصد و سالگی در مدینهٔ منوره بجوار رحمت حضرت رحمان پیوسته وزبان لاحول ترجمان توفیق الهی ناطق گردیده بار دیگر روح پرفتوحش باعلی علیین عروج فرموده مزارات طیبات آن واحاطه وسلم .

حضرت بابهٔ سعیدهٔ رضی الله تعالی عنها در ایام وقت ایشان این فقره را که راجع بحال شان است حواله بیزی شموده دارد میفرمودند که ترجمهٔ آن چنین است ... درین آن بیدرنگ ظهررا وقتا اختیار کرده آن دین پروری که لازم گناهان امت هیچ شب کامل در بستر راحت باستراحت مشغول نشده و هرگز ازمیدان سعی وعمل ازهاره نه قدم قرار نموده وچنانچه از هرگز عنایات الهیه خود وبوجود کثرت اعدا واشرار کفار واهل ضلال گروهلال درروی بالمال وی نخاسته و در اعلاء واعتلاء دروی هیچ قلم پی نوالد نبسته ودندان درمقابلهٔ ضربهٔ سنگ دشمن شکسته ودروی جماعهٔ جوارح روزگار بستدوتکم وی بدرد روز بی درپی ازکم جوری میرسانند بدنبال توجه جدانگ درمیان آید ، مستجاب دعوات گویم توجود درآیین ، وقایع علیه : گذاردین حضرت رب العالمین از آنحضرت رفع نموده است اول آن تمامی مسجد قبا است در بیرون مدینهٔ منوره که اول مساجد مساله اساس وحدای متعال نشان آن مسجد است من الثانی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین ، فرموده است واجر وقایع کبیر . جبرئیل امین بن زید رضی الله تعالی عنه است بجانب دوم گفته مرحوم موت نبوی فرموده شده است .

غزوات حضرت سید السادات که بنفس نفیس خود دران حاضر بودند . غزوات شهر بیست وهفت بوده ونوت وسرایا که یاران ولشکر اسلام را فرستاده خود حاضر نبودند بجاده ونش شمرده شده است که قریب هفتادوسه غزوه بوده در مدت ده سال باتمام رسیده است (اهل اسلام شرق وغرب این فقره را بچوی نظر کشته و کامل دراز یابند) اولاد حضرت خیرالعباد بقول اصح منقطع هشت نفر بوده سه پسر قاسم و ابراهیم وعبدالله (که فضیل شان دروعده داخل است) و چهار دختر فاطمهٔ زهرا وزینب ورقیه وام کلثوم کبیان مفصل آنها در امور زنان جهان در جریدهٔ وطن خواهند خواهندشد اکنون ازخوف طول کلام کموجب ملال سامعات جریده میشود خاطر را بدیدن خواندگان کرام عرض میدارد که تفصیل غزوات وسلات آنحضرت را اگر بموجب ذوق باین مواعظ بافند بنگارانم . اگر نوشته شدبنام سراجا السیر مسمی گردد ازمراجع اعاظم شهریارت تقدیر والله الله قدره وضع پیوندد درتعلیم اولاد وطن داخل است شایقان سیر نبوی ابرار اخیار پیرا مون جزوه طلب فرمایند . فقط .

جان عذاب عن الله عنه

شکرانهٔ علی نعمای حضرت سبحان

حضرت انسی آفریدگار جهان چون میخواهد کارهای نامهٔ خود بپایهٔ تمام رساند ، زمام اختیار آنرا بدست ذات انسی بنمای خود نگذاشته — یک حالت حکم داده وبفشاند بادل هذا واحسان میفرماید :

چنانچه افغانستان واهالی آنرا منوس بوجود فیض آلود اعلیحضرت سراج الملة والدین) نامدار زرگ باقبال ودین گردانید که آنرا نعمت بزرگ گفته میتوانیم که شکران آن برما واجب ولازم میگردد .

ازان است که ازبوصلات ذات اشرف هایون شان روزروز آثار ترقی عمران روزی درسامانهای اهالی می پروراند ودلهای شانرا بنور علم وعرفان تازه می سازد :

چنانچه اهالی افغانستان درزمانهای قدیم هیچ ازوقایعات کوته عالم خبری واثری نداشته اند ولی بوصلات بابرکات عمران روزی ذات الشرف اعلیحضرت (سراج الملة والدین) نامدار زرگ معظم درمملکت افغانستان شایع نشر اخبار پیدا گردیده ان است که یوم (سراج الاخبار افغانیه) این اخبار نواند آثار وان بمثابهٔ گرامی گهر بار بدارد وهم حکمت رقم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 562 of 1786

ادیب فاضل خردمند جناب (محمودطرزی) صاحب انتشار پدر عالم معلومات گردید واهالی مارا از صحرای بحیری درشیراه مدنیت باخبری انداخت که ازملاحظات آن کویا درتمام ممالک عالم سیر کرده پرده های نابینائی چشم مارا دورساخت تمام اطراف واکناف عالم را بنظرما درآورد که هیچ حایل ومانعی درخود نمی بینیم واز منافیکه بمطالعات آن مارا دست میدهد یکی حقوق شناسی پادشاه معظم عادل معارف پرور محبوب القلوب ماست که ازفیض قلم آن ادیب خوش تحریر به این دانستن حقیق رسیدیم . الحق که این نعمت عظمی وموهبت کبری موجب هزاران شکر وثناست .

ذات اشرف همایون شان چنان حکمت بالغهٔ به این عرصهٔ روزی شاهانه بکار بردند که همه اهالی را بحب وطن پروری واخوت المومنین یك وجود ویك تن ویك جان وجسم گفته میتوانیم ... واگر بنظردقیق نکریم یك روح مجسم اندرجسم اهالی بایکدیگرشان علم شیرونکررا پیدا کرده هرروز درافزون است .

این است که برههٔ اهالی ممالك حایك افغانستان واجب ولازم است که شکران این نعمت را بجا آرند اخلاق که ازاحسن اخلاقات حسنه است برای اهالی بتوجه ذات شاهانه شان فایض گردیده واخلاق که مذموم ترین خصلتهای ذمیمه است ، از اهالی ما دور گردانیده ازدرگاه خداوند جل وعلی دوام عمر وبقای سلطنت اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه سایه پروردگار خود مارا ازدیاد ترقی مدارت فیروزکن ملت نجیبه افغانرا نیاز میکنم وازجملهٔ اهالی ملت هیچ دعارا فاسد ندارم آمین ثم آمین .

(یکی ازخوانندگان سراج الاخبار افغانیه)

ج ۲۰۴

(علم عسکری)

(ماوره) های بزرگ عسکری وفواید آن

(ماوره) بلفظ یکلمهٔ زبان فارسیست . درزبان فرانسیسی این کلمه رکارها وحرکتهای اطلاق میشود که به پیش بردن . وپس کشیدن وبه ایستو و آسوراندن یك چیزی متعلق باشد مثلا قطار ریل را که ازیك خط بدیگر خط میبرند وی آرند تارخط اصلی راپرسازند (ماوره) میگویند . یاعرابهٔ موتر راکه میخواهند پس دور بدهند . ویاریك سرك مطلوب خود برارسازند گاه به پیش وگاه بعقب میبرند وی آرند آنرانیز (ماوره) میگویند . ولی عموماً برای قواعد بزرگ عسکری ، وجنگهای معنوی عسکری کلمهٔ (ماوره) استعمال میشود کهمانزقواعدولازم بودن آن برای علم عسکری درغایت قدری بیان میکنیم :

این یك معلوم است که هرصنعت دوطرف دارد . یکی جهت علمی ، دیگری جهت عمل ، جهت علمی آن که نظریات علم میگوید برای جهت عمل آن صنعت قواعد ومعلومات لازمه را حاضر وآماده میکند . اینهم معلوماست که دردنیا هیچ چیزی بی علم میسر نمیشود ، وبزهیچ یك علمی نیست که بی عمل ازان فایدهٔ میسر شود .

علم عسکری ، درین عصر حاضر درذیل صنعتهای بسیار نازك یك موقع بسیار بلندی دارد ، زیرا محافظهٔ حیات وموجودیت دولتها وملتها ـ حتی محافظه صلح وآسایش ـ بوجود قدرت عسکریه موقوفست ، نوع بشر درموقت حاضر جنگهای روی زمینی را کلی بدیده بحنگهای زیربحر ، وروی هوا نیز آغازکرده اند ، که هایی که قیمت هریك ازان صدها پوند میباشد وبیك کی صدها آدمرا تلف میسازد ایجاد میکنند .

علم عسکری درپیوقت پیك ماشین بسیار بزرگی میباشد که هزارها آلات وادوات نازك وکاملی درین ماشین موجود است این ماشین جاندار رابخوب صورت استعمال وبجلان کردن ، واز همه آلات کوچك وبزرگ آن بقدری فایده برداشتن به علم ، وخبره ، و واقفیت تامه احتیاج می افتد ، وبه این سبب کار ووظیفه افسران که ماشین کاران این ماشین جاندار شمرده میشوند بسیار نازك است .

اگرچه قسم نظری یعنی علمی عسکری دراول امر خوب خوانده وتحصیل میشود امانقسم عملی این علم که عبارت ازتطبیق دادن علم بمیدانست هروقت وهرزمان مورد میشود ، زیراموضوع علم عسکری وجای تطبیق دادن آن جنك ومحاربه است که آنکاه کاهی بصورت تاخیر وقوع می آید ، وبهاین سبب قسم عملی وتطبیقات علم عسکری که بسیار ضروری وبرطاول این علم شمرده میشود بسیار ناقص میماند

بااین دولتها درین اواخر یك چاره دیگری اندیشیده اند که آنهم (ماوره) های بزرگ عسکری میباشد که درهرسال دوبار بمدارج وقدارهای بسیاری دراول بهار وپرماه آنرا اجرا میکنند ، این ماوره ها اساساً ازنقشه ها وپلانهایی که برای جنك ومحاربه کشیده شده میباشد ترتیب وتنظیم میشود ، وهرحکومت نظربه تعداد عسکر خود یك الی چند بیشتر اردوی خودرا برای ماوره حاضر میکند وآنرا بدوقسم غربی وجدا میسازند ، ونظربه پلان که کشیده شده میباشد یك طرف راقشون فرض کرده به آنصورت حرکات آغاز میشود ، طرف مقابل نیز حرکاتی را که بمقابل این دشمن لازم باشد اجرا میکنند ، پلهای ساخته گی رنجرها می بندند ازگذرهای نهرها میگذرند استکامهای خاکی ، وخندقهای شکاری می کنند ، واحاصل چیزیکه درمحاربه لازم باشد همه آنرا اجرا میکنند ، وصوف تلاشه ـ یعنی پیاده ، وسواری ، وطوپچی بجا آوردن وظیفه های خودشان را می آموزند ، حتی هیئت طبیه عسکری نیزصورت ساخته گی عروحین را میسازند ، ودرمیدارند قسم اعظم فایده های این ماوره ها بافسران بزرك على الخصوص

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 563 of 1786

بسر افسر گل میرسد . چراکه ماکیست یعنی ماشین کار کلان این مدتی جانمار هلا افسران بزرگست . لهذا افسران به واجبات خود به ازیاد اینگونه ماموریها آگاه میشوند . وبدادن امرهای قطعی وسریع عادت میکنند . غیرازینها یک فایدهٔ دیگری نیز ازین ماموریها حاصل میشود که چون درسال دوبار اردوها به اینگونه ماموریها برآید تمامیا وکمبود پهای اردوبیز بمیدان برآمده اصلاح واکمال میشود . دیگراینکه درنتیجهٔ کار سرافسر گل خطاها وغلطیهای افسران را دیده بعضی را سزا وبعضی را مکافات میکند

اگرچه درخصوص ماموریها همینقدر معلوماتی که عرض شد غیرکافی میباشد ولی برای این شماره همینقدر بیانات را کافی دیده انشاالله در آینده دیگر ملاحظات نیز عرض میشود .

[ج . ف]

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(بحر)

(منه اورتوزی)

(باد)

(مابعد از شمارهٔ ۱۱)

(بادهای موسم) همان رياح تجارتیست که بادکب حرارت مختلفهٔ خشکه وآب کیفیت استقامتش تبدیل ورزیده جنوب‌ووزیدن این بادها مخصوص منطقهٔ حاره وجوار آنهاست . غیر باد موسم درازمنهٔ قدیم مخصوص بادهائی بود که بحر (او قیانوس هند) یعنی (بحر محیط هندی) درایام معینهٔ سالگاه از یکجهت وگاه از مقابل الجهت در وزیدن می آمد . اما درسنوات بر گاهٔ بادهائیکه درموقت معین میوزد این تعبیر اطلاق میشود .

سمت های وزش بادهای موسم (۳) سمت میباشد :

۱ اول — [سمت بحر محیط هندی] بود . که درین سمت بادهای موسم از (استرالیای شمالی) واز (هندچینی) وازشبه جزیرهٔ هندستان) میگذرند . حدود شمالی این سمت سلسلهٔ جبال هلایه میباشد . اسباب ظهور بادهای موسم درسمت بحر محیط هندی گشتن شمس است ازمداری بمداری . که بدین سبب گاه خشکهٔ جانب شمالی وگاه خشکهٔ جانب جنوبی خط استوا کسب حرارت میکنند . واین کیفیت موجب تغیر وتبدیل استقامت رياح تجارت دربحر محیط هندی میشود .

۲ دوم — [سمت ساحل گینهٔ شمالی] بود . که درقطعهٔ افریقا واقعست . حدود شمالی این سمت (جبال قونغو) میباشد . این سمت بغیرسمت اول وسمت ندارد .

۳ سوم — (سمت بحرآتلانتیک) و (اکوفرمکسیکو) بود . که درقطعهٔ امریکا واقعست . دربعضی بادهای موسمی که میوزد هبوب رياح تجارت شمال شرقیست که ازسبب حرارت شدیدهٔ وادی (میسیسپی) بداخل اقیانوس اتلانتیک میکند . اینست تعریف بادهای موسم وسمت های آن .

(بادتوپی ، وباد ساحلی وبادملتقی)

درمنطقهٔ حاره . بعد ازطلوع شمس بسبب تسخن کره ارض از جانب بحر بسوی خشکه باوقت غروب ، وبعد از غروب که نسبت حرارت خشکه به بحر کمتر گردد بالعکس از جانب خشکه بسوی بحر جریان بادی ظهور میکند که این بادهارا درسواحل وشهرهای قرب بحر (بادتوپی) و (بادساحلی) و (بادملتقی) میخوانند .

اگرچه درمنطقه معتدله نیزازین بادهای توپی درمواسم گرما های شدید ظهور میکند ولی نسبت به منطقهٔ حاره خیلی خفیف است . درسواحل بحرسفید بادساحلی ازرای کثی بآن خیلی سهولت میرساند .

سبب ظهور این باد آنست : که دروقت نهار چون شمس بر سمت رأس میآید هوا گرمی پیدا نموده انبساط میکند . وهوای بحر بسبب رودت چون هوای خشکه را خفیف میبیند بالطرف هجوم میکند . وبعد ازغروب شمس حرارت هوای بحر چون نسبت به حرارت هوای خشکه زیاده تر میگردد لاجرم هوای خشکه درانجا هجوم میکنند چنانچه تفصیلات این مسئله ثبت نموده است .

(رياح قطر)

یعنی رياح خیلی گرم ومدهم ازرطوبت شدید مخوف مهلك چولها وبیابانها را (رياح قطر) میخوانند که بوجوه اتی انواع مختلف دارد .

۱ اول — بادسموم بود درعربی الف سم ماً خوذ است . ازاسم این بادچنان مفهوم میشود که بوجوه انسانی خیلی تأثیرات سیئهٔ اجرا میکند . این باد درسمتهای (عربستان) و (تونه) وبعض جاهای (عجمستان) ودر (بر شام) وبعضی جاهای (چین ، هندستان) درمواسم گرما هبوب میکند که ازشدت حرارت فوق‌العاده اش به اسم سموم موسوم گردیده .

۲ دوم — (بادخمین) بود که این باد درمیان مصر ازسمت جنوب جهت‌گاه روز وگاهی کثر نهایت گرمی دروزش میآید . واز بیستم ماه نیسان رومی تادهم ماه حزیران دوام میکند . اگرچه مضرتش بقدر باد سموم نباشد ولی بازهم خیلی گرم وپر رطوبت است .

۳ سوم — (خارماتان) نام بادخیلی گرم وپررطوبت بود که درماه های کانون وشباط ازجانب (اعرای گینه) یکسر بسوی (ساحل گینه) میوزد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 564 of 1786

۴ چهارم — (سیروفو) و (سولاو) نام بادهای گرمیست که در یونانستان ، وایتالیا ، واسپانیابوزد ، وسبب ظهور آن نیز قریب بهمان گرمی که عد میشود .

۵ پنجم — (پامپاروس) نام بادجنوب غربیست که مخصوص در امریکای جنوبی درممالک (ارژانتین) از سر کوههای پرواف (آندس) نهایت سردی ونهایت شدت میوزد .

۶ ششم — (بوره) بادوطوفان شرقیست که درسمت ساحلهای (شرق گرد فرومدیك) درایالات (دالما چیا) نهایت شدت میوزد ، گاهی چنان بشدت میوزد که جوزه کاههای قوایه را برزمین میغلطاند .

باقی دارد

ادبیات

(خطاب بعالم اسلامی)

حال اسلام است چون زلفت کنی درهم چرا
خون نگریدهر مسلمان زین لباس قوچرا
ماتم اسلام باشد این زمان ازدست کفر
ماز قلت سوز بگذاریم این ماتم چرا
هیچو ماتم دیدگان امروز می باید گریست
آه باشد چشم ماتم دیدگان پرنم چرا
ربع مسکون بود از اسلام چندی پیش ازین
می نیارندش بخود اصرار این دم چرا
پیش ازین بسیار میگفتند بامارا وسیع
تنگ شد دامان ما زدست کافران حالا چرا
عیش وراحت مملکت ودولت سیروزر مال ومال
جملگی بردند ازما دامن چین هیچو چرا
بردماست ازپیش ما این فوهرچیزی که بود
دین وایمان ماندباقی ماندماتم این هر چرا
رایکان نتوان کرفتن یکقدی ازدست کس
رایکان ازدست ما بردند یکسالا چرا
میرود ازدست ما ملك جهان مابغیر
دهر رغم ما چو طفلان شادمان خرم چرا
سایه میگردد جهان کم کم عیان است این نهان
میرود ازدست ما ملك این چنین کم کم چرا
روز ما خواهد شدن چون شب سیاه ازدست کفر
صبح عیش ما نیامد هیچو شام غم چرا
یکنفس باقیست ازبهر خدا اسلامیان
در لحاظ یکدگر راجع این نفس این دم چرا
بود ازدست نیاجنگل نشین این دام ودد
این زمان محکوم دام ودود دود آدم چرا
اتحادی حق نگی وفاق غیرتی
از نفاق افتاد باید آخر جدا از هیچرا
گفت هرقول نصاری آدم از بهر طمع
آدمیت زاده از کف بی آدم چرا
چون چندی پیش جنگل مسکن این وحشیان
از قدم این زمان کوبند حیرانم چرا

فاجعه های پاریس

(مابعد از شمارهٔ ۱۲ سال دوم)

وسامانیکه تصور کرده بود نکرید از آرو فلوبیك در نظرش بلند وقیمت یك چیزی آمده بمبلغ سیصد هزار فرانك اوبك چیزکی بدهی قرضدارهای خود اضافه ومافی ثروت موجوده را بر مقرضها وقفار بازهای بزرگ وسفاهتهای بی اندازه بطرق یکدونه سال صرف نمود .

فلوبیك چون سراسر از توانگری محروم گردید به طراری وعیاری آغاز نهاد بصد از طراری یعنی حیله گری به قمارزی پرداخت ، وهمین بود که بالاخر از طراریهای اووقمارزیهای او آگاه گشته واورا عقب گیری کرده گرده تا آنکه در روز مد کور در اوتلش اورا گیر کردند . واو ازرای آنکه زندان بندخانه رفتن را زیاده بشایسته خود نمیکه زنده زنگ دشمنه حیات کشد .

حالا چون از احوال سابقهٔ فلوبیك تا یکدرجه آگاهی حاصل کردیم باز در پیش فلوبیك وقوات آرمان دوفرانکیو در اوتلش خانهٔ عالم آنجا در آمده به بینیم که چه میکویند :

فلوبیك — می بی آرمان که خدا مراچنان زده وهنوز در زدنست ! به این عدالت حق چیزی گفته نمیتوانم ، اما خدا کند که غضب الهی تنها بر سر من باشد ، واز جنون جنایتکارانهٔ مادرش این طفل معصوم تزاد جزا دیده نشود ! آیا عیسی که تا بحال در حق من دائمی بد ازین در حق این دخترك من لطف خواهی کرد آرمان ؟ ! اگر لازم وضروری بودن تسلیم این طفل را بتو حس نمیکردم شمارا بخدا زحمت داده نمیخواستم . ولی چون دانستم که شما مرا تا بحال بسیار شفقت ومحبت مانجنابانه دوست داشته اید امید کردم آن محبت را بصدق این در حق اولادم اجرا بکنید . آیا این وعده میدهی آرمان که دختر مرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 565 of 1786

کرده آغاز مادر اول روز تعلیم علوم
این زمان دانسته ازماخویش را اعلم چرا
دزدی علم و هنر کردند ازما این گروه
میبرد هرروز مال خویش را هردم چرا
چند زما میبرند آنچه ازما میبرند
من بپیچم این قدرت وان ننگ غرورم چرا
آدمی آدم چه آموزم علاج دیگران
طبع را زین وحشیان رام نبود دیوچرا
گر مخالف در توای رایی باشد خطاست
درمقام آخر نمیآئید زرایم چرا
دوستی ازدشمنان آیدهی فکر محال
زخم را دانسته ایدای غافلان مرهم چرا
آشنای خویش میدانید هریگانه را
محرم اسرار نمیدانید ناهرم چرا
این زمان آموخت بایدعلم کار ازکافران
ای مسلمانان چه میگویم چه میگویم چرا
چند غفلت پیشگی تی روزی بی همی
چون چنین باشید من خاموش ننشینم چرا
استراحت بردازما دانش و عزو کمال
اینقدر باشیم درتن پروری محکم چرا
خون نگرید زارمستعفی چرا ای همنشین
همدم غم نباشد آخر ای همدم چرا

تاریخ ولادت (حسین راغب) فرزند ارجمند محترم
جناب (حسن حلمی) ادیبی معرفت شیم
(حلمی) مبارک باد. نوزادخوش نژادت
باقی باشد تمت کامی نگشت نایاب
مسعود بادبارب، درهر زمان و هرآن
ارواح قدسیانش، باشد ورا مصاحب
عمرش دراز بادا، کاز کمال و فضلت
گردد هیوش عرفان، نبود ورا منافب
ازفن و علم و صنعت، از خلق خوب و رأفت
وزهرکمال و حکمت، بابهره بادو صاحب
آمدپدر جسمش، تاریخ شد زاسمش
غمش نگیرد رسمش باشد (حسین راغب)
۱۳۳۱

صبح

بپرهرکار یکه داری زود شو برخیز صبح
چونکه وقت فیض باشد زود شو برخیز صبح
صبح خیزی شوپر پرواز اوج معجزات
گر توخواهی صید مطلب زود شو برخیز صبح
صبحدم آثار اعجاز مسیحی درهوا
عرق گیر ازنهایم زود شو برخیز صبح
جوجه طیور وحوش و پرنده نیاکند هوام
جمله ازفیض صبح گردد زود شو برخیز صبح
شب نشینی صبح خوابی رادهد بادای حزین
صبح خوابی شد هلاک زود شو برخیز صبح
شب خوابی و صبح برخیزو خدارا یادکن
کارکی دروین و دیازود شو برخیز صبح
صبح صادق فیض خالق راعیان میکند
بشنوای (محمود طرزی) زود شو برخیز صبح

دوست بداری، وهمایه بکنی، ومحافظه نمای: اگراین وعده را بمن بکنی بسیار به استراحت بلکه نهایت بختیاری تسلیم روح خواهم نمود.

وقوت دوخرا بلیو دستهای فونس فونیه را مکرر بوسه داده گفت:

—فونیه! عزیز فونیه، خاطرجمع باشید که دیگر شما بهم نخواهید ماند. بشرف واصالت خاندان خود سوگند میخورم که من پدراو خواهم شد.

—(آهسته دست وقوت را فشرده) تشکر میکنم دوست من. منهم ازشما همین را امیدمیکردم. بعد ازین بجز اینکه تمنای خود توجه کنم دیگر کاری رایم باقی نماند. جناب حق شما را مکافاتیکه مستحق آن باشید بدهد. حالا رفته برای من یک راهبن بیارید. ومرابالو یکقدری تنها گذارید. وبعد ازآنکه راهب برگشت باز درپیش من بیائید. زیرا وقتیکه مرگ خودرا درنهایی بیاد می آرم میترسم. وبعد ازآنکه روحم بدنم را ترک کند چشمهای مرا بدست خود ببوشید.

آرمان فعلان خفه شدهٔ جوش گریهٔ خود را بزور ضبط کرده برای اجرا کردن اوامر آخری فونیه ازاتاق بیرون رامد. حالا فونیه را بحالت جانکندن و آرمان دوفرانیلیورا برای راهب آوردن گذاشته از زاویهٔ دیگری که مادام آلفو در وقت آمدن موسیو فرانیلیو بیان کرده بود یکقدری معلومات بگیرم که آیا کیست وچیست؟

در همان شبی که قوت فتران دور انداز یکچند پیسهٔ رای فونیه برروی میز گذاشته وبسرعت از اوتاق رامده رفت وباز نیامد مکرروزی که پولیسها اورا گرفته خودرا بکشت درحالتیکه او از خانه رامد یک دختر بدرنگ وچلی که هم شاگرد، وهم خدمتکار دایه مادام آلفو بود در اوتاق صاحبهٔ خود درامده گفت:

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 566 of 1786

ناموران نامبرجهان

(مابعد از شمارهٔ (۱۱) سال دوم)

و به این سبب فریش بصارا دردیل افعیها داخل شده است . وبعضی هیکلهاشها هیکلش را ساخته وبعضی شاعرها احوال اورا بنظم کشیده است . دیگر دختر جاکم آکیتانفرانس است که درسنهٔ ۱۰۴۳ میلادی اپیراطور هنری (هاری سوم) ازدواج کرده وبعد ازوفات شوهر خود بادارهٔ حکومت پسر خود ماندهاست . سوم دختر "لویز" (جوان) که پادشاه مشهور فرانس است میباشد که در ۹ سالگی بااپیراطور قسطنطنیه ازدواج کرده است . چارم دختر (برتولد) حاکم (هرمانیا) ست کهدرسنهٔ ۱۱۹۹ میلادی بادشاه فرانس (فلیپ اوگوست) که زن اول خودرا طلاق کرده بود ازدواج کردهاست . وچند اولاد هم ازو بدنیا آورده است . ولی چون در آنوقتهاخوذ والسلطنهدرپهای روحانی بسیاربود زن اولین فلیپ بادریهارا بدام آورده بادریها فلیپ و کوست را مجبور کردند که زن اول خودرا پس بگیرد ازاو آنیس را طلاق داد وزن اول خودرا پس گرفت . ودرسنه ۱۲۰۱ میلادی آنیس ازغم وفات یافته که بعضی تعرا احوال اورا بصورت قاجعه نویسی تحریر کرده اند . پنجم دختر (آلبرت اول) پادشاه اوستریاست که درسنهٔ ۱۲۸ میلادی تولد یافته وچون پدرش خال جریده آنیس درسن بیست سالگی بود . باانتظاریدرخود ۱۰۰۰۰ آنرا داخل رسانید . وبعد ازان بادشاه مجارستان ازدواج کرد وبعداز یکسال بیوه ماندیک مدت زیادی نگذشته درمیان آن بصفت راهبه گی تاه آخر عمرخود منزوی شدهاست . ششم آنیس سورنام "ملیت زن فرانسوی" است که باحسن وجمال وعقل وذکای خود مشهوره معروفه میباشد . درسنه ۱۴۳۱ میلادی یکی اززنهای زرگ پسرای (شارل هشتم) پادشاه فرانس رفته بود . پادشاه روباشق شده اورا درخدمت ملکه مقرر نمود . وچنان صورت زنیا اورامعشوقهٔ خود ساخت اما آنیس سورنام اسلطنه را که رقیب پادشاه حاصل کرده بود طوریصورت استمالت کرده پادشاهرا ازسی وکهل" که دران بود بیرون براورد . وبرون براوردن دولت انگلیزرا ازخاک فرانسه بشوق وحرکت آورده است . بعدازان بایسر پادشاه (شارل نهمین) گمان نتوانسته گوشه قلبی اختیار کردهاست .

آنیس :- یک زن ایتالیای است که درعلوم ریاضیه مهارة بد طولا بوده است . ودر دارالفنون (بولونیا) معلمهٔ علوم ریاضیه بوده پکچند تالیفها واثار های مقبول ومتبرش درعلوم مذکوره بقیادگذاشته است . در سنهٔ ۱۷۹۹ وفات یافته است .

(باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۱۱) سال دوم)

ازین است کهدر قریه ها وده ها می بینیم که یک دکاندار هرنان فروشی . وهم قصابی وهم خانی میکند . وباآنکه یک حکم هرحکیمی . وهم جراحی وهم دواسازی . وهم دوافروشی میکند سبب یگانهٔ این عدم تقسیم اعمالازهمین است کهمعاملهٔ وسای فروخت ندارد . واگر قاعدهٔ تقسیم اعمال کار شود . وهریک ازان کارها را یکیک آدم درعهده بگیرد آنقدر مشتری که گذران معیشت هریکی ازان اصحاب صنایعرا درعهده بگیرد پیدا میشود .

دیگر چیزیکه قاعدهٔ تقسیم اعمالرا کهایتی میسازد (سرمایه) است . چونکهاگر اعمالرا چنانچه شایدوباید تقسیم کردن خواهیم لابدعمله . یعنی کارگر — را افزول بدهیم . وعملهای کهاین همه آرا بکارمیاندازند فابریک بزرگ . مواد اصلیهٔ بسیار . ماشینهای بسیار واطاعل پسر مایهٔ بسیاری محتاج است .

پسی کهتقسیم اعمالازقواعد طبیعیهٔ واجبیست ازازو برهٔ افراد جمعیت . وبلکه بر عموم هیئت بشریه شامل است . اما نتیجه های شایان استغراب آن در فابریکها نمایان میشود . ودر دیگر محل اعمال . یعنی در زراعت . وتجارت . وادارهٔ حکومت ودرعلوم وفنون مختلفه . ودرتمام مایهدیتیناین قاعدهٔ تقسیم اعمال

باقی دارد

اعلان

درصورتیکه هرشخصیکه وهم کافه فرنسی یاموزاند برای سرسوی مندر (مدرسه اهلیهدر ۲) تکلیفاریدودرنیم ساعت تعلیم مرسله . حالا هم وسیله وپیدا کافی شواهد داده میشود . اگر تاطلق آید شد تا وسیله دیگرویه ترتیبداده میشود . آرزوکننده فان پاش مشتهر این اعلان (باکرشن دادی سرمعرض سرسوی مندر (مدرسه اهلیهنمبر ۲ در خورد بازار کابل) بیاید .

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — گورمکی — ریاضیه وغیره برای تعلیم اطفال فروش میرسد . المشتهر

(باکرشن دادی سرمعرض مدرسهٔ اهلیهنمبر ۲)

درخورد بازار کابل

هر مقاله ایکهدستخط نداردازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

بخود طرزی

در چاپخانه سرسوی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 567 of 1786

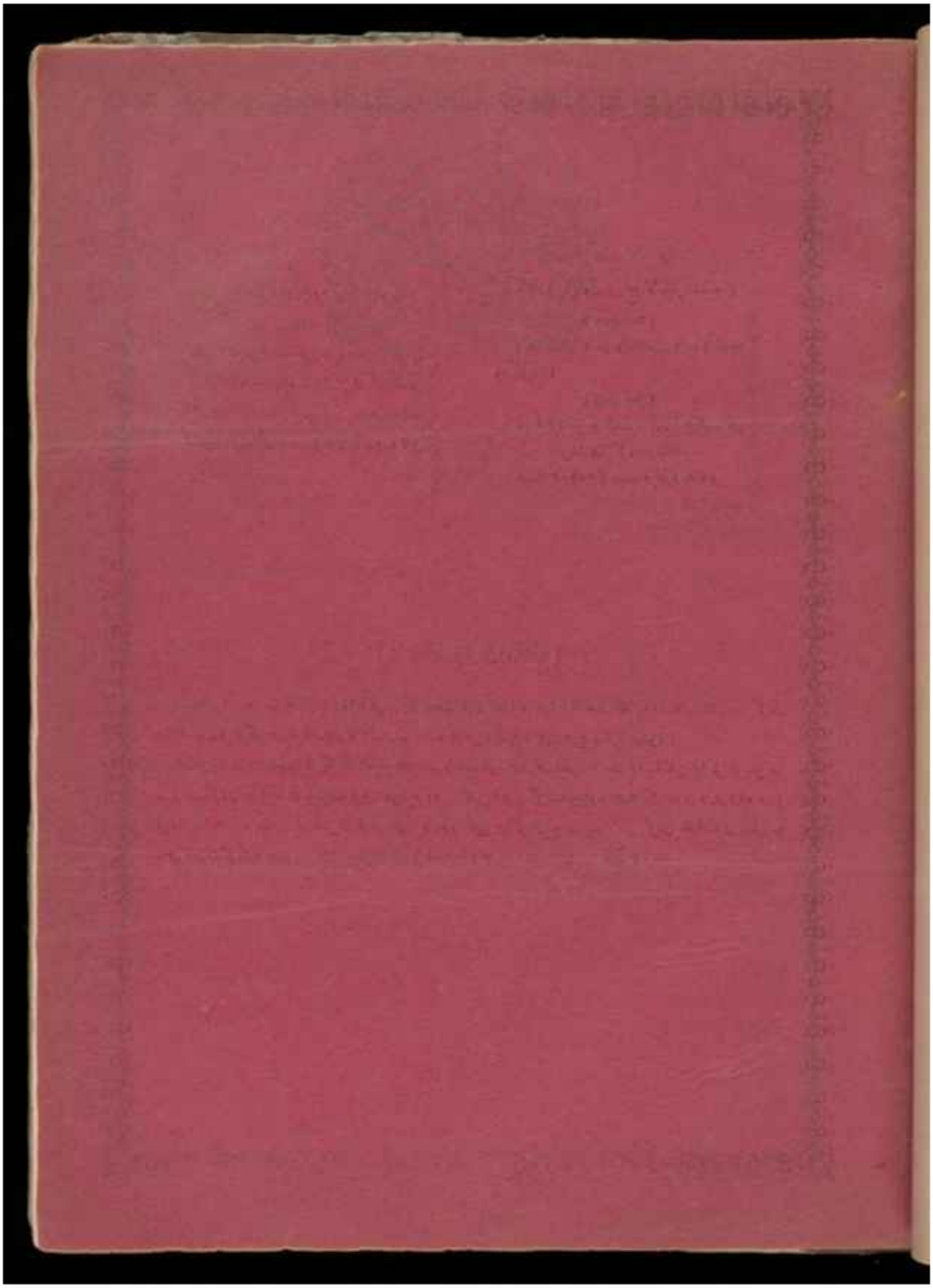

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 568 of 1786

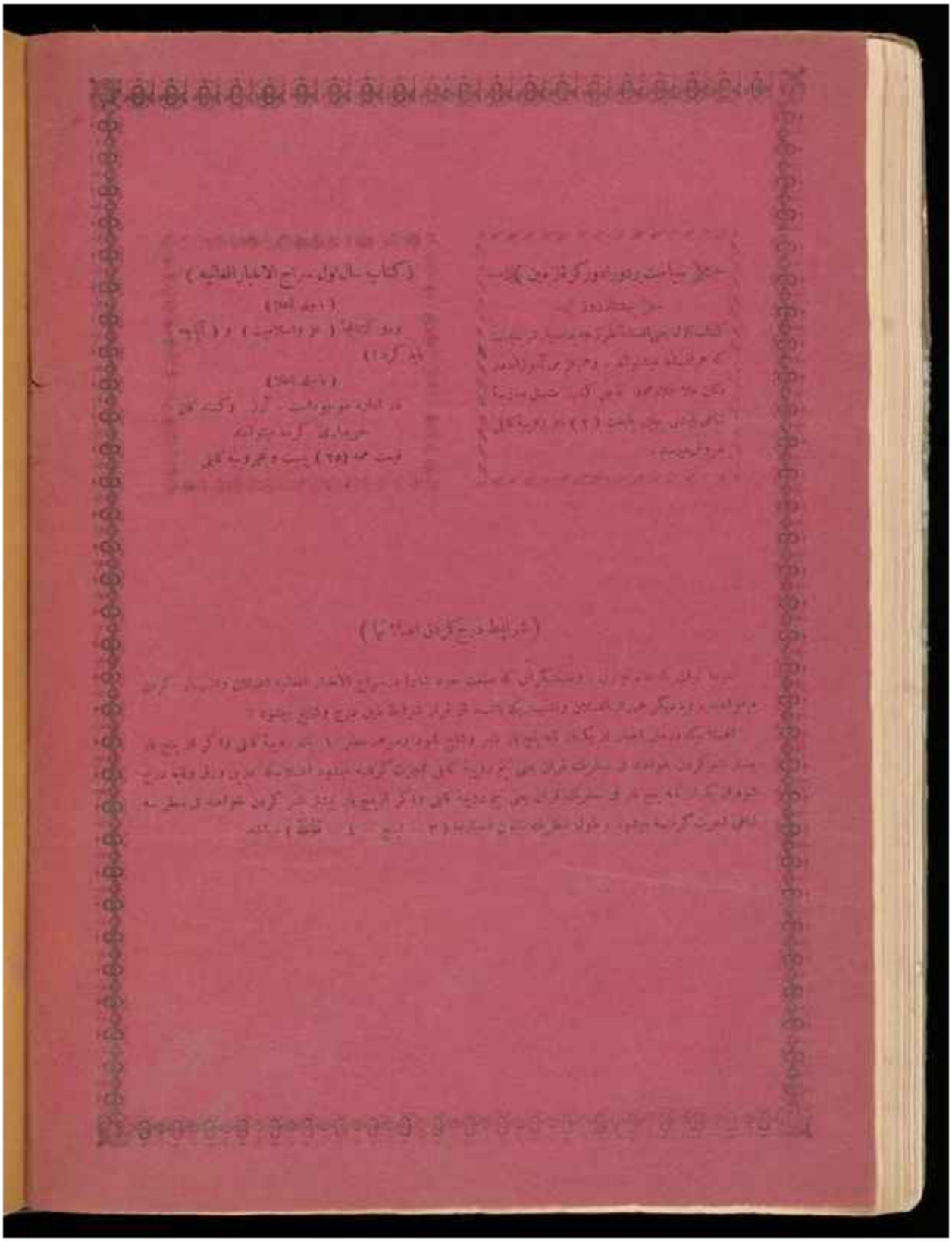

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 569 of 1786

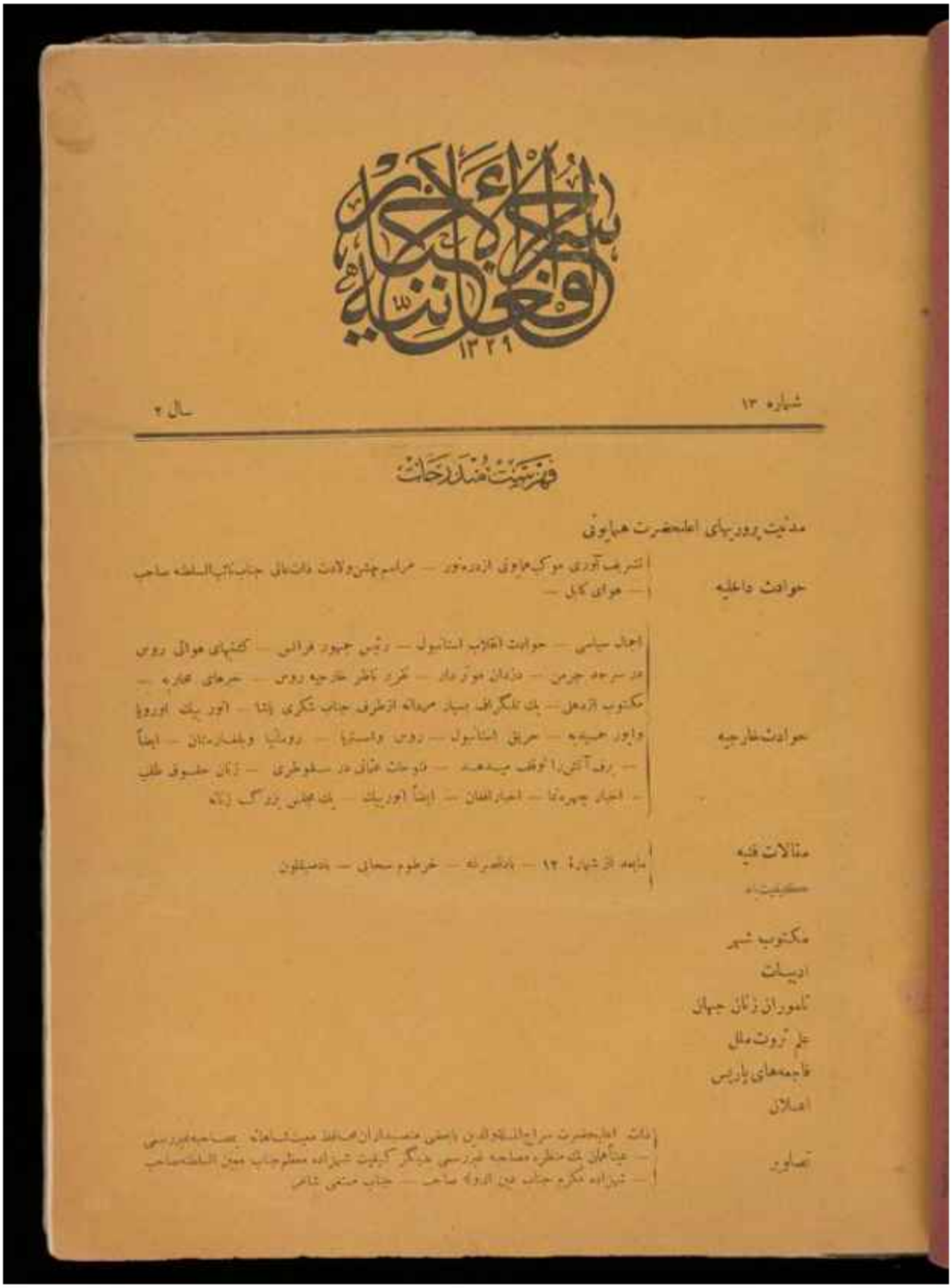

شماره ۱۳ سال ۲

فهرست مندرجات

مدنیت پروریهای اعلیحضرت همایونی

حوادث داخلیه
- تشریف آوری موکب همایونی ازدره نور — مراسم پذیرائی ولادت دات عالی جناب نائب السلطنه صاحب — هوای کابل —

حوادث خارجیه
- اخبار سیاسی — حوادث انقلاب استانبول — رئیس جمهور فرانسه — کشتیهای هوائی روس در سرحد جرمن — دزدان موتر دار — تغیر ناظر خارجیه روس — سرعای عجاره — مکتوب ازدهلی — یک تلگراف بسیار مرموز از طرف جناب شکری پاشا — اتور یک اوروپا واپور حمیدیه — حریق استانبول — روس واسترا — رومانیا وبلغاریستان — ایضاً — برف آتش را توقف مینماید — توحش عثمانی در سلوطری — زنان عشوق طلب — اخبار چهره نما — اخبار افغان — ایضاً اتوریک — یک مجلس بزرگ زنانه

مقالات فنیه
- مزایده از شماره ۱۲ — بادامرنه — خرطوم سحابی — بادمجانون

مکتوب شهر

ادبیات

تلمودان زنان جهان

علم ثروت ملل

خاتمه‌های پاریس

اعلان

تصاویر
- ذات اعلیحضرت سراج السلطنه والدین یاعلی مددگاران اعلیحضرت شاهانه بمعاینه تفریحی — عیناً همان یک منظره معاینه تفریحی دیگر کیفیت شهزاده معظم جناب مهین السلطنه صاحب — شهزاده مکرم جناب دین الدوله صاحب — جناب منشی ثانی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 570 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراك سراج الاخبار افغانیه)

(سراج الاخبار افغانیه) نمایندهٔ اخباریست که در مملکت رفیق ورکن افغانستان سایهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ما در دارالسلطنهٔ عروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلك این نامهٔ گرامی بیداری و آگاهی اهل وطن مقدس ماست براحوال ملل ، وحب دولت و وطن ، وتوجه بسوی علم وفن ، دینی ، سیاسی ، ادبی ، اجتماعی ، فی یك اخبار فواید تاریخست که در صفحه های محدود ، فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یك توجه خصوصی وبك هوس مطالعهٔ باخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره ، درباب اشتراك مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزان وآسانی را میدانسته ، وبرای خوبی مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر غدا کاریهای بسیاری بکار برده ، وتجارت را اکثر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درعرصه دوازدهم هر ماه نمبر میشود وامیدست که درآینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هرقدر که تعداد مشترکین کرام ، ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید ، البته درترقی اونیز خواهد افزود . فواید اشتراك از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراك آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۲ دوازده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالك خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالك عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار دائمیهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کار دار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درقندهار جناب حاجی غلام نبی خان مامور ضبط وبست قره قل . ازدولت کرامی که درممالك خارج افغانستان آزادی اشتراك اخبار مارا داشته باشند بهر یك ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراك را بفرستند واز طرف وکیل ما به اداره اطلاع رسد از هرنوبت اخبار ما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یك طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کابلی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 571 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۳)

ذکران

ارباب آفتاب مدیر مسئول مطبعه حزبی
علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با خراجات داک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با خراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه

در ماتبخانه دار السلطنه (کابل)
جمیع امورات تحریریه بادارهٔ مجله
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ عربی ۱۵ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۴ مارچ تاریخ شمسی ۴ حمل ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وبسی مقالات مفیده درج میشود

﴿ فریك مصاحبهٔ غیر رسمی ﴾

(ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین یمینی منصور ازان محافظ معیت شاهانه شان)
(در ناهیهٔ (پغمان) نام موضع راسفا بمصاحبهٔ غیر رسمی مشغول اند)
(جناب میر السلطنه بمسند بیك شاهانه پا ایستاده اند)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 572 of 1786

مدنیت پرور بهای اعلیحضرت همایونی

یکدوجینه از تاریخ مدنیت

(مدنیت) چه‌چیز ، چه‌مبهم ، چه‌مطلق‌کلی ! بلی این‌که هرکدر که خیلی‌ملی ومقبولست ، هرقدر خیلی‌عقیده ومیول است ، آیا مدنیت چیست ؟ وچند نوع است ؟ ازکجا ظهور نمود وبکجا منتهی میشود ؟ آغاز وانجام آن‌چه خواهد بود ؟ این است یک‌گروه استفهامات که فهمیدن ، وفهمانیدن ، وضبط‌کتابیدن آن ازامور بسیار دشواری شمرده میشود .

چیزیکه معلوم است همین است که (مدنیت) ضد (بدویت) است . لهذا اول بیاید که بدویت را بشناسیم تابه‌مدنیت پی‌جرم چراکه گفته‌اند هرچیزی بضد آن شناخته میشود . معنی لغوی (بدوی) صحرائیست که (بدویت) معنی حال صحرایی بودن را شرح وتفسیر میکند . حال صحرایی بودن حال‌همان افراد انسانی ایست که علی‌وصنعت وهنرو معرفت شان محدود . واز زراعت وصنایع محروم باشند . ودرصحراها وبادیه‌ها درزیر سیاه خیمه‌ها گذران کنند . واز صحرا بصحرایی . واز بادیه بادیه گشت وگذار نمایند .

چوپانی ، وشیردوشی ، ودوغی ، وپنیر ، وقروت سازی ، ویک‌کمی‌دانسته‌گی که تهیه‌سیاه خیمه‌های خودشانرا تدارک بتوانند ازصنعتهای یگانه‌شان شمرده میشود . لهذا (بادیه) صحرا ، بدوی صحرایی ، بدویت صفات واحوال صحرایی گری میباشد . معنی لغوی (مدنی) شهریست که مدنیت معنی حال شهری بودن را توضیح وتحلیل میدهد . حالشهری بودن حال‌همان افراد انسانی ایست که ازثمرهٔ علوم وفنون وصنایع وتجارت تمامیا استفاده‌میکنند وبساط علم ومعرفت درمیان شهرها ، وقصبه های معمور و آبادانی درمیان خانه ها وکاشانه ها وسرایه های عالی ومتری بکمال آسایش وراحت زندگانی میکنند . لهذا (مدینه) شهر ، مدنی‌شهری مدنیت صفات واحوال شهری‌گری میباشد .

آیابهمینقدر بیانات مختصرکلا بسیار بزرگ ومهیب مدنیت را شرح وتفسیر کرده توانستیم ؟ حاشا ! این‌که آن‌قدر دامان‌وسعت دارد که دامان های صحراها ، وسواد های شهرها از گنجایش آن‌اظهار عجزمیباید !

یعنی حال مدنیت را چنین شرح داده گفته‌اند حکماء انسان در ابتدای خلقت خویش تاکمدت درازی بحال طبیعی بسیطی زندگانی کرده‌اند که ازحال حیوانات مافوق‌ذیحال نداشته . مثلا یک‌انسان خشونت‌وحشه بسیارقدیمه تومند پریشم زولیده‌موی یم‌قوی ناخنها درازی را دریک جنگل درخت‌بم پیوسی مرور تصور کنید که درپشت یک‌تنهٔ درخت بسیار بزرگی برای شکارنیک سدر مفتی شوه بسمو وکمین کرده‌باشد ، و چون یک حیوان کم زورتری ازخودش ازانجا گذر کند دفعةً برآن جسته بازهای قوی کوبنی را فشرده ، وباناخنهای بلند تیزش وچوشش را دریده ازگوشت وخونش سیرمق نماید . آیاتکوینه حالت را ازحال حیوانات چه‌برتری خواهد بود ؟ رفته رفته توالد وتناسل بظهور آمده ، وعایلها تشکیل‌یافته ، والفت‌وجود یافته‌انسانیه اجتماع وجمعیتها آغازنهاده . وقبیله‌هایی که دراول تشکیل یافته عیشت شان منحصر بصید وتخچیرود . بعدازان آهسته آهسته زراعت وحراثت را آموخته . وشیئاًفشیئاً صنایع وعلوم وفن را آموخته کسب تمدن نموده وشهرها ، وقصبه‌ها ، وقریه‌ها تأسیس داده قوهٔ‌عقلیهٔ شان‌قوت پیداکرده . وجمعیتهای اجتماعیه‌عظیمه‌تشکیل یافته اخلاق وعادات کسب لطافت ورزیده .

پس ازین تعریف جلی معلومشد که انسانها در اول وحشی و بعدازان بدوی و آخرالامر مدنی شده‌اند . ودر اول خشونت ودر آخر لطافت پیداکرده اند . چنانچه ازحفریات وجستجوی ارباب فن‌ازین معنی ظاهرشده که آلات ، وادوات ، واسلحهٔ انسانهای ازمنهٔ قبل التاریخ همه ازسنگ چقاق بود ، وقوه های آنهارا اززیر هزارها من خاکها کشیده درموزیم خانها نهاده‌اند ورفته رفته ازآهن ، ودیگر فلزات اسلحه و آلات خلقیه‌پیداشده رفته‌است . تاآنکه امروزه روز این آلات وادوات واختراعات وأکتشافات غیرالعلوق بمیان درآمده‌است .

یعنی گفته‌اند که نوع بشر ازحال وحشت بحال مدنیت انتقال طبیعی نموده‌است . وحال وحشت حال ابتدایی انسانها گفته نمیشود زیرا انسان اولیی که خلق‌گردید متمدن‌خلق گردیدواجتماع‌اولین را وضع نمود ، ووحی الهی بتعلیم‌دین و آداب انسانیه ، وترتیب ازدواج اساس‌تمدن را وضع فرمود . زیرا مدنیت عبارت ازدین ونظامات مدنیه وسیاسیه واخلاقی ، وصنایع و آداب وعلوم میباشد که این‌چیزهاقطعاً انسان معلوم است . هیئت اجتماعیهٔ نخستینی که تشکیل‌یافت تمدن‌اساسی را وضع نمود ، وچنانچه‌هرچیز بتدریج وآهسته آهسته ترقی‌میکند مدنیت‌نیز ازحال ابتدایی خود به حال یکمال رسیده‌است . ازآنرو انسان‌مدنی‌بالطبع‌است که مدنی‌بالطبع عبارت ازدرک کردن لزوم جمعیت است . وتشکیل جمعیت ازازدواج آدم وحوا آغاز کرده است .

چون‌حال نتیجه‌این قرار میگیرد که (مدنیت) خواه ازوحشت به بدویت ، وباز از بدویت بمدنیت انتقال یافته باشد ، وخواه ازاصل مدنیت‌فطری ترقی‌وتکمل کرده‌باشد بهردو صورت مدنیت یک حالیست که مخصوص نوع انسان است . اگرچه بعضی معلم مدنیت را زنبورعسل وغیره حیوانات نشان داده‌اند ، ولی آرا چندان اهمیتی نیست . معلم مدنیت خود انسانست و بواسطهٔ قوهٔ‌عقل وادراک اساسیا ، ونظامیای گوناگون اخلاق وعادات و آداب ، وسیاسیات را وضع نموده‌اند ، وانواع قومیا وقبیله ها

وجمجمتها در اطراف و اکناف دنیا تشکیل داده مدنیتهای مختلفی بوجود آورده‌اند که چون بسوی تاریخ آن مدنیتها نظر کرده شود ، وباز بسوی محو واندراس یافتن آنها ، و باز از نو تشکیل یافتن دیگر مدنیتها نظر اندازیم خودرا در یک گرداب دریای حیرت غوطه خوار الفاء وحیرت می‌بینیم . وابنیم درنظرما مجهول میماند که آیا کدام مدنیت را بر کدام مدنیت ترجیح باید داد؟ و کدام مدنیت را قاصله ، و کدام یک را عرقاصله بگوئیم ؟ و کدام را عتیق و کدام را جدید بدانیم ؟

قدیمترین اقوام متمدنه مصریان قدیمه که (۳۰۰۰) سه هزارسال پیشتر ازمیلاد عیسی و تخمیناً ۵۰۰۰ پنج هزار سال پیش ازین وقت صنایعی را که لایق یک قوم مدنی باشد بوجود آورده‌اند . ازبعضی تصویرهای حاشیهٔ ۳۰۰۰ سالویش که بدست انسانهای این زمان افتاده ودرموزه‌های بزرگ این عصر حاضر موقعهای بلندی گرفته‌چنان معلوم میشود که زراعت وفلاحت دران وقت بارقی بوده است . وانسانهای شان خیلی خوش لباس وزیبا شان خوش‌شمایل وبازیور وزینت بوده . وچشها وسازها . واسلحه‌شان مکمل بوده است. زینت کاری معدنیات مانند طلا . ونقره . و آهن . وبرنج سازی وغیره را میدانستند . جواهر سازی آینه‌وبلور وچینی وبناسازی وقماش بافی . حتی سیم دوزی را نیز میدانستند ازهمه برتر یک صنعتی دیگری ازمصریان قدیم‌مانده است که مدنیت عصر حاضر درپیش آن‌حیرانست . که آنهم اجساد مردگان را بک‌مصالحی میزدند که هیچ رهم نمیبود . وآنرا مومیامیخواندند . جسدهای مومیائی شده چندهزار ساله‌یافت شده‌است . که انسان گان‌میکند که مرده‌است . بغوارفته . آثارهای معماری وهیکلتراشی مصریان قدیم‌نیز ازآثار حیرت زائی میباشد (اهرام) بزرگ مصر که در جوار (منفیس) نامموقع بلندی ۱۴۴ مترست مرقد یکی ازحکمداران سلاله اول‌مصر قدیماست . دین مصریان قدیم‌بت‌پرستی بود که برای معبودهای متعددی که تصور کرده بودند جداجدا بتها ساخته‌پرستش میکردند بزرگترین معبودها آفتاب‌را اعتقادمیکردند وبرای آن یک زوجه ، وفرزند نیز میدانستند .

واخلاصل این‌مدنیت پنجهزار ساله‌پیشتر را که بیان نمودیم‌مقصد عاشقهٔ از نوشتن (تاریخ مدنیت) است که درنظر قارئین کرام عرض نموده برای کهنگی مدنیت یک‌فکری‌داده بتوانیم ازمدنیت قدیمه بابلیها ، و آشوریها ، وهیتکها ، وایرانیها ، و یونانیها ورومانیها وغیره درخاطر محترم‌آنرا نزدیم ، چراکه‌حق مابطول میانجامد . آخرین مدنیتها مدنیت رومانیاست که آنرا مدنیت غربیه برهرزده (مدنیت اسلامیه) بجای آن قایم گردیده است که ازین‌مدنیت قلیلاً حقیقه یکقدری تحت‌راقم ذیلا ذکر نمودیم :

دین‌مبین اسلام چون‌همه احکامش برعدالت وحقانیت‌ورأفتی ومساوات ، ولیواسارت ، ومحافظهٔ حقوق وکسب علم وصنعت‌بود بسیار زودی وسرعت جهانگیر گردید ، در زمان خلفای راشدین ازدوهای جیش‌عسکریه بهرهرطرف سوق وارسال شده عدالت و حقانیت را نشر نمودند . بعدازان دولت امویه درشام و بعدازان‌دولت عباسیه دربغداد وبازدولت امویه دراندلس تشکیل وتأسیس یافته جهانرا بعلم و معارف وصنایع ، وعدل ، و راست کاری آبدان کردند . دراندلس علوم وصنایع بدرجهٔ ترقی نمود که مکتب‌خانهٔ عمومیه شمرده‌میشد چنانچه‌لندن ، پاریس ، برلن درنیصر منبع‌علوم وصنعت وتجارت ، وثروت ، وعمارت وزینت شمرده میشود . درانعصر شهرهای اندلس همین‌صفات‌را حائزبود عمارتها وسرایه هایی که بوجود آوردند معماران و مهندسان اینعصر رو نیز درپیش صنعت معماری آن انگشت بدهان حیرت نموده است . اما رفته‌رفته خلفاعیش وعشرت وذوق وسلطنت گردیدند عدالت را فراموش کردند خوشامد گوی راه یافته ازترس کسی راستی را گفته نتوانستند ، تاآنکه نصارای غالبه بردوش جزیه گذارشان رابهانه‌تاب آمدند ، خلفای‌عباسیه دربغداد نیز دراواخر همچنین‌شده برهرخورده ، ولی‌دیگر دولتهای‌اسلامی مانند سلیوق ، وغزنوی ، وعثمانی ، وتموری وغیره‌ظهور یافته بهمین‌صورت یکی‌بعدیگر محو ومنقرض شدند ، ومیراث مدنیت یکان‌یکان باوروپا انتقال نموده ومدنیت اوروپا وارث یگانه همه مدنیتها گردیده بعالمگیری آغاز نهاد که دروقت حاضر همهٔ قطعات عمدهٔ کرهٔ‌زمین درزیر تأثیرتابش شعاعات همین مدنیت اوروپایی مانده‌است ، ودرمیان همه‌این دریای حکومات عالم‌نصرانی ازادیان غیر آن تنها دوحکومت بودا وچینلو فیوس چینی وزرادای دوحکومت اسلامیهٔ عثمانی وایرانی واقعای پیدان مانده‌است .

تمدنهای درخشان مدنیت اوروپا چنان‌رو انتشاریهای عجایبی ازسبب اختراعات صناعیه ونظام وانتظامات ملکیه‌وعسکریه پیداکرده که‌کسی ازان‌چشم پوشی‌نتواند ! مرکزومنبع همه‌صنایع وعلوم وفنون اوروپا گردید ، قوت وسطوت بحروبررا اوروپا مالکند ، به اختراعات وایجادات عجیب‌الطول خودشان همه‌عالم‌را بخودمحتاج ومنقاد نمودند ، ازاین‌پیش ازسی چهل‌سال بروش آمده قدوقدم اوروپا را تقلید وپیروی نموده بیتابسی وکوشش خارق لعاده خودرا بدرجه آنهارسانید ، وبکدرجهٔ ازشرشان وارهید عثمانی نیز ازعصر به این‌طرف آغاز انتباه نموده تابسیار جاها خودرا رسانید ، ولیه بدرجهٔ سعی وکوشش ژاپان ! ایران نیز اگرچه دست‌وپای بسیاری‌زده ولی‌خیلی عقب‌بود چین‌درین‌دورها سر بالا کرده زنهای‌صدها هزارسالهٔ خودرا بریدند .

§

مقصدماجزاءما ازین‌همه اطوال وتفصیل این‌است که‌یکقدری نظر مطالعه‌کننده گان گرامی عزیزخودمارا برمعانی مدنیت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 574 of 1786

و احوال ساخته ولاحقهٔ آن جلب نموده بر من مسلّم نظر اندازیم که ترقیات مدنیه آیا در وطن عزیزما از کدام وقت پرتو نثار ظهور گردیده است ؟ :

مقصود ما را از ترقیات مدنیه درك فرموده باشند که مراد از ترقیات مدنیهٔ جدیدهٔ اوروپاست . البته ! زیرا در حالیکه هر اطراف نام خواه بالسلمه وخواه بالطبع عسکریه وخواه بفنون مدنیه ولباس وجهه حوایج ضروریه به اوروپا احتیاج باشد پس دگر مدنیتی درکجا میماند ؟

اول تقلید مدنیت اوروپای ازامورات عسکریه به افغانستان آغاز نهاده است که آنهم بعداز اول بار آمدن اردوی انگلیزان به افغانستان است یعنی تقریباً هشتاد سال پیش ازین بعداز آنکه اردوی انگلیز تمامها درکابل محو گردیده سلطنت امیر کبیر جنت مکان اعلیحضرت امیر دوست محمد خان درافغانستان استقلال گرفت ازتجربه هائیکه دران محاربه ها حاصل شده بود لزوم قطعی "تدارك کردن عساکر نظامی را ثابت ساخته بود . هریك ازشهزادگان معظم — یعنی اولادهای امیر مرحوم کنه گهای مخصوصهٔ جداگانه" ترتیب و تشکیل میدادند ، قواعد تعلیم عسکری زبان انگریزی اجرا می یافت . معزها بعضی افسران نظامی" عسکری بود که امیر وقتا تسلیم شده مسلمان شده بودند . ازآنجمله یك صاحب منصب انگلیزی که مستر (کیمبل) نام داشت وبشرف اسلام رسیده به شیر محمد خان موسوم شده بود بشرف خدمت معیت اعلیحضرت (امیر محمد افضل خان) جد امید اعلیحضرت پادشاه معظم ما سرافرازی داشت که خاقان مرحوم جنت مکان اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین) درسوانح عمری "شاهانهٔ شان ازصاحب منصب مذکور

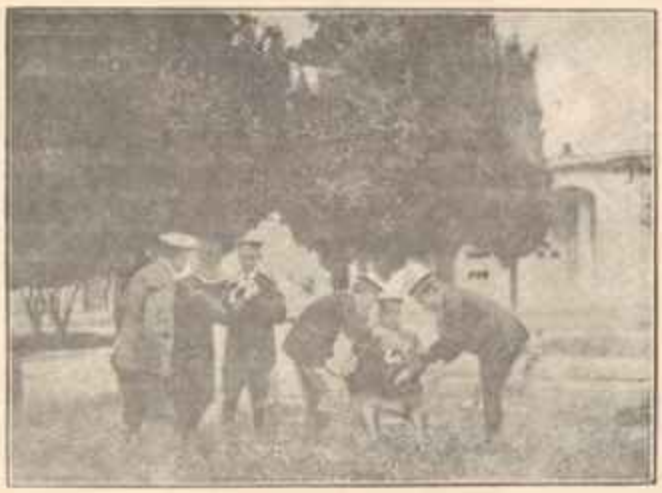

یك صاحب منصب انگریزی
(عیناً همان منظره دیگر کیمبل)

به اینصورت بیان می فرمایند :

« بیه سالار گی فشون پدرم یکنفر انگلیس شیر محمد خان نامی بود که مسلمان شده بود ودراصل نامش « کیمبل » بود این صاحب منصب درسنهٔ ۱۲۵۰ هجری درجنك قندهار که پادشاه تباع شده بود بدست لشکر جدم اسیر افتاده بود ، مشارالیه یك صاحب منصب بسیار شجاع وبامور نظامی" عسکری خیلی آگاه وهم طبیب خوبی بود من بسبب کالائی التفات زیادی روداشتم او نیز یك خصوصیت" اخلاصانه" در من میورزانید ، این شخص یکی از اشخاص باکفایت زمان خود محسوب میشد وتا بیه سالاری" تابیفشون بلخ را دارا بود حالبان فشون خیلی منظم بود زیراکه هروز استمرار آنها راعشق میدادند ، روزی شیر محمد خان ازپدرم خواهش نمود که مرا بجهت تعلیم نظامی باوسپارد تاقبل ازوقات خودش علوم وفنون خودرا بن آموخته باشد پدرم خواهش مشارالیه را پذیرفته بن حکم داد که هروزه بجهت دوسه ساعت نزد مشارالیه بروم واو هرقدر که ممکن باشد بدون ضیاع وقت بن تعلیم بدهد ، منهم بطیب خاطر قبول نموده مشغول تحصیل شدم ، سه سال کامل مشغول تحصیل فن جراحی وفنون حربیه بودم .

این است که آثار مدنیهٔ اوروپه در آغاز احراز قل عسکری درافغانستان درحسار شدن خود درانشان داده وروز بروز ترقی نموده است تا آنکه درزمان سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم بلواعد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 575 of 1786

تعلیم عسکری بزبان افغانی ترجمه شده ، وصنایع طوپچی‌گری ، وتفنگ سازی ، وبناقی‌سازی بزبان‌یکدرجهٔ ترقی‌رسیده در لباس وصنایع وامور عسکری تجددات نمایانی ظهور نمود ، اولا درواج پوشیدن دریشی وسرکردن کلاه اوروپی بزودی آزمان آمدنخود تقریباً بقدرهشتاد هزار عسکر نظامی بالعلم وقواعد دریشی وکلاه وتفنگ تنظیم یافت .

بعد از انقراض حکومت امیر شیر علی خان واستیلای دولت انگلیز بار دوم بر افغانستان ، وظهور پر تابان عصر ضیا افشان اعلیحضرت (ضیاءالملة والدین امیرعبدالرحمن خان) تجددات ترقیات مدنیت عصر حاضره نیز در اصلاحات عمارات وتأسیس فابریك جاری اسلحه سازی وغیره در خشنده گی گرفت ، وچون اصلاحات داخلی مملکت بسبب سر کشیها وطغیانهایی که دردو سه سال استیلای اجنبی در همه اطراف افغانستان ظهور نموده بود لزوم قطعی داشت ازانرو اکثر اوقات به استحصال امن وآسایش بلاد و اهالی ، ورفع یاغیها وسر کشی معروف شده است که عساکر منتظمهٔ دولت دایما به نهایات اشتغال ورزیده خیلی مکدل شدند .

شهزادهٔ معظم

معین‌السلطنه سردار عنایت الله خان ، فرزند اکبر تاجدار اعلیحضرت سراج‌الملة والدین

ول‌حقیقت ترقی وتجدد مدنیت در افغانستان در عصر سعادت حضرت ذات قدسیات صفات اعلیحضرت سراج‌الملة والدین امیر حبیب الله خان پادشاه با دانش وعرفان ما جنانچه برای ظهور گردیده کهسراج‌الأخبار افغانیه) از آن آثار انوار تابناك عالمتاب را جمله ومیداند ، مقصد ما جز اینها از تحریر این مقالهٔ ناچیزانه محض اظهار تاکردن بمقدمه ورباچه ایست که برای (تجددات ترقی در عصر سراجیه) پرصفحات درشمارهٔ های آینده مرقوم مقال انداخته‌ایم ، وچون من جلوس همایون اعلیحضرت پادشاه ترقی آمالنقاط بیت خصال خودمان خیرمآل میورزم الله امر جیشه ، وابدعیشه آمین .

حوادث داخلیه

تشریف آوری موکب همایونی از درهٔ نور

سابقاً از تشریف فرمایی موکب اردوی معلای همایونی از جلال آباد سوی (درهٔ نور) خبر داده بودیم ، ازقرار استخبارات موثوقهٔ که نموده ایم ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس ما بتاریخ یوم پنجشنبه ۹ ربیع الاول از سیاحت درهٔ نور بکمال شوکت و تمام صحت وعافیت به جلال آباد تشریف فرمای عزت وسعادت گردیده اند .

(سراج‌الأخبار افغانیه) بعدهٔ همتی خود از صمیم دل بر تشریف شوکت ردیف اعلیحضرت پادشاه ولی آگاه محبوب القلوب خود بانکران عظیم تبریکات بالکریم عرض وتقدیم میکند .

(مراسم جشن ولادت)

ذات عالی جناب فیامنیاب سردار معظم نائب السلطنه صاحب افخم ایهٔ سابع شهر صفر الخیر سنهٔ ۱۳۳۱ باشب ولادت پر فیض وبرکت ذات عالی سردار معظم‌الیه‌ما نشان (نائب‌السلطنه‌سردار نصرالله‌خان) صاحب افخم مصادف بوده در جلال آباد بکمال بوده وداران شایسته به چراغان ها ، وساز ها وسرود های پر اطمینه واشربه باهجهٔ اشراف واعیان اجرا یافته است ، چون بر همهٔ تفصیلات جشن مذکور مسبوق شده ایم از وقوع کیفیت بیان نموده بکمال اخلاص بر عرض تبریکات ودعای طول حیات ذات مکارم صفات عالی‌شان خیرمآل مبادرت مینمائیم .

(هوای کابل)

امسال از فضل وعنایات خالق بیچون برفها وباران بسیار مکمل باریده زمینها کوهها چشمه سار هارا شاداب وسیراب یافته است ، شدتهای زمستان دهشت افشان رو به نزل است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 576 of 1786

از هر طرف یکان یکان بشارتهای نوبهار پدیدار میگردد . مرغکان رنگارنگ خوش الحانی که از شدت شتابهای کرم کوچ کرده بودند آهسته آهسته برجعت آغاز می‌نهند . نونهالان اطفال چن چنانچه‌و ازخواب برخیزند کاهی پیدار وبازافسرده میشوند . یك جنبش عواطف وطن عزیز حاست که میکوشند : « کاپی بی‌زد باشد . بی برف نباشد ! » الحق کاین ضرب‌المثل احکام مؤثری دارد . زمستانهای که برف کثر ببارد در تابستان خشك آبی درج میدهد . وچون برف بسیار ببارد در تابستان چشمه سارها تواتر شده سیرابی کامل بظهور می‌آید . لهذا برفهای زمستان امسال شهر عزیز مابدرجهٔ کافی ووفرت باریده موسم بهار فیض آثار از حالا باهنهٔ شادابی‌وفرخنده کی ظهور پر کت آثاری نشان میدهد .

خوادث خارجیه

(اجمال سیاسی)

ترجمهٔ (توط) یعنی یادداشت دول معظمه

که ازطرف سفیرهای دولتهای معظمه مقیم استانبول به ناظر خارجیهٔ دولت علیهٔ عثمانیه (تورادو تکیان) افندی‌داده شده‌است :

سفیرهای آوستریا ـ مجارستان انگلستان ، فرانسه روسیه جرمن ایتالیا کهواضع الامضای این توط میباشند ازطرف دولتهای خودشان مأمور شده اند که بحضرت ناظر خارجیهٔ ذات شوکتسمات حضرت پادشاهی این تبلیغات ذیل را اجرا آرند دولتهای مذکوره چون جلو گیری آغاز کردن محاصبات

شهزادهٔ مکرم

عین‌الدوله سردار امان الله خان ، فرزند برومند سومین اعلیحضرت سراج الله والدین

را آرزو دارند ازاین‌رو این‌را ازواجبات میشمارند که ازطرف حکومت سنیهٔ عثمانیه‌را بدین‌جهت جلب کنند که اگر به وصایای مابین طالفت کرده به اعادهٔ صلح مانع شوند مسؤلیت وخیمهٔ را درعهده گرفته خواهند بود . هرگاه اعتداد باقوی تجاریه موضوع بحث‌شدن مقدرات وقت‌را وبلکه سرایت محاصبات راولایتهای آسیای عثمانی بیعه بعهده مسؤلیت آنانها بخودوول متبادلها باقی خواهد بود . واگراینبین یك حلی حادث شود حکومت سنیهٔ عثمانیه‌باین مغرور نشود واعتماد نکنند که‌برای‌وقایه ومحافظه اوبقابل آن‌تهلکه ها که دول معظمه اوراپه احتراز ازان دعوت میکنند ، والیوم هم نمیخواهند که به آن تهلکه‌ها معروض باشند سعیها وکوششهای‌شان بکامیابی‌وموفقیت نتیجه پذیر گردد . درهر حال‌بعداز اعادهٔ‌صلح ، حکومت عثمانیه‌برای‌تعمیر کردن‌خسرانهای که ازمحاربه دیده‌است ، وحکم کردن موقع خودرا دراستانبول ، واستفاده کردن ازاراضی واسعهٔ که در آسیاداره ، وعمران‌وترقی آن‌اراضی که قوت حقیقی ترین‌اورا تشکیل میدهد به مطالعیت ـ یعنی پشتیبانی ـ دول معظمهٔ اوروپا محتاج خواهدشد . پس برای تثبیت به این امر الزام ، ورسانیدن آثارابعد ثبیه وثمره داشتن مطالعیت خیر خواهانهٔ دول معظمه ، حکومت سنیهٔ عثمانیه دراوقت انتظار کرده خواهد توانست که این وصایای دول معظمه‌را که‌بقصد منافع قومیهٔ اوروپا ودولت علیهٔ‌عثمانیه درمیان آورده است حسن قبول بنماید ،

بناء علیه دول معظمه تکرار کردن‌این‌وصایارا مشترکاً بحکومت سنیهٔ عثمانیه وظیفهٔ خودشان میشمارند که‌شهزادهٔ‌مزبوررا بحکومتهای متبوعهٔ بالفاظهارك کنند . ودرحق مقدرات جزایر بحر سفید قرار دادی که‌آغاز بشود دول‌معظمه تودیع وحواله بکنند . وبقابل این مساعداتی که حکومت سنیهٔ عثمانیه آنرا قبول بکند دول معظمه نیز درباب محافظهٔ منافع اسلامیهٔ که در اطراف — یعنی ادریانوپل ـ باشد ، ورعایت کردن جوامع شریفه ومبانی واملاك دینیهٔ اسلامیهٔ شهرمذکور معاونت میکنند ، ومسئلهٔ جزیره‌هارا نیز بیك صورتی که به امنیت وخصوصیت مالك عثمانیه هیچ یك تهلکه نرساند نتیجه پذیر میبایند .

استانبول ۱۷ جنوری ۱۹۱۳

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 577 of 1786

(امضاها)

— بالا و پیچی — جه رار لاوز — و، وبیار —
— گرس — واله نهایم — قایلو ناروی —

—۸—

مادر شمار این نوط یعنی زادهٔ ثالث بسیار مهمی را کشش دولتهای معظمهٔ عالم دولت علیهٔ عثمانیه در طلب صلح پیش کرده‌اند از این سبب سرتاسر (احوال سیاسی) خود دولتهم که نظر جمعیت مایکفدری رسائل واحوال عالم بازشده و چیم که در زیر این عنوان بسیار بزرگ (معظمه) چه دهشتهای هول انگیز مرئی پنهانست . در شمارهٔ (۱۰) خود سرلوحهٔ احوال سیاسی خودمان را از تعداد عساکر بری وبحری این معظمه‌ها ترکیب داده بودیم . آن عدد های معظمه را بکبار دیگر زیر نظر آریم ، واسامهٔ آتشبار ، و آلات کشندهٔ جانشکار شان را در سطح عروز برخر ، وروی زمین وجو هوا در پیش آئینهٔ تصور گیریم ، وافزونتر ازینم ملیون دیگری از پیشکاران بالقای آنها که درآن تعداد اولی داخل نبودند علاوه کرده هر اینها را مشترکاً ومتفقاً ، ومتحداً بریاست دولت اسلامیهٔ یک ولنها ویکس وی پناهی بحمله آوری عثمانی وحشی وانگیخته بینیم ، آیا نتیجهٔ آرا ازچه منبر خواهیم یافت ؟ برحسب ظاهر هیچ شبه نیست که مرعوبیت !

ولی مسلمانان مادامیکه چون بهمچین فیئهٔ غلبه وروی فیئهای کثیره شمشیر شجاعت برگلیمه‌امدوانند غالب هر آینه‌اند از روی مسلمانان کامل الایمان اتحادنیان هیچ امریقه وروای اینگونه فیئهای کثیره را ندارند . این جهت معنوی کفیت است امامیون جهت مادی آن نظر اندازیم ، وکلیات معلقهٔ پیچیده آن یادداشت معنوی را در زیر نظر دقت درآورده بحل وتفسیر عبارات آن کوشش ورزیم مسلمانان اخیل دهشتناک میبابیم ؛ چونکه دول معظمه بتهدیدات مدهشه حکم میکنند که دولت علیهٔ عثمانیه تنها باستانبول قانع شود ، ولیالازاضی آسیائی خود استفاده کند ، دریای قسم بزرگ بر روی خود باز گذارد ، حتی استفاده از اراضی آسیائی ، ومعادن در استانبول شاذا نیز بمظاهرت وپشتیبانی اوروپا محتاج نشان میدهند .

حالا این را چه معنا بدهیم ؟ مگر اینکه بگوئیم موازنهٔ دولیهٔ اوروپا چنین اقتضا میکند . بلی ، دول معظمهٔ یکباره استناد شان همین قول وقراری موازنهٔ دولیاست . وهرمثالی که اجرا میکنند بهمین نام اجرا مینمایند . اما جای تعجب اینست که در نوط خودشان عثمانی را نیز بعنوان (حکومت مدنیهٔ عثمانیه) میستایند . پس از چه چیز است گمان حکومت سلیمیه‌ایکه ساختن حکومت شمرده‌برای موازنهٔ دولیه آرا از میزان عدالت اسقاط میکند ؟ اگر (معظمه) نبودن آن وهو کردن کوچکها را برای شکیبوری بزرگان مراد باشد حکومتهای بالقان به این گناها زیاده تر محکومیت مستحق بودند آیا چرا محکوم نشدند ؟ خواهیم گفت که : چون آنها غالب ومظفر شدند از اسب ! آیا حرکت وسروح خلرشان که بوده است ؛ ودروقتیکه عثمانیان در سنهٔ ۱۳۱۴ هجری بروملی غالب آمدند چرا این مرحمات را نکردند ؟

والحاصل مسئله مانند شمس تابان عیانست : دولت علیهٔ عثمانیه بجز گناه (دولت اسلام) بروشی دگر هیچ گناهی ندارد که برای توازن باقی سیاست دولیه بحوشدن محکوم گردیده است ، شش دولت معظمه ؟ همسرفداری حکومتهای عصر و کوچکرا میکنند کیکار یکانهٔ شان کارسال هوز رهزنی وشقاوت پیشه‌گی بود . آیا چرا ؟ چونکه آن هرکان شقاوت پیشه هم کیش صلیب پرستی شانست ! اگر اینچنین نبود ، ومعظمه ازانتر مدنیت ووجدان انسانیت نبود آن معظمه‌ها چرا اینقدر کوچکها را قبول کردند که بهزارها نفوس بیگناه مسلمانانرا مانند گوسفند سر بریدند ، وبهزارها عرضهارا پامال کردند وهیچیک معظمی رخواست نگفت که چه میشد ؟ اگر معظمی عجبین است هزار بار شکر بر کوچکی ! ...

(از اخبارهای فرانسوی)

(حوادث انقلاب استانبول)

خبر اخبار مان فرانسوی از ۲۳ جنوری درباب انقلاب جدید استانبول که بر ضد پاشا دول معظمه برپا کردید از قسل وجنایت هیچ چیزی بحث نرانده بکمال آرامی وسکون از تبدیل پاشا کابینه خبر میدهد . نه از جمع شدن نه هزار آدم ونه از کشته شدن یاورها ، ونه از قتل ناظم پاشا هیچ چیزی نوشته نیست .

همین روز نیز از مارخ ۲۳ جنوری خبری که نشانه نموده از قتل وجنایت چیزی دران نوشته است .

(رئیس جمهور فرانس)

رئیسهای جمهور فرانس در هر هفت سال یکبار تبدیل ، وسر از نو انتخاب میشوند . اهالی فرانس از یکماه به اینسو مسئلهٔ انتخاب سر گرم اند . اخبار های فرانس که در پیشه به اداره رسیده اکثر صحیفه های خودرا از همین مسئلهٔ انتخاب رئیس جمهور جدید خود شان موسیو (پوانکاره) که سابق رئیس کابینهٔ فرانس بود ومعاشر علنهٔ خود شان مخصوص اعتبار

(کشتیهای هوایی روس در سر حد جرمن)

بالونها ، وته رویلانها — یعنی کشتیهای هوایی — یا آنکه طیاره های روس در سرحد جرمن هیچ حس قبول نمی یابند ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 578 of 1786

بموجبهٔ قوانین جدیدی که ناظر داخلیهٔ جرمن نشر کرده در «موزهای ولایتهای سرحدی» جرمنی حکم قطعی داده شده است که هرگاه «بالونهای روس در هوای سر حد پدیدار شود یا از حدود بگذرد باگله های مخصوصی که برای خراب ساختن بالونها وه ورویلانها ساخته شده است آنها را زده بر زمین فرو آرند.

(دزمان موثر دار)

قبل ازین ازبك جنایت وشقاوت زرناك دزمان موثر داربارها اخبارها بحث رانده بود ویکمدتی وقوعها وحوادثهای مخیف وضرری روایت میشد ، حتی سراج الاخبار افغانیه نیز خلل ورخنه نموده بود ، درینوقت از فرانسه اخبار مانی فرانسوی خبر میدهد کویا در شهر (شیکاغو) ی امریکا درینروزها دزمان موثردار اجرای شقاوت بسیاری بعمل می آرند .

(تغیر ناظر خارجیهٔ روس)

وزیر خارجیهٔ روس گفته است که سبب مضطربت بالقانیها وشورش داخلی ترکیه ، ورستان که در احوال عسکریه ومالیهٔ شان دیده میشود ضرور است که (ادریانوپل) را ترك کنند ، ومصالحه را قبول کنند ، وجمله جزیره ها را برای وقرار داد دول معظمه حواله کنند ، واگر بعکس این حال وقوع آید به سیاست اوروپا ضرر میرساند که دولت روس این را کاهی آرزو میکند ، وازین سبب دولت روس مجبور است که ازطرف آسیای عثمانی ولایهای وان ، بتلیس ، ارضروم ، طرابزون عساکری را ضبط واشغال نماید ، واز طرف بحر سیاه آسیای های استانبول را در زیر تهدید دارد ، در آخر این را هم میکوید که حکومت روس چون به افکار عمومیه عطافت کرده نمیتواند از دو بسیار زودی یك جواب قطعی میخواهد ، سفیر فرانس نیز بحکومت عثمانی توصیه میکند که قبول کردن این نصیحت روس برای شان خیر مندانه .

(خبرهای محاربه)

بموجب خبر هایی که از استانبول رسیده در ۱۳ ماه فروری در (پولار) نام موضع محاربهٔ بسیار شدیدی بوقوع آمده است، واز هر دوطرف تلفات وصایعات عظیمی داده شده است .

حکومت عثمانیه بر طرد وتبعید همه افراد تبعهٔ یونان که در اطراف وجوار خاق قلعه — یعنی داردنیل — ساکن هستند قرار داده اند از مطرودان مذکور بقدر یکصد نفر به (آتینا) پایتخت یونان واصل شده اند ، این مطرودان از کرفتار شدن دو هزار یونانی خبر میدهند .

در مجلس سفرا درباب مسئلهٔ که در باب رومانیا وبلغار بحدوث پیوسته نیز مذاکره شد ، بهر دو طرف نصیحت کردند که بملایمت رفتار کنند ، ودرینوقت نزاع تمایند .

حق پاشا که سابق سردار اعظم بود برای یافتن یك زمین موافق برای مصالحه به اوروپا رفته است ، ودرینوقت به لندن آمده است .

ازقرار خبرهای روتر درولایتام موقع که درمابین عساکر عثمانی وبلغارها محاربه شده ودهقتوان وهزوجین ترکها پنجهزار مقتول وده هزار مجروح تعیین شده است ، ترکها در قوروطاغ نام موقع نیز به سه هزار تلفات دوچارشده اند .

از شصت هزار عسکری که در زیر کان افندی امور پیك سوق شده بود هیچ یك خبری نرسیده است.

مکتوب از دهلی

بخدمت جناب ادیب محترم محمود بیك خان طرزی مدیر ومحرر سراج الاخبار افغانیه کثر الله امثالکم واهل الله درجنکم فی الدارین :

بعدها معروض آنکه در اخبار (پیسه) منطبعهٔ لاهور بعضی طرزالی مطالعه نموده که از اخبارهای (الژید) و (الشمس) نقل کرده بود ، از مطالعهٔ آن هوش وحواسم بالکل از سر پدررفت وخونم در میان ریتیم بجوش آمد ، ظلمها وجلادیهای که کفار نابکار بالفسان ومسلمانان رعایای آنجا کرده اند هیچ کاه چشکیزها ، وهلاکوها ، وآتیلاها در آسیا واوروپا اجرا نکرده اند ، یقین است که بخدمت آن ادیب محترم نیز اخبار مذکور رسیده باشد ، ولی ازسکوت من تأثیر کرده بود بوجودی کازبان اردو را خوب نمیدانم باز هم ماحصل آنرا در فارسی عرض میکنم :

اخبار مذکور در زیر عنوان (یك حکم ناجایز) ازقتل عام مسلمانان شهر های (الجایب) و کوریلی ، وسرقیچه بحث رانده مینویسد : که بیجیردی که حکم قتل عام مسلمانان ازطرف حکومت (سروه) بر قوم سروی آنجا رسید ، افسران قوم هاندم بر عسکر حکم داده بزارها مسلمان زنهی بیکناه را که کاه مانند حیوانات در سلاخخانه ها بزده سر بریده اند ، وبر هیچ طفل معصوم وزن محتوم نخشوده اند ، باز اخبار مذکور در زیر عنوان (شهادت رأی العین یك لیدی) از زبان یك زن اوستریایی که در (قوله) مقیم بوده ، وبچشم خود هرآنچه دیده به برادر خود که در (وایسا) وقت اوستریا مقیم است نوشته ، وآن خط حالا در نزد حکومت استریا محفوظ میباشد چنین مینویسد :

زن مذکور میکوید که : در شهر (قوله) اول بامبارها به اینصورت قایض شدند که بحساب دزد تخواه خواز بامباری داخل شده وحاکم شهر را کرفتار کرده اعلان کردند که قوله حکومت بامبارها قایض شد ، بعد ظهر همین روز بی خبر دیکر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 579 of 1786

در قوله آمدند . آنها نیز همین اعلان را کردند . روز دوم امواج بلغاری رو بشهر کردند . در شهر و نواحی آن عسکر عثمانی نبود . واز پیشتر غلبه کشیده بودند . باشنده گان شهر به استقبال بلغاریان رامدند . پیش روی شان یك پادری روانی بود . زنهای نصرانیه کاسه‌ها بدستها گرفته . وناقوسهارا شور داده اظهار شادمانی میکردند . شب شهر را چراغان کردند . روز دوم خانهٔ یك عثمانی خراب کرده شد . وبحکم بلغاری تمام اهل خانه را ازصغیر تا کبیر قتل تام کردند . بعد ازان چند مسلمان بیگناه را گرفتار کردند که آنها بجز مسلمانی دیگر هیچ گناهی نداشتند . چون نصف از شب گذشت . آن گرفتاران بی گناه را بیدار کرده . وچهل را عریان کرده بعذاب آتش هلاك کردند . [نعوذ بالله ازین دعوی خدایی] این درنده ها نه لحاظ پیر را کردند نه بصومیت اطفال رحم شان آمد . غرب قوله یك شهر است که آنرا (سیروز) میگویند . باشنده گان مسلمان این شهر بسیار دور طایفهٔ بلغاریان گردند . ودو آدم ازانها را مقتول کردند . به این سبب یك افسر بلغاری دروز تا چهار بجه خلق مسلمان شهر سیروز حکم داد . در ظرف ۲۵ ساعت (۱۲۰۰) نفر را به تیغ دیغ کردند . در شهر اکسان؟ وقتی که بلغار ها حمله آور شدند مسلمانها از ترس جان بمسجد ها پناه بردند . مگر بلغاریان درنده مطلق روای این را نکرده یکان یکان را از مسجد براورده بقتل رسانیدند . بعد ازانکار مسلمانان را به انجام رسانیدند بسوی بهودیهای شهر رخ آوردند وتوانگر ترین آنها را گرفته به کوه بردند . وطلا تهدید کرده از هر کدام ده‌ده هزار طلا فدیهٔ نجات گرفتند . بعد از گرفتن پول پس آنهارا بشهر آوردند . دراروز بارش بشدت میبارید حتی این قافلهٔ یهودیهای بجاره بسیار رنج آور بود درمیان آنها یك پیر هشتاد ساله نیز موجودبود کاغذان خزان در میان گلها براه میرفت . (دول معظمه اگر ازین گوشه‌های محظرهٔ برادران بلغاری خود شان حساب کنند جاداره . (سراج الاخبار کابل) بلغاریان در شهر قوله بشرف محاصرهٔ شهر استانبول یك جشنی در ۲۱ نومبر برپا کردند . چراغانها . ساز ها . سرود ها اجرا کردند . برای شرف این جشن قربانی ها هم ذبح کردند . وآن قربانیها ۱۸ نفر مسلمان عثمانی بود ! بعضی توپها وخمپاره‌ها هم کردند وآن این بود که تمام مسجد های مسلمانان را ویران کردند . وبعضی را به گرجه تبدیل دادند ! بعد ازان خراب کردن مکانات وزیارات وقبرستانهای مسلمانان شروع کردند . رفته رفته جشن شدت گرفت . عسکرهای بلغار چون درنده گان وحشی بخانهای مسلمانان داخل گردند . مردان شانرا بخواری کشتند . بازنان ودختران شان روی خود را سیاه کردند . یك زن را اول عذابها کردند بعدازان بحضورش یکان یکان بچه هایش را کشتند.

این است زشت کاریهای بلغاریان که یك لیدی" اسیر وی قلمبند کرده است . چون تنها که حالا مردمان افغانستان را ازخوب وبد عالم همیشه بذریعهٔ اخبار مبارك خود بیدار میکنید حق تعالی وجود تمارا سلامت بدارد که مادر مردم افغانستان قیمت میدانید . اگر تکلیف نباشد بعضی رای آگاه ساختن برادران اسلامی این واقعاترا در اخبار خود شایع کنید که عدد اقدامجور وعدد الناس مشکور خواهید بود . تا همه گان بدانند که نصارا با مسلمانان چه سلوك دارند . وچون در وطن مسلمانان دست یابند چگونه ظلمها وخون خواریهاوی ناموسیها اجرا میکنند؟ باقی بجز حسرت . و گرفتن عبرت چه عرض کنم .

(...)

(یك تلگراف بسیار مردانه)

ترجمه وقتل یك تلگراف بسیار مردانه ودلاورانه ایست که ازطرف قوماندان بزرگ وحافظ شهر اندرنه جناب شکری پاشا به کابینهٔ کامل پاشادروز سقوط کابینه کشیده شده است

« یك سرافسری که مانند شهر اندرنه یك شهر مستحکم ومقدسی را یك دشمن پست فطرت خونخواری تسلیم کند درتاریخ شاندار عثمانی دیده نشده است . منهم والجنین یك جنایتی را ارتکاب نخواهم کرد . وهمهٔ عسکر خودرا درین راه فدا کرده . وفردی آخرین که باقی آنرا دپاچه خودناف ساخته . وکاوله آخرین طپانچهٔ خودرا نیز برشقیقهٔ خود خالی خواهم کرد . هروقت که دیدم درشهر امکان مقاومت نماند بقدر چهل هزار نفوس بلغاری را که درشهر باهن بزرعایه میباشند تحریر کرده . وبجزء نسوان وصبیان شهررا زیر حمایهٔ قونسولوسهای دولتهایکه درشهر هستند تودیع نموده وبدستهای قونسولوسها یك یك جلدسفیدی داده از شهر بیرون میکنم . اگر بخواهند اینرا نیزمانند دیگر وحشیهای که تاکنون اجرا کرده اند درپیش چشمهای مدنیت خود شان بجوکشند .... بعدازین کارها طوپهای خودرا بسوی آن بناها ومکانهای معزز؟ که مشهوربالا است . وبلغاریهاکه آنرا تحریر کرده‌ام دورمیدهم . وهمهٔ شهررا آتش زده بیك خرابه زاری تحویل میدهم . درانوقت عسکر بهادر من که درمیان درشهر بآتش سوخته شدن . ودربیرون به گمه دشمن شهید گشتن مانند اکردشمن زیاده ازیك ملیون هم باشد آنرا پاره کرده میگذرند . وبه اینصورت با کمال دلاوری میمیرند ویا پایتخت مقدس اجداد خودرا به شان وشرف ترك میکنند . »

[هزار آفرین ای قوماندان شجاعت نشان . سراج الاخبار کابل]

(اتوریك ـ اوروپا)

اخبار (نیوویه رزورنال) که در ویانه پایتخت اوسترا طبع ونشر میشود یك مقالهٔ بسیار مهمهٔ خودرا باین فقره ختم میدهد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 580 of 1786

« امروزه روز مقدرات همهٔ عثمانیان ، وبلکه مقدرات همهٔ اوروپا بدست اقتدار اوریك است » .

(واپور حمیدیه)

(حمیدیه) نام کشتی جنگی عثمانی درچهارده جنان دلاورپاشای بکار برده که یکباره قهرمان درباشمرده میشود . دو کشتی روسان را غرق کرد . یك شهر توپ را در زیر طوپ گرفت . تا بهٔ بحر احمر رفت . از پورتسعید هم دورانا کرفت . درینوقت بیروت آمد . ازانجا که برمیگشت سه کشتی طوپیدوی روسان بروحمله نمود . کشتی حمیدیه دو عدد ازانرا غرق ویکی را اسیر ، وتنها یکی ازانها فرار کامیاب آمد .

(حریق استانبول)

در ۱۸ فروری دراستانبول بمحلهٔ جامع آلتموفه یك حریق خانسوزی وقوع آمده زیاده از صدخانه ودکان سوخته وباطفال یکسان شده است . باران بسیار شدید میبارید باز هم حریق اجرای خرابی میکرد .

(روس واوستریا)

روتر خبر میدهد که درمابین دیپلوماتها بخبرهای ولوله انگیزی که درمیان روس واوسترا حدوث نموده هیچ اهمیتی نمیدهند . همهٔ این مسایل درمجلس سفرا مذاکره شده است . وآن زوعای مخالف روسیا معلوم گردیده . ولی اوسترا به این تهدیدها هیچ اهمیت نداده برین فکرخود اصرار میکند که اشقودره — یعنی سلوطری ، دیاقوه ، ودره ، وبانیه که ازممالك عثمانیست به ادارهٔ خود مختاری حکومت ارکوودها باید باشد .

(رومانیا وبلغارستان)

دولت رومانیا گفته است که من از سلیسترہ درمیگذرم ولی درلجرسپاه بصرف (قالیا فرا) را بلغارها باید بدهند . افکار عمومیهٔ بلغار بشدت تمام مخالفت کرده اند . افکار هر دوطرف درهیجان تمام است .

(ایضاً)

بصورت رسمی خبر داده شده است که رومانیا وبلغارستان اصیحت دولتهای بزرگ را قبول کرده راضی بودن خود شانرا برهر قرارنیکه دولتها بدهند اعلان کرده اند .

(برف آتش را توقف میدهد)

بموجب خبریکه از استانبول رسیده بسبب طوفان بسیار دهشتناك برف درهفته گذشته کویا محاربه توقف شده است ! بلغارها بدیهاوتاکوارلیهای احوال را درك کرده اند .

(فتوحات عثمانی درسلوطری)

عسکر عثمانی فتوحات نمایانی درسلوطری نموده اند وسپاه کوهپیما راه اللهان عطیهٔ شجاعت داده اند .

قوماندان اردوی رامدن اجنبی هدایا از شهریقبول نکرده گفته است که رامدن آنها موجب کسر قوهٔ معنویهٔ عسکر میشود .

(زنان حقوق طلب)

درشهر ادینبورغ انکلستان زنان حقوق طلب بحرکاتهای بزرگی آغاز نهاده اند . (وراتون) نام مصنع باری را در بعضی جاهاریخته خرابی رسانیده اند . مادام ویتبوت نام پشتبان حقوق طلب درباك لطق خود بیان کرده است که مسئولیت بوده کذشتن درخانهٔ ناظر محبره نیز باید باشد . این کروه زنانرا (سوفرالت) ها میکویند که دعوی حق انتخاب خود شانرا درپارلمنت میکنند که کروه زنان بزحق انتخاب شدنرا داشته باشند .

(اخبار چهره نما)

دربنجاه شمارهٔ نخستین سالنجم اخبار خواهد آمد (چهره نما) که بزبان شکرین پارسی درمصر به زیر ادارهٔ جناب فاضل خردمند آقای (عبدالحمید) ایرانی علیزاده نشر وشایع میشود به اداره رسیده مارا بی اختیار ساخت برینکه بر یکات خاصهٔ خود مارا به این نامهٔ نامی وهمصر محفل کرامی قدیم تمایم . ودوام اقتدار آنرا از درکاه آلهی مسئلت داریم .

اخبار چهره نما شایان مطالعه ، وموجب استفاده همهٔ فارسی زبانان است . درشمارهٔ (۱۰) دراج الاخبار افغانیه یك مقاله مخصوصهٔ درباب زبان فارسی نوشت وآغاز وانجام آنرا برین فقره موضوع نموده بودیم که : « فارسی زبانان قدر اخبارهای فارسی را بشناسید ! » بازان اخبارها که قدر آن شناختنیست یکی (چهره نما) ست .

(اخبار افغان)

همصر معزز اخبار (افغان) که زبان شیرین بیان اردو وبکبارچه آن زبان بسیار عزیز قومی ما افغانی درپشاور طبع وانتشارمی یابد چندی بود که ازطرف حکومت پشاور درزیر ضمانت نقدی کرفته شده بود ، وباوجودیکه تمارك وجه رامنسوب تعطیل شده بود ، مکر از همت ارباب غیرت درکمتر مدت قلیه حیاتنرا ضمانت خواهان رسانیده درینوقت بیك رونق احسن واسلوب مستحسن باز جلوه کر بازار مطبوعات کردیده است . دوام اقتدار آن همصر معزز را خواهانیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 581 of 1786

انور بیک

ناپلیون ثانی وارث ثانی

اخبار سول اینه ملتری نیوز ژورنال مینویسد

انوربی برای برقرار داشتن عزت سلطنت ترکی وبمقام داشتن همدردی مسلمانان روی زمین چنان کارهای اهم بانجام رسانیده است که کل عالم حل آنرا ناممکن تصور کرده بود — تمام عقلای یورپ بازگشت فوج بلغاررا ازمقام شتلیه‌عقدهٔ مالاینحل خیال میکرد اماحکمت انوربی بمردم بلغرجان شکست‌داد که‌باساسه چهل‌میل ازمقام شتلیه رفتند قرار نکرفتند .

اگرچه کامل پاشاوسعید پاشا بس هشتاد ساله رسیده اند وچندمرتبه بمنصب وزارت عظمی رسیده وبمقتدرشوت دولتمند شده‌اند وکامل‌پاشا بجوز دادن ایدرنا تویل به مردمبلغر نبوده‌بود اماچون انجمن اتحاد وترقی ازبجوز مذکور خبر یافت بصدارت انوربی بك عضو منعقد نموده اتفاق کرد که اشخاص غدار قوم از وزارت معزول کرده شوند . وچونکه انوربی در طرابلس غرب شهرت خاص حاصل نموده‌بود اکنون بنظرترکان بك‌نایس معزز ومحترم‌کار تصور کرده میشود.اعضای جمعیترکان وهمه‌موج ترك وتمام مسلمانان طرفدار انوربی گشته واانوربی بخوف ورجا بدفتر وزارت خارجیه‌رفته ازکامل پاشااستعفا گرفت بهمت جوان‌و بتدبیرانوربی چندهفته درلشکر شتلیه قیام‌نموده وکابینه‌انورپاشا ترکیه رادیدهای قائم‌کرد کهفوج ترکی‌مقیم شتلیه‌مطیع بلغاریان بوجه‌احسن کرده می‌تواند . سن‌انوربی دربادوقت صرف بی‌ساله است اما از گفتارش چنان شیرینی مترشح می شود که آدم سحر کلامی مخالف نخواهد بود .

انوربی شیرین‌وگزمخلاق ولامطمع میباشد . ماذکی خوف دارد‌بملاحظه کسی انورا مانع می آیدوقول سعدی درحق‌اوصادق می آید .

وزیر آصفی سعدیا در عهد — چوتربی بدست است تزبکن

بکو آنچه دانی کحق گفته به — نرشوت ستانی وخشنود نه

عرب گوید . الحق‌مر . اکثر مردمبحق کوش اودشمن شده‌اند اماانو درکوشش خلق قوم وسلطنت خود معروف است و باوجود لاشعرهراس ندارد . انوربی اوسطقد نیلگون چشم و لاغر اندام است اما دلیران وپهادران وجنك آوران که ازمدت یکسدسال گذشته نام‌آور شده‌اند مثل انوربی مردانکی آشکار نکرده‌اند .

نامه‌نگار پاونیر از لندن تحریر کرده است که‌چنان من بدون ناپلیون اعظم احدی مانند انوربی دلاور ومدبر نگذشته .

قدوباید اندر طریقت قدم — که اصل ندارد دم بی قدم

انوربی درماه اگست سنه ۱۹۰۸ سرکردگی آن‌سه‌صد نفررا که بمزوقی سلطان عبدالحمید خان وقیام حکومت شورائی را بجوز نموده بودند اختیار کرد . وبعد ازان بطرف کوهستان مناستر روانه‌شد . ازان تمدنام افواج ترکیه‌را بزورسر کلامی مطیع خود ساخت وقتیکه انی جنان بظهور رسید کهاز اکثر قشون صوبهٔ مقدونیه بخدمت سلطان معزول مرا سلان رسید کهدر دولت عثمانیه مجلس شورای قائم کرده شود .

سلطان عبدالحمیدخان‌شمسی‌پاشارافوج‌جرارای‌خانه‌ودن‌مرد انقلاب بسته و گرفتاری انوربی متعین نمود . انوربی بشمسی پاشابپیغام فرستاد کهاگر شهازمناستر قدم بیرون نهاید فوراً کشته خواهید شدشمسی پاشا پیغام انوربی را مضحکه تصور کرده وبه‌تلگراف خانه‌خبری بدمضمون فرستاد که‌عقریب انوربی را ماخوذ نموده باجبولان روانه قسطنطنیه خواهم کرد .وچون پاشای مذکور ازتلگراف خانه پس گشت درحین راه‌کشته شد .

انوربی موسوف محافظ فوج مناستر ترکیه مانحت آنار عثمان پاشا بود روزی انوربی ازجانب انجمن اتحادوترقی بعثمان پاشا گفت کهتا بمدازین همراه سلطان عبدالحمید خان‌خط وکتابت قطع کنید واگرتا فوراً دراتحاد وترقی شامل نشدید واز تجاوزما مخالفت کردید گرفتارید خواهید شد . اول‌عثمان پاشا خیال کرد کهشاید انوربی دیوانه شده‌است اماچون پاشای موصوف دیدکه پیرهمدار همراز اطاعت منصرف است دانست که گردش گردون انقلاب دیگر پیش آورده است و فوراً در اراکین انجمن اتحاد وترقی شامل شد .

یکصد هزار سپاه ترکی از فوج مقدونیه که میعاد مدت‌او گذشته ودونجای سه‌سال‌هشت سال‌درخدمت مامور بودوتقواه دوسه‌سال نگرفته بود آمادهٔ عاوت گردید . انوربی ماه جولائی سنه ۱۹۰۸ تقواه همه‌سپاه اداده رخصت داد.وآنهمه سپاهیان نوجوان بکلاه خودشان انجمن اتحادوترقی نصب کردند وبوقت سوار شدن جیار لمرة انوربی حوق بنا باند کردند . حالانکه برجوقع همیشه صدای‌پادشاهم چوفیشا یعنی‌خدا پادشاه مارا همیشه سلامت بدارد بلند کرده میشد .

انوربی کاهی خواهش منصب کلان نکرد وچند مرتبه انورا موقع کردن منصب کلان حاصل شد اما بطرف آن متوجه نشد درسنه ۱۹۰۸ کهدربجوز انقلاب کامیابشد برمنصب میرمیران ودواکنون درفوج ترکی لشت کرنیل (نائب کرنیل) میباشد باشندکان استانبول بجوز پشکش نمودن تلوار مرصع بخواهش به انوربی کردند . اما او غیور وباحیت گفت کهمن ضرورت شمشیر ندارم و ملیکه ر شمشیر صرف میشید برای تجار داری سپاه مجروح روانه دارید .

العاصر انوربی آتشیمی است کهدرین عرصهٔ کارهای نمایان بانجامرسانیده است وسلطنت عثمانیه ازوجود او آینده‌نیز امیدهای بسیار دارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 582 of 1786

(از اخبار (الشعب الغرا) منطبعه مصر)

یک مجلس بزرگ زنانه

§ — دیروز یک مجلس عظیمی از زنان مردانه صفات عالیات عثمانیات استانبول در زیر ریاست پرنسس (عظیمه سلطان) عالیه الشان اکبر همشیرهٔ پرنس (یوسف عزالدین) ولیعهد دولت علیه عثمانیه میباشد برپا گردید. درین مجلس (۷۰۰۰) هفتهزار ساحبهای عثمانیات بازور وزینت جمع آمدند بسیاری از ادیبههای ممتازان نطقها و خطبههای بلیغهٔپرسوز وگداز بانانری خواندند ازنطقها جنان تأثیر عظیمی حاصل شود که همهٔ حاضات عالیات یک شوق وهوس عظیمی بجمع آوری اعانه آغازنهادند وحواهر بسیاری جمع آمد، تاحالا ازچنین یک جمعیت عظیمه وازچنین یک عبرت وحماست نمونه هرگز دیده وشنیده نشده بود.

§ — عساکر عثمانی بعدازانکه (شارکوی) راتخلیه نمودند بهیش حرکت کرده چارطابور یعنی کتلهٔ بلغاری رادیدند که بسوی شهال غلب میکنند. بهیک سرعت خارق العاده خطر جمع این چار کتلهٔ راقطع نموده ازهرطرف درزیر محاصره گرفته آتش بسیار شدیدی بانها بازکردند. وهمهٔ آن چارطابور رابابهری آتشی شان هلاک ساختند.

§ — یک فرقه ازعساکر عثمانیه براه دریای بلغار ازطرف (بحر سیاه) باکشتیها بهفرو آمدن کامپانیه آمده ۶۰۰ بلغاری محو وتلف نمودند.

§ — یک وزیری زن رکی ازسلانیک از کرم اخلاق یک خانوادهٔ اسارای روانی چنین حکایت میکند: وقتیکه بلغار عاصر (سرس) سابق قتل عام مسلمانارا گماشتند شوهرم مرا ودو دختران ودوپسران خودرا بهپیش انداخت. خانهیکی از پوستان اسارای رومی خود که آشنایی قدیمی باوداشت پناه گرین گردیدم صاحب خانه حیوانات واربهای مارا بسیار حسن معامله نمود. وچون بلغاریان جستند که درخانه ماهستیم هجوم آوردند وازصاحب خانه مارا طلب کردند صاحب خانه ازتسلیم نمودن ما قطعاً ابا ورزید بلغاریان گفتند یامسلمانارا ازخانه خود چرون دارید یا آنکه شمارا نیز باآنها قتل خواهیم کرد بازصاحب خانه رو کرد بلغاریان درین باب آلات وادوات برهوا کردن خانمرا آورده گفتند یامسلمانارا تسلیم کنید یاشمارا باآنهایکجا برهوامیکنیم. بعدازان صاحب خانه وعیالش مارا بسکون و آرام چون درخانه تهیه کرده خودشان درزیرهٔ خانه رآمدند. وبلغارهای خونریز وحشی گفتند: که این یک اجرحالاست که ناهمارا. اکثیدمسلمانان دوست خودرا بشمانسلیم کنیم لهذا مراتبهای عمیقانه تحت خود ساخته بکشید وبعدازان هرچه خواهید بکنید درین اثنادیگر اسارای روانی وروسی جمع آمده وخدمتها ومعذرتها نمودند مارا وصاحب خانه را ازدست آن قاتلان وحشی نجات دادند ولی صاحب خانه عجازه ازهول ووهم بسیار مریض شد. همهٔ ساکنان شهر ازین فداکاری این جوانمرد کمسبدوستی ورفاقت غیردین وغیرجنس خوداجرا کرده اظهار حیرت کردند ومامم بدعای شفایافتن این جسمهٔ غیرت وشهامت دعا خواهیم.

(مقالات قدیمه)

(حکمت طبیعیه)

(فی)

(مناسبات)

(باد)

(مابعد از شمارهٔ ۱۲)

(بادقصرفه)

از اقسام ریاح یکی نیز بادیستکه آنرا (قصرفه) میگویند. این باد غایت شدید ومخرب میباشد که از مصادمهٔ بادهای مختلفهٔ جهة بطهورمیرسد. وبسیار کم مدت دوام میکند. ولی بسیار خراب میرساند. وعامی آنرا (کردباد) مینامند.

(قصرفه) وقتیکه در جولایهای دیگستان وقوع میابد خیلی مدهش ومهلک میشود. چونکه رطوبتهارا اززمین برداشته مانند ابرهای سیاه مخوف ومدهشی تجسم میدهد. و گوهها وتپههای ساخته کی بطهوری میآرد که اگر قافلهٔ بوجود آن گردد خلاصی شان خیلی مشکلست.

(خرطوم سحابی)

(خرطوم سحاب) قصرفهٔ بحریست که دربحرهای محیط وبا گولابهای بسیار عظیم که کاهی ظهور میکند. وموجب تهلکهٔ عظیم بحرچون دریا نورد میگردد. چنانچه بادهای مختلفه شدیدهٔ قصرفه یکدیگر پیچ وتاب خورده وباهم مصادمهها نموده بشکل خرطومی بیلندحباب بسیار کثیفی متصل میگردد. وهمچون خود خرطوم" الشکل مذکوری بنظر میآید. این شکل خروطی بسوی چپ ودراست میل کرده کرده تدریجاً بسطح آب تمدید میابد. وچون به آب متصل کردد مانند بلای ناکهانی آبرابشورش ودوران فوق العادهٔ میدارد. وآب نیز بشکل عمودی بسوی بالا رامده، خرطوم خروطی مذکور یکجا میگردد. وهمچون خود راسی بسوی جو هوا صعود میکند وچنان معلوم میشود کار محور خویش دوران هم میابد. وما بعدا از دوران محوریهٔ خویش یکسر کت دیکری نیز اجرا میکند که آن عبارت ازتبدیل مکان کردن اوست.

خرطوم سحابی بعد از کم مدتی که برین حال بماند به انتظام خروطی ودورانش شکست وارد آمده از آب جدا میکردد. وآن که با خرطوم متصل کردیده بود پس میزند. وبادهٔ داری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 583 of 1786

که در سحاب باقی مانده است مؤخراً بصورت باران نزول میکند و گاهی ازین خرطوم بالعکس از سطح ماه ظهور نموده راست بسوی ابرها تمدید میباید. واپور هائیکه گرفتار این بلای اسمانی میشوند بغیر از غرق شدن دگر چارهٔ ندارند مگر آنکه از دور خرطوم مذکور را به گلوله های توپ هدف نموده انتظامش را از هم بشکنند.

(بادصیقلون)

باد مخرب مهلك دیگر که آنرا (صیقلون) میتوانند بکنوع قصرهٔ بسیار مدهشی عطیی است که بنهایت شدت ودهشت مانند دولاب بر خود میگردد. این باد در جهت خط استوا ودر حدود رباع تجارت ظهور میکند که ظهورش در بعضی جاها موجب تهلکه ومضرت عظیم اعلان وغوص میگردد. در مرکز دائرهٔ این باد اکثر چمکات برق، وزلازل رعد، وتصادم صاعقهٔ وباران بسیار شدیدی نیز باریدن میکرد.

باد صیقلون از خط استوا اصلا گذشتی ندارد. اما نادراً از ۸ الی ۱۰ درجه گذشتی دیده شده است. واین آفت تا کنون کاهی در نصف کرهٔ شمالی از ۴۰ تا ۵۰ درجهٔ عرض نیز گاهگاهی ظهور میکند. شدید ترین صیقلون در غرب جزیره‌های قطعات عظیمه ظهور میکند.

بنا بر بعضی تدقیقات مدققین اهل فن چنان بوضوح پیوسته که باد آفتناك صیقلون عبارت از قصرهٔ جسیم بسیار بزرگیست که شکل وهیئت دائره را دارد. قطر این دائره از صد میل الی هزار میل وسعت وفراخی را مالك ومرکزش ساکن میباشد. مرکز این دائره بر سطح ارض بر یك خط معین بسرعت مخالفه درظرف یکساعت ازدومیل تابسی، وچهل میل مسافه را قطع میکند. این قسم قصرغه‌ها یعنی صیقلون در نصف کرهٔ شمالی ازطرف راست بسوی جنوب، ودرنصف کرهٔ جنوبی ازطرف چپ بسوی راست دوران میکند. تهلکهٔ بسیار صیقلون درقطعاتیست که بمرکز نزدیکتر باشد چونکه درانجاشدت دورانش بغایت سرعت ودهشت میباشد. وازینست که قپودانهای کاردیده‌ئی فن وقتیکه کشتیهایشان گرفتار قهر آفت صیقلون میباید دایماً کوشش میورزند که خودشان را ازمرکز این بلای سماوی دور وبعید نمایند.

درخصوص سبب ظهور این آفت مهلك ارباب علم مته‌اورولوژی رایك سخن متفق نیستند لهذا سبب حقیقی آن تاحال مجهول مانده است.

آفت مذکور درجزیره‌های (آنتیل) که در قطعهٔ امریکا واقعست ودر بحر محیط هندی، ودربحر چین گاهگاهی دفعهٔ ظهور میکند. وضرر وخسارات بی‌اندازه بساکنان آنحوالی میرساند.

اهالی آنتیل، این بادرا به اسم (هرکان) که درلسان شان یعنی بلاست تسمیه میکنند. این بلادرانسبت‌ها از ماه توزیه ماه نشرین اول روی وعلی الخصوص در ماه اغسطوس بکثرت ظهور میکند.

درسنه (۱۸۳۱) میلادی درجزیره (بارباردز) نام که یکی از جزائر بضمهٔ انتیل کوچك است آفت مذکور بغایت دهشت ونهایت شدت دفعهٔ ظهور نموده در ظرف ده وازده دقیقه ازابنیه واشجار جزیرهٔ مذکور هیچیك اثری نگذاشته است وبقدر بیست وپنجهزار نفس ازنفوس موجودهٔ جزیرهٔ مذکوررا هلاك وبقدر پنجهزار کس‌را زیر ضروح گردانیده است. وشدت آنرا ازین یك مقایسه باید نمود که یك کلیهٔ اسپری که بوزن هزار وچار صد چارك بوده هوا رداشته بدوری مسافهٔ ششصد متردور انداخته است. وهمچنان بسی جسیم وعظیم پارچه‌های احجار فوررا بهرطرف متزلزل ومتحرك نموده است.

باقی دارد

(مکتوب شهر)

یاحضرت الفاضل!

چون بمطالعات اخبار معانی‌بار (سراج الاخبار افغانیه) میگرایم وخدمات قلمیه شمارادرحق بردران گرامی — افغانیان ووطن مقدس افغانستان ملاحظه میکنم درحق شمابسی دعاها می‌نمایم لهذا یك عرض ناچیزانه بنظرفواید مقالعه اخبار گهربار برای برادران اهالی وطن عزیزی نمایم اگرلازم بدانند در کدام گوشهٔ اخبار معانی باردرج فرمایند. باقی بهمه‌اب سلامتی وجود فیض آمود پادشاه مهربان خودرا وعیال وطن افغانستان رااز درگاه حضرت احدیت خواهانم آمین

چون حضرت فیاض مطلق (نوع بشررا لطبع خواهشگر دانش وفهمیدن آفرید) وبازوقتیکه دلش رانور علم وعرفان روشن گردانید مدرکاتش بهرطرف سیران میکند.

وچیزیکه لحست نظر حیرت اسارا میرباید این تماشا خانهٔ جهان است که ازمطالعات اخبار معانی‌بار (سراج الاخبار افغانیه) عادت میدهد که ازفیوضات این عصر منورمدنیت پرور حامی ملت ومربی رعیت افغان وافغانیان اعلیحضرت (سراج الملوکین) پادشاه مرحم غفور بسیار مهربان مادرمعرض انتشار جلوه‌گر گردید. که ازبرکات قلم‌های رقم جناب ادیب فاضل وکاردان کامل جناب (محمود طرزی) صاحب درمعرض بیان می‌آید الحق که کلام حکمت بیانش هرنظر بات وهرعبارات را شامل است وازافکار وتصورات بزرگ میراند

وهرصاحب طبعیکه بران وقوف یابد ازصفحات درباری بسی فایده‌ها برمیدارد چه تماشاها میکند! چه چیزهایی شنود! سبحان الله اگرما اهالی وطن افغانستان می‌شنودیم که همچین دانای کار آگاهی دریك دولایتی وجوددارد بتعجب‌ها می‌افتادیم! وبحیرت‌ها میرفتیم!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 584 of 1786

که این کاش آزادیدیم حالا که چنین دارای خیرخواهی محبت‌کار و اهالی وطن و وطن را در خود وطن عزیز خود می‌بینیم که آنهم از توجه ذات اشرف اعلیحضرت جهانیان است باید در حفظ دعای تاجم و کلاش را بخلیفت در بایم زیرا که از ادب فضل و خیراندیشی کامل توفیق عزیز خود را از روی حب وطنی و علاقمندی برای باخبری ما اهالی صرف می‌نماید که ما اهالی ملک افغانستان باخبر گشته چشم بصیرت باز شده اطراف و نواحی ما را ببینیم و حق پادشاه و وطن و برادران وطن را بدانیم . لهذا اهالی وطن عزیز مقدس ما این اخبار فواید آثار وطن عزیز خود را غنیمت دانسته و مطالعات آن آینه جهان‌نمای شوق بهبودی سایده فایدهٔ بزرگ ببرند .

اما از مطالعه کنندگان چون خودی توقع جان دارم و بلسکه از همه اهالی امیدوارم که کمی از اوقات شبان روزی خود را در مطالعات اخبار معالی یار وطن عزیز خود صرف نمایند بی‌فایده‌ها خواهند برد زیرا که این ناچیز عقل قاصر کمی از اوقات خود را بمطالعات این اخبار گهربار صرف می‌نماید چه فایده‌ها برمیدارم چه لذتها می‌یابم زیرا از گزارش عبد ناچیز از واقعات ما بر رسانده از فیض مطالعات اخبار گهربار (سراج الاخبار افغانیه) همه رایگان بکف میگویم و دیگر فوایدی که از مطالعات آن حاصل می‌آید تجربه حیات است که شخص از حوادث عالم خاصه گفته شده پدرانه پادشاه معظم پزرگ خود را در حق اهالی و افراد وطن مقدس خود و حریت خود را میداند و بسی فوائد های دیگر نیز دارد که بیان آن بکلی موجب طول کلام میشد از آن رو بیانش نکردیم البته برای مطالعه کنندگان که بتدقیق نظر دیده باشند میدانند لهذا برادران وطن عزیزما نپندرند دعوی گواهی دهد بیان است که فما حقیقت معنی برصورت دعوی گواهی دهد بیان است که شیرین‌ترین چیزها شیرینی سخن خوبیاست که شنیده باشند از آن است که سخنان حکمت بیان سودمند بسیار خوب از ادب فاضل و خیراندیش کامل رای اهالی وطن مقدس ما افغانیان بسی فایده‌ها میرساند که از حصر تعداد آن ما عاجزیم لهذا چون این ناچیز عقل قاصر کمی از خوانندگان (سراج الاخبار افغانیه) میباشم و از مطالعات این فایده‌ها حاصل نموده‌ام کمیان آنرا بزبان قلم رقم کرده نمیتوانم باری یک عرضی برای برادران اهالی وطن نموده که اهالی مابین از خواندن دانسته شده از فرمان حلاوت‌ها برداشته فایده‌های دوام دولت ابدمدت قاهرهٔ پادشاه معظم خودمان را بما اهالی از درگاه حضرت صمدیت یاز میکنیم آمین ثم آمین

[از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه]

م . ج

ادبیات

منبع ترین اصناف ادبیات کلام موزون و مقفاییست که آنرا شعر میگویند کلام خوب خواه نثر باشد خواه نظم در هر جا واز هر کس که باشد مرغوب و گرانبهاست . دانه‌های جواهر از هر مکان و در هر کوه محفوظ که باشد قیمت داراست . ولی گرانبها دانه‌های جواهر یکست کی یاک کوچکی ساخته شود البته که آن دانه‌های جواهر یک وضع بسته بهم جمع آمدهٔ خوشنما و قیمت داری پیدا میکند همچنین است (شعر) که مکالمات مرغوب مقبول را رشتهٔ سلک نظم در کشیده یک غزل یا یک قطعه

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره (۱۲) سال دوم)

— مادام یک کمی آمده آرزوی آنرا دارد که با ما یکچیزی سخن بگوید .

دایه — (خیر وتندی) آنکس کیست . توضیح آدم بیشوی را در درست سخن گفتن را هیچوقت نمی‌آموزی . لفظ (یک کس) چیست . آیا این کسیکه تو میگوئی مردست زنست چیست ؟

— مرد است .

— یک مرد عادیست . یا یک موسیوست ؟

یک موسیوست . هم بسیار خوب یک موسیو .

— خوب از اول چرا همچین نگفتی ؟ زود برو این موسیوی خوب را در دالان داخل کن و یک کمی انتظار کشیدن شانرا رجا کن .

این سالون که دایه گفت عبارت از یک اتاقیست کهیک دو چوکی لیکه از چوب (آقاژو) ساخته شده وروی آن بقالینهای پشمی پوشیده شده یک میزمدور که در وسط خانه برنگه های حسن خانه گذاشته شده یکدسته ظروف شاهی دارد و تزئینات آن عبارتست از یک دوردیک از قاش حال کدار سفید که از چرکی یکقدری زرد شده و یک لجارنی دیواری کهر رف آن بتساتی که یک اسپ میل شده و سایس آنرا نشان میدهد گذاشته شده . و در دیوار ها یکدسته کوچک آویزنگی آویخته شده است . این است همهٔ ظروفات و تزئینات سالون که مادام آنفو یکمدل فقر ومباهات آنرا ذکر نموده .

مادام آنفو چون طبعاً مایل نظافت یک زیست موهای خودرا انتظام داده و توکهای لباسهای خودرا کرده و دریش خودرا پوشیده برای ملاقات سالون در آمد .

موسیوئی که منتظار مادام آنفو اورا (خوب موسیو

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 585 of 1786

پندان میرود که جواهر مکالمات ومضامین را بیك رونق مرصع بسیار مصنع جلوه گر میسازد .

چنانچه هرچیز را بلبلیست همچنان هر وطنرا نیز شاعریست ! شاعر چمنستان کابل پرگل وبلبل ما جناب (مستغنی) ست که گفتار شکربارش ازوصف وثنا مستغنی ست اینست کهاین شمارهٔ سیزدهم ما بیك قطعه تصویر آن شاعر کابل وطن ثانی محاسب میباید فی شعر دراصطلاح ارباب فن از (صنایع نفیسه) شمرده میشود . صنعت رسامی یعنی تصویرکشی — نیز ازصنایع نفیسه است . درین توجه نظر کنید که صنعت رسامی بواسطهٔ زینکوگراف رفیق خود شعر را ، وشعر رفیق خود زینکو گراف را درین نمره زنده گی بخشیده اند ، وهریکی خودرا مجسم ساخته اند :

(شعر زینکو گراف را میسناید)

حبذا زینکوگراف و مرحبا زینکوگراف
لطف شاه کشور آورد از کجا زینکوگراف
از ترقی دورها خسرو کشور کشای
کرد دراین ملك ودولت ابتدا زینکوگراف
شد هنر پرور سراج دین ودولت کاینچنین
شد درین کشور چنین صدق وصفا زینکوگراف
میرساند غائبررا درحضور دوستان
می نماید پادشاهی بینوا زینکو گراف
میرود بخود مرادر خدمت خاقان ملك
درجهان پایده داری ایدرا زینکو گراف
صورتم را روشناس اهل معنی کردهاست
گفته باتصویر من تا آشنا زینکو گراف

گیست این تصویر جان گیست مستغنی ست این
کش چنین صورت روان داد و طراز ینکوگراف

(زینکو گراف شاعررا میستاید)

مستغنیم گه جان ندارم تکلیف بدوستان ندارم
ای وای سلام این و آن را چون عرض کم زبان ندارم
تعظیم حضور دوستانرا یارای چکنم توان ندارم
از خرد و تر جهانم آزاد اندیشهٔ این و آن ندارم
جان تحفهٔ دوستان نمودم هر گز غم دشمنان ندارم
حیران خودم زنك تصویر هیچ آگهی از جهان ندارم
خاموش نشسته ام بمحفل افسوس که هزبان ندارم
گر در قدمتان کنم عرق صد حیف که قد جان ندارم
بالاله رخان زمن بگوئید دل دارم و دلستان ندارم

عنوان داده حقیقتاً باین عنوان لایق یك آدمی بود . قامت این آدم ازمیانه یکقدری بلندی مایل ، و آثار نجابت و طراقت ازاطوار و سیمایش پدیدار بود .

عمرش اگرچه بین سالگی تخمین میشدولی اسمری رنگ پوست ، و موهای پرشکن سیاه وریش نورامدهٔ وجودهٔ منتظمش عمراورا زیاده ترازسنی نشان میداد .

چشمهای زرد گی بنفری مایل ، وبینی کشیده وگم نوسی آن بسیماش دگر گونه یك سیمای هیبتی میبخشید . لبهای با ریکش بتأثیر یك تبسمی گویا دران پیدا بود چون یك گلی از هزار برشد صفهای دندانهای منتظم وسفیدترا بانتظار بینندگان عرض مینمود .

دستهای بسیار ظریف و لطیف خود دستکشهای بسیار ظرفانهٔ درکشیده بود . پوتینهای چرم براق بسیار ناز کش لطافت پایهاش را پیدار میساخت . تزئینات بسیار کوچك هرتوالیکه در بر داشت بصورت بسیار مکمل ومنتظم تزئین شده بود کهی

بیننده برصاحب ذوق سلیم بودنش حکم مینمود .

درظرف یکدو دقیقه نیکه درصالون مادام آلفو تنها مانده بود طرز و شان آنرا بیك نظر غیرت از تدقیق ومعاینه کردن خالی نگذاشته بود .

وقتیکه مادام آلفو بصالونیکه آنرا مدار افتخار خودمیدانست درآمد دانست کهدرپیش یك شیخ باهیبتی درآمده است لذا بصورت بسیار احترامکارانه موسیو راسلام داده ، وموسیو نیز باطور خیلی تارکانه جلو مقابله کرده گفت :

— آیا ملاقات جناب مادام آلفو شرفیاب میشوم ؟

— بلی صاحب من ! زنیکه شما فرمودید این گنجك شماست .

— آیا مادام آلفو نیکه دایه گری میکند ؟

— بلی ، شاگرد مکتب طبیهٔ صنف دایه گری . امااین را بلکر مدح وخود ستائی نمیکویم بلکه بذات علیٔ شهادتنامهٔ کهخص گلیا بیانیکه درین فن حاصلکرده ام شهرت بسیاری پیداکرده ام

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 586 of 1786

نامورانِ نامیِ جهان

(مابعد از شمارهٔ (۱۲) سال دوم)

آغا کوچك : — دختر شهزاده میرزا سیف الله است که از شهزادگان ایران میباشد . شاعره وادیبه یك خانون محترمه ایست که این رباعی از اشعار اوست :

گویند بهشت و حور و کوثر باقیست
در روز جزا دوزخ و محشر باقیست
دوزخ چه بود بغض تو و آتش
جنت بحسن چهر تو باقیست

آغابیجی : — از زوجات محترمهٔ (فتحعلی شاه) پادشاه ایرانست . دیده وحشمت وافری داشت . وبکمال تجمل وشکوه باحشم وخدم بسیاری بحرم پادشاهی آمده بود . باوجودیکه لیاقت وشایستگی بزرگی داشت ولی بهم بستری شاه کابل ومزاوار نگردیده تا آخر عمر باکره مانده است شب زفافیکه چند گاه سوال وجوابی گذشت . صبح آغابیجی این شعر ترکی را بطورکه خاقان گفته بود :

یارم گیجه گلدی گیجه قالدی گیجه گلدی
عمرم گیجه گلدی گیجه قالدی گیجه گلدی

« یعنی: یارم شبی آمد ومهمان شب ماند ومهمان شب رفت حالانکه عمرم جوان آمد وجوان ماند وجوان رفت . »

والخاصل آغابیجی صاحبهٔ طبع و کمالات بود ودر علم وشعر مهارتی داشت این اشعار ذیل از نتایج افکار اوست :

خرم آن گو بسر کوی تو جایی دارد
که سر کوی تو خوش آب هوایی دارد
بسفر رفتم و دم شد جرس ناقهٔ او
رسم اینست که هر ناقه درایی دارد

سوختم از آتش غم تا کی ز منع
میزنی بر آتشم دامن برو خاموش باش

نامحرم نوشته اگر می نشود طی
تی دفتر حسن تو بخط مار فراقم

آغابیگی : — دختر میرزا میرانشاه گورکانی وزوجهٔ سعد وقاص نام شخص ازامرای ترکمانیه بود . درسال ۸۱۸ هجری که (قره یوسف) ترکمان ازسلطان (شاه رخ) میرزا فرار نموده به بغداد میرفت (اسپرخ) نام امیری را باکمک سواره (قم)

(باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۱۲) سال دوم)

واقع وشاملست . زیرا هرافراد هرجمعیت جدا گانه یك استعداد وقابلیتی دارد که درهمان کارموافق باستعداد وقابلیت خود کوشش ورزیده ترقی میکند . وآن کسانیکه استعداد بسیار وافر وخارقه نمایدرا مالك باشند بهمینصورت ردیگر افراد واشغال خودفوق ورتری کرده میتوانند . ازینجا قاعدهٔ تقسیم اعمال است که هرامواتی که دربازار کامتجارت بمیدان استفاده میاید هریك ازآنها ازدست کوتاه کوته صنعتکاران برامده خوبتر وارزانتر و آسانتر شدهمیرود . نهایت ساعت عادتی که درجیب میگذاریم به صنوع عملیات محتاج است که هریك ازان جداگانه صنعتی میباشد .

واینکه مااینسه وچوشاك مناسب وارزان باگران بهرارادحوال خود پوشیده میتوانیم سبب یکانه آنهم همین است که هر جزو پوشاکرا جداجدا ارباب صنایع میسازند . تنها یك دست درزیی ما بصنعت وعمل بسیاری ازارباب صنایع توقف میکند . مثلااول بصنعت جولای زرادای درزیی اول قماشی لازم است که درزیی ازان ساخته شود . مثلا که پرورش گوسفندان وگرفتن پشم آن بصنعت جولای موقوفست . وبعد ازانکه پشم حاصل شد تاوقتیکه بحال کمبیره دراید بهزارها صنایع علیحده دیگر احتیاجپیدا میکند که هریك ازان صنایع علیحده آنها واسبابها بکاردارد که برای هراسباب آن بازرسی صنعتکاران مشغول کار میشوند . پس چون اینهمه کارهارا درمدنظر آریم . وتصور کنیم که اگر قاعدهٔ تقسیم اعمال نباشد ویك آدم بخواهد که چوشاك خودرا تدارك کند چقدر محال بنظرمی میاید .

مانند دیگر صنایع عادی که قاعدهٔ تقسیم اعمال فیض وترقی پیدا میکند . علوم نیز درین مملکت بسایهٔ تقسیم آن بر شعبها کسب فیض وترک میگیرد . مثلا درمملکتیکه علوم طبیعیه بسیار پیش رفته باشد

(باقی دارد)

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — گورومکهی — پاشتو وغیره برای تعلیم اطفال بفروش میرسد . الناشر
(باکرشن داس سرمحرس مدرسهٔ اطفال نمبر ۲)
درکوچهٔ بازار کابل

همه مقاله هائیکه بمستطاب ما میرسد از طرف مدیر و سرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپخانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 587 of 1786

از آنرو که حضرت کمالات مرتبت مدیروطن مصرعلی وطن دیانت مسکن درعده (۹) سراج الاخبار افغانیه درتخت عنوان عرفان روزنهای اعلیحضرت والا نصل را مذهب تأسیس دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه بیان فرموده وبنا برذوق وشوق انسانی که مدرق علوم ومعارف دارند آثار قلمیه ماجزاته را توصیف وتعریف نیز فرموده بودند — بنابران برای اطلاع ناظران گرام فهرست مولفات راکه از ابتدای دارالتالیف سنه ۱۳۲۵ الی الان سنه ۱۳۳۱ انجامیافته وبطبع رسیده درمکاتب دولت برای تعلیم اولاد وطن مقدس مقرر گشته مجرد التقدیم واظهار میکنیم که این همه آثار حیرت آور وجهات مقوکاه اعلیحضرت همایون بوده بصرف مبلغ خطیر این آثار بانجام رسیده وتجهیز شده برای اطفال مکاتب دولت مفت ورایگان توزیع شده ومیشود وانشاءالله همه ساله خسروانه که برای تعلیم وتربیت اطفال دارالسلطنه مقرر شده است داده میشود ودرمدت نیز آثار دیگر درعلوم قدیمه وجدیده انشاءالله تعالی از دارالتالیف برآمد خواهد بود — امیدوارست تعالی حق بین حقیقی علوم ومعارف را که اعلیحضرت سراج الملة والدین روحنا فداه میباشد باقبال وعزت مستدام داشته باشد — اگر شائقین مطالعه آثار وطن مقدس ازاده کنند بمداد آوردن قیمت برای تحویلدار بیت العلوم مولفات مذکوره را بدست آورده میتوانند وقیمتهای آن که مطابق اخراجات آنها نرخ قلیل مقرر شده است به سرکار ما نیست نه بموقف فقط

شماره	اسم کتاب	قیمت	کیفیت
۱	رسالهٔ اول دینیات	یکعباسی	درین رسایل مسایل عقاید واحکام دینیه بعبارت آسان وروشن نوشته شده واز کتب معتبرهٔ عقاید اهل سنت وجماعت وفقه شریف انتخاب شده است
۲	رسالهٔ دوم دینیات	پنج شاهی	
۳	رسالهٔ سوم دینیات	یکقران	
٤	سراج العقاید حصهٔ اول	سه شاهی	
٥	سراج الفقه حصهٔ اول	دوعباسی	تعمیل فقهیه واحادیث اخلاقیه برای درجهٔ وسطیه زبان عربی نوشته شده
٦	سراج الفقه حصهٔ دوم	ده شاهی	
۷	سراج السیر احوالات حضرت سیدالسادات	یکروپیه	حالات حضرت رسول مقبول ازولادت باوقات بطرز اجمال از کتب سیر واخذ انتخاب شده
۸	رسالهٔ علم طبیعیات	چهارعباسی	مقدمات ابتدائی حصهٔ طبیعیات از انگریزی ترجمه شده واصطلاحات پشتو نوشته شده است
۹	سراج الحساب حصهٔ اول	دوروپیه	برای تعلیم حساب درجهٔ میانه از کتب معتبرهٔ انگریزی ترجمه شده وبه اوزان وسکه جات افغانستان حل مسایل هم شده است
۱۰	تحریر اقلیدس فارسی اول ودوم	یکنیم روپیه	عبارت قواعد جدید از اقلیدس انگریزی ترجمه وانتخاب شده وسوالات
۱۱	ایضاً سوم وچهارم	دوروپیه	هرمقاله علیحده به آن الحاق یافته
۱۲	میانة الارض مختصر جغرافیه دنیا	یکروپیه	مختصر جغرافیه دنیا میباشد
۱۳	احسن القواعد (صرف ونحو فارسی)	یکروپیه	قواعد صرف ونحو فارسی میباشد
۱٤	قاعدهٔ فارسی بطرز جدید (برای اطفال)	یک ستار	الفبای مخصوص زبان فارسی میباشد
۱٥	رسالهٔ شریفی (برای تعلیم ابتدای حساب)	پنج پیسه	برای تعلیم حساب درجهٔ ابتدیه تالیف شده
۱٦	کتاب اول فارسی	یکعباسی	ضروریات اخلاق وعبادات حسنهٔ عقیدهٔ اطفال از کتب معتبره انتخاب شده
۱۷	کتاب دوم فارسی	پنج شاهی	
۱۸	کتاب سوم فارسی	دوعباسی	

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 588 of 1786

سیاحت در دور ادوار کرهٔ زمین

پیشنهاد روز

کتاب اول این افسانهٔ طرز جدید بسیار نفیس است که هر افسانه بیشتر از سی تومان قدر دکان ملا غلام محمد تاجر کتب مقابل مدرسهٔ شاهی بایستی چهل قیمت (۴۰) دو روپیهٔ کابلی فروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیا به باید کرد؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو کنندگان خریداری کرده میتوانند

قیمت همه (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هر قسم اعلان وانتشاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۲ دو روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقبه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۲ دو روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 589 of 1786

شماره ۱۴ سال دوم

فهرست مندرجات

مدیحه پرور بهای اعلیحضرت همایونی

حوادث خارجیه | اعلان سیاسی — اعلان اسلاو در چین — آثار افتشاش در سوریه — خبرهای عاریه — تصمیمات حربیه — روس و اتریش — ترور دوک حلقه — اراذل و اوباش و صربها — تکذیب — کوان چنگ
| افسران ژاپن در اتریش — مکتیکو و امریکا — جنگ چین — تمام شدن پانصد سال از تخصص هوش ارتفاع — فاجعه در بوشیر — بیان اخبار مضحکه از اختراعات عالم‌های خیالی — صورت تلگراف اعلیحضرت پادشاه ما — مکتوب اتریشور — مکتوب پانصد سال قبل از مصر در باب گوشت گاو

مقاله مخصوصه | چیست — چرا — فلسفه — فیلسوف

پذیرفته | ادبیات

مقالات فنیه | مابعد از شماره ۱۳ — حیات و روح بادبه در اصطلاح بحرون — غلبه
تکذیب باد

ادبیات | چهار رباعی کلام مؤلف و مدیر سراج الاخبار افغانیه — غزل حسنی

فاجعه های پاریس
تامورات زمان جهان
علم ثروت ملل
اعلان

تصاویر | تمثال همایون فال اعلیحضرت سراج الملة والدین در کوه پغمان برای تماشای برف — تصویر قصر سعادت حضرت سپهر واقع پغمان — منظره پل سراج کابل که در سیلاب بسته شده که بان اعلیحضرت همایونی با معیت خواص حضور برای عبادت طیارات آن تشریف فرما شده‌اند — تصویر پل موقت هیکل درنه که معلق رهوا از آهن تعبیه شده — تصویر اعلیحضرت همایونی در شکار جنگل جلال آباد که برای فربهٔ سلاه از ایل فرودی آینده بعیت شاهانه ایشان آقایی اطاعی ترقیاب میباشند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 590 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) تصنیف اخباریست که در محکمهٔ پریس وزارت افغانستان بنامهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ما در دارالسلطنهٔ عروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مطمح ومسلک این نامهٔ گرامی خداری وآگاهی اهل وطن مقدس‌ماست واحوال ما . وجب دولت و وطن . وتوجه بسوی عز وطن . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . طی یک اخبار فواید تجاریست که در صفحه های ممدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یک توجه خاصی وبک هوس مخالصانهٔ بالاخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره . درباب اشتراک مشترکین کرام نهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته . وبرای خوبی مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر هدا کارهای بسیاری بکار رفته . وتجارت را کثر منظور داشته است دربنوقت درماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشود امیدداست که در آینده هدا وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن مبوط است زیرا هرقدر که تعداد مشترکین کرام . وربیت خوانندگان عظام بیفزاید . الته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپیه کابلی — تشهاهٔ آن ۴ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — تشهاهٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپا یکساله ۲۰ بیست روپیهٔ انگلیزی — تشهاهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جنابمیرزا غلام حیدر خان سررشته دار دارالکتابهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درتفلیس جناب حاجی غلام نبی خان مامور فروش پوست قره قل . دولت گرامی که درممالک خارج افغانستان آزروی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاتشهاههٔ اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما به اداره اطلاع رسد از هانوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند اجرای میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کابلی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 591 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱٤)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر مسئول محمود طرزی

ادارهٔ انجمن و مطبعه

در مائیتیانهٔ دار السلطنهٔ (کابل) جملهٔ امورات تحریریه بادارهٔ خانه بنام مدیر فرستاده میشود قیمت یك نسخه آن درکابل یکعبانی است

ذکران

ایدیك آقایی ملك مقبول الحضرت مزاول علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی در اطراف داخله مملکت با مصارف داك ۱۰ روپیه کابلی در خارج مملکت با مصارف داك ۱۰ روپیه انگلیزی بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ هجری یکم جمادی الاولسنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۸ اپریل تاریخ شمسی ۱۹ حمل ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وسی مقالات مفیده درج میشود

(علو الهمة)

(کندل هلوی فالنات الرحضرت سراج الملة والدین وکوه بلوت کابل بالا کے برای کاتفای یك برف فوق العادة کے در ۲۰ ۱۰ سوز امطابق ۲۰ ۱۰ سوز در خلاف موسم ازدهوه تشریف برده بوده موقعیکه درزیر برف است (۱۱۵۰۰) فوت ازسطح بحر ارتفاع دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 592 of 1786

(مدنیت پرورپای اعلیحضرت همایونی)

در شمارهٔ سابق خود یك قدری از تاریخ مدنیت بحث رانده بودیم ، و گفته بودیم که آثار مهمهٔ ترقیات مدنیه در وطن عزیز ما از زمان سعد اقتران سلطنت اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی مدید الزمان بظهور رات آغاز نهاده است .

اولاً به تدارك کردن وحاضر ساختن ظروف مدنیت ابتدا کردید ، زیرا تا ظرف نباشد مظروف در چه خواهد گنجید ؟ ظروف مدنیت اول از ترتیبات وتنظیمات هیئت دربار سلطنتی و آداب لازمهٔ در بار حضور پادشاهی ، ولباسهای رسمی وغیر رسمی ، وترتیب مراسم جشنها ، وتصنیف صنفهای اطبای وملکی ودرجات رتبه ومنصب ، وانتظامات دوایر رسمی وغیره ازقرن نامه ها گرفته تا به پوشاك وخوراك درهر چیزی به تجددات ابتدا ور زیده شده است .

در زمان سابق ، یعنی قبل از زمان اعلیحضرت خاقان مغفور جنت مکین حضرت ضیاءالملة والدین تیمدایم که از افراط شوق وذوق به اسب بود بالاز چه بود ، نشیمنگاه دربار پادشاه عبارت از یك چوب تره مخصوص بود که در وسط یك اصطبل یا باغ بود ، دورا دور این احاطه که چوب تره در وسط آن بود آخور های اسپها بود کاسیان سبا رفتار بسیار اعلا صفها صفها در پیش آن بصف خواری مشغول بودند ، غیر ازان در وسط احاطه نیز در هر جا چند گاهی یکه مربع بسیار اعلایی دیده میشد که باسم زدنهای خودشان زمین هارا می کاویدند !

مفروشات چوب تره مذکوره عبارت از یك قالیچه بر زمین هموار شدهٔ بود که جای نشیمن پادشاه بایك کورچهٔ نفریتی بلند بود ، پادشاه از صبح تا بصدر بر همین کورچه مربع نشین احکام حکومتی خود میکردید . در وقت طعام پیشخدمتها اولا آفتابه لگنها را آورده ، واول از پادشاه آغاز کرده تا به آخر مجلس دستهای مردمان دربار را می شستند . بغیر از پادشاه دیگر هرکس از جیبهای خود شان دستمالهای خود شان را کشیده دست خود شانرا خشك میکردند ، وبعضی کهدستمال نداشتند بهمان دستهای تر طعام می خوردند . بعد از آفتابه لگن دسترخوان چیدان می آمد چار نفر پیشخدمت مت یك دسترخوان بسیار ثقیل چرمی را دو نفر از یکسر ودو نفر دیگر از دیگر سرش گرفته از حد کورچهٔ پادشاه تا به آخر در وسط چوب تره میگستراندند ، وباز بهمان کیفیت یك دسترخوان سان سابقهٔ دیگری را باز دسترخوان چرمی پهن میکردند ، ویك دو پیشخدمت در وسط دسترخوان نشسته ودیگر پیشخدمتها طعام هارا آورده بر دسترخوان می چیدند ، وبه اینصورت بدست طعام تناول میشد . بعد از ختام طعام باز به ترتیب اول طعام بر داشته شده آفتابه لگن آمده بی صابون دستها شسته می شد ، وبا دستمالهای جیبی خشك میشد ، لکن ، وای بر حال بی دستمالان !

دربار ، عرض وداد ، احکام ، تماشای اسب ، تشریح بازی ساعت نیری ، طعام ، کلام همه در همین یك چوبچه ! قیافهای پوشا کهای مردمان دربار این چوبچه نیز به اشکال واوضاع رنگا رنك مختلف بود کفرق ارباب رتب معلوم نبود ، مراعات آداب دربار نیز یك نظم وانتظا می نداشت ، هر کس بصدای پست وبلند با همدیگر گفتگو میکردند ، روز های دربار رسمی وغیر رسمی نیز معلوم نبود ، اگر چه تشکیلات عسکری ، ودربیشهای نظامی شده بود ، ولی دربار حضور پادشاهی که صرف نخستین مدنیت شمرده میشود هیچ یك انتظام وسر رشتهٔ درستی نداشت

در زمان سعد اقتران اعلیحضرت ضیاءالملة والدین امیر عبد الرحمن خان مبدیه ودارات سلطنتی یك رونق وشکوه یا هیبتی پیدا نمود ، سرایها ، قصرها ، بنا های مکمل پادشاهی ساخته شد ، برای هر داره ، وهر سرایه مفروشات وتزئینات فاخره آماده کردید ، سلام خانه در بار عام ، وسلامخانهٔ دربار خاص با همهٔ مفروشات وتزئینات شایسته وبایسته بناشد ، سلام خانهٔ دربار عام یك دالان بسیار عالی باشکوهیست که تقریباً زیاده از یکصد هزار آدم دران می گنجد ، درینجا از وصول وقواعد دربارهای آتوقت بحث نمی رانم ، زیرا آن چیز هائیست کهقید ومضبوط ودرصحایف تاریخ محرر ومثبوت است ، ولی بطریق اجمال اینقدر میگویم که ازان دربار های چوبژهٔ تا آن دربار های پر شکوه سلطنتی فرق بسیار فرق عظیمی بود که هیچ نسبت قبول نمیکند .

حالت شوکتمآبان اعلیحضرت (سراج الملة والدین) درزمان اعلیحضرت خاقان مغفور نیز عهدهٔ دربار واحکام سلطنتی بردهٔ درایت وفطانت شاهانهٔ شان محول بوده دربك مقیاس واسع اختیارات اجرای احکام دولت رامی فرمودند ، وقتا که توت سلطنت اعلیحضرت شاهانهٔ شان دررسید آثار ترقیات مدنیهٔ عصر حاضره رادراکثر امورات سلطنتی تطبیق دادن گرفتند .

اولا از اصول وقواعد دربارها بیان کنیم : دربارها دروقت حاضر عبارت ازچند دربار رسمی ایست که آنهاهم سالانه الاجرا میباشد : اول دربار بوجشن قطر بدوم دربار عید اضحی ، سوم دربار (جشن اتفاق ملت) که این سه دربار دربارهای بسیار بزرك پر جوش وخروش باکوکبه وشوکت دولتی شمرده میشود ، علی الخصوص دربار جشن اتفاق ملت که جمعیتین وروسا وملکهای همهٔ ملت ازاطراف واکناف دران اشتراك میورزند ، وشب نیز جشن سرور وچراغان معمول می آید ، اینودربارهای عیدین سعیدین معلوماست ، دربار جشن اتفاق ملت عبارت ازذکار ویادکار اینست که ملت بپادشاه خود عطا کرده اند ، واین کیفیت درسنهٔ ۱۳۱۵ هجری مطابق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 593 of 1786

۱۸۹۶ میلادی در ۲۴ ماه‌ست اولیار برای اعطای لقب (ضیاءالملة والدین) بذات اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان پادشاه بزرگ دولت افغانستان از طرف ملت دامت‌متموداجرا یافته . درزمان سلطنت خاقان مغفور همه ساله این جشن دربیست چارم ماه‌سد شمسی بوقوع می آمده درجلوس میامن مأنوس ذات اعلیحضرت این پادشاه معظم ، ملت باتفاق کرده وجشن عظیمی برپاشده لقب جلیل (ضیاءالملة والدین) رابپادشاه حقایق آگاه محبوب‌القلوب خود شان داده‌اند لهذا این جشن بسیار مبارک که موضوع آن راتفاق ملت است وازاروز خیلی مقدس شمرده میشود درین عصر سعادت حصر درهردوازدهم ماه‌سرطان وقوع می آید .

غیرازین سه دربار وجشن مذکورین چند جشنهای دیگر نیز همه ساله اجرا میشود مانند جشن لیلهٔ نصف شعبان وجشن ولادت پرسعادت اعلیحضرت همایونی ، وجشن ولادت جناب کاتب‌السلطنه ، وصین السلطنه وعین‌الدوله صاحبان معظم که بعضی ازینها تنها دربار شبانه دارد ، وازجشنهای رسمی شمرده میشود .

دربارهای رسمی دیگر نیز هست که آن دربارها پیش ازین درهرهفته دوبار ، در روزهای شنبه ودوشنبه مطابق اجرا میشد ودرین اوقات درهرماه پنجبار دوبار اجرا میشودذات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب‌القلوب ما قواعد مراسم تشریفاتی وقواعد وآداب این دربارهارا درزیرنظم ونسق بسیار متمدنانهٔ دلپسندانه در آورده به نظام وقانون مخصوص ربط فرموده‌اند .

طمطراق تاجدارانهٔ ما چون توضیح این کیفیت است که مدنیت اوروپی درافغانستان از کدام درها وراه ها دخول یافته ، واز کدام نقطه ها شروع کرده ازاروز ازمطالعهٔ این دومقالهٔ تاجدارانهٔ ما قارئین کرام تاچندرجه دانسته باشند که آغاز دخول آن اول از نام عسکری ، وبعد ازان ازصنایع ، وبعدازان ازعلومات ابتدا ورزیده دربارها ، ومراسم حضور بادشاه ، وراهها ، وپلها ، وتلفونها ، وبناها ، وترتیب رتبه ها ومنصبها ، وتنظیم اونیفورمها ، یعنی دربشپا حتی بعضی ازینها وغیره داخ گردیده است . ولی این راهم بگوئیم که هراندازه همتی که صرف شده درتقلید وپیروی انسانهای اصلی وحقیقی مدنیت اوروپی شده است که آنهم عبارت از امورعسکری ، وصنایع مدنی میباشد ، وطرف ظاهریهای ظاهری بسیار درخشان درحقیقت خسران آن قاطعه والبته هیچ میل نکرده است ، خلاصه همین‌که ، بعد ازاعلام آنراقطعاً منع فرموده ابداً درین مملکت راه نیافته ، ذات اعلیحضرت شهریار شریعتمدار مقدس ما درباب تراب وزر ، وقار ، افیون وسنگ کنی وغیره منهیات چنان مجازات شدیدهٔ مقرر فرموده‌اند که احدی را یارای ارتکاب آنگونه قبایح درضمیرهم نیچگنجد . کمالات درمواضبت اهالی برادای جماعت مساجد وجوامع وانتظام اوقات نمازجمعه درجامعهای مختلف شهر خیلی تعریفات وانتظامات فرموده‌اند که انشاءالله در آینده بتفصیل ازان بحث خواهیم‌داد .

موضوع بحث ما چون آثار ترقیات مدنیت است درینجا همین قدر میگوئیم که دربارها ، وجشنها ، وعلمهائیکه درعصر ترقی عصر پادشاه ترقیپرور مدنیت‌گستر محبوب‌القلوب ما اجرا میشود همه لوازم اسباب مدنیت‌را غیرازضروریات شرعی تمامیاجامع است که بانشاء الله درشمارهٔ آینده بمناسبت جشن ولادت پرسعادت اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم خودمان مفصلا ازترقیات شمشه بالی آن ها بحث وبیان خواهیم داد ، حالا ردهای خیلی از روی عمروافعال وتحسروشوک واجلال شاهانهٔ شان‌خیلی مشتاقیم .

حوادث خارجیه

اجمال و تفصیل

(تیغ — قلم)

بازارهای ظلمت‌آلود طوفان انگیز مدهشی افق سیاسی را فراگرفته است ! تیغ ، وقلم خدمت برق ورعد این طوفانرا بجا می آرند ! تیغ چون ازکار میماند ، قلم کار می افتد ، و چون قلم ازکار بماند بازتیغ کارزار میماند . درین محاربهٔ ترکی وبالقانهای وحتی این برق ورعد دوبار بقوت میدان عالم سیاسی را بولوله انداخت . اولیار که محاربه آغاز خود میدان‌میدان تیغ بود . وچنان معلوم میشد که بانفس آخرین کدام تیغ بگلو رسد ویکدیگر همین تیغ خواهد بودوبس ! اما حضور کی نکشته بودکه بازقلم خودرا بردم تیغ انداخته کار آزمائی خودرا میدان برآورد ولی هیچ باقی نماند جز کلمهٔ سبب ضعف وناتوانی ، ودیرا سیمه کی وحیرانی سراسر ازا برافته گویا کهن بازتیغ یک قوت و دهشت فاجعه آمیزی در میدان رانده قهرا از خذلان وخسران که میخواست بآن گرفتار آید وا رهانید !

درینوقتها بازمیبینیم که درتیغ بلندستی ورخاوتی پدیدار گردیده بازقلم آغاز محرکات نموده است ، چنانچه ازخبرهای کندن اوراق حوادث دیده میشود حق‌پاشا صدر اعظم اسبق وتوفیق پاشا سابق دولت‌علیه عثمانیه مظلومانه ، واحمد رضابیک رئیس سابق مجلس مبعوثان ، ودیگربعضی سیاسیون ارباب‌قلم عثمانی‌در اوروپا بجستجو وپیدا کردن راه صلح نشانات واقدامات بکار میبرند .

ازبسیار علامات هوائیه چنان استنباط میشود کهاین هنگامهٔ طوفان انگیز رعد وبرق تیغ‌وقلم کندرانی‌ روبایل و بالقانها سرزدهٔ ظهور گردیده درقلم سیمای دنیا ازتاثیرات طوفانها خالی نشود ، ویک‌هنگامهٔ عظیمهٔ رستاخیزی برانگیزد . ازمدت وثلاثه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 594 of 1786

روس ، و اوستریا ، جرمن ، و فرانس ، انگلیز وهر یکدیگر شان‌در عرش‌اند ! ائمهٔ‌حرب وشیرین ممالک عثمانیه‌را تقسیم کرده نمیتوانند ، وازبیم آنکه مبادا یکی‌ائمهٔ اقزونتری زیاد برهمدیگر میفزند ، اگر بالفرض روم ایلی‌را بگیرند چنانست که گویا روس گرفته است آیارفیقان روس چوناوستریا ورفقایش به‌آن چنان رضا خواهند داد ؟ انگلیز بارون کویا داخل اتفاق است ، آیا بلد شدن آبنای بوسفور را برای کشتیهای روس چگونه برضی خود هموار خواهدنمود ؟ ممالک عثمانیه گیرم که بهوش ومعاونه نایلدرجه درماین شان نسویه نشود ، ولی‌همتان چیزی‌نیست کمعاونه داشته‌باشد ! عالب آمدن جیش اسلاوورروم ایلی‌واطول تهلکهٔ عظیمهٔ مدروحه‌ستان است کمیداند کدیکر طرفرا سرایت‌نکند ! تهلکهٔ اختلالهای عثمانیهٔ داخلیهٔ هنه‌ستان اگر باتهلکهٔ‌مصورهٔ خارجیه منظم شودچه سقوط مدهشهٔ وقوع خواهد آمد !...

دولت‌قضیهٔ بریتانیا درهر پنج قطعهٔ روی زمین ازهفده کان بیشتر تملک دارد ، وسعت ملکیروار کرهٔ زمین است یعنی درهرقطعهٔ‌زمین یك یازدهمی ازو

(قصر سعادت حضر (سیل)

(این قصر ازتعمیرات عصر اعلیحضرت همایونیست که در (یلدز) نام‌موقع فرحفزایی بنا یافته است)

(موقع‌قصر ازسطح بحر (١٠٠٠٠) فوت بلند است)

برافراشته است ، ولی اینقدر وسعت راحفاظه کردن بی‌قیاس بسیار واسع‌لازم است . قلیونها عسکر بیشمارها زرلازم است . اگرچه در وقت صلح وآسایش محافظه ونگهبانی اینهمه ممالك واسعه آسان‌نظر می‌آید ولی‌توجه‌ازوقتی‌که‌بیاندوسه مقویت‌پی‌هم گرفتار آید ! دراوقت هیچ‌شبهه نیست کمالك وزرگی وجسامت وجودش رالزهم‌نگشاند وابور (جسیم‌بنائیان) راقلت وجسامتی به‌بسیار زودی غرق‌نموده !...

والحاصل زمان زمان تیغ وقلم است . این‌دوداهیهٔ عظما جهانهارا بلرزه‌در آورده وبه‌نوبت رعد وبرق طوفانهای پرسنا خیزرا رونیکند ، یکدیگه شود کهٔیجه یکجامنجر شود !...

اهل اسلام درچین

درچین یك‌هیئت بزرگی از مسلمانان ازهر ولایتها جمع آمده از حکومت چین خواهش کرده اند که درپایخت دولت چین‌یك شیخ‌الاسلامی ازمسلمانان باشد ، وهیئت آن‌شیخ‌الاسلام یك‌امین قنوی مقرر شود ، ویك‌مجلس تدقیقات شرعیه تشکیل‌یابد ، ودر هر ولایتهای چین یکیك حاکم شرع از مسلمانان باشد که عزل ونصب شان بدست شیخ‌الاسلام پایخت باشد ، ومسلمانان حریت دینیه‌را بهدهٔ معاونت آن عمایاید ، ومکتبهایها تطبیق‌دادن بسیاری ازمواد اصلاحیه را طلب کرده‌اند .

آثار اغتشاش درسوریه

بعضی‌جریده‌ها مینویسند کدرسوریه وبلادعربستان ازنتیجهٔ اختلافات‌واتفاق ها و تفرقه‌های فرقه‌های سیاسی که فکر « اللامرکزیه » را مانند یك تخم فسادی در ذهنهای مردمان کاشته در بلاد سوریه وشامات وغیره آثار خود انتاریها پیدا کردهاست . یعنی میگویند که دولت انگلیز

ازین پرده‌مشوق وراکیزندهٔ این‌فکراست که‌به‌آنواسطه کویاممالك سوریه وحجاز وغیره بلاد عربستانرا یك سلطان مستقلی درزیر حمایت خود تشکیل بدهد ، وجناب خدیوعصررا سلطان عربستان بسازد ، وان مملکتهارا درحوزهٔ ممالك محروسهٔ خود ادخال نماید . اللهم احفظنا من الاختلاف .

خبرهای داریه

تلگرافهای روزوغیره خبرهایکه ازمحاربه میدهند درینوقتها باز الزمانو بینهای عساکر عثمانیه میرسند ، بموجب خبرهایکه ازآنجا بپایخت دولتمان رسیده گویا ولیعهد دولتمان یك قطعهٔ جدید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 595 of 1786

بسیار رقیق گشیده ، واز روی آن قشه حرکات عسکریه آغاز کرده آن شهر بسیار محکم و پرقوت را بیك مطاوعت تمشه تاکی ضبط وتسخیر نمود . کومانداتن یعنی افسر ترکی که درقایه ناچار بکمال جسارت مدافعه و محاربه میکرد درپیش قوت عظیم اهداخته شمشیر خودرا بدولیه‌ید یونان تسلیم نمود .

(سراج الاخبار افغانیه)

انشاءالله این خبر اصل واساسی نداشته باشد ، ممافیه درینظره یك نکته بخاطر فاترسیده ازدوشان آن خود داری نتوانستیم :

درزمانهای سابق فن پهلوانی یك روح عظیمی داشت ، تربیه وتعلیم شهزادگان اکثر برقواعد آن فن اجرا میرفت ، و آن پهلوانی عبارت ازتیر اندازی واسپ تازی ، ونیزه بازی ، و گرز زنی ، وکشتی تابی ، وکشتی گیری وغیره بود ، محاربه هایکه جنگ بود یك پهلوانی دفعةً درمیان دوصف خود را پرتاب کرده مبارز میطلبید و پهلوان دیگر بمقابلش برامده باهم میجنگید ، هر کدام شان که

ضمنیات حربیه نظر بمتکرافها نیکه از صوفیه رسیده گویا ناظر مالیهٔ بلغارستان یك بیانامه نشر کرده است که دران بیانامه میگوید : بسی که دول متفقه - یعنی بالقانیها - مظفر میباشند و بهر صورت

—(ترقی پروریهای اعلیحضرت همایونی)—

(مطرهٔ عملیات انقلابیه ، یل سراج کاپاد ، که برنهر جسیم (نیلاب) بسته شده است و یك خیر عظیمی درملك وجود آورده است)

(تفصیلش درشمارهٔ (۲) سال اولسا سبقت نموده این فکس پیش ازرسم افتتاح یل مذکور گرفته شده است کذلك اعلیحضرت)

حال یعنی حواس حضور برای نظارت عملیات آن تشریف فرماشده اند .

فن پهلوانی را خوبتر میدانست تاب نمی آمد .

درینوقت می بینیم کهن پهلوان دیگر کیت ظهور نمود : یك کومانداتن — یعنی یك افسر کلان ، یا صاحب منصب یك پهلوان درینعصر وزمان آنست که ازین طاوت به آموختن فن عسکری یعنی دیگر فن پهلوانی — آغاز میکند سالها در پشت میزهای دراز کرد مکتبها — یعنی دیگر ورزش سامها ، در میآرد وچون ازمکتب برامد ، در حرب کیك ماوره — یعنی قواعد جنگ مسوغ پشتوه هاندم درانجا حاضر میشود ، عملیات را میآموزد ، اکردر هرطرف یك جنگ حقیقی پیش شود بالذات

علی الخصوص ازجهت مالیه بسیار فدا کاریها کرده اند حق صرح دارند بر نکه بصفت تالیف ضمنیات حربیه طلب کنند .

روس واوستریا

نظر بخبرهای وارده ورایان چنان معلوم میشود که گویا درین روزها دولت روس واوستریا اردوهای خودشانرا واپس کشیده راکشده کردند ، وبد کانیان کدرمیان شان پیش آمده مراسم برطرف کردید .

(عاید جریده دراین دو معامله باهم دیگر راست آمدند)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 596 of 1786

شروط دو لمتفقه

نظر بخبری که از روما رسیده گویا دولتهای متفقه بمذاکرات صلحیه باین شرطها داخل میشوند : اندره ، انقوره ، بایدرا عثمانی ترك کند ، وحدود بلغار وعثمانی از کوه تکفلور تا بحط مدیه باشد ، کلیولی را نیز ترك کند ، وجزیره هایی را که یونان گرفته برای یونان واگذار شود ، و تضمینات حربیه — یعنی تاوان جنگ را عثمانی بدهد ، وجزیرهٔ کرید نیز به یونان الحاق شود !

(قوت چه عجب رجز خوانی هایی میکند ! .)

ارنا ودها وصربیا

نظر به تلگرافهایی که از (ژنیف) رسیده است بقسایل استیلای صربیا بین سروبها — ارنا ودها یعنی البانیا بآتش بسیار شدیدی مبادله میکنند ، محاربه های بسیار شدید وخونریزانه بعمل می آید

تکذیب

صدراعظم دولت علیه عثمانیه شاهانی را کدر باب صلح تواز یافته است درپیش یك اخبار والیان که باو ملاقات کرده تکذیب نموده است ، دولت ترکیه اگرچه وساطت دول معظمه را قبول میکند ولی باین یك امر حاضر راضی نشده تا بلغارها بر راست مذاکره نمایند .

تلوان جنگ

نظر بخبرهای جراید اوروپا گویا دولت تورکیه بپرداخت کردن اندره راضی میشود ولی بدادن تضمینات راضی نمیشود .

افسران ژاپان در لندن

سه نفر افسران بحری ژاپان در لندن آمده اند ، و کارخانه کشتی سازی (ویکرس) را زیارت کرده اند ودر مکتب بحریه نیز رفته اند ، پذیرائی بسیار لایق از انها شده است .

مکسیکو و امریکا

خونریزی امسال نیز در نقیق ی بلکه در بر جدید نیز اجسرای احکام میباید ، در اصطلاح جنرا فیون آسیا او روپا وافریقارا بنقیق ، وقطعهٔ امریکارا بجدید میگویند ، این است کهاز چندی در بر جدید یعنی امریکا نیز درین حکومت مکسیکو و امریکا آتش جنگ در گرفته است ، در سرحد مابین عسکر سواری امریکا وعساکر مکسیکو عملیات شده است مکسیکو تیپارا تفنگهای ماشینهار امریکا رجعت مجبور کرده است .

خان خیوه

زار روس خان خیوه را لقب (هنز هایس) یعنی خوان قهارمآب عطا کرده است .

از فجعه قوت ارتفاع

پلتخیاره باز که (زوفروی) نامیدارد در صحرای سالیسوری بجهزار قوت از زمین بالا برامد ، ودر وقت فرامدن ازارتفاع فجعه قوت سقوط کرده تلف شده است .

فاجعهٔ بندر پوشیر

بنابر خبری که از طهران رسیده است مستر (فولستانس) کهدر گمرك بندر بوشیر است چندروز پیش درانثنای کهبرای طعام خوردن بخانهٔ خود بخانه می آمد درانثنای راه از طرف یعنی اتحاص مجهول برانها تعرض شده است واز گلههای تفنگ کهبرانها انداخته شده یکی رمیم صاحب مستر فولستانس برخورده میم مذکور وفات کرده ، و خود مستر فولستانس نیز بصورت بسیار سنگین مجروح شده است .

(بلای ناگهانی کهبر کدوبلای فولستانس نیز برامد !)

ازاخبار طهران

محترم (طهران) صدای بود کهطهران آواز آواز میکردید ، درینروزها صدایطهران بسیار تیرهای بازشنیده میشود : درنسخهٔ نمبر ٩٥٠٦ آن درزیر عنوان (پلتاجتماع معظم خانهای عثمانی) از تفصیلات مجلس بزرك زنانه که درشیرهٔ سابقهٔ خود ازاخبار (الشعب) نراقل نموده بودیم تحریرنموده است ، مجلس مذکور که مرکب ازهزار ها خانمهای اکابر واعاظم بوده درداالان بزرك « دار الفنون » یك شکل مهیب وحشتی بوقوع آمده است ، حضرت پرنس امنت خانم صاحبه پلتخاطق مختصر مجلس اجتماع را باز نمودند ، بعد ازان اول جناب (فاطمه علیه) خانم کهیکی ازادبیه های بالله وملکهٔ مشهورهٔ دنیا شمرده میشود ، و پس ازان (کلثوم) خانم که از خانونهای مسلمان ممالك روسیه واز طالبات دارالفنون آنجامیباشد ، ودرینوقت برای خدمت کردن در خسته خانه های هلال احمر باستانبول آمده ، وبعده ازان (فهیمه زهت) خانم ، وپس ازان مدیرهٔ مکتب اعدادی اناثیه (نجیه) خانم ، وازصنف ششم شاگردان مکتب اعدادی اناثیه (زهرا خانم ، وازمعلمه های مکتب مذکور (ناجیه) خانم ، ونیز ازشاگردان مکتب اعدادی (فردوس) خانم ، و (مروکه خانم بنوبت برکرسی خطابت برامده انظها وخطابه های بسیار مؤثر وبلیغی برخواندند ، تاآنکهنوبت خطابت بجناب (خالده)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 597 of 1786

عام که یکی از ادبیه های دلهٔ مشهوره است رسیده وبه بسیار شایانوتحسینها برگزیده خطابت نامه یك اطاق که خیلی از غیبی شنیده میشود قرائت نمود . بعد ازانکه خاتمه خانم نطق خودرا باتمام رسانید خانم مشار الیها ازعموم اهل مجلس خواهش این چند فقره را نمود که اول باردوی عثمانی بنام همه زنان ملت عثمانی یك تلگراف کشیده شود . دوم : به تمام زنان مسلمانان روی زمین ازخانمها ، و دخترهای بالغانهای وحشی بیان نموده بهمهٔ شان به اظهار تعزیت کردن ازآنها ، و انتزاك در زمین بادامهٔ مدافعهٔ ملیه دعوتنامهٔ تلگرافیه کشیده شود . سوم : درنزد همهٔ ملکه های دولتهای اوروپا ازخانمهای که بالقابها درروم ایلی اجرا کرده اند شکایتنامه نوشته در باب انجام دادن اینکونه تجاوزات وظالم صرف همت فرمودن واجرای تأمین نمودن شان رجا کرده شود . این خواهش خانم عالم بآفاق آراء همهٔ مجلس قبول گردیده این تلگراف نامهٔ ذیل را ازطرف همهٔ زنان ملت عثمانی بافتخار اردوی عسکر عثمانی کشیدند :

(صورت تلگراف)

« ای برادران نامعسکر !

دین ما ، وطن ما ، ناموس مادرتهلکه است . اگر دشمن را زدید ، واین چیز های مقدس را رهائی دادید رضای خداوندی ورضای مادران خودتانرا کاملی کرده خواهید بود ومیرات اجداد شهید وبار شاهان گذشتهٔ بزرك وسعید ، وناموس دختران خود کارا رهائی خواهید داد .

« زنان مسلمانان دربسیار بجز آنچنان اردوی که ناموس مسلمانی ، وترکیت را رهائی داده باشند ، ودشمن دین وناموس ووطن را مضمحل کرده باشند هیچکونه از دوی را استقبال کرده نمیتوانند .

« اگر پشت خود را بدشمن بکردانید قشنهای همه دنیارا بر مسلمانی وترك بودن خود آورده خواهید بود . اگر پشت بدشمن دادید باین یك محقق بدانید که نامهٔ زنان مسلمان را کهرای خانوش خود ودین خود ، وناموس خود بجزدن حاضر کشته اند پسان وننگ کوب نکشید برگشته نخواهید توانست .

« باقی الله وبیغمبر مددکار تان باشد »

(نظامنامه بملکه ها)

« بی بی !

« بدیات حشمتپناهی شما معلوم است که بر تورکیه که بامحال هیچکونه عداوتی نکرده است حکومتهای بالقان یك حرب اهل صلیبی تشکیل دادند . پادشاه بلغار دربیانات خودش کمال شهرت مشئومه کرده این را علناً اعلان نمود : کامل عداوت صلیبیست بمقابل هلال .

« اردو های بلغار ، خود شانرا عسکر حضرت عیسی ، کمدرزد مادر بصلت یك پیغمبر بزرگی مظهر حرمت میباشند ، وازطرف همتمام انسانیت یك تمثال عدالت وحق وملایمت شناخته شده تعظیم میشوند اعلان کرده ممالك مارا استیلا کردند . این عساکر ساخته کی حضرت عیسی چه چیزها کردند ! این کردنهای آنهارا ازاهتمامهای کذشته زنده در میان کلیسا پوسیده شده اند باید پرسید .

« بی بی ! شمایك ملکه هستید ، بنا برین برای همه بچارکان وصمیمانی کهدروطن شماست بالطبع حس شفقت مادری میباشید . شمایك ملکه هستید کهسالك آبخانه دی میباشید کهرحم وشفقت را برهرچیز اقدم میشمارید . پدر آن چونشما یك خاندان بسیار اصیل منسوب میباشید حس شرف و ناموس را به درجهٔ بسیار بلندی صاحب هستید .

« پس بنام این ناموس ، و حیثیت اصالت ، بنام مرحمت نصرانیت ، بنام شفقت مادرانه اطلب کنید ، واین آواز های تومبدی وخرق کاردلهای شکستهٔ پسی والدهها ، پسی هشیرهها ، پسی دخترها میراید بشنوید ، وبجوابانیاصدای تانرا که درپیش همهمام محترم ومکرم است اعطاً باند فرمائید .

« این کلمهای وحشیرا که آتش افسرو زنها ، وقتل عامها ، وناموس پیمال کردنهارا کهدرعصر حاضر درهیچیك محاربهٔ اوروپا دیدهنشده است میخواهند کهدرزیر سایهٔ صلیب آنرا پنهان کنند لهذا این کروه وحشیرا برای حمرمت کردن بقانون حضرت عیسا وحیات انسانیا وناموس زنیا بخوانید . ودعوت فرمائید .»

بعد ازختام این ها اول خود خانم عالم که توانهٔ خود بشناست پیش شده همهٔ جواهر های کهبسر وبر داشت مانند کوشوارهها انکشتر ، چودی ، ساعت ، زنجیر که همهٔ الناس وملا قیمتدار بود بنام اعانهٔ مدافعهٔ ملیه پینداخت . بعد ازان همه خانمهای حسکه موجود بودند به انداختن جواهرات و وجه نقدی در صندوقهای اعانهٔ ملیه آغاز نهادند . نه عدد صندوقچه های اعانه مدافعهٔ ملیه باین تهریات جوانمردانه طایفهٔ محترمهٔ زنان لبالب ومملو کردید . غیرازان سه عدد صندوقچهٔ اعانهٔ هلال احمر بنام اعانهٔ مدافعهٔ ملیه بزمخوشته . الحق که این همت وجوانمردی نسوان عثمانی در صحیفه های تاریخ حماست شان به حرفهای طلا نوشتن لایق وسزاوار است کثرالله امثالهن .

(مکتوب)

(یکدوست ما از پشاور مینویسد)

درباب کیفیت حالات سرحدی چه نویسم که چه چیزهاست . داستانی وخطرنجدی رسیدهاست که بحریر نیکنجد . قریباً از یکهفته بیش نیست که درشهر پشاور ، ودوروپیش شهرزدا که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 598 of 1786

وازقتل وغارت خلاصی یافته . شبیکشنبهٔ گذشته مورخهٔ ۲۱ ربیع‌الاول بفصل دوازده‌ساعه که وقت آمدن ریل‌روان میباشد بهاستیشن پشاور مقدار سی نفر افغانان مسلح باهت آوردند مأمورین وباوهای محطه دراستیشن بودند بمتهاجمین چرئیس محافظ حمله را بستند و هرقدر روپیه و تکتهای ریل که دراستیشن موجود بودند همه راگرفته روراه خود آوردند لاکن کسی آنهارا گرفته نتوانست . شبدوم بفصل ۱۱ بجانب محطه هنوزهمه بازارها بازبودند به محلهٔ که آنرا (سر آسیا) میگویند و متصل بچهاونی - یعنی عسکرگاه میباشد ، وتهاجز دراینجا موجود است افغانان بجمعیت بیحدوشمار غیر ازقبایل وشمشیرمسلح هجوم آوردند وخانه های مردم محله را تاراج کردند . دوطرف را زخمی ویکی را مقتول نموده وقریب بچهار شصت هزار روپیه را نقدوجنس بدست آورده روراه خود آوردند . جای تعجب این است که این طایفه قریب سه‌چهارساعت درشهر تاراج نمودند لاکن ازطرف حکومت انگلیز هیچکسی بفعل واقعه نرسید . شبسوم بفصل ۹ بجانب به استیشن (خیرآباد) ظاهر شدند . استیشن ماستر وباوها راانتشه وتلگراف را قطع نموده وروپیه وتکتهارا گرفتند . وازاستیشن برآمده بخانهٔ استیشن ماستر درآمدند ، وازانجا بقریب ۲۱ هزار روپیه را نقدوجنس بردند . وازانجا برنهاهٔ عسکری هجوم برده ۶ عدد تفنگ را نیز از سپاهیان آنجا دزدیدند - اگرچه چهاونی نزدیک بودولی هیچکس بامدادنرسید . شبچهارم برقصبهٔ (کوهات) تاخته همه‌دکانهارا تاراج وبغما نمودند ، نهایه دکان ازچنگ شان رهایی یافت . شبپنجم بهاستیشن (اکوره) انتاختند . عمارتها و رابته هرچه که یافته بردند . شبششم که عبارت ازدیشب باشد بقریه سر آسیا به ارادهٔ چپاو کردن خانهٔ غلامحیدرخان توکیدار که دربشاور از جملهٔ دولتمندان کلان شمرده میشود قریباً صدنفر مسلح بفعل پنجه که خودمنهم در آنوقت بیدار بودم و آواز قدمات شان را میشنیدم حمله آوردند . چون پیشترازان خبرها دربابخبر داده بودند عسکر آماده شده ومقابلهٔ شدیدی بوقوع آمده کاری ازپیش برده نتوانستند . اینست احوال پشاور . (۰ ۰)

(مکتوب یک سیاح افغانی)

﴿ از مصر ﴾

(ای فصل عجزه)

مدت ۹ سال میشود که این فقیر در ملک خراسان سکونت دارم . چهارسال درملک شام‌شریف درشهر دمشق بودم . دربقدر مدت بغیر یکدکان قصابی که گوشت گاو میفروخت دیگردیچ دکان قصابی را ندیدم که گوشت گاوفروشد . آن دکان هردو (سوق خان) بازار بود . گاهیز هردم نصارا ویهود هیچ مسلمان شامی بازار پائیره را ندیدم گاهگاه آن نصاب گوشت گاو بپزد . یا بخورد چندروسال مدت‌درازاطول واسلامبول گردش کردم . درآنجاها نیز گوشت گاو خوری را مخصوص بهودونصارا دیدم . وازمسلمانها حال مردمان که آلا قراکاز و اوزوبای مذهب ترجمه گوشت گاو میل میکردند . ولی در مصر دیدم . درین چنین شهر عظیم‌الشان که‌دوازده اثنتوس دارد بجز چارپانچ دکانهای قصاب گوساله‌دیدم که آنهم مخصوص مردمان نصارا وبهود است . درین ۹ سال دیدم که درین صدمحات یک مسلمان یکپاو گوشت گاوخریده باشد . اگرچه دروطن عزیزم افغانستان گوشت گاو خورده میشود ولی در آنجا نیزدیدم که کسی گاو تندرست توانا کالایق قربانی باشد بکشد . گاهگاوی بسیار بیکارباشد ویا بیمار شده باشد ، ویا گاهگاو سالهٔ که مادرش مرده باشد وگاهگاه آن برای صاحبش متوار باشد آنرا میکشند وگوشت آنرا بزهرمردم‌بسیار غریبه وفقیر میپوزند . ولی‌مردم بزرگان ونوانگران کمی‌گوشت گاورا نمیپوزند . اگرچه‌ایران‌را ندیدم ول چون بترکیه عثمنی وطرف مشرق شان دیده شود آنهانیز گوشت گاورا نمیپوزند . مسلمانان ترکستان بزرگ‌هم از گوشت گاو بزارند . حالانکه در اوروپا قضیه بالعکس است . درانجا علی‌الخصوص درپیش مردمان انگلیزبهترین گوشتها وقویترین شان گوشت گاواست . هرقدر دکان‌قصابی گذرده شودبهمه حالمردان پشکاوی دوکوی رابانقلاب قصابی آویخته می‌بینیم .

درین‌مسئلهٔ گوشت گاومی ازوقتی بعودوتدقیق کردن مجبور شدم که‌ازمقام مقدس ومعزیزما اعلیحضرت (سراج‌الملةوالدین) پادشاه تاریف آورده بودند . و درباب تبدیل دادن قربانی گاورا بگوسفند وامثال آن‌هان قبلی بسیار پر معانی ونکات را بیان نرموده بودند . وبعضی ازمتصدیین دراخبارها برین بیانات منوع مقدس‌ما خورده گیری کرده بودند . این‌است کهمن‌ازان وقت چشم غور وتدقیق‌را بهاین مسئلهٔ گوشت گاوباز کرده دیدم که‌درین صدمحات ممالک‌اسلامیه درمیان مسلمانان خوردن گوشت گاوهیچ رواج ندارد . لهذا بعضی مردمان دانشمند ومالی که برخورده ام درینخصوص سوال وجواب کردم . ازجمله درین اوقات بامضی از علما وارباب فن در یک مجلسی راست آمدم درمخصوص سوالکردم یکی از حضار درجواب یک حدیثی نقل فرمود که‌بسبب غلطی پیش نشدن لفظاً آنرا نوشته نمیتوانم ولی ماآلاً آنرا مینویسم . مضمون آن حدیث شریف چنین است گوشت گاوداسیمی مرض ساست . روغنش دواست . وشیرش شفاست .) عرض کردم که‌در ممالک‌ماندستان خود بگوش خود شنیده‌ام که قربانی گاو وخوردن گوشتش را از دیگر حیوانات افضلتر میدانند . فرمودند که اینهاهم در هندستان ازسبب بعضی تعصب گاناز زمانهای پیش بغایت رقابت ومنافرت ازطایفهٔ هندو موجود بود پیش آمده و کرته یک چیز مذهبی ودینی نیست . درانوقتهای پیش علمای اسلام هندستان ، ورهنمای هندو دیگر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 599 of 1786

کاری نداشتند مگر کاین دو گروه را از همدیگر متنفر بدهند ، ولی در بحبوحهٔ سیاست اسلامیه چنین اقدام نمیکنند که در مسایل بسیار جزئیهٔ فرعیه اختلافات وتفرقه های عظیمهٔ بشریت را برپا کنند . چنانچه پادشاه معظم شما زمین اکتا را خلاصه فرموده آن اتفاق وحکم مهم را در هندستان اجرا فرمودند . وهر چه جانبت آیدین اسلام از عرب یا دیگر طرفها انتشار نموده یا برخلاف آن ؟ گفتم : از عرب وعربستان . فرمودند که آن کدام مسئله دینی خواهد بود کما آرا نداریم . ودیگران چه دانند ؟

این است شنیدنهای کبار علما وسادات کرام اینطرفها شنیده ام . ورای آن فضل بحر بیکران ادب مکروه وشتم . اگر راست عرض کنم این سنان مرا از یک آمدنه وسودای بسیار بزرگی رهایی داد . وچون اینسخنان شنیدنی را بادیدنهای خود تطبیق نمودم (صدق رسول الله ص) گفته برمرض بودن گوشت کوهیچ شبهٔ برایم نماند . زیرا درمدتی که هندستان مانده بودم میدیدم که هر مریضی که بدرجهٔ یکی از طبیبهای مسلمان هندستان میرفتند اول چیزی که مریض را سفارش میکردند از خوردن گوشت کلا منع میفرمودند وهردوایی که میدادند اکثر آنرا سفارش میکردند که با مسکهٔ ماده گاو یا شیر آن خورده شود . دیگر اینکه خواه حدیث ثریدیکه در بالا مذکور گردید برای گوشت گاو صحیح وسالم وتندرست وتوانا میباشد . حالا تا که در ممالک شرق چون نظر کرده شود امور قولهٔ رانی وزراعت را کاملاً دنگا میبینم . و بروغن خوری نیز آنهارا زیادتر مایل می یابم که استحصال روغن نیز از گاو میشود . لهذا گاو را اکثر برای این منفعتها نگاه میدارند وتربیه میکنند که این منافع آن از منفعت ، راسر مضرت گوشت آن بسیار افزونتر است . وازین سبب هیچیک صاحب گاوی بچسورت باین راضی نمیشود که گاو تندرست وسالم خود را ذبح کند . مگر که آن گاو ناجور ومریض شود . پس تصور بفرمائید که گوشت آن چنان گاو از نقطهٔ نظر طب تا چه درجه مهلک ومضر است .

هزار افسوس کما مسلمانان بمشرب حر ، ورا وزاکویح کی همدیگر خود بکمال جرأت اقدام میورزم . وبرای یک مسئلهٔ جزوی فرعی گاو گاه در حقیقت بجز مضرت ذکر هیچ منفعتی ندارد درهرسال منازعه ها وخونریزی ها باهموطنان خود برمی انگیزم . ودرماین خودمان تخمهای عداوت ودشمنی را بچنین مسئلهٔ مضره درمزرعهٔ دلهای خود میکاریم .

حالا دست بدعا افراشته ازدرگاه حی قدیم لازوال نیاز کنیم که الهی این پادشاه مقدس دیانت وسیاست شناس مارا که پادشاهی درهمهٔ ما مسلمانان مشرق زمین را بامور برده تا سالهای بیشماری سایبان سرما باری ، ومارا پیرو وتابعدار خیر خواهها ، ورهنمایهای عدالت وحسنش داری . خدایا تخت وتاج اعلیحضرت سراج الملة والدین را دایم ودائم سازی آمین ثم آمین .

(یک سیاح افغانی)

مقالهٔ مخصوصه

چیست ؟ — چرا ؟

در بعضی چیز های دائرهٔ پیرو پای کائنات چون اندیشه دوایم از چیزی چیز ها ، واز حرف که ها ، واز کلمهٔ کتابها میخوایم گاهی هر نقطهٔ یک سطر یک کتاب آن سالها درمیایم

از جملهٔ آن که ها یکی کلمهٔ استفهامیهٔ (چرا ؟) و (چیست ؟) میباشد که همهٔ حسیات تجسس وتفحص وتفقد انسانی در همین دو کلمه مختصر ومستتر گردیده است . از چیز های معلومی که بتأثیر آن انسانرا بر بعی چیز های مجهول رهبری میکنند یکی همین حس تجسس وتفقد است . انسان برای دانستن وواقف شدن بر چیز هایی که آنرا نمیداند فطرتاً یک میل طبیعی دارد . در پیش هر چیزی که بآن پی نبرد (آیا این چیست ؟) گفته حیران میماند ، و (آیچرا ؟) گفته در باب معلوم کردن آن مجهول مضطرب وناآرام میشود . فطرتی بودن این احوال انسان تا از زمان طفولیت شان پدیدار میگردد . هر طفلی وهر صبیه وقتیکه ، وهر اسباب بازی که بدست شان می افتد بچنان یک حس تفحص وتفقدی به آن می بینند که آن حس شان از هرسوی شان آشکار میگردد ، وتا آن چیز را باز نکنند ، وصراحه ها و گلهای بازیهای خود شانرا نشکنند ، ودرون آنها را نبینند راحت نمیگیرند . وچون یکقدری بزرگ شوند در پیش هرکس که میرسند از بسیار سوالهای چیست ؟ وچرا ؟ مخاطب خودرا بعذاب میکنند . ودر هر چیز که یک دو نظر را برای بدن یک چیزی ایستاده به بینند همانهم به آنسو میدوند ، این است یک چند مثال عادی حس تفحص وجستجو که بیان کردیم .

پس اگر نه بآن عروج همه علما وفضلا ، ودانشها ، ومعرفتها همین که چیست ؟ وچرا ؟ باشد جاداره . اسم مصدر (آموختن) اگر از ضمیر مایهٔ چیست وچرا بوجود آمده باشد هیچ کسی آنرا رد کرده نمیتواند . آرزو وخواهش آموختن در مدنیت بشریه یک مؤثر وحرک عظیمی میباشد که تأثیرات وتحریکات آن این انسانی مدنیت را که عبارت از علمها وفنها ودانشها باشد وضع میکند .

دانش ، از آموزش بوجود می آید . حس تجسس وتفقد که دنیا از گاو چیست وچراست ، انسانرا به آموزش رهبری میکند چیست ؟ وچرا ؟ گفته انسان چیزهای راکه نمیداند می آموزد ، وچون از مجهول به معلوم برد ، یعنی چیزی راکه نمیدانست دانست ، یک نشئهٔ سرور درمرست لشاط میگردد .

یکی از حکما در کیفیت طیور (باد) پرس چیست ؟ وچرا ؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 600 of 1786

گرفتار آب‌وهوا بود ، درحالم آنرا از اختلاط هوای گرم بهوای سرد پیدا کرد ، آنقدر سرمست تفکر شد ، روز گردید که بخود بودن خودرا فراموش کرده ، و « یافتم ! یافتم ! » گفته ازخانم بیرون رجهیده است ، تنها نه آن حکیم ، بلکه هریاضی شناس دانشگری که یک مسئلهٔ ریاضی راحل کند ، وهرکیمیاگری عکسه یک نسبهٔ کیمیوی را کشف نماید ، وهرحکمتشناسی عکسه یک قانون جدید طبیعی را پیداکند ، وهرسیاحی که یک جزیره یاقطعهٔ توزمین را درنقطهٔ روی زمین علاوه سازد و الخاصل هرمحقق وعکسه یک مجهول را معلوم کند همین لذتهٔ سرور ، حس نشاط وحبور میشود .

این است که علم‌وفن ودانشها همگی ازهمین آرزو وخواهش آگاهی ووقوف حاصل میشود ، انسان از آغاز خلقت خود بهمین حس تفحص وتجسس چیست وچرا ؟ مفطور شده است ، و هرروز یکدره ازمجهولات بیحدوپایانی که اطراف واکناف اورا احاطه داشته است فتح وکشف نموده برمکشوفات روز پیشینهٔ خود افزوده ، واین دانشهای کوچك روزمره درظرف هزاران سالها جمع آمده ، ویکدیگر خودشان معاونت کرده دروقت حاضر بیك مقدار عظیم بالغ شده است ، آنچنان پایتخار عظیمی که حوصلهٔ ذهن یکشخص ازگنجایش همه آن اظهار عجزمیکند ، واز اینرو هزاران سالها ، وهرصنف هزاران شعبه‌ها ، وهرشعبه بهزاران قسمها تفریق وتقسیم یافته است که اختصاص یافتن یک قسمی ازاقسام آن ومبارت پیداکردن یکی از ابواب آن نیز خیلی مشکل وزحمت آور یک امریست .

حالا ببینم که این دوگانه چیست ؟ وچرا ؟ مارا بکجاها پرواز میدهد ! همهٔ (فن) را ازهمین جستجوی گمهٔ چیست ؟ وچرا ؟ پیدامی بینیم که رفته رفته مارا به (فلسفه) میکشد ، ببینید که فلسفه چیست وازچه بحث میکند ؟ :

(فلسفه — فیلسوف)

بامحال چون کلمهٔ (فلسفه) درعنایف مرایاالاخبار الغابره سرلوحهٔ عنوان نشده الاکه بعضی ازقارئین گرامیا ازدیدن این عنوان (چیست ؟) گفته بجستجو وتفحص معنی ومفادآن خواهند افتاد ، بعضی که فلسفه ، وفلسفی ، وفیلسوف را ازدیگر لغات نظر نشناخته‌اند ازکلمهٔ عنوان (فلسفه) اشمئزاز وتنافری حاصل کرده ازمطالعهٔ آن رو گردان خواهند شد ، ولی اگر قاعدهٔ (العلم بشیء ولاالجهل به) رادرپیش نهادخود ساخته ، و (خذما صفا وذع ماکدر) گفته بمطالعهٔ این مقالهٔ ماجرانه‌ما که ازتتبع بعضی آثار مهمه بقلم گرفته شده لذت فرمایند درباب (فلسفه) که بعد ازین بارها درعنایف اخبار ماکلمهای بنظر خواهندکان کرام جلوه گرخواهدشد یک فکراجمالی حاصل خواهند فرمود .

فلسفه رابحثی یعنی (حکمت) وفیلسوف را یعنی (محب حکمت) تعبیر کرده‌اند ، وحکمت را جامع همهٔ علوم وفنون گفته‌اند ، حالانکه اگرازین جزئیات پیدانشدن فیلسوف درهیچ‌یك مفقود وزائل میماند ، زیرا آنچنان یك مغزی که همهٔ علوم وفنون مارا درخود بگنجاند ازنوادرات کائنات موجود شمرده میشود ، بعضی فلسفه را کتابکاشان ، وفیلسوف را مؤلفه کنندهٔ آن کتاب قرارداده‌اند ، حالانکه این کتاب در پیش چشم هر کس بازاست وهر کس ازان مطالعه واستفاده میتواند کهبه این حساب هرکس فیلسوف است ، بل هر کس فیلسوف است ! ولی فیلسوف مانند هر کس نیست ، فیلسوف ، به تعبیر دیگر حکیم ، کتاب کائنات را مطالعه میکند ، ولی در پیش هر نقطهٔ آن خود را مسئول میداند ، یعنی در نزد باز خواست ـ می پندارد ، فلسفه را دانش ، وفیلسوف را دانا باز میگویند ، بلی ، فیلسوف داناست ! ولی دانش او ، دانش عامیانه نیست .

همهٔ دانشهای انسانیان بر سه شکل وصورت دیده میشود : یکی دانش عامیانه دیگری دانش فن ، سوم دانش فلسفه ، دانش عامیانه عبارت ازدانشهاییست که یکانگی وتوحید نکرده باشند ، یعنی به جداجدا چیزها منحصر مانده باشد ودرجهٔ آگاهی بوجود ووقوع آن چیزها قناعت کرده باشد ، وهیچگونه جیست ؟ وچرا ؟ دران نشده باشد ، مثلا باران میبارد ، فلان کوه اشتعشان به آتشفشانی آغاز کرده است روح موجود است ، انسانهین قدر معلومات ودانش بافیانده چرا ؟ وچیست ؟ آیا تدقیق وغور نمیکند ، دانش فن اینست که باکلید های چیست ؟ وچرا ؟ هرگونه قفلهای سببها وعلتهای هرچیزرا گشوده حقایق ثابتهٔ آنرا بیابد وبداند ، وآن حقیقتها نیکه گاه یکدیگر شده همدیگر خودرا واضح وروشن سازند ، وباهم یکر منسلك ومرتبط گشته یکانگی وتوحید دانشهارا بوجود بیارند ، دانش فلسفه آنست که آخر این سببها وعلتهای اشیارا جستجوکند ، فلسفه دانش رااز چال آغازمیکند کهش در آنجا وظیفهٔ خودرابانجام رساند ، یعنی فلسفه ازقواعد اصلیه واساسیهای نهایهٔ شعبه های فنون مختلفه بحث میکند مقصد آن پی بردن به علت عالی میباشد ، لهذا فلسفه جامع همه علوم گفته نمیشود بلکه علم اساسیاییست که قواعد اصلیهٔ آن علوم به آن اساسها تابع است ، هر علم وفن اسباب وعلل نزدیك اشیارا (چیست ؟ وچرا ؟) گفته تفحص وجستجو میکند ، وعلم فلسفه آنست که دورترین وعلویترین وآخرترین سببها وعلتهای اشیارا درمعرض میدان (چیست ؟ وچرا ؟) می اندازد ، واز علت بمعلول ، واز دلیل به مدلول واز سبب بمسبب رهبری میکند کهازین حیثیت بکدرجه علویت وعلمیت فلسفه راقدر شناسان علم علم وفن تقدیر خواهند فرمود .

دانش عامیانه بباریدن باران ، وروئیدن سبزه وغیره ازان منحصر میماند فن ، اسباب وعلل باران راجستجو کرده حقایق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 601 of 1786

ثابتهٔ آنرا پیدان میبرد . فلسفه ، اساس وعلت نائی قوت عظیمهٔ مدیر آنرا جستجو میکند که اگر ازاینجهت علو بسیار عالی که گاهی بعضی مباحث در صحایف سراج الاخبار افغانیه بنظر مطالعه کننده کان محترم تصادف عاید جدیدی خواهد داشت !

حالا برهمین قدریک مجمل از تفصیل فلسفه برای نشاندادن موضوع این علم اکتفا میورزیم ، ودر آینده انشاء الله بعضی مقاله های نافع ومفیدی از فلسفه درج خواهیم نمود .

پل درنه

ای رهگذر بجانب این پل نظر خوشست
گردی گر از حقیقت حالش خبر خوشست
ای رهگذر نظارهٔ این پل غنیمت است
این رهگذر برابت ازین رهگذر خوشست
رهرو دمی ببین و ازین پل گذر مکن
هرچند گفته اند که ازپل گذر خوشست
زنهار همچو آب روان نگذری ازو
بروی دمی درنگ نمائی اگر خوشست
ایدل برای دیدن این پل ازین وطن
گر طالع انفاق عاید سفر خوشست
حکم (پل درنه) که سدیست آهنین
بستن برای دیدن این پل گر خوشست
چون او زبحر کاش گذشتی یکدمم
یعنی کدر زبحر چنین بیخطر خوشست

ترقی پروریهای اعلیحضرت همایونی

(پل معلق هیکل مسمی درنه که از معظمات آثار پرحسنات عصر سراجیه شمرده میشود طول این پل که ازرقم ۵ سس ۵ پن)
(شش برج میباشد ۳۰۶ فوت عرض سه دانج آن (۱۰) فوت است . همه پل از آهن میباشد تفصیلاتش درشمارهٔ ۸ سال اول)

گر دشد بدو پایهٔ آهن قرار او
بادی باین قرار گاه بدر خوشست
سر تا بپای اوست زآهن چگونه
سر تا بپای این پل و تابسر خوشست
این سد آهنین که بنا کرده بر هوا
اسکندر زمانه کرو این اثر خوشست
یعنی سراج ملت و دین آفتاب ملک
شاهی که هرچه آید ازو سربسر خوشست
بر کرده این بنای معلق بروی بحر
کز خواندش بگاه شه بحر و بر خوشست
پیوسته تیغ ملک ستانش بکف نکوست
همواره تاج مهر نشانش بسر خوشست
ایدل ثنای او شمول یک از هزار
ذکریست ای اوست که شاهو سحر خوشست
پارب که باد طوبی جها نگیریش نصیب
ملکش وسیع بیشتر ازپیشتر خوشست
در وصف پل به بحر کو کردهٔ سخن
این ثمر آبدار تو کردن زر خوشست
نظمت چو تر دلکش جان پرور مدیر
باری بلوح سیم توشتن بزر خوشست
ایدل چو زلف یار مطول شد این بیان
کوته کنم سخن که سخن مختصر خوشست
در مدح شیر پل ز طبع روان تو
مستغنیا شنیدن این شعر تر خوشست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 602 of 1786

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(فن)

(متئورولوژی)

(باد)

(مابعد از شمارهٔ ۱۳)

وکذالك درسنهٔ (۱۸۲۵) درجوار (خوارزوب) نام محل یك صیقلون بسیار مدهش دیگر نیز ظهور نموده است کهدر لشکرگاه محل مذکور بسیاری از کشتیهای امین لشکر شده را ازمیان آب بهوا کرده بقشکه انداخته است .

یکی ازقیود انهای واپورهای مذکور کهزنده خلاص شده بود روایت میکند که اقت مذکور کشتی مرا از لشکرگاه بهوا برداشته بعد ازانکه در هوا پاره پاره کرد انیدش ازساحل بمسافهٔ دومیل دور تر انداخته است .

اگرچه از قبیل انچنین اخبارهای مدهش آفت صیقلون بسیاراست ولی مادر تجاربمین

(ازمناظر شکارگاهها)

﴿ ذات اعلیحضرت همایونی درشکار جنگل جلال آباد برای ادای فریضهٔ صواب ازنزل فرومی آیند بحیث اعلیحضرت ﴾

(شاهانه ایشیك آقاسی لطافی جناب محمد سلیمانخان ترفیاب میباشد)

دومثال اکتفا ورزیدیم .

مدت ظهور صیقلون در بحر محیط هندی ازکمتر ین ثانیه خرد الست اما در ماههای کانون ثانی و مارت زیاده تر حاصل میشود . درگورفر (بنگاله) اکثر در اکتبر اول وثانی وکاهی درمابین نزظهور میکند . درجین بلای مذکور که درآن سمتها یاسم (تیفون) موسوم میشود از قوی ترین اقسام اول وقوع میابد .

در بلاد (افریقا) تورنادو نامیك بادمدهش دیگری نزهست کهاگرچه ازقبیل آفت صیقلون معدود میشود ولی بنابست عدم وسعت ودوامش همچون آفت صیقلون مدهش ومهلك نمیشود .

و اخصاصل از جملهٔ اقسام بادها مدهشترین وخوفترین همه باد صیقلونست .

اینست خلاصهٔ اقسام واسامی بادها . حالاشه نیزاز خصوصات متفرقهٔ سائرهٔ بادها بیان کرده ختم کلام میکنیم .

جهات ورود بادها در اصطلاح بحریون

درمیان واپورها یك آلتی موجود میباشد که آنرا (پوصله) میامند . این پوصله دو گونه است که یکی برای معلوم نمودن جهات ورهنمای واپورها استعمال میشود کهبحث آن تعلق بدیگر شعبات حکمت طبیعیه دارد . و دیگرش (پوصلهٔ بادها) ست که برای معلوم نمودن جهات ورود بادها مستعمل میشود . پس جهات ورود بادهارا بحریون چنین تعریف میکنند :

که در سطح کرهٔ ارض انسان برهر نقطه که بایستد آن نقطه مرکزافق حساب میشود که دائرهٔ مدار اورا از هر طرف احاطه کرده میباشد . این افق بنابر اقتضای فن (جغرافیا) وفن (پوصله)ر (چهار جهت اصلیه) که عبارت از شمال ، وجنوب وشرق وغرب باشد منقسم است ، وماین هر یکی ازجهات اربعهٔ اصلیه نیز برچهار جهت دیگر که عبارت از (جهات اربعهٔ متوسط) باشد تقسیم کردیده .

حالاازین هشت جهت هشت بادیک دوروزی آمد درزه بحر چین بادهای اولیه اعتبار شده بادشمالرا (بیفرز) وبادجنوبرا قبله) وباد شرقی را (شرق) وبادغربی را (باطی) وباد شمال شرقی را (پوراز) وبادجنوب شرقی را (کتیشامه) وبادشمال غربی را (قره یل) وبادجنوب غربیرا (لموس) نام نهاده‌اند، وبازدر ماین این هشت جهت یك یك جهت دیکرنیز فرض کرده بادهای که ازانهاوپها چوزه ارا بنام (اورنه) موسوم میکنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 603 of 1786

وچون جهات ورود بادهارا یکبار شانزده جهت تقسیم کردند بعد هادیاگرامهای این شانزده را نیز یکیک جهت دیگر اختیار کرده اسم او (گرته) میدهند پس مجموع جهات ورود بادها را سی و دو جهت اختیار کرده از اطراف احوال جهات بادهارا بخوبی معلوم میکنند !

(خاتمه)

اینکه نامبرها در خصوص [باد] معلوماتیکه برقارئین کرام عرضه نمودیم از چندکتب ورسائل بسیار معتبرحکمیهٔ ژخت بسیار از لسان فرنگ بلسان فارسی ترجمه نمودیم . واز برای استفادهٔ قارئین کرام تعب فکر . ومشقت ذهن خودرا که در ترجمه و تحریر و ترجمهٔ وتطبیق آن اجرا نموده ایم هموار ساختیم . وامیدداریم که در خصوص حکمیت باد در متن کتب حکمای جدید ازین واضح و بیشتر معلومات حاصل نشود .

اما این بندرا بعرض کنیم که هریك ازفنون عالیه در حالیکه بعضی منابع معاونت میرسانیدند . من جمله اورولوژی بزرگ بحالیها بریك معاونت صنعت کشتیانی منحصر مانده بود اما بعد ازانکه کشت و گذار سیاحت روی هوا بواسطهٔ [بالون] مراسلهای اینزمان مکشوف گردید ارباب بالون ، یالنکه [سیاحان روی هوا] دایر از هرنژاده ترمومتر مه اورولوژی وعلی الخصوص نمرهٔ [احوال بادها] خیلی معاونت میرساند وموظفین کوناکون در اختیار وعده میدهند که این کیفیت را مادر آینده انشاءالله شرح وبسط بسیاری درتحت عنوان [بالون] مینگاریم حالا از احوال بادبهیچقدر سخن اکتفاورزیده ختم کلام میکنیم وانشاءالله درخصوصات سازمانهای طبیعی ومه اورولوژیه بزودی بحال مناسب بحثها خواهیم راند والسلام بالصواب انتها

از حواشی تقویم وجغرافیای باریی
ورسالهٔ فرقی ایبار بالترجمه والتطبیق
بتحریر آمده است

ادبیات

چار بیتی

در موسمهای اول بهار که دامنهای کهسار لاجزار ، و تپه‌ها سبزه زار میگردد ، مردمان شهر عزیز ما که چار ماهه را در زیر صندلیها از دست برد سرما به افسرده گی بسر می آورند دفعتهً مانند مرغان در قفس مانندهٔ که پر وبال بکشایند و کوهای خواجه صفا و آسمایی ، و تپه های مرغزان وپی پی ساحره رامده هوالهای تازهٔ وطنی را فرو می رند ، و بر سبزه زارها می چند ، و بسای درختان ارغوان می غلطند ، و آبهای خوشگوار چشمه سارهارا مینوشند ، و گلهای شکوفه را میبویند ، و بر نعمت آزادی واستقلال ومان خود شکرانه هائی سرایند .

بعضی خوش آواز های کوچك وزرك وطنی ما ، بنغمه های مجازی ادای صدا هائی بصدا ، به آهنك های مخالف رامی پیما ، مانند بلبل هزاردستان مأوا درهردو گاه یکباره وصدا بگاه در هرروز سه گاه وچهار گاه ، در مقامهای لطیفتر ازنسیم صبا ، بقانون محبت ومان باصدا ، چنك اتحاد وامتزاج را بهربط دلها زده وشهباز شهبازی صدق وصفا رباب وداد را ناخته (چار بیتی) نام نشیمه های عاشقانه را می سرایند که این چار بیتی ها گرچه اصل مرکب از چار مصرع است ولی چار بیتی زا زده شده است برای خونه یك دو چار بیتی ومان خود ماارا درینجا لطیفهٔ عرض میکنیم :

مسلمانان به بینید شب چه وقتست
که بلبل مست و شیدای درخت است
که بلبل می زند شاهی بشاهی
جدای مادر و فرزند چه سخت است

دیگر

مسلمانان درین شهر شهایم
غریب و بیکس و بی آشنایم
چلم بر کن بده پهر مسافر
که امشب ایخدا فردا کجایم

یك صباح بر الشراح لطیفی بود ، خواستم یکقدری هوایی شوم ، بامیم صبحدم هدم شده راه دامانرا گرفتم ، دامان مرا بچمنزاری رسانیده که از یکطرف کهسار ، از یکسو آبشار ازدیگر جهت چمنزار ، از دیگر طرف درختان شکوفه باری پدیدار بود .

آسمان صاف ، هوا لطافت اوصاف بود ، نوکهای اشجار بلند چنار سفیدارها که نفس مسیحادم فصل دیجی بیك رنگ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 604 of 1786

پسندی دلفریبی مزین ساخته بود تو زرین رقم شما دان شمس جاوری توبه ملاکاری ابتدا پیوسته بود ! نتیجه های شکوفه ها مانند دهنهای اطفال شیرخوارهٔ بخواب رفتهٔ مدهوشی که برای مکیدن شیر سینهای حیات بخشای دایهٔ زندگی مایهٔ آفتاب جهانتاب اولیه اولیه باز شدن دم گرفته بود ! میوه های نورسهٔ کنار جویبار آهسته رطراوت بود ، وچنان یک رنگ سراسر اطرافی داشت که جویبار نیز بران لطافت حیران مانده ، وآب خودرا به آینهٔ عکسی تحویل داده متصل بگردش عکس آنها کوشش میورزید ! گلهای خود روی لاله ، وحشی ، وبهاری وغیره رنگهای غایهٔ بسیار خوش قماش خود شان اطرافرا مینا کاری عجیبی نموده بود ! قطره های شبنم روی گلها وسبزه هارا شعاعات شمس تو طلوع بهاری رنگهای پرفلمون جواهر گون قوس قزحی ، چنان یک درخشنده گی بخشیده بود که پروانه های رنگارنگ ، ومرغکان کوچک خوش آهنگ ، بیگانه ومتفاقه برآنها طوافهای عاشقانه مینمودند ، وداسهای زاله را از پیرایهای لاله بسر میکشیدند ، ومرمستانه وسرور کرده نغمه سرای مدایح حضرت سلطان بهار میگردیدند !

درین موقع روح افزا در پای یک تو تهال یکه وتنها نشستم ، ودر توجه های مناظر غایهٔ طبیعت غصور بستم ، یکپاره زمینی دیدم که ازیک آب آبیاری میشود ، وتماش شمس یک سان بران میتابد ، هوای نسیمی یک سان بران میوزد ، باغبان یک وتیره بران میکوشد ، ولی یک درخت سیب ویکری تاک ، آن یکی آلو ، آن دیگری آلوبالو بار میدهد ! بلی ، بلی ! قدرت معجز رقم صنع صانع چون هیچ یک دوتائی را بیک رنگ وهیچ یک دو صورتی را بیک اورنگ نبگذشت ! تعجد امثال آن شاهد برنگ چیستان ، از تشابل دو تمثال را بیک منوال نگاشتن امکان دارد !

عظیم قوی ! جلیل قوی الله !!! .....

لحظهٔ در دریای استغراق غوطه خوار گرداب حیرت بودم کدفعهٔ یک اسف انشاك (یا باب السلام) در پیشگاه نظرم مصور گردید ازان استغراقم در رجوع ودر یک نظر حسرت والمی فراغم نمود. افکارهای چه چوبیدم ، وچه شدیدها ! وتصورهای تباهه باید کرد ، وچه جواهد شدها ! حواس خمسه ام را در محفظهٔ دماغم در زیر چنان تشویق وفشاری در آورد که مانند تشویق باران دیگهای بخار انجها که ازیک مضیق توله آسایی صایرها دارد :

آه اسلام !

گفته فغانها بر کشیدم . عکس صدای ولوله انگیز حسرت انجام این چند (جار یتی) ذیل را تشکیل نمود ، بیاد گار احباب گذاشتم :

— ۱ —

مسلمانان شما بیدار بودید نه بیداری چنا قی را کوفتید
بفوز صنعت غلبو صاوات همه روی زمین احیا نمودید

۲

مسلمانان گذشته اخوت کن پریشان شد چرا جمیت کن
شماوعید همچون جسم واحد تفاقو فرقه شد صنعت کن

۳

مسلمانان بیایید دار گردیم بکار خویش هشیار گردیم
بدورویش خودجنبی کنانیم زغفلتها بحیرت بار گردیم

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره (۱۳) سال دوم)

بلی یکی ازدوستان من شهرت واقتدار شمارا بین مدیحوشا گردانست ، ممنون ومتشکر شده اقدل من آیام آن ذات خیرخواه خودرا پرسیده میتوانم !

— آن ذات آرزو کرده که نامش گرفته نشود .

— چون چنین است منهم نمیبرم . ولی صنعت ماهمچنین اقتضا میکند که ازاسرار مشتریهای خود چیزی ببریم . وازین است که ازهرچیز بدی خودداری میکنم .

— بلی ازین حسیت شمایز معلومات دارم ، حتی بعض ازهمین سبب شما مراجعت کردهام .

— اگر لیاقت خودرا باین اندازه یکه در حق من پیدا کرده اید اثبات بتوانم خودرا خیلی مختار میشمارم .

— منهم امید میکنم که اثبات بتوانید .

— چنان معلوم میشود که زاجهٔ داشته باشید !

— بلی همچنین یک چیزی ! آیا شما زان شکوفه ای که میزانید درعقبا باجرت میزا آیندلی ؟

— بلی صاحبی ، هرچه آنها بحسن صورت خدمت میکنم . یعنی اگر وقت واقتضای گه درباب زاجهای خودکار میرم بعنوان (مادراه) توصیف کم جادارد .

— آیا انقهای مناسب دارید ؟

— مناسب همچنست صاحب انقهای ماخیل مکمل وهمه لوازمات راحت زاجهارا جامعاست . درخصوص اداره خانهٔ مباهده افزان واسان خود بصورت غایانه رعایت میکنند .

— آیا این انقها رادیده میتوانم ؟

— چرادیده نمیتوانید ؟ بفرمائید که شمارا نشان بدهم .

مدام آمو بطور مغرورانهٔ درپیش روی مسافر خودانداده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 605 of 1786

٤

مسلمانان زمین و کان و هم آب شمارا هم عطا کرداست وهاب
چرا آ دیگران زین نعمت حق فوایدها گرفتند و شما خواب

٥

مسلمانان خدا یاران بسازد طلاو نقره هرگز حق نیارد
طلاو نقره و هم آهن و سلم شمارا هست لیکن سود نارد

٦

مسلمانان اگر دنیا جحیم است زبهر کافران دار نعیم است
گر از دیدش به آنها بنگرید طلا معبود کفار لئیم است

٧

مسلمانان اسف بر حال مازان که بهر زرد هم هر چیز ارزان
ولی کوئیم دنیائیست از ما ودخصوص دیگر نوع جوان

٨

مسلمانان شما قرآن بخوانید به رمز و سر آن فرقان بدانید
که وارث کرد او مردان صالح زمین را و چنان کشتار دانید

٩

مسلمانان عباد صالحین کیست بهر از مؤمن خالص دگر چیست
چسان اهل صلیب و بت پرستان شوند وارث شما غیرق نیست

١٠

مسلمانان بیاموزید عرفان گذارید از همه بطلان و حرمان
میا سائید یك دم زور و زر پی عزو هر نچیزو زایان

خانه از قبول صاحب

من نمیگویم زبان کن یا فکر سود باش
ای زفرصت غافل در هرچه هستی زود باش

دارالامان کابل فی ۱۵ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۱

غزل

مچین گل ز گلزار بی اتفاق بدل مپسند خار بی اتفاق
نیفتی دگر روی اقبال هرگز حذر کن ز ادبار بی اتفاق
خار بدی داردایں می در آخر مشو مست و مه شمار بی اتفاق
دلا برکن این نخل از باغ سینه که حسرت بود بار بی اتفاق
ندارد بجز زهر دارو فروشی مرو سوی بازار بی اتفاق
زبانست سودش حذر کن حذر کن نگردی دگر خوار بی اتفاق
بدین بوی رسوائی آید زمشکین چه خواهی ز عطار بی اتفاق
ملال آیدش مور چون پر آرد نگردی هوادار بی اتفاق
ندادش هیچ افسونگر افسون چگویم من از مار بی اتفاق
غرور غرامسوس و درد و خجالت بود حاصل کار بی اتفاق
حسد کینه و حقد و بغض و عداوت نما بست آثار بی اتفاق
ایا اهل اسلام و دین اتفاق مسلمان و اظهار بی اتفاق
مسلمان و بی اتفاق چه لازم مسلمان و اطوار بی اتفاق
بس کن عنی تمنتی اکنون چه حاصل ز گفتار بی اتفاق
دم سوختی بس کن آتش زبان مگو دیگر اشعار بی اتفاق

اورادر یکی از اتاقهایکه پش از ان حالوشان شاروصف شده بود داخل شود .

مادام آنفو درحالی که منتظر این بود که موسیو اتاقرا خوبی موافق یافته اظهار مسرت نماید موسیو گفت :

— وای ! اینهم اتاقاست ؟ درچنین اتاقی آیا کسانرا به خوابانیده میشود؟

— (اینهای خودرا بزیر دندان گرفته) بسیار متکلیف معلوم میشوید صاحب

— متکلیفندی رای من نیست . من اگر ازین بدتر اتاقی هم باشد دران اقامت کرده میتوانم . لذا اجازه دهید که بدست اهتمام شما آرزوی خود را تسلیم کردن میخواهم بسیرک درجاها وخوابگاههای بسیار متکلف عرکت داده اینچنین اتاقرا طوطه میتباره . دیگر اینکه من چون ازان ادمان نیستم که ازمصرف پسه چندان اندیشه کنم ازانرو بقابل پسه یکه میدهم چیزخوب ومتانی میخواهم .

مادرم درچشمهای مادام آنفو ازینسخن موسیو شعله‌ٔ حرص وطمع درخشیدن گرفته گفت :

— حالا خوهید دانست کمن چسان یك زن هستم صاحب من بفرمائید . برای خشنود ساختن شخصی که می خواهید بیارید اتاق مخصوصهٔ خودم را تخصیص میکنم . که شما هم بلا شبهه آنرا خواهید پسندید .

اتاق مخصوصهٔ خود مادام آنفو ازمانندسالون آن مفروش شده یك اتاق بود . وچون ازان بهتر اتاق درخانهٔ مادام آنفو امکان وجود نداشت اکتفا کردن به آن یك امر مجبوری مینمود .

مادام آنفو بیکونع غالبانه گفت :

— چسان ؟ آیا درین اتاق هم چیزی گفتگوی دارید صاحب من؟

— بسیارخوب ! این اتاق را میگیرم . آیا توانم که بدانم که درباب چه شرایطیان میکنید ؟

— آیا چندان وگونه کردن میخواهید ؟

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 606 of 1786

ناموران نامدار جهان

(مابعد از شماره (۱۳) سال دوم)

فرستاد که (آفلیگل) را بیارد ، مشار الیها چون ذکی بافطرت بود و میدانست کافره یوسف دشمن خاندان اوست با غلامان خود مسلح شده ترکانها را بکرفت وسر های شانرا بریده نزد میرزا (شاهرخ) فرستاد،شاعرنکته نامهٔ به آفلیگ توشته در عنوان این شعر عربی را نکاشته است :

ولو کان النساء کمثل آفا لفضلت النساء علی الرجال

یعنی اگر همزنها مثل آفلیگ میبودند بهمه حال زنانرا برمردان افضلتر میدانستم .

آفلیگم : — از زنان ادیبهٔ (هرات) میباشد که صاحبهٔ طبع موزونی بوده است . این شعر ازوست :

آه ازان دامی که دارد رشتهٔ جان تاب ازو
وای ازان لعل کهردم میخورم خونناب ازو

آی ملک : — دختر ابراهیم بن خلیل بن محمود وهمشیرهٔ شیخ جمال الدین تبریزی است کهحدیثه وهمسر محدث مشهور (ابن حجر عسقلانی) بوده ، وبابن حجر علاقات وعلاقهٔ نبوده،درتاریخ ۸۱۵ هجری وفات یافته است .

(حرف الف متصوره)

ایسال : — یکزن موهو مهٔیست که شیخ ابوعلی ابن سینا عنوانرا حواشیات خود درفصل (مقامات العارفین) قسم (سلامان وایسال) ذاکر کردهاست وبحقق طوسی شرح وتوجیه آنرا بیان کرده ودرایسال یعنی حکایت مصنوعهٔ حکیت کرده است که ایسال بازازنان موهومهٔ ان حکایت مصنوعه میباشد .

اینالس : — دختر خس بن جابس الاذری میباشد که ازحکیات وبنا جهان تاریخ جاهلیه بود ضرب المثل های بسیاری ازوروایت شده است . نامبرده (هند) بود . که الفاظه درحرف (ها) ازان بحث میشود .

اینهٔ عقیل : — برادرزادهٔ حضرت علی کرمالله وجهه ودختر حضرت (عقیل بن ابیطالب) رضی الله عنه است کهازفصحای زنان الهاشم میباشد ، اسلام عایدشان معلومیست وبه (اینهٔ عقیل) معروفه میباشد . این سه فرد عربی قبل از اشعار مبارکه شانست که درلوم وتوبیخ یزید واعوانش در هنکامی فرموده اند که با نسوان اهل هاشم قافلهٔ یزیدیان ومعلومان سادات اهل بیت رضی الله عنهم را درخارج مدینه منورهٔ استقبال کردهبودند :

(باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابعد از شماره (۱۳) سال دوم)

هرشعبهٔ آن جدا جدا تقسیم شده وبهرشعبهٔ آن جدا جدا اشخاص همه فکروحواس خودرا متوجه کردهبك مهارت وملکهٔ زیادی دران شعبه پیدا میکنند که به اینصورت دایرهٔ هرشعبهٔ علوم جدا جدا وسعت پیدا کرده سرازلو بردیکر اقسام متعدده تقسیم میشود . مثلا درفن طبابت می بینیم که بعضی در امراض چشم ، وبعضی درامراض گوش وبینی وحلق وبعضی درفن ولادت ، وبعضی بفن جراحی زیاده ترکوشش ورزیده . ودرهمان شعبه اختصاص پیدا کرده دامان وسعت علم ، ومیدان ترقی آن خیلی ازخیلی فراخی کرفته به احتیاج اهالی زیاده تر خدمت میکنند ونیز علم طبابت روز بروز بیشتر میرود .

بناءً علیه درهرمملکت هرانقدر که مدنیت ترقی بکند ، اعمال مختلفه — یعنی کارهای رقم رقم نیز شعب کرده قاعدهٔ تقسیم اعمال نیز بهمان نسبت ترقی میکرده .

حالا بیائیم برقاعدهٔ تقسیم اعمال ازجهت تعلق آن به جمعیت انسانها : اولا این را بگوئیم که اقلیم ، وحاصلات ، وقابلیت ، واستعداد هرمملکت را حضرت خالق عظیم الشان بیك رنگ ویك رقم خلق نفرموده ، بلکه هرجا بنا بر مقتضای طبیعت از همدیکر فرق دارند ، وتأثیرات ارض وهوا درهر زمین وه وا بجداجدا صورتها واقعشده است . وهرقطعهٔ زمین کانها وجنکلها ونباتات ، وحیوانات مخصوصهٔ جدا کانه را مالك میباشند . غیر ازینها استعداد ، وقابلیت ، واحتیاجات اهالیٔ هرمملکت نیز رقم رقم است که بنا برین سبب ها تقسیم اعمال ، درمابین ممالك مختلفه طبعاً جاری میشود . وهرقوه وهرملت وهرمملکت بنابه قواعد تقسیم اعمال ازفایده ها وقابلیتهای همدیکر بهره ورشده میتوانند . پس به اینصورت هرمملکت کم وبیش بدیکر مملکتها محتاج است کهچون به حقیقت نظر کرده شود مسئلهٔ (تجارت) نیز درمابین باقی دارد

اعلان

کتابهای فارسی — انکریزی — اردو — کورمکهی — پاشتو وغیره برای تعلیم اشخاص بفروش میرسد . القاهر
(باکرشن داس سرمدرس ، دیهٔ اعلمخود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

هر مقاله هائیکه منتشر ندارد ازطرف مدیر وسر محرر تحریر یابد

محمود طرزی

در چاپخانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 607 of 1786

﴿کتب دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه﴾

شماره	اسم کتاب	قیمت	کیفیت
۱	رسالهٔ اول دینیات	یکعباسی	درین رسایل مسایل عقاید والعالدینیه بعبارت آسان وروشن نوشته شده وازکتب معتبرهٔ عقاید اهل سنت وجماعت وفقه شریف انتخاب شده است
۲	رسالهٔ دوم دینیات	پنج شاهی	
۳	رساله سوم دینیات	یکقران	
٤	سراج العقاید حصهٔ اول	سه شاهی	
٥	سراج الفقه حصهٔ اول	دوعباسی	مسایل فقهیه واحادیث اخلاقیه برای درجهٔ وسطیه زبان عربی نوشته شده
٦	سراج الفقه حصهٔ دوم	ده شاهی	
۷	سراج السیر احوالات حضرت سیدالسادات	یکروپیه	حالات حضرت رسول مقبول الولادت تاوفات بطرز اجمال از کتب سیر وتاریخ انتخاب شده
۸	رسالهٔ علم طبیعیات	چهار عباسی	مقدمات ابتدائی فلسفهٔ طبیعیات از انگریزی ترجمه شده واصطلاحات جدیده وضع شده است
۹	سراج حساب حصهٔ اول	دوروپیه	برای تعلیم حساب درجهٔ میانه ازکتب معتبرهٔ انگریزی ترجمه شده وبه اوزان وسکه جات انداستانی حل مسایل شده است
۱۰	تحریر اقلیدس فارسی اول ودوم	روپیه	بطرز قواعد جدید از اقلیدس انگریزی ترجمه وانتخاب شده وسوالات
۱۱	ایضاً سوم وچهارم	دوروپیه	مرتبه علیحده بآن الحاق یافته
۱۲	مرات الارض مختصر جغرافیا دنیا	یکروپیه	مختصر جغرافیه دنیا میباشد
۱۳	احسن القواعد (صرف ونحو فارسی)	یکروپیه	قواعد صرف ونحو فارسی میباشد
۱٤	قاعدهٔ فارسی بطرز جدید (برای اتجدنحوانان)	یک ستار	الفبای مخصوص زبان فارسی میباشد
۱٥	رسالهٔ ضرب دانی (برای تعلیم ابتدای حساب)	پنج پیسه	برای تعلیم حساب درجهٔ اتجدیه تالیف شده
۱٦	کتاب اول فارسی	یکعباسی	ضروریات اخلاق وعادات حسنهٔ مفیدهٔ اطفال ازکتب معتبره انتخاب شده
۱۷	کتاب دوم فارسی	پنج شاهی	
۱۸	کتاب سوم فارسی	دوعباسی	

الناشر یکی ازاعضای دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه (حکیم عبدالرب)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 608 of 1786

سیاحت بدور اقطار کرهٔ زمین

پیشنهاد روز

کتاب اول یعنی افتتاحیه طرز جدید بسیار شریف است که هر افتتاحیه میشواند . و هم برای آموزاندن دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بازاری جان بفیمت (۲) دو روپیه کابلی عرضی میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باید اعلا)

و دو کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آبادیه باید کرد ؟)

(باید اعلا)

در اداره موجود است . آنرز وکسنه کابل خریداری کرده میتواند

قیمت همه (۲۵) بیست و پنجروپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود عاریا در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرقم اعلان وانتشاریکه باشد ، از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار زیادتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورقی وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار زیادتر نشر کردن خواهند فی سطر نه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک منوال اخبارها (۳ — اینچ — ۱ — سوت) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 609 of 1786

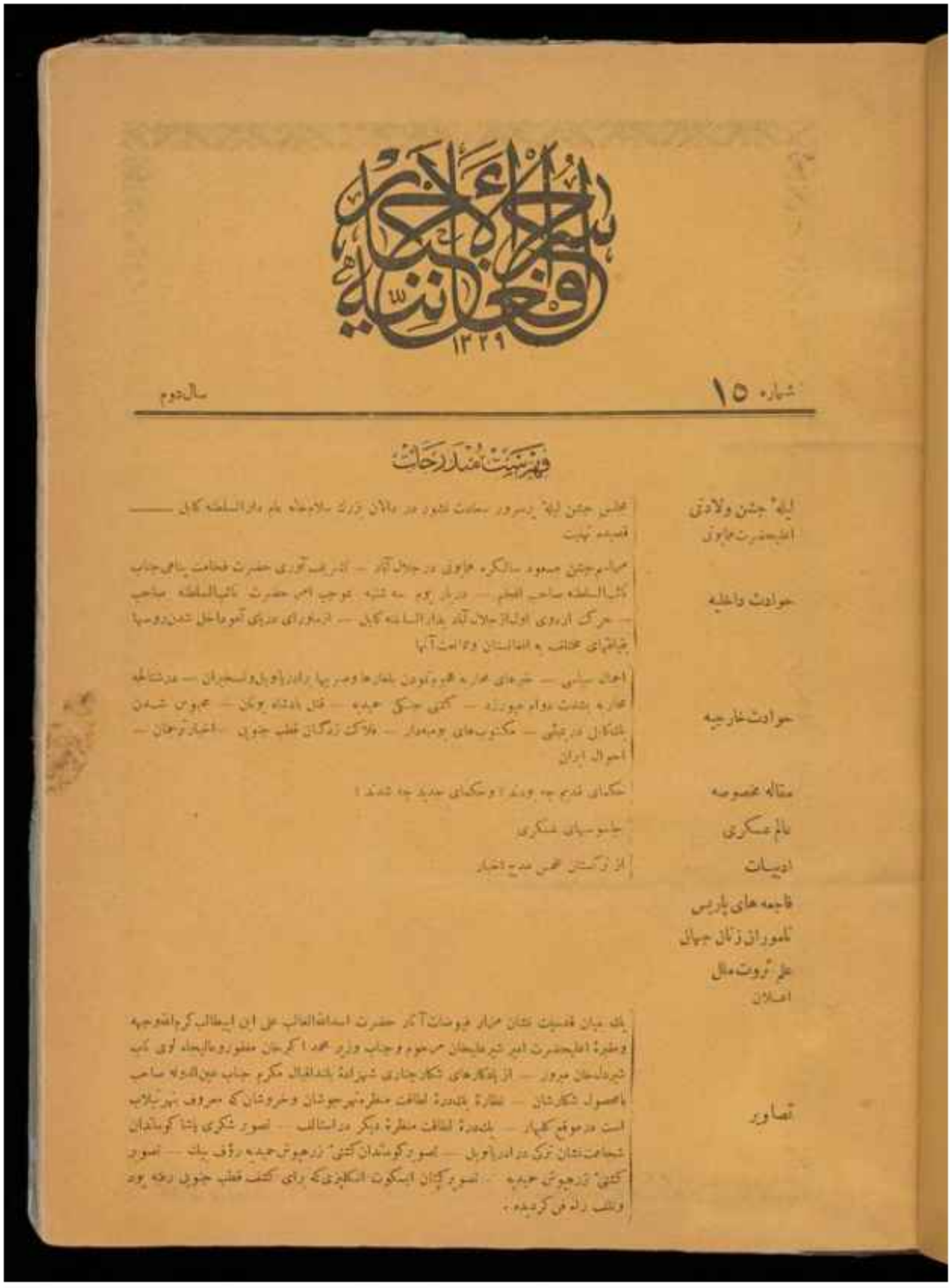

شماره ۱۵ سال دوم

فهرست مندرجات

ایلهٔ جشن ولادتی اعلیحضرت همایونی — مجلس جشن ایلهٔ پرسرور سعادت شعور در دالان زرنگار سلامخانه بام دارالسلطنه کابل — قصیده تهنیت

حوادث داخلیه — عزیمت موکب سالکزه همایونی در جلال آثار — تشریف آوری حضرت فخامت پناهی جناب نائب‌السلطنه صاحب اعظم — دربار روم به شرف عروج اعلیحضرت نائب‌السلطنه صاحب — حرکت اردوی اولاد جلال آثار بدار السلطنه کابل — اردوهای مدرنی آتو داخل شدن روسها چپاولهای مخالف به افغانستان ودوامت آنها

حوادث خارجیه — احوال سیاسی — جنگهای خارجه قبو تودن بلغارها وصربها رادرنواحی ولسجیان — مدتناطه محاربه بشدت دوام میورزد — کشتی جنگی جدیده — قتل پادشاه یونان — محبوس شدن پادشاهان در بلژیک — مکتوب‌های جرمه‌دار — هلاکت زرگان قطب جنوبی — اخبار ترکان — احوال ایران

مقاله مخصوصه — حکمای قدیم چه وقت و حکمای جدید چه شدند!

نام عسکری — جاسوسهای عسکری

ادبیات — از ترکستان لطیف مدیحه اختیار

فاجعه های پاریس

نامورانِ زنانِ جهان

علم ثروت ملل

اعلان

تصاویر — یک جهان قصیدت نشان مزار فیوضات آثار حضرت اسدالله الغالب علی ابن ابیطالب کرم‌الله وجهه ومقبرهٔ اعلیحضرت امیر شهید غازیان مرحوم وجناب وزیر محمد اکبرخان مظفر ومالیحمد لوی کاپ شیرداران مبرور — از یادگارهای شکارجاری شهزادهٔ بلنداقبال مکرم جناب عین‌الدوله صاحب باحصول شکارشان — مقابرهٔ بلندیرهٔ لطافت منظر منیرجوشان وخروشان که معروف بهرتیلاب است درموقع کهسار — بلندیرهٔ لطافت منظرهٔ دیگر درامتداد — تصور شکری پشتا کوهستانی شجاعت نشان ترک درادرآویل — تصور کوهستانی کتنی زرجوش جبهه رؤف بیاک — تصور کتنی زرجوش جبهه — تصور کپتان اینکوت انگلیزی که برای کشف قطب جنوبی رفته بود وتلف زاده فی گردیده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 610 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض و برکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پرودیٔ اعلیحضرت پادشاه مقدس میزبان ما در دارالسلطنهٔ عروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد و مسلک این نامهٔ گرامی یداری و آگاهی اهل وطن مقدس ماست براحوال ما . و حب دولت و وطن . و توجه بسوی عز وطن . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . فی یک اخبار فواید تاریخ که در صفحه های ممدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یک توجه خاصی و یک هوس مطالعهٔ باخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره . ارباب اشتراک محترمین کرام نهایتدرجه ارزانی و آسانی را میبیدانند . و برای خوش مضامین مندرجه وخوش کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر غدا کارهای بسیاری بکار برده . وتجارت را کثر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی در قمره و پانزدهم هرماه نشر میشود امیداست که در آینده هفته وار بشود . و آنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هرانقدر که تعداد مشترکین کرام . ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید . اداره در ترقی اوپیر خواهد فزود . قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپ یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار ماکمالهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درهرات جناب حاجی غلام نبی خزانه‌دار فروش پوست قره قل . دولت کرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما به اداره اطلاع برسد از هانوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوان که داده باشند اجرا میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 611 of 1786

هفته (۱) سال دوم شماره (۱۵)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و مسئول محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه

در عمارت دار السلطنهٔ (کابل) محل امورات تحریریه چاپخانه

بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

ذکر آن

ایبک آقای مدیر حضور امیر حضرت مولوی علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف داخله مملکت با الحرابات فی ۱۲ روپیه کابلی

در خارج مملکت با الحرابات فی ۱۰ روپیه انگلیزی

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ هجری ۱۵ جمادی الاولی سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۲ اپریل تاریخ شمسی ۲ ثور ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله و خارجه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

(یک بنیان قدیمی نشان)

مزار فیوضات آثار حضرت اسدالله الغالب علی ابن ابیطالب کرم الله وجهه میباشد که در توابع شهر بلخ واقعست، دوشنبه گوپکی که متصل بنای مذکور است یکی شجرهٔ مطبوعهٔ امیر المومنین علی علیه الرحمه و دیگری مرقعهٔ جناب وزیر اکبر خان مغفور و مالیجات قوی نایب غیرت خان مرحوم میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 612 of 1786

—(لیلهٔ مسعودهٔ جشن ولادتی اعلیحضرت همایونی)—

شب یکشنبهٔ گذشته ۲۵ ماه ربیع الثانی باللیلهٔ مسعودهٔ ولادت ذی سعادت پادشاه مقدس معظم محبوب القلوب ما ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولة الی مدید الزمان مصادف آمده بر همهٔ ملت افغانیه باند عید سعید پر سروری گردیده بود .

ملت نجیبهٔ افغانیه این لیلهٔ سعیده را بهترین وسعود ترین ایام سعادت خود شان می شمارند . زیرا همین شب فیروزی موهب است که نیر پر انوار درخشنده گی نثار فیوضات آثار صبح سعادت ملت ووطن شریف طلوع و بر افق سطوع ارزانی فرموده است .

مجلس جشن لیلهٔ پر سرور سعادت نشور مد مذکور در دار السلطنهٔ کابل در عالات بزرگ سلامخانهٔ عام انعقاد یافت . بساعت ۸ شب عالیان مد کور از اهل دربار معالی بار وارباب مناصب ملکی وعسکری که بالباسهای رسمی شایستهٔ خود شان ملبس بودند خنجا جمع پر شده بود . ذات عالی شهزادهٔ مکرم نائب الحکومه (سردار حیات الله خان) بساعت مد کور بدربار تشریف آورده با یک اطلس مختصری مجلس را باز فرمودند . وحسب رسمی را انجام داده اهل دربار را به سرور وافراح آزادانه امر فرمودند . و تا ساعت یکنیم شب به انواع فرحها ومسرتها بسر آمده محفل الی مذکور به انجام رسید .

اهالی شهر عزیز ما دوشب متعاقباً شهر آئین اجرا نمودند رعایای صادقهٔ شاهانه دکانهای خسود شان را به انواع زینتها وچراغانها تزئین نمودند . موزیکهای عسکری ـ وسازهای ملی در هر هر طرف شهر عزیز ما یک ولولهٔ مسرتی انداخته بود . در اهالی یک جوش وخروش عظیم مسرت مشاهده میگردید . بازارها روشن . دلها چون گلشن گلشن شده بود . هسوا های اول بهار نیز سینه هارا یک انبساطی می بخشید .

§

در نسخهٔ سابقهٔ خود ازمدنیت پر وریهای اعلیحضرت همایونی بحث رانده وعده داده بودیم که در شمارهٔ آیندهٔ خود از ترتیبات وتعلیمات مدنیهٔ دربارها وجشنها یی که در دولت علیه افغانستان اجرا میشود بحث خواهیم راند . این است که درینجا حالا به ایفای آن وعدهٔ خود مبادرت می ورزیم :

اولا این را بگوئیم که دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما تخریباً صدسال یکدو نیست که آغاز آن از زمان (احمد شاه بابا) ست . در زمان سلطنت شاهان صدو زائی قواعد دربار ها سراسر به اصول وقواعد ایران تطبیق میبافت . سلطنت بادشا هان محمد زائی آن اصولها وقواعد افراط پروری را خیلی تعدیل داده وضع ساده گی را پیش گرفت که آنهم خیلی به تفریط نزدیک بود . چنانچه در شمارهٔ سابق خود شمهٔ ازان بیان نمودیم .

ذات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب ما سراج الملة والدین مدالله ظله فی العالمین چشنها ودربارهارا درزیر یک نظام وانتظام بسیار مضبوطی دراوردند . دراول هیچ کسی چو کی ومیزرا بیار هم نداشت . دروقت حاضر کسی برزمین نشستن را بخاطر هم نمیگذراند . دربار های پادشاهی همه باچو کیها ، وطعام همه بروی میزها اجرامیشود . دراوایل چون بدربار داخل میشدند انسان گمان میبرد که در یک معرض البسه های مختلفه درامده است . یک اداء پیشخدمتی بنظر بر می خورد که به البسهٔ یک جزالی ملبس شده بود . ویک جرنیل بنظر می آمد که لباس یک نفر عادی راهم در بر داشت . دروقت حاضر رتبه ها ومنصبهای ملکی وعسکری حد لایق ولازمی را گرفته هیچ کس از رتبه ومنصب خود نه کم نه بیش جزئی پوشیده نمیتواند .

نظام نامهٔ البسه را خود ذات اعلیحضرت پادشاهی ترتیب فرموده وعده ها نسخه ها ازان بطبع رسیده بر ارباب مناصب توزیع گردید . اصول تشریفات دربارها بخوبی رونق وانتظامی دراده کاسطوره کان افغانستان آرا بخیال وخاطر خودشان هم خیده بودند . ترتیب ونظم شهای جشنها یک رونق بعمل می آید که انسان خودرا بادنا در یک عالم دیگری تصور میکند . این جشنها اگر در زمستانها بوقوع آید در عمارتهای پادشاهی واگر در تابستانها باشد در میان باغهای پادشاهی نظم می یابد . اهل دربار وارباب مناصب وترتیب باندیشهای یکدرنگ ویک لباس کاهرا خورده سمت خود شان یافته مجلس شده حاضر میشوند . تموزات وچراغان یک شمعهٔ بسیار خوش رونق شمه افروز سرور میگردد چو کیها ومیزها یک ترتیبی وضع میشود که چار چار پنج پنج ، شش شش نفر یک مجلس انسی یران تشکیل داده میتوانند . بر میز هائی که درمحفل های انسی تشکیل می یابد انواع شیرینیها ، ومیوه ها ، وسیگرت ها موجود است میز های بزرگ طولانی چای وقهوه کوشی یک ترتیب دلآرا وضروف خوشنما بانواع یکونها ، وچیقولات ها وغیره در موضعهای مخصوص چیده وموضوع ، وچاپدار ها برای خدمت مدعوین درپیش آنها بپا ایستاده میباشند . میز های کتابهای تصویر دار ، و آلبومهای پاتورا ما کار ، در پیش انظار هوسکاران آن گذاشته شده است . میز های شطرنج وقطعه ودیگر بازیها نیز در جا های مناسب موجود است . سازنده‌ها و نوازنده‌ها و گراموفونها ، موزیکهای عسکری ، ساز های ملی از هرهر طرف به تمشیط آذان سامعین خدمت میکند .

بهترین حزبهای این گونه شهای جشنها همانا یک آزادی وی تکلفی ایست که در دایرهٔ قاعدهٔ آداب اجرا میکرده . در اول افتتاح جشن که ذات اعلیحضرت پادشاهی درمجلس تشریف می آرند بقدر پنج ده دقیقه رسماً همه اهل دربار را در حضور همایونی شاهانه شان جلب ، ویک نطق بمناسب حال وزمان ایراد فرموده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 613 of 1786

همه‌کان را بنشستن وساعت بدی آزادانه امر واجازه میفرمایند . بعد ازین امر واجازهٔ هایونی اهل محفل در هر هر طرف آزادانه بگردش ونشستن ، وخوردن ، ونوشیدن ، وبازی ، وصحبت مشغول می شوند . ومراسم لگفات قیامها واحترامهای رسمی از میان بر می خیزد . حتی اگر ذات اعلیحضرت شاهانه درپیش یکی از اهل محفل نزدیک شده به تلطفات وتوازشات شاهانهٔ شان تلطف فرمایند آنشخص را اجازهٔ قیام اصلا نمیباشد .

در وقت طعام میز های بسیار مکمل طعام درمواضع مناسب ترتیب می یابد . وچون زنگ طعام نواخته شود همه کان بر خوان نعمت الوان اعلیحضرت پادشاه ذی لطف واحسان خود شان جمع می آیند . بر میز حضور اعلیحضرت هایونی همان ذوات گرامی که بعنوان (اهل میز حضور) شرف سرفرازی دارند گردمی آیند.طعامهای متعارف ومسرت فوق العادهٔ به انجام میرسد بعد از صرف طعام باز تا به آخر شب محفل الی دوام ورزیدمایهٔ جشن مسعوده خاتم می یابد .

این رقم جشنها ودربار هایی که در عصر ترفیحصر پادشاه حقایق آگاه ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) مد الله ظله فی العالمین بوقوع می آید از چنان آثار تمدن آثار شمشه نثاری شمرده می شود که همه درخشنده گیهای ترقیات حاضره را بنامها حاوی وجامع میباشد . ازدر گاه خالق عظیم الشان کون ومکان تضرع ونیاز میکنیم که وجود مسعود پیوند قسمت آمود این پادشاه ترقی خواه با اقبال معظم محبوب القلوب ما تا سالهای بیشماری از یک پرای سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ افغانیه بدارد تا بسایهٔ عرفان پیرایهٔ شاهانهٔ شان ملت ووطن مقدس ما بررسی معارج ترقیها وآگاهیها وبیداریها عروج نماید آمین .

﴿ قصیده تهنیت ﴾

شب دوشین نهادم سر ببالین
که بالین سنك بهتر بی لگدزین
خیال خوابم اندر سر که پرورد
خیال یارم از سر خواب شیرین
همنوزم باخیالش بود پیوند
جدا از خوابم این چشم جهان بین
که آمد تا کنان آن شوخ طناز
که آمد بخیر آن سرو سیمین
بیالینم نشست از ناز و گفتا
که آه ای بخیر برخیز و بنشین
ندان که فرخا جشن شاهیست
که گردد شادمان دلهای غمگین
کدامین جشن جشن مولد شاه
که باشد فرحت افزا مشرت آگین
مبارك جشن مولودی که باشد
مسرت توامان و عیش تضمین
شود بازار و کوی آیینه بندان
بیاید از چراغان شهر رنگین
چراغ و کاسه مهتاب شب جشن
زنند آتش بجان ماهو پروین
چرا نان میشود همچشم انجم
زمین را آسمان گویم پس ازاین
چراغ برق رخشنده کوئی
که خورشید آمد از بالا بپایین
روان از هر مکان باد گلشنی
که دل از کف رباید لعبت چین
زهای و هوی مردم شهر پرشور
که بزم نامجهان این جشن رنگین
زبس از مو نیاو چلتو طنبور
بلند از هر دکانی شور شیرین
بود فوتو گرافی هر طرف کوك
بیا بنگر که گویا گفته مانین
گهی از شعر رنگین نغمه پرداز
گهی ذکرش بود طور بسین
بهر سوی گران فوتی نواسنج
نوازد نغمهٔ پاریس و لین
چگویم حرف این گویای خاموش
که او ازهرزبان شد سخن چین
چگویم وصف این گفتا سخنگوی
که باشد بی سخن شاهان تحسین
چگویم بعد ازین زین جشن دلکش
که کس یادش نداد از عهد دیرین
جوابنها گفت گفتم ای شکر لب
جوابنها گفت گفتم ای نگارین
نباید خفت امشب تا سحر گاه
باید گفت زیبا شعر رنگین
بمدح پادشاه جود گستر
بوصف شهریار عدل آیین
سر شاهان مدار ملت و دولت
شه دوران سراج ملت و دین
پی پاجوج کفر از بهر اسلام
بود رای رزینش سد روئین
بوخشم او نماید چین ابرو
فتد از بیم قهرش لرزه در چین
دریغ از تیغ او دارد چرا جان
بجان دشمن او باد نفرین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 614 of 1786

مگر شد بادم تیغش مقابل
که خون در زد است چشم خصم بدبین
چو شاخ گل نماید در نظر ها
شد از تیغش ز خون خصم گلچین
نوشید از دم تیغ تو تا آب
عدوی تشنه لب کی یافت تسکین
ظفر دارد بشمشیر تو پیوند
عروس ملک را تیغ تو کابین
عدویت را پی قطع تناسل
قضا بر روی کار آورد عنین
سبک بردار از گردن سر خصم
که مسکین بر سرش بار دست سنگین
اگر تیر تو در پهلوی دشمن
کمی بنشست کو بسیار بنشین
تن بد خواه جاه خاز بستر
سر پرشور خصمت سنگ بالین
ترا خوانند در آفاق امروز
ز روی معدلت فخر سلاطین
که گوید شب نماید مهر تابان
نه الحق پیش خور شید جهانبین
تو اینک مهر تابان شب جشن
چو الحق جمع بر گردت خواتین
بطومار عدالت نامهٔ خصمان
نگارد نام تو بی زیب و تحسین
کرو بیشی نمی سنجد ترا زو
یک میزان ز عدل است تا چین
نهد هر روز برخاک درت روی
فغای مهر ازان رو گشته زرین
کرمهای تو پیش از لب گشودن
دهد کام دل محتاج مسکین
بیابان گر نمی آمد فوا فی
بوصفت صرف میکردم مضامین
کنون دست دعا باید کشودن
که در بر دار باشد مرغ آمین
بدیوان قضا صد سال دیگر
ترا عمر گرامی باد تعیین
ولی هر روز ازان صد سال خواهم
بود شش ماه چون در عرش تسعین
ز نام تو سلک دایم باد روشن
چراغت ای سراج ملت و دین
ترا نام نکو ماند بدو ران
ز مستمی بنامت شعر شیرین

(از یاد کارهای شکار چناری)
(شهزادهٔ بلند اقبال مکرم جناب عین الدوله)
(سردار امان الله خان باحصول شکارشان)

حوادث داخلیه

(مراسم جشن مسعود سالگره همایونی)

در جلال آباد

یکدوست مهربان ما از جلال آباد برای ما مینویسد:

بعد از القاب

بر خاطر عاطر والا کیهان دانش و سر گروهان بینش مخفی ومستور نخواهد بود که ذات ستوده صفات جناب مرحمت آیات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه پادانش ودین پرور وخدا آگهان پناه پادشاه خیر خواه حقایق آگاهیست که از یوم جلوس میمنت مأنوس همایونی شان بر تخت عالیبخت سلطنت اسلامیهٔ مستقلهٔ افغانستان الی الآن شب وروز در ترقی وتمدن ملک وملت شاهانهٔ شان همت جهانگیریت شاهانه را مصروف داشته اند. و آثار ترقی وبرتری که در امور زراعت و تجارت و آبادی عمیرات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 615 of 1786

وراهبا وبابا و رباطهای سراجیه وحفظ دین و ناموس رعایای صادقهٔ افغانستان بروی کار آمده است مانند شمس تابان عیان وبرخشا است کداخیار کهربار عالیشا از بدافتام اقسام ازان بخبر آمده ومیباشد ، والحاصل اوصاف محاسن صفات اعلیحضرت پادشاه مراحم آثار خود تعالی تکوی کردار ما ازقدرت بشری برون ، وازحد وعد افزونست ، بهتر آنکه برین نعمت عظما ودولت اعلاکه اسارا برما کرمی انجنین پادشاه نکوی خواهی کابل و سزاوار فرموده بدرگاه حضرت باری جل جلاله حمد وثنا گوئیم ، ودعای عمر و اقبال وشوکت واجلال شانرا ورد زبان ساخته برتحریر کیفیت جشن مبارکه آئیم :

شب پنجشنبه ۲۵ ماه ربیع الثانی سال چهل و سوم میلادی اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه میان رود ، کارداران حضور قریب یکساعت سررشته کرده اسباب کار آمد آرا حاضر و آماده نموده بودند ، بکرطاسهای خوش وشرار امرتحریری درموم چهارشعهٔ گذشته وقت شبی بجاه شام عزّ شرافکان عظام و سرداران ذی احترام و سادات وعلما ومشایخ کرام ، و خوانین وملکان واکی سالان ولایت (تکناران) بشناسایی تا خرهٔ مقرره حسب الزمان اعلیحضرت همایونی داخل باغ زنانهٔ جان شاهی گردیدند ، معززان حضور باد شاهی در عمارت پادشاهی ، وباقی نفری بحوکهای اهل آرام گرفتند ، بعد ازانکه مردم یکساعتی استراحت کردند بوجب اصول وقواعد اشرفات عزّ صادرشد (چهاردهٔ) جاوید که بالیف جون کوی صدا ومعلول بیك لطافت و نظارت بدیعی ابتدا نموده به انتظار تشریف آوری قدوم میمنت لزوم اعلیحضرت همایون صف بستهٔ احترام گردیدند ، ذات قدسیت صفات اعلیحضرت ها چون روشن اختر چهاردهٔ خاص گردیده در پرده تشریف فرما شدند ، حسبهٔ حاضرین بتحیهٔ السلام علیکم وتبریك جشن مبارکه بحضور پرنور پیش آمدند ، وذات مقدس همایونی بعلیکم السلام وتبریك جواب مرحمت فرمودند ، شادئ بسیار وفرحت بشمار برای دولت خواهان حاصل آمد ، درین اثنا عریضهٔ صداقت فریضهٔ تریکه که ازجناب جمیع رعایا ورایا معروض شده بود از طرف جناب عالیحضرت نائب السلطنه صاحب افخم بدگاه فخامت وعزّ بلافت قرائت فرمودند ، ازعزّ حاضرین آواز آمین بلند گردید ، بعد الختم دعا ، ذات اعلیحضرت همایونی جواب تبریك حاضرین را بزبان مرحمت بیان عنایت واحسان فرموده یك نطق بسیار شرین خویت تکیی بیان فرمودند که بطرز اجمال ماگاتی برای جناب مینویسم ، ولی عیناً ضبط کرده نتوانستم :

« من شکر گذارم بدین صداقت وداد صداقت شما اهالی افغانستان ، از درگاه احدیت برای شما خیرهای دین ودنیا را میخواهم به ایهم شمارا آگاه میکنم که من براهالی خود شفقت پدری دارم ، وهمه ملت خودرا باخود جسم واحد میندارم ، واگر حرفی از طرف دول خارج پیش شود تاموابید وصلاح ومشورت شماندان نباشد جواب گفته نخواهد شد . »

ازین مرحمت همایونی همه شکور وممنون گردیده مراسم تعظیم را بجا آوردند ، بعد ازان رهبه کان اجازهٔ آزادی وسرور وحبور را ارزانی فرموده مرخص شد ، وهر جاعه بوقعهای مخصوصهٔ خودشان مأوا کزین فرحت وسرور ، وجانبین شادمان وحبور گردیدند ، ذات اعلیحضرت همایونی باطرئ اهل میز حضور درجزیرهٔ میان کول بزم طرب آراسته ، سازها ، سرودها از هر طرف نغمه پرداز بود ، چراغان بسیار عجیب وغریب رنگینی ترتیب شده بود که باعث هیج چشم بیننده نظیر آنرا ندیده بود ، عکسهای انوار چراغهای رنگارنگ در کول آئینه حال صفا آهنگ انعکاس شعشعه پتی نموده باغ را غرق دریای انوار مسرت باری نموده بود ، اقسام مایده‌های نعمتهای خوردنی بال الطاف ، ونوشیدنیهای رنگارنگ متروع وحلال در هر طرف گسترده شده حد جمعیت موجوده تواند چین تمنای داشته کام الامکان در ازدیاد خودشان میکوشیدند ، تا اینکه به بسیار خوشی وخرمی شب را گذرانیده هر کدام بمنزل مقصود خود مراجعت نموده اند .

شب ۲۶ شهر مذکور ذات قدسیت صفات پادشاه بزرگ محبوب القلوب با جناب سامی مطلبهٔ مکرمه (علیا حضرت مراح الطوائف) وتمام شاهزادگان جلیل القدر سلطنت سایه دار ، مراح السلطنه ، که بك بای شوکت احتوای عظیم عصر فرخنده کی حضور سراجیه شیرده جشن شادمانی ومسرت برا کرده امیر الشام ، روز وحبور بسر آورده اند .

این نکته بدا یاد کرد : حق سبحانه تعالی وجود مسعود اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه مارا باشهزادگان جوانبخت بلند اقبال سالهای سال وقرنهای بیشمار بسر زیر سایهٔ وحمایتهای خود برقرار داشته باشد ، وسایه این گونه جشنهای سعید وحظ بخیر وعافیت مانفی گردد وازخدا خواهان در مهد امن وامان وحمایت حافظ حقیقی بداراد بحق محمد وآله الامجاد .

تحریر فی یوم دو شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۳۱

(خ - ج)

« تشریف آوری حضرت فخامت پناهی »

(نائب السلطنه صاحب افخم)

یوم پنجشنبه ۹ ماه جمادی الاول ذات عالی دار اکرم حضرت فخامت مآب نائب السلطنه صاحب افخم تشریف فرمای دارالسلطنهٔ کابل گردیدند ، وبه انداخت ۲۱ فیر توپ سلام وصول سعادت موصول عالی شان بر همه کان اعلان گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 616 of 1786

ذات مالی افخمی شان چوم شنبه ٥ ماه حمل کور بسواری مرایهٔ موتر از جلالآباد حرکت فرموده‌اند، و در همان روز مواصلات مالی شان منتظر و مأمول بود، ولی چون سیاهی‌های شدیدی که یک روز دل باریده بود رفتار مرایهٔ موتر را سکتهٔ وارد آورده بودند راه‌ورا کذرانیده روز دیکر بکمال صحت و عافیت وتمام مزو سعادت مواصلات فرمودند.

یک روز پیشتر یا از امر دلی جناب نائب الحکومه صاحب مکرم ازطرف سادجن صهبان ملکی و نظامی ارباب مناصب واهل دربار را خبر داده شده بود که در مقام مالی (زین العمارت) بلباس رسمی خود شان جمع آیند، ولی چون در روز موعود تشریف مالی افخمی وقوع نیامد، وروز دیکر تاوقت تر خورشید اکثر ارباب مناصب بموجب امر مالی افخمی با السنهٔ چهارم در زین العمارت حاضر شدند تقریباً بساعت چار بجم معززین اهل دربار وارباب مناصب بموجب قاعده وسررشته صف بسته تعظیم واحترام کردیدند، ویک باند دموز یک عسکری ویک بلوک از عساکر اردلی حضور دلی در موقع سلام ایستاده بعجرد داخل شدن مرایهٔ موتر سواری مالی از طرف عسکر وقطعه سلام مالی ادا کردید، خود ذات مالی از بالای چهرسی جلوس بودند، ازموتر فرود آمده وبه ملاقات مالی هذا حاضرین را احوال پرسی فرموده واز بشارت امن وسلامتی ذات قدسیت صفات اعلیحضرت همایون حضرت خدام صداقت کیش سلطنت سنیه را مسرور فرموده داخل عمارت زیبا شدند، وحاضرین را بار حضور عطا فرموده، وبه انواع التفات وتوازنات مالی منتظر ومباهی ساخته بعد ازا ختام فرموده شدن جای اجازهٔ انصراف عطا کردند.

مراج الاخبار افغانیه ازصمیم دل درباب تشریف آوری ذات مالی افخمی شان ازهرات، وسلامتی ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه معظم خودرا باحضرت عالیشان جلالتمآب شان الادرکی حضرت عالی عظیم الشان جلت الله عن الزوال والنقصان تبریک وتبرکباد میباشد.

از دربار

چون سه شنبه بموجب امر مالی جناب فضائت مآب حضرت نائب السلطنه صاحب اعظم درسلاملانهٔ عمومی دربار تشکیل یافته هذا معززین اهل دربار، وارباب مناصب ملکی وعسکری بلباسهای رسمی تمام حاضر کردیده بودند، ذات مالی فخامت پناهی چون در روز تشریف آوری مالی شان بسبب عدم وقت و کوتاهی فرصت هذا زوات کرام معززین ازحضور مالی شان بصورت رسمی دیدار نتوانسته بودند لازاو بنابر تلطیف قلوب هذا کان تشکیل وترتیب دربار رسمی چوم سه شنبه راحتساب وبعد یکهاه انتظام وتهاسررشتهٔ مالا کلام بدربار تشریف آوردند، وبدیدار سعادت آثار مالی.

وکلیات نوازشکارانهٔ فخامت پناهی آبیاری قلوب فرمودند، واز نیجه صبح تا یکبجه چهار دربار معالی بارد وام وزنده برقرار معمول بانجام رسید.

حرکت اردوی اول

ازقرار اشعارات که بودیم از اردوی اول معیت سایهٔ هایونی درچوم یکشنبه ٩ ماه حال ازجلال آباد بسوی دارالسلطنهٔ کابل حرکت نموده است.

ازبهورای دریای آمو

برای ما نوشته اند:

از چندیست که روسها خالها وقرائهای مختلف به حاک افغانستان داخل میشوند، وچون آسان ترین طریق راه مسافتی را پیدا اند بحیثهای مسلمان شدن داخل میشوند، حالا که مسلمان شدن یک روس از حالات است، مقصد یکانه اینها همین است که از ترکستان نامدهٔ خبر داشها وکذرکاهها را ملاحظه وقت توده بکذرند وخبر آوری که لازم باشد بیارند وبمان مقصد خودشان بکمال آرامی کامیاب هم میشوند، زیرا چون از دریای آمو میکذرند مأمورین حکومت افغانیه آنها راهیچ اعتراض بکاری نمیرسانند واز اجازه خود بوستان میدارند که اصل مقصد آنها نیز همین است بعضی ازین ها چون یکبار این سیاحت خودشانرا اجرا کردند به آن عادت نکرده دوم بار باز به این سیاحت میرایند وحصولات معلومات خودرا می آرند، حالا که اکر مأمورین حکومت از رخنه آنها پی بکردانند ونکذارند که داخل آن حاک پاک مقدس شوند چیز خواهد بود.

خواطر خارجیه

اخبار آسیا

مور چکان کر بکند اتفاق شیر ژیان را بدراند بوست

چند سال آزکار کران درنده باهم متفق شوند اخبرهای فلاکت مقاومت دادن خلق ما نه چندان دهشتناک خبر هائیست که دلهای هرفرد مسلمانرا بلرزه نیاورد، و حواس شانرا (ز. وار) نکند. شهر (اندره) یعنی اندرا کویل سقوط نمود، بلغارها وصربها مخلصاً درشهر داخل شدند، تکرینا که حفاظ و کوماندان اندرا کویل مرد وطایف عسکری وفرایض منصبی خودرا بجا آورده، ودر غیرت، وشجاعت وحفاظت دقیقهٔ فرو کذاری نکرد، بلکه شهری که از هیچ طرف به آن مدد نرسد، وارزاق وقوه‌خانه‌اش بیشتر ازین چنان مقاومت کرده میتواند؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 617 of 1786

شهر ادرنه تسلیم شد. و تکری پاشا حاضر بود که بی مقاومت تسلیم شود، بلکه جرأت استقبال برضای خود شهر را تسلیم نمود، بلکه تا آخر نفس جنگید. اما چنان جنگید با چه پرارار قوت خود جنگید. ارد و های دول متفقه زور وقوت حرب هجوم نموده شهررا ضبط کردند، لیکن دشمنان بیرون شهر لی‌لکه درداخل شهر نیز دشمنان بسیاری داشتند. بقدر بیست سی هزار رعیت فداکار بلغاری وروم وغیره کدن شهر بودند همدم و هرلحظه فتح ونصرت دشمنان خارج را آرزو میکردند. حتی درین روز های آخر پادریهای روم وارمنی درنزد تکری پاشا آمده گفتند: که درشهر غلیانی نمانده، ومضایقه مأکول تحمل کردیده لهذا پاشهر را تسلیم کنید وپاآنکه یک اختلال داخل درشهر ظهور خواهد نمود. تکری پاشا رای درس عبرت دیکران آن پادریهارا یکجا قتل رسانید، وبرحاربه ومدافعه دوام ورزید، وچون دید که امکان مدافعه باقی نماند جمانچه وعده کرده بود شهررا آتش داد، وحسب وعدهٔ خود میخواست کبک حرکت خروج اجرا نماید ولی فرصت نیافته عساکر دشمن درشهر درآمدند. ازین زیادتر چه میتواند؟ غیرت، و شجاعت فداکارانه همینقدر میشود.

شهر ادرنه یک شهر بسیار قدیمیست که در اول بنام (اورستیاس) پلشهر بود. درقرن دوم میلادی ازطرف (آدریان) پادشاه روما بسیار وسعت وزینت یافته پلشهر بسیار بزرگ ومعتبری شده است وبنام خود او نسبت یافته (ادریانو پولیس) تسمیه نمودند. درتاریخ ۷۶۳ هجری درزمان سلطنت سلطان مراد خان خداوند کار غازی) فتح وتسخیر گردیده است. فاتح ادرنه نویان (لالا شاهین) پاشاست که یکی ازسرداران نامدار ومردان جرار شجاعت مدار سلطان مذکور بود. بعد از فتح تا وقت فتح قسطنطنیه همین شهر پایتخت دولت علیهٔ عثمانیه شده بود.

حالا در اینجا درین مسئله یکدقیقهٔ غور وملاحظه نمائیم که دراوقت که لالا شاهین پاشا ادرنه نویان را فتح میکرد قوت دشمن مقابلش بازمه مقابل قوت او بود. زیرا همین دولتهای متفقهٔ حالاتن دراوقتها نیز متفق شده مدافعه میکردند. اسلحه و آلات حربیهٔ طرفین مخاصمین نیز باهم برابر بود. چنان نبود که ما گر اسلام تفنگ داشته ودشمنان شان شمشیر پس چنان شد که دراوقت فتح میکردند، و دربوقت شکست میخوردند؟ حالانکه دربوقت نیز عساکر اسلام درانسلحه ازخصم خود اقوی آمده، و تکری پاشا از لالا شاهین پاشا در شجاعت وغیرت وفداکاری پس نمانده است.

اسباب یکه این مصیبتها ونکبتهارا اگرصور جسته و تمائم در بعضی جزءها می یابم: بخت قضا وقدر جداست. زیرا اگر مشهررا به آن بخت بکردایم ساعت بختمندی سبب و موجب نمیشد ولی ما میخواهیم کابکدقیقی درانسباب ظاهری مسئله غور نمائیم. وقوعات ظاهره ما را چنین نشان میدهد که بلغارها از چند سالهاست که شب وروز سعی وکوشش کردند. در حالیکه عثمانیان آدمهای جاسوس، وبد اخلاق و خوشامدگو پیدا میکردند. بلغارها بعدها نفر از اولاد وطن خود شانرا در اوروپا فرستاده علوم فنی آموخته وآلمان جدی راست کردار پیدا میرسانیدند. در حالیکه مأمورین دولت عثمانیه بجز رشوت خوری، وتغیر پیشانی، وپرکردن صندوقهای خودشانرا ازاروپاده‌گر اندیشه‌وسودای نداشتند بلغارها وسربیا وکوهیا لحظه بلحظه درباب بدست آوردن استقلال وشرف وشان دولت خود شان اندیشه ها میدوا نیدند. در حالیکه عثمانیان باتحاد واتفاق، واتلاف، واتلاف مرکزیه وغیره درباب بدست آوردن کاینه پیر همدیگر میزدند. وقوت مدافعه ومحافظهٔ مملکت خود شانرا از اندازهٔ حقیقی آن تصور کرده مغرور میشدند. بلغار ها وسربیا و کوهیا وروسیا در خصوص بر طرف کردن رقیبها واکمال کردن نواقصهای خودشان کوشش ورزیده درماین خود شان تخم اتفاق واتحادرا میکاشتند. این است که هردو طرف کنندهٔ خودرا دروند. ودیدند آنچه دیدند. هزار افسوس که چشم عبرت بین نیست. در وقت حاضر مسلمانان بجز قوالیان هیچ فعالیتی ندارند. اگر کار یکنفر است برسر همه نام. وگر یکروز است بهیئه وصوری اتفاق! هنوز از اتحاد و اتفاق بحث میرانند. ولی نتیجهٔ آن یعنی اتفاق وی اتحادی نتیجه پذیر میکردد. ازالله مع الصابرین.

خبرهای محاربه

در ۲۲ مارچ بوقت صبح بلغارها وصربیه مثلاً ورادریا نویل هجوم نموده سمت مشرق شهررا کهاشش استحکام وتوپخانه های کامل مجهز بود ضبط وتسخیر نمودند. تکری پاشا شهررا آتش داد. اولا زسانه های حرب درشهر دراهد. بعد ازان وایهند بلغاربیگر افسرازوعسکر داخل شدند. جرأت اوقوق عسکر خودرا درشهر گردش داد. تکری پاشا بایکر افسران معیت خود درکلب عسکری بودند. وایهند وسر افسر بلغاری بتکری پاشا پیغام میدی آمدند. پاشا نیز شمشیر خودرا تسلیم نمود. اما نظر بشجاعت ومردانگی کاراز نموده بود شمشیرشانرا واپس یاد تسلیم کرده.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 618 of 1786

(شکری پاشا)

(کوماندان شجاعت نشان اندریانوپل)

درجنابه

درجنابه محاربه بشدت دوام میورزد . تلفات ازمغلوب هنوز معلوم نیست.یعنی اخبارها ازاتوحات وفداکاری مهیب وعصبی فرقهٔ بلغارین بحث میرانند . برحقیقت کلام یك باور باید کرد البته بکیجهرا انتظار باید بود .

کشتی جنگی جدیده

درین محاربه کشتی "جنگی" جدیده شجاعتهای نمایان . وبهادریهای بی پایان نمایداد . این کشتی در اول بندر های بلغار درنظر سیاه گله رزی بنمایاند . و درانجا به طور پیه هسای بلغاری سردوچار شده زخمهای مهلکی رسانده واز غرقش هیچ چیزی باقی نمانده بود درحالیکه ازطرف سرسراسر دراب غرق شده بود بزار مشقت خود را به استانبول رسانید ودر خلیج درامده تعمیرباقت . وبمجردیکه تعمیرات خودرا باتمام رسانید از آبهای داردنیل برامده بر کشتیهای یونان حمله بود وچنانچه درصفحه‌های سابق بیان شده بود کشتیهای یونان را زیرورو ساخته پنج بندر یونان را نیز آتش داد . و ازانجا درخلیج اجر وبار به بیروت . و بازبا کشتیهای خود بسند یونان در آویخت . تا آنکه جندی احوالش یونان واسرار انگیزمانده درینروز دفعهٔ بربندر (دراج)

ملت صربیه ظهور نموده برقرار که ازدوی صربیه چندی بازمده کله بنداخت . وبعد ازان (سن ژوانی) نامشهر صربستان را دررر کاه مغلوب گرفت . و ازانجا بسوی سواحل ایتالیا خودرا کناره کشید.این ملت صربیارا خیلی پریشان و سراسیمه ساخته است . همه بارگاهای عسکری صربیرا باکشتیهای باز کشی" کمتر بندر بود انعراق باتمار نموده است .

(کوماندان کشتی" زرهپوش جدیده رحوف پاشا)

(کشتی" زرهپوش جدیده)

قتل پادشاه یونان

در شانزدهم مارچ درآتنای کهپادشاه یونان (قرال جورگی) بهمراه خیال خود بعد از پیتین برای هواخوری برامده بود . ودرراه میگذشت بقتل رسیده است . قاتل (غلو شیانی) نام یك اوباش یونان" بوده است . ازدو پارده مسافه پایك طپانچهٔ هفت تکه بروی آتش شده است . قاتل خاندم گرفتار شده است . قاتل چهل ساله یك آدمی بوده است . وازسبب قتل انکار کرده است . کادوجود قرال را شکافته در گذشته . ودر بازوی یاور یعنی‌دی کادش کهدر پهلوی اوبود درامده بکشته است.قرالدر بدنیا خانهٔ عسکری زده اند . و بعد ازپیداشت وفات یافت این وقوعات در (سلانیك) بوقوع آمده است در سلانیك غیر از پرنس نیکولا پسر دومین قرال دیگر کسی موجود نبود . ولیعهد (قوستانتین) درایر بحاربه‌مشغول بود پرنس نیکولا بنام برادر خود قوستانتین ازمردم بیعت گرفته است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 619 of 1786

محبوس شدن یك کابل در یخبی

در اخبار عصر ممزز (بلوچستان غربی) نوشته است که یك کابل که از بور تسعید با (اوانیا) تلگرافی به یخبی آمده یعنی که در پشتی یك دوسه طناب وکارتوس آنجا شده بجزای دوساله حبس شدید محکوم گردیده است. « کابل » مذکور عبارتی دو پسرش هم بوده است . در باب فرستادن آنها کابل از حکومت یخبی رخصت خواسته است. و حکومت بزرگوار کرده است .

مکتوبهای بومبه دار

دردا کخانهٔ کلکته یعنی مکتوبها یکه بوسیله بران تسویه شده است ظهور نموده است . پس معلوم گردید که بواسطهٔ مکتوب نیز قتل کردن یك آدم ممکن میشود . چنانچه با یك مکتوب بزور بارمتود آتش میکرد و آثار حدسی اجرا میکند واین بلا اول بار باخبار وا لاهای عالم اجرا گردیده . زیرا مکتوبهای مذکور که در دا کخانه رسیده بنام چار مدیر های مشهور اخبار ها نوشته شده است . ازین مکتوبها یعنی در اثنای میز کردن باطمل شد در دا کخانه آتش کرفته است لازماً مورین دا کخانه دوسه نفر بصورت حدسی زخمی شده است معلوم شد که مدیر های اخبارها بعد ازین درزیر تهدکهٔ بومبه بارد بارد شدن مانده اند ! .

هلاکت زدکان قطب جنوبی

کپتان (ایسکوت) نام انکلیزی برای کشف قطب جنوبی رفته بود . قبل ازان نجنسان کپتان (امونه سون) سویدنی نیز برای این خدمت سفر کرده بود . اما هیئت سفرهٔ سویدنی در وظیفهٔ خود موفق شده نبوده بود . این هیئت کشاف انکلیزی از یکطرف دیگری سر راست بسوی محل مقصود روانه شده بود بله نظر رفقا کپتان ایسکوت از قرارکاه زمستانی خود حرکت نمود . اندیشیدند که موراکاشان کنایت نکند بنظر رفقای خودرا واپس قرارکاه برکردانید . وخودش باشش نفر رفقای خود حرکت کرده وپنزدان کوته زحتها ومشقتها سیئهٔ خودرا پیر کرده درراه خدمت علم وفن کوهها و جزیره های نخبارا کشف نموده بقطب واصل شده است و برق دولت متبوعهٔ خود را درانجا برافراشته است . در وقت برکشتن مشکلات عظیمهٔ سرد جار کردیدند . غیر ازبلای انجماد بلای مدهشهٔ کرسنکی نیز برانها وارد آمد . از رفقای شان یك اشخاص اولا از رفتار مانده بیمار کردید . وچون دید که بهاری وبیقوتی اوموجب هلاکت دیکر رفقایش میشود برای رهایی دادن دیکر رفقای خودرا از عذاب خود وباقیماندن خود آکاهانی رای دیکر ازیك روزی خود در ازیك چلوری جزیره انجماد هلاك ساخت . بعد ازین پنج رفیق دیکر شان نیز همچنین کرد . بعد ازانکه کوهای بلند وعمیق وسدهش نخبارا کذر نموده بقطب جغرافی رسیدند که هنوز مسافهٔ بسیاری تا قرارکاه شان مانده بود . تخمیناً قدر ۲۰۰ میل بانمسافهٔ باقی مانده بود کهاز کرسنکی وسردی درووجود هریکی از انهاقوت حرکت باقی نماند سطرهای که کپتان ایسکوت درین باب هلاکت انشان نوشته است حقیقتاً بسیار الم انکیز است . این هیئت جرأتکار وفدایی راه علوفن درمیان یك کفن بسیارسرد ومیدی بخانیده شده یکدیکر شرف وشان عنصر را در آغوش کشیده بخواب ابدی فرو رفتند . چون دوست آنها در بند رفقای دیکر شان که در قرارکاه مانده بود بجستجوی آنها برامدند . دیدند که چار سها ازسردی ذکر سنکی تلف شده اند . ضایع شدن این قربانیهای راه علوفن الکستان را دریك عالم عمیق در انداخته است .

(فدائی راه علوفن)
(کپتان ایسکوت انکلیزی)

اخبار ترجمان

درین وقت یك نسخه از اخبار فصاحت بیان ترجمان که به لغت ترکی بسیار ساده وفصیح درشهر (باغچه سرای) حالات روس طبع ونشر میشود برای ما رسیده است این اخبار از سالهای دراز دراز اسلامیت وبرای قومیت خدمتهای نایان قلمیه ابراز نموده ومیباید در نمبر ۲۹ درزیر عنوان (زور نالهای ملی) یك مقالهٔ خوبی نوشته که بعضی فقرات آن را درج محیفهٔ افتخار میکنیم: مردمان اکثر درین غربه وحریده هوس وخواهشی زیادی نشان میدهند سال آنکه بدرسالهٔ ما امی زور نالهای که درباره یکبار یادوبار میرسانند آنقدر دقت نه میکنند لاکن چون غربه یعنی کرت کار زور نالدانیده نمیتواند میباید کاهل مطالعه زور نالها یعنی رساله‌هارا درزیر نظر دقت بکیرند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 620 of 1786

عنوان بنام دیگر گزت همان اوراقیست که باسوادث روزانه ومعلومات مختصره پرمیشد . این اوراق امروز توسط میشود خوانده میشود . روزدیگر پراکنده شده فراموش میگردد . اما ژورنال این چنین نیست زیرا در ژورنال تاریخ حوادث یومیه ، واقعات زنده کال وانتخابیه واجتماعیه ومعلومات فیه وادبیه وسیاسیه تحصیلاتجات کردهمیشود وبشکل کتاب حفظ کردهمیشود.

گزت — ورق خبر آوراست .

ژورنال . پارسالها — کتابیست که آن خبرهارا تحلیل وتشریح میکند بازمیگوئیم ژورنال تاریخ خودمان بسیار دقت کردن لازم است . »

بعد ازین عبارات ترجمان حقیقت بیان ازژورنال تاریخ ای وادی که درممالک روسیه زبان ترکی وغیره طبع ونشر میشود بحث وبیان رانده درباب اخبار یعنی ژورنال ماجرا اینطابچین مینویسد :

﴿ سراج الاخبار افغانیه ﴾

نام ژورنال که درکابل نشر میشود یک نسخهٔ آن به ادارهٔ ما آمد . این ژورنال تصویردار فارسی العباره در ماه دوبار نشر میشود . باحروفات استامبول برکاغذ خوب چاپ شده است . ازبسیار اخبارهای هندوستان که دیدهایم اعلاتر است . وجود (سراج الاخبار افغانیه) درترقی های سریع کافغانیان در امور معلمیه ومطبوعات ودیگر کارها بکار رهنمائی دلالت میکند . درنسخهٔ که گرفتهایم این چند تصاویر درج شده است :—

تصویر شکار گاه جناب پادشاه بناهی — قواعد عساکر پیاده — مدرسه حربیه افسود طرزی . نگران ایتیات آقای علی احمدخان مدیر جائی خوب وهم مخلف است (سراج الاخبار افغانیه) رادیده چون شدیم ، موفقیت آنرا تبریک میگوئیم . »

مابنوازش حسن توجه رفیق معزز ومحترم خود مرض شکر میکنیم ودوام اقتدار خواهیم آنرا تبریک نمائیم .

(احوال ایران)

اقتباس جریدهٔ فریدهٔ همصر معزز جلال الدین

﴿ گفته یکی ازدرد مندان وطن حسب ﴾

(حال وطن)

چو بینم حالی ازحیران حالی — سیه گشت گردد بحکم ازال
شود منحرف ازطریق صواب — فتد در سبیل خطاء و ضلال
نهد رو براهیکه افتد بچاه — کند خطها نیک راه ضلال
چو قوم عزیز من ایرانیان — که بودند قبلاً تمام ملل
کنون ازنفاق وجهالت شدند — همه خوار وزارو همه منفعل
دریغا که این ملت باستان — نشانه خطا خطاء زدل
بدور بدون وعدد بیخرد — که آراسته هست وایراد خلل
تعدی بداد ایراد وظلم — تاوگری بلبه این قول وفعل

که ازجهل باهمه گر در ستیز — که ازجهل باهمگر در ستیز
چرچون نباشد ، زاوز ما — باسوده کی همچو جدی وحمل
که گرکان خونخوار ازهرطرف — درانداده برجان ماجون اجل
پدر بردن شاهد ملک ما — رقیبان زهر سو گشوده بغل
چنان گشته احوال ایران خراب — که آرا نمانده جز ودول
ممالک تباه و موالک فزون — سپاه غیر ماموس وزور ودال
نیابی یکرا در آن مملکت — که باشد یکی قول او باعمل
همه در سخن پهلوانند لیک — گه کار کردن چولاغه وشل
چنان رفته جذبت ازمملکت — چنان عقل مارا گرفته خبل
کجاید پدید دوزی توشت — جناب جلا لتآب اجل

مقالهٔ مخصوصه

(حکمای قدیم چه بودند ؟ وحکمای جدید چه شدند ؟)

اولا این را بگوئیم که (حکیم) آنرا چه حکیم میشود ؟ اگر بگوئیم به (عقل) هر کس که یک کاه دارد البته یک عقل زیر دارد ، پس به اقتضای هرکس باید حکیم گفته شود . واقعاً هر آدم ذی عقل حکیم گفته میشود ، ولی باید دانست که عقل حکیم وغیر حکیم به آثاری که پیدان دارد ، ورآنها وفکرهائی که دران آثار بیان کرده باشد ظاهر وعیان میشود . چنانچه حکیم شیراز میفرماید :

زبان در دهان خرد داد چیست
کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد چه داند کسی
که جوهر فروشست یا پسته فر

یک انسان اگر هر قدر جامع العلوم والفنون باشد ، لکن اگر از حکمت ورآنها وفکرهای اودیده وخوانده نشود حکیم بودن ، ونبودن او مجهول نمیماند . مثلاً اگر ما آثارها ورآنها وفکرهای عقلیهٔ حکمای قدیم را نمیخواندیم ونمیشنیدیم چسان بر حکیم بودن شان حکم میتوانستیم :

تا مرد سخن نگفته باشد — عیب وهنرش نهفته باشد

حالادرین پنداشیم که آنرا (حکیم رأی خودرا چسان میدهد ، واثر حکمتان درچه اشیاء پیدان میرساند . هیچ شبهه نیست که هر حکیم رأی وفکر خودرا بدرجهٔ بارزی ومعلومات خود داده میتواند . وهر آثاری که پیدان دارد ترجمان عقل وفکر ورأی او میباشد :

فکر هر کس طبع مالش اوست

بلی ! این یک مسلم آفتست که مالش خودخود حاصل نمیشود بلکه بصورت دیدن وشنیدن حاصل میشود . عقل بدنیا که می

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 621 of 1786

آید هیچ چیزی نمیماند . هر اندازه که بزرگتر میشود عاقبت زیاده ترچیزها می‌بلعدمیشود ، وبهمان اندازه که دانشش می‌افزاید اگر یک طفل را از ابتدای ولادتش دربک جا بیندازد بواسطه زنده گانیش را بهر وسیله که باشد تمام کرده هیچ چیزی به او نتواند و هیچ چیزی به او نتواند در آخر کار آن طفل دانای حی از قوهٔ تکلم نیز درحرمان میماند ، بنا علیه دانش یک چیزیست که از دیدن ، وشنیدن ، وتجربه حاصل کردن وجود می آید .

اما در اینجا باز وارد خاطر میشود که به اینصورت هرکس که دو چشم ودو گوش داشته باشد (حکیم) گفته شود وچون هر صاحب گوش وچشم حکیم گفته شود افلاطونها ، ارسطوها را چه قدر وقیمت خواهد ماند ؟ هیچ ! ولی گمان نباید چون حکیم ازین است که حکمت حکیم مطلق ، ودست قدرت قادر برحق یعنی دادگر را یعنان وصنعتی خلق میفرماید که غلطه هاو خطاهای بسیاری داشته در هر غلطه وهر پیچ وشکی آن انواع از ابراز حکمت ، واقسام انواع معرفت را میگمارد که اینگونه حکمت (موهبی) و (تعدلی) میباشد ، ودر اینجا از صدد بحث ما خارج است ، ما از علم وحکمت کسبی وتحصیلی بحث میکنیم ، وباندازه توانایی درمورد حکمتهای قدیم وجدید میپردازیم .

گفته بودیم که حکیم به آثار آن وفکر ورأی شان شناخته میشود ، ورأی وفکر از دانش ، ودانش از بسیار دیدن وشنیدن وجود می آید ، مقصد ازبسیار دیدن وشنیدن ، بسیار خواندن وبسیار تحصیل کردنست ، آلات وادوات بسیار خواندن وتعلم تحصیل کردن کتابها ، مکتبها ، دار الفنونها ، سیاحتها واعمال آنها میباشد .

در وقت حاضر یک مهندسی که از مکاتب عالیه فارغ شده ، ویا یک طبیبی که از مکاتب طبیه فاضل التحصیل شده ودر رشتهٔ خود مکویند که : « گفتهٔ اوغلیدس ، یا فلان که یک درس از ریاضی یا از طب به او بدهم » ، اگرچه اینگونه ادعا خیلی بلند وداری وجودهای بشمرده میشود ، ولکن چون یکقدری ملاحظات ذیل را ملاحظه فرمایند چنانچه گمان شده است بلند پروازانه گفته نمیشود :

حاصلشدن دانش را از بسیار دیدن وشنیدن یافته چون این دیدن وشنیدن بسیار ، دو صورت دارد : یکی آنستکه بطریق سیر وسیاحت دنیا ، ودیدن انواع زمینها وانسانها ، وودایع اشکال طبیعیه وخلقتها ، وشنیدن هزارها رقم سخنها وحوادثها ، ودر بطریق بسیار خواندن ، وبسیار مطالعه کردن که مدار یکی افزونی دانش چون دو چیزاست .

حالا بر اصل مقصد خود آمده به بینیم که دنیا در زمان حکمای قدیمه چقدر بود ، وحالا چقدر است :

از ملاحظهٔ سطحی خریطه ها ـ یعنی نقشه های زمینی ـ که قسمای جغرافیون بوتایه گشوده وصورتهای آن قرناً بعد قرن تا به ایندوقتها رسیده چنان معلوم میشود که در اوقتها هرچه از یونان تا بحر وجزایر مغرب زمین از افریقا ، واز آسیای صغری گرفته تا به ایران ، از آسیا ، واز بحر طوسه تا یک کمی از ایتالیا از اوروپا عبارت بوده است ، وچون دنیای به این زرگی عبارت از همین جاهای مذکوره بالته هیچ شبهه نیست که بدیهای مردمان آنوقتها نیز در داخل حدود همقدر جاها بوده پست ، حالا آنکه در همین قدر زمینهای مسطوره نیز بسبب نبودن راههای منتظم ، وآلات نقل وحمل محتاج از یک شهری بشهری ، یاازیک قطعهٔ بدیگر قطعهٔ سیر وسیاحت کردن کار مرد جهان دیده نبود ! واز این سبب بود که ازوضع وقیافهٔ بس مملکتها ، والسنهٔ ، ومخلوقات غرابت نما نقل وروایت کردند ، وساختند عجایب اخلوقات کتابها تصویر کرده از بس کلام کوشیا ، ودر خیالهای که انسان واقوامها وغیره بخیالها رانده اند .

حالا یک خریطه ، ونقشهٔ کرهٔ زمین عصر حاضر را وسر موزمان اندازه بدید کنونیا بازبان اروپای پیشتر زیاد گردیده است ، وسیر و سیاحت آن درجه آسان شده که تمام کره را با یک یکسی کوچک دستی در ظرف ۸۰ روز دور کردن یک ساعت تیری شمرده میشود (۱) بازین ثابت میشود که دایرهٔ حدود دیدنهای مردمان این دنیای جدید از دایرهٔ رؤیت مردمان قدیم واسعتر وفراخ تر وده است .

آنچه در مسئلهٔ بسیار خواندن وبسیار مطالعه کردن دیده صحیح شمرده شده است که بسیار خواندن و بسیار کتاب و آثار دیدن موضوعات کرده (مونتین) که عبارت از شاگردان (ارسطو) ست در زمانه معلم خودشان میدانند واز حکیم اول یاد میکنند که به این سبب آنها را (مشائیون) یعنی (راه رفتگان) میگفتند ، واین نیز مکرار بی کتابی ، هر حکیمی که در اوقتها در مادهٔ صناعتی صاحب سرمایهٔ علم و مکتبی در ذهن وسینه اش محفوظ میبود ، وشاگردان نیز معلومات که ازو میگرفتند ازبر میکردند ، واز این سبب گفته اند : (العلم فی الصدور ولا فی السطور) حالانکه هر سینه محیط همه علوم نمیگردد ، مثلاً خریطه یعنی نقشهٔ یک قطعهٔ زمین یا همه کرهٔ زمین را انسان در صدر خود نقش کرده نمیتواند ، بوسیله سال وجود خریطه ها ضروریست ، اگرچه در ازمانهای حکمای قدیم نیز کتابها نوشته شده است ، واز رهای افلاطون وارسطو تا به این زمانها خلا بعد خلل رسیده است ، اما آن کتابهای که در اوقتها نوشته میشده و یک رقم درخشی که آنرا (یا پروس) میگفتند ، واز مدد بضاعت بسیار گران می آمد نوشته میشد که آنگونه کتابها را تنها پادشاهان و زرگان مالک شده میتوانستند .

(۱) (سیاحت دوره دور کرهٔ زمین بیست و دو روز) بارگرافی که در مجلهٔ مبارکهٔ عبارت در دار السلطنهٔ کابل طبع رسیده ودر مکان خلا تلاش که گشتروش دعمل مدرسهٔ شاهی نشیت ؟ دوروزه گافی فروخته میشود این کلمه را بخوبی واضح میسازد ـ کتاب مذکور درمتن مطبعه عبارت دوره افغان نیز فروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 622 of 1786

از روایات موثوقهٔ تاریخست که بسبب بی کاغذی وبی کتابی در میان شاگردان حکما چنان اشخاصی پیدا میشده که سرفصلهای خود شانرا بر وجود خود شان مینوشتند . و با وقتی که حرف حرف آنرا از بر میکردند وجود خودرا نمی شناختند . فیثاغورس(یونانی) یك نوع ورق آهو نام کاغذی از پوست حیوانات بزمو جود بود که آنهم در کرانی از پاپروس یا کاغذ نیا بود . ارزانترین کتابها آن بود که ورقهای آنها از تخته چوبهای باریك بار یکی تشکیل یافته بود که آنهم بسبب سنگینی وگاهی پرداشتن و آوردنش خیلی پر زحمت بود . بنابرین سیما حکمای متقدمین تدریس وتعلیم خودرا زبانی میدادند، وشاگردان شان مجبور بودند که کتاب خودشانرا قوهٔ حافظهٔ خود سازند . پس زهی شاگردی که مالك قوهٔ حافظه میبود !

بحث مابطول انجامید . وهنوز به نتیجهٔ حاصله نرسیده، مالاعلاجه ایستدیم بگوشیم که چشمهای حکمای قدیمه چیزهای بسیار کوچك را دیده نمیتوانستند مالانکه حکمای جدیده ذره بین ومیکرسکوپ نام آلهٔ را بر چشمهای خودشان نهاده عوالم بالا نهایه

حکمای قدیمه کرویت زمین را بخیال تصور میکردند . ولی از اثبات آن عاجز بودند . مالانکه حکمای جدیده کرهٔ زمین را از غرب بشرق واز شمال بجنوب بارها دور وسیاحت کرده مسئلهٔ کرویت را بادلهٔ اثبات کردند .

﴿ نظارهٔ یك درهٔ لطافت منظرهٔ ﴾

(این تیر چوقان وشره غاییست که معروف بچنبر (بلاب) درموقع کهپار درداخله کرمه هدو کش درمسافتهای کابل واقع شده است)

میکروپ نام حیوانات صغیره را دیدند که از غایت کوچکی ، پلیونها عددآن ضرب یك توك سوزن هم نمی آید . حکمای قدیمه چیزهای بسیار دور را هم دیده نمیتوانستند اما حکمای جدیده دوربین وتلسکوپ را بر دیدهٔ خود نهاده بسیر سیارات وبعد مسافات چشمهای شان ، کامیاب آمده است .

گوشهای حکمای قدیمه واقعات کثر جاهای دور را نیز بسیار درشنیده نمیتوانستند ، حتی بسیار واقعات را هیچ نمیشنیدند . مالانکه حکمای جدیده اولا یك واقعه که در هر نقطهٔ از خط کرهٔ زمین بوقوع آید در آن واحد بواسطهٔ تلگراف وتیلفون میشنوند .

کلامیکه از دهن حکمای قدیمه میرامد آنرا تنها شاگردان که در دور وپیش شان میبود میشنیدند . مالانکه حکمای جدیده (مطبعه) نام یك زبان عمومی را مالك شدند که بواسطهٔ آن سخن خودشانرا بکائنات میشنوانند .

حکمای قدیمه احوال زیر زمین را ازروی زمین خالیا کرده اسنورات میرورانیدند . مالانکه حکمای جدیده بواسطهٔ آلهای زیر زمینی کانهای زغال سنگ نابسیار عمقهای عمیق زمین سیر وسیاحت کردند . وچیزیکه چشم خود دیدند ودست خود لمس کردند نوشتند .

حکمای قدیمه اگرچه بر کرهٔ ارضی علم آورده توانستند ول آنرا بالایها تصور کردند . مالانکه حکمای جدیده بواسطهٔ بالونها بر طبقات مختلفهٔ آن درمیان ابرها سیروسیاحت کرده حدود آنرا معین کردند .

والحاصل چون بسوی مطبعه‌ها ، ومکتبها ، وکتبخانه‌ها ، وآکادمی‌ها ، وفابریکه‌های نباتات ، وحیوانات ، ورصدخانه‌ها ، وهزارها اختراعها وآلات وادوای که درین عصر حاضر بدست حکمای جدیده‌می‌بینم نظر کنیم عشر عشیر آن بخیال وبخاطر حکمای قدیمه‌هم نگذشته بود . وچون حکمت حکیم از آثار ، وآثار از رأی وفکر ورأی ، وفکر از دانش ، ودانش از دیدنها وشنیدنهای بسیار حاصل میشود وآلات وادوات دیدنها وشنیدنها چون عبارت از همین چیزهاست ، واین آلات وادوات چون در دست حکمای جدیده میباشد ازاره اگر یك مهندسی از مهندسان اینعصر بجاز کردن کانال سویس پردازد وبرخی آبهای یك بحر را بدیگر بحر ، وبجزیره ساختن یك قطعهٔ بزرگ اقدام کند که : « حکایت اقلیدس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 623 of 1786

با اورا یك‌درسی از هندسه بدهم ، آنقدر بلند پروازانه یك ادعای شمرده نمیشود .

حالا چون این همه عاکات را قارئین کرام مطالعه فرمایند درباب اینکه ، حکمای قدیم چه بودند ؟ وحکمای جدید چه شدند ؟ ، یك فکر اجمالی حاصل کرده خواهند بود . ولکن این راهم بگویم که از این تفصیلات چنان مفهوم نشود که ما حکمای قدیمه را سراسر از قدروحیثیت دور انداختیم . نی نی ! قدر وقیمت حکمای قدیمه ، چندانست که آنرا انسان انکار کرده نتواند . قدما اساس نهادند ، متأخرین بران بناها ساختند . قدما معلم بودند ، متأخرین متعلم شدند . قدما تخم حکمت را کاشتند ، متأخرین حاصل برداشتند . لهذا چنانچه افضل بودن متقدمین انکار شدنی نیست ، همچنان اکمل بودن متأخرین نیز بدیهی وثابت است . والله اعلم بالصواب .

انتها

عالم عسکری

(جاسوسهای عسکری)

ازنام جاسوس همین معلوم میشود که چیزهای پنهان را جستجو وتجسس کرده ، وبتحقیق وتدقیق رسانیده آنرا خبر دهد .

جاسوسها بردونوع است : یکی آن جاسوسهای پست فطرت بی ایمانیست که برای ضرر وتضعیف دولت ، وملت ، ووطن خود به پیشهٔ چل ومردار دشوت دشمن دین ووطن گردیده شده وجدان وناموس وایمان خود را فروشند . واسرارهای را که متعلق نفع دشمن وضرر وطن باشد بدشمن رسانند که ما ازین نوع دنی های بی ایمان بحث نمیکنیم . واز نوع دوم آن حرف میزنیم که آنها هزاران تهلکه ها ، ومشقتها را بخود گوارا ساخته وخبرهای را که برای نفع وفایدهٔ

یك درهٔ لطافت منظرهٔ دیگر

در (استالیف) نام موقع کوهدامن زمین کابل واقعست

دولت ووطن وملت شان بدست آورده بدولت خود خبر میدهند که اصل موضوع بحث ما درین مقاله عبارت ازهمین رقم جاسوسها میباشد .

این یك معلوم همه کسان است که هردولت برای محافظهٔ موجودیت وهستی خود ، وبرای بجا داشتن شرافت وحیثیت قومی ومالی خود بکلی واسطه که بدست دارند همانا اردوهای عسکری بری وبحری شانست . ازین سبب دروقت حاضر سعیها وکوششهای که دولتهای رقیب همدیگر برای حاضر ساختن وانتظام ، دادن اردوهای خود شان صرف میکنند خیلی شایان حیرتست . بمجردیکه درجرمن یك اعلان تبدلات عسکریه رخ نماید ، همانده می بینم که فرانسی ازان باخبر شده آنرا دروی کار می آورد ، وبمجردیکه انگلیز یك کشتی جنگی زیاده کند جرمن همانده به کوشش آن میشود که دو کشتی بیفزاید ، همین منوال همهٔ دولتها دروقت حاضر ازترس حرص همدیگر ، وباضرور انتظام یکدیگر خودشان بچنان عارضه مصارف گرفتار آمده اند که از باقیات کار خودشان نیز بهاندیشه افتاده درباب جلوگیری این زیادتی عوارض خود شان میخواهند که قوانین صلح عمومی ، ومراجعت نمودن به حکم ، ومقاوله های محدود ساختن تسلیحات را دروی کار اندازند ، اما کجا! اینها همه صرف خیالست! هردولت مجبوراست که دروقت حاضر ازمقدار قوت حربیه وحرکات عسکری همسایگان خود شان که امروز دوست وفردا دشمن باخبر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 624 of 1786

گردند ، وبهمان نسبت خودرا حاضر سازند ، زیرا بدشمنیکه قوت وقدرت آن معلوم نباشد در اوضاع نتیجه‌های بدی بظهور می آورد که بتجربه ها ثابت شده است . لهذا دولتها درباب بدست آوردن خبرهای قوت وحرکات حربی وعسکری دشمن رقم رقم جاسوس دارند

اولا جاسوسهای رسمی و آشکاریست که اینها بهمراه سفیرهای هردولت درپایتختهای دیگر دولتها میباشند . و آنهارا (آتشه میلیتر) میگویند . اکثر این آتشه میلیترها از رذالترین عسکری بدرجهٔ اعلا تربن طرزش برآمده میباشند . ولااقل به سه چهار زبان بسیار ماهر وشاطر میباشند . این آتشه میلیترها درهر دولتی که بهمراه سفیر خود میباشند وظیفهٔ یگانهٔ آنها همین است که دایا حرکات عسکریهٔ همان دولتی را که در نزد آن بصفت آتشه میلیتری نشسته است تحقیق کرده ، وازنکته های باریك اردوی آنها معلومات بدست آورده بنقطهٔ مخصوصهٔ (ارکان حربیهٔ) دولت متبوعهٔ خود منظماً راپورها میفرستند .

این آتشه میلیترها بافسران اردوی دولتی که درانجاست دوستی وآشنایی پیدامیکنند ، وبواسطهٔ آنها بدانستن بعضی چیزها کوشش میورزند ، ووعده های منافع زیادی بلانهای حربیه ـ یعنی نقشه‌های جنگ ـ وبارسمیاو نقشه های یك شهر ویا قلعه تمام وکمال راکه تزئیات نداشتهٔ آن چندان مزدی بابهر چیله که باشد بدست می آرند ، وآنهارا مانند گنجهای گرانبهای بدولت خود میرسانند .

وچون آتشه میلیترها درمانورهای عسکری ـ یعنی قواعدهای بزرگ جنگی ـ رسماً دعوت میشوند ، بهمین نیز درباب تعلیم وتربیهٔ اردوهای عسکری ومهارت ولیاقت افسران آن دولت بخوبی معلومات بدست می آرند .

ثانیاً جاسوسهای غیررسمی ، اینهایست که آنها افسران کوچك عسکری ارکان حربیهٔ یکدولت میباشند که بتبدیل لیاقت ولباس بمملکت دیگر دولتی که زبان آنرا خوب آموخته باشند میروند .

این قسم جاسوسها همان عین مقصدرا بصورت پنهانی وخفیه بدست می آرند ، وبهمان مقصد فرستاده میشوند بسیار بارها دراخبارها از گرفتار آمدن اینچنین جاسوسها حوادث شنیده میشود که اکثر آنها همین افسران کوچك ارکان حربیه میباشند .

ثالثاً درجاهای مهمی که یك دولت برای آن یك فکر ومقصد پنهانی چاسوسهای درچنان جاها فرستاده اکثر دراصل عسکر میباشند وبتبدیل لیاقت ملکی خودرا صنعتکار یا کسبکار وقرار داده بازوظیفهٔ اصلی خودرا بجا می آرند .

رابعاً جاسوسهائیست که ازاهالی خودیك مملکتیست که بدست استیلای دشمن درآمده میباشد ، واصل خدمت بسیار بزرگ ازانها انتظار میشود اگرچه دولتهای حاکمهٔ برچنین عنصرهای مختلفهٔ زیردست خودشان که دراول زیردست شان نبوده وبعدازان درزیردست حکومت شان درآمده بسیار سعیها وکوششها ، وحیله‌ها وظلمها بکار میبرند که آنهارا ازدیگر هم عنصران وهم‌ملتان شان جدا سازند ، وملیت ولسان شانرا نابود وضایع نمایند ، وحسیات شانرا ازهرگونه شان برگردانیده بسوی خود جلب ومایل کنند . ولی این سعیها وکوششهای شان بیهوده ورایگان میرود ، وحیله ها وظلمهای شان بغض وعداوت آنهارا افزونی می بخشد ، وهمیشه درصدد آن میباشند وانتظار میکشند که چه وقت همچنان شان که درانطرف سرحد میباشند بفریادشان رسیده آنهارا از جنگ ظلم واستیلای غیرجنس شان رهای بدهند ، این است که یك اندازه معاونت ازانها خدمتهای بزرگ بزرگی بدست آورده میشود ، وچون آنها ازنفس خود آن مملکت میباشند ازجاسوسهائیکه بتبدیل لیاقت فرستاده شوند بیشتر فایده حاصل میشود .

اصل خدمت بزرگ ازین ها دروقت جنگ گرفته میشود ، زیرا اخبارهها اول درسرحدها میچسپد ، وچون عسکر ازسرحد بجای دشمن نجاوز نماید هنوز آن اهالی محکومه بسبب جنسیت

فاجعه های پاریس

(بقیه ازشمارهٔ ۱۴ سال دوم)

— البته ، تنها بانصحن بگوئید کجه یتم .

— چون چیزیست ، بگجه فرانك میخواهم .

— بسیار خوب منهم بگجه فرانك میدهم .

مادام آلفو لبهای خودرا غنچه وخود بخود ، توجه خطا کرده باید که دوهیتقدر طلب میکرده ، دموسیو را خطاب کرده گفت .

— آیازاجهٔ ما را چه وقت می آورید صاحب من !

— فردا وقت شام درمابین ساعت شش تاهفت .

— خیلی خوب ، منهم برای قبول کردن او حاضر میباشم .

— اما پیراهم یاهم قرار داده‌ایم که بعد ازازدواجمان زن آکراو رابامرا دریکجا پی‌تصادف کنید ، اوراوادار مرا هیچ باید که نشناسد . اما همچنین نیست مادام !

— البته حاجت سوال ندارد صاحب ! همه مشتریان من بعد ازانکه ازخانه او رابیرون من دوباره آنهارا میشناسم ، من اگر مادامهای را که میشناسم درکوچه وبازار چون بیایم وبایشان سلام علیکی کنم هیچ کس دوباره بطرف من چرخ هم نخورده ، دهدوازده مشتریهای دارم که چون صاحدراه بازارمی بینند چنانچه بشناسی رادیده باشند همچنان ترسناك واندیشه ناك میکردند ، ولی من تاکنون تجربه شده میروم .

— چون چنیست کارما وشما قرار یافت ، فردا شام می بینم مادام .

اینرا گفته موسیو کلاه وچوب دست خودرا گرفته میخواست که ازانجا برود که مادام آلفو گفت :

— هنو بفرمائید اینك چیزی میگویم ، لکن رجا میکنم که ازسخن من نرنجید .

— چرا برنجم ! بگوئید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 625 of 1786

وهم کیشی فداکاریهای بزرگی برای مدد وخدمت همچنان هم عنصران خودبکار میبرند . چنانچه مثالهای این را تاریخهای حرب چابه بسیار بوضاحت نشان میدهد : مثلا معاونت طولنوزها در محاربه روس وژاپن به همجنسان خودیعنی ژاپنها . ومعاونت ومددکاری جنسهای مخالفهٔ بلغارها ، ورومها ، وغیره که محکوم دولت عثمانیه بودند در محاربهٔ بالقانها بهمجنسان وهم عنصران شان .

دیگر خدمتهای که ازانها گرفته میشود این است که درموقع جنگ جاغهای کوچك کوچکی ازانها تشکیل داده ومسلح ساخته برای خراب کردن خطهای تلگراف ، وریل ، وویرانیدن پلهارا بدینامیت ، وآتش افروختن ، وبرهزنی کردن وغیره چیزهائیکه موجب مشغولیت فکر وحیران ساختن دشمن شود ، وقوت اردوی او را کومتفرق سازد . چنانچه درین محاربهٔ بالقانها بلغارهاازینگونه عملیات بسیار فایده هابرداشتند . همهٔ این تدبیرهائیکه موجب مغشوشیت دشمن شود درموقع جنگ یعنی آرامی وپیش ازجنگ حاضر وترتیب میشود ، ودرموقع جنگ فایده هازان برداشته میشود .

ادبیات

از ترکستان مینویسند

در تعریف (سراج الاخبار مبارکه افغانیه) ازطرح پریشان ناچیز شکسته دل (عبدالعزیز) متخلص به (بسمل) که تن خسته دارد وقلم شکسته نه مقدوری لایق دیدن نه مقرری قابل شنیدن بدلم گذشتهٔ نکوئی چند این عاجز هیچ مدان بکا وشعر وبیان کا ازطلاطم جوش محبت واخلاص بکون ضمیر خود در معرض بیان آورده امامچه بیان همهٔ مضمون وپریشان امیدست که جواهر اخلاص این حرف پارهارا شایان الذات وقبول سازد وبه نظر باطف جناب استادان کرام وارکوالالباب عظام نوازد انشاالله تعالی

دیده حیران سراج الاخبار دل تاخوان سراج الاخبار
خیرخیزان سراج الاخبار عالم ارکان سراج الاخبار
حب دین جان سراج الاخبار

آرش قوت اجبا دارد در دل سامعه ها جا دارد
هست روشن به بیضا دارد هر طرف موج تجلا دارد
شمس تابان سراج الاخبار

یافت درفن سیاسی جهان بهرهٔ خاص ازو پیرو جوان
ظاهراست اینکه دین بعد توان رونق تازه به افغانستان
داد عرفان سراج الاخبار

اهل اسلام همه یکدل گردید ملت و ملک چوگلشن گردید
ای دعا خلق که برمن گردید ای دعا دیده که روشن گردید
ازچراغان سراج الاخبار

پرتو سایهٔ ظل الهی پسر ملت ز ترقی خواهی
پرورا نیده چنین آگاهی لاجرم آمده مدح شاهی
عنوان سراج الاخبار

شهر یاریکه به اخلاق نکوست خیر دین وطن وقومش خوست
ای خوش اقبال کزجنش بموست شادمیباد ازجوانبخت کوست
رفعت شان سراج الاخبار

آنکه مارا مدنیت آموخت هرطرف نور معارف افروخت
همه اسباب ترقی اندوخت غفلت و بیخبری هارا سوخت
نور رخشان سراج الاخبار

(بسمل) هرجا که طپیدن دارد پرو بال پریدن دارد
پرو سینه دویدن دارد ذوق اخبار شنیدن دارد
ازدوستان سراج الاخبار

— (تحسین) —

— وقتیکه همراه مشتریهای خود کاررا فیصله کردم عادت منست که تمام پولرا پیشکی میخواهم ازین سبب عنوتهارا طلب کرده ازعادت خود بیان کردم .

— بسیار خوب عادتست . این حرکت شمارا شایان تحسین میدانم . ازجزدان خود یك بانکنوط پنجصد فرانکی کشیده)) بیارین تمام همه پیسه شمارا پیشکی میدهم .

— بکمال خوشی بانکنوطها را گرفته آیا بمقابل کی یك رسید میخواهید ؟

— نی مادام ، من برشما امنیت کامه دارم .

مادام آنخوشحالی خود رابدفعات سلامها داده دادند تابسر زینه مشایعت کرد . حتی یك چند زینه هوزیان شده بود کهازهم از عقبش ازسلام دادنها دست بردار نمیشد . وقتیکه برامدن مهمان خود را از دروازهٔ خانه دیده واپس به اوتاق خود بکمال انشراح دل بر کشت خودبخودمیگفت :

— پنجصد فرانك ها ! هم پیشکی ! چه عجب لقمه ! هیچ شبه نیکنم که درین کار پلهٔ انزیکه بسیار بزرگ دور می خورد ، هم انزیکه ها وجیه ها در میان عام کلانخانه ها دور می خورد پا این است کهبك مادموازل یعنی دختر کدام کلانی یك خطای بزرك وجبیی کرده ، یا آنکه کدام شوهری را بازی داده زنش راخانه کرده اند . لما من این را زیاده تر آرزو میکنم که کدام شوهری بازی خورده باشد ، حریف یی آنکه از چیزی خبر باشد ودر خانهٔ خود بخواب راحت رفته باشد از دیگر طرف یك اولادی بخانهاش پیداشود . بر اوو !! (بقهقهه خود بخود خندید) حقیقة چه عجب احوال ! بی چه ! چون هیچ یك مردی ناحال طلاق ازدواج من نشده از آنرو برسر شوهران هر گونه مصیبت وبلایی که باید خوش میشوم ، به این مصیبت وبلاها مستحق هستند ، جزاهای خودرا بکشند .

روز دیگر بعد از ضروب پیك کمی ، یعنی در همانیکه قوتی قلوبیك دور اندال از خانهٔ پدر خود مارکی دومونوب باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 626 of 1786

ناموران نباتی جهان

(مابعد از شمارهٔ ۱۴ سال دوم)

ماذا تقولون ادقال التی لکم ماذا علمتم واتم آخر الامم بعدی وباهلی بعد منقدی منهاساری وسرعرضه جوابدم ماکان هذاجزای اذنصحت لکم ان تحافونی بسوء فی دی رحم

یعنی — آیاچه خواهید گفته توانست دروقتی که حضرت پیغمبر تنها بشما بگوید که اینچه کردید باهل وعترمن بعدازمن وشما آخرترین امتها امتها بودید . بعضی راسیر ، وبعضی را مدفون ، وبعضی را بخون غرقه ساختید . این بود جزای اینکه بشما نصیحت کرده بودم که به دوی الارحام من بدی مکنید .

ابنهٔ غیلان :— اصل نامش (باذبه) است که بابنهٔ غیلان مشهوره میباشد . ازحمایات معمر برگزیده رسالت است که درمیان حمایات به عربی وزینت و آرایش کری شهرت شعار یك خاتون باوقاری بوددراوقت از ابنهٔ غیلان ، و(فارعه بنت علیل الفقیه) بازینت تر و آرایش تر هیچ زنی موجود نبود . همهٔ زنان آنوقت برورتش میرفتند . درتعریف وتوصیف آنزنان عرب این عبارهٔ عربی را میگفتند :

« فعلیك بابنة غیلان ! فانها هیفاء شموع نجلاء ،
« ان تکلمت لفت ، وان قامت تئن ، وان مشت ازنت ، »
« وان قعدت تبنت . اذا اقبلت أقبلت بارج ، واذا »
« ادبرت بان »

یعنی — تراسفارش میکنم بدختر غیلان ! چرا که او کشاده طبع ولطیف متربیت ، وماند یك شمعستان نجلاست ، وقتیکه تکلم کند نغمه سرایی میکند ، وچون برخیزد قیامت برپا میکند وچون بخرامد میلرزد ودلهارا میلرزاند ، وچون بنشیند یك برج حسن وجمال بنامیکند ، اگرروبرو آید تجهار واگر پشت بگرداند به هشت است

ابنهٔ کلثم :— یك خاتون عربیه قصبه ایست که نامش مجهول است ، وبهمین لقب مشهوره است واز زنان زمان (شعیب) علیه السلام است . در (قاموس) نوشته است که (ابجد) و (هوز) و (حطی) و (کلمن) و (سعفص) و (قرشت) نامهای شش نفر پادشاهان اهل (مدین) است که (کلثم) بزرگترین آنها ورئیس شان بوده است . وبدر همین زن صاحب الترجمه میباشد وقتی که در (یوم ظله) عذاب که برقوم شعیب علیه السلام نازل گردید همهٔ بزرگان شان هلاك گردیدند . ابنهٔ کلثم درمرثیهٔ پدرخود این ابیات را گفته است :

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ ۱۴ سال دوم)

ملکتها ، ودولتها ، وملتها ، وملتها ازهمین سبب بوجود آمده است . اما شرط یگانه فایده رواشتن از حاصلکردن ثروت ازین مربوطیت ومشارکت طبیعیهٔ ممالك مختلفه این است که مبادلات به امنیت و آزادی تمام جاری شود . ولی هزارافسوس که درماین ملتها از زمانهای بسیار قدیم غرضها وخصائتها ودشمنیها موجود است که این کیفیت مانع آزادی وامنیت مبادلات میشود . هرملت بهمین فکراست که ازاندیگر ملت قطع علاقه نماید . وبه دیگری محتاج نشود . وتا بمحصولات خودشان اداره وگذران کند . این است که برای حاصل شدن این مقصد درراه آزادی رفت وآمد مبادلات ، واخذ وعطای معاملات پسی پسی موانع بوقوع آورده وهی آورند .

از مسئلهٔ آزادی مبادلات بعد ازین به تفصیل بیان خواهد شد . درینجا تنها همین قدر بیان میشود که درنظر علم ثروت ، اختلافها ودشمنیهایی که درماین ملتها از سبب جنسیت ، وملیت پیش آمده وروز بروز افزونی میگیرد سراسر مغایر حکمت وطبیعت دیده میشود واز هر جهت برای جمیت بشریه موجب خسارت ومضرت شمرده میشود . زیرا هرمملکت برای دیگر مملکتها یك بازارگاه بزرگی اخذ وعطا میباشد که هراندازه آن بازار وسعت گیرد ، وداخل شدن به آن بازار آسانی یابد برای محصولات آن هماندم خیرومنفعت حاصل میشود . این بازارگاه طبیعت را سد کردن ، حوزهای تقسیم وتشرک اعمال را نشناختن ، وخودرا نیز ازان محروم ساختن است .

اهمیت وفایده های قاعدهٔ تقسیم اعمال بدرجهٔ در عالم انسانیت تأثیردارد که اگراینقاعده درعالم نبود امروزه روز از بسیار لذتها وفایده‌هایی که به اقل درجه بسیار کم ازان مستفید میشویم سراسر محروم میماندیم . مثلا یك پیاله چایی را که طبیعت دوشیزه درینك

باقی دارد

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وروسکی — پاشتو ولیه برای تعلیم اطفال بفروش میرسد . المشتهر
(بالکرفتن دارای سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درخود بازارکابل

همه مقاله هائیکه وسخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 627 of 1786

﴿کتب دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه﴾

شماره	اسم کتاب	قیمت	کیفیت
۱	رسالهٔ اول دینیات	یکعباسی	درین رسایل مسایل عقاید واخلاقیه بعبارت آسان وروشن نوشته شده واز کتب معتبرهٔ عقاید اهل سنت وجماعت وفقه شریف انتخاب شده است
۲	رسالهٔ دوم دینیات	پنج شاهی	
۳	رسالهٔ سوم دینیات	یکقران	
٤	سراج العقاید حصهٔ اول	سه شاهی	
٥	سراج الفقه حصهٔ اول	دوعباسی	مسایل فقهیه واحادیث اخلاقیه برای درجهٔ وسطیه زبان عربی نوشته شده
٦	سراج الفقه حصهٔ دوم	ده شاهی	
۷	سراج السیر احوالات حضرت سیدالمرسلین	یکروپیه	حالات حضرت رسول مقبول از ولادت تاوفات بطرز اجمال از کتب سیر وتاریخ انتخاب شده
۸	رسالهٔ علم طبیعیات	چهارعباسی	مقدمات دانستنی طبیعیات از انگریزی ترجمه شده واصطلاحات بری نوشته شده است
۹	سراج الحساب حصهٔ اول	دوروپیه	برای تعلیم حساب درمدارس هندیه از کتب معتبرهٔ انگریزی ترجمه شده وبه اوزان وسکهٔ جات افغانستان مثل مسایل شده است
۱۰	تحریر اقلیدس فارسی اول ودوم	روپیه	بطرز قواعد جدید از اقلیدس انگریزی ترجمه وانتخاب شده وسوالات
۱۱	ایضاً سوم وچهارم	دوروپیه	هرمقاله علیحده بآن الحاق یافته
۱۲	مرآة الارض مختصر جغرافیه دنیا	یکروپیه	مختصر جغرافیه دنیا میباشد
۱۳	احسن القواعد (صرف ونحو فارسی)	یکروپیه	قواعد صرف ونحو فارسی میباشد
۱٤	قاعدهٔ فارسی بطرز جدید (برای اتحاد خوانان)	یک ستار	الفبای مخصوص زبان فارسی میباشد
۱٥	رسالهٔ ضرب زبانی (برای تعلیم ابتدای حساب)	پنج پیسه	برای تعلیم حساب درجهٔ اتحادیه تالیف شده
۱٦	کتاب اول فارسی	یکعباسی	ضروریات اخلاق وعادات حسنهٔ مفیدهٔ اطفال از کتب معتبره انتخاب شده
۱۷	کتاب دوم فارسی	پنج شاهی	
۱۸	کتاب سوم فارسی	دوعباسی	

المشهر یکی ازاعضای دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه (حبیبیه لاز)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 628 of 1786

﴿ سباحت و دور ادور کرة من ﴾

﴿ پیشنهاد رو ﴾

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شریف است که خرافات میشوانند ، و جوانان می آموزاند ، دکن ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بابتی جلد قیمت (۲) دو روپیه کابلی بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باید اعلا)

و دو کتابخانهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا به باید کرد ؟)

(باید اعلا)

در اداره موجود است ، آنرا وکسنده کابل خریداری کرده میتوانند

قیمت جلد (۲۵) بیست و پنجروپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خود دارند در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر نوع اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود بر سر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۲۵ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در ورق وقایع درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۲۵ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ۴ — سونت) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 629 of 1786

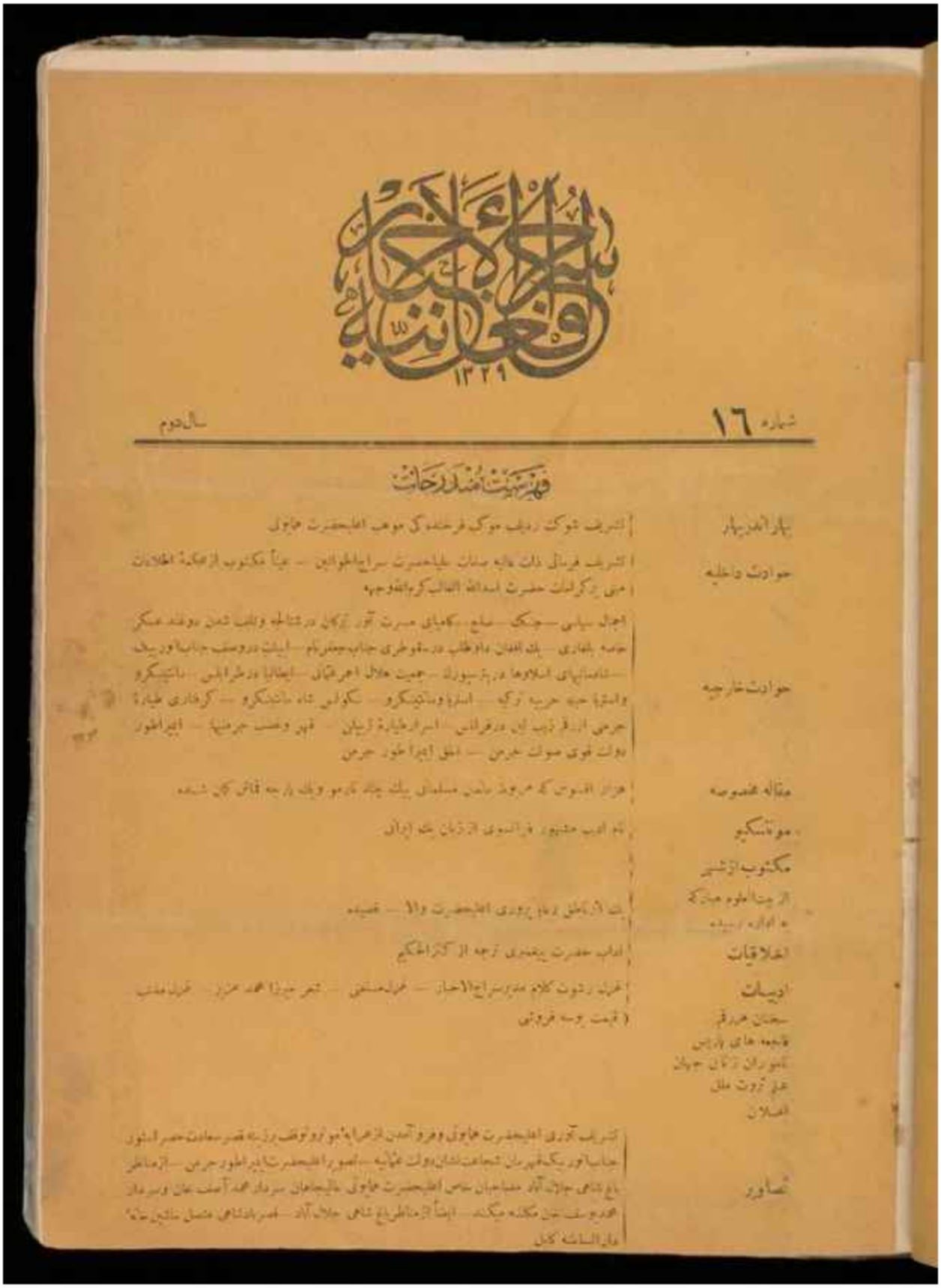

شماره ۱۶ سال دوم

فهرست مندرجات

بار اندر بهار | تشریف شوکت ردیف موکب فرخنده کی موهب اعلیحضرت همایونی

حوادث داخله | تشریف فرمائی ذات هایه سلطان اعلیحضرت سرایاطوافین — عیناً مکتوب از محکمهٔ استیناف (منی بر کرامات حضرت امداد الطالب کرم الله وجهه

حوادث خارجه | اجمال سیاسی — جنگ — صلح — کامیابی مسرت اثر ژاپان در شمالیه و تلف شدن یوفند عسکر جنده بخاری — یك افغان داوطلب در سفوطری جناب جنرالم — ایضاً در وصف جناب اورییك — شاهنشاهای اسلاوها در پترسبورك — جمعیت هلال احمر فرانسه — ایطالیا در طرابلس — بالقیکرو والسوا حبه حربیه ترکیه — استرا و بالقیکرو — سکوتلی شاه مانشکرو — گرفتاری طیارهٔ جرمنی از طرف ژنیف این در فرانسه — اسرار طیارهٔ زپلین — قهر و غضب جرمنها — امپراطور دولت قوی سوئت جرمن — اخلق امپراطور جرمن

مقاله مخصوصه | هزار افسوس که مرهون نادمن مسلمان یك چاك تاریخ و یك پارچه قاش کهن شده

موتسکیو | نام ادیب مشهور فرانسوی از ژنان یك ایران

مکتوب از شیر

از بیت العلوم مدرسهٔ دارالفنون زمستان | یك از عاطفی زمام پروری اعلیحضرت والا — قصیده

اخلاقیات | آداب حضرت پیغمبری ترجمه از کنز الحکایم

ادبیات | غزل رندون کلام مدرس سراج الاخبار — غزل مسلمی — شعر میرزا احمد عزیز — غزل مذنب (قیمت پوست فروشی

سخنان هرقل
ترجمه های پارسی
تیموریان زنان جهان
علل ثروت ملل
اعلان

تصاویر | تشریف آوری اعلیحضرت همایونی و عزم آمدن از عمارت موزه توقف در زینه قصر سعادت حضور انور جناب اورییك فهرمان شجاعت نشان دولت علیه — تصویر اعلیحضرت امپراطور جرمن — از مناظر باغ شاهی جلال آباد مصاحبان بناس اعلیحضرت همایونی مالیخان سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان مکلمه میکنند — ایضاً از مناظر باغ شاهی جلال آباد — قصر پادشاهی متصل مالیخان مکلمه دارالسلطنه کابل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 630 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت رفیع وبرکت افغانستان بنایه فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان مالو در دارالسلطنهٔ عروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلک این نامهٔ گرامی یاری وآگاهی اهل وطن مقدس‌ماست براحوال ملل . وحب دولت و وطن . وتوجه بسوی علم وفن . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . فی یک اخبار فواید نظاریست که در صفحه های معدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یک توجه عمیق وبک هوس مطالعهٔ باخلاصی بسوی او عطف نمایند . ادارهٔ درباب اشتراک مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته . وبرای خوش مطالعین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر عدا کارهای بسیاری بکار برده . وتجارت را کثر مطلوب داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درغره ویازدهم هرماه نشر میشودامیدانست که درآینده هلت وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هراقدر که تعداد مشترکین کرام . وقیمت خواستکان عظام بیفزاید . البته درترقی اوبیز خواهد فزود . قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپیهٔ کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درتجارا جناب حاجی غلام نبی خان‌منور فروش پوست قره قلی . دولت کرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراک را برسانند واز طرف وکیل‌ما به اداره اطلاع رسد از هانوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کابلی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 631 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۶)

روزگار

ایدک آقای مدیر امور امیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با اجرات داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اجرات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر هفته روز یکشنبه نشر میشود

مدیر و مسئول محترم

محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه

در عقب سفارت دار السلطنه (کابل)
عرضهٔ امورات تحریریه باداره مطبعه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن درکابل یکعبانی است

تاریخ هجری یکم جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۸ می تاریخ شمسی ۱۸ ثور ۱۲۹۲

مدرن اخبار از حوادث داخله وخارجه وسیر مطالعات مفیده درج میشود

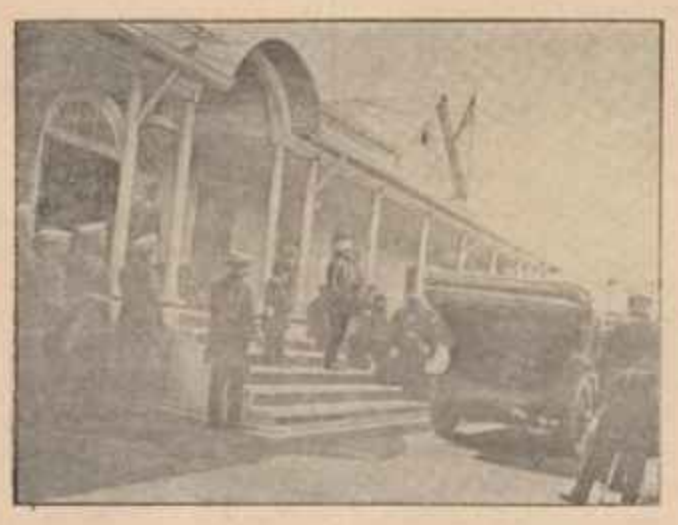

« تشریف آوری ذات اعلیحضرت همایونی »
ذات اعلیحضرت پادشاهی از خیابان موتر فرو آمده بزینهٔ قصر
سعادتکدهٔ انشور عبارت توقف دارند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 632 of 1786

بهار اندر بهار

تشریف شوکت ردیف موکب فرخنده‌گی موهب اعلیحضرت همایونی

چنانچه درفصول حیات‌انسانی ، ربیع‌زمان جوانی یک‌نشاط تازه بار تازگی وطراوت تازی دارد ، همچنان درفصول چار گانهٔ سال کهنه‌ترین حیات انسانیت فصل بهاررا خلق عظیم ازلی و نهار همین خاصیت مسرت آثار طرب نثار را عطا واحسان فرموده است .

بهار، یک آیت‌مقدسهٔ تجلای‌صنع حضرت مولاست که‌اسرار بدایع آثار ، یعنی‌الارض بعدموتها ، را ظاهر و آشکار میسازد . بمجرد رجعت شمس جهانتاب ازسیاحت نصف‌جنوبی کرهٔ‌ارض صفا مآب ، وبعبور دیگربعد ازسیاحت خود کرهٔ‌مزین داشتن‌ما ازنصف مدار خودبه‌قطع‌الاعتدال‌ربیعی ، دفعةً یک‌حیات‌یک‌حرکت یک نشاط ، یک نشاط همه‌مارا فرا میگیرد . گویا ازهزار تجلی شمس حاوری سیلابهای حرارت ، قوت ، برکت بر روی کرهٔ زمین جاری میشود کهزمین‌را کهنی وزور وتوانائی خارق‌العادهٔ حاصل شده‌بانثار فیض‌وبرکت آفتابی‌بود ! گویا ازهر سرچشمهٔ درختان نارهای زرین‌کار آفتاب بانثار انوار خوشگوار حیات زندگی تازی روان میگردد کهیک زندگی عمومی هم‌زمین کوه دره ، ودیگر دامنارا فرا میگیرد ! گویا خورشید میتابید ، ساقی ازلی محفل کائنات مسرت خود گردیده که بپیاله های سر شاری پر انوار حیوش جادات نباتات ، حیوانات را مست جام عشرت وشطارت میسازد !

کاش‌مهر عاطفت‌چهر رهگذار جبال پرثلوج‌وبرفها ، وبحرها ، وکاههای زرین کهیده اجدادرا بامساک تحویل میدهند ، ازین تحول تجارتها بالامیرفت ، درالحالکه پیداکرده صورت ارزا میگرفت ، ارزا بافرادجامه‌میسازند ، وبمأموریت دایه‌گی اطفال صغیرهٔ سزدها ، و درختها و جنها مأمور میفرماید ، مشوقها ، ومحرکهای رعد وبرق وظیفهٔ لاقاکری وداده گری را کرده ، بهاریت ومعیت اجسام عضوی کرهٔ زمین آشتی ریزند .

چهمسرت ! چه شطارت ! شاخهای خشک اشجار گازجسد مردهٔ‌یک‌حیوانی هیچفرق‌نمیسابد رفته‌رفته خون‌حیات ممحوق دررگها وریشهایش دوبدن میکرد ، آثار حیات دران‌عیاناً آشکار میکردد ، گلبرگهای رقیقای سفید را از روی کتیرار ها میروید ومیشوید ، به تخمهای جاد آسای بچگی که در خریف افشانده شده‌بود شیرفور ، وشراب پرسروری میچشاند ، جادرا بهبات تبدیل میدهند ، کرهٔ زمین روز روز ، ساعت بساعت ، دقیقه بدقیقه ، ثانی ! بلکه ثانیه‌بثانیه کهدرهر ثانیه۲۰ میل ازمداری کهدران درور آفتاب دور میکند درسیاحت سفر ۳۶۵ مرتبهٔ خود قطع منازل دوام میورزد ، گذر کاههای آن‌سلطان یکتاز زندگی اثراز پانوار سرور وحیات پر حیوری سرسبز و شاداب میکردد .

این است کهبهار زندگی آفرشهر شهریار دلبندر مناظرهٔ شوکت وحشمت ریکارنگ خودجلو ریزدر رسید،میناها غنچها بلبلها ودیگر مرغکان رنگارنگ‌از شدت وصول زمستان مطلع‌امتنان منها جرت اختیار کرده بودند سیل‌سیل‌گروه گروه خودت‌توده در شاخهای شکوفهبار درختان باغها وباغچه‌ها مأوا گزین امن وامان گردیدند ، وبنوا های شیرین دلنشین مخاطبه زمزمه پرداز مدایح خسرو شیرین‌کار حضرت بهارشدند ، چنانچه‌زبان صداقت بیان ما اهالی صادقهٔ پایتخت عالیحضرت کابل ابده سرای شکران تشریف آوری موکب سعادت موهب اعلیحضرت پادشاه‌رفیخواه عدالت اکتساء محبوب القلوب معظم خودمان گردیده است .

بلی ، حضرت خلاق عظیم‌الشان لک یاس ولاتظیرما جل‌وعلا درهر فصل ربیع دوبهار صفا تازی مارا احسان میفرماید که یکی بهار موسمی ، و دیگرش بهار دیدار اعلیحضرت پادشاهیست . بهار موسمی ، در نباتات تأثیر حیات بخشی میباید ، وبهار قدوم پادشاهی بردلهای صادقات صفات رعایاتأثیرنشوونما میفرماید ، بهار موسمی علوفا اززخور بدیع‌رفیا وبهجهای‌ثمرات فرسای نشارهای میدهد ، بهار تشریف آوری موکب پادشاهی دلهای الجمادیافتهٔ رعایارا بتأثیرات رأفت وعدالت زندهگی میبخشد .

جهان گلزار میگردد ز تشریف همایونی
فزاید رونق گل گردد ز توصیف همایونی

صبح پنجشنبه ۱۹ ماه جمادی الاول یکصدوچهل روز فیروزمندانه وزی بود که درهمه اهالی پایتخت کابل یک جوش نشاط و یک خروش اخلاص بساطی ظاهر و پدیدار گردیده بود درهر چهره ، وهمچنین چون نظرمیشد یکناشناسی ، درهرجا و هر سینه چون غورمیشد یک سرور صلوت آسای آشکار شده بود طبیعت نیز بیانت هوای‌صفا اقمای بهاری‌محیط کابل را احاطه نموده بود ، اکثر مردمان شهرمینو پیرما بیات سرور و شادمانی علی بسوی سرکهای باصفای پل عیدگاه وچن حضوری میشتافتند ، شاگردان مکاتب ابتدائیهٔ عهد های شیر بالباسهای تازه‌ترین خود شان ملبس‌شده بچمان مسرت طفلانه ، وچمان فرحت‌معصومانه‌در راههای صف کشیده بودند که انسانرا بی اختیار یک شطارت عام سراوی از اطاقهٔ آن‌دست میداد .

بعضی معززین و اشراف واز ارباب مناصب عسکری نازیهٔ رنگ بموجب رقعه‌های جبری که از طرف دائمالی فخامت‌مآب نائب السلطنه‌صاحب بکروز پیشتر شرفصدوریافته بودند بارگاه قصر یکصور (استور) مأمن‌لباسهای جرسی‌جمع آمده‌بودند،از صوفی محافظهٔ عساکر خاصهٔ شاهانه بایرق های زرنگفته‌وموزیک خاصهٔ درچی‌سمت شمالی قصر،مراسم صف‌بست‌احترام بودند .

ذات شوکتسمات پادشاه طبق آگاه‌یادداشی ودین‌پناه‌اعلیحضرت (سراج الملة والدین) مدالله ظله فی العالمین پنجشنبه ۱۹ ماه‌حال بعمل چارچه‌صبح باحشمتهای سلطنت‌سنیه وجه ازکمین صیت شاهانه از باغ کوکب جلال آباد حرکت فرموده‌اند ، غیر از صرایه های

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 633 of 1786

موتری که پیش و بعداز حرکت اعلیحضرت شاهانه روانه شده بودند دقیقه عرایهٔ موتر پیشگان همایون ترقیاتی حاصل دانست درمنزل گاه (خاکدان) اتراقیه فرموده اند . و درمنزل گاه (خانهٔ جیار) طعام جاشت را تناول وصلوة ظهر را ادا فرموده بعمل نیجه بعداز ظهر عرایهٔ موتر اعلیحضرت پادشاه معظمها از در وازهٔ ارگ مبارکه در باغ شاهی داخل گردید . واز طرف عموم عساکر شاهانه حاضر وحولی ذات فخیمانهٔ حضرت نائب السلطنه صاحب افخم سلام شاهانه ادا وپاداخت بی‌پایان فرطوب وصول سعادت موصول اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب مقبول ما رهمه گان اعلان گردید .

وقتا که عرایهٔ ذات شوکتسمات اعلیحضرت همایونی درپیش زینهٔ قصر سعادت حصر توقف نمود ذات شاهانه ازموتر فرود آمده یکسربسوی جی‌که عساکر نصرت مآثر شاهانه بسلام قیام داشتند حرکت فرمودند . ودرمیان صفوف عساکر گردش فرموده قلوب صداقت محبوب آنهارا به دیدار مراحم نثار شاهانهٔ شان تلطیف وآبیاری فرمودند . وبعد ازان درمواجههٔ عسکر توقف فرموده امر گوماندو حولی حرکات عسکری را برای رسم مرور زبان فیض رسان همایونی به تمام قواعد واصول عسکری اجرا فرموده باز بزینهٔ قصر سعادت حصر توقف فرمودند . وبعد ازانکه عساکر شاهانه از حضور همایونی رسم مرور را اجرا فرمودند نخبهٔ معتبرین که برای سلام اعلیحضرت پادشاهی حاضر شده بودند بموجب فرمان همایونی درزینهٔ دربار آمده صف بستهٔ احترام گردیدند . وخود ذات اعلیحضرت همایونی اززینهٔ قصر به زینهٔ دربار تشریف آورده همهٔ حاضرین را بشرف دستبوسی ذات شاهانهٔ شان مفتخر ومباهی ساختند . وبه تلطفات وعنایات پادشاهی نایل وسزاوار . ویک لطف مرحمت عنوانی بیان فرموده اجازهٔ انصراف عطا نمودند .

(سراج الاخبار افغانیه) باهمهٔ هستی وجود ، وجملهٔ حروفات ومعانی کاروبود خود ازصمیم روح وقلب برنعمای بلا انتهای خالق بیهمتای خویش شکر وثنا میگوید که جشن روح‌شعر عزیزما بازبه تشریف‌قدوم میمنت وسعادت لزوم اعلیحضرت پادشاه معالی پناه معظم محبوب‌القلوب ما سرازتوحیات تازهٔ کشاب نموده دلهای بیمار بلای صادقشاهانه را بیک‌بهار نشو ونمای بهار انگیز بهار فرمود . لبهای خشک از ریای محنت وعافیت ، وشوکت وجلالت شاهانهٔ شانرا بکمال اخلاص وصداقت ورد زبان خویش میبابیم .

خوادث داخلیه

(تشریف فرمائی ذات عالیه صفات علیا حضرت)

(سراج الحقوقین ادام الله عزها واقبالها)

ذات عصمت میات قدسیت صفات (علیاحضرت سراج الحقوقین) ادام الله عزها واقبالها باهمهٔ عایلهٔ شریفهٔ شان بعمل پنج بجه روز مذکور بکمال عزوقبال وتمام شوکت واجلال بسواری موتر تشریف فرمای دارالسلطنهٔ کابل گردیدند . وچون دروازگی مبارکه داخل شدند باداختن بیستویک توپ طوپ سلامات عالیهٔ مقدسه شان اجرا گردیده دلهای عموم اهالی را یک مسرت بی‌اندازه وفرحت بلانهایه استیلا نمود .

ازدرگاه الهی جل اسمه سلامتی ذات عالیهٔ مقدسهٔ شانرا (سراج الاخبار افغانیه) بکمال اخلاص وصمیمیت نیاز واستدعا مینماید .

از محکمهٔ مبارکهٔ اطلاعات

(عیناً مکتوب)

جناب مستطاب مکرم لازم الاحترام مدیر صاحب سراج الاخبار راحفظه‌الله‌تعالی همواره وجود ذی‌جود آنمدیررا از خداوند جهان آفرین محفوظ ومسلم تمنا دارم — اولین درخواست نیاز مندانهٔ من از خداوند بی‌همتا مهربان بقای عمر وسلطنت اعلیحضرت سراج‌الملة والدین سرکار همایون والا است درمعاوی عرض می‌نمود بقراریکه ازمزار شریف احوال محکمهٔ اطلاعات رسیده چنان است که بتاریخ لیل‌شنبه ۲۷ ماه‌ربیع‌الثانی یکنفر شخصی‌که از هردو دست شل بوده بروضهٔ مطهره حضرت خلیفهٔ چهارم رضی‌الله عنه بصحتمندی هردو دست خود کامیاب گردیده است — دلیل سه شنبه غره جمادی‌الاول دونفر دیگر که یکنفرازمردم هزاره ویکنفر ازطایفهٔ از بکاست وهردونفر از هردو چشم اعمی بودند بدربار فیض ثمار مشرف گردیده هردونفر روشنی‌چشمان خویش کامران گردیده اند — روزپنجشنبه ۳ ماه جمادی‌الاول یکنفر افغان ازطایفهٔ میمنه که این شخص هم کورمطلق بودوباستان بوسی روضه مطهره مشرف گردیده بود بینا شده‌است ونفری مذکور درولایت موصوفه حاضرند کیفیت مذکوررا بخدمت مکرمی تحریر نمودم که درج روزنامهٔ مبارکه سراج الاخبار بدارند زیاده محتمدی و سلامتی افاضل محترم را ازخداوند تعالی خواهانم فقط تحریر ۱۴ جمادی الاول سنه ۱۳۳۱

(معروضه ـ رئیسه دارمحکمه اطلاعات .)

﴿ سراج الاخبار افغانیه ﴾

اولیا راهست قدرت ازالهٔ تیرجسته باز گرداند زراه

خوادث خارجیه

اجمال سیاسی

جنگ — صلح

یعنی کلمه‌های مرادفی‌بنظر میخورد که لازم وملزوم همدیگر شمرده میشود مثلا جنگ چون‌ظهور کندصلح نیزدرعقب آن وارد خاطر میشود . زیرا اگر جنگ باشد وصلح نباشد حیات بشریت دراندك مدتی خاتمه پذیرمیگردد . جنگها وصلحها از آغاز حیات بشر آغاز نموده تاآخر دوام خواهد ورزید . اگرچه ازنقطهٔ نظر اخلاق ووجدان انسانیت جنگ یك‌چیزبد وناگواری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 634 of 1786

شمرده میشود ولی چه فایده که بنا بر مقتضای خلقت انسانی این بلای مبرم تا ازوقت طایل وقایل‌برای انسانها خیرات مادیه‌است. وحکم یکی از ضروریات زندگانی ملتهای بشری را کرده است .

درجمیع حیوانات بری ، وبحری ، وهوایی چون نظر کرده شود دانما همین‌قاعدهٔ تلف‌شدن‌ضعیف‌ها و زبونها ازدست قویها و توانا‌ها مشاهده میشود . وچون دقت نظر شود یگانه مدار حیات نیز همین قاعدهٔ آکل وماکول بودن کائنات . ضعیفها وزبونها بزعموم شمرده میشوند . چراکه آنها نزلاید ازخود ضعیفترا بدرجهٔ تکثیر روزی میسازند . اماچون انسانها اشرف مخلوقات شمرده میشوند،ودر هرچیزدیگر حیوانها صفتاً غلبه واشرفیت دارندلی‌بایست که‌هریکی‌خودرا‌مجبور‌بند . حالاکه بنظر بسیار افسوس دیده میشود کهاین نوع اشرف وا کمل از وحشیترین حیوانها نیز خونخوارتر وغدارتر میباشند . ازچه‌قدر زمانهاست که بخونریزی همدیگر کمر بسته خاک کرهٔ زمین را باخونهای خود شان حمیر ساخته اند .

درموقت حاضر خاک قطعهٔ روم ایلی حکم انبار جیفهٔ حیوانها وجسد های بشررا کرفته است . هیچ یکوجیزمن این‌بر زمین نباشد کهاخون انسان آمیخته نشده‌باشد . اخیراً بالقانیا واسلاو ازمحاربه های بسیار دهشتناک خونزاده منتج شمرده میشود . بلغارستان یک حکومت مزوی شمرده میشد که همهٔ دولتها دستهٔ اورا بمدتی قبولکرده بودند ، وتابعان وقتهای اخیره بزرگترین صنعت شان بود . تقریباً پیش از یازده دوازده سال (مسی آلی ستون) نام پادشاه قسطنطنیه امریکایی را کهمامور برای تعلیم وعمده کاری فطرا درسوفیا وقت بلغار اقامت‌داشت ازخاطرش نزدیدند ویکوه‌رده ازقوانسل دولت‌امریکا یکصدوده‌زاررنک امریکایی‌دیده نجاش راطلبیدند ، وتامیلغ مذکوررا ازانکر نشدادورا رهانکردند .

این یک مثالیست کهگوشتیم . و کرنه بصدها ازینگونه شنافتها وبد عنقیهای ازین‌دژدان روی کار آمده است کهاگر بتفصیل آن بپردازیم یک‌جلد کتاب‌بودن لازم‌است . ازبلغار هااینچنین کارها بعید نیست چرا که جبلت‌وفطرت شان بر همین است . ولی جای تعجب این‌است کهاز سالهای‌سال دولتهای معظمهٔ‌رقیق وجدید بوجود همچنین‌یک حکومت دزدچسان قبل‌وراضی شده بودند ؟ دراوقتها کهاین‌حکایت مسی‌آلن ستون‌را میشنیدیم حیران میشدیم که‌آیا دولتهای بزرگ چه‌مقصد داشته خواهند بود ؟ مگر نتیجهٔ آرا‌اعلا داشتیم که‌چه‌مقصدومدعاوبود امکراین شکاری دزدهارا برای همین‌روز میپرورا نیدند کهشیررا بآن شکار کنند ! .

درینوقتها در مابین شکاریان متفق نیز آثار و علایم بی اتفاقی سرزدهٔ ظهور کردیده است . صربها دعوی میکنند کهمکاری که کرده ایم ما کرده ایم ، بلغارها میکویند ، نه دیکر نیست ، درمابین بلغارهاو یونانیها بزدرخصوص سلانیک‌وقانیا وکشمکشها برپاست . حتی میکویند که پادشاه یونان نیز به تشویق و تحریک بلغارها پطال‌رسیده است . کوهیا بزاز عملها وعملهای خود پشیمان صرفاً بردند . خودفتاری‌واستقلالانه‌ای کهنهایت‌دیکر دولتیاعلان کردند کلهٔ آنتانتیک‌وراپسک‌ناامیدی‌شکنانده .

بلغار عظیمهٔ که بلغار ها به آن کرفتار آمده اند کرفتاری تنکه است . واقعاًاکال اکرچه موفق شده‌اند ، ولکن بفضل و مرحمت خداوندی امید واری" کلی داریم که کامیابی" آخری باز بمیانیان نصیب کردد .

واخلاصل درعقب‌این جنک‌صلح یک‌چیز طبیعی ولابدیست . واکر صلح نشود چنان‌معلوم میشود کهسرایت آتش جنک هم دیکرا فرا کیرد . ابهم ازامور آشکاراست کهدولت عظیمهٔ عثمانیه هیچکاه چنان یک صلحی که موجب کسر شان و شرف شان باشد قبول نخواهند کرد . اکرچه سراسر غم و هلاک هم کردند . حالاً نکههلاکشدن آنهاموجب‌هلاک بعضی‌معظمه‌هانیزخواهد کردید .

آمدل مطلوبیسوهان‌ماند کرخود نبردونده رانیز کند

کامیاب‌مسرت آور

بلغارها در جانفشانه و فدایات وضایعات عظیمهٔ دوچارشده‌اند یک روزی که هوا بسیار ظلمت آلوده بود ، ودههٔ وغبار بسیار کثافت آلودی جهانرا فرا کرفته بود دوغدغا کرچه بلغاری کهاز مردمان کلان خانه واصیل شهر (صوفیا) واقعت بلغار لشکریانه بودند فرصت را غنیمت شمرده ، وتاریکی" هوا را روشنی" مقصد خودپنداشته بآرامی وسکوت بسوی استحکامات جانفشانه حرکت نمودند ، وبه استحکامات خود را بسیار نزدیک رسانیده بودند کهفجأة" هوارا کثافتی" حاصل شده شمس جهان آرا بتمامه‌از نظر آنان نهاد وهمه کس بلغار را باهمهٔ هستی شان در نظر شیران عثمانیان ظاهر وعیان کردانید . همهٔ توپخانه های جانستان ، وتفنکهای آتش فشان همه کس ظفر مآثر عثمانی آتشهای جهنم آسای خود شان را رانها توجیه نموده از دوشه مد کور فرد واحد رهایی نیافت ، وهمه را فی النار والسقر کردانیدند،لهذا ازین ضایعات عظیمه ، وخواه ازضایعات جسیمه که در ادرنه نزول به آن کرفتار آمده اند بلغارهای ازکار رامنده را بشدت وطلب صلح مجبور ساخته است . دیپلوماتهای سیاسی" اوروپا احوال بالقان را خیلی ازنزدیک تحریک ومشکوک می‌بینند .

(یک افغان داو طلب)

(درسلانیک)

افغانان بسیاری که در اطراف وا کناف را کنده بودند برضا ورغبت خود شان درامر جهاد باپرادران عثمانی" خود شان داو طلبانه مشارکت ورزیده اند . از آنجمله جعفر خان نامی از دلاوران افغان درعسکر کهاتفقا درده باعها کر نظامی عثمانی بجنک اشتراک ورزیده ومجروح شده بدست کوهیها اسیرافتاده بود . افغان مذکور میکوید که من ازخود بیخبر بودم . چون بهوش آمده خودرا درلشکر کاه دشمن در یک خیمهٔ یافتم وچون در وجود خود نظر کردم تاب وتوانائی خودم را نیافتم . کلهٔ دشمن چون کوشی مرا در ربوده بود ازاضطراب بیهوش شده بودم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 635 of 1786

برخود لرزان خواندم که این چه قدرتی چکری بود که بیك گوش پای دادن از خود در گذشته بود. اما چه چاره قسمت همچنین بود. درین اثنا یك افسر سلیکرلوی که عکسچه بدست داشت در خیمه داخل شده وعکسچه‌را برمن راست کرده گفت:

— ای بد بخت زود راست بگو که در نزدیکی این نام موقع تعداد عسکر شما چقدر است؟

با خود گفتم ای جعفر وقت فرصت فوت کردن نیست. از اسارت دست کفر مرگ رهایت اولتر است. جرئت لازم. پس بجالاکی هرچه تمامتر جان یك مشت محکمی بر شقیقه آنی حواله کردم که افسر بد گهر از شدت آن بر زمین غلطید. عاقبت عکسچه آنی‌را ربوده به برون جهیدم. پهرمدار نمیخواست مرا بگیرد یك گله برزمینش انداختم. اسب افسر در انجا ایستاده بود بلا توقف بادر رکاب گذاشته بتاختم. سواران دشمن مرا تعقیب نمودند. واز هر هر طرف برمن غریدند. ولی چون اجلم نرسیده بود هیچ یکی بر جانم نرسید. اسب افسر مگر خیلی دونده یك اسبی بود. سواران عقب گیرندهٔ مرا خیلی پس انداخت ولی یك سوار بمن نزدیك رسیده بود. و کم مانده بود که کوك یزه آنی پشتم را بشکافد. لهذا یك گاه عکسچه را برو فیر کردم که بر پیشانی اسبش بر خورده برزمین غلطید. بعد ازده دقیقه آواز های دلنواز موزیك عسکری عثمانی بگوشم خورده دم را یك جان تازهٔ پیدا شد. تا آنکه بعسکر اسلام رسیدم. ومظهر شاباشها وتحسینها گردیدم.

جناب انور بیك

(قهرمان شجاعت نشان دولت علیه عثمانیه)

﴿در وصف انور بیك﴾

﴿کلك جناب ملاطوس افندی﴾

طاعو ناصر و خجسته صفات حسن اسلامیان و حصن نجات
عزت افزای روم انور بیك صانه الله عن شر الآفات

کشته محبوب خلق تصویرش ذات سامی او اوالبر کات
او بروم است مدح او درهند نام وصفش بپاپو هر جهات
بید بلغاریان بحرب ورا چیدی شربوستی صدمات
گاهی ایطالیان نماید فتن گاه بلغاریان کند قطعات
گاهی از صربیان شکار کند گه زیونان کند فتوح جهات
در تواریخ شرق وغرب زمین ماند تصویر فرخش بجهات
کفت (طوطی) بگلشن کابل رستم روم را همین ابیات

(شادمانیهای اسلاوها)

دربلغارستان

درینروزها ازمظفریت بالقانیها طرفداران جنس اسلاو شادمانیها ونمایشهای بسیار پرجوش وخروشی دربلغارستان بعمل آوردند. ومیتینگها تشکیل داده ولوله‌ها انداختند. حتی درپیش روی سفارتخانهٔ اوسترا که برضد مانیفستو حرکت میکند نمایشهای تجاوز کارانه. ونطقهای دلشکنانه بیان کرده بودند. لهذا دولت روس باقوت اعتراض کرده رای اینگونه نمایشها سد ممانعت کشیده است. وازطرف نظارت پولیس اعلانها وبیانامه ها شر کرده که اگر بعد ازین کسی اینگونه نمایشهای هیجان آور اجرا کند بشدت جزا داده خواهند شد.

(جمعیت هلال احمر عثمانی)

رای رفیق محترما اخبار (کامرید) مینویسند:

«صاحب من! ازچند مدتیست که بعضی خبرها شایع میشود که گویا جمعیت هلال احمر استانبول ازطرف نصارا اداره میشود. حقیقت این مسئله را از قونسلوس عثمانی مقیم بی استفسار کرده بودم. چونکه قونسول مشارالیه لطفاً فرستاده اند برای شما ارسال کردم. هرگاه دراخبار محترم خودتان درج نمائید موجب فائده است. ازرامپور مخلص شما قزشاهان

بمبئی ۱۸ فروری

عزیز صاحب من! — بجواب مکتوب شما حقیقت رابیان کرده کمال فخر مینمایم: جمعیت هلال احمر عثمانی ازطرف مأمورین حکومت بیك اراده مخصوصهٔ تشکیل کرده است. ارکان اداره ازمیان اعضای جمعیت انتخاب ومعین شده است که همه‌شان مسلمانست. خبرهائیکه برخلاف این کرده اند قطعاً راست نیست.

مخلص شما

جعفر. جنرال قونسول عثمانی

(سراج الاخبار افغانیه)

مقصد ازنشر کردن اینچنین خبرها این است که درمیان مسلمانها تردیدها وشبهه‌ها برانگیزانند. ومدد کاری ومعاونت مسلمانهارا ببرادران عثمانی شان سکته دار نمایند. قال الله غرض.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 636 of 1786

(ایتالیا در طرابلس)

عربها ایتالیارا در طرابلس راحت نمیگذارند . باهجومهای پی در پی هم خود شان ایتالیارا بعذاب دایمی گرفتار داشته اند . ازمعبرهای طرابلس (بارونی یات) تلونک دال در جبهه‌های داخل خاك طرابلس یك حکومت منظمی تشکیل داده است .

(مانیگرو واسترا)

اوستریا کوهپارا از الحاق مونتنگرو بشدت ممانعت میکند و به جمع آوری لشکر در سرحد ، وفرستادن کشتیهای جنگی بسواحل تهدید میکند . کشتیهای جنگی جرمن ودیگر دولتها حتی از انتکلیز وفرانس ازدرین نمایش بحری اشتراك میورزند .

(حیهٔ حربیهٔ ژرمن)

شکری پاشا درادرنه برای اینکه عدد طوپ های استحکامات خودرا به دشمن زیاده نشان بدهد ، وبه اینصورت بحرکات قشون آوری شان ممانعت بکنند ازمقوا یعنی کاغذهای کلفت طوپهای بسیار بزرگی ساخته درجاهای معلوم استحکامات وضع نموده بود . وقتیکه بلغار ها شهررا گرفته این مطلبیت را بکمال حیرت مشاهده کردند .

(استریاومانی نیگرو)

درجریدهٔ سیاسی شکراف ذیل تابع شمه است :-

اگرحرکت امواج بحری موزانند وامواج مانی نیگرو علی الرغم ودل دشمنوطری مصرف شدند دولت استریا ٩٥ بریگید قوج به امواج کوهی را بطرف ساحل خیل خواهد نمود .

(نکولس شاه مانی نیگرو)

شاه نکولس تا اخلاف برادکار خود مصراست وچنان اظهار نموده است که تا دم واپسین سلسلهٔ جنگ را قطع نخواهد کرد .

(گرفتاری طیارهٔ جرمنی ازطرف ژیپ لی درفرانس)

یك طیارهٔ جرمنی ازطرف ژیپلی که سهواً درحدودنظرو فرانس نزول کرده بود بدست اهل فرانس گرفتار آمد وبحوزنظروامعان نظر امتحان ومعاینه کرده شد وماهران فن فرانس را برجمیع اسرار باطن آن واقفیت تامه دستداد — اگرچه مردم عوام فرانس وقت رواله شدن متصدیان طیارهٔ مذکوره درطپ شان سنگ ها انداخته وصداهای نادرا وناشایسته بلند کردند اما دولت جرمنی بتقاضای مصلحت ازین گونه حرکات عوام الناس نموده دولت فرانس را درین باب معذور پنداشت — بهرحال متصدیان نظام وصناعان فن فرانس ازمعائنه وامتحان طیارهٔ مذکوره خیلی مستفید گردیده اند .

اکنون دولت فرانس یك مسودهٔ قانون خاص درباب تجاوز طیاره ها ازحدودملك تجویز نموده است زیرا که قانون بین الاقوام درین باب که فی الحال نافذ وجاری می باشد محدود وغیرکافیست .

(اسرار طیارهٔ زیپلن)

نامه نگاراخبار سیتیمن مقیمهٔ لندن درباب طیارهٔ زپلین که درحدود فرانس گرفتار آمده است حسب ذیل تحریر نموده است

ازینکه غبار روی کتاب را گرفته بودطیاره مذکوره حدود ملك خودرا امتیاز نکرده درحدود فرانس نازل گشت وتاوقتیکه متصدیان نظامی فرانس که درفن طیر مهارت دارند ازوجه اکمل واتم امتحان نکردند طیارهٔ مذکوره را اجازت رخصت ندادند — ترقیات جدید که درین طیاره دیده شده است یك ماشین گن (توپ آتشفشان) عجب الصنعت وماشین جب وبك تیل سوز خاص برای تلاش وتعین مقام غایم وتذکراتی بی سیم الزقسم خاص میباشد — علاوه برین نیز معلوم شد که طیارهٔ مذکور تا ارتفاع خاص پرواز کرده وتاسرعت ٩٤ ساعت اجرای پرواز داشته می تواند — وچونکه فرانس رازاسرارخاص طیارهٔ جرمنی وقوف کلی حاصل نموده است دولت جرمنی را صدمهٔ عظیم رسیده است وچراغ درین باب افشای اسرار خاصی که درنظر قوم از جواهر گران بها وذخایر ثروت افتخار تاسف بسیار نموده اند واین قضیهٔ نامرضیه را برشوهی بخت جرمنی حمل می کنند .

(قهر و غضب جرمنیا)

ازسبب گرفتار کردن فرانسیس ها پادشاه جرمنی را افتکار عمومیهٔ اهالی جرمن بجوش وخروش عظیمی درآمده است .

(امپراطور دولت قوی شوکت جرمن)

اعلیحضرت امپراطور گلیوم جرمنی ازهمه بزرگان وتوانگران مملکت خویش برای تجهیزات حربیه اعانه جمع میکند . هر ملت اتحاد بکمال محبوبیت پیش میدهند ، به اینصورت برقوت ازدوی حضریهٔ خود سه لك عسکر دیگر افزوی میدهد .

سبب یگانهٔ این افزوی عسکر جرمن همانا این مظفریتهای آخرین جنگ اسلاوهاست . چونکه جنس اسلاوی که دراوستریا موجود است سرکشی پیدا خواهند کرد . وچون یك جنگ بزرگی در آینده پیش شود اوستریا که متفق اوست ضبط وربط اسلاوهارا به دشواری بدست خواهد آورد . لهذا ارکان سیاست جرمن دور اندیشی نموده افزوی قوت تازه را مناسب دیده اند . وبه رقابت بحریهٔ که با انکلیز ها داشته خاتمه داده مصمم ترین دشمنان خود روس وملت اسلاوارا دانسته اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 637 of 1786

تصویر اعلیحضرت امپراطور جرمن
(عطف امپراطور جرمن)

پادشاه جرمن اردوی عسکری خود را خطاب نموده میگوید:
ای عسکر شان دارمن!

« شاید یك روزی برحسب واجب شود که جهای را که خونهای بسیار قیمتداری رایخه آنرا ضبط کرده ایم محافظه نمائیم . وشاید جرأت کننده کابی پیدانشود که بشرف وحیثیت جرمن دست درازی نماید . درانحال برقوت خود اعتماد تمام داشته شادان وخندان بجنگ خواهیم رفت ! »

مقاله مخصوصه

(هزار افسوس که مربوط مأذن مسلمانی پیچیده نارمو)
(ویك پارچه قماش گمان شده است .)

این افسوس عنوان مارا چون قارئین کرام ملاحظه فرمایند بسیار افسوس خواهند فرمود که هرر با انصاف اینچنین دین مبین جلیل الاوصاف رابچه جرأت . وکدام جسارت بیك چند نارمو وپیچیده پارچه قماش مربوط ومعلق میپندارد !

مأفسوس خودرا بعد ازین اظهار کرده ودراول امر قارئین کرام خودرا در اظهار افسوس شان ذی حق دانسته میگوئیم که بلی این دین مقدسی که ما مسلمانان بشرف آن نایل فوز ونجاح وسزاوار سعادت وفلاح شده ایم وبه اقرار باللسان وتصدیق بالقلب کلمهٔ طیبهٔ مقدسهٔ (لا اله الا الله محمد رسول الله) را بر زبان ودل میرانیم ومیداریم . وبه آن بر همه ادیان فخر ومباهات مینمائیم آنچنان دین متین قدسیت قرینیست که عقلای دانشمند همه دنیای غیر اسلامی نیز حکمت . ومعقولیت ومقبولیت اورا تسلیم کرده اند .

چسان تسلیم نکنند دینی را که طهارت . عبادت . عدالت علم ومعرفت . اتحاد واخوت . صنعت وتجارت . ایثار وشفقت کرم وشجاعت والخاصل همه فضایل اخلاقیه ومدنیه را امر میکند . واز ظلم . وجهل . وغفلت وهمه رذایل وحشیه بشدت منع میفرماید . سعی وعمل را برای انسانها رهبر . وبرای استفادهٔ بشر بحر ور . وخشك وتر را مسخر شان میدهد . مساوات حقوق را بچنان شدت اجرا میکند که خلیفهٔ دینشان اسلام بایك آدم بسیار عادی در پیش روی قاضی زانو بزمین مرافعه مینموده رشوت . بغاوت . نفاق . دروغ را مذموم . محافظهٔ حقوق . امان . اتفاق . راستیرا مقبول میداند . اعمال شنیعهٔ فسق وفجوررا منع . واخلاق حسنهٔ صلاح وطاعت را تعلیم میدهد .

چون بدل وجان . وتمام ایقان ووجدان برین ایمان آورده ایم که دین مبین مقدسی که ما پیرو وتابع آنیم معدن همه فضایل . ومنابع همهٔ رذایلست آیا چسان میشود که آنرا پیچیده نارمو وبك چند پارچه قماشی مربوط بدانیم ! حاشا . ثم حاشا ! قدسیت . متانت . حقیقت دین مبین ما از تنزل ازنساط اینگونه اشیای خلیفهٔ رخیصه آنقدر دور افتاده که نسبت دوری شمس بزمین نسبت ذره را به آفتاب هم به آن نمیکرد !

حالا چون حق بودن اظهار افسوس قارئین کرام را تسلیم نمودیم به تحصیل اظهار افسوس خود میپردازیم : از وقتی که اخبار ما معمور شده یعنی اعتراض نامه هاین درباب تصویرهای کلاه پیك داری که در اخبار ما نشر میشود از بعضی طرفها گرفته ایم که کلاه مذکوره را کلاه فرنکستانی گمان نکنید نموده اند . درعین زمان برای عین مسئله بعضی تحذیر وتحسین نامه ها نیز واصل دست ماجازهٔ ما شده که تصویرهای کلاه پیك دار مارا بسیار پسندیده اند . ودر ترقی وپیداری مملکت ما یك برهان قطعی آنهارا شمرده اند . حالا آنکه هم اعتراض کنندگان وهم آفرین خوانان هر دو از دانشمندان اهل اسلام اند نه از دیگر ملل .

ازین است که ما را مجبور بر نوشتن این مقالهٔ مخصوصه ماجزاء گردانیده . ودر اظهار افسوس متعلق مأذن مسلمانی بر یك پارچه قماشی که کلاه ازان ساخته شود خود . مجزاییکه بعضی افندیهای معزز ترکی که بمملکت عزیز ما آمده اند . ویا بعضی تصاویری که ازانها در اخبار ها دیده شده است بسبب قطع نا کردن موهای روسهای شان بسیاری ازهموطنان عزیزما اعتراضهای شدیدی برین عمل نموده اند . حتی بعضی خیلی افراط نموده حاشا مسئله را تا بدرجهٔ تکفیر رسانیده اند . لا جرم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 638 of 1786

اگرما را اینچنین دوپهلوئی بر اظهار تأسف مجبور کند قارئین کرام انصاف پسند ما را یکدرجه ما را حق خواهند داد .

چسان حق ندهند ! در چنین عصری که مسلمانان روی زمین از عدل بسبب وجه شان بسوی فروعات ، ودور ماندن از اصول بدرجهٔ متفرق ومنشت شده اند که با وجود گاه کون ، وقرآن حوالی وبسوی کعبه سجده ری با همدیگر شان آشنایی ندهند ، بلکه یکدیگر همدیگر جرأت ورزیده بنص یکدیگر را بدل میپروراند ، ومال اوروپا وجودیکه به پیشرفت فروعات گرفتار هستند ، ولی از مدنیت که فروعات را گذاشته ،ولیها در زیر یك صلیب درآمده بقصد یکانهٔ شان که محو کردن واسیر ساختن اهل اسلام است کوشش میورزند ، وروز روز کامیاب هم میشوند ، پس چون اینچیزها را در زیر نظر آریم آیا چسان افسوس نکنیم بلکه خون نگریم که یکچند کارموی دینی وروت ، یا یك پارچه قماش کلاه قومیا وملتهای عظیمهٔ اسلامیه را از همدیگر شان متنفر ویزار سازد !

اساس وبنیاد همهٔ معتقدات ، وظائف وعبادات ، وحسنات وسیئات ، ودین مبین ما بر (ثبت) موقوفست ، حضرت رسول بر حق ، وپیغمبر صادق خالق مطلق (ثبت) امت را خبر از عمل فرموده ، وشیدن کلاه بیك دار را اگر ما بر مقصد نبوده به نصارا بر سر کنیم البته که مأخوذ ومعاتب خواهیم بود ولی اگر به تجربه برما ثابت شده باشد که در وقت جهاد بیك کلاه خدمت سر شمس را انجا آورده برای خویش نشان گرفتن خدمت میکند واگر دشمن بسوی شرقی باشد کاش آفتاب چشمان مارا از گرفتن نشان مانع آمده مقلویت مارا احتمال میدهد ، ومابه این ثبت آن کلاه را ازسر کنیم گناهکار میشویم که مستوجب عقاب نباشیم بلکه مستحق تقدیر وثواب شدن ما لازم آید ، دیگر اینکه آیا کدام کلاه را کلاه مسلمانی دانسته بسر کنیم تا لزوم لایلزم دارهیم ، وبواسطهٔ آن کلاه مسلمان خالص گفته شویم ؟ برادران عیالی ما (فس) نام کلاه ماهوت سرخ پوشك داری بسر میکنند ، آیا آن کلاه را بر کدام دلیل واسناد کلاه مسلمانی گفته میتوانیم ؟ قبایلی قره قل یاخود سیاهی که ما برادران ایرانی ما بسر میکنیم آیا قزاقهای روسی ، وعسکریها وکوهیها را از پوشیدن آن که منع کرده میتواند ؟

آمدیم بر مسئلهٔ عمامه : واقعا عمامه بسر بستن یك عمل مسنون نیست گماردان بلچیزی گفته نمیتوانیم ، اما آن عمامهٔ مسنون چسان عمامه بوده است ، وازعصر ها بایطرف کدام مسلمان بست موافق ومطابق عمامه بسر کرده است ؛ عمامهٔ زرکار وزرنگار دوکرهٔ که علمای برادران عیالی ما بر کلاه سرخ پوشك دار خودشان می بندند ، وباعمامه های پارچه بست کرفتاش سیاه وسفیدی کفار ایران وتلکه ما بسر می بندند کدام یك بست موافق است یا خصوص از لنگوهای تابیده پیچیده کاکها ، وبالنگوهای

(۱) موشکیو ازمشهورترین حکما ودانای فرانسه میباشد ، در سنهٔ ۱۶۸۹ درقریب شهر (جوده) کهازشهرهای مشهور فرانس است تولد ، ودر سنهٔ ۱۷۵۵ وفات یافته است ، درباب آئین وقانون دولت روما یك کتاب بسیارمفصلی ومکمل نوشته است ، بعد ازان یکدانه ، تحریرات ایرانیه ، یك ایرعیالی جمع وآورده کسب شهرت نموده است ، بعد ازان بعنوان روح القوانین یك کتاب بسیار مبسوطی تألیف کرده شهرت عالم بالا رسیده است ، تحریر وتقریرش خیلی مقنع ومدلل است .

ازریشمین ، وزری ، وبالتانهای برج مانده ، و پاچرانی کرده ملکهای خودمارا چسان بست تطبیق داده میتوانیم ! سبحان الله اگر یکبار دیگر انشای اسب تازی آن لنگوئه باز شده در پهای اسپها بچه درانوقت آنرا چسان جمع آورده خواهیم توانست؟ فرض کنیم که عمامه را بست سنه پیروی کرده بسر کردیم : دیگر لباسهای خود را چسان تطبیق داده خواهیم توانست ؛ صندوقهای ما از دریشهای دفرقم می کفد ازجای بیتوت ویك موزه بصدها زوج آنهارا می اندوزیم ، برفرشهای ابریشمین ، و پرقو میخوابیم ، بست ، بست وپنج رنك طعامهای جرب وشیرین میخوریم ، رشوت میگیریم ، یا میجپانیم ، در عمارتهای عالی اشپیمن میکنیم ، برای یك خطه هوا وهوس خود نهانرا نی بلکه بی فرضها را نیز پامال میتاپیم ، و هنوز چه چیز ها ، چه چیزها کفاریان آنها السارا جواب می آید !

واختصار مسلمانی را اگر در سر پوش ، ون پوش وزیرپوش جستجو کنیم بقدره ین هریك مسلمانی نخواهیم یافت ، مسلمانها چون عثمانیها ، واثنر دین قدسیت آیات آغاز نهاده در هر بلادی گردیده ازانها ایمان طلب کردند بکلاه ،

دلقت بچکار آید تسبیحو مرقع
درویش صفت باش کلاه تتری دار

هرگاه مسلمانی را در سر پوشی ون پوشی وزیرپوشی ودرپش وبروت جستجو کردن لازم آیدمیباید کفار سیصد ملیون نفوس اسلامی که ارقوام ومال غنائمهٔ درعالم پراکنده شده اند مجموعهای برگردهٔ دریکجا جمع آمده ، وبسالهای دراز قیل وقالها بعمل آورده آخرالامر باتفاق آرا یك چیزی قرار بدهند کهخلاف وجوشالهٔ اسلامی عبارت ازین است و ازهمان قرار بعمل آورده شود ، ولی هزار افسوس کهوقت اینگونه چیزها برای مسلمانان باقی نمانده ، وهمین فرو عات طفلی اسلامیها را از بسی چیز های اصلی محروم گذاشته است .

(موشکیو)[۱] نامادیبمشهورفرانسوی

ازژنیو یك ایرانی مینویسد :

درمزاج مردم پارس یك حس تجسس وپرسش بالی موجود است که بدرجهٔ جنون میرسد ، وقتیکه دریکجا آمدم بسوی من یك نظری میکنند که گویا یك مخلوق دیگری هستم که از مردمان زمین بلکه ازآسمان فرود آمده باشم ، زنان ، مردان ، پیران

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 639 of 1786

جوانان ، طفلان همه کی بآرزوی دیدن من جان میدادند ، وقتیکه برای گردش وتفاشا بیرون میرامدم هرکس برای تماشای من بهدرو روزن خانه‌های خود میدویدند . اگر یک طعام خانه ویا بانجهٔ ملی میرفتم عائلهٔ ازمردمان در اطراف خود یک دایرهٔ میدیدم ، زمرهٔ زنان فرنگ هزار رنگ بدورا دور من یکدیگر را فشرده یکی تشکیل میدادند . اگر بتیار میرفتم بصدها دوربین بسوی من دور خورده وتیاتر را ترک کرده مرا تماشا میکردند . زنان برچهره یکدیگر مرا نشان میدادند والحاصل در هر طرف که میرفتم یک هیجان غریبی را در غضب خود میدیدم که‌این سبب بخوبی میدانستم که درجهٔ من یکآدم دیده شدهٔ هیچ دیده نشده است . گاهی بعضی آدمها به من نزدیک شده و بچهرهٔ من نظر کرده یک بدیگر خود شان میفهمیدم که چنین میگفتند ، « اعتراف بایدکرد : تاویک سیای ایرانی !.... ازشنیدن اینگونه کلمات خندهام میآمد . بسیار عجب است تصویر های فوتوگرافی وقلمی خودرا بزور هرطرف میدیدم . درهمه دکانها ، وقهوه خانهها ، واوتلها خودرا میدیدم . مردمان برای اینکه مبادا مرا شکر سیر بخورند بمدیشه میافتادند .

امّا کرراست بگویم اینقدر اعتبار ، وبه اینقدرجه اشتهار برمن یکبارگرانی مینمود ، من هیچ گاه نداشتم که من بهاینقدرجه شایان تجسس ، وبهاین مرتبه نادیدهٔ یک آدمی باشم ، اگرچه درحق خودم خوشگوایم عالی بود ، ولی این یک خیال وخاطره نمیگذشت که من چنین یک آدمی باشم که درچنین شهر بزرگ اینقدر مردمرا ناآرام بسازم ، وفکر اینقدر مخلوقرا بخود مشغول کردانم . آخر بفکرم گذشت که مبادا اینهمه شهرت واعتبار من ازجامه وکلاه ایرانی من نباشد ؟ لهذا باخود گفتم کهباش یک تجربه کنم ، واین جامهٔ ایرانی را کنیده بینم که بازهم مردمان بروی من شایان حیرت وتفاشا یک چیزی میبینند یا نی ! بهجربه آغاز کردم : یکدست درشی مکمل اسباب عیش آخری آرادیر ، وکلاه فرنگی بسیار خوشنمای پرسر وعینک طلای قیطاندار چشم وجوب دستخطیی بدست کرده بهبازار برآمدم . این تجربه قیمت حقیقی واعتبار شخصی مرا بن شناخاند . بخوبی دانستم که مگر من هیچ قیمت وبهای نداشتم ، هرقیمت واعتباری که بود به آن قلنسوهبلند ، وآن ردنوطهای دراز ایرانی من بود ! . . . زیرا دریک آن دریک ماهیچی وفراموشی دهشتناکی در آمدم . درهان جمیعتی که مردمان همه بسوی من میدیدند ، وبن متوجه ومشغول میشدند داخل شده می‌نشستم . میدیدم که هیچکس روی من نظر هم نمیکند . لکن اگر ازقضا یکجمعیت خرد بعد که این آقای ایرانیست عائلهٔ مردم بسوی من میدیدند ولی هیچکس باور نکرده میشنیدم که یک بدیگر میگفتند : « وای ! این آقا مگر ایرانیست یرانی که این یک چیز خارق العاده میباشد ؟ آقا یک انسانیست آیا یک انسان چسان ایرانی میتواند شد ؟ »

﴿مکتوب از شیراز﴾

بحضرت الفاضل !

حضرت حق‌تعالی — بنان بیان شهارا از خدمت وطن پروری بی ندارد — چند سطری تحریر شد امیدوار لازم نداشت در کدام گوشهٔ اخبار معالی بازگذارند — باقی دوام بقای عمر وجاه اعلیحضرت جهانبانی پدرتاجدار اهالی را از درگاه حضرت باری خواهانم فقط .

بهترین مقالی که سرخیل کار وان فنون محاورات گفته میشود حدیکاله ایست جل‌شانه .

زبان درّدهن غنچه فکر اوست
سخن در طمع سجدهٔ ذکر اوست
سخن را زدل همچو آب روان
فرو ریزد از آبشار زبان
روان کرد از نور نظاره ها
ز در یاچهٔ دیده فواره ها

و خوشترین کلامی که بشادابی یادکرده میشود امت حضرت رسالت پناهی واصحاب اوست .

ره آورد آن شاه اقلیم جود
ندارم بکف تحفه جز درود

وشیرین ترنمی که بلند آوازه میشود دعای اولی الامریست که رواج کارزار حکمتش دایما در رعیت پروریست هما (اعلیحضرت سراج الملة والدین) است .

سراج شبستان نام آوری مه آسمان هنر پروری

ازان‌است که ازفیض توجهات ذات اشرف جهانبانی چراغ معالی بدست هرفردی ازافراد اهالی دادند — که اخبار آگاهی یار (سراج الاخبار افغانیه) است که از فوحفیف‌رقم حضرت فاضل‌جناب (محمودطرزی) صاحب در معرض انتشار میآید بسی تشریحات معالی را در بردارد —

ندیدم چنین مردبیدار هوش
فسون میدمد از زبانش بگوش
بدیده زدیدن رسد روشنی شنیدن کشاید در خرمنی
شود گوش کان گهرهای ناب
دهد چشم روشن بخورشید تاب

الحق که وجدان برین گواهی میدهد که خدمت‌قلمیه (سراج الاخبار افغانیه) بقوت یک عسکر بسیار پرزوری یاری میکند چنانچه ارباب معارف گفته‌اند .

قلمزن نگهدارد شمشیرزن نه‌مطرب که مردی‌باید زن

لهذا برحسب این‌مقال از درگاه حضرت ازدمتعال همه اهالی وطن را سخن‌وروظ آنور محبوطن ودوستدار عزوفن خواهانم وسلامتی ذات اشرف اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه‌بسیار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 640 of 1786

ذرهٔ رهم آثور مهربان خود مدارا که باعث ازدیاد واضافه اقبال همانستان است از درگاه حضرت باری بدوام اقبال روز افزون آمین آمین آمین

(یکی از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه)

م ـ ح

خ از ایت الغنوه مارکه به اداره رسیده

﴿ یک اثر لطف ورعایا پروری اعلیحضرت والا ﴾

اگرچه مراحم ملوکانه وعواطف خسروانهٔ اعلیحضرت شهریار عقدهما الله قدره زیاده ازان است که قلم شکسته رقم امثال ما اظهار آنرا کرده بتواند مکرر برای اخبری افراد وطن عزیز نوشته میشود که از برکات خرمان پروری اعلیحضرت یکی از اولاد وطن که سنش ۱۸ سال میباشد مدت ۴ سال در مدرسه حبیبیهٔ تعلیم یافته وبخرج دولت بی معاونت پدر وباقی افراد آن اجیر حوان تاکنون تعلیم یافته ودر مضمون فارسی بدرجه شاعری رسیده ودر عربی وانگریزی وغیره فنون حاضره درجه رشید را بکمال رسانیده استعداد خدمت علمی دولت خودرا تاحدی یافته است چون به سوء وهت استادان فارسی خود بخصوص جناب ندیم صاحب که از شعرای زردست وطن عزیز است طفل مذکور لیاقت خوب رسانیده است وقصیدهٔ را درمضمون ترغیب بدانش وتذکرهٔ وجود مسعود اعلیحضرت انشاء نموده ودرخدمت مدیر روشن ضمیر که اوقات عزیز شان وقف اشاعت دانش است تقدیم نمودند اگر پسند فرمایند درج صحایف جریده غرموده شود تاربانا

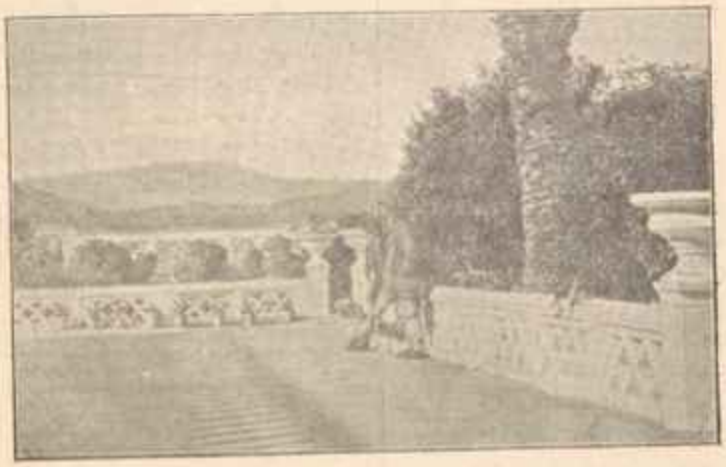

ازمناظر باغ شاهی جلال آباد

مصاحبان خاص اعلیحضرت همایونی عالیجاهان سردار محمداصف خان وسردار محمدیوسف خان مکالمه میکنند

پروری اعلیحضرت عین الیقین گردد ان طفلک خوش نغمهٔ کک پسر جناب ملا عبدالاحد آخندزادهٔ طیب قندهاری دافی زاویه نشین اعلیحضرت والامیباشد استادان او میخواهند کمیر چه بدش پیدا کند وبموی جان اورا بلوزند وطفل مذکور بزدوق چامه مذکور را دارد وغزلیان خط ونغار می گوید مگر دافی گان میخواهند که اولاد وطن به علم وفن متوجه باشند نه بشعر وسخن اینقصیدهٔ اوچون مطابق مذاق دافی گان بود تقدیم نمودند . (حقیر عبدالرب)

قصیده

امروز روزدانش و دوران دانش است
دست گداوشاه بدامان دانش است

از برق علم روشنی درجهان فتاد
هرسو که بنگرید چراغان دانش است

گردید غرب شرق زانوار علمها
این مهر زاقتاب درخشان دانش است

این ثروت و ترقی قوم فرنگ چین
از دولت سرهنرو زان دانش است

وین جمله مکتب ادبای پرهنر
ازفضل علم لطف فراوان دانش است

این دریاها و موتر طیاره و جهاز
ازفیض های بحدو بیان دانش است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 641 of 1786

لاجه موزیکه زسرعت معاونش
رقصت واختراع حکیمان دانش است
طیاره ساخت زرنگین حلقه بادرا
این‌ها همه زحکم سلیمان دانش است
رستم بروز جنگ چوزال نمایدش
این توپ خصم‌کوب‌زسامان دانش است
وین‌نیز روجهان که برآب آتشیست
ازسعی و اختراع ادیبان دانش است
وین تلغراف ها که‌بیک لحظه جای غرب
آرد بشرق کار زیادان دانش است
وین سازهای مختلف فونگراف ها
زایجاد های نغمه نوازان دانش است

وین‌روز نامه‌های پیاپی که دیدم
اخبار می‌دهد زدبستان دانش است
مانند شده زبس اخبار خوش بیان
گلها همه زفیض ادیبان دانش است
اما علی‌الخصوص درین روز نامها
بنگر ورق‌نامه روح خردجان‌دانش است
شاید که برجراید باغ بستان فخر
نازد که بوستان وگلستان دانش است
مصر معارفست ازانها بیان‌او
مطبوع طبع گل عزیزان دانش است
بادا چون‌صدق‌شنودش‌بگوش هوش
هرنکته‌ای که قطره‌باران دانش است

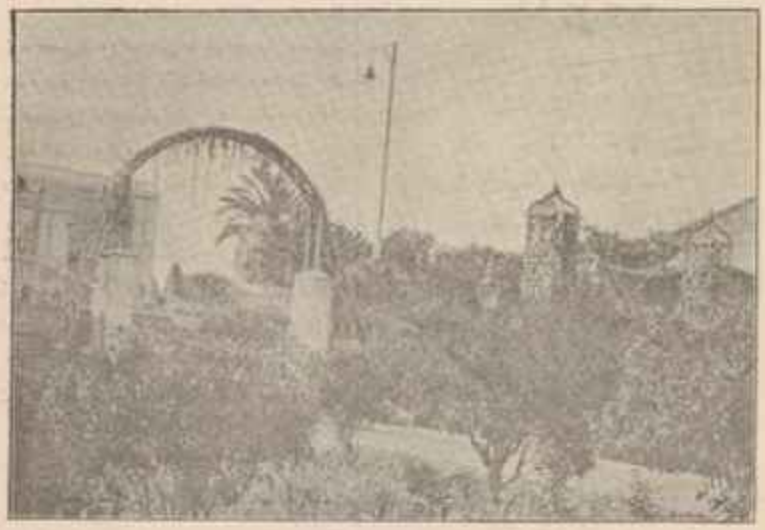

(ایضاً از مناظر باغ شاهی جلالی آباد)

افسان ازدوای ترق بانده کرده
شیرازه بیشرو ادبستان دانش است
دانده ملاحی که‌زرنگو گرانبها
حقا که این جریده تابان دانش است
گرین بصر بچشم سبک دید عیب نیست
منظورای نکته شناسان دانش است
شاهی که داده حکم بطبع این اثر
رویو روان‌فزو خرد جان‌دانش است
خورشید رای‌ظل خدا حضرت امیر
روشندلی که مهر درخشان دانش است

دریای فضل و مدح بلندست دست او
بحر سخاو جود گرم کان دانش است
گفت زدست وسیع او ظل سر بلند
عالی‌زشوکت قدمش شان دانش است
اوصاف خسروش بمام فگنده شور
دائم که بشنداوتات خوان دانش است
فرموده حکم طبع چنان روز نامهٔ
کرفضل‌و علم‌پوره دبستان دانش است
باقیست این‌جریده پرازسوسن سخن
وین آب ورنگش‌ازمه‌تابان دانش است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 642 of 1786

یعنی صدر او که سرچشمه عزو عقل
وز فضل و هوش دفتر و دیوان دانش است
روز و شب است دست گریبان وی سخن
بسیار کاردان و سخندان دانش است
بس کز ادای وصف چنین ذات از نوک
آید که بحر علم و خرد کان دانش است
دست دو یار یار که یاری صدام دار
این شاه خیرخواه که کیوان دانش است
(عبدالهادی)

(اخلاقیات)

(آداب حضرت پیغمبری)

(عیناً ترجمه از «کنزالحکم»)

پیامبر دیندان ما حضرت « محمد صلی الله علیه وسلم » ، ماقوق دایرهٔ امور مؤدب و موقر بودند ، به نهایت فصاحت و ملاحت تکلم میفرمودند ، ناضرورت نمی افتاد تکلم نمیفرمودند . از سخن گفتن یقائده به آخر درجه احتراز میفرمودند . کلام را بصورت بسیار نازکانه ابتدا ، وبطرز بسیار ملایمانه ختام میدادند . و به کلام بسیار کم مقصد بسیار افزونی را میفهمانیدند . آنقدر صاف و واضح تعبیرات استعمال میفرمودند که شنوندگان آن در فهمیدن و محافظه کردن آن مشکلات وزحمت نمیکشیدند .

خدیدن شان عبارت از یک تبسمی بود ، دوانیع را « برئیه » قصوا رسانیده بودند ، سخن هیچ کس را بریده سخن آغاز نمیفرمودند ، وچون بشخصی مصافحه میکردند تا او دست خود را نمیکشید دست مبارک شانرا نمیکشیدند ، هرقومی که ذات سالتباهی شانرا بطعام دعوت میکرد اجابت میفرمودند ، اگر خواهش طعام نمیداشتند تناول نمیفرمودند ، چون بطعام آغاز میفرمودند « بسم الله الرحمن الرحیم » گفته دست راست و باسه انگشت میخوردند ، وبعد از طعام از حمد وذکر هیچوقت فارغ نمیشدند ، احتیاج هیچ محتاج را رد نمیفرمودند مهم دیگرانرا بر مهم خودشان دایما تقدیم میفرمودند ، هیچوقت طالب انتقام نبودند ، در راه حق بذل وجود ، ودر امور دین تحدید حدود میفرمودند .

خوب را خوب میدانستند ، و به تقویت خوبی کوشش میفرمودند ، بدرا بد میدانستند ، واز آن خیلی احتراز میفرمودند . باخلق مدارا و تلطف نشان میدادند ، با امت خودشان بصورت متفقانه معامله میفرمودند . لسان مبارک را از فحش ، وقیحت ، وبهتان ودیگر خصایص محافظه میکردند . بزرگانرا محترم میشناختند ، واهل تقوارا تعظیم ، وکوچکان را دایما شایان مرحمت میدیدند ، سر هیچکس را فاش نمیکردند ، اهل تقصیررا سرزنش وخدمتکارانرا بشدت خطاب نمیفرمودند ، ویکجا با آنها طعام میخوردند .

شیرین زبان ، خنده رو ، دایم الفکر ، کثیرالحزن بودند ، حیا وشرم شان زیاده ، ورعایتشان به آداب مجلس فوق العاده بود ، بسیار وقتها سکوت میفرمودند ، ودرا کثر ایام روزه دار میبودند ، شب هارا بعبادت حق جل جلاله وروزها را به نصیحت خلق خلق بسر می آوردند ، چهارارا عبادت و به ادا کردن قرض مردگان همت میفرمودند ، بیکاری وعطالت را هیچ دوست نداشته ، حتی در خانهٔ معادت شان درامور خانه باهل بیت خود معاونت میفرمودند ، سخاوت مجسمه بودند ، از بخل ، حقد ، حسد ، حرص ، مکر ، عجب ، کبر ، ریا ، وسمعه کلیاً بری بودند .

صلی الله علیه وآله وسلم (از ترکی بفارسی ترجمه شده است)

ادبیات

(غزل)

(رشوت)

رشوت بود آن مانده ومیکروب مطلع
گردهشت آن لرزه یفتد به عوالم
رشوت چه بود زانی و آن مرتشیش کیست
تاحق کی حق گفته به این جرم مکالم
رشوت درم ودال چه جنسی وچه قدی
زانی بود آن کس که بادان شده بالم
شدمرتشی گیرندهٔ رشوت که کندزود
حق باطل وباطل کندت حق مطالم
از حق چه قدر فرق بود تاعدم حق
این است که رشوت دهد این علو بظالم
ظلم است بمعنای حقیقی همه رشوت
عدل است که از رشوت ظلم آمده سالم
(محمود) گذر از سخن رشوت منحوس
رشوت بسرانام ضلالست سلام (۱)

(غزل)

ای مسلمانان بود وقت مدد کاری هنوز
هست مارا یک پدیر فرصت یاری هنوز
چشم بیود است اگر مرهم نهید از اتفاق
نیست زخم رومیو ایران آنقدر کاری هنوز
چارهٔ این کار باید ساختن پیش از وقوع
نیست از پیر خدا چون وقت ناچاری هنوز

(۱) سلام جمع سلم است که بمعنی نرد بانهاست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 643 of 1786

چون زکان در خانه دوزد و شب ز غم خوردن بجسود
هست باری فرصت مردانه غمخواری هنوز
میتوان در فکر آزادی پرو بال زدن
نیست در دام کسی مارا گرفتاری هنوز
آبیاری میتوان کردن بکشت آرزو
ایقدر آب است درجوی توان جاری هنوز
خواب غفلت نیست لازم در چنین روز مصاف
وقت بیداریست یاران وقت بیداری هنوز
چند باید بود مست بادهٔ بیخبری
باشد ای ارباب غیرت وقت هشیاری هنوز
میتوان بیرون نمودن دست همت زآستین
یا برون نهاده از حد قوم بلغاری هنوز

کاش کردی کاشکی این دام وده یکیک نیده
گرچه شیر نر ندارد میل خونخواری هنوز
کافران بر کین ترکان بسته از هر سو کمر
این عزیزانرا چه باشد پیش ازین خواری هنوز
بی سبب کشته پیران بی گنه فرزندوزن
نیست در قوم نصاری مردم آزاری هنوز
سوختند ای وای در آتش مسلمانان بین
نیست در نصرانیان رسم ستمکاری هنوز
میتوان دادن بترکان دلبریها دوستان
بدلیها چیست باشد وقت یاری هنوز

«قصر پادشاهی»

«متصل مابین خانهٔ مبارکه دار السلطنه کابل»

با تباوردند کز ترکان پردل در مصاف
میکند بسیار اتوری جگر داری هنوز
قبلهٔ دین را نگهبانند ترکان این زمان
جان و مال و سر ازایشان صرفه میداری هنوز
قبلهٔ دین کعبهٔ اسلام از ما می رود
چند گوئی ای مسلمان حرف دینداری هنوز
غیر از غیرت دین مسلمانی مباش
چون بسوی قبلهٔ اسلام رو آری هنوز
کشته مستقی زخود بخود زخنجر کافران
ای مسلمانان چه باشد جای خود داری هنوز

دلخراشهای بسیار است گفتار مرا
من کمی گفتم کمی گفتم ز بسیاری هنوز
نیست پیدا بر عزیزان جا گهای سینه ام
نیست خون از زخم پنهان هم جاری هنوز

(شعر)

زادهٔ طبع بندهٔ ناچیز میرزا محمد عزیز کاتب ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه که بطریق مناجات از درگاه قاضی الحاجات در حق برادران دین وملت خود دعا کرده

الهی مرهمی نه این وجود خستهٔ مارا
بفضل خویشتن بگذا خطود بستهٔ مارا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 644 of 1786

کجائید ای آخر زمان یارب تو امدادی
طوفان بلا غرقاب کن قوم اشرار را
زهد بگذشت ظلم قوم بکاری و ایطال
بامداد مسلمانان رسان یارب مسیحا را
چه طالعی کو کرده این کروه بیمار یارب
بجنبانند که این گران جوانبند و زفردا را
لباس بیحالی را به بر کردند این غولان
نموده پشتهٔ خود کنار و تاراج و یغما را
بیائید ای مسلمانان که دستی اتفاقی را
بهم بدهیم بفداریم قوم بی سر و پا را
ندارند این کروه بیروت از خدا ترسی
بکشیم و افترا بندند باخود دین عیسی را
کجائید حضرت عیسی که تا این قوم ملعون را
زند گردن کنند بیرون بگیرد روی دنیا را
کجائید احمد مرسل خدایا زود امدادی
رسان یارب تو سرمارو شفیع روز عقبی را
مجانیک در جنگ اند با بفداریان دد
خداوندا تو جی ده تو آن مردان مولا را
الهی باد طوفانی رسان بر کشتی بفدار
بگیرد باد و جودان خیابان روی دریا را
عزیز از سوزدت بادر گهی حق التجا یکی
کای یارب خیر خود بیه کن روی امدادرا

غزل مذهب

(کامرانیست حب دین ووطن)
(زنده کانیست حب دین و وطن)
(در طریقت زمین و زمان)
(جاودانیست حب دین و وطن)
(کور به سکته خوان لایطل)
(کدورانیست حب دین و وطن)
(بنگر امروز در خور فردا)
(بیوفا نیست حب دین و وطن)
(زنهار از غم دوران مگذر)
(شادمانیست حب دین و وطن)
(گویت عزت دو عالم را)
(چه نشانیست حب دین و وطن)
(من به اینها نموده ام تضمین)
(نه نهانیست حب دین و وطن)
(منانی را به نقد جان بیذیر)
(رایگان نیست حب دین و وطن)
(شکر باید نمودت شب و روز)
(میر بانیست حب دین و وطن)
(گرچه رفته هزار و سه صدوسی)
(الف ثانیست حب دین و وطن)
(پست همت محکرده (منذب)
(آسمانیست حب دین و وطن)

فاجعه های پاریس

(ما بعد از شماره (۱۵) سال دوم)

بکمال یأس وحسرت بحال مرگ خود تو ده و دهانش یک مرتبه بواسیه دریش دروازهٔ خانهٔ باغ وبیو نیز توقف ورزیده بود . مادام آنفو که بحسب وعده از حجرهٔ خانهٔ خود بیرون را بانتظار دیده بانی داشت دید که اولتاز مرتبه موسیو که پیش از یکروز باو ملاقات کرده بود رامد . ودست بکنزن حوالی را کرفته بیرون رامدن از مرتبه معاونت کرد وبعد ازان هردوی شان درخانه درامدند . ویك آدم دیکری را نیز دیدکه در پشت مرتبه خود راپنهان چسبانیده بود وبمجردیکه مرتبه توقف نمود بکمال سرعت فرو آمده به آنطرف دیکر کرخت . بنا برین دایه خدمتکار وشاکرد خودرا آواز داده کفت :

— دورونه ! چلك روشمعهای شمعدان رابیفروز و آتش بخاری یکچند چوب دیکر بیندار ، مهمانان ما آمدند .

مادام آنفو بعد ازانکه این امررا عطاوه برای روشن ساختن زینه یك لامپی بدست کرفته از اوطاق برامد که درین اثنا باین مکالمهٔ موسیو ومادامیکه درزینه بالا میشدند فرصت شنیدن یافت :

مادام — امان یارب ! مرا بچه سان جایها آور دی (رو بر) ۱۰۰۰ میترسم .

موسیو — مترس ، مشرع بانی عزیزمام (هاریت) اکرچه اینجا لایق آمدن نمیست اما چه چاره که از هرجا زیاده زور اینجا عاطفه ونکهبا نیت تمکن میشود از انسبب به آمدن دراینجا مجبور شدم

دایه چون اینسخنان شارا شنید کفت :

— بیائید محترم مادام ! بالا بیائید ، در حقیقان پدرجهٔ فرا ایچه‌ها حسن معامله میشود ، بیرون هوا سرد است حالانکه اطاق کوچکی اقامتکاه شما تخصیص شده بسیار خوب کرم شده ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 645 of 1786

سخنان هر رقم

(قیمت بوسه فروشی)

ازان گمان نکنید ! ... قیمت بوسه بسیار بالا شده است علی‌الخصوص در امریکا درین اواخر قیمت این حرکتی که ازبوش آمدن دولب بریک دیگر تشکیل یافته ونام آنرا (بوسه) نهاده‌اند وشاعرها درانباب طوفانها کرده‌اند به‌چهار پنجهزار دولار رسیده است . اما چه‌بینید که‌چسان ؟!

دوسه‌سال پیش‌ازین درشهر نیویارک امریکا ازطرف یک‌جمعیت خیرات ومبرات بلندپایهٔ تیاتر ترتیب میشود که‌هرقدر وجهی که ازان تیاتر حاصل شود فقرا و محتاجین تقسیم گردد . بواسطهٔ این‌بازی پیسهٔ بسیاری جمع می‌آید ولی یکی از (آکترس) ها یعنی‌زنان رقاصهٔ‌تیاتر — کمور حسن‌وجمال ورعنایی‌وجوانی تازه بودرای افزون حاصلات ، وحاصل کردن ثواب در راه خیرات ومبرات یک‌جاذبهٔ‌دیگری می‌اندیشد.وهنوز به‌اجرا کردن این تصور خودآغاز میکند ، ویک اعلان بوسه فروشی خودرا ترتیب داده ، وقیمت بوسهٔ خودرا برای هر صنف اشخاص جدا نوشته دربازیگاه می‌آویزد که‌آن ازینقرار است :

ازکسانیکه‌تا ۱۹ سالگی داشته باشند برای یک‌بوسه (۶ پنس) گرفته میشود .

از ۱۹ ساله تا ۲۵ ساله (۱ شلین)
از شاگردان دار الفنون (۳ شلین)
از ۳۵ ساله تا ۴۰ ساله (٤ شلین)
از مردان زیر خورده سال (٥ شلین)
از رئیسهای تیاتر ها (۸ شلین)
از ملیونرها یعنی کروریی ها (۳۰ شلین)
از آنهارها یعنی‌مردان بازیگرتیاتر (۶ شلین)
به اخبار والا ها (مفت ورایگان)

این آکترس نو جوان باحسن وآن پیجردی که این اعلان بوسه فروشی‌را می آویزد در میان چارپنج ساعت یکه‌ئی جمع ومیزان حاصلات جمع‌آمدگی قیمت‌بوسهٔ آن‌نازنین به‌چهار پنجهزار دولار میرسد . مبلغ مذکوررا بتمامها خود جناب بوسه فروش دردسیال خود انداخته بعبارهٔ تقسیم کردن امتهٔ فقرا ومحتاجین شهر نیویارک برده تسلیم میکند . ولی چون ازطرفدیگر جمعیتهای خیراتیومبراتیها میرسدازطرف آنهانیزجناب آکترس بوسه‌فروش رجامه‌ها تقدیم میشود که برای آنها از همچین یک بازار بوسه فروشی‌را بازنماید .

آیا خبرهٔ جناب آکترس بشارت‌داده است ... راج‌الاخبارافغانیه

درانجا ازسه‌چارساعت مهمانها آتش افروخته شده .

زنی که آمدنی بود به امتحان مادام مقابله نکرده تنها برلزوی موسیوی که (رور) اورا نام کرده بود تکیه‌زده پزیه بالارامد . ورهبری مادام آلفو داخل آماده‌شده ودریش‌نظری نشسته خادم‌پهای نازك ولطیف خودرا به آتش به گرم کردن آغاز نهاد .

روی زن پاك دسمال نقاب کاغذی مستور بود . اما خواهی که در برداشت اگر چه شکم داری زرا ازنظر نواقفان این‌ان پنهان میداشت ولی مادمادام آلفو یك کاربکر این کار یکنظر دانست که زن هر شکم داراست وهر آخر ترین‌ماه شکم داریش هست . اما مادام آلفو ازین‌هرچه تعجب اظهار کنان زن از جمال زیبای وجود دار نبود مدتی بی بلکه نازك بنه ورزه پزه یك رنگیست . لهذا ازین پرسید که :

— آیا به ابتدم مادام‌چیزی زحمت کشیده اید ؟

زن اگرچه‌جواب نداد ، ولی‌موسیو گفت :

— زیاد کمی پیشتر که در خانه می آمدیم بسیار درد واضطراب کشید حتی بدرجه‌ٔ رسید که‌ترسیدیم مبادا درخانه بزاید .

مادام آلفو — حالاتمام میدان کرده سوالهای مرا بدرستی جواب بدهید تادام کاوقت زائیدن زیادست باشد ؟

مادام جامه — اگرچه جوابدادن سوالهای شما آسانست ولی درپیش رو رگمان آن‌میشود ، رجامیکنم رور ! یك کمی‌بردن برانید وما را تنها بگذارید .

رور به این امر اطاعت کرده بیرون برآمد - اما در وقت برآمدن شانه های خودرا بوضع تحقیر آمیزی ازبالا کردن فرودارد‌یکه یك‌چشم ازیرچی معنای عدد وحیات را ازان آشکار میخواهد .

زن جامه کهنه‌ئی ازبدن‌مرد (هاریت) شنیده‌شد چون بادایه نهاده دسمال نقاب خودرا برداشته بسوالهای دایه جوابدادن گرفت .

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 646 of 1786

ناموران نامدار جهان

(تابعه از شماره ۱۵ سال دوم)

کن همدم رکنی هلکه وسط المحه
سید القوم الکمال جانب کار توسط طلع
جمعت کار علیهم دارهم کا تضمحه

یعنی :- کن که درمیان شهر هلاک گردید رکن خاندان مرا نگذاشت . کن سید قبیله قسم بود . مرکن بصورت یک آتش سوزانی درمیان یک ازدحام مظلمی دورسید . وبآن آتش عذاب دار وبارشان متصل گردید .

اسلافی عرب در اول حروف کتابت عربیه را بعدد حروف همین شاهان مدین وضع وترتیب نموده بودند . وبعد از بسیار زمانها (نحشه) و (سطع) را نیز پیدا کرده بآنها ضم وزیاده ساخته حروف الفبارا کامل نمودند که حروف نحشه وسطع در اصطلاح عرب ادب حروف (زوائد) ازین سبب گفته شده است .

اخت حاذوق :- عشیرهٔ حاذوقی عرب میباشد که در نظم اشعار مهارت بخصوصی دارند . مضامین بسیار غریبه در شعرهایش دیده شده است که این یک بیت ازو مذکور است :

اقلب فی الفواش لاالتی احراقاوجنی کالجمار من الاطر

درین بیت جذم خودرا بچوب کلیه داده که در دریای اشک جولان دارد . الخ که مضمون بدیعی تصرف میشود .

اخت القصص الباهلیه :- عشیرهٔ قصص نام مردیست که از قبیلهٔ باهلهٔ عرب بود . ودر هنگام حکومت حضرت (عثمان بن عفان) رضی الله عنه بدست جماعت (بوداد) بقتل رسیده است . یک دختر شاعره بنام او یادگار بود که این دو بیت از مرثیه ایست که در حق برادر خود گفته است :

یطول بی یالیب علیک شمس النهار وانی لمحتاب
و مرحمدت العیون رأته وان لم تسیل دامل الرقیب

درین اول از درازی آن روزی که در (قلیب) تلو موقع بخت راهد که دران روز از غمبسیار چنان گمان میکرد که هیچ شب نخواهد شد . درین دوم به برادر خود خطاب کرده میگوید که تو همان بهادری که هر هر کجا درمیان مردمان یاد میشود که آیا بازهم مردمیدان وغا خواهد بود ؟

ارجند بانو بیگم :- درقاموس الاعلام نوشته است که ارجند بانو بیگم نام اصل زوجه (شاه جهان) پادشاه است که دختر وزیر آصف خان بود . درسنه ۱۰۰۰ هجری تولد یافته و درسنه ۱۰۴۱

باقی دارد

علم ثروت ملل

(تابعه از شماره (۱۵) سال دوم)

بیجاست بتوضیح تصور نمائیم : چای آرا درچین میپاچ که آرا درواورها بنی گنابای بخاری دار کرده به پی ، وبالک ی آورند . وازانجا دربلها الداخته باه پشاور میرسانند وازانجا برتنزها وبوجهاز کرده بکابل می آورند . فنجان آرا که میداند که ازخاک وفاریک کدام ملکها . وقدر آنرا ازامریکا واوروپا بچقدر عملها وسعیها وتقل کردنها تاجکان سهاوارچی رسیده است کها کرخارج ومصارف آرا باسعیها وکوششهای میلیونها نفوس که درراه استحصال آنها خرج رفته حساب کنیم حیران میاپم که برای دوپیاله چه چیزها درمیان میشود . این عملیات گوناگون هریک درجدا جدا ملکهای دوردست اجرا شده است . پس میبینیم که برای یک فنجان چای که مادریک دکان سهاوارچی کابل مینوشیم اقوام مختلفهٔ آسیا وامریکا واوروپا وغیره جهة کوشش ورزیده اند . وبیاروغدهٔ تقسیم اعمال بعضی زراعت . وبعضی به فاریک . وبعضی بکشتی سازی وغیره وغیره کار کرده اند تاوشیدن آن یک پیاله چای مارا میسر شده است .

هیچ یکی ازقواعد کلیه نیست که ازعهدور . ومضرت سازنده واوالهگیری واندازش برازنده باشد . این است که قاعدهٔ تقسیم اعمال بزارفرار دل اندازیهارا مظهر شمرده است ؛ بعضی میگویند که اصول تقسیم اعمال قوة استحصالیهٔ اشخاص را گویند وحدود میباشد . بعبارت شخص که قوت واستعداد حاصل کردن بسیار کارهارا داشته باشد . وشاخهٔ تقسیم اعمال کند نهایت نوع وبارا درنظر داشت کرده باندازه که مایلی میشود کمتر ازان کار درجریح کاری اشخاص نمی آید . وبیرون ازان کار محروم شده نمیتواند که ملکه ومهارت پیدا کند . معلوم شده موجب مضرورت ورنجاش میشود . مثلاً آنکه درخانه کهپاکی کاراز اهمیت بسیار زیاد میباشد . باز هر یک دهقان مادل را می بینم که خودرا خودش باقی دارد

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وروسکی — پاشتو وغیره برای تعلیم اطفال طرفین میرسد . الاشتهار
(بالکرش داری سرمحرر ، مدیر اهل هنود غیر ه)
دفتر اژدکان

همه مقاله هائیکه مربوط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یابد

محمود طرزی

در چاپخانهٔ حرفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 647 of 1786

﴿ کتب دارالتالیف بیت العلوم حربیه ﴾

نمره	اسم کتاب	قیمت	کیفیت
۱	رساله اول دینیات	یکعباسی	درین رسایل مسایل عقاید واحکام دینیه بعبارت آسان وروشن نوشته شده واز کتب معتبره علمای اهل سنت وجماعت وخصه شریف انتخاب شده است
۲	رساله دوم دینیات	پنج شاهی	
۳	رساله سوم دینیات	یکقران	
٤	سراج العقاید حصه اول	سه شاهی	
٥	سراج الفقه حصه اول	دوعباسی	مسایل فقهیه واحادیث اخلاقیه برای درجه وسطیه بزبان عربی نوشته شده
٦	سراج الفقه حصه دوم	ده شاهی	
۷	سراج السیر احوالات حضرت سیدالسادات	یکروپیه	حالات حضرت رسول مقبول ازولادت تاوفات بطرز اجمال از کتب سیر واخبار انتخاب شده
۸	رساله علم طبیعیات	چهارعباسی	مقدمات ابتدائی طبقهٔ طبیعیات از انگریزی ترجمه شده واصطلاحات عربی نوشته شده است
۹	سراج حساب حصهٔ اول	دوروپیه	برای تعلیم حساب درجهٔ متوسطه از کتب معتبرهٔ انگریزی ترجمه شده وبه اوزان وسکه جات اهالیان ملک مسایل شده است
۱۰	تحریر اقلیدس فارسی اول ودوم	روپیه	قرار قواعد جدید از اقلیدس انگریزی ترجمه وانتخاب شده وسوالات
۱۱	ایضاً سوم وچهارم	دوروپیه	مربوطه علیحده بآن الحاق یافته
۱۲	مرآة الارض مختصر جغرافیه دنیا	یکروپیه	مختصر جغرافیه دنیا میباشد
۱۳	احسن القواعد (صرف ونحو فارسی)	یکروپیه	قواعد صرف ونحو فارسی میباشد
۱٤	قاعدهٔ فارسی بطرز جدید (برای اطفال)	یک ستار	الفبای مخصوص زبان فارسی میباشد
۱٥	رساله ضرب زائی (برای تعلیم ابتدای حساب)	پنج پیسه	برای تعلیم حساب درجهٔ ابتدیه تالیف شده
۱٦	کتاب اول فارسی	یکعباسی	ضروریات اخلاق وعبادات حسنهٔ مفیدهٔ اطفال از کتب معتبره انتخاب شده
۱۷	کتاب دوم فارسی	پنج شاهی	
۱۸	کتاب سوم فارسی	دوعباسی	

المشهر یکی ازاعضای دارالتالیف بیت العلوم حربیه (حفیر عبدالرب)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 648 of 1786

سیاحت بر دور اطراف کرهٔ زمین

سطر پهنا ۱۰ سانتی

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرین است که خواندنی میشود. و هم می تواند معلم مکتب ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بابتی جلد قیمت (۲) دو روپیه کابلی خریداری میرسد.

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیاچه باید کرد؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجودیست. آنرا وکسیکه کابل خریداری کرده میتواند

قیمت هر (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی، وصاحبکاران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند، وهابیگر هرقسم اعلان وانتشار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار اندر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر اندر کردن خواهد فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در آخر ورق وبعد درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۲ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر اندر کردن خواهد فی سطر ۳ شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 649 of 1786

شماره ۱۱ سال دوم

فهرست مندرجات

حوادث داخله — دربار معالی‌مدار روم به شنبه ۲۹ جمادی‌الاول سنه ۱۳۳۶ محتوی بر سخنان علمی وفنی وفواید صنایع وماشین خانهٔ اسلحه سازی کابل ومعارف جنوب سوخت وبنیاد نهادن فابریک الکتریک در موقع جبل‌السراج وازادهٔ سفر خرت از اعلیحضرت هایونی در غزنین وبنیاد شهر جدید وملاحظهٔ بند سراج — مراسم امر مسنون نکاح ذات قطعات بناهی حضرت نائب‌السلطنه صاحب در جلال آباد — مراسم تاجذاری حضرت صاحبهٔ مکرمهٔ علیه محترمهٔ ات توکت سیات اعلیحضرت هایونی بجناب شجاعت نشان رتبهٔ محمد یونس خان — کابل افسری قندهار ترفیع منصب — زلزله —

مکتوب از مصر — کیفیت تشریف فرمایی حضرت صاحب چهاردانگ جلال آباد بمصر وحرکت کودن شان بمدینهٔ شریف ومژده رسانی مبارکبادی دادنی شهزادگان جوان بخت جناب معین‌السلطنه صاحب وجناب عین‌الدوله صاحب بجناب مدیر سراج‌الاخبار افغانیه

حوادث خارجه — احوال سیاسی — آسیا باید از آسیائیان باشد — چهره نما از ایران وبلجان دول آسیا — افغانستان وبریتانیا — خلاصهٔ اخبار ملل — تحریک مبارک الحسن خدام‌کعبه از اخبار زمین دار — طرق رفت امرا اعلیحضرت هایونی — مکتوب دا کتر انصاری سر کرده وضمنی هذا از اخبار کامریج — جنگ بلقان — تحریر وزیر خارجهٔ جرمنی رسمتهٔ سفوطری — حوش آمدنا — یک شکایت واهیه از سراج‌الاخبار افغانیه —

مقاله مخصوصه — فن زمدوزی — یمی طبقات الارض

ادبیات — (مکنوشش

کامیران زکان جهان

علم ثروت ملل

فاجعه های فارس

بد آموزی

اعلان

تصاویر — (یک تشبث فی سراج‌الاخبار افغانیه

ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج‌الملة والدین پادشاه باوقار کوهکن درکوه پشکوه بغمان از ارتفاع دهزار فوت مناظر طبیعت را تماشا میفرمایند — ازمنظر جشن عروسی حضرت معین‌السلطنه صاحب درجن حضوری یک رولی وشکوه عدیم‌الامثال بادوات بسیار بزرگ — یک بنای اعلیحضرت مرحوم دوایر اطور سابق ژاپان — اقتباس از هدایت الزراعه ایران — معاینه تفنگهای مزالوزر هادر ماشین خانه دارالسلطنه کابل — منظره تعمیرات پل سراج بغمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 650 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وترکت افغانستان بسایهٔ هیومات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس میرمان مأوی در دارالسلطنهٔ عروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلک این نامهٔ گرامی داری وآگاهی اهل وطن مقدس‌ماست براحوال ملل ، وحب دولت و وطن ، وتوجه بسوی علم وفن ، دینی ، سیاسی ، ادبی ، اجتماعی ، فی یک اخبار فواید نکاریست که در صفحه های ممدود ، فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطنی عزیز مقدس‌شان شمرده میشود میباید که یک توجه جدی ویک همت مطالعهٔ باخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره ، درباب اشتراک مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته ، وبرای خوبی مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فدا کاریهای بسیاری بکار برده . وتجارت را اکثر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی در غره ویازدهم هرماه نمبر دیشودامیدست که درآینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هرقدر که تعداد مشترکین کرام ، ورغبت خواستگان عظام بیفزاید ، البته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۲ دوازده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپ یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار وآگاهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درغزنی جناب حاجی غلام نبی خان مامور فروش پوست قره قل . دولت گرامی که درممالک خارج افغانستان آزروی اشتراک اخبار دارد باید بشعبه پیر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراک را بفرستد واز طرف وکیل ما به اداره اطلاع برسد از هماوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کابلی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 651 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۷)

مدیر و مسئول محرر

محمود طرزی

ادارهٔ محل و مطبعه

در مقابل دار السلطنه (کابل)
هر نوع امورات تحریریه یادارهٔ مربوطه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن درکابل یکعباسی است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

ترکی زبان

ایالت کابل مدیریت اول

علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۶ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با ضمائمش دائر ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با ضمائمش دائر ۱۰ روپیه انگلیزی
هر هفته روز یکشنبه نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۲ مئی تاریخ شمسی یکم جوزا ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه ودیگر مقالات مفیده درج میشود

(طوبت ایلان طوبت)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 652 of 1786

عدالت پرورهای اعلیحضرت همایونی

(عدالت) ، چه کلمهٔ مقدس ! مراتقدر حکمه در تعریف و توصیف آن سخن گفته شود بازهم سخن ناتمام میماند . از وقتیکه دنیا خلق شده ، و هراقدر علما ، و حکمائی که بدنیا آمده همهٔ شان درین باب به جلدها کتابها نوشته و بخروار ها سیاهیها صرف کرده اند ، لکن هیهات ! نه آرا بحق آن تعریف کرده توانسته و نه توصیف آرا به اتمام رسانیده توانسته لاجرم این محرر عاجز باوجوداین همه بی بضاعتی در یک مقاله مختصره چسان درباب تعریف و توصیف آن جامه جنان جرأت شده خواهد توانست ؟

آنای که بهزارها از نفوس بنی بشر را بزنجیرها بسته عراجهای خود شان را بردوش شان کشیدند نیز ازعدل و حق بحث را ندند (۱) ! آنای که به لگدها بنی نوع انسانی را قتل عام کردند بازهم عدل وحق گفته (۲) ! آنای که بمی زنان مرد آرا در آتش انداخته خاکستر ساخته بازهم ازعدل وحق دم زدند (۳) ! آنای که هزار ها نوع اشکنجه ها و عذابها برای تعذیبات انسانی اختراع کرده مالی را به آن عوساخته بازهم آرانام حق وصواب نهادند (٤) ! آنای که ملیونها نفوس را اسیر ساخته از حقوق آزادی شان محروم کردند بازهم زمزمهٔ عدل و انصاف سرودند (٥) !

یک دراوج عزت ، یکی درحضیض مذلت ، یکی مالتحلیارها ثروت یکی سرگردان ، یک لقمه نان معیشت ، یکی مشغول هوا وهوسات ، یکی محکوم تازیانهٔ جفا وتعدیات ، یکی مستغرق لذات ونعمات ، یکی مجبور احتمال آن سفاهات ، یکی درکاخش یکی درکاهن ، یکی در کازار ، یکی دربیکار ! همه عدل ، همه داد ، همه حق همه انصاف ! ... بغیر ازین چه گفته شود ، بجز همین چه نوشته شود ! ... حالا ازین کونه حکایات بحر الطول ، وازچنین حکیات معجز النحول صرف نظر نموده از قسمیت ، وعظمت (عدالت) چیزی بنگاریم :

عدل ، داد ، حق ، انصاف ، خوبی ، نیکوئی ، احسان ، شرع ، قانون همه کی عبارت از اصلاح ودرستی بنی بشر است . عدل ، عبارت ازیک حالویک نظامیست کهزهگان جمعیت انسانیرا دریک قوام وانتظام تمامی دراورده شیرازه جمعیت بشریه را ازبی انتظامی ضرر وضرر وقایه ومحافظه مینماید ، و انسانها را درعقب خیرها ونکوئی ها میدواند ، عدل برابریست که ظلم ضد آنست ظلم چیزیست که براری دران نباشد ، و هر چیزیکه در غیر موضع آن وضع شود ظلم گفته میشود ، عدل خیر و احسان است ، ظلم ضرر وخسران ظلم بارکیج است که هیچوقت بزلل نمیرسد ، عدل همان بارست که هردو طرف آن برابر باشد که بکمال آسانی بمنزل میرسد .

شاهین ترازوی عدالت هرملت وجمعیت بادشاه آن ملت وجمعیت است ، چنانچه ترازو بدون شاهین آن از نشان دادن برابری وزنها عاجزاست همچنان ملتها وجمعیتها علی الخصوص ملتها وجامعهای اسلامیه بدون وجود بادشاه از عدالت محروم میماند .

مار است وقت تکر ونا پیش کرد کار
یکبار نی هزار بصدها هزار بار
خلاق ذواجلال خاتم عاجود

یک بادشاه عادل باوقیض وعدل وجود
روز جلوس او بسر تخت سلطنت
شد روز اول شرف وبخت ملکت

الحق که شرف ، سعادت ، عدالت ، ترقی تعالی بملت افغان وملکت افغانستان از روز فیروز جلوس میامن مأنوس ذات قدسیت صفات بادشاه با دانش ودین ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) آغاز نموده است ، ازان روز فیروز سعادت اندوزا بواب مرحمت و احسان ، وشیراه عدالت و عرفان روی ملک و ملت افغان باز گردید که باعضی ازان عدالت پرورها را درین شمارهٔ خود سرلوحهٔ افتخار مینائیم :

اولاازین رامرض کنیم که زمان سعد اقتران اعلیحضرت پادشاه بزرگ ذی شوکت و شان خاقان جنت مکان اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان) رحمة الله علیه بچنان یک وقت پرشورش واختلاق تصادف نموده بود که اعالی افغانستان سرا سرار دایرهٔ نظم و نسق بیرون رانده ، و همهٔ مملکت در یک هرج و مرج طغیان مرکشی عشیری در آمده بود اقوام وقبائل مختلفهٔ افغانستان بانواع خودسریهاوبی لجامیها عادت کرده درهرهرطرف غائی ها ، و درهریک هاخود مختار امهٔ تشکیل یافته بود که تاوقت آوردن آنهارا درزیر دایرهٔ قانون و نظام ، وانقیاد واطاعت تمام به استعمال شدت وحدت ضرور شدند ، وتعجازات بسیار شدیدهٔ گوناگونی ، ارکنان وباینان وما عیارا برجادهٔ راستی واستقامت راه آور دند ، وبه اینصورت رفته رفته چنان یک امن وامانی ، و چنان یک آسایش تمامی در ملک شاهانهٔ شان قایم فرمودند که درهیچ طرف نابهزد ورهزن وباغی وعاصی راکسی نمی شنید .

وفا که ذات مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه عدالت آگاهی (سراج الملت والدین حضرت امیر حبیب الله خان) اجداهالله بالنصر الی یوم الدین تخت نشین ساحت سنیهٔ افغانستانرا بوجود قدسیت آلود معدلت توده همایونی شاهانه شرف اندوز عزو مباهات فرمودند ابواب رحمت وعدالت را بازفرموده وتحمل جلال را بجمال تبدیل داده عدل ، رحم ، عفو ، کرم ، رأفت ، شفقت را پیش نهاد مسلک همایونی فرمودند .

(۱) فرعونهای مصر ویزانسیها وغیره (۲) آتیلاها چنگیز ها هلاکو ها کیورها تمارها وغیره (۳) بادشاهان یهود ورومانیها (٤) انگلیسها - (٥) انگلیزها وروسیا وغیره .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 653 of 1786

عفو عمومی را اعلان فرموده بسیها بابك های که از خاك پاك وطن بادیه پای غربت پرخی بودند باز به نعمت مراجعت وطن نایل وسزاوار ، وآسوده نشین امن وامان خاك پاك فیوضات آثار گردیدند . وعلاوتاً که مظهر عنوشاهانه شده درجرایم سابقهٔشان رقم عفو کشیده شد باملاك وعقار وتعلوه نیز سرافراز شدند .

درابتدای جلوس میامن مأنوس همایون مبلغ خطیری ازنقدیات مالیات سنوات گذشته رزمهٔ رعایای صادقهٔ شاهانه بافهانده بود . ذات اعلیحضرت همایونی شان از کمال عدالت ومرحمت پروری که درقلب سلیم بعدالت مستقیم شاهانهٔ شان درحق تبعه وزیر دستان صداقت وعطوفت نشان همایونی شان داشتند همهٔ آن باقیات مالیاترا بخشیدند . وبه اینصورت یك رفاهیت ، وثروت وسعادت عمومی برملت عاطفرموده کمال عدل واحسان ، وتمام جودوکرم بادشاهی را نمایان فرمودند .

بعضی عواید وقواعد برکلفت ، وسراسر بدعتی که دراهالی مرعی الاجرا بود وازآنرو بسی خسارتها وزیانهای کلی برانها وارد وباید میگردید ، وبسیی که از قدیم الایام عرف وعادت شده بود هیچ کس خودرا ازان رهایی داده نمیتوانست : مثلا مهروکابین عروسها آنقدر بالارفته ، ومافوق الطاقه گذاشته میشد که باسارا حیرت دست میداد ، وازامر ازدواج انسان را بزار میساخت ، وبیز مراسم قاعه خوانی ، ومرده داری بدرجهٔ پرکلفت ومخارج بود که غیر ندارك اسباب ضیافتهای متکلف آن ازغم مرگ مرده بارها افزونتر بود . لهذا ذات اعلیحضرت بادشاه مراحم اکتناه معظم ما این تحسان وزیان اهالی را درزیر نظر دقت کرده قوانین منتظمی دربباب وضع فرمودند ، وآن عواید را بدرجهٔ حدمعینی محدود نمودند .

غیرازینها بسی مرحمتها وعدالت پروریهای اجرا فرموده اند که زبان از تعداد آن ناجزاست . علی الخصوص لغو اسارت — بعنی منع فرمودن خرید ، وفروخت غلام وکنیز — که یکی از بدعتهای بسیار ناگواری درعالم انسانیت شمرده میشد . آیا نوع انسان که اشرف مخلوقات است چنان مانند دواب وموانی خرید وفروخت خواهد شد ؟

وضع نمودن قواعد استنطاق ، ومنع فرمودن انتکنجه وعذاب زیرا یکی از عدالت پروریهای عظیم عصر عدالت حصر اعلیحضرت سرایالله والدین است . اززمانهای بسیارقدیمی درافغانستان برای اقرار مجرمین انواع انتکنجه ها وعذابها مانند فلکه ، وروغن داغ وغیره چیزهای که یادآن موهای انسانرا برمیخزاند جاری ورائج بود واین اصول غیر ازانکه مخالف شریعت غرای اسلامی ، وانسانی بود سبب اقرار مجرمین نیز نمیگردید ، زیرا بسیار شده است که مجرم به آن عذابها تاب آور مقاومت نشده دیگر بی بیگناها نیز بخود متهم مینمود یا آنکه مرگ را نسبت به آن عذابها آسانتر واهونتر یافت . اگرچه مجرم نبود برای خلاصی جان اقرار میکرد . الحق که منع فرموده شدن این عمل ناگوار یکی ازعدالت پروریهای بسیار عظیم بادشاه عادل قابل ذی جود واحسان مانشمرده میشود .

از زمانهای بسیار پیشتر(سیاه چه) نام یك حبس خانهٔ موجود بود که محکوم شدن به قتل واعدام هزار بار بهتر از محکوم شدن بحبس سیاه چه بود . اکنون (مونته کرستو) را البته بعضی از قارئین کرام مطالعه کرده خواهند بود . آن حبسخانهٔ مونته کریستو نسبت به سیاه چه کامل جنت شمرده میشود . یك تیه یك چاهی بسیار عمیق کنده شده بود . داخل آن چاه را کنده کنده زندانیه ها وچاه های جداگانه تفریق داده بودند . محبوس را از مدخل چاه بازبسان آویخته دران می انداختند ، ومأمورهای مخصوصه هرکدام را بجایخا کرده سروگردن شان را زنجیر ها می بستند . ماکولات ومشروبات شان از دهن چاه برای شان انداخته میشد . زمان مراحم عنان عدالت آئین اعلیحضرت بادشاه مقدس بادانش ودین ما این محبس منحوس سیاه چاه را از ربع دین برانداخته . وکام ونشانی ازان نگذاشتند دیگر حبسخانه ها را نیز برداشته بسوش همهٔ آنها یك حبسخانهٔ بسیار منتظم بزرگی که زندان عمومی نامیده است به نوع محکومیت مجازات تعریف شده بنانهادند . درین حبسخانه به آموختن صنعت ، واصلاح نفس محبوسین کوشش ورزیده میشود . ازنقطهٔ نظر حفظ صحت ، وموافق عدل وحقانیت بحال محبوسین پرداخته میشود . آنانی که جزای شان سخت تر باشد دایرهٔ حبس شان نیز بهراخورد حال شان ترتیب یافته . وآنانی که جزای شان خفیفتراست دایرهٔ حبس شان نیز اهون ترتشکیل داده شده است الحق که این مرحمتها واینگونه عدالت پروریها ازان چیزهائی نیست که ملت افغانیه از عهدهٔ شکران آن برآمده بتواند . سزاوار است که صفحه های تاریخ ملی این حوادث عدل وداد اعلیحضرت بادشاه مراحم بناه مارا به آب زرنویسد . وبذکر این اعمالپروریهای شهریار معدلت مدار کرم گستر خود مارا برلوحه های قلوب صداقت محبوب خود مان تابه ابد حك نمایم .

حوادث داخلیه

(دربار معالی بار)

نمرهٔ یوم سه شنبه ۲۹ جمادی الاول سنه ۱۳۳۹

نسخهٔ سابقهٔ سراج الاخبار افغانیه تشریف موکب سعادت موهب همایونی را سرلوحهٔ فخر و مباهات خود ساخته کیفیت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 654 of 1786

ورود شوکت موروه پادشاه دین آگاه مقدس معظم غروب الثلوث خودرا پادشاه یاری رفیق صداقت توام بنظر قارئین کرام جلوه گر نموده بود . حوادث داخلهٔ این تیارهٔ بدبخت ما از کیفیت دربار معالیمدار خستی که بعد از تشریف فرمائی هژبون تشکیل یافته بحث میکرد .

کیفیت دربارها را بچون درنسخه‌های پیشتری خود بتفصیل بیان نموده‌ایم تکرار آنرا لزوم نمی‌بینیم . و لیکن بعضی بیانات مراحم آیات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم خودمان را که هرگاه آن جهان جهان حکمت و ملاذ ملهم را در دولت ودرین دربار بیان فرمودند ذیب صحیفهٔ افتخار میتوانیم اهل دربار درچهار سه شنبه ٢٩ ماه جمادی الاول به ساعت ٩ صبح هزار سرزنده وقانون مقرری دردالان بزرگ سلاملخانه‌ٔ عام جمع آمده درجوکیهای مرتبه آرام گرفتند . همسلاملخانه از ارباب حاسب مالکی و عسکری و مردمان اعزه و اشراف بابسهای رسمی روبحلو گردیده بود . تقریباً بساعت ده ذات اعلیحضرت پادشاهی دربار را به تشریف فرموده مرحمت ملزوم همایونی شاهانه‌ٔ شان شرف نخشید . همهٔ مردمان قیام وصف‌بستهٔ احترام گردیدند . ذات شوکتسیات همایونی به احوال پرسی همه کارداد انوازی فرموده به نشان امر بودند برداشت سخن را از بعضی سخنان علمی وفنی نموده از صنایع و فواید صنایع وفابریکها بیان واز ساختن جنهٔ السلطنه سازی کابل بحث رانده فرمودند . این باشی موجود شاهوت وصداسیاست و درهرروز فقد شصت خروار جوب خرج میشود که این حساب سالیانه بیست یکهزار وشش صد خروار جوب برای آن مصرف میشود . واگر ما بکهیدفابریک دیگر نسازیم . ودرهر صنایع رادر مملکت خود بوجود آریم خارج جوب آن نقدی میرود که جوب مملکت ما آنرا اداره نخواهد کرد . وهر قوهٔ مالیه مارا رخنه دار میسازد . وازین است که مارا رشدت بسیار مهم و جسیم بنام ساختن فابریک الکتریک درموقع (جبل السراج) بحضور ساخت ازین ساختن سه هزار اسپ‌یک‌قوی حاصل میشود که برای روشنی شهرکابل وخود قلعهٔ السراج جبل السراج ، و ساختن خانه‌های موجودهٔ دار السلطنه وسی فابریکهای دیگر که سر از تاسیس آن حضور است کفایت میکند .)

این بیانات مراحم آیات ذات شوکتسیات پادشاه ترقی خواه معظم‌الیه بر قلوب همهٔ اهل دربار معالی‌مدار بک تاثیر غریب کرده عظیمی برای حال واستقبال وطن حاصل نموده زبانها بدعای سلامتی ذات شاهانه‌ٔ شان رطب‌اللسان گردید . ذات اعلیحضرت پادشاهی بعد ازین الفا ذات شاهانه از تصور همایونی درباب سفر خیرت اثر غزنین بحث رانده فرمودند :

انشاء الله خیالمداریکه درهمین روزها بغزنین رویم . بعضی کان خواهند کرد که مقصود از سفر جلال آثار تو بدار السلطنه زمینداوه وراحت نکرده باز چرا سفر غزنین را اختیار نمودیم حالانکه کمپانیک ماکر و تصور شاهانه‌ٔ ما تا یکدرجه آگاهی حاصلکرده‌اند بجوی میدانند که ما راحت خود را برای راحت و سعادت وارفاه تبعات صادقه وملهک شاهانه‌ٔ خود آرزو میکنیم مراد ما ازرفتن غزنین این است که بنده سراج غزنین را ملاحظه کنیم . این بند انشاءالله پانزدهمک ونازدهمک توی غزنین خواهد بخشید خارج آن پنج لک روپیه تخمین شده است ما آنرا پنج حصه تقسیم کرده‌ایم سه حصه آنرا خود با وبک حصه آنرا عبد الاحد خان برکه . وبک حصه آن براهالی‌ٔ که از آب‌بندقاپده مدمیشوند تقسیم گردیده است . ولی چون حصه‌ٔ که براهالی اصابت نموده برای آنست تکلیف رانها نشود ازوجه نقدی بخدمت‌بدلی تحویل دادیم . لهذا آن که ازین بند حاصل میشود همهٔ آن اراضی خود اهالی را آبیاری میکند . وبه لنگها جریب زمین غیرمزروع را زراعت گنده‌سازند که آنهمه اراضی براهالی تقسیم گردیده موجب رفاهیت وثروت شان میگردد درعین زمان خزینه دولت نیز ازان مستفید میگردد . ومقصد یگانه‌ٔ شاهانه‌ٔ ما که آبادی‌ٔ ملک . وسعادت تبعاتیکه صادقه است حاصل میشود . ماهرگذشت ناهن که میکنیم برای تجارتیکنیم . نانیا . دربارما همه ازخود نیست خداوند عزوجل چون بارادهٔ ازلی‌ٔ خویش مارا بادشاه تنها مقرر فرموده خودرا مکلف میدانیم که همیشه بخیر وسعادت تبعا کوشش ورزیم . واگر تبعا به این راضی نباشند بارادهٔ ازلی‌ٔ پروردگار عظیم‌الشان خود عصیان ورزیده خواهند بود . .

این کلمات حکمت آیات اعلیحضرت همایونی همه اهل دربار را یک جوش وخروشی آورده از دلها وزبانها آوازهای دعا وصداقت . وتکرارکلمات‌های اهمیت وعبودیت بلند شد . بعد ازان ذات شوکتسیات اعلیحضرت همایونی از تصور بسیار مالی‌ٔ شاهانه درباب بنانمودن یک شهر جدیدی درغزنین . واز خرابی وقابل نبودن شهر حیق آن بیانات بسیار واضح ومدلل درمیان آورده فرمودند :

« خواه درخصوص برقی‌ٔ جبل‌السراج . وخواه درباب بنای شهر غزنین بخیال بعضی خواهد رسید که این تصورها از قبیل طول امل خواهد بود . زیراچون این‌قسم کارهاوتشبثها بصورت آنی وزودی ازقوه بفعل نمی‌آید ممکن است که بعضی آنرا برطول امل حمل نمایند . حالانکه طول امل غیر مشروع عبارت ازینگونه اشتغالات مالی‌ٔ که مامیکوشیدیم ، بلکه این گونه اقدامات از قبیل حکایت همان پدرگردیست که غرض پدرش سالکی رسیده وودیعهٔ خرما را درزمین میکاشت . پادشاهی دران اثنا ازانجا گذرکرده پرسید که چه میکاری . گفت تخم خرما میکارم . گفت . حضرت به هفتاد رسیده . ودرخت خرما تاثمر بدهد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 655 of 1786

لااقل هفتاد سال میخورید . پس نوترین نخمی را که میکاری چه وقت خواهی خورد ؟ پیر دهقان گفت : دیگران کاشته ماخوردیم ، ما هم میکاریم تادیگران بخورند . این است که این قسم چیزها طول امل نی بلکه استقبال اندیش شمرده میشود که همه ترقیات مدنیهٔ بالغ ازان پیش آمده است . »

غیر ازین نبی کلامست بسیار حکمی ، عشقی ، شرعی ، دینی ادبی مدنی صناعی بیان فرمودند که هر کلهٔ آن هزاران درس حکمت ، وجهانها فواید ومنفعت دارد پرداشت . ودلها وارواح حاضرین وسامعین را بانواع آسائل سعادت آموز . واقسام امیدهای مسرت اندوز سیراب وشاداب فرمود . ودعاهای به اجابت مقرون پادشاه مقدس محبوب القلوب معظم مسعدت رهنمون ما ورد زبان همه گان گردید . والحاصل بعداز طعام اجازهٔ انصراف عطاشده دربار باتمام رسید .

(مهمترین حوادث داخلیه که در جلال آباد وقوع آمده است)

مراسم امر مسنون نکاح

ازاهم حوادث داخلیه که درسفر حضرت از جلال آباد وقوع آمده است یکی مراسم امر مسنون نکاح ذات مکارم صفات حضرت سردار اکرم نائب السلطنه صاحب اعظم سردار امرالله خان صاحب معظم است باکریمهٔ عالیهٔ جناب کریمهٔ نور محمد خان سابق حاکم کلان سابق ولایت جلال آباد که بکابلستان وعزت وسعادت وقوع آمده است . چون رای ما خان رسیده بود ازاده بعرض برکات نه رسانده بودیم . و تعارف اظهار خودرا به آن ترتیب نتوانسته بودیم . لهذا در بنوقت به درج آن کسب شرف نموده ازصمیم دل بعرض برکات ماجزاتهٔ خود مبارکباد میورزیم .

مراسم نامزدی

ازقراری که درینوقت اطلاع حاصل نموده ایم مراسم نامزدی ذات عالیه صفات حضرت پی پی جان صاحبه مکرمهٔ عفیفهٔ هنرمندهٔ ذات شو کتمآبات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم مادوحی له فداء باجناب شجاعت مآب برکی محمد یونس خان با ارادهٔ مراحم عادهٔ ذات اعلیحضرت پادشاهی درجلال آباد وقوع آمده است ازدرگاه آلهی جل اسمه این امر مسنون میمنت مقرون رابسلامتی ذات اعلیحضرت پادشاهی وجمیع خاندان جلیلهٔ شاهی ازصمیم دل مبارکباد میگوئیم .

کلان افسری قندهار

ازقراری که از طرف جناب عالیجاه عزت وسعادت مآب ایشیک آقاسی لطائف محمد سلیمان خان به اداره ماجزاتهٔ ما خبر رسیده است عالیجاه شجاعت همراه عبد الو کیل خان کفیل پرن برگه قند اول شده بود با فرمان واردات اعلیحضرت همایون پادشاهی بهمان منصب بر گشته ، خود در انواع لطائف قندهار بعهدهٔ کلان افسری انواع لطائف قندهار سر افراز گردیده است .

رفیع منصب

بموش برگه عبد الو کیل خان جناب عالیجاه شجاعت همراه محمد یونس خان که کفیل رسالهٔ شاهی دوم بود در قند اول بعهدهٔ منصب برگه مقرر ومفتخر گردید .

سراج الاخبار افغانیه هردوافسران مشار الیهما را ازصمیم دل بر تبه ومنصبهای جلیلهٔ جدیدهٔ شان مبارکباد گفته موفقیت و کامیابی آنارا بخدمات محولهٔ شان از درگاه باری نیاز میکند فقط .

زلزله

روم چارشنبه ۷ ماه جمادی الثانی تقریباً بساعت پنج بلکه زائد شدیدی وقوع یافت که حرکتش ازجهت شمال غربی بسوی جنوب شرقی محسوس گردید ، نه احدی واقعه هیچگونه نقصان جان ومال نرسید ، وخیر برگشت .

« مکتوب از مصر »

جناب مکرم وادیب فاضل عزت محمود بک صاحب مدیر ومحرر جریدهٔ غریبهٔ سراج الاخبار اعانه الله علی مرامه ومساعدته وبرکاته .

خواستم از کریت اشرف عرائض ذات پر فیوضات بابرکات حضرت مرشدگان وبابایان فاضل جناب حضرت صاحب چراغ جلال آباد حضرت (صاحبمعصوم) صاحب متعنا الله ببرکات انفاسه کدرین روزها بصدرت شریف آورده اند رای الجناب محترم بنویسم؛ بتاریخ ۹ ماه مارچ ازآن جناب سیت داوه مین کمازبزرگ تجاران هند درمصر موجود میباشند شنیدم که ایشان و چار یاران دیگر ازمکهٔ مکرمه بزیارت البیت المقدس بخدمت گذاری حضرت صاحب مشار الیه تشریف حاصل نموده اند ، وازیت المقدس جناب حضرت صاحب ایشانرا مرخص فرموده وخود حضرت صاحب باجندی ازدوستان وخدام حضور خودشان بهمین روزها برای زیارت بعضی اماکن کرام درمصر تشریف آورده ازراه سویس بجده ومکهٔ مکرمه میروند . این خبر ازشنیدن این خبر مسرت اثر حالا یک تشریف بیت المقدس بحضورشان کشیده رها کردم که روز حرکت خودشانرا خبر دهند . از مدیر تلگرافخانه جواب گرفتم که حضرت صاحب از قدس تشریف وروز حرکت فرموده اند ، تاریخ تشریف رسیدن شانرا بصر حساب کرده هاهم بذریعهٔ مکتوبها وتلگرافها بسیاری ازاحباب واصحاب خودوبعین دین مبین از روز تشریف

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 656 of 1786

آوری شان آگاهی دادم . منسوبین ومعتقدین آن ذات مقدس زر گوار در عصر بسیار است ، بساعت یك بعد از ظهر جم غفیری از ذوات معتبره ، وعلما واشراف وطلبهٔ علوم ویکها وافندیها در استیشن حاضر بودم که ریل مانشه تخت سلیمان در استیشن رسید. ودر درجهٔ اول خانهٔ ریل خود جناب مولانا حضرت صاحب با یك دو نفر از مریدان معتقد با اخلاص شان که از سیمای معتبر بودن در زیر امر ومطیع نظر فیوضات ارشان بودند از ریل فرود آمدند . خود ذات روحانی صفات شان از بیت المقدس احرام بر کمر معطر شده محرم بودند . جمال باکمال شان مانند شمس تابان هویدا وعیان شد . واز جبین شان انوار معرفت هم پاشید . از هر جانب آواز صلوات شریفه بلند گردید . مریدان بدست یکدیگر مبارکباد شان مسارعت ورزید . غیر ازمریدان کهالخصوص برای استقبال حضرت شان به استیشن حاضر شده بودند بسیار نفری دیگر نیز موجود بودند که برای استقبال دیگر دوستان آمدن خود آمده بودند . جمال و کمال حضرت صاحب اورشان را نیز مدهوش ساخته مانند پروانه بر شمع پخته هی گشت . واز دوستان خود شان این دوست خدا را دوست تر داشته دست بوسی شان سبقت مینمودند. یکی از محررین جریدهٔ فرشتهٔ الزیدالفرا ، وخود مدیر معارف سیر جریدهٔ فارسی چهرهنما نیز حاضر شده بودند . جناب مولانا حضرت

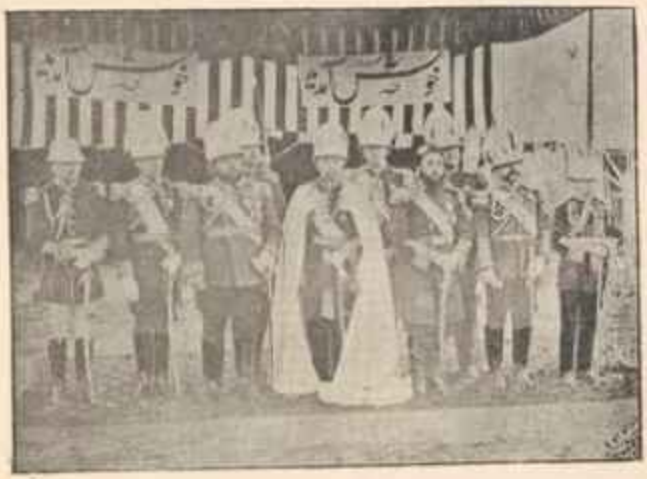

§ از مناظر جشن محرومی حضرت معین السلطنه §

که در سنهٔ ۱۳۲۷ بیانه رونق وشکوه عدم الامثالی در چن حضوری وقوع آمده است
اسامیٔ اشخاص ابتدا از راست

سردار محتشم خان — (۲) سردار حیات الله خان — (۳) سردار صنایع الله خان — (٤) نایب السلطنه سردار نصر الله خان
(٥) سردار ظفر علیخان — (٦) معین السلطنه سردار عنایت الله خان بختیاری مرحومی — (۷) سردار مفاخم ابن الله خان
(۸) ذات اعلیحضرت سراج الله والدین (۹) عین الدوله سردارامتعان الاعظم — (۱۰) سردار عزیزالله خان

صاحب درجه اول که خودابن حقیر حاضر کرده بودم تشریف فرموده بغریب خانهٔ فقیرخود تشریف آوردند . من عاجز که خودرا هیچ لایق این شرف وسعادت نمیدانستم چون به این شرف نایل ومفتخر شدم ازبسیاری فیض وبرکت وسرور دربارهٔ حق استغراقی یودم . ذات زرگوار مشارالیه سه ۳ روز درمصر تشریف داشتند . وبعد ازیارات حقه سنهٔ اهلیت بتاریخ ۱۹ اپریل بسوی بندر سویس حرکت فرمودند خود این حقیر ودونفر سپاسان اخلاص نشان که بمعیت شان شرفیاب داشتند در درجهٔ اول . ودو نفر خدمتکاران شان بدرجهٔ سوم سوار شده درظرف شش ساعت بسویس رسیدیم . در ۱۹ مارپریل بعد ازظهر باوا پور خدیوی بلاخطر ومحلوظاً بسوی جده روانه شدند . چون آخر مرتبه با سویس مبارکشان شرفیاب حاصل نمودم چنان میپنداشتم که دوره دوام میرود وجدید بخاتم می یابد . ملکه ازسبب باطنی خودش مدتیست کمابیه کرد غربت مانده ام این چارپنج روزرا مغتنم بلقم غربت برکربت خود میدانستم، چیزی که مدار تسلی قلب حزین این حقیر غمگین است همین است که چند بار ازدهان گوهر افشان مبارك شان شنیدم که فرمودند : « بفرزند اگر تو خود را درظاهر ازمن دور می بینی مگر من ترا داخل در

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 657 of 1786

بخار خود میدادم ، آیا رای این حقیر بهتر از این معاملت چه خواهد بود الحمدلله هزار بار اینرا برین نعمت عظما ، در وقت وداع حقیر سوال کرد ، که ، آیا هنوز بوطن عزیز را گذاردن ازقدوم مبارک مسرور خواهد فرمود ؟ ، فرمودند ، بعد مشرف شدن بکه مکرمه دیده شود ، اختیار بدست صاحب اختیار است الحق کما حق درست فرموده اند ، زیرا ؛ مردان خدا خدا نباشند لیکن ز خدا جدا نباشند ، ؛ این اهم عرض کنم که از یک خبر مسرت اثر دیگری بزرگتر بار آگاهی حاصل کردم که درعین فرحت و سرور بی اندازهٔ کمرا دست داد یک شکایت و گلهٔ بزرگ ازجناب شما حاصل شد که باوجود این همه التفاتی که درحق مخلص خود دارید دربندر مدت مدیدی مرا بجان خیر مسرت اثر خبر نفرمودید ، و آن اینست که شنیدم قبل ازچهارسال گویا شمارا شرف مصاهرت با جناب شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت (معین السلطنه سردار غایت الله) خان صاحب انجم حاصل شده است یعنی حضرت شهزادهٔ بزرگ دولت علیهٔ مقدسهٔ ما داماد شما شده اند ، افسوس ازین سبب میکنم که بجان مسرت وامتنان عظیم آکاهم نفرمودید کمتر مبارکبادی مسارعت مینمودیم بهر صورت هزاران تشکر میکنم و از صمیم دل شمارا مبارک باد میگویم ، اینرا هم شنیدم که دوسران نور نور دیگری بر افزود کمترین سال فرخنده فال نامزدی شهزادهٔ مکرمهٔ اقبال حضرت (عین الدوله سردار امان الله) خان صاحب برادر بکر گرامیهٔ عصمت وسیمهٔ دنیا وقوع آمده است ، لهذا نور علی نور گشته بجان شرف وسعادت عظیم با صاحب مهربان مکرم خود جبران جبران تبریکات عرض وتقدیم مینمایم ، باقی درجهٔ دوستان خدا شمرده شوید ومحفوظ باشید والسلام ،

فی ۱۵ اپریل سنه ۱۹۱۳ الفقیر غلام نقشبند

خواطر خارجیه

اخبار سیاسیه

آسیا باید از آسیائیان باشد

(بعد از قطعهٔ (امریکا) بزرگترین قطعات پنجگانهٔ کرهٔ زمین قطعهٔ آسیا) ست که بانگلیزی آنرا (ایشیه) وبفرانسوی (آزی) مینویسند وتلفظ میکنند ، اما مأخذ اصل آن که مکمای یونان قدیم برقسم غربی آن که در اوقیانوس هلن قدر آن بآسیا معلوم بود — نهاده اند (آسیا) بوده است ، این قطعهٔ جسیمه تمامتر از طرف غرب بقطعهٔ اوروپا چسپیده میباشد و اطراف دیگر آن بابحر احاطه شده است کهیئت عمومیهٔ آن یک شکل مربع غیر منتظمی را نشان میدهد ، وقطعهٔ اوروپا مانند یک جزیره نمای این قطعهٔ جسیمه شمرده میشود ، جهت شمالی قطعهٔ آسیا بانهایهٔ بحر منجمد شمال ، وجهت جنوبی آن بابحر محیط هندی وجزایر آن ، جهت غربی آن باکوهای اورال ، وقفقاس قارهٔ اوروپا ، وجهت شرقی آن بابحر محیط کبیر محدود میباشد ،

درازای این قطعه از ساحل غربی تا طولی تا به آبهای بهرنگ کهدیب وقرار آن داخل حساب نباشد (۱۱۰۰۰) کیلومتر یک مسافه ایست که تقریباً جز ساحه ، و اگر نشیبها وفرازها وکج وپیچهای آنرا داخل حساب شود ازینهم بیشتر راه میشود ، وآن ازمسافهٔ (ژونکین) تا مسافهٔ (کومورین) ۸۰۰۰ کیلومتر یک مسافه ایست که آنهم بمساهات راه میشود ، همساحهٔ سطحیهٔ آن (۴۵۰۰۰۰۰۰) چهل وپنج ملیون کیلومتر مربع یک ربع بست کیهار ویبرواز قطعهٔ اوروپا میباشد ، درین قطعهٔ عظیمه قدر (۸۰۰) ملیون نفوس سکونت پذیراست که تقریباً سه برابر نفوس قطعهٔ اوروپ است ،

ملحد ما از جغرافیه نویسی قطعهٔ آسیا وقطعهٔ اوروپا درنهایت ، بلکه ما چون از مردمان آسیائی میباشیم طبعاً آسیارا دوست میداریم و آسیارا مقدس میشماریم ، و آسیارا از آسیائیان میدانیم ، ومتنفریم آزاتقسیم وتردد میکنیم ، اوروپائیان تنها به اوروپا قناعت نکرده افریقا ، امریکا اوسترالیارا نیز درزیر اقتدار حرص وطمع خودشان در آورده اند ، به آنهم قناعت نکرده از آسیای آسیائیان نیز بی اراضی وافرهٔ وممالک جسیمه را بخرج تکم روزی خود رسانیده حالانکه عرض جوع البقرشان یوماً فیوم درتزاید است ومیخواهند که همهٔ این قطعهٔ جسیمه را یکباره کی فرو برند ، وهیچ چیزی ازان باقی نگذارند ،

درحق ایران وعثمانی همانچه که کرده اند معلومست ، ولی آسیارا از هنوز روبوده بخواه خودشان برادر از کرهٔ زمین برداشته نتوانسته ، به تعبیر دیگر بنابرمضی ملاحظات نگذاشته یکجهت کار دیگر کار را تدریج کرده اند ، شارفهای بسیار مدهش ومخوف اوروپائیان در آسیا هاها دولت جسیمهٔ پرنفوس (چین) ودولت قوی التکنیکهٔ (ژاپان) است ، علی الخصوص دولت (ژاپان) که یکی از معظمه‌های شمارا چنان کوچک وحقیر وزبون ساخته که نه در بحر وچه در هیچ آبروی برای او باقی نگذاشته این است که اصل بلای عرض که او روبرا در فروبردن آسیا به اندیشه دارد دولت ژاپان است ،

سبحان الله اگر چین همدرجهٔ ژاپان بیدار گشته ، ویک قوتی بهم رسانده ، ودست اتفاق را این دو دولت عظیمه بهم یک کرده دردم سیلاب اهل صلیب اوروپ بحدقهٔ آسیا به ایستند ، عقلای وایران افغانستان نیز آسیا را از آسیائیان شمرده وهند ستان وعربستان بالایشان نیز به دست وپازدن آغاز نهند هیچ شبهه نیست که شعلهٔ آتش حرص وطمع او روپارا چنان بسنگ نالمیدی بشکسته که اوروپ را نیز بلرزه درآرند ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 658 of 1786

﴿ معرز همصر ما (چهره نما) مینویسد ﴾

﴿ ژاپون وملل دول آسیا ﴾

دراین هفته که بدست (پست) اروپا رسید وجراید وعده های اوروپا خوانده شد مهمترین بحث‌ها از افکار سیاسی در جریدهٔ ژاپون درباره استقلال دول آسیا بود که ما هم بعضی خوانندگان گرام چهره‌نما بترجمهٔ آنها میپردازیم .

بنا بانتشارات اخیره ژاپونیان میگویند : آنهای مرام اوروپا وژاپن این است که به تشکیل یکقشون سلمی که از اتحاد تمام آسیا فراهم گردد موفق آیند وسکنهٔ این قطعه کبیره را از زیر یوغ بیدرنگ رهسپار کنند ! ومقدمه این مقصود منحوس همین حرکت قشون بالکان بود که بامحق‌ساختن دولت کرچک بلغارستان پایه خود تعقیب کرده وبنا صدای زنگ کلیساها را بالوازم اورده‌اند ! وباقطع قطاع مسلمانان آن مرز وبوم را کشتار میکنند بجائیکه اینکونه‌منافع و حشیانه کشتار مدعیه را با تاریخ عهد حاضره نشان میدهد که دربازار های مکدونیا دول بالکان بمثال اسلامیه حرق داشته ومیدارند . واین حرکات وحشیانه درتمام ژاپون آزادی بخشیده وجلسهای تشکیلات ژاپونیان‌الی تشکیل شده‌اند که ژاپونیان را از این معاهدات مؤثره قیام عاجل کرده که تمام دول آسیا را دعوت کنند که برای حفظ اوطان مقدسه خود دست سلاح آیند .

ژاپونیان باضطراب شدیدی دوچار شده ومتحدا برای یک مقصود مفیدی قیام کرده‌اند که بلاتاخیر بوقع اجرا گذارند ومتحدا در این کار مدخل داشته ومقصود شان این است که ابراز ژاپون وصاحبان غیرت وسیاست انجمنهای مهمه تشکیل داده باختصاص این مقصود ومرجوعه (مؤتمر آسیائی) احداث کنند وفروعاتی درتمام بلاد ژاپون منتوح دارند وسیی نمایندگان باصرزادگان عالیشان ازممالک ژاپون عمالک دول آسیا بفرستند که درتمام بلاد آسیا تمام از (مؤتمر آسیائی) آنها دار کرده ودراین ضمن چون شعبه ازین مؤتمر در بلاد آسیا دائر شد مراکز مهمی احداث کنند واورا تاسم (اتحاد آسیائی) بنامند (چهره نما بازاپونیان هم عقیده‌وبانج برنج‌سالست دراین زمینه سخن رانده‌ایم)

(موسیو هایو) که یک از محررین نامی مسلم ژاپونست رای مقدمه این مقصود که اذهان تمام اهالی آسیا را بدین مقصود رهنمائی کند کتاب مهمی باسم (آسیا درخطر است) تالیف کرده وتمام نکات سیاسیه اینکه راجع بدول ومالک آسیاست بیان کرده واز این کتاب هزارها طبع واطراف بافرستاده‌اند (موسیو تاکاه) ژاپونی که بسلامبول رسیده این کتابرا متقبل بترجمه است .

مؤلف کتاب (آسیا درخطراست) بکمال اتقان از تواریخ معاهدات و تعدیات دول اوروپا راجع بدول آسیا وخیالات تملک این ممالک آسیائی وقت رقیت آوردن مردم مشرق‌زمین وعلاج این مخاطرات قریب وجهی بسیار متین ایضاح میناید مقدمتاً میگوید : اعظم ممالک آسیا مملکت و دولت ژاپون ودولت عثمانی است واین دودولت ازحیث وسعت مملکت وکثرت نفوس بسایرین سبقت دارند (غیر دولت چین) وبنابراول معاهده تحکمی مابین این دو دولت بست کرده ومیگوید عثمانی وسایر دول آسیائی میتوانند بواسطه اتحاد بازاپون خودرا ازمخاطرات آینده محفوظ دارند ومطمئنا اتباع انها درممالک ائی خوددرزیر لوای حریت وآزادی زندگی نمایند وممالکشانرا روبترقی گذارند واین دول واملزان آسیائی عبارت ازدول‌چین وعثمانی وایران وافغان وهند چینی وبلوه خواهد بود عدائتا کاب شیرژاپونی میگوید برای حاضر شدن اذهان اهالی آسیابابد اربابه جراید که ضامن روح حریت وقرشان اثرات بالغه درتزد قاطبین زمام داران امورداره بانتشار این مقدمات اقدام نمایند وصفحات خودرا بهتر این مقصود مقدس محفوظ نمایند .

(یک سیمای بزرگ وتجلیات امتوا)
(اعلیحضرت میکادو امپراطور سابق ژاپن)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 659 of 1786

(افغانستان وبریتانیا)

اخبارهای انگلیزی واردو که درهندستان طبع ونشرمیشود درین هفته ازبعضی بیانات ورأی زنی های مرگ (مرگ) نام ماهر سیاسی" انگلیزی خیلی قیل وقالهای دور ودرازی نوشته است که مادرالخصوص باوجودی که جوابهای مدلل ومعلوم بردعای غرقابل نشنید داریم ولی چون یقین که ازاخبارما کم و بیگران ایشیای آقسی" ملکی" حضوراعلیحضرت هایونی حل احد ، نوشته نشده میباشد ، وازاسباب رأیها وفکرهای شخصی" خود را درخصوص سخن دولی ورسی کان میکنند لهذا خنجر زبان خامهٔ خودرا مجبوراً درنیام خاموشی نهاده تنها همینقدر میگوئیم که ما اکثر مرکی تعلقات دوستانهٔ افغانستانرا باربتانیا و تعلقات دوستانهٔ انگلیز بابیان نسبت وتشبیه داده است که حقیقتاً ربط قدیم ومجبوز کارانهٔ جرأت ورزیده است .

این نسبت بک نسبت غیر مناسب وتشبیه غیر ملتفانه شمرده میشود حالانکه تعلقات ومناسبات دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان بادولت مفخمهٔ بریتانیا خیلی عالیتر وبرقدارتر بک مناسبات نیست زیرا دولت مستقلهٔ متبوعهٔ مقدسهٔ مادولت معظمهٔ انگلستان را بک دولت مستقل ومعظم میشمارد ، وهم حقوق استقلال وساکیت اورا درقلمرو ملک خود دولت مشارالیها تصدیق وقبول میکند ، وهیچگونه تجاوز وتعرضی برحقوق حیثیت وشرف استقلال وحکمرانی وساکیت دولت بهیهٔ انگلیز بخیال وخاطرخودهم نمیگذراند . هیچ شبهه نیست که این تصدیق دولت مستقلهٔ متبوعهٔ ماکه آنوقت خواهدبود که ازطرف مقابل خود درحق استقلال ، وساکیت ، وحکمرانی" خودمعاملهٔ مقابلهٔ بالمثل را مشاهده کند ، هرگاه ضرورت ملاحظهٔ همان نام همچون لگام نبود ، سراج الاخبار افغانیه ، این ملاحظات ومطالعات خود را بدلایل بدیعهٔ عقلیه ومنطقیه ، وبراهین قاطعهٔ کارخانه وحقوقیه بنام شرف دولت وملت ووطن خود برهمه کان ثابت مینمود ، اما چه چاره که قلم ناچیزانهٔ مادر بانگونه مسئله ها بسیار ملاحظهٔ حقوق آزادانه چیزی گفته نمیتواند . حالا بشنویم که بعضی اخبارهای اسلامیهٔ اردو چاگونه ملاحظات مزبوره بیان مینمایند :

(همعصر معزز اخبارملت مینویسد)

ترجمان اردوی مارچ ، کرده است که بطریق خلاصه درج نمودیم باید دانست که ما اکثر مرکی که صدابیان را به آوازدم کشیده است صدای مذکور افغان را هدف تنبهات وشکوک زیاده ترخواهد ساخت — زیرا که حیثیت بیان حال بک دولت مالخت خودمختار است وتعلقات آن ازدول خارجه بدرجه نمی میباشند — لاکی افغان زنهار رضامند نخواهند شد که سلطنت شان بحیثیت بیان موسوم گردد قوم افغان نه صرف خواهان قائم داشتن سیاست وآزادی است بلکه جدوجهد می نماید که درصف اقوام بالبال وتربیت یافته بالو شرف عزت حاصل نماید — اگر حکمران افغانستان سرپرستی سیاسی برطانیه عظمی را قبول کند مملکت وحکومت او ازاهمیت سیاسی" هرقسم محروم خواهد شد واگر سرکار انگریزی خواهان نیام وبنای تعلقات دوستانه وامن مملکت هند است راه نمودن افغان حرف سخت ودشوار نیست — وبه افغان یقین داده می توانیم که دولت برطانیه خیال الحاق افغانستان مطلق ندارد وبخواهد که درآزادی وعظمت سیاسی او صدمه رسدبلکه درترقی وبرقراری او همچنان شائق است که درحیثیت دوستانه می شاید —

ممکن است که ما مدعای خود را بطرزهٔ قابل فهم ادا نکرده باشیم اما یقین داریم که افغانستان کار آمد هندوستان بهاوقت خواهد بود که دامن زوال انگریز پاروس نباشد اگرافغانستان دائر تعلقات خارجهٔ خودرا ازروی معاهده به یک سلطنت واحد محدود کند نامش از فهرست اقوام معزز وآزاد وخود مختار دنیا خارج کرده خواهد شد آن حکومت که افغانستانرا به امثال بیان مأوس میکند مرتکب خطای سخت خواهد بود — عن وقوع بیان چنانست که اوضاع موجودهٔ خود مجبوراً شاکر است اما عن وقوع افغانستان بمثابهٔ بیان اختلافی کلان واردودرین دوسلطنت های پرقوت که درحفاظت خود قطع ندارند واقعست — بعید ازان از یک جانب به حدود هندوستان وازدیگرجانب ازان ممالک که درمیان اسباب کشش وتحریص بالکل مفقود است محدوداست — وهمین واقعه چنان امر دشوار است که مطابق بطرزاظهار کرده می شود . طرزهٔ بهترین حفاظت هند خواست که حفاظت آن بیرون حدود توده شود وآن اقدام واهتمام کرده شود که کامیابی حتمی یابند ودرای کامیابی یابی نهایت ضروری است که اقوامیکه درمابین روس وهند سکونت دارند دوست هندوستان باشند یا ازین امر خاطر باشند که دار ومدارهستی وآزادی" شان بحکومت انگریزی هند انحصار دارد .

ترجمه ازاخبارهای اردو بصرف ترجمان اورو

(همعصر معزز زمین دارمی نگارد)

تحریک مبارک انجمن خدام کعبه

ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین —

بالیجاه مستر شوک عزیز — که اهتمام بیئة مدرسة العلوم علیگده ویکی ازمحولیان مدرسة العلوم مذکور درانای سفرخود بتقدم امر نسرورود کرده بتاریخ ۳۱ ماه مارچ شمسی زیر انتظام انجمن اسلامیه درمحل مدرسة المعلمین یک تقریر دلپذیر وپرتاثیر نمود که خلاصهٔ آن حسب ذیل است : — تکالیف و مصائب کهدرین زمان بسلطنت های اسلام رسیده است ومیرسد احدی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 660 of 1786

من الناس از کوائف آن خبر و بواقف نخواهد بود و هریک مسلمان دینخواه همیرکه آزادی های ترکی و بلغار واقفیت نمیدارد ومن در اینجا ضرورت تفصیل آن نمی بینم — کیفیت حالات اسلام بحالات افسوس رسیده است — در یک زمانه ما مردم قانع گذاشته می شدیم و باقتوحات در ممالک نزدیک ودور هیت خود افزودیم و اکنون مقبوضات نیکصد دیگری از دست می بر آید — مالزین امر چندان مفهوم نیستیم که مقدونیا از دست ترکان رفت یا خواسته استانبول از قبضهٔ شان خواهد برامد —

در اینجا گذشته دولت روسیه که درمشهد مقدس گنبد طلائی گرفته یا مسلمانان صدمات رسانید ما مسلمانان چه کرده توانستیم وچونکه ساقبل برین خیال حفاظت روضهٔ مقدس مشهد نداشتیم وروس بر آن گنبد باری کرده قدر حصهٔ آنرا منهدم ساخت وما روسیارا از حرکات ظالمانه وناشائسته که در ایران زمین اجرا مانده بود منع کرده نتوانستیم — خیر عفو ما عفو —

اکنون معاملهٔ مشهد مقدس را گذاشته متوجه شوید کما برای آینده چه سررشته حفاظت واحتیاط گردیم خدانخواسته اگرهمین روزها پیش روی ما آید یعنی اگر یک سلطنت جابر یا پادشاه ظالم برخاسته گنبد گنبد باری کرده بخرمی مقام متبرکترین اسلام نمایدو دیدهای ناصدمهٔ عظیم برسانند ما دراینوقت چه کرده می توانیم — اکثر اقطاب خبر دارند کسلطنت ایطالیه بدوران جنگ طرابلس جهازات خودرا بسیان غرض نمایش نظام کاسران فرستاده بود واگر نظری جهازات مذکور بدریچهٔ طیاره (خاکپ دهن) برخانهٔ گنبد گنبد باری میکردند پیش ما اسباب مدافعت آنها چه بود — پس برما لازم است که اسباب مدافعت انجمن حرکت از اخلاص مهیا سازیم و بنابرین خیال یک انجمن بنام خدام گنبد قائم کرده شود و شاخهای آن در کل شهر های هندوستان وارا کین آن در هر شهر وهرقصبه وهرقریه و هرمحله وگذر حتی کاهریک خانهٔ اسلام ازرکن انجمن مذکور خالی نباشد وهر مقام که یک مسجد هم باشد باید که شاخ انجمن مذکور در آن قائم نموده شود یعنی هر مسلمان خواه عام باشد یا خاص — ذکور باشد یا اناث — صاحب خانه باشد یا غریب — خورد سال باشد یا کهن سال باید که درانجمن داخل باشد وهرواحد مبلغ یکروپیه سالانه بطریق اعانت ادا نماید ومبلغ اعانت مذکور بسه حصه منقسم کرده شود — یعنی یک ثلث آن سلطنت اسلام داده شود که جاروب کش خانهٔ گنبد باشد ویک ثلث آن درتعلیم مسلمانان واشاعت اسلام صرف کرده شود ویک ثلث باقی بسلطنت عالی اسلام وقت ضرورت بطور امداد داده شود —

تحریک مذکور تمنائی است بالکل خاص برای حفاظت خانهٔ گنبد است کمقام مذهبی ماست و حفاظت آن برما فرض است باید که ازان حکومت تجاوز نکرده بدون اشتغال آنرا بانجام میرسانیم این یک کار دینی است وبه امورات مالی و سیاسی تعلق ندارد —

مستر شوکت علی مذکور وقت اختتام تقریر بیان کرد کمن فی الحال بانتهای انجمن خدام گنبد نپرداخته وامکان دارد کدوران ترمیم های فروعی وقوع یابد — آنگاه انجمن مذکور بطابق کنیم خواهد شد باید کهمهٔ مسلمانان برای رکنیت آن اپیل بکنیم .

حاضرین جلسه را خیلی مسرت باین سبب حاصل شد کهدرین جناب شوکت علی هلال سفید نصب بود ودرهلال بحروف سرخ عبارت خدام گنبد تحریر بود که نشستهای مسلمانان فرصت وتارکی می نمایند بمدارزان ابوالوفا مولوی ثناءالله صاحب تحریر دلچسپ نمود وتائید کلام مستر موصوف نموده تحریک مذکور را نهایت مناسب وضروری ظاهر کرد اما گفت کهدرنام انجمن قدری تبدیل باید کرد چراکه برای مسلمانان چنانکه حفاظت بیتالله فرض است حفاظت روضهٔ مبارکهٔ حضرت سرور کائنات نیز فرض عین است لهذا پیداست که نام انجمن بجای خدام گنبد خدام الحرمین موسوم شود — جناب شوکت علی بجواب مولوی صاحب گفت که ارشاد مولوی صاحب بجا و درست میباشد اما انجمنیکه بحافظ خانهٔ گنبد بلند حفاظت مدینهٔ منوره نرانداده نپرداخته وعراد از خدام گنبدخدام حرمین شریفین است اما یک سبب در پیش است که بباعث آن نام خدام گنبد تجویز نموده ام اگر سبب آن بخدمت مولوی صاحب عرض نمودم امید است که مولوی صاحب ازین امر نیز اتفاق خواهند کرد —

پس ازان جناب بهادر شیخ اسلام صادق صاحب رئیس و صدر مجلس تذکرهٔ جناب شوکت علی نموده بتشریح وزاری برای اسلام وامداد مسلمانان درالفاظ عربی دلکش وحاضرین آمین گفتند وجلسه برخاست شد —

چونکه هر مسلمان به استفادهٔ تحریک مذکور واقفیت دارد لهذا لازم است که مسلمان هرنوع اپیل کنند درانجمن مشارکت نمایند —

از تحریک شوکت علی در مردم چنان متارکت که به اکثر مقامات از اهالی فراهمی وجلسهای خدام گنبد را بنا نهاده اند واین فال نیک است خداوند کریم تحریک مذکور را سر سبز وبار آور گرداناد —

به مدیران اخبارات اسلامی چه لازم گذارش است که برای مهربانی وهمدردی اسلامیمضمون فوق را درجرائد خود اشاعت داده درحقوق اخوت اسلامی مشارکت نمایند — فقط —

زمیندار ۲۰ جمادی الاول

اعلی درجه آمیز اطاعت عبارت هایوی

بسبب جنگ ترکی وبلغار گرمجوشی وجذبهٔ محبت درمردم اسلام از عوام گذشته بحوالیان ملت وبادشاهان اسلام رسیده است — مردم عرب ومسلمانان هندوستان در امداد ترکی سعی بلیغ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 661 of 1786

میباید اما این خبر زیاده تر دلچسب میباشد که در افغانستان حسب الامر اعلیحضرت امیر صاحب وجه امداد فراهم کرده میشود چنانچه بذریعهٔ تلگرافی جدید معلوم شده است که اعلیحضرت امیر صاحب مذاکرهٔ جنگ ترکیه و بلقان نموده تحریک اعانت نمودند و وقت مذاکرهٔ جنگ اشک از چشم مبارک جاری گشت فطرتاً رقت آمیز کل درباریان را در گریه مجبور ساخت و برای اعانت ترکی مبلغ ده لک روپیه فوراً فراهم کردید ـ اکنون فرمان مبارک باعث شده است که از کل علاقه جات افغانستان وجهاتیان فراهم کرده شود وبدین طریق قریباً مبلغ یکماه لک روپیه بطور اعانت به ترکی فرستاده خواهد شد فقط

همیر ممتاز کاهرده می نکارد

مکتوب ما کتر انصار علی در کردهٔ وفد طبی هند

اقتباس از الهلال (القاهره)

ڈاکٹر انصار علی در مکتوب خود مورخهٔ یکم اپریل سنه ۱۹۱۳ ع متقام استانبول حسب ذیل تحریر نموده راست : از حین تسخیر ادرنه اول اول اسلامبول خیلی طول شده باشد لا ان تکری پاشا واقوام زبردستی رئوسیه حاضر جنگ بالم دانش جرات وشهامت افواج عثمانی ثبت کرده است ـ اوربی ازدوروز بقام متتابعه

ماموریی باشند ایما کرده خواهد شد که دایرهٔ محاصرهٔ بحری را وسیع تر سازند ودولت استریا چنان اظهار نموده است که مانی نیگرو را صرف مهلت ۴۸ ساعت داده شود ـ

حوض آستریا

وزیر جنگ آستریا هرامامیراطور استریا دیروز وقت شام نا رصهٔ دو ساعت کامل شرکت مشورت بود در حلقهٔ سیاسی

جنگ بلقان

﴿ نمونه صباح ـ تلگراف پوتر ﴾

لندن ۲۳ اپریل ـ از جواب ریاستهای اتحادی بلقان دول یوروپ نهایت مطمئن شده اند ودر ان سیاسی لندن امید قوی دارند که عنقریب مسئله صلح حسب دلخواه تصفیه خواهد یافت ـ

مورخه ۲۴ اپریل مسئلهٔ سلوطری انقلاب تهروز روز خارجهٔ جرمنی روز بذریعهٔ تلگرافی اطلاع داده است که یوم گذشته سفرای دول یوروپ درباب مسئلهٔ سلوطری مباحثه کردند وخلاصه آرای شان اجمالاً این است که بصیرو استقلال حل این عقده خواهد شد اما دول یوروپ باید که همهٔ شان بالکلتادر تصفیهٔ مسئلهٔ مذکور متفق الفظ ومتحد الرائی باشند ـ توقع آنست که شاه نکولس را عنقریب مجبور کرده خواهند شد که از قبضهٔ سلوطری دست بردار شود ودرین اثنا جهازات جنگی اگه بعرض مظاهرهٔ حرب

حوض آستریا چنان اظهار نموده است که ا گر دول یوروپ بالاتفاق از حل مسئله سلوطری تاروز دوشنبه قاصر بوده دولت مانتیا برای تصفیهٔ مسئلهٔ مذکور خواهد کوشید — دولت جرمنی بهر کیف برای امداد استریا مستعداست — ا گر آستریا مقصد خود کامیاب نشده والا تقریر سفرای دول اتری پیدا نشد بلاتوقف طریق عمل اختیار کرده خواهند شد ا گر دول یوروپ همراه آستریا اتفاق رای نکرده استریا برای شان کار بند نخواهد شد ومدعا یش اینست که سلوطری رافی الفور افواج مانی نیگرو خالی کرده شود وا گر شاه نکولس ازین امر ابا کند معاً تو یه حرب نموده اورا قبول خواهش دول مجبور کرده شود وا گر دول یوروپ درین باب تساهل وتغافل ورزیدند خیلی موجب دل آزاری وتلخکامی آستریا خواهد بود واین دل آزاری را دول موصوفه برای اغراض ومقاصد خودهم روادار نخواهند شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 662 of 1786

﴿ یك شکایت واهیه ﴾

از سراج الاخبار افغانیه

از قرار یکه شنیده ایم کویا بعضی جرایدی کذائی اشتهار افترق کرده نمیتوانند، وخودشان را اعلم علما میشمارند، یا آنکه چیزی چیزی خوانده اند ولی بدی اخلاق وردائت فطرت شان مانع شده بسرشان زده است در بعضی مقالات عالیه از سراج الاخبار افغانیه شکایتنامه تقدیم کرده اند، این کروه لاعلمون بعاره، چون ازمسلك قائمهٔ سراج الاخبار افغانیه که عبارت از خدمت عموم اسلامیان وعلی الخصوص حب پادشاه وطن وملت افغان است آکاهی ندارند بتقدیم اینکونه شکایتنامهٔ هزیان خاطر جرأت ورزیده اند، این شکایت بدان ماند که یك آدم ناخوان وناخویش یك کاب ادب آیین اصول کتابت را بیامو زاند ویا آنکه یك قبطی مادرزادی فن نی انداری را نماید، بهرصورت ما از اینکونه شکایتها پروائی نداریم، و از مسلکی که داریم این چنین هزیانها مارا باز نخواهد داشت، حالا هزیانها را برای هرزه کویان ترك کرده یکقدری از افکار بسیار عالی ارباب عرفان ودکا، واصحاب غرودها بشنویم که درباب سراج الاخبار افغانیه چه میکویند وچه مینویسند :

﴿ جریدهٔ تصویر افکار ﴾

یکی از اخبارهای بسیار فواید آثار قپندناری که در استانبول پایتخت دولت علیهٔ عثمانیه بزبان عربی وفن بیان ترکی عثمانی طبع ونشر میکردد جریدهٔ فریدهٔ (تصویر افکار) است، این جریده یك اخبار وبی ایست که در شش صحیفهٔ بسیار بزرك انتشار میابد بعضی تصویرهای بسیار معنیداری دارد، مؤسس این جریده ادیب کامل وحکیم فاضل مفاخرت رفیق جناب (ابوالضیا توفیق) افندیست که فضایل وکمالاتشان وتألیفات پرحکمتیانشان مشهور آفاق است، جریدهٔ فریدهٔ مذکوره چنانچه یکبار از یك مقالهٔ ماجراجویانه که درباب زبان ها درشمارهٔ (۱۰) سال دوم خود درج نموده بودیم یك لسان ستایش بحد داده نزلا لشکر نیز نموده بودند همچنان در نومرهٔ ۳۰ خودشان در زیر عنوان (معارف مسلمین) چنین مینویسند :

« رفیق ما « سراج الاخبار افغانیه » که در کابل انتشار مییابد ازقلا کپانی که درین عمار به حاضر به آن دوچار شدایم مکرراً یك مقالهٔ درج کرده است که بعضی نقطه هایهٔ این مقاله را برای نمونه مثال حکمت وعبرت روابط معنویه که در مابین مسلمین حاکم فرما میباشد عیناً ازقرا زیل نقل میکنیم .

بعد از این تمهید از اجناس سیاسی شمارهٔ (۵) سال دوم مابحث داده است که تکرار آنرا لزوم ندیدیم .

﴿ جریدهٔ قدام ﴾

این اخباریهٔ اخبار حکمت آثار نیز یکی از جرایدیست فواید بسیار معتبر استانبول است که از سالهای در ازی در عالم مطبوعات اسلامیه مانند شمس در خشانی در کمال تابندکی نصوص افکار

(معاینهٔ تفنکها ومتراليوزها)

(درمانچوریه مابین دولتین مبارکهٔ دارالسلطنهٔ کابل)

اخبار وبی وشش صحیفه ایست، جریدهٔ برکزیدهٔ مذکوره بازدرشمارهٔ (۵۷۷۷) خودش زیرعنوان « یك مطالعهٔ فلسفی بالخبار اسلامی » ازاخبار ماجراجویانهٔ مابحث داده اجناس سیاسی شمارهٔ (۹) سال دوم مارا نقل نموده است .

اخبار حکمت وديانت بناه (سيل الرشاد) واخبار دانشين (طين) واخبار حقيقت بيان (ترجمان) ودیکر اخبارهای اسلامی پایتخت خلافت اسلامیه نیز که کاهی کاه اخبار ماجراجویانه مابحث داده اند زبان ستایش وتقدیر استعمال فرموده اند، اخبار کهربار (چهره نما) واخبار حکمت قرن (حبل المتین) که بلغت فارسی نکاشته میشوند، واخبارهای (پیمه) ، (زمیندار) ، (وطن) (ملت) ، (انتشر) ، (مسلمان) ، (افغان) وغیره که بزبان اردوزبور آرای تمام مطبوعات میباشند نیز سراج الاخبار افغانیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 663 of 1786

کافی تذکار فرموده اند جامه زان خون وشکوی ننموده اند ، اخبار باجزاء ما که هنوز دوسال ازعمر خودرا بسر نرسانیده است چون ازچنین اخبارهای که سالهای سال درراه قوم وملت کمر افشانی نموده وخدمتهای قلمیاً خود مانی را اجرا کرده اند درحق نامستحق خود جوی وستایش نشنود بجز عرض تشکر واظهار چه خواهد توانست .

وهر چه حاجت مادامیکه ذات خردان صدات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه مقدس معظم محبوب القلوب ، وجناب نائب السلطنه صاحب الفخر ، وديگر شهزاد گان عظام وجود مایهٔ سلطنت ، وهمه مأمورین وبزرگان دولت ، واکثر ارباب خردان ملت تجویه افغان به اشتراک وخریداری اخبار ماجزاء ما مواضع فرموده اند وپسندیده اند وستایش میفرمایند هر گاه یك جاهل

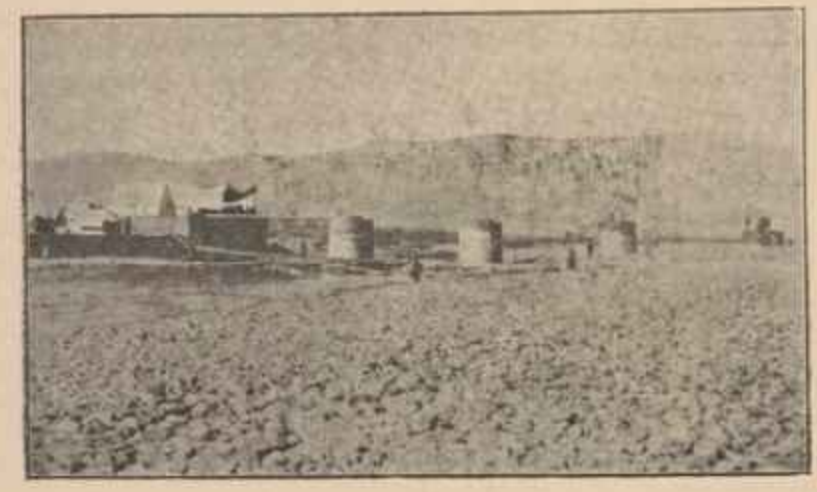

منظرهٔ تجرات پر سراج الاخبار

یعنی (طبقات الارض) است ، که موضوع ومقصود این علم نشان دادن اسباب موجبهٔ تغیرات وتبدلات سطح کره ارض است که ازازمان اقریش آن تاالآن بچه گونه وکدام کیفیت که کاهی دفعة وبعضاً اهسته اهسته تغیر وتبدیل ورزیده وميورزد ، واین تغیر وتبدیل آیا سبب موجبه چیزاست .

علم آوردن برفن زمینوزی سبب عالی بودن مبحث ، ومن حیث اهمیت معلوماتیکه مداخل مرا نسان هارا بصدار علم هیئت محتاج الیه درجهٔ اولی شمرده میشود .

این فن ازفنون قدیم ، ولاکن فن جدید است ، انسانها قبل ازانکه علم وطبیعت سنگها ، وخاکها ، ومواد مرکبهٔ زمین را بدانند به احوال وحرکات ستارهها ، وطبیعت وعادات حیوانها وغیرذالك کوشش ورزیده اند که در آن وقتها درحق سنگها ومعدنیات

کره ارض معلومات بسیار کمی داشتند ، پس ازین سبب درخصوص علم آوردن ، وداشتن اصل وماهیت این کره ارض که مقر ومأوای ماست حکمای اعصار اخیره سعی وکوشش ورزیده اند ، وحالا درمرحلهٔ طویت آن خیلی معتنا کردیده است .

ما کذلك اینجا ازفن زمینوزی بحث میکنیم بعض اجزای معلومات ابتدائی ایست که برقارئین کرام عرض مینمائیم ، ورفن زمینوزی خیلی علم جسیم وشعبات واقسام عدیدهٔ بسیاری دارد که بحایف محدودهٔ این اوراق اجزایش آن ناچیزه ازگنجایش آن عاجز وقاصر است ، وهر چه حاجت ، زیرا وظیفه سراج الاخبار اعلام برقارئین کرام بعلوم است که ازهرگونه علوم وفنون معتنابهای عصر حاضر شده بصورت مقدمهٔ وارهٔ بوشت معلومات اساسیه بنظر مطالعه کنندکان عرض میکند تاکه کاذان اساس آن فن ، وبعضی معلومات مفیده

فن ، وبرایشان بداخلاق زودی از آن شکایت نماید چه ضرری به آن خواهد رسید !

خوك هرچند كند عودهٔ خویش خراش
آب جاری كه بود پاك چه پروا دارد

مقاله مخصوصه

فن

زمینولوژی

یعنی

علم طبقات الارض

ازفنون معتنابهای اعصار اخیره یکی ازفن (زمینولوژی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 664 of 1786

آن اکه کردند . حالا از فن ژیولوژی درخصوص تبدلات سطح کره ارض ، واسباب موجبهٔ آن تبدلات یعنی بیانات علمیه علی طریق الایجاز عرضه میداریم :

تبدلات جسیمهٔ سطح کره ارض

سطح زمینیکه ما در آن گردش داریم ، میآرامیم ، ودر آن زندگانی میکنیم ، هرگاه بنظر تحقیق ، ودیده تدقیق بهرطرف آن یك نظر بیندازیم ، ودرشکل وهیئت آن یك تأمل بکار داریم ، ودریای بلندی ، وکوه صعبا ، وتپه ودرّه ، وغیر ذالك ازعوارض آن ملاحظهٔ مدققانه ، وتفکر عمیقانهٔ اجرا نمائیم بسی چیزهائی می بینیم که بداهة وظاهراً دلالت میکند برینکه این کره ارض ازبدو خلقت ، وابتدا نظرت بدامان وهیئت حاضره که می بینیم نبوده است ، بلکه قطعاً آنسان میشود که مانند گوئی درجوکتهای بسی حوادثات ، وانقلابات مهمه دوچارشده ، وهزار تغیرات وتبدلات متنوعه دیده تابدینمرتبه واصل گردیده است ، وحالا آنکه هنوزهم می بیند ، وخواهد دید !

مثلا برفع های یعنی کوهها وریگزارهای یعنی صحراها پوستهای یعنی حیوانات بحری مانند گودی ، ومیه وامثاله ظاهر میگردد ، کجا حیوانات مذکوره درحالتیکه درخشکه زندگی ومعیشت نمائی عزیکی است درآنجاها چسان رفته توانسته اند ؟ وچگونه بدانجاها واصل شده اند ؟ پس این بك دلیل ظاهر وباهر یست برینکه : آنمحل دریکوقت وزمانی باخر بوده ، ودرقعر بحر بوده باشد .

بسیار شده است — که درأثنای جستجوی معادن ، وبا جستجوی آثار هیئه از زیر زمین چشمهای بسیار جسیم که درختهایش

باقی دارد

ادبیات

کوشش

هر کس که بکوشش کند اظهار مئانت
شاید بست کامیابروز کنه کسب سعادت
از باب همم علوم اهل جهد است
از سعی کمالات پیدای همه عزت
مشتاز بشر شو تو بعرفانزو کمالات
از علو هر جیثوی شایستهٔ حرمت
تحصیل معارف بکن ای نور دو دیده
تا آنکه توی مردمك دیدهٔ رفعت
باکو تشو باسعی بشیراه ترقی
میوی و هیکوشو بشو حائز قیمت
انوار هر شعله نثار است بدنیا
کوشش کن و هردم بکفا چشم بصیرت
باعلو هر سعی جوشه منظو همدم
ایشبه زافکران بری توی بسیرت
کانظلو کی نزو کی خوبو کی زشت
(محمود) هیکوبدو قصدش شده خدمت

فاجعه های پاریس

مأخذ از شماره ۱۶ سال دوم

مادام آنتو چون رفتن نظارا ازروی زن بدید ازحیرت بسیار یکقدم بعقب برجهید

—۹—

درحالتی که مادام آنتو امید میکرد کهبت زن نومند ورسیده را خواهدید ، دفعهٔ درپیش روی خود یك دختر نوجوان را کهنوز بسن اثبات نرسیده چون بید فوق العاده بتحیر کردید .

هاریت اگرچه بسن هفده سالگی رسیده بود اماطراوت ولطافت رخسار ، ودرخشانی موهای طلائی رنگش دو سال کوچکتر یعنی پانزده ساله نشان میداد .

هیچیك چیزهای بقدر سیمای ملاحت نمای این دختر مه پیکر خوش منظر وجاذبه پرور دیده نشده است . شمتهٔ جان با کمال این دختر دلبردها وزخمهای وضع حل یك آدمك کامل ساخته بود ، وچشمهای کبود رنك او که هریك سهای صاف قطعهٔ ایتالیا بود ومانند کوه آتشفشان (وزو) درشعله فشانی وه یك لطافت وخلجو ریت بخشیده بود ، وا یه چون این را بدید خود بخود هیگفت :

— یکدختر باکره ایکه هنوز پی نرشد وفعل نشده است حامله شود ها ! الله کریم ، رافتی داده انفعال کرده اند . اگر پولیس درین کار مدا خله بکند گمان میرم که عاقبتی آنها بسیار دشواری خواهد داشت ، وامیدانم ویا شفش مرا ازاجرای مقصودهیچ چیزی منع کرده نتواند ، چونکه درپناه هرچه بکم مخالف قانون ونظامحرکت نکرده خواهم بود .

درین اثنا سوال وجواب دایه بادختر نیز بانجام رسیده بود ، (رو بر) دروازه را آهسته زده گفت :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 665 of 1786

نامورانِ نامِ جهان

مابعد از شمارهٔ ۱۶ سال دوم

پادشاه مشارالیها ازدواج کرده ، ودرسنه ۱۰۴۱ در (زین آباد دکن) وفات یافته‌است . شاهجهان یک‌تخت مفرغی به ارجمندبانو داشت که تفصیلات آن درکتابها مذکور است . جنازهٔ اورا از دکن به (اکبره) که به (اکبرآباد) معروفست نقل دادهاند . ولیک بناو عمارتی برقرا وازطرف شوهرش بنیادیکه که درتجمل وزینت دیگر امثال آن‌دردنیا نادروکمیابست . این‌زنه ارجمندبانو که خود شاهجهان پادشاه بزرگ‌دران مدفونست بنام (تاج محل معروف میباشد .

اولاد جوان : — جاریه (ابو العباس) پسر (قاسم بن‌عبدالله) است که قاسم‌سابقه بیست وششمین خلیفه ایست ازخلفای عباسیه هنگامیکه (ابوالعباس) پسرخلیفه وفات یافت‌خلیفه خیلی محزون‌واندوهناک بود . زیرابجز ابوالعباس دکرهیچ اولادی ازوباقی نمانده بود . وچون او ازبلادوات ازدنیا درگذشت خلیفه‌را اندیشه‌قطع شدن ذریت عباسیها خیلی‌بشتاب ودر اضطراب انداخته بود . از جوان چون اضطراب خلیفه رامشاهده کرد از سعادتمندی چون خودازابوالعباس بیان‌نمودخلیفه‌را ازاین‌اندیشه واضطراب رهایی داد . بعدازمرور چندگاه پادشاه‌پسری بدنیاآورد که بعدازان بلقب (مقتدی بالله) بخلافت رسیده است . از جوان دراصل دختر یک‌ارمنی بود که بلقب (قرة العین)مالدبود . بسیاروقت زنده گانی کرده است

باقی دارد

علم ثروت ملل

مابعد از شمارهٔ ۱۶ سال دوم

میراند ، زمین راخودش کشت میکند ، گاوهارا خودش میپروراند ، بعضی آلات وادوات زراعیرا نیزخودش تعمیر میتواند .

امااین اغراض درجایی‌واده میشود که مدنیت دراجانرقی نکرده باشد ، وبحال ابتدایی باشد ، ولی درجاهایی که مدنیت مترقی وصنایع کثرت ، وفابریکها افزونی داشته باشد اینگونه محصولها ومصنوعهارا میدان نمیماند ، ونسبت بافزونی یافتن صنعتفابریکها ، ونسبت بافزونی یافتن فابریکها قاعدهٔ تقسیم اعمال وسعت وعمومیت حاصل کرده‌همه وکارهای بسیاری احتیاج میافتد ، وحاجت باین نمیماند که یک شخص اگرازیک‌کار محروم ماند میگرکاریدا کرده نتواند ، وموجب معذوریت وپریشانیش شود که بعدازین اشاعهٔ دربیان تعریفات مکنه داده خواهد شد .

﴿ فصل هشتم ﴾

﴿ قاعدهٔ سرمایه وتصرف ﴾

(سرمایه) رابعربی (رأس‌المال) میگویند کهاگرآن نباشد تجارت نمیشود . (تصرف) اداره وصرفه جوییرا میگویند که اگرآن‌نباشد سرمایه زود ضایع وتلف میشود . پیش ازین گفته شده بود که سی‌وعمل ، وواسطه های طبیعی قدرتی مانند آب ، وزمین ، وگاها وغیره سببهاوواسطه های اجرای صنایع میباشد . دراینجا ازیک واسطهٔ دیگر اجرای صنایع بحث‌میرایم کهبدون

باقی دارد

— آیاحالا درامده میتوانم بی !

مادام — بلی ، درامده میتوانید . سوالهای محرمانه نیکه پرسیده‌بی بودیم پرسیده شد .

روبر درامد ، مادام آنطور گفت :

— یک احتیاطکاری بزرگی که کرده باید همین است که مادام را بیک آپارتمان دیگر آوردید . زیرا اگرمن کمی‌دیر میگردید کار از کار میگذشت

— یعنی معلوم میشود که وقت وضع حمل ....

— بلی تردیکشده امشب بهمه حال زائیدنش‌را حکم میکنم ، بلکه به نیمشب نارسیده کار خلاصی شود . حالا مادام‌باید برستر بخوابد ، ودرد وضع حمل را انتظار بکشد ، وضع حمل چنانچه مادامها ازان میترسند چیز ترسناکی نیست . مادام اندیشه نکند ، به بسیار زودی رنجیده رهایی میبابند .

روبر به ها تربیت رو آورده گفت :

— دوست عزیزهٔ من ! حالا شمارا بدست اهتمام محبتکارانه واحترامانه مادام تسلیم میکنم . ازو ازهر جهت خاطرجمع‌باشید اندیشه ووسواس را بدل تان راه ندهید . به بسیار زودی رهایی میبابید . حالا اجازه میدهید ، باز هم میبینم .

هاریت — (بکمال اندیشه) آه ، خداوند میکنید ها ! حالا نگه میدانید داشتم که امشب‌را یکجا باهم بگذرانیم .

روبر — دراینجا که میبابید ... بودنم لازمست که شما هم این رزم را بخوبی تسلیم میکنید ، چون درشبها عادت ندارم که بخارج بگذرانم هرگاه امشب مرا نه بیند بشبهه خواهند افتاد ! ... انبابعد از انکه بخواب رودا گرفرصت یافتم می آیم .

این‌است که روبر باین مقدمات آنقدر سخنان عاشقانه ومحبت کارانه وخاطر جمعیهای اطمینانکارانه بدختر صرف نموده که اگر بجای دختر پانترن زرگی کار کردهٔ مقابله هم‌میبود به اینسخنهای نوجوان فریفته وگرویده شدنش ازادهٔ شبهه

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 666 of 1786

(یاد آوری)

« یک نکته در مراة الاخبار اطفال »

این یک معلوم است که (فن عکاسی) بزرگ فنون وصنایع خدمتهای تابان بسیاری بجریده اخبارها و کتابهای تصویردار بسزا فن عکاسی پایدار میشود . هنر چیزی که هنر تصویر کند فوتوگراف آنرا مجسم میسازد . مثلا توان خامهٔ هنرمند کاری ، پایک جزاری ، پایک کهساری را قوهٔ هنر تصویر میکند . باین قوهٔ فوتوگراف فن عکاسی آن مظهر را عیاناً نشان میدهد . که آن یک نام فن نباتات یا حیوانات ، هر اجزای که هنر نویسد چون فن عکاسی بامهندکار کرده نوعهای فوتوگراف شکل وتصویر آن نبات وحیوان را نشان دهد با آن فروغ بلند رونق ذهن نشین دیگری میبخشد .

مقصدما در اینجا از بیان کردن خدمتهای مهمهٔ صنعت فوتوگراف یعنی عکاسی درفنون وصنایع نیست لهذا بهمینقدر سخن را کوتاه کرده راصل مقصد نشین که آنرا اظهار کرده باید پردازیم میکردیم :

خواستیم که برای همکاران صنعت عکاسی یک (مساعده) یعنی اسباب کاری داوطلبانه ترتیب نمائیم چنانچه بسایه ترقیات وافیهٔ اقلیمحضرت هاوون درهمه کارهای فنوصنعت تمام یک ترقی وتعالی آشکاری درملک ظاهر وعیان شده است درصنعت عکاسی نیز یک ترقی سریع وبزرگی پدیدار آمده است . لهذا برای افزونی این ترقی . وبشوق آوردن همکاران این فن ، مساعدهٔ مذکوررا تصور نمودیم . اصول وقواعد این مساعده بعامیر دیگر داوطلبی اقرار یافت :

(مساعدهٔ اول درفوتوگرافهای منظرها)

۱ — تصویرهای فوتوگرافی منظرها یعنی جاهای خوب ، ولطیف ، وظریف را نشان بدهد .

۲ — عکس منظرهائی که گرفته میشود میباید که بکاغذ (رومیت) یعنی کاغذ پی جلاچاپ کرده شود .

۳ — کسانیکه داوطلبی (یک میشوند عکسهای گرفتگی خودشان را بنامه دوسرمحرر مراة الاخبار اطفایه میفرستند وتمام جای وموضع عکسی را که گرفته اند داده وداوطلبی خود نشان میدهند .

۴ — ازعکسهائی که درمیان یازده روز فارسیده باشد عکس دهمین درمساعدهٔ اول داخل میشود ، وعکسهای که بعد از عکس دهمین بیاید برای مساعدهٔ دوم گذاشته میشود .

۵ — تصویرهای عکسی را که بدرجهٔ اول ودرجهٔ دوم باشند ، مراة الاخبار اطفایه بکمال افتخار درج میکند ، ونام وتصویر صاحبان آنرا نیز واضافان میدهد .

امید واریم که عکاسان وهمکاران فن عکاسی وطن عزیز به این داوطلبی فی اشتراک ورزند .

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وگرمکی — بیاضها وغیره برای تجلید (جلد) خوش میشود . الشتیر
(دکانش واقع سرمندی مقابل مدرسهٔ اهل حدیث در ۲)
درلهور نزد کان

همه مقاله هائیکه بسمت مدارد از طرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در جواب خامهٔ حروف دار الدعاء کابل طبع گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 667 of 1786

اعلان

از زهر دهن سنجی و از زهر خمن سنجی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیرا مژده میرسانیم . و ترغیب مینائیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار . و ازین گلزار پر از هر یکیك نسخهٔ بدست آورده از زهر دهن سنجی نشوند . و از خرجی سهمی نجینند .

در

مطبعهٔ عنایت

که بیاد بقیهٔ عمر فرمان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت‌الله حالت زیور طبع آراسته گردیده . و در فنی مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که درره افغانان واقعست بقیمت ۲ دوروپیه کابلی از زره عبدالروف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 668 of 1786

سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین

﴿ بهشتاد روز ﴾

کتاب اول یعنی اضافهٔ طرز جدید بسیار شیرین است که هر اطفاله میخواهد . و هر طفل می آموزاهد دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی دایشی چاپ جمعت (۲) دو روپیه کابلی بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باحد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آداب باد کرد)

(باحد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو کنندگان خریداری کرده میتوانند

قیمت هر (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار انتشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر انتشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر انتشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارها (۳ — اینچ — ٤ — سونت) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 669 of 1786

شماره ۱۸ سال دوم

فهرست مندرجات

سیاحت غزنین — کوایف آغاز حرکت پایه اجلاء عودت اعلیحضرت همایون وبیان مزارات وعیوضات غزنین

حوادث داخلیه — عزیمت وعودت موکب سعادت موهب اعلیحضرت همایون — دربارعمالی بار یوم سه شنبه ۲۰ جمادی‌الثانی سنه ۱۳۳۱ درسلام خانه بام — مواصلت نائب الحکومه وتجار دارالسلطنه کابل — مواصلت حاکم کلان سمت جنوبی دارالسلطنه کابل — حوادث خوست ومشکی — عزل جرنیل اردوی هرات — دادی — وفات شهزاده رویالهٔ حسن فرزند دومین جناب معین السلطنه صاحب .

حوادث خارجیه — اجمال سیاسی یک استقلال مکمل مقدم اعلیحضرت شهریارغازی وافتتاح پارلمان معظم افغانستان درخصوص تجارت بالقان — وفد علی هند درقسطنطنیه اظهار کامرید — یک خطابهٔ اصیحت انگیزومحزن آمیز برکوه های مقتولین مسلمانان ترک — جنگ بلقان تجارب اسعد پاشا — سارش روسیه — مسئله البانیا — جنگ بلقان وی‌میری‌استرد — ایضاً جنگ بلقان — وضع ایطالیه — ایضاً جنگ بلقان — زجه اخبار مدنیه درین اقتباری خبرهای وزو نیز — امداد روسیه برای مانتینگرو — جمعیت وطنی اتفاق — معاهده ترکی بالکنس — معاملات ایران — استقلال محمدن طرابلس .

مقالات فنیه — فن زجه وتوزی — بحی شدان الارض — حرارت .

ادبیات — (... غزل ...)

نامورات زمان جهان

فرانسوت ملل

واقعه های پاریس

یادآوری

تصاویر — (درمسافهٔ فن صفحات)

زان شوکت نیان اعلیحضرت پادشاهی بادوات خدمتکاران سمت شاهانه‌شان برخرما وواحهٔ جلال آباد — ازمنظره‌های شکارگاه زان اعلیحضرت پادشاهی درجنگل جلال آباد بسواری فیلها شکار میفرمایند — بلدار وحشی یکساله بچارهٔ را دست میدهند — دو هر بچاره یکشاهی را دست بسته برای دار کشیدن میبرند — یکشاهیک نیز مسلمانی دیگرهیچ گناهی ندارند درین خندها وحفارتهای وحشیان دار کشیده شده اند — دیگر منظرهٔ شکار گاه جنگل جلال آباد — منظرهٔ یک حصه از باغ اسالیف که از کوه پایه های جوش آب وهوای کابل میباشد .
نظر ثانی گرا که یکی از قصر های یلاق پادشاهی دارالسلطنهٔ کابل میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 670 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج الاخبار افغانیه) عبارتی اخباریست که در مملکت پرفیض و برکت افغانستان بنابه فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان مانو در دارالسلطنة کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد و مسلک این نامهٔ گرامی خدمتگاری و آگاهی اهل وطن مقدس ماست واحوال بلاد . وحب دولت و وطن . وتوجه بسوی علوم وفنون . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . فی یک اخبار فواید نظیریست که در صفحه های معدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آزادارد که چون این اخبار نگاه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یک توجه جدی وبک همت مطالعهٔ بااخلاص بسوی او عطف نمایند . ادارهٔ دفاتر اشتراک متذکر کرام نهایتدرجه ازدیاد وآبادی را میخواهد . ودرای جوئی مضامین مندرجه وحسن طبع ودرج تصاویر غدا کاریهای بسیاری بکار برده . وتجارت را اگر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درعشره ویازدهم هرماه نمبر میشود امیدداشت که در آینده هفته وار بشود . وآنچه بر همت دانشوران معزز هموطن منوط است ذرهٔ مراقبتی که نسبت بمشترکین کرام . ودرجست جوی خواهندگان عطاء بیفزاید . الزامه در ترقی اوبیشتر خواهد فزود . فوائد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنة کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماهه آن ۴ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخله دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۲ دوازده روپیه کابلی — ششماهه آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپ یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ شش روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار دائمیهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درهرات جناب حاجی غلام نبی خان مامور . هروش پوست قره قل . دولت گرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند پر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماهه اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما باداره اطلاع رسد از هاوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح ودرشت نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کابلی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 671 of 1786

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

ادارهٔ خانهٔ طبعه

در جانبنا دار السلطنة (کابل) جملهٔ امورات تحریریه بادارهٔ مذکوره بنام مدیر فرستاده میشود قیمت یک نسخه آن درکابل یکعباسی است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نکران

ایدک آقای ملازم حضور اعلیحضرت همایونی علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنة کابل ۸ روپیه کابل در اطراف داخله مملکت بالمراسلات داک ۱۲ روپیه کابل در خارج مملکت بالمراسلات داک ۱۰ روپیه انگلیزی فی نمبر وآزاده روز یکبار نشر میشود

تاریخ هجری یکم رجب سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۹ جون تاریخ شمسی ۱۹ جوزا ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وبعضی مقالات مفیده درج میشود

ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی

(اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان در هنگام مراجعت از سفر اروپا سال ۱۹۲۸)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 672 of 1786

(سیاحت غزنین)

در شمارهٔ ۱۷ خود در ذیل حوادث داخلیه کیفیت مراسم دربار یوم سه شنبه ۲۹ جمادی‌الاول سنه (۱۳۳۱) را در قید تحریر آورده ، واز بعضی افادات حکمت آیات اعلیحضرت پادشاه ژقیجواه حقایق آگاه پاداش ودین خود بریّن نموده بودیم . دراینروز مسعادت اندوز این مدیر وتحریر اقل کنتر ، وعبدالحقیر باعداد زوار شارا بزیر الطاف جهاندارجات همایون مظیر فخر وشرف فرموده سعادت اندوزیّ همرکابی معیت شاهانه را درین سفر خیریت اثر اراده وفرمان نمودند ، بنابرین خواستم که کیفیت این سیاحت پرسعادت را سر لوحهٔ افتخار این شمارهٔ خود ساخته از آغاز حرکت تا به انجام عودت یکان یکان مشهودات ناچیزانه ام را در قید تحریر بیارم .

یوم جمعه ۸ جمادی الثانی وقت عصر از طرف ایشیك آقاسی حضوری حضور اعلیحضرت پادشاهی جناب‌ایالت‌مآب محمد خان‌بك‌قطغه تذکرهٔ رسمیّ خبری‌رسید که صورت آنرا عیناً درینجا مینگاریم :

(مالیجامدقق‌محترم‌محمود بیك‌خان‌مدیرسراج الاخبار افغانیه را حفظه الله تعالی یوم شنبه ۱۰ ماه حال ساعت ۹ صبح بلباس رسمیّ سواری درارگ مبارك‌حضر شوید که بسواریّ عرابهٔ موتر لیوزین که شکران آن محمد ولیخان‌است همرکاب‌اعلیحضرت والاپایه غزنین خواهید رفت فی ۱۱ جمعه ۸ جمادی‌الثانی سنه ۱۳۳۱)

(بیك محمد)

بعد از رسیدن این تذکرهٔ سفریهٔ خودرا دیده یوم شنبه وقت وساعت معین در ارگ مبارك حاضر شدیم . عرابهٔ موتر لیوزین‌مبنای حرکت بود ، دیگر عرابه‌ها نیز آماده وحاضر بودند . عرابه‌های‌موتریکه بمعیت وهمرکابی‌ذات‌اعلیحضرت شاهانه حرکت کرده اند ، ودوانیکه بهمرکابیّ همایون دران موترها سر افراز بوده‌اند از قرار فهرست ذیل‌است :

(۱) — در موتر سواریّ خود ذات اعلیحضرت شاهانه : مصاحب خاص ذات اعلیحضرت پادشاهی‌سردار محمد یوسف جان، نائب سالار حضور جناب سردار محمد نادر خان ، ایشیك آقاسی نظامی جناب محمد سلیمانخان .

(۲) — درموتر دوازول (۳۸) لمبهٔ حضور که بصورت احتیاط موتر اعلیحضرت همایونی را پیروی‌مینماید : محمد یعقوبخان غلام بچهٔ خاص ، سکندرخان غلام بچهٔ خاص .

(۳) — در موتر سواریّ ذات عالیّ جناب معین السلطنه صاحب‌معظم غیر از خودشان : برادر کوچك‌شان ، سردار محمد کبیر خان ، ومأمور خصوصیّ دائرهٔ عالی صاحبزاده خواجه جان .

(٤) — در موتر سواریّ عالیّ جناب عین الدوله صاحب مکرم غیر از ذات عالی خودشان : محمد اسحق خان غلام بچهٔ خاص ، داکتر عبد الحکیم خان .

(٥) — در موتر لیوزین : محمد ولیخان سر جامهٔ غلام بچه‌های خاص ، خود این بندهٔ حقیر ، محمد شریف خان غلام بچهٔ خاص ، سایح محمد خان آبدارباشی ، حاجی ملك خان غلام بچهٔ خاص .

(٦) — در موتر پنجم (۲) : مصاحب خاص ذات اعلیحضرت پادشاهی سردار محمد آصف خان ، نائب سالار غند عسا کر دار السلطنه وکوتوالی جناب محمد نعیم خان ، ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی جناب علی احمد خان ، ایشیك آقاسی عارضه جناب محمد عزیز خان ، سررشته‌دار جناب محمدهاشم‌خان، رکاب باشی جناب شاه ولیخان .

(۷) — در موتر نمبر اول شرکا : جناب‌سردار غلام‌علیخان، جناب‌محمدیونس‌خان رگدغند عسا کر اردو، ایشیك آقاسی‌حضوری حضور اعلیحضرت همایونی جناب‌ایشیك محمد خان ، سرخان امیور جناب محمود خان ، جناب عطا محمد خان ، امین المعادن جناب میر غلام محی الدینخان .

(۸) — در موتر بزرگ نمبان که یك لوری از ژوم دریل میباشد ۳۰ نفر خدمه وعملهٔ حضور .

(۹) — در موتر دین : سی نفر عسا کر غلمه حضوری از سواری سراوس ورکابی .

اینست عرابه‌های موتریکه از ارگ مبارك ازساعت (٦) تا ساعت (۸) پی همدیگر بمعیت سراسر سعادت اعلیحضرت‌همایونی همرکاب حرکت نمودند . عرابهٔ موتر ذات عالی فخامتمآب نائب السلطنه صاحب اقدم از دائرهٔ عالی فخامهٔ خود جناب‌عالی با افراد معیت شان عزیمت کرده است . اول موتریکه حرکت نمود لیوزین بود که از ساعت ۹ ده دقیقه گذشته از دروازهٔ باغ ارگ‌مبارکبیرون‌شود . حوضهٔ خوش هوا وبرآب‌درخت (چهاردهی) را که یك نمونهٔ بهشت برین شمرده‌می شود بیك سرعت برق مثالی مرور نموده ، و اراضیّ ارغنده ، ووادیهای اطیفهٔ میدان ، وتپه‌ها ونشیب وفراز های‌قلعه قاضی ، وشش‌کاو وردکستان وغیره‌را بسرعت طی مکانی قطع نمودیم‌ساعت دو ویم بچهٔ روز در جوار قلعهٔ غزنین در پیشگاه زیارت مظیرهٔ حضرت (خواجه دلك پارنده) رحمة الله علیه بانتظار تشریف فرمائی عرابه موتر سواری اعلیحضرت پادشاهی همه موتر های پیشتر رسیده‌گی توقف نمودند ، بعداز چند دقیقه عرابهٔ موتر شوکت مظیر همایونی مواصلت نموده همه عرابه ها درپیّ عرابهٔ شاهانه روانه غزنین گردیدند .

در پیشگاه باغیکه مطرح خیمه گاه اعلیحضرت همایونی انتخاب شده بود عسا کر پیاده وسوار وطوبچیّ موجودهٔ اطاعی غزنین صف بسته احترام نمودند وبفر طوپهای متعدد عرابهٔ سلام‌شاهانه را ایفا نمودند ، خیمه گاه شوکت احتوای همایونی بر سدهٔ بزرگ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 673 of 1786

وسط باغ با صفای میرزا عبد الاحد خان که نایب ومعاون مستوفی الممالک وخان غزنین می باشد موضوع شده بود قلعهٔ بسیار جسیم ومکمل متصل باغ مذکور که نیز غارت کردهٔ خان موصی الیه می باشد برای اقامت شهزادگان وحرمگاهان معیت پادشاهی تخصیص یافته بود .

خانها وملکان ومعتبرین وصاحب منصبان ولایت غزنین بواسطهٔ ابتیاک آقای ملک وخان موصی الیه بحضور معدلت موفور اعلیحضرت پادشاهی شرف بار حضور یافته ، ومطیر الطیفات جهاندرجات هاوی گردیده مرخص شدند .

بعد از صرف طعام وبکچندی استراحت وآرام برای رفتن بزیارات مبارکهٔ اولیای عظام که در اطراف غزنین رخ فرسوم دفین خاک مطهر خاک میباشند اراده وفرمان شاهانه شرفصدور یافته عرابه های موتر حاضر گردید .

(در بیان مزارات پر فیوضات اولیاء الله غزنین)

همهٔ غزنین از مزارات اولیاء الله مثل مقام سانند یک گنج شایگانیست که ما درینجا تنها از بعضی مزاراتیکه خود زیارت آن وبیاراز بین توجهات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب خودمان مشرف شده ایم بحث وبیان میرانیم . وتفرجات النهارا نیز از روی (روضة الانوار) نام کتابی که به ارادهٔ وفرمان ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما از طرف (شیخ محمد رضای مروی) تألیف وتحریر یافته است ، وحقیقتاً یک آئینه جهان ورهنمای حقیقت اشیای غزنین شمرده می شود ، وجیه اختصار نقل میناییم :

مزار حضرت حکیم سنائی :- اول زیارت مزار فیوضات آثار خواص بحر معرفت ، وحدیقهٔ بامرهٔ حکمت حضرت حکیم سنائی شرفیاب حاصل کردید که بقعهٔ مبارکهٔ حضرت حکیم بقدر ربع کروه بطرف غرب جنوبی شهر غزنین واقع است .

اصل نام شریفشرا در کتاب روضة الانوار مذکور مجدود الدین بن آدم غزنوی ، ودر قاموس الاعلام نام ابات جعرافیه وتاریخیه حکیم ابو المجد بن آدم غزنوی نوشته اند که ملقب به سنائی بوده اند . تاریخ وفات شانرا درقاموس الاعلام ۵۷۹ هجری قید کرده ، ولی از قراریکه در روضة الانوار از روی توحهٔ سنگ مزار مبارک ضبط کردیده است از قرار ذیل است : (هذا قبر الفقیر الی رحمة الله مجدود الدین السنائی غفر الله له) بعد ازین عبارت آیة الکرسی شریف ، ودر سنگ دیگر که در تحت این لوح است عبارت ذیل نوشته شده است : « کان وفات الشیخ العالم الفاضل شمس الملة والدین قطب المحققین طوطی شکرستان فصاحت بلبل بوستان بلاغت مفتاح اسرار معانی پکره مفاتح انوار الفاظ فکره ابی المجدود الدین سنائی حسن وعشرون وخمس مائة سنه ۵۲۵ هجری » .

حضرت حکیم سنائی قدس سره در ابتدا به شعر سرائی مشغول بود ، واز مداحان سلطان ابراهیم بن سلطان مسعود ال ناصر (۱) وروایت دیگر بهرام شاه غزنوی بود ، وبسیار بعلی سبحان حکمت امیر میرت انگیزیکه از حضرت خواجه لایخوار یک محبوب الهی شنیدند از دنیا دست کشیده دیوان اشعار خودشارا سوختند ، وبعد ازان تنها در تصوف وتوحید شعر سروده اند ، واورا کتابیست که حدیقة الحقیقه نام دارد ، ودر آن طریقهٔ کلستان حقیقت وبوستان طریقت شمرده میشود ، درقاموس الاعلام مذکور است که غیر از حدیقه بعنوان رموز الانبیا وکنوز الاولیا یک کتاب منظوم دیکری نیزدارند ، بعد از ادای حج بحضرت یوسف همدانی که از عرفای نامدار متاخ است انتساب داشته اند ، حضرت مولانا جلال الدین رومی قدس سره در مثنوی شریف دربارهٔ حکیم به این بیت ابها فرموده اند :

ترک جوئی کرده ام من بهر خام
از حکیم غزنوی بشنو تمام

وباز حضرت مولانا در دیوان اشعار خود شان به این بیت از حضرت حکیم بحث رانده است :

عطار روح بود سنائی دو چشم او
ما از پی سنائی وعطار آمدیم

والحاصل یک زیارت پر خضوع وخشوعی در مزار حضرت حکیم سنائی قدس سره بجای کورده بودت نبودم ، این را نیز عرض کنم که مسقط رأس ومحل ولادت این محرر بحر مقر غزنین ، ودر غزنین بجوار مزار فیوض آثار همین زیارت حکیم قدسیت قرن می باشد در سنه ۱۲۸۰ که والد بزرکوارم حضرت طرزی مرحوم با اعلیحضرت امیر عبد الرحمن خان مرحوم مهاجرت جانب سردار محمد امین خان مرحوم در قندهار رفته وبندوبایهٔ خود شانرا از کابل طلب نموده بودند در اثنای سفر مذکور درهمین مقام ولادت ناچیزاه ام بوقوع آمده است ، وانیهم از مراحم وعنایات ذات اعلیحضرت پادشاه دل آکاه مقدس ماست که هم بسیاحت وهم بزیارت وهم بدیدن محل ولادت خودش بهرکاش شاهانهٔ شان بارل وسزاوار کردیدم .

مزار حضرت سید احمد مکی :- این زیارت شریف درمیان یک دهی ودرین خانه‌ها بست شرقجنوبی غزنین واقع بود چون در خمسهٔ شریفهٔ شان یک سنکی که اسم وشهرت شانرا نشان بدهد موجود نبود احوال شان مجهول است

مزار حضرت پهلول صاحب :- مزار این بزرکوار بطرف شمال شهر غزنین دردامن کوه واقعست ، از کرجاحوال

(۱) آن ناصر کی اولاده سکتکینرا میکویند مراد که ابی سکتکین ناصرالدین بوده ابدا آل ناصر کفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 674 of 1786

شان به تحقیق نه پیوسته وروایات مختلفه درباب شان مسند کور است ولی چون بزیارت شریف شان انسان مشرف می‌شود آثار روحانیت ، وفیوضات وبرکت ازدر ودیوارآن میریزد،واینرا بیك حالت وجد واستغراق دست میدهد . گاه بهلول برای همان اشخاص اطلاق می شود که حالات مجذوبانه مستانه را مالك باشند . وبه این صفت بسیاری از بهلول ها در امت ناجیه محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بر گذشته اند که مشهور ترین انها حضرت بهلول دانایست که در زمان هارون الرشید بوده اند . ودر بغداد مدفون اند . در قاموس الاعلام از بك بهلول مجانین نیز مذکور شده که بهلول بن وذیب نام داشته‌اند ازرئیس گناهان خود همیشه گریان ونالان بوده بحال مجذوبیت در میآورده اند . امر الامر بگسست خودرا در گردن خود زنجیر بسته، ودروازهٔ مسجد حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم آمده وطلب شفاعت نموده بیك سمت تا معلوم رفته ناپدید شده اند . پس بك احتمال بعیدی دارد که در همین جامده مدفون شده باشند . والله اعلم بالصواب .

مزار حضرت شیخ رضی الدین علی لالا :- قدهٔ شریفهٔ علی لالا قدس سره درطرف شمال شرقی غزنین تقریباً به بعد یم کروه واقع است زیارت بسیار بافیض واواریست که صفای روحانی ازهرخشت وگل آن درانتشار است . ایشان پدر مادر حکیم سنائی وازمریدان حضرت شیخ نجم‌الدین کبرا میباشد . از مشایخ کاروبسیار بزرگوار یك ذات‌فیوضات آثاری بوده اند قدس سره العزیز .

از منظرهٔ های بکرام

(قلعهٔ الجیشت بدامنهٔ در پشکل بلال آثار بسیاری دیده میشود)

سلطان سبکتگین :- بعداززیارت حضرت علی لالا عرابه موبما بسوی دامنهٔ تپه‌هائیکه یکسر بسوی شمال شرقی محدود بود به حرکت درآمد . کاملا در پیشگاه غزنه مبارك امیر ناصرالدین سبکتگین که نخستین سلطانیست ازسلطانهای غزنویه وقت نمود . درغیا ازاحوال کارنامه‌شان تحت العنوان زیاد است همین‌قدر میگوئیم‌که‌این‌سلطان عدالت‌شان‌بدرجه مدنر میشده بود که سرا سر ناپدید مانده بود . ذات اعلیحضرت پادشاه عرایم ا کنونه مقدس‌ما سراج الملة والدین امام الله ظل‌الله فی‌العالمین شاهزمودن‌پادشاهی بسیار خوشنای باصفائی‌را ازاین‌راه‌فرمودند وقبر سلطان‌مشارالیه راظاهروآشکار ساختند . درشماره‌های‌سابق سراج الاخبار افغانیه تصویرقبر مذکوررا باتعاقی تعریفات آن درج نموده‌ودیم . امادراوقت‌ناهموار ران ساخته نشده بود . حالانکه‌درینوقت‌بنای‌قدیمی‌جدید عنصر بسیارخوب‌وشیئی یکمال‌لطافت ران ساخته شده‌است کهانسانرا ازپیش لطافت وظرافت ان‌حیران میسازد . نظارهٔ مناره‌های‌غزنین و آثار تاریخیهٔ‌خرابه زارهای این مواقع‌بانسان حس‌وجدهای‌بسیار عبرت انگیزی درنظر جلوه‌میدهد. یکعدهٔ‌ای یکعالم حیرت ودیدهٔ عبرت تماشای اطراف راافزوده وواقعه ثریهٔ‌ازارواح صاحب مقام خوانده عودت نمودیم .

درمقالهٔ این‌شمارهٔ ١٨ خودرا درغیا خاتم میدهیم تاموجب ملالخاطرقارئین کرام‌نگردد . انشاءالله درشمارهٔ آینده ازدیگر کوایف این‌سیاحت پرفیض وبرکت تحت خوانهیم‌داد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 675 of 1786

حوادث داخلیه

عزیمت وعودت موکب سعادت موهب هایونی

اگرچه سر مقالهٔ ما از اسباب سفر غزنین بحث میداند ، ولی چون تفصیلات آن سیاحت درین مقاله از ابتدا تا به انتها بالعموم رسیده است ازاینرو اخبار کیفیت عزیمت و عودت ذات مراحم صفات اعلیحضرت شاهانه را درذیل حوادث داخلیه از امورات لازمی شمرده مینویسیم که یوم شنبه دهم ماه جمادی الثانی موکب شوکت موهب اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه مقدس معظم بسوی غزنین حرکت ، وبطرف سه ونیم ساعت بسواری عربانهٔ موتر بغزنین مواصلت ، ویوم چارشنبه چاردهم ماه مذکور بالطبع والطافه عودت شاهانه بوقوع آمده است تفصیلات آن انشاءالله درشمارهٔ آینده مفصلاً ذکر میشود .

دربار معالی بار

ویمه شنبه ۲۰ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ بارانده وخرسان سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی درسلام خانهٔ عام مراسم دربار معالی بار تشکیل یافته همهٔ سرداران واعیان واشراف اهل دربار و ارباب مناصب ملکی وعسکری بهدیعهٔ روز با لباسهای رسمی شان در سلاملخانهٔ عام جمع آمدند . وذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه معدلت دستگاه مقدس معظم محبوب القلوب سایهٔ یزدان درخشان دربار را بقدوم شوکت و سعادت مزاوم هایونی شرف اندوز عزوجلال فرموده همهٔ حاضرین صادقانه ازین وخدایدوست کیش شاهانهٔ شادا بهدار سعادت آثار هایونی شان اجرا فرمودند . وتاساعت یکیم بعد ازظهر دربار بولموورزیده اجرای امرانی عطا فرموده شده .

(مواصلت نایب الحکومه صاحب قندهار بدار السلطنه کابل)

ازانجا کهمراحم ذات شوکتسمات اعلیحضرت شهریار مکارم شعار مقدسرا دربارهٔ خدمتکاران صادق دولت شان دائما مبذول ورا یکاست قبل از تشریف فرمائی موکب هایونی بسمت غزنین درباب حاضر شدن نایب الحکومهٔ ولایت قندهار جناب مستطاب سردار محمد غیاثخان برای شرفیابی حضور هایونی در غزنین فرمان هایونی شرف نفاذ یافته بود باهم ازدهدار سعادت آثار اعلیحضرت پادشاهی بعد از عودت موکبی ازطرف اندوزی حاصل نمایند . وهم درباب سردار کابل بقندهار یعنی مدار گردن اجرا فرمودند . چون فرمان هایونی بقندهار واصل گردیده است بلا توقف و درنگ نایب نایب الحکومه بسوی غزنین حرکت نموده است . وبعد ازورود ازعودت موکب اعلیحضرت پادشاهی بغزنین رسیده وبموجب تعلیماتی که ازطرف قرین الشرف هایونی عطا فرموده شده بود باضافهٔ موتر جناب برگیدیر عبدالاحد خان روم شنبه ۱۷ ماه جمادی الثانی بدار السلطنهٔ کابل مواصلت نموده ویکسر بحضور معدلت دستور اعلیحضرت پادشاهی شرفیابی حاصل نموده مظهر تلطیفات و عواطف جهانداری جناب هایونی گردیده اند .

جناب نایب الحکومه صاحب ازقضای مأمورین دولت علیهٔ افغانستان ، ونیرهٔ سردار نامدار مغفور محمد عظیم خان طاب ثراه میباشند ، و برتبهٔ نایب سالاری ملکی و سردارئ درجهٔ دوم تقریباً ازمدت دهیازدهسال بنایب الحکومه گری قندهار ازطرف ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه مراحم شعار ما نایل ودراجرای وجوه امارت حقه ، وحسن سلوک ، واقدامات عمران روزی برموافق رضای اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه ترقیخواه مقدس ما تطبیق حرکات نموده اند . جناب مشار الیه تا یکچند روز دیگر هوز بشرف اندوزی حضور مهر نور موهور هایونی مفتخر خواهند شد .

(مواصلت حاکم کلان سمت جنوبی بدار السلطنهٔ کابل)

جناب دوست محمدخان ملقب بناظم حضور اعلیحضرت اقدسوالا که حاکم کلان سمت جنوبی هوست و نواحی آن است مظهر مراحمات و توجهات جهاندارئ اعلیحضرت شهریاری گردیده بحسن رای شرفیابی حضور پر نور بغزنین طلب فرموده شده بودند اکنون بشرف دستبوسی اعلیحضرت پادشاهی اکتساب فیوضات نموده ، وهم اگر بعضی معروضاتی در باب معاملات حکومتی خود داشته باشند بعدهٔ سنیهٔ هایونی بعرض رسانیده درپرتو مراحم شاهانه حاصل نمایند . جناب ناظم صاحب مشار الیه بزودی ازاشتریف موکب هایونی بغزنین رسیده بجناب مستطاب نایب الحکومه صاحب قندهار یکجا بسواری موتر دار السلطنه مواصلت ، وبکابل بازحضور پادشاه پرمرحمت دیشفقت گردیدند .

مشارالیه ازاراکین مأمورین بسیار جران و کارگذار هوشیار دولت علیهٔ مذبوعهٔ ما شمرده میشوند که در بین محاربات دهشت آور بیاض الفتنه از بسی سالهای دراز الیات لیاقت نموده اند .

(حوادث هوست ومشکل)

این یکرشته کال مسلم است که طایفهٔ حربه مشکل بازبعضی غوارضاتی که رخداده بود ، و[redacted] اباءوده بود بارسالدوسال مذبوحهٔ مقدسحضور [redacted] افکارماره خود مشغول نموده بود . امسا بتدبیر صائبهٔ که ازطرف دولت اتخاذ گردید آن آتشفته وفساد دراندهمدل زایل گردیده آسایش عمومه فراهم یافت . درهوست بعض اجزای اسلامیهٔ ازدو از قولنامه دکار در حدی وبیرکه مالوا توپی واز حد قصبهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 676 of 1786

را بکلاه‌تمار خودساخته یعنی حوادث هیجان آمیزی تدریم میکنند. حالا تکه دران نواحی از فضل و مرحمت الهی ، و توجهات ذات اعلیحضرت پادشاهی ، وحسن سلوک وادارهٔ مرغوب حاکم آنجاهیچ گونه آشوبی وعصیانی بمقابل دولت موجود نیست .

درباب خودما باقات باجناب دوست محمد خان باطم حاکم سمت جونی که درینوقت باراده شبیه اعلیحضرت پادشاهی ماذوناً بدارالسلطنه آمده اند ملاقات کرده درخصوص احوال آنطرف استعلام کیفیت نمودیم . ازبیانات حاکم مشارالیه جنان معلوم گردید که اقوام مخالفه کوهستان علاقه خوست ازجهالت وبدبختی خود درمابین خود شان کشت وخون واختلاف ورزی دارند، و اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه بنابر همجواری رعیت اسلام روا دار نمیباشند که رعیت درگردان باشند . و باصلاح شان میکوشیم که بزودی باصلاح میایند .

پس بنابرین بیانات حاکم مشارالیه بتحقیق می پیوندد که مردمان آن علاقه بمقابل بودن متبوعهٔ مقدسهٔ خود هیچگونه اثر تمرد وعصیانی کهمقابر دین واعان مسلمانی ست ندارند . وهرچه که دارند از روی نادانی و بیخبری درین خودشان دارند که اینهم از زمانهای بسیار درازی درمابین اقوام آندرزمین یک چیز طبعی وعادی شده است .

عزل جرنیل اردوی هرات

عبدالرحیم خان که سابقاً بمنصب وکلای دارالسلطنه کابل سرافراز بود ازامورمکالمات شوکتمهات اعلیحضرت پادشاهی بمنصب جلیلهٔ جرنالی و کل افسری اردوی هراوی هرات نایل وممتاز گردید وجود بنابرسلوک وکج رفتاری وخلاف کاریهای که درمدت ماموریت خود اجرا نمود وشکایات متعددهٔ اهالی وعسکری که بحضور اعلیحضرت پادشاه رعیت پرور عدالت گستر رسیده بود جرنیل مذکور را ازمنصب جرنیل عزلا موقوف فرموده حاضر شدنش رادارالسلطنه اراده وفرمان نمودند بامتداز تحقیقات مجازات عمل وکردارش در کنارش گذاشته شود . باعث عزل جرنیل مذکور اخلاق نامرضیه وکردار ناپسندیدهٔ خود جرنیل شد که بزیاد عزت وتمرد خودرا بخاک مذلت یکسان نمود . فاعتبروا یااولی الابصار .

دزدی

ازقرار یکه شبنامهٔ چندشب پیش ازین درخانهٔ میرافضل احمدخان که مامور دفاتر امور خارجه میباشد بدزدان فرصت دخول یافته از نقد وجنس هرانچیزی که یافته اند سرقت نموده اند . ازطرف ادارهٔ ضابطه یعنی کوتوالی باتحقیقات لازمه پرداخته شده دزدان را گرفتار وبعضی ازاموال مسروقه را استرداد کرده اند . واز ظاهر شده است که دزدان مذکور یکنفر دونفر نی بلکه یک جمعیت متفقهٔ زرکی میباشند که دراجرای شقاوت وجفا کاری کرده اند . بسیاری از انها گرفتار بحکمهٔ عدالت گردیده اند وازطرف محکمهٔ عالیهٔ کوتوالی تعقیبات شدیده دراسباب اجرامیشود وامید میکنیم که مامورین محکمهٔ عالیهٔ مذکوره درخصوص سعی بلیغ اجرا نموده این جمعیت خبیثه را ازبیخ وبن برداشته ، واهالی شهر عزیزما را از اضرار آسوده ومطمئن سازند .

وفات شهزاده روح الله جان

یکهالیش وحسرت ، وغم وحزن وکدورت ازخبر غم اثر وفات شهزاده روح الله خان دومین فرزند جناب شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه - یادگار عنایت الله خان بمقرر حزن امور مجبوریم که صبح دوشنبه بیست وچهارم شهر حادی الثانی سنه ١٣٣١ مطابق ٣١ ماه جون ١٩١٣ عیسوی بعمر دو یم سالگی طایر روحش بشاخسار بهشت برین پرواز وبانعام ارواح ملکوتی دمساز گردید . علوهٔ جنازه درمسجد محل دارالامان داودخان جایکه برادر عالیگهر شان شهزاده بلند اقبال عین الدوله سردار امان الله خان ، وسردار صنایع جناب سردار محمد عمر خان ، وشهزاده سردار محمد کبیر خان ، وجناب سپهسالار صاحب امیر محمد خان ، وجناب نائب الحکومهٔ قندهار سردار محمد نیاز خان ، وجناب امین العسس قاضی محمد خان ، ودیگر اعضای دولت کرام ، ویک بلوک عسا کر نظامی اردلی معیت خود ذات عالی معظم حاضر بودند جنازهٔ آن معصوم مذکوری رسوجه انجام احتفالات لازمه درمقبرهٔ مخصوص خاندان جلیل الشان ساخت سیکه وبستان سرایجوار مزار فرض آثار پادشاه مغفور جنت مکین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین واقع است رسانیده دفن خاکه عطر ناکش نمودند .

حاضرین کرام مراسم تعزیت ورواسم حاضرداری وتسلیت را بجناب عالی بجا آوردند . ذات عالی شهزادهٔ عرفان وسادهٔ معظم ما اطال الله عمره وادام الله فخره واقباله بکمال متانت وتمام استقامت یک تعلق دعائیه بسیار مؤثر ومعیداری بجواب حاضرین کرامویان فرمودند که خلاصهٔ مضمون حکمت مشحون آن قرار ذیلست :

« مانیز با غم ومصیبت میشاریم ، بلکه مصیبت عظیمهٔ عمومیهٔ را که درینوقت ازهرگوشه وکنار ربوع اسلامی وارد آمده اصل غم ومصیبت میشاریم وبا این یک خودرا وشمارا داوری میکنیم که مانین زحال خود شکر عظیم حضرت رب کریم خودمان جل وعلارا درشب وروز بجا آریم که بحالت مادروقت حاضر ازهمه گونه تسلط ومداخلات اجنبی آسوده حال است ، وجناب حق بایمان جان یک پادشاه مقدس غیر آمدنش تق خواهد پرمرحمت وشفقتی احسان فرموده که شب وروز در تقویت دین وملت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 677 of 1786

ووطن کوشش میورزند ، وما را بر خیرها وسعادتها رهبری وتشویق میفرماید ، وواجب است که دعای سلامتی ذات اقدس واتفق شارا از درگاه الهی جل وعلی نیاز کنیم ، وغصبهای خود مارا اصلاح نمائیم ، ورهبر بیت و خیر پادشاه مقدس خود مارا خضر راه حقیقت خود شمرده از احوال دائم تفحص کنیم ، و بیداری وسعی و کوشش را در راه خدمت دین ودولت خود پیش نهاد خاطر نمائیم ، باقی توفیق الهی را شامل حال خود وهمه ثنا برادران اسلامی خود میخواهیم . »

بعد ازین الفاظ دال حکمت آیات در مقدمهٔ مبارکهٔ فیوضات نشان مرحوم مغفور جنت مکان اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان علیه رحمة و غفران بحضور رفتند ، ویک سوره از سورهٔ قرآن کریم را بلند حافظ جید تلاوت وقاعدهٔ شریفهٔ قرائت شده ، وخود ذات علی شیم زادهٔ معظم از اوصاف وشمائل جداعلید مرحوم مغفور نشان وخدمات عظیمه وطنیه ومیزه نشان یک تقریر دلپذیری فرموده پس بعطای مال خود نشان موفق وار حاضرین کرام اظهار شکر گذاری و دعویت فرموده رخصت فرمودند .

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال خشوع وخضوع دعای سلامتی ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم خودرا وهمهٔ خاندان جلیل الشان سلطنت منبع مقنوع خودرا تضرع وزاری مینماید ، وبجنات مکارم صفات شیرزاده معظم خود کمال اعتماد وحسن رجائی مینماید تقرب بدرجات سلامتی خودشان را و اقبال وبالهٔ کرامهٔ شان را از بارگاه الهی مسئلت مینماید .

حوادث خارجیه

اجمال مسکوکا

« یک انتقاد حکیمانه از مقام اعلیحضرت سراج الملة والدین ، « پادشاه معظم »

(افغانستان در خصوص محاربهٔ بالقان)

در آغاز اعلان حرب که حکومتهای متفقهٔ بالقان بدولت علیهٔ عثمانیه نمودند ، ودولتهای معظمهٔ بیطرق جمل خود شارا اعلان کردند ، دولت معظمهٔ انگلیز نیز واسطهٔ سفیر شان که در بارگاه سلطنت اسلامیه (قابل) مقیم است ازاعلان بیطرق خود در محاربه مذکوره به ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما خبر دادند ، ذات شوکتسمات پادشاه معظم ما این اعلان بیطرق دولت متبوعهٔ خود را به حقوق مناسبات ومعاملاتی که دولت معظمهٔ انگلیز بامم اسلامی آشکارند سراسر منافی دیده ورسماً انتقاد واعتراض فرموده به این مآل بیان فرمودند : « قبل ازین که دولت ایتالیا درباب طرابلس غرب بدولت علیهٔ عثمانیه اعلان حرب نمود دولتها اعلان بیطرفی کردند اگرچه آن بیطرفی دولت دوست وحلیف خود مارا منافع شان دیدیم ولی کمتیم که ازاقدامات سیاسی شان خواهد بود ، وچون دریافتیم که باز اعلان بیطرفی میکنند چنان گمان میبرم که باین بیطرفی دلهای قوی بسیاری از اسلامهارا ازخود بیطرفی سازند ، زیرادولت معظمهٔ انگلیس آشکارست که ازاسلام درهندستان واطرافدارند هیچگاه دراورویدا نمیشود بنا علیه با روحیتی که داریم این بیطرفی تنها اسراف دفاع منافع ما واسلام شدیداً جریحه انتقاد میباشم . »

حقیقتاً که این انتقاد واعتراض اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم ما آشکار بر حق وصواب ، وبدرجهٔ قرن اول الالا است که هیچ کس ازان انکار کرده نمیتواند ، دولت بریطانیهٔ العظمی هرقدر خود وانمود کند که درهندستان وسودان وغیره عامل بوده است وهرقدر موظفیتها وکامیابیهای که درممالک اسلام بدین یکسف آورده است چون حقیقت نظر کرده شود اسباب یکه آن هرا بنام دوستی واتحاد دولت علیهٔ عثمانیه ودعاست ، چون تاریخ معاداتهای هندوستان شان بطور یکرم حالهای بیدار اسلامی در خصوص بنظر درمیاورد ، شی درهمی موقعیا در زیر پرده سیاست سی کار روائیهای شان نیز مقابله شده است .

در مملکت عزیز خودما افغانستان نیز در زمان اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم واسطهٔ دولت علیهٔ عثمانیه ازراه لساچ وویسا بای لازمه علیه باب مذاکات داخل شدند ، درقطعه اکوروا تیا (۳۱۴۳۳۹) کیلومتر زمین وتقریباً چهارده ملیون نفوس دارند ، حالا آنکه در آسیا واطراف وجزایر اوقیانوس (۱۸۷۷۴۱۰) تقریباً نوزده ملیون کیلو مترزمین ، وتقریباً سیصد وچهل ملیون نفوس را داشتمیباشد که ۱ کثر این نفوس عقیدهٔ مذهب راهنمای اسلام ودیگر ملل غیر عثمانیه پرست تشکیل میدهد ، زین هم معلوم است که حال امروزهٔ مسلمانان ، وهوادثان ، وراهنمایان وغیره بحال چندعصر پیشتر شان قیاس نمیکند ، چشمها ، دهنها ، عقلها فکرهایان گردیده ، حقوق آزادی ، واستقلال درصفحها آتش فشانی دارد ، درآغوشها خواب شکار شده بودند ، درپوشها پیدار شده میروند وچون خودرا اسیر دامهای بند بجارهٔ تجارت خود میبینند ، وایقین نیست که چارهٔ آرام نیابند البته یک روزی خواهد آمد که مانند کبوتر زیرکی که واسطهٔ آشنائی بآموش جنل کبوتر دام افتادهرا رهائی داد همچنان بلندپرکی بکار برند (۱) .

آسیائیان را امروزه باید بیدار باشند ، اگرچه دولتهای عثمانی وایران را یکچه رنجه مضمحل نمودند ولی سراسر نبوده اند ، اگرچه کوچک ترشده ، ولی چون بلغارها ومنتیگروها را به پیم

(۱) تمثیل حکایت ابداد وکبوتر دراوراد سوری بخوانید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 678 of 1786

برکوچکی چندان اعتنائی نباید کرد. حالا تکه مانند ژاپن وافغانستان دولتهای زنده وبیداری نیز در آسیا موجود است توجه از اژدهای افسرده شده چین کاملا برنداشته آن پادشاه بیدارش کرده اند. بوسه بازیها، وتهیه اسباب القاقیا واتحادها درمابین مخالفها چیزهای نیست که موجب اعتنا باشد اما علی الخصوص رقیب بسیار مدهش آسیائی او که عبارت از دولت عظمای روس است هیچ گاه از فرصت جوئی ولا انگلیزی دریغ جا آوردن وصبر وشکیبائی دور اندیش استیلا تدریجی خویش کیر فارغ وبطال نشسته وننشسته، وخواهد نشست.

پس چون اینچیزها را درنظر دقت داریم، منافع وفواید چیزی بقدر صدملیون نفوس اوروپائی دولت متبوعه را نسبت بمنافع سه صد وپنجاه ملیون نفوس غیر اوروپائی شان خیلی دور از انصاف می یابم. واشتغال حکم ملت انگلیس در شئون مقدسهٔ خود ما را از حدود دقیق بسیار دور میسازد که می بینم. چونکه اگر دولت عظمای انگلیس درمذهب وحشیهای سقاکه مسلمانان بالقاب که درحالت غلبه اجرا نمودند بنظر بیطرفی نمیدید وآنچه را در انکوه کارهای ناحق وناروای شان آزاد نگذاشت سه صد کرور ملیون نفوس مسلمانان را دفعهٔ گرویدهٔ خود میساخت که نتیجه ها وفایده های آن در حالت استقبال برای دولت متبوعهٔ ما آزادهٔ تشریح وبیانست.

این راهم بگویم که دولت بیهٔ انگلیس درا وروپا بیک دولت ثابت ونیای بی یار ومدد کاری مانده است. اولا موقع جغرافی شانرا چون نظر کنیم طبیعتاً بیک طبقه دیگر میان متاخمه میشود ثانیاً چون در وضع سیاسی شان به بینیم که مراقبتی مثلث ودر اتحاد متثاش داخل می یابم، اگر به گاهی به آشوب وگاهی به آسودن میکند ولی بالجمله واتفاق جدی شان دیده نمیشود بنابرین دولت متبوعهٔ ما به اسباب قویت آسیائیان میباید که خود را بدولت آسیائی سازد ودولت های آسیائی متحد شده، وآنها را قویت نموده ازان رهگذر استفاده نماید نتیجه های آرا درمآل برای العین مشاهده کند.

(همعصر معزز ما مرید در اشاعت ۲۶ اپریل می نگارد)

حفظ وضعیتی هند در قسطنطنیه

مراسلهٔ داکتر انصار علی منطقهٔ حزیل (الحال موسوم بعد کوئی شده است) مورخهٔ ۱۴ اپریل درداک گذشته موصولشده است مشعر براینکه : — برادران وطن ما حال ازواقعه تسخیر ادرنه وپرل آگاهشده باشند لا کن شجاعت شکری پاشا را که در مدافعت عیم ظاهر کرده است گردون وردب ومعمران نظامی دم تسلیم کرده اند اگرچه تسخیر ادرنه وپرل درمشیت ازلی بود لا کن کنون علاوه ازینکه سکهٔ شجاعت و مردانگی آن عثمان وافواج خمائی برلوح خاطر یورپ نقش شده است واز افواج بلغاریا وسروا جذبهٔ غیرت وحمیت بدرجهٔ اعلی ظاهر گردیده است ما بتاریخ ۲۱ مارچ وقت ۸ بجه شب که خبر از تعلقات وقدمطی مصدای توپ وتفنگ را شنیده بشوق تمام رسیدیم تپه های کوه که بطرف شمال حزیل واقعست بالاشدند حتی که غیرت مدار موارد جهازات عثمانی واردوی بلغاریه را دیده می توانستند والات تموریثمانی در جهازات عثمانی نصب کرده شده بودند برتپه های سلسلهٔ مذکوره روشنی می انداختند. درین اثنا ازطرف جهازهای عثمانی و بلغاریه ریمعاً بافواج بلغاریا گلوله باری آغازشد. — علی الصباح فوج طب بلغار آصرف پی تنظیم جمع آمده نشست تمام جمعیت بود تا گهیدن فوج عثمانیه را ازقلب لشکر قطع کرده افواج عثمانیه را تحت ومدون پاره پاره کرد وخواهد که روی آنهارا گرفته ودفعهٔ رهم کرده واز وطنها عثمانیه کاملا بی شدید شده بالاستقلال بلغاریه مالک شده ودیگر نیایند وچنان حالت اضطراب وسراسیمگی عسرت یافته که تفنگها وکلاه های خودرا هم برده نتوانستند. — وتخمیناً مابین شش وهشت هزار نفوس شان درین معرکه هلاک گشته اکنون افواج عثمانیه ازین قلعه خیلی دور رسیده اند وعزم مصمم دارند که اگر بلغاریه بازدور وحدود نتیجه چرش نبوده ما که نفس درین است در مدافعه وهمایه مواجهه کوشید. — مولوی ظفر علیخان مدیر اخبار زمیندار درین روزها از جهة مهما ان معزز مابی باشد. — من بحیث مولوی موصوف برای ملاقات عزیت بشارقم وپشای تدوج بکمال شفقت مارا درگرهٔ خاص طلب نمود.

دیدهٔ دقیقه جریان عظیم الشان موصوف حاموش بود وجنبشهای رنگ وچهره مفهوم وی دلالت براضطراب خاطروی میکرد واز همدردی مسلمانان هند خیلی ما اثر بود. — مزاحم وقت آمد وچیزیکه برخاطر ما گذشته اظهار آن ناممکن است. — وقت رخصت بنای تمدوح رای قبول دعوت فردا الناس نمود ازوعده فرمود که من موتر خودرا بخدمت تماحواهم فرستاد. — روز دیگر برطبق منشای مزبل محترم خود بسواری موتر در قرود کاه وی رسیدیم و درانثای طعام بانثای موصوف در باب حالت سیاسی مسلمانان هند وحمیت وخیالات وتعلیمشان سوالات بسیار نمود وبرزق اهل اسلام هند اظهار تعجب کرد. — بالآخر خواهش خودرا ظاهر کرد که من نفس خود ارادهٔ سفر هندوستان دارم که حالت برادران دینی خودرا بروضن اصلی شان معائنه نمایم. — در موتر پنای موصوف سوارشده ما اکثر استحکامات عثمانیه را مشاهده نمودیم که سپاهیان اناطولیا وگرد وضرب درانجا مقیم بودند وهمه شان بالاشتباه مسرور وخیال خوش قومی ومدعی بودند وانتظام رسد رسانی به احسن وجوه کرده شده بود و برای حل وعقل آلودقه بلندرپل مختصر ساخته بودند که درهر اردو بسهولت تمام آلودقه وغیره مایحتاج به را میرساند. — علاوه از ریل مذکوره سلسلهٔ موترها مابین هادکوئی ودیگر موقف های افواج عثمانی جاری است. — الغرض صورت حال خیلی تسلی بخش است فقط

(ترجمهٔ ترجمان اردو)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 679 of 1786

« بلغار وحشی یکناه چاره را دست میبندد »

« دوتن چاره یکناهی را دست بسته برای دار کشیدن میبرند »

« یکناهای کشور مسلمانی دیگر هیچگاه ندیده بودند وحشیانی را که اکنون شده اند »

ای اخوان دین ووطن

ازین نوحه‌های پر حسرت عبرت بگیریم . ببینیم که اگر یکا نگان دین ووطن ما دست بیابند چه میکنند . فرعون میشوند : اولاد واطفال را ذبح میکنند ، ناموسها را بی حرمت میکنند ، اموالهارا بغارت میبرند ، اعلاکیا را زایل میکنند ، معبدهارا تحقیر میکنند ، مسجد هارا بکلیسا تحویل میکنند ، ومیکنند آنچه ازدست شان می آید . شکر آزادی وطن را بجا آریم ، اتحاد ویکانگی بکانگی نوریم ، در محافظهٔ دین ودولت وشرف ملك وطن خویش مانند بلبل محسوس شویم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 680 of 1786

از اخبار های اردو وانگریزی ترجمان اداره ترجمه کرده است

(جنگ بلقان)

(خدایار اسعد پاشا)

سنجی — اسعد پاشا محافظ ومدافع سلوطری خودرا بقام اپلیو پادشاه البانیا مشهور کرده است .

دردفتر اخبار دی تیلگراف بدریعه تلگراف احوال رسید که سفرای دول عظیم سنجی پاک قطعه پادداشت مشترکه درباب عائی کردن سلوطری تقدیم نموده اند لاکن منمدران ساقی بیکرو درباب عدم عبور یادداشت مذکوره عذر کرده اند که فی الحال مادرین بابقبول کرده نمی توانیم .

مقام تعجب وتحیراست که تاهنوز اتا عظیم سنجی قطعاً پولتا

(دیکر منظرهٔ تلکار که جنگل جلاله آید بعد)

ژیاده ترتیجه نکرده ـ دول یوروپ پاک یادداشت متفقه سنجی فرستاده مصر رسنکه سلوطری بلاوقف مزید حکماً عائی کرده شود وفی الفور بکمان افسران غیری دول متفقه تعویض نموده شود لاکن ساقی بیکرو از قبول این حکم پرسنج انکار وراانکار خودباصرار میکند ـ

بذریعه تلگراف سرکاری معلوم شده است که ولیعهد ساقی بیکرو مع افواج خود از سلوطری برآمده است وصرف پنجهزار افواج پیاده درسلوطری مانده است ـ

(مسئلهٔ البانیا)

رای عموم رعایای برطانیه برقرار است که دولت برطانیه باید کاهراه حربی واسترالیا قطع تعلق نکند ودرکلک دول مذکور بقوت نظامی خودرا صرف نکند وساقی بیکرورا مجبور نکند که لااقل قلع خود محروم شود لاکن وضع مخصوصیهٔ روس بدرجهٔ قابل رسیده است وبارران دولت برطانیه بحالت مجبوری چنان وضع اختیار خواهد کرد که معاهده قطعاً یکسو شود ـ

این آمده است حالانکه مراجعت وی کاهیچ متوقع نبود ـ

یعنی جرائد یوروپ چنان اظهار نموده اند که موجب طریق عمل اسعد پاشا سازش خفیهٔ او هراه سروپا وساقی بیکرو بوده است بهمین وجه ریاستهای مذکوره برسلوطری وتفویض سلوطری قبل ازوقت قبین قرارداد شده بود ـ

(سازش روسیه)

ازپطرسبرغ خبر تلگراف یوجرنهٔ دیلی میل رسیده است که اسعد پاشاهراه ساقی بیکرو رشتهٔ اتحادیین ترتیب کرده است کهز علاوهٔ بزاپوش ووادی وراه خودش متصرف خواهد بود وسلوطری تعلق بالبانیا خواهد داشت ـ

ازوانا خبر رسیده است که درمورد حرکات وطریق عمل اسعد پاشاسازش روسیه مابقدوربصورت اطمینانیست که صورت معاملات

(جنگ بلقان وبی میری استرا)

شارع یکم ماه می اعلان سفرای دول ازبرای تصدیق این امر منعقد خواهد شد که اگر ناگوس ازقبول خواهش دول بلاعذر وجیه انکار کند در آنحال کرام دول ازجهه دول یوروپ خلاف ساقی بیکرو هراه استرا متفق خواهند بود ـ

رویتر بذریعه تلگراف اطلاع داده است که اگر ازدول یوروپ درمعاملهٔ ساقی بیکرو عزیمتاده گی وقوت نظامی بریاست مذکور اظهار شود اگرچه آنها بخاطر آمده هستند که بربلاد ساحل قبضه کرده شود ـ

جرائد استرا وضع بی میری بدرجه غایت اظهار کرده اند حتی که جریدهٔ نظامی استرا چنان اظهار نموده است که اعلان کاهراه یک موقوف کرده شود ـ مزید برآں خبر رسیده که دول استرا بلاراک غیری عزم یورش ساقی بیکرو نموده است ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 681 of 1786

سنجی بقرار تلگراف رویتر — مانی نیکرو دول اروپ رایذریعه تحریر اطلاع دادهاست که من جواب قطعی مراسلهٔ متفقهٔ شمارا که درباب حال تعوق سقوطری نوشته اید باقتضای ایام تعطیل کابینهٔ من نمیتوانم.

اگرچه صورت معاملات قدری امید افزا شده است زیرا دولت استریا حرکت افواج را تا انعقاد مجلس سفرای دول که فردا خواهد شد ملتوی کرده است لاکن از جمع آوری افواج استریا ونیز مدافعت مانی نیکرو صورت حالات تازه میاید — ۱۵ هزار سپاهی نیکرو فی الحال بنظام اینی داری موجود است وافواج دیگر هم یوماً فیوماً میرسد ورای حفاظت شهر سررشته انتظامی یکسان سر کرده میشود —

دولت استریا عزم جازم نموده است که اگر مدبران سنجی وضع متحاصیاه را تغیر نکنند مانی نیکرو را بر حال کردن سقوطری بشدت تمام مجبور سازد —

امروز سفیر استریا مقیم لندن ۲ ساعت و نیم با لورد خارجه لندن بعد از ظهر خلوت داشت — من بعد سفیر روسیه ووکیل مانی نیکرو هم در دفتر خارجهٔ لندن حضور رسانیده درده کری ملاقات کرد —

جواب مانی نیکرو امروز بعد از نیمشب در مجلس سفرای دول تقدیم نموده شد — یعنی میرساند استریا چنان اظهار نموده اند که بعد ازان که تصرف مانی نیکرو از سقوطری برداشته شود ما گفته نمیتوانیم که دولت استریا چه خواهد کرد — این امر از امکان خارج است که باز اسعد پاشا را جبراً بسقوطری متصرف کرده شود — یعنی میرساند لندن چنان خیال دارد که تا مدت مدید که دولت استریا واطالیا بالا شتراک بر سقوطری قابض خواهند بود —

جنك بلقان

تلغرافات رویتر — لندن یکم بی — مندرجهٔ وانشایه بران احوال آمده است که اگر مانی نیکرو جواب مراسلهٔ دولرا حسب دلخواه و اطمینان بخش نداد دولت استریا در اجلاس امروزهٔ سفرای دول اظهار خواهد نمود که من نیاطریق نشده اختیار خواهم نمود و دیگر دول یوروپ را بعد ازان اختیار است که یامن شریك شوند یانه.

لارد مارلی یوم گذشته در مجلس دارالامارهٔ لندن اظهار نمود که مسئلهٔ سقوطری چنان شکل پیچیده اختیار کرده است که مدبران سیاسی مسئلهٔ پیچیدهٔ این قسم را شاذ و نادر دیده اند —

اگرچه بذریعهٔ سر کاری اظهار کرده شده است که دولت استریا تا حال تصفیه نکرده است که چه طریق عمل اختیار خواهد کرد لیا به جراند و انا مظهر است که انتظام کلی از برای یورش سنجی بسقوطری نموده شده است —

بعضی اخبارات وانا اظهار نموده اند که مدعای استریا در عرصهٔ یکماه حاصل خواهد شد —

(وضع اطالیه)

اگرچه دولت استریا بدون اتفاق رای اطالیه چیزی کرده نمیتواند لاکن وضع اطالیه تا الحال در ردهٔ تعویق است ومثل یك سر عامی میباشد —

بعضی جراند وانا چنان اظهار نموده اند که اطالیه بر علاوهٔ حوزهٔ البانیا متصرف خواهد شد واستریا بطرف سقوطری حرکت خواهد کرد —

یك اخبار اطالیه به ایالی دولت خود چنان اظهار نمودهاست که اطالیه دولت استریا را خواهد گذاشت که تنها تصفیه مسئلهٔ البانیا نماید بلکه استریا رافاعت خواهد شد بر سنگ بقرار شرائط معاهدهٔ قدیمه کار بنده باشد —

بموجب بیان بعضی اخبارات لندن سفرای دول در اجلاس امروزه یك تدبیر باقتدال خواهند اندیشید — یعنی که افواج متذکرهٔ اطالیه وبرطانیه واستریا راتی واری ودانیکو متصرف خواهند شد بشرطیکه استریا تا عرصه دو هفته از کار روائی یکطرفه ومستقل احتراز کند —

گمان بهتر اینست تمام انتظار نتیجهٔ اجلاس امروزهٔ سفرای دول دارد وامید اغلب است که در اجلاس مذکوره تصفیهٔ صلح وامن عامهٔ یوروپ خواهد شد —

اخبار تازه حسول — حال تازه — چنان اظهار نمودهاست که غالباً استریا پیشنهادهٔ دول را قبول خواهد کرد واگر تنها وضع متحاصیاه را عملاً اجرا نمود نده دار خال امن عامهٔ یوروپ خواهد رسید —

این امر تقریباً تصفیه یافته است که وکلای مصالحت بقان در لندن باز اجلاس خواهند نمود ودر اجلاس مذکوره دول یوروپ مسوده شرایط صلح را بغرض مستحفظ تقدیم خواهند نمود

جنك بلقان

تلگرافهای رویتر — وانا ۷ بی — همه اخبارات وانا زین امر متفق اند که از اجلاس فردای دول یوروپ زنهار این نتیجه نمیرساند که دولت آستریا برتصفیهٔ دول که حال نموده شده است اتفاق ندارد —

اغلب وقت درباب طریق عمل وکیفیت ووضع آن لاحال باید که از برای قبضهٔ آن دولت گذاشته شود که زیادهتر از گی دول در زین باب تعلق دارد این عبارت از آستریا است —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 682 of 1786

چیزیکه دول استرا و اطالیه درباب معامله البانیا بالاتفاق خیال دارند اصولا باهم قرار داده شده است وبزین غالب است که یك معاهدهٔ کامل ومستقل قرارداده خواهد شد — روما — بموجب تحریر یك اخبار نویس کاری اطالیه اگر استرا در البانیا بنای جنك باید لاعمال اطالیه همراه او شریك خواهد شد وبناءً علیه وزیر جنك اطالیه احکام ناقد کرده است که افواج لازمهٔ را حرکت داده شود تا که وقت ضرورت مستعد باشد —

برلن — بعضی اخبار نویس سر کاری جرمنی جنان اظهار نموده اند که قبل ازوقت پیشکوئی کردن که دول اروپ از روح واقتدار خود درباب سقوطری ناگزیر خواهند کرد از امکان خارج است بنابران لاعمال دول استرا واطالیه بالاتفاق تبه نظامی خواهد بود —

سنتجی — دویك مجلس شورای مدیران جنك که خود شاه نکولای صدر مجلس مذکور بود تصفیه شده است که خواهش دول درباب حل کردن سقوطری قبول کرده شود —

کارفو — افواج سروبا بتمام وکمال از البانیا برآمده است وبقیهٔ افواج تحت مانده بود چون گشت وقت صبح قبل از داخل شدن اسعد پاشا نیز بدر رفت —

پرس منظم سنتجی بذریعه مراسله خبر رسید که روز جمعه متصل دراز

منظرهٔ یك حصهٔ از بالو استالیف
(که ازکوه پایه های جوار آب وهوای کار میباشد)

مابین افواج اسعد پاشا وجواد پاشا تا مرحلهٔ چندین هنگامهٔ کارزار کرده بود وجواد پاشا هزیمت یافته افواج او بهر طرف متفرق وپراگنده شدوافواج سروبا برای افواج اسعد پاشا اسان کرده وبیش تری از افواج مذکوره بلغ واسرت داخل شهر شدند — اکنون چنان معلوم میشود که اسعد پاشا بالاستقلال در ولایت وسط البانیا متصرف وفایض می باشد

صوفیا — حسب تحریر اخبار نویس سر کاری میرتم دولت روسیه آماده است که درباب اختلافات بلغاری سروبا و بلغار حاکمیه کند —

قسطنطنیه — باعالی در جواب مراسلهٔ دول اروپ نوشته است که ما مایل خواهش دول مذکوره جنك قطع نمودیم — نیز اینکه ما چند نفر وکلارا مامور کرده ایم و خواهش داریم که یك مجلس برای تصفیه امور دولتین منعقد شود وتوقع چنان است که اجلاس اول این مجلس بتاریخ ۱۲ ماه روان منعقد خواهد شد

اخبار مدینه ۸ جنوری الثانی سنه ۱۳۳۱

چونکه اخبار ارویه همیشه خبرهای ناقابل افغانستان مشتهری نماید واهل هند خبرهای اورا معتبر نمی دانند لهذا افسوس است که ما بعد ازاروپه دیگر دریده نداریم که خبرهای جدید اروپه بادداشت کرده — سراج الاخبار افغانیه که در ماه دوبمه نشر وشایع میشود در جریدهٔ خود حوادث کل داخلیه تحریر نمیکند وما مجبوراً اطراف اروپه وغیره رجوع مینمویم — لاکن سراج الاخبار افغانیه خبرهای قلمرو افغانستان را به بسط تحریر نماید که حالات غیر ازان خبرها مناسب گردد ودرای خریداران مقامی بزیادت حاصل شود —

امداد روسیه برای ماتی نیگرو

سینت پیترزبرگ ۱۲ مئی — موسیو سازونف در مجلس شورای روسیه تجویز پیش کرده است که برای امداد پادشاه کار ماتی نیگرو ۹۰ هزار روبله منظور کرده شود —

جرائد ملی افغانه

در اقوام افغان این صفت بنظر تحسین دیده میشود که هر اجتماع خیر جوامعموم وملك خود میباشد — وطنداری ودینی وحرص وضع اجتماعه ایرانیان وترکان زنهار درین امر سال نمی کنند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 683 of 1786

که امروز قوی زاروشمنان خود ظاهرساخته و بامالتو سلطنت را برای نوع بشر درمعرض خطر انداخته — وعیوب ونقائص ملکت خویش به وجوه مختلفه به دشمن اظهار نماید بنابرین عیوب افغانستان مدام‌الحیوة بوده‌اند ورعب ودابه‌شجاعت وبسالت ووطن پرستی شان برد یگر ممالک جنان آنروی اضافه است که بی‌سبب هیچکدام دول در معاملات افغانستان پاه فرمانروائی افغانستان ویا به حکام افغانی بلکه بازیچه افغانی هر حرکت کنند وشنید ندارد — (پسه اخبار)

معاهده ترکی با انگلیس

لندن ۱۵ می — اخبارات فرانس معاهدهٔ ترکیرا که بانگلیس وجرمنی ترتیب یافته است بنظر خطر می بینند وعلی الخصوص طرز عمل ریل بغداد را که همراه جرمنی منسوب کرده میشود در حق فرانس مضر می پندارند — وبیان میکنند که اضراض فرانس در ملک شام نسبت به دول دیگر زیاده تر وابسته است بامعاملاتیکه اخیراً لندن اطلاع دادهاست کهسوءتفاهم‌نامهٔ انگلیس وترکی طیار شده تقریب تصدیق آن خواهد شد سازروی معاهدهٔ مذاکره قصر حصص ریل بغداد که تعلق بترکی داشتند بناوطانیه منتقل شده اند — اخبار فرانس مبنی به کانونی فرانس تائید گفت وشنید معاهده نبوده است زیرا که معاهدهٔ مذکور درحق شام برای حقوق فرانس نهایت مضر است واخبار جرنیل بطرف انحادانگلیس وجرمنی اظهار کرده می‌نگارد که معاهدهٔ مذکور آغاز

—(قصر شهرآرا)—

واقع که یکی از قصرهای بسیار عالی پادشاهی دار السلطنه کابل میباشد

تقسیم ایشیائی روم تصور باید کرد —

(معاملات ایران)

طهران ۱۵ می معلوم شدهاست کهسالارالدوله اطاعت‌حکومت ایران قبول کرده‌حکومت رشت‌رضامند شدهاست زیرا که روس باو اطلاع دادهبود که حمایت سالارالدوله نخواهد کرد —

استقلال مجاهدین طرابلس

استقلال که مجاهدین طرابلس بغایه اطالیه می‌نمایند کل یوروپ انگشت بدندان نموده است سپاه اطالیه برای قبض شدن علاقات اندرونی طرابلس سعی بلیغ می‌نماید امادرواقع‌دراندیشه‌خودکامیاب نشده وبطابق حالات‌موجوده‌و آینده‌هر کامیابی ایطالیه‌ناممکن است

(مقالات فنیه)

فن

ژه‌ولوژی

یعنی

علم طبقات الارض

همه کی فرموده و پوشیده گفته است ظهور و بروز نموده . ودرمیان آن جنگل هاستخوانهای بعضی حیوانات پرخورده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 684 of 1786

پس اینمسئله بدهن اهل انکار بیگذارد برایشان ! آنجل در یکوقتی برسطح زمین نبوده باشد .

وبسلسله است حکمه در آنسای حضرت نیمب وسوراخ کردن کوهها برای گذاردن دریاها بهبی استخوانهای انسان وحیوان حتی بهبی شهرها و خانها تصادف نموده اند . پس کرارا تکرار کنند رایشان در آنجاها در یکوقتی مانند شهرهای مایطان ، ومانند خود مکان انسان موجود نبوده باشد !

درخصوص اثبات تغیر وتبدل کرارش از معنی کتب تواریخ احوال مشایخ رحمهم الله اینطورا نیز بنده بخاطر دارم :

چنانچه روایت میکنند که یکی از مشایخ کبار دکی در شهر (هرات) باحضرت (خضر) علیه السلام ملاقی گشت . نیمه مذکور ازخضر سوال نمود که . ازغرائب ماوشمهٔ حکایه فرما .

خضر گفت آیا ازین غریب تر چیکویم کهمن قبل از اعصار بیشماری دین محل آمد کرده بودم . جسهٔ انجدود را عبارت ازیک گول بسیار عظیم وعمیق دیده بودم که قطعاً کاملا دراطراف بهر سوی شهررا مشاهده میکنی عبارت ازیک گرداب بسیار مدهش و هولی بود . وبعد ازچند عصر دیگر چون باز گذرم برموقع بیفتاد نهاران که لاب آبدیدم ، وبجای گرداب کرهئی بلکه همهٔ اینموقع را عبارت ازیک صحرای خشک وبی علفی یافتم وحالا ایستکشهررا بدین جسامت . وانیمه‌انهار وبنایین باوسعتررا مشاهده مینمایم . آیاازین اغرب چیکویم !

والحاصل مانند اینمسئله بدهنهٔ مذکوره بسی چیزها است که اهل انکار برایما نیگذارد . کهاین وطن ما یعنی سطح زمین بسیار انقلابات جسیم . و تبدلات عظیم گوناگون دیده باشد !

پس اگر بموازنه وقیاسای غرائب طبیعت شوق وذوق داشته باشیم — میباید که درصحرا وجستجوی اسباب موجبهٔ این تبدلات والقلابات وارزیم اسبابهائیکه موجب تبدلات سطح زمین میشود .

اسبابیکه موجب این تبدلات جسیمه میگردد . وآلاتیکه باعث اینهمه تغیرات مهمه میشود . چنانچه کاهی بحر را بحالت بروز را بیوت بحر تحویل میدهد وبعضاً جبال عظیمهرا محو . و بجای آن دیگررا انشاء میکند . چنان خسوف . وماوقوت . و دهشتناک انتباثیست کهدر اثنای وقوع وظهور آن انسانهارا تبازهٔ حیات میگیرد . مانند زلزله های عظیمه . وصدمات جسیمهٔ وولقانیه . کهزحمت بسیارقابل تغیرات وتبدلات بس کثیری بعمل میآرد . ولیچون این صدمات ووقوعات مدهشه بصورت دائمی ومستمری اجرای حکم خودرا نیکند لاجرم ازانبابجمیعه و آلات معضدهٔ تبدلات وتغیرات ممدود نیشوند . بلکه آلات و ادوات تبدلات سطح کرهٔ ارض کاهیده ودایماً بتخریب وتغیر کرهٔ ارض سای ومشغول میباشند عبارت از بعضی اسباب کوچك بسیار بی‌قوت وبی‌اهمیتی میباشد کهاز بس بی اهمیتی وبی‌قوتی انسانرا درابتدای امر استخفاف واستحقار میکند . ولی اگریك دفعه‌در ازدیاد انهایکقدری باقی رود درانحال انسان درپیش مهارت وچابکستی آلهٔ هستی خراب کنندهٔ آن بحیرت میرود .

این آلات تخریبیه کاسباب تبدلات کرارض اند درظاهر بسیار کوچك وبی‌اهمیت معلوم میشوند عبارتست (ازحرارت) و (آب) و (آب) کما و بیوسیله ادوات تخریبیه اینان خیلی تجسس میشود . ومانند صدمات وولقانیه دفعتاً وقوع نمی یابد ولی‌مانند سوهان که آدمهاومان رادندان اشتباه داده اند درخصوص تخریب و تبدیل سطح ارض خدمتهای مالا نهایه . وچابکستیهای خیلی باهرانه اجرا میدارند .

فاجعه‌های پاریس

(مابعد از شمارهٔ (۱۷) سال دوم)

وگمان برد ، حالا تکه هاژیمت برمانق خود فوق‌العاده ادبیت واعتماد دارد . از ازو اینسخنان زیادتر و دلش گرگیار آمده بچهره‌یکه رو برسخن خود را به انجام رسانید یك تبسم تحریری کرده گفت :

— راستست دوست من ! باید روی ! توهر چیزرا خوب میدانی وخوب اجرا میکنی . برو اورا بانتظار مگذارید .

رویر — قربان باز هم میبینم عزیزهٔ من ؟ این راگفت واز جون معشوقهٔ خود که از حرارت تب درد زه مانند آتش گرم شده‌بود ببوسید . وبعد از ان از اتاق برامده . مدام آلفورا نیز اشارت کرده‌هردوی شان از اتاق برامدند . رویر درمدخل اتاق ازپایه پرسید که :

— آیا عاقل بداند که برای حادثهٔ تهلکهٔ موجود نیست !

— درینوقت هیچ یك تهلکهٔ نمی‌بینم . زن تو جوان چون درآغازی شکم داری زحمت وانتظرابدیده امید میکنم که بسیار بسهولت و ضع حمل نماید

— آیاتنها از پیه‌خوش میشوید ؟

— بلی درجناب‌باهر کس‌دارم . کیست که ازپیه بد میبرد اما ازین سوال‌غریب‌مقصد جناب موسیو چیست ؟

— پیش‌ازین‌تنها‌همه فراك داده بودم . آیمزار فرك دیگر کاهی کردن میخواهید ؟

— آی ! اینهم‌چیزیست که پرسان میخواهد !

— بسیار خوب چون چیست هرگاه درظرف چاروز . شما میدانید درظرف چاروز اینزن توجوان اگر ازخانهٔ شما برون درآمده نتواند شمارا هزار فرانك دیگرانعام میدهم !...

— این مسئله اگرچه یکقدری مشکل مینماید اما یکم که ایقدر مالیتجناته انعام برای چیزیکه کارهای فوق العاده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 685 of 1786

مثلا دسر سنگ مرمر بسیار سختی هر گاه یك قطره آب چکیدن گیرد انسان ازضرر آن چه توقع خواهد نمود ؟ اما اگر همان قطرهٔ آب بصورت دائمی ولاینقطع بر آن مرمر بچکد می بینیم که بعد از مرور زمان بسیار دراز آن مرمر بدان سختی سوراخ گردید .

پس ما حالا قبل از اینکه از اسباب تبدیلیهٔ مطلقهٔ کائنات تخریب ایشان دفعةً دیده میشود بحث راجع ازاین آلات محرره سه گانه بطرز بسیار مختصر بعضی معلوماتی درمیان میآوریم :

(حرارت)

اگر نظر امعان دیده شود (حرارت) چنان مخلوق بدیع وچنان جوهر نفیس حضرت خالق صنع سمیع است : که حیات جمیع مایدان مربوط است اگر حرارت نبود درحیوانات ونباتات ازحیات ونمایش دیده نمیشد .

باقی دارد

آدینات

هست مدعوم پیر ملتو هر دین غلط
تا در اسلام روانند عجبه آئین غلط
غلط ای فرقهٔ اسلام حذارا تا کی
چیرمند چیره با گفتر زون زین غلط
آ مااسلام چسان بود وچسان گفت کنون
آفرین کرد بما مایهٔ تحسین غلط
وای بر حال کروهی که زنا سازی بخت
سازش راحت بیاسایه وزین غلط
چرخ کهوار مصلت ساخت با طفل وتان
آنچون حواب سحر گاه چنین غلط

طرز معشوق تغافل بود ای ساده دلان
هیچ شایسته نباشد بشما این غلط
آنچه باشد بکسان دشمن جان وسروسال
هست بسیار بسالا هو تحسین غلط
مرکب چیزوده ازخواب کسی را کهچین
سر نهد حرمهٔ او بر سر بالین غلط
باش هشیار اگرت قصد بود صید مراد
کرده کی صیدی کرده بخواب شاهین غلط
آسیا گفت چه سر گشته زبیداد بروپ
آسیا بر سر ما گفت زچندین غلط
شور محشر بود آقای کی از خواب کران
سر نیرداشت بتازم بشو سکان غلط
تا بالبارفت براطلاتو کی از جای جو کوه
زود هیچ بین شد بچه تمکین غلط
اینچنین دولت امکان نشدی روز افزون
گر نبودی غلبی شاه جهان بین غلط
شاه بیدار جوان بخت سراج ملت
آنکه بیداری او ساخت تمکین غلط
روز وشب از پی بیداری این دولت وملک
کرده این شاه دلما گاه بگادین غلط
شده کنون نبود اینهمه بیدار چرا
که سزاوار نباشد بسلاطین غلط
حذر از غفلت بسیار حذر (مستغنی)
رد ازدست اگر دولت اگر دین غلط

بزآنم را جسارت میدهد . لهذا از حالا خاطر جمی بشما میدهم که آرزوی شما بسر میرسد بیقم باشید .

عاشقها غریبت چون ازدایه این جواب امیدوارانه را گرفت ازدائرهٔ مادام آنفو رامده یك جهت خودرا بکوچه برسانید . وخدر صدقدم در سرك راه رفته ، ویك مرتبهٔ حالتی پیدا کرده وخرابچی را بخانهٔ کوچك (ویل لامونت) رانده بسرعت رامده ودرطرف یك چند دقیقه خرابه درپیش دروازهٔ بزرك یك خانهٔ بزرگی توقف نمود .

این خانه درمیان یك حوش وباغچه ساخته شده خیلی واسع وبزرك بنظر میامد ودر آن اوقات باغچهای خانههای بزرك کمتر صادق میشود . والحاصل زوبر نوجوان چون درپیش خانهٔ مذکور واصل شد ، یك دروازهٔ کوچك رادق الباب کرده هنالم دروازه باز گردید . زوبر از دروازهٔ مذکور درباغ حوش یکه بسیار روشن بود درآمد .

این خانه خانهٔ طبقهٔ بسیار بزرك وواسعست که درزمانهای قوی سیزدهم انشاشده . درودیوار آن یکپارچه دایرهٔ دوطبقهٔ مستقل دیگری ازموجود دارد . دربان بسیار احترام زوبر را بجا آورده وزوبر بهاو هیچ التفاتی نکرده بی آنکه چیزی بشنود ازحوش گذشته بزینهٔ عمارت بالا آمدن گرفت .

وقتیکه ازدروازهٔ دالان در آمد یك خدمتکار پیری که درسمت طرف دالان یك کوچی خواب رفته بود بسیار عجله وسرعت برخواست وبحواسهای بسیار احترامکارانه ، که درعین احترام یك طرز لاابالیانه آمیخته بود گفت :

— آمدید موسیو فونت ؟ گرچه آید که بقدر خوب کردید... چونکه موسیو (دوربرو) بکمال تلاش تمارا انتظار میکشد . امشب بخلاف عادتش خیلی مضطربست . یقینکس بحسن معامله وزبان خوشی حرف نزند . هرکس که درزدش میدراید دووقدر میشود . پاهال سعادت است که زنك نواخته مراجعت نماید خود خواسته واز شما جویاشده است . مهم بسیار براحت شماست .

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 686 of 1786

نامورانِ تنابانِ جهان

(مابقیه از شمارهٔ (۱۷) سال دوم)

غیرازخلافت پسرخود مقتدی بالله خلافت نواب‌اش (مستظهر بالله) و کواسه اش (مسترشد بالله) را نیز دیده توانسته است .

ارسلان خاتون : — دختر برادر (رکن الدوله طغرل بیگ) است که از پادشاهان سلجوقیهٔ عراق بود درسنهٔ ٤٤٨ هجری بایک دیده وظنهٔ بسیار قاهری بانظام بامراله که پدر اش ازین بیان گردید ازدوج شده‌است . اصل نامش (خدیجه) است که اتابک در حرف خاتمیات داده خواهد شد .

ار نواز : — همشیرهٔ (جثیه) است که ازملوک‌طرخان‌خدیوم‌باشد وقتیکه (تغالا) بردوک جثیه مسلط گردید ارنوازرا همشیرهٔ اش (شهرناز) که صدارزن‌الله‌الله درحرف شین ذکرمیشود بکجا درحبالهٔ از دواج آورده بود . بصدار تغالا هردوی شان به (هردون) رسیده است .

استطراد : — جمع بین الاختین — یعنی که یک‌مرد دوخواهررا درحبالهٔ نکاح آرد — در زمانهای سابق رواج بود . در شریعت غرای اسلام به آنه کریمهٔ ، وان تجمعوابین الاختین ، الآیه منع وحرام فرموده‌شد . درین‌مقدس‌یا خداوند رابط معینه‌مقرر فرمود ان چارزن عقدنکاح کرده میتواند ولی دوخواهر را یکجا نکاح کرده نمیتواند . وازرا بسیار جاریه های ملک‌خود جمع‌کرده میتواند ولی با دوجاریه که خواهر همدیگر باشند آمیزش کرده نمیتواند .

اروی بنت‌اویس : — یک خاتون صحابیه است که به دعوی دی که ازحضرت مدینه حضرت (سعیدبن زید) رضی‌الله‌عنه درحق او نموده بود از مروان‌چشم کورشده است . واخر دربلاد یمن افتاده وفات یافته است .

اروی بنت‌الحارث : — دختر حارث بن عبدالمطلب است که حرمه حضرت مخدرکائنات علیه‌افضل الصلوة والتسلیمات میباشد وازجمله صحابیات که بعداز وفات‌حضرت (علی) کرم‌الله وجهه هنوز زنده بوده‌است . و بحضرت معاویه ، و مروان بن حکم ، وعمرو بن العاص یک‌گفتگوی بسیار درشتانه وشدیدانه صحابیه مذکوره وقوع یافته است که آنرا از معاملات شان باهل بیت حضرت رسول(ص)نه‌پذیرفته ملامت وتقبیح کرده وحضرت معاویه به جواب‌هر مسئله نموده مانع نشدیزار خلاء بیان عطا نموده است .

باقی دارد

علم ثروت طلبی

(مابقیه از شمارهٔ (۱۷) سال دوم)

آن‌استحصال ثروت — یعنی پیدا کردن توانگری امکان ندارد . وآن واسطهٔ عبارت ازمحصولاتیست که ازثمرهٔ اعمال حاصل شده باشد ، وبرای حاصل‌کردن ثروت جمع‌وذخیره شده باشد . این است که هرانسانیکه اشیای که‌برای این‌مقصد وبه اینصورت جمع وذخیره شود آنرا (سرمایه) میگویند .

لفظ سرمایه در میان مردم عوام مخصوص برای زرودینار نقد سکه شده استعمال میشود . حالانکه علم ثروت چنانچه پیهٔ نقدرا از جملهٔ توانگری نمیشمارد . همچنان سرمایه‌را نیزمنحصر بپیهٔ نقد نمیداند . حتی پیهٔ نقد در اکثر اوقات خدمت مخصوصهٔ سرمایه را انجا بسر خود بجا آورده هم نمیتواند . یعنی سرداست برای حاصل کردن ثروت استعمال شده نمیتواند . باینکه وجود نقد آوقات در راه ثروت بکار میآید که بدیگر اشیا تبدیل یابد . مثلاسرمایه یک مقدار کر زر نقد بست . چرا که زر نقد نه کاشته میشود نه غوله کرده میتواند . ولی سرمایهٔ حاوی دهقان تخم و گاو وآلات زراعت وبکمقدار هم زر نقد است که آن مقدار زر نقد تنها برای اجرت وخرچ عمله ومزدور کاران خرچ وصرف میشود . واگر بدیگر صورت‌خواهد که آن زر نقد را واسطهٔ ثروت بسازند بهمه حال باید که بدیگر دنیا آنرا تحویل بدهند .

باقی دارد

(یادآوری)

درشمارهٔ ۱۷ ازصفحهٔ ۶ درعکاسی سراپاالاخبار اغلباً به توشته بودیم . هوسکاران فن عکاسی وشق ما گرچه عکسهای منظره هارا برای ما فرستاده‌اند ولی چون تحلیات زینگوگراف آنهارا تمام کرده نتوانستیم ازاینرو ازدرج آنهادرین شمارهٔ خود طلب عفو مینمائیم . انشاءالله درشمارهٔ آینده درج خواهند شد .

همه مقاله هائیکه بمنظور نشر بما ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپخانهٔ حافظ حروق دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 687 of 1786

اعلان

از ثمرهٔ دهن سخنی و از ثمرهٔ چمن سخنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانم . و ترغیب مینمایم که ازین گنجینهٔ پر جواهر آبدار ، و ازین گلزار پر از هر رنگ نسخهٔ بدیعه آورده از هر دهن سخنی شنوند ، و از هر چمن سخنی بچینند .

در

که بنادر بلدهٔ محمد خوان قیمت شیرازهٔ جواهر مطلع سعادت مهین السلطنه سردار غایت الله حالت بزیور طبع آراسته گردیده ، و در نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در دره افغانان واقعست قیمت ۲ دو روپیه کابلی از نزد عبدالرؤف سرمحرر مطبعهٔ غایت خریداری کرده میتوانند مخاطب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی نیز فروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 688 of 1786

سیاحت بدور ادور کرهٔ زمین

﴿ پیشتاز روز ﴾

کتاب اول بهی افسانهٔ طرز جدید بسیار شریف
که هم افسانه میشواند ، وهم درسی آموز اهدن
دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ
شاهی پایشن چاپ طبعت (۲) دو روپیهٔ کابی
فروش میرسد کتاب مذکور در تمی مطبه غایت
درجه اعلان نیز فروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باقی اعلا)

ویو کتابها (علم واسلامیت) و (آیات
باید کرد ؟)

(باقی اعلا)

در اداره موجوداست ، آنرا وکسانکه
خریداری کرده میخواهند
قیمت هر (۲۵) بیست وپنج روپیه کابی

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وپشتو بکی — بیافتا
وغیره برای تعلیم اطفال فروش میرسد . الناشر
(بالکرشن داس سازمدرس ، درسهٔ اعلی نمبر ۲)
درشور بازار کابل

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتکران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرنوع اعلان وانتشار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی پنج روپیهٔ کابی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقته درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی پنج روپیهٔ کابی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر ستون اخبارها (۳ — انچ — ٤ — سون) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 689 of 1786

شماره ۱۹ سال دوم

فهرست مندرجات

سبک روش نودن جناب اشیک آقاسی صاحب ملکی حضور اعلیحضرت همایون خود را از نگارش سراج الاخبار اخفائیه

سیاحت غرائب | مابعد از شماره ۱۸

حوادث داخله | مراسم جشن مروسی — واقعه سیلاب درخجان

اجلاس سیاسی — یک جمعیت مسلمان در امریکا — ترکی سلطنت افغانستان — انجمن تکیه‌های ترک وعثمان در استانبول — ترجمه از اخبارات انگلیزی وارد — قسطنطنیه ۲۹ ی موافق ۱۹ جمادی الثانی بارسائی انواع ترکی طبع شانجه از افسران — نامه‌نگار اخبار لاجرنل فرانسیسی از قسطنطنیه حضور آمدن یک مناظره در میان اوربیات وقوع پیدا — لندن ۲۹ ی رسیدن انواع بلغاری در موقعیه — سالونیک ۲۳ ی موافق ۲۶ حسنوی الشان کوشتی نمودن جمعیت بلغاریان در داخل شدن غلاقه یونان — روما ۲۵ ی وزیر خارجهٔ ایتالیا — جریان حدیده — اخبار بارسلونیوست — واقع شدن مناظره درمیان افسرهای دروا وبالکرو — ۱۹ ی خبرهای کارهای عسکریه — اعمال نانی نکره وسیوطری — اخبار اخلی احوال کابورنیا — یک تلگراف قسطنطنیه — دون بلغار از سلطنت ترکی توان جنگ میخواهد — سرعسکر آرجمعه‌دن نهایت مظفر طرابلس عسکری ایتالیا — تلفات وخسارات قوی بارزه — تحقیق سرود وجوان — خسارته بلغار وجوان — قرار داد ومعاهدهٔ ترکی وبریطانیه — خلی از اخبار تحقیق حرکت قوی بلغاریه بسوی مغرب مقدونیه اعلان گردان — سفر پدرشوری — احتیاجات پل بالکانیات — خبر تأسف آور جامع سلیم — خبر قوی از امداد مسجد — قول پدری چند از گذشتن ۱۵ ماه در رحم مادر — ظهور یک شاهر غریق شده — ملاقات پدر یا با شکری پاشا —

مرحوم احمد مدحت افندی | ترجمه حال مکرم مرحوم ایتالیا احمد مدحت افندی

مقالات فن | فن زمینوازی — پنی طرز تحقیقات الارض — مابعد از شماره ۱۸

ادبیات | خبرات توصیفیه

امور ان زنان جهان

خبر آوردن مثل

فائده‌های باردن

تصاویر | یک سیمای خوبت اخوای مؤسس بابان سلطنت سنیه افغانستان معلوم جنت مکان اعلیحضرت سراجالملة والدین امیر عبدالرحمن خان مرحوم — یک مناظرهٔ خوش گور در سالونیک — جمعیت چهار هزار خانه‌ای استانبول در دارالفنون — مرحوم احمد مدحت افندی — شهزاده محمد یوسف خان فرزند کلان شهزاده جوان بخت حضرت معین السلطنه صاحب وجناب مدیر سراج الاخبار افغانیه خانوجه بشکیم شهزاده خلیل الله خان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 690 of 1786

سیاحت پرور ادور کرهٔ زمین

بهتدار روز

کتاب اول بی اضافهٔ طرز جدید بسیار شیرین است که هر اضافه بیشتواند ، و هر هر می آموزاند دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ایشتی جای قیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی فروش میرسد کتاب مذکور در تمس مطبعه جدات درده افغانان نیز بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باید اعلا)

ودو کتابها (علم واسلامیت) و (آیینه بلد کردن)

(باید اعلا)

در اداره موجوداست . آنرا وکسانکه میخواهند خریداری کرده میتوانند

قیمت هر (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وگورمکهی — بیاضا وغیره برای تعلیم اطفال فروش میرسد . الفشور

(بالکرش دارق سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)

دربلور بازار کابل

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هر قسم اعلان وانتشاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درهر سطر ۲ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی پنج روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی پنج روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۲ شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 691 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۹)

ملك دوست محمود

محمود طرزی

ادارهٔ خانه وطبعه‌خانه

در عاشیه‌دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه یادداشته
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یك نسخه آیدی کابل یکعبانی است

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله فلک
با اجرا محصول ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اجرا محصول ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکدفعه نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ رجب سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگلزی ۲۰ جون تاریخ شمسی ۳۰ جوزا ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وسیاسی مقالات مفیده درج میشود

(اعلیحضرت حضرت امان الله خان غازی)

(پادشاه سلطنت مستقله افغانستان - اعلان کننده استقلال در ساحت دولتی افغان مقبول)
(حامی بیطرفی افغانستان در جنگ اروپا - مجدد استقلال سیاسی افغان)
(حامی بیطرفی افغانستان در جنگ اروپا - مجدد استقلال سیاسی افغان)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 692 of 1786

ملاحظه ... مرقوم خواهد بود یک جلد مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه محفظ آلهی باشند چون سراج الاخبار افغانی یک اخبار ملی میباشد و در کاری نیست ... در اول امر اخبار مذکور که ما برای سر نگرانی مرا تکلیف کردید خیال من بود که قبول نکنم چون شروع اخبار بود هر که قبول نمیکردم البته حال در شیوع اخبار موصوف پیدایت. اما که مدت یکسال و نه زیاده اخبار گذشته و فضل آلهی کار آن رونق پیدا نموده من خود را از منصب سر نگرانی سراج الاخبار افغانی سبک دوش کردم و میخواهم که منصب سر نگرانی سراج الاخبار را بعد ازین قبول کنم کاملاً هم از قسم اخباری کاملی من سر نگران بود دیگر کاری باخبار موصوف نداشتم و خیال خود را از منصب سر نگرانی سبک دوش کرده میباشم لهذا توقع مرا درج سراج الاخبار کنید تحریر یوم جمعه ۸ شهر رجب سنه ۱۳۳۱ علی احمد

از سیاحت غزنین تا

مابعد از شمارهٔ ۱۸

در شمارهٔ ۱۸ تا زیارت سلطان سبکتگین از گزارت سیاحت خود نوشته بودیم ، و وعده داده بودیم که در شمارهٔ آینده اشتباط از دیگر کوایف بحث خواهیم داشت . اینست که در ین شماره از باقی زیارتها و غیره بعرض گذشت میرسانیم :

سلطان محمود غزنوی :— مرقد مبارک سلطان غاصیه یک دو نیم کروه بطرف شمال شهر غزنین واقعست . و آنعهد زمان خود حضرت سلطان بعمارت فیروزه مسمی بوده ، و اکنون روضه اشتهار دارد . هنگامیکه عرابه های موتر همرکاب اعلیحضرت همایونی از زیارت سلطان سبکتگین بسوی روضهٔ سلطان محمود روانه شدند تقریباً دو ساعت بغروب مانده بود . مزار حضرت سلطان در یک قصبهٔ که روضه مسمی ست کائن بود . درمیان کوچه‌ها و تپه‌ها که هرکدام آن از خشتهای پخته‌ها بنا یافته بود وهیچ یک رونق و تزئینات معماریه دران دیده نمیشد رفته رفته بدروازهٔ مقام مبارک رسیدیم .

درزمانه های پیش ازغزنا دیگ تاریخ با نشان میدهد شهر غزنین وعلی الخصوص همین موضعی که بعمارت فیروزه معروف بود بچنان عمارتها و زینتها وبنا های آراسته ویراسته گردیده بود که عظمتهارا بگرداب حیرت می انداخت . وچون اززمان آبادی آن بالحال تقریباً نهصدوچند سال مرور نموده وهیچکسی بعد از سلاطین غزنویه بتعمیرات آن نپرداخته بدرجهٔ نهایت ویران و مندرس شده بود . تا آنکه درسنهٔ ۱۳۲٤ چون ذات شوکتسمات پادشاه عقایق آگاه آبادی خواه مقدس معظمنا اعلیحضرت سراج الملة والدین لشریف فرمای غزنین شدند، ومرقد آن سلطان زیبارا به آمدرفت خراب مشاهده فرمودند فرمان همایونی را به تعمیر آن شرف اصدار فرموده ومبلغ بسیاری بران صرف نموده دربنوقت مانند روضهٔ جنت دلکشا وچون باغ ارم روح افزا بطرز خوب ووجه عرایض اخبار سد . اگر خیال شریف کاشکار مراجع شمارها برحمهٔ روز کار باقی ماند :

طاهر مبارک تربهٔ حضرت سلطان محمود غزنوی دروقت حاضر بروه هایه مشتمل . اول کاه از دروازه دراصل یک دهلیزی بود که در دو طرف آن یک یک اوتاق بلند مرتبهٔ موجود بود . در یکی ازین دالانها عدد دوازده نفر طلبهٔ علوم بمطالعهٔ کتابهای درس خود شان مشغول بودند . ازین دهلیز یک حوض دراصل که از آثار معلوم میشد ، و عمدهٔ بعضی تبرها و غیره معلوم میشد که در زمانهای سابق خیلی مهم یک موقعی بوده باشد . ازین دهلیز بار بواسطهٔ یک دهلیز طولانی دیگر وسیع بیک اسطوخوانی و داکتخانهٔ باشکوه داخل شدیم که اصل مرقد ومزار سلطان در یکطرف این احاطه موجود بود . اکثر ازین ابنیه از تعمیراتیست که بفرمان اعلیحضرت پادشاهی ساخته شده است دروازهٔ که بمقام مرقد ازان درآمده میشود دراوایل ازچوب صندل بود که انواع نقوش غریبه وصنایع عجیبه دران بکار برده بودند . وگویند که سلطان آنرا ازگجرات سومنات آورده بود . درسنه ۱۲۵۵ که اول بار انگلیسان بافغانستان تسلط نمودند دروازهٔ مذکور رابر کنده بهندستان بردند .

عبارتیکه درلوح بالای مرقد واطراف آن مرقوم است همه کی بخط کوفی همان عصر بنظر میرسد نوشته شده است که درروضهٔ الانوار همهٔ آنها به تفصیل وعیناً بهمان طرز وترتیب که دراصل آنست نقل وتحریر گردیده که مادر اینجا نیز به نقل وتحریر نوشتهٔ اوصی کماهای فراست اکتفا میورزیم :

- غفرانا من الله للامیر الاجل السید نظام الدین ،
- ابی القاسم محمود بن سبکتگین غفرله . توفی ،
- رحمة الله علیه ونور حفرته وبیض وجهه ،
- عشیة یوم الخمیس لسبع بقین من شهر ربیع ،
- الاخر سنة احدی وعشرین واربعمائة .

سلطان محمود بلقب یمین الدوله وامین الله ملقب بود . درسنهٔ ۳۵۷ تولد ، ودر سنهٔ ۳۸۷ درغزنین برتخت سلطنت جلوس ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 693 of 1786

ودر سنهٔ ۴۹۱ در غزنین بجوار حدیقهٔ پیوسته است . پادشاه عبور وحبور ودربار هوشیاری بود در زمان سلطنتش عمهٔ افغانستان، بلوچستان ، خراسان ، ماوراءالنهر عراق عجم ، فارس ، وکاشغار جاهای هندستان در زیر لوای حکومتش بود دوازده بار بآن پرستان هند غزا کرده وسی ، لکهارا جواهر تربه تحویل داده ، وسی جواهرها واموالی را که از لکهنهای هندستان بدست آورده بود بحرمین شریفین هدیه کرده است ، ودرهندستان علمای مکروهٔ سوختاندن زنان زنده راوجنازهای شوهران مردهشان که معارف انسانیت ومدنیت است منع وبساق نموده است ، شهر غزنین درزمان سلطنتش درجسامت ، وزینت وعمارت ، ومدنیت بی مثل آفاق بود . باوجود اینهمه فتوحات جهانگیرانه بسیار بعلماء واولیاء ، وادباء وشعراء توجه عظیمه بکار داشته است . خودش نیز طبیعت شعریه را مالک بوده این رباعی زادهٔ طبیعت شاعانهٔ اوست :

رباعی

آئینهٔ خویش را بصیقل دادم روشن کردم پیش خود بنهادم
در آئینه عیب خویش چندان دیدم کز عیب دگر گمان نیامد بادم

رحمة الله علیه رحمة واسعة

حضرت خواجه بلغار صاحب : — چون از زیارت حضرت سلطان برآمدیم موترها اولا بسوی غرب وبعدازان یکدر بسمت شمال بردامنهٔ یک کوهی روبالا حرکت کرده تا آنکه در نزدیکیٔ زیارت پرفیض وبرکت حضرت خواجه قدس سره توقف نمود . این زیارت دریک موقع بسیار مرتفع خوش هوای وسیع الدائرهٔ واقع شده بود . این مقام مبارک را قبه وقصهٔ نبود . یک چار دیواریٔ داشت که بردومرتبه تعمیر شده بود درمرتبه دوم آن یک صفهٔ بسیار باصفای بود که قبر مبارک دراینجا موضوع بود . دیگر بعضی قبور نیز مشاهده میشد . در جهت قبله یک محراب سنگیٔ کوچکی موجود بود . ازسکهای مرمر محراب داری که درسطح فرش شده بود . وبعضی سکهای که در دیوارها واطراف مشاهدهٔ میشد چنان استنباط میشد که درسابق خیلی بازینت وزرقت یکنوعی بوده باشد . الحق حکمه فیوضات معنوی و برکات روحانی از هرهر طرف این مزار پرانوار وقلوب زائرین هجرتت . نماز عصر مسافرانه را دراینجا ادا . وبروح پاک صاحب مقام یک فاتحهٔ شریفهٔ خوانده بیرون شدیم .

ذات اعلیحضرت پادشاه مقدسما در خارج زیارت شریف دریک موقع باصفائی مکث و آرام فرموده ، صنادیق چای نوشیٔ که در هر موتر برای نفریٔ آن موتر مخصوص و موجود ست باز کردیده یک پیالهٔ چای بسیار بالطافت و پرشعاری اجرا کردید . لطافت خوش نظارت اینموقع باصفا ، ومنظرهای بدیعهٔ اطراف وسیع الفضا نظر رباییها داشت . یک چشمهٔ آب سرد و خوشگواری نیز درزیر مقام رو سایت مکام مذکور در جریان بود که اشتیاق زائرین خودرا اشفا ، وباقیه وودایهای دانشین تحت آرا ارواءنمود ، غرض قرارداد مقابر بتمام نمتعه وافی طلوع نموده بود ، تقریباً ساعت یک خلوص پرسانی به امامت اعلیحضرت پادشاه مقدس دیندارما ادا کردیده ازانجا عودت نمودیم .

در ریاض الاطفال چیزیکه درخصوص صاحبان زیارت بابرکت نوشته شده از قرار ذیلست : « مطلع انوار فیوضات کرد کاری خواجه ابوبکر بلغاری قدس سره از فرزندان حضرت صدیق رضی الله تعالی عنه و در طریق معرفت صاحب تحقیق یک سالک مسالک طریقت وعارج معارج حقیقت بوده . پیوسته انوار معارف بروی طالبان میکشوده . واومعاصر حکیم سنائی وبهرا مقام غزنوی بوده است » این است که روزاول سیاحتما بانصورت مرور نموده حالا از کوایف روز دوم این سیاحت پر سعادت به تحریر کیفیت آغاز میکنیم :

﴿ بند سراج غزنین ﴾

یوم یکشنبه ۲۱ ماه جمادی الثانی ارادهٔ مراجم عادهٔ اعلیحضرت همایونی برفتن تماشای بند سراج ، تقریباً ساعت یکه بشش و چهل صبح عرابه های موتر بسوی شمال شرق بحرکت افتاده ودر طرف یکساعت وشش دقیقه اینها وفراز ها ووادیها وده ها وقصبه ها را بسرعت برق آسایی طی نموده در موضعی که بشد دراینجا در دست اتا وتعمیر است مواصلت نمودیم .

در اینجا خود را در پیش یک منظرهٔ عالیه نمایان یافتیم که قوت پر عظمت عزو صنعت ، وجلالی هیبت وعظوت طبیعت بیحدانه ومبارزه افتاده بود ! سکوتها را میرانیدند ، در مابین دو کوه طبیعیٔ سر بفلک کشیده ، یک کوه مصنوعیٔ عل وصنعت دیده وجود می آوردند ، جریان شدید السیلان مجرای آب نهر را بند وسد مینمودند ، وازان یک بحیرهٔ دریا مثالی حاصل میکردند یعنی از راه بحر تحویل میدادند . آیا چرا ؟ برای کفایش رزق خلق الله ، برای آبادیٔ ملکها ، برای آبیاریٔ زمینها ومزرعهها ، برای رفاهیت وسعادت رعایا ورایا .

زهی پادشاه خیر اندیش آبادی پرور ، زهی شهریار عدالت کیش مرحمت گستر که برای سعادت وعمران ، وراحت ورفاهیت تبعه وزیر دستان شاعانهٔ شان تا چه درجه صرف همت جهانگیریت ملوکانه مینمایند ، وچه اعمال خیریهٔ جسیمه روی کار میآورند ! حقیقتاً که این کار بند سراج غزنین یکی از عملیات جسیمهٔ بسیار معظمهٔ این عصر فرخنده کی عصر اعلیحضرت سراج الملة والدین پدام الله ظل رأفته علی المسلمین شمرده میشود . در همین موقع در زمانهای سابق نیز یک بندی ساخته شده بوده است که بیک روایت بانی آن عمر بن اللیث ، وبدیگر روایت سلطان محمود غزنوی بوده است . بعضی آثار آن بند نیز پدیدار است . این بند جدید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 694 of 1786

بقدر ۶۰۰ فوت پائینتر از بند سابق در تنگهای مابین دو کوه برداشته شده است . موقع بند در یك جای بسیار لایق ومناسبی از طرف مهندسین آن انتخاب گردیده است که از طرف شرق وغرب آن کوه ، وبجرای آب در مابین آن است . دیوار بند بر یك خط منقسمی در مابین دو کوه مذکور بدرازی یکهزار ودو فوت ، وعرض اساس یکصد وشصت فوت تحدود شده است . ارتفاعش غیر از تهداب از سطح بجرای نهر یکصد وبیست فوت است . اساس یعنی تهدای دیوار بند شانزده فوت کنده شده وبر ریشهٔ کوه تصادف نموده . وان ریشه کار بنا شده است ، که به اینصورت اساس آن خلقاً لخلق متن واستوار است . اساس را ازعمق شانزده فوت بعرض یکصد وشصت فوت بر داشته تا بر سطح بجرا رسانیده اند . وبر تحتانی سطح آب بلهای فولادی بسیار متین ومستحکمی که بصورت مخصوص فرمایش داده وساخته شده است موازی بعرض دیوار بند وضع وترتیب شده است که خدمت بجریان آب را ایفا میکنند ازین تلها یك بجرا یکبار مشرق ، ویکی یکبار مغرب بند گذاشته شده است وبالای هردوان کانها از کنده سنگ زده شده وروان کار دیوار آغاز شده است . ازین تلها که تقریباً یك مؤسع قطر آنست ، دهنه های آن تلهاپائیرهنهای فولادی بسیار بزرگ ومتینی بسته وباز میشود که درهروقت وهرزمان بدرجهٔ ضرورت وقت وزراعت آب ازان بمصرف میرسد .

حوضه یا کاسهٔ که آب بند دران جمع می آید بقرار پیمایش مستر مك اسکلندی کمهندس بندسراج میباشد ازینقرار است که بچون یکبار از آب پرشود سه لك و شانزده هزار جریب (۱) زمین را آب میدهد که الحق یك حیات بخشی عظیم زمینهای عمدهٔ ین آب شمرده میشود .

درینوقت که بعیت فیضدات وحضرت اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه مقدس خودمان بافتتاحی این بند سراسر کشایش وجهه کی فیض وبخشایش کامل وسزاوار شدیم دیوار بند از کنج مشرقی ناصلهٔ که درووسط دیوار ساخته شده کاملاً بانجام رسیده بود که طول آن ششصد فوت وعرض آن درهمی جایخواه فوت وبعضی جا کمتراست . زیرا که بنیاد کار ازسنگ کوه کرفته شده ، وچون افتاد کوه بعضی جا بلند وبعضی جایست واقعست ازاینرو کار تعمیر نیزموازی آن رفته است . وجای که دریاچه بوده فوقترین حصهٔ دیوار نیزهمان جاست که یکصد وشصت فوت عرض درنهدای ، ویکصدوبیست فوت عرض ازسطح بجرای آب دارد . ازین حصه ببطول دوصد فوت وارتفاع سی ودوفوت رسیده بود .

از قرار فعالیت وسعی وغیرتی که دراجرای کار دیده میشد چنان معلوم میگردید که امسال ناموس لیرد که وقت کاشتی کشم ولایت عزیزین است دیوار بند به بلندی شصت فوت رسید ، وتاخیر سه سال دوم سراسر بانجام رسد . ونیز ازقرار یکه تخمین کرده اند امسال بقدر یك لك جریب زمین از آب بند انتفاعه استفاده خواهد کرد .

اصول وسررشتهٔ عملیات بند بتوجهات جبلادرجات اعلیحضرت پادشاه قدسیت صفات معظم باقاعدهٔ بسیار پسندیده ودرستی گرفته شده است . چنانچه سنگی که در دیوار بند بکار میرود از سنگهای رخنیهٔ بارسنگ پراکنده شده بخرج میرود یعنی چونه خرج آن بزحمه قاعده‌های بسیار منظم بعمل میآید . کران بسیار سنگین سنگی بقوت ماشینهای آبی رچونه وریك دور خورده یك غلوط بسیار بخته وبارجی بوجود میآورد . یك چاله چونه ویك چاله ریك پخته شده بارسنگ رخنیه درتعمیر دیوار بخرج میرود . غرض مزدور کارانی که دربند مزاج کار میکنند بخوشی ورضا ورغبت خود میکوشند . زیرا به اصول بیگاری نی بلکه به اجرت نقدی بوجه قرارداد مقطعی کار میکنند . اما یك قسم مردمان که درساختن بند مزاج شرکت ورزیده اند ، بعوض وجه نقدی خدمت بدلی را قبول کرده اند ازانها مستثنا ست .

خلاصهٔ عرض کنیم که این خیر جاری عظیمی که ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه رعیت پرور بزرگ ما بنیاد فرموده اند ازچنان اعمال حسنهٔ کثیر النفعهٔ عالی شمرده میشود که غریبن وغریبزمین را سراز نوبك زندکی ، و آبادی و تازکی و فرخندکی به آن احسان فرموده اند . در چهره مردم غریبن این حال ظاهراً وعملاً مشاهده میشد که گویا پیکرهٔ لاموانی گرفتار بوده اند ، وبك طبیب حاذق قدسیت اتفاقی بسر وقت شان رسیده به مداوی مشغول شده باشد ، و حالا نوبك عرق شفائی کرده امید حیات حاصل کرده باشند . پس ما راست که برخود بنازیم ، وبنالیم ، و بذرکه حضرت مستجیب الدعوات بنالیم ، وچنین بیاز بزمین مخزن فتاح ودعای دوام عمر واقبال این پادشاه خیر خواه معظم تزقی آسمان خودرا بخواهیم .

مرمهندس بی بند سراج غریبن مستر مك انکلیزا سکاتلندی میباشد که در دولت علیهٔ افغانستان موظفاً مستخدمیست اداظر وکار پرداز وسررشته دار عمومی بند موصوف ازطرف قرین الشرف ذات اعلیحضرت پادشاهی جناب میرزا عبدالاحد خان برکار مأمور ومقرر میباشد که بکمال جدوجهد وتمام نظام و اهتمام برمطابق رضای همایونی درین خدمت مهمهٔ محولهٔ خود کوشش میورزد .

والحاصل در حالیکه دلها بیك جوش وخروش فرحت وبهجتها یك انوار مسرت از نظارهٔ این اعمال حیات بخشا برخود میبالید و میه رخشید ازانجا عودت نمودیم . و بقدرسی دقیقه سرعت موزنی مسافهٔ نموده دریك موضع باصفائی رسیدیم که در کنار یکنهر خوش جریان باصفا وجزار زمردین فام قرین افزا خرکاه

(۱) یك جریب قصبه ذرع مربع است وهرذرع ۴۹ انچ میباشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 695 of 1786

علویت همراه پادشاهی برافراشته شده‌بود . میزهای سفرهٔ طعام و سازنده های خوش اقدام ، وهمه اسباب طرب الحیام حاضر وآماده شده بود . ناوقت عصر بکمال فرحت و سرور بعیت اعلیحضرت پادشاه‌مکارم نشور خودمان بسر آورده عودت نمودیم .

درأثنای راه زیارت رفیض وبرکت شیخ الاجل حضرت محمد سرزدی قدس الله سره العزیز که یکی از اولیای عظام است ، ویك زیارت بزرگوار دیگر شرفیاب حاصل کرده بوقت شام پس درمنزل که عزیزی مواصلت نمودیم .

§

روز دوشنبه ۱۲ جمادی الثانی ازادهٔ مراسم مادهٔ ذات شوکتسیات اعلیحضرت پادشاهی برای رفتن بسوی قلعهٔ جان‌مرار که در نواحیٔ مقر واقعست ، وتقریباً سه منزل فاصله از عزیزی بعد مسافت دارد شرفصدور یافته به هشت‌ساعت صبح موکبهای حرکت افتاد . سرك بسیار ضایق وهموار بود . تقریباً یك ونیم ساعت درانجا رسیدیم یك صفهٔ بسیار بزرگ مدوری که یك‌پله جلو تخیب‌اطلاق بسیار خوشنما و مدوری در آن سایه افکن بود ازطرف صاحب آنجا پسر نایب‌سالار سابق مرحوم‌میرزا محمد خان‌مروش شده‌بود مطرح اقامتگاه اتخاذ شکردیده . وذات اعلیحضرت شهریاری باافراد معیت شاهانه شان یکقدری بشکار مرغی درکنار رودخانه مشغول گشته‌تاوقت عصر درانجا بسیار انشراح وسرور گذرانیده عودت نمودیم .

§

روز سه‌شنبه ۱۳ ماه ذات اعلیحضرت پادشاهی رای تماشای موقعی که تصور آبادی یك شهر جدیدی را فرموده‌اند تشریف فرمای سعادت گردیدند . وبصدار ظهر واپس تشریف آوردند وقت‌عصر آن‌روز هم‌نظرا وعناجین وبیوت بود باشده ، وگور وتلك وتجزهٔ شهر قزوین راکه صدها تقریر شده‌بود وهمه را صاف صاف نموده ، ویك‌مبلغ خطیری که بهزارها روپیه‌بالغ میشد بیك انتظام وانصرام بسیار درستی درحضور همایون شاهانه شان‌امر بتوزیع وتقسیم فرمودند که بادعاهای رجوش وخروش آن دلسوختگان ازاول در افتادگان اروام علوی فرشتگان نیز اکرآمین خوان شده باشند هیچشبهٔ نخواهد داشت . باقی دیگر کاری درعزیزی نمانده ومچهارشنبه ۱۴ ماه جمادی‌الثانی بسوی دارالسلطنه عودت موکب‌توکن کوکب همایون‌به‌قزوین که بدروف تشریف فرمای همایون بود وقوع آمد .

اینست که تابدینجا احوالسیاحت قزوین‌را بانجام رسانیدیم و بسی که موجب تطویل کلام نشود بعضی چیزها را بصورت بسیار اختصار بیان نمودیم . انشاءالله در شمارهٔ آینده شمهٔ از احوال جغرافی وتاریخی واثار عتیقهٔ این شهر شریف نیز تحریر خواهیم داد .

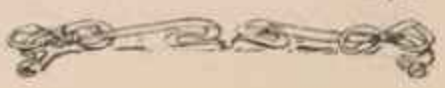

حوادث داخلیه

مراسم جشن عروسی

درهفته گذشته یکی ازحوادث مهمهٔ بسیار مسرت آورفرحت پرودری که وقوعیافته همانمراسم جشن عروسی جناب عالیهٔ مکرمهٔ عزیزهٔ عصمت مآب (زین جان صاحبه) یگانه همشیرهٔ ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب‌القلوب معظم ماست که با جناب آقای برکه محمدیوسف ، خان فرزند ارجمند سردار (محمدیوسف) خان ابن امیر کبیر جنت مکان اعلیحضرت (امیردوست‌محمدخان) یکمال عید به وصلتهٔ سلطنتی وقوع آمده است .

شب دوشنبه ۲۹ ماه جمادی‌الثانی سنهٔ ۱۳۳۱ ه شش وربعهٔ وقت تمام همهٔ شهزادگان معظم وسرداران کرام ومأمورین معزز مرجع‌الاحترام وارباب مناصب بموجب تذکره های رسمی خبری که گرفته بودند درجین مقدمأمن جهت تهنیتی قصر سعادت حضور انور مبارك جمع آمده بودند . اطراف جین مذکور ، وزینه های قصر فرخنده‌کی حضرعلی‌الخصوص سفهٔ هشت رج باچراغهای رنگارنگ انوار آهنگ ، وبیرقها ، وسفرها ، واقسام فرشها وزینتها مانند نگار خانهٔ چین آراسته وپیراسته شده بود .

بعد از غروب ذات شوکتسیات اعلیحضرت پادشاهی درجین صدای مأمن تشریف شاهانه را ارزان فرموده ، وهمهٔ حاضرین درمدخل جین مذکور صف بستهٔ احترام وتعظیم گردیده یکسر درسرمیز سفرهٔ طعام تشریف فرما شدند . وبعد از طعام درصفهٔ هشت رج بسرتها وشادمانیها تاه یازده‌ونیم اخرلیله وقت معین قرار قاعده واصول مریوط که جاریست جناب داماد را باقای والای لاله ، وموزیك های خوش نغمه تا بدروازهٔ حرمسرای شوکت احتوای ارگ مبارکه بهمهٔ جمعیت رسانیدند .

مراصطلاح وطن عزیزما این شب را (شب حنا) میگویند که بعد از ایجابوقبولیکه پیشتروقوع آمده میباشد اجرامیکردند بعد از مراسم لازمهٔ که دربات حنا بندی ، وشربت خوری ، ویکقدری قرائات قرآن شریف وغیره درحرمسرای شوکت احتوا اجرا گردید باز دامادباشهزاده گان عظام بمحفل جشنی که درصفهٔ هشت رج بود تشریف آورده ، وتاپنج ونیمه بکمال نشاط وسرور بسر آمده همه گان رخصت شدند .

روز دیگر بساعت ده روز همهٔ دولت معتبره در عمارت « قوی باغ » که از عمارتهای بسیار عالی وجدیدست واین اول بارانست که رسم افتتاح آن برای اینچنین یك مسرت عظیمهٔ قوم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 696 of 1786

وملت اجرا میشود جمع آمدند . وبعد از یکساعت ذات اقدس حضرت پادشاه قوم پرور لطف گستر مقدس ما بالان بزرگ عمارت را شوکت را بقدوم میمنت لزوم همایونی شرف اندوز فرموده مراسم نکاح شرعی اجرا گردید . وعقدهٔ ثریا درا جناب عالی شهزادهٔ معظم حضرت مجدالسلطنه . وجناب شهزادهٔ مکرم حضرت عزالدوله صاحبان اجابتودند . بموجب شریعت حضرات مشارالیها ذات قدسیت صفات اعلیحضرت همایونی وکیل نفس همشیره عصمت وسیرهٔ عالیهٔ شاهانه شان گردید . بست ویکروپیهٔ کابل مهر شرعی را نقد واز طرفین ایجاب وقبول اجرا شده جناب امام حضور اعلیحضرت همایونی بالیجاد حافظ محمد حسن خان عقد نکاح را بستند . وخطبه وقرائت قرآن کریم وادعیهٔ خیررا بجاآوردند . وحاضرین مراسم تبریك وتهنیت رساختند . زان دوکوکبآب شاهانه یك اطلق دعائیه که مشحون جواهر حکمت . ومعرفت بود بیان فرمودند .

اطلق همایونی چون سراسر می رازداری حقوق وطن مقدس ونجاح وصلاح قوم وملت . وفوز وفلاح مسلمین بود جان یك تاثیر وتوفیری بردلها القانمود که تعریف آن به بیان نمی آید . چون دراوقت فرصت قید وضبط همهٔ کلمات حکمت آیات آنرا ندانستم . اجمالاً همینقدر نوشته توانستم .

والحاصل بعد از طعام بسیاری از معززین وارباب مناصب ملکی وعسکری درارگ مبارکه بملاحظهٔ عام جمع آمده بالای والای بسیار عظیم ومدهش هودج عروس همشیره نشین پرده عصمت وعفت ودرتحت صنف نجابت وسلطنت را حراص نموده عمامهٔ دامادانه اسلامیان نهاد مالی نژاد که در « خوابگاه » نام محله شهر واقعست رسانیدند ومراسم این عروسی سعادت مآبی به انجام رسید .

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال صمیمیت وتاب فرحت ومسرت این تاسمان عظیمه را مبارکباد میگوید . وازحق سبحان دوام سعادت وسلامت شانرا ازدرگاه ازدی نیاز میکند .

« واقعهٔ سیلاب درخنجان »

بموجب خبری که ازحکمهٔ اطلاعات به اداره رسیده : لیل سه شنبه سلخ شهر جمادی الاول از فراز دره محال خنجان وغیره دره های محال مذکور چون واقف شدن مردم سیل عظیمی آمده بود ازمحال مذکور بسیار خانه هارا بمه مال ومواشی آب برده است که مواشی بازده نفرمرد وزن مهتر وکهتر فوت شده ازقریه دوتی محال فوری یکصدوده نفرگم ومفقود است بعضی مرده اوشان را یافته اند ودرخی یافت نشده است واز قریه پیاز خوردوتی مذکور مواشی بست وچهار نفررا آب برده است که مفقودالاثر است —

موادث داخلیه

اخبار سیاسی

در یکی ازاجمالهای سیاسی نسخه های سابق خود پیشبکوی کرده گفته بودیم که : قلمهٔ حرب وزم وشیرین ممالك دولت علیهٔ عثمانیه چنان چیزی نیست که درند کان متفق قلمه دریا را در مابین خود شان سازگار گذاشته موجب بر سرزدن همدیگر شان نگردد . این است که نتیجهٔ آن آهسته آهسته بظهوردان آغاز نهاده است . چنانکه با بلغاری در مسئله سلانیك . وصربی با بلغاری در باب نوین ومی ، و گوهی با استرژا در خصوص سقوطری چون موی زنگی بهم در افتاده اند . حتی چنانچه ازخبرهای او رافی سوادت مستفاد میشود بلغار هسا و یونانیها زور خوردی نیز در مابین خود شان نموده للفات بسیاری نیز درمابین شان بوقوع آمده است . هسا گر بلغار وصرب نیزمن بودم وتو بودی گفته ما قشان دارند .

از یکطرف در باب صلح بالقانیا و عثمانیا کوشش در زیاده میشود . گوشش کنند گان صلح از بودجیت مرکب اند که یکی درلندن ویکی دربرلین میباشند . درمسئله‌های صلح فرانس وروس یکطرف است که بقنیانی بالقانیارا میکنند . دولتهای اتفاق مثلث برای منفعتی که برای خود درزیر نظردارند منافع عثمانی‌را پیشرفت میدهند . دولت انگلیس درین کار ازغفلهٔ نظر جرمن نظر میکند . اسابیزیك سیاسیون را زیاده‌تر مشغول داشته است مسئلهٔ البانیا میباشد . درین مسئله رقابتها و کشمکشهای همهٔ مطلوعها دیده میشود علی الخصوص اوسترژا در یك موقع بسیار مشکل واقعاست . زیرا ملیکرویکسیبسیار مجبی سقوطری‌را ضبط نمود . حسن رضا پاشا که بکمال شجاعت ومردانگی شهر سقوطری را مدافعه مینمود از طرف اسعد پاشا که او هم رفیق صمیمی حسن رضا پاشا بود و از جانبی الحاق بود بقتل رسید . ویا کوهیا یك معاونه عقد کرده سقوطری را تسلیم دست دشمن نمود . اوسترژا ازین معامله دوچار گرداب حیرت شده ترك کردن سقوطری را تکلیف کرد . وتکلیف خود را بدرجه تهدید رسانیده . ملیکرو که همهٔ گوشش از تن ومرد دیر ودرا به سه صد هزار نیرسد بمقابل آمدوت چیل نجاه ملیونه نفوس زمداری ونیات ورزید . وچون همهٔ دولتها کشتیهای جنگ خود شانرا فرستاده بنادر های اورا در زیر محاصره گرفته مجبوراً سکوت نمود .

والحاصل حاکمیت عثمانیه در روم ایلی منقرض گردید . واین ازچنان مصیبتهای عظیمی شمرده میشود کلمهٔ در انشای تحریر آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 697 of 1786

خون باید گریست . ظلمها وخون ریزیها وبدعتهای ناروای که بالقابها درالسرزمین اجرا کردند خیلی عبرت آوراست . وبرای همهٔ مسلمانان روی زمین یك نصیحت پرور است . مسجد عظیم سلطان سلیم که در ادرنه بود ، ودر حسن معماری وزینت وعظمت بینظیر آفاق بود به کلیسا تحویل یافت . بسیار زنان ومردان مسلمان را بزور وجبر نصارا ساختند وعرضها ناموسها پامال گردید .

ای کاش نتیجهٔ بی اتفاقی نابود روسایی همین بلاها را برسی انگیخت . ودرای دیگر طرفها این بیچارها یکدرس عبرتی میشد . در طرفهای سوریه وشامات مردمان اصلاح طلب روا خواسته اصلاحات میخواهند . در آناطولی شرقی روسهادر میان کردها وارمنیها به کاشتن تخم نفاق ونشوونمای اختلال کوشش میورزند . تأثیر نفوذ فرانسه در جهتهای سوریه بفعالیت شدیدی اجرای حکم دارد . انگلیس وجرمن در کویت وبصره وعراق در پیش رفت مقاصد شان کوشش میورزند . مردمان آلسرزمینها غافل جاهل کاهل . اوروپائیان بیدار ، هشیار ، کار گذار ، علم صنعت ، تجارت ، سعی وکوشش گویا دراینها از بدعتهاو کارهای ناروا شمرده میشود . واعظان ناهنجار خطیبان هرانچه میگویند از ترك دنیا . وچیزه بودن دنیا ، وترك کردن دنیا ، ودست برداشتن از دنیا میگویند . آنها نیز بزبان حال کرده رای دیگرانش میگذارند . هزار افسوس که درپدرانت سازی را نیز نمیدانند که خشکهارا ترك کرده بحر نشینی را اختیار میکردند . هزار افسوس که طیاره بازی وبالون رانی را نیز نمیدانند که عنصر خاکی وعنصر آبی را برای آنها واگذار نموده عنصر هوائی را ملك میشمارند . چه باشماند ! عنصر ناری ! ... حالا تنها آن عنصر را نیز از ازل آنها وارث حقیق ، وخالدین دنیا میباشند ... واأسفا ! چنان یك قوت روحانی ومعنوی نیز دیده نمیشود که این کرهٔ ارض را گذاشته بیکی از کرههای سیارهٔ فضای لایتناهی پرواز میشد ! ....

والحاصل اوروپائیان دولت ترکیه را از اوروپا براوردند ولی بازهم از دنیا محو کرده نتوانستند . هنوزهمانند اناطولی وعربستان ، وعراق ، وسوریه وغیره ارامنی واسمهٔ خون را مالك هستند . تا امید بستیم . امید میکنیم که این ملا کتها بسعادتها مبدل گردد . ودر آسیا که ثانیاً مأوای اصلی شان بود بکمون معظمهٔ بسیار باشوکت وشانی بوجود آرد . وچیزهای مافات موفق وکامیاب آید .

(یك جمعیت مسلمانان دراسریکا)

همصر معزز مالخیار (ترجمان) که دربالچه سرای (قریم) مالك روس بلغت ترکی طبع ونشر میشود بعنوان فوق یك خبری نوشته است که ما آنرا عیناً ترجمه وذیل میتاپیم :

درین روزها پیتر سبورك ـ پایتخت ـ روس ـ ازامریکا یك آدم مسلمانی وارد شده که نامش (امیازار خوشحال خان) واصل ونسلش (افغان) است . این شخص زبان فارسی وانگلیزی تکلم میکند . درپتر سبورك بخانهٔ جناب موسی افندی بکیف مهمان شده . وبواسطهٔ او ازمقصد سیاحتش معلومات حاصل شده است . این ذات از شهر (او فیلاند) که در ولایت (فالیفورنیا) در امریکا میباشد آمده است . مسلمانان روشن خیال حال دینی که در شهر اوفیلاند اقامت دارند حال فلاکت وظلمت امروزی مسلمانان را در زیر نظر دقت آورده به این فکر افتاده اند که تا بدرجهٔ که از دست شان بیاید در روشنی فکر برادران اسلامی خود مدد رسانی کنند . بنابرین یك جمعیتی بنام (انجمن حمایهٔ اسلام) تشکیل داده اند ، وبر کاتب جمعیت مذکوره را که خودجناب (خوشحال خان افغان) است ولایتهای مسلمان نشین وکیل کرده فرستاده اند که مسلمانانرا بانجمن فوق تشویق بعمل ، ودرقطر امریکا ترغیب بکند . خوشحال خان میگوید : که برای بیدار شدن وچشم باز کردن مسلمانان لازم است که دیگر ملکتهای ترقی کرده شده را گردش کنند . وازانها عبرت بگیرند . فی الخصوص ازحیات وکار وصنعت امریکائیان که در قلیل مدتی ازهمگنان پیشقدمی کرده اند . زیرا نیز ازامریکائیان درس عبرت گرفته ترقی کردند . بسیار مردمان دنیا ازهرطرف زمین بامریکا آمده علم وصنعت وتوانگری حاصل کردند . این است که مسلمانان امریکا میخواهند که این فکررا بهمهٔ مسلمانان تلقین بکنند . ودرای آسانی مسلمانانی که به امریکا بیایند این جمعیت معاونت ومدد کاری را باز کردند . این جهت نظری جمعیت مذکور است گذر کرده جهت حل فکر جمعیت مذکور مازفرازدیلست :

اولا مسلمانان درهرجا مخصوص برای خود شان جمعیتهای مددکار خواسته کان باز کنند . این جمعیتها بدوصد روبل شاکردان را به امریکا بفرستند . هرشا گرد به آخر سی یعنی هیئه ونشان نامی آید ماچون خبر آمدن شاگرد را بتلگراف بگیریم اورا استقبال کرده میگیریم . یکه کار دو نفرهٔ جمعیت ما این است که آن شاگرد را بمکتب جایجا کنیم . پروگرامها برای او سازیم کسانیکه داخل نداشته باشد براو کار وخدمت پیدا کنیم . وهرگو همدکاری وابسته به آنها نمائیم . هرمسلمان توانگری که در شهر (اوفلاند) موجود است خارج شش نفر شاگرد را برذمه میگیرد . واین شش نفر شاگردمیباید که تاتاری ، وایرانی ، وافغانی ، وهرا گونی باشند .

خوشحال خان مذکور بعد ازانکه یکمدتی در پتر سبورگ اقامت نموده ازراه باکو وباطوم به افغانستان رفته است وبجای خودیك رفیق دیگر خودرا گذاشته است که هرگس از روی رفتن امریکارا داشته باشد باو مخابره کرده میتواند . مکتوبها بهرزبانی که باشد قبول میکنند . لکن اگر بزبان انگلیزی یا عربی یا فارسی باشد زیاده تر مطلوبست .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 698 of 1786

﴿ سراج‌الاخبار افغانیه ﴾

ما از آمدن همچین یك ذات به افغانستان تاحال یك معلوماتی نگرفته‌ایم . ولی چون از تشکیل یافتن این جمعیت اسلامیه دردنیای جدید شنیدیم . و دران جمعیت نام خوشحال‌خان افغانی خودمانرا دیدیم جداً خوشحال . ومسرور شدیم .

بزرگی سلطنت افغانستان

محصر عزیز ما اخبار (صدای حق) جمله در (باکو) ممالك روس سلطنت ترکی طبع وانتشر میشود بعنوان ما فوق یك مقاله درج نموده که ما بعضی فقرات آنرا ترجمه کرده درج میدایم :

نظر دقت عالم اسلام شرقی را (افغانستان) روز روز بخود جلب میکند . یکی از کرکت های روس مینویسد: یعنی کسانیکه افزونی اهمیت این سلطنت را به پرستان دیگر دولتهای مسلمان شرح وتصویر کرده‌اند درست نیست . بلکه به بزرك چون ذات

حبیب الله خان چون جلوس فرمود نام وطن خود را متفق ومتحد بلکه همه قوه واستعداد خداداد خود را به کار یکه وزنده کی ، وتو کت افزونی دولت خود صرف کرده واقعی که به کامیابیهای بزرك ومهم فتحهای حقیقی نایل هم شده .

اخبار (صدای حق) بعد ازین بیانات مبسوط از فضیلات ترقیات داخلی افغانستان واصول مالیه ، وصنایع وغیره بحثها رانده است کهچون آنها چیز های معلومیست بهمین قدر اکتفا ورزیم .

انجمن اتحاد اسلامیه خانه‌ها (ی ترکی وعثمانی) (در استانبول)

درین هفته یك بیانامیه ، ویك اطلاعنامه از طرف یك جمعیت بسیار پر نفوس ورکنی که در استانبول از طرف زنان مرتبه های عثمانی تشکیل یافته به اداره شاهانه جزا میرسد بوده است که ما آن بیانامه را عیناً ترجمه کرده درج صفحات افتخار خود میسازیم وچون در آخر بیانامهٔ مذکوره برای پی‌پی‌های محترمهٔ

﴿ یك منظرهٔ عبرت آور در سالونیك ﴾

(عسکر یونانی دستهای یك نفر عسکر ترکی را از عقب گرفته ، وعسکر بلغاری بر سر آن نفس صاف را میکشد . اینواقعه را) (یك افسر انگلیزی نفوذ دیده وفوتوگراف آنرا گرفته . ای دوستداران دین واعان ! به بینید که صلیب پرستان که بر مملکت) (مسلمانان دست یافته چه میکنند . فاعتبروا یا اولی الابصار)

خود این دولت شرح کردن راست تر ودرست تر است . علاوه برین این سلطنت بکمال سرعت روز بروز به تمدن نزدیك شده میرود که این هم یکی از سببها ثبت که افزونی توجهٔ مسلمانان راه آنطرف باعث میشود .

بیست وپنج سی سال پیشتر مسئلهٔ یکانه ساختن واتحاد دادن اقوام وطوایف افغان که ازطرف اعلیحضرت امیر عبدالرحمن‌خان مرحوم آغاز شده بود تاوقت جلوس ولیعهد شان امیر حبیب‌الله‌خان حالا بر سریر سلطنت میباشند تمام شده بود . اعلیحضرت امیر

اسلام ، عموماً در خصوص معاونت و همدردی شان یك فقرهٔ درج شده بود ازانسبب بهیت خیر خواهانهٔ اسلامیه درج آنرا ضروری دیدیم تا باشد که پی های محترمه و قرنه های مکرمهٔ وطن عزیز ما نیز به آن همشیره های اسلامیهٔ درد دیدهٔ دلشکستهٔ خود شان یك مبلغی بفرستند . و به ابیاری اهلت و مرحمت خود آتش مصیبتهای پدرین که برخانمان شان از دست و حشیان بالقان وارد آمده اطفا نمایند . وهم برای پی های وطن عزیز ما نیز یك درس عبرت ، ویك نمونهٔ مثال همشیره هائی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 699 of 1786

عثمانی شان تا چه درجه برای وطن وملت خود شان فکرهای خیر آور منفعت پرور بدر میرورانند .

« ترجمهٔ بیانامه »

این همه فلاکتها و مصیبتهای بی نهایی حضرات رجلس ترانسوا از قربان شدن شان در میدانهای جنگ برای محافظهٔ دین ووطن وارد گردید مرکافی نبوده که بسبب بی عرفانی ، و بی صنعتی ، وبی تجارتی ، وبی زراعتی وبی دینی به این چیزها ، و فروسیکی دانسان این چیزها اسیر و زبون دشمنان خود گردیده ایم . سبب یگانهٔ این فلاکتها واین درمانده گیهای ما همین است که زنهاو دختران خود مانرا نخوانده ایم ، مادرهای دانا وبیباسر نرسانده ایم معرفت ، تجارت صنعت ، زراعت را بخودمان ، واولاد های مان دوست نساخته ایم ، واین چیزهارا بنظر حقارت دیده ایم . خوانده یکی و نویسنده یکی را برای خود ودختران خود عیب شمرده ایم . اولاد های خود حس دین و وطن وملیت را برنینگیخته ایم . مال ومتاع و محصولات صنعتکاران ملت خود میل نکرده ایم . اولاد های خودرا محبت قومیت ووطنیت را نجشانیده ایم . آدمهای قدیم ما چنان اولادهارا پرورش کرده اند که در پیشگاه قلعه نوبانا — پایخت اوسترا در کوهستان فاس ومراکو . در بحرهای همه قهرمانی وشجاعت

(جمعیت چار هزار خانمهای استانبول)

﴿ در دار الفنون ﴾

مسلمانی وترکیت خودرا نشان دادند . وماچون آنچنان اولادها بسرسانیده نتوانستیم وطن خود را ، دین خود را ، اولوس خود را از فلاکت بلاکت ، ازمصیبت بمصیبت سرد وچار کرده ومیکنیم . واگر سار همین حال دوام ورزیم درکی وقت هیچ شبهه نیست که مصیبتهای زرکتر ازین مار استقبال خواهد کرد . این است که ما این انجمن را برای این برپا وقایم کردیم که جلوگیری این فلاکتها را بکنیم ، ووظیفهٔ ذن کری خودرا بجا آریم . دین خودرا وطن خودرا اززیر پاهای دشمن رهایی دهیم . اولادهای خودرا ناموس ملی خودرا از چنگه های مردار دشمن خلاص کنیم . لهذا همه زنان ترک وعثمانی ومسلمانرا درین مسئله دعوت میکنیم که برای مقصد مقدس انجمن ما بصورت خواهرانه ، ووطن پرورانه دست یک کرده کوشش ورزند ، ودرهر جا وهر طرف ساندر انجمن ما شعبه ها باز کنند . کارهای کردنی انجمن ما عبارت ازین چند چیزاست که در ذیل بیان میشود :

۱ — برای دختران شوهدان ، ومیا جران ، وقیزان ، ویکسان خودمان که آنهارا بخواناییم مکتبها باز کردن ، ودران تربیه وتعلیم مسلمانی وترکیت را دادن .

۲ — برای این اطفال دختروپسانده ودر مانده برای آموز انیدن صنعتهایی که زن گری باید باشد صانع خانه ها کشادن ، وبه ابصورت صانع خودمانرا ازدست نصارا رهایی دادن ، وبنیه هایرا که ازین صنعتی محکوم فقروفنا شده اند خلاص کردن .

۳ — اینهارا ، وبلکه همه زنان ودختران مسلمان وترکرا حس محبت تجارت ، صنعت ، زراعت دادن .

٤ — درمابین خودمان دادوستد کردن ، وامتعه وحصول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 700 of 1786

وطنی خودمارا رواج دادن .

۵ ـ در دایرهٔ نظامنامهٔ انجمن خودمان درهرجاشعبه ها کشادن (۱)

ای بی بی صاحبه‌های محترم .

از فضیلت نسوانیه شما ، از صلابت دینیه وغیرت اصلیه شما امید داریم که برای دردهای طاقفرسای دینی وطنی اولوس ما که باهم درانیاب همدرد میباشیم چاره ساز بشوید ، وبا انجمن ما سعی و کوشش خود تارا شریک‌سازید و جهت شما جوابشما منتظر هستیم . باقی عرض احترامات خود را بخدمت شما تقدیم میکنیم‌ای همشیره های محترم ما .

﴿ این بود بیان نامهٔ ، انجمن نگهبانی عاجیهای نزاد عثمانی ﴾

کمیه ترجمهٔ آن پرداخته بنظر قارئین وقارئات کرام خود عرض نمودیم ذات معزز ومحترمی که این بیانامه ونظامنامهٔ آرا برای‌ما از استانبول ارسال داشته در مکتوب خود این را نیز علاوه کرده مینویسد :

« این عجاریه ایتالیا وبالقان از همه زیاده تر موجب بیقراری زنان مسلمان مملکت ما گردید . حسیات مشفقانه از مردان ما بیشتر در زنان رو نیاشد . واین انجمن را تاسیس‌نمودند . البته‌این انجمن بمعاونت ارباب حمیت محتاج است . برادران افغان ما به تشویقات پادشاه اسلام پناه خود شان به این مصیبتهای که بر ما وارد آمد قبل ازین ابراز حمیت فرمودند ، ویک مبلغ خطیری برای اعانه یتیمهای شهداوزخم پیچ زخمهای‌ما فرستادند ، وبهاین لطف ومروت خود همهٔ مسلمانان را متشکر فرمودند ، پس اگر دربیان به این انجمن همشیره های عثمانی شان همشیره های افغانی شان یک مدد کاری بکنند چه بعدی خواهد داشت . »

﴿ ترجمهٔ اخبارات انگریزی و اوردو ﴾

در اداره از طرف عبدالهادی و عبدالرحمن ترجمه شده

قسطنطنیه ۲۶ می مطابق ۱۹ جمادی الثانی

در میان افواج ترکی مقیم شتلجه بسبب نارضائی از افسران شان یک نزاع وقوع آمده است .

نامه نگار اخبار لاجرنل فرانسیسی از قسطنطنیه یک خبر فرستاده که در میان افوریک وقیریک یک مناظره بظهور آمده بود خواستند که دوکلو کنند یعنی مسئله را بشمشیر قطع نمایند ولی محمود شوکت پاشا تا اختتام جنگ بالقان آنهارا منع نمود .

[ماشا الله به این اتحاد ! سراج الاخبار افغانیه]

لندن ۲۶ می

از صوفیه یک خبر برای اخبار تائمز در تار رسیده که ۸۰ هزار فوج بلغاری کفیل ازین مقابل شتلجه افتاده بودند اکنون در صوفیه رسیده اند وحکام فوج تجاوز بی شمار برای یک جنت ممکن الوقوع میباشد

(۱) نظامنامهٔ انجمن‌دان عبارت از ۲۵ فقره یک نظامنامه‌ایست که یک نسخه مطبوعهٔ آن نیز برای ما فرستاده است .

سالونیکا ۲۳ می ۱۶ جمادی الثانی

جمیت بلغاریان بسیار کوشش کردند که در عملاقهٔ بولایر داخل شوند ولی بولایان مانع آمده جنك آغاز کردند که تمام جاریست ! گرچه بولایان کلوله باری کردند ولی چونکه کوه هیچ بلغاری کشته نشد .

روما ۲۵ می ۱۸ جمادی الثانی

وزیر خزانهٔ ایطالیا در مجلس عام گفته است که در خزانه شش و نیم کرور پوند انگلیسی موجود است چهار کرور و ۲۰ لك لیره در اخراجات جنك طرابلس محسوب وتقریباً دو کرور برای استحکامات قوه بحریه صرف خواهد شد .

جهاز جدیده که اکنون در بحر احمر لنگر انداز میباشد عجده وحدیده رفته بود میگویند که « هدرا » نام جهاز جنگی یونان دوم جهاز جنگی دیگر کمی دورتر از بندرت سعید منتظر جهاز جدیده اند .

اخبار مارنگ پوست می نویسد

لارد کچنر در رپورت سالانهٔ خود اشارهٔ بطرف جنك بلقان وترکی کرده میگوید که اگر یک بیانتظامی در فوج ترکی نمیبود در کل دنیا مثل شان بهادر ومحارب پیدا نمیشد .

به عصر سلطنت عثمانیه خیر رسیده است که درمیان افسرهای مرورواداری یکرو چیزی مناظره واقعشده سخن بجنك و کارزار کشیده است از طرفین مقتول ومجرح بسیار میدان کارزار را پر ساخته است .

۱۹ می مطابق ۱۲ جمادی الثانی

از خبر های بصره معلوم میشود که اعراب بصره ما تحت غالب بی آزادی میخواهند وبعضی قبایل دیگر هم حامی شان هستند .

اهالی ما تی یکرو سلو طری را خالی نموده وقوج بحری بین الاقوامی بران قبضه کردند .

اخبار اطی مینویسد که باخبار (لاترک) معلوم شده است که یونان به محاسبات مقدمه جزمی باب مالی را اطلاع داده که اسرای عثمانی را بان شرط پس می فرستیم که آنها بار دوم شریك کار زار نشوند ودیگر کسانی‌را که آنها را تاحالجامیرساند هیچ تعرض نرسانده نشود ودیگر کسانی‌را که آنها را تاحالجامیرساند هیچ تعرض نرسانده نشود باب مالی قبول کرده‌است وازده‌هزار نفر درین اوقات از ترکان خواهند رسید واین ان نفری استند که در سالونیکا گرفتار شده بودند .

احوال کلیفورنیا

کیلی فورنیا یک ریاست ممالك متحده امریکه است و مانند دیگر ریاستهای امریکه پارلیمنت و قوانین علیحده دارد ریاست مذکور خوب زرخیز وبطرف شمال مکسیکو واقعاست وسلطنت شان جمهوریست مساحت آن ۱۵۶۰۹۲ مربع میل است و۲۴۵ لك نفوس دارد وبسیار جاهای ها درآن جازراعت وسکونت وزمین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 701 of 1786

های حربی دارند کلی فوریا اعلان بان قانون کرده است (مردم غیر دولت که کلی فوریارا وطن خود قرار داده باشند وهم آنجا زمین‌های حربی دارند حق تصرف وملکیت درانها ندارند) دولت جاپان بقانون کلی فوریا اعتراض کرده گفته است که هرچیز که درما هدان پیشه کرده باشد درست است وقانون هذا خلاف معاهده پیشه است باید کنسخ شود واهالی کلی فوریا برین هیچ گوش نگرفته قانون خویش پس کردند یاران جاپان فقره مذکوره را کونسیل ممالک متحده ساخت کهاین قانون را فسخ نماید ممالک متحده جواب گفتند کهما اختیار فسخ و نسخ قوانین رئیسها را نداریم یاران جاپان باز اعلان کردهکها تعطیل معاهدات پیشه کنید وازطرف ما فرمان جنگ جاری خواهد شد ازین خبر دهشت از امریکا و یوروپ ربخر ظلمات تشویش وتحیر افتادهاند دیده شود تاچه شود .

یک کارتی قسطنطنیه بیان میکند که دوهزار فوج از افواج جاوید پاشا کهیار ورخصی بودند ازدوکاراه دربن جا پس آمدند این سیاه قریب بود که از گرسنگی بمیرند بلکه درراه ۲۰ هزار گرسنگی وکمزوری فوت شدند انا لله وانا الیه راجعون .

دول بلقان از ساختن ترکی ۹۰ کرور روپیه کوان جنگ میخواهند روس مؤیداین است مگر دیگر دول عظام بسیار کم راضی هستند .

اخبار لاجرنال فرانسیس می نویسد کهاتحاد برطانیه وجرمن قسم دوم اینجای آغاز شد .

(معاهدهٔ ترکی وبرطانیه)

قسطنطنیه ۱۴ مئی — بذرایع معتبر اطلاع رسیده است که خلاصه معاهده ترکی وبرطانیه برخلیج فارس اینست که دولت عثمانیه جزیرهٔ کویت را به برطانیه تسلیم می نماید واز بصره تا کویت سرک راه ریل راهم منظور نموده که بصره آخرین استیشن بغداد شود . دراداره از اخبارات مختلفه توجه شد

(صدالهادی)

(خبر فرحت اثر نجات مظفر مجاهدین)

مهابت منظر طرابلس برعسکر ایطالیا وغنیمت شدن توپها ازغنیم

مورخهٔ ۱۹ مئی — ...

درمقدمات سیدی عزیه وزاویهالبن افواج ایطالی برسنگرهای مجاهدین محافظین ناموس ودین یعنی عربان دلیر تکبیر جهشیدند تودند اما ازآن شجاع بکمال استقلال مدافعه ومقابله نموده هفت افسر وهفتاد ودو نفر سپاهی ایطالی راپیسر وپیستو نه افسر ودوصدو پنجاه نفر سپاهی افواج قدیم را تلف کولههای توپ وغنائم نموده درمیدان جنگ بخروج ساختند واز مشاهده این حال ومقابله این احوال ایطالیان هزیمت خورده وتاب مقاومت نیاورده مغلوب شدند حتی عربان شجاع جنگهای بهادرانه وتهور فطرانه نموده برچهار عزاب توپ وباقی جیاخانه عدو قابض ودر عقابه تاختند وازین غنیمه سلک پاس وعربان پرشیشه حرص وطمع ایطالیان زدهشد وازاوبه وآنهزیمت عربان داگهی که بکمان افسری فوج ایطالی گذاشته شده بود استعفانوه وجانشینش جرنیل گیرگوزی نامه وار وعهده بردار گردید (اللهم اید مجاهدین الاسلام بنصرتک)

تلفات وخسارات فوج بلغاریه

زمیندار

تلفات وخسارات فوج خودرا بلغاریه ازقرار اعلان سوفیه چنین اظهار نموده اظهار میدارد که سی هزار وچهل ویک نفر هلاک وبخاک وسه هزار و پنجصد نفر مجروح وسه هزار و یکصد و نود نفر مفقودالخبر شده اند لیکن اعلان مذکور محض غلط می نماید زیرا درهیچ محاربه نیست که ازدوازده هزار کم تلفات فوجی بلغاریه نشده باشد چنانچه درمعرکه اخیر پرشتو وجرح دوازده هزار نفری فوجی خود اظهار میکند وزیرا کراخبارهای معتبر قضایکه در جمیع محاربات برای او واقع شده زیاده ازسه لک نفر میباشد

اتحاد سروی ویونان برخلاف بلغاریه وباعث ونتیجهٔ آن

یونان وسرویه دیده میشود که مخالفت بلغاریه نموده اند که اگر بلغاریه ازحدود خود اندک طغیان کند ویخواهد تجاوز نماید درمدافع آن معاونت همدیگر محاربه کنند ویونان از راه بحرعسکر خود قریب سالونیکا رسیده بلغاریه جزع آوری افواج خودرا جمع جهیز باحتیاج آن نموده چنین برای حرب آماده وتیار میباشند واگر روس بتعجیل این اختلافات رادفع واین نزاعات رارفع نموده الیه حرب شدید فیمابین الطرفین بلقان واقع خواهدشد — وباعث این نزاعات واختلافات قبول نداشتن بعضی شرائط وعهدنامه ایست که سروی برصلحنامه است زیرا سروی میخواهد که بلغاریه کلیه برساحل بحرادریاتیک واجازه سرک ریل که به البانیه الحاق شود رای اورده شود واز آمدن یونان برسالونیک وخیال قابض شدنش برحصه جنوبی البانیا وبعضی جزایر بحرایجی ایطالی بزمانوش شده وکمی خواهد که مانده بلغاریه که سالونیکا درتحت تصرف یونان باشد ودول معظمه نیزاراده دارند که سالونیکارا درتحت تصرف اتحادیین نگذارند ومیخواهند که بندر مذکور را فیالحال یک حکومت بلاءمداخلت غیر ومستقل نمایند وبازرای اینده درتجارت آن خود دول معظمه مداخلت ننمایند ودرتحت تصرف خودها بیاورند واگر سروی راانکار وتسخط کردن صلح نامه میرسد الیه برسالونیکا یک آتش حرب شدید خواهدداشت که واقع خواهدشد وبناءً علیه بلغاریه از دول معظمه درخواست نموده که صلحنامه را جبراً برسروی تسخط کنند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 702 of 1786

غارهٔ بلغاریه و یونان

سالونیکا بتاریخ ۲۲ می ...

درهنگام واقعهٔ وقت شام جنگ موقوف شد وعلی الصباح وقت پیشین بتاریخ ۲۳ ماه حال بقام سالنک دو کمپنی بلغاری بریك کمپنی یونانی حمله نمودند لیکن مغلوب شدند ودرین غارات جدید تاحال دوصد وچهل نفر یونان مقتول ومجروح شده اند

(خدائری رانگیرد که خیرما دران باشد)

قرار داد ومعاهدهٔ ترکی ورومانیه

(تائمز) لندن — خلاصهٔ قرار دادی را که فیابین عثمانی ورومانیه شده شایع نموده اگرصحیح باشد ظاهر وباهر است که درتجارت بصره وخلیج فارس برای رومانیه کامیابی واضح واقع شده زیرا ترکی قرارداد نموده که درمعاملات وحرکات داخل کویت هیچ مداخلت نخواهد کرد ودرشته وحکومت آن برطانیه تعلق خواهد داشت ودرحکومت جزیره تسای الظر ومسقط نیزسلطان المعظم دست درازی نخواهد کرد وسررشتهٔ تلگراف بغداد الی بصره نیز درتحت مناظره یك افسر برطانوی خواهد بود وازهمه برتر وبهتر طرفینی نمودن شط العرب برای برطانیه درتجارت خلیج فارس وبس مرا یکی ساق نموده وبلا مراحمت ومداخلت دردریاهای جنوبی عراق عربی هیچ جهازات را نمی تواند وازین معاهده ترکی سزاوار عرض دجله خواهد گردید .

شرائط وفرایض انجمن حمیدیه کعبه

۱ — حرمت وعزت حرم محترم رانگاه داشتن وخدمت مرکزیه ازما بجا آوردن وحافظت آن ازشر کفار

۲ — برای حاصل نمودن این مقصد تدابیر ودستور العمل ذیل را ملحوظ نظر کرده معمول باید داشت

(الف) لازمگ جانفشانان کعبهٔ وجانبان توحید ازصدق دل درخدمت کعبهٔ صرف جان ومالرا دریغ نمایند

(ب) اجرای تبلیغات اسلامی را درهر مقام بودن ودرهر حصه زمین برای اشاعت کلمهٔ توحید وتلقین دین متین حضرت سیدالمرسلین صلی الله علیه والهوسلم فرستادن وتعزیز نمودن وبلط

(ج) درهرجا مدرسه های اسلامی ودینیرا قایم نمودن وقیم خانهای اولادیتیم اسلامیرا برداشتن

(د) ترغیب وتشویق دادن مسلمانانرا برای تحریت بیت الله شریف وآسان وسهل نمودن ذرایع وصول ورفت وآمد مبارکین راه سعی وکوشش

(ه) جمیع نفوس عالم اسلامی مردیزن خواه غریب یا دولتمند باشند کی این انجمن تشکیل توانند وآنهارا خادم کعبه گفته میشود

(و) ازهرخادم وقت داخل شدن درانجمن عهد وحلف گرفته می شود تافرایض انجمن وشرایط ذیرا ازصدق بدرستی اجرا نمایند

(ز) اشخاص ودولتیکه ازجمله خدام کعبه برای خدمت گذاری انجمن زنده کی خودرا وقف نمایند آنهارا شیدایان کعبه گفته میشود وازینها بزیرك حلف حاصل کرده میشود وشیدایان کعبه تابکمدت محدود اگرخواهش شان باشد خدمت کرده می توانند وناخروقتکه باشند خرج وظیفه عیالداری شان بزمه خدام کعبه فرض وواجب الادا است .

(ح) برای خدام کعبه لازماست که نشانیرا که بران نام خدام کعبه نقش شده وزرد میباشد برجامه خود جسپانیده باشند ورای شیدایان کعبه عبای سبزی مع نشان که بران نام شیدایان کعبه تحریر یافته لازمگ همواره بپوشند فقط

(نقل ازاخبار تحریره مورخهٔ ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ می)

(نقل وحرکت قوحی بلغاریه بسوی مغرب)

مدت دوهفته قبلیرین افواج بلغاریه مع جمیع ما یحتاج حرب از ۸ می الی ۱۲ می بسوی غرب بسیار تعجیل ازسرحد مقدونیه عبور ومرور نمودند واز گفتگوی سپاهیان چنان معلوم میشد که بسوی یونان حرکت دارند

(دلیرین یونان تاان جنگ رازترکی مطالبه مینمایند)

دلیرین یونان تصالحت روس مداخلت و بمرکز رومیه درعوض عزم حربی خود ازترکی مطالبه مینمایند ودول معظمه نیز مطابق خیال روس میکویند کهلازم چیزی توان جنگ هرازترکی کرفته شود واین سخن برای اسلاق وی روای دول معظمه دلالت میکند زیرا بدون این ترکی بسیار ظالم شده واین امر نابجاز واستحصال بالجمله است که هرسوجانب چیزی ویازتخت تصرفی خارج شوند وهرجا توان حرب بزمه ورفیقانش انداخته شود اگرچه مبلغ قلیل باشد وتاحال دوارب وبیست وپنج کرور روپیه ترکیقروض شده وهنوز

(دیناز کشته میخواهد مرد تشنه فاشها)

(سفر بذریعهٔ موتر ازپیرٔ تاکشکنه)

ازکشکنه خبر رسیده که یك انگریز بسیار شکاری مشهور بذریعه موتر ازپیرٔ تاکشکنه که بعد ومسافه ۱۸۳۹ میل است درعرصهٔ ۶۵ ساعت و ۲۵ دقیقه طی وقطع نموده

(اخراجات پل سارا گهسان)

درمقام سارا گهات بردریای کنگ پل پل ومعبر جدید مسی بنام علی مذکور بصرف مبلغ سه کرور و نورو سه هزار روپیه تحکمیل یافته

(خبر کاسف از جامع سلیم)

درادرنه یك مسجد عظیم الشان که درعصر اعلیحضرت سلطان سلیم ساخته شده بود ویك جامع مبارك ویك آثار عتیق بود وبنام جامع سلیم معروف ودیگرچه حنبدلی گشت . فاعتبروا .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 703 of 1786

(یك خیریهٔ از امداد مسجد واقع سیت بیژن رک)

حاجی زین العابدین که یك مسلمان باحث ویك وجود پارك است ودر خیرات مدنی از نام طائی کوی شهرت ربوده مبلغ بیست وهشت هزار روپیه برای صرف بنای مسجد ما جدیدیکه مسلمانان سیت بیژن رک بنا نموده اند عنایت ومرحمت فرموده

(تولد پسری بعد از گذشتن ۱۵ سنه در رحم مادر)

درصانع رنگپور زن حامله بعد از انقضای ۱۲ سنه حمل اولینسری بوجود آمده که جمع اعضایش یعنی دست وپا وگوش هایش مطابق قاعده دو دو بودند ولی چشم هایش شش بود ودیده از یکروز زیست ومردم از تطویل این قدر مدت حمل وشش بودن چشمهایش درحیرت بودند وقابلین واقعه درصانع پسه زن یکملاح جاریسر پیهم ومتعاقب زائیده بود لکن بعد اندك مدت هرچهار پسر بی رحم لقمه اجل گردیدند .

طغیان یك شهر غرق شده در یونان

یکوزارت بحریه یونان چنین بیان میکند — که لفتنن بکر یونوس وزیر بحر برای بجا آوردن فرض منصبی خود بجانب مشرق جزیره لیونوس در زیر بحراز ۵ کیلومتراق ۲۵ کیلومتر یك آثار عهد عتیق بنظرش در خورده که آن یك شهر تباه شده مستغرق بود ودو را دور وحیطش قریب سه میل معلوم می شد ووزیر مذکور در تحقیقات آن بسیار بامتجیل و کوشش احکام باری وصادر نموده —

ملاقات پور پاشا با شکری پاشا

شکری پاشا در صوفیه اظهار خواهش ملاقات پور پاشارا نمود که در تومر گذشته گرفتار شده بود وپور پاشا را اجازهٔ ملاقات شکری پاشا حاصل شد وملاقات این دو سپه سالار قومی نهایت دلکشاز بود ابتداءً یکدیگر معانقه نموده هر دو زار زار بر حال ومصایب وطن عزیز خود میگریستند وشکر حضرتعالی را بجا آورده خاتمهٔ کلام نموده ودر انجمام ملاقات از درگاه عجیب الدعوات مدد ویاوری اهالی وطن خود را در خواست نمودند (یارب دعای خسته دلانرا قبول کن)

[آیا هنوز هم مسلمانان ازین چیزها عبرت خواهند گرفت ؟

سراج الاخبار افغانیه]

در اداره از اخبارات مذکوره ترجمه شد (عبد الرحمن)

مرحوم احمد مدحت افندی

سبحان الله ! این مدبر ومحرر ما جریدهٔ مرد افغانی ، احمد مدحت افندی یك ترك عثمانی ! از غرب تا شرق یك مباحث ، از زبان ترکی تا زبان افغانی یك مباحث ! تا امروز ندیده ام اورا ، نه او شخص مرا شناخته نه من شخص اورا ؛ پس چه شد که از شنیدن خبر وفات او که در استانبول بوقوع آمد ، سرتاپا وجود مرا در کابل بلرزه انداخت ؛ اصلاً باهم اقربا بودیم ؟ نی ؛ شخصاً باهم آشنا بودیم ؟ نی ! آیا چه بود که خبر فراق ابدی آن ادیب وحکیم محترم مرا اینگونه حسرت واغم نمود ؟ اگر رساله فوائد الساله (شهباله) تصور آن ادیب حکمت قالدرا بی نشان نمیداد ، شکل وشمایل سیمای آن محترم نیز نمیاید درنظرم مجهول میماند ، حضرت مولانا جامی علیه الرحمه میفرماید :

تاتهیا عشق از دیدار خیزد بیتاکین دولت از گفتار خیزد

بلی ! مرا گفتار آن حکمت پژوه مفتون و مجذوب خود ساخته بود ، نی نی ، بلکه ازیادیه یخبری بشهراه باخبری آثار قلمیهٔ او ارشاد ورهبرم نموده بود .

سن یازده ، شانزده بودم که غیر بعضی کتابهای نثر نظم ادبی واخلاقی مروجهٔ فارسی حلقت خودرا هیچ چیزی نخوانده بودم ، در بضاعت زبان ترکی را بدرجهٔ که عبارت خوانی بتوانم آموختم ، ولی از علوم وفنون ادبیه وحکمیهٔ که آنزبان به آن مشحون است بیخبر بودم ، غیر از بعضی کتابهای قرائت وحکایت دیگر آنکه فی ، ادبی حکمی آنزبان دامن سخن نگفت ، در استانبول (خواجهٔ اول) نامیك آثری بدستم آمد ، بمجردیکه باز کردم عزوفی دامن بمحض زدن آغاز نهاد ، هرچند که گفت فهمیدم ، هرچند که خواندم هوسم افزونی گرفت ، اول نام (احمد مدحت) را بزاز زبان خواجهٔ اول خود شنیدم ، زیرا صاحب آن اثر او بود ، پس رای من دیگر کاری نماند : یك (طبراق) (۱) سیاحی بگردن آویخته ، و از (چهل محزن) (۲) انوار وزاد وذخیره دران اندوخته ، (سودای سی وحل) (۳) ماشه (حسن ملاح (٤) در اوروپا یك جولان) (٥) نمودم ، (در اوروپا ده رجولان) (٦) را ملاقی شدم ، سراپه دور وسیر (کائنات) (۷) صورت بسیار (مفصل) (۸) رهبری نمود .

(۱) (طغارمق) بالخصوص علی وادی ومکمی" اهدمدت افتدیست که زمرهٔ (طغارمق) درفارسی یعنی" طوره بطراق می آید - (۲) (قرقلار) نام مجموعهٔ چون گنجینهٔ جواهر حکیم مشارالیه است که معنی" (چهل محزن) را دارد بگیرد - (۳) (سودای سی وحل) نیز یك رساله اقتصادی مشارالیه است - (٤) (حسن ملاح) یك اول بسیار شرین ودلچسپی است که خود حکیم مشارالیه آنرا تصور وتصنیف نموده - (٥) (اوروپا ده رجولان) یعنی دراوروپا یك جولان نمودن مباحثهٔ صمیم مشارالیه است که در سنهٔ ۱۲۷۰ بعد صرفی از طرف دولت علیهٔ بنابه بعضی کمپانی هیئت ممثلهٔ جشم (استوکهولم) سوئدن ذکری رفته وهمهٔ اوروپا را بیاعث گردیده وهمه مشهودات علمی وفنی" خودرا درقید تحریر آورده است - (۹) (اوروپانه برترك) نام کتاب بیادطلی وحکمی است که خودحکیم مشارالیه مصور وهرر آنست - (۷) (کائنات) در دوازده جلد تاریخ عمومی" اوروپا بیست از کائنات مشارالیه میباشد - [۸] جمع کلمهٔ تاریخ فرانسوی معنی" آیینه کردهٔ شناسنده کار آثار بسیار یا حکمت ومعرفت شناسنده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 704 of 1786

واخلاص (تاز) (۹) وکاهی را ترک کرده در (زراع عمر دون) (۱۰) (درانده) (۱۱) هب نبوده. تا آنکه به (جناز صدق ثبوت محدود) (۱۲) قلب و روح و حواس منور، وفیوضات مادی ومعنوی او رهبر گردید.

احمد مدحت افندی بلاوجود مبارک چندگه به آثار وآثارات برگزیده ومشهورهٔ خود جملت و وطن و دولت خود خدمات لایعد ولایحصی رسانیده است. قریب صد جلد کتاب انگلیز این وفسوی دانشمند براسته است کما یحقی ازانها را که خودما خوانده وازان استفاده کرده‌ایم ذکر نمودیم. در هر شعبهٔ هرفن آثار نفیسه دارد است. وهریکه گوشه معقول ومقبول چیدهاست. وچنان یک‌شیوهٔ تحریر، واصول تقریری داشت که هر کس بسیار آسانی از آثارش استفاده میتوانست.

(شهاب) نام رسالهٔ مصوره هوائیه ماکه در خصوص ترجمهٔ حال حکیم مرحوم انتشار چنین مینویسد:

«حزب‌های عالم وکلیه، مانند حزب های نظامی ومالیه‌ست که چون یکبار در خاک مدفون شود باز امید بیرون بر اوردن آن نباشد.

بز مرحوم احمد مدحت افندی که

ای نی، بلکه خزاین علم ومعرفت چون یکبار در خاک پنهان شد ازطرف انسانیا نباید بیرون اوردن محکوم میکرد. چقدر شایان افسوس است که مقادیر وقیمت حزینه های خود مارا اکثر بعدازدفن شدن آن میشناسیم. این است که احمد مدحت

[۹] [تشکله] یعنی تشکیل نمودن رساله تألیف متداوله است. [۱۰] [زراع عمر دون] یعنی کشاورزی عامیانه متداوله است. [درانده] نام یک حکیم امریکائی دون را بانظر مناقی ومدارع ثابت ساخته. وحکیم مذکور این تعبیرش قول او را درمعانی چون دون عمر، دون تعمیر، ودلالان مکتبی وفن قول خود درآورد و عمر دون را باین معنی استعمال تعلیل داده است. (۱۱) [درانده] درینه حکیم تألیف متداوله است که دررد نصاری بیان وتحریر اوان هیچ کتابی تألیف نکرده است. (۱۲) [جناز صدق ثبوت محمد] اثباتات بسیارعدهٔ حکیم متداوله است که ممکن بیون محمد صلی الله علیه وسلم چنان دلائل وحکمی وعقلی بیوند نمودن ثابت ساخته که اگر انسان بدان اعتماد کند بیاورد.

احمد مدحت افندی بزمجموعهٔ رودوس می‌شود. درسنهٔ ۱۲۹۳ مابرعهو بادشاهی‌ده‌پس باستانبول آمده پدری اخبار عمومی وقایع وسطوره باسم «مبوره» گردیده. در سنهٔ ۱۳۰۰ سر کاتب مجلس قرار یافته. ودرسنه ۱۳۱۲ رئیس آن مجلس شده است. بعد ازاعلان مشروطیت سنه ثلثین گردیده‌دولی درخلال الثنون ثلثان بعلتی تاریخ عمومی‌دوام ورزیده است. واعمال ارتجالیه داخلا نبوده است. رحمة الله علیه. مادشا گردی معنوی این حکیم ذی فنون افتخار میورزیم، وبر روان پاکش از صمیم دل دعوتها عرض میکنیم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 705 of 1786

شهزاده خلیل الله خان

(فرزند نجیب شهزادهٔ جوانبخت معظم مهین السلطنه سردار اعظم بایسنغر میرزا)
(مدیر و محرر سراج الاخبار افغانیه، مجرد طرزی با آقتا ساحق شان)
(باکتاب کوشش میورزد .)

مقالات فنیه

(۱۵)

زمه ولوژی

یعنی

در ضدات الارض

(تابعه از شماره (۱۸) سال دوم)

بلی حرارت همچین است ! ولی در راه تبدلات ، و اقترانات سطح ارض بزار اخلاق غریب بی خدمتهای نمایان بعمل میآید و در بارهٔ اعلای خدمات حرارت را الآیهای عظیم متحرکه نشان میدهد . مثلاً در بعضی کتب قدیمه دیده میشود که در همان موضع همچین یک تالاب وسیع عمیق بود . ولی در عرف همان موسم را یک صحرا و بیابان میبابم که اگرچه از قرار دقت علامات تالاب از انجا معلوم میشود ولیکه از تالاب اثری و نه از آبش ذرهٔ میبابم . پس معلوم شد که آن تالاب خشکیده است .

حرارت اجرای عملیاتش را آهسته و بمانی اجرا میکند که اصلا محسوس نمیشود . اما در یک مدت غیر محدودی دیده میشود که یک کوتاب بسیار کبیرها مانند بیابان بی آب خشک گردیده .

باقی دارد

فاجعه های پاریس

(تابعه از شماره (۱۸) سال دوم)

— (بابک تبسم معنیدارانه) معامله ازحوابکردن راحت نیزاکه نیاوردید پرلوان (لوزمف) ؟

— بلی خواب نبوده موسیو فوقوت ، تهادرین کوشه یکقدری چرت میزدم .

— شما راحت کنید ، من رفته موسیو (روبه رو) را خاطر جمع میکنم .

این آدم که (هانریه ت) اورا (روبر) وخدمتکار اورا (موسیو فوقوت) خطاب کرده درطرف چپ صالون توجه کرده ویکدروازه دوبلی را باز کرده ازیک رهرو کوچک ومنزی داخل اوتاق گردید که زمین آن بالتیانیکه ازطرف پادشاه فرانس همسیو دوبیر و تحفه گونا عطا شده بود مفروش بود . وسقف آن بفلو (استاتی دوسونور) نام استادیکه ازمشاهیر نقاشانست ترئین شده بود ازین خانه درگذشته بیک صالون کوچکی که لامپه بزرگی روشن وبالک آتش مکملی بخاری آن گرم شده بود داخل گردید . درکنار بخاری یک اراکو چوکی بسیار درازی یک پیرمرد باهیبت ووقاری که دریک لباس شب طلبی سرخ ملبس بود دراز افتاده بود .

صبای شدید لابه که ازبرکلاه بزرگ خیره کن پرهای پیرمرد مذکور افتاده بود موهای چون ابریشم سفید سرتاپای وچهرهٔ رنگ پژمردهٔ خیلی مهیوانی را باوجود سفید بسیار درازش را بنظر جلوه گر مینمود . نهایتهای آن تیره رنگ و بازوهایش که سیاه مانده بود باچهره‌اش که سراسر سفید بود یک ضدیت عریانی تشکیل میداد .

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 706 of 1786

ادبیات

وصف حضرت شاعر مستغنی

بجریدهٔ سراج‌الأخبار افغانیه درج بکنید رجا میکنم

مرحبا حضرت سالار سخن مستغنی
مرحبا بلبل گلزار وطن مستغنی
در جهان چون تو شناسای سخن نیست کم
نتوان وصف تو کردن بسخن مستغنی
چه مقال و مطمع تو بود در گفتار
شاد باش از اثر طبع حسن مستغنی
هست در دولت افغان چه ادیب کامل
کیست آن کیست بگویم بتو من مستغنی
وصفت ای اعظم اعظم نتوانم که کنم
ای سخنهای خوشت در عدن مستغنی
آب از شرم سخنهای تکویت گوهر
طبع رنگین تو شد رشک چمن مستغنی
طوطی چون تو ندارد شکرستان سخن
کی شود مثل تو این زاغ و زغن مستغنی
ای تو پیدای زمن از اثر طبع بلند
همزمان تو نباشد بزمن مستغنی
من عاجز نتوانم که کنم وصف خوشت
گر شود سوده چو کلکم همه تن مستغنی
نتوان وصف تو کردن زبانی که مراست
چون زبان تو ندارم بدهن مستغنی
سیزده سال بود عمر من امروز بچین
سیزده ساله چه‌دو حرف زدن مستغنی
السلام ای سرو سالار سخن مستغنی
مرحبا بلبل گلزار وطن مستغنی

اسلامبول در یک از یکی عبدالوراث‌الدین افغانی این شریف ولی محمد افغان

نامورانِ جهان

(ما بعد از شمارهٔ (۱۸) سال دوم)

آروی بنت عبدالمطلب :- خالهٔ حضرت محمد صلی الله علیه وسلم ، و دختر جدشان حضرت عبدالمطلب است که صاحبهٔ طبیعت شعریه یک خانون بافضیلت عرب‌است . این چند شعر ذیل از مرثیه ایست که در حق پدر خود نظم و انشاء کرده‌اند :

بکت عینی و حق لها بکاها — علی سمح سجیته الحیاء
علی سهل الخلیقة اطلس — کریم الخیم یأبه الصلاء

ایبک ان یئس لن کفاه — اذا کان عرفه ضیاء
ناطهر الشیم و الثناء — قدیم المجد لیس له خفاء
و وطئها لنا الاقصی الفضاء — و یا ساجین مسکب الماء
کأن قلوب اکثر هم هواء — علیه حین یحضره البهاء

باقی دارد

علم ثروت ملل

(ما بعد از شمارهٔ (۱۸) سال دوم)

خدمت سرمایه در بدست آوردن ثروت انکری‌این‌است که اجزای اصلیه را - یعنی مصالح هائیکه در اصل انشای کار آمدی کهدر صنایع بکار آید ، مانند بنای کار خانه ها ، و آلات وادوات ماشینها وغیره را تدارک کند ، وصدمات کذران ومعیشت عمله و کارپکران کرده که اصل خدمت سرمایه ومقصد ومعدا از همین است . ولی آن پیسه که در راه خوراک ، وپوشاک وفرش وبیکر کونه زینتهای خانه ها صرف وخرج شود ، ورای بدست آوردن ثروت انکری خرج نشود آن پیسه سرمایه شمرده نمیشود . وپیسه هایی که عموم اهالی ، وصنعت کاران ر معیشت و کذران خود شان خرج کنند نیز سرمایه کفته نمیشود .

مثلاً علیه اکر سر از نو برای حاصل کردن دیکر ثروت استعمال شود وا ثروت رای آن مقصد حفظ شود سرمایه‌است ، واکر برای حوایج ضروریه صرف کردد سرمایه نیست .

سرمایه بر دو قسم تقسیم میشود : یکی (سرمایهٔ ثابت) دوم (سرمایهٔ متداول) است . سرمایهٔ متداول انست که هرانقدر رای حاصل کردن ثروت صرف کرده از حال سرمایه کی بیرون میرانند ، یعنی باز بقلم سرمایه درهمان کار استعمال نمیشود کهٔ مواد اصلیه ازین قبیل است . مثلاً چرم که برای ساختن بوت بقلم سرمایه میباشد ، چون یکبار بر بوت صرف شود باز برای بوت ساختن صرف نمیشود . وآهن که برای ساختن سان سرمایه میباشد چون یکبار بر سان سازی صرف کردد دو باره برسان سازی صرف نمیشود .

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر نخرید پذیرفته

محمود طرزی

در جهاب خانهٔ حروف دار السلطنه کابل طبع کردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 707 of 1786

اعلان

از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیرا مژده میدهیم ، و ترغیب مینمائیم که ازین گنجینهٔ راز جواهر آبدار ، و ازین گلزار پرازار هر یک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، و از هر چمن سمنی بچینند .

نزد

که بنده بعدهٔ هر عربان قیمت شیرازهٔ جواهت معظم حضرت صیانالسلطنه سردار عنایتالله خانست زیور طبع آراسته گردیده ، و در نفیس مطبعهٔ دارگاه مذکوره که مزین اتقانان واقعست بقیمت ۲ دوروپیه کابلی از تمه عبدالرؤف سرمحرر مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند همکتاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی نیز بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 708 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج الاخبار افغانیه) نمبر این اخباریست که در ممالک روس و ترک افغانستان بنام" هموطنان عزیز روی" اعلیحضرت پادشاه مقدس میزان طالع در دارالسلطنهٔ مخروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد و مسلک این نامهٔ گرامی بیداری و آگاهی اهل وطن مقدس ماست راجع باوضاع داخل و خارج . وجوه بسوی حرفه . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . نبی یک اخبار فواید تاریست که در صفحه های محدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار بگاه انتشار وطن عزیز مقدس شان تمرده میشود میباید که یک توجه خاص وطن خود مقابلاً باخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره ارباب اشتراک محترمین گرامی نهایتدرجه ارزانی و آسانی را مرعیداشته . و برای حوزهٔ مضامین مندرجه وسعتی کافیه وحسن طبع ودرج تصاویر هما کارهای بسیاری بکار برده . وتجارت را اکثر منظور داشته است درسوقت درماه دو بار یعنی در غره و پانزدهم هرماه نشر میشود امیدست که در آینده هفت وار بشود . و آنرا به همت دانشوران معزز هموطن متوقع است زیرا عواقب در که تصدق متشکرین گرام . و رغبت خوانندگان عظام بیفزاید . الناء در ترقی اوزیر مواعد فرود . قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۴ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . در ممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپ یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما در خارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار دائمهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درهرات جناب ماجی غلام نبی خان مامور فروش پوست قره قل . دولت گرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی انتشار اخبار مارا داشته باشند بر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله بالتشاهٔ اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما به اداره اطلاع رسد از عاوقت اخبار ما بسان آدرس وعنوان که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کابلی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 709 of 1786

شماره ۲۰ سال دوم

فهرست مندرجات

صنایع | صنایع افغانستان — ساختن خانه — مکافات — ترفیع منصب — نظر فرمان مبارک ملوکی

حوادث داخله | مکتوب — تشکر نامه

حوادث خارجه | خوشحالی مردم افغان — ترجمهٔ اخبارات اروپا و انگلیزی — اتحاد بونان و بلغاریا — حالت اروپ عمومی است — تکذیب یک خبر — در بصرهٔ آرامیست — بلغاریا و سالونیکا — بلغاریا و یونان — تقرر وزیر فرانسه — اتحاد بر خلاف بلغاریا — قبح ارادهٔ بلغاریا — کشتی بحیرهٔ ادریاتیک — اکتوبر ۲۹ می — فرانسه و روم — قشون بلغاریا در ادریاتیک — جهاز جدید — خبریک تجارهٔ عمدهٔ عاقدین طرابلس بر عسکر ایطالی — ترکی کنون جنگ را نخواهد داد — حالت موجوده ایطالی در طرابلس — حالت حبشه و آیندهٔ خلیج فارس — حالات متحدین فی بین خود شان — ورود صلح و امید مغرب — اتفاق آرای ترکی و بلغاریا در یکقطره معاهده — امتداد و امتناع تجارت الیون هندی و احتراز از حدوث آن در چین — لندن ۲۷ می — یونان و اتحاد ثلاثه — تجارت و محصول سرحدی افغانستان متعلق سرحدچی و قندهار — بعد ازین بلغاریه در جمیع واقعات معاونت ترکی را خواهد کرد — ایجاد جدید و اختراع عجیب یعنی توپ کاغذی — الزام جاسوسی زیاد افسر جاپان — لندن ۲۸ می صحت شهنشاه جاپان — پیغام دختر شهزاده مصطفی پاشا .

مقالهٔ مخصوصه | خواب در تاریکی

مقالات فنیه | ما بعد از شمارهٔ ۱۹ — فن زه ثوزای — بعض طبقات الارض

ادبیات | غزل میرزا شیراحمد خلص

کامورانِ زبان جهان

علم ثروت ملل

قاعده های پارس

تصاویر | دریای یفتان از منظرهای نصیبهٔ کابل — بلند نوحهٔ عبرت آمیز گماشتهٔ بلغاری عسکر را برضد هلال واقعاتی سلیب تشویق میکند — پل گذر که ورموار راغ یاد بادشاه در مدخل چهاردهی کابل .

مسابقهٔ فوتوگرافی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 710 of 1786

سیاحت پیرامون کرهٔ زمین

بهشتاد روز

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرین است که هر افسانه میتواند ، و هر هر می آموزاند در مکان ملا غلامحمد تاجر کتاب متصل مدرسهٔ شاهی اینجی جای قیمت (۲) دو روپیه کابلی بفروش میرسد کتاب مذکور در تمامی حصه افغانستان و هندوستان از بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیاچه باید کرد ؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو کنندگان خریداری کرده میتوانند

قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وگورمکی — بیاضها
وغیره برای تعلیم اطفال بفروش میرسد . اللهم
(بانگرهن داری سرمدوی ، دیهٔ اهل هندو نمبر ۲)
مدنظر دارالکتاب

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که حال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا بوسیلهٔ سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر قسم اعلان وانتشار که باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمحل اعلان از یکبار گیه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۱/۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار گیه پنج بار فی سطریک قران یعنی ۱/۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۱ نیم اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 711 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۲۰)

مدیر و مسئول محرر

محمود طرزی

ادارهٔ جریده و مطبعه

در مقابل دار السلطنهٔ کابل

هر امورات تحریریه جریده متعلقه

بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابل

در اطراف داخله مملکت

با محصول داک ۱۰ روپیه کابل

در خارج مملکت

با محصول داک ۱۰ روپیه انگلیزی

هر دو هفته روز یکبار نشر میشود

قیمت یکنسخه آن ۵ شاهی یکعباسی است

تاریخ هجری یکم شعبان سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۶ جولای تاریخ شمسی ۱۵ سرطان ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله و خارجه و سی مقالات مفیده درج میشود

(در بنی پغمان)

از منظره های لطیفهٔ کابل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 712 of 1786

صانع

یکی از اسماء حسنای جلیلهٔ خالق یکتا بیهمتا جل‌جلاله اسم جلیل (صانع) است . یا کیست آن صانع قدیم حکیمرا که بحکمت بالغهٔ جلیل در ماشین خوش کارگاه ماشین خانهٔ کائنات عدد نهایت‌را بچه گونه حسن خلقت وچه درجه اتقان صنعت تخلیق وتکوین فرموده ! عظمت وتوانائیست آن خالق بدیع السموات والارض‌را که اینهمه اجرام لایعد ولایحصی‌را در جوفضای بی‌انتها برجریان دوار عظیمه وحرکهای جسیمه برمحورهای بدیعهٔ شان بدور وسیر سریع السیری درآورده که عقلها درپیش آن دور وسرعت وابعاد وعظمت سر گردان بادیهٔ حیرت میماند !

در کائنات نظر میکنم هیچ چیز را خامل ویکار نمی‌بینم آنها در گردش آفتاب دور تابش ، ابر در بارش ، زمین در روش ، جویبار در روان ، بحر در موج افشانی ، کوه در سکوت عظمتی ، انسان در سر گردان !

کائنات یک ماشین غیر محدودیست که صنع صانع قدیم علیم موجد حقیق وطبیعت نام مخلوق بدیع حضرت سمیع حکیم رحیمی والجبری آن مأمور است . یک کار گاهی از کارگاههای عدد بیشمار این ماشین خانه بدایع آثار (مانچستر) است که خود شمه شمیره نادر یک انجن بخار آنست ، وسیارات دور کنندهٔ اطراف آن هر کدام یکیک دائرهٔ عظیمهٔ ماشینیست که از ابتدای ایجادش بجان بلکه بجاهد ازدور وحرکت بازپس مانده است . از جملهٔ آن دوایر ماشینها یکی ماشینخانهٔ سیارهٔ کرهٔ (زمین) است که مهندسی این ماشین ، واعمار این زمین دلنشین‌را حضرت مدبر اعظم واقدس کائنات طبیعتاً برعهدهٔ توجه‌ترفیع انسان که اورا مظهر اسم جلیل صانعیت ذات اقدسش گردانیده حواله فرموده است .

چنانچه آفتاب جهانتاب بشعاعات زرین طناب خویش ربانها مرکزی خود در انوار حیات میناید و خدمت دیگ بخار انجن (مانچستر) را انجا میآرد ، همچنان صانع ماشینخانهٔ صناع بشر کرهٔ زمین را بحیا ، وخدمت آبادی ورزنده گی کرهٔ مذکور فرخنده کی حاز انجا مینماید .

صانع جنان یک جوهر نامیهٔ درخشندهٔ پرضیائیست که جهان ومکان وزمان را منور میسازد . وچنان قوت عظیمهٔ ثمریه ایست که بسی قوای طبیعیهٔ جسیمه را مطیع ومنقاد مینماید . اگر موجد واجب الوجود جل وعلا محفظهٔ ماشین صناع انسان ضعیف الجثه را بفکر ایجاد صانع مظهر عواطف ذات الوهیت خود نفرمود ، آیا این شش هفت سوت کوچك او با ناخن های یک انچه ودو انچه تیز ویک ، و با دندانهای گرگ ، و کفتار ، و با شاخهای گاو دشتی ، و گرگن وباخر طوم بقوت موصوم فیل چه میتوانست بکند ؟ آیا با موجهای کوه نمای بحرها ، با بعد های مسافه نحراها وقطعه‌های واسعهٔ ازهم جدا بجز تحیر تکی چه کاری از پیش برده میتوانست ؟ علی الخصوص از شر کین وحرص وطمع وبغض وعداوت همنسان خود که هشترین ملاکتها ومصیبتهای بشریت خودرا بچه چیز مدافعه میکرد ؟

بلی ، بلی ! فکر ایجاد ، وقوت صنع حضرت صانع سمیع علیم جل جلاله انسانرا عطا فرموده آن اسلوب یکانهٔ زنده گانی اش ساخته ، وبه آن قوت مسکن او را که کرهٔ ارض است آباد ساخته ، وبر جمیع حیوانات مسلط وحاکم نموده ، وبر وبحر را به او مطیع ومنقاد ساخته !

صانع جمع صنعت است وصنعت پیشه وریست ، انسانها وملکهایی که از صانع محروم مانده اند ، مانند زمینهائیست که از تابش آفتاب محروم است ، وهیچ نشو ونمای درو نیست ، انسانها وملکهایی که صانع وفکر ایجاد واختراع را مالك شده مستغرق بنور وحیات است ، متعدد به تمایل مدنیت صالحه ، مستفید از همه جهات است ، مستزیض از جمیع نعمات است .

ذات اقدس ذو الجلال بی زوال ، نعمت عظیمهٔ صنایع را برهمه افراد بی نوع انسان بصورت مبذول ورایگان عطا واحسان فرموده ، حتی مردم بدوی ووحشی را نیز سراسر این نعمت محروم نگذاشته ، زیرا حرمان ازان حرمان از حیاتست ، از یک کاسهٔ گل تا آن آب بنوشد ، یا یک خیمه وخرقهٔ که به آن مدافعهٔ حر وبرد را نماید ، یک خنجر وقلاچی که آنرا برای سد رمق وحفظ جان استعمال کند هیچ قومی از اقوام بشر محروم نیست .

اما آن قسم نوع بشر که بمبتذلترین صنایع اکتفا ورزیده مزید افزون صنایع نگردیده اند آنها از مظهر شدن به اسم جلیل صانع چشم پوشی والا ورزیده محروم تمنای ذیروان خالق اکوان گردیده اند ، ودر کرهٔ نیلی و کاهی مانده از حیات انسانی ، وحسن معیشت وزندگانی ، ومصنوعات بی پایان آنهی هیچ استفادهٔ نکرده اند ، حتی به اظهار بدایع وصنایعی که در زیر اسم جلیل صانع مضمر ومستتر است نیز هیچ خدمتی ابراز نموده اند .

بیاد دارم : که فوتوگرافی در سنه ۱۳۱۳ در بازارهای شهر دمشق شام تو رونق افروز سامعه نوازی شده بود ، در آنوقت ماشینهای کوچك فوتوگرافی گاوانه‌ای رایج داشت ، وشنونده آنرا در گوش میگرفت وصوت راشنید بازار آمده بود یکی از این فوتوگرافها را بادو سوزنی که یکی برای گرفتن صدا ویکی برای شنوانیدن صدا داشت خریده بخانه‌رفتم ، درهمانروز وقت صبح والد مرحوم حضرت (طرزی صاحب) یك غزل جدیدی درشب گذشته انشاء نموده بودند ودروقت چای توتی صبح برین بندهٔ حاجز خواندند که این دو قربازان غزل بخاطر مانده‌است :

تصویر یار صورت اندیشهٔ منست
صورت کنی نخند او پیشانیست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 713 of 1786

زانیاد خیر میرمد ازخش صورتم
پرشیر سرچداغ خش پیشهٔ منست

همان شب این محرر عاجز همین غزلرا که عبارت ازهشت ه بیت بود بصورت بسیار فصیح وواضح درفونوگراف خوانده ودر اسطوانهٔ آن ضبط نمودم ، وتابه نیمشب به آن مشغول بودم تاآنکه حضرت طرزی بقرار عادتِ دایمیِ که داشتند درهر شب ازاوتاق خود برامده، وراسب حوض حویلیِ سراپاشو کرده،مسمم رهق جامع نورلامع حضرت یحیی علی‌نبیناوعلیه‌السلام گردیدند، بنده ازاوتاق نابستانیِ خود که آنرا (قاعه) میگویند برامده عرض کردم که یك اختراع جدید بسیار عجیب عصر حاضر را امروز کرده‌ام ، هرگاه ازروی ملاحظهٔ ازادانته باشند بقدر پنج دقیقه بهاوتاق بنده تشریف بیاورند .

تشریف آوردند، فونوگراف را کوك کرده ومسمع داری آنراحضرت مرحوم مشار علیه بگوش کرده،غزل الشادفرموده گیِ صبح خود شانرا مقدروموضح ازآن‌یك جسم بیجان‌چون صوت انسان استماع فرمودند ، بعد ازلحظهٔ تفکر بندهرا خطاب نموده چنین فرمودند :

« فرزند ! مخترعان این عصر وزمان خدمتکاران اسم جلیل (صانع) میباشند. خالق وصانع‌جوب‌وآهن وجمیع‌جمادات ونباتات وحیوانات آنفرد کار یکانه است . چوب در جنگل بود ، آهن درقعر زمین ، رابردرنبات پنهان بود شیشه درسنك همه زمین ! مخترع پیشهور ، همه را جمع نموده یك آلهٔ بوجود آورد که آن آله زبان فصیح تکلم میکند ومیگوید : اگرشما مارا حامد میشوید ، وصانع میدانستید ، به بینید که حضرت صانع حی قدیم حکیم درمکاتبهٔ حیات وگویاییِ‌راستی دانسته بود پس‌این‌پرده‌را ازروی کار که برداشت ؟ واین‌اسرار مصنوعات صانع حقیقی‌را اظهار که نمود ؟ مخترع پیشهور ! لهذا مخترعان وپیشه‌وران این‌عصروزمانرا اگر خدمتکاران اسم جلیل صانع حقیقی بگوئیم هیچ‌مبالغه نخواهد بود ! ... »

والحاصل صنایع واختراعات است که بشریت‌را مظهر افضلیت واکملیت نموده و حکم بالذه ومصنوعات بدیعهٔ خلاق اعظم جل وعلارا ازپس پرده‌های خفا آشکار وبرملا میکرداند .

(صنایع وافغانستان)

درکوطن مقدس ما افغانستان جانبه همه آثار مدنیت وجهه ابواب خیر وسعادت درعصر ترقی عصر اعلیحضرت سراج‌الملة والدین پادشاه صادق آگاه عدالت آئین ماروی کار آمده صنایع وپیشه وری بنزیلت شمشهٔ بسیار درخشانی بهتر انوار میباشند آغاز نهاده است .

الحمدلله والمنة‌که این پادشاه مراحم همراه مقدس مادرباب ترویج صنایع ، و تشویق صنعتکاران وپیشه وران فرموده ومینماید حقیقتاً که هرانسان‌وطن‌دوست دوستخواه رامستغرق‌دریای مسرت وامتنان مینماید ، ذات اعلیحضرت همایونی ازایام شهزاده گی‌شان توجهات جهاندرجات شاهانه‌را درامور صنایعیهٔ دولت خداداد قسمیت بیاندملوکانهٔ شان معطوف فرموده فابریك یعنی ماشینخانهٔ بزرگ دارالسلطنه، کابل ازفیوضات برکات انظار اعلیحضرت همایونی بجهان‌یك‌رونق‌وتکوینعت انبوهی رسیده که هرگونه صنایع رزم وبزم وحزوی وکلیِ مایحتاج دولتی ازان بظهور میآید .

صنایع درافغانستان در زمانهٔ سابق خیلی کم نشوونما بود حالانکه مردم افغان یك استعداد وقابلیت فطریِ خدادادی در خصوص کسب هنر و معرفت دارند . ولی چون مانند ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج‌الملة والدین یك مربیِ مرحمت پروری ، ویك حامیِ روشنگر ایشانرا نصیب نشده بود همچنان درحجاب زنگ مانده‌بودند . وچون پادشاه عرفان‌پناه معظم مقدس محبوب‌القلوب مادرباب آبادیِ ملك ، وصنعتگری وعرفان‌پروری همت جهانرقومت همایونی‌را صرف فرمودند جوهرهاروشن‌وعیان گردید .

« ماشینخانه »

(وتشریف آوریِ ذات اعلیحضرت پادشاهی)

درخصوص ماشینخانهٔ دارالسلطنهٔ کابل سراج‌الاخبارافغانیهٔ دریکی ازشمارهٔ های سالگذشته تفصیلات مکملهٔ عطاکرده بود ، واز مصنوعات ومعمولات آن‌نیز بتفصیل‌بحث رانده بودیم . لهذا در پنوقت از تفصیلات زیاد آن صرف نظر نموده ازیك مرحمت وباطنت مالمآل اعلیحضرت پادشاهی که درحق ما شینخانه ، وخدمتکاران واهل صنعت وحرفت دارند یك تبذهٔ بیان میکنیم.

چندی پیش‌ازین بموجب ارادهٔ سنیهٔ پادشاهی درقصر سعادت احتوای (شهرآرا) یك اکسپوزیشن یعنی نمایشگاهی برای آثار صنایعیهٔ ماشینخانه برپا گردیده ازنمونهٔ هرقسم کارها وصنعتهای که در طرف یکسال وجود آمده بود دراینجا دریك دایرهٔ بسیار واسعی بترتیب وانتظام تمامی چیده وحاضر ساخته بودند .

آنکار صنایعیه که درین اکسپوزیشن بعرض عرض رسیده بود اولاعبارت ازاسلحهٔ ناریه مانند توپ های‌طوپهای‌صحرا ،وطوپهای جبل‌وطوپهای ماشینکن یعنی‌مترالیوز، وچند رقم تفنك وازاسلحهٔ حارحه مانند کرنج ، وتیغ ، وحربه ، وزوبین وغیره ، وازنوع جرعثقال مانند اقسام باروتها وگلوله‌های توپ ، وزون فیوز . وکار طوپهای‌صحرافرقوغیره بود که پیشتر‌کاراتچوی‌ساخته ، ورونق وزینت ومتانت آن حیران میساخت ، وچون دیده میشد که همهٔ آنها ساخت خود وطن ، وبچیره دستیِ کاریگران خودوطن بظهور آمده هرفرد وطن دوست‌را بافتخار پدرای اعلیحضرت پادشاه وطن پرور ترقی گستر رطب اللسان مینمود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 714 of 1786

غیر ازین اسلحهٔ نداشتند که حیات وطن بدآن منوط است بی اشیاء آلات وادوات کار آمد عسکری ومهمات ماشین ، وموزه وبوت ، واقسام اونیفورم یعنی درپشهای عسکری واقسری وکلاه وکمربند وخیمه واسباب اصطبلها وغیره بود که بسیار بهتر ومفید تر از چیزهایی که ازخارج آورده شده بود بنظر رمیخورد ، ازقسم مفروشات ، واشیای مطبخ ، وزینت خانها وغیره نیز بسی چیزهای نفیسی موجود بود که تفصیل آنها موجب تطویل کلام میشود .

درروز دوشنبه یازدهم ماه مرحوم ذات اعلیحضرت همایونی درقصر فرحبخش حضری که متصل ماشین خانه بنیت حسن وزینت عمارتی می باشد تشریف سعادت ردیف شاهانه ارزانی فرمودند ،

در مکافات

مکافات ، یعنی سزای عمل نیک ، مجازات ، یعنی جزای عمل درهمه چیز ، علی الخصوص درامور پیشرفت صنایع دوشیزه رواج اوج ترقی شمرده میشود که اگر این دوچیز نباشد هیچ ترقی درهیچ چیزی دیده نمیشود ، لهذا ذات اعلیحضرت پادشاه آگاه مدرس ما در روزی که درعمارتگاه تیر آرا که قبل ازین مذکور گردید تشریف فرمای عرض واجلال شده بودند کارهای شاهانه سازی ماشین خانه زیادتر جلب انظار مراحم نثار همایونی شاهانه شارا نموده امرفرموده بودند که فهرست کامل صنعتکاران که درین کار مشغولند بامقدار تفاوت شان بحضور همایونی آورده شود ، لهذا در روز مذکور مقدار تفاوتها و نوبن ترفع مذکور ازطرف جناب رکن (محمد سرور خان) سرانجام ماشین خانه های دارالسلطنه کابل بحضور همایونی عرض شد ،

ذات اعلیحضرت پادشاهی همسوف طوپ سازان وتفنگسازان را درمواجههٔ دایرهٔ قصر سعادت حضور خاص شاهان فرمان داده همگنان صف بسته تعظیم واحترام گزیدند ، وذات اعلیحضرت همایونی درپرتوهٔ قصر برآمده ، صنعتکران موصالیهم را که یکدم غیری بودند خطاب فرمودند :

« چون شما در کار وخدمت خودسی و کوشش نموده اید که امروز ازفضل الهی کارهای شما ازقرار سابق بسیار خوبتر وبهترشده ومنظور حضور شاهانهٔ ما گردیده لهذا ازقرار لیاقت شما که بر کار خانجات بحضور عرض نموده اول تخواه شمارا منظور نمودیم ،»

کارپردازان وصنعتکران موصالیهم ازشنیدن این التفات مراحم آیات ذات اعلیحضرت حامی مقدس معظم شان بدعای سمیهٔ طول عمر وبقای اعلیحضرت پادشاهی رطب اللسان گردیدند ، وصداهای (زنده باد پادشاه مقدس ما) گنبد فیروزهای عمارت وفرحت شارا به فلک دوار رسانیدند ،

مبلغ دوهزار روپیه برتخواه صف تفنگسازان وپنجصد روپیه برتخواه صف توپ سازان نیز علاوه گردید که به این مکافات یک ذوق وسرور عمارت آپانی همه صنعتکران ماشین خانه را اشتیلا نمود ،

ترفیع منصب

از انجا که مراحم وعواطف اعلیحضرت پادشاه بنده پرور وشهریار دانش گستر مقدس ما رجوع خدمتکاران صادق دولت ابد مدتیور ایکاست ، ورانمی ودرستکاری وصداقت ، ومحنت برداشت چاکران آستان شاهانهٔ شان بی مکافات نمیاند بدازانکه شاهانه درباب صوعلاوه گی تخواه صنعتکار ان ماشین خانه شایان گردید برکار خانجات جناب (محمد سرور خان) که ازبسیار سالها بخدمت سرافرازی همه کارگاه وماشین خانه های دولتی سرافرازبود ، ودرینمدت مدت درطلب محولاتش تجرصداقت ، وسعی وغیرت خاطشانه دیگر چیزی دیده نشده بود ، ودایما درفرصهٔ منصبی خود بر حسن رضای اعلیحضرت همایونی تطبیق حرکات نموده ، وبحسن سلوک وصداقتهٔ خود هیچه راتحصال رضای ولینعمت مقدس اعظم خود موفق وکامیاب آمده بود ازاینرو منصب ورتبهٔ شارا ازرکنی به جرنیل ترفیع فرمودند ،

ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما بخط مبارک امر بمنشاهانه را بدستخط آقایانه خط همایونی تحریر فرمودند وبدست والاجاه (محمد سلیمانخان) ایشیک آقاسی نظامی حضور مبارک عنایت فرمودند ، ایشیک آقاسی صاحب فرمان مبارکرا زیارت کرده وحسب الارشاد همایونی جناب میرزا عبدالرشید خان منشی حضور مبارک دانند که عنقریب اثرش نماید ،

خط فرمان همایونی را عیناً درج میناییم :

(نقل فرمان مبارک همایونی)

امین اعتماد ودوم دفتری نظامرا واضح باد !

چونکه ازحسن خدمتگاری محمد سرور خان رکن کارخانجات رضامند عالیجاه خدمت اوظاهر است لهذا از تاریخ امروز اورا بمنصب جرنیلی کارخانجات سرفراز نموده حسب دستور سلاطین سابقه بعد از جرنیل حضور وجرنیل اردل خواهد بود سیصد تخواه اورا نیز حاضر دارید باز آنچه لازم بوداصدار کرده خواهد شد بقرار فرمان علیحده فقط امضا

فرخ دوشنبه ۱۱ ماه رجب ۱۳۳۱ سراج الله والدین

سراج الاخبار افغانیه بدرج کردن اینکونه مراحم پر مکارم اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب خود افتخار مینماید وجان صانع پروری ، وترقی پروریهای ولی نعمت عرش شکوه پی بیان نموده دعای دوام ترقی و اعتلای دولت مقدسهٔ خودرا وردزبان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 715 of 1786

عبودیت میسازد و از جناب جبرئیل را باین نیل مرام عواطف همایونی که حسن خدمت و صداقتش کافهٔ مقدسهٔ زمامداری شاهانه را کارهه رتبه و منصبهای جهان افروز و مباشرت دربارهٔ اوج عواطف را همایونی آورده از صمیم دل تبریک میگوید و دوام شئون وجمیع خدمتکاران دولت صداقت و راستی و حسن خدمت و دستگاری را از درگاه احدیت لایزالیکند .

حوادث داخلیه

(مکتوب)

عالیجاه عزت همراه محمود بیک حسن مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه را همواره صحیح الوجود مرحومهم و زبان ستایش بر الطافهای پادشاه بزرگ معظم مقدس خویش گشاده میگوئیم . از آنجائیکه مرحمتهای چندین ساله پدرانهٔ پادشاه معظم مقدس اشفق بزرگ بسیار مهربان خودمانرا که ذات مراحم صفات جهاندرجات اعلیحضرت سراج الملة والدین است بما اهالی خدام کارخانجات دولت مستقلهٔ خداداد افغانستان در حق خودها از حد و حصر بیرون می بینیم — لهذا لشکر این نعمت را واجب ولازم میکردد — اگرچه ادای شکر آنرا کجا آورده بتوانیم باز هم یک لشکر نامهٔ ناچیزه بحضور بنده خدمت شما فرستاده و رجا میکنیم که درج صفحات اخبار دولتی بار سراج الاخبار افغانیه میدارید — زیاده بعمر دولت پایدار و عز و جاه اعلیحضرت همایون پدر تاجدار اهالی چه پرزبان آریم فقط

(تشکر نامه خدام اهالی کارخانجات)

چون حضرت حق تعالی جل شانه — ظهور جلوه کاملات اسمای ذات اقدس احد پرتوهای خویش را بر ملکه وملت ما افغان وافغانیان درتابش آورده فلک اختیار مارا بکف کفایت اقتدار پادشاه ترفیخواه دانای کار آگه زیرک اشفق رحم آور بسیار مهربان ما گذاشت که ذات مراحم سمات جهاندرجات اعلیحضرت (سراج الملة والدین است) ذات ابوالحسناتش مرآن پروری دانهای اهالی میکند — وفیضان مرحمتش فواد اهالی خدابرانکته وشادمان می سازد شکرانی نعمت را چسان بجا آریم که ذات جهاندرجات — اعلیحضرت همایونی از مرحمتهای خسروانهٔ که در حق خدام کارخانجات دارند هیچ کاهی ما خدمتکاران را از خاطر خاطر مبارک شاهانه شان فراموش نکرده لطف پدرانهٔ مراحم کارانرا درج نمودند — چنانچه در روز دوشنبه ۱۱ رجب سنه ۱۳۳۱ یکهزار سیصد سی و یک هجری قمری بدوم میزان رزوم — ما اهالی کارخانجات را سرافراز ساخته بین مرحمتهای خسروانهٔ پادشاهانهٔ خودرا بر ما بذل واحسان نمودند که زیادت تعواه ما خدام کارخانجات را مسرور ساخته ورئیس جلیلهٔ جبرئیل کارخانجات بافسرکلان ما که (جناب عالیجاه محمد سرور خان جبرئیل کارخانجات) است بازخانه و تصدیق حسن خدمتگذاری او بدستخط مبارک رقم عنایت نمودند الحق که ما بشکر این دو نعمت که یکی زیادت تنخواه و دیگر رتبهٔ جلیله جبرئیل کارخانجات و رخانه‌ها را کجا آریم کلان ما احسان نمودند هزاران هزار شکر و ثنا بجای آریم و علاوه بران تشکر میدارم که افسر کلان ما حسن خدمت و صداقتش رضا مندی ذات جهاندرجات اعلیحضرت همایونی پدر تاجدار بسیار مهربان ما اهالی خدام کارخانجات بود و بزرحسن سلوکش بدین درجهٔ مشفقانه بکار آورده بود — اینها خوشوقتی را دوچند ازی خود ما اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه معظم ترفیخواه مهربان خودما خلد ملکه تاج و نعمت شاکر میباشیم و زیاده بزیاده توفیق خدمت واطاعت را از خداوند خویش میخواهیم والسلام

(اسامی)

اسامی هائیکه مهر و دستخط نموده اند .

نویسنده کان

کمترین خدمتکاران میر محمد هاشم دفتری کارخانجات دولت علیهٔ مستقلهٔ خداداد افغانستان حاجی میرزا محمد اکبر

میرزا قربان علی میرزا شیر احمد میرزا عبدالغفور میرزا امیر سلام الدین میرزا شیر احمد میرزا احمد علی میرزا سلطان محمد میرزا پیر محمد میرزا امیر الله میرزا امام الدین میرزا امیر محمد میرزا زینده محمد میرزا سید محمود میرزا محمد یعقوب میرزا خواجه محمد سعید میرزا محمد لعل میرزا میر سلیمان میرزا عبد العلی میرزا ظهر محمد میرزا عبد الوهید میرزا محمد اعظم میرزا محمد امین میرزا آقا بابا میرزا عبد الطاهر میرزا میر شمس الدین میرزا محمد قاسم

مرتبین جبهه خانه

محمد حسن افندی محمود نریم افندی میرزا غلام نبوت مرتب میرزا غلام حیدر مرتب میرزا یوسف علی مرتب میرزا عبد الحمید مرتب میرزا محمد حسین مرتب ملا عبد الجبار مصحح ملا طوطی مصحح میرزا غلام رسول مرتب میرزا عبد الغفور مرتب

کاتبان جبهه خانه

میرزا محمد جعفر قندهاری ملا عبد العلی مصحح میرزا شیر محمد میرزا غلام قادر میرزا غلام سرور میرزا عبد العزیز میرزا محمد اکرم منشی عبد الرحمن پدر منشی عبد الرحیم پدر

افسران ماتحت

امیر محمد خان محمد اکبر خان جرنیل قلیچخان قوس محمد خان شهسوار خان محمد عمر خان احمد علی خان عبد الرحمن خان

نگرانها

استاد محمد عظیم خان نگران استاد سید محمد نگران استاد محمد یوسف استاد گل محمد استاد فتح خان استاد ولی محمد استاد محمد سرور استاد محمد نبی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 716 of 1786

باقی هـ

برگ الطاف استاد فتح محمد استاد خدا بخش استاد حسن بخش استاد نور
محمد استاد محمد بن استاد میر یوسف استاد لعل محمد استاد سید
محمد استاد محمد نصیر استاد کاکو استاد غلام حیدر استاد قنبر علی
استاد عبد العزیز استاد محمد ابراهیم میرزا عبد السمیع خان ذرگر
(استادان کارخانه ارگوپه و قلمکاری و آهنگروزرگر)
(وباقی اصناف و صنعتگران)

استاد عبد الله استاد
فضل حق استاد محمد
عمر سوق عبد الخلق
آقا باقی خان عبد
الغفور عبد الرشید
استاد محمد قاسم فیض
محمد عبد العزیز غلام
علی الدین محمد زمان
عبد المجید غلام رسول
بهاء الدین صالح محمد
محمد نبوت محمد کاظم
عبد الغیاث آقاجان
فیض محمد محمد زمان
فخر الدین محمد اکبر
محمد عظیم علی محمد
غلام محمد میرزا محمد
ظهیر محمد عطا محمد
عبد الله محمد عمر شیر
محمد استاد طور عبد
الرزاق محمد حسین
عبد اعظم محمد صادق
علی احمد استاد خان گل

از تصویر نقاشی غلام محمد خان مصور رنگو گراف شده

(یک لوحهٔ عبرت آمیز)

(یادداشی بقلم یکی از استادان ، و متأسفانه بقیه مطالب و امضای صاحب نامه ناروی من نیست ، پس اگر عبارت عجیب دیدید ببخشید)

غلام علی الدین استاد محمد یوسف سید قنبر استاد مسجدی عبد الله
نور محمد عبد المجید عبد الرشید گل احمد شیر محمد

جواد خارجیه

(خوشحال خان افغان)

در شمارهٔ گذشتهٔ خود از اخبار (زمان) منظمهٔ قریم یک عثمانی در خصوص خوشحال خان نوشته بودیم ، در اینجا که اخبار

های استامبول رای ما رسیده در (تصویر افکار) رفیق ممتاز خود یک مقاله مفصل و حیرت انگیز آن هشیری عزیز فاضل خود را مطالعه نمودیم که از ترجمه و نقل آن خودداری نمی توانیم :

(فرید یک مسافر افغانی به برادران عثمانی خود !)

ای برادران عثمانی من ! مملکت شما که مقر خلافت عالم اسلام است و در گرهای مدنیهٔ اوروپا بسیار نزدیک است از اروپا چنان لازم بود که در علم و معرفت ، صنعت و تجارت ، اخلاق و ملیت بجنان مرتبهٔ کامل رسیده میبود که دیگر بلاد اسلامیه هیچ نسبت قبول نکرده ، و چون از امریکا رانده در مملکتهای آسیا ، افریقا ، اوروپا گردش کرده و پس مانده ، و عدم ترقی که در تمام ممالک اسلامیه میبینم جنان امید میکردیم که بمشاهدهٔ ترقیات مدنیهٔ که در مملکت شما میبینیم همهٔ آن اشتیاق که مرا از دیدن خرابی و تدنی دیگر مملکتهای اسلام حاصل شده بود رفع و زایل شود ، ولکن به بسیار تأسف عرض میکنم که این امید من سراسر بیهوده و خطی رفت .

لخستین چیزیکه در مملکت شما بنظر دقت من بر خورده این است که یک قسم میبی از جوانان شما که در اوروپا تحصیل کرده اند از اوروپائیان بیشتر از چیزهائی که به تحصیل علم و فروق نوانکری ، و هنر و معرفت متعلق باشد ، چیزهائی را که به لباس و زینت و فیشن متعلق است بملک شما داخل کرده اند . این را نمیکویم که این جوانان شما از اوروپا از حیث علم و معرفت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 717 of 1786

نهی دست آمده اند . هیچ شبهه نیست که آنگاه آنها در هر نقطه که وقتی که به آن انتساب کرده اند بدورت مکمل تحلیل هر ومعارف کرده اند . اما این جوانان از هر چیزی بیشتر نقطهٔ بقای اسلامیت را تشخیص میدهند . بقای اسلامیت ، بقای دولت عثمانیه ممکن میشود . به این سبب در اول امر بقوت دادن حسیات ملیه اسلامیهٔ خود شان کوشش ورزیدن لازم است . واز تقلید تجملات وزینتهای ظاهری بی فایدهٔ فرنگیها اجتناب باید کرد . مادا چون از حسیات ملیهٔ ما محروم باشند از هر طرف به هجوم کردن ما جرأت ورزیدند ، وبه انواع درد های ام انگیزی محو کردن ما کوشیدند . بصدها هزار غلت وغصبهای هجیره های ما را برباد فنا دادند . چند یک ملیون اهالیٔ اسلامیهٔ روم ایلی را بعضی را زنده زنده دفن کرده . وبعضی را زنده زنده به تاز وآتش درداده اند . وبعضی را سرپایان دار کشیده اند . بعضی زنان ومردان را بزور نصارا ساخته . واین چیزهائیست که در مملکت شما ، درپیش چشمهای شما بوقوع آمده . واز کذب وافترا عاری وعین حقیقت است . ازین طرفها تنها مسلمانان اینجا ، بلکه هر فرد

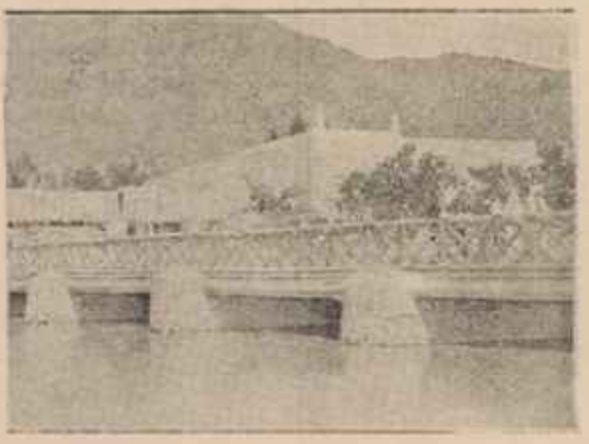

(فوتو ، سراج الاخبار افغانیه)

(یک گذرگاه ودیوار باغ بابر پادشاه در مدخل چار دهی کابل)

مسلمانی که درهرگوشهٔ دنیا هست متأثرشده اند . اما بهزار افسوس میکویم که مرا درینجا یک چیز دیگری ازین احوال وحشیانه زیاده تر متأثر ومتأسف کرده که آنهم سقوط اخلاقی بنی نوع شان حس ملی ایست که دراینجا مشاهده کرده ام . درحالیکه بصدها هزار زادر وهجیره های ما درزیر وحشیهای دهشتناک وظلمهای خونریز بالقابها بصورت بسیار فلاکت وحقارت بسر میبردند واین مسئله موهای بی حسترین آنهارا نیز وبدانش راست میکرد . افسوس میدیدم که یک قسم مهم اهالی پایتخت در میخانه ها وبیرا خانه های یک ادنی کم موقع فرنگستان استانبول سرمست ذوق وصفا بودند . حقیقتاً که دیدن این حال مراخیلی دلتون نمود .

بخوبی میدانید که این هجومهای بالقابها دشمنان ما نه تنها از طرف خودشان نی بلکه به تشویق واغوای همهٔ فرنگستان شده . آن فرنگان که خود شانرا مدنی حقیق میکویند به این ظلمهای وحشیانه تنها تشجیعاتی نی بلکه آنوحشیانه این وحشیانه تشویق هم کردند . باوجود اینهمه ، بسیار افسوس مینیم که قسم اعظم شما بحمت آن ودوست چون آن بفرنگان افتخار میکنید . الیوم شب وروز از هجوم شدن باقوال های آن ها لذتیاب میشوید . محصولات ومصنوعات آنهارا برهرچیزی ترجیح میدهید .

ای برادران عثمانی ! از هندو های هندستان عبرت بگیرید ! پیش از هزار سال مسلمانان هندستانرا ضبط وهندوهارا مغلوب کرده بودند . درازمان ظلمهایکه درینوقت درما گذاروایده شده هیچیکدرانها رهندوها ازطرف مسلمانان ارتکاب نشده بود اما باوجوداینهم بسی که مسلمانان مملکت شانرا از دست شان برآورده بودند ،مسلمانان چنان دشمن شدند که تاالحال هنوز هم مال ومتاع مسلمانانرا باطوت میکنند — بحریق وشرانیکنند زیرا هندوها تنها مادةً مغلوب شده اند ، ولی اخلاقاً مغلوب نشده بودند . وبه این سبب تااموزه روز مذهب وملیت خود شانرا محافظه کرده اند . وتابه ابد هم خواهند کرد . امروز درمیان اهالیٔ هندستان توانکرترین مسلمانی که درهرگوشهٔ دنیاهست متأثرشده اند . اما بهزار افسوس میکویم که مرا درینجا یک چیزدیگری ازین احوالوحشیانه زیاده تر متأثر ومتأسف کرده که آنهم سقوط اخلاقی بنی نوع شان حس ملی ایست که دراینجا مشاهده کرده ام . درحالیکه بصدها هزار زادر وهجیره های ما درزیر وحشیهای دهشتناک وظلمهای خونریز بالقابها بصورت بسیار فلاکت وحقارت بسر میبردند واین مسئله موهای بی حسترین آنهارا نیز وبدانش راست میکرد . افسوس میدیدم که یک قسم مهم اهالی پایتخت در میخانه ها وبیرا خانه های یک ادنی کم موقع فرنگستان استانبول سرمست ذوق وصفا بودند . حقیقتاً که دیدن این حال مراخیلی دلتون نمود .

بخوبی میدانید که این هجومهای بالقابها دشمنان ما نه تنها از طرف خودشان نی بلکه به تشویق واغوای همهٔ فرنگستان شده . آن آنها هندو ها میباشند .

ای اهالیٔ وطن ! بدانید که شما مقتدای اسلام هستید . ترقی بکنید ، چرا که ترقی اسلام به ترقی شما وابسته است . اگر چیزهائی که لازم وقت وزمان است توسل بکنید همه اسلامیان که درافطار جهان هستند شمارا تقلید وپیروی خواهند کرد . این ظلمها ووحشیهای فاجعه انگیزی که درمستورات ومدارسات ما درما کونیا ارتکاب کرده شد درملتهای کن چنان عتق بکنید که بعدازمدتی وجود شدن نام نیز آن خط زایل نشود . درمکتبهای خودکن به اولادهای خودکن تجربه های خونین این ظلمها ووحشیهای فرنگان را تعلیم بدید . تا که الی الابد حس الانتقام در دلهای اولاد واحفاد وذریت کن جایگیر باشد . بگمان اطمینان شمارا تأمین میکنم که ما اقتدیان این ظلمها ووحشیهارا تا که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 718 of 1786

دنیا باقی باشد فراموش نخواهیم کرد . ما افغانیان که اصلاً واساساً از چنین مردمانی که در زیر نام مدنیت آتشهای وحشت می‌افشانند نفرت داریم ودر موقف آن نفرت خودرا زیاده تر تشدید میکنیم . دوست ودشمن ما را بشناسید ، ازمعدوم شدن ملیت ما اندیشه ناک نشوید . امید میکنیم که این معروضاتم نتیجه های نیک بخشد رادمردان . . . امضا

(خوشحال خان افغان)

§

مادام تحریر دلپذیر این هموطن عزیز جهان‌دیدهٔ عرفان چشیدهٔ خودرا بسیار شوق وجذبی ترجمه‌ظل نمودیم . وهمه یاناتش را موزون ومقبول یافتیم . وهمه سخنان ارزنده‌دار انهٔ حسیات پرورش را نیز تأییدکرده میگوئیم : بلی ! امارات که زیبائی ظاهری و تمدنهای جسمانی آنها گرویده نشده درپی هرفت ومعرفت ها وصنعت‌های شان ازسرتا ساخته بجدوجهد تاپیوئیم ودرهرجاکه آنرا بیابیم بجوئیم وبدست آوریم .

هرقدر که ازتجملات وزیبائی ظاهری پیرایهٔ آنها اجتناب ورزیدن ، وازوحشیهای مدنیت لباس آنها نفرت ورزیدن ملازم و ضروریست ، هقدر به صنایع و هنرهای شان نزدیک شدن و به علوم وفنون آنها رغبت ورزیدن و آموختن ما لابدی و محبوریست .

باین حسیات هموطن عزیز خود نیز متحسس ومتذکریم که مادامکه انسان درجهان جانبازانه ودربدن روان این خاکسار وبدنهای وحشیان بلغار را فراموش نخواهیم کرد ، وبدل و جان ازآنها نفرت و برکارهای هتاکانهٔ انسانیت و مدنیت آنها لعنت خواهیم نمود . ونیز دعای اجابت‌وعدی درباب امید بسیارسعید عشیری خود بدرگاه کبریا میکنیم که معروضاتش برای برادران غیرتمند ما نتیجه بخشای نیکها وخوبیها گردد .

خوشحال خان افغان را اگرچه بشخصاً ورسماً نمیشناسیم ودر خصوص هویت و کیفیت ملیت اوهیچ معلوماتی نداریم . ولی چون اول دراخبار ترجمان یك نشریهٔ خبر خواهانهٔ اورا ، وثانیاً دراخبار تصویر افکار یك تحریر دلپذیر اورا مطالعه‌نمودیم ، بسبب نمایانیهای وجد هموطنی براختیار یك تأثیر شکرانی درمیان خود حس نموده به ترجمه ودرج وانتشار آن مبادرت ورزیدیم .

(اخبارات اردو واتگریزی درداره ترجمه شده است)

(محاربه یونان وبلغاریا)

یك‌اخبار درکاری شایع شده است که دریونان وبلغاریا رمضان بین گیان جنك وقوع یافته که درآن ۵۹ نفر یونانی مقتول و۱۲۷ نفر مجروح گشته است .

(حالت یورپ مخدوش است)

دریوروپ اختلاف واختلاف بازتحریك حرص وطمع ومأیوسی

روبزوال وزایل است هرچند شرایط صلح دول بالقان باترکی منظور شده است ولی محاربه دول مذکور باترکی الوقوع معلوم‌میشود چنانچه‌بعضی جنك‌های شان‌را اخبارات درهیاهو ذکر می‌کنند وتیاری‌ت ازبرای‌جنك‌های مماثل هم می‌نگارند وحتی گویند که بعضی ازدول متحده یعنی یونان وسروبیا بابلغاریا باترکی ارادهٔ اتفاق‌دارند — چنانچه بلغاریا بنارهمین رعایت بصلح نامه ازهفده روزبر منتظر گرده اخبارات درباب روس واسترا هرجت می‌رانند که دور نیست اگر درمیان هردو محاربه واقع شود واگر همن جنك اول ازطرف استریا باشد هیچ عجل اعجب نیست

(تکذیب یکجه)

روتریك درباره معنی خبرسیمه است که تسلیم جزیرهٔ کرت به‌برطانیه غلط محض است

(درصره آرامیست)

قبل‌ازین روز خبرداده بود که درصره شورش وفسادامت سفیر ترك مقیم بمئی تردید آن می‌نماید

(بلغاریا وسانویکا)

یك‌الف فوج سروبیا ازسرو در مقام (ویلس) جمع آمده‌اند دربروز ولیمید سروبیا جزیره هم گرفته وجمعیت کثیر بلغاری ازاپیروتیل وتسالیه آمده درنگرتو ولاجانه جمع شده‌اند — خیال می‌کنند که سانویکا حمله خواهند کرد

(بلغار ویونان)

درمیان بلغاریا ویونان بازیك محاربه بوقوع آمده که ۳۰۰ یونانی کشته‌گشته‌اند وهمن قدر بلغاری هرتلف شده‌اند بلغاریان ازساحل قوله ازجهازات جنگی یونان گلوله باری نمودند مگر چونکه جهازات جنگی یونان دور بودند هیچ نقصان نرسید — وبعد ازان جنك موقوف شد .

(تحریر وزیرخارجهٔ فرانس)

وزیر خارجه فرانس موسیو پنجن دروز در شوری گفته است مشکلات شرایط ابتدائی مصالحت بالقان که پیش شده بود برطرف‌شد مگراکنون سخن تهاردجدیدی الاحق بنارافتراض یونان مانده که بسبب آن مخالفت‌یونان وایطالیا هرپیداخواهدشد باز موسیوی موصوف گفته که دول بالقان در میان خود بهم رامخواهند که صورت معامله شان بسیار صعب شده است امیداست که این حل خوب واطمینان بخش کردند ورنه ناگاه مداخلت خواهیم نمود — درآخر تحریر خود موسیو موصوف این‌هم گفته که ما گواراتی چیز که اصلیه مقبوضات ایشیائی عثمانی پذیراکت نشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 719 of 1786

(اتحاد برخلاف بلغاریا)

از تنکرچه اخبار (دیلی) خبر رسیده است که در اینجا در تمام حلقهای سیاسی این سخن مشهور است که سروی ـ ویلسن ـ رومانیا برخلاف بلغاریا عهد بسته اند .

(منع اراده بلغاریا)

اخبار (طان) می نویسد که در مجلس های سیاسی پیشرفت مشهوراست که بلغاریا خیالی که در باب گرفتن سالونیکا داشت منع نموده است .

(تأثیر تسخیر ادرنه بر اروپا)

از برلن خبر آمده است که اگرچه اخبارات سرکاری می گویند که از تسخیر ادرنه هیچ اثر برقرارداد دول نشده ولی اخبارات غیر سرکاری مینگارند که بسیار حالت پرخطر است در میان روس واسترا مجاریه خواهد شد و دور نیست که عمل اول جنگ از طرف آسترا باشد

اپهز ۲۹ می خبر رسیده که در وآینا این خبر مشهور است که آسترا افواج جنوب مغرب خود را برای آماده بودن یک جه حکم داده است .

(فرانس و روم)

از خبرهای پرس معلوم میشود که فرانس سایر ملیم سوفیه خود را گفته که وزیر اعظم بلغاریا بگوید که اصلیات جنگ از ادرنه گرفته نشود میلان فرانس درین ایام بازهم زیاده معلوم میشود و اگر ترک راضی باشد فرانس قرضه هم خواهد داد

(سلام روسائی بی طبع نیست)

(قصان بلغاریا در ادرنه و اویل)

اخبار ، خوشبه می نویسد ، یک جرمی که در ادرنه اویل بود در (دده اغاج) آمده است میگوید که در ادرنه اویل معزار بلغاریی کشته شده است .

(جهاز جدید)

از خبرهای برلنی معلوم میشود که جهاز مهابت نشان جدید بازدوم برشانکین جه کرده است

(ترجمهٔ عبدالهادی)

(خبر یک محاربهٔ غلبه مجاهدین طرابلس برعسکر ایطالی)

(عصر معزز المنیر در مورخهٔ چهارم جون خود مینگارد)

اگر مابنظر توجه وتعمق بسوی حالات وقوه های بوجی و آلات وادوات حربی پرین ایطالی معایبه نمایم وباز باحالات آن بسوی بی هدی وبی حیثی وبی اساسی عربان بدوی بنگریم گوسپندی را درمقابل گرگ خواهم یافت ولی چون درول عربان جوش ایمانی وجوهر عقیدهٔ اسلامی وحب الوطنی موجود ومتحد داشت لهذا نص آیه (لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا) یعنی (هیچگاه خداوند تعالی کفار را برمومنان مظفر ومنصور نگرداند) این امر ظاهر وباهر است که اگر زمانی که مسلمانان کمال تمسک از عقیدهٔ اسلامیت منصرف وازجادهٔ شریعت منحرف نگردند غیرممکن است که برآنها کفار غالب شوند وبقدر چنگ دشمنان دینی ووطنی خود گرفتار آیند الا هنگامیکه کارهای خلاف دین متین اسلام را اجرا نمایند وازصراط مستقیم شرع مبین حضرت خیرالانام انحراف واغماض ورزند پس آنوقت نمودهٔ بالغهٔ غضب الهی شامل حال شان گردیده بدست دشمنان خون خوار واعدای لئام شمار گرفتار میشوند وان نه ازنزول اسلام است که واقع وباید برانگیخته وآن ملکت میگردد بلکه از بغاوت وعصیان وشقاوت وطغیان خود به بلا مبتلا میشوند وفی الحقیقت (اسلام جان خود ندارد عربی ـ عربیکه هست در مسلمانی ما است) اکنون از قارئین کرام آرزو داریم که توجهات شریف شاملا به شنیدن یک خبر ظفر وبصرت از مجاهدین طرابلس برعسکر ایطالی مبذول فرمایند چنانچه اخبار گهربار تصور افتخار این معرکه را چنین قرانداز ورقم طراز گردانیده که بتاریخ ۲۹ جمادی الاول سنه ۱۳۳۱ هجری درمقام بنغازی ایطالی بابست هزار نفر قوی پیاده ویکهزار سوار ودسی توپ معرکه آرا گردیده بود وعربان مجاهدین نیز چهار هزار نفر مرد جنگی وچهارصد نفر نظامی باچهار توپ خورد محرائی عاصیه دوو چیل از بنغازی تیار وآماده گردیده نامرصه ۲۴ ساعت مقابله ومجادله نمودند و بحمدالله تعالی ونیروی درعرصه کارزار خصم را ازسه طرف احاطه نموده ایطالیان را تشتت ساختند حتی توپ های دشمن بیکار شدند وآخرالامر بیکحمله تهوراته افواج ایطالی هزیمت خورده بریست وپنج توپ از اقسام آتش فشان ومتراليوز ودوصد اسب وباقی خیاط جوسلمان حرب قابض گردیدند ودرین معرکه یکهزار نفر از افواج خصم را بگلوله های توپ خصم کوب خود دوچار ۶۰۰ نفر زخمدار ساختند وازباقی هم باندوبی اگر جان سلامت برده باشند وازجانب مجاهدین ۱۸۰ نفر شربت شهادت نوشیدند ۱۲۰ نفر مجروح شدند امیدداشت که بجام آب صفای شفا سیراب گردیده باشند

(ترکی توان جنگ را خواهد داد)

اخبار فواید آثار (طین) چنین مینویسد که ترکی چنان اظهار میدارد که هرگز توان جنگ را خواهد داد ومیگوید که اگرچه ادرنه ازلحاظ صرف وقطعاً خارج شد لیکن باوجود آن عساکر عثمانیه مجاهده وارادهٔ مصممه خود را حفظ کرده وایشان وطن آخرین باشنین جنگ خواهم کرد واگر بخواهند قریب فصل های شتاء بایشان رزم آزمائی ومعرکه آرائی خواهم نمود وطرز جنگ را به ایشان نشان خواهیم داد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 720 of 1786

(خداوند تعالی توفیق خدمت وطن و محفظت آنرا از کفار برای عساکر ترک عنایت و مرحمت فرماید) مکرا اخبار حقیقت نما (ترجمان حقیقت) مینویسد کمیسر کل عمالت ترکی بعموم الباعه قسطنطنیه درمعرض خطرات و محیطش به نازلات و مصر که ها محتاجات و اظهار مدد کور بمصالحت و منازعت هردو مصلحت میدهد و میگوید که بعد از اصلاح لازمست که سردشته و انتظام استحکامات نتایجه و ولیر بدرستی گردد شود تا دشمن از دار الباعه دور شود و قسطنطنیه نجات یابد

(حالت موجودهٔ ایطالی درطرابلس)

اخبار مذکور چنین بیان میکند که عربان شجاع جسور تهور و دلاوری با ایطالیان مقابله و مدافعه مینمایند و مدعای اصلی و حقیقی شان اینست که ایطالی را از مقام و نقاط تازی یک تکست فاش داده از سرحد وطن عزیز خود خارج نمایند و برای حصول این مقصد و وصول این مطلب چند جاده های پیاده و فرقه های دلاور تجویز نموده اند که وسیله و ذریعه های جهاز های ایطالی حمله آورده و بهره داران و محافظین آرا کشته و مال و اسباب شانرا به یغما می برند و لشکر های ایطالی جهتهای دیگر را مشهور ساخته می نمایند — ودرین چندروز نزدیک کارخاص جنگ امیر موجودهٔ طرابلس را شایع نموده بودیم و حالا نزدیک کار امیر مذکور حسب ذیل نگاشته میشود که درمیان مجاهدین عربان طرابلس و عساکر ایطالی یک معرکه دیگر وقوع آمده که ازان ظاهر میگردد که عربان رئیسان ترکی های ایطالی قابض شده اند و خوبی و دستی کار آرامیدانند — ومضمون خبر مذکور چنین رسیده که دروز پنجشنبه گذشته نوبهم و کیفیت آن چنان است که فوجها داخل شهر شده و بازار رسیدیم وجمع کثیری را از دشمن مقتول و مجروح گردانیدیم و مبلغ خطیری را از غنایم در تصرف خود آوردیم و در دیگر و جبانه خانه دند و قابض شدیم ودرین معرکه صرف پنجاه نفر ما بدرجه شهادت رسیدند پنجاه نفر ما مجروح شدند واز کفار نفری بسیار و نفوس بیشمار را الزده تیغ بیدریغ خود گردانیدیم

(حالت حسنهٔ و آتیهٔ خلیج فارس)

سراید ورد گری — متعلق خلیج فارس چنین بیان میکند که الزقرار معاهدهٔ کمابدولت علیه عثمانیه تودهام هنوز حکومت ومداخلت ترکی برکویت ما باقی و ثابت است و کمال دوران تجارتی بعمل واقع نشده وباین امر ترکی هم اتفاق نموده که حکومت و انتظام ملک شیخ کویت آینده برقسم سابق و نهج گذشته مطابق باشد وامید کامل است کمپان سردشته ومعاهدهٔ کمارکی تودهام کامیاب تراهم شد و درینصورت رای ما درجهاز رانی و تجارت بمدار و منابع فارس تصرف مملکت باک هنوز استحکام و وسعت یابد و رونق تجارتی حاصل خواهد شد کدرضمن آن فواید اصل و مقاصد سابق انگلیزی مضمر و مستتر میباشد واگر معاهده فوق مستحب و مستکمل گشت البته در افزونی محصول ترک ازدول غیر مطوری گرفته خواهد شد

(حالات متحدین قرین خود شان)

بلگراد ۲۹ بی — دیروز در پارلمنت روز — موسیو پاشکس درباب اتفاق و اتحاد سروبلغاریه چنین تقریر نمود که درفروری گذشته سروبا از بلغاریه درخواست نموده بود که کیفیات عهدنامهٔ فیمابین شان کرده شود تا هردو حضرات قسیم فوحات شان دولتغیر مصالحت نمایند لیکن بلغاریه اجابت این معاهدهرا نکرده جواب انکارداد واکنون باسروبا میخواهد کمابلغاریه معاهدهٔ دوستانه محقق نماید وبلغاریه نیز خواهش را کرده که ساحل بحرا دریاتیک است منظور فرماید ولی چون دولتمطلقه سروبرا از خواهشش محروم واز مطالبش ناکام گردانیدند لهذا سروبا بر معاونه گرفتن آن از بلغاریه مستحق است و اگر تعاملات و واقعات حرب نظر انداخته شود معلوم میشود که سروبا با یونان حلف و متحد شده باین اشتراک موقع وصول خود را بحلاقه مشرقی سالونیکا بیابد وچون بلغاریه بعلاوه مدد کرد قوم ومصر گشته و یونان از سروبا مطالبه امداد نموده لابد برای معاونت یونان درفوج خود بشتاب غیر مرئی خود وجوباً امداد یونان فرستاد والا از قرار عهدنامه یونان حق امداد فوجی سروبا نداشت .

(تولید صلح وامید حرب)

آخر الامر وضع خشونت مصلحت آمیز سراید و رد گری برون و سروبا کارگر شده اثر کرد و فریقین بر مبادیات صلح دستخط کردند واکنون از ماین دولت علیه عثمانیه و متحدین بلغاریه فتنه برخاست ولی عنقریب است که فیمابین متحدین فتنه رخیزد (میر) اخبار نیم سرکاری صوفیه بزاظهار خیال واقع نشدن علاقات مقرره وزرا عظم های بلغاریه و سروبا را نموده وعلاوه برین ولی عهد سروبا برای تیاری حرب درمقام دیپلس انتظام ودرستی سامان بشتاب فوج را نموده از صورت واقعات چنان می نماید کمابلغاریه برسالونیکا حمله خواهد کرد .

(اتفاق آرای ترک و بلغاری در یکفقرهٔ معاهده)

براصل دستخط نمودن معاهدهصلح فیمابین دولتین علیه عثمانیه ومتحدین بلغاریه صرف چند دقیقه صرف شده لیکن برضمیمه های مختلف ومسودات اتصالی تاضربه نصف ساعت مباحثه شد والاخر باکثر وتصویب این تجویز نمود که حاجی انتظار تصدیق باشد ومعاهده فورا تفاصیل شود — و وکلای ریاست های دیگر بتلگراف بلغاری مخالفان تجویز را گردند وازدستخط کردن این فقره انکار نمودند ولی وکلای ترک و بلغاری قائل نشدند وتقریر مذکور دستخط نمودند .

(اتساع وانتشاع تجارت اتومبیل هندی واخبار از حوزه آزادرجن)

سلطنت با عبارت مشرق زمین یعنی دولت قوی صولت چین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 721 of 1786

ازقبول خواری رباط نظامی خودچین بحین گشته برای کورنت انگرزی پیغام دولتی چین اطلاع داده که کورنت موصوف تجارت افیون هندی را کمدر صوبجات شانونگ وانهوئی وهوئان می آیدموقوف ومسدود فایدودر علاقه‌های فوق‌الذکر بزراعت و خوردن افیون ازحالا ساعت ممانعت سخت وسزای صعب مقرر شده وکورنت انگرزی هراطلاع خبر مذکور را شایع وتجار افیون را مانع نبود.

(پشهولیار کمپوای جهازهوائی بهوائی پرید ازهوا بخاک انگرزی موصلت نمود)

لندن ۲۷ می — .

تخلت آرتش کارای آموختن دمشق هوا بازی پدریعه بالون بهوا پریده بود ازدر مانچین بقصر جیم افتاد

(روس واتفاق ثلاثه)

صحیفه روزانه

پرو دوس — اخبار روس چنین می نگارد که وزیر مدرجه فرانس کمرای انتهال جنازهٔ شاه‌مقتول یونان درانجا رفته بود (زی‌تخت یونان) آمدموجود پادشاه‌جدید یونان کانستانتین و وزیر اعظمش وغیره‌وایشان ملاقات کرده‌درین مسئله‌ایشان مکالمه‌نمود که‌دراتحاد یونان هردراتفاق ثلاثه‌یعنی (روس فرانس برطانیه) شامل‌شود وبعد از اختتام جنگ واقدام حرب ثلاثهٔ دراتفاق ثلاثه داخل خواهد شد وانهذا دول متفقه حال برای معاونت یونان کوشش خواهند کرد و عنقریب است که یونان از بانک های پرس مبلغ چارصد ملیون فرنک بطریق قرض برای تکمیل مصارف روز مصارف خود مطالبه کند .

(تجارت وحصول درحدودی افغانستان متعلق‌مرحد چین‌وقندهار)

همصر معزز‌پیه اخبار ذیل مورخه یکم‌جون خود چنین می‌نگارد

چون مفتوحین قریب علاقه قندهار یک ایستگاه آخری ریل است ویار ازانجا بقندهار واز قندهار تاچن پذریعه مار گیر شتر وخرواستر انتهای تجارتی انگرزی وافغانی رسیده آورده میشوند واسباب انگرزی‌در علاقات قندهاروباقی حصص داخل‌افغانستان بصرف‌میرسند وهم‌چنین‌موجبات‌هرقسم‌خصوصاً(انگور وکشمش) وپشم وتیا کو که از قندهار داخل علاقه انگرزی میگردند وخروجت میرسد برحصول انگرزی وافغانی آن یک نظرباید انداخت هراسبابیکه ازهندوستان خارج میشود وبقندهاری چن داخل‌میشود حصول‌انگرزی آن‌یکروپیه‌اصلی‌پیدا گرفته‌میشود وهم‌چنین چیزیکه ازخارج بداخل هندوستان رود بزرهان‌محصول گرفته میشود — حال چون بسوی محصول خارجی افغانستان نظرانداز مثلا اجناس واسبابیکه ازعلاقه انگرزی برای تجارت داخل علاقهٔ افغانی در مندی چن می‌شوند برای یک توپ کالا مبلغ ۷روپیهٔ محصول گرفته میشود گوبیه‌محصول آن برار یقیمت خرید هندوستان میباشد واز آن جمله ۳ روپیه را عاملان و کار داران افغانی خود میخورند و ٤ روپیهٔ آنرا تحویل خزانهٔ افغانستان میپاشند وتخمیناً به این حساب سالانه بیست وپنج لک روپیه خزانهٔ افغانستان میرسد ومبلغ مذکور در میان عاملان افغانی تقسیم میشوند وهم چنین در محصول داخلی ازقسم انگور و کشمش وتیا کو که ازعلاقه قندهار داخل مندی چن میشود مبلغ پنج روپیه فی بار از انگور ومبلغ ده روپیه فی‌بار کشمش وتقل همانقیاس مبلغ بسیار از تیا کو محصول گرفته میشود وباوجودیکه درقندهار انگور بغایتان کثیراست بمزحمت جمع کردنش از باغها ازقیمت فروختش بسیار است ولی جمع این محصولات لقمهٔ عاملان و کار داران سر حدی افغانی میگردد وحزئی ازانهم به خزانه افغانی نفع نمیرسد واز ظلم شان رعایای مظلوم وضرب که مال واسباب خود هارا داخل وخارج میبایند از راه های کوته وپهنای میروند از حکام برانها هیچ واقف نمیشود ایضا اگر سررشته وانتظام سر حدات مذکور بدرستی کرده شود ودر محصول هجیزی تخفیف منظور شود هر کس از هرسو بشوق خود محصول مقرر را ادا خواهند کرد واین صرف نقصان یک بندر چن بود که بیان نمودیم واقعهٔ اغلب که از محصولات سر حدات دیگر که به نسبت این بزرگ واهم که مانند دکه وغیره میباشد سالانه چقدر نقص بدول افغانستان میرسد وحالانکه دول قریبا درین اوقات روپیه بکار دارند ومحتاج روپیه میباشند خصوصاً داشتن وجمع کردن روپیه‌برای‌افغانستان بسیار ضروریست وچون این مشتهر هم خود را خیر خواه پادشاه اسلام وبرادران افغانی خود وخزانهٔ شان میدانم لهذا درج اخبار نمودم کما گر سررشته وانتظام سرحدات افغانستان تحویل کرده شود انقدرهٔ سالانه اقلا مبلغ محصول بچندلک روپیه برای خزانه افغانستان باقی خواهد شد وریاستی افغانستان هم خوشدل خواهد شد وخود من بالذات از هیچ عامل وکار دار افغانی شاکی نیستم فقط

(بعد ازین بخاریه درجمیع واقعات معاونت ترکیرا خواهد کرد)

بعد ازانجام صلح بخاریه درجمیع واقعات وبخاریکه آینده رودوات علیه‌غایبه واقع شود در تدافع آن بخاریه نیز معاونت خواهد کرد واین سخن را بر خود فرض عین گردانیده —

(ایجاد جدید واختراع عجیب یعنی توپ کاغذی)

کروپ کمپنی ـ توپ ساز مشهور جرمنی اکنون اختراع وایجاد توپ کاغذی‌را نموده زیرا توپ فولادی ازسبب ثقالت به سهولت به جاهای مرتفع وبلند بالاکشیده نمیشود لهذا بعوض فولادی توپهای کاغذی مستعمل وکار آورده خواهد شد .

المترجم عبدالرحمن

مسابقه فوتوگرافی

—(دروازهٔ مدخل باغ شاهی جلال آباد)—
از فوتوگرافی حضرت معین‌السلطنه صاحبافخم

—(عمارت باغ تخلهٔ که دومنزل ازجلال آباداست)—
از فوتوگرافی سرخان امیور جناب محمودخان

(این فوتوگرافها درمسابقه درجهٔ اول را گرفته‌اند)

http://hdl.handle.net/2333.1/m8pk0wv Image 722 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 723 of 1786

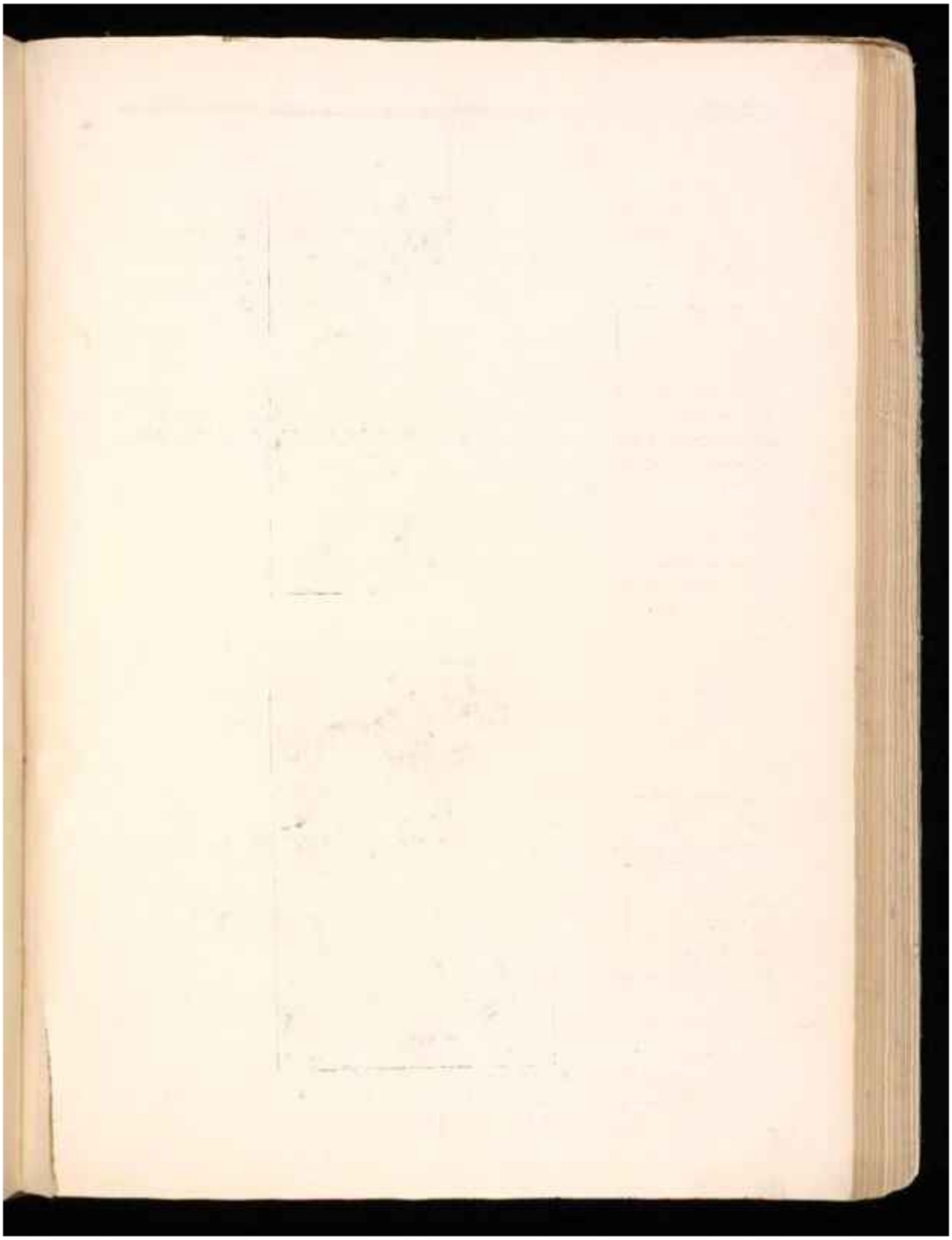

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 724 of 1786

دیگر افسر جوان الزام جاسوسی

سیت پترزبرگ ۲۶ می — اخبارهای پایتخت دول معلوم میشود که جوان میجر لات که در روس می‌زیست بجرم جاسوسی پترزبرگ واپس می آمد بالزام جاسوسی گرفتار شد اگرچه میجر مذکور را تلاشی کرده شد لاکن هیچ چیزی قابل اعتراض بیرون نشد. وحکام معلق خواستند دیگر از خبرهای رفی ظاهر می‌شود که میجر موصوف در دل نگران قوی ثابت شده واز این سبب رهائی یافت واین حکم زمان برای تأمین ازعدم پایتخت داده شده است.

لندن ۲۸ می محبت شهنشاه جاپان — محبت شاه جاپان بروه یهودی است

(پیغام دختر شهزادهٔ مصطفی پاشا)

درحالیکه مقررهٔ خانون مصری میباشد (بانوی افندی هانم) دختر مصطفی پاشا مصری به همدردی اسلام وصدق محبت آن به نهایت خوشی مذربه تلگرافی ثبوت داده در حقیقت قابل عزت وتشابل فخراست کهاین شهزادهٔ یکمرتبه باطن صدتسخیر (بانیا) برای مجهود شوکت پاشا حسب ذیل پذربعهٔ تلگراف خبر داده

ای محمود — چونکه من نیز یک فردی از اسلام میباشم لهذا برخود فرض میدانم که برای شما چیزی بگویم — کجا وبدر گرامی خزانه است آن کرور ها پوند که برای کار آمد روز مصیبت خود ذخیره کرده بودند افسوس — آیا شما ازین سبب پر مسئله وزارت نشسته بودید که ساعت مارا باین حال برسانید وجهانیان چهار کرور پوند مال واملاک عبد الحمید خان واهانت جدهٔ غریب مسلمانان را بکنید

(المترجم فیض احمد)

مقالهٔ مخصوصه

﴿ خواب در تاریکی ﴾

انسانرا در تاریکی خوب خواب میبرد . حتی بعضی چنان عادت کرده اند که اگر ادکروشنی" چشم شان برآید خواب شان نمیبرد . بعضی ازچشمهای خودشانرا بالشت مندیل شان . بالش دیگران نه بتوانند ازخواب لذت نمیگیرند . خواب از ساقه شدن وسستی" رگها وپی ها حاصل میشود . رگها وپی ها چون چند ساعت پی"هم کار گذاری وفعالیت خودرا اجرا نمود بک رخوت وسستی" برای شان پیش میشود . بخار طعام . وتاریکی" شب نیز بآن علاوه شده خواب ظهور می‌یابد که این خواب طبیعی واز لوازمات ضروری" زندگانی" انسانست . ودرهریست وچار ساعت نسبت به سن وسال هرشخصی ازشش تاهشت ساعت لازم ولابدانست . غیرازین خواب طبیعی . یک خواب غیرطبیعی" نیز هست که آن ازمرض وبیماری" دماغ واعصاب حاصل میشود . وآنرا به اصطلاح اطبا (نوم سائی) میخوانند وآن بلخواهیست که بیداری ندارد . واگر بمداخله ومداوات آن نکوشند شخص خوابرفته را سوراسرافیل در روزمحشر بیدار میکند .

چون بحال امروزی" مسلمانان روی زمین بنظر غور وتحقیق دیده شود اگر شانرا مثلای همین درد صعب الدوائی بینیم که بعد ازیک بیداری وفعالیت وکار گذاری" عارق العادهٔ که از آغاز ظهور خود شان نابیک حد صبری نبودند رکهاوپی ها وقوای دماغیهٔ شانرا یک سستی ورخوت عجیبی حاصل آمده . وتاریکی" شب دیجور غفلت وگمراهی . وتیره گی" ظلمت نشور علم بصیرت وبصری روزبروز افزونی کرده تأثیرات آن ظلمت جهالت پرتگها وپی های شان عرض اختلاف صدای را بجان دهشت مشتولی ساخت که بلوجودیکه هزارها سیرحوتها ازانها گرفته شد . واز طرف بطرف کوک داده شدند . وبار بار چاردست وپا گرفته از بالا بپایان وازپایان بپالا انداخته شدند باز هم ادنا حرکتی دران ها دیده نشد .

بلی . تاریکی خواب را میافزاید . تاریکی . عبارت ازبی علمی . بصری . غفلت . بی‌صنعتی . بی زراعتی . بی تجارتی میباشد . درهر طرف دنیا که نظر کنیم این چیزهارا درمسلمانان بیشتر میبینیم . سبب یگانه" محرومیت خود مارا ازین چیزها ازخواب رفته گی" قوهٔ متفکرهٔ خود باید بدانیم . زیرا بیداری" حقیقی . بیداری" فکر است . وخواب حقیقی . خوابرفته گی" فکراست . فکرها هراقدر کهبیدارشود بسعادتها بزهاقدرمنزلهای استقبال میکند .

چنانچه تاریکی" پرتیره گی خواب را میافزاید . همچنان روشنی" بسیار نیز ازخواب را میرباید . روشنی عبارت از علم ومعرفت است . چون بکبار روشنی" علم وعرفان درمنزلها پدیدار شکردد فکرها بیدار میشود . فکرها چون بیدار گردد . صنعت تجارت . زراعت محصول می آید . انسان هرقدر تندرست وتوانا وقوی باشد چون فکرش بیدار وتیره دار نباشد هیچ فایدهٔ به خود وبه دیگری رسانیده نمیتواند . همه اختراعات محیر العقول که درجهان پدیدمیشود همه‌گی" نتیجهٔ بیداری فکرهاست فکرچنان بلخار قوت آگاهیست که چون یکبار درمغز ملتی دماغ درزیر تضییق وفشار در آید همه قوتهای طبیعت درپیش قوت آن سرتسلیم فروی آرد .

هرملت ازقوهٔ فکریهٔ خود استفاده کرده میتواند . اگرقوهٔ فکریهٔ دیگر ملتهای بیدار فکرعرض احتیاج ورزد هیچ قابل پذیرفتار . صاحب اصفهانی میگوید :

بدوش تو گل مه بار خودرا
ولیمعمت خویش کن کار خودرا
حضرت طرزی افغانی میگوید:
بیوقفانه بردار خود بار خودرا
میفکن بدوش کسی کار خودرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 725 of 1786

یك انسان زبان انسانی میسراید :

چیست هست در نه ولا رزان گری آن دی
نه به فکر دون آن ور زین مه نه

آنها ، هیچ چیزی نداشتند ، در ظرف یکچند سال هرچیزی را مالك شدند . زیرا ساز تفنگ ساز ، دربد ، توت ساز کان شناس ، پولیتیکل شناس ، حربیشناس شدند . آنچه کردند ؛ بصدها صدها اولاد وطن خودرا بهرطرف دنیای آموختن این چیزها فرستادند . آنها مانند زنبورهای شهد درکلزارها وجوزار های دنیا پراکنده شده مواد شهد صنایع را حاصل کردند واز ظلمت به نور رساندند . یعنی فکرشان بیدار گردیده رفته رفته آموختند واز قوای فکریهٔ خود وطن خودرا مستفید ساختند . تاوقتیکه از یکانکان مهندس ومانیکار ، وکان شناس ودیگر ارباب صنایع را آوردند بجز آنکه یکانکان پیمه‌های شارا خوردند ، و اشیای شارا تلف ساختند و بر عقلهای شان ریشخند کرده پی رساندند دگر هیچ فایدهٔ ازانها ندیدند . و چون خودشان از جای خود ارباب آنرا بدست آوردند هرچیزی را مالك شدند .

استانبول بسبب که عنوان مقام خلافت عظما را حاز بود ، ومقام مشیخت اسلام هم دران بود ، وبصدها جوامع ترب ومدارس وتکایا را حاوی ، وبهزارها علما ، وسادات ومشایخ طریقه‌ها وصوفیون ، و سوقها را غنی بود صنف یك مقدار معنوی اسلامی را داشت وبه آن سبب اکثر مردمان آنجا ناپسیار وقتها بصنایع و معارف اوروپا و امریکا کمتر رغبت میورزیدند . حتی صنعت و تجارت را چندان چیز ندانسته هر اقدر سعی و کوششی که داشتند درباب صرف میکردند که اولاد های شان کاتب یعنی میرزای دفتر های دولتی بشوند . وبدینسبا در سرعای دولتی برسند ، و قلمدانهای منصبی شان داو جرمقم گردیده از ترهکز توانگر شوند . این حال درهمه حکومتهای اسلامی دیده میشود . اهالی هرچیزرا بروش حکومت میاندازند ، وهرچیزی را از حکومت امید میکنند . به اوروپا و امریکا رفتن و صنعت ومعرفت آموختن را کفرو بدعت میانگارند واین سخن بردهانهای شان جایگیر شده که هرکس چون به آنطرفها برود کافر و بیدین شده پس می آید ، کافری وبیدینی را بزرگداشته وایمان خودرا میبازند و باعنصردیگر مدنیت و ترقی رانیا از پوشیدن آنها میپندارند .

در زمانهایی که مصر واندلس وبغداد مدنیتهای علم وعرفان بود فرنگیها بعمامه وطیلسان دران دارالفنونهای اسلامی داخل شده وتحصیل هرکرده پس خلق خود میرفتند . حالا که اوراهیچ کس مسلمان نمیگفت ، وبه خودداوه آن عمامه وجبه مسلمان میگردید . میبینیم که یك انگلیزی ، یك روس بعدازانکه زبان عربی وفارسی راخوبی تحصیل کرده درمکه مکرمه یا کابل یاطهران سالهای سال

بزی وظیفه خود آن مردم درآمده القمت نموده است . ودرباب احوال آن مملکتین جلدها کتاب تألیف کرده باخود برده‌اند . حتی روایت میکنند که درزمان اعلیحضرت امیرشیرعلیخان مرحوم یك مرد روسی صفت ایلچی فوق العاده بکابل آمده بود ان شخص درکابل بدرجهٔ والفیت وعظمت داشت که گویا ازمردم خودانشهر شمرده میشد . ایلچی مذکور میگفت که مدت دسال من درمسجد سرچوك بلباس وعمامهٔ علمای افغان بودوباش کرده‌ام .

مقصد ماجزانه ماازکوشش اینقسمه مخصوصهٔ (خواب درتاریخ) این است که نادانی وبیخبری تاریخی وبرده گیست که برمملا شده کان آن درد پیدوا خواب ابدیرا مستولی میگرداند . هر معرفت روشنی وبرخشنده کیست که تابش آن خواب را ربوده بیداری افکار را نتیجه میبخشد . ودرین عصر حاضر آن نور درخشنده‌ئی را ماازاوروپا ، وامریکا ، وژاپن می‌بینیم . مراد از نور صنایع واختراعات وهنرهای آنجاست تمدن ومذهب شان نزدالتوارین ومذهب درممالك اسلامیه دردرخشیدنست که شعراء آخرت مارا روشن داشته است واگرخواهیم که دنیای خودرا آبادوروشن سازیم مجبوریم که درپی انوار دنیای باوروپاوامریکا وژاپن بتازیم . اولاد های وطنرا درانجاها فرستاده کان شناس ماشین ساز ، مهندس ریلساز ، مخترع موجد ساخته بدست آریم .

این نیست که درمملکتهای مسلمانان آهنگر ، نجار ، کشتکار ، وغیره موجود نیست . بلی هست ! ولی اگر هزارسال آهنگری بکنند چنان آهنی که رای ریل ، وپاعین آرایشاد نامیند وبیاموزند ساخته نمیتواند . از آهنگر ، کان شناس ، مهندس ، وغیره صنعتکاران ، وازمعلمان علوم وفنون مذکوره بیگانه کان غیردین وغیر جنس خود بجز ضرر هیچ فایدهٔ دیده نخواهند شد .

وباطاعل نور علم که ضد آن ظلمت جهل است انسانها مملکتها ، زمینها ، کوهها ، دریاها بحراهارا غرق انوار میسازد وبند آن فکرها جهانها را میپراند ، بشنوید که حجرهٔ فریده (سبیل الرشاد) که در استانبول طبع میشود از مقدمهٔ کتاب (ازظلمت بنور) چه می نویسد :

« بلی ، منبع یگانهٔ جمع امراض اجتماعیهٔ ماجهل ، سبب حقیقی همهٔ سفالت وبیچارگی ماجهل ، مؤثر ترین همه فلاکتهای ما جهل است . تا وقتیکه ذهن ملت روشن نشود ، فکر مردمان کشایش پیدا نکند ، چرانهای غلط جلوگیری نشود امید فلاح ونجاح سراسر غلط است .

« آیا سبب جهل نیست که ماشد الاطول یك ملتی که مدت ترین ، ومحصول خیزترین دنیاست ، وفیاض ترین نهرهای جهان دران جاریست امروزه روز یك حال خراب زار سفالت میباشد؟

« آیا سبب جهل نیست که در بندرهای بحری ما کاسلاد می کر تجارت بحریهٔ تمام دنیارا دارد ، بجای اینکه بیرقهای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 726 of 1786

عنان موجها بزند سفینه‌ها و برقهای دولتهای یکدیگر دشمنان گفت و گذار میکنند ؟

« اینها بار هزار روی کاوش بلای همین دشمن دهشتناک یعنی جهل بست که در سیصد سال طول تاریخ موجودیکی کتابهای قیمتدار و وافری و بسی خزینه های بی پایان و توانگری مدفونست که روی گروه مردمانیکه روی آن زمینها زیست دارند از گرسنگی تلف میشوند »

بلی ـ بلی ، ماهم باهمهٔ هستی خود اینسخنان (سیل ارشاد) رفیق معزز خودرا تصدیق وتأیید میکنیم ، ولی چون هم میپرسیم که خود از خود سوال بکنیم که آیا آن چیزی که ما آنرا جهل میگوییم چیست ؟ آیا اینهمه مدرسه‌ها وتکیه ها ، وزاویه‌ها ، ومسجدها ، وخانقاه هائی که در هر طرف ممالک اسلامیه موجود است ، وبا هزاران هزار ملاها ، وطالبها ، وآخندها وشیخها ، ودرویشها ، وصوفیها ، وداکرها وغیره پر وملامال اند ، ومبالغ خطیری از وقفها ، وخیراتها ، ومیراثها برایها بخرج میرسد ما چسان جرأت کرده میتوانیم که اینهمه ملا کتها ، وخرابیها ، وزبونیهای ممالک اسلامیه را بر جهل وبی علمی حمل نمائیم ؟ .....

این مسئله شرح وبسط بسیاری دارد که در یک مقاله ودو مقاله نمیگنجد ، وهم از صدد بحث ابتدائاً ما خارج می شود ، لهذا سخن را بر همین مقدار مختصر کرده میگوئیم : که مارا یک تاریکی وتیره ئی فرا گرفته آن تاریکی بر اعصاب دماغیهٔ ما تأثیر اختناق بعمل آورده وانجواب بسیار سنگین وعمیق فرو رفته ، فکر مارا در یک گرداب تاریک ظلمت مآبی غرقه ساخته ، برای محافظهٔ هستیٔ وجود ما نور لازم است ، برای بیداریٔ فکر ما روشنی بکار است ، آن نور وروشنی را در کانها ومعدنهای عمیق زیر زمین می بینیم ، آن نور وروشنی را در میدانهای وصنعتگریٔ کشیدن آنها وساختن آلات وادوات مدافعه ، وسرعت وغیره می یابیم ، آن نور وروشنی را در پرواز کردن روی هوا ، در شناوریٔ بحرها ، درشلیدن آوازها از هزارها کیلومترها وهزوز چیها وجیها می یابیم ، ما هم راه سازی ، آهنگری ، تجارتی ، زراعت تجارت میکنیم ، ولی در تاریکی میکنیم ، این چیزها همه در اطراف بحر های محیط است اگر از انجاها در باب بست آوردن ارباب آنها تثبت ودرزم پا میاید که هستی ووجودیت خود مارا برای آنها وا گذار شویم ، ویا آنکه یکچندی خود را بازی داده ومال خود را نیز تلف کرده هیچ استفادهٔ نکنیم ، بنا برین ، کسی تجارت پشت من جز تأخیر و انگشت من ، کشته وهر قسم فداکاریٔ که لازم باشد اجرا کرده یک آن آواز در پیٔ آن نور بشتابم ، وخود را منور کرده بیائیم ووطن خود را مشرق انوار بسازیم ، والسلام .

(علم طبقات الارض)

(ما بعد از شمارهٔ (۱۹) سال دوم)

ودر کتاب (فن نباتات) اینطور نیز روشن ومبرهن است : که حرارات ، درخصوص محو کردن وتبدید ساختن جنگلهای جسیمهٔ پیشروترین اسباب تخریبه میباشد .

باد

درخصوص آلات تبدلات سطح ارض (باد) نیز از جملهٔ قوای تخریبهٔ بسی عظیم شمرده میشود که روی زمین را همیشه باکتلهٔ پر قوت خویش لیسیده لیسیده از یکحال بچیکر حال تبدیل میدهد . این آلت تخریبه از پیروان وکاهان قوهٔ تخریبهٔ حرارتست . مثلا حرارت ، در اول احریک کومهٔ کی بسیار بزرگ را بعدت بسیار مدیدی چنانچه آنشی مواد سازندهٔ را خاکستر میسازد —

(باقی دارد)

فاجعه های پاریس

(مابعد از شمارهٔ (۱۸) سال دوم)

ازشبات بسیار خفیفی که از ازدار شدن وبست شدن دروازه حاصل شد پیرمرد بزار آهسته که گویا حرکت بسیار خفیفی نیز برای او موجب اضطراب عظیمی میشد سر خود را بسوی دروازه دوردادچیزی که درمیان دواروی او پیدایش پیدا بود پیرمردی وقیروعضلی دلالت میکرد ، لماجون آنرا که درون درآمده بود شوید وشناخت غلام سیاهش یکی یکبار تبدل نمود وچیزی که رجیستر حاصل شده بود هلهله‌ئی کردند ، درلبانش اثریک تبسم مهیبی پیدا شد ، دست راستش چون یکصورتی که گویا ازروح حالیست یکطرف آویخته شده بود ازاو دست چپ خود را بجیب راست بسوی توجوان دراز کرده گفت :

— ازهیچ نپاندن بازآمدن ازلازاست ، خوش آمدید محترم قوات ، اگرچه‌ئی که ترا چقدر انتظار داشتم !

روبزه زوپیرمرد تقرب کرده ، دست رعشه دارا و گرفته و بیکصورت بسیار احترامکارانه نثارداده گفت :

— میدانستم که بسیار بصیری بی‌منتظر بوده‌اید ، اما اگر زود آمدن درداثرهٔ اختیار خودمن میبود یکدقیقه بیزدید آنرا میدان نمیدادم ، حالاچون اسباب تأخر خودرا بیان کنم شاهم حکم خواهید کرد که گناهیت برمن نیست ، امادر اول امر از مادموازل (هاتریت) بحث کنیم ..

پی — (درچهره انورسیار یک علایم محبت پدیدار گشته) بلی ، بلی ، ازدخترک من بن احوال بدهید .

جوان — وظیفه وخدمتی که بن سپرده بودید بخوبصورت بجا آورده مادموازل هاتریت وخادمهٔ اوتانش بافطار زادآهی گذاشته پنجبست دقیقه گذشته حرکت خود بسوی اورلئان عزیمت کرده ، خودشان وافسون درجه اول مخصوص از تاخت جابجا کرده ، وتاوقتیکه ازین حرکت کرده بودازشما بیرون جدا نشدم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 727 of 1786

ادبیات

حیف صد حیف است بر حال مسلمانان روم
ناله‌وا حسرتا بر خواری و خذلان روم
در بلاد روم آشوب قیامت قایم است
از جفا و ظلم بی‌اندازهٔ خصمان روم
قتل عام افتاده است از فرقهٔ نصرا نیان
بر زن و مرد جوان و پیر و طفلان روم
اکثری را زنده در آتش چو هیزم افگنند
این چه بیدادی و بی‌رحمی است بر ترکان روم
شد زمین آتش ز جور کفر یکسر یکسان روم
یا الهی آب لطفی ریز بر نیران روم
داد گر از کافر و از مومن چو در حق دوست
سنگ ها در جای دلدار ند حیران روم
آه آه از جور این کفار سنگین دل که هیچ
رحم بجنیت نکنند زیشان بطرفان روم
کودکانرا در حضور مادران پاره پاره کنند
بنگرید ای مومنان ظلم ستمکاران روم
با زنان و دختران بی‌چادران کنند
خودبخود بازیچه‌زای جهد خواهان روم
هیچکس نشنیده بود اینگونه بیداد و ستم
کرجوای کافران جاری است در اوطان روم
در میان خاک و خون افتاده هر سو لاشها
از سعی سروان سرم آمادیو مهرویان روم
رونق اسلامیان بشکست در اسلامبول
سخت آشوب و تزلزل یافت شهرستان روم
چند دولت از نصارا خائف شد بهر او
از کمین رجعت ظاهر دشمن پنهان روم
کی کند در عهد و پیمان نصا را اعتماد
هرکه این عهدیتی را دید در پیمان روم
ای مسلمانان بجای آب خونابه گریست
برچنین حال خرابید وضع سرگردان روم
مومنان درهر وطن از فرط اندوه و حزن
دلفگار و سینه‌پرآتش و حسرت خوان روم
هر یکی آید حیران هر ز اسباب نفاق
کاش باهم اتفاق داشتی یاران روم
ای برادر های دین هستیم چون مولتها
درغم شادی شریک ویار همدردان روم
در فریب کافران باشیم باید هوشیار
حق حاصل گنیم از حالت اخوان روم
این بلا امروز در روم است فردا پیش ما
نیست تنها از حمود و بد آمدشان روم
مملکت های وسیع مومنان رفت از نفاق
اتفاق کفر دست افگند تا دامان روم
خیرت و مردا نگی و اتفاق و عزم و دین
بود سابق پیشهٔ ملو مسلمانان روم
باز باید سنگ اسلامی کنیم و اتفاق
پر دفع خصم خویش و عمز زدستان روم
وزرای حافظ دین و دولت و ناموس خود
با خبر باشیم باید تا چنین حیران روم
گر اصول و اتفاق دین ما پرجا بدی
قدرت اقدام کی بودی بد خواهان روم

پیر — (بسوی ساعتیکه بر سر بخاری زد نظر کرده) حالا ساعت دو ونیم شده است .

جوان — ما دوازل بانجمال حکماً بحل مقصود خودش واصل شدهاست . دوروز بعدازو دریاب احوال تحیهٔ (توماس دوناغره) مطلوب خواهید کرفت .

— آه بیچاره هنیبره نکو (دوناغره) ! او را دو باره نخواهم دید !

— که میداند کهمیشه !

— (بصورت افسوس کنان سر خود را جنبانید) بس من واو آدمها کهازدهسال بهم پیوسته مواصلت ودیدن نکن نخواهد شد . ماو او بعدازین درعالم لاهوت باهم خواهیم دید . حالا نکه بسیار نگذشته خواهد بود که آنهم ممکن شود .

— برای چه چنینگونه خیالات اسف انگیز بیان میشود . رجا میکنم این گونه خاطره های زارا از ذهن خود دور کنید موسیو .

— این خاطره‌ها برای من مؤلم نیست . بگو ببینم : این حیاتی کهمن دارم ازدهمگ شرده میشود ؟ چیزیکه مرا بازندگی یک رابطهٔ داده هزا و مشترک صورته گلک من (هانریت) است که اگر او نبی بود ازجناب حق نیاز میکردم که فردا روح مرا قبض کند . حالا ازخود همینقدر بحث کردن بس است . یکی کی از احوال تنها باز گفتگو کنیم : خوب به این میدانستید کهمن چندین بیصبرانه انتظار خبر عزیمت تریبت را داشتم . می بایست که بهمه حال بوقت طعام شام در خانه میبودید . آیا چه شد که اینقدر دیر آمدید ؟

— یک قضایی پیش شد ازانسب .

— (بسیار هول) آی ! بر سر تنها یا کدام حال بدی پیش آمد ؟

— بلی ...

— موجب وحشت بکچیزی نباشد . زود بکوئید !

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 728 of 1786

باد شاه ما سراج ملت و دین نام اوست
کز رقبها گرفته دولت او شان روم
در نگهبانی ملت و دولت و ناموس ما
روز و شب ساعیست همدلسوز و اخوان روم
روجود اتحاش ای مومنان شکری کنید
کو سراج ملت و دین است و از اعوان روم
مکنید از دامنش یك لحظه دست اتفاق
گر خلاف افتاد چندین فتنه در دوران روم
گر خدا خواهد قبول ما کنزی را زند
نفس قرآنی است ظاهر در دهندان روم
طول شد ابدال کلامت بایدش کن مختصر
در دعای شاه خویش و همت اخوان روم
یارب این آتش که از شرور نفس ماست
زانکه شاید جز بنایش است و هر عصیان روم
اینچنین فرمایشت رکمرو السلام است و بام
جرم ما را بخش با جرم گنهکاران روم
رومیان بهر مال گردیدند و کس محزون نیست
روح یك مسلمی را ساز پشتیبان روم
نصرت ایشان عطا فرمای و توفیق هدی
کافران را ساز مغلوب مسلمانان روم
دولت افغانستان را از خلل محفوظ دار
وز وقوع آنچنان شوری گذشته میهمان روم
از پریشان حالی جمعیت اخوان روم
دیدهٔ (شراحد خلص) شده گریان روم

ناموران نباتی جهان

(مابعد از شمارهٔ (۱۹) سال دوم)

ماکسمه ابیات اول چنین است که: چشمم گریست، وحق دارد بگریستن زیرا صاحب سیاحت که حیا در خلقتش بود، وطبیعتش نازك وشریف المنشه، وکریم الجبله ونیات پاك بود. لفظ (شبه) را از السنهٔ ذکر کرده که پدر جناب عبدالمطلب از وقت ولادت بگیسوی سفیدی موجود بود، و ازینسبب (شبه) نام وبالقب شان شده است. در دیگر بیتها نیز اوصاف وعلامه آنهارا اضافه نموده است. نظر بیکی از روایتها گویا این مرثیه را صاحب ترجمه در زندگی پدر خود عبدالمطلب بنظم آورده است. زیرا عبدالمطلب در مرض موت خود شان دختر خودرا که بگی عین اروی، وام حکیم، وبرده، وصفیه، وبیضاء بودند در نزد خود خواسته گفت که میدانم بعد ازسر من مرثیهٔ مرا خواهید گفت. چرا که صاحبهٔ طبع شعر هستید.

اینبنا میخواهم کیفیت ازمرگ خود آن مرثیه هارا بشنوم. وآنها نیز مرثیه های خود را بنظم آورده اند که مرثیه فوق ازانجمله است. وانشاءالله در حرف هرنام دیگرها نیز بیان خواهد شد.

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۱۹) سال دوم)

وبه اینصورت از حك سرمایه کی دون میشود. وازپیسهٔ نقدی که برای مزد مزدور کاران سرمایه شده است. چون یکبار بمزدوران صرف گردد. دوباره بازبر همان کار صرف نمیگردد. اگرچه فلزی که ازان ساخته میشود دردست جامه سازچون بیفتد باز سرمایه شمرده میشود. ولی آنکه پیسهٔ که بزده مزدور کاران بیفتد باز برای خود آنها سرمایه اختیار میشود. لکن به اینصورت آن فلز. یا آن پیسه یك سرمایه قوی میگردد که این گونه اشیا را (سرمایهٔ متداول) میخوانند.

(سرمایهٔ ثابت) آنست که کم ویش دوام وعلاقه داشته باشد. مثلا بنای فابریك، و آلات، وماشینها وامثال آنکه چیزهاسرمایه ثابته گفته میشوند که باوجود استعمال آنها درراه استحصال ثروت حك سرمایه گری خودرا قایم نمیکنند، وهنوز دربسیار معاملات استعمالیه استعمال شده میتوانند. کذالك بکار انداختن یك معدن، ویاز کردن یك کانال، ویا کشیدن یك راه، ویابکار انداختن دریا، وموتر، وغیره نیز جمله از سرمایهٔ ثابت رقم میرود گو در استحصال ثروت استعمال میشوند وصفت سرمایه بودن شان ضایع نمیگردد.

(آدام اسمیت) که ازمبرزهٔ علمای عزثروت است ثروت عمومیهٔ هرملت را از قرار ذیل تقسیم کرده است:

اولا: آن ثروتی که راه راه درامعیشت عمومیهٔ ملت استهلاك میشود — یعنی خرج میرسد، وهیچ مدا خلات وارادی حاصل نمیکند. مثلا ذخیره، وارزاق، وما کولات، ومشروبات ومفروشات واقامتگاه، وغیره، وهمانهائی که از اسباب آسایش مردمان آن ملت بخرج میرسد.

ثانیاً: سرمایهٔ ثابته که بی تبدل در زمین یك اراضی، ویك نفع حاصل میکنند. وآدم اسمیت ازچهارقسم اشیا تقسیم میکرده:

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیرومحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپخانه حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 729 of 1786

اعلان

از مرد هنرشناسی و از مرد هنرشناسی

خوشگذران مطالعهٔ آثار ادبیرا مزده میدهیم . و ترغیب مینمائیم که ازین کنجینهٔ راز جواهر آبدار . و ازین گلزار رازدار هار بابت نسخهٔ بدست آورده از هم دعی شنوند ، و از هرجهی سعی نجویند .

در

که عبارتست از هم عرفان قیمت نهزارهٔ جواهات معظم حضرت معین السلطنه سردار عشایرخانهٔ حالت زیور طبع آراسته گردیده ، و در نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که مزده افضال واقعست بقیمت ۲ دوروپیه کابی از زد عبدالرزق سرحرف مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند مخاطب مذکور دوکان ملا غلام محمد کتب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بزعم فروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 730 of 1786

(یادآوری)

بعضی اخبار های محمد میرزا که از هندستان بمامهٔ سراج الاخبار افغانیه میرسد و کیلیا میرزا غلام حیدر خان راکه در رشته دار ماکحانهٔ دولت علیه افغانستان دربشاوراست ایدیتر اخبار کابل کرده سرنامه وعنوان را ایدیتر گفته بنام میرزای موصوف مینویسند . لهذا یادآوری کرده رجا میکنیم که در نامه وآدرس بنام محرر و مرتب یعنی ایدیتر سراج الاخبار افغانیه خود طرزی نوشته شود . وبزرافعه مراسله نوشته شود تکدر اداره موجب شبه و غلط فهمی نگردد .

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج الاخبار افغانیه) تحسین اخباریست که در مملکت پرفیض و برکت افغانستان سایهٔ فیوضات غفران پروریٔ اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ما در دارالسلطنهٔ عزیزهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلک این نامهٔ گرامی یاری وآگاهیٔ اهل وطن مقدس ماست براحوال عالم ، وحب دولت و وطن ، وتوجه بسوی علوم ، دینی ، سیاسی ، ادبی ، اجتماعی ، فی یک اخبار فواید نگاریست که در صفحه های ممدود ، فواید غیر محدودی مندرج دارد ،

(سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آویا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطنی عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یک توجه خصوصی وبک هوس مطالعهٔ بااخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره درباب اشتراک متذکرین کرام نهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته ، ورای خوبیٔ مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر غدا کاریهای بسیاری بکار برده ، وتجارت را اکثر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درشعبه وپانزدهم هرماه نمبر منتشرمیشود . وآنهم به همت دانشوران عزیز هموطن مبسوط است زیرا هراقدر که تعداد متذکرین کرام ، ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید ، البته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخله دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 731 of 1786

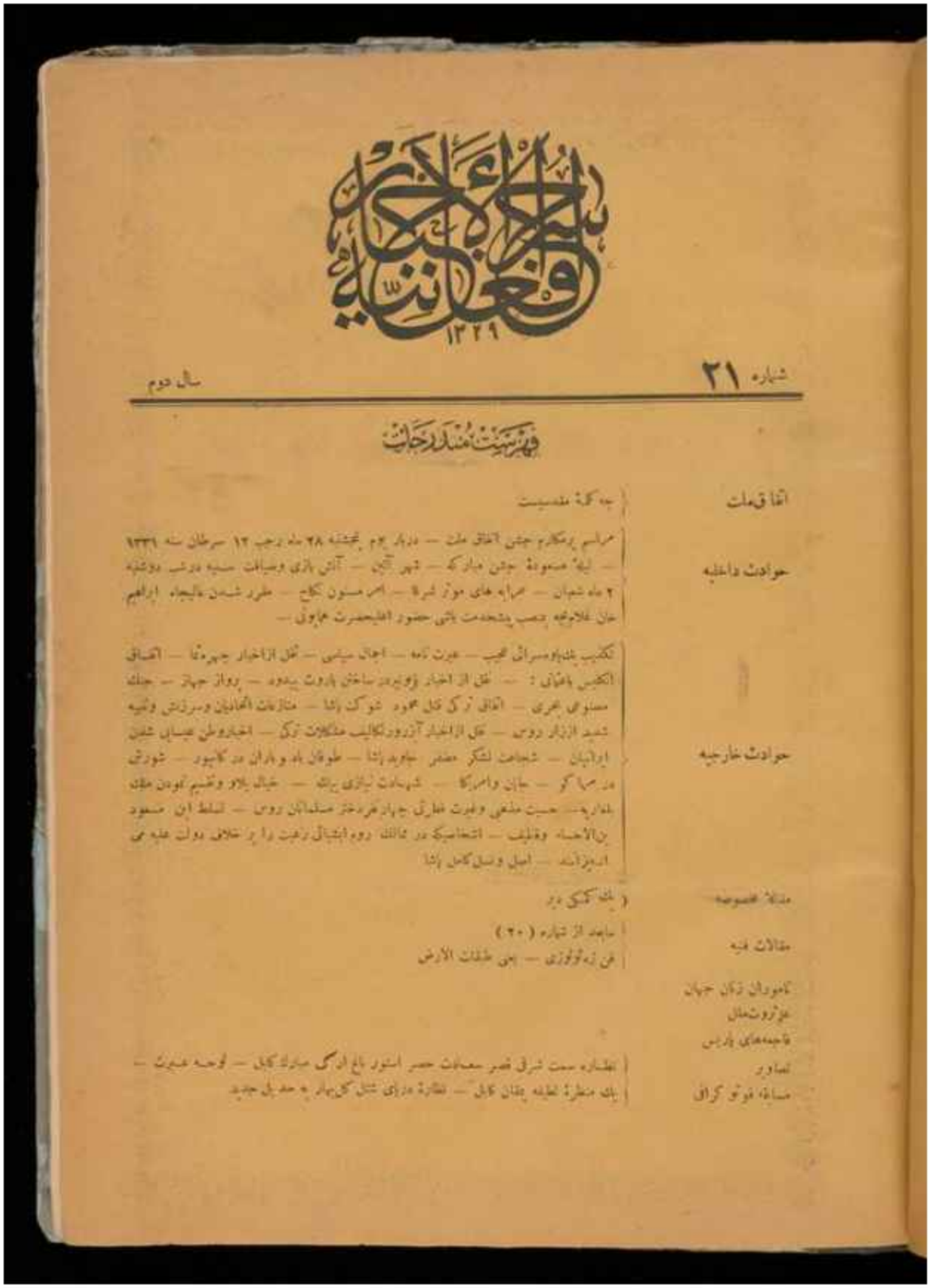

شماره ۲۱ سال دوم

فهرست مندرجات

اتفاق ملت — به کلهٔ مقدسیت

حوادث داخلیه — مراسم پرشکوه جشن اتفاق ملت — دربار یوم پنجشنبه ۲۸ ماه رجب ۱۲ سرطان سنه ۱۳۳۱ — لیهٔ مسعودهٔ جشن مبارکه — شهر آئین — آتش بازی وسیافت سنیه درشب دوشنبه ۲ ماه شعبان — سراپه های موزه شرقا — امر مسون کلاج — طرز شدن مالیجاه ابراهیم خان غلامرضا بمنصب پیشخدمت باشی حضور اعلیحضرت همایونی —

حوادث خارجیه — تکذیب بلغاریوسرائی عجیب — عبرت نامه — اجمال سیاسی — نقل از اخبار جهرمنا — اتفاق انگلیس باعثمانی : — نقل از اخبار ژوپیتر در ساختن بارودت بیدوده — پرواز جهاز — جنك مسلمین بحری — اتفاق ترکی قابل محمود شوکت پاشا — مناقشات اتحادیون وسرزنش وشنیه شدید ازاژار روس — نقل از اخبار آزرور تکالیف مشکلات ترکی — اخبارونطن عساکر شمس ایرانیان — شجاعت لشکر مصفر جاوید پاشا — طوفان باد وباران در کابیور — شورش در سیاکو — جاپن وامریکا — شهادت نیازی بیك — خیال یلاو وتسلیم کردن مقتدار بدارچه — حسن مشعی وغیرت فطری چهارفرد دختر مسلمانان روس — تسلط ابن مسعود بن الاحمد وقتلیف — انتخاصیکه در مالك روم ابتدای رغبت را بر خلاف دولت علیه می انگیزانند — اصیل ونسل کامل پاشا

مقالهٔ مخصوصه — (یك کلمك در

مقالات فنیه — تابعه از شماره (۲۰)
فن ژئولوژی — یعنی طبقات الارض

نامورانِ زمان جهان
عزتِ دولت ملل
فاجعه‌های پاریس
تصاویر — نظاره سمت شرقی قصر سعادت حضرت اسکودار باغ اوکی مبارکهٔ کابل — لوحهٔ عبرت —
مسابقهٔ فوتو گرافی — یك منظرهٔ خلابه یکان کابل — نظارهٔ درای تنزل کل بهار به حدیقهٔ جدید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 732 of 1786

اعلان

سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین

چندین فایده ها و شیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن زرگی و وسعت

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کنندگان این سیاحت
حق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بر دور ادور کره زمین)

بهشتاد روز

غیر ازوریه کابل یک مبلغ کمی را صرف نمایند این سیاحت را کویا (قیاس فوق) سیاح در فضای یکجا اجرا کرده خواهد بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . در نفس مطبعه عنایت که در دهافغانان است از آورندهٔ اوراق سرحساب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فی مشهور آفاقست . از فرانسوی به ترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور نه تنها ناولی بلکه در ناول فن جغرافیا و جغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) کابل مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولتعلیه افغانستان جناب عالی (صدر السلطنه سردار عنایت الله خان) است زیور طبع آراسته شده است . این کتاب کذایرا زود بدست آرید و فرصت را فوت مکنید کاپیهای آن زود تمام خواهد شد و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر نوع اعلان و اشتهار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه درمان اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود در سرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در ین ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۵ شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سونت) میباشد

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

دوره کتابهٔ (علم و اعلامیت) و (آیینه بلد کرده)

(باجلد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو کننده کان خریداری کرده میتوانند

قیمت هر (۲۵) بیست و پنجروپیه کابلی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 733 of 1786

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۲۱)

مدیر و سردبیر محترم

محمود طرزی

ادارهٔ محل و مطبعه

در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ کابل
عنوان امور ان تحریره یا ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۱۲ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با ضافهٔ مبلغ ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با ضافهٔ مبلغ ۱۰ روپیه انگلیزی
هر یازده روز یکدفعه نشر میشود
قیمت یکنسخه آن دو کابلی پیسه است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ هجری ۱۵ شعبان سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۰ جولای تاریخ شمسی ۲۹ سرطان ۱۲۹۲

﴿ درین اخبار از حوادث داخله و خارجه دینی مقالات مفیده درج میشود ﴾

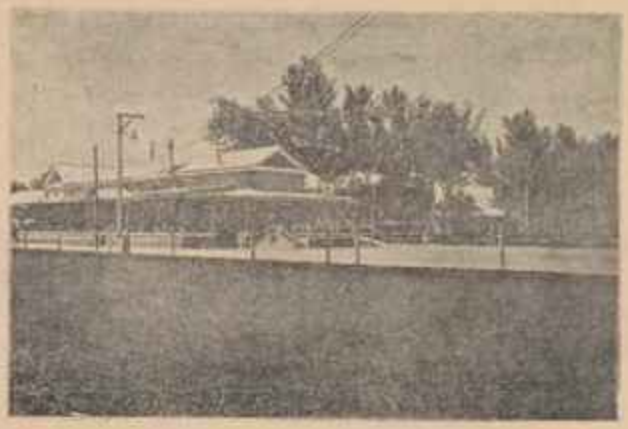

(نظاره سمت شرقی قصر سعادت حضر استور باغ ارك مبارك كابل)

﴿ از فوتوگراف برخان السیور زینکوگراف شده ﴾

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 734 of 1786

(اتحاد ملت)

(اتحاد ملت) جمله‌ٔ مقدسیست که از گرفتن نام آن هر حواس و وجدان انسانرا لرزهٔ علی آسای شوق ووجد فرامیگیرد اتحاد ملت که گفته‌شد ، هماهنگ حیات ، سعادت ، عظمت ، شوکت ملت درپیشگاه نظر مجسم میشاند ، اتحاد ملت که بزبان آورده‌شد همان لحظهٔ ترقی ، تعالی ، مظفریت ، عالیت ملت در حواس عقل پذیر مینگردد ، اتحاد ملت که درتصور آمد ، همه خوبیها ، فرخندگیها ، فیروزیها حالاً بعمل میاید .

اتحاد است که فیئةقلیله را برفیئهٔ کثیره غالب آورده است ، اتحاد است که از یکدشت انسانها دولتها تشکیل داده است ، اتحاد است که بر افراد متفرق بسیاری از انسانها عنوان ملت وهیئت اجتماعیه را نهاده است ، ملت باتحاد ملت گفته میشود ، اگر اتحاد نباشد ملت وجود نمی‌یابد ، هستی و موجودیت ازوودیعهٔ ابدی میکند ترقی واعتلا ، شرف وارتقا ازورو گردان میشود انواع مصیبتها ، هلاکتها ، خرابیها اورا استقبال میکند .

شه اتحاد اخلاق و شقاق است که دنیاها را برهم میزند ، ملت‌ها را پاره پاره میکند وعدم محض میگرداند ، صنایع معارف وترقی را ازمیان برمیدارد ، زیرا مردمان باکجزها وقت وفرصت نمی‌یابند ، همه اوقات شان بخرج بیخ کنی ، و خونریزی ، وازیا در آوردن یکدیگر شان صرف میشود ، تجارت ، زراعت را هرسو وناپود میسازد ، چراکه باینچنین چیزها باتفتیش وکوشش والتفات محبت و توازش افراد بایکدیگر شان بعمل می‌آید ، امنیت عمومیه — یعنی آسوده حالی وخاطر جمعی‌عام — نیز ازبی‌اتفاقی و اختلاق ملت ، ازملت پرمیخیزد زیرا هرکس بخیال جان ومال خود ازشر دیگر همجنسان و هم ملتان خود افتاده آسودگی مسلب میکردد .

علی‌الخصوص بی‌اتفاقی ملت ضررها وزیانهایی که به حکومت میرساند حدوحساب ندارد ، ثالثاً حکومت که گفته‌شد مراد ازان اتفاق ملت است ، اگر اتفاق ملت نباشد حکومت چسان تشکیل می‌یابد ؟ یک آدم چار آدم بیست آدم حکومت گفته نمیشود :

« هیئت اجتماعیهٔ ملت » نام‌او سلطنت شد ودولت .

هزاران رحمت حق برروان پاک خاقان جنت مکان اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الرحمن خان) باد که به تأسیس و بنیاد سلطنت و اتفاق و اجتماع ملت کامیاب آمد ، ملوکانه تحمل و آخرین روایت قدسیت سلطنت پادشاه پاک آگاه موجودهٔ ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) باد که بران اساس وبنیاد پادشاهی دین ودین ترقی وتمدن راوضع نمودند ، واتفاق ملت را بدرجهٔ علویت وقدسیت رسانیدند ودران شاهانهٔ خود شانرا بملت ، وملت بخیهٔ صادقهٔ شانرا بخود چنان نزدیک ساختند که همهٔ ملت وجود مراحم آمود شاهانه را پدر اتفاق دارم ، ومحبوب القلوب اعظم شناختند ، وآن پدرمحبوب القلوب ، ملت را بعنوان اولاد ، ووجود خود خطاب فرموده بارها خود را یک فرد واحدی ازانها بشمار آوردند ، در اکثر دربارهای عام ومجلسهای خاص اول اتفاق افتتاحیهٔ که فرموده دعای آزادی ، وترقی وسعادت حال واستقبال ملت خود را بر زبان مبارک آورده‌اند ، ودایما ملت صادقهٔ شاهانهٔ شانرا به این یادآوری وتأمین فرموده‌اند که در مسایل وقوایل خارجیه بدون استحصال رأی ومشورت عموم ملت صادقهٔ شاهانهٔ خود هیچ جوابی وحرکتی نخواهند فرمود .

این اتفاق ملت که حضرت خالق کائنات جل‌وعلا افغانستانرا عطا فرموده شایان شکرانست ، واز چنان قوای ذاتیهٔ وطنیه شمرده میشود که در پیش روی قوت آن هیچ قوتی تاب وتوانایی نیاورد ، لهذا برهمهٔ افرادملت افغانیه واجب است که شکر این نعمت را بجا آرند ، ودوام از داد آنرا از درگاه واجب الوجود جل‌وعلی نیاز نمایند ، واعلیحضرت پادشاه ملت پرور خیرخواه ترقی آگاه خود مارا بدل وجان دوست دارند ، ودعای دوام عمر واقبال وشوکت واجلال شاهانهٔ رحیمانهٔ شانرا ورد زبان صادقت نمایم .

حوادث داخلیه

مراسم پرمکارم جشن اتفاق ملت

(دربار)

روم پنجشنبه ۲۸ ماه رجب المرجب ۱۳۴۲ سرطان سنهٔ ۱۳۳۱ بازوز فیروز سعادت اندوز (جشن اتفاق ملت) که یکی از ایام عمده ومهمهٔ اتحاد ملت افغانیه شمرده میشود مصادف آمده شهر محترم مینو پیکر مارا یک مسرت وفرحت عظیمهٔ از هر طرف استیلا نموده بود ، نه تنها در پایتخت سلطنت متبوعهٔ مقدسهٔ ما بلکه درین روز مسرت اندوز در هرهر طرف وهمه ولایتهای پرشرف افغانستان یک جشن پر مسرتی برپا گردیده بود که ما درینجا تنها ازجشن های فیروزی همراه پایتخت کابل بحث وبیان میداریم :

در روز چارشنبه یکه گردهها وتکتهای حربی ازطرف اردیک آفیسان ملکی وعسکری رهبه ارباب مناصب ملکی وعسکری واشراف واعیان تملک وجمع اهل دربار معاش‌دار تقسیم گردیده روز پنجشنبه به هشت بجه صبح همه کان درسلامخانهٔ عام حاضر شده بودند زمره‌ها وهمن اساعهٔ سلامخانه ودالان بزرگی آن ازحاضرین پرشده بود ، بساعت ده اشرف توکن ردیف زنان اعلیحضرت پادشاه بسلامی موزیکهای عسکری اخبار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 735 of 1786

گردیده ذات شاهانه مانند طلوع شمس جاودی دلان بزرگ سپهر بارت سلامخانه را بقدوم مسعدت لزوم همایونی مشرق انوار ساطعه فرمودند .

ذات اعلیحضرت پادشاهی پرسدرهٔ سنیه که کرسی سلطنت بران موضوعست برامده درحالیکه همهٔ اعیان واعالی دربار با احترام قیام داشتند همه کارا مظهر تلطیفات وعواطفات شاهانه فرموده وازفرصت ومزایای این روز فیروز جشن اتفاق ملت بحث وبیان ، ودهای آزادی واستقلال وسعادتها وترقیهای دولت وملت ووطن شاهانهٔ شارا آوردهٔ لسان فیوضات رسان فرموده آرام گرفتن تخت سلطنت شدند ، وحاضرین را بحرمهٔ نشستن فرمودند . ذات عالی جناب نائب السلطنه صاحب افخم یك تقریر دلپذیری مبنی برنتیجهٔ این جشن مبارك وتشکرات نعمای اتفاق ملت اقطایه وملت پرورپهای اعلیحضرت شاهانه ازطرف عمومیان فرمودند .

بعد ازان بقرار سررشته وقواعد معموله همه ساله معموثین وفرستادگان اقوام وقبایل مختلفهٔ ملت اقطایه گروه گروه وصف صف ازطرف اتیك آقای ملکی حضور اعلیحضرت همایونی جناب علی احمد خان بحضور مراحم موفور اعلیحضرت شاهانه عرض وتقدیم میشدند وهرگروه وهرصف سلامشاهانه را ادا ودعای پادشاهی وعرض صداقت واطاعت خودشارا ایفانموده ومظهر التفات وعواطفات جهاندرجات جهانسای گردیده درموضعها وموقعهای مخصوصهٔ خودشان جایگزیدند . شربتها چایها ، طعامها برحمهٔ اهل دربار معالیمدار ، واعزاز اصناف ملت دینمدار صداقت شعار بخش واحسان گردیده ساعت یکیم این مراسم دربارجشن مقدس ملتی خاتمه پذیر گردید .

(لیلهٔ مسعودهٔ جشن مبارکه)

شب همان روز فیروز درباغ پادشاهی ازکل مبارك یك چراغان بسیار بارونق وپرشکوهی ترتیب یافته ، وهمه گونه اسباب فرحت ومسرت مشروعه حاضر وآماده گشته همه ارباب مناصب واصحاب مراتب واعزه واشراف واعیان مملکت بموجب ارادهٔ سنیهٔ همایونی بساعت هفت شام درباغ مذکور جمع آمدند .

دوقطعه جن سفا پرامن جهت شاهی قصر بیقصورا ستور که بادوسرك متوازی خودنها از همدیگر تفریق یافته برای نشستن مدعوین تخصیص یافته بود که ابتدا درجن دست چپ همهٔ خوانده شده گان جمع آمده وبعد از تشریف فرمای ذات اعلیحضرت پادشاهی بجمن مذکور وادای صلوة عشاء ایشان اعلیحضرت شاهانه ازجن موصوف بدیگرجنی که بانك انوار ضیانارو ترتیبات شمعدانی نور وترتیب یافته بود در آنجا دلها را یك نوع تازه گی فرا گرفت . در مواجههٔ جن یك دیواری ازنور برافراشته شده بود که انوار آنرا از عقول قوس قزح تدبر کنیها جواهر مذاب شمعدانها رنگا رنگ آبداری تشبیه دهیم جاندارد ، آراسته گی وپیراسته گی جن خواه ازجهت چراغان وخواه ازدیگر ترتیبات وتزئینات خیلی نظر دربای داشت . واحاصل تابساعت نه ازشب به التفاتهای جهاندرجات اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب اعظم وانواع نعما ومسرتهای متوالی پی هم قلوب حاضرین ومدعوین کرام بالا مال سرور وحبور گردیده شب جشن موصوف به انجام رسید .

(شهر آئین)

اهالی شهر عزیزما بشرف قسمت این عید مسرت پدید جشن اتفاق ملت دوشب متوالیاً مراسم شهر آئین را اجرا نمودند . بازارها ودکانها بچراغانهای پرانوار وزینتها و رونق های مسرت بار آراسته وپیراسته گردیده بود ، موزیکه های عسکری ، ساز های ملی ، گراموفونهای خوش نمی در هرهر طرف سامعه نوازیها اجرا می نمود . کماکان که یك جمعیت قابل ملاحظهٔ اعلیایه باآواز های پرجوش وخروش شان یك نشیدهٔ ملی اتفاق را بیك آهنك پشتی بسرودن آغاز میکردند انسانرا غرقهٔ بحر وجد ومسرت میساخت .

ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه ترقی خواه ملت پرور مراحم گسترانهٔ شهریاران عظام و افراد معمورهٔ وی الاحترام شان با این فرحت ومسرت ملت صادقهٔ شان اشتراك ورزیده در هردوشب بشهر گردش فرمودند . وبه این صورت پاشاهانه وعطای بزرگی درعالم تجارت بازار و انتباع اصناف وتجار بعمل آمد .

در شب دوم ضیافتی که از طرف جناب امین العسس در دایرهٔ شاطره یعنی کوتوالی ترتیب یافته بود باز تشریف همایونی بوقوع آمدنی است .

﴿ آتشبازی وضیافت سنیه ﴾

درشب دو شنبه ۲ ماه شعبان المعظم یك تماشای آتشبازی در (جن حضوری) ترتیب یافته همه اعزه واشراف وجهاعالی رای تماشای آن دعوت شدند . بعضی دوائی که آرزوی تماشای کاف بازی ، ویلتس بازی وغیره اسپور هارا داشتند از ساعت چار عصر به کلوپ جن قومی باغ رفته هم تماشا کردند وهم قاوه خوری ومیوه خوری نمودند ، بعضی که دیرتاخا حاضر نشدند وقت شام در جن حضوری برچوکیهای که حاضر شده بود آرام گرین راحت شدند . اهالی شهر در حالیکه هریك دست شان بکیك شمعدانی گرفته بودند فوج فوج بسوی جن مذکور آمده دراطراف منتشر میشدند که حقیقتاً یك منظرهٔ بدیعی تشکیل میداد .

تقریباً به ساعت هشت ذات اعلیحضرت پادشاهی بجمن تشریف فرمای عادت شده بعد از کی بعد ازین آتشبازی شروع شد انواع آتشبازیهای دلکشا رنگارنگ شوخ وشنگ شمعافروزی انوار مختلفه نموده فرحت وفرحت مسرت برمسرت افزود . بعد از انجام یافتن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 736 of 1786

آشپازی دولت کرام مدعوشند کان بعمت . امر شرف وسعادت اعلیحضرت همایون بسواری موترها وعرابه‌ها درباغ کمبارک رفته ازنظارهٔ چراغان بسیار بدیع‌الاوانی که بیك وضع وترتیب دلفریب تزیین یافته بود ، ویك سرو سیمایی ازچراغهای ملون درسطح مقابل موضوع شده‌بود فرحناوسرورها حاصل کردند . واز خوان نعمای عواطف ذات اعلیحضرت بادشاهی توشه چین انواع مائدهای لطف واحسان گردیده . وتابه دوازده بجهٔ شب به انواع مسرتها وشادمانیها بسر آورده‌جشن مقدس اتفاق ملت به انجام رسید .

(سراج‌الاخبار افغانیه) این جشن مقدس ومعظم شرافت عنوان سعادت بیان قدسیت نشان اتفاق ملت افغانرا ازصمیم وجان وبتمام هستی وجدان پادشاه وملت ووطن خود تبریك میگوید ، ودوام اتفاق وروز افزون ترقی وبرتری دولت وملت ووطن مقدس خودرا در پرتو رایهٔ مراجع رایهٔ اعلیحضرت پادشاه ترفیخواه محبوب القلوب خیراندیش عدالت گستر خود از درگاه رب السموات والارض جل‌وعلا نیازمند میکند . این دعا آمین وازجمله ملت آمین باد .

حوادث محلیه

عرایضهای موترشرکا

قبل‌ازین‌ازتحصیل تأسیس (شرکت‌موتر) دریکی‌ازنمبرهای خودبحث رانده بودیم . دربنوقت بدیدهٔ مسرت واقتخار می‌بینیم که «یاده های موترشرکا بکمال فعالیت درهر طرف مملکت بروی کار آمده‌است ، ودرماین کوهستان وکابل ، وپغمان وکابل ، ودیگر اطراف ونواحی درحمل ونقل اموال واهالی درفت وآمد دارد .

امرمسنون نکاح

درین ماههای مبارك جشنهای عروسی زیادی درشهر عزیزما بوقوع آمده وهی آید . در روزسه‌شنبه ٢٢جمله رجب امرمسنون نکاح جناب محمد علی خان کرنیل رساله شاهی دوم که از افسران معیت اعلیحضرت شاهانه ، وپسر جناب سردار محمدیوسف خان مصاحب خاص حضور اعلیحضرت همایون میباشند باصبیهٔ عصمت وسیمه جناب فتح محمد خان امین العسس در عمارت (قوس باغ) بیك صورت بسیار شکوه داری اجرا گردید ، ذات اعلیحضرت بادشاهی از کمال لطف و مرحمتی که در بارهٔ خدمتکار ان و آینه وزیرستان شاهانهٔ شان دارند محفل نکاح را بقدوم میمنت لزوم همایونی شرف بخشای عزو مباهات فرموده مراسم نکاح بکمال فرخنده گی و رونق بپواهند و اصول مرعیه به انجام رسید . سراج الاخبار افغانیه این‌مراسم مسنونهٔ فرحت وعسرت آگین را ازصمیم دل براهل عروس وعروس مبارك باد میگوید .

پیشخدمت باشی

چون خبر لبن ومقرر شدن ابراهیم خان کسابق در صف غلام بچه های اعلیحضرت همایون شرف سرفرازی داشت وقبل از چند ماه بمنصب پیشخدمت باشی گری حضور اعلیحضرت همایون مقرر گردیده بود واز قلم‌افتاده بود لهذا دربنوقت مندرج وقید آن پرداخته حسن توفیقات و کامیابی شارا در وظیفه و خدمات محوله شان نیاز میکنیم .

جواید خارجیه

تکذیب یك یاوه سرای عجیب

همسر محترما اخبار (وطن) ودیگرهمصر های محترم اردو زبان ما بعضی هزیانهای یك شخص یاوه سرای بیمعنای را از اخبار (سنسمین) اقتباس ، و در اخبار های معتبر خود مندرج ساخته اند ، وبنا اظهار همدردی و دلسوزی حسرتها کرده نوشته اند : « اگر حالات مندرجهٔ اخبار (سنسمین) صحیح ودرست باشد محافظ ونگهبان دولت اسلام بالیقاده حافظ حقیقی باشد » .

بنابرین ما میخواهیم که همسران معزز اسلام دوست خودرا تسلی بدهیم ، و به این آسوده خاطر سازیم که اگر این سخنان را یك آدمی میگفت که هیچ‌غرض شخصی وعنصی نداشت شایان افسوس وحسرت شمرده‌میشد . ولی‌چون ما گویندهٔ آن‌سخنانرا ازطرز سخن‌او وکوتی‌تیسن او که خود اوبیان کرده شناختیم کهچه قیمت وچه حیثیت آدمیست ازاسباب برای‌دفع شبهه‌تسلی خاطرمحترم اسلامی خودلازم دانستیم که قدری از اغراض شخصی وعنصی این هزیله سرای فضول وقاحت کرام خود بیان نموده محاکمه وفیصله آنرا به انصاف وتمیز خود شان حواله نمائیم .

این آدمی که درکوتی هشیارتر باید ازسطح بحر در کنار دریای کابل سکونت پذیر افتخار واقعام بوده (مالت) نام یك انگلیسی ست که درکارخانهٔ چراغ قوت برقی دولت افغانستان ملازم ومستخدم بود . ودرماه دوهزار وچارصد روپیهٔ کابل بمقابل یك خدمت بسیار جزوی از دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان تنخواه میگرفت . هرگونه عزت ، اکرام ، انعام محافظ خدمت وزیارة او اجرا مینمود . درحضور مبارك اعلیحضرت بادشاه مقدس ما گاه گاهی که شرفیابی حاصل میکرد مظهر لطف عنایت ، التفات میگردید .

حالا بشنوید که بمقابل اینهمه احسان ها آن نمکحرام تابچه پایه دولاب دغلبازی درکابل میخواست پدید آرد ذات اعلیحضرت بادشاه ما آزاد فرموده بودند که از کابل تاقندهار یك خط تلگرافی تأسیس وتمدید یابد ، و (مالت) را امرفرمودند که از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 737 of 1786

کابل تاقندهار پیمود ومعلوم کند که این کار چه قیمت تمام میشود . مدت یك سیاحت ساخته قیمت سیم تلگراف مذکور را شش الف روپیه نشان داد . چون این کاریك عملیات مهمی شمرده میشد بذکر کیفی ها نیز حرف زده شد . یك کیفیت دیگر عملیات مذکور مرا کمتر ازسه لك روپیه درعهده گرفته طبعاً به او محول گردید .

باوجود این هر ازانجا که مراحم ذات شاهانه برهمه خدمتگاران دولت علیهٔ شان بدون تفریق مذهب وجنسیت رایگان وشایگانست برای مأیوس ندادن او خدمت تأسیس دادن تلگراف بی سیم را در مابین بعضی نقاط مملکت فرمان نموده مبلغ یکهزار روپیهٔ نقدار آلات وادوات تلگراف بی سیم وغیره را ازو طلب فرمودند که رفته اشیای مذکوره را خریداری نموده بیارد .

بعد ازانکه آن نامپاس حق ناشناس از دارالسلطنهٔ کابل مبلغ را گرفته رفت پس ازانکه اشیای سفارش شده را بیارد هنوز مدت زمینه از هندوستان استعفا نامهٔ خود را روانه کرد . وعلاوه بران در اخبارها نیز خلاف آنچه لطفها واحسانها این ذوات نالایق وناسزا وان هزیان های بی در هوارا نشر نمود . هرگاه مدت دو یم لك روپیه بشش لك روپیهٔ که او گفته بود وسیلهٔ او خریده میشد ومبلغ سه یم صد هزار روپیه در کیسهٔ حرص وطمعش میدرامد درآنوقت ازافغانستان پیر ملکی دربلغ نمیبود . وپادشاه افغانستان پیرترین پادشاهان بالم میبود . وفتیکه بگفتهٔ دروغ او عمل نشد ، وسنك در کاسهٔ طمع او خورده بشکست هوای افغانستان ، ملت افغانستان ، کوه افغانستان ، مردم افغانستان، پادشاه افغانستان جلو نظر بی بصرش خراب آمد. قارئین کرام وهمدردان اسلاما خالاخود ملاحظه وحکم کنند که اقوال ازچنین شخص نفس پرست طماع را چه قدر وقیمتی خواهد بود ادوات مذبوحهٔ مقدسهٔ ما قدر لازمهٔ کارخود به استخدام ملازمین بوروبی مجبور است . کاهی که کار پیشتر باشد نفری هم پیشتر میشود چون کار کمتر باشد نفری هم کمتر می شود . واصل مقصد از استخدام بوروپین در افغانستان این است که مردم افغانستان ازانها تعلیم کار طرز جدیدرا بیاموزند وسبب پیشتر بودن مردم بوروپ در اوایل ، وکمبودی شان در اواخر ازین است که در اول از خود مردم افغانستان کاریکران وصنعتکران کمتر بود وحالا بنایهٔ ترقیواه اعلیحضرت پادشاهی چون افغان پیشتر پیشرفت وعموماً قیمو پیشتر شده میرود ازاروا اگر تعداد بوروپین نیز کمتر شده باشد چه غیبی خواهد داشت . افسوس است که کاهی در بین این بوروپین اشخاص فضول کوته بین پیدا میشود . لکن سزد تکر که همه یکسان نیست . مثل مشهور است که : « پنج انگشت برادر است اما برابر نیست » باشد داکتر (والتر ساز) آمدن باهوش وحقیقت بین نیز از بوروپ به افغانستان آمده موجود است که هرچیزی را بنظر حکمت ودوربین راست کوی حقیقت دیده ونوشته است حالا قارئین کرام ما یکقدری ازداکتر والتر ساز بشنوند که او در باب افغانستان وپادشاه افغانستان چه میگوید :

(از اخبار ثایمس)

(ترقی و تعالی افغانستان)

داکتر (والترساز) یکی ازاعضای جمعیت آسیاست کهدرلندن تشکیل یافته است اخیراً به (افغانستان) یك سیاحتی اجرا کرده وراجع درباب سیاحت خود در جمعیت مذکوره یك فوتغرافی داده دران فوتغرافی چنین گفته است :

« افغانستان را هرکس یك مملکت بادتی شرقی میداند و آن مملکت‌را درزیر ادارهٔ یکی ازامرای شرق میشناسد پیش ازانکه بافغانستان سیاحت کنم من هم آنچنان میدانستم وبهمان فکر بودم . اماوقتیکه بافغانستان رفته احوال آنجا رابرأی العین مشاهده کردم چنان مناسب دیدم که برای تصحیح وتوسیع کردن حسیات ومعلومات هموطنان خودرا درباب افغانستان این فوتغرافی‌را ترتیب ودرخط نمایم :

ای هموطنان ! افغانستان همان افغانستان قدیم نیست . شمارا تأمین میکنم که سراسر تبدیل یافته است . اگر آنچنان‌را بچشمهای خودتان ببیند هیچ باورنخواهید کرد که این یك مملکت شرق باشد .

درافغانستان هرچیزی موجود است . اعلیحضرت امیر سابق مرحوم عبدالرحمن خان چاره های فایده رسانیدن‌را ازمدنیت حقیقیه اوروپا اندیشیده وبنای های ترقی وتعالی افغانستان‌را وضع کرده بود . مشار الیه در ایجاد به آخر درجه جهد وغیرت کرده است . درین خصوص شب وروز کوشیده است . خواب وراحت . وصحت وعیش خود را برای حصول این مقصد فدا کرده است .

اعلیحضرت امیرعبدالرحمن خان مرحوم بدرقی که میخواست تخمهای این مساعی حمیده را دردوقت پخته ونمایان شده بیند زیاده تر شان اعلیحضرت (امیرحبیب‌الله خان) چون بعدازوفات آن امیر بزرگ خیال برتخت سلطنت جلوس نموده اثرید مرحوم خودشان اقتدا واقتفا کرده مملکت خودشانرا احیا نمودند . امروز مروز در افغانستان کارخانه های طوپ ، وتفنك ، و کارطوس وسائرهٔ حربیه موجود است . عسکر افغانستان کاملا منظم ومجهز ، وقاموس مهماتیس میباشند .

درحالیکه پیش ازبیست سال یکوجب زمین توسعه پیدا نکرده افغانستان بیدا امروز بروز توسعه پیدا میکند که نهایت جوانان هر طرف رانظر کرده است . ملت افغانستان کمتر اولیا بما کری ، وچپاولی مشغول بودند امروزه روز زراعت تاجر ، کاسب شده اند . در افغانستان حرف وصنایع خیلی ترقی کرده است . مکاتب ابتدائیه بسیار است در کابل سراسر یکچند مکتب اعدادی ویك دارالفنون تأسیس شده است . افغانها درحالیکه ازیك اروپای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 738 of 1786

نفرت میکردند امروز درجمعیهٔ تدریس معلمهای اروپای جان میدهند . اعلیحضرت امیر یاینهم اکثنا نورزیده برای ترجمه کردن علوم وفنون جدیدهٔ اروپا را زبان فارسی که زبان رسمی افغانستان است در کلکته یك دارالترجمه احداث کرده . وتنکرای آرا بزهو کیل سیاسی افغانستان مقیم کلکته حواله وتودیع فرموده‌اند . بعد ازانکه آثار مترجمهٔ طبع میشود بکابل فرستاده شده درموقع استفاده وضع میکردد . اعلیحضرت امیر یاینصورت یك ملت خود در یك مقیاس واسعی خدمت کرده . ونام خودرا احیاکنندهٔ افغانستان جاویدانی نموده‌اند .

برای امور زراعیهٔ افغانستان ماشینهای نو بسیار زراعتی طلب کرده راهآهن بغایت مناسب در فروختن است . وبدلیکه آن ازراه قسط قسط گرفته میشود در کابل چون کارخانهای الکتریك پنبه پاك وسان باف ، وکاغذ و آلات جارحه را دیده حیران شدم . خودرا عاشق آموزگار یعنی سوزن شد کان کردم . بعد از ده سال افغانستان در عمران ومدنیت هندوستان را عقب خواهد گذاشت اعلیحضرت امیر علماء وفضلاء وادباء وارباب تجارت وصنعت را دوست میدارند وبایشان دید وبازدید کرده تشویق وتقدیر میکنند تنها شهر کابل رانی ، بلکه همه ایالتهای را که تابع وخراجگذار حکومت افغانستانست باز گردش کردم . وازنظر گذرانیدم . درهرجا هرچیز تواست . روز روز بفضل ومعرفت اهالی تنور فکر میکند . ازحرف وصنایع استفاده میکنند . شهر غزنین بااین فعالیت عمران وقت گذشتهٔ خودرا خواهد یافت بی . احتمال دارد که بازدر جاه کابل که لایق مدح وستایش شاعر شهیر ایران یعنی (فردوسی) گردد واصل خواهشند فردوسی این مملکت را بهشت شبیه دانسته‌اند حقیقت که اینجا مانند بهشتی‌ست واخلاص ملت افغانستان وملت افغان خیلی از خیلی تمدن یافته ودرطریق مدنیت بسرعت تمام قطع منازل میکنند . »

اگرچه باین گفتنهای ما کثر (والتزار) را در نمرهٔ اول سال دوم خود از (سالنامهٔ ثروت فنون) کهاز اخبارمعتبر (پاریس) به ترکی ترجمه کرده بود بفارسی ترجمه نموده درج مطالب کرده بودیم . ولی چون مناسب آمد باز تکرار آثار از فایده خالی نیافتیم . لهذا به این بیت ختم مقاله نموده میگوئیم :

(یار) آمد دید ورفت و (یاد) آمد دید ورفت
هر دو انگیز اند اما این کجا و آن کجا

عبرتنامه

درینکته رای ما از استانبول بعنوان فوق یك رساله مطبوعه رسیده است که از وقایع پر فجایع طلبها ووحشیهای بالقان بحث میراند . بلی ، این مسئله چندان غرابتی ندارد . زیرا آن بدعتها تیکه وحشیان بالقان بر مسلمانان آن طرف اجرا کرده اند یك طبقی‌ست که از بام افتاده ، و آواز وحشت هرازان سامعه خراش همه جا کنان روی زمین کر دیده است . اما چیزیکه موجب غرابت ، وشایان حیرتست این است که این رساله (عبرت نامه) زبان قومی ومللی ما (افغانی) در استانبول تحریر وطبع ونشر شده است . اگرچه نام ونشریات محرر ومؤلفش درسالهٔ تصریح نیافته ، ونجای اسمش انها (مترجم) نوشته شده ، ولی چون زبان بسیار فصیح افغانی مینویسد ، ودر دیباچهٔ کتاب بزبان افغانی بودن خود را بیان کرده هیچ شبهه نیست که افغانست ، وبسیار بیدار وباغیرت ، وبیدار وهوشیار یك افغانست . ومحرر چون در آخر کتاب خود شدیداً التماس کرده که هر مسلمانی که این کتابرا بخواند میباید که دیگر مسلمانان را نیز به آن خبر دار سازد ، واگر اینچنین نکند در روز جزا ازو باز خواست شود ازانسبب ما که کتابرا خواندیم مجبور شدیم که در اخبار خود آنرا نشر کرده برادران دینی ووطنی خودرا به آن باخبرسازیم وچون اخبارما زبان فارسیست مجبوریم که از زبان ملی افغانی خود زبان فارسی آنرا ترجمه کرده پی در پی درهر نمرهٔ اخبار خود شایع نمائیم . این است که درین نمرهٔ خود عیناً به ترجمهٔ دیباچهٔ کتاب آنرا نمودیم :

دیباچه

ای افغان بیائید و بروم به پیچید
کهسارها مسلمانان چنگارها گرفتند

من یك افغان وازباشندگان استانبول هستم . این کتابرا من از اخبارها ورجنهای فرنگهای جرمنی واسترای وفرانسیسی زبان افغانی ترجمه کردم . حقیقت آن چیزهای که من بچشم خود دیدهام ودین معلوم است آن خیلی زیادتر ازین است . اما چون سخنان مرا مسلمانان مالاقه خواهند دانست ازانسبب من از دشنامهای خود فرنگیان و "واهی" آنان ترجمه کردم تا ازخواندن آن یقین کنند که هیچکس هیچکاره بدی" قوم خود را چوره چوره وراست راست بیان نمیکند . پس تباهیان بکنید که خود فرنگیان چون زبان خود اینطور میکویند آیا براستی وحقیقت چندین ظلمها شده باشد ! بیانهای خود مسلمانان اخبار دلسوز وخیرخواه کشت که مو های تن آنهم را از بدنش راست میکند مطلب من از نوشتن این کتاب این است که افغانان معلوم شود که فرنگها بمسلمانان چه چه زلم کارها کردند . مقصد یکانه فرنگها گم کردن مسلمانانست . اینبسیار افسوس است که مسلمانان بسبب بیعلمی وبیخبری غرب فرنگها بازی میخورند وحقیقت مقصد آنها نمیدانند . واز حال همدیگر خود شان بیخبر هستند . بسبب نادانی وبیعلمی درخانه خود بزی اغیار هستند . وازسبب این بی اتفاقی فرنگها همه شانرا زیر کردند .

اینهم افسوس است که در میان مسلمانان افغانان از همه زیادتر بی علم وبیخبر هستند . از حال دنیا اکثر شان بالکل نا واقفست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 739 of 1786

عملِ ما افغانان همینقدر است که بجنبم خود چیزی به بینیم ، از حالِ گذشتهٔ دنیا که به کتابهاست نیز خبر نیم ، چرا که کتاب خواهد نمیتوانیم ، از حالِ موجودهٔ دنیا نیز تا واقفیم ، چرا که از خانهٔ خود بیرون نشده ایم ، با دنیا همینقدر معلوم است که از یک کوه آفتاب برآید و بپشت دیگر کوه پنهان شود و ما میگوئیم که دنیا همین است کدر ما بین همین دو کوه است . سبب این همه از بیخبری وبی علمی ما ست عموماً [همچنین است ولی بعضی خواص از ان مستثنا است]

ملاهای ما نیز از حالِ دنیا بیخبر هستند ، به آنها همین قدر معلوم است که آفتاب بچه رنگ گرفته شود ، وروزه چه وقت افطار شود ، از حالِ گذشتهٔ دنیا به آنها هیچ چیزی معلوم نیست اگرچه از حالِ زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم واصحاب رضی الله عنهم به آنها معلوم است اما از زمان اصحاب تابه امروز که به حالها تبر شده است مطلق بیخبر میباشند خدا ورسول که بر ما سیر وسیاحت حکم کرده است ازین است که علم پیدا کنیم واز حالِ دنیا باخبر شویم ، حج هم برمسلمانان ازین سبب فرض شده است کدهر سال یکبار همهٔ مسلمانان دنیا درمکهٔ معظمه جمع شوند ، واز حالِ همدیگر خود باخبر گردند ، لیکن بسیار وبعد افسوس است که مسلمانان ما بدین بیعلمی به این مطلب هیچ پی نبردهایم ، از ملک خود تابه عربستان سفر کردیم ، ولی به اصل مطلب نرسیدیم ، یعنی خود را بر حالِ مسلمانان دنیا خبر نکردیم

لوحهٔ عبرت

(یکی از شیطان میگوید : ـ ما میخواهیم که این اوربا که کتاب انسانیت را دست دارد بسیار عادل و انسانپرور میباشد)
(، لکن در مقابل ، زن جاپانی که در ما کدونیا اجرا شد هیچ انسانیت پروری نشان نداده نشد ، آن دیگر شود)
(جواب میدهد : ـ بلی ، هرگاه در چین یک نصرانی کشته شود در آنوقت آن انسانپروری حسیات خود را)
(اظهار میکند ، اما اگر ملیونها اسلام در یک روز به آتش سوزند هیچ حس انسانیت در انها پیدا نمیشود ، فاعتبروا ...)

درمکهٔ مکرمه ازچین از مرا کو از ترکستان از ایران از مصر ازسودان از ملایا از شام از زنجبار از الجزایر از فیرس از تونس از یورپ همه مسلمانان حاضر وموجود اند ، حالانکه ما ازانها تفحص نکردیم ونه پرسیدیم که ای برادران شما چه حال دارید آیا راحت هستید ، یا نمی میباشید ، آیا بانها ما یک صدای رسانیده میتوانیم اگرما ازمطلب اصلی حج باخبر میبودیم درآن وقت باخود را در حال تمام برادران مسلمانان عالم باخبر کرده بوطن خود گشته می آمدیم واهالی وطن خود را ازانها باخبر میساختیم مگرما سبب بیعلمی و بیخبری ما فکر نکردیم ولی هیچ آگاه نشدیم که سخن چیست ، چشم بسته رفتیم وهمچنان چشم بسته پس آمدیم .

افغان ! تباخبر شوید که انصار اهمدیگر را گرفتند وهمه ملکهای مسلمانان را زیر کردند وهمه مسلمانانرا غلام خود ساخته ، مانند یک گله گوسفندی هستیم ، فرنگها چون قصاب ماهستند ، یک پی از ما را میکنند ومیخورند ، ومانمی بینیم وهیچ گفته نمیتوانیم ، مرا کو یک ملک کلان مسلمانان بود ، آزاد فرنگها گرفت مصر رفت ، ترکستان رفت ، هندستان که هشتصد سال در زیر حکم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 740 of 1786

مسلمان ودولت . امروزمروز نصارا داران وعربوترکدست بالا کرده‌اند . چیزهایی که دروروم امروزمروز فرنگیا کردومیکنند بخواندن ومطالعه کردن این کتاب بشمامعلوم‌خواهدشد . دمالک مسلمان بگذار بقال رسید بهزارها دختران جوان وزنان بی مسلمانارا فرنگیها بزور نصارا ساخته وزن کرده به لکها معصومان را کشته ، بسته ، سوخته ، زنده بدار کرده ، بزور کرشتان نموده . ولی کاش کتابرا بخوانید به تفصیل بشما معلوم‌خواهدشد کهنصارا چه کارها وچه‌قوبها کرده‌اند .

افغان ! شما ازین عبرت بگیرید ، وزهر نفتین خود بگنید وبفهمید که یکروز وارماهم خواهد آمد ، وبرماهم ازین کارهای ناروا صرفه خواهند کرد . ازین سبب برما افغان لازم است که دروطن خود باهمدگر اتفاق کنیم ، واز گفت وخون مابن یکدیگر خود دست برداشته خوندارها وسیاداریها وهم‌چشمیارا یکسو نهیم ، تامتوانیم در پیشرفت تجارت ، وزراعت وصنعت وطن‌خود کوشش ورزیم ، وتر کتابو کیی‌های تجارتی وصنعتگری علد کنیم وکرباس‌ملت‌خودرا بهترازمال کشیری ملت‌غیرداریم . شرف‌دولت ، ناموس‌ملت حق‌وطن خودرا محافظه کنیم‌وبشناسیم . وبه پادشاه خود ما سراج الملة والدین امیر المؤمنین اعلیحضرت امیر حبیب‌الله خان تابعداری کنیم ، وخدمت قوم‌وطن خودرا بجا آریم . باقی ازهر گاه خداوندی نیاز میکنیم که لبستانمن بردل شما اثر کند .

اخبار سیاسی

ازحوادث عمده ووقوعات مهمهٔ که درین ایام بظهور انجامید خبرقتل مرحوم (محمود شوکت) پاشاست که بعداز قتل ناظم‌پاشا وعزل کامل‌پاشا بصدر اعظمی وعظمت حربی رسیده بود . محمودشوکت‌پاشا همان‌پاشای بود که قایدوسرافسر (اردوی حرکت) شده ازروملی باستانبول آمده ، وسلطان عبدالحمید خان غازی را خلع نموده ، باز از طرف کمیتهٔ اتحاد وترقی ناظر حربیه شده بود ، وچون کمیتهٔ حربت واتلاف روی کار آمد عزل‌شده بود وبازچون اتحاد وترقی برخواست وناظرحربیه ناظم‌پاشارا درخانهٔ خود بباب‌عالی مقتول وکامل پاشا را مغزول نمودند منصب صدر اعظمی را اجرا نمود .

ازهنگامیکه حکومت مشروطه دردولت علیهٔعثمانیه قایم‌وعنوان (خلافت عظمای اسلامیه) بعنوان (حکومت مشروطهٔ عثمانیه) تبدیل ، وبجای عنصرای عنصرای هاوی یک عمارت سنگ و چوبی ورنگارنگ وقدره جایگزیده‌پرزنگهای عجیب وتغیرات غریبی درانسر زمین یک بصورت بسیار اشکال جلوه‌پذیر ظهورات شده ، غیر ازانکه‌بسیاری ازممالک جسیمه مانند ولایت طرابلس غرب افریقا وقطعهٔ رومایلی اوروپا ، وجزایر عثمانیه آسیا ، وبلیونها عثمانی ضایع وذایب گردیدوبسیاری از آدمهای نامدارووقیمتداری بزعظمهٔ آتش حرص و کین غرض و طمع رسنی گردید ، مقصدا ازان نامداران تلف‌شدهٔ آتش‌دشمن که درمیدانهای کارزار تلف شدهاند بست ، زیرا آنها را مرده می‌بلکه زندهاند میشماریم ، وهمانها آنهارا تعریف میکنند ، مقصدا ازان ضایع شدگان وتلف شد گانیست که از دست همشکر شان یاحیاً مقتول ، ویاغدراً مقتول شدهاند ، وشایان حسرت و افسوس اینست که بعضی از افراد ملت‌شان آنهایه جایی رامعدومرا عمرن ولعنت میخوانند ، وبعضی آفرین ورحمت میگویند .

درمیان اینها ادیبها ، محررها ، سیاسیها ، افسرها ، وزیرها ناظرهادار کردهها صدر اعظمها ، ناظر حربیهها ، حتی پادشاه وشهزادهها نیز موجود است . اینهاهمه‌گی فداشدگان طریق‌حق پارتیها وفرقهها شدهاند ، بصدها هزار نفوس اسلام یکبارگی بادشدند ، یا آتش سوخته‌شدند ، جبراً نصارا شدند ، عرضاً ناموسها شرفها بال گردید ، مسجدها معبدهای اسلامی بکلیسا تحویلیافت ، بجای صدای آذان آواز ناقوس بلند گردید ، بجای بوق علان برفرای صلیب بر افراشته شد ، بهایب الامرجلت هم انجام یافت ، چونکشته نباشند ، مطلبحاصل گردید ، چیزیباقی نماند ، ولی‌هنوز حوش که این‌اول قدمهای زوال ترقیاست .

دفتر تمام گشت و به پایان رسید عمر
ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم

یعنی در اول وصف بی اتفاق فرقه‌ها و اختلاف پارتیها ! هنوزهم ازقتل همشکر ، وریختن خون یکدیگر بیزار نشده‌ایم ، ومیکوشیم که همچنین لازماست تادیانت حقیقیه فراسیها وروسها وفا رضاجها ! وغیره برسیم ! . . . .

هزار افسوس که ما احوال این عصر وزمانرا میخواهیم که به احوال عصرها یاقی ازین از بین نمانیم . اینچنین که درین وقت اوروپا حکمرانخانه وبانکهارا دارد ، دولتهای شش‌گانه روسیا ودیگرها افراد مانند آن سرا بی اوروپا شمرده میشوند . قوانین صلح عمومی را برقرارکردند ، نتیجهٔ آن‌بن قرار گرفت که درمابین خود شان یک صلح واتفاق قایم ودایمی تأسیس نمودند ، وبرن قرارماندند که مابین‌صلح واتفاق دنیارا درمابین خودبرادر وار تقسیم نمایند ، و این است که بتقسیم کردن از چندیست که آغاز کرده و بخوبی و آرامی موفق هم میشوند ، برلن ، پاریس ویانه ، روما ، لندن ، پترسبورگ هریکیکیپایتختهای زرگ ومتمدنی شمرده میشود که در هرگاه ویگاه روسای مابقه که همهٔ ازیک سلاله ویک‌نیره میباشند دران دالاتها جمع می‌آیند ، واهمشکر عهد ومیثاق شانرا تازه میکنند .

ازما گفتند . چرا گفتا اتفاق واتحاد که دیناران مأمور

وقایع داخله

کابل ۱۵ حمل

امروز بعد از ادای نماز جمعه اعلیحضرت امیر حبیب‌الله خان غازی در مسجد پغمان بمنبر رفته خطبهٔ ایراد فرمودند که در آن بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیغمبر اسلام و آل و اصحاب او بیان فرمودند که ما مسلمانان باید از دین اسلام که دین حق است پیروی کنیم و از احکام آن سرمو تجاوز نکنیم و بدانیم که دین اسلام ما را بهر کار نیک و خیر رهنمائی کرده است و ما را از هر کار بد و شر منع نموده است و بعد از آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 741 of 1786

بودیم برای آنها تولید کردیم ، وطن و بقای آنها را پیروی نمودیم ، چرا کما سعی وغیرت داشت واقدام ، وهمّ ، و کسب حلال یعنی صنعت وهنر راکه نصّاران محبور بودیم بکلهی دین پروری ، وهوسات سلا یعی وغیری وتادانی مبادله کردیم ، این است که جزای آنها را باید بکشیم ، واگر رسیده شود صدمه ، آیا ازین وحشهای غیرت عالم اسلام چشم بصیرت باز کرده بسر هوش میآیند ودیدهٔ بینا کوش شنوا میکشایند ، ورای حفظ استقلال استقبال خود وممالک وآتی خودفکری میکنند وبحیث غیّة الباقیهٔ ممالک اسلامیه دریهٔ چارهٔ میجویند ؟ ، جواب گفته میشود که اسلامیا را جنان خواب سنگین وعمیق در ربوده که چشم باز کرده نتوانند ، وجنان شراب غفلت وغیری نوشیده‌اند که بهوش آمده نتوانند ، درحالیکه از بعضی حدیث خوانان وتفسیر دانان طول بشنوم که ، برای ما صنعت بکار نیست ، زرق لازم نیست ما بطلاخ ، وسوء بر کافران غالب آمده وباز خواهیم آمد ، آیا بعداز شنیدن اینچنین توهمات چه امیدی رای بیداری خواهد ماند ؟

معهذالک هزار شکر است که رفته رفته بیدار مغزان و منور فکران امت نیز افزونی میکرد ، و دیانتها برهمچنین فکرها باقی نمیماند ، وزمان خود بخود واحیان لازمهٔ خودرا نشان میدهد ، توقیات عصر اگرهیچ نباشد برای جرعلم مارا بسرعت عرابهٔ موز میدواند ، که میداند که هنوز چه چیزها روی کار نیاید ،

(همصر معزز اخبار چیزها مینویسد)

پس از اجتماع فرستادگان دول بالکان وعثمانی در لندن وحضور شان درورارت خارجه انگلیس سرادوارد گری وزیر خارجهٔ انگلیس که سرمست میدانی اقتدارات وهمت از عثمانی بود بانشدهٔ فوق تصور سفرای دول بالکانرا بوسیداد که ، اگر شرایط مصالحنامه که پیشنهاد میشود در امضایش تعلل دارید فوری ازپای تخت پرتانیای عظمی بیرون بروید که دولت معظمهٔ اوروپارا وقت وبحث پاشکوه امورات نیست ! وهرگز نگران حالات خصمکارانتیجها خواهد شد ... دولت عثمانی وبلغار مقدم‌برهمه حاضر برای توقیع معاهده بمصالحه شدند وسفرای یونان وسرب که دیلهوسانه آنها ازجوش جل من مرید فروش نشسته نتوانستند توجه سرادوارد گری آبسردی بحرارتشان رخت والتهاب تسلیم گردیده وهمگی منتظرامور اطاعت هر گردیدند

چون وزیر خارجهٔ انگلیس (مصلح مشهور) سفرارا مستعد دید درنگرا جایز ندانسته هریکرا جداگانه طلب کرده وشرایطرا بمعاونه رسانیده که مانس انهارا درانجاد گردیدند

(شرایط مصالحهٔ عثمانی ودولبالکان)

(۱) ازتاریخ امضاء این معاهده معاونت خواهد کرد صلح وسلم فیابین اعلیحضرت سلطان عثمانی ازطرف وپادشاهان متحالفه بالکان ازجنبی وهم چنین ابدی این ممالک بین ولیعهدها ووارث وجانشینان پادشاهان فوق برقرار خواهد ماند .

(۲) اعلیحضرت سلطان عثمانی تنازل پادشاه متحالفه میفرماید جمیع ممالک وارضی واقعهٔ خودرا در اوروپای غربی که ابتدا میشود ازآدیانوپ وکنار بحرابجه تا بدوریای سیاه بغیراز قطعهٔ ازقاوستان اماتعین خطوط محدوده ازادیانوپ تا میدیا الحمی تعین وحرر خواهد کرد .

(۳) اعلیحضرت سلطانی وپادشاهان متحالفه تصریح مینمایند که تفویض میکنند باعلیحضرت امپراطور آلمان وامپراطور نمسه ورئیس جمهوری فرانسه وپادشاه انگلیس وپادشاه ایتالیا وامپراطور روسیه مسئله تعین حدود ازقاوستارا وتسویهٔ جمیع مسائل متعلقه بقضیه ازقاوستارا .

(٤) اعلیحضرت سلطانی تصریح میفرماید که تنازل میکند بدول متحالفهٔ بالکان جزیرهٔ کریدواوهم چنین تنازل مینماید ازجمیع حقوقیکه برسرجزیرهٔ کریت دارد حتی سیادتی که برسراین جزیره داشته .

(۵) اعلیحضرت سلطان عثمانی وپادشاهان متحالفهٔ بالکان تفویض میکنند بامپراطور آلمان ونمسه ورئیس جمهوری فرانسه وپادشاه انگلیس وایتالیا وامپراطور روسیه مسئلهٔ حکم جزایر عثمانی که واقع درسواحل بحرابجه وکوه آتوس (غیراز جزیرهٔ کریت)

(۶) اعلیحضرت سلطان عثمانی وپادشاهان متحالفه تصریح مینمایند بکنگره مالیه دول که دعوت شده اند در پاریس تسویه تصفیهٔ جمیع مسائل مالیه که متعلق بحق بوده وتنازل از املاکی که شده است وهریك ازطرف خود نماینده برای شرکت درکنگره مالیه دراریس یاد خواستند .

(۷) مسائل متعلق بمبادله وتسلیم اسرای دول پنج گانه ومسائل قضایای ترحیه وجزیه وتجارتی تسویه میابد باتفاق خاصه که فراهم خواهدشد . این ومشروح خواین جنك بالکان وتسلیم این همه بلاد وعباد مسلمانان وقطعات وتادانی ما ها وعبرت وتنبیه لندن تمام مسلمانان دنیا !!

اتفاق انگلیس باعثمانی دیاغتنایم اوروس

(جنگ بالکان از عثمان)

درشمارهٔ گذشته (۹) چیزها از اتفاق جدید انگلیس وعثمانی اختصاراً اشاره کردیم وانگلستیم برخی امتیازات سری هم انگلیس ازعثمانی حاصل نموده ! ولی تفاصیل این اتفاق که از اثر مسافرت حلی پاشا صدراعظم اسبق عثمانی به لندن بجهت صلح عثمانی بادول بالکان باشه زود اشکار گردید . که ما اینك مع‌الاسف برای افسرده گی خاطر خوانندگان چیزها نمی نگاریم . تاخدانند که ذلت ومسکنت ومصائب مذاکه اسلامیان همه ازسیاه‌جهالت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 742 of 1786

وبهٔ خود غرضانهٔ آرای جاهلانه مهامداران امور دول اسلامیه کوده که دول اوروپا محض خوش آمدهای ابله فریبانه ... که هرده به نیرنگ مخرج سیاسین دول آسیا داده امتیازی حاصل کرده تا صاحب خانه از همه چیز بی نصیب کرده دین است تفصیل اخلاق نامه جدیده که انکلیس محض حق الوساطه بدلالی از عثمانی کرفته است .

(۱) اعتراف میباید دولت انکلیس بحقوق شرعیهٔ دولت عثمانی درمقاطعهٔ کویت .

(۲) دولت عثمانی ازحقوق فصوصات شرعیهٔ خود درداخلهٔ کویت نازل میباید بدولت انکلیس واعتراف عثمانی میباید باعلیک مابین انکلیس وشیخ کویت شده وماک این بند چنین است که مسائل خارجیه کویت تمامی راجع بانکلیس خواهد بود .

(۳) دولت عثمانی نازل میباید از جمیع حقوق متروضهٔ خود در جزیرهٔ قطر وامتیاز میدهد انکلیسرا که بنابه جرافیای دریائی در خلیج بصره تعیین دریائی خلیج بصره با انکلیس باشد .

(٤) انکلیس کفایت میباید بکشیدن راه آهن تا بصره ودرامیکذارد راه آهن تا کویت ادارهٔ راه آهن بغداد ودومدیر انکلیسی انکلیس معین میباید بجهت شرکت راه آهن بصره !

(٥) دولت عثمانی امتیاز میدهد بانکلیس برای دجله وفرات وتامین وسایل تجارتی او در بلاد عربیه !

(٦) دمنهٔ ازانکلیس وعثمانی بنام هیئت تحقیقیه وقتیه معین خواهند شد ازبرای سیر کشتیها وبنا نمودن نهرها وانشاء جرافیای بحریه درعراق عرب !

(۷) باید حقوق امیر محمره ابدی برمحمره باقی باشد (چهره تماهیچ معلوم نیست محمره وحقوق شیخ محمره چه دخلی باضافهٔ انکلیس وعثمانی دارد .

(۸) اخلاف اراضی متنازع فیه عثمانی وایرانی بقرب وقت باید تسویه وتصفیه کردد .

(۹) دولت عثمانی نازل میباید ازحق مراقبتیکه دایماًفروض مصری دارد .

این است اقدامنامه ایکه ازطرف سفیر فوقالعاده عثمانی حق پاشا بوزیر خارجهٔ مشهور انکلیس جناب (سرادوارکری) بتازه کی بسته کردیده درواقع انکلیس دراین وساطت خود پیش ازدون دانکان حق غیبت برد زیرا بالکلیتها مال وجان دادند وانکلیس حرف وهوا!!

اینك دولت انکلیس قبل ازرسیدن راه آهن بغداد به بغداد ودست وکریبان شدن با آلمان به بنا امتیازات مالکانه نائل آمد ومیتوانکفت امروز درعراق عرب امتیازاتش بیش از آلمان کردیده‌لکه مقدم وصاحب امتیاز کل کردیده .

اخبار های انکلیزی وارده (اخبارچی مینویسد)

نامه نکار سرحدی ما رقمطراز است که درکوتلتن ساحلی باروبی بود درکار خانه کاغذ هیچ کاغذی حاصل نشده است فقط

(سراج الاخبار افغانیه)

نامه نکار سرحدی غلط رقمطرازی کرده

پرواز جهاز

بلندجهاز هوائی جرمنی موسوم به زپیلین درظرف ۸ ساعت از بیدن الی وانا یعنی ٤۳۵ میل فاصله را طی نموده است فقط

فوتوك منظرهٔ اطیفه بقلمان کابل به

فوتو . سراج الاخبار افغانیه

جنك مصنوعی بحری

۳٤۳ لشکر جهاز درمانورهٔ بحری یعنی درجنك مصنوعی بحری درمدیترانی شرکت خواهد ورزید فقط

انقلاب ترکی

قتل محمود شوکت پاشا

قسطنطنیه — برخلاف کیفی اتحاد وترقی ترکی یك بلوت شدید وقوع آمده است ومحمود شوکت پاشا وزیر اعظم قتل کرده شده است (انا لله وانا الیه راجعون) حسین حلمی پاشا السیکتر جنرل (نکران کل) ولایت سوریا مقرر کردیده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 743 of 1786

محمود شوکت پاشا بسواری موثر بجانب خانی حرکت که ده نفر اورا به قرنفکنجه ها شهید کردند فقط

بدعلی وی اعتباری پیدا شد چنانچه برخلاف اویک سازش برپاکرده شد وبالتاً ازقتل اوخانه طاقت مجلس اتحاد وترقی معلوم میشود فقط

تشاجرات متفقین

وسرزنش وتنبیه شدید ازتزار روس

تزاروس دربنوقت پادشاه بلغاریه وسروزرا بدرجهٔ انکراف ازنتایج وخطرات جنگ باهی بالفاظ شدید ونصحت تنبیه ساخته است ـ تزاروس اظهار تاسف مینماید که اعضاء مجلس وزرا اولاً درسالونیکا وثانیاً درست پیترز برگ تاحد بعمل نه آورده شده است ـ

ممنون انکراف تزاروس قرار ذیل بود ـ دول متفقه باید برای جنگ برادر کشی تیاری های غیر معمول کرده میبودند ـ جنگ مذکور آن قوتان تاتار را که آنها دفعتاً حاصل

(تکالیف ومشکلات ترکی)

مصنف آزور مینویسد

هرجا نظر بسای خان محمود شوکت پاشا وزراعظم ترکی ظاهر میکند که درملت ترکی بدظنی وبدبینی بدرجه اتم رسیده استبدادی خواهان دولت عثمانیه را ازحد مایوس وناامید ساخته است ـ دولت عثمانیه عاجز پرتگاه کنار خطرناک کوه آتش فشان ایستاده میباشد ویک لغزش دراین عصر حاضر ودرموقعهٔ نازک درحق آن این قسم یاس وبربادی خواهد آورد که درتواریخ عثمانی بی مثل خواهد بود ودراین چنین فجرمدات خواهد افتاد که رامدن آن تاحدی ناممکن خواهد بود ـ تاریکی وظلمت که درین ایام ترکیهٔ هوائیهٔ دولت عثمانیه طاری ومحیط گردیده است اکنون چنان

احاطه کردهی شود کهسایهٔ آن تاریکی وظلمت برانستقبال ترکی زیاده تر تیره وتار خواهد بود ـ تکالیف ومشکلات درون ملت ترکی تاحال حل نشده ودر معاهده صلحنامه تکمیل نرسیده بود کهازنوی

« نقاره دریای شمال گل بهار بهحمیل جدید »

مولفه ـ سرهال انیور

گردیده پاک وضایع خواهد ساخت ـ ترین موقعه تازه این را حق وفرض خود دانسته من حضور پادشاهان هردو مملکت درخواست مینمایم که بقرارداد ومواعید خود ثابت قدم ومستقل بمانند ورای اصلاح تشاجرات باهی بطرف روس مراجعت کنید ـ من این را هر چوی میدانم که کار گاهی چیزی قدر ومنزلت ندارد بلکه یک فرض ناخوشگوار میباشد ـ من این را ازاغراض منصبی خود میدانم که اگر بین اتحادیین گناه جنگ وقوع آمد من هرگز هرگز خودرا خاموش و قرار نخواهم ساخت ـ من بالفاظ صریح شهزاده مطلع میسازم که جنگ اتحادیین باعث خسران وبربادی اقوام اسلاوی خواهد بود وزمان جنگ وحشیانهٔ اتحادیان هرطرفی که اختیار کرده آزادحق و کار روائی سازخواهد نمود ـ

قسمت معبود جنگ درمیان عثمانی سه جنگها وکشت وخون باهی را آغازداد وشوکت پاشا وزراعظم قربانی اول مناقشات موجوده میباشد ـ ازقتل وزراعظم مذکور سرسیاهی وبربادی قوم ترک متصور میشود ـ این وقوعه درانساب نزول دولت عثمانیه بالفاظ خوفناکتر بزیاده علاوهٔ اسباب نزول مذکوره خواهد بود واین بالای عقلی باریکتر وافق سیاسیات ترکی مشتول ومحیط گردیده است ـ اگرمسئله مجلس اتحاد وترقی درخون ناظم پاشا سپهسالار تجربه کار آلوده گردیده بود دشمنان مجلس مذکوره درقتل محمود شوکت پاشا ولیاقتی بی انتظام خوبخنده ، پاشا مذکوراین دو نفر مرحوم واطوری روپیروان ترکان نوجوان بودند ازهمین سبب هردو نفر قتل کرده شده اند وبالمقابل تمرازترین جان خود همراهان وارزان میباشد ـ معزول سلطان عبدالحمید خان بصیر وتندد تاوقوع

مسابقه فوتوگرافی

« پل شاه دوشمشیره بر دریای کابل »
(فوتو : سراج‌الاخبار افغانیه)

« شلاله های پغمان . »
(فوتو : سراج‌الاخبار افغانیه)

(این دوقطعه عکس درمسابقه درجه اول احراز کرده‌اند)

http://hdl.handle.net/2333.1/m8pk0wv Image 744 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 745 of 1786

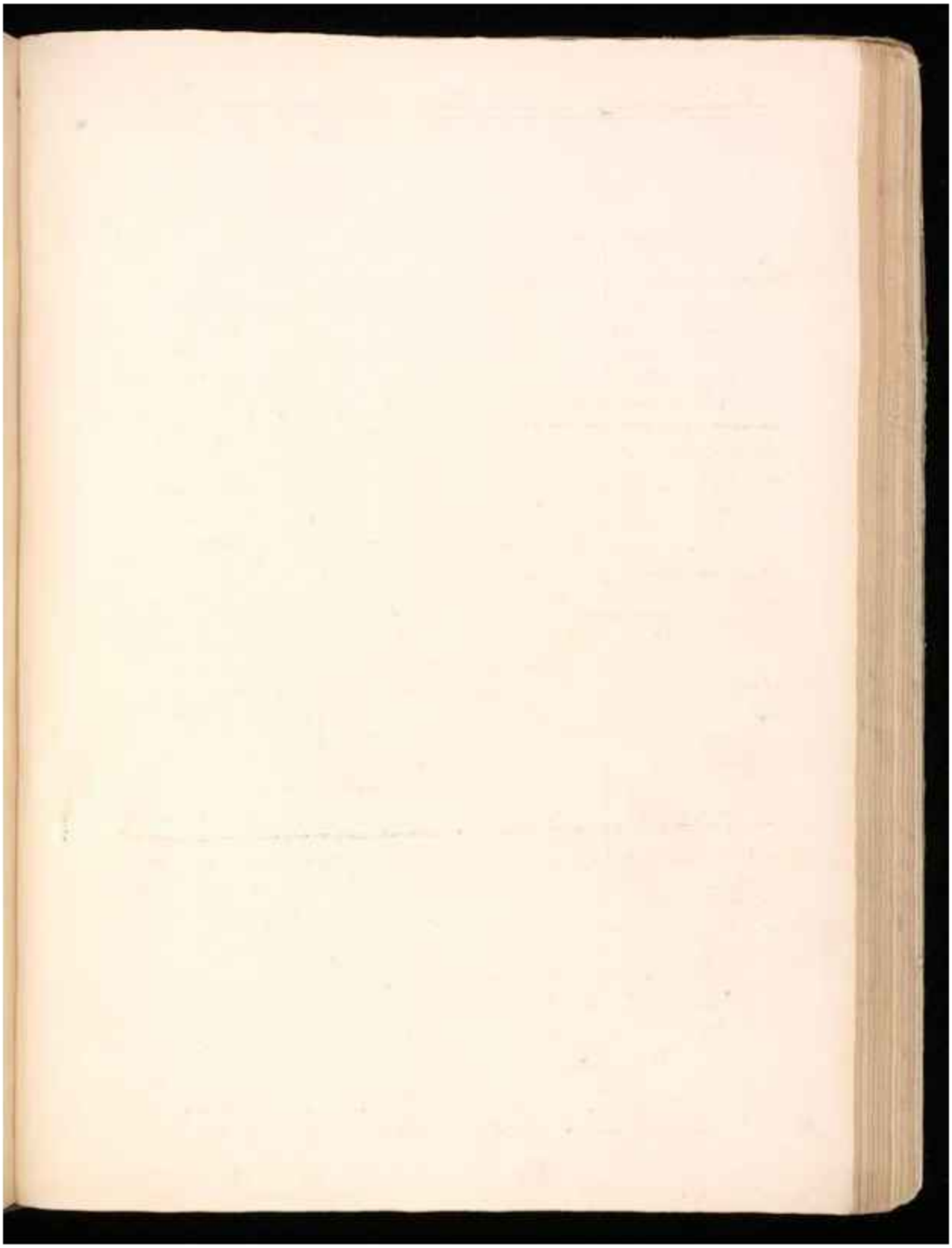

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 746 of 1786

آمده بود — حاصل کردن اقتدار عباس انحاد و ترقی بعد از قتل ناظم پاشا و خشمگین شدن محمود شوکت پاشا برمنصب جلیلهٔ وزارت عظمی ترکی برای حفاظت دولت عثمانیه از دست رهنمایان یلقان درخیالات عوام الناس — تبدیل عظیم پیدا کرده است و دشمنان عباس انحاد و ترقی از آنها متاثر شده این چنین جان های پاک بیاضاع کرده اند که باعث ضرر اسلام و ترکی شده است —

اما این کشت و خون کجا ختم خواهد شد و این کشت و خون تا کجا خواهد رفت . این سوالات میاید که فوراً در دل هر انسان پیدا می شود —

لاکن جواب دادن آنها کار آسان نمی باشد — از عرصهٔ چند ترکی در نظر دنیای بیرونی یک قسم مبهم بوده است و واقعات و انقلابات ترکی باین طریق اخیر بوقوع آمده است که هیچ کس نه درباب استقبال ترکی چیزی گفته می تواند و نه بر واقعات گذشتهٔ ترکی چیزی روشنی انداخته میتواند —

این امر در تواریخ عثمانی هم نمیباشد که سلاطین ترکی بقتل شده اند یا مجبور کرده شده اند اکنون چنان معلوم میشود که همراه مشربترین دولت عثمانیه همان قسم سلوک کرده میشود که پیشتر سلاطین کرده می شد و کمیتهٔ در قسطنطنیه اقتدار حاصل میکند برای اولازمی است که از جوی های خون بگذرد — سازش های حزم بدستور سابق در تشکیل انقلابات سیاسی ظهور میابد لاکن سوال این است که آیا ارکان از حالات سابق چیزی نصیحت و سبق حاصل خواهند کرد یا نه . آیا از آنها کشت و خون تا حق که باعث مذلت ترکی شده است دست بردار خواهند شد یا نه . و برای آینده بازی قتل و غارت باهمی را ترک خواهند کرد یا نه . از واقعات جدید ترین چنان معلوم میشود که ارکان از واقعات گذشته هیچ سبق و نصیحت حاصل نکرده اند و این نفرت و عداوت و آتش حسد و بغض درمیان آنها این قسم بیخ محکم حاصل کرده است که کندن آن از طاقت انسانی بیرون میباشد .

(از بیت العلوم به اداره رسیده)

مصر معزوطن مینویسد

مسلمانان ایران کروه کروه دین عیسائی اختیار میکنند جنانچه ازین عیسائیان جدید یک جماعهٔ درشهر لکهنو آمده اند و این کروه نوجوانان ایرانی در کالج برید کرسچین لکهنو تعلیم میکرند — من با آنها ملاقی شده کوشش نموده که خوبیهای دین مبین اسلام را دانستهٔ شان نمایم لیکن هیچ فایدهٔ نخشید درسال گذشته هیچ نفری بماه رمضان مبارک روزه دار نبودند وافسوس که امروز خلقه بلوشان عقاید مذهب نصرانیت هستند بیت

مباداول آخر دمایه شاد که از بهر دنیا دهد دین باد

در کانپور طوفان باد وباران

۳۰ مئی — شب به محل یازدهم جمعه در شهر کانپور یک طوفان شدید باد وباران واقع شده است که بسیار صدمه ها و نقصانات بشهر مذکور رسانیده

شورش در سرا کو

۳ جون — در مقام طیطوان یک حال خوفناک پدیدار گشته که قبائل کوهستانی باهم اتفاق نموده شهر مذکور را محاصره کردند و برخلاف هسپانیه یک محاربه شدیدرا برپا نموده اند — سرک طنجه مسدود گردیده — از مقام سیوتا افواج هسپانوی برای مدد می آید — پیشروی طیطوان در بحر سه جهاز لشکرانداز است — واهل کوهستانی بیرون شهر طیطوان رسویلو عه کرده اند و هر شب بر مردمان غیر تعلق میکنند — و مردمان شهر رسائل حکومت هسپانیه اظهاری میرسانند خیال کرده میشود که این شورش بوجه کافی اطمینان بودن وزارت هسپانیه برچیده است

جاپان و امریکه

واشیکوت جداسفیر جاپان به صدارتین پاکخم منظوری امت عمومی را بقسم رسمی اطلاع دادهاست

(شهادت نیازی بیك چگونه واقع شد؟)

اخبار (تصویر افکار) از زبان ناظم یک رفیق راه و حاضر وقت بوت نیازی بیک چنین استفسار نموده اظهار میکند که بتاریخ ۳۰ مارچ نیازی بیک و بقیه همراهانش بجانب کاه ولو تیار سیدیم وشبرا در هوتل سر کردیم و علی الصباح مردم برای رفتن بمنظر جهازی رخ نمودند ولی معلوم شد که جهاز مذکور جانب چوان قدم انداز بودلهذا انتظار جهاز دیگر کشیدیم که بعد از دو یم ساعت مرحله پای منزل مقصود میکشت و نیازی بیک یک همراه خودرا برای خرید تکت فرستاد که درین اثنا ازهجوم قوم و انبوهیکه قریب نشیمن بوده گلوله فیر کرده شد و نیازی بیک را بسیری یک از جوانج جهاز و سواری جهاز پی نیاز گردانید ولی فیر کننده معلوم نشد انا لله وانا الیه راجعون

﴿ خیال پلان تقسیم نمودن ملك بلغاریه ﴾

اخبار (مالی جزل) که در بلغراد پای تخت سروی انتشر و شایع میکرده این تخم نزاع پیش کرده که مابین دول (ترکو جرمن و سروی) اتفاق و اتحاد لازمست که در تقسیم اراضی بلغاریه تحمیل نموده بدین قسم راضی گردند که (ثراقیه وادرنه) برای دولت علیه عثمانیه و (بلغاریه شرقی) برای دولت قوی صوت جرمن و (دبای بلغاریه) برای سروی داده شود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 747 of 1786

(حمیت مذهبی وغیرت فطری)

(چهار دختر مسلمانان روس)

باید چنین خبر شنید که هیجده شصت نفر دختر که در دارالعلوم مرکزی سنت پترزبورگ (پای تخت روس) (بمدارج علم ممتاز و بمعارج فنون سرفراز بودند چهار دختر یافی وهر مجرد شنیدن حالت رمالات مجروحین ومظلومین ترک تراک وطن نموده وکمر مردانگی بسته ازهمه مال وحیث مذهبی خود در معالجات شان به بسیار معالجات لازمه استیول کرده‌اند که انهای این مشورات پردهٔ عصمت وعفت قرار ذیل است

(۱) کلثوم بنت کال (۲) مریم بنت راسلو جدون (۳) مریم بنت یعقوب (٤) رقیه بنت یوانس

اخبار اودسه

(تسلط ابن مسعود بر الاحساء وقطیف)

الاحساء یك شهر عرب است که بقدر دوازده منزل ازبصره تباعد و تفاصل دارد لیکن سالك جهاز بدو روز بآن واصل میشود این شهررا (احمد مدحت پاشای مرحوم) الحدمت چهل و سه سال بمعاونت و امداد مشایع کویت منقاد و مسخر گردانیده بودودر سال ۱۳۲۰ هجری ازطرف دولت علیه‌نهایه (سید طالب بك) حاکم آن مقرر گردید سید موصوف باقسام روابط وانواع ضوابط برین شهر کامل منساط گشت واتبا انتظام تعلیم وتدریس وتهذیبرا نمودوبی شوارع وسرك هارا ساخت واکثر قبایل سرکش و مردمان سرشوخ را مطیع گردانید وازطرف سلطنت چهاربابان برای محافظت وعمارت شهرمذکور اضافه شده‌بود ول بعد ازتقرر سلیمان قطیف بك این امورارا وال مذکور که نمود ویکمقدار قلیل برای مدافعه و مقابله تقلیل دشمن باقیماند وعبدالعزیز ابن مسعود کهمدام درکین چنین موقع بود فرصترا غنیمت‌شمرده ودرهدهٔ گفته بمقابلهٔ قلیل ومصادمهٔ خلیف حریفرا شکست داده‌برشهر مذکور ومقام قطیف قابض گشت وبسیار محل‌تاسف است کهاز سواحل شرقی خلیج فارس هربرقی نهایه کندهشد وجمیع این تاکامی‌ها وبدنامی ها کهبرای ترکواقع شده‌اند ومی‌شود ازافعال قبیحه واعمال‌ذمیمه شان‌است والا هیچگاه کفر براسلام غالب نمی‌شود بشرطیکه اطوار واوضاع آن‌قوم حسنه وصالحه باشند زیرا که حق سبحانه تعالی درکلامهٔ کریم خود فرموده (وعدالله الذین امنو منکم وعملو الصالحت لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم)وعده فرموده خداوند تعالی باموسنان و کسانیکه اعمال صالح کنند که بادشاه و خلیفه خواهند گردانید اینانرا در زمین چنانچه خلیفه گردانیده‌بود آن کسانی را که پیش‌ازین ها بودند وباز درمحل دیگر مؤید ایهٔ کریمه فوق ایت شریف هذا وارد گردیده که (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) یعنی بدرستی که وارث زمین بندگان صالح من خواهند گردید و تاقوی اخلاق واوضاع خود را تغیردهند وفرایض مذهبی ودینی خودرا ترك‌نکنند کاهی مغلوب نخواهند شد چنانچه این آیهٔ شریفه تأییدآن میکند (ان‌الله لایغیر مابقوم حتی یغیروامابانفسهم) معنی خداوند تعالی حال قومی‌را بدل نمی نماید تاخود شان آنرا تغیر ندهند — خداوند برادران ترك مارا هدایت دهد .

اینا اخبار اودسه می‌نویسد

(اشخاصیکه درممالك روم ایشیائی رعیت را)

برخلاف دولت علیه می انگیزانند

درین ایام کمدر بلاد شام برخلاف دولت علیه نهایه شورش برپا است ووکیل دول مسیحی یورپ که بظاهر خود را مصلح و درباطن برعکس‌را بطایل دولت مسلح میسازد باین مدتی چندی ازمحمدبن واثر مأمورشید رضامالك ومدیر رسالهٔ (المنار) وکامل پاشا سابق صدر اعظم هرداخل وشامل‌اند خداوند تعالی ازشرایشان‌ازراسلام ومسلمانانرا رستکار گرداندومحرملت وعلی دولت امیرتکب ازسلاطین آیك مدتی مشهور مصر معارف است درین اوقات ازین سبب سیاحت بلاد شامرا اختیار کرده تاعوام الناس‌را ازشرایشان اشخاص محفوظ ومردمرا از گرفتاری این‌دام فریب خلاص نموده از آسیب عواقب فتنه خلیف واز تاثیرات مفسدان واقف گرداند ونیز ازحالات متکلاتیه جدید دولت علیه مزید آن‌هارا آگاه نماید

(اصل واسل کامل پاشا)

همصر اخبار اودسه مینویسد

واقعهٔ کامل پاشاسابق صدر اعظم بکرن نصرانی مذهب یونانی مشرب بود کمدر عهد بغاوت یونان قید کردیده و بتوقف موت زمین اسران و آنین یونانی خود قائم‌بود وپسران منا و دیگر افرباى کامل‌پاشا تاحال دریونان زنده وموجودند کاپارا پاشای مذکور خوب می شناسد واغلب غرض سبب است که کامل جانب هموطنان خود یونانیان مایل‌بود وکاهی مسموع نشد کهاز تسلط یونان برسلانیك برای اوحسرت وحیرت واقع شده باشد بلکه هنوز رایش فرحت ومسرت یابد و حاصل کردیده واین واقعه درعوام معروف است کهبعد از موقوف شدن ازعهده وسلوط وزارتش چون‌بمصر رسید وجهازش برنشد(بر) کهدر تصرف یونان است توقف ورزید درمیانیان آثار فرحت نمودار و آواز مسرت انباز شنیدمشد واکنون بازبنصب قومی پاشای مذکور درپی انهدام واستیصال دولت نهایه است

غافل گرگ زاده گرگ شود گرچه باآدمی بزرگ شود

مترجمه‌الهادی ومحرر‌هن

(مقالهٔ مخصوصه)

تصویر افکار

یك کمکی در

به یابید که یك کمکی درمیان چه‌نتیجه‌ها میخشد :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 748 of 1786

§ یك قطار ریل بسرعت برق آسایی حرکت میکرد . راه‌پیش روی ریل یك قوسی داشت که در آخر گودهٔ آن قوسی یك اسکیشن کوچکی بود که خدمت تبدیل دادن خطهای راه آهن را بجائی آورد یعنی قرار بود که یك قطار را از خطی بخط دیگر نقل میدهد درانجا بود بلکه کبیست یعنی رییسان یك قطار از رسیدن به این اسکیشن کمی درمانده بود از اسباب همه سی وعبرت خودرا صرف کرده شتاب میورزید که بمحل معلوم زودتر برسد . بحریك از قوسی گذشتند یا گهان قطار دیگری که از مقابل می آمد پدیدار گردید . مصادمه یعنی هم خوردن مدهشه در یك آن بوقوع آمد . فریادهای هول انگیز ، جسدهای پارچه پارچهٔ خون آمیز عرابه‌های جزی جزی شدهٔ ریزه ریز منظرهٔ دهشتناکی نشان میداد ...

چرا ؟ چونکه : بلکا کبیست کمی درمانده بود !

§ یك عرابهٔ پذیرائی برداشته بود دولتهای متفقه با (ناپولیون) در (واترلو) نامومقع محاربه میکردند . از هشت ساعت بامنطرق گذشته بود . فتحمندی قدم بدشمن هموم وهمه میدهد . آفتاب باستان برای پنهان شدن در پس پردهٔ افق غربی حاضر شده بود . یك موضع سختی بود که ضبط کردن آن لازم وضروری بود . وکرّه همامیدهای غالبیت هویدند . سرافسر بزرگ ناپولیون ازین یك خاطر جمع بود که جنرال مقرّ او (گروشی) از عقب او بامدادمیرسد . از اسباب قوای احتیاطیهٔ خودرا بزرگ قوای هموم کنندهٔ خود مزج کرده امر هجوم — یعنی "لولی" ورش راداد . ولی هزار افسوس که قوهٔ مدد در سالش وقت وزمان لازمی نرسید . عساکر خاصه‌ای ازطرف دشمن مغلوب گردید و بهمین صورت محاربهٔ میدان (واترلو) رابای داد . ناپولیون درجزیره کلت (سنت هلن) در نهایهٔ اسارت وفات یافت .

چرا ؟ چونکه : یکی از چرخهایش یك کمی درمانده بود !...

§ یکی از کپی‌هایی که درهام تجارت یك موقع تجاری داشت . اما از چندی بود که بلکا اخلاص رایش پیش آمده بود . طلبدارانش پسه میخواستند . برای وعدهٔ ادا کردن پسه یکچند روزی باقی مانده بود . کپی در کالیفورنیا بسیار پسه طلبداشت وامیدمیکرد که ناروز وعده‌دادا کردن طلبدارانش شریك او کمپر کالیفورنیا بود پسه برابرسند . برای وعده وبرای رسیدن دالك کالیفورنیا یك روز باقی مانده بود . دالتر سید . ولی پسه نرسید . کپی درمقابل طلبداران خود بجز اعلان افلاس دیگر چاره ندید . شرف واعتبارش بدال گردید . سلامت حال واستقبالش محو شد .

چرا ؟ چونکه شریکش یك دالك دیر مانده بود !...

§ یك شخصی قتل متهم شده بود . اورا برای کنان بپای دار میبردند ولی آن شخص فعلاً قتلی که مرتکب آن شده بود مثل یك کاری بود که هرکس میبود ازان کار غضب بسیار شدید می آمد ازین سبب هزاران آفرین تحسین جزای قتل اول او بسزا مامانهٔ نوشته ومیر کرده بحضور جا کم رفتند که بلکه جزای قتلش بحبس چندساله بدرجه تخفیف یابد . همگان عفونامه را انتظار میکشیدند . صبح یك انتظار آتشین گذشت . آنان مدعش مکرا قدام محکمه در رسید . محکوم را بپای دار آوردند . ریسمان را بگلویش درا ورمند . بعد ازیك دقیقه جسد پردوح و مستکره بدار کشیده شده‌راداد درهوا میجنبانید . درین‌اثناوه کمیك سوداری که اسپش وخودش غرق غرق شده‌بود جارنمه دررسید . فرمان عفورا بدست داشت . لکن شتابی شده‌بود آن یاغی که تخفیف مقدور ، وقانونا محکوم بود بیك مرگ هولناك وکراهت آوری مرده بود .

فاجعه‌های پاریس

مأخذ از شمارهٔ (۲۰) سال دوم

— ئی ، یك چیز بی اهمیتی ! وقتی که از استاسیون میرامدم بهر صورتیکه بود دقت نکرده یك عرابه یك از انطرف بسرعت می آمد مصادمه کردم ، وتیرچوب عرابه بدنه‌ام خورده بقدر ده قدم بالسو افتادم .

— امان ! باز چه شد ؟

— ضربه‌یکه به ان دو چار شدم اگرچه بسیار شدتناك یك ضربه بود که مانند یك برقی هلدم بهوش گشتم . اعتراف واقرار کردن امضمن اگرچه یك گی موجب شرمساریست ولی چه باید کرد ؟ والحاصل مرا دوانده یکدواخانه بسیار نزدیك آن حوالی رسانده . درانجا بحرابهوش آورده‌اند بسیار زحمت کشیده‌اند . نهایت چشم خودرا باز کرده توانستم . نگر درهیچ جایم یك شکستگی وزده شده گی نبود . ولی یك ضعف وعیالی عظیمی وجودم را استیلا کرده تا آن مدفع میشد یکقدری وقت گذشت . سبب تأخرم عبارت ازینست که عرض شد .

— من هم نشسته شمارا به بی‌اهمیتی وتکاسل اتهام میکردم . آه ! اگر جانآثیر آن ضربه تلف میشدید !... راستی که جوان این چیز بخاطرم می آید موهایم راست میشود . لکن راست بگوئید حالاچه طور هستید ؟ آیاهوش تان بسرتان آمد ؟

— بلی چنان بهوش آمده‌ام که گویا هیچ چیزی نشده باشد.

— بلکه محتاج استراحتید ؟

— خاطر جمع باشید هیچ محتاج استراحت نیستم . بقرار عادت خود اخبارهای شام را خوانده میتوانم .

رو برابر اکفه واخبارهای (تایمز دوفرانس) و (لاپاتری) راکه هنوز فرصت شان بازنشده بود میخواست بگیرد که پیرمرد گفت:

— ئی !.. ئی امروز نمیشود . اگرچه میدانم که تورای خاطر من فداکاری کرده راحتترا خراب میکنی ولی منهم ازان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 749 of 1786

چرا؟ چون که : فرمان حیات یك کشتی در ماده بود !

پس ببینید کلیهٔ کشتی دنیا چه چیزها روی کار می آورد . آیا گمان میبرید که نتیجه های وحشیانهٔ یك کشتی درماندن بهمین سه چار مثالی که بیان کردید تمام شد ؟ نی ، بلکه بسی ثروتها ، وشرفهای اشخاص ؛ بسی استقلالهای دولتها وبسی استقبالهای ملتها درراه همین یك کشتی در ماندن قربان شده رفته است . هزار افسوس برحال آن اشخاصی که ترقی وتجددرا تاشرع ونارو دانسته روز بروز ، ماه بماه ، سال بسال ، درعقب افتادند . وچون ترقی را نشناختند که کیست ، وقواعد آنرا هم نفهمیدند که چیست ازاو یارق دشمن شدند . نهایت الامری آنکه وقت تمام هم برای‌شان نماند در کنسها ، ولانشهای عدم لولیدند وغلطیدند ! این‌است که آنهارا (درماندگان ابدی) باید گفت .

درچنین وقت بحران ، ودرچنین حال تزع روان پنج دقیقه بقدر سالها قیمت دارد . آرزو کنندگان مظفریت ازهرچیزی زیادتر میباید که این‌را عادت کنند واین قدرت را مالك شوند که هرچیزی رابوقت آن اجرا بکنند ، وازدرماندن اجتناب ورزند وتنهااز درماندن ابدی نی بلکه (ازیك کشتی درماندن) نیزبترسند ، وبسیار بترسند .

حالایکقدری اینهمه فلاکتهای احوال ، وزیر وزبر شدن افکار وخیال خودمارا درزیر نظرتصور آورده خود ازخود سوال کرده میتوانیم : که آیا یك کشتی ، بلکه چندها سال درمانده ایم ؟ .. ..

(مقالات فنیه)

(زه دوزی)

(یعنی علم طبقات الارض)

(ما بعد از شمارهٔ (۲۰) سال دوم)

بحالت غبار ترمی‌تحویل داده وبعداز آن بار آرا از آنجا آهسته آهسته برداشته بجای دیگر تعریض واحتلا میدهد .

این مسئله در زه متنبین حکمت بدرجهٔ ثبوت پیوسته ودر خصوص اثبات آن دلائل قاطعه وبراهین ظاهره بدست دارند علی‌الخصوص دراثر تبدلات بعضی جاهائیکه توسعه خاك وبارکستان باشند خدمت ومهارت چیزیکه زیاده سبقت میکند هانا دریاست درقطعهٔ (برتانیا) محلیکه ازا (له‌ئون) میگویند دست رسمعرفت جناب باد یك قریهٔ بسیار بزرگی را بآثار های کلیسایش زیر خاك مدفون نموده است. ودربسی جاهای اطاله سطح ارض ازینگونه معرفتهای استادانهٔ بادمشهود است

آب

چیزیکه در ظاهرحال هانا بغایت مطیع ومنقاد بنظرمیآید ودر پیش قوهٔ تخریبیه اش هیچ چیزی مقاومت نمیآرد هانا (آب) است . مثلا اگر بگوئیم که (قطعه مصرسفلی) را حضرت آب نیل مبارك ازیکپارچه خاکها (اقربای داخل) تشکیل داده است یعنی یك اثبات بسیار بزرگی بظهور آورده هیچ کسی اینسخن مارا تصدیق نخواهد کرد . ولی اگر کسی جغرافیائیرا که حکمای قدیم نوشته گذاشته‌اند ازنظردقت بگذرانده اینسخن مارا تصدیق خواهند کرد . زیرا در جغرافیای قدیم حکمای مصر سفلی راهیچ ذکر نموده اندبلکه اقوارا بیحر ، وحدودخطهٔ مصرجزا ازنهایت مصرعلیا نمودار کرده‌اند

باقی دارد

اده‌های خود کاملا نیستم که اینرا قبول کنم . رجا میکنم محترم فونت ، بداورهٔ خود روید ، وبربستر خود افتاده راحت بکنید، چونکه تانیا راحت نکنید من مستریح نمیشوم .

روبر — (تبسم کرده) تکوظیفهٔ خودرا بطایل‌تما بجاآورده‌ام بجواب رفتن من ممکن نیست .

پر — معلوم میشود که بهمه‌کس وظیفهٔ خودرا بجا آوردن میخواهید !

— بلی‌همین آرزو هستم .

— چون چنیست عرض تسلیمیت میکنم . بخوابید ، تا زیاده ازینحالت نمینشوم . مهمترین حوادثرا ، وشلوغات مخیرین آنهارا بخوابید . وبکر القسام آنرا فردا میخوابید .

بعد ازین سخن روبر اخبار (لازاری) رانار کرده بجاجا کردن وظیفهٔ خوابیدن آغاز نهاد . نیساعت نگذشته چونکه پیرمرد مطیع جلبانراج سرخودرا درتکیهٔ پشت چوبی نهاده بخوابرفت . روبر بلاحظهٔ اینکه اگرخواندرا یکبار قطع کند میدانخواب زیر یك خال پرسد صدای خودرا بتدریج آهسته آهسته کرده بخواندن خود خاتم داد. بعد ازان پرتوگهای چقهٔ پهای خود براه رفته ازاتاق برامد ودروازه را باز گذاشته . خدمتکار رابیز رخرابیده برای خواندن بدارش را برخوابگاهش فرستاد .

دردالان یکی ازشمعدانها نیکه دیوارافتاده بود درداده‌ازپنجه‌های سنك مرمر جلادیکه باقابن سرخی فرش شده بود بالارآمد ازیك رهرو تنگ بیکی ازدائره های جناح واصل گردید .

جائیکه مخصوص اقامتگاه روبراست درطبقهٔ اول دائرهٔ جناح عبارت ازیك دهلیز ، ویك سالون ، ویك اتاق کار ، ویك اتاق خوابیدن ویك توالت خانه میباشد . این دائره از بصورت بسیار مکملهٔ تزیین وتحریر شده است . قالیها وچوکیها وکوچیها ولوحه‌های تصاویر بسیار اعلا . وتخت وخوابیکه درانست آنهارا بشکل یك موزه خانهٔ در آورده .

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 750 of 1786

نامورانِ نامِ جهان

(باقیه از شماره (۲۰) سال دوم)

اروپا بنت کرژ : — دختر دختر عبدالمطلب ام حکیم البیضا ، وخاله زادهٔ حضرت فخر کائنات علیه السلام و والدهٔ حضرت عثمان ابن عفان رضی الله عنه ، ونیز والدهٔ اصحابی ولید بن عقبه رضی الله عنه میباشند که خودشان نیز صحابیه است .

اریته : — از شاعره ها وخوانندهای سیار جوان وخوش تمایل یونان قدیم است . هم معشوقه وهم شاگرد حکیم مشهور (سافو) میباشد . بعضی آثارش پیدا شده ، وطبع وانتشار گردیده است . عمر ۱۸ سالگی وفات یافته است .

استا تیره : — هخامنشیهٔ (دارا است) کنار پادشاهان مشهور ودارا است ویا دولت مکروهٔ آموف دارا اورا زنی نیز کرده است . در وقتی که دارا در (ایاس) نام موضع بدست اسکندر مغلوب گردیده گشته شد استاتیر بدست اسکندر اسیر افتاد . و ازطرف اسکندر معاملهٔ بسیار انسانیکا رانه و توانگرانه دیده است . یك دختری نیز بنام (استاتیره) داشت که اسکندر بعد ازمرگ هند اورا درحبالهٔ نکاح خود درآورده است . وبعد از وفات اسکندر از طرف (رو خانه) نام انسانی پشاور رشك و حسدیکه بالو داشت بقتل رسیده است .

استاییل : — از تحریره های مشهور قرن فرانسی میباشد که در تاریخ ۱۷۶۶ میلادی در (پاریس) تولد ، ودر سنهٔ ۱۸۱۷ وفات یافته است . پدر (نکر) نام یك مرد فرانسوی میباشد ، در سنهٔ ۱۷۸۵ با (بارون هو استان استایل) ازدواج نموده به (مادام استایل) معروف شده است . بارون موصی الیه ازطرف دولت فرانس بسفارت (سویدن کاروی) طرز شده مادام استایل بزیاد به آنجارفته است . ولی بعد ازیکه مدتی باهمدیگر امزاج نداشته جدا شده اند . درسنهٔ ۱۷۸۸ در حق فیلسوف مشهور (ان ژاق روسو) بعض تحریرات نشر نموده باآن شهرت پیدا کرده است . درهنگامهٔ انقلاب بزرگ فرانسی ازطرف حکومت جمهوریه ازفرانس طرد واخراج گردیده به (جرمن) رفته است . درانجا باحکما وادبای مشهور جرمن مانند (گوته) و (شیلر) ملاقات ومعارفه پیدا کرده زبان جرمنی را آموخته است . وچون بازپس بفرانس عودت کرده درحق جرمنها یك کتابی نشر کرده موجب آزرده گی (ناپلیون بوناپارت) گردیده درخانهٔ خودش اورا نظربند داشته است . ولی استایل بفرار کامیاب آمده اکثر یادگارهای اورو پارا گردش کرده . وبعد ناپلیون بوناپارت تحریرات

باقی دارد

علم ثروت ملل

(باقیه از شمارهٔ (۲۰) سال دوم)

ا — مالیاتها ، دستگاهها وهمدوع آلات وادواتی که اعمال صناعیه — یعنی کار های صنعتکری را آسانی بخشد .

ب — خرد کوچه تاها واشیا آن که برای صاحب خود ، وازاره دار خود ازراد وتاج بیارد . مانند دکانها ومکانها ، واوتاها ، وقهوه خانه ها ، وکاروانسراها وخانه های کرایی وغیره .

ج — اصلاحاتی که در اراضی یعنی زمینها — اجرا شود .

د — هر ، ومعرفتی که افراد ملت کسب وتحصیل کنند .

ثالثاً : سرمایهٔ متداوله — یعنی سرمایهٔ که درمیان مردمان دست گردان باشد ، وآنهم برچهار قسم منقسمست :

ا — مسکوکات — یعنی نقدینهٔ زر وسیمین سکه شده — که واسطهٔ تداول سائر قسم اشیای دیگری که ذکر میشود میباشد .

ب — ارزاق ، وذخیره ، وغله که درمدت سودا گران آن است ، وحاصل شدن نتاج وازداد ازان انتظار میشود .

ج — مواد واشیای خامیست که برای ملبوسات ومطروشات ، وعمارات ملموس است ، وهنوز کار ازان کرده نشده است ، وازکوپین کارشده است ، ودرمدت سودا گران وقاریشوالاها وچوبطرقوشها وتجار و آهنگر وتاوه دیگر صنعتکاران میباشد .

د — اشیا واموالیست که از سالت سنی زامنده ساخته وحاضر شده باشد ، ولی هنوز بدست استهلاك کننده گان نرسیده باشد ، وهنوز بدست تاریك تخریج ومصرف زمانه گی نرسیده باشد . وهنوز بدست تاریك والاها وسودا گران آن باشد . مثلاً اشیا واسبابهای که دردکانهای آهنگران ، وزرگران ، وخیاط ودیگر اصناف دارند طرز حریداران درجلوه گریست .

بعضی از ارباب این فن سرمایه را بردو قسم تقسیم دیگر را (سرمایهٔ مادی) ودیگررا (سرمایهٔ معنوی) تقسیم نموده اند سرمایهٔ مادی همین سرمایه هایی بود که مذکور گردید ، اما سرمایهٔ معنوی سائر علوم وفنون واخلاق و آداب چیزهایی میباشد که اگرچه بظاهر ضروری جهت شمول وتعلق ندارد ولکن چون کشفیات واختراعات صناعیه از علوم وفنون ظهور می آید ، وسعی وعمل وتصرف واداره از اخلاق و آداب بهم میرسد ازاینرو این سرمایهٔ معنوی مددگار فزونی سرمایهٔ مادی میشود ، والحاصل درانوامیکه سرمایهٔ معنوی آن منقرض شده باشد

باقی دارد

ص، مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسر محرر نخواهد بود.

محمود طرزی

در چاپخانه خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 751 of 1786

اعلان

از کمر دهن سخنی و از کمر جهن سخنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانم ، و ترغیب مینمایم که ازین گنجینهٔ نوادر جواهر آثار ، و ازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، و از هر جهن سخنی بچینند .

در

مطبعهٔ عامره

که بزیور طبع خمسهٔ نظامی قیمت شیرازهٔ جواهر مطلع سعادت معین السلطنه سردار عنایت الله خان زیور طبع آراسته گردیده ، و در نفس مطبعهٔ مبارکه مذکوره که در دهنه افغانان واقعست بقیمت ۲ دو روپیه کابلی از کمر عدالروف سرمترجم مطبعهٔ عامره خریداری کرده میتوانند ، کتاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی نیز بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 752 of 1786

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — و کورمکهی
— پنسل وغیره برای تعلیم ابتدایی بفروش میرسد .
المشتهر
(بانگرش دائی سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
مدشور بازار کابل

(اسامی وکلای ماذرخارج)

مدیشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته‌دار دائمی سفارت علیهٔ افغانستان . درمشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درهرات جناب حاجی غلام‌یحیی‌خان مامورفروش پوست قره‌قل . ذوات کرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند یکی از این وکلای ما چون وجه یکساله اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما بهاداره اطلاع‌رسد از هاوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوان که داشته باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک‌طلای‌روسی انگلیزی ۱۵ روپه کلدار است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 753 of 1786

شماره ۲۲ سال دوم

فهرست مندرجات

رمضان فیض رسان | موعظه

شب یلدا برکات — احوال هوائیه — آفت سیلاب — جبهٔ سرابیا — آمار اعلانات مهمه

حوادث داخلیه | دارالفنون معارف — معارف: مکاتب مکتب فنون حربیهٔ شاهانه — مکتب طوبخانهٔ مکتب بیطاریهٔ حربیه — اداری عثمانی — رکاکت اداری — تکمیل فرمان اعلیحضرت همایونی — امتحانات

احوال سیاسی — حکومت مرا گوچستان خراب شد — تعیینات صدراعظم قامل محمود شوکت پاشا — محمود شوکت پاشا که بود ؟ — محمود شوکت پاشا چسان بقتل رسید ؟ — قاتلیه که بود ؟ — آیا مرا گلدرجم بابیان — زجهٔ اعدامهای اردو وغیره — فتح یوانیان — ادبای کلیسای بلغاریه — تعارض تعلقات سیاسی روسان و بلغاریه شهرهای روم — جنگ بالقان پیش قدمی افواج ترکی — حرکت مدهوشی بلغاریان — بیان سفارت ترکی مقیم استفن کلیسای رومانیان — قرارهای سرورومان — شاه بلغاریه چار پیشرفی است — خیانت بلغاریان بلغاریان عقایه ترکان را کرده نتوانند — جبهات و کشتی های بلغاریه در علاقهٔ روس مقیم میباشند — مسلمانان این را بنظر توجه و عبرت ببینند — قتل شاه بلغاریه — یکسی بلغاریه — بلغاریان پیش رومانیان اسلحه انداختند — چون مدرس را گرفته اند — طوفان قبض وغصب در روملی — بلغاریان وحشی ازهیرست اقوام مهذب باید گذیده شوند — ترکان بسوی ادرنه وزیر روانه شدند — حکم فوق حکومت بلغاریا — عرضحال آزادیخواه رقعه نویس ادرنه ایدد باوزیر را دوباره

حوادث خارجیه

اخبار | منظر شمر دوازدهٔ مائتین جاده — جناب مدیر دوسر مقرر سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی صاحب بامعو مدرسهٔ زیشکو گراف عبدالفضل رساله شیوه رباب تصاویر اخبار مذاکره میکنند — هیئت ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه — هیئت مدرسهٔ زیشکو گراف — وزیر نامدار وسراعظم بالاقتدار مرحوم محمود شوکت پاشا — عثمانیه روم یلی و جنگ مائتین در لغمه رسائل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 754 of 1786

اعلان

سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین

چندین فایده ها و شیرینیها دارد ! غیر المحسوس
که آن سیاحت با آن بزرگی دوست

به هشتاد روز

اجرا شود ! تحریر کننده کان این سیاحت
حاوی الفاظ هنگام برای خریداری کتاب

(سیاحت بر دور ادور کره زمین)

پیشنهاد روز

غیر دوریه کابل یک مبلغ کلی را صرف نمایند این سیاحت را کویا (قیاس فوق) سیاحوریه‌ایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در طی مطبعه عنایت که در پشاور است از زمره ازوقی سرمشق نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در روزی ناولهای فی مشهور آفاقی از فرانسوی به ترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناولی نیکه در باره فن سیر و جغرافیای دنیا نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) کتابخانه مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است . این کتاب نیز اوزوجست آزید و فرست دانون مکتبه کاسنهٔ های آن زود تمام خواهد شد . و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجد اعلا)

ونو کتابچهٔ (غزا و اسلامیت) و (آیاچه باید کرد ؟)

(باجد اعلا)

در اندازه موجودات . تحریر و کسانکه خریداری کرده میتوانند

قیمت هر (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

اعلان

افغان یک اخبار هفته وار اسلامیست که در پشاور زبان پشتو و اردو شایع میشود . در صورت سرحدی یگانه حافظ حارز مسلمانان است . شکایات و معروضات شارا بگوش حکام میرساند . علم و اخلاق و رسم دین مذهب آنهارا رغیب میدهد . این اخبار در هر طرف دنیا یک رغبت عمومی حاصل کرده است در افغانستان ، بخارا ، امریکه ، افرنجه ، چین ، ژاپان ، مدینه ، مکه روس ، تتار ، لندن ، مصر ، وغیره بلاد مشتری دارد قیمت عام برای هندوستان ٤ روپیه سالانه معه محصول ڈاک و برای ممالک غیر ۱۲ روپیه کلدار است .

المنتشر

(میجر افغان)

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگران که صنعت خود شارا در سراج الاخبار اعلانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند . و یا دیگر هر نوع اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود در هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در متن ورق و قبه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۲ شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — انچ — ٤ — سون) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 755 of 1786

صحیفه ۱ سال دوم شماره (۲۲)

مدیر و مسئول محترم

محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
عن امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت اعلانات

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با امرات داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با امرات داک ۱۲ روپیه انگلیزی
بعد از ده روز یکبار نشر میشود
قیمت یکسانهٔ آن درکابل یکعباسی است

تاریخ هجری یکم رمضان سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۱۴ اگست تاریخ شمسی ۱۳ اسد ۱۲۹۲

هفتهٔ اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

(رمضان فیوضات رسان ، سراج الاخبار افغانیه پرهمه برادران مسلمان خود)

(که درروی زمین هستند مبارکباد میگوید)

(موعظه)

ازمدیریهٔ مبارکشاهی بادارهٔ رسیده است

بسم الله الرحمن الرحیم

ماه نوروزه بر اوج افق ازروی حور است زنیل نئی میکند ایا کلب ازهرنا مهرکی ای مهر لب مهرما

ای عزیز قاری اخبار — گاه چند درباب اشرف اعمال اخبار واذکار کهروزهٔ ماهمبارک رمضانست بگوش جان بشنو — ودرکار بستن وعمل نمودن بدانها بزداد صدق ودرسوخ عقیدت رو — حقتعالی در محکمات آیات کتاب خودجلو مایده یاایهاالذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون ایمان موجودات ، یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید نوشته وفرض کرده شدروزها روزه داشتن چنانکه نوشته وفرض کرده شده بود برآنانکه پیش ازشما بودند تاشاید که پرهیزید از بدیها و گناهان واحتراز کنید ازمعاصی نفس وشیطان چون روزه عبادتیست شاق ودشوار چنانچه درکتاب واخبار است کهروزه از اعظم ارکان دینست وحکمتهای فراوان شرع متین که نفس اماره بدان مقهور و مغلوب میگردد وروزه مرکب است ازاخلاص قلب ومنع بدن از خوردنی و نوشیدنی و شهوت متعلقهٔ نکاح وآن ازجلیلترین خصالست لکن رنقوس ازشاقترین وسختترین تکالیفست پس درباب مکلف ساختن بمکان حکمت الهی چنان تقاضا نمود که تکلیف سهلترا دراینداء فرض سازد مانند نماز تاکه مکلف بکثیرین تکالیف شریعت عادت گیرد بازتکلیف اوسطرا فرض سازد مانند زکوة ودر نوبت سوم که نفس مکلف قابلیت مدتی پیدا کرد تکالیف آلیه کرفته وغیر کرفته باشد تکلیف سخت ترین را کهروزه است مقرر فرمود — ودر کتاب واخبار است که روزه بعد ازیکنیم سال از هجرة مقدسه بعد ازده روز ازحکم برکشتن قبله بسوی حضرت کعبه ازبیت المقدس فرض کشته — لهذا درآیه کریمه جهت تسلی خواطر بندکان این امت فرمودند کهاین عبادت مخصوص بشما نیست بلکه هیچ امت از تکلیف این عبادت آزاد نبودند وازعهد (حضرت آدم علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام) تاآخرشرائع سابقهٔ منسوخه کهشریعت (عیسی علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام) روزه داشتن فرض بود — لما نصاری چون کرفتن روزهرا درفصل تابستان و کرمی هوا برخود دشوار شمردند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 756 of 1786

اوقات روزه داشتن خودرا باختیار خود بی نیاز شدن وحی در باب در فصل بهار کهموسم اعتدال هواست پیشتر عدد ایام روزهٔ خودرا براتی وفکر خود خوش بپرهیزگاه مقرر داشته — وچون تفصیل اجمال کلام الله در عنایت اشرف است لهذا بعضی ازمناقب روزه‌گرفتن آنرا ازاحادیث صحیحهٔ نبوی صاحب الصلوة والتحیه نقل نموده معروض رائی دولت پرای قارئین کرام مرتاح الاخبار میگردد — در صحیح بخاری و صحیح مسلم از ابو هریره رضی الله عنه روایتست « کل عمل ابن آدم یضاعف الحسنة بعشر امثالها الی سبع مائة ضعف قال الله تعالی الا الصوم فانه لی وانا اجزی به یدع شهوته وطعامه من اجلی للصائم فرحتان فرحة عند فطره وفرحة عندلقاء ربه ولخلوف فم الصائم اطیب عندالله من ریح المسك والصیام جنة واذا کان یوم صوم احدکم فلا یرفث ولا یصخب فان سابه احد اوقاتله فلیقل انی امرء صائم » یعنی آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هر عمل نیك آدمیزاد مضاعف گردد میشود بدین گونه که اجر و ثواب یك نیکی را پنجاه چند آن برنجاه تا بهفصد چند آن بر حسب شدت ریاضت واخلاص بنیت حضرت ربوبیت وحسب فضل او تعالی وحکمتعالی فرموده است مگر روزه که اجراو آن بحد و اندازه است ومن جزا بدهم یا آن هرچه می خواهم و چنانکه میخواهم ازحد حصر و شمار بیرون زیرا که روزه محض برای منست اگرچه همه چیز برای اوست تعالی و تقدس وهمه عبادات برای اوست روزه را درمیان تخصیص بود و تکریم و تشریف خاص امتیاز داد از جهت آنکه این عبادت از ریا بعید است و از چشم دیگران پوشیده است وازجهت آنکه نفس را درآن حظی نیست چنانکه فرمود « یدع طعامه وشهوته لاجلی » یعنی روزه‌دار خواهش نفس خودرا خصوصا طعام خودرا که احتیاجا آن اکثر است برای من وطلب ثواب ورضای من ترك میدهد — وگفته‌اند هیچ معبودی بحرمتی بسجده ولعالی روزه برنیامده است وتعظیم کفار معبودان خود را درهیچ عبادتی بصوم نبوده اگرچه بصورت صلوة وسجود وقربانی بوده است — وبعضی گفته‌اند استغنا ازطعام وشراب وسائر شهوات از صفات پروردگار است (تعالی وتقدس) وچون بنده بدرگاه او تعالی با آنچه موافق ومشابه صفات اقدس او تعالیست تقرب جست بدینوسیله نسبت تشابهی با او تعالی برای خود تحصیل ساخت

دل نبی بحضرت اعظم درست کرد نسبت درست کرد وجه محکم درست کرد

لهذا او تعالی این عبادت را بذات اقدس خود نسبت فرمود — وموافق سیاق و روش حضرت الهیه آنست گاهی نسبت شریف ازجهت آنست گاهی بسجاه بقدار ثواب وتضعیف آن بعبادت وبعلو مقدار این ثواببگاه ومقدار است که دیگررا با آن خبرداری نیست — وامام بیهقی روایت کرده است که شخصی ازسلمان بن تیمیه کفار کرا نطیة نوع العین است پرسید که معنی این حدیث قدسی چیست که کل عمل ابن آدم له الاالصوم فانه لی وانا اجزی به . ایشان گفتند که این صحیح ترین احادیث و محکم ترین آنهاست ومعنیش آنست که چون روز قیامت درمیان مسلمان وخصمان وی محاسبه واقع شود آنچه ردهٔ وی از حقوق خلق می‌باید درعوض آن از اعمال نیك وی خواهند داد تاآنکه هیچ عمل نیك باقی نماند وچون نوبت بروزه رسد حقتعالی روزه‌را درعوض مطالبه خواهد داد وباقی مطالبه آن بندهرا خود متحمل خواهد شد واهل حقوقرا ثواب راضی خواهد ساخت پس روزه هراه آن روزه دار شده او را بهشت خواهد برد — و ایضاً بضعون آیهٔ کریمهٔ « ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا » وحدیث شریف « ان الشیطان یجری من الانسان مجری الدم فضیقوا مجاریه بالجوع » معنی آیهٔ کریمه آنکه بدستی کهشیطان برای انسان دشمن آشکار است ومعنی حدیث شریف آنکه شیطان در پیسهٔ وجود آدمی مانند خون جاری و روان است لهذا افکندن و انداختن خطرات و اندیشهای بد درول و سینهٔ انسان بروی آسانست ودر الفوا والقاءشیطان انسان برای وی مانع و دافعی نیست پس تنها مجاری شیطان را بگرسنگی تنگ سازید تاآنکه زود وی وآمدو رفتوی درو جود شما کمترشده خطرات و اندیشهای بدی را تنها کمتر پندارید — وعبارت علما ومشائخ عظام این مطلب را اینچنین بگوئیم که میدانیکه در وجود آدمی محل جریان وجولان شیطان شهوات است وقوت شهوت شکست می خورد مگر بصولت گرسنگی ومجاری میدان شیاطین مسدود میگردد مگر بریاضت صوم بسیار تا آنکه طالب سعادت ابدی میدان سینهٔخودرا ازظلمات وساوس شیطانی وتجاسات شهوات نفسانی بصیقل تشنگی فیروز وغوایل تیغ بازوصافی نگرداند قال فیض اسرار صمدیت جل شانه کهنوشته ازمضمون « الاتشرح لك صدرك » است نکرده — وخاصیت روزه آنست گمراه شیاطین گموامع این سعادت ابد پرنده می‌بندد ومار حیث نفس اماره که مشمن دین است بتازیانه گرسنگی وتشنگی سرانیمه و سر کوفته میکردد وقوای غضبی وشهوی کهلولان ورهزنان نور عقلند قوت این ریاضت مقهور ومغلوب میگردند — بدینسبب است که حق جل وعلا این رکن را ازجمع ارکان اسلام بشرف اختصاص بخود مخصوص گردانید بیت « هرچه یاران تبرع بشارت دهست از همه حرفی انا لجزی به است » — ودیگر ازفضائل روزه آنست که بوی متغیر دهان روزه دار درنزد حضرت صمدیت از بوی مشك بهتر است — باید دانست که حق جل وعلا بکمال حکمت خود بدو نوع ادراك در وجود انسان امانه فرموده است یکنوع را ادراك صوری خوانند چون ادراکات حواس ظاهری و این نوع ادراك بمرة لطائف حاضر است — نوع دوم ادراك معنویست چون قوت قلب وروح وباقی لطائف کهاهل تصوف کبار گردکان امتند ازادراکات آنها بهره یابند — وهر قولرا ازین قوتها برحسب حاجت وخودداو ازادراکات خودشق والی هست وچون قلب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 757 of 1786

وروح و باقی لطائف وجان و حقیقت انسان یعنی : ان الروح من امر ربی وما اوتیتم من العلم الا قلیلا. ازعلم واز ادراك حواس حیوانی وعقل ظاهری بالاتر اند ودر تنزه وتقدس نسبت بمزاجیها لی بحضرت صمدیت مناسبتر ابدا الیه ازجهة مدرکات معنوی مقبولتر درگاه حضرت صمدیت مشاهده وادراك آن سبب است فتوای معنوی میکرد وهرچه مردود درگاه حضرت صمدیت حدیث تام وعذاب آن فتوا میکرد — ملخص کلام آنکه آثار طاعت را عظیمیت که رائحهٔ آن مرغوب ملائکهٔ کرام است وسبب مرغوبی انسان جانست که همان از مقبول بارگاه کبریا است جمیع ملائک گویا ماحیان وحریان جلال وکبریاء الهی اند — وازین جهانست حدیث شریف کدرباب خون زخمی وشهید حرب جهاد درصحیح بخاری وصحیح مسلم از ابو هریره رضی روایت شده است که « من احد یکلم فی سبیل الله والله اعلم بمن یکلم فی سبیله الا جاء یوم القیمة و جرحه یثعب(۱) دما اللون لون الدم والریح ریح المسك » یعنی نیست هیچیکه کارخمی شود درراه خدای و خدا میداند کیرا که زخمی میشود درراه وی (یعنی که بغیر رضای الهی غرضی دیگردرمقاتله ندارد) مگر که میآید روزقیامت وزخمهای آنچنان تازه وخیزان که خون ازان بجوشش روان میباشد رنگ آن رنگ خون ووی آن وی مشك — درینجا بنراز مقبولیت همان عمل بیوی مشك تعبیر شده است

کار فضل است مشك افشانی اما با شقشان مصلحت را بهمی بر آهوی چین بسته اند

زحمهٔ باقی حدیث شریف اول آنکه روزه سپر وپناه هست ازوسوسهٔ شیطان درونیا وسپراست از آتش دوزخ در آخرت — بناران چون باشد روز روزه داشتن یکی ازتباهیی یابد که نکلم کلام قبیح نکند وهتك نکوید و آواز خودرا بجنگ و جدل و خصومت بلند نسازد پس اگر دشنام دهد کسی روزه دار را یااو خاصه کنمایند روزه‌دار اورادشنام ندهد وباوی خصومت نورزد و در جواب وی بگوید که من مردی ام روزه دار — ودر روزه غرض زبان بگوید و درخلد در دل بگذراند تا ازروزه دور باشد فقط

اکنون حدیث شریف دیگری مشتمل برفوائد اخروی و منافع تمدنی روزه و ماه مبارك روزه معروض رای قارئین سراج الاخبار میگردد وبالله التوفیق — امام بیهقی در کتاب شعب الایمان ازحضرت سلمان فارسی رضی الله عنه روایت میکند « قال خطبنا رسول الله صلی الله علیه وسلم فی آخر یوم من شعبان فقال قد اظلکم شهر عظیم شهر مبارك شهر فیه لیلة خیر من الف شهر جعل الله صیامه فریضة وقیام لیله تطوعاً من تقرب فیه بخصلة من الخیر کان کمن ادی فریضة فیما سواه ومن ادی فریضة فیه کان کمن ادی سبعین فریضة فیما سواه وهو شهر الصبر والصبر ثوابه الجنة وشهر المواساة وشهر یزاد فیه رزق المؤمن من فطر فیه صائماً کان له مغفرة لذنوبه وعتق رقبته من النار وکان له مثل اجره من غیر ان ینقص من اجره شیء قلنا یا رسول الله لیس کلنا یجد ما یفطر به الصائم فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم یعطی الله هذا الثواب من فطر صائماً علی مذقة لبن او تمرة او شربة من ماء ومن اشبع صائماً سقاه الله من حوضی شربة لا یظمأ بعده ابداً حتی یدخل الجنة وهو شهر اوله رحمة واوسطه مغفرة و آخره عتق من النار من خفف عن مملوکه فیه غفر الله واعتقه من النار » یعنی گفت سلمان فارسی رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم روز سی شعبان رای ما خطبه خواند وفرمود ای مردمان سایه افکند وشما هی بزرگ ماهیست گمران برکت کرده شماست ماهیست گمران شهر است بهتر از هزار ماه —

بیقدری ما چون نشود فاش بعالم بهتر کمتب قدر درو بود بیان رفت

روزه داشتن آنرا حق تعالی فرض گردانیده است ونماز را درشب وی نفل وسنت — کسیکه نزدیك خود درباه بدرگاه حق تعالی بقبول وعمل کامل باشد میباشد مانند کسیکه فرضیرا درغیر این ماه اداکرد (ومعلوم است که ثواب فرض از عمل بجواب ودرجات بیشتر است) وکسیکه فرضیرا درباه ادا کرد میباشد مانند کسیکه هفتاد فریضه‌را درغیراین ماه اداکرد — وماه رمضان ماهیست که دروی صبر است از شهوات نفس وثواب صبر کردن بهشت است — وماه رمضان ماهیست که دروی غمخواری فقرا وگرسنگان یاد کرد — وماهیست که رزق وروزی مسلمان دران میافزاید ودران برکت داده میشود وبتوسیع طعام ومواسات کدر وی امر کرده‌اند سبب وسعت رزق فقرا وهمتاجان میگردد — کسیکه روزهٔ روزه داری‌را درباه بگشاید باشد سبب آمرزش گناهان وی وسبب آزاد شدن ذات وی از آتش دوزخ وباشد مرا ورا مزد آن روزه‌دار بی آنکه ازمزد وی چیزی کاهد — ما گفتیم یا رسول الله همه‌ما آنقدر چیزی نداریم که روزهٔ روزه داری را بآن بگذاریم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که بعمل آن ثواب رابکسی میدهد که روزه داررا بدهد یا اگر نتواند بآب بیکباره خرما بدهی از آب روزه گشاید و کسیکه شکم روزه داررا سیر گرداند اورا خدا بعمل از حوض من گوارا است آن بتواند گشاید ازان هرگز تشنه نگردد تا آنکه به بهشت درآید ودراینجا عبارتها مختلست — وماه رمضان اول آن سبب اقامهٔ رحمت است از جانب حق که روزه داران بدان مستند وقابل ظهور انوار گشته از ظلمات گناهان و کثافت معصیت می رایند — و میانهٔ وی سبب آمرزش گناهان است وآخر ماه رمضان آزاد شدن است از آتش دوزخ — چون طاعات میسر شد ومعاصی مقهور گشت روزه دار میرا ومستعد

(۱) (یعنی آرچی مانند بیشهٔ سیاهی روان میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 758 of 1786

دخول بهشت گردید — وکنیکه از کثرت وعلاو روزه‌دار خود تکلیف خدمتی را نماید اورا حق تعالی بپاداش و از آتش دوزخ اورا آزاد سازد — ودر حدیث شریف دیگر وارد شده که هرگاه شخصی آمادهٔ سفر و نانوان بود که هرگاه روزه میگرفت اقدام در تدارک ماحتاج سفر و راه‌پیمائی نمیتوانست آن شخص روزه‌را ترک بدهد و تدارک نماید بخواند نادهنده عبادت برای وی جمع شود — ودر حدیث شریف روایت ترمذی واین‌ماجه ازابو هریره رضی‌الله‌عنه آمده است که درجهٔ مضایق ماه رمضان آنحضرت صلی‌الله علیه وسلم فرموده است « لله عتقاء من النار وذلك كل ليلة » یعنی ومرخدارا آزاد شدگان از آتش دوزخ هست یعنی درهرمضان و آن آزاد کردن درهرشب است مخصوص بشب‌قدر نیست — ودرجواهر التفسیر ملاحسین واعظ کاشفی قدس سره است که هرشبی در وقت روزه گشادن شصت هزار بندهٔ عاصی‌را که استحقاق جهنم یافته باشند برات آزادی بخشندوهم وی‌ازکتاب لطائف التفریر آورده که رمضان میانست خورشید مصابیح — دریانست مزین بگوهر تاوح — فرخ‌اری — خجسته اختری — شبدان بندی — فردوس گشائی — یاد سرائی — باگزیده لقائی — معصیت گدازی — عاصی نوازی — مالی مغفرتی — متاعی روزی — عمر زیادتی — ابدورزقی — روان‌افزو درمان — مرتدان ازو دروسواس — ملحدان را ازجمال اوشارقی — عاصیانرا ازبرکت او آزادی — مطیعانرا ازو توفیر رحمت — مؤمنانرا ازو امید مغفرت — دلهای عابدان ازو در جن ثروت — جانهای عارفان بسبب او در کشن راحت — چون حال شرف این‌ماه آشکارا کرده شب محنت عاصیان را صبح اقبال پدیدار آید رایت اعلای کم شهر عظیم درمیان رحمت او منصوبست — ورقم اوفارجهٔ واوسطه مغفرة وآخره عتق من النار براوراق دولت او مکتوب —

بزینهار دهان از ثنای دلبر روزه — دمی هنر جوهرین بذکر هر روزه

(وصلی‌الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله واصحابه اجمعین برحمتك یاارحم الراحمین آمین)

فقیر احقر عبدالرؤف عفی عنه

حوادث داخلیه

(شب برات وبرکات)

شب یکشنبه یازدهم ماه شعبان المعظم که شب‌برات و برکات بود که یکی‌ازاعاظم شعائر مقدسهٔ اسلامیان شمرده میشود، بشرف این‌شب مبارك بتمرانان وضیافات سیه‌هاوئی دربارارك مبارك ترتیب‌یافته واهل واذراف حضور واربار مناصب‌ومزایا دعوت شدند .

بانت قدسیت صفات پادشاه معظم‌محبوب القلوبنا اعلیحضرت سراج الله والدین‌امام الله ظل‌ظله فی العالمین همهٔ مدعوین کرام را درپیش صفهٔ زیدهٔ قصر استورمبارك بجمع آمدن فرمان بودم وجود مان اعلیحضرت شاهانه درزیدهٔ مذکوره تشریف شوکت ربوبیت هماوی‌را ارزانی فرموده یك‌عطاء بسیارمفید وموثری درخصوص فضیلت ومزایای شب‌برات برکات بیان فرمودند ، ودعای ترقی‌وهدایت‌واتفاق عموم‌مسلمانان ، ودوام‌آزادی‌واستقلال وسعادت جاه واستقلال دولت وملت افغانستانرا آورده زبان فیض‌رسان گشوده وبعدازان درحق نشانهای من مواجبهٔ قصر استور مبارك کماجیران وتزئینات پدیعی ترتیب وتنظیم‌شده بود تشریف بردند وبعد ازتناول طعام چاه دوازده بجهٔ شب بکمال فرحت وسرور برآورده شده وحاضرین کرام مطیر ناطیبات وعرائقات شهریاری گردیده رخصت الدراق عطاگردیده شد .

احوال هوائیه

ازاقرار راپورهائی که از سر دوازدهٔ ارگ مبارك که بتوسط مامورین مخصوصهٔ تعیین‌یافته هوا درهفتهٔ گذشته یعنی در ۲۲ ماه شعبان‌المعظم بمارك ماحتواء داشته درجات حرارت‌هوای ذیلا اشعار قرار ذیل است :

محمار شریف . — ازاول ماه سرطان مطابق ۱۷ ماه رجب تاچاه ۲۴ سرطان سلخ رجب درچهارچهٔ روز ها از ۹۲ تاچاه ۹۴ درجهٔ گرمی هوا پیمایش الحرارة نمایانیده نشان داده است . باران وباد شدیدی هم نبارنده ونوزیده .

دار الدولت هرات : — از ٤ ماه سرطان مطابق ۲۰ ماه رجب‌تاچاه ۱۰ و ۲۶ بندهای مذکورین درچهار خفهای روزها حد اصغر درجهٔ گرمی هوا ۸۶ وحد اکبر آن ۹۲ درجه نشان داده‌شده است . بادهای موسمی شهر مذکور از بصورت دایمی وگاهی بسیار شدت دواه ورزیده است .

احمد شاهی قندهار : — از ۲۸ جوزا ۱۳ رجب تاچاه ۱۱ سرطان ۲۷ رجب درچارچهٔ های روزها حداصغر درجهٔ گرمی هوا ۱۰۰ وحد اکبر آن ۱۰۵ فاهر نهایت نشان داده شده است .

جلال آباد : — از ۲۹ سرطان ۷ شعبان المعظم ۲۷ سرطان ۱۳ شعبان درچهار چهه های روز های مذکو حد اصغر درجهٔ گرمی هوا ۹۲ وحد اکبر ۹۹ درجه نشان داده شده است .

دار السلطنة کابل : — از ۲۷ سرطان ۱۳ شعبان تاچاه ۳

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 759 of 1786

ماشاء ۴۰ شعبان در چار بجه های روزها حداکثر گرمی هوا ۸۲ وحد اکبر آن ۹۶ نشان داده شده است که اگر انحساب روزنها درست باشد هوای شهر عزیزما تقریباً بدرجهٔ گرمی هوای جلال آباد پهلوزده است . وازروی انحساب ها گرمترین نقطهٔ شهر احتشامی قندهاررا میباید که از جلال آباد هر گونی سبقرا در گرمی در ربوده است .

آفت سیلاب

جناب حق متعال شاهنشاه را وجود مراحم آمود ذات اعلیحضرت همایونی ازهمه آفات وبلیات محفوظ دارد . یوم جمعه ۱۳ ماه شعبان المعظم هوا یك کثافت وتیرگی پیدا کرده وقت ظهر یکباره شمال بسیار شدیدی وزیدن آغاز نهاد . بدرجهٔ که بعضی درختان قویرا ازبن برافکند . حتی دوتن دزده افغانان کابل درزیر آوار درخت تصادف نموده مجروح گردیدند . درعین شهر اگرچه باران بسیاری نشد ولی در دره های کوه پغمان که میزابها آنرابغان میریزند خالی جالهٔ بسیار شدید ووافری باریده بود که تقریباً بساعتهٔ روز مذکور درحالیکه ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاهی نیز دراروز بپغمان تشریف همایونی را ارزانی فرموده بودند ازدریای درهٔ پغمان یکسیلاب دهشت مآب عظیمی نزول نمود که مردمان ساکنورهٔ پغمان در مدت عمرخود همچنین سیلابی را بخاطر ندارند .

کیفیت دهشت وشدت این سیلاب طوفان شمارا بهتر ازانکه بچشم خود دیده وما ازانها شنیده ایم ازقرار آتی در پیشگاه انظار فایض کرام خود وضع مینمائیم :

ذات مراحم صفات اعلیحضرت همایونی تقریباً به ۹ بجار روز بسواری موتر بامعدی خواص حضور همایون به پغمان تشریف برده بودند . تابیك بجه درجار باغ موقع باصفای که درقرب قصبه برکنار دریای درهٔ پغمان واقعست اسراز اوقات شاهانه را نموده ، وقار جمعرا درجامع قصبه ادا فرموده بسواری موتر بسوی قصرعلویت حضر (سرپل) که تقریباً هزارقوت ازموقع بلندتر ودوهزار قوت ازکابل وده هزار قوت ازسطح بحر بلندتر واقع است تشریف فرمودند .

در اثنائیکه ذات شاهانهٔ شان در زیدهٔ قصر همایونی بامدعا وملتزمان حضور همایونی بصحبت مشغول بودند بادشدت ورزید وازطرق وادی بعضی صداهای مهیب ودهشتناکی مسموع گردید . بتحقیق پیوست که در دره سیلاب نزول نموده . میگویند که لطمهٔ سیلاب چنان بنظر می آمد که گویا کوههای ارههای سیاه و تیرهٔ در دره بجریان افتاده باشد . چون موقع سیل خیلی مرتفع وبرتر ازدره بود برای تماشا نزدیك رفتند صداهای سکهای بسیار جسیم چنین گفوت آب آنهارا ازجاهای بلند قطاریدم میآورده باوهای نباتات مختلفه وسیاهی وتیرهٔ سیل علیهارا مثلاً مال خوفی وخشین مینمود .

ذات اعلیحضرت پادشاه مراحم گستر ما ازآغاز ورود سیلاب بواسطهٔ یقین ازسیول بحر هرطرف که دردم بجرای سیلاب بود بسرعت تمام پیغامها فرمانداد . وتا بدرجهٔ که ممکن بود مردمانرا آگاهی بخشیدند .

ازفضل ومرحمت خداوندی این سیلاب بلامآب نسبت بشدت ودهشتی که داشت خسارت وآسیبی به نفوس قطعاً واردنیاورد . جزوی مال ومواشی وزراعتی که دردم بجرای آب بود خسارت یافت . سرك مابین چار باغ وسیول وبعضی سرکهای دیگر را خراب کرد . وکثری اراضی ومزروعات را نیز ضرررسانید . ذات اعلیحضرت شاهانه بسبب خرابی راهها مجبوراً یکتب را درپغمان بسر آوردند روز دیگر موترها از شهر آمده ویکمقدار زاد را بسواری اسپ وعدد ازان بمرابه های موتر بکمال عافیت واجلال بدارالسلطنه تشریف فرمای عزو اقبال گردیدند .

اعلیحضرت پادشاه رعیت پرور مراحم گسترمقدس ماخسارت یافتگان این سیلاب را بعاونت نقدی وجنسی وتخفیفات مالیات وغیره دستگیری ونوازش فرمودند . وبه اینصورت کمال مراحم ملت پروری پادشاهانه را ظاهر وعیان ساختند . مابرسلامتی پادشاه میهربان غیرالاحسان مقدس خود شکرها وثناها میگوئیم ودعای بقای عمرواقبال شاهانهٔ شارا وردزبان صداقت میداریم .

میهٔ سرآسیا

شهر عزیزما درهرسال بعضی میه هایی دارد که عموم اهالی بآن اشتراك میورزند . ازانجمله یکی (میهٔ سرآسیا) ست که درهرسال بهمین موسم درسر آسیا تمام موفیکه درحوضهٔ جنت نمونهٔ (چارده) واقعست اجرا میاید . یوم جمعهٔ گذشته همه هشتپریان عزیزما در جنگلها وبیشه های میوه دار بگلزار خوش جویبار چارده منتشر شدند . ودرهرگوشه وکنار ، درلب هر جویبار و آبشار ، درسایهٔ هریده وچنار ، انجمنها جمعیتها زمینها تشکیل دادند . نغمه های عزلمرانیهای ملی ، وسازهای گوناگون وطی از هرهر طرف زمزمخواست . علی الخصوص درسر آسیاب ازدحام عظیم اهالی دیده میشد . گاو جنگی دوپیکر ، پهلوانی پهلوانها ، ودیگر انواع بازیها وساعت تیرها اجرامیشد . ذاتاً این میه اساساً میهٔ دوی ها — یعنی کاررها — معروفست که در زیارت (خواجه طواق) صاحبکه درانجا میباشد بوقوع میآید . وهمهٔ اهالی بآن اشتراك میورزند . اما شای مهم آن نیز عبارت از گاو جنگی ست که دیگرتماشها نیز باآن ضم وعلاوه میشود .

ذات مراحم صفات اعلیحضرت شاهانه بشهزادگان عظام وممدوحی از هرکنار مهبت شاهانه درین میهٔ رعایای صادقهٔ شاهانهٔ خود بصورت غیررسمی اشتراك ورزیدند . ویك سایبانی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 760 of 1786

درموضع مهمه نصب فرموده باعالی تماشا فرمودند ، وبه بعضی احسانها والعامها دلهای اهالی را شاد نمودند . وباوقت قصر درافجا چوبه مهمه مذکور به اخذ والسه بدون یک وقوعات بکمال فرحت ها ومسرتها به اتمام رسید .

﴿ آثار اصلاحات مهمه در امورات معارف ﴾

این یک ازامورات بدهی و آشکار است که همه ترقیها وسعادتهای ملکیها وملتها به علوم ومعارف منحصر است . درین باب هر قدر سخن که گفته شود زاید است . در وطن عزیزما انتشار علوم وحرفت از روز فیروز جلوس میامن مأنوس ذات شوکتسمات اعلیحضرت امیر المؤمنین سراج الله والدین امیر حبیب الله خان امام الهدی لاتعالی مبدأزمان به تأسیس وبنیادیافتن مکتبهای اصول جدیده آغاز نهاده است .

اول مکتبی که برای تحصیل علوم وفنون جدیده باصول و طرز وبنیاد یافته مکتب حبیه ، مکتب مدرسهٔ حبیه است که بمباشر فاوایهٔ ذات اعلیحضرت شهریاری مجدداً بردار السلطنه

(منظرهٔ سردروازهٔ ماشینخانهٔ مبارکه)

کابل تأسیس گرفت ، وجوداً فیوض جاریهٔ مکارم پایهٔ شاهانه درزیر نظارت ذات عالی فخامتمآب جناب (نائب السلطنه سردار نصرالله خان) اکتساب ترقی نموده رفته رفته هیئت بلندمرتبهٔ افتتاحیه را حاصل کرد . ولی بنابر کثرت اشتغالات مهمه ذات فخامت پناهی شان نظارت امور معارف را بعهده درایت وفطانت ذات عرفان صفات شهزاده معظم جناب (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) محول فرمودند . چون قبل ازین نظارت جلیلهٔ مکتب فنون حربیهٔ شاهانه بارادهٔ سنیه اعلیحضرت پادشاهی بزرگ عهده حضرت مشارالیه محول بود این علاوه وظیفه همه امور معارف را بذات عالی جناب معین السلطنه صاحب راجع بود .

﴿ معاینهٔ مکاتب ﴾

﴿ مکتب فنون حربیه شاهانهٔ ﴾

بتاریخ یوم دوشنبه ۹ شهر شعبان المعظم حضرت شهزاده اعظم دولت علیهٔ افغانستان جناب معین السلطنه سردار عنایت الله خان اولاً بمکتب حربیه تشریف عالی را ارزانی فرمودند ، از قراریکه نامه نگار خصوصی ما برای ما تحریر نموده کیفیت تشریف آوردن عالی بمکتب مذکور از قرارذیل است :

درروز مذکور که موعد تشریف عالی بود شاگردان شاکر الاحسان مکتب حربیه و شاگردان مکتب ملکرامه های مشکل ودوبوک شاگردان مکتب عسکری یاموزیک عسکری از دروازه تابه عمارت مکتب صف بسته انتظار بوده منتظر تشریف فرمایهٔ شان بودند . بمحل بمجرد حضرت نظارتپناهی شان بسواری موتر تشریف فرموده ازطرف عموم شاگردان ، وعساکر یاموزیکهٔ مکتب رسم سلام و تعظیم بجاآورده شد . درپیش بنای عمارت از طرف نگران عمومی مکتب جناب نائبسالار سردار محمدنادر خان ، و مفتشی مکتب رکعلام حیدرخان وهیئت معلمین استقبال شدند . ذات معالیصفات فخامتپناهی شان از موتر فرود آمده به دالان مکتب داخل ، وبعد ازیکچند دقیقه که استراحت فرمودند به

درسحنهٔ عمومی که همهٔ شاگردان مکتب حربیهٔ شاهانه دران مجتمع بودند تشریف فرمانشده شاگردانرا به تلطیفات عالی نوازش فرمودند . بعد نظر از طلبه از طرف معلمان شان یکچند سوال علمی اجرا شده جوابهای موافق مطلوب عطا گردید .

بعدازان ذات عالی نظارتپناهی عمومرا مخاطب نموده یک اتلق که دلهای آهنین را نیز بگداز ه بیان فرمودند که متأثر تلقی مذکور مهی درقلوب وخواطر بود که دراول اصراحوال امروزهٔ عمومیهٔ اسلامیهٔ را و گرداب فلاکت ومصیبتی را که امروزه روز مسلمانان دران افتاده اند بیکصورتی که دربیش چشم ما اینا نیز مجسم شود بیک صدای مؤثری تشریح و تصویر نمودند . بعدها در خاتمهٔ ازچشمهای مبارک شان اشک حسرت جاری وه بکمال تأثریان فرمودند که : « همدران فلاکتها ازجهالت وغفلت ، وعمل نکردن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 761 of 1786

بحاکم مدیدهٔ دین مبین اسلام و خادمین معنای حقیقی حب وطن پیش آمده است . . . .

رهنما واجب وضروری است که این موانع را از خود دور نمائیم ، جهل وغفلت را بمثابهٔ بیداری و فکر از بیخ وبن برکنیم حب وطن ، شرف ملی خودرا بهمه معانی حقیقی آن بدانیم ، ودر راه حفظ ناموس دولت وملت ووطن خود حیات خودرا خیلی حقیر و کم نهایت چیزی بشماریم . بعدازان شاگردان مکتب توجه خطاب فرموده به آنجمله نصایح دلارا و تشویقات ذوق افزای فخیمانهٔ شان عرصه دلارا انجا و تشنه لبان را ارتشفا فرمودند . بعدازان به درجهٔ مکتب عسکری که شاگردان آن از اولاد های مردم جدید الاسلام میباشند که ازمدت سه چار سال جناب نایب سالار سردار محمد نادر خان آنها را بانصب جداگانهٔ برای تعلیم تشکیل داده اند تشریف فرما شده در وجد تحریک وتعلیم آن نورسیدگان وطن را که پدرها واجداد شان کافر بودند وبسایهٔ دیانت سرمایهٔ اعلیحضرت شهریاری بدین اسلام مشرف شده اند ملاحظه فرمودند و بتحصیل علم وعرفان تشویق وتحریص فرمودند ، وبه انواع لطف و نوازش فخیمانهٔ خود شان جانهای معصوم شانرا شادمان فرح وسرور فرمودند . بعدازان بمدرسهٔ های ملکزاده های مردم متمکن تشریف برده آنرا زیارت فرموده آنهارا نیز بالطاف ونوازش های فراوان مسرور فرمودند ، و درسهای یکچند طفل معصوم آنهارا استماع فرموده وشاه گردیدند ، بر آنشان کارتن در بسته خروج میفرمودند ملکهای ملکی که برای دین اولادهای خود آمده بود صلهٔ دیگر اعطا گردیده سلام دادند ، ذات عالی نظر بانها آنها را تشویق ونوازش فرمودند . وبهمین اصایع مکرمانه ترغیب وترحیب وبانواع نوازشات فخیمانه قلوب شانرا تلطیف وتطیب نمودند . از جملهٔ کلمات عالی یکی این بود که فرمودند : « کاش مردم که انسان بودنها را از همدیگر فرق وجدایی عنصر ساکه این دو دینها را پوشیده ایم محض از برای آنست که یک شوکت و هیبت دولتی خودرا بنظر افکار نشان بدهیم ، مثلاً که اخوت دینی ، ویکانگی ملی ووطنی بودنهارا جانبازی و جودی ویکجهتی بخشیده که طریق آن فقط یکی است . اگر شما فرقه وخلافرا بادون خود ازدل بدر کنید رضای خدا وپیغمبر خدا و پادشاه خودرا حاصل کرده خواهید بود که موجب سعادت دنیا و آخرت شماست . وحق وطنیت وشرف ملیت خود را محافظه کرده خواهید بود . واگر بر خلاف آن حرکت کنید حق خدا ورسول و پادشاه و وطن وملت خودرا پامال خواهید کرد که نتیجهٔ آن پامال شدن آزادی و استقلال واسارت نفس وملت و مالشها خواهد بود . امید میکنم که بسایهٔ دیانت و شفقت پرایهٔ اعلیحضرت پادشاه بسیار مهربان ما بعداز دوسه سال انشاء الله این اولاد های ناتمام وناخبر شده شما

را از درجه های جهالت و غفلت ملیه و ناخبر خواهان کلوی ، وفکی است که توانستهٔ آنها اصلاح نما و احوال کنید . . بعدازان ازطرف علوم حاضرین دعای تأیدی عمر واقبال ودوام عز واقبال اعلیحضرت پادشاه معاریپرور وشهنشاه عدالت گستر امیرالتوفیق سراج الملة والدین ابوظفر محمد نادر خان غازی خلد الله ملکه وتوسط اعلیحضرت شهریار کامکار محترم مکتب حربیهٔ شاهانه محترمت فرمودند ، و ازطرف بچه های عسکر مکتب وموسیقهٔ شان رسم تشریع بجا آورده شد .

مدیر و سرطبر سراج الاخبار افغانیه بحضور طرزی بدست راست بعلم مدارس ابتدائی گرانقدر شاهزاده محمد نعیم در باب تعلیم و تربیه ملاقات میکنند

﴿ مکتب فیوضات مکتب بیت العلوم حبیبیه ﴾

کیفیت تشریف آوری شاهزادگان عظام زاهزاده مکتب موصوف برایشان بالتفصیلات ذیل معلوم شده است که عیناً مینگاریم :

بتاریخ چهاردهم شهر شعبان المعظم حضرت شهزادهٔ اعظم دولت علیهٔ افغانستان جناب معین السلطنه برای عیادهٔ مدرسه والتفاتات آن قدوم میمنت لزوم علیا را در مدرسه ارزانی فرموده در وقت دخولهٔ روز سابقهٔ مدرسه تشریف فرما شده باقیهٔ عمر تعلیم وانتظامیه مدرسه که صف بسته احترام جوند تلطیفات عالیه ونوازش کثیره اجراء فرموده وپدروی همه یا ایستاده چند کلمه مختصر در کیفیت تشریف آوری خود وتشویقات علمیهٔ مدرسه دوجهد بالغ بمتکمیل العلم وترتیب عبارت ذیل بیان فرمودند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 762 of 1786

استادان ومعلمان وباقی محلهٔ مدرسه !

امروز اول دفعه‌است که من باین مدرسه آمده‌ام وجناب عم معظم محترم حضرت نائب السلطنه صاحب‌افتخار بسبب کثرت کارهای مهمه حضور عالی‌شان نظارت این مدرسه‌را بمن مفوض فرموده واراده دارم که بامانت الهی جل اسمه برطبق ارادهٔ سنیهٔ متبوع مقدس دیانت آگاه وفبله‌گاه حقایق پناه اقدس خود اعلیحضرت سراج‌الملة والدین روحی‌فداه ازین مدرسه فوائد گوناگون بدولت وملت عائد کردد

استادان ومعلمان !

هریك درکار محولهٔ خود کوشش ورزید وجان وتن درخدمت دین ودولت خود سعی کنید — من توجه خودرا کاملاً مبذول اصلاح این مدرسه خواهم کرد وبار بار بمدرسه انشاءالله تعالی خواهم آمد ومکافات ومجازات خواهید دید لازم وواجب است که درخدمت محولهٔ خود کوشش ورزید واز مراحم ملوکانهٔ تاجدار میهربان مقدس خود بمدارج ترقی وعزت برخورید .

بعد ازان بکمال اطمینان ووقت نظر همهٔ اطفال مدرسه را که تعداد آنها درین مدت کوتاه ۱۳۹ نفر بود ملاحظه فرموده درهمه جامات تعلیم جدا جدا زیاده درهر موضوع که در آنوقت اطفال مدرسه بآن مشغول بودند طرز تعلیم عز آورده وچند سوال مختصر زبان معلم از آنها فرموده وترغیب وتشویق همه کارا به تحصیل علم نموده وتألیف خانهٔ سراجیه را از ملاحظهٔ عالی گذرانیده رهمهٔ مسودات کتابهای علوم دینیه وادبیه وعلوم جدیده که مهیا بودند عز آورده و کتابخانهٔ مدرسه را از نظر گذرانیده باز جادهٔ قرائت وخودرا بنظر خود ملاحظه فرموده وازقرائت تجوید ونغمه‌های خوش اطفال اولادوطن که کلام الهی را میخواندند همه‌سامعان محظوظ ایامی محظوظ گشتند بعد ازان بتفاخانه مدرسه تشرف برده ودواء خانه وباقی اجزای آرامعلوم کرده بعدازان بر کتابهای فهرست کارهای سنوات گذشته واوامراعلیحضرت والاواجرا آن جناب عالی‌افتخاری نایب‌السلطنه عز آورده وهمه کتابهای کارهای مذکوره رابرای مطالعه‌مفصل باخود گرفته دراخیر بجمع نمودن همهٔ اطفال وجمع همهٔ مدرسه حکم عالی صادر شده بعداز آنکه همکی اطفال ومعلمین ومحررین وغیره اعضای مدرسه باتمام‌وا لکمال درمسجد مدرسه موسوف مهیا وآماده شدند — حضرت عالی خصالی تشریف فرما شده وبعد از ادای رسم تعظیم همهٔ اطفال را به نشستن امر فرموده خطابه بلیغهٔ فصیحهٔ را بعبارت ذیل بیان فرمودند:

شاگردان وتلامیذ مدرسهٔ عالی حبیبیه !

من امروزازدیدن شمایان وملاحظهٔ تعلیم وتعلم شمایان خورسند گشتم‌اولاً برای مزید عمر وداوام اعلیحضرت شهریار تاجدار مراحم شمارعواطف گردار خودرا میخواهم که ماوشما درظل عاطفت ملوکانه شان بکمال آرامی واطمینان بوده وازفیض وجود بهبود شان بترقی علوم تربیت رسیده ومیرسیم

شاگردان !

شکرانهٔ آلهی رابرخود لازم گیرید که پادشاه ماوشما ازخطر مرحمت ورعایت پروری برای ترقی شما توجه زیاده فرموده ومخارج جمیع عظیمهٔ استادان ومعلمان خارجه وداخله رابرای شما مقرر فرموده ترقی وتعالی شمارا بذات‌ستوده صفات خویش لازم گردانیده‌و آنچه فرض ذمت خود میدان است اعلیحضرت شهریار قدردان میهربان ما آنرا فرض ذمت خویش گردانیده است

ای اولاد وطن مقدس !

میدانید که‌درممالک اسلامیه‌چه‌حالت است ومسلمانان بچه‌بلاها گرفتارند وبلاء سبب همهٔ این بلاهای اتفاق وازدست دادن‌اصول مذهب‌مقدس اسلاماست ! شعارالازم است که بحبل‌الدین دین‌مبین اسلام چنك بزنید وعقائد واعمال خودرا برطبق شریعت مطهرهٔ اسلامیه‌استوار نمودهدر حصول‌علوم‌دین وتکمیل‌آنها میکوشید جزوزمان موجب ترقی ممالك دیگر میباشند وازانها فوائد وافکار تنگ حاصل نموده‌اند ومدرسهٔ همان ترقیات‌علمی‌وصنعتی‌اسلامیان‌راخوار وزبون ساخته‌اند واگنون به قلع‌وقمع آنها کمربسته‌اندتوجه گردیده‌و برطبق ارادهٔ سنیهٔ شهریار مقدس‌خودرفتار نموده فوائددین ودنیاخودرا واصل‌داریدوان‌امر اخروی‌بدانید‌که‌تازمانیکه‌خودشمایکه‌اولادوطن میباشید ترقیات‌علمی‌رابرای‌خود‌حاصل نکنیدوصنایع‌رابدانکیرید‌از شاگردی بیکاسکان به درجهٔ حقیقی نمیرسید — امتدان خارجه شما چون‌الحمدلله مسلمان میباشند والبته بحکم اخوت اسلامی درتعلیم‌شما کوشش‌میکنند امااین امکان ندارد که ایشان رالفظان کنندوپس شما کوشش کنید که خودرا بعلوم‌وفنون آراسته کنید ودر خدمت دین ووطن کامیاب کردید

شاگردان !

قواعد دینیه را بکمال دقت ملاحظه کنید ودر تحصیل آن جد وجهد بلیغ بخرچ دهید ودراطاعت او امر آلهی غفلت‌رابخودراه ندهید که اساس جمیع ترقیات برای مسلمانان محکم‌داشتن دین‌مبین اسلام است — اگرما وشما اصول اسلام‌را که استوار دارم از بلاهای زمین وآسمان درپناه خواهیم بود .

ای اولاد وطن !

مملکت شما که افغانستان است الحمدلله والمنه دربنهایت استقلال وخود مختار وآزاد است شهریار مقدس اعظم اگرمثل میهربان وقدردان ورعیت پرور وهنرگستر است — وقت خودرا ضایع مکنید که برای ملت خود فائده برسانید وبآن درجهٔ عالیه غره مشوید زیرا که اگر صاحب علم شوید و کمال آموزید بدرجات رفیعه ومناصب بزرگ خواهید رسید — من از ملاحظه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 763 of 1786

طهرست حاضری شما افسوس زیاد میکنم و دانستم که حاضری اطفال این مدرسه خیلی ناموزون است وهرکی چند وقت‌دفعه وآمده است ازپرودر ... هشت سال بدولت فائدهٔ کاملهٔ نرسیده است تحقیق بدانید که من باین امر راضی نمیشوم وانتظام نامه‌های درست برای حاضرشدن شما وباقی انتظامات مدرسه انشاءالله تعالی اجرا نموده شمارا آگاه کردم که بعد ازین غفلت روا ندارید ـ شهریار مقدس شما ازدول خارجه برای ترقی علمی وصنعتی شما بیزاران جدوجهد معلمان واستادان طلب‌میفرمایند شمارا لازم است که در رفع احتیاج خودکوشش کنید وازهمان معلمان کار ایشانرا آموخته وملت را از احتیاج برآورید ومعلمان واستادان خودرا بکنام‌گردانیده ناز دولت‌افغانستان به فوائد وتکثرات رسیده وطن مألوف خودها رفته ونام شما در اطراف زمین براید ـ ودر محبت دین وحب وطن راسخ قدم باشید واین را تحقیق بدانید که تعصان جزوی وطن علاج حقیق است وادنی زحمتی برای وطن ازسرزدن سخت تراست واطفال مانوشما بیزار درجه مرتبهٔ وعلاج خودرا از ادنی ضرری که‌وطن مقدس باید کرد بهتر و کوارا تر میدانم پس جهدکنید وعلوم وفنون را حاصل دارید وبه اعلی مقررهٔ خود با اطمینان کامل معلمان خود حاضر باشید ـ

زیاده برین تطویل لازم نبوده ختم مقالرا بردعای دوام ترقی دولت مقدسهٔ افغانیه وطول عمر واقبال اعلیحضرت شهریار کامکار مقدس خود مان مینمائیم واز درگاه ازلی چون نیاز وابستر نماه میکنیم که ترقی وتعالی ملت ووطن افغانیه حسب الخواهش اعلیحضرت متبوع مقدس‌ما بوده این اجراآت جزیه نتایج نیکو حسه گردد وما وشمارا توفیق خدمت دولت عطا فرماید !

عزت شمارا بخدا میدهیم !

افزودن تنخواه

چون در شماره (۲۰) سراج الاخبار افغانیه گفته بودیم که ذات مرا... وعواطف صفات اعلیحضرت پادشاه بنده پرور شفقت گستر مقدس ما برجمیع خدمتگاران صادق دولت شان مبذول ورایگان است وراستی وصداقت وحسن خدمت جاکران آستان شاهانه شان پی مکافات نمیماند ازان است که جناب عالیجاه محمد سرور خان جرنیل کارخانه‌جات را در رقم مبارکی که‌برای رتبهٔ جلیله اش از طرف پادشاهی عطا واحسان فرموده شده بود وعدهٔ افزودن تنخواه را نیز لطف واحسان فرموده بودند ازانجا که ذات جهاندار جات شاهانه‌شان دایما درشفقت گستری وعواطف پروری وایفای وعده ثابت وراسخ اند وخدمتکاران را همواره نوازش‌پذیرانه می‌نمایند درروم یکشنبه ۱۵ تیر شمسان سنه ۱۳۳۱ کفایت جهاندار جات اعلیحضرت همایونی جهت امورات کارخانه جات دولت متبوعهٔ مقدسهٔ افغانستان در ماتحن خانه شرف‌اجلال ارزانی فرمودند بر حسب ایفای وعدهٔ که کرده بودند در ماه دوصد روپیه بر اصل تنخواه ووظایف مقرری جناب عالیجاه محمد سرور خان جرنیل کارخانه جات ضم وعلاوه نمودند که فی سه‌یکهزار روپیه وظایف مقرری شان می‌شود که بحساب سالیانه مبلغ دوازده هزار روپیه‌مضرب ثالث دارالاسلامی افغانستان‌است

پرگه اعزازی

چون ذات عواطف صفات اعلیحضرت جهانیانی همواره‌در صدد مکافات خدمتکاران دولت متبوعه مقدسهٔ‌افغانستان میباشند وبجواهد که خدمت وصداقت وراستی خدام دولت که بدولت متبوعهٔ مقدسه کرده باشند نامید از منصب ورتبت نباشند لهذا جناب عالیجاه غلام حیدر خان کرنیل گل خزانه جات دولت علیه سنیهٔ افغانستان را که از سالهای بسیار که حسن‌خدمت وصداقتش وراستی ودیانتش در دولت متبوعهٔ مقدسهٔ افغانستان ظاهر گردیده بود جانخه در عهد اعلیحضرت خاقان مرحوم به امانت داری صندوقخانهٔ عون الله ومدد جامه که غلام بچه‌های حضور خاقان مغفور بخدمات موصوفه مأمور بود بجز حسن خدمت وصداقت از وی چیزی دیده نشده بود ونیز در اوایل جلوس میمنت مألوس اعلیحضرت سراج الملة والدین‌پادشاه مقدس زرگ افغانستان به کرنیلی کوتوالی دارالسلطنه مأمور گردیده بود چون حسن خدمت واخلاصش هر روزه بدولت متبوعهٔ مقدسهٔ خداداد افغانستان ظاهر میگردید موجی الیه‌چون بدیانت وصداقت وراستی واستوده شده ذات اعلیحضرت‌همایونی کار امانت داری دولت را یعنی کرنیلی گل خزانه جات دولت مقدسه را بوی مفوض داشت درینقدر سالها بمنصب کرنیلی خزانه‌جات سرافراز ومفتخر بود ازموی الیه موصوف خدمت وصداقت وراستی ودیانت که بر وفق رضای اعلیحضرت همایونی بود دیده شد ازاوو از رتبهٔ کرنیلی گل خزانه جات ... بمنصب رکه اعزازی گل خزانه جات ممالک محروسهٔ افغانستان سرافرازی حاصل کردوفرمان‌دستخطی مبارک از حضور اعلیحضرت همایونی بوی‌عنایت گردید که ما آرا اینجا درج صفایف افتخار خود میمائیم

وبجناب میرزا عبدالرشید خان منشی حضور از حضورمبارک نیز امر فرموده شد که تنخواه عالیجاه غلام حیدر خان پرگه خزانه جات را بحضور حاضر بدارید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 764 of 1786

محل فرمان اعلیحضرت همایون

بوم یکشنبه ۱۰ شهر
شعبان المعظم سنه ۱۳۳۱

از تاریخ امروز علاء خوانین خزانه‌دار که کرسی خزانه جات بوی منصباو پی که خزانه جات مادر کرسید فقط

سراج الملة والدین

اجازهٔ پوشیدن کلاه پر عجم باو داده شد

(سراج الاخبار افغانیه) از صمیم قلب در باره خدمت کاران دولت صداقت ورائی وحسن خدمت وفرمانبرداری را ازدرگاه احدیت رجا میدارد وجناب جرنیل را بافزونی کامکاری وبرکه را بارقوم منصبستان مبارکباد میگوید.

این امر بدانوری میکند که رقوم مناصب مامورین دولت علیهٔ متبوعهٔ مقدسهٔ ماضروراست که درصفحات سراج

هیات اداره سراج الاخبار افغانیه

[صف اول ... ۲ عبدالاحد خان ... ۳ جنرال عبدالقدوس خان]
[۴ عبدالرحمن خان ... ۵ عبدالاحد ... ۶ عبدالرحمن سرمنشی ... ۷ عبدالله]
[۸ میرزا عبدالله منشی مامور مکتوب نویس ... ۹ میرزا محمد ... ۱۰ میرزا ...]

الاخبار افغانیه ثبت شود تا هرگاه کارآگاهی رخصت شود، وهم برای خود ارباب مناصب یک تاریخ ثبوت ومعلومی در اوراق اخبار باشد. بسیار افسوس میکنیم که از ترفیع مناصب مامورین نه از دوایر رسمی وله از طرف خود ارباب مناصب بموقع وزمان معینش خبر میرسد ولا خود ما سعی و کوشش نکنیم معلوماتی گرفته نمیتوانیم. لهذا از جناب جرنیل بطور خصوصی تشکر میکنیم که این دو خبر مطلوب را بما بموقع وزمانش رسانیدند.

﴿استفتا﴾

از حضور عالی محکمهٔ شرعیه شریف

هرگاه یک شخصی بر شخصی دیگر یک کاری را تکلیف کند، و بگوید اگر این کار را نکنی زن راو به سه طلاق نکنند، و آن شخص که بر او تکلیف شده آن کار را نکند و به طلاق خبر دهد آن کار نه بیند و نکنند آیا طلاق بر واقع میشود یا نه؟ فقط تحریراً فی ۱۶ شهر شعبان سنه ۱۳۳۱

﴿الجواب﴾

صحیح است تحریر، سراج الاخبار افغانیه

(محمود طرزی)

﴿جواب محکمهٔ شرعیه شریف﴾

اقرار امر شرع است اگر شخص طلاق نکند و یا تعلیق طلاق نکند نکند. شخص دیگر بر تعلیق بودن شخص دیگر طلاق واقع نمیشود فقط تحریراً ۱۷ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۳۱

الراقم قاضی القضاة

فارئین کرام ما ازمطالعهٔ این استفتا و جواب محکمهٔ شرع شریف مرا تعجب جوابمیدهیم که آیا ملعمد ومدعای مبرز از شرح این استفتا چه خواهد بود؟ لهذا رفع شبهه وتعجب شان پرداخته میگوئیم که

در پهلوی یک مکتوب خراب انوالی تحریر مدلل از یک شخص مجهول الاحوال که از وطن دار وشهرت خود شرا بیجواب آمده مکتوب خود را بی اعتنا ومستحق فرستادن مجبور شده لیکن واسطهٔ جناب سفیر شاه بیک خان پارسیده است که در آخر مکتوب خود این عبارت دیل را تحریر فرموده:

« اگر این نوشتهٔ مجبورا سفیر باحفاظ خدمت خود بدرج سراج الاخبار روان نکنند زنی به سه طلاق باشد، واگر بدرج رسید واین نوشتهٔ مرا درج سراج الاخبار نکنند وجواب مرا دایل نکنند زن او به سه طلاق باشد فقط »

عجبا شما نه به این عقل وفراست! ... هیهات الله به این فکر و کیاست! ... لکن میرسم که آقای مکتوب نویس خود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 765 of 1786

(مفت الطلاق) زبان عربی قیاس کرده است ، و ایشان را از اهم وظایف خود خواهی برادران اسلامی خود شمرده است.

بی شک ممکن است که یک شخص صورت درست که تنها صورت به پیدا و بمعانی نظر انگشت و در خانه‌اند. امور ان خود یک وضعیه (مفت الطلاق) برای خود نداشته باشد ، ولی این ممکن نشده که آنچنان یک صورت بی حقیقت دین را (یعنی خواه برادران اسلام) عنوان داده شود . زیرا اولاً اوره احکام تبرعت امرای اسلام واقف بست که آن همچنین یک تکلیف واقعی اخلاقی شرعاً جایز است یا (خودش از یکطرف از حدیث نبوی ذیل مصورین بحث میراند . و از یکطرف حدیث (ابغض الحلال الی الله الطلاق) (۱) را فعلاً بیان میاورد .

با مدرج این استفتا و خلق وثوق باحق و دارای آن شخص مجهول بدیر و هیچ لزوم ندیدیم. ولی چون برای مدیرها و محررهای اخبارها یک اعتماد بدقت جدید الاحترامی شمرده میشد از اداره درج کردن این استفتا و جواب شرعی آن را واجب دانسته معیار حقیقی عقل و فراست آن مکتوب نویس بی دستخط و امضا را بر میدان و آوردیم تا قارئین کرام ما به بینند که در دنیا چه عقلها وچه مدارک بزرگ هم وجود دارد که از فرصت بیفتند عبرت جداگانه فوائدی دارد که متوقفین آن بر قواعد آن پیروی نمیورزند. مثلا در اخلاق چنانچه عید و میثاق را یک چیزی بسیار معنا پیدا دانست عید شکنی را خیلی مکروه و بد می بیند . اما در عین وقت یک را بر قاعدهٔ از فرصت استفاده اخیر ها را هیچ اهمیت و اعتباری نبوده عجردی که فرصت فایده دست دهد پیدا کردن عید و چنان از چرخهای لازمی شمرده میشود که مانعهای آن در تحریم سیاسی بسیار است .

چون درین وقت بدوی احوال و حوادث بالفعل به پیش این مسئله از فرصت استفاده را بکمال کرمی جاری می یابم . بعد از صلحی که در مابین عثمانی و بالقانیا بواسطهٔ قاعدهٔ از فرصت استفادهٔ دولت اکثیر وقوع آمد قاعدهٔ شر و انکلیس و فرنسه خیر خود را ازان شر برداشتن که نیز یکی از قواعد معنا پای طرز پولیتیکاست روی کار آمده بالقانیا در مابین خودشان بهم در آویختند . به تعبیر دیگر در آویخانده شدند .

(هیئت مدرسهٔ ژیمناز کوکرالی)

(صفدان اللهٔ ایراستند ، ۱ بیچ احمد ، ۲ عبد الغنی ، ۳ عالی داود)
(صف دوم ایلدا ایراستند ، ۱ عبدالحکیم ، ۲ باز محمد ، ۳ بیچ اوکر)

بدهمچنین میشد زیرا دوم اپی در زیر حکم یکدولت بود . آپای آنکه وجه فکرها موجود است .

این راهر صاحب مکتوب پی امضاء آوری میکنیم که اگر شخص خود را بجای شاه مناجوابهای مدلل خود هر وقت حاضر و آماده هستیم

جواب حاضر

احوال سیاسی
از فرصت استفاده

یکی از دستور العمل های بسیار معنا و عمدهٔ امور سیاسی همین جمله (از فرصت استفاده) میباشد . معنی از فرصت استفاده در پولیتیکی این است که فرصت مناسب چون دست بدهد هیچ اهمال

(۱) حلالی که الله تعالی از همه آن بغض میکند حلالی است .

دیگر شکر زرکی از این یک استفادهٔ نتوانند چسان میشود که تنها دولت دوست روده کوچکی آزاد فرو برده نتوانسته

دولت علیه عثمانیه باز تحرک آغاز یافته . و بنای پیشقدمی را مد نظر خود چرا نکنند ؟ از فرصت کدام کس استفاده نکرده کار او نکنند . هر چه فرصت ! فرصتی که باز دست آوردن آن خیلی مشکل است . دشمنانی که باهم اتفاق کرده بودند و واسطهٔ آن اتفاق کار روائیهای تحیی عمل آورده بودند بحرص وطمع تو بسیار خوردی ومن که خوردم در افتاده بر سر همدیگر زدن گرفتند . بلغاری بخیال شاهنشاهی در افتاده دیگر متحدین خودرا به کام و مراد خود کاچ نبودن میخواهد . سروبه میگوید که تو کیستی که من نیستم . تو چه کردی که من نکردم . البته به این سخن حق هم دارد . زیرا نامعدد کاری سر بیمانه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 766 of 1786

نبود از جرا که میتوانست فتح کند . از طرف دیگر بلغاری توانائی را نیز با اینهمه فداکاریهائی که کرده میخواهد از پی جاها سفراید بکند. کوههای بلقان را کسی بحساب هرنمی آرد لهذا لازم وضرور است که اینها در مابین خود شان مسئله را فیصله نهایند و بر سر همدیگر زده غالب را از مغلوب فرق دهند، وقوتهای خود شان را در نظرهای عالم نشان بدهند . بلغار ها چنان یک روشی گرفته بودند که درظاهر دولتهای متفق خودرا وعده‌ها ومنعمها نشان داده در باطن همهٔ منافع . را برای خود تأمین کند . حتی به ثبا متفقین خود را بلکه دولت رومانیا را نیز بهمین جهتها سا کن ساخته بود در انجام کار به این دامهای تزویر بلغارها همهٔ شان دانستند، لازم شد که وجود اورا ازمیان بردارند . وازین است که یونان وسروبی جبهه‌های تازهٔ برلغار نموده کامیاب هم شده اند .

دولت علیه عثمانیه را ضروراست که ازین فرصت استفاده نماید وهیچ غفلت واهمال نورزیده . وخود کشیهارا ترک نموده . واختلافهارا برای وقت دیگر گذاشته بکار آغاز کند . ویکدقیقه فرصت را فوت نکند غفلت خداوندی نیز هیچ شبهه نیست که جوهای آن همه یکناهان جور وستم بلغاریارا پامال کردن نگذارد درینوقت بر متفقینش نیز ظاهر گردید که بلغارها چندر وحشی وچقدر خونریز هستند . از همین روبانیا معلوم میشود که رومانیا با بلغار رسماً اعلان حرب کرده . وعسکر رومانیا از سرحد بلغار عبور نموده . زد وخورد سرب وروان بزرپابلغار معلوم است . ترکیه نیز ازین فرصت هیچ جنبه وشی نخواهد کرد واگر بکند از قاعده از فرصت استفاده خیلی دور خواهد ماند

مرصمانیکه درامور سیاسی ازقاعده‌ها مرابعت نکرده‌اند خیلی خسارت دیده‌اند . مسلمانان درهرجا هیچگاه ازقاعدهٔ ازفرصت استفاده فایده‌نگرفته اند حالا که جهت مقابل شان قدم بقدم این قاعده‌را پیروی کرده اند . حافظ شیرازی اگرچه باین بیت که:

دهی وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست

قاعدهٔ از فرصت استفاده را بیان کرده ولی هزار افسوس که مابن وقت خوش را یعنی فرصت را برای عیش . وراحت طلبی وبامورات مهمه نپرداختن . ویه لهو ولعب وملاهی بیانات صرف اوقات نمودن مخصوص پنداشته بیت مذکور را چنین تخمیس وتضمین نموده ایم :

چاچهار فصل بود دور روزگار
فصل دی و نوروز خزان است و نوبهار
درهرچهارفصل بود عیش خوشگوار
هروقت خوش که دست دهد مغتنم شمار
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست

﴿ حکومت مراکو چسان خراب شد ﴾

دروقتی که سیاسیون دولتهای جرمن وفرانس فتنه‌ها وبلاهای تقسیم کردن وازمیان برداشتن آرامی کشیدند درهاروزتهاد شاه مراکو باهمه وهنشینان طرف طمع خود درباب آور دن مغنیه‌ها وسازنده‌ها ورقاصه های مصری و فرانسوی فتنه‌ها وادیشه ها داشتند .

دروقتی که ازیکطرف فرانس وازدیگر طرف اسپین آدمهای کار گذار فنون شمارخود را درباب فتنه گرفتن سرحدات ورامها وسیر های عسکری ملک مراکو بهر هرطرف منتشر میساختند سرحدات ملک مراکو بدرجه بی‌قوت مدافعه وبرهم وبرهم بود که کارطوس های زیک زدهٔ تم کشیدهٔ درملک تودههایان شدهٔ عسکری انتظام حل وگرسنهٔ آن سرحدات به تفنگهای شان رار نمی آمد ، وتفنگ دیگر تیر وکارطوس ازدیگر تیر بود .

اگرچه حکومت مراکو یک چند دستخوش منطقی خوش درینی داشت ولی آن فوجیاقص برای آرایش وفایش سرای والای سلطان مخصوص بود که دیگر کاری ازانها گرفتن متصور نبود . دیگر فوجی که متنظم گفته‌شود موجودداشت اینست که به این سیما وامثال این گونه سخنها وبی‌روائیها وغفلتها وجهالتها وندیهای پدملک مراکو خراب وبدست اجنبیها دراهد .

(تفصیلات قتل صدراعظم محمود شوکت پاشا)

چقدر اسف انگیز احوال ! یک وزیراعظم بکدولت بسیار معظم ومحترم شرید غدر وخیانت چه اشخاص پست فطرت لئیم میکردد ! این مصیبت قتل محمود شوکت پاشا جان یک فلاکت مدهشهٔ بود که فلاکت عامه را برطاق نسیان گذاشت . درینهنه اخبارهای استانبول که برای بازسیده اگر وقوعات هین جنایت وتفصیلات هین حیات سنوحهای مخالف خودرا تلو نموده اند که ازفراشت آن مویرین میخیزد . وگریه درگلومیپیچد . وبراحوال حالت دولت علیهٔ عثمانیه خروار های حسرت وآه . وبار های کدورت وغم روجود مسلمانان غم شریک شان میانندند .

واقعیکه ماسردهاقان بدبیاخوت مسلمانی خودرا غیرشریک برادران عثمانی خود میدانیم . بهشادی شان شاد . بوشان خندان میکردیم . بخوبی وبدی ، وحق وناحق فرقه های سیاسی شان هیچ سروکاری نداریم . ونمیدانیم که کدام یک فرقه برصواب ، وکدام یک برخطاست . چرا که بدانستن این چیزها نرومی یابیم ولی چون بتجربه برما ثابت شده . وبگوش وچشم شنیده ودیده‌ایم که همهٔ این مصیبت وفلاکتها از همین اختلاف ونفاق وشقاق فرقه ها وپارتیها بظهور انجامیده وهی انجامد ازانسبب دوام این اختلافات ، وحله جنگیارا قطعاً خیلی مکروه ومنفور میدانیم . ورفع شدن این بلارا ازمیان برادران عثمانی خود ازدرگاه باری نیاز میکنیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 767 of 1786

بهرصورت : چون کیفیت قتل این وزیر اعظم یك فاجعهٔ در داکیری شمرده میشود از اخبارهای ترکی ترجمهٔ کوتاه آن برای اطلاع قارئین کرام خود خالی از فائده ندیدم اولا این را باید بدانیم که :

(محمود شوکت پاشا که بود ؟)

عدادی الاصل بود که پدرش سلیمان بیك نام دولت ودر یك وقتی متصرف یمن ما بعد ولایت بصره بود . بعد از تحصیل ابتدائی که در بغداد کرده بتاریخ ۱۲۸۹ به استانبول آمده درمکتب اعدادی عسکری داخل شده است . درسنهٔ ۱۲۹۸ بنصب یوز باشی — یعنی سلمشری ارکان حرب از مکتب حربیه برآمده درجهٔ عسکری که درجهٔ گرید برای رفتن بصره جمع آوری شده بود مأمور گردید وبعد از چند ماه پس به استانبول آمده درمکتب حربیه به معلمی تعیین ، وبعدهٔ حلیه مأمور گردید وچون (فون درگولتز) پاشای جرمنی درمکتب حربیه مقرر شده محمود شوکت پاشا را به معلمی فن استاجه مامور ساخت . وقدر یکسال بزیردست اوکار کرد . بعد ازان درسنهٔ ۱۳۰۳ به برای معاینهٔ عسکری مأمور به جرمن رفته قدر ده ماه درمیاری ازمانوره های عسکری ، وتجربه های خوب کارخانهٔ گروب ، ودیگر کارخانه ها وسی تجربه ها در زیر نظر بررسی آورده است . درسنهٔ ۱۳۱۷ بعملیات حفظ تلگراف درمابین حرمین شریفین مأمور گردیده است . درسنهٔ ۱۳۲۱ بنصب فریق تقریباً نائب سالار — والیگری ولایت قوصوه مأمور شده است وازینجا مشروطیت دراعلا نشده است . بعداز اعلان مشروطیت بسرعسکری اردوی سوم مامور وبا اردوی حرکت به استانبول آمده درخلع سلطان فعالیت عظیمهٔ نشانداده است . بعد ازان ناظر حربیه ، وبعد از سقوط کابینهٔ سعید پاشا ازنظارت حربیه دست بردار شده است . تا آنکه درین اواخر بعد ازسقوط کابینه کامل پاشا وقتی ناظم پاشا بنیاد ادام وادار نظایش مستعفیانه را قبول کرده است .

محمود شوکت پاشا غیراز لغتهای ترکی وعربی که زبان مادر زادش بود زبان فرانسوی وجرمنی ، را بقدرصورت بسیار مکمل میدانست درفنون عسکری بسیار ازهای مکمل پرتوشته است ، حالا به رویم که این چنین یك وزیراعظم وسرعسکر معظم مانند :

محمود شوکت پاشا

(چسان قتل رسید)

درم ماه رجب صدر اعظم وناظر حربیهٔ جناب محمودشوکت پاشا بقرار عادت هرروزهٔ خود صبح به نظارت حربیه که درجوار مسجد سلطان بازید بنام (باب والای سر عسکری) معروفست رفته بعد از فراغت کار خود از امور حربیه بسواری عرابهٔ موتر بسوی (باب عالی) می آمد در اثنای که عرابهٔ موتش از میدان بازید بسوی حدهٔ دیوان یولی دور میخورد ازطرف دیوان یولی یك جنازه بایك جم غفیری می آمد رفت وامد تراموایها و عرابه ها وموترها درتوقیف بسیار وزیاد هم تنك بود یك عرابهٔ موتر دیگر نیز در یك محل ایستاده بود . موتر زیان محمود شوکت پاشا مجبور به توقف دامن موتر گردید . توقف طول وچند دیر ازطرفهای مختلف طرح بود . هنگام که بوجود پاشای مشار الیه خورده بود کاسه گاه آن برشقیقه ها و خود نظری اضافی نموده بیك گاه دیگر درزیر جاهای و جودش خورده است . جسد مجروح محمودشوکت پاشارا به نظارت حربیه بردند اگرچه بیماری از اطبا معالجه کوشیدند هیچ ثمرهٔ حاصل نشده وبعد ازانکه بقدر یکساعت نبا حرکت دادن مشاهده میشد آنهم معطل مانده رحلت دار بقا نمود .

وزیر نامدار وسر افسر بالاقتدار مرحوم (محمود شوکت پاشا)

قاتلها که بودند

قاتلهای پاشای مرحومهٔ بزرگ بود که یعنی ازانها گرفتار گردیده ویعنی دربند حبسهٔ محبس شده وبعد از جنك وقتل و تلف گرفتار آمدند ، یعنی فرار نمودند ، یعنی زیان شدند ، ازجمله اینها یعنی فرار گردیده شدند ، یعنی بجزاهای قید عمری ویعنی بحبس و اخراج ، و یعنی غیاباً محکوم گردیدند . در میان اینها قاریاز ها ، زراکار ها ، اوباشها ، افسر ها ، زادگان ها ، از افسری مطرودها ، مأمور ها ، پاشاها وزیرها ، سلطانه زادهها شوهر سلطانهها وغیره موجود هستند ، داماد سابق پاشا یعنی انور بیکیدار شدند ، سلطانه زاده رئیس صاحبزادگان فرار نموده وغیاباً محکوم شدند شریف پاشا رئیس اردوی اول و امانات کامل پاشا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 768 of 1786

نیز درحال فرارند . آنانیکه چه خواهند شد ! غیر ازاینکه روز بروز فرقه بازی وبازی سازی قوت بگیرد وقتل و قتال عمومیگر شان روز افزون گردد دگر چه خواهد شد !...

ماتحیر اینکه تکمال عجزوتیاز وتمام سوز وگداز ازدرگاه خالق بیاز دعوان مصیبت عظمارا ازبرادران اسلامی خود ، وبپوش آمدن همه مسلمانان را تصرع نمایم دگرچه خواهم توانست .

﴿ آقای میرزا محمد رحیم بلیغی ﴾

یکی از مسلمانان باغیرت معارفخواه و خیر خواه برادران اسلامی جناب آقای میرزا محمدرحیم بلیغی ما کوئی میباشد که درنجف اشرف بمناسبت مکتبها ، و کتابخانه ها ، ودایرها ودیگر مؤسسات خودصرف موفق وکامیاب آمدهودرین راه خودهرقدر اولاد های برادران اسلامی خود ازکسبهٔ جهل و اسارت پروری خویش تحریراً مبلغ شش هزار تومان صرف نموده است که حقیقتاً یک فداکاری بزرگ شمرده میشود .

یک تألیفی بنام (عزت دیروز وذلت امروز) بزبان فارسی نیز ازجناب مشار الیه برای ما رسیده که حقیقتاً احوال سابق ولاحق اسلامیان را به بیان وضوح ومعلومات کافی جغرافی وتاریخی تصویر وتعریف نموده است . ما از صمیم دل حسنات این فاضل معارفی خواه را تبریک ، و اثر گرانبهای شانرا تحسین وتقدیر میکنیم . کثر الله امثالهم .

﴿ از تصویر افکار اقتباس شده ﴾

(قضیهٔ روم یلی وجنگ متفقین در لهمه دریای)

(ترجمهٔ اخبارهای اردو وغیره)

(قشون یونانیان)

لندن ـ ۵ جولائی ـ دیشب بقلم سرکاری اعلان کردیدهٔ که یونانیان درمقام کلکیش وبلغاریان غالب گردیدهاند و۶۰ توپ ازبلغاریان راغنیمت نموده اند که ۱۷ ازان توپهای خصار انداز وحصن شکاف میباشند

(ادعای کامیابی بلغاریه)

صوفیه ـ ۵ جولائی ـ درینجا بطور سرکاری اعلان شدهکه بلغاریان سرویان را جانب ایکری بالکا هزیمت داده اند و ۲۰۰

غیر شان را اسیر نموده اند

(قطع تعلقات سفارتی یونان و بلغاریه)

لندن ـ ۶ جولائی ـ سفرای یونان وبلغاریا بالترتیب ازصوفیه وایتهنز رواله گردیدند و حسب الاشعاره کورنخت های شان خوانده شدند ازینک پیام برقی مروبا مابین می گردد که یکصد فوج سرویا درمقام کرکلک حضور شده بودند و آخرکار بمقابلهٔ شدید وحقانه دست شکست خورده وبسیار سامان جنگ وبی قیاس درتصرف بلغاریان آمدوقلب سرویا آزاز اکوه ها وپشتهای خصمه دیدهمناظر می نموده ولی دیده نتوانست

(خبر های برق)

(جنگ بالقان)

(پیش قدمی افواج ترکی)

قسطنطنیه ۱۴ جولائی ـ افواج مقیمه (تشکیه) ولیر جسیار درعقب قلعه ورزیده اند ویلا مزاحمتاً (شورلو) مواصلت نموده اند .

(حرکت مذبوحی بلغاریان)

بلغاریان (رودستو) را خالی نموده اند وازراهیک میرزه دیده اند جمیع مواضع آن را خراب ومنهدم کردانیده اند

در قسطنطنیه بسیار تعجیل تکمیل تهیهٔ سامان حرب وقوع کرده می شود ومعاون توپچی وتوپ خانه وگذشته یوماً فیوم بعدازاینهای کوچک میرسد

(بیان سفارت ترکی مقیم لندن)

لندن ـ ۱۴ جولائی ـ سفارت ترکی ازین اخر قطعیاً انکار می نماید که قرارداد ترکی جانبدانه باتحادو ازخط سرحدی ایشو میدیا برای کرفتن ومسخر نمودن موصی مصمم گردیده باشد

(کامیابی رومانیان)

رومانیان جانب مشرقی حدودات (دوبارجی) و(والشتان) قدیمی گردیدهاند وبیان کرده شده که آنها ازاب دریای دینوب تجاوزات (رسچوك) و(کورابیه) رسیده اند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 769 of 1786

(ازاده های سروبا وجوان)

چنان معلوم می‌شود که سروبا وجوان فی‌الحقیقت مطالع بلغاریا رادرقرار دادن بقسم پالتسای اعظم قبضه آینده خودها بطور سرکاری بیان می‌کنند که سروبان وجوانیانیکه باشندگان مقدونیه میباشند آینده لازمکه وهیچکدام رغبت بلغاریه رهم نکنند وازین ظاهر می‌شود که هوس سروبا وجوان درهلاک کردی بسیار شدت وحدت کرده وهر دو ریاستها ازجانب بلغاریه چنان سنگین دل گردیده اندکه بدون میدان جنگ درهیچ حل دیگر فیصله نخواهند کرد

(شاه بلغاریه بیمار بستری است)

بیان کرده می‌شود که فردیناند شاه بلغاریه که درصوفیه برحق وضع التهاب گرفتار است بیمار بستری گردیده

زمیندار ـ امروز ریوترشاه بلغاریا را صاحب الفراش خبرداده وهیچ تعجب نیست که اگر فردا خبرموتش را هرشایع کند وخبری را که مولوی ظفر علی خانصاحب ازقصه فرستاده وقت صبح معلوم می‌شود وحال مصلحتاً پنهان کرده اند تائید شده که از وجوه سیاسی وهم جودی حرب بعمل آمده باشد

(خبائث بلغاریان)

سالونیکا ۱۴ جولائی ـ یک اخبار یونانی خبر خیانت زشت بلغاریان را که درمقام (مورس) اجرا نموده بودند بیان کرده ازان ظاهر می‌شود که بلغاریان پیش از آتش دادن (مورس) اول تمام پیرزنان را غارت نموده اند وباوجود اظهارات وکیل امریکا هر کونسل خانه مذکور را سلاح نکذاشتند وزنان آن وکیل کونسل خانه هر دزدیده شدوصرف وکلات نامه ایطالوی ازمیان محفوظ ماند که وکیل آن دولتخانه زیورهای خودرا اداکرده بود

(بلغاریان مقابله توکان را کرده نمیتوانند)

پرشکست ناکهانی بلغاریه وتباهی عسکریش بسیار حیرانات ظاهر کرده شدولی سبب اصلی آن اینست که بلغاریا دشمن خودرا حقیر دانست وازین خیال خود متیقن بود که یونان وسروبا بااوبمعاهده پیش نخواهند شد واضافه ازین درین اثنا واهل مناصب بلغاریا هم اخلاق واقوت واعداد فوج غیرمنتظم که هنوز زمانیان قواعد وتربیه عسکری واقف نبودند نهایت بسیار در صف عسکر داخل نموده شدند وحال این سخن قابل توجه است که در قسطانیه تجاوز هوس که ازطرف حکومت ترکی درخصوص دوباره قبضه واستیلا نمودن ترک رومانی (تهریس) ودور نمودن و پسپا ساختن بلغاریان را آسرحد قدیم شان حال کارکرمی‌شود زیرابلغاریا درموقف ملاقات ترکی را کرده نمیتواند (جهازات وکشتی های بلغاریه درمقابله روس مانعی میباشند)

سوانسوجول ـ ۱۴ جولائی ـ ازطرف جمع کردن رومانیان یک جهاز توپ دار مع شش کشتی (تارپیدو) ی بلغاریه درانجا پناه گزین گردیده اند

(مسلمانان این را بنظر توجه وعبرت ببینند)

همصر سراپاالاظهار چنین مینویسد :

افسوس ! که مسلمانان هند ازسبب تغافل وتساهل خودها درمیدانهای علمی ازهندوان هرقدر پس میماند وازنتیجهٔ امتحان انترنس بیت‌العلوم پنجاب هراقدر طلبای که ازاهل هنود کامیاب گردیده اند طلبه مسلمانان به نسبتیکه تناسب آرد مخلوط باشد شمارهٔ آن کامیاب شده اند یعنی تعداد کامیاب شدکان طلبهٔ مسلمانان بسیار مشکل قریب الشهود هرمی آید حالانکه مسلمانان درو قت حقوق خاصی راهل هنود خودهارا قدیم می نامیده وحافظ برکاری را برای خودها می طلبند ورعایت میخواهند ولی در تحصیل علوم وفنون زحمت وهمت بر خود نمیکنند وآنکه در پنجاب نفوس اهل اسلام ازهنود اضافه وبیشتر موجود است ولی چونکه مشاهده کنیم درهرسال ازمدرسهٔ اعلای صلع راولپندی بغایر از ۹۴ نفر کامیاب میشوند ازان تاکنی های مسلمانان سی‌نفر وختم می آید ودرجهان غالباً ازین دوسخن خالی وعاری نیست که یا درمدارس طلبای نالایق داخل می‌شوند ویا عهده معلمین برای تعلیم وتدریس شایق نمی‌باشند والاچه سبب است که دیگر مدارس طلبی پس نمیمانند ومکاتب اسلامی همه‌اکام میباشندان دردناک و غصه‌انا کی مسلمانان شایان هزاران افسوس است وای کاش اکه ممزنان واعیان اسلام این نقایص را رفع نموده طلبهٔ مسلمان را جانب همت وزحمت درتحصیل مدارج علوم وتکمیل مدارج فنون ترغیب وهدایت نمایند

(مزمل حسین زرعی)

(ترجمهٔ اخبارهای اردو)

(قتل شاه بلغاریا)

همصر معزز زمیندار مینویسد

لاهور ۱۳ جولائی ـ فردیناند پادشاه بلغاریا قتل گردید زمیندار چونکه کارهذا بمدارظهر واقتر زمیندار رسید وروز سحی ازان دراخبار نوشته نشد لهذا امروز نوشته کردیم باوجودیکه خبر تصدیق آن ازروتر هرمعلوم نشده است

(یکسی بلغاریا)

لندن ۱۲ جولائی ـ یکسی بلغاریا که اورا دشمنان عاصره کرده اند نظر ترحم وهمدردی انداخته می شود لیکن اخبارات ناکسی اورا ازالفریدتاو درجالهای سیاسی خود اوی پنداشته

(بلغاریان پیش رومانیا)

(انتخه انداخته)

ازیک کازغازت (واقف رومانیا) مفهوم می‌شود که بطور سرکاری اعلان میشود که رومانیان پرسلیستریا قابض گردیده اند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 770 of 1786

بلغاریان که روسه زده صد نفر جرنه پیش افواج روسانوی اسلحهای خودرا انداخته افواج روسانوی ده‌ازده کیلومتر در علاقه بلغاریا داخل شدند که مسلمانان وروسانوپها جرمقدم های زمستر کشاند

(یونانیان میرس را)
(گرفتهاند)

ازیك کارا پنهر (پانصد یونان) معلوم میگردد که یونانیان رحلام (میرس) قابض گردیده اند وازانجهز بطور رسمی بیان میشود که در جواب دولت روسیه یونان اظهار کرده که درمعاهدهٔ صلح درمیان جنگ دستخط خواهد شد

(طوفان غیض وغضب در یونان)

در یونان حسب الامر پادشاه بطور سرکاری این خبر ها شایع شده است که چون بلغاریان مرحصار را خالی کرده ودیدیك راهب اعظم یونانی ودیگر پادریها وشخاص قابل رافتن کرده بودند واز سیرس بزرجین احوالها کوش زد شده که ازان درمیان اظهار غیض وغضب بسیار میشود

(بلغاریان وحشی از)
(فهرست اقوام)
(میهذب باید)
(گذرده شوند)

لندن ۱۳ جولائی ـ درصوفیه خبرازند کرمیتقدمی رومانیا هیچ ذکرخبریست مگردرپیغامات رقی بلغاردرایتر تفاصیل درباب مظالم بلغاریان مندرج است ودرباب پیشقدمی رومانیان بیان میشود که (تیمکوی) و(دوبرج) را گرفته اند وبرام گرجان جوق جوق وفوج فوج درصوفیه می آیند شاه فیصلهاین جزیرهٔ یونان درباب این معامله یك تار بدین مضمون فرستاده است که ما صرا گرفته رقوام مقابل دول میهذب اعتراض درباب این عریضه مخالف اتصال انسانیت کنید که من نهایت افسوس کرده راناچار گرفتن عبور شدهام ازان بدکردارانی که ثابت کرده اند که آنها درمیان اقوام میهذب نیستند

(ترکان سوی ادرانوپل روانه)
(شدند)

درروزنامه افواج ظفرامواج ترك طرف ادرنه پیش رفتن آغاز نموده اند نقل وحرکت ترکها البته بسبب روش ناصلح جوی بلغاریا عمل آمده خواهد بود وبزآنها یونان رابرکل ساحل بحیره ایجین تصرف نخواهند داد

(حکم فوجی حکومت)
(بلغاریا)

لندن ۱۳ جولائی ـ حکومت بلغاریا بحکام قوجی حکم داده است که آنها بسه سالار عثمانی ملاقات کرده ـ علاقاتی را که بموجب صلح حواله ترك شده اند ازافواج بلغاری خالی نمایند

(مترجم عبد الهادی)

خبر فرحت اثر از پشاور

(خبر مکتوب)

جناب مشفق محترم مهربان محمود بیك جان طرزی صاحب مدیر ومحرر سراج الاخبار افغانیه را سلمه الله تعالی ـ بعد از دعای مزید عمر وجاه اعلیحضرت سراج الملة والدین سرکار اشرف والا مکشوف میدارد انکه ازقرار خبریکه ازطرف مدیر اخبار زمین دار لاهور بروز دربشاور رسیده وازطرف مسلمانها جهر هر گذارده شده معلوم شد که تاری آوری ایدرانوپل را دوباره قبضه کرده است اطلاعاً برای اجناب تحریر شد زیاده والسلام تحریر چهار شنبه ۱۸ شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۳۳۱

دستخط کینه غلام حیدر

بشارت بشارت

(خبر مکتوب)

جناب مشفق محترم مهربان محمود بیك جان طرزی صاحب مدیر ومحرر سراج الاخبار افغانیه را سلمه الله تعالی ـ بعد از دعای مزید عمر وجاه اعلیحضرت سراج الملة والدین سرکار اشرف والا مکشوف میدارد انکه ـ الیوم باز درشهر پشاور جهر گذارده شد که اعلیحضرت سلطان المعظم جمع شهر های مفتوحات دائمه عثمانیه را که ضبط اعداء شده بود کامل واپس متصرف شدند ـ منادی برای خوشی مسلمانها در کوچه وبازار پشاور گذارده شد احتمال دارد که امشب چراغان هم درپشاور خواهد شد ـ ازبرای خوشی اجناب هم اطلاعاً تحریر شد زیاده والسلام تحریر پنجشنبه ۱۹ شعبان المعظم ۱۳۳۱ مکرر انکه برای امشب تیاری چراغان درپشاور کرده شد فقط

دستخط کینه غلام حیدر

سراج الاخبار افغانیه

این دو مکتوب بسیار فرحت اسلوب دروقت طبع اخبارما رسید. هزارها شکر ! عنایات خداوندی البته اجرا تمامی بود . زیرا بلغارها بسیار ظلم کردند ظلم دوام ندارد نتیجهٔ افکار ماجرا آنه خودرا انشاء الله درشمارهٔ آینده خود بیان خواهیم کرد .

همه مقاله هائیکه دستخط نداردازطرف مدیرومحرر نخواهد بود

محمود طرزی

در چاپخانه عامه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 771 of 1786

اعلان

از مرد هن سخنی و از مرد حمن سخنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میدهیم . و رغبت میدهیم که ازین گنجینهٔ پر جواهر آثار . و ازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده ازهر دهن سخنی نشنوند . و از مرجی سخنی نجویند .

در

که بیدریغ هن عرفان قیمت شهرادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار غایت الله خانست زیور طبع آراسته گردیده . و در نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در دهٔ افغانان واقعست بقیمت ۲ دو روپیه کابلی از نزد عبدالرزق سرمحرر مطبعهٔ غایت خریداری کرده میتوانند خطاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی نیز فروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 772 of 1786

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — و کورسکی
— پاشا وغیره برای تعلیم ابتدایی بفروش میرسد .
انتشار
(بالکرش داری مدرسی مدرسهٔ اهل هنود در ۲)
درشور بازار کابل

(اسامی وکلای ما در خارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سرمنشی دار الکتابهٔ علیهٔ افغانستان . درمنیلا جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درتاشکند جناب حاجی غلام یحیی خان مأمور بفروش پوست قره قل . بدان کرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله پاشتیبانهٔ اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما جداگانه اطلاع ورسید از هاتوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوان که داشته باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای روسی انگریزی ۱۵ یازده روپیه کلدار است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 773 of 1786

شماره ۲۳ سال دوم

فهرست مندرجات

موعظهٔ رمضان

حوادث داخله | استقبال هلال رمضان فرخنده فال ومراسم حشم شرف تکوین آمد — تحریرات عدیدهٔ اهالیان — تحریرات که از طرف جناب میرزا عبدالاحسان رکن ملکی وسان فرانسیسکو رسیده — اعانه رسیده — احسان نشان — اخبار — یادآوری

حوادث خارجیه | اخبار سیاسی — ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی وارده که از توسط بیت‌المقدس به اداره رسیده — ... عیناً مکتوب از شیراز —

مقالهٔ افتتاحیه | واعظ — ناصح — مرشد —

ادبیات | تبریک رمضان کلام جناب ملا طوطی —

خانجمه های پاریس

مأموران زنان جهان

علم ثروت مال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 774 of 1786

اعلان

سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین

چقدر فائده ها و شیرینها دارد ! افسوس
که آن سیاحت مالآن زرگی و وسعت

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
بمجرد افاده هرگاه پای خریداری کتاب

(سیاحت بردور ادور کرهٔ زمین)

هشتاد روز

بقدر دوریه کابلی یک مبلغ کلی را صرف نماید این سیاحت را کرده (۸۰ یوم) سیاح دور نمایش یکجا اجرا کرده خواهد بود ! عمل خریداری این کتاب مکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در کتبی مطبعه عنایت که در دهمافغانان است از گردیدن الزحمه سر مرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن کتابهای فی مشهور آفاقست از فرانسوی به ترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تماشا و تی بکدام کتاب فن جغرافیا و جغرافیای دنیا را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) کابل مؤسسات شیرازهٔ جوانبخت معظم دولتعلیه افغانستان جناب عالی (صین السلطنه سردار عنایت افغان) بست زور طبع آراسته شده است . این کتاب را زود بدست آرید و فرصت را فوت مکنید که نسخه های آن زود تمام خواهد شد . و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر قسم اعلان و اشتهار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود بر سر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطر یک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در بن ورق و یا در ج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطر ۵ شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سونت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مکرراً تا یک سال نشر کردن خواهد و جه یک ساله را یکدفعه ادا نماید ورق بتی بر سر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

دو کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا باید کرد؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجودست . آرزو کنندگان خریداری کرده میتوانند

قیمت عمده (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

اعلان

اعلان یک اخبار عمده و از اسلامیست که در پشاور زبان پشتو و اردو شایع میشود ، در صورهٔ سرحدی یکانهٔ محافظ جایز مسلمانان است . شکایات و ضروریات شانرا بگوش حکام میرساند ، نیز واخلاق و دین و مذهب آنهارا ترغیب میدهد . این اخبار در هر طرف دنیا یک رقبت عمومی حاصل کرده است در افغانستان تجارتا ، امریکه ، انگریز ، چین ، ژاپان ، جرمنی ، ترکی روس ، تتار ، لندن ، مصر ، وغیره بلاد مشتری دارد قیمت عام برای هندوستان ٤ روپیه سالانه معه محصول ڈاک و برای ممالک غیر ۱۲ روپیه کابلی است .

المشتهر

(مبشر الدین)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 775 of 1786

هفته (۱) سال دوم شماره (۲۳)

مدیر و سردبیر محترم
محمود طرزی

الادارة بجوار سفارة دار السلطنة (کابل)
جهة امورات تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با امانات تار ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با امانات تار ۱۰ روپیه انگلیزی
هر دوازده روز یکبار نشر میشود
قیمت اعلان در کابل بمکالمه است

سراج الاخبار افغانیه

تاریخ هجری ۱۵ رمضان سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگلیزی ۱۸ اگست تاریخ شمسی ۲۷ اسد ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وسیر مقالات مفیده درج میشود

موعظهٔ رمضان

سبحان الله ! چه نعمت ، چه سعادت ! حضرت خالق عالم انسان ما درسال یکبار بروان دین مبین برگزیدهٔ رسول مقبول پیغمبر خود محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم راه یک عامهٔ بهتری برای سعادت ابدی ، ویک میافت بیوسته احتوای حکومت انسانی یعنی شریعت مبارک رمضان نازل ومزاوار میدارد .

یکی از نعمتهای عظمای که پروردگار جهانیان بخلوقات ، امت ناجیهٔ محمدیرا بآن ممتاز فرموده همین است که درسال یکروز مارا مطابق بجا آوردن امر جلیل روزه داشتن فرموده است ، غیر ازفضیلتهای شرعی ومعنوی که درین ماه مبارک موجوداست ودر شمارهٔ ۲۲ ، راج الاخبار افغانیه ازبیانات فاضل محرر عرفان مآبی جناب مولوی عبد الرؤف درج صفحات افتخار نموده بودیم ، پس منفعتهای عرفی ومادی نیز درین سی روز فیوضات افروز مضمر ومستتر است که مازه بعضی ازان منفعتها باستجلاب افتخار وقت اخوان دین ، وهموطنان دیانت مکین خود میان کوشش مینمائیم وچنانچه جناب استاد ازجهت معنویات فضایل این ماه مبارک رایادشان داده بود ، مازیکقدری از جهت فواید مادی واجتماعی که درین شهر فضایل موجود است بحث میراجم :

این یک معلوم است که درین ماه مبارک دلهای مسلمانان را یک جلا وصفایی حاصل میشود حالتیکه نیات انسانها بیک احوال ملکوتی تحول میاید ، خوردن ، نوشیدن که از صفات بهائمیت شمرده میشود دفعةً معدوم میاند ، در روزها هیچ فرد باغ ومکلفی را نمی بینم که بر فرو بردن یک لقمه نان ونوشیدن یک جرعه آبی قدرت کرده ، یعنی بی پروایان لالبالی که در کدام آیت مقدسهٔ یا حدیث شریف مانند مکلفانهٔ اجرءات صوم وقیام داخل نیستند ، ولی احوال عمومی ازهمین قرارات که بیان شد .

جلا باید اندیشید که آیا این عدم اقتدار اکل وشرب که ازلوازمات حیوانیت شمرده است از چه پیش آمده است ؟

هیچ شبهه نیست که این حال از تابعیت باحکام قانون آلهی پیش آمده است ، وچنانچه از فطرات قانون بشری انسان تجاوز کرده نمیتواند چنان میشود حکمه باحکام قانون آلهی عصیان ورزیده بتواند . مثلا قانون بشر یک توصیه یادهٔ مینویسد که (بدست چپ خود بروید) (۱) انسانرا بمقتضای مخالفت آن چنان آن میاید که بدست راست خود برود ، واگر برود از خوف جزا و سزای قانون چون بیدبر خود میلرزد ، لهذا چون درین ماه مبارک احکام قانون آلهی بیکصورت بسیار علنی اجرای حکم میاید ، و عباد الله بیکصورت بسیار عاجزی وشکستگی باحکام ربوبیت خود طوعاً انقیاد میورزد ، باین سبب درین ایام سعادت انجام دلهارا یک انجلا ، روحها را یک انتعاش ، حسها را یک صفا فرامیگردد ، هرفرد مسلمان ازعالم مادیات مجرد گردد بعالم بالا توجه میکند ، هرکس بیک تهالک تمامی در جامعها ومسجدها روی میاورد ، عبادت ، طاعت ، تلاوت یکلخه مشغلهٔ ملازمیشود ،

(۱) ازهمکاسیکه درسرکهای دار السلطنهٔ کابل دفعتاً حرکتها وسرعتها ازدیاد گرفته برای آنکه وقوعات وتصادمات حاصل نشود بموجب امر اعلیحضرت پادشاهی دوطرف سرکها یک توتهٔ آهنی شده که مردم عبارت ازان توتهٔ شده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 776 of 1786

احوال عمومی درین ماه مبارک همین است . امیدوار حسنات ملایان . وواعظان وخدایارا واجب است که ازین انجلای روح وان صفای مذکوره عوام که درعنان پایان حیوانات . وخصالت درخانه شدن . ودست وپازدن هستند وقت را غنیمت شمرده واز فرصت استفاده کرده بوعظ های حسنه . نتایجه های پیدار کنند . به اصحیتهای بکار آورنده دنیای اهالی را پرورش دهند . تربیه کنند . ولی افسوس است که درجامعها و مسجدها ما از واعظان وناطقان خود یعنی حکایتهای سه چار هزارساله قدیم زمانهای بنی اسرائیل را میشنویم . پارۀ دنیا . وگوشه نشینی وازوا . وتوکل و فقیری . وعدم رفت پی و کوشش کری للدین وترغیب میشویم .

حالا که مایکوئیم این چیزها پست . ولی مقصدما این است که مواعظ دینیه . وتبلیغات ترغیبات دینیه واحتیاجات عصر وزمان مناسب باشد . حضرات بیندیشند عظمای ملاحظه این نکتۀ دقیقه را فرموده . نظر باحتیاجات عصر وزمان خود امت شانرا ارشاد وهدایت فرموده اند . حتی خلق را برکرد اکرد مدنیه منوره باقتضایات وقت وزمان موافق پلتیکس تعیین رسالتهای بااصحاب کرام هم درکار کنان خلق کوشش ورزیده اند . براندازی رارای مشایخ امتها از لوازمات عصر دانسته تعلیم ایرا امر فرموده معنی حقیقی ترک دنیا نه این ست که انسان دنیارا برای دشمنان دین ووطن خود ترک کند . بلکه مقصد فراموش نکردن آخرت است . توکل این نیست که انسان بگوید : « توکل وطن ما رحنا . خدا ملک مارا محافظه میکند . عامت بساختن استحکامات وتقویت سرحدهای خود نداریم . بلکه مقصد ازتوکل این است که همه ساعی خود را بیندو بعد ازان توکل وخدا بکند . » توکل زاوی التربیت . آیا ظاهر هین است کاسان بیع صنعت . وتجارت . وزراعت کوشش نکرده همۀ حصول خزاین خود را مدیون پای صناع وتجارت ومزارعان نمازکنند؟ وسررا تذلیل حضرت بسامنه دشمنان خودرا توانکر بسازد ؟

انتشارات علم . وعمل علم . وفنون ضروری جزو علم هیچ ملا هیچ واعظ هیچ مرشدی نمیتوند که انکار بتواند . پس چرا انگریز . مهاسن . ژاپن . المانیک . طوپ اندازی . مشکری وامثال اینچنین چیزهارا که ترقی وکمال عصر حاضر دران ما موقوف است هیچ علم نمیکنم : « که اینچیزها منحوس عمران اینهاست . برای مسلمانان ما ترقی لازم نیست . » یکی پیدا نکنم ما با خبر بوده است که بروحکم . وخشیت وتر . وتحدید دنیا را برای ما منع ساخته . یکی آنرا منکر ما نموده است که برای ما هیچ چیزی پست نکرده است . ولی اگر کسی بگوید که ما دنیا را ترک کرده ایم . ما بی نیاز شده ایم . ما بی نیاز شده ایم . ما بی نیاز ش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 777 of 1786

شریف سعادت امان تفضیلات مکمله داده بودیم این است سلسله امسال بازاین مراسم شریف درهمان حین اطلاب از قرار تفصیلات ذیل اجرا گردید :

ساعت پنج روز یکشنبه ۲۹ شعبان المعظم ذات شوکتسمات پادشاه دولت آکاه معظم مقدس‌نا اعلیحضرت سراج الخواقین مدالله ظله فی العالمین باهمه شهزادکان عظام و اعیان وارکان دولت و صاحب منصبان نظامی و ملکی ، و اشراف ووجوه ملتک که بایاسهای فراکیت رسمی ملبس بودند ، درحین صاحبا پرامن حضوری که اوصاف آن بارها مذکور گردیده تشریف شوکت ودیف همایون را ارزانی فرموده بودند ، و بهزاران افتخارات وعنایات بیدریغ اطراف حین وجامع نورلامع بودکه تمام آن اماکنه را پرنور نموده بودند .

خیمه‌کاه همایون بقرار سنوات گذشته بکمال دبدبه و احتشام برپا گردیده ، وسفره‌های طعام بقرار سابق حاضر ومهیا شده‌بود ، درهرطرف بلندجوش شادمانی ، بانتظار اجابی دیده میشد ، قبل از غروب همه دیده های دیده داران بسوی سما متوجه شده برای دیدن هلال یک آرزوی عجب وبلشوقی غریبی دردلها مستولی شده بود ، ولی انتظار همکان را بکان رشته برای جمع آمدن فردا جمعیت استقبالیه امروز پراکنده کردید .

روز دوشنبه ۳۰ ماه شعبان المعظم باز به ترتیب روز گذشته همه اعیان واشراف ورتبا ورایا بپادشاه دولت عراه مقدس خود برای استقبال رویت هلال و بجاآوردن اوامرارزدمتعال درحین مذکور جمع بودند . امامروز مانندروز جمعه‌آخرین ماه وقوع نیامده نظرها را وسال هلال ماه مبارک فرخنده فال اجا فرمود . تقریباً ساعت یشام مانده هلال غرهٔ رمضان غیوسات احسان بشارهٔ اروی عموی خود از رسیدن آوان مرجان خالق کون ومکان برای فریضهٔ صیام سعادت اقتران مسلمانان را ارشاد کرده به بشارت این اشارت پرقدمیت جلادم از طویخانهٔ سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ افغانیه به اطاعت ۳۱ قرطوب اظهار شادمانی ، وتبلیغ امرفرخا روزدوشنبه ماه‌اسلامی اعلان کردید .

ابتدا ازهمین شبانروز ماه مبارک ختم قرآن مجید حضرت خالق وحید درجامع غیوسات لامع کردیدکه کاملین حین حضوری میباشند بصلوة تراویح آغاز کردید ، وروزسبت ثالث اوایل مبارک بیاک صورت پرشکوهی باتمام رسید ، درحین موصوف باز بقرار سال گذشته درینج موضع سفره های خوان نعمت آوان بادشاهی گذارده شده‌بود ، اولسفرهٔ میزحضور ذات اعلیحضرت شاهانه است که بوجود مقدس خود ذات بادشاهی و شهزادکان عظام ودیگر نفری میزرتی که به (نفری اعلی میز حضور) معنون‌اند ترتیبات ، دوم سفرهٔ میزاشراف واعیان وارباب مناصب و مامورین ملکی و عسکریست ، سوم سفرهٔ میزخدمه وهمرکان حضور اعلیحضرت شاهانه است چارمایدهٔ بزرکیست که برای سه چهار هزار نفوس اهالی برزمین جن‌سفا پرامن کذارده شده ، پنجم نیز یک مایدهٔ بزرکیست که برای عساکر ظفرمآثر همایونی مخصوص است ، وغیر ازین‌ها در خارج احاطه نیز پانچمایدهٔ وسیعی برای فقرا و مساکین و ابناء السبیل تخصیص شده که درانجا بران چهارکان بی خانمان از خوان نعمت بادشاه عمیم الاحسان طعام فراوان بذل و احسان میشد .

از ابتدای شاخ ماه شعبان المعظم تا به آخر ده روز اول ماه مبارک رمضان ازشش بخانمام همه حین حین صلوات‌آمن وسرکیا واطراف جامع کبیر باهزاران مردمان شهر واطراف پرومالامال میشد ، ارباب مناصب ملکی وعسکری وعلما واعیان و خوانین درباری و غیرهم بالباسهای فراکیت هرین خود شان حین احاطهٔ حین را روشنک کلتن میبودند .

بهنکام شام تقریباً دوساعت مانده خبرها وتلکرافات واصله حاضرین تسخیر کردیده همه مردمان خاص وعام در تلاش کلی که در خارج احاطه حاضر شده بود برای ادای صلوة مغرب جمع می آمدند صفوف جماعت مسلمین توجه جهان مرموس را بنظر خود کرفته ساعت بچره انداخت طوپ افطار ، و بانکت آذان سربالا بر فلک سلولاتالله من‌مالک اظهار هرکس یک‌چیزی روزهٔ خودرا افطار کرده بیک جماعت عظیمهٔ که مرکب از هزاران افراد مسلمان است نازمغرب ادامیکردند ، بعدازادای نماز ، فرقهٔ اهالی ازطرف دروازهٔ شرقی ، وصف ارباب‌مناصب واشراف واعیان ازدروازهٔ جنوبی دراحاطه داخل‌شده هرکس در موضعهای مخصوصهٔ خود شان برسفره میزهای خوان‌نعمای الطاف و احسان بادشاه معظم مهربان وولینعمت دی‌منفعت کنز الاحسان خود به تناول طعام آغاز مینمودند ، وبعداز تناول فوج فوج ، کروه کروه ، انبوه انبوه خلایق بسوی جامع کبیر میشدکه برای ادای عبادت یزدان علیم‌الشان وختم قرآن خالق کون ومکان بپادشاه دی‌شوکت وشان اسلامیان جریان میکرفت که حقیقتاً درین عظمت‌وشوکت وجلال این احوال سعادت آمال دلها مستغرق شکران یزدان صمدانیت اقدس خلاق دوعالم میکردید .

این است که بهمینصورت وان کیفیت مزده روز اول ماه‌مبارک رمضان ختم قرآنی کرچهارده شبان بکمال سعادت وسرور بانجام رسید ، درشب دهم که شب ختم شریف بود شیرینی ختم‌شریف در دستکاهای حرر برحاضرین تقسیم کردید ، وبک آتشبازی بسیار عجیب وغریبی برای تفریح قلوب اهالی اوان نشان نمود ، وجمیع وجوه اهالی که از خوان نعمت اعلیحضرت پادشاه در بلوک مدین مذهب مبارک انعام شده بودند جلسا اباینک آقای ملکی جناب حاجی احمد خان که مامور این خدمات عظیمهٔ سنیهٔ پادشاهی بودند حضور همایون برای ابقای دولت وعمران تذکر تقدیم کردیده مظهر التفات جهان مدیات شاهانه شدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 778 of 1786

تخمیناً درین دهشب چهل پنجاه هزار نفر از افراد رعایا و ساکنهٔ سنیهٔ پادشاهی حاضر شده اند که چنین یك ضیافت مکرمانهٔ شاهانه حقیقتاً شایان افتخار اوراق تواریخ است.

این راهم بطرز خصوصی تذکار باید کرد که وظیفهٔ امانت وقرائت این ختم شریف را جناب حافظ حبیب بنظیر ، وقاری بی بدل شیخ حافظ (محمد حسن) خان ادا نمودند . حافظ مشارالیه بمنصب امانت حضور اعلیحضرت همایونی سرافراز ، ودر حسن قرائت وتحاسن اخلاق ممتاز بلکه ذات پسندیده صفات میباشند . درلیلهٔ ختم مبارك بخلعت حیهٔ ارزهٔ ، وخامهٔ شال ودستمال شاهانه نایل وسزاوار گردیدند .

جناب ایشیك آقاسی صاحب ملکی ، ودیگر مأمورین ضیافت سنیهٔ که درزیر نگرانی شان وظیفهٔ میزبانی را بعهده گرفتند بهبیار خوبی وسررشتهٔ درست پاچای وظیفهٔ خودشان کامیاب آمده اند .

(سراج الاخبار افغانیه) دعای دوام عمر وعافیت اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه دیانت آگاه ترقیخواه مقدس خود را نیاز میکند تا سایهٔ مراحمانهٔ همایونشان بسی سالهای درازی بفرق افخر لیالی وشرافت و سعادت توأمان مضایف افتخار تابد .

(تحریرات محکمه اطلاعات)

جناب فضایل اکتساب فضیلتمآب دامت لازم الاحترام مدیر وسرمحرر سراج الاخبار سعادت آثار افغانیه را دوازده نسخه کامل دین ادارهٔ شیرین سجی ومسند نشین هودج شیرین زبانی خواست وصلحات روز نامهٔ اوقات شیرازی اتفاق مکرم را در بلاد وامصار کامکاران وشهد کامی مزین مقبولان و مرقومهٔ عزت و محبت ومهر فرازی و یکتایی خواهانم — بتاریخ ۹ ماه رجب سال گذشته سجلان ثبل شمهٔ از نوازشات ومراحمات اعلیحضرت سراج الملة والدین پدر مهربان ملت ورعیت دولت خداداد افغانستان درخصوص طلبای مدارس حفظ قرآن شریف وابنکه بازده مدرسه دار السلطنه وولایات بقرار همان جزوی گذارش مذکور بخدمت آنمهربان عرض شده بود واستدعا داشتند گزارش واستقرار مدارس ومنظوری معلمان وحفظ کردگی یکصدوشازده نفر طلاب مدرسه های موصوفه را درخط مذکور ماصل تحریر نموده بودم وعرض کرده بودم کهٔ آخر سال سجلان ثبل سی نفر دیگرهم حافظ قرآن شریف از مدرسه ها خارج خواهد شد جناب من چون رجوت مدارس ولایات باحوال کامل رابن ترسیده بود بایران در اول نوروز عرض نتوانسته اکنون بخدمت عرض میکنم اینکه در بازده مدرسه موصوفه در شب و روز یکصدو هشتاد و هشت نفر طالب وسلم بتدریس وتلاوت قرآن عظیم الشان ایزد سبحان جل ذکره مشغول بوده بدعای ترقی دین و دولت اسلام وسلامتی اعلیحضرت ظل الله معطف میباشند زهی سعادت مندی ملت افغانستان — زهی بهره مندی رعیت افغانستان — آیا دران عبی را در بارهٔ فرزندان سلی شفقت و مرحمت ایشان افزاده خواهد بود که اعلیحضرت شهریار رعیت پرور ما در بارهٔ رعایای خویش دارند — مدرسه هیارا — معلمان مقرر — خورا که پوشا که حاضر — بخشش ها ونوازشها موجود — مدارس حفاظ کجا زیاده مدرسه و یکصدو هشتاد و هشت نفر معلم وطالب مقرر اند اجرا جات تمامی این مدرسه ها از خورا که وپوشا که ومیوه پل و غیره از طرف دولت مقرر میباشد ماشاءالله طبخ خورا که شب و روز اشارا می کنند فراشان بحضور ایشان میرسانند وخیاط های سرکاری لباس های موقت برای ایشان آورده بآن ایشان می پوشانند وجه میوه یی از خزانه ها بدون یکقدم زحمت کشیدن خود حفاظ قلم قلم برای ایشان میرسد مقری این نوازش ها برای ایشان تاوقت است که طلاب حافظ کامل شود بعد ازانکه حافظ کامل می شوند و امتحان حفظ نمودگی کامل خود را میدهند بقدر اخراجات شخصی خود او در صورتیکه تاوان باشد و پیشقدمیده و فیه فایده از طرف دولت تازمان حیات او بطور مستمری سالیانه برای او داده میشود آیا کدام یك پدر را محبت امتداد بین براولاد او خواهد بود — جناب من یکصدو شازده نفری که حافظ کامل گردیده از مدرسه ها خارج شده اند قبل ازین جزو وار بخدمت آنمهربان تحریر نموده بودم وعرض کرده بودم کهٔ بقدر دیگر تا آخر سال حافظ کامل خواهد شد اکنون بقرار یک دوجت ما رسیده وملا خلیل قد همانست که ازحسن توجه ومهربانی های خسرو فرمانروا جاه جلال وسعادتمند دیگر حفظ کامل شده اند که چه نفری حافظ کامل شده کی مدرسه ها یکصدو پانصد و نه نفری شود از مدرسه ها با دولت حفظقران شریف خارج شده اند وتعداد نفری مذکور را بقرار ذیل معروض میدارم کهٔ کمال جناب کرده

۱۵۹

داخل مدرسه سایه — تا آخر سال حافظ کامل شده اند

۱۱۶ نفر ۴۳ نفر

از مدرسه دار السلطنه کابل

۴۵ نفر

سابق عرض شده بود بعد ازان تکامل شده اند درمدت ماه

۳ نفر ۷ نفر

از مدرسه دار الخلافه هرات

۲۵ نفر

سابق عرض شده بود تا آخر سال کامل شده اند

۲۲ نفر ۱۳ نفر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 779 of 1786

از مدرسه قندوار

۱۹ نفر

حساب معروض سابقه کامل شدکی آل احر ساب

۱۳ نفر ۶ نفر

از مدرسه مزار شریف

۱۸ نفر

نفری گسانی کامل شده‌بودند آنی کامل شده‌اند

۱۴ نفر ۴ نفر

از مدرسه میمنه

۱۵ نفر

نفری سابقه نفری لاحقه

۱۰ نفر ۵ نفر

از مدرسه بدخشان

۱۳ نفر

نفری سابق نفری لاحق

۱۰ نفر ۳ نفر

از مدرسه خانه آباد

۲ نفر

در اول در ثانی

۱ نفر ۱ نفر

از مدرسه جلال آباد

۶ نفر

معروض اول تا آخر سال

۲ نفر ۴ نفر

از مدرسه قراء جدید حافظ کامل

ندوک ندارد هان یکنفر

که در سابق تحریر شده است

۱ نفر

مدرسه پلت رود

هان یکنفر سابقه بعد ازان ندارد

۱ نفر

مدرسه غزنین هان یکنفر که اول عرض شده جدیدی ندارد

۴ نفر

مهربان من هرگاه الطاف خداوندی شامل احوال بنده‌ئی گردیده وازآنده خداوندی رفته باشد کیك جوی ازبنده گان او بسعادت دارین فائز گردند پس در نامهٔ ظاهر آن سعادت مندی رازاده چون جل جلاله واسطه یك رهائی یك ملتدائی یك پیشوائی باشها میرساند — چنین ثابت گشته میتوانم که ملت افغانستان را سعادتهای جاویدانی وارثه ازلی نصیب آمده است که شهریار چنین فرخنده‌ئی رعیت پروری را رعیت آمده اند

نیده وندیده‌ام که هیچ سلطانی ازسلاطین سلف در تعظیم واحترام قرآن شریف چنین طرزی که سلطان جوان بخت ما از طرف مسلمانی و دینداری اقدام فرموده اند تبوین اخلاص خودرا نموده باشد بلکه این امر عالیجی گاز نزد ایشان زمین مانده بود همین سررشتهٔ مبارك مدارس حفاظ بود که اعلیحضرت سرکار هایون والا باخلاص زیاد آنرا اجراء فرمودند — پس خسرو جوان بخت ما را سزاست که فخر کسب سعادت منه‌ی بروی و دوستداری قرآن عظیم‌الشان برحق را بر جمیع سلاطین نیایند ومات قوی سطوت ما باشد کبیرارها زبان ادای شکر گذاری ازدهان آفرین را بجا یاورند وهیبت فایض الجود شهریار جهانمار خودرا آنچنان دانسته یك عطای عظیم خداوند تعالی جل اسمه بشمارند وبدانند — مهربان من هرکه خادم وسیف مخدوم وتوکر توصیف باداب وغلام اوصاف خدیوخود ورعیت صفت سلطان خودرا بنایند حق دارند اما آنکه ازطرفه عاودانی بی‌خبر بوده گرکاو طبع مجبول خویش میباشند بحقی بخوش آمد و برضی بداهت وجهی بترش وضمیر واکثری بخوف وزبن حساب وحیله می کنند وبیره وزایکاز عقیده اسلامی وعاودین واخلاص دوان وسوز محبت ملت ووطن خود آگاه بود ازامر الهی جل جلاله و حکم شریعت رسالت پناهی صلی الله علیه وسلم با خبر میباشند میدانند کازان شریف هایون زادشاهان اسلام رعموم اهالی اسلام گداخل بسلسلهٔ اظهار کلیه‌مطیعه شریف خودرا میکویند چندر صاحب حقوق و واجب التعظیم ولازم التکریم میباشند و وجود مسعود هایون ایشان چندر هدای بزرك خداوند جهان آفرین وچندروالسا امنیت ورفاهیت وآسوده حال عموم اهالی اسلام می باشند خصوصاً درپایهٔ دولت متبوعه خویش — تحسین بنای دولت خداداد و ملت قوی بنیاد مارا واجب است که اناً فاناً باظهارت صدق واخلاص چین عجز ونیاز برزمین عبودیت نهاده: بسر تعظیم شکر خداوند تعالی را بجا بیاوریم ودعای بقای شاه جهانمار جوان بخت خودرا بنائیم — مشتوی من کیفیت مختصری از توارش‌های اعلیحضرت شهریار هایون والاوارباب سررشته وتکمیل مدارس وقری حفاظ قرآن شریف خداوند سبحان جل اسمه که بخدمت آن مهربان مرحوم بوده ام یك جزوی ازکارهای تعلقه سررشته داری تحصیلی خودمن در تحت نظارت جناب امین الاطلاعات صاحب می‌باشد کاز صدها جزو مهربانی های شهریار دوالاقتدار والاتبار هایون اشرف اعلی یك جزوی خواهد بود که عرض کرده باشد: ثانی اکر عمر وفا کرد نیز برضی از مراحمات وجوه توارش‌های اعلیحضرت سراج الله والدین شهریار والا را که دوباره عموم رعایای دولت فرموده‌اند وملاحظه نموده‌ام بطور اختصار خواهم نوشت — ختم کلام خودرا بدعای حال ازرعایای سلطان جهانمار جوان بخت خود میکنم کیارب عزت مقربان درگاهت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 780 of 1786

و بحرمت ازاینکه کل بارکات و میوه باغی الحمد محصول تجارت ساطان مرحمت بایان جوان فت سال با دوران خداوند از آفات و بلیات وبکروهات ارضی و سماوی محفوظ و مصون و از برکات انوار و خیرات بنای عزاین ما سایرش شاه مردم چشم ما اهالی افغانستان زاروشن و منور داشته و بر خواهان سیاست سپاه ات شاه روز کارش را سرافراز و بنیاد نام و کرد و کار یاری باتون والنار الیم آمین ان یا الهی از جمله جوان امین یاد روز چهارشنبه ۸ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ در چوسف سر رشته دار فلکه اعلانات و مدارس حساط قرآن شریف .

خبر رابست که از طرف جناب میرزا عبدالاحمد خان بر کمپانی و خان خزان و سمت مغربی حاکم در سیدهامت

واجبا امین حراد اداری محرر بیک خان مدیر و سر محرر « سراج الاخبار افغانیه » خدام محفظه ناصر باد — چون از جریدهٔ مبارکهٔ سراج الاخبار افغانیه یک توده باخبری عمومی از برای ملت افغانستان حاصل و پیدا شده و واضحا آن از احوال ملت محروس و از اخبار جهان از گوشه باخبر میشوم لهذا این ترقی هایکه بپیشگاه حضرت والا در اینباب از این جوانه افغانستان است — و چون بر همه بندگان و خیر خواهان دولت لازمست که اگر بر سبیل اجرا آن بندگانه و اخلاصات مراتبانهٔ اعلیحضرت اورو والا آگاهی داشته باشند یا آگاه شوند تبادر از اطلاع دهند تا واسطهٔ عنایت اختار عموم اهل وطن از آگاه گشته دعای دوام عمر و اقبال شاهانه را ورد زبان سازند . لهذا خواستم که از کیفیت مدرسهٔ ۲۸ شعبان تبارا معلومات بدهم . « این یک خود را زیر خدمت که ذات اعلیحضرت اورو والا تعمیر شهر جدیدی دار خزین آرزو فرموده اند چنانچه کیفیت آن از نقل های ضرایض اهالی و فرامین هایونی که خان آرا برای آنجناب میرویس مسلمان جیشود . بتاریخ ۲۸ شعبان المعظم سنه ۱۳۳۲ هجری و کلای طوایف ناجیات و علیجان و مزارعه و بزه محلات و مضافات خزین و سایر اطراف آن که همه از اراف و اطراف قوجهای خودها بودند بملاقات شرفیاب حضور پرنور اعلیحضرت والا گردیده عریضهٔ خود شارا تقدیم حضور انور نمودند و حضور انور قبول گردیده فرامین که هر یکدان قیمت دارد — زیرا که دعای بادشاه اسلام انتظاره در حق رعایای صادقان مدراست و برای همه طوایف عنایت شده و خدمتهای فاخره بهواخان و ملکان مرحمت شد و خدمت شاه و رفع کار شهر مذکور که بشهر (خزین سراج آباد) موسوم شده سال آینده در اول بهار بپیشگاه پرنور آن حضرت — و در خواهین و ملکان را که خدمت داده شد عذری دولت را از حضور انور بیک قلعه نشان نشان (حرمت) و رفراز فرمودند و اعلیحضرت والا مرحمت فرمودند که این نشان

حرمت به سبب همین خدمت شهر که بنا و وسعت آن بذریعهٔ شبانه نشها عنایت و مرحمت شده است — ایضا از کرات قبل عریضهٔ وکلا دائر بر این فرامین اعلیحضرت والا که بیست و چهار قلعه برای بیست و چهار خان صادر شده قبل بان قطعهٔ آرا که هر یک مضمون انه واز توارتیو خلعت که و کلا به آن سرافرازی یافته واز مرحمت و لطف شهریار والا گهر عنصری ابه نشان حرمت یافتن ساخته لازم اطلاع دیده رای آن عالیجاه متصل توشم واز خدای تعالی برای پادشاه مقبول محمود راز میخواهم گویباد مراحوایهٔ شان تراها بدولت روز افزون باشد آمین یا سنه ۱۳۳۲ ۷ رمضان المبارک

بشاط عبدالاحد بر گه ملکی و خان علاقهٔ خزین و میره سمت مغربی

(نقل عریضهٔ وکلای رعایای سمت مغربی)

حضور موفور السرور پادشاه دانت آگاه اعلیحضرت سراج الملة والدین پدر مهربان پادشاه خود خدام دولت خدادار خودها را خدانوم فدویان خیرخواهان و ملکان گذار جانب غربی و بادغیس و هرورزمت و کنواز و ارگون و ورزگ و جاوری و ملستان و بهسود و اجرستان و چرخ و خروار و چکنه آلای ایوکرده و گرل شده باخطوط وکالت ترفیاب حضور انور خان اناث شده ام و سلام محضه حاضر دربار عالی بیانیم اول زبان تحریر به درباریان چون استدعا و عرض خواست میکنیم که این نعمت عظمی را که مراد از ذات اقدس شاهانه باشند سالهای دراز از زوال نگهدارد زیرا که وجود مسعود در جنب آب و حیات سیان و جمع اهالی دولت خدا داد میباشد واز روز جلوس میمنت مانوس هایونی یوماً فیوماً ترقی و بهبودی دیده و مشاهده می شود — ثانیه هایونی مبارک عموماً از طرف خودها و خصوصاً و وکالتاً از جانب اقوام خودها که در زمان این فرامین نامزدین شده سرفرش میدارم اینکه قبله فرمان مرحمت ترجمان اعلیحضرت والا گه ایشی عالیجاهان امیر احمد خان رکه ملکی حاجی خزین و میرزا عبدالاحد خان رکه ملکی عزیزدور باشد بود که اعلیحضرت والا خیال یک شهر لایق را بخزین دارند زیرا که بند سراج غرب چشم رسیده و خزین یک خشک وسیع و عریض و پر حاصل و پر آدم است و تجارت درست هم دارد یک شهر جدید شدا خواهد و بسیار است که آباد گردیده شود برای دولت و ملت کار انداخته شا دو صورت دارد صورت اول اگر مردمان تعلقهٔ خزین و چهار اطراف خزین کوچ شوند یک شهر لایق و کافی تعمیر خواهد شد زیرا که دولت و ملت هردو معاون یکدیگر می شوند اگر مردمان رغبت عدم برآورند و کوچ نکنند صورت دوم که در سال چهاری عطای و از زندانی و جای حکومتی و محکمه و دفتر و غیره باشد بناخواهند شد و ساخته می شود تعمیر شهر معمال خواهد و رکایده شود و از این فقره بسلاح و رضای تامهٔ مردمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 781 of 1786

تعلق دارد که وکیلان درست معین ومنتخب کنند ووکیلان بافوائم خودها حرف زده بعد شاه در حضور شوند صدارتی حرف معلوم شده خواهد بود وبدست این یک اصول درست فرموده خواهد شد حالها قدایت همایون که وکیل شده امده ایم یک اتفاق ویک زبان از جانب خودها وافوام خود حاضرش میکنیم که در اول جلوس بذات شاهانه همه مطیب خاطر و رغبت خودیه صدق دل بیعت کردهایم وعهد نامه‌ها داده ایم که بهمه حال ـ ومال وجان واولاد ماها تابررضای بادشاه محترما اعلیحضرت والاخواهد بود وقت خدمت که بمخرج پیش شود بهمان وقت درج خواهیم و بتوقع که خدمت داخلی پیش آید بکوشش پدری ومثل مضایقه نمیکنیم هرآینه بادشاه ترقی خواهند که این همه معمورها به این عرصهٔ سیزده سال جلوس خود به روی کار آورده‌اند دل پند سراج عزیزین که یک کار عمده و بزرگ و باعظمت و پرفایده است وسپر سراج قدهار که یک مملکت تو آباد شد وبکر انبار و معموری ها ویل‌ها ورادها وغیره وغیره از برای نفس خود نکرده‌اند برای ترقی ملت ودولت کرده‌اند وبا انتظامات نظام و اسلحهٔ لایق و کوششهای که بقوهٔ حربی سلطنت کرده‌اند وبرای حفظ دین و ناموس ملت نموده‌اند پس این بنای خیر را که خیال دارند برای خیر دولت ورعیت و آبادی ملت ملاحظه دارند والاتابین ذات شاهانه رایان ضرر استور که اولترین قصور دولت است کفایت است ابدا بهیچ‌وجه نمی‌گذاریم شهرمذکور میکنیم وهمه طوایف یک اتفاق و یکدل پی‌تکلف عرض میکنیم که اگر کار که مناسب دولت پاشد از دولت خرج خواهدشد واگر قسم ثانی مردکار که برای تعمیر قلعه شهر و چهاردیوار و ارک پاشد بقدر لازمه، بقرارتقسیم نفوس همه طوایف حصه حصه معین میکنیم ومردکار نمیتوانند کهبلکه وحشر میدهم — وسوق وکار وان سرایها ودکان‌ها وحمامها یک اصول از حضور معین خواهد شد که هرکسر وکسبه بقرار محله خواهد ساخت و خرج از خود خواهد کرد واز دهیک گراهیه را بدولت خواهند داد وبایستی از دولت خبری و مصالح خرج خواهد شد گراهیه و امثال آن بدولت تعلق خواهد گرفت — سوبق وسرای وبیوت کار داران وتجاران وبلدهٔ زیبا بقرارتفت عرطایف وعرقوم وعرکس برای خود به حوش رضای خود خواهد ساخت بالفعل کهنه نظری اولی به دری وخوشی وبهتر ازته درست میتوانیم ومیکنیم طرح و اصول کاررا اعلیحضرت بهتر میدانند هرکار را که اول لازم بدانند مارا در کهنه نظری مضایقه وورزع نداریم این عرض ما این که نظری سابق کاررا نشان دادیم بقرار فکر خود مارا است چونکه فکر بادشاه بادشاه فکرها است بهرکار که ضرورتر وبهتر میکار والابدانند کهنه مارا نظرایی کهنه وعده میکنیم انشاء الله تعالی زیاد از خداوند میخواهیم عمسته ها بکنایها

هذا از بادشاه ترقی خواه ظاهرشد یک شهر لایق و لایق عرکار بنام اعلیحضرت والا بصفحه روزگار باقی خواهند ماند لازم این باد زیاده والسلام عمرت از خواهش ما افزون باد تحریر فی چهارشنبه ۲۵ شعبان المعظم سال اولدائیل سنه ۱۳۲۹

(دستخط ومهر وکلای عربم اندری)

ملا سلطان جانخان ولد تیرجل خان قوم آنکی خیل طایفهٔ اندری کیدان ملکی. ملا محمد نبوت خان ولد جلالدین خان قوم‌موسی خیل طایفهٔ اندری اجیدن ملکی. عبدالغفار خان ولد عبدالظاهر خان قوم مرجان خیل طایفهٔ اندری کیدان ملکی. عبدالله خان ولد عبدالعزیز خان قوم جلال زائی طایفهٔ اندری. حاجی عبدالرحمن خان ولد حاجی پطال قوم مرجان خیل طایفهٔ اندری. ملک دین محمد خان ولد سلطان محمد خان قوم موزائی آنکی‌خیل‌طایفهٔ‌اندری

(دستخط ومهر وکلای دیزای ملر)

محمد عزیز خان ولد مرحوم محمدصدیق خان قوم فیروزخیل‌طایفهٔ‌آرمک کیدان ملکی. عبدالرشید خان ولد محمد حسین خان قوم فیروز خیل طایفه آرمک اجیدن ملکی. محمدرفیق خان ولد غلام‌محمدخان قوم فیروزخیل طایفهٔ آرمک. نامه دارخان ولد میرداد خان قوم دل خیل‌خودزائی. باز محمدخان ولد غلام محمدخان قوم ساهیرخیل هل خیل اجیدن ملکی. محمد دیان خان ولد احمد خان قوم بدین خیل‌طایفهٔ آرمک. محمد افضل‌خان ولد دادمحمد خان قوم بدین‌خیل طایفهٔ آرمک. عبدالله خان ولد پهلوانخان قوم‌گرزخیل آرمک خود اورزکوهستان پارمحمد پسر عموی او حاضرهستم کیدان ملکی.

پیرمحمد خان ولد حاجی عبدالله قوم سپولخیل طایفه آرمک. حاجی غلام محمدخان ولدایشان دوست محمدخان قوم‌گرزخیل طایفهٔ‌آرمک اکبر دل خان ولد باز اکبر خان قوم سپولک خیل طایفهٔ آرمک

(دستخط ومهر وکلای دیزای تاجیکهٔ غزنین)

میرزا محمدعلی‌خان ولدمرحوم غلام حیدر خان، نائب محمد افضل خان ولد نصرالله خان ساکن منکور، ملک جلالالدین خان ولد شمس‌الدین‌خان ساکن آزرو.

(دستخط ومهر وکلای دیزای قوم وزدک)

عبدالغیاث‌خان ولد محمدنبیان خان‌قوم توری وزدک کیدان ملکی. غلام قادر خان ولد میرافضل خان‌قوم میار وزدک کیدان ملکی. محمد سرور خان ولد غلام حیدر خان قوم میاروزدک. محمدنبیان خان ولد سردارخان قوم میار وزدک. ملک غلام نبی خان ولد میرزا احمدخان‌قوم‌میر خیل وزدک ساکن تنگی اجیدن ملکی. ملک جمعه خان ولد ملک عبدالعزیز خان ساکن دوالی وزدک طایفهٔ میرخیل. جهان خان ولد رحیم‌خان ساکن تنگی وزدک قوم‌توری کیدان ملکی. محمد علم خان ولد نصب خان ساکن خلیل خوات ملک پارخیل. حبیبالله خان ولد ملک شیرجان خان قوم دولت خان جمل وزدک ساکن تو که راز. عبدالکریم خان ولد جان محمد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 782 of 1786

خان ساکن کوه‌دامن ساپلتاوریاخیل ، ملک پدرخان ولد حاجی محمد کریم قوم طایفهٔ توری وردک ، گوزر حاردهی وخدمت خداداد میرخیل وردک ، عزیز خان اهدوکی وکلان خط او با ملک غلام یکجا عاوضهٔ آمده کیدان ملکی ، خداعظم خان ولد فقیراب خان میرخیل ، جمعه خان ولد ملک ا ـ د خان اسمعیل خیل ساکن شیخ آباد وردک ، ملک میرداد خان ولد ولی داد خان اتقی وردک توری

مسطط ومهر وکلای قوم هزاره تعلق غزنی

میرزا محمد حسین خان ولد امام قلی خان ، محمدیوسف خان جغتو ملک محمد قیم خان خواجه هری ، حاجیایمان وکیل جغتو ، علی محمدخان ولدغلامحسین‌خان وکیل محمدخواجهٔ کیدان ملکی ، حاجی یارمحمد خان ساکن قره باغ غزنی وکیل چهاردهٔ ـ

مترجمه

غلام سرورخان وکیل مردم سائی انقایهٔ مترجمهٔ قره باغ ، حاجی دوست محمد خان مهی خیل کوچی ، سربلند خان ولد قاسم خان خروتی کوچی ، نور خان سلام خان ملاخیل کوچی تجار

مسطط ومهر وکلای دیهای اقوام آبو گرد وچرخ وخروار

خواجه‌حسن ولد محمدجمار خان کاجان‌برکی راجان ، داده‌محمدخان ولد قلندرخان کاجان‌برکی راجان ، غلام حسن‌خان ولد عطامحمدخان شاهزاری ، ملک محمود خان جلور زائی ، ملک عبدالمجید خان وریاخیل خروار ، محمدانور خان ولد حاجی محمد عمرخان یوسف خیل خروار ، علیم‌الدین خان ولد محمد نظر کدای خیل خروار میرزا محمد صادق خان زکی اعیان ، میرمظفرشاه خان چرخی راجر داده پاتوشاه خان ـ غلام‌محی‌الدین ولدخان تیرین‌خان قوم‌کاجیک ساکن چرخ مذکوره وکیل نمایندهٔ دیس محمد خان ولد محمد خان

مسطط ومهر وکلای دیهای اقوام‌زرمت وکردیز

عبدالغفور خان ولد دوست محمد خان قوم‌موزائی قلع خیل‌زرمت ملک خان‌محمد خان ولد احمد خان‌قوم یوسف‌خیل ـ طرمزخان ولدمحمدبرن قوم احمدزائی ، ولی‌محمدخان ولد سعدالدین خان قوم باجیک ساکن کرمانی‌های کردیز ـ

مسطط‌ومهر وکلای دیهای اقوام سلیمان خیل وکنواز وسروت

عبدیعقوب خان ولد حاجی محمدالیاس خان سلطان خیل‌جان کنواز حیات خان ولد سردار خان قوم جلال‌زائی سلیمان‌خیل ، حاجی عرض بیگ وحیدر خان پسران ولد آدم خان قوم لاین خیل تورمحمد خان ولد میا خان ساکن‌شرین قوم مزائی ، شایسته خان ولد عنبر خان قوم‌بای‌خیل ساکن موسی خیل کنواز ، عبدالرحیم خان ولد عزیز خان لاین خیل سلیمان خیل کنواز ، ملاعبدالرحمن ولدخدایار پاچاقاضی ملا عبدالله ، میف‌الدین خان سروته وآبه خروتی اقامحمدخان تعلق از کون وغزنی

مسطط ومهر وکلای دیهای اقوام‌پاتوری وسالستان هزاره عبدالمایمان ولدسردارتیم‌علیمان ، میرعلی ارباب‌ولد میرمحمدعالم علی‌حسن خان کیدان ملکی ولی‌اکبر خان مالستانی ـ

چهره هزاره

محمدحیدرخان‌ولد میرابرام بیک اوم قیصان ، غلامدادخان ولدخان جان خان قوم بولستانی

صادق‌خان ولدمحمد عالم قوم ملاخیلان نقدیر خیل وکیل خانه ملا خیل اوجرستان

(سواد فرمان مبارك)

(که برای وکلاء هرطوایف بموجب عریضهٔ ذیل)

(فرامین جداگانه ازپیشگاه حضور مبارك)

(اعلیحضرت اقدس والا صدور یافته)

(چنانچه یکی ازان است)

عزت ومدارج عزاد خان خوانین وملکین ورئیس‌سپیدان وسایر رعایای طوایف احدی الله تعالی بادشاهی امیدوار بوده باشند ـ ازینرو از حضور اعلیحضرت والای ما نسبی مایلیمان عزت همراهان امیرمحمد خان برکه ملکی حاجی نورزین ومیرزا عبدالاحد خان برکه ملکی خان سمت عمری فرمان اعتدار یافته بود که اعلیحضرت والا خیال دارند دون شریعت سراج افاز غزنین را دارند هرگدام اقوام ازین حضور خواسته‌شود برای دیها تکلیف می‌شود بیرقوبنیز بدهید که ازطرف خودها وکیل‌های دائمی بگیرند وهر وکیل‌های هریکوه بحضور حاضر شوند که بحضور درباب اجرای شریعت جدید غزنین هراد دیگر شان حرف زنند لهذا مدیریولا خان وملایان که همه وکیل ازجانب اقوام خودها بودند ازطوایف تره‌کی واندری ومن‌خیل مترسلیمان خیل کنواز وباجیکهٔ غزنین والفشاریه وباجیکهٔ زرمت والفشاریه وباجیکهٔ از کون وغزنی وسروت وخروتی وآبه‌ی وخروتی ودلتای تعلقهٔ غزنین وطوایف درانی وطوایف هزاره بهسود وپاتوری وسالستان وطایفهٔ ملا خیل ابرستان وباجیکهٔ والفشاریه چرخ وخروار وچکنهٔ بای‌آبوگرد ومردستان جغتو و الفشاریه وهزارهٔ قره‌باغ غزنین‌ازکدام خط های نشان بعرض مایلیماند میرزا عبدالاحد خان برکه ملکی تشریف حضور انور والا شتافته ودرذیل آنیک قطعه وکلان خط ازجانب نیا طوایف احدی ازمورخه شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۳۳۶ هجری وانعام فرمانهٔ تشریعهٔ غزنین وملکان وخوانین ورئیسان وسپیدان نشان بود مارخ یوم چهار شنبه ۲۵ شعبان المعظم سنه ۱۳۳۶ ازملاحظهٔ حضور ما گذارش یافت اقرار واظهار داشته بودند که جوری میان ازطرف خودها هریك ملا صاحبان جان گیدان ملکی قوم لکی خیل وملا محمد غوث خان قوم موسه خیل و خداداد خان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 783 of 1786

قوم جلالزائی و عبدالغفار خان قوم مرجان خیل کیفیات ملکی و مساعی عبدالرحمن خان قوم مرجان خیل و ملک دین محمد خان قوم موسازائی لکی خیل را وکیل خودها گردانیده برگ وکالتنامه مذکورین بحضور مبارک اعلیحضرت والا حاضر شوند و درباب آباد نمودن نهرین موسوف هرحرفی که اعلیحضرت والا سوال کنند و حرف بزنند همان عرض وکلاء مبانین عرض مبانین است ایضاً وکالت خط ووکیل های تیا و دیگر طوایف مذکور فوق به حضور مشرف شده همراه همه شان حرف زدهشد و آنها همه عریضهٔ علیحده تقدیم حضور داشتند (چون فصل عریضه اهمال عیناً نوشته شده بود بتکرار آن زحمه داده نشد)

صداقت همراهانه عریضه ووکالت خط های همه طوایف فوق را ملاحظه حضور والا رسید از حسن نیت و اتفاق و اخلاص شمایان که رعیت صادق دولت عالیه وطرفدار عدالت و دین داری و همت شمایان ظاهر خدیو لا زوال خورسندی زیاد دست داد زیرا که خیال اعلیحضرت ما و مضامین معروضه وکلای شما موافق آمد در صورتیکه نیت بادشاه و رعیت یک کار برای انتظام اگرچه کلان و مهم باشد خدای تیار توانائی آن را سهل و انجام خواهد داد و بزرگترین همه شمایان وجمیع اهالی افغانستان معلوم شده است که هیچ کاری از حضور والا پرتوانی صادر نشده نخواهد شد تکلیف تو فرمایند کفایت بین و ملاحظه جمیع ملت و دولت پیش نهاد خاطر نباشد اگرچه این کار مهم و بزرگ است اما برای یک روزی کار آمد خود ملت و دولت خواهند شد و اصول آن مدنظر چنان خواهد بود که برای پائدار روز مبادا کار آمد دولت و ملت بوده همه وقت تجارت و بسکوت و جمعیت جمیع وجود شان آبادی لایق دولت تیا باشد و از کارهٔ کور آنچه شایان دولت باشد دولت خواهد کرد و آنچه کاهلک ملت باشد شمایان طوایف فوق الذکر کاهلک و خائن نخواهید داد و تخمیر آن از هر محال از روی تنوی و کنجایش آن خواهد شد و در تیاپان تکلیف شاق هم نخواهد زیرا که اندازه طوایف زیاد که شامل شده هست و اتفاق ایشان مردم و توجه سلطنت و بادشاهی بیک دیگر درست تکمیل می خواهد انشاءالله تعالی و تا و اینکار در مدت بست نخواهد انشاءالله تعالی سال آینده ۱۳۳۲ شروع شده بعرصهٔ چند سال که ممکن باشد اتمام خواهد شد انشاءالله تعالی مطلب ازین شرح و بیان این است که همهٔ شمایان واقف شوید بمطلب و مقصود این کار که روی کار می آید دانسته و حال باشید زیاده از خداوند عالم عزاسمه درخواست میداریم که از برای شمایان و اولاد شمایان وجمیع اهالی افغانستان خیر و برکت و عمر با ایمان نصیب کند و تا وجمیع اهالی افغانستان را از زحم چشم زخمه و دست برد اعداء در حفظ و حمایت خویش مصئون و مامون داشته باشد و از بلاها و پریشانی ها محفوظ دارد چون لازم بود که از رسیدن وکالت خط و وکیل های تیا و معروضی ایشان و فرمایش و مرخصی آن مفصل خبر داده شود اکنون بدریعهٔ فرمان همایون تیا را خبر داده شده و وکیل تیا به خدمت فاخره سرافراز شده مرخص شدند از این طرف قرین الشرف خاطر خود فارغ آسوده دارید که خیریت کلی حاصل والسلام خدا نگهدار شامل است خاطر تحریر یکشنبه بیست و نهم شعبان المعظم سنه ۱۳۳۱ مستخط و مهر مبارک (سراج الملة والدین)

بست و چهار فقره فرامین همه بمستخط و مهر مبارک برای طوایف که در عریضهٔ جدا جدا معلوم است برای هرطایفه یک فرمان به مضمون فوق عنایت شده است فقط

احسان خان

قول ازین ارشاد فرموده شدن نائب الحکومهٔ (قندهار) نائب سالار ملکی و سردار درجهٔ دوم جناب (سردار محمدعثمان خان) توپانه بودیم . وگفته بودیم که فلان مختارالیه یکی از مأمورین بااقتدار و کار گذار دولت علیهٔ ما میباشند . خدمات لایق و صداقتهای فائق که از ایشان درمدت مدیدهٔ مأموریت شان بدولت علیهٔ خداداد مرتکبه و فعالی که درباب حربات و محاربات (تیراه) و ساختن پلها و سرکها . و حسن اداره ولایت موافق برضای اعلیحضرت متبوع مقدس خود بکار برده مستوجب حسن توجهات جهانداری اعلیحضرت پادشاه ظل الله یک فقره نشان (امتیاز) کلاه پادشاهی عمدهٔ دوی شمره مرحمت شده از طرف قرین الشرف اعلیحضرت پادشاهی تایل و مزاوار گردیدند.

جناب نائب الحکومه از حضور اعلیحضرت همایون مرخص فرموده شدند ، وچنانچه قبل از چند روز فرزند ارجمند خود تازا بسواری عربانهٔ موتر قندهار ارسال نموده بودند خود شان نیز درهمین دوسه روز بسواری عربانهٔ موتر عازم شمال مأموریت خودشان میشوند که ایام دلیل و الحمدلله که سرک قندهار بدرجهٔ کامل برای رفت و آمد موتر ها ترتیب و آماده و قابل گردیده است ، توفیق رفیق شان باد .

دیگر

از طرف قرین الشرف ذات اعلیحضرت پادشاهی سایهٔ صداقت دیانت جناب (دوست محمدخان ناظم) حاکم سمت جنوب بدخشان فائقه نشان ذیشرف وشان (امتیاز) مفتخر و مزین گردیده بصوب مأموریت شان رخصت شدند . حاکم مختارالیه نیز در اثنای سفر سعادت از ذات اعلیحضرت پادشاهی بست فقره از خوست طلبیفرموده شده بود ، و در دارالسلطنهٔ کابل شرفیاب حضور همایون گردیده . و در بیانات بعضی مزوکات های مهمهٔ درباب اصلاحات آن سمت جانکرده در همین دوسه روز بصوب مأموریت خودشان حرکت میکنند . امید میکنیم که جناب ناظم در بارهٔ در خصوص اصلاحات و انتظامات آن سمت و نواحی شامل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 784 of 1786

وکرم ذات اقدس آلهی وسایهٔ توجهات آنحضرت پادشاه یعنی صورت ومعنی موفق وکامیاب آید .

(وفات اسف انگیز)

بکمال افسوس وتمام حسرت ازمیر وفات اسف انگیز کرهٔ جناب مستوفی الممالک میرزا احمد حسین خان نائب سالار ملک وفلکمی شدیم . چون ذات مختار الیه یک شخص بسیار لایق ویک خدمتگار صادق ودولت متبوعهٔ مقدسهٔ ماست باین کدورت ومصیبت شان جداً محزون ومکدر شدیم . از درگاه خدا وندی صبر جمیل شان را استدعا کرده بیان حزن و تعزیت مینائیم .

اعتذار

چون کاغذیکه سراج الاخبار العثمانیه بران جواب مبتنی تمام کرده ، وبرین کاغذ مو جوده تصاویر یک جواب نبوده هیچ یک وقتی نیکرده لهذا نامو جوده شدن کاغذ این اداره و اشارهٔ آینده مبادی امور جواب میشود .

یاد آوری

(سراج الاخبار العثمانیه) بکمال حسرت وانکسار مفتخرین گرانمایه خودرا یاد آوری کرده عرض میکنه که سالدوم بیمانند بحالا (۲۵) کهرماه انتشارش در غرهٔ ماه ذوالحجه الحرام است ولی بسبب تعطیلات ایام عید محبوراً بعد از چاردوز از وحدهٔ خود میرایم بانجام میرسد .

الیدوات عزیزی که در خارج بابت آزروی اشتراک را بسال سوم این روزنامهٔ علیم السلام وجوان داشته باشند قیمت سالیانه آرا بیای وکلای خارج ما فرستاده اسامی شارا ودرمانش مفتخرین قید وثبت خواهند فرمود .

اخبار سیاسی

دنیادار انقلابات . بازهم عازات گرمیهای خودرا جدید تازه دوام ندارد . فلزهاریکه این طایفه برطبق خدا روا داشته اند باحال هیچ دیده وشنیده نشده است . آن بازهایی که دراول امر برقصاب رادوانته اعلان کرد که من برادران دینی شما کوسپندی خودرا ازظلم کهارهایی مبدهم وبه آسیب صرب وجوان وکوهیارا بزیاخود شریک ساخت . بازهم معلوم شده است که برزبان کلمهٔ برادری بر کلمهٔ برادر کشی زیاست ! حتی اورو بزرا این نادان صلیب پرستان اغوتکراته بازهم دارا بنظر تحسین واستحسان دیده او جویک هزار رقم دینارا وتاروتاپای آنرا اعطا وتشویق هیچ صدای خودرا بلا نکرده . تا آنکه مسئله فیصله یافت . وبعد لیونیا تعویدن وسره وطنی وبرائلام مقتولهمقلوب ترکی زنده مدفون گردیده . اگر مقصد همین بوده گرکاری نی نمده .

ثانی ، مقصد همین نبود ، بازهای جامطمع افکار زهرماری دیگری داشته که پرده بیدان رانده . پس بعد ازانکه بلوت ومعاونت متفقین خود دولت گرا را مقلوب ومقهور ساخت چشم طمع وحرص را بخوردن هما کدونیا دوخت که مقصد یکانه این از اول هم همین بود . نه تنها ماکدونیا بلکه البانیا را بزفروبردن ، وازپس سیاه تابه تعرات بلنک بلدوان بلغارستان زرگ تکمیل دادن بود . ازان بود که ازیکطرف یونان وصربستانرا ازحدود ارضی که درموقت اتفاق درانباسیون گفتگوی نهایت پس ثبیه کردن کرف واز دیگرطرف رابطهٔ حدودی که بتوسط دولاوروف درمانچستریه وایتوناتیان کشیده بود قناعت ورزیده پیشتر ازانچی طلب نمیمود . همان بود کصرب ویونان بدان حرکات حقوق شکنانه وان حرص وآز طمع کارانهٔ مانق شود تحمل را خارج دایرهٔ امکان دیده بالادور توخت .

بلغار ، غفلهٔ گفتار اول کشیده بود همین بود که چون بلوت بازوی صرب و یونان دنبال را عو کند اول کارش همین باشد که کار صرب و یونان راتمام کند تا به آنوقت در زیر حمایهٔ روس بران مقصد خود کامیاب گردید . چون آن کار تمام شد برای ایمال کردن صرب طرف حمایهٔ اورا دنبال خواهد جراکه اوسترا نیز بودن صربیا دردنیا آرزو نکرد . ولی چون آن فکر خیال پلو تجریش درسر خودش جاده شد بی هان سزاران (سازوف) پهلوان شان که می گفت در ظرف دوسه روز به زاغان چوکی وصرب چیدرام ازپش عسکر صرب ساخته روباهی که از کری بکرد تابه صوفیه فرار نموده در ان جارامد .

ازروش احوال بخوبی معلوم گردید که بلغار هیچ مردی نبود هرمردانگی گفتگات بلوت منتهای بود ، ازیم معلوم میشود که دربحصر وزمان یکدولت اگرهرقدر بلوت همباشد بازدوسه دولت متفق کاری ازپیش برده نمیتواند . یعنی زمانهای کولیون یونایتد به این زمان قیاس قبول نمیکند .

دولت علیهٔ عثمانیه درین کیرودار حقیقتاً تماشایی مانده نمیتوانست ، چرا که اینهمه حوادثرا عرضهٔ خود بود ، وبرای حل خودلو وقوع می آمد . دولتمدنیا آن اول امر بسی وعدهای بلغار ما کمتماد بود مؤخراً آن وعدهارا مثل برآب وبرآتش شاخ آهوبلت . ازاره پیشنهاد کرد ، پس دولت عثمانیه اگردرچنین فرصتی استفاده نکرده تاچه چیزدیگر خیرسودی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 785 of 1786

ایدیم ، حین ورود که بیك سرعت عظیمه بكار آمد نهایه اذعه وطرق كیسا وغیره را پس از ماه تموز كه سرما در حق دست داشت ، عوده ویان كه مأمول منتظر نبودند ، وچون اتفاق آ بهارهم خورده بكار كی مشغول شدند عهده وجران نیز ظاهراً رهم خورده پس جنك باید مركز به ، جنانچه درهم كرفت ، وخوب در كرفت . ازدست روان اذعه جنك آهد ، مسافاتا بكر خون خورده بود ، هزاران لشكر كه در سواحل بلغارستان توقیف بازه آنان عهدی مردن كردند ، دین میدان مطرح داری دانان كه بازی كننده كان آزمند حاضرند دل ومعشوقه سیاه چشمان سیاه بخت وناهی كیرند ، علاوتون انكلیز است ، هنوز نتیجه معلوم نیست كه چه خواهد شد .

(حالات عمارية بالتمان وغيره)

از كره های انكلیزی واردو كه ازطرف ژرجان بیت العلوم باداره رسیده است

مرقوم است موسیو كوتاپیف ژنرال جنود دولت انكلیزیه بیان نموده كه من چنان كمان دارم كه دولت بوروپ توكان را اجازه ندهد كه من از حدود مرز كذشته مدت كوره مقرر نموده باشد خواهد دانم

قسطنطنیه — یك جمعیت سواران رساله توكی امر كرده كه ادارهٔ عمومی جمعیت یك جمعیت پیاده جوخ منصرف پیاده برادر اول قایم كرده — كان امر فوج منصرف پیاده اوریق بود — اوریق مسافت ۵۰ میل را درطرف ۲۴ ساعت طی نموده بود —

ازاین جهت آمده است كه اردیه وبارچه مارمین واسكودرك وسیروا محیط كشته است اكرچه ازین ثبوتی كه دولت بوروپ توكی را مجبور خواهند كرد كه مساعدهٔ كمتر را بنظر احترام بیند نمری لیكن پیدا میشود وازلشكر كشی روس كه مشاهد میشود بان مجبور كردیده كه روس متحمل تحلیل بلغاریه هركز نشده می تواند زیاده تر تمثل حاصل میشود —

انتشار مرض هيضه

از مراسلات كثیره جنان معلوم میشود كه مرض هیضه بشدت تمام درانواع بلغاریه انتشار یافته است — مرض مذكوره درانواع پرتوان نیز سرایت كرده است — مطلق جمعیه مقیمه كه در آن جنك جاری است ازحد خوفناك ووحشت انكیز معلوم میشود — كل دلانه ازنعش آتش زنی وشمشیر پاك شده است — هزارها مردم حاضران زاد وكزاره كردان زنبورها افتاده وسنكك بدوجود تمام جاری است —

(اظهار تشكر وشادمانی)

قسطنطنیه ازسبب انتصار اخیر اردوی درجوع مساجد قسطنطنیه امروز از دوكه بعرض تشكر آمده دوالجلال والا كرام اداكرده شد وعوالناس مسرت وشادمانی فراوان كردند ودرباب مسئله ایدرنه وبارچك جمله عالم الشان دراجود مدین جهت فرق قسطنطنیه اتفاق وكانكیت قائم كرده خواهد شد —

(روس واسترزا واتحادیان)

اسكودر — روس واسترزا جوان وسروزارا ازحد تركیب مردمند كه بجز تنك حالت زار بلغاریه تا كنون باست بنابرین لازمی است كه مسامحه اذوای جنك بسرعت تمام طی نموده شود —

(اخبارات حربی)

اخبارات حربی از آن تكلیف وجودی كه بوقت اشتیار كردن دول بوروپ تجارز جاریه برسالان ترك پیدا خواهند جوكلی دارند — آنها اشارة بیان میكنند كه تكلی است كه نصاریه مسئلهٔ حدود بسیاری در جن ترك ملاقات نرمید كابت خواهد بود

قسطنطنیه — درقسطنطنیه بطور رسمی اشاع كرده است كه بلغاریا قبل از پس دادن از كرك كلیسا دخاؤ سامان حرب جیاتوی ها و عمارات سركاری را پرایه بودند — باوجود كی مكتب وكی دمار باندكان باشدند جوش وخروش اظهار مسرت وشادمانی نمودند كه از اساسا كمتر بیرون میباشد زنان ازطرف مسرت كرده كنان دعاكو عنبان كل افشان میكردند —

(روانكی وكلای عثمان)

وكلای عثمانیون انكلیزان بطرف انكلستان روانه شده بروند وزیر بلغاریه موسیو توتف چیف ووكیل اختار چوان موسیو زانی از روانه شده اند — موسیو وزیر موصوف قبل از روانكی بطرف انكلستان برای ملاقات پادشاه چوان در ساوئیكا رفته است

(مسقط)

خبرهای مسقط مطابرات كه در هدهٔ كشته بر قلعه نشینان یك جماعه بی بود كرده شده بود — سلطان زنین كابل دارد كه او تعاون موجود ایدی انواع زردست خرفرد كرده میتواند .

قسطنطنیه — مال غنیمت كه بعد از تسخیر ادرنه اوریق بدست عساكر عثمانی افتاده است هزار قبل میباشد .

۱۵۰ عراده توپ كه ۷۵ عراده توپ عالماً از بلغاریه میباشد وچهار هزار نفنك از قسم موزر — یك ملیون چوان كشته و دو هزار حیوان آرد .

(اخذ انتقام)

باسال به عساكر عثمانی احكام سخت فرستاده است كه از اخذ انتقام باز آیند مكر در نظری مذكور از شدن قصه‌های جروسم لا تصداق بلغاریه آتش غیظ وغضب شعله زن شده است — ودر نظر مسلمانان دادن جرم قتل بر عام ملكر اوردو دستور سزای موت وهشت نفر دیكر را سزای حبس مادن سه وهفت سال داده شده است .

ساوئیكا — اهل چوان از استحكامات كرده زور از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 786 of 1786

عبور کرده برابطار هاتیم‌دره جاده عبور بلغارها عقب جوسایه سه ضابطه توپ را گذاشته فرار نمودند

مورخهٔ ۲۸ ماه جولای

ایروز — شاه کرنستان تجویز صلح جنگ برای سه روز باز مسترد نموده است وبنابرین جنگ بدستور جاری خواهد ماند ولی درزمان انعقاد مجلس مخابرت جنگ باز جاری خواهدماند

مخابره کریسه

جنگ کاردهای دره کریسه وقوع آمده از شدید ترین جنگ ها گفته میشود — جنگ مذکور دو روز متواتر جاری مانده بود .

(ترکان در ادرنهٔ دول)

قسطنطنیه — ولیعهد ترک معه پسر سلطان المعظم بطرف ادرنهٔ دول روانه گردیده اند — در آنجا استقبال شان بجوش وخروش کرده خواهد شد ودر پرده مذهبی پایتخت عثمانی انتزاع خواهد ورزید — دیگر افسران نیز برای سر رشتهٔ انتظام های رانده اند

(آمدورفت ریل مخصوصه)

آمد ورفت قطار ریل مخصوصه مابین قسطنطنیه وادرنهٔ دول روز چهارشنبه باین طرزی جاری کرده خواهد شد که مسلمانان نماز فریضه جمعهٔ المبارک در مسجد سلیم واقع ادرنهٔ دول ادا کرده بتوانند .

ساونکا مورخه ۲۹ ماه جولای

جنگ بلغاریه و یونان

بلغارها بتاریخ ۲۷ ماه جولای رسیدن کمک جرأت داریونانیه بمرادانوع یونان گفته لهذا آنها روانه شده بود مذاکره گردیده ورعلم جومیه یک جنگ شدید وخونین زرپا گردید — بلغارها ازیونان که طاقت آن بمجرد بلغاریه بر یک استحکام را بزور رجعه عقب گرانند مگرالا آخر بلغارها بمدارج رسانیدن قشون عظیم درعقب لشکر ...

چونکه درفی تخاریه جنوب مشرق بروب امیرات وقوع آمده است بناء علیه آستریا هنگری در تعداد انواع جود یک اضافه معمول خواهد نمود —

مباحثه برحالات ایران

در جزء بحث دار الامرا . درباب حالات ایران لارد کرزن بیان کرد که در حصهٔ جنوبی ایران علاوه از ترتیب وقیام جندارمه دیگر اصلاح نیز ضروری میباشد مقرب سرکلر وخانیه درباب تحریر افسران انگریزی هند در ایران پر غور و خوض صورت خواهد شد — لارد مارلی جوابداد که تجویز فرستادن افسران هندی در ایران از عرصهٔ سه سال زیرعرض میباشد فکر از غور و خوض مزید ثابت شده است که این تجویز کار آمد و مفید نمیباشد فقط

ترکان در ادرنهٔ دول

قسطنطنیه — ولیعهد عثمانی دیروز درشهر ادرنهٔ دول داخل شد واعیان ملکی وانتظامی وهادیان دین متین استقبال او بسیار گرم جوشی نمودند

ولیعهد موصوف بجواب خطابهٔ شهر مقدم بعد ازینجا آنوری تفکر ازوه تعالی بیان کرد که ادرنهٔ دول دار الخلافه ثانی ترک مذهب دلیری وشجاعت عثمانی بادر تصرف ترک آمده است — بعد از جلالت یافتنه کان ادرنهٔ دول انعقاد یک جلسه عمومی نموده دراین امر قرار دادند که جمیع اهالی ادرنهٔ دول متمنی و خواهان این امر هستند کازیر سایهٔ حمایت ترک حیات مستعار را بسر برند

قسطنطنیه — ولیعهد عثمانی بدرجهٔ اعلان عام کرده است که « من بطور کامل دارم که یورپ در حالت نمی خواهد که ادرنهٔ دول را از ترک غصب نماید ادرنهٔ دول امروز نسبت بسابق ترک زیاده تر مقدس وعزیز میباشد فقط

عیناً مکتوب

از طرف مسلمانان پشاور بکابل

اللهم اغفر لمن استرون الحمد — واخذلا من خذل دین محمد (ص)

اگرچه عموماً خبر فرحت اثر دوباره قابض شدن ترکان برادرنهٔ دول در دنیای اسلام طوفان جوش وسرت برانگیخته است لاکن خصوصاً اظهار مسرت کنندگان دراین باب باشندگان پشاور نموده اند بالخصوص قابل ذکر است .

روم چهارشنبه چون خبر فتح ادرنهٔ دول بدرجهٔ ثبوت موصول شد . مشهور شده که ازفرط مسرت وشادمانی از خود رفته باشد واز شور وبیقراری درزمین وآسمان یک هیجان العقول بهم رسیده باشد — شب جمعه با اذانها وبناها ومساجد پشور از ابتدا چراغان یک بقعهٔ نور گشته واز اوادی این پاره‌اند . وجا بجا مجالس ختم قرآن ودرود ومحافل واعظ ومساجع ترتیب یافته ودرمساجد جهت ادای نافلهٔ شکریه اجتماع عظیمی بنظر می آمد بساعت نه شب اکثر اهالی بلده از کوچات وبازارهای ووضع وشریف درون کابل دروازه دزوکندوپه هال کرده آمده اظهار ابتهاج وابتهاج می نمودند واعطاء واصدار این مجالس بر آن چه که ازطرف سائر مسلمانان هند عموماً واز جانب مسلمین مرحمه خصوصاً عرضداشتی تلغرافیه بحکومت هند فرستاده شود که دول انگلیس دراین باب مسلک بی‌طرفی ودیرجانبداری چنانکه از اول اختیار کرده است معمول دارد واز هیچ طرفی دمداخلت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 787 of 1786

اقدام نماید — چنانچه بعد از اتفاق آراء سائر اعظم و حمائد مجلس امضاء بر آن داده و ختم مجلس بردعای ترقی و ازدیاد قوت و شوکت اسلام و مخذولیت و مکوبیت اعدای دین حضرت خیر الانام اقدام پذیرفت .

مقالهٔ مخصوصه

واعظ — ناصح — مرشد

این هر سه کلمه عربی است که در فارسی بمعنی اندرز کننده ، پند دهنده ، رهنماینده مستعمل میشود . واعظ همان اشخاصیست که در مسجدها مردم را نصیحت و پند میدهند . ناصح هر شخص نصیحت کننده را میگویند . مرشد آنست که در طریق تصوف به اسرار حقایق رهنمایی کند ، و در طریقت پاشیخ طریقت نیز گفته میشود .

وعظ ، نصیحت ، رهنمایی از احتیاجات ضروریهٔ جمیع بشریه است زیرا همه افراد جمعیت بهمه چیزها واقف و باخبر نیستند و بهمه خیرها و شرها آگاهی ندارند . لهذا هر انسانی که باخبر تر و آگاهتر باشد ضرور است که دیگر افراد بیخبر و ناواقف را بدرجهٔ باخبری و آگاهی خود به اندرز و پند رهنمایی کند ، و از امور خیر و شر واقف ساخته بطریق حق و صواب رهبری نمایند . و از اینست که حضرت فخر کائنات پیغمبر گرامی صلات ما صلی الله علیه وسلم دین را عبارت از نصیحت فرموده است . پس بهمینصورت هر مرد دیندار باخبر بدرجهٔ آگاهی خود از خیر و شر برای دیگر اخوان دین خود واعظ ، ناصح ، مرشد شمرده میشود .

وعظ ، نصیحت ، ارشاد نسبت بمقتضای زمان و زمان و احتیاجات عصر و اوان برای هر انسان لازمست . واعظ ، ناصح مرشد میباید که مقتضیات وقت را در نظر دقت کرده به اندرز و پند و رهنمایی صرف قدرت همت نماید . و برای هر صنف و هر گروه ملت نسبت بمشرب و کار و صنعت شان چه پند و اندرز گوئی ورزد ، مثلا واعظانی که در مسجد های چوق های عسکری وعظ میکنند ، و اکثر شنوندگان آن از ان صنف میباشند هرگاه از فضایل گوشه نشینی و ترک دنیا و تکیه زده گی و فقر و ناتوانی و امثال آنگونه سخنانی که موجب ضعف دل و عسکری باشد وعظ و نصیحت کنند بجز ضرر هیچ فایدهٔ بران مرتب نمیشود . و لزا اگر برای تجارو زمینداران از چیزهایی که بتنبل و کاهلی رهنمائی کند وعظ و نصیحت شود بجای فایده ضرر میرساند .

وعظ و نصیحت ، زبان قومی و ملی مرغوب و مهم لازمست . مثلا واعظی که بر منبر براید ، و برای منبر نشستگان همه افغان یا فارسی زبان باشد و واعظ زبان عربی وعظ کند آیا چه ثمرهٔ حاصل خواهد شد ؟ و بالعکس اگر واعظ زبان افغانی یا فارسی بر مردمان عرب بازگ بوعظ و نصیحت آغاز کند آیا نمیدانند که آن نیز اینکه خواب شان برد و گرچه کاری خواهند کرد ؟

وعظ و نصیحت موافق روایات و لوازمات زمان باید بود . وعظهایی که پیش از چهل سال وضع و ترتیب شده باشد برای دمان امروز هیچ ثمرهٔ نخواهد بخشید . لهذا در اینجا وعظ و نصیحت (خالده ادیب خانم) کاپتان قلعهٔ ادبیهٔ عثمانیه را از ترکی بفارسی ترجمه کرده در نظر قارئین کرام عرض مینمایم که در دالان بزرگی دارالفنون استانبول بعد از غلاکتهای متوالی که بملت عثمانیه در ین وقت وارد آمده در یک مجلس که چهار هزار زن در ان جمع آمده بودند تحریر نموده است . خواهد گفت : که محرر دیگر مقالی در وعظ نیافت که وعظ یک صباحه را برای ملیان میکند ! لکن مقصد ما از مقالهٔ آوردن وعظ (خالده خانم) این است که مردان واعظ ما از ان یک درس عبرتی بگیرند ، و به بینند که زنان دنیا بمناسبت وقت و زمان و اینها بان عصر و اوان تا چه درجه دانا و بینا گردیده اند و نسبت به حال و احوال ملت و احتیاجات وطن خود چگونه تحریر های پر دیانت بیان میکنند و همچنان پی زنان ملت خود را گما آنها راه نمیبرند ، عنوان داده از جنس بشر هم یکدرجه پست تر نمیتوانیم چسان ارشاد و پند میدهند ؟

خطابهٔ خالده خانم

« برادرها ؛

« یک ضرب مثل مشهور است که میگویند « هرآنچه فکر درونیست ، تذکر درونست » . این ضرب مثل نتیجهٔ افکار درونی ، بلکه برای هرکس همچنین است . انسانها هیئت اجتماعیه و اندیشه هایی متفاوته که در دماغها و فکرهای شان حاکم شده باشد ، قوت کرده باشد ، « آنچنان وسیله » میجویند که از آن فکر و اندیشهٔ که در دل شانست بیان نمایند . چنانچه در انسانها همچنین است ، در ملتها نیز همچنین است ، ملتهم مانند یک شخصیست ، هرآنچیزی که ملتهارا بیشتر بخود علاقه دار میسازد افراد آن ملتهارا نیز همان چیز علاقه دار میکند . علی الخصوص در زمانهای غلاکت ملت ، زیرا غلاکت ملت غلاکت همه افراد ملت جدا جدا میشود ، همه کی بامحن مشغول میشوند ، از همان چیز سخن میگویند ، همان دردرا هرکس باشکلی دیگر چشمهای خودرا بیک آن ازان برمیدارند . این است ، که ملت مابنی همهٔ مادرمثالی همچنین بلندغلاکتی که برغم هستی ما حاکم شده میباشیم ازانست که در خانه‌ها ، در قهوه خانه‌ها ، در هتل ها ، در واپورها ، و دیگر همه جاهای عمومی ازهمین غلاکت سخن کفته میشود ، از همین دردمزمزه میشود ، وچون یک مجلس ومحفل را گرمه همهٔ ماشتر میشویم که آدمی کبار گریهٔ خطابت براید ازهمین غلاکت بباحث راند ، سبهای این غلاکت را ، چاره های این غلاکت را ، تداوی این غلاکت را بیابکوید ، از قدیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 788 of 1786

الایام درمیان ما یک سخن جاری آمده است که در چنین زمانهای فلاکت ملی میگویند : « زنها بکار های بزرگ لعلق ندارند » این است که زنهای ملت ما بسبب این فکر وبز بسبب جهالت بالجمله چیزها بیگانه مانده اند . مثلا ما کلانهای ما که تجارب های دوس را دیده اند در میان آنها هیچ یکرا نمی بینیم که فلاکت آروز هارا تشریح کرده بتواند . بشاهت آن فلاکت رابفهمند حتی بسیار پیرزنان ساخوردهٔ ما که وزان تجارب ها جوان بودند نامهای آن تجارب هارا هم ضبط کرده نتوانسته اند . اگرچه باین شبه نداریم که آنها نیز در ازمانهای خود شان همینقدر دانسته وحس کرده باشند کلیک فلاکت ومصیبت پیش آمده است اما آن دانستن و حس کردن شان بیکصورت مبهمی بوده است که حقیقت وماهیت آنرا نمانسته اند .

« هزار شکر کادر ماین حس آنها دراوقات واین حس ما ها درچنوقت یک فرق بسیار بزرگ و نمایان موجود است . انها ، آن فلاکتهارا بکچیز خارج ازخودشان - مثلاً مانند یک طوفان و آفت سماوی که دردور جاوقوع آمده باشد — دریافت کرده اند حالانکه امروز روز ما آن فلاکت مانی خود را کاملا درون دلخود ، در تمام وجود وهستی خودحس میکنیم ، دردو سوزش کاین فلاکت بانمانه عبارت ازیک تن ، وحیرت خشک وخالی نیست . بلکه این درد از چنان دردها نیست که یک پدر اولاد خود داکم کرده باشد ، یا نه خانمان خانمان شان سوخته و نحو نمه باشد ، بلکه واقعه ازجگر پارهٔ خود جدا مانده باشد . این است کهماین فلاکتهارا بیگانه حسیات حس میکنیم . واین اولین ست کهزمان ملت مانند مادران حقیقی ملت باین فلاکت مشترک میشوند . باین فلاکت متحسس میگردند . برای چاره یافتن درد آن دریکجا کرد میآیند .

« بلی ها ! هزارها شکر کهما امروز وطن شناسیم . امروز وطن عبارت ازیک ملکیت کاوزمینا ، خروجیا نیست . اگروطن دکاندار شود گویا یدلیا دکاندار میشود ، اگرکوچه زمینی از وطن ما کرفته شود گویا پارچهٔ ازدل وجگرما بریده میشود ، چون چنیست . ای برادرها ، ماازیک اوردکنیم وبدانیم که درمیان این اشکهای چشمیکه امروز میریزیم سنگ تخمین تعدای وطن را بصورت بسیار محکم ومتینی انداخته ایم . زیرا آن ملی کهوطن را ازدل خود جدانموده است در تشریح هیچوقت فرده است . این یک حقیقت تاریخی وعینیست . فلاکت ومغلوبیت ، آن جمعیتها و خرمنهای انسانهارا پراکنده و متفرق ساخته که از دلهای شان وطن بیرون بوده است . اگرچه بسیار مدتی وسیار رقوت هم بوده اند ولی چون وطن ازدل شان بنا نیافته بوده بازهم زیر وزبر شده اند . اما آن ملتهایی که وطن رادردل های خود شان جادانده اند هیچ فلاکت هیچ مغلوبیت آنها راخرابه نتوانسته ، اگرچه میده میشده اند ولی آن میدشدن برای یک زمان جزوی ومولتی بوده کهبعد ازان بازبهمان قوت وطن دوستی برای تعرف وشان ملت خود موقعهای باشد بنا نموده اند .

۵

شنیدید این وعظ یک سمپاتیرا ؟ ما کمی از بسیار وسیتی از خروار موعظهٔ خطبه خانم را ترجمه کردیم . ولی آن واعظ انها عبارت از همینقدر نبود ، رفته رفته بین خانمهای کرفتهٔ تاریخ درجو شروع بیان نموده ، وسئله را چنان واضح وکلت ساخته کاهر شنونده را باین قانع میکند کهملتهای که سنگ تخمین تعدای وطن را درقلبهای خودشان وضع کرده اند هیچکاه خراب

فاجعه های پاریس

مأخوذ از شماره ۲۲ سال دوم

دویدم ، زود البسهٔ خودرا از رکنیده ، وبرای خواب کردن تی بلکه برای اینکه فردا چون بیدند بدانند که مدت عشری وین بیتر صاحب بیتر خوابیده است وخوابکاه خود وراز کنیده انتظام بیتر البتر بوده ، چند یکصفحه مستعرق بحر خیالات خود باند ، باوجودیکه چشمهایش بازبود ازلذت خواب بسیار شیرینی که میدید درسیمای لطیفش یک نور مسرت وفرحتی پدیدار میشد ، ازینجهتی تبسمهٔ انوار سرور وکامیابی میدرخشید .

بعد ازانکه یکدقیقهٔ چنین کذشت باند یکی یکبار ازجای خود برخاست جبراً خود بخود کفت :

— بلی ، این است حل مسئله قطع کردم ، باین حق دارم که خودم ازخود خشنود باشم . اگرچه هنوز برای رسیدن بهدف مقصود بسیار مشکلات دیکر هنوز مانده اما ، ازبزرکترین تهلکه ها رهیدیم . برای کارهائیکه بعدازین درپیش دارم ازموفقیت طالع ، وجرأت وجسارت محروم نیستم . بالاخره بالاخره آخر بمقصودهٔ اقبال واصل میشوم . آیا صاحب مشروع وبکاه این لافت کاشانه ماشدن چقدر خوب وچقدر مرغوب یک چیزی خواهد شد ! این است که طالع برآشیدن هاریت این سعادت را برای من حاضر میکند .

بعد ازانکه این سخن را کفت توجوان ازجوابکاه خود برخاست بازدرپیش خودرا مدور کرده ، ویک طپانچه تفنکی کوچکی راهر جیب انداخته ازاتاق برآمد ، این برآمدنش ازاراده هرونه بی طاقتی ازجایجان کمدر اتاق توالت موجودست بوقوع آمد ، دست دردر کلید موجود بود که بایکی ازینها دروازهٔ را که از تجارت بحول میرامد بازنمود . وچون کلید وقفل مذکور راخوب چرب وروان دانسته بود بی آنکه اندکیک تنهای حاصل کند بازنده بحویلی برآمد . بایده دوم دروازهٔ حول را که بکوچه میرامد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 789 of 1786

نشده‌اند ، وهو ومقرض نگشته اند .

بل ، بل ! هرگز نمیرد آنکه نامش زنده شد بعشق ، یعنی عشق وطن . بل ، بل ! عشق وطن است که بر جریدهٔ نام دوام جاویدانی ثبت میکند . وهو ومقرض ساختن نامرا عدیم الامکان میگرداند . وطن بحب وطن قایم است وهم محفوظ . که هست حب وطن نیز سپهبانگ وطن . بل ، بل ! سلاح یگانه حافظه ومدافعهٔ وطن همین است که وطن را انسان درون خود بکنجاند . وگرنه هزار ها طوپ و تفنگ ، وصدها قوتهای رنگا رنگ برحفاظت آن مقتدر نمیشود . چو گفت حب وطن جای در دل دارد ، دیو بازنده نشده میشود هلاک وطن ، بل ، بل ! دشمن وطن دریدن جای کوطن در دلتان گنجیده است رنا کامیاب خود قلمداد شده اگرهجوم هم کند ازان وتوسان هجوم خواهد کرد وموفق هم نخواهد شد .

هزار افسوس کساعیکه دریاب پاکی وطنی هم نمیشنوم هرچیزی که میشنوم ازنگ کردن آن ، ودل بسان بران وهای چون آن ، وکناره جوئی ازان میشنوم . حالانکه دنیا وملتها عبارت ازوطن است ، حفظ شرف ، حفظ ناموس ، حفظ دین موقوف برحفظ وطن است . وطن چون رودخانهٔ ایکه ها یکها بآن میرود ، خطاعت میاند بحیاءت ، نه آزادی میاند نه ملیت نی وجدانها وی ایمانهای کاوطن خودخیانت میکنند ، ودشمن وطن خودکاروانی وسرسپی میباید هزاران طعنه نزومه ورزنان دشمنهای بی‌حمیت کدام کی زن خودرا بکند . افسوس است که عرض ناموس را در موضوعی بخاست پنداشته اند ، واز حقیقت ناموس که عبارت از وطن مقدس است غافل مانده اند بهر حال .

زحل بیاز کند طالع وطن (محمود)
که دامن وطن ناکزیر جای وطن

(ادبیات)

﴿ تبریك رمضان کلام جناب ملا طوطی افغانی ﴾

(شکر لله که ماه رمضان باز آمد)
(رحمت حق طرف کون ومکان باز آمد)
(جام انوار تجلی بضیافت گه روح)
(از کف علیم غیب بجهان باز آمد)
(زاج روحانی صفات از اثر منبع فیض)
(بهر تفریح دل پیر و جوان باز آمد)
(پرتوی بست تقی رافق عرش برین)
(لامکانی طرف اهل مکان باز آمد)
(ملك از کنگرهٔ عرش بفرمان نیاز)
(بهر هر صائم ماه رمضان باز آمد)
(نام خلق نه سپا که همه نام اثر)
(به نشاط ابد از قدس نهان باز آمد)
(مسی نام لاهوت بناسوت فتاده)
(مژده از روی هلال رمضان باز آمد)
(روزه مانند تحیه جسم ست وحجاب نی لبك)
(صیال وکورهٔ روح روان باز آمد)
(روزه کی اهل تسلی وتعدد آموزد)
(بی هاجر وسعد واسمش رمضان باز آمد)
(آگه کب ازحقیقت همه یاوران شان)
(موکیتعزیه بگشته عیان باز آمد)
(خسرو تازی آقای حبیبالله خان)
(که بسجادهٔ لاهوتی روان باز آمد)

باز کرده بی آرکادیان سر شود بسرنا بوکار و آمد ، اینوقت یکایم غرش برد ، مدعی های نوانگران ومتمولان شهر از بیم جان شب هراسه پدیدار شد ، چونکه هراسه چیزی ازاین بیشتر نمیتوانست بکند ، بجز ازین شب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 790 of 1786

(بخت احمد بزاویه و خلقی طرآن)
(بانام نبی وان شاه شهان باز آمد)
(مادرش چیست زدنیای حی و اعراز خلق)
(که بکنار جهان آب روان باز آمد)
(شیوه‌ای چیست سحار که پویش عرم)
(که بهیمان او خاق جهان باز آمد)
(چاودهد رمضان بهر مسا کین مرتام)
(آنچه برجنتی ازباغ جنان باز آمد)
(هست رحوانم آواز مریم زاد و نجم)
(که بهیت کرمش طالب کان باز آمد)
(تعاینش تاکه بود هرة ارباب علوم)
(که بفردای همه ازبعد مکان باز آمد)
(عنکرش زاده افگنده در اقطار زمین)
(نه افغان بحمه سامان کیان باز آمد)
(نوکنای میکند طلعتاً فهمر وجم)
(آفتابیست که برجرخ جهان باز آمد)
(دیده‌ها چاصل چه چراغان و چه جمع)
(که برش هرکسی خوش منه گمان باز آمد)
(جدرد غیبه زند مردم افغان جانگه)
(که برش نامه‌ها وصف و ثنان باز آمد)
(طوطی)در کشن کابل شکست تو بشکوش)
(بعد ده سال بامهار روان باز آمد)
(بامان کشور وان ملک بان جاه و جلال)
(تاکه گوید همه خلق زمان باز آمد)

نامورانِ نامِ جهان

ماخذ از شماره ۲۲ سال دوم

اثیر گردانست . بعد ازسقوط بوکارت) پدر به بازرس بر گشته ازطرف (لوئی هجدهم) دوملیون (۲۰۰۰۰۰۰ فرانک به او اعطاء شده است . نامهای (والدیه) و (لوریه) دوتاول بسیار مشهوری تحریر نموده‌است وغیرازانهاسی آثارهای فایده‌مندی نگاشته که کاپان آنرش بر ۱۸ جلد مرتب شده بطبع رسیده است

استر انو نیمه : — این زن در تاریخ قدیم یک حکایت بس آموزی دارد . دختر (دمتروس) نامپادشاه (ماکدونیا) بود که در حسن وجمال بیمثال بود . از پادشاهان ملل (سوریه) (سلوکوس نیکاتور) نام پادشاه پخت سالی قریب اوازهٔ حسن وجمالش گردیده . واز پدرش اورا طلبگاری کرده درزد ازدواج جش کشیده بود این پادشاه (سوریه) نامیک پسر جوانی از دیگر زن داشت که پدرش محبت مفرطی به او میبرد رانید . این پسر بنا گهان بمرض جنون گرفتار آمده بود که روز بروز زرد و زار میشد بحرکه زوبک نرسیده . اطباء ازالتیام دوای این بیماری عاجز ماندند . پدرش پدرجه در اضطراب وانقلاب وتاب افتاده بود که ازغم پسر خود قصد خود کشی خودرا نمود . زیرا وارث یگانهٔ او پسرش میبود که غیراز او دیگر وارثی نداشت . وچون میدید که چگر پارهاش در غلطان حیوانی به انچنین یک مرض مودا پذیری گرفتار آمده بهیچ حال میسر نمیخواست که بعد از او زنده گانی کند . درمیان طبیبان که بدعوی شهزاده مأمور بودند (آرازیستات) نامی طبیبی بود که ازدیگران اطبا ماهرتر وبخبره کار بود همه‌علامتهای بیماری شهزاده رابیک نظری موشگافانه دیده کرده اصل علت مرض را کشف نمود . مگر مرد عشق بود . ولی چون شهزاده این راز خودرا بروح فرد آفریدهٔ افلاک مدوح معشوقه اش را نمیدانست که کیست وکجاست . باقی دارد

علم ثروت ملل

ماخذ از شماره ۲۲ سال دوم

سرمایه مادی آن نیز افزوی میکرد ؛ ومنابع ثروت آن قوم نیز آهسته آهسته روبنای میرفت .

حاصل شدن سرمایه بامصرف — یعنی صرفه جوئی ، وحسن اداره — یعنی بخوبی دور دادن کار موقوف است . صرفه جوئی واداره بان است که بایک آدم همه‌کس را که حاصل میکند وتمام خود وعایلهٔ خود صرف نکرده حاصلات خودرا بامصارفات خودبرابر کرده و بصورت قیمه مادی آنرا استعمال کرده پکدهاری بیاراید ، وحفظ کند . واگراینچنین نشود ، وهرکس همه حاصلات خودرا صرف واستهلاک نماید سرمایه بحصول نمی آید .

سرمایه که بواسطهٔ صرفه جوئی واداره حاصل میشود اشکال مختلف دارد که آن نیز عبارت ازرزقه نیست . بلکه مطابق که هشت خروار تخم دارد ، چون دو خروار آنرا ذخیره کرده برای کاشتن سال دیگر نگه میدارد کار دهقان نوع سرمایه بحصوره آورد آن کشتم والات وادوات زراعیهٔ دهقان سرمایه شمرده میشود . هنر ومعلومات کهنه اوهم جزء سرمایه شمرده میشود ، مزدور کاری که از مزدوری خود یک مقداری را برای دیگر صنعت پس انداز کند انهم سرمایه میباشد . وابتدا سرمایه اکثر بیشکل زر نقد دیده میشود

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر پذیرفته نمیشود

محمود طرزی

در چاپخانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 791 of 1786

اعلان

از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میدهیم ، و ترغیب مینمائیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار ، و ازین گلزار پر از ازهار یکایک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، و از هر چمن سمنی ببویند .

در

مطبعهٔ عنایت

که بیاد بادهٔ همت عرفان قیمت شیرازهٔ جواهر مسلم حضرت میر السلمانه سرکار عنایت الله عالیست زیور طبع آراسته گردیده ، و در نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که بزرده الهاکن واقعست قیمت ۲ دوروپیه کابلی از روی عنایتوفی سرکرده مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند مستقاب مذکور دردکان بالا خانهٔ مطبعهٔ کتاب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 792 of 1786

(اعلان)

مدت (۱۰۰) روپیه انعام

ساعتی که وقت را درست نشان نمدهد ، و در وقت چیزی عقب ماند باشد هر کس که آنچنان ساعت را درست بتواند انعام فوق به او داده میشود و اگر در ان ساعت درست نزند و درست نتواند مبلغ بیست (۲۰) روپیه ازو گرفته میشود فقط .

(دیگر)

هر کس که در هر صنعت گری ، وکاریگری ، وفن پیشه وری ، وکسب تجارت از من معلومات خواهد و دریان کند بتوفیق خدا کوشش کرده او رهنمایی میکنم ومیفهمانم .

(المشتهر هریو اعلان فوق)

(پکر ناراین رهنمی) سند دار الجیر هروی وکاریگر معروف به (دو لیاقون والا) سرای عزیز در کابل (که) مدت سکونت دارم)

اعلان

کتابهای فارسی - انگریزی - اردو - و کورمکهی - پهتنا و غیره برای تعلیم اطفال بفروش میرسد .

المشتهر

(بانکرشن داسی مرمدری مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲) درشوی بازار کابل

(اسامی وکلای مادر خارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشتهدار ما کفالهٔ دولهٔ افغانستان . ودرهندوستان جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . ودرهرات جناب حاجی غلام یحیی خان سلجوقی چوت فرمائی . دولت گرامی که درممالک خارج افغانستان آزروی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهر یک ازین وکلای ما چنانچه وجه یکسالهٔ اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما بعنوانه اطلاع دهند از حاصل اشتراک ما بهمان آدرس گرفتار که داشته باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان وادع وروشن نوشته شود . یک فلای هفت انگلیزی ۱۵ (پنجاه روپیه کلدار است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 793 of 1786

شماره ۲۰ سال دوم

فهرست مندرجات

مبارکبادی عیدفطر - موعظه عید

(ختام سال دوم)
سرانجام الاخبار اقتاب

اخبار

مراسلهٔ خارجیه

مقالات فنیه

ادبیات

سخنان هر رقم

نامه های پاریس

تکمیل زنان جهان

علم ثروت مثل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 794 of 1786

اعلان

سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین

چندین فایده ها و شیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی و وسعت

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین)

پیشنهاد روز

چندین دوریه کابل یک مبلغ کلی را صرف نمایند این سیاحت را کویا (قیاس فوق) سیاحوریکه این کتاب اجرا کرده خواهد بود ! اهل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در نفس مطبعه عنایت که در دهافغانان است از تاریخ صد الزوی سرحساب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فی مشهور آفاقیست از فرانسوی بترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناولی نیست که در ناول فن جغرافیا و جغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) کتابخانهٔ مؤسسات شیرازهٔ جوانجت مطبعهٔ دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است . این کتاب نایاب را زود دست آرید و فرصت را غنیمت شمرید کسخهٔ های آن زود تمام خواهد شد و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هرنوع اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود در سرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابل و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک روپیهٔ کابل اجرت گرفته میشود اعلانیکه در متن ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی پنج روپیهٔ کابل و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه روپی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متناوباً یکسال نشر کردن خواهد و وجه یک ساله را پیشکی ادا نمایدد ورق یکتی را سر سطری سه اجرت گرفته میشود

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

و دو کتابچهٔ (غزا و اسلامیت) و (آیینه باد کره ۱)

(باجلد اعلا)

در اداره موجود است . آنرا وکسانیکه کل خریداری کرده میتوانند

قیمت هر (۲۵) بیست و پنج روپیه کابل

اعلان

اعلان یک اخبار هفته وار اسلامیست که در پشاور زبان پشتو وازدو شایع میشود . در موضوع سرحدی یکانه محافظ حوز مسلمانان است . شکایات و معروضات شانرا بگوش حکم میرساند . بعز و اخلاق و بین دین منصف آنهارا ترغیب میدهد . این اخبار در هر طرف دنیا یک رفعت عمومی حاصل کرده است در افغانستان ، بخارا ، امریکه ، افریقه ، چین ، ژاپن ، مدینه ، مکه روس ، شام ، لندن ، مصر ، وغیره بلاد مشتری دارد قیمت ثمن برای هندوستان ٤ روپیه سالانه محصول داخله و برای ممالک غیر ۱۲ روپیه کلدار است .

النشر

(میرافغان)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 795 of 1786

جمعه (۱) سال دوم شماره (۲۴)

مدیر و مسئول محترم
محمود طرزی

ادارهٔ جریان مطبعه
در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
جمعهٔ امورات تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله تذکره
با افغانستان داخله ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با افغانستان داخله ۱۲ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یکنسخهٔ آن دو شاهی کابلی است

تاریخ صدور یکم شوال سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگلیزی ۳ ستمبر تاریخ شمسی ۱۱ سنبله ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخلیه وخارجیه وسی مقالات مفیده درج میشود

سراج الاخبار افغانیه

عیدسعید مامن پدید فطرتا برهمه برادران اسلام وقارئین کرام خود مبارکباد گفته کسب فخر و شرف مینوده .

(موعظهٔ عید)

حمد بیحد نثار آن جناب اقدس یکتاء بی همتا جل وعلا که ما را بروی توفیق فرمود ای احمد نبی محمد المصطفی علیه افضل الصلوات و التحایا قبول و ارشاد فرمود . و در جهاد کوردن فریضهٔ صوم صیام مفترض الزام موفق وکامیاب نمود . و بکمالات آن یک عید سعید مامن پدیدی جلوه نما ساخت .

ای مسلمانان نجیب النسب . و ای قوم غیور بدین و ایمان ! بیائید و آگاه باشید که فضایل و کرمیات اقدس پروردگار ما از حد اعداد و است که شکر آن نعمای بی منتها از حوصلهٔ طاقت ما برابر بیرون است اولا به نعمت اسلام مشرفیم . ثانیاً همه ما یک قوم . یک دین . یک مذهب . ثالثاً آزادیم حاکم . رایات عزیزم نمطیر . پادشاهی داریم که از قوم ما . از جنس ما از ملت ماست . ملکی داریم که از اهل خود ما . از آبا و اجداد ماضی ما . از اولاد و احفاد استقبال ماست . پادشاه ما را برای عبادت رب معبود ما دعوت و تبلیغات میکند . ما به آن دعوت اجابت کرده رسماً حسناً معاً عبادت میکنیم . ما حالات آزادی وطن خود هستیم . ما حالات ساکنهٔ آزادی میباشیم که همه حقوق دینیه . مدنیه . سیاسیهٔ ما آزادانه پادشاه مقدس خیر اندیش ما در محافظهٔ آزادی و حاکمیت ملیهٔ ما حیات بالاتباهات همایونی شانرا مصروف میفرماید . در دربارهای نام ذیشان فیض رسان مارا خود رای آزادی ما دعا میکند . بلسان مبارک خود مارا وجود خود اولاد خود خطاب فرموده در مقابل مدحیات و مطالبات اجانب استشراک رأی و افکار ملت خودرا اعم میشمارد . این از جنان نعمتهای نیست که قدر و قیمت آن در چیز حساب دارد . دیگران به تیغ بازی و خون ریزی بر چیزی که موفق شده اند برای ملل خود بخود میر شده است

ای برادران وطن ! به بینید که ذات اقدس آفریدگار ما چه خوش وطن صفا پیرا این دولت مأبی را احسان فرموده . کهسار های سر بفلک کشیده بر گرداگرد وطن مقدس ما استحکامات طبیعی خرقه نمایی تشکیل داده . نهرها آبشارها چشمه سار های خوشگوار لطیف الجریان جوشان و خروشان هر طرف مملکت مارا سیراب و شاداب نموده . اراضی ما از همه نوع زراعت گرم سیر و سرد سیر ما محصولات میبخشد . جوز . پسته بادام صنوبر سیب . انجیر . انار . انبرود . آلوها . انگورهای رقم رقم ازمیوه های سر درختی مملکت ما کزمین پاک وطن مقدس ما بصورت بسیار ارزان و فراوان هزارها هزار خروار برما می افتاد . گندم . جنگر . برنج . جواری . وجمیع بقولات و حبوبات از محصولات زمینی ما ست کهبست پر کرم حالت زمینهای مارا با آن مساعد و آماده داشته . معدنها و کانهای تانبگر و کانی که خاک وطن مقدس ما در سینهٔ ثروت دفینهٔ خویش جوهر نگاه داشته بیداری از آنها کاری دیگر محال حسرت کش آنهاست . اهالی ما

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 796 of 1786

جان استعداد ودقای خلقی وطریق ترقی را سالت است کدام هیچ مانی پس نمیاند . دین مقدسی که پیرو آنیم بارا دهه خوبیهای دنیا و آخرت سابق وزهبر است . پادشاهی که حامیت و رفیق آن مظنظریم غیر خودی ما و آبادی وطن مادکر آرزوی ندارد .

چون چنیست : آنها چرا پیشه ترقی بی کار بی صنعت مادمایم ؟ آنچرا ازمیا ، وکاها ، وبره محصولات ومصنوعات ملک خود بدرجهٔ هزار عشر مالهای دور وزدیک خود استفاده میتوانیم ؟ آنها چهار چشم دارند و مادو ؟ آنها چهار دست دارند و مادو ؟ آنها دو کله دارند و مایک ؟ آنها دومغز دارند ومایک ؟ نی ، چیزی که آنها دارند مانم داریم . چنانچه آنها انسانست مانم انسانیم ، پس شما چرا از حیوان یک اینچی کرکه تاسیم تلگراف هزارها کیلومتری پیر چره آنها عتاجیم مانم زراعت میکنیم ، بلکه اراضی ما نسبت باراضی آنها قابل تر ومستعدتر است ولی هزار افسوس کما ازازمین خود نصف محصول آنها را دریافت میتوانیم . مانم تجارت میکنیم ، ولی چه فایده که بجای نفع بوطن خود ضرر میرسانیم . مانم معدنهای توانگر داریم . ولی نه آنرا میشناسیم ، و نه دست زده میتوانیم . وا کردست بزیم منفوری میکردانیم . ازاروبقول انشاعی که بگویند معدن درمملک شایست قانع کردیده تسلی خاطر میکنیم .

ای هموطنان دانش قرین ، ای هم ملتان همدین و آئین ! بدانید که اینها نیست مگر ازبی علمی ، وبد اخلاقی وبی دینی ، وکاهلی ونادانی ما ! دیگران بعزم وثروت پیدا کردند ، زیرا علم است کهظیرا توانگر میسازد ، بعزهر وصنعت آموختند ، زیرا هیچ هنر وصنعت بیعزیش نمیرود ، ما تاکو سست رفتار قولمیدانیم علم است که ماشینهای زراعتیرا ایجاد واختراع کرده بکان آهن آنرا مدریک کر درخاک فرو میرود وتما یکجریب زمین خودرا قابل زراعت سازیم عزده برابر زمینهای مارا قابل زراعت ساخته محصولاتش رادچند میسازد ، بی اخلاقی مارابا هم دشمن ساخته تاهل وقابل مارا ازسعی و کوشش وانداشته ، پادشاهیرا برای تحصیل وتربیهٔ اولادهایما مکتبها بازمیکنند ، ماولادهای خودرا بکره دران داخل میکنیم ، تون کران مانیا آدوخی زر وپیار را درصندوقها توانکری میدانند هیچیک جوانمردی پیدانشد که یکچندی ازان اندوخته کرای خودشارا رکشادن بانکاب مکتبی یاتأسیس دادن یک کتبخانه یاضرور ساختن یک جفاولاد وطنی صرف نماید . آیا حب وطنی فرت دل همین است که مادارم ؟ حتما ! حب وطن اینست کهوطن خودرا ازدستبرد دشمان وطن خود که مترقب فرصت نشکه دارم . نگذاشق آن میر نیشود مگر به آلان مداقت یعنا کر متعلد مزدوری یاک توانکری یکچندی مجبور ازاز دهرازان بن سکما ، یاساختن زیاوا وزیلانها دچار کناه است که نابکوئیم ! اوزرها را خدا بر نکاهد خصوص

تودهٔ مسلمانان توانا فقر آچرا اینقدر اذهکر آنها نان وسایل حیوانم ! اگر چنین میبود چرا اول مسلمانان مشعل دار تمدن وعرفان شده نبودند ؟ بکار تاریخ تمدن اسلام اینظر غور ملاحظه نمایید چیزیکه اسلامیرا بوجود کی نهاده . عدا کر متعلم اسلام ملاک بود ، حق ودیانت واخلاق حسنه اسلامیانک بود . عمارت صنعت ، زراعت ، تجارت ، دراسلام بود ، علوم وفنون بدرجه دراسلام شایع بود که هیچ ملی ازمال نداشتند ، هرچیزیکه دیکر مان کرده ازاسلام کرفته ، پس چرا چنین شد که ما مالا هیچ نداریم ودشمان دین ووطن ما هرچیزی دارند ؟ آیان یک درده جانکاهیست که اسباب حقیق آنرا صاف صاف کفته میتوانیم ! پارسال (بنام فرقواسلامیات) و (آیچپاید کرد) بانددو رساله ناچیزانه هدیهٔ مراج الاحرار افغانیه کفته طرح ونشر نموده بودیم وازبعضی اسباب اهمالها بصورت اجمالی بیان کرده بودیم ، ولی چسود ! درحالیکه ازدوسه عصر بایتطرف هرچه کفته شنیدیم همکی عبارت از لغوی خوابانیدن ما بوده بالنده یک آواز ودو آواز چنان بیدار خواهیم شد ! ....

ای برادران دین واجان وای هموطنان باطل و اذهان ! این است که بعداز بلندشان پرفیض واحسان یک دوسه تورافشان و درخشانی زایل وسزوار کردیم ، پادشاه مهربان محبوب القلوب خود روزه کرفتیم ، افطار کردیم ، نماز خواندیم ، ختم قرآن عظیم الشان نمودیم ، حالا نماز عیدفطر را بیکدیکه وسطوت وشوکت اسلامی ادامیکنیم ، قدر و قیمت این نعمت را بدانیم ، چون تکرار وتذکار ازدیاد پیدا میکند ، هرسال خودرا سالهای پیش واصلا در آغوش کنیم ، بصناعتها و معالمه های همدیگر قوهٔ جاذبهٔ الکتریکیت بوجود ، واتفاق و اتحادرا در دایها وبیکرها و حوای خود قایم ودایم نمائیم . اتحاد و اتفاق اقوام وقبایل وعشایر عقلمه ملت نجیبهٔ ما دروقت حاضر ازاهم امور ضروریه میباشد ، زیرا بلندمرتبه موسی که درحفظ وطن مقدس ازلسلط دشمان وطن باشد همین است ، ما هیچکاه ازشر دشمان شمال ، وشرق جوابین نیاوبدایم ، وا زطرف واخلاف درما باشد دشمان ما زودرما دست خواهدیافت ، پادشاه خودرا وطن خودرا ، شرافت ملی خودرا بدل وجان وایمان ووجدان دوست داریم ، پادشاه ، وطن ، ملت را وجود واحد ، بدایم ، پادشاه محکوم و مشروط در اسلامیت دیده نشده ، و علی الخصوص به امر به وطراع مال شرف ، هیچ توانی نیکند حکومتهای اسلامی که بین کار اقدام کردند هیچ پیروزی ندیدند . آنهارا درس عبرت دانسته باشد ، وطن ، ملت را وجود واحد وبا کا متحقق بشناسیم ، اصلاح و خوبی وهدایت آنهارا ازدرکاه آلهی بزاکیم در اخلاق حسنه کوشش ورزیم ، اتحاد ، رشوت کاری مالا بهی اجتناب کنیم ، هر یکدوجود کفته بترقی وصنایع وتجارت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 797 of 1786

و زراعت و عسکری کوشش کنیم ، و بهمه اسلحهٔ که دشمنان وطن ما بدست دارند مسلح شویم .

این است که با جود یک نه واعظیم نه خطیب وله علیم نه ادیب عبد سعید فطرتاً وسیلهٔ حسنهٔ انتخاب کرده سر نامهٔ این شمارهٔ (۲۴) سال دوم خودمانرا که قدمهٔ آخرین دوساله شدن این روزنامهٔ خدمتکار وطن مقدس ماست بهیئتدر یك موقعاً که خواه خوب بداند یا بدلاتبودیم ، وچاکره وظیفهٔ عالیا وخطا ووسائط ماهیاست که ملت را از احکام دینیه واخرویه آگاه دهند وپند و نصیحت کنند همچنان وظیفهٔ قلمیهٔ یك روز نامه نگار وطنی نیز همین است که ملت را بر حب وطن بیدار نماید ، ومنافع ومضرات وطن را آگاه میتواند ملت نشان بدهد . اگرهمه چیز را گفته نتواند هاقدر چیزیکه گفته میتواند باید بگوید بعد از ان الله کریم . علیه توکلت وهو رب العرش العظیم .

﴿ ختام سال دوم ﴾

(سراج الأخبار افغانیه)

روزنامهٔ وطنیهٔ (سراج الأخبار افغانیه) باین شمارهٔ بیست وچارم خویش سال دوم عمرخودرا به انجام رسانیده سر از شمارهٔ آینده بسال سیوم قدم مینهد . دوسال کامل شد که قلم بحز رقم نکشت اگی توأم (بخود طرزی) وظیفهٔ خدمت قلمی خودرا بسایهٔ عرفان پیرایهٔ ذات معارف صفات اعلیحضرت (سراج الله والدین) پادشاه معظم ترفیخواه عدالت آئین خود بجائی آرده ، ودین اسلامی وظیفهٔ خود شکر وثنای باری عز وجل را ادا مینماید .

(وظیفه) مقدس است . وظیفه راندن اد بلاغ وطن عزیزما (فرض منصی) میگویند که به اصل موضوع کلهٔ وظیفه چندان مطابقی ندارد . اگرچه برای کارهای دولتی لفظ فرض منصبی صحیح است . ولی وظیفه یك شرط وعهدیست که انسان وجداناً ازا برخود لازم گرفته باشد . وظیفهٔ مقدسهٔ قلم بحز رقم (بخود طرزی) که دنیاو ووجداناً خدمت آگاهی وبیداری ملت نجیبهٔ خودرا درباب حب وطن ، وحفظ واحوال زمن بردهٔ عاجزی علاقه گرفته است اگر چه بسیار موزانه باشد باز هم ناپکدر ، انشاء الله بر ایفای وظیفهٔ خود کامیاب آمده خواهد بود .

در طرف این دوسال هرانچه توشته ایم از قدسیت دین خود وطن خود ، پادشاه خود توشته ایم هرانچه گفته ایم از ترغیب وتشویق ملت خود بر قیام داشتن دین ، بر تحصیل علم وهنر بر محبت پادشاه ووطن گفته ایم . اگر چه بهیچ خاسته ایم که بجز بعضی خواص هیچ کس بخواندن این روزنامهٔ خدم وطن رغبت هم نموده بود اگر همچنان پیچیده در گوشهای طاقها فرسوده شده مانده ، ولی آنکه کسی زان یك نظری بیفکند یاخاطردرش خودساخته ، وآنکه برای مسالهٔ دینی خودازان چیزها یافته ، بعضی که خوانده اند هم بران بث خواهند که باش چنین که چه نقصان وقصوری دران پیدا کنیم کاسنگهای ایراد وانتقاد سنگبارش کنیم ، بعضی (هر دلیرز نیست) گفته یکجویش افتکنده اند ، ولی آنچان صاحبان عرفان را هر بینیم که از جملهٔ اول آن تا بسطر جملهٔ آخرین آن به بسیار شوق ورغبت وگاه گاه خواهش وعشق ، مطالعه کرده اند ، واز هر مقالات آن یك جهان استفاده نموده اند ، واز یك نسخهٔ آن تا بچهار نفر دیگر نسخه اش به انتظار بسیار شدیدی مانده اند .

همواره ماه از عدم رغبت گفته کان آن مأیوس شده ایم ، وه ازهوس راغبان آن خشنود ، بلکه دایما وظیفه راهقدس دانسته دران میدان کمیت خامه را در جولان داشته ایم ، وبهیئت خالصانهٔ وبیغرضانهٔ وسعی وکوشش صمیمانهٔ وخیرورانهٔ باحال برایفای وظیفهٔ خود کامیاب آمده ایم . وابنهمه نیست منکر از اثر فیوضات عرفان پروری ذات اعلیحضرت پادشاه ترفیخواه دولت ، اگنشاه معظما که این احقر باعث بزار ازین آرزوی عرفان پروری شاهانهٔ شان استفاده فرصت نموده امتیاز امتیاز این روز نامهٔ وطنی را بدست آوردیم ، ودوسال کامل به نشر آن موفق گردیدیم . وامید است که بسایهٔ مرا آیه معارف پیرایهٔ همایونی اکرما بقایم بادایم این روز نامهٔ مبارك تابسیار سالها بروظیفهٔ خدمت دولت وملت ووطن پایدار بماند .

بالسخه‌های سال اول خود دو کتابچه یکی بنام (عزوالاسلامیت) ودیگر بنام (آیجهاد کرد) هدیهٔ قدردان گانه خدیم اعظم ولی الامصار نموده ، ودرباب تأثیرات آن منتظر بودیم که آیا رطباع خوانندگان کرام ما چه گونه تأثیری خواهد بخشید ؟ آیمقبول ، یامهجورش خواهد پنداشت ؟ چون هیچ صدای وندای درآنباب نشنیدیم پاخود گفتیم که چون طباع هموطنان عزیزما اکثر بشعر وآثار منظومه میل وهوس دارد ، حتی تحصیل ابتدایی بزاز کتابهای شعر وغزل آغاز میکند لاجرم در پایان یك دوانچه غزلیاتی بنام :

(ادب درفن)

درنام مطبوعات وطنیه درپیشگاه انظار شاهین عوالم ادبیه وفنیه بعرض عرض رسانیدیم . (ادب درفن) ادبیات را فنیات آمیزش دادنیك جلبهٔ غیرمزجی ازان بوجود آورده گا گرچه درفن ادب یك جرأت کستاخانه شمرده میشود . ولی بارفحوای (الجود بالوجود) خزانهٔ طبع افلاس آلود بخود بحز همین جزیزه‌ها دگر موجودی نداشت . لاجرم هرچه بداده گفته ، وتوقعش خطایای آنرا بعفو پوشی اظرافارباب کمال حواله کرده عرض وتقدیم نمودیم . ومن الله التوفیق .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 798 of 1786

(مقاله)

درین آوان سعادت توامان که عصر ترقی حضر اعلیحضرت امیر کردون مسیر سراج الملة والدین دام ملکه که بیمن ورایا از فیض وجود میمنت آلود وبسیار بناهای علم به مرتبه معدلتش رواج و رونق پیدا کرده است وطن امن مامن سعادت مسکن ما (افغانستان) بترقیات مادی ومعنوی ورقعات کلی وجزوی سرو سامان گردیده است وچونکه اهالی وطن عزیز ما دوز باین اقدامات مدنیت پرورانه نوع نوع آشنا شده اند شوکت بیمات اعلیحضرت پادشاهی بحکم الناس علی دین ملوکهم بانس نفیس شاه خود اجرای عملیات آن نموده زمانی سادهٔ خود را آهسته آهسته باین جانب رافع میسازند چنانچه اگر درین ایام بوقت عصر کسی بطرف دشت قوی باغ رفته نظر اندازد چه خواهد دید ؟ دشتی که سالها مجز چشمه مهر دوتی چیز سراب هر چشم ندیده بود امروز از آبیاری عدالت اعلیحضرت آفتاب جناب سیراب گشته گردی از غبار اندوه وملال بخاطرش نمانده است

مسکن عالیشان فرحت ـ مأمن جهان جهان رفاهیت بدوطرف دشت واقع شده است چو گیهای چهار طرف برای اهالی وطن مقدس نصب گردیده وطرف دیگر هوتل رفاهیت منزل وبنای خیمه عالی وار برای ذات مقدس صفات شاهنشاهی برپا گردیده است پیش روی این دو جای باصفای برای بازی تنیس ساخته شده است بعضی مشغول بازی تنیس وبرخی مصروف بازی گلف که درآن خود اعلیحضرت جهانیان کامگار نیز چوگان مدنیت دست گرفته گوی از حریف بردن امل سابقهٔ کارشان است !

اگر یک خود غرض هرزه دراق زبان طعنه گشاده این اوضاع انسانیت پرور را ببیرها بعد از عقل دور می شمارد زیرا که این اوضاع اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب بالاتر از اعتقاد کامل در رعایای صادقه خودشان میباشد که الهی روماً فیوماً فزاید باد رب العباد

واگر بغاوت جارا ازین باعث می پندارند دلالت برخطا عقل اوی کند زیرا آیا در عهد امیر کردون مهد حضرت سراج الملة والدین هیچ بغاوت سر زده بود آیا هیچ فسادی روانشده بود ؟ بسیار ! .. ـ پس چه جای پاوه گوئی ! ..... ـ

اعلیحضرت فقید مرتبت امیر بنظیر حضرت سراج الملة والدین آنچنان پادشاه دیانت آگاه اند که بجای لشکر پرهم مداخله می نمایند چنانچه بغاوت ملکی که اکنون الحمدالله هیچ پی اطمینان در انجا معلوم نمی شود شاهد قول ماشده میتواند

پس بسخن پاوه گویان خود غرض گوش نکرده دعای عمر وعلای این خدیو کامکار وخسرو نامدار که ذات سامیش موجب ترقی وتعالی دولت علیهٔ افغانستان است ازصمیم دل تمائیم

توخیرالدین خلق پس دعای تو چنین باید
الهی هرچه هر خلق الورا می هان یی

از معرون اداره (عبدالهادی)

اعلان

چون کاغذیکه سراج الاخبار افغانیه بران چاپ میشد تمام گردیده ، ودرین کاغذ موجوده اصلا دریک چاپ شود هیچ یاد رونق نمیکرد لهذا تا موجود شدن کاغذ این شماره و شمارهٔ گذشته مابدون تصویر چاپ گردید .

خواطر خارجیه

اخبار اسیا

حق به حقدار رسید ، در چشم برهم نجاوز کنندگان خاک کوری کشید ، یعنی (ادرنه) بنام دیگر (ایدرنا نوپل) ازطرف صاحب ومالک حقیقی آن فتح واستر داد گردید . (سراج الاخبار افغانیه) بتمامیوم برادران اسلامی خود هریان وهم آوازشده برادران عثمانی خودرا ازصمیم دل تبریک میگوید .

بخار هائیکه کردار پای که کاشته بودند دروبدند ، هرملاک و بالاهای که برمسلمانان آورده بودند به اشدترین آن گرفتار آمدند ، برای خرابی دولت علیهٔ عثمانیه چوان وضرب وقرضه طلاع را بازی داده وبالهای زرد وسرخ به آنها انتاداده ، بر وحیات بالخود خلق وبجانبهای خونریزی وسدای بالخود تریک نمود .

حیات یک شجرهٔ خبیثه است که هیچگاه مانند اخلاق یک ثمرهٔ حسنهٔ نمیدهد ، نتیجهٔ اخلاق رحیات ، لابد به شقاق وطاق بدهتی منجر میشود ، بزدانی که بدزدی ، رهزنانی که برهزنی ، قاتلانی که برقتل انسانی دراول باهم اتفاق میشوند علی الاکثر در آخرکار اتفاق شان بطاق وانشقاق تبدیل یافته است ، این بود که این جانیکاران ازبند ازقتلها ورهزنیهای که درسرحدات عثمانی بکار بردند دروقت تقسیم باهم راست نیامده روزی همدیگر تیغ کشیدند ، زیرا مالیکه بدست آورده بودند خیل گرانبها وقیمتدار بود ، هرکه بکلهٔ حیات بهی بخار را حرص وطمع برچصورت نیکشانید که برخودش دیگران قایل گردد ، آنها برین قایل نبودند که بعدازین همه جانکنیها آن لقمهٔ نرم وشیرین را تنها برای او واگذارند ، رومانیا که از آغاز جنگ طرف فرصت لقمه دهای بود این اختلاف راجین مغتنم دانسته از گیشگاه دفعهٔ برجست ، ویک برندگی بکار برد که ازهرجهت برای خودش نافع وسود مندبود .

بخار اگر ترقی ووسعت پذیرد بسبب هم حدودی مضرتهای بیشمار برای رومانیا بوجود می آورد ، ازاروالدیشید که این فرصت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 799 of 1786

اختلاف متفقین را از دست نباید داد. درساید این طرح بازی شاه بلغار را در جار غاله بات، دوالیهٔ پوکان، دورهٔ ضرب بیدقی رانی ما پشگروورا به آن متوجهٔ بلغ. فرزین عمالی که ذاتاً شاه بلغاری را قول بند واشن تعجیل رومانیا را السیلات اخلاقی بخشیده هلدم حرکت آغازنهاد، وبیاک راندن پیاده، وبالکشت دوالیه، چاشی مات نمود که ازحیات دراوراق نماند.

بهاین حرکت دلمتفقین اورا از پست آورد، عمالی رابز دون معاونت خود ساخت، درهین زمان ممالک‌متحده و ارانی زادی از پست آورد، واصل مقصد و مدعا که بزرگ نشدن بلغاریست حصولپذیرآمد که قاعدتاً ازفرصت استفاده را رومانیا بهسیار مهارت وحسن صورت درین باز یکه پرچشتاب اداره توانسته است.

مجلس انعقاد صلح بز در (بخارست) پایتخت دولت رومانیا منعقد گردید، و بکمورئی نمودر حرج مفاکرات سیاسیه بعمل آمد که تاکنون هیچیک اختلافی‌نمیم ومعلو مداری دران دیده نشد، اگرچه بلغار و اولادی بسیار درباب حالی کردن عمالی ادرنه را برقاومام نصرانیت پرزاهود ولی تاکنون هنوز کسی‌ران واولادها کوش نهاده است، دول معظمه هرچه که گفته‌اند میم و غیرمعین گفته‌اند، ذاتاً اگر دول معظمه درباب فعلاً اشتراک فعلی‌نمایند روشتن یک‌مکالمهٔ بزرگی دران متصور است که نتایج وخیمهٔ خواهد بخشید.

و الحاصل درووقت حاضر چیزیکه موجب فرحت و مسرت مسلمانانست همانا تسخیر واستیلاء ادرنه است که دولت علیهٔ عثمانیه بدرجه و مهارت تامی آرا پس بچنگ آورده است وولیعهد سلطان حضرت یوسف عزالدین افندی، وپسر بزرگ اعلیحضرت سلطان‌المعظم شهزاده ضیاءالدین افندی درالحاح غزت نموده درجوامع بزرگ سابقه که ازعصرها به‌اینطرف بپایک آنان عجدی (سل) بلغاریانها دران‌خوانده‌شده‌بود وموقتاً صدای ناقوس دران‌نواخته شده‌بود بروبارو بپایک‌جامع‌عظیمه اسلامیهٔ باز خواهده شد، اللهم انصر من نصر دین و اخذل من خذل المسلمین آمین

(پایندی شریعت اعلیحضرت امیرصاحب افغانستان)

محضر معزز ومحترم ما اخبار (اللئیر) بعنوان فوق چنین مینویسد:

درتمام هندوستان بالعموم ودراکثراضلاع صوبهٔ سابالخصوص این رسم قبیح واین طرز شنیع رائج و جاری است که در موقع مناکحت مقدار ومبلغ مهر چنان بسیار معین میشود که درووقت ادای آن نه صرف عرس‌ی بلکه اگرورثای فریقین‌هم متفق‌شوند تکمیل آنرا گرده نمی‌توانند مثلاً اگراوقات مشاهده می‌شود که شخصی که ماها بیست روپیه هم داشته باشد درووقت نکاح مبلغ مهر پنجاه هزار وتک ویکهزار روپیه مقرر می‌شود ومتعاقبه هنوز خودهارا قدری مهذب واصلاح یافته می‌یابند باوجود تقرر بیست پانصد وهزار روپیه‌مبلغ مهراحسان عظیم‌ومنت کثیر وفراق عرس میگذارند ـ ولی محترم محفل سراج‌الاخبار افغانیه تفصیل را که درباب مناکحت همشیره محترمه اعلیحضرت امیرالمعظم بادیرهٔ اعلیحضرت امیر دوست محمد خان مغفور جناب سردار محمد یونس خان شایع نموده ازان مبین می گردد که اعلیحضرت امیرصاحب مقدارمهررا صرف مبلغ بیست وپکروپیه کلان مقرر فرموده اند. آیا درچنین فریقین جلیل‌القدر مبلغ حقیر بیست‌و یکروپیه کاین گندم درجه تمار و امتیازرا مالک میشود؟ وازقرار مقدار و درجهٔ مهررسم هند وستان شایان و سزاوار شان این چنین زوج وزوجه جلیل‌القدر لازم بود که مقدار مهر مبلغ بیست وبک الف روپیه و جواهرات و املاک بیشمار مقرر میشد مگر اظهار شان امارت بامیر واسطه وروابط ندارد واین سبب درین موقع صرف برمهر شرعی اکتفا ورزیده شد ـ ای‌کاش مسلمانان بغیر ازشریعت که درهندوستان میباشد ازپایدی شریعت اعلیحضرت سراج‌الملةوالدین امیرالمعظم پندگیرند ورسم بدزیادی مهر که رواج بلغه آوارگ نموده ازقرار مهر شرعی مقدار ومبلغ آنرا مقرر نماید فقط

(ازعرض اداره محمد عبدالرحمن مترجم)

(سراج‌الاخبار افغانیه)

این بیانات رقیق قرز معزز ومحترم ما (اللئیر) بسیار صحیح و بامواست پیش ازین در وطن عزیز خودما بزمان عادات بد وبارواج افزونی مهرنکاح بهمچنین افراط طلبی های غیرشرعی مروج‌بود وفیقات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس مابک قانون نامهٔ بسیار متین در باب وضع نموده مهرهارا بیکدرجهٔ معین ومقرری تحدید فرمودند که در بیوقت حاضر هیچکسی از همان حد معین درمهر تجاوز کرده نمیتواند. انشاالله درشمارهٔ آیندهٔ خود مفصلاً ازین مسئله بحث وبیان خواهیم راند.

(ضمناً مکتوب از پشاور)

واقعه کانپور

پشاور ۱۵ رمضان سنه ۱۳۳۱

جناب محترم والاشان من امید است که آنصاحب از واقعهٔ جانکاه وانهدام مسجد مجلی بازار کانپور وفدا کشتن چندی ازمسلمانان اسلام بدرجه اخبارات واقف خواهند بود ـ جناجه دراین باب درهیقربه وهرده ومرتهر هندوستان آزادی اسلامی است اظهار غرت وتاراضی می نمایند وجاجا تائید وهمدردی شهدای کانپور جلسها منعقد می شوند وبرای وبن ماندگان شهدا وهجروحین وخرج مقدمه جاجا مردمسلمان چنده میکنند ودرای مدد شان میفرستند ورگورنمنت هندی وایسرای هندیهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 800 of 1786

کار برای توجه دولت بطرف این مطالب عرض میکنند. همچنین دیشب از یک جلسه خطابی همدردی باید بیوم جمعه گذشته منعقد گشته که روداد آن بنظر اطلاع آن مکرم و مسلمان آنولا عرض می شود یوم جمعه گذشته ۱۲ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۳۹ بعد از اختتام واقعی نماز جمعه در مسجد کنهیان یک جلسه خطابی باشاره و همدردی شیدا و هجرو حین و اسیران کانپور و بنظر اظهار غیرت و کرامتی و مسلوکی و کوشه اداری گورنمنت صورتحال شده معلوم شد — درین جلسه تعداد مسلمانان تقریباً پنج یا شش هزار بود — بعد از تقریرهای شده رجوش که درین راظهار همدردی عمرانی مسلمانان و شیدا و هجرو حین و اسیران کانپور و قرین رحکام اولاً بود این تجویز قرار یافت که از طرف مسلمانان سوبه سرحدی خدمت وایسرای هند بفرستاً تار عرضداشت نموده شود که جمله مسلمانان هند عموماً و مسلمانان سوبه — جاری خصوصاً واقعات کانپور و بعضی کاری و زیادتی وی النسانی و ظلم و تعدی گورنمنت صوبجات متحده سخت اظهار تاسف و ناراضی می نماید و عرض میکند که ازین همه فساد و خونریزی و هجرتی مسلمانان بالجمله غالب کاری و کوشه اداری حکام زیر دست می باشند — مسلمانان سرحد سوبه به دیدار ادب جناب وایسرای ممدوح را به این طرف توجه میدهند که درین باب عدل و انصاف را متنظر داشته ظلم و زیادتی که حکام کانپور بهمراه مسلمانان بعمل آورده اند خلافی آرا نمایند و ایسے یکه درین وقت مبتلا نگذارند رهنما بوده شوند و هجرو حین وپس مانده گان شیدا را دلجوئی تسلی کرده شود و حکام زیردست از انتظام گورنر [illegible] تبدیلت یا ازین سوبه تبدیل شوند و یا موقوف — فقط

بعد از جمله این قطعه اضافه نموده اند که اگر گورنمنت عدالی بازین عرض ما گوش نگذاشت باشد تا انتهی سعت دولتگی مسلمان هیچ عدم و اندیشه نکنند و بهم اراده بردباری از حد نگذرانند و بهم اتفاق گورنمنت را بجا دارند —

بعد از اختتام کار روائی جلسه برای رسانیدن شهداء هجرو حین و برای خرچ ماندگان چنده نموده اند چون مرد از نزل موش و فهمه از هم رفته و نه اگری کچهری داشتند جامه های خود را بطریق چنده فروش نموده و در اندک مدت مبلغ کثیری جمع شد

ایکن این قطعه سزاوار تاسف تحریر میشود که درین باب مردمان دولتمند و ارکان را هیچ دخل نیست و تاهی درجن مجالس و مجامع از کون موقوف مناسب خود و بنا بر مجبوری و عجز حواسی سر کار حاضر نمیشوند اگر ایشان درجن جلسه ها حاضر می آیند که باعث خبر حواهی سرکار و همدردی و خواری قوم باشد زیرا کارپردازان آرکار ترقی مناصب خود میدانند افسوس است بحال بدی چون پیشرفت کردم تمامی جوفروش که بعوض دیانتی را فروخته و در اوقات نماز بخدمت قوم مصروف میشوند

در این جلسه تاثیای که نظر کار میکرد هر مردم خوار و پیشه ور و غربا بودند یک متمول و اهل مناصب بنظر نمی آمد افسوس است علاوه بر این باید که خود را از خواب غفلت بیدار نمایند و خود را از جنگ و فساد دنیاوی علیحده نموده و برای خود جنان افراد قوم پیدا کنند که باعث فوز دین و همدردی و دردمندی ملت و ناموس دین باشند فقط والسلام

امتا

* * *

ای این قطعهٔ تحقیقات درهیچ کجا نیست

سراج الاخبار الله یه

از زمانها است که این حکم و ایهام در جنگ عزیز ما زده و معتقد شده آمده است که قانون دولت انگلیز دنیت بقانون دولت روس بدلاتر و مفیدتر است و چنین پسندیده شود که چرا میگویند که قانون دولت انگلیز در امورات دینیه و احترام جوامع اسلام و معابد غیرون شان خیلی مساعده کارانه و مدارانه و دون از انصاف رفتار می نماید و دولت روس درین باب بشدت و درشتی و تعصب زیادی حرکت میکند —

ببیان های افسوس است که درین اوقات قضیه را بالعکس مشاهده میکنیم — یکبار می شنویم که مسلمانان مملکت روس اتفاق کرده واقعه جمع نموده در پترسبورغ که پایتخت دولت روس است یک مسجد بنا نموده و دولت روس به انها اجازه حتی مساعده هم نموده بازی شنیدیم که در فلان شهر روس دولت روس برای مسلمانها مکتب باز کرده — درین روزها شنیدیم که مسلمانان شهر (کوشنجه) که در زیر اداره حکومت روسیا میباشد جامع مدرسه بانموده خود بدتاه روسیا باشکوه و بیاری از اقمشه برای رسم افتتاح آن حاضر شده به احتفالات تمام رسم افتتاح را اجرا نمودند هزار افسوس که دولت انگلیز درباب مسجد کانپور و خلاف مسلمان که پشتی نهاد خود داشت حرکت نمود و تمام مسلمانان را به انچرک خاطر خود دار آزرده و متنفر نمود — ولی هیچ شبهه نیست که این معامله از سوء اداره ماتحت و رئیس بلیه آنها بوقوع آمده باشد — زیرا که این یک خطای سیاسی که برای یک پیروناب سرکار بلیو با خوش رعیت خود را از خود متنفر گردن خلاف عقل دیده میشود —

ای هموطنان عزیز از شکوه و شکایتها دست گیرید، هر موی بدن خود را زبان ساخته شکر آزادی وطن خود را ادا نمایید — به یاد دارید که اشارت چه کلمه ها بار میدهد —

(ترجمه اخبارات انگریزی که ازطرف)

(ترجمان بنات العلوم اداره رسیده)

انتشار انواع اخبار به خلاف وقع دارد این امر میباشد که آن بر دماغ عوام اثر کلی دارد که آنها را از آن امر برای بودن از خط ایمون و وفا لازم ضرور خواهد کرد —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 801 of 1786

(سراج الاخبار انطباع)

بکدام حق و انصاف تصور خواهد کرد آیا دروغی چنین بلعاربه زشت خویش جرأت کند و ورا بر جمعیت ازین نامی مجبور نمود.

اخبار لوو و برلا میگوید که فرانس بروی توهمات و خیال باطل میباید — و معاهده روس و فرانس را باطل میکند — ضرور است که در ربط معاهده مذکور نظر ثانی کرده شود.

اخبار وچ روس میگوید که فرانس در باب حکمت علی تصریه روسیه خیالات فاسدی و هی را توهه داده انتهی کذا فی الاصل فقط

اظهار مسرت وشادمانی یونان

شاه کوندستانین موسیو ویزیلوس را آماده بیادری اعمال مقرر کرده است و حکم داده است که به اظهار خوشی بر خانه صاحبخانه در جمیع قلعه جات یونان یکصد و یک تیر توپ کرده شود — خوشی و خروش و اظهار مسرت وشادمانی در اینجا حد و اندازه ندارد —

اپیرز — شاه گوندستانین حکم داده است که جمیع قلعه جات یکطرف از دانیال الی ساو نیکا و طرف ثانی از جانیال الی بحر اونیانوس ۱۰۱ تیر توپ بکنند —

اخبارات یونان از اظهارات صادقانه و ولا عاوانه محمومیانه وشادکردستین زاده اخ عظیم الشان میکوید — انشاء الله وتیکه او در دارالسلطنت وارد خواهد آمد خوش و خروش و سرکرمی تماشا کرده خواهد شد —

کوائف ـ هند

از وزیرستان رسیده رپوت کمیت طیب وطرب خان بن الاقوامی رسیده در حال رسیده رپوت مذکور بیان میکند که بتاریخ ۳ ماه اکتوبر محسود بیتکاه وتوری خیل برای تصفیه تنازعات باهمی اجتماع بزرگ خواهند — وتیکه طرفی قوم محسود در قریه آباد توری خیل رسیدند اشخاص غائب موجود از برای حفاظت قریه جات خود رونه شدند چرا که خوف بیدا شده بود که قوم محسود بر قریه جات آنها حمله خواهند کرد — چنانچه آنها کلوله باری را شروع کردند وجنگ تمام شب الی صبح جاری ماند — پرای امدادتوری خیل مزید خیل ومدد خیل از قریه جات قریب وجوار رسیدند چرا که آنها از پیمراه محسود سنیکاه دشمنی وعداوت داشتند اگرچه اندازاً تخمیناً تا سی مقتول می باشد مگر تقریباً ۲۶ نفر کشته وچند نفر زخمی شده اند — این تصادم عظیم غالباً بین

سبب جرمانه شده است که اقوام وزیرستان در این ایام تمامت طرز جدید اکثریت دارند فقط

سراج الاخبار انطباع

شاه انگلستان از بکوه کشور کنیا بوده رسید — بازی سوزدان بادل وحاصل پی پوزند که در انگلوستان تمامت رای چیست وبه این خوش که ما بیادری کردیم است بر زبان وحیوانات

حالات مسقط

از مسقط حالات جدید رسیده است و آنها این که سلطان درفرو کردن بغاوت عمان تابحدوحد کامیابی حاصل کرده است مرکار هند بدین معاونت مستحق شکر خاص سلطان مسقط میباشد چرا که او از سبب مساعد و معاونت سرکار هند دربار دار السلامه وشهر های ساحل خود حالا چندان لشکر نمیباشد — یک لشکر جهاز انگریزی در بندر کلب وبکران در بندر کاه مسقط لنگرانداز میباشند ودوصد و چهار نفر از آنان از ۲۵ جون بطرف مغرب مسقط رفته رسیدن دره خود را مستحکم کرده اند بدین طریق راه آمد بابیان وارد مسقط ومطره کاملا مسدود کشته است — موجو مگ جهازات و فوج انگریزی دار السلامه سلطان وشهر ساحل را بالکلی محفوظ ساخته است — اکنون افواج سلطان برای مدافعت بابیان در هرطرف رفته میتوانند — سرکار انگریزی برای معاونت او بدین سبب امور نمودند که سلطان در مصدودی تجارت اسلحه حسب الطوائف سرکار انگریزی سعی بلیغ نموده بود.

سراج الاخبار انطباع

بل اپیرز در وتور وفال ویتان برای چین بود که اسلحه از اطراف به اپیرز فرا نگذارد. ولی غالب ازینکه غیر از راه مسقط دیگر راهها هر هست ...

معاهده تجارت

طرز عمل دول

اخبارات فرانس امید وار میباشد که این معاهده قطعی خواهد بود و تاجران دارند کروس بخاطر دلهوی باعاربه رکولا چندان ضرر نخواهند شد چرا که کولا زیادتر پوتوزه روم تجار عاربه بهمراه بضاعه — این امر قابل ذکر است چنانکه اخبارات وانتالیدی دارند کمعاهده تجارت دون مداخات دول یورپ همین طور کهفیصله شده است قائم خواهد ماند

(خبرنامه صاحبخانه رسانچی و بانکرد بکمال عنایت)

وخورسندی وصول کرده شده است —

فقیر حرفی پولیوس یونان تحفهٔ بیادری اتی عنایت کرده است چونکه این امر بوضاحت ظاهر شده است کار معاهده تجارت نظر ثانی کرده خواهد شد یا این اخبارات سو

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 802 of 1786

ازحد مأیوسی و نا امیدی ظاهر میکنند — اخبارات مینه کوز میگویند که مصاحفه موجوده باعث بدامنی دائمی خواهد بود وعنقریب درخلافهٔ مقدونیه جویبای خون جاری خواهد شد .

خبر من بعد

رومانیا

رومانیا بدون ضائع شدن یك نفر خلاف توقع و خواهش درخلافه جات خود توسیع نموده است — آن دراین وقت دولت عالی در اتحادیان بالقان شمرده میشود — از نیاوله تلگرافی مابین قیصر جرمنی وشاه رومانیا چنان ظاهر میشود که رومانیا از اول الی آخره بموجب هدایات قیصر جرمنی عمل ورامسه کرده است —

فرار

یونانی و مسلمان باشند کان خلافه جات که به بلغاریه تسلیم کرده شده است کلیسها ومساجد وعمارات را در داده بطرف خلافه جات یونانی فرار نمودند —

ترکی وایطریاپول

جواب بدول

ترکی بجواب عرضداشت دول جواب میکوید که آن حق الوسع سعی کرده بود که شرائط معاهده لندن کاربند جاند مگرچون وسئم بلغاریه آن را برائی این کار روائی مجبور کرده است چرا که حفاظت مسلمانان باقی مانده ضروری خیال کرده شده بود — بازترکی میگوید که آن خودرا بازدر تصرف آوردن آن خلافه جات که برای حفاظت دارالسلطنه ترکی ازحد ضروری خیال کرده میشه محدود مانده است — در جواب آن در باب ایدریا پول هیچ مذکور نشده است —

از دوائع خلاصه معلوم شده است که ترکی برائی شکر کردن ایدریاپول در قبضهٔ خود عزم بالجزم نموده است ترکی امواج کثیر التعداد در آنجا تمرکز کرده است مگر بلغاریه برائی انتشار امواج خود رائی شده است فقط

سودای ایند واقع افریقه

چونکه بلندسته فوج انگریزی مقیم سودای ایندرا مجاهدین درویش کاملاً تابع نموده اند بنابرآن معاصد کرزن بطرف پرزیا روانه گردیده است —

خبر ما مکتوب

محمود را عاقبت محمود باد حق جل وعلی امثالش را درممالک عزیز زمان روز افزون داشته ظل ظلیل پر جبروت دولت مشیوه وسایهٔ همایون پادشاهی حضرت قدرقدرت پادشاه مدآ گاه معارف پرور مارف پرور را ومعارف عموم مسلمین عموماً وپرطانیان شرف اختلای ملت وطوع خصوصاً پرتو افکن دارد تا اینده وطن عزیز مارا فرداً فرداً حس توجه حاصل ودولت ارتقای ابدی واصل گردد چندصدهٔ مطالب وزیدهٔ مقاصد مان درین زمان که تمامی افراد جراطراق وا کناف بلاد از آوازهٔ حسیات پیوش آمده درمواد ترقی واعلاء کلهٔ واحده اتفاق ساعی وکوشانند وهرقومی تاندازهٔ درا کتساب کمالات پی بجائی برده پس ما راست که درسایهٔ چنین پادشاهی که امروزه وجود ملد ستی ازبرای ما بنزلهٔ آبهٔ رحمت ودان رافت سایش عربیاً توای رفعت دین وملت است نصیبی از کسب فضایل علویه معنویه وحصول شرف ظاهره وباطنیه غافل نبوده برای طلب ازداد جلب منافع باز نگریم باشد که بمدد مساعی طالبانه فرصت فخر واقتران حاصل داشته راستقبال خود بنازم ودرمیدان مباهات جلاسیه بنازم — خلص عریضه که آرزو داشتم که سواد دیدهٔ زمدرسینه رابمطالعه جریدهٔ گذاشته طبع ابناء وطن عزیزباشد منورسازم فرمودهٔ احمد هرآ نچیز که خاطر میخواست آخر آمد ویس پردهٔ قدر پدید احمد نمامحمدی که بتوجه ذات اقدس ملوکانه پدر تاجدارمان اعلیحضرت ظل الله فی الارضین سراج الملك والملة والدین روحنا وارواح العالمین الفداه شاهد مقصدروا کرده موجب فرحت وانساط خاطران بندهٔ علیحضرت گشته وزیادهاز یك موجب فرحت فوق العاده گردیده است که ازاز هیچه فضایلی که ابناء نوع مارابدان فخرباید کرد ازبیچه طایفه وقد یکی اسلاف وبودمان کیان اند کدر حسن اخلاق وصفای طینت وجودت طبع ابداً عن جد سرا آمدازاب فضل وکمال بوده وهستند زیاده چه نویسم بخزدهای غنای وجود اهل کمالنا گزان هیچیدمان قابل آن نیست که هلوانش قابل درج جراید کلیه باشد امیدوارم بی ضائعی ازوجه آن نور حدقهٔ خاندان کمال وگل حدیقهٔ بوستان شرف وجلال متوقع میتوداشت — دیگر صحبت از آبادی لطف خدای خیر شاملتان باد . احقرالعبد امضا

(میرحسین موسوی)

مقالات فنیه

(من زمتوتوزی بی طبقات الارض)

(باقیه از شماره (۲۲))

واین بزار قوهٔ عربهٔ آبست که بعضی قریه هاواجیها نیکه برساحل بحر واقع شده باشد کاهی میشود که آب بحر بزور ایام ازبر آمیا کاویده کاویده ودفعهٔ شرق نبوده است ودراین بی صنعت ومعرفتهای دیکر بزازین محرب جا نکست بعمل آمده ومیآید . بعضی اسباب دیکر کازمداومت این سه قوت نشأت میکند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 803 of 1786

چون این سه قوت باهم دست اتفاق رابلند کنند و یك بادیگر معاونت نمایند یعنی اسباب مخربهٔ دیگر تولید میکنند که اثرات نیز درخصوص تبدلات بلاد خیلی خدمتها میکنند .

مثلا دریك کولاب بسیار عمیق وبزرگ بروردیام بواسطهٔ حرارت بس عالیها ، و کاربنها ، زیها ، و نباتات سازهٔ پیدا میشود ، ورفته رفته زیها وکاربنها کثرت پیدا کرده تالاب را بیك جزایری تحویل میدهند ، وجناب صنعتکر بادیز بروردیام لحظه بلحظه خاك وغباری زیادی برسر آن ریخته میرود ، تا اینکه انجلرا بصورت زمین بسیار محکمی تبدیل میکند ، وقرنها بعد قرن برین زمین قریها وقصبها تشکیل میابد ، پس اگر عمق آب آن تالاب بسیار بود درزیر آن قریها وقصبها آب موجود مانده بعد از مرور زمان بیك زلزله و یا یك حوادث سازهٔ دیگر اینزمین یکمرتبه دیگر وقوع میآورد ، وقصبهای بسیار بزرگی را بهٔ موجود دالش غرق وناپدید میکرداند ، واگر آب کولاکثر باشد درختها ونباتات السرزمین آب کولرا کشیده وجذب نموده از آب وتالاب هیچ یك اثری هم نمیگذارد .

وبسیار میشود که بالعکس اینگونه تبدلات ظهور میابد یعنی بادیك زمین سست خاك وریگزارا ریزا بروز اینطرفه رفته بقدر یك کولاب بسیار بزرگی عمق میدهند ، وبعد از مدتی آب باران وبا آب نهری دران جا فراهم آمده در حالتیکه بحرا بود کولاب میشود .

واین نیز ازمنهایهای الات سه گانه است که درمعنی جاها که آب شیرین ودرها فرو میآید پارچه های بسیار جسیم جسیمی از خاك تشکیل میدهند که آن پارچه هارا حرارت در یکمدت مدیدی خشك و غبار ساخته بدست معین وی همت خود یعنی باد بدو دایع میکند ، و باد نیز آنرا برداشته بطرفهای دیگر پشته و تپه ها ودامنه ها بظهور میآورد .

اینست اسباب وآلات غیرمحسوسهٔ تبدلات کرهٔ ارض لیکن اسباب محسوسه ودر هشه که دفعهٔ ظهور میکنند و جهانرا بیك لحظه ازیك حال بحال دیگر تغیر وتبدیل میدهند عبارت از صدمات وهشتاندهنده (وولقانیه) میباشد ، که این صدمات درخصوص تبدلات سطح کرهٔ ارض ازهمه زیاده خدمت میکنند ، و چون منبعث صدمات وولقانیه ازداخل دائرهٔ فوق وتحریست درما بحث انسانی محتاج شرح وبسط زیدست لاجرم دربحا بصورت بسیار مختصری ازان بحث مینمایم وانشاءالله در خصوص صدمات وولقانیه دراجزای آینده معلومات کافیان خواهد شد .

(صدمات وولقانیه)

وچنیکه ازارباب (تجزیه وتوری) مخفی وپوشیده نیست که درطبقات داخل ومرکزی کرهٔ ارض اسی معادن ، ومواد مشتعله ، ومعادن واحجار نادره موجود اند که این مواد مذکوره در جوف طبقات داخل کرهٔ ارض دائما جوش وخروش اند ، وبخارآنیکه خواه ازین مواد مشتعله بظهور میآید ، وخواه ازآبهای داخل کرهٔ ارض که بقوت آتش مرکزیه بجوش میآید حاصل میشود ، وبالحاصل بیرصوریکه باشد این اخیر مذکوره دراینجا بحث تشریح ومقدار بسیقویی در آمده مطلقاً بجستجوی جای فراری مجبور میگردند ، وازرای المقوع وبرون رآمدن روی زمین را بجنبش وحرکت در آورده زلزله های شدید وسخت بس مدهشی را سبب میگردند ، وقوی شواهق یعنی کوه هارا ازهم شکافته ومواد مذاب شدهٔ وولقانیه که آنرا (لاو) میگویند از انجا خروج وباطراف وجوانب جاری جریان یافته ، وپس از انجماد سرازیر در اطراف واکناف تپه های جسیم (خرابه) تشکیل میدهند ، وشراره های دوزخ مانند آن طبقات سر کشیده وها کستر اراده بهٔ اطراف واکناف رده قصبه های جسیمه را درزیر آن غرق میاید واگر شهر وقصبهٔ درجوار آن باشد دران واحد ازیکر ویدگر رویش چپه میکند .

وزرکثرین صدمات ووقانیه انستکه گاهی درزیر طبقات یعنی جزیره های بحر مواد مشتعله تاریه تراکم نموده ودفعهٔ ازهم گشیده جزیره رابهمهٔ شهروقصبات وموجودات اش غرق وناپدید میگرداند ، وبعضاً دیده میشود که بنابرانباب صدمات وولقانیه سرازجزیره های دیگر ازمیان بحرظهور میاید ، وبالجامل صدمات وولقانیه درخصوص تغیرات وتبدلات کرهٔ ارض آثار ومنابعهای خوف مدهشی نشان میدهند که انسانرا درگرداب حیرت القا میکنند .

پس بناءعلا در اینجا ازبعضی تبدلات وتغیرات میرسم که ازاضافت تواریخ بنظر در آمده بسط وتفهیم میدهم ، که اغلب انها نیز جزیره های نو ظهور بحر یست :

جزایر نوظهور

صورت بزرکثرین وکیفیت میمترین تبدلات تام درجزیره هاییست که عدداً از قعر بحر بظهور آمده است ، ازین رقم جزایر مذکوره اول که بنظرمحوره ها جزیره های (سیوازه) است ، جزیره های سیوازه ، عبارت ازده یازده قطعه جزیره های کوچك وبزرکیست که درمیان (خرسابند) وغرب قسم شرقی کان کانی وموجود میباشند .

درجزیرها چون انسان بنوی خاك وسنك وهیئت سازه اش بنظردقت ملاحظه کند چنان میپندارد که گویا آب انجمال جوش شده بحالت خشك تبدل نموده است ، حتی برطال حیات جزیره های مذکوره بس ازچوبهای حیوانات بحری مانند کودی وصدف ، وغیر ذالك نیزدیده میشود ، وسنکها ومواد ارضیهٔ آن نیزازریکهای زیربحر تشکیل یافته است .

پس هریك ازین چیزها دلیل واضح وبرهان قاطعیست برینکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 804 of 1786

ازجملات ذیل ازین دریا بحر عبوده‌اند . جزیره‌ی (رودوس) و (استانکوی) و (قالیموس) ازجزیره‌های بزرگترین این جزایر نوشته میباشد

لکن مع هذا مابین جزایر هارا هنوز دانشمان مدعای خودش دلیل اثبات نمیکنیم . یک دیگر جزایر بنکه آنرا جزائر (ساسو زن) میگویند که چند نفر مقیم از قبر بحر یک صدمه ونوشابه رون برامده است . ولی جزائر سپوارد بنسبت خیلی مقدموترند بر اثبات مدعا دلیل کامل شمرده نمیشوند .

جزائر ساسورین . ازجزائر مجالف جزایر میباشد که نهایت حدود مغربیهٔ ارض جزائر ساسورین (جزیرهٔ ایرا) ست که در اطراف آن بعضی جزایر کوچک کوچک نیز موجود میباشد .

ازبعضی مخالف تواریخ درخصوص جزیرهٔ ایرا چنین استفاده میشود که قبل ازسنهٔ ۲۳۷ جزیرهٔ ایرا یک صدمهٔ بسیار شدید وفظیعه از جهان دو پاره گردیده (جزیرهٔ ایرانیا) را تشکیل داده است . وبعضی از تواریخ قدیمهٔ یونان روایت میکنند کهقبل ازین صدمه یک صدمهٔ اشد دیگر اصل جزیرهٔ ایرا نیز ازقعر بحر عبوراً ظهور نموده است .

ودر مخالف تواریخ این بدایز ثبت است : که قبل ازمیلاد به ۱۸۱ سال مقدم (جزیرهٔ هلیه را) بزلزلهٔ دفعه از قعر بحر مانند یک تپهٔ بسیار عظیمی روی بحر ظهور نموده است . وچند جزیره‌های کوچک دیگر نیز در اطراف آن بهمان روز ظهور نموده است .

ونیز در پژمانهای بسیار قریب — یعنی در سنه ۱۴۳۷ میلادی جزیره (مانیه را) یک صدمهٔ دیگر زلزله تر از آب رون برآمده دو برابر خود جسامت پیدا کرده است . وکسانیکه اینوقعه را برای العین خود مشاهده نموده وتحریر نموده اند چنین روایت میکنند : که هنگام بر آمدن جزیره چنان پنداشته میشد که گویا یک حیوان بسیار عظیم الجثهٔ برای تخلیص جان خودش تناوری کرده سعی به بر آمدن دارد . ازشناوری این جزیره طول اشیارا جرئت دست میداد .

و کذالک درسنه ۱۵۷۳ جزیرهٔ (جزیره قلیا) که درقرب جزیرهٔ ساسورین واقعست از قعر بحر ظهور نموده است که اینهاهم معلوم ومشهود جهان گردیده است .

والحاصل اگرچه ازین قبیل جزائر نو ظهور در مخالف تواریخ خیلی مذکور است ولی مادر اینجا بیان اثبات تبدلات کرهٔ ارض چندان امتنه اکتفا نمودیم .

(جبال قدیمه کیفیه)

این نیز برتبدلات مطرح کرهٔ ارض دلیل قوی شمرده میشود که : بعضی جبال را انسان میبیند که مانند لاشه های انسان و حیوان که گوشت وپوست تمام زائل و استخوانهای شان باقی مانده باشد همچنان ازایشان نیز گوشت وپوست زائل شده سکهای سرتیز ودرازی باقی مانده است که در اصطلاح تبدیلات ارضیه جبالرا جبال قدیمه شده میگویند .

ازین قبیل جبال قدیمه شده اول که به انظار دقت میخورد جبال دنیفه (وابرت) است که در جانب شمال قطعه اوروپ ودر ممالک (اسوچیره) کائن میباشد .

مشاهدهٔ منظرهٔ این جبال خیلی ثابت ومتین است مثلا دیده میشود که از تلکوم بی درجه های عاگهای بسیار عمیق ودرجهای بی انتهایی فرو آمده درامتداد جبال منتشر گردیده اند . و سکهای عظیمی سرتیز و درازی که بقدر مطلق رسم جبالست مانندتنواه های قصر وطویل . وتوابید معبر وکبری جابجا باقی مانده است . و از وضع وهیئت جبال مذکور چنان معلوم میشود که گویا سیلابهای بی انتهایی ازسر جبال مذکور فرو آمده جمیع پوست خاکی جبالرا فرو آورده باشد . ولی کیفیت اصلی ووقوعه حقیقی ازجبالرا کی الانطابین الزمان مذکور چنان تحریر وبیان نموده کما لاینه است :

— کوه ویلیت درسنه ۱۷۶۳ میلادی دفعهٔ یکباری ازهم پاره پاره گردیده سقوط نمود . وسر کوه هرقدر خاک وسنگریزه و انبار و تپالیکه موجود بود دران واحد ازهم فرو ریخت . چنان وحشیانه انرعدهای خوف ودهشت انکار سقوط آن مانند روز محشر درهم ریخت . هنگامیکه اینواقعه وقوع یافت بروز بنی الناس جهانیان در سمت ازمی واقع بود . ولی از کثرت دود وغبار یک الانیدن کوه بظهور نرسیده تعاع شمس درزیر پردهٔ ظلمت درآمده روز روشن مانند شب تاری گردید و بقدر چهار هزو زمین در زیر اطاس کوه درامده . گوسفند وحیوانات ساژه که ازین جانه غائب گردید خارج حسابست . ولی چون عمارات دران حدود کثر بود تلفات انسانی اقلیدر بظهور نرسیده .

و همچنین درسنهٔ ۱۷۵۱ میلادی در لیبات (صاوا) که در (فرانسه) کائن است نیز همچنین یک کوهی دفعهٔ ازهم پاره پاره گردیده یکبارگی سقوط نموده است . و بوسعت شش میلیون هزو قطعات ارضیرا صدمهٔ خوانی بزمین فرو آورده است . وجای تعجب اینست که اینقدر خاک وغبار ازیکجا حاصل شده که مدت مدیدی مانند پرده ازبالای ضیای شمس جهان آرا را مستور نموده بود .

پس ازامثال های سابق الذکر چنان معلوم میشود که اینهمه سنگهای سرتیز ودرازی را که در کوهها مشاهده میکنیم ازیک وقتی بسر شان خاکیا وجکلها وحیوانات موجود بوده است . وبمرور ایام بسبب صدمات ترکانیه وغیر ذالک چنین هیئت تحویل نموده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 805 of 1786

زلزله سیار

این یک از دلیلیست واضح بر تحولات و تغیرات کرهٔ ارض ؛ که بعضی علمائیکه عادت کوهی و زیارت بقعه‌های بلند کاهی مینمودند کاهیکه برسیدهٔ از صعبات محرهٔ ارض موقع وسیع وای جوده شاهدا تبدیل کرده از جولی بجای دیگری تحویل مکان میکند .

ازانجمله ایجاد حوادث یکی در سنه ۱۸۰۲ میلادی در جوار (ماتوبه) در نجد (عربستان) وقوع یافته است . کیفیت این وقوعات از جمله است : که در سنه مذکور بعد ازانکه یکباران شدید بهاری رونما شود . قشر ارضی که بر سر کوه مسطوره واقع بود یک صدمهٔ شدیدی یافته حرکت آمده و بعد ازانکه مقدار چند صد متر مسافه را قطع نموده باز توقف ورزید . فرا وقتیکه روآن قشر ارضی چوب موجود وصاحب اکثر جده بسیار متزلزل گردیده ولی باوجود آنهم هیچ یک سقط و خسارتی بحال شان رو نداده است .

وازین غریبتر است حرکت جبلیهٔ (غوپا) که در ایالت (وندیک) واقع است . چنانچه یکی در حالیکه اهالی ساکنان در کوچه خواب بودند قشر زمین از کوه بحرکت آمده ، بسحرای که درمیان جوار واقع بوده است فرو آمده است . چون فردای آن اهالی از خواب برخاسته خودرا درمیان صحرا یافتند یکبارگی بحیرت معمول آمده ابتدا را یک تاشکن مجبولهٔ انداخته است خیل بخوف وهراس افتادند . ولی چون کلف مکلف نبودند کرفتار غم حیرت نشدند .

واز یک راز عجائم خوفناکی دیگر که در سنه ۱۲۹۴ هجری در شهر (کیل) که مرکز ایالت هلشتاین است یک زلزلهٔ عظیم وحرکت ارض این وجهی ظهور نمود که از صدمهٔ آن بسی قرا و قصبات و اهالی تلف گردید . علی الخصوص در محل که (کوپنهاک) نیز میکند تلفات و خسارات مال وجان ازحد حساب بیرون بود والخاصل در محلیکه ازان کوهستان فوقانی میکویند یکدهکده را دیدم که بعمارات و اشجار و غیری در حالیکه قبل ازان در آن موجود بود از صدمهٔ حرکت زلزله مروآمده بود . این است چند مثالی در خصوص ارض سیار . حالانکه در خصوص این اقسامیکه از موجود است که بهمین چند امثله اکتفا نمودیم . و یکدو مثال دیگر از در خصوص تزلزلات جبال آورده سخن را ختام میدهیم .

تزلزلات جبال

تزلزلاتیکه جبال عبارة از از حرکت ارض پدید میآید . وآن تزلزلات از تغیرات کرهٔ ارض دلیل این قسمی تحرک مشهود جبال میباشد .

مثلا بنا میتوان که یک حرکت ارض وولقانیه سلسلهٔ جبال این کرهٔ را از میان دوپاره میکند . ومرور ایام جادهٔ زلزله ازانها ، وجریان سیلها وتهرها تغیرات بست وباز آنها تصحیح وتصاریح کرده دره ها ودره های بسیار متنوعی تشکیل یافته است .

ازانجمله درسنه ۱۷۷۲ میلادی درایالت وندیک کرهٔ (پیرنه) یک صدمه شدیدی یافته ازمیان دوپاره کردیده است . وبکپارچه بسیار جسیمی بطرف شرق نزول وسقوط نموده جده قریه زرکی را بالاهالی والشیای موجوده اش درزیر اقاض خویش مدفون نموده است . و یکپارچهٔ دیکرش تهرای نهر کوچکی را که ازانکوهال درکنار جود ممدود بوده ازان سمت در طرف دوسه میل ابهای نهرمذکور بالا برامده چارپنج قریه را مستغرق ملحقا نموده است . وبک کولاب بسیار جسیمی بجای انها انشا کرده . وبعداز مرور ایام از محلیکه دوپاره کردیده جود چشمه های کوچک کوچکی ظهور نموده ، ورفتهرفته ان چشمه‌ها زیاد شده ، و تهرای جود تان را تازه کرده ، بکثرة اشیار باغات واشجار وانهاری سرد وخرم خوبی بظهور اورده است . که الغرض این مثالها درروی زمین خیلی ازخیل موجود میباشد .

خاتمه

پس ازین قدر اسباب تحریریه که بصورت بسیار خلاصه ری در خصوص تزلزلات ارض عرض وبیان نمودیم چنان معلوم شد که این کرهٔ ارض مانند کوی درچوکا نهای این قدر حوادثات وتزلزلات کوناکون عظیمه غلیظه بدین وجه رسیده است که محیریم . وهنوز معلوم نیست که تاچه قدر چیز خواهد فاطیر .

لاجرم جناب علمای خلقیین رحمة الله تعالی اجمعین خواهند متطلبه درصدد اثبات حدوث عالم برامده کفته : العالم حادث لان العالم دائم وکل متغیر حادث فالعالم حادث بازین مضمون محکمی من (زمزوزی) غایت اثبات دوتن ومرهن مکردند . وجناب حضرت خالق کون و مکان ، و الفرانه زمین و زمان این جهان جهارا بحرکت کی از کم عدم عرصهٔ وجود ظهور داده ، چه خواهد بود ازانسانیکه بات صدمهٔ مدهشه (اعنی) هزة زمین وتمازا برهم زده مصداق این جمل (ان الساعة الزوم شیء عظیم) را ظاهر وعیان سازد .

(سبحان من یغیر ولا یتغیر)

(آمین)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 806 of 1786

ادبیات

غزل مذهب

(صبح عزت پیام اسلام است)
(روی دنیا بکام اسلام است)
(شعشعهٔ امروز کی توان گفتن)
(عیب بر ناکجا نام اسلام است)
(بادهٔ شادمانی توش کسیه)
(همه معروف جام اسلام است)
(سحر اندر سحر نهانا کی)
(صبح خیزان شام اسلام است)
(اوج بخت از ازل ابد)
(تا ابد کوی رام اسلام است)
(همچین هلت پدهٔ دنیا)
(هفت جت مقام اسلام است)
(ایمک از فساد نصرانی)
(دوستان از فریب اسلام است)
(هیبه اسلام از سر رفت)
(خیر خواه تمام اسلام است)
(مذهب) از اتفاق تا بحشر)
(دستگاه دوام اسلام است)

از جور و ستمکاری گفتار چکویم
زین قوم جفا جوی ستمکار چکویم
نگذاشت تصاری برماجز دوسه کهسار
هواره گسیدند زهموار چکویم
بر روی و بازان چه نگردند و شدیم
از روی چه بر روی زبادار چکویم
اسلام جو در خواب بود پش که نام
زین خواب نکردند چو بیدار چکویم
افسوس اصبحت نکند درمان کس کار
بیهوده چرا کویم و بیکار چکویم
گردار نه بینم جو زبان زبانه
سودی ندهد این همه گفتار چکویم
کویم که نکردیم درین دام گرفتار
آنکاه جو کشتیم گرفتار چکویم
اکنون که سر رشته بدست است بکوشید
از کف چو رود رشتهٔ این کار چکویم

پر کشاد او از کوش نکیرند عزیزان
از کردهٔ خود میکنم آزار چکویم
نشنید کسی درد دل خون شدهٔ من
پیش که کنم درد دل اظهار چکویم
بر حلهٔ پریشانی اسلام درین روز
بکذار کنم مکریه بسیار چکویم
اطوار پریشانی اسلام چه پرسی
داری خبر از طرهٔ عطار چکویم
همچون دهن یار نیامده پیان هیچ
از هیچ ندانم چو خبردار چکویم
چون رشتهٔ عزیزان شود بتمر چو کوهر
باران پس ازین شعر دراخبار چکویم
(مسلمی) ازین پس نکند شعر سرائی
چون رشتهٔ عزیزان شود انتشار چکویم

سخنان هر رقم

چارصد عروسی در یک شهر یک روز

هندستان یک مملکیست که از ملتها و رسمهای غریب و قریب معلوم باشد . در شهر (سورت) یک تاجریست که آرا (لیوارچی) میکویند . عادت آنهاازین است که هر ده یازده سال یک بار پسران و دختران قوم را عروسی میدهند . در بهار یازدهم ماه فروری ۱۹۱۳ روز عروسی شان تصادف نموده در یک روز چارصد عروسی بعمل آمد . پس هرا نقدر پسران و دختران که در ظرف ده یازده سال وجود آمده اند همه را در یک روز عروس و داماد کرده اند . غرابت در اینجاست که در تمام این چارصد عروس و داماد بزرگترین شان ۱۲ ساله بوده است . باقی عروسها و دامادها از یکساله تا ۱۱ ساله بوده اند . یعنی ازین عروس و دامادها برادرهای مادران و پدران شان نشسته بوده اند . یعنی را بشیرینی و بازیچه ها از کریه کردن باز میداشتند . حالی یعنی را دایه های شان به شیر دادن آرام میکرده اند !

موجد ساعت که بود

شخصیکه از همه بیشتر ساعت ایجاد کرده است خانه هارون رشید عباسی است ساعتیکه او ساخته بود نهایت خوشنما و طلائی بود و هر ساعت فیر ساعت غریب و عجیب میداد که زنان هرمزه — در سنه ۸۰۰ ع ساعت مذکور به شاه شارل میکن تحفةً فرستاده شده بود — وقتی از ایجاد ساعت مذکوره بدریعهٔ ساعتهای آلمانی و آن وقت معلوم کرده می شد علاوه بران توقات روز بدریعهٔ حرکت مسایرهٔ آفتاب و ساعات شب را بدریعهٔ کواکب معلوم میکردند —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 807 of 1786

درباب شاه‌اسفندیار اعظم بیان کرده میشود که او شمع دومی کارساعت کرده‌بود یعنی درشمع علامات وخیره‌این‌طریق اندازه‌بود که ازساعت تعلق میکرد —

درصدی سیزده‌هم یک‌مسلمان عرب ساعت کلان دار اختراع کرد که قیمت آن مبلغ سی‌هزار ریبه تخمین‌شده‌بود وهمین‌ساعت به فریدریک ثانی شهنشاه جرمنی تحفةً داده شده بود —

ساعتهای مذکوره درآن‌زمان بهرقدرومنزلت که دیده‌شده‌بانه اندازه آن‌بحوی کرده‌میشود اماامروز مابین فرنگ درانجادساعت بآن درجه کمال پیدا کرده‌اند وچنان سهولت بدست آورده‌اند که ساعتیکه دران وقت به سی‌هزار ریبه فروخته میشد اکنون ازان بهترین چیست وبدست وبخرو‌به بدست می‌آید — وساعتهای معمولی چهل روپیه وکمبیش‌هم فروخته میشود ودوسه‌سال بخوبی کار میدهد —

(درمیان دو رفیق)

دودوست باهمدیگر مصاحبه میکردند ، یکی از احوال جاری خود بیان کرده گفت :

— برادر چه‌عرض‌کنم ، بسیار سخت بیمار شده بودم یازده روز تمام بموجب سفارش حکیم بجزشیر دیگرهیچ چیزی بابم نرسیده است

— شکر که صحت یافتید ، اما از احوال من خبر ندارید که من چهاره دربابت وقتی بچنان یک‌مرضی گرفتار آمده‌بودم که هیچ از چیز خانه نمیتوانستم ، ومدت یکسال بجز شیر هیچ چیزی نخورده‌ام .

— سبحان الله ! این‌چه وقت بود که من‌هیچ خبرنشده‌ام .

— وقتی بود که من در کهوار ۵ بودم

دیگر

برای چاری" تنها داکتر چه گفت ؟

— گفت‌هاشم

— باز بکدام داکتر خودرانشان خواهید داد ؟

— هیچ داکتر ، چرا که ازین داکتر ماهرتر و دانا تر هیچ دا کتری نخواهدبود که هاشان خودرا اعتراف کند

پیره زن وعطار

یک پیره زنی بدکان عطار رفته دوپیسه را زیره خرید ، وقتیکه از دکان میرامد غلام را گفت :

— آیا چیزی سرانه مهربانی میکنید ،

— چرا نمیکنم : دو سیرگاو و یک سیر سیب ، یم سیرشلغم ده دوازده دانه سالمه ، واگر این سرانه را باقی نه چیند لسب وگادی باد کنی ، خودرا از بسرانه دوپیسه زیرک تمامیتکی میکنم ، واگر آنرا هم بسرانه قبول نفرمایید همهٔ دکان رابزیر کرده با خود ببرید ،

زن وشوهر

شوهر — خوب ! حالا هرچه که تو کوری باد هان شود ، آیا حکم من هیچ جاری نخواهد شد ؟

زن — چرا نشود ! البته حکم تو هر جاری خواهد شد : در هر کاری که رأی وفکر هردوی ما بر اجرای آن متفق باشد همیشه درآن کار حکم تو ، ودر هرکاری که رأی وفکر ما مخالف باشد دایما سخن من اجرا خواهد شد .

(یک زن با کتاب فروش)

برادر واردات که زنان چون روز ولادت شوهر شان بیاید یک‌کتابی انتخاب کرده میبرند ، وبشوهرخود تحفه گونه‌میدهند ، یک‌زن برای خریداری اینچنین یک کتابی بدکان کتابفروش‌رفته به کتابفروش میگوید :

— برای هدیهٔ‌یوم ولادت‌شوهرخود یک کتابی میخواهم ، برای این کدام کتابیکه دانسته باشید زودنشان بدهید ، چرا که کارضرور دارم وبسیار وقت چه‌زمان ندارم ، اماازین‌رام‌کوم که کتابی که بمن میدهید عارزان باشد وه گران ، فهمیدید ؟ این‌را هم‌بدانید که شوهر من تعطلام نمودنش یک آدمیست ازبازیها ساعت‌چیزها چندان‌خوش نبودوه اینها ازان طور کتابها نباید باشد ، ازکتابهای حکایتها وناولهای بی مزه‌هم نمیخواهم ، تاریخهای کتابهاهم نباشد چراکه‌شوهرم علم تاریخ چندان‌نخواندست اندازه شوید که بسیار کار دارد ، وقهم صاف میشود ، اگرچه شوهرم مرا نمیشناسید ولی بسیار خوبا آنست بسیار کسی یکشخصیست ، منهم‌بسیار کسی هستم که ازین‌سبب خوب باهم گذران‌میکنم ، فهمیدید ؟ این‌را هم‌بدانید که همین احوالرا زانسبب برای شما مختصراً بیان کرده‌ام که شما باحوال واقف شده یک کتاب مناسبی را انتخاب کرده انتخاب کنید ، فهمیدید ؟ این‌را هم بدانید که ....

کتاب فروش چهاره بخان آمده وبمن ازاراده کفت :

— داستم ، داستم ! برای‌شوهر شما این کتاب‌کوچک‌بسیار مناسب‌است ! نامهای کتاب (فواعدالمارة مابین‌سخن) میباشد ،

(یک اخبار والایک بیوه)

در اوروپا چون یکی از مردمان معروف که دریک صنعتی شهرت یافته باشند وقت بادداشت نگاراخبار والاهم برای‌تحریت وهم برای پرسیدن سوانح عمری وترجمهٔ احوال مرحومرا خانهٔ اورفته احوال وکیفیت اورا ازاو میپرسند ،

ایضاً یکی ازمامهٔ نگاران اخبار خانهٔ یکی ازمشاهیر که وقت یافته‌بود رفته زنک دروازه اش‌راواخان کرفت‌زن متوفادروازه را باز کرده چون سبب آمدن وآمده نکار چون زنک دروازه را عادت بشدت دروازه رادروی نامه نکاربسته کردن‌عادتی خود بالا برآمدازانک دواخان‌نامه نکار هیچ‌اطلاع نیشود زن نیز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 808 of 1786

هیچ جواب ندهد ولی تو حتی زنك دیگر را فراموش شده از درجه تحمل میرانید ، زن رطوبت اشك را پاك میکند و با لاقه نکاه را مخاطب کرده میگوید :

— شما چه طور آدمی هستید ! یکبار بشما گفتم که من در باب شوهر خود شما معلومات ندارم . باز چرا زنك میزنید ، روبیل کار خود

— بی بی ! ! کرزفه میدانستم از وقت میرفتم . ولی هزار افسوس که رفته نمیتوانم .

— چرا رفته نمیتوانید ؟

— از بسکه رفته نمیتوانم که در وقت بستن دروازه توك بالاپوش من به دروازه بسته مانده است .

پرانی که همچنین شده بود ، لهذا زن طلب عفو نموده نکار را رها نمود .

(یك دواساز و بیمار)

یك اجزاچی یعنی دواساز یك دوای ترتیب کرده در اخبارها چنین اعلان نموده بود : [هرکس که این دوا را استعمال کند باعزاز از رطوبت محفوظ مانده هیچگاه بدریش وسرفه گرفتار نمیشود .] یك مردی این اعلانرا خوانده یك شیشه ازان دوا میخرد ، وبعد ازسه روز به پیش دواساز آمده میگوید :

— از دوای کهنها اعلان کرده بودید باوجودیکه یك شیشهٔ آنرا بیامها نوشیدم از ریش و سرفه هیچ رهایی نیافتم .

— برای خدایچه میگوئید ؟ آیا نوشیدید ؟ حالانکه آن دوا نوشیدنی نبود ، آن دوا محلول رابر بود که در زمستانها آنرا برکف پوت و پوش مالیده رطوبت را از پا منع مینمود .

نامورانِ جهان

(ما بعد از شمارهٔ (۲۳) سال دوم)

لما طبیب برای آنهم یك چارهٔ اندیشیده شب و روز در پیش بستر جوان نشسته رخت اقامت انداخت . وچون زمانی که در سرای پادشاهی بودند به پیش پسر می آمدند و میرفتند طبیب به شکل وسیمای پسر نظر دوخته از نشانهای عارضی استدلال علامه باطنی اورا تدقیق کردن گرفت . بسیار زمان در اوتاق شهزاده زدن و آمد میکردند ولی در سیمای شهزاده هیچ علامتی پیدا نشد تا آنکه یك روزی پادشاه نوجوانی گدائیحال دران اوتاق داخل شدن او را طبیب دیده بود به اوتاق شهزاده داخل کرد . پیچیدگی شهزاده را نظر و اشاد طبیب دید کدر سیمای شهزاده نشانه بعضی تحولات غیبی ظاهر گردید . طبیب چشمهای دقت خود را زیاده تر باز کرده دید که هر وقت چون همان زن در نزد پسر می آید همه اضطرابهای صحت الهی بن موی شهزادهٔ بیمار بدرد عم گرفتار پیدار میکردد . مگر این زن مادر آندرش (استرا تونیکه) بود ! طبیب این تجربهٔ خودرا سه روز پی‌هم اجرا نمود . چون در پیش حکم ثابت گردید که هر مرض را کشف نمود ، و هر سبب مرض را پیدا کرد به استطاق و استجواب شهزاده پرداخت . شهزاده در اول امر انکار نمود وچون طبیب دلایل بانه وبراهین واضحه رو عرض کرد شهزاده به اشراق عشق ، واقرار محبت مجبور گردیده گفت :

— بلی ! بلحقیقت است که پرحسن و ملاحت استرا تونیکه مفتون و محبون شده شب و روز پدره واه جانکاهی گرفتارم .

یکجائیست که هر کس درانجا رفته میتواند .

— های بدبخت های ! من ترا برای چه کار مقرر کرده و تو در کجاها میکردی ؟ مأموریتت را ترك کرده درینجا آمدی ها !

— بلی همچنین است بی ! ... این است که درینجا آمدم .

— معلوم است که کار خراب شد .

— هیچ اهمیت مکنید هیچ کار خراب نشده ، چونکه هر گونه تدابیر احتیاط کارانه بخوبی بکار رفته شده شما از ازهم کدام غم مخورید .

— بسیار خوب تاه اینجا زحمت کشیده برای چه آمدی ؟

— باشما چیزی سخن گفتن میخواستم ، دیگر سببی نیست .

— آیا این ملاقات را بیکوقت دیکری انداخته نمیتوانستی ؟

— چون می‌بینید که تاه آمدن اینجا مجبور شده‌ام معلوم است که انداخته نمیتوانستم . هم آمدنیما در بخارای شما خیل خوبیشه تبادلکر کنید کمن آمده اگر نمیبودمیك تهلکه‌یی گرفتار میشدید

— آیا تهلکه چیه ؟ مراجرا ازدرامدن خانه مانع شدید ؟

فاجعه‌های پاریس

(ما بعد از شمارهٔ (۲۳) سال دوم)

— (بحیرت) وای ! تیمرا وجودمرا مفریبتا سید ها !

— بلی ، یك گمشدگی میدانم خوجین ! آیانها ازصدای من مرا نشناختید که گیسم ؟ اینهم ضرب است ها !

— جانم تو گیستی بگو بی !

— صاریبول ! حالا فهمیدید بی ؟

— ۱۱ —

روبر — (پی خود را بزمین زده) آیا صاریبول ؟ صاریبول درینجا باشد ها ! ...

صاریبول — شما چسان درینجاهستید آقاجان ؟ چولوازیبیول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 809 of 1786

وجون آمرشده کان عشق بچه درجه مذموم و ملوث یك عشق‌ست ازاو و همه جید و کوشش خود را برمحو کردن آن عشق را ازدل خود صرف ، و روزها درانتاب سعی نموده ، اما هزار افسوس کمن هرقدر ازعشق دور شدن خواستم ، آن درد جانگداز هرقدر زمن گریزم نمود ، وازیم آنکه مبادا این اسرار قلبی من آشکار گردد ، و موجب ضعن و دشنام خلایق گردم ترك ساختن نفس خود قرار داده از طعام و شراب دستکشیدم که اینصورت ازین در دی که علاج آن غیر ممکن ، و فراموشی آن ازاتهم غیر ممکن است رهائی یابم ، اینست که ازان سبب چنان ضعف و ناتوانی دوچار آمده‌ام که میبینی .

همین بیماریست که باوجود کشف آن ، یافتن دوای آن محال میشود ، طبیب چاری را کشف نمود ، دوارا هم دانست که چیست ، ولی درپیش مدوات آن عاجز آمد .

روز دیگر چون پادشاه طبیب را بنانه هرروز بحضور خود خواسته از احوال جگر پارهٔ خود سوال نمود طبیب پیك طور نامیدانه بسخن آغاز کرده چنین عرض نمود :

— پادشاه من ! برای بیماری شهزاده تدبیر کردن غیر ممکن است ، زیرا شهزاده بمرض عشق دچار شده است که بوجه‌صورت جستن نمی آید .

پادشاه — چه‌سبب دارد ، در حوزهٔ مملکت من کدام دختری باشد که جان پدرمن بهاو بسته باشد ، و آرا ازمن کسی دریغ کند ، واگر برکدام دختر پادشاه همجوارنا دلباخته باشد بازهم اگر برضا نشود زور آرا خواهم کرفت .

طبیب — پادشاه من ! اگر بحبوبهٔ پسر شهاختر باگرهٔ میوه درفکن شمرده نمیشد ، فکرمن اینجاست که محبوبهٔ شهزاده یك زنیست که شوهر دارد .

پادشاه — آیا ان کیست ؟

طبیب — زن بندهٔ شما ست !

پادشاه — ولی شما اینقدری انصاف خواهید و کاریهای دامن پسر حکمدار خودرا ازمرتکابزن زوجهٔ خودنگذرید آیین حق این را نداشته باشم کهازما بند شما یکدوست وهب خواهید دهای دامن جگر پارهٔ خود رایکم ! آیا شما اینقدر بی‌مروتی خواهید کرد کهنیت وایمنت پادشاه پادوست خودرا علاج کنید ؟

طبیب — پادشاهمن ! بندهٔ خود تارا اینقدر بپیروی منهم فرمائید ، یکقدری قیاس نفس کرده خودرا بجای من ، ومرا بجای خود قیاس فرمائید ، مثلا خدا ناخواسته اگرپسر شمارا درآتش خود بیاشی‌شود ، آیا وجود اینکه این‌ها نیدگی‌جان فرزند شماه ازدواج باامرموط است آزارهای خود حرم‌خودرا به ثمرهٔ فواد خود تان ترك کرده میتوانید ؟

پادشاه — آه ! ایکاش حیات پسر من به اینکونه یك فداکاری موقوف میبود ! خدا شاهد است که اگرزو جهام استراتونیکه باشد بوهٔ ساطم‌باشد جهارا برای حیات پسر خود ترك میکردم

طبیب — پادشاهمن چون چنین است ، علاجی ودوائیکه برای زنده کانی پسر شما لازم است خودشما آرا بیان فرمودید وباشید ، تزاشهزاده مفتون حسن و آن ملکهٔ استراتونیك میباشد .

پادشاه بحرف وبکلام سخن‌راشنیده هانم استراتونیکه را بحضور خود طلب کرده ، ودردل‌خودرا باوکفته ورأی ورضای اورا استحصال کرده واورا طلاق داده پسرخود نکاح نموده است ، این یك مثال‌تازهٔ است که ضررهای ازدواج پدران پرهیزرا که مالك اولادجوان‌باشند وزن‌وجوانی که سن‌وسالشان‌مناسب نباشد بکیرند ظاهر وعیان میسازد .

— برای اینکه درخانهٔ مأمورهای پولیس هستند ....

— (بیك صدای ملایمی) آیا مأمورین پولیس !

— آرتل ! فومیسر ، مفتش ، جلیه‌های پولیس ، عسکر هم درورین خانه‌جمع آمده‌اند هریکشان کهیست ، اسامیشان حاضر نمایید ، این تشریف آوری‌شان درخانهٔ بقصدزیارت شمانیست ، دیکرکی شخصی‌را کرفتار کردن میخواستند ، مثلاکه آن‌حریف خودکشی کرده ازکرفتاری رهایی‌یافت ، درچنین احوال میدانید که چه‌خواهد بود دروازه وزیر باقطع دیدهٔ پولیس کرفته‌شده ، فومیسر نیز بازوظیفه وسعی که‌دارد الیته بدقیق وتفتیش مال میباشد ، پس اگرشما درچنین وقت داخل این‌خانه میشدید چون قالب وقیافت‌آن اشیارا نشان میدهد که از صریحان اینکونه خانه‌ها وهتلها نیستید الاقسم بشیه‌افتاده درین‌اطلاعات احوالتان میافتادند که آیم بدردشما درچنین‌وقت کارنمیخورد ، — حق‌داری مادموازل ، اقرار میکنم که این یك خدمت زشتی کرده .

— چون چنین است منهم خودرا بختیار میشمارم ، بروطریکه پولیسها بیرون نرفته‌اند داخل‌خانه نشوید ، فاتاً به اینقدرمحله کردن لزوم هم نیست ، آیا شما برای خبر کردن نیامده‌اید ؟ اینست کهمن‌شمارا هزارتن خبرمیدهم ، هروالده وهرپدرش بسیار خوب وجود وشه‌دست هستند .

— (ازخبر دار شدن او ازین سرزنده) چه کفتی ! هم والده وهم پدر شه‌دست هستند کفتی ؟

— بی‌همچنین کفتم ، الکه وقت نیست که من درخانا انتظار میکشیم حتی ازبسیار انتظار دقیقه بدرون خانه‌هم درآمدم و خدمتکارها مام انجورا بیدا کرده از واحوال کرفتاری ساعت ازنصف الیل کذشته بسیاریك پسر بسیار تربیت‌یافته پیداشده رأسی اکران وارثان مانند خودتان‌بود بسیارکارها خواهدکرد زائیدن هر به بسیار اسانی وقوع آمده است ، مادموازل خودرا ترك بیجا نکنی که مادت زشتارا بخاطر کجیده بچهان را غرق اوزده .

باقی دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 810 of 1786

استیر — یکدختری از بنی اسرائیل بود که بحسن وجمال مشهوره بود . در وقتی که بنی اسرائیل در بابل اسیر بودند (شیرویه) نامپادشاه ایران با او ازدواج کرده است (هامان) نام وزیر پادشاه مذکور باعم استیر وقبیله اودشمنی وقصد داشت استیر بسبب رهایی دادن قبیله خود از توطئه او قصد او کرده است . در کتب مقدسه بنی اسرائیل حکایه این دختر مشهور است ازطرف (رابین) نامشاعر مشهور فرانسوی حکایت آن بصورت یک کتاب نیز تحریر شده است .

ابوبکر — کنیه محترمه حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنه میباشد که بلقب (ذات النطاقین) مشهوره بود . ابوبکر از نژاد حضرت مقدایه وهشیم مادر حضرت عایشه رضی الله عنهاست . والدهٔ حضرت ابوبکر (قبیل) بنت عبدالعزی ابن دارد . حضرت ابوبکر متزوج محترمهٔ حضرت (ام رومان) بن العوام رضی الله عنه و والده حضرت (عبدالله بن زبیر رضی الله عنه است) گاهی از اینکه مدت معاصره مکه مکرمه خلافت نموده در سنهٔ ۷۳ هجری در درون کعبهٔ مکرمه ازطرف حجاج ظالم شهید شده است . حضرت عبدالله بعد ازوفات یزید در مکهٔ مکرمه اعلان خلافت نموده بود . چون عبدالملک بن مروان در شام وتخت خلافت جلوس نمود حجاج ظالم را برای الغاء آن وجود مبارک با عسکر انبوهی بدوی مکهٔ مکرمه فرستاد . حجاج مکهٔ مکرمه را محاصره نمود . واز جمله قبیحی درجت تعریف منجنیقها الخاصه وطوب عسکریه خود هجومهای شدیدی کرده باوجودیکه حضرت عبدالله بغایت شجاعت ومردانگی مقاومت ورزید ولکن آخرالامر شهید گردید درین محاربه والدهٔ شان حضرت اسماء درباب استقامت وثبات پسر خود عبدالله وتسلیم نشدن ، وسرفرونیاوردن بدشمن صانع حکایه ووصایای بسیار دلربا وموثره نموده است . درهنگامیکه پسرش عبدالله شهید میشد حضرت اسماء بایشان فرمود : « ای فرزند ! مرا با که ازپس مرگ جان یک کاری را که باقی دارد

علم ثروت ملل

(ما بعد از نمرهٔ (۲۳) سال دوم)

ازین سبب است که بتوقف صرف کردن آنرا درراه استحصال ثروت لفظاً نگاه میدارند . واگر همان زرنقد را ثروت دانسته نگهدارند برسر مخالف موضوع ثروت است . مقصد ازجمع آوردن سرمایه آنست که آنرا صرف کرده دیگر ثروت ازان حاصل شود ، یعنی صرف زر در حقیقت همین است که سرمایه را برای کارهای نافعی که توانگری ازان حاصل شود ، صرف کنند .

پس علیه قاعدهٔ صرفه جویی در حقیقت بر معنای صرف شامل است . اما عیدان این هنر ثروت تصرف را بمعنی جمع ودخیره کردن دانسته اند ، وه این سبب ازمعنی حقیقی تصرف تصرف یعنی صرفه جویی دور افتاده اند . مثلاً در عبارات ساده دیگری ظهور میکنند که آنرا اصراف واسراف میبیند و صرف وقت کنند . در ظاهر حال میباید که صرف جان کسی باشد که بسیار صرف کند ، ودشمن جان شخص بود که هیچ صرف نکند . وازینهم معلوم است که مصرفان اسراف کننده را زیاده تر اهل ثواب میشمارند . واین ازین سبب است که مصرف بیهوده خود را می اندیشند ، وهرچه که خرج میکنند رسماً وظاهراً میشود ، ومردمان تصرفکار ازمد فان کرده بسیارتر صرف میکنند . ول چون رفکارهای صانع تسلیم میشود آنرا طمعکار میگویند . مثلاً آنکه ازاسراف مصرف بحر ضایع شدن ثروت و گرفتن حاصل نمیشود ، وازمصرفیان که درراه صانع بخرج میرود ازاندازه کار موجب کامل شدن قسمهای بعضی حرفه صنعتکاران گردیده درنتیجه ثروت موجوده افزون میکردد .

فصل سوم

(بعضی تفصیلات درباب سرمایه)

این یک معلوم شد که معاملات عوامل صنعت همین است که بعضی اشیا و آلات مخصوصه استعمال کرده ، واز اعمال خود واعمال دیگر اشخاص ، ودیگر وسایط استفاده کرده لاقل علایل عائد قیمتی که صرف کرده باشند یک محصول پیدا کنند . بازارن سرمایه دایما از یکطرف صرف میشود ، واز دیگر طرف سراز نو تولید وتجدد میکنند . مثلاً نانیا هرروز آرد وچیزی که صرف میکنند ، بطفیل آن نان بعمل آورده هرروزه آنرا بفروش میرساند ، وبه اینصورت سرمایه اش که عبارت از آرد و هیزم وبک است درسال سیصد و شصت وپنج بار صرف شده سراز نو پیدائی میدرآید .

درینجا یک سوال وارد میشود : چنانچه اگر قیمتی کسر ازنو حاصل شود وآن قیمت باز برای سرمایه افزوده به انحساب جان معلوم میشود که یک قیمت زایدی حاصل نمیشود ، ومعاملات صانعه بیهوده اجرا میشود . جواب این سوال این است که یک صنعتکار درطرف یکسال اگرچه همان سرمایه خود را بدست آورده بتواند وچیزی زایدی بدستش هرگاه ، باز هم چون در یکسال گذران معیشت خود را وگذران دیگر متعلقانش را که به آنکار وسرمایه تعلق داشته اند خواهد بود ، ودر اخر سال اصل سرمایه خود را بدست آورده است که بایدصورت قیمت چیزهائیکه صرف کرده است نگوئیم بدست آورده نتوانسته است . باقی دارد

هر مقاله‌ایکه منتشر میشود نظر بنظر مدیر و سر محرر نشریه

عهود طرزی

در چاپخانه حاجه حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 811 of 1786

اعلان

از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم ، و رغبت میدهیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار ، و ازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، و از هر چمن سمنی ببویند .

در

مطبعه عنایت

که بهار بقیهٔ هر عرفان قیمت شهرامهٔ جوایف معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت‌الله خانست زیور طبع آراسته گردیده ، و در نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در دره اطفال واقعست بقیمت ۲ دوروپیه کابلی از رد عبدالرؤف سرمحاسب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند همچنان مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 812 of 1786

نمبر ۲۰۵۲ از انجمن حمایهٔ اسلام لاهور به ۱۹۱۳ء

(جلسهٔ سالانه بیستم انجمن حمایهٔ اسلام لاهور)

جناب السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

بعون وعنایت الٰهی وامداد بارگاه مصطفوی در دارالعلوم حمایه پسر برسی واهتمام انجمن حمایهٔ اسلام لاهور که ازسنه تاریخ سنه ۱۳۳۱ھ مطابق ماه رجب ۱۳۰۵ھ جاری گردیده. علی علوم ودینیات زبان عربی مع علوم نوافع که آنهم علیه حمایهٔ میباشد عالماً توجه اشتغال درس داده میشود. وامور پولیٹک (سیاسی) هیچ تعلق ندارد البته برای بهبودی مسلمانان هند وترقی معاشرت شان بقدر آمد امدرکاری خدمت گورنمنٹ قدیمات و گذارشات کرده میشود بکر کل اخراجات علیهٔ دارالعلوم الفسو حوراک وپوشاک وکتب وعلل اقامت بزمهٔ انجمن میباشد وعلی وجوه متداولهٔ مدارس علیهٔ طلبائی دارالعلوم علمای کامل شده رامیداند که دراکثر حصص فلکت بتعلیم ودرس اشتغال دارند وخداوند تعالی درین میان وارده نیک جذبان رکات نهاده که کاهنه درچند مقامات دیگر هر مکتب ومدارس تعلیم دین جاری گشته وعالمی بزرگ بغرض این کار خیر منعقد گردیده اند وخداوند تعالی یوماً فیوماً رکن توفیق عطا فرماید وخلق دارالعلوم (بیرونه) عبارست که دران طلبه بقدر ابتدائی تعلیم وتحصیل علوم دینیه مصروف ومشغول نموده میشود ودرس قرآن اعظم علیحده جاری است که دران جماعت حفاظ هر روز هستند وسالانه دوسه نفر حفاظ تربیه وبلک کتابخانه غرض وسعت نظر ومطالعهٔ طلبا وعلماء مجتمع گردیده که ازان برای طلبا استفادهٔ کثیر حاصل میشود دیگر رسالهٔ ماهوار هم جاری ومنتشر میشود که سالانه قیمت معاونین انجمن داده میشود وازان کوائف دخل وخرچ دارالعلوم علی التفصیل مفهوم میشود.

باوجود بودن کدام آمدنی مستقل (که بحسب زیاده مستقل کرده میشود) برصرف مبلغ بیست ماهانه سالانه وشش ازعمرش گذشته که دردرجب گذشته چوارشته هوز بتوفیق الٰهی روبترقی وتعالی است.

درجلسهٔ سالانه بتواریخ ۶ و ۷ و ۸ و ۹ اکتوبر سنه ۱۹۱۳ء بالایم نه شده و جهار شبه وقرارداده منعقد میشود که ازبارگاه حق سبحانه وتعالی امید مدامات ومساعدت بسی مشاهیر وفضلا وعلما وسلحا را دارم جلسه کامیاب وعده های کثیر موصول گردیده اند.

فی الحال ازهمه دردان اسلام ازخواهی تمام کمدرین جلسه برق ومدعی امدادغیبی وغیبی ودرین خودرا حق الوسع درین غرمایند وثواب دارین را برای خود ها یابدورند.

صرو رت وحاجات دارالعلوم وانجمن وقت وموقع جلسه بدوات کرامی که داخل وشامل این جلسه باشد معلوم و آشکار خواهد گشت.

اگر فرستادن کدام مضمون تحریری کسی خواهش داشته باشد قبل ازتاریخ ۳۰ ستمبر ارسال فرماید وهر کس کارخ تشریف آوری خودرا بمعتمد رفقای خود قبل ازتاریخ مذکور اطلاع بدهد

جواب را زودی تحریر فرمائید

تا کے ——— ار

عبدالرحمن احمد جنرل سکریٹری پلیڈر چیف کورٹ سکرٹری انجمن حمایهٔ اسلام لاهور.

(اسامی وکلای مادرخارج)

دربشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشتهدار باکمپنی افغانستان . درهرات جناب عبدالله خان برادر تجارت دولت علیهٔ افغانستان . درهزاره جناب سید غلام حیدر خان مامور فروش چوب فرنگی . بدانت گرامی که درجماعت مدارس افغانستان گزروی اشتراک اخبار مارا داشته باشد. بریک ازین وکلای ما چون وجه یکساله اشتراک را فرستاده واز طرف وکل ما باداره اطلاع رسد از خاوقت اخبار ما برمکان آدرس وعنوان که داشته باشد جاری میگردد. آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود. یکشلنگ بند انگلیزی ۱۵ پازده روپیه کمدار است

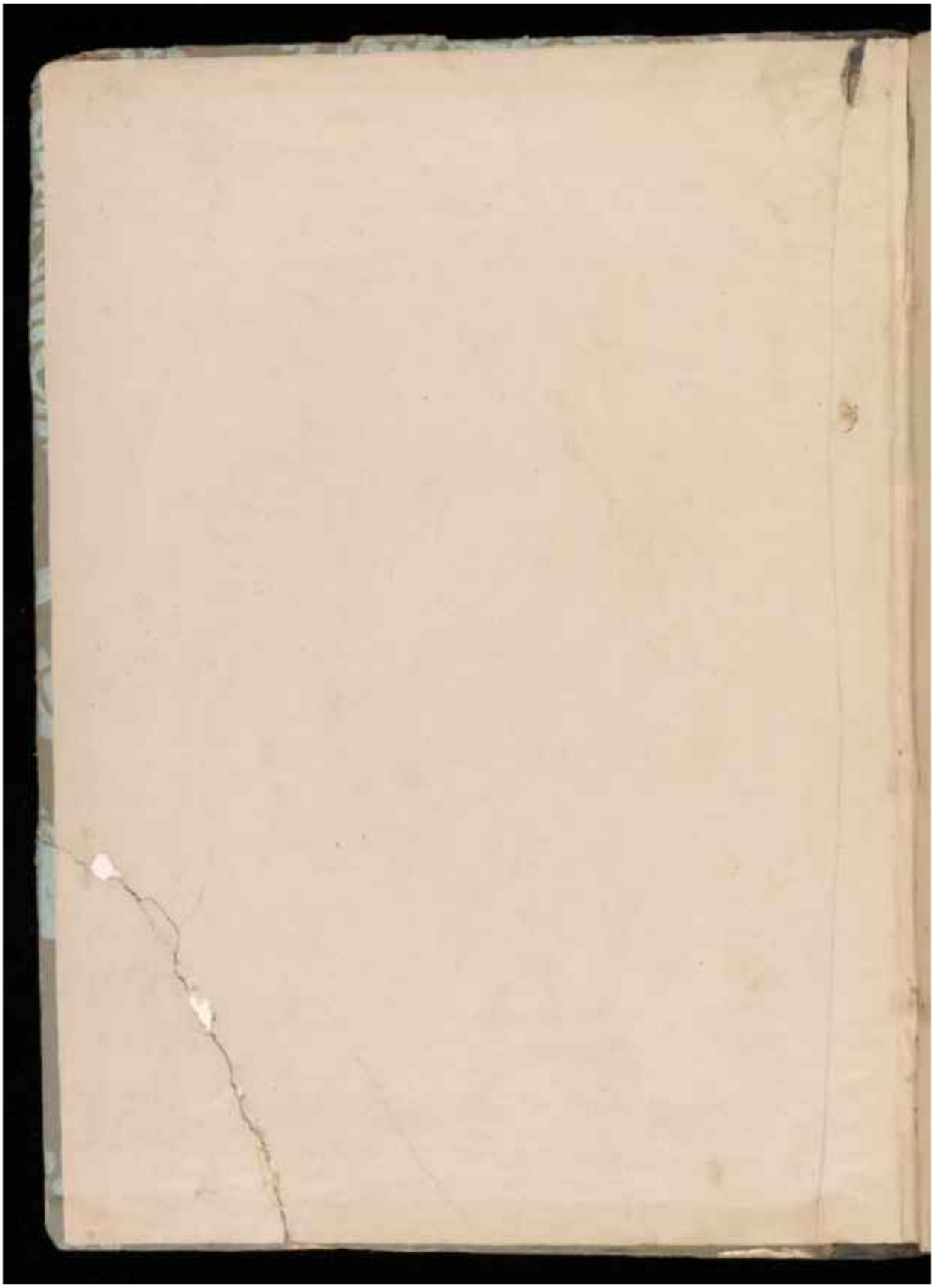

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 814 of 1786

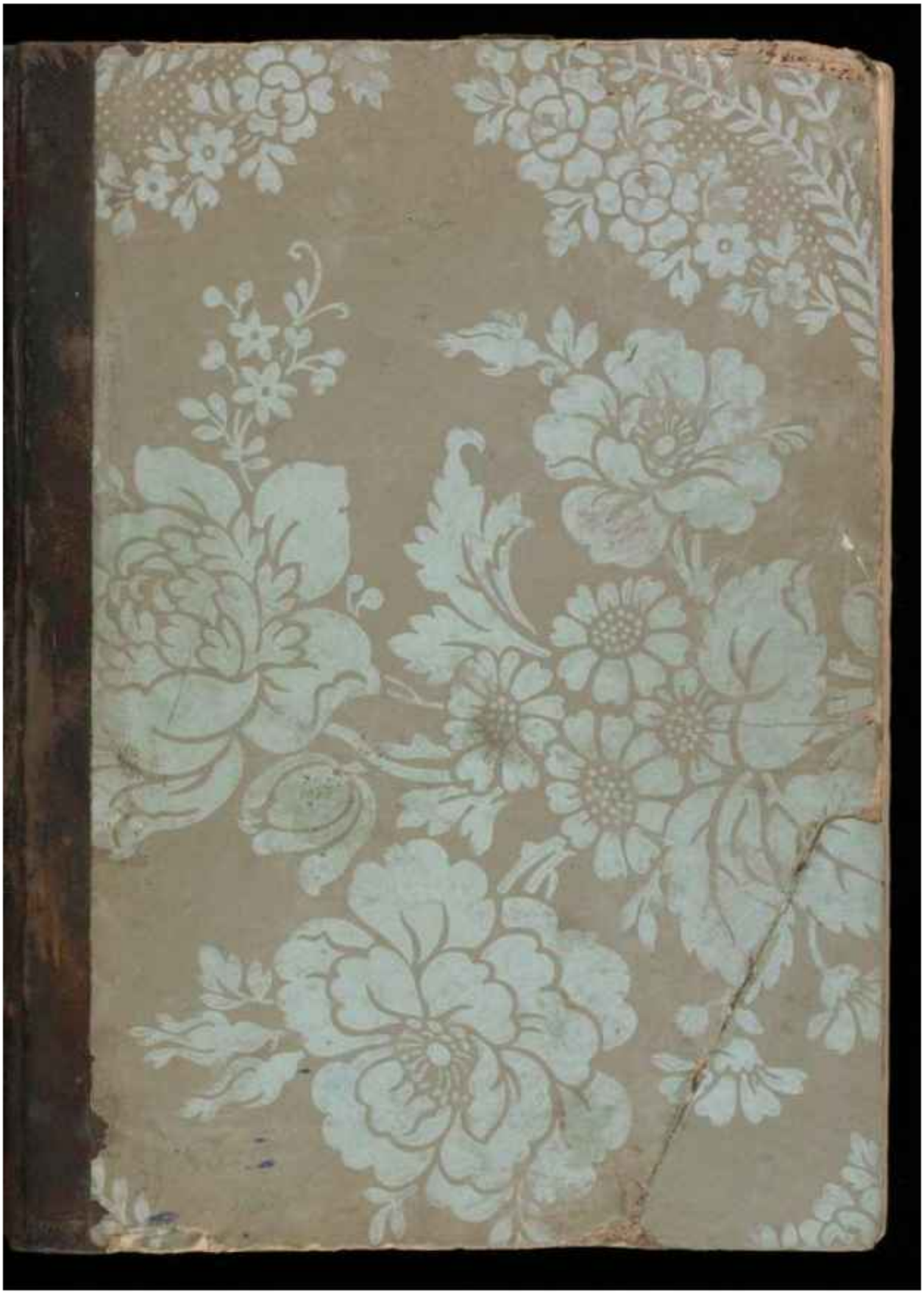

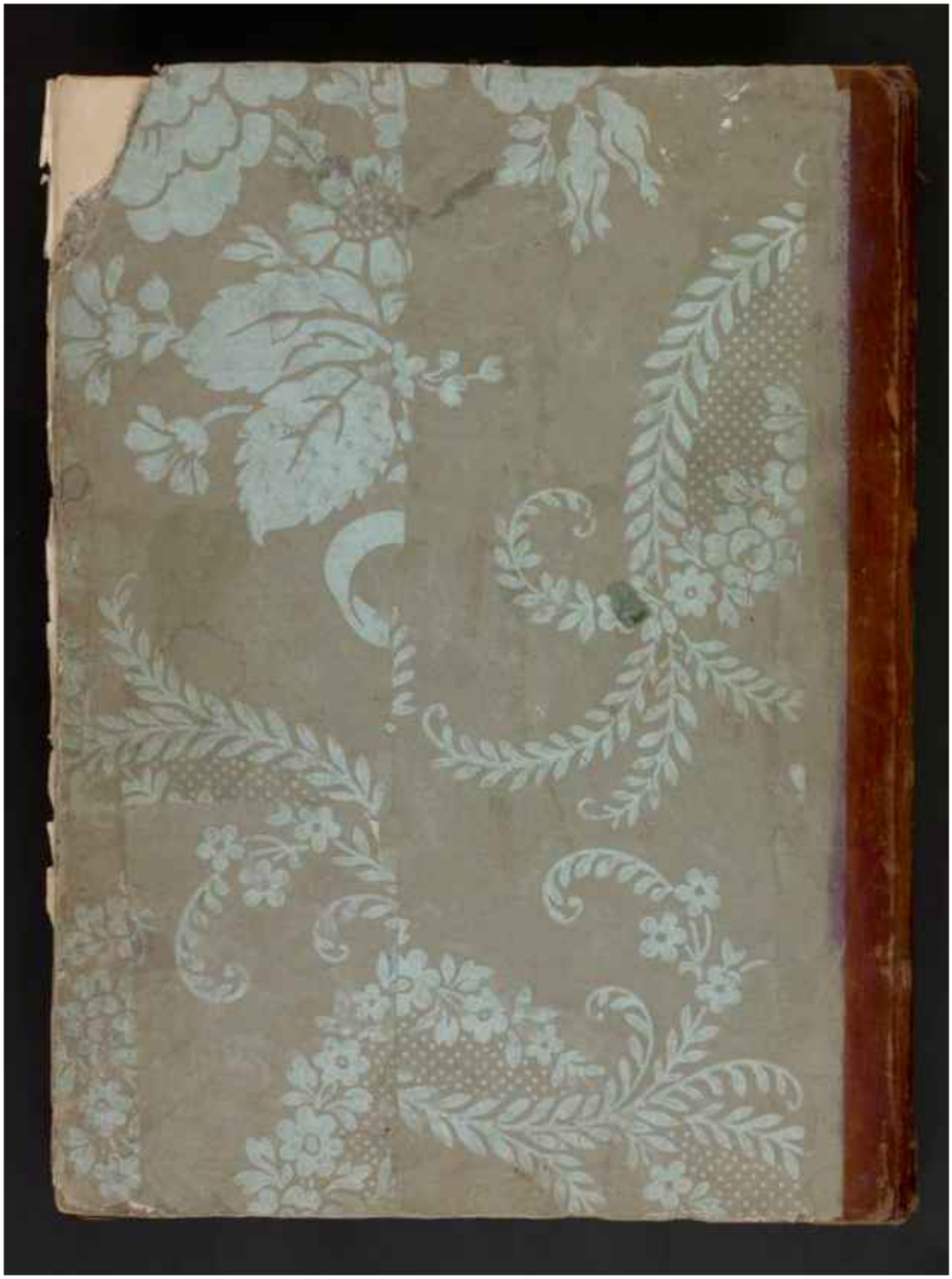

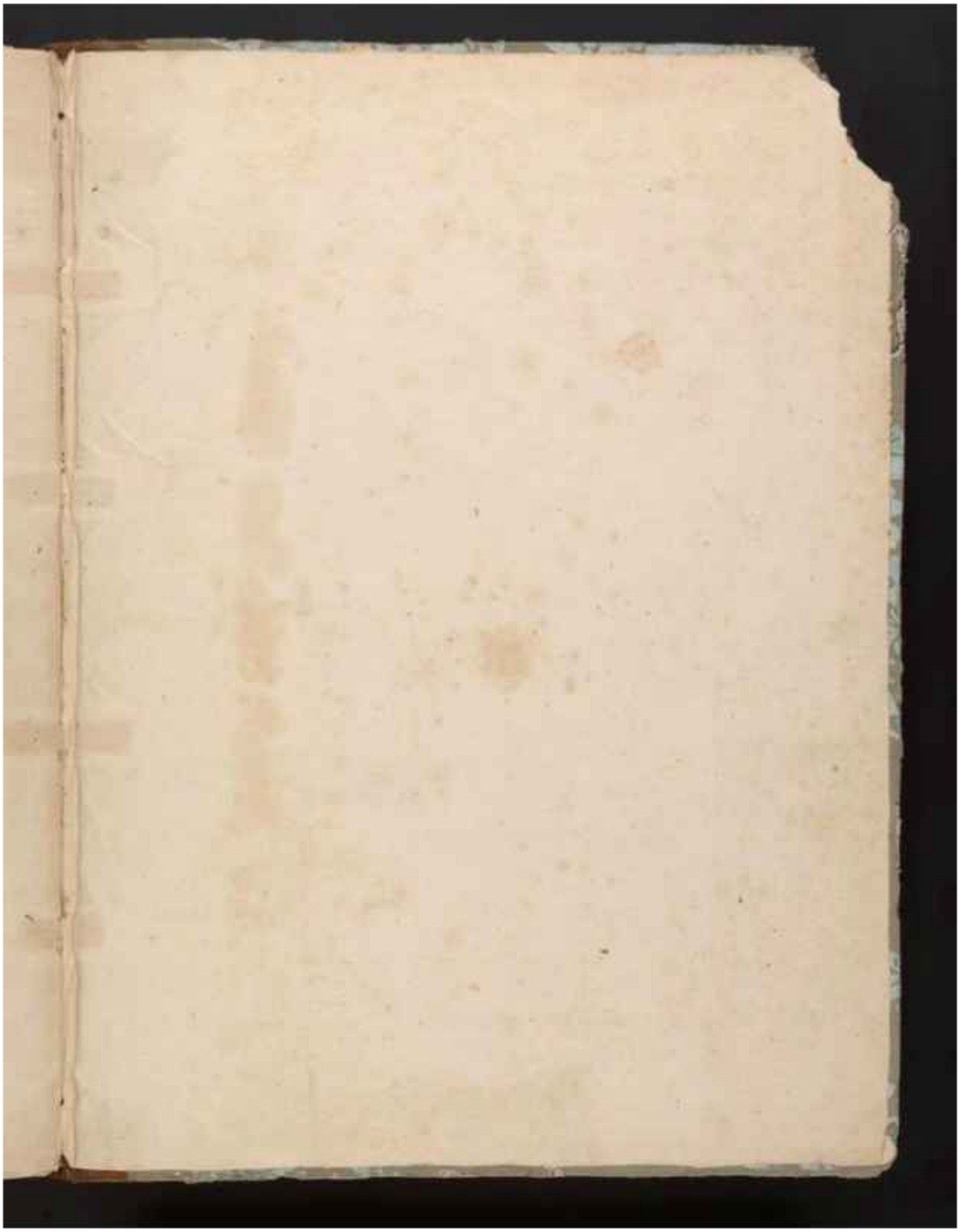

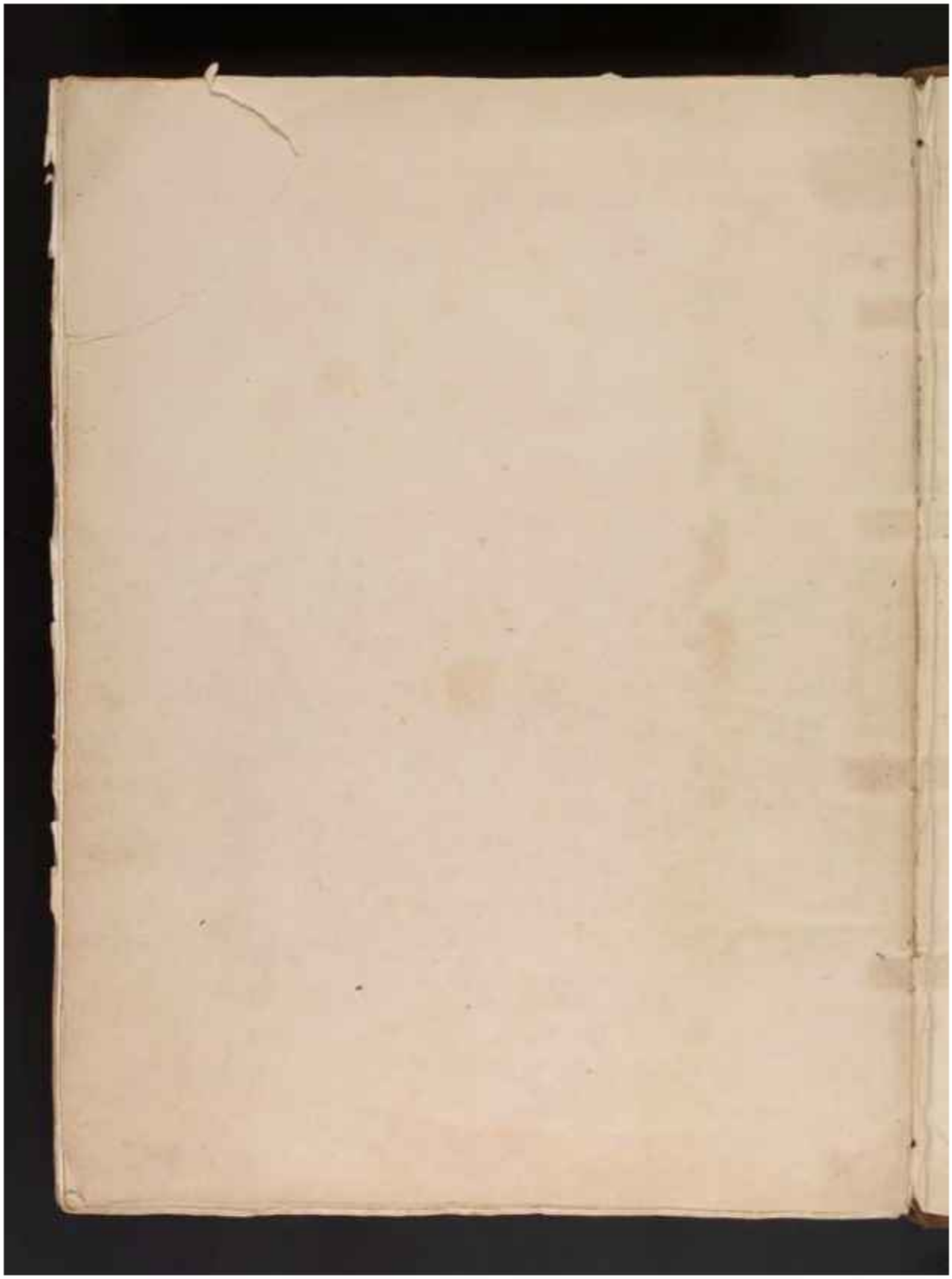

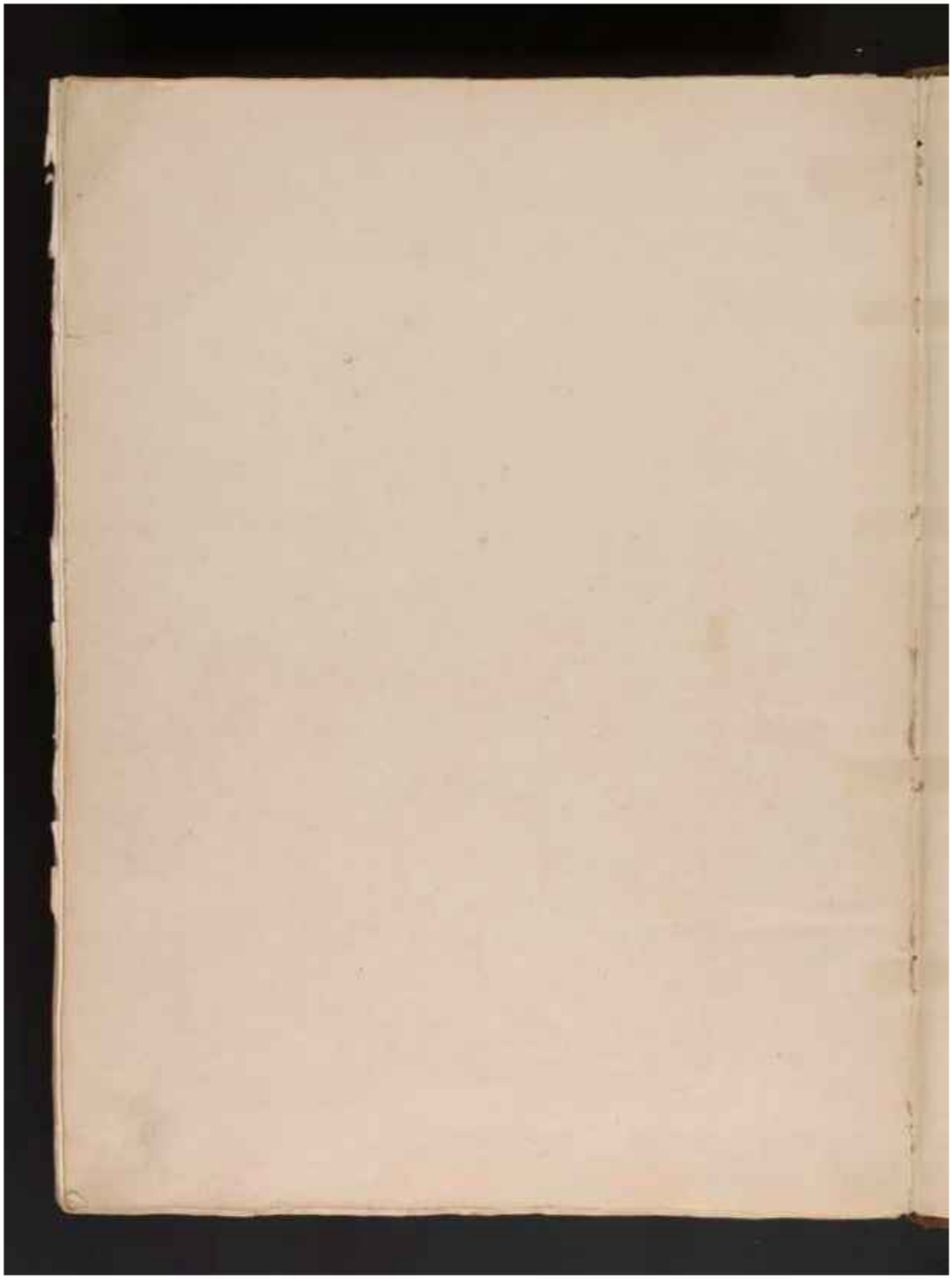

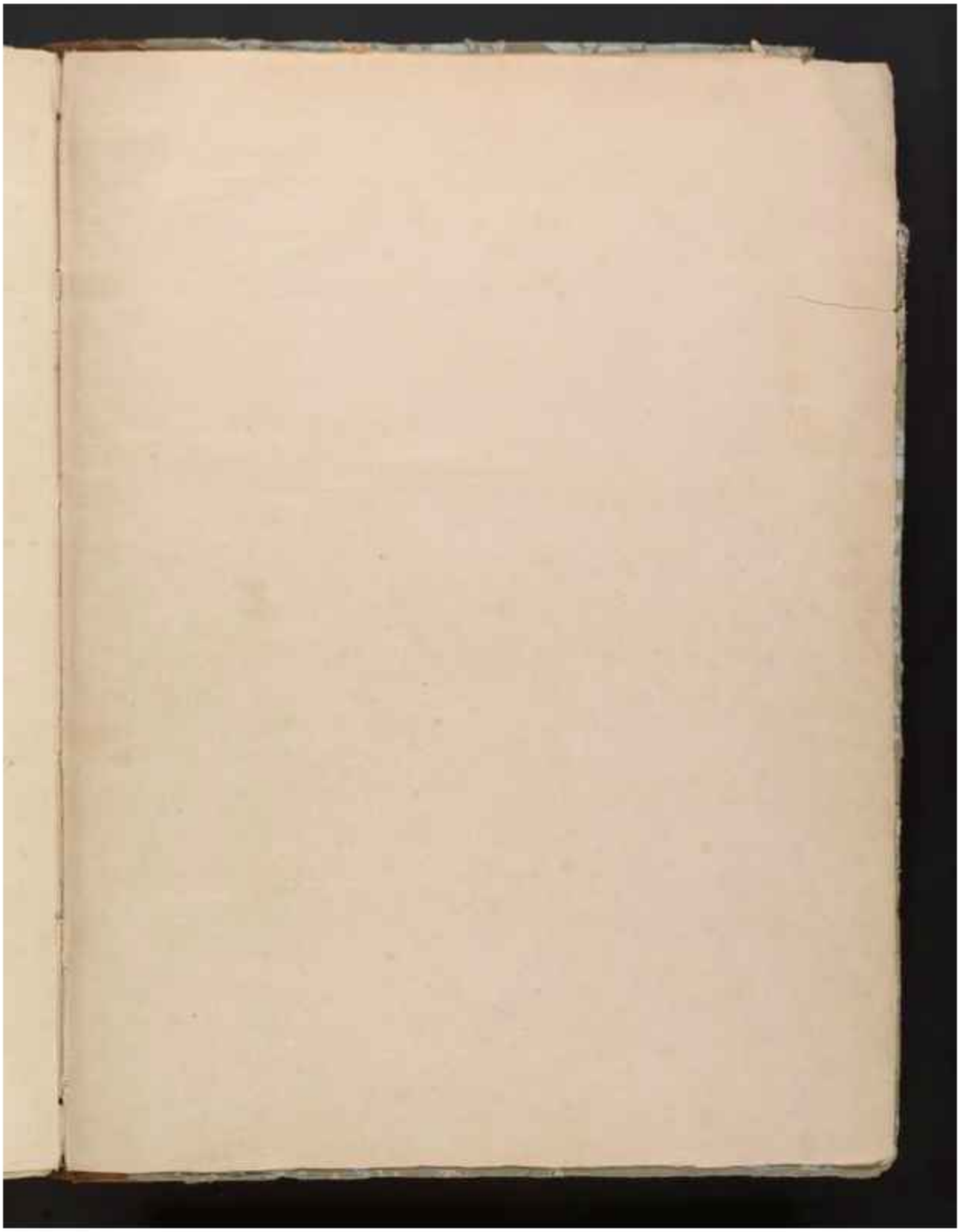

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 821 of 1786

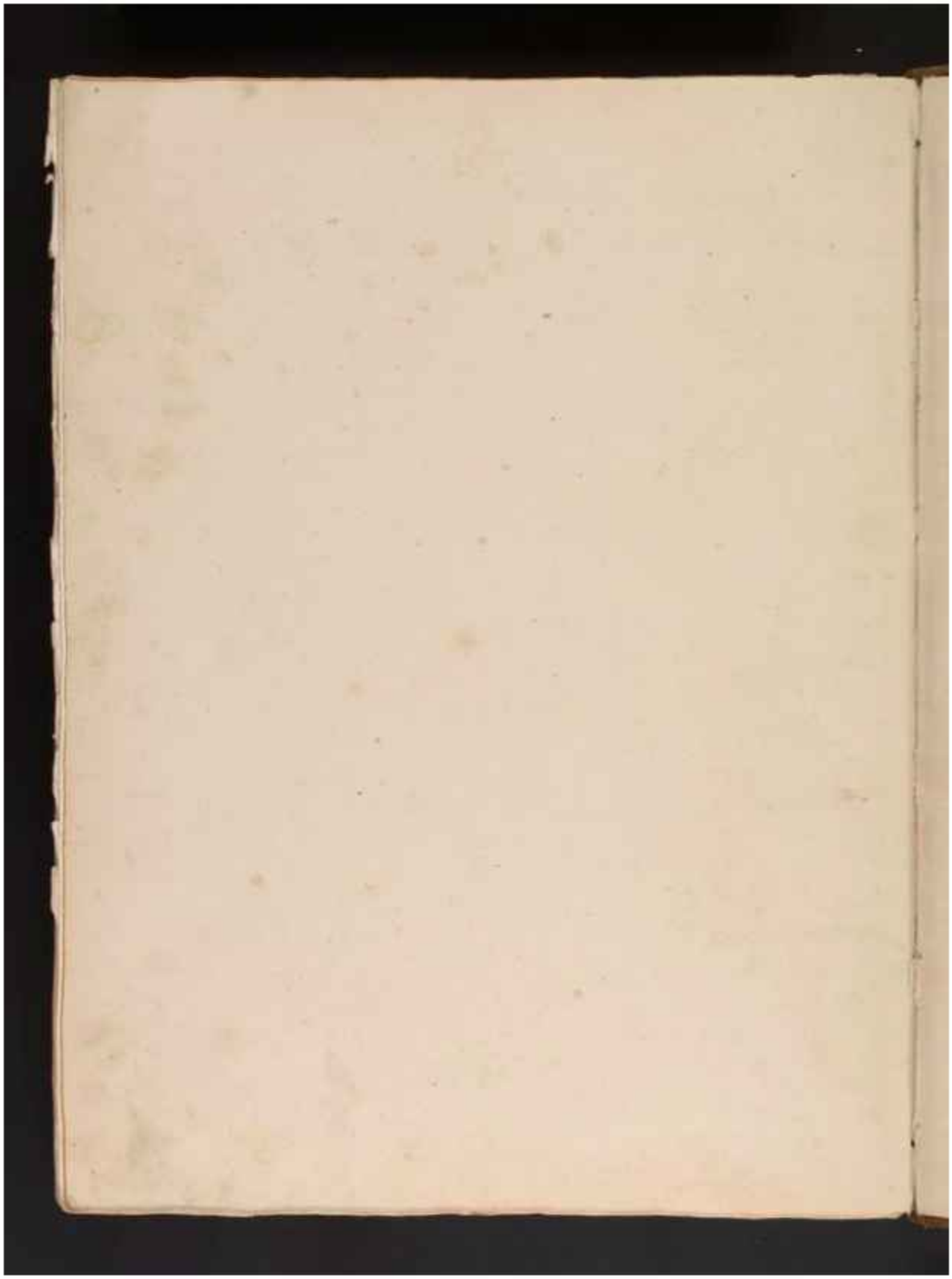

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 822 of 1786

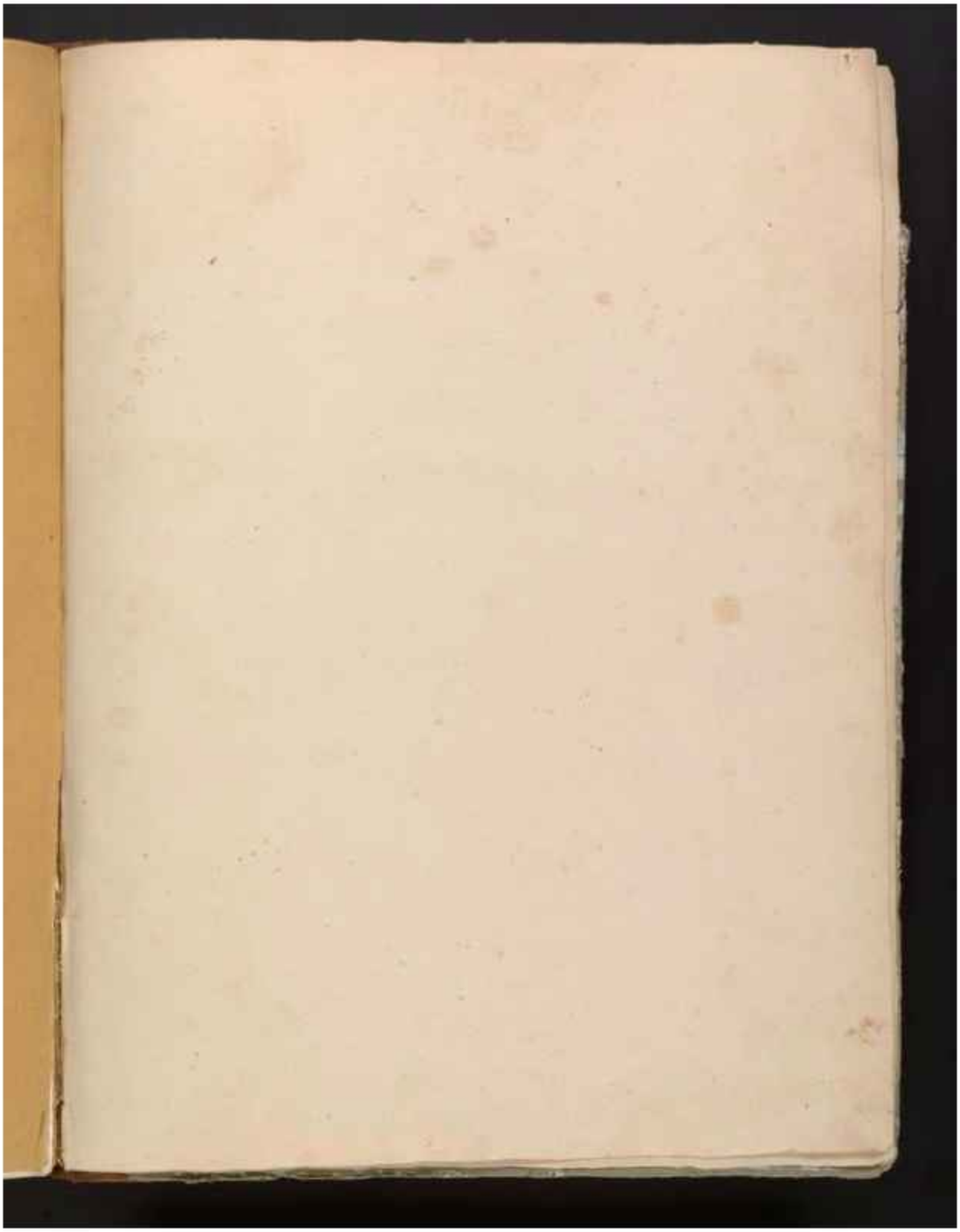

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 823 of 1786

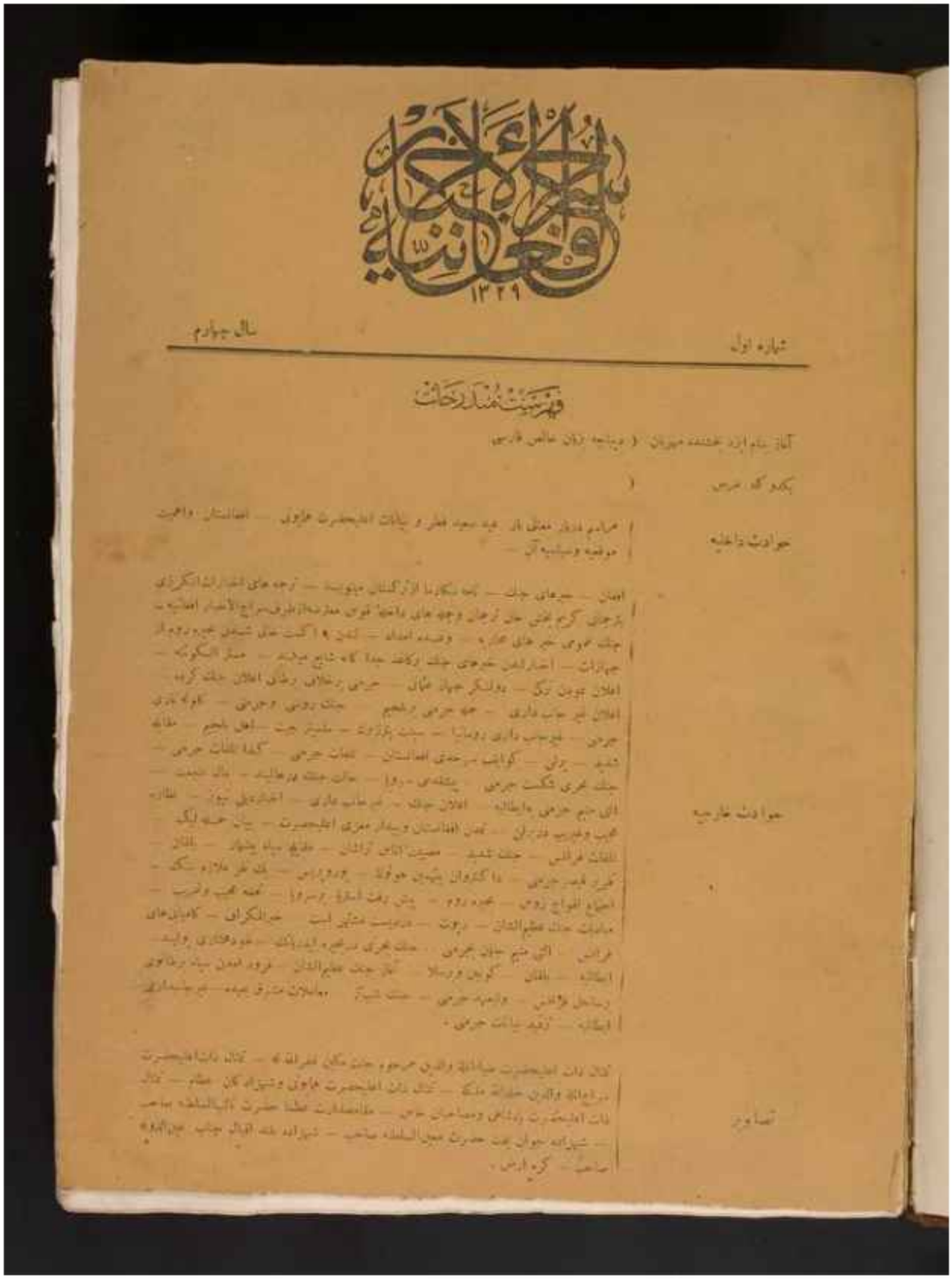

شماره اول سال چهارم

فهرست مندرجات

آغاز بنام ایزد بخشنده مهربان (دیباچه زبان خالص فارسی

یکدو کلمه عرض (

حوادث داخله

مراسم دربار معلق بار عید سعید فطر و بیانات اعلیحضرت همایونی — اعلانات داخلیت موقعیه وسیاسیه آن —

اعلان — خبرهای جنگ — پته بکارنا از ترکستان میرسد — ترجمه های اخبار انگلیزی بزرگی کرم بلغی حال ترجان وجه های داخلهٔ قوس مدرسه از طرف سراج الاخبار افغانیه — جنگ عمومی خبر های تازه — وضع اقتصادی — کابل و اکست حالی شیدن خبر روم و ایران — اخبارات — اخبارات خبرهای جنگ رکاکه جدا گانه شایع میشد — مسلم الثبوت — اعلان بیوین ترکی — بولتکر جهاد عثمانی — حربی رخلاص رشای اعلان جنگ کرده — اعلان غیر جانب داری — جنگ روس و حربی — کلوله بازی حربی — غیر جانب داری رومانیا — بیت پکرزت — مشیر حربیه — اهل بلجیم — مطالعه شدید — برلن — کوایف برحدی افغانستان — اعلان حربی — گذه اعلان حربی — جنگ بحری شکست حربی — پیشقدمی روسها — جان جنگ برهاید — بال انجمن — ای جنم حربی واطالیه — اعلان جنگ — غیر جانب داری — اخبار برلن جرنل — مطالعه کتب وغریب دوران — کمپنی افغانستان وبیدار مغزی اعلیحضرت — بیان خطه لنگ — اعلان فرانس — جنگ شدید — مصیبت اناس آرامان — طوایف بیاه پشتهار — بلجیم — کمبر قیصر جرمنی — داکتروان پشین هولند — جرمنی — یک نظر علاوه بنگ — اجتماع انواج روس — خبره روم — پیش رفت اسلحهٔ جرمنی — کمپنی غیب وغریب — مادیات جنگ عظیم الشان — رجوت — درویست متکبر است — جرمنگرای — کامیابیهای فرانس — ای جنم جهان جرمنی — جنگ بحری در خبره ایدریاتک — جرمنی و اطالیه — بلغاریا — کوچن ورسالا — آغاز جنگ عظیم الشان — فرود آمدن جهاز رمانوی رساحل فرانس — واقعه جرمنی — جنگ شیراز — بهلوانان مشرق بمیدان — غیر جانبداری ایطالیه — تردید بیانات جرمنی ،

تصاویر

کابل زبان اعلیحضرت حبیبالله والدین مرحوم جنت مکان غفرالله له — کابل زبان اعلیحضرت سراج الله والدین حضرت همایون و شیراز کابل عظام — کابل زبان اعلیحضرت رئیس الحاکم وصاحبزادگان جناب — مطالعات خطا حضرت نائب السلطنه صاحب — شهزاده جوان بخت حضرت عزیز السلطنه صاحب — شهزاده عنایت الله اقبال جناب عزیز السلطنه صاحب — گروه ارض ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 824 of 1786

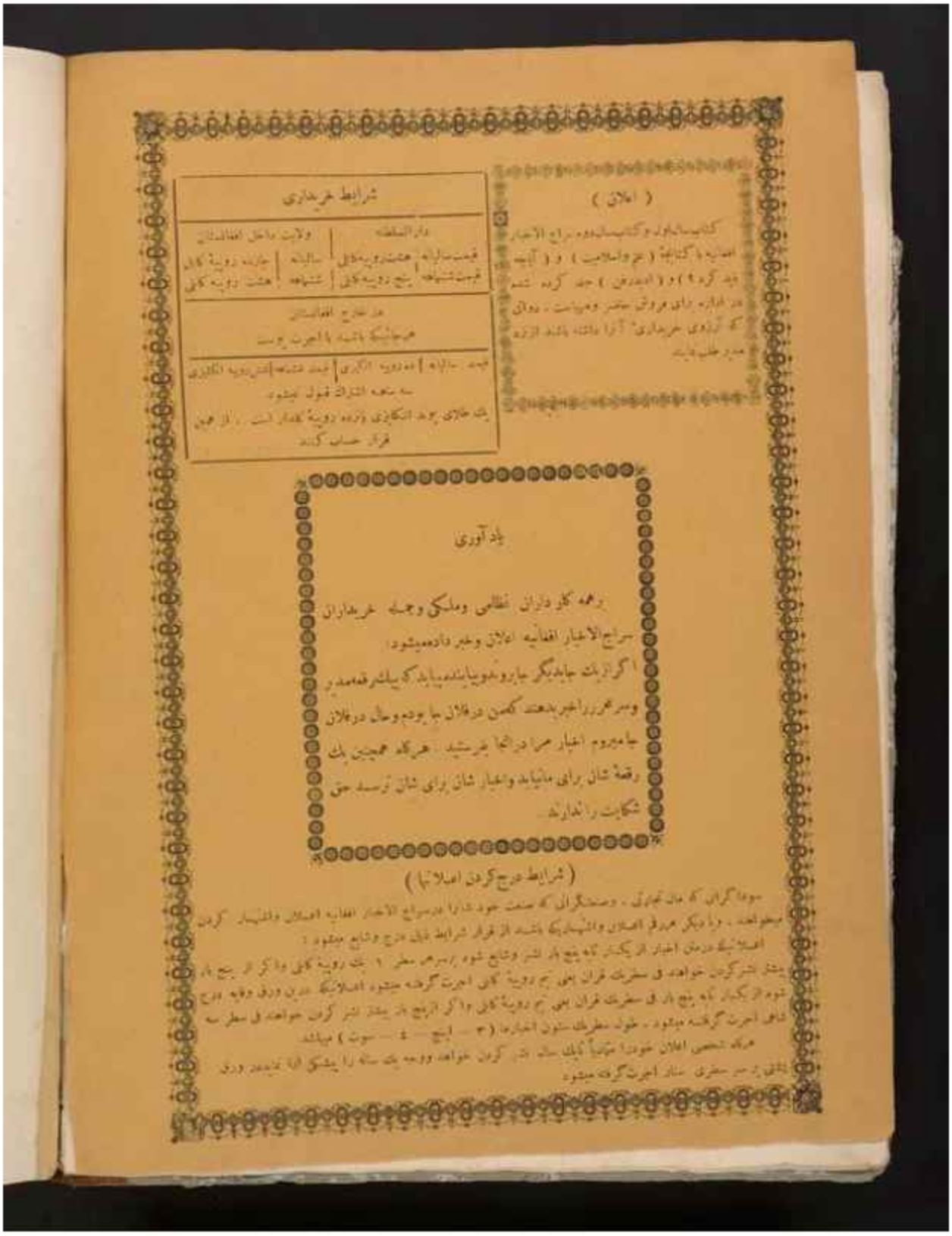

(اعلان)

کتابسا بابول وکتابسا بدوه سراج الاخبار افغانیه با کتابهٔ (عز واسلامیت) و (آینه بخت گرد) و (امیدوطن) جد کرده شده در اداره برای فروش حاضر وموجود است . دوای که آرزوی خریداری آرا داشته باشد ازوه مدیر طلب نماید

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیه کابلی	سالیانه	چارده روپیه کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه سنه انتزاله قبول نمیشود

یک حلاری پوند انگلیزی وازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کرده

یاد آوری

برهمه کارداران نظامی وملکی وجمله خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جایدیگر جابروبخویابنده میاید که پیلشر قدیمه در وسر عرر را خبر بدهند کهمن درفلان جا بودم وحال درفلان جامیروم اخبار مرا درانجا برسانید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود را در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برهر سطر ۹ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطرش قران یعنی پنج روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در متن ورق دوبه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطرش قران یعنی پنج روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطر به شش اجرت گرفته میشود . طول سطرهای ستون اخبار ما (۳ — انچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متواتراً یکسال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در باقی از هر سطری سه قران اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 825 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم نمره (۱)

قیمت بمالیانه

مدیر و سرمحرر

محمود مرزی

اداره و محل طبع

در مالیخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

هر امورات تحریریه بادارهٔ خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف داخله کابل

با امرانات داک ۱۰ روپیه کابلی

در خارج کابل

با امرانات داک ۱۰ روپیه انگلیسی

سه روزه روز یکبار نشر میشود

اعلان بسبهٔ آن مشکل یکصد سی است

(اوراق گمرج نشود اعاده نمیشود)

تاریخ عربی ۱۵ شوال المکرم سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ۹ سپتمبر تاریخ شمسی ۱۷ سنبله ۱۲۹۳

بسم الله الرحمن الرحیم

سرآغاز پیام (از طرف اعلیحضرت مهربان)

(دیباچه بزبان خاص فارسی)

سپاس وستایش بیرون از شمار مر آفریدهٔ کاری را سزاست که جامهٔ دوزبان را بقای کوتاهی بخشید، دروه بروان پاکیزه بر گزیدهٔ دوات که بپیوند کیش خوب خودرا بموزش دانش پدید، خندان وزبان آورا دوستی وفروتنی بخاست که کارهای بسامان هر کدام شان رهبر بختیاری وتکوشی شان گردید، پادشاه بلند پایگاه بادار ودانش پرورستا اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله [خان را خداوند زمین و آسمان تمالیای بزرگی براورنگ جهانبانی شان وبدارو آرام داده تا گروه پرشکوه ملتهای وشایستهٔ افغانستان سایهٔ دانش پرورپا وداد گستریهای شاهانهٔ شان برتربا وبختیاریهای بیاندازه را سزاوار گردد، وهرروزبدیده روی زمین ورمیان شود.

سپاس پروردگار بزرگ خودرا بچیزمی تواند گذارد (توانائی دانشمندان وزبان آوران گویا) چیزی بسپاسهای افتادگی را بالاتر ساید بسا چیزهاش آشکار نبود، وزبان بستگی مگر سایهٔ دانش پرایهٔ شهریار دانائی نکوئی خواه فرخندگی همراه رزیبا

درین سه سال بسیار چیزها گفتیم، وشنیدیم، آرزوی یکانه توانائی همین بود وهمین خواهد بود که در راه بیداری و آگاهی برادران هر زمین وهم آئین خود یک کوشش بجا آورده باشیم امیدوارست که یک گشتگی زبان آرزوی خود کامیاب هر آینده یابیم - با اینهمه از توانائی وزبون خود همیشه شرمنده بوده ایم، امیدوار چنانست که بزودی بدیده روشنتر بینیم و گفتنیها بشنویم - از درگاه ایزد دانای بیانی توانا امیدوار آمرزش، واز خوانندگان فرهنگ مندش آرزومند پوزش میباشیم - (۱)

بیکدو کلمه عرض

فیوضات وتوجهات جهانمرحمت دات تو کتسبیات پادشاه گرجه صفات معدات تجلی اعلیحضرت (سراج الملة والدین) همیشه در زیر سایهٔ خود محافظ دولت خویش کما مسئلهٔ خداوند افغانستان سایهٔ او حفظ وامان، جریدهٔ وطنیهٔ (سراج الأخبار افغانیه) سه سال کامل از مراحل عمر گرانبها را طی نموده بال سرحلهٔ سال چهارمین خود گام اقدام قرار فرمایی گردید.

مسلک تحریریهٔ این روزنامهٔ وطنیه را قارئین کرامش دانسته خواهند بود که غیر یکخدمت ناچیزانهٔ علمیه، ورراه دین ودولت وپاسداری وبیداری وطن وملت دگرچیزی نیست گاهی ازسیاسیات ملل، برخی از علوم وفنون فوایدمنظم، ترجمهٔ از اخلاقیات وادبیات مشاهیر سلف، شمهٔ از واقعات وحوادث زمان وجهان بختیار امیدمیرانند، امامقصد اعلاومراد قصوای این خادمان همت ومناقب اعمال همت ترقی پرورانهٔ خیر اندیشانهٔ ذات اعلیحضرت حامی مقدس محبوب القلوب خودشان است که بپادشاه ملک آنچه زیرکیست که ازدور فروزیهای مرحمت مأنوس هزاران شان هزارها باب رحمت وهزارها شهراه جلوت بر روی ملت ومملت شاهانهٔ شان باز فرموده اند علی الخصوص ازاثر فیوضات آثارغ وفریبان دورین عصر ترقی عصر شاهانه رواج وگرمی حقیقی خود را پیدا گردیده است -

(۱) دورن دیباچه یک کلمهٔ عرض ذات اعلیحضرت هرگاه که نمودی چه دور قرص میزبان گردان شده هرگاه فارغ گردانیده پایه را گذاشته ایدرقم چاپ گردیده چاپ مکافات داده میشود - آخر دیده بگذرد -

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 826 of 1786

این است که (سراج الاخبار افغانیه) نیز یکی از امنهٔ نازه زادهٔ این بازار وحش نگار عرفان شعار است که از اوان نوباوگی خود تا بایستم بالزرگ حسن توجه حامی مقدس معظم خود در افزوی محاسن صوری و معنوی خود تا درجهٔ کمالی بوده است کوشش ورزیده است.

سراج الاخبار افغانیه درخصوص تحول تمدن ، و توجه ورغبت متزکین وقارئین کرام خود در افزودن از هیچگونه فداکاری رو گردان نشده است ، ملاحظهٔ جون کاغذ ، خوبی تصاویر ، تنوع مضامین رهنمای آنها علاوهٔ یکان کتابخانهای هدیه ، رهنمای آن هر ارزانی قیمت را بابا مرایات نموده است ، حتی بدرجهٔ که برای زیدن کتابهای ورقهارا از یکدیگر صانع تدریجاً وقت قارئین کرام خود روا دانسته واسطهٔ ماتین پوش هوارد کتاب های علیحده را بدید توزیع وتسلیم اخبار خود برداخته است. اگر چه باوجود اینهه فداکاریها باستحلاب حسن توجه ورغبت قارئین کرام خود موفق نشده است ، وتعداد متزکین جون خرید خود را از عدد ده وازده افزوی داده نتوانسته است ، حتی درنظری خواه دارانی کهتشخیص شان دردفترهای سرکاری میباشد بترسی احتلاس و کتمانها بوقوع آمده استلزام سراج الاخبار افغانیه اسباب حقیقی انکیزوی متزی ، وضعف رغبت روزی را درقلت نفوس عرفان عمومی یافته هیچ قوتی و قصوری را خود راه ندهد ، وهیچ خطأ درراه ایفای وظیفهٔ مقدسهٔ خود که عبارت ازخدمت وطن عزیز است تاجان درتن باشد کوتاهی نکند .

درخیار ماه مبارک این روزنامهٔ وطنیه بوقوعات و حوادثات یک جنگ رستاخیز آمیز حونریز دهشت انگیز بسیار بزرگی که درمیان دولتهای معظمهٔ اوروپ روپنده است آغاز نهاد ، لهذا بوظیفهٔ این جنگ دواو وزرد سراج الاخبار افغانیه اکثر اطراف خود را بخبرهای عمده مصر میکند واگر لزوم دیده شود عجله هارا هر بیشتر خواهد گردانید توقع و آرزوی خواستگان ومتزکین کرام خودرا نیز درشدیدن خبرهای حرب ملاحظه وحس میباید ، اگرچه رای متزکین کرامی که در خارج وطن دارند خبرهای عمده که درج کنیم ازقبیل اعلام معلوم شمرده میشود ، ولی هیچ شبهه نداریم که اینان بادرپاس خاطر متزکین داخل وطن عزیز را درنظر خورده نکرده ، کرتجیح داخل وخارجی یکسانه را نیز که درین دوسان درنسخهٔ اول جریدهٔ خود درج میکردیم بازدر همین ملاحظه موقتاً ملغی نمودیم ، باقی در هرحال وقضیهٔ احوالات دنیای امروزی عرفان والوالله ودولو شوکت واجلال اعلیحضرت بادشاه ترقی اسلام حامی حرمین شریفین خادم توحید وتوفیقات ازدیاد زوالجلال لازوال حق سبحانهرا دربارهٔ خود نیاز واستمداد مینمائیم ، من الله التوفیق .

حوادث داخله

مراسم دربار معلی بار عید سعید فطر

مه مبارک فیض رسان رمضان در چوم دو شنبه باختام رسید درلیلهٔ سه شنبه رویت هلال غره شوال المکرم ثابت گردیده به اعلانات پست وتلگرافی عید سعید میامن عید فطر روز سه شنبه برهمگان اعلان گردید .

بموجب رقعه های خبری که از طرف ادبیات آفتابیان ماشکی وظایفی توزیع وتقسیم شده بود بهشت بجهٔ صبح یوم مذکور همه ارباب حاضر ماشکی وعسکری ، وسرداران عظام وعمدهٔ اشراف وخوانین کرام درقصر معالیمصر (امانی) هاوی بارعام واونیفورمهای زرین درباری خود شان جمع آمده بعد ازصرف چای وقهوه بمعیت دات فخامتسمات جناب عالی ناب السلطنه صاحب افخم در کالسکه مار که بشرفیابی سلاو دات شوکتسمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بادشاه حقایق آگاه دارای دین خود شان تالی وسزاوار گردیده ، وبه الکمات جهان درجات هاوی مظهر گردیده بموجب فرمان هاوی در مراسمهای مکلی که درپیرون دروازهٔ ارگ مبارک بترتیب تام توقف داشتند سوار شدند ، بعد ازان که عرابهٔ سواری دات اعلیحضرت بادشاهی از داخل ارگ مبارک خروج نمود دیگر همه عرابه ها پیرو کابن شاهانه حرکت نموده یک الای والای دی احتشامی بجانب ورلامبر گرید عید گاه تشریف شوکت وشکوه هاوی وقوع آمد .

درخیار ازکان حرمت ودولت پروری که دات پاکنهاد الهی جل سبحانه در پناه بادشاه حراهم پناه مقدس ما تودیع فرموده هما گر خاطر ما گر شاهانه را که سابق از دروازهٔ ارگ مبارک تاه جامع گرید عید گاه در دو طرفهٔ سرک هموار صف بسته احترامات میدادند رای آنکه در ادای نماز عید شان تعطیل وتعویق نیاید صف آرائی نداده در داخل محن جامع تشریف برده وقرار نموده بودند که دات عالی شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه صاحب افخم ازسیموقف برای عمارت تعطیو ترتیب امور عسکریه که از طرف جناب سپهسالار محمد یاور خان والی ان نظامی انتظام یافته بود بجانب تشریف برده وباز عودت نموده رسیدند .

نماز عید سعید یک ساعتی که متجاوز از بیستهزار مسلمین عسکری وغیری بود ادا گردیده ودقت خروجات اعلیحضرت پادشاهی بشرفیابی مقدس ودروازهٔ عسکری در دهن دروازهٔ جامع تشریف آوردن طرف ساحه پلشغوی تشکیل شده ، دات اعلیحضرت هاوی از زر آن گذشته ، از طرف عموم هما گر خاطرما گر دعو سپاه های شان مراسم سلام ایفا گرد .

بعد از ادای صلوة دو سلامهٔ شاه مراسم دربار معلی بار انعقاد یافته وهمهٔ شهزادگان عظام وسرداران ومنصبداران کرام وهمه اهل دربار حضور شاه در مقامهای مقرری خود شان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 827 of 1786

مباهی گردیده ذات قدسی صفات اعلیحضرت پادشاهی سلامه‌الله دربارهٔ بشارت شوکت توأمان همایون باعث‌مزید فرح و اجلال ، وهمه کارنامه الطاف و توجهات جهانداری همایون قرن من وسمار بیاد الطاف فرمودند ، بدار گاهی عید سعید ، و ندای دولو ترقی و آزادی وطن ومملت که از لسان البهاء بیان اعلیحضرت پادشاه مقدس ، صدور یافت قلوب صداقت محلوب همه حاضرین دربار معالی‌مدار را بیک وجد و سرور روحانی استیلا نمود ازدحام‌مهیب ، ازدی‌هر واقعات وشوکت واجلال بیادشاهانه کردید ، جابها شرفیابی حاصل اتحاد و اتحاد فرموده شده دربار علویت آثار بخدمتهای فطری بانجام رسید .

(بیانات اعلیحضرت همایونی)

بملاحظات خصوص حرب حاضر وموقع حرکت دولت افغانستان بجهت درین دربار عالی عید سعید ، ذات شوکتسمات پادشاه زرک دولت مستقله خداداد افغانستان اعلیحضرت و سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان) وخلد الله ملکه من ارجمن ازرو قوانین جاریهٔ این مملکت مستقلهٔ عاصرهٔ دولتهای بزرک وکوچک اوروپا تحت و بیان فرمودند که ما آنچه معنی خاطر مبهمهٔ بیانات همایونی را که جهت تعلق آن بدولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان دارد درینجا بکار میدانم .

بعد ازانکه از رحم جوارین صلح و آسایش عمومی اظهار تأسف فرمودند ، وبعضی اسباب مبهمهٔ این شعلهٔ افروزی نارهٔ جنک وجدال عمومی را درانظار حاضرین دربار معالی‌مدار توضیح نمودند از رسیدن خط جناب وایسرای هند جلالتمآب لارد (هارډینک) ولوشته شدن جواب از طرف قرن الشرف ذات اعلیحضرت شاهانهٔ شان تحت بیان آورده فرمودند :

« تحریرات وایسرای صاحب هند در خصوص اظهار کیفیت حرب عمومی دول اوروپ ، وداخل شدن دولت معظمهٔ برتانیه درین حرب بحضور ما رسیده و ضمناً بعضی اشعار دوستانه نوشته‌اند که چون دولت علیهٔ افغانستان از زمان اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم با دولت معظمهٔ برتانیا عهد دوستی وپیمان موجوداشته ودارد ، ودر جهات و مقتضیات امور خارجه پرسیدن آی وانتشارهٔ دولت برتانیا ، از جملهٔ مواد عهدنامه قرار دادشده تجدیدهم شده است لازم بطرف دولت علیهٔ افغانستان است درین حرب حاضر ، مناسب ومواقق‌دانسته باظهار دوستانه واخبار عالجت کارانه اشعار ورزیده شده .

« باتکل ومشورهٔ تحریرات دوستانهٔ جناب وایسرای هندرو که کاغذ ما جوابیکه ازطرف شاهانهٔ ما نوشته شده ما آنرا بزودیها اهل دربار بیان میکنم از کیفیت آکاه باشید . بعد از بعضی ابرازات دوستانه برای دوست خود جناب وایسرای نوشتیم که : « واقعا دولت علیهٔ ما بادولت برتانیا — تا وقتیکه پشرف و حیثیت و استقلال و حریت آن هیچ نوعی از هیچ طرف وقوع نیافته باشد ، وشرایط دوستی معموله حال‌پذیر نشده‌باشد لاکن رعیه وپیمان دوستی خود زوال وانحوا است و تا آنوقت کیفیتکه زمانیکه ما کیفیت وحقوق ملکهٔ از ازهیچ طرف هیچ تجاوزی وقوع نیافته‌باشد ازمسلک بیطرفی انحراف نخواهد ورزید .

این بود خلاصهٔ مبهمهٔ اوتان حکمت آیات اعلیحضرت همایون که مآلا و اجمالا در بسط خط حرکت سیاسیهٔ دولت متبوعهٔ مقدسه‌ما دربار عالی روشنی بخشیده و حقایق سیاسیهٔ دولت علیهٔ افغانستان را بر موجودین دربار معالی‌مدار بیان فرمودند ، واشخاص رای اطلاع قرین خود درج خاطرساختند ، امیدواریم معلومات کاملهٔ حرکت سیاست دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان درین حرب حاضر بشرایط مسروحه مسلک بیطرفی میباشد .

افغانستان

و اهمیت موقعیه و سیاسیهٔ آن

یک سیاحی کماز فضای غربی‌شمال متلاز آلمن برای سیاحت آسیای شرقی روسیای عزیمت شود ، وهر های بحیرهٔ خزر ، و قطعهٔ خیرهٔ هندرا غیرازشرق مرور کرده بخواهد کهسوی شمال شرق وسط آسیا همان سیاحت خودرا مدر بدهد درپیش روش یک بکار دوار یک بام بسیار بلند سر بفلک کشیدهٔ تصادف میکند که (مروج رفلک سروری بدشوارست) کفته مجبور بتوقف میشود .

این بام بلند مسطر ، قطعهٔ بلند (افغانستان) ، و همه عالم است که یک قطعهٔ بزرک از آسیای وسطی میباشد ، اینرو دی اهتمام از طرف شرق شمال بدوار عظمت مدار (هندوکوه) کهازبزرکه (هندکش) شده است ، وبا (کومنا) کهبکسر طرف غرب تشنده رفته است ، وبا کوهستان (غور) مربوط است ، شرقاً بانتداع فرو آمده‌ها (کوه سلیمان) که از شمال بکسر سوی جنوب تشنده است کسب ارتباط میکند ، جنوباً بناه (بلوچستان) و ازانجا بامحاط بحر یک بحیط مانی تشکیل میکند ، ودرطرف غرب رقعهٔ نشیبی‌پیدا کرده ودراطراف کوه (هامون) یک حوضهٔ داخل ، ودر جنوب جنوب غربی یک صحرای تشکیل‌داده عدازان ازیکطرف کوههای (خراسان) پاشنده مرورد درجهت غرب تا بی‌نهایت بصحرای (مرو) وحوضهٔ (جیحون) سرراست فرو میآید .

بلند ترین مواقع افغانستان ، هماکوههای شرقی‌شمال آنست کهما کوههای بارفدهای مستور بسیار بلندی درکرفته شده است ، بعضی ازقروه هایان کوهها بقدر (۶۰۰۰) شش‌هزار متر وبعضی بیشتر ازانهم ازسطح بحرارتفاع دارد ، حتی بعضی دره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 828 of 1786

تمثال فرخ فال هیکل شهم شجاعت و سیاست خاقان مغفور جنت مکین
اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملة والدین نصرالله له
(فوتو گراف : مکاسطهٔ شاهی ، زینکو گراف : سید ابوبکر)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 829 of 1786

تمثال فرخ حال

فائض تو كتبهاى روشنه مستقل دولت جداداد افغانستان اعليحضرت (سراج الملة والدين امير حبيب الله خان) خلدالله ملكه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 830 of 1786

هاى اين كوهها كه كمتر ميدهد از كمتر از سه هزار متر ميباشد ، زروه هاى (سليد كوه) بارتفاع زمينهاى جلال آباد تا بارتفاع (۴۳۸۰) متر ميرسد كه تا ماه بارف مستور است . زروه هاى بارف دايمى مستور (كوه بابا) كه در اصل اسمائى سلسله (هندو كوه) ، وسلسله (كوهستان نور) واقع است تا (۷۹۰۰) متر ارتفاع دارد .

درميان اين كوهها وسلسله ها جنان دره هاى عميق ورود خانه پرآب وحاصلخيز موجود است كه حيرت را تيز از كشش آن در اضطراب مى اندازد . ازاينرو گويم كه اين حلك پاك تنها عبارت ازهمين كوههاى بلند وبرف سرمقت كاينه ، ودمين دره هاى مدهشة كه مد نظر گرديد ى . بلكه سرى وار بهاى پرازبار اطراف تمار ، وسرى زمينهاى پرازاز محصولدارى رازاز مالكيت كه از هركوه وتپه اى طبيعه درجة بالفعل پرفيض وبركن است .

—§—

در خصوص اهميت موقعيةً اين خطهٔ پاك بيشتر از اشتاكرده يكقدرى از اهميت سياسيهٔ آن بحث ميدارم . ولى ازهمه اول آن رامكوى تو گان بحث ما بحصى از روى افكار جريده وسرى وده سياسيات دولى هيچ جهت اتفاق ندارد ، زيرا اخبار مايك جريدهٔ رسمى دولى ايست كه از رسميات سياسيهٔ دولت متبوعهٔ خود دم ميزند .

(افغانستان) يك دولت باهميت وزى اهميت اسلاميهٔ آسيا ست كه درجهٔ اهميت سياسيهٔ آنرا بازمان جاه سياسى خودى درك وتقدير ميتواند . براى داشتن درجهٔ اهميت آنرا لازم ميداند كه جهات آنرا از يك جانب نظر بكنيم :

جهت شمالى قطعهٔ افغانستان را كه تقريباً دوسوم تركستان روسى حدود آنرا ، وجهت جنوب آنرا (بلوچستان) ، وجهت شرقى آنرا قطعهٔ (هندستان) وجهت غرب آنرا دولت علية (ايران) دربر گرفته است . اين تحديد حدود افغانستان را كه تمام مرجع اقوام خودرا بين ميداند وى بيد وى مقصدى درنظر دارد است كه از نقطهٔ نظر سياست اسلاميه دزين حدود يك نظرى بصور كلى معلوم شود . « اگر افغانستان قواعد جيه روانهاى مخرب خارجى در نظام سياسى ، وجه اساسيه هاى مادى ومعنوى دينى ازدست دوقت بدست آورده ميتواند .

بلوچستان تقريباً با سه ميليون نفوس اسلام كه ميتواند جنس وملت اسلام سكون ميباشد ، تركستان ، با دوازده مليون مسلمان خالص ودرهند ستان قدرصد مليون نفوس مسلمان بادى ، وزان يكبودن مسئلهٔ اسلامى ميباشد كه هين مسئله تاكنون هم مانع اصلى جرها وميان ميكند . ملاحيون راى تاثر اخبار موقت تابعه لذاته در شمارهٔ آينده مذا اين بحث مهم وتفصيلات بسيار واضحى تكميل خواهد داد .

(الى عاره)

خواندنيها

افغان

مقصد از اين عنوان (افغان) در عاوضح كلمات قوميكه به ديده اى ، داى ، غرت ، نفوس معارف ومشهور ، وحتى استقلال قوميت ، ومعذا خرة تراقت ملت مسود شان موسوف ومعروف نميباشد ، بلكه ما ميخواهيم ماهيت حقيق (افغان) كه درعبارة زاكى بنى جنس اين عنوان ثبريت را ثبوت كرده بنام (اخبار افغان) درلاهور (پشاور) طبع ونشر ميشود رهنمائى اسلاميه وعلى الخصوص رموز غريب افغانها بدون على الخصوص تررواداران دينى مردم پشاور ، وافغان در جهتى برادر خود ميدان درآورده بشناسانيم كه درين رديف اين نه وعنوان مقدس چيقدر مضر كاملاً شكننده درحق اسلاميت ومسلمان بودن ميرساند .

ازسياره ميخواهيدوم كه اخبار افغان بادكر اسم اسلاميه ، باسم قومى بنشاخبار ست كه تعريف وخواهان پانسلامى راى اقواى مردم افغان ، حتى طبع ونشر ميشود وبزبان ميكريم . آيا جنان بود كردنتوانم ! افغان باشد وبنك خود خواهان فروشى را رهنمود كردار ! ديد خلق جديد ميباشد ! افغانى كه بنك خود ومليت وطن ومفادات فروختن را رهنمود كردار كردنانند هيچ نميدانند كه در ريشهٔ افغان كلمهٔ كى در كى ، اجنبى شامل وداخل است .

ناسپاسى افسوس مكنيم كه نشريه وى مدعى اخبار افغان وعنوان هاى آى الجنى بزبان پشتو بطبق پيوست كاين ورقهٔ خبيثه كه تعصب ات ام تبرئه كرديده است حقيقتاً بر خلاف كار خير وخدمان اسلام است . اگر كسى بخود دارى نسخهٔ مؤرخهٔ غره ماه اگست سنه ۱۹۲۵ اين اخبار خواسته وبيند كه درحق اسلام چه ميبويسد !

ورقهٔ مذكوره در نسخهٔ ۵ ماه اگست خود مدير عنوان (حال موجودة افغانستان) از قلم كرام (باچه نكار) اين طور خود بعداز ۱۲ سال دراينجا نقل مطول چنين ميبويسد :

« اگرچه مسلمانان تعداد كه ويش درهر ملك زير حكومت ميرسند ، لاكن تعداد اكثر آنها زير حكومت رضايه ميباشد واگر بنظر انصاف ديده شود خود مسلمانان خوشحال وآزاد كه زير حكومت انگريزى هستند . »

بنابرين نظر خود صريحاً اعلان ميكند ، وسادى مدكرداند كه اى مسلمانان در هندى افغانستان ، واى افغانان دولت مستقلهٔ افغانستان ! اگر ميخواهيد كه خوشحال وخوشحال ، وآزادى زندگانى داشته شويد ، هيچ درنك مكنيد ، زود زود بطرف انگليس غريدين ! زيراكه سازند كه معبود وغفار دارين گردد ! بيشتر دعوت بالواب ! فقط دعوت صريحة كفاف ! . . .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 831 of 1786

در خصوص خوشحالی و آزادی" مسلمانانی که زیر حکومت غیردین هستند نباید هیچ گفتگوئی" ندارند . آخوشحالی و آزادی ازان چیزها نیست که از خواهد بود که بغیر از بدست کردن خوف غلامی را از کردن ، دیگر هرچه که خواهی بکن ، درهر شهر چیزها حالت مذهبانه نگهداشته ، دهها خوشبختانه انجامعه وهزارها جمعها گفتن حرام میشود ! ازهمهٔ این خوشحالیها هرچه بیشتر ازافراد خوف بکردنهای احکام حکام غیردین بگیاه آزادی

ولکن خوشحالی استفاده میتواند هرگاه مقصد از خوشحالی و آزادی همین چیزها باشد البته که افغان افغانستان و افغان سرحدهای کوهستان اینچیزها را بجواب خود هم نمیخواهد . لیکن باید دانست که اینچنین خوشحالیها و آزادیها در مسلمانان زیر حکومت حکام غیردین بر خصوص همان عوام الناس بی وجدان و خواهیست که دارند نامه نگار افغان انتقاص داشته . حالانکه درمان مسلمانان باز چنان بیدار معرفت پایان و وجدان هم موجوداند کهاین خوشحالیها و آزادیها را عین ذلت و نکبت شمرده وعدم آزادی و خوشحالی" حقیقی" خود شان خون میگریند ، چنان خون تکریند ! بکروزها گروه مسلمانان ، درهند وسایر نقاط وغیره از قرنهای بعد دران سا گی وتنگی بانند ، ودول غیر جنس ، وغیر مذهب شان رخوانده ، آزادی" حقیقی ، استقلال ملی ، حکومتهای سیاسی ، ملک ، مقام ، ادبیات ، اصلاحات واخاصل همقوای مادی و معنوی" شانرا محو و مفرض ساخته خوف غلامی" خودرا بکردن شان بنداند ، وخود هارا مالک ، وآنهارا مملوک قرارداده حق مساوات را بکلی ازمیان برداشته آیازچیز هائی" نیست که بارباب وجدان وایمانرا خون بگریاند ! ایکاش که نامه نگار آزوطنپارهٔ بیمار ، تنها به الوا واضلال افغانها ، ودعوت خودش نمارا بخوف غلامی غیردین شان اکتفا میورزید ، بی ، بی ! این وطن دار صادق شمار مرا کو بیان ، ترکان ایرانیان دایر بسیی کلمه زیرحکومت غیرجنس وغیرمذهب شان در آمده اند بانواع قواعتها متهم ساخته میبوسید !

[حالت حکومتهای آزاد اسلامی برهر کس واضح وروشن است ! بامه فروشی و حسن پرستی" سلاطین مرا کو وجهات دنیای آنها ، میرسی وفروه فروشی ورشوت ستانی ولا مذهبی" ترکان روم و عیش پرستی وناموس فروشی وکاهبردی" ایرانیان را کیست که نداند .]

قصه را کفتند — آیا میخواهی که حومت وکلمن شوی یا نام زنان بلا قصه شوند ؟ کفت : — من میخواهم که تمام زنان بلا قصه شوند . آنچنان چشمی که من دیده ام میم آنرا میبینم . ای نامه نگار بیکار ! توچون حومت خوف بکردن شدهٔ وازجنت آزادی محروم کردیدهٔ حکومتهای آزاد اسلامی را چرا چون خود میخواهی ؟ این خیوانی را که رانها متیازی سبب بگیاه" آزادی" شان همین دین حومت کفوی است

بکردن داری چرا دایره بلاها گرفتاری ؟ خوم فروش نیستی ! زیرا تمت را افغان نهادهٔ ، وخوم افغانرا به امارت غیر جنس و دیانت میخواهی بفروشی ، رشوت ستان نیستی ، هستی چرا که اگر رشوت بیتامای این زحمات را بپذیرفتی ، آنرا ولا مذهبی" ترکان چه حکم میکنی ! هیچ نام مسلمانی که مذهب رسمی" ترکان (حنفی المشی) ست ، شیخ الاسلام ، و ملی" الله استانبول نایب مذهب حق خواهد بیدهد ، مسجد های" که هرگذار آنها هزارها یک فرد و سمت دارد از تمار خواهان راست ، ملا مکرمه مدینهٔ منوره ، مقامات انبیا ، اصحاب اهل بیت ، اولیا در حفظ شان معمور آباد روشن خرد است ، آنها مذهبیا چرا آنهارا تعظیم و خدمت کرده ومیکنند ؟ حکم بلا کردن بر لا مذهبی" یک ملت معظمهٔ اسلامیهٔ که مذهب خلافت وسعت عدد اکثر بین الشرقین را هم حایز باشد خلقی که بجز جرأت وجسارت نامه نگار اخبار افغان دیگری را نمیشاید ! آیا ناموس فروشی ، و باحمیتی" ایرانیان را آقای نامه نگار چه تجربه کرده است ؟ والفا ازایشان به اقوی کتبی مثلا نشده اند ، وازانسبب بک رجوت عدیده برای شان حاصل شده خواهد بود امادرجهٔ که نامه نگار اخبار افغان خبر دارخواهد بود ! . . . .

بعدازانکه همهٔ میان اسلامیهٔ آزاد وغیر آزادی را که خارج خوف غلامی غیرجنس ومذهب هستند ازابنای انسانیا بیرون راورده ولا مذهبی و لامحمدی وبی معبودات میم ساخته راصل معبودات ضمیر خویش تحمیر خود کفت حق دولت دولهٔ مقتدرهٔ افغانستان دارد فلان سخن را دون دایره همراسرائیا وزلاجائیان" کردانست که هرآن بی واقعراض دلسوزی وروکردنی زاهدان غیرهندستان زمینها ، وعلی الخصوص داران هرملت وهردین افغان ماورای در حدودتین ملت ازحکومت اسلامیهٔ افغانیه ، چه بیکوید ؟

[البته درباب افغانستان درجوابانش قاطعیها موجوداند ورد مسلمانان درباب این سلطنت جوره اسلامی حسن ظن بالغیب لهذا برای آکاهی" ناظرین درباب این سلطنت بیان خواهیم کرد تا غلط فهمی حرمجبور نشود وبالخصوص افغان بداند که حالتان در چه تنزل است]

بعلاوتی مقدمه بررسی خوهات تلاقه ، وکسنا جهاز ی امداد درحق اعلیحضرت پادشاه مقدس ماجرأت ورزیده است که تفصیل آن خوهات تلاقی باطل را لایق عزل ورقیارهٔ تاریکاره دانسته اوراق جریدهٔ اسلامیهٔ وطنیهٔ خودرا بآن حرفهای چون حرفها سزاوار ندیدیم . اکرچه رویش یک حکومت واصول قواعد یک دولت خورده کیری واغراض میشود ، ولی ذات یک دولت کمیان تلاقه صرف کردن مخصوص بی ربه کان ولی نهایت که دارند نامه نگار افغان باشد .

این بیمار بیکار ازخوشن این توشه های اسلامیت راندارد دیکر هیچ مقصد وسودای ندارد مکر اینکه یک جیفهٔ حسنه ، ویک خدمت وفاکارانه بطوق نهادکان خود نشان بدهد . زیرا درین اوقات میداند که طوق نهادکان شان چه اندیشه‌ها وچه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 832 of 1786

ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج الملة والدین
طرف دست راست شاهزاده معین السلطنه سردار عزیز الله خان
طرف چپ نایب الدوله سردار امان الله خان
[هوکراف : مکتبخانه داخلی ـ زینکوگرافی : پارچه]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 833 of 1786

ذات اطلیحضرت پادشاهی

وعما حیان خاص پدست راست شاهزاده جناب ، پدر محمد آصف خان وپدست چپ جناب ، پدر محمد یوسف خان

[فوتو گراف : عکاسخانه شاهی ، رستکو گراف : پدر محمد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 834 of 1786

افکارهای حیاتی و صوری از دولت اسلامیه افغانیه و ملل اسلامیه در صدر خودشان فاعل الحصول میباشد. بنابرین وکالتی عظمت آدرش بعضی احتیاجات عیدهٔ مخصوصهٔ واهیه را درمدنظر پذیرفته کرده انجمن یک همهمهٔ زوکوله را درمیان مسلمانان وخصوصاً در افغان سرحدیان انداخته، و آنرا ازدولت علیهٔ اسلامیهٔ افغانستان دانسته داخلین از وظایف مهمهٔ وطنداری دانسته بدوشش این عزیزها جرئت ورزیده است. فقط العرض.

(سراج الاخبار افغانیه) رهبه عدم اسلامیت اعلان میکند که (افغان) نام اجنبی که درشهر (پشاور) زبان اردو. کاهی یک دوجریدهٔ آن زبان افغانی طبع ونشر میشود یک اخباریست که تحریر و سیاق آن خلل انداز دین اسلامیت میشد. وبکلیه وظیفهٔ آن دیچر است! — اولاً تمامی ملت اسلامیهٔ نباید را ازمحبت زادراه اسلامیه باهم بدظن کردن، وده آنکه واقعاً درمابین طایفهٔ مسلمانان وهندو بی اتفاقی احداث، بدوم هردمان افغان و حتی را از حکومت افغانستان متنفر کردن. لهذا همه مسلمانان را بدین درس نهادهٔ این ورقیدهٔ که در زیر پردهٔ نام شریف (افغان) قوم فروشی را رواج میدهد آگاه و متنبه میسازیم تا حقیقت وماهیت اصلش رهبه کل آشکار کردد.

خبرهای جنگ

بادکوبه از ترکستان مینویسند

دولت روس از بندرات لیبادای آمو خلیج بندر ترک. وتیکه سروقیزه همهٔ عساکر خود را بجانبوده بطرف پایتخت خود حرکت داده. واطلاعات رسیده تقریباً صدهزاروصدوپنجاه نفر بجهت محافظت اجزاها درمیدان گذاشته است. وتیز درینطرف افواه است که دولت ژاپان بر کرسی دولت روس را، جرمن داوستریا فرصت نداده میخواهد که یکی روس وجرمن را یکطرف ازخاک افغانی شرقی بیرون کند. مکویندوشیر کلان روس را آوپا انصراف کرده اند. وتیز اجرمنی درباب درآمدن ازخاک چین کرفتکو دارد.

کذا — دولت روسیه بنات نقدی خود را از بانکهای خارجه سحرک داده برده است. ومزده تجار رعیتی خود روس ورعایای دولت غیر کاغذهای سود را جمع کرده بدولت روس واپس داده اند که کاغذهای خود را کرفته وچنانکه بعد ازین واسطه تهنیت پریشان وبی اعتباری برای دولت روس پیش شده است.

کذا — در حزار شریف کاغذ سود روسی بسیار بی اعتبار شده است وهیچکس نمیخرد و کسانیکه کاغذ سود دارند بهمیار آزادی فروش میرسانند و مشتری هرکز پیدا میشود. این است که اتحاد فقر که شوار درجه مسدود شده رای شما اطلاعاً نوشتم. فی ۲۶ رمضان سنه ۱۳۳۲ (عبدالاحد)

ترجمهای اخبارهای انکریزی نوزجان کرجستان حال [چه هایکه در آخر جرها بروش بمترجمه کرفته شده ازطرف (خود سراج الاخبار افغانیه میباشد)

﴿ جنگ عمومی ﴾

﴿ خبرهای محاربه ﴾

چون این جنگ عمومی یک اهمیت فوق العاده دارد لهذا سراج الاخبار افغانیه رای اینکه قارئین کرام خودرا سلسله وار از وقوعات محاربه باخبر سازد اکثر صفحات خودرا به حوادث محاربه مخصر ساخته از درج کردن (نامهوران زمان جهان) و (نور آزوت حال) و (قصه های پارسی) فدرتم حد صرف نظر نمود. انشاالله بعد از ختم حرب دلسلسلهٔ آنهارا جاری خواهد ساخت. این است که حالا دوهفته وار واقعات حربیه را بنظر قارئین کرام جلوه کر میسازد. این را هم کویم که این حوادث را بالا ترجمه های اخبار های انکریزی که مولوی (کل بهادر خان) ترجمان اخبار های انکریزی ترجمه کرده برای ما بدفتر سلسله درج میکنیم. والشاالله از اخبار های ترکی وغیره که خود ترجمه کنیم از بعضی حوادث مهمه را جداکانه درج خواهیم نمود وبالله التوفیق.

وصیه اندار

کرمیار اجکل هر (کشمیر ورا جیوتانه وغیره) انواع خودرا رصلاح ومرمتی سرکار هند کذاشته اند. فقط [اکر تکذارند چه کنند؟]

الدن موجده ۲ ماه آکنت...

درین چند روز کذشته باست که چیزهروده از جهازات آبروی جاری باست وبرده هرالس وبرطانیه درهند واین آمدنست فقط

[آیا چه صورت وچکونه حاصل شده است؟]

اخبارات الدن خبرهای جنکی کاهکاه جاکاه تابع میکنند و درهمه اخبارات کمی واقع شده است چرا که اندیشهٔ قحط فقط پیدا شده است ـ فقط [هنوز چه قحطها کجا پیدانشده؟]

مسترالکی که از وزارت جنک مستعفی شده است ولایزد کجرهای اوظهور کردیده است فقط

حمل ۷ تا ۲۳ دقیقه شام...

ترک اعلان نموده است که آن اجناس انواع بطور حفظ ما تقدم بعمل آورده وده فقط

[آیا کجاها حفظ ما تقدم؟]

دولنکر جهاز عثمانی ودولنکر جهاز حمل در بندر کاه رطانوی مقیم اند والکی ماکیل اند فقط [حیف آن جهازها!]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 835 of 1786

مورخه ۵ ماه اگست عمل ۲۲ بجه و ۱۰ دقیقه شب —

جرمنی رخلافی برطانیه نیز اعلان جنگ کرده است فقط

اعلان غیر جانبداری

اعلیحضرت پادشاه امریکه و سویدن وترکی اعلان غیر جانبداری نموده اند فقط

حمله جرمنی رلیجیم —

عمل ۵ بجه و ۵۰ دقیقه صبح —

رسیدن افواج جرمنی از مناطق گیمی‌لیک وهوری چل ووارد شدن بعمل آمده صبح درحدود لیجیم داخل شده اند فقط

آمدن اول درو پسی رسیدن دو کتاره راست دریای میوز اقامت نمودند — اهل لیجیم محافظت کتاره چپ میکردند وجرمنی ازپسه کردن پل دریای مذکور بازداشتند واهل لیجیرا ازقلعه لیك گفته می رسید — جرمنی مطالبه نمود که اهل قلعه لیك اطاعت آرا قبول کنند این مطالبه آزمایش کرده شده است یك حصه فوج که از تیر چیل رقلعه مذکور تاخته بود از افواج لیجیمی پس زده شده است فقط [لیجیم داخل شدن لیجیم پس زدن ؟]

جنگ روسی وجرمنی

سیت پترزبرگ — افواج روسی بهمراه افواج جرمنی را از حصص سرحد دفاع کنانده — افواج جرمنی رطرف پاکوین زین درعقب نشسته اند — مگر اکثر دهات را ویران نداده اند فقط [عجب عقب نشستن ، عجب ویران ؟]

مورخه ۵ ماه اگست عمل ۵ بجه و ۵۰ دقیقه صبح —

لیك — درنهضت اهل جرمنی الیب شکستن پل ها وسرکاریل تعویق واقع شده است ، آنها بطرف لیاژ رفته

تیلورلتاهاله هالیسر لاشت وکراچ گردیده اند — ودریای میوز الزمقام ایستن عبور نموده اند — حصه دهم فوج جرمنی دایستن وحصه هشتم وبرونزر وحصه ششم رطامات نامعلوم میباشد — روسی وایکن تووا درحال آتشزدگی میباشد — رجوع آمده است که افواج جرمنی کهرفصه جات مذکور تاراج کرده بودند باشندگان وسی‌را تابع نبودند بلشکر ظفر سپاهیان جرمنی طرف لیك پیشقدمی کرده اند — بلشکر روانه کننده جرمنی اعلان شده است فقط

کلوله باری جرمنی

۶ رسیدن آمده است کهسپاه جرمنی رلیك وطور کلوله باری شروع کرده است فقط

رسیدن باشندگان وسی بطرف میسلرنج فرار نموده اند — و اهل جرمنی دزدی و پیمبلز وریو چیپی داخل شده اند بعض قلعه‌ها کهدردریای میوز واقع اند درحال آتشزدگی شعله ور میباشند فقط

غیر جانبداری رومانیا

تجارت بطور رسمی اعلان شده است که رومانیا غیر جانبدار خواهد ماند فقط

سیت پترزبرگ — ۱۹ انگریز جهاز جنگی جرمنی رجمیل ولیدوا رسیده اند فقط

ماسیز جیت — جنگ شدید برحد بلجیم جاریست صدای توپ وتفنگ شنیده میشود و جهازات هوای در هوا بالای سر دیده میشوند فقط

اهل بلجیم رسپاه جرمنی کهدریای میوز پل مارصی بسته میکردند کلوله باری نموده سپاه مذکور را مجبور ساخته شدید رسانید مگر سپاه جرمنی درعبور نمودن دریای مذکور کامیاب شد —

مقابله شدید

اهل ـ وپا مقابله شدیدا رمقام باکرد نموده میروند فقط [آفرین]

رلی زبور رسمی اعلان نموده است که جهازات آهن پوش جرمنی بجزیره روم بعض قلعه جات مستحکم داخل الطرپرا مهیم گردانده فقط [الطرپ از مستملکات فرانس است در افریقا]

بلندگر جهاز هوای بلجیم رمقام لیك رپك جهاز هوای جرمنی درهواجه گردیدارا دوتصدف کرد — رونز کننده جرمنی زخمی شده است فقط

کوائف سرحدی افغانستان

ازپشاور رجوع آمده است که تاریخ ۵ ماه روان وقت صبح بلندوسته فوج چترپهمراه یك گروه بدمعاشان سرحدی درقریه جرود حملهٔ کرده ازبدمعاشان بلندفر کشته وجرح شده است واز فوج چترنیز یك نفر مجروح شده گفته است بدمعاشان در تعداد شش نفر ازقوه دفاع خیبر و شنواری بودند فقط

تلفات جرمنی

لندن مورخه ۷ ماه اگست —

عمل دیشب

رسیدن پیغام تیلگرافی که جنگ شدید و خونریزی در قریب هورن رخ گردیده است — سپاه جرمنی شکست فاش خورده است تاپایان حدیکه تاکنون معلوم گردیده توانسته است — [وهکذا بلجیم ، انا الجرمن ؟]

مورخه ۶ ماه اگست عمل دوبجه و ۴۰ دقیقه صبح —

رسیدن — اعلان رسمی مظهراست که بلجیم مقابله شدیدهٔ جنت جرمنی نموده است وسپاه جرمنی را از کرد و نواح لیك کشیده است قلعه جات لیاژرا محاصره کرده است بادشاه البرد کان افسری سپاه بلجیم را کرقلعه در عرصه کار زار رفته است بلاعلان این مضمون تابع شده است کهسپاه مظفر ومنصور بلجیکرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 836 of 1786

مقام صدارت عظما

حضرت فخامت مآب والاشاهنشاه سردار نصرالله خان
فوتوگراف : حسین السلطنه زینکوگراف : یار محمد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 837 of 1786

فرزند اکبر وارشد اعلیحضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 838 of 1786

خلاف ورزی معاهده نبوده است ورساعه کرده است چرا که ما ازاموش فروش انکار کرده بودیم — ماطمئن داریم که سپاهیان ما در اتمانیکه غرض مقدس بالضرور کامیاب خواهند شد فقط

اتفاقات جرمنی

حمل ۱۹ بجه و ۱۰ دقیقه شب —

برلن — اخبار مکوید که اتفاقات ومذاکرات جرمنی وهفت هزار نفر وهفت عراده توپ رسیده است — هفتصد نفر مجروحین جرمنی در برلن رسیده اند فقط [آیا از طرف مقابل چقدر ؟]

حمل ۱۹ بجه و ۱۵ دقیقه شب —

پلک ۱۲ صد مجروحین جرمنی از مرحله کارزار رسانده شده اند اهل جرمنی در علاقه غیها داخل شده وخود غیها رسیده و گل بتاون (فوج) جرمنی را خلاف کرده اند [مگر جرمنیا هر چقدر جوب تا اشنا وده اند ؟]

برلن امروز وقت جلاف سپاه جرمنی پلک حمله شدید پلک نموده کلوله باری کلان کشته میرساند (وهلاکین وجرمنی) امروز باز کوشش داده نموده درقصبه داخل شدند مگر ازدست اهل بلجیم رهلاک چاپیدند فقط [چقدر زهرک خاور ؟]

برلن — درین بیان رسمی مندرجه ذیل نتایج شده است ۲۵ هزار نفر سپاهیان جرمنی بتاریخ ۵ ماه جاری در میدان جنگ برای حفاظ دامن آمدند و استقلال غیر معمول ظاهر کردند وفقیه حمله جات جارانه دامن را بوجه احسن نمودند بعدازان اهل بلجیم رسپاه جرمنی حمله شدید کردند درین حمله آنها ازحمله کامیاب شدند — سپاه جرمنی درهالند داخل شده پناه حاصل کرد [هالند بیطرف چسان آنها را دخل نکرد ؟]

اهل بلجیم شش صد نفر مجروح را رسانده — حمله حمله جرمنی امشب خوفناک است —

اخبارات مینویسد که پلک کلوله ازفاصله پلک روز جهار نفر پلک لنگر جهاز زیاین را زیرین انداخت —

جنگ بحری

حمل ۱۰ بجه و ۱۵ دقیقه شب خبر لنگرانی از کرکوک مظهر است که جنگ بحری درساحل غیر دیز دو کرده است صدای کلوله باری الی ظهر شنیده میشد کیفیت مفصل تاحال نرسیده است فقط [اگر خوب نتیجه میدان البته میرسید ؟]

مورخهٔ ۱ ماه اکست حمل ۱۱ بجه و ۵ دقیقه شب کپتان جهاز لو ریم فواصل ذیل را خلاصی داده است که او بدریچهٔ تلگراف بوسیم ازجها میرسیدن این مضمون دروت حاصل نموده بود که دولنگر جهاز جرمنی که در تعاقب آن روانه شده بودند از جهازات رخاوی تعاقب کرده شده بودند و غرقاب کرده شده اند فقط — [سلطان دریا صیاف ؟]

شکست جرمنی

برن — پلک نمایندهٔ رسالهٔ جنوبی جرمنی از پلک نمایندهٔ رسالهٔ فرانسی حرکت خورده درسوئزرلند پناه حاصل کرده است اسلحه ازانها گرفته شده است فقط [شاید ناکامی باشد ؟]

پیشقدمی سروی

درواقعا بطور رسمی شایع شده است که دروز پنجشنبه کلوله باری شروع کرده شد — بالاصلی اهل سروی از خبر تسلیم پیش ظاهر میشوند که متعاقبین اندریای سروی گذشته وپیش سروی را رساحل استروی نصب کرده فقط

[عجب است که سروی را وقعهٔ واتا ناکهان چسان نصب نکرده اند ...]

حالت جنت درهالند

هیئت ـ ملکهٔ ویلهلمینا پلک مصمما ابتدا درحالت جنگ قرار داده است فقط

مال غنیمت

مال غنیمت پی شمار ازجرمنی درینجا رخانیه وقوع غیر تهای تورده شده است فقط [آیا کلاه شاه جرمن درمیان آنها نبوده باشد ؟]

الی هیم جرمنی به انجلتره

مورخهٔ ۹ ماه اکست حمل ۴ بجه و ۳۰ دقیقه صبح —

اخبارات یورپ رونت شایع کرده اند که جرمنی بانجلتره الی هیم هرسانده است وتوپید جنگ داده است چرا که ازاوزمادن جرمنی انکار کرده فقط [آیا حق دارد ؟]

اعلان جنگ

استرا هنگری رخلاف روس اعلان جنگ نموده است فقط

غیر جانبداری

هیئانیه اعلان غیر جانبداری نموده است فقط

اخبار دیلی تیلیز مینویسد که ۱۹ لنگر جهاز جرمنی درنجره ثبالی تباه وناهود نموده شده اند فقط [که ناهود کرده ناهود کننده مگر روبان کی بود که خودش هیچیک نزدیکش نرسیده ؟ ...]

نظاره غرب وشرب درلن

برلن مورخهٔ ۷ ماه اکست وقتیکه اعلان جنگنامین جرمنی ورخانیه شایع کرده شد — پلک گروه زیادرخانه رخاوی حمله نموده درینجها را تکشتانکه جیاغیر رنجی انگریزی درخانه‌ها کرده شده اند فقط —

ازینه اخبار مورخهٔ ۹ ماه اکست سنه ۱۹۱۴ عیسوی مطابق ۱۳ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۳۲ هجری

تحت افغانستان وپیشگاه معرفی اعلیحضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 839 of 1786

در دوران اقامتشان مذاکرات دوستانه بین اعلیحضرت جناب امیرالمعظم پادشاه بیدار مغز هیچگی کلام ندارد — افغانستان از جریمه قدیم پادشاهان مهذب و متمدن است چند عراده توپ که در زمانه امیر شیرعلی خان صاحب مرحوم مفقود در کابل ساخته شده بود در قلعه لاهور موجود است — از ملاحظه آثار دولت افغانستان پیش گرفته می توانیم که آن در زمانه سابق به قدر ترقی حاصل کرده بود

یک عراده توپ موسوم بتوپ پنجکوا توپ که پیشروی قلعه لاهوری نصب است آنرا در زمانه ماضی در کابل ساخته شده بود هرقدر اصلاحات و ترقیات که در زمینه حکومت حال آنرا جات مکان حضرت میاں الله والدین ودر زمان حکومت اعلیحضرت جناب اعلیحضرت سراج الملة والدین تعدادت بعد ازان اگر کابی افغانستان را قدر شدن وغیر مهذب بگوید قصور معلومات خود او خواهد بود — در دوران حکومت اعلیحضرت سر کار عالی جناب امیر حبیب الله خان صاحب مد ظله توپان که شده است از حد حیرت انگیز میباشد — طبع وتشریح الانوار افغانیه بصاحب ورجه اهل انگلستان روشن میباشد اعلیحضرت بر کار عالی والا میباشد فقط

بیان حرب انگلیس

لندن مورخه ۱۱ ماه اگست محل ۴ بجه و ۴۰ دقیقه صبح بلغاریه نگار انگریزی که وقت جنگ اول جرمنی در انگلستان موجود بود میگوید که قلعه باری از توپ خانه جرمنی مکمل و به اصول دارا بود — قوطها بین دستگر های قلعه جات میگذاشتند و گاری های مخصوص شده انواع قلعه داران را تیکه تیکه کرده از قلعه ها دور میکردند توپ بی آمد سپاه جرمنی نزدیک تر رسید حمله میکرد زیان هیاهو تنگ میشد که گفتگو کنان رطانیه آنرا میخواهند آمد [آیا این سوال را دارید ؟]

اعلان فرانس

در پرس منتشر شده است که فرمانده انگریز از سپاه فرانس یکصد نفر مقتول و مجروح شده بودند فقط [چقدر سپاه ؟]

جنگ شدید

لندن مورخه ۱۱ ماه اگست محل چهار و نیم صبح — انواع جرمنی شبیخون را قلعه بیرانک والدینک جنگ شدید نمودند مگر بیهوده شدند — اعلان کرده شده است که هفتصد نفر جرمنی در جنگ مذکور کشته شده بودند [آیا از طرف مقابل ؟]

لندن مورخه ۱۱ ماه اگست محل ۱ بجه و ۴۰ دقیقه ظهر — تصیلات جنگ ایک عسکری میرسد — اهل جرمنی بلاتان وتیره قلعه را بدست خود آورده است — ودر حلقه قلعه جات که کرد اگرد شهر واقعند داخل وقلعه نیز شده است — اکنون آن رای تسخیر قلعه جات حد وجزیره میباشد محافظین قلعه کوه باری تنگ بهراه حمله جات شدید اهل قلعه جات جرمانکی بادادند ومدافعت حمله آوران وجه احسن نموده که تلفات بین الاحد خوفناک بود

مصیبت انسان نراشان

لندن ۱۱ ماه اگست — چهار هزار نفر انسان را نشان را فرستاده والیهالید از سبب جنگ بیکار میکردند — دیگر کار خانه جات عالیه بزرگ شده ایستاده [آیا گرسنه کشته ؟]

مقابله سپاه فرانسوی

باهم مقابل شدن انواع دوها در هر قطعه حتوی است ۲۲ فرقه انواع جرمنی قدر هر فرقه تقریباً چهل هزار نفر میباشد در بلجیم والسان لورن تقریباً ۲۲ فرقه بلجیم وفرانس خواهند آمد انواع دشمنان کاملاً جمع شده اند وبار میباشد — سپاه فرانس بیشتر در بلجیم زیرا معاونت انواع بلجیم میباید فقط

بلغان

لندن مورخه ۱۱ ماه اگست —

از سپاه حالته جدال — وزیر داخلی بلگرد بخلافی اتحاد معاملات بغارا از حد اهمیت داده میشود — بالخصوص اعضای انواع خانگی از حد بر اضرار گشته میشود — اگر چه مؤخر الذکر (ترک) هیچ علامات ظاهر نکرده است کار آن کوات آن در جنگ عمومی چون حضور شود مگر وزیر اعظم وقت اعلان کردن در باب غیر جانبداری خود بیان کرده است کفایه بصر تجاوز بآن فرض عمل خواهد آورد و گمان کرده نشده وقتیکه بر حد آن روانه شده باشد آن وقت ترک آن مضمون تلاش شده است کفایه معاون چند عرض صدارت جلت تعویض وزارت جلت شود روما جنوبی است مگر آیا دران حالت از حد مختلف آند فقط

در رطانیه کابل درباب حالات جنگ خبری بقدر مطلق جاری نخواهد شد فکر (مطبع جرمن) که جدید قائم شده است چیزی شایع نکند — [سپاه کار خلاف ! البته که مطبع جرمن خبرهای منحوس را نشر نخواهد کرد !]

تحریر قصر جرمنی

وقت افتتاح پارلمنت قیصر ویلیم دیگر شیزاد کل موجود بود در تحریر افتتاحی قیصر ویلیم بیان کرد که مواعش توسیع وتسهیل مابقه جات بازارهای جات تجارت است ساختن قراولخانه جات که مشاورت کرام نخواسته است استاده خواهم کرد ! اکنون ازاراده مستقل مطیع شده وبراه بین حدا صفای دل اظهار نموده بدست صاف وبای تمیز کرفتاریم بعد از قیصر ویلیم بهراه سر کرده های فرق مختلف مصافحه کرده دست بوسی خواهند نمود قیصر سر وجه استاده گوش میکرد —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 840 of 1786

شهزاده بلند اقبال سردار امان الله خان غازی الدوله صاحب
[موجوده کرائی : تکلیفات دیگر : ... کرائی ...]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 841 of 1786

کرهٔ ارض میگوید — سر درد دارم بگذار
طبیب فرق میگوید : — عملیات جراحی لازم است !...

لوحهٔ فوق العاده

رسام شهیر عزیزنا عزیزک تلاقا لطف کرده مقام رسامی مکتب حربیهٔ سابقه ومکاتب حربیه مبادله این لوحهٔ بدیعه را مخصوص برای سراج الاخبار افغانیه ساخته واهدا نموده است . مع المنونیه قبول کرده علاوتاً هدیهٔ تقدیم افتخارین کرام خود نمودیم . یعنی گونه نظریکه که فن رسامی را هیچ اجنبی نداده عبارت ازینکه دانست بری بیشمار بد چون لوحه بنظر امعان انداخته بینند که چه جهان معنی را در بر دارد . سر کرهٔ ارض اوروپ که بالله دستهای بسته بانگشت به آن اشارت شده است که دره در عملیات . دهنش بطرف شرق است که توان توصیهٔ لازم بودن عملیات جراحی بالله شکل طبیب بزرگ بجسم توده خزان رسیده الحاصل فوق العاده رسام ، جهت روحانی ومعنوی حرب حاضره را درین لوحه بصور توصیف هزار آفرین!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 842 of 1786

دا کتروان پیمین هولا بیان کرد گفتیم از ورالمن دادان فوق‌حود فالبور بالای قضایات باخبر جوانمرد بودهرشخصیکه رسانیده باشد یا برای ادائیکه فرض مقدس معروف جنت وده باشد بالضرور برای پیدا کردن راه نجات جد وجهد میباید — اولیز بیان کرد که اگر رطانیه غیرجانبدارماند حرمنی رجهازات فرانس حمله خواهد کرد فقط

(ورو پرس) بطور رسمی عوامالناس لندن را تنبیه میکند که درباب رسیدن عروجین و جهازات ناقابل کار در انگلستان شهرت ندهند — اخبارمن غیرها بالکل بی اصل و اساس میباشند اخبارمذکور میگوید که خبرهای فتوحات پاشکست وغیره فی الفور بطور رسمی شایع کرده خواهد شد فقط [ورو پرس ، افغه رحمت میکشد ! خبرهای خوب چرا پنهان شود ؟]

مورخه ۱۴ ماه اگست محل ۴ بجه و ۴۰ دقیقه عصر —

بنظر ملازم بنا که از طور اکی‌رسلز سواری بالکل رفته است حالت ایگیدا درخوب بیان میکند او میگوید که حرمنی قصدایک‌راز بارو درتصرف خود آورده‌است وهمراه باشندگان آنجاحسن سلوک کرده میشود — حرمنی افواج خود را برای حرکت پیشرفت بطرف بیت آرود و سایت ازراه بل مارمنی ولیت عبور نموده جمع کرده میرود فقط [ورو پرس بازملازم بنا چه خواهد کرد ؟]

اجتماع افواج روس

اجتماع افواج‌روس درسرحد خلاف توقع وقوع آمده‌است — قتل وحرکت افواج‌روس قدرازحد طی تنگ کرده شده‌اند — مگر از کتابات معلوم میشود که سپاه روس بتعداد کثیر حرکت شروع کرده است ازسبب این حرکت سپاه روس و مزاحمت ها که حرمنی دربلجیم حاصل شده است اظهار امید است که کل روکراد (نقشه نگار) حرمنی منقلب خواهدشد فقط [لعنت افغانان ! وای بر روس !]

بقیه روم

ازین حقیقت الامری که از کوین ورسلا تمام مدعیان جنت وغیره جدا نگرده شده است ظاهر میشود که ترکی خلافی ورزی اصولیغیر جانبداری نموده‌است بنابرین الحاقیون وایطالیه رابتسلیم تجاوز غور و جوش میباید که از روی آنها ترکی راصول غیر جانبداری قائم‌ومستقل بماند — چنان ازین‌سبب پریشان وخوشحال است که مبادا هردو جهاز مذکور در بقیه روم بر خلاف آن استعمال کرده شوند فقط [باید بترسند !]

پیشرفت استریا رسروبا

۱۵ ماه اگست محل ۹ بجه ۵۰ دقیقه روز —

پیش — مراسله رسمی مظهر است که روز پنجشنبه چهارده سپاهیان آستروی رکل سرحد سروبا یک شجون زده مگر بعد از جنگ شدید در عقب نشسته — و متحمل خسران عظیم شدند دشمن بوجودان‌در عبور نمودن‌دریای سیوی ودرتصرف آوردن قسمتین کامیاب شده‌است — دشمن بعد ازجنگ خونریز دریای دریارا بزعبور نموده‌است — اهل‌سروبا برای جنگ عظیم‌الشان عازم شده میروند آن جنگ امشب متوقع است — اهل آستریا دریای دریارا ازمقام تودیزا عبور نموده‌اند مگرمقام مذکور بمدافعت قائم‌است (نعم — دروغ گویا حافظه نباشد دربنه جز چه نعیب وضرب اخلاق است هرقطره مدیک دیگر میباشد ترجمه) [آفرین ورورپرس ! چه‌خوب معنیت مجنات را بیان میکنی !..]

نقشه نعیب وضرب

افواه وقوع درتخمیر برای‌شمولیت درجنگ چرب حضرات خود بسرکار هند پیش کرده‌اند ازین معلوم میشود که افرمنیان از سبب اغتنایت خود ثبوت آن و فاداری را داده اند که آنها بسرکار انگریزی دارند — باین طریق ثابت شده است که کل هندوستان زعده وفاداری قائم میباشد فقط [این خبر آفرمنیها هیچ اصل واساس ندارد !]

مبادیات جنگ عظیم الشان

لندن مورخه ۱۶ ماه اگست محل ۹ بجه وچهل دقیقه‌صبح —

سپاه فرانس بسپارتگ و اعتشام افواج جرنا (حرمنی را) بر مضامات اوری گورت وسری که برسرحد ورین واقع است شکست داده است دشمن مجبور حین و مظنون و مغبونین را درعرصهٔ کارزار گذاشته روبفرار نهاد سپاهرالس پیشرفت خودرا بطرف دومنجر والسان تبای جاری و ساری تنگ کرده است جرنیل‌ان درتصرف خود آورده است — [ورورپرس ایخبررا چه شد ومد اظهار داده ؟]

رجوع که جرنیل را ثبات افواج حرمنی بر ثبات کننده شده است بالکل بی‌اصل واساس میباشد —

دربست مشیر شده است کهسپاه حرمنی بطرف ارسیجون پیشقدمی کرده میرود — روز شنبه در قرب لندن و تیلبوت جنگ هنری خفیف وقوع آمده اند و مابین حرمنی و فرانس رکناره دریای میوز بزجنگ ها برپا کرده اند — این جنگها مبادیات جنگ عظیم الشان میباشند فقط [خدا کند که ورو پرس خجل نکند !]

۱۷ ماه اگست محل یک نیمهٔ شب

خبر تلگرافی تازه‌ترین رسلز مظهر است که هیچ قوه‌دشمن بالمقابل افواج بلجیم‌تاب‌نیاورده مکرین انعطاف عازمی معلوم‌میشود فقط [لعن مدام !]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 843 of 1786

هجمان های فرانسه

۱۷ ... اگست حمل ۱۲ ساعت و ۳۵ دقیقه روز —

پیرس — پیان رسمی میکوید که اهل جرمنی بدیانت پیمان بوسته رساله ومتعدد بلن ها واتواپ آلمنی هتان رحمه نبود —

(دیانت درجنوب تبور واقع است) رساله فرانس دشمن را پس نبوده و دشمن بجبار بی ترتیبی طرف کناره راست دریای موز قرار نبود — [ازین ترتیبی بسیار میاید زار را که کرده طرف پاریس نزدیک شده باشد !]

سپاه فرانس انواع بورا را درسری پس و نبود — حالت درانساس ثبانی ازحد خوب میباشد — ودامن کوه ودستیرزا زور بازو در تصرف خود آورده است — [آفرین برشست وبرازوبتو !]

در جنات دروزه و دروزه دوستجر فرانس یکپزار بقصد تعرب اهیان جرمنی را نصوص نبود ـ ومتعدد اتواپ کلان بست خود آورده فقط — [متحمل است که درمقابل دوستجر هین یکپزارو بقصد نظر بوده باشد !]

چدریس بیان میکند که جرمنی از سبب قلت لیبان ازحد متوش میباشد هزارها اسپ بکشته شده است زیه دست اهل بلجیم افتاده ست وجرمنی یک زان اسپ پیدا کرده نمی تواند فقط

داخله روس در آستریا

اهل روس در آستریا ازراه دریای بلک وستر داخل شده اند نیز آنها برخلاف توقعات وگمان بر طرز حیله آورده اختیار کرده اند — اهل جرمنی برای معاونت انواج خود مقهور حد ۱ مذکوره دیگر انواج بسرعت تمام فرستاده میوجد فقط . [لعب لطائف . لعب سرعت !]

الی ختم جنات بر جرمنی

۱۷ ماه اگست —

توکیو — جنات جرمنی را الی ختم داده است در آن مذکور میباشد که ازین سبب که درمشرق بیده گاه فلته وضداد زیادتر چنانکه معاهده برطانی تصوری کند ـ جنات جرمنی را صحیحاً میکوید که کل جهازات مسلح را از بحور چین و جنات واپس بطلبد یا آنها اسلحه زافرود بیاورد وکیپوجود را فی الحال بین مفهوم بجنات تفویض کند که بالاخر بچین داده شود — جنات جواب این را الی چند مورخه ۲۳ ماه اگست می‌فرماید ـ اگر این نصیحت بدون شرائط منظور نکرده شد جنات تجارز ضروری بعمل خواهد آورد —

[جنات خود را بی آفریشه چرا که فرصت شد است !]

۱۶ ماه اگست حمل ۹ ساعت و ۱۵ دقیقه شام

در بلغاریه صورت تحاصره بطور رسمی شایع کرده شده است —

جنات بحری در بحره آیدریاتک

لندن مورخه ۱۷ ماه اگست حمل ۵ ساعت و ۵۰ دقیقه صبح —

یک پیان رسمی آمدرا باین مضمون شایع شده است کشتی جهازات فرانس دروز صبح دجهازات استریا ساحل بودواوجه تعوذ که لشکر جهاز اهل پوش استروی راغرقاب ویک دیگر را در داده است و جهاز جهارم طرف شهاد فرار نبود — جنات تقریباً یکساعت جاری مانده بود فقط [اینهم باید علاوه بدهد که جهازهای فرانس را هیچ آسیبی نرسیده !]

خود مختاری پولند

لندن مورخه ۱۵ ماه اگست حمل ۵ ساعت و ۱۵ دقیقه عصر زار روس پولند را خود مختاری داده است وایسرای پولند عنقریب مقرر خواهد شد — [آیا بعد از جنات هراین خود مختاری باقی خواهد ماند !]

دراعلان خود مختاری پولند که زار شایع کرده است خود مختاری پولند جرمنی واستروی نیز درج میباشد — [پدشت آهوی ناگرفته میخش !]

ایطالیه

از روزیکه ایطالیه کلان برخلاف استریا اعلان جنات نموده است درخواه الناس ایطالیه جوش وخروش مال تی شدید مانند شده است وانتظار واقعات مزید به بسیاری سری میکشد فقط [آیا بعدی زای چه !]

بلغان

۱۶ ماه اگست

چون ازترکی سبب اجتماع انواج پرسیده است ـ وچون این اجتماع انواج خواهد نبود بشرطیکه جواب قانع بخش آید فقط

کوچن ورسلا

وزیر وزیرس بیان میکنند که دران هیچ شک وشبه نیست ، که زود عنقریب بجای افسران واهل جهاز جرمنی کوچن ورسلا افسران واهل جهاز عثمانی مقرر خواهد نبود — ازین بیان رسمی معلوم میشود که ترکی بالضرور جهازات مذکوره را خریده است فقط

۱۶ ماه اگست حمل ۱۲ ساعت و ۵۵ دقیقه شام

هیر تلگراف پرس مطبوعست که دول متحده ازترکی مطالبه خواهند نمود که آن اسلحه وسامان حرب از کوچن ورسلا فرود بیاورد وموقع است که ترکی این مطالبه را منظور خواهد کرد — فقط [انا اکر خریده باشد !]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 844 of 1786

اعلان جنگ عظیم الشان

صدای توپ چون سه شبانه روز شنیده نمیشد صدا از سمت قزوه جان کرد وواج چست وهو گردی می آفرین کرده می شود که جنگ عظیم الشان شروع شده است — فقط

ورود آمدن سپاه رطاوی بساحل فرانس

لندن مورخه ۱۷ ماه اکتبر محل ۱۰ ساعت و ۱۵ دقیقه شب —

رویتر وین — بیان میکند که سپاه میمن رطاوی بساحل فرانس به سیان اطمینان وبدون کدام واقعه وحادثه ورود کرده شده است لارد کچنر وزیر مدکور درباب اعضای وارد رحق اخبارات رطانیه بیانی میکند — فقط [معلوم است که به کمک محتاج بوده]

لندن ۱۸ ماه اکتبر محل چهارده ونیم صبح —

از کین خبران شاهی بلجیم سنوای یادداشت که در عرصه بازار موجود است وسایر تجارتها ودوائر سرکاری وغیره بطرف بسمل حرکت کرده اند برای حفاظت وسلامتی از اخطار ناگهان سنگرهای وغیره بسرعت تام تعمیر کرده می شود علیه اهل حربی را بلجیم وفرانس بسیار کاهش داده شده است ودرباب آقای عظیم الشان نیز اطلاع رسیده است — اهل حربی خود را در خندقها مقیم کرده اند فقط

واپس رفتن حربی

لندن ۱۸ ماه اکتبر —

در رویتر رسیده است که واپس رفتن حربی که بموجب آن حصه اول رساله جات حربی داده شده است ودر شاخانه انگلستان جمع آورده شده است و ابراطور ولیم بزرگ طرف روانه شده است

جنگ تبرکی

مظفریت سروی

لندن مورخه ۱۸ ماه اکتبر محل ۱۰ ساعت و ۵ دقیقه روز —

اهل سروی آستریا را درقریه شیر شکست فاش داده اند آنها به رجعت آستروی رایست وداود ساخته اند ۱۵ عراده توپ وسامان حرب بی شمار بدست خود آورده اند — آنها در تعاقب دشمن روانه شده اند فقط [درین چه شک !]

معاملات متفرقه جمعه

لندن ۱۷ ماه اکتبر —

چنین اعلان نموده است که آن عظمت چیزها اصولاً برقرار

نمیکه خواهد گردید وکار روائی راحت را اگر وقوع آمد ای کاغذ چو محدود خواهد کرد — این جنگ جهان در حلقه های برکاری چین از حد جوی وخروش پیدا کرده است — بیان میشود که چین واسطه تراکم خود جنگ محصول خدا کاو جدید را فقط —

مثل محصول حربی از حد خوب میباشد و بیان میشود که حربی دانه خوراک برای یک سال موجود داشته میباشد واین قسم اظهاراتی که حربی از سبب قلت خوراک وغیره متلاشی میباشد مراسر لغو ودروغ است —

غیر جانبداری ایطالیه

لندن ۱۷ ماه اکتبر

خبر تاکرافی که از داخل اتروه رسیده است بیان میکند که وزیر خارجه ایطالیه درچین گفت وشنید بهمراه سفراء حربی واستریایان کرده بود . که از این امتداد وازهی قدره معتدد اتباق لابد غیر جانبداری ایطالیه مترشح می شود —

ایطالیه درجنگ اخلاقی وطنایه هرگز شریک شده نمیتواند چرا که آن بهمراه وطنایه اگر زد های قوانین وروابق سنه ومعروف میباشد فقط

تردید بیانات حربی

مدارس ۱۷ ماه اکتبر

از گوتر باغی حربی (حلوب فرانس برهنه) ازطرف وزارت حربیه فرانس اطلاع رسیده است در آن تردد حربهای غلط مقتدرة حربی بوده شده است حالت دول متفقه و انگلستان وبلجیم وفرانس وروس) از حد خوب میباشد — اینک تلفات مختصر شده است واهل حربی پس پاکوده شده اند فقط [خدایم یاوری دامن کند !]

جلد دولت اسلام الاطهر کرم الله تعالی ترجمان

یوم پنجشنبه ٤ شوال المکرم ۱۳۳۲ ه

در چاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقالاتیکه بخط خارج از طرف مدیر و سرمحرر تحریر باشد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 845 of 1786

اعلان

سیاحت بدور دور کرهٔ زمین

بطور فایده و تفریح دارد : این الطیوس
که آن سیاحت باتن بزرگ دوست

به هشتاد روز

اجرا شود ! آنرو کسانکه این سیاحت
جزو اعانه هرکه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدور دور کرهٔ زمین)

پیشتاد روز

بقدر دو روپیه‌های یکدانه گنگ را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوگ) سیاح مورد نمایش یکجا اجرا کرده خواهد بود ! اهل خریداری این کتابخانه (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در نفس مطبعه نیز که در دهانهای است انرژه عبدالرؤف سرمتوب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در فنون ناولهای فی مشهور آفاقست . از فرانسوی بزبان انگلیسی و از انگلیسی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور نیز ناولی است که در فنون جغرافیا و جغرافیای روسی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات نبیرهٔ جوانمرد مغفور مرحوم علیه‌الرحمه حاجی محمد عنایت‌الله شهید (سعید الملقب بـ دار عنایت‌الله) است زیور طبع آراسته شده این کتاب نیز از دوست گرد

و فرصت را غنیمت شمرده که نسخهای آن زود تمام خواهد شد و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

این هدیه کتاب در دکان بازار گذر و در دکان ملا غلام محمد تاجر کتب جوار مدرسه شاهی هریک نسخه دو روپیه کابلی فروش میرسد .

کتابهای مذکور نفس مطبعهٔ عنایت واقع دهانهای انرژه عبدالرؤف سرمتوب مطبعهٔ موصوف نیز خریداری میشود

اعلان

از هر دهن سخنی وز هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میدهیم . و بطلب میدهیم که از این گنجینهٔ پر از جواهر آبدار . و از این گلزار پر از هزار یکنوع نسخهٔ دست آورده از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی بدست آورده .

در مطبعهٔ عنایت زیور طبع آراسته گردید . قیمت ۲ روپیه

اعلان

سیاحت در جو هوا

یک ناول فی نهایت غریب و عجیب است که در مطبعهٔ عنایت زیور طبع آراسته شده و سومین کتاب (گنجینهٔ مطبعهٔ عنایت) را تکمیل داده الیوم از تألیفات (ژول ورن) فرانسوی که در فن ناول نویسی فی شهرهٔ آفاقست از لسان انگلیسی ترجمه شده است بقیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 846 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

مقتضی دیدیم که از تکلیف ترسیل اخبار مشترکین کرام دار السلطنه کابل خود را رهایی بدهیم لهذا ما کتابه مرکزی دار السلطنه کابل یک مقاله بوده و کتابه ملزم البه قسم توزیع اخبار ما تا که بهمه مشترکین کرام ما رسانده در عهدهٔ حیث خود قبول نمود. مشترکین کرام دار السلطنه خود را بنام وی یاد آوری میکنیم که بعد از ین اخبار هیچ شان بدون واسطهٔ هیچ فرداً فرداً واسطهٔ آدمهای ما کتابه بخود شان میرسد.

اعلان

(از آثار مطبوعهٔ جدیده مطبعه عنایت)

این کتاب اخلاقی، دینی، ادبی، یک اثریست گلزار اطاعت تربیه وعبرت مفیدهٔ اخلاقیه مانند یک گنجینه جواهری میباشد و در بروزها زینت بخش مالامطبوعات گردیده است در نفس مطبعه عنایت از برد عبدالرؤف خان سرمرتب و در بازار ترک از دکان باز محمد کتاب فروش و از دکان ملا غلام محی کتاب فروش متصل مدرسه شاهی قیمت دو روپیه کابل هر کس خریده میتواند

اعلان

مصور

۲۰۰۰۰ ربع

سیاحت در زیر بحر

در حالیکه بحر کره زمین را احاطه نموده است آیا بشر از مرتبع سیاحت در زیر آن چسان نگی خواهد نمود؟ هر که مزین باشد در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ بسیاحت در زیر بحر) سیل اشکاری بکرده قیمت یک چهار روپیهٔ کابلی از مطبعه عنایت، بازار کهنه از محمد بازار ترک، بازار کتاب خانه محمد قاسم از مقابل مدرسه شاهی روبی خریداری کنید، وخوش بخوانید، وبدوستان خود بفرستید که بار بار ما غلطا نمیشود که سیاحت در زیر دریا که ثور بیست و نهم نگی، روپی نگی است!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 847 of 1786

شماره ۳ سال چهارم

فهرست مندرجات

افغانستان — مابعد از شمارهٔ اول سال چهارم و اخبار موقتیه و سیاسیه آن

حوادث داخلیه — مکتوب از شهر

احوالات سیاسی — امرای کوچکداری شمال ایران — عملهای اغیر اطورها و پادشاهان اروپا — مخدرات قاجاریه ایران — تاریخ حرب و برق و اشاعت قرآن — رای یک کمپان یک جهاز امپراتور جرمن — احوالات عمدهٔ دنیا و جنایها در ترکیه — اختراعات مفاخرات — انواع عمدهٔ جرایم در اروپ جنگ — جنگ اروپ و مسلمانان هند — احوال امراء — خبرهای جنگ — یادداشت مخصوص مأمور مراسلهای نیویورک — ترجمهٔ خبرهای تلگرافی که مخابرات تلگرافیه ترجمه کرده — بیان فرانسه در باب میدان جنگ — راه دریای بالتیک — انسانیت در عرصهٔ کارزار — اهل جرمن در روس — عرصهٔ کارزار مشرق اهل روس و اهل استرو — عمارات بحری — رقابت و جنگ — داخلهٔ ترکیه در جنگ — فتح پاریس

حوادث خارجه

تصاویر — شهزاده والاشان سردار حبیب الله خان تاجدار مملکت افغانستان و مدخلان — جرمن فرزند ذکور اعلیحضرت هایون شهزاده محمد کریم خان — حضرت طرزی صاحب مرحوم در دارالامان مخدوم جلیل مدیر و مؤسس سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی صاحب — رستم شهیر غلام محمد خان جمود — پرنس زیکو کراف اتبی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 848 of 1786

(اعلان)

کتاب سالنامه و کتاب سالنامه و سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (حزب اسلامیت) و (آیینه باد گرده ۲) و (ابدرس) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر و میباشد . دوای که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند ازاره مدیر طلب فرمایند

شرایط خریداری

پایتخت افغانستان	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیه کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرسالیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه	بیست روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک علاوی پند انگلیزی دارده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یادآوری

برحمه کرداران نظامی و ملکی و جمله خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان و خبر داده میشود.

اگر از یک جایدیگر چاروا نوبیابند، باید که یک رقعه مدیر و سرمحرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا مجروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید و اخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خودشانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هرنوع اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه درمان اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً یک سال نشر کردن خواهد دوحصه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق بشتی بر سر سطرها ستاره اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 849 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم نمره (۲)

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با قرارات داک ۱۲ روپیه انگلیزی
جزائر روپیه روپیه کابلی است
قیمت یک نسخه آن دو کابل یکصد پول است
(اوراق گمشده مسترد نمیشود)

مقاله و سائر تحریرات

محمود طرزی

ادارهٔ امور و مطبعه

در مقابل مدرسهٔ دار السلطنه (کابل)
عموم امور تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ یکم ذیقعده سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگلیزی ۲۲ سپتمبر تاریخ شمسی ۳۰ سنبله ۱۲۹۳

افغانستان

ماده الزیارة

۹ — سال — ۴

اهمیت موقعیه و سیاسیه آن

اگرچه بعضی خام خیالان را خیال این است که چنان سبب رقابت سیاسیهٔ دولتین روس وانگلیس در آسیا دارند (افغانستان) بسبب حاصل بودن خود موقع خود را پیدا کرده توانسته است . غلط است اگر ما این قضیه را قبول کرده شود ، نتیجهٔ آن غیر منطقی کلیت میشد . مثلا اگر گفته شود که مدار مواد صلح و مسالمت آسیا افغانستان است ، که ، چه گفته میتواند ؟

بی افغانستان قطعاً کوچک بسیط دولت آسیا میباشد که در موازنهٔ دولیهٔ شرقیه اهمیت عظیمه دارا است . لیکن لفظ موقع خود را سبب رقابت سیاسیهٔ دولتین روس وانگلیس نی ، بلکه دولتین مذکورا لهم محافظهٔ آسایش و آرامی ماوراء البحر خود متارا سبب صلحپروری افغانستان محافظه کرده توانسته اند .

این ادعای ما را بعضی مرد مان پرخند پروازی و مبالغه گوئی حمل خواهند نمود . لذا چون در اهمیت موقعیهٔ افغانستان نظر کرده شود هیچ شبهه نیست که حقیقت در همین خطه ظاهر خواهد بود . افغانستان از جهت غرب دائره شکلیه خلیون خوس برادران ایرانی خود حدود هست ، و از جهت شرق نیز قریب صد خلیون برادران هندستانی ، و از جهت جنوب پانصد چهار خلیون خوس برادران بلوچی و از جهت شمال بایست سی خلیون برادران ترکستان خود اتصال دارد . پس اگر دولت علیهٔ افغانستان جهت صلحپروری را التزام نمیبود ، و غیرت ملیهٔ احتلال اداره در هرگله و یکه کله بانسو وله و آنسو به توزیع اسلحهٔ مدرنه ، و پروپاگاندهای پروتوله حیدورقی در حرکات مرتجعانه تدبیر و قیام مداخلت جان کار میشود ، که دایمی حوالی هایل همیا یکان خود را از راحت و حضور دور نگاه نموده ، علی الخصوص در اینوقت فرصت ، و اوقات غارت ! . . .

با اینهمه دولت افغانستان همیشه جهت صلح و مسالمت و خیر و رفاه موضوعه اجرائات کرده آمده است ، حتی در بی هنگامه‌های حال حاضر که هر کس فکر روبن کلاهی افتاده ، و هر در انهار فرصتی را دیده باز هر مسلک بطرفی را پیش گرفته است ، هیچ شبهه نیست که این طرز روش دولت عظیمهٔ ما را مخالف ماران شرق و تبانان با تلک تصور نکنند ، اوراق فکر را بر ازوالزمات حمایه داری بشمارند . اقوام افغان که در جهت شرقی و جنوب شرقی در علاقهٔ غیر هستند در هر وقت و هر زمان استعداد تشکیل یک حکومت مقتدرهٔ جداگانه را بظهور میدهند که اطرافی و جوار خود را تهدید بتواند نمود . حکومت های کوچک ثبات و ضرب ثبات گما وزای در بای هاموهستند بر علی هذا القیاس . قومیت ، عصبیت ، جنسیت ، مذهب ، لسان تأثیرات مهمی دارند . اینهمه هنگامه های برپا خیزانه که در پهنای خود تا دوقت حاضر جاری نموده آیا فقره دعوای عصبیت اسلامی و حرمتی دگر چه میزانست ؟

افغانستان را که یک حکومت کوزور و قوت نشان میدهد یا برعکس اطرافی ست که آنرا قصداً عاجز کرده اند . حالا آنکه افغانستان در حدودات خود چنان قوتهای بسیار مالی و نفوس بسیار حتی مضمر دارد که اگر کسی را تعرض شده باشد ، مثلا بسیاری از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 850 of 1786

ملل بالاتر مسئلهٔ شورای ملت را و استبداد حکومت ها نکبتها گرده و خون جگرها خورده اند . ملت آنکشکی حکومت افغانستان خلقاً و طبعاً حکومت ملی تقرر یافته است و در ماین حکومت و ملت یک جزء استبدادی که تحریف داده بتواند وجود ندارد . ملت ، خلاصهٔ وجوه وجود خود پادشاه خودرا میداند . پادشاه ، هستی موجودیت خودرا میداند ، و باینصورت ملت و پادشاه یک جزو واحدی شمرده شده غیر قابل انفکاک یک وجودی تشکیل یافته است . ازهمکاریکه افغانستان تأسیس استقلال نموده همین قاعده جاری شده آمده است . ملت ، دایرهٔ کتاب وجود خودرا وجود پادشاه ملت منحصر دانسته ، و طبعاً بوجود آن شیرازه خودرا بافته لزوم احتیاج یافته . پادشاه دایرهٔ خودرا مکلف انتظار بهٔ اجرای ملت دانسته است .

این قضایا بصفت مثالها ثابت میشود : — حلال در سنه ۱۳۰۲ هجری که روسیا از جهت مرور بالا مرتاب بیقیدی گرده بودند ، و هنوز اوایل استقلال ساعت افغانیه بود که وجود مسعود اعلیحضرت ضیاء الله والدین امیر عبد الرحمن خان جعل الجنة مثواه تشکل یافته بود و بنابر دعوتیکه از طرف لوردرودرن وایسرای هند بوقوع آمده بود ذات اعلیحضرت خان معظم پهندستان تشریف برده بودند که درینجا بعضی فقرات مذاکراتی که درمابین اعلیحضرت معظم و لوردمذکور جریان یافته است مثالاً درج میبا ئیم :

وایسرای — مثل خودتنها امروز مردشجاع و دانا گفته خواهد بود ، و مثل ملت شما قومی و دلیر در عالم کم است .

اعلیحضرت — شجاعت من برخود من معلوم نیست ، و از دانایی خود اصلی هستم که آن دانائی من تا امروز کار قوم و ملت من آمده ، و خیر وجود آنهارا اختیار کرده ، و از هم امید بخداوند دارم که خوبتر بکار ملت من خواهد رفت .

وایسرای — دولت افغانستان ، درمیان دو دولت قوی و کلان افتاده لازم ، است که باید ضرور دوستی داشته باشد .

اعلیحضرت — منهم اینرا دانسته برای نفع ملت و ملت خود دوستی دولت شمارا اختیار کردهام .

وایسرای — تشریف آوری شما دولت مابین ظاهر دوستی و یگانگیست .

اعلیحضرت — بلی ، دوستی دولت شمارا برای منافع ملت و وطن خود نافع و مفید دانسته اختیار کردهام ، و امید میکنم که از برای منفعت ملت خود از دولت شما ملاقات کنم و دوستی ردوام باشد .

ازین فقرات محاورهٔ که مذکور گردید خوبی ثابت میشود که اساس استقلال دولت افغانستان بر اصول و قواعد شورای ملت مبنی میباشد ، و پادشاه با ملت ، و ملت با پادشاه جزو واحدی شمرده شده هیچ جزئی از جزو منافع متذکار هیچطرف اندیشه نمیشود ، علاوتاً جهت ملت افغانستانرا در امورات مهمهٔ دولت ، و خارجیهٔ حکومترا در مهمات عمدهٔ ملت از فقرات آتی خوبتر استناد کرده میتوانیم :

وایسرای — امروز بنیاد حقیقی ونیوت رسیده است که روس در قفقاز وهرو برای اجراء رجاء افغانستان لشکرتیار میکند ، ولیکن شمارا تأمین مینمم که از کردن کار اقدام بکند ، درین طرف دنیا بالوجهیت آزاد خواهشد ، شمارا دوان مایلم افتاد تام داشته باشید .

اعلیحضرت — اگرچه شخصی خودرا مستقل اظهار کرده میتوانم لاکن اعتماد ملت افغانستان آنقدر حاصل خواهشد که بهاوار دوستیها و مساعدتهای متواتر شما دعوت دولت روسیه را که از طرزهای چندی بیشتر ازین درمیان ما یکدیگر تعدیوطرف کرده .

و اطمینان از همه عبارتی که در بیان خلق شده میتواند ذات اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم ، و جناب لارد رودرن وایسرای هند که در باب مذاکرات دوانی در زاویه پیدی اجرا شده وبک کتاب مستقل میباشد ، صاف واضح میشود که حکمت سیاسیهٔ دولت علیه متبوعهٔ مقدسهٔ با افغانستان صرف بشورای ملی مبنی و ملت وپادشاه وجود واحد شمرده شده است .

علاوتاً محاورات اعلیحضرت غفران مصور بین جنرال فوق رانان مدیا اکتفا ورزیده ازبعضی کلمهای حکمت پیام مراسر الهام ذات نور کائنات پادشاه مقدس موجودهٔ خودمان اعلیحضرت سراج السلطانین امیر حبیب الله خان پادشاه ملت ودولت مستقلهٔ افغانستان خلدالله ملکه الی مزید الزمان درینجا بیان کنیم :

ذات مکارم صفات هاوی در سنهٔ هزار و سیصد و بیست و چهار هجری بعض بعزم سیاحت تشریف فرمای هند ستان شدند کابان تشریف شاهانه مبنی برمدا کرات سیاسی و بست دولتی نبود زیرا آن مذاکرات وبند وبستها پیشتازان در دارالسلطنهٔ کابل با کومیشن (کومیشن) کماز طرف حکومت هندیهٔ انگلیسیهٔ آمده بود فیصله شده بود ، وچون جناب وایسرای هند ذات اعلیحضرت پادشاهرا دعوت نمود بهمین شرط اجابت فرمودند که تشریف شاهانهٔ شان محض مبنی بر سیاحت وملاقاتهای دوستانهٔ دور از سیاست باشد ، معهذا درعصر عالی و محافل بزرگ هما ازین رهگذر بحث ها التزاماً در میان آورده میشد ولی در یکی از محافل رسمی ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما از قرار ذیل یک تقریری بیان فرموده اند که حکمت سیاسیهٔ حکومت متبوعهٔ سنیهٔ مارا واضح میسازد و در عین نهایک فقرهٔ آن تقریر دلپذیر پادشاه مقدس خودمانرا که دلیل ذات مدیه میشود نشان میدهیم ، بعد ازانکه از لزوم قطع دوستی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 851 of 1786

دولتین افغانستان وانگلستان بیانات واضحه ، وراجع بقطعه بیان فرمودند گفته :

« من از دولت شما همینکه حسن واحترام شخصی خودرا منظور نداره وبه آن قانون اکتفوم ، شما میباید که هیئت عمومی دولت وملت مرا ممتاز ، محترم شمارید ، زیرا پادشاه افغانستان هر یک فردی از افراد ملت افغانستان ، دوستی ودشمنی شخصی واحد خودرا برای شما هیچ تأثیر وضرری نیخشد ، اما اگر شما به ازدیاد دوستی ومعاونتها ، وسیعیهای دور اخیرین خود باستقلال امنیت وعظمت هیئت عمومیهٔ دولت وملت صاحبه من کوشش ورزید وموجب شوید مراتحاد ازدوستی واتحاددولت افغانستان امین ومستحکم خواهد بود . »

غیراز چیزها که بیان شد (چشن اتفاق ملی) که هرسال درایام دولت علیهٔافغانستان اجرامیشود بزرگداشت وتاج وتخت شاهانه آنمان مدتهای ماست ، درسال دات دوگانیهات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما در جلال آباد در لیلهٔ شب چشن مبارکهٔ حکومتی پرچمهٔ افغان وانبرای ورؤسای قبایل وعشایر ملت رسما بیان فرمودند که همینکه در امورات مهمهٔ خارجیهٔ دولته پراستشاره وابتهاء رأی ملت نشت واقدامی خواهد شد .

مقصد یگانهٔ ما ازتهیه بیانات این است که درجهٔ اولی وقوت اقتدار دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خودرا تاکدرجه بر نظر پر واعتبار نشان بدهیم ، آیا یکدولتی که اینچنین یک اتحاد ملت ومحکومت را مالک باشد وتزلزل قوت وبهتزازان هیبت بردهشت چه تصور خواهد شد ؟ به اینصورت در هر دقیقه وهر لحظه بقوتها عسکر برای دولت افغانستان حاضر وآماده ایستادهاست در هر لحظه هزارون وتوانگری ملت باخزینهٔ دولت اتفاق میشود ، هر دشمن خارجی که علی الخصوص غیر دین همیشه چون خیال بد قدم برداشتن را بسوی این خاک یک مقدس بر سر آرد چنان یک کتلهٔ عظیمهٔ مدهشه ، ویک هیئت عظیمهٔ محشمهٔ را بحمایهٔ خود حاضر می بیند که اگر کوه هم باشد بلرزه اش میدارد .

این سخنان مارا بر زبر خوانی میاله آمیز حمل نباید کرد ، (افغانستان) حقیقتاً یک قوت عظیمهٔ فوق العادهٔ مادی ومعنوی را مالکست ، اتفاقی ، عصبیت دینی ، حفاظت جبلی ، استقلال ، پرورش عمومی ، وبدرجهٔ افراط وشیفتگی وپادشاه دوستی شان از قوای معنویهٔ غیر متزلزل شالست ، سلاح دین عمومی ، دلجمعتوری وجنگجویی طبعی ، محبت طرفداری ملت ، نشان انداز بودن ، تربیت محاربت بودن از روی طبیعت ، بر سر آنهمه تقریباً دوسه لک لشکر مظفر مسلح به اسلحهٔ جدیده ، و بلند همت هستند خویهای کوهی واحرار وقاعده کوب سریع الحرکه از چنان قوتهائی نیست که انسان آنرا بنظر استخفای دیده بتواند .

افغانستان ، خصال که دارد آنها از جهت عسکری وضربان عمومیست کدام خصوص نیز درتحصیل ترقیعصر مراجعه جداً سعی وکوشش ورزیده میشود ، این بود که درینباهیت موقعیه وسیاسیهٔ وطن مقدس خود رأی بافضاءومقتضیات درجه هیچقدر قرجیانیده نوانستیم ، اما اینقدر یک سوال شبه آمیزی در فکر بعضیها سابق ماند که :- آیا سیاست خارجیهٔ دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما که عبداً حق بر رقابت وعدم اتلاف درحمایهٔ شرقی وشیال ما بود ، بعد از اتحاد واتلاف آیا تا چه درجه حکم استواری وپایداری را بازخواهد بود انشاء الله در شماره آینده آنرا بیان خواهیم کرد .

(باقی دارد)

حوادث داخلیه

از شهر

حضرت ادیب فاضل محترم مدیر صاحب مکرمزاد زید رکاه

دیروز ایام که جناب اعلی دوست محمد خان بریه سالار مقرر شده اند درهرهر عاصمهای مدارج عساکر ظفرماثر افغانیه سلامه واز و آواز موزیک های افغانیه بلند وبصرت هم آوازند ، روز سه شنبه ۱۰ شوال الشکرم بریش ، دوچرمگری غرب ، مکتب حربیه ، چه دیدم که ازهرچهار عدد عساکر عظیمهٔ دارالسلطنه صاحب طنطنهٔ کامل ، تی موت ، آهارا آورده بود که سپهسالار شهامت آثار شجاعت دار افتخار عساکر فیروزی مظاهر میباشد حقیقتاً خیلی موثر یک منظره بود ، افسر افغان ، سپاه افغان موزیک افغان ، سپریچ افغان همه افغان ، هرصدای موزیکزاست دردلها جاگرفت ونغمه های آن برای هموطنان آوازی :

روانشاد علی الکفار باش خلد آمد دیدهٔ اغیار باش
وسر کفار چون تمثیل باش چون مکن روبهبازی شیر باش

بلند می شود ، هرکه موهم برای بلند کردن دین اسلام ، افغان پادشاه ، راستیابیت دهد ، انتظام طلوزاده های ملی موسیقه ها درخشیدن رجهای دشمن کش ، (رخ زاغ) افسرها ، دلیر افسرت ، رفت چشمون افسرت ، کوشیر اسلحه توازی میبرمودند ، دربروزها درمیدان عسکری بلندجذبت ، وذوق وشاهدبازی معلوم می شود ، گروهی در یکطرف شهر جیوپر زدن آماج مشغوف اند وطایفهٔ دیگر جانب خلاص قواعد حربی مصروف شنیده شده که سه شنبه دیگر امتحان مشقهای حربی عساکر نصرت مآثر وسه شنبه دیگر امتحان مشقهای کجی است وبعد ازان خود حضرت ملت افغانیه ، یگانه رجیت دوست علوم توازی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 852 of 1786

وطنخواه ملت روز اعلیحضرت هما یون روحنا فداه اشعار جمع عساکر و نفیر عام را میکرد .

جناب سپهسالار عاضد تاراج شد ناصر تحداعت مظاهر حرب جناب سردار هدایت الله خان معین السلطنه ، واقتران ارادهٔ مراحم عادهٔ خواستان اعظم وملجوع مقدس ذوالفقر تهمتا اعلیحضرت سراج الملوک ابن تاج سعادت وزیبای سریرهای عسکر را گیتی خدیو ان ثومند دوران فاعل گردانیده است ، وضمنا خواهد بود عسکر در عصر حاضر نگهبان وطن و ناموس میتداشت عسکریه در هیچ علامت پیدا نمی شود خواندار روی زمین خواه از روی دیباچه حدیث شریف منقول است که نگاهداشتن یکشب سر از دیده و سفر نهاد است و افضل عبادت بعد از فریضهٔ دشمن واجب بدر رضی الله عنهم می باشد که من حیث عسکر بسیار حفظ وطن و اعلای کلمه الله حاصل می باشد . هر فرد مسلمان لازم است که خطاب « عسکر » را خود خواهد بود .

مدعای خواسته گشاده می آیم که در جریدهٔ وطنیهٔ ما خل ازین پی بجان عسکری سپاه جوش دار و تندرو تحت عنوان ماه عسکری میباشد اگر بعد ازین آن قبیل تقدیم چند عنوانی ما خواهد بود زیده ما مقاصد نهارا در جه کمال دهد .

یک احبهٔ دار عسکریه

ع . ه

(سراج الاخبار افغانیه)

ماز آمار اخبار خود قصد جز مرصد استدعهٔ برادران عسکری خود بباب خصوصی در باب معلومات عسکری را کرده بودیم . اما چون هیچ آمار و خواهشی بدین داشته سکوت گزیدیم . این دفعه خواهش خود بازگزارهٔ شوق ما گردیده انشاالله بعد ازین بازار مقالات و معلومات ماه فی عسکری خود داری نخواهیم کرد .

جواب خارجیه

اخبار عسکریه

حملهٔ (لاچلن) چون برای نوع بنی نشر هیچصورت جایز نیست ، بعضی سیاسیون میگویند که سرانجام کاری و در صدمهٔ اتلاف دادن خطای عظیمی بخود وارد است ، ما میدانیم که این سخن تا چه درجه صحت خواهد داشت ، ولی چیزی که ظاهر است همین است که روس ازین اتلاف بیشتر از انگلیس استفاده توانست است .

بگوفتی خود که سعی و کوشش سیاسیون انگلیس برین بود که بجای این میلان مدعش را که از دوره عصر بیشتر رخ بطرف گنبز لاجای هند نهاده بود بواسطهٔ سد و بندهای متعدد بکر طرفهای بسیار دور بگرداند ، و بجای نزدیکتر را بآن نگذارد چون بود که باغ های زرد و سرخ چین و مانچوری را به اونشاندند سرش را بآبهای شرقی ر کنید ، و چین کمید در خروج

و این بنای آرزوش را گذاشت از هم آنکه مبادا از خبر اشاره بخروج و از اخراج خیط هندی بیاید و واسطهٔ دولت و جوان این سرش را کوفتند حایل رویش در کمید .

روس بعد از مخارجه با این خطای خود دانسته رقیب خود را در اینکس نال و خود را مغلوب یافت ، و به اینهمه زده گاهیچ نخرجه نظری از پیش نمیبرد ، لهذا دیار دوستی و ائتلاف زمن را پیشه نهاد ، و به اینصورت ابتدا حاصل کرد ، در ایران ملکهای خوب و منطقه های مرغوب آنرا در زیر منطقهٔ خود در آورد ، و خریف خود را بصحراهای جنات و میل سمت جنوبی آن قانع ساخت ، هیچ شبهه نیست که دوست بسیار صبیی خود (افغانستان) را که حضور جغرافیا و جهتها اقلیم و اهمیت آنرا حاصل کرده بود در ازان اتلاف بشبهه و بیرنا الفاخوده باشد ! بی خصوص نتیجه های بسیار ، کو ازان اتلاف منحوس درین حرب خونزاده عمومی مخصوصه بشدت سرزنهٔ خهود گردید .

آرزای دولت انگلیس درین حرب کماند فایده منصور خواهد بود ! چیزیکه ظاهر است خیر مرهای سال و مال دیگر هیچ چیزی دیده نمیشود ، اینهم معلوم است که اساس این حرب از رقابت جنسیت اسلاوی و جرمن طهور پیدا است حالانکه انگلیس هرگز جرمنی منسوب ، واز اسلاوی حیی دور است این است که این اتلاف منحوس روس جنسیت عرقی شان نیز تاج ضرر خود ، وهم مسبوق آن عرقرا از انگلیسها دل برداشت ، در خودمات انگلیس آمدند کمیدند نخرآدم به ظهر که سراز وار کرای راضی و داخل خواهد بود !

یکجهٔ این حرب نیز حیی میهم و مشکوک است ، اگرچه خبرهای خیج جنات تام خصوص و خرخان خبرهای که از نظر سانسور بی جلوس معلومات میکند دوحت واصلاح شود ، و ورزدایی ازانس آرا تدبر کند دیگر چیزی ازخبر خیط یا ایشو نیرسد باهم از هال خبرها نیز صاف تر تنج میکند کمدولت انان بی حرمی ناحق از هرحیث دال است ، معلوم است که تنها بطابق اوسترا و حرمنی شش دولت کوچک و بزرگ برابنده است ، تنها روس دار اوسترا و حرمن عسکرداره باوجود اینهم محتم که حرمنی جواب روس را هم میدهد ، و یکی ازان دولتهای تشکیل مقابل خودرا که بتوانند برابر خود و مقرض مساحقه ، و حد گنرا بیاد نموده ازان میکنند ، و انگلیس را هر به اعتراض خودشان به شکست داده صدمایل در خاکهای هم داخل نداشت ، حتی در بوئی که مابین اخبارا مینویسیم ۱۸ ماه شوالد ، علامات مخاصرهٔ شهر پاریس نیز در میانست وطیاره های حرمن کاههای بر شهر پاریس نیز انداخته است پس اگر این چیزها تا این نکوئیم چنانه خواهیم داد ، دد جنگهای بحری چیزیکه شنیده میشود برابر شکستها

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 853 of 1786

شهزادهٔ والا شان سردار حیات الله خان نائب الحکومهٔ قطغن وبدخشان

[فوتوگراف : غلام حیدر ، زینگوگراف : عبدالحکیم]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 854 of 1786

چارمین فرزند ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین شهزاده محمد کبیر خان

[فوتوگراف: مکتب خانه. شاهی زینکو گراف : پشاور.]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 855 of 1786

وشاهزادگان جوان تاج و تخت و ولایات مختلفه کارپدر را بدست
وابسته کرده و از ورود جرمن ها کشتیهای انگلیس خوف بخود نموده
ولی چون شنیدم که کشتیهای انگلیس هیچ ورود و تعرضی نسبت
آن جرم متکوک و مشهود نباشد .

ملت انسان که جیوه و جیاره باشد میسوزد - زیرا
آن دولت که هیأ گویند - واردی آدمی ، و توانگری ، و هر
وسیلت سیل ثروت بکدولت بارپی وده آیا فرانس و انگلیس
قدیماً جان دوقی خود باختند - چارهها در آتش داری
جریمه آیا ، و میلیاردها سعادة و دولتی جرمن فریاد برند که
، کشت انگلیسها که بدوستا گشت کرده بودند ؟ .

ایتالیا نیز چون اخلاق بیطرقی و دوستی سابق خود را نسبت
خود می دید و آن اوروپائیان را خوب پذیرائی کرده ، و معلوم
شد که عید الخلافتان مدرسان خود شان هنوز چشمدر لی نیاده
است ، فلذا هم فضل است که اگر ایتالیا بطرف روس و انگلیس
و متفقین تمایل مزاید دلیل عاقلانه را از ده ، و بسمت خزانه نام
و مراتعال نکی است که دولت ترکیه چون امر روسیا چه دو
سده بیک بکلیف شده در وکالت جنت عزیزی داشتن شوند ،
تا از ادعا این ادعا فلان الاعلیای اتراب کاه انسانی ترقی نیز پرده
و بیدار آن خواهد کرد ، و هیچ شبهیست که از اینها استفاده
کنند ، ولی ضرر ان را در این فاکتاه کرده ، اگر
یزدکی است که الاتاطیه و آوار حالی این دو ایالیان استفاده نباشد !

انگلیس چون نارضایتگی خویش شان در گهای شان اظهر
نموده اند ، ولی های شان مانند آن های سازهای ناکوک شده سی
و حرکت کرده باشند دیگر هم جایی دیا ندرد ، استفاده از آن
وقوه وعده اقدامات ، فلذا با فکر آن جدان سرد کاری نیست
افسوس ما بدولت بدست با انگلیس است که از ابده ولا گیسا
وسیبیا را از بیخ ، انگلیس خورست انسانی روس رهبر و دوگر
وجوز هم کیجا بمعلوم است که چه خواهد شد ، بعضی پاشکه
هر منحوط است از ما دولتیها ، انگلیس یک جسامت بی اندازه
را مالک شده است که اگر بخواهد عدداً بی اهم شکر دو دو از بلیون
نزک و جسامت خودی آورد خواهد شکست ، و هم آوری
خودرا بسیار مشکل خواهد توانست ، چرا آن بود که از دستگاه
قدیم خود اعراق نورزیده رفتای خودرا بگرین همکر اعانت
خودی بیطرقی و بیرسی را پیشه میکرفت ، و از آن گرو دار ها
طرفهای استفاده را می انگیخت ، این بمعلومست که اگر دولت
انگلیس مستقیماً بیطرقی را اختیار میکرد فکی بود که جلو گیری حرب
را نیز لزومی کرده میتوانست ، الا حالا مادة و صمت این حزب
خیلی فراغ ، و طول مدت آنرا نیز پیش بینی میتوانیم ، خورشم
وقاست ، اگر بیک طرفی خودرا کنار کشیده و در صدد بعضی
استفادها بیاید بهتر و اولی است .

دولت متبوعهٔ ما هم تا اخلاقاً در تجارت بیطرقی و غیر
جانبداری را البته مراعات خواهد فرمود ، لکن چیت دولت
بزرگ انگلیس طمأنینی و خاطر جمع شده میتوانست ، ولی هزار
افسوس که مسئلهٔ اخلاقی درون اسرار الهیه های کوناکون
و امور ابتدو حادثات و قانون نیز وا نمیشناسد ، و هر این اختلاف
درج سیبیت پیدا کند که جان خودرا هم در آن داده میتوانند
پیدا در آنه که تمایل اینجا بکجا نیست .

خبر های مختلف

(از جریدهٔ فریدهٔ چهره نما)

اجرای تاجگذاری شاهنشاه ایران

(۱)

و بیژن تو بد جان بخش ایرانیان ،
زدملای بشارت عی زمین و زمان
که از تهماد پسر گیو خسرو ایران
جوی گزد شهنشاه شاه احمد شاه
هزار و سیصد وسی دو آخر شعبان

دیده های نگران ، و گوشهای منتظر جهانیان عموماً ،
و مسلمانان خصوصاً ، و ایرانیان بالاخص ، حامل شکرانات
و مراسم تشکر تاجگذاری شاهنشاه ایران ، و وارث بالاستحقاق
تاج و تخت کیان ، منادی سازنده عظمت و شوکت سابقهٔ ایران ،
و دعاگوی کشتی نوازیهای ، و گزیده ذات کعبه ایران ، و معنی
امانی مشروطه ، و معنی ریشه عز و دوران ، و معنی بساط عدل
و عمران ، حضرت همایون اول از دان تخت اقتدار اعلیحضرت
شهریار ایران مدار (السلطان ابن السلطان ابن السلطان) خلد الله ملکه
و سلطانه ، و ایام دولته و اعوانه پرتو ظهور و بروز یافته ، گل
باغ عروسی ایران صاحبقران عالم آنچنان روشن گردید ، و خاطر
جانبیان مشهور ، و طرفداران مشروطه از این
بشارت مسرت انگیز خورسند گردید ، و لکن شیشه آمال
معدودی از ایران طلبان گروهی نکرده که در روزهای تیره اندیشه
روزگار در فرشته خیالات عداوت نگارانه در نمایشهای منداده
می افتند دست حسرت بخود ، و چهره سر خود میکنند ، و بدانیا
آروزی مرگ میبرند حرج و مرج طلبی بگذارید .

خلاصه : سوم شکرانات این دوسه روزه این بود که روز
۲۷ شعبان که همدمین مرحله معنویه ذات شاهانه بالغ بود
قبل از ظهر در ساختمان اجتماع و کلا کامل و مجلس دارالشوری ایران
منعقد شده و بعد خود توکل خدا و اعلیحضرت حامی مشروطیت
شاهنشاهی (السلطان ابن السلطان) بیعت و امید گردن مهد
و زمان السلطنه ناصر الملک و کنیم شاهزادگان عالیقدر خانواده سلطنتی
و وزراء و امراء کشوری و لشکری و همه مامورین و مستخدمین
اوروپائی از عمارت سلطنتی بطرف بهارستان با شکوه شاهانه
و طمطراق خاصه روانه حرکت فرمود — افواج پیاده و سواره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 856 of 1786

والزان وبالس واتمدارمه بالاسبای فاخره الطرف خیابانها صف ارائی کرده وطاقهای نصرت درکال آیین وزینت درمواقع حال آراسته وسته گردیده بود ، واتصالاً صداها بشادی وبانگهای زنده باد شاهنشاه ایران بآسمان بلند بود .

اعلیحضرت شهریار ایران مدار دارالشورای ایران ورود فرموده ومراسم تحلیف وتدین محافظت قوانین مشروطه راحسب الاصول بحضورعالم وزراء ووکلاء وعلماء ونمایندگان خارجه آورده که بدین یمن یکصد ویك تیر توپ شلیك گردید وموزیکچیان بنواختن نغمات گوناگون مشغول گردیدند — سپس اعلیحضرت همایونی الباسات تشریف فرما بمسجد (سپهسالار) شنبه ودو گانه بدرگاه ملك الملوك بگانه ادا نموده .

بعداز ظهر ساعت سه ازجانب گذشته اعلیحضرت همایونی درعمارت سلطنتی بحضور والا حضرت ولیعهد ونیابت سلطنت وتمام وزراء واعلما ووکلاء ونمایندگان سیاسی وقنسل دول موجوده بهخت شهریاری برآمده وبدیرم گلابی وتاج جیغه‌دار رفرق خسروانی گذارده صداها بزیان وتهنیت الزهربلند وخطبا وشعرا خطابها وقصاید غرا خوانده وذرا چراغان مفصل وآتش بازی وعیافهای گوناگون دولتی وحکومتی وملی شده این وه خلاصه الکرافات مسرت علامات تاجگذاری که این دو سه روزه ازاوروپا رسیده — ومامورانکان گزارشا وعدمیاخبار مفصله موثقه وقایع نگار خاص اداره جریده چهره‌نما درطهران میدهیم که روزی رسیده منتشر خواهیم کرد .

اینك اعضاء اداره چهره‌نما که خادمان واقعی ایران وایرانیان بوده‌اقلیم‌الاسلام‌ازمسرت وانبساط عموم ایرانیان‌را ازتاجگذاری وجلوس میامن مانوس اعلیحضرت همایونی خلدالله ملکه تهنیات خالصانه سروده وامیدواریم درظل سعادت همایون‌پادشاه‌معصوم ایرانیان ازهرچیز محروم بسعادات گوناگون وخوشی فراوان ازخداخصاییون‌کامل آیند (این دعاازمن‌وازروح الامین آمین‌باد)

هدایای امیر اطورها وپادشاهان اوروپا

بجهة شاهنشاه ایران در موقع تاجگذاری

بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت اقدس سلطان احمد شاه شاهنشاه ایران دول‌معظمه اوروپاهریك باتصاع اعتماد نامه سفرای خودرا که در توقع شاهنشاهی تشرف حاصل نموده‌اند هدیه ملوکانه بدین قرار فرستاده‌اند .

اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان مرصع (خاندان آل عثمان) که از اولین نشانهای دولتعلیه عثمانیست وامیر اطور آلمان یك چراغ بزرگ و تحفه دیگر وامیر اطور نمسه یك دسته تفنگ شکاری ورئیس جمهوری فرانسه یك گنج ظروف چینی دولتی کار فرانسه وپادشاه ایتالیا یك تفنگ (رولور) از روی نمونه های قدیمه که ملکه ایتالیا کشف کرده و پادشاه اسپانیا نشان اقدس مرصع (کراوس سیم رزرنه) وپادشاه بلژیك نشان مرصع (لیوپولیه بزرك عسکری) وامپراطریس روس وانگلیس هم فرستاده بعدها بنظر قارئین چهره‌نما میرسانم .

(این چه)

عدارت فضلای ایرانی

آقای نیکی (نرق زنان مغرب‌زمین با خودکی زنان مشرق‌زمین) را درکتاب مقدس چهره‌نما باگاه وقت خواهیم لازم دانسته شمه ازتوضیحات تدریجی تحصیلات ایرانی درینه بدارم مثل‌است مشهور که (شهرطریف بادبی درنگردن) باشنده بلکه‌سالهای درازی خواست تاثیر شاوده تحریص بنا بشرا گذاردند و بتدریج عروس دنیا شد) . امروز ایران اگرچه قدر کو بیگانه تحصیلات اروپ مدرسه دوشیزگان ندارد ولی‌باینظر بصیرت دراین‌چهار پنج‌ساله کمتر ایران‌بوده ودیدهام مدارس دخترانی درطهران رو بترقی فوق‌العاده گذارده بطوریکه مواقع مدیده دانته یکی‌ازانها نمونه مدارس معلمات ومعلم‌مستدرس دامن‌ع خصوصی دارد که زبان فرانسه اورا (پرا کوزی) میدانند و در ایران بکلی یافت نمیشود .

درسنه ۱۳۱۵ در تهران بخاطر صاحب سواد یافت نمیشد مگر درزمهای اکابر ووزراء الهوجنه غیری هشت یادهتر فرانسه‌دان درانها یافت نمیشد که از مال مرحوم مشیر الدوله و حاجی میرزا حسین خان وامین الدوله ومشیر السلطنه وضع الدوله ودوسه نفر دیگرالحال درایران تقریباً شصت‌هزار فرانسه‌دان هست مدارس متعدد الحمدوزاین چهارپنج سالمیده شده‌زنی درزمان فوق‌العاده بوده بلکه عرض میکنم غیر المعقول بوده در اینجا توضیح میدهم اینجه خوانین ماه که معروفند بیان‌میکنم یکصیه مرحوم حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله کهموه خانهای اوروپا بمزه‌دانش این‌خانم معظمه دیگرصیه مرحوم میرزاصرالله خان مشیرالدوله هشیره مشیر الدوله حایه که خصوصاً در فن (پیانو) سر آمد عصران خود بوده — دیگر نواده علیه حایه انباع الساطنه که درفن ادبیات فارسی وخوش اسلوب نویسی معروفند دیگر صیه حاجب الدوله که معروف است به (سادموازل حاجب) کلاژبان فرانسه وانگلیسی درنهایت‌صحت وفصاحت تکلم‌میکند ومینویسد باوجود صغرسن . دیگرصیه ظهیرالدوله کادرفن تئاتر مشهور ومختار است — دیگر عصمت خانم متخلصه‌به (طایره خانم) که درادب وسخنوری سرآمد عصران اینعصر بوده ومطالعه‌وآثار یکی‌های‌اول درایاسفوك زنان‌ایرانی ومعیشتانان درروزنامه‌ایران‌نو مندرج داشت ودرنثر ونظم گوی مسابقا ازمردان ربوده — دیگر قصیه عتمانشرف زاده که بلکه فاضل عزیزودرطرف آمریکا سفر کرده ودر آمریکا متمول تحصیل شده — مدیره دبستان دوشیزه گان وطن بادوخر هشیره هایش ومدیره مدرسه حسنات سرآمد معلمات بوده و بزبان انگلیسی وفرانسه دانستن این خواهران علماً وعملاً باعث استعجاب‌فضلاست وبیره کافی از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 857 of 1786

ادبیات و علوم جدیده حساب و هندسه و تاریخ و وطنی و جغرافی دارند شنیده شد خواهر بزرگ زروزور خود را فرستاده مصروف تربیت و دستیار کار میباشد و تا امروز امتحانات خوبی مدرسه اش داده است .

دیگر مرحومهٔ (علویه) همشیره آقا سید حسین ارجمند زاده زوجه جناب حاجی میرزا حسن رشدیه که واقعه ماتم روز کار چنین مخدومه فاضله عفیفه پرورش نکرده بود دیگر (خانم افندی) صبیه مرحوم رضا خان سرتیپ توپخانه و دره و اگر بخواهم از فضلات ایرانیان اسلامبول و مصر و قفقاز بنویسم باید مدیر مجزا داره جریده چهره نما خاص ملاحظه مدرج فرمایند ولی از مطالعات ناتم بازیافندی در جراید ترکی و (خانم غازی) را در جراید مصری دیده اید ولی در اسلامبول و مصر مدارس دخترانه هستها بوده لیکن در ایران تا سابقهٔ ایداً مدرسه دخترانه نبوده و این مدت که این قسم همدردان ایرانی ترقی کرده اند — چنانچه یکی از دوستان بنده صبیه او که سنّ ۱۴ میباشد تحصیلات خود مثل و الگوه را تمام کرده والان خود معلم است زبان فرانسه را از بنده بهتر میداند و حال از آنکه بنده دوزبان فرانسه و انگلیسی را بخوبی تحصیل کرده ام .

اما درباب بازیهای ریاضیه که اورا (سپورت) میخانند مثل (تون پش) وغیره . . اگر امروزه این نوع ریاضیات بدنی در ایران بلغت نشود در سه چهار سال دیگر هم پسران و دختران خواهند آموخت قدری صبر میباید کهدر غرب دوشیزگان و همدردان ارانی همچون فاضلات عالمات متبحره در تألیف و تصنیف اشتهار بهمرسانند محالاً خوانندگان روزنامه مظلمه چهره نما را بشعره همدردان فوق و مدارس و معلمات ایران بهترین بشارتی بود که دادم (رئیس مترجمین اداره کرنک و مأیه جوب محمد علی شیبانی

چهره نما

«تاریخ حرب و ترقی و اشاعت فن آن»

حضرت خالق اسرار حکمتهٔ از تکلیف عباد و خود ترنی مایل و راغب فرمود جناحه قبل از خلقت و تصویر وجود سعادت بود آدم علیه السلام حضرات ملایک عظام در جواب خطاب مستطاب « انی جاعل فی الارض خلیفه » بحضور حضرت کبریائی عرض رسانیدند که « اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء » از همین مواد آیه کریمه تاریخ خلقت آدم و ذریه حرب معاً گرفته میشود فاتاریخ تولد آن از کریم عالم بداز هبوط آدم و حوا بارض دوم ابتدا و آغاز میشود .

متلیکه از خبر حقیقت مزا آنیوکی سورت آدم علیه السلام و ترکیب بدنه تطبیق فرموده شده بود همچنان از خبر شر و ثبوت حس رشک بوجود آمد و بمقتضاء حکمت اقدسهٔ خداوندی اقلیم قلب انسانی وطن و مسکن او مقرر گشت . و چنانکه از آدم بحوا خلق گردید مثل آن از رشک . حسد پیدا شد و این هردو نیز مانند حوا و آدم باهم همدم گردیده فرزند دلبند جنك از ایشان متولد گشت . و بتقریب روز ولادت این مولود غضب آلوده قربانی انسان اجرا کرده شد .

لخنین ملئکهٔ برکهٔ ارض در اولاد آدم از نتیجه رشك وحسد به ظهور پیوست هابا واقعهٔ فاجعهٔ قتل قابیل هابیل در وقوع تولد و حدوث حرب از همین وقت مأخوذ و منسوب است .

در عصرهای اول آلات فن حرب چندان وجود نداشته وجنك اگر بوقوع پیوست اجرا میشد و پس ازان همدانی که در دنیا ترقی کرده حتی القدور فن حرب را هر ترقی داده تکمیل و تشدید و کاره برای هجوم جاجه بروی کار آمده و در خلاف آن از هر حفظ ماقعساته خود سپر و زره ساخته شدند . چنانچه از بن آیهٔ حکمت وایه « واتخاذ الحدید و علمناه صنعة لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم » از درمان حضرت داؤد ورود یافته و فهم و من فن حرب و ترقی آن در ازمان مالدوبك گواه این مقال است .

ارارا ترقی قدیم این فن شهرت داده رجوع ممالك دنیا و ملك سطوت و جبروت ساخته بود . داستانهای دستوران و امثال آن در ترقی این فن درمان وقت یك مثال است . فیلهای هندی آله های جانداز حرب شده عظمت و شوکت راجه کان هندرا دوبالا نموده بود . ازهمه اول ازین فن در اعظم آسیا بدرجه برق آسا ترقی کرده وفن حرب از شرق تا غرب اشاعت یافت . و پس از اسباب اروپا منتقل شد و در آنجه و یونان و اسپارتا . تاکیکهای خوب عروج نمود . و باز رومیان آنرا بدرجه کمال رسانیده فن استحکام سازی و امثال یك رواج و شهرت عظیمی ساختند . اما قریب بود که بمقدار چندصد از اوج ترقی در موج خرابی پنهان شود که تا کمابیش سال ۱۵۰۰ بعد از اشاعت و بیزار آن کمابیش مسدود بود مجدداً گرم شد و یك انقلاب دهشت مآب بزرگ در فن جنك بوقوع پیوست کهاین آتش سوزان پاروده جوهر و آمادگی اسلحهٔ قدیمه را برباد داده باخاك یکسان نمود و تمام تیرزن و زره پوش . از خیالها فراموش ساخت . و فن جنك را از جوب و سنك دفعتاً بآهن و پولاد ترقی بخشید .

در صدی هفدهم کارهای جنگی اروپائیه شهرت عارق العادهٔ را اداره نمود و فن قلعه بندی و استحکامات سد سدید یك ترقی جدید در فن حرب وارد ساخت و از یونان یك سلسلهٔ وسیع یعنی جنگهای وقیع که تذکار خواهد یافت قائم شد .

در صدی هژدهم « فریدرك اعظم » (پادشاه جرمن) فن حربیه را خوب وسعت داد و چنان اصول و قواعد وضع نمود که فوج خود را بانهٔ زمان جامع گذاشته و پس ازان « ناپولیون اعظم » عسکر خود را در وقت حرب به حصه های بزرگ منظم نموده به آنها اداب این چنین جنك را تعلیم کرد .

اروپا از آغاز در خصوص جنگهای دور و دراز دیگر راعظمها صاحب امتیاز است . هیچکدام جنك معتنابهای کمتر از هفت هشت سال ناانجامیده سالهاسال درمیان اقوام جنگیده و ورزیده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 858 of 1786

حروب مذهبی ومالی درانها وقوع یافته که بعضی از آنها یکعصر (یعنی صد سال) طول کشیده است. چنانکه در ذیل اجمالاً از بعضی جنگهای قدیم ومشهور اروپا بحث مینمائیم:

اول (جنگ صد ساله جنگهای انگلیس) که مابین دوقوم وقومی همسایه بخاطر مالی واصول تمام درازده قرن در عصر های اواسط بعرض اتمام از هنگر تاچند پشت بطول انجامید و ناصر چهار دهم فیسوی ثلثه آخر قرن مابین جرمن و فرانس (انگلیس) زکان گشت. اگرچه در ابتدای آن پادشاهان انگلیس بسلطنت خود برای دفع این جنگها ورفع آن سه تزویزا یکجارهٔ اندیشه اما درمقصد خود ناکام شده، قوانین یک قانون جنگی تشیین کرد که تاقرنهای مدت ۵۰ قرن از قرون فصاص واتلاف بهیچکس حاصل نمیتوانست.

دوم (جنگ دوازده مذهبی) این یکعصر ونیم را از ۱۵۶۸ سال تمام ۱۶۵۸ مالکت ابتداءً این حرب مابین طریق اصلاح کیتولیک دو فریق اصلاح جرمنی گردیده وسبب حقیق آن این بود که «فردیناند» آلمانی چون قوانین را که صلح «مذهب بروتستانت» بود از هم دائل در مخالفت انتشار و از سال ۱۶۱۸ تا ۱۶۲۳ ع بازار کار زار گرم شد بالآخر «فردیناند» بروتستانت مزاحم گردیده دفعتاً فردیناند سایر کفت پس از آن دانمارکیان در مخالفت جرمن مداخلت ورزیدند و از سال ۱۶۳۰ تمام ۱۶۲۹ جنگ عام شد و الآخر «گوستاوس» زاین «شاه پاورلد» عرصه مخالفت پاورده در «کرمانی» صلح کرمن مجبور شد.

پس از ان از سال ۱۶۳۰ع تمام ۱۶۳۷ع تمام مخالفان درسه کار زار با «کرمانی» ترک و «شاه السوئج» در «شاه جرمن» در سال ۱۶۳۱ و ۱۶۳۲ بروزی یافت. اتفاقاً در کار مرگ اخیر کشته شد، فرقهٔ بروتستانت بعد از فتح وهزیمت خود مکرراً مغلوب گشت، اخیراً «شاه فردیناند ثالث» با سازی دوچ را دچار شود کرده درمجلس «مذهب بروتستانت» خلع جواز کرد، اگرچه «یکعصری» در اراده خود کمیب شد مکر در معرکه های اخیر اورا یک عهد نامه توشان لازم شد که در سال ۱۶۴۸ خبر یافت ویان این (جنگ سی ساله) اختتام پذیرفت.

سوم (حرب هسپانیه) کمال سال ۱۷۰۱ع تمام ۱۷۱۳ع امتداد یافت، و یک مقدار لودزا کمدی تخت هسپانیا جریان حرب را پیدا ساخت چنانچه اوسترا، انگلیس، هالند، روسیا و پرتکال برخلاف فرانس درین جنگ باهم اتفاق کردند، اگرچه در ابتدا میدان همت فرانس بود لیکن چندی نگذشت که در اعمالا و جرمن شکست خورده مضمحل ومنتشر گشت، لذا در هسپانیا بدوباره حرب نمود ومعاهدهٔ سال ۱۷۱۳ع این جنگ را انجام داد.

چهارم (حرب هفت ساله) این جنگ از سال ۱۷۵۶ع تمام ۱۷۶۳ع دوام ورزید. این حرب بدو شعبه منقسم است. درقسم اول آن، جنگ «فردریک ثانی» پادشاه پروشیا بر ضد انگلیس، آسیدروس وفرانس واسترو عهدود تمامست مگر باوجود حسن تدبیر خود بالآخر «فردریک» شکست خورده، واگر در جای دشمن (جنگ ارزات)، «جرمن ثانی» برخت دوش جلوس نموده در سال ۱۷۶۲ع حال فلاکت انتهال. اوقریب بهلاکت ایسال «زرده» بود.

قسم دوم این جنگ است که انگلیس درمقابل فرانس وهسپانیا قیام کرده بود، وخاتمهٔ این (حرب هفت ساله) بدرجه معاهده سال ۱۷۶۳ع که درفرانس تحریر یافت گردیده شد.

پنجم (حرب صدساله) این جنگ هم یکعصر مابین انگلیس وفرانس بهرهٔ خون ریزی ساخت وسبب اتلاف مدت وطول زمان خود یک پنجم دوران سلطنت پادشاهان مشهور فرانس وانگلیس استوان همه حروب دوروه از تاریخ مدرنك وحده استیلا کرده.

اینست که پادشاهان اوروپا بخاطر واقعات ماضی را اختیار کرده است. انگلیس بارون جرمنی معاون ومساعد گردیده تا بالمآل (جرمن) آوقات او وهریک بدا کان مدرن مانع عسکری وتجاری خود تلقی نموده دارند. واگر درفا اصورت واقعات چنان مطلوب میشود که مظنونیت دوروزی آنرا دارا است وازحال استقبال کلی واقف نیست که چه خواهد شد؟ آیا تابع وصنعت کاخیر تصرف آنرا خواهد نمود یا خاتمهٔ روس، فرانس، انگلیس اتفاق خواهد یافت؟ وآیا این حرب کجاش مدت دوام خواهد ورزید، اینست کاین مسئولها پیش ازانکه وقوع یابد درانتظار وهمه اطلاع خواهد بود. زیرا کاهر ملتی کرداری درپیش یک دولت دیده دوران را کذرانیده یا هم جنان سهل نیست و خلاق آن مظنون وشاید ساعتی یک ملت واحد دولتی باشد، لاکن آنهم بدعاوی خودش نیز امر لامکان میباشد. علاوه که این جنگ هرچند حروب قدیم اوروپا مغلوب آنخواهد، واقعاتی بعواقب الامور».

ابراهیم

(رای یک کپتان پلهٔ جهاز اسم شده جرمن)
از انجمن وکیل

وجود خصوصت جرمن وانگلستان دوازده جهاز های جرمن که درینجا شکسته بودند گرفتار کرده شدند. ازجملهٔ این جهازها یکجهاز «گلد» نام دارد. مابین کپتان این جهاز وفایده کل بعضی اخبارها درخصوص واقعات سلاح کشکو شد. که ازان اندازه حسیات وجذبات اهل جرمن بخوبی کرده میشود. کپتان مذکور گفت که جنگ جرمن بادوس فرانس، انگلستان لازم شده است. وملا هیچوقت دردنیا اورا ازالهٔ های خودش باز غایت نمیتواند. فکر جرمن ازفکر های

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 859 of 1786

حضرت طرزی صاحب مرحوم

از سردارگان کهدار افغانستان سردار اعظم محمد هاشم طرزی صاحب افغان ابن سردار رحمدل خان ابن سردار پاینده خان طرزالله لبیب ، شاعر ادیب ، جواد ، صالح ، دلیر ، دلجمع بلدلی چو که در سنه ۱۲۷۵ هجری در قندهار تولد ، ودر سنهٔ ۱۳۱۸ هجری در شام ابر فیوضات پاینه الله رحمت الله علیه

[خونه کرانی : سایان اطلس در شام ، زیکو کرانی : سیدابو بکر در کابل]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 860 of 1786

مدیر و مسہم مشہور سراج الاخبار افغانیہ

مدیر و مسہم مشہور جناب سید محمود طرزی صاحب مع صاحبزادہ [illegible]
[illegible] ذینگو گراف : دیوان السلطنہ : ذینگو گراف : دیوان حرب

(یاور عمد)
ذینگو گراف باشی ذینگو گراخانہ پکاولی
در مشیخانہ جارکہ

وسلم لیون (غلام محمد خان) ی معدود مدرسہ ای دوکتب حربیہ ومکتب سیدیہ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 861 of 1786

فرانس وروس بدرجه ها برتراست . اگر عسکر های هندوی آن متفق شوند اتوف ۴ جرمن باسای مقابله آنها را ندارد عسکر جرمن آنقدر صاحب تربیه وتعلیم یافته است که اندازه تیاری ودرستی آنرا کسی تخمین وتقدیر نمیتواند که در جرمن رفته آنرا دیده باشد . دسته عسکر جرمن نهایت مکمل است . جهازهای او همه بطرز واصول جدید ساخته شده اند . وآلات حربیه که دران جهازها موجود ومصنوع است از جهازهای کدام قوت دیگر پس نمی آرد . وچنان دسته طیارها را که او مالکست زد هیچ ملتی از ملتهای دنیا موجود نیست وانگلستان را پس از تحصیل تفوق خواهد شد که این مسئله ، حتمتاخیرش ، چنان واقعه ایست که کابینه انگلستان پیش بینی نموده . انگلستان دارای یکدوج قابل لذکر دی نیست . مادقوت بحری او پس اگر دسته جهازهای انگلیزی در خلیج ، فل لاند ، در آمده رخنه هایش پرانده خواهند شد ، وبازار دوه جرمن این خواهد بود که عسکر خودرا در انگلستان خواهد برآورد ، واگر عسکر استرو بزمانه جرمن مرتب ومکمل باشد ، پس از حالا نتیجه را بخوبی باید ! لیکن از مقدمتی در استرو مثل جرمن یکقوه اند نیست بلکه اقوام متعدده ، واین گفتن نهایت دشوار است که درمعنی حالات نتیجه چه خواهد شد ! درجنگهای این زمانه بسیار سطحهای خلاف توقع پیش می آید . مانند معاصره روس وژاپان . لیکن این مسئله است که جرمن سیز جنان خلاف توقع ثابت خواهد شد مثل ژاپن . ما گفتن مذکور کفت که ازرمنه شدن جنگها وشیوع این بر بطانیه هیچ افسوس هیچگدام نخواهد بود وبوجود جمیع سختیها درباب جرمن یکرای باین ایکراه نخواهد .

(مدیر عبدالرحمن)

(اخوت هندستانیها وجاپانیها در توکیو)

درتوکیو پایتخت ژاپن حالا بسیار هندستانیها اقامت مستقل اختیار کرده اند وبهبودی صورت الکیز آن اقامت ایشت کهاطفال آنها را اینجا بسیار خوب معلوم میشود . اخبار انگلشمین وجه این لطفات خودکوارا این نشان میدهد که دوره دوقوه اختیار رنگ نیست ودر هردو اصناف اخوت یکچیز است ودرقوت این اخوت طرز معاشرت متوکل اینان را دخل بسیار است . آنها یکجا باهم نشسته نان خورده میتوانند رنج غذای لذیذ وگوارا متحمل شدانست . اگر در هندستانی کدام بنگالی موجود است او چنان شایق ماهی است مثلیکه بژاپانی باشد . درجای توقی هم هندستانی وژاپانی یکسان معاشرت اند .

درتوکیو یک انجمن بنام (اتوژاپنیزا سوسی ایشن) قایم شده ایست که اعراض وغایت آنرا درپیش نظر داشته این خیالواندیشه پیدا خواهد بود که توکیو حقیقت یک مرکز بزرگ اخوت ژاپانی وهندستانی خواهدشد درروزهای گذشته جمعیت مذکور دراعتبار دوم مهمانها جلسه دعوت منعقد کرده که از آنها یکژاپانی ودیگر هندستانی بود تاولولیها کرمسدر فرود کرای است کمپانموشاع بلیک ژاپانی بپی است که جهاز درهندستان ودرآنکار هیچکدام جاپانی بقابلیت موصوف دعوای واقعیت حالات صحیح هندستانرا کرده نمیتواند چنانچه هندستانی مقیم مشهور بنکانام سی مک است که در حلقه های قانونی ودیوار حکومتی انگلیزی نام بزرگ پیدا کرده است مترجموصوف درخواب انگریزی وهندی مهارت خاصی دارد مالکست ، در جاپان با بسیار مدت گذران کرده وتعلق حالات جاپان کتابهای متعدد نوشته جاپانیها آنرا برای اقامت دایمی ژاپان رفته اند .

ضرور است که اهالی هند بوجه غیرمعمول جاپان جاپانرا خوش ورای اوحسن صنعت وحرفت ژاپانی کوشش های کامیاب اجرا کنند . همچنین برای خواه ژاپانی هم لازمست که روادای وقوانین هایشان پیش آیند که برادران هندی شان قرار دانی از اخوت وهمدردی ایشان مستفید شوند . حاصل کلام این هم لازمست که بدت عزت واحترام حسیات وجذبات ملکی و مذهبی آنها نپردازند خواه هر چند در نظرهای شان ناموزون باشد .

(اخبار جنگ بلقان)

زمیدار

چندسال شده کهمسدا کسی بیل متوقع نمیشد این امر گردد ودر کهاخبار جنگ بلقان آینده فرانس وجرمن بازده کرور پونڈخواهد شدواز دخالت وانتروایطالیا وفرانس درین جنگ شریک باشند پس مقدار خرچ ماهانه به ۵۵ کرور پونڈ خواهد رسید خیال کرده میشود که از فرانس وجرمن هیچکدام زیاده ازسه ماه تحمل تابع اقتصادی جنگ شده نمیتواند اگرچه این فکر نیست که چنانه هیچ دو در آن واحد لبریز شود چونکه این جنگ روپیه فقط وقتیه موقوفست لهذا میدان دردست کی خواهد ماند که درپایخانه اذکردن تخواه عسکر ازحرص خودداری نماید .

﴿ افواج هندی چرادر روپه جنگند ﴾

پیسه اخبار

ازاخبارات جنوان میدان جنگ معلومیشود که فوج اعلی فرانس هم درطایل افواج جرمن خوب بادمرمانکی دادنداند . وقتا که فرانس غیرهای اخیرا درمیدان جنگ خواسته است کهدرجنگ اموری حاصل کرده اند : پس چرا انگلستان بعضی افواج چیدهخواهد در مسلمان هندرا برسر رجیفرانس درمقابل جرمن موقع بردازمایل نبخشد . اگر این معاهده دول یورپ باشد که افواج غیرورپی درمیدان کارزار نجنگند پس درحق سپاهیان اعلی هم لازم تعمیل بود . جرمن رخلاف معاهده گولههای (دمدم) را استعمال کرده بودیکر بدعتها هم بکند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 862 of 1786

پس آیا انگلستان را اختیار خلافت ورزی این چنین معاهدات مشروعه نیست ؟

﴿ جنگ ورپ ومسلمانان هند ﴾

درهندوستان درموقع بروز هرشخصی داستان جنگ ورپ حاریست واین خیال درهرمغزی پیدا شده است که خدا میداند که درنهایت جنگ چقدر نفوس هلاک خواهند شد وچقدر ملکها وعمارتها تباه خواهد گشت . فکر است در هندوستان هرمرد جان نثار وحق خواه شهنشاه وکور تخت خود است . وخطرهٔ پانزلمه هرچیست که رهائی هند ازین محنت ذاتی واحسان معنوی حکومت برطانیه رو گردانی کرده خود شانرا درمعرض ذلت وخواری بیارند . خصوصاً برای مسلمانها این جنگ عمومی چنین قابل ترده وانکشار است . تحدیک دیده میشود مبلغان طرایع نوجوانان ترک جانب حرص است . واتحاد قدیم بریطانیارا که چند دفعه اینهارا از مهلکات رهانیده فراموش کرده اند . اگرچه ترکیه هیچطرف بستوحق حامیدار است ودعوای ماهم بر حق است که خدا اورا برهمین حالت بطرفی مانده باشد . اما فرض محال اگر ترکی بطرفی خودرا نگاهداشته نتوانست درجنگ مداخلت کند دراوقت طرز عمل مسلمانان چه خواهد شد واین یک سوالست که هرمرد دور اندیش ازان خودرا میرسند .

من بلا خیال تردید وبلا خوف اختلاف صاف صاف میگویم که مسلمانان باید که درجواب این جواب هیچ وقت وزیر وپشتی نگذشته وآن جواب این است که ، ما را باید که به بریطانیا مدد کنیم ودروفاداری بانگلستان جان خود مارا نثار کنیم . . . . .

سلطان ترک پیشک سلطان هم مذهب ما وحافظ حرمین شریفین است وازاین خیال مستحق هدردی ماست لیکن غرض هرمذهبی وهر قومی مارا ازین دیگروش ساخته نمیتواند که غیرت چون انگلستان بدغرض است . وآن کور تخت بعد ازادی مذهبی داد ومارا تعلیم آموخت وبهرطریق مارا ازدولت علم مالا مال ساخت . ازکی همیشه حافظ حقوق مارا کرد ومارا زیده ازحصهٔ مالاتعالم ملت ولوکری های رتواز امارهٔ ساخته . که بدولت آن مالایق آن شدیم که باترک هدردی شروع کردیم .

وفاداری ومعاونت همین کورنمنت ! مذهب وایمان است !

ازترک هیچ فایده نا دیده وبعدرجه معاملات سیاسی اومداخل وغرضی است . خیال هرمذهبی یکطرف محبوبیت هرمذهب های دیگرجا گیر هستند درجوش هرهستند . درقرنه هرهستند مارای همه کی امن وآسایش خودمارا قربان نمیکنیم . هیچ وجه نیست که ما خودرا بامقتدای ترک درراه غلط بیندازیم . اگر خدا نخواست الوقت پیاید که درتعلقات ترک وانگلستان کشمکش واقع شد مارا باید که باترکی صاف صاف بگوئیم که ما همراه شهنشاه مادل خود هستیم اگرچه اوسیاست لنا او درامور مذهبی ما خارج نیست . ودرامن وآسایش عامه مسلمانان ازین سبب مازروفادار وجان نثاری درراه شاهنشاه خویشدین فیکذاریم .

(عزیزالدین احمد ازدهلی پور)

[واقعاً مسلمانی ! ...]

(مترجم عبدالرحمن)

اجمال احوال

۲ ستمبر

یک ازپولان جرمنی زیادتر ظاهر شده وبک باب قریب کیرت لیز ودیگر باب قریب لوبرا انداخت . قایقهای تفنگ ها زاروبلان شده ولی او طرف شمال مشرق غالب شده هم اینان ظاهر میکنند که توجه جرمنی بمحاصره وبم انداختن پاریس هم زور دارد .

در رمز وکرداکره او قلعه ها بنا وقلعه بندیها می شود . در زمستر که فوج جرمنی عظیم است وجرمنی بهرپیه هر چیز می خرید .

یک خبرفرانسی مظهر است که یک ازپولان نظامی فرانسی ۱۸۰۰ میتر رخط دشمن ود که یک گلوله زده شده واین آن خراب شده استاده شد .

از ۶ تا ۵۰ گفته

یک زپیلن رایشتورپ ظاهر شد وسر وقت صبح آنها دهن آتش فشانی وگله باری میکردند مثل جانها قرمزی شده اند .

خلاصه کار زار شرق

۹ ستمبر لندن

یک پیغام روما مظهر است که آستروپها برای گرفتن دولت لوبن حرکت کردند لکن شکست خورده ۶۶۰ گفته و ۵۰۰۰ زخمی گذاشته .

۹ ستمبر جنرل افواج روسی گفته شده است .

لندن ۹ ستمبر

روسی ها قریب نارنو در کیلا لیز بسیار کامیابها یافته اند . جنرل روسی مذکور را جرمنی ها کشته است .

خبرهای جنگ

﴿ نامه نگار های خصوصی ما ﴾

ازمرحد های شمالی مینویسد

درجنگ سریک کدام عدهٔ روس را آتش کرده صدها هزار خانه را توپ خاکستر نموده . خانه مذکوره را درهمین روزها بحواسته که بدوبنای ملک خود بزند لکن با کمان آتش آنرا خودشان بدست خود صدمان نیز بالای درکرده عمو

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 863 of 1786

گردید لذا این معلوم نیست که آیا غرض درداده شده یا قضیه درگرفته است .

کابل : — همسایه بعضی مردم هرارده جات از طرف دولت افغانستان باشند کان درنظر دارند که از علاقه ترکستان افغانی میاشد برای کسب وکار تجارت ومزدوری در علاقهٔ حدود روس مرخصت وبعد از چندساله که از کسب وکار خود فارغ میشده دوباره مراجعت میکردند . امسال نیز نفری مذکور رفته بودند . دولت روس درپروژها همهٔ انهارا از علاقهٔ ملک خود بیرون کرده واین طایفه افغانستان فرستاده است وگفته است که کار وکسب خودرا بکنند واین سبب ضرر واین جاها وارد شده است فقط فی ۱۰ شوال سنه ۱۳۳۲ (عبدالاحد)

عرض میشود که درین دولت روس وجرمن که حرب ادامه میداشت روم جمعه ۹ شهر جاری بازدوباره خبر برای اهالی روس که در (کرگ) بودند انتشار دهند مضمون آنکه جمعه گذشته ۷ شهر جاری یکصدهزار نفری درمابین عسکر روس وعسکر جرمن که ازحدود پوسیه بخاک روس درآمده بودند وقوع آمد نفری زیادی ازعسکر روس تلف شد .

کابل : — بموجب تلگرافی که از تاشبورگ رسیده درتمام ترکستان روسی عسکرگیری جاری گردید . حکومت روس ازهمه افراد رعیتی خود ازقوه روسی ، وارمنی ، وسوی وغیره از بیست ساله تاچهل وپنجساله اگرچه نوبت عسکری آنها گذشته بود بعضو نیامده بود بالاستثنا عسکر گرفتند . بنابرین درین دوسه روز هرچه نفری که اکردکان بودند بالبکرچاه خدمتکار بودند کامل را بلباس عسکری داخل کردند . ویک هرج ومرج عظیمی درین ملتکها برپاست . اهل وعیال این عسکرها وخودشان دربک واویلاست . عسکرها خودشان وهاسانست . عسکر های منظم مملو خود را همگی ازترکستان گذیده بجاورو رده اند واز عین عسکرهای نوکر درپشیر ها گذاشته اند وانهم بدرجهٔ ضرورت میباشد که اکثر آنها راهم سوق میکنند . ازقراین چنان معلوم میشود که دولت روس بسیار پریشان است .

گابل : — یکخط ازعلازی رسیده نوشته است که ازموشته ۱۰ ماه حال تاالیوم هیچ دار وگرفت درین مردم تجار روسی وغیره نیامده . معاملات یکطرفه بساست . هرکس بفکر خود کرفتار است . خریداری اسب ودیگر مایحتاج بسیار زیاد کرکی اجرا میشود حتی ازخود کرکی دوهزار اسب دیگر از تز خریداری میشود خرید بشم ودیگر اشیای تجارتی مانن که همه بطرف شهر مسکو میرفت برابر گذاشته . زیرا برخود روسها کاملاً بار داری عسکر والات حربیه گرفتار است ودیگر چیزرا قبول نمیکند . وازین سبب ضرر زیاد بسیار بتجار مزبوره وارد شده . کار خانه های باطنها همه بند است وعدهٔ انهارا بلباس عسکری درآورده اند . افواه است که دوسه شهر مشهور روس را جرمن گرفته است

روس حکم عام نموده که اکرکسی حرف دولتی را هم زند بدار زده میشود . خبرهای راست راکسی گفته نمیتواند فقط امضا

(م . ما . خروتی)

ترجمهٔ اخبار انگلیزی که عرضداشت گرم بخش حق ترجمه کرده

بیان فرانسی درباب میدان جنك

کارروائی جنك زمینه

لندن ۲۹ اگست —

درپرس دائع شده است که زمینه بعد ازمزاحمتهای خلیلها طرز جدید کوراه اختیار کرده ایم ودشمن پیشروی مایوس شده مرور درقلب فرصهٔ بارزار کاهی فتح وکاهی مزاحمت نصیب شده است مگر یك جنك عمومی بازشروع شده است انواع دول متفقه باوجود تلفات کثیر شکست نخورده اند کبودی انواع ازجبهاولها پورا کرده شده است

فرصهٔ دوروز گذشته است که انواع فرانس روده سنجر ودوین جمعه نموده چند این جمعه بدستور پیمراه کامیابی جاری است مگر رفتار ترقی قدری سست میباشدمرطلو کرفتراق انبور مستحکم کرده شده است انواع فرانس که درفرصهٔ کارزار بین کودت وفونکوی زیر پیکارانه مزاحمت انواع ولیعهد جرمنی را درکرده وانواع بروشیجو وویلسون واقع فرانس بقوی نموده اند .

برعکس آن انواع مارا نیز مزاحمتهای خفیف روداده اند باین سبب انواع ما برای عبورت ازطرف میوز عبور شده چند ازین قبل مشهور شده بود که ولیعهد جرمنی زخمی شده است اکنون نافی میکند که اوزسر پیکار است) زجان [وفن علیه الواقع]

راه دریای میوز

درطرف چند روز گذشته دشمن برای عبور کردن دریای میوز بتعداد کثیر ازحدجدوجهد نموده بود مگر ازسبب مزاحمت وهجومات ناقابل پس را کرده شده است وتلفات شدیدبر روانده است باوجود این مزاحمت سپاه جرمنی ازراه را کروی (قلعه فرانس است) پیشقدمی کرده است — جنك درپیاه وسیع دراین علاقه شروع میباشد درحالات موجوده درباب نتیجهٔ جنك پیشکوئی کردن ناممکن میباشد —

بیان میشود که چونکه سپاه جرمنی روز شنبه درقرب کیوت (قلعهٔ فرانس است) دریای میوز را عبور نموده است بنابران انواع دول متفقه برای گذاشتن خط مدافعت اصلی بهی خط دیفانت وجار لیردی وموز عبور شده چند علاوه براین رجوت آمده است که عبورت انواع دول مذکوره بر زمینه سپاه جرمنی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 864 of 1786

بازوقوع آمده است در این مقام بهترین سپاهیان جرمنی جمع بودند . فقط

اسامیت در عرصهٔ کارزار

لندن ۳۱ اکست

باوجود شدت جنگ در فرانس واردات های سلوک معاونه راجع راه‌های طی جرمنی و انگلستان تبدیل داده گردیده نمیشود در بعض مقامات ماکزیان و جراحان رطانوی به امداد جراحان جرمنی علاج و معالجه مجروحین جرمنی را کرده اند فقط

اهل جرمنی در روس

فراهم دختر خورد طفل مطرد سکندلاف

لندن یکم سپتمبر محل ۶ بجه شب

اهل جرمنی فراهم دختر خورد اندر روس باین شدت تبدیل نموده اند که اخیراً خط پیدا شده است ـ هیچ یک هر گونت و شر پانه میتواند از یک دواج ۴ صد دوتل شراب و از یک دواج دیگر چهل هزار پاو گوشت روزانه دور جمع کرده میشود ـ

نان زدهای روس هفتاد هزار نفر نان یومیه تهیا میکنند ـ

عرصهٔ کارزار مشرقی

اهل روس و اهل استریا

لندن ۳۱ اکست ـ

جمله جات روس رکل سر حدات استریا ماری آنها اهل استریا در حدود لیبل طرز جمله اورا اختیار کرده اند (لیبل در ولایت روسی واقع است) آنها رپوت میکنند که مردمهای استروی در کل مقت مقتدر میباشند آنها وقت پیشرفت استریا گفته شده بودند [معلوم است که استریا پیش رفتن را هم پیدا نکرده اند .]

اخبار بات بحری

جرمنی امر عرضه رطانیه می کند

لندن یکم ماه سپتمبر ـ

بیانات رسمی جرمنی در باب بهادری و دلیری سپاهیان رطانیه که آنها وقت نجات دادن مجروحین در جنگ هیلی گولیند ظاهر کرده بودند رطب الثنای میکنند بیانات مذکور مظهر اند که رطانویها بجای اینکه تدابیر حفاظت خود عمل می آوردند آنها لاتف وت (کشتی محافظ جان) برای مجروحین جرمنی در آب انداختند

رطانیه و جنگ

اظاره در پارلیمنت

جدو جهد برای عاقبه نتایجات

لندن ۳۱ اکست محل ۶ بجه و ۴۰ دقیقه شام

امروز وقت شام مسیو السکوئیه در دارالعوامه تجویز کرده که انعقاد پارلیمنت الی نهم ماه سپتمبر موقوف نموده شود و گفت که من امید میکنم که قبل از انعقاد پارلیمنت تصفیه نتایجات هوم رول بذریعه خط و کتابت کرده خواهد شد مستر ونزلا گفت که اگر نتایجات باز آغاز یافت هرمطلب و مهمات ایشیم دلت نازل خواهد شد که در دنیا بذکر خواهد ماند .

مستر بدمنه برای ملاقات فریق مخالف خواهش ظاهر کرده است نیز گوئیند که من در این باب از خدمتگرم که مسوده هوم رول باز در معرض بحث آورده شود مستر بیلفور استفسار نمود که در موقف مسئله هوم رولرا در معرض بحث آوردن چه مصالحت دارد از این قسم کار روای در از گین از خدمت کلیدی از سر نو آغاز خواهد یافت [بلای سر به در خانه جنگ] .

باقیهٔ مجروحین در لندن

سه صد نفر مجروحین در لندن رسیده اند مردم استقبال آنها بکمال سرگرمی نموده ـ فقط .

فتح پاریس

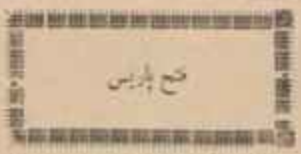

در آخر فتح اخبار ذیل خبر رسید

که شهر شهور پاریس را فتحا کر جرمن فتح نموده . دوین حرب اگرچه خبرها از طرف (ورو پرس) لندن خیلی پنهان کرده شد ، واز حقیقت حالتها وقدار تهای بسیار آنها جرمنها کمی بخوبی واقف نشده ولی این خبر فتح پاریس ثابت ساخت که جرمن در فنون حربیهٔ عسکریه بالفعل و بیشتر از العاقدا مالک است . این خبر تصدیق خلق میباشد

در چاپخانه جامهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

جمله مقالجاتیکه دستخطداری از طرف مدیر و سر محرر نمره باشد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 865 of 1786

اعلا

سیاحت برفور دور کرهٔ زمین

بقدر فایده ها وتیریاژ دارد از حد وصوف
که آن سیاحت با آن زرگی دوست

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
عازق العاده هرگه رای خریداری کتاب

(سیاحت برفور دور کره زمین)

پشتاد روز

بقدر دو رویه کافی بقدر تبلیغ کسی را صرف فایده این سیاحت را گویا (فلیاس فوگ) سیاحت فوق العاده اش بکجا اجرا کرده خواهد بود ! اهل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در عین مطبعه عنایت که در دهافغانان است از نزد عبدالرؤف سرمتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در فن ناولهای فلی مشهور آفاقست . از فرانسوی بزرگ و از زگ فارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور نه ناول بلکه در ناولهای جغرافیا وجغرافیای دنیی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات نیزاهٔ خواهشت مطبوعات علیه افغانستان جناب غلام (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است زیور طبع گرانته شده است این کتاب نفیس را زود بدست آرید و فرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

اعلان

از مزدهن سخنی وز مرجمن سخنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میدهیم . و ترغیب مینمایم که از این گنجینهٔ زاخر جواهر آبدار ، و از این گلزار پراز ازهار یکیك نسخهٔ بدست آورده از هردهن سخنی بشنوند ، و از هرچمن سخنی ببینند .

در مطبعهٔ عنایت زیور طبع گرانته گردید . قیمت ۲ روپیه

اعلان

سیاحت در جو هوا

یك ناول فی بسیار عجیب و غریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده و سومین کتاب (کتابخانه مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژول ورن) فرانسویست که در فن نویسی فی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده و باداشت قیمت (۲) روپیه کافی بفروش میرسد .

این عربه کتاب در دکان بازار اترك و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسه شاهی بقیمت دو دو روپیهٔ کافی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در عین مطبعهٔ عنایت واقع دهافغانان از نزد عبدالرؤف سرمتب مطبعهٔ موصوفه بزخریداری میدوه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 866 of 1786

(اعلان)

کتاب سالنامه و کتاب سالنامه سراج الاخبار افغانیه (کتابخانهٔ علوم و اسلامیت) و (آینهٔ بدخشان) و (اندرز) اعلان کرده میشود از اداره برای فروش حاضر و مهیا است و دوستان که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند لازم است مدیر طلب نمایند

شرایط خریداری

در قندهار	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالنامه هشتم روپیه کابلی سالیانه	چارده روپیه کابلی
قیمت کتابخانه پنج روپیه کابلی ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرچیکه باشد با اجرت پست

قیمت سالنامه	ده روپیه کابلی	قیمت ششماهه	شش روپیه کابلی

به بیعانه اقدام قبول نمیشود

پس طلبی وجه اشتهاری دارنده روپیهٔ کدام است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رعایهٔ کرداران اطامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود

اگر از یک جا دیگر جا رو شویا نمیباید که بیاتر فهمیده وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا رفته وصل در فلان جا مردوم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین نکنند رقعهٔ شان رای نمیاید واخبار شان برای شان نرسید حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی . وصنعتکران که صنعت خود را در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . و یا دیگر هرنوع اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقطع درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطرش قران نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر شش اجرت گرفته میشود . طول سطر متن اخبار ما (۳ — انچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متواتراً یکسال نشر کردن خواهد دوحصهٔ یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر سر سطری سه اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 867 of 1786

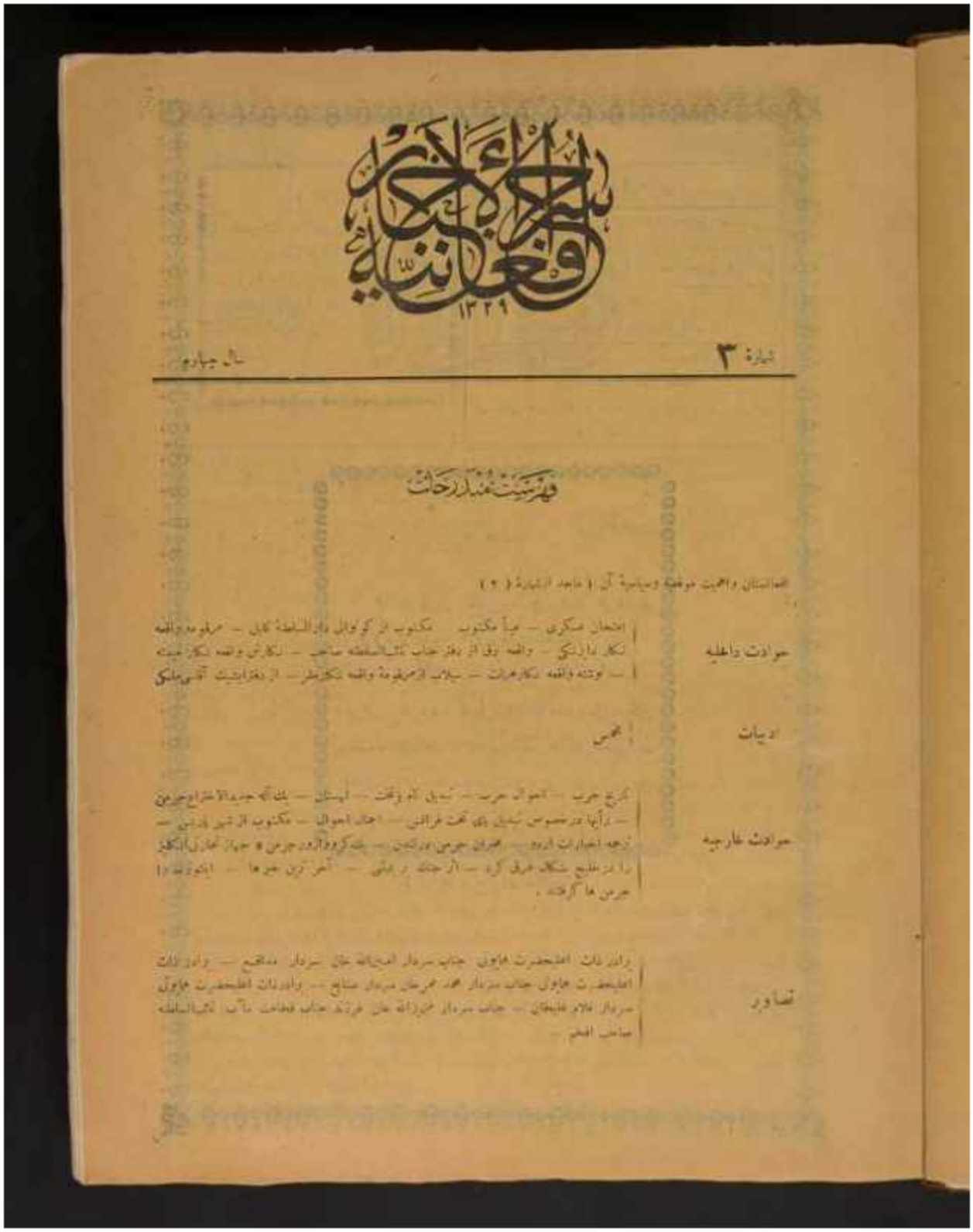

نمرة ۳ سال چهارم

فهرست مندرجات

افغانستان واهمیت موقعیه وسیاسیهٔ آن (ماعدا النمرة (۲)

حوادث داخله — اعطای عسکری — عیاً مکتوب — مکتوب از کوتوال دارالسلطنهٔ کابل — مرقومه والده — نکار دارلکی — والده بی از بقر جناب تاج السلطنه صاحب — نکارش والده نکارنیه — وفته والده نکارهرات — سیلاب از مرقومهٔ والده نکارهرات — از بقرات آقای ملکی

ادبیات — مجلس

حوادث خارجیه — تحریر حرب — احوال حرب — تبدیل نام وقت — ایستال — یك آله جدید الاختراع جرمن — رأیها در خصوص تبدیل پای تخت عراقین — اخبار احوالی — مکتوب از شیراز فارسی — ترجمه اخبارات اروپ — اعلان جرمن در لندن — یك کروزه آلمان جرمن و جهاز تجارتی انگلیز را در بحر بشکاف غرق کرد — از جمله ز بلژیك — آهن آلات جرمنها — ایکوزه ها جرمن ها گرفته .

تصاویر — والده ذات اعلیحضرت همایون جناب سردار امیرالله خان سردار مشاهیر — والده ذات اعلیحضرت همایون جناب سردار عبد الرحمن سردار صاحب — والده ذات اعلیحضرت همایون سردار غلام غلیجان — جناب سردار عزیزالله خان فرزند جناب قطب مآب تاج السلطنه صاحب العلم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 868 of 1786

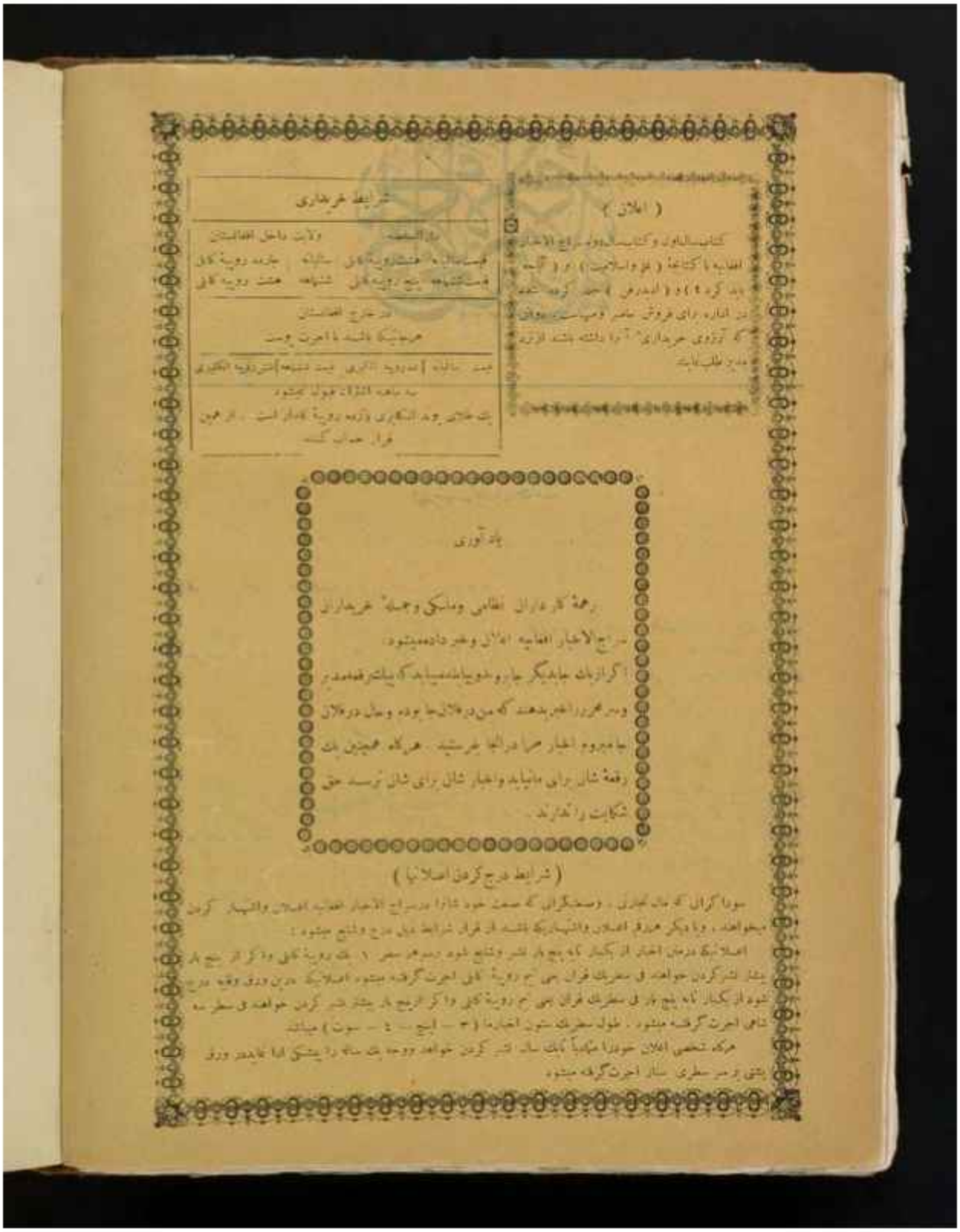

شرایط خریداری

داخل افغانستان	ولایات
شش ماهه هشتاد روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیه کابلی
شش ماهه پنج روپیه کابلی	شش ماهه هفت روپیه کابلی

خارج افغانستان

هریکه باشد ماهیانه چهل

چهل سالیانه | چهل روپیه انگلیسی | چهل شش ماهه | شش روپیه انگلیسی

بدون استثناء قبول میشود

یک ملاحظه جدید انگلیسی وزنه روپیه کابلی است . از همین قرار حساب کنند

(اعلان)

کتابخانه‌ها و کتابخانه‌دوستان درج الاخبار اعلانیه را کتابخانه (غزنی اسلامیه) در آنجا بدل کرده و (المدرس) حذف کرده شده در اداره برای فروش حاضر و مهتممان روان که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند لازم درین طلب نمایند

یاد آوری

رعایه کارداران نظامی و ملکی و جمله خریداران درج الاخبار اعلانیه اعلان و خبر داده میشود

اگر از یک جایدیگر جا رو شود باید میباید که بیلتر قدیمه در وسط عرض بدهند که من در فلان جا بوده و حال در فلان جا مجموعه اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین نکنند رقعه شان رای نمایند و اخبار شان رای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا در درج الاخبار اعلانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هرنوع اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و نشر میشود :

اعلانیکه درمیان اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و نشر شود در هر سطر ۱ یک روپیه کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران بیشتر اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی ۴ روپیه کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر نه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ۴ — سونت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا ماهیانه یکبار نشر کردن خواهد و وجه یک ساله را پیشکی ادا نماید ورق یکنی و هر سطری بیکار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 869 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۳)

قیمت در ممالک ذیل

در دار السلطنه کابل روپیه کابلی

در اطراف داخله مملکت

با امرات دار ۱۰ روپیه کابلی

در هندوستان

با امرات دار ۱۰ روپیه انگلیزی

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و مسئول محترم

محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و طبع

در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)

جمیع امورات تحریریه باداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ذیقعده سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ۶ اکتوبر تاریخ شمسی ۱۳ میزان ۱۲۹۳

افغانستان

واهمیت موقعیه ویا سیهٔ آن

ماخوذ از ثمرهٔ ۲

دوستی واتفاق که دولت متبوعهٔ مقتدرهٔ ما افغانستان بادولت معظمهٔ انگلیس دارد صمیمیت وحدیت آن مانند عهدهای دوستی وپیمانهای اتفاق زمانی دیگران نیست ؛ زیرا در سیاست وپولیتیک افغانستان در از گامه بهگامه ، ودر زیر پرده پرده گنجایش دخول را ندارد ، صاف ساده وخاصتاً بلاح خودما (اتفاق) پلک پولیتیکست . لهذا دولت دوست ومتفق افغانستان بی انگلیس ازین یک مقدمهٔ وخاطر جمع شده میتواند که در هروقت وهرحالهٔ کدولت روس خیال تجاوز را بهندستان از راه افغانستان ، یا ازکنار ملک افغانستان مصمم کند ، هالدم افغانستان را باهمه قوت وحمیتی ان ، سدراه اقامت خود خواهد یافت . هرچنانچه افغانستان نیز بکمال آسودگی مطمئن است که اگر دولت روس چشم زخم خیالی را درحق او تصور بکند او هم الحظه دولت دوست ومتفق خودانگلیس را بهمه قوت وهیئت معاونت ومددکاری خود حاضر وآماده خواهد دید . چنانچه این مدعا را بازیکدو فقره سوال وجواب ذات اعلیحضرت حقائق مقرون حبت ماین اعلیحضرت شاهانهٔ والاین ، وجنابلارد دوفرین وایسرای اسبق هندستان اثبات مینماید :

اعلیحضرت — درباب حمهٔ روسی بخاک افغانستان ، واین پیشامدی که سالهای بسر حدات هرات کردولشکرما بالشکراوعلاقه پیدا کرده اند ، ازقرار اقرار دادهٔ که دولت بریٔ انگلیس بداده ودر ذمهٔ موجود است ذمه دار دفع آن میباشد ، پس درینوقت آنچه تدبیر اندیشیده اند ؟

وایسرای — جمیع دول وملل مالداده ومستعد اند کدرحمهٔ روسی برخلاف افغانستان ، تجاربات سخت وشدید درروی بحر وبر سرکنند ، وبلا دولهٔ دیگر از هرطرف کریبان گیر او خواهد بود

ازین فقرهٔ منطوق بخوبی واضح میشود که اتفاق ویکانگی دولتین افغانستان وانگلستان برضد دولت روس تاچه درجه شدت وحدت را حائز میباشد . دولت بریٔ انگلیس باهمهٔ هستی دولت وملت خود بداعیهٔ مشمن حافظ استقلال افغانستان (گفتا نیکنه ، بلکه معاونت وکمکودار دیگر دولتهارا نیز درازاء باو وعده میدهد ، این است که به اینقدر حمیت ها و استحلاب دوستی صمیمی دولت افغانستان موفق آمده اند ، و دولت افغانستان نیز درصمیمیت دوستی ، ودینی عهد وپیمان خود ثابت قدم است .

این دوستی واتفاق اگرچه دیگر سیاهم دائمه بالدول سبب اتم وبکافهٔ ظاهر وباهر آن همانا اتفاق منافع اقتصادی وسیاسی شیای روس وانگلیس میباشد ، روس ، پادشاهوت وقوت بزرگ را درآسیا مالک است ، درازمه صدسال به اینطرف خیال پیش قدمی رابسوی هندستان درپیش گرفته ، ودرروسمت حقه وکثرت عدد واقتدار سیاسی واقتصادی خود در آسیا روز روز از پی وکوشش بازیامده و نخواهد آمد ، وهمان وصیت پطر کبیر را که باولادخود برای گرفتن هندستان سفارش کرده هیچگاه فراموش نخواهد کرد ، انگلیس ، تاضروری بازین ندا — یعنی هندستان قیمت پارا — درافوش نگیرنه ، این آرزوجوی حریصانه ، وازدست درازی جرأتکارانهٔ آن رقیب دوصیت خودرا مهیه ملاحظه ولعیب کرده استاده ، ودرهرجا وهرپیش پخواهد آمد که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 870 of 1786

از آب داده وپای اورا از زمستان مانع آمده است. ولی آن رقیب دوست زیر چیچکه از یورش بری وحیله پردازی غافل نشده وخواهد ماند. حتی بعضی را رأی براینست که همین عارضه ناصره پاز از بوسکهای اوست که بعد فرانسه انگلیس را مجبور میدهد وسامهٔ حرب بسازد. باز خود را بیک تعرض ویک بورش از حرب وابس کشیده راصل مدعای خود پیشدستی کند.

اگرچه این پلتدآی خیالی وتصوریست. ولی باز هم خارج امکان یکچیزی نمیرود بشود. روس سابقاتی را کار حرب زاپان داده دیگر هیچ چیزی قادر نمیتواند مگر بعضه خودش وهمسنان حالاکه برای نایل شدن بان گوهر مقصود در اول امیدها وسامه‌های ایران وافغانستانرا نسبوخودش انجاب میکرد وبایم میرسد مگر بعکس اخلاق خوست او صاحبکاصار بدرد. وچون امروزه روز قوتهای دافعهٔ کار ذمان (وزیا سرپت) نا (سالیسری) هاو (گلادستون) هارکیکر خودرا استخلاص کرده آمده‌اند موجود نبوده روسیاه بسیار آسان برن مقصد خودکامیاب آمده‌اتفاقنامه را با انگلیس ها تصدیق کرانیدند. اگرچه ازعدم تصدیق وشور افغانستان واتحاد بم بعدهٔ روس آب دردی دخت انا باز هم بسبب تصدیق ایران تا بسیار جاها کار راپیش برده والسته.

مالا اصل مسئلهٔ سیمهٔ که موضوع بحث ما را تشکیل میدهد اینست که آیا بعد از اتحلال روس وانگلیس برای عهد ویمان دوستی واتفاقیکه دمه روس درین دولتین افغانستان وانگلستان متصلست تاچه درجه اهمیت باقی مانده باشد؟ درینخصوص اگرچه مدارقی وصلاحیت بره مطالعات وبیان ما کافی نیست ولی چون حرفهٔ مابوج وحی من الوجوه صفت رسمیت وبام رسمیت راندارد چیزیکه مینویسیم فقط از نقطهٔ نظر دانشکاری مینویسیم، مع ذالک دربناب بازهم عدهٔ نمادات افکار خودرا بیان میکنیم ملاحظات کنویسیم. واین ناوشن ماترن نیست که اقدارما آزادی فکر وعقیدهٔ نیستی. تی ! سایه‌عدیت برایهٔ زان قدیمیت صفات اعلیحضرت مذبوح مقدس معظم. وبادشاه محبوب القلوب مکرمخود عبدهٔ (سراج الاخبار افغانیه) برهمه خلوق شخصیهٔ خودش که دارنده از هرجهات است حقاً آزادی نادر اختیار است. انبازهم. (وان الیب اشاره) گذشته رهم بقدر تعملات خیرخواهانه میپایم. ودعای خیرخواه صمیمانهٔ ترقیهای دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خودرا وزبان صداقت عوده سخن را درین وادی دور میدهیم که درین زمان دارت و فرصت که دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما مسلک بیطرفی را اختیار فرموده اند بامات صادقهٔ افغان را لازم است که سکوت و اقتصاد دم به انتظار نتیجهٔ انقلابات دنیویهٔ که بین دول عالم نمودار گردیده مشغول باشند.

هیچ شبهه نیست که دولت مقدسهٔ ما ان فرصت را غنیمت دانسته ازهرجهات استعدادات اسباب اتحاد وترقی را بحد اکمل جستجو نموده خواهند فرمود. ترقی معارف عمومی و پیشرفت صنایع داخلی تسهیلات وتشبثات امور عسکری، وضع قوانین وتنظیمات ملکی ونظامی تحکیمات وتربیت وتجویزات استحکامات سرحدی، سررشتهٔ امور خلیه وبازرسی، استفاده از هر قوتهای طبیعی و غیره و غیره از وظایف مهمه ایست که در عین فرصتها بدست می آید. زیرا اگر برای انتظاف ثمره های انقلابها بفرصت بدست نمایل باید کارزار گذشت خواهد بود. انبا

تحولات داخلیه

از امتحان عسکری

در طرف این دو هفته در جن حضوری، ودر جن عامی امتحانات مهمهٔ عسکریه اجرا گردید. دلتشو گنیات اعلیحضرت شهریار عسکر ورعیت پرور مقدس ما بامتحان عمومی عساکر نصرت مآثر موکبانه تشریف ارزانی داده ومرمان فرمودند، مدتها گذشته امتحان صف پیادهٔ (فند اروتی) یعنی عساکر مشاهی در جن حضوری اجرا گردید. دلتاعلیحضرت همایونی بهمشیرزادگان عظام ومصاحبان ومرافقان اکرام بذاتی "بزمیی" عسکری درجن نوکر پیامن کشریف فرمای حضور واجلال گردیدند. عساکر ظفر مآثر همایون در رکاب اقدس جناب سپهسالار محمد نادر خان غازی (پسر سپهسالار مغفور شیر محمد خان غازی) بوده بترتیب صوک همایون بسواری" عراده توپ وقوع آمده بود بعد ازانکه از عراده توپ فرود آمدند در جایگاه شهزادگان عظام ورؤسای ارکان حضور خاص حرکت وبسواری کسپر رهنمونی عساکر مظفر فرمودند.

ازطرف عموم عساکر شاهانه سلامی بزرگ اجرا گردید دلتا علیحضرت پادشاهی عساکر شاهانه را بالتفات وتوازشات همایونی مظهر سعادت فرموده در وسط جن در زیر بیرقی که مخصوص پادشاهیست توقف فرمودند. اولاً امتحان (تی مت) وبعدازان (مزل مت)، وبعدازان از (کی مت) اجرا گردید که هریک ازمت های مذکور از بعد رفع کار تمام، وکار قشون را بکمال مهارت وانتظام صنعت بحضور شوکتموفور فرمانفرمای مقدس اعظم دلتا علیحضرت شاهانه ابراز نمودند. وباز همه منها خدمت شده (مارچ پاس) — یعنی رسم یکه دیگر از حضور همایون گذشته بازدول کیرمت ویاز دوم مت بست گذشتند که آن مارچ پاس یا رسم یکه مت ست ازمشکلترین کار های امتحان مذکور شمرده میشد. وعساکر شاهانه نکاتدرمی آنرا اجرا کرده توانسته مظهر نظر شاهانه گردید. عساکر دلتا علیحضرت پادشاهی بقدری دلیذیری درباب اهمیت کار عسکری وسعی وجدیت درراه وظیفه شناسی ابراز فرموده، اظهار امتنانی بیان فرموده. وازطرف جناب سپهسالار دلتشاه وقوع وبروزی عسکر وسپاه شکار گردیده مراسم امتحان بالطبع وبدولت علیحضرت پادشاهی بپایان رسیده ازهرجهات موجب رضامندی حضور ظفر شاهانه دولت فرمودند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 871 of 1786

درین هفته درجن نظامی امتحان عساکر طویجی و بطاریه های طوپ کرده شد که انشاءالله در شمارهٔ آینده از تفصیلات آن بعضی نوحه های تصاویر آن ترتیب اطایف اخبار خواهیم نمود ازدیاد عالی متحاد جلو وصلی ترقی روز افزون دولت متبوعهٔ متبسمه ، وظفر و نصرت عساکر ظفر مآثر شاهنشاه را عزیز علی خلیل عواطف دلیل پادشاه محبوب القلوب مقدس خود مان نیاز وانتظام میکنیم .

عنیا مکتوب

مورخه شنبه ۲۲ رمضان المبارک ۱۳۳۲ .

جناب مستطاب فاضل معظم وذی کمال محترم مدیر روشن ضمیر سراج الاخبار مبار که اغلبیه را السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ، ودام الاشفاقه . اکنون که جناب محترم تعالیل وتهار زحمت ازحضارزون را خود گوارا نموده اید . ودر بن ترقی وتعالی دولت وملت اسلامیهٔ خود بکمال خوض بث عزم بلجزم داشته چنان می باشید ، بنده جناب ادب نهارا مژده میرسانم وبشارت میدهم که در ماه صفرالظفر سنه گذشته اودی ایل از طریق چکی بعبت جناب مستطاب اعظم صاحب حضور ما کو کالان سمت جنوبی درخوست مرقوم ودرخوست که وارد شده یکدانه سنك ازرقی الناس نام بسیار شفاف درتراز یکنفر بخطر بن چارمار برخورد معاینه کرده جویا شدم . چنان استنباط کردید که درحدود چکی دستیاب کرده بود . بعد چند عرض آن جدوجهد کرده ازرای جلافضل الدین نامیاکی جامی ومقام محمدخان سما گن حصارك چکی که از اشناء و شناخته کان بنده بودند بجهة شان ارقام داشتم وناگ نوشته ودم که بهر صورت میشود حسین رقم سنك را برای بنده مستیاب کرده بفرستند حسین رقم سنك را برای بنده مستیاب کرده بفرستند دلك وبعلاوه خود درخوست ارسال داشت جان بود که هردوطرف کوران ازرقی بحرمة کور چنداته مرده بنظر نکرده ویکعدد سنك که بقدر سه پولخمیاً میشد ازحصارك چکی به ستیاب کرده بودند ، بنابکه اصل بحرمة کور ازاعلاء تودهٔ سنك میاق عرضیدند که درروی آن ازقسم نور بسیار اعلی ودرجوف بحر مذکور که تکشاده شود ازقسم الناس نام بسیار شفاف خارج میشود ، وممن مذکور را قابل متنوع واقسته تاریخ یوم چهار شنبه ۲۲ رمضان المبارك بحضور فیض ظهور مبارك جناب فخامت وسعادت مآب حضرت شهزاده جوان بخت معظم وحضرت ذی متعالی الفخم (معین السلطنه) صاحب دام اقباله وشوق بحرمه تقدیم نموده وحضرت علی مکرم بکمال مرحمت منظور نظر بحقیقت ظهور مبارك خویش فرموده وبحرهای مذکور را بخویش دادجاه شیر جانخان مرحمت نمودند وزبانی امرواجازه عنایت کردند که انشاءالله تعالی بکمال شتاب درست مطرز کرده فرستاده میشود . بنابرانبنده بی اجازه بجناب معارف خواه شما مطلع نموده تحریر نمودم که جناب ترقی خواه شما مسرور گردیده رقیمه ناچیزهٔ هذارا داخل سراج الاخبار خواهید نمود لهذا مقتضی نموده که تکمله بقیه رادران درق واطق وطن مقدس عزیزما که دراطراف واکناف وطن مألوف خویش به امورات مختلفه مأمور وموظف میباشند یادآوری شان گردیده ای المقدور بقدر وسعی بشربه خودها میوبال کرده تجسس وتفحص نمایند بلکه خداوند عزوجل سبحانه بتعالیه خیر سازد که رای دون وملت اسلامیه مابك نتیجهٔ استفادهٔ ترقی بعمل وروی کار آیند . ثانی ازآن حضرت قبله گاه صاحبم که درسنه نوی ایل ماضی سررشته دار خزانه جات وارزکان بود اظهار میدارد که بی درارزکان معدن تونکر (صرب) نیز موجود است و در آن هنگام اقتباس گردیده بود ـ حالا بدانم که حاصل آن باید بدوات اسلامیه میشود یانیز ؟ ای خیخواه ملت اسلام بنده بعقل قاصری خویش می پندارم که بزرگ زین معدنیات دنیا ، درتحت حمایت مقدسهٔ عزیزما امکان پذیر خواهد بود ، زیرا در اکثر حالات اوطان مقدس ماهر فرستاده حالا که از کون اسود واصفر ، وارمنی ، واجر و آبیهای مرقم خوش طبع ـ وظلمون و آب تلخ وبك وتور وز لخت تجربه تجربه ضربه آب ها موجود است مگر تحریر وزحمت میخواهد که انسان در ماهیت آن عارف گردد . حالا ازین جهت ناچیزه یك چیزی دارد خاطر من پی جاده کرده مجبورم که خلاصه بنگارم . آیا اهالی اروپا که درتشاخص معدن شناسی را عارف شوند وبرآن معارف حاصل کردند آیا خود سربدون تجربه حاصل کرده باشند یا از روی تجربه استخراج این چنین اسرار را کرده باشند ؟ هرگاه ازروی تجربه استنباط معدنیات را کرده باشند بگر قاصری بنده ـ تجربه اشکال نخواهد داشت وهرگاه بدون تجربه بوجود آمده باشد فن وعقل از مستحیلات شمرده میشود ؟ زیده از حضرت حق جاروعلا سلاطین وجود ذی جود ذات بارکات قدسین صفات پدر حقیق وترقی خواه حقیق ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) سده دودمان شاهی مبارکشان الخشوع وخضوع بازداشته عرض دارم که تمالهای بی شمار ساده هایهٔ بادشاه عدالتمدار خسرو جمرو بتعدازما کوکوا نکرده اند . وجناب ادب لبیبا را نیز تحت بانالیت نصیب داراد کاشتانهای درازدرو ظیفهٔ خویش کجیده ازاغلاط ملت وترقی دولت باسعادت اسلامیه کمر بکمال همت اجرا دارند والسلام کی . تحیاتین .

(مکتوب از کوتوال دارالسلطنة کابل)

عالیجاه عزت همراه اشوی محبت پناه محمود بیك خان مدیر وسرمحرر سراج الاخبار دامت زمیحوا هم بدلیل دوده سلطنة الملکرم حال اهل دولتزده بعد ازطرق مطبع دولتخواهی جواهر سلك صمیمیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 872 of 1786

دیوان پهلوانهای والد دولت پسند دیوان ترکتازی سرفتنه وجوهات ودین اموال آتش بلند شده شعله آتش مذکور خانه میرزا پهلوانهای مذکور رسیده دراینجا قدری بارود وکارطوس بوده آتش کرده واتش مذکور دیگر خانه های اوسرایت کرده چون اجزای کلی خانهٔ های اهل هنود ازپرت از چه وحاصل بهدیگر میباشند دفعتاً شراره کرده این قدری دولت باتفاق یکدیگر خود ورنگ صاحب شد کوتوال وکوتیال ها وکشیدان های خدمه مذکور وغیری مقرر صدائی باچه ها وغیری سپاهی ها درهمان وقت خبرشده درموضع مذکور رفته متوجه خاموش نمودن آتش مذکور شدیم — درهمین حین بالبداهه محمد انور خان ضابطهٔ کشیدان غیری سلرمینا که ازواقعهٔ مذکور خبرشده وجدوغیری خودرسیده وحسن اخلاص ومساعدت باتفاق غیری مذکور از چهار طرف خانه مذکور را پرده وآب زیاد رسانیدند چیزی آتش مذبوح آب وچیزی جانسپاری مشار الیهم حضرت اقتداری وچون اقبال جوانبخت متالهاعلیحضرت شهریاری جمل جهارم سیح خاموش گردید درحقیقت بافت خاموشی آن مرحمت دادگری ور والاتبار مذکور که درین خانمها بود نتوان نمودن آتش آن عقل از امکان بیرون بود واقعاً واقعه بذکر غیری اهل هنود که مشایع وفرزند سایه هایهٔ انسلار مذکور خبرو آسیبی نرسیده بدون اینکه متاع های بام هشت خانه دور آن را پرده وا آتش مذکور انداخته وچیزاز فرایک ازمتاعاتی ازآورده نداشت خانه مذکور که کامل سوخته چهارهزار وچهارصد وبیست وهشت روپیه میباشد وازقراریک ازخودصاحب خانه درآورده اند اسباب فرش وظرف وزیور عیالانه وغیره مال آن که سوخته تخمیناً متاع سی وچهار هزار و هفت صد سی روپیه میباشد احوالات سوختگی خانه پهلوانهای مذکور قرار فوق معمولاً برای آن امنوی محبت بنیان مرقوم گردید فقط باقی والسلام مورخه یوم مذکور سنه ۱۳۳۲ دستخط امین العسس .

واقعه نگار دازنگی مینویسد

قاسم نام دهقان درموضع دازنگی ملک عاری داشت — خرمن درهرسال آمده گندم اورا می خورده چونکه قاسم مذکور زراعت خود انتظار کرده دل مذکور بدرد آمده درشب رفیق خودرا واقف نموده که باهرشب که زراعتم را نگهبانی میدارم هان بوده که قاسم مذکور از شریک خود پیش شده رفته وشریک مذکور از عقب بوده دربالای زراعت که رسیده خرس ازمین زراعت برون شده همین قاسم ازعقب مذکور درکوه رفته باخرس روبرو شده قاسم مذکور را ازکوه غلطانیده درپائین کوه افتاده استخوان مذکور خوردخورده شده بعد که رفیق مذکور آمده اورا تجسس کرده مرده اورا ازپائین کوه پیدا کرده دفن نموده ۱۹ شوال المکرم سنه ۱۳۳۲ دستخط محمد شفیع واقعه نگار دازنگی صحیح است

واقعهٔ برق

ازدختر مبارکه جناب مستطاب اعظمی

محمدشکرخان موجدار قریه گلان وبارخط فرستاده که درقریه مذکور صاحبقران آمده بوده وقت نماز ظهر بود و بارقی اتفاق یک پاکنار درب فیض الدین نام که قریب آن بوده فرآگیر برق مذکور فوت شده تا همین آن سیاه وسوخته کپیده اگر بود ده درقریه گلان وسیه محمدبکر زلاکر آن رسیده بقتل فیض الدین نام سوخته وسیاه شده فوت شد لیکن برق از سرمذکور گوره گشته هیچ ضرر مذکور حرف زده نتوانسته

(واقعه نگار مینویسد)

در حال میباشد که دلاله قیمار در خلاق خواهد کند وار ۲۲ شهر شعبان المعظم ۱۳۳۱ شهر رمضان المبارک درین مرد خلاق مذکور باعراض مختلفه پیدا شده باعراض مذکور روز اول رای عرق تب و بیداری پیدا شده دوروز دوم وسوم لرزه کرد تب از متاع جسم جون متاع جون جاری میشد وهون مذکور هم استاده نمی شد در وسط کوچه بازهای آن جا خلق تسلیم میکردند وغیری مذکور کمبوت شده ازسرد وزن وپسر دختر موالی زیست وهشت نفر میباشد وعرض مذکور از تاریخ ۲۲ شهر شعبان المعظم تا ۱۳ شهر رمضان المبارک بوده تعداد تاریخ مذکور بشکل اطبع شده سال حساب جهت است فقط تحریر یوم ۲۹ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۳۲ محمد رحیم واقعه نگار میمنه

واقعه نگار هرات مینویسد

گرد باد مدهش

شهر هرات پیشه واقعه نگار هرات ازبت واقعه مدهشی گرد بادبسیار غریب خبر میدهد که باور کردن آن بگفتن مشکل مینماید . ولی چون آفت سماوی گرد باد سیار واقعه های مدهشتر ازین روی کار آورده وی آورد چیزی بعید الا میدانی نباید زیرا گرد باد چنان آفریده عظیمیست که قوت مدافعهٔ دورمی کرد آن کاهی شده است که کلی های عمارتی آهنین زدار از جا برداشته بفاصله در خشکی انداخته است .

واقعه نگار مذکور مینویسد کمتر موضع (شیدان) علاقهٔ (غرد رود) یک خیل اتراک داران طایفهٔ اسحاق زائی در یک شبهٔ فرود آمده سیاه خیمه های خودشارا نصب نموده بودند در وقت خفتن شب یک گرداد شدیدی پیدا شد قوهٔ مرکزیهٔ گردباد خیل خیام مذکور را تعاقب گرداد وحوالی وخیمه واشیارا جمع جمع نموده است . حتی صدای جویهٔ شترارا در یک دهر که ازانجا بسیار دور بوده بصفی الحواس ازروی هوا شنیده اند . روز دیگر که بالتمام شده وبعضی جویهای دیگر خیلها درمیان شبهها و کندها وریشها بعضی جسدهای انسان و حیوانرا یافته اند . ویکی از جویها حکایت میکند که در یک شبهٔ صدای ناله یک شخص را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 873 of 1786

« برادر ذات اعلیحضرت همایونی »

(جناب مستطاب سردار امین الله خان سردار معظم)

نوه گرامی پادشاه مغفور زینگو خرگاق پادشاه وزیرستان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 874 of 1786

« والدهٔ ذات اعلیحضرت همایونی »

(جناب مستطاب سردار محمد اکبر خان سردار صنایع)

عکاسی مکتبخانهٔ مطبوعاتی دولتی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 875 of 1786

شنیده چون ژنیکه میگه آدم را دیدم که دستها و پاهایش شکسته بحالت زار و افتاده است یا مادر آن زنان و یکدفعه آب بخاطر میگذرد احوالش را پرسیدم او گفت گماشتهٔ حربی و دیم گماشته و سوالی خود در موضع شهدان فرو است و دیم وقت شب گرسنه مهربیده شده حد خیال مذکور از هوا کردن است گمان در عرض خانه او از دیگران سرزده .

این چیز چون جناب نائب الحکومه صاحب رسید حاکم بعضی مامورین را برای تحقیق کیفیت در موضع مذکور روانه فرمودند . انشاءالله نتیجهٔ تحقیقات را در آتی خواهم نوشت .

محکران . و نائب سالار هرات

در واقعه نگار مذکور مینویسد که چندیست محکرهای خلاف از بازار قیمت گندم و روغن و گوشت و دیگر چیزها را گران کرده اند و همان سبب هنا گرسنگان را زحمت و ضرورت پیش آمده است . جناب نائب سالار معظم الیه محکرهای بازار را طلب کرده در باب گرانی قیمت ارزاق تحقیقات و تفتیشات لازمه را اجرا نمودند ، ولی چون بعد از تحقیق معلوم شد که هیچ یکنفسی بحکم و جبر گرانی نباشد بلکه بمیل خود حکماً نزول قیمت از زاقرا بحد معین آن رکلانتران امر نمود . حاجی ابراهیم نام شخصیکه کلان از روغن فروشانست مبلغ ۱۰ هزار روپیه کابلی را در بانک دیلاست واسطهٔ یکی از ملازمان نائب سالار صیغهٔ رشوت پیش میکند کلانتر حکم مرقطر نماید ، نائب سالار مبلغ مذکور را کلانتر هنا کلانتر دن و خود حاجی ابراهیم را در پیش خود میخواهد ، و آنها را خطاب کرده میگوید : — « شما را خیال کلانتر های سابق نکنید که می بنا بر مدعای نفسی خود از خواست میکنم ، مدعای من آنهاست سیاه و رعیت پادشاه است » . بعد از ان مبلغ مذکور را پس به آنها اعاده کرده حکم را زیاده تر شدید کرده است .

[(سراج الاخبار افغانیه) — آفرین نائب سالار صاحب] اخلاق دیگران را نیز بدین سرمشق خیر شود !

سیلاب

واقعه نگار مقر مینویسد

در یکروز یوم پنجشنبه ۲۴ ماه شوال المکرم بعد از آغاز صبح پیش از برآمدن آفتاب آسمان صاف و روشن مردم بوظیفه و اوراد خود ها آرام نشسته بودند که ناگهان از طرف رود کندلان که سرحد رود مذکور در تنگی علاقه جالوری هزاره جات میباشد یک صدای عرش روحشت و کرد سیاهی پیدا شد که کل مردم قریب رود مذکور در نهیها و شدیها بالا شدند که آواز این صدای روحشت وان کرد سیاه در آن آسمان صاف و روشن چه خواهد بود و چونکه از قریب دو کروه راه دور صدا و کرد می آمد که قریب رسید دیده شد سیلاب عظیم است از قرار گفته مردم رشی سفید های مذکور که درین سالها و رسنهای گذشته این طور سیلاب عظیم دیده بودم — و بسیارها درخت سبز همرای ریشه و شاخ و سبزها چوب خشک و دارهای کلان و خورد و سنگهای کلان و خورد مرده بسیار و گوسفندان و گاوان مرده را پیش رو کرده سیلاب مذکور رسید و آنچه مذکور در رود کندلان نمانند و بال سرک پلشاهی که رود مذکور بود از بیخ برداشته ببرد و آن مذکور در زمین دگر رها چیه شده نمانی مردم که قریب رود مذکور بودند کلاههای شریفهٔ را دست ها گرفته بودند بلکه از غلبه رجائی که قریب خشک بود از سنگ و خت بر گرد و یکنفر دختره ساله را برد که در آن مردم دختر مذکوره را از زمین ها پیدا کردند و درخت های سبز و تیرهای خشت بسیاری را مردم مقر کشیدند و در بعضی کاریزها که آب در آمده نقصان رسانیده کیفیت حزن بود که بخدمت صاحب عرض شد که این طور عجایب سیلاب در مقر کمی دیده است . فقط تحریر یوم شنبه ۲۶ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۳۲ (واقعه نگار خلد)

از دفتر جناب ایشک آقای ملک به اداره رسیده

واقعه نگار سیفان و کهمرد میانی دو فقره معروض داشته است قول اینکه در محل کهمرد مرض زردتب واقع گردیده که هر شخص دو سه روز نشده بعد کور گرفتار و بعد صدمون میشود . سه هزار دو سه نفر بهمین مرض فوت میکند فقط فقره دوم در لیل سه شنبه ۱۸ ماه رمضان المبارک در باغیان انجمن سر ما شدت کرده که در اکثر سرهای کوه و دره برف باریده که الی دو پنجه روی مذکور پر شده و در آنچه بعضی موضع بدر شرشت را سرما خراب کرده است فقط تحریر فی ۹ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۳۲

ادبیات

بسم الله الرحمن الرحیم

بخمس قصیدهٔ فتاحی هراه ملاطوطی کابلی که در اخبار شماره و هرجت آثار سراجیه مقدمبارک رمضان مندرج و چون قصیدهٔ مذکور و پسندیده همگی و دارای داشت بنا بران کمترین مسلمانان عبدالرحیم محرر دفتر اعلان جلالی آنرا بسر پرستی راقم الحروف مرحوم میرزا احمد علی سرخ رودی جواهر آثار ابیات مذکور را در رشتهٔ نخس کشیده از جناب مجمع الکمالات منبع الفیوضات الموفقان طرزی سرمحرر اخبارات سراجیه توقع اینگونه نخس را در اخبار آینده درج نماید که موجب فرحت و افتخار را دارد این حین و ملتمس عاجز کرده انشاءالله تعالی

ایکه اخبار بزیب کلکدرین اوان رسید
گرنثارانش بشارتها بان و آن رسید
بلبلان زمزمهٔ جشنهٔ جیوان رسید
آفتاب اوج سرا کوکب ایقان رسید
بافروغ عرش و کرسی بچراغ جان رسید
از سرداز مدبر و نظم طومار نظر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 876 of 1786

عن تاید فی الدلی باهم چو شیر و چون شکر
آن یعنی پرسرور و این صورت دلار •
بانگ نزاو چو اندرو غلغل این هجون گیر
هردو تا چیده باهم درپی اعلان رسید
ماه صوم است این نام بما کان عرش
کش فرود افکنده در ماحضرت سلطان عرش
پرشد از نورش زمین تا طارم ارکان عرش
مشرقستان زیارت تا طلوعستان عرش
کوکستان شرف تا متصل ایمان رسید
چون شبه قدر ملایا چون صفای روی حور
یا سمن لیل مقمد یا چو صبح پرسرور
یا طلوع شمس رحمت یا قبل های طور
یا فروغستان فغفور یا بهارستان نور
یا شعاع لامکان در عرصهٔ امکان رسید
شکر این نعمت کجا آید زدست بندگان
زانکه هست این نعمت عظمای شاه لامکان
باز گردد اندرین شبها همه باب جنان
صحت روحیان وحصلت گرد بیان
سیرت قدوسیان درصورت انسان رسید
گوش دل بگشای و بشنو انصت یا العلمین
کاندرین دم قطر دارد رحمت حق زمین
زانکه این نعمت ندارد اهل اعلا زین
نکهت آثار طوبی یاشمیم حور عین
یا گل گلزار عدو از گلشن رحمن رسید
قدرت یزدان بین و رحمتش را کی نگاه
گر کرم بگذیر تا ماه روزه داران را گناه
روزشب تسبیح گوی و بانگ هل من مزید
یعنی ماه روزه آمد یاهزاران عزو جاه
مژده از فرقان اعظم فاتح از سبحان رسید
از وفور رحمت دادار پاک کبریا
این گهست این روزها تا بازیابی جانرا
خوشتر از صد جان بود در ره ارباب صفا
یا صبوح عشرت فرا یا کوکب برج وفا
یا نگار خوش لقا با بشرت و جولان رسید
اندرین ماه مبارک جرمی یاقوم روس
در جدال افتاده از شوق زرووی فلوس
بر مسلمانان بود این ماه تو چون نوعروس
آسمانش زیبکاو آفتابش وی بوس
هرکه ماه روزه دارد در صف خاصان رسید
فسق و نادان چه داند قدر ماه روزه را
حق داند طریق رسم و راه روزه را

کس ندارد طاقت بار گناه روزه را
هرکه او پی بامر شرعی خورد ماه روزه را
زدستی مردود گشته در صف شیطان رسید
گشته عین گمراهها جمله کی پیرانه
جوریان اندر طرب از هر طرف رضوانه
اروای شاه جو ضع بارگاه من گشته
داروه های عرش بندها علو ترانه
دور ماه روزه چو مشتری خواهان رسید
پیشوای والیوت دروی زهکوئی زبان
تا نگردد روزمان مستوجب قص زبان
از خدا بازل شد است این آیه تنزیل گران
باهمه چندین تجلی خوشتر از صد جشن و شان
لیلی ملک عرب زیوسف کنعان رسید
مژده ایتم یکوش مردوزن افغان عدل
گرسراج دین ملت گشت روشن جان عدل
باد بارب ابقیاش دهدیو دوران عدل
سعی بنیاد طلوع و بای ارکان عدل
تاتم ارباب نظر آن دیهٔ احسان رسید
تا چصد کانون وگ اندر رهش باداچو جان
وقتشان افتدش صد آرزو گوید زهی
صد هزاران هجو من از عشق روزش بیدمید
داور اسلامیان ساحان حیبالله پاد
آنکه هیبت عدل او کاهر من و سان رسید
من که هست این ها و باد خود لباخته
قدر ماه روزه را از جان و دل بشناخته
زان جهت شد مرز عشقش در جگرها تاخته
باز بطرف عین شد عین عشرت ساخته
وقت جود و طاقت شاهنشهٔ افغان رسید
هست ذات او سراپا الفتو دین و ادب
باهمه علم و عمل با کبریا حزو ادب
از طریق بندگی آمد بیان حکم رب
بهر تسبیح و تراویح وقیام نیم شب
چون مقدر از بهر ختم خواندن قرآن رسید
باد بارب ابقیش پیوسته کار و بار او
هم فروغ روی خوب و پرتو دیدار او
باحبیب الله یکسان بود کردار او
خرم و خوشوقت و رهرو کوکنه کار او
زانکه نور خلق او تابنده کیوان رسید
از خدا خواهم که باشد مخلص و بختش وفیر
تا بود دوران الجم تا که باشد روز کار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 877 of 1786

باشای فوج عسکران نیاید در شمار
بلکه سد سکندر و کرش باوج وار
گرصوی شاردشه اری بگوشان رسید
هرشب ازبعد ترانع خنجه‌های رنم
مرزو آبادها باوه و ویرانه کرم
نیست باک نعمت که آباوده باشدمعدم
ازرای آگی وتدبیر افغان نکنم
همچو مور ازهرطرف برگرد سلطان رسید
ای کرم هرمیوه‌را بی که ازان ساخته
خوان دعوت‌را پهر اهل پریشان ساخته
سد جوعا برا پهرمعمورسیمان ساخته
مدع عید و مهی را چراغان ساخته
همچو مور ازهوا ابوسو افغان رسید
ازسر پیمان کشتن نیست ترسا و زنان
ورنه هریکوپرآره ازبون قوم هرمان
هیچ ساطان جواو نگذشته تاپور شان
وما گر این‌ره‌زن‌شوک بعدهرمن جنگ
دردمی‌پی که چون‌مور وملخ افغان رسید
باهمه شیرادگان و باهمه چندین غلام
باشای شوکت و سامان و افواج عظام
باهمه تاجران و همه کی خیل مدام
کوکش بایده باود دولتش پدا هستام
تا که عقل کی‌هدت آنجان توان رسید
گرچه من اعتادام دور ازجنان انورش
تابیا گردیدهام بی‌سرو پا در جا گرش
ازحیبی این گهر قربان کیو افسرش
ملوهی اهدر گلشن کابل دها گوی درش
این سخن برهرکس و برهرشاران رسید
هرقدر من خسته دل اهدرفوا چون بلبل
باوجود آن حریف طو طیسان کابل
وز دراب نالهٔ شان همچو جام پرمل
عاجزا ازشوق شان چون شیشه اهدر قلقل
زانکه درگوشم صدای هوهی افغان رسید
ازجنان اخبار خوش گاهدرنه روزهدوش
رفت ازهصمون او ازمن قرار وصبر وهوش
نیست هدردی گهامن بر کندیگه‌مخروش
خود بخود دیت خیام آهده اینگه بجوش
تا که اخباری‌جنان درملت هرزبان رسید
ازهسابات خدا آن پادشاه دوالجلال
کوست سلطان قدم کشور قدیم لایزال
یکه‌زار و سیصدست و سی‌ودو تاریخ سال
کان گهی دراثنای بعث باآن قیل و قال
هرمعی درخاطره ازالطاف او آسان رسید

غزل افغانی بحذف حروف افغانی

شکر شکر باوهو خیل باغبان موخیل دی
گل‌موخیل بهار موخیل بستان موخیل دی
سرو خیله بلبل خیل چن موخیل دی
لاله خیل ازغوان خیل دامان موخیل دی
نشاد خیله خار خیل پیاله مو خیله
زم خیل ساقی موخیل دوران موخیل دی
گلی خیل بازار موخیل وطن موخیل دی
زمگ خیل زوه‌مو خیل دهقان موخیل دی
شه‌موخیل گدا موخیل قاسی موخیل‌دی
سیه خیل دهبت خیل دیوان موخیل دی
غل‌موخیل‌غل موخیل‌مقبول موخیل‌دی
غصی خیل مهی موخیل زندان موخیل‌دی
زوی نسه‌کره خیل پوشکری وکی
ملک خیل امیر موخیل سلطان موخیل‌دی
شکر شکر پسکاه یه بیان کی نسه
مهر خیل اخبار موخیل دوران موخیل‌دی
لعب نصر دی (افغان) نظر وکه
زره خیله قسم خیل بیان مو خیل دی
(جمله توسعه دیگی اخبار سنه ۱۳۳۲)
(س — م)

خواطر خارجیه

(تاریخ حرب)

این جنگ عمومی اول چسان آغاز شد؟

معلوم است که اول شرارهٔ حرب ازصرب رسیده وخرمن اوستریا زده در داد. ازانجا روس، وازروس بجرمن، واز جرمن بفرانس وانگلیس سرایت کرده مانند درخت آتش بازی سرتاپا شعله ور گردید انجه شعله؟ شعله‌های سرخ چون آبود؟

لهذا مرحوم‌العبد که قارئین سراج‌الاخبار افغانیه را ازوقوعات حربیه سلسله وار آگاه سازم. وقوعات یومیهٔ جریده عالیست گماز ترجمهٔ اخبار های انگلزی نوشته میشود. واین سلسله تاریخ حرب را ازدیگر ذرایع که بدست آورده ترجمه میکنیم در نظر قارئین گرام خود درهر شماره عرضه میدارم تا در اخیرها تاریخ حرب مکمل این جنگ بوجود آید.

شرارهٔ نخستین چسان پرجهید؟

شرارهٔ اول‌این‌حرب، یک آدم‌بود که نامش (فاردیوونغ) وازمان صرب بود. این (فاردیوونغ) یک جمعیت پرهوا کاد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 878 of 1786

والاهای ضرب منسوب بود که قبل وارسیه اوستریا اردوه کرده ازخاک صربستان به (ورنه ودمیتک) یعنی وسیاحرکون آمده بود . وچنانچه معلوم است بدرب کلوبا طیاکه وارسیه اوستریا وروچه اش را درحراره خلل رسانید . بنابرین دولت اوستریا حار ستان بحکومت صربیه یك (نوت) پیش کرد . ورای جواب آن ۴۸ ساعت مهلت داد که اگر درینمقدار مدت شرایط نوت مذکوررا صربیه قبول نکند هریه که مناسب خواهدید . نوت مذکور چون حاوی احوالات وواقعات مارچ این دوسال راواضح میسازد عیناً ترجمهٔ آنرالازم دانستیم :

— ۵ —

(نوت)

وارخه ۲۳ جولای سنه ۱۹۱۴

« حکومت اوستریا مجارستان مجبور یت حس کرده است که درروز پنجشنبه ۲۳ ماه مذکور واسطهٔ سفیر خود که در (بلغراد) دارد بحکومت صربستان (نوت) ذیلرا تقدیم کند .

« بتاریخ ۲۱ مارچ سنه ۱۹۰۹ سفیر صربستان که درو یه وه بحاضر حکو مت مایو عه شود ، بحکومت آو ستریا مجارستان ازقرار ذیل چنین بیان کرده بود :

(ازامر واقعیکه درو سنه هیسك وقوع آمده است (۱) اگرچه حقوق حکومت صربستان دوچار خلل نشده است باز هم معذرات مظهر ۲۳ معاهده برلین وسایرد ول معظمه پیروی میکند . واز بر ماه سال مذ شته بانظرف از وضعیت اغتاش واقعا اتی که بسبب الحاق بوسنه وهرسك بامکومت اوستریا ومجارستان پیش کرك ودست برداشتن دالصهد وقبول میکند . وبعد ازین برای آسیس مناسبات حسنهٔ هم جو ارمیان میاهی را که امروز بطابق اوستریا مجارستان پیش کرده است تبدیل دادن آرا نیز عهد میکند .)

« پس این است که حکومت صرب باوجود این عهد وپیمان که کرده ودران ابتداده که نکرده است ، زیرا تاریخچهٔ یکساله وعلی الخصوص واقعات اخیرهٔ تأثیر ۲۸ جون (۲) به اثبات رسانیده است که درصربستان برای جداساختن بعضی اقسام امپراطوری اوستریا مجارستان یك جریان خرابانه موجود است .

« این جریان که درپیش چشم حکومت صرب وجود یافته ، درخارج قرالیت صربیه نیزدر جذر بدهاست گاهی افعال خرابانه ویك سلسلهٔ جنایات مدهشه اظاهر میکند .

« حکومت قرالیهٔ صربستان غیر از انکه تعهدات قطعیهٔ را که دربیانات ۳۱ مارچ ۱۹۰۹ خود بیان نموده بود ایفا والفاظ نکرده است . برای ازالهٔ این جریان هرهیچ چیزی بعمل نیاورده است بلکه برای فعالیتوکار گذاری کومیتی ها وجمعیتهای جنایت کاراته . وبروی کاغذهای مصرت آوراته که همگی میی برهص

(۱) یعنی ادارات امپراطوری مسالهٔ اعلان الحاق بوسنه وهرسك است .
(۲) واقعه ۲۸ عبارتاز قتل ولیعهد وزوجهٔ اوست

وعداوت اوستریا مجارستانست مساعدهٔ جسم پوشیا کرده است .

« نتیجه های مشئومانهٔ حرکاتواقعات ۲۸ جون درطرحهٔ بلغراد به اثبات رسانید . باوجود آنهم حکومت قرالیهٔ صربستان این مساعده وچشمپوشی که موجب مسئولیت اوستریا گردیده بود .

« ازاظهارات واعترافات قاطعهای مرتکبین ۲۸ جون معلوم شد که جنایت بوسنه درتحت پلان ترتیب شده بود . واسلحه وبومبه هائیکه برای بجا بردن آن تهیه واستعمال کرده اندازطرف افسران ومأمورین صربیکه بحیثیت (نارودنا اوبرانا) منسوب بوده اند داده شده . ورای گذشتاندن تلی ازاعمال صرب ازطرف مأمورین حدود صربی تسهیلات وآسانیها نشان داده شده است .

« ازنتیجه هاوبران تحقیقاتیکه پیدان رامده ، حکومت اوستریا مجارستان بامدارکی که ازمسالها به اینطرف دربلغرادترتیب یافته وبی بند وباراضی اوستریا هم دراب کرده است زیاده برین وضعیت انتظار وسیروتحمل خودرا تحمیل داده کرده نمیتواند بلکه نهایت دادن باین حرکاتی که برای آسایش وحضور اوستریا مجارستان یك تهدید دایمی تشکیل میکند برای حکومت اوستریا حکم یك وظیفهٔ ضروری الاجرا را کرده است .

« بنابرین حکومت اوستریا مجارستان بحضوریت حس مرحمت که از حکومت صربستان طلبکند که ازاله کردن این پروپاگاند جنایانه وطرفرده را بپروسایل ووسایطی که مذکوره تعهد بکند . ورای آنکه یك مناعت رسمیه به این تعهد خود بخشد میباید که در تحفه نمبر (جریده رسمیه) خود از تاریخ ۱۳ تا تاریخ ۲۶ جولای این بیانات ذیل را درج بکند :

[« حکومت قرالیه صربستان محکوم و کاندهایی را که بقابل اوستریا مجارستان درتحت تعریق بعضی از اراضی اواجرا میشود شاتان تقبیح وبغض حکومت وملتیکه اسف انگیز این حرکات جنایانه را مرتکب گشته واگومینیاده . وازحکومت قرالیهٔ صرب تمنیک افسران ومأمورین او باین پروپاگاند اشتراك ورزیده اند وبه اینصورت حسن مناسباتی را که حکومت صربیاحکومت اوستریا مجارستان در بیانات ۳۱ مارچ ۱۹۰۹ رسماً تعهد کرده بود خلل پذیر گردانیده اند نیز بیان تأسف میکند . حکومت قرالیهٔ صربستان بعد ازین در حق آن کسانیکه بانکوشحرکات تعدی یکسه ند تا کنون قوانین خود را تطبیق خواهد کرد وحکومت برعهدهٔ افسران ومأمورین واهالی صربستان اخطار کردن این امر را واجب میداند که از این حرکات تا کنون را بامدهت خود منع وتکیل خواهد کرد .]

« این بیانات که مذکور گردیدقبل ازانکه در تحفهٔ اول جریدهٔ رسمیه صربستان درج شود بمجرد که بیت اعزامهٔ قرالی بمقام اردوی صربستان تبلیغ شود ، ودر جریدهٔ رسمیهٔ عسکریه نیز نشر گردیده شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 879 of 1786

سردار دان اعلیحضرت همایونی
(جناب مستطاب سردار غلام علیخان)
عکس گرای مکتبخانه محمود دستگیر گرای پارچه دوزی اوکر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 880 of 1786

(جناب سردار عزیزالله خان فرزند جناب مجدالدین مؤدب نایب‌السلطنه صاحب اعظم)
نوه گرامی تاجدار معظم ناصرالدین شاه قاجار و برادر اوکتر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 881 of 1786

۶۰ — بعد از چیرها که دولت فرانسه ضرب این ده معاملات دیگر حکومت ایبر اطوری" اوستریا مجارستان را وادارند اجرا واجرا نماید .

---

۶۱ — ۸۰ تشریفاتی را که مقصد عمومی" آن مبنی بر حاصل کردن بعض وعدات ایبر اطوری" اوستریا مجارستان باشد ، وبه اخلال تامین مالکیت اوستریا معطوف جرح وتعدیل واقع کردن .

۶۲ — (بروز دادن را) بموجب (روزنامه) اعلان کردن ، وجمله و سایط نشریه" آزاد منتشر و صادره" کردن ، وبطوری همه جمله‌ای که برعلیه اوستریا مجارستان پروژ کاند میکند بهمین صورت حرکت کردن ، وبدایر ۱۸۰۲ درباب کار گذاری جبران منسوخه گردیدکردن وبرگ (تکلیف) وارد واجرا کردن .

۶۳ — از طرف مقامات عمومیهٔ مجارستان همه عوامل را که خواندن هیات تعلیمیه وخواندن وسایط تعلیم را برای تربیت روحانی در حق اوستریا و مجارستان مهم داند بالاصلاح تروتازه کردن .

۶۴ — همه آن اقسام ومأموریتی که به اجرا کردن پروگاند مهم جنگ واقتصاد واسیری" شان را حکومت اوستریا مجارستان تبلیغ نکرده از خدمت عسکری بلکه از همه خدمات دولتی تبعید کردن .

۶۵ — برای ازاله کردن حرکات غریزه" که برای جان ساختن تامینات مالکیه ایبر اطوری اوستریا مجارستان ترتیب کرده شده است کوشش ورزیدن مأمورهای اوستریا را وبأمورهای مجارستان یکجا قبول کردن .

۶۶ — در حق فاعل های متذکره جنایات وسوء قصدیکه در ۶۸ — چون وقوع آمده است رویه" (در یکتحقیقات مقدمه آغاز کردن [درمیان تحقیقات مأمورین مکلف طرف حکومت اوستریا مجارستان قبول و اهتمام میشود نیز اشتراک میورزند] .

۷۰ — از گرنیلها (وجزا تشکیل) واز مأمورها (میلان زیادچ) که شخصیرا که در تحقیقات واقعهٔ جنایت وسوء قصد وسته مهم میباشد مستعملاً کرده وبرای تعویق .

۷۱ — تجارت استعفای فاوزیه، وموادا علاقه که در حدود معاونت مأمورهای ضرب جدید بقدایر مؤثرهٔ مدیریه منع کردن ، و (توسینفا) و (شلاج) نام مأمور های حدود را که قتلهای سوء قصد یوسف را از حدود گذشتانده الی عزل وتبدیلاً عازلان کردن .

۷۲ — در حق اکار مأمورین ضرب که خواه در مجارستان وخواه در ممالک جبه هستند ، ورش الزوالهٔ سوء قصد ، وبعد الزالهم دایما در حق اوستریا مجارستان پک زیان کاروا وکلا میهای خصومت پیدا استعفا کرده الد اجازت دادن .

۷۰ — حکومت گوستزا مجارستان تهدات کمساف بمقام ۲۵ ماه سال یعنی در ظرف چهل وهفت ساعت بجواب حکومت فرانسه ضرب الفتال میکند .

این است حل وصورت توی که بعد ازقتل ولیعهد اوستریا وزوجه اش ، دولت ایبر اطوری" اوستریا مجارستان به حکومت فرانسه ضرب الفتال پیش کردانست .وهیچ وقت کدام دولت مجارستان" تسلیم نمیشد مطابق موجب این هدایت" هیول انگلیز وعجاله" موثر هشت دولت از مطلب وجهت قرار گرفته است چون آنها وقت زیاد الانجام . عین اوقاتی دست بیام توسه وزوجه آرا الزائیده مجارستان" بعض رقابتهای قارین گرانجوده از آثار خصمانه حرب در قید تحریر آوردیم . وامید میکنیم که در بارهٔ آینده انتاج این قوت ، وشمهٔ قوه وی بارهٔ حرب معلومات کامله عرضه نمیم . نگارنده آرا سلیمه از کتاب حربیه آلمانی حاصل نموده ، باقی در نمبر آینده)

احوال حرب

حربهای خصوصی" که از اراد خدای بارسیده است

دوقوه دولت جدید عثمانی

دولت علیهٔ عثمانیه در دولت جدید اندولت الان اخر جاری بود که کشتی (نون) و نام دیگر آن (رسلو) میباشد کارانی وده‌ریه قوت درخور سفید بود . هنگامیکه زحیر تهای سنه گو زمین به استانبول واصل بیشه یک انقلاب بالاحتمال بسیار درخشانی اجرا شد . همه کشتیهای جنگی" دولت بایرقهای دشمن دولت آرامته شده آنها را استقبال نمود . وبیشتر کشتیهای ملی وحمل که بزارها اهالی الزمن وعبور امامن بود یک شوق وشادمانی" بزرگ بیوش باز شناخته . موسیقیهای بحری از همه کشتیهای جنگی" واحد میشد . « کشتی" (نون) نام (پادشاهان سلیم) ودر کشتی" (رسلو) نام (سلطان) را یافتند . به وجود این دو کشتی" در دولت زرهپوش بزرگ که دولت علیهٔ عثمانیه مالک گردید یک قوق وقدرتی" بزرگ برای دولت — یعنی منفعتهای کشتی" جنگی" — عثمان درمحرسفید حاصل شد . کشتی" (نون) نام جدید (پادشاهان سلیم) از طرز (سوپر دریدنوت) است که (۲۳۰۰۰ تن) حجم آن ، ودر ساعتی (۲۸) وجهیل سرعت آن میباشد . باده قطعه طوپ بزرگ (۳۵ سانتیمتر ۵ تی)، وبا (۲۴) طوپ کوچک مسلح است . سرعت زرهپوش (رسلو) بنام دیگر (مسلطان) نیز درجهٔ نون وعدد طوپهای این نیز همقدر است . ولی قطرکه های آن (۲۰) سانتیمتره بی ، وحجم استعمالیه آن (۱۵۰۰ تن) میباشد .

تبدیل نامهاجنت

نامه‌نگار ـ رحدی‌تلگراف ماتیوسه : ـ دولت روسیا اعلان کرده که نام وظیفت خودرا از (پتروگراد) به (پترو گراد) تبدیل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 882 of 1786

داد . این خودرمیان مردمان اینجا همهمه های عجیبی راتکیجده بسیاری را فکربرین است که این ازرُس ویم روس است یعنی این را یك شائعه ودغلی میکنند . زیرا درینطرفها ضربالمثل است که یکدیگر میگویند اگراین کار همچین شد (یعنی مرایکردان) واین نام گذاشتن درمقام حقارت واستهزا مستعمل است .

لهستان

درچولند ـ لهستان ـ اگرچه روسیا اعلان خود مختاری آزا کرده اندولی شنیده میشود که یك قیام وبلوای بزرگی برعلیه روسیا دران قایم گردیده است .

یك آلهٔ جدیدالاختراع جرمن

دولت المان — جرمن — درین محاربه یك آله بسیار مدهشهٔ بسیار عجیب وغریبی استعمال کرده ومیکند که بایحال دیگر دولتها ازان بیخبر بودند . واگر قوتهای خودرا بواسطهٔ همین که پیش برده اند . وآن عبارت ازموتر کارهای آتشفشانست . اینهم معلوماست که درفنون حربیه وتعلیم عسکریه هیچ دولتی رابردوهمسر جرمنی نیست . بلکه عسکر جرمن رادر بلنجیم ـ دوکام ـ عساکر دیگرانست . وفی کافتح کردن یك قلعه یاشکست دادن یك طرف دشمن راهمیشه لازم وناچار است ازتلفات وضایعات کثیره هیچ اندیشه وروا نکند . وجان هجوم سخت وشدتناك میبرند که غیر کامیابی دیگر چیزی نیچه نمی تخته . وهینکه عسکر دشمن را شکست دادند موترکارهای آتشفشان ازروی زمین . وطیارهها از روی هوا جان آتشباری شدیدی درتعقیب آنها بکار میبرند که غیر خودهلاك ویاسیر ویاتسلیم شدن دشمن دیگرهیچ ثمره نمیدهد . درعداوه که بافرانس درحول بودوجود هم تشکیلهای جدید الاختراعی ساخته وپیدا کرده بود که فرانس ودیگردولتها ازان محروم ویخبر بودند . وجرمن دفعةً باآن اسلحه برفرانس اعلان حرب کرده مغلوبش ساخت . این است که دربیشتر بزباین موترکارهای آتشفشان خود کامیابیهای عجیب وغریب حاصلکرده است .

رأیها درخصوص تبدیل پایتخت فرانس

معلوم است که دولت فرانس ، پایتخت کنونی خودپاریس را بجرمن ترك کرده واداره حکومهٔ خودرا به شهر (بوردو) که بسمت جنوب غربی پاریس برقریب سواحل بحرمحیط اطلس واقعست نقل داده . دربنطرفها درخصوص سبب رأی زنیها میشود . گفتاین من حرب میکویند که فرانس فراغی ووسعت دامن میدان جنگ را منظور داشته میخواهد که اردوی جرمن را ازحدود (ایتورب) تابه (بوردو) ثبت کنند . وچون ازیکطرف تهاجم جرمن وازیکطرف دوسه دولت بمقابل اوست باید پرشتابی برای جرمن داده بتوانند . لهذا قرارنگ شنیده میشود جرمن نیز بمجرد یکه قلع وحرکت پایتخت فرانس را به طرف بوردو دید هادم مانند عقابی که درپی شکار خود بیفتد خط حرکت دار خود راه آنطرف دراز نمود . بعضی را رأی این است که باین حرکت خودفرانس خیلی غلط کاری کرده . چراکه اولا پاریس که پایخت بسیار عالی دنیا شمرده میشد برای فتح آن بدست جرمنها آسانی پیش آمد . دیگراینکه برای تمام عسکر وملت فرانس ازین حرکت یك بیدلی وکاهیدی پیدا شد . وقوهٔ معنویهٔ عسکره را سراسر شکستاند . یعنی میگویند که فرانس ازانسب به بوردو رفته که ازکزور درسرشان بیاید زودی پایتخت ودفاتر حکومتداری کنتیانداخته به خرمحیط بفتند . امابعضی نوع دیگر بها میکویند که شراب بوردو مشهورترین شرابهای دنیاست ازانسب پایخت بآنجا نقل داده شده ! ! . . . .

اجمال احوال

چنانچه دولتها درمابین همدیگر بحث وجدال در آمیخته اند وبایحال غالب ازمغلوب معلوم نیست خبرهای اخباراهم همچنین است وهیچ یك خبرعینی که مارا مطمئن سازد پیدا نیست ازهر بعضرف سخن میرانند همدیگرهائیکه ازجنبهای انگلیس ، روس ، فرانس ترتیح میکند از کامیابیهای خودشان . وشکست وهلاکت اوسترو والمانجت میرانند . والاازطرف مقابل دراست ودروغ هیچ خبری به اینطرفها نمیرسد . ازکامیاب وکدام طرف برسد مگرهرچه کامیابیهای انگلیس وفرانسیس رادرالمان گاه میشنود خاك فرانس وبلژیك میشوید . یعنی المان در خاك بلژیك وفرانس هستند اما کامیابی بطرف انگلیسها وفرانسیها وبلژیکها دست وچنین نیست که فرانسیها وانگلیسها در خاك المان هستند وکامیابی بطرف المانهاست ! عجب سیما !

وقایع حربیه اسرار آلوداست . درخبرها تذکرههای عجیبی دیده میشود . افراطها وتفریطها بدرجه ایست که در هیچیك ازاینها باور کردن اسرار جرأت نمیتواند کرد . مثلا یکبار میشنوم که روس اوسترو را چنان شکست فاحشی داد که بمثابه لشکر آزا اسیر کرفت . آیا ! همه عسکر اوسترو دست خواهد بود چون دسته اسیر کرفته باشد آیا کشته وزخمی آن چقدر خواهد بود ! وچون دسته اسیر کرفته باشد . شکی است که بزیکچند غرز اندازه دیگر عسکری درتمام ملکش نامحتاط . پس روسیا چراضع کرده اند . وبایحال چرا در وزه قرار که قوهٔ خودرا بیاورده اند !

بازمیشنوم که المانها پاریس را فتح کردند . آیا در پاریس چیست که المانها آنرا فتح کنند ! وقتیکه بوردو خالی باشد ازینکه المان وضایعات بیشماری داده پاریس را فتح کنند . چرادرباب فتح ورد وحرکت عسکرچرا جاری نکنند ! بازمیشنوم که یك جنگهای بسیار شدید وخونریزی حاصل آمد . ومدت ده روز دوام ورزید . وبشکست خوردن المان نتیجه پذیر گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 883 of 1786

وچون سخن ازحسابات وطلبات می‌آید می‌بینم که ازاین عدد وحساب تلفات وضایعات واسیر و... مذکور وازانکلیس تنها سیصد نفر تلفات اکتفا میشود. واز همه تعجب‌آورتر عدد مقتولین‌ها ازکشته‌ها وزخمیها واسیرها بیشتر نشان داده میشود!

خلاصه انسان در کشته میشود که هیچ خبری ازخبرهای موقت متأثر که درأخبارها نشر میشود باور کردن جایز نیست، چراکه خبری راست وصحیح ازهر جانبی نمیشود. هرکس بنا بمنفعت سیاست خود خبرهائی منتشر میکند. ثانیاً افسوس این است که درچنین جنگ بزرگ میبایست که انسان خونی و رامی ودرس ازهمه‌طرفان وکیفیات آن بدهد واز جریده‌ها واخبارهای طرفین تحریر معلومات میکرد لکن هزارافسوس که هرچه شنیده میشود تنها از یکطرف شنیده میشود. حتی اخبارهای استامبول که بالعموم بیطرف است نیز ازوقتی که جنگ شروع شده است سیاست یکطرفه پیش گرفته و از دریا به انسوی میشود.

والحاصل بجز اینکه انتظار جادهٔ حربیه را بکلیم نامعدود راهها بازشود وامیدوارکه وکیف این عزیزه عطیه معلوم کرده دیگر چارهٔ نیست.

ازشهر پاریس

عزیز محترم، ادیب مکرم السلام علیکم:

بعدازانکه دراستامبول بعضی مقدمات وکتابخانه‌ها ومکاتب ودارالصنایعها را ملاحظه کردم چون آنکه از بلغاریه رسمی ومطبوعات شهر (لایپسیغ) اشیاء چیدم، ومعلمه های بزرگ وزیکو کرافیاهای جسیم شهرهای آلمان و پاریس را ملاحظه کنم اولاً شهر پاریس آمدم. هنوز دوسه روز نگذشته بود که اعلان حرب آلمان بود. وهنوز یکهفته نگذشته بود که قوای آلمان بخاک فرانسه، وخبرهای فتوحات آنها در بازیکی افکارها را پریشان ساخت، ودرطرف یکهفته حالت شهر پاریس بك منظر شگفت بدیعی پیدا کرد، مراحال بك تأثر وبیم بزرگی مشغول کردید. آن کوچه‌ها وبازارهای درخشان پاریس همه از ساعت شش شام بك مزارستانی را میکرد، درغایت خلوت عاشره مانده‌ام، هرقدر کوشش میکنم راه بیرون رفتن را پی برم، حتی راه آهن نیز بکلی است بلی بسته است عدهٔ ایستگاههای راه آهن، وقطارهای آن نیز بسته است سوقیات عسکریه تنها بحمل ونقل عسکر منحصر مانده است، همه بانگوئی در پاریس مورا کوریوس یعنی همه جان را اعلان کرده‌اند، قیمتها واز آنی بلندی گرفته وروز بروز گران شده بود، بسیاری ازدکانها ومکانهای سودا کران وداکاران آنها را بسته وتراجع کرده، شبورو قاعده‌ها آنها را غارت کرده بیغما میشوند. این سوقیات محل تماشای دارد. گربه‌ها واز آنهای زنگ ومغازن پرخیرکن فانوریس که هرکدام بك آن غذا کرد دیقه دوری ومسافته دارند، وصفها صفها همراه آن عسکرها برای متابعت میروند انسانرا بگریه میآورد آن بدبختی روحی وسروری که ازهرگوشه وکنار آن بگوش میرسد جنده وجنده دگر چیزی شنیده نمیشد، ودرهرطرف آن بجز نان وعشرت هرجاه دگر چیزدیده نمیشد، وسراسر شهر اوباش، وولگ توی واطارت مطربی دران پیدا بود درهرطرف آوازك حزن وماتم مظلم وقسوت انگیزی فرا گرفته است، سبحان‌الله! بشریت مگرچقدر ذلیل مسکین بك چیزی وحماست! برای بوق ونشاط ورفاه واسباط خودشان چقدر مدافع‌ها وبانکها بنا نهاده‌اند، بدرجه‌ها تکریما وجودی آورده دفعةً می‌بینی که اسیر ومغلوب حرص، وطمع وغرور نفس اماره گردیده، هذا آنهارا آتش میدهد، درغایا مثلاً مخصوصاً که عنوان (لازم بودن اتفاق درشهر بمحاربه قوای طرفیه) درپنج یازدهم سالنامه سراج‌الاخبار افغانیه بمغلوب بسیار حکیمانه، وفقرات بسیار عبرت آورانه تحریر رفته بود چقدر بخاطر آورده پریشان داخل بشریت نخواهد وتحزن خواهد، بالمثل مخصوصاً کاهوان (ضروری بودن جنگ عمومی) درشمارهٔ یازدهم سالنامه پیشگوئی کرده خبر آورده چقدر خطرناک بوده وشد کتم کاکر اینجن پیشگوئی را کما ینبغی وملائی میکرد، هرچه شبه نیست که کشف وکرامت اوحل میکردند شاید بخوبی میدانم که نباید شیخ ومنجم نمکحض از اروپا نیست که آن پیشگوئی معمای پیش ازین وتیجه بخشیدن آن درینوقت از چه پیش آمده است الخ...

این اهم بکرم کلیم افکار واخطرات درکلوب دیده سان مکرم رسیده، واین مکتوب را درکار مینویسم، عرض کنم: درین اوقات برای اجازت دادن اقامت مردان بیگانه را درپاریس لازم است که اجازهٔ بلدیه... یعنی جاکم شهر... یاخود صاحبخانه صاحب خانه که دران میخواهد اقامت کند یك رخصتنامهٔ مصدق بدست داشته باشد وگرنه صاحبخانه کسی را قبول نمیکند، این است که درین دو سه روز اصبح نادانم دربارهٔ بلدیه میروم وکارپرس جاکر رسمی ساعیارا ایستاده پیگذارم تا آنکه بعد از هزار مشقت برای اقامت در پاریس اجازه نامه بدست آورده توانم، درأثنای این انتظارها افکارات واخطرات مذکوره پیاپی آمد، وبریکی از کوچهای نخواهی تنست این سطرها راگوشم، تنهامن باین بلاها نیستم، بلکه مانند من صدها هزار اشخاص هستند که از برای اقامت پاریس تو خواهی نخواهی دربدر پاریس میباشند، هشتاد بهمن منتها وباکر خوبیها گرفتار آمده‌ایم، هرروز به استیشنهای راه‌ها میروم، وساعتها انتظار میکشم تا پیش مأمور آن میرسم وجواب میگیرم که، غیر ازعسکر دیگر هیچکس قبول نمیشود این جواب بأس آورا گرفته محزون محزون

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 884 of 1786

این میگردم ، از همه بالاتر اینکه از اموال بیرون پاریس هرکس خبر دارد که چه میشود . خانه‌ها با اثاثیه بدون بشدت پایان میکرد. هیچ معلوم نیست که چه میشود وچه میکنند . اینان کمتر فلاکتها و مصیبتها که در من وارد آمده این است که چون از اثاثیه خود بی‌آنهم عده موجود خودرا به کاغذهای باطنوت انگلیسی که درهرجا وهرطرف دنیا بحرمت دار و ست میشود تبدیل داده و بدین چرا که رساندن پست تقدمکی بود . واز دیگر کوپنهای انگلیسی راهنمی ورواج پاب ژاپنیم . مگر بسیار غلط کرده بودم . یک دانه آنرا بهزار مشکلات بیک چینی‌نان به دست گرفته توانستم- یعنی با شکوت ده پوند ، چه‌چون اینها زحمت شکننده- حالا گویا چندرا مانند میا تم که کوپنهای آن کاغذهاشوار شود . وهمین حد موجودم نزد نابینا شود در حالیکه بصدها وجه بدهم باشد ، نهایت ترسیکی معروض خواهم ماند . از حالا بان وپیر خودمن قناعت ورزیدن گرفته‌ام . هرکس میگوید که این عادت بسیار مذاق خواهد شد . مثلا همینقدر گفته توانستم- اگرچه‌ام که مکتوبم بخدمت تنها واصل میشود بازخواهم گشت- اگرچه ازقبول شدن مکتوب بدا گاهها اعلان شده‌است انتظار رسیدن این مکتوب بخاطرجمع نیستم . عکسی که این مکتوب را همراه کنند وچون بینند که فارسیست باره کرده یکسو خواهند انداخت . همه تفکراتها اگرچه خصوصی میباشد تا بدین حد بی‌اهمیت نشود تفکر افتخاه قبول نمیکنند . باقی سلام امدادم

پاریس — ق ۱۴ اگست سنه ۱۹۱۴ (؟ ؟)

ربوده از اخبارات اروپا در خصوص
(هجوم جرمن در لندن)

ازوقتیکه اعلان حرب شده است بی‌خبرهای جرمن گرفتار ومأیوس شده‌اند که امدادشان از صدنزاید استیویان کرده میشود که هجوم جرمن بسیار حرکات شورش خروشتمال انگیز اجرا کرده‌اند . در یک اصطبل عسکری زره‌هزار سوار حال کدورا در سه رسانی وبارداری انواع لوازم خدمت میکرد نهای اسپهای آن زهر داده شده . یکپیاهی که دیگسه‌راه آهن مدین و لندن وتیل و ، ساوت کوست مدین وبکلوله هلاک شده‌اند کنفرانس بکخصوص برپا میباشد واز ، زمعلوم به ، استرخام و میرفت سه‌دفعه بضرب کلوله عالصادق ورزید ، اگرچه چندنفر بشمه‌منع کرده شده‌اند ذکر مشاق واقعات مذکور تاحال کسی را گرفتار نکرده اند . ولیس در اسباب یکپیاهی هجری جرمن که در بلوتها به جرمن رفته بود ، نقشه‌های مفصلی را بدست آورده که در آنها آن خطها وحیه‌های دواصل شرق انگلستان نشان داده‌شده ودران اشاره شده‌که جرمن برین حصه‌های انگلستان هجوم خواهد آورد .

(یک کره وازور جرمن ۵ جهاز تجارتی
انگلیز را در خلیج بشکاف غرق کرد)

پیمه اخبار :

از اخبار امروزه مردم این خبررا به بسیار تعجب خواهند خواهد که یک کره وازور جرمن ، ایدن نام خطه بتلاش ، سرحد بیطانیه ، یک جهاز جنگی انگلیزی را آماده بود درخلیج بشکاف غریب بندر کلکته درمیان تاریخ ۱۰ و ۱۵ ستمبر پنج جهاز های تجارتی که ازبار ملا مال بودند غرق کرده . مگر مسافر وملاحان گرفتارهای دادند . جانیه بالتمام اعلان شده که بعدازین کدام جهاز بدون بیمه داری وعهده داری ازانگلیز به خلیج بشکاف نیاید .

(انرجلت رعتی)

از نزبانمه نیکار اخبار پیمه :

این جلت برخطروآمدشناک درتمام عمومیتان خصوصاً دربندر پیش بسیار پریشانی ومراسیمی را منتشر ساخته است . قبل ازدو سه هفته شنیده شده بود که ، کوتیو ، نام یکجهاز جنگی جرمن خودرا شناخته که غریب پیش را دارد . ازین حد دهشت ازجمع اهالی پیش ازخورد وخوش وکاروبارماندند کمابیش چند روز درتمام پیش بازار گشت وخون وآتش زدگی کرده خواهند شد ، زیرا آن جهاز ، ایل ، نام یک قسم گلوله بزرگ می‌اندازد که از ناسفه ۱۵ میل زاویه میشود وچون زمانان منتشرات و آبادی میرسدفی‌الحال میکند ودفعتاً دوهزار کلوس وسیع دار ازان می پراند وبجیره اشتارا آتیاب دوکشتی بانک مواد آتشگیری میباشد که دوران هنگام هرکس که رسید فی‌الحال زیادهٔ مسموم که دران موجوداست هلاک میشود . وآن‌زمان فکر کنید که چه‌حادثه‌ناک میکرد . که اگر آن حادث گی‌نشود فکر شکر خدا که بمدازان معلوم شد که این جهاز جانب عدن رفت ودرهر امر کمیدگشت . واهالی پیش از شرشر آن مأمون ومصئون شدند . خبرهای جنات را شنیده بکدام ها وشورا کران پیش جمع اشتارا گران قیمت ساخته بودند . مگر حکومت آنهارا برقیام زخ خلیم مجبور کرده . وبایه الحکومة پیش بلقان بازارها آمد وشکدارها وتجارارا به ارزانی نرخ نمیه بود . استحکامات شیر هر طوری کرده شده اند . علاوه درجهازها تیکه پیوسته دور پیش پهره داری وحراست میکنند قلعه‌های زرهر و دواصل ازاروپا پیدا کرده‌اند ودرهای هری حرانگها پوشیده شده اند . درپهنه وایسرای هندوستا به پیش آمده وهر جمع سنگرها وقلعه هارا گرفته بدران رفته .

آخر ازین خبرها

ایتورپ را جرمنها گرفتند . جرمن ازوسعت تجاوزی وسعت تعاقبی بزرگ‌دومیخواهد که جبرة مانات تلفیات خودرا به تلفیات دشمن بکند . کشتی جنگی (ایدن) نام جرمنی که پنج جهاز انگلیزی را در خلیج بشکاف غرق کرده ودر مدراس خبرو کوده بکلوله باری شیر مدراس اندازه تصریحات در شمارهٔ آینده .

درجواب عامهٔ خریداران دارالسلطنهٔ کابل مرقوم گردید

عده مقالجاتیکه دستخط دارد ازطرف مدیروسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 885 of 1786

اعلان

سیاحت بدور ادور کرهٔ زمین

جلد دوم ها و تصویرها دارد ! علی الخصوص
که این سیاحت با آن بزرگی دوسمت

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کنندگان این سیاحت
غرق الغاء هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدور ادور کرهٔ زمین)

بپشتاد روز

عنقریب رویه کابل یک دسته کتبی را صرف غایت این سیاحت را گویا (غلاص فوق) سیر و تماشای یکجا اجرا کرده خواهد بود ! اهل خریداری این کتابخانه (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در نفس مطبعهٔ غایت که در دهافغانان است از زرد عبدالرؤف سرمحرر نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در فنون ناولهای فی مشهور آفاقست . از فرانسوی بادگی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور نه تنها ناولی بلکه در فنون جغرافیا و جغرافیای روحی را نیز بطرز افاده نشان میدهد .

در (مطبعهٔ غایت) که از مؤسسات شهزادهٔ سواعت معظم دولت علیهٔ افغانستان جناب سامی (سردار محمد ... خان غازی) است زود طبع آزاد شده است این کتابخانه آوازه است آرزو میکنند که صفحهای آن زود تمام خواهد شد و انتظار نخواهد کشید .

اعلان

از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میدهیم ، و توجه میدهیم که از این گلستانها بر از هر آیدار ، و از این گلزارها از هر یک نسخهٔ دست خورده از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی چیده .

در مطبعهٔ غایت بزودی طبع و نشر کرده ، قیمت ۲ روپیه

اعلان

سیاحت در چو هوا

پان اول فی سیار عجیب و غریبست که در مطبعهٔ غایت بزودی طبع و نشر شده و سومین کتاب (کتابخانهٔ مطبعهٔ غایت) را تشکیل داده ایم از تألیفات (ژول ورن) فرانسویست که دو فی اول بویهای شیرهٔ افضست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده است قیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

این هردو کتاب در دکان ملا محمد در بازار اترک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هریک بقیمت دو دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ غایت واقع دهافغانان از زرد عبدالرؤف سرمحرر مطبعهٔ موصوفه نیز خریداری میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 886 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

از آوری میکنیم

مکلف دانسته و گوشزد کردیم که از شکایت ازبیدن اعداد مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهایی یابم لهذا بدا کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل بتاریخ ۱۵ ثور ۱۳۰۸ مشارالیه تقسیم وتوزیع اعداد مارا که بهمه مشترکین کرام ما رسانده در عهدهٔ خویش قبول نمود. مشترکین کرام ازالسلطنهٔ خود را تقدیر وداد آوری میکنیم که بعد ازین اعداد های شان بدون واسطهٔ غیر فرداً فرداً واسطهٔ آمریت بدا کتابه خود شان میرسد.

اعلان

(از آثار مطبوعهٔ جدیده مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاق، دینی، ادبی، پند آمیز است کلمات احادیث شریفه وفقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یک گلدسته جواهری میباشد ودرین روزها زینت بخش تمام مطبوعات گردیده است درقسی مطبعهٔ عنایت از زرد عبدالرؤف خان سرمراب ودر بازار ارگ از دکان باز محمد کتاب فروش واز دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت دوروپیه کابلی هر کس خریده میتواند.

اعلان

مطبوعه

۲۰۰۰۰۰ فرسخ.

سیاحت در زیر بحر

در جائیکه دو کره در زیر بحر مرده زندگی موجب خلاف شود تا بیست فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد؟ هر که درین باب فکر دارد در خصوص بهتر آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت در زیر بحر) سیال انگلیزی تکرر بقیمت ۴ چهار روپیهٔ کابلی از مطبعهٔ عنایت از کتب فروشان باز محمد از زرد، بازار کابل غلام محمد از بازار متصل مدرسهٔ شاهی زودی خریداری کنید. وبخوانید، وتصاویر آنرا بدقت تماشا کنید کار شما قطعاً ثابت شود که سیاحت در زیر دریاهای شور چسان ممکن، یا غیر ممکن است!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 887 of 1786

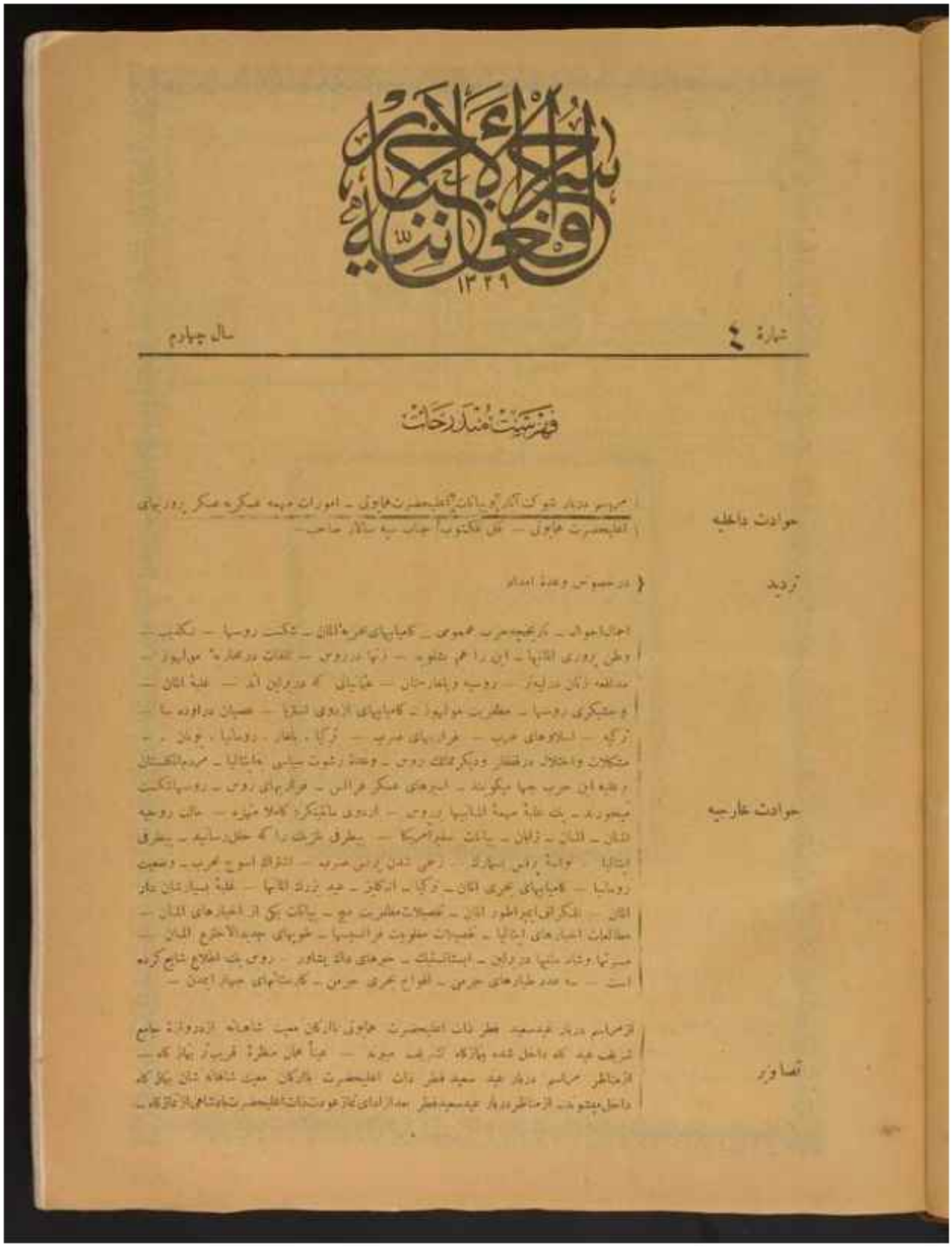

شمارهٔ ٤ سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخله — مراسم دربار شوکت آثار و بیانات اعلیحضرت همایونی ـ امورات مربوطه عسکریه عسکر رؤسای اعلیحضرت همایونی — قبل مکتوب آجناب سپه سالار صاحب —

تردید — در خصوص وعدهٔ امداد

حوادث خارجیه — اخبار حوالی ـ تاریخچه حرب عمومی ـ کامیابیهای عمدهٔ آلمان ـ شکست روسیا ـ تکذیب وطن پروری آلمانها ـ این را هم بشنوید ـ ژنها در روس ـ اتفاقات در بحار ـ مواد ـ مدافعه ژنان در پاریز ـ روسیه و پادشاهان ـ عیاریهای که در پترزبورغ شد ـ غلبهٔ آلمان ـ و عقیدهٔ روسیا ـ مطربت مواد ـ کامیابیهای اردوی آلمان ـ عصیان برافروخته ـ ترکیه ـ اسلاوهای عرب ـ فراریهای عرب ـ ترکیا ـ بلغار ـ رومانیا ـ یونان ـ مشکلات و اختلال در قطار و دیگر ممالک روس ـ وحدهٔ رشوت سیاسی ماپانیا ـ عربستان و غایه این حرب چها میگویند ـ اسیرهای عسکر فرانس ـ فراریهای روس ـ روسیا شکست میخورد ـ یک غلبهٔ مهمهٔ آلمانیها بروس ـ اردوی ماکنزن کاملا میزه ـ حالت روحیه آلمان ـ آلمان ـ ژاپان ـ بیانات سفیر آمریکا ـ بیطرفی ترکیه را که حل ساید ـ بیطرفی ایتالیا ـ واقعهٔ پرس ایتالیا ـ زحمی شدن پرنس عربه ـ اتفاقات امتوج عرب ـ وضعیت رومانیا ـ کامیابیهای بحری آلمان ـ ترکیا ـ انگلیز ـ عید بزرگ آلمانها ـ غلبهٔ بیسارابیان بلغار آلمان ـ تذکرات امپراطور آلمان ـ تفصیلات مطربت مع ـ بیانات یکی از افسرهای آلمان ـ مطالعات افسرهای ایتالیا ـ تفصیلات مغلوبیت فرانسیسها ـ طوپهای جدید الاختراع آلمان ـ میرتها و شاردنیها در پاریز ـ ایستانبلیک ـ حرفهای داد پشاور ـ روس یک اطلاع شایع کرده است ـ سه عدد طیارهای حربی ـ امواج بحری حربی ـ کارستانهای جبار ایمدن ـ

تصاویر — از مراسم دربار عیدسعید فطر ذات اعلیحضرت همایونی بارکان معیت شاهانه از دروازهٔ جامع شریف عبد که داخل شده بارگاه تشریف میبرند ـ عیناً همان منظرهٔ قریب تر بیارگاه ـ از مناظر مراسم دربار عید سعید فطر ذات اعلیحضرت بارکان معیت شاهانه شان بیارگاه داخل میشوند ـ از مناظر دربار عیدسعید فطر بعد از ادای نماز عوت ذات اعلیحضرت شاهانه بارگاه ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 888 of 1786

(اعلان)

کتابستانها و کتابستانهای سراج الاخبار افغانیه با کتابخانه (عزواسلامیت) و (آئینه بدر کره) و (ادعرفی) حق گرفته شده در اداره برای فروش حاضر و میباشد . تجاران که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند مراجعه مدیر خلق فرمایند

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیه کابلی	سالیانه	چارده روپیه کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه | دوازده روپیه انگلیزی | قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طاقی چهل انگلیزی یازده روپیه کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یادآوری

رحمة کارداران نظامی ومنکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود :

اگر از یک جایدیگر جاروجویا نمیباید که بیلشر قدمدر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا مجروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . وبا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر به شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — انچ — ۴ — سونت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متواتراً یکسال نشر کردن خواهد دوصد یک ساله را بیشکی ادا نمایدد ورق پشتی در سر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 889 of 1786

(صحیفه ۱) سال چهارم شمارهٔ (۲)

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف دامنه مملکت

با ضمائمات دالی ۱۰ روپیه کابلی

در خارج مملکت

با ضمائمات دالی ۱۰ روپیه انگلیزی

پنجشنبه روز یکبار نشر میشود

قیمت یک نسخه آن در کابل یکصد پول است

(اوراق گمنام درج نشده اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

مدیر و صاحب امتیاز

محمود طرزی

ادارهٔ مخصوص

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

عموم امورات تحریریه باداره خانه

نام مدیر فرستاده میشود

تاریخ هجری قمری ۱۳۳۲ تاریخ انگلیزی ۱۹۱۴ اکتوبر تاریخ شمسی ۲۸ میزان ۱۲۹۳

حوادث داخلیه

مراسم دربار شوکت آثار

روز شنبه گذشته ۱۲ رمضان المبارک مراسم دربار شوکتمدار معلی دربدالان سلاملخانه بام وقوع آمده هزار سرتنهٔ مقربهٔ دربار یعنی شهزادگان عظام و سردارن کرام واربابان مناصب ملکی و عسکری وخوانین درباری درجوم مذکور بساحت موجود در دالان مذکور سلاملخانه جمع آمده وقت ساعت ۹ ذات مراحم صفات پادشاه مقدس محبوب القلوب معظم الیه آیین اعلیحضرت سراج الله والدین ، ابو الله خلد الله ملکه السنیه محل دربار جلوت آثار را بالشریف فرموده سمت ملزوم هاول شان ترف افزای عز و اجلال فرمودند .

چون اشرف آوری ذات اعلیحضرت تا خانه از طرف ایشان گلبیان حضور اعلیحضرت هاوی و اهل دربار احترام گردید ، همهٔ حاضرین قیام نمودند ، ذات اعلیحضرت هاوی از دروازهٔ غربی سلاملخانه داخل ، و بسریر سلطنت عروج ، وبعد از مراسم سلام رکنی امارت اسلامیه افغانیه جلوس ، و حاضرین کرامرا جوازشات احوالپرسی و مواظفات خاطرداری طوکاله عریق من و مبارز فرموده بمنشی شان اراده فرمودند . ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما درین دربار معالی بار درخصوص سیاست دولت علیه مستقلهٔ افغانستان بازبعضی بیانات حکمت آیاتی فرمودند که درهما قید وثبت آرا از جملهٔ جوازمات دانستیم :

بیانات هاوی

« چنانچه سابق شما از ورود نامهٔ دوستانهٔ وایسرای هند و مضمون جواب نامهٔ خود ما شرح داده بودم ، علاوه رذیا بیان میکنیم که ما درمسئلهٔ سیاست خودمان : الحق که گفته ایم ثابت قدم خواهیم بود ، و هم درین سیاست منافع دولت خودرا پیش ملاحظه گرفته ایم ، و هیچ ضرر و خطری درمان دیده ایم بنابرین دولت افغانستان درتحت حکم موجوده بر طرف است و بهیچیک از دولتهای خارجه جانبداری ندارد ، و چنانچه خیال معاونت ومدد کاری را با هیچیک ازدولتهای خارجه ندارد ، همچنان هرگز نخواهد بود وجهه کاری را نیز وظیفه هیچیک از دولتهای خارجه ندارد . »

این بود بیانات حکمت آیات ذات مکارم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما که رسماً بدربار جوزه ۱۲ رمضان سنه ۱۳۳۲ مطابق ۱۳ اگتوبر سنه ۱۹۱۴ رسماً بر عموم بیان فرموده اند . الحق که این مسلک بیطرفی و غیر جانبداری علانیتاً معتمدانهٔ رای دولت جلیلهٔ متبوعهٔ ما بین خیر وسعادت و سرانجام کلو از حکمت وسیاست شمرده میشود . اگرچه بعضی مردمان درین هنگامه بعضی وقتها اعتقاد که کرا دولت علیه افغانستان خیال تجاوز را بسوی دریای جاموداره ، ولی این بحمدالله نابود از حقیقت است که هیچ اصل واساسی ندارد تجاوز اینکه بعضی اخیرین گوازه اعتقاد که گویا مقصد جرمنی بدار السلطنه کابل آمده ودولت افغانستان را بطرفداری خود شان جلب ودعوت میکند . آیا همه آوزر قرین کونه خیر چه تصور شود ؟ آیا گمان راه آمده و برگشتم مقصد سیی آمده؟ دولت افغانستان از جرمن ، و جرمن از افغانستان چه منفعت دارد؟ والحاصل اینکونه روایتها و حکایتها همگی افسانه های عوام گونه هاییست که سراسر دروغ بفروغ است .

این است که کلام های حکمت پیرایه ذات اعلیحضرت هاوی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 890 of 1786

گذرفوق مذکور گردید دوچار مسلك وروش بیطرفی دولت مشوعهٔ مقدسهٔما را اظهر من الشمس نبود ، و روایتهای بی اصل واساس عوامرا از بین برافکند. لهذا مراج الاخبار اعلیه برهه اهالی افغانستان اعلان میکند کهروش حکومت مشوعهٔما درین جنك عمومی اوروپا سراسر بیطرفی وغیر جانبداری میباشد یعنی باهیچیك ازدولتهای کهاهمدیگر خودشان بجنك در آمیخته اند بهیچ وجه من الوجوه مشارکت ندارد . بهیچکدام از دولتهای محارب به امداد مالی و به امداد عسکری میکند . و بمثل هیچ یکی ازدولتهای متحارب مجاز نمیورزد ، لیکن این شرط ناگوئیست که ازطرف آنها نیز بمنافع خصوصیهٔ دولت افغانستان تجاوز وتعاسی بوقوع نیاید .

برما درمبادی مسالمه ومملت تحیهٔ افغانیه واجب ولازم است کهدرین هنگامهٔ مستخرج جنك عمومی دولتهای اوروپا بیلتسکون وآرامی تمامی سرین شده تماشا کنیم ، وبه نتیجهٔ آخری آن انتظار بکشیم . زیرا مرام صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما خیر دولت وملت شاهانهٔ شارا ازهر جهت در مسلك بیطرفی دیده اند که الحق عین حکمت است . پیروی بفکار قدسیت نثار درانتفی وازهر وماوشامشوع مقدس واعظیما برهه افراد ملت کریمهٔ افغانیه واجب . بلکهعرض عین است والسلام .

﴿ امورات مهمهٔ عسکریه ﴾

(عسکر روزبهای اعلیحضرت همایونی)

« حقوق دول » بسیار مفتا ، ومهم ومستقل یك علمیست که از چهار صد سال بایطرف درزیر بحث ومناظرهٔ علمای سیاسیه درآمده است . ولی از دوعصراست که علمای حقوق درالخصوص سعیا وجهد های بلیغی بکار برده بسی تألیفات وکتابهای مهمهٔ دران عرصه بوجود آورده اند ، وقواعد واصولات آنرا مبین وآشکار ساخته یك نظم ونسق بدیعی به آن بخشیده اند که معاملات ، ومناسبات ، وعلاقات دولتهارا بایکدیگر شان درزیر قانون وقاعده گرفته . علنا ودیپلوماتهای دولتها نیز از عدیمست که درخصوص تطبیقات قواعد وقوانین آن هر کوشش ورزیده دولتها را بایند مراعات قواعد موضوعه وتعلیمات مضبوطهٔ آن گردانیدند . درباب موضوع واساس « حقوق دول » خلاصهٔ اجمالاً درینجا همینقدر گفته میتوانیم که مقصدعمدهٔ دول ازقوانین ونظاماتی که برای امور ادارهٔ مملك خود وضع میکنند همین است که حق وحقوق هرفردی از افراد رعیتی ، وهرحکمی از احکام حکومتی خود شارا معلوم وهویدا گردانیده حق را از باطل به آن تفریق بدهند ، وهرکس حدحق خودرا بشناخته در دایرهٔ همان حقوق خود زیست نماید .

حالا تکه برای خود دولتهای بزرك یك قانون نامهٔ که حقوق شارا درمقابل همدیگرشان تعیین وتحدید کند هیچ یك استادی نداشت . ووجود یافتن آن نیز خارج دایرهٔ امکان می نمود . حالا تکه از وقتیکه « علم حقوق دول » بسی وهمت علمای نام این علم تدوین وتکوین نمود ، وعلاوتاً کتابهای رجال دولتها در تطبیقات آن بمعاملات ومناسبات دولیه سعی وغیرت ورزیدند علم مذکور ، حکم یك قانوننامهٔ مبینی را گرفت که دولتها در مناسبات ومعاملات خود شان خواه درحال صلح باشند خواه درحال حرب برابات فقرات قواعد مندرجهٔ آن درمابین خودشان پابند ومجبور گردیدند . (۱)

جای افسوس است که این علم بشرافت وعظمت درین آخر ها سراسر پامال گردید ، ودولتها احکام آنرا کان لم یکن پنداشته بمقتضای منافع نفسی وشخصیهٔ خود حرکت ورزیدند . اول بار حکومت ایتالیا درمحاربهٔ طرابلس غرب برخلاف احکام حقوق دول حرکت ورزید . باز درمحاربهٔ بالقانها بسیاری از قواعد آن پامال گردید . درین محاربهٔ موجوده نیز کسی به احکام وقواعد آن کوش نکرده هرکس کار خودرا پیش بردن گرفت .

اما مبدأیه که بموجب احکام قواعد حقوق دول چه چیزهام گردیده است ؟ عرض کنیم : قاعدهٔ « الحکم لمن غلب » که از زمانهای وحشت انسانها جاری آمده بود ، واز دوسه عصر بدین طرف قواعد حقوق دول آنرا منع وقیود نموده بود سرازنو تجدد یافت . قاعدهٔ « اتباع مصلحت نوعی برای جلب منفعت شخصی » ، وعلی الخصوص قاعدهٔ (تقدم قوت برحق) بشد ومد تمامی مجری و اجرا گردید .

قوت ، عسکروافر منظم تعلیم یافته ، وطوپ وقشنك بعدد وحساب فایق القوه ، ودیگر وسایط حربیهٔ متنوعه میباشد ، پس درثبوت هرکس که مالك اینهارا بود حق ، غلبه ، منفعت وهرچه که خواهش ازوست ، ومحروم اینهارا از همه چیز محروم است . زندگانی حکومتها درموقف حاضر بقوت شان وابسته است . ازان وفدا ، زیاده تر قوهٔ عسکریه وسلحهٔ ناریه محتاج اند . وازین است که هرچیزی مرتفع تر بوده قوت خود افزودند . اگر یکی یك درجه قوت ساخت آنگاری حالاً دو یا سه آنرا تهدید نمود ، وهیچ شبهه نیست که درخصوص اتیها ازهمدیگر پیشه ترکوشش ورزیدند که حالاً همه های خود را فایق آنرا میدارند . دولت ترکیه زورهای عیالهای خودرا فروخته گشتی جنگی می خرید . آیا چرا ؟ چونکه میدانند که بدون قوت امکان جان سلامت بردن نیست . آیا چقدر کوششها وفداکاریها کرده باشند که بوجود اینهمه صدمه های سختی که برایشان وارد آمد باز هم دروقت حاضر برای سلامتی زندگانی خود بقدر نیم ملیون عسکر تعلیم یافته را درزیر سلاح نگهداشته توانسته اند ؟ این نیم ملیون عسکر چقدر طوپ ، آنقدر طوپ چقدر قشنك ، آنقدر

(۱) این مدار ماخر کتب بزبان مکمل « دولی یوروپین » راکه از تالیفات یکی از وزرای دولت علیهٔ عثمانیه حسن فهمی پاشا بود در سنهٔ ۱۲۹۲ دوشتم شرف الدین ترك زبان فارسی ترجمه کرده بحضور سلطان معظم اعلیحضرت (عبدالحمید خان ثانی) بدست خویش تقدیم نموده بودم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 891 of 1786

اسب چقدر خورد که ، چقدر نفس ، چقدر پسه بکار دارد ! سالانه چند گلوله برای جنگ ، بلکه از جنگ رهزنان نیز زر ، قوت ، موقوف وموظف مانده است !

چون این نکات مهمرا ذات گرامی صفات پادشاه مقدس معظم دوقت مستقل خداداد افغانستان، اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیبالله خان ، صانالله ملکه عن الزوال والنقصان هیچگاه ازنظر اکسیر اثر همایون دور نداشته وفمیدارند لهذا دایما یك توجه خاصی درامورات مهمهٔ عسکر پروری ، وترقی روز افزون لشکری مبذول ورایگان فرموده ومیفرمایند ، حتی درین اوقات بوجودبیداری کارهای دولتی درهندٔ یك روز منحصر بروزیت وتعیین امورات مهمهٔ عسکریهدانسته‌اند . چنانچه درمدار روز شنبه زبان مبارك فرمودند که سبب تبدیل دادن ایام مدار که روزهای سه شنبه مقرر بود ازین است که روز سه‌شنبه را برای ملاحظهٔ امورات عسکریه مقرر فرموده‌اند .

ناظر درایت و فطانت مظاهر حربیه جناب شهزادهٔ معظم ، سردار عنایت‌الله‌خان معین‌السلطنه ، وسپه‌سالار بیدار هوشیار جناب ، سردار محمدنادرخان ، ودیگر همه‌نائب سالارهاو حربیانها وافسران نظامی اردوهای عساکرشاهانه نیز بتاریخ اعلان قدمیت تاروقوماذان اعظم ، وشروع مقدس مکارم شیم خودشان ازجدوجهد فاتر وفانی ایستند .

درین دوسه هفته تمایشها وامتحانهای مختلفهٔ عسکریه درحین حضوری وحین نظایه ازحضور میامن موفور ذات اعلیحضرت پادشاهی گذارش یافته ، وموفقیتها وکامیابیهای کامله ازان محصول الحاصل است ، چنانچه درهفتهٔ گذشته امتحان رسم مرور واهاخت طوبخانهها درحین حضوری بعمل آمده درجهٔ انتظام عساکر طوبچی ، ونظم ونسق طوبخانهها پدیدار گردید ، علی الخصوص طوبهای میدان وکوهی که درساحتخانهٔ دارالسلطنه بصرف کاربکران وطی ساخته شده موجب افتخار ومسار بیشمار دیده میشد ، درجهٔ مقاومت ومتانت این طوبهارا ازین قیاس باید کرد که بعضی ازین طوبهای وطنی خودما بیخ ششهزار گله انداخته توانسته است که حقیقتاً ذاتان شکران بیشمار یك چیزیست .

این تمایشها وامتحانها که اجرا میشود محض برای اینست که نواقصات لوازمات عسکریه ظاهر گردیده درباب اکمال آن سعی شود ، چنانچه بازاستفساری که ازجناب سپه سالار صاحب سردار محمدنادر خان درخصوص سبب وچگونگی تمایشهای مذکور ازطرف ناچیزانهٔ ما واقع شده است ذات عالیشان ازقرار ذیل معلومات عطا فرموده‌اند که عیناً مکتوب شفقت اسلوب عالیشانرا درج نموده‌وبرمدای عالی ازدیاد افزون عمر واقبال وتمادی شوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه فرخنده خصال ترقی آمال خودمان ختم مقال مینمائیم :

نقل مکتوب جناب سپهسالار صاحب

چرم یکشنبه ۷ شهرذیقعدة الحرام سنه ۱۳۳۲

عالیجاه مشفق عزیز محمود بیك خان مدیر سراج الاخبار افغانیه درحفظ الهی باشد چون آن مشفق کیفیت تمایش عسکررا که روزهای سه شنبه های گذشته بحضور مبارك اعلیحضرت پادشاه معظم گذارش یافته ازنبوده‌وجود یاران حقیقت آگرا برای آن دوست وانمیشد تحریرنمودم اینك چون حواله نظر وتوجه ذات همایون اعلیحضرت والا به ترقی ملت و دولت افغانستان است واساس ترقی دولت وابسته به انتظام و آراستگی عسکر است یاران یاد شاه معظم اعلیحضرت والادرهفته یکروز ازاوقات فیمتدار شاهانه را که روز سه شنبه باشد برای اجرای امورات عسا گردوش علیه شان معین فرمودند که درروزهای مذکور جمله امورات که درباب ترقی عسکر باشد بحضور مبارك گذارش داده ازحضور مرتبهٔ تکمیل آن نموده می شود یاران حسب الامر همایون روزهای مذکور شروع ازعقد ازدلی نموده ملاحظه جمله عسکری خود های تحت را انشاء الله تعالی فرموده وسررشته تکمیل شان را ازجمله لوازمات سفری وحضری که بکار باشد حیفر مایند — جمله افسران وسایر عسکر والفراد افغانستان ازمدر گاه خداوند کریم‌استدعا داریم که وجود مبارك یاد شاه معظم را که باعث ترقی ملت ودولت افغانستانست ازسرجمله رزایا وعسا گرافغانستان گم نکند وجمله خدمت گزاران دولت را توفیق عنایت نماید که خدمت گذاری یاد شاه معظم ودولت علیه افغانستان را به صدق دل نمایند وکاهل وسستی را ازخود دور نموده درخدمت خودها جد وجهد بیاندازه نمایند که باعث نجات دنیوی واخروی شان است فقط

امضای سپه سالار

(محمد نادر)

تردید

(درخصوص وعدهٔ امداد اعلیحضرت امیرافغانستان)

درمیان سطرهای که بجداگ پشاور رسیده یك فقرهٔ دیده شد که خیلی عجیب وغریب بنظر آمد حیرمد کوررابشنوید که این است :

« وزیر وایسرای هند اظهار کرده‌است که اعلیحضرت »

« امیر افغانستان بموعدهٔ امداد وفادار نیست . »

اولا ما این‌را هیچ باور کرده نمیتوانیم که وزیر وایسرای هند همچنین یك اظهاری کرده‌باشد واگر کرده‌باشد ازدو حال خالی نیست یا این است که درماین خود جانب وایسرای دوزیرشان چنان یکدیگر اظهارات همدیگر خوشان باخبرباشند موجود خواهد بود یا این است که وزیر صاحب یك نسیان درفوتوگرافهٔ شان موجود خواهد بود اگر در حالیکه خود جناب وایسرای بطریق استشارهٔ دوستانه افغانستانرا بریطرق تشویق کرده باشند وذات اعلیحضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 892 of 1786

پادشاه الفا لمان هر یطرق" دولت الفا لمانیا اعلان حرب نموده باشند . آیا (وعدهٔ امداد) راجع مصاهوا هم دارد ؟ لهذا این حق را داشتند زیرا که چنانچه از مکالمات تلفونیهٔ سفرای دول اعلان حرب نمودند . و همچنان « وعدهٔ امداد » را که مابین « یطرقیست پوچیطرف ازدول تجارت نداده اند .

خوادث خارجیه

اجمال احوال

هر دعوای که بحضور حاکمه می آید بادی و مدعی علیه هردو حاضر نشوند . ودعوای طرفین دعوا گذشتن نشده نشود . وشهود وادله وبراهین مدعیان پیدان نیاید تا که مراحل وفصل دعوا چه گونه میتواند و الیٰ که هیچ (بیان) علیه یا لمان در خصوص جنگ هرچه که شنیده ام و خوانده ام نیز از هرطرف مشخص نبوده که الزام بدهی . یعنی انگلیزها و روسها ترجیح کرده اند . صد شکر که در بیوقت بعضی اخبار های دست رسیده که در اثر آن بعضی طرف مطالب . یعنی لمان و اوسترا پاحاضر میشود . لهذا بعض رای اطلاع خوانندگان کرام خواص ذهن ذوق نهاریا لمان وطنو گوار نموده تاریخچه از آیندهٔ درج میگنیم تا خوانندگان طرفین از شنیدن یک جانبه لمان نیایند . قارئین کرام بدقت مطالعه فرمایند .

تاریخچهٔ حرب اخیری

ماخذه از انسایکلوپیدیا

(خلاصه)

دربارهٔ سابق خود از آغاز سنهای جنگ که عبارت از قتل ولیعهد استرا وزوجه اش از دست صربیا باشد وشده دولت اوترا که از طرف دولت استرا لمارستان دولت صربیه داده شده بود و ۲۴ ساعت مهلت برای جواب آن دولت داده شده بود ، حالا مختصراً میگوئیم که صربیه بعضا از بعضی جوابنداده . استرا بالواسطه اعلان حرب کرد . روس بمعاونت صربیه بسبب حمایت اسلاوی پرداخت . فرانس وانگلتر بسبب عقد اتفاق که باروس داشته بروسیا پیوستند . لمان که با اوسترا وایتالیا اتحاد ثلاثه عقد کرده بود بامداد دولت متحاهد خود اوسترا شتاب ورزید . ایتالیا بهمتی کرده بوجود عقد اتحادی که داشت پای خود را واپس کشید . وبدینصورت درکرهٔ خاک یک عهد شکنی که تاحال مثل آن دیده نشده بود اتحاد نمود .

دولت بلژیک که بظاهر گوشه عمارت یک دولتی شمرده میشود چون در میدان فرانس ولمان واقعشده . واتکلیز و فرانس آنرا اروپهای وقت بیطرفی دولت که برای همچو وقتها

کشیده بودند آنرا بمساعده رای گذشتن خودشان لمان لمان ساخته بودند در بیطرفی بلژیک اعتماد نموده بودند لمان اورا بسیار صحیح ووعده ووعیدها دادوی نوشتی هشته . تاآنکه بلژیک بزبان انکار یکجا دولت لمان اعلان حرب نمود . فرجام بلژیک هم شکست خورد . بر بسبب طرف اسلاوی بصرب حق شنیده باشد و لمان اعلان حرب نمود دولت آنان که در اقصای شرق وبدین سبب بطرف تحصیل خود دولت لمان اعلان حرب نموده که جانب دروغ ندارد . همدون کوچک وزرگ قریبا باده ملیون جوان رطوب وقت خودها در آورده اند . از یکطرف تهاجمان و امتیاز از یکطرف طرفی دولت از این جنگ عظیمی که تاحال درهیچ تاریخ مانند آن بظهور نیامده نیجه‌های که روی کار آید هنوز معلوم نیست . کفایت کند و معلوم است که بهیچکدام طرفی مواهد ولی اما چیزیکه حاضر و آشکار است این است که دنیا بتاراج میشود . صدها هزار آدم مدنیت و عمران که مدار افتخار تمدن اوروپا میباشد بخود وران میگردد . خریطه‌ها وقطعه‌های روی زمین بر اثر تعدد و تبدیل می‌یابد . نتیجهٔ طبیعی آن هم این است که اوروپا بسیار سالها خلاک و بدان عظیمی یابد . وکسانیکه که از تصرع و جدال ، مصاب خوبند خوهند و بر وفق معمای خود ظهور کند .

علاوه بهمدین حالاصاحبانهای (کنفرانس) زنده اروپائیات جمعیهٔ حربیهٔ که بر از ادراج اخبارهای انگلیزی واز ذکر اخبارها بدست آوردیم بدرس معلومات میپردازیم . این اهم یکوم که این (ایراتاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۱۴) کنت بادنباده . وبعد بر از خلق تاریخ خواهشد انسایکلوپیدیا بر تاریخ کنفرانس را که بر تاریخ مذکور بر از جمعیتهای اخبارهای انگریزی دیده اند بخدمتگار تقدیم داده . در اقوال مدعی علیه که آنرا توانند .

کلمیاپهای خریطهٔ لمان

روز ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۴ حرکات کلمیای جنگیهٔ که در دریاهای مختلفه جنگیا اجرا کرده اند بناخدا دریا که عبارت از حرکت بحریه یعنی عبورون (بالتیا) و بحرهای فوق العاده مکث میباشد . « کوفوریخ » و « ساندوریخ » و « کم کرو » و « وارورهای ما بور (زیو) » نمودند که روس عبورند « کلمیای » نام نیجه بدر گردید . شهر « ساندمد » گورد از آنجا خرق گردید . روسیها یک جوی وکلاش عظیمی دوجار ساخته . از یکطرف استحکامهای « فیلیپ ویلم » و « بن » بام فرانس را بزیر بمبار نمان . یعنی گلباری . ترمه سوقیات عسکریه فرانس را متکلات زیادی گرفار گردید . هر کشتیار « دیارا » « کوپنگ لوئیز » نه کشتی جنگیا که نام آنرانش که « تیر » « آلبی » « لندن پنترهله » و « آلبیون » نام گرو « وارور انکلیزی » غرق . وطوربیها - یعنی کشتی دریائی را در بندر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 893 of 1786

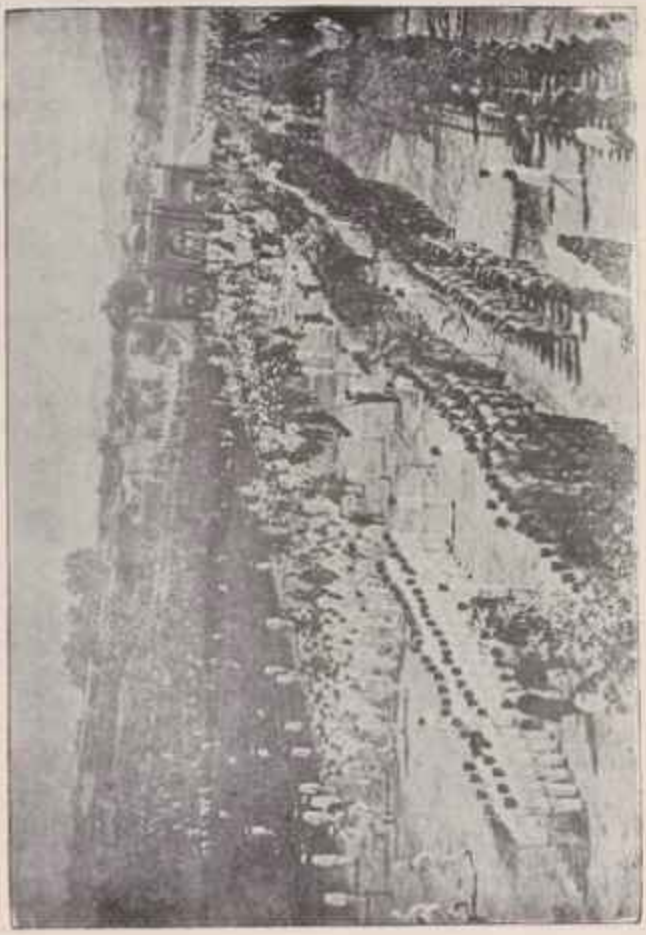

از مراسم دربار عید سعید فطر
(ذات اعلیحضرت پادشاهی با ارکان مهمت شاهانه از دروازهٔ جامع شریف عیدگاه داخل شده
به قدم گاه تشریف میبرند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 894 of 1786

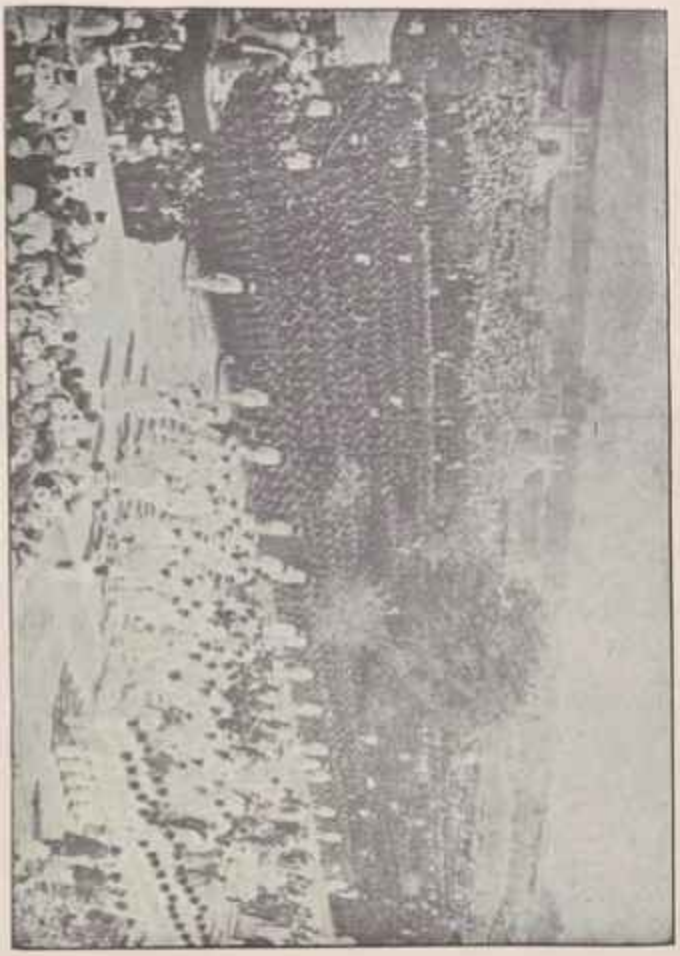

﴿ عیناً همان منظره ﴾
قریب تر به تماشا که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 895 of 1786

های‌شان افتاد تا بانگلستان را از کمر بشکنند و در هندوستان و ترکستان و ایران و افغانستان را بکلی از دست انگلیس بیرون آورند. ما که نگذاشتیم در بحرهای یکه ماند بوده و مورد تاپا و تلگرافی انگلیس را تابه بندر گاه حالیفاکس و پرت آمادگه کرفتاند. کشتیهای جنگ بحرپیما متاعل چندبار حرکات خروج اجرا نمودند. ولی دشمن جرأت مقابله آنرا نتوانستند و خون و و برسلاو و نام کشتیهای جنگ مانند از انگلیس سواحل و جزایر و نامطلوب فرانس آشکاری نمودند و بندرگاه و میناء مقتدیانرا که بیطرفست داخل شده از دیگر دو رهای تجارتی‌شان کمر انجا وندنال کامل رسانیدند و بمجرد یکه بندرگاه میناء از طرف کشتیهای جنگ انگلیس در تحت نظر گرفته شده بود بازهم خون و رسلا بکمال جسارت از میناء برامده بروی خود بوام ورزید. کشتیهای تجارتی سایر ممالک انگلستان را تا بحر رهای و شلام و کردش کرده اند. و به استکشافات مهمه کامیاب آمده اند که در بوقت بنابر مصلحت ازان استکشافات صحبت کردن جایز نیست

شکست روسها

برلین ۱۱۲ اگست :- روسیاتر و وارشاو و [هر کرا میخواهد است که آنرا پولیند مینویسد] بصورت بسیار پریشان از پیش روی هما کر آلمان واوستریا فرار نموده.

(تکذیب)

برلین ۱۱۲ اگست :- از پاریس بسیار خبرهای مدروغ در باب کامیابیهای فرانس در والشاه میشود که کویا فرانسیسها آلمانهارا در (مولهوز) شکست داده اند. این خبرها هیچ اصل و اساس ندارد. فرقه‌های عسکریه فرانسیسها کاملا طرف الساس جولی پیش میآمدند. هما کرما آنها در جهت حرب (مولهوز) سرامر منزمساخته ورده کرد نشانرا کم کرده باسوئیجره - یعنی سوئزرلند پناه کزین شده اند.

(وطنپرستی آلمانها)

برلین ۱۱۲ اگست : از وقتی کهدر آلمانیا سفر جنك اعلان شده است تاکنون بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر داوطلب وجود خود را در صف عسکری داخل کرده اند.

ایدرا هرشوید

سابق سمبار در شماره‌ی سابق خود نوشته بودیم که اشغال انکلیز روس منحوس است. حالا چون ازینجهان دلیل داشتیم میدانید که حق بجانب بوده است. چرا که انکلیز هیچ اخلاق ندارد.

(هاردی لاف) نماینده انکلیز مشهوری که بسیار سالهاوند (وزیر)

وقف اوستریا اقامت کرده است به اخبار (فراید پرسه) یك مکتوبی درج کرده است که بعضی فقرات آن اظهار ذیل است :

« بسیار جای افسوس است که کاتبان امروزه روز شاهد یك منظرهٔ بسیار حزن آوری میشوند. ملتهای بزرگ که تا به امروز در میان یك آهنك اتفاق و وفاق تامی به زندگانی کردن موفق شده بودند. در سال حاضر بقابل همدیگر خودشان بیتعارفه بسیار بی‌اعتنا در آمیخته اند. درین تجربهٔ بسیار تلخ و ناکوار امیدواریم که حکومتهای انکلیز و آلمان منافع حقیقیه خودشانرا بهتر از قدر خواهند کرد و حکومت انکلیز خوب خاطر خواهد شد که آلمان دشمن انکلیز نیست دشمن ترك طبیعی و حقیقی انکلیز روس است روس. جناب حق حتماً بار امپیر اطور آلمان و امپیر اطور اوستریا عایدشانرا بانعام خود مظهر بفرماید و موفقیت کامله عطا فرماید تا انتقام مارا از روس بگیرد. و آن دشمن حقیقی مارا نابود سازد. »

زنها در روس

سن پترسبورك ۱۲ اگست :- در پترسبورك بسبب سفر حرب در اکثر خانه‌ها و دیگر دوایر حکومتی که مردان برای جنك رفته اند زنهای آنها مقرر شده اند.

تلفات در عارضهٔ مولهوز

رومه ۱۲ اگست :- در محاربهٔ (مولهوز) یازده هزار تلفات از طرفین حاصل شده است. تعداد اسرا بیشمار مجروحین کافی نیامده است. در محاربهٔ ویحاربهٔ (لاکارد) بیر از مجروحها غیر ۲۵۹۳ عسایر الزفرانسیسها بدست المانها درامده طوپ و تفنگ زیاده غیر ازین وسی عراده های غله وخوراك وجه خانه باز اشغال کرده اند.

مدافعهٔ زنان در لیژ

کوپنهاك ۱۲ اگست :- وقتیکه لشکر المان لیژ را بریکهای بمبارده سازی ایکه مجبور شدند زنهائیکه در آن خانها کار میکردند آنهای دایم الخضرا در سطلها پر کرده بعسکر المان از بالا ریخته و به این صورت قاریك خودرا محافظه کردند.

روسیه و بلغار ستان

برلین ۱۳ اگست :- حکومت روس حکومت بلغار را رهنمایی و نصیحت میکند که بامرب یکی شده به اوستریا و المان اعلان حرب کند. ولی بلغار ستان این تکلیف روس را رد کرده است.

عثمانیانی که در برلین اند

برلین ۱۳ اگست :- ثبهٔ عثمانی که در برلین میباشند بدیا نامهٔ تلر کرده اند که در آن بیانامه از احسیات دوستانهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 896 of 1786

خود بالمانها بجنگ رانده‌اند . و برای ادامهٔ زخیرهٔ مقدار بسیاری پسه هم بصلیب احمر داده‌اند .

غلبهٔ المان

مونیخ ۱۳ اکتبر : — درمیدان حرب جنوب غربی بحاره که بوقوع آمده در حالیکه شهزاده (باویر را) برهبر خود موجود بود بردشمن تعرض نموده یك مقدار ازعسکر دراطون فرانس را کاملاً مجبور پریشان نمود .

وحشیگری روسها

برلین ۱۳ اکتبر : — روسها سفارتخانهٔ المان راکه درپترسبورك بود خراب وتاراج کردند . حکایه‌کهیئت سفارت المان ازپترسبورك میرامد موسیو (فانه ر) کاپیتان مأمور خود شانرا کاپیتان پرمرد بسیار عجزی بود واز مدت سی ساله در سفارتخانه خدمت کرده‌بود روزهالها گذاشته بودند . یك جوقیری ازوحشیان اهالی شهرپترسبورك برسفارتخانه هجوم بردند و آن پرمرد بیچاره را بحال بسیار خجلی بقتل رسانیدند و سفارتخانه را آتش زده بخاك یکسان کردند . حکومت هیچ اقدامی درمنع اهالی نکرد . معلوم شد که حکومت روس هنوز درراه مدنیت وانسانیت خیلی پس مانده‌اند .

مظفریت موانیوز

برلین ۱۴ اکتبر : امپراطور گیلیوم بمقام مظفریت (موانیوز) پسرافسر کل اردو های المان این تلگراف ذیل را فرستاده است : — « بلطف وعنایتی که جناب حق الی الیوم درخ خرموده حمد وثنا میکنم . ازین مظفریت تحسینی که درفرانسیسا احراز کرده‌اید بنا وعسکرهای قهرمان خود تبریك میکنم . بهمه عسکرهایی که درپنجاره اشتراك ورزیده‌اند تحلوظیت حکمداری مرابنام ومن تبلیغ بکنید . »

کامیابیهای اردوی استرا

وینه ۱۴ اکتبر : — عسکرهای موانیسای دشمن راکه درپیش روی شان بود عقب نشانده ازمنطقه های مختلف بخاك صربستان داخل شده‌اند . تابهان وقت عسکرهای ما درجه حرکتهای خود شان کامیاب آمده‌اند . موقع (شاباچ) درید ضبط عسکر های ماست .

عصیان دراوده سا

اخبار (استاندارد) که درلندن نشر میشود بموجب خبریکه ازاوده سا مملکت روس گرفته میشود که دراوده سا مردمان بحال عصیانند . وباعوامی حکومت درباب عسکرشدن کوش نمیدهند . حکومت روس شهر وجیرانها را بعسکری داخل میکند ولت وکوب کرده بسیار را قتل میکند .

ترکیه

ناظر داخلیه طلعت بیك ورئیس مجلس مبعوثان خلیل بیك برای بعضی مذاکرات در (بکرش) بولایت رومانیا رفته‌اند . اخبارهای استانبول نسبت قتل‌کاه هیجودرا کوچك کرده‌اند

اسلاوهای غرب

وینه ۱۴ اکتبر : — یکی ازاخبارهای غربی روس مینویسد : — « زاروس همهٔ اسلاوها رو غرب دعوت میکند . اسلاو اسلاوی غرب این دعوت زار را بکمال حرت روبکند چراکه زار مملکت یك اعارهٔ وحشیانه وخائنانه میباشد . زار درحرکت خود تابه درجهٔ تنزل کرده که حاجه قاتیارا درعهده کرده‌است وباین‌صورت در نظر همهٔ کائنات نام روسیا رانگذار کرده‌است لهذا درین مجادلهٔ عظما برای اسلاوهای غرب که فکر تمدنیاً بار بار از زار روس مایز میباشند مقدس ترین وظیفه ها همین است که این لکهٔ سیاه بدنامی زاك زار دامن عالم روس کثافت پاك سازند . و برای انکار بهروطیمیتر ازین چیزی نیست که طرفداری اهل مردی را بکنیم که مدنیت وحریت مارا مدافعه میکنند .

طوپهائیکه المانها اغتنام کرده اند

برلین ۱۴ اکتبر : — طوپهای صحرائی کهالمانها (موانیوز) از فرانسیسا ضبط کرده‌اند ۵ « استراتورك » نمل داده اند . اهالی شهر مد لوریشتهوفن طپانچه‌سوروطرب فوق‌العاده دراسدند طوپها را درپیش روی سرای امپراطوری نهادند . وطوپهائیکه از روس ضبط کرده اند درسوق دایرهٔ سر افسر گل در « آلانتان » تشهیر کردند .

فرارهای صرب

بوداپشت ۱۴ اکتبر : — بسیاری ازعسکرها وافسر های صرب که ازجنك فرار نموده اند از حدود بلغار مرور نموده دربلغارستان پی آیند . حکومت بلغار السلطهٔ شانرا گرفته اند . درصربستان یك هیجان عمومی دراست . اهالی ملکهای توکرفتهٔ صرب همه کی ازعسکرشدن انکار کرده‌اند . وبکوچه‌ها فرار میکنند هم میگویند که هین وقتست که خودرا ازظلم حکومت صرب خلاص کنیم

(ترکیا ، بلغار ، رومانیا ، یونان)

اخبارهائیکه بدان روز آمده از لازم بودن عقد اتفاق درمابین ترکیا ، بلغارستان ، رومانیا ، یونان بحث میرانند . ومیگویند که رجال سیاسیهٔ این دولتها درباب همچنین یك عقد اتفاق کوشش دارند . زیرا درخفایق این احوال امروزه روز حاصل شدن اینچنین یك اتفاق واضاق فایده های زیادی دربر دارد .

(مشکلات واختلال درمقداس ودیکر ممالك روس)

از مکتوبها ومسافرانی که از جهت قفقازیه می آید معلوم میشود که درانطرفها روز روز دایرهٔ اختلال مردم روسیا وسعت میکرد . از جهای آخرش که رسیده پل بسیار مهم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 897 of 1786

وسیسی که رنهر (فرس) میباشد ، وهمین پل زیر فشار را بایران ربط داده است ازطرف اشغال کنندگان ربوده شده است . عسکرهای روس بیمهٔ اسلحه وتجهیزات خود از اشغال کنندگان گرجه خانهٔ زکیا پناه گرین شده اند . جلوگیری این اختلال روز روز مشکل شده میرود . قیمت مأکولات وغیره نسبت بسابق بچهار مثل آن بالارفته . لنها درقفقاس یک در هرطرف ممالک روس اختلال ها وشورشها پرپاست . دراوده سادستکاها وانتقام آن غرهٔ روسها درمیان آنشهادرسوختست ، یک کشتی " جنگی " روس به تف دریای " که خود شان گفتند وبدد برخورده پاره پاره گردیده است . از غدر وخیانت کماندان روس عسکرشان بسیج قفقاز بسیار پریشان ودرحال طغیان میباشند . بعضی از افسران حربیه قتل میکنند که عسکرها اکثر بازسیبگرسنگی میگرزند . قزاقها جمعاً فرارمیکنند . واسپهای خود شانرا به دره رویه میفروشند . قزاقها از کمبودی ارزاق وصولت ومهابت عسکر آلمان قوهٔ معنویه خودشانرا سراسر خراب کرده اند . رئیس ارکانحرب روس درشهر « ویبورغ » درارزاق وتوالزمات خورا که عسکری خورده ورد بسیار غدارانه یکدرده است . وچون حکومت روس خبر شده میخواست که سزا برسانش خود کشی کرده است .

وعدهٔ رشوت سیاسی به ایتالیا

سوفیه ۱۵ اکتبر :— دولتهای اتلافی مثلث — یعنی روس، فرانسه ، انگلیز — به دولت ایتالیا وعدهٔ کرده اند که اگر بطرف قایم بماند تمام ملک ترنتینو یعنی الپلیه وتریسته وولایت چیارا بوخواهند بخشید . لنایا واوستریا بزحمت ویقین میدهند که اگر بامادرجنگ شریک شوی بمقابل آن ایالت ساووا ، ونیس قطعهٔ تونس، ویک قسم زرگ جزایر دانتوخواهیم بخشید . دولت عثمانی ، وروسانیا ، وبلغار نیز ازهر دوطرف همچنین وعده های رشوت سیاسی بعمل میآید . [بطرف رشوه بکدارد ها !...]

مردم انگلستان دربارهٔ این حرب چهامیگویند ؟

بشنوید ! !

دریکی از پیامنامه هائیکه درانگلستان دربارهٔ این حرب نشر شده است این سطرهای ذیل مندرجست :— « ماچرا برای خدمت روس جنگ بکنیم ؟ ما اگر بازروسیا متفق شده جنگ بکنیم ، برای ما گرشمن روس بر اوروپا خدمت کرده خواهیم بود . ماهمان مردی هستیم که برای منفعت روس درحارهٔ قریم یکباره چهل ملیون پوند انگلیزی صرف کرده ایم . روسیه یکدولتیست که تمامک مارا ومنافع مارا ازروی حقیقت تهدید میکند . روسیه یک حکومتیست که یکصد سنه پیشتر ازین هنوز مردمان صغیر ودر اوربان کوچه هاشانه تمام کرده اند . روسیه یک حکومتیست که دشمن افکار روشن ، وخصم یکانهٔ حقوق ومنافع انگلیز است . ماهان خونی را که المان ها درجنگ خود شان دارند درکهای خودداریم و، بحیثیکه آنها متحس هستند متحس هستیم . ماخیاید ۶۵ ملیون نفوس المانرا که درصنعت وتجارت وصنایع آزادانه پیش میروند ، بر ۱۷۵ ملیون نفوس امپروزون روس ترجیح بدهیم ، جنگی که بتاریخ‌داری" روس اجرانشود چنانست که برضد مدنیت اجرا میشود . »

(اسپرهای عسکر فرانس)

اسپرهای فرانس که بدست المانیا افتاده اند چونکه شان بطرز بسیار سفیلانه وخراب وابتر بوده است . قدم اعظم این اسپرها به السنه های طرز بسیار قدیم ملبس بوده اند . وبعضی ازانها موزه هم پانداشتند .

(فرارهای روس)

عدد فراریهای روس که ازایالیجا — یعنی کلیشیا — بخاک المان فرار کرده می آیند روز روز افزونی میکند . یک درید تاوت زرگ روس در آبهای فنلاند از نامانی کپتان آن درگل پته ماتده غرق شده است .

(روسیا شکست میخورند)

برلن ۱۹ اکتبر :— محاربه هائیکه درزویک (زاوسه) بوقوع آمده است به هزیمت کامل روسیا نتیجه پیدا کرده است . عساکر روس بحال بسیار پراکنده‌گی وسراسیمه‌گی گرخته اند . روسیا قبل ازانکه عساکرشان ازنهر بگذرند از ترس بسیار پل نهر « زمیریق » را رابنده اند . یک مفرزهٔ روس که بانطرف نهر مانده بودند کاملاً معو کرده شده است . ودیگر عسکرهای که خودرا بنهر انداخته به آب بازی میکردند یکان یکان نشانهٔ گلهٔ تفنگ شده ، وبعضی غرق شده اند . اسپر های بسیاری بدست المانها واستریها در آمده است .

(یک غلطفهمیهٔ المانها بروس)

برلن ۱۸ اکتبر :— درحدود رومیای شرقی در (استالوپین) تمام موقع یک محاربهٔ خونریزی درمابین عسکر المان وروس درگرفت . روسیا شکست فاحش خوردند . زیاده از (۳۰۰۰) اسپر وبیی طوپ ومترالیوز وبرقها بدست عساکر المان درامد . درزویک (بالا) تمام موقع یک کندک المان بحمایهٔ طوپهای خودشان پاک اندعسکر روس محاربه کردند . وروسیا بزور مجبور ساخته وبرده طوپ ازانها بدست آوردند .

(ازدوی ماتینگرو کاملاً منهزم)

سوفیه ۱۸ اکتبر :— از بحر وخشکه عساکر استریا بقدمت تمام ومانتینگرو هجوم برده وعساکر مانتینگرو را کاملاً منهزم وپریشان ساخته . وطوپهای شانرا خراب کرده اند . همه سواحل مانتینگرورا کشتیهای جنگی استریا زطوپ کرد خراب نموده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 898 of 1786

حال ـ روحیهٔ المانها

رایتر ۱۸ اگست : — موسیو « پیوشه رامون » نام خاص سویدنی مینویسد : — « هرگاه دورنگیها وزیان بارهایی که روسیه اظهار کرده است درزیر نظر دقت کرفته شود ، آنوقت سیمای یکانه‌ایرحمه قهرمانعالی که المانها بطرف روسیها وارد میورانند دانسته میشود . زار روسی در تلگرافنامه های مکرر « راجع خود که بناموس قول داده بود ایستادکی نکرده . ازین سبب این حربی که المانها بطرف روس اجرا میکنند آنرا یك حرب مقدس ومشروعی میشمارند . بعقاین موسیو (پیوشه رامون) از انتظام عسکری المان زبان ستایش بحث کرده مینویسد : — « حقیقتاً اینطور خیلی خارق العاده یك چیزیست . در روی هر فردی ازافراد عساکرالمان که سوی میدان جاره میکنند علایم سرور دیده میشود . وزارو وچنان مسرت . چنان شادمانی که گویا یك جشن در حشای میرود . ضبط وربط . انتظام وانظام درجهٔ مکمل که انسان حرکات شاذرا چنان کل میکند که یك ماشین متحرکیست . درچنین حالت روحیه یك عده یا یك توانکر هیچ فرق ندیدم . مقدار مثبتمان هرانقدر که افزون گردد ، آرزوی جنانه کردن با آنها در المانها هانقدر بیشتر میشود . هر فردی ازافراد المان بچان یك قناعت تامی دارند که حق بطرف دولت المانست . وچه ازین سبب یك اعتماد قوی وحتمی توشمان بدوش وقتان بدست پیدا میشود . در هیچکس اکر نگاهی دیده نمیشود . درهر طرف یك سکوت واوقاری پدیدار است . الحق که المانها یك ملت بزرکیست . اینکه در تاریخ بلو شان ثبت وذکر است که المانها درچنین زمان ازچندجهه بدرجه‌ئتمن محصور میشوند ، ودرهر طرف که رخ میآورند باقدامکاریهای عریانه‌ئتجاوز شان می آید . »

المان ـ ژاپان

رایتر ۱۸ اگست : — « موسیقه مارنوع » تاجاخبار المان درباب اولیما نوی کزارش چالمان داده چنین مینویسد : « تجاوزیه که با ان بوقوع پیاوند اکرچه مقدار دشمنان مارا تزئید میکند ولی اینچنین سائقه درطرز جریان وقایع حربیهٔ میدان اوروپا هیچ تأثیری نمیکند . مأمور یکانه نتیجهٔ نهایه خارجی خواهد بود که دورهٔ حرب اوروپا جریان میکند . یك اعلان حرب زیادتر برانهارا بوجبوریت الدیشناك نمیسازد . برعلیه کردن اردوهای خود اعتمادشان واعتماد لایتزلزل دارند . اردو های مانند ازانکه در اوروپا احراز مظفریت کردند حرهای دروغ وساختکی که دشمنان ما انشاء میکنند زیروزو خواهند شد . وانها همخواهند دانست که المانها چیست و کیست . »

پیانات مهمهٔ سفیر امریکا

رایتر ۱۹ اگست : — هیرد اخبار (ریاسه زنا نیلات) ناموسیو ویلسن) که قبل ازین در پاریس ازطرف حکومت امریکا سفیر بود یك ملاقاتی کرده از زبان سفیر مذکور در باب اتیلوم زاین این بیانات ذیل را خبر کرده است : — هیچ شبهه نیست که حکومت متحدهٔ امریکا این تبدل جدیدی را که در احوال وحصول آمده بانك اعتنای مخصوصی تعقیب خواهد کرد . حکومتهای زاپان وروس اکرحضور المان درقضای شرق تزئید قوت وشوکت کند حکومت متحدهٔ امریکا ازین قوت وشوکت آنها هیچ منعی ندارد . »

بیطرفی بلژیك را که خلل رسانید !

اقدام آن مهمه

وینه ۱۹ اگست : — « سیر ادوارد کرمی » بیان کرده است که المانیا چون بیطرفی بلژیك را خلل رسانید از انجهت الکلستان بزعم خود کرده که به المانیا اعلان حرب بکند . حال آنکه بحقیقت چون نظر شود انچنین نیست : درسنهٔ ۱۹۰۵ که لارد (لانسدون) ناظر خارجیهٔ انکلیس ، وموسیو (دلکاسه) ناظرخارجیهٔ فرانس بود یك معاهدهٔ اتفاقیه ومطاوعهٔ عسکریه در مابین دولتین انکلتر وفرانس عقد کردیده بود که حکم متاکلتر بموجب آن معاهده درمیان کرده بود که برای هجوم کردن برالمانیا دولت انکلتر خودرا بمعونت فرانس بخاطر بلژیك میدارد وبهاتفاق فرانس ازحدود بلژیك بالمانیا هجوم کند . پس معلومشد که حکومت انکلتر هنوز پیش ازده سال برای هجوم برالمانیا حاضر و آماده بوده حال رسانیدن بیطرفی بلژیك را خودش در عهده کرده است . موقوفیت اینقاعدهٔ کرچه را المانیا درهر وقت به اثبات کردن حاضر و آماده میباشد . »

بیطرفی ایتالیا

رایتر ۱۹ اگست : — اخبار « نه فوه دوری » اعتراف میکند که فرانس هرقدرسعی وکوشش کرد که ایتالیارا ازبیطرفی بکرداند وطرف خود بیاورد کامیاب نشد .

توامه پرانس بسیار کم

رایتر ۱۹ اگست : — توامهٔ پرانس بسیار کم میبود ، قوت نیکولایسارا بصورت فوق العاده در مقابله عسکری داخل نشده است .

زخمی شدن پرانس صرب

وینه ۱۹ اگست : — (پرانس آوزرف) ولیعهد پادشاه صرب یکی ازمحل ازمر خود زخمی شده است .

انزلاق اسوج بحرب

روما ۱۹ اگست : — حکومت « اسوج » — یعنی سویدن میخواهد که ازبیطرفی راضیه بالا تیا خلق شود .

وضعیت رومانیا

رایتر ۱۹ اگست : — حکومت رومانیا قرار داده است که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 899 of 1786

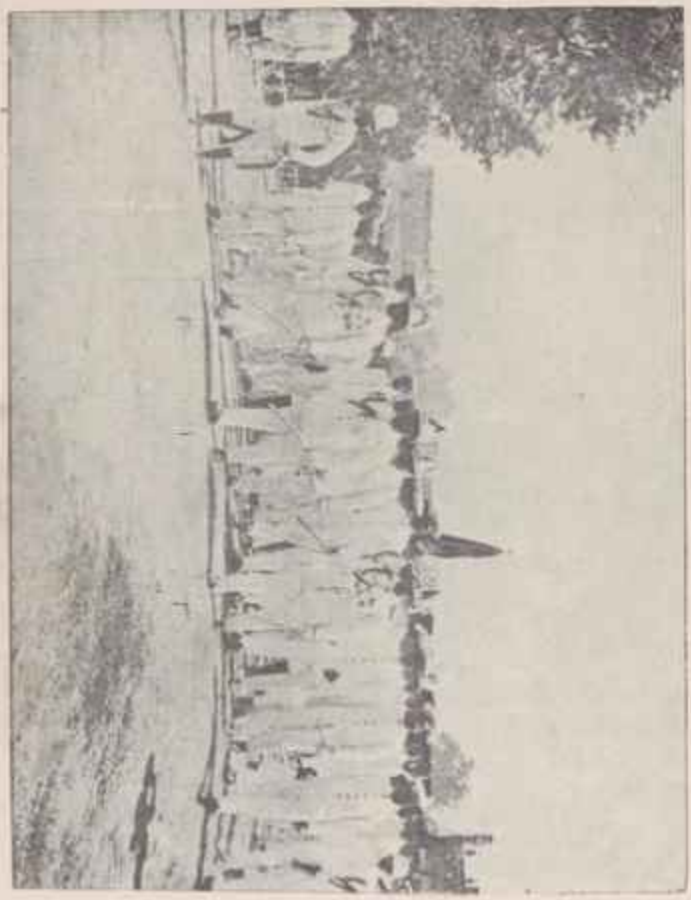

ازمناظر مراسم دربار عید سعید فطر

دات شوکتمآب اعلیحضرت پادشاهی بارگاه‌سعیت شاهانه شان بمغازگاه داخل میشوند
۱ ـ ذات اعلیحضرت ـ ۲ ـ نایب‌السلطنه سردار عبدالله خان ـ ۳ سپهسالار سردار عنایت‌الله خان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 900 of 1786

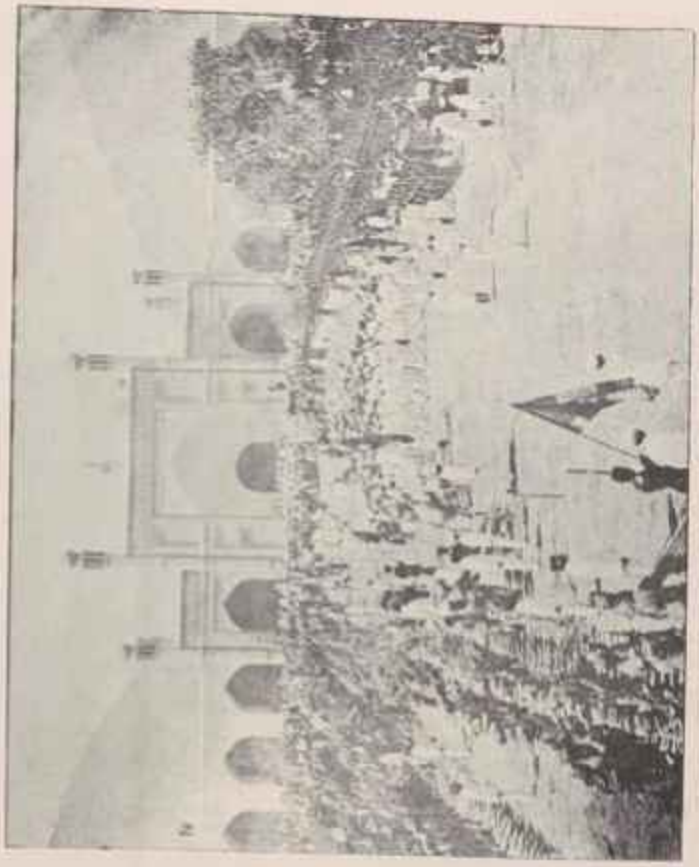

ازمناظر دربار عید سعید فطر

بعد از ادای نماز عودت ذات اعلیحضرت پادشاهی از نماز گاه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 901 of 1786

اگر روس تواند از اراضی عثمانی بگذرد بقوت سلاح مانع روسیا شود. (موسیو هنریه سلو) کلارتی سیاسی روسیا میداند در این باطن مداخلهٔ آلمان شایان تعلیمات یک ملاقاتی کرده است.

کامپانیا بر حربهٔ آلمان

رلن ۲۰ اکت :— « اسٹاندرد » و « استرالیسوند » نوشته اند که وازورتان در طرف جنوبی خرطوم پیش رفته اند. گردون ازوراند اسپورت در تعاقب سواحل انگلیزه تا بحر الجبل انگلیز تصادف نموده پل آنها را حرق کرده است. گردون ازوراند استرالیسوند نیز فرستادهٔ میباشد. دوری یکچند کشتی حربیه دولت انگلیز رادیده و آنها گله باری کرده و دو عدد کشتی طوربید انگلیزی را غرق کرده است. یکی از دو تای قابل سوختان عرضه است که در آنها دو سواحل آلمان هیچ آدمی از کشتیهای دشمن پیدا نیست.

ترکیه — انگلیز

خبرهای انگلیزی که دروز رسیده دردنیای ملت عثمانی یک حرکهٔ بسیار عمیق وجود آورده دوره اتحاد اسلامیت را تر کی حاصل کرده است. خبرهای مذکور عبارتاز ضبط کردن (بغداد عثمان) و (رشادیه) دو کشتیهای جنگی ترکیه دلالت دارد که یک عده های کشتی باری انگلستان ساخته شده بود و انگلیز آنرا در بوقت ضبط نمود. اخبار های استانبول این عمل انگلیز را شکایت رانده میگوید: که این دزد یها دولت ها درحق حیات ملفینه دار بود. ملوانها و ملاحان مسلمه هستند ها، زنها، دختر های خود دارا فروخته. حتی یدگارها وزوجات اجداد خودرا داده، وهیئی وسیلهٔ خودرا پیدا کرده آن دزد یکوتها را خریده بودیم. مقصد ما خریدن آن این بود که برای سلامت خود آنها را یک گله مقصد نداریم. درحقیقت که سبب به آن فتاح بودیم انگلستان آنها را غصب نمود. دلایل آن وعدوو عید هیچ نبود. اگر حکومت انگلستان میخواهد که مارا صلح و وقار اسلامیت را دلشاد کردانم کشتیهای مارا بمالک ما تسلیم بکند. عدالت دوری دوستی انگلیز را آنوقت تسلیم خواهیم کرد که همین دو کشتیهای مارا بما تسلیم کنند و در جنگ انتظار داریم.

عید در گت آلمانها

فرانسیا میگوید — آلمانهادر پی شان میدوند

از وقتیکه محاربه آغاز کرده آلمان در همه جا کامیابی بسوی آلمان دیده میشود. درطرف شرق اوستروا وآلمان پی آنکه روس را بکشند از حدودش به این سو رانده خودشان درحدات روس داخلشده کارستانها میکنند. صرب وماتیگرو را اوستریلیان کرده بلگاریا آلمان زوورز کرده تیا درقاعهٔ (آوه رس) — یعنی

ایتوریه تصرف ساخت. علی الخصوص محاربت بسیار شاه از (جج) — یعنی جنگ — که دروز وقوع آمده و تعلقات کل فرانسیا منحرشده یک عدد زرگ برای آلمانها وعثمانلی ظهور بود.

عدهٔ بسیار شاهان آلمان

رلن ۲۲ اکت :— درمایه سلسلهٔ کوهستان (وژ) وشیر (ج) بعضت قوت اردوی فرانسی عساکر های بادارآلمان محاربهٔ بسیار شدید و خونزاد کرده فرانسی صبورت بسیار ریشانی و زیان سمه گی شکست فاحش یافت. عسکر آلمان تعقب آنهارا قطع کرده بکشت. دهزارانسر و نقطه توپ بدست عسکر آلمان درآمد.

عساکر ایپر اطور آلمان

رلن ۲۲ اکت :— ایپر اطور گیوم برای دختر خود دروشس دورو تبریک و افتخار دیل عساکر گذیده است: « جانبازی عسکرهای هیرمان دلاور مرا بخدمتی وعیش دوران خود مظهر ساخت حظر فرمود. همافراد ملت بدیگر ای اردو دهای حرارتنگی کنند. وبه اینصورت وظیفهٔ شکرانی را ادا بیارند. جناب حق عساکر بیدوباک ملت آلمان خواهد بود.»

اعتراض مطبوعات انگلیز برین حرب

این را هر نشوید:

بلکه بیو زرنل اعضای قارهٔ عوام آلمان برین اعلان حربی که دولت برتانیا کرده نگاشتند روشت میکنند. اخبار (دیلی تیلیو) لندن چنین مینویسد: — « یک عادله که برای روس دراورو یک موقع مظفرانه و بلندی حاصل کند. هیچ شبهه نیست که برای انگلیزها نتیجه های مدهش وشکست آوری دارد. دولت انگلیز واجب است که بتواند کوشش ورزد تعدیت اوروپ درزر موده های جنس فرانسیا وجبال نشود. عادله که فعلیا بمقابل دوش اجرا میکند بلکحرب مدافعی میباشد. روس میخواست اطماع خودرا دراستامبول یک عرصه بکند. ازاروو انعلاوه که اینا تعهد بر (خود) منحصر بود آیا بشکل یک حرب اوروپ درآورد. حرب انگلستان علیالنیا مه راعلاق ومنعهدیک حرکیست. این طرز حرکت انگلستان بخریزوری انگلیزها بلفاعب بزرگ شمرده میشود. در بین یک کومیتی بزرگ تشکیل یافته است که مدعای این کومیته این است که بایدا دربارهٔ دی انتداد انگلیز جان حرب پروژ کاهدا کرده دایرهٔ این انتداد را محدود و کوتاه سازند. درمیان اعضای این کومیتی رئیس بلیرد باشد. و معتمد دولت سابقه وعلما و محرران موجود اند. این کومیته یک بیانامهٔ نشر کرده دراین بیانامه وشته اند که اگر دول متفقه درین حرب دانان و اوستریا غلبه کنند، حکومت روس برنظام اوروپ و آسیا ما که خواهد کرد. حال آنکه مضرتر و مدتر از این هیچ چیزی برای منافع ملت انگلیز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 902 of 1786

تصور نمیشود . پس واجب ولازم است که بهمه حال برای وقوع نیامدن چنین حال مانع بشویم. سپر « زون بورگ » کافیش ازین حرب ظاهر امور نافعهٔ دولت انکلیز بود . و طرفدار بیطرف ماندن انکلیز درین حرب بود وازانسبب استعفا کرده بود بملاحظهٔ نوشته دران بیان کرده که حکومت انکلیز به آمیختن این حرب خود را بیک تهلکهٔ عظیمی معروض کرده و در نتیجه انکلیز ، عالم انکلیز بمشکلات بسیار مهم اجنبای دوچار خواهند شد .

« سراج الاخبار افغانیه »

در شمارهٔ دوم سال چارم خودمان یک اجمال سیاسی نوشته دران بیان کرده بودیم که سیر ادوار کرهٔ در باب ائتلاف باروس بخطای عظیمی رخورده است . حالانکه دروقت نوشتن ان اجمال ازین حوادث مافوق هنوز هیچ آگاهی نداشتیم . مگر ظن وتخمین خودما نیز با افکار مردمان انگلستان مطابق بوده است . بازهم میگوئیم که هنوز وقت است اگر در اوروپا این خطا تصحیح نتواند . باری از جهت آسیا بواسطهٔ دولت افغانستان اگر در تصحیح آن بکوشد . هیچ نباشد در بارهٔ محافظهٔ منافع هندستان خود از دست برد آن سیلاب نایکدرجه حرکت مانعانه کرده خواهد بود . . . .

تفصیلات مظفریت میچ

که آنرا در اخبارهای اردو « منهز » مینویسد

راپورتیست که از طرف ارکان حربیه عمومیه المان در باب محاربهٔ میچ تنظیم یافته است

فرانسیسها ، پس که خودشانرا درمحاذ راست خود زیاده تر بقوت فرض وتخمین کرده بودند ، به امید اینکه ازجهت جنوب (السای) برالمانها مظفریت مهم حاصل خواهند کرد بحرکت هجوم حمله آوردند . خط هجوم فرانسیسها حوالی (ساربورغ - مورکین) بود . قوای عسکریهٔ شان زیاده ازهشت فوج اردو بود . [هشت فوج اردو تقریباً پنج یک لشکر میشود] دراوایل حرب پس که قوت فرانس امدت بقوت المان پیشتر بود قوای عسکریهٔ فرانس نایکدرجه پیش آمده توانستند . اما در ۲۰ اگست المانها دفعة بوضیت هجوم درآمده فرانسیسها باجرای حرکات دفاعی مجبور شدند . فرانسیسها برای خط مدافعهٔ خود از « شاتوسالین » تابه پای (ووژ) موقعهارا انتخاب کرده بودند که این موقعها بسبب کوهسار بودن شان خیلی منافع طبیعیه را حائز بود . المانها بر فرانسیسها ازجهت (استراسبورغ) یک هجوم جبهه اجراآوردند . برای تطبیق واجرای این هجوم باقتحام کردن مشکلات وموانع بیشماری مجبوریت دستداده است . زیرا میدان حرب بسی که از اراضیٔ سنگلاخ کوهستان متشکل بود برای سوق واستعمال طوپهای بزرگ مساعد نبود . اما در نتیجهٔ سعیها وکوششهای جانسپارانهٔ مردانه که صرف کردیه مظفریت به اردوی المان توجه نمود . اولاً جناح راست اردوی فرانس شکست خورد عساکر المان بشدت تمام وجهدهای میدانی انجام تطیب نمود . وچون این تطیب تهلکهٔ قطع کردن خطرجعت اردوهای فرانس را در برداشت در ۲۱ اگست همهٔ اردوهای موجودهٔ فرانس پیاپی حال بسیار بی ترتیبی وبی انتظامی قرار نمودند انحراب بدرجهٔ صولت وهیبت آوردند که در میان محاربهای اردوی المان کمتر نظیر آنرا ثبت وقید کرده است امثال آن کمتر دیده میشود . درجهٔ شدت وصولت عساکر المانرا ازین قیاس باید کرد که فراز گشته وزخمی شانده هزار نفر عساکر فرانس اسیر گرفته . دیگر اینکه اینچنین محاربهای زدوکشیدن کمابیشتر عساکر فراوان از طرفین دست و گریبان شود . لااقل چندروز برای نتیجهٔ قطعیه آن لازم است حال آنکه محاربهٔ میدان « میچ » در ظرف پنجروزه نتیجهٔ قطعیه واصل گردید کامثال اینچنین حرب خیلی کمتر وخیلی جالب حیرت یک کیفیتست . استحصال اینچنین یک نتیجهٔ جبهه بدوسبب حاصل شده است : یکی آنکه جناح راست فرانسیس ، ازطرف قوتهای المان به هجوم جبهه معروض ماندند . دوم آنکه فرانسیها از طوپهای زرگ آتشفشان جدید الاختراعی که المان مالک بود محروم بودند . احتمال کلی میرود که بلندامت این صولت دهشتناک المان قوهٔ معنویه فرانسیسهارا دوچار تزلزل کرده در محاربهای آینده نیز مقاومت نتوانند .

بیانات یکی از اخبارهای المان

هرطرف ماراندرو نمایی گوناگونی جلبیده بود . فرانسیسها عادت شانست که دایما خودشانرا درمیان خیالات کاذبه خواب میدهند . فرانسیها وانکلیزها ازبقدر دروغ بافیهای که در حق فتوحات وبهادریهای خودشان ، وکامیابیهای المان میکنند یک چیزی امیدوارند که آنهم افکارهای محکمتهای بیطرفرا سوی خودجلب کنند . ورالمانها بحرکت آرند . حالانکه کامیابیهای المان چیزی نیست که آنها آنرا پنهان کرده بتوانند .

مطالعات اخبارهای ایتالیا

جریدهٔ های ایتالیا بعدازانکه مظفریت عظیمهٔ اردوی المانرا در میچ اهمیت ومتانتی مینویسند ازجنرال « زوفره(۱) فرانسوی تحت بیان آورده میگویند که خط حرکت فتنه وبلائی که جنرال زوفر آنرا تعقیب کرده است هیچ ملجمه ومدمای آن فهمیده نمیشود که چیست . وبعد ازانکه سیگار در دهن کرفته در میان بشکرها کردش کند هیچ کاری از دستش نمیآید .

فرانسیها از هرطرف شکست میخورند .

برلین ۲٤ اگست :— تلگرفهاییکه از ارکان حربیهٔ عمومیه المان رسیده ازقرارذیل معلومات بیان میکند : « اردوی المان که در زیر قوماندهٔ ولیعهد (باویرا) بودشمن را مغلوب ساخته خط « توله ویل — بلامون — سرمی » را مرور کرده است . فول اردوی ۲۱ و المان امروز به (توله ویل (درآمد .

(۱) در اخبارهای اردو جنرال (جافری) مینویسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 903 of 1786

از تعقیب که عسکر آلمان برعکس اجرا میکند نتیجه‌های مهم وموفقیتهای کامله حاصل میشود ، جناح چپ آلمان که در سلسلهٔ (ووژ) در پیشرفتست تاحال مقدار کافی اسیر ویکصد وپنجاه طوپ از دشمن گرفته‌اند . اردوئی که درزیر فرمانده‌سر لشکر ولیعهد آلمانیاست امروز باستقامت « نومنوی » سرد است بطرف دشمن شتاب میورزد . اردوئی که در زیر فرمانده‌سر لشکر « دوک » آلبره خدود وورتمبرغ » از دوقول پیش میرود در حدود « سه مواء یک اردوی فرانسیس را کاملاً منهزم وپریشان کرده است . عسکرهای مادروقت حاضر بالطبع عسکرهای مغلوبشدهٔ دشمن شتاب دارند . بهزارها اسیر وصدها طوپ وبیرقها بدست عسکرما درآمده است . درمیان اسیرها متعددافسرای کثیرشمیرال رادارند نیزموجوداست . عسکرهای ما امروز درموقع « موزه » که درجهت غربی « نهر » موز » میباشد پیش میروند . عسکرما که برموقع « موزا » پیش میرفتند یک قوا رسالهٔ انگلیز را منهزم و پریشان ساخته گذشتند [یک قوا تقریباً دوفرقه عسکری دارد] . امضا : قوماندان قرارگاه عمومی : — مولتکه ثانی »

تفصیلات مغلوبیت فرانسیسها در (ووژ)

یکی ازآن کان‌های حربی‌برلین بیطرف مینویسد : — محاربهٔ « ووژ » یک محاربهٔ بزرگترین دنیاست . تقریباً پنج لک لشکرفرانس میخواستند که شهر « متج » را احاطه کرده براستر ازبورغ الموم نمایند . محاربه درداخل بخاه کیلومتر یک میدانی آغاز نموده رفته رفته تاصد کیلومتر یک ساحه را اشغال کرده است . درنتیجهٔ این محاربه که بمدتهاء روز متصلاً دوام نموده مکملترین ومتمادترین قشونهای اردوی فرانس بسوی خط استحکامات « تول اپنال » سرداست فرار نمودند . فرانسیسها امید میکردند که درانخطوط یک نقطهٔ استنادی خواهدیافت . محاربه فهمانیده که وجیوجب زمین ان اراضی بعساکر بسیار کوچک وزرک المانها معلوم ، ورای هروجب آنرا یک قشنه وبلای‌نجیب داشته . اردوی المان، فرانسیس ها را بلا آرام شب وروز تعقیب کرده ماجر وزبون ساخته . عسکر فرانس برای آنکه به آسانی گرفته نتواند تفکها ، یکی‌ها ، رچه های خودرا انداخته میگریخته . مواقع مهمهٔ که بدست فرانسیسها وبیکی دیگر ، سالمانها میدادند موقع بسیار مستحکم « ونون » یک قلعهٔ بسیار شدید المانها ضبط نموده‌اند .

طوپهای جدیدالاختراع المان

طوپهای جدیدالاختراع المان سلاحهای تخنیکی های جانسوز خود را برای دشمن فرستاده . بمقابل این سلاح هیچ کس جواب مقاومت داده نمیتواند . این سلاح مدهشهٔ توموجب هیجان داخل وخارج شده است . واقعیکه طرز ساخت وجنس وماهیت این سلاح مدهش بآخر درج بیان گرفته شده بود . حتی در داخل ملت خود المان نیز بسیار کم مردم ازین اختراع خبر دارشدند . کیفیت ساختن این طوپها ازخلی معمولان المان نیز پنهان گرفته شده بود . اینست که خبرهای اول این اختراع جدید درین محاربه اجرا گردید . ونتیجهٔ آن چنان دهشت انداز قلوب دشمنان گردید که فرار والله وحیرت دیگر چیز نبوا نسته . فکر اینقدر دلخودرا تسلی داده‌اند که تمام توپهای انداخته که المانها برای وحشیانه میکنند وگله های طوپهای شان تاثیر ندارد . چه تعجب افزای خنده آور آنها وقتیکه با تفنگهای دستی پر . بر مرمیان تفنگ چاقاق وسوته دست هجوم میبردند ، وتاکی از خود شان کشته شود صدی ازانهارا میکشتند کمی بعد آنها گفت که این کار وحشیانه است ؛ والحاصل اردوی المان بااین سلاح جدیدالاختراع مسلح ومجهز میباشد که عدد آنهم ازحد افزونست . غیر ازین طوپهای جدید الاختراع دیگر طوپهای (ها وان) ازاین اردوی المان ملاقات که هریکی ازآنها شش هزار کیلو انداخته میتوانند . این سلاح های مدهش المان ازروز جمعه بابطرف دراقق (نامور) واطراف آن در خاک فرانس ، ودر (لیژ) تابه بروکسل واطراف آن در خاک بلژیک وگوئیا از تخریبات میباشد این است که اردوی المان باین وسایط تاریخ خود درراست بسوی پاریس آماج درکام زدست که آنهم : (فتح وظفر) است . . . .

مسرتها وشادمانیها در برلین

برلین ۲٤ اکست : — خبرمظفریت اردوی المان که درزیر قومانده سر افسری ولیعهد بود امروز وقت پیشین از طرف جریده‌ها انتشر گردید . این‌خبر در اهالی برلین یک جوش وخروش سرور وشادمانی برپا نمود . یک روز پیشتر که جادهٔ مشهور « اونته رلینده ن » ودیگر جاهای مشهور بسبب خبر مظفریت متج ، بایرقها وچراغها آرایش وپرایش یافته بود امروز رسیدن این خبر مسرت‌آور زینه تزیین داده شد . ودیگرهرهر طرف شهر جاده ها وبازارها وسرایها بایرقهای المان و اوسترا وکلب وچراغها آرایش داده شد . درمیدان الیوهیگ مستله در حدود (اونته رلینده ن) جمع آمده بودند درجهٔ شوق وسرست خارج دایرهٔ تعریف است . دران اثنا خبرنامهٔ موتر ایپرا طوریکه برای عیدن زوجهٔ ولیعهد میگفتند اهالی اطراف فرابچرا کرده صداهای مبارکباد وزنده باد امپراطور سایندند و اطراف موتر ایپرا طوریکه را کرده مارشیاوخرانسرالتهای وطنپروراته ، ورقصهای مسرت آورانه اجرا کردند درهمین وقت عموم پیراطوریکه بزیمن قرار مسرتها وشادمانیها اجرا شده این مسرتهای وطنپرورانه روز بروز بشنیدن خبرهای فتح وفیروزی که پی‌هم میرسد افزونی گرفته میرود .

ایتالیا

درباب طیاره‌ای که باهم جنگ میکنند

جریدهٔ (توه فرایدنکر سه) درخصوص مقدار قوهٔ طیاره‌ای که بایکدیگر جنگ میکنند یک جدول ایتالیانیکی نشر کرده که ازان جدول معلوم میشود که الیوم (۷۶۲) طیاره ازنوع بمب انداز ویکدیگر خودشان بخوبترزی گرفته اند . جریدهٔ مذکوره درخصوص قوهٔ طیاره‌ای محارب ازقرار ذیل تفصیلات میدهد :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 904 of 1786

نام ملل	مقدار نفوس
آسترا - هارستان	۵۱٬۴۰۰٬۰۰۰
المانیا	۶۶٬۸۰۰٬۰۰۰
روس	۱۹۷٬۰۰۰٬۰۰۰
ریاستهای ورنا	۴۲۳٬۰۰۰٬۰۰۰
فرانس	۳۹٬۶۰۰٬۰۰۰
بلژیک	۷٬۴۰۰٬۰۰۰
صربستان	۴٬۵۰۰٬۰۰۰
مونتنگرو	۳۰۰٬۰۰۰
ژاپون	۴۵٬۰۰۰٬۰۰۰
	۸۰۵٬۰۰۰٬۰۰۰

از مستملکات هرداخل حساب نباشد . اگر جزء کوچکی از یک قطعهٔ روی زمین شامل است . زیرا هریک از دوایرهای ذیل قطعات المان ، روس ، فرانس انگلیز درهر پنج قطعهٔ دنیا رامی پوشانند و مالک میباشند . ازدیگر جهت چون ملاحظه کنید کدوامپای یکطرف هم دیگر که از دریاها خود شانرا خلاص ساخته باز میتوانند وارد جهان تجارت واقتصاد از روی حساب گردیده و بهمدیگر زمین ها هم پیوسته شده میباشند . لهذا از روی این حساب سطح تجارتی تمام اجزاء بصد میلیار د ۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ۱۰۰ ، فرانک میرسد که دوکاریخ مالی کاملا اینچنین یک مسئلهٔ اقتصادی بزرگ ثابت وفیصله نشده است .

* * *

اکنون است معلومات که تاحالا از غیر اخبارهای انگریزی ترجمه وترجیح نمودیم . اگرچه تاریخ های آخبار انگلیز تاریخ نشر اخبارها حساب میشود و گفته شده میشود ، مدت ازافتتاح نمودن زحمت ترعهٔ این حوادث یکی این است که آبدستی گفته ایم - گاهگاه تطبیق روایتهای جدید کرده شود . دیگر اینکه سلسلهٔ تاریخ اخبار عربی هم خورده زای تاریخ حرب عربی سرمایهٔ دست آورده شده باشد . [باقیدارد]

دالا پتاور

آخرین خبرها که درباره وقعهٔ بادواره رسیده

روس یک اعلانی شایع کرده است که در روسیای شرقی ، افواج تا بسیار قابل وجود دارد که آن عدد رضا گر جرمن حمله نتوانسته ، وازانجا آنست که یک فوج کافی در ولایهٔ « کیشیا » جمع کنید . وسبب حرکت عنیف جرمن اندیشیده دو که عساکر خصم افواج مارا احاطه کند لهذا سراسیمه مقاومت خودرا گذاشته عقب نشسته .

لندن :

به عدد طیاره های جرمن که دوساعت زیادتر بم اندازی کرده وخسارات زیاد بسیار را مسبب گردیده بمزاحمت مواجه ساخته و یکهزار نفر ازافواج انگلیس را مجروح نموده .

۱۹ بنور

افواج بحری جرمن براطراف شرق ، پتزی ورغ ، حمله نموده ۳ جهاز روس را گرفتار کرده بخود بردند .

لندن

کشتی های زیرنظر جرمن ۳ جهاز زرهٔ انگلیس را درنهر انگلستان غرق کردند . (۱) جهاز « آیو کیز » ۱۲۰۰۰ تن (۲) جهاز « کریسپر » ۱۲۰۰۰ تن (۳) « هوک » ۱۳۰۰۰ تن . درجهازهای فوق ۹ توپ ۹ انچه قطر و ۱۲ توپ ۶ انچه قطر و دیگر قسم توپ های خورد بسیار نصب بوده .

(کارستانی جهاز « لندن »)

در ۲۳ سنبلهٔ امسال خبر رسیده که « لندن » جهاز زرهپوش جرمن که بطرف مارگوسیا ، که نورا از خلیج بنگال بخود رسیده وقت ۹ شب گذشته قریب ساحل نودار گردیده باتوپ بمدافعه کلوله باری شروع کرد و این کلوله که ریزه انداخته در کمال تیزی و رها تیل میکنی ، افتاده که بعضی افغان آن کمال تیز متاثر شد و آهسته روشنی شد که گویی روز روشن است ودر وقتیکه « لندن » مرکلوله باری خود جمیع چراغهای خودرا روشن ساخته بود که از شدت روشنی آن غلاف های مدافعین فوراً فوراً برای کمان وضایعه های جهاز معلوم میشد . ودراکثر های جهاز مذکور یک شخصی است که در حالت امن پارها بازهنده ام جهاز گیی جرمن بدران آمده است کدارجمع ملاحان بندر مطلعاً واقف است وقت مصبود جهاز مذکور وقتی بود که تمام چراغهای شهر روشن ودریا بسر کها جاری واطراف مصروف کار بودند . پس ازانکه « لندن » کمال تیزی را برنداخته رخ توپ خود را جانب عمارت شهر بود داده آتش فشانی کلوله اندازی آغاز نهاد . عمارت اولی « بانک اوف رهاند » و پهلوی بانک اوف انجا « راسپیار خود و بیر بنکهای اقران بندر را هم عالی از نقصان کلیه بانکها شد . چون ازکلوله باری « لندن » کشتی جنگی جرمن در تمام عدراس خصوصاً در « خارج فورت » که بانک بازار زرناب بندر است انتشار یافت . تمام مردم زن و بچها ، مرد ، موتر سائیکلها و بایسکلها سوار شده وحتی پیاده باوجود رکرد نمودند . وازوقتیکه های بندر که اهالی وظیفه میکردند بی مقتول و مجروح گشتند . و هری بسیاری ازجهاز ، چوبره ، دم که درنوفت در بندر توقف داشت گلله وزخمی شده وصدمه جهاز بزرمیدان شد . « لندن » پس ازکلوله باری برشهر جنگی درنوع دوم کلوله های خود مخروه ساخت ولی ازخاموش ساختن چراغ قلعه که افسران داخل آن روی « آن کامپاین گردیده کلوله موم انداخته نتوانست ودون جهاز « چوزی » جهازهای دیگرهم دربندر موجود بودند مگر انها اکثر متحمل نقصان کلیه نگردیده اند ولی باز هم یکعدد نفر انگلیزهای کدر هرجهاز بود نشانه کلوله گردیده مقتول ومجروح گشته اند . تفصیل دیگر نقصانات تا حال تقرر شده بدون ۳ لک روپیه « رها تیل کمپنی » که معلوم شده است . این همگی نقصانات و کلوله باری درمیعاد چهارساعت ازطرف « لندن » واجرا یافت . پس از آن « لندن » جانب جنوب رفته قریب « بندچری » (مستعمرات فرانس درجنوب هند) نمودار شد مگر در انجا بی آنکه نظر خلایق را بخاب کارستانهای خود جلب نماید بکمال طرف جنوب روانه شده است .

درچاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

هر مقاله که بدستخط دارد از طرف مدیر و سر محرر نظر یافته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 905 of 1786

اعلان

سیاحت بدور دور کرهٔ زمین

جلد قیمه ها و تزیینها دارد از حیث خصوص
که آن سیاحت دکان بزرگ دوستی

به هشتاد روز

اجرا شود از طرف کمپانی این سیاحت
بازی الفاظ هرکه دارای خریداری کتاب

(سیاحت بدور دور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دو روپیه کابلی بقیمت کسی را صرف نماید این سیاحت را گوئا (فایاس فوگ) سی روز فقایش بکجا اجرا کرده خواهد بود از اهل خریداری این کتابخانه (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در نفس مطبعهٔ عنایت که در دماغهای است آنرا عبدالرؤف سرمحرر بر خریداری میتواند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در توتن با ادبای مشهور آفاقست . از فرانسوی بترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور نه تنها دارای یک دو نقش جغرافیا وجغرافیای رنگین را بر بطرز اضافه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات نیرانهٔ حواجت مطلقهٔ دولت علیه افغانستان جناب‌ملی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزور طبع آراسته شده است . این کتاب بایدرا زود بدست آرید و فرستدرا فوت مکنید که صفحهای آن روز تمام خواهد شد و افسوس فایدهٔ خواهد نمود .

این هیئه کتاب در دکان باز محمد در بازار ارک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی بقیمت دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع دماغهای آنرا عبدالرؤف سرمحرر مطبعه موصوفه بزخریداری میشود

اعلان

ازهر دهن سخنی وازهر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیرا هزده میرسانم . و واجب میدانم که این گنجینهٔ پر از جواهر آبدار . و این گلزار پر از ازهار یکنسخهٔ بست آورده ازهر دهن سخنی و هر چمن سمنی چیده .

در مطبعهٔ عنایت زور طبع آراسته گردید . قیمت ۲ روپیه

اعلان

سیاحت در جو هوا

یک اول فی نسبار غیب و غریبست که در مطبعهٔ عنایت بزور طبع آراسته شده و سیومین کتاب (کتبخانه مطبعهٔ عنایت) را شکیل داده ایهم از تألیفات (ژول ورن) فرانسویست که دوفی اول نویسنهٔ شهیر آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده ست قیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 906 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت ترسیدن اخبار مشترکین کرام دار السلطنه کابل خود رهائی و هم ممکن نشده لهذا باداره مرکزی دار السلطنة کابل بت مخابره نموده تا کماکان مقدار الله تقسیم و توزیع اخبار بدا که بهمه مشترکین کرام ما رسانده در عهدهٔ همت خود قبول نمود. مشترکین کرام دار السلطنة خود را متذکر وید آوری میکنیم که بعد از این اخبار هائی شان بدون واسطهٔ نمایندگی مرقوماً مرساً بواسطهٔ آدرس خود کماکان خواهد شان رسید.

اعلان

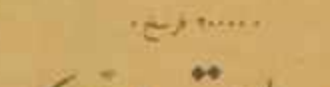

(از آثار مطبوعهٔ جدیدهٔ مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاقی، دینی، ادبی، یک اثریست که از احادیث شریفه و فقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یک گنجینه جواهری میباشد و در بروزها زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است در نفس مطبعهٔ عنایت از زاده عبدالرؤف خان سرمرتب و در بازار ارک از دکان باز محمد کتاب فروش و از دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی قیمت دوروپیه کابلی هر کس خریده میتواند.

اعلان

مصور

۲۰۰۰۰۰ فرسخ

سیاحت در زیر بحر

در حالیکه دو کرور در زیر بحر فرو رفتن موجب هلاکت شود آیا پیمودن فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد؟ هرگاه درین باب شبهه دارید در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰۰ فرسخ سیاحت در زیر بحر) سعی اشکاری نکرده قیمت و بیپاروریه کابلی از دکان فضل محمد عنایت، بازدکان باز محمد بازار ارک، بازدکان ملا غلام محمد از بازار متصل مدرسهٔ شاهی زودی خریداری کنید. و خوش خوانید. و اصلاً در آرا بدفن تلاش کنید کار شما خاتمه یافته که سیاحت در زیر دریاهای شور پیمودن ممکن، یا غیر ممکن است!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 907 of 1786

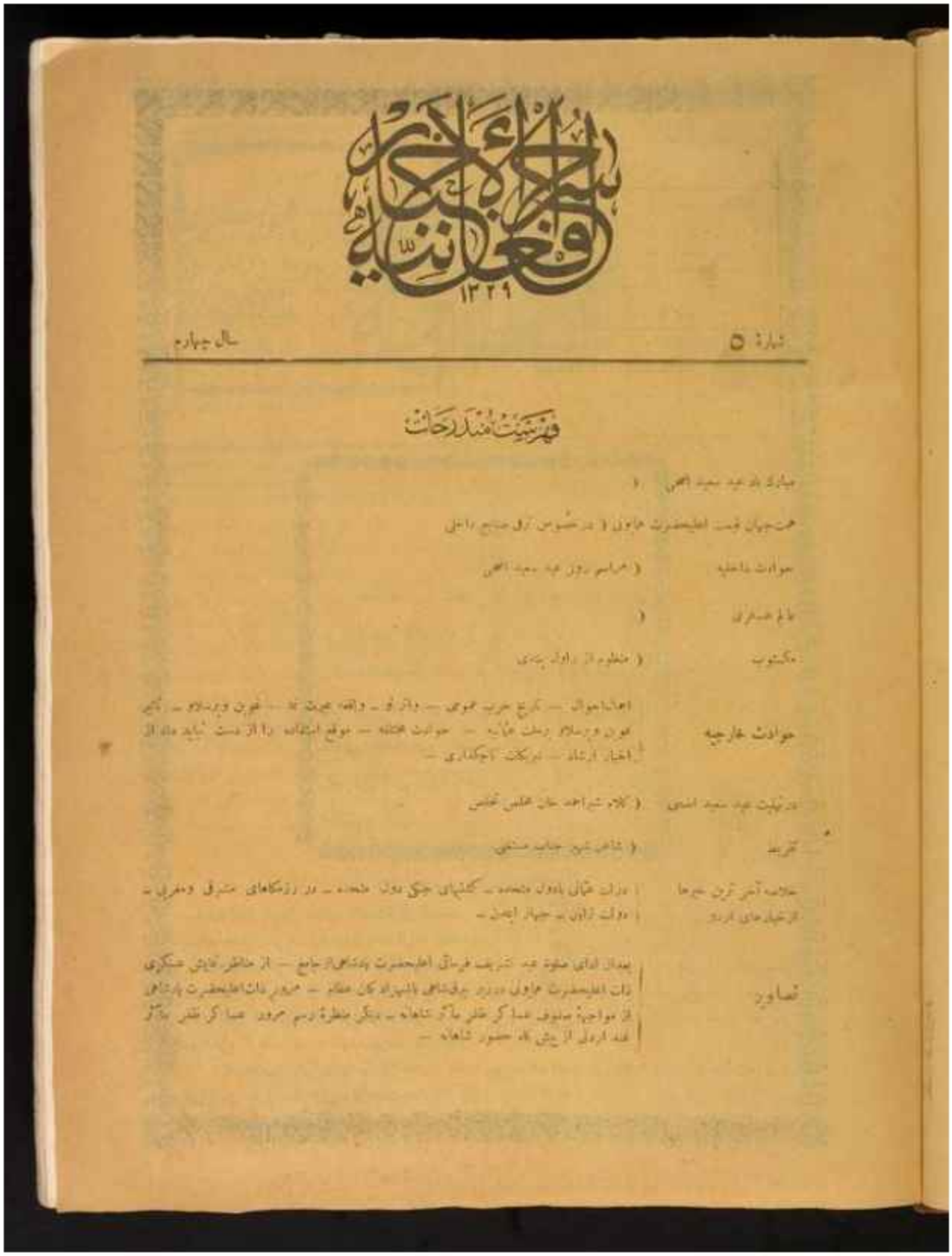

شمارهٔ ۵ سال چهارم

فهرست مندرجات

مبارک باد عید سعید اضحی (

محبوبان قلب اعلیحضرت همایون (در شئون ترقی صنایع داخل

حوادث داخله (مراسم روز عید سعید اضحی

باغ صفائی (

مکتوب (منظومه از راوا بهی

حوادث خارجه اعلانجوان — کرنج حزب عمومی — وارفو — واقعه بحریهٔ تا — فورن ورسلاو — کابینهٔ فورن ورسلاو ریشهٔ غائله — حوادث هلنده — موقع ایتالیه را از دست نباید داد از اخبار ارتداد — تبریکات تاجگذاری —

در نهایت عید سعید اضحی (کلام شیراحمد خان خلص تخلص

تقریظ (بقلم نامور جناب منشی

خلاصهٔ آخرین خبرها از اخبارهای اردو (دولت ژاپن به جهار انجمن —

تصاویر بعد از ادای صلوة عید تشریف فرمائی اعلیحضرت پادشاه از جامع — از ناظرین نمایش عسکری ذات اعلیحضرت همایون در برقناهی بالمپراد کان عکاس — مرور ذات اعلیحضرت پادشاه از مواجههٔ صفوف عساکر ظفر مآثر شاهانه — دیگر منظرهٔ رسم مرور عساکر ظفر مآثر بعد از ولی از پیش گاه حضور شاهانه —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 908 of 1786

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (طرز اعلامات) و (تابچه بید کرده) و (اجندهٔ) جلد گردیده در اداره برای فروش حاضر و میباشد . هرکسی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد از کرده مقدر خلص فاید

شرایط خریداری

دار السلطنه	ولایات داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیه کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هفت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

مرحله باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه [illegible] روپیه اداری قیمت ششماهه [illegible] روپیه انگلیزی

به بعده اشتراک قبول نمیشود

یک طلای وده انگلیزی بازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رفعهٔ کارداران اعلامی ومشکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود

اگر از یک جایگیر جاروجوپیدا نمیباید که پیاشر قصه در وسر محرر اخبر بدهند که من در فلان جا بوده وسال در فلان جا مرحوم اخبار مرا در انجا نرسید . هرگاه همچین یک رقعهٔ شان برای نمیاید واخبار شان برای شان نرسد حل شکایت را ندارند

(شرایط درج کردن اعلانها)

دوستداران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هردم اعلان واشتهار کنند باید از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمان اخبار از یکبار که پنج بار نشر وشایع شود درسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطریک قران یعنی ۲۰ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درمان ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۲۰ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطر ۲ شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ۱۰ (سه — پنج — چهار — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مکرراً یکساله نشر کردن خواهد ودو یک ساله را پیشکی ادا نماید ورق پانی در سر سطری سه اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 909 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۵)

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با افغانستان ۱۱ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با افغانستان ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

ماهنامه سیاسی مجرمی

محمود طرزی

اداره آن محل و مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه جاداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ذی الحجه سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگلیزی ٤ نومبر تاریخ شمسی ۱۲ عقرب ۱۲۹۳

سرایع الأخبار افغانیه عید سعید میامن پدید امتی را برجملهٔ مؤمنین ومؤمنات مبارکباد میگوید. وبه ترک این روز فیروز سعادت اندوز خیرها وسعادتها وترقیها وبختیاریهای حقانیت ناحیهٔ احمد یه وهمه دول اسلامیه راعموماً و دولت وملت افغانیه را خصوصاً ازباری که خالق یگانه کائنات تضرع ونیاز میکند آمین

همت جهانگیریت ذات اعلیحضرت پادشاهی

درخصوص ترقی صنایع داخلی

(مقدمه)

ازین یک هیچکس انکار کرده نمیتواند که ترقی صنایع داخلی مدار کلی ثروت وتوانگری وسعادت وبختیاری ملک وملت است ملتهائی که صنایع داخلی شان ترقی کرده غیر ازانکه حوایج ضروریه خود شانرا تمامتر کرده توانسته اند همچنانرا هم به آن صنایع خود تسطیح وهمسایه‌هارا هم بواسطهٔ محتاج بودن شان بمحصولات آن صنایع خود استیساخته‌اند. نمونهٔ عصر وزندهٔ این مسئله اوروپاست که بقوت صنایع واختراعات خودشان همه‌مارا بخود شان محتاج وخود شانرا محتاج الیه شناخته اند. وحق هم بدست دارند. چرا که ازوحشیان افریقا گرفته تابمایه‌تیان خیمه بدوش صحرا همهٔ تمام بشریت درهوقت حاضر بدرجات مختلفه محتاج محصولات صنایع آنها گردیده اند.

هیچ مملکت، وهیچ ملتی دردنیا تصور نمیشود که ازصنایع داخلی سراسر محروم باشند. وحتیان جنگلی، افریقا نیز سهم باقی، چیزی سازی، تیر وکمان سازی، فلاخن بافی وغیره وا

بلد دارند، اما چون عزوحرمان ندارند، وقوه تصور وترقی شان محدود است درترقی آن چیزها صرف همین توانسته همچنان خیال طبیعی ابتدائی ماندهاند. کدام مردم بادیه خیمه نشین پیدا میشود که احتیاجات مادی شان حیلی محدود ومحصور است غیر بعضی صنعت هایی که واقع حوایج ضروریه شان باشد درپی دیگر ترقی صنایع نیفتاده اند، بلکه تنها یک کمی بافندگی واکثر بجوئی، وماست وپنیروروغن وقروت سازی وامثال آنرا کشفاورزیده‌اند.

فکرایجاد واختراع درخصوص صنایع وترقی آن مخصوص بام (مدنیت) است. هرقدر که مدنیت ترقی کند احتیاجات بشریت هم بهمان نسبت افزونی میگیرد، وهرقدر که احتیاجات بیفزاید بهمان نسبت فکرایجاد صنایع میزاید، رفته رفته تجملات میاید، تجملات هم اختراعات رامیدان میدهد. ازین سبب یک ترقی برق آسایی درصنایع جلوه‌گرمیشود. پس هرملک وملتی که درمدنیت پیش رود، چنانچه همه چیزهایش ترقی میکند امور صنایعش نیز یوماً فیوم پیش میرود.

(ماشین دماغ انسان)

اعظم واکمل جمیع ماشینهائی که دردنیا موجود است همانا (ماشین دماغ) انسان است که صانع آن ووجود آورندهٔ آن ذات اقدس خلاق عظیم الشان است جل عظمته. مثلا چنان ماشینهای عظیمهٔ دونیائی چیم که مانند کشتیهای زرهپوش دریه ناوتهارا وجود میآورد کمحرک یکشهر سیار آهنین آنقدریست که درظرف یکدوساعت یکشهر بسیار بزرگ را باعث یکسان میسازد. چنان ماشینهای میبینیم که مانند زیپلینها، تهٔ وروپلانها طیارهای وجود می آورد که هزارها مترجو هوا بالا رفته برسا کنان روی زمین آنتاری میکند. چنان ماشینهای میبینیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 910 of 1786

که کشتیهای تحت البحر ـ آبدوز ـ را پیدا نکند وکارستانها میکند ، چنان ماشینهای میبینم که ماشینهای عظیمهٔ حراثان را میسازد که بتحریک یك سرانگشت صدها خروار خاك را لایمیکند چنان ماشینهای میبینم که آلات وادوات تکراف بی سیم وباسیم راوجود میآورد که خبرهای کره زمین را در لحظهٔ بسراسر غرب وشرق وازجنوب بشمال میرساند . ماشینهای می بینم که انجنهای بخار ریلها واپورها را بانقطار های آن میسازد که درحمل ونقل انسانها واشیاخدمت لنکها انسب راانجامی آورد . واخلاصل لنکها ازین گونه ماشینها وماشینخانه های بدنیا دیده وشنیده میشود ، که درپرتو صنعت واتقان آن انسانرا حیرت دست میدهد .

حالا اندیشه کنیم که آیا اینهمه ماشینهای بحیرالعقول از کدام کار خانه بظهور آمده است ! هیچ شبهه نیست که جواب این سوال را هرفرد ذی شعوری که باشد همین را خواهد داد که آن کارخانه ، ماشین صانع انسان ، است ! بلی ، بلی ! همین ماشین است که چون بخار های حیوان را درزیر تضییق وفشار درآورد چلیونها بدایع حیرت آور بروی کاربی آورد ! بحر ، بر ، کوه صحرا ، حیوان ، نبات ، جاد همگی درپیش قوت آن بخار پر اسرار سرتسلیم خم میکنند ، زمین ، همه ثروتهای پنهان و اشکار خودرا درپیش پایش ڤ انداز میدهد ، بحر ، جمله اسرار حسابای خودرا برونکار کرده درزیر چرخهای اختراعاتش سنهٔ خودرا فرش میسازد ، هوا ، بزجاج تلزوسلیم را درپیش توده های ماش وسیعوی درپواه های سریع السیر اوفرو می آرد .

همین ماشین بدیع التکوینست که چون بکبار بچهانی اسلام بخار دهشت کار خودرا بسوی امورات معظمهٔ سلطنت وسیاست ناب دهد چه جهانگیرها ، چه صاحبقرانها ، چه داهیه ها ، چه مؤسسها بمیان میکشد که دنیا هارا بلرزه میآرد . واخلاصل همانقدر بدایع وصنایع وعجایب وضرایبی که دردنیا دیده و شنیده میشود کارکاه مصنوعات آن همین ماشین بدایع صنایع است .

حالا باز بموضوع بحث خود رجوع نموده میبینم که :

(صنایع داخل چسان ترقی میکند ؟)

آیا ابزا کان خواهد کرد که اینهمه صنایع غیبه و غریبهٔ اوروپیان که امروز بروز چشمهارا خیره خشاند وعقلهارا بحیرت می اندازد از آغاز کار بهمین ترقی و رونق امروزیهٔ خود بوده باشد ؟ بلی ، بلی ! اینچنین نیست ! اوروپیان هم در اول امر کرباس بوش تهیدوش بودند ، رفته رفته کرباس را بسان کوره سان کورهرا بسان سپید وقدرا بکشمیره وساعوت تحویل دادند . اسباب یکانهٔ ترقی صنایع را درچند چیز می بینم : یکی ازانهای کاملهٔ پیشه وران ، یعنی دادن را بصنعتکران وپیشه وران تنك نکرفتن وحرکس را برای اجرای صنعتی آزاد گذاشتن . دوم ازطرف حکومت بتشویق ومکافات صنعتکران کوشش ورزیدن وهرگونه تسهیلات وآسایشانرا دادن . سوم ، عرصهٔ وسیعهٔ که ازطرف صنعتکران پیشه وران پش شود . وشدت احتیاج هم بآن باشد هانوقت ازطرف توانگران وسوداکران یك شرکتی تشکیل یافته ، وسرمایه برای پیشرفت ورواج آن وضع شده درترقی آن سعی وجهد بعمل آورند .

واخلاصل مانند این دیکر بسی اسبابها هست که موجب ترقی صنایع داخل میشود که چون ماشینهای صنعتها در انباب صرف دهن نباید ، وافکار ها باهم مصادمه کند خیلی وقتهای فواید ومنافع ازان برمیچید که موجب روشنائی تملکت کردد . جای هزار افسوس است که جوهر کرانبهای بخار ذی اقتدار این ماشین بدیع التکوین مقدس وچیزهای لایعنی غیرلایق آنهارا منظور کردند ....

(ضروری بودن ترقی صنایع داخل)

این محاربهٔ حاضره که معدن وسرچشمهٔ صنایع جلیهٔ ماشینی (اوروپ) دانابیع وون پارچه درآورده ، رهنمای واضح وروشن ساخت که ترقی دادن صنایع داخلی وطن ضروریا ازاهم لوازمات ضروریه میباشد ، زیرا این جنك خانه خرابیکارخانه های اکثر اشیا وصنایع اوروپارا که ماشین بآن احتیاج بودیم معطل نمود ، راه ها بستند ، داد وستد منقطع کردید ، بآن سبب نرخ آن اشیا برقی کرفت هوز که میساند که سراسر خلط ومقلوب هم نشود ! پس درحال فقدان آنها ماچه خواهیم کرد ! بایستی رهنه بنشینیم ، یا آنکه بکرباس وطن خود مبادرت کرده تن خود را بآن بپوشیم ، بلی ! چون بکبار در دایرهٔ سان کوره وسان سفید مقلب غیر روی مانده شود دکرچه چاره داریم که کرباس نپوشیم ! حالا آنکه اکردر زراعت پنبه ترقی ندهیم ، وکرباس باقی مقلب ماهم بهمین حال عطالت وتلاکتی سرمایهٔ وی اسیای بانده کرباس مابر نسبت باحتیاج تملکت کافی نیامده نیمچه بارچه بافتن منحر خواهند شد ! همچنانست ماکشمیره ها وسایر قماشهای اعلای که ازخارج خریداری کرده مدار ثروت مختصرانهٔ خویش وجود خود قرار داده ایم . چون بکبار حرمان ازان حاصل آید بالنتیجه بکشمیره های چار خانه وراهداروبرك وکرك تملکت خودمرش احتیاج خواهیم کرد پس اکر از حالا سوداکران و توانکران وطن ضرورما سرمایهٔ وافری جمع آورده درصدد ترقی واصلاح وفراوانی آنها کوشش ورزند بغیر منفعت هیچ ضرری نخواهند دید ازهمه ترمسلماً یکی خانه ، وشمع ، وقند ، وکاغذ وتنباکو وامثال آن کونه لوازمات ضروریهٔ میباشد که بهیچ صورت استغنا ازان ممکن نیست . آیا اکر خانه های انکلیز ها باومبه های آتش زن هوائی ، وکله های صدفی بحری وری باخاك یکسان کردیده مارا محروم عواطف خود سازد چه خواهیم کرد ! هیچ شبهه نیست که بمثیل شرشف ، وباشمهای جرموقی بخانه شصت سال پیش ازین خود محتاج خواهیم شد حالا آنکه تیل خانه وشمعهای کاوزی فرنکستان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 911 of 1786

از بسیار وقتهاست که ما را بخود مغرور ساخته در کفت و کار تخم شرشف وساختن شمع چرو سراسر ما را به اهمال و غفلت رهبری نموده است . تیل شرشف در قیمت ، از تیل خاک پا کم نمی آید ، شمع زیان چرو معدوم گردیده‌اند آیا چنین باید کرد ؟ هیچ شبه نیست که بتاریکی نشسته نمیتوانیم . ضرور یک چیزی باید کرد . اولا این را باید کرد که از صحیفهٔ کتاب ذهنها وفکرهای خود کلمهٔ « غیر ممکن » را محو و حک بکنیم ، زیرا از معتقدات ماست که کلمهٔ « غیر ممکن » بجز در تحریک بار نمائی جلو هیچ دیگر چیزی اخلاق نمیشود .

کائنات همه ممکنات است . پیدا شدن معدن تیل خاک یک چیز غیر ممکن شمرده نمیشود . درجهت های هرات ، و آب ایستاده موجود بودن این معدن بثوار شنیده شده است . اهل کار آنرا اگر کو وقفه لازمست آوردن واستفاده کردن غیر ممکن یک چیزی نیست . ولی این یکچیزیست که وقت محتاج است . دوکلمه در کفت وزراعت تخم شرشف ، واصلاح وترقی « مصدرها — یعنی جواز خاصها — ی آن کوشش ورزیدن لازماست . شمع زنی هیچ یک کار مشکلی نیست ، بجرأت تمام میکوئیم که اگر همان شمعهای چرولی بخاطر شصت سال پیش ازین ، از هاوقت تاحال در باب اصلاح وترقی آن یک تشویق وتحریک وجدوجهد جدی وحقیقی میشدهیچ شبهه نیست که از وقتهای وقت درجهٔ شمعهای خارجرا پیدا میکرد . فقد کابل ازقند اروپی در شیرخ چه‌اکم می آرد اگر مقصد سفیدی ، وراقی ، وزرگ آن باشد ممکن است کمیک کمی توجه وصرف همت حاصل آید . اساس شیشه سازی درولایت عزیزا میدولست . برای شناخته طبق شیشه ها در معمل — یعنی دستگاههای شیشه سازی کابل ساخته شده است . پس اگر در اصلاح وترقی ووسعت دادن آن معمل ها ، و تشویق و تحریص کارگران آن ووضع سرمایه وتشکیل شرکت سهی و غیره بکار برده شود — اگرچه بدرجهٔ بلورهای اعلای اوروپا نباشد — بازهم بدرجهٔ رفع احتیاج برای ازسی ودر وازه ها شیشه روی کار خواهد آمد . در خصوص کاغذ درینجا چیزی نمیکوئیم . زیرا چون قصور عدم و جود آنرا بخاطر می آریم حیات خودرا — یعنی زندگی سراج الاخبار افغانیه — را در تهلکه نمانده‌می‌بینیم . ازارو دست میزند . حواس ما اشرمیشود ، قلم ما میکرد ! درخصوص التفاته مقالهٔ مخصوصهٔ جداگانهٔ خواهیم نوشت .

والحاصل ترقی صنایع داخل بسیار ضرور ولازم واهم نمیزده میشود . این حرب عمومی اوروپا محرک درس عبرت ، ومحرک میدان استفاده وفرصت است . درس عبرت ازین است که امتهای صنایع آنها بدانند که اگر یک وقتی از اوقات ، بنابرک سببی ازاسباب هرگاه اموال واشیای محتاج ما ازاطراف ها نیاید چه خواهیم کرد ؟ میدان استفاده وفرصت اینست که چون درچنین وقتی که دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما اعلان بیطرفی فرموده و باهیچ طرف هیچ سروکاری ندارم ، ودیگران هرچنان خود گرفتارند هیچ نباشد چنان تدابیر باصلاح وترقی صنایع داخلی واتخاذات طریق زدن ضرور است ؛ روی سخن ما درخصوص ترقی صنایع داخلی بسوی توانگران ملت ماست گمانهارا برتشکیل شرکتها ووضع نمودن سرمایه‌ها دربابیکوشه کارهاتشویق میکنیم اگرچه بعضی کمپنیهای موجود خواهندبود گمان سخنان ما ازجهة خرافات وهزیان میپندارند ، وناشدنی میپندارند ، اگر وجدان شان کیفیت فهم کند ، ولی ضرور نیست شان از تنزل بقبول آن باز میکند ، البته باید بکند ! یک اخبار والا چیست که سخن او باشد !...

اما هزاران شکروشتای خلاق دانا وتوانای خودرا ازین همه روزان می آریم که افغانستانرا درزیر ظل عدایل مراحم دلیل جهان بادشاه رفیعجاه بیدار مغز باهوش مدنیت پروری مانند ذات شوکتسمات اعلیحضرت (سراجالملة والدین امیر حبیبالله خان) ادامالله دولته الی آخر الدوران منتجر ومراقی داشته کمجزوکار ترقی واصلاح وبیرق اشرشة تمدن وفلاح وطن و ملت شاهانهٔ شان ذکر چیزی نمی اندیشند ، و برغم بدخواهان ترقی وتمدن شب و روز در پیشرفت اصلاحات مدنیهٔ عصر حاضره همت جهانقیمت شاهانه را صرف میفرمایند . حالا یک نمونهٔ از :

(ترقی های صنایع داخل)

(درعصر فرخندهٔ حضرت مراحیه)

مختصراً بیان کنیم تا برهمگان معلوم گردد که این بادشاه ملتدوس خیوب القلوب واین پدر اشفقوه ترقی بخلوب افغانستان وافغانیان تابچه درجه سائی سیرها و سعادتهای ملک و ملت شاهانهٔ شان میباشند .

اندازه واکنون تاریخ که درعصر حاضره بدرجهٔ کان کندی برای حیات دولت لازم وضروری شده است ، درعصر ترقیعصر این بادشاه معظم افغانستانرا درخصوص ازاحتیاج خارج مستغنی ساخته ازماشین خانهٔ مهمات گا اسلحهسازی هرنوع تفنگها وطوپهای عصر حاضر را بدرجهٔ کافی حاضر واماده میسازد ، بارود سیاه بدرجهٔ اعلا اصلاح یافته ، بارود سفید تأمین شده ، مسالهٔ پاتی اصلاح تمامیافته ، هردو طوپهای مزالیوز آنفیلدان ، وطوپهای کوهی ومیدان داخلهٔ توانسته چه‌خانهٔ آن ازفرزون ، وفیوز وچه درکارخانهٔ اسلحهسازی کابل بدرجهٔ اوروپا ساخته میشود .

کارخانهٔ چرمگری اعلا زین وتها وموزه‌ها ودستکش وزین وبراق اسپ وغیره وغیرها ازچرم خود افغانستان خیلی مانند دارد و منتظر و ازانتظار ازخارج بوجود می آورد . ازدیگر چیزها صرفنظر نها ازفریک پشمینه بافی که امسال بنیاد یافته ، واز مدت سه‌ماهست که بکار آغاز کرده یکقدری بحث کردن میخواهیم :

دان اعلیحضرت بادشاهی چون کوه پشم فشانک ، وهمها رفتن آرا ملاحظه فرموده بنیادنهادن یکفابریک پشمینه بافی را برای استحضارات البته عسکریه الزم شمرده بتأسیس وبنیادفابریک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 912 of 1786

مذکور ازاده وفرمان نبودند . قبل ازهمه چه اسباب ورسای آن راکمیل‌یافته جنابعه درتیاره های‌سابق خودبیان کرده بودیم ذات شوکتمهات اعلیحضرت شهریاری رسم افتتاح آنرا اجرا ، و بدست مبارک هایونی ماشین آنرا تحریک و جالان نمودند . ومتعاقبا درحدیقهٔ بکار بماشینخانهٔ مبارکه تشریف فرموده خواه درباب‌این فابریک وخواه دربیکر خصوصات ترقی‌صنایع توجیهات جهانداریات هایونی‌را مصروف فرموده ومیفرمایند .

بکمال مسرت وافتخار شنیده ایم که ازوقتی کماشین پشمینه بافی بروی کار آمده است یعنی درظرف این سه ماه برای البسهٔ دوازده هزار عسکر قشانی حاضر کرده توانسته است که الحق شایان شکران وامتنان یك کامیابی تمیزده میشود . ازدرگاه ایزد متعال نیاز میکنیم که اعلیحضرت پادشاه مقدس ما را تاسالهای دراز ازیکه برای‌سلطنت سنیةالاسلامیهٔ افغانیه‌بدارد تادرسایهٔ ترقی روزبهای‌شاهانهٔ شان‌دولت‌وملت ووطن برخوردار گردد آمین .

حوادث داخلیه

مراسم روز عید سعید اضحی

هر چند تعریفات ارزانی وزرگ روز عید میان چند اضحی را روزجمعه نشان میدادند ولیکن دیده را ناقص گفته روزچهار شنبه را که حقیقتاً سابع ذیحجه بود بعرهٔ ذیحجه تحویل داده بودند . مگر دروقت شام شب موصوف رؤیت هلال تحقیق و پیوسته‌علاوه بران رعایت این قاعدهٔ معموله مجریه که درهرسال روز عید اضحی بلحاظ اداری « ایام الاسبوع » یاروز اول ماه رمضان رفیضان همان ساله ضرور موافق ومطابق میباشد ، نیز منظور بوده ازاروز روز عید سعید اضحی روز شنبه تصادف‌ور زیده ثابت گشت .

روز جمعه که « عرفه » بود وبه استقبال وطن عزیزما آنرا شب عید میگویند قریب غروب درحالیکه هرطرف شهرشهر عزیز مارا یك سرور وفرحت عمومی احتوا کرده بود ، به اقامت ۳۱ ضرب توپ خصم کوب خبرورود سعادت اندود مسرت بخود بود برههٔ اهالی اعلان وابلاغ گردید .

فردای آن که روز فرحت اندوز عید سعید میامن پیداضحی بود بساعت ۹ بقرار اعیاد سابق حاضری زمان برای ادای صلوة العید از طرف عموم گردیده ودرنتیجه درشب یك باران شدیدی باریده گل ولای مدهشی بعمل آورده بود لزارو بقرار اجازهٔ رسمی درداخل شهر نیز دربعضی مساجد مقدس‌وسیع نماز خوانده شد ولی باوجود آن اکثر اهالی درمسجد بزرگ عید گاه برای ادای صلوة حاضر شده قریب نصف‌احاطهٔ مسجدرا باهمه حصهٔ داخلی آن پر وملو ساخته بود .

بساعت ۱۰ ورود موکب سعادت موهب اعلیحضرت هایونی را به نماز گاه ، آواز دانواز « لارة ، سلامی » که از طرف موزیکهای عسکری یکمال هیبت وجد آورانه نواخته شد برحاضرین مسجد اشعار کرد وپس ازان صلوة‌العید باخطبه عربیهٔ مخصوصهٔ که از طرف امام قرائت شد ادا گردید .

بعد ازانکه صفی ازعساکر سوارهٔ ، میرانپورها ، و ، رکابیها ، که یونیفورمهای بس‌خوشنمائی ملبس بودند مقدمهٔ گذر نمودند ، ساعت ۱۱ بود که کوکبهٔ پدیدهٔ متنوع اعظم ومقدس ساعلیحضرت ، رایعالمقام والدین ، پادشاه بزرگ دولت خداداد افغانستان ، صاحبقران عن حوادث الزمان ، که درعرابه های بسیار خوصورت مخصوص روز عید ترتیب یافته بجانب گاه مبارکه سمت حرکت وا مجموعه پدیدار وآشکارگشته فرحت‌بخش عیون اولوالابصار گردید .

از مردم زیادی تماشائی یکه یکی از حرکت اعلیحضرت هایونی از خانگاه ، که از همیکر به بسیار سرعت واتساق در پیشدستی پیشدستی کرده برای دیدار چهرهٔ خطوت نثار تاجدار محبوب‌القلوب وپدر مهربان خودشان راطرف سرك احمد مقام توده جمع آمده بودند ، صداهای « سلام » که به آوازهای بسیار شوق آورانه که ازان حسیات محبت پروری صمیمانه درحق پادشاه‌مرام آکنده خودشان بخوبی مفهوم میگشت بهوش میرسید . ودرجنبش این آواز های « سلام » از طرف ذات اعلیحضرت نیز بجواب آن اکفا ورزیده میشد .

درین عید نیز حسب معمول سه روز پیشتر از طرف ایشیك آقاسیان مشکی وعلمای حضور هایونی اوراق تکت های رسمی این شمولیت دریافت درسلاخانهٔ عام ، درجمع خواینروعلمای عظام واهل مناصب ملکی وعسکری توزیع وتقسیم شده بود ، وبعد ازارتفاع نماز وحرامیت از عید گاه هرکس از شیرآمد خان مالی نیاز وعلما وحوانین وارباب مناصب به جاهای مناسب بر چوکیهای مخصص خودشان نشسته تشریف شوکت روبدات اعلیحضرت هایونی را انتظار میکشیدند .

بساعت ۱۱ ذات شوکتسمات پادشاه معظم دوران علیاحضرت از دروازهٔ جنوب غربی سلاخانه داخل شده پس ازانکه قیام احترام واستقبال عمومی از حاضرین بعمل آمد متمکن مسند عزو اجلال گردیده هر کدام باحوال پرسی واعطیات شاهانه ملتفر ومباهی ساخته ، وسپس رجوع حاضرین دربار اقسام شیرینی ها که درمیزهای بسیار خوشرنك مختلف‌الوان بنا شده بود توزیع گشت . درین اثنا ساعت بزرگ سلاخانه ساعت یك را نواخته وقریب شدن وقت طعامرا نشان داد ، پس ازفراغ‌ازطعام میوه های تازه از قسم انار وسیب وانگور شیرکاره ها بترتیب تقدیم شده ، واخیراً بساعت ۲ ذات ستوده صفات اعلیحضرت هایونی حاضرین را بمرحمت خلعت مرخص فرموده بعد ازانکه جمیع نفری سلام وآیین را بعرض رسانیدند دربار مسرت نثار عید سعید اضحی اختتام یافت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 913 of 1786

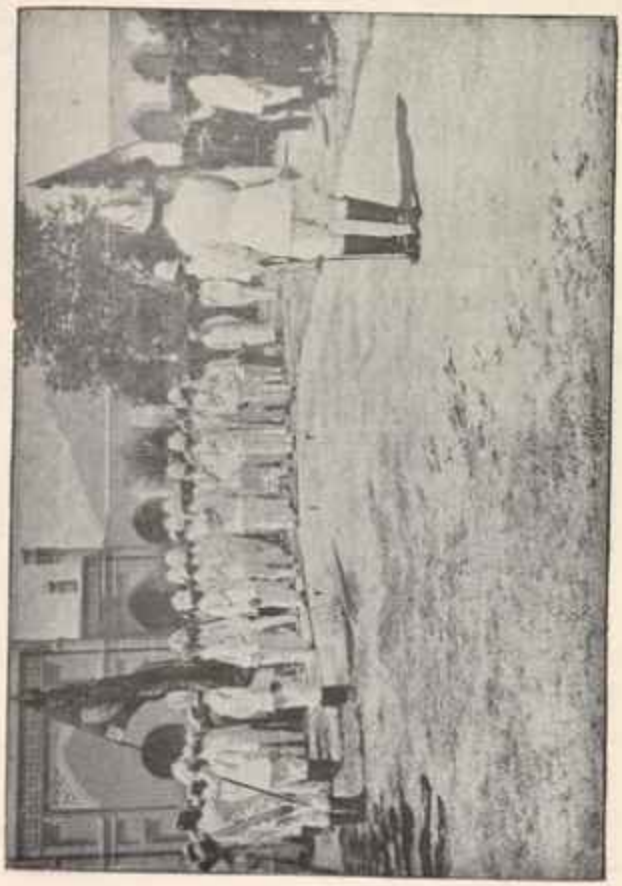

بعد از ادای صلوة عید

تشریف فرمائی ذات اعلیحضرت پادشاهی ارواحنا

۱ — ذات اعلیحضرت سراج الله والدین ۲ — فخامتمآب نائب السلطنه سردار نصرالله خان ۳ — شهزادهٔ معظم
معین السلطنه سردار عنایت الله خان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 914 of 1786

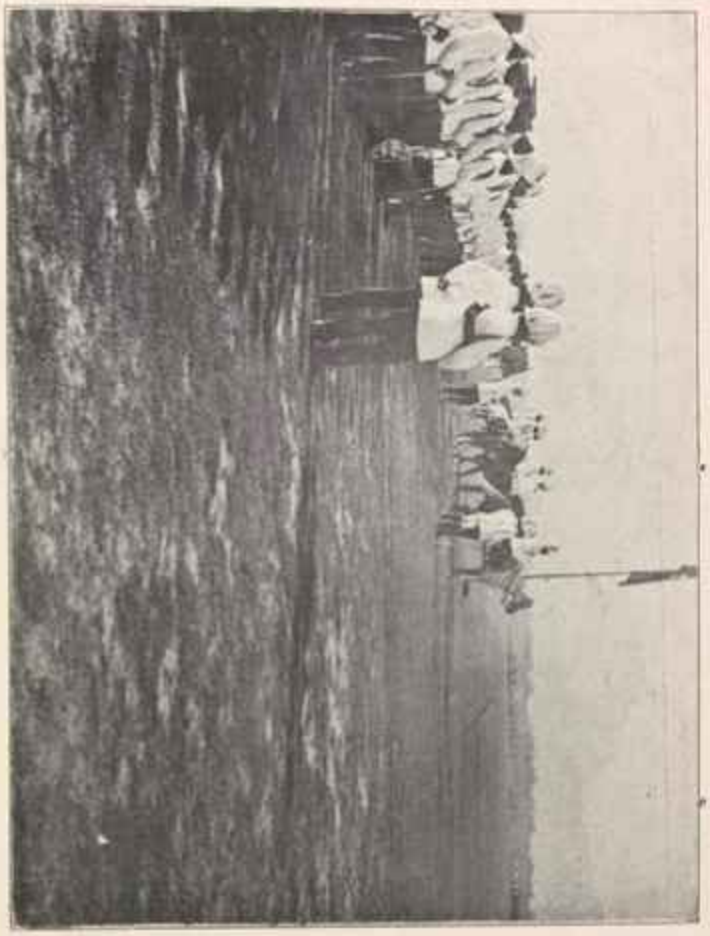

از مناظر نمایش عسکری

خان اعلیحضرت همایونی درزیر بیرق شاهی باشکوه کل عظام سواره ایستاده رسم مرور عساکر شاهانه را نظارت مینمایند
ارباب مناصب ملکی و عسکری درباری نیز درطرف صف بسته احترام ایستاده تماشای رسم مرور عساکر شاهانه را مینمایند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 915 of 1786

برادران نظامی" با دقت مطالعه کنند

درسالهای اول ، « سراج‌الاخبار افغانیه » از علم عسکری که گاهی بعضی‌جاهای مراد که مقصد عالمانه ازان محض استفادهٔ خوانندگان گرامی صنف نظامی" باشد ، ولی گاهی نخرد ، وعمده تشویق وتحریک بود بدون درنظر گرفتن ازان قصور ساخت . مثلاً آنکه از علم عسکری نحن زدن ومقالات عسکریه نوشتن برای سراج‌الاخبار افغانیه ضروری شمرده میشود ، زیرا اکثر مشترکین گرامی ما از صنف جلیلهٔ عسکریه میباشند ، وچون مقالات عسکریه را درصفحات سراج‌الاخبار افغانیه به بینند هم موجب استفادهٔ شان میشود ، وهم چون ازمسلک خوشنان سخن بشنوند یک شوق ورغبت افزونتری برای شان حاصل میشود .

اما مقالات عسکری را طبعاً عسکر باید بنویسد ، دراین که باب بحث عسکری را باز کردیم چون امید میکردیم که افسران باکمال نظامی" وطن عزیزما البته مقالات فنون عسکریه برای ما نوشته خواهندفرستاد ، ولی هم درج کرده ازعهدهٔ وظیفهٔ مبحث (علم عسکری) خواهیم برآمد . اما هزارافسوس که دراین مدت هیچ کس هیچ چیزی برای ما ننوشت . این است که دروقت این وظیفهٔ نوشتن مقالات عسکریه را بر دانشی" ارکان حربیه عزیزمحترم (خیرالدین خوسی) یک که معلم فنون حربیه درمکتب فیوضات مکتب حربیهٔ ، اعنی دارالسلطنهٔ کابل میباشند درعهده گرفتند .

این است کمتر ازین شماره بترجمهٔ یک مقالهٔ عسکریه" بسیار بلند مقدارایه ابتدا میورزیم . این مقاله چنانچه گفتیم بسیار بلند است ، وخصوص صنوف عالیهٔ ارکان حربیه است که سیاست دولیه یزدان مدنظر گرفته شده است ، امیدوارزین انشاءالله از هرقسم مقالات کافهٔ آسانتر ازین نحن خواهیم راند بعضی اصطلاحات فنی" عسکرجدا در قوسهای متعرضه گرفته شرح میدهیم ، ومن‌الله التوفیق .

(حکمیت)

(حاضر شدن دولتهای متحده)

برای جنگ

اردوهای دودول متحدبایکدیگر دشمن که ازروی قیمت عسکری یاعدد باهم مساوی باشند یابسیار باهم فرق داشته باشند

علم‌نیکی برویگرشان بهاین تمکن میشود که در خصوص حاضری" حربیه پیش قدمی بکند ، یعنی هرطرفی که بدار الحرکات در کم مدت ، بسیارتر قوت جمع‌آوری بتواند ، وبردشمن مقابل‌خود یک حربهٔ بیکباری فرودآرد طبعاً همانطرف میدانزا میرود .

[شرح :— مادرده « مدافعه‌لاح جلگک عزیزما اگر به عسکردران راتله هم یک لفظ" راه برگشتی را میکوئند ، اما در اصطلاح عسکری صرف اردوی عسکرورا میگویند ، « قعده عسکری» عبارت از علم ، زیبه خواندن دادن ، « دون" اسلحه ، نظام انتظام آمدن ، « دارالحرکات » جای حاضری وجمع وضبی را میگویند که عسکر دران جلوع میآید .]

سرعت — یعنی جنگ — در حاضر شدن حرب آغاز قدمها وضعهای دادن که کامل تفاوت وفرق عددی را بتلافی میکند ، یکدولت زرنگ و جسور ، دربک دار الحرکاتی که از تملک آن دولت بسیار دوربنداند ، سبب یکدولت کوچکی که دار الحرکات مذکور نزدیک باشد وزور عسکر جمع آوریه میتواند که باین حساب ، قوتهای دولت زرنگ‌دور ، باوار قوت دولت کوچک نزدیک میشود ، بامیعاد ازان میگردد ، چنانچه درحرب روس وژاپان شد .

[شرح : — مثلا دربحرب مذکور دارالحرکات قفقاز « منچوری » بود ، دولت روس کارزوداشت ژاپان جلی زگلزود ، یعنی کاملکنش جلی دور ، ازدار الحرکات واقعشده بود ، ودولت ژاپان که کوچک بود وملکتش دیگرد دارالحرکات بود ازاینرو دوزور عسکر دارالحرکات رسانیده توانسته بقوت دشمن قوت خود را زیاد کرده بوانست ، بلکه در « پورت آرتر » قوت روس ضعیف گردانید .]

حکومتهای کوچک . بایستی که دول معظمه‌همسایه وهمجوار باشند مسئلهٔ یکهٔ حیاتیهٔ شان این است که ، سرعت ، نام عنصر طبیعی را ، بجای افزون و بسیاری" عسکر قرار بسازند ، حاضری" حرب به آندرجه دور ازدیشه اجرا باید نشود که بعد ازاعلان حرب جنگ ، هرچیزی وهرکاری مانند ساعت منظماً جریان بکند .

معنی شرطهاییست که برای ظفر وغالبیت ازلوازم‌وغیرمفارق آن شمرده میشود : مثلا تعلیم وتربیهٔ بسیار مکمل ، مجهز ومسلح بودن بامه ، واسطه هائیکه امروزه روز فن حرب آورا بعالم عسکری بخشی واحسان نموده است ، مالک بودن وشبکه های خطهای راه آهن واتصال اینگونه چیزها ، اما غیر ازین چیزها که بیان شد ، یک قسم وظیفهٔ حاضریهای دیگری هم هست که هیئت عالیهٔ قوماندان به آن وظیفه مکلف میباشند .

[شرح : — « قوانین قوماندی » بیان‌ایست که بعدتی نداشته باشد ، « واسطه‌های قرحربیه » طوریا خاطها ودیگر هر نوع راه‌واسطهٔ برای جمعداد درمیدان دولتهای متحده به آن مسلح میباشند ، « کشتیهای هردم جان» وطیاره وبالون وانگرافها هم دران داخلند ، « هیئت قوماندانه افسرهای ارکان گماشته نزدیک به آنها رابیست ، « وظیفه » باصطلاح حاضریا دوام خواهیست ، اداره‌وظیفه‌وظیفه جان کاربیست گماشتان باگرد ازان شده ، وبه حال براجرای آن مکلف شده ، وظیفه‌اداره یا فرض معنی هم میگوئند .]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 916 of 1786

آیا آن وظیفه کدام است ؟ آن وظیفه این است که صورت مدافعهٔ تفنگ را در وقت حضر — در وقت صلح — اندیشه و تصور کنند .

[یعنی باید از اینک بیک آواز گفته ، گردنه دعوای ننگ ولای ، و گردن دشمن را از تفنگ ، ترپ و تنگ گرفته باشند .]

غایهٔ این اندیشه و تصور را ، لائحهٔ حرکات حربیه ، میگویند ، غرض ، شرطیکه اجرء آن وحدات آن فکل باشد ، چارین اصول ، مدافعه ، شمرده میشود . یعنی ، غرض ، یک ، مدافعه نیشکراه وعملاً به است . وه مدافعه ، یک مقاومت اضافکاره ایست که بقابل حربه اجرا شود . غرض الیها ، رهراش وروی ، ساعیه یک مدافعهٔ جدیه ، را دریر دارد .

[شرح : — ، لائحهٔ حرکات حربیه ، یک وثیقه است که یک صورد ورلیرداکا بدرات حرکات حربیه ، نظر آمده باشد پیش ازوقوع دشمن وقبول تماس با دشمن تحریر یابد . ، غرض ، عبارت ، قصد کردن ، قصد نمودن ، یعنی پیش اندیشی ، ، اول نقشه آماد کرده ، ، مدافعه ، عبارت از است ، دفع کردن ، رد کردن ، یعنی دشمن بیرون حدود خود کند آمده وهجوم رادیه کند وبگرداند ، ، مدافعهٔ متحمله یعنی حمله کردن که قصد وهجوم دشمن را دور کرده باشد .]

این لائحهٔ حربیهٔ که گفتیم ، چنان چیست که همه احوال را که باید آمر حرب حربان دکند یک گرامت کلمه مدافعه موضوع بحث کرده بتواند ، زیرا بعد از مصادمهٔ نخستینی که با قوای دشمن بشود ، نظر بجنبهٔ غیرمعلومهٔ که از احوال آن مصادمه وقوع می آید لائحهٔ مذکوره مشکل میشود . اما گسانیکه عسکر نباشند چنان گمان میکنند که اینچنین لائحهٔ ترتیب خواهد بود سلاکه اینچنین لائحه از امر اینکه تاحصادمهٔ نخستین با قوای دشمن وقوع مییابد ، وعلی الخصوص از جمیع نظر حرب اروپ بحث و بیان میکنند .

[شرح : — چون لائحهٔ حربیه که پیش ازوقوع مشکل حرب احوال دارد اکثر حرب حدوث میشود و آنرا قبل از هر کس بدارد هجوم دشمن که بعد از آن پیش آمدنست پیشگویی نمی کرده نمیتواند پس چنین آمر حرب یک احوال دیگری پیش میآرده ، وای ویشکو ، را که در لائحه نشده باشد بعمل نمیتواند آن از هم وبتدل لائحه ضرورتست که باید آمر بتواند احوال جز تصور اشکر وی را داخل نظر کرده میشود اینکه نظر بحال تفنگ وطیاره ای که مدنظر باشد مدخل میشود یعنی یک شکل معین دارد .

۱ — مدافعه در خصوص وضعیت سیاسیه .

۲ — حساب کردن قوتهای خود را ودشمن را بالعین مدتهای اجتماع .

۳ — معلوم کردن استعدادهای غرض دشمن .

۴ — ترتیبات مدافعه .

۵ — ترتیبات استقامتهای غرض دشمن ، اما شرطیکه مدافعه اختیار نشده مباشد زیرا درآن حالت مباشد و بترتیبات مدافعه .

این است که تحریراً برای این گونه چیزها لائحه — یعنی نقشه وبلان — ساخته میشود که هریکی ازان تفصیلات و درج و بسط

زیادی میخواهد ، واین لائحه یعنی پلان از ، از عسکره تمرده میشود ، افغا کنندگان این امراز به اعمام محکوم میشوند — یعنی حکم کنندرو اجرا میشود ، ناچارین اینرا بخاطر وجهات ساخر نیکدره که در غا بگوئیم که برای افغرستانی که درفوق مذکور کردید ، آیا چه رنگ لائحه وبلان برای افغانستان تنظیم کرده میشود ؟ مقصدما درغا اینست که درباب صورت تنظیم لائحه یک روشنی فکر حاصل شود . (باقی دارد)

حسام الدین حسینی

منظوم منتظم کابل — رسول پشه ی

ای هزارک همه همه فرخ پی و هرخنده پر
در حضور حضرت محمود این مکتوب بر
آن نکو عنصر که طرزش هست محمود و بسنه
در زمه نهیب آمده قوم خودرا راهبر
رهنمون ملت است و ناصح قوم خود است
روز وشب شب کنان اهل وطن را از خطر
مدح خواند رسلا وقصه ها گوید بران
شیوه اش نه مشکر هست ومدیح داد گر
کرورا محرم ان نشان اشتقاق میزید از آنکه
مرکب سا کی این مدعی لابه عنصر
مدعی هرچه گوید بعمل در آتش کنه
خواه انگشتمین باشد خواه باشد وبر
دشمنان دین وملت را بسزاء تاجگاه
از خلایکه شیرین است چون شیه وشکر
هاری میدان قرطاس است تیغ وقلم
یکقلم رد زبان خصمان هر خیره سر
طبرزدی سارا خدایا باقیت محمود باد
هر نهال آرزوی وی دهد شیرین ثمر
ای مکرمه قوم را کی رهنمونی با سراج
باچنین شمع هدایت قوم را شورا هنر
قوم را آنکه کی ازمن به پند سود مند
به که بوسند این پشه حرا باآب زر
از خدا یاری بخواه ای قوم و کی صبرو ثبات
ثبت اقدامی بکو یارسا شیوه سحر
زین بیان حتما وکلا شاعری مقصود چیست
مختصراه عرض دارم چند پشه عاجز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 917 of 1786

از ترقی های انسانی زمان آگاه شوند
نام شان در صفحهٔ تهذیب باشد نیز تر
جوشن شان باشد از تقوی سلاح پاک صلاح
تیغ شان باشد حب غیرت دین تیر
اتفاق رنج و راحت جمله شان را شیوه باد
همچو فرزندان دانیمان یک مادر پدر
توبه از سعی و جوزری و بارت کنند
را نعمه یاهی کردند چون شیوه شکر
دست حق کی در از ای قوم هر گونه کی
دامن چشم و طرب پر جدای بحر و بر
کاهلی را مطلقا یکباره چشمی پوش کی
تا شکیبی را تحمل کی اگر خواهی ثمر
روز کاری یکدران در محنت و رنج و تعب
آنچه میخواهی بدست آخر فراز آید ترا
ایها الانسان الا ما سعی را یاد کی
سعی کن تا مسند عزت ترا باشد مقر
سعی را مشکور فرماید خدا وند شکور
پیشه باشد هر آنکو سعی دارد بیشتر
شکر ایزد را بجا آرید کز لطف عمیم
مر شما را یار شد دین پناه و داد گر
کن سراج دین و ملت حق و والا مقام
عنکبوت قوم و ملت میهن و میهن ور
از تو همواره از همتش توان رسید
عجلهٔ شیر ژیان بر گوسفند و گور خر
قطع ز قافله نارت دست قطاع الطریق
هر مسافر میکند قطع منازل بیخطر
یا الهی اخبار اقبال او کامکار دار
تا که کیهان است بر اوج فلک شمس و قمر
دشمنانش را بود پستر ز خار و خسک
دوستان را همگنان از جانی آکنده پر
عمر مواج سیاهی در تلاطم آمده است
در فرنگستان هزاران تن جدا گشته ز سر
نیز اقبال اورپ راست هنگام افول
سعی کن تا پر سپهر مهتری یابی قمر
مشتعل شده آتش پیکار در هر چار سو
حق نگهدار تواد از فتنه و آشوب وشر
آسترا هنگری و جرمن و روسیه فرانس
بلجیم و انگلیس را آب بلا رفته ز سر
هر طرف در بحر در جو هوا طیاره ها
کرگس آسا جیفهٔ دنیای دون منه نظر
روس را با آن شکوه و شوکت و شانی که داشت
قافیه بی تاب گشته و در حل مانده است حر

رسیا دوش رعب جرمنان طاری شده است
بیشتر احمد گور لرزان آنچنان زار حقیر
آتش قهر خدا افتاد در انبار ها
صاحب خروار ها بودو کنون نادار خر
قوت لشکر شکسته و لشکری بی قوت شد
لاجرم گشت جفا را انچنان باشد ثمر
هرکه جو کارد همان حاصل کند وقت درو
کی بدست آید احکم الحاکمین از غیر و
منتقمیات خدا بداست و بطش وی شدید
اهل عصیان را کند در قلب بحر پر خطر
انفاق ملتی کوشا به تجهیز فراتس
بود نداشته همه جهت وی مانند
لشکرش را در مصاف جرمنان شد کارزار
گرچه انگلیس است یاری دارد و بیمه سپر
کیفر کردار خود را میرسد از عدل حق
هر جا کار ستمگر گی کذاب اشر
ازلی دنیای دون دین صنعی باشد
هر یکی منباع تخریب است و انبار شرر
گرفتاری بر رخت زد طاق از روی جفا
هست فرسا میهنا پیش کی روئی دگر
جبهه‌شان منحرف گشته ز فرمان صریح
عقصد شان بست جز خونریزی و ویرانگر
زار نالند حال زارو هیچ شد فریادرس
لشکر جرار جرمن کرده میدان ظفر
خون و ناموس مسلمانان گذارند بلجیک رحمت
این همه پیمان آن جورو جفا باشد مگر
آتش آو پیکار وارد صل شد بحبوحه
گشته در طیارههای جرمن آنچنان جلوه گر
این نصیب شان بدنیا از عذاب اخمر است
هست در عقبی مقرر بهر شان یک سقر
پای تخت زارند محصور شد کارش زبون
قصر وی از دست قیصر میشود زیروزبر
جنت دنیا که شهر خوبهای جرمن است
برجهایش گشته آکنون مورد رقم شرر
هرطرف باره بکردت گشته کوپه تخت
باجان دشمن که کوئی باره از آتش مطر
گشته‌اند جرمان جنگی صدهزار اندرهزار
صدهزاران طفل و دختر را زفن آسر بدر
صده هزاران صده جیبان پری تابان را
درفراق جانفشان زار گشته دیده تر
بازم میدان جنت اندو حسرت میدهند
توسه ها روبیدهٔ کریان شان وقت سفر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 918 of 1786

آن یکی رجیره‌ای آکار حسرت ظاهراست
پای و نومیدی نمایان است روی دگر
آکثری زین جور پای‌زده وطن فرموده‌اند
زانکه می‌بینند این فردوس خرد از خطر
رودل میدان رحمانی و حرمان ماری است
داغ فرقت یکطرف خوف اجل طرف دگر
صد هزاران غربهٔ بحر فنا کشته هنوز
نعرهٔ هل من مزید آید هر سوی سفر
مشکلست انشای نار جنت از روی قیاس
خیز تا پارب رود در زمرهٔ شیر مستر
از خدا از صدق دل خواهم که راوح عزیز
احتر اقبال شاه ما شود باز پیر فر
بر خوش بخت من ذات باری شاهد است
بست این اظهار لعو مدعا حقا دلیر
بست اندیشه بجز خیر همه‌ما کن جلد
جامه آن قومیکه دارد در حرا سان مظفر
من دما کون توام چیه در خلا چه پرملا
من بمی خواه توام هم درفنا هم درحضر
بستم افغان مکر زا بنای اسلام یکی
بر مهما می نحمی او زامت خیر البشر
از فضائل ازد سبحان دار الحرب هست
روز کاری از حیات مستعارم شد بسر
لحظهٔ مشتق جدا هرها که دیم مسلم است
هر کجا مسلم بود سلک بلا آید بسر
روهانم میر جنبو تی و دستم کوته است
من برآید آه آنشبار از جو تن چکر
لاجرم در دو سبی گشام دارم رود باک
مسکم پشه‌ی میال مولیم باشد گلسر

از اقم یکی از قارئین سراج الاخبار

۲۸ شوال سنه ۱۳۳۲

خوادث خارجیه

اجمال احوال

خلاصه از اخبار صبره

احوال حاضرهٔ حرب وقتال عمومی اوروپا را هر قدر که اجمال کنیم ، ومختصر وعجل بنازیم کیفیه رحمن قرار میکرد که فایه این کارخی که اجمال را مبدو ایم — یعنی کاشارع مرة بالطبیعه — هرچیزی که بینیوم فاج وهر وزی وقنه را بطرف جرمنیا میبینم . اوستریا الحق حرب وما میکرد وروس بمعاونت متفق خود جرمن بحوی میرایند ، یعنی اوستریا وجرمن بخاک روس داخل شده جنگ درخاک روس مشتعل است ، قشونهای لهستان روسی که بلاشک بسیار بزرگ روس بود ، وشهرها وآبادیها بسیار دارد ، ودر اوائل این مملکت آزاد ومستقل بود وروسیا درزمان حکومت ایمپراطور ریچه (کاترینا) حریت واستقلال آنها را پاک کرده بخاک روس الحاق نموده بودند درینوقت مرکز حرکات عسکریهٔ جرمن است ، از طرف بحر بالتیک نیز در هر کام کلیک کلیک ، دو کلیک جنگ روس را کشتیهای جنگ جرمن غرق میکنند یک بندر دو بندر شمارا نیز درزیر گلوله باری میکنند اسادروقت حاضر قشه وبلان جرمن درطرف شرق — یعنی بارروس وضعیت ذیلی را گرفته است ، وبهمینقدرا کتفا میورزد کاروس رانگذارد که از حدخود تجاوز نماید ، مقصدش این است که اول کار بلژیک وفرانس وانگلیزرا انجامداده بعداز آن بخاطر جمعی تمام کاروس رابسازد .

ازسببهای مذبله که درجیت غرب بقابل جرمن استاده بود یکی ازانها را که بلژیک باشد سراسر محو عظرش گردانیده شهرها وقلعه های بسیار مستحکم ، وآباد ، وتوانگر آنرا مانند لیژ — بلک — وبروکسل — برسار — وانورس — ایکورب واسانند ، وغیره را یکی دیگر ضبط وتسخیر نموده پادشاه ودارالحکومت بلژیک فرانس انتقایافت . ودراتحاقدرواقتدار پاپ که درملک ایتالیاست باقی ماند . تحریکوافوا کنندگان بلژیک بول متعددبود . بسیار افسوس است که هیچیک معاونت ومددکاری جدی وحقیق به آن بخاره نرسانیدند ، وبقتال جرمن تنهاماندند .

والحاصل مقصد فرانس وانگلیزدرباره بلژیک همینقدر بود که اورا تاوقت حاضری خودتان فدیه نجات خود بسازند ، وهمیساختند .

درخاک فرانس بقدر میا انتها هرچه چیزست معلوم ، اگرچه اخبار های متعددی یکان یکان از لزوفهای خفیف خود شان کاهی درقلب وکاهی درمیمنه ومیسره بجاهایست که ازصد کیلو متر بعید واقعه برگرده ولواج پاریس میباشد ، جای الحیرت وحسرت این است که باحال یکان کلیبانی وترق که هم میکردند ازین بود که همه اردوها وطوایفهای دهشت احتوای جرمن برای محاربه های خاک فرانس فارغ نبود ، زیرا یکقسمی ازطوایفها معطوف شکر شان در بلژیک مشغول بود ، وچون حال ازانطرف فارغ شده همه قوای شان به اینطرف متوجه شود بار جرمان خیلی مشکل خواهد شد !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 919 of 1786

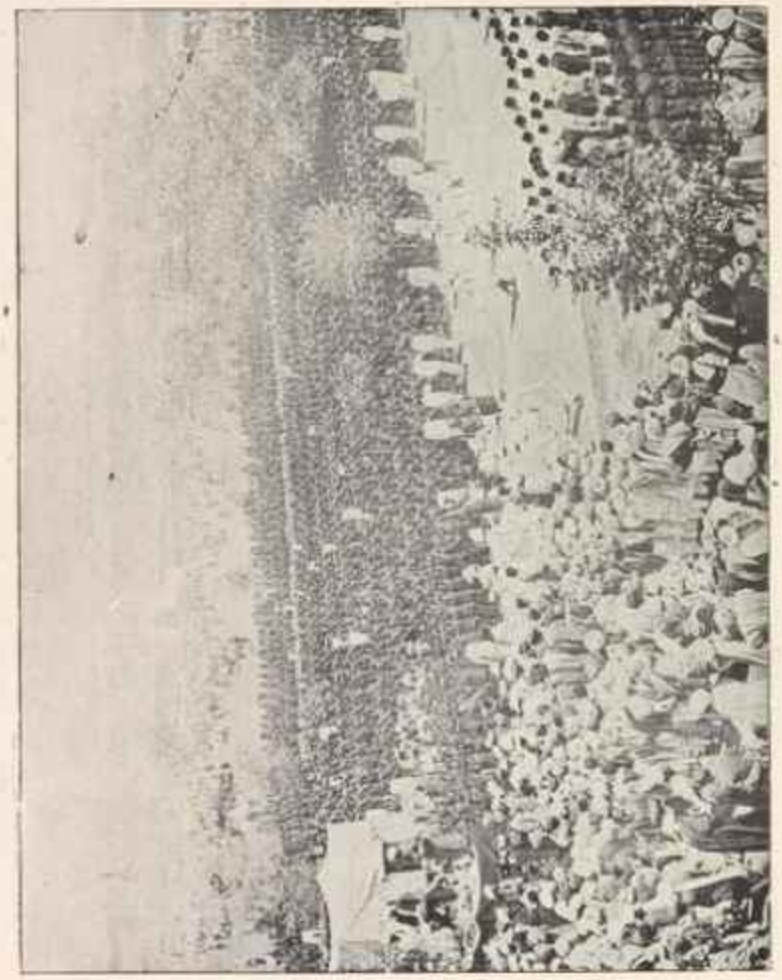

حضور ذات اعلیحضرت پادشاهی از مواجههٔ صفوف عساکر ظفرپیکر شاهانه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 920 of 1786

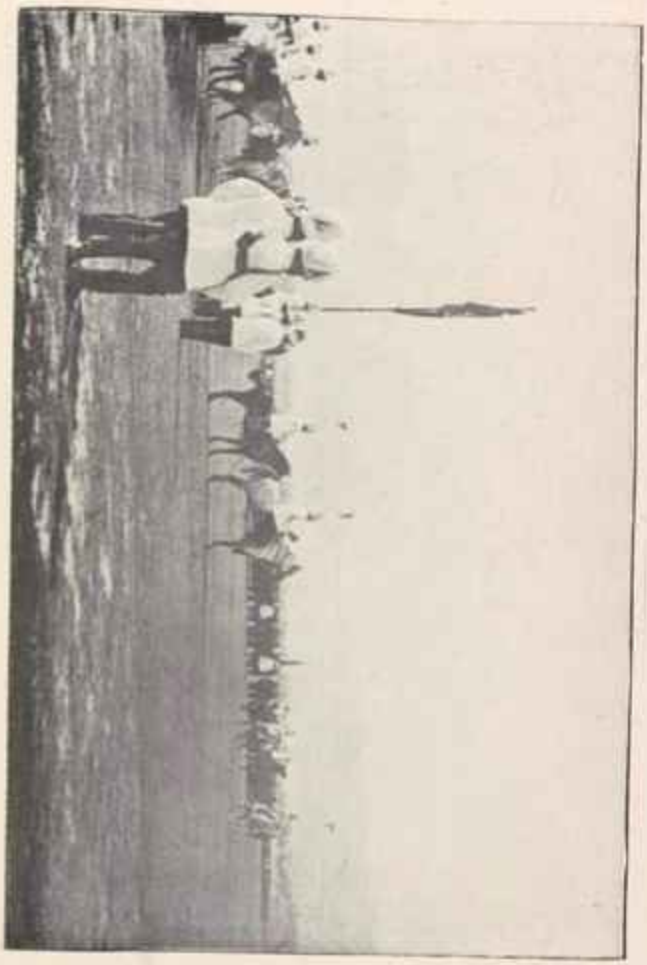

« دیگر مناظره »

رسم مرور عساکر ظفر مآثر قدم اولی از پشتکاه حضور شاهانه

۱ — زان اطلیحضرت ۲ — معین‌السلطنه ۳ — سپه سالار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 921 of 1786

تاریخ حرب عمومی

مابعد از شمارهٔ ٤

خبرهائیکه از اخبارهای ترکی وعربی ترجمه شده

در ظرف سه عصر اخیر چند محاربه

اوروپائیان کرده اند ؟

جریده صباح مینویسد

درین سه عصر اخیر — یعنی ازسنهٔ ۱۹۱۸ تا به این سنهٔ ۱۹۱٤ بشهزار وهفتصد ودوجنك وقوع آمده است . درازترین این محاربه‌ها ، محاربهٔ دولت عثمانی باحکومت « ونیزیك » است که ازسنهٔ ۱۶٤٤ تابسنهٔ ۱۶۶۹ دوام نموده است . این محاربه نام یافته وبحسال شمله افروز بوده است . کوتاه‌ترین تمام محاربه « شارل آلتین » است که بانوزده روز خاتمه پیدا کرده است . این محاربه نیز شش روز دوام ورزیده است . درظرف این سه عصر اخیر دولتی هفده بیشتر محاربه کرده است . مثلاً دولت فرانس بوده است که هزار وهفتاد بارجنك میکرده است . درین هزار هفتاد بار جنگهای خود پنجصد وهفتاد بار مظفر شده ، وبیار صدو نودوپنج بار مغلوب گردیده است . محاربه های فرانس درمیان همه محاربه هائیکه درین سه صد سال وقوع آمده ، نسبت شصت وچار را صدیکره . اوسترا درصدی چهل وهفت ، انگلیز درصدی بیست ، روس درصدی نوزده ، المان درصدی هفده . اسپانیا درصدی دانزده ، وترکیه درصدی دوازده نسبت را بهمهٔ محاربه های سه صد ساله میکرند . المان وانگلیز درصدی شصت وپنج مظفر ، ودر صدی چهل مغلوب شده اند . فرانس ازسنهٔ ۱۹۰۰ تاحال یازده دولت در نوابع مختلفه جنك کرده است . ونیز بانوزده وصدوشصت ودوبار جنگیده است . انگلیز یکصد وبیست بار ازفرانس شکست یافته است ، ویکصد وهفده وپنجبار غالب شده است . فرانس درمحاربه هائیکه باسپانیا کرده یکصدو نوزده بار مظفر ، وچهل وپنج بار مغلوب شده است . حالا از وقایع حربیه دوازده سده‌سالهٔ مرفوظر کرده انواعهمین نیم‌عصر اخیر یعنی درظرف هفتاد سال چون نظر کنیم یازده محاربه می بینیم که سوقیات عسکریهٔ آن ازاوروپا وقوع آمده است : — اول محاربهٔ کهدرسنهٔ ۱۸۷۶درسالونیك ترکیه وروس شده ، دوم محاربهٔ کهدرسنهٔ ۱۸۸۵ فرانس وتونکین اجرا کرده است ، سوم سوقیات عسکریهٔ کهدرسنهٔ ۱۸۹۵ فرانس در (مادا گاسکار) کرده ، چارم محاربهٔ فرانس باتونس که درسنهٔ ۱۸۸۱ وقوع آمده است ، پنجم محاربهٔ ترکیه ویونان کهدرسنهٔ ۱۸۹۶ اجرا شده ، ششم محاربهٔ ایتالیا وحبشستان که درسنهٔ ۱۸۹۷ وقوع آمده است ، هفتم محاربهٔ اسپانیا واهل یکا که درسنهٔ ۱۸۹۸ شده ، هشتم محاربهٔ انگلیز وترانسوال است که درسنهٔ ۱۸۹۹ وقوع آمده است ، نهم محاربهٔ دولتهای اوروپاست که درسنهٔ ۱۹۰۰ بروکسرها درچین سوقیات عسکری اجرا کرده اند ، دهم محاربهٔ روس وژاپانست کهدرسنهٔ ۱۹۰۵ ولوله انداز اقطار جهان گردیده است یازدهم سوقیات عسکریهٔ فرانس است برفاس که درسنهٔ ۱۹۰۸ اجرا شده ، دوازدهم سوقیات عسکریهٔ اسپانیاست برفاس کهدرسنهٔ ۱۹۰۹ بوقوع آمده است . سیزدهم درسنهٔ ۱۹۱۱ محاربهٔ ترکیه وایتالیا ، وچهاردهم درسنهٔ ۱۹۱۲ محاربهٔ بالقان ، ودرین سنهٔ ۱۹۱٤ همین محاربهٔ مدهشهٔ عمومی اوروپاست که مرحله محاربه عارا اخذ نموده است

واترلو

۱۸۱۵ — ۱۹۱٤

کذا واقعهٔ عبرت نما

در ۲٤ اگست درده بکپای « واترلو » نام موقعیکه دربلژیك است ، واز (بروکسل) پایتخت بلژیك ۱۸ کیلومتر بسوی جنوب واقعیاست درباین رساله اوهلانهای المان ورساله های انگلیزیك محاربهٔ شدیدی وقوع امده رساله انگلیز بسمت عبور نموده است . « اخبار صباح » باین مناسبت چنین مینویسد — « بعد از ۹۹ سال یك سکوت ، سراز توشیمه شدن صدا های توپ در « واترلو » ازچنان واقعه‌هائیست که انسانرا به تفکران عجیب وغریبی می اندازد . پیش از ۹۹ سال درهمین موضع واترلو المانها وانگلیزها دوش بدوش ایستاده بافرانسیها جنك میکردند . حالا نگاه دربنوفت چگس آن است . یعنی انگلیزها وفرانسیها دوش بدوش ایستاده بالمانها می جنگند . تواریخلوکوانسهای جنرال « ویلینگتون » انگلیزی ، بلوخرها و کوتله های جنرال « بلوخر » المان برخلاف نکاهای خودشان روی همدیگر تیغ میزنند . درسنهٔ ۱۸۱۵ « بروکسل — بروسار — » از طرف انگلیزها برای جنك بافرانسیا اسلحه ارکات کرده شده بود . حالا که دربنوفت المانها آنرا برای همان کار علیای انگلیز وفرانس استعمال میکنند . درسنهٔ ۱۸۱۵ واترلو برای دفن شدن اجنادی جهانکیریهٔ « ناپلیون بوناپارت » بیك هزار بیك ثانی گردیده امید های تفوق وبرتری دولت فرانس دران مدفون شد حالا نگاه درین سنهٔ ۱۹۱٤ برای امید های تفوق وبرتری المان یك میدان امتحان تشکیل داده امید های جهانکیری دیگران در آن دفن کرده میشود .

کذا نحوس وبرسلاو

نام کشتیهای جنگی المان کجاوند . وچسان باتسلیم شدند ؟

هنگامیکه حرب آغاز بود . اینرو سفینهٔ حربیه در پشکاه « ویلهلمز » « بودند . [برخی درمقابل ایتالیا] ازانجا حرکت کرده به « میتا » رفتند . [میتاهم در مقابل ایتالیاست] در ٤ ماه اگست وقت شب ، پیاده نشی را وی بر کشتی ازمینا حرکت کرده بآبهای سواحل افریقا گردیدند ، وشهرهای « فلیویل » و « بون » نام شهر های فرانس را که در مستملکات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 922 of 1786

« جزایر — الجزایر » داشت زیرکله باری گرفته خسارتهای بزرگی به آن رسانیدند . در وقتیکه آن شهرها را بومبار مان یعنی گله باری میکردند در بندرگاه شهرهای مذکور کشتیای متعددبارداری فرانس برای حمل وقل عسا کر جزایر ایستاده بودند . غرن ورسلا وسداز انکه درشهر های مذکور خسارتهای بزرگی رسانیدند بسرعت برق ازنظر نهان شدند . در ۵ اگست این دوسفینهٔ مذکوره بازبه بندر مسینا آمدند که بعداز کمی کشتیای جنگی" فرانس وانگلیز بندر مذکوره را احاطه کردند ، وراه فرارازرا دغون ورسلا و گرفتند ، وسپس نه کشتیای جنگی" دولتهای محاربه دربندرگاههای دولتهای بیطرف درنگهداشت بسیار کوتاه وحدودی ایستاده شده میتوانند از آرو غون ورسلاو از مسینا برفتن مجبور شدند . آمیرال الان بذیگر افسران ملیت خود به توسوطانه" خودشان که درمسینا بود رفته وصیتنامهها واشیای قیمتدار خودشانرا بامکتو بهائیکه برای عایله های خود شان نوشته بودند به قونسل تسلیم کردند ، وبوقت شام مردو کشتی لشکر روانشته ازبندر رامدند . هزارها مردم ازاهالی زن ومرد شهر مسینا برساحل جمع آمده حرکات سفینه های حربیه الان را تماشا میکردند درانثنای خروج موتیفه — باحه خانه" — کشتی امیرال مارش الان را ترنم میکرد ، افسران وافراد کلاههای شان رابدست گرفته برسطح کشتی باحترام ایستاده بودند صداهای « هورا » های الان بسیار بگوش میرسید برساحل عکس نمود . اهالی" مسینا که برساحل بودند ازبندر حرأت وجسارت عساکر بحریه" الیان که بقدر خاطر جمی واقتدار دم بحرکت میدهند اظهار حیرت میکردند . غون ورسلاو دروشتی" میتابیدازبندر گاه راه رامدند . بعد ازانکه ازساحل دور شدند درمسینا ازطرف عرصداهای شدید طوپ شنیده شد وبمبهای هوای غرش طوپ قدری بازده بیست دقیقه دوام کرده بالسکوت عمیق حاصل گردید اهالی شهر چنان گمان کردند که کارغون ورسلاورا کشتیای متعدد فرانس وانگلیز تمام کرده حوا هندبود . اماچون درنظر رامده دیدند که تخته پارها وسیمی دکها وشکست درتختهای یک کشتی" جنگی انگلیز رروی بحر شناوری دارد ، وازدیگر کشتیهاآثری پیدان نیست به تحقیق پیوست که غون ورسلاو سفینهای کشتیهای دشمن را دراندیوبانک کشتی را هم غرق کرده گذاشته اند . بعدازان به تحقیق پیوست که کشتی" غرق شدهٔ انگلیز « وورسور » نام کروزر واز زرهپوش بود . این کروزر بدارای" ۱۴۶ متر ، ودر ساحی ۲۲ میل سرعت داشت ، وبالش قطعه طوپ ۲۳ سانتیمتری ، و ۴ عدد طوپ ۱۹ سانتیمتری و ۳ عدد طوپ آنتیفتان جنگ انداز مجهزبود . مرتبات — یعنی عسکر وعمله" آن ۷۲۰ نفراست که از کروزوازورهای بسیار بزرگ انگلیز شمرده میشد اخبار « نیو فرایه پرسه » مینویسد که این حرکات غون ورسلاو واز حادثه های بسیار مهمی شمرده میشود ، زیرا اولا شهر های

بون وطلیویل افرهای فرانسوی را که درزرطوپ کرفت لشکر های انجرای افرهای فرانس را پیدا ساخت ، وهم فرانس را باین مجبور نمود که بسیار عسکر ازاطراف تنکنه تاحافظهٔ انجا هارا بتواند ، دیگر باثبات رسیده که دسته کشتی" جنگی فرانس یکباره وجوده مکمل بود که درجلو گیری" کله باری" غون ورسلا وچیزی کرده نتوانسته ، و کرباین محاربه ثابت ساخته که اقتدار ومهارت ادارهٔ بحریه" الیانها وانگلیز ها فرق میباشد . زیرابعد ازانکه ازافرها کشتیای جنگی" الان بر کشتی دسته های کشتی" انگلیز که در حرزهٔ « مالتا » بودند آنهارا عقب گیری کردند ، وکشتیای الان بمیدان حوه شان که درانجا داشته زوال کرفته ، ودر جائیکه راه را روانها کرفته بودند بچنان مهارت وامتا کای ازمیان صفهای کشتیای دشمن رامدند کهدشمن رانیز حیران ساخته .

باثر غون ورسلا و رحلت عثمانیه

جریدهٔ (الاقبال) الغرا منظماً بیوت مینویسد :

دولت علیه عثمانیه ازمدتسه سالداست کهعقدمذاکرهٔ و محکمهای بسیاری دوسعه کشتی" جنگی" درجدکوت را بکارخانه های کشتی سازی انکلستان سفارش کرده بود ، وقیمت آرانیزداده ودرین وقتها باتمام رسیده افسران بحری" خود شانرا برای آوردن آنها بانجا فرستاده بودند ، ازینجی ازان کشتیهارا (رشادیه) ودیکر آنرا (سلطان عثمان) نامه بودند ، وزن ومرد وتوانکر وفقیر وعموم و کلان ملت درانجا" خریداری" این کشتیا ازقدوجش شرکتنموده بودند ، وچه ورود آنها چنان منتظربودند که روزه بار بهلال عید باشد ، دفعة" خبرسقوط وغصب شدن آن دو کشتی از طرف دولت انکلیز مانند صاعقهٔ رحمت عثمانیه رسیده ، وزن ومرد وطفل وتوانکرملت بحالت صاعقه زدهٔ درامدند ، وشعلههای آتش غیض وغضب درقلبهایشان برافروخت . رهنمایان عثمانیه ظاهر وآشکار کردند که دولت برتانیای عظما باین دو کشتی هیچ احتیاجی نداشت .....

.....

.....

.....

.....

ملت هنوز باین غم واندوه عظیمه انکریز حسرت بودند که دفعة" سرجایل « ان میالسر پسرا » سرزدهٔ ظهور کرده خبرفرحت آثرا دادند دولت الان بفروختن کشتیای جنگی" « غون » و « رسلاو » که ازدرجهٔ اول کشتیای جنگی" دنیا شمرده میشوند بملت عثمانیه یک الهام لاهوتی" پرمسرتی واصل کردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 923 of 1786

وهنوز کمی نگذشته بود که معامله رسمیه بیع وشرای آن اتمام یافته « عون » را « سلطان سلیم اول » و « پرسلاو دراه صدای » نام نهادند . بدینصورت زخم بسیار کاری که انگلیزها برجگر کاه ست عثمانی زده بودند ، آنانرا برغم مدد کاری خود شان مدیون نمودند . .....

..... اگر بگویند که آنان بفروختن این دو کشتی از این سبب راضی شد که آنهارا ازدست کشتیهای جنگی فرانس وانکلیز رهایی دهد این عذرمقبول شمرده نمیشود ، چرا ممکنه همین دو کشتی آنان بود که درمیان صفوف کشتیهای جنگی فرانس عزاهمه شهرهای « عون » و« فیلیپ قبل » الخ را کلباری نموده وباز همین کشتیهای بودک ازمیدا صفهای کشتیهای جنگی فرانس وانکلیز را پاره کرده ویك کشتی انکلیز را غرق کرده همچون برق در گه شت ، واگرمیخواست ممکنه به استانبول نیاید میتوانست که بقوت وسرعت وکلالت خود خودرا بصورت که باشد رهایی دهد مثلا میتوانست که بخلیج ادرینیك که قریب میدا بود درامده بدست‌های کشتی اوسترا که متفق بود منظم شود . لهذا گفته میشود که این نبود مگر یك نیکوی وخوبی بسیار دوستانه که انسانها جا نشناسد ، این خوبی ونیکوی شارا باید عثمانیان ، فراموش نخواهند کرد .

درجمعهٔ گذشته بقدر نصف نفر عاملهای استانبول که همراه وزیرخودمتاراز ای امانهٔ خرمداری » رشادیه ، وه سلطان عثمان داده بودند ، ازبیماری امیر وحسرتی که دردلهای شان بسبب ضبط شدن آنها ازطرف حکومت انکلیز پیدا شده بود باهم اتفاق وجمع آوری کرده مستقیما براست سفارتخانهٔ انکلیز رفتند ، وشدت تمام دردولت انکلیز پروتست واحتجاج کردند ، ترجمان سفارت درپیش روی آنها رامده زبان ملایم عذرهای لنك بیان کرده ، امانها ان عذرهارا جوابهای مقبول داده وقبول نکرده بغیر وغضب تمام ازسفارتخانه برامدند وازانجا سراست سفارتخانهٔ آلمان رفته درباغچهٔ سفارتخانه جمع شدند ، « زنده باد ، فیروز باد دولت پاشان ! » گفته فریاد براورند ، عیال سفیر درپیش روی آنها باستقبال رامد ، امانها شکر گذاری دولت آنان را بیان کردند وانکلیز حسرلشد عیال سفیر با آنها اشکرز شد ، وسلیها ونوازشها ابراز فرمود . حقیقتاً که این منظره خیلی مؤثریك منظره بود .

حوادث عثمانیه

موقع استفاده را ازدست نباید داد

نقل از اخبار (ارشاد) منطبعهٔ طهران مورخهٔ ۱۲ رمضان

وصول جواب یاد داشت دولت علیه ایران از طرف دولت پیه روس که بخلاف همه انتظار ها مارا دچار بسی یاس وحرمان میسازد واقعی پالتیك این دو دولت همجوار راتغییرنمیدهد ، همارای حساس را مجبور می گرداند اینك تعمق نموده ورای آتیه ایران وایرانیان فکری کارمانیشه وباین جواب (چرا کتاه لن ترانی) قانع نشده بل همگی همت وهنگر درسعی دادن یاد داشت ثانوی رامسعه وحیات پالتیکی واستقلال ملی خود را باین حرفها از دست ندهند .

خلاصه دریك چنین موقع مهم تاریخی که واسطه شروع به جنگهای موجوده مغرب واغتشاش شهرهای داخل دولت مقتدر همسایه ما بخود مشغول وا گر ایرانیان موقع استفاده را درك کنند باید حقوق مضیعه چندین ساله دولت قاجاریه وسعیه را استخلاص واسترداد نموده وباوجود پادشاه جوان صاف القلب پاك نژادی که بدون هیچ آلایش درپی رای پیشرفت امور ملکی وجلب اقتدارات مسلوبه اسلافی وجذب قلوب اهالی ایران حاضر ودون انکاه وتمایل بهیچ طرفی اجرای ترقیات مملکت را سامی وجاهد است وقتدرا غنیمت شمرده ودقیقهٔ را ازدست ندهند بعقیده قاصرما برای پیشرفت این مقصد مهم واستفاده از چنین موقع تاریخی بدوا وجود کار گرانی لازم است کهاکنال صمیمیت وبا کی ثبات وایران دوستی ووطن خواهی از شیوات تصال وعواید شخصی صرف نظر نموده پرواه وار خویشتن را باتش عشق ایران زنده وبسوزند تابوصال معشوقه مقصود برسند

ایضاً

از اخبار مذکور

تبریکات تاجگذاری

از ایطالی — اعلیحضرت امپراطوری نامبران بانهایت شعف موقع سعید تاجگذاری ان اعلیحضرت را مغتنم شمرده تبریکات صادقانه خودرا اظهار وادعیه خویش را برای سعادت ان ذات ملوکانه تقدیم میدارم ودران موقع ازان اعلیحضرت خوا هشمندم مراتب دوستی صادقانه وصمیمانه مراقبول نمایند (محمد حامی)

از طهران — اعلیحضرت امپراطوری سلطان از تهنیات وتبریکات جمیعه گاعلیحضرت امپراطوری امانها درموقع تاجگذاری من الظهار داشته اند نهایت امتنان را حاصل نموده قلبا تشکر مینماید واز طرف خودادعیه صمیمانه خویش رابرای سعادت ذات عالی وتوسعه مملکت امپراطوری ایشان تقدیم میدارم در موقعیکه تمام امور مملکت رادر دست میگیرم اولین سعی واهتمام من این خواهد بود که درحفظ وتشیید بهترین روابط ودادیه دیرینه بین ملتین اسلام که انهمه روابط معنویه ومنافع حیاتیه ان دورا بیکدیگر متصل مینماید کار کنم (سلطان احمد شاه قاجار)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 924 of 1786

در تهنیت عید سعید اضحی

کلام شاعر خوش مقال شیراحمد خان مخلص تخلص

روز عید سعید قربان است — دل حجاج نیک شادمان است
حاجیانه مشتغل بطواف — طوف ایشان بمیدان است
نا بدار الخلافهٔ مستقبل — گه‌رو بر مظل سبحان است
بادای نماز متمم لیم — ظل سبحان امام مازن است
گریه دور بم ز انعام شریف — لیک ایم ز لطف یزدان است
که مشرف بخدمت شاهم — گوشریف جمیع شاهان است
دین اسلام را حمایت ازوست — مومنا را جسم چون جان است
ملتهای همه مسلمانان — خسرو جمله اهل ایمان است
ذات با کش در جهان امروز — ملک اسلامرا نگهبان است
روشن از فیض اوست شرع نبی — ملتاوی چو مهرتابان است
هرکجا مومنی است در همه دهر — وای عرش از دلو جان است
قلب او مراج ملت و دین — مهبط وحی عبه رحمن است
اسم خاصش ود حبیب الله — شده محبوب نوع انسان است
سطوت و اقتدار و شوکت او — چون دم تیغ او نهان است
دل کفار از مهابت او — دائما همچو بید لرزان است
نام افغان که رفته در عالم — از شهنشاه جمله افغان است
ذرهٔ تیغ او بخان حسود — بی تکلف چو برق سوزان است
گرچه شاهان ملک اسلامی — هم سلاطین روم و ایران است
لیک از اختیار بیرون الله — حکم ایشان بدست ارکان است
ملة الحمد کان شه اسلام — خواتین مختار و صاحب شان است
همه از کان دولتش چو غلام — سر نهاده بخط فرمان است
پی حکم خدا و امر رسول — حکم او در نفاذ جریان است
انتظام امور سلطانش — جاری از حکم شرع و قرآن است
خاص و عام رعیتش یکسر — بسته با او عهد و پیمان است
همه دلخوش ز راه صدق و خلوص — خانمان در حضور سلطان است
دست جود و کف سخاوت او — ابر نیسان و بحر عمان است
با سپاه و رعیتش دائم — شیوهٔ لطف و طرز احسان است
پارب این عید را همایون کن — بوجود یکه ظل سبحان است
شیاو قدر باد روزش عید — تا شل زعید قربان است
روز و شبها کمال صدق و نیاز — ورد مخلص دعای سلطان است

تقریظ دلپذیر شاعر شهیر

جناب مستغنی

نوبهار آمده پرگل همه گلزار است این
پراز معنی رنگین شده اخبار است این
این چه اخبار دلآویز و چه الفاظ متین
این چه مضمون تکرر بزو چه گفتار است این
چه چرا نیست درخشنده سراپا الاخبار
که چو خورشید زهر شهر نمودار است این
این چه اخبار که آئینه دیدار جهان
این چه اخبار که گنجینهٔ اسرار است این
تیر مژگان گل بادند و جان آدم
چه گران سایه متاع و چه دکاندار است این
تذکر آب از این خجلت و طوطی است خموش
که چنان منطق شیرین شکربار است این
چیز زین ادب آموز نباید بودن
گاز هرچیز که بیند خبردار است این
کند این ماه جهان گردیر ماه دوبار
سیر آفاق چنان کو کب سیار است این
کامل از عمر گرامی شرش امسال سعساک
در چهارم ساعر رفتار است این
بعد یکسال ندی شعر مرا (مستغنی)
شادم از گم سخنهای تو بسیار است این

خلاصهٔ آخر ترین خبرها از

اخبار های اروپ

§ — دولت عثمانی با دول متحدهٔ فرانس ، روس برتانیا اعلان حرب نموده از یکطرف کشتیهای جنگی شان سواحل بحر سیاه روس را کلباری میکند ، واز دیگر طرف از راه مغرب و سویس بر عسکر حاضری هجوم را دارد ، دولت بروتانیا از این حرکت دولت علیهٔ عثمانیه بسیار افسوس میکند ، ومسلمانان هندستان را تسلی میدهد که دانما کی مقدسات اسلامی تجاوز نخواهد کرد .

§ — کشتیهای جنگی دول متحده درة دارنال را بزر طوپ گرفته ولی از طرفین هیچ خرابی وقوع نیامده .

§ — گروه از دریاهای عثمانی چندعدد کشتیهای جنگی و تجارتی روس را در بحر سیاه غرق ، و بندر گاههای اودیسه ، و تیوپ و سیه واطوم را در زیر گلباری گرفتند .

§ — در زد مکلهای مشرقی و مغربی در بین جرمن و روس و فرانس و برتانیا نایرهٔ حرب شدت دارد ، جرمنیکه از اتحاد دول متحده است از توپهای خود و سپاهای غیم خود ، واز جهت مقابل بمکس آن تشر و انشاء میشود .

§ — دولت ژاپان سنگاپا و نام قلعهٔ جرمنی را که در چین است فتح نموده است .

§ — جهاز اعلی یک کشتی جنگی روس و یک کشتی جنگی فرانس را در سواحل چین بار غرق نموده ، تجارت هند و دریا از کار سنانهای اعلی در خطر و بی امنی ست .

درچاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقالهائیکه دستخطداره از طرف مدیر و سرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 925 of 1786

اعلان

سیاحت پردور دور کرهٔ زمین

جلدر ابید ا و تشریحیا دارد ا علی الخصوص
که آن سیاحت آتش نوزکی دوبمبر

بهشتاد روز

اجرا شود ا آرزو کنندگان این سیاحت
عازق العاده هکاه رای خریداری کتاب

(سیاحت پردور دور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دو پهنه کافی بشکلی که راجع بقیمت این سیاحت را گویا (فیاض فوق و سایر طبقات) یکصدا اجرا کرده خواهد بود ا اهل خریداری این کتابخانه (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در حق مطبعهٔ عنایت که در محافظت امنت الزرد عبدالرؤف سرحرف نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژولورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای علمی مشهور آفاقست . از فرانسوی بترکی و ازترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور نه ناول ساده بلکه در ناولش معرفتها و جغرافیای دنیی را نیز بطرز افاده نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات تازهٔ حوالحت سعادت دولت علیه افغانستان جاویدان (سیف السلطنه - دار عنایت افغان) است زیور طبع آراسته شده است این کتاب نایاب را زود دست آرید و فرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد و افسوس فایدهٔ نخواهد نمود .

این هردو کتاب در دکان ملا محمد در بازار ارزانه و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هریک قیمت دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع محافظان ارزد عبدالرؤف سرحرف مطبعه موسوم نیز خریداری میشود

اعلان

از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

خوشگلان مطالعهٔ آثار ادبیرا مزه میدانم . و ترغیب میدهم که از این گنجینهٔ پر از جواهر آبدار ، و از این گلزار پر از هر رنگ نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، و از هر چمن سمنی بچینند .

در مطبعهٔ عنایت بزودی طبع آراسته گردد . قیمت ۴ روپیه

اعلان

سیاحت در چوهوا

یک ناول فی العجایب و غریب است که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده و سومین کتاب (کتابخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژولورن) فرانسویست که در فن ناول نویسی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده است قیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 926 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خود را

باطلاع میرسانیم

که از شکایات زیادی که از عدم وصول اخبار مقرر گرامی دار السلطنه کابل خود رسیده بود و اکثر اوقات بی اخبار مانده بودید و ما کتبا بشما اطلاع داده بودیم که علت این تاخیر و عدم وصول اخبار مقرر گرامی دار السلطنه کابل بدست ما نرسیده بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 927 of 1786

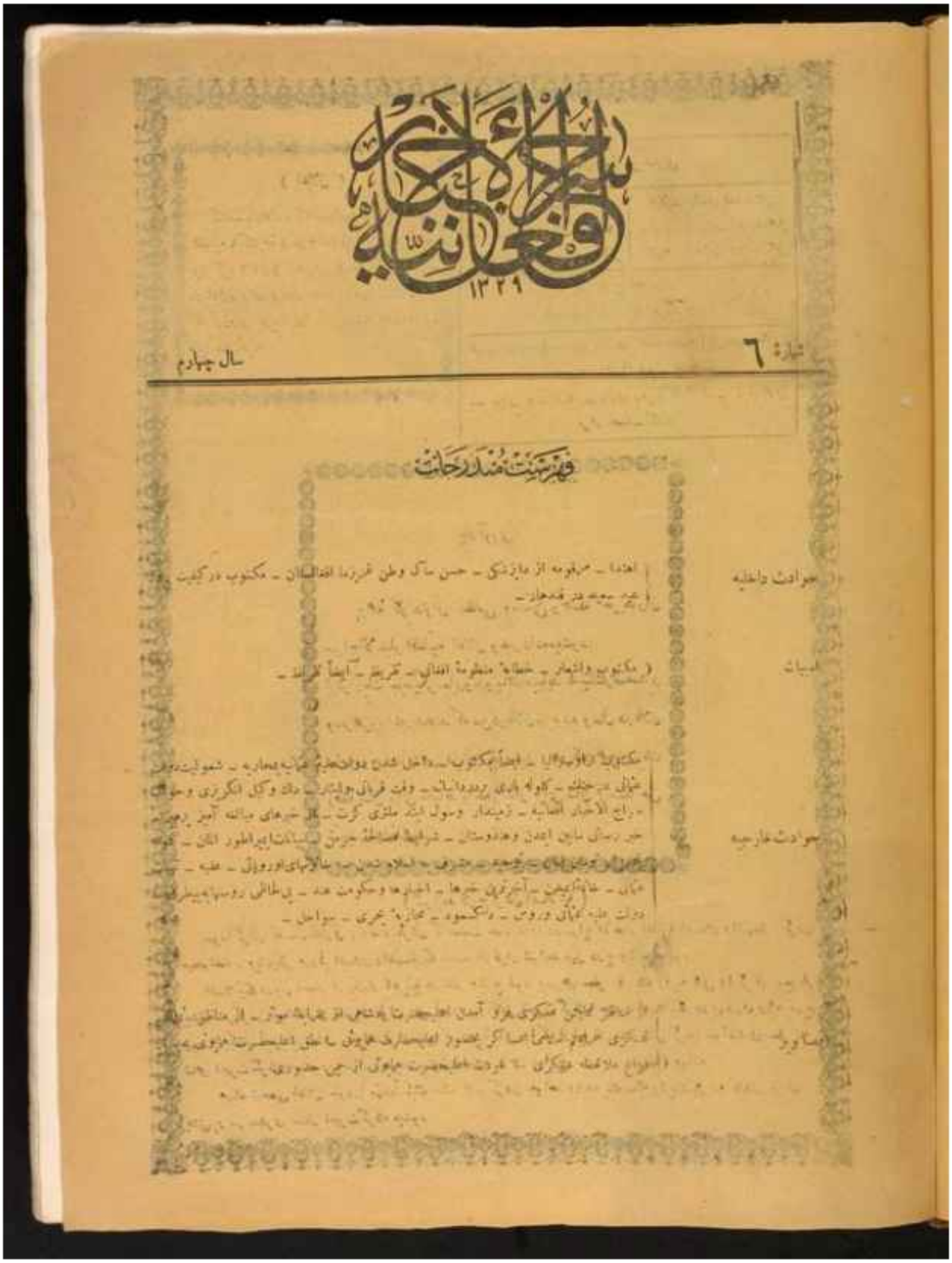

۱۳۲۹

شمارهٔ ٦ سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخله — ابتدا ـ مرقومه از مازندران ـ حسن سلوک وطن غرور اهالی آن ـ مکتوب دریافت واصل بمحل مقصود ـ

ادبیات — (مکتوب واصله از ـ خطابهٔ منظومهٔ اهالی ـ تقریظ ـ ایضاً قرائت ـ

مکتوب (اوسیوا) ـ ایضاً مکتوب ـ داخل شدن یوان بحریهٔ عثمانیه بمحاربه ـ شمولیت روس بمثال در جنگ ـ کلوله باری زرد پایان ـ وفات فرمانروای دولت وکیل انگلیزی و حوادث ـ رواج الاخبار اضافیه ـ زمستان وسول اتش ملتزی گرت ـ حوادث خبرهای مالته آمیز رسیده

حوادث خارجه — خبر رسانی ماین ایدن وهندوستان ـ شرایط صلحیهٔ مابین ـ سیاست ایپراطور المان ـ گلوله ـ [illegible] ـ اعلان بمن ـ [illegible] ـ عثمانی ـ خبرهای ـ آخرترین خبرها ـ اخبار ها وحکومت هند ـ پی طالبی روسیا بمیانجی دولت علیه عثمانی وروس ـ واشنگتون ـ محاربهٔ بحری ـ سواحل ـ

[illegible] ـ [illegible] ـ [illegible] ـ [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 928 of 1786

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیینه بلد کره) و (ایجدرفی) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر و میباشد . دوای که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند ازاره مدیر طلب نمایند

شرایط خریداری

	بلاد السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

	خارج افغانستان		
قیمت سالیانه	دو روپیهٔ انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای چند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رقعهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جا دیگر جا برو ندو یا بتدمیباید که یک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرقسم اعلان وانتشار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۶ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی پنج روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورقی وکاپه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی پنج روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متعاقباً تابک سال نشر کردن خواهد دوجه یک ساله را یکمشت ادا نماید ورقی یکتی بر سر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 929 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (٦)

قیمت سالیانه

در دار السلطنة کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف و داخله مملکت
بالغ ایماند ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بالغ ایماند ۱۰ روپیه انگلیزی
هر دوازده روز یکبار نشر میشود
قیمت نسخه آن در کابل یکعباسی است

(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و مسئول محرر

محمود طرزی

الادارة لحاج مطبعة

در ماشینخانهٔ دار السلطنة (کابل)
عموم امورات تحریریه جاریه خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ اکم محرم سنه ۱۳۲۳ تاریخ انگلیزی ۲۰ نومبر تاریخ شمسی ۲۸ عقرب ۱۳۲۳

حوادث داخلیه

مورخهٔ چهار شنبه ۵ ماه ذی‌الحجه الحرام
(از کوتوالی دار السلطنة کابل)
مینویسد

اهتما

مالیجاه اخوی همت پناه محمود بیک خان مدیر و سرمحرر سراج الاخبار مبارکه راحفظه الله تعالی از انجا که پرتو نور دین حضرت سید الرسلین ملتاب است و پیرو دره که شاید چون گیاه دیرباد خشک و الله درین اوان سعادت اقتران پرتو نور ماه فروز رخشان و هوش دو عرد کور و یک کر ادراک جزو حاشیه طالبان اهل هنود رسیده و الدین باطله خود بیزار و دور مین حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم دانسته گردیده و تاریخ ۴ ماه محل حضور جناب شهزاده الاجاه معین السلطنه صاحب مشرف و به سماعت و انعام مفتخر جزو سنتیه سراج الاخبار گردیدند این فقره را باعث مسرت و خورسندی دانستن دین خود لازم دانسته عرض نمودیم که ادارهٔ جلیله درج سراج الاخبار مبارکه میکنید باقی بعزت باشید

مسیاه زاد و بوده دیوان کافر
ستت که نامی اسم ده گوره اسلام
الدین نامه گذاشته شده قوم ست
انعام نقدی دارد
نقد ۳۰۰ روپیه جنسی دارد

دیوان محمد نام پسر مسیاه
مذکوره قوم کیتری ست
انعام نقدی و جنسی او
نقدی ۴۰۰ روپیه جنسی
چوقه ۵ منقاله یک توپ‌لکی
پست و پنج روپیه کرتک تحت
کلاه قرص زری یک طاقیه

عطر ست و آیه ست زرکر قوم ست که اسم نامی او غلام محمد گذاشته شده انعام نقدی و جنسی او

نقدی ۶۰۰ روپیه جنسی چوقه ۷ منقاله یک توپ کلاه قرص زری یک طاقه لنگی زری سی و پنج روپیه‌گی یک تخته

(از دارزنگی مینویسند)

موازی شش صدسنه از علاقه محال دارزنگی که در زمان سابق قرار شده طرف مشهد مقدس رفته بودند در تاریخ ۲۹ ماه رمضان المبارک هان شش صد سنه که عبارت از یکهزار و یکصد و دوشش هجری گردوانات خوش نشان میشوند از عنایات پروردگار بی‌همتا بحضرت پادشاه مسلمین سراج الله والدین بواسطه دوچره سوار رساله که از طرف مالیجاه جناب صاحبزاده محمد سرور خان کاتب حکومه دار النصرت هرات بحضور محفظ رساند که بهمرای نشان طرز گردیده و در علاقه محال دارزنگی واپس رسیده و شکر این نعمت عظمی را بجا آوردیم که ذهی سعادت این رهایی که همیشه سایه عاطفه حضرت ظل الله ممدوحه عالم بوده و میباشد خداوند عالم و خلق حضرت رسول اکرم و آل و اصحاب کبار آن حضرت که وجودی حضرت قبله عالم از آفات ارضی و سماوی در حفظ و امان خود نگهدارد بحق نون والقلم .

حسن سالوط عزیز افغانستان ولا تیجة الیة آمال وامان
وطن پدرت نجیب با افتخار
مدیر روزن ضمیر وناصح ذی شرف سعادت نجیب

روز دو شنبه ۲۹ شهر شوال بموجب دستوریکه از حضور شهزادهٔ جوان بخت جناب معین السلطنه صاحب باختصار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 930 of 1786

قاضی القضات صاحب واعالی محکمهٔ شرعیه وعلمای میزان التحقیق وجمعی از عمّال عالیهٔ دارالسلطنه شده بود در عمارت خاص که اقامه گاه عالی شان است حضرت علما جمع ودعصل ۱۱ نجهٔ روز که تعین رو کرام فرمان بود بحضور شان مشرف گردیده پس از تعدادات موفوره باجناب قاضی القضات صاحب وسائرین اذن جلوس فرمودند — موضوع این ارادهٔ سنی شان تحقیق مسئلهٔ شرعیه بود که بواسطهٔ اختلاف روایات ونشئت آرا وتباین افکار علما دربروهٔ قیل وقال ملفوف گردیده در تعویق افتاده بود — پس از تدقیق مسائل وتطریق حق از باطل چنانیکه شرحش در بیان نگنجد وبیانیکه توصیفش را زبان ولسنجه روی سخن را بطرف علما معطوف فرموده بکلمات حق سیاط ذیل انچنین رطب اللسان گردیدند .

رهگذران میدهن است که من کاهی ازامر کتاب آگهی نخاوز ندارم ودرامور حکم خداوندی درهیچ محل از هیچکس ملاحظه موثی روادار نیستم پس اگر حق من رسد که فلان اندکی از جادهٔ حق انحراف ورزیده است از عبارات و کلمات تند خودداری نمی توانم اینهم پوشیده نیست که من ذاتاً علما را دوست میدارم بنا بروابط دینی ومناسب مذهبی شان پس برتما نیز لازم است وضروری که همه وقت از اظهار که حق نجاوز نکنید چون دین ماوشما یکی است وحکم یکی نکتهٔ اطیفهٔ حق را دست خوش هواجس نفسانی خود نموده غرض شخصی خودهارا ازان ترجیح ندهید اغراض شخصی اسارا رسوا میکند وفضیحت خلق وسیاست پادشاه که حامی شرع وحافظ حدود آست مبتلا میدارد ازسوء این اعمال می شود خود غرضی وجهالت وتکاسل وتنبلی اهالی اسلام است که از اوج ترقی وعزت تضیض پستی وذلت افتادند پیشرفت شرف واقتدار خود رجع قهقری نمودند . بصفحات تاریخ که آئینهٔ روشنا وشاهد حال از گذشته وبستا گر نظر دارید خواهید دید که قرون ماضیه باینکه شما درعزت ووقار و تمدن شما بایکجهان شوکت واقتدار درجه پایه ترقی بوده است . ووضع فلاکت اشتمال کنونی شما درچه پایه تدنی قرار گرفته ازهمه جلوس جد اعلیحضرت خلد مکین ضیاءالملت والدین اشارهٔ کرده که اولین دورهٔ عهد واقتدار وخلاصی دوباره سیاست از اسارت کفار و زمان اقتراس حیات شان همان می در بهبود حال وترقی ماک شما شده است واز اوائل جلوس اعلیحضرت قبلهٔ معظم تاحال چه تحولاتی پدراه است که از ذات شاهانهٔ شان بحال ملت مرعی نبشود . وچه جهد طاقت فرسائی است که از شخص خود شان بصرف وقت وصنایع درراه ترقی دولت در نظر خودی وبیگانه مرئی نمیگردد که از یکی از جملهٔ نتائج انهمه کوشش مدرسهٔ حبیبیه است . در بدایت تشکیل این دار التعلیم جلیل چها گفتنیها بود که زبان جبال نمیسرود وچه ناشنیدنیها بود که سامعهٔ عقل نمی شنود . لله الحمد درعصر زمان پیشرفت آرا همهٔ شما بزرگوارهٔ ترقی می بینید که بخصوص از جلالت مآبی او موصول باکمال است . پس ازصمیم قلب شمارا بکوشش سفارش میکنم واز میکوشم بجد وجان ومال کوشش کنید کوشش شما منوط است براتفاق ویزاری از نفاق وآنصورت نمی یذیرد جز بحسن اخلاق پس میکوشم بدست یاری حسن خلق وفرمان نفاق عروس خوش سیمای اتفاق را در کنار آرید کار ثمرهٔ کوشش بهره حاصل کنید فقط

سخن عالی شان درین محل انقدر پذیرفته یکجوش وتاثیری در حاضرین مشهود بود وبنده نگارنده که ازسماع این کلمات حکمت سیاست همدمی وسدنام بروجد ! وظاهرم خوش وخونم بجوش در جوش وسر حواسم درزمین حسن ماک افغانستان ! وزبانم بشکر خالق انس وجان رطب اللسان محبب کیستی وخرب مانی بامن دست و گریبان بود ! نی چرا نباشد در حالی که صفحهٔ تاریخ رایها اخلاق واطوار جوانی های یکجهان شهزاده های زمانه گذشته را بایک دنیا غفلت ومستی ووو ..... نشان میدهد وشهزادهٔ جوان جوانبخت خودرا که زمان شبابت را اولین فصل بهار ! وایام جوانی عمر گرانبهای شمارا یکو ترین زمان ازهمه اوقات در طبیعت خلت بیدار معزی عدالت پروری سلطنت کبری با لغت جوان ورای پر غلم رغدم فیها ! گرد وجد اعظم خود نهاده آی غفلت نی وزند غل اعتزاز طبیعت وسی هزاران فکر است نی چنان خود پذیری کس چنین خود فراموش خود خرمنی کس چنین خود جوهر انسانی و اعضا ملا عبدالشکور نام مقام ابن قاضی القضات)

مکتوب

(در کیفیت روز عید سعید)

در قندهار

روز شنبه ۲۰ ذی حجه الحرام کدورت فیروز عید سعید میامن پیدا نمود ساعت ۷ صبح رامده . پیدکه قندهار از شهر بیرون طرف شمال واقع است و مردم از دروازه شمالی شهر که آنرا (دروازه عیدگاه) می گویند رامده و بدر گذاشت رفته عیدگاه میرسند . منکه رامدم دیدم که مردم شهر راپ سرک صف کرده بودند بانتظار گذشتن اعلیحضرت منهیران حدود توقف نمودم صدای (۲۰) توپ صدهای موزیکهای عسکری هوش وحواس وبکام را بطرف خود جلب نمود بعد چند لحظه هیئت سراسر هیبت عسکر ازدور معلوم شد . آهسته آهسته صف عسکر فیروزی ماثر که بدرفش های ملون ملس پوشیده از پیش رویم گذشته سر اقدس با اقتدار اردوی قندهار جناب برگ عبد الوکیل خان براسپ سوار بوده بحیث صف عسکر میآمد . بلباس رسمی وکلاه پوستی ملبس بود .

بعد ازان مردم رفتا درعیدگاه درامده وجناب جلالت مآب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 931 of 1786

نایب الحکومه صاحب تشریف آورده نماز خوانده شد پس از ادای صلوة عید سعید نفری نظامی برجای معین بدون عبد گاه صف آرای احترام بودند تمام مردم شهرهم به تماشای عساکر در انجا جمع شده بودند . جناب مستطاب نایب الحکومه صاحب در تحت عبدگاه مع دیگر خوانین ملکی ایستاده بودند و فرمان میر تمان هایونی که برای تبریك عید رمضان صدور یافته بود از طرف نایب الحکومه صاحب خوانده شده بعد ازان از عبدگاه برامده نایب الحکومه صاحب رعساکر تشریف آور شدند و از طرف قوماندان و همه عساکر بقرار سررشته مقرره مورد سلامی گردیدند وباز باتفاق قوماندان مذکور بر توپ خانه ها وکشتیها وسپور وخانه داران نظامی و سفرمینا گردش واحوال پرسی و مبارکباد عید نمودند وپس ازان جناب نایب الحکومه صاحب بافرمان میرتمان را کقوماندان مذکور برای قرائت بایشان داد واز طرف قرن التشرف اعلیحضرت هایونی اسمی برگ وسایر عساکر شرف صدور ارزانی فرموده بودند واز بانده خواندند که مضمون آن تبریك عیدسعید اخیر بود عساکر وافسران آنها باحترام این فرمان جهانوسان از عسکر کافر سرهای خود را برهنه کرده بسط لجز و نیاز طول عمر بادشاه خیرخواه وبقای سلطنت شانرا ازدرگاه خداوندی مسئلت نمودند. بعدازان سلامی اعلیحضرت والارا بچهل وپنج ضرب توپ وپانصد بجا آوردند وبعد ازان عساکر بطرح (چلور بی) از حضور نایب الحکومه صاحب گذشته مرخص شدند جناب نایب الحکومه صاحب ازحسن انتظام وتکمیل نفری نظام از نزد برگ و قوماندان صاحب مذکور نهایت خورسند و رضامند شده بالاتفاق رویشهر آوردند اولاً بعیت منصبداران نظامی و خوانین ملکی زیارت خرقه مبارکه مشرف گردیده وباز بسلامخانه عامره وپس ازا کل اطمینه واشربه مقرره منصبداران ملکی ونظامی درو سط سلامخانه مذکور صف بسته گانیا سلامی اعلیحضرت هایونی را انجا آورده مرخص گردیدند

امضا

ع . ه

ادبیات

حضرت مدیر کامل فاضل زادالتفاته ودام برکاته —

گرچه دورم ازبساط قرب هست دور نیست
بندهٔ شاه شها ثم وثنا خوان شما

طبع نجیم هرچند ازهنگام که سعادتی خود ازشرافت صحبت کثیر المنفعت صوری محروم است — اما بحمدالله تعالی ازخواندن روحانی الجناب که امروز مالی ازان متلذذ فیوضات مبینا شده سر شار عواطف عواطف گردیده ومیگردد — وسلامتی ذات بابرکات رااز ایزد متعال درخواست مینماید —

المعروض — پس چند ازقلم عاجزانه مدرم صداقت شعیم سرزده بخدمت فرستادم — هنگاه لازم دانند داخل جریدهٔ فرخنده اخبار مبارك كرمانشه بالی بعزت دارین وسر افرازی کونین شامل باشند

عریضهٔ دائی مخلص عبدالغفور نجیم

تحریر فی یوم یکشنبه ۱۳ ذی قعده سنه ۱۳۳۲

چیست مردی و مروت حب کشور داشتن
کینه و بغض برادر را زدل بر داشتن
باهمه یك روی ویکدل زیستن آئینه سان
خویش زشت خویش را باهم برابر داشتن
رهن از آئینه دل سر بسر زنگار کین
وز کدورت خاطر خود را منور داشتن
اتحاد و اتحاد آئین اسلام است و بس
کفر باشد چشم اتحاد از کافر داشتن
راست گویم راستی رمؤمنان لازم تراست
زانکه زیب تیغ ران است جوهر داشتن
نیست فرق مردم وحیوان بجز تهذیب خلق
باید این نکته را ازسینه باور داشتن
آدمیت گرمراد ازخوردن وخوابیدن است
چشم این معنی توان ازگاو و ازخر داشتن
معنی انسان زلفظ انس پیدا گشته است
هرگرا لازم بود این نکته ازبر داشتن
انس باهمجنس خودلطف و مدارا کردن ست
نی که اورا درنظر خوار و محقر داشتن
داشتن پیوسته دردل پاس هم آئین خویش
حفظ ناموس وفا ازهرچه بهتر داشتن
کوهر رخشندهٔ اسلام را چند ازنفاق
تیره روی و کرد اکودو مغبر داشتن
چند خورشید جهان افروز دین پاکرا
پس خس شوم خود ازدیده کیتر داشتن
چند درصورت چو مردم چون ملك کردن سلوك
درحقیقت وانکهی ازدیو رهبر داشتن
ظاهرا خود راسلمان خواندن ازدستاروریش
وانکهی درباطن خود خوی کافر داشتن
چند دردل بغض چون زانمکام خدای
برزبان آیات حق را وانگه ازبر داشتن
چشمه ازتکریم روح پاك بودن بغیر
تیرهٔ خس دل را زو فراتر داشتن
تابکی دادن قضای دین شیطان لعین
شمع روشن را چرا درزاویه سر سر داشتن
چند کردن باوطن دعوای مهر مادری
خون اورا وانکهی چون تیر مادر داشتن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 932 of 1786

ازبرای خدمت دین چند رصدی گر
چشم خودرا وانکهی زسیهرو بزار داشتی

ای مسلمان معنی اسلام میدانی که چیست
عادت غیر گزیدن خوی حیدر داشتی

ازدل وجان محو احکام خداوندی شدن
پاس دین احمدو شرع پیمبر داشتی

یکقلم آزاد گردیدن زید نفس خویش
خویشتن را واله دین مطهر داشتی

تاجهانرا اعتبار پذیرد بضعا تجنی
عزت خراب گردن قدر منبر داشتی

کشتن اول جلسکی باخویشتن همداستان
رفتك وانکه لوای سروری برداشتی

یکه حب الوطن را ازپی گر خواهدی
پاس اورا برتو میشاید سراسر داشتی

خودچه حاجت تاکویم زاروطن مطلب چیوده
نیست تنها احتیاج خانه و در داشتی

آن وطن اول ولای دین اسلاماست و بس
خویش را یعنی مطیع شرع انور داشتی

باز مهر هر مسلمان را بحکم انصاف
درد دل خود روزوشب همچون برادرداشتی

دشمن دین را زدل پنداشتن خوارو ذلیل
کافران را درنظر پیوسته احقر داشتی

وزپی سجده گزیدن برحریم شرع پاك
پای کبر نامیه کردیدن و سر داشتی

وانکهی رصدق بیان واخلاص تمام
از اطیعوالله کام دل میسر داشتی

چیست معنی اطیعوا الله پس ازاحکام حق
روی دل برمرکز شاه مظفر داشتی

رهبر شرع پیمبر یاور دین آنکه هست
کارو بارش حرمت شرع پیمبر داشتی

شهریار عادل و پاك دعیب الله و عن
آنکه اورا میسزد برتارك افسر داشتی

آنکه چون پروین کند تسخیر کیهانرا ازنیام
دشمن اورا نباشد چاره جز سر داشتی

میسزد از وی خلق او مداح عیش را
چون نسیم روضهٔ رضوان معطر داشتی

میتوان کز وصف خلق او خاطر بگذرد
چیست فکرو داعی دل پرز کوهر داشتی

هست والای او ورفعت خود مانده است
روزو شب تسبیح ملك وعظم لشکر داشتی

میسزد افلاکیان را هم بعهد رافتش
خانه ازلعل خود پرچرخ اخضر داشتی

سر فراز ازفکر کارها عالم شه بی
خواجه کرده سربلند ازفکر چاکر داشتی

چیست حاجت خود بخلیفه‌مدیح حضرتش
کلم دارا پرین و یاد سکندر داشتی

خلق میداند زدارا و سکندر بهتر است
هرکرا زانصاف‌الله عظم کشور داشتی

پرعایش نکنهٔ سر برزه ازفکر مدیح
کمیان را میسزد آن نکته ازبر داشتی

زینت شاهان تاج آبود تخت وکلاه
زان فوقر عتمداز تخت و افسر داشتی

خاتمهٔ منظومهٔ افغانی

جمه احوال دی پر دنیا حیرت واخیه ای دانا
برنگا رنگ انقلابات دی فیاقسم اختلافات دی

هر ملك و هر دولت اچی تلخ د قرصت
چه قرصت پیدا کی وایه انتظام اچی پی دایره

پریږد و کاونه نظر گه په احوال به جهان خبرکه
چه قرصت مندو وکماوو اچی وشکره به موز خواږو

پیدا به موز مسلمانانو جمه وشکره کافرانو
زوره میوجوړ به صبا کوود چه وروسه ته شه پاتو وو

پرعصر باتو میوز ریه وایره وشنه میو خوره
چه تاکه انقلاب لیا تو پورتن چوتو پرطرابلسیا تو

زوره توکر توکر پیدی وو زانکی زانکی سره پری وو
چه دامحه دغوه تاکه غفلت نه وکی انه

پووان زغ سو چه روسیانو چیاو چوو پر ارباب تو
په زوو تازیه مرکی په خلمت به ملك کافرکی

په سوو سری به صرفی کری چا به نور پری به پری کری
پردهی زوو مالکی پاتی سوی پری موخوښی لکه آش سوی

په کی دباب کی د حیرت کوله دوب سو به حیرت
چه پاتی جمه احوال سو چه علاج به پری عمال سو

میوز پدی نارین اخته وو فکر زن جکر سوخته وو
چه دامحه وسوه رهی نه قدر پی ای سیحان

طرابلس مو مالکی هر سو چه دالاخرش کاروبی زایرسو
مرا کو او صبر دوازه غم به محموره دلو زاره نه

چه میوز نه را زدی سو دجهانیانو به پری سو
موز به دی محو اخته وو فکرزن کورنی سوخته وو

چه دامحه بلاسوه پته الا ښار د پی به بیشه
پیاکری سوی چه بلقیار سوه زاچوړ نه د پل تار

پر ترکانو به حمله کړه نو به خیال یاواخته کړه
صبر پیانو چوتا نیانو هم پورتن چوو پر ترکانو

څو دولت سره څو سوه در ترکان به میان کی ګومه
الحاصل چه به اضرار د سو فی پشمانار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 933 of 1786

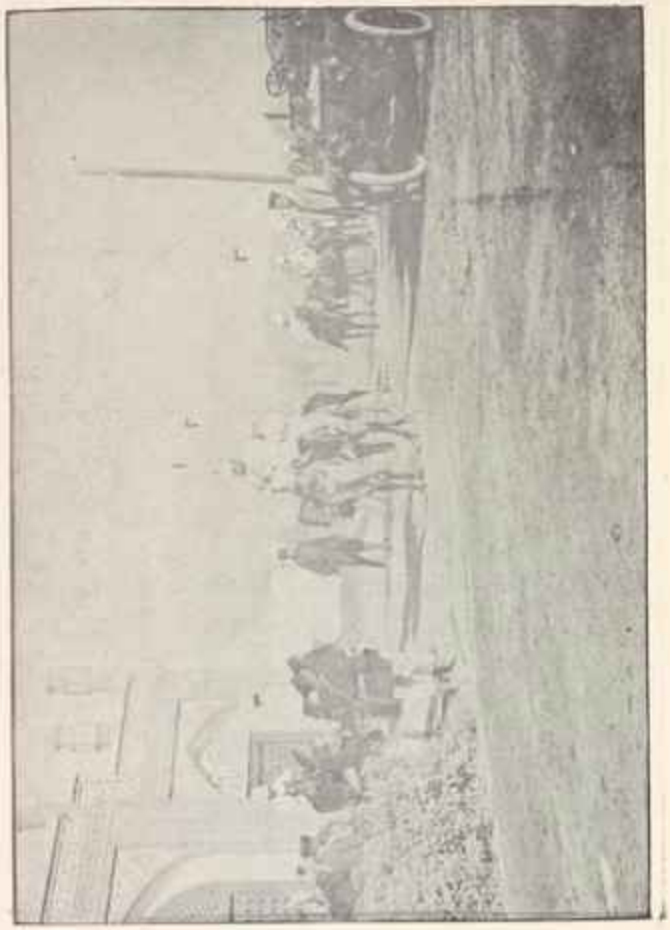

از مناظر نمایش عسکری

فرود آمدن ذات اعلیحضرت پادشاهی از اتومبیل موتور و حرکت فرمودن بسوی چن جنودی بسواری اسب

(۱) ذات اعلیحضرت همایون — ۲ — جناب معین الساطنه — ۳ — جناب عین‌الدوله

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 934 of 1786

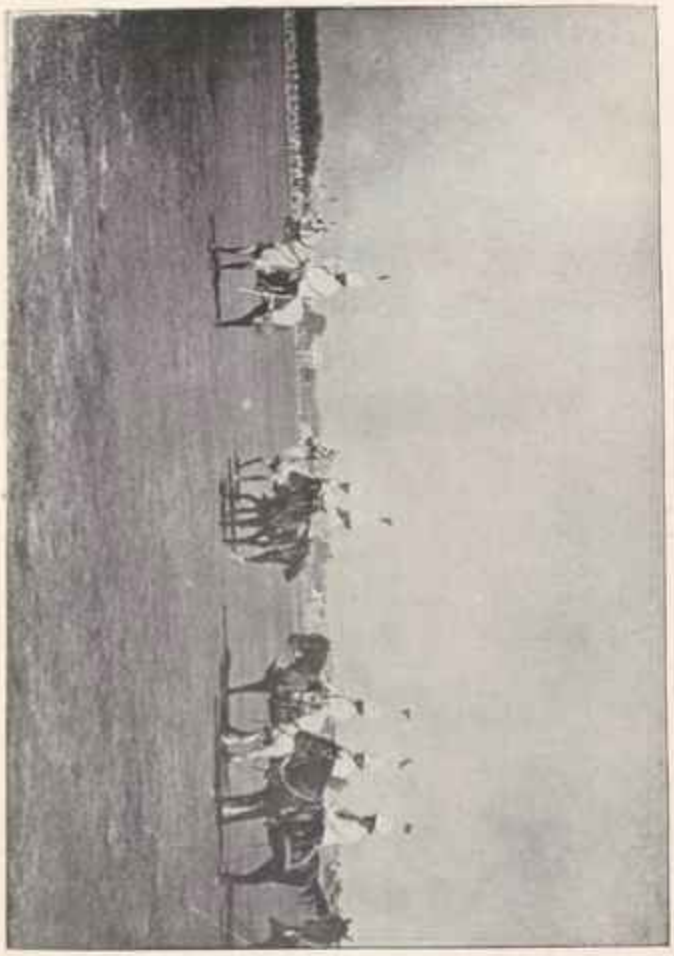

از مناظر نمایش عسکری

مراسم سلامی عساکر بحضور اعلیحضرت همایونی

۱ — ذات اعلیحضرت — ۲ حضرت معین السلطنه — ۳ جناب عین‌الدوله — ٤ جناب نایب‌الحکومه — ٥ مصاحب خاص

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 935 of 1786

لا هنوز مبتو جده دی په مطلب مشبه دی
خپل ته دای هم کوه جه اسلام وتر ویشه
و لحرب ته د اسلام تو جه لری مسلم
جبه تو گوته په ټولی چه بله سره ټولی
ای (افغان) دوا ردلاش پورته که ته په اخلاص
وخپل رب ته دی زاری که بیا زاری په عاجزی که
جه ای خدایه ته غیار ی کر رحمن ی یا جار ی
گفار در ترحمه یری که ته دورز پرموز یری که
ی په خپل میان کی اخته کی عداوت به شه پخته کی
جه په منوز سو بانگل هیر په خپل جان اخته وی دیر
مرز د دوی گورو سیوه دوی عیش کوی جنگوه
او دموز ته توفیق راکی ته اخلاق ته را عطا کی
جه طاعت دی ږدنیا کو عبادت دی ی ریا کو
په خپل میان کی خالق سو پر ی سره مشفق سو
ته همت و قدرت راکی ته قسوت و نصرت راکی
ته موشه کی که معبوب پو ری راکی که مطلوب پو

آمین

تقریظ

﴿ زبان افغانی کلام جناب مسلمی ﴾

دا اخبار زنگین گلزار دی اخباره دی
جه هزاری زه پر ولی گلزار نه دی
خو زده کړه گوره چیل په نار نه دی
که دی بلاردی جه محفل دی پلار نه دی
که ی غلبه شیر دار دی غلبه دی
که هشیار ده زمان دی هشیار نه دی
که "حولة سود غواری ده خو سوداگره
په گړمی ده دی بازار ی بازار نه دی
که سودا گری دکاندار ده خو گوره
با انصافه ژوند ی دکاندار نه دی
خوار هغه ئی جه ده علمه نه ناقل ئی
جه د خو دولت موهی یا خوار نه دی
کافران نوره په خو جهانگیر شول
ما و تا زه راښت ورا نار نه دی
مړه دیده دوازه پورته وی په غفلت کی
مړ په چه هر سری چه بیدار نه دی
نه افغان پورته خوانخواره یا لښته
گازمری "سود خوار ولی خوخوار نه دی
مسواقی ده زمان سره رفتار گړه
فضائب ده زمان نه رفتار نه دی
زمانه وی گله گړمه گله سړه
ئی ژغه په جبن کی بهار نه دی

که فلک دغیر په کام نه ګرځی مشه
بدی ژوند ه همیشه دوبا وار نه دی
زړه می نه توری د ژړا له وصاله
خو جیجل ی ده ژاړ وبه بار نه دی
مستغنی زادی جین په خپل گفتار کړم
ستا پشان گفتار ده هیچ جا گفتار نه دی
مسلمیم زما نوم عبد العلی دی
ده پښتون په یو قوم می کار نه دی
فارسی شعر می مشهور دی په جهان کی
په پښتو ژبه می شعر شعار نه دی

(تقریظ ناظر خوش کلام غلام حیدر)

﴿ مذهب تخلص ﴾

(روئی تاش دل و دیدهٔ بیدار است این)
(صفحه رصفحه ورق رورق انوار است این)
(لاله را خون نکنه قطه‌اش ازرشك هنوز)
(گر بلندی جوفلك صاحب سیار است این)
(ابداً افتاده دماغی که به نگهت سازد)
(ورنه از معنی رنگین چه کلزار است این)
(چو هزاران شرایر بصد آهنگ چرا)
(سطر ر سطر همه صورت منظار است این)
(زسوادش شنوان بافت بجز شیر تر)
(نقد فطرت بکف آرید که عطار است این)
(مصدر عزو فزو صنع و سبابی و ادب)
(چشمه از همه احکام خبردار است این)
(نکته بانکته زاحوال جهان میگوید)
(پیشه گر گوئیش امروز سزاوار است این)
(نسخهٔ روح فزا سرصر عشرت انگیز)
(باغ انشاط متین و گل بی خار است این)
(چو سکندر زگرت شوق رسائی باشد)
(چشمه یکشای که آئینهٔ اسرار است این)
(آه ازین چار گه چل ساله ندارد سخنش)
(عقل معلوم بفرما که چه گفتار است این)
(روزو شب در همه جا جلوه نما میگردد)
(آفتاب سحرو ماه شب تار است این)
(مژده مر اهل سخن را که بضمون طرب)
(چشمه در انتظار گوهر معنی بسیار است این)
(میتوان قصه اصناف جهانش گفتن)
(انچه تقریر خدا دا وجه اخبار است این)
(مذهب) آنموخته ام درس فصاحت گوئی
(که بشیرین سخنی نظیم شکر بار است این)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 936 of 1786

حوادث خارجیه

﴿از اوسترالیا﴾

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی حبیبه سیدنا محمد وآله وصحبه اجمعین اما بعد :

از فضل رب العالمین مسلمانان شهر « کلگاری » ضلع « کنج لند » اوسترالیا، بیادت پناه مولانا السید جلال شاه صاحب ایکماک اخلاص وعقیدت خدمت کرده وبرای ادای صلوة التراویح وعید عبدالفطر جناب سید صاحب را مقرر نمودند .

بعد هر نماز ووعظ دعای خیر برای ترقی اسلام علی الخصوص برای اعلیحضرت سراج الملة والدین وامانی افغانستان کرده میشد ودر اوایل ماه سید صاحب بکوعظ رجوش قرائت فرمودند که اکثر مضمون آن متعلق به اشاعت وتبلیغ اسلام و همدردی باسلطان خادم الحرمین الشریفین واعلیحضرت سراج الملة والدین بود .

درینوقت بین از باشندگان مسلمان شهر « برو کی هیل » ممالک « نیوساوت ویلز اوسترالیا » سید صاحب را طلب نمودند و بسبیک ماین « کلگاری » و « برو کی هیل » فاصله ۱۵ روزه است وعلاوه بریل به عبور دریا هم امکان دران عبور است . لهذا مسلمانان مذکور مبلغ ۲۵ پوند اجرت درجهٔ اول برای حرکت سید صاحب انتظام کرده اند . وخیال افغان سودا گر ومسلمانان ساکنان اوسترالیا برینست که جناب سید صاحب در تمام سرزمین اوسترالیا برای اشاعت اسلام سیاحت فرماید . اختیارک وتعالی توفیق رفیق کناد ودین اسلام را قوی گرداناد !

سبب آمدن سید موصوف در اوسترالیا اینکه مسلمانان اوسترالیا از اگور تحت استدعا کرده بودند که جناب شان را اجازه بدهد که برای اشاعت اسلام یکدو سال در اوسترالیا باشند امضا

(برکت الله)

(ایضاً از اوسترالیا)

از فضل رب العالمین بتاریخ یکم ماه شوال بعد از ادای نماز عیدالفطر در شهر « کلگاری » ضلع « کنگ لاند اوسترالیا » باشندگان مسلمانان افغانستان بهسیار جوشی برای ترقی دولت خداداد افغانستان واعلیحضرت سراج الملة والدین دعای خیر کردند .

وهفت شبانروز مراسم جلسهٔ مبارکه بهمان خوبی ودرستی کرده شد که اکثر اروپائیان از مخالف دور نزدیک برای تماشا آمده بودند . وبعد از اختتام جلسه دار برای اعلیحضرت سراج الملة والدین دعا خواستند .

برای وعظ وصلوة التراویح وعید عبدالفطر این بنده را طلب نموده بودند . بنده بختم نماز ووعظ بسته بجوش برای اعلیحضرت سراج الملة والدین باجمع مسلمانان هم تواز گشته از خداوند کریم دعا میخواستیم .

فی الحال بنده را مسلمانان افغان که تخمیناً دوصد نفر میباشند وکی عیادار هم هستند ، ودر شهر « برو کی هیل » نیوساوت ویلز اوسترالیا » اقامت دارند طلب نمودند ، وشهر « برو کی هیل » از شهر « کلگاری » ۱۵ روزه فاصله دارد که بهروز راه دریا و ۱۲ روز بذریعهٔ ریل طی میشود وبرای حرکتمن مبلغ ۲۵ پوند کرایهٔ درجهٔ اول را انتظام کرده اند و امید که تا عید اضحی آنجا خواهند خواهند شد یکروزه سه ۱۳۳۲ ه امضا

﴿السید جلال شاه﴾

اگر کسی خیال پرسیدن محل اقامت سید صاحب مذکور باشد وهوهذا :

توطنشان در شهر کراچی هندوستان در سنه ۱۳۰۱ هجری واقع شده هم والد ماجد وجد امجد شان السید حسن مرحوم ابن السید میر احمد مرحوم که ثروتهای شریفستان در بمبائی است ومزار والدهٔ شان در کراچی است ووالدهٔ شان دختر سید بروه شاه مرحوم است که ثروت شریف شان در کراچی واظهر من الشمس است که اینها در اصل از افغانستان آمده اند وما مسلمانان اوسترالیا یک محبت واخلاص جدی به جناب سید صاحب داریم

(برکت الله)

(داخل شدن دولت علیهٔ عثمانیه بجنگ)

مهمترین حوادثیکه در اواخر دین جنگ عالمگیر سرزده ظهور کرده ، وتأثیرات آن برتمام بلاد اسلام شامل شده همانا اشتراک ورزیدن دولت علیهٔ عثمانیه است درین محاربهٔ خونریزهٔ اوروپا ، در خصوص بنابر همین سبب اززیاده گوئی رأی خود اجتناب ورزیده تنها به حوادثی که دیگر اخبارها درباب بیان کرده اند اکتفا ورزید نرا لازم دانستیم .

جریدهٔ فریدهٔ (حبل المتین) کهیک اخبار اسلامی فارسی ، وسالهای سال مدار امور جریده عربی صاحب رأی رزین ونکات رنگین متین میباشد از قرار ذیل مینگارد :

(شمولیت دولت عثمانی درجنگ)

متأسفانه برخلاف آرزوی ما شکی نیست تمام مسلمین هندوستان باقیت دولت عثمانی دران جنگ خواهد متمایل بشمولیتش دادند ، از زمان سلطان محمود عبدالحمید خان ببعد از وقتیکه جنگ بوکان ومعاقدهٔ جزیره (کریت) پیش آمد ، بدولت عثمانی در اتحاد رابطهٔ سیاسی با انگلستان گوشید واین رابطه هم روزه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 937 of 1786

درازدیاد بودنا امتیاز راه آهن بغداد را کما کان ماضی عثمانی بود آنان جلب نمود وسبب گردید که یک جامعی به اسم (ژون ترک) که بعد از مدت پانا پیدا شده بودند وعدهٔ نشو ونمای آنان درهوای آزاد فرانس وانگلیس می شد برخلاف عبدالحمید خان قوت گرفته باغبت سبب خلع وی گردیده عنان حکومت را به کف گرفتند بدون شبه در آغاز مشرو طیت عثمانی این جماعت میلان ورجحانشان بجانب فرانس وانگلیس بود خصوصاً وقتیکه رکن اول دول اتحاد ثلاثه آسترا هنگ وعثمانیرا اخلاق نمود غلط روی انجا . ترکان به انگلستان بود چون به این فشار جوانان ترک روی از انگلستان نه پیچیده فشار دیگر به ایشان وارد آمد ، یعنی رکن دوم اتحاد ثلاثه طرابلس غرب را غصب کرده در آن موقع هم عثمانیان التجاء شان منحصر بفرانس وانگلیس بود ، چون از این طرف ها برمرام خویش چنانچه میخواستند آواز همدردی نشنیده وروز افزون روابط دولت انگلیس باروس نظر بمعاهدهٔ سال ۱۹۰۷ افزون گرفت مأیوسانه بطرف آلمان رخ نمودند . بمجرد توجه آنان به آلمان فتنهٔ بالکان تولید ونتیجه اش آن شد که لازم به بیان نیست این نکته راهم درانجا ناگفته نمی توان گذارد که نظر بمنازعات ومناقشات یکصد وچهار ساله روس باعثمانی حسیات آحاد ملت عثمانیه ازان وحید صغیر وکبیر برخلاف روسیان بود وبهیچ وجه نمی توان دراین مسئله آنانرا ملوم قرار داد چرا که تاریخشان مشحون از منازعات باروس بوده وبرعکس نظر به همراهی های مسئله دولت انگلیس درمنازعات شان باروس تمایلحسیات ملت عثمانیه معطوف به همدردی وهمراهی انگلستان بود وتاکنون هم رجال عمده عثمانی بجانب انگلستان نظر دارند ، فقط چیزیکه رد نکرده این توجه راکم نموده ورمی از عثمانیان را متوجه آنان ساخت معاهده سال۱۹۰۷ انگلیس باروس بود ، وآنان هم موقع یافته بجلب قلوب جوانان ترک کوشیده وبه وعد وعید وبیم وامید آنرا بطرف خود کشانیده ، ، تا آنکه پس ازجنگ بالکان وآن نتایج وخیمه که برای عثمانیان پیش آمد مصمم گردان فایده از امتان شده وبرای اصلاح حال فلاکتی اخسران آنانی را به اسلامبول جلب نمودند واین نکته سبب افتراق دول اتفاق ثلاثه خاصه روس آمده بی نتیجه ماند ، وما هرگز خیرخواهانه نگفته ایم که از صد سال به این طرف به جان ژه که افراد اسلامی دولت وملت انگلیس را هوادار خویش پنداشته روس را مخالف خود دانسته اند ، چه طور میتواند سریعاً عقده صد ساله را معاهدهٔ ۱۹۰۷ از قلوب پاره زائل سازد ، واگر جوانان ترک شبهٔ بر ایشان از دوستی انگلیس پیش آمده ومجبوراً متوجه به دشمن وی که آلمان است شده اند فقط وفقط برای دوستی وی نبوده بلکه ملت اسلامیه هیچ وقت جز نظر محبت وحسیات صمیمی نسبت بدولت وملت انگلیس نداشته ونخواهند .

از آغاز این جنگ بلغ سوز آنانیان موقع یافته که دراسلام بول به از دیاد خود ورسوخ جویش بپردازند وعثمانیان را بهر گونه وعد ووعید وبیم وامید بجهت خویش سوق دهند . درین مدت عثمانیان هم موقع یافته دربرده بجلب منافع خویش از آنان کوشیدند واز تفکرات هم ظاهر میشود که تا آخرین موقع نیز عثمانیان مائل بجنگ نبوده واگر مظرون بصواب باشد عدم خواهی رئیس الوزراء درواقعه اخیرا بود که آن را هم اقدام وابتدائیت را نسبت به روس مدعی بود لهذا است باینکه رجال ژون ترک عثمانی وعدات سلطان یکسته دمن روابطشان باتفاق ثلاثه مائل نبوده اند ، اگرسبب شمولیت عثمانی دراین جنگ عدمای دسائس آنان باشد باز هم تصور می توان کرد که تابک اندازه روسیان مورث قهروغضب انگلستان نیست به عثمانی گردیده اند ، علی ای تقدیر شبه آنچه را که ما از آن خائف وعموم مسلمانان هند متاثراند ، چه از یک طرف حسیات مذهبیشان بجانب سلطان میکشاند ، واز طرف دیگر خیرخواهی صمیمیشان بطرفداری انگلستان سوق مراهد مسلمانان هندوستان مونمی بس نازك یافته اند .

(کلوله باری بردر دانیال)

زمیندار به نمبر :

روزنامه گلشته کلوله باری کشتیهای جنگی انگلیزی وفرانسوی کردوود متعلق آنراخبار ، سول ایندیای ژرنل ، لاهور اظهار خیالات ذیل را کرده است :

دسته‌ٔجدید جهازهای انگلیزی وفرانسوی مستعدی ژرنگ رای اثبات وجودخودها بارکان نشان داده است . ایکی ازبندر دوری کلوله باری کردن بردر دانیال باقلعه یک قصان گذرانیده نیتواند . هنوز پیش از آغاز توپهای جرمن در خصوص این قلعه‌ها چنان مشهور بود که آنها ازطرف بحردفع جمیع حیلهای گوناگون را کرده‌نیتوانند جمعیکه حالا توپهای جرمن بر در استحکام آنها افزونی داده است . درین هیچ شبه نیست که دستهٔ بحری انگلزی درماتحی امیرالبحر ، دکورث ، بردستی در دردانیال در آمده بود . ولی ان واقعه بکمصر پیش ازینست . ودرینوقت درصورت حالات بسیار تغیر وتبدل واقع شده‌وقوهٔ مدافعهٔ این تلاع بس افزونی کرده است . دردوران جنگبالقان دستهٔ بحری چنان بقلعه های در دانیال هیچ تعرضی نکردند . لهذا به سرفیت دسته بحری ترکی اکتفا ورزید ، درجنگ سنه ۱۲ — ۱۹۱۱ دستهٔ بحری ایطالی به کلوله باری بردر دانیال کوشش کرده‌بود واز آنا یکعدی قصان هم رسانیده بودلیکن یکدفعه بعضی کشتیهای آبپیمای ایطالی زیر آب آور شده بودند وقبل ازانکه توپهای قلعه‌ها بنای آتش متانی را بگذارند آنها ازانجا فرار جستند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 938 of 1786

(وقت قربانی وایثار)

حضرت ممتاز اخبار و کیل امرتسر بمناسبت قربانی عیدسعید چنین مینویسد :

۳ روز بعد از امروز عید اضحی است وقت قربانی قریب است بنظر آن قربانی و ایثار عظیم الشانی که حضرت ابراهیم خلیل الله در بیشروی دنیا پیش کرده بود اسلام از هرفرزند خود جان توقع را دارد ، ولی بعضی جنان مسلمانهائی هستند که جزبات نفس و آسایش را گذاشته به پیروی سنت ابراهیمی اقدام ورزیده بحیات پایدار دست آرامیکنند خدا گوشت وخون واستخوان حیوانات محتاج بست واز غیرش نیاز است اولعالی اینهمه کار هارا برای بیهودی وبیهوده خلق نکرده که دردین ودنیا فلاح یابم ، مگر حیف که ماونیا وقوفیت از فلسفه عالی آن کوشش نمیکنیم .

برای فرزندان اسلام وپیروان قرآن تنها قربانی مادی ضرور نیست ، بلکه برای پیشرفت معاش ومعادهردنیا وعقبی برای شان ایثار وقربانی بسیار مهم لازمست . وروح مقدس پیغمبر اسلام ، صلی الله علیه وآله وسلم ، درین امتحان ما را می بیند .

﴿ داك وكيل انكليزى ﴾

حضرت سراج الاخبار جهلم ۱۹ اکتوبر .

انتظام کور نمنت ما رای و کیل انگریزی مقیم کابل بسیار درست است ، داك آنها ازپشور بسته شده میرود و باداك افغانی تغیر صاحب هیچ واسطه بسن وداز کردن آن نیست کاك ها وکتابه ها ی شان مانند همه وسائل راه میرود یعنی هان محصول داکی که در هندوستان از آن گرفته میشود در داخل افغانستان نیز به آن گرفته میشود وهمسود افغان ازان گرفته نمیشود تکت میخواهد راجع باین برای وکیل انگریزی مقیم کابل میرسید وصرف یک داکخانه پشاور را روان تحریر دارید در روز دهم منظوری آنها خط خواهد رسید وبن اگر راسا به امیر مملکت افغان پشاور نوشته شود همسود آن جاری میشود ، لهذا حضرت برای وکیل انگریزی کابل فرستاده میشود تنها لفظ داکخانه کابل نوشتن لازمست . این اشاره را مأمور داك خانه انگریزی علیحده بسته همراه داك افغانستان خود خواهد فرستاد و مأمورین داك خانه افغانی آن حربطه ها را بلا چست وراست به کابل میفرستند .

مصالح الاحباب

این فقرهٔ ماقوق شایان ملاحظه وجالب نظر دقت اولیای امور دولت علیه مقدسهٔ مسلمه میباشد ، ولا این بیانات محترم ممتاز خودرا به تصحیح کردن مجبوریم که : گو نعمت بهٔ شان درهیچ گونه اموری از امورات دولت علیهٔ مقدسهٔ مسلمهٔ مقبوضهٔ ماحق هیچگونه اظهاراتی را ندارد ، این انتظامی را که همانا عزم ما ازان بحث میداند ، محض یک معاملهٔ تراکت پرورانهٔ ناظر تواریخ خواهد بود که از طرف دولت مستقلهٔ خداداد افغانستان دربارهٔ و کیل دولت بهیهٔ برتانیا اجراء فرموده شده است ، درینهم هیچ گفتگوئی نیست که حربطه های داك و کیل انگریزی بدون تغیش وواپدن همچنان سربسته بکابل بیاید ، زانکه هیچ یکی ازدا کخانه های دنیا بـ بغیراز بعضی اوقات مستثنا حق باز کردن وایدن اوراق ومکاتیب کسی راندارد ، اساسلهٔ که ما آنرا جانب اقتدار دقت اوزی امور دولت مقبوضهٔ خود میپنداریم این است که چون مکتوبهای همستان بدوپیسه تکت محصولی داکخانهٔ بکابل بیاید آیا مکتوبهای کابل یک عباسی تکت محصولی داکخانهٔ چرا بهندستان رود ، آیا تکتهای دالدولت خداداد افغانستان از تکتهای داك دیگران چه گیوندی دارد ، عقیدهٔ اجمالیهٔ شایان غور وتدقیق است ، زیرا داك یک چیزیست که جز از مسایل سیاسیه مداركی امور تجارت بران موقوف نمیباشد ، حالانکه اگر یک تاجر کابلی برای یک کالئهٔ خود که در بمبئی یاهمبرگ دارد اگر بخواهد یک مکتوبی بنویسد داکخانهٔ کابل آن مکتوب را تنها تابه پشاور ذمه دار رسانیدن میشود ، داکخانهٔ دولت خداداد که درپشاور است غیور است که آنرا به داکخانهٔ انگلیزی پشاور تسلیم کند داکخانهٔ انگلیزی بدون تکت انگلیزی آنرا قبول نمیکند ، آیا قیمت آن تکت دوپیسه کی انگلیزی را تاجر کابلی چه ذریعه به پشاور خواهد فرستاد ، واگر قیمت تکت انگلیزی را داکخانهٔ اسلامیه پشاور از مرسل استاند ، پیاید از جیب خود بدهد که درانصورت موجب ضرر داکخانه میگردد ، باید مکتوب مرسل راپاره کرده یکسو افگنند که این کار بعضی اوقات موجب فلاکت شدن یک تجارتخانهٔ بزرگی راهمیاد میسعد ، واگر گفته شود داکخانهٔ اسلامیهٔ پشاور مکتوب مرسل کابل را بذریعهٔ پرتك بداکخانهٔ انگلیزی پشاور تسلیم کند ، وداکخانهٔ انگلیزی هرقدرتکت بازهم تکت محصولی افغانی ازحکم جلش در خارج ساقط گردیده میشود که اصل شایان دقت وتدبیر و سزاوار اندیشه و تعمیق عمیق نکتهٔ میباشد .

(زمیندار وصول اینه ملازی کرت)

زمیندار ۹ نومبر :

از قاعدهٔ خیال ما کم وحکوم ، مالك موجود حقیقی آنست که درجنان وقتیکه زاهدازی افواه برای مراد ماند قوهٔ گفتن مقنا طیسی کار میکند در باب اشاعت خبر ها خاص احتیاط را ملحوظ باید کرد ، چندروز شد که مسلم تائمز دیلی گزت لاهور بعضی اردو اخبارورس هارا خواست ، آنهارا باحتیاط دراشاعت خبرها تنبیه کرده بود ، مابار بار برای گورنمنت اظهار کرده ایم گمدرهای اخبارهای اردو ازافزایش خودشان بخوبی آگاهند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 939 of 1786

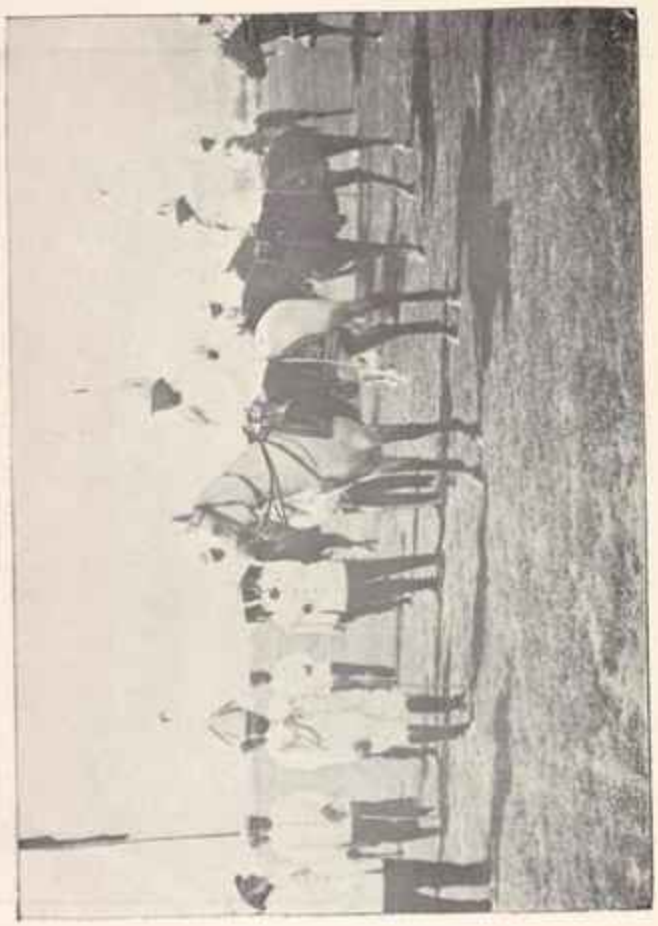

طاق اعلیحضرت هژبری بعد از قراغ ملاحظهٔ عسکری
۱ — ذات اعلیحضرت — ۲ — عین‌الدوله — ۳ — اپشیك آقاسی ملکی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 940 of 1786

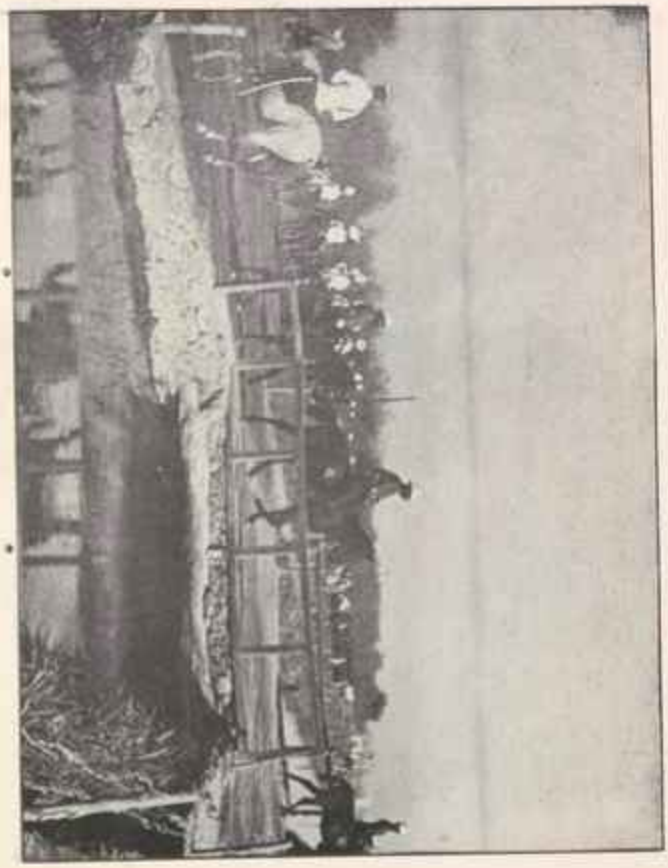

(عودت اعلیحضرت همایونی از جنگ منصوری)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 941 of 1786

و آنها از طرف خودهیچ خبر راننوشته نمیتوانند وچیزیکه مینویسند از اخبار های انگلیزی هندستانی نقل میکنند لهذا تنبیه ونهیدن براخبار های انگلیزی لازمست ندارد .

فازینما ازین یك بخوبی واقف خواهند بود که ما چندروز پیش ازین بعضی خبرهارا ازنقطهٔ نگاه جرمن در زمینهاز مندرج کرده بودیم . ولی وجودیکه مادرنمود آن ظاهر و آشکار نوشته بودیم گمانها مبالغه آمیز میباشند وانهارا هیچ وقعت نباید داد ولی گورنمنت اشاعت آنهارا تا کوراندست حالانکه «استیتسمین» و « زمیندار » و دیگر اخبار های انگلیزی اشاعت خبر های جرمن را آرایش اخبار خودمیدانند وتایه امروز به هیچ یك ازچنین اخبار های انگلیزی از طرف گورنمنت تنبیه نشده .

اخبار حکومتی هندی مقامی ما همصدر « سول اینڈ ملٹری گزت » در اشاعت ۹ نومبر خود درجهٔ خبرهای جرمن ازراه اوستر الیا گذرج کرده خویش قابل توجه است :

« هدیهٔ یك پادشاه »

۱۹ اکتوبر :

یك جمعیت جرمنی درامریکای جنوبی این اعلانرا شایع ساخته که یکصدهٔ طیاره‌های زیبا پیشکش شاه جارج را بحیثیت اسیر جنگ برده است و برای رهائی دادن مبلغ ۵۰ لك پوند هدیه طلب کرده است .

پیسه اخبار ۳۰ اکتوبر :

(ازخبرهای مبالغه آمیز رهبر لازم است)

۱۱۰ بجهٔ صبح ۲۹ اکتوبر برقی گشتر لاهور مدیر های شش اخبارملکی « پیسه اخبار » « وطن » « وکیل » « غریب » و « علی » را طلب کرد . ودرجواب دیمهٔ عدالت در جائیکه مدیر ها منتظر بودند مسترگالن برقی گشتر آمده گفت وازچنین بعضی آنزباند کدرمعنی اخبارها خبرهای مبالغه آمیز خلاف جرمن چاپ میشوند که یکی دور از مناسبت میباشند چنانچه . دریك قطعه یك اخبار اردو یك خبر عمومی را نقل داده خلاصهٔ آن یعنی از اخبار نویسان مذکور گفتند که این خبر در اخبار رسکیم پوست « انگلستان طبع شده وازان دیگر اخبارهای رسمی هند اقتباس نموده وبا اروپی آنها دراخبار های اردو نقل شده است . زیرا ما بعلاوه که علاوه بروتر خبرهائیکه متعلق جنگ براخبار های رسمی هند شایع میشوند هیچ آبی ندارد . بازدن برقی گشتر گفت که مدعای گورنمنت اینست که خبرهای راست ودرستیکه بفریهٔ روتر می آید گوئند خلاصهٔ اشاعت جمیع چنین خبر هائیکه ازان در دنیای عوام الناس اندیشهٔ غلط خواهند جرمن پیدا شود رهبر زدن لازمست . واگر چنه درلاهور قریب یك ویم صد مدیرهای اخبارها میباشند ولی من تنها شما ۶ اصحاب را طلبیدم شما به همهٔ اینها این مقاله گورنمنت را تبلیغ کنید . که از اشاعت خبرهای مبالغه آمیز و خوشدار همهٔ شان حذر کنند . در مقابل آن از طرف یکی از مدیرهای مذکور گفته شد که تماگورنمنت راچنین بدهید که درین روزها نیت همهٔ ما اینست که گورنمنت را امداد کنیم وپریشان نسازیم وبعد ازیقدر گفتگو ملاقات اختام یافت . [میگویند که دریتاور پریدریتاب صرف خود وخودعمل آمده است . فسبحان الله ! ...]

(خبر رسانی بین ایدن و هندستان)

هندرد ٤ نومبر :

ازین یك مشکل انکار میتوان کرد که جاسوس های جرمن درهر ملك موجودند وعلاوه بران پس ازآغاز جنك بر جرمن ازاده فرستادن جاسوسهای خود را در تمالك غیر ظاهر کرد . که ازاقسام گورنمنت هند را راهی بکرال واردین واجبی ها صدور قانون هنگامی افتاد . حالا از بیانات بعضی مردم گرفتار شده‌دست ایدن این بخوبی معلوم میشود کهایدن عموماً در جسوس هندستان و خصوصاً متعلق آن جهاز هائیکه برای اصاف وی فرستاده شده‌اند معلومات کامله دارد این دواعی که یکی خبرهای هندوستان بایدن میرسند وبیکر که خبرهای ایدن بهندستان میرسند ضرور معنی خیز میباشند . چنانچه همصدر « ایدن دیلی نیوز کلنکله » در اشاعت جدیدخود نوشته‌است که « خبرهای گرفتار شدن ایدن جهاز هارا درکلنکله درمورد اروالعه یکدیرهٔ نامطوی معلوم بود و همچنین خبر رفتن ایدن بر مدراس پیش ازظهور حادثه در کلنکله انتشار یافت واین یکطرفه دیکر خبر رسیدن بهندست . ودر حالیکه هوایپیمایکه متعلق محفوظ برآمدن ایدن میگویند ما آنرا شناخ کرده نمیتوانیم ، این امر حقیقتاً حیرت انگیز است کهاین خبرها درعوام چگونه انتشار میپذیرد . لهذا بدون این دیکر چیز گفتن بعد از سوال خواهد بود که « ایدن به جاسوسهای خود جز نقل و حرکت خود را میدهد ودرعوض آن ازایها خبرهای هندوستانرا میستاند . واینست که چاپلوسی ناجائز جورا محیط بالشه توانست است .

(شرایط مصالحهٔ جرمن)

زمیندار ۲ نومبر :

پاریس ۱۲ اکتوبر — موسیو کلیمنسو « پارچه نزیهٔ معتبری رجوعت یك گفتگو را شایع میکند که درحال در مابین سفیرجرمن متعین « واشنگتون » و پریذنت امریکا واقع شده .

امریکا رسیده که دراختتام جنك جرمن دافراتی جسوله خواهد کرد ! سفیر جرمن جواب داد . که جرمن کاه از ملاقه و مستعمرات فرانس را که « طرف شرقی » لاین بندی واقع است بیکی میبود . واقع است درحکومت خود سپرخواهد کرد و ٤٠ کرور پوند کاوان جنگندا فرانس حواله خواهدکرد وجرمن فرانس را درمتوسط کردن یك جنازمعاهدهٔ گاز روی آن ۲۵

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 942 of 1786

سالیانه بدون کدام شرط مبادله اسباب جرمن بلاحصول درفرانس
روند مجبور خواهد ساخت وبیز تا ۲۵ سال فرانس را نباید که
فوج بگیرد . و فرانس بدون کدام شرط مبادله ۳۰ لک تفنگ
و ۳ هزار توپ و ۴۰ هزار اسپ به جرمن باید تقدیم کند .
وفرانس باجرمن بمعاهدهٔ اتحاد دستخط خواهد کرد وباز جرمن
برای پیدا ساختن انکلاپ روس را باخود متفق خواهد ساخت .
(مترجم عبدالرحمن)

بیانات امپراطور المان

نقل از جریدهٔ فریدهٔ جنرالتین :

توصیه وخطابات امپراطور ولیم نسبت بزرگان مملکت ورؤساء
امارات واقسران لشکری را جرائد المان چنین بیان میکنند
امپراطور ولیم درسومین مرتبه که بزرگان مملکت را اندوز
گسفلد تمام توجه وطرف توصیه خویش را برئیس مدارس
ورئیس عدلیه بزرگ وسپهسالار لشکر قرار داده است . دراول
رئیس مدارس رابیش خوانده فرمود « من آمال و آرزوهای
حال وآیندهٔ امپراطوری خودرا بدست توی سپارم . مقامیتی
را که بعهده گرفتهٔ باکمال جدیت حسن عمل بخرج داده وجوانان
مملکت امپراطوری مارا که مایهٔ سعادت حال واقبال اند . ازجانب
من بگوئید که امپراطور آلمان محتاج بهایدی بامانه وجوانان تربیت
یافته ، وطن خواه حق شناس است .

سپس کلمات زرگاه وزیر معظم الشأن ما (بسمارک) راکه
فرموده است « بواسطه مدارس رهسپار خود (فرانسه) غلبه
یافته وخوا هیم یافت » برآن بسیار خوانیده .

پس ریاست محکمه عدلیه اعظم را مخاطب ساخته وفرمود « .
از این پیشتر مظلمهٔ که درین ملک واقع گردد . وهر قوی که
حق ضعیفی را غصب نماید شخص شما زودتر ازهمه وزود
ترمن مسؤلید .

چه واضح است که عدل اساس پادشاهی پایدار ملکت وسلطنت
بست که اظهار آن اساس را خورد وخرد می شکند پس اگر
آلمانی آزاد وطن خواه نوع دونی میانهٔ درمیانه مردم بعدل
وداد رفتار کرده وحقوق ایشانرا باز دانسته ، داد مظلوم ازظالم
بگیر ، بترس از اینکه اگرسوای این کنی وطن عزیز ونوع تو
متضرر خواهد گردید » .

سپس به سپهسالار بزرگ نگران گشته وبالهجهٔ مزبوره فرمود «
ای سپهسالار دایرمن پیدار باش ! وباچشم کشوده درمصالح وقت
نگران شو ، بدان که حیوة وطن درزیر سایه شمشیر تو است
من در مقام تومیهٔ تو بر آمده ، می کوشم که اصول پایداری وثبات
وصبر را از دست مده ، برافراد قشون خطابات دلیری وشهامت
برخوان ، ازمفاخر تاریخی گذشته وحالیه ، آنان را حکایت کن .
از شجاعت ودلیری پدران آنان برتبار ، گوشهای آنان را از

لفظ آلمان ، وآشنای ، آگنده تا ، چرا که این کلمه برگوشهای
آنان گران نیست ، بلکه سبب جذب قلوب آنان شده آرزوی
حب حیوة واستقلال در نفوسشان جای گزین میکرده . افراد
قشون را آگاه کن که آلمانیان از پهترین اهم ارض وآبیوخاکشان
از پهترین محلهای روی زمین است

سپس آنانرا مرخص ودر خانه باین کلمات ایشان را وداع
کرد که « . آیندهٔ ما درپیش داریم . اگرهریکازشما وظائف
خود رفتار کنید آیندهٔ ما بخیر است . بدانید ! که من بدست
شماهچه کرده بر دشمنان سخت میگیرم واعتماد من بشما وتاج
شکران ومحاسب اعمال ما وشماست . آگاه باشید ! که حیات ما
متوقف برسه چیز است (۱) لشکر وآلات دفاعیه (۲) مدارس
ومعارف (۳) محاکم عدلیه . . .

جای تعجب است این حکمی را که امپراطور ولیم وسلاطین
بزرگ ، اصول پیشرفت واساس سعادت وترقی قرار داده اند ،
در هزارو سیصد وسیواند سال قبل پیغمبر ما حضرت خاتم النبیین
علیه الصلوة والسلام ، بقوانین واکمل همین اصولرا سبب استحکام
وترقی دین اسلام دانسته وفرمود « علی الاسلام علی اربعة علی الصبر
والیقین ، والجهاد ، والعدل وهو الخیر کله فالسیف ،
ومقام هذاالدین الاالسیف » ، وهم « اخذ تحت ظلال السیوف »
وهم « الملک یبقی مع الکفر ولایبقی الظلم » . فرموده ومایروان
آن پیغمبر پاک این اصول را ازدست داده مسیحیان دودستی گرفته
اساس پیشرفت خود قرار داده اند

بالاخره قبل ازاینکه امپراطور ولیم اول بحرکت اردوبدهد
یکروزدرقصر امپراطوری نشسته عدهٔ کثیری درزد وی بودند .
ناگهان بانع رصدخانه قمر آلمانی دراطراف ۵ ر امپراطوری
تابش علی داده وامپراطور را برخلافتش ترغیب میکردند و علی
العمد امپراطور توجه بانها را طول میداد . برای اینکه هیجان
دلربا وتعصبات ملیه شان گرم تر گردد ، تابان که آن جمعیت
از گثرت ازدحام دلیری وخروش روحی دچار کان گردند در آن
حال امپراطور بنیهاء غربی که رزانت واقبال هزار اومتر شیع
بود از دریچه سر برآورده دست بلند ، وطوکانه سلام داده .
صدا ، بلند کرد .

که ای قوم دلیر آلمانی . . امروزه برما آنا بیان روز مردانگی
است . چرا که دشمنان ما میخواهند آن چیزرا که پدران ما
برخون خونهای پاک بدست آورده ازمانقطع کرده بگیرند، میخوا
هند بعلت گسستن قم (فرد ریک) کبیر را . میخواهند
درخت باروفیر (بسمارک) عریض کنند ، بدرستیکه استخوان
فدا کاریکه درراه این آب وخاک جان داده واین خاک آن
استخوانها را در برگرفته میخواهند ازسر ما کم بازیچه نمایند
باگوش دل صدای آنها را می شنوم شمارا می خوانند که باحترام
وحفظ مقام آنها کمربندید . ومن بشما اطمینان میدهم که قوه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 943 of 1786

ومساعده وارادهٔ خداوندی نصرت وغلبه خواهیم یافت وفتح نهائی ماست چه در راه راست وحقا پیئیم . . .

گلوله پنجپوند توپهای آلمان

(کذا)

جریده دلی مر بیان میکند که یك سرباز آلمان که زخم برداشته وبدین سبب بوطن خود معاودت وفعلاً در سوریه است اطلاعات خودرا درخصوص توپهای هوتیزر ۱۷ انچی (۱۷ انچ دهن توپ است) آلمان چنین اظهار میدارد . که هرتوپخانه آلمان ۴ عدد ازاین توپها دارد واین توپها فقط برراه آهنی که سر بازها گذارده و وصل میکنند حرکت می کند ازهریك از آن توپها درهر ده دقیقه یك تیر خالی میشود . توپچی های آن که انجیر های باهوشی هستند بخاصه معینی دورازتوپ ایستاده وفقط الکتریك آتش میدهند

قیمت هر گلوله این گلوله (که متجاوز از پنج هزار تومان است) میباشد

« توحید »

حضرت فاضل جلیل ومتتبع نبیل جناب « محمود طرزی » صاحب مدیر « ایالاخبار افغانیهٔ (کابل) در یك نطق دلپذیر از زیان موالید ثلاثهٔ (جمادات ، نباتات حیوانات) « بکطریق بسیار دلپذیر توحید باریتعالی راتعریف کرده اند. برای جوزپهای معنوی والفظی اعلم نام بانی جناب طرزی یك ضیافت زیاده بر کفایت است این نطق به تقطیع خوردی ۳۷ صفحه چاپ شده است وبتقریب شروع جلد جدید سراج الاخبار حسب معمول برای قارئین هدیهٔ داده شده است ، ودر آخر هر یك قاریفاتور جالب الشریف السان ضعیف البنیان ودیگر مخلوقات بهسیار درستی تصویر شده است . « علیکه المنیوت گرت »

(مشرف به اسلام شدن سه خانونهای اروپائی)

وکیل :

روز عیدالفطر بعد ازخطبه « در مسجد ووکینگ « لندن یك خانون اعلان قبول اسلام کرد . و بعد ازین بهمان شانیکه فرمای آن جناب خواجه کمالالدین صاحب مبلغ اسلام دارد جمع پیشانهٔ مبشدند یك خانون دیگر در دایرهٔ اسلام درآمد وبعد ازفوت خواجه صاحب یك خانون سومین برمشرف باسلام شد . نامهای اصلی و اسلامی این هر ۳ خواتین ازقرار ذیلست:

(۱) مس رودا نام اصلی — رضیه نام اسلامی
۲) مسز کارنگز « « جنت « «
۳) مس مارگرید « « حلیمه « «

وعلاوه بران دیگر حضرات متعددی از تعالیم اسلامی متأثر شده امید است که بعد ازتفحص کامل علنی در دایرهٔ مسلمانی داخل شوند. بتاریخ ۶ شهر تقریر جناب مولوی صدرالدین صاحب بود که دران بین امر تفصیل بحث شد که قرآن کریم چقدر محافظهٔ حقوق زنانرا میکند ، علیه عموم عیسائیان است که زنها وبچه ها فطرتاً گناهکارند . مولوی صاحب به دلایل ساطع و براهین قاطع ثابت نمود مکمل این عقیده را کردند وثابت فرمودند که زنان نیز حال مردان فطرتاً نیك پیدا میشوند واین بعض اثر موسائی است که آنهارا عقیده پدران میباشد وهمین طور مولوی صاحب علاوه براینیاء علیهم السلام بدران را نیز معصوم ثابت کرد . واحکام مختلف اسلامی را بیان کرده فرمودند که اسلام حافظ حقوق زنها وبچه ها ومدرس احترام وعزت انبیاء است علیهم السلام .

(غلغله)

مندرج ۸ نومبر :

پیش ازچندی خبر رسیدمود که یکحصهٔ عسکر عثمانی جانب خلیج عقبهٔ اعزام کرده است وپس ازان معلوم شد که « مقدار » ناوچهای انگلیزی رعقبه گوله باری نموده طول خلیج عقبه ۱۰۰ میل وعرض آن ۱۶ میل است وطور سینا « عقبه « بمسافهٔ دوجم میل از ساحل یکسار برقی خلیج واقع میباشد .

عقبه بك اهمیت زیاد تاریخی را بسبب قدیمبودن خودداشته درعهد سلطنت « روما « رومائیان اظهار اقتدار عسکری خودداشته بودند وباز درزمانه های حکمای اسلام بسبب تجارت خود کسب شهرت وزیاده بود ودر عصر ۱۲ عیسوی سلطان صلاح الدین ایوبی بران حمله برده و پس ازان عروج این شهر اختتام یافت . درسال ۱۹۰۶ع ترکان درعقبا ساحل پلکراه آهن را آغاز کرده بودند تا راه آهن قطار بخار ریلوی آنرا ربط دهند . عقبه برسر حد مصر واقعست وراه خشکی فاصلهٔ آن از « سویز « ۱۵۰ میل میباشد گوله باریکه در حال رعقبه اجرا شد ازان آغاز جنك برسر حد مصر مطیوم عیکرده .

کذا (تبهات عثمانی)

نامه نگار « تریانست « ازقسطنطنیه درخط ۳۰ ستمبر خود مینویسد که « انور پاشا دردرداردانیل مصدود شده میباشد ودراثنا توپهای جدید مشهور جرمن ودیگر توپهای خورد قسم جدید نصب نموده اند . ولی اینها مسئلهٔ اسلحه ازقل وحرکت عسکرها وجهاز های عثمانی یکقدری اهمیت دارد . واز تحریر همین نامه نگار معلوم میشود که تا اخر ستمبر ۵ هزار عسکر ترکی و ۶۰۰۰ عسکر بدوی در « تازه « که قریب « العریش « است جمع شده بودند وهمچنان درعقبه نیز عسکرها جمع شده بودند که تاکنون های ماضیه معلوم کنند ونیز نامه نگار مذکور بیان میکند که برسر حد « تلال بی « پاشا « انور پاشا « موجود است .

بیمهٔ اخبار . (خانهٔ ایدن)

آخر کار « مدیه نام کره وازور اوستراليائی « ایدن « را قریب جزایر « کوکوس » ازگلوله باری خودشکسته و « ایدن »

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 944 of 1786

آتش گرفته بساحل رسید و ایدن ، متحمل خسران کثیر شد و « سدلی » را هم که خسران رسید و ایدن ، رای شکستاندن بار بحری « کوکوس » آمده و سدلی بران موفق نگردیده کارخیات خودش را برد .

وچونکه « ایدن » عرق بانکه نکست است . لهذا امید کرده میشود که کپتان بافد ها وخانه‌هایش غرق نشده باشد و بانکه این شده باشد حالا « ایدن » روز خودرا بسر آورد . ولی نمیتواند گپتان باد « ایدن » در تاریخ این حرب نادیده خواهد ماند . اخباری انگلستان اقدار تعریف دلیری وکامیابی « ایدن » را کرده اند که بقول « زوئیر » اخبار « لوکل انسانیکی » برلین هم این تعریفارا رسانده ومکرر انگلیزها میدانند .

آخرین خبرها

اخبار ها ، وحکومت هند

مدیر اخبار زمیندار مراظهر علیخان کمیک راه مدیر پیشنهاد ، وصاحب افکار مستقل و آزادی بودازطرف حکومت بنجاب اطریته کرده است .

‖ اخبار کامرید ، وهمدرد که از اخبار های بسیار معتبر وهر دلعزیز هند بودند ودراز مدیریت مسز محمد علی طبع والتماس میرفت ازطرف حکومت هند باز کردید .

‖ اخبار بسیار شاندار (الهلال) که بحروف ثبت وحضور درگاه اقتدار میرفت ویک جریدهٔ اسلامیهٔ بسیار بدرجهٔ بود درنهایهٔ حیرت کرفتار آمد . « سراج الاخبار » اطلاع ازصدم دل پاک افسوس وحسرت این همسران خدام خودرا تعزیت وتسلیت میدهد .

پی خاطر روسیا به پیطرق

اخبار بصره اطریز مینویسد :

معلوم است که حکومت سویدن اعلان بیطرق کرده است . بلدیه‌ئی بالدا کنر ، ویک معلم ، ویک شخصی که چیزی قرات به بعضی خدا نهای بزرک سویدن هر داشته وهمهٔ شان از مریدان حرمی الاصل بودند واز مدت هفت سال است که در حکومت سویدن مستخدم بودند قبل از اعلان حرب رخصتی وطن خود رفته وبعد دیر وزها واپس بسر خدمت خود بیا مدند روسیا آنهارا ازار کذانده محبوس نمودند ، حکومت سویدن این مسئله را پی خاطر ترک تکنانهٔ بیطرق خود شمرده بشدت ز حکومت روس درخواست کرده است . احتمال میرود که اگر آدمهای مذکور راوا کذار نشود اعلان حرب بشود .

دولت علیهٔ عثمانیه وروس

اخبار الزورا ، الفرا مینویسد :

دولت علیه عثمانیه بیک انتقام شدیدی از سائیا ست که درحق روس در دلدنیز ورائید زرا همهٔ ملا کتهائی که بر او وارد آمده سبب پکاه آن روس بوده است . همهٔ ملکهای کاراست اورا آمده است از تیجهٔ شتی روس شدیدست حتی مقاومت بلغاراز حامل پکاه روس است . در ملا کت بالقان بحر الدان هیچکسی یک قواز حمدردی با او بلا نبود ، چون به اینهم میدانست که اگر این فرصت جنک عمومی را از دست بدهد باز هیچ وقت تمشیر انتقام مش از پیام نخواهد رامد . لهذا باروش قالب الدان بیت اتفاق یک کرده بحاره اشتراك ورزید . ودر بتوف هم از جهت خراسود . وهم از طرف خشکه غالب ومنصور است قوای بحریه روس را بزحیر السود سراسر مضمحل ساخته . واز طرف خشکه اگرچه براوك امر که هوا قوای کیاه عثمانی آنیمه بودیك کتیکی روسیا پیشدمی توانستند وی بعد ازین قوای کیاه عثمانی روسیارا باوزاه سرحدشان طرد و دفع نموده حلاحاره درخاکدروس مشغول است . درچین زمان برای مخلفین الان نیز فواید کلی حاصل کردید . زیرا یک قسم کلی ازقوت روس بطرف عثمانی متوجه کردید . ودر حالیکه همه قوایش بطرف الان متوجه بود بازهم چیزی کرده نتوانسته بود . پس چون حالا قوتش نصف شده باشد آیا باد قوت حسبهٔ الان واوسترا چه خواهد کرد ؟ . آنچه که عیانست چه حاجت بیانست .

دکسمود

کذا :

موقع « دکسمود » برای دول متحده از اهمترین مواقع شمرده میشد . برای محافظه ومدافعهٔ آن دو دسته بیطرفی بعمل میآوردند . باوجود آنهم الانها اظهار بیزاری داده موقع مذکور را ضبط نمودند . در بتوف همه سواحل غربی بلزیك که بمقابل سواحل انکلستان واقعست بدست الما است .

محاربهٔ بحری

کذا

از آغاز محاربه تاکه حال یک محاربه میدان بحری بوقوع نیامده است . الما در بتوف از انکرانهای وارده مفلوج کشته که در سواحل « تیرن » که در طرف غربی انجیکلی جنوبی در بحر محیط کبیر واقعست ماین پنج کرو دو زرو برتانیا والمان یک محاربه میدان بحری بوقوع آمده نتیجه رخیف شدن دو کروزوازور انکلیز وغلبه وظفر کشتیهای الان منتج شده است .

سواحل

کذا

درعهد سواحل بحر احمر از حد باب المندب تاکه عصر محاربه بشدت دوام دارد ، مصر در تهلکه است .

درچاپخانهٔ حلقهٔ حروف دار السلطنهٔ کابل طبع کردید

همه مقالجاتیکه مشتمل دارد ازطرف مدیر ودر سرمحرر محرر باشد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 945 of 1786

اعلا

سیاحت پدور اور کرهٔ زمین

چندر فایده ها وشیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت دائمی بزرگ دوستم

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کنندگان این سیاحت
عاری العاده هرگاه رای خریداری کتاب

(سیاحت پدور اور کره زمین)

پیشنهاد روز

بقدر دو روپیه کابلی بشتابند کسیکه را صرف نماید این سیاحت
را گویا (طیاره فوق) سیاح دور طنابش بکجا اجرا کرده خواهد
بود ! محل خریداری این کتابها دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب
متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در نفس مطبعهٔ عنایت که در محله قاضیان
است از نزد عبدالرؤف سرمترجم نیز خریداری میتواند .

مؤلف این کتاب (ژولدورن) فرانسوی است که در نوشتن
ناولهای علمی مشهور آفاقست . از فرانسوی بترکی و از ترکی بفارسی
ترجمه شده است . کتاب مذکور نه تنها ناول بلکه در ناولش جغرافیا
وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه بیان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شریفهٔ اعلیحضرت سلطنت
دولت علیه افغانستان جناب دالی (صمصام السلطنه سردار فیض محمدخان)
است بزیور طبع آراسته شده است این کتاب نایاب را زود بدست آرید
وفرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد
وافسوس فایدهٔ نخواهد داشت .

اعلان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیرا مژده میدهیم ، و ترغیب
میدهیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار ، و ازین گلزار پر از
ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده ازمردهن سخی (سخن) شنوند ، و از
عرچی سخی بگیرند .

در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید ، قیمت ۲ روپیه

اعلان

یک ناول علمی بسیار عجیب وغریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور
طبع آراسته شده وسومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را
تشکیل داده ایشم از تألیفات (ژولدورن) فرانسویست که در فن
اول نویسانی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده
است بقیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

این هردو کتاب در دکان بازمحمد در بازار الماری و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هریک بقیمت دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع در محله قاضیان از نزد عبدالرؤف سرمترجم مطبعهٔ موصوفه بخریداری میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 947 of 1786

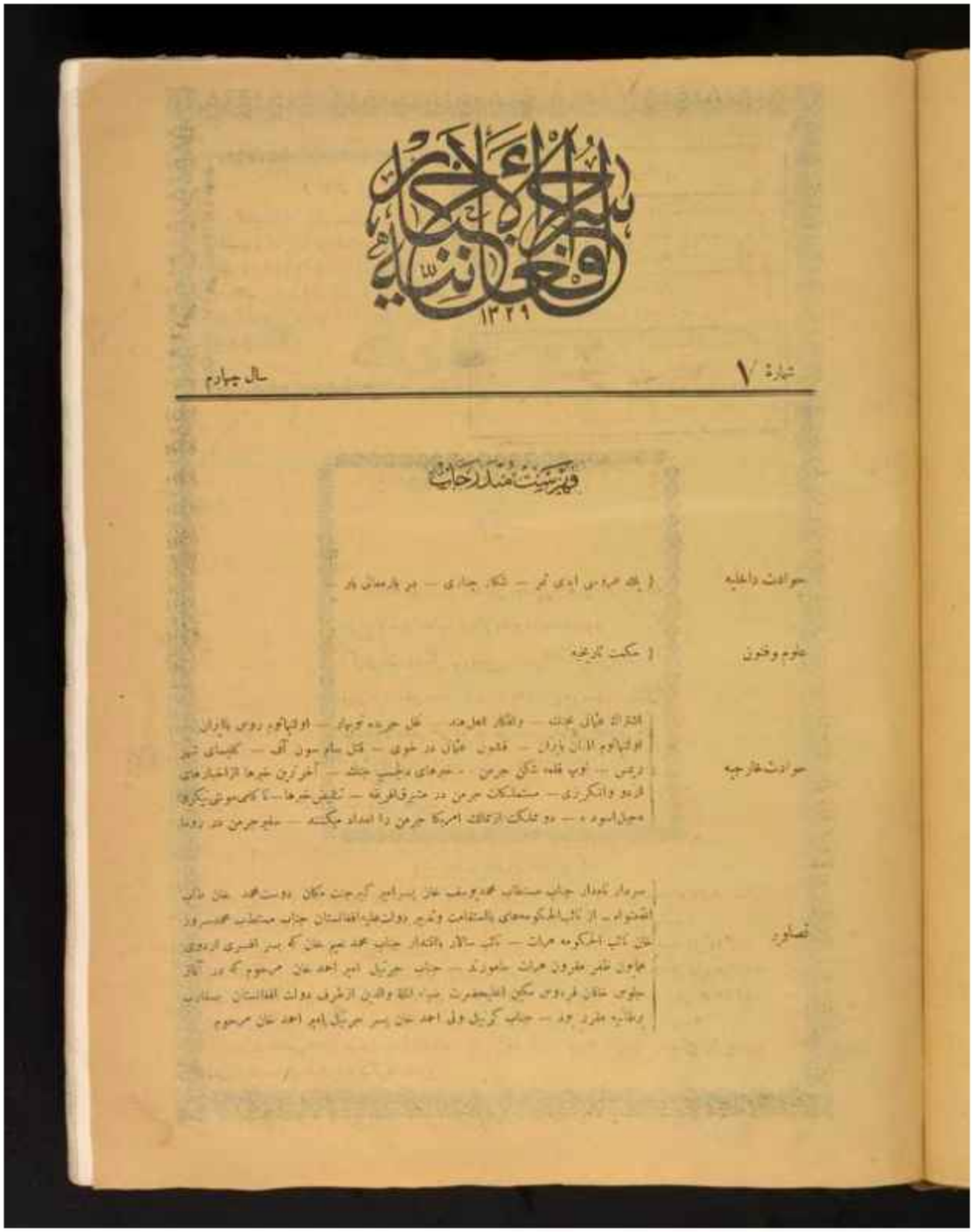

شمارهٔ ۷ سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخلیه | [illegible]

علوم وفنون | [illegible]

حوادث خارجیه | [illegible]

تصاویر | [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 948 of 1786

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آئینه بلد کره ۲) و (ادبدرس) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر و مهیاست . خواهان که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند اقدام مدیر طلب نمایند

شرایط خریداری

بارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرمانیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی | قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

به ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای چند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است ، از همین قرار حساب کنند

یادآوری

برحمهٔ کارداران نظامی و ملکی و جملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان و خبر داده میشود:

اگر از یک جا دیگر جا برو بدو میایند میباید که پیلشر قبلهٔ مدیر و سرمحرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای نیاید و اخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هرقسم اعلان و اشتهار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ربع روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق و قبله درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ربع روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر شانی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — انچ — ٤ — سون) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً یکسال نشر کردن خواهد دوسه یک ساله را یکجا ادا نماید ورق یکتی بر سر سطری سه اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 949 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۷)

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با محصول داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با محصول داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر هفته روز یکشنبه نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی است
(اوراق که درج نشوه اعاده نمیشود)

مدیر و مؤسس محترم
محمود طرزی

الاثار آخاذ و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
هر امورات تحریریه باداره خانه
و بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ محرم سنه ۱۳۲۳ تاریخ انگریزی ... تاریخ شمسی ۱۲ قوس ۱۲۹۳

جوائز داخلیه

پلک عروسی ابدی نمر

ازانجا که افکار مراحم آثار ذات مراحم سمات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما دایما در پی خیر وسعادت ملت و ملت شاهانهٔ شان مصروفست این ثبت خبر جوانهانهٔ شاهانه پلک تأیید عمومی اینار نموده مراسم عروسی شهزادهٔ بلند اقبال مکرم معین الدوله سردار (امان الله) خان دام اقباله بیک کیفیتی اجرا گردید که ثمرهٔ نیکوی آن در عجایب تاریخ افغانستان یک یادگار ابدی باقی گذاشت . ازمدتی همگان را خیال این بود که آیا این عروسی چه جدید ها و سازها و سامانها و خلعتهای فوق العاده ، و تجارتهای بی اندازهٔ بوقوع خواهد آمد . واقعیکه تمام ارکان و بیانات عظیمهٔ آن در انظار جلوه میکند .

حال آنکه آنهمه انتظار ها که رای امرافهای بی سوه کشیده بودند طرز بسیار متحسن و پرسودی جلوه گر ظهور گردید . تفصیل این کیفیت چنین است که شهزادهٔ مکرم مشار الیه بایک خریطهٔ مخصوصهٔ از حضور مبارک موفور والد کبیر اعظم شان ذات اعلیحضرت « سراجالملة والدین » استرحم واستدعا نمودند که اگر ارادهٔ مراحم غایتهٔ اعلیحضرت همایونی شرفتعلق پذیرد که همین مبالغ مخصصهٔ مراسم عروسی رای تأسیس یافتن بانک « مکتب الاثیه » بانک باب « شاهانهٔ الاثیه » تحریر یابد و ملت و ملت ازان مستفید شده بانک ثد کار ابدی و یادگاره ابی رای این مراسم باشد و الزامات بیوه ازین صرفنظر شود عین مرحمت خواهد بود .

ذات شوکتسمات اعلیحضرت همایونی که افکار علویت آثار شاهانهٔ شان همیشه در ترقی و بهبود ملت و ملت شاهانهٔ شان مصروفست این رأی وخیال خیراندیشانهٔ فرزند ارجمند شاهانهٔ شانرا بافکار قدسیت آثار همایونی موافق ومطابق یافته و شهزادهٔ مکرم بلند اقبال را مظهر تحسین ونوازش ذات پرآفرین همایونی فرموده مبلغ جسیمی را برای مراسم عروسی تخصیص شده بود رای آن مؤسسات فواید اتراجدی تر تعین فرمودند . واجرای مراسم شادمانی عروسی را بیک ترتیب دلنشین ساده سنگینی اراده وفرمان فرمودند .

هرگاه بنظر امعان ودیدهٔ ایقان باین واقعهٔ انسانیتکارانه ملاحظه شود ، یک شهراه امید کامیابی علوی پدیدش روی مات تحیهٔ افغانیه مفتوح دیده میشود ، و آمال یک استقبال بسیار درخشانی دلهای اهالی افغانستانرا کشایش میدهد .

همین گزاف خرجهای اینگونه رسومات عروسیها ، خانه سوزیها گاهیها ست که درهندستان ممالک اسلامیهٔ شرقیه مانند یک بلای مبرمی نازل شده اکثریه بطاق آبادی وشادمانی نابوده اند ، ولی موجب بی خانه خرابیها و ناکامیها گردیده است . مسلمانان آسیای وسطا و آسیای صغرا ، وایران وهندستان ، وافغانستان عموماً ازروی این گونه گزاف خرجیهای اینچنین مراسم هادایا منالای فلاکتبار قرضها ، افلاسها شده اند . ازدیگران صرفنظر نهاچون واقعات که شده وحالیه اهالی مملکت عزیز خودما نظراهداف عبرت گردیم و بسی واقعات بسیار ناگواری برمیخوریم که از اظهار افسوس خود داری نمیتوانیم . مثلا بسیار وقتهاشده که برای یک جمعیت نکاح مزدمان جمع آمده اند ، وعده سامان ولوازمات عروسی میباشده است ، ولیکن بنابرمشاجره ومنازعه یکدیگر این اهل عروس وداماد درخصوص مهر وجهاز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 950 of 1786

وخارجات پیش آمده است آن جمعیت شادمانی بیك فلاکت ناگهانی تبدیل پذیر گردیده امر نکاح به استعمال سلاح تبدیل یافته است . بسیار وقتها دیده که برای مراسم یك عروسی مثلا ، ماه ، مواشی داماد خیل بفروش رسیده ، وبازهم بنار ناقص ماندن یکی از خواهشات بسیار جزوی عروس خیل آن عروسی معطل مانده است . حال آنکه چون بنظر حقیقت دیده شود هیچ دینی ازادیان نیست که بدرجهٔ دین پاك حضرت احمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم درباب امر نکاح وازدواج آسانیها وتسهیلاتی نشان داده باشد . ودر خصوص از دواج اوامر قطعی صادر فرموده باشد .

حضرت خلاق عظیم الشان در قرآن عظیم خود پیروان دین محمدی (ص) را امر میفرماید :

﴿ و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم ﴾

کلمهٔ « ایامی » جمع مقلوب « ایم » است که یعنی « مجرد » یعنی کسانیکه ازدواج نکرده باشند میآید . خواه زن باشد خواه مرد ، وخواه دختر باشد وخواه بیوه همه داخل همین کلمه « ایامی » میباشند . پس تفسیر این آیه کریمه چنین است که : — کسانیکه در میان شما بی زوج ویی زوجه باشند واز غلامان وکنیزان شما کسانیکه صالح باشند یکدیگر شان نکاح بکنید اگر فقیر باشند الله آنهارا بفضل وکرم خود توانگر میکند . الله گنجایش دهنده ودانا است . »

این است که به این آیهٔ کریمه خداوند بشر یك دین بطریقه جلی و علامات ناجیهٔ محمدیرا صریحاً به نکاح وزواج امر قطعی میدهد حتی فقر وفاقهرا مهیانع ازدواج نمیداند . منهاهر وجوه هارا ، بلکه ازدواج کردن غلامها وکنیزهارانیز امرمیکند. حضرت خاتم صلی الله علیه وآله وسلم نیز بحدیث شریفه امت اسلامیرا بازدواج ونکاح اوامر شدیده فرموده اند . در یك حدیث نبوی وارد شده است که : « النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی » یعنی نکاح سنت من است ، وهرکس گفتارسنت من رو گردان شود از من نیست . در دیگر حدیث شریف فرموده اند که : « تزوجوا الودود الولود فانی مکاثر بکم الامم . » یعنی « زنهای محبت افزارا ازدواج بکنید ، زنهای افزونی شمامن رامتها غلبه میکنم » باز فرموده است : « من تزوج فقد حرز شطر دینه فلیتق الله فی الشطر الثانی » یعنی — کسیکه زوج میکند نصف دین خودرا ازفساد نگهبان کرده خواهد بود ، در نصف دیگر از مخالفت بجناب حق حذر بکنند .

حالا به بینید که دین ما تا چه درجه ما را برین امر جلیل بنکاح وزواج امر فرموده است . حال آنکه این امر میسر نمیشود مگر به آسانیها وسهولتهائیکه از طرفین عروس خیل وداماد خیل نشان داده شود . پس ما عیدایم که مسلمانان آیا از چه رهگذر در نکاح وازدواج اینهمه سخت گیریها واسرافها وخطا جسارا پیشه گرفته اند ؟

حاصل انقلاب باید شکر آگهی را بجا آریم . ودعای اطیحضرت پادشاه خیر اندیش خودرا ورد زبان سازیم که در خصوص آسانی امور نکاح وزواج قوانین سهولتبخشی وضع فرمودند . وبالصورت مدعیای ناگوار بسیاری را که در امورات شرعی ما تحکم بوقوع می آید جلو گیری فرمودند .

علی الخصوص این عروسی شهزادهٔ پادشاه محتشم عین الدوله صاحب مکرم یك ثمرهٔ ابدی وتحفهٔ بسیار مفیدی دیگری برای ملت ووطن سرداه نمود . سبحان الله ! یك شهزادهٔ جوان برومند ما که هنوز در عنفوان جوانی میباشد وهزاران هوسات شادمانی و کامرانی درسردارد . می بینیم که هوسات را برای خیرات وبرات ملت ووطن فدا میکند . یك قلب که دل آگاه وپادشاه پرقیخواهی می بینیم که این غرض واساسهای فرخنده برومند خود شارا استحسان ودرراه اجرای آن پروانسان میفرماید . درچنین زمان حسن بیت سراسر خلوت علیاحضرت سراج الحوانین صاحبهٔ معظمهٔ عفیفه نیز انکار شدنی نیست که پاك جود والده وحنون شان ازهمه خواهشاتی که هر والده درباب مسرتها ، وشادمانیهای زنده وخطهٔ عروسی فرزند دلبند خود داشته میباشد ازان همه سازها وساماتهای اسراف کارانه چود اقتدار پادشاهانه صرفنظر فرموده ، ومبالغ آن صرف نیارا بصرف شدن خیرات وبرات راضی شده ، ماراست که شکر خدا راجا آریم . ودعای خالصانه برای پادشاه مقدس وعاطف جلیل الشان تاراجور وزیان نیابیم .

مراسم این عروسی شهزادهٔ محترم در روم چار شنبه ۲۲ ماه ذی الحجهٔ الحرام مطابق ۱۹ عقرب سنهٔ ۱۳۳۲ و ۱۱ تشرین ثانی سنهٔ ۱۹۱۴ بوقوع پیوسته که شب پنجشنبه لیلهٔ مسعودهٔ رقص بوده است . قصر دولمه باغ ای ، شهر آرا ، که درجهت غربی شهر واقعست مرکز عروسی قرار یافته ازانجا تا بدر دولهٔ حرمسرای شوکت احتوای از کل مبارك که درجهت شرقی شهر است وتقریباً یك کیلومتر مسافه را دارا است پرچهٔ آن جادهٔ پهنای سایه دار ودرانسه عساکر ظفر رهبر نظامی شاهانه از صنوف مختلفه پدرپیهای منتظم صف بستهٔ وضعیت عسکری ایستاده بودند وقت تشریف عشرهٔ « نوزده یعنی جمعی که برای آوردن عروس میروند — ازدرگاه مبارك حرکت ، وسوی شهر آرا عزیمت نمود این هیئت محتشمه ازقرار ذیل ترتیب یافته بود :

اول : — قریب چهارصد نفر سواره های بسیار مکمل ومکلی بود که سراپه تحسین آن با کلیا وزبانهای بسیار تقریظها آراسته شده ، وخصوص تشمین ذات عالیهٔ علیا حضرت سراج الحوانین بود وباقی سراپها که جمعیتهای عاندان جلیل الشان سلطنتی واعزه واشراف قومی را حامل بودند آن سراپه تحسین آمیزی میکردند . درین سراپه از سراپه دیگر چهار چهار سوار رساله شاهی — یعنی عسکر سواری دراغون — رفتار داشت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 951 of 1786

دوم : — چهار عدد فیلهای کوه پیکر مجهز به هود جهای مکلی بود که فیل اول مخصوص سواری خود داماد فرخ نهاد وفیل دوم مخصوص جناب مالی شهزاده والاجاه سردار حیات‌الله خان بود ، ودرفیل سوم جناب شهزادهٔ سردار محمدگبر خان ، ودر فیل چهارم جناب کاتب الحکومهٔ کابل توی تاپ صاحب سوار بودند .

سوم : — موکب سعادت موهب سواری ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی بود که بسواری اسپ فیلپیکر طلب میلمود بدست راست شاهانه جناب مستطاب ذات مالی نائب السلطنه سردار نصرالله خان صاحب الفخر ، وبدست چپ‌شان ذات مالی شهزادهٔ جوانبخت معین‌السلطنه سردار عنایت الله خان صاحب معظم ودر صف عقب مصاحبان خاص حضور همایون سرداران کرام محمد آصف خان ومحمد یوسف خان وبعدازان ایلچیان آقایان ومنصبداران عمرکاب همایون ودیگر سرداران وارباب مناصب واصحاب مراتب واعزه واشراف درباری بترتیب بسیار باانتظامی در حرکت بودند .

این است که هیئت محتشمهٔ (اوردا) بهمین ترتیب و انتظام بسیار دلنشینی ازاراکه مبارک درمیان صفوف عساکر باشهر آرا تشریف فرمای عزواجلال گردیده ، وبعد ازمراسم لازمهٔ طرفه عروس حجلهنشین پردهٔعصمت وحشمت‌ذات عالی‌صفات علیا حضرت صاحبهٔ مقدسه درعرصه خود شان هدوش سعادت فرموده بهمان ترتیبی که آمده بودند بارکبار که داخل حرم‌سرای شوکت احتوا گردیدند .

بعد ازعودت همهٔ اهل دربار معالی‌بار در دالان سلاملکهٔ بام بطعام دعوت فرموده شده بعد از تناول طعام رخصت شدند . ومراسم این جشن عروسی به اینصورت باتمام رسید .

« سرایالاخبار افغانیه » دعای دادی عمر واقبال‌وروزافزون شوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه مراحم حصال مقدس خودرا ورد زبان صداقت کوده ازصمیمیقلب عرض‌تبریکات خالصانهٔ خودرا تقدیم مینماید ، وامید میکند که بتقریب تحایف افتخار خودرا به کیفیت تأسیس وبنیاد مکتب بشتاخانه یادبکر مؤسسهٔ خیریهٔ که یادگاردادی این جشن عروسی تصور فرموده شده است تزیین بعد .

شکارگاه چناری

همه ساله درموسم در « چناری » بام موقعیکه تقریباً دوازده میل بجانب شرقی دارالسلطنه کابل واقعست یک شکارگاه جسیمی برای تخصیر آهوتزیب میدهند که تفصیلات آرایاالصاور درسالهای گذشتهٔ خود درج کردهایم . امسال بازطرز قواعد و سررشتهٔ سالهای سابق ترتیبات وانتظامات تخصیرگاه مذکور اجرا گردید ، وبتاریخ چهارشنبه ۲ ماه محرم موکب اردوی ذات اعلیحضرت پادشاهی بدانسمت حرکت فرمود .

شبرا درمنزلگاه « تخاک » بسر آورده علی‌الصباح بسواری اسپ بسمت چناری تشریف فرمای شوکت واجلال گردیدند ، ازدوروز پیشتر بقرار نقشهٔ که تنظیم شده بود اطراف وجوانب موقع تخصیر گاه از مسافهٔ چند کروه از طرف عساکر انتظامی واهالی درزیر احاطه واحصار درآورده شده ، ورفته رفته دایرهٔ احاطه را تنگ تر ساخته آهوان‌صیادی درموقع تخصیرگاه جمع آورده شده بود .

ذات‌شوکتسمات اعلیحضرت همایونی وقت‌صبح روزیکشنبه درموقع تخصیر گاه تشریف برده ، ورای جناب مستطاب نائب السلطنه صاحب الفخر ، ودیگر شهزاد گان عظام ، وسایر سران کرام ، وایلچیان آقایان وسایر معیت شاهانه مواقع شکار تعیین گردید ، بعد ازانکه متخصصین شکار جاجا شدند بتاقی زرک سفری که بقدر یک طوپ بزرگ اواز دارد نواخته شده احاطه کنندگان اطراف بهاهوها واوازهای دهل ، وآتش افروختن آهوارا از هر طرف روادی که ذات اعلیحضرت همایونی وافراد معیت شاهانه درگیرگاه شکار بودند فراوآوردند ، وهمینکه رندکاران کمین کرده آهو میرسید ازهر کمینگاه فریادهای تفنگ میشد ، تاآنکه مقدار هشتاد نود آهوی زرنگار گردید . ذات اعلیحضرت پادشاهی جارچه رأس وباق شکارچیان بیک یک دو دو سه سه رأس آهو زدند .

این شکار بسبب مساعد بودن هوا ، ومناسب بودن وقت به بسیار فرحت ومسرت وکمال کامیابی ومطلوبیت بدون اندیشه و تشویش سرانجام ومالانجام رسیده یوم سه‌شنبه موکب‌فرخنده‌ئی کوکب همایون بشهر عودت فرمود . شکار های مرغابی نیز دریندوزها که عین موسم شکار آنست درجن های مخصوصهٔ آن بتمام سرورو نشاط اجرا میشود . ازدر گاه خداوندی سلامتی وجود مسعود اعلیحضرت پادشاهی راباشاطوانبساط‌روز افزون شاهانهٔ شان نیاز میکنیم .

﴿ دربار معالی‌بار ﴾

روز شنبه ۹ محرم الحرام جمیع خوانین ومنصبداران ملکی ونظامی وقت ۱۱ بجه در دالان بزرگ سلاملکهٔ بام جمع آمده منتظر تشریف آوری ذات اعلیحضرت همایونی بودند ساعت ۱۲ ذات شوکتسمات پادشاه معظم مقدس ما اعلیحضرت سراج الملة والدین وجود سعادت نمود شاهانهٔ شان تخت مالی تخت سلطنت سنیه افغانیه را زینت بخش عز واجلال فرموده پس ازانکه حاضرین را به شرف احوال پرسی وعواطف خسروانه کابل ومفتخر ساختند چنین به کلام آغاز ورزیدند :

« که چنانچه درهیچ جای جاریست یعنی که ما هیچکدام ، یک نتیجهٔ فیصله‌ئی پیدان نه‌ر آمده ودرینوقتها دولت علیهٔ عثمانیه نیز به جنگ اشتراک ورزیده است . از اخبارات جدیدیکه وارده شده‌اند چنان معلوم میشودکه دولت سربیا که بترک آزاد صرب میگویند وماننده بلجیم یک دولت خوردی بوده است نیز سقوط یافت این حال دولتیست که نخستین بار باعث این حرب اوروپی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 953 of 1786

و کلیه افعال واخلاق تدلی وقنا یافته اند . وعلماء واطباء وحکما ومشاهیر سائره بکلیه سبب وکلیه جهت شهرت وقبولیت یافته اند . و کتابیکه بیاضیول ، وبدلکی ، وسیه کاری مشهور گشته اند اسباب موجبهٔ آن چه بوده است . وعلل جراً .

پس اگر مطالعهٔ تاریخ بدینصورت وقوع یابد ، البته نورسیدگان وجوانان را بتزلهٔ پیران وتجربه کاران واصل میگرداند . و اگر اسرارات خفیه وفلسفیات مکنونهٔ تاریخ در مد نظر دقت گرفته شود ، وتنها داستانهای حکایات ، وافسانه‌های آن (کتابا) روی در اذهان هیچ ثمرهٔ ونتیجهٔ حاصل نمیشود .

و کتابیکه بس کلان واصل ، وتجربه ومعلومات تان بر کامل باشد استفاده لایقیکه از مطالعهٔ تاریخ برمیدارد ، انست که بسوی حکایات جنگ آوری ، وقلعه گیری وفتوحات ، وموفقیات پادشاهان قهرمانان ، ویار شاهان از منه متقدمه بنظر حیرت وبدیده استعجاب بیاله نظر کرده شد . بی ! بلکه آن حکایات ، وفتوحات را در تحت نظر دقت ، و تحلیل فکرت در آورده از ازان خفیهٔ آنرا درك وشعور کنند : که آیا آن همه فتوحات وموفقیات ، از چگونه اسباب معلوله ، وچسان حرکات منتجه حصول پذیر گردیده ، و ترقی واعتلا وشرف وشان ، وافتخار وطن ، وسعادت ملل ودول سائره از استعمال کدام تدابیر حکیمانه ، ونتیجه کدامکار مدققانه حصول الحا میده است . وعبویت استقلالیت فلان دولت ، وخرابی وذلتی فلان ملت از نتایج افکار چگونه اعمالیناشایسته ، وافکار چسان اعمالیغیر تندوسته بظهور پیوسته است

سردار دلاور جناب مستطاب محمد یوسف خان پدر امیر کبیر جنت مکان دوست محمد خان طاب ثراه خواه کارفرمای رشید دولت خداداد افغانستان وخیل معزز وعشیرتیات متودصفای میباشد

پس اینست که مطالعه کننده تاریخ که خواه شیخ باشد وخواه شاب میباید که ذهنیات مدققه ، واسرارات خفیهٔ حکایات ووقوعات تاریخیرا الحا که وقت نماید ، وبحاطراق ، وجوانب وقایعیناشیه تحریات وملاحظات بسیاری اجرا نماید ، وهر نقطه ومسئله که ازان حسه وفائدهٔ گرفته میشود دران تحقیق وتدقیق کار دارد .

پس اگر از اهل سیاست ، واحزای حکومت باشد ان ملاحظات ومحاکمات خود تراباحال واحوال دولت وسیاست وزمانهٔ خویش تطبیق نموده درراه دولت وملت خویش یك خدمتی ومنفعتی برساند . واگر از سائر کاس باشد ان احوالات ووقوعاترا آئینه عبرت قای رای خود قرار داده به تهذیب اخلاق ، وتنسیق اطوار نفس خویش بکوشد تا آنکه نتیجهٔ قضیهٔ سابوق که عبارت از (قول مؤرخ) است بحصول انجامد ، وکرهٔ ارضیین وقایع ماضیه را بی آنکه انسان حیات حکیمه وفلسفیات خفیهٔ آنرا جستجو وتفحص نماید از مطالعهٔ محض آن هیچ ثمرهٔ حاصل نمیشود . وتحصیل حاصل مزبوراتای تاریخ عبارت ازآن نیست که انسان در محافل وانجمن باشد قصه خوانان ، وافسانه گویان بسخن سرائی ، وحکایه پردازی مبادرت نماید ، واز برای اظهار معلومات خویش خود نمائی وخود ستائی فروشد .

انسان که دریك نظر وقتی صرف ذهن ، وضیاع عمر مینماید البته استفادهٔ معنویه مد نظر باید کرفت ، اینست که درتصویر وقایع تاریخیه نیز آن استفادهٔ معنویه موجود افتاده است که هرکه درفلسفیات و حکمیات آن تعمیق فکر کرده شود قوای عقلیهٔ انسانرا تربیه وتوسعهٔ فوق العادی حاصل شده چشم انسان رابینا وبد جهان کشاده میکرده ، واو صانع ، و اطوار انسان رامحاسبتیی وار کشته تحصیل فضیهٔ صنائعیای (حسن اخلاق) که علت غائی انسانست نیز بحصول میانجامد .

مثل متدمه‌ٔ ابن خلدونیه ، و ابواب عالیه از منافع و فوائد مطالعهٔ تاریخ بروجیکه تفصیل نمودیم باعث گردیده در طریق پیشرفت این مقصد حقیق صرف همت نموده و میباشند ، ودرین زمان از جهة علوم وفنون جدیده بنام (حکمت تاریخیه) بقسمی جلیل مخصوصی بر ظهور کرده است ، ما نیز درتصور آنیم که درین رساله خویش که کاهی از فن حکمت تاریخیه یعنی وقایع وانواع وسط دهیم ، پس بنابرمقدمه این مقصد تونه پیانیرت این مقاله تاریخیه ازقسم قرون حقیقهٔ تاریخ مبادرت ورزیدیم .

﴿ سیرا میس ﴾

واقعه نویسان حرانه اکثر ، ومورخین شهیرت شعار صداقت کردار چنین روایت میکنند : که درازمنهٔ عتیقه یعنی تخمیناً دو هزار و یکصد سال قبل از میلاد عیسی علیه السلام که تقریباً

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 954 of 1786

چار هزار و دوصد سال از زمان ما میباشد در (قطعهٔ عراق عرب) . و موقعیکه ارا جغرافیون (الجزیره) مینامند دولت بسیار قوی بشکوه (بابل) که ارا (آشوریه) بتدمیر میکند تاسیس وتشکیل یافته بود . اقوامیکه مذکوره را یونانیان قدیم (میسوپوتامیا) یعنی (مابین النهرین) وعربها (الجزیره) تسمیه کرده اند .

(جزیرهٔ مابین النهرین) ، عبارت از یکقطعهٔ دراز زمینست که درقطعهٔ آسیای غربی ، ودرمابین نهر فرات ونهر (دجله) واقع شده است که تفصیلات تحدید حدود ، و توضیحات سایرهٔ آن درکتاب های جغرافیا بقرار واقعی مذکور است .

والحاصل این جزیرهٔ مابین النهرین درازمنهای قدیمه دوقسم منقسم بوده . یکی (شمال) ودیگری (جنوبی) . درقسم شمالی (آشوریان) ودرقسم جنوبی (بابلیان — یا کلدانیان) اقامت پذیر بودند .

درمملکت آشوریه اول کسیکه تاسیس وتشکیل دولت وحکومت نموده عبارتا (آشور) نامپادشاهی از اولاد (سام) بن (نوح) علیه السلام بود ودربابلیان اول کسیکه تاسیس حکومت نموده (نمرود) بن (کوش) نامیست کهاز اولاد (حام) بن (نوح) علیه السلام بوده ، ولی بعد ازمدتی (بلوس) نامپادشاهی از اولاد آشور عسکر فراوانی جمع آورده دولت بابلیدرا ازاولاد حامداشته وبابل واآشوررا بالمره دولت بسیار جسیمی تشکیل داده است .

درحقایق تاریخ ازحکمدارانیکه دولت مذکور حکمدارلری (سمیرامیس) نامزنی مشهور است کهازین سمیرامیس خواه اساطیر مثل فلاطه ، وخواه سکتهٔ قدیمه نقش آشوریه پس آثار خیریه وبناهای عدیده مشاهده نموده اند ، وازاین سبب اسمش را کتابه از عقل وفطانت سمیرامیس نهاده بحکم ضرب المثل استعمال مینمودند .

پایتخت ومرکز دولت حکام آشوریه اگرچه قبل ازین شهر مشهورهٔ (نینوا) بود ولی چون آن شهر ازسواحل تحریدور ، وازطرف تجارت جدا افتاده ودلپذا سمیرامیس را خوش نیامده مقر حکومت شهر بابل را اتخاذ نموده است . ودرتعمیر وتوسیع شهر بابل بدرجهٔ غایت والنهایه سعی وکوشش ورزیده است . نهرفرات چون ازوسط شهر عبور میبود لاجرم پلهای متعددهٔ جسیمهٔ برآن انشاءنمود . و جویها ، وقنالهای بسیاری ازان براورده اراضی وحشتناک و سیعهٔ را بدان معمور وآبادان ساخته . و بجرای نهر مذکوره را تبدیل و تحویل داده از زیر آن تونیل یعنی طریق نشانه سنگی بسیار مکلفی گذیده است .

وبعدها از تعمیرات وتوسیعات پای تخت وحدود تحت حکومتی را تاپنجاه سال . وبحر احمر تمدید داده بود . وطرق موارادات وآسباب تجارت ، ومعموریت تحت حکومتش را غایت انتظام ، و احسن و جوه اتمام کرده بود . و چون خطهٔ آشور از غایت معموریت ونهایت آبادی غنائی وحشیهٔ متجاوزه را هیچ مطمح نظر نمیبود . لهذا بر اطراف شهر بابل غایت حصانت ، و نهایت رصانت بقسمیکه تصورمیشود که برپهنای آن هفت عراده بسهولت گشته میتوانست . ودروسط شهر بتدریج بسیار عظیم وجسیم خندق بوده خندق بنهایت سعت وغایت مهارت انشاءنموده بود . ومقدار صدهذرع دروازهٔ مصنع جسیم آهنین برسور مذکور وضع کرده بود . ودر آن جسیمترین آن دروازه معروف بنی غیر خود را ساخته بود . ودرست مرمری که برروی مدخل نصب نموده بود این عبارة غیل راقوشته بود :

عبارة

[هرکاه ازحکمدارلران بابل کسی بدرهم ودینار احتیاج شود این مدخل مرا گشاده هرچی دفینهٔ جسیمی خواهد جست !]

از تاپ الحکومه‌های باستانی و ذخیره دولت علیاحضرات جناب مستطاب محمد زور خان تاپ الحکومه هران

والحاصل بعدازوفات سمیرامیس دولت بابل وه اطراف نهایت الاحرازدست اخلاف آن پدشرط واستیلای (کیخسرو) نمحکمدار کیانیه افتم در آمد کهاینواقعه بعدصدوسی وهفت سال قبل ازمیلاد عیسی علیه السلام وقوع یافته است . و چون کیخسرو برحسب مختار الیه مامده عبارة مذکورهرا بخواندو جویکاو رابعضی کسان بر شکافتن و کندن مدخل مذکور تحریک وتشویق زیادی نمودند . ولی کیخسرو ازجوهری کفایت کفت : — چندین مرحوم ودینار بی خسیسی آخر حیثیت ومنزلتی ندارد که ملیونها شاهان بی عزیزدرای آن تخریب بادنبود .

ولی در زمان حکومت (دارا) نام حکمداری که ازسلالهٔ کیخسرو است اهالی بابل بحکومت ایرانیه عصیان نموده دارا بزیرسوق عسکر شهربابل رادر تحت محاصره کشید . وبتاریخیکه ازاهرا شهر بابلرا سط واستیلا نبود . دارا چون شخص طامع مال بود هنگامیکه درشهر مظفرا داخل گردید عبارة که برقبر سمیرامیس محکوک ودرنظرش در آمده هانحظه بتخریب مذبره ، وجستجوی دفینهٔ موهومه شتاب ورزید . اماهر قدر حفریات و تخریباتیکه اجرا نمود هاز دفینه آثری نیست وبه از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 955 of 1786

خربه بری ، تاانکه دراخر امریکاره سنك دیگر طپور نموه که بران این عبارة البه حکوك بود : (ای طایع نابکار که ایج حرص واز کثرة هرکه طولة چند خربزه بروای دنیاپیودی هیچکاه رزر وزر نبودن غیور مردمان جسارت نیورزیدی .)

پس معلوم شد که سمیرامیس این حیله را محض ازرای تحربه وعبرت دنیاپرستان طابع روی کار کورده بود هیچ دقیقه وخزینة غیرازجسد خویش درانجا نگذاشته بود .

۲

بسوی اگرخربه ، ودار حربیة که سمیرامیس نهاده است هرکاه بنظر حکمت ودیدهٔ عبرت بنگ کنیم اسارا حقیقتاً حیلی غیرت وعبرت دست میدهد موی انیا بو جودیکه ازقسم زن که ضعیف ترین نوع بشر بوده است ولی باضعف خلقت رجنان حرکات بلاهاء وافکارات حکیاه ، واعمالات جسیمهٔ مدراه موفق وایاب آمده که میت جهانکیری ، وشهرت ملك پروری خود شرا درسیهٔ مردان شجعان ظفر توانان واصل کردانیده است ، مانند ساکان مدو وحکیان معمر رجلب قلوب ، وجذب نفوس تیمه وزیردستان خویش موفق کردیده است .

اموال ، وافعالیکه ازسمیرامیس درصحایف تواریخ تسطیریافته اکرچه ازقبیل امامیم اولین است ، ولی ازبرای اخذ عبرت و اقتداس حسن التحاس ذی اقتداریکه رتق وفتق امورات ممالك واقوام بدست توان ست مثالات بس نویست .

کسا نیکه ضعف وناتوانی را بهانه ، وحکومت وسلطنت را عبارت ازعیش وعشرت انخاذنموده امابد بر جلوه انکار کادرین بعجدهٔ صحایف نارخست نظر کرده درخصوص امور مملکت ، ورتق مدنیت وثروت وسعادت رعیت ، وتسیق وتنظیم عسکریت وغیر ذلك غیرت وهمت نمایند ، ودن روزی وکاهل خود شارا برطرف سازند وملاحظه کنند که غیرت وهمت ، وسعی واقدام چیزیست که زبرا یزهٔ مردان جهانستان میرساند سمیر امیس انیهمه اعمال جسیمه فوق العادة راکه بر اعمای نیر های بزرك را تبدیل داده بوکوهای جسیمه راشکافته طرق موانر انرا ازان برون کشیده است لاغیر ازسعی وهمت ، وتسیق عمل وفکرت دکرچه چیزاست ؟ (قوهٔ مفکرهٔ) انسان یه افرهٔ مجتمع بودهٔ دیکهای (مانتین) ماکیاول ، وداورها ، وامثال فرها مشابهت تامی بهم میرساند که آن قوهٔ غالبه را هر قدر درتحت تضیق وفشار در آورند قوهٔ مقاومة وغلبات واقعه اش بسان نست میافزاید . ولی آن قوهرا آسان توان ، واز قوه بفعل آوردن عادة جزئیة خو نخست که مثالهای کارع ازبرای ان مدار کا فیست .

کاشف دنیای جدید یعنی (قطعهٔ امریکا) رجنین اهمیتی که بزار دنیای اول یك دنیای دیکررا بمیان راورد وانسف کره عیوزا معلوم نبود آیرجنین اهمیتی ازچه موفق کردیده است ؟ هرکاه بنظر تدقیق ودیدهٔ تحقیق درصحایف تاریخ ملاحظه شود بخوبی معلوم میکردد که (خرستوف قولوب) که کاشف دنیای جدید است غیر ازتکاهان غیرطبیعیهٔ فکریجرا درمشاعر دماغ درخصوص ان اهمیم درتصییق دائنه دکرهیچ چیزی نیست ؟

لاانسان ضعیف ناتوانیکه برسطح زمین نشسته از احوال سیای تعجبا ، وحرکات انجم ، وکواکب متلالا ، ودوائر هیئت بانم ها حیرها میدهد ، وسخن میراند ازچیست ؟ اینان همه سرعتسیر ، وانیهمه جابات رفتاری که درنهمه عوالم بالانهاده سیر ودور کرده اورا ازچه حاصل امده است ؟ هیچ شبهه نیست که غیر همان قوهٔ محرکهٔ ذهنیه بس نیز بکه بهمان مانعیتی نشنیه نمودیم دکر هیچ چیزی نیست .

آیا شاعران شکته پرداز سخندان که انیهمه مضامین خیالانکیز پری تمثارا ازکوه قاف صدوی برمیکشند ، وتیرازهٔ دیوان شارا ازکل ، صرصحانهٔ شارا ازاواز بابل قرار میدهند آقانیهمه کشش واسباب انیهمه کوشش شان چه چیز است ؟ غلطست که غیر تضیق وفشار همان بخار محزن الاسرار دکر هیچ چیزی نیست .

والحاصل اکر عینك دوربین دقت وملاحظهرا دیدهٔ خویشتن نمیم ، وبسوی انیهمه کشفیات ، واختراعات عجیب الخلوق که ازاول زمانهای قدیم تاکنون ازدست وبازوی نوع بشر بظهور آمده وميآید یك نظری بکنیم البته یك حکم لایتغیری خواهیم داد برانیکه غیرهمان تضیق وفشار بخار قوهٔ مفکرهٔ مانتین دماغ دکرهیچ چیزی نیست !

سبحان الله ! قدرت صانع قدیم لازوال ، وحکمت بالغه حکیم ذوالجلال این مجتمعه بدیعه دماغ ، واین جوهر نفیسه بالغهٔ دقیقه را تاچه درجه مقدس وتاچه زیه مکرم جوهری خلق فرموده که انسان ضعیف ناتوانرا بواسطه آن برافسام معارج علویه عروج وبرانواع مدارج عالیه خروج میدهد !

انسانیکه وجود ضعیف ناتوانش نسبت بحر های محیط ی بایان مناسبت قطرهٔ بسار کوچکی راهم نمیکرد می بینیم که بواسطهٔ همین قوهٔ بدیعهٔ آلهی اختراع میکند که بقوت وجسامت وسرعتسیرهٔ انهمه محیط های اعظم را شکافته ، وداوماً مدار اراکردش نبود بالنه نهری توانهدامش میسازد .

جنکلهای ذی وسعت ، وصحراهای ذی فسحت ، ودیاناهای پر آب وبادیه های پرسراب که تنها پی رفتار انسان ناتوان الاقطع مسافهٔ آن سالهای درازانت وعاجز می کردد بلکه وهم وخیالش نیز از توهم طی مسافهٔ انیهمه ابعاد بعیدانه وحشت می نماید می بینیم که بقوت همان جوهر غریبه رابایجاد چنان اکدر محراوری موفق میشود که بچندی دقایق ، وسرعت سیران رانیهمه ابعاد زمانان به آوازی آهنکزی حدها میزند .

انسان ضعیف ناتوانیکه قدرت یك لحه توقف بروی هوا خارج قیاس وکان او ست می بینیم که بواسطهٔ همان تضیق محکم محزن الاسرار عقل وفکردماغین دماغ چنان آلهی میسازد که بقوت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 956 of 1786

تسهیلات آن مانند مرغ پرروی هوا پرمی‌کیرد ، وروز های دراز روی هوا سیر وسیاحت میکند . والحاصل اگر در خصوص هرقدر دائره سخن را تمدید نمائیم وامثله های عدیده ایراد کنیم باز هم سرسخن بهمان نقطه بدیعهٔ (تجارفکر) ومشین مباغ منتهی میشود پس مباهات وافتخار کنانرا سزاوار است که قدر وقیمت این عطیهٔ عظما ، واین جوهر گرانبهارا دانسته استعداد وقابلیتی را که در آن مکنوز است بروی کار در آورند ، واسرارات بدیعهٔ مخفیهٔ آنی بخار عرایب‌الآثار را ازقوه بفعل آورده هیئت ومملکت خویش را ازآن مستفید سازند ، وبرحال اسف اشتمال آن قوم وملت بایدگریست که این عطیهٔ عظمای مانای یکتا را بیکاروبی ثمر خواز گذاشته ازفعل وعمل مستعدهٔ خودش باز دارند ، ودرحق آن سوء استعمالهای ناهنجاری روا سازند .

ابنای وطن ما چنان گمان برند که سالهبه سطهارا ازبرای توصیف وتعریف فرنگان ایراد میکنیم ، لی بلکه مقصد ماجزاءً ملاحظه وتحریکیست که ایشانرا براعمالات ، واختراعات غریبهٔ مدهشهٔ ایشان که محض ازبرای ضبط واستیلای سطح زمین پرداخته اند اخباری دهیم ، تاشاید که قبل ازانکه کار ازکار بگذرد یك جارهٔ کاری کنند ؟ وعقل وفکر خود شانرا تضییق وفشاری دهند ؟ وعلم ، وصنعت ، واتحاد ، ومدنیت راشعاری گیرند ، وازجهالت وبطالت ، وجنونریزی وبی‌اتحادی ودعاوی گوناگون ، وعلوم ، وصنایع وثروت اهلیت را تحری وجستجوئی نمایند ، وازبرای آسایش ، وطن ، ومحافظهٔ دشمن چاره جوئی جویند .

هیهات ! سخن کجا بود وما کجا افتادیم . دربابل بودیم بکابل رفتیم . اگر قوهٔ حافظهٔ جاذبهٔ الکتریقیهٔ (وطن) نبود ازبابل بکابل مارا که میکشید ؟ ای محمود !... تراچه‌بیهده واعظی وناصحی چه کار ، وطن کجا ! ونور چه هوا ! خاموش باش که خوشی بکاراست نه کوباش !

حالا مآل وصدد بحث خویش رجعت نموده بتکمیل احوال سمیرا عیس شروع نمائیم :

§

وقتیکه (اسکندر رومی) قطعهٔ اسیارا ضبط و تسخیر نموده درممالك (الوریه) نیز قدم ضبط واستیلارا نهاد وچون درشهر (بابل مظفرانه داخل گردید درانجا اززمان سمیرامیس بفتوحه سنگی یافت که برسنك مذکور بدستخط مومی الیها اینعبارهٔ آتیه نگارش یافته بود :

(اگرچه من بگیتیست (زن) که اضعف نوع بنی نشر است روی‌دنیا) (تولد یافته‌ام ولی درممالك بابل مردانه وقهرمانانه حکمرانی کرده ام ، ازبرای استحصال سعادت حال زیر دستان خویش بقدرت مردانه ، وهمت ، دلاورانه اطراف ممالکم رافتحاً تاسواحل بحر احمر ، وشرقاً تاکنار دریای خضر توسیع دادم دربحر احمر ، وبحر خضر ، وبحر عمان وساحل هندستان بندرگاهای تجارت کشادم ، جیالهای جسیمه راشکافته از آن راهها ودریاچه ها کشیدم ، بحرهای انهار جسیمه راتبدیل دادم ، عمارات جسیمه وبناهای عظیمهٔ بنیاد نهادم غالبکه جیئهٔ وحشت وبدویت خراب افتاده وبدست معمار معرفت بیئهٔ مدنیت اعمار نمودم ، وچون مقصد کلی ومرام اصلی ام ازبنیه کارها راحت ورفاهیت احوال تبعه ورعیت وتبدیل حال وحشت بمدنیت بود لاجرم خودمیدانم بوسر مفخرت علف میسایم .)

پس ملاحظه باید کرد که این تفاخر تاچه درجه مبرهن وچه پایه عالی جنابانه تفاخریست ! درحالیکه ساهیئتی زن بوده ولی چون در راه ملك وملت خویش مردانه خدمت نموده افتخار میکند !

من جمیع خلقت ! اگرچه در زمرهٔ نسوان داخل بود . ولی چون بجوانمردی ومردانه وری همتها نبود مغرور میشود !

حضرت شیخ سعدی میفرماید که : (عقل بسر است نه بسال) حقیقت حال همین منوالست . بی‌عقل وفکر آنچنان کوهر گران بهائیست که در هر سر جادارد قوی وضعیف ، وصغیر وکبیر را ملاحظه ندارد ، درخلوص تجرید وتمیز فرق جسم ، وفکر مطالعه کنند کان تارج بیچ مشکلاتی درنیخورند . مانند این بی‌مقولات درمحاکمات تارج بنظر میخورد تـ که بسیار کسان ! اگرچه طبقهٔ ضعیف وناتوان بوده اندولی چون فکر وعقل شان قوی وتوانا بوده ، وقوت وتوانائی ازا بیکاروبی نگذاشته ، وهمیشه آنقوهٔ بدیعه را حسن استعمال نموده لاجرم رسمی اعمال ، واشغال جسیمه موفق آمده اند .

(طمیوری) که (هیولا) را عرض اعتبار نموده اند ، وفکر وروح را هیچ اعتبار نمیدهد هرگاه سوی عالمات تاریخیه بلکه نظری بیندازند هیچ شبه نیست که برضلالت ادعای خود شان اعتراف ورزند .

(سمیرامیس) نیز قتال غیرت وهمت معاصرین خویش را کشته تورزیده ، بلکه اخلاق مستقبلهٔ بروسپای عبرت بسیار مکمل جلیل الاعتباری نهاده است ، وآن یادگار تواند آثار نیز عبارت از توانهٔ محکو کاروی سنگهاست .

بنکر که بآن عبارهٔ اجل بسیار مفصل که بروی مزار خویش نوشته بود مفتونیت حرص وطمع را بحکومت مثال مجسمی تجسم داده بود .

عبارا که پادشاه عظیم الشان ، وملك آسیه مالك وسیعهٔ پراز ساحل بود ولی چون بدام حرص وطمع گرفتار آمده بود جدال همه سالومناك وغیره ، اکتفاکرده ازاراضی وغیره مردانرا نیز زیر وزبر نمود . آیا انچنین فعل کریه منکره ، منافی شان وشرف شاهان دنیا نیست ؟ کجاست وهانکه در که مال عزی نموده ، عبارا نیز بقابل آن هانکه در دون خسیس کرد .

لما ازعبارا روایت میشود که بعداز مردن عبارهٔ محکو لا که سمیرامیس کوناخص ازبرای تربیه تهیه نوکشانده بود چون این عمل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 957 of 1786

کفایت خودرا بوجدان حواله نموده نفس خودش را خیلی شهم وقوم نموده است . ورنکا ودرایت سیاسیون افرنجها خواهد . وبنابرین اخطار ذی‌منفعت کثیرالفوائدی که از سیاسیون ملاحظه نموده — بنابرقول بعضی مورخین — درخصوص وقایه نفس خودش ازبلیه اقت حرص وطمع نهایت حکومت خویش خیل کوشیده است . ودلیل علی آن نیز اینکه بعدازین واقعه تا اخر ایام سلطنتش شهربابل را ازهرگونه بد وبلایات وتکالیف سازه معاف داشته است . وگفته است :

که سیاسیون روعده خزینهٔ که داده‌بود درحق مروة کرد
از دنیا ازینجهت ، ونصیحت تمام دفینه پنهان خواهد بود !

§

اینستکه درانجا درخصوص حکمت کاریخه مقدمه بدرجهٔ مخالف کاریخ قدیمه ا کتفا نمودیم . انشاءالله بعدازین نیز درتحت عنوان (حکمت کاریخه) بعضی چیزها خواهیم نوشت . وباللهالتوفیق انها

تجارت خارجیه

(اشتراک عمالی بخلشو افکار اهل هند)

جریدهٔ عین‌الکمال ، الهلال ، منطبعهٔ کلکته یک‌مقالهٔ غرای بسیار مفیدهٔ در خصوص نوشته وعاکسان علمیهٔ منطقیهٔ بسیار بدیعهٔ بیان کرده که ترجمهٔ آنرا ازفایده خالی نیافتیم . زیرا ازین مقاله درخصوص مسلک مسلمانان‌هند شان برای مابک رو شنی حاصل میشود :

همصر محترم مشارالیه بعدازانکه سورهٔ مقدسهٔ (الفاتحه) را شرح و تفسیر میکند چنین مینویسد :

(اعلان حرب)

یعنی درماین دول‌عثمانیه ودول متحدهٔ ثلاثه دراول ماه‌نوامبر اعلان جنگ کرده شد : [انالله‌وانا‌الیه راجعون !]

(سه مسئله)

در نیوقت سه مسئله در پیش روی ماست که مسایل سه گانه مذکوره درهین زمان یک حادثهٔ پیدا کردهاست . اما با وجود آن ، نتایج آن ها سراسر مختلف است . هر یک ازین مسئله ها ازعلیحده وحکم مستقلی دارد که آنها این است

(۱) اسباب وواقعات جنگ .

(۲) مسلمانان‌هند ، وتعلق‌شان‌بدولت‌عثمانیه ، ومسئلهٔ خلافت‌عظما

(۳) سوال از حالت داخلی هندوستان .

حالا بایدگوا هیم که نمیدر چه نمکن به الفاظ ساده وطرز اختصار برین مسایل نظر بیندازیم . درهین وقت بازکما کوشش میکنیم که خیالات وافکار اصلی کرورها مسلمانان‌هندرا درپیش نظر کورنمت واضح بتوانیم نمود . زیرافایدهٔ مابرین است که برتراز بیان کردن حقیقت‌دیگر هیچ‌بداوت وغداری تصور نمیشود .

(سافرقه)

اما قبل از انکه مابرین سه مسئله نظر بیندازیم این را ظاهر کردن میخواهیم که درنیوقت درملت‌هندسه‌فرقه موجوداست .

(۱) طبقهٔ متوسطین که علم مسلمان گفته میشوند . اینها میشوند ، وحس میکنندولی چیزی گفته نمیتوانند . زیرا در پیش اینها چنان وسایل ووسا یطی که باآن اظهار رأی بتوانند موجود نیست . این‌فرقه جمعیت اساسی واصلی‌را تشکیل میدهد که باآن فرقه‌تعداد همت کرورمسلمان پورمیشود . افتخارات اینها‌انتقادات اصلی میباشد . ودرخیالات شان حکم (خیالدم) بطورقدرتی اطلاق میشود .

(۲) یک چند مردمان دانشی پسند است که اینها برای اظهار رأی واعلان حقیقت وسایل و وسایط را مالک اند ولی کمزوری‌شان روحیان وضمیر شان‌غالب است . ازین سبب آنها بیزبانند ، و خاموش میباشند ، به امیر دیگر ، میگویند ، ولی صاف صاف گفته نمیتوانند .

(۳) مردمان طبقهٔ عالیست کهاینها پیشوایان وعالمهای عالی هندقایم هستند . یعنی کهدرهندستان مانند دیگر ممالک ترقی یافته پلتفارم آزادی‌فکر ورای عمومی‌برای عامه‌موجودنیست‌ازاورای اظهار رأی‌آنها درهر موقع حین من‌همان سر برا ورده گفتن می‌افزایند ، وهمه وسایل‌غرب واضافه کور نمت‌نیز برای همین گروه حاصل است . این فرقهٔ این است که از حالت روحیهٔ جماعت اولین‌خبر ندارند . و باخبر ماندولی یعنی که به مافقت‌وساخت کاری کرکنارند . ومبالغهٔ اغراض شخصیه وذا خود میباشند ازاورو وجود آنها در میان کورنمت ، و جمعیت عامه چنان یک دواریست که روی یکطرف را بدیگر طرف نمیگذارند که وسه . این فرقه خیلی خطرناک یک فرقه‌ایست که خطر وزیان آن از ملت کرده زیاده بخود کورنمت میرسد . زیرا برای خوشدل کورنمت ازحقیقت حال این گروه سوءحایل میشوند ، وداعیهٔ‌ایجاد کردن افتراق رسوخ‌اقتدار خودشان آماده ساختن‌ملت وملت بلکه‌منافع کورنمت هم‌میباشند .

فرقهٔ اول — یعنی عموم افراد ملت — ازین فرقهٔ سوم جاهل سراسر جدا هستند . وروز روز بسبب طریق‌اختلاط ، وضعیت افکار جدا‌ترشده میروند . مابخواهیم که حالت روحیهٔ جماعت نخستین‌را که درینجا تعلق دارد برکورنمت واضح نمائیم ، وکوشش ورزیم که جماعت دوم رابنیاز کزوری‌وازهایهٔ آنکه عاقبت‌نااندیشی جماعت سوم درچنین وقت نازک برای کورنمت مشکلات پیدا نکنند . اگر راستی و حقیقت را در چنین وقت اصل ضرورت واضح نکنیم چنانست که‌چراغ‌را پیش‌ازغروب آفتاب در بیفکنیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 958 of 1786

(مسئلهٔ اول)

مسئلهٔ نخستینی که در پیش روی این سلسله مباحثه ما قرار دارد جستجو کردن اسباب جنگ، و پیدا کردن «علت اصلی» آن است.

در اینجا ما از مباحثات تاریخی مسئله مشروحه که به بسط و تفصیل زیادی محتاج است بحث نمیکنیم. ما از دورهای مختلف ادارات کابینهٔ دولت عثمانیه و انگلستان و جرمنی بحث نمیکنیم، و تمام دربار سلطان عبدالحمیدخان کرخه تا پایان دورهٔ جوانان ترک احوالها را ذکر نمیکنیم که از بیانات تاریخی این حالات کیفیت تاریخ روسی عثمانی و جرمنی بخوبی واضح میگردد. و نیز تمام آن حالات و حوادثی را در پیش نظر میآوریم که بعد از معاهدهٔ سنهٔ ۱۹۰۷ پیش آمده است. و برهان قرهٔ الحاد و ترقی که اولیای مصیبت خود شانرا در سرزمین آزادی دانسته لندن و پاریس بسر آورده بودند، و حیث آنرا باهم یکجا به قسطنطنیه آورده بودند، بسبب همان معاهدهٔ مذکوره بطور قهری تأثیر نمود (جرمنوم) حاصل کردند نیز بیان نمیکنیم، چرا که اینهمه مطالب بحث های بسیار تفصیلی میخواهد که بعد ازین آرا بطریقهٔ مخصوصه واضح خواهیم نمود. در اینجا ما از واقعات بسیار زدیکی بحث میداریم که یکی در پی دیگر سببهای جنگ موجود شده است.

واقعهٔ بسیار اهم و نخستینی که در بن مسئله پیدا قرار است مسئلهٔ دو جهاز جنگی « نور » و « برسلاو » جرمنی میباشد. پیش ازانکه جنگ اوروپ اعلان بیشد دولت عثمانی دو دریدناوت جنگی بکارخانه های کشتی سازی انگلستان سفارش داده بود، و در وقت اعلان جنگ آن دو دریدناوت که یکی را (عثمان اول) و دیگری را (رشادیه) نام نهاده بودند تیار و حاضر شده بودند و هم افراد ملت عثمانیه بورود آنها منتظر بودند. بعد از جنگ بقلان حکومت عثمانی لفظان قوهٔ بحریه خودرا چنانچه شاید باید حس کرده، و از اسباب بسیار جد وجهد تمام در صدد ترقی قوهٔ بحریه خود افتاد، چرا که هوای جنگ بحری در مابین دولت عثمانی و یونان باقی مانده بود. و اولیای دولت عثمانیه خودرا از جنگ بحری با یونان ناگزیر میدانستند، و چون خزانهٔ دولت بزخوهٔ آن وامده نمیتوانست همهٔ ملت عثمانیه از زن و مرد و توانگر و فقیر باتفاق قلب و جنس اشتراک ورزیده حق دو دریدناوت را جمع آوری کردند، و آنرا بکارخانه های انگلستان برای دو عدد دریدناوت دادند، و به اینصورت آن سفارشی را که یونان برای کشتیهای جنگی خود به امریکا داده بود پس انداختند.

لیکن در همین زمانی که آن دو دریدناوت در انگلستان تیار شده بود دفعةً جنگ اوروپ تمهدن کردیده انگلستان آن دو دریدناوت عثمانی را برای ضروری که به آن داشت ضبط نمود. حالانکه پیش از یک درجهٔ فایه دو مرتبه از دولت عثمانی از زر و سیم مبالغ کثیر نموده که به این سبب دول متحده اعتراض کردند. این اعتراض قانوناً سراسر صحیح هم بود چرا که موجب معاهدهٔ بین الدول هیچ یک جهاز جنگی و حساب هیچ دولتی کفر کرده نمیتواند. اما دولت عثمانیه بجواب آن اعتراض اعلان نمود که آن دو جهاز را بمشتریان چند خریداری کرده و تسلیم را (سلطان سلیم) و نام دیگرش را (مدلی) نهاده. بعد از اعلان جنگ اوروپ این اولی موقعی بود که برای پیدا کردن آذرجرمن یک فرصتی دست داد. زیرا بطور قهری این دو جهاز را ترکیها بسیار غنیمت شمردند. چونکه بسبب خوفی که از جهازهای جنگی یونان داشتند خودرا بسیار محتاج آن دو جهاز میدیدند.

بعد ازین واقعات یک دیگر یک دیگری پیدا میشد که آنهم مسئلهٔ اضرار جرمن آن دو جهاز بود. دول متحده اعتراض میکردند که اگر این دو جهاز صحیحاً مال دولت عثمانیست اضرار جرمن بدان چه کار دارند تا آنکه آخر بیاساق یک نوتی فرستادند که اضرار جرمن را جدا کنند. چنانچه گورنمنت تی امپراطوریهٔ که تابع خود این تصادمات را بخوبی شروع داده است، حتی گفته است که انگلستان دولت عثمانی را اطمینان داده که آن دو جهاز شانرا که ضبط کرده بودند واپس میدهد. و غیر ازین حالات بیشماری متعلق ترکی بیان کرده است که از اهمیت حاضری و بیاری بسیار عظیم الشان عسکری عثمانی را در پیش گرفته که دریک پایهٔ بسیار وسیعی وقوع آمده است. حقیقت که این جمع آوری قوهٔ در تحت عثمانی بیطرف یک واقعهٔ شگرفی میباشد از تمام ممالک ترکیه، عراق، عربستان، حجاز و تا بالاستانبول جنگ آوران ملت را جمع نموده.

حقیقت این است که دنیا برای مسئلهٔ « نتایج قضاء » یک میدان کارزاری میباشد. در دنیا کسی که میخواهد حکومت کند آن حکومت بر « قوت » منحصر است. میدان عمل « حق و عدل » بر عهدهٔ دست همین چیزی که آنرا قوت میخوانند میباشد این سخن صاف و واضح را نوجوانان ترک بخوبی درک کرده اند البته جنانچه مقتدرانه میگفتیم خود شان چنان درک نکرده باشند. لهذا این ضرور نیست که خیال شان صحیح باشد یا غلط. مگر ازین حقیقت هم انکار نمیشود که ترکان این جنگ اوروپ را یک عهد قهری دانسته اند.

یک مسئلهٔ مستقل لفظان مسلمانان هندوستان علیه عثمانیان است درینوقت هیچ لزوم ندانست کهاین مسئله در پیشگاه گورنمنت وعوام در معرض بحث آید. زیرا درین عصر گذشته آشکار و واضح روشن گشته که حقیقت غیر متزلزل تی پرچمیونیا آنکار کرده است. قسطنطنیه حالا یز عثمانیست کهیش ازحکم تومر را بفرستی آنجا وده و مسلمانان هندوستان به آن تحت مقتدیکه در انجا قایم است عثمانی دارند که پیش ازین داشتند.

مگر با آن سخت افسوس است که آن صمیمیکه گورنمنت زمه دار اضمحلال مقتدانه وشر انگیزانه شان نیست و از اضمار دونی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 959 of 1786

آنها گورنمنت ومملک هرورا ضرر میرسد بمجرد اعلان جنگ این مسئله را ازسر بالا کرده اند و آن شیطان لعین فتنه و فساد گذدر دروبهای شان منتظرمناسب فرصت میباشد اگذر گذاشته یک بلیشاس خیر خواهی گورنمنت باعث مشکلات خطرناکی رقابش میشود .

چنانچه بعضی چنان روحیای خیث با آلات خبث وفساد خود مسلح شده بیرون برامده وبی آنکه از طرف گورنمنت برای شان هیچ اشارهٔ شده باشد مانند یک حریقی که حرارت رمضانش

(نایب سالار مقتدار جناب محمد نعیم خان)
که بسر افسری اردوی همایون ظفرمقرون هرات مامورند

شان عجالهٔ وحشیان شاهین مخالفت لهذا ضرورا لازمست که چنانطرز عملی را پیروی کنند کهازان حقیقت حال جلیات هنداد ملیون نفوس مذکذب شود .

درونت حاضر چون این مفسدان وفتنه انگیزان مصلحتهای حقیقی گورنمنت ومملک را فراموش کرده این مسئله را انگیخته اند . پس بردوی ما تنها دو راه گشاده است : یا باید که مطابق ادلهٔ شرعیه برین مسئله بحث کرده قطع وقمع آن هفوات وژاژهای کهاین جمعیت اشرار شایع کرده بکنیم ویاسکوت کرده خاموش بنشینیم : از اختیار کردن صورت اول این مسئله فرار لازمی وسیع میشود که دربیوقت وسعت دادن آن مناسب دیده نمیشود، ولی باآن درطرف مقابل بزهوج قلب مؤمنانه اکتفا ورزیده نمیتواند . زیرا چون غلط فهمی را وسعت داده شود و بدعات ورواج کدام مسئله درهجرا منتشر سازند پس برهر مسلمان شرعاً فرض است که بقدر هرواستطاعت خود در تصحیح عقاید واعلان حقایق بکوشندزیرا « واتقوا فتنة لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصة » درچنین حالت شاهداست کهاین ناقابت اندیشان چقدر مشکلات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 960 of 1786

در اقوام و ملت پیدا کرده اند ، اگرچه تا کنون تحت از کدام طرف به این مسئله متعلق بودیم و در خصوص از مطالب کدام تبدیل کرده بودیم ، بهر صورت درین موقع حاضر و ضبط رایکار برده متنبه باظهار حقیقت اکتفا خواهیم ورزید. و اگر این فتنه حوالیه نشده و این طغیان مفسده رسالت رم نخورده هیأت اینجا این مسئله وسیع خواهد شد و تابع اخر خطر نگ آن خاتمه خواهد گرفت ولی دریغ کورنست و قلوب آن چند نفر مسلمان که بیضرورت در احیای این مسئله کوشیده اند مسئول خواهند بود.

این بنده کان جهل و فساد که از کدام طایفه می حدیث و آیه من قریش و داشیده اند مگر این یک بکار می خورد گفته اند که اخذ به اعمال هنوز شریعت ؟ چنان زیرا مسلمان آن باقی هستند ، و بالفرض اگر این حدیث کذا صحت باشد معنای آن اینها هیست که برای ما حق فهمیدن آن زیاده سهل است نه که برای این ملاحده و متفرنجیی که از علوم دینیه مانند مدیریک اخبار (انکلو اخبر) ناواقفند . پس آیا اینها لایق این هستند که مسئلهٔ خلافت اسلامیه چاپیا فهمانده شود ؟

ازینهم انسان به آن مردم زنده حیران میشود که خلافت جلالتمآب امیرالمؤمنین حضرت سلطان عبدالحمید خامس را از سبیکه اورا نوجوانان ترکستر ازای سلطنت نموده سهل پنداشته ، حالانکه از خلافت جلالتمآب سلطان المعظم عبدالحمید خامس بهیچصورت انکار نتوان کرد زیرا اینها اولین خلیفه دستوری میباشند که باتفاق ارباب حل وعقد و بیعت عموم ملت و عام اسلامی خلیفه شده اند . بلکه اگر بگوئیم که در تاریخ اسلامی بعد از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 961 of 1786

(خلفای راشدین) رضی‌الله‌عنهم وحضرت (عمربن عبدالعزیز) اعلیحضرت سلطان اعظم خلیفهٔ خارجهٔ است که مطابق اصول حقیقی « شورای اسلامی » پرتخت مقدس خلافت اسلامیه متمکن گشته جاودانه و بسوانح بلیات زمانیهٔ مبتدعین و ضالین ، جمیع ملل اسلامی شرعاً و عرفاً بلا استثنا اعتراف خلافت ایشانرا کرده « ولا خلافة الا بالشوری »

پس جای در خصوص ما اینرا اظهار کردن میخواهیم که مسئلهٔ خلافت اسلامیه یک مسئلهٔ جداگانه ومستقلیست ودر بیوتات بلند کردن آن بهیچصورت موزون دیده نمیشود . بعلاوه مسلمانان هند باکمال دقت آن بالکل قدرتی است وهرکه ازین انکار میکند بمنافق است ویا بکلی مسلمان نیست . اگر یک مسلمان هزاربار تکذیب اینرا بکوید هرگز تاوقتیکه مسلمانست هیچ دلیل ووجدان اینرا قبول نخواهد کرد که ما او را از هیئت براداتش خارج شده میتواند .

پس کور نخست را چنین دانستن لازمست که جمیع مسلمانان هند اعتراف خلافت اسلامیه را میکنند وبران شرعاً ودیناً مجبورند . وعقیدهٔ دینی ثانیست که هر مسلمانیکه از خلیفه واولی‌الامر خود انکار ورزد نماز وروزه اش بیفایده است وبهیچقسم اورا مسلمان نتوان گفت . مواقق این خودرا ساختن خوابی خوب بافتن زیبا ولی جمیع مسلمانان همچنان عقیده دارند وبرخلاف این کوشش کردن وپادشاه حضرة خلیفة‌المسلمین نامزا خواندن ویا نکارا دشنام دادن دلهای مسلمانانرا سخت جریحه میسازد واگرچه بظاهر آنها چیزی نگویند ولی در دلهای شان یک اثر بزرگ خطرناک پیدا میشود .

اگر معنای خیرخواهی همین باشد که مشهور است وراستی چیزیرا گفته خود کهدوست باشد و برای مشوره دادن امانت شرط باشد پس ما کور نخست را مشوره خواهیم داد که او آن حرفهائی را که باعث تولید اضطراب در خصوص مسئلهٔ خلافت اسلامیه در دلهای مسلمانان میشوند بکلی منع کند .

(۳)

پس از ین دو مسئله مسئلهٔ سوم حالت داخلی مسلمانان هندستان را تشکیل میدهد .

این مسئله نیز بالکل صاف وساده است ودلایل ساخته هیچ تعلق ندارد وموضوع آن تنها اینست که آن تعداد عظیم الشان مسلمانان که در هندستان در زیر حکومت برطانیه سکونت دارند آیا آنها حقیقتاً امن وسکون را بسبب ظهور این واقعهٔ جدید برای خود مفید خواهند یافت یا نه ؟

جواب آن تنها همین یکجواب است یعنی « بلی » اسباب چند خواه هرچیزیکباشد ومسلمان بحیثیت مسلمانی خواه هیچ اعتقادی که در ضمن اعتقاد مذهبی نیز داشته باشد ، وفی‌هیچ‌صورتیشود که کدام شبهٔ که مانع قیام امن وسکون هندستان باشد در حق آنها کرده شود . آنها نمیخواهند ووقار گورنمنت هسته روزه دارند وگورنمنت رایشان اعتماد میکند بهیچ میروند ودر خصوص امن پسندی شان هیچ شك آورده نمیشود وبقایل آن اینقدر یک اعتقاد مذهبی در خصوص مسئلهٔ خلافت اسلامیه‌ایز هست وعلایق قدرتی ودینی باقوام ملل اسلامی دارند . اگر اعمال دینی واعتقادات مذهبی متذکرهٔ صدر مانع امن پسندیشان نباشد پس این اعتقاد وتعلق داخلی بزمانی آن شده نمیتواند .

هندوستان یک مملکتیست که دران مسلمانان سکونت دارند ودر درون خانهای آن زنان‌شان ودر کوچه وبازارهایش کودکان واولاد شان میباشند ومیگویند پس آیا کدام صاحب عقل این را باور میتواند که مسلمان از سبیکه بازگ اعلان جنگ شده دشمن امن هندستان شوند .

اگر کور نخست ازسبیکه هندوستان در زیر حکومتش هست خواهان امن آن است پس هرمسلمان بسبیکه آسایش خود او باهل و عیالش برامن آن سرزمین منحصر است بیشتر خواهان امن عامهٔ است .

پس ازین انقلاب جدید جنك اوروپ برامن خواهی ، ووفاداری و سکون قابل اعتماد مسلمانان هند هیچ آدی نمی افتد . آنها مسلمانند ، ومسلمانی ، جان بلند جوهریست که در هدوقت حامی امن وسکون ودشمن‌تر وفساداست انها همچنانکه پیش از اول توپ مسلحق اعتماد کورنمنت بودند حال نیز به آن استحقاق مستحقند . گفتهٔ جنك اوروپ تبدیل‌یافت نه گفتهٔ امن وسکون ایشان . ماازطرف جمیع مسلمانان هند چنین داده‌میتوانیم که درین وقت درجزیره نمای هندستان یک مسلمانی نخواهد بود که خیالش درصدد افروختن آتش فتنه وفساد باشد .

(خلاصهٔ مطالب)

این مطالب ضروری هستند که ما درخلاف غلط تحریر خود صاف صاف و به طرزهٔ اختصار ظاهر نمودیم تابه بسیار ، بحث نتیجهٔ آن برآید . امروز ازان شخصیکه درین مسایل چنداست خلافت بحث‌نماید واحکام مستقل آنرا بایکدیگر لازیم‌ملزوم بداند رای کور نخست و ملت بدگر دشمنی نخواهد بود .

جریدهٔ نوبهار

که یک اخبار کوهستان تحریر بسیارشیرینی بود ، ودرمشهد مقدس زبان فارسی طبع وانتشر میگردید ونسخه های آن همیشه ازراه ایران بجادهٔ ما می آمد درموقت حاضر مسدود گردید . آخرین نسخهٔ آن که رسیده بایک مقالهٔ وداعیهٔ بسیار دردناکی چاپه است . نامه نگار مشهد درخصوص بسته‌شدن اخبار نوبهار چنین مینویسد که این روزها قونسول انگلیز وروس مدیرروز نامهٔ نوبهار را طلب نموده باو گفته‌اند که درروز نامهٔ خود ازعقب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 962 of 1786

قشون وشکست خوردن قشون دولت روس والکلیس وفرانسه کلی بنویسید . مدیرروز نامهٔ نوبهار بجواب گفته که روز نامهٔ خودرا نمیتوانم بسخنان غلط ازاعتبار خارج سازم . ازین اظهار مدیرمحترم دولتهای روس وانگلیس بدشمن آمده ومتفقاً درزیر فشار قونسول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 963 of 1786

گلولهٔ بادی ، شل ، وهم هیدو استعمال میتوان کرد . به گلولهٔ بهر آن وقت پر کرده میشود که فوج مقابل در پیشقدمی باشد این گلوله پیوز از دهن توپ بی برآید به بسیار بلندی رفته بسر انواع انفار کنندهٔ متصم میکند که بمجرد کفیدن آن جمع آن فوج متلوف ومجروح گردیده را کشته میشود وار پیش قدمی وانی ایستد . وگلولهٔ « شل » درانهدام وشکستاندن سنگرها وقلعه ها بسیار بدرد میخورد وهر چند قلعه وپستر مستحکمی باشد درپیش این گلوله تاب مقاومت آورده نمیتواند . در وقتیکه توپ قلعه شکن صدامیکند توپچی های آن رکوشهای خود یك آلهٔ را می چیپاند که بدریعهٔ آن توازعیت دمبازش که طبقات هوائیه را بکمال شدت پاره کرده طنین انداز میکردد محسوس نمیتواند زیرا اگر این آله ها چسپانیده نشوند ممکن است که از صدای بسیار تیز ومدهش آن پرده های گوش بشکند .

متعاقب انشورب که آرزا جرمن ها به رکن این توپهای خود قلع کردند ، ناپولیون ، گفته بود که « این مقام به حیثیت یك خندقیه ایست که دل وجگر برطانیارا نشان کرده است » . نامه نگار لندنی اخبار « سول » مینویسد کرنت ، رقمطراز است که بی شبه « اینورب » برای انگلستان حکم یك خندقیه را دارد مگر درینوقت این خندقیه خالیست وانوقتیکه « هولاند » بر بی طرفی خود قایم باشد همچنان خالی خواهد بود .

اخبار « مورنینگ پوست » اندکی پس از تسخیر « اینورب » درینك مضمون خود این خیال را ظاهر ساخته است :— که فرستادن یك مهم بحری را برای مدافعهٔ انشورب یك غلطی بسیار ضرر رسان « مستر چرچیل » ناظر بحریهٔ برطانیه بود . زیرا درقلعه های انشورب چندان توپها وجود نداشته که مقابلهٔ توپ های قلعه شکن جرمن را میتوانستند وعلاوه بران بلجیکیان نیز بدافعه ایستاده نمیشوند وبلکه برای شان این یك مناسب هم بود که « انشورب » را خالی کرده بکدام جای دیکر میرفتند . بهر صورت در چنان وقتیکه دشمن صفوف قلعه هارا شکسته ومرحلهٔ پیدا ساختن آن مشکل شده نمیرفت فرستادن مهم بحری انکرزی یك تجویز بسیار بیفایدهٔ بود . واگر وعدهٔ امداد فوجی برای مدافعهٔ « انشورب » باهل بلجیم نمیدند ، یکوقتی سپاه بلجیم « انشورب » را گذاشته واعالی شهرنیز از عذاب گلولهٔ باری خودرا خلاص کرده بکدام طرفی میرفتند . اخیرا « مورنینگ پوست » از کورنت سوال میکند که « این مهم بحکمکه فرستاده شده بود ؟ و آیا این مهم فوجی بود یا بحری ؟ اگر فوجی بود . آیا این تجویز را لارد چتهم وسر جان فرنچ کرده بودند ؟ واگر بحری بود . پس آیا در اکین حکمهٔ بحریه کاملاً منظوری آرا کرده بودند ؟ و آیا این تجویز مکرتیجهٔ رأی وخیال مستر چرچیل « بوده است ؟ » .

(مترجم عبدالرحمن)

اخبار پنجه ۱۳ نومبر :

(خبرهای دیلی میل)

بلژیك ۲ درسالی تنها ۲ ملیون و ۴۰ هزار تون شکر میدهد .

در روس ازوقتیکه حرب آغازشده قطعاً می وتی منع کردیده واین ممانعت رسماً نیز اعلان کردیده .

هل کولاند ، که از مستعمرات بحری جرمن است . درینوقت تنها دوتن زن که آنهم تجارتکار هستند باقی مانده .

بودرو ، رفقت جدید فرانس علاوه برديکر شهرت های خود مولد « ریچارد ثانی » شاه انکلیسان نیز هست .

جرمنیکه ازطیاره مزبیلان جرمن انداخته میشود بزن کمترین آنها قریب ۴۶۰ پاند یعنی از ۳۰ سیر کابل کمی کمتر وزن میباشد . درانکلستان « کاپر حرب » یکنوع دیکر بزرکتابان شده یعنی مردم ربعضی حیوانات اعلناً خود شان نامهای بعضی شهر های کلان فرانس وبلژیك ومشاهیر جنکرا نیز کذاشته مثلاً نام یك بطریشکرا « نامور » قلعهٔ مستحکم بلژیك : ونام یك سکرا « جوفری » جنرال فرانس : که در میدان جنکست نهاده اند .

[جرنیل فرانس چاره درین نام نهادن انکلیزها بسیار قصان کشیده !]

برای ربیل ، فرانس یکهزار لوکوموتیف های مشاق ومساعد یل راه برای انتظام قطارهای فرانسوی از انکلستان برای استعمال خواسته شده اند .

زنان ، اعرای جرمن همتشان زورها وجواهرات خودشانرا به جهت فراهم کنندکان اعانهٔ جنك تقدیم کرده اند ودرعوض آن از طرف دولت یك انکشتری آهنی که بران این کله که « کنیك وخلا آهن را ترجیح داده » کنده شده پیر کدام آنها داده است

جهازجنکی ، بزرکترین فونخوره انکلیز « سوفت » ۳۶۹ میل بحری فیساقت سرعت دارد ولی جهاز جنکی جرمن « نوین » نام که حالا درتحت تصرف دولت علیهٔ عثمانیه است ازان هم سریع تر است . وبلکه کفته میشود که از جمیع جهازات روی زمین نیز ویالا کتر است .

رشهر اسپیر ، واقع فرانس جرنیل جرمنی ۴۰۰۰۰ پوند کاوان جنك حواله کرده بود و این مبلغ تنها از یانشد کن شهری آن وصول شد .

حکومت فرانس ، تصاویر طیاره های جرمن را رنکهای کاغذ چاپ کرده برفوج خود تقسیم نموده تا آنها درونت تصادف طیارهها طیاره های دشمن را شناخته وبغلطی برطیاره های بلژیکی وانکلیزی فیرنکنند .

در ساختن دریدنا ووت ، نام زرکترین جهاز های جنکی ۱۲ ملیون پوند صرف میشود . زرداه ها ودیکر ماشین های آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 964 of 1786

غریب ۳ تانک بوند خرج میشود - ونها رمانتین الکتریکی آنغریب ۵۰ هزار پوند ، وتها بریکتوپ آن ۱۰ هزار پوند ، بنصب تودن یکتوپ ۱۲ انچه باهتمامات آن مع‌قیمت توپ‌بالتك پوند صرف میشود .

(مترجم عبدالرحمن)

آخرترین خبرها

خلاصه از اخبارهای اردو وانگریزی

بسبب سرماهای شدید درروزنامه مشرق ومغربی لندن جنك آرام ترشده است .

مرجستی شاه جارج برای دیدن وقداری انواع خود بجزایر آمده است

خبرهای بسیار پاشدوستی که درباب پیدایی وشکستهای قاتی جرمنها ازروسها ازچندی الشاعت میرسید اخبارهای آخرین انگریزی واردو آنرا مبالغه آمیز نوشته‌اند واصل واساسی دران ندیده‌اند .

امور امور جرمن کاهی دربیدان رزمگاه مشرقی وکاهی درمیدان رزمگاه غربی اثبات وجود میکنند .

جرمنها ازهیچگونه خدعه‌های حربیه خودداری نمیکنند ، وهمه عیاری وطرازپهای جنگی را بکار میبرند : مثلا سیرهای ساختگی ماکهای پاریس را ساخته‌اند که روآنها میچسپانند تیدانند که جرمنها درپاریس میباشند . دیگراینکه بهدیل لباس وتوپ صوت وغاید لهجه وشکل بازار بازیهدادن غلیم خود کامیاب می آیند . ازهمه عجیتر که درزدیکی خدعه‌های توپ‌دشمن خود بال جازهٔ میکنداینند که دربالی روی آن جازه‌بالهای خیال بدست کرفته میرقند وچند نفر سوکواران ازقطب جازه لباس ماتم میپوشند . افسر بریطانوی که بال افسر زیدلی خود ازدیدن آن حال برعسکر خود حکم داد که برداشته جنازه‌راسلام واحترام کنند ، پاری رسلام کرده شانده جنازه‌رزمین کذاشته شد ، وازجنازه بالتوپ سربم آتشی ظهور نموده بغر آغاز نهاد ، وبابه آخر ترین خبری را که درحدیق مذکور بودند طعمهٔ آتش ساختند .

ازامستردام ۳۰ نومبر : — نامه نکار اخبار هندار مینویسد که درینوقت درمیان دریای‌اژد ، وروسی جنك بسیار خونریزی وقوع پذیر میشود . جرمن بالتك لشکر تزمدهپیروزرواله کرده است که درباب حاصل کردن فتح دشمن بآخر ترین درجه کوشش نماید .

ازلندن ۱ دسمبر : — ازخبر رسمی پاریس معلوم میشود که توپخانه‌های دشمن کار کذاری بسیار شدیدی اجرا میکنند ولشکرهای‌شان حمله های پی‌هم ازجهت شمالغاربی بریاماخلیان می‌آورد .

امستردام ۱ دسمبر : — خبرهای رسمی ازلین شایع میکنند که جرمنها کامیابیهای عالی درولینه حاصل کرده‌اند وبه هزار اسیر و ۴۸ توپ وکله وبازود بسیار وبسی سامان حرب بدست آورده‌اند .

(مستملکات جرمن درمشرق افریقه)

براعظم مراد آباد :

وزیرهند درین وقتها در « هاوز اوف‌لوردز » « دارالامرا » اعلان کرده‌بود که درمستعمرات جرمنی مشرق افریقاسابق ۶۵۰۰ هزار جرمن اقامت داشته ودران عسکرهای زردست بخرج‌را ازمشرق بعدودیکرحصص میآورده اضافه کرده که ازان یك عسکر بسیار مدهش که بانوپ های سربهالنار مسلح میباشند وجود آمده .

(تفیض درخبرها)

همصر تریبون ۴ دسمبر :

ازوقتیکه حرب آغاز شده خبرها آغاز تفیض همدیکری آینه که مثل آن درهیچوقت دیده نشده اکر ازیك تلکراف خبرطب نشستن جرمن میشنوم ازدیکر تلکرافیه هوشی‌را بر « کلی » ملاحظه میکنم واکر یکی تصدیق فتح روسیرا میکند دیکر قید شدن چند هزار روسی‌را باطلاع میدهد . مثلا انسان حیران میشود که کدامرا غلط وکدامرا حقیقت وکدامرا باور وکدامرا باور خیال کند وازانشامت چنین خبرها سیرهای طبی راهم انسان اعتبار داده نمیتواند که ازان خواندن و نخواندن خبرها یکسان است ازاروپاید که آمریکا درینوقت کیفیت امن راقوی‌معلوم کند وبا آنکه خود ازخواندن اینقسم خبرهای متضادمتروی سازد

(کفا) (ناکس موتی‌نکرو ، جیل اسود)

درهندا کفته نشان سروپا خرداده چوهم درپرده ایست که ساتی نیکرو ، جیل اسود ، نیز در مقابل اسلاو باجز وناکام شد وبالاخره به دولت خورده شده که آنها در مقابل الحاد نمالی تسلیم کرده ومیکنند .

کفا (دو تلکراف از تلاف امریکا جرمن‌را امداد میکنند)

« ایکوپدور » و « فونومیا » دوعلاقهٔ امریکای جنوبی جرمن راممنوعت میکنند امنیتهای های تلکرافی پی‌بی خودهارا بکلی بست جرمنها میدهند که ازان جمع حوادث وحالات رای‌شان معلوم میشود اینانستا سیون های تلکرافی پی‌بی بناء کذشته درنقاط نصب شده‌اند واز سیبك بسیار کلان‌اند خبرها به بسیار اسانی از « چیلی » واسریکای شمالی‌بجرمن‌ها میرسند . ازاروز بطانیا ازین دو دولت جواب طلب کردیده واز حکومت جاپان متظه نیز توضیح آنها را رجا کرده است .

پشاور میل نیوز : (سفیر جرمن دروما)

لندن ۵ دسمبر :

تلکراف روما مظهر است که جانشار سابق جرمن « رابن وان بیلو » در روما وفات ایطالیا سفیر جرمن مقرر شده که زوجهٔ او از یکخاندان بسیار معزز ایطالیا ست .

ازاروز خبال کرده میشود کهسفیا ازمقرر انوایست کهایطالیارا از معاونت دولتهای متحده بازدارد .

درچاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع کردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط‌دارد ازطرف مدیرومحرر مجرد بانکه

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 965 of 1786

اعلا

سیاحت بدورا دور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها وثمریها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی ودوستی

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کنندگان این سیاحت
عازق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدورا دور کره زمین)

پشتاد روز

بضرورویه کابلی بلکه بلغ کسی را صرف نماید این سیاحت را کوتاه (قیاس فوق) سیاحت عظیمی بکعا اجرا کرده خواهد بود ! محل خریداری این کتابخانه (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . ودوکتبی مطبعهٔ عنایت که در دهافغانان است ازنزد عبدالرؤف سرمتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژولورن) فرانسوی است که در توشن ناولهای علمی مشهور آفاقست . از فرانسوی بترکی وازترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناولی است که در ناولهای جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شیرازهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب ملی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است زیور طبع آراسته شده است . این کتاب نایاب را زود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد نمود .

این هردو کتاب در دکان بازارک در بازار اول و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هریک قیمت دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در مطبعهٔ عنایت واقع دهافغانان ازنزد عبدالرؤف سرمتب مطبعهٔ موسوم بخریداری چشوه

اعلان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیرا مژده میرسانیم . وترغیب مینمائیم که ازین گنجینهٔ پراز جواهر آبدار . وازین کازار پراز ازهار یکیك نسخهٔ بدست آورده ازمردمن سخن بشنوند . واز هرچی سمی نجینند .

درمطبعهٔ عنایت بزیورطبع آراسته گردید . قیمت ۲ روپیه

اعلان

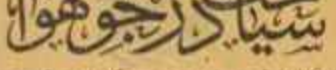

یك ناول علمی بسیار عجیب وغریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده وسومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) در تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژولورن) فرانسویست که درفن اول نویسندگی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده ست قیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 966 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

عرض می کردیم که از شکایت گرفتن اخبار مشترکین کرام دار السلطنه قاصر خود را معاف نموده با کمال مقدار الیه تقدیم و توزیع اخبار مادا که بهمه مشترکین کرام ما رسانده در عهدهٔ حیث خود قبول نمود، مشترکین کرام دار السلطنهٔ خود را تکرار یاد آوری میکنیم که بعد از این اخبار های شان بدون واسطهٔ بنام فرداً فرداً بواسطهٔ آدمهای ما کماکان خواهد شد.

اعلان

(از آثار مطبوعهٔ جدیده مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاقی، دینی، ادبی، یک ثروت گرانبهاست از احادیث شریفه و فقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یک کتابچهٔ جواهری میباشد و در بروزها زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است در نفس مطبعهٔ عنایت بازارد عبدالرؤف خان سر مرتب و در بازار ارک از دکان بازمحمد کتاب فروش و از دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت دو روپیه قابل هر کس خریده میتواند.

اعلان

مصور

۲۰۰۰۰ فرسخ

سیاحت در زیر بحر

در جائیکه دو کرور نفر در زیر بحر رفتن موجب خلاف شود آیا بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد! هر گاه درین باب شبهه دارید در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت در زیر بحر) سهل انگاری ننموده بقیمت چهار روپیهٔ کابلی از مطبعهٔ عنایت از دکان بازمحمد کتاب فروش از دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بزودی خریداری کنید، و بخوانید، و تصاویر آن بعقت تماشا کنید کار شما فوراً بتمام شود که سیاحت در زیر دریاهای شور چسان ممکن و بحر ممکن است!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 967 of 1786

شمارهٔ ۸ سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخله — تعویق سفر خدیو تا جلال آباد — مکتوب از دفتر مکتوب نویسی — سیلاب — ایضاً مکتوب از دفتر مکتوب نویسی — مراسم هزار لحدین

ادبیات — ۱ هوای کابل — در سردی زمستان و تعریف پوستین — غزل اعتمالی — غزل کلام جناب مستغنی

مکتوب منظوم — از راولپندی —

تقریظ — کلام جناب مسلم —

اهمیت تاریخی وفی — صنعت رسامی فی تصویر —

حوادث خارجیه — ایران و جنگ کنونی — افغان و عالم اسلام — تذکراتی امیر اطور المان — عملیات هوائی ایطالیا — آسمان پاریس — عدد طیاره های دول جنگجو — عثمانی و ژاپان — وضع ایران وروس — عثمانی وحلفای — توپ بی صدای جرمن — حکمت عمل ایطالی — تسخیر شهر شوم ارج واقع بالجیم — آخرین خبرها — فتح فودر — خط حرکت عثمانی — عثمانی ومصر — تحریر بر خلاف دولت ریتانیا — کلوله باری جهاز های جنگی جرمن — آثار جرمن ها در چین — کابینه جدید بر امپراطور جرمن —

تصاویر — جناب شاه ولیعهد رکاب بائی حضور همایونی — عبد الهادی خان وعبدالرحمن خان محرران ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه — آثار قلم های مرحوم جناب میرزا حبیب الله خان مرحوم که در عصر اعلیحضرت امیر شهید علیخان مغفور مستوفی الممالک بود — کونسل پین پادشاهان مامور جلاله عبدالکریم خان در سالمتر غند دار السلطنهٔ کابل —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 968 of 1786

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آئینه داد گره) و (ادبدرفی) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر و میباشد . دوستان که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند اززوده مراجعه طلب نمایند

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابل

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

نه سابقه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رعایت کاردارن نظامی و ملکی و جملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان و خبر داده میشود:

اگر از یک جا دیگر چاروچویانند میباید که یک رقعه در سر هر ورق خبر دهند که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا مجموع اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید و اخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خود دارند در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر قسم اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود در هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق و قیمه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۲ شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — انچ در ۴ — ستون) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا غایباً یکسال نشر کردن خواهد دوجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق اولی زیر سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 969 of 1786

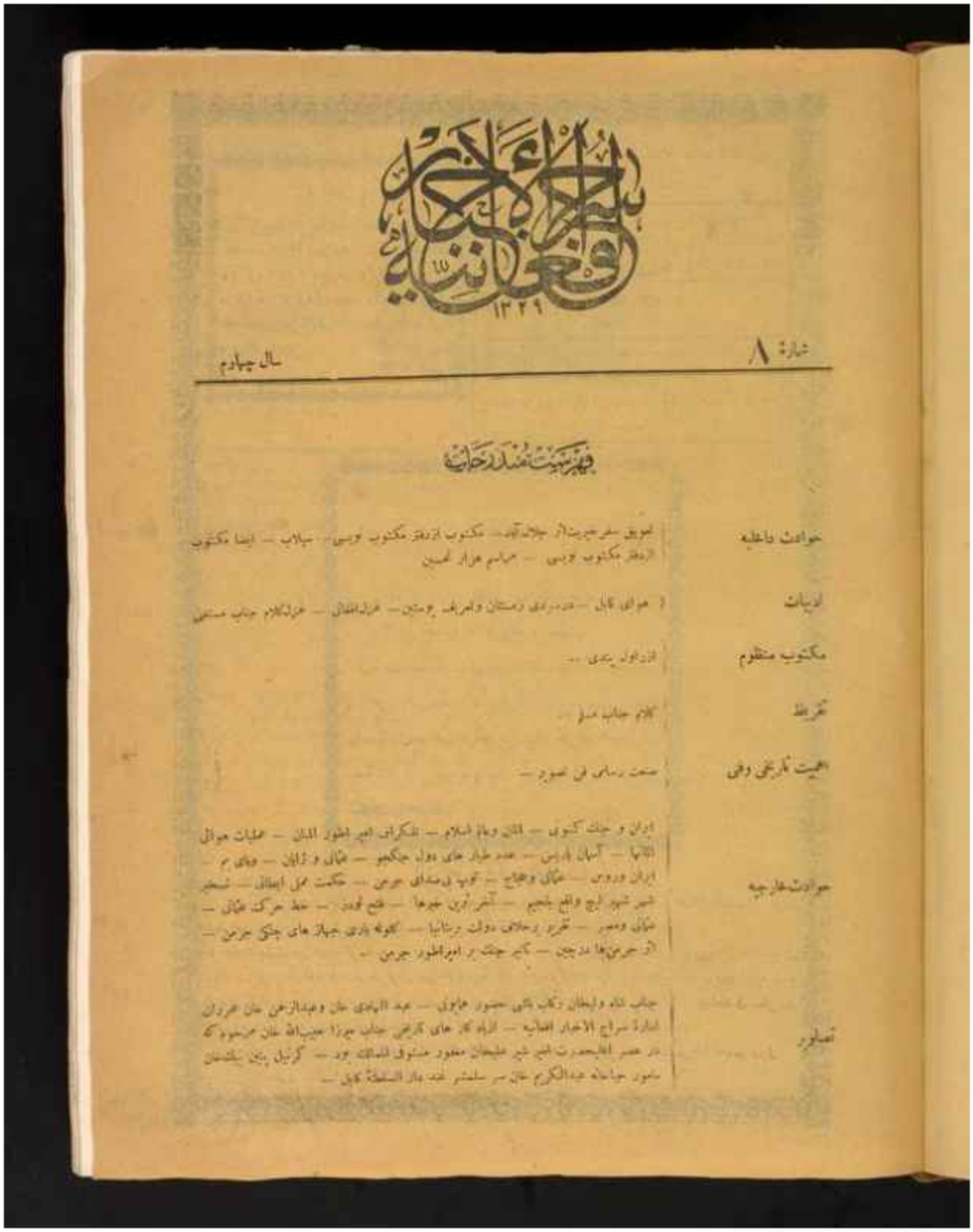

۱۳۲۹

نمرهٔ ۸ سال چهارم

فهرست مندرجات

خواندن داخله	تعویق سفر حضرت از جلال‌آباد — مکتوب از دفتر مکتوب نویسی — سیلاب — ایضاً مکتوب از دفتر مکتوب نویسی — مراسم هزار لحمین
ادبیات	(هوای کابل — در وصف زمستان و آمدن برف — غزل افغان — غزل کلام جناب مستغنی
مکتوب منظوم	از داود پندی ...
تقریظ	کلام جناب مسلم ...
اهمیت تاریخی وطن	صنعت رسامی فن تصویر —
حوادث خارجه	ایران و جنگ کنونی — افغان و جهاد اسلام — تذکراتی امیر امطور المان — عملیات حوالی انکلیا — آسمان پاریس — عدد طیاره های دول جنگجو — عثمانی و ژاپان — وضع بم — ایران و روس — عثمانی و حجاز — توپ بزرگ جرمن — حکمت عمل ایطالی — شعر شهر لیج واقع بلجیم — آخرین جنگها — فتح اودن — خط حرکت عثمانی — عثمانی و مصر — تقریر رجال دولت برتانیا — کلوله باری جهاز های جنگی جرمن — از جرمن‌ها در چین — کابر جنگ بر امپراطور جرمن —
تصاویر	جناب شاه وایعهان رکاب باشی حضور همایون — عبد الهادی خان وعبدالرحمن خان عزیزان شارهٔ سراج الاخبار افغانیه — آثار و کار های گرانبهای جناب میرزا حبیب‌الله خان مرحوم که در عصر اعلیحضرت امیر شهید علیحضرت مقرب الخاقان بود — گزنیل پنج یکشان مامور جانشه عبدالکریم خان سر لشکر غند دار السلطنهٔ کابل —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 970 of 1786

﴿ از دفتر مکتوب نویسی توشه اند ﴾

محمد حسین خان نائب حاکم میرناب نوشته است که از تاریخ یوم چهارشنبه غره الی روز پنجشنبه ۹ ماه ذی‌الحجة‌الحرام روز وشب سه ساعت الی چهار ساعت الملك الملك باران شده روز پنجشنبه ۹ ماه مذکور بمعدل پنج و نیم بچه طرف عصر ژاله باریده بقدر یکچهارك ژاله بحدود پیرك میرناب افتاده بمعدل هفت بچه شب جمعه ۱۰ از ناوهٔ کوه سیلاب جاری گردیده از قشلاق ملك ولی محمد - وملك حاتم قوم موسی زائی ساکنین موضع مذکور یکنفر هکذر - ویازده نفر ذکور واناث کبیر وکبیره وصغیر وصغیره را هلاك کرده است وبیست وچهار خانه پلاس را ممهٔ متروکات آن وچهار صد روپیه نقد - وهشتاد خانه دیوار پل پوش وسه راس اسب تر - وهشت راس ماده یان - وشصت راس بز امل - وهفتصد وپنجاه راس گوسفند نر وماده - وهشتاد جوال گندم که درهر جوال از یازده آثار الی بیست وپنج آثار گندم بوده - ویکصد تخته پل پر - ودومیل تخته دهن پر ویکصد تخته‌چه شش تخته - وپنج تحر طاحونه را سیلاب برده است - ومقدار پنج و نیم خروار کابل کمبرز اراضی را آب برده ومشکلاخ ساخته .

سیلاب

تحریر یوم جمعه ۱۷ شهر ذی‌الحجة‌الحرام سنه ۱۳۳۲ :

از محال چیچکتو علاقهٔ مرینه مینویسند :

قریب ۱۲ یوم میشود که درین جا کم کم بارش میبارد در یوم پنجشنبه ۹ ماه حال ۵ بچه ناهشت بچه شب چنان بارش بشدت تمام بارید که درین مدت سه ساعت زمین زمان را آب وسیلابهای پرخوف وپرهیبت هولناك کرفته - درموضع پیرك علاقه بالامرناب از خیل ولی محمد نام موسی زائی ساکن دار یازده نفر ۳ صبیه و ۸ زن برده اند از حیوانات اکثر ۳۰ فرد اسپ ۹ راس گاو ۴۱ فرد وگوسفند هارا نیز از هرجا خیلی برده اند غیر از خیل ولی محمد نام مذکور در دیگرجا آدمی زادرا نبرده‌اند واز اسباب های خانه طرف دانه وغزدی ها وپوشاك چیزی برای مردم سال دار های کوچی علاقه مرینه وعلاقه بالامرناب باقیه کامل سیلاب ها برده اند وزمین وباغیات وقبیره خیدمات کلی سیلاب ها خراب نموده اند این قسم سیلاب درهیچ ایام کس ندیده ونشنیده بود - احوال هوا خیلی خوش میباشد تمام روی زمین سبز گشت گوسفند وبره ها به علف های میزاست -

---

شنبه ۲۳ محرم‌الحرام سنه ۱۳۳۳

از دفتر مکتوب نویسی مینویسند

قرار اطلاعیکه بدست محمدامین خان نائب حاکم قلعهٔ نو در باب حدوث باران وژاله بتاریخ ۹ ماه مذکور بموضع من بور رسیده است - از ناشیلاق ، بکراس حرکت ودو فرد عوامل واز خوشه صرع سه فرد عوامل . واز پسر حاجی جهان متوالی دوتفر اشتر ، ویکس ، خنگ ، واز خیل امیر غلجائی باشنده ستلق وکلاق ، اشتر هفت نفر بواسطه طغیان سیلاب ضایع وتلف گردیده - وآب رود قادس طغیان کرده جوی اقطایه را درسفور خراب وویران کرده - تا کنین‌ها آب خوردن ندارند - ونیز در علاقه قادس سیلاب بسیار آمده چشمه سار هارا پرپلك وعاقل نموده راه جریان آب مسدود گردیده طاحونه ها از کردش مانده - از قوم عبدالعظیم کوتل طوخانه هفت باب واز قوم تودین مقیم آبشاره ، دوخیل تلف گردیده - ودرخت های طوایف زنگری را انداخته اراضی من روی وعموطه‌های رشته ودیوار مردم چوه را خراب نموده - بعضی دیوار های طایفه کندلان مقیم کوتل جایل را انداخته ، جنبل ومرجت‌الهی آدم ضایع نشده .

﴿ صراط مستقیم ﴾

(السلام علیکم) ورحمة الله وبرکاته مورخه لیل ۲۶ رمضان المبارك ۱۳۳۳

جناب ادیب محترم فاضل معظم مدیر ومحرر سراج‌الاخبار فواید اظهار افاضاتمدا خداوند حافظ وناصر باد - جناب عالی از قرار جراید اخبارات شام که حالا مطالعه ومشاهده میشود مجسم یك تقریر مدلل پدر (مقاله مخصوصه) وتصویر بی نظیر (جنك عمومیه) که بتاریخ ۱۵ ماه رجب ۱۳۳۰ مطابق نمبرهٔ ۱۹ سال یکم سراج‌الاخبار فواید نثار افاضاتمدا از ضروری بودن جنك عمومیه بحث وبیان فرموده بودند وخلاصة‌الخلاصه آن این بود که [آیا اوروپا ازین قسم سال های سال که این همه اخترا بات غیرالمعقول قابل وکفاف وجنك وجدال را که روی کار آورده اند هم چنین مسکن وی کار بگذارند وهیچ تجربه نکنند که مسئله های کلی جنگی دیده نلانها وزرهپوش ها کروزوزورها وطور پید ها وقوت انجیرهائیکه دولتهای اوروپ مبلغ های عظیمه وخون جگر خودتهای بدیعهٔ حاضر وآماده ساخته‌اند درنحرهای عظیمه چه نتیجه ها می دهند - اروپلان ها ، بالونها ، بومبه های روی هوا برقوای تخریبه وبرده آیا چه تاثیرات اجرا می کنند آیا عسکر ها و پیلانهای ارکان حربیه هر دولت که هرکدام شان میکوید هم دیگر پست درمیدان امتحان آیاند واصول تعلیم وتربیه فنون نمبره این قدر اردوهای مکمل ومنظم اروپ معلوم نشود ، که کدام یك نیراست ؟ واگر بکویند که این همه قوای بره وتخریبه وهوائیهٔ تنازا برای استعمال کردن برمملکات شرقیه غیر مقاوم حاضر نموده اند این سخن هیچ پایه وقیمه ندارد زیرا درجه شدت وقوت از درجه شدت مقاومت بظهور می آید . مثلا اگر کله های ۳۵ و ۴۸ سانتمتره ئی را بر قلعه های خشت خام بلاوشرقیه پیندازند درجه شدت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 971 of 1786

آن طوب ظاهر وانکا رائی شود بهمه حال آنرا برفولاد های
مقاومت زرهپای دریائها استعمالباید کرد و درجهٔ قوت آنها
پیدار شود ... بل بی یك جنك عمومی اوروپا بسیار ضرورست
وهرلاید نه لیست ضرور پاشد. ازصلح عمومی چه کسی هرگز
سراغی . ای نوع نه ازصلح نباشد بهاشد . از جنك عمومی سخنی
گوی چو بخود . تا آب حیاتی بشناسند مدافعت ...] سبحان
الله . وبرحکم الله . ای جناب عزیز . الحق که هر کلام حکمت
انجام جناب شما لحقق درخور جولانگاه تحقیق بظهور درامد
باوجودیکه اکثر سیاسیان دانشور پدرهای خودهاالصوم ازصلح
عمومی رای مینمودند وراه میپیمودند . وتصور وتفکر باریك
فهم دقی نه که جناب شما بنصهٔ شهود موافق کتب پاك قدیمین
کرامیورافران ذوی الاعتزاوطن مقدس ما افغانیان اضروری باید
که ازمطالعه جریده سراسر فایده تلگراف عزیز خویش خودهارا
محروم نماندبکمال حرمت مواظبت ومداومت نمائیم که کاردا خل
خانهٔ خود که دیوار ازهلاك مقدسه خودماست وخارج خانه تملکات
غیرانتاوما کریم . زیاده از جناب حضرت حق جل علا سلامتی
ذات خجسته صفات قبلهگاه حقیق وثوق خواه تحقیق مسلمین
اطیبحضرت (سراج الله والدین) بیارو تنادارم . وصحت صدی
جناب ادیب کامل آمنوه شیارا نیز التجا دارم فقط کیه نعم المعین
دعاگوی خاصحضور مخلص شما

ادبیات

هوای کابل

هوای شهر عزیزما دفعهٔ یك تبدلات غریبی بکار برده هوای
صیفی وخریفی را زخیر بشه امارت پرودت نمود . از آغاز
داخل شدن آفتاب بدرج قوس سرما بزایر شدت قوت سردی
خودرا پرده نبوده یخی را کتاج مه افسردگی ساخت .

از قرار دیوت سر دروازهٔ ارك مبارك درجهٔ حرارت هوا
از قرار ظاهر نهایت در ۹ ماه قوس مطابق ۹ محرم بدوازده درجهٔ
روز ۵۳ درجه نشان داده شده است که بعدازیکهفته یعنی درروم
شنبه سیزدهم ماه قوس دفعهٔ تاه ۳۴ و ۳۲ درجه ازدل شده
است . ازهای گذشته یدهای مخالف از اول ماه قوس تاوزدهم
وبیستم آنقدر نبوده چند روز بارانها وبرف یدی دوام ورزید .
تاآنکه چو بیار شنبه ۲۰ قوس . و ۱۲ محرم طرفم بارزدن برف
شروع نموده دوسه روز متواتراً بارید وهفت تاهشت درجه برف
شده بدوازده انچ برف روی زمینها وبشه ها و دامنها
تراکم نمود .

شدت سردی آنها را مجبور کرده الاجی زاغ را داشت ، یعنی
تلاله ها و آثارهارا بیك پوستای کوبیدند که سوتها وتسمها
وتکوزه های پوزین الجب وضرب آن نظر زدائی حالت قطبیرا

بخاطر میآورد ! درانجا چند شعر چون سحر حلال والد ماجد
مرحوم حضرت طرزی صاحب مرحوم بخاطر آمده لبرکاً تذکار
میشود :

(شتاب)

رسید موسم دیباه و ارست غاب
کنون بوقت بزنگست ساقیا بشتاب
برغم لشکر سرما بکار ساقی می
بدفع باد مخالف بنوش بادهٔ ناب
شکوفه بار چوشد برف ودرفشان باران
زمان زمان می است وانوان انوان شراب
زسرد سیری فصل تتاو شدت برد
عنان کسی که شود گرمدانش می تاب
هوازکثرت برفست همچوطرهٔ زرق
زمین زموجهٔ یخ شد چو جبههٔ سهاب
زمین زبرف شد همچو زمهریر الزاغ
جهان زآب شده چون حباب خانه خراب
زسنگ برف ببارید زانسان زمین
که شاه ابلق ایام را زپشت رکاب
گرانست طاقت بیدل کنونکه ازسرما
نقاب دار شده آفتاب هم زسحاب
زبس تموج ابرو تلاطم باران
زآب جاندوش است طاق چوحباب

||

امسال ازقرار چنان معلوم میشود که زمستان برخلاف پارسال
خیلی سخت گیری بکار برده . زیرا درادل پیدا کرده بار آورده .
تاانا آتشهای سوزان طویها وتنگیها وجوبه های زری وخزی
و هوان که در هرهر طرف دنیا نمونه افروز جون آشامی نوع
بشر شده است وکرهٔ شمسی تأثیر ضیق خودرا اجرا نموده که
هوارا بخاموشه متقلب . وبیوست رابسرابر منسلب ساخته است
وآن تغار ماه ازحوض وحوضان آن آنقدرپرها که طبقات سپهر
بلند کرهٔ زمهریر قرار کرده درانجا بواقعهٔ قانون انهدار گذارد ،
وبکلیت برف روی زمین زول نموده است .

(دمه دم فروست چون چشم گرگ)
(شده کار گر گیه دوران زرگ)

این فرد جناب مولانا نظامی گنجوی رحمة الله علیه درجهٔ
یك معیار مطلق الفاظ است . بلا تنك نخست بودت وقت
نظر کسی رادرای کنون اخیرین مصرعرا بدهد . درپوفت
شعری باید بشنوی که یك جزء دوم مصرع رودرا ازان استنباط
بتوانی . اگر میخواهید که ازاین یك شعری بشنوید بگذاری
به شاعر شیرین بیان از نسیج منطق بزبین علی شیر احمد خان
مخلص گوش بدهند که چه میگوید :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 972 of 1786

(در سردی زمستان)

(وصف پوستین)

وقت گرمی رفت آمد روز کار پوستین
شد هوا سرد و زرقی کرد کار پوستین

در چنین عید وزمان خرم کی کوراود
منزل وماوا باوطنان ودیار پوستین

همچو بید از شدت سرما همی لرزه کنم
کردمی دوشم سبک باشد ز بار پوستین

ایدل از نقدی بکف داری ره بازار گیر
نقد خود را بی توقف کن نثار پوستین

از شبیخون سپاه برد گر خواهی پناه
مامن خوش نبودت غیر ازحصار پوستین

اطلس و کمخواب در کابل بمنگام شتا
قیمت و قدری ندارد در شمار پوستین

این زمان کشمیرو ماهوت با کرتو برك
گفت اند ازصدق دل خدمتگذار پوستین

جامه های پنبه دارو پشمو شال و پتو
چون غلا ماشه پش شهر یار پوستین

اهل کابل در خزان گویند یك بادیگری
موسم گل رفت و آمد موسم پوستین

رونق زلف بتان را پرده در ایام دی
کاکل زولیدهٔ نابدار پوستین

درزمستان وقت ماه پوستین باهم خوش است
اوست غلطوار من ومن غلکنار پوستین

وصل معشوقه هر شام وسحر دارد چنین
او در آغوش من ومن در کنار پوستین

اغنیا گر از سمور وقاقم وسنجاب وخز
میکنند ازبهر خود نخت و نگار پوستین

من بحمد گوسفندم برده دارم اکتفا
بیستم در بسته زیبو افتخار پوستین

تندور غزنین و کابل خرم و معمور باد
کابل و شهر آمد یکی نامدار پوستین

هرکه نوکیسه زاول کرده روشن نازماه
میرسد اورا ثواب و فیض کار پوستین

پوستین دوزا شنو پندم مرا وبکدمی
دست وسوزن را مکن خالی زکار پوستین

پوستین لعز را از بهر شیء احمد بدوز
کاندرین سرما شود او کامکار پوستین

غزل افغانی کلام صانع محمد خان ازمعلمان مدرسهٔ حبیبه

﴿ دمصدلی غزل ﴾

به کابل کی چه استیزی بار به وزی دمصدلی
که به کوزی پی گیزی غم به خودی دمصدلی

کدی ځه غم دستار نوی او به پښتونی پرار وی
خوراك او لوی تلك به رغوی دمصدلی

کدی ځه خوځه یکی وی نویشت پاویشت دا کښ وی
لس به لس کی نوی خری به جوړوی دمصدلی

له اول به د غوښی ز آخر د حسل
پرکه میلتی به کابل تطبیم کوی دمصدلی

شکوه مه کوه (افغان) سړی عظیم ښت دی
ځه ته خوند که نوی ښیی او مرکی دمصدلی

یك غزل غرای خواند نای جناب صاحبی
چونکه از بی هنران شخص هنر ور خوبست

پیشه کن هنر و هنر جان برادر خوبست
خوی شخص بود هنر و ادب ظل و خزا

خوی آن نیست که گوید بگوهر خوبست
خوی نیکان از اهل کمال است و هنر

چون شود اهل هنر بی بکشور خوبست
ظلمت جهل کند جاه دولت کاری

اگر از نور معارف شود انور خوبست
کرد ازین روی پیر کوشه مدارس جاری

آن کسی از نور خرد مینه منور خوبست
آنکه افتاد بکار خود و جا کرد نیکوست

آنکه فکر و نظرش همره لشکر خوبست
شاه بیدار جوان بخت سراج ملك

که خیالات نکویش همه یکسر خوبست
هر چه او میکند اندیشه سراو نیکوست

هر خیالی که کند پیشه سراسر خوبست
خواهش هر نفس دولت و اقبال مزید

آخرین منزل او دار کیوتر خوبست
(چه شعرست وچه گفتار نکو (مستغنی)

گر نمایند خرابیهای تو از بر خوبست
خواندن شعر تو هر چند مکرر خوشتر

آری آری چو بود نغمه مکرر خوبست

منظوم از اولیندی

الا ای حضرت خود خزی الا ای زادهٔ مسعود خزی
بحمدالله گهر دستت سراپاست سراسر دوستی لخت و وجاپاست
شده موسوم این فرخ جریده بنام پادشاه پر گزیده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 973 of 1786

(جناب شاه وليعهد و نايب ثاني منصور خاقان)

سراج دين و ملت يار شاهي
كه باشد ويرو ملت را پناهي
شهٔ عالي گهر والا مناقب
رعته الله الى اعلى الرتاب
محب اهل هنر و علم پرور
بأهل علم و دانش يار و ياور
چو بگرفتي بكف شمع هدايت
يكي شرط حمايت را رعايت
زعزو فر و سكنت نصه سركي
هم افراد ملت را خبر كي
بلو اهل وطن را راهبر باش
پيام علم را پيغامبر باش
ز من اين پند پرداه نيوشند
كي تحصيل خ از جان بكوشند
كه اين دور است دور عزو حكمت
حكمت نگهدارد ملك و دولت
بعلم و فن مسلمان خود باش
نبودش كس عديل و هم وتاش
چرا اين راهبر گردند گمراه
چرا مرجوزه گردند اين شهنشاه
چرا شد كرده شد استاد عالم
چرا خود صيد شد صياد عالم

رواج علم و فن دانسته پيرگي جرعهٔ زين جام يابند
چو لازم كه در دار الامارت شود قايم عظيم الشان عمارت
كي تعليم هر علم و كمال جديده خود روشن متالي
بامصار و قرايم هم بديهات شود تعليم و تدريس كالات
چو تعليم روحي طبايع زعزو حكمت و عزو منافع
پسر شاه و گدا يابد نصيبي رسد از حسن تعليم و تدبي
كه تاهركس ز اشراف و ارذال كند از علم فن هي متمايل
دزيل ارفع مجرد شرافت جداد گردد كتاف بالطافت
بداند هركسي الاحكام داور خلوق بندهو هم بنده پرور
بداند نفع خودرا هم ضررها تواند امتياز خير و شر را
شناسد دوست از دشمن خويش تواند كرد فرق نوش از نيش
عدورا اشمرد يكاره وحوار بلطفش نگردد خره زنهار
ز قيدات جاهل را بداند قدم از بي درميدان بماند
چو تعليمات عالم را بداند بكام خويش گامش رساند
بداند چيست اسباب تعلي زوال شمه چرا جهل ترقي
چرا اسلام درهرجا غريب است چرا اسير ذوالت بي نصيب است
اوانرا را در مقصد بدانان چرا اشراف درياس آندوحرمان
چرا بي بهره اند از اختراعات مسلمانان ز ايجادات و صنعات

مسلمانان چرا گشته مدبر مسيحي را شده اقبال يار
چرا گفتار نه جنبه ملايمات مسلمانان زكف داده اند
خران اطوقدان بي گردان اينان گشته عروج اسپرا ني
چرا بابل يكي نغمه سرايست چرا طوطي نكتن در نوايست
چرا شد آشيان ويران هارا چرا باز است چون بر كلارا
چرا فتد دنبه حرجا صدر محفل ذرعان را شده پا به منزل
چرا كبك دري را پست رفتار چرا زاغ سيه كرده بكوهسار
چرا كفتار را چون ره است چرا خانه مسلمان بصر است
چرا كفتار را شهباز خوانند چرا اين الحكم لله اهل اسلام
مسلمان را چران گفتار پست چرا دهقاني مفتي شكر پست
چرا در كنج كاهل زار بيمار پراكنده و ترش باشد بخروار
مسيحي را چرا صيد است دردام مسلمانرا چرا تعو نشد رام
زوصل باز مرغ ماند تا گاه مسيحي راست اهد ودلارام
دوواله زوبراني اساس است الحرالله قيمش از پلاس است
چرا راه ترقي گشت مسدود چرا در فقر و ذلت شد خراسان
چرا از غير مسيحي است جهل چرا احتاج غير آمد خراسان
چرا قدر مسيحي از علوم است مسلمانرا در الخشت خمار است
بخوان دشمان مرغ متحن بداره دوست غير از ان ازين

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 974 of 1786

مدار عشرت دنیا بعلم است مدار راحت طبی بعلم است
مدار عزت و دولت بعلم است مدار ثروت و شوکت بعلم است
بعلم آمد مدار کامرانی بعلم شد عز لطف زندگانی
کسی کو فارس میدان علم است دلش را بهره از فیضان علم است
بود درسه عزت مقامش زنادش سکهٔ دولت بنامش
پیر محفل که باشد صدر باشد پیر مجلس زود باقدر باشد
قدم را رتبه فرماید پیرجا زدیده فرش راه سازند اورا
نشاندرش عزت درسرو چشم بدانش کارد دارند روشنم
پیر راهی که بنماید بپوید بصدق دل رضایش را بجوید
کمر بندد پیر خدمت او بانظیرو ادب درحضرت او
چو از تقریر افتاد دور را بمانده ازبیان سلک گهررا

پیر حرفش همی گوید باحسنت پیر لطفش همی خواند صدقت
زهی گوشه صدا آید سعدا بود پرهی زبان از اطفا
هران قومیکه در عاشق فتویش بود میدان پرواز دشمن خویش
دیارش را بود کورفیهٔ کم بود کیدش دوصدره پیش ازکم
بعلم حکمت و تدبیر لازم کندکاری که کوئی آمدازغیب
پرآرد سد دوبین راز دانش بحالت آفرین رحسن دانش
بحکمت میزند تیغ قدر را بود ازمدی تاج و عز را
بحکمت دان جان کاری برآید که ازصد لشکر جرار آید
بحکمت کوهر ازکان میرآید بحکمت در زدهان میرآید
بحکمت سنك کرده آبگینه زخاك آید برون گنج دفینه
بدین فرخال در دور زمانه که نیر حکمت آمد پرنشانه

عبدالباری خان
از طبرزان اداره مدارج الاخبار افغانیه
که در مکتب حبیبیه اکمال تحصیل کرده است

عبدالرحمن خان
الطبرزان اداره مدارج الاخبار افغانیه
که در مکتب حبیبیه اکمال تحصیل کرده است

علم و فن گنج ایجاد خداست دولت و کوز زوال خداست
زعلم اندر هوا طیارها شد ورآن طیارها خیارها شد
یکی ساعت شود طی راه یکروز سفر کوکشتود رمحنت وسوز
عجب نبود که کاوجو نخواهد نکوید لاغرو درتن نکاهد
زعلم این آدم خاکی بپا کرد زخاك اندر هوا پروازها کرد
بحرعلم و حکمت چون شنا کرد ز اختراعات طوفان بپا کرد
کهی کشتی و موتورا بنا کرد کهی طیاررا اندر هوا کرد
کرو زر تاریدو سیم میزان همه درهای حکمت را خزائن

نماع ایکن برز آداخت رش شد اسوار روان جسوروش
بشیر بعدن چون شد جوهش اصولش کرد قائم بافروهش
چو هرعضو بدن را کرد تشریح زاحوال آمد امراضش مصرح
بعلم طب چنان تنقید کرده که بالینوس را تردید کرده
نکاتی را که مشکل بودحل بفلسفی طی شد جمله مراحل
پس از طدهای پیچ درپیچ نماند اشکالدرو اکردش هیچ
طبیبان این زمان سحر علاجاند زغراط وار سطر ردمیاند
زامراضی که سابق لادوا بود مریضان رانبود حاصل شفا زود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 975 of 1786

غرض مانع بدنیا نداکم است علمی نیز مانع بالزام است
معاشرا صلاح میزیست رهبر معادرا فلاح میبی است رهبر
زعلما است ناجی رهبران ذکر مناسب خلعت دررا
شرف داده بشراز علم وعرفان وکرمعست آن هم مثل حیوان
تلاش علم شد فرض مسلمان حدیث اطلبوالعلم است رهان
بعلما ست تعریف قیامش شده طغرای قضا یا شاهش

مسلما کان راه علم پوئید
مراد کاینات از علم جوئید

غره محرم الحرام سنه ۱۳۳۳
« الحق »
منصفاء کلر ـ راول پندی ـ پنجاب

تقریظ

کلام جناب منلم

بشنو ای صاحب خرد سطری ز اخباری چنین
گر نبیدی درجهان فکر کلزاری چنین
میزند صوت سخن از صلح و از صنع و ادب
درسیاسی میدهد پی بحر اسراری چنین
صفحه اش آئینهٔ رخسار اهل معنوی است
جوش حسرت میزند از دل ز گفتاری چنین
ظلمت دلها منور می شود از نسخه اش
فی الحقیقت ماه وخور را نیست انواری چنین
میرود درمصر و در انگلیز درایران و روم
باد صرصر متصل درتردد رفتاری چنین
قیمتش اندك فوائد بی شمار از وی ظهور
زود درپیچد بایران در شهواری چنین
آن مدیر صاحب تدبیر را صد آفرین
کو ز مضمون معانی کرده اظهاری چنین
او نهال معنی و اخبار مراو را ثمر
الله الله زین ثمر وه وه ز اثماری چنین
کز کند منظور طبع مسلما آن محترم
میفرستم بهراو گه گاه اشعاری چنین
تا کند درج همین اخبار در قرطاس و اثر
بشنوند اهل خرد از بنده اذکاری چنین

« اهمیت تاریخی وفنی »

صنعت رسامی فن ـ تصویر

فن تصویر قدیمترین فنون مترقیهٔ بسیار مفیدهای زمانه پیشینهٔ دنیارا تشکیل میدهد . انسانها که تحسین بارهٔ فنون و صنایع مذکوره توجه ومیرف ذهن نموده ، مثلاً صنعت هیکل تراشی وفن تصویر کشی را خواه از جنس حیوان ، نبات مناظر طبیعیه بوده باشد رواج داده وبتدریج در اصلاح وترویج آن کوشش وسعی ورزیده اند

درموقعیکه هنوز رسم الخط اختراع نشده بود انسانها توسل بدیعهٔ تصویر میجستند تا بوسیلهٔ آن اخلاق وصفات حسنهٔ خودرا بنسلهای آینده بیادگار بگذارند . چنانچه از مشاهدهٔ بعضی تصاویر آثار عتیقهٔ مصرهای پیشین شام ومصر قدیم ، انسان ترتیب دادن یك تاریخ مکمل ومسلسل مقتدر میتوانند . این فن درادوار بدایه ترین نقاط اوج عروج واصل گشت ولاکن آخر الامر بدان مهارت کامل نپرسانیدند آنقدر نقطه ووالا این جسمها وهیکلهای بی روح وروان تراشیده شده است خودشان گفته که زیادهیت ومعبودیت را به آن اجساد سرا پا جمادی بیاد پرستش وستایش کردن شان گرفتند ، چنانکه اکثر امم قدیم را که خواه خواه غیر درزی پرزم قهر الهی بوده آنهارا درجهت قهقری می بینیم از الست که همگنان پرستش اصنام را بعبادت ربالارباب مرجع دانسته گرفتار ضلالت وجهالت گردیدند . ابتدای بت پرستی از زمان رسالت نوآمان پرنوح حضرت نوح (ع) آغاز میشود .

اهل فارس ویونانیان ومصریان قدیم این فن را بس ترقی داده توانسته اند چنانکه تصاویر محکوکیکه از آثار عتیقه این ملتها برآمده اند رجحان وحسن توجه باین صنعت دران وقت دال وشاهد حال این مطالب است . علاوه بران توجه اهل عرب را درایام جاهلیت بعضی آثار عتیقهٔ که درین فن اقتدارا خیرازطرف حکمای فن « آرخیولوژی » کشف شده اند نیز بخصوص اعتبار میکند . بسبیکه این فن باعث گمراهی بسی اقوام سابقه گردیده آنهارا از شاهراه هدایت و سعادت منحرف ساخته بسیاه نیاه مذلت وشقاوت افکنده است ، ازاروی دین اسلام ازین صنعت اجتناب وحذر را اولی وبهتر دانست . ولی چون اهل مقصد ما درینجا تعریف وتوصیف دادن اهمیت وحیثیت تاریخی وفنی تصویر است ! لهذا بنابر رعایت فائده خروج ازبحث نکرده واز ملاحظات دینی ران صرف نظر نموده تنها بهتشریح وتصریح بعضی خدمات مهم وغنائی که فن رسامی وتصویر کشی درراه ترقی معارف کرده ومیکند بدلیل اکتفا میورزیم :

اولین خدمت پایه وهمت عمده که فن رسامی بمانع السانیت ایفا نموده همانا درایجاد اشکال وصور حروف تهجی « رسم الخط » که ازان جمیع مانع جمیع علوم ومعارف بعمل آمده معاونت کلی نموده است زیرا ، فن رسامی بود که السانها را به آن تشویق برازدوی خود رواج فن وسیاهی محتاج ساخت ونیز همین بود که درمیان السانها خط مطبع مانعین احوال خودشانرا برای مطالعهٔ آیندگان بیادگار گذاشتند . چنانچه اثبات این گزاری خودرا بدریعهٔ تصویر وترسیم ناقص ومشکل یافته اورا برایجاد وانشای حروف خوشنمای « تهجی » که « صورت نطق انسان » است مجبور گردانید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 976 of 1786

پس از این خدمت گرانقیمت عمومیاش از وظیفهٔ مخصوصه‌اش که دارد هیچ گاه صاحبان عقل وادیان ومالکان فکر وادیان به آسانی انکار نمیتوانند که ، فن تصویر وترسیم بافکارهای بس گهنهٔ فرسودهٔ تاریخی را کهنو در انظر انسان جلوه گر میسازد ، یاد ودوران افتاده را ازدیدن یکقطعه عکس دردیدهٔ محبت‌دیده مجسم میدهد ، بامسیاوت‌را درشباب وشیخوخیت بانگاه‌عبرت‌و آه‌حسرت تشکل میتاید ، فراموش‌را به حاضر و غایب راحاضر میگرداند .

باآنکه دراسلام بفن تصویر هیچونه تعدیر نشده‌وهیچوقدری اهمیتی به آن نداده‌اند ولی بازهم مسلمانان ازاستعمال بعضی اسباب مصوریک صنعت مالی غیر بوده دست باز نداشته اند . چنانچه دربسیار خانهای مسلمانان چنین مطومات ومدروشانی که بران تصاویر حیوانات ، وانسانها ونقشه یکسیدان مخارم ثبت ونقش بوده یافته شده‌اند . چنانچه میگویند که درعهد خلافت « خلیفه متصر » عباسی در دارالخلافه بغداد یکقسمتی منقش بانصویر موجود بود که برآنصورت یزیدبن[ولید اموی وشیرویه شاه ایران نیز ثبت بود وهمچنین قرنی که زده « اوالسنین » نوزی وجود داشت نیز بانصاویر رنگین ملمع ومرصع بود ظروف منقش ومطوی که بانصاویر مزین میبودند بزرواج داشتند .

تصاویر زنانه گذشته که ازطرف حکمای فن ادراک وا کتشاف گردیده‌اند اکثر عبارت ازصورتهای میباشد که دیوارها وتوجه های سنگین حک شده باشند وهیکل های مجسم یعنی ذی‌روح میباشد که رمدوها وباگدام مدارتهای شاندار نصب گردیده‌باشند وبایک نقش ونگار رنگین داده شده میباشد . مراد از ان توضیح وتصویر نمودن بعضی واقعات ومناظر باشد تاحدیکه تاریخ اسلام یا معلومات مردوان دار هیچ گاه نازدیدن چنان هیکلهای مجسم که ازان بحث رانیم در مسلمانان رواج ورسم نداشته وله در یکی ازمساجد ومساجدمقدسهٔ شان منصوب بودن چنان مجسمه وتصاویر شنیده ویا دیده شده ولی از نقطهٔ نظر تاریخ اینقدر ثابت است که مسلمانان درعهد عروج وترقی خودها که دور تهذیب وتمدن شان گفته میشود درشهرهای بسیار شهر مخالف خود شان مانند « قرطبه » ، « عمّاطه » ، « طلیطله » ، « اشبیلیه » و « بغداد » مجسمه‌های حیوانات وهیکلهای سوارانرا جابجا نصب کرده‌بودند چنانچه دراوایل عصر چارم‌اسلام قصریرا که خلیفه « القادربالله عباسی‌ساخت همچنین زیب وزینت‌مزین بود ، وهمینکه‌دران یک درخت مصنوعی بپا ایستاده وبالای شاخهای طلائی آن پرند گان بسیار خوشصورت وضع شده بودند بنام « قصر دار الشجره » موسوم بود که دریکطرف آن درخت عالی تخت‌تصویر های‌سوارا یکه غلامهای طبیعی شان تشکل داشتند موجود بود . وقبل ازین خلف خلیفه « هارون رشید » (صندالها) یعنی کشتیهای کوچکی که برای تفریح وتفرج سیر دریای « دجله » ساخته بود به اشکال حیوانات مختلف آنرا تصنیع وتشکیل داده بود . وهمچنان قصر زیبت حصیرا « که خلیفةالناصر » تعمیر نمود نیز بمیلها وازدرها وگنبدهای طلائی مزین گردیده‌بود ومحلات شاهی « خزانه » و « اشبیلیه » نیز بانواع تصاویر آراسته وپیراسته بود وبعد ازان فی‌قاطبیه « وزاهره » ایرا تشیید وتطیب کرده تصویرهای مجسم قبل ازعصر وطلای اخیر ساخته وبجای مصرف مسرفانهٔ خود شان بسیار کسب غرور وفخر نموده وبه این طریق همگنان را ثروت وتوانگری خود نشان میدادند نقل است که « ناکامیانه » فی قاطموی برلب حوضی یکعمارت تفریحی ساخته بود که ازان جا منظر صفا گستر حوض‌نقوی معلوم میشد ودران بین‌تخته‌های چوبین روغن داده شدهٔ که سطح دیوارهارا پوشیده وبران‌تصویر های هریک ازشعرای موجود آزمان ثبت وقید گردیده‌بود که کار شده‌بودند روزیکه « آخر » به قصر مذکور داخل شد وشعرا قصاید مدحیه خود شانرا به حضور تقدیم کردند امر فرمود که یک یک تخته‌ها سر دیوار بخاطر اشعاریکه ازورا نخته که در پهلوی صورت هریک‌خلاصه‌شده کاشته‌وهریک رفته‌از آنها مذکور تخته‌ها انعام خود را برداره . همچنین از دیگر بسیار مفروشات ویرده های زربفت عهد ساطنت « خلفای فی قاطمیه » ذکر میشود که بران تصاویر سلاطین ومشاهیر کار شده ویرهر تصویر اسم‌صاحب تصویر وایام حکومتش درج میبود . قدیم‌ترین یادکار های‌زمانهٔ اسلام را که از عینی آثار عایله اسلامی دستیاب شده اند هانا هیئت یک « عجاس قضا » (محکمهٔ قاضی) است که برت دیوار خراب های قصر « اخرا » که درخزانه کاین بود منبوت است

غیر از تصویرها وابجسمه های انسانی وحیوانی را که بیان کردیم بسی ازتصاویر دیگر مانند خریطه‌های جغرافی ویا مناظر میدانهای محاربه درکتابهای قدیم عهد اسلام یافته میشود نجانچه دریک کتاب اصطخری که بنام « کتاب الاقالیم » مسمی ودر فن جغرافیا تصنیف عصر چهارم‌هجری‌است بی‌تصاویر خریطه‌های مختلف ودریاهای عالم‌موجوده ست وهمچنان کتاب « عجایب‌الحیوان » که از فن حرب وعسکری بحث میرانه بر متعلق ترتیب صفوف وتعل وحرکت عسکر (یعنی آلات حرب تصاویر وشکله های متعددرا مالک است [این کتاب در سال ۱۸۸۰م ازعربی زبان بتان ترجمه وشایع شده است] علاوه بران در کتابهای طب وتشریح وتصویر نمودن حکایات وقصص کارگری وغیره نیز که درعصرهای اشتدادی اسلام ساخته شده‌اند متعلق هریکی تصاویر مناسب آنها یافته میشود

پس صورت فن تصویر ورسامی یک صنعت بسیار بااهمیت ومتدیهای عصر حاضر نیز شمرده میشود دریوقتها نیزاین‌فن‌را اهل غرب بس ترقی داده ودر راه سهولت وسعت آن کوشیده فن عکاسی وزینکو گرافی را ایجاد واستنباط کرده اند که بصانع معارف یک نفع وفایدهٔ کثیری ازان رسانیده توانسته اند درین وقتها اخبار های که در عالم قابل قدر وقیمت دیده میشوند هانا اخبارها ورسائل مصوراست وتصویر بااخبار بس لازم وضرور است زیرا تصویر نیز یکنوعی ازخبر است که انسانرا ازدیدن خود دریک منظرهٔ منظور صورت یک شخص مشهور که در عمر خود آنرا ندیده باشد واقف میگرداند (عبد الرحمن محرر اداره)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 977 of 1786

خوادث خارجیه

(ایران وجنگ کنونی)

محصر محترم اخبار ، حق التین ، در زیر عنوان فوق یک مقالهٔ طولانی در باب بیداری ایران بر وقوعات وتتایج حرب نگاشته بودند که بعضی اقسام آنرا اطلاعاً درج صحایف میداریم :

« حین بررسی که از اوضاع موجوده پادشاه دولت ایران بعمل آمد وجه ازدیاد خارجی مترقع نیامده و بیطرفی خود قایم است . ولی هرآنی وهرساعت وهرروز که میگذرد مشکلات ایران افزونی جسته وخطرات وی تزدیکتر میگردد . صرف نظر ازینکه دراین بیطرفی ممکن است خصاصین ایران راه عداوت بجار وخطرات بسیار درتبدیلات مرحدی که از این جنت محتمل است ، برای او پیش آید

ایران امروزه سرحداتش چهار دولت متصل ازجنوب خلیج که تحت میشود از کوه مک سیاه بلوچستان وخاشت ، تارسد بخلیج فارس پرآ وخرآ بدولت انگلیس محتلا وهم آب است ، ازطرف شرقی ازدهانهٔ سیستان ورود (هیرمند) تارسد به هرات وسرحدات خراسان بافغانستان واز سرحد هرات تامنتهی شود بمرکستان وماورای بحر خزر و آذربایجان و آسیای صغیر بدولت روس هرچند آمده وازدهانه آمد بایمان تافغانستان (مو) سرحدات وی بدولت عثمانی متصل است . مسلماً هر دولت بمقتضای موقع وحیثیت همسایهٔ خود استعداد واستحکاماتی برای سرحدات خویش معین نموده وهرگاه آن سرحدات لازم دولت مرکز تبدیل شود خواه ناخواه آن دولت مجبور است که استحکامات سرحدی خود را تبدیل و استعداد خویش را بر حسب مقتضی که دریش دارد مثلا هرگاه سرحدات ایران بجای دولت عثمانی بادروس متحد شود نقطه جات سرحدی ایران استعداد واستحکاماتی طبعاً باید تغییر کند وهمین قدم اگر سرحدات روس تبدیل بعثمانی گردد باز هم تغییرات عظیمه اورا لازم می آید

همین قدم است سرحدات او با افغانستان وهندستان وهمین نکته میرساند خطرات ومشکلات عظیمهٔ دولت ایران را چه درجنت وچه بعد ازجنت چه درتغیر سرحدی مصارف فوق العاده برای ایران ازگذار دن قشون ساخلوی واحداث استحکامات مقتضیه پیش آید وهرگاه سرحدات خویش را بحال کنونی رهاکند ومقتضای وقت تغیر وتبدیل سرحدی ندهد بعداز صلح خطرات عظیمه دچار خواهد گردید واین خساره وخسران بزرگ برای ایران متصور بلکه میتوان گفت حتمی وباید ایران فقط برای حفظ بیطرفی خود ازاین جنت متحمل بشود — چنانچه گفته ایم عمدهٔ منافع بیطرفی ایران دراین جنت راجع بدولتین انگلیس وروس است ورنه باتفاق مبصرین از آغاز جنت نمایندگان عثمانی واتان هرقدر ایران راه شمولیت درجنت تلویح میکنند که دولتین فرانسه وانگلیس ورا بهیطرفی ازجنت تحریص می نمایند . البته ایران بایدبی طرف ازجنت بماند ولی نباید صرف نظر از محاظرات آیندهٔ خویش هم بکند . ایران باید درخصوص سرحدات خویش قبل ازخاتمهٔ جنت بادول متحارب گفتگو نموده تضمنات خودرا تامین ومطالبهٔ حقوق سیاسی وجغرافیائی خویش را بکند تاگرانقدر میرساند که ازیکطرف قشون روس درخاک آسیای صغیر عثمانی که تماس متصل بایران است گذارنده به (ارض روم) وارد شده ازطرف دیگر هم عثمانیان درصدد به قفقازیه یعنی سوبه باطوم که قرب تفلیس است در آمده ، هرگاه روس فاتح آمد و آسیای صغیر عثمانی را قبضه کرد باید حق السکوت ایران را بدهد یعنی آن از امنی که متصل به سرحدات ایران است بایران واگذار شود تالازم به تبدیلات سرحدی برای ایران نگردد همین قدم اگر دولت عثمانی فاتح آمد قفقازیه را قبضه کرد آن حصهٔ ازقفقاز که متصل بسرحدات ایران می شود باید حق ارتباطش قرار دهد ، ورنه طبعاً ایران مشکلات عظیم را دوچار خواهد گردید ازوقتیکه ایرانیان سست عنصر شده درحقیقت حیات رقابتی داشته اند وهمینکه یکی ازدول متخاصمه درسرحدات ایران بحریف غالب آمد آن حیات رقابتی طبعاً خاتمه می پذیرد وایران جداً باید به تحفظ خویش بکوشد ومامون هاصرف استحکامات نموده صدهزاران قشون درسرحدات خویش برقرار دارد درهر جنت فتح وشکست توانست هیچکس بتواند حکم کند که درآن میدان کدام یک از گروپ حریف پیش خواهد رد ولی درینکه نقشهٔ مآل پس از اختتام این جنت تغییرپذیر است احدی شبهه ندارد . ایران راست که به اصول علاج واقعهٔ قبل از وقوع حالا که آغاز جنت است مسئله حیات استقلالی خویش راتصفیه نماید ، فرضاً اگردولت انگلیس استیلا بعراق جوید نباید حقوق ثابتهٔ مسلمهٔ مارا فراموش کند عراق عرب امروزاشکه مرکز روحانیت ایران است وضع ادبی واخلاقی ومعاشرتی الخاصاره تابع ایران بوده وهست وصدهزاران نفوس ایرانیه درعراق عرب نشو ونمایابند ، ازهره بالاتر مرکز تجارتی ایران بشمار است اگر درین نقطه تغیراتی پیش آید وقبل ازوقت ایران بحفظ حقوق خویش قیام نکند وبدول متحارب اندر دقت کو چون نیامده ازروی معاهدات حقوق خویش را مسلم ندارد بعد ازخاتمه جنت دوگروپ دول هیچگونه حق ایرادی ایران تسلیم نخواهند نمود این نکاتی را که گفتیم هیچ کونه ازاکت سیاسی مارا بادول متحاربه مترقع نتواند ساخت بلکه بیطرفی مارا تقویه تواند داد ! معنی دوستی وزاکت سیاسی این نیست که ماصرف نظر از حقوق مسلمه خویش بنمائیم . ایران درصورتی میتواند منافع محدوده همسایگان خویش رساند که مقتدر برحفظ استقلال خود باشد وهرگاه رجال دولت کنونی ماصرف نظر ازحقوق استقلالیهٔ خویش بنمایند زاکت سیاسی که مارا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 978 of 1786

زلف یار زر خورد واحدٔ مورث که ورث شود غایتهٔ نه تنها استقلال خودرا ازدست داده بلکه خودرا عو کرده اند ایران دراین جنك تخیل خاطرات عظیمه دویار توانسته واز حالا باید جلوگیری از آن خاطرات بشود فرض محال محال نیست ! گرچه ماقائل نیستیم که افغانستان هم دراین جنك شامل خواهد شد وهمچه تصور میکنیم که مانند ایران بهیطرق خودرا خواهدماند ولی باید تصور کرد که اگر ازیك طرف عثمانی واز طرف دیگر افغانستان ازجانبی روس واز جانب دیگر انگلیس مشغول زدو خورد شوند حیثیت ووضعیت ایران چه حالی پیدا خواهد کرد وتحلات جنك که مانند حلقه انگشتر مارا احاطه کند چه حالی خواهیم داشت احدی انکار ندارد که ماورای بحرخضر ولایه ترکستان عبارت تحت شاهنشاهی ایران بوده فقط از زمانه ناصر الدین شاه به اجارهٔ ایران روسیان تصرف کردند حالا اگر شما شوید افغانستان بامانی برآن استیلاجویند ایران دیگر چگونه متکلات خواهد آمد ! باید پیشکوئی‌های امروزهٔ مارا قبل از وقت تصور کردچه کلیه سیاست علمی وترتیب اثر در آن طبیات شده ومیشودمی توان گفت آنچه میگوئیم پیشکوئی نیست بلکه پیش آمدهائی است که منتظر نتائج آن باید بود وعلاوه امروزه احدی ازهمسایگان ایران تمایلات وپیدا جون واقعات قبل‌الوقوع است رد نخواهد بود ولی بعد ازپیش آمد وکشف این موقع مهیه اعتنا بسته دیان مانخواهد کرد اگر امروزه همسایگان ما یعنی دول متحاربه تمایلات مارا قبول نمایند رای هریك آنان بدون نقصان است مثلا دولت روس ! گرمتا شود آسیای صغیر عثمانی را قبضه کند یقیناً عثمانیان قبضهٔ مارا بر آن نقاط مائل تر خواهند کرد همین قسم است ! گرعثمانیان قفقازیا ترکستان را متصرف آیند دولت روس از تصرفات مادر آن نقاط خوشنود تر خواهد بود بادولت عثمانی‌ودر حقیقت مباحثات وپیش بینی امورفعل ازوقت مورث خرابی وهدر دی باشود منحط ضرر هست

البته به یك زکته میتوان به ما ایراد نمود که عروس ملت گمی نتاند در بغل گیرد کهوسه برلب شمشیر آبدار زند

چه طور دیگران بجنك در آمده عساکر روسه تلفات داده حصهٔ ازنتایج زحمات خودرا بشمارند جواب این امر همان است که دولت روسیا به امارات بالکان داد که من حق السکوت خودش را دراین جنك طلب میکنم وعلاوه براین حفظ حقوق سیاسی وبالتبع لازم‌الوقوع باید تحصیل شود اگر به یطرق ازجنك حاصل شد نعم المطلوب واگر نهبد بشمولیت درجنك برای حصول مقاصد به منکرین حقوقش کافی است اهمیه امورراباید بطور دیگر ملاحظه نمود وبایسته بشود وبایسته حقوق خود را قوهٔ شمشیر وشرکت درجنك باید مثلا که دولتین انگلیس وروس مائل به یطرقی مانده وماهر دوستانه تسلیم نموده به یطرقی خودرا نگاه میداریم لازم است که آنان هم حقوق ثابتهٔ مسلمهٔ مارا که برای آنان زیانی ندارد تصدیق نمایند .

آلمان ، وعالم اسلام

از اعتبار ارتداد منطبعهٔ طهران :

امروز که ۱۳۳۲ سال ازهجرت حضرت محمدبن عبدالله‌هاشمی عالم‌الثقلین پیغمبر اسلام صلی‌الله علیه وسلم می گذرد اسلام درجهٔ خوار ومسلمانی درمقدار شده وبواسطه یك نفاق کلمه کهنهایین خودشان تولید کردند هرقطعه از قطعات جغرافیای اسلامی درچنك دولتی وهر قسمتی ازخاك باکس دستخوش سلطنتی گردیده همان اسلامی که درهزار سال بعد از هجرت بیشتر از ۲۸ ملیون فرسخ مربع درتحت تصرف ۲۰ تاجدار مسلمان داشت امروز دول اسلامی منحصر عثمانی وایران وافغانستان وبیشتر از سه هزار فرسخ مربع درتحت تصرف ایشان نیست آنهم (یك سوم ذلك ومکنت) درعوض اسلامی که بعد از فتوحات فکر برآسمان افراشته هدفتیر یکانکان پیشخوش تطاول دیگران میگردد .

اینست حال تعرفه قوای اسلامی و نتیجت عامّ اسلامیت ، ولی دراین احوال درکجای است زمزمهٔ شنیده میشود که :

امپراطور آلمان درحقیقت عامّ مسیحیت ضمخوار وخیر خواه عامّ اسلامیت کامیده شده .

این مسئله را ازچه نقطه باید نکریست وبا کدامین گوش هوش می‌توان اصغا کرد ودرای نفی واثبات ازچه افکارا باید اقامه نمود ، بعضی از ارباب غرامت را عقیده برآنستکه اولین تمایل عیبی که ازطرف آلمانیان نسبت عالم اسلامی بروز نموده نهدایت بزمداروده که ملت ودولت آلمان‌را بافکاریاب عداوت ومودت‌عالم اسلامی کوسیو واز آوروزیت مخاصمهٔ صلیبی‌هایین بایعالی کامرگز اسلامی بود بادولت آلمان شروع شد

همی کویند که چون تاباً مسلمانان تحادول عیسوی‌دیکر انواع تضییقات وتقیدات بوده وکمتر وقتی‌روی آزادی و آسایش‌را دیده وبرهریك از دول مقتدره بالنسبه مسلمانان تا یکدرجه فشار حالی رسیده وتضییقاتی وارد شده جز آنکه ازطرف‌دولت آلمان کمتر مزاحمی رسیده‌بل درمواقع مختلفه روز مساعدت وخیر اندیشی نیز می شود .

بعضی دیکر را عقیده براین است که چون آلمانیان لسان اسلامی را از نقطه نظر فلسفه اسلامی عزم نموده وازهمه جای دنیا درآلمان حکماء الهی بیشتر وکتب اسلامی والهی مارا تقاباً ترجمه ومنتشر ساخته اند شاید ، همین وسیله خیر خواهی آنان نسبت به اسلامیان شده .

بعضی دیکر چون مناسبات دولت آلمان را بادولت عثمانی که مرکز خلافت اسلامیاست مناسباتی دوستانه وودادکارانموزواطش رابایکدیکر وابطمتحکم‌مابین‌یکانکی‌ومودت‌بادولت‌امپراطوری‌آلمان مربوط دیده ازنقطه‌نظر سیاسه‌اسلامی دولت آلمان را خیرخواه خود شان دانسته اند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 979 of 1786

باآنکه مسافرت امپراطور آلمان کیلیو دوم زادروازده سال قبل باسلامبول بخاطر اورده که سلطان عبدالحمید خان خلیفه مسلمین میگوید :

بخاطب مساعی کامله خودرا درترقی مسلمانان وتمدن ایشان وحمایت آنها از خطرات خارجی بکار خواهم برد. ازاعلیحضرت سلطان تقا دارم به سیصد ملیون مسلمانان کرهٔ ارض پادشاهی فرمایند که امپراطور آلمان دوست حقیقی آنها خواهد بود .)

وگویا نظر بهمین وعده بود که امپراطور آلمان در مواقع مختلفه که مسلمانان بدو متوسل شده اند مساعدت نموده واز خیراندیشی مضایقه نکرده

چنانچه وقتی مراکشیان درسنه ۱۹۱۰ دچار تطاول فرانسویان گردیده ودو متوسل شدند امپراطور آلمان کشتی جنگی خود را بدانجا فرستاده وحمایت آنان اقدامی نمود [گویند ، اخیر یعنی حضرت قادر در دفاتر دیپلوماسی دول جا درجه ثبت و فراموش نشدنی است]

بادراین جنات مانکر ومقابلات فرانسه با المان بالنکه سربازان مسلمانان فرانسه حربه کرده ودا دولت آلمان جنگیده پس از مغلوبیت و اسارت امپراطور آلمان وعده ساخته خود وفانموده و اسرای مسلمانان را اختصاصاً تامین داده وبرکز خلافت اسلامی (عثمانی) روانه نموده . باعث بحسابین ایران در روسیه که برق ایرادت خود را بلند نموده فرستاده کل قشون آلمان راتهدا امنیت داده وبالخارج کامل وکشتی مخصوصی برای روانه نموده

مادر خواهیم عقاید مختلفه هریشه را دراین موقع تحت مداقه ومقایسه اورده ودرنتیجه وآثبات آن تفصیل دهیم ولی میبینیم که همین مسائل جزئیه وسیله یک نوع روح احساساتی درمیانه مسلمین عالم شده که باوجود قلت علاقه استعلاکی دولت آلمان در ممالک اسلامی مورد توجه دل اسلامی واقع شده وسایر دول معظمه که علایق استعلاکی وشبه آنها درممالک اسلامی بیشتر است کمتر مراعات این مطالب پاکات را نموده اند پس از هرنقطه نظری که بوده باشد عالم اسلامیت یک نظر مخصوص آمیزی بدولت آلمان مینگرد وتصور میکند که اگر یک قوهٔ درخارج ازعالم اسلامی پیدا نشود که بتواند

از یادگارهای تاریخی

جناب میرزا حبیب‌الله‌خان مرحوم کهدر عصر اعلیحضرت امپراتور علیهان مغفور مبرور مستوفی الممالک بودند

در حصول مقاصد حقانی ملت بزرگ خیراندیشی کند عثمانی دولت آلمان است

بالجمله سوابق وقواعد عملیات دولت آلمان خاصه مناسبات دوستانه آندولت بادولت علیه عثمانی ازنقطه نظر جامعه اسلامیت یک نحو توجه مخصوصی درقلوب نوع مسلمانان عالم تولید نموده که با کمال سادگی وخلوص از کلیه عوارض پلتیکی منزه ومبراست

وبنا براین هریک از امپراطوران معظم عالم که همین روش ومسلک انسانیت کارانه امپراطور آلمان را تعقیب کنند محبت ومودت آنان درقلوب عموم مسلمانان بلاجازی ومستقر خواهد شد

« فریدون فرخ فرشته نبود »
« زمشکو زعنبر سرشته نبود »
« بداد دهش یافت این فرخی »
« نوداد دهش کن فریدون نی »

گذا :

انکراف امپراطور آلمان

بمسیو ویلسن

رئیس جمهوری آمریکا

آقای رئیس جمهوری وظیفه خود میدانم که این مطلب رابشما که نماینده عالی ترین اصول انسانیت هستید اطلاع دهم که پس ازانکه قشون من قامه فرنکوای فرانسه را قلع نمودند هزاران کلوله دودوجدرانها کشف گردید که در کارخانجات مخصوص دولت فرانسه ساخته شده بود .

ازهمین قسم کلوله‌ها بیزرد سربازان مقتول ومجروح وانیرشدهٔ فرانسه وحتی تردسربازان انگلیس یافت شدند

البته‌ازاین جراحت خطرناک ودردهولناکی که این کلوله‌ها باعث میشود اطلاع دارید ومیدانید که درجنگ برطبق اصول که عموماً درقوانین بین‌الملل عهد دول قبول کردند استعمال این کلوله هاجدا ممنوع است .

بهمین علت است که برضد این روبه جنگی که بواسطه مسلک بربریت دقیان مابکوازدحتی ترین حرکاتی است که بخاطر داشته باشد رسماً پروتست خودرا بشما اعلان میکنم .

حفظ خصمان مازاین نوع اسلحه‌های ظالمانه استعمال میکنند بلکه دولت بلژیک ازمدتها باین طرف اهالی شهرها ومردمان غیر نظامی را تهیه وتحریک بجنگ می‌نماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 980 of 1786

گریل پادشاه
مأمور جا خانه ها

چنانچه در این مدت جنگ دسته جات حق توسط قسوان وکیلشان که خویش‌را عیسوی میدانند لیست بسربازان مجروح و مجروحین وارد شده (همین اندازه حکایت میکنم کاغذها را گشته و باقلم بریشخانها حمله نموده‌اند) باندازهٔ رسیده‌که بافت الامر سرداران ناچیور شدند که بقدمات شدیدمتوسل شوند برای آنکه من تکین را تنبیه نموده واعمال نظایر از اعقب کردن قال وجنایات فجیعه جلوگیری نمایند.

همین جهت بود که بعضی فراء و شهر قدیم لیون را با استثنای دار الحکومه مجبور به مهدم کردن شدند واین اقدام لحفظ برای محافظت و حراست قشون بود بانکه برای حفظ اطباء و پرستاری مجروحین وسربازان بیچاره بود که در میدان جنگ مجروح شده بودند.

قلب من ازامور این اقدامات اجباری وحشتناک بقدم مردم بیگناهی که بواسطه حرکات بربریت آن اشخاص ناروا دچار وارد شده است مجروح وخون آلوداست

(ویلیام)

گذا :

عملیات هوائی آلمانها

مارسیل — مخبر مخصوص مادر داده است که زیادی جلو از مجروحین میدان جنگ وارد شده وبعضی از آنها تفصیلات جالب توجهی از جنگ وحرکات جهازات آسمانی وارویلانهای آلمانی حکایت می نمایند . حکایت یکی از آنها قابل ملاحظه است وچنین بود :

« آلمانها درمدت جنگ هیچ مارا راحت نمی گذارند الدست آنها روز وشب آسوده نبودیم .

« روزها که جنگ داشتیم وهمینکه شب میرسید وهوا تاریک می‌شد بدون فوت وقت اریلان های آلمانی بای طیران بالای سر ما واردوهای ما می‌گذاردند وچنانچه منالزمنا گشف میکردند فوری یک قسم موشك آتش باری از بالای اطاقه که پشت سر خود کشته طولانی جرقه‌های نورانی بالی میماند . وقتی که این رشته جرقه‌های نورانی دیده می شد بایستی فوراً فرارها برخواسته معجلا بفاصلهٔ دور دست برویم زیرا گلوله توپخانه بی تعداد

امپراطور حکم عنایت طیاره‌ی آلمان ۲۹ ۵۶۰ ۶۵۰
انگلیس ۷ ۲۰۰ ۷۰۰
فرانسه ۱۰ ۳۵۰ ۱۳۰۰
روسیه ۱۲ — —
اطریش ۸ ۱۰۰ ۲۴

(۲۲۰۰ هزار اسپور آلمان)

زلن دی فعده —
عده اسرائی که حالا در آلمان هستند باغ بر (۲۲۰ هزار) نفر که بطرق دیگر دولت فرانسه انگلیس وروس وبلژیك گرفته شده :

عبدالکریم خان سرسلسلهٔ که درمکتب حربیه ترکیه اکمال تحصیل کرده ومنصب سرهنگی درقشه دارالسلطنه مأمور است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 981 of 1786

اسم دولت	مربع	صاحب منصب	ژنرال
فرانسه	۸۶۷۲۰	۱۶۸۰	—
روس	۹۶۴۰۰	۱۸۳۰	۱۵
بلژیك	۲۰۲۰۰	۴۴۰	—
انگلیس	۷۳۵۰	۱۶۰	—

(عثمانی وژاپان)

وکیل ۲ دسمبر :

در تاریخ سرزمین مطلع الشمس ودولت عثمانی غالباً پیش ازین چنان یکوقتی نیامده خواهد بود که دراین دولتین درحق یکدیگر کدام خیال معادانه باشد بلکه در وقت جنك روس وژاپان همدردی عثمانی را بدولت ژاپن خواهیم یافت ودرعبارهٔ طرابلس الغرب وبالقان خلق ژاپن خیال عمومی این بود که ژاپن یگانه معاون ومدد کار عثمانی است . ولی پوشیده کهای این جنك عظیم یورپ استواری تعلقات باهمی اینهر دو دولت را تیز دریافت داده وژاپان حق رفاقت پرپطانیا را اظهار نموده خواست که بادولت عثمانی قطع تعلقات سازش نکند . درچنین وقتی که درتمام حصص دولت عثمانی آتش جنك مشتعل است خبرقطع تعلقات ژاپن کدام سال بعمل آمدهانده برای عثمانی درنشویش خواهد افزود . این قدر یك سخن غریب است که آن ملتی که روس درمیدان جنك چنان سخت شکست داده بود حالا بادوست ومدد کار گردیده باچنان دولتی بمخالفت استاده که بالفعل درهیچ وقتی پرخاش نداشت ولی خدامیداند که هنوز سیاسیات چه تعلقات دیگررا ازپردهٔ غیب خود بیرون خواهد برآورد .

کلا : (وبای بم)

ازنتایج مقدمهٔ سازش وبم دهلی چنان معلوم میشود که مرض وبای بم برای عهده مناسب شده ولی خبرها تیکه درخصوص بم اندازی جدید از کلکته رسیده این خیال را باطل ساخت . کیفیت واقعه اذکوره چنانست که در کوچهٔ بلکه دیوی سیرشدنده محکمهٔ تفتیش جرایم بشکل ازراه کلکین بم گذاشته شد ۱۰ کریه دیوی ، مذکور باچند نفر پولیس مذاکره داشت وهنوز نشست برخاست نکرده بودند ، یك پولیس بچهای که ازدور دیوی ، بود تعاقب بم اندازرا کرد مگر او هنوز چندان دور نشده بود که یکدیگر توجوان بشکل بم دیگر گماشید که ازان ازدور مذکور هلاك گشت ودونفر سپاهی دیگرهم مجروح گشته یك بشکل مجروح پشتیه عبور کرده اما اصاله دران دیگر اجرا آن تحقیقات هنوز عمل نیامده ازروی تحقیق معلوم شده که شکل این بم گاهی انداخته شده میتابیست که در دهلی برواپسرای انداخته شده وجود ازین معلوم میشود که اگرچه دستهای بم کنان مختلف ولی فکر آنها یکی ازیکهاشین عمل است .

(ایران وروس)

سپاره ٤ دسمبر :

حضرات علمای اصفهان درمسجد شاهی اجتماع نموده زایرارا وعظ ووصیت کردند که درایام بساخته شدهٔ روس برما قطعیا حرام است ودرهیچ شخصیکه لشکای روسی را استعمال کند از اسلام خارج کرده میشود و حشرش آنرنگجا با مسلمانان خواهد شد . عموم باجران تبریز از برآمدن عسکر روس ممنون ومسرور شد وآنها جمیع تعلقات تجارتی خود ثانیا قطع کرده اند . علمای نجف اشرف وکربلای معلاجمیع مزدوران قبایل ایران را بدیه اعلان نامه های خود شان خوانده اند که امروز چون ما از آرزهای دولتهای اجنبی ازاد شده ایم میباید که در تکمیل قوای خود بکوشیم تامعد ازین بروطن عزیز ما کدام زیان صدمه وتوهین نتواند . واقعهٔ فاجعهٔ تبریز و کلوله باری بر گنبد مشهد مقدس هیچ ازصفحهٔ قلوب ولوحهٔ وجدان ما محو نخواهد شد . وامروز برشما فرض است که اطاعت احکام حکومت خودرا بکنید و برخلاف آن هیچ کاری اجرا نکنید .

(عثمانی وحجاج)

زمیندار ٦ دسمبر :

صورت مکتوبیست که ازطرف صدر حفیظالله شیدائی کهنه مقیم کراچی به خدمت جناب صدر ثوکت علی صاحب نیکرزی انجمن خدام کعبه رسیده است :

بعد الالقاب : — از عنایت الهی امسال زمانهٔ حج قرب الاختتام است بعضی حجاج بوطن خود شان بر مراجعت کرده آمده اند واین خبر بشارت اثررا نیز آورده اند که باوجود جنك آزما بودن خود باربطانیا دولت عثمانی در راه مراجعت حجاج هندی هیچ تکلیف ومزاحمت نکرده وجهاز های برطانوی که قریب بقدرجمله لشکر انداز بودند آنهارا حکام ترکی اجازهٔ داخل شدن بقدروا برای بردن حجاج داده واین چنین نکردند که از روی قواعد جنك جهازهارا گرفتار کنند و یا غنیمت کرده بگیرند وعلاوه دران آنهااز مأمورین جهازهای مذکور درخواست کردند که دوباره آمده حجاج باقیمانده را ببرند . حقیقتاً که این طرز عمل حکام عثمانی شان آن شان و شوکت اسلامی کهسلطان المعظم راثابت است میشود عیناً مطابق خواهش که وابسرای در اعلان ۲ نومبر خود اظهار کرده بود بعمل آمد .

کلا : (توپ بن صدای جرمن)

لندن ۲۵ نومبر :

عکسهٔ اخبارات از زبان یك گواه چشمدید صدمهٔ مقبوضه جنات این بیان را شایع ساخته اند که گواه مذکور توپ جرمن بیشه ودراپامیك متعلق آنجا بیان شده که هیچ واقعهٔ سال نیامده به پیشها مردم ضایع شده اند . گواه مذکور درمیان خود کر یك

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 982 of 1786

توپ‌ها صدای جرمن را میکنند که در وقت رامدن گلوله و وقتیکه گلوله در رفتار خود باشد ازان صدای رامدن مکرر تا وقتیکه گلوله بر محل افتادن خود میرسد انجا صدای ترقیدن خود گلوله بیرون میشود.

(حکمت عمل ایطالی)

پشاور دیلی نیوز :

لندن ٤ دسمبر تقریر های وزراء درمجلس ایطالی

درروما اجلاس « چیمبراوف دیپوتیز » (مجلس وکلا) شده است . که دران وزیراعظم سگنرسلندرا « تصریح حکمت عملی کور تحت ایطالی‌را درتقریرخود کرده گفت که بیطرفی مارالازمست که یک شکل مستعدی بگیرد . وباید که به مضبوطی مسلح شده برای مقابلهٔ هر کار غیر متوقع حاضر باشیم . سیقیکه تاریخ یا آموخته وقابیلیکه امروز مردم ظهور پذیر کنته اندازانها همینقدر برای ما لازمکه ذهن‌نشین خود بسازیم که اگر قوت راستی رونیا آرخودرا انداخته‌نتواند پس‌تها زور وقوت بازو محافظ امن وامان رعایای خودشده‌میتواندوزیر اعظم‌ازین‌امنیت ستدعا کرد که او کور تحت رارای محافظه‌مادموجودخودبه‌خارج اعلا مدد کنند تامفاد مستقبل ملت‌را مدنظر داشته کار روائی مناسب بعمل آورده شود . رای‌بسیاری از وکلای دول آنست که مدعای این تقریر آنست که ایطالیا میخواهد که به بسیار زودی درجنگ داخل شود .

(تسخیر شهر شهور ـ لیج ، واقع بلجیم)

زمیندار ۷ دسمبر :

افسّت جنرال ، لیان ، مدافع قلعهٔ « لیج » یکدستان دلیذر کیرت گلوله‌باری وتسخیر قلعهٔ « لونین » را درا خبار « وامیش زینك » شایع ساخته وبس از انکه حال مفصل قلعهٔ مذکور را بیان کرده چنان تحریر داشته است :

بتاریخ ۷ اکست جرمنی‌ها برقلعهٔ شهر قبضه کرده بودندولی چون خط استحکامات داخل موجود نبود از آن سبب جرمنها در حلقه کردن از طلب رقلعه هائیکه بطرف کنارهٔ راست دریای « میوز » بد برای خود سهولت حس کردند ودر آوقت گلوله باری ازطرف قلعه‌های دست‌چپ دریای « میوز » تمکن نمیشود .

قلعهٔ « لونین » جانب شمال‌مغرب « لیج » دران‌سرحدزور کیکه راست به « رمار » میرود کان است . این‌قلعه از طرز تعمیرات اخیره وجدیدهٔ اینعصر بود . روز ۱۱ اکست توپهای‌بیج ونه سانتی مزودهانهٔ دران گلوله‌باری شروع شد در ۱۲ و۱۳ اکست توپهای بی ویك سانتی‌متر ودهانهٔ مذکوره باری اشتراك ورزیدند وبه ۱٤ اکست به‌آن توپها گلوله باری کرده شد که کتها قلعه‌ها را بکلی تباه وبرباد ساخته باخاك یکسان ساختند .

جنرال « لیان » این گلوله باری را بر چار قسم تقسیم نموده است اول‌گلوله باری که به ساعت چهار وچهروز شروع شد . چون یك‌افسر جرمن برق اشاره نمود که ازقلعه‌ها بسلاح توپ‌های قلعه شکن مدهش ٤۲ سانتی مزولی که یك‌تن گلوله وزن را میدارد گلوله باری میکنند وگلوله های مذکور باقدر تمدن فوق‌العادهٔ می‌ترکند که مدار آن دیده وشنیده نشده دراندا آواز آمدن این گلوله‌ها حس میکردیم وبعد از چهار گلوله یکدفعه برولوله را میشنیدیم وبس ازان یکصدای دهشت انهای عاصفه ثانی بگوشها رسیدن گرفت . وگویا یك آواز بسیار بلند وصوتی نامهای دورتان اندازخوف ودهشت کردیدوزمین را ازلرزه وبك ابر کثیف غلظ ودودمنظر جلوه گرمیساخت .

در دوران این گلوله باری هوانسك من دو باره دراجعت کردن گونه‌اضطراب دلم عارض گردیده روانه شده ویکچندروزه بوده کاپتان یکدانسك‌هوا بر سوق آمد ومرا برزمین‌انداخت اگرچه من زخمدار شدن کوشیدم مگرطوفان یکدود کلو کیرنی که هرچیزرا اشتعال کرده بود مرا بازان انداخته خودرا کام ساخت . این یك مجموعهٔ حرکت بود و کیس وقایع‌دهشت شده واثر آنچنانکه در کلیان جدهای سیاهی در کرفته بود بود .

دوصد مترورف وتوپخانهٔ جرمنی را حکم آتش فشانی داد . این گلوله باری مسلسل تاچهارساعت دوام ورزید وتوپچی‌ها بسیار محت رهدف گلوله‌را می‌انداختند . صدازکرج چهارساعت باتوپهای ۳۱ سانتی متر ودهانهٔ بازتجدیدهجوم کردهشد . جرمنهای تعاقب بچرپکوفهٔ دهدقیقهٔ رقلعه‌ها گلوله « شیل » پرم راهی‌افکندند کازان خسران شدید واقع‌شد وقسم عمدهٔ پیشروی رجهایکلی متهدم کشت وفصیل قلعه نیز افتاده بود دروازهٔ آهنی درچهای قلعه شکسته واز اصابت این خسران یك سیخی دیکری‌محسوس شد که جمیع دهنده های خارجی ازدور شیل پرشدند ودود های زهرناك در کوتها رفت وآمد را محال وبه اشکال آورده بود . این دود جنرال را باشکر محفظ قلعه بررفتی‌باخروسوق ساخته یا کدام‌مقام مستحکم دیکر مجبور ساخته بود مکروالیفا ! کاین دود کلو کیر پیش ازانکه اینها باخا تمیل مکان کنند رسیدهاثر کلی روانی عسکر حافظ قلعه را قوی ضعیف ساخت .

قسم‌سوم گلوله‌باری صبح ۱۵ اکست انداخته که نهایت شدت قیم تادوچهه‌دوام ورزیده باعث خسران کثیر شد کوتهٔ القران کوشکه که دران من‌حیث خود موجود بودم گلوله‌ها بسیار متضرر کشت کازان آن‌کار عارمتزازل کرده یك گلوله شیل‌در رو دندان کوته اصابت نمود که ازان خانه را یکدوده کثیف کلو کیری اشتعال نمود و کاه رسانیدن هوا وانسباب روشنی برق سراسر تباه شد و اینوقت عسکر قلعه را بدر دادن چراغ تیل احتیاج افتاده‌پس‌ازین کیفیت‌قسم‌چهارم گلوله‌باری‌را کازان جمیع قلعه‌ها مسخر شدند جنرال لیان انچنین بیان کرده است :

به ساعت دو بجهان شدت که در خیال هیچ فردی نی آمد گلوله باری آغاز شد در ابتدا ما کان کردیم که توپخانهٔ جرمن تقلیل میزند مکر بعد ازان ما معلوم کشت که جرمنها زمره به توپهای قلعه شکن مدهش ٤۲ سانتی مزولی که یك‌تن گلوله وزن را میاندازد گلوله باری میکنند وگلوله های مذکور باقدر تمدن فوق‌العادهٔ می‌ترکند که مدار آن دیده وشنیده نشده دراندا آواز آمدن این گلوله‌ها را حس میکردیم وبعد از چهار گلوله یکدفعه برولوله را میشنیدیم وبس ازان یکصدای دهشت انهای عاصفه ثانی بگوشها رسیدن گرفت . وگویا یك آواز بسیار بلند وصوتی نامهای دورتان اندازخوف ودهشت کردیدوزمین را ازلرزه وبك ابر کثیف غلظ ودودمنظر جلوه گرمیساخت .

در دوران این گلوله باری هوانسك من دو باره دراجعت کردن گونه‌اضطراب دلم عارض گردیده روانه شده ویکچندروزه بوده کاپتان یکدانسك‌هوا بر سوق آمد ومرا برزمین‌انداخت اگرچه من زخمدار شدن کوشیدم مگرطوفان یکدود کلو کیرنی که هرچیزرا اشتعال کرده بود مرا بازان انداخته خودرا کام ساخت . این یك مجموعهٔ حرکت بود و کیس وقایع‌دهشت شده واثر آنچنانکه در کلیان جدهای سیاهی در کرفته بود بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 983 of 1786

با گریه مایطب جایکه داده شدیم ولی برای مانعی نبودن خیلی دشوار وصعب گردیده بود وقتیکه ، عدهٔ امدادی ، درنجه رابلز گرد که دود بیرون رودمن کوشش محوط ماذن عسکر قلعه را کردیم وردمدمه های جنفهای قلعه برآمدیم مکرونا گهیدیم که قلعه بکلی منهدم گردیده که ازان از جنفق کارجهای قلعه سراسر هموار شده واز یکسر تادیگر سر یك پودهٔ خاك تشکیل یافته ، بسیار خوف زدومدهوش گشتم ، درین اثناوبدم کهبسیار سپاهی هاه حالت بسیار پریشانی یکطرف ودیگر طرف میدوند ، من گمارا بازیکی پنداشته تواز هربدادم ولی همین وقت بهوش شدم ،

وقتیکه بهوش آمدم درزیر خود یك کیطان جرمنی را دیدم که مرا کیلاس آب داد ، ساعت شش وبیم شام بود که مرا درخسته خانه اداخته جابیج کردند ، من دریوقت اسیر شده بودم ولی هنوز سلاح را تسلیم نکرده بودم وبعد ازین بمن معلوم گشت که وقت ساعت چار و ۲۰ دقیقه قلعه بکلی سوخته ومنهدم گردیده است واین در آوقت که من بهوش شده بودم بعمل آمده بود وجهت خبر کیر جرمن برای محافظت نمودن سپاهیان ما آمده بودند ،

بازیکر افسران خود معاونه ، مید کوارتر ، صدرمقام جرمن آورده شدم ، وسرعسکر جرمن درعوض ابراز پاداری شمشیرم را دو باره بمن داد که تاحال درزده در قلعهٔ ، میکدی برگ ، موجود است که از انجا به ۲۳ اکست به ، کو لون ، فرستاده شده ام ،

(آخرین)

فتح لودز

یکم دسمبر ازامستردام :

شهر ، لودز ، را که یکی ازشهر های مشهور ولیند روس بود ازطرف جرمنها گرفته شد ، محاربه های بسیار خونریزی ازچند روز جاری بود ، خط مدافعهٔ روس پیلیا مسافه را به بسیار استحکام وقوت را درکرفته بود ، جرمنها بعداز کارزار های زیادی بیك حمله بسیار شدیدهٔ خونریزانه خط مدافعه را از قلیکه شکستاندند وخط رجعت بجبره روس را درتهاکه انداختند ، درعین زمان میمنهٔشان ازطرف جنوب تشبث میبافت کهاینصورت عساکر روس بالله اجزام کلی دوچار آمده به بسیار بی ترتیبی شکست فاحش یافتند ، وعلاوه تصب حرامدهطوپ و۵۱ هزار اسیر وعلاوه کلی جباخانه وارزاق واشیا واسباب بشهر لودز ، وبس غراوقضیات بدست جرمنها افتاد ، ایضاً عروسپار اخیلی پریشان وبرهم ودرهم توده است ،

خط حرکت عثمانی

۲۸ نومبر از بغداد :

دولت علیه عثمانیه پیش ازانکه اعلان حرب کند دریابیتدر کلعطای خود چنان اهدیته کرده بود که چون اکثر بندرگاهها خود مدافعهٔ کامله ندارد خط حرب خودرا دوراز دوکاه طوپهای

کشتی جنگی دشمن تشکیل میدهد ، یعنی دشمن میتواند که شهرها وبندر های سواحل را درزیر طوپ بگیرد ولی همین که بخشکه قدمنهد بقوای قایه دچار ازنهاد شان برمیآرد ، چنانچه دربصره برین تصور خود بخوبی کامیابی آمده دشمن یك خطوه ازساحل به آنسو نتوانست است بگذرد ،

عثمانی ومصر

کیفا :

معلوم است که دولت برتانیا مصررا برای یك میعاد معین بارضاً ازدولت عثمانیه گرفته بود ، وحق سیادت عثمانی بران قایم بود اما چندبار که وعدهٔ خالی کردن آن دورسید خالی نکردند ، ازهمه پدتر که دروقت اعلان حرب برتانیابجرمن مصررابیطرف نگذاشته بجنك داخل ساخت که این مسئله بیطرق عثمانی را که دراول جنك اعلان کرده بود خلل رسانید ، لهذا عثمانی ازین فرصت بهتر وقتی رابش میسر نمیشد که مصر خودرا ازبرتانیا بازستاند این است که بحرب آغازنمود ، همه عربهای مصروسودان باعثمانی متفق اند ،

تقریر وخلاف دولت برتانیا

۳ دسمبر ازامستردام

داکتر لمان که یکی ازمشاهیر است یك تقریر بسیار مفصل بیان کرده گفته است که ازهرجهت ذمه داران چنانگفته است زیرانگلستان بامنواقعات به بسیارخوبی باخبرودوبانکمیکویند دولت جرمن بیطرق بلژیك را خلل رسانیده صرف غلط و چمانست ، بیطرق بلژیك را پیش ازده سال فرانسی وانگلیز سبب خفیه که درباب هجوم برجرمن کشیده بودند پیدا ساخته بودند ، جرمن درهیچ بابیه بلژیك ازوضعه اطمینان وکوان قصور نبودولی بکاه عهد ومثوق بلژیك برحرب انگلیز بود ،

(مترجم عبدالرحمن)

پیمه اخبار ۱۹ دسمبر :

(کلوله باری جهازهای جنگی جرمن برساحل انگلستان)

لندن ۱۹ دسمبر :

قصکهٔ جنك مظهر است که قوماندان قلعهٔ مقرب قصهٔ ، هارت پول ، رپورت میکند که جهازهای جنگی جرمن درین ساعت ۸ و ۹ صبح بالقعهٔ عساکر کرم بیکارشدند دشمن پیدا کرده شد وبالجمله خورد جرمن بر ، سکاربرو ، دو توپی ، نیز کلوله باری کرد ،

وقت ۸ بجهٔ صبح بر ، سکاربرو ، آتشفشانی شروع شد ودریوقت ده کشتی نیز سطح بحررا اشغال نموده بود مردم بکمال اضطراب از خانها برآمدند وسعی از ایشان بر قطار سوار شده به ، مل ، روانه شدند چنانچه ایشان بیان میکنند که از کلوله باری مدهش جهاز دشمن قصبان کثیر وارد امده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 984 of 1786

یك ماکزیمست ربلی میکوید که گلوله‌ها به بسیار کثرت در اطراف ما افتاده بودند . چنان معلوم کشته که یك جهار جنگی جرمن قریب قلعه « کلف » لنگر انداز بود سلف کلیسای « سان مارتین » از اصابت گلوله‌ها سوراخ شده ودر یك کلیسای دیکر نزدیکهٔ زرکی کشاده شده‌است . چند اطفال وزنان در لباس‌های خواب کشان سراسیمکی بهر سو میدویدند . از ضرب گلوله‌ها بسی سقوف خانه‌ها افتاده وقریب پنجاه کلوله فرو شده بودند .

ازخبر « هارت پول » چنان معلوم میشود که بحیره کلوله باری سه جهاز جرمن چار کشتیهای نیه کی انکلیزی بطلبهٔ شان برآمدند وآنهارا بامود مشغول پیکار ساختند .

« رویتر » که از « روبکار » آمده مظهر است که ازدور صورت سه جهاز بنظر میخورده درحشتدکی درکرفتن توپها ازعرصهٔ کار زارتقرن معلوم میشد وازصورت کلوله باری چنان منکشف شد که جهازات رقیبه های « نیاز » هجوم برده اند صدای کلوله باری باکذرج فعلی شده میرفت درهردو دقیقه یکدرجن شمهٔ آتش کرفتن توپها بنظر میخورد ودر « روبکار » اضطراب عمومی پیدا شد .

درین ساعت ۹ و ۱۰ صبح دوکرو وازدور جرمن یك کلوله باری بسیار شدیدی ازمسافه ۳ میل رفصیهٔ « وبی » کردند که ازان چند نفر متضرر کشته ویك نفر هلاك وبعضی عمارات نیز مهدوم ویکقسم عمارت تاریخی « این » بکلی نباه شد . کروه ازورهای مذکور کلوله باری کرده جانب شمال متوقف نایب کشته

انکراف « هارت پول » خبرمیدهد که درعدا از کلوله باری بسیار نقصان شدید رسید یك کلوله ازقرن « کیس » اصابت نموده که ازان کیس شمله زن کشته است عدد کرو وازورهای جرمن مابین دووقتی تخمین شده که تا ۲۵ دقیقه نمایان بودند رویت هلاك شدن « نفر کرده میشود .

« سکاربارو » نام یك شخصیکه کیفیت کلوله باری راه چشم خود دیده بیان میکند که درجوك متصل ایستکاه ریلی عمارات متعدد افتادند طاهر آدشمن راشامپون انکراف پیم نیز عسکر فوج وتوپخانه حربی آماده وسپاهیان پیاده در خندقها بودند باوجود آن من اندازهٔ صحیح نقصان جان را نمیتوانم ولی دونفر زخمی دیدم که بر جارپائی ها برداشته میبردند .

عکسهٔ اخیرا زات از جنك مظهریست که چند کرو وازور جرمن که برساحل بلژیکنار « مطاهره کردند ودران این مظاهره بمهارت بولو « وبی » دوسکار روه کلوله باری کردند برای مظاهره وکلوله باری « جهازهای « بحرین جرمنی مامور کرده شده بودند وتاپکنامت برساحل دوام ورزیدند وبحریکه جهازهای کرمهٔ انکلیزی را بوجود این کرو وازورها جرآمد دفعهٔ بسوی آنها حرکت کردندولی جهازهای جرمنی بکمالسرعت دردمهٔ کثیف فرورفته غایب کشتند . عکسهٔ بحریان مطالعهٔ بحری میباهیت حربی را داده است .

امشب معلومشد که از کلوله باری تقصان بسیار رسیده وخصوص « سکاربارو » متحمل تلفات کثیر کردیده است . دربعضی کله های « سکاربارو » و « وبی » بعضی منکی هلاك وزاید ازصدنفر مجروح کشته . خبرمیرسد ظاهر میکند که دهان ولده ۷ نفر مقتول و ۱۴ مجروح و ۲۲ شهری مقتول و ۵۰ مجروح کشته‌اند . [باقی جز جزیت] .

میارند (از جرمنها در چین)

در پکن « پایتخت چین » جرمنها برای اشاعت دادن اقوله غلط بر خلاف رعایه بسیار کوشش کرده‌اند چنانچه این مساعی شان مشهر نیز کردیده اند . ویکدانه کاغذ شان آنست که مدیر انکلیز اخبار « پکن کزیت » مستر جارج ووبعید بجرم خائنت جرمنها از عهده‌اش عزل کرده شده‌است . وحالا میخواهند که مدیر اخبار « پکن دیلی نیوز » که (زبان چینی طبع میشود) را نیز بر طرف کرده‌اند زیرا اوهم بر خلاف جرمنها وکاشید انکلیسها مقاله‌ها میدهد .

کی (کاپیر جنك بر اسپراطور جرمن)

مسئله ویلیوام مك دورت « از کون همین اقرار ذیل اطلاع میدهد که « در آغاز حرب کاهای امپراطور شنیا بکفته « آنهور اثنای مراجعت از میدان رزمکاه مشرقی « برلین » آمده بود ودر اقامتکاه ملکی خود توقف نورزیده بلکه دریك محل خورد قیام نمود در اساس پرسانت « عظمی ای شاهانه بند شده و دروازهٔ آن پیره بزحمتین بست ریههای عمارت شاهی کرماوو سرنکون وظریفه‌ها اخلاع جاروبند وجهرهای وضعیت سپاهیانه استلا نموده موهایش سفید سپاهش را یاس از دست بری کرفته است . از استقبال بسیار پرجوش وخروشیکه در حال ازطرف اهالی براین بقریب کشریف آوردن اجرا شده چنان معلوم میشود که امپراطور کاهناك دربرلین خود بس مصوب القلوب است . درینوقتها جریده یك پاداری درمیدان رزمکاه همپاهیان خود این پیغام را فرستاده است ازطرف من بآن همراهان پادرمن که براخلاج جنك داد مردانکی وشجاعت داده اند سلام برسانید وبه ایشان بکوئید که به ذات خداوندی تو کل کنید که اولتمال به بسیار زودی شمارا مظفر ومنصور خواهد ساخت ! . . .

در چاپ خانهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع کردید

جمه مقالجاتیکه مستخطداره ازطرف مدیرومدیر محرر نکاشته

خود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 985 of 1786

اعلا

سیاحت پدورا دور کرهٔ زمین

چندین فایده ها و شیرینیها دارد از نقطه نظر محسوس
که آن سیاحت باقی بزرگی دوست

به هشتاد روز

اجرا نموده آنرا کتابخانه این سیاحت
حائز افتخار عرضه برای خریداری کتاب

(سیاحت پدورا دور کره زمین)

پیشتاد روز

چندین دوره کامل بانتظار کسی را صرف نمانده این سیاحت
را کوتاه (طیاره خوش) سیاحت طیاره بکجا اجرا کرده خواهد
بود ! اهل خریداری این کتابخانه (ملا غلام محمد) نامرا کتب
متعلق مدرسه شاهی میباشد . و در نقاط مقابله آن که در دهانه
است از آنرو عبدالرزاق سرمترجم نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژولیون) فرانسوی است که در نوشتن
کتابهای علمی مشهور آفاقست . از فرانسوی بترکی و از ترکی بفارسی
ترجمه شده است . کتاب مذکور نه تنها کاملی بلکه در کتابخانه جغرافیا
و جغرافیای دنیا نیز بطرز افسانه نظیر ندارد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شیرازه زیر لحاظ مستقیم
دولت علیه افغانستان جناب یاران (معین السلطنه دار عنایت افغان)
است بزودی طبع آراسته خواهد شد . این کتاب تا ابد از دوچشم آرزو
و فرصت را فنون مکنید که نسخه‌های آن زود تمام خواهد شد
و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

این جزوه کتاب در دکان بازار ارک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی بقیمت فی نسخه
روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نقاط مقابله عنایت واقع دهانه‌گان از آنرو عبدالرزاق سرمترجم مطبعهٔ موصوفه بخریداری میشود

اعلان

جوستاران مطالعه آثار ادبیه را مژده میدهیم . و ترغیب
مینمایم که از این گنجینهٔ پر از جواهر آبدار . و از این گلزار پر
از هزار نکهت نسخهٔ دست آورده از هر دهن سخنی ! توشه . و از
هر چمن سمنی چیده .

در مطبعهٔ عنایت بزودی طبع آراسته گردد . قیمت ۲ روپیه

اعلان

یک اثر ادبی بسیار عجیب و غریبست که در مطبعهٔ عنایت بزودی
طبع آراسته شده و سومین کتاب (کشفیات) مطبعهٔ عنایت) در
تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژولیون) فرانسویست که در فن
اول نویسنده‌گی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی عالی ترجمه شده
ست قیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 986 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

بار توری میکنیم

هرگاه بین و گوش کردیم که از شکایت ورسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود داری نکنی لطف نموده تا کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل یک حواله نموده تا کتابه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهده مشترکین کرام ما رسانده در عهدهٔ حیث خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنه خود را تعلیم وبار توری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فرداً واسطهٔ آدمیهای تا کتابه خود شان میرسد.

اعلان

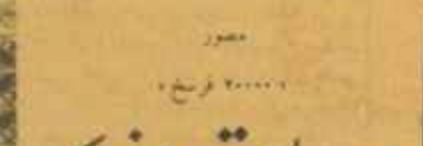

(از آثار مطبوعهٔ جدیده مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاق، دینی، ادبی، یک اثریست کلان احادیث شریفه وفقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یک گنجینهٔ جواهری میباشد ودر بروزها زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است در مکتبی مطبعهٔ عنایت از زده عبدالرؤف خان سرمرتب ودر بازار ارک از دکان باز محمد کتاب فروش واز دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت دوروپیه کابلی هر کس خریده میتواند.

اعلان

مصور

۲۰۰۰۰ فرسخ

سیاحت در زیر بحر

در نتیجهٔ دو گز در زیر بحر فرد رفتن موجب هلاکت شود آیا بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد؟ هرگاه در این باب شبهه دارید در خصوص بهست گردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت در زیر بحر) سیال الفکری شاگرد مکتب و چهار روپیهٔ کابلی از دهه افغان از مطبعهٔ عنایت، بازار ارک باز محمد بازار ارک، بازار دکان ملا غلام محمد متصل مدرسهٔ شاهی زودی خریداری کنید. وخوش بخوانید. وتفصیل بر آرا بدقت تماشا کنید تا زود تا فوراً ملاحظه کنید که سیاحت در زیر دریاهای شور چسان ممکن. باهر ممکن است!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 987 of 1786

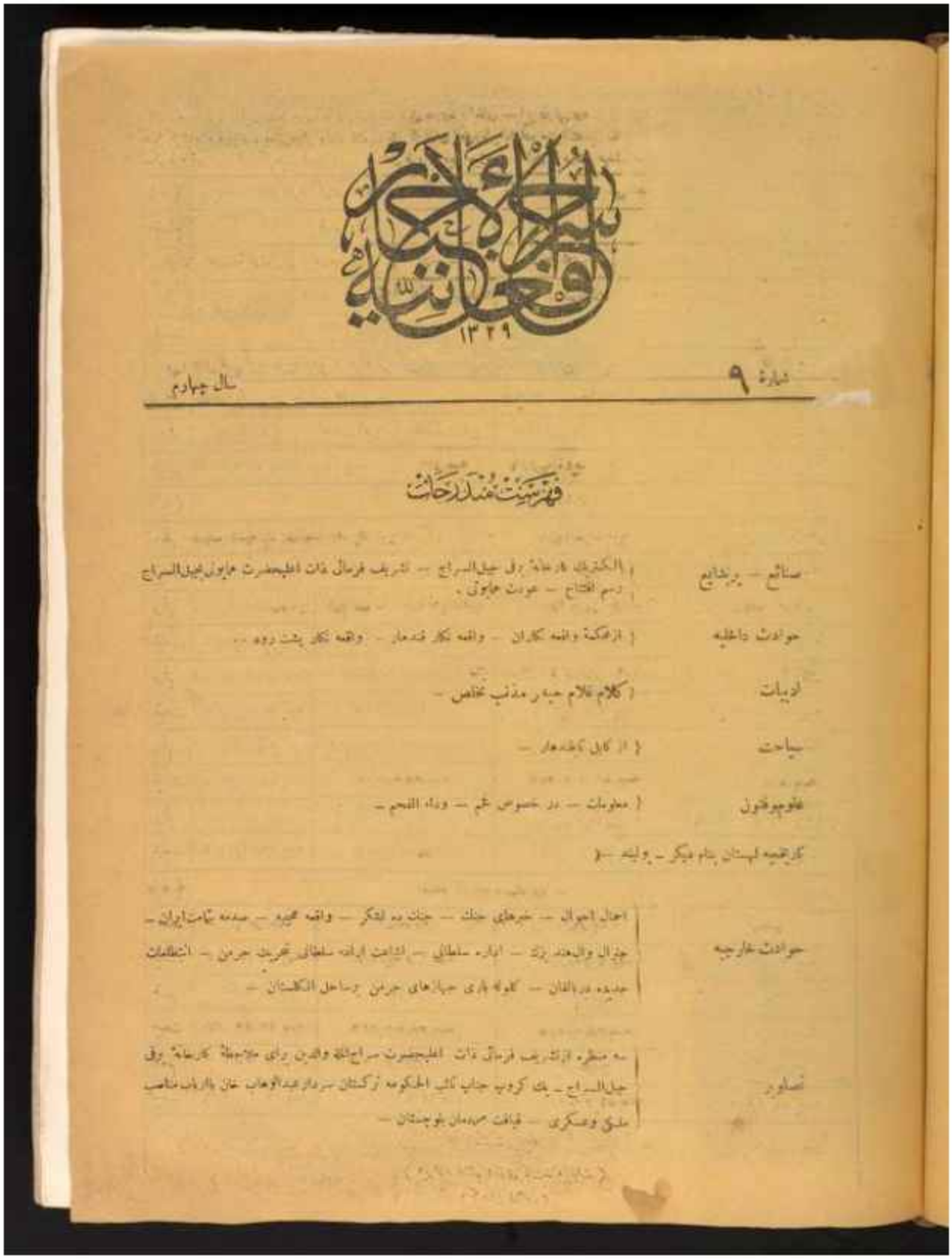

سال چهارم نمرهٔ ۹

فهرست مندرجات

صنائع — برضایع | الکتریک کارخانهٔ برق جبل‌السراج — تشریف فرمائی ذات اعلیحضرت همایون‌جبل‌السراج درسم افتتاح — عودت همایونی .

حوادث داخله | ازفکنهٔ واقعه کاران — واقعه نکار قندهار — واقعه نکار پشت رود —

ادبیات | کلام غلام حیدر مذنب تخلص —

سیاحت | از کابل تاقندهار —

علوم‌وفنون | معلومات — در خصوص شم — وناء القحم —

کارخانجه لهستان بنام دیکر — ولیله —

حوادث خارجه | احوال اجوال — خبرهای جنك — جنات ده لنکر — واقعه هیبو — صدمه بتمامت ایران — جزائر والیعند برك — ایراد سلطانی — اشاعت ایراده سلطانی تخریب جرمن — انتظامات جدیده در الغان — کلوله باری جهازهای جرمن برساحل انگلستان —

تصاویر | سه منظره ازتشریف فرمائی ذات اعلیحضرت سراج‌الملة والدین برای ملاحظهٔ کارخانهٔ برق جبل‌السراج — یك گروپ جناب نائب الحکومه ترکستان سردار عبدالوهاب خان باارباب مناصب ملکی وعسکری — قیافت مردمان بلوچستان —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 988 of 1786

از صانع پروردگار ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه تونجلواه دولت علیه افغانیه وبمی وهمت جناب جنرال کارخانه جات و ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه براجناس جواهر دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه وتوپخانه های صحرا گرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان مبارکهٔ در بازار ارک) میباشد .

(۱) سرچ های پشمینه بافی رنگهای مختلف القیمت آن الی قرار گرانکاری ۳ قوته مشخص شده در سنه وقصاحهٔ جنسی هر طرز توپیده

اقسام	قسم اول			قسم دوم			
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم	درجهٔ سوم خانه‌داری کلفت کرده ۱۰ پیسه
رقم	نامشناخته شده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت	۷ روپیه ۰ پیسه	۹ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۴ روپیه ۵۵ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۰ روپیه ۱۵ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم الی قرار گرانکاری کشمیره پهلوشاه ۷ روپیه ۳۵ پیسه ، کشمیره رهنمار هرطرف ۱۷ روپیه بیست پیسه

(۲) چراب ها

رقم	نکمانیکه زوج	راهنمار زوج	معمول زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳) نکنه‌های چرمی محراب ومنبردر

کلان قدرچن	میانه قدرچن	خورد قدرچن
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۰۵ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زیاف تاشه دوکرسی دو باف پاک اسپه دو کره سه کره	چرم باف پاک اسپه	پاک اسپهٔ سه کرهٔ نکی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاه پاک اسپه	چرم باف دسته دولاه یک سه اسپه	چرم باف عرکیان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	دسته دراعی کلیت نقره دوکاه	قبضه کلیت نقره از چرم دسته دولاه نوکاه	زه باف دو کرهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ارزانی	چرم باف میانه چوبه پت زناه	ارزانی سواری نیخ چرمی	زناه ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته دولاه سادهٔ برچرم	دستهٔ دولاه سادهٔ رکابی کلیت نقره	ارزانی سواری دولاه نیخ چرمی کمیاب دار	چرم باف نازین پت پاک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نگرزان	گل زرینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۹ روپیه و ۹ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۹ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندنی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

المشتهر

(میر محمد عالم دفتری کارخانه جات)

(کپتان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 989 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۹)

قیمت تن سالیانه

عزوار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مراسلات دالک ۱۱ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مراسلات دالک ۱۰ روپیه انگلیزی
چهارده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکشاهی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و مسئول محرر
محمود طرزی

ادارهٔ اخبار و مطبعه
در ملتحقات دار السلطنهٔ (کابل)
نمرهٔ امورات تحریریه بادارهٔ مذکوره
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ صفر سنه ۱۳۳۳ تاریخ انگلیزی ۲ جنوری تاریخ شمسی ۱۱ جدی ۱۲۹۳

﴿ صنایع پر صنایع ﴾

الکتریک = کار خانه برقی حاذ الزاج — امریکه‌ئی ذات الطیفحضرت حاوی لحل الزاج — برد الثلج — نوت مؤلف

یکی از مخلوقات عجایب آیات ذات اقدس خلاق کائنات جل جلاله قوت خارقه ئمای « الکتریک » است که آنرا به اصطلاح ملت عزیزما « قوت برقی » میگویند . الکتریک یکنوعهٔ سیال فعالیتست که ماهیت حقیقی آن را عقل ودهن بشر هنوز کاملا هو ادراک نتوانسته است . بلی ! بسیارها چیزهای خارقه ئمای در ارض وسما ، وبعوالم سفلا وعلیا موجوداست که عقل قاصر بشر از ماهیت حقیقی آن بی ، بلکه از موجود بودن آن نیز هنوز خبرندارد . مادهٔ پرستانی که تماعقل واستدلال را پیروی کرده ، ودرهر چیزی ماده را فعال مطلق شناخته ، واز اکثر فعال نمایدی مالک الملکوت عظیم الشان چشم پوشی کرده‌اند — اگرچه باستدلالات عقلیهٔ خود شان تابکدرجه برحقایق اعراض اشیاء آگاه نموده توانسته اند — ولی هیهات که آنهمه استدلالات انها در عوارض پارچکی مانده بکنه ماهیت حقیقی آن یکقدم الرقدم رسوخ نتوانسته است .

این است که الکتریک نیز چنان یک سیالهٔ عجایب اساله‌ایست که از تأثیرات خارق العادهٔ آن بسی چیزهای محیرالعقول پیدار گشته ومیگردد ، وبعالم مدنیت استفادههای غریب وعجیبی ازان نموده ومینماید ، ولی باز هم ماهیت حقیقی آن هنوزسر بمهر مانده ، ومانند ماهیت حقیقی « ضیاء » و « حرارت » وغیرهمین را به بسی فرضیات واستدلالات در انداخته است . مثلا یک پارچه کهربا ، یک پارچه لاک ، یک پارچه بلور وغیره راچون بر پشم قاش پشمی یا اطلس ویا برپارچهای کاغذ وخاشاک زدیک کنیم میبینیم که آن پارچههای خس وخاشاک یا پارچه های کاغذ بسرعت وشدت تمام بآن لاک پاره یا کهربا یا بلور می چسپد . یا آهن پارهٔ نعل مانندی که آنرا « آهن ربا » میگوئیم چون سوزن یا پارچه های آهن آرد یک سازیم می بینیم که یک قوت مخفیهٔ آن سوزن یا پارچه آهن به آن آهن ربا میچسپد . آیا آن اجسام دست وپنجه پیدا کرده که آن چیزها را در ربود ؟ آیا کهربا و آهن ربا حرص شده که بفشار خود آن چیزها را پارچید ؟ نی ، نی ! این همان قوت سیال جواب فعالیست که آنرا قوهٔ الکتریکیه ، یا برقیه ، یامقناطیسیه میخوانند .

این قوت نه رنگ دارد ، نه جرم دارد ، نه چگالی دارد ، نه وزن دارد که به آن چیزها دیده شود ، یا شناخته شود یا بدست گرفته شود . حالانکه این قوت در همه اجسام طبیعیه صلب ومایع ، وغاز موجود است . وتأثیرات خارقه ئمای آن واسطه‌های دقت وتفاس وحرارت ومعاملات کیمیویه بحرکت آمده ظاهر وهویدا میگردد که بلزوم سبب اصلی ایشانرا هیچ کس نمیداند که آیا اینواسطهها چه صورت موجب تحریک الکتریک میشود وخود آن قوت بخود موجودیه چیزاست ؟

ششصد سال پیش از میلاد عیسی علیه السلام هیچ‌کسی ازین قوهٔ بدیعهٔ الکتریکیه بما کنان کرهٔ زمین معلوم نبود اول بار کسیکه باین قوت پی برد « ارسطاطالیس » نام حکیم یونانی بود که از علای سنهٔ حکمای یونان شمرده میشد ، وقبل از میلاد عیسی علیه السلام به ۳۴۰ سال در « فلیک » تولد یافته بود . ویش از میلاد به ۵۴۸ سال وفات یافته است . حکیم مشارالیه بالتجاربه کهربا پی داشت که بگردش برای پاک کردن آنرا از یک لکهٔ که بران حاصل شده بود « بلاس پارتیشی » که در پرداخت عاشق داده بزمین گذاشت . بعد که بعضی خس وخاشاک سوی آن کهربا دوخته بآن چسپیدن گرفت . ازین حالت حیرت وی ازدیاد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 990 of 1786

بازنجربه کرد ، خواص جدیده را درکهربا بخلق رسانید ، ولی این تحقیقات حکیم مشارالیه همینقدر نتیجه بخشید که خواص جذب شدن ، که ، درهرسنگ معدنی که آنرا کهربا میگوئیم موجود است ، ودیگر استفاده‌و کنیج وکاوی درانباب بعمل نیامد وجنسیهٔ « الکتریك » هم از مخوف است ، زیرا بعد از آنکه خواص ربودن ، که ، درجسم معدنی مذکور کشف گردید ، یونانیها نام آن معدن را « الکترون » نهادند که عیناً معنی « که ، و ، ربودن ، را درمیکرد رفته‌رفته لفظ « الکترون » درافواه السنهٔ یه الکتریك تبدیل وافتاد که همین لفظ « الکتریك » ازطرف هرکس قبول شده زبانزد زبان فی همه جهان گردیده است .

درسنهٔ ۱۵۶۵ میلادی « ژیلبرت » نامحکیم انگلیزی که داکتر ملکهٔ مشهورهٔ انگلستان « الیزابت » بود ، ودرتبحرات فن « حکمت طبیعیه » فرید عصر خودبود درسیاری ازمواد معدنیه ونباتیه‌مانند کوکرد ، لاك ، رجنه ، بورو، وغیرهمچو هلی خواص جذبیهٔ را که درکهربا موجود است کشف نمود ، اماول کسیکه بالکتریك عملیات اجرا ودرروی هوا نیز خواص الکتریك را کشف وپیدا نموده است « فرانکلن » نام حکیم امریکائی بوده است که باین کشف خود باختراع « سیرصاعقه » کامیاب آمده یك خدمت بزرگ درراه انسانیت نموده است .

رفته رفته ارباب عزوری درخصوص این قوهٔ غریبه الکتریك تجربه ها ، وتطبیقات گوناگونی اجرانموده ، وشب وروز درراه استفاده ازاین وکشفیات اقسام آن ازکوشش وتفتیش بازنایستاده که دراینجا ازاقسام گوناگون ، وکیفیتهای چوقلمون آن بحث وبیان نمودن لزوم ندارد ، بلکه تنها ازبعض آثار بسیار نافع وسودمند آن که درباب مدنیت پیدان ظهورآمده است ، والسنهٔ ازان استفاده های عظیمی کرده اند بیان مینمائیم اول ـ یك اثربسیار نافع آن (تلگراف) است که فایدهٔ آن برکسی پوشیده نیست ، وخبر های غرب وشرق تمام کرهٔ زمین را ازیکسر تاسرنیکر سر میرساند .

دومهٔ باقی مدنیت فایده های عظیمی ازان برمیخیزد ، دوم ـ تلفون) است حسنه چنانچه تلگراف آنکه رسانیدن اخبار عبارت میباشد ، تلفون آنکه عبارهٔ صوت و صدا است که بواسطهٔ الکتریك عیناً آواز انسانرا تاجای بسیار دور بگوش شنونده میرساند ، چهارم ـ « تلگراف زیربحر » است که بواسطهٔ الکتریك خبرهارا اززیر بحر تحت دامنه ساکنان روی زمین میرساند ، پنجم ـ « تلگراف بی‌سیم » که بواسطهٔ الکتریك بدون سیم بذریعهٔ اهتزازات ذرات اثیریه خبر رسانی میکند وازمهمترین وجدید ترین خوارق الکتریك میباشد ، ششم ـ « زنگ الکتریکی » است که درعمارتهای خصوصی وعمومی خدمت خبردادن را بجامی آرد .

اینها که ذکرشد خدمتهائیست که درراه خبررسانی عالم انسانیت الکتریك بجا میآرد ، حالا ببینیم که درراه طبابت

وچراغی از الکتریك بچه‌شیوه ها گرفته میشود : ـ اولا اینرا بگوئیم که جریان الکتریکی برای بیماریهای ازپارچاص الخصوص برای امراض واوجاع عصبیه فایده می بخشد که بسیار ها وآلات متعددهٔ درانباب ساخته شده ، و در طبابت استعمال میشود ، وبرای دفع کردن وغیره نیز بعضی آلات طبیهٔ الکتریکیه اختراع شده است که عالم طبابت برای حیات بشر خدمتهای قیمی بآنها ابرازمیکند عین‌الخبر میشاید روشنی وجنان یکه ازمرفوالعادهٔ الکتریك است که عالم طبابت را یك نعمتهٔ نوراریت جدیدی بخشیده است ، این آنها عبارتنا غیرازعالم طبابت درکشف حقایق بسیاراشیاییز خصمان بدیهٔ الکتریك را هویدا میسازد ، مقصد چون توشتن حیات فی این مکتوبچه ضرورتیست تنها به اعداد اسامی بعضی ازدواج این مخلوق بدیعهٔ حضرت خالق بدیع السموات والارض اکتفاورزیدم ، حتی ازتأثیرات کیمیویهٔ آن که آب ، هوا ، غیا ، وسی اجسام را تحلیل کرده عناصر اصلیهٔ آنهارا جدا جدا به انسان معلوم میکرداند ، واز تأثیرات مقناطیسیهٔ آن کهنباشد ، سیرصاعقه ، وحی‌الحسوس مانند (قطب نما) آنهارا کهبدون آن سیر وسفر دریها وهواها ممکن نمیشد ، واز تأثیرات روشنی نفتی آن کهنباشی را جاوزصیاشار چراغهای الکتریکی شعله بار ، و مانند « پروژه کتور » ها نور های فوق العاده درخشانرا روی کار آورده ، و مانند « رونگن » شعاعی که اجسام کثیفه را پاره کرده میگذرد و امثال آن مانند شعاعات رادیم سکوپی « و » رادیو کرافی » که عارضه های قلبی نقصان میدهد ، واز تأثیرات حرارت آن که عبارت کرم کردن خانه ها بخاریهای دیگرانها مانند « پاش مؤسسات » پاشای عظیم الطرازیرا که مؤسسات نام کهبا کر فرانسوی بواسطهٔ آن پاشی زیاد سنگلاخ بالاش تحویل داده توانسته بود ، ودیگر تأثیرات عجایب وغرایب این قوهٔ سیاله بدیعهٔ الکتریك که فرصت یکی ازانرا بیان نکرده‌ایم بحث و بیان نمی‌آریم .

اینکه‌اهمیت ومنفعت ماشینهای « اندوکسیون » ـ اینك یکقدری بحث وبیان میآریم ، که در خصوص « ماشینهای » برقی جریان‌الدراج » که بسایهٔ توفیوافیهٔ ذات اطیبحضرت « پرانس والدین » پادشاهمقتدر عدالت گستر تأسیس وبنیاد یافته‌یکدرجه یك فکری حاصل کرده بتوانیم .

ماشینهای اندوکسیون ـ یا ـ اینداکشین » از نقطهٔ نظر تطبیقات ، مهمترین ماشینهای الکتریك شمرده میشود ، تطبیقات عدیدهٔ مدنیه وصناعیهٔ الکتریکی ، همه کی‌سایهٔ همین ماشینها بوجود آمده است ، چونکه این ماشینها بآسانی قوت الکتریك بسیاری حاصل میکند وان قوت را هرجائیکه دل انسان بخواهد بواسطهٔ سیم نقل داده استعمال کرده میتواند .

درماشینهای اندکسیون جریان های الکتریکی دوقسم است ، یکی « متناوب » ـ یعنی نوبتی ـ ودیگری « متادی » ـ یعنی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 991 of 1786

دائمی — ، اول آن را « مایه‌تو » ، و دوم آرا « دینامو » نیز میگویند . این ما شینها چنانچه بواسطهٔ حرکت الکتریک حاصل میکنند همچنان بواسطهٔ الکتریک حرکت نیز حاصل میکنند که بدین سبب بواسطهٔ این ماشینها هر قسم ماشینها و آلات‌ها بکار انداخته میشود . مثلا بمجردیکه ماشینهای دینامو ، « مایه‌تو » بحرکت الکتریکی بکردش حرکت آمدند میتوانند آسیابها و ماشینهای را که آن موجود باشد بکار میاندازد . بنابرین تجربه‌ها ، توفومو « میانجی الکتهای ربانها — ، چرخهای عرابه‌های موتر وطیاره ، اوسقوط های زیبنها و اورد بلاها ، آسانسورها ، یعنی عرابه‌های که آدمها را از پرطبقه‌های بلند عمارتهای دنیای بالا میبرند — و همه نوع عرابه‌های اثقال که چیزهای بسیار سنگین را بالا کشد ، بایکهای جسیمی که بالاتهای بسیار بزرگ را هوا بدهد ، هروع پمپهای بسیار جسیمی که برای آبپاشی بحرکت آید ، ماشینهای زراعت مانند ماشین قوله کشی ، ماشین درو ، ماشین خرمن کوبی وغیرهٔ ، پرمه‌های بزرگ کان شکافی ، والحاصل هرگونه آلات وماشینهای که در خانه ها معاره‌ها ، کارخانه‌ها ، معدنها ، دریاها استعمال میشود خواه کوچک باشد خواه بزرگ همگی بواسطهٔ « محرکهای الکتریک » بکار میافتد . جریانهای که برای این « محرکهای الکتریک » بکار میافتد و جریانهای که برای این محرکها لازم باشد ، وقت لزوم آن از « آکو موتورها و از دینامو ها و مایه‌تو ها استحصال وسوق میشود ، واین دینامو و مایه‌تو ها بواسطهٔ ماشینهای بخار یا « توربین » های آب دور میخورند .

درخصوص بکار انداختن ماشینها و آلات را بالکتریک خیلی آسانیها وخوبیها دیده میشود . زیرا برای بکار انداختن هریک ماشینی که انسان آرزو کند درحرکهٔ آن سوق کردن جریان الکتریکی کافی دیده میشود . درفابریکها وماشینخانهای کهالکتریک بکار انداخته میشود از تسمه‌های چرمی « دور ودرلر » وزنجیرها وچرخهای دندهدار ، وازصداهای گوشخراش ، وازتهلکه‌های اغ انگیزی که گاه گاهی ازان بظهور میرسد هیچ اثری دیده نمیشود . بلکه قوهٔ محرکه ووسایط نقلیه وتوزیعیه وتحویلیهٔ آن جمله بسیم اجرا میشود . نقل دادن قوهٔ محرکه را بواسطه‌های الکتریکیه ازیکجا بدیگرجا هم بسیار آسانست ، وهم تاسیسات مسافه‌های دور رسانیدن آن ممکن است . زیرا برای آن تجربتها دوماشین « اندیکسیون — اندیکتیو — » ویک سیمی که ازان ماشین بماشین لازم است کشیده شود بدیگر چیزی حاجت نیست . قوهٔ محرکهٔ که نقل دادن آن لازم است بواسطهٔ یک ماشین اندیکسیون حاصل شده ، بواسطهٔ دیگر — قوهٔ محرکه جریان الکتریکی تحویل یافته . این جریانها بواسطهٔ سیم تا بدیگر ماشین میرسد که درانجا بازجریان الکتریکی بقوهٔ محرکهٔ تحویل میشود ، وبه اینصورت قوهٔ محرکهٔ ازیک ماشین تا بدیگر ماشین بواسطهٔ سیم نقل داده میشود که باین اصول نقل دادن قوهٔ محرکهٔ تا بحدوصد بلکه سه صد کیلومتر مسافه ممکن میشود . بنابرین ازجریانها و تلاطمهای آبهای روان که درجاهای بسیار دور هم یافته بکمال سهولت استفاده میشود .

درخصوص استفاده ازقوهٔ محرکهٔ آبهای جاری وتلاطمهای قوی ازبسیار وقتها سعی وکوشش میشده . اماسعی که این چنین تلاطمها و جریانها اکثردرمیان کوسارها و جاهای تیاو محروم موجود میشد راه استفاده ازان خیلی محدود ، ونابسار آسیابانی منحصر مانده بود . ازوقتیکه استحالات الکتریکیه پیدان برآمد ، قوهٔ محرکهٔ جاهای دور نقل شدن گرفت که بالمدنیت سایهٔ آن استفاده های عظیمهٔ ازتلاطمها وجریانهای آبهای روان حاصل شده است روشنی اکثر شهرها ، وبکار انداختن اکثر کارخانه‌های مختلفه ازسایهٔ همین ماشینهای الکتریک که بقوت آبها وتلاطمها بکارمیافتد روی کار آمده است . درموقف حاضر درا کثراحوال ماشینهای الکتریک ، بجای ماشینهای بخارقرار گزیده وجریانهای آبها وسقوط تلاطمها جای « زغال سنگ » را گرفته است گمان مسلمه درحیات بالمدنیت یک تحول وتبدل عظیمی روی کار آورده است .

این است که « کارخانهٔ برق جبل السراج » ازبراستحصال همین فواید ومنافع تاسیس وبنیاد یافته است که اگر ملت صادقهٔ افغانستان همدستان زبان گردند تشکر این لطف وعنایت اعلیحضرت پادشاه ترقی پرور مدنیت کشتر خودشانرا ادا کرده میتوانند . قوت الکتریکی که ازکارخانهٔ مذکور بعمل می آید تقریباً ازقوت پنجهزار اسپ بیشتر تخمین شده است . برای بکار انداختن فابریکهای موجودهٔ حاضره ونشو ونمای شهر ، بضروریات وضایعاتی که ازجبل السراج تابکابل بعمل آید بیشتر ازهزار اسپ قوت بکار خواهد رفت که تقریباً چارهزار اسپ قوت بدست میاید . ممکن است که اول بحاول تمدید یک خط راه آهن برای بکار انداختن یک ترام وبل برقی ازجبل السراج تابکابل ازحالا سررشته وشروع شود . وچون ازهمین یک واسطهٔ عملیات بدست آید بنیادیافتن دیگر فابریکها در نفس جبل السراج خیلی سهولت پیدا میکند . زیرا اگر فابریکها درنفس جبل السراج ساخته شود [مثلا بسبب کثرت پنبه ، کهاور زمینها زاخذ میشود] فابریکهای قماشهای نفی [قوت] الکتریک هم شایع میشود ، وهرشهر قلعهٔ السراج نیز بلندرتبه و آبادی زیادی حاصل میکردد .

زات شوکتمآب اعلیحضرت شهریار مکارم آثار معالیحضرت « سراج الملة والدین » ادالله دولته العزو التمکن درخصوص این مؤسسهٔ مفیدهٔ شاهانه شان که اعظم آثار عصر سعادتمدار همایون شان شمرده میشود سعی واقدام وتوجه تامی مبذول میفرمایند . حتی درهفتهٔ گذشته موکب سعادت موهب اعلیحضرت شاهانه بجبل السراج تشریف سعادت ردیف ارزانی فرمود ، وکارهای آنجا را ازنظر فیوضات مظهر شاهانه گذارش داده تقریباً سه چهار روز واپس عودت فرمودند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 992 of 1786

ازدرگاه خلاق بزوال کائنات تضرع ونیاز میکنیم که عمر واقبال وشوکت واجلال پادشاه مقدس بیکوئی آنحضرت را کمالهای پشیاری ازیک برای سلطنت سیه اسلامیهٔ افتاب بدارد تابسایهٔ "ترقیاتوانه" عایون" شان این ملک وملت ماجز که ازهمه سازوسامان ترقی وتمدن درگرداب حرمان مانده بلز - صنایع - فنون - ثروت راوج ترقی واعتلا عروج کند - آمین بجاه سیدالمرسلین -

حوادث داخلیه

(از عکسهٔ واقعه نگاران)

﴿ ازدفتر ایتیك آقای صاحب منکی ﴾

واقعه نگار قندهار بعریضه مورخه غره ذی الحجهٔ الحرام ارسال خود معروض داشته که در ۱۵ ماه ذی قعدهٔ الحرام قریب بهاز خلق غلام ملا خیر محمد کم قوم سین سا کن محال معروف آکش افتاده مال وغیره اسباب او را سوخته لا کن مدعی خود را می گوید که از علاوهٔ غیر میباشد فقط

از دفتر ایتیك آقای صاحب منکی

واقعه نگار پشت رود بخط مورخه ۱۴ شهر سال ارسال خود معروض داشته که پفرسخ حد کوزیان شدیشده واز سر حدات هزاره جات سیلاب آمده جسر دریای هیرمندرا بدرجه خطرناکی رسانیده ودرآنجا پلتیه آبرده کشتی هادرآنجا ایستاده شده عوامل هاقلب کشتی هارفته واپس آورده وجسر مذکور بسته شده مردمان عبور کننده از دریای مذکور بذریعه کشتی می گذرند ودرانجا آبیاتغیر پیدا کرده مردمان مذکوریه آبیجه کنران خودهارا می کشند - اگر آبسیلاب مذکور درانسیاب رسیده رنگ گرفته مطلق نمی رود فقط

ادبیات

﴿ کلام غلام حیدر مذنب تخلص ﴾

(دگر مذنب حدیث ازمو نگویم)
(کلام از نرگس جادو نگویم)
(سخن از غنچهٔ خوبان نرانم)
(تکلم از دهان او نگویم)
(زحرف زلف وخال وخط چه حاصل)
(بوصف عارض ابرو نگویم)
(زبحث این وآنم جلگی بس)
(بکف ناهست قلم زنگی بس)
(من و عرض دعای بادشاهی)
(که بارد از عدالت مشکباهی)
(بگردون بخت شمس خاور)
(باوج آسمان ظل الهی)
(بجود او دهای خلق شاهد)
(بلطفش حسن خلق او گواهی)
(سراج ملت و دین است نامش)
(همیشه ناصر عشرت بکامش)
(زهی شاهنشهی باقضاو باقر)
(مبادا از سرش کم تاج وافسر)
(طفیل احمدو هر چار یارش)
(ابابکرو عمر عثمان و حیدر)
(سری کز خط فرمانش پراند)
(بخسرو خلاف گردد او زاور)
(شهی چون او بخون کس نغلطه)
(تو گوئی ازدش کم نگذرده)
(گهی در فکر کار عسکری ها)
(گهی اندر رعیت پروری ها)
(چه میرسی زمقتدو انتظامش)
(چه میگوئی توصف پروری ها)
(زهی تدبیرو رأیو فهمو دانش)
(زهی شاهو عدالت گستری ها)
(منور آفتاب عزو جاهش)
(فلك بانسه زمین مسکاهش)
(شبیو روز است در کار ترقی)
(پی گرمی بازار ترقی)
(زند در ملك دانا لحم صنعت)
(که حاصل آورد بار ترقی)
(چوخورشیدیک پیوند آبدارد)
(منور گردد انوار ترقی)
(زتأسیساتش آرم در میانه)
(کنون یکنسمهٔ از جلو خانه)
(چه محفل عرصه گاه کامرانی)
(مقام عیش و جای زند گانی)
(چوصوت بلبلان باطرف گلشن)
(مرتبهاست گرم نکته خوانی)
(به ترتیب خوشها موج تحریر)
(نباشد کمتر از گوهر فشانی)
(کلام هر یکی قند مکرر)
(چوطوطی جانهای سبز در بر)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 993 of 1786

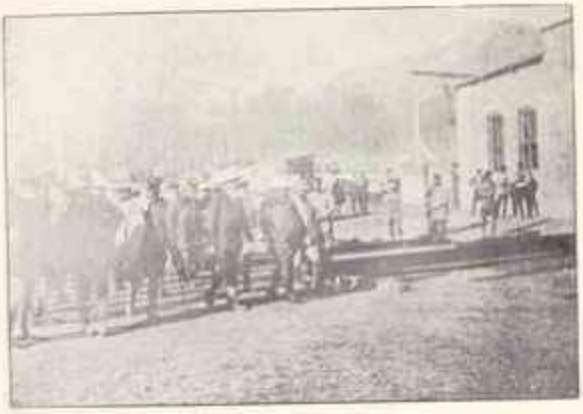

سه منظره
از مناظر اردوی فرمانروایان اعلیحضرت سراج المتوالین برای ملاحظه کار خانهٔ قوت برق واقع جنب السراج ۳۶۵ کروهار کابل طرف تپهٔ واقع استرجه یدی (مسترجوید) کار آن شروع شده وهنوز تمام نکردیده اینکه انشاء الله تعالی تمام شد قوت مذکور بکارخانه های ماشین دار السلطنة کابل آورده خواهد شد وکار کرده خواهند برای روشنی خود شهر کابل هم بکار میرود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 994 of 1786

(که تنها کار اخبار است آنجا)
(کتب هر گونه بسیار است آنجا)
(ز صرف و ذکوارع و سکوکات)
(سخن رانده او کار است آنجا)
(جهانی باغ صنعت میتوان گفت)
(گل معنی پدیدار است آنجا)
(زهاده کابل و دز مصر و ایران)
(بخدمت هریکی مامور فرمان)

(پر شاعر نیکخت از شعر رانم)
(که چشمگوم چشم و چشمانم)
(دارم من قصای غزل را)
(سخن در نیشم چنا نخوانم)
(عرس عرس دا کوئیست ایجا)
(پر مضمون دهد دل بر زانم)
(آبی باد افزون عمرو بختش)
(بقای دولتو افزازو بختش)

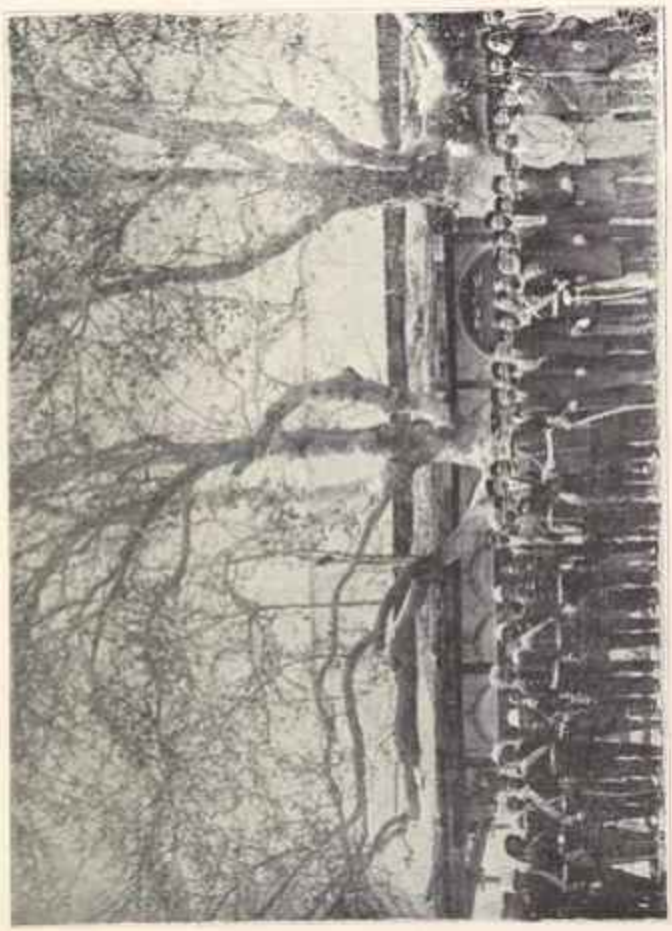

جلوس مسعود نائب الحکومه ترکستان مرحوم عبدالوهاب خان با ارباب مناصب ملکی و عسکری ولایت ترکستان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 995 of 1786

﴿ سیاحت ﴾

از کابل — تا — قندهار

تحریرات :— عبدالهادی

« کلم لطیف »

(فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین)

یوم جمعه ۲۷ شوال المکرم ۱۳۳۲ هجری ، (۳) بجه روز پس ازادای صلوة جمعه باجمعیت دوستان و همرزمان مشفق وصمیمی خیال ترک مواد ومولد ، بجانب آفتاب رو بمغرب نهاده تا به جای که عساکر فراق پی وبنك ازشان پیداوه رسیده آنجارای اجرای یك امر رفت انگیزیی ، جدائی ، توقف لازم گردید ، تیدام احوال لحظه وداع ولحظهٔ فراق راجمه الفاظ تحریر واصطرار داده وستاره چگونه تصویر نمایم الحق وازسنك ناله خیزدوقت وداع یاران وصدیقان دل معاقه یاران جل برگردن گرفته وداع نمودیم.

آغاز

بعدازان براسپ سوار شده وازیاران تاییاً بیان لفظ ، بامان خدا ، رخصت آخری گرفته روبراه ودب برسفر نهادم .

ازکابل تاقندهار سرك موتر موجود وبیار است ، مگرمعنی یابها وجاهای سرك که بسبب سیلابهای متعدش آفت رسیده است ، ماهم همین سرك را رفتار داشتیم ، من ذاتاً یك جدائی مولدم را حس کرده دلگیری شدم زیرا هرگاهی که میرسیدم وهرقدمی که می نهادم ازوطن مألوس مأوس میشدم ، قدری راه رفته قریب ، منهتاب باغ ، که اسم آن مقصد تصیر آرا (که سیرمهتاب است درانجا) اتمام واظهار می دارد ویراب ، سرك مذکور واقع بست رسیدیم .

درانجا دیدن یك چیزرق آسا کابرالکتریکی درمابین پیدا کرده که چشم ازدور برموتربشارت آورسعادت آراعلیحضرت رعیت پرورعدالت گستر همایونی افتاده دیده ام یافت نورسیده سرورم ، بعدازچند گامه بدیدار ضیا نثار بشاشت پارش مشرف گردیدم ، خوش نشیم که سلامت ، سعادت ، فرحت ، اقبال ، هم الحقه پیش رو آمد .

بنابرین یکدقائق باطمینان تمام وصرف ملا کلام برهمیاری آغاز نمودم لحظه بلحظه قطعه وسیعه منصه ، چاردهی ، را که شاهزان قدیم خیال به قطعه بهشت تشبیه میکنند ، وجدید خیالان لوحهٔ بدیعهٔ طبیعه الی میخوانند بعقب پشتم .

این قطعه وادیٔ است دلکشا ، وسرزمینی است بهجت افزا ، معمورت کابل فراشجاروبار تشت زارانجا است ، خاکش زرخیز است ، هوایش دلاویز وآبش بس مسرت انگیز ، جانجب اعلیحضرت همایون برای سیران لشکریان زلال عاطفتش وآبیاری طبایع مستقیان مطوفتش کوه هارا گنده راه ساخته بدریه غلبا آب ، پغمان ، که مشهوره ، پمان ، وازجاهای مصنایهای همین چاردهی است وآب ان نهایت خوشگوار وباصفا وحصول برف های کوه های همین قطعه فرحت افزاست ، برای دارالسلطنة باطمنطه کابل اموزاده فرموده اند که عنقریب به تکمیل خواهد رسید .

درمیان شهر مینوسیر کابل و ، چاردهی ، یك زکوه بلندکوه مسمی به شیردروازه ودیگر کوه بالکین آسمان سای ، آسمان ، مانند دوباز باغ واقع است راهی که میان دو کوه است دروازهٔ غربی کابل نمرده میشود ، وهمین راه سوی قندهار میرود ، این راه که بصورت دره کوهی است آرا ، دروازهٔ جبه ، هم میگویند زیرا چون ازین بگذرند میدان وسیع که دامن کوه آسمای نمرده میشود محل (۱) میله جبه است وبعد ازان ، ده حزیك ، میباشد وبعدازان زمین های مزروعه که بدوطرف سرك واقعند میباشد که همین سرك مستقیم بجانب غربی رفته بقندهار منتهی میشود .

رهسپاری امروزهٔ ماسر اسر درهمین سرزمین ، چاردهی ، بود چون آفتاب لحظ زرین شعاعی اعلان نمود که

(رسید غریو آخر یا که بشکنیم)

ماهم رباط ، قلعهٔ قاضی ، رسیده طرح اقامت افکندیم گویا به ساعت وساعت (۶) رباط مذکور که فاصله ، کروه ازشهر دارد برفتار اوسط اسپ های بازدار رسیدیم .

— ۲ —

رباط

(رباط) عبارت ازیك حرمت پناهیت وعلامه رعیت وترقی روزیهای اعلیحضرت توفیخواه ملت پرور است ، رباطهافواید بی شمار ومنافع بسیاری در بردارند ، امنیت راه ، آسود کی مسافران ، کثرت رفت وآمدوتشیر ترقی تجارت هردوشهروغیره وغیره همه مربوط بوجود رباط وانضباط میباشد هرمسافر بدرجه آرام میباشد که گویا خانهٔ اوست .

قدراین رباط هارا آن کسی میداند که پیش ازینها مسافرپها کرده اند وتمام شب را مانند ستاره ازترس دزدان وبرف وباران ومشقت رودت هوابچشم باز کذ شانده است ، نیز برای پیدا کردن آب ونان و کاه وجو بمجرد بمنزل رسیدن بدعات آنجارفته کاهی چیزی یافته وکاهی نیافته است ، پس این مشقتهای گوناگون را که انسان فکر میکند خواهدانست که حفاظت حیات ، مال ، وابسته رباط بارکات است وبرپیش ازرضها ، خطرهای سفرسیار بود لهذا مردم کمتر به سفرمیرفتند وکمتر از احوال یکدیگر خبرمیشدند وا گرسفالی قافله روانه شهری میشد یك اهمیت بزرگ میداشت وبسیار مردم بود انش می آمدند زیرا ظن غالب قتل وسرقت مال اوبود لهذاطرق امدش ، رباطها میگرفتند وآن شخص هر مقدورمیبود که (منم) گفته سفر میرفتم

(۱) این جبه گام میباشد این که هرسال درچهار جمعه ماه حوت ازطرف دولت وملت افغان اجرا میشود برای خرج وسیراست که عوض دشتکهای قدیم کهای زمستان وبرف های کابل می باشد !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 996 of 1786

وهلاك را ديده بآن جهه مى نهايم ! واستقبال ميكنم ! ازين جود كه راه ناهموار خوف دلدان بسيارو شب دركيسار ميبود .

اكنون از رعيت پرورىهاى پدرانفق ارحم مهربان دلها آنهمه خطرها كم گرديده راه معلوم ، شب در رباط ، آذوقه مهيا ، خوف دزدان معدومست لهذا رفت و آمد بسيار است چنانچه قافلهٔ كه من همراه شان بودم قافلهٔ تجارتى بود ، كه اشياى كابل را به قندهار مى رسانيدند واول اشياى قندهار را به كابل آورده بودند وفروخته بودند كه حال يكبار هم چنين مى آيند و ميروند .

الغرض تعمير رباط بصورت قلعه‌هاى حربى ساخته شده است بر كنجهاى بسيار دارد ويرچهار كنج چهار برج دور آن زدك را مالك است درون آنهر چار طرف متصل ديوار رباط خانهاى مستحكم وپيش روى خانه پرده ها كمر آهن پوشيده است تعمير شده است ، در بطن رباط مسجد هرهست وهمه جاهاى ضرورى را حاوى ميباشد وپك سراى ديكر عليحده در ميان هرين قلعه يكطرف براى ايستادن وبستن اسپها وباقى بار كيها ساخته شده است

ازطرف حكومت براى رباط ، سرايدار ، كدامدار ، دوكاندارها مامور شده است كه آنچه مسافران بدان احتياج داشته باشند آنها در دكانهاى خود داشته ميباشند وبامسافران خريد وفروخت ميكنند

در دهان دروازه رباط اشتهار ها كه بپير هاى اعليحضرت هايون روحناالفداء مزين است آويخته است كه دران پرحضور نوشته است ، مارباطها را بر خبر رعاياى صادقهٔ خود ساختيم تامشكلات دامى وبى خبرى كه وغيره گرفتار نباشند ودراسرايدار كدامدار ، دو كاندار مقرر كرده ايم ، تامسافران هرچه بخواهند ازقسم روغن ، كاه ، جو ، گوشت ، مرغ ، حاضر باشد ، وبراى كدامدار هميشه ترخامه داده ميشود كه ازقرار همان ، ترخامه ، بامسافر ان خريد وفروخت ميكند وه كاندارها مقرر كرديم كه بهرقيمت كه دكاندار وخريدار راضى شوند هم چيز خريد وفروخت شود ، وسرايدار براى حفاظت سراى ومال مسافران مقرر شده است اگر مال مسافريكه درون سراى ممكن گرفته شب بكذراند كم وضايع شدازسرايدار مدكور بكيرد واگر درون سراى ندرامد ومال اوكم شد سرايدار يا كسى ديكر تاوان ده آن نيست ، چون اين طرى بى تخواه باين ملازمت راضى نمى شدند لهذا تخواه آنهارا ازين درك مقرر كرديم كه قافله هاومسافران چون داخل سراى رباط شدند وشب كذشتانيدند فى نفر يك پيسه ، فى اسب ۳ پيسه فى خر ۲ پيسه فى شتر ۵ پيسه فى كوسفند ۱ پيسه به سرايدار مى دهند ، تادينصورت مسافران بامان ومامورين هم بكار خود مشغول وفرحان ميباشند ، باقى دارد

معلومات

در خصوص فحم ـ وداء الفحم

اينسخن رهنما كين معلوم است : كه دروقت سوزانيدن (زغال) پك رائحهٔ كريههٔ بس شديدى باطراف الحدود انتشار ميابد كه خارج تحمل انسانيست .

اسباب اين رائحهٔ كريهه را جز ارباب فن (كيمياى جديد) عبارت ازبعضى بخارات معدنه ، وگيس هاى مهلكهٔ ميدانند كه زغالها آن بخارها وغازهارا حاوى ميباشند .

واسعهٔ اين گيس مهلكهٔ زغال پيدا شده است كه درموسم زمستان بعضى كسانيكه درخانهاى سنك بست پى حفدا قامت داشته اند ازعدم دقت واطلاعيه تُرك دهندهٔ حيات كفته راه بيباويانه عدم كشته اند ، مرضيكه ازگيس هاى زغال عبارتست بغش ميشود بداغرش (داء الفحم) ميكويند كه درانسان جوانم (زغال شده) تعبيرش ميكنند .

گيس هاى مهلكهٔ كه از زغال حاصل ميشود بردو نوع است كه در اصطلاح ارباب فن يكرا (خنس فارون) ودوكررا (حمض فارون) ميخانند واينده گيس از براى نفس غيرصالح وبراى سبب وقوع احتراق وانتفاس بيشتر مهلك ميباشد ، وفرق وما بينكه در ميان شدت اينده گيس موجود است نيز ارباب فن ظاهر وعيان است .

از گيس هاى مذ كور (حمض فارون) انجار يك سم شديد الاثر پيدا شده كه درصد جز هواچهار جز ، ازين گيس موجود شود هانلحظه بادى انقطاع نفس ميكردد .

وكسانيكه برض داء الفحم يعنى زغال شدن كرفتار امده مسموماً وفات مييابند ، سبش اينستكه گيس حمض فارون هواى خانه را اسيلا غوده بادى انقطاع نفس ، وموجب انقطاع رئته حياتش ميكردد ، پس در خصوص اين سيه روى تيره روزكار كه زغالش ميخوانيم به نهايتدرجه دقت واحتا لازمست كه قبل از انكه بخته نشود ، وسرخ نكردد منقل آتش را در خانه داخل نكنند ، عوارض واما رات مسموم شدكان زغال از قرار ذيل ميباشد :

اولا يك دردسر بسيار شديدى حاصل ميشود ، ورقه رقه تضيق شقيقه ها ، ودوران سر ، وسخت شدن ، وصدا كردن كوشها باآن منظم ميكردد ، وبعد ازان بوجود انسان رخوت وبيهوشى عارض شده فى كردن نيز ظهور ميكند ، ورقه رقه تضيق نفس ، وضربان قلب شدت ميكند ، ولى بمقدار كمى ضربان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 997 of 1786

قلب کثر ددقوای عقلیهٔ انسان سرانسرزائل میشود . پس چون یکچندی این عوارض وامارات دوام نماید رمیدهٔ مسموم یك خواب سنگین عجیبی و بیهوشی افتاده بعدازچند ساعت انقطاع تنفس . واکمال رشته حیاتش بعمل میآید که اینچنین موت ازنتایج آثار سمیهٔ حمض فاروئست .

درخصوص تاثیر سمیهٔ حمض فاروئین این یك مثال دلپذیر را حکایه میکنیم : که —

درسنهٔ ۱۸۴۳ میلادی درشهرپاریس یکی ازجوانان فاریغه‌بی — یعنی صاحب کارخانه — که (دمگ) نام داشت جمع ثروت وسامان سرمایهٔ خودش را بهوای تزئید ثروت . وتوسیع شهرت یك فابریقه بسیار جسیمی صرف ولتف نمود . تاآنکه ازجمع مایملکش یك حبه باقی نماند . ولی مرام ومقصدیکه در ذهن خویش تصور نموده بود بالعکس نتیجه بخشید . یعنی بجزضرر وخسارت دیگر هیچ ثمره درنکرفت .

بنابرآنچه درسرحد اوروپا محل شیوع انتشار یعنی قتل نفس خیلی سهل شمرده میشود دمك نیز بحالت فقر وضرورت طاقت نیاورده انتحاریعنی قتل نفس خویشتن را باخود مصمم نمود .

اماین انتحار خویشتن را بدود زغال یعنی حمض فاروئن اجرا نموده است . وحالات ترکیبهٔ ازتاثرات سمیهٔ حامض فاروئن در سرحد دقیقه‌را و وارد میشد تاوقتیکه دست وقلمش کار میکرد یکان یکان تحریر وتحبیره کرده است .

اکنون مابین آن تحریرهای تحریرهٔ دمك را درنظارجمعیکنیم دمك مذکور تحریره های تاثیر حمض فاروئرا که برقتل نفس خویش اجرا نموده چنین مینکارد :

§

ای اخوان ! من یکی ازکبار خانه والا های شهرپاریس دمك نام شخصی ام که ازمصائب این سپهر وظلمون نجان آمده قطع رشته حان شیرین خویش قیام نموده ام . ولی باوجود آن باز هم خواستم که یك خدمت کوچکی درراه منفعت جمیان طیه بعد ازمن بماند . وآن خدمت نیزتحریرهٔ تاثیرات سمیه حمض فاروئن بست که برنفس خویش ازقرار آتی اجرا کرده‌ام . واین فرخانه نام فابریقا یکیال یأس وحسرت ترك نموده رفتم .

اولا اوطاق فابریقه‌کاهم را از هرطرف خیلی مضبوط نموده هیچ یك منفذی ازبرای ادخال هوا واخراج دخان نگذاشتم . وبر سرمیزیك لامپه بایك شمعدان . وقزوه‌دوات خودمرا نهاده آداب ونیه خودم را نیزبیك حالت بسیار سوزناکی اجرانموده . وبعده زغالها خام پرده وبرا که ازپیش برای اینعمل آماده نموده بودم برمنقال کبری ریختم . وساعت‌دیواریهای مذکوره را آتش زدم . زغالها بشدتی تمام اشتعال کردند .

درساعت دهونیم نیم ازحالت طبیعی خویش قدری کثر در برش بود . درحالت یکه‌وه بسیار کثیفی نیز درون خانه ابرا استیلا نموده وشمعیکه درسرمیزبود قوت سوختنش خیلی کم کردید .

درهمزمان یکدردسر بسیار بیطاقی برمن عارض شد . چشمانم از اشك مملو کردید وجوده رانیز بدیدهائی بسیار قبیحی استیلا نمود . نبضم نیز بدرجه وشدت تمامی درطپش افتاد .

چهل دقیقه ازساعت ده گذشته بود که شمع منطق کردید . ولی لامپه‌ابهوزسوختن‌دوامیورزید . درین آثار کیای دقیقه‌هام بدرجه‌ازهم بازه بازه شدن درپرش افتاد . بعده دردقیقه‌نورش وخطفانی پیدا شده الرقی‌زدن ظهور نموده معده ابرا نیز برشهٔ که اصلاطافت نشود یك آلام واوجاع مدهشهٔ استیلا نمود . نبضم درهر دقیقه بقدر سه‌برش میزد .

ده‌دقیقه‌برای ساعت یازده باقی بودکه‌علامات خفه شدن وتنفس کیری ظاهر شد . ودر افکارم خیلی عجیب وغریب خیالاتی پیدا کردید ودرشعورم بزشورش و اختلال لکلی طاری کردید . در اثنای‌بدشواری کاه‌اضطراب بالاکاه‌ی تنفس میکنم . باهمال راضطرا ب‌چون‌یك کی‌تحمل نموده‌درخودعلامات‌جنون‌وامارات لایعقلی حس کرده .

درساعت یازده در دست وقلمم طاقت نوشتن سر نوشتم نمانده لامپه‌نیز خاموش کردید . ازینست که‌دقیقهٔ شمع حیاتم بزیدرجه بنطق شدن واصل کردیده است .

ازساعت یازده دقیقه گذشته که . . . . . .

§

اینست که ده کی مکتبر احوال هلاکت اشتهال خودش‌را که ازتاثیرات حامض فاروئن رو وازه آمده بود تدیمحل چنانچه مسطور است نکاشته است . وبعد ازین‌قلمش که ترجمان احوال اوست از کار افتاده . وبعضی خطوط وحروفی که هیچ خوانده نشود کشیده . ودرپیش کرسی که بران نشسته بوده است افتاده وتسلیم روح کردیده است .

[فاعتبروا یا اولوالابصار]

ا ثیب

تاریخچهٔ

لهستان — بناء دیکر — پولنیه

[مصائب قوم عند قوم فوائد]

باك این مدخ ترجمهٔ ماقوق ضرور که « مصیبتهای بعضی قومها درنزد بعضی قومها موجب فایده‌ها میشود » درین عبارهٔ حاضره بحال‌مردمان قطعهٔ « لهستان » که آرا درانحاءها « پولنیه » مینویسند بسیار موافق ومطابق آمده است . چونکه تقریباً بعد ازدوصد سالهٔ اسارت‌ها ومصیبتهای کوناکون که ازروسیاهیده وکشیده بودند . در آثار حرب که طوبهای جنك بغرش آمد آواز بشارت آزادی را بکوش آنها رسانید .

اول که اردوی اوستریا واثنان ازخاك لهستان که حصهٔ خود شان‌بود میکشت . بیان نامه های بشارت آورانهٔ آزادی‌تهارا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 998 of 1786

فکر بودند که روسها نیز مجبور کنند همچنان بیانیهٔ آزادی خود نشر کردند . لهذا مناسب دیدم که برادران گرام خود درباب مصیبتهای لهستان که اززمان گرفتار شدن آن بدایرهٔ روس دران وارد آمده بعضی معلومات تاریخیه عرض کنیم :

لهستان ، دراول یك مملکت آزاد وحکومت مستقل بود که حکومت روس ازسنهٔ ۱۷۰۰ میلادی برای محو نمودن آزادی و استقلال و استیلای ملت وسال آنچشم حرص وطمع دوخته منتظرفرصت میبود . بزرگیرای استیلای لهستان خیلی جوانعکار بود . لهستان یك قطعهٔ بود که عبارت ازمیدانها ودلتا نهای صاف وهموازی بود . وباین سبب مدافعهٔ آن ازدست استیلای دشمن خیلی مشکل مینمود . زیرا درداخل مملکت چنان کوههای بزرگ ، ونهر های عمیقی که اس العرکات شده بتواند موجود نبود ، بعد ازانکه پتزارد وی حکومت سویدن را درپشکده ، پولتاوا ، مغلوب ساخت برین یك قایع شد که سالا هنگام تقسیم لهستان درسید ، ازاورو بکار ومقصد خود آغاز نهاد .

اولا بزرگان وبعضی سرداران لهستان راکه بسیار وقتها درمملکت روس بنام مهمان وبایناه گزین نفك خوار روس شده بودند ، وزبان وعادات روسها را خوب آموخته یك صداقت وعجت قلبی بحکومت روس بهم رسانیده بودند آلهٔ تاثیر وفساد خود ساخته به لهستان گسیل ساخت . آن خائنان ملت ووطن حقوق مقدسهٔ وطنیهٔ خود شانرا فراموش کرده ، وبه عده های مهرپانی روس باور کرده ازپرگاه آنهای فساد جاری گردند . وقوماندانی اردوی لهستان را بدست آورده قوت از دورا که دراصل تاپیك بکنیم لشکر بالغ میشد بهفده هزار تنزیل دادند . این جیهها وسیب های ماهنکارانهٔ زرگ زادگان لهستان که درباب ضعف ساختن اردوی عسکری بکار میرفت تاثیرهای بسیار ناگواری نتیجه بخشید . درهر طرف ملت اختلالها ، وعصیانها ظهور آمدن گرفت . وچون عسکر کافی موجود نبود ، دره یك دره ها — یعنی خانها وکلان شونده ها فرو نشاندن آتش اختلالها را بعهده میگرفتند . ودرمیان آنهام رقابتها وهمچشمیها پیش آمده ملت دریك هرج ومرج مرعبی مانده بود وروس ازخصالها استفاده میکرد .

درین اثنا پتزوفات یافته بود ، ودر روسیه سراز نو تلاشهای ارتجاع بظهور رسیده بود وباین سبب حرکات استیلاجویانهٔ حکومت روس درلهستان توقف پذیر گردیده بود . امابعد ازکی تاج وتخت روس بهملکه (کاترینا) انتقال یافت . این ملکه تحصیل وتعلیم مکمل یافته بود ، و بمطالعهٔ آثار فیلسوف مشهور ، مونته سکیو ، تهذیب افکار وروشن دماغی بسیاری برایش حاصل شده بود . ازاورو برای اعلای شان وشوکت دولت روس ، وتوسیع مملک یك شوق حرص پرورانهٔ بسر داشت . درین هنگام لهستان دریك بحران تهلکه ناکی درامده بود . حکومت ملک هیچگونه قوت وارادهٔ نبود قرار دادهایی که بمطابق آرای خانها واصیل زادها داده میشد اجرا میکردند ، وآنهم بیك صورتی اجرا میشد که اگر یکی ازخانها واصیل زادها بآن قرار داد مخالفت میکرد آن قرار داد اجرا نمیشد .

بادشاه هم ازطرف خانها واصیل زاده ها انتخاب میشد که اینهم برای پیشرفت مقاصد حرص پرورانهٔ حکومتهای همسایه اش یك میدان واسعی تشکیل میداد . درهنگام انتخاب بادشاه اکثر بکهای رقم رقم وفساد های عجیب وغریب رو میدهند . در آن هنگامه ها ملکهٔ کاترینا یك شخصی از اصیل زاده هارا بقوت پیسه ورشوت بدست میآورده ، وآن رشوت گیرنده هادرمیان مریدان سازنده ها ، ومنشیها ، حتی کلفت وکنالها پری انکیخته . این است که درین هنگامه ها ملکهٔ کاترینا ، فرصت جسته بپهانهٔ اینکه بر فرانسه حمله ببرد عدده وسه هزار قزاق وده هزار عسکر روس براه لهستان درآورده . لشکر بازهم لهستانیها راهبر در زیر اعلام خود آورده نتوانست .

صدراعظم انگلستان در بلاط حکومت روس راهنمایی جودیك درسنه ۱۷۹۲ بایك اردوی جسیمی که بقدر یك ثلث لشکر بود لهستانرا از یکسر تا دیگر سر یغما نمود بازهم مجبور شد که لهستانرا یك حکومت مستقل بشناسد ، ولیکن عنوان قرارداد لهستانرا درخود بگذارد " مهمابصورت اولخصوصه " جمله " اسارت را برایها حواله نمود . دراوقات لهستان نظام ونوسازمان خود راحفاظ میکرد . درمکتبهای شان بلسان خود شان تدریس میشد ، مأمورها ، الخ ، ها از خود لهستان میبود ، امانی ، وارشاو ، وقت لهستان یك وکیل خود زار روس بناوه معین قرار داده بود .

درسنهٔ ۱۸۱۵ یك مجلس ملی " تاسیس زار الکساندر دران مجلس جان بجانان زادهای لهستان خطاب نمود : « این مجلس برای این جمع آمده است که احکام مرا تدقیق واجرا بکند » . زارالبته مقصود میشد که زارالفعل بخود نمودن استقلال لهستان کمر همت را بسته بود . چنانچه بعد از کی مطبوعات — یعنی اخبارها وکتابها وتألیفات لهستان درزر ، سانسور ، — یعنی عدم آزادی " تدبیری بانع گرفته شده هیچ یك کلمهٔ که مخالف استبداد روس وموافق آزادی لهستان باشد طبع ونشر نمیشد .

تحکم وتغلب مستبدهٔ روس در هر هر طرف لهستان ظاهر وعلانیه شده میرفت که این مسئله افکار حریت پرورهای ملت لهستانرا رفته رفته بیك جوش وخروش شدیدی میدراورد . چنانچه درسنهٔ ۱۸۱۵ حریت پرورهای ملت یك عصیانی ترتیب کرده مخالفانرا برای آزادی خود براگنده زار روس بمقابل این اختلال آنقدر شدت وحیرتنماد گدریاخست کی نیازانکه عصیان واختلال را بر طرف نمود استبداد وظلم را نیز به اشد ترین صورتها جاری وقایم ساخت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 999 of 1786

درسنهٔ ۱۸۳۰ ایتالیا باز یک عصیان و اختلال بزرگی ترتیب داد. زیرا طرز اداره حکومت روس بیچاره ایتالیا را از زندگانی شان بزار کرده بود. حریت روزها بخون روسپای خاتم شده بود که در بیوقت زیر تخت حکمرانی روس و نیکولای اول و حاکم بود.

درسنهٔ ۱۸۲۵ یک جمعیت اختلالیهٔ دیگری بنام «سرجها» تشکیل یافته بود. ودرسنهٔ ۱۸۳۰ یک جمعیت دیگری بنام «سیدهاد» باآن ملحق گردید. این جمعیتها مجلس «دیت» را تشکیل داده اعلان کردند. که هدف ایتالیان یعنی پولیتیک را از ادارت روسها باید وارهانیم. کوتاه آزین راهها برای رسیدن مرام مقصود بخرجیک وجدال دگر چیزی نیست». زار روس بمقابل این اعلان وطنپروران ایتالیان چنین پاسخ داده گفت: «هرکس که بقانون دولت روس خیانت کند جزای آن مرگ است». درسنهٔ ۱۸۳۱ مجلس دیت بموجب مقدوله نامهٔ که در کنگرهٔ وین بدولت اوسترا قرار یافته بود بیان کرده که: «استقلال ایتالیان ازطرف دول معظمه درزیر کفالت گرفته شده است. ایتالیانام دولتهای داخل معظمه استبداد میکنیم که مارا از پنجهٔ اسارت روسها رهانند». لارد «پالمرستون» انگلیز به این ندای استمداد ایتالیهای بیچاره جوابداده: «که هرگز استقلال ایتالیان را دولتهای معظمه تکفل نکرده اند».

این جواب یأس آور دولت انگلیز ایتالیهای وطنپرور را اگرچه بگرداب نامیدی غرقه نمود ولیکن هرگز از اقدامات استقلال جویانهٔ خود باز نایستادند. دولت روس چون دانست که ایتالیان یکدل وبی خاش شده. و گی فریاد آنها بر ازالهٔ قوتهای عظیمهٔ خودرا به ایتالیان سوق نمود. ایتالیا درسنهٔ ۱۸۳۱ پنج ایالت بزرگ میدان فاروسیا بودند که صفحات جگرخراش این عبارتها باخلاق بسیار سوزناک وطنپروران معلوم میشد. «اگرچه ایتالیانها مروتکیا وتجاعتیا زادر مدافعهٔ ناموس ملک ووطن خود میدانند. ولیچه فایده که روسها بعدم عساکر نازه بمیدان محاربه می آورند. واز عساکر ایتالیان آنچنانیکه تلف میشد چیرهٔ مالان آن بحصول نمی آمد. تاآنکه ثیرو وارشاو، که وقت شان بود، کلاههای خوب روس باهلک یکسان کردند. وعساکر ایتالیان گریان گریان گردان کرده بجانب اوسترا بیاه گردن گرفتند».

زار نیکولا، درسنهٔ ۱۸۳۵ درورشاو یک امر نامه صادر نموده باستقلال ایتالیان الغو نمود. این امر نامه قرار ذیل بود: «ایتالیان یک ولایتیست که تابع ایمپراطوری روس است. ولیتالیا غیر ولایتی روس دیگر چیزی نیست. هرچه که روس است ایتالیان هم هالست. اگر ایتالیا بدعوی استقلالیت خود علم بکشد بدعوی شان خواهد بود. بخوبی بدانند که اگر ادنایک فتنه وفسادی برپا کنند. این قلعه وشهرهای ایتالیان را بسر آنها خواهم غلطانید. ووجود های شانرا در زیر سنگها و آوارهای آن محودعدم خواهم نمود».

بعد ازانکه حکومت روس، استقلال وآزادی ایتالیرا به اینصورت محو نمود. بنای روس ساختن اهالی ایتالیرا نهاد. مذهب کاتولیک ایتالیرا در زیر تضییق وفشار گرفت. بدرجهٔ که در کلیساهای شان زور وجبر آئین اورتودقسی که مذهب روس است داخل میکرد. کلیساها تاجر آئین اورتودقسی را اعلان میکردند. اساسیه ایتالیان این مذهبرا بچیصورت قبول میکردند که پوپها وپدرهای روس بقوت ومعاونت حکومت از انکشیه ها وعدالتهای انکیزیسیونی راهبان بجاره خود داری میکردند. نیاندرباب مذهبی، بلکه عادات وزبان ملی ایتالیهای بیچارهرا نیز بحقارت وزبان روسی تبدیل دادن گرفتند. این اصولهای ناگوار ادارهٔ حکومت روس باز وطنپروران ایتالیرا از زندگی بزار ساخته سراز توسای عصیان واختلال برآوردند. نوجوانهای بیدار مغزشان جاروپیرفتند. ودراتحاد وبارباب حمایت ومعاونت استقلال وآزادی ایتالیان مداخله کردن دولتهارا تحریک میکردند. وازیکطرف بصورت پنهانی سررشتههای اختلالرا ترتیب میدادند. اما درینکار مانع ومدفع برای کامیابی ایتالیا هیچ موانع نبود. چونکه امورهای کاردارها همه کی روس پرست بودند. ارباب اختلال سرحدهای اوسترا قرار گاه اتخاذنموده وازانجا دسته ها ومفرزها تشکیلداده بایتالیان میدادند. ویا روسیا دوخورده بازغلک اوسترا التجامیبردند. مرکز جمعیت اختلال در وارشا وبود ازانجا بپنهانی بیانیه نامه ها نشرمیشد. ومردمرا بحرکت میآوردند. تاآنکه دفعهٔ آتش اختلال شعله ور گردیده خونریزی آغاز نمود ولی هزار افسوس که روسپاها بقوت بسیار افزون عسکری خود شان آتش اختلالرا فرو نشاندند. ودرینکار جزاهای بسیار شدیدی برای وطنپروران ایتالیان ترتیب دادند. اکثرانرا اعدام کردند وعده بیشمار بقتل واخراج کردند ادارهٔ حکومترا از وارشا وبه پترسبورغ نقل دادند. وچون دانستند که رهنمای این چیزها مکتبها وکلیساهای ملی ایتالیاست ازاینرو مکتبهای شانرا در زیر تضییق وفشار شدیدی آوردوچیزیکه تحصیل علوم ودیگر چیزهارا برداشتند کلیساهارا بند کردند. پدرهارا نفی کردند. وقانون روس شدن، وزواج دادن مذهب اورتودقسی راجبرا جاری نمودند. وبالجمله برهمین قوانین دواهم میورزند. وهمین پولیتیقهرا تطبیق میکنند.

این است که جنگ کبوی روس وآلمان واوسترا در همین حال شعلهور میباشد. پس قیاس باید کرد که ایتالیان وایتالیها تاچه درجه طرفدار روس خواهند بود....

(انتها)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1000 of 1786

خوادث خارجیه

احیاء احوال

گفتنهای بسیاری است ، اما از گفتن چاره‌ست ! ظاهر عین است که خونریزی درمیان نوع بشر بکمال شدت دوام دارد ، هم درمیان متمدن ترین عالم بشریت ! آن متمدنانی حقه خود شانرا ناظم نظام عالم ، معلم هدایت بنی آدم قرار داده بودند ؟ آن متمدنانی که خود شانرا واضع قانون صلح وصلاح عمومی ، وحمایهٔ فوز وفلاح نوع بشری میدانستند ؟ آن متمدنانی که اوروپا را خانهٔ مدنیت وخودشانرا خانه‌نشین بیغانیت دانسته وباقی عالم را بادیه گرد عوالم بدویت ووحشت میپنداشتند ! آن متمدنانی که خود شانرا مستحق حاکمیت ، ودیگر انرا مستوجب محکومیت میدانستند ! آن متمدنانی که خود شانرا بهدایهٔ معنای آن حق سیاقت ، ودیگر انرا بهدایهٔ بوه آن حق اسارت می‌بخشیده آن متمدنان که خودشانرا من طرف‌العینی مأمور اصلاح واعمار دنیا حاضر کرده بودند ؟ آن متمدنانی که آنیانرا از مخاطرات مضره حاویه نسبت داده خود شانرا برای پاك کردن دنیا دو وجود آنها الساعه مأمور میپنداشتند ؟ آن متمدنانی که بصنعت ومعرفت روزبروز کاخ عروج خود عالی را والله وحیران واطفال سبق‌خوان خود ساخته بودند ؟ آن متمدنانی که صنایع واختراعات خود همهٔ عالم راخودشان عطایی وخودشانرا ولیعمت بانیان شناخته بودند ؟ آن متمدنانی که تنها به تسخیر هوا ، بحر ، و اکتفا نورزیده در صدد امتیازی بعضی گرات دیگر عوالم نیز بلند پروازی داشتند ؟ این‌است که آن متمدنان بدجنگجویان مردم خوار وسباع خونخوار تراز خود اوروپا را به یك نخبهٔ جنون تحویل دادند !

در وقت حاضر دولت کوچك وزبردست خونریزی همدیگر کمر همت مدنیت را شکسته در میان بسته اند . از یکطرف هفت دولت ، واز دیگر طرف سه دولت : روس ، انگلیز ، فرانسه ، بلژیکه ، صرب ، مونتینگرو ، باز این یکطرف اند ، المان ، اوستریا ، مجار طرف اند . هیئت مجموعهٔ قوای عسکریهٔ این دولتهای محاربه تقریباً به یك کرور لشکر مسلح معلم بالغ میشود . از جملهٔ دولتهای هفتگانه دوعدد آن مراد ، نحو وسمسجل گردیده از هیئت عدی بدرشدند که آنهم بازیك وصربیاست بازیك زالتان ، وده به را اوسترا بمال ساخت . از مابقی یکرو نیز هیچ آوازی شنیده نمیشود . غالبا به حالت نزع است . چونکه تقریباً نصف است مداخلت عثمانی وزاپان است در جنك . زیرا این دو دولت آسیا را نیز داخل این جنك دهشت آهنك نمود . حالانکه آسیا میبایست تماشا بین این هنگامه‌های اوروپا میبود . اما این جنك از جهان جنگجویانست که آیا ، جنك جهان ، میگویند . خیلی مشکلست که کسی ازین آتش حرص خودرا محافظه بتواند !...

فعلاً هر بیع قطعهٔ روی زمین به جنك اشتراك ورزیدست . قطعهٔ اوروپا معلوم است که مرکز جنك شده است . قطعهٔ آسیا بحساب اشتراك عثمانی وزاپان فعلاً داخل است . قطعهٔ افریقا به سبکه در زالنوان عثمانی ظهور نموده ، ودر مصر جنك دیده شده ، ودر مستملکه‌های دولتهای متحاربه که درآن قطعه موجودیت کارهٔ جنك مشتعل میباشد . آنهم فعلاً داخل حربه است . قطعهٔ اوستراليا که اکثر آن مستملکهٔ انگلیز است .

قبائل صردار انوچستان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1001 of 1786

وازانجا برای محافظهٔ مصر فکر آورده شده است آنهم داخل حرب شمرده میشود . آمدیم بر امریکا ، کدامای تمایل چون مستملکهٔ انگلیزاست وهمه گر آنجا بمیدان حرب متحول بیکار میباشد آنهم داخل حربست حالا تا که از خبرهای آخرین معلوم میگردد که دولت امریکا نیز درین اوقات برای تدارکات و حاضریهای جنگ به اکمال قوائض میپردازد . که میماند که درین روزها صداهای توپهای آن دنیای جدید را مردمان دنیای قدیم نشنوند !...

دولتهائیکه در وقت کوتاه این احوال با از حرب خارج افتاده اند وخطه بالجمله اشتراک شان ملحوظاست از قرار ذیل میباشند :—ایطالیا، رومانیا ، بلغاریا ، یونان ، اسپانیا ، پرتگال ، سویدن ، ناروی ، سویزرلند ، هولاند ، دانمارک ، که اینها در اوروپا میباشند . چین ، ایران ، افغانستان که اینها در آسیا هستند . ایطالیا در یکموقعی افتاده که خارج ماندن آن ازجنگ یک امر بسیار دشواری معلوم میشود . علی الخصوص که از خبرهای آخرین معلوم میشود که سفرای خودرا نیز از آلمن وبارپس طلب کرده است واینهم یک مسئلهٔ معنیداری تصور میشود . رومانیا وبلغار را بیطرف مطلق تصور کردن خیلی مشوار است . زیرا توپ ، وافسر ودیگر معاونتهای که آلمان بمیان کرده ومیکند غیر راه رومانیا وبلغار آیا دیگر از کدام راه خواهد بود ؟ یونان چون درخطهٔ البانیا ازحصهٔ حرکات خود داری نتوانسته است البته که بضرب هم چیزی وعده های معاونت به جا آورده توانست است ! اسپانیا آرام است . ولی از بسکوی رویدن کدام کلاه واقعا چیزهٔ که درپیش رویش افتاده هیچگاه از انتظار فارغ نیست ! پرتگال بکمال دلگرمی را آمدن را ازدایرهٔ بیطرق نخواهد ولی هنوز فعلاً ازدرهبرون نه رامه سویدن وناروی دهن ماهی مانیه مانند خودرا باز کرده که بلعیدن کدام پارچهٔ ازخرسهای سفید تمایل نه حلقش بشود سویزرلند بیطرق است ولی آنقدر نزدیک به جنگ است که کله های توپهای دول متحارب کاهگاهی گوشهای راحت شان بشنود هولاند را درین روزها الحادیان به دولتهای شدید مؤاخذه کرده اند زیرا بسیار دست آوزهای ضدم بیطرق را راوثابت کرده اند هیچ شبهه نیست که اگر ازبیطرق اخراجش کردند دانمارک نیز ازان متاثر خواهد شد !

ازسه دولت بیطرق آسیائی اولا ، چین ، بسی که ازاین سکنات ورا ازالمان بانم چین ضبط نبود وبعداز ضبط دروقت حاضر ازتسلیم نمودن آنرا بچین اظهارزد شیدهٔ آمالش بسنگ برخورد . دولت امریکانیز ازمعنی پیشرفت مقاصددران سرزمینها چشم پوشی ندارد . زیرا ترقی فوق العادهٔ ژاپن در فضای شرق ازاحتمالات خطرناک بامیدنیست . ازقرار اشاعت اخبار های هند (ایران) بیطرقی کاملهٔ خودرا اعلان کرده است . وازسویی که عثمانی وروس وانگلیز درقریب ترین زمانها از جنگ میکنند بیطرقی دولت ایران خیلی خطر ناک دیده میشود محافظه کردن بیطرقی آنوقت مهم میشود که قوت بدست باشد واستحکامات سرحدها بدرجهٔ اکمال بود واگر اینچنین باشد وبکدفعهٔ کابی عثمانی ازراه آذربایجان وعثمانی شمالی ، یاقوای کابی روس ازراه ایران براسا طوف عثمانی ، یاز عثمانی ازراه عراق عجم وبلوچستان ، یاازانگلیز ازهمان راه ازعراق عرب هجوم کنند چه چیز جلوگیری آنرا خواهد توانست ! حتی درین روزها بعضی اخبارهای هند بانتشار گرانی وزرهند را که دولت ایران کنیده شده است نشر کرده اند که قوای ترکیا از (باد کوبه) یکطاری دولم دارند پس ترکیا بچرا اینکه ازراه ایران به باد کوبه رسیده باشند دیگر کدام زاهست ! افغانستان بیطرقی است وهیچ خطره هم ازاخلال بیطرقی خودندارد . ازدوراهٔ میدان جنگ هم بسیار دور افتاده . روس وانگلیز چون آتش آتشی را بخاطر ازسرحد های اینروست خود بحال آسوده گی میباشند . لهذا اگر ایران بجنگ اشتراک ورزد ، یا آنکه دولتهای جنگ آورایران راجولا نگاه ترکتازی خود سازند ، یا آنکه بالفرض والتقدیر دولت علیهٔ عثمانی بازراه قفقازیه و ، یازراه سواحل خلیج فارس بلوچستان تعرب نماید البته فابریک دیگری خواهد گرفت که درآنوقت دایرهٔ جنگ تاحدود افغانستان نزدیک خواهد شد .

حالا می بینم که این جنگ مانند یکی ازین سوز روز روز خطه به خطه دایرهٔ شعله افروزی خودرا وسعت میدهد . وماننده یک پشه زاری که ازیک سمت آن آتش بگیرد دمبدم درهرطرف پشه سرایت میکند . افسوس که ازهیچ طرف هیچ خاموش کنندهٔ این آتش هم پدیدار نیست . کمیته شنوده که از پردهٔ غیب چه بظهور میرسد .

(خبرهای جنگ)

(از ذرایع و وسایط مختلفه خبرهای جنگ)

اولا این را بگویم که ذرایع ووسایطی که خبرها را ازان گرفته میشود خیلی محدود مانده است . خبرهائیکه ازراه هندستان میرسد عین فقرات ، عین لفظیات امیوانند که آنهم عبارت از خبرهای متواتر ، وپیاپی متلاتر جرمنها ، وقدر قدری زرق کردنهای انگلیزها میباشد . هیکدامهٔ آن پیاپی نباشد نهارا وزقهای کاذبانه میباشد . هیکدامهٔ آن پیاپی نباشد نهارا وزقهای کاذبانه میباشد . چنانچه از انگلیز ازهان راه جرمنها را باید از راه مکه معظمه درافضای شرق ، وازراه مکه مشرق به آن کنار بحر محیط اطلسی میرسد . اگرچه هر کسی بشنیدن موسیقی مایلست لیکن اگر دایما یک نغمه و یک مقام شنیده شود البته ملال میدهد . وحکایت شیر وصبور بخاطر آمده هیچ اهمیتی بشنیده گیهای خود نمیدهد و به حقیقت امر هم هیچ چیزه احیاناً اگر کدام خبرهائی هم بشنود آنرا هم دو قسی علی سلف ، کفته هیچ باور کردن نمیخواهد . پس بهتر آن بود که خبرها صاف صاف ودون سانسور وتنه میشد تاهر پیاشدن وزرق کردن را انسان باور میتوانست .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1002 of 1786

نقل از جریدهٔ فریده حیل الین کلکته

جنك ده لشكر

مهمترین نکات تاریخی این جنك مشهور این است که از سه ماه پارن طرف که مراجعه به افکارات روزانهٔ جنك شود جز مکررات هیچ دیده نخواهد شد و جز اینکه در میادین شرق و غرب آلمانیان حمله کرده مارن کردیم و ترقی نمودیم و یا دشمن تا کلم شد و بعده فلان نقطه را قبضه کردیم و یا به دفاع معدوده پیش قدم شدیم ، چیز دیگر دیده نمیشود ، در این جنك زرگ کماکی جمع جکهای سابقه الی بالا گشت و زاید بر سی میدان بزرگ ، جنك آن است و چندین ملیون لشکر همه روزه در زدو خورد ند ، این درجه پستکار و تا این پایه اثبات ضدیت از نوادری است که قدرت انتظامیهٔ دول متحارب به را در انکار این واقعات تاریخی بخوبی ظاهر میدارد ، مکرر نوشته ایم کانیبالیاز انکار اخبار جنگ تا کسیوده بلکه روز بروز بر قدر خصمی آنان هر که تاامروز میدان دار جکهای شرق و غرب بوده مکرر همین شکایترا نموده است در پارلمان انگلستان هم این مطلب مطرح مذاکره آمده رئیس الوزراء مستر اسکویث جوابداد کمناسبهٔ کوچکیش در این جنك ندارم ولی تواتر خلاف رفتای جنگ خود اخباری انتشار یدهیدو در حقیقت رشته عدهٔ اخبارات جنگ قبضهٔ ذکاست .

باساط همچه تصور میکردیم کاین از حتم جنك در تاریخ اخبارات عجیدرا خواهیم دید ولی حالا که تا این درجه قدرت قابل دولتدا در انکار واقعات میادین جنك دیده واز هرطرف بدون روورو و مجالت اخبارات ضده فیض انتشار یدهیدو معلوم میشود که هرقوم و ملت در آینده هر گز بیان جنك را بخلاف خود خواهند شکاشت

کذا

﴿ واقعه عجیبه ﴾

روز هفتم شهریور گذشته نزدیك بوداقعهٔ غریبی آمد که خیلی حیرت انگیز و شگفت آور است . الصبح باصدای غیر معمول روزمره کوی کلاغ زیادی باصداهای مهیبه در مسجد گوهر شاد جمع شده بالای گنبد مسجد بزار گنبد مطهر حضرت ثامن الائمه الشهداء صلوات الله علیه (علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیة والثنا) نشسته واز اطراف هرجمع میشدند . تا اینکه باوضعی غریب مثل اینکه خصمی قوی آنهارا تعقیب کرده حرکت وحرده بالای بالمنها متعجبانه نگران بودند که آن کلاغها جمعاً بطرف ارك هجوم آورده بروی قوسل خانهٔ دولت روس را که بالشان عقاب بود بامنقارهای خود پاره پاره کرده زمین ریختند در حالیکه بروی ایران وانگلیس وسایر دول هم درهمان تردیك در اهتزاز بودیکلی رخ به آن طرف نکردند اهالی از این واقعه واز این اقدام غریبه کلاغها مأیوس شده وتأسفات خودرا از این حرکت اظهار میداشتند اگرچه برای دفع ازآن هر گاه اقدامات تدولی اتری به بخشیده وسودمند واقع نگردید

نقل از جریدهٔ فریدهٔ ارشاد طهران

(صدمه به تمامیت ایران)

قبل ازینکه جنك عمومی وروع شود و کوس مخاصمت بین این دو دولت کوفته گردد مامورین روس در آذربایجان وضعه اتباع آنان والطریش که در اوروپا خصم او میباشند بانزیك ودسیسه کاری رفتاره و چنانکه شنیدیم نسبت به قنسول آلمان ازطرف یکی از اتباع روس سوء قصدی از روی کمال ضدیت وخصومت آن قنسول بعضوت آلمان بعمل رسید که مشارالیه برای صیانت وحفظ جان خود خودرا بمحل پناه گیا شده ودرپناه اقتدار آنها جان خودرا محفوظ داشت .

ملت ایران که اخلاقاً در میهمان نوازی وپذیرائی اجانب سابق وبعاهد بر واضح است که ازوقوع این احوال چقدر متأثر شده وتا چه اندازه بر آنها وبدان این واقعات که جز به توهین وطرد غیر دیگری تعبیر نمیشود ناگوار ودشوار است

اولیای دولت ایران که تحفظ جان ومال ساکنین این خاك را عهده گرفته اند معلوم است که باچه درجه ازناشایی این واقعات شرمسار وچه سوءها کردند که شخص صریحاً دامورد سیاست ومجازات قرار داده وبرای عدم تکرار این نوع واقعات درآتیه آنهارا که از قاعده وترتیب معموله خارج می شوند تنبیه ومجازات دهند

بادشاه سعی وکوشش اولیای دولت که اقلا بایستی جلوگیری ازاظهار این واقعات بی نوید منافع به نتیجه مطلوب نگردیده . و دور کردن دوست ابدای ما بهیچوجه احتمال به قلان عقلاء و بزرگان مستشرف اولیای امور ایران نبوده وبعکس ترصدوانتظار هیئت دولت بعد ازینکه جنك عمومی وروع هم شروع گردید فوراً مامورین نظامی روس در آذربایجان برخلاف مقررات عام در داخل خاك مملکت ایران درجه طرفداری را بالاتر برده وبرای اجرای مقاصد خصمانه خود نسبت قنسولهای اطریش وعثمانی را عنوان اشارت کرده وبه تفلیس فرستاده اند وپس از آن باین مسائله هم اکتفا نموده مواقع اخلاقاتی که تحصیل شده است نسبت باتباع اطریش و آلمان هرگونه زحمت وتضییق را روا میدارند .

راستی باید گفت که تاموآن اظهار ملاطفت های دولت روس که خود را دوست صمیم ایران میداند موردی نداشته گاه آن بضد مساعدت ها وعواطفی فوق العاده ما نسبت بدولت روس پهلو زده .

کذا

ازطرف سفارت گیرای عثمانی ابلاغ گردیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1003 of 1786

۶ تشرین ثانی سنه ۱۳۳۲

در تمام قوای دفعه دوم باز انگلیسها خوانده بود ند که در عقبه عسکر پیاده نمایند ولی واسطه مساعی تی که قبایل آفغان با اقدار مهمای عثمانی نمودهاند باعلان غدا کار انگلیس هارا عقب نشانیده وکلنر صاحب منصب انگلیس مقتول واز عثمانیان پنجوجه شاهمای رخ نداده است

ایضا از طرف سفار نکرای عثمانی تبلیغ میکرده نصف شب

۸ تشرین ثانی ۱۹۱۴

درحینی که سوار اطاعه عثمانی بحوالی قازمان (جنوبغربی) هوم می برد اردوی مرکزی عثمانی روی قوای کلیه روس هجوم وپس ازدو روز ودوشب محاربه شدیده دشمن مغلوب ومجبور برجعت گردیدند ومواقع آنها ازطرف عثمانیان اشغال گردیده

۹ تشرین ثانی باوجود مه واریک درهوا بوده اردوی عثمانی عجله القسطراً بطرف قفقاز درپورش است —

(سپه سالار غما گر غازی کاروهه دمر متین است)

رمیدار :

« جال پاشا » سر عسکر افواج ترک که بروم مامورند یك شخص بی اهمیت و از مردمان عادی نیست بلکه پیش ازین برعهده‌ها ومأموریتهای متعدد انتظامی نیز مقرر گردیده است و قبل از تحصیل عهدهٔ جلیلهٔ نظارت بحریه در هیئت وزارت جدید عثمانی در محاربهٔ بالقان نیز کارهای نمایان بانجام رسانیده بود .

کیز

(جنرال وان هنه برك)

یکی از نامه نگاران اخبار « نیشنل زیتنك » که در میدان رزمگاه مشرقی اسباب آرایش را برای عسکرهای جرمن میدید ، بامیر مقام عسکری جنرال وان هنه برك تصادف ورزیده است. این همان جرنیلیست که از طرف جرمنیا انتظام و اهتمام میدان رزمگاه مشرقی را برذمهٔ کفالت خود گرفته است که دراواخر ماه اگست رمقام « تین برك » در « پرو سیای شرقی » فتح حاصل کرد وازان وقت این جرنیل بسر عسکری افواجیکه به جناب « وارسو » اقدام ورزیده مأمور است .

نامه نگار اخبار مذکور مشاهدات خود را

چنین درقید تحریر آورده است

دربیشرویها فاتح محاربات « تین برك » وعدیدهای مصدوری استانه بود سینه اش فراخ ، ازسیمایش صحت و قوت هویدا ، ازروی قدو قامت وقوت جسمانی رهگذران قابق ، ازچهره اش حزم و فرخندگی ترشح مینمود مختصراً ما این جرنیل جرمنی را درچنین فرصت واسطه دیده پس محظوظ ومسرور گشتیم .

اولما بکمال محبت پیش آمده و ابتدا بکلام ورزیده گفت « جمیع کار های من تاکنون به حسن مرام انجام یافته اند دروز عسکرهای من تاه « ژدیکنای » « وارسو » تحرب ورزیده جیوش روسیه را چنان یك شکست درسی دادند که من حقیقة خورسند گشتم در امواج میزم سجوش عسکر های « سایر پای شرق » نیز اشتراك داشتند که بعد ازسفریوم ۳۶ ساعته بحربیکه ازپل تا پل ورزیدند درمحاربه شامل گشتند چنانچه یك جهه جهه‌شان درعقب نشسته واز سیکه بسیار بی ترتیبی هراز نبودند متحمل تلفات کثیر گشتند .

سپس جرنیل بعضی سخنان اهم دیگررا بنزدیکه نگار بیان نمود که نامه نگار از اهمیت فوق العادهٔ آنها امتیاز ورزیده اظهار آنرا مناسب ندید . بعد آن نامه نگار مینویسد : که « جنرال هنه برك مدتها اوسترو بیان است اردو می اوستر پای مستقل المزاج وانرو الغیرت وزینه عظمت میباشد . درکله باری توپخانهٔ روسی درجهٔ اعلی معترف است ولی میگوید که « اگرچه روسها خوب کله باری میکنند ولی مقدار کثیر گله وباروت را بزیا آن تلف وضایع میسازند عسکر پیادهٔ شان نیز خوست مگر رسالهٔ روسی بی ضعیف وکمزور است .

بعد ازان که جنرال کمی دیر در تعریف عسکر های خود رطبالسان گشت طیارهجیان جرمنی را بنزدیکی توصیف وستایش کرد واخیراً متعلق خود این سخنان را بزبان راند « من یکماه تمت دیانیت میباشم وپیام استراحت به جواب میدهم . ملاحظه باید کرد که من پیش ازچند هفته در « هاو ور » یك عسکری پشتن جواری بوده وقتی که اعلان حرب شد من طبعاً خدمات خودرا به حضور امپراطور تقدیم کردم که برای من این جواب آمد که در وقت ضرورت من خواسته خواهم شد پس ازان تاکمدتی من هیچ اخبارات از هیچ طرف نرسید و از پس منتظر ومتمدس بودم مگر بالآخر برن یك طیار خود احضا کردم که من بکار بیامدم و بکلی از حاضر شدنم درمیدان حرب مأیوس گشتم کمدرین اثنا ناگهان یك تلگرافی بدین مضمون برای من رسید که اعلیحضرت امپراطور مرا به قوماندای عسکر های میدان رزمگاه مشرقی نصب وتعین فرموده اند . بنابرین من تنها همینقدر فرصت دست داد که برای خود بعضی کالای گرم بخرم و لباس کهنهٔ خودم را تبدیل دهم . حالا برای من یك قطار مخصوصی کمودن قارهٔ حواب وطعامین موجودبود حاضر شد ومن بهمیت یك شهزاده « پروسیای شرق » مأموریت خویش روانشدم وتا کنون جمیع کارهایم حسبالمرام انصرام یافته اند .

(تعلیم وقایع حربیهٔ حاضره دردارالعلوم های جرمن)

کیز

ناظر معارف پروسیا « جرمن » از روی یك حکمی که درینوقتها صادر گردانیده شمولیت وقایع مهمهٔ حربیه درتعلیمات دروس مکاتیبغوی لازمشمرده است . رئیس تعلیم برن یك تاکید نموده که هر مکتب لابد در حك کردن و نقش نمودن واقعات بزرك زمانهرا بلوحهٔ دلخطال کمین مکتب همت وغیرت دروه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1004 of 1786

وزیر موصوف از کتابیکه مصدور آ بمیدان حریت رفته توانسته‌اند این اسناد بارا گردآورده است که آنها از فرش تشکر آن انتخاصیکه رای برقرار ماندن شرف وحیثیت وطن خونهای گرانبهای خودشانرا ریخته ومیریزند بهاین پاک خودرا مرا توانسته گرد گلدر آنهای وطن لشاعت قصه های بهادری وحب الوطنی آنها را بکنند. وهمزمان مکتب را لازمگ نهال حریت ساکب وطنرا درزمین محبت آ کین دل خود بنشانند تارای استقبال بسیار آوری و روشنی آید.

(ادارهٔ سلطانی)

همدرد ۲۹ دسمبر:

ایستردام ۱۴ نومبر:

اورپانا ناظر حربیه عثمانی اعلان ذیل رابنام غما کرعثمان شایع کرده است:

برادران! مرا عزت لشاعت دادن ارادهٔ سنیهٔ سلطانی مرحمت فرموده شده است. غما کرما یاری خداورسول حریم بطنیل تاج ما ودولت های اخلصانهٔ اعلیحضرت سلطان المعظم ردشمنان مظفرومنصور خواهد گفت.» عبارت مابعد آرا حکمهٔ سالنور اخبارات انگلاری حک کرده است. «عظمت وخصصه‌ی اقدام وزرد. فتح وبهت درپیش رو وموت وذلت درپهلو انتظار میکشد. خدا پادشاه مارا سلامت بداره!...»

(گذا)

(اشاعت رادهٔ سلطانی بحریهٔ جرمن)

سوفیا ۲۱ نومبر:

از قسطنطنیه خبر رسید. که بتاریخ ۱۲ ماه جاری بفرمان سلطان المعظم واوامر پادشاه غما کر دی وبحری عثمانی شایع شده است کهاسیان الدولهٔ فخروکار پرداز وزارهٔ سلطانی درلهای مخصوصهٔ انگلستان، فرانس، روس را باخذ جمع آن مشکلات ومصایبی که باعث بر عثمانی آمده شده نظاداده شده‌اند وچون بیان کرده شده که درین جنگ عظیم الشان که سایر ملت درآن شامل گشته‌اند بتوفیق الهی حاذهٔ جمع آن بیدادگریهای که برخلاف اخترامات دولت وحقوق وحیثیت حلافت مارتکاب آمده اند بکنیم. ودرین اعلان بیاهیارا عنایت کرده که به کمال دلیری وبهادری بردشمن هجوم برند. زیرا اینها برای ملت خودشان بلکه مسئلهٔ بقای سیصد ملیون اهل اسلام رفع ماتحصر است. اورپانا این بلتنرا نیز درآعلان گفته است که «عسکر های دری وبحری ما از اثبات بهادری وتجاعتی کهدر ماه دادماند زبن سخن یکقتیل روشن وواقعیت که انواع تعیم بکل آشکار وزیاد خبوا هد شد. سیصد ملیون دولت اسلامی وهموطنان گذشتهٔ مارای مظفریت وکامیابی ماهست دوما همیشه «پیش روید و همیشه پیش روید!» زیرا درپیش رویتن همواره فتح ونصرت مارا استقبال خواهد کرد.»

(گذا)

(انتظامات جدیده در بالقان)

ویانس ۲۱ نومبر:

اخبار «پوفری پرس» ورتنا رنکیل یافتن یک معاهدهٔ جدیده درمابین دولتهای جرمن، اوسترا، عثمانی ودوسمن میدان جدید جنگدا ازاخبار سیاه گیه مصربسیار اظهار فرحت ومسرت کرده میشود که اگریک ازانها چیزی اصابت کندمالفور از آن ردو سلطنت بکر نیز خواهد افتاد.

امروز یک فرمان سلطانی شایع شده که ازروی آن درجوع مکاتب عثمانی آموختن زبان جرمنی لازمی قرار داده شده است. دراخبار های «ورتنا» خبرهای ساختن یک راه آهن جدید از «وجا بست» تا «قسطنطنیه» شایع شده که ازه عبارت «و» گیو «و» ریسچك «و» ادرنه «خواهد گذشت. زراخط آهن دیل سروی بسبب جنك بشده است.

(گذا)

(گله باری جهازهای جرمن برساحل انگلستان)

از لندن این خبر چند روز شده گاه «اسکار بارو جزیرهٔ پول» چند جهازهای جرمن که باری کرده ودر ظلمات لفات مالیه والسنابیر وقوع آمده دولی جهازهای همه آورده از کثافت دهه انتشاف نموده محبوط برآمده «تایمز» نشر دریك لشاعت جدید خود این سوالرا کرده بود که جرمن ازچنین حله های بی‌نتیجه امید کدام نفع وفایده را داره». کارنیه جرمن گفت «جواب این سوال «تایمز» داده میتوانسته که ا...» تایمز دریك مضمون جدید خود که در یك لشاعت یك سوال کرده که جرمن برسوال انگلاری چه میخواهد! «دردوار بحریهٔ جرمن این سوال اظهار رأی اخبار دل کرده شده است» که تایمز جواب سوال خودرا خود به آسان داده میتواند. چونکه تایمز ومنتر چرچیل بیان کرده بودند که جهازهای جنگی جرمن مجبور ودر بنادر های خودشان بند میباشند. لهذا به سالار با خواست که «موش» (جنگ بجهازهای مالستن کرده شده) هرقدر که فرصت دافت بدون استحصال اجازه از تایمز وجناب منتر چرچیل خود به خود ا سوراخ خود میرود. پس گا هنوز هیچقدر معلومات برای جناب تایمز معبود کفایت نمیکند.»

در چاپخانهٔ عامهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

حق مقالجاتیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر و سرمحرر تحریر نشده

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1005 of 1786

شرایط خریداری			
دار السلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	سیزده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان			
هرجائیکه باشد ۱۷ اجرت چوکات			
قیمت سالانه	[illegible] روپیهٔ انگلیزی	قیمت ششماهه	[illegible] روپیه انگلیزی
نمره ساده الشتراک قبول نمیشود			
یک طلای روپه انگلیزی واسه روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند			

یاد آوری

رقعهٔ کارداران نظامی وملکی وعملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

۱ اگر ازیک جا دیگر جا رو دیو یا شده میباید که یک قصه در وسر محرر اخبر بدهند که من در فلان جا بوده وحالا در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وباشیکر هردو اعلان وانتشار یکه باشند از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمدن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود بسطر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطرش فران یعنی ½ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درون ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطرش فران یعنی ¾ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر به شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطرهای ستون اخبارما (۳ — انچ — ٤ — سونت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متواتباً یکسال نشر کردن خواهد دوروپه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بزیر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1006 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خود را

باد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت ترسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا بدا کتابه مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک حادثه تازه دا کتابه مشترکین گرام ما رسانیدن عهدهٔ خود قبول نمود. مشترکین گرام دارالسلطنهٔ خود را بتتبع وباد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتابه خود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه طبع

کتاب سال دوم ۱۰ ۱۰ مصور طبع

کتاب سال سوم ۱۰ ۱۰ مصور طبع

حزب اسلامیت

آپ چه باید کرد؟

ادیب وطن

توحید

این کتابهای فوق در اداره مو جوداست، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت زهره در دور زمین بهفتاد روز طبع

سیاحت در مو هوا طبع

سیاحت در زیر بحر میباشد طبع

از هرات تا سنی و از هرجن سنی طبع

روضهٔ حکم طبع

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در پغمان از آدا عبدالرؤف خان سررشته دار مکتب کتابهای فوق در بازار آدا چیزهای میبی که در پشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتواند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای فوق را داشته باشد باداره مراجعت کند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1007 of 1786

شمارهٔ ۱۰ سال چهارم

فهرست مندرجات

اعلیحضرت ملکه ثریا و عملیات مهمهٔ جراحی آن

حوادث داخله — وفیات — تغییرات — شدت سرما —

ادبیات — عمارهٔ بهار و خزان کلاه جناب مستطاب — ابیات کلام جناب صبا

حوادث خارجیه — احوال الحوال — تقریر لارد کرزن — مصارف بارود وغیره در جهازهای جنگی — یک مرده ایستاده — کوان جنتدروسها — جرمنها در قفقازیه وارساو ترم اواخذه — غرقاب یک جهاز انگلیزی — عثمانی در قفقاز — اتباع دولت علیهٔ روسیه در ممالک — بیان ایطالی — بیان مراکو — بحیرهٔ — عثمانی و ایران — ایطالیا — یونان مراکو — مدافعت بحیره — حکومت عثمانی و رعایای خصم — دعوای قنسولروسیان — فتوحات عثمانی — ملاقات اشتهاراتی نکره — ملاحظه حدود بیطرقی درعثمانی — بعضی کشتی‌های تحت‌البحر جرمن — حرکت عسکری عثمانی — جهاز مسعودیه — پادشاه فرانسوی در حضور امپراطور جرمن — جرمن در حرب حاضر — سلطان عبدالحمید خان — اجرا عمده — مناسبات امریکه و انگلستان — کلوله باری بر خلیج — قضیه ترکان رکیدی — بلژیکیان در عثمانی — مسجون مرکب — هندوستانیان چرا از سلاح محرومند — امریکا و مکسیکو — خواص ایدن در ویدرا گلستان حلیف جدید جرمن — باقی غرقابی جهاز فارمیدبل — بیان جرمن در خصوص غرقی شدن فارمیدبل — اعلان غرق شدن دو جهاز —

تصاویر — تلاش فرح فزا زنان اعلیحضرت مراح الملکه والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه حضرت افغانستان — عملیات جراحی — پی از رقم ترمیم شده و اتمام یافته — موجب ارشاد ما کنه درمانخانه جاه دارالسلطنه کابل مستوفی وزیر ساخته شده — پی که زخمش جراحت شده پی از قلع میده — نوعه قبل از عملیات — عملیات عملیات — اب چک — قبل از عملیات و عملیات عملیات — عبدالحمید که سی که روم قوت روده اتی بریده — نوعه — قبل از عملیات و عملیات عملیات — جناب عبدالوهاب خان قلابچه حضوری اعلیحضرت ملکه‌ثریا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1008 of 1786

اعلان

از صانع پرورنعمای دان سنوده صفات اعلیحضرت شهریار ابد وقرن پادشاه زفیجوه دولت علیه الظلیه وسی وهفت جناب جریل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالصنایع کابل علاوه براجرای صنایع دولتی وهنرگری مانند آلات حربیه مطبعه واوزنلوزمه های صاحب گرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از آن اهالی وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عمومی ، ز درباز ارگ) میباشد .

(۱) سرخ های پشمینه بالی رنگهای مختلف کثیفت آن از قرار گرانکیری ۳ تو ۵ ملحقی شده در صندوقخانهٔ جنبی هم فروش میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم وقماشی کثیفت آن ۱۰ هزار ذرعه
رقم	کاملساخته شده	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ
قیمت	۰ روپیه ۰ پیه	۶ روپیه ۱۱ پیه	۵ روپیه ۴۸ پیه	۰ روپیه ۹ پیه	۰ روپیه ۱۸ پیه	۰ روپیه ۲۰ پیه
		۶ روپیه ۴۲ پیه		۹ روپیه	۹ روپیه ۱۰ پیه	۱۰ روپیه ۲۰ پیه

کثیفت های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکیری | کثیفت رجیمانخانه ۷ روپیه ۳۵ پیه | کثیفت رهدار عرض ۱۲ روپیه بیست پیه

(۲)

رقم	چراب ها			نگه‌های چرمی محراب ومنبردار		
	تکمه‌بانکه زوج	راهدار زوج	مصول زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیه	۴۵ پیه	۳۶ پیه	۱ روپیه ۴۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۰۵ پیه

(۳) کروره های جدید ساخت

رقم	زمانف عسابیه دوکره صوف دارکره بالی یك اسپه	دو کره سه کره	چرم بالی یك اسپه	یك اسپهٔ چار کرهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیه	۹ روپیه و ۲۵ پیه	۸ روپیه و ۴۲ پیه	۶ روپیه و ۱۱ پیه
رقم	چرم بالی دسته دولاه یك اسپه	دسته دولاه یك یك اسپه	دسته دولاه یك یك اسپه	چرم بالی عرکاپی
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیه	۴ روپیه و ۴۶ پیه	۸ روپیه و ۲۳ پیه	۴ روپیه و ۱۳ پیه
رقم	قبضه کلیت قره از چرم بالیه نوبخانه	قبضه کلیت قره از چرم بالیه نوبخانه	زه بالی رقم سواری سالی کلیت	زه بالی دو کرهٔ دکان
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیه	۴ روپیه و ۵۷ پیه	۵ روپیه و ۹ پیه	۵ روپیه و ۵۴ پیه
رقم	دکانی ازغ	چرم بالی میانه چوب پت زناه	ازدن سواری تیغ چرمی	زناه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۵۵ پیه	۵ روپیه و ۸۹ پیه	۴ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه و ۸ پیه
رقم	دسته‌ادای تیغ چرمی	دستهٔ دولاه‌سای زخمی کلیت قره	از زن سواری دولاه تیغ چرمی کمتک دار	چرم بالی مابین پت یك اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیه	۴ روپیه و ۵۵ پیه	۴ روپیه و ۵۹ پیه	۸ روپیه و ۱۴ پیه

(۴) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرون	گل نارمان	گل ریه	گل نیلو
قیمت	۵ ریه و ۳۶ پیه	۶ روپیه و ۶ پیه	۹ روپیه و ۷ پیه	۶ روپیه و ۳ پیه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیه	۹ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه ۴۸ پیه	۹ روپیه و ۸ پیه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۹ روپیه و ۳۵ پیه	۷ روپیه و ۱۲ پیه	۹ روپیه و ۵۴ پیه	۶ روپیه و ۵۴ پیه

المشتهر

(سید محمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کندهار نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1009 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۱۰)

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف واجنبه ممالک
۱۰ روپیه کابلی
در خارج ممالک
۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت نسخهٔ آن در کابل یکصد اند

(اوراق گمدرج نشود اداده نمیشود)

محمود طرزی

مدیر و مسئول محرر

اداره در خانهٔ شفاخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ هجری قمری ربیع الاولیه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۷ جنوری تاریخ شمسی ۲۶ جدی ۱۲۹۳

﴿ شفاخانهٔ ملکی ﴾

(وعملیات مهمهٔ جراحی آن)

یکی از مأثر حسنات سراسر خیرات ومبرات بان شوکتمسات پادشاه عدیم الاحسان ما (اعلیحضرت سراج الملة والدین) امان الله دولته باقیر والتمکین ، (شفاخانهٔ ملکی) دار السلطنهٔ کابل است که همه روزه بدعا خیر از اهالی ممالک محروسهٔ طیبه ، ومدت دولت ابد پیوند شان بذکر جمیل یاد میشود . غیر از معالجهٔ طبیه ، ودوا دادن مجانیه برای خوانندن چهل تخریبهای مزمنه مخوشها — یعنی او تلها — ی بسیار منظم وهوا داری را نیز عاریست که در هر یکی شش شش جا زن های آمدن مفروش باز خطوطهای بسیار باز وطیب واجبه لوازماتی که دروقت حاضر رایج شفاخانهٔ عالیات مدنیه لازم باشد موجود دارد ، حمام ، اتاق ، خورنک ، دواخانه ، عملیات خانه ، آشپزخانه وسایرهٔ آن از نقطهٔ نظر فن بامطول بسیار درست وخیلی مکمل میباشد .

سررشته دار وسر طبیب شفاخانهٔ ملکی جناب عزتمند (داکتر مرت میر بیک) جناب است که در فن داکتری وجراحی صاحب بطولا ومهارت قطعیه میباشد ، دست مهارت پیوست داکتر مشار الیه در شفاخانهٔ مذکور بنظر در ایامد سال چند عملیات جسیمهٔ جراحی برجان اجراس سخت صعب العلاج اجرا نشده که انسانرا حیرت دست میدهد . مثلا بسیار وقعا که بسبب تکنیکی استخوان قولانچه پرچه شدن استخوانهای اطراف که بایکر هوارض گشته وجویده شده ، وحوف تأثیر رض تاکی آن رینگر اعضای وجود ماضوط بوده ، از شدت از آلو بازان عملیات زمین اجرا کردیده است . بسیار غدود ها وجوده ها عملیات جراحی تداوی وشفا یاب کردیده است که بعض از آن

[illegible] بدرجهٔ یک حوزهٔ بزرگی بوده است . عملیات کشیدن سنگهای مثانه متعددهٔ بعمل آمده است که بعض از ان سنگها تقریباً یک پوکایی وزن داشته است که جسیمه درهم پوچیزه . عملیات بسیار مهمهٔ پرعلت « فتق » — یعنی چرمبر — اجرا شده است که بعضی ازین عملیات اهمیت فوق العادة را دار است . از جمله عملیاتها یک عملیات بسیار عجیبی ست که درین روز ها اجرا شده ، وضمن دوقوت از رودهٔ داخل شکم که خراب شده بود ، وزند کانی مریض آنرا به تهلکه انداخته بود بریده شده ، ومریض شفا یافته است .

این عملیات چون از کارهای بسیار دشوار وخیلی مهمهٔ جلیل طبی شمرده میشود وسایرهٔ فوصلات آیهٔ اعلیحضرت شاهانهٔ در شفاخانهٔ دار السلطنهٔ کابل اجرا شده است اقرار راپور خود جناب داکتر میر بیک خان که عملیات مذکوره را بعمل آورده است تحلیلاً در نظر ناظرین گذاشتن خود را از عملیات مهمهٔ جراحیه شفاخانهٔ ملکی واضح کرده ، راپور مذکور چون باصطلاحات فنی نوشته شده ، بعضی ازان اصطلاحات بشرح عنایج است که مابقی شرح وتفسیر آنهارا در فوسهای معلومه نوشته ایم .

﴿ راپور طبی ﴾

عبدالغفور ولد عبدالعظیم نامشخص ، از سیاه سالیا مریض « فتق » — یعنی چرمبر — « صلاشده بود ، روزی از روزها ازان فتق او اختناق — [خنکی] — پیدا کرده بود ، راجالت مرض کوبک ساخته بود ، ازین اختناق فتق — [خفه شدن چرمبر] — تأثیرهای نامطلوبه یعنی قطعاً ، ومتعاقبها — [متعاقباً] تشنجاتی را موکوبند که نواطب را نخواند ، وشهادتنامه مذکوره بشتند وطابت کنند] — تاخیر وزوال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1010 of 1786

خود مانده بود . وچون درد و الم مریض چاره را قریب الموت کرد اورا رها کرده بشاگرد آوردند . بعداز معاینه دانستم که هیچ سیر ودرمان بکار نیست . چرا که اگر یکروز دیگر بهمین حال باقی مریض هلاك میشود . بنابرین درهمان روز عملیات آرا اجرا کردم . بعدازاره کردن دیدم که بقدر۷۵ سانتیمتر ـ یعنی تقریباً بیشتر ازدوقوت ـ زودهٔ مریض چاره گنده وپوسیده شده بسراسر بیکار شده است . لاجرم همان مقدار زودهٔ خراب شده را بریده بیکسو افکندم لکن مریض ماچون از بحران بیشتر بواسطهٔ قتق کرفتار آمده احوالش بسیار ابتر و بیلکه اوزنده بود . ازالنسب دونوك آخری زودهٔ را که بریده چدم درهاروز دوختن . ودر اندرون شکم درآوردن ممکن نبود . زیرا اگرچنین میشدهم مدت عملیات دراز میشد . وهمزدهاق مریض درصدی دودوبه خیلی زیاد میشد . ازاینرو عملیات « شرح حرقی صنی » را ترجیح داده اجرا کردم . ـ [شرح حرقی صنی یعنی مقعد ساخته کی ـ یعنی دونوك زودهٔ بریده شده راه بپوست برون شکم دوخته ، وهمرای مزخرقات را ازراه مقعد اصلی کی . بانك ازین راه بیرون دادن است .] ـ

روز دیکر ، درجهٔ حرارت مریض باحال طبیعی وانتهاش بازشده بود . بعدازیکهفته خیاطهائیکه زخم بآن دوخته شده بود برداشته شد . احوال مریض بصحت رو نهاد . امابدنبی که اعضاء طبیعیه ـ [یعنی فضلات ومزخرقات] ـ ازاجرای طبیعی ـ [یعنی ازمقعد] ـ بی آمد . وازشرج صنی ـ [یعنی ازمقعد ساخته کی که ازمعده شکم ساخته شده بود] ـ برون میآمد . طبعاً اینچنین منظره کریه وعبرت آور دیده میشد . باوجود اینهم چهار چاره ازحال خود خشنود بود . وچون ازان درد وحال های مرکبی خودرا خلاص میدید شکر خدارا بجاآورده بحاسنا حت کام بسر می آورد . بعد ازیك دو سه ماه که زندکانی چهار ازتهلکه خلاص شد وخوب قوت وصحت کرفت . وازخیلی هم بیامبا التیام پذیر کردید قرار دادم که عملیات « کسور نالطفی » مغربی « را اجرا کنم . این عملیات خیلی مشکلتردوبو بار عملیات شمرده میشد که تفصیلاتش ازقرار ذیل است:

اولا : آلهٔ که اراده بحزج امعاء » ـ یعنی پاره کنندهٔ روده‌ها ـ میباشد . واختراع کردهٔ « دوپویترن » تاموجراح میتواندازهر دوفتحهٔ مفطوعهٔ امعاء ـ یعنی ازهردو شکاف بریده شدهٔ روده در آورده واز داخل . هردو روده را باآن آله بیکدیکر التصاق داده آنه را بحال خود وا کذاشتم . بعدازیکهفته آلهٔ مذکوره هردوروده را بایکدیکر از داخل چسبانیده خود بخود بیفتاد . اما چون دیدم که مسافهٔ انشراك دوروده خیلی کوتاه هست برای آنکه مبادا بعداز یکهفته سرد وباره یك تنکی وفشاری حاصل شود ، وموجب تهلکه کردد از النسب باز آلهٔ مذکوره را دوم بار ازالتصاق داخل درآورده تطبیق نمودم . بعداز یکهفته آلهٔ مذکوره بازمانند اول کار خودرا کرده بیفتاد . درین بار دیدم که جای انشراك مدرجهٔ کافی بود . لهذا فتحهٔ جنبیه ـ [یعنی سوراخی را که برپوست شکم برای شرج صنی یعنی مقعد ساختکی] باز کرده ودر بصورت دوتاه محکم دوختم که به بینصورت جریان طبیعی امعا ـ [یعنی جاری شدن مزخرقات ازراه مقعد اصلی] ـ بازبحال اصلی خود برکردید . ودایمه جاین کیف شد که وقت شاهجان روز ازاجرای طبیعی ـ [یعنی مقعد] بازات معاینه ـ [یعنی بادرودها] ظهور نمود . ودر روز دوم ازاجرای اصل دفع طبیعی عمل آمد . ولی چون محل جرح ـ [یعنی جای زخم که برای مقعد ساختکی] پاره شده بود] ـ نسبی که بقوی ودرستی پاك شدن آن امکان نداشت ازاینرو باز درآن زخم بوخته شده بات شکافی پیدا شده مزخرقات ازانجا براهمن کرفت . لکن بازهم برای ماچیقدر منفعت حاصل شد که زیده ازنصف زخم التیام پذیر کردیده بود . بعداز چندروز باز آن شکافی را بدوختم . ودرینبار اکرچه بازنصف همان شکاف التیام یافت ولی بازهم یك شکافچك کوچکی باقیماند . اما چون دانستم که این شکافی بتدریجاً صحت یافته ، نقص جنابت ه ـ [یعنی کثیف شدن وبهم پیش آمدن کوشتها] ـ خود بخود التیام میابد بهار چارهٔ خودرا بدوسه ماه ازدیدن خانه واطفال خود محروم مانده بود رخصت کرده که بخانهٔ خود رفت . شکاف مذکور بایکمدتی بافتاد وروز بروز کوچك شده رفت . تا آنکه فاعدهٔ نقص جنابت بتمامیا احکام خودرا اجرا کرده درین روزها سراسر التیام پذیر کردید .

بسیار شکر میکنیم که ازاینکونه مریض مبتلای که درمدتی بعد موجب هزار مریض دیده میشد امروزه زور درخانهٔ خانهٔ « ملکهٔ دارالسلطنهٔ انکلستان » کابل شتابتاب کردید . واین بست مکرار فیوضات مکاره غایات ذات شوکت ومرحمت سمات اعلیحضرت « سراج الله والدین امیر حبیب الله خان » ادام الله دولته واقباله که بانی حقیقی وسایر متفرقی « شفاخانهٔ ملکی » شفاخانهٔ نسوان میباشند وبك توجه ومرحمت خاصی داخل آن ابذال میفرمایند . حق از کل مراحم واشفاق شاهانه محل غریب شیرازهٔ نظم حفظ صحت نسوان السلطنه سردار عالیمقام والنظم راه نظارت وبانوی آن تعریف فرموده‌اند که ازسعی وهمت متوالیهٔ این شیرازهٔ بحسن مقصود وترکوی غیو رشفاخانهٔ « ملکی » کابل ازشفاخانه های بسیار مکمل منتظمی شمرده میشود که مانند این کونه عملیات جراحیهٔ بازك ومهلك دران به آسانی اجرا میشود .

بنابرین مرض تکرار ومتداول ازواجبات دانسته هم ازطرف خود ، وهم ازطرف آن چهار چارهٔ خود مان که ازیك مرکك محقق رها یافته وشب وروز ازتکرر ثمرت وشکران میباشد دعای واجب الادای ذات اعلیحضرت پادشاهیرا تذکار وتکرار میکنیم .

چون این عملیات جراحیهٔ مذکوره ازعملیات بسیار مهمه فن جلیل طبابت شمرده میشد ازاینرو درج شدن آنرادرجریدهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1011 of 1786

فریدهٔ ، مزاج‌ها لاسیما قضائیه ، از مناسبت خالی نباشم ، زردی عمارات قطع امعاء ، — یعنی پریدن دوده ، درحد ذات خود از عملیات مشوار جراحی محدوده است ، امااگرمیل سانتیمتر ، یعنی تقریباً یکسیم فوت پریدن دوده بسیار وقوع آمده ، وعریض آن شمایله است ، حالاً آنکه ۷۵ سانتیمتر ، یعنی بیشتر ازدو پم فوت پریدن دوده ازاندرات است ، باقی توقفات الهی را بایدازحق خود بیارم دوعای پادشاهی را ورد زبان دارم .

تحریر فی ۱۲ صفر سنه ۱۳۳۲ داکترعلیخان

حوادث داخلیه

وقایع — طرزان

سرآسید محبوب‌خان که یک زنگ قزاقی بوده ازمأمورین وکارگذاران صادق‌ودرست کردار دولت شمرده میشدند ، وپسر رشته‌داری سابقهٔ قطغن ودخشان مأمور بودند داعیٔ اجل را لبیک اجابت کفته بموش‌شان جناب‌میرزا قمرالدین‌خان سررشته دار ولایت مذکور مقرر کردیدند .

جناب عالیجاه عزت همراه‌علاء علی‌الدوله‌خان کاتب‌لطنت‌کومه صاحب قطغن ودخشان بتاریخ ۱۹ محرم بجوار رحمت ایزدی پیوسته ، بموش‌شان جناب عالیجاه عزت همراه باطر محمدصفرخان امین‌الاطلاعات ازحضور اعلیحضرت‌ظل‌الهی مقرر فرموده‌شدند .

جناب محمد اختر خان پسر ارشد باطر محمدصفر خان بجای پدرخودشان امین‌الاطلاعات مقرر فرموده شدند .

شدت سرما

ازقراری خبری که ازشهر خان آباد علاقه قطغن بمحکمهٔ اطلاعات درباب برودت هوا رسیده است چنین میباشد که بتاریخ غلغله ۱۳ شهر صفر بارچن برف ظهور کرده الی نماز شام روز شنبه ۱۵ شهر مذکور مداومت داشت درحدود خان آباد تخمیناً یکنیم جارک ودر اطراف آن نیم زرع‌برف شده ود بعد ازان خنک وبرودت هوا آنقدر شدت نموده بود که اندازه نداشت درروز شنبه ۱۵ علاءعلی‌الدین خان بافغانیاتی که بیرون شهر خان آباد سکونت داشت بیان نمود که پیوم مذکور ازخانه برآمده‌سراغ تاکلان دوغرشخص‌را دیدم که بسرانپیوش لحافه مرکب های شان استاده بود هردوغرشان‌را برکب سوار کرده بخانهٔ شان برده انداخته پس ازهوردیکشبانه روز بهوش آمدند معلوم شد که یکوم طب چوب چیدن میرفتند نخدمکور ازشدت سرما بیهوش شدند — ودر یکشنبه غره شخصی ازطرف جاده بیشکی علاقهٔ خان آباد می آمد درحین راه ازاضافهٔ سردی از مرکب لطنیده پای مرکب خودرا محکم کرفته هم چنان هوت شده بود ساکنان تورچی مذکوربش آمده بودندتوفای‌مذکور را که دیدند میت اورا بخانه اقوام او رده‌سپردند — ودیز روز مذکور یکنفر شخصی ازمزار شریف بخان آباد می آمد درحد قندوز توابع خان آباد شش‌فرد کرک اورا دوچارشدند درآنوقت دو نفر سوار پیدا شده نامبرده را از چنکل هلاک مذکور نجات دادند — همچنین یکنفردیکر خوشوقتانه ازشور آب‌علاقهٔ خان آباد خطوط مقتدرهٔ خان آباد می‌آورده درحین راه چهار کرک بنامبرده یورش شدند — تقدیراً که سه سوار از یکطرف پیدا شده نامبرده‌را از هلاک نجات‌دادند

ادبیات

محاربهٔ بهار وخزان

کلام جناب مستغنی

خزان آمد که کرده‌یکدیکر — کلستان بوستان پردادو پر
خزان آمد که سازد باز حالی — کنار ازساده وازباده ساغر
خزان آمدکه‌ستان را کند باز — بطی حالی از خون کبوتر
خزان آمدرعیت‌ازمی دکرباز — چو کل آلوده لب روسیم
خزان آمد کهدیکرباره چو بیار — رک کل را زند ازخار نشتر
خزان آمد کهازاز سردمهری — رباید از عروس باغ زیور
خزان آمد بتاراج کلستان — اناث الیت کلشن رویکسر
خزان آمد سپاه دی بدنبال — پی جنك بهار آورد لشکر
خزان‌بار نلدزره آمدکه‌نبکت — که این پیاری خزدز پسر
خزان‌بن مروت آنکه درباغ — بخون ناحق کل بست خنجر
نه ورشد سد راه توبه دیوار — ندانم از کجا زدبن بلاسر
سپاه‌آورد پیش‌ازبرف‌وباران — که کوه‌ازبرف خلی‌ساده‌وی در
چنان کافور باریدار بهمن — که کرمی‌دور کرداز طبع‌اخکر
زمین‌را پنبه پوشانیه‌از برف — کهشاخ کل کند عریان‌وبی‌بر
زژاله سنك باران پسیاپی — کلستان زادهدهاز رخت وسر
فکند الوا کلو سرو پیاده — سواران جن پی کرده یکسر
کسست آسان کندزاف‌سنبل — حریرین جامهٔ کل کندازبر
شقایق‌را زجوداً سرخ‌چستار — همازترکس کرفت آن‌زرد معفر
زپای‌سرزه چون کرد شلوار — زفرق غنچه‌برد آن‌سبزمعجر
یکی‌نکذاشت‌ازشبرنگ زکس — ابوش خسته‌وحیران‌ونشدر
دهان غنچهٔ کل کرده پرخون — نوکوئی‌بخت‌دشمانش‌سراسر
چنار بوستانرا چهره پرناف — لباس بید بیرون کرده ازبر
درین ایام سرما بیمروت — کشید ازکل قبالز غنچه‌چادر
پریدازبم اوبر تك ازبرخ کل — کلستان کشت ازوی‌رنکخیکر
چنان‌احوال‌کلشن‌شدکه‌کرکون — کهی‌دیدن نخواهی کرده‌باور
ریاحین زاده کلن‌بزك آدام — چن روزده کان نکر بود
همه‌غنچه دهان ولاله‌رخسار — همه‌سو سن نارند نسترن‌بر
سراسر کلرخ ولسرین‌ساکوئی — نما می سرو بالاو سمن بر
چوزکس آن پی‌چشم‌شهلا — دکر چون سنبلش زاف‌معبر
چن رویان که میدیدی سراپا — سمن‌ویان که میدانی‌سراسر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1012 of 1786

شد از دست ظالمان ستمکار سرا پا غبار در و خاک و در
بحکم تاجه کردند بر ما مسلمان کهن این طاق نشیمن بر کافر
چه خوش تنها خورد پیشانی خود جو چه جو پارهٔ تن بر جانان ستمگر
خوران زهران رنگین دستار همه زان بی‌قدر خدا است بیزار
جنان در وقت او شد بانوی برگ جنان در عهد او شد تاج تیر
چنان بی آشه گذار امروز کجا زد حوض آبش خانه در سر
چنان شد طالع فوار دمکوس کجا کنون بر گذشت آن آبش از سر
فتاده آبشارش زان بلندی که می آمد صدای او سکرد
لب جو خشک گردد از لب من که چندی بود هم چون دیده‌ها تر
نیابد جزش آب رفته در جوی مگر آید بهاران بار دیگر
بهار آید که باز اندر گلستان ز سر گیرد مستان دور ساغر
بهار آید که از هر گوشهٔ باغ بگوش آید صدای نای و مزمر
بهار آید کهازا آن سرو سیمین خرامیدنوی کاشی بار دیگر
بهار آید کهامن از سر لطف رود سوی چمن آن نازپرور
بهار آید کسازد یار ترکش ز رو سیمی کهدارد در ساغر
بهار آید که از عطر دلاجین دماغ مالی عنبر سنبل
بهار آید که خواهد بازقری بلند اقبالی سرو و صنوبر
بهار آید که خواهد باز بلبل ز گل شرح گل گلشن نوشد
بهار آید که گردد سبزه نوخیز بهار آید که گردد شاخ نور
چو آید نوبهار ای نوردیده مکن چز عشقبازی کار دیگر
که خوش باشد دراین ایام بهاران لب ساقی بگیرو می بساغر
مکرر چوسه دادن زلب یار که شیرین تر بوده قند مکرر
خوشست اندر بهاران شور مستی گهستان قارغ از اندوه و غیرت
چرا از کف گذارد ساغر می چو ترکی هر کرا باشد میسر
چه خوش باشد که یار از باده سرمست مرا مستی ز چشم مست دلبر
لب یارو لب جاپو لب جوی چو یکجا دست داد از هر چه بهتر
بهاران میرد گلشت ز خاطر زمانی جانب گلزار یکبار
گهی بی لاله‌رویان دسته دسته چو هر یک زو یکی دارد تر
بیکسوی نوای نار و طنبور بیکسو قلقل مینا و ساغر
بیکسو کلرخی از باده سرمست قدح بدست و مینا دسته دیگر
فتد کمتر بهره آن از روی مستی یکی بر گل یکی بر سبزهٔ تر
بیازو عشوه و لبهای رویا صنوبر قامتان هر یک زو یکر
ز دلبر تر کمن بی گل چهره چشمک که آخر سوی ما یکبار بنگر
روی شاهد گل جوش شبم گل رخسار جانان از عرق تر
دهان تنگ یارو غنچهٔ گل ندای هیچ ان پیمان نکو تر
رباید سبزهٔ تر چون خط یار نماید سرخ گل چون لعل دلبر
شود از غازه کاری عارض گل به آبجو آب چون رخسار دلبر
برافراز د علم سرو عالمدار رباحین جمع سازد باز لشکر
پیاده خیل خیل از سبزه و گل سوار منصف از سرو و صنوبر
جوانان چن گردد مسلح دهد هر کدا میدا صنوبر

بگرد بگری در سبقت جنت صنوبر را که میگوید دلاور
کند چون چین گه خوش سنبل گمان گیرد بشاخ نور
ز هر در گشته یار شکوفه بهر سوسن کلاه خود بر سر
خود خویش گیرد مجمعه در دست قد در دست نرگس باز نشتر
سپر پوشد بکف گلبرگ گل کف نسترن گیرد سپوهٔ تر
چنار از آتش پرون کند دست دراز برگ برگ بید خنجر
بپوشد جامهٔ صدلای صد رنگ رخت آرا این شیوه خوشتر
شود این جمله در کار چو جمع بی جنگ خزان آماده یکسر
نسیم صبح کاهی این حکایت چو چند یک بیت ازی گوید بگوید هر یکا گلشن گلشن رساند جاها کنون بکنون
خزان کرد از این هنگامه آگاه روان اندر تب لرزش پیکر
زچش زرد کرد رنگ رخسار گرزه از میان چون بادصرصر
نگوید بهاران تم گلستان نیاید سوی گلشن باز دیگر

چه غم است این که یابند رشک گوهر
توئی امروز مسنی درین شهر
سخن‌دان و سخنگو و سخنور

(کلام خیام‌نیشابوری) ملخص

عرض اقبال بشه از اعتبار مالش است
خرمن جاودان از کشت زار دانش است
میرسد انسان باوج عزت از کسب کمال
افتخار هرمنه اندر فخار دانش است
عز را اعزاز کردن برتر از جاه و نثار
برتری استعمال هر در نثار دانش است
مست مردانند نیم از شراب عقل باقی
کبرت از یقینین از خمار دانش است
از بساط جهل بیرون نه خدا را بشنوم
هرچه بی خوانی جبر برهان دانش است
عندلیب گفتن تحقیق جویان اگر
صید اینطلب چین در مرغزار دانش است
یکقلم در عرصهٔ امکان نگه گردانم
برتر از اشیای موجود اختیار دانش است
رخسار حلیه‌زوه گیرد از خط تحصیل و شتاب
برتحصیل کی طبر آنجا دیار دانش است
بست جز اندوه این دنیا دانش جمع
جمع و نقص آن جهان هم جز جهل دانش است
از حضیض ذات اندر رفعت کیوان رسد
هر که در نقص فرصت اقتدار دانش است
ای عزیز دریغ ناموس وطن را دانش
هر که بتواست الحق وجدار دانش است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1013 of 1786

دانش از الطاف یزدان جل‌شانه اوست
ای خوشا خاطر که آنجا در کنار دانش است
زود باش ای خامه بر اوصاف آن شاه جهان
زانکه مدح حضرت اولاقتدار دانش است
شهریار پرصفات و خسرو کم‌کین و وقار
زانکا عدلش رو بتدمیر تبار دانش است
دوستانش فرق عزت بر فلک افراخته
دشمنان در قید رأی سنگسار دانش است
کوم از اوصاف این اخبار پرفیض و اثر
زانکه اینجا مرجع اشعار دانش است

زهی پرتاب می‌شد هوای کاشفش
در حقیقت این چنین یکسر بیار دانش است
آن ادیب کامل الاطوار را زیبا نگر
فائض از جوش معانی لاکهزار دانش است
در سرا پایش نمی‌بینم بجز عزو هنر
لاجرم زآغاز معنی سرو جاودانش است
گرچه میلو از کمک عقل بیرون مانده است
گفتگوی نکته‌اش عیناً هنار دانش است
فقط تحریر چهارشنبه ۲۷ ماه محرم‌الحرام سنه ۱۳۳۳ دستخط
حقیر حداد بیک مخلص میلو

«تمثال فرخ فال»
ذات شو کتیبات اعلیحضرت سراج الخواقین پادشاه ترقیخواه دولت علیه خود مختار
افغانستان که در همین روزها عکس گرفته شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1014 of 1786

از عملیات پای چپ

پای که زخمی شده بود ـ یعنی عوض شده و دیگر درد ندارد

پای راست بریده شده و التیام یافته

بموجب ارشاد «آگر» در مالتیسانهٔ نوابالسلطنه کابل پای مصنوعی برایش ساخته شده

موقع از قبل از عملیات | بعد از عملیات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1015 of 1786

حوادث خارجه

اجمال

هرقدر که احوالات حاضره را تحلیل کنیم مفصل آن همین نتیجه بر میخیزد که این جنگ جهان نه طبع آن معلوم است ، نه شکست آن ، نه مجهول ، نه‌ای طبق مراد معلوم ! بلی ، اگر جرمها از هر طرف درمیان یک مقایسه ، ومعادلهٔ درست حساب کرده میشد ، واز همه مجهول یک معلوم پیدا میشد ، افسوس که همه جرمها از یک منبع ترشح میکند ، ومعلوم است که « تساوی زمانه در روش است » کس نتواند که دوغ من ترش است ، و ما بودن اینچنین گفتن مشکل است ، وچون بوجود اینهمه بیان گرفتن جرمها ، وبیانات پیشقدمی وترقیها بازهم یک جرمی که از یک طرف سایر ارکان شهر معروق شده بود مقصود است اعدا را مایل ترقی کرده ، پیشانند ! امادر جگا ، در کدام شهرها وقصبه‌ها ! جرمنی تنها و خندقها و کرهیج !...

مثلا از جرمهای رسمی بدوگراند وقت روس مفهوم میشود که روسها از جرمنها و ترکها پیراهنها امپروشوب واسپر وغیره اسیر گرفته ، ولیکن از شکستهای فاش دادند ، اما در جگا ، این است که آن « جگا » در حدهٔ خودروس میباشد ، چرا که اشکار آن فعال است ، وگرنه از اشاعهٔ گرفتن این وقت طاهیه نیز چه داری نمیشد ! آیا ! اگر از ابتدای تشر جرمها وجود حقیقت واقعه شمه هرچیز را انسان باور کرده میتوانست حالا که در بوقت بازوشدن جرمها هاست . لاجرم از اخبار هائیکه به آن دسترس میشویم که آنچه عبارت از اخبار های هندسانست هر انگلیزی که ترجمه شود برای استحضار قارئین کرام خودداری میکنیم .(۱) تا وضع جرمها نظر عبدالرحمن خان هزاره از اروپا عارضی ترجمه شده است

(تقریر لارد کرزن)

لندن ۷ ماه جنوری . جرمنی تحت رکن

ملک بلجیم را کتر صهٔ فرانس وغیره میباشد ودر اضطرار خوراک وسامان حرب وکوب وقت ظاهر هیچ قلت واقع نشده است ودر اعداد سپاهان برهیچ کس محسوس نشده است ! گرچه حالات دلخوش وماوس کن نمیباشد لا کن دلیری وعزم باطنی ودور اندیشی بکار است — چادری سپاهیان ودهقانان جرمنان وتراکم بهر سایبان سپاه وسامان حرب ملک قابل تعریف میباشد لا کن سوال این است که تعداد انواع نسل بحث است علاوه از انواع که حفاظت وطن خواهد (انگلستان) خواهد نمود جیش جدید بکار است واین امر خیلی ضرور بود ، بلکه اخیر است — میزان هدفی که اینقدر نفری از کلهم خواهد رسید —

(بیقدار)

(مصارف بارود وغیره ، رجهازهای جنگی)

اگر ۲۷ دردنادوت هائیه ۸ ساعت بلاوقف حرکت کنند قریب ۴۳۲۰ تون زغال سنگ که قیمت آن معادل به ۳۰۰۰ پوند

باشد در آنها سوخانده میشود . واگر یکدستهٔ بحری ۸ دردنادوتها برفتار متوسط ۲۴ ساعت پیهم حرکت داده شوند واز جمیع کوپاز کشتی‌های خودشان یک یک تون زیاده صرف کنند قریب ۲ لک پوند برآن خرچ خواهد شد درین حساب شکست وریخت جهازها و آلات حربیه داخل نیست .

(گذا) (یک صربهٔ ایستاده)

واکثر های عسکری فرانس یکواقعهٔ بسیار عجیب میدان جنگ را بیان کرده اند که در یک جادهٔ دلدار یک صربه ایستاده دیده شد که تمام خودرا بجنان یکوضعیتی کرفته بود که گویا حالا برسینهٔ کدام جرمنی آرا جای خواهد کرد واز تحقیقات چنان معلوم شد که درحالیکه او میخواست که برعدیق غیر کشته که ناکاه یک دشمن بجانش رسیده بجانبش کوخت استاده ساخته است .

درجنگ‌القان بزجنان یکواقعه بظهور پیوسته بود که یکسپاهی بلغاری درانثنای که بی خواست که قطعه را آتش بعد کار از طرف مقابل که رسیده‌اش خورده بجانبش استاده کرد .

(گذا) (لاوان جنگ روسیا)

اخبار « استروبول » اینوزب رقمطراز است که روس بدمضمون یک اطلاع به جرمن فرستاده است که روس اگرچند شهررا که در قبضه خود بیاورند از آنها دوباره کوان جنگی که جرمنها از شهرهای تخلیه کرده اند کوان خواهند کرفت . [یعنی از شهرهای پولند که جرمنها وبلشهرهای قفقاز که ترکها کرفته اند ...]

(گذا) (جرمنها درقفقاز و وارسا و بیالستوک)

لندن ۲۷ دیسمبر :

تلکرافی « وارسا » مشعر است که « طیارهٔ جرمنی بعدام « سلوجازم » که در نزدیکی وارسا بعد چند میل کاین است ۴۰ بم انداخته که از آن ده طیاره‌ای چوبی آتش کرفته ویک بزار بایسی کوچهای ملحقهٔ خود یکلی نیامده . یک بم بزیک جمعیت نفری که درحال فرارودند افتاده که از آن ۸ نفر هلاک و ۲۲ نفر مجروح کشته .

(گذا) (غرقاب کجهار جنگی انگلیزی)

لندن یکم جنوری :

هکمیهٔ اخبارات اعلان کرده است که « فارس ویل ۷ ماه جهاز جنگی در روبار انگلستان اغراق کردیده است :

از خبر به عدم‌مفهوم میشود که هنوز این یک تحقیق و مصدق نکردیده که آیا « فارس ویل » یک مرکب بحری مصادم شد و یا کدام کشتی تحت‌البحر از اغراق ساخت بهرصورت یک کروزور انکلیزی ۷۱ هزار لیرهٔ آنرا نجات داده توانست . جهاز مذکور ۱۵ هزار تون موزون ومدرسال ۱۹۰۱ ساخته شده بود ودر سالهای ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱ دوباره بالسباب و آلات لازمی حربیه مجهز کشت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1016 of 1786

ژنیف‌دار :

(غیان در قفقاز)

لندن ۳۰ دیسمبر :

اطلاع رسمی پترو‌گراد مظهر است : — که از رپورت صدر مقام قفقاز ، روس ، معلوم میشود که عساکر ماحرب‌مجاوزی اختیار کرده اند وبار ، علاقهٔ تارونسك ، قبضه کرده اند . وبکمک عساکر خودرا قریب مقام ، ساری کیشو وبکلرباغ‌خود مصروف پیکار ساختیم ترکان ازسمت ، موکوس ، وحرانیان، جهتهای‌شدید برما کرده اند ولی مانیز بمدافعهٔ جبارت ورزیده آنهارا پسباساختیم . ترکان برما کنان پرامن مطلع قسمتهم اجرامی کنند ودرقریه‌های پارس وسائر قتل‌عام میکنند . کروداوزده ایسکوند ، درقریه ، العریش ، که بمشرق‌پورت سعید وقوع دارد برعسا کرترك گلوله باری کرد .

نیز یك کشتی دخانی" که درقریب ، پرت‌سعید، وظیفه کردباری اشتغال داشت برفوج عثمانی قبرکرد که ازاطرف سیاهیان ترك نیز بغیر تمنك جواب دادند .

(کذا)

« تباهی ویرانی عرصهٔ رزمگاه »

درین روز ها آن علاقهٔ که آتش جنك دران مشتعل است علاوه برویرانی که قبل ازین داشت از امتداد برف وباران غیر پیشتر تباه وبرباد شده است ، حصهٔ زیادهٔ این قطعه که قدرتاً هموار است ودرین روز ها به صورت یکدریای مدهشی تحویل یافته درمعنی مقامات بکلی صعب العبور گردیده است . بعضی قریه های قرب وجوار از آثار قشلای توپخانهٔ دشمن لطمات شدید اصابت نموده ، هریوم طعماً کارخانه ها وقشریه را زلزله داده رفته اند ووقتیکه درانثنای رفتاری ودهٔ مستولیه برین علاقه نظرافکنده شود یك منظرهٔ دهشت آور وتوده عبرت‌آور جسیم ویرانی‌وتباهی را درآینه خیال انسان جلوه میدهد . این قطعه ازیك سرتابدیگر سرکلاً" ازخندقها وکندها وگل ولای لبریز گردیده که در چنین حالت حفرخندق ها درین علاقه محض سیل یك کاری پست زیرا خاك اینجا آنقدر نرم وپیشان شده که بدقیقات میباید که پایل ازدرون خندق براورده شود . درمعنی ساعاتیکه براه سیل معروضند خاك آنقدرکسب تری کرده میباشد که دیوارهای خندقها هانکه کنده میشوند پایل آن میافتند .

(میلان ایطالی)

وکیل امریکا :

این یك مسئلهٔ دلچسپی است که درپترو‌گرادها نظر دقت عموم مصرین حربرا بسوی خود جلب کرده است ودرین‌جا بدرج کردن یکان رأی" که بعضی از مصریان ما درخصوص دادهاد قضاءت میورزیم همصر ، انکلشین ، کلکته ازبعضی طرحهای عملی ایطالی درگیجیترا کرا است ، دریافته استنباط کرده است که ایطالی طرفداری جرمن واوستریا مایلست :

(۱) فریق ، کاو نسورتو ، ایتالیای مصر است پریکه اگر ایطالیا درمطامعهٔ جرمن‌واوستریا بصدداتکا باین دودولت از یکمدت مدیدی رشتهٔ اتحاد را محکم ساخته نراید الت یقین که یك کار غیر مترقبی کرده خواهد بود .

(۲) آن وزارتیکه در اثنا بمرق ایطالیارا اعلان کرده بود سلك مستأصل و درعوض آن وزارت جدیدی کهقائم شده طرفداری اتفاق متفقارا تائید وتلقی میکند .

(۳) زوجهٔ سفیر کنونی جرمن مقیم ایتالی از یك عائلهٔ معتبر ورزنهٔ ایطالیا است .

(٤) بندریهای ایتالی عموماً طرفدار اوستریا میباشند .

(٥) ایطالی بهاء اعتماد فوق‌العاده سفرای خودرا از پایتخت های دولتهای متحدهٔ انکلیز ، روس ، فرانس طلب کرده حالاًکه مفرائی اوستریا وجرمنی خودرا به خواست . پس درین هیچ شایبهٔ ریب و شبه نیست که اگر ایتالیا مسئلهٔ شرکت جنك خود را فیصله کرده بالضرور با متحدانان قدیمی خود همدست ومتفق خواهد شد .

مگر درپترو‌قهای‌اخیر بعضی‌وقایع جدیدهٔ که‌بظهور پیوسته‌اند میل ایطالیارا بمؤیدهٔ دولتهای متحده تقویه میدهد . « والله اعلم بالصواب » !

(عصریان مراکو)

عبدالعزیز و بیاعتبار کردن ،

مراکو تحت سلطنت نامعدود اجرای چنین توسیع‌پلان بایران رحمل حرکات حربی فرانس قبضه کرده اند . خیال‌کرده میشود که‌چند فیلق دیگر بایران همدست کردهبه پوتختلفه بطرف تهران حرکت خواهند کرد .

کذا

(نیو یورك)

پراین ۲۵ نوامبر :

روما : — بطریق تیرسی اعلان این‌امر گردیدهکه‌یقین داده است که تیرسوز را برای رفت وآمد جهازها کشاده خواهد داشت .

کذا (غیان وایران)

از قسطنطنیه خبر رسیده است که کور تست غیان از مدتی است که‌سفیر ایرانی درباب حرب کردن یك معاهدهٔ جدید فیابین غیان وایران مذاکره کرده است . مگر ، بشیر ، ازیکطرف انکیزان میل است یك حربی اعتراضیرا اخراج نموده است ویك جمیت به این مقصد تشکیل داده شده تا درحکم ضیران اعتراضرا الزشرکت درجنك مقدس‌مذهبی تکلیف کند ویکجهاز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1017 of 1786

بانگلیزی برای حفاظت باقیمانده کان انگریزی وفرانسیسی بهتر عباس رسیده است .

کذا (ایطالیا)

از خبرهای « روما » وقت ایطالیا چنان معلوم میشود که در کابینهٔ فرقه های ثلاثی ایطالی بسبب تصرف کردن رمس وسرب ازطرف عموم اظهار مخالفت انگلستان کرده شد باسبب دریافت اکثریت بمقابل همین پارسال درتجارت صادری برطانیه ۴۰ فیصدو درتجارت واردی آن ۶۰ فیصد نقصان آمده است .

کذا (عداوت ما کو)

از خبرهای « مادرد » وقت عمومیه معلوم میشود که فرانسیسیان قریب « کیمرا » ازباغیان هزیمت داده اند و ۲۴ افسرو۶۰۰ سپاهی شان هلاک گردیده اند .

کذا (مدافعت بهر سوز)

انگلیزان بکمال تعجیل درمدافعهٔ بهرسوز کوشش میورزند که درحال زیر ازرکان آمده است .

کذا (حکومت عثمانی فارجای خصم)

صوفیه ۲۴ توبر :

طریقه‌ئی که عثمانیان رمیدهای زمانهای خصم اختیار کرده‌اند دران هیچ تغیری هنوز بعمل نیامده ودرحال دوباره اعلان کرده شده که رهای دولتهای متحاصم نمی‌تواند که ازجایهای سکونت خودشان بدرروند . وبزرجمع کسانیکه مورد شبهه‌شوند ازمملکت اخراج کرده خواهد شد . کوتی های عمالک خارجی در تحت ضبط گورنمنت در آمده برروعد طلا حکم شدید محافظت صادر گردیده . کلید های یکی های رویه بانکهای عمالک خارجی نیز بحکام ترک تسلیم شده‌اند . و چنانکه کان میرف میناری را که بتاسیس پادگار معاهدهٔ روس و عثمانی در « بکلاس » کان گردیده بودند ازصدور فلوا خبرهای مکتب مستاصل وخراب کرده . وبزرخبر رسیده است که درکنار باسفوری درحدام یک دوانی یعنی الفها واسباب تلگرافی زیم یافته وصاحب خانه پیش ازان فرار جسته است .

کذا (دعوای فتح بر روسیان)

درخبر های رسمی ترکان دعوای فتحیابی برروسیا وانگلیزها کرده شده که روسیا را گیه سرحد کوه قاف هزیمت داده اند ودر معرکهٔ قرب وجوار « لجن » نیز نقصان کثیر روسیا بعد گردیده‌شده که‌دراجا آنهارا تلدرباری « روچلف » پیدا کرده‌اند وحتی قوایل کوهی ایران نیز درسرحد روس درامده دشمنارا بانقصان وتلفات کثیری معروض ساخته اند .

کذا (فتوحات عثمانی)

خبرهای حربی ذیل را « تلگراف زیم » در جرمن منتشر کرده شده‌اند که باز بکومپانی « مارکونی » موصول گشته‌اند :

اطلاع موصول صدر مقام مظهر است : که ترکان دردوادی « پیسوم » کاروانی قوم روسیارا پیدا کرده محاصرهٔ رومی‌را هزیمت داده‌اند . ا ازچه جهتی‌قادهٔ « باطوم » درجت مشارکت ورزیدند ولی کامیاب نشدند عسکرهای مذا ۶۰ کیلومتر ودرضلع « وشنجورا » در جنوب مشرق باطوم در آمده اند . روسیا دریائی که در رجوعت خود ها کرده‌اند که عسکر های مشرق کرده شدند وازارض روم‌دوباره مهاجمت ورزیده‌اند یکی فلط پیاده ودروتکو ئی راه بکار برده‌اند . عسکر های پیشتر برای حاضری جاز خانه برخلاف دشمن تجهیز کرده اند دشمن از عسکر بست خود بیرون هیچ رقی نتوانسته است بلکه برعکس آن درمقابل عساکر ظفر مآثر ما در میدان گذاشته ازقام خط تصادم درعقب نشسته است .

کذا (حال هلاکت اشیای مالی بکرو)

پیرو غراد ۷ دسمبر :

شاه مالی بکرو دربیک تلگرافی بتاجدار « بورتی گرت » بیان کرده که یک ثلث قوج مالی بکرو در میدان جنگ هلاک وتلف گردیده وجمیع دراج مملکت خودرانیز قطع گردیده‌اند . امداد روبیه و آلات حربیه هرقدر که ازطرف هرکس باشدبکمال منت وشکر گذاری قبول کرده میشود .

کذا (ملاحظهٔ حدود بیطرق درجنگ)

بغرض بم الدخان بکار خانه « زیبلین » فرقه دریکی هیون جهاز های هوائی فرانسیو وانگلیزی گذرنامه بودند درجو هوا ازسر مملکت سویسره گذار شان افتاده بود کتا بان دولت سویسره « سوزرلند » که یک مملکت بیطرف است بران اعتراض کرده وسفیر های دولتهای متحدرا گفت که این اعتراض اورا به حکومتهای خود شان تقدیم کنند . در جواب این پروتست دولت سوزرلند صدر « دوشن چرچیل » وزیر خارجهٔ برطانیه گفته‌است که‌طیاره بازان انگلیزی وفرانسیی که‌برای بمباندختن بکار خانهٔ « زیبلین » فرقه درکنی هیون رفته بودند برای آنها صاف گفته شده بود که از بالای مملکتهای بیطرف نگذرند ودر نقطهٔ که پیشتر برای آنها تعیین شده بود علانیهٔ سوزرلند یکی از خط حرکت آنها کشیده شده بود . ولی در وقتیکه طیاره بارتفاع کثیری در پرواز باشد برای اطلاع بدون یک طیاره بازما هرکسی نمیتواند که‌سمت حرکت طیاررا خوب‌معلوم کند . علاوه بران در قونفرانس منعقدهٔ سال ۱۹۱۰ م « پاریس » مسئلهٔ گذشتن گذاوجهاز هوائی دولتهای متحارب ازبالای گذام مملکت بیطرف بتفصیل بحث نیامده است . ازین جاهی است که بتاریخات کنونی قوانین بین‌الملل فضای‌هوا برخلاف زمین‌وآب بیطرف مانده نمیتواند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1018 of 1786

کلا (بهترین کشتی های تحت البحر جرمن)

یک نامه نگار امریکائی مینویسد، که در حال یکقسم اعلای کشتی زیر بحر در جرمنی ساخته شده که جرمن ها بران بی معتمدند وغالباً این کشتی ازهمان رقم جدیدی خواهد بود که آنرا قبل ازمدت قلیلی موجدین جرمن ساخته بودند، وصف بزرگ وشایان دقت آن اینست که در مقابل کشتی های تحت البحر سابقه درزیر درزیر آبسفده میتواند که فضای حدود سفر آن درزیربحر به ۸۰۰ میل است یعنی در آن آندر مصایقرا کنجایش میتوان داد که بعد ازسفر ۴۰۰ میل دوباره بمستقر اصلی خود مراجعت کند. متعلق این کشتی زیربحر طرزجدید هنوز معلوم نشده که دران چقدر تورپیدو خواهد بود ولی این بین است که عدد تورپیدو های آن نیز ازتور پیدوهای تحت البحر سالائی بالضرور اضافه خواهد بود. ازطرف جرمنها در جنگ زیر بحر که سال پیش ازقیام مرکزی نشان داده شده است. یک ازکار نامه های زرگذرین این رقم کشتی آن بود که تاریخ ۲۲ ستمبر گذشته باوکزه وه کریبی دوه هوک، سه جهاز جنگی انگلیزی رادر ۱۴ دقیقه درزیر نیلاب آباد ساخت. پهرضورت کشتیهای تحت البحر درین جنگ ازجهاز های موالی وجنگی سایرزیر پنجه سخت ومهلک ثابت شده اند. وغالباً موجدین جرمنی بزرگترین خدمت تحت البحرها متاثرشده جوع توسعه خودشانرا درساختن رقم جدید این کشتیها بکار وصرف میکنند تاکلاً فی قضایائیکه درجاهای مختلف به آنها اصابت نموده بکنند، بالفعل دنیا منتظراست که ملاحظه در میدان بحر برآمده بکدام کار میان خود انتظار خودرا بسوی خود جلب خواهد کرد؟ این اول نوبتی است که کشتیهای زیربحر درمیدان عمل حرب درآمده وبهمه جهازهای بسیار بزرگ را غرق کرده بنداشد. ولی آن رائی که پیش ازوقوع جنگ امپراطور «کلات» متعلق آن داشته بود درست برآمده.

خبرهای سابقه

کلا (حرکت عسکری عثمانی)

پیترو جراد ۳۰ نومبر:

یک تلگراف رسمی که دیروز از «برلین» رسیده است بیان میکند که قسطنطنیه ۲۶ اعلان نموده است که عسکر های عثمانی بعد ۶ میل در قفقاز داخل رسیده اند و تردیکیان دشمنان روسیان تلگراف از «ارض روم» واپس شده اند پشت کرده شده بتلگان به تعاقب تهرسورز در اقدام دیده میشوند.

امستردام ۲۸ نومبر:

از یک تار «برلین» که بتاریخ «تلیگراف» موصول شده ظاهر میشود که از قاهره خبر رسیده که فوج انگلیزی مرکب از گارد، فیوزیلر و ۵ جرجار، میرود بجنگی های بسیار مهلک ونستگر های توپخانه ها بسته است.

از یک تار این هم معلوم میشود که ۷۶ هزار عسکر عثمانی که در زیر قومانده خلیل پاشا هستند در علاقهٔ مشین تارت کردیده، وکان یک ریل میدانی را در گلستان «التجیل» ساخته اند.

کلا

(یهودیان میخواهند که خودشانرا رعیت عثمانی بسازند)

امستردام ۳۰ نومبر:

یک تار قسطنطنیه مظهر است که کوشش عثمانی شایر هد خواست (دیی زوئه) «پیشوای مذهبی یهودیان» یهودیان غیر ملکی وبالخصوص یهودیان روسی که در ترکی آباد هستند این شرط رعیت خود تسلیم میکند که بعد ازجنگ بزقومیت خودشانرا نگهدارند. واین نیز بیان کرده شده که عاملی سوسیالا عرض هجوم بطرف مصر اقدام ورزیده اند.

(جهاز مسعودیه)

سول ایند مترنی نیوز:

«مسعودیه» جهازجنگی عثمانی که آنرا کشتی زیربحر بریطانیه در داردانل غرق کرده یکمیلیون بسیار گپه وتاکارهٔ ترکی بود. از ساختن این جهاز ۳۸ سال شده بود سالانکه ازروی حساب امروزی عمر کاربکن جهاز جنگی تا ۲۰ سال اندازه کرده شده. درسال ۱۸۷۶ این جهاز در انگلستان ساخته شد ودرسال ۱۹۰۲ کور تحت ترکی آنرا خرید. چنانچه واقع ایطالی رانی ترمیم فرستاده زین جهاز ۲ توپ ۹ انچی ۱۲ اخرد ۱۲ توپ ۶ انچی و ۹ دیگر توپهای خورد خورد منصوب بودند و رفتار آن فی ساعت ۱۷ کوس بحری بود.

(یک زن فرانسوی در حضور امپراطور جرمن)

هنوز «انگلستان عثمانی» است.

پاریس ۲۹ نومبر:

«ماتین» جرمن ملاقات یک زن فرانسوی که در قریب «میدان» یک کلای زخمیان امیر گشته بود واقع شده. وچونکه ازرب الزام خبری گذرو یافته بود ازطرف افسر های جرمنی حواله تهدیدات قال میشنید. ابداً حضور امپراطور عریضه نگار گردید. تالآخر در «شار لوویل» حضور امپراطور بذرایی شاهانه حاصل شد. «موسیو» «هاژیلان» بزراختیار «فرانس دیدی مین» داستان این ملاقاترا بدین تاریخ کرده است.

درهال ساختیکه این خاتون فرانسویرا «میجرون پلیس» اندر هرکب شاهانه بحضور امپراطوری تقدیم مینمود در آن وقت اعلیحضرت امپراطور دزیک ازاهل های که قریب «شار لوویل» برای ذات شاهانه مخصوص بود اقامت داشته. خاتون فرانسوی بمجردیکه در «الآن» استقبالیه داخل شد در پیشروی یک میز یک افسررا دید که درپیش سری در باره وتخته های کثیری راطرافش هموارند. افسر مذکور در سال که خاتون فرانسوی داخل «الآن» شد چنانچه حالت جرمنیا است زیبای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1019 of 1786

نمبر ۱۲ ۔ قبل از عملیات وبعد از عملیات

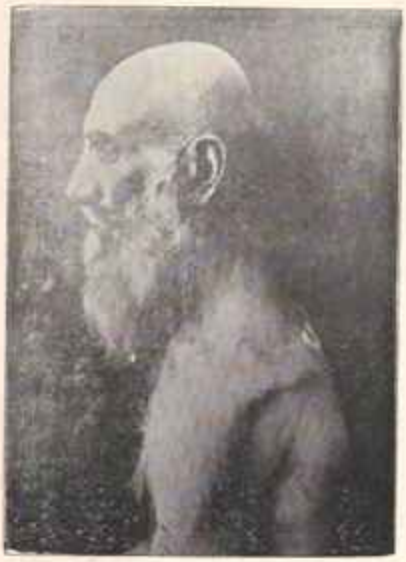

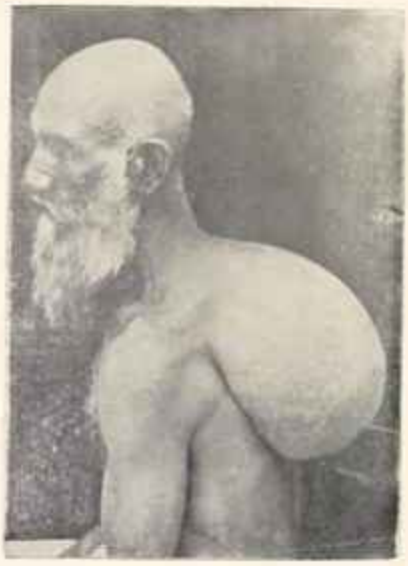

نمبر ۱۰ ۔ قبل از عملیات وبعد از عملیات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1020 of 1786

خودرا بهم متصل نموده وخاست و گفت « من خانون فرانسوی را سلام میرسانم.

گویندهٔ این الفاظ مگر خود امپراطور بود ، آری بدراول امر بخانون فرانسوی درشناختن شان قدری دقت دست داد . ولی بعدازان بکمال تعجب دید کهرش شان رسیده و عرقوق و ورنك شان قدری زرد ، و بیهای شان بخیلیت عمومی خود باقیوتو های شان که قبل ازین گرفته بود هیچ یك مشابهت وموافقت کلی بهم نمیرسانید .

چون خانون کمی دیگرهم پیشتر آمد به نشستن امر فرمود وسیس این چندسوال را یهم‌دیگر پی‌درپی خود بخود ایراد کرد که ، فرانس رخلاف ما چرا جنك کرده ؟ وی آنکه بشنیدن جواب آن یك لمحه توقف ورزد متصل سوال دیگر رخود عرض فرمود که ، مگر نمیدانید که از همه اول فرانس اعلان الواح کرده بود ؟ » در عوارض « آهسته » کی دستی حمله بلجیم اشاره کرد ، امپراطور از شنیدن لفظ بلجیم دریده گفت آ « آها همیشه حمله بلجیم را بن یاد خانی کرده الزام میدهند ... » کی سخن میاشود ! در پرسیل تیوتن این امر باسلوده‌اند که درین دولتهای انگلند ، فرانس وبلجیم چنان یك معاهدهٔ تکمیل رسیده بود که اروپای آن انگلند وفرانس اگر راه بلجیم بر جرمن هموم خواهد کرد ، درینجا خانون فرانسوی گفت که ، حضور مراهدو فرمایند ! من برای باظهار کار اصلی و حسب الامر بالزام لغوی » کهین راجع گردیده آمده در پیشگاه صاحب ایرای نفس ازان تهمت میکنم » . ولی امپراطور بدان جمله معترضه هیچ توجه نکرده وغیر متأثرانه چنان وانمود که گویا نشنید و یك لهجهٔ بسیار عمده آمریکی این کلمات را زبان راند که « من خیالی که‌در خصوص انگلستان خوب صورت شما پرورده‌ام اینست که بوهیشه باهم کی عمل کرده ، واو عبارت از جمله محکم است . اگر حالا من بخواهم !... » او فردا برای بازی دادن و خراب

جناب محمد ایوب خان

از جملهٔ حضوری اعلیحضرت خانوی که بسرش شا کردی اعلیحضرت شده من عکسی سرفراز و امتیازمیباشد

ساختن فرانس گرخواهد بست ، حیف ! گفتنی هرچ خود تارا بچآن درجهٔ شهرت بارکی خود که میباست مستحق آنشوید رسانیده نتوانستید ، کی فکر وملاحظه کنید که جنبی های خوکخوار ازاحزای فوج شما محسوب میشوند » .

در جاخانون فرانسوی بیکطریق متکبرانه گفت که ، هرچند لشکر های سیاه شما خوکخوارند ولی کاهی دیده نشده که آنها یا اطفال را خالی رسانیده باشند وزیرین کی ساد ضعیف فیر کرده باشند وبخانه را ویران وکلیسا هارا آتش داده باشند » امپراطور بجواب این سخنان الزام نما مرافقت نداشت بلکه این هم مذکوره ومشهود است که آیا این سخنان را شنیدهم یانی ؟ زیرا کم رهبر رفت ، میخروان باپسن ، در ۱۰ ثانیان ملاقات راجع باز کرده .

شنیده گفت آخرین این ملاقاترا جسپار زودی گفت که « خوب ! برای من چنان معلوم میشود که ورتها کدام الهامی وارد آمده است ، من تمارا آزاد کردم ولی درخاص بودن این سخنان کاملا کمی شك وکوتی را طرح برده اند

(جرمن درحرب حاضر)

(شماره ۱)

یك مشهور نگار امریکائی در « ولی نیاکرافی » مینویسد : کمن وفیکارانگلستان عزیت جرمن را کرده من بران یك عقیده دارم که جمع ملت جرمن سوگوار ومغموم خواهد بود ولکن آنچه آنجاران یك بسیار دلشکسته شده‌اند کهسکرهای آنها دران ثانات کثیر بر حاصل کردن فتح قیصه کی در مقابل متحدین کامیاب نشدند .

ولی چون من به « برلین » داخل شدم جمع خیالات کاهلی ازین قلم کرده‌بودم یکی غلط ثابت‌شدند . من‌خواسته « برلین » قبل ازین هم واقف بودم و حالا چون مشاهده کردم در جائی طبیعی آن یك‌طرف بسیارکی محسوب نبوده . اولتها وطعامخانه ها کشاده اند وبسیار جرمن وانگلیس بانته سابق در آنها سودا میشود عن هذاالقیاس تیاروها وتلفونها کاهیانیز رهین منوالند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1021 of 1786

ابتدا زره بدترفرق کهران مشاهده میشد آن بود که در هر کوه عده کثیر عسکرها بنظر رسیدند . من درین خصوص ها بحال احتیاط توقف حاد کرده کاهید ازان بن مطوبند که این جمعیت ۷۰۰۰۰ نفر سپاهی « لاندوهر » (متطوع) میباشند که عرضی شان از ۳۰ قدری متجاوز است و در حال داخل عسکر کرده شده باشد . حالیکه من تحقیق کردم تا اینوقت یکی ازینها هنوز شریک جنگ نشده بودند . جزویش ازین هر دو این کاهی اینقدر عده عسکر را دیده بود و به سبب امریکه بودم جرمنها باهم یکوجع بسیار شریفانه والیانکا رفتار پیش می آیند .

« جوب اللون » که در بیوفت مراسیر امور دولیمید را حاصلست در هیچ زمانه حال آرا توان یافت . واز روسای که در بیوفت امپراطور در مایل خویش دارد بزمتل آرا کثر توان دید . آنها حذبک فرقهٔ « سوشلست های انهای پسند » پرلیمنتار زان روسیائی در کامیاب جنگ متحد و متفق شده اند . در جمعیت های مختلف جرمن دنیس جنگ بطریق عمومی مشاهده میشود . وازین یک خاصیتین رایدر که بکلی مأیوس شوند که اهالی بورباه وبا « سکسیسیا » و « ورتمبرگ » میخواهند که خود را از زیر حکومت « پروسیا » آزاد سازند .

دردلهای عموی ملت جرمن این سخن راسخ گردیده که این جنگ جبراً برانها کرده شده است و آنها در شهادت آن نامه ها ومکتوبهای سیاسی اپیش میکنند که فرانس بالجمله در خصوص کلیدن قوج خود را از حد یک متجاوز کرده بود ولی درین واقعه مطلقاً توجه نمیکنند که از پیشتر متوجه رای عسکر جرمن استحقاق تعرض بریطرف بالجمله از چه چیز حاصل شد .

آنها این را بزرویت خود شان یکدلیل میگیرند که پیشتر از اعلان جنگ مدتاً بحری انگریز حکمل فراهم آورده شده بود که برای جنگ بکن بکار بود . وانیکه اگر مارفول میداشتیم که جنگ باید رو واقع میشود البته ماهیضی چیزهای مایحتاجی که درحال مایبدایشود خاریش خارج میکردیم بزرداشات معصومیت ویکنابی خود هاست دلالت میکند .

فرق که با انگلستان دارند از اقدار هر عمی اندازهٔ آن برز است درمقابل این عداوت جدید شدید شان رقابت قدیمی که باروسیا وفرانسیا داشته هیچ نسبت نتوان داد . آنها بکمال جرمن درخصوص انگلستان به اجرا آت عمل سانی میباشند . این دائره نفرت شان ازانگلستان گذشته تابه ژاپان نیز وسعت یافته است وبلکه ژاپانیارا بیشتر قابل نفرت میدانند .

من بفکر خود برین یقین کامل دارم که عموم ملت جرمن تاهم واپسین الزحمات و این استند وهیچ قوتی نزآنهارا الزحمات منع نتوان کرد درعرض یک دربنک « کاون » دوربه سال را بیان میکنیم که اورا باهن الزقدیم تعارف و آشنائی بود من چون بملاقاتش رفتم اول او بکلام آغاز کرده گفت که « ازجمله ۳ پسر

جوان من که قبل ازین تنها آنهارا دیده بودید دوتن همالا دسوبین را رخصی ازمیدان حرب آورده اند . من تنها برهمین یک افسوس میخورم که ای کاش من ۳ پسر دیگرهم میداشتم که آنها نیز در حفاظت وحمایت وطن خود نثارا خدا میساختند ! »

[پیشید شدت غیرت وطنوحت را] بیانات نامدکار مذکور بسیار است که از بیان آن صرف نظر نموده درینجا درج کردن همینقدر ازا کفا ورزیده شد .

(سخنان هرقم جنگ)

ریکستاگ درینی مکمل یک سیاهی جرمنی مبلغ ۴۷ پوند که معادل به ۸۱۰ روپیه شود صرف میشود .

درراه حل ونقل وسیکر کارهای عسکر جرمن زیاد ازیکلک موترکار خدمت میکنند . این ها علاوه دریلیا هستند .

امپراطور جرمن حکم کرده است که هرچندسیاهیان که توپهای دشمن قابض گردند رانها فی ۱ عدد توپ ۳۷ پوند بطریق انعام تقسیم خواهد شد .

شهر برسلزرا علاوه مملکات جرمن بپدالست تابه حال هرقدر پیچها که درشهر تولیدکنند اسمای شان درفهرست رعایای جرمنی ثبت گردیده است . [برسلز پائخت قدیم حکومت بلجیم بود .]

بر ساحل مشرق انگلستان بعرض تجارت شکارهای کرده میشد دربندقه الست جنگ ۴۰ ملیون ماهی که گرفته شده . درسال گذشته قریب ۱،۳۹،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ماهی بکار آمده بود . [ماهیان ازهرکس بیشتر درین جنگ فایده رسانیدند . عبرازانکه شکارشوند شکارهای تازهٔ گوشتهای جرب انسانها هم عمدهٔ شان شده است ! . . .] « هراز گول » نام که یک رسام شهیرمناظر وتوجههای حربی است بحکم امپراطور جرمن در میدان روزنامه مخربی برای تصویر نمودن هیئتها وحالت های جنگ رفته است . این محل مشهور بعرض ساحل تمارز جنگ درجنگ چینیان وژاپانیان ، وزنگان وروسیان نیز رفته بود

﴿ اجرای حدود ﴾

اخبار فوایم آگر حقایق دار (حدود) که حدود اهل اسلام وهم بدوخلاوز وتعرض کننده گان برین حضرت خیرالانام است . که چرا مدت ۲ هفته را در تعطیل گذید بالآخر غیرت وحمت افراد ملت خود جزای قضای خارت کرده بتاریخ ۲۹ دسمبر بانفیم « تقسیم باجبرة فرحتمار خود دوباره توزیش عیون قارئین اطف شعار خویش گردیده و :

(باز آمدم که سجدهٔ آن خاک پا کنم)

(گرخاک من فضاننده باشد انا کنم)

زنده گیر خدمت قوم وملت چیست بیان همت بلند درعرصهٔ ایفای وظیفه قومی ووطنی درآمد

« سراج الاخبار افغانیه » عموم برادران هندستانی خود را در

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1022 of 1786

چین تشنات السایکلارا "و جوانمردان" که در اجرای دوبارهٔ (محمدره) و احیای مدا لوت بکلامهواخواه خودشان، زمین دار، بکار برده‌اند. بنظر انتخاب می‌بینند و از صمیم دل دعا دارد که حضرت باری تعالی زیاده ازپیش توفیق رفیق شان گرداند.

محمدره ٤ جنوری: (مناسبات امریکا وانگلستان)

«یک معما»

تازک روز پیش یک تلگراف داده است که ترجمهٔ کدام تلگراف دیگر معلوم میشود که بالواز لندن فرستاده شده تار مذکور ازقرار ذیلست:

لندن ۳۱ دسمبر: — سفیر امریکا درباب یک نوت دولت امریکا بلندن وارد گپ مذاکره کرد.

«رپس پورتو» مظهراست که درمسئلهٔ گرفتن تحریردولت امریکا، ازطرف گورنمنت انگلیزی هیچ مخالفت واقع نشده. وبلکه جواب آن زودی بچنان طرز دوستانه به امریکا داده خواهد شد که درنوت دولت مذکور مضمر است.

دراخبارهای امروزینه «نیورک» پیرارای زیبا متعلق این نوت کرده شده اند. اخبار «نیورک تائمز» مینویسد که هیچ یک ارادهٔ که مبادی دوستی باشد بافته نمیشود وهیچ گام اتخاذ از آن تهدید مأخوذ ومطلوب باشد استعمال نشده. «تریبون» مینگارد که این یک مسئله است که به بسیار صفائی ودوستی آرا می باید کرد درخلاف آن بطریق دوستانه اظهار ناصفائی وناخوشنودی باید کرد.

(کدا) (گله باری پاکراد)

چار چهار جنگی اوسترا پروز سه شنبه از کنار دریای «دیلیوب» دوباره ازقلعه «وشپره» بافراد «قلعت سرو» گله باری کردند.

(کدا) (قیضهٔ ترکان برکیدی)

پاریس ۹ دسمبر:

ازخبرهای رسمی قسطنطنیه معلوم میشود که ترکان برکیدی که ۱۲ میل دورتر بطرف مشرق باطوم است قابض گردیدند وبکارخانهٔ برق باطوم را نیز بکلی تباه وبرباد کردند.

(کدا) (بازیکیان درعثمانی)

کوپنهاگ ۳ دسمبر:

ازیک تار مخصوص «پاریس» معلوم میشود که درتخت گورنمنت جدیددردولت عثمانی این اعلان کرده شده که بازیهای بازیکی درعثمانی چنان سلوک کرده نشود مثلیکه بازیهای فرانسی روسی وانگلیزی کرده میشود بلکه بسبیکه درحال «بلژیک» جرمن قابض گردیده ازاورو بالایشان چنان سلوک مرعی بایدداشت که باجرمنیان ملحوظ است.

(کدا) (محجون مرگ)

ما اگر ازین یک تکایت کرده ایم که سلسلهٔ خبرها ازقبیل محکمهٔ احتساب چنان پدرمط میشود که بهم توزدن وسرخوردن آن بایکدیگر وازان اخذ نتیجه کردن قریباً غیرممکن است. وازینسبب اگر چنان واقع میشود که عنان قلمه مخصوصاً میدان رزمگاه را که مایکصورت دردماغ خود تصور نموده باشیم تاکه از آمدن یک خودمتضاد بکلی غیر بلکه بصورت دیگرتحویل میابد وهنوز آنهم گاهگاه درفکرما جایگر شده نمیباشد که دوسه سطر دیگر روزآمده ازانچیز هم واقعه میسازد غرضیکه ازین قبیلهای تصاویر متحرک یک مجنون مرگی میباید. خبرهای محصول «زراع جرمنی درسالک شدی گاه گاهی نظرما میخورند آیا اگر درمقابل خبرهای سرکاری وروتر قابل وثوق نمیباشند وان یک مسئلهٔ قطعی است که درخبرهای دالهٔ شدی وروتره نیا اختلاف بلکه اگر یک سیه باشد دیگر سیاه میباید. ودرین قدر اختلاف تخمین حقیقت یک کار صعب وپروبه است. متعلق حال وحرکت قوای روسی وترکی درقفقاز همچنان حال غیر یقینی بحال موجود است ودر اول امر شنیدیم که عسکرهای روسی یکمان تیزی تابه «ارض روم» رسیده مگر بعدازان این سلسله رهم خورده وبکیفیتی مجهولی بود وپس ازان دفعتاً تار ۳۱ دسمبر پیرو خبراز لندن شایع شد که «برخلاف فنون عثمانی عسکر ساری کپش جاریست» وکه «یک حصهٔ عسکر ما که عثمانی روادی اولاز جانفراهم گردیدو درمقام ارضروم پنشدی کرده اند، این خبر جدید کوچهٔ تازهٔ سابق مارا که پیش ازین تصور نموده بودیم بکلی غیر داد وبجای آنکه مقتول روسیرا درقری ارضروم قرار داده بودیم حالا مجبور شدیم که ازین یک طرف شویم که جنگ درخاک روس واقع شده. «ساری کپش» قریباً ۹۰ میل اندرون سرحد روسی میباشد. تار ۲ جنوری یک چیز دیگری هم بران می افزاید که «درقفقاز «روسیان برمعرکوی که درقری ساری کپش کان است که باری کردند وترکان درانجا مدافعه شدیدی نمودند .... باردهان جنگ جاریست» اگر چه کیفیت هیچیک چنانچه خبری نرسیده بود که ازان معلوم میشد که عساکرعثمانی برمقابلات روسی قابض گردیده اند ولی ازین تار صریحاً چنان معلوم شد که «در کوی» «درطرف ترکان بود وبنا بران آنها درانجا مدافعت روسیانرا کرده بودند. اگرازین اوراق پریشانرا انسان یکجا بگذیدین ازان یک شکل تخمینی پیدا خواهد شد یکطرف خواهیم دید که روسیان تابارضروم رسیده اند ودیگرطرف ترکان را «جیل» درسرحد روسی تا «اردهان» خواهیم یافت ازین اجزای متضادیک چنان مرکبی می برآید که ازدرجهٔ فهم وادراک ما بقیناً بلندتر است.

تار ٤ جنوری بازتصدیق ازاخبرا میکند که جنگ درعلاقهٔ روسی واقع شده اگرچه ترکان درانجا پیرو کرده شده اند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1023 of 1786

بلگراد جنوبی از مصدقین خیانت بآن کرده‌میگفت بی « روسیارا در اردهان وساوری کوه قفقاز یك فتح مهمی حاصل شد که دران ترکارا بهمیار بریشان وسرا سیمکی شکست داده شد » این تلگراف وخراب است ولی دران « گرنك اعلان ترکی بر گرده شده که مضمون آن اینست که « باز دهان بعد تاریك سر کا شدیدهٔ قبضه کردیم »

در این تلگراف گرنك وخراب این نیز بیان کرده شده است که « درقریه‌های ساری گیلی جنك شدید جاریست وترکارا تصرف کلی رسیده است »

ازطرف وزیر هند خبرهایکه برای وایسرای آمده آمدنانها نیز الفاظ ذیل لایق خواندن میباشند یعنی ترکان در قفقاز دعوا میکنند که ما « اردهان » را گرفتیم » مکرار اعلان‌دومی‌چنان معلوم میشود که « دراروز قریب اردهان هیچ‌یك‌متر که موقوع نیامده بلکه در قریب « ساری گیلی » جنك خونریزی ظهور آمده است » پرصورت ماهتجبرم که آیا محکمهٔ خبررسانی! عجب‌نیست وزکوکه نظری خودما بیالیم ! . . .

وکیل‌امریکا : (هندوستانیان چرا ازسلاح محروماند ؟)

این‌یك‌سوالست که دردل هرهندستانی دربوقت‌موجزن میباشد خلاق آن « میرایی پیشست » دراخبار « بیواها ی خود کمیونیست‌قانون‌اسلحه‌وزادی‌مسلحهٔ اهل هندیك لکه خجالت آوریست وعلاوه براین معاون دران وکر کان وخصوصاًدزدان وخیانتست . زرا دهقانهای غریب‌را مردان غیر مسلح یافته باکه را آسانی افتاد ویلکه در اکثرقوقات خونریزی هم میکنند « میرموصوف‌پس‌ازیك کمی‌تحت‌مینویسد که « این امر یکه تعجب آوریست کهنك تقاً چارصدسال سابقه اوروپی که‌کلی باهنرها کار میداده‌مسلح‌میکرده . ویلنجستانی ۱۵۰۰ سال‌قبل‌تعلیم‌یافته ، بارها امتحان وقتماری‌آن کرده شده یك کاردی هم یافت نمیشود که‌بتواند از هنگام‌مجبوریت به آن حفظ جان خودرا بتواند » در عین موضوع بحث کرده میز مجلس « ادین بیشل کانگریس » به یك لهجهٔ بسیار پر حسرتی گفت که « اینجین حقرقی مانده اسلحه‌داشتن ، ودر فوج‌عهده پاس ورای تحفظ ملکی خودرا طریق عسکر قدیم بودن واز قبیل اینها تکیل هنود به هندستانیها داده نشود وتاکیل هندستان باسلحه‌های اپس انگلستان بسته‌بوده » زاتو خواهد رفت . حالا وقت آن‌رسیده که‌از‌خاطر خودوانگلستان بیااستادن‌را بیاموزد. برای هندستان وانگلستان ازین افسوسناك تر دیگر چه خواهد بود که مانند « روبة الگری » در آشنای کدام خطر؟ عظیم انگلستان برین یك عبور شود که هندستانرا برای تکار شدن غرقهٔ باهن وحهدهای حربی بگذارد . متعلق‌حکومت ۱۵۰ سالهٔ انگلستان برهندستان این رأی چگونه قرارتوان داد که اومردم این ملکت را مضبوط ولی در حالت غافل یافت وآنهارا محتاج وضعیف گذاشت . حقیقتاً برای هندستان وانگلستان ازین زتر دیگر چه بختی خواهد بود که هندستان که بلحاظ گوناگونی وعقیده‌ندی‌درجهٔ کافی مضبوط وعکم‌است دررفع کردن‌مشکلات وخطرات « دربرابر انگلستان‌در کندوزد وهربود تحفظ اعراض خودرا بکند » . این الفاظ بر جوشیکه بر صداقت وواقعیت مبنی هستند که برین یك دلالت میکنند که وفاداری مسلمهٔ هندستانیها هنوز برای کورنمنت کاملاً قابل اعتبار بست . والا هیچ وجه بست که هندستانی‌ها از حقوق شهریهای بلم عم محروم بمانند . ولی حالا که برای کورنمنت ضروری معلوم شده که وفاداری هندستانیها تنها زبان بست بلکه عملی نیز هست وآنها برای اثبات آن درهر وقت وهر حال آماده‌اند وفی الواقع در میدان جنك برای برقرار داشتن امنیت ووقعت نام رقیب وسرا زدودن پرق وچین‌چیت سینه سپر شده‌اند . لهذا یقین داریم که این مطالبه نه بسیار دیدن مارا در انتظار خواهد داشت وبلکه به بسیار زودی آنوقت خواهد رسید که یك نخبه‌روی را بر یك مرد ۵۰ سالهٔ تجربه کار وفادار خدمتی ترجیح داده خواهد شد .

شماره ۱۱ جنوری : (امریکا ومکسیکو)

قریب یکسال گذشت که در مکسیکو شورش شدیدی برپا شده بود که یاران دولت امریکا عسکرهای بری وبحری خود را برای در کوی یافتن اتباع خود سوق نموده بود . پس ازان خبر آمد که « منجملهٔ یاغیان یعنی ما گ مکسیکو مأخوذ شد وبزجلا وطن گردید ودوباره خبر رسید که دران بر حسب اقرام دولت امریکا یك اکثر الحکومهٔ جدید مقرر شده است که او عاص یاغیان را ببرا رسانیده ودیگر ازا عفو نموده در تمام تلکت امن وامان قایم نمود . بهر صورت بروقت آغاز جنك اوروپ اکثر بر روز اختفاء گرده شود پس هیچ شورشی در مکسیکو باقی نبود . ولی دفعتاً در « ویرا » این خبر بنظر رخورد که دولت امریکا به « جنرال ویلا » ما گ مکسیکو اولتی‌ماتوم فرستاده است . درین هیچ شبه بست که جنك اوروپ برای خبرهای حیرت انگیز ودور از قیاس خود نظیری ندارد ولی این معامله را بظاهر باجنك اوروپ از هیچ طرف هیچ مناسبت وتعلق بست . اگردولت‌های حاضرمتفقه‌یزومکسیکو دردول اوروپ محسوب میشدند پس چنانچه ما این خبرها را قبول میکنیم که « روسیا یك فوج کامل ترکارا باجنرال آن امیر نمودند » وپاندو یلان مکمل اوسترالی مسلح در دست روسیان افتادند « وبا این که « یکزدست لورمایطانی در زیر ریاست « جنرال دربیاری » در فرانس از طرف دولتهای متحده « داد شجاعت داد » البته این را نیز مانند آنها بی چون وچرا قبول میکردیم . ولی چنانکه گفتیم که امریکارا تا به اینوقت ماهنوز ملك محاربات تیداغ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1024 of 1786

زیرا که حال او طرفداری یکی از محاربین را نکرده است که از التهاب تا اکنون در جنگ اوروپه داخل و شامل نگردیده ،

ازین بیان اگرچه مراد ما این بست که « گرفتار شدن کامل یک قوم توی‌چنگ آن « وزا « اسیر شدن دو یلق مکمل دوستراق وزا « شریک جنگ شدن یک زامت ایطالی « غیر ممکن ودور از قیاس است ولی با آن در مسئله « التی ماتوم امریکا به مکسیکو « رای ما ایقدر جرات بی اختیار دست میدهد که در باین دولت جاهیر متفقه وجمران ویلا حاکم مکسیکو چه وقت وبر کدام سخن کلمات کبری واقع شد واین کدام معامله‌ٔ که‌بود ایقدر طول کشید که بالآخر دولت امریکا به « التی ماتوم‌داخل خودرا مجبور دید ؟ .

رمیدار : (خواهر ایدن درروزنامه‌ٔ انگلستان)

درپتوفتها در روزنامه انگلستان یک کشتی تحت البحر جرمن چنان یک شور وشری برپا ساخته که اگر روزی چاره آن کرده نشود عاقبت مانند « ایدن « کسب شهرت فوق العادة خواهد کرد . در چند روز گذشته دوجهاز انگلیزی‌یکی‌میلانیت نام که زغال گرفته به « هیور « ودیگری « رابلو « که آنهم زغال برداشته به « روئن « میرفت در قریبی سواحل فرانس غرق کرده شدند . واز میرنگ در هردو جهاز مسئله تحفظ مسافران بیطرف ملحوظ گردیده وه ازاروی این نتیجه مأخوذ میگردد که در هردوبنا جرمن یک تحت البحر برانجام مقصد نموده بود . معلوم میشود که این تحت البحر از زقرزکارین بودهاست ودر اصل چنان تورپیدو نیکه در زیر آب برازان حصول مطلب میتوان کرد حامل میتوانست « برای سوار شدن اهدران وملاحان هردو جهاز بر کشتی‌های خورد « ده دقیقه مهلت‌داده شد « وچون کشتی‌های مذکور گاه بگاهی‌دورمیکنند گوئی جهاز « انس « جهازهای تجارتی قاعداری گردکارمانیک آنهارا یکی در زیر آب نشاند « وپس ازان کشتی تحت البحر غایب گشت « وملاحان انگلیزی عزیمت ساحل فرانس را کردند . اولاً عجالة « میلانیت « رسیده بر گشت خودرا بیان کرد وبعداز چند روز کشتی که بران عجالة « رابلو « بود ۳۰میل دورتر در شمال مغرب بفلمو « فیکامپ « رسید « وچون آنهارا بسوی خودرا بیان نمودند « این کشتیهای تباه کن فرانسوی در تعقیب کشتی تحت البحر جرمن بر آمدند ولی بالآخر جرمن مغلوب شد که بر دست آوردن مطلوب خود کامیاب بماندند .

مسئلهٔ دور کردن وطرد ساختن کشتیهای تحت البحر جرمن را از روزنامه انگلستان برای محکمهٔ بحریه از جمیع مسایل دیگر عزیزتر واولا دیده میشود « زیرا اگر این مسئله زودی حل کرده نشود قیناً که در راه رفت وآمد مابین انگلستان وفرانس مسدود خواهد شد « واز همه بیشتر مرگ این کشتیها را که اینها ازانجا امتعه ذخیره میکنند باید یافت وبهر کیفیت راه رفت وآمد آن کشتیها را معلوم باید کرد تاراه بر ایشان بسته شود « تا آنکه صدمه کشتیهای تحت البحر انگلیزی وفرانسی از عدد تحت البحرهای جرمن بیشتر وفزونتر است ولی این یک را اعتراف باید کرد که جرمنها تاه حال از تحت البحرهای خودشان « بسیار قدرتی کار گرفته نتوانستهاند « در حرب حاضر مسئله کشتیهای تحت البحر سر تا کوار افتاده است « فرانسویها ازین یک چیز که بکچندان زیانه « در پیشروی شان آمدنی است که آنها ساخته شدهٔ دست خودشان که نه تنها بر خلاف حلیفانش بلکه در مقابل خودش نیز استعمال کرده شود « این کشتی زیر بحر را ایجاد کردند .

(کذا)

(حلیف جدید جرمن)

لندن ۱۰ دسمبر :

تایمز نگار « دیلی کرانیکل « مقیم بوخارست رقمزاز است که بقول اخبار « رایتر تلگرافیان « چنین میخواهند که حلیف جرمن بشود « بی‌شبه که این همه از اثر توشیدهٔ کار گذارهای حضیه امپراطور جرمن است .

پشاور دیلی نیوز :

(باعث غرقاب جهاز فارمیدیبل)

لندن ۸ جنوری

در « دار الامرا « لارد کرزن گفت که این رأی قطعی است که جهاز « فارمیدیبل « را از یک کشتی تحت البحر دو تورپیدو رسیده غرق کرده شد « واین رائیز بیان کرد که کپتان جهاز مذکور دیگر جهازرا گذاشته « هشدار به اطفا ازیک نقطه که خطرهٔ تورپیدو موجود است واین کار در تحریر بحری ما قابل پذیرفتار است « تعریفهای مسرت ؟!!

(کذا)

(بیان جرمن در خصوص غرقشدن فارمیدیبل)

لندن ۷ جنوری :

طول اخبارهای جرمن یک کشتی تحت البحر جرمن بدارنده تلگرافی پیغام فرستاده است که جهاز « فارمیدیبل « را اغراق کرده است . جهازهای انگلیزی اورا تعاقب کردند ولی نا کامشدند .

کذا (اعلان غرقشدن دو جهاز)

لندن ۸ جنوری

امروز اعلان کرده شد که دو جهاز وبک زاز جهاز خورد انگلیزی در بحر شمال بدست صدمه کرده شده که ۳۵ نفر آن غرق وباقی اگر معلوم باشد اغرق شد .

درچاپ خانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

همه مقالههائیکه منتشر نمیشود نزد ما محفوظ نمیماند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1025 of 1786

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هفت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هریکه خواسته باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه [illegible] روپیهٔ انگلیزی قیمت ششماهه [illegible] روپیهٔ انگلیزی

به بیعانه التزاماً قبول میشود

یک طلای چهل انگلیزی وزنه روپیهٔ کامل است از همین قرار حساب کنند

یادآوری

رقعهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جایدیگر چاپ وطبع نمیابد که یک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید. هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند.

(شرایط درج کردن اعلانها)

بودا گران که مال تجاری، وصنعتگران که صنعت خود را در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند، وبادیگر هرنوع اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متادیاً یکساله نشر کردن خواهد وموسه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی پر در سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1026 of 1786

اعلان

قوم متذکرین کرام خود را

به آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت ترسیدن اخبار متذکرین کرام دارالسلطنه کابل خود رهایی وجهی بکی نشد البته بنا کتابه سر کری دارالسلطنه کابل یک مقابله توده دا کتابه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار شدا که بهه متذکرین کرام با رساند در عهدهٔ حیث خود قبول نمود. متذکرین کرام دارالسلطنهٔ خود را تقریر وید آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ هر فرد فرد واسطهٔ آدمهای دا کتابه خود شان میرسد.

ا

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه بعد

کتاب سال دوم ... بعد

کتاب سال سوم ... بعد

جزو اعلانات

آیا چه باید کرد؟

ادبیه درس

توحید

این کتابهای فوق در اداره موجودست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بادارهٔ مراجعت کند.

اعلان

از جملهٔ طبابت

سیاحت روم را دور زمین بهفتاد روز بعد

سیاحت در سیر هوا بعد

سیاحت دور زیر دریا بعد

از هیچی بعضی و الاهرچی بعضی بعد

رومئو جولیت بعد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مطبوعه را داشته باشد از خود مطبعهٔ طبابت میرود اطمینان از نرخ معتدلرخوص حال سر صحت و از مکمل بازهم کتابفروش نزدیکتر از اداره غیرتهای دیگر که در پشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتواند.

واگر از اطراف بخواهند آرزوی سرداری کتابهای مطبوعه را بکند بنامهٔ سراج الاخبار افغانیه عاید کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1027 of 1786

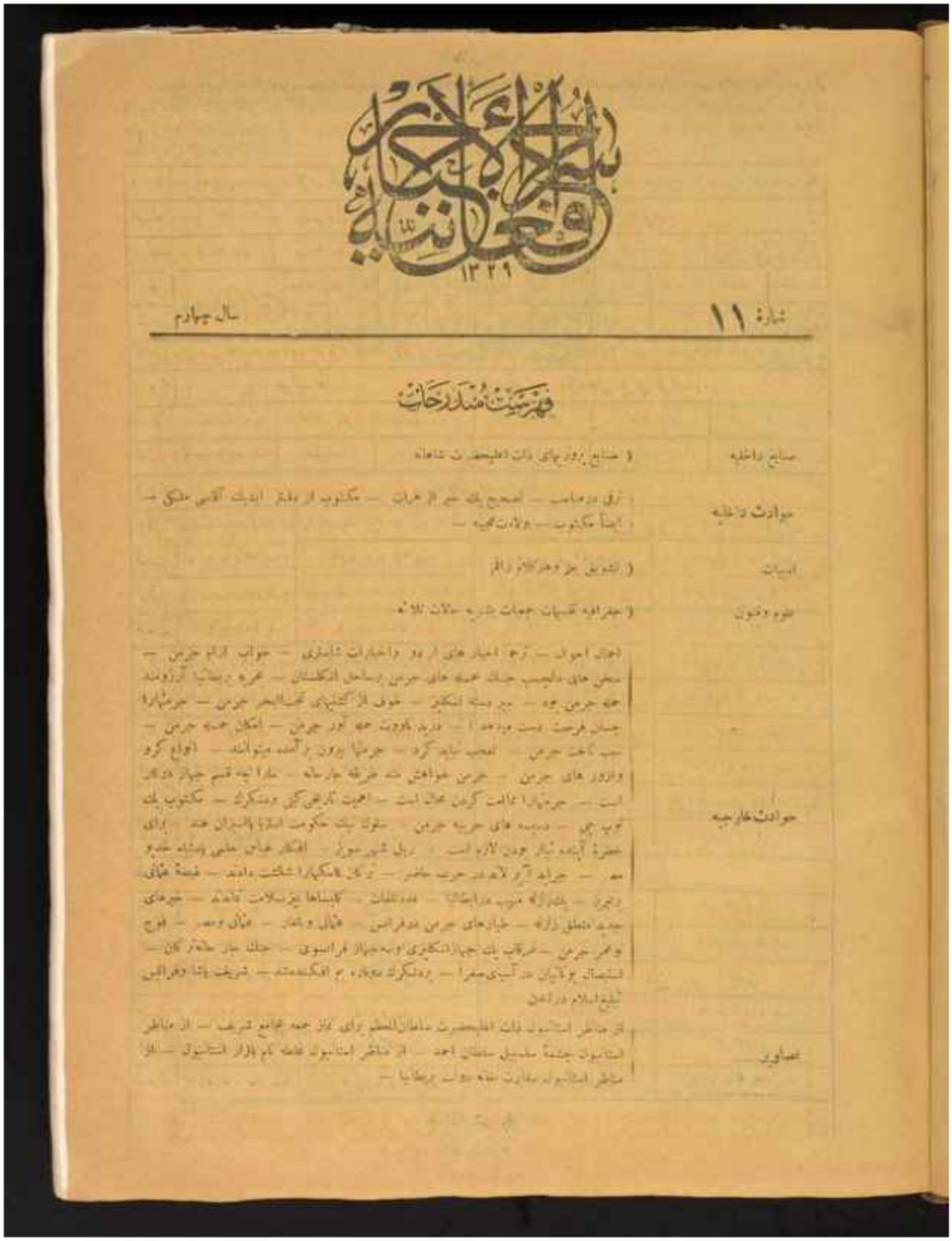

شمارهٔ ۱۱ سال چهارم

فهرست مندرجات

صنایع داخله — صنایع پرورپای ذات اعلیحضرت شاهانه

حوادث داخله — ترقی درمناصب — تصحیح یک خبر از طهران — مکتوب از دفتر ایدیک آقای ملکی — ایضاً مکتوب — ولادت تلگرافیه —

ادبیات — تشویق جرائد و مجلات زائر

علوم وفنون — جغرافیه تلغرافیه جمعیات شرعیه سلانیک للاتحاد

حوادث خارجه — اجزای اجوبه — ترجمهٔ اخبار های از رو و اخبارات تازه‌ئی — جواب اولام جرمن — سفن های دلچسب جنگ عسکر های جرمن بساحل انگلستان — عرضه بریطانیا آزرومند عسکر جرمن بود — بیر دسته انگلیز — خوف از کشتیهای تحت‌البحر جرمن — جرمنها و جسارت فرصت دست ورده اند — دربه بلجوت عسکر جرمن — امکان عسکر جرمن — سبب تاخت جرمن — تعجب تایمز گرد — جرمنها بیرون برآمده میتوانند — انواع گرد وزور های جرمن — جرمن خواهش دشمن طرفه چارچاه — مارا چه قسم چیاز دوکار است — جرمنیرا محاصره کردن محال است — اهمیت کرچی کی ودشکرک — مکتوب یک کوپنهاکی — دسیسه های حربیه جرمن — سفرهٔ نیک حکومت امنرا بالیران هند — برای حضرت آینده تیار بودن لازم است — رمل شیر سورز — افکار عامهٔ ملیهٔ وشاه خدیو مصر — جرایم آرو لاهه در حرب حاضر — ترکان عسکریرا شکست دادند — قصهٔ عثمانی دلیری — پلنزرگه مربوط بریطانیا — عدد تلفات — کلیساها پیرسلامت ماندند — خبرهای جدید متعلق زلزله — طیارهای جرمن در فرانس — فتال و انور — عثمانی و مصر — اوج و فخر جرمن — غرقاب یک جهاز انگلیزی و سه جهاز فرانسوی — جنگ جاز جانور کان — استیصال بولغاریان در آسیای صغرا — ردشکرک دوباره بر افکنده شد — شریف پاشا و فرانس تبلیغ اسلام در افریقا

تصاویر — از مناظر استانبول ذات اعلیحضرت سلطان المعظم برای نماز جمعه جوامع شریف — از مناظر استانبول جنازهٔ مرحوم سلطان احمد — از مناظر استانبول قلعه کم بازار استانبول — از مناظر استانبول سفارت خانه دولت بریطانیا —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1028 of 1786

اعلان

از صنایع زودرپای ذات ملوده صفات اعلیحضرت شهریاری اسلحه والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه ایرانیه وسعی وهمت جناب حریری کارخانه جات و ماشین خانهٔ مبارکه دارالسلطنه کابل علاوه راههای متنوع دولتی و لشکری مانند آلات حربیه دفاعیه و ادویهٔ رمه های صاحب کرشاخه وغیره و بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان قطع نظر شده میباشد اینک نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (در گل عبدالله نزدیک دربازار ارگ) میباشد .

(۱) سرخ های زیبنده بالی رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گرانکاری ۳ دو نیم منقلی شده در صد و قطعهٔ آن چنین هر طرف میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم فیمت آن ۱۰ پیسه گذشته
رقم	کاملا ساخته شده	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه	۱ روپیه ۱۱ پیسه	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۰ روپیه ۴۵ پیسه	۰ روپیه ۹ پیسه	۰ روپیه ۱۸ پیسه

کشیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکاری کشیره میهار خانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشیره رهدار هر رقم ۷ روپیه چهل پیسه

(۲) حراب ها — ﴿۳﴾ تکمه های چرمی حراب ومنبردار

رقم	تکه تکه زوج	راهدار زوج	سنوی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴) ورده های جدید ساخت

رقم	زه باف شانزده دوگره نازه	زه باف یك اسپه دو گره سه نازه	چرم باف یك اسپه	یك اسپهٔ سوار کارهٔ کلفی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاء یك اسپه	چرم باف دسته دولاء یك اسپه	دسته دولاءٔ یك سوار اسپه	چرم باف عرکان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	خانه برجی کلیدنره وماده	قطه کلیت نقره از چرم باف لایه توچاه	زه باف رقم سواری ساچی کلیت	زه باف دو نکرهٔ زکای
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	زکای ازدع	چرم باف میانه جلوب بیت زکاه	ازدین سواری تیغ چرمی	زکاه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۵۲ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته دولاءٔ سواری تیغ چرمی	دسته دولاءٔ سواری راهی کلیت نقره	ازدین سواری دولاء تیغ چرمی کلیت دار	چرم باف ماچن بیت یك اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه ۴۵۲ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل حریر	گل نافرمان	گل برنیه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	تکوفهٔ نازع	گل یاسمن	گل لیلون	جنبل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	تکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿الشتهر﴾

(میر محمد هاشم دفتری کار خانه جات)

(کیدان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1029 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۱۱)

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
بامحصول داك ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با محصول داك ۱۰ روپیه انگلیزی
هر هفته روز یکشنبه نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مجلهٔ ادبی و تجارتی

محمود طرزی

ادارهٔ مجله و مطبعه
در مائینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ربیع الاول سنه ۱۳۳۳ تاریخ انگلزی ۳۱ جنوری تاریخ شمسی ۱۱ دلو ۱۲۹۳

صنایع داخله
ومصنایع پروریهای ذات اعلیحضرت شاهانه

در خصوص ترقی صنایع داخله واستفاده ازان تاکنون بار بار سخن وبیان رانده ایم ، و ازهی بر ومر رهگذر درباب حرف زده ایم ، درین تبارهٔ خود میخواهیم جانب اقتدار پادشاه وطن عزیز خود را بسوی خواند و منافع صنایع وطنیه نموده تشویق وترغیب دهیم که ساکت نباشد ، یکپارهٔ خود بسازند که تو حرفی گرانست ؟ .

قارئین کرام و پادشاه ذوی الاحترام ما البته اعلان بعضی مصنوعات مائینخانهٔ مبارکهٔ دار السلطنهٔ کابل را در پارهٔ سابقه واین شماره ملاحظه ومطالعهٔ فرموده باشند ، وهیچ شبهه نیست که هر صاحب وجدان وطن دوست از خواندن آن اعلان یك مسرت بی اندازهٔ در دل خود حس کرده خواهد بود ، اگر چه اعلان مذکور برجوابح محتاج کل بسیاری محتوی نیست ، ولیکن مهم مسئله چونکه از کمال مهمترین جوابح ضروریه میباشد در بر گرفته است .

فلاشهای که از دربك پشمینه باف سابه توجیهات ترقی آیات اعلیحضرت پادشاه حرام (گشتاسپ روی کار آمده است ، خواه از جهت خوبی ومتانت ، وخواه از جهت داشت داری وظرافت برسیاری از فلاشهای که از خارج می آید برتری وتفوق میکند ، وچون از ان قیمت آن هم در پیش نظر گرفته شود ، وباز هم انسان از خریدن وپوشیدن آن صرفنظر کرده فلاشهای بنیاد گران قیمت خارج عرض احتیاج وروداخل کند نظر دین اصناف بزرگ ثمرده میشود .

غیر از ین ، یکبار دیگر اینرا هم بنظر قارئین دین دفعه ملاحظه کنیم که این فلاشهائیکه در قاریك پشمینه باف دار السلطنه کابل ساخته شده ودرمصرف استفاده درامده است ، پشم آن از همین حیوانات حاصل آمده که در خاك پاك وطن عزیز خودما پرورش یافته است ، درهر جا و جزار ها ودشتها و کهسار های همین خاك پاك چرا نموده ، وازشیشه‌ها ودرمها وچشمه سارهای همین خاك پاك سقایاك آشامیده ، ودر آغلها وغاریها وزمینهای همین وطن آسودگی مأمن آرامیده ، وپشمشان بافیچیهای اقترهٔ همیشهٔ اهل وطن بریده شده ، بدستهای مادران وطن جمع آمده ، بریشت شتران وطن بارشده یا شیشخانهٔ وطن رسیده ، از طرف عمله و کارکران وطنی شسته شده ، رفته شده ، با آلات و ادوات ماشینهای فابریك وطن در خود وطن بدست اولاد وطن رشته شده ، بافته شده ساخته شده است .

آیا کسیکه دعوی وطن دوستی کند ، وفلش خارج وطن را برچنین فلش اصل وطن ترجیح دهد در محکمهٔ عالیهٔ سلطان عظیم الشان ، وجدان ، بجزای خجالت و شرمساری محکوم خواهد گردید ! البته خواهد گردید ! معنای حقیقی وطن دوستی همین است که انسان عاشق وطن خود را وزر مبنای دیگران ترجیح ندهد ! خاشاك وطن خودرا از کافور وسندل خارج برتر نشناسد ! گریبان وطن خودرا از اطلس ودیبای غیر بهتر بداند ! اگرچه در حقیقت همچنین نباشد ولی چون یکبار دردل وحواس اهل وطن اینچنین یقین اعتقاد واعتیادی درپارهٔ وطنش راسخ شود ؛ هیچ شبهه نیست که همان جاذبهٔ کشش حب وطن زنگهای غیرت ، وزیبای حمیت را بحرکت بطی آسانی در آورده ، وسعی وهمت ، دو جرخ موتور فعالیت شان گردیده ، واتحاد ملیه واخلاق حسنه اینچنین حرکت شان شده خاك روپهٔ خودرا بزر مینا ، وگریبان خودرا باطلس ودیبا تحویل خواهند داد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1030 of 1786

آبادان باید روزبروز بانیم گامات شوکتپناه پادشاه ترقیخواه مقدس‌ما اعلیحضرت ، سراج الله والدین ، ازاوقات قیمت دار شاهانه شان درهفتهٔ دوروز پایتخت‌روز را جرامنحصر بالتشریف فرمائی مانیخانه فرموده بنفس نفیس ملوکانه درراه ترقی صنایع و تشویق وترغیب اهل کار آن همت جهانگیرت همیشه رامصروف میفرمایند ، هیچشبهه نباید کرد که این نیست مگر ازکمال مرحمت پروری که در بارهٔ ملت ووطن شاهانه شان دارند . بلی ذات اعلیحضرت پادشاه ملک آگاه ما بکلیه دوستدار حقیقی وطن خود هستند ، بکلیه ترقیخواه جدی ملت خود هستند ، دایما درطلب ترقی وسعادت ملت ووطن شاهانه شان جدوجهد دارند ، ازین است که باریک قاش باقی را تاسیس فرمودند ، وبعون الله تعالی انواع قاشها ازان فابریک بکمال کامیابی روی کار آمده احتیاج پوشاک اهالی را تأمین فرمودند .

پس چون اینطور است هرملاحظات ساعهٔ خود علاوه کنیم خود مارا باید یرین یک وجدانا مجبور بیابم که نمیتوانم ن خودرا بهمین قاشهای وطنی خود بپوشانم ، تاهم وطن خود ارا محبت کرده باشیم ، وهم بملک مقدسهٔ پادشاه خود پروری کرده باشیم ، وهم ثواب معنوی ازان حاصل کرده باشیم .

سبحان الله ! چقدر فخر وسروری برای ما حاصل خواهد شد که چون بپای خود نظر کنیم چراب وچوت بامورهٔ وطنی خودرا بپنیم ، چون بدرشتی خود بچپنیم ن خودرا بقاشهای وطنی خود پوشیده بابم ، چون بسر خود نظر کنیم کلاه وطنی خودرا سر بنیم ، هرگاه براسپی یا عرابهٔ سوار شیم قیچین وکرورهٔ وطنی خودرا بدست گیریم ، حتی زین ولجام وچوت وغیره آنرا هم ازممولات وطنی خود بیابم ، بی سایه ترقیوا دولت اعلیحضرت پادشاهی فارغانه چرم سازی دار السلطنه کابل نیز بدرجهٔ رسیده است که هرنوع چوت ومورزه وگیتس وزین ویراق وتوازمات عسکریه را ازپوست حیوانات خود وطن بهسیار خوبی وصفائی کهبوچ چیزی ازممولات اوروپا کمی آرد ناکه در اتقان صنعت وداشتداری بار بار ازانکونه اشیای خارجی برتری دارد ، حتی درینوقتها حضرت فاخر محترم خان که مامور کارخانه مذکوراست راختراع یعنی ضروریات عسکریه مانند بسته بندی که عسکر در وقت سفر برشت میبندند ، وبعضی خیمه های بسیار مفید خفیف وکم حجمی که کم ثقل وبسیار منفعت است نیز کامیاب آمده است که انشاءالله بعد ازین درذیل بیانات « کارخانهٔ چرمگری » ازان مفصلاً بحث خواهیم راند .

والحاصل بنظر بسیار شکران وحمدهٔ امتنان می بنیم که ملت غیرت طن عزیز مقدس ما افغانستان سایه ترقیاتوایه اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه محبوب القلوبنا ومأمولنا درشهراه ترقی وتقدم درپیش رفتست ، علی الخصوص ترقی صنایع داخل ازچنان منابع ثروت وسعادت ملک وملت شمرده میشود که افراد وطن ازشکران آن ماجز است . زیرا هرملکی که صنایع آن ترقی کند ثروت سعادت ، تجارت آن نیز ترقی میکند ، وخیرازین دلیل کوشندی وغیرت وحمیت آن ملت نیز شمرده میشود ، ماراست که دعای دوام عمروا قبال وشوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه نکوی آمال خود مارا ورد زبان صادقت ساخته ازدرگاه خلاق عظیم الشان جلت عظمته نیاز وتضرع نائیم که وطن مقدس مارا ازشر دشمنان دین محفوظ ومصون داره آمین .

حوادث داخلیه

از دفتر ایشیک آقاسی نظامی پادشاه رسیده است

(ترفع در مناصب)

از حضور مبارک اعلیحضرت والا بتاریخ ۲۶ ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ مناصب ذیلدار ترفع داده شده ، فرازی یافتند بر طبق حکم .

بایجاه میرزا عبدالعزیزخان که عنقریب بتوان بمنصب فرقهٔ جریل سرفراز گردیده مقرر افواج قندهار گردیدند وعبدالوکیل خان رکاب آقا واپس بدار السلطنه کابل از حضور عاطفت

بایجاه امیر محمد خان کرنیل مؤزمت قندهار السلطنه بمنصب بریگی سرفراز گردیده مقرر افواج فلات گردید و محمد صدیق خان رکاب نیز طلب حضور رشد

عبد الغنی خان سرانوس پسر عبدالعزیز خان بکندك نورزائی قندهار عوض کپتن کرنیل — کرنیل مقرر شد

عطاء الحق خان سرانوس پسر خواجه جان صاحبزاده عوض امیر محمد جان کرنیل کاجدید خلافت مقرر شده بکندك موزی مت قندهار السلطنه کرنیل مقرر گردید

نور محمد سن پسر عبدالوکیل خان کاتب سالار مرحوم بکندك هزاره مقیم قندهار عوض کپتن کرنیل — کرنیل مقرر شد

تصحیح یک خبر ازهرات

در شمارهٔ ۶ سال چهارم سراج الاخبار افغانیه یک تحریر ان واقعه تکذیب مازنکی را درج کرده بودیم که خلاصهٔ ماک آن از قرار ذیل بود نسه موازی ششصد خانه از اهالی مازنکی که در زمان سابق فرارکرده طرف مشهد مقدس رفته بودند در تاریخ ۲۹ رمضان همان ششصد خانه توسطهٔ دوپیره سوار رساله کاب الحکومهٔ هرات بحیث محافظ همراه شان مقرر کرده بود در علاقهٔ مازنکی واپس رسیدند ، مد درینوقت از هیات رای مابیوسته که حقیقت همچنین نیست . کهواقعه تکذیب مازنکی توشته است . بلکه این مسئله از قرار ذیل باید تصحیح شود نه ششصد خانوار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1031 of 1786

مذکور از تعدیات و بیغوری حاکمهای آنجا در شوق افزار الاختیار کرده طوعاً از راه هرات از راهٔ مشهد و علاقهٔ ایران را داشتند. وچون نایب الحکومهٔ هرات از رسیدن شان بهرات آگاهی حاصل شد سرحد داران را اطلاع دادند که آنها را از سرحد نگذارند که بگذرند. سپس آنها را نزد خود خواسته همه شانرا نصیحت و دلسوزی فرمودند ایشان بجز از عدویغوری کاردارانِ دایزنگ دیگر شکایتی نداشتند. لهذا نایب الحکومه آنها را خاطر جمعی داده راه دیهره ملازم رساله خانه و علاقهٔ شان نمودند. چون تحریران واقعه نگار دایزنگی سراسر از حقیقت دور بوده اصل حقیقت را ننوشتم فقط

سراج الاخبار افغانیه :- « اتمم اصلح ولاة امورنا » آمین.

(از دفتر ابتیلث آفسی ملکی)

مورخه ۱۱ ماه ربیع الاول سنه ۱۳۳۳

بالجمله عبدالرحمن خان حاکم فراه تحریر داشته است که قبل ازین مسموع شد که از طائفه تیموری سکنه قریه خواف فراه محمد گل نام ولد جمعه گل شخصی است که بسن بیست و سه سالگی رسیده در صفحات چهره وطول قامت وزور قوت هیکس بوده و برابر نمیباشد — بالخدمت کارد دولت نامبرده را بدربار حکومتی فراه خواسته مشاهده نمودم فی الواقع تعریف و توصیفی که در شان او شنیده بودم مقرون بصدق آمد چنانچه هرفردی از مردم اینولا که درقامت بلند ترین افراد وعظم جثه قوی ترین اجساد بود همراه او مقابله شده در جنب او بسیار حقیر وقصیر می نمود — چون پیکر مهیب وهیکل عجیب او از خواب روز کاری نبود لازم دانست کیفیت صفحات جسد وطول قامت اورا مرقوم نمودم —

از دفتر ابتیلث آفسی ملکی

حاجی شیردل خان حاکم چغانسور نوشته است که درین روزها جانوری مشهور بموش خرما ور اسوخاهر گردیده بعضی اشخاص را گزیده چهل روز بعد و گذر ازان مرض دادالکلب گرفتار گردیده دیوانه شده اند و تاحال سی و نه نفر بمرض مذکور فوت شده اند وبعضی حیوانات را که جانور مذکور گزیده است نیز دیوانه شده

(ولادت عجیبه)

از قرار خبریکه بمحکمهٔ اطلاعات در ظهور کیفیت عجیبه رسیده چنین است از زوجه شیرو کام قفالی ساکن چهار باغ لغمان سه نفر فرزند توأم گشته که دو نفر آن پسر و یکنفر آن دختر میباشد زهی قدرت حضرت خالق بیچون جل جلاله —

ادبیات

تشویق بتعلیم وهنر و گزیده مدح پادشاه معرفت پرور
از تحفه نجم خامه ناظم آنجم المتخلص براقم کمیکی از
خوانندگان روزنامهٔ مقدسهٔ سراج الاخبار افغانیه است

ای مسلمانان کنون وقت تن آسانی گذشت
زود بشتابید کاین کران حال گذشت
عالمی درهر طرف مصروف علم و هنر
حیف عمری کو به یعلمی و نادانی گذشت
گشته طوفان خیز هر ساحو شد عزم کمال
تا که موجش از طلاطمهای حیرانی گذشت
صنعت و حرفت بهر سو همچو دریا موج زن
آنچنان کاو صافش از حد سخندان گذشت
اهل علم از جمله اشیای جهان زر میکنند
وقت اکسیر آوری و کیمیا دانی گذشت
آب و آتش جمع زانها برق حاصل کرده اند
یکسر ش ظاهر که شرحش از قلمرانی گذشت
سیم آهن تار برقی گشت و آمد در سخن
تیلفون شد تا ازاو آواز انسانی گذشت
تلگراف برقی می آرد خبر از غرب و شرق
نکته دان از یکجهان کاب نجهانی گذشت
من چکویم برق را کاندر چراغ افرو ختی
زشت و زیبا بیش ازهم چه میدانی گذشت
در سرائی گر فروزی بلبه ا برقی چراغ
ظلمت شب کوتیا چون روز نورانی گذشت
ازبخار آب و آتش دیل و مو ترنه روان
باچنان سرعت که ازهر نان طیرانی گذشت
ریل در یکدم جهانی را بیکی می برد
یکدم از فکر که هنگام تنزلی گذشت
صد جهاز همچو کوهها رد چون راه که
در جهاز ازبحر اعظم هریا بی گذشت
هر جهازی باچنین عظمت زناچیز بخار
ناظر یکتای از صد موج طوفانی گذشت
کار پیدو موتك دفع جهاز مدتی است
زیر آب ازبرق دارد رویه پنهانی گذشت
نفت دوائی و گر چیز است در بحر محیط
آنهم ازبرق است و توان زو بآسانی گذشت
هردورا یکجز و ازبرق است و جزوی مایحیات
هست بارودی و اسمش اینکه میخوانی گذشت
خامه اکنون گر جهازات هوائی دم زنند
کار انسان اینهم ازرشك پرافشان گذشت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1032 of 1786

عالمی اندر هوا ملکی بفکی میروند
رایکه پرواز جهازات ازپریشانی گذشت

با جهازات هوا صد کار جنگی می کنند
آنچنان کز صد منش یافوج نتوانی گذشت

گردش ماشین هزاران درهزار است ازشمار
کاتیه اسباب معاش است از فراوانی گذشت

قوت ماشین پهنها کوه را سوراخ کرد
تا که ریل و موتر وصدم باسانی گذشت

اختراعاتیکه اکنون در جهان دارد رواج
ازهزاران یکدرین نطبیک میتوانی گذشت

جمله اینها نه افسون و نه خرق عادت است
بلکه چیزی هست کاندر فکر انسان گذشت

فی المثل چون زرگری سازد یکی انگشتری
در خیال دیگری پهتر نگین شاید گذشت

آنچه بوداندر خیالش یکنظاهر کرد و ساخت
آنچنان کز زر گر اول بجدان گذشت

تالهی چون دید فکری کرد سعی برگذشت
درنکوئی فکر شخص تاک از تاک گذشت

همچنین انسان بهر کاری اگر فکری کند
باعمل هست ازهر کس توشوانی گذشت

قوت اسلام را ای زمرهٔ اسلا میان
مستند باشید گرچه کفر ظلمان گذشت

درجرایدخوانده باشید اینکه چندی پیش ازین
تا چه حد ظل عدو برتری خیانی گذشت

من چگویم زان ستمهای که ازاهل صلیب
تا کداهین حد چهار حزب قرآن گذشت

لیک لافضل چوه از آنکار اسم مقامم
انتقام حق بدو باتام انسانی گذشت

این زمان هنگامهٔ اقسام توپ استو تفنگ
از جهان عصر کاینه تیر باران گذشت

تابکی باید خرید از ملت غیر اسباب حرب
همی باید که کار ازروی کردار گذشت

یکدره عمر گران در کوشش عزو بقاء
عمر مابان درتقاضا فعل یخیر ان گذشت

وای ازان روزی کزین غفلت پشیمانی کنیم
باز گوئیم این زمان کاز پشیمان گذشت

سازو سامان معیشت نیست غیر از ملت غیر
حیف عمری کوبان نسازو سامانی گذشت

مرده ان تاکی زملت دیگری پوشد کفن
غیرتی باید نباید از مساعا تی گذشت

سوزن غیر از نیستانند جامهٔ نبود ترا
پس بباید روز وشب عمرت بعریانی گذشت

ای برادر جسما بد بحمیت زیستن
فکرکاری کن که ازوی هیچ نتوانی گذشت

بحمیت زند کی هر گز نمی ارزد هیچ
بخوش آنعمریکه اندر سی ایمانی گذشت

هر یکه گردد دین عزو کمالات جدید
نیست انصاف آنکه کوئی کزمسلمانی گذشت

هر کرکاران ملل را ازین رمجاره نیست
غیرازان کوبد حیات از ملت فانی گذشت

گرچه درعصر ت عقل امیر باخرد
حالت این تلنک از بم ویرانی گذشت

خسرو عقل شه ملک سریر دین پناه
آنکه عمرش روبروشب درسی عمران گذشت

هرطرف از منبع فیضان نوبهری روان
کشتزارش تشنگان را آب حیوانی گذشت

هر یکی بهر عظیمی سزاوار خلق بود
تهرها بل یک بحرم باسانی گذشت

در ثوبان ملت از موتر ماشین و برق
کرد موجود آنچه درفکر جهانبانی گذشت

راههای پس بتیش درهمه اعضای ملت
چون شرائین عروق جسم انسان گذشت

از فیوضاتش سی بروست ماشین عالیا
کزیاش جمله باخیر و عمران گذشت

کار اقتصاد تجارت وتوپ واسباب معاش
آنچه باشین عاجزا هست ازفزران گذشت

پنداهی کاندرین ملت از شهان ماسلف
در مدالت درحمیت کیورا تاکی گذشت

سی از تهذیب اخلاق است وتر غیب کار
ایچنین شاه مهذب کی بقصاص گذشت

حضرت حق ازوجودش تاجرا هی برفروخت
شام بلندای وطن باصد درخشانی گذشت

ظلمت طبع وطن را یکچراغ روشن است
کز فروغش جلکی آثار ظلمانی گذشت

کیست آنکور الاسراج وین وماشه شه حجاب
دره دین عرش اندر سی ایمان گذشت

کرده خالق از حجاب الحجش المحبوب خلق
زان علت پوری ازهر که میدان گذشت

باب از لطف عمیم خود بخلق مبسوط
آنکه درملک بیوت فرد لاثانی گذشت

از حدوث انقلاب دهرو باد حادثات
وزسواع آنچه اندر علم فانی گذشت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1033 of 1786

دار محفوظ این چراغی را که نور افروخی
اینکه لطفت از شمارا این و آن گفتست
آنچه دیدی در عیان یا بینکه بشنیدی بیان
جمله در آیات قدرتهای ربانی گفتست
موجد کون و مکان پروردگار انس و جان
کاتبهای صنعش ارقم انسان گفتست

رشته بری چون ز تعریفات صنعش عاجزیست
پس ، بتوان از ثنای ذات سبحان گفتست
من کیم کاندر صفاتش نامهٔ انشا کنم
صد هزاران همچو من زین ره حیران گفتست
شکر لله (راقم) دلخسته را از کلک شوق
این بیان در ذکر مصنوعات ربانی گفتست

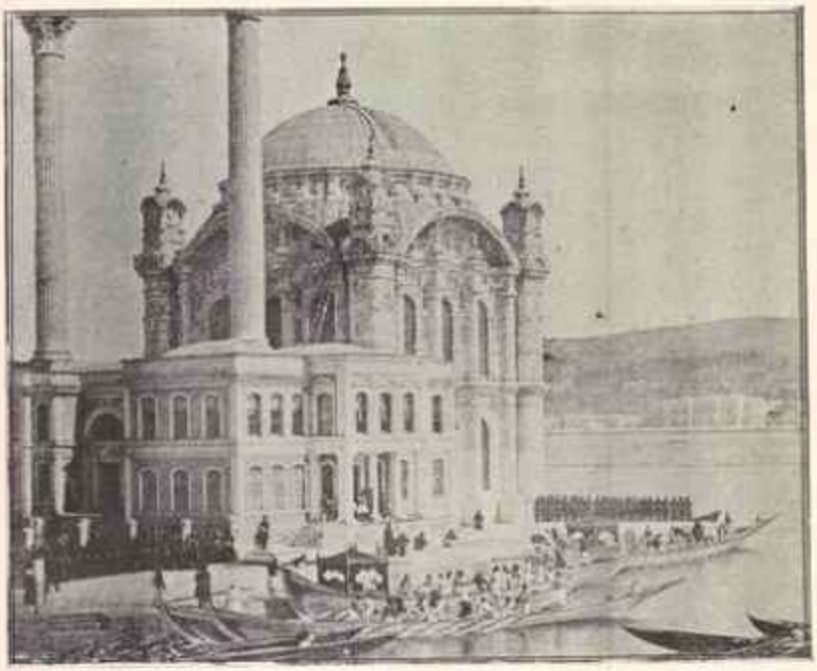

از مناظر استانبول

ذات اعلیحضرت سلطان المعظم برای نماز جمعه بجامع شریف
(والده) که در نزدیک قصر پادشاهی واقعست تشریف آورده اند .

جغرافیه
قسمیات جمعیات بشریه
حالات اولیه

بر طالبان روشن دلیل ، و ساعیان راه تحصیل و تجدد نماندکه نوع بشر در بدء فطرت ، واصل جبلت مدنی الطبع و محاوجت

وجمعیت مالکند یکر محور و محتاجند ، و همچون حیوانات سائره منفرداً زیست نتوانستند چونکه ایشان اولاً در غذای نوعی خویش محتاج غذا باشند و غذای انسان بی تدبیر صنایعی چون کشتن و درودن و خورده کردن و سرشتن و پختن مهیا نشود پس تهیه این اسباب جز بمعاونت و مشارکت صورت نبندد .

انسان بحسب طرز خلقت اعضای وجود و کثرت احتیاجات و لوازمات موجودهٔ خودش نیز نمیتواند که منفرداً بالرأس واحد زیست نماید ، زیرا اگر منفرداً بالرأس واحد باشد رفع و دفع کافهٔ ما یحتاج خویشش مقدور نکرده و از کثیرات تعرضات مذ جیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1034 of 1786

جسم وحیات خودش را محافظه نماید . خلاف حیوانات دیگر که قوت وقوت ابدان طبیعت وصانع در وجود مدخلی نیست چونکه تدارک واستحضار اسباب معیشت مرایشانرا بسهل وجوه میسر است ورای تحفظ طبیعه خودشان کخواه از تأثیرات طبیعه وخواه از تصادمات عرضیه باشد بانواع حصایص وآلات چون

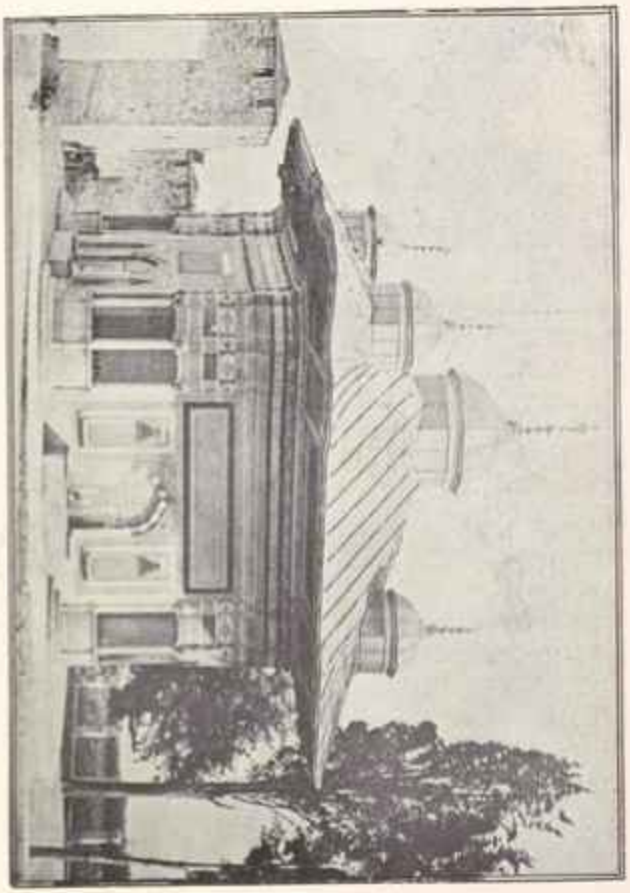

پس حضرت باریتعالی جل وعلی بحکمت بالغهٔ خویش مرایشان را قوهٔ ادراک اعطا فرموده تا بواسطهٔ آن جمعیت حاصل نمایند ودر مدنیت ، ومعاونت ومعاونت ومشارکت هنوع خود مایل ومیالباشند وچون بدین کیفیت یعنی جمعیت متکیف گردند بواسطهٔ قوهٔ مفکره مایشانرا چنان قوا وملکات حاصل آید که از کلیهٔ موجودات عضوی وغیرعضوی اورا خادم وکار کرد وراقسام ملکات مایه قایق شود .

مثلاً از اطوار ایشان مقصد ومرام آنستکه نوع بشر در امور واسباب مشروحهٔ سابق الذکر فطرةً صبور وعیوقند بر اجتماع ومعاونت همدگر . اما این اجتماع در تمام بروج متکون منوط بر یکدیگر ان نباشد ، مانند هیئت اجتماعیهٔ این نوعرا انواع عدیده وحرائف مختلفه ایستکه علی طریق الایجاز مرقوم رقم تدوین ومسطور قلم تبیین میگردد .

از قرار ایستانبول اخبارنه کاشیان انجمن معارف تحالف

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1035 of 1786

طبقه‌ئ تحتانی تودهٔ الیونیزه که کرهٔ ارض یک ملیار و ششصد ملیون سنه (۱۶۰۰۰۰۰۰۰) عمری دارد و قدرت موجود است که هیئت اجتماعیهٔ بشر فعلی بدوی حالت است که عبارت از (وحشت) و (بدویت) و (مدنیت) باشد.

اینک اقرار ذیل هریک از این حالات مذکور می‌گردد.

حال وحشت

در هجاری (افریقا) یعنی بزرگ (اوقیانوسیه) و در الحسوس در (استرالیا) و جزائر قطعه (افریقا) بعضی انسانهای کاملاً که از لحاظ معلومات و اطلاعات قوهٔ متفکره چون طبقهٔ سابع وفنون وحرف کاملاً معدوم میباشد و در حالهٔ وحشت مانند حیوانات وحشیهٔ سایره امرار حیات حیات مینمایند.

اینوع انسانها در معارهای جنگلهای جبال و اجوافی تپه‌های انحدار وکاوه‌های که از قصبون و اوراق انحدار ساخته‌اند امکان یدرو کرانی و معدار بیش شمار و ظروف و اوراق و آثار انحدار غایهٔ حذاقی و صبوری و حرفی منحصر است.

این وحشیان عادت از اعلان حقوق و در تحت اصول و قانون نیستند. اکل لحم انسان و سائر حیوانات وحشیه مخصوص اینهاست جدرداث کوچک و بزرگ حتی مادرین و فرزندان یکدیگر را میخورند بلکه در مابین اینان ارکلی و جزئی فرقی هست که تعریف مدنیت شان را میکند. ذاتاً مدنیت لمهٔ حقیقیه مختلف و هست و هرکس بیکر رنگی آرا تعریف و توصیف کرده است که واضح تاخذ تردیدی تصورات و تعریفات ذاتی منوط است.

خواطر خارجیه

(اجمال)

جنگ متحدتها بشدت دوام دارد. روز بروز دایرهٔ جنگ توسعه میکرد. خلاصه گفته هم پیداست. خبرهای جنگ مانند موی زنگی پیچ پیچ است. شاید باز کردن آن هم مطلوب و مکرر که هم زاویه و منزه شود؟..

هرخبری که از منابع انحادیون تراوش میکند کف بکف شد. آن از جهت طلائی شبیه میشود. زودترین و بسیار ترین خبرهای که بما میرسد از راه هلسنفاست. از یکطرف اگر خبرهای هم خیلی زود و حتی آنی است. خلاصه خواننده این اخبار را از هرجزئی پیشتر و بیشتر آرزومند شنیدن و خواندن خبرهای جنگ میباشند. لهذا ضروریم که بیشتر و زودتر خبرها را نشر کنیم و گاهی بجز ترجمهٔ اخبار هاین که بیشتر و زودتر بدستمان میرسد دیگر چیزی نیست.

خلاصه واحوال احوال از قرار ذیل است. در جبههٔ عراق هیچ یک تغیر قابل اهمیت دیده نمیشود. بلکه جزئی اوامر از یک شکست قلب اتحادیون دیده میشود. در کالیسیای نهر فرات بر هم زده است. از طرف قرطا علی موصل و از طرف عربستان امام یحیی و ترکها باب الندب را تهدید میکنند. تحشیدات عساکر عثمانی از جبهٔ شرق، و تهدیدات عربهای سلوسی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1036 of 1786

ازجهت غرب ، واختلافات اعراب سودان ومصر از داخل ، خطهٔ مصریه را درتهلکهٔ انداخته ، حتی رواتبهای حملهٔ های متواتر با کامیابی نیز درشایع شدن است . حالاآنکه خبرهای پور وپریس عکس آنرا ادعامیکند ، حقیقت مجهول ! درجبهٔ قفقاز دولت تزک ازچند جهت عسکر سوق میکند : ازارضروم ، ازارض روم وارزنجان ، از کردستان وتبریز که باین صورت ازسه طرف قفقاز را احاطه کرده است . ! گرچه خبرهای شکستهای فاحش ترکها را اشاعه میکنند لما چون پرسیمستود که درتکها ؟ میتیم درقفقاز ! تجهز اینکه قوت ترکها را نیز بدرجهٔ غیرمتناهی دران حدود می بینیم . مثلا میشنویم که یك یك فرقه ویك یك اردو از ماجر یلیها وافسرها وسدها طوپها همه را بکجا روسها اسیر میکنند ولی بازهم خبر برون کشیدن شان ازقفقاز شنیده نمیشود . ازحساب چنان معلوم میشود که ترکها بلیونها عسکر وطوپ دران جانب دارند که هیچ تمامی ندارد !

دیگر عقاب های رزمگاه مشرقی ومغربی ست که احوال حقیقی آن رزمگاه ها درمیان کیسها ودوها وبخارهای آلمان تاریه چنان پنهان مانده که هیچ حقیقت آشکار نیست . ازمیان آن ابرهای مظلم ودمه های تیره وتاریك یکان یکان رقی که میرخشد آنهم منحصر برعقاب های متواتر حربیا وپیاپاندنشان واز کشکی ترقیهای اخباریان میاید . لیکن افسوس که هنوز ازرزمگاه مشرقی خبر رامیدن جرمنیا ازولیند روسی ودر رزمگاه مغربی ازعقاب فرانس هنوز شایع نشده است !

ازمحاربه های بحری — یعنی جنگهای دریایی — چنان یك حرب میدانی که حقیقت قوت بحری دولتهای متمدن را پیدان دارد هنوز بوقوع نیامده است . تنها دوسه محاربهٔ شایسته شده که آنهم دارای اهمیت فوق العادهٔ نمیباشد . دومحاربه که دربحر های چیلی امریکای جنوبی بوقوع آمده یکی ازان غرق شدن یك کروزازور وخسارت یافتن دوکروزازور دیگر انگلیزازطرف کروزازور های جرمن نتیجه پذیر گردیده بود که درین محاربه قوای طرفین بایکدیگر برابر بود — یعنی پنج کشتی ازیکطرف وپنج کشتی ازدیگر طرف باهم جنگیدند . بازیك محاربهٔ دیگر درهمان بحرها بوقوع آمد که دربیدار بسبب مساوات نبودن ، قوا کشتیهای جرمن مغلوب گردید . باز دربروزها یك محاربهٔ دیگر دربحر شمال بوقوع آمده است که یك کروزازور جرمنی ویك کروزازور انگلیزی غرق گردیدند . دیگرمحاربهٔ بحریه وجهاز های هوایی بود که پیش ازین محاربهٔ آخری در آبهای خود المان بوقوع آمده یك نتیجهٔ معلومداری ازان پدیدار نگردید . کارستانهای ایدن وکشتیهای آبدوزی که بسی کشتیها را غرق کرده وحمله های کشتیهای جرمن برسواحل انگلستان نیز ازچنان محاربه های بحری نیست که عنوان « حرب میدان بحری » برآن اطلاق شود . لهذا گفته میشود که هنوز یك یك محاربهٔ قطعی که دربروزه دربحر بوقوع آمده است که حرب را یك نتیجهٔ قطعی داده بتواند . بنابرآن باید بگوئیم که حالا هنوز آغاز حربست وانجام آن هنوز خیلی دور افتاده است .

ازاخبار پرتابعدی کابیور مورخه ٤ جنوری سنه ۱۹۱۵ع

جواب ازاو جرمن

بعنوان بالا دراخبار پرتاب کابیور کهزبان هندی بخط شانتری طبع میشود تقلاً ازاخبار امریکن کهدر امریکا نشر میگردد — مضمونی شایع شده است ترجمهٔ آن عبارتی حسب ذیل است : —

جرمن ها وثوق کامل دارند که ایشان عنقریب بر انگلستان حمله خواهند کرد — واین حمله را بعد از تسخیر بندر کلی (بمرحله فرانس نظرف ملك انگلستان واقعاست) خواهند نمود — قیصر جرمنی ازین امر آنده است که برای تسخیر وقبضه کردن کلی سه چهار لك سپاه جرار خود را قربان کند — بمجرد تسخیر کلی توپهای خوفناك ۲۴ انچ دهانه بمعاونت دوسه ساحل انگلستان نصب کرده خواهند شد پس ازیك جانب زدوخورد گلوله باری این انواب مهلکه آغاز خواهند کرد — واز دیگر جانب آن سرنگهای جهاز شکن را که جهازات انگلیز در روبیار انگلستان منتشر نموده اند نابود کرده وراه را برای جهازات حمله آور جرمن ساخته خواهند شد — مزبدران دوسه جهاز هوایی وچندین جهازات زیلین بانگلستان پرواز کرده گلوله های بم خواهند انداخت — وجهازات جرمن بحساب فی ساعت دهزار مارزان جرمنی فرود آورده خواهند رفت ودر طرف یکروز دواجهات سپاه جرمنی بمقصد تمام رسیدن حمله کنان بانظر خواهند آمد .

مترجم احقر العباد غلام محی الدین افغان

ترجمه ازاخبار شانتری پرتاب کانپور

مورخه ۱۸ جنوری سنه ۱۹۱۵ع

(۱) دربندر های انگلیز تحت قرنطین جریده می شده بود . چرا گاهو این اشاره بجرمنی میفرستاد ، بعده او احتجاج کرده گفت که من ازین اشاره صرف نموزلیند ارسال میکنم . وبجرمنی ازاینچیزی نخواهد رسید ازین سبب فرستادن اشیای مذکوره موقوف باز جاری گردید . وبعد ازان معلوم شد که این اشاره نوزلیند ازاعانه وجرمنی ازسوزلیند بی خبرند . ازین سبب برای آینده جهت اطاعهٔ مال ارسال گرده خواهد شد .

(۲) در خصوص زنی رازی منکشف شده . که به ٤ ستمبر ازجرمنی بترد اتوری پیام رسیده بود که حالاوقت حمله مصر است درجواب آنا اوری وضمانتی منتوره کرده ورعیدنامه دستخط نموده پیش قیصر جرمنی فرستاد وازو مطالبهٔ رقم کثیر نمود . و جرمنی آن رقم مطلوبه را به ۲۱ اکتوبر بترد اتوری روانه کرده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1037 of 1786

(۳) مسیو بارکر خواص لازه کیتچنر در افتتاح انجمنی گفت :
گمان از اخبارات پرارد خود معلوم میشود که جنگ بسیار
طول خواهد کشید . و برای آن حاجت بسیار مردم
خواهد افتاد . احقر العباد غلام علی ابن افغان

ترجمه از اخبار زمیندار هفته‌وار
سخن‌های دنیای جنگ
هفتهٔ ترجمهٔ خبرها بقلم عبدالرحمن لطیف اداره میباشد

(۱) یک تف کالسکه‌های جنگی . میگویند که زره جرمنی که از
یک تف کالسکه‌های موتر موجود است که آنها بعض برای
اغراض جنگی استعمال میشود .

(۲) فوج رومانیه . بدوش رومانیه یک سیاه زردست دارد که
از سازوسامان هرقسم‌میرا و تربیه یافته‌است . وتعداد عسکر
آن به شش و نیم تف میرسد .

(۳) عدهٔ دا کتاره‌های فوجی . دوروا کتاره‌های انواع روی و بحری
برطانیه‌درین روزها زائد از بیست هزار نفر کار میکنند .

(٤) وکلای قانونی در جنگ تقریباً ۳۵۰ نفر وسترایتلا (وکلا)
در میدان جنگ اشتراک دارند . وبعضی قانون‌چنان سررشته
گرفته‌است که‌در دعواهای کاپیتان‌ج‌وی میکردند . بعوض آنها
دیگروکلا مقرر کردند . تا که در صورت غیرتان‌پیشهٔ وکالت
را ضعف نرسد

(٥) باغ وحشی انتورپ . در باغ وحشی انتورپ صرف پانزده
پیل زنده‌است . که در اغراض جنگی استعمال‌میشود یعنی‌ازان
خدمت بار برداری میگیرند

(٦) فوج صلح زنان . تجویز شده‌است . که جمعیتی صلح
زنان فراهم آورده شود . این تحریک زور وشور در ملک
منتشرشده میرود . عظم کلیسهٔ انجمن زنان خصوص
منعقدشده . که در آن ۱۵۰ زن نام خودرادر صفحهٔ‌هفته
وار‌جوزیش کردند . وحالا سوالدرینی‌شان‌زورآزمودست

(۷) جزیره های کولیند . انگلستان جزیره های کولیندرا در ۱۸۹۰ع جنابهٔ زنجبار واقع افریقای مشرقی‌بجرمنی تحویل
نموده بود .

(۸) اخبارات در میدان جنگ . سپاه برطانوی میدان جنگ را
از گرد اخبار جنگ میرساند . یک اخبار نویس وعده وقتاً
فوقتاً طبع شده در افواج برطانوی شائع میشود . واهتمام
آن در دست رائی الگزاندر (میجر سان شاهی) میباشد .

(۹) ۶۸ زخم بریدن یک سپاهی . درجرس بعد عمل جراحی معلوم
گردید که ریسم یک سپاهی زخمی نزد کم ۶۸ مختلف زخم
است . واز گزاین زخمها از گلوله‌های تفنگ واجزای گلوله
توپ بود ! واعجب تراین است که زخمی مذکور عاقبتاً صحت
خواهد یافت .

﴿ جزیره های جرمن بر ساحل انگلستان ﴾

« تاخیره در اثناعت ۲۸ دسمبر خود میشویم ، که این یک
هنوز که معلوم نشده که جرمنها چگونه قابل‌هجوم آوردن
بر « هلیگولند » و « وسکار بارو » شدند ؟! . وعوام هرچند
که ازین ساحت بحری جرمنها دهشت زده نیستند ولی‌بهمه حال
بضرور متعجب میباشند . زیرا این امرهیچ بفکر شان نمیرسد که
دستهٔ بحری جرمن چسان برساحل انگلستان تملک ناموده وعجب‌تر که
هیچ وسائل هم براجعت ومعاونت کامیاب آمد ؟ : اهالی بران
چنین استدلال میکنند :

بحریهٔ برطانیا آرزو دید عدهٔ جرمن بود

قوهٔ بحریهٔ برطانیا عقیده میکنند که ، برای کاش دستهٔ
بحریهٔ جرمن چندان زیاد نبود . چنانچه جرمن ها دوبفعه آمده‌ودر
شهرهای ما گله باری کرده وسلامت عودت کردند . حالا زیاده
ترین قوهٔ بحریه هنوز چه میخواهد که کرده شود . ؟

این سوال حقیقتاً بسیار معقول وجواب دادن آنهم لازمست .
مگر با ملاحظهٔ اعتباطهای لازمی موجود ماه انطریق جواب
آنرا میگوئیم که بصورت کل روی قوهٔ بحریهٔ ما چندان است
که ابدان پنداشته اند ، بلکه مقصد اصلی قوهٔ بحریهٔ برطانیا
آنست که دسته بحریه جرمن رای‌مصاف‌وجره تراشی درمقابل
آوبدراید . ولی از وضع موجودهٔ آن چنان معلوم میشود که از
چنین تشبث عاجز است . دسته بحریه جرمن نمیتواند خودرا دمن
جزوی وگاه باری برسر دمن غیر مصاف که بغاره کل در جواب
آتش فشان وی به هیچ چیز مقابله نمیتوانند متمادست . وقبل
ازانکه نابسوبش گلنو اقدام جزوی کرده شود فرار میکند .
هرچند اداره بحریه ازاله دارد که آنرا در وقتیکه میخواهد که
مداخمت کند کرکتار آید . ولی باز هم این یک کار سهل و آسانی نیست !

این خیال عموماً انتشار یافته که دسته زرگ ما در قریبی بندر
گاه‌های جرمن درگشت و گذاراست . مگر یکی یک غلط وهمی
است . زیرا اگر همچنان واقع میشد که‌حال اثری نیز از دستهٔ
بحریهٔ عظیم‌الشان ما (؟) نمیماند وهنوز یکوقتی کشتیهای تحت‌البحر
دشمن جهازهای زرگ مارا در زیر بحر میسایند !

سیر دستهٔ بحریهٔ انگلیز

دستهٔ بحریهٔ ما در هر حد نیکه باشد مگر دریک خط مخصوص
ورقهٔ محدودی مانده نمیتواند یعنی او قات در بحر شمال دوره
میخورد . ودرین اثناقوهٔ بحری جرمن‌ها ازبندرگاههای محفوظ
سرمک‌دار خودش‌براید . یکازدمان‌بسمت دیگری عطف‌عنان
میکنند وطبقه اصلی دستهٔ بحریهٔ مانیست که در هر آن آماده
وحاضر باشد ودر وقت ضرورت برای یک هجوم مفید اجتماع
قواینواند . کار چنداوانش آنکه دستهٔ خودرا یکی مستأصل
وبخاطر سازد نه که حد مقابل شمشک مارا انجام دهد . زیرا
به آنصورت ضمناً قضاطراف وطن میشود ، بسکار بارو ، مارا
محفوظ داشته نمیتواند ولی دریادادوها میتوانند !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1038 of 1786

(خوف از کشتیهای تحت البحر جرمن)

از این چنین باید فهمید که دکترانی و کنک غلیم کرده بیشود تا که این کار شب و روز بیازیست فکر ما برای انجام دادن آن جهازهای جنگی اعلای بزرگ خود مارا استعمال نتوانیم کرد زیرا خوف و خطر عظیمی که از کشتیهای تحت البحر غلیم متصور است مارا از اقدام بچنین امری باز میدارد ، یعنی جهاز هائیکه ما آنهارا برای ایفای همین وظیفه متعین کرده ایم بزودترین گلوله ، و ، و بزرگ ، همیشه توقف کرده نمیتوانند ، والا به بسیار زودی از دست تحت البحر های دشمن تکمیل حیات کرده غرق خواهند شد !!!

(جرمنها را چسان فرصت دست میدهد ؟)

در شب های دراز و سیاه وقتیکه ردهٔ تشنهٔ دهه جرمنها دستهٔ سریع السیر بحری خود شان را برای گاه باری و مردمان شهری به سواحل انگلستان حرکت داده میتوانند وقتیکه چنین مقصد خودها کامیاب بیایند آنهارا هم خود این را چنان قرار میدهند ، و با آنکه جهازهای هجوم آورنده نهایت سریع الحرکة میباشند ، دیگر زیاده از ساعتی در آنجا توقف کرده نمیتوانند ، و اگر ایشان را از آنوقت باجهازهای تازه نبیوند حالا و بکار بارد ، را بکنونهٔ حال می یابیم ، وجهازهائیکه برای استکار منتخب میشوند علاوه بران اینقدر قوی میباشند که اگر بعضی جهازهای خورده و ریخته شان آمده مانع مرام شان گردند به بسیار زودی و آسانی آنهارا پیدا کرده میتوانند !

(دربارهٔ قوات حربیهٔ آور جرمن)

اوراق جریده میگوید که درین جهاز های حربیهٔ آور جرمنی دربارهٔ قوت اژدر شامل بود ، وهرچند که ترس انسدادن و گرفتار آمدن بس عظیم است ولی جرمنها این خطره ها را جداً تحمل میکنند ، وقبل ازین در اکثر موقع دیگر نیز هجومان کرده اند که بران هیچ گمان وعدد کامیابی وانهزام وارد نیامده .

(امکان حملهٔ جرمن)

حالا باید که متعلق امکان حملهٔ جرمن نیز چیزی بیان کنیم ، اگر جرمنها واقعی برخاک ما حمله آور کردند یقیناً که برای شان خطرات بس عظیمی پیش خواهند آمد زیرا دریاده ساختن فوج ازروی جهازها برساحل انگلستان یک مدت مدیدی صرف میشود ، وبرای انجام دادن اینکار لاقاله جرمنها به برآمدن جمع دستهٔ بحریهٔ خود شان از کنیکه خویش احتیاج می افتد ، وآنوقت برحصول از جنگ بحری پلوتس تواند گردید ، بتوقف ماازین یک خطره بحری وواقعهٔ انهائی رو بیار خواهیم شد .

(سبب ترس جرمن)

براسباب این ثابت بحری جرمنها بین رای ترجیحا کرده شده است ، چنانچه درضمن آن اغراض متعدد جرمنها منضمر بود ، ولی شبه ازجملهٔ اغراض مذکور این یک هم محسوبست که درخاک ماچنان یک اضطراب وپریشانی عمومی منتشر شود که ناچار حکومت دستهٔ بحری خودرا از مقابلش حرکت داده به چنان یکجائی بیاورد که بدان مقصد بحری جرمنها حاصل شود ، درین هیچ شك نیست که شهرهای ساحل را از خوف که باری تعالی جرمنها بیشتر بیشتر پیش خواهند آمد وهر ما کنان ساحل شرق را این اضطرابی تسلی بخش خواهد شد که یکباره درید کاوشی مزیدتروی سپاهای ایشان آنکار انداز باشد ، ولی اثارت بحریه یکدام هوشیاری ویقظت اندیشی که دارد این را اعلان کرده است که تاهیچیک ازین طریق عمل که تابحال بران تعمیل کرده اغراض نخواهد ورزید .

(تعجب نباید کرد !)

بعد ازین باید بکار بحری و بگیر ، و بنویسد که ، بعضی مردم را تعجب دست داده باشد که جهازهای جرمن از کنیکه های خود شان چسان می برآیند ، مگر اینهارا از صورت حالات و کیفیات جنگ بادهٔ جاه وقوف واطلاع مکمل نیست !

(جرمنها چون برآمده میتوانند ؟)

هرچند ما در بلوف درکام بحرشاه محل دخل است ولی مفهوم آن این نیست که جرمنها از بنادر های خویش بدر آمده نمیتوانند ، ودرین ایام چون شبها دراز میباشند اژدرو از سواحی ودرازی شب استفاده کرده فرصت خلی وحرکت جهاز های خودرا میبابند ، وچون اینکه شبها اینقدر دراز نبود اینها را چنین موقعی دست نمیداد ، از « هلگولاند » تابه « فلیمو هید » ۲۱۰ هزار فیلومتر ، بعد ۳۰۰ میل واقع است بلکه از ملاد « بورگ » ازین هم کمتر است این جهازهائیکه رفتار آنها فی ساعت ۲۰ میل بحری باشد این فاصله را درخمسهٔ ۱۵ ساعت قطع میکنند ، لهذا اگر جهازهای حربی به ساعت ۵ شنوکه خلوت تاریکی میباشد از منظر خودشان حرکت نمایند بساعت ۷ صبح میتوانند که برساحل تمکنت ما غرض دیدار کنند ؟

(انواع کروزاورهای جرمن)

دربیڑه بحریهٔ جرمن ۳ قسم اکروزاور هستند که درین مسافهٔ عینه رفتار سرعت ۲۰ میل فیصلت رفته میتوانند ، درصنف اول ۵ کروزاور از قسم غون شامخست ودرصنف ثانی ۵ کروزاور از قسم « شارن هورست » ودرصنف سوم کروزاورهای هلکه داخل میباشند که از دوصنف اول دوچند زرگتر وثقیل تر اند .

(جرمن خواهند شرف جارحه)

کشتی های سیاه گی جرمن با کروزاورهای حمله آوربدین اغراض فرستاده شده بودند که اگر بالفرض جهازهای انگلیزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1039 of 1786

کروزورهای هیوم کننده را به جانب بندرگاه های بریتانیای تعاقب نمایند. آنوقت دفعتاً کشتیهای تباه کن جرمن زیردریائی انگلیزی بجنگ پیشدستی کرده بتوانند.

(مذا چه قسم جهاز درکار است)

از سرکه های متعددهٔ بحری که تا به حال بوقوع آمده اند این یک ثابت شده است، که توپهای جهازهائیکه زیردریائی

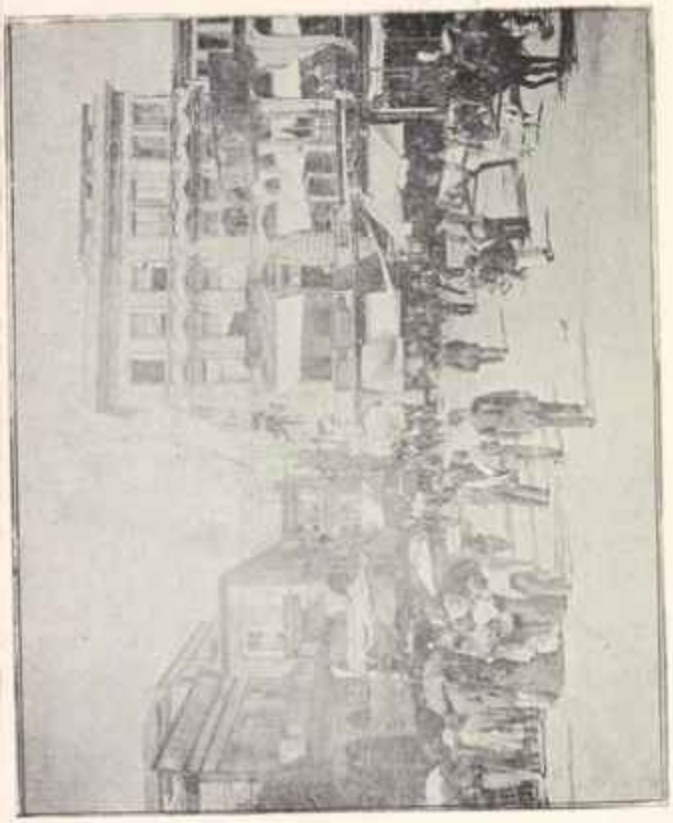

از مناظر استانبول
(قلعه کم نظیر استانبول که حاصل جبر است)

(جرمنها را محاصره کردن محالست!)

اگر چه چنان یک پیشبندی کردن، که جهاز های جرمنی هوایی به ساحل خود ها مهاجمت نتوانند، ویا از کرهٔ جهاز های انگلیزی محفوظ نشوند، یا اینکه در دورهٔ تاریکی در بحر شمال آمده نتوانند یک امر محالست ولی با آن هم ممکن است که در اثنای مهاجمت بیک دستهٔ کرهٔ جهازهای انگلیزی که قوتند تر و وتوازشان باشد سر دوچار شوند که آنوقت فرار، والاکی جزایشان را خواهد داد.

(کجا)

(اهمیت کریطی کیل و دنکرک)

«کیل» و «دنکرک» بر شهرهای این قدره اند ولی بطالبی «پیرز» آبادی آنها بسیار کثیر است، «دنکرک» در شمال مقام ساحل فرانس است و بندر گاه های آن صرف مبلغ ۲۰ ملیون پوند بعمل آمده اند. این بندر اقریباً در محفوظ، فرانس محسوب میشود. در مقام دوزمانهٔ جنگ فرانس گراموں به ۵۰۰۰ عسکر امداد

غلام حق کشد هرچند در عهد بسیار و در جسامت بزرگ باشند برای ماضع میرسانند. و اگر رفتار گلهٔ آنها بیشتر از گاه های کوچای دشمن نباشد بالضرور لازمست که زیاد به آن باشند. در مقابلهٔ کروزورهای بیان شده کی بالا بریطانیا صنف کروزورزا مالک است که بصفات مختلفهٔ هر کدام موصوف میباشند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1040 of 1786

فرانس را کرده‌بودودر صدد آن‌وقتی که « دنکرك » ازاعرف هسپانیه برآمده درمقبوضه فرانسی درآمد پس او این شهر را به انگلستان داد مگر بعد از گذشتن چار سال آنرا انگلستان به مبلغ ۵ ملیون فرانك بر فرانسی فروخت ونتیجهٔ آن این‌شد که پیوندرمابین فرانس وانگلستان جنگ‌واقع‌شد بیاهان«دنکرك»

رفتن‌آمدجهازهای انگلیزی را مسدود ساخته .

درمابین « کیل » و « دوور » لغا بعد ۲۱ میل است واین هردومقام بتوسط تلگرافی تحت البحرمتصل گشته‌اند که درسال ۱۸۵۱م قایم‌شده وه درتیار کردن یدرگاه « کیل » ۲۷۰۰۰۰۰۰ پوند صرف شده است .

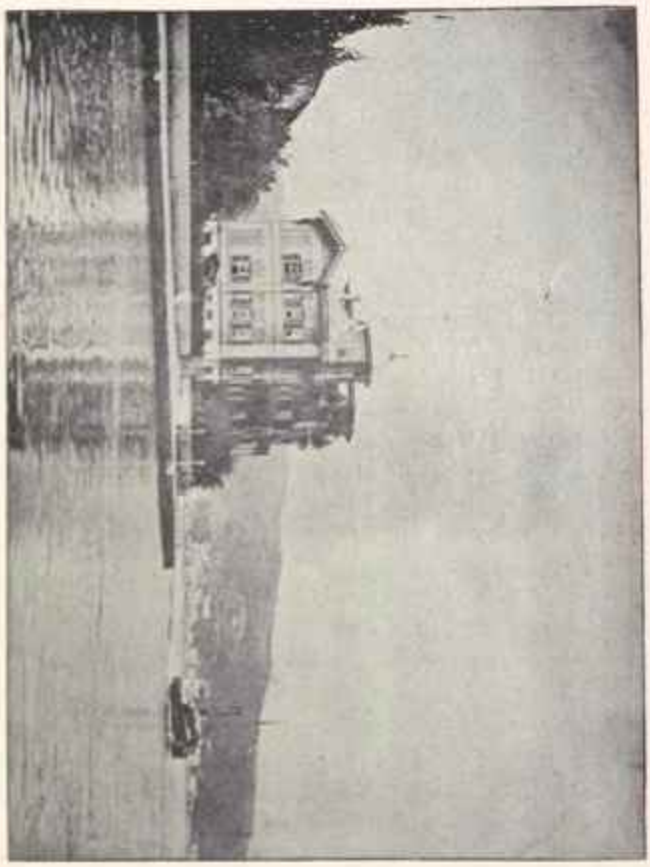

از مناظر استانبول
سفارتخانهٔ دولت برتانیا در « طرابیه » که موقعی که دربیرون بسر میبرد داشت

(سیاره) : (مکتوب یك توپچی)

مصور اوپه برخط یك افسر توپچی را که از محاذ جنك نگاشته است شایع میکند :

« دربنوقت من دریك محل یك عمارت فرانسوی دربیشروی آتش نشسته این مکتوب را نوشته‌ام . من تمام روزرا باستعمال یك تفنگ ویك بسل ویك کباس صرف کرده‌ام ، زیرامن کوشش داشتم که موضع بعضی ازین توپهای قلعه شکن رابیدا کنم که ازیك هفته بایسو مارا سیار پریشان ساخته بودند . روز اول برما شش دهشت انگیز وخطرناك گذشت وحالا امید تکرار آن نیست .

این توپهای قلعه شکن براستی اعجاز حیرت دستازی که میبارا بیاورند . تخمین من کم از کم هشت عدد ازین توپها بود که درپیش رو وعقب وجوانبهای که های « شیلی » مراقبت‌شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1041 of 1786

این کله ها که بهرجا اصابت میکرد در اطراف نارهای کلان کلان ساخته میشد و چنان بلندآوازه‌ئی میشود و چونکه عدد بیشتر اسیران مسلمانند ازاو حکومت اوستریا رضای نداده راه آنها میدهد که آنها را خود اسیران بدست خود حلال کرده ودر اثنیر خانه‌خودها خوردخته میکنند . این ورق نیز برای شان باقراط داده میشود .

هندی" اوستریا ازطرف حکومت خوب سلوك کرده میشود و لحاظ حسیات مذهبی" آنها مخصوصاً رعایت میشود و چونکه عدد بیشتر اسیران مسلمانند ازاو حکومت اوستریا رضای نداده راه آنها میدهد که آنها را خود اسیران بدست خود حلال کرده ودر اثنیر خانه‌خودها خوردخته میکنند . این ورق نیز برای شان باقراط داده میشود .

(کذا)

(برای خطرة آینده نیاز بودن لازمست)

کلکته ۲۵ دسمبر :—

برای اخبار « ستیتسمن » ازلندن تلگرافی ذیل رسیده است : مبصر عسکری اخبار تایمز تخمین کرده است که در جرمنی تاچهار ۴۰ الف عسکر تازه دیگر برای موسم بهار آینده حاضر و آماده خواهند شد . فرانس وانگلستانرا لازمست که نشانهای متحدهٔ خودها بقابلهٔ این خطر آماده شوند .

(کذا) (ذیل تأخیر مورخ)

لندن ۲۴ دسمبر :

کوین هلث :— یك تلگرافی « برلن » مطبوعاتست که ترکان درتحت قطارت جرمنها درجنوب غزا اعزاز معاونه آلمانیها بوده ساختن یك خط آهن دیگررا شروع کرده اند . و حال اوپلك نام دیده است .

لازران : (افکار عباس حلمی پاشا خدیو ، مر)

نامه نگار استانبولی" اخبار « فرانک فرتزرشتك » جرمنی خیالات ذیل رابه عباس حلمی پاشا خدیو مصر منسوب میدارد :

این طریق عمل انگلستانرا من بکمال سکوت واعتدال دیده که اومرا بی استحقاق و بی حق ازمراجعت وطنم منع کرد . این وضع نامناسب را چون ازطرف انگلیسها درحق خود مشاهده کردم آینه دلمنی بدولت علیه عثمانیکی سابق ومتحد کنت وبی ازینواقعه من ازشنیدن جمع آن تحویزیکه بصلاح انگلستان انجام پذیر میشد جداً انکار ورزیدم . وهرایس وامور بی مهمی صادرمن کرده که درقسطنطنیه به خدمت سلطنه حقیقی" مصر عالم . درینوقت عمال وانگلستان دست بیکارند . ویك عسکر حرارتی برحق" مصر متعین گردیده کلیتاً تصرف ارضی انگلیزهارا بکلی ازان تلکت متاصل ساخته وازسرتو دران حالتی که قبل ازسنه ۱۸۸۲ م بود قایم کند . مرادم کامیاب آمدن این مهم عسکری هیچ شائبهٔ ریب نیست ودیر صحیحان من یقین دارم که هرطبقهٔ رعیت « بسیار خوش وخروش خصوصاً شاهانرا استقبال وپذیرائی خواهد کرد مصر هرالتوازو خصوصاً درعقاید" باآنان این یگانگت گرده است که تعلقات وی باحسرت خلیفه باکمال وفاداری وعقیدتمندی مربوط وضوطست اوزواند" علیه مدت ده سال گذشت که دران عصری وبا

این گله ها که بهرجا اصابت میکرد در اطراف نارهای کلان کلان ساخته میشد و چنان بلندآوازه میشود که از زمین دایره میدارد . از حسن اتفاق ، خانه‌های خودرا خوب مستحکم ودرست کنده بودیم مگر خوفرسیدن عصیان شدید صرف دراوقت ملحوظ میبود که گله بهدف میخورد ولی ازخوش قسمتی ما تنها یکدفعه اینچنین اتفاق افتاد که دران مرتبه گله بزلوپ اصابت نموده کلاهای آنرا چاك چاك کرده انداخت و رخنه وریزه‌های گوشت توپچی‌ها رابها رانید که ازانجمله تنها دوتن توپچی محفوظ ماندند گمان سلامت ماندن آنهام محض قسمتی وتقدیری بعمل آمده است ، مگرما آن قدری ازخوف وهراس استیلا نکرده وبلکه بکمال جدیت دشمن مقابله میکردند » .

(کذا) (دسیسه‌های حربیهٔ جرمن)

یك نامه نگار یك جریدهٔ « انگلستان » رقمطراز است که :

متصل شهر « هزدلوچ » وقتی که روسها هجوم برده رسیدند پس قوماندان جرمنی جمانند کان شهراین تهدیدات دادکه جرمن‌ها عمارت بزرگ مشهور شهررا که بطرز تعمیر مخصوصا ساخته شده بود با کلیسای ۶۰۰ ساله" آن خدا آتش خواهند ساخت ساکنان شهر اطلاع وزاری آغاز کرده واندازه فراهم نمود ۵۰۰ کراون را نذرا بجیباه جرمنی تقدیم کردند قوماندان عسکر مبلغ مذکوررا گرفته گفت که حالا عمارت وکلیسای شمارا ضرری نخواهند رسید مردمان شهر خاطرجمع شده رفتند که بعداز نزده دقیقه شعله‌های آتش از « هال » خوشا و ۲۰ دقیقه بعد از کلیسای ساخته‌ده درزبانه زدن وشرر افشان گشته وپس از ساعتی عمارت دارا و کلیسای کهن‌بها هردو خاکستره برباد شدند . در اخبارها اعلانهای جبهه‌داری های حربی جرمنیا پرونه اشاعت مجانیه آنها لباس زیادرا پوشیده دشمن راسیار جباری میدهند . روزی سپاهیان جرمنی مریضه وار بلباس زنانه در آمده در یك کلبت زار قریبی رای آوجیدن رفته ودریکجای دیگرچار دریشروی کاری‌ها بهمان لباس گشت وگذار داشتند ولی چون فرانسویان ازینگ بدفعات « حیله‌ها وشیبه های ایشان بازی خورده اند وسالا بان بلد گشته اند درین بار آنهارا شناخته وگله بارچنان رابشان کرفتند درینوقت ازپشت ردهای لطیف وتازك لباس زنانه اونیفورمه‌های درشت عسکری نودار شدند . اگرچه درخروج زدن خدعه های حربیهٔ جرمن ها هیچ فرو گذاشت نمی نمایند ولی این یك معلوم نیست که آنهارا باکیساها گداوعداوت وحسد خصوصی است که بهرحا « میرسند اول کلیساها را مسمار میکنند ! ! . . .

(کذا) (سلوك نیك حکومت اوستریا باسیران هندی)

از رپورت قونسول امریکائی زیست معلوم شده که باسیران

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1042 of 1786

شماری خود شارا بادولت علیه عثمانیه اجبار نمود وچون انگلیزها جراً خواستند که سرحدها را استحکام نمایند افسرهای ایشان بالاتفاق گفتند که ماهیچگاه درمقابلهٔ آقای خود تیر اندیتیم . من درهرامر مطابق اصول مذهبی باهم شیر وشکر میباشیم وان یک نهمهٔ نامعلوم است که درحق خلیفه مذهبی خود دارا تأسی کدام امورووظایف ازواجبالست . من درین وقت برای حرکت کردن بمیت عساکر عثمانی بطرف مصر بکلی تیار وحاضرم واز فضل الهی امید دارم که درحصول این مراد خودبه بسیارزودی فائز گردم . من این خبرهای انگلیزان را که آنها راس حسین کمال را سلطان مصرساخته اند هیچ پایهٔ وقعت ونمیدهم زیرا کاهم حسین کمال ازغدر وخیانت ورزیدن باخاندان وملت ووطن ومذهب بس کناره جوکرزده است . پیر کیف تقرر اوخلاف قانونست. من برای انجام دادن امور موجودهٔ خود یک شخص لایق رابااختیارات کامل ازطرف خود وکیل وکفیل ساخته درمصر گذاشته آمده ام .

جراید « آرلاند » درحرب حاضر)

از اخبار سپاره

درینوقت اکثر جراید « آرلاند » سراز اطاعت حکومت علی انگلیزی خودگاه درمظاهرهٔ المان وشکست یافتن انگلیزها مقالهها وافکارها نشر میکنند چنانچه درین داک بعضی از اخبار های هندی چندفقرهٔ یکی از اخبار های « آرلاند » را کهبنام « آیرش فریدم » موسوم است درج کرده اند کهسایر اقتباس آنرا خالی از دلچسپی نیافتیم، اخبارمذکور چنین رقمطراز است که:

« اگر « آرلاند » درزیر اثر جرمنها بیاید حالش به بسیار اسفاجت منجر خواهد گشت زیرا جرمن درراه تهذیب وتمدن از انگلیز درپیشقدمی بس پیش دستی کرده اند .

اکردستهٔ بحری بریطانیه ازدستهٔ بحری جرمن شکست خورده بنظر بعید جهازهای دوست خودمان جرمن راسیاحت کنان دربحر ایرلاند خواهیم دید . مارابا «نوی انکس » وانگلیزها یکعداوت هندی نیست ولی اگراین مردم ازظلم مارا مهربانی برآیند از رفتن شان « آرلاند » چنان صاف وپاک خواهندشد که یک آدم تندرست از دورشدن یکمریض خلط سنون میتوان شد .

درین حریکه مابین جرمن وبریطانیه برپاشده « آرلاندیا » آن هیچ یکعلق شخصی ندارد ولی محض اینقدر که معیت انگلستان راجعاً « آرلاند » است :

این اعلانات رسمای که پالن های آرلاندی ازطرف کورنمنت انگلیزی خدمت تحفظ آرلاند را انجام خواهند داد نهایت ملک دلیل ساختن والایک اعلان بود .

مرد مانیکه ازقدرت وقوت وجلال جرمنیا بخوبی واقفند بخیال آن جملهٔ را بنظر نفرت می بینند ومعلوم شالست که انگریزغدار بحیل بریک قوم نهایت متمدن اروپ حملهٔ آورا کرده اند .

علیحده شوید وانتقام خودرا بگیرید ! زیرا انگلستان بدون آرلاند درمقابل جرمن آنچنان عزت خواهد خورد . که درتجارهٔ رانسوال اگردراقرحای جنوب آرلاندیان درمعاونت شان داد شجاعت ومردانگی رانمیدادند .

« آرلاند » که دیگر ظلم برطانیه را بکند ودرحمایت آن مشتهای خودرا بالا کنند در تردطالبوفو بخنان ثابت خواهشد .

درقلمدنیا اگر مارا دشمنی موجوداست آن انگلستا نست . ماروز بروز ازآلات حرب وقوف حاصل کرده میرویم .

ما رائید که « از فرصت استفاده » کنیم وبگذاریم که روز حساب فهمیدهٔ مارابرطانیه بیاید ومانیز نیائیم » .

(ترکان کامکها را شکست دادند)

حمدره ۱۴ جنوری :

اعتر دام ۱۶ دیسمبر :

دربک اعلان رسمای عثمانی بیان کرده شده که یکدستهٔ ترکی در ایران قریب آمدن باکان بطرف « شوماش دشمان » پیشقدمی کرده است. قریب سیهدوس، برکنارهٔ جنوبی کاب « اورومیاه » رسالهٔ های ترکی اردوی رازحت کا سکیارا شکست داد که ۴۰ هزاران زخمی وبسی مقتول گذشته . دراعلان ایضم بیان کرده شده که بطرف « اورمیاه » تعاقب روسیان کرده شده و « اورومیاه » یکجهاز روسی و کدام رسد رسالی نیز قبضه شد وسه جهاز مذکور شکستانده شد . در اعلان مذکور این نیز درجست که ارتان عثمانی حاصل کرده « خلاف دشمن قدیم خودروس میجنگد .

(قضیهٔ عثمانی وایران)

پشاور دیلی نیوز :

لندن ۱۳ جنوری :

ترکان وایران همجوم برده آرا متصرف گردیده اند .

(یکزلزلهٔ مهیب در ایطالیا)

لندن ۱۴ جنوری :

تار « روما » واقف ایطالیا مظهر است که از « ازکوکا » تا به « نیپل » یکسر کشیدید ارض مخصوص شد کهازآن در ۱۲ از شهرها صدها وهزارها مردم علاقه گردیدند . صدمهروحین نیز بیشمار است . خبر رسیده است که قضبهٔ « اوزنیو » که درزلزله زلزله مهروض بود بکلی تباه وبرباد گردیده و بیزارها نفردان تسلیم جان کرده اند بلندیت ۲۰ فوتهٔ زرکی که ریم کلیسای « سن جان » شهر « روما » وجود شدت زلزله جایان افتاده نگانکشته ا

لندن ۱۴ جنوری : (کیفیت مزید تباهی « اوزنیو »)

قضبهٔ « اوزنیو » بکلی تباه گردیدهواز علاقههای همجوار آن مردم فرار کرده اند ازسا کنان این شهر بزرگ تنها ۸۰۰ نفر زنده مانده اند وعدهٔ آن مجروحان گردیده واز جهان ۸۰۰ نفر نیز اکثر زخمی میباشند .

(عدد تلفات)

روما : — ازین زلزله ۱۲ هزار نفر هلاک و ۲۰ هزار نفر زخمی گردیده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1043 of 1786

(کلیساها نیز بسلامت مانده‌اند)

از خبرهای جدید معلوم میشود که مقام « وتیکان » را که در قلب رومایک جای کوهستانی است که بران کلیسا‌ها و محل اقامت « پوپ رومان » و دیگر عمارات مذهبی کاتولیک است نیز تصدمان رسیده است . وبصدها کلکین‌های شیشه‌ای سن پیتر « از شدت زلزله شکسته وریخته اند .

(خبرهای جدید متعلق زلزله)

از علاقه‌های مختلف خبرهای بسیار تلفات رسیده‌است . از اطلاع ۱۴ جنوری « روما » معلوم میشود که ازین زلزله‌های دلخراش شهر بیک اضطراب عمومی نمودار گردیده . و اگرچه تلفات جان بعمل نیامده ، ولی بسیاری از عمارتهای تاریخی را ضرر رسیده است . و مطابق برای خدمت تیلفون مأمور بودند همه از خوف زلزله گرفته وپنهان شده‌اند که ازاینرو سلسلهٔ تیلفون هم بکلی مسدود گردیده است .

سیاره :

(طیاره‌های جرمن در فرانس)

لندن ۳ جنوری :

درروز طیاره‌های جرمنی بمقامات مختلف فرانس دوره کرده درین مقامات « نیس » نیز مخصوصیت ولی ازهر جاییکه گرده شده .

سیاره : (عثمانی و بلغار)

باوجود در اشاعت یکم جنوری خود « قطراز » است که باب نگاراخبار « نووی زورت متی » از قسطنطنیه اطلاع میدهد که سفیر عثمانی فعلی متعین صوفیه بزغت بلغار در حال بقسطنطنیه واپس مراجعت نموده است . در دوران تقرر بانک مدیراخبار گفت « که اهالی بلغار حالا این بانک را بخوبی دانسته‌اند که در استحکام بنای آنها را سعی قابله است واز جنگ این هردو مملکت دیگران استفاده میکنند . وپس از برداشتن قصان عظیم برای هردو مملکت این سبق حاصل شده است . وچونکه پس از تحمل مصایب شدید ومصارف کثیر این تجربه بدست آمده ازاینرو امید کامل میرود که این هردو مملکت برای همیشه صلح قایم باشند . وپس ازان فعلاً بیان کرد که « ایران » و « افغانستان » هردو بحمایت عثمانی آمده اند وازبرای امداد ازین ممالک عسکر آماده است واین « اتحادالاسلامی » عثمانی را بس قوت بخشیده است لهذا ما الازمه از درگاه مقدسهٔ الهی امید کامل داشته باشیم که ما را درین حرب مظفر ومنصور گرداند .

کذا (عثمانی و مصر)

« تایمز لندن » مینویسد که ازین جریانی درسشت که جمال پاشا وزیر بحر دولت عثمانی قومندان عسکری که برهجوم مصر متعین است مقرر گردیده است . ازین یک ظاهره آشکار است که در کان وسرحد مصر تهیه‌مطابعهٔ عسکری را نکرده‌اند بلکه باکمال مکمل برمصر حمله‌آور گشته‌اند . جمال پاشا یکی ازارکان بزرگ انجمن اتحاد وترقی است . درابتدا نائب الحکومه « والیا » وسپس قومانداف فوج « کوایه » مقرر شد و بعدازان در عمان به بالقان کان افسری پانزده فوج مکمل باو تفویض شد . در مسایل سیاسیه حق مداخلت خصوصی را مالک است . اگرچه این حال اندازهٔ لیاقت حربی او کرده نشده فکر درین هیچ‌نیه نیست که جمال پاشا یکشخص بسیار پرجوش ودلیرهٔ ملک وملت است . درموقعیکه سفیر جرمن درقسطنطنیه باو اطلاع داد که ریطانیا اراده ونیهٔ اخلی مصر را کرده است در جوابش فی‌الحال این تجویز را تقدیم کرد که یک قسم عسکری فوری بمصر فرستاده شود واین راهم فرموده « که حالا از انگلستان عوض دوجهاز خودما را که درزده خود شکسته‌اند بخوبی خواهیم گرفت » !

کذا (خوف کوهر جرمن)

از « کوپنهیگ » زنگت « دایلی » خبر رسیده‌است که ۱۲ هزار طالب‌العلم که سن‌شان درمابین ۱۵ و ۱۷ سالهاست درین درعسکر رئی شده‌اند ازین جمعه ۲۰ کمپی ساخته شده . وتعلیم عسکری شان نیز بکمال تعجل جاری است درابتدای موسم بهار آینده درمیدان رزمگاه فرستاده خواهندشد که اوسط عمر اکثر شان به ۱۸ رسیده خواهد بود . درعلاقهٔ « برلین برگ » که درین برلین نیز شامل‌است قریب ۶۰ هزار طالب‌العلم درعسکر رئی شده اند .

زمیندار

(غرقاب یکجهازانگلیزی وسه‌جهاز فرانسوی)

لندن ۵ جنوری :

« همدردی انسانی جرمنها »

« اوکوس » نام‌جهازجرمنی ۹۳ تن‌حمولاج سه‌جهازفرانسوی ویک جهاز انگلیزی « بیلیو » نام راوداشته به « فلاس پلاس » رسانیده است . این هرچهار جهازرا کروازور « کرلان » برنیز ویلهلم جرمنی غرق کرده بود .

(کذا)

(جنگ جارحانهٔ ژنگان)

لندن ۱۱ جنوری :

درپطروغراد رسماً بیان کرده شده است که برای نجات دادن سپاه بالمانده جیش دهم ژنگان طریق جارحانه بس شدیدی اختیار کرده اند .

کذا (استیصال بولگاریان درآسیای صغرا)

لندن ۱۱ جنوری :

بحرکت روتر معلوم گردیده که ازگارهای رسمی « اتینه »

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1044 of 1786

یکه یونان مفهوم است که سال یونانیان در آسیای صغرایی عرضه‌تحمیل کرده‌بود است حکام عثمانی در واقعات قلع‌وقمع کردن یاغیان یونانی نه تنها اعراض بکاری رد بلکه در ارتکاب آن معاونت میکنند و برای استیصال عنصر یونانی از اناضولیان مشهور کار میکردند . در سال گذشته‌بموسم زمستان قریب‌یکصد و بیست هزار یونانی از اسیای صغرا اخراج کرده‌شدند که از این عدد موجود در نارقشده و کورفت یونانی را مقابله‌نمودن بایکصورت مدهشی افاده است .

اتینه :— بابدالی جمع‌بابی دولتهای ائتلاف ملت و یونانرا در حاب جمع کرده‌است .

کذا (رد بکرك دوباره جم اوکنده شد)

لندن ۱۱ جنوری :

۱۰ ، ۱۲ طیاره جرمن بروز یکشنبه بردکرك وجوار آن یکدوره هوائی زده خاص برشهر قریب ۳۰ بم انداخته مگر وجه حفظما تقدمی که قبل‌ازین بوقوع آمده‌بود چندان نقصان عظیمی را باعث نشد .

کذا (تعریف پاشاوزاده صباح الدین)

تعریف پاشا درروز استیلاء سلطنت عثمانی رهسپار جنیو سفارت فرانسه مامور بود . وهنگام انقلاب ۱۹۰۸ ء حکومت عثمانی برخلاف سلطنت روی شیه سازش وارد آمد . وچنانچه اخبار ، طنین ، قسطنطنیه خبر بدست آمدن یعنی کاغذهای که مفهوم آن این بود که « پاشای موصوف میخواست که دولت عثمانی را بدست دول اوروپ بفروشد » نیز شایع کرده بود . باقتضای خودش بر دل ودماغ وقم را در توشق معاندین خلاف سلطنت عثمانی وقف کرد . وقتی ازجهات مقتضیات خصوصی را از « پاریس » قصد بدن عرض‌تابع ساخت که اوروپ‌جاودان صدمن جاودی وموجود گوید تو کی پاشا را در روی ماه صورت یك جمعیت بدترین بشریت قدیم کنند .

شهزادهٔ زاده صباح‌الدین‌افندی خواهرزادهٔ سلطان محمدخان خامس اعلیحضرت ملک ، وفرزند رشید محمود پاشای مرحوم وداماد سلطان عبدالحمید پاشای مرحوم جالزام رو گردن سازش برخلاف سلطنت‌عثمانی فرساً مدت‌العمررا درجلاوطنی بسر کرده وفرزندش شهزادهٔ موصوف نیزازانقلاب عروساً عثمانی غریب‌الوطن میباشند بود . ازانقلاب ۱۹۰۸ م یك عرضه روی‌اهروز امضاکنون کرده بودند که دراتحا خواستند که تعلیم اصول موضوعی خود شانرا که برای دولت عثمانی « لامرکزیت » بهترین صورتحالت‌سازی کشند یعنی جمیع‌ولایتها واضلاع عثمانی‌را خود مختاری‌واستقلال داده شود وچون این طرز عمل شان برخلاف سلطنت بود ازانرو دوباره بهجرت کردن ازبلاد عثمانی بممالك اوروپا مجبور شد . چون در تخریب عثمانی درا کثر جاها تاثیرغیرمستقیم‌صباح‌الدین ذکر میشود ازانرو تعارف نمودن اینهارا بهیچ گاه فوق خالی ازمناسبت نیافتم]

(تبلیغ اسلام در لندن)

برادر ! السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته . ! شمارا تبریك وتبشیر میدهم که حضرت‌حق تعالی بفضل خویش تبلیغ اسلامرا بدست‌قدرت خودمی‌فرماید چنانکه ازمدتی پاپك‌عاجز خط وکتابت را شروع کرده بودم ورساله « تبلیغ الاسلام » را بامعنی کتب میکرد بنزدمایش فرستادم ! تاسلامرا قبول کرد وسبب‌قبول آنرا از رساله ووعظهای من‌نیداند بلکه آنرا « کشف والقای الهی » حواله کرده میگوید که « دوچند سال شد که من بخواب دیده که ازمیان یك در کنیسی هالابه‌بسیار صباحتاری‌وشمله بالنی‌برآمده است درآنوقت من ازاسلام خبر نداشتم ولی حالا دانستم که آن هلال چه بود ! اسلام بود ! که برای نورانی ساختن دنیا واقع خلمت کفر برآمده‌بود ومرادازوقت القائده که جمیع‌بتهای وکفتهای‌توازان‌دور خواهند شد . پس‌ازین وقتاً فوقتاً درروقت مصیبت عالم خواب هلالرا میدیده سلامتی باز هلالرا بخواب دیده ودانستم که اسلام مرازمصایب وآلام نجات میبخشد . حمد وثنا الهی‌را میکوید . ودرچهار یك تابع وجوش فوق‌العادهٔ است که گاهی روزی بمسجد حاضر شده هزار دنیا یکجا خطاعات الهی را بیاورم . اسلام جمع رفع وهن مرتفع کرده است در قلم اطمینان وتسکن پیدا شده است . من همیشه بافرها و آلام قسادقسی معروض بودم ولی‌الحمدلله کنون‌مستریح وخودم‌بحیرت افتاده ام که این تبدل یکبارگی چسان درامحوال من واقع شد . پس تلفن‌شده که هواره بیدار باشم ودیگرعوام وبیزبی‌الهام شده بود که اگر نوروفار نالی تاریخور واصل خواهند ساخت ویك شخصی پیدا خواهد شد که باعث هدایت‌توشود . وروزی ملاقات اتفاقاً من بهنا متصلاً بیان خواهم کرد کهمن‌چندچیز نظارهمایدم وچندچیزها بن‌الفائده . یك سال تقریبی رمضانی میشودوروزانه اکثم کشاده میکردم واکثره زیارت‌هلال‌مشرف میشوم . یکشنبه من در خصوص اسلام فکر کردم که یك حالت غریبی حواسمرا استیلا کرده حکم آمد کهاین‌هان‌ورموجودیت آنرا قبول کن ویش رد وجدال منکر ! بلکه من خودرا بیرون یك مسجدی یافتم که ازاستانبولی‌ساخته شده‌بود ویك صورت بسیار لطیف وتاکتیی‌پیدا شد . من درینوقت‌باخود صلاح میکردم‌تومسجدانم که بمسجد داخل‌شوم یانی ! گهاگهان یکزن رفیع سفیدی ازمسجدم گرفته وبشرفه درمسجد داخل شد وگفت که اینراه واین دروازه است . بلکه‌هرنهٔ دیگر باز اینزارا دیدم که صبا گفت که « ایمان بیاور ! ویکهاصدقت اسلام را قبول کن !! » درینوقت بدست اینان قرآن‌عظیم‌بود ومن درتلویدداری اورامیدیدم توگفت که نامن « نور داست ورای نشانداتان نور بتومأموره . من بگروزی باتورفاه‌را نشان‌خواهم داد » « تو اینخاتون بدانست کهاین‌خاوخارنعمای الهی که روی گفته کشف خاتون گفته شد » فقط‌والسلام

[صدرالدین امام مسجد ووکیل لندن]

درجواب عدهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقالههائیکه مستخط نمارند ازطرف مدیر ومحرر تحریر باك

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1045 of 1786

شرایط خریداری				
دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان		
قیمت سالیانه	هشت روپیه کابلی	سالیانه	چارده روپیه کابلی	
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی	
در خارج افغانستان				
هرجائیکه باشد با اجرت پست				
قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی	

به هیچ اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنید

یاد آوری

رعایهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جا دیگر جا رو خویا بنده میباید که یک نفر قاصد بر وسر عرز را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای جانباد واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

بدو اگران که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وهرکس دیگر هریکم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درین اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود در هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ربع روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقته درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ربع روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر نه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — انچ — ٤ — سون) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متعاقباً چهار ماه نشر کردن خواهد دوچه یک ماه را پیشکی ادا خاهد ورق پشتی پر در سطری سه اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1046 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت و رسیدن اخبار مشترکین گرامی دار السلطنه کابل جلوگیری نمائیم ولی باز هم شکایت نامه ها از کتابه من کرده دار السلطنه کابل یک مقاله نموده ما کتابه مختار الدفتر تقسیم و توزیع اخبار بلا که بهده مشترکین گرامی ما رسانده بر عهدهٔ خیث خود قبول نموده، مشترکین گرامی دار السلطنه خود را تخلیه و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ نیز نزد ما واسطهٔ آدرسهای ما کتابه خود نشان میدهند.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه محمد

کتاب سال دوم ۱۰ ۱۰ مصور محمد

کتاب سال سوم ۱۰ ۱۰ مصور محمد

طرز املاست

آب چه باید کرد ؟

ادب درس

توحید

این کتابهای خوشخط اداره مو جودیست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بادارهٔ مراجعت کنند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت زمرد و در زمین بهشاد روز محمد

سیاحت پدر جو هوا محمد

سیاحت دارز هر مصور محمد

از هر چی سخی و از هر چی سبی محمد

رومیهٔ حکم محمد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مخوف را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت و دیدار افغانیان از اداره خواهی خال سرحدات و از مکان بازار محمد کتابفروش بازار قرا قیسلهای معین که در پشت من کتاب توت است خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مخوف را داشته باشند به اخبار افغانیه اطلاع کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1047 of 1786

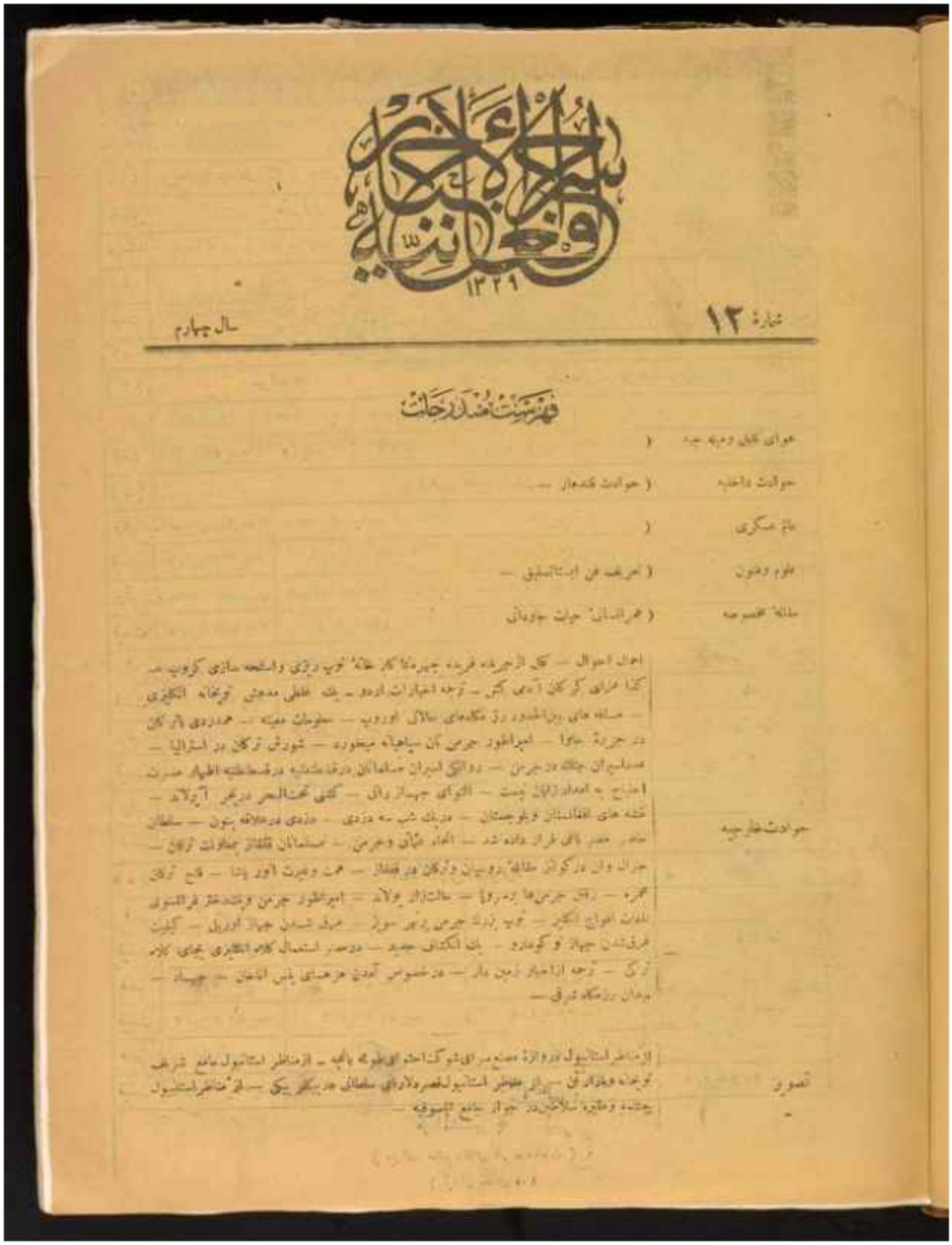

شمارهٔ ۱۲ سال چهارم

فهرست مندرجات

هوای کلی دریه جه	(
حوادث داخله	(حوادث قندهار —
باز عسکری	(
علوم وفنون	(تعریف فن ابتدائیلیق —
مقالهٔ مخصوصه	(غرائبدان: حیات حیوانی
حوادث خارجیه	احوال احوال — کلی از جریده فریده چیرمکا کار خانهٔ توپ ریزی واسلحه سازی کروپ در کنا غزای کرکان آدمی کش — ترجمه اخبارات اردو — یك غلطی مدهشی توریخانه انگلیزی — مسافه های بین الحدود رق مکلمه‌های ملاك اوروپ — معلومات مفیده — عمدوی باز کان در جزیرهٔ جاوا — امپراطور جرمن کن سیاحته میخوره — شورش ترکلن در استرالیا — مسلمیان جنك در جرمن — روانگی امیران مسلمانان درخدمتنده درقسطنطنیه اظهار مسرت امتزاج به امداد زلان پست — الوای جهاد رای — کنی بحرالحر دریحر آیرلاند — خته های افغانستان وبلوچستان — دزدیك شب سه دزدی — دزدی درخلافه بغون — سلطان عاشر مصر بالی قرار داده شد — اخبار عثمانی وجرمن — مسلمانان قفقاز جماعات ترکان — جرائد وان دارکوتار مقالهٔ روسیان وترکان در قفقاز — عزت وعزت آفندی پاشا — فتح ترکان گجره — زلان جرمن‌ها برمروی — سالنامهٔ ارلاند — امپراطور جرمن وبتدختر فرانسوی تلفات انواع انگلیز — توپ زدن جرمن زیر سوزی — عزل شدن جهاز اوریل — کیفیت غرق شدن جهاز نوکومارو — یك انکشاف جدید — دوصد استعمال کلمه انگلیزی بجای کلمه ترکی — ترجمه از اخبار زمین دار — درخصوص آمدن هزهای پاس الناس — جهاز — بودان روزنامه ترقی —
تصویر	از مناظر استانبول دروازهٔ مصنع مرای شوکت احتوای طوپه باغچه — از مناظر استانبول جامع شریف توپخانه وبازار قی — از مناظر استانبول قصر دلمه‌باغچه سلطانی دریکر یکی — از مناظر استانبول یلدیز وعظمتلو سلاطین در جوار جامع الشریف

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1048 of 1786

اعلان

از صنایع پرورپهای ملت سلوه صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه ایران ایده الله بسی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکه دارالسلطنه کابل علاوه راههای حوایج دولتی وعسکری ملت آلات حربیه دولتیه وادویهٔ ربه های عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از ان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله در بازار ارک) میباشد .

(۱) سرمهای پشمینه باقی رنگهای مختلف کثیف آن از قرار گرانکاری ۳ فوتمشتمل شده درسه درجه و قطعهٔ جنسی هر فروش میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم و وضعی کلفت قیمت آن ۲۰ پیسه از همه
رقم	رنگ خودرنگ آسمانی ساخته شده	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ
قیمت	۹ روپیه ۰ پیسه	۹ روپیه ۱۱ پیسه	۹ روپیه ۴۲ پیسه ۵۸ پیسه	۰ روپیه ۱۵ پیسه	۰ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه ۹ —	۹ روپیه ۱۷ پیسه	۹ روپیه ۲۵ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکاری کشمیره پیراهن ۷ روپیه ۳۰ پیسه | کشمیره رمدار هر رقم فارویه پست پیسه

(۲) چراب ها ﴿۳﴾ نکه‌های چرمی چراب ومنبرد ار

رقم	نکه‌دانکه زوج	راهدار زوج	معمول زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴) ورمهای جدید ساخت

رقم	ریاض شاهیه دوگره مدوازده	زره باف پاک اسپه دو گره سه کاره	چرم باف پاک اسپه	پاک اسپهٔ چار کارهٔ نعلی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاپه پاک اسپه	چرم باف دسته دولاپه یکی چار اسپه	چرم باف هرکاپی	
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قیشه‌کلیت قره‌از چرم دولاپه توخاه	زره باف رقم سواری ساعی کلیت	زره باف دو کارهٔ رکاپ	
قیمت	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه	
رقم	رکاپ ازرع	چرم باف میانه چوب پت زناه	ارزن سواری تیغ چرمی	زناه ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	۴ روپیه و ۵۶ پیسه	۵ روپیه و ۸۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولاپه ساعی رکابی کلیت نقره	از ارزن سواری دولاپه تیغ چرمی کمتک دار	چرم باف ماچن پت پاک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۶ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرجین	گل نارنجان	گل برنیه	گل نیلو
قیمت	۵ ربه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ ربه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿المشتهر﴾

(میرمحمد حاشم دفتری کارخانه جات)

(کیدان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1049 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۱۲)

قیمت تسالیانه

مدیر و سرمحرر

محمود طرزی

ادارهٔ جریده و مطبعه

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
مه امورات تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ غره ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۶ فروری تاریخ شمسی ۲۷ دلو ۱۲۹۳

﴿ هوای کابل ﴾

﴿ دیباچه های جیه ﴾

درین سال فرخنده فال هوا های شهر عزیز ما وقت بازدحت کابل در نگهای ملاحظه تهکی پکار برده است . در آغاز درامد موسم دی ، اندکی دیر تا پخه قوای مسابقه خود بشدت تمامی قلوب آورده بانی را در اضطراب انداخته بود چنان کابل میشد که امسال زمستان طول طویلها خواهد نمود . ولی آن شدت وحدت بسیار دوام نورزید . در اوایل ماه عقرب برف باری و هوا های زمستانی یکچند روز بصورت مکمل دوام نموده بعدازان هوا کسب اعتدال نموده چندروز مهاراً برفباری گذشت واز درمیان تنیه چیزی باقی نماند . باز در آخر های ماه دلو واوایل حمل برفباری ، وخلک تشاری یکچند روزی ظهور نموده باز بالمقابل برف باری آغاز نهاده ، والحاصل تاهاینوقت که اوایل ماه حوت است در تمام زمستان بهار در شهر عزیزما برف باریده ودر دره ها واطراف بدرجهٔ کافی بارندگی شده ، ازهرجهت علامات خیران وبرکات سال فرخندهٔ ما که آینده را نشان میدهد .

بهار صفا ثمار فرحت بار وقت بازدحت کابل پدیباچه های جیه آغاز میکند ، این دیباچه های جیه ازامسال بسیاری در مرتبهٔ شهر عزیزما بار آمده است که ازجملهٔ اول ماه حوت درهرروز جمعه شروع شده در جمعهٔ آخرین آن انجام می یابد ، درزمانهای سابق موقع میله های جیه درسمت شرقی شهر در جائی که آرا دروازهٔ جیه میگویند تر میکردید ، درزمان سلطنت اعلیحضرت ضیاء الملة والدین ، دردامنهٔ کوه آسمایی در قلب دستیخانه ، وبازدر آغاز جلوس درمین مأنوس اعلیحضرت پادشاه مقدس ما ، سراج الملة والدین ، درده مزنگ نام موضع دلکشای مدخل چارباغی اخذ موقع نمود .

درین سال فرخنده فال « میله جیه » را یک رونق وشکوه بی اندازهٔ حاصل گردیده است ، ذات شوکتسمات پادشاه اول آگاه محبوب القلوب ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » ادام الله دولته القاهره واقبالهم چون امسال بتاریخ هفدهم ثور که درشهارهٔ سابق خوشبیان نموده بودیم تشریف فرمای جلال آباد نشده وزحمت ساحت سنیه وجود مسعود همایونی رونق افروز عزت وسعادت ماند ، لاجرم میله های جیه که ازبسیار سالها درموسم ازموجود بودن ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما دور جریان مانده بود درین سال فرخنده فال یک رونق وشکوه بال التعالی جلوه افروز عز واجلال گردید .

اولاً موقع وضع شدن تالار گاه این میله مسرت وسیهاز دهعزیز بسمت « سیاه سنگ » که موضع باصفای شهر که خیلی دلچسپ وموزون است تبدیل موقع نمود ، ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی کجرا تر ازهمت صادقهٔ شاهانهشان مرحت وشفقت پذیری دارند ، واز همه جهت درین « زحمت و سعادت شان مساعی جمیله مأمورین مربوطه بیشتر در خصوص انتظام این میله های ملی جیه ازدرین سال شکوهی پاک توجهات پادشاهی راصرف فرموده الحق که امسال میله مذکور بیاک رونق وشکوه بسیار بدیعهٔ ترتیب یافت .

درین دو جمعه که میله اول ودوم بود ازوقت صبح بازار ها بری ازاهالی جلپا وسر کپا وداماهای میله کاملا پرولتو بوده درهرطرف وهر گوشه و کنار مرکزهای سرور ونشاط تشکیل یافته بود ، هوا عالم بسیار مساعد وموافق بوده هرنوع سبزه وهر شاخ شکوفه ورود حیات بخشی بهار پرازهار صفا پذیرا شده مینمود ، خیمه گاه اعلیحضرت پادشاهی ، وشیرازه کار عظیم رونق وشکوه میله کاملا پیلترتیب وزینت وشکوه وعظمت بی اندازه خلا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1050 of 1786

پرده بود ، علی الخصوص سایبانهای مالیشال که برای اهالی سفره جمع پوشیده ویك جماعتی که ازده‌هزار آدم بیشتر بود تمام بیاد جمع را بحمیت پادشاه بزرك اسلام ادا کردن از جان چیز هایی نبود که اهالی عمومات بتکرار بزبان آن رطب‌اللسان نکرده .

غیراز سازهای ملی وموزیکهای عسکری که برای تنشیط دلها درهرطرف نغمه‌پردازی داشتند برای ساعت تیری وتماشا بازیهای متنوعهٔ بترتیب یافته بود. علی الخصوص میدان مدوری که برای مسابقهٔ اسپ دوانی ساخته شده بود ، و مسابقهٔ مذکوره خیلی شایان تماشا یکچیزی بود . دار بازی ، پهلوانی هم از تماشا های معتنا شمرده میشد .

و الحاصل میله های جمه امسال رونق وزینت بسیار فوق جلوه کرشده ، وخواهدشد ، ازدر که ایزد تعالی جل‌وعلی نیاز میکنیم که عمر واقبال توکت واجلال اعلیحضرت پادشاه تاکون آمال محبوب القلوب مارا تاسالهای بیشماری ازیکه پیرای سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ افغانیه بدارد تاسایه ترفیا توایه شاهانه شان ملت ووطن بمعاونتهاومسرتهای بادی ومعنوی تأیدوشاملان شوند . آمین

حوادث داخلیه

شنبه ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۳

(حوادث قندهار)

درقندهار درهمین زمستان ، زمین صاف ، هواشفاف ، اهالی شهر وقت عصر (مانند عصر بهار کابل) بسیر مشغوف ومتروح مشغوف اند ، مانند کابل زمین ازبرف قالم پوش ، نه آب ازدست انجماد عاجز وهوش از...

چون زمستان زمهریر لشان کابل را بیاد آرم آن برفهای ژرف وآن رودرود آن آب منجمد ، آن هوای سرد ، میلرزم وبور پوستین می درایم درهوای کابل وقندهار تباین وتباعد زمین وآسمان موجود است ! ! ...

درین ایام جمع ساکنان وطنهای این بلدهٔ خلد آثار وحمهٔ صاحبان ، زروبات مانند صدف لشهٔ یکقطره آبباند وچون ماهی ازبی آبی بپتاب، مانند گیاهمه سربسوی آسمان اند ودست بردعا درخواهش باران ، امروز روز ششم است که وقت شام [مطابق عادت] اطفال نابالغ رمانهای سرای خودبایستاده بشوق وذوق تمام درشهر مینوپیرقندهار با آواز ، صلوات وولولا انداخته ، وخود هارا مورد رشك ملایك تسبیح خوان افلاك ساخته‌اند . « صلوات » بادن است که عین خسوف وکسوف وقحطیاران باکثرت آن اطفال جمیع شهرباآواز های بلندودلپسند تحیات وافره وصلوات متکاثره بارواح مبارك انبیای کرام خاصة حضرت محمد علیه‌الصلاة والسلام میفرستند . وعلاوه ازان اهالی قندهار هم اطعامها کرده گذر به گذر محله به محله خیرات‌ها کرده اند وهی کنند .

گذا

برون از قندهار جانب مغربیت تلی است خضب وسرسبز وشاداب که آنرا « تل‌نجات » میگویند و مشهوره « مالجات » است یك دهی از دهات این که قریب یك میل ازشهردور وبنام « دهخسوس » مشهور است ، درانجا یك زیارت است که آنرا « پیرزنده » می گویند درهمین هفته که عشره اول ربیع‌الاول است یکشب متولی زیارت مذکور گفته شد است صبح چون مردم آنجا متولی رامتولی یافته‌اند قندهار آمده عرض کرده‌اند . ازطرف قندهار یك ملی وپولیس‌ها وکوتوال رفته‌اند ، وچون متولی را دیدند بضرب تیرمقتول شده است . درین اثنا شخصی رسیده وسبب اجتماع رسیده بعدازان پیش ملی وغیره گفته که دیروز من وملك باهم بودیم ، ملك بمن متولی بعد ساعتی نشان برخاست ، گفتم کجا میروی ؟ گفت قتح خان مرا بك قران داده که شام کوشت بخته کنم که ایشان دوتفر می آیند که خورده یك چلم کشیده خواهند رفت ! . . . گفتم خوب برو من ایشان خبردارم ، بعد ازان پولیس‌ها که انهارا درقند هار (میرشب) می گویند تحقیقات وتفتیشات کرده وغالباً قتح خان نامرا تلاشی کرده اند درانجا کالای خون آلود وبسترقلم خسته جگر ومتولی شامت‌آرزاپیدا کرده اند واورا بسزای ساخته وهی گویند قاتل‌قابل شده می گویند که چون یك (۶۰۰) روپیه قندهاری پیش اودیده بودیم ، ن درفیق من رفته لکن من اورا نه کشته‌ام بلکه رفیقم اورا کشته من پاهای متولی را گرفته بودم پیش از ۲۷ قدم هاری که قریب ۱۶ گابی می شود بالیم وآنرا نصف کردم ! . . . .

گذا

درین ایام قریب ۲۰ نفر از اقوام انگلیز که مسلمان هستند قرار نموده آمده اند ، آنهارا من خود دیده ، دربتی‌های درازوقند ودستار های بلرنگ دارند ، میگویند ایشان همه باخود تمنك آورده‌اند در « قلعه جدید » که قلعه در حدی افغانستان است بارها ران یعنی تمنك های تذارا نگهدانته اینهارا فرستاده است ، ایشان می گویند ماز کلاچی راه جنگلها آمده ایم یك جهاز درکلاچی رعی‌ها را فرود آورده ماز بعضی پرسان کردیم که چه دیدید ؟ گفتند یکبار درهوا غرغر شده یك‌چیز روشنی مثل دودان می افتاده وبعد ازان یك‌چیز مانند بم صدا کرده رسا می رفت وبین عضوما که میرسید قطعه می‌شد چنانچه بعضی را پاها وبعضها قطع شد ، ازین سبب چون ماندانستیم گمانرا می‌فرستند ، گرفتیم .

اخبار شماره ۸ دروز گفتهٔ دوم چهار شنبه ۱۱ شهر ربیع‌الاول میانته رسید ، فرحت بخش گردید . عبدالهادی

---

(۱) درتاریخ مذکور است که تیر غیبی قندهار که مال آنرا (لوی نهر) می گویند وآنرا بادینده خراب کرده بود آبادو وبابادی گشت بافته انهارا عین علی‌نجات رفاح ودولت زار ساخته وبسط نشانده ، در موسم گرمی‌مردم شهر بسیجای آمده انهارا تمام آنرا علی نجات گفته‌اند ع ه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1051 of 1786

بخدمت مدیریت علیهٔ سراج الاخبار افغانیه

آنچه صاحب گرامی فرموده اند ، درباب اینکه مقالهٔ سابق خارج از دائرهٔ وقوف بعضی افسران خورد نظامی است ، عین حکمت است ، فی الحقیقه برموجب قاعدهٔ « تقدیم الاهم علی المهم » برای توسیع ملکه ومعلومات همین افسران کوشش باید ورزید ، بناران بعدها همین مقصد درهمهٔ مقالات عاجزی مدنظر خواهد بود ، از مهربانی صاحب گرامی توقع دارم که غلطیهای زبان عاجزی را بنظر بشیوهٔ وقاعدهٔ فارسی تصحیح فرمایند .

محاربه های اتقیا

در حرب ، خواه متصدیان خورد و خواه بزرگان ، برای هرمسئلهٔ خصوصی یاقلان جارچیها مقلقند ، هرافسر درباب کشف تدابیر مقابلین و اعضای قرار مناسب مناصب ملکه و مهارت باید بود ، تحریرات خدمت اساسیهٔ متصدیان خورد است ، بناران باید که بدریعهٔ تطبیقات مفیدهمین افسران خواص موفقرا کسب کنند چون محاربه های اتقیا برای لشو و نمای همین اوصاف بلکه سامهٔ جولان واسع تشکیل میدهند در اینها ازهمین محاربه ها بحث رانده خواهد شد ، همین بحث ازهرگونه جهت دروقت حضر برای منافع دولت خداداد افغانستان نیز خدمت میکند بوجوه آن ، چون قلعهٔ مبارکهٔ افغانستان اکثر کوهساراست ، خدا ناکرده اگر در مستقبل یک اردوی اجنبی خیال خام استیلای افغانستان بندد ، افراد لشکری ورعیتی که درعقب اردوی دشمن بطرز جاده های داره مانند اجرای جهاد خواهند کرد وافسران که بسوق واداره آنها گاشته خواهند شد ازهمین مقاله بلکه بکلی ی توانند گرفت ، برای استفادهٔ کلی تحریرات خرد تر بنز موضوع بحث خواهد شد ، فریدریک کبیرجد امیر اطور حرمان حشمت مآب ویلهم گفته اند که « بتحریرات کوش کنید زیرا که آنها کام اولاد که بظفر میرساند » ..

(صورت حرکت درمقابل جاده های اتقیا)

یعنی داره ها

اتقیا بدرمحال سکونه مانندهمها پنهان وبادر کوهها درسال جولان میباشند ، هرگاه یکی از همین دو حال بسمع افسری که مأمور عقب گیری آنهاست برسد باید که فقره های ذیلرا بنظر مطالعه گیرد :

۱ــ تحقیق کردن درجهٔ صدق و حقیقت افادهٔ مخبر [زیرا که درهمچو وقت اخبرها معلومات بسیار غلط وبی اساس میدهند ، برای اینکه اینها را کار گذار بکوید و درهمچو وقت نیز بنافع اتقیا خدمت کرده حفرهٔ تعقیبرا بعکس جهت اتقیا و محل های دورمیرند و بجستجو های بیهوده مشغول میکنند برای اینکه اتقیا آزاد بشوند]

۲ــ مقدار حقیق وتخمینی اتقیا .

۳ــ حال وکیفیت تحریرات وتسلیحات آنها .

۴ــ آیادر محل اتقیاوبعد جوار آن اینچنین دهقانها وباشندای دیگر میتواند بود که بامداد اتقیا بدوند .

۵ــ بعدیت مسافه مابین موقع مصادمه و مرا کزعسکریه چقدر است؟ آیاوقت اللزوم درباب قوت ومازمه مکاتل معاونت شدن ممکن است یانه ؟ وهرگاه ممکن باشد در چقدر زمان و دوچه مقدار وچگونه استفاده خواهد شد ؟

۶ــ آیا اتقیا از موقع مصادمه بکدام جهتها فرار و التجا میتوانند کرد ؟ آیادر آن استقامتها مراکزعسکری هست یانه ؟ [هرگاه مراکز عسکری باشد باید که باآنها بزعمعلومات داده وقت وصورت حرکت مقرر شود .] افسرتعقیب بعدازانکه فقره های فوقرا تحقیق ومطالعه کند ، نظربآن اجرا آت ذیل را بکار میبرد :

(صورت حاضر ساختن وسوق کردن قوهٔ مسلحه)

۱ــ افسر احضار این چنین یک قوی را قاعدهٔ اساسی باید دانست که ازمجموع قوت اتقیا وافرادیکه معاونت ایشان باآنها محتمل است اقوی تر و بزرگتر باشد [زیرا که لزوم فاتحیت عددی آن طرفیکه اجرای مأموریت وتعرض را درعهده میگیرد مسلمی احتیاج است]

۲ــ افسر این چنین افرادرا طلب و ترتیب باید کرد که حتی الامکان بی باری وبی سرمه وبیزرو وتوانا وبیدار باشند .

۳ــ برای اینکه اتقیا بکمیابی هوما گهانی اجرا کرده زودی گریبان گیر آنهانشوند میباید که حرکت را بسیار پنهان باید داشت تاانفجار انفعل و بغتهدست آرند وبعد ازبرون آمدن باید که اول اینچنین حرکت های (ساختگی) اجرا کرده شود که آنها را بی غلط بدعد وبعد ازان باستقامت لازم توجه کرده شود ،

۴ــ هرگاه حال موجب استعجال نباشد باید که بالترجیح مقرره ازاقامت گاه خود شبانگاه ناوقت رآید وقبل ازفجر بمحل مطلوب رسیده ترتیبات بگیرد

۵ــ شبانگاه بجای آنکه افراد از کوه های خودشان متعاقباً رآمده بقطار رفتار در آیند باید که در چون محل مسکون یک محل مستور را تحمیگاه انتخاب کرده یک یک دو دو منفرداً وبقسم قطار دوربه بی کرده واز راههای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1052 of 1786

کوچه های جدا جدا قطعه های خورد تشکیل نموده حرکت کنند ودر آنجا یکجا شوند .

۶ــ همین حرکت افراد بی سخن بی صدای فاصله وبی درپی ودرب باید بود [کارتوس و کیسی خود شارا که علامت سفرند . تا که بیرون برآیند نشان نبایند در جای تجمع باید بوشید]

۷ــ تا که بآن موضع عملیات که جای مصادمه خواهدشد مواصلت کرده شود هیچ یکنفر بفکر افسر واقف نباید شد . ونباید دانست که کجا میروند . حتی هرگاه نفر ورانه یک را بخود یکجا میبرند باید کاملا از قیقه که اینها بالفسر سخن گفتن کشته اند وخبر داده اند از اختلاط منع کرده شوند .

وبرای اینکه افراداهالی این منطقه رهنمایخودرا ببینند از تغیری اینها مشتبه نشوند باید در آغاز حرکت ورفتار « دشمنی » رسمی عسکری به آنها پیو شانند .

۸ــ همیره یک افسر بافراد امر آنرا که دهد حرکت باید کرد . ودر همین اثنا اجازه نباید داد که دربازار بافراد اهالی سخن گویند ودرحال حاضری سفر گردش کنند .

۹ــ آن کسانیرا که درانتهای راه تصادف خواهند کرد وهمین حرکتهای خود شارا خواهند دیدبحسن معاملة پیراهن خود کرفته باید اسلت بوقع مقصود دروقع کارتوش باید کرد .

۱۰ ــ دونفررا که زبان اشقیا واقف میباشند به قیافت جوان و دهقان برنتابنده یکی را بقافلة" ممکن در مقابل پشتدار ودیکررا درمقابل جانبدار وپا کشاف جانب بازصفاید کاشت

۱۱ ــ همین طرحها مابین خود وبه قطعه بدرجهٔ یک چند نفر محافظة ارتباط باید کرد .

۱۲ ــ نفرهای ارتباط بی سلاح بوده تا کن ایشانرا چیچوشیده دستمال وپا دستار بسر بسته صفت دوحی" ایشان آشکار نباید بود اگر رهنما بی آنکه خودرا نشان دهدیک رهنمای اشقیارا چند فالفور استاده پنهان باشند وقیمی شروع باید کرد . درهمین اثنا نفرهای ارتباط ومر قطعه بزاستاده وبزیر خس وخاشاك در آمده وپا دراز کشیده منتظر نتیجه ساك باید بود . در همین زمان باید که قو ماندان مسیره پیشتر بقسم پنهان رفته احوال راخود دیده بسرعت یك قرار بدهد .

۱۳ ــ مابین رهنما وقطعه بعضی اشارهای دیکر طرح باشند. لیکن اینچنین اشارهها انتخاب باید شد کهدروقتیکه اشقیا رهنمارا چند فرق وتغیر نکنند که رهنماست ویك اشاره داد رهنمای مفرزه همین اشاره هارا ــ دروقتیکه اشقیاز درهمین زمان آزادید ــ استعمال باید کرد اما اگر رهنمای ما بی باشد که اشقیا هنوزاورا ندیده است فالفور درازباید کشیدن آن موافقتر است . نفرهای ارتباط نیز اشاره های رهنمارا عیناً تکرار باید کرد ونفرهای ارتباط فالفور دراز باید کشید . خواه طرف اشقیا آنهارا دیده باشد و خواه نباشد بچانچه

دراز کشیدن وپنهانشدن آنها لازم است همچنان خدمتهای پی پشت نیز خود شارا پنهان باید کرد . برای اینکه تا که ترتیبات کرده آشکار نشوند . اشارای اینکه اشارت وحرکتهای رهنما ونفر های ارتباط ترصد نتوانند باید که یکنفر چشم باز از افراد قوی پیشدار عقیده بالی کاشته شود همین نفر هرانشارت وحرکت رهنمایافراد ارتباطرا فالفور بقوماندان خود پیشدار اعلام باید کرد .

مزید دارد

قوماندان مفرزهٔ مختلط حربیه و معلمش تریه

ودرسات عسکریه افسر ارکان حرب

ضیاء الدین

تعریف

فن استانسیق

بسیار کسان باتمام لازمی لفظ (استانسیق) آکاهی ندارند وبلکه اسم آنرا نیز نشنیده اند چه جای آنکه منافع وفوائد آنرا درخصوص امورات سیاسیهٔ ادارهٔ دولت وحکومت حس ودرك نمایند ! پس چنین اقتضا نمود که ببدء تعریف درین فن مفید درج این صفحات لازم آورده تا کی شایقین وقوف احوالدهور وفنون اینعنصر جدیده را از چکونکی آن اطلاعی حاصل آید .

استانسیق ــ عبارتست ازاتخاذ اجنبیهٔ لعل اوروپا وآن عبارتست که احوالات طریقه ، واجتیاجات ، وسیاسیاتکاه کزارش ووارثات قطعهٔ ارض ودارثیتدولت وبارتك حربیهرا ازیکجاهارا بوادطلاعرقم وجیداولداقده ومعلوم کردانده موضوع ومقصود این فن عبارت از اطلاع واکاهی دادنست انسانرا بکمال سهولت وغایت سرعت باحوال ، وحرکات ، وطبیعت ، واجزای حرکات هیئت اجتماعیه .

مثلا دربك دولت ویاکولایت چقدر حیوانات ومواشی اهلیه وچقدر انهار وطرق ، وارانی مزروع وارانی خالیه ، ودرهریك چقدر نفوسات ، وچقدر دولت ، وچقدر آزاد کور وچقدر بیطاقت وبه امثال این هرچه که باشد از جزئی تا کلی همهرا درقید تحریر آوردن وآنچه معلومات مهمه رابکمال سهولت وغایت دقت توضیح وتبیع نمودن وظیفهٔ فن استانسیق است .

موجود بودن فن استانسیق درازمنهٔ قدیمه خالی از شایبهٔ ریب وکاست ، چه بدون اینچنین امور اداره صورت نبندد ولما درینعصر جدیده فن مذکور مالك اتم خاص ، واهمیتلزوم آن خارج ازحد وقیاس کردیده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1053 of 1786

هر کسی که یکمرتبه بوبک جنگاه و دیگر لوازمات زمینداری را مالک باشد ، و خواهد که امور اداره و کاران خودرا بحسن اسلوبه التزام کند مجبور است بر اینکه جمیع امورات زمینداری وذخائر ، ومطبوعات ، ومصروفات خویشتن را دفتری ساخته از روی آن عمل نماید ، و اگر چنین بلندفتری ندارد مطابق دخل وخرج اراضی خویشتن نکرده وزوده باشد که سررشتهٔ کارازدستش

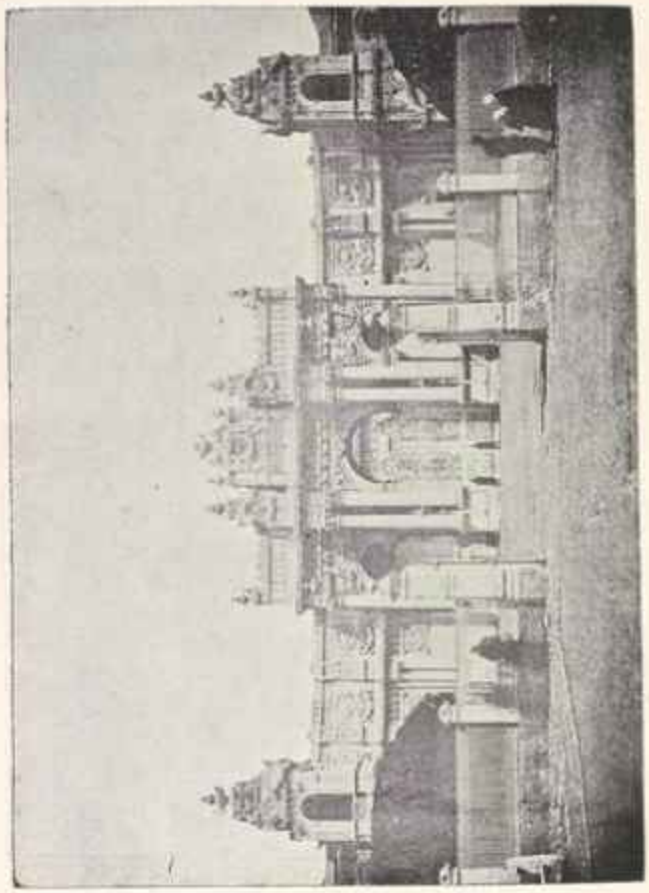

از مناظر استانبول
(دروازهٔ سپاه مقابل سرای توپ کپوسی (طوپ قاپو)

حالیات وبدهیکه ازافرادناموس یکره بنابرعدم اطلاع ایشان ثبت نشده مقدار مساحی ایشان ثروت ثبت‌شده را تخریب نماید ، وهرشخصی را که ثروت اهالی‌قلیلست اعمار آن نیز درتقلیل‌بود ودیگرامورات سائره‌را نیز برقیاس باید‌بود . لاجرم دولی‌دخواه صاحبین اگر احوال منابع حاصلات خویشتن را ندانند مصارف‌را زیاده از مداخل نماید وچون چنین شود نهایت الامر حالش خلا کن منجر گردد .

و بنابینه این انسان اگر هنوم عالیه از جانب شرق بسمت غرب نشأت نموده ودراعصار اخیره حکمای غربیون‌در آن اساسها استحکام ملت محکم وتعمیرات منتظم بنانموده اند وازان

گذشته خسارات کلی‌حالتی عارض گردد ، وهم چنین‌ست حال مردم کسبه وتجار ، وحال صاحب خانه وعیال .

پس حال دولت در خصوص بحال بلدهائی مشابهت تامی‌دارد چنانچه اگر حکومت ازمقدار مساحی ثبت‌ومقدار نفوس‌وبیوت وطرق وممازر وتجارت وزراعت وسیاه ورعیت وقس علی هذا جمیع امورات مملکت خویش‌را علی‌ایستادیق تطبیق وموافق نسازد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1054 of 1786

اساسها شعبات عدیده وترقیات جدیده استخراج واستنتاج گرده ومیکنند فن ایستاتیق نیز ازان قبیل است . چونکه ازروایات موثوقه تاریخیه چنان مفهوم میشود که حکمای حکمت انهای ملت بیضای اسلامیه در عصر حکومت (عبدالرحمن ثالث اموی) که خطهٔ اندلس را بسبب ترقیات علمیه وتاسیسات صانعیه بعنوان هار التعلیم عالم مطلبی نموده بود ایشبا تیق هیای

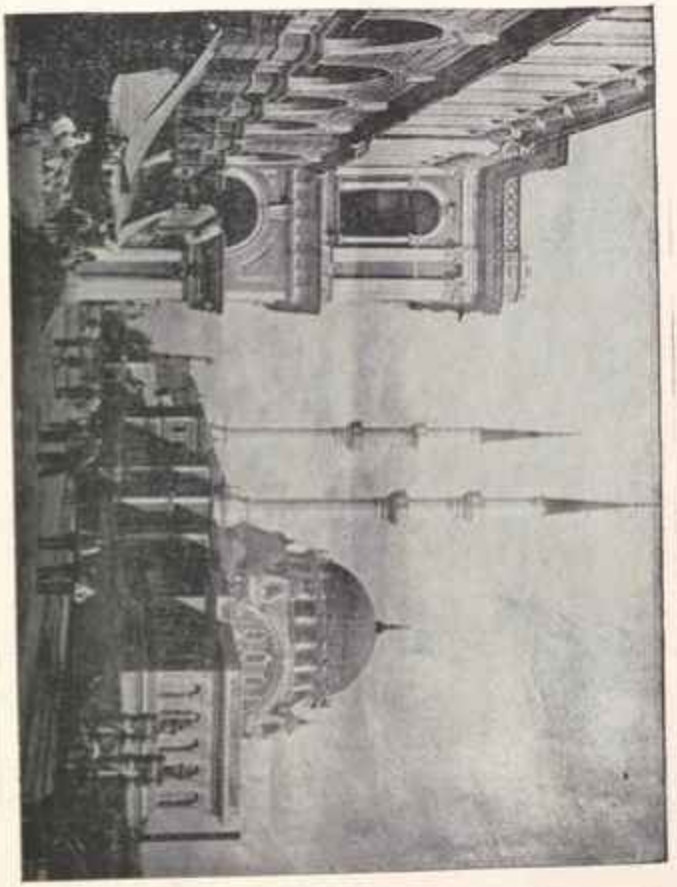

ایستانبول

وفنون غریبه خود تارا محروم گذاشته محرومیک اسهارا بشمول توهم واستکاف میورزند مانند جغرافیا وژوژوزی . وفیزیو غرافیا . ومنه اورلوزی . وساژه که وجه تحصیل وانتاج تاکردن آوانیز رتبیت نکردن انصار اهل میباشد که ازانجمله یکی نیز فن ایستاتیق است . وبدین سخن پی نبرده اند که منبع انهمه ادراک ومنشاء آن از کدام ماواست . الا بجز انکه انسان باحسان اجنبیه

بسیار متعطش ترتیب وتنسیق دائره بحضور خلیفه تقدیم نموده اند . حالانکه در آزمان (تارتان) نام حکمه ازی که ازاعاظم حکمرانان ضفه اورو پا بود همصر خلیفه مشارالیه بود اصلا وقطعا خواندن ونوشتن نمیدانست .

اماجای افسوس ومحل تعجب این است که بعضی مردم عصر از احوال زمان از هوا د ونتایج سود مند بسیاری از علوم عالیه

باشد دکر داخل مطمح نظارتا مدان چمد خلست ؟ بلکه ایشمه عاست وغرض اصریست کلی که هرکس به اطلاع وتفرج آن مامور ، ودانستن وعلم اطلاع ازان عموماً متصور بود .

واحاصل درین زمان جزئیهٔ ثبوت وتحقق رسیده که استملاء عربوك متمدنه وتشریفات هرکز نعمو ازمفیدهٔ مذهب متعلق بردانستن علم استا تیق است . چونکه در خصوص حسن ادارهٔ دولت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1055 of 1786

وحکومت بایجاد چیز متناسبا مادون ایستاتیق صورت نماید ؟

اولا — احوال اهالی که منبع قوت و ثروت ، ومقصد شان وترقی مملکت است به استاتیق دانسته میشود .

ثانیاً — احوال قوهٔ آبائیه ، وطرق موارد دات ، ومواقع منافعات ، ومدافن ، وحفاری ، وجبال وانهار هرمملکت ازروی قواعد علمیه به استاتیق دانسته میشود .

ثالثاً — صورت تنسیق مدنیه واعلیه مایی ر قواعد علمیه به استاتیق دانسته میشود .

رابعاً — نفوس اهالی چقدر است ، و ازچقدر نفوس چه مقدار عسکر حاصل میشود ، ودرهرسال چقدر تولد وتناسل ، وچقدر تضاعف وتناقص درمملکت بظهور میرسد ، وملتهای ناقص ازچه باشد جلوگی به استاتیق دانسته میشود .

خامساً — اهالی را تا کدام درجه تحمل تکالیف مالیه باشد وبعدازانکه مالیه بصورت مناسبه گردآید تجارهٔ توزیع وتصریف آرابصور محقه نمودن به استاتیق دانسته میشود .

سادساً — مقادیر وقیم محصولات صناعیه وزراعیه بالاستاتیق دانسته میشود .

سابعاً — احوال تجاریهٔ مملکت ووسائط ترقی وتوسیع این مادهٔ مهمه به استاتیق دانسته میشود .

ثامناً — اصول تعمیم وتوسیع معارف ودوائر عمومیه تبعاً آن معدن کلی اخبار وترقی مملکت است به استاتیق دانسته میشود .

تاسعاً — روابط وشوائط تشبثیه واصلاحیه امور داخلیه به استاتیق دانسته میشود .

عاشراً — جملهٔ تعمیم قواعد مؤسسات خیریه به استاتیق دانسته میشود . والحاصل محتاج الیه دینی مواد مفیدهٔ مسلمانان اینها استاتیق است . این است مختصری ازتعریف وتبیین اینعلم ، والبته من بعدازین که کاهی ازبعضی اینها تشبثات عمومیه مواد مفیدهٔ درج خواهیم نمود .

مقالهٔ مخصوصه

عمرانسانی! حیات جاودانی !

طی میشود این ره بدر خشیدن برق
ما بخیران منتظر شمع وچراغیم

آیا برق آسمان جالبتر است یاعمرانسان ؟ درظاهر برق ؟ درحقیقت عمر ! برق مرآن واحد مبدرخشد ، محو میشود . حال آنکه عمر انسان ازیک روز تاهفتاد وهشتاد ، بلکه نادراً تاصد سال دوام دارد . برق الکتریکی ، در یک ثانیه از شرق بغرب سیر ودور میکند . حالا آنکه عمر انسانی باوجود وسایط نقلیهٔ سریعه که بدست دارد تاهنوز آن مسافه را نمی پاید !

بلی ، ظاهر همین است که گوئیم . امّا اگر یکبار مسئله را ازدیگر نقطهٔ نظر ملاحظه کنیم سرعت برق را نسبت بسرعت عمرمانند خردکل مادهٔ می یابیم ! اولا عمرطبیعی انسان را بعمر کائنات عمرانی یک مقایسه ونسبتی یاد بدهیم . عمرطبیعی انسانرا اکرصد سال وعمرکائنات را ـ صرفنظرازتعیین حدود وزمن آن ـ لااقل یک ملیون عصر تخمین بکنیم ، نسبت صدیک زایه ملیون خواهیم یافت که درالحال آن دوامرانسبت باین بیثباتی ازدوختیدن و محو شدن آن برق کثر خواهیم دید ! عمربرق یاعمر کائنات یکخداوام ورزیده ومیورزد ، حالانکه عمرازحد محدود مقدر خود یک خطوه بیشتر انداخته نمیتواند !

سرعت سیرعمررا ازهین قبیل کاشن راد ، حضرت خواجه حافظ شیراز نیزتا یکدرجه استنباط باید کرد ، چنانچه میفرماید :

بشتاب وقت جوی وکمتر عمر بین
کین نصیحت زجهان کذران مارانی

هرکاه درکنار یک جویبار بزرقناری دریک جزار لطافت تماری یقدر یک ساعتی نشسته بسوی جریان آب نظر بدوزیم ، وقوهٔ مفکره را دران بیندوزیم سرعت سیرعمررا عیاناً مشاهده میکنیم . بلی ، نظارهٔ جریان آب جاری برای کذر عمرقالی یک آینهٔ عبرت عیار معلومداری میباشد . هیچ چیزی کذر عمر را بدرجهٔ جریان آب نیز رفتار بچشم تجسم داده نمیتواند . زیرا انسان بچشم میبیند که عمرچسان جریان کذشتن دارد . ازرفتار آب ، رفتار اوقات وساعات عمرویکه آن واحد بچشم جلوه کر میشود . اکرچه دوسردم درکذشتن ودم فروبردن نیز ! اکرچه برای آنها در افکندن نهال زندکان درهردم وهرلحظه درپیش دهن افتاده ولی باز هم بدرجه روان آب روان کذران عمرانسان اعیاناً نشان نمیدهند !

از نتیجهٔ این همانکه همین حکم داده میشود که عمر را هیچ وقتی نیست ، برق ، شرر ، حباب ، جریان آب ! . . . دراز ساختن آن هم ازحد طبیعی آن محال ! حدود طبیعی آنرا ازنور ماه صدو بیست مقرر کرده اند حال آنکه صدو بیست حتی دو صد هم نسبت بدهر برق وشرر شمرده میشود ! هرانقدر که براهات قواعد محفظهت باهمهٔ شاید وباید آن درجهٔ نهایت کوشش ورزیده شود بازهم درازی عمرانسان امتداد را ندارد زیرا بررزایم عروق وشرایین بدرایک کاهی وستیری حاصل میشود که جریان خون ازفعالیت طبیعی خودمیان آنها عاجز میماند . اعصاب یعنی پیمانهٔ تیزیک‌شی وکرکی پیدانشده ازحالت طبیعی خود دریکقسم حیوانات دماغیه‌را تنکی وفشاری پیدار کرده حواس ازاجرای کار دران درمیماند ، ولذا بای وزد کی پیدا شده ، ودیهما وتخویفهای آنرا تنکی وفشاری مستداده وظیفهٔ تقسیم‌خون‌را بخوبی‌بجانمی آرد . بایصورت رفته‌رفته‌همانروحی که قابض وزمکی را بوجود آورده چسبیده کی و کیه کی وادر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1056 of 1786

... ده رهپای بادیه نابودان عدم گردیدن ضروری ولابدی شمرده ... شود ، این تعریف و تصویر یک تصویر برای آن کسانیست که ... چگونه عوارض گوناگون نیامده وجولان تازه‌اش عمر طبیعی ... بمنزل رسد ، هزار افسوس که چنین مرحله پیمای راه ... کی میرسند از بادرالست اعراض کوناکون ، وعوارض ... ظلموتی که همدم زندگی را تهدید میکند هیهات که کسی را ... دارد که بمنزل طبیعیش رسد !

آه ! چه نامیدی ، چه حسرت ! باین زندگی بیحاصله چه ... دلبسته‌گی ، چه خاطر جمعی !! ...

حیات جاودانی لازم‌است ، زندگی ابدی بکارست ! و گرنه ... این عمر برقهای ثمر آسا چه‌فایده !! ...

بسیار خوب ، اما حیات جاودانی ، زندگی ابدی گرامیتر ... شود ، گرانبها ترین هدیه‌ها ! هرکس حضرت خضر ، زنده ... جان تیمکردد که در ظلمات بچشمهٔ آب بقا ، دسترس پیدا ! ... چون حضرت خواجهٔ شیراز دل زندهٔ جان عشق را کی نجوید ... هر کز مردن ندانسته باشد ! ...

آیا حیات جاودانی ، زندگی ابدی ، چشمهٔ آب بقا ، عشق ... مردن زداچه چیز است ؟ بدانید ، آگاه باشید که آن چیز است :

« نام نیک »

که انسانرا هیچگاه نمیراند ، وزندگی جاودانی میبخشد ، ... دور اعصار وقرون آنرا محو نمیسازد ، ورق گردان لیل ... نهٔ صفحه های خود آنرا باحترام نگه میدارد ، زمانها آنرا ... بخش ورد صبح وشام خود میکرداند ،

بلهٔ نامهائی که بعدل وانصاف و کارهای نیک از صافی ... گذشتن ، نام نیک ، کامیاب آمده اند ، بهادران وصاحبقرانانی ... که بفتوحات وجهانگیری شهرهٔ آفاق شده‌اند ، صاحبان عزم ... وحزمی را که‌هائی نمیرشدهٔ دست غرمات تازا ازاسارت ظلم ... واستبداد اجنبی رهایی‌داده استقلال و آزادی قومی ومالی تازا ... بها بخشیده‌اند آیامرده میپندارید ؟ هاشا ، هاشا ! آنهازنده‌گی ... ابدی ، حیات جاودانی را نایل شده اند ،

هزار ساله یک عمری که به انواع عیش وشادمانی ، واقسام ... مسرت وکامرانی بسراید آنچنان عمریست که‌دوام آنرا ازدرحشیدن ... برق هم کمتر باید دانست ، یکروزه عمری که به ابقای نام نیک ... نکوکار و آنچنان عمریست که آنرا جاودانی و ابدی باید فهمید ، ... دانش بخت آنکه از پی استحصال چنین یک عمر ابدی فرصت ... نیابانه وچون آن فرصت دست‌دهد منتظر شمع وچراغ نشده عالم ... برق بدرخشیدن آغازنهد ودرطی مسافه‌قوت تودن فرصت ... را غنیمت بشمرد ،

شمعیم که بیمدتنشمه ودانیم
سردیم چو کافوروی‌درسرانیم

خواندنیها

اجمال احوال

نغمه همان یک نغمه ، ترانه همان یک ترانه ! او کاری که دوره روز آنرا کوتاه میکند چرخوپرس آنرا بنغمه‌های مختلف دراست کرده آهنگهای زیروبم رادردوگله وچهارگله بساز وتواز می‌آورد ! اما چیزیکه درین صور نغمهٔ دیگری افزوده همانا دمدمه وزمزمه ایست که ازموزیک امریکا خواسته میشود ، این یکمعلوم است که امریکا بازاین ازسیار وقتهایکه‌فایده‌وهیشی دارد ، چون درین جنگ جانی ومعاشی بکمالهٔ زبان بی دولت برتانیا بجان خود گرفتار است امریکا ازفرصت استفاده کرده‌را مناسب یافته میخواهد که ا گر بتواند خود واقتدار زبانرا ازچین ویکر اطراق که ضرر آن بامریکا متوجه باشد دفع کند ، ازیکطرف هم بدولت برتانیا نیز بعضی شکها میزند ودرباب پاشیدن دانهٔ جنگ بیاه جوش میکند ، وچنان معلوم میشود که آخرصداهای طوبیدهای جدید سامعه خراش دنیای قدیم‌میشود ، وباز ازبعضی علایم چنان استنباط میشود که اینصداها بردودول متحالفین بشدتشود ، زیرا چنانچه ازیکطرف بهانهٔ خریداری جهازهای تجارتی آلمانه نقدی بدولت آلمان میرساند ، ازدیگرطرف خیالفرضه دادن بدولتهای اتالیه‌واوسترا وعیالی دارد ، علی‌الخصوص تولیدیکه درین اواخر درمابین امریکا وبرتانیا درخصوص تفتیش جهازهای تجارتی پیش آمده نزدیکست که رازها ازپرده بیرون افتد !

درمیدانهای زورآزمائیهای غربی وشرقی هرچند یک نغمهٔ جنگ توری متوانره وپیا دنهای متکاثره که انسانرا ازشنیدن آن یکحالتی حاصل شود ورفته رفته بطبایع اهمیت دادن ازیک بی پروائی پیداکرده دیگرچیزی شنیده نمیشود ، آخرترین حوادثی که رخنمودجنگ کنونی‌نمه را تبدیل داده اطراف روسیاست برتکست خودرین‌شان ازچرخیادرزمگاه مشرقی ، چون همیقدر اطراف ازطرف خود شان بشود معلوم است که این‌تکست خیلی یاهیت خواهد بود !

ازاخبارات بحری هیچیک اثر یاهیتی پیدا نیست ، مکراینکه ازخبرهای اخیره باز غرق شدن جهازات متعددهٔ تجارتی انگلیز وفرانس ازدست کشتیهای تحت‌البحر جرمنی شنیده میشود درباب جنگهای قفقاس ومصر بازیک سکوت نامی حکمفرماست ، ولی سکوت‌هم ازمعانی خالی‌دیده‌نمیشود ، هیچ‌شبه نیست که درپنهان واشی خبرهاوسخت کوپی سالسوروحت واصلاح خبرها ازفایده بیشتر ضرر متصور است ، اگر خبرهای که نشر میشود راست همیشه اطمینان دراست بودن آن حاصل نمیشود ، واگردروغ هم بود دروغ آنرا چه ثابت باید کرد ؟ هرچه که هست همین است ! نتیجه را انتظار باید کشید ، البته همه حال یک نتیجه بروزخواهدنمود که پنهان ماندن آن غیرممکن خواهد بود !..

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1057 of 1786

(از جریدهٔ فریدهٔ جهره‌نما)

کارخانه توپ ریزی واسلحه سازی کروپ

این اوقات بیشتر جراید انگلیسی وفرانسوی هجمشان از کارخانه مشهور کروپ آلمانی ، وازاین کارخانهٔ عظیمه وادوات نادرهٔ آلات جهنمیه کثیرهٔ اوسخن میرانند،ما هم لازم دانسته شمهٔ ازاین کارخانه آلمانی بیان نمائیم تاخوانندگان جهره‌نما آگاهی حاصل کنند .

درشهر (اسن) آلمانی کارخانه باسم (کروپ)

که اسم صاحب کارخانه باشد،درصد سال قبل ساخته شده وعبارت از۶۰ دستگاه اسلحه سازیست واینها تمامی بارداه آهن بهم متصل وطول راههای آهن‌او ۴۰ میل (۶۴ فرسخ) میباشد علاوه ۳۰ میل راه مقابل واینارهای بسیار اومیباشد ومیدان بزرگ هست برای امتحان توپها وهرزمان که بخواهند امتحان توپ کنند (شاه قوت) گشیده وصدا یکه ازقوه بخار بلند میشود بتمام شهر میرود وهمه بار میکویم (حذر کنید وبترسید) وچون ازامتحان فارغ گردد صدا میکند (خطر نیست)

دربشکار خانه ۴۰ هزار کار کن وچهار هزار خدمت کار و۱۵ هزار عمله ممدن وهفت هزار عمله دیگر که جمله ۶۶ هزار نفرند موجود بوده واین کارخانه هیچکدرا اذن دخول ومراقبت احوال اوراه ندادن نمیدهند .

توپهائیکه این اوقات این کارخانه بیرون داده ودرحاضرمالیاج وآمور) وغیره بنای گلوله اندازی و آتش فشانی نموده خیلی الطول بوده بقسمیکه جراید تیس لندن وتان وديلي ـ فرانسوی شرحها ازانها مینگارند که خلاصه‌اش اینست (توپ آلمانی عیار ۴۲۰) اتی است جهنمی قوی ضخیم وهیچکس نمیتواند اورا خراب کند،هفت وسوار باید بفراز میدان خصوصی کارخانه کروپ وشلیک گلوله های اورا بتوسط قوه کهربائیت بمسافت بسیار دور که تقریباً دوفرسنگ ووزن گلوله او ۹۵۰ کیلو گرام وچون بنای گلوله ریزی میگذارند هر یک دوری گذارده و۱۰۰۰ قدم روبالا گلوله اورفته وآن میآید وقریب زمین گلوله متلاشی شده ودودی اولازاو در آمده ومتفرق بسرعت میشود وبمجرد هر کس دفعه فوری اورا ببیند میباید درزه های گلوله متلاشی شده بجسم هر کس لمست اورا ازپدرمیآورد ـ همچنین توپ دیگر بعیار ۲۰ توپهای (زدینج آهنه) و (پرتاه دونده) که لیاج مفتوح گردند .

روز نامه (کان) ازاغلب روزنامه (نیورو تراد) هولندی که مقیم شهر (اسن) کارخانه کروپ بوده نقل میکند که آلمانیها بسا توپهای دیگر دارند که هنوز موقع کار فرمائی آنها نرسیده چنانچه کروپ آلمانی توپی ساخته که هر گاه درساحل دریای (مانش)درشهر کالهفرانسه نصب کنند گلوله اومیافتددرانطرف ساحل (مانش) درشهر دوفر انگلیسی ! ! ! وتوپهای کروپ آلمانی ازانجمله است که بارتفاع هشت ثانه کیلومتر (صدفرسخ ربع) هوا میرود واین توپ مخصص شکستن کشتیهای هوائیست واغلب توپها را اتومبیل باید حمل ونقل کند پائین تا ۱۴ اسب باید یکنند علاوه کارخانه کروپ انواع اسلحه‌هاونارنجکها وسرنیزه‌های دوپائی بسیار دارد که هیچکس بغیر ازمهندسین مخصوص کارخانه عامش اطلاعاتی نخواهدشد وبتدریج ازاین کارخانه درساختمای جنگ مساعدتهای خیلی خطیر العقول که قابض ارواح وهادم عمارات است بعرصه ظهور خواهد پیوست .

گذا

(عزای گرگان تو می کنی ، یاعروسی گرگان تو می خوری)

تاکراف میرداد که حوالی قشون روسیه آنقدر دسته ، دسته گرگان مهیب غافل گشته ، واصلاً گشته های طرفینرا طعمه خود میکنند وقناعت باجساد کشته‌ها نکرده بمجروحین جاندار که رمقی باقی دارند هم حمله میبرند ، و آنهارا قطعه قطعه میدرانند ... بدین سبب عساکرقشون ناچار شده که واپاً با گرگها بجنگند ، وآنهارا دورمی نمایند . لاکن گرگها تازه بقطعه شده ازلاشه های تازه آدمیان برخاطبیعت رسیده،صداهای فرح انگیز کوناکون همیشه ازجسد های کشته ها وزخمیها شکار مینمایند واین حادثه برای مردم خیلی متاثر واقعشده چونکه گرگها در کوهها ودرهها وزیر برف ومعارهها جادارند و برطرف کردن آنها اتعالا نیست .

ترجمهٔ اخبارات دوو که جدیداً ازعن عمر دادار ترجمه کرده

(یک خطی مدهش توپخانهٔ انگلیزی)

بتاریخ ۱۰ دیسمبر درمیدان رزمگاه‌مغرب درعلاقهٔ شمال‌شرقی فرانس یک افسر یانکی ، توپخانهٔ انگلیزی را حکم داده بود که اگر ازهمان بندی مخصوصه به آنطرف کمی را درحرکت چند قدم انتقال دران قید کند ، چنانچه پس از کمی درقریب آنجا چند صد نفر ازاهل مذکور گروش کنان بنظر برخورد ، که بنا بران توپخانهٔ انگلیزی بکمک نشانه بندی پرتابها بگلوله باری آغازنهاد وبسبب بمسافه دیدن‌وشناختن مردمان ازهیچ‌گونه ترس نبودند که باری همچنان دوام داشت که رئیس توپخانه عمل اصابت گلوله را بدورین دقت کردن گرفت چون‌یک نظر کرد یکقدری بحشیه افتاده فریاد « انتقلی » (منصدار) گفت که ، چسان ؟ باور میکنید ، گلوله جرمی میباشند ؟!! گرحقیقتاً جرمی باشند خوب ! والا خدا بدادشان برسد ، زیرا من آنهارا یکلی تباه کردم ، منصدار مذکور نیز بعد ازانکه تحقیق حال کرد این یک را نیز دیده گفت که ، مردمانیکه درزیر گلوله شده اند جمع شان درپشی خاکی نیوشیده‌اند ، غرضیکه تحویت کرده میرفت نامبرده توقیف گله باری حکم داد وایشوقت قریب‌نصف نفری زیر هدفی هلاک وفنا گردیده بودند ، صدا خبر رسید که مردمانیکه برآنها بانقدر شدت و سعت گله باری شده بود هیچ ازخود نبودند ، اصل سبب ازین دو سخن واقع شده بود ، یکی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1058 of 1786

آنکه قاصدیکه خبر کشتن وحرکت کردن افواج انگلیزی را رهین نیه که خورده می آورد درراه بکلّه دشمن هلاك گردیده خبر مذکور بمقصد نارسیده ماند . دیگر آنکه میاهیای زیر که بسبب بارش باز انگوشهای خودرا پوشیده بودند که بالباسها وبالاپوشهای عسا کر دشمن بس‌هم مشابهت میرسانید .

(جادو) : (یك تماشای عجیب درپك تیاتروی شهر نیویورك

درپکی ازتیاتروهای شهر شهیر « نیویورك » وقت خلاف متعارفهٔ امریکا بتاریخ ۱۷ دیسمبر یکواقعهٔ غریبی بظهور پیوست تیاتروچیها میخواستند که ۳ شیررا ازیك قفس بدیگرقفس نقل دهند گهگاه هرسه شیر ازدرقفس بدرجسته درمیان تماشاچیها افتادند . مردمان چون شیرها را کشاده دیدند هرکس یکرخنق و دویدن شتاب ورزیده یك شور وغوغای عمومی دالاآرا استیلا کرد حتی شیرها نیز ازین هایهوی مردمان ترسیده بی آنکه باعث ضرر و زحمتی شوند بیرون ازمحوطهٔ تیاتر وگرخنق خواستند . دربنوقت دروازه یك منظرهٔ دهشت نمای عجیبی نمودار بود انسانها بجایهای خود شیرها بجای خود با کت واز همدیگر خوف کنان و رامدن سعی میکردند . هرچند پولیسها برای نگاری مردمان موردست دریدها براور دند که اینها شیرقیشنند بلکه یکنوعی از گربه ها هستند ولی کسی بان التفات نمود . شیرها بعد ازانکه خودشارا از انبوه انسانها کشیدند در یك خانهٔ درانده پناه گرین کشتند که این خرکت تماشا پولیسها برای خودها یك موقع فرصت دانسته دروازهٔ خانه را بدنبال شان بسته کردند شیرها به حدث آمده دروازه‌شکسته بطابق پولیسها برای امن انتظام بیرون شدند ودرمیان شیرها وپولیسها طنابه وحلقه در گردن ازطرف پولیسها یکتیر یکهای فرکشنده وچندنفر پولیس هم ازطرف شیرها زخمی کرده شدند . درانثنای این رفتار طنابه شیرارا بیك نان بای تصادف افتاد که این نان بای هیروز به آنها نان میداد چنانچه بمجرد دیدن نان بای شیر هادم جنبش گرفته وحسدت حیوانی‌شان کسب سکونت ورزید . مردمان میرین حالا ازتهلکهٔ محفوظ مانده از کثرت مصادمت و مباهمه یکدیگر سروپا کوفته بهم حال بخانه رسیدند .

(کذا) :

(مسافه های بین الحدود برزمینهای حالای اوروپ)

سرحد جرمن ، از «هولاند» تاپه ، مویز	=	۲۵۰ میل
از «لیج» تاپه ، بروکسل ، وقت سابق بلجیم	=	۵۵ »
از « پرلین » تاپه « پاریس »	=	۵۵۰ »
از « پرلین » تاپه « پترو غراد »	=	۱۱۵۰ »
از « پرلین » تاپه « وار ساو »	=	۳۳۰ »
از «پرلین» تاپه «مونش» پکتهر جرمن در «بوریه»	=	۳۱۵ »
از « برو کسل » تاپه « کولون »	=	۱۱۵ »
از « برو کسل » تاپه « دوور »	=	۱۴۰ »
از « کیل » تاپه « بروور »	=	۲۱ »
از « ویلیز شیفن » تاپه « لندن »	=	۴۰۰ »
از سرحد بلجیم تاپه « پاریس	=	۱۱۵ »
از سرحد جرمن تاپه « پاریس »	=	۱۷۰ »
از « وینا » تا « بلغراد »	=	۳۱۰ »
از « وستولا » سرحد روسیای شرقی	=	۱۷۰ »

(کذا) : (معلومات مفیده)

درسال ۱۸۷۱ و ۷۲ م جرمن فرانس‌را شکست‌داد وحکومت عاصر جرمن تأسیس یافت .

درسال ۱۸۷۴ م ، جرمن برای غلبه یافتن برجمیع دولت‌های دنیا بنای تیاری وحاضری را گذاشت .

درسال ۱۸۷۷ - ۷۸ م ، ازجنك عثمانی و روس کمزوری جرمن معلوم شد .

درسال ۱۸۷۹ م ، جرمن باتوسترا وایطالیارا اتحاد کرده اتفاق ثلاثه را تشکیل داد . ثمروش را غلبه حاصل نشود .

درسال ۱۸۹۶ م ، درمقابل این اتفاق مثلث روس وفرانس حلیف گشته اتفاق ملی تأسیس یافت .

درسال ۱۸۹۹ م ، ازجنك بوریای‌ها ازطرز سیاست بعضی سلطنتها انگلستانرا بك‌شبه بیدانه .

درسال ۱۹۰۳ م ، جرمن ساختن جیازهای جنگی را زیاد ازاحتیاج آغاز کرد .

درسال ۱۹۰۴ م ، مابین فرانس وانگلستان اتحاد قایمشد .

درسال ۱۹۰۵ م ، امپراطور جرمن بپاه مباحثه « مغنیه » مرا کو رفت .

درسال ۱۹۰۶ ، قونفرانس « الجزیراس » قایم شد که درآن جرمن کوشش کاهیدنی اتحاد مابین فرانس وانگلستان کرد .

درسال ۱۹۰۷ م ، مابین روس وانگلستان معاهده‌نامه گذاز روی آن مابین ۳ من ، وفرانس ، وانگلستان اتحادثلاثه قایمشد .

درسال ۱۹۰۸ ، ۹۰۹ م ، اوستریا روم علاقهٔ « بوسنه » و « هرزیگوینا » ی‌خیال ضمیمه کرد . اینوقت اتفاق‌مثلث کامیابیشد وبرای تکستاندن اتحاد دوباره یك کوشش دیگری اجرا کرد .

درسال ۱۹۱۰ م ، عثمانی مرا کو مابین جرمن وفرانس معاهده شد .

درسال ۱۹۱۱ م ، در واقعهٔ « آغادیر » مرا کو ، جرمن اتحاد بلاه را آزمایید وانگلستان کمی بزوستی خودرا جوی نشان‌داد وطرفداری فرانس را کرده درحادث آگادیر جنك را باجرمن ظاهر کرد . جرمن درزیدست‌دسته بحریه‌نویس کوشیدن گرفت .

درسال ۱۹۱۲ م ، عثمانی درجنك بالقسان هزیمت یافته واقتدار اتفاق مثلث را نقصان رسید . وجرمن درساختن جهاز های جنگی بیشتر اظهار مستعدی نمود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1059 of 1786

درسال ۱۹۱۳ م . جرمن برای تعالی رعب واقتدار خود در لشکری و بحری خویش افزوده .

درسال ۱۹۱٤ م . اوستریا برای اجرا انتقام قتل ولیعهد خود بروی فوجکشی کرد و روسیرا جرمن واوستریا بریطرفتهدید میکردند روس ، فرانس ، انگلستان بنا بر معاهدهٔ خودشان اتحاد کرده بمیدان آمده جنگ حاضر شروع شد .

(عمدره) : (عمدری باز کان در جزیرهٔ جاوا)

چاوا ، اخبارات اینجا برای امداد آن تحریک عمومی کمدر باشنده گان این جزیره باین غرض که درمقابل آلمانیها امداد حلق زکان کرده شود کوشش میکنند .

(کذا) : (شورش زکان در اوستراليا)

سدنی ، دوزنه نفوس ، سلورتن ، پرتهٔ کلی سیاحان فیر کردند که ازان چند نفر مقتول و مجروح گردیدند . هرچند پولیس تعاقب این دو نفررا کرده لی آنها بکوه بالاشده خودرا ازچشم مردمان غایب ساخته . اینهایش ازین قبیل سوء رسانه راهم زخمی کرده بودند .

(کذا) : (عدد اسیران جنك در جرمن)

جرمن عدد اسیرانی را که بتاریخ یکم ماه جنوری بذریعه تلگراف بی سیم شایع ساخته تفصیل آن ازقرارذیل است .

فرانس	۳٤۵۹	افسر	۲۱۰۹۰۵ سپاهی
روس	۳۵۷۵	»	۳۰۶۲۸۰ »
بلجیمی	٦۱۲	»	۳۳۸۵۲ »
انگلیزی	٤۹۲	»	۱۸۸۲٤ »
جمع کل =	۸۱۳۸	»	۶۷٤۸۶۱ »

(کذا) (امپراطور جرمن نان سیاهانه میخورد)

اخبار ، نوکن زنجیر ، راه ذرایع منتشر معلوم شده که امپراطور ویلیم حکم داده است که برای خود شان نیز عادتاً نان معمولی سپاهیها آورده شود .

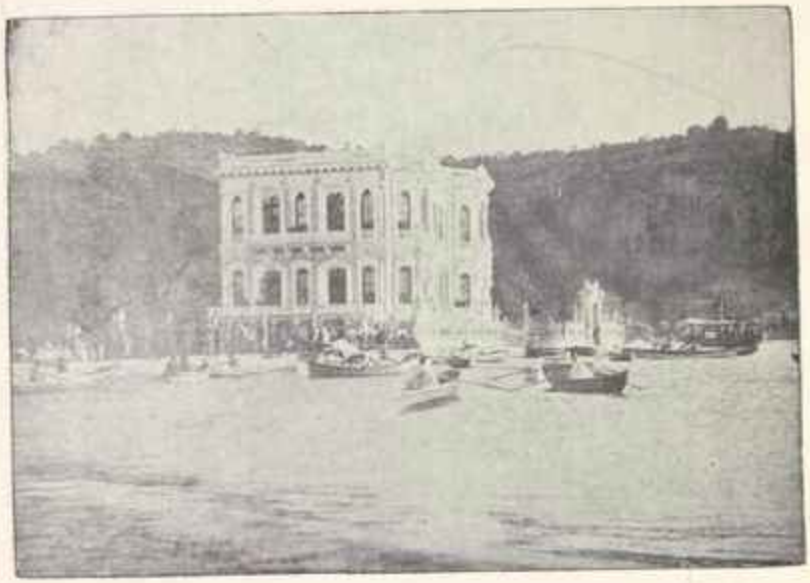

از مناظر استانبول

قصر ولاآرای سلطانی در (بیکلربیکی) نام موقع بالای بوغاز بسفور

(کذا) : (روانگی اسیران مسلمان به قسطنطنیه)

نارامستردام مظهر است که قریب ۲۰۰ نفر مسلمانیکه درفرانس وبلجیم بدست جرمنها اسیر شده بودند جرمنها آنهارا در طیارهٔ « زوسن » به فرنس « براین » فرستاده اند که بابکر نفری اسیران مسلمان یکجا شده قسطنطنیه فرستاده شوند .

(سیاره) : (درقسطنطنیه اظهار مسرت)

اگرچه روزنامهٔ خبرهادادهبود که زکان درقفقاز شکستهای شدیدی رداشته اند مگر برخلاف آن در قسطنطنیه اعلان فتح « سرای کیش » کرده شدودرتمام قسطنطنیه برین فتح یك جشن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1060 of 1786

عمومی اجرا شد . ژدجلهٔ وزرای عثمانی از میدان جنگ تلگرافات رسیدند که مضمون آن این بود که مارد ، اردهان قلعه کردم بمجرد انتشار این تلگراف بازارهای حکومتی قسطنطنیه درهرجا بیرق ها نیمه کشاده شدند وروزنامجات ترک به بسیار جوش وخروش مضامین جوشدار ومقالات سیاسیهٔ هم انشرا طبع وانتشار شدند ، « کونت زیوناتو » ژدجلهٔ « بوشی توجیز ژبتنك » بیان کرده که ازین فتح عظیم‌الشان عثمانی درتمام مخروسهٔ

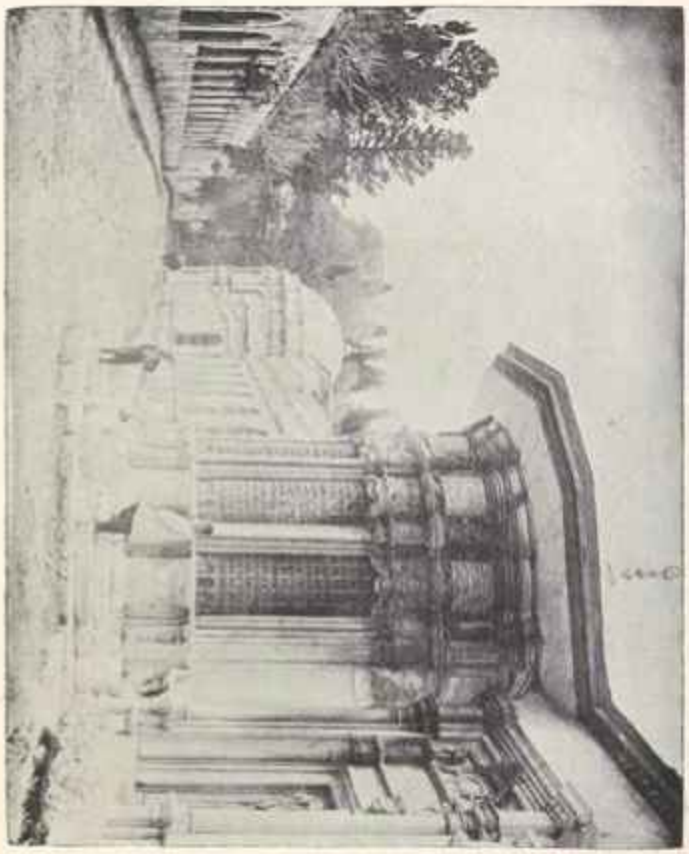

گفته شود . آرای اخبار های روسی که ازین مسئله صرف شده اند همه را اخبار « یی نی یی » ژاپانی پذیرفته تلگراف کرده درج کرده است آنها میگویند که ازروی عهد نامهٔ که ژاپان را با انگلستان است اوجرمن را از « کیاو چاو » کتیدوش اورا پاروس هیچ یك چنان معاهدهٔ نیست که انسان بران چیزی گفته

جرمن اظهار مسرت وخوشنودی کرده شد . ازطرف دولت قطعاً این سخن بیایهٔ تحقیق پیوست که درعصر نیز عقریب عساکر مظفریت دست خواهند داد .

(آلمان) : (احتیاج به امداد ژاپان نیست)

« موشل یچن » سابق ناظر خارجهٔ فرانس این تجویز را پیش کرده بود که « ژاپان در خصوص جنك باوستریا وجرمن

بتواند ، در بصورت چنان یکدام ازان دو جرمن واوستریا جنك کرده میتواند ، وعلاوه بران اندازه ژاپان در زمانهٔ اخیر دولتهای متحده را باخت بدلی دست وجرم خواهند کنند که زمانیکه ژاپان به آنها معه کرد آنها جرمن واوستریا را شکست خاهند وبیش ازان نجیتوانستند ، بنابرانکه سابق خواهیم که مردم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1061 of 1786

چین سخنها مدعی ما بگوید و بجز آن دروغی که از خود ما ساخته‌ایم بزبان دیگری بخورد کردن مناسب خود بداند تا دولت بریطانیا از جمیع قوهٔ معنوی خود را استعمال کند برای شکستن جرمن کافی است.

پشاور دیلی نیوز

(اغتشاش جهازرانی مابین جزیرهٔ بزرگ بریطانیا وایرلاند)

لندن ۲ فروری :

آمدورفت چندجهاز بالقاعده درمابین جزیرهٔ بزرگ بریطانیا و آیرلاند بند کرده شده است . ولیور ، لورپول ، هیچ خطرهٔ ازهیچ طرف نیست چنانچه جمیع جهازات حسب معمول درذهاب رفتوآمدانند. جهازهای مسافربری مابین لورپول مستقیم میروند وچنان کاملست که اگر بخیره قلع وقمع جهازرانی را خواهد کرد.

(همدرد) (کشتی تحت‌البحر درمحر آیرلاند)

لندن یکم فروری :

بطاس رو کشتی تحت‌البحر جرمن تیر(و ۲۳) و(و ۳۱) درمحر آیرلاند بودند وقتیکه ابتداءً یک اژدها دیده شد دران یک برق خورده انکلیزی بشد بود بموجب روایتهای زبانی آدمهای که نجات داده شده بودند ، افسر کشتی بر (و ۳۱) گفت که ، « ما از آنجایی شما این کشف میکنیم مگرچه باید کردزیرا مارا حکم غرق ساختن جمیع جهازهای انکریزی رسیده است » ! دوبلن یکم فروری :

«لیسترد» نام جهازدلاک از « هولی هید » بوقت دیگرروانشده ودرقریب منار روشن رهما آرایت تحت‌البحر جرمن نامبکیل تعاقب کرد . « السترلک » کشتی مسافر بردارلک نیز درروز شام بوقت معین خود مسافران را برداشتن روانه شد . « جنیت په گفته کان جهازها ازخطرهٔ جنگ ، درحرکت جهازها بطرف لورپول هنوز هیچ مانع نیامده اند .

(گذا):

(غدرهای افغانستان وبلوچستان)

دریک از اولان‌های ، رنگون ، چندروز قبل ازاعلان جنگ یک یکس یک جرمن مانده بود ودرین چند روز که گذاشته شد از مابین آن بقدر بیست‌ودو نفرهٔ مکمل افغانستان و بلوچستان ومرحد شمال غربی هندوستان برآمدند .یکی مذکور بتوسط پولیس به حکام عسکری سپرده شد .

(الشیر)

(دریکشب سه دزدی)

ازضلع « علی‌پور » برای پولیس خبررسیده است که درمقام « پارامت» دریکشب ۳ جای دزدی واقع شده‌است ، درجای اول دزدان باریچه‌ها وسوتها مسلح بودند. آنهابخانه «جعفرموضع» واقع « پامن کاچی » بوقت شب افتادند واورا بازنی دست بسته

انگشت زدند که نجیبالله ساخته ویعدازان کلیدهارا گرفته صندوق هارا کشاده وصندوق های آهنی را شکسته قریب بکهزارروپیه زرو زیور بردند

درمحل ثانی نیز همچنان ۴۰ نفر دهزن مسلح عین برهمان وقت به خانه « اسپای موضع » واقع جایزهٔ قلعه بردند. دزدان دروازه اطاقه را سوداخ کرده بدرون در آمدند. واهل خانه را بیرون کشیده بسوتها آنهارا خوب زدوکوب دادند بعدصندوق هارا شکسته مبلغ ۵۰۰ روپیه را زیر وزبر دران گرفته فرار کردند .

درعین شب یک دزدی دیگر درخانه « سلطان درویش » واقع زام دکر مقام « بارامت » واقع شد . درینشب در وقتیکه جمیع اهالی خواب بود نفر ۲۰ نفر دهزنان کلاه‌دارشمشیر ها مسلح بودند اطاقه وبازنان پسلوک کرده قریب ۸۰۰ روپیه را مال نیز بالخود بردند .

(دزدی درخلافه پتون)

ازپتون خبررسیده است که ۴۰نفر لشکرخان شاهی شاهی‌خیل وبنانها درشب سه‌شنبه گذشته برده شاهین قلیخان افغان تردهکانها ۴ نفر دهزنان را کشته وبنه را زده گرفته وازطرف‌اهل‌ده ۲ نفر زاهی شدند .

(گذا) :

(سلطان ناصر مصر باغی قرار داده شد)

روما ۳۰ دیسمبر :

دریک خبر دسمی قسطنطنیه بیان کرده شده است ، که سلطان‌المعظم‌خلافت حسین کامل‌سلطان مصر یک فرمان (فرمان) شایع کرده است که دران ، حسین کامل وخلافت دولت عثمانیه جرم بغاوت وارده گردانیده شده . حسین کامل‌ازجمیع امتیازات عثمانی محروم‌کرده شد . ودرفرمان این حکم نیز درجست که گورنر جنرال جیش جهازجنگی مصر رفته تعمیل‌وتوفیق‌آنرا خواهد کرد .

(گذا) :

(اتحاد عثمانی وجرمن)

یک نامه نگار اخبار « ترپیونا » تذکرداد کرده که دران اظهار نموده که جرمن وعثمانی بریک معاهدهٔ مستحفظ کرده اند که شرایط آن ازقرار ذیل است :

(۱) جرمن برای عثمانی روپیه ، گلله ، توپخانه ، توپخانه افسر غدر لزوم واحتیاج میدا خواهد کرد .

(۲) جرمن عثمانی را حصهٔ بحر آن کاوان جنگی که بعدازصلح ازدولتهای متحده بگیرد خواهد داد .

(۳) جرمن جدا که از عثمانی صلح نخواهد کرد وآینده هرمسالک نامهٔ که بدول بورب نگاشته شود یکنقطهٔ دران چنان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1062 of 1786

خواهد بود که ازروی آن میتوان برای تقسیم کردن دولت عثمانی هیچ دولتی جسارت نخواهد توانست .

(٤) عثمانی برخلاف روس ، و انگلیز جنگ خواهد کرد وچنانکه ازجرمن یاخریدان خود صلح نخواهد کرد .

(کذا) :

(مسلمانان قفقاز بمعاونت ترکان)

دردوایر عسکری ، دراین ، حالت ترکان درقفقاز بسیار خوب خیال کرده میشود ، وازسبب آن یک شدن جمعیت های بزرگ مسلمانان قفقاز باترکان ، ترکها کامیاب شده اند .

(کذا) :

(جنرال وان در کولتز)

امستردام : ــ اخبار ، راپرتیچ بلات ، بیان میکند که فیلد مارشال وان در کولتز درمیدان رزمگاه قفقاز رفته است .

(کذا) :

(مقابلهٔ روسیان وترکان درقفقاز)

امستردام : ــ ازصدر مقام عثمانی یک راپورت خوبی وحاصل بخش تلگراف رسیده است ، که دران بیان کرده شده که با ارزان ، و آنکه قریب ٤٠ میل آنطرف سرحد روسی بکوشهٔ تیلان غربی قارس واقع است تصرف کردیم ، بعد ازان بیان جنگ معرکهٔ شدیدی کرده شده است که دران به ژنرالهای غروب روسیها هزیمت رسانیده خوب غلبه نشسته‌اند ، نامه‌نگار ، پرس‌ایسوسی‌ایشن ، مینویسد که‌درین رپورت‌بعد وقصه‌های دور و دراز مظالم روسیها کرده شد مثلا مال واسباب مردها وزنهای غیر مسلح را زور گرفته وپیش از تحلیهٔ ، ارزان ، چشمهای اکثر اهالی آنرا کنیدند، درروت ایهم گفته شده که عسکرهای ما که چند فریق ارمنی هم باآنها شامل بودند ۸۰ میل دوراز ، ایرز ، بقام ، میان دو آب ، قریب چهارهزار روسی را که باخود ۱۰ توپهم داشتند یکشکست بسیار درمیدان دادند ، بعارضه نفر شان مقتول و بسیاری شان مجروح گشتند و توپ خودرا هم ضایع کردند .

کذا (همت وغیرت انور پاشا)

مبصر حربی اخبار ، نوری ره میا ، ی روسی در دوران حرب حاضر که با وجود خرابیهای شدید موسمی درینوقت درقفقاز شده است ، تعریف بهادری ترکانرا میکند ، اومیگوید ازهمه چیزها صرفنظر کرده تنها اگر غدهٔ قلوب ترکان ملاحظه شود انوقت معلوم میشود کهاین غده بچه هوشمندی وعلاوری ساخته شده بود و ازان نشان طبیعت ملی حب و خود اعتمادی انور پاشا که دایما شایق شمولیت درکار ها ومعاملات خطر ناک است قدری یافته میشود ، برای کامیابی این غده دادن بسیار تلفات لازم بود وهم از کی تا کمی نهایی ابدی منصور .

(کذا) :

(فتح ارکان)

از قسطنطنیه خبر رسیده است که درسال جدید بعد ازجنگ شدید عساکر عثمانی را رمضام ، ساری کیش ، کامل فتح حاصل شد ، بعد درقربی ، آزاد ، ۲۰۰۰ روسی باد توپ زرنگ و۱۳ توپ خورد وهزون گلد وبارود وغیره بدست ما امیرو گرفتار شدند ، دربکهای دیگر ۲۰۰ سپاهی روسی کشته شد و۶ توپ غنیمت گرفتیم ، روسها خواستند که برجانه عسکر پیاده کنند مگر به گله باری پسپا کرده شدند .

(سیاره) : (محرره)

درمحرره ازشکوهات عساکر عثمانی اضطراب وپریشانی عمومی شدیدی پیدا شده است ، ما کنان محرره‌رسخان والی خودشان کوشش نمیکنند ، شیخ محرره‌می پرسانست زیرا اگر جوش اهالی اضافه شد باعث نتایج خوفناک خواهد شد .

[محرره یکشهر عراق ایران است که از سال ۱۸۵۷ و بعد از گفتا کش دولت برطانیا وایران دوزیر اثر انگلیز آمده ذبح محرره ازطرف انگلیزها ساخ ایجا است]

(کذا) (دشمن جرمنها درسرویا)

کارشیر ، بان تیا ، واقع سرحد ایطالیا مظهر است که مسافرانیکه درحال ازاوستریا وارد شده اند بیان میکنند که قریب ۹۰ هزار جرمن رفقارها سوارشده بسرعت تمام بعلاقهٔ وینه برای مرکوی سروی‌آرکنند ، سپاهیهای جرمنی میکنند که انواع اوسترالی نظام ، مراجیوو ، بلناکجا خواهد شد .

(کذا) (حالت زار ولاند)

یک نامه نگار ازبرن خبراطلاع میدهد که مسترا گفته معاینه ۳۲ موضع ولاندرا کرده که از جمله آنها ۱۳ ده بکلی ویران ویرباد شده بودند ، اگر یکنظر عمومی دیده شود تمام ولاند مدآتش شده است ودرجاهاییکه آتش تاثیر وکارکری نتوانسته آنجا نابودوراتیمه شده مختصر آبدشمت ولاندصورت یک خرابهٔ دهشت آوری تحویل یافته است .

(کذا) (امپراطور جرمن وپکستر فرانسوی)

یک اخبارنویس بیان میکند که درسالهٔ گذشتهٔ ستمبر امپراطور چندبار بمیدان رزمگاه مغربی تشریف آورده بود ، وتا یکچندی در ، پل ، که وهی اقامت داشت ، در همان ده پایکستر یک کاشتکار فرانسوی یک غده فوتوی خود را هم گرفته بود ، یکروزی امپراطور از دختر رسید که توچه میخواهی ؟ دختر بجواب عرض کرد که یکله آرزوی من آنست که این ده را جرمنها آتش زنند وخراب وبرباد سازند ، امپراطور جرمن دریاب دختر وعده فرمود وبرایش یک امریکهٔ تحریری نوشته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1063 of 1786

عاد . بعد از آن چند دقیقهٔ که جرمنها اراده سوختاندن این ده را کردند درهر مرتبه فرمان شاهانه را دیده از آن باز آمدند .

پشاور میل بیوز (تلغات قوای انگلیزی)

لندن ۹ فروری :

امروز در « مارالامرا » مستر اسکوویت وزیر اعظم بریطانیا اعلان کرد که تا تاریخ ٤ فروری جمع تلفات عسکری انگلیزی که درمیدان حرب وقوع آمده عدد آن بالغ و از چهل زیاد است

(کذا) :

(توپ زدن جرمن در تیرسوز)

لندن ۸ فروری :

نامه نگار خصوصی « تایمز » از قاهره اطلاع میدهد که در عمارهٔ تیرسوز حین استعمال کردن یك توپ بزرگ جرمن دریده است که از طرف ترکان قم کرده شده .

(کذا) :

(غرق شدن جهاز « اوریل »)

لندن ۹ فروری :

امارهٔ بحریه مطبوعات که بتاریخ ۶ ماه حال درفریه رائی « موعد کشتی اعتیاطی جهاز « اوریل » مسلیاب شدند .

جهاز مذکور ملکیت ترك « سنیم نیوبکیلن » بود که بتاریخ ۲۹ جنوری از لندن حرکت کرده دو روز بعد لازم بود که « معهوری » میرسید. این جهاز بزغالباً همان کشتی تحت البحر جرمن تورپیدو زده باشد که جهاز های « توکومارو » و « ۱۰ کاریا » را در زمینگ « هیوری » غرق نموده بود . ز « اوریل » قریب ۲۱ نفر ناجر سوار بودند .

(کذا) :

(کیفیت غرق شدن جهاز « توکومارو » و « ۱۰ کاریا »)

لندن ۸ فروری :

امارهٔ بحریه رپورت های افسر های جهاز « توکومارو » و « ۱۰ کاریا » را شایع ساخته است . اینهردو جهاز چنانکه معلوم است بتاریخ ۳۱ جنوری در زمینگ « معهوری » غرق کرده شده بودند. افسر جهاز اول الذکر میگوید ، که وقت ۹ بجه صبح روز ۳۱ جنوری جهازما ۷ میل دور تر از هیوری در سیاحت بوده جهاز خورد کی بقوای آهنه آهسته حرکت داشت که درهمین اثنا از طرف بندر گاه وان یك تورپید وحواله شده . من از غلبیب دائمی که تورپید وجود که از زیر بحر کف زده ، طرف سر جهاز زر آب نشانی را بنا گذاشت واز زیر پرامدن دود شروع شد . حالا چون جهاز را در بحر بدور خوردن دیدم اهل جهاز را امر کردم که بکشتیها بنشینند . رفاقتی کا غذهای جهاز هم از عدم الفرصتی ناممکن شده بود در کوتهٔ من آب بسیار شدن گرفت وجهاز کم کم بشروی ناآهسته آهسته غرق شد ، بمسافت دو بجه جهاز ا بکجهاز فرانسوی که بریدن مرتکبا مامور بود نجات داده باخود برداشت .

افسر جهاز « ۱۰ کاریا » بیان میکند که بتاریخ ۳۱ جنوری بوقت دوازده و چهروز ۲۵ میل دور تر در شمال مغرب « هیوری » ریل گرجهاز ایستاده بود که تا که آمدن یك تورپیدو را از بعد ۳۰ فوت دیدم که رجهاز حواله شد درینوقت جهاز جانتظار یك کار ضروری" ایستاده بود که بعد از یك ثانیهٔ برحصهٔ پیشینهٔ جهاز تورپید و اصابت نمود ودران آتش در گرفت. موجه های بحر تا به ۶۰ فوت بلند شده آب برسطح جهاز ریختن گرفت وجهاز باز فوراً غرق شدن را انتظار نهاد .

اهل جهاز در کشتی های ملحقه سوار شده انتظار عاقبت را میکردند . خودم واکثری دیگر از طاقچه ها دویده . رفقهٔ جهاز رقیم بعد از یکساعت آهسته آهسته غرق شدن جهاز را حس کردم . و کشتی های تو چك مارا تاه ساحل « هیوری » رسانیدند .

(بیاره)

(یك اکتشاف جدید)

یك نامه نگار از لندن مینویسد که در اخبار های انگلستان ریك اکتشاف جدید فزهر سال های بسیاری شده است ، تا بحال این قاعده بود که برای پائیدن ومعلوم کردن گاه که در جسم مجروح بشدن یو دیك گاه شعاعی" نام « را تحین استعمال « کرده میشد. این آله بمدد از من کوزساختن اشعه قدری را بریك نقطه مخصوص چیزهای غیر مرئی را کشف میساخت وکنون این وظیفه را تیلفون بگردن گرفت. پارچه های آهنی تیلفون دوکار توز ان میباشد و اینهردو کار را بدو جوریکه اتصال داده چنین دیدیك جریان خفیف ایلکتریکی تار هادامه میشود این هردو کار درست های مختلف حرکت میکنند وبهمین سلسله گونه تیلفون هم چسپانیده شده میباشد تا کتر تیلفون را بگوش خود چسپانده ولفظ مقابل را درحصهٔ زخمی مجروح اد اخته وقتیکه با کاه اصابت میکند فی الحال در تیلفون صدای آن مخصوص میشود وما کثر میداند که در جسم زخمی کاه در کدام جهت ساچمه است که بعد فوراً آنرا بیرون میکشد. این طریقه بنام موجدش « هکزیلتین » مسمی است. نامه مذکور مینویسد که به خیال خود من این طریقه از « راتجن ری » بسیار آسان تر است .

(پسه اخبار)

(در مصر استعمال کلاه انگلیزی بجای کلاه ترکی)

در مصر از علامات سیادت عثمانی تا به امروز این یك هم باقی بود که افسران انگلیزی بحد ملازمت مصر بودند جای کلاه انگلیزی کلاه ترکی را در اثنای که بجایهٔ وظیفهٔ خود در حدهٔ ذوخیره « دوار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1064 of 1786

حکومتی جدا نشده میرود . ولی مثلا معلوم نشده است که پرسیدن سر آرتور میکمو هین، هانی کشتر در قاهره جمع افسران انگلیزی کلاه ترکی را که قبل ازین می پوشیدند ترک داده کلاه قوس انگلیزی خود شارا پوشیدن کردند. مترجم عبدالرحمن

ترجمه از اخبار زمیندار هفتهوار

(۹) آوازا دن هنی :

در خصوص آمد هزهای بس انگلان ، در مصر ، مکتوب نامه نگار اخبار گزیتی ، مقیم قاهره مورخه یکم جوری ، بخصوص دلچسپ است ما آنرا برای سیاق طبع ناظرین درج میکنیم :-

چون باشند گان قاهره صورت هزهای بس را بشنوند ، حیران وشش درمانند ، باشند گان مصر ، و آن انگریزان که از وضع وقطع اهل عرب واقف هستند ، درخصوص شخصیت هزهای بس ، این تصور کرده بودند ، که او یک زرک مصر ومقدس اسلام خواهد بود ، گذرش او سنید و لباس او شرقی عربی ، خواهد بود ، ولا کن ایشان بجای آن یک شخص وجوان جنتلمین (فیشن کارد) گذر لباس اروپائی ملبوس بود ، و یک کلاه دراز انگریزی بسر داشت و در زبان انگریزی به فصاحت تمام گفتگو کرده بودند ، حواریان وضع اشخاص را دیده ، اولا " ، با آواز بلند گفتند :... اوه فی الحقیقت اتاخان هستی ، یا گداء دیگر کس را می چینم ! ازین واقعه صاف معلوم میشود ، که مردم مصر لباس انگریزی را ، به نظر حیات اسلامی پست می کنند ، این امر صحیح است ، که ترک لباس اروپائی را ، اختیار کرده اند ، لا کن کلاه سر عثمانی یک چنین علامت امتیاز قوی است ، که در هزارها مردم اروپائی ، یک متنفس ترک هرگز آشنا نه میشود ، اگر اختیار کلاه هم میبود ، درمیان مسلم و غیر مسلم تمیز کرده میشد ، درقاهره جنیت هزهای بس بسر کاری بودند ، بهمین سبب ، او هیچ روای جنات نامه مسلمین نکرد ، اگر او کلاه ترکی بسر میداشت ، در آنصورت مسلمانان قاهره ، شاید ، در خصوص جنیت اسلامی او هم هیچ ناروس نمیشدند .

جهاد

(۲) در اخبار انگریزی زیر ، چیزی از احوال حضرت رسول کریم صلعم نوشته بود ، دران ، درخصوص جهاد ان جملات مرقوم است :- فرض مقدس ترین مسلمانان جهاد است که متعلق آن تعلیم خاص حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم این است :-

(الجهاد ماض الی یوم القیامة لا بطله عدل عادل ولا جور جائر)

(جهاد تا روز قیامت قایم خواهد ماند ، که نه آنرا عدل عادل و نه جور ظالم باطل کرده میتواند .) حضرت جهاد چیست ما کثر دلیو لایتر ورساله کوارتر ریویو در خصوص آن بیان خوبی نوشته بود ، از مطالعهٔ آن خلاصهٔ کتاب مقدسهٔ اسلام هر کس

پرین نتیجه وارد شده میتواند که کیا آن مردمان گمراه نوعیت واخلاق صاحبه بجای آرند نجات خواهند یافت ....

درسوره حج صاف گوشته است . کعبه‌ای جهانیان است که مساجد وعبادت گاهای نصارا ویهود خانقاهای زاهدان وبابدان را از زیادتی واستحکام محفوظ داشته شود، وبیان کرده احرازا از یک عاجد نصرانی هرواقف نیست که مقصد اوحفظ مساجد وعبادت گاهان جهودان بوده باشد .

مترجم غلام محی الدین افغان

میدان رزمگاه شرقی

ازمیدان رزمگاه شرقی تاحال هرچه گذشته‌بیشتر ازحیله‌های روس خلیده میشد ، وآن شایعها هم منحصر بریش رفتن روسها بود درین هفتهٔ اخیره روسها خودهاترافی شکست خودرا کرده، از پوشیای شرقی لشکر روس رانده شده خط حرب را لشکر درقلب ایستان چی در عقب ولیند داخل ثالث روس وسعت داشتند ، ومقصد شان است که راه آهن وارشاو ویژو و کراندرا قبضه نموده بقدر دو یم ملیون عسکر روس را در میدان جنگ محصور دارند ، درصورت پیشرفت این نقشه معلوم است که روسیان خود بخود به خلی کردن وارشاو مجبور میشوند و به ترک کردن گریکا ویکوویا ناچار می آیند ! اگر این نقشهٔ جرمن واسترا پیشرفت کرده دولت روس بعقوبت کلی دوچار میشود .

گذا : بموجب تلگراف استراداه ایبر اطور جرمن باجزاله ، وان هفته نیرک ، در اسلر یک یک فتح بسیار بزرگی روسیا حاصل کرده اند ، به بشارت این فتح نایان که موجب مغلوبیت کلی روس شده است تمام مردم برلین شهر آتشبا زیها وشادمانیها کرده اند ویک روز همهٔ تا گردان مدارس آزاد شده اند .

گذا : دولت استرا وجرمن ، آرشدوک ، را که از سلسلهٔ پادشاهان ایستالست به پادشاهی گل ایستان نامزد نموده است . مراسم تاجپوشی او در گریکا بشده وعده تمام اجرا شده است . واین تدبیر برای متفق ساختن اهالی ایستان برخلاف روس است

گذا : خبر رسمی جنگ که طرفا هزهای هندوستان رسیده ظاهر میکردد که عساکر جرمن درولیند پیشقدمی شده وعساکر روس را ازپیش برداشته اند وداخل ثالث روس هم قدم پیشرفت را نهاده اند ، درینوقت سعی دارند که خود را به کاوه برسانند ، در برابر جانبیت پیشقدمی جرمن در خاک روس خیلی اظهار شادمانی مینمایند ، دومت برزگ عساکر روس بابسی زنجیرهٔ جنگ وتوپهای متعدد اسیر دست عساکر جرمن شده است .

درجناب عمدة دار السلطنة کابل ضبع گردید

همه مطالعه‌ایکه مستخط ندارد ازطرف مدیر ومحرر تحریر نخواهد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1065 of 1786

شرایط خریداری	
دار السلطنه	ولایات داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی / قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی / ششماهه هفت روپیه کابلی
خارج افغانستان	
هرنمبریکه خواسته باشند با اجرت پوست	
قیمت سالیانه [illegible] قیمت ششماهه [illegible]	
به ساعه اشتراک قبول میشود	
یک طلای روسی انگلیزی وزنه روپیهٔ کامل است از همین قرار حساب کنند	

یاد آوری

رفعهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیک جا دیگر چارونده میباید کدام قصه در سر محرر راخبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید. هرگاه همچنین یک رفعهٔ شان برای ما بیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند

(شرایط درج کردن اعلانها)

هرگاه کسان که مال تجارتی، وصنعتگران که صنعت خود را از سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن بخواهند، وا دیگر هرقسم اعلان واشتهار که باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار گاه پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ربع روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق دوبار درج شود از یکبار گاه پنج بار فی سطریک قران یعنی ثلث روپیهٔ کابلی واگر الزیخ بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر نه شاهی اجرت گرفته میشود. خواه سطریک شون اخبارها (۳ — ابیخ — ٤ — سوت) میباشد.

هرگاه شخصی اعلان خود را مثلاً یکسال نشر کردن خواهد ودرسه یک ساله را پیشکی [illegible] یعنی بر سر سطری سه اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1066 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

مقدسی و گوشزد کردیم که از شکوت ربیع اعتبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود داری بعمل نخواهد آمد لهذا ادا کنانه مرکزی دارالسلطنه کابل یک ماه قبل از دوره ادا کنانه مشار الیها تعقیب و توزیع اعتبار خواهد گردید مشترکین کرام ما رسانند تا عدم وجه خود قبول نموده ، مشترکین کرام دارالسلطنه خود را تقدیم وجه آوری میکنیم که بعد از ین اعتبار هیچ کس بدون واسطه غیر قرار داد جوابیه آنجهای ادا کنانه خود نخواهد نمود.

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه طبع

کتاب سال دوم دوره مجموعه طبع

کتاب سال سوم دوره مجموعه طبع

طرز استعلامیت

آداب دعا

ادب درس

توحید

این کتابهای فوق در ادارهٔ موجود است ، هرکس تا آخر ماه جدی آنرا خواسته باشند بادارهٔ مراجعت کنند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت زردوز اول ثانی چاپ روز طبع

سیاحت مذکور طبع

سیاحت مذکور غیر مجلد طبع

ازهرین سعدی و ازهرین سنائی طبع

رومیهٔ حکیم طبع

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت مراجعه نمایند از آن بعد از جواب طلب خریداران خواهد کتابهای فوق را بدون ارائه نمونهٔ چیزی که در دست خریدار کتاب موجود است خریداری کرده میتواند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای فوق را بکنند باید از ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه خواهش کنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1067 of 1786

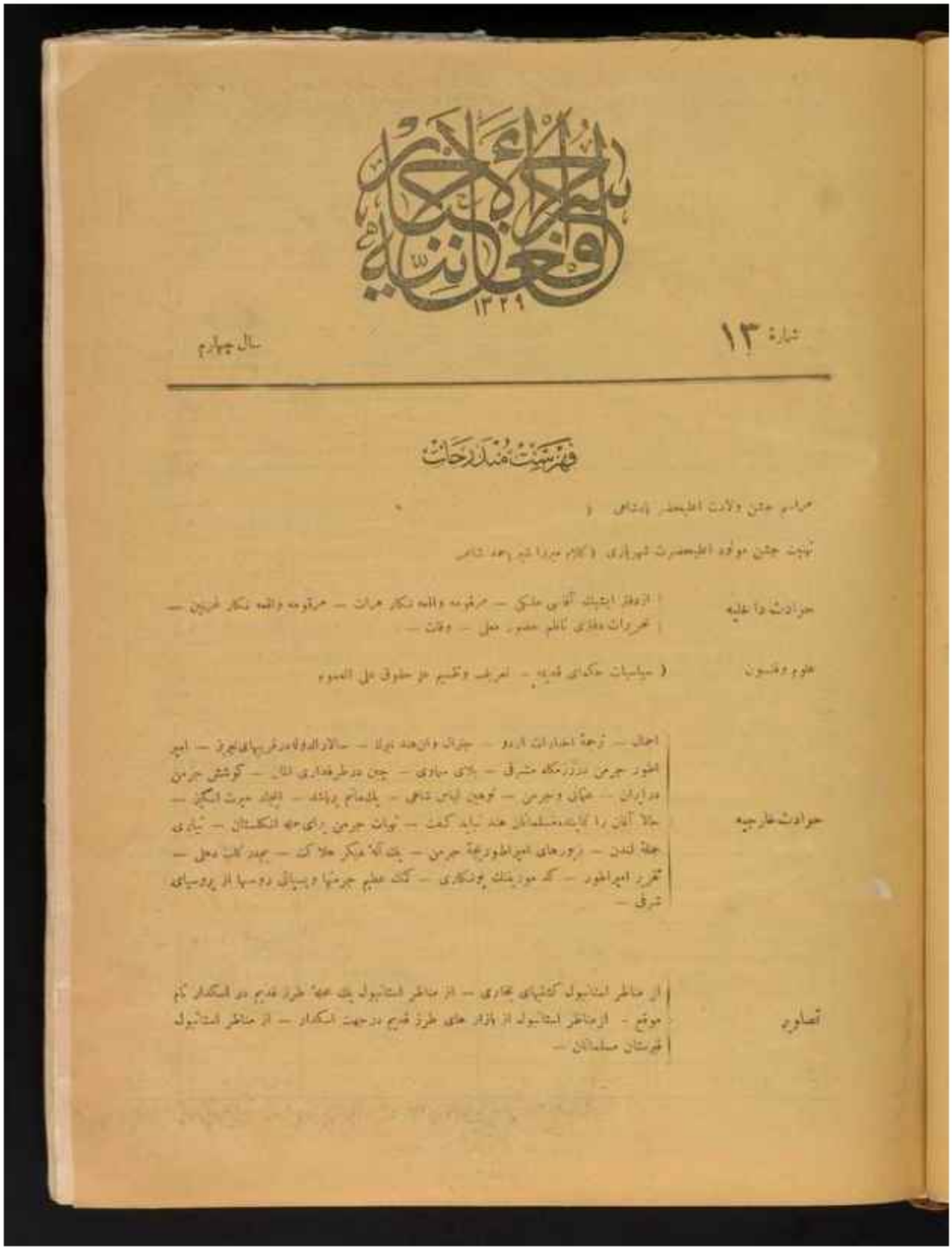

شمارهٔ ۱۳ سال چهارم

فهرست مندرجات

مراسم جشن ولادت اعلیحضرت پادشاهی

تهنیت جشن مولود اعلیحضرت شهریاری (کلام میرزا شبر رهدر شاعر

حوادث داخلیه — ازدفتر ایشیك آقاسی مکی — مرقومه والده تکلر هران — مرقومه والده تکلر غزیین — تحریرات دفتری کاظم معصوم دهلی — وفات —

علوم وفنون — سیاسیات حکمای قدیمه — تعریف وتقسیم حقوق دول العموم

حوادث خارجیه — اخبار — ترجمهٔ اخبارات اردو — جزائر وان‌هدیرا — سالارالدوله درخربهای تبریز — امپراطور جرمن درزرنگاه مشرقی — بلای سیاوی — چین درطرفداری انگلیز — کوشش جرمن درایران — عهای وجرمن — توهین ایلچی شاهی — پادشاه پرتقال — اتحاد صربت انگلیز — حالا آنرا بایدمسلمانان هند بداند کنند — توان جرمن برای جنگ انگلستان — تیاری جنگ لندن — زورهای امپراطورجنگ جرمن — یك آلهٔ فکر جلا کت — چهار کلمهٔ دهلی — تحریر امپراطور — کد موزینك چونکاری — کشف علیم جرمنها وسیاق روسیا از پروسیای شرقی —

تصاویر — از مناظر استانبول کشتیهای بخاری — از مناظر استانبول یك جهة طرز قدیم در انکدار تام موقع — ازمناظر استانبول از بازار های طرز قدیم درجهت انکدار — از مناظر استانبول غرستان مسلمانان —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1068 of 1786

اعلان

از مصانع پرورهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جنرال کارخانه جات و متفنن علمهٔ مبار کا دارالصنا نه کابل علاوه رایجای جواغ دولتی وعسکری مانند آلات حربیه وظایه وفارچو زمه های صاحب ترجمه ا زره و بعضی دیگر مصنوعات ماهرانی که از قبل از طرف اداره نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ا صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالغنی در بازار ارگ) میباشد .

(۱) اسرع های پشمینه با الوان رنگهای مختلف کیفیت آن از قرار گرانکارزی ۳ عرضه شده در سنه وقعاً جنس هر فروش میرسد

اقسام	قسم اول				قسم دوم		
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم وطوری کلان قیمت آن ۱۰ پند زیاده شده	
رقم	کلان ساخته نشده	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	
قیمت	۵ روپیه ۹ روپیه ۱۱ پیه	۶ روپیه ۹ روپیه ۴۹ پیه	۵ روپیه ۶ روپیه ۴۴ پیه	۶ روپیه ۸ روپیه ۷۵ پیه	۵ روپیه ۷ روپیه ۱۰ پیه	۶ روپیه ۸ روپیه ۲۰ پیه	

کلان پره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکارزی کلان پره دار اره ۷ روپیه ۳۰ پیه | کلان پره دار هر قرار ۲/۵ پیه چیست چیست

(۲) چراب ها ﴿۳﴾ تکمه های چرمی محراب ومنبر دار

رقم	تکمه تکمه زوج	داغدار زوج	معمول زوج	کلان قدرجی	میانه قدرجی	خورد قدرجی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیه	۵۰ پیه	۳۶ پیه	۱ روپیه ۴۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۵۰ پیه

(۴) پره های جدید ساخت

رقم	زه باف کابلیه دوقلی دوتاره	زه باف یک ابریشم دو گره سه تاره	چرم باف یک ابریشم	یک ابریشم چار تاره علی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیه	۹ روپیه و ۲۴ پیه	۸ روپیه و ۴۲ پیه	۶ روپیه و ۱۱ پیه
رقم	چرم باف دسته دولاه یک ابریشم دوالیه	چرم باف دسته دولاه یک ابریشم	دسته دولاه یک چار ابریشم	چرم باف محرکاب
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیه	۴ روپیه و ۴۶ پیه	۸ روپیه و ۲۳ پیه	۴ روپیه و ۳۰ پیه
رقم	قبضه دار بی کلید تره دولاه	قبضه دار تقره دار چرم باف دولاه	زه باف رقم سواری ساعی کابلیت	زه باف دو تاره رکاب
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیه	۴ روپیه و ۵۷ پیه	۵ روپیه و ۹ پیه	۵ روپیه و ۵۴ پیه
رقم	رکاب ارغ	چرم باف چاه چوب پت زناه	ارزان سواری تیغ چرمی	زناه ابریشم چاپلاه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیه	۵ روپیه و ۸۶ پیه	۴ روپیه و ۴۸ پیه	۵ روپیه و ۸ پیه
رقم	دسته دولاه ساعی دو تقره کابلیت تقره	دسته دولاه ساعی دو تقره کابلیت تقره	ارزان سواری دولاه تیغ چرمی گلبتک دار	چرم باف مابین پت یک ابریشم
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیه	۴ روپیه و ۴۵ پیه	۴ روپیه و ۵۹ پیه	۸ روپیه و ۱۲ پیه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل چرمین	گل بلغرمان	گل پرنیه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیه	۶ روپیه و ۶ پیه	۶ روپیه و ۷ پیه	۶ روپیه و ۳ پیه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیه	۶ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه ۳۸ پیه	۶ روپیه و ۸ پیه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیه	۷ روپیه و ۱۲ پیه	۶ روپیه و ۵۴ پیه	۶ روپیه و ۵۴ پیه

﴿ المشتهر ﴾

(میر محمد هاشم دکتری کار خانه جات)

(کیدان غلامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1069 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۱۳)

قیمت تبدیلیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله تاجر
باضافه داک ۱۱ روپیه کابلی
در خارج مملکت
باضافه داک ۱۰ روپیه انگلیزی
جریده روز یکشنبه نشر میشود
قیمت یک نسخه آن دو کابلی یکصد پول است

(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

صاحب امتیاز
محمود طرزی

ادارهٔ جریده و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲ مارچ تاریخ شمسی ۱۱ حوت ۱۲۹۳

(مراسم جشن ولادت باسعادت اعلیحضرت پادشاهی)

شب جمعه ۲۵ ماه ربیع الثانی بانتشار فیوضات مکتب ولادت باسعادت ذات مکارم صفات اعلیحضرت « سراج الملة والدین » پادشاه مقدس عدالت آئین دولت علیهٔ مستقلهٔ خود افتخار افغانستان صانه الله من آفات الزمان مصادف آمده قلوب جمیع قلوب همهٔ ملت صادقهٔ افغانیه ، وجمیع خدمتکاران وارکان سلطنت سنیه را بفیوض وخزائن فرحت وشادمانی درآورده بود .

ذات شوکتسمات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان » ادام الله دولته الطالعه الغره در سنهٔ ۱۲۸۹ هجری ، در شهر « سمرقند » زینت آرای عالم شهود گردیده اند که با این جشن انسانه ولادت باسعادت شاهانه ٤٤ سال از عمر گرانمایهٔ شریف ملوکانهٔ ماضوی را اکمال ومقدمهٔ چهل وپنجم دوران قصر علویت حضرت حیات بارکات قدم نهادهٔ شوکت واقبال شده اند . از درگاه ایزد متعال بصد لجز ونیاز ، وهزاران سوز وگداز تمنای عمر واقبال بادشاه فرخ فال نکوی آمال خودرا نیاز وامترحام میکنیم .

چندسال است که مراسم جشن ولادت باسعادت همایونی بیاد وقتی تصادف میکرد که موکب سعادت موهب بادشاهی در جلال آباد شرف افزای اقبال میبود . امسال مراسم مذکور در دار السلطنهٔ کابل اجرا گردید ، در روز چارشنبه تذکره ها وتبک های حربی از طرف ایشیك آقاسیان حضور انورواالا رمدعوین کرام تقسیم گردیده درشب جمعه ۲۵ ربیع الثانی همهٔ شهزاد گان عظام وسرداران وعلما وخوانین ذوی الاحترام وارباب مناصب عسکری وکدرجهٔ منصب کرنیل درسلام خانهٔ ما وحاضر شده بودند .

اطراف سلطنت سلامخانه ها بانواع زیب وزینت چراغان شده وصاکر شاهانه بادوسه دست موزیکهای خاصه صف بستهٔ احترام بودند .

داخل وخارج سلامخانه بزیبا انواع زیب وزینت چراغان شده سفره ها وسیر های اعضه والتره وميوه وغازی وحلویات بطرزها وطرزهای بسیار بالطرافت ترتیب یافته بود . ساعت سه ونیم موافق موزیکهای سلامی اشرف شوکت ورفعت ذات اعلیحضرت پادشاهی را بحاضرین سلامخانه اشعار نموده بتاراس والتزن جناب مستطاب سردار اکرم حضرت نائب السلطنه ، صاحب افخم همهٔ مدعوین کرام در پیشگاه تخت عالیشان اعلیحضرت پادشاهی صف بستهٔ اعظم واحترام شدند .

درین اثنا در وازهٔ خصوصی سلامخانه باز شده ذات مکارم سمات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوبنا سلامخانه را بانشریف قدوم میمنت لزوم همایونی قرین عز واجلال فرموده ، وسرداست برتختگاه پادشاهی شرف عروج فرموده وحاضرین را مظهر التفات جهانه رحمت همایونی نموده بر کرسی سلطنت جلوس فرمودند .

جناب مستطاب نائب السلطنه صاحب افخم الاطرف عموم حاضرین کرام یك نطق مهمی که متضمن تبریك وشکر گذاری بود قرائت کردند . ذات شوکتسمات اعلیحضرت شهریاری فیابفرموده بجواب آنریك نطق بسیار بلیغ حکمت پیرایی بیان فرمودند وحاضرین رسمی را انجام داده حاضرین را به نشستن آزادانه ومصاحبه های پی لنگ دانه اذن وفرمان نمودند .

درهر طرف دالان سفالخان جمیع واقسمهای حلوه نقاط تشکیل یافته جایها تبریکیها سگریتها مبذولا مصرف میرسید . ومدول هریك از خدمتگاران صادق دین ودولت کلیا ترفرحت ومسرت میدید . زیرا بدهای افزونی عمر واقبال بادشاهی مشتهر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1070 of 1786

وخواسها بارقی انتقال درختان دولت اسلام منحسن میبود.

همدران همه حاضرین بخوان انعام اعلیحضرت پادشاه کنام الاحسان عظام دعوت شده بتناول انواع اطعمهٔ لذیذه مه کل دلپذیر واحسان گردیدند. وکیفیهٔ شب این مجلس الس وصفا بانواع فرح وسرور بی انتها دوام ورزیده امروز انهٔ اعلیحضرت پادشاهی خدام پدر کردید. ودرخا لیکه دعای حال ازدیاد ترقی واجلال دولت وبقای عمر وافبال اعلیحضرت پادشاه مراسم حصلت ورد زبان همه کان بود رخصت شدند.

— ۴ —

فردای آن که روز جمعه ۲۵ ماه ربیع الثانی بود در ساعت مقدره همهٔ مدعوین کرام بلباسهای رسمی در قرابان بارحضور مرتبی کابل وسزاوار آمده بیک نشاط وسرور بی اندازهٔ بسر آمد.

درخصوص میعادهای جمعه درشمارهٔ سابقه خود یعنی معلومات نگاشته بودیم. دران بارجون آخر ترین میعاد مذکوره بود. وباسم جشن ولادت باسعادت اعلیحضرت همایون معاودی آمده بود بلکه روئق وشکوه فوق العادهٔ را بازداشته بود که تفصیلات آنرا جداگانه درج صفحات اخبار مینمائیم. مجملاً همینقدر میگوئیم که درین میعاد جمعه که بشرف جشن این عید سعید مولودی همایون بلاشراف بی اندازهٔ منعقد گردیده بود. مافوق تمامهای سابرمعما گر خاصه شاهانه نیز بیهانتزاك ورزیده انواع وانقسام اضافاتهای جدیدانه یکرا تجدان مهارت وصنعتاجرا کردند که حیرت بخش عقول گردید.

— ۵ —

شام همان روز سعادت آموز یعنی شب شنبه درجن صفا یرامن که درمیدان قومی باغ واقع است یک تحفهٔ آتش بازی بسیار مکمل و مجلل تهیه برای تسرد وتفریح قلوب صداقت جلوب افراد اهالی ترتیب یافته خواره بازی، ورنك آمیزی اشکال واوان اقسام مختلفهٔ صنعتکارانه آتشبازیهای عجیب و غریب درشکارنگ که شعله افروزی بود انظار سیر کنندگان ودلهای پسندکارا فرحت بدرت وانفرحت بفرحت الفاسیمود. حتی بازار مراسم شاهد فشنگهای هوائی بسیاری درسرکوه آسمانی نیز ترتیب شعله افروزی یافته ازفضای ستاره ریزی رنك آمیز پرطنین آن محوه اهالی شهر عزیز بالاستفادهٔ فضای بشادمانی وهمهول بودند.

— ۶ —

شب یکشنبه اهالی شهر عزیزما بشرف جشن ولادتی ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه عدالت ومرحمت همراه مفتخر غیوب الغیوب خود شان یک شهر آئین بسیار مکمل وبازیب وزیبی ترتیب داده همهٔ دکاکین بازارهای شهررا به انواع زینت واقسام چراغها آراسته وبیاسته کردند وبیك جوش وخروش

مسرت همدوش بکصباح اجرای آهنك سرور وشادمانی نمودند

(عمرت دراز باد که کمبود مشتری)
(مالا کور خورم و نواز عمر زخوری)
(آمین ثم آمین)

تهنیت جشن مولود اعلیحضرت شهریاری

نوبهار است وهوای باغ وصحرا دلکشاست
شش جهت کیفی زموج کیفجو وصلت صفاست
از وصال سبزه وگل با کنار انتهاق
کلشن کهسار و جنل مرکسان خوشنواست
عطر ریزیهای باد صبحگاهی در جهان
نسبت افزای شمیم نافه چین و خطاست
مرغکان از درد فراق یار غار درد مند
باچنان او جرا بام بیحران اکنخاست
دی روان کشم پی نظارهٔ گل سوی باغ
کفتم و موسم چنین چون حسن دلم جوخواست
نافه پیم سنبل تر را بیاد زلف دوست
سرو سانه قدو گل همچو روی دلربست
روز کلشن رسید آن مادیکر کفت جنر
چیست مقصود ضرور درون عزم کجاست
کفتم ازشوق قدو روبت سیم سرو کل
دلتم مرغی سوی کلشن دل لطف خداست
کر حیات باقیت چشم روشنی دیکر بلد
غیر دیدارت مرا ای مقصد و نی مدعاست
کفت ازمن تهنیت بادت که جشن خسروی
در حلالت که شاهی استب و فردا پیاست
چونکه این پیسند و بشجم ازربع اثانی است
جشن مولود جناب حضرت سلطان ماست
پنج رجل شد فزون ازسال عمر فرخش
وزجلوسش چاردهم سال افضل خداست
برقبا شای بهارو مکمل مرو اعدا بیا
کان بهار جشن را آبوکل و رنك جداست
صدچنان پیش این عشرت کده در حیرت اند
وزهزاران پوستان افزون زنی نشو وناست
شاه بنشسته بعشرت سلطنت مسرور و خوش
بنده کانش را بر زرین کمر بسته قباست
افسران فوجی و ملکی و ارکان عظام
حاضر درکاه شاهنشاه بادبدو علاست
جمله ازشاه و ازشهریاران نامدار کامیاب
رتبه هریك بقدر خدمتی در اعتلاست
هرطرف بسط نشاط انبساط افتاده طرب
جام عشرت در کف اهل کمال جابجاست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1071 of 1786

مرد میدان را داده بر دار گاه خویش
باز ارخوان اطلس صاحب رای و نواست
ازچراغان کیوه آسا زمین همچون فلک
زمی بگرفته وز انوار نان کیهی ضیاست
قل وحلویات و نعمتهای افزون از قیاس
پیر خاص و عام موجود و مهیا بی ریاست
خرد و صاغیران را جشن موکولداستان
این شب و این روزمیمون و سعادت اقتباست
شاه نیک اختر رعیت پرور و ایزد پژوه
آنکه از خلق جهانش کوش کیهی رضاست
آن سراج ملت و دین شهریار نامدار
کزوجودش ملت ودولت تورپذیرو رجلاست
یاور دین رسول اکرم است ازصدق دل
دولت اسلام را دائی معین ومقتداست
ورزبان او نکو گویان همه بس حرزاند
دل فگار از هیبت اوزمرهٔ اهل جفاست
گرچه فرق خرد و جاهش بگردون میرسد
سرفرو هوداده اورا در جناب کبریاست
نعمت و دولت کمحق کردش عطاازصدق دل
تا کر نعمان سحاب پرصبح و مساست
باد این جشن مبارک روجود او سعید
تا که در لیل اکبری ز انوار دجی ست
دایما شیراجه مخلص باخلاص ضمیر
شادوهم شهزاده کان را دائی هرو جاست

جناب محترم شفقت گستر مدیر صاحبدا بعد از تبلیغ دعا و تعظیم عرض پردازم که نمل ثبت نامهٔ جشن موکود اعلیحضرت ارسال شد انشاءالله تعالی درج سراج الاخبار میفرمائید .

ضمنا خطه شیراجه شاعر حضور اورولا

جوابهای داخلیه

از دفتر ایشیك آقاسی ملکی

واقعه نگار هرات مورخه شهر ربیع الاول مینویسد که یکنفر هندو ـ درست کارکاه شریف رفته بحضور میرصاحب کارکاه گلهٔ شهادت دادا کرده ـ میرصاحب موصوف نامبرده را بحضور عالیجاه نائب الحکومه صاحب فرستاد نائب الحکومه دفترزوالعالی محکمهٔ عالیه را طلب کرده از آنها رجحان نمودند بازهم گله شهادت رابیان کرده بدین حضرت سیدالرسلین صلی الله علیه وسلم داخل شده ـ یك ثوب چوبه قدمه مقدمه وبکلمه کلاه زری ودستگیر زری ومبلغ هشت صد روپیه نقد کابلی برای او خلعت والطاف قرار سررشته سرکاری داده امر اورا دین محمد گذاشته بعد از آن بالای اسپ سوار کرده پنج شش نفر ملاها و جماعهٔ مسلمین پیرامان رفته در راه شهر گشاده ـ وگله شهید را نعش گذاشته جوش و خروش از برای اهل اسلام پیدا شده صدای تکبیر دین مبین حضرت سیدالمرسلین و فریاد عمر و القاب اعلیحضرت اقدر والا را بلند شده شاهکوه صاحب دارالصدر هرات دین محمد خان جدیدالاسلام را بسیده تجارتی سمت مذکور فرمودند که حافظ و سررشتهٔ اورا بقرار سررشتهٔ سرکاری پدرش نماید .

(کذا)

واقعه نگار غزنین بعریضه مورخه ۲۹ ربیع الاول مینویسد که درچوم بخشنبه پنجساعه مذکور یکنفر گله پسر دوازده قوم کتری هندو ـ بمسجد داخل شده بحضور چند نفر طالبان علم گله شریف و آهن پاره را بعوض ورصدی خود خوانده بعد ازان اورا زده تا گو غزنین آورده حاکمان مذکور واهالی محکمه شرعیه ازدادو استنصار کرده نامبرده بیزار بود که تا گو مرا بخوبوجه محافظت کرده دل فرزندخود یافته تا گو قبول کرده نامبرده زبان خود چیزاً گله مبارکه را زبان خود جاری نموده بشرف دین اسلام مشرف شد ـ لباس سابقهٔ اورا عوض کرده دراشی و دستگیر زری سیاه خوب برای او مقرر سررشته سپرد شد کاری خلعت وانعام داده ـ نامبرده را عزالا حضار بحضور خود تکلم کرده اسم اورا عبدالله گذاشته و یکنفر مزارا حضر نموده اورا بوجه درس بمدعه الحدیث والله از راه غلط براه راست دین مبین حضرت سیدالمرسلین صلی الله علیه وسلم داخل شد فقط .

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته .

مورخه ثبل جمعه ۲۷ ربیع الاول

جناب ادیب فاضل خردمند ولیب کامل دانشمند مدبر و سر محرر سراج الاخبار هوادار افاضه را حضرت ازلی جل علا در پناه حفیظ صحت و مسرت دارد اکنون در شمارهٔ پنجم سال چهارم اخبار گهربار علم دیباچه ورقم هوشمندان ازطریقهٔ خیرخواهی دولت و ترقی ملت اسلامیه خود از [ضروری بودن ترقی صنایع داخل] که عبارت از اصلاح نرخ شمع زری وقند ساری و نمك باف و کاغذ چوری و تیشه زری و غیره بحث و بیان علوی امتنان فرموده چنانچه [کانت هذه تکلمات است پیدا شدن نیل خلط یکچیز غیرتمکن نشده نمی شود در جهت های هوا و آب استاده موجود بودن این معدن بتواتر شنیده شده است . اهل کار آنرا ازیاد کو بحوقفقار بدست آورده و استفاده کردن هر تکل یك چیزی ثبت] جناب مشفق مشفقانه حکیمانه حکمت پیغام جناب ادیب شهیر است بحق و تو از همت است . بی مثل قاصر و فکر ناقص پنداره درهر امر از امور ان و درهر وجود از موجودات بسی [لیس للانسان الاماسعی] موقوف و منحصر بست . اما بعضی حقیقة تخیلها درجهان پیدا خواهد شد زیرا که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1072 of 1786

نوشته هاز الزقبیل استطوره و مبالغه پنداشته وبه هیئت اصطلاح مادی ماضی پیروی تقلیده نموده چنین ترقیمه ها را از اسلوب مستحیلات در حساب آرند — ولا کی الحمدلله تعالی ثم الحمدلله تعالی تشکر میکنیم وحمدمینمائیم اگریه شکرانه کی نعمت حضرت باری تعالی جل علی را به هیچ لسان وهیچ عنوان ادا نمیتوانیم ، که حضرت آفریده کار برحق وخالق حقیقی مطلق جل سبحانه بچنان نعمت گران ومرحمت فراوان عظیم الشان خود ملیون اعالی افغانستان را چنان پادشاه دل آگاه محبوب القلوب ترقی خواه عدالت گستر رعیت پرور اعنی پادشاه سلطان المسلمین اعلیحضرت (سراج الله والدین) طول عمره ووفاء سلطنته ،مقتدر وسرافراز فرموده کابل وتمام از نهایت غایت و گیاست دینی ترقی و تعالی ملت اسلامیهٔ خود بکمال صمیمیت مستعد اند ، چنانچه مالکان دیندار اوطان مقدس ما هرگاه بانظر امعان ازدمان سی وچهار سال ماضی را ، به آوان حالای تطبیق نمایند چه مقدار فرقهای عظیمه و تفریق های بدیعه استنباط خواهد جستند ، خلاصه واختصاص قبل از سی و چهار سال رسم کارخانه های ماشین خانه که دینی وترقی وسعت حرفت وصنعت ، و مسجد های باصفای بزرگ سنید کاری بطرز اصول جدید که مؤسس رعایت معبود برحق ،وسرک های بزرگ متین وپلهای جسیم آهنین محض از جهة سهولت عبور ومرور رعیت ورباطهای مراجعه سازگ متین و در هریک گروه مستحفظان امین از جهت استراحت وحافظت رعایا وغربای ملت ، ومکتب هاودارالفنون ومدرسه های دار العلوم محض از برای تحصیل علم ومعرفت سایر محلکت) وهم چنین اسلحه های باریه وجیا خانه های رساله از اسلوب پکرور ظاهر آمد بود ، کشتی حربیه های جسیم و پنداب های متین اساس آن برترقی افزون زراعت وکثرت نفوس اسلامیه وبنیاد دار الانشا ها ودار الترجمة جهة صحت وجود ومعیشت پدر وپسار موجود ملت ، واختراع موترهای سریعه وآلههای جدیدهٔ گوناگون واسباب های ماشین دار والکتریک ، وقلمون بقین است که قبل ازسی و چهار سال درخواب احدی هم خطور نکرده باشد ، سبحان الله هرقدر که تعریف کنیم وتفکر کونیم قلم این لعنه ، کرانیها واین لطف وعنایت های بی منتهای پادشاه که همه دینی وبرون مندی ما ملت اسلامیه بدل واحسان نموده در حوصله تحریر وتقریر گنجا نیدن از طریقهٔ ناممکنات ، بلی ناممکنات .... ای عجب اسلام حالا خلاصه همین قدر دعای عالی ازربنا طول عمر ووفای دولت قوی صولت محبوب القلوب معظم خودرا شعار خود ساخته باصل مطلب خود مراجعت نمودیم یاد داشت پنجاه گز که خودرا درنظر قارئین عظام ودرانان اوطان مقدس اسلام خود جلوه گر عرض مینمائیم — بخصوص مسدن ثیل خاك درسنه محافوی ثیل ١٣٢٧ کابنده چاره درغا را چودم از زبان چندنفر رجال هراتی کهدر خود شهر شهر دار النصرت هرات سکونت پذیر بودند ودر بخارا آمده و رفت داشتند چنین استماع کرده بودم ، که در آوان جناب قاضی سعد الدین خان ناظم الحکومه صاحب ساحه تحالمو سوق وقاضی القضات صاحب رجال دار السلطنه مبارکه کابل ، در تحت حوار [پل مالان] هرات یك چشمهٔ بزرك ثیل خاك ظاهر گردیده بود ، ویك شخص تبعهٔ آنرا ازبرای جناب قاضی صاحب تقدیم کرده بود وجناب موصوف چیره ارسال کرده بود، چنان بود که خواه از چیره دار مقدم وخواه مؤخر مردم بادیه نشین آنجا از راه جهالت خفیهٔ چشمهٔ ثیل خاك ظاهر شده زار مسدود و مخلوط با دریاب مالان مسیار وناپاب گردانیده بودند چنانچه یادداشت همین مکتوب دریکجلد کتاب یادداشت سنه دار السلطنه مبارکه موجود است، ای عجب اسلام اگر چیره جناب مستطاب محمد سرور خان ناظم الحکومه رجال هرات رو شناس نمیشد تخواهد بود الحمدلله تعالی تشکر میکنیم که هر واحد همدمان رجاز وغربای آن ولا که در بخارا بی آمدند از جناب ناظم الحکومه صاحب اظهار رضامندی ودعاگوئی مینمودند وتصور شان در پیشی ترقی دولت وملت پادشاهت اسلامیه شان بکمال هویدا در کار است ، ودر سنهٔ ایت ثیل ١٣٢٨ که بهادر خان ثم ملازم جناب میرزا محمد سرور خان دفتری هرات در بخارا آمده بود ودفتری موصوف روشناس پندمیانه اشخاص رجال حق خواه ملت اسلام مشاهده مینمود از جهتیکه دفتری آشنای پنده بود ملازم دفتری مذکور را زبان تا کید کرده بودم تا دفتری صاحبرا ازین فقره ترغیب وآگاهی داده جد وجهد را شعار نماید بلکه خداوند کریم جل علی شانه یك وسیلهٔ خیر سازد که یك استفادهٔ ترقی نظیر انجامیده دولت وملت اسلامیه ازان مستفید گردیده از خلاص ابنی رهائی یابم — و بدون ازثیل خاك مسموع گردیده ام که درهرات وبدخشان معدن نوانکر (چودن) موجود است بنابران بجهة آن مهربان همین قدر می نگارم که دول ودمال اروپا که مستفید زیاد گردیده اند وممالك قوت وحشمت سرامر ثروت شمرده اند ظاهراً ازهمین دو چیز قسطو از منفعت است زیرا از چودن راض تمدید راه آهن وآلهٔ ماشین هردم از (سرآوردن) همین چودن مبادی معدن توند وتشکل پذیرفته وغیر از اسباب ماشین ها ، البهای آب ، چیرگ های خواب ، ستون های متین میم ، تلگراف ، وپلهای دریاب ، ازمرگ همین خزائن ثغوراوطان است ، وحرکت ماشین منه گورغوهٔ شمهٔ قلیله همین جوهر قیمت دار ثیل خاك است، که رقیق آن بجهة تنویر وگردیدن چراغ های شهرها وبیرقها ، وخلیط اعلی آن معارف تائید سوخت ماشین ها و [لاکاتیف] ها بکار می آید ..... زیاده از حد ت قدر رحمی وخلاق مطلق جل قدرته التجا وبیاز داریم که کمالهای دراز وعمرهای بیشمار سایهٔ سعادت آیهٔ میباز که پدر حقیقی وترقی خواه تحقیق تاسلمین اعلیحضرت (سراج الله والدین) همهٔ دودمان میارك شان را که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1073 of 1786

و کوتاه ذکر فرمائید ، وجناب ادیب لبیب ما ، که مایلترن وصول افادیت واشعار اکرامیت شان مانند اظهر من الشمس هویداست تمالیهای پیشمارحمت بلطافت نصیب دارد که از تقریر قلم ادیبانه و تحریر رقم خردمندانه مایهٔ شان ، عاملات اسلامیه را انشاء کردیده

با کتناه حقیقت پی برده چون شویم وسعی و کوشش را شعار خود غائیم ، تا موجب فلاح دنیوی و نجاح اخروی مایان ملت اسلام کردد ومن الله توفیق آمین کینه نجم الدین دفتری تاظم حضور معن فقط

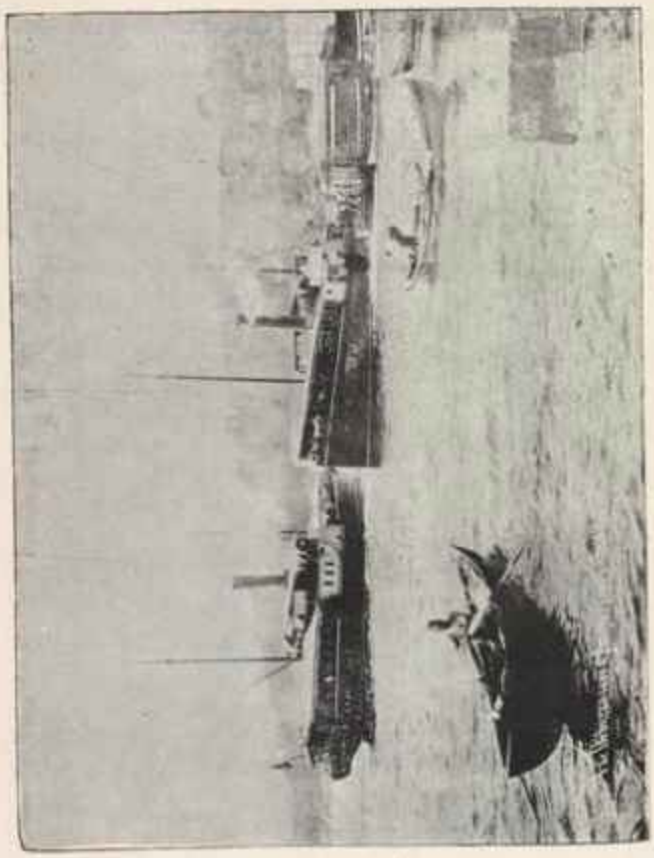

از مناظر استانبول
(کشتیهای بخاری ترکن عثمانیه که برای سیر و سیاحت مرمره بولغاریك حاضر)
(دیکر عکه در موقع پسفور کشیده کذار میکنند)

تموده دائماً احیای را ایتناجات کذشته دائم کلشن ابی جاودانی کردیدند .

بدین صاحبهٔ متوفیهٔ مشار الیها از امرازا دکان بسیار اصیل و نجیب بدختار بود ، والساجد مرحومان جناب میر جهاندار شاه ، امارت مسئابه بدختان را طاز بود که بعداز انقراض استقلال حکومت خود مع مایه بسمرقند نقل نموده بودند ، وچون ذات اقدسحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم بسمرقند تشریف فرما شده بودند در انجا بذینی صاحبهٔ مشار الیها ازدواج شان بوقوع آمده بود .

﴿ وفات ﴾

﴿ کل من علیها فان ﴾

یوم چارشنبه ۲۳ ربیع الثانی سنهٔ ۱۳۳۴ حضرت مستطابهٔ مسطورهٔ بذینی صاحبه صبیهٔ محترمهٔ میر جهاندار شاه ، که یکی از زوجه های بسیار محترمه ومعززهٔ ذات غفران سمات غفران فردوس مکین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین رحمه الله بود از جاری که از بسیار وقت به آن کرفتار شده بودند تخلیص کریبان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1074 of 1786

ان ضیاع اهدی از برای صاحبه مشار الیها روان اعلیحضرت پادشاه مقدس ما وجهه خاندان سلطنت سنیهٔ افغانیه خیلی تأثیر بدوهگیی اجرا فرمود، جنازه مشار الیها را اراده سنیهٔ ذات اعلیحضرت پادشاهی بکمال دبدبه واحتشامی که لایق شان وشرف شان بود در حالیکه ذات عالی جناب فخامتمآب سردار اکرم نائب السلطنه صاحب افخم وجناب عالی شهزادهٔ مکرم نائب الحکومه صاحب قطغن وبدخشان وذیکر شهزادگان عظام وسردارن کرام مأمورین ذوی الاحترام وارباب مناصب ملکی وعسکری وبك فرقه عساکر شاهانه موجود بودند از قلعهٔ دلخوشان روانه شده درقول چکانه

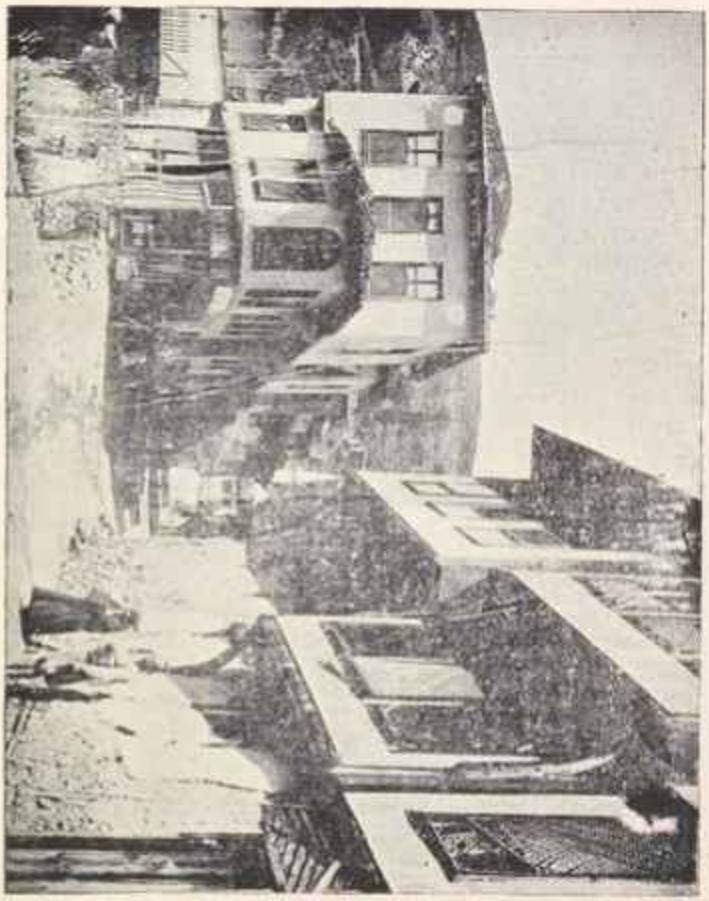

قرنطینهٔ اسلام قلعه
(قلعه مزبور قدیم و مستحکم کار موضع)

در موقع دفن خلك عظیم ازدحام کردند .

مراسم فاتحه کبری وخیرات داری شان باسروارادهٔ اعلیحضرت پادشاهی درجای جناب مستوفی الممالك صاحب وزیر دولت جناب عالی شهزاده سردار حیات الله خان نائب الحکومه صاحب قندز وبدخشان وبرادر والاگهر مشوفیهٔ مشار الیها جناب شهزاده جهانگیر) اجرا گردید .

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال مسرت واشف مراسم تعزیت را بجات شوکتمآبان مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس وحضه خاندان سلطنت سنیهٔ شوهٔ خود عرض وتقدیم نموده دعای تمادی عمر واقبال اعلیحضرت پادشاهی را ورد زبان عبودیت میدارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1075 of 1786

سیاسیات حکمای قدیمه

عناصر اربعهٔ یونان

علوم سیاسیهٔ کهن زمان حاضر در اوروپا متداول است بکلیه دلیل مثالث ورصانت نظامات وقوانین آن از اکتشافات وتدقیقات حکومات موجودهٔ عالم پدیدار است . اما کان لکنود که حکماء وسیاسیون شرقیهٔ قدیمه ازعلوم سیاسیه بی‌بهره بوده‌اند . وچیزی بران نگذشته ونمی‌دانند . بیانا برفعهٔ همه‌علوم وفنون وصنایع بدیعهٔ عجایب کنون از شرق بغرب جریان یافته است . همچنان است علوم سیاسیه وملکداری .

این است که درنخستین بحث مقرهٔ سیاسی را که در یکی از کارهای معتبرشرق مطالعه کنان بحرانشده بود درنظر قارئین کرام عرض میدارم :

چنانچه حکمای متقدمین یونان واستحکام حیات‌اجتماعی امروزهٔ ملل را ازامتزاج عناصر اربعهٔ طبیعی یعنی استحکام تمدن وسیاست بروجهار چیزوه که بمنزلهٔ عناصر اربعه واقعشده است بمن حیث المشابهة والمطابقه کاملا تمثیل میداشت . وچنانچه اگر در عناصر اربعهٔ کائنات که عبارت از (آتش) و(باد) و (خاک) و (آب) است اعتدال بر کار نباشد سلامح فساد منجر گردد همچنان عناصر اربعهٔ دولت نیز اگر اعتدال به پذیرد نظام ملک ودولت وقوام مدن وسیاست مفقود ومسدوق نباشد پس عناصر اربعهٔ دولت ازقرارذیل تعیین ومعالمه کنند تا مزاجیهم میشود .

اول ازعناصر اربعهٔ از کلیه عنصر (آتش) بوجود وبود عنصر چهار کانهٔ دولت (صنایع ودوائر حربیه) بثابهٔ آتش ، چه مناسبت این دوامرهیکرمن حیث الطرفین اتحادی واقع است وموقوف بودن صنایع تمشک وعلاقهٔ دولت وملت واعتلاء حکم حکم شریعت وتدبیر امورات سائرهٔ رعیت برعنصر نافع عریض است .

دوم از عناصر اربعهٔ از کلیه‌عنصر (هوا) است . ودرعناصر چهار کانهٔ دولت مانحن فیه (صنعت وتجارت) بود گذشته اینهم نیز نهایت مناسبت است . وصنایع صنعت وتجارت مرابحار ملک وملت‌را بدرجه ایستکه در عدم آنها مدنیت لازم آیدچیزی دینار که حکما آنرا مادهٔ متوسط گفته از برای آنکه وجود آن مرجع وصلت ومشارکت طرفینرا امرضروریست . پس اگر دینار مفقود گردد نسبت امور عائدهٔ الهیه ورشتهامور جمیعیت بشریهٔ مدنی‌الطبعیه نیز ناپیدشود . وعمدارتکزمال ودینار نیز همین رتجارت وصنعت بود .

سوم از عناصر اربعهٔ از کلیه عنصر (خاک) است و در عناصر چهار کانهٔ دولت قرینهٔ آن (زراعت) باشد ورفعلی لیب کال‌مشابهت اینهم عنصر نیز معلن ومبرهن است وچنانچه وجود آدمی از خاک است حیات نفسی نیز وحرث وزراعت است چه جمیع ماکولموقوف بزراعت وحیات انسان نیز موقف را کل بود پس معلوم‌شدکه زراعت نیز از عناصر لامعدودات میباشد .

چهارم از عناصر از کلیه‌عنصر (آب) است که در عناصر چهار کانهٔ دولت نظیر آن (وزراو کلا) باشد . ایضاح اگرچه در وهلهٔ اولی غیبت بادناک مدکوره قدری بعید بنظرمیآید اما اگرملاحظ نمایند بکمال موافقت ومطابقت خواهند یافت . چنانچه آبرا خاصیت آنستکه در وقت اروا نودن اشجار وازهار درجمیع اوراق وعروق آن ساری ومنتشر گردد بترتیبکه کمهیچیک ازاجزای آنرا ضرورة نگذارد واگر دریکی‌ازان اجزا جزئی تباید طراوت وعمارت آن زائل‌شود . وهمچنین است حال وزراو و کلای دولت که ابتدا وظیفه آنستکه از جمع امورات کلی وجزئی ملک وملت باخبر وقوهٔ مفکرهٔ ایشان بهمهٔ‌امورالداخل وخارجی منتشر باشد وکلیهٔ عدالتا نیز جزوی ازاجزای دولت ورعیت وتجار وزراع وسپاه اجرا نمایند تانظام دولت منتظم ماند وکاشان حکومت ازطراوت نیفتد .

پس ازسیاق کلام چنان معلوم شدکه‌تقسیم عناصر اربعه‌بعناصر چهار کانه کمال موافقت ومشابهت‌را دارد واگر در مملکتی به یکی ازین عناصر خلل وسکتهٔ عارض آید آنمملکت اساسیرا بلکه سقیم‌باید گفت . حالا چون ترکیب دولت ترکیب وامتزاج‌عناصر متخالفة الکیفیات واسلم ایشان حاصل‌شده‌بود ودر اصول حکمت مقررشده که مزاج کیفیتی بسیط است ومنظور ازترکیب واسلم اجزامزاج است لاجرم‌چنانچه عناصر اربعه‌کانه‌مزاجی‌هست عناصر اربعهٔ دولت‌را نیز مزاجی لازم است که‌مزاجان عبارت از (عدالت است واظهروجوه‌عدالت‌واتم آن‌عدالت (سلطان) است که‌احاطه‌وتملوجوه عدالت دارد‌چه‌بعدالت پادشاهی هیچکسی‌را مکنت رعایت عدالت نبود .

سیاسیات حکمای‌قدیمه‌را تتبع کردیم . حالاًیکقدری ازعلوم‌سیاسیهٔ حکمای جدیده نیز بمنوم اگرچه علم‌حقوق بین‌الدول‌را درین وقت اخیره حاکم ، قدیم قوت برحق ، وحکم ، الحکم لمن غلب ، به آب شسته ولیکن همه‌مدارج کنون مقتضای این علم را ازقابلیه خالی‌الذهن :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1076 of 1786

ازفنون سیاسیات

تعریف وتقسیم علم حقوق علی العموم و حقوق بین‌الدول علی الخصوص

مقدمه

(علم حقوق دول) یك علم معتنابها ئیست که درین اعصار جدیده اکثر دول وحکومات ملل ازقواعد واصول آن آگاه ودانا نبوده بحال دولت ، واحوال مدنیت واسباب راحت وآسایش ملك وملت آن خسارات عظیمه ، ونتایج وخیمه‌ئی دوار کردیدن بدهی وانکار است .

قواعد ، واصول اساسیه (علم حقوق) در میان هیئت اجتماعیه بی بشر ازهنگامیکه بمحاسن ومزایای تشکیل حکومت وتأسیس دولت پاهم کردیده‌اند اساس وبنیان نهاده‌است . ولی چنانچه مدنیت وسعادت ، وراحت ، ورفاهیت انسانها رفته‌رفته کامیدرجهٔ بالامیل ومشاهد است ترقی نموده ، همچنان علم حقوق همپایه علوم وفنون سائرهٔ دیکر حالا بدرجهٔ اعلی درجه بالاتر عروج نموده است .

امم واکثر علم حقوق درشریعت غرای دین مبین محمدی علیه افضل الصلوات والسلام موجود میباشد ، ومحاکمات ، ومعاملات بادهٔ نوع بی بشر موقوف ومنوط برشرایط اجرا ودانستن این علم مقتضیات لاجرم دول وحکومات متمدنه درپیشرفت وتوسیع علم حقوق خیلی ساعی وجاهد میباشند ومکاتب عدیدهٔ مخصوص ازبرای تعلیم وتدریس علم حقوق تأسیس ونتیجه نموده‌اند .

(اما علم حقوق دول) که معتنا ترین شعبهٔ ازشعبات علم حقوقست درقطعه اوروپا قبل ازین بچار عصر مقدم موضوع بحث ومناظره کردیده است ، علی الخصوص مدت دوعصر میشود که ازیکطرف مدققین ، ومتفکرین اهل اروپ هزاران کتب ، ومقاله‌وقواعد مفیده که درمناسبات دولیه ، ومعاملات ملیه‌مرعی‌داشتن آن مردول وملل‌را بدرجهٔ نهایت لازم واهم است وضع وتألیف مینمایند وازیکطرف علمای ارباب دول‌در خصوص مرعیت احکام ، واجرای تطبیقات آن قواعد موضوعه‌بغایت تصوراتی وغیرت میباشند .

لهذا درینعصر حاضر علم حقوق‌دول حکم علم‌مخصوص مستقل را کرفته ، واهمیتش بدرجه‌ئی‌رسیده که اکثرازقواعداصلیه‌واساسیهٔ آن ملك ودولتی باخبر نباشند ، وتاآنکه ازقواعد موضوعهٔ آن کردنکشی نمایند دوچار خسارات عظیمه‌وهلاکت وخیمه‌میکردند .

تعریف وتقسیم علم حقوق

علم‌حقوق‌تعریف‌دهند ، ودلالت کننده‌برقواعد طبیعیست که حق را از ناحق یعنی چیزیکه حق باشد ازچیزیکه حق نباشدفرق وتمیز بدهد برای تفریق وتمیز حق از ناحق اساس تطبیق قواعد بر دونوعست : یکی (قواعد طبیعیه) ودیکرش (قواعد موضوعه) قواعد طبیعیه ، همان قواعد پستکه بفطرت کامله الهی طبیعت مرحوم فوشر را تعلیم ونشان داده است ، که آن عبارت از مدنی بالطبع بودن وجمعیت تشکیل کردن انسان ها است ، این قواعد چنانچه در فطرت انسان مرکوز ومودوعست تغیروتبدیل نمیپذیرد .

وقواعد موضوعه همان قواعدیست که ازقواعدطبیعیه یعنی قواعدراطریق‌دست‌وراهنمل کرفته‌قواعدبرای دولو ، وانتظام وتحکیم وتقویم قواعد طبیعیه که عبارت از مدنیت است وضع میکنند .

وچون علوم وافرادکه جمع بی نوع انسان یك جمع ویك فرد نمیباشند لهذا اتحاد واجتماع وروابطشان راصول قواعد طبیعیه یك طرز ویك منوال نمی آید ، که ازین سبب وضع وتأسیس قواعد موضوعه احتیاج لابدولازم آمده است .

پس درتحت علم‌حقوق‌قواعد راجع‌بهیئت بشریه‌حیثیت قواعدمبحوث عنهایش بردوقسم منقسم کردید که یکی‌قسمش (حقوق‌موضوعه) ودیکرش‌حقوق طبیعیه‌کفته‌میشود ، وحقوق‌موضوعه‌هیچیك جزءیاز حقوق‌طبیعیه نمیباشد لاجرم کسب‌وقوف وآکاهی کامهٔ آن‌متوقف‌برتشغل وتوغل حقوق طبیعیه ضروریست .

موضوع ، وغایت علم‌حقوق

(موضوع علم حقوق) مناسبات متقابلهٔ افراد انسانیست بایکدیکر که در داخل دائرهٔ جمعیت بیرون کان دارند ، وبایش نیز آنستکه این جمعیت بشریه حسن انتظار ، ودوام ، وامنیت ، وراحت ، ورفاهیت پیدا کند .

معانی وارتکاز هیئت اجتماعیهٔ انسان موقوف ومنوط بروجود تشکیل حکومتی‌وجه‌کلی‌که این حکومت افرادمشروع ، وافرادرا تابع باشد ، پس این کیفیت تأسیس حکومت ، وحسن انتظام هیئت اجتماعیه و مناسبات افراد حکومتی ، ووظائف حکومت بافراد مبتنی برقواعد ، وقوانینیست که بیان کننده وتلقین دهنده آنقواعد وقوانین هم (علم حقوق) میباشند .

ودیکرازینکه : نوع بی‌بشر نمیتوانند که در یك جمعیت ودر زیر حکومت‌حکومت زندکانی دارند بشکایتی دولت ، وملت‌وجمعیت سیاسیه متحده هیئتها تشکیل کرده اند ، واین هیئتها بایکدیکر بعضی‌مناسبات ومعاملات پیدا کرده‌اند ، ومثلا کاهی‌بعربیو کاهی بصلح پدرمیآیند ، وافراد هریئت بزیرای تجارت ، ومعاملات سائره بممالك یکدیکر رفت و آمد دارند ، لهذا قواعد وقوانین وتظاماتیکه در خصوصیها مستند باشد دلیل وبرهان آن باز هم علم حقوقست .

پس موضوع علم‌حقوق عبارت ازین بود که بیان کردیم ، غایتش یك رازیرازهد نظردقت دورنباید داشت که ترقی وانتظام اینده‌ٔ علم‌حقوق عالم‌بستکی‌تمام‌دارد ، عدم‌وتأخیر کردیده‌است .

اقسام علم‌حقوق

حقوق‌موضوعه‌بنابرحیثیت‌موضوعش‌اساساً بردو قسم بزرکی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1077 of 1786

منقسم میگردد که هرقسم آن باز باقسام دیگر منقسم است .

اول از دوقسم اساسی حقوق (حقوق خصوصیه) میباشد که ادارا (حقوق بین الاشخاص) نیز میگویند . وظیفه این قسم تشکیل دادن ، وتحدید نمودن معاملات ، ومناسبات افراد است باهمدیگر شان

دوم (حقوق عمومیه) میباشد . که این قسم باحث و بحث ازقواعد تشکیل حکومت وبودن ، ومناسبات ومعاملات افراد باحکومت ، ومناسبات وحرکات حکومتها دوتها بایکدیگر میباشد حاصلش اینکه غایت (حقوق خصوصیه) وقایهٔ منافع خاصه ، وغایت (حقوق عمومیه) تأمین وحفاظهٔ منافع عامه است .

حقوق خصوصیه واقسام آن

(حقوق خصوصیه) بسه قسم منقسمست که قسم اولرا (حقوق مدنیه) وقسم ثانی ادرا (اصول محاکمهٔ مدنیه) وقسم ثالث ادرا (حقوق تجاریه) میگویند .

حقوق مدنیه ، تعیین کننده ، وتحدیدکنندهٔ قواعدوقوانینی است که افراد اهالی ادرا درمابین خودشان مرعی الاجرا میباید دانست .

حقوق محاکمهٔ مدنیه عبارتقواعد وقوانینی است که افراد اهالی ادرادرخصوص استحصالدوائیات حقوق خودشان درحضور محکمهٔ حکومت مجبور مرعی الاجرا بایدداشت .

حقوق تجاریه نیز شعبهٔ ازشعبات حقوق مدنیه میباشد که شامل برقواعد وقوانین معاملات تجاریهٔ اهالی میباشد .

حقوق عمومیه واقسام آن

(حقوق عمومیه) بردو قسم منقسم است که هرقسمی ازان نیز براقسام متعددهٔ دیگر اقسام یابد .

قسم اول ادرا (حقوق عمومیهٔ داخلیه) میگویند وقسم ثانی آدرا (حقوق عمومیه خارجیه) مینامند . که (عن حقوق دول) عبارت از همین قسم آخراست .

حقوق عمومیهٔ داخلیه

(حقوق عمومیه داخلیه) بسه قسم تقسیم میشود : اولا (حقوق اساسیه) ثانیاً (حقوق ادارهٔ ملکیه) ثالثا (حقوق جزائیه .)

حقوق اساسیه امتثال برقواعدیستکه صورت تأسس حکومت ومناسبات افراد تابعهٔ جمعیترا باحکومت متبوعهاش تعیین مینماید .

حقوق ادارهٔ ملکیه : تعیین دهندهٔ وتابعدقواعد وقوانینیست که درمابین منافع خصوصیهٔ افراد اهالی ومنافع عمومیه هیئت دولت باشد .

حقوق جزائیه : عبارت قواعد وقوانینیست که ازبرای تأمین وتکمیل حسن انتظام واجرای جمعیت شده وضع شده باشد که مخالفت کنندگان قواعد محکوم همان قوانین موضوعه گردانو مجازات عائده وجنایه میکردند .

حقوق عمومیهٔ خارجیه

یاانکه

حقوق بین الدول

دوم قسم ازاقسام حقوق عمومیه (حقوق عمومیه خارجیه) میباشد که (حقوق بین الدول) عبارت ازهمین است .

مهمترین شعبات عن حقوق حقوق بین الدول است . وآن بعضی قواعد وقوانینیست که دولتها وحکومتها درمابین خودشان وضع کرده براسرا وتحت آن عبوراً عمل میکنند . ومناسبات ومعاملاتیکه درمیان دول ومللِ مختلف درجریان است تحدید کننده وتعیین نمایندهٔآن قواعد وقوانین موضوعهٔ حقوق دول است .

این حقوق دوقرا حقوق ملل نیز میامند که ازخود مستقل اقسام متعدده دارد .

﴿ اقسام حقوق بین الدول ﴾

عن حقوق دول بقبال بردوقسم منقسمست که یکرا (حقوق عمومیهٔ دول) ودیگرش را (حقوق خصوصیهدول) مینامند .

حقوق عمومیهٔ دول : عبارت ازهمان قواعدو قوانین عمومیه ایست که جمیع دولتهارعایت واجراء آن برحق یکدیگر موظف ومکلفند واز احکام آن هیچ کاهی کردن کسی نمیتوانند .

وحقوق خصوصیهٔ دول : عبارت از همان قواعد وقوانین خصوصیهایستکه درمیان افراد وانشخاصیکه اجزای جمعیت دولتها از آن ترکیب یافته جاری ومتممات باشد .

وچون حال صلح وحال حرب در بین دول طعاً موجود است لاجرم عن حقوق بین الدول حاوی دوقسم دیگر نیز میباشد که یکرا (حقوق صلح دول) ودیگرش را (حقوق حرب دول) عنوان داده میشود .

حقوق صلح دول — همان قواعد وقوانینیست که دولتها آن درهنگام صلح درمناسبات ومعاملات جریهٔ شان بتمام وسلور العمل رخود واجب داشته اند .

وحقوق حرب همانقواعد وقوانینیست که درایام حربدولتها مرعی التنفیذ را لازم داشته اند .

خاتمه درعلم حقوق

این معلومات مختصر وسطحیکه در خصوص عن فنی اهمیت ومقام بهای (عن حقوق) برقارئین کرام عرضه نمودیم عبارت ازیك (فهرست) اجمالی ایستکه تقارئین کرام از موضوع ، واقسام آن تا یکدرجه اکاه کردند ، ورنه این عن مقتضای بسیار اهل تفاصیل مفصل ومکمل عاجیست که این نوع صدوره مختصره اخبارما بمنصاب آن کفایت نکند . درهرقسمی ازاقسام این عن مفصلا ومستقلا کتب بلکه مجلدات ها موجود میباشد ، لهذا ایستکه از علم حقوق علی العموم واز علم حقوق بین الدول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1078 of 1786

علی الخصوص چنانکه در مقدمه بیان مختصر گفته ورزیدیم.

انتها

حوادث خارجیه

اجمال

چون بنظر سرسری بسوی این جنگ جهانسوز فلاکت انگیز انداخته شود نتیجهٔ آن رای بلزوم مدنیت بسیار وضروریه میشود. «مدنیت، رابطهٔ چیز جدیدی نباید پنداشت. بلکه حالت است. چرا که مدنیت است، وهرچیزی که متغیر باشد حادث است؟ بلی، این مسئلهٔ منطقیه صحیح است. ودر حادث بودن بلاشبهه شکّ وشبههٔ نیست. اما تعیین این حدوث که آیا از کدام وقت حادث شده است؟ بازهم قضایای منطقیه خارجه ادراک شمرده میشود. چیزیکه مارا باعتقاد حدوث آن مجبور میسازد همانا تغیر وتجدد آنست.

این تغیر وتجدد از آغاز حدوث خلقت لوازم آمده است از جهة تغیرات وتبدلات که در بلاد پدیدار آمده است، یکی کیفیته تمدن و، توحش، است. انسانها وحشی فطرتست چرا که مستعد باکتساب مدنیت است، وچون مستعد بقابلیت اصل آن راجع وحشت است. اگرچه این برهان از قبیل مغلطه باشد؛ بازهم میبینیم که در بدو حدث فطرةً، کانسان یرجع الی اصله، بکمال وضاحت سر زدهٔ ظهور گردیده است. اورو پائیان که فطرتاً وحشی بودند، وظاهراً اکتساب تمدن نموده همهٔ دثارات آن مدنیت ظاهری خود واله وحیران ساخته بودند بازبجبلّت وحشیت فطریهٔ رجوع حاصل خود گردند که موجب وقایعیت مالیان گردیده است.

جنانچه بلاشک حدوث در معین الحدوث است مدنیت نیز بدرجهٔ گفته وثابت است که تحدید حدوث گفتهٔ آن نیز خارج ادراکات از دقیقیات، آن حیرورتی، - یعنی فی آثار خلقیه - آشکارا میگردد که مدنیت صدها هزارسال پیش اوپنهان شده است، چون بسوی خفی آثار مدنیهٔ اقراض پذیرفتهٔ گاززرخاکیاوآوارها وفی صدازوقت ظهور نماید. وبانند خرابه زارهای بعلبک و نینوا و امثال اینها که پدیدار عالمه است بنظر خود دیده شود یک درجه بگفتهٔ مدنیت پی برده میشود. خدا داناست که چقدر مدنیتها در بنظهور آمده، وباز ناپدید گشته، وباز پیداوباز ناپیدا شده است.

این است که این عبارهٔ بالمکرر جهانسوز نیز چنان تخمین میشود که مدنیت اوروپارا رجعت فیقریّ وحشت مجبور نماید واسهه آثار شعشعه بار صانع نثارها درزیر خاکیا وآوارها پنهان سازد، ووجود مدنیتهارا ازمیان بردارد. وآنقطهٔ مدنیت وتبدّیرا وحشت زار عاری وبداری، طوق بسازد برستان هارا دوشتان، ودستانهارا بازنگاه خونهای بیگناه گرداند. اخترابات بحر الطول مدنیهٔ که خود شان روی کار آورده اند بلای جان شان گردد. قهرمانهای بیدار اخلاق زده مانند حرص، طمع حسد، رقابت بجنان شدت وحدت رانها هجوم کنند که همهٔ آن اسلحهٔ بدیعهٔ مهیبه وضربتهارا که خونهای چکر، وخورمن متعفن باتحاد آن کامیاب حاصل کرده اند ازدستهای شان زوده زمغز وجگرکه شان حواله نماید.

هم حواله کرد! جسان حواله ؟ حوالهٔ جانستان!...

هیچ فرد انسانیت دوستی نخواهد بود که این جنگ خونریز نباه کن بلاء شریرهرا بنظر استحسان دیده بتواند. از شنیدن این خونریزیها، ودیدن این خرابیها بحنان انسانیت، وعدالت را موزون راست میشود امانچه چاره، که این جنگ عظیمه از مقتضیات طبیعیه شمرده میشد، بسیاریّ خوب، وافزونیّ عمارات، قطعهٔ اوروپارا از اسبباب و کنجایش آن عاجز ساخت! اگر حرب نجشد، باید که یک دو وظائفون دهشتی به تعدیل آن دستکاری میکرد. از قرار چنان معلوم میشود که این جنگ به این زودیها نانشنود. وقت آن در رسیده است که انقلاب تمدن ظاهره وقوع آید. تأثیرات بلاشعوری رسمن تمام فعالیت خودرا جاری سازد، وجنانچه آثارهای مدنیت قرونها درزیر خاک وآوارها پنهان گردیده اند فرعونها در مصر در زیرخاکیا وآوارها پنهان گردیده ودرینوقتها کیفیتی از آثارها گهان پدیدار میگردد موجب حیرت وآکاهیّ اینعصر رحمانیت آن عصرها میشود همچنان بعد از قرنهای بیشمار ظهور این اکثر همین اعصار پرشته کار آینده تأثیرات اجرا کند!

جنانکه گفته شد تمدن دوامدارد. ازمکه مشرق ومغرب دریای خون ومستوریاجسدهای وقتلیون است. همه بلاء "وبی" وآفازورود توپهار است. هرتوپهارمزده رسان حیات تازهٔ بلاء اجسام است. اما این توپهاری که در آمدست خبر دهندهٔ ممات عام است. زیرا جرمنیا چار ملیون عسکر کارده خودرا برای باران گلش همین بهار تخمیده است.

«سالیکه نکوست از بهارش پیداست»

وزیر جنگ انگلیز، عمارهرا یکسال، ووزیر بحر یکسال، وبلک وزیرمیگوید الی نهایه تخمین میکنند. از جهت طرفین الانها بیالک بلند میگویند که تاموتی وگرهٔ در اتحاد جنگ دوام خواهد ورزید. هریک ازطرف طرفین حیات وبقای خودرادر فتح خود وشکست مقابل خود میبینند کیجا بحساب آمدن تودن غایهٔ جنگ‌را بیرون از دایرهٔ قیاس باید شمرد. اعضای محکمهٔ صلح عمومی که در «لاهی» برپاشده بود چون داخل گومیشن جنگند صلح دعوهٔ هیچدان نیست.

رای کیکه اتحاد بافق جنگ فایده‌مشهره میشود عبارتست عثمانیست. زیرا این دولت اسلامیه از طرف دولتهای دوسیه رقابتش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1079 of 1786

چاه‌دام‌حکوم‌شده بود . پس‌هرآ‌نمدر که‌عبارت‌ه‌اشدادیاد آن‌حکم قدغن هرتصویبی می‌شد ، حال آنکه در حقیقت این‌حکم شامل احوال همانام اسلام بود ، یعنی که‌اطران شامل شدن دولت ترکیه‌را در جنگ بر ضد حکومت ترکی ، حل میکنند ، ولی چون بمرور افکار واسورات آنها در غایت ترکی‌پی‌بردمشود ، وحقیقت تفتیش گردیدن‌نان بر اخصوص‌جزء وردمشود این‌اقدام‌ترکی را طبعی ضروری تصور نموده وحق‌میدهند ، شخصی که‌بر ترک حکومت خدمانده‌آن‌مرد بیدار وجه‌که وجه‌ها آنش همه‌یکسان‌است .

والخاصل این‌عبارت از چنان عبارتها ئیست که در تعاریف تاریخ ادبیات آن کثرت‌یافته شده ، وابنه کیفیت آن بحدشدن بسی عالیها ویواتها ، وحادث شدن‌عوض آنها منجر شدنیست ، تادیده‌شود که دنیای کنونی حادث چه‌تغیرات وتبدلات بظهور می‌آورد!

ترجمهٔ اخبارات اردو که عبدالرحمن اداره ترجمه کرده

(هندرد) : (جنرال وان هندنبرگ)

یکی از جراید جرمنی درباب لیاقت شخصی ، جنرال وان هندنبرگ ، که ازطرف جرمنها بقیادی روسیها درمیدان زرمکه مشرقی مأمور است مینویسد که :

بعضی عادات وحرکات هندنبرگ به ، فردریک ، کبیر وبعضی اطوار ناپولیون ، اعظم وبکان یکان افکار عالیانه اش به ، مولتکی ، قائم عبارت سال ۱۸۷۰م خیلی مواقعت ومشابهت بهم میرساند ، درکار هدایای چنان بکروح وجوهری موجوداست که دران جمیع این صورتها بنظر می‌آید ، اوبانده انسان کامل وازهمه برتر حاکمران خصایل وشمایل خود است

جرئت ازهمان جرئتیکه ازلوتر ، بانی‌مذهب پروتستانت وسیاسی‌عظیم‌الشان‌دیگرانله ترکیب‌یافته بود ، بهمرسیده‌است ، عنصر هندنبرگ یک‌مجسمهٔ ذی حیات قطعات وقدر ، وعزم واستقلال میباشد .

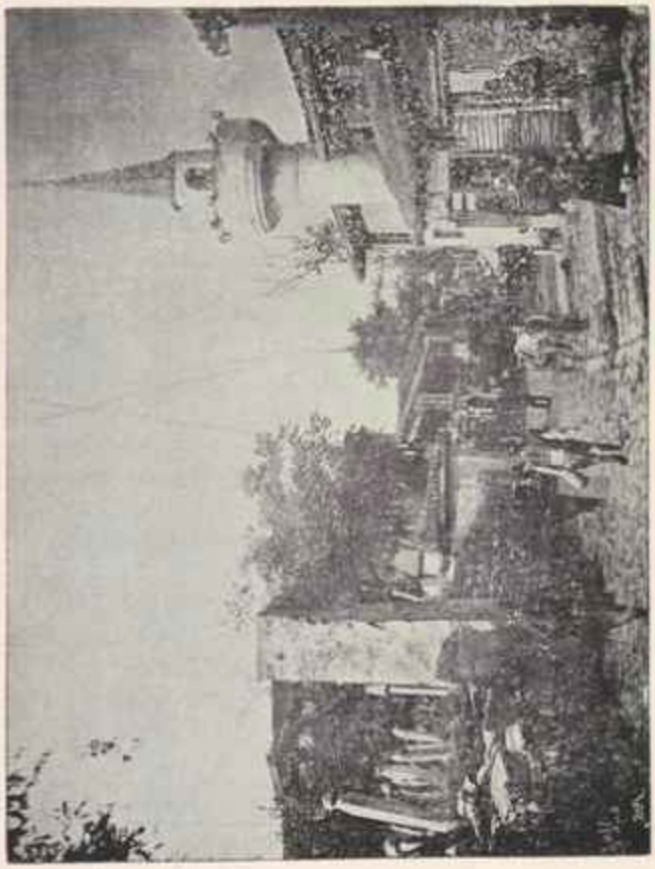

از مناظر استانبول

از یادگارهای طرزاده‌م‌فوزی‌جیلکار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1080 of 1786

(کذا) : (عسکر های عثمانی)

بیان های جنرال لیمان پاشا را اخبار ، تأیید ، تعلیق نسا کر عثمانی در اثناءهٔ ۷ جنوری خود به حوالهٔ پاشاحضار جرمنی از قرار ذیل اشاعت داده است :

افسر های وفد عسکری جرمن بعدازانکه باکمال تکالیف ومحنتهای شدیدهٔ را برخود گوارا کردند باین اسوهٔحسنه رسیدند که درصورت اتحاد عساکر عثمانی والمانی وحرکت متفقهٔ شان بطرف میدان محاربه جلوه گر گردید ، درعرصهٔ ۱۲ ماه گذشته باقوی عساکر عثمانی را تماح زمین آموختیم . این امر شایان تحسین وآفرین است که بصدمات انحطاط عمیق که ازجنك بالقسان بدولت عثمانی وارد آمد ترکان بهادر بکمال اقتدار واستقلال آنرا تحمل کرده وبسیار سرعت فوق العادهٔ حالت داخلی مملکت

ترمطالعهٔ استانبول
از مجلهٔ مصور

خود شانرا اصلاح ومسرانرا بادادن قربانیهای عظیم قوهٔ حربیه خودها را ترقی داده توانستند ملت عثمانی حالا این امر را ازما که ادامهٔ سیاسی خود بخوبی میدانند که وجود آیا بروی دنیا باهستی جرمن واوستریا مربوطست . درین جنگیکه دشمنان سیاسی شان زمرهٔ ایشان اجیراً بکار کرده اند بکل دنیامعلوم خواهد شد که آن ترکان پیش از چهار عصر سال تاریخ را فتح کرده بودند چنان از عاصمهٔ تاریخ خود شانرا دوباره بدست آوردند .

(کذا) : (سخن راست منطق جنك)

بصوابدید فوق اخبار هفته وار « سفیدی » بتاریخ ۵ ی ایلول در اثناءهٔ ۲ جنوری خود مقالهٔ نشر نموده است که در آن اهالی وطن خودرا وصیت نموده که خودها را از باور کردن خبرهای پادرهوای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1081 of 1786

بعضی اخبارها و مضمون نگارهائیکه گزوری فرصی دشمن و ترقی وکامیابی خودرا نشان داده ومیدهند دور دارند .

آغاز سال نو وابتدای ماه ششم جنگ ، خوب موقعی است که مردان رجال واقعی امروزهٔ خودمان یکنظر بیکنیم ! — چند ماه قبل برین در عموم مردم این افواه اشاعت یافته بود که جرمن بسبب مقهای اقتصادی ومعطل ماندن کارخانه ها و بیکار شدن اهل کسب خود اضافه از ۶ ماه بار تحمل این جنگ را تحمل نمیتواند . ولی سالین سطر را مرور ، سنوی را مرور ، حساب وقت وهفته داران یکی صرفنظر کردیم ، گو بندگان این پیشبینی هم یکچندان مردمانی هستند که درسایر خانه های خود ها پنداز وخاطر جمع نشسته ازجنگ درخارج جاریست هیچ خبر ندارند وبنابران اقوال فلانیانه را که درزمان امن گفته میشوند برین جنگ مطابق میدانند . غم چنان جنگ را که بخلاف چنان جنگ ملی که قوهٔ متفکرهٔ ماهنها اقتضیدن بلکه از تصور کردن بآسیبی ، طرز عمل ، آرم قاصر ومعذور است . لهذا اگر یکسال بشاشت این ملت را که جرمنها « رکن قوهٔ اقتصادی » که درزمان امن پست آورده بودند تمدت های مدید مانند نیز بفشار سر بیکار خواهند اضافی گنیم هیچ کس ما را عیب نخواهد نهاد ، وبدون آنکه تحریر قاصرانه ومبالغه صدر بالک زرگ مرکزی جرمن را بازار تاجر این ملت را بالضرور تسلیم کنیم که حقیقتاً زور جرمنها آنقدر دیقی موجود است که تا مدت دراز ازعهدهٔ مصارف وخارج حربی آنها برآمده میتواند . درینوقت دو چیز مردم را به غلط فهمی ابتدا است اول کثرت افواه های دروغ وبی اصل واساس که بوسیه درمیان مردمان جریان داده دوم ازین قسم آوازهای که درزه جرمنها گندام گله ، بازود تمام ، آمجوقریه عنقریب خشک میشود ، بزارها درکوچه ها وبازار ها کمتر دیده میشوند ، حالانکه این ها همه اکاذیب وترهای میباشند که یکی ازایشانرا هم باور کردن لازم نیست . ونیا یک عقل ساده ومیانه نیز درکذب اینها حکم کرده میتواند ، میبیند که درین هیچ شبه نیست که جرمنها درین جنگ متحاق بعضی چیزها مانند قلع قلعهٔ ، لیج ، وشمولیت برطانیا به جنگ درتخمینات خود بخطا رفته اند ولی باز هم به ابتدای درفراهم آوردن ماتحتاج ابتدائی ماشته میبا شوند گندام وآلات حربیه وغیره ازایشان فروگذاشت کلی واقع شده باشد چه حالیکه مثل جرمن بتعالی که ازسالها ، وتسلیحاته تشویرت حربی مخصوص است ! از آغاز ، مبارزه حربیه خودرا پیشبینی مانند !

(گذا) : (سالار الدوله در قریهای لرستان)

نامه نگار اخبار « نیایست » رقمطراز است ، که سالارالدوله باز در کردکهای لرستان موجود است ، ولی درینبار برخلاف سابق بی آنکه بامانت پرستان برای حاصل کردن تاج وتخت پدری خود

بجنگد ، درمقابله روسیها برای جنگ کردن بسای آمده که وحاضری را گذاشته است ، چنانچه سردار رشید نایبالحکومه جدید آذربایجان را حکم فرستاده است که فراهمی عسکری خودرا زودی بکند ، که تقریب هزاهیئی بروسها درتبریز ارادهٔ حمله را دارد —

(مبارزه) : (امیر الطور جرمن در زمکه مشرق)

درمیدان زمکه مشرق از وجوه امیر الطور یکجوش عمومی درعسکرهای جرمن پیدا شده است وتشابه پیدایسبب درسر حد های مشرق علاقهٔ ، کودز ، درین روزها حرکاتی کلیای جرمنها را میشنویم ، درتجاریه ، هانون ، روسها شکست فاحش برداشته بقول جرمنها درچمر که سالزبار طرف دشمن را محصور کرده وازاکطرف راه حمله میکردیم و توقعاته (زیرا اگر اینطور نمی شد خود دشمن را تحصن کثیری نمیاید ، وبعداز آنکه عساکر پیادهٔ مایکچوم شدیدی برخط روسیان تاب مقاومت نیاورده روبفرار نهاده ، درین جنگ ۱۶۷۰۰ اسیر و ۶۰۰۰ مقتول را درمیدان گذاشته .

(گذا) : (بلای سهاری)

قارئین کرام ما فراموش نکرده باشند که چند روز قبلدرین خبرهای یکزلزله هیبتاکی را که درایطالیا آمده چو تشریح کرده بودیم حالا میخواهیم که مضمون بعضی ازان تلگرافها را تفصیل بدهیم ، این بلای آسمانی که درایطالیا نازل شده است در نوعیت خودش مثال است که ۱۵ جنوری ، روما ، مطمئن است که عدد تلفش نیز ، اوزینو ، ۸۰ هزار بود که درجهٔ آنها نیمی صد نفر زنده مانده اند که آنها هم ازعهدهٔ زلزله دوانه شده اند سیاحان که برای تماشای اوزینو رفته اند بیان میکنند که ازدست زلزله عام را یکطوفان حلقه وتاریکی احتیاط کرده بود ، تمام شهر درینوقت بیکدیگر ستانی تحویل یافته است عمارتهای کلان کلان منهدم شده اند ریکنوفی ازدیر یکمهارت اعانه کلیسا توار های جرمن یکچند دختران زنده در گوری یافته شد که میگفتند که زودی بامدادیا رسید که ما ۱۴۰ نفر دختریکی قریب جاده ان رسیده ایم سپاهی ها یکمالسر عمارتمنهدم را کندن گرفته اند تا آن دختران بیچاره را بکشند و کم بیچاره ازدستبر دیقهٔ موت نجات بدهند ، بعداز کمی صداهای دختر ها خاموش شد ولی امید است که هنوز عدد کثیر آنها زنده باشند ، برفاه علاقه پرهٔ تباهی وبربادی افتاده است واز سبب افتادن سنگهای بزرگ وثقیل درکنار خطرسیار دفعتاً پیش میآیند تنها ازیک نفر ۲۰۰ جسد مرده و ۱۸۰ بسملیا کشیده شده اند ازتلفات چهارمی بحساب ۹۵ فیصدی تلفات عسکر محافظ وقوع آمده است ودرتحت نظارت شده ، وبکتزاپولیل ، کار تجات دادن جان های انسانهای معلوم جاریست .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1082 of 1786

نگر دیگر نقل است ، که هیچقدر مساحة که در اول از زلزله خراب و تباه گردیده بود روز بروز افزونی واضافتی میکرد واین خط ازسرحد اوسترا تا به حدود جنوبی ایطالیا تمدید یافته است درجوار ایوزینو ۱۸ شبر یکلی تباه وبرباد گردیده اند و ۲۰ شهر دیگر صدمات شدیده سرنوشت کشته اند . از کار و جور و دوستوم میشود که تلهات علاقه ، اوبرزی ، ۳۰ هزار نفر علاوه گردیده اند . شدت واهمیت زلزله را ازین یک قیاس توان کرد که یک کلیسای که درسرک واقع بود که تا کیان یک هزاری که ۳۰ فوت بلند ازبیخ جدا گردیده واز فاصلهٔ ۵۰ گزیده برخورده ، عقد آتمام شهر ایوزینو منهار گردیده است ، ومردم برای امداد مجروحین زیرزمین در کلدوده میباشند دروقت آمدن زلزله در کلیسای ، کونتاری ، قریب ۱۰۰ نفر برای تجهیز وتکفین یک مردهٔ آمده بودند که ناگاه زلزله آمده آنها را یکجائی بخاک عدم فرستاد .

کذا : (چین درطرفداری انان)

یک انگریز اژه پکین ، رقمطرازاست که ، واقعات این طرفها بکلی قابل بیان نیست ، وبلجا نه سکوت ومحاشرت حالا انجارای رجایی انگلیزی مناسب میباشد زیرا انجمن های چینی طرز معامله را تلقی میکنند وجرمنها برین کامیابی های خود شان اظهار مسرت میکنند ، وتیز اقشاء های مظلم خودهارا شیده بسیار خوشحال وشادمان میشوند . ساکنان انگلترا خاصتاً اوستریا را بنظر حقارت میبینند زیرا آنها خیال دارند که ربطابارخلاق اوسترا داخل جنگ نشده است . رای من خوبست که بسیاری از حکام چینی دو الموافقت جرمنها میزنند ودر خلاق حکومت ربطانیا میباشند . آنها به سبیکه ژاپان را دشمن چین ومارا دوست ژاپان میدانند دولت مارا بنظر نفرت وغضبی بینند وآرام نمانند ژاپان دشمن مقاد سیاسی خودها قرار میدهند . چنان یقین دارند که جرمن بالآخر درین جنگ مظفر ومنصور خواهد گشت انشاءالله .

(کذا) : (کوشش جرمن مداران)

چنان معلوم میشود که جرمنها برای داخل ساختن ایرانیرا بجنگ تزسی کرده اند . ومیخواهند که ایران راهم بامثال عثمانی قریبه بدایرهٔ جنگ شامل بسازند . و بر خلاف ربطانیه آنها دولت های امریکا ، وایران را برای جنگیدن اغوا کرده اند . به ادارهٔ اطلاعات پیزو هزار یک نامه تکاری از ، بکرش ، خبر داده است که تلگرافات قسطنطنیه مظهر ند که ، بعضی از ارکان انجمن اتحاد وترقی خوجوانان ایران چندین جلسهای سیاسی کرده اند و مدعای اغتنام این فوتر انسیا این بوده که دولت ایران نیز در جنگ داخل شده و برخلاف روس وانگلیس اعلان جنگ دهد . جرمنها برخوجوانان ترک این سخن را تاکید کرده اند ، که چون سوریه ممکن شود آنها کوشش ، شهران ، را حلیف خود بسازند و جرمن برای دادن مصارف جنگ و قوانمات حربیهٔ ایران حاضر است .

(کذا) : (عثمانی وجرمن)

اخبار ، امپایر ، در اشاعت ۹ فروری خود ملت مؤاخات عثمانی وجرمن را بملاحظات ومطالعات ذیل مبنی ساخته چنین رقمطراز است :

« مادر شرکت جنگ بدولت عثمانی این نکته را اعتقاد کرده بودیم که جرمن عثمانی را فریب داده است ولی ، خود غلط بود آنچه مابتدا تصور میکردیم حالت اصلی قوم جرمن بکلی میشود واکنون آن اساس حکم ، علت لازم ، را کرده اند که ازروی آن اتحاد عثمانی وجرمن بعمل آمده است . یکی ازجراید اوسترا مینویسد که اتحاد جرمن وعثمانی بتمام معنی طوری است زیرا ، قوای ذهنی وجسمانی این هردو ملت بایکدیگر متحد وتارع ران گردانست ، ونتیجهٔ لازمی این اتحاد آن بود که در میدان ترقی اسپ های انپیریو سلطنت یکدیگر دوش بدوش همدیگر بدوند ، قوم جرمنی از وقت فریدرک کرشمهٔ دارای ترک واحتشام مشرقی میباشند ، تولیها واقسامهای جرمنی آگرچه شوند دران ها جلوهٔ خیالات وتصورات مشرقی بنظر خواهند آمد . حسن خیال زمان جاذبه خوش چنانکه زکارا بسوی خود میکشد جرمنیا رابنوعیاً مجذوب میسازد . چنین تشریک وزینت تصاویر وصورهای مالیشان رابایشان بسیار نزدیک میکند . ازانعاها وقصص جرأت وشجاعت مجاهدین اسلام جرمنیا مسرور خوش میشوند . بلکه که اسباب اتحاد اینها هم باشد ، ولی چه میدانم که ترکان این تسلیم کنند اخیراً جریده تویس آذری مینویسد ، که ترک وعثمانی پهلو پهلو رصفحهٔ هستی ترقی خواهند کرد وواقعات زندگی آنها بحرف خون وفولادی تسطیر وصفحات تاریخ پوشانه خواهند شد .

(کذا) (توهین لباس شرعی)

شخصی واردون گازت ، دورا ولیسپاه این جرم را خود کرده آورده اند که اوامر نیورمبرگ شاه جارج را بلا اجازت پوشیده بود که ازان لباس شاهی تحقیر کرده شده است . برای عذر جزای نقدی ۲ پوند وبلد یکماه حبس شد ولی اجازت گرفتن لایبورمهٔ ضبط شده زایل حاصل گشت .

(کذا) (بلد مانه زوند)

بدرایع موثق معلوم شده است که چون زار روس حکم اجتماع افواج را صادر کرمایید ، لهذا حکام باکو خواستند که مسلمانان چهده چیدهٔ آنجا را انتخاب کرده غایب مر حدروسیا بفرستند ، ولی که آنها برای رفتن به استیشن رسیدند هیاهو و اطفال شان برای مفارقت آمده چون افواج را دیدند که روندویک شورماتمی برپا کرده واین را گفته کهمسلمانان را کاهی آرام وقرار نصیب نبوده زار زار میگریستند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1083 of 1786

(گذا) (ایجاد حیرت انگیز)

اخبار «تونو» راجع باست که کمیسیون سایبس دان مسلمان دیس یک چنان آلهٔ ایجاد کرده است که اگر لازم باشد بدریعهٔ آن تحت البحر تا کنار درون آب مانده میتواند. ودرهیچقدر مدت لازم به گرفتن هوا از روی زمین هیچ حاجت نمی افتد زیرا فایدهٔ این آله آنست که در زیر هر آب کسیجن را فراهم میکند.

(گذا)

(حالا آنهائی را فایدهٔ مسلمانان هند نباید گفت)

منهد کور تحت را لازمست که آنهائی را فایدهٔ سیاسی مسلمانان هند نداند زیرا رائی آنهائی ۷ کرور مسلمانان هند مخالفت از حدّ نایده کان واجب التعظیم وبالاتر مسلمانان هندستان نواب وقار الملک، مولانا عبدالباری، راجه محمود آباده مسترمظهر الحق، مستر محمدی، ومستر سید حسین بلکرامی چنان اشخاصی هستند که ارجان عزیز خیالات مسلمانان هند میباشند. پس ملاز کور تحت آزرو داریم که حالا رمشوره های همین اشخاص اعتماد خواهد کرد.

(گذا): (نیات حربی برای حدّ انگلستان)

لندن ۵ فروری:

یک نامه نگار خصوصی «دیلی کرانیکل» از هولند اطلاع میدهد که امپراطور ویلیم دربرن، را معاینه فرمود کشتران جا درینوقت ۹ عدد کشتی تحت البحر ودو عدد زپلین موجودند. هردو طیارهٔ قسم زپلین حربی حدّ انگلستان روانه شدند ودرظلام، دیرن، یکطیاره سومین نیز اینها را ملاقات خواهد کرد.

(تیاری حدّ لندن)

(دو گل)

نامه نگار خصوصی «اخبار» شکاگو تریبون، متعین شهر «جنوا» ی سویسره، کیفیت آن زپلانهای هیتلر را نوشته است که قبول خود او حربی حدّ لندن درشروع سال ساخته شده اند. تاریخ خطابه نگار ۲۰ نومبر است وتا آنوقت ۷ طیاره از همین قسم تیار شده بودند اگر جرمن بمعاونت قوهٔ بحریهٔ خود بآهستگی ولی بسلامتی مدتیاری حدّ هوائی بر «لندن» حمروف است.

دران کار خانه که زپلاب «کانستنس» کاین است ازوقت آغاز جنگ ۱۰۰۰ فرهنگان شبانروز بساختن طیارهها مشغولند ودران از جنگ درزمان امن انگلیسها ۴۰۰ نفر کارمیکردند گاهروز ۸ ساعت را شغل خود تلقی میبودند، ولی از ابتدای حرب به اینطرف این انتظام کرده شده است که از ۲۴ ساعت شبانروزی ۱۲ ساعت، نصف اول نفری وبعدازان ۱۲ ساعت، نصف دیگر نفری که به اینطریق ۵۰۰ نفر همدوقت مصروف کار میباشند توپ بتوپ کار کرده روند. حصههای مختلف طیارهها از دیگر علاقههای مختلف بدین کارخانه میرسد وظیفهٔ این کارخانه تیار کرپ دادن ورپط کردن آنها است وبه اینصورت مکمل یک طیاره درسه هفته طیار میشود قول ازین طیاره های قسم زپلین که ساخته میشدند آنهارا بمقام تکمیل پیش ازانکه بتوانی مقصود رسانیده شوند امتحان میکردند، ولی زپلین آخرین که هم ازدیگران بیشتر مضبوط وبهتر بود بی انکه امتحان از ان بکنند یکباره ی به جانب ثبات روانه کرده شد.

ازین زپلین ۴۰ گرخوانده، یعنی ازجمیع زپلینهای سابق درازتر وزرگتراست وعرضش نیز ۱۴ گز، وقوت جنوتریرا کدرمی گمام آن طاقت ۵۰۰ اسپ باشد مالکست وحدهٔ آن زه متر افسر ودیگر طاقهها متقابل است.

بروقت روانگی ۵۰ گلهٔ گاز در یک بکس بزرگ بودند، بران گذاشته شدند که متصل آنها کشته میشود که هر گلهٔ آن تا چند آنقدر نقصان میتواند شد که توپ ۱۶ اینچ وهلهٔ متصور است، درقریب مقام، فریدریخ شفن، یکی ازان گلهاافتاد که ۵۰ گز عمیق زمین را پر کنده بهوا پراند. جمیع زپلینهای که از آغاز جنگ تا کنون ساخته شده اند بهمچنین گلهای بزرگ مدهش مسلح میباشند.

۵ شنبه، مزید تفاوت زپلین، بیهم بتاریخ ۱۵ اگست ۳۰ و ۲۴ ستمبر و ۱۵ اکتوبر و۵ نومبر رواه شدند. وعلاوه بران دوعدد دیگر نیز پیش ازینها درخوابی اگست فرستاده شده بودند که عدد مجموعی آنها ۷ میشود و گفته میشود که این طیاره های موجب بکمال کامیابی حدّ یک، اردوبلان، قوی ترین را مدافعه کرده میتوانند. وقریب ۳ تون بارها بخود گرفته درطبقات هوائیه بخوبی طیران کرده میتوانند، وقریب ۱۸ خانه های «گیس» دران موجود میباشند وساخت وترکیب تنن چنان است که، اگر خواهند وسطیخر فرو آیند هم میتوانند واگر خواهند که واپس برهوا شوند نیز برده میتوانند، در کارخانه، فرید ریخ شفن، که اینها ساخته میشوند بانمطیارهٔ سطح البحره مشهورند، وبه حروفهای بارنک رمی گمام آن این الفاظ نوشته میباشند که «برای حدّ لندن ساخته شده» درجرمن ۳۱ زپلین ساخته شده اند ولی بقول بعضی افسران عسکری تنها آن ۲۲ عدد آن کار آمد میباشند که از همه طیار گردیده اند، رائی ادارهٔ حربی جرمن وخوده کابنت زپلین، درینباب ایست که برای حدّ لندن باید که گم از گم ۱۸ یا ۲۰ عدد زپلین قسم جدید مهیا کرده شوند، ودر شروع سال نوین هاهنگی لازمه مکمل شوند، هر گمام این طیاره های قسم جدید علاوه بران گلهای مدهش بایکچند توپ خورد وبکعدد توپ بزرگ نیز مسلح هستند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1084 of 1786

کذا (زورهای امپراطوریهٔ جرمن)

تنها زیان آسیائی دادهٔ زر وزیور پسنده بلکه در اوروپ نیز شوق آرائی در زنها اضافه شده است . چنانکه بگرانگلستان جنوبیه ، که در بعضی جشنهای شاهانه مالهای خانگی ، امپراطور جرمن ازدو تن تجاوز نمیکرد ، کنون بیست تن میرسد . بکدفعه در یک جشن بزرگ ملکی ملکهٔ مارگریت ، امپراطوریهٔ سابقهٔ ایطالیا ، امپراطوریهٔ جرمن پیش بازیور در برداشت . چون امپراطور جرمن میدانست که ملکهٔ مومیه‌الیها بعضی گاهی زورهای اورا ملکهٔ ایطالیا که قیمت ثروه و مکنوداری کمتر از زن خود دارد ، بازورهای پیش بهای اعلی وجواهر متحمل باشد . بیان کرده میشود که از جملهٔ زورات ملکهٔ جرمن یکدستبند آویزه پیش قیمت است که در آن یکصد و پنجاه نفر مدل که آنرا « ناپولیون » اعظم در افسر خود نشانده بود و در عمارهٔ « واترلو » دست بکیاهی آمد ، موضوع میباشد . وغیر ازان جواهرات گرانبهای دیگر نیز در جامه های امپراطوریهٔ جرمن میباشد ، مگر اینها ملکهٔ یکی ساده و تکی و تنها یکی از جامه‌های فرانسوی مشابهت دارد .

کذا (یک آلهٔ دیگر هلاکت)

جرمنها در حالیکه آلهٔ جدید دیگر تباهی و بربادی را ایجاد کرده‌اند که بلحاظ آثارهای مهلک خود مستحق است که در صف اولین آلات جدیدهٔ مدهشهٔ حربیه جاداده شود چنانکه متعلق آن نامه نگاران اخبار ، مورنینگ پوست ، از پترو غراد خبر میدهد که ، جرمنها یک آلهٔ جدید آتشکر را بنام « توپریدو » بزرگ ساخته‌اند ، که بامتحین عیبهای حکومتهای قدیمی روبار طبی خیلی مشابهت بهم میرساند . « توپریدو » بسیار بزرگ میباشد وبه هر دفعه یک چیزی برخورد بنهایت شدت می‌ترکد . وقتیکه ترکد تکهها و تونه های آن بهرطرف پرتاب میشود و تمام جوانب را بکلی تباهی و بربادی ابتلا میکند . بلکه یکچندان دور کثیف و مسموی از آن متصاعد میشود که بهر موجودیکه بر میخورد جان زمی آنرا میسازد که از انوعی ان انسان و حیوان سلامت مانده نمیتواند . این آلات بکمال آهنگی کماشه میشوند و تمام کرانها بشدت مروق الخلیف انباشه‌اند زیرا که آنها از جمله آلات هائی است که جرمنها بروف حمله کردن خود حالا آنها کار میکنند این آلات بدربهٔ حرکت دست « توپریدو » دی خودرا می اندازد انبارهٔ سپاهی های جرمنی در جنگ فری دست بدست که آنجا هنگ حاضر میباشد استعمال میکنند .

کذا (بم بارکاب دهلی)

تاریخ ۱۶ ماه مارچ در حوالهٔ « کاب دهلی » ، وقت ۹ بجهٔ شام بم انداخته شد که آواز آن یکهاه شدن کشتیهای دور شنیده ، ودکانهای بعضی قصان رسید . شخص بیانداز گرفتار نشده مگر از بیانات وروایات مسموع میشود که از تاریک شام یک آدم سفید پوش بر سرک قریب دروازهٔ باغ دیده شده بود . که چرمنش

بک چیزی بود و اکثر کاپها از کلب رفته بودند و از همه اخیر یک موتکار بسرعت میگذشت که آن شخص بم را انداخت . بهاسیم آن مرمی تصادف نموده و به آلسوی سرک در میان جنگل افتاد که بعد از متصل ماندن چند ثانیه بکبار شدت ترقید .

سیاره (تحریر امیر اطور)

« کوپن گرت » رقمطراز است که ، بتقریب چشن سال نو امپراطور جرمن ۹۶۰ افسررا درصدر مقام بشکی خود دعوت کرده بود . دالان های آراسته وبازیت همانهای خوردنی لذیذ و منظم داده شده بودند و رمز سپاهی ، کیک ، و میوه وغیره خوردنی ناکس های سیکاره وسگاکو تقسیم کرده شد . قیصر تقریری را که کرده اقرار ذیل است :

« همیشه این روز مسرت را در حلقهٔ دوستان خود ها یکمال آرامی میگذرانیدیم ولی امروز غیر ازین روز است که در میدان جنگ درمیان تواز ها ودمه های توپ و تفنگ برپا میگذرد . بالای ما زرمی حمله آورده شده است و تمام جوانب آرامیدهیم ، وهمان سبب خدا ضرور امدادمارا خواهد کرد . ما میدان جنگ ایستاده ایم ! وحالت آنست ، که دل های ما باخدا و تاج های ما برفرق دشمنان افتاده اند !

کذا : (که مور نیت ، وانکاری)

پاریس ۱۳ جنوری :

وقتیکه طیارههای جرمن ر ، دنکرک ، حمله کردند ، چند دقیقه بعد آن ، مسیو ر آنکاری ، صدر جمهور فرانس آگاه رسید . طیاره‌ها جرمن که غالباً اورا در تفتیش وقت آمدن صدر جمهور غلطی واقع شده بود بر شهر بتاق کلازی را اندامت که زان این الفاظ نوشته بودند که ، « که مور نیت وانکاری » ! [گمهور نیت] سلام وقت صبح تصاراست .

(کلک عظیم جرمنها وبربادی روسیا از روسیای شرق)

(زمیندار) :

امدن ۱۱ فروری تار مکتوب رسمی پترو غراد مظهر است که این یک تعقیب عظیم شده است که درمیدان روسیا مشرق جرمنها کلک عظیم رسیده است ، وعلی الخصوص که بطرف لیکو وسکی ، و ، لک ، طریق جاده راشروع کرده اند . از فلاکهٔ وسطی جرمن نیز عسکر جدید بطرف ، ولاک ، پشقدمی نموده اند و بیاه روسی از خط غاز تالاپای ، سلوری ، بجانب سرحد پسپا شده ولی باوجود آن پیشقدمی عظیم را باز داشته توانسته است . بر کنارهٔ مشرق دریای ، وسجولا ، از ، ریفنژه کا ، اوستروفلنکا ، سریناً ، ودریای ، سکوار ، درمابین فرنین چندمیل گیطوریپوست . مگر در کنارهٔ مغربی دریای ، وسجولا ، تنها مقابلهٔ توپخانه‌ها واقع شد . روسیان در کوهستان ، کارپاتین ، بعضی حمله های شدیدهٔ دشمن را پسپا کرده .

در چاپخانهٔ حلقهٔ حروف دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقالاتیکه بمتعلق ادارهٔ از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1085 of 1786

شرایط خریداری

بداخله		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالانه	نه روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	چهار روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان

هرچیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالانه [illegible] روپیهٔ انگلیزی قیمت ششماهه [illegible] روپیهٔ انگلیزی

به شماره اشتراک قبول نمیشود

یک علاوی بعد انکشاف یازده روپیهٔ انعام است . از همین

قرار حساب کنند

یادآوری

رعایهٔ کارداران نظامی ومکلی وجملهٔ خریداران

سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

۱ اگر از یک جایدیگر جاروده ویا بمیاید کسیکه قصد دهد

وسراج را خبر دهند که من در فلان جا بودم ومال در فلان

جا بود مرا خبار مرا در آنجا برسانید . هرگاه همچنین یک

رعایهٔ شاه بران بنویسد واخبار شان برای شان نرسد حق

شکایت را ندارند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال خرازی ، وصنعتگران که صنعت خود را در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن

میخواهند ، وهرکدام هردم اعلان واشتهار که باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار کتر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار

بیشتر تکرار کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود . اعلانیکه درون ورق وقایه درج

شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر تکرار کردن خواهند فی سطر نه

شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ۱۴ (چهار ده) سوت میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مکرراً یکساله تکرار کردن خواهد وجه یکساله را پیشکی ادا خواهد ورق

پشتی را در سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1086 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

باطلاع میرساند

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از تاخیر نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرا مطلع نمائیم ولی تاکنون فائده نبخشیده لهذا باطلاع هر کزی دارالسلطنه کابل یک عدد نمونه نمبر را کتباً مشعر الیه تعمیم و توزیع اخبار مینمائیم که بعد مشترکین کرام ما زیاده درجه جدیت خود نموده، مشترکین کرام دارالسلطنه خود را تنبیه و تاکید نمایند که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه هر فرد فرد بواسطه آدمهای را کتباً خود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ، ، ، مصور مجلد

کتاب سال سوم ، ، ، مصور مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درس

توحید

این کتابهای نفوذ اداره سراج الاخبار است. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت زرد و دور قرون بهتاد روز مجلد

سیاحت در سی هوا مجلد

سیاحت دیزار بحر مصور مجلد

اخلاق سعدی و اخلاق سیمی مجلد

روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای نفوذ را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت مراجعه نماید از ده عدد الزوف خان مرحوم و اولادان از محمد کتابفروش دربار آنرا بقیمتهای معلی که در پشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای نفوذ را بکنند باید سراج الاخبار افغانیه اخبار کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1087 of 1786

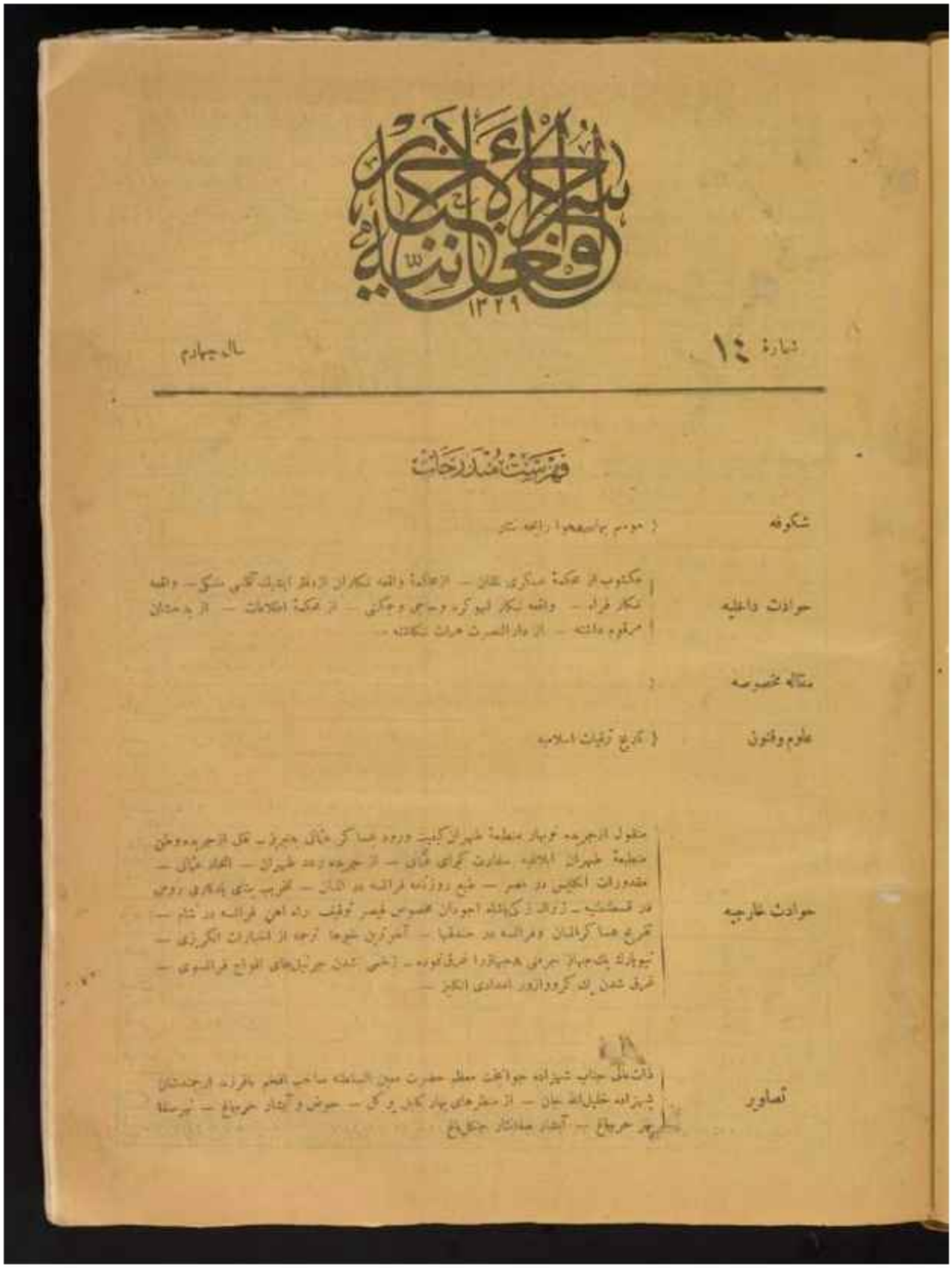

شمارهٔ ۱۴ سال چهارم

فهرست مندرجات

شکوه (موهم بواسطهٔ رابطه نشر

حوادث داخله | مکتوب از محکمهٔ نظامی تفلیس — از محاکمهٔ واقعه تفکیکان از دفتر ایدیک گلی منگی — واقعه تفکیک قزاق — واقعه تفکیک لیوکرد و سیاسی و جنگی — از محکمهٔ استیناف — از بدمستان مرقوم داشته — از دارالمصرف طهران نگاشته —

مقاله مخصوصه

علوم وفنون (تاریخ ترقیات اسلامیه

حوادث خارجه | منقول از جریده نوبهار منطقهٔ طهران کابینه ورود عساکر عثمانی بجزیره — نقل از جریده وطن منطقهٔ طهران اتفاقیه سفارت کبرای عثمانی — از جریده رعد طهران — اتفاقات عثمانی — مقدورات انگلیس در مصر — طبع روزنامه فرانسه در آلمان — تقریب بنای یادگاری روس در قسطنطنیه — زوال ذکاوت اجوبان مخصوص قیصر تولیف راه آهن فرانسه در شام — تفریح عساکر آلمان و فرانسه در حدقیا — آخرین خبرها ترجمه از اشتارات انگریزی — تیوفاک یک جهاز بحری هجیلترا غرق نموده — آتشی شدن جزایرهای انواع فرانسوی — غرق شدن یک گرودازور امدادی انگلیز —

تصاویر | ذات ملکی جناب شهزاده جوانبخت معظم حضرت مین السلطنه صاحب اقلیم بافرزند ارجمندان شهزاده خلیل الله میان — از منظرهای چار کاه رکی — حوض و آثار حریق — نیرسلطنه چهر حریق — آثار عمارات حریق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1088 of 1786

اعلان

از صنایع پرودیهای دارالسلطنه سنوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه القاجاریه دبی وهت جناب جبرئیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه براشیای صنایع دولتی ومیکری مانند آلات حربیه دقیقه وتوپخانه رمه های صنعا گرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از ان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان جدیدهٔ خان درباز ارک) میباشد .

(۱) سرخ های دشمینه بال رنگهای مختلف کمپنی آن از قرار گرانکلازی ۳ فوتجمعیس شده در صندوقهای چوبی هر فروش میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم تجاری کمپنی آن ۱۰ پوند زاویشه
رقم	تا حالا ساخته نشده	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۱۲ پیسه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۴ روپیه ۲۵ پیسه

کتیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی کتیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیسه کتیره دهدار هر قرقره ۴ روپیه چهل پیسه

(۲) جراب ها

رقم	تکمانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

﴿۳﴾ تکمه‌های چرمی محراب ومیزدار

رقم	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۴۰ پیسه

(۴) گروه های جدید ساخت

رقم	زه بالشتکدار دو قرمز دارد	زه بالش یک اسپه دو گره سه گره	چرم بالش یک اسپه
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه
رقم	چرم بالشت دار دولپه	چرم بالش دست دولاله یک اسپه	دست دولاله یکی بار اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۸۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه
رقم	قیمت رکبی کجاوه برده وکلان	قیمت کلیت قرمز از چرم دولاله توخانه	زه بالش رقم سواری ساس کلیت
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۸۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه
رقم	رکاب ازنج	چرم بالش میانه چوب پت زانه	ازدن سواری تیغ چرمی
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه
رقم	دسته‌های پیچ بری	دسته دولاسای راهی کپی قره	از ان سواری دولاله تیغ چرمی کمتک بار
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل حریر	گل نارنجان	گل پرچه	گل تیو
قیمت	۵ روپیه و ۳۱ پیسه	۶ روپیه و ۹ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسرین	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل نگارین	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۴۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿المشتهر﴾

(میرمحمد هاشم دفتری کارخانه جات)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1089 of 1786

نمرهٔ (۱۴) سال چهارم جزوهٔ (۱)

قیمت سالیانه

محمود طرزی

ادارهٔ محل و مطبعه

در ماشیخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
جمیع امورات تحریریه جاریه، جانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ هجری قمری ۱۳۲۲ تاریخ انگریزی ۱۷ مارچ تاریخ شمسی ۲۶ حوت ۱۲۹۳

شکوفه

موسم بهار است ، هوا فرحناک است ، طبیعت شکوفه بار است ، لهذا در مقالهٔ اول نمرهٔ خود را بیاد قصیدهٔ بدیعهٔ مضامین بدیعه شرقی (ازایر) می نگارم که در مدح و ستایش خلیفهٔ رسول الله (ص) ابو البکر الصدیق (ابکر الصدیق) رضی الله تعالی عنه و نقمهٔ بلیغهٔ این سروده شده است . از اشعار دلدار جناب عرفان مآب سردار غلام محمد خان تخلص به (طرزی) صاحب افغان جاب الله مدار

(مطلع)

باغ آمده تاج نور شکوفه — همه کاخ ایوان پرنور شکوفه
بطرف سپهر گلستان دمید — فق شاخ گل مهر انور شکوفه
چو از گرد لاله تخته چین — در و لعلستان مصور شکوفه
گل شاخ بادام ورس بگشن — بلد چو چشم نرگس در شکوفه
سپهر است گلشن چو هست سرین — گل لاله خورشید و اختر شکوفه
هوا بیدهم آمی از ابر شبنم — چو غنچ است رو تیمار شکوفه
ز جوانب راحت بگیرد شاخ — همه زیر سر بالش پر شکوفه
رده کاز شوخی دف بلبلان را — باید دیغ از ابر چادر شکوفه
زنا که خوانش ز گردن بیفتد — کشیده در گوش جوهر شکوفه
گل نو بر چو بهار است زاید — گرفته ز گل رو بر تر شکوفه
زخوبان چرا گر طراوت بگشن — کروسته همچون شاور شکوفه
بجوی بحر روی بادیه شسته — که گوهر صبح آمد حضور شکوفه
چو گشته خوشی موج هایه — که افگنده ماک شاخ لنگر شکوفه
بگشن بر شاخ چون نمودار — کند کاسه پاری پاصر شکوفه
رخ از گرد ره تا که پوشیده تورد — فگنده سر شاخ چادر شکوفه
عصاير گف از شاخ پکرفته زاید — که شد از خوت زار و لاغر شکوفه

از گل جام پای صفای نیم — تهد آبیه در پرار شکوفه
ابا از بردد از روزگار است و سمت — که با طاکاران بعد زر شکوفه
زشت کاور سپید بام آرد — طلسمای پر میوهٔ تر شکوفه
زسیمونی دهد بر داد صبح — چو چراغ زد آستین بر شکوفه
رلا از خوان می گشاید بگشن — که با گرفته در دست نقد شکوفه
کشاده است فرخ جا بای گرمی — کند سیورهٔ نوروز شکوفه
گل رویت از گر جام آب دارد — ز باران شود گرچه ابتر شکوفه
ازان پیش کاب رخت آب گردد — که خورشید سازد معبر شکوفه
بگشن میان بنات نباتات — نشسته است روشن بلدر شکوفه
قدم رنجه فرما بسوی گلستان — که مهتاب نیز است و نکر شکوفه
وصف رخسان طرب زد — تمدار قدر و در آب روتر شکوفه

غزل

بیاد حت چون کبوتر شکوفه — برارد ز پهلوی خود پر شکوفه
زگلشن رون کر سبای بادت — بخاک افگنده تیاز سر شکوفه
زشوق گلشای کلزار حسنت — گشد سر زجویبه منظر شکوفه
طراوت ذاغ جدت توداده — نیاشد چرا کاره و تر شکوفه
دشرم گل روت الهاغ جوی — گشد پر ز خوبش چادر شکوفه
صفای رخ و خد و هم زلف مشکین — فاید چو هر سنبل تر شکوفه
زرخ پرده بردار اینه گشن — که باشد بهتاب خوشتر شکوفه
گشد گلشن از خنده جالت — گشیده است در رشته کوهر شکوفه
نهایست گلشن گلشن نظر ری — که گل کرده ازای گلبر شکوفه

گزل

بیاد صبا سر زگلبا برارد — چو وبکرد از احباب دیکر شکوفه
بیاغ صداقت ، محبت ، تدین — چو وبکل وه صدیق اکبر شکوفه
عصاور گف دست و عامه بسر — چو وبکرد بروی منبر شکوفه
بیاپش مکر سوده سر شاخ گلشن — که تاخش دهد یار و همبر شکوفه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1090 of 1786

مگردیده نور صفای دلش را که چون صبح آمد منور شکوفه
پریشان حلمای دل بامدادش ز در صدق چاکر شکوفه
زدادار اگر روی حقش بخشد زهیبزه رویه گل تر شکوفه
کند تا دامن صفت خلق گویش دهن گشته ازپی ثمر شکوفه
شیخون زند تا زاعدای جاهش زهیبو پاراست لشکر شکوفه

خطاب

شهنشا سرورا بادشاها جنابا قوی گرهوای تو زده سر شکوفه
زدر بخشی دست جود وسخابت شقایق زده تاج و افسر شکوفه
زجیبهای نوای بحر احسان کف و آستین کرده پرزر شکوفه
چو هم زار باری و هم بارخیزه ازان در اکناف تو ر شکوفه
بصدق از همه راه پرزر گرفتی بی پیشتر میدهد پرشکوفه

عرض حال

پریش تو عرضی دیگر دارد که ازراح دل دسته اینتر شکوفه
زلطف تو خواهم که منهم بگفتن زخوبیزر چون تو انگر شکوفه
درین فصل چون باغ خنکر بهره چو جامهٔ صوف درد شکوفه
چنانم توانگر کزای از احسان که پشم وجه دست پی زر شکوفه
وبد بودخواهم بادی ازتو که گردد زغیرت مقیم شکوفه
بده سهٔ شعر چون گوهر را که دارد زتوجیب پرزر شکوفه

دعائیه

کند تا که ازلطف باد بهاری بهر سال ازشاخ سرزر شکوفه
دمد کارشاخ گهن درگلستان زلطف هوا کاره وتر شکوفه
بفرق سر دشمنان تو دایم کند کارتیغ دو پیکر شکوفه
نهد بر سر دوستانت همیشه زالماس ودرگوهر افسر شکوفه

وصلی الله علی محمد و آله وبارك وسلم ورضی الله تعالی عن اصحاب رسول الله اجمعین . اللهم ارحم قاریه رحمت الخلیل، واسکنه کاسه بسکناه الجلیل آمین .

حوادث داخلیه

مکتوب از عاکه عسکری نغان

بالیجاه عزت و سعادت نشان مشفق کرام عطوفه بیك خان مدیر دسر عسکر سراج الاخبار افغانیه را سلمه الله تعالی بعد از شرح دعا گوئی دولت اسلام و عزت جول آن گرامی اینکه چون قبل ازین درقریب اردوی سلی مقیم مکوه نغان پل بود ومردم رعایا وطاعی زده زیادی جدیا میکردند از کثرت آب وعدم پل چندین نفری را بمشکل وآسیب نشان آب برد چون درینه گذشتهٔ اودی پل بالیجاهان عزت نشانان عبدالظاهر خان حاکم وعبد الخالق خان نائب حکومتی نغان سررشتهٔ چوب هیای بر آمدار گردیدند لاکن از کثرت امورات مرکاری الا عده آنرا پل معطل مانده بود درهذه السنه مذکوران غلام جانه زاد خاص سرکار والا باتفاق بالیجاهان موصوف درحد قریه برکوت نواح قریه شاهی بحسب رغبت وآرزوی مردم رعایا وطاعی بتاریخ چهارم چهار شنبه ۱۹ ماه ربیع الاول تهیه اب پل مذکور را بنا کردیم روزاول مذکور نفری طاعی رضامندی خودها بهمراه باجوهات وعیدیدا ران نغانی کرفته تهنیت پل را ماندند وعلمای کرام و سادات عظام جمع شده دعای بادشاه اسلام انجا کرده بخانه های خود مرخص شدند بعد ازروز دوازدهم ماه مذکور که چوباوقات جومردم رعایا انفاق کرده تخمیناً موازی یکهزار نفر برضا مندی خودها جمع شده کار پل را جاری نمودند مدت سی ویکروز کار پل مذکور بانجام رسید وپهٔ سمت مشرق طول آن هشتاد قوت وعرض آن هشتاد ودوقوت وارتفاع آن چون دنداها دوازده قوت میباشد وطرف سمت غربی آن پل سنك بنائاصل میباشد مگر کنجایش دنداه ها را که درین سنك اصلی بود دنداها ماندشه بالای دنداها سنك وخاره ها ماندشه وپه طرف مشرق کامل ازسنك های جدید پراه شده کمر سنك آن قدر پخته کاری بود بحیل ها لولداده زورزر ده ومرمر داسلده شد ازین رهگذر فراوان سنك ها اگرچه خام است چونه وخشت کاری نشده لاکن ازیکدیگه کرده خاطر اطمینان حکم آمده — چون دانداه های هردو طرف پل مذکور موازی چهارده هشت دنداها میباشد فی چوب دنداه طول آن ازبیست و پنج قوت الی سی قوت میباشد ولیکن آن چهار قوت میباشد دنداه های آن ازهرطرف بمقدار چه ماندشده فی درجه موازی هشت دانداه چوب دنداه است واصل آن ازسنك بطرف دریاب سه قوت میباشد که هریه درجه دنداه های هردو طرف همه قوت خود وچوبهای سرانداز موازی هشت داه میباشد طول آنها چهل وچهار قوت ولیکن آن سه قوت برآمد چوبها که بالای دنداها مانده شده بهر طرف دو قوت میباشد و چهل قوت بدون دنداها مل پل است که دنداها وسر اندازها که بالای دریاب گذاشته شده همه بخاه وهشت قوت میباشد وعرض پل بدون کناره یازده قوت میباشد وارتفاع پل از متن دریاب پل سر اندازها سی قوت میباشد — واسطه نصب شدن این پل مذکور بسیار مردم خداورعیت ونظام بادشاه اسلام آسوده حال وآرام گردیده همه وقت پدا گوئی دولت اسلام وانحضرت جانوئی اشتغال دارند بازدان خدمت آن مشفق اعلاءمدده می نگارم که کار جدید ومرغوب وبیك نامی خدمتکاران دولت اسلام چونه از روی میزانی درج صحایف سراج الاخبار بدارند الطاف جواهر بود واز حد چهاروی الطول مذکور بقدریکسیم کروه راساست زیاده احوالات سلامتی خودهارامدام نویسان باشید که باعث خاطر جمعی باشد فقط مؤرخه ۲۶ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ مکرراسك دو دفعه کاغذی عرایضلام سرکار والادر پل مذکور رفته بودند بهردو دفعه آن راقی نشان بالیجاه عبدالظاهر خان حاکم محال مذکور دادند فقط

عبد القادر کریل نغانی نغان محمد نعیم کیدان نغانی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1091 of 1786

تحریر فی ۲۱ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳

(از محکمهٔ واقعه نگاران) از دفتر ابتهاج آقای ملک

واقعه نگار محال فراه نوشته است که یکنفر بازاری قوم یهودی ساکن دارالنصرت هرات بحکومتی مراجعه داز دین باطل خود در گذشته بشرف دین مبارک اسلام مشرف گردیده است اسم نورانی محمد گذاشته اند و عمر مذکور تخمیناً هفتاد ساله می باشد فقط

تحریر فی ۲۱ ماه ربیع الثانی سنهٔ ۱۳۳۳

(از محکمهٔ واقعه نگاران) از دفتر ابتهاج آقای ملک

واقعه نگار محال ابو کرده ساحی وچکنی نوشته اینکه بتاریخ ۲۰ شهر فی الحجه الحرام در قریهٔ چکنی باران می بارید در وقت نماز شام در قریه یاوخیل درمیان قامه صف ا کرم خان محال مذکور صاعقه هوائی یعنی برقی در قلعهٔ مذکور افتاده — دو راس اسپ که یکی زرد و دیگری سادان بود با یکراس اسپ کره یکساله آن و موالی پست راس زخما کاملاً بسبب صاعقه سوخته اند — و دو نفر مرد و یک نفر زن را نیز آتش برق رسیده بود لیکن از فضل ایزد باری و مرحمت کردگاری همه نفر ایشان تماماً صحت شدند فقط

از محکمهٔ اطلاعات

از بدخشان رسیده

لیل شنبه ۲۱ ربیع الاول وقت چار شام در موضع جریهار شدید برخاسته بعد ازان باران وبعدازان برف شروع نمود عارضین گرفت وقت صبح صادق که خبر آوری شد مقدار نیزه برف بزمین خوابیده بود و روبت هوا بحدی رسیده بود که حرکت مال و موالی هم دشوار شده بود قدر سه صد گوسفند از محمد نسیم بای ولد معصوم بای جرمی که در یوم گذشته وقت اختلال هوا برای چراپش بدشت خارق بودند از دشت بذریعهٔ خود محمد نسیم بای مذکور ودو نفر چوپان او در موضع سکوت از آنوزه میشد درین قشلاق فرنامبرد که بهمراه گوسفندان رسیده اند دفعتاً برف کوچ بثل اژدهای رسیده محمد نسیم بای ودو نفر چوپان وسه صد راس گوسفند اورا فرو برده که پدید گردیده اند بعد از تلاش بسیاری حرمهٔ محمد نسیم بای بدست باز ماندگان او رسیده چوپان ها و گوسفندان هنوز در کی ندارند و بهمان روز مذکور اژدهٔ یخکان نیز برف کوچ بردهتی از کوه واقع گردیده تخمیناً سی راس آهوان جایك رفتار را تلف نموده فرو رده بقدر چهارراس آهوی نیم جان رهایی یافته باقی معدوم الاثر گردیده اند فقط

گذا (دارالنصرت هرات)

از ۱۹ محرم الی ۱۹ ربیع الاول کامل دوماه می شود و در مدت آکثر برف وباران پیهم وتوالیات آن نزول کرده هوا رمطلق از خاصه خود درخواست نزول برف وباران را دارند روز گذشته ۱۹ ماه ربیع الاول بوده بچهار بجه عصر دفعتاً از هر طرف سیاهی های

نیز بی هم نمودار گردیده بکو فرصت رخصارهٔ سیارا چنانچه میدیدن وچیدن رعد وبرق ظاهر گردیده قطرات امطار سرازیر گردیده عرض مطر امسور گردایده — مقدار روز دوشنبه ۲۳ ماه مذکور بروبت پیدا نشده بحدی که قریب پنج بج روی آشنارها منجمد گردیده ومیزان الهوا باشطراب درجهٔ ۲۰ درجهٔ معلومدار نموده است فقط .

مقالهٔ مخصوصه

﴿ هو الله الاحد ﴾

﴿ یریدون لیطفؤا نور الله بافواههم والله متم نوره ﴾

(ولو کره الکافرون)

از یك قرن بدینطرف در الاسفار مبشرهای جفا کیش و کثیفشان خطا امیش باهی به رمز وایما و کهی بزبده وهویدا بوساطت جرائد ومولفات از حقیقت حال خود تبلی ازدین مبین اسلام نهاده تا هست بیرهنت توانین بی وجدای در اضمحلال دین مبین اسلام سامع کردن وبابی راه ترقی شان باز و عسرت ومذلتی اهالی آن گردیده است :

این سخنان ابله فریبانه را در اطراف حوزهٔ وسیعهٔ نفوس زهرهٔ شیطنت ومزورانه — وقسمی بی شرف وعاصت کارانه می سرایند که عوامالناس بانشیاه ر میخورند ! خانه خصب پیشه خراب که چه زهرهٔ مظلمی در میدهٔ اهل خرص کشیده کهکشانه روز روشن را بشب تار حکم کردن ! کشتهٔ ای بشکه راشیان آن ابله وراعین نیز میخواهند القاء کنند !!

هرگاه بدیده انصاف درفلسفهٔ تاریخ رجوع شود معلوم است که بانی مبانی بروج مشیدهٔ تمدن فکر رزین اسلام است ورازندهٔ تهال بروومند تهذیب واخلاق دین مبین اسلام ! چگونه این کذب از حقیقت مبرا وابن تلفیق سراپا افترا در حق دین حنفا اسلام صادق تواند شد ؟ ... که مبانی آن ترهیب اخلاق وتحریص علم وترغیب کسب صنایع وتحصیل معالی از وجه حلال گذاشته شده است !

آیا در صدر اول و (عایق) خیرالقرون که صفحهٔ چرب یکباره در غایت جهل ووحشت مستور بود کتب فلسفهٔ مصر ویونان وروم در مدارس عداد وفرضه وانشیه که حالت کنار بافت از فکر وسعی حکمت انوای اسلام نبود ؟ آیا دین مبین اسلام چه غایت از تعلیم وتعلم آنها نبود !! — معلوم است که هیچ !

اما چه هیچ ؟ بلکه بادله وراعین وحدت واثبات نبوت و تزکیهٔ نفس وتربیت اخلاق ودون هر کلام وانابر هر اسلوب پرایه دیگرش داد ! — آیا از فیض حکمت مدارس اسلامی نبود که طلاب یورپ استفاضه جسته پیران هزار (که از جهة آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1092 of 1786

همه واقفی ـ دکتور ـ کمان انگلیس و ـ روزن ـ نام فرانسوی است) درین مدارس صاحب کار ومشیر بصیت اعلان گردیدند !! ـ آیا مورخین بالانصاف فرنگ (چون ادوارد گبن مولف تاریخ روم و کارلایل وجرجی زیدان وغیرهم) برین مقال چه سخن سرائی وچه حق پردائی نگرده اند !!

بی تحقیق است که تاقرن پنجم که کو کب عزو شرف اعالی اسلام در سپای اوج وسروری میدرخشید ـ اسلامیه تنها بعلوم دینیه تکمیل عوالم روحانی را متکفل بود ـ بلکه درعلوم عقلیه وامور سیاسیه عالم ورافعیت می آمد وتدبیر ابدان وتعلیم وتربیت بانسان ـ وتهذیب اخلاق ـ وتامین آفاق محل جد وشرف گشته عالم وحشت آباد رابالفت تحویل داد

پس ازانکه صرصر حوادث چنانچران از هجوم وحشت الوای شمال در اهتزاز آمد ! وبهار کشش انهال اسلامیان تحویل خزان گردید ! ـ وازطرف دگر پیروان مذهب عایب (که همیشه مانع ایشکوه فرمشته) بفر کان وحشیانه وسوقیات ناموس شکنانه درخاك سوریه ومصروفلسطین اعتبار کین وازادعداوت وزین نبوده ـ باقی مانده اهل اسلام را مشغول داشته بودند خلق است که دردو قرن متوالی مدارس خراب وسواد اعظم ممالك اسلامی سراب ودیدهٔ عالم انسانیت از فقدان آنهمه مشعل هدایت واعلم آنهمه مربیان جهان انسانیت پر آب گردید !!! ـ

بااین همه بنازم دین وزین اسلام را که با آن ضعف واضمحلال واردة که نفس آخرینش توان گفت از غرق فاجعه نهائی را که هنوز حرارت خلو جهانگیری تمدن غرب نشسته وخیال انهدام بنیان اسلام در رقصهای وحشیانه بودند ! عاقبتاً اسیر دین مبین وبعثاً مقهور اوامر حضرت سیدالرسلین نبوده واز غرق وکر ونور الدین وصلاح‌الدین کمان دو قهرمان خود را باسی ازانقلاب شان پهدید قوم صلیب که هیئت اجتماعیه وحشت را تشکیل داده بودند بر گذشت

درینجا از تفصیل (کاتی ـ ریچارد ـ پادشاه انگلیس وفضایع قاید فرانسی وپریشانی ـ جان لس ـ ملك پرتگال وووو.... صرف نظر نموده اینقدر می نگارم که خسارات اسلامی پیرهم خوردن اساس اعلیتی بحول وقدرت خود عقل منتج گردیده واز خیالات حکمت پرورانهٔ یونانی ها وابو نصر ها وناصر الدین ها وفخر الدین ها ووو.... به تتبع اوقات وتحصیل حاصل نمودن طلاب بحالت مدرس تنزیل نمود !!!

اما علوم دینی وعقاید یقینی آن پاکیزه خداوندی (که پشتیبان مرحومش را بروح انسانی فوق به تشبیه نتوان داد) بحالت اولی به شوکت عظمت سابق پرتو افزا ولایزال عاد دیدهٔ مبتغیر هاست که از چشمان انسانی است که دست خوش اغراض مذهبی ویاتعصبات هوا وهوس غیبیین بالبال تبدیل هر زمان وزمین (وبعبارت آخر) چون غمام رحمت حضرت سبحانی شهود وسنین گردد !!! ـ زلازل حوادث را در نیسان مرحومش دست تصرف نیست وهاتفان البشرا در بارش اعتبار گاه اخلق وراهین دین ومبدأ ان بحال تحلی !! جهت عاطفت فرمای دعات مبجوبه در تنصیر قوم بت پرست افریقه وبلدان راهین نزین اسلام علیم ماندن وآن کوی‌زدین هدایت نوع خودرا ازمیدان شارع بودن چیزی نیست که وجودان منصف در توی ظواهر زقی ماست بلکه عالم تصرآیت را درچنان تب لرزه مدهشی در اندامته که اندکی از تاثیر کشرش این هزین هاست

مردانهٔ مطلب از دست نرود پوشت استقبالی سالم که از انحط ترقی وتمدن آیا کدام سعی اتحاد نمودن منظور است ! هرچه آزادی از قیود دین ـ وعالمات الزواجر ونواهی حضرت الهی وسنن محمدیه چشمك خندان ازین دولت فرنگ (مانند جان فرانسه و.....) را مسلف ایست وجه باشد ! این باید از حرص های خلافت شمال وحزینه های جنگی های جنوبی بودی نبود ! چرا که دربصورت خندان ازی ! دولت بی‌شعور ومهیب ازی از حضرات الفراست میجوز توانم ! زهی تمدن !!! خیی ترقی !!! در حالیکه قوی السنان وامید داری وجدان وتفقد بایان تمامی نوع بشر را بشاه راه الهی یکسان مستقیم میخواهند بغلاف یکسان افسوس بارادهٔ وحشیانهٔ دهشت مبجوبه دفعتاً بر میخورد که یکسر بی‌نوع انسان را درلباس تمدن وترقی بتازیانه اختلال بدواه یکسر بدین وحشت سرا سوق داده میخواهند !!! آخرین بدین هادی وحیدا ازین هدایت چند گونی صحن از سردو آزادی او مگر از بنه کی حضرت او بخبری ـ وا گر مراد ازان تهذیب اخلاق ومعرفت مخلوق از خلاق وتبره وتطاف طبارت وحفت رحمت واخوت ناموس وجود فکوس نمی بعدا گه وجدان ـ ومطوی معاصی از غلط اعمال وتبره وووو.... عبادی که با گر آن همه را این وزیاره تحمل نیزه ـ چوبه باشد ! دین مؤید اسلام برای پیروان خود آنهمه را آسان است ـ وابلاغ بلاغی فی مابین خوصلان این عروه الوثقی بار

وا گر ازان علوم عقلیه (که صور بسایج ترقی منوط زان است وعروج پسمای ابیت وسروری مربوط بتواصل زان) ابراهه باشد ! تاخر آن از بیرون الزامهٔ مصمم ـ و عدالتی پروگرام منظم اعالی است که ازنقه تعین ودعا انشاء الله اعالی علت التعالی آنرا درمنصهٔ ظهور گذاشته (تحت عنوان اسلام) می نگارم واز پاکدلان اسلامی خود چشم امید آن داریم که اگر بدامن خطوات نمی ازاهم گرد جسارت اصابت کند حمل برضیق حوصله وفتار نفس از مطاعن مخالفین هزیمه مرض کرده هما گه‌دراحوالاوجدان ـ وعدم موجباً مارا مصمون این نکتهٔ حکمیه ایقان فرماید ـ خوشتر آن باشد سر اسرار تو پوشد

ملامت کنان دوستدار توام ـ زدم سی آنکی نیکوخواه است

که گوید فلان خارزدراه است ـ وبالله التوفیق وعلیه التکلان

انتها (یکی ازخواننگان سراج الاخبار افغانیه)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1093 of 1786

ذات بال جناب شیرازه جواهات معظم مدار عنایت‌الطاف سون السلطنه‌ماب الحج‌رفیع‌زاده عبد والاشان شیرازه‌بند حاذق الله و کریماً مأذون زیرا بنیه

(تاریخ ترقیات انسانیه)

(وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون)

امثال الهیاق

ثبت است برجریدهٔ عالم دوامها

نظام تسلسل عروج و هبوط ، وصعود ونزول اقوام وملل دنیا از آغاز لایزال جمیعات بشریه بوجود جاهدین و ابطال موقوف ومنوط است . چنانچه اگر یکان یکان ، ملتهای قرون سالفه‌را درزیر نظر دقت آورده احوال واسباب ترقی وتنزل آنها را تحقیق و مفتشانه تجسس کردن بکیریم، اجبرا بازهمین نتیجه متوصل خواهیم کشت که ابطال و شجعان ترقی قوم و وطن را ضامن وباعث‌اند . مثلا ملتهای طبقهٔ فارس ، ویونان ، ومصررا می بینیم که در اعصار قدامت دکر نخستین تکوین عالم آنقدر بفتوح کامکارانه واعمال نمودند ، که امپراطوریهای دراز توانا دهشت انباز خوف وهراس هیبت اساس شوکت وعظمت شان دنیا را بلرزه در آورده بود . داستانهای قوت و شجاعت رستم زال ، واخبار آثار فتوحات اسکندر یونانی ، و حکایات محافظت آبات دلیر ولجوج فراعنهٔ مصر ، بزرقیات مادی مثل قرون اولی ، هریك یك دلیل ساطع و برهان لامعیست ، وبیز اثبات میکنند کاهی فردان بامدادان مقتدر بانیروئهٔ معنویهٔ سی شخصی ، وهمت فطری خودها مسلح ومجهز کردیده بمدارسیط واستدلالات قضیات کبری ، واعمالات کثیرهٔ عالم ، کوهر کرانبهای ترقی‌را بدست آورده توانسته‌اند ، ورای اعصار آینده اساس سامی خود نمارا بر صفحات تاریخ ترقیات بشریه بطریق پایدار نقش وثبت نموده ، وبعضی ازین افراد چون پیشهای حدود زمان و اقصای منازل اقبال السان بکذاشته ، اینها ازفرط جاه وجلال خود ها محو ربایهٔ قصر وغرور کردیده ، وبند کان الهی‌را درزیر قهر و تعدی کرفته ، وخود از تعدیل احکام سلامت احترام سیاری عصیان وکبر ورزیده ، اعلان الوهیت باطل ، ومعبودیت باطل خود ها داده عبودیتارا پرستیدن و ستودن خویش امر و الغوا کردند ، که جان سبب دریای غرقاب وغضب نقمت خدا وندی بجوش و خروش آمده ، جمیع آثار وآیات حیات آن ارباب کفر وطغیان ، و اصحاب ظلم و عدوان را درقعر بحر خود اغراق و افنا نمود ، « اولم یسیروا فی الارض ، فینظروا کیف کان عاقبة الذین کانوا من قبلهم ؟ کانوا هم اشد منهم قوة واثاروا فی الارض ، فاخذهم الله بذنوبهم ! وما کان لهم من الله من واق »

مسالیا ، فرسها ، عصرها ، عصرها بکذرند ، حکومتها ، سلطنتها ، دولتها ، ملتها ازصفحهٔ وجود وهستی بکلی محو ونابود کشتند ، خرابه‌های خالی ، قصر های عظیم‌الشان ، آبادانی های جسیم ، شهرهای زرنك ، وهمچنین هریکجیز دیکر ازسوء اخلاق وذمامت اعمال اهالی وساکنان آن دوزر هزارها خروار خاك سیاه نیست وکردیده حکومات طبقه‌سفیه ازسیمرا میکرند ، فکان من قریة اهلکناها وهی ظالمة ، فهی خاویة علی عروشها ، وبیز معطلة ، وقصر مشید ، ، مکر نامهای معماران و مهندسان قصور یقصور تهذیب ومدنیت هیچکاه از صحایف تاریخ اعصار عالم حذف پذیر نیست ، وحروف آن ریاض فلك سیار باد کار کارستان السنهٔ بی حیثیت ستار کان الی یوم القیام کاملا ودرخشان ثابت خواهدماند ، وقایع مهمه وحوادث دیکرارا کر بالآخره میفرو سکوت دهن خودها چفت‌بینیم درهریك امرخفیف هریجند که حرکت خدات هم باشد ، بالضرور یك انتظام توانر واطرادی موجود خواهیم یافت، وهموقت وهرزمان ترقی وتنزل وترفع وتدنی را درتمام ملل واقوام در تسلسل وتداول خواهیم دید ! ، چنانچه کاهی نظر ما به چنان ملتهای قضایق و تضایق خواهدکرد کهچنین پرانوع مروح ساکن ومتمکن بوده ،ودیکرارا بخشم وتجمل خودها واله وحیران ساخته رهمکنان کسب فخر ومباهات میکنند ، وباز چون یك کوشهٔ به اشفرق میشویم تبدلات وتطورات زمانه مارا دفعةً بچنان یك نقطهٔ رقت‌آوری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1094 of 1786

که مراسر مخالف ومنافی آن دنیا و مشاهدات ساعهٔ ما باشد لقی میکند ، یعنی آن ملیونی که جدی قابل‌ترین آنهارا درمعراج ترقی و تعالی صاعد و بعد دیده بودیم ، اکنون اگر ازآنها را درقلب منارک سرازیر رحمت قهقری و سقوطی الیشارا درجاه ها ومغاره های مضیق‌ترینه کاریک دات وادی ، وبلکه یکان یکان شارا از روی هویا یکان‌هو و مفرود می یابم ، و بالمقابل آنها یک ملیونهای جدیدهٔ نوینز جرت انگیز ترقی‌شدیز دیگری رادیدهوریم که بعضی ازیشارا درنهایت لوازم این‌سفر صنعت‌تر وبعضی ازیشارا درتوتن وچهره این‌طریق فوایدرفیق ، حتی یکان یکان شارا در مسابقهٔ رسیدن بنقطهٔ اخیرین منزل مراد این‌سفر بغایت کدر حزونی ومشحون می‌بینم ، ... کدیث ، میدانم تاظهوراً خیرین قایک علیم السماء والارض ، وما کانوا منظرین ،

لهذا بنا برمطالعات بالا ان بنده آیات شده که جمع اکثریت ساحه اسلامیه از اجتماع وجهاد شخصی خود هیچ طلع جمع آوری را بدست آورده وادامه اندوجون اکثریتی در همین حال سیر وروند که خودرو موجود بشرقت مقصود خود هم متوسل گشته‌اند ، پس بالاخر بشارهٔ قواعد طبیعیه باشد ربع عمری واستراحت درانسان ترویج کرده حس وجدان وطن پروری و ملتخواهی شاره بذات حیوانی شکوه‌دنی قوانین‌دوری تحویل وتبدیل یافته ، عادیات جدیدکاره اذهان انسان شان مراقب تایب وملتجب ، وقوای نشات اخلاقی جدوجهدشان آرزوهای استراحت خانمانه‌منقلب کرده‌اند ، چنانچه اگر اسباب ترقی واتراقدین دین خودشاسلام راتحقیق وتعیین کردن بکرچونه کها ، یعنی نتایج عظیمهٔ در دوجار خواهیم شد که تلافی کلی حوایج وخیمه‌شارا توان کرد ، اسلام ابتداءً درعهد خلافت ، که حریهٔ تحسین عمر تن‌بود درتک مدت اندک بی‌ورک دنیای ریفیس وقوت ، وصرف مساعی جهاد اباحیت حضرات خلفای راشدین رضی‌الله تعالی عنهم اجمعین لدونو را از صولت وهیبت خود مرعوب ، وقلوب جمع ملیارا پرواه وار باسراع و هایج صداقت وحقانیت خود مجذوب ساخته گی‌شد که متدینان مالمان آن سایر ادیان دیگررا در عقایدش مغلوب و محجوب کرده بده

از منظره های بهار قلان پرکی
حرص و آشتار ، حره باغ ،

وار شرقی تاغرب انتشار یافته اعلای کلمهٔ وتبلیغ شریعت غرا فرمودند که اکثر اهالی تمام آن بحمدالله قبایل وعشایر دورین کلاتی دون اسلام داخل و داخل گشته ، و راتب الناس یدخلون فی دین الله افواجا ، بعدهون عصر ابتدائی اسلام ملطفی شده وخلفای امویهٔ دولت‌جایهٔ خلافت اسلامی را تبدیل وتکامل کرده ، بازهم بکلی خوبیت می بینم که دست حکمت پیوست حلیفه ، ولید ، دایرهٔ ضابطهٔ توحید را شرقاً تاقصای قرن هندستان ، وغرباً تابه حدود کائنات مغرب اقرصا ، و هسپانیا وسعت وفسحت داده واسلامرا باکمال شتابازسن صبادت بدهید شباب رسانیده قریب‌آقسم کل‌آمادیای آنوقتراکه درتاغرب بایکرشتهٔ محکمهٔ حکومت اسلامی ، ضابطه وایرده‌اخلاف عظیمه‌را ازبکسر تابیکر سر بداه اسلام و توحید ضبط‌دارد ، ویبین چون عمان عظمت شان خلافت در قبضهٔ اقتدار خود ان دیتشان جای‌یافته ، دوران حکومت ها زوال ، و قانون ، وتعلیم عرب‌ها را دورومعاب کردن قوبات علمی ، وعلی واقتصادی مسلمانان در اوقات کامیاب میدارد ، و بطرف مقابل آن حکومت امویهٔ الناس رابیز می بینم که با برقات وهیجانی که بدوات عباسی بهم‌ساخته در اوروپا ، هسپانیا ، و را مرجع تمدن ومطلع تهذیب ساخته بهجان انکار وصنایع غربی آنرا آراست و پیراسته اند ، که بیجسوت ودرهیجانات اسلطنت عباسیهٔ اسپانیای بکذاره وان امان‌وده کلیتاً محو وبرباد اندلس وتسلط مسلمانان آمده بود ، واغراض جمع ملیای مترادر صوابدید رای وافکار اهل اسلام فصل و الله اعلم بالصواب ، اصل زیرک قطعه‌آتیا ، وقطعات کرهٔ معمورهٔ ظرفا ، واحالات شاداروپا درموقت درلحت اشاعت وعلوم اسلام در آمده بودند ، و حکمداران تتار و ترک کلات اعتبه بدوستی وتعالی اسلام برهکنان قطر وتار مکردند ، دوقت الآن شاداوپا بین الناس ، مگرچندی رهبین سیاق نکشت که اسلام وبه هبوط والحطاط نهاد ، ودمهٔ کثیرهٔ ملت وتکلب علم بالهٔ اسلامیرا فرا گرفت ، و در هیچا خلاق ، وتعالی پیدا کرده ، بهرطرفکه مسلمانان رفع کردند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1095 of 1786

خواری و ادبار ابتدا را سقوط کرد ، زیرا در ایشان عناصر واعضاء وجود نداشته وار سالها به اینطرف بسبب نبودن حد مقابل و بیکار ماندن قوهٔ مدافعه در بدن بخار حسیات جبانه‌ئی وسعی مل شان یك افسردگی واجماد وسکوت عمومی حکمفرما گردیده بود ، تاتاریان مرآ آسیا ظهور نمودند و خلافت بغداد را زیر و زبر ساختند ، حوادث را از صفحهٔ وجود وهستی پست و نابود و محو و معدوم گردانیدند ، شهرهای زرین اسلامی را مانند باغ وسرو و میوه بصورت یك مرداب تحویل دادند و خانمان ها مسلمانان ومصالح وسادات ازدست سفاك جنگیز و هلاکو هلاك گردیده در بت شهادت نوشیدند ، وقریب بودکه خدا خواست نور اسلام از روی دنیا بکلی منطفی گردد ، مگر که صداقت وحقانیت اسلام وتعاهد خدا ثابت کرد که تادام قیامت این دین متین و ملت حنیف را کلی از صفحهٔ هستی حك کرده نتواند ، « یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم ، والله متم نوره ، ولو کره الکافرون ! » حتی آن تاتاریان کهدری قبل ازین ماحی اسلام گفته میشدند حالا رضای خودشان اسلامداخل گردیده حامی وحمی آن گفتند ، و این اعظم اسلام دورهٔ اولین زوال خودرا بانجام رسانیده دوباره از انقضای شرقی بکمال درخشانی وشعشعه وانی بطلوع شروع کرد و بانصرای صداقت و عنایت ادای خود نمایت مطلمهٔ تاکنون را بتکرار فرمود .

علاوه برخاندان بنی عباس ، درقرون شرقی مغرون وسطی اسلام دیگر ، بنی حمدانیها خروج نموده اسلامرا بفتوحای متدارج عروج رسانیده ، شوکت وعظمت قدیم ازدست رفتهٔ آزادوباره رجاء و برقرار ساختند ، و در سایهٔ جود وجهد ملی ومذهبی خودها اسلام رسابق ثالث وگزراهم درجنگ ملت اسلامی لاحق بودند خاندانهای سلاجقه و ترکیه ، وایوبیه و مغربیه ، وچنانیکه غیرهر، خریکدام ازچهار خاندانهای است که درتاریخ ترقیات اسلامیه هرکدام شان بالتناوب شایان اهمیت وخصوصیت عظیمی میباشند ، انتشار مجاهدانهٔ ظفرنصیب ، وتاج اسلام ، وملکشاه ، شاهان سلجوقی که سرحدات قوت قسطنطنیه وعیسائیان آسیای اصغری تا آنکستانهٔ آنرا در مقابلهٔ جنبات سعی مسلمانان بکلی عاجز وضعیف گردانیده ، اقدامات نادرانهٔ صلاح الدین ، ونورالدین زنگی که عیسائیانرا بهمرعجله‌های دلیرانهٔ خودها مبدل ومضمحل نموده ، جوش جهاد دینی که از سالهای دراز بهاینطرف ازدلهای اهل اسلام مفقود گردیده بود مکرر در انها موجود ساخت ، مدافعات غیورانهٔ سلطان صلاح الدین ایوبی که کمال قاهریان مهاجمات حروب صلیبی را مغلوب نموده ، قوای عدیمه دولتهای اوروپ را از هر پاره ورا کنده کرد ، تاخیرات بیشکانهٔ سلطان محمود غزنوی که قریب به هجده دفعه هندستانرا نهب وتاراج کرده واز چرکاب شرکیت صاف ساخته اسلام را دران اقتدر وانتشاعت داد ؛ ـ هر یك از چنان حمایتیست که انها عهد خلافت اولی از عهدهٔ عرض وتقدیم نظیر آن برآمده میتواند .

(خاندان عثمانی)

همچنان در انتهای عصر هشتم ودر ابتدای عصر هشتم هجرت یك خاندان دیگر اسلامی بنام « خاندان عثمانی » درممالك آسیای صغری ظهور کرد ، که بانحاذ حزم واستقلال ، وفتوحات عظیمه واستقامت دینیهٔ که مجاهدین باحیت ، وسلاطین باهمت آن در مقابلهٔ حربات سخت ریب پاپاسلامی ، دولتهای مسیحی اوروپه ابراز فرموده اند ، از خاندانهای جلیلهٔ تاریخ اسلام محسوب میشود ، عثمانیان در اوایل مراحل عروج خودها تا مدت دو صد سال پیهم بر عیسائیان هجوم برده ، وقوت قویم قدیم مشهور ساخته زنتین ، را که همواره ممالك اسلامی تهدید مینمود مرتبا سر نگون ومضمحل گردانیده ، وبالنتیجه قسطنطنیه سرحدی که از مدتهای مدید ، بقرض منع ودفع سیلاب شدید فتوحات مسلمانان بقوای متفقه دولتهای اوروپ هستمگر گردیده بود ، واز زمانهای اجداد اجانب بجانب چشم باز در زیر محاصرهٔ پایتخت اسلام آمده وفتح آن میسر نشده ازان دوباره بمراجعت مجبور شده بودند ، بالآخر بدست عثمانیان مفتوح ومسخر گشت « ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء » خاندان عثمانی بیاض فتوحات وخدمات هشتصد ساله که تاکنون در مقابل قوتهای غیر مذهبی اوروپ بکمال حمایت ادا وایفا نموده خطاب اشراف انساب وقلب عظمت اکتساب خلافت اسلامی راجلب واستحقاق کرده است ، وحقیقتاً : اگر از قضیهٔ نظر خدمات عظیم الشان که عثمانیان برای مستقبل اسلام انجام داده اند ، دیده شود ، این یك را خصلهٔ تسلیم باید کرد که بمساز خلفای عظام از همه برتر وبیشتر سلاطین عثمانی را حق خلافت مسلم است لهذا مادرذیل برای تشریح وتصریح این مدعای خود که ، ترقی وحیات جاودانی بشدت وتمکنت بافراد بطل وبسل ، وتحرکت آوردن واشتعال کردن قوهٔ مدافعه ، وجهاد شخصی اعضای آن موقوف ومنحصر است ، شمهٔ ازاحوال فتوحات مجاهدانهٔ که فرمانفرمایان عثمانی درپرتو آن کشی مات خود شارا درلجهٔ ملاطم بلازه‌اوج موج عروج صعود داده اند ، بخوانندگان میدارم ! « وهی تجری بهم فی موج کالجبال » :

سلطان عثمان خان غازی

خاندان عثمانی دراصل ازنسل اتراك خراسان است که در آغاز عصر هشتم هجرت ، سیلاب شدت مآب چنگیزی آنرا ازوطن ومسکن خودش برکنده ، بهجرت بجانب مغرب مجبور ساخت درسال ۶۱۹ ه سلیمان شاه جداعلیٰ ومورث اعلای ترکان عثمانی از « خراسان » به آرمینیا » واز آنجا به « قونیه » واصل شد ، وبسبب بلاد امداد کلی منشی که بچشادسلجوقی قونیه تقدیم کرد اعتبار واعتمادزیادی درحکمران مدبرشاهی کسب وجلب نمود وهیئت فرمانروای سلجوقی اورا بنظر استحسان وعنوبیت فوق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1096 of 1786

العادة تلقی میکرد . چون سلیمان شاه وفات یافت پسرش ازطرف پدر بمقام شهرت خدمات عسکری خود بمنصب «جلبی» صاحب طبل و علم منصب و تعیین گردید شد . وپس از او طغرل فرزند هوشمند دیگر پسندش عثمان خان بنا بر لیاقت ، وقابلیت شخصی خود بمنصب «بیکی» ازدودمان گشت . وبسبب حرکات مجاهدانه و مبارزانه که در مقابل عیسائیان بکرار ازاو بظهور آمده ازطرف همه کان بلقب مقدس ومبارك «غازی» مخاطب گردید . ودر سال ۶۹۹ چون علاء الدین سلطان قونیه در مدافعهٔ تهدید تاتاران شهید شد ، پس عثمان خان باتفاق آرای امرا واعیان دولت سریر آرای تخت قونیه گردید ، واین نخستین سلطان خاندان عثمانی است که تمام ترکان حالا «عثمانلی» موسوم ومنسوبند .

سلطان عثمان غازی بمجرد یکه از انتظام داخلی مملکت فراغت یافت برای امتحان جوهر تیغ عمال خود اطراف وجوانب حکومت خویش را بدقت دیدن گرفت از یکطرف نظرش بسلطنت سلجوقی وبدیگر پهلو بالکاف اسلامی» قالیك مصری اضافی کرد . این سلطان مهذب آنوعقل باین دوفریق را خلاف مذهب والسنیت دیده ، بیش از اضمحلال سلطنت عیسائی ، بر طبق «یك لقمهٔ که باعث منافع دنی ودنیویش گردد ، دیگر کارتوانی نیافت . لهذا بنای تهیات لوازم واحتیاج حربیه را گذاشته علاقهٔ آسیائی حکومت عیسائی را در زیر تهدید گرفته اکثر اقطاع وقلاع ایشانی کوچك را الزقیصر قسطنطنیه سلب وضبط نموده در ممالک اسلامی افزود ، وپایتخت خود را نیز از «قونیه» غایة مفتوحهٔ «قراحصار» تبدیل وتحویل داد ، وتمام الحیات اوقات عزیز خود را بتشیید «مجاهدهٔ» کرام در جهاد فی سبیل الله واعلای کلمة الله صرف ووقف فرمود . چه سیمی که اقدام میورزید ، عزم واستقامت ، وتوکل واستقلال را مدار بکاری ره که بدان سبب هیبت فتح وظفر اورا استقبال میکرد « ان الذین قالوا ربنا الله ، ثم استقاموا » فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون » . بالآخر در سال ۷۲۶ « بعد از انکه پسر خود « اورخان » را بفتح « بروسه » مکلت در عمر ۶۹ سال ۲۶ از جلوس خود «که فردوس برین شد (انا لله وانا الیه راجعون)

سلطان عثمان : شجاع ، باهل ، صالح ، رحیم ، خلیق بکمال بود زهد وتقوایش بدرجهٔ بود که گویند ، وقتی در اثنای سفر شب را بقلعهٔ «یکی ازدوستان خود آورد ودر اقامتگاهی که ازطرف مزبان برایش تخصیص یافته بود بعد از فراغ تکبر نماز چون خواست «که بخوابد وازمانده کی راه قدری استراحت یابد ناگاه نظرش بچیزی ازطاقهای اوتاق افتاده دید که کلاه تقرار انجا گذاشته اند پس خواندن دیشروی کلام الهی دوراز آداب یافته برای احترام آن باوجود مانعگی سفر دست بسته تا بصبح استاده ماند .. وچون رحلت فرمود پس از احراق خود انها ، یك شمشیر ، ویك اسب ویك قبا ، ویك دستار بمیراث گذاشت « ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین » وامواله ، ان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله : فیقتلون ویقتلون

« سلطان اورخان »

پس از وفات غازی عثمان خان پسرش « اور خان » پایتخت اسلامبول جلوس فرموده و شهر « بروسه » را فتح کرده پایتخت خود ساخت ودریکمدت قلیل سلطنت خود را بحدود دریای توسیع داد ، ودر عوض یك امداد عسکری که به شاه قسطنطنیه بنابر لزوم بش بجاورو پ فرستاد ، حصهٔ از خاك آسیای کوچك اورا در قلمرو خود شامل کرد ، وبیز بندرگاه مشهور « کالی پولی » را ازبعضی دیگر قلعه های ملحقهٔ آن در تحت قبضهٔ تصرف واقتدار خود بیاورد . واین اولین فتحیست که ترکان را در خاك اوروپ دمتداد .

از آثار عظمت دیگریکه این سلطان سعادت نشان در تاریخ عثمانی بیادگار گذاشته است : سه کار دنیا بس اهم وقابل ذکر میباشد .

(۱) یك عسکر بسیار پرجوش و منظمی بناء « یکچیر » ترتیب داد که تا چند عصر بکمال فداکاری و صداقت خدمات اسلامی را ایفا کرد .

(۲) دراوروپ رخنهٔ فتوحات را گشاد ، وهمان توجه حکام وامرای اسلامی را به اینسو معطف داد ، و دوباره در مسلمانان روح رفتوح جهاد را دمید .

(۳) یك قوهٔ مکمل بحری را حاضر کرد که بدرجهٔ یکصد که از ۳۸۰ جهاز ترکیب یافته بودبندرگاه « کالی پولی » را علاقهٔ چون قیصر قسطنطنیه فتح کرد .

بالآخر در سال ۷۶۱ « عمر ۸۳ سالگی بعد از حکومت ۳۵ سال وفات یافت . . « رحمة الله علیه رحمة » واسعة » .

سلطان اور خان بهادر ، سخی ، عادل ، مشترع ، مشتاق جهادیت مرحوم بود .

« سلطان مراد خان اول »

سلطان مراد خان بمجرد یکه بتخت سلطنت جلوس فرمود از پایتخت خود را از « بروسه » [واقع آسیا] به « ادرنه » [واقع اوروپ] منتقل ساخت . وتمام ولایت « تریس » وعلاقه های غربی کوه « بالقان » را مسخر کرد . ازین ترقی روز افزون ترکان جمیع شاهان اوروپ علی الخصوص قیصر قسطنطنیه بخوف وانديشه عمیق افتاد وبی آنکه غوای متفقهٔ خود ها بقایه نمایند دیگر قسم علی واخراج ترکان را از خاك اوروپ ممکن ندیدند . لهذا مجاهدین صلیب در تمام اوروپ اعلان جهاد داده بایك عسکر گران برترکان حمله آور گشتند . ولی درین حرب « ضربت شمشیر غازیانهٔ سلطان مراد خان ثابت گردید که بر آمدن ترکان از اوروپ حتی مشکل بلکه یك تصور غیر ممکن است . وبالآخر افواج متحده مهزم گردیده بزارها اسیر وقتیل در میدان جنك گذاشته وقیصر روم بصلح مجبور گردید . وبلاد « البانیا » و « مکدونیا » را بقسم باکوان جنت بترکان تسلیم کرد . « ترکی نگذشت که دوباره دولتهای مسیحی بایك اتحادی بر تشکیل داده بعلاقهٔ عثمانی تاخته وباوجودیکه ترکان ازروی عده ازقات شان هم کمتر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1097 of 1786

بودند لیکن از غیرت قومی ، وجوش مذهبی خود ها برایشان غالب آمده عیسائیان را چنان یك شکست درستی دادند که جمع آرزوهای شان که قبل ازین درباب بیرون کردن ترکان ازاروپ ، می‌پرورانیدند بامطوفان یأس وحرمان سردوچار گردیده بالمثل یکسان شد « کم من فئة قلیلة ، غلبت فئة کثیرة باذن الله » . در جملهٔ اسیرانیکه درین جنك بدست ترکان افتادند قرال صربستان نیز شامل بود ، ونتیجهٔ این جنك عظیم آن شد که علاوه های « بلغاریا » و « صربستان » و « بوسنیا » در زیر اقتدار ترکان آمدند . مگر وا اسفا ! که سلطان مراد غازا یك اسیر عیسائی به خدعه و غدر بیاهایش افتاده شهید ساخت که یاران قرال صربستان وخود آن غدار نابکار را بپاداش این حرکت وحشیانه بمردانه رسانیدند . وبتواقعهٔ فاجعه در سال ۷۹۲ وقوع پیوست .

سلطان مراد خان شجاع ، زاهد ، عابد ، مجاهد یك وجودی بود که « عمر ۶۵ سنه از سلطنت ۳۰ ساله بدرجهٔ فیض مندرجهٔ شهادت فایز گشت . وپسرش بایزید بجای پدر تخت نشین شد .

« سلطان بایزید یلدرم »

هرچند بایزید در اخلاق خود بعضی نقصانات جزئی داشت که بدان سبب بامجداد خود رسیده نمیتواند ، ولی در شجاعت وعزم ، واستقلال ذاتی خود فردوحی درزمان حیات پدرخود ازاحراز شجاعت وبسالتیکه درمقابلهٔ کفارا زاز مینمود کسب شهرت عظیمی کرده بود ، بحریکه برتخت جلوس فرمود بیر طرف بنای تجاوز و پیشقدمی را گذاشت ، از همه اول قیصر قسطنطنیه را که دربتوقف یك حصهٔ جزئی ومختصری درزدش باقی مانده بود بامحکمتر خود ساخت ، وهم در قسطنطنیه برای مسلمانان حقوق ومراعات حاصل کرده برای عبادت شان یك مسجد تعمیر ورای فصل مقدمات ودعاوی شان یك محکمه تعیین کرد ودرقوای متفقه دولتهای فرانسه ، جرمن ، ایطالیا ، اوستریا ، وغیره که بیك لك عسکریالغ میشد ! هجانب نکوپولس دردنوبی دریای « داتوب » فتح مکمل حاصل کرد ، وبسی از مأمورهای وسیه سالار های بزرك شانرا اسیروبستگیر نموده مگر الفسوسکه بیش ازانکه باتمام دادن این ارادهٔ خود اقدام ورزد ، اولتر دفع مهم تیموری را که ازجانب آسیا درمقابل شان مشرق وی هجوم آورده بود لازم وواجب دید ودرحالیکه اکثر عسکرش در فتوحات اوروپ وبحاصرهٔ قسطنطنیه وغیره اشتغال داشت ، خودش بایك جیش قلیل بمقابلهٔ تیمور بطرف روم آسیا شتافته بمقام « انکوریه » توقف ورزید وچون سپاه تیموری پنج چند عسکری بود ، واکثر پادشاهان اسلامی که قبل ازین ازبعضی پدسلوکی های سابقه اش رنجیده بودند بتیمور پیوستند ، وعلاوه بران تیمور خفیتا « دربیه جاسوسها بکلکیت جنیت وقومیت خودرا « عسکرهای بایزید ابلاغ نموده بود ، لهذا چون یوم الملحمه درسر آمد وتصادم قوا واقع شد بنا گهان یك مقابلهٔ خفیف عسکرهای عثمانی ضعیف گردیده ازجریف رو بفرار گذشته ، مگر سلطان غیور ازمشاهدهٔ این حال بجوش آمده وتیغ ازمیان بیاورکشیده رکاب فوج تیموری خودرا حواله نمود ، که درهمین اثنا اسپش کشتی خود ده واز بالای زین بزمین افتاده عسکرهای تیموری این تیر عثمانی را بزنجیره گشتهای جنگی خود اسیر ساختند ، گذرهمین سال اسارت ازدست تیمور ، شربت شهادت نوشیدازین حرکت وحشیانهٔ خود تیمور صرفاً یك معاملهٔ واسعداد بسیار بروقتی به دولتهای عیسائی اوروپ هکه جملهٔ شان بادول اسلامی عثمانی درسر پیکار ورای ضعیف ساختن یکقوت کلی اسلام ، در مطامع همیکر خود شان میکوشیدند ، رسانید ،

سلطان بایزید ، بمیکه درحرکات ومباحثات حربی خود بسیار تیزوتند بود ، وبردشمنان بهمیر سرعت وشدت میرفت ترکان « یلدرم » صرفش کردند ، که بفارسی معنای آن « برق » است که ، یعنی به سرعت وتیزی مانند برق بردشمن میافتاد ،

« سلطان محمد خان جامع »

بعداز بایزید پسرش محمد اول دوباره در آسیا اقتدار پیدا کرد ودراروپ هم آمده بکمال متانت باعیسائیان دوباره تجدید عهدو تجدید حدودنمود ، وچون ازهمه طرف خاطر جمع شد ، بسیار زودی همه را گذشته کی ها ، وبدنامیهای که ازجریمهٔ قبیحهٔ تیموری بسلطنت رسیده بود جمع کرد که ازاینرو نام « سلطان محمد خان جامع » شهرت یافت ودهسر ۲۸ سالگی بصدارت حکومت ۷ سال رحلت فرمود .

« سلطان مراد خان ثانی »

سلطان مراد خان هنگام ترکات سلطنت جلوس فرمود ، برای تهدید قیصر قسطنطنیه که نقض عهد کرده بود ، یك عسکر فراوانی باخود گرفته قسطنطنیه را محاصره کرد ودرقرب بود که قلعه فتح شود ، که ناگاه ازشنیدن خبر آمدن مصطفی برادر خورد سلطان ! عسکرهارابرداشتن محاصره ، ومراجعت امر داده شد ، وسلطان خودرا برای رفع ساختن فساد خانه جنگ اولتر مجبور دیده وعودت نموده علاوتاً فرونشاند ، وچون ازین مهم فراغت یافت دوباره بمیدان مقابلهٔ عیسائیان برآمده جزیره « زمبقی » را از حکومت « وینس » ضبط نمود ، وحصهٔ جنوبی یونان ، وعلاوهٔ سلانیك ، وموریا را بر فتح کرده درمقبوضات خود افزود ، وولایت « تراندوزیا » ی حکومت مجارستانرا تهب وتاراج داده بلغراد اسیرانش واپس شد ، وبا عیسائیان عهدنامه کرده چندی ازاهل دنیا ازوا گزین گردیده درحلقهٔ درویشان در آمد ، ولی اخذانتقام نقض عهدی که بنابر اشتعال چپ روما از دولتهای عیسائی همسایگان سرزده دوباره سلطانرا براهستن بمیدان کارزار مجبور ساخت ، دراول امر سلطان نابغ مراعات شرایط السنایت ، عهدنامه تازا بروی تازه بلند کرده بدشمن وانمود که مکر ازکند ، ولی دید که عیسائیان هیچ ازاتفاق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1098 of 1786

توده رعنا گر عثمانی جهاد آوردند و بانگ معرکه بسیار شدیدی بین فریقین واقع شد که نتیجهٔ آن غلبهٔ شاه عجارستان وقتح عمومی ترکان منحصر گردید. بعدازین جنانه دهشت آهنگ سلطان بایکار دیگر درمیدان « کیورا » بمقدار عجارهٔ پیهم سه روزه عساکریان را شکست داده هان که ازمیدان جنگ « ادرنه » رسیده بعارضهٔ سکته بسال ۸۵۶ بعمر ۴۹ وقت یافت ودر اواخر ایام حیات خود بفرزند خویش « محمد » فتح قسطنطنیه را بشارتی کرده بود.

« سلطان محمد خان فاتح »

« محمد خان ثانی » بعمر ۱۹ سالگی برتخت مالک تخت سلطنت جلوس فرمود. واز برای تکمیل وایفای وصیت پدر خود عزم وارادهٔ فتح قسطنطنیه را بدل مصمم ساخت. وتوطئهٔ جنات را گذاشته درقصر جانزیت مقابله عویمی کرد. که مرا سر مخالف ومنافق معاند سیاسی وحزبی وی بود، چنانچه قیصر بدون دادن اعلان جنگ وبکر جارهٔ برخود حصر دید. وطرفین بنای تحاضر وتهیات لوازم حربیه را گذاشتند. قیصر ازدولتهای جوار معاونت واستمداد جوئست که بعضی ازانها چیزی قبول کرده بعضی هم امتناع ورزیدند. ازان طرف سلطان محمد خان نیز با بانگ عسکر جراری که علاوه برصوبه لران آلات حربیه جوتیکوی ومنجنیق نیز تهیه وتسلیح کرده بود حرکت کرده به بعد مسافه « میل » از قسطنطنیه عساکر را صف داد « ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً » کانهم بنیان مرصوص ». بدین عسکرها یک عدد کافی مشاهیر « وعلما » واصفیا محض بتاریشکا تحلق ها وعطاء های مؤثر آنها در دل عسکرها یک تلاطم جذبات وبانگ طوفان جوش حسیات مجاهداته پیدا میتواند پرداخته شده بود ودرمه جمادی الاول سال ۸۵۷ هجری قسطنطنیه را امواج بهیا درمیان محاصره گرفته ودراین مرحله مدافعین خوب جوهر حرأت وجسارت خود شارا نشاندادند وتاقریب اضافه ازیکماه مقاومت نموده تهیر را تسلیم نکردند مگر بالآخر چون دیدند که قوهٔ بحریهٔ عثمان نیز پیدتر که برای گلباری حاضر است ازحفاظت قلعه مأیوس شده شهر را برای ترکان گذاشته، که فی الحال عساکر عثمان مظفروضور داخل شهر گردیده ودرتمام شهر برای دوروز مالک غنیمت منتشر شدند « طاسواخلال الدیاروکان وعداً مسئولا ». سلطان از همه اول کلیسای « ایصوفیه » را بمسجد تبدیل داده حکم فرمود که درمیان اذان بگویند وبجای ثلیث ۱۲ سند سالهٔ ترویج توحید. توده تاز طیر را درهمان حالدا کرد. وبشارت فتح قسطنطنیه بنام « سلطان محمد فاتح » معروف گشت.

سلطان محمد خان فاتح قرار قسطنطنیه، « بی شهرها وممالک دیگر را نیز مفتوح ساخته است. آینه بالغت یونان وممالک اقلیسا، وصربستان، وبوسنه، واذربیجان وقبچاق تا کریمه را نیز درحکومت خود اطاق داد. ودرسال ۸۶۷ هجری فتح ایطالیا را درنظر گرفت. وبرای بسر رسانیدن آن بانک ذخیرهٔ عظیم آلات واسباب مایلزم حرب را بانک عسکر متنعم فراهم آورده بود. چنانچه بشرکه « اوترانتو » ی ایطالیا را فتح نموده وعسکر کثیری با باتج حرب برآن پیاده ساخت. وعنقریب بود که آرزوی دیرینهٔ چندین خود بازیدرا انجا آورده مگر که تقدیر بان نرفته ودو سلطان را رفع کرد. بعضی مشکلات دیگر از ان اثنا ظاهر شده بسر حد وسیال عودت نموده ملت خود را از گذشتا زایرانیان وبعضی سلطنتهای اسلامی دیگر نجات داد. ودرسال ۸۸۶ هجری بعمر ۵۱ سالگی بعد از سلطنت سی ویکسنه سال درآنای سفر که برای سرانجام دادن مهم شاه ایران مورد رو حتی به اصلاحی طرین شتافت.

« سلطان بایزید ثانی »

پس ازوفات سلطان محمد خان فاتح پسرش بایزید بعد ازانکه برادر خود شهزاده جم رابکمک جدیدان مربسر تخت دانیالا آخر مستقل سلطنت شد. ویکچند غزوات مهم در خلاف عساکریان کرده علاقهٔ کثیره اوتوپیا « را درحکومت خود شامل کرد. وبسر بعضی شهرهاقلعه هارا مستحکم ساخت. مگر « سلیک علیه السلام » مشرب بود خونریزی بی نوع بشررا دل رفت مزاجش چندان نمیپسندید. ودرعهدی علوم ومعارف بس رقی واشاعت یافته ومکتبها ودرسخانهای کثیری تأسیس گردید. وعدهاشقاطعها وعلاقه ها ومهمالسر اها تعمیر نمود که ازانهاجمیع خلق انتفاعات میکردند ودراخیر، سلطنت راترک داده بایسر ان خود گذاشت وعمر ۶۲ سالگی درسال ۹۱۸ « بغداد حکمرانی ۳۱ سال ازهمه قالی به سرای جاودانی رحلت فرمود.

« سلطان سلیم اول »

این سلطان بلنجاعت، علوهمت، شجاعت، فتوحات، رغبت سیاست، عزم، وایالت شانی خود سزاوار آنست که نامشخلدان عثمانی به آن مفتخر کنند. همین سلطان عظمت شان است که سلاطین عثمانی راه خطاب سلطانب « خادم الحرمین الشریفین » ولقب « رافع القاب خلیفة المسلمین » نایل ومفتخر گردانید. درسال ۹۲۳ « ازاطراف مصر ممالک عثمان را بسیار وسعت داد. وچون علاقه مندی درزیر حراست سلاطین علویهٔ مصر وداز آزوازفتح مصر خیلیاً درتحت حفاظت سلطان سلیم آمد. دیگر طرف بیاض فتح تلاشیکه زشاه اسمعیل صفوی شاه ایران حاصل کرد قسمهٔ بزرگ علاقهٔ ارزانی ودیار بکررا درتصرف خود آورد. وبه این فتوحات عظیمه اثر خلیفهٔ آخرین خاندان عباسی المتلب خلافت را تبزیه او ترازانی فرمود که ازاوزا تاکنون سلاطین عثمان حق خلافت را دارای السلاطین دارند. سلطان سلیم درراه وسعت وشهرت خاندان عثمانی حقیقةً خدمات گرانقدری بجا آورده است. وازهمه برتریک خصلت روحانی الوصول « لقب خادم الحرمین الشریفین »

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1099 of 1786

برای اخلاف و اسلاف ناشد خود کتب نمود که از روی آن بر تمام بلاد اسلام، اطباء و معاونت شاهان عثمانی واجب است .

ر - سلطان سلیم - صاحب قلمرو سلیم ، بنیاد مذهب - ملوک ، مورخ جدا کش دیک دانشمند ترکی صاحب بود، وطریقت شعر هم داشت ، علما و مشایخ را به تعظیم و تکریم فراوان جامع میشمرد، وفات سال ۹۲۶ ه بعمر ۵۴ سالگی بعد از حکومت ۸ سال وفات یافت .

(از منظره های پیرامون کاخ پرگامن)
(تهیه صدا پور ، خروج ۰)
۰ سلطان سلیمان اعظم ۰

ملاحظه میشود که از این قسم تاریخ عثمانی بسوی خود جلب میکند که از روی عظمت و اجلال ، وشوکت واقتدار ، و نظم ونسق داخلی ، وفتوحات مداوم ، ووسعت ممالک ووضع قوانین فرخ دولتها و ملتهای معاصر وقت خودش گوی وشادمان بوده این سلطان اعظم الشأن در کثرت فتوحات ووضع مقررات و آثار ولیاقت اموی ودر انتظام داخلی وترقی اقتصادی از هارون الرشید عباسی درجهٔ دوم بکوچ هیچ مبالغه واغراق نکرده خواهیم بود . زیرا دولت عثمانی در دوران ترقی توأمان وی عرصهٔ از ۱۰ میلیون ۰ الی حدود هجرای کبیر افریقا از شمال غربی آن تحریق میدهد ، و تولاً از ۰ جبل الطارق به نهایی جنوبی افریقا هیابا و ناحیهٔ احمر بحر ابیض ، الی ساحل شمالی بحر هندوستان وآنوخر آ تحدید وتحدیقه بود . ۰ سلیمان اعظم ۰ تنها بحاکمیت فتوحات وتوسیع مستملکات خود لقب ۰ اعظم ۰ را لایق نکرده است بلکه بیشتر به اینسبب که در عهد چنان پادشاهان با اقتدار مانند امپراطور چارلس پنجم شهنشاه هیسپانیا وفرانسیس اول شاه فرانس ، والیزابت ولیوی دهم ، ودر پیشروی چنان مدبرین نامدار مانند ۰ کوردنس کوئومب و ۰ ریشه ۰ عظمت وهیبت خود را غیر متزلزل ساخته بالمال آسوده کی وی پروائی از ممالک همکری ، همسایگان ، اعتماد وحسن اخلاق بیشمود . این لقب به اوائب است این سلطان ترکی توأمان در سال ۹۲۲ بعمر ۲۹ سالگی بعد از وفات پدر باقتدار خود تحت مالی تخت سلطنت عثمانی را زینت بخش گردید . و پیرو یک از انظمام داخلی ، تمالک فراغت یافت ، شوق وذوق جهاد فی سبیل الله واعتکار عزم واستقامتش گردیده قریب ۲۰ بار بر اروپ حمله ودر تمام اروپ تیغ پیدریغ ترکان پهلوان درخشیدن وبرق اسلامی افراشتن گرفت، وچون تاریخ دارین نام وافعال وغزوات حیات پرافتخار وی انها وظیفهٔ کتب مخصوص میباشد از اینرو مادر ذیل انها از بعضی فتوحات عظیمهٔ این سلطان عظیم الشان علی الاختصار قارئین کرام خود را اخبار میکنیم :

در سال ۹۲۷ ه شهر تبریز ، بغداد ، [زانجمله سلالی صربستان] راقع گردید که از سالیانه اینطرف خود قوهٔ عثمانیان دستحکم گردیده بود وسلطان محمدخان فاتح مدتی از فتح آن با کام براجعت مجبور گردیده بود .

در ۹۲۸ ه جزیرهٔ رودوس را که از طرف عثمانیان ۲ عسکرهای مسلح بحری استحکاماتیکه بدرجهٔ ۲ قلعه کاری و ۴۰۰ چهار جنگی حاضر کرده بعد از ۶ ماه فتح کرد ، واین چار یک جزیرهٔ مستحکمی بود که اکثر سلاطین عثمانی از فتح آن عاجز آمده بودند ، مادهٔ کار فتح این جزیره ، بفرح الطرفین پایان آمد .

در ۹۳۲ ه فرانس از دست بوربونیان دشمن خود ، پادشاه سلطان حرص ، سایند که ۲ این اتفاقاً وی زیاده ۲ آرزوی استفاده این را قبول فرماید ، که بتاریخ یک سنهٔ مکمل بحری خود را در مقابلهٔ فرانس بمقابل اسپانیا بدریا بفرستد . امارت امیرالبحر پاشا خود خیرالدین فرستاد ، که وی ۱ جزایر هیرایا را فتح کرده وتا بحرهای جنوبی فرانس را ۱ اسپانیا سپرده بود وبا دادن داده بود فرانس تسلیم کرد ، و ۱ این حرکت فرانس خود فرانس را که ۱ دشمن خود ساخت .

در ۹۳۴ ه سلطان برای ۰ گوز ، عسکر ، ۰ مجارستان ، حرکت سفر کرد ، وصدر یک حکایهٔ شیخ سعدی را حرکت داد، مجارستان بکلولا توپ مقتول شد ، وسلطان تمام علاقه را ضبط داد واپس مراجعت فرمود .

در ۹۳۵ ه جرمن ، واوستریا هم اتحاد کرده و بر ولایهٔ سلطانی دست درازی کرده وشهر ۰ وین ، را که مسلمان گرفته بود، لشکر سلطان رای آنجا تمام ، حصار را بهدم فرموده وشهر ، وین ، را که عیسائیان را قبضه کرده بودند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1100 of 1786

بعداز محاصرهٔ شدید فتح کرده ، در اثنای مراجعت یکچند قلعه‌های جنگی که قریب شیر ، ویانا ، پرلفت اوستریا بودند فتح کرد .

در ۹۳۷ ه یك لك و ۲۰ هزار عسکر جرار را با ۴۰۰ توپ بامور ریاسته بجزم فتح ویانا ، رواله شد . عسکر های عثمان ویانا را محاصره کردند وقریب بود که فتح شود . که ناگاه یك سیلاب ، دهشت انسانی رسیده رجیمه های عساکر ترك آب رآمدوازاروسلطان بعداز اتمام حج ، ازج بوك فرویناند ، باد شاه اوستریا باج گرفت مراجعت فرموده ودراثنای راه بعضی علاقه های غیرمسوح اطاعت ورزیدند .

(از منظره های کابل برگل)
(آثار صفائکار ، جنگی باغ)

درسال ۹۳۸ ه جرمن و اوستریا ، وغیر بعضی دولتهای اوروپ باهم اتحاد کرده وقصد نموده برعلاقهٔ سلطان حمله کردند . عساکر ظفرمآثر عثمانی رسیده به بسیار زودی بعضی قلعه ها وشهرهای جنوبی جرمن راقتح کردیك علاقهٔ بزرك دراوروپ درزیر تمکین سلیمان عظمت نشان در آمد . به جانب دیکر امیرالبحر احمد پاشا در محاربهٔ بحری بعضی قلعه ها وجزیره را استملاك نمود .

درسال ۹۳۹ ه بعضی شهرها وقلعه های بزرك ومستحکم صربستان را فتح کرد .

در ۹۴۰ ه شاه ایرانرا شکست داده واز علاقهٔ خود کشیده عراق را کامل مسخرساخت وبغدادرابازاتحت تصرف ایرانیان سلب نموده در تملك خود شامل ساخت . وتاریخ این فتح از « فتحنا العراق » استنباط میشود .

بعدازین سایر قوای متفقهٔ بحری دولتهای ایطالیا ، وانیانیا وجنوا وونیس ، ودستهٔ بحریهٔ سلطانی جنك بحری ولوپانتو پیوست که بالآخره مهارت کاملهٔ امیرالبحر خیرالدین نتیجهٔ آن به فتح دستهٔ بحری عثمانی وشکست دستهای متفقه منجرشد ، واکثر جهاز های متحدین احراق واغتا نموده شد ودرین جنك ۲۵ جزیره و۳۴ قلعه تسلط عثمانیان قایم شد . وعلاقهٔ بحری ساحل ایطالیا نیز ازسیب هجوم متواتر خیرالدین تباه وویران کشت .

در ۹۵۴ ه علاقهٔ « وینه » راتاراج کرده شیرهاوقلعه‌های بزرك آنرا ضبط نمود .

در ۹۵۸ ه شاه اوستریا را مجبور کن داده بکوشه‌نشینی قرار ساخت وقلعه های استوبور ، وزتور ، را فتح کرد .

در ۹۶۰ ه بعضی قبایل سرکش ایسیائی را که در قبضه رومیلیا بودند تنبیه نموده اسلام را بیشتر دران رواج داد . وولایت « استوانی » را در علاقهٔ اسلامی افزود .

بعد دستهٔ بحری پرتکز که سواحل بحری هندوستان راتهدید میکرد ، بتاریخ استیلای شاه کجرات سلطان امیر ایجر خود سان پاشا را برای سر وی آن تعین فرموده بقایاش فرستاد که بالآخر دستهٔ بحری سلطانی بحرهای هند وستانرا از وجود پرتکزیان پاك ساخت .

در ۹۶۷ دستهٔ بحری ایطالیا را که برای حمله طرابلس غرب تیار شده بود درقرب جزیرهٔ جربه شکست داده اکثر جهاز های آن غرق وبعضی که باقی مانده بودند به بسیار زحمت بکه ایطالیا خودرا رسانیده توانستند .

در سال ۹۷۳ قیصر نو جوان جرمن « سلیمین » راضی نشده خودرا بالای طاق نسیان کشانده چونی علاقهٔ سلطانی زاتهب وغصب نموده لهذا باوجودیکه سلطان ازشدت مرض نقرس و کبر سن بسیار ضعیف و نحیف شده بودرای استخلاص علاقهٔ خودبجدان کمرزارزده آردوبارمنعطف بوده درین اثنای مراجعت یك قلعهٔ مستحکم غیرمفتوح را محاصره کرد مکرمرجند ترکان بهادر کوشیدند فتح بصورت پذیرنشد . بالآخر سلطان ازشدت مرض ازحیات مأیوس شده برای فتح قلعه دیا خواست تا بعداز کی دربالای برج بزرك قلعه بسرمك پرده عساکر ظفرمآثر دراز داخل شدند و همان که قلعه فتح شد ، روح پرفتوح حضرت « شهنشاه سلیمان عظیم‌الشان نیزبعالمهای دیکر شتافت « یشرهم ربهم برحمة منه ، و رضوان وجنات لهم فیها نعیم مقیم . خالدین فیها ابدا ! ان الله عنده اجر عظیم »

بعد از سلطان سلیمان اعظم دولت علیه عثمانیه آهسته آهسته روبرفتار ممکوس ورجعت‌قهقری گذاشت . زیرا از جای نشینان وی کسی چندان صاحب‌حزم وشایق رزم پیدانشد که همان عظمت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1101 of 1786

سلطنت را برقرار داشته بتواند ، ومیتوانیان بدون مداخله از طرف خود یك اقدام وتشبثی در توسیع دامن حدود مملکت در نظر مدت نگرفتند ، مگر درین حرب حاضر که متحدا وزاده اتفاق ورزیده است .

ایست که دولت علیهٔ عثمانیه را عین اطمینان وشجعان عثمانی اوج عروج رسانید و نام هریك ازین سلاطین جاهدین بامکان ، وسلاطین دین‌متین حضرت سبحانسلین کاقدام القیام برصفحات تاریخ ثابت ونقش خواهد ماند باعث ترقی مرفوم وعلت جد وجهدهای خود آنست . وانسان کاخود چیك اهمری اقدام‌نورزد شعر است که آن کار خود بخود سرانجام میابد ، مالین مقالهٔ باجازهٔ خودرا بیادملاحظهٔ کرا کزاعالی وطنی عزیزما ازتاریخ ترقیات رادران دینی خود عثمانی ، کثرت وتوفیت و اطلاع دارند توضیح کازیعنی تنبیهات میدهی که ترکان برادر در اعلای کلمهٔ دین حضرت خاتم الانبیا علیه افضل الصلوة و الثنا قیام کرده اند باعث شوند ، عده تذکرة ، فی تلك الخذ الی ربه سبیلا .

(عبدالرحمن محرر اداره)

اخبار خارجیه

قبل ازین گفته بودیم بازهم میگوئیم که زمانهٔ اخبار بخیر است ، ذرایع خبر رسانی تنگ‌اند ، تلفونها ، تلگرافهای ملتظم است ، تلگرافهای هوا ونیا که درمیان کهسارها محصور ومحفوظ مانده ، واز ذرایع هم محروم مانده چه خواهند کرد ؟ خلصه ازتلگرافهای هوا ونیا آنست که ازبندر دریائی محروم مانده ، آنچنان تلگراف بیك خلاصه میاید که ازهیچ طرف وخوارهای صاف ویك خط آن درراست بانه شده هیچ یك روزنه ، ومنظره ، وبخرهٔ را مانك نیامده که ازان بیرون خلاصهٔ خود یك نظری انداخته بتواند ، چه مدهش حال ! علی الخصوص که راه رفت وآمد ، واختلاط وارتباط هر جیل‌محدود ومدیب بی اسیای وکم آلای مفقود مانده باشد ! هرگاه از جهت بلوچستان یك منظره ونخرهٔ را مانك دیدیم الته ویارا دیده میتوانستیم ! . . .

مالین نظریهٔ خودرا از جهت سیاسیات دولتی عما که کرده نمیتوانیم ، زیرا آن یك چیزست که باوجودیکه بکاه سرمایهٔ سقط مقاله ، وفرزانه مشاجرهٔ قلن وقال اخبار نکاری باید شمرده شود ، ولی چه دیده که عدهٔ کثر علاوه قوت وقدرت تحریر را در آنجا بیدر خود نتواند چیند ! . . .

این اخبار افسوس و حسرت ما بعض منحصر به اخبار ما وفقدان خبرها برای آنست وبس ، قبل از عمارهٔ منحوسهٔ حاضره اخبارهای گوناگون عربی ، ترکی ، امریکائی وغیره برای ما میرسید که ازاسباب خبرهای مختلفه ومتنوعهٔ رنگا رنگی بنظر قارئین کرام خود عرض کرده میتوانستیم ، حالا نیکه از آغاز حرب آن اخبارها پاییرسد ، ونیا بواسطه های اخبار های اردو وبعضی انگلیزی که از هندوستان می‌آید مشغف میشویم .

ایست که دربیکار به بعضی اخبار های ایران مستفاد شده و ، گاهی‌چیدیم ، گفته بیاً به غل خبرهای آن پرداختیم ، اگر چه یکنظری کهنه نیست ، امابعد مصادیق صریح ومسلمه دارساسوری را خورده‌موردهای زندگی حاصل کرده اخبار آنرا بیك طعام جدیدی که ـ اگر چه یکنظری دنی هر خلقه ـ بازاخبار خودرا محتاج یافتیم .

« نقل عبارات الهوا فی النقل »

منقول از جریدهٔ بهار

مدیحهٔ طهران

کیفیت ورود عساکر عثمانی بطهران

شب روسها ازکنار عاصمه جلوجر ک کرده رفتند بمجاهدین بطرف پیشقراول قشون عثمانی برین ترتیب وارد شدند :

(بدون اینکه ازطرف ایالت جلو پیشواز بدهند مدتی بکال شوق و شعف یك پیشواز واستقبالی نمودند که تا کنون کسی دیده بود واز عهدهٔ تحریر من عاجز است کان میتوانند بنویسند بعد وقطعه مرتبه‌ازاسه پیست دو یکه درشهر مانده بودند همین بوده بارق سعدك ایران ویك برق علاءاحر وبقرای استقبال نمودند)

ابتداء یکمکرم اللك وارفیع بقدر کاکنك ایالی نشانه پی ازان عقار یك در یك قاپوتن ومتعاقب آنان یکهزار دویست نفر قشون که تقریبی بوده وصاقی ا گرانه بوده ورود نمودند هنگام ورود ملت از شادی دست بهم میزدند قشون عثمانی سلام وسلوت صدارا بلند مینمودند وبعد هم تعظیم می کردند بروانع بانداز بالشکوه واجلال استقبال شده ودراندیشه شدند که هیئت از کثرت شعف میخواست بگرید ، ازانمه ملای باشهای خودشان تلامیذ ایران نصب نمودند اوامعیشا مسکیاً منزل ایات رفتند وشب هم دهان بوند سوارها در کاروانسراها جای نمودند ، ودرهر حال هرچه میخواهم شعف‌ملت ایرانرا دراین موقع مختصر نموده و فکر بنویسم قلم‌خودش پی‌اختیار این شعف را مینویسد ، ودر واقع امروز عیدوده ملت بود (زدن دشمن ـ آمدن دوست) فراقهای ایران که روز بخشده‌بیترز آمده بودند واین آنرا بپاسنج فرستاده بود عصر روزجمعه برحسب امضا پاسپورت شدند ولی کلاهتان نشان دولت ایران‌داشت ـ ادارهٔ نظمیه را که روسها نشته بودند بیکدیگر بری دولتیارا نصب نموده وحدودش دراقعا نشته است امروز آنرا دیگر آنرا بجای کذاشته

روز گذشته چنانچه عرض شد عصر زیادی درشاه عبد عظیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1102 of 1786

اجتماع نموده ومختار پیانما کالسکه‌ایرا وارد شده وروی سکوئی ایستاده نطق مفصلی باین مضمون کرد :

« باید امروز که دولتین اسلام باهم اتحاد واتفاق نموده اند ، ساعاهم اتحاد تایم. عبدالحفیظ من کمر از جان وتن خواری خارج شدند .

تامسلما ن امروز باید متحدا کفار را که در صدد ایذاء واذیت ما رآمدند ازمیان برداریم و آنان را گوشمال سختی بدهیم. آیا خاطر دارید که روسها پادشاه ما چه کردند و پادشاه ما چه امید داشت که در بارمشهد چه خواست بکند و پادشاه ما؟ مخاطر بیاورید که بدست خود شاهرا بکشان ثبارا در حوض های آب خفه کردند و آنان را بچوبهای مارپیچی آویختند . میدانید چه بشکلها برای خلق دول وملل اسلام بکار بردند که نزدیک بود بکلی رشتهٔ الفت ومحبت اسلامی که از دوران پیغمبر ا کرم (ص) مابین مسلمین دوستی گذاشته بود از میان برند . الحمدلله که باین آزادی پایدار ند وبکوری چشم دشمن اتحاد اسلامرا آنگنان محکم دیده دوتن دیگر نیز نطق مفصلی ایراد کردند سپس موزیک مترنم شد — امروز عصر قریب پانصد نفر از اکراد جاف دولی وامیر فیروز پسر سلیم خان نیز وارد شدند وداخل شدند — فشنون للملاقیهم کوباً فردا وارد میشود

امروز مختار پیانما اعلان نموده که مضمون آن اینست :

« اعلیحضرت سلطان محمدرشاد وامپراطور سلطان احمدشاه باهم برادر شده اند ، یعنی مردم از ورود فشون عثمانی واهمه دارند ، در حالیکه نباید واهمه داشته باشند چرا که سلام برادر وبرادر ویکدیگر وبحمدالله خاک ایران را از کفار پاک نمودیم »

منقول از جریدهٔ (وطن)

منشعبهٔ طهران

ابلاغیهٔ سفارت کبرای عثمانی

جواب ابلاغیه انگلیس کمتر مورخه نوامبر ۱۹۱۴ (۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲) در روزنامه رسمی هندوستان انتشار یافته و۱۵ ذیحجه هم در جریده رعد ظهر ان نمره ۱۹ نشر نموده‌بود دیلاتبلیغ میکنیم تاریخه معلوم شود که حالت دولت انگلیس رضد دولت عثمانی واقع شده ودولت مشارالیها در ابلاغیه که بدیه اعلان جنگمابین دولت عثمانی وانگلیس ومتفقین شمرده تمام وقایعرا بدون استثناء ام وجدان تقبح داده است

چون مقصود از این ابلاغیه این است که جانب اسلامرا بالشتباه بیندازد خواستیم وقایع را آنگنان در تحت انظار عامهٔ بگذاریم تا ثابت شود که بعد واندازه دولت انگلیس دشمن خلافت اسلامیه بوده ومیباشد

دولت انگلیس دولت عثمانی را متهم میکند بقطع ابکه دولت عثمانی از دولت آلمان دوکشتی جنگی خریده است ودولت خصوصاً بای که دولت عثمانی را مجبور باین خریداری نموده است هیچ سخن نمیداند فی الحقیقه چندی پیش از اعلان حمیت دولت انگلیس دو کشتی زره پوش مارا که در کار تعاونی خودش ساخته شده بود بدون اداده وجوه انها که قبلا پرداخته شده بود توقیف نمود در صورتیکه این دو کشتی چنگی بموجودیت سیاسیه دولت عثمانی خیلی لازم بود بیک‌صورت خلاف‌قانون غصب وبرای این دو کشتی که (سلطان عثمان) وبادشاه نامیده شده قبل از افتادن برق عثمانی مدار غیر فعلا به تصرف خود دولت‌انگلیس بدون سبب دولت عثمانی در عوض این دو کشتی مقصوبه دو کشتی زره پوش دیگر که دولت آلمان با کمال دوستی تقدیم میکرد بالبداهه بقبول آنها مبادرت نمود

دولت انگلیس برای بستن بودن دارد ائل شکایت میکند غافل بسته شدن بوغاز مذکوررا به تفصیل ذیل اظهار میدارد :

در حالت بیطرفی دولت عثمانی دولت انگلیس بجهاء اینکه بخدمت دولت عثمانی چندین صاحب منصبان آلمانی هستند رسماً اعلان نمود که کشتی های جنگی خودش که در مدخل بوغاز دارد ائل لنگر انداز بودند سلطان حربیه عثمانی را بخطر کشتی جنگی دشمن گرفته وهمچه خواهند نمود در مقابل چنین اعلان خصمانه دولت عثمانی مجبور بود که برای تامین ادراب مدافعه بی‌تخت خود دارد ائل را مسدود نماید چنانچه منظور همین است استخدام صاحب منصبان آلمانی بخدمت عثمانی حرافیور داخله چیز دیگری نیست ابدا محل اعتراض بیک دولت اجنبی نمیشود

اما در خصوص تمامیت ملکت عثمانی که انگلیس میکوید تامین کرده است مادر حقیقت نمونی میدانم این تامینات چیست اینانگلیس نمود کدام تمامیت ملکت‌را کدر جنگ بالکان از طرف دولت عثمانی عراض از او خواهش شده ودو دفعه برای تحریب مخالف عثمانی همیشه بارهارا تحری داشت ؟

حقیقة دولت انگلیس بتوسط (باشقنسول) وسایر خصی اسلام الخارجه والبالکان ارضد عثمانی استفاده ومدت اختاد حمیت نام تعالیت سیاسیه خودرا بتامین وا کنار نمودن اراضی عثمانی کدر اروپ واقع شده بود بدولت‌متفقه بالکان استعمال نمود معهذا هم‌انگلیس بود که قبل از اعلان حمیت مسارعت باعلان نمود که بهیچ‌وجه بیطرف خواهد (انتا توقو) حربی خواهدشد ووقایع در اجانبوب گواهی میدهد که مقصود انگلیس ازین بیانات مخالفانه این بوده است که در حال مظلومیت دولت عثمانی را از ثمرهٔ فتوحاتش محروم بگذارد

حقیقة در زمان امتداد حرب از طرف عثمانی اسکوت رئیس الوزرای انگلیس بلاتردد دولت عثمانی را تهدید میکرد که اگر فلان خارجه این شهررا تخلیه نکند به ساحله اروپ مثلا خواهند شد حیل وتعلیات انگلیس فقط در اراضی از دوال عثمانی محدود نشده‌بلکه چندین مجال اینکه در خارج دارس تمامیت ملکیت عثمانی را اخلال کنند ودرین قسمت ملک عثمانی بکتاب دخول بحریستان که از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1103 of 1786

مدتهای مدید آرزو میکرد بدست بیاورد تقدیرا که از طرف رجال دولت خودش کشیده شده بود تعقیب مینمود

دولت انگلیس برای جلب نمودن رؤسای قبایل این قطعات از هیچ اقدامی کوتاهی نکرد ولی چون وعنایات خدای متعال شامل اقداماتش بی نتیجه وهمدان رؤسا وشیوخ امروز متفقین واحده برای دفاع کردن از منافع اسلام زیر پرچم سلطان وخلیفه خود قیام مینمایند

دولت انگلیس بمثابت حصه خود چسبیده بر اقداماتی که دولت عثمانی برای اصلاح داخله خودمینمود مخالفت میکرد بدولت روس اتفاق کرده تمام قوه خودرا در ردّ دولت اروپ استعمال نمود برای اینکه هیچ یك از متحصصین تماکت خود شان اجازه ندهند که داخل خدمت عثمانی شده به امر اصلاحات وتشکیلات جدیده کلت کنند فقط اعلیحضرت امپراطور آلمان این تقاضا بدرخواهانه اهمیت نداده واطف فرموده جناب (لیمان ساندرس پاشا) را مأمور اصلاح اردوی عثمانی کامروز باخواست خداوندی بقوای متحده خصماء مبارزت میکند مأمور فرموده رای بخون آشکار نمودن بالیتیك انگلیس رسمه اسلام کفایت نمیکند که تنها وقایع رجعیه بالیتیك خصماء اورا رسمه عثمان بحفظ بیان کنیم تمام دول اسلام هدف این خصماء اوشده اند فقط برای یادآوری ازین پالیتیك حرکات اورا درمسئله مراکش ذکر خواهیم کرد فی الحقیقه بعد ازینکه بامر مراکش بشان شد و او را در دفاع استقلال مملکتش از طرف خود تعیین بر حسب معاهده ۱۹۰۴ عیسویه تضمین بطرف فرانسه ازامور خط مصر امپرمتار اینرا بدشمان حرص و آز فرانسه واگذار وامضاء کردن این معاهده کله دو حکومت اسلامیرا که عبارت از مصر ومراکش باشد امضاء نمود چند سال بعداز آن بالشتراك روس متضمن همین معنی یك معاهده نامه متعلق به خلیج پارس عقد ویاکه منطقه نفوذ مقاصد استیلا کارانه خودرا ابراز نمود ازان بعد درجه تحول حقیقیه این معاهده مشئومه کاملا کشته حقوق اقوام وملل است ظاهرشد وهر یکی از این دو دولت ناصره در خصوص حقوق حکمرانی اعلیحضرت شاه ایران ناصره رفتار نمودند

معلوم است که علاوه‌تون قرن آن عهد را دست گرفته بیان نمود که نامدتیکه این مکتاب در روی زمین وجود دارد باز روی صلح خواهد دید دولت انگلیس که علاوه‌تون در اطق فوق الذکر چنان حسیات وبیانات صمیمانه اوست یك قرن تمام است که بواسطه‌ی توان اقتراف نموده کوشش میکند که از جدول ممالك آزاد وبالیتیك اسلامی را محو کرده باید بقبال تهیه نمودن مزیت استانه جهة تجار حریص خود دولت انگلیس که عالم اسلامیرا که حیوانه در حال تعقیب است به پالیتیك خود بگرداند سعی مینماید که تحریر وپشتیبانی ملت متحصه انگلیس را بخود جلب نماید حد وسپاس خدارا که چنان وسیله

بداخطا فرمود نامردمقابل دشمنان قدار انگلیس وروس وفرانسه از منافع مالیه اسلام الشاء الله رجم دفاع کنیم .

سفارت کبرای عثمانی

منقول از جریدهٔ (رعد)

(مطبعه طهران)

(اتحاد عثمانی)

صدر اعظم آلمان پس از تمجید جان فشانی متفقانه نامه مردم نطق خودرا به بیانات ذیل ختم نمود :

« زاچون برای اینکه خواست در شرق اقصی از آثار علوم آلمان غیبتی بجانه آورد بدشمان ما ملحق شد از اطرف سادوات متحدی مانند عثمانی پیدا کردیم و مسلمین میخواهند علاوه اطاعت انگلیس را از گردن خود برداشته بپاد قوه مستعمراتی انگلستان رادرهم شکسته مادر تحت پرچم قشون خود وزیر سایه تاج جهانداری مظفر ومنصور خواهیم شد . »

صدر اعظم دفعهٔ دیگر تحدیث در عهده گرفت ووعده داد که آلمان دست نخواهد کشید کامیاب اطمینانی دست آورد که امیدی جرات نماید که صلح آلمانرا رهبرانه ترجمه ازلیمس

صادرات انگلیس در مصر

علیه جریده « گزت دلاسرا » این است که پیش آمدامورات درمصر برای انگلیس کمك خواهد بود زیرا قشون ترك که براکیا حمله میاید از هر حیث مزیت وبرتری دارد . دو یکی از انجمن‌های تجارتی « زتو » قویا رسمه انگلیس وفرانسه اعتراض کرده که چرا کشتی‌های تجارتی ایطالیا را تفتیش وتوقیف مینمایند .

طبع روز نامه فرانسه در آلمان

« گازت دوکلن » خبر میدهد که آلمان تصمیم نموده است که ازاین ببعد یکروز نامه جدیدی بزبان فرانسه طبع ونشر نموده واین روز نامه برای ولایات بالتیك وفرانسه است کمقالات درتحت تصرف آلمان هستند که اهالی آن تاحالا از وقایع عمومی وجنك بی‌اطلاع نباشند .

تخریب سالی بلکاری روس در قسطنطنیه

بموجب تلگرافاتیکه ازقسطنطنیه رسیده است بتاراج کثیری عبارت از چندین هزار نفر که تابعه کان کیته « اتحاد وترقی » پولیست آنها بودند از محلات ونواحی مختلفه اسلامبول حرکت کرده ودر میدان معروف « کلا کاریا » درمقابل سالی پلکاری روسیه که درسال ۱۸۷۹ ساخته بودند آمده وآن بنارا ازبالا تاپائین یك سره خراب کرده واثاث اورا محو نمودند

قبل از تخریب اجزاتیه مقدسه کلیسا وناقوس برج تلگرافخانه را باداره پلیس تحویل دادند واز طرف حکومت اینکه تقیه مخصوصا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1104 of 1786

طرفین حلا دیده که در اطراف قلا کتیش های روسی کمتر فشار اعلان جنگ‌توان بارومتر را سان‌استفاو و اعزیت کرده جراه خود زده جو بد .

زراد زنگ بانا اجوبان مخصوص فیصر

از قسطنطنیه بدین رسما اطلاع داده شده است که زراد زنگ بانا که اخیراً طرف فیصر اجوبان مخصوص شده بوده از مقر خود حرکت و بلند - ربه اردوگاه مخصوص امپر اطور میرود

توقیف راه آهن فرانسه در شام

اداره کمپانی راه آهن فرانسه تلفن‌داره بیروت و دمشق و حما را از طرف سلطنت عثمانی بدیر راه آهن هجاز تحویل گردید .

اخیراً کمیسیونی تحقیقاتی از اسلامبول و دمشق و وه دیگر تعیین شده که در خصوص ساختن راه های آهن جدید که برای حوائج و اقتضائات نظامی و حربی لازم و ضروری خواهد بود لازمست تحقیقات لازمه نموده و اقدام بان نمایند .

خروج عساکر آلمان و فرانسه در جنگها

مطابق اخبار و اطلاعات واصله و استحضارات بارانه اسلامبول اروپا جنگهای اتحاد فرانسه بگیر چه تخفیف یافته و بعضی نقاط کلی مخلو شده و خالیست که ساطام انتصار شده سنگرها و مقر اقامت طرفین قشون آلمان و فرانسه در مقابل از خطوط یکدیگر بعد مسافت دارد

در این جنگ بر خلاف سایر جنگی که طرفین در نقاط معینه جنگهای خود نشسته و خیلی کار و کاری ندارند اطراف عساکر از دو طرف بی درپی و دائم مطلق حرکت نموده و مانند متحرک بوده تعرضات میشوند زیرا که انسان همیشه در تلاش و اندازه‌گیری پیشه خود میباشد

قشون آلمان برای آنکه در جنگهای خونشان راحت مانده و جبه بخلاف خود را مکلف نمانده یک نوع اختراع ساده کرده‌اند بدین طریق که سیم های حلی مربعات و مدورات را که خورده‌اند و حال در مقابل هر جبه خانه خود و در جبه‌های خالی را بسیمهای مقابل جنگها بسته اند و از پیش تا گهان طرف راحت شده شب و روز مواظبت مخصوص تعرض بلکه چونکه اگر کمی خواهد بطرف آنها رود سیم بر خورده و سیمهای حلی خالی بهم دیگر میخورده صدا میکند و آنها فوری متفت میشوند که طرفی آنها می آید

این نقشه سربازان آلمان یاد شده که وقت فرانسه‌ها بالا آنها شوخی دارند

در یک شب تاریک چند نفر از سربازان مشهور فرانسوی یک تهاجم خود را داشته و بدگمی و چابکدستی طرف خندقهای آلمان رفته بدون کوچکترین سروصدا خودرا بسیم رسانده و بخندق خودش مراجعت کرده وقع را نشان داده جبه های حلی بهم خورده صدایی که وآنها بخیال آنکه بالها حمله کرده اند بسوی آتش بازی و تیراندازی بطرف دشمن خیالی کشیده و فرانسه‌ها از این تدبیر خوش خود تفریح میکنند

یک نوع شوخی و تفریح دیگر آنست که بالنها آدم طوری دست کرده لباس نظامی پوشانیده و بچوبی وصل کرده از خندق بالا میکنند و طرف مقابل گمان آنکه آدمیست تیر بطرف او انداخته و از هر طرف که تیری آید آدم مقوائی را از این طرف و آنطرف برده و دفعتاً تیراندازی برای همین صورت از میان میشود

مخصوصاً سربازان جوان خیلی از این شوخیها دارند ملاحظه که چقدر برای جوانان آنها میرسد چقدر های درشت رابه میت کاران و کارهای عمده داری میدانند داده و آنها کار بکار درست کرده و صورت اینطور را روی چقدر باخود کار درست نموده و بخدمت به طرف خندق دشمن میاندازند

بعضی اوقات وسط چقدر را خالی کرده و بالایه های راجبه بطوریکه خودرا در آن یافته بالباس مخصوص بسوی خندق و خطوط خصم پرتاب میکنند

هرگاه اخبار خطوط جدید قشون فرانسه خبر رسید که روس در لهستان فتح کرده است بهمن وسایل و جبه شیپور نقل صدا خندقهای قشون آلمان این فتح را اطلاع داده لیکن از طرف آنها هر طوریکه جواب رسید که ابدیای تنها واهی و فتح روس کذب محض است و بیهوده گوئی میکنند و منتظر چنین طرفه سؤال و جواب شروع بشلیک از طرفین شد .

درهمین صورت این تو خالی میشود لیکن مانع آن نیست که طرفین در دو طرف سربازان برای اعدام یکدیگر با کمال تمدت حمله نمایند

آخرین خبرها

لندن ۱۱ مارچ - یکی از اخبار های انگلیزی

پیرارگ - یک جهاز حربی پاس آبهای هشت جهاز را غرق نموده است کلاً تجمله سه جهاز انگلیزی و سه فرانسوی و یک جهاز روس و یک جهاز امریکوی بوده است

زخمی شدن جنرالهای افواج فرانسوی

لندن ۱۳ مارچ -

جنرالهین کوزی آمر کاندو جنرالهای دوم و سوم معاینه جندق اول که از جرمن غاصبه می گردند به گلوله‌های تفنگ زخمی شدند -

غرق شدن یک کروزر و دو اژدر اندازی انگلیز

پاینو نام کروزر انگلیز بادو سه طرف بتاریخ دوی جرمن غرق شد

در چاپ خانهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقالجاتیکه منتشر شود از طرف مدیر و سر محرر مجرید که

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1105 of 1786

شرایط خریداری					
دارالسلطنه			ولایت داخل افغانستان		
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی		سالیانه	یازده روپیهٔ کابلی	
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی		ششماهه	هشت روپیه کابلی	
در خارج افغانستان					
هرجائیکه باشد با اجرت پوسته					
قیمت سالیانه	دو روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	یک روپیه انگلیزی		

به ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای روپه انگلیزی یازده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند

یادآوری

رهنمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیک جایدیگر جاروخویاشده میباید که یک کرته مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رفعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود دارد در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرقسم اعلان وانتشاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطریک قران یعنی ¼ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقیمه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ¼ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطر ۲ ثانی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً یکسال نشر کردن خواهد دوسه یک ساله را پیشکی ادا نماید ورق پشتی را در سطری سه اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1106 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خصوصاً

برادری عزیز

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از اشکالات ارسال اخبار مشترکین کرام دار السلطنه کابل جلوگیری بعمل آید لیکن باز هم بعضی اوقات مرکز دار السلطنه کابل یک ماه و بعضی دفعات تا دو ماه مقدار اوقیانوس و توزیع اخبار بلدا که بعهده مشترکین کرام ما رسالت درجهت حیث خود قبول نموده، مشترکین کرام دار السلطنه خود را بنظر دقت گرفته بعد ازین اخبار عاری شان بدون واسطه غیر مردا مراجعه آدرسهای دا کتابه خود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

حق و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوق در اداره موجود است، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت زره‌ورد دور زمین پهناور روی مجلد

سیاحت در جو هوا مجلد

سیاحت در زیر بحر مجلد

از هندهن سلمی و از هرجن سلمی مجلد

رودهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مفوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت مزدوه افغانان از کوچه عبدالرحیم خان سرحدی و از نگارخانهٔ کتابفروشی مزار الله قیمتهای معلمی که در پشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند.

و اگر از اطراف و اکناف کشور آرزوی خریداری کتابهای مفوقرا داشته باشند در سراج الاخبار افغانیه اداره کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1107 of 1786

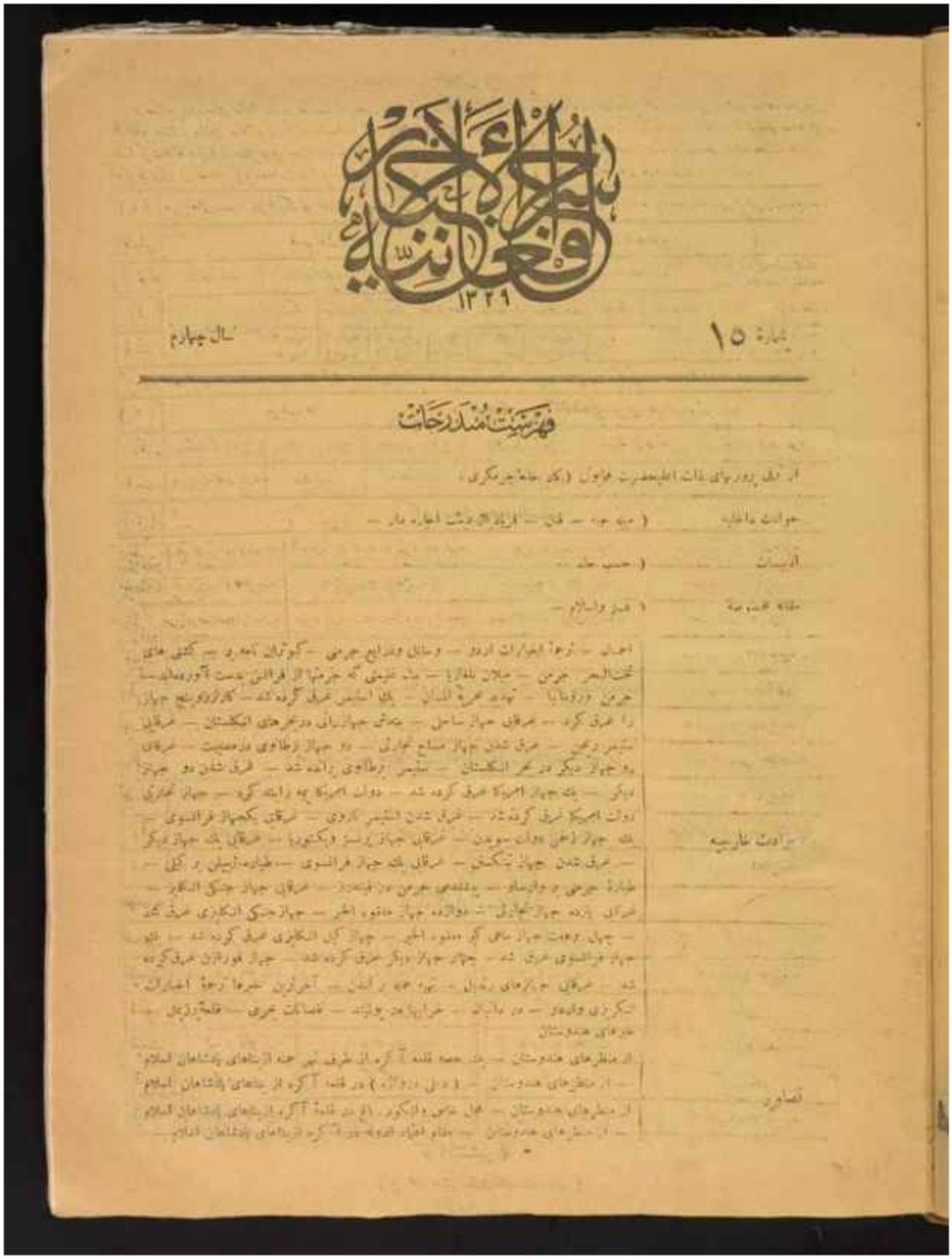

شمارهٔ ۱۵ سال چهارم

فهرست مندرجات

از قلم پرورپای ذات اعلیحضرت همایون (کلاه جلد مکرر)

حوادث داخله (میتینگ — قتل — افزایش بودجه اعتبار مالیه — ...

ادبیات (حسب حال — ...

مقالات علمیه و (فیزیک و اسلام — ...

حوادث خارجیه — اخبار — نرخ اعتبارات اردو — وسایل وذرایع جرمنی — کوتاه نامه بر — کشتی های نخت البحر جرمن — میلان بلغاریا — یک تلگرامی که جرمنها از فرانس بدست آورده اند — جرمن وروسیا — تهدید حرمة الثانی — یک اسکیمو غرق گردانده شد — کارلزروهیچ جهاز را غرق کرد — غرقاب جهاز ساحل — بعضی جهازهای در بحرهای انگلستان — غرقاب تیلیمر ربحن — غرق شدن جهاز صناع تجارتی — دو جهاز ژاپانی در مصیبت — غرقاب دو جهاز دیگر در بحر انگلستان — تیلیمر ژاپانی راهنده شد — غرق شدن دو جهاز دیگر — یک جهاز امریکا غرق گردانده شد — دولت امریکا به راپنه کرد — جهاز تجارتی دولت امریکا غرق گردانده شد — غرق شدن تیلیمر کاروی — غرقاب یکجهاز فرانسوی — یک جهاز راجع دولت سویدن — غرقاب جهاز ژنرز ویکتوریا — غرقاب یک جهاز دیگر — غرق شدن جهاز تیکنس — غرقاب یک جهاز فرانسوی — طیاره آسیلین بر کلی — طیارهٔ جرمنی بر وارسا و — پیشقدمی جرمن در فینلند — غرقاب جهاز جنگی انگلیز — غرقاب یازده جهاز تجارتی — دوازده جهاز دشمن اخیر — جهاز جنگی انگلیزی غرق شد — چهل وهفت جهاز ماهی گیر دشمن اخیر — جهاز گن انگلیزی غرق گردانده شد — یک جهاز فرانسوی غرق شد — چهار جهاز دیگر غرق گردانده شد — جهاز فورلان غرق گردانده شد — غرقاب جهازهای رذیل — تیره جهاز از آلمان — آخرین خبرها ازجوا اخبارات انگلیزی والیدو — در مابانه — خرابی در وارنه — تصادمات بحری — قلعه ژیل جزایر هندوستان

تصاویر — از منظرهای هندوستان — یک حصه قلعه آگره از طرف نهر جمنه از بناهای پادشاهان اسلام — از منظرهای هندوستان — (دیوان دروازه) در قلعه آگره از بناهای پادشاهان اسلام — از منظرهای هندوستان — محل خاص و دیوان خاص در قلعهٔ آگره از بناهای پادشاهان اسلام — از منظرهای هندوستان — مقابر اعتماد الدوله در آگره از بناهای پادشاهان اسلام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1108 of 1786

اعلان

از صنایع پرورپهای بانت ستوده صفات اعلیحضرت بدایع انتباه والاجاه پادشاه پرفیضگاه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ میار گا دارالسلطنه کابل علاوه رایجهای حوایج دولتی وعسکری سایه آلات حربیه دفاعیه واونیفورم رسمهای عسا کرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات ماشین کارخانجات نیز اندانیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله جان دربازار ارك) میباشد .

(۱) سریهای پشمینه بافی ورنگهای مختلف کیفیت آن از کلوزی ۳ قی تا ۱۰ شلنگی شده درحصه وفعالهٔ حسبی هر فروش میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم بطوری گفت قیمت آن ۱۰ پیسه الی ۱ افغانیه
رقم	رنگه کامل ساخته نشده	خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه	۲ روپیه ۱۱ پیسه	۲ روپیه ۴۲ پیسه	۰ روپیه ۴۸ پیسه	۰ روپیه ۱۸ پیسه	۰ روپیه ۱۱ پیسه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی | کشمیره چهارتاره ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره رهدار هر قواره ۱۰ روپیه بیست پیسه

(۲) جراب ها — (۳) تکمه‌های چرمی جراب ومنبرد ر

رقم	نگهانگه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قی‌درجن	میانه قی‌درجن	خورد قی‌درجن
قیمت	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۴۵ پیسه

(٤) کروه های جدید ساعت

رقم	زه باف یك اسپه دو کوه سه تاره	چرم باف یك اسپه	یك اسپه یك تاره نخی
قیمت	۹ روپیه و ۹۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاله یك اسپه	دسته دولاله یکی یك اسپه	چرم باف صرکلی
قیمت	٤ روپیه و ۴۸ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	٤ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قیمت کلیت قرار از چرم به لایه کوچانه	زه باف رقم سواری ساعی گلیت	زه باف دو تاره رکاب
قیمت	٤ روپیه و ۷۳ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵٤ پیسه
رقم	چرم باف میانه چوب پت زاده	ازرین سواری تیغ چرمی	زاده ابریشم جاقاده
قیمت	۵ روپیه و ۸۹ پیسه	٤ روپیه و ۴۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته دولاله‌ای تیغ چرمی	از زین سواری دولاله تیغ چرمی گمطلا دار	چرم باف سایبان چوب یك اسپه
قیمت	٤ روپیه و ۴۹ پیسه	٤ روپیه و ۴۵ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی ، هر

قسم	گل نخ پان	گل نگوستان	گل پرینه	گل شبو
قیمت	۵ ریه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۹ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	تکونهٔ کارنج	گل یاسمن	گل لنترن	چنبلی
قیمت	۷ ریه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	تکونهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل کنده
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵٤ پیسه	۶ روپیه و ۵٤ پیسه

المشتهر

(میرمحمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کوهدامن لغمان)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1109 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم نمارهٔ (۱۵)

قیمت سالیانه

مدیر و سرمحرر

محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه

در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

جمیع امورات تحریریه باداره خانه بنام مدیر فرستاده میشود

(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

کابل ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۳ تاریخ انگریزی ۳۱ مارچ تاریخ شمسی ۱۰ حمل ۱۲۹۱

از ترقی پرودیای ذات اعلیحضرت همایونی

کارخانهٔ چرمگری

چرم یک چیزیست که بسیط ولیت آن هیچ‌کس دری گنج و کار اهمیت درجهٔ لازمیت آن پنداشته است . حال آنکه این جنس پر اهمیت بسیار بامنفعت . یک جزء خیلی مهم احتیاجات عالم انسانیت و مدنیت را تشکیل میدهد .

در اوقاتیکه چون بازار اتای زمینه بال را مدیریتی نظر آدم و اندیشه کنیم که بغیر از چرم فواید جزء دیگر هیچ چیزی نیست که مارا از این درجه بسیار زیاد درجهٔ اهمیت و قدر و قیمت بی جنس علاج بارا تصدیق و تسلیم ضرور نماید . بلی ، دیگر هیچ چیزی نیست که فایدهٔ تام چرم در باب بتواند شد . حال آنکه هزارها فوایدات دیگر است که وجود چرم موقوف است .

اگر گفته شود که چرم در وقت جنگ بدرجهٔ خوب و تمام ضرور و لابد شمرده میشود ، مانعه نیاید انگاشت . هر کاه یک فردی تصور شود که بزارها آن برای بسیار اعلا و مکمل را مالک باشد ، و بکها صاحب حرار ، و بهزارها رساله جوانهای عسکر داشته باشد ، هرگاه خطاطیره وقوع آید ، موت‌ها و اغتنامهای اپهای که توپ را بکشد آیب نشده هر طوریا بزمین میاند ، کمالک گریند کار طوفتدان بوط صاحب مفقود گشته الساعه با کاپیان متصل میشود ، از آن و خام و موزه رساله را حریان پیدا شده رساله عبارت از یک جسم بلا اسمی دیگر نیست ؟

تمامی امورات عسکریه ، شنگ سلاح بسیاری از امورات صناعیه وزراعه وجود چرم موجودیت مارا این را هم بگوئیم که هر چرم ، چرم گفته نمیشود . در وطن عزیز مقدس ما قبل از جلوس میامن مأنوس پادشاه ترقیخواه علوم القلوب ما ذات اعلیحضرت ، سراج الملت والدین ، امانة دولته الی مدالدهور

والسنین چنانچه از دیگر آثار ترقیات مدنیهٔ حاضره وجوه اتم واکمل چیزی پیدا شود چرمهای ملت ما نیز به اصول ترقی فنی وعلمی این دور حاضر ساخته نمیشد ، و چرمهای اعلای رنگارنگی که تام مدنیت از آن استفادها میکند وجود نداشت .

بکنوع چرم سرخی بود که انها را برای « پزار » نام پوشهای وطنی استعمال مینمند . حالانکه آنهم از خود یک فابریک و کار خانهٔ مخصوصی نداشت ، و هرکس درهرجا که دانش میخواست پوست حیوانات را یک اصول وقاعدهٔ مخصوصهٔ که دانشمندیت ترتیب نکرده بی آنی داده و تربیه کرده چرم میساختند ، و آن چنان چرمهائیکه که بدفع احتیاجات کافی وافی آمد ، و غیر از پزار و بعضی چرمهای چادار دیگر دره نمیخورد .

ذات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه ملت آنکه ما اعلیحضرت سراج الملة والدین که حضرت حق لایزال جل جلاله وجود مراحم آلود همایونی شانرا موجب فوز وفلاح وسبب ترقی واصلاح این ملت ومملکت حتی فرموده ، چنانچه بسیاری از انواع ترقی وتعالی را روی مملکت داده فرموده اند ، ودرباب ترقیات مادی ومعنوی وای شاهانهٔ شان همیشه پیشرفت شاهانه صرف فرموده اند ، از یوم مسعود پادشاهی شان بسی کار خانه‌ها ودستگاه‌ها برای احتیاجات کی تاکنون صناع وحرف روی کار آمده است که از انجمله یکی « کار خانهٔ چرمگری » میباشد .

درین اثنا خود حواسیم که بعضی معلومات لازمه در خصوص این کار خانه پرقیمت درج صفحات افتخار نمائیم . لهذا عبدالرحمن خان هزار اداره ماجراجوئی خودرا مخصوصاً به کار خانهٔ مذکور ارسال داشته از مدرجاته ذیلا آنی جناب عطاء محمد خان ومینه‌جر کارخانه بسیار ساده آن جناب مرتبند قدرتمن خان هرآنچه معلومات دیدل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1110 of 1786

که بدست آورده ایم عرض افتخار این گراور خود میدانیم معرفی ارفقرار ذیل مینویسند :

« مشهودات بازدید »

روز شنبه ۱۸ ماه جاری بنا بدعوت خود به کارخانهٔ چرمگری رفته بعد از اتمام بازدید تعارف و مکالمهٔ مختصری با جناب کلان اکتساب قادر علی جرمدار کارخانهٔ مذکور معلوم آمد بعیت شان از همه قبل چاییکه استعمال پوست های تمام حیوانات در اتحاد زیاد کرده میشود سپس بدیدن اطاقهٔ گودالی آن کارخانه مخصوص است عبارت از یکچند حوض مستطیل است که تمام یکعدد معلوم و آب انداخته اند . وچون این پوستها در حوضها رطوبت وارثی را کسب و جلب میکنند از اینجا به پاک کارخانهٔ نقل داده میشود که از دیگهای حوضه مانند پر آب گرم حلقه وی متشکل است . این پوستها درمیان این دیگهای پر آب بوجوه داده شده و چوبهای دراز درازی بدست انسانها حرکت داده میشود . و در اینجا مواد بیرونی مانند گوشت چربی و امثال آنها بکلی جدا و منزعه شده حکم چرم حاصل میکرد . و بعد از این دیگها اجزای گردیده دیگهای حوضهٔ دیگر که مخصوص بخار چرم میباشد انداخته میشود که بانضمام مواد آنها چند شبانه روز نگاه میکنند و بعد از این دیگها گذارده شده در چنبری خانه که بالای بام میباشد برای رفع رطوبت گذری که دارد گذارده میشود و چون خشک شده در حالیکه پاک نرم گی اندکی را مالک میباشد به ماشینی که برای هموار کردن چرم مخصوص است آورده میشود و این ماشین یکعدد کثیر سیار مدور و سنگین خود مانند چلیکهای را که از آثار حرارت آفتاب بهره اضافه نموده است دور ساخته یک گوشه آنرا گوشهٔ گر دی چرم را یکسان مسطح و هموار میسازد و همان مانند گی جزئی آنهم در زیر فشار این ماشین خشک میشود . و پس از اتمام چرم هموار شده از این ماشین رهائی میابد برای دوختن و جلد اتومبیل مرتب شده که همان طوری که در پشت و روی خود پاک میباشد ماشینهای صفائی معروض میشود که این ماشینها به کمال پری وضع خود را تمیز کنند و مانند تخارها که بدریعه و رنده ، چوب را صاف میکنند همچنان این ماشینها نیز بصفت رنده چرم را از خراشیدگی ها و بعضی در شتی هایش پاک ساخته صاف میگرداند . چرم از این ماشینها چون فارغ میشود بیک ماشین دیگری که برای درخشان ساختن و جلی دادن آن مخصوص شکل میباشد ، وقتیکه کار آمد این ماشین که بشکل رول مالیدن سیاهی جلب حین مشابهت میباشد به بسیار شدت بسطح چرم ناس نموده آنرا دلک میکند و بلک جلا و درخشانی فوق العادهٔ پیدا آن میشود . از اینجا بیشتر رفته بیک ماشین بزرگ رسیدیم که چرم را روغن میداد . و در همین موقع این کارخانهٔ که ماشینهای گوناگون و مختلف ، هوائی ، وصفائی ، و درخشانی ، و روغن دادن چرم مشتمل بود انجام یافته بدستگاه دوختن میرسید که مالکین ماشین دوختن زرنگ ، آنرا با کارخانهٔ سابق ربط میدهند داخل شدیم .

این کارخانه ، دوختن بوت ، دوزه ، بوت دوزه ، و سیلیر وغیره را تعهد کرده است . بعد ازانکه آواز های مختلف ماشینهای آن گوش های ما را شنیدن خود مشغول ساخت از همه اول ماشین برش بوت که بیک پهلوی خود رده هوائی انواع واقسام مختلف قالبهای برش ، رفه ، واطراف ، و بسه گی دقی ، و گری را بالای میخهای خود که آویزان داشت ، اصناف گردیم چنانچه حرکت این قالبهای آهنین که بسطح چرم نهاده میشد بیکدوفشاری که بیم ماشین بران اجرا مینمود مثل قالب بوتها جزئی جدا میساخت . از اینجا گذشته بماشینهای دوخت رسیدیم که مشابهت این ماشینهای عادی کالادوزی خیاطها میباشد درمقابل هر کدام این ماشینها کاریکرها نشسته بچه ، واطراف وبسه گی بوت را با یکدیگر ربط داده میدوختند ، وچون روی بوت کامل میشد آنرا بدیگری میدادند که آنها قالب های چوبین پی را درون درآورده و اطراف زیرین روی بوت را برای قالب بهم پیش آورده کوک میکرد و بازقالبها را از طرف دهان بوت کشیده ، روی بوت که بصورت پاشنه می نمود می پاشد . راهی از شاط لبش به ماشینی برده میشد که درانجا بالای برده کی نیمار حلقه بصداز برش از زیر فشار ماشین دیگری نیز رانده وانتهای سطح خود را گم کرده وضعیت طبیعی کف پا را گرفته میشود بدریعهٔ یکنیم باریک که درقسم دیگر ماشین دریک محفظهٔ موضوع بود عمل کوک شده و بعد از این ماشین بدانین دیگری قل پاشه درانجا پاپیچ وعقب کالی میچزده میشد که بنا بران روی بوت بلک اتصال وار تباط کلی دائمی پیدا میکرد ، وسپس بماشین دیگری که کرپا بقسم منهای کی اشتهار میداد رسیدیم ، این ماشین بکصورت بسیار عجیبی از طرف دهان بوت در آمده و بکعدد کف دهنهٔ گو که دارد طرف کری بوت بکمال قوت و شدت کوفته کری وقی را با خود بت ارتباط و انضباط مکمل میداد . وچون از مشاهدهٔ عملیات این ماشین فارغ شدیم بوت را کاملاً صورت و وضعیت اصلیش دیدیم که بعد از ان بقرص صفائی اطراف قی و کری خود ماشینی معروض شد که بکمال صحت بعضی رامد گیا و ناهمواری های حواشی قی و کری آنرا حک و اصلاح نموده بماشین آخرین دیگری که وظیفهٔ روغن دادن و اندوساختن اطراف قی و کری را ایفا مینمود رفته و از انهم استفاده نموده حکم حقیقی بت بوت مضبوط و محکم را گرفت ، و همینکه این کار نیز درحین جا بنحوی شد بطرزی مارا بترطیعاً باخود انجام داد . حالا میخواهیم کمتمهٔ از احوال کارخانه مذکور را علی الاختصار درذیل بنویسیم :

کارخانهٔ رضعت چرمگری وفابریک فوایدتربت بوت دوزی که یکی از آثار نوقدم عصر اعلیحضرت همایون است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1111 of 1786

هفت سال قبل‌ترین در تحت نظارت فنی و کارفرمائی و کم یک نفر بنکاری بنیاد و تأسیس یافته بود، و در اوقات کار خانهٔ مذکور خیلی کوچک و محدود یک چیزی بود، و بدون پوشهای کافی که مخصوص عسکرها میباشد دیگر اقسام پوش وغیره را مهیا کرده نمیتوانست، و سپس چون وکارفرمای مذکور از طرف دولت بازرخواهش خودش برای خریداری بعضی ماشینها و آلات مایلزم چرمگری و پوست‌دوزی فرستاده بود وفکر مذکور دوباره نیامد وازهمانجا استعفا نمود، و در عوضش جناب کمالات‌مآب حرفت آگاه‌صنعت دستگاه قادربخش خان کمال‌مذکور را دولت متبوعهٔ مارقیهٔ ما ملتمندانه از ایران واستریکا، وفرانس، و جرمن، بانمون معتنابهای دیگری ماشه عزالدین، و کیپا، وغیره تحصیل وتکمیل کرده است از انحصار جانبطرف برای مهندسی ومدیری کارخانهٔ چرمگری وفابریک پوت‌دوزی خواسته شده اند که از آنوقت تاکنون ازق فایق که کار خانه‌را دستاده‌است باخلاص مندی و صداقت شماری خرانده قادربخش خان وحسن خدمات لایقهٔ جناب عطا محمد خان سر کردهٔ کار خانهٔ مذکور یک دلیل وبرهان روشنیست.

درین کارخانه هرقسم پوت، وموزه، وپوت موزه، وسیابچ وزین، وقیزه، وغیره، اسباب چرمین علاوه برصنف عسکری برای عموم از افراد رعایای سادهٔ تابعانه باجرت و خریداری ساخته میشوند وغیر ازین یکعده کان مستقلی درباز ارزانه کوچای فروش مصنوعات داخلی معین است در آنجا پوتها وغیره وپوشهای وطنی اعلائی کمدراستحکام، ولطافت، وصفائی ازپوتهای اجنبی انگریزی هیچ پس نیکذارند قیمتهای بسیار از زان فروش می رساند.

لهذا برهرشخص متلوطن وطن‌دوست وجداناً فرض‌میشود که مصنوعات وطنی را بکمال تمنون در استعمال آورده ازان استفاده کنند وپوشیدن اسباب کالک خارجیه اجتنبرا ترکنانده باجناس ممالک خود تجارت ورزیده دمای خالی ازریبی دولتمند واقبال زمان مراعم‌صانات باشند ترقیخواه خودرا برزبان‌راند.

حوادث داخلیه

میلهٔ جبه

درمیدان میلهٔ جبه بلحاظ سیر وتماشا برقام میله های سابقه فوق علاوه براسب دوانی وپهلوانی ودارازی یک تماشای‌فرحت بخشای دیگری که عبارت ازهمان جناسیک عسکری باشد نیز ازان اضافه شده بود. بساعت ۹۰ بالشوکشنبه اعلیحضرت همایون بسواری موتریدان میله کاردا خل شده درخیمهٔ خصوصی شاهانه تشریف فرمای عزت واجلال کردیدند. وبعداز یکساعتی وقفهٔ که درپیش پروغرام اوقات اصلی تماشا بعمل آمد ازهمه اول‌بهمان‌سیاسیک‌ابتدا ورزیده‌شد. وازروصنف عسکری هیکدرای جناسیک انتخاب کرده شده‌بودند واز صنف نفری کلان سال باحاطهٔ که برای تماشا تخصیص داشت بالپتیورده های مخصوصهٔ جناسیک وموزیکه بترتیب وقواعد عسکری داخل شد. وپس ازانکه سلامی قات شاهانه‌را موزیکه اتمام‌کرده نفری مذکور بنیاد اشارات معلومهٔ که به « الپیلاق » پیمانه میشد، بکار سیر آغاز کرده واقسام پورها، ومعمل های مانو اور ومحیری راپران اجراکردند. وازپشت اسپ وشتر ایستاده هم خیز زدند که حقیقتاً تماشای تحسین یک منظرهٔ بود. بعداز انکه این صنف کارهای خودرا به اتمام رسانید، صنف خورد سال عسکرجنا سیکی میدان برآمد، این صنف خورد سال عبارت ازبچه های میباشد که بغرض تکمیل عده اردلی حضور از اطفال جدیدی در عسکری گرفته‌شده‌است. وبه سبب خدمت جسم های خودشان درجناسیک شهرت‌ومهارت فوق‌العاده‌را کسب وتحصیل کرده‌اند این بچها علاوه‌برصنف‌تحسین تماشائی که نشان‌داده‌اند هاتاست‌های خوشنمائی بود که ریپوب های‌متنوعی تشکیل‌دادند. وازآخر ازهمه نفری صنف مذکور که به صدعدد رابع میشدبالای متوازیها وزره بان‌متوازی یک تماشای عجب افرائی دیده شد. که علاوه بر بستهای سابق به دو طرف دو رج طرفی بفواصل معینکی ترتیب دادند که ارتفاع آن قریب به ۶.۵ گز قیام وتعیین کرده میشد. بساعت ۲ توپ‌پروزاجام تماشای جناسیک وتوپ وسو دمار جمعه رابرعه کان اعلان نمود. بعد از فراغ صفوف دوازده مردم‌برای اخذ مقام شتافته غوغاء تماشاکه پهلوان را احاطه کردند. وپهلوانها به نشان دادن قوی‌هیکلی وزور آزمائی مشغول شدند. وچون‌پهلوان تاوتنه. مسابقهٔ اسپ دوانی آغاز شد. درین دفعه اسپ دوانها را درپانی‌های بسیار چست باکلاه های چینی از طرف سرکار مرحمت شده بود که باآوان مختلفه خود شان صاحب اسپ را درمیدان های دور مردم تعارف میکرد. درانثنای اسپ‌دوانی دارزدها نیز مصمم کار خودرا انجام دادند. وقریب بساعت ۳ بود که مردم ازتماشا فراغت‌یافته بعودت آغاز نهادند

(قتل)

از قندهار مینویسند:

ازشهر قندهار تا بعد ۱۰ میل بکجای است که آنرا دیوان می‌گویند درینجا اقبال خان نام که خان‌است بزرگ اقوام‌وزرال قتل شده است.

مردم قندهار وحوالی گویند که اورا تا زیر دای ازگه باو نشده بودند چرات دعوی قتل کرده است ولی بعد ازان می‌گویند که سادرخانه نشسته بودیم یکبار صدای تفنگ شد. مابرونجسته دیدیم که اورا میبرند که گویا خودرا کشتیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1112 of 1786

که بوضا ! گفت ، براوتی ، بودیمی مثیر براوت بود، هنوز فیصله نشده .

خان مذکور خانی بودرزگ مرده تعریف سخاوت وشجاعت اورا می کنند الیم اخیره

[افسوس این تحفه‌هاوتکه ها که ربیهٔ خود آرا خالی می کنیم]

(فریاد ازدست اجاره دار)

چندیقبل براین اکثر تجار قندهار ازدست بیمار کری اجاره دار شکایت نموده بحکومهٔ صاحب قندهار بکمپنه مختوی ترتیب اجاره دار مبنی بعدالت عرض خان کرده بودند وبایحکومه ایشانرا تسلی داده باجاره دار مراسله کرد که بود که ایشان عریضه کرده اند ولی اجاره دار چندان اهمیت نداد پشت گوش انداخته بود باز تجار یکجا شده پیش کایب الحکومهٔ قندهار آمده وباردهی عریضهٔ خود کرده گفته اند که اگر باز خواست ما می شود خوب ورنه به اطلیحضرت عریضه نگار میشویم. بعد ازان نایب الحکومه باز اجاره دارا خواسته و گفته ایشانرا راضی بسازد . بعد ازان اجاره دار همه سودا گرها را که در عریضه نمبر خط داشته خواسته به تک وتک جای برای شان کرده بایشان سوال وجواب کرده که من با شما چه کرده ام یکدیگی رخصت یک دفع کنید ودیگری دیگر حتی ازانها می پرسید

یکی گفته صاحب ! در پنج ق بار سه قران میخرید که یک تنکه بار می شود ویکنیم تنکه روپیه از چه بابت ؟

دیگری گفته مال که می آریم نرخ فروش آنرا آنقدر می گذارید که باکیمت کس نمی خرد واگر بگویم با شما میگوئید همین قیمت از من باشد ما میدانیم که شما سودا گرهستید بااجاره دار

دیگری گفت ازدروازه بلندخان قندهار (گمان میکنم همین گفته است) گذشتن میکنیم وبخانه می رویم آدم شما یک کاپی گرفت آیا شما هیچقدر حق دارید دیگری گفت ما نمیدانم که شما کوتوالید یا نایب الحکومه معلمید یا اجاره دار گماشتن وبندی کردن هم در اختیار شما است .

این شمهٔ ایست که چند من ساله هنوز بسیار هاگفتند

بعدازان اجاره دار گفته بسیار خوب است هرچانها بگوئید من قبول میکنم وایشانرا راضی ساخته است

دربنجاروزی بیست که چهله نفر اقوام مسلمان انگلیز وارد قندهار شده دو سه روز قبل ٤٥ نفر دیگها نایب الحکومه به کابل ارساده است .

در قندهار پولیسها ضبط شده است هرسه روپیه ها وقران خرید وفروخت می کنند .

درمدتی که من اقامتم بسیار قافله شتر های گوناگون مانند ناوهٔ رندیل میچکی دهان ریز ، دنبالپر ، پطلی می آید اکثر بطرز گوشانکرزی ناوهٔ ایرانی می آید ٨٠٧٠٦٠ تومان تحفه فروخته میشود هردم خرا وشیر خریداری تحفه می کنند بیه

ادبیات

حسب حال

رفت امیدم زدام وقت هنوز دری رسید
ساعت عمرم است هول ساعت آسایش رسید
رفت ازدام شبیه عصر جنون دری ست نیز
درسحر گه ازشفق این نکته در گوشم رسید
جملهٔ پلنگ دولتیا جان عزیز کنید
گر برای نیزش تیغ جهان در حکمید
گشت چنون چاه آسایش شان لب بلب
لاجرم در دور آخر فتنه و غمی شه پدید
هر یکرا فکر پرتو بودش بافکر من
هر یکرا دعوی باطل بر گردون رسید
دوش گفتا فکر دیدار خوف از قعر چیست
نعره کشان هر ضرب دست و تیغ کی جنبید
گفت جزمن نیست جزمن هرچه ان وما
خصم من امید روشن از رخ فیروزه تابید
انگبین از قوه خصم عزائم از عزم خویش
فاتحا فیروزی عیب خویش می گردی امید
لیك بر چرخ دنیکی دیگری در عرصه رخت
کان بوستانکاری بیدولی وزراسیکونها شنید
آن خیالات سیاسی ازسر ایده کران
هیچو صبح رنگ او زیبوا نعمه وقتی پدید
ادعای امنی عدو فضل بیك چوریب
جمله شد وباد عصر فضل و فضائل رسید
گشت خلق خونریزی اورو آتش فتنان
خوف خرق مالی ازلاو (؟) هایش شد پدید
بسکه شد دود تصادم چوب و چوریب بلند
از خلافت پرده درهسور شد امید کلید
• جاه آن را جلد درپیش است، کوش هوش کو؟
جاه ویران گشت چوریب زاعدا مات جنید
پیش ازین درجاه و آب اورو جنت مالی
رفت ! اکنون ناهوا این شعله آتش رسید
بحراهر گشت درا بسکه جنون خلق رفت
ای بنا انسان که چوباقی بشر آن رسید
گفته باب التشبه آخر وقت رفتن درمسافی
هر سیاحی را درجاه رحکمرون سدید

حکمرانی حرب ناچنه بسیرت بشکری
زان میان قاری برای خویش می آری پدید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1113 of 1786

بست حرب این هست یک آئینه پیر اختیار
هر که را جشم سرا ست احوال خود وی بیند
روشن است از طرز رفتارش که مودا بالی
از زبان شعله مکتوبد هر دی حال من مزید
اول اندر آستر یا سروپا بنیاد نهی
شعله‌اش زان بعد اندر دولت روس افتد
بعد ازان اندر دماغ مویلیزه انداخت موش
باز بر ملک فرانسه از غضب لشکر کشید

دولت انگلیز را دامن ازان پس بد شد
دولت هنگی آخر خویش را ناچار دید
در میان جمله یکجهت شتی پیدا شد
از میان سنگ و آهن چون شراره بر جهید
ماتی نگرو بوجود کو چگی اعلان نمود
هیچ کس در آتشین آتش مخواهد آرمید
باسر اطریب زاون کاتهری مشرقست
و ان سر دیگر بآخر نکهٔ مغرب رسید

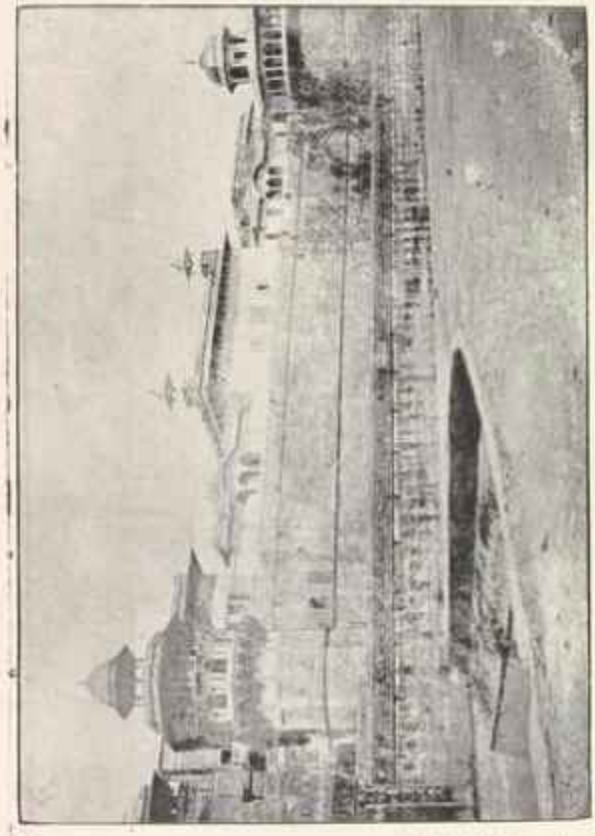

از منظره‌های هفت پایتخت
[illegible]

این بود رفتار حرب و آن بود تأثیر او
ای مسلمانان اگر دارید کاری پیش کنید
یا یکی فوج از سر تنگ دیده حاضر ساختن
باز شود دل دو سه صندوق پاره آورید
یا یکی زنبی سریع السیر از دور قلوب
یا کماهی تیر از آه سحر یکجا کنید

* اگر کردی هوس دولت سحر حاصل بدان *
* میاسا هیچ بر زوال و میرو صبح امید *
ع *

(۱) * لاتو * میو گماندا کاراگر و روانه آستانی بریزلو
باب خراب عمارات و شهرهای غرب بی شود *

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1114 of 1786

مسئله خصوصیه

(فرد و اسلام)

فرد در امت دارای وجدان حق است

* دور اصطلاح فلاسفه و متکلمین چیزست که وجودش تازه است فرد در امت حق است این تازه وجود در ذهن

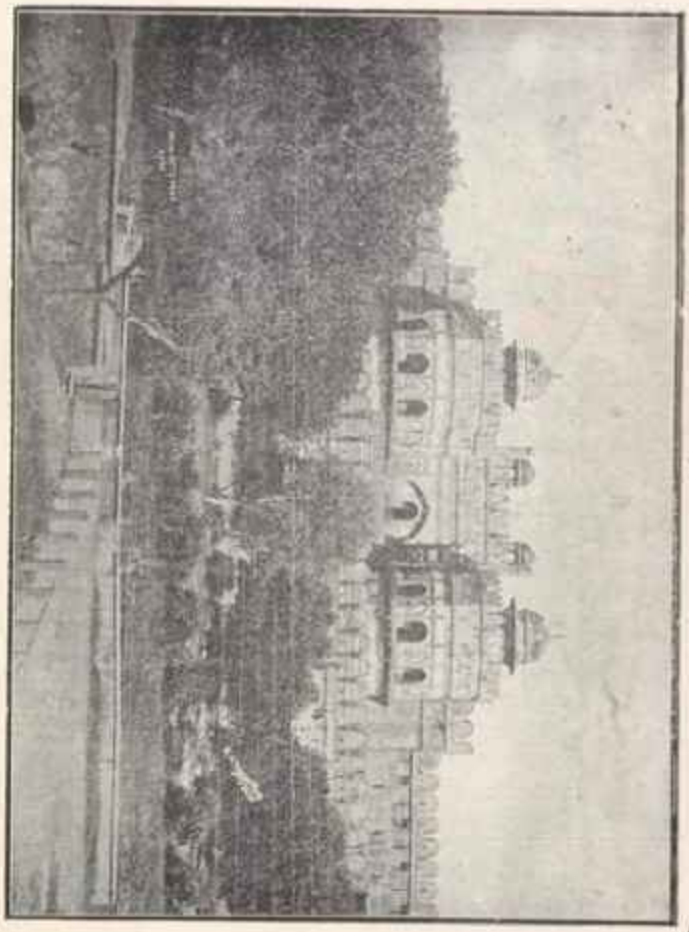

است که توضیح اینمه از حیز تجرد بیرون است و از موضوع بحث خارج چه — این ذات قدسی صفات رجوع دشمن و نادانی فطرت شامل است — و رهبر اداره طبیعی و وسیع عامل — کو مر فرهنگ جهانگیری و آب و رنگ آمیک ازوست و معاملات

وان اخذ چنانکه مطابق است بتفصیل فوق — نیز اخلاق بیشتر رابطه مرادی اوست — و آن اشیای عالم وجود است چون خود — وظیفه وزارتی وطبیعی وجود.... —

تفصیل اینکه آن چقدر مراتب دارد ؟ واصطلاحاتی برچقدر موضوع وجود ؟

سیاست دانرا رونق صلح وجنك ازو — فلز معاملات فرانسوی خرد در سال اوست ومدار میزان قانون بشریت وحیات ناموس انسانیت بر فرمان او — کاهی خدمت انسانیت را دامن بر کمر زده باعتدال متکلم است — و کاهی باتکلم بی‌حد منطق — کاهی منطق را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1115 of 1786

خواص حکمت الهی میاموزد — و بعضی زنده ظلمت اشتباه الهین را در دوائی دماغ از ورشارق دواعی الراقیه میسوزد — زمانی باجراقین درآ کوره وذوبه چاشت — دوقی بایلکراف بی سیم وطیارات مستقیماً پرهوا — کاهی بلغو صرف اوقات دارد نادب را ازطال بشرف تحصیل آگاه — و کاهی طب همت میکمارد بکشف غلت رمشرق طبیعت ناصاف چشم طبع اختلال وتصور . نمارد

خلاصه در ممکنات فرمان روا عقل است — وفعال مایشاء بل الارض والسما عقل — اشارا بشاه راه الهی رهنما عقل است وثروة حاصل دنیا ومافیها عقل — علم است که ..... عجبولالنسب رابمدارج اعلا معراج اعتلا رسانیده تاهنوز تخت ووخیلا رجدین میلیون نفوس ذکیهٔ حروف را بانوار باهره واجب فرمان روائی میکنند!

عقل است که ملت زابون دون دون را باآنهمه جبرون و بحوت زبون مشاهده والزامعدماً تهلیات درافقی شرقی و هکنان میارد!

پس چرا این اخلاف کلان کلان کلان عقل و کل یکسان میتاند از اهل ما چیزه در خاب بی آگاه می گذیده!! وچگونه این ابر مکرمت اژدهای که برحس وسلی یکست میتارد اتماملت حضیض زبدهٔ خط سال نادانی وتاریخ گردیده تا کی خلق وتعارت رهنمای دقایق نارد بانی امت جدید!!!

درین اهل هر کس سعی دارد — وهر صاحب رائی قطب الزهر و تمامی را از جی — حیات آراء است حیات را کسی نخواهد که درقید اسارت کره لاجرم بنده نکارنده نیز که علت اهمال این خلق را در خلال ترقی وتعالی دیگران مکر عاجزانهٔ خود در دوبارهٔ میشوده اعیان نموده! اگر جهراً میراید — ورای رسوا کردن این دو علت مسحوته مقصودی (ولا تحش الله ولسلام) از هیچ جوئی در برده رابد کسی نخواهد یکوید که ترا این سخن نمیرسد تا متأثرین نکته سکیهٔ که (که میاید گفت ولوازم گفته) اقدام میشود

چشیده نیست که ملت مغرب زمین دو برابر دو حصه قسمت کرده اند که یکی علوم وفنون دیگری علوم ودیوی که ماآنهارا باسم علوم (عقلی ونقلی) اسم میکنیم (۱) فرقهٔ علمای نقلی که (کا تعلق بکلیسا دارند) وآنهارا باسم علمای روحانی میکویند این ازتحصیل علوم فرق خود صرف درزوایای تجرد ترهب حاصل میکنند ورحی برای توسیع منصب خود دامن برکمرزده دقیقهٔ از فرص منصبی خود فرو گذار نمیکنند انجمن ها (جمعیتهای) رومیدارند ابابه هارا فراهم میکنند دعاء بقصاص جلو میفرستند — ملت بزرا بر تجهیز وتزهیب برانکیخته دعاء وازمعاونت ومساعدت خود داری نمیکند

(۲) — برین اس علوم عقلیه را باعلوم دیوی آن از رهگذر جن صنایع را سواب وخلق کان روحهٔ ملت را شاداب میدارند — در نجا پس از تحصیل رجوع بکسب پدرمیکنند — وازشعبهٔ اختراعات جدید وروش تازه که در قوهٔ متخیله از تحصیل حاصل کرده است از تحصیل حاصلش بدر میکنند! — پسر دهقان را فلاحت میاموزد ؛ قرهٔ فیض آن از فلاحی فلاحی میشد! — کذا هر صنف از اهل واداب دیری علمند ومبنای جمیع حرکات وسکنات شان برعقل — تاروش کار شان روز افزون وفوق دمائی جمیع ماسل عالم در مقابل اقدامات عجیب الطولانهٔ شان زبون گردیده است

دوم تعلیم ونحو در جمع ملل فرنك بطور اجباری است ؟ درجهٔ تعلیمی که مقرر گردیده پسر پادشاه وفرزند گدا در مکاتب ومدارس پلشاوات تحصیل عقل وتعلیم ادب مینمایند تا کنز ملل مغرب درصدد نور نفر از نعمت قرائت و کتابت مستفید اند!

آه!!! صد آه!!! که در ما ملت اسلامی اثری ازین دوسانه موجود نیست! چه

(اولاً) تحصیل علوم عقلی ونقلی را یکجا علمای روحانی میکنند وپس از تحصیل علی الرسم دفعه در جای خود می نشیند و کسب معاش را از حرفت وصنعت برای خود عار میدانند واستخفاف خود را از عوام الناس کفر میشمارند! نه از علوم دینیهٔ کم کشته کان بادیهٔ ضلالت راهنمائی!! ونه از علوم عقلیه واسباب کان ابنای وطن را چاره دارند! اگر قطعه زمینی ازیدی میراث بانده باشد ازین مولائی کوثر میکردد — وازین موالائی باثر — ابنای حضرات که تأمین بآتی خود مدارند زمانی چند باسم آمنه زادکی چون عاری تمام روزی را بشب میآورند وبه کسبی وپیکاری شی را روز! از جادهٔ انصاف نباید کذشت بعده العز فرضهٔ علی کل مسلم ومسلمة) اگر تعلیم باسلامی بعمل این فریضه را نمایند ویکوشند تعدی ننمایند پس باید که من وسلوا از آسمان نازل شود ورضوان از بهشت مایده برای حضرات حل کننده والابد باطفال که مستقبل حیات است درکودکستانها وخوشهٔ پروین نیز که وجود ندارد!

ای کاش اگر شیا علمای روحانی برای مناظره چنانکه می کویند قدری ازین علوم را میخواندند مکر خوش بحالشان فرقهٔ دیکر که روی سخن ما بکسر بطرف آنهاست طرفه صرف اوقات دارند چه بعضی را می بینیم که ابداً صنعهٔ از علوم دینیه نخوانده ومسئله از فقه حنیف واحادیث شریف ندانسته اوراق چند ازین مقالات را چون خوش ورد کرده خود را در زمرهٔ علمای روحانی کذرانده انتظام کشیده زکیه روانش تقدس میکنند! اگر سوال کنند که این منطق ودوروازی چه تحصیل میکنید کاین علی علوم دینیه را هیچ مسئله ندارد وفایدهٔ معنوی نیز برای خود غیر نقل نیدهد — کنکاه میرزده میکویند که این آلتی است برای دفاع جسم!!! ماشاءالله جناب ازین جواب باصواب رتبهٔ تشویه این تماشیان است که عالمان دین وملت پشتیبانهن منطق ومناظرهٔ علمی مقابل کنند اینزمان آکاه اهل دعای ما

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1116 of 1786

توپهای کوه کوب وقلعه های ماشین دار کروپ وپیه های طیاره پرانداز وطیاره های هوا پرواز شناخته شده است تنها کسی که در این جنگ عمومی بیدادیده این چند قلمرو علمی از تحقیق چگونه وقایع میگذرد اگر بما آیهٔ مضمای تاریخ رجوع کنیم خواهیم دید که زمانیکه ما در مدرسه نظامیه ومستنصریه بغداد باین علوم (یا ولائسل) داشتیم وقوهٔ دفاعیه را که رجال با کمال صدر اول اسلام رضوان الله علیهم الاجوم القیام برای وبرعت گذاشته بودند برطبق تبیان گذاشتم امت زنیهٔ شاندان (دقل ها) بوصف وحشت وناکسان چه سیل بلا شیوه که برما نیاوردند — وچه طل رملا نیوه که برما نکردند! — اگر قوهٔ دفاعیه را که نکرده بودیم البته دهم آن بلیه را با سانی میبودیم لااقل دچار خلافت را از صدمهٔ آن وقایع میگردیم یی اگر قوهٔ دفاعیه را نساخته بودیم سیاست افرنگی مارا اجانب برادر ساخته بین خودها قسمت می نمودند! وا اگر قوهٔ دفاعیه را میتناختیم سطوت وجلال خود را درمحاورالنهر رایگان نمیباختیم! وا اگر قوهٔ دفاعیه رادرمالکتیم سلطنت هند وتلکت الدلس را بی هیچ تیکشاتیم؟ وا اسفا!

حیرت هست که هیچت خبری نیست زخویش
آه اگر یکقدمت زین سپس ایام چویش

خوب هر گاه برای چند ورق تطویل لاطایل که الا مقام تصور کردیم نیهٔ از عمر گرانی صرف این اتطویل میشود چه ضرر دارد که قدری از علوم حربه وصنایع حدیثه نیز تحصیل کنیم که بسایهٔ ترقی پیرایهٔ آن فابریك های توپ سازی — تفنك سازی — باروت سازی — تشکیل دهیم تا در وقت لزوم وغای از دشمنان دین ودولت کرده باشیم لااقل بسایهٔ آنعلوم کارخانه های شاهی و کاغذ سازی وطباعی دائره بتیم تاورق مصاحف تشریف و اکفن اموات مظیرهٔ خود را از دست اجانب که عالمان دین وملت باشند نگیریم!

شرم دار آخر خدا را ای بجند — خویش را داری بمالز بشکند
سازپیرخویش تادروز کار — قومی پیدا درین دارالقرار
چون حریفان ساز کسب معرفت — در صناعات از زبان سلطنت
پرشد عالم از صناعات بدیع — نیست فکر تو درین وی وسیع
سیر تو جز مجمع تحرید نیست — حیف در قوت تو تقلید نیست
ای ادب تند حاصل تو ای کاش — کرده سایع عمر تو بلا جلال
درس این صدر شیرازی نکت — بلکه خود علامهٔ رازی نکت
تا زمرد مفلسی پای تجمل — وا گذاراین مطق وابن ترهات
ورد تکبیرت نمی بخشد دوا — صدهزار خوان الدارالدوا

(دوم آنکه) جامعهٔ درهیچ نقطه از نقاط دار اسلامیت اطبای وجود ندارد ملت اسلام روی هر رفته ۳۰ یا ۴۰ ویسواد چون حشرات درشوارع ومعابر مرور دارند از اساس اسلامیت خبری وهاز اخلاق واقسامیت تحری دارند؟ زندگی را منحصر در خور وخواب میدانند ومسلمانی را در لفظ (مسلمان ومسلمان زاده هستم لفظ) محدود میدانند! اگر روزی چند طفل را بمکتب میبرند پیش ازانکه استعداد استعداد پیدا شود وافکارش ازهین خنایت کتاب بیزار شود پدرش که لااقل چیزادب بیرة دارد رای دست بری حرفهٔ خود بدرش می کند وچشم ازتربیت پسر میپوشد ووالدهٔ منحوسهٔ (روضا مطی خوجکتوی قاضی که کی توالی شد) درجهالت پسر می کوشد! اگر بحرفهٔ منحصر درقضا وافتا درداند ومادام الحیاة در کوری وجهالت میماند که اکثر جهات سرافراز این زندگی ابتهاج الناس زندگی گزین چو صدر دین ازدادگر
زندگی در کشمکش کشتن عرشمندگی

زاهد مغرور این غافله کو گیر است وای از اسلاس عمر دراین!
برشالا ترع قلوبنا بعد اذهدیتنا وهبلنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب — الهی امضا (یکی ازقارئین سراج الاخبار).

خواطر خارجیه

(اعجاز)

دنیا جنگیری بزرگ کهنوع آدمه بسیار است. چنان عماره هائیکه انها درماین دو دولت بوده است. وچنان عماره هائی که در ماین چند دولت بامحدیکر بوده است. وچنان عماره هائی که از یکطرف یك دولت واردیکر طرف دو. وباز یکطرف یك واردیکر طرف سه چهار دولت بوده میباشد واقع شده است که تعاریف تواریخ آنهارا یکان یکان بیانشان میدهد. علاوه این عمارهها تنها ازسبب ضرور وغایت شخصی پادشاهان یکدیکر وکاهی ازحرص وهوس جهانگیری. کاهی بنارضیع تراجع ویها. وکاهی ازسبب مشکلات لاینحل سیاسی. وکاهی بنارقابت ومخاصمت تجارتی و اقتصادی. وکاهی محض بر منارهای دینی ومذهبی شعله افروز عالمسوزی کردهه است.

حال آنکه این عمارهٔ منحوسهٔ شامه. ۱۱ گرجمیع السنهٔ یکوئیم جاوارد. چنانچه ضرور وغایت شخصی اپرا طور ها دران شامل است. ضیع ورقابت جهانگیری. ومشکلات لاینحل سیاسی. ومخاصمت اقتصادی وتجارتی براساس آنرا تشکیل داده است. لمایچیکه شایان افسوس وحسرت. ودرعین زمان موجب اندیشه وهیبت عاریان میگردد این است که درفرقه عماره زبان عمارهٔ مذهبی وقرآنرا پیدا میکنند.

از مطبوعات بعضی اخبار عد عاجز میشود که دیگر روحانی زیرا انکلستان. لارد بشپ. ۱۰۰۰ قسیسها و هیئت روحانی انکلستان میدان حرب رفتی میباشند که بصورت جنك اوروپ ازجنك آدمی بجنك دین و مذهبی تحویل خواهد یافت. لمذا ایزا عیدام که آیا این دین دار انکلستان تبدیل مذهب کرده میدان جنك خواهد رفت یا آنکه بمذهب پروتستان باقیمانده خواهد رفت! اگر پروتستان وبدروه جهت مطابق او کاتالیك

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1117 of 1786

بزرگ دولتان است! هیچ شبه نیست که چون پاپا و رؤسای روحانی انگلستان بجنگ روند، پاپا و رؤسای روحانی فرانس که مذهب کاتولیک، و پادریها و رؤسای روحانی روس که مذهب اورتو دوکس دارند نیز بمیدان جنگ بطریق اولی حاضر خواهند شد. عجب هنگامه! آزمایشهای بزرگ مکاهیای مذهبی شرقی و غربی را تماشاگاه اجرای آئینهای مذاهب مختلفهٔ نصارا خواهیم دید! چه عجب واقعه!

تحقیق اینکه اگر محاربه درمابین دولت مختلف المذهب — یعنی مابین پروتستان و کاتولیک، یا اورتو دوکس و پروتستان میبود محاربهٔ مذهبی نصارا گفته میشد. اما چون حربه درمابین هریسه مذهب مختلفهٔ نصارا است نصارا حیرت دست میدهد کدام زحمت کشی هیئت روحانی انگلستانرا بدان محاربه چه میدارد تواند؟ لهذا بین مذهبهای معمودهٔ معروفهٔ نصارا که دولتهای معتبر ومعظمهٔ اوروپا بدان متدین‌اند همینه مذهب پروتستان، کاتولیک واورتو دوکس است کفار دولتهای متحاربه. انگلیز والمان پروتستان، روس‌اورتو دوکس، فرانس کاتولیک میباشند. اگر انگلیز پروتستان نمیبود ولیکالمان پروتستان میبود در افعال کفته میشد که آن دو مذهب دیگر مذهب پروتستان عقد اتفاق کرده میخواهند کار از اروپا برداریم. اما چون انگلیز والمان هردو پروتستان‌اند واوسترا کاتولیک است این آمدن هیئت روحانی انگلستان بارئیس روحانی شان بمیدان جنگ چنان مهمّاتیست که حل آنرا خود روحانیان خواهند توانست. از یکه مسئلهٔ مشکل است کاهی چنان واقع میشود که مبادا پراستی آنانها مسلمان شده باشند! و کرنه پروتستان باروتستان چسان محاربهٔ مذهبی خواهد کرد!

ها! یکچیزی دیکرهم هست، ملاحظه اداره پدیدم کفیر از اوسترا کیست؟ این است که اینسنه چسان دهشتناک است، خیلی!!

اتفاق واشتراک دولت عثمانی‌را بالمان، در بن محاربهٔ خانمانسوز جهان برای عموم افراد مسلمان یک چیز سهل وبی اهمیتی نباید پنداشت. المانها باین بهانه خودشان کعبهٔ اسلام را بامور شریک جنك ساختند امور واغراض خودرا بامور واغراض تمامی اسلام مربوط نمودند. اگر المان غالب بیاید دولت عثمانی حریت حیات تازه را مالك میشود. واکر غالب بالعکس نتیجه بخشد اگرچه از المان یك آثار کلی در دنیا باقی هم بماند ولی از دولت عثمانی نام ونشانی هم در دنیا نخواهد ماند. چون دولت عثمانی لاسمح الله محو ومنقرض شود آنوقت کعبهٔ بلااسلام چه معنی خواهد شد؟ درین هیچ یك شائبهٔ شبهه جایز نیست کافرف ونشان واقتدار همیشه چنین است که دولتهای حاکمه ومستقلهٔ از ان ملت در دنیا موجود باشد، وچون چنین باشد آنوقم امیدوار میشوند حکم آن ملت هاین میشوند کهقوهٔ حاکمهرا مالك باشند. چنانچه یهود یعنی اسرائیل در وقت مالك یك مثال روشن ومبرهن این مسئله شمرده میشود. پس چسان مسلمان خواهد بود که بهبودی وحیاتش راضی شود بل بزیر دولت عثمانی دولتین ایران و افغانستان نیز در ملت مبدأ اسلام موجود است وانشاءالله تعالی همه دولتهای اسلامی موجود خواهند بود. لما چون قضیه وکیفیهٔ تصورات همایکان باهم متنوعشانرا در خصوص تقسیم ایران دولت درپیش نظر کرفته‌شود انسان دهشت وحیرت استیلا میکند! پیش ازحرب حاضر ایران ازایشان مطالعه درسیاه رودفدر تقسیم رادراه کرده بودند. اگرچه دراب افغانستان ایران تصورات درخیالخانهٔ خود رویی کاهکاهی کرده. ولی چاپلوسان وایلچی کوردند کهایشان نیز متنفس‌دنیا حاضروجود باشند کاهیان شان محفوظ خواهد بود.

این است کهسبب شدید حرکت دل جنت مدنی اوروپا بجنك حربی ومذهبی، سیاسی وسیاسی را فراموش کرده وازر که خودرین راقب بلا اندیشه نکرده به ایشان ازیکه هری دور دراز سوق فکر نبوده‌اند. حالا ازغور ها در کذر، یکقدری احوال را اجمال کرده بکویم: — که حرب هنوز رهین حال است کهبود. چیزیکه توضیحپذیر نبوده‌هنا هوبجهان بجد کشتهای جنکی فرانس وانکلیس است که برای فتح استانبول بر آسیای چناق قلعه — یعنی درهٔ دانیال — هجوم برده‌اند. وما وجودیکه ازیکماه متجاوز است که این کشتیها مهمّاً براستحکامات آبی مذکور کلوله باری دارند، وبارها از عموش کردن وخراب ساختن قلعه‌ها ومستحکمات هوای آن اعلام عزم کرده‌اند، ولیمعهذا از مرور نمودن آبنای فتح استانبول چیزی اثر و خبری معلوم نشده. حتی خبرهای آخرترین رویتر انجنسی که از اوایل تاریخ ۱۹ مارچ در ژورنالهای [واقعهٔ اسفناك سرّاً بوردانیل] اظهار شده‌مضمر چنین است کهچند کشتهای مدار جنکی فرانس وانکلز بحرب کلوله ها وطور پیشهای هوای باسیاری از قوی کشتیهای شان غرق وخراب کردیده، وحتی مذکور ها کاهیان منجر شده است. چنانچه تفصیل آن درذیل آخر ترین خبر هاذکور خواهد کردید.

ترجمهٔ اخبارات اردو المرسل علامه علی الرحمان افندی

وسائل وذرائع حربی

(۱) اخبار بی‌ٔ کرانسکل رقم طراز است، — درعالم اقتصادیات ناکزیر تسلیم میکنم، که ذرائع هنوز اختتام پذیر نشده، ردعکس ازابتدای حیات ناباخانه، حربی ایجاد موافع غیر معمول میدرشده، که ازجهت آنها، آزمدن فراهم آوردن ذخائر اشیای خوردنی، ومکر اسباب وسامان، که برای سپاه وسائر مردم غیر مقاتل ضروری است، کامیاب کردیده، معلوم کردن اینامر نیز نهایت ۱۱ است، که جدای پنج از دشمن جنت، از جهت پیش بینی در کرم حرب مادی جنت ایشان ایشدرانشیای خوردنی — طلا — مس — اقمشه کیاوی دیکرمایحتاج و سامان حرب فراهم کرده بودند که برای جنت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1118 of 1786

یکباره متروکی شده بتواند . حالا از ابتدای جنگ خوب فرصتی هست که گذشته است ، و آن دفاتر که دران صرف شده اخلاق آنها را تغییر و عادات متنوعه پوشید — فرانسی — بانجیم کرده . دا کثر دلی که درمقابلان خارجیه نظر دقیق و طریق وفکر معاینه رس دارد ، میگوید : — تنها در پاریس ۴۰ هزار مرد و زنان کی در تعمان شادابرای — ایچ وسوئیچ با مهارت بسیار کار میکنند . وهمه از آمده دروغی (جرمنی) فرستاده میشود . بلکی آن کی که بدرجهٔ جرمنی دوتنا شده بود ، از فیکتوریا و کارخانجات صدیات واشیای علاقه مفتوحه جدید جرمنی - گرده میشود . آهن بسیار موجود است . ملایر خزانهای سرکاری فراهم کرده شده از انتو جنگ امپریال بنک (بنک ناقی) دوصد و نودودو کرور دوده تنک فرانک موصول شده ، در اوائل دسمبر ۱۹۱۷ بنک مذکور دو نیم صد کرور بود درینک علاقه فرانس قریباً کل پیمانوارنده را جرمنان بیمار مغز پیش از جنگ قرض خریده دروطن خود فرستاده بودند . هنوز قوت برداخ ادای قیمت آن نرسیده بود ، که جنگ زیاده ، مزید بران دوکرور و هفتاد پنج هزار من ، که در بانک میرسیدند ، دراز دیار دشمن اصل خود بی بابع بودند ، دولت جمهوری امریکا تعداد این مبالغ شان را بالتقدیر میکنند و جائی بنداشتند و در تصدیق این طرز عمل خود ، وقتاً فوقتاً ، احترام عرضه ماهات وعلوق اتان میکنند پس جانب ایران را پاس میکنند درموجودگی این بیان قابل اعتبار ، ما اندازه بعد کی صورت حالات کرده میتوانیم ، وهرگز این نصور نکنیم که جنگ از بیانات نادرست اظهارات خالی بنوده ، که درجرمنی دولت فائده کلی رسیده باشد دلی ، حالت جرمنی هم اینست ، حالانکه در آن از بیرون آمده سامان خوراک بسیاست ، درسه گذشته ، دران جا خارج زیست ، بسیار دشوار ، قریب ده فی صدی گرانتر بود ، خیال کرده میشود ، که تا آخر ماه اکتوبر ، مصارف حرب ۴۰ فلک چند بود ، ولا کی که از جرمنی عین رقم از قیمت توتیا وصول کرده خواهند .

بالیقین درحلقهای دلی ، از قلت سامان خوراک وصدمات قلت تندی بیشتر محسوس خواهند ، چرا که غیر را درقرض گرفتن اتان بر سخت مشکلات روی خواهد داد ، درین وقت ، بنا اگر دیده شود ، دران — والنا ولمطمئنیه را مبالغ معتوبه عائده میرود . . .

درخصوص مزاج وسامان عوض جرمنی ، ما گذشتن میکوید دروطن اصل ما خواه هرقدر قلت سامان محسوس شود ، لا کی قلت بیار هرگز رونما خواهند شد ، درجرمنی قریب ۳۳۵۰۰۰ کس وجوان عرسال درفوج جدید داخل کرده میشوند . اگر عدد مذکور را در ۲۸ ضرب دهیم ، چرا که عین اوسط او ۲۸ سال است ، عدد این جوانان ۱۰۲۲۰۰۰۰ میرسد .

گویا این قدر اشخاص برای ملازمت فوجی دستیاب شده میتواند اگر ازچه عدد مذکور مردمان عرضه بازگان وطن بفرستم ناقابل ملازمت لطام خارج کرده جوانهم بفک رنج آن نخ بکنم .

ازین اخبرا دانسته میتوانم که درمیدان جنگ عدد سپاه عثمانیه قریب علاقه وپنج فلک خواهد بود ، لا کن درین تعداد کثیر فوج بحری وسپاه حافظ شامل نیست ، بالفاظ دیگر ما بقوتی که در اداره وسپاهی جرمنی هنوز بآن حصه نرسیده ، که برای آن موجب تشویش شود چنانکه درابتدای جنگ بود ، درین وقت نیز ، محصول فتح را رقابت وکار گذاری افواج خود وحلیفان خود خواهیم پنداشت .

زبدهٔ شده از اخبار برلاب هندی کانپور

(۱) در جرمن بنک بانکاری استعمال می کنند ، که پذیرهٔ آن گداو نزاب محرقه را در سیاه روبی میباشند ، وچهره شان ازان می سوزد .

(۲) روز جمعیت ویستهٔ بنکان کمک بدهکی ، برای توزیع تقوات مجالس هزده هزار وچها رصد روپیه را در کاری توانه بکار بردیم میرفت ، در آن دم قریب نهانهٔ کوتوالی ، چند نفر بنکال راه بورا گرفته وکاری را ایستاده کرده همه مالیدار اتراج نموده درموتر آورانیاده ، ولا کی موتر وان از اندمن موتر ا نبود ، دران اورا زود کوب کرده فرود آوردند وخود آنها موترا راندند ، وکفته میشود که یا نفر بنکال بده بجه روز فاستنبون ریل کالسکه موتر را بکرایه گرفتند ، وگروفر بسیار درسیالدہ گوئر گاه تاریخ رده رسیدند .

درین ما یکنفر یا نفر بنکال بالیقان ملحق شدند ، و قدری پیش رفته بنکان شراب فروشی رسیده شراب خریدند بعد ازان دو نفر دیگر بنکالی بالشان پیوستند ، این دهکی ، ملحقهٔ شان نه کی در لباس بنکالی وبنک نفر در لباس اروپائی است و بیان کرده میشود که دو نفر آنها را فکنه کوتوالی گرفتار نموده ، ولا کی دیدن شان هیچ اسباب قابل گرفتاری نشده ، تجسس و تحسس آن کالسکه موتر جاریست .

(کبوتران نامه بر)

در انگلستان بنک اطلاع سرکاری شایع شده است ، که دولت برطانیه نیز به تقلید فرانس و جرمنی کبوتران نامه بر را استعمال کردن میخواهد ، مرد بفرانس بسیار معلق ومتاع این قاصد ها هستند ، وازینک مدت هزار به اعتبار کثیر ، در پاریس پرورش آنها کرده میشود ، و درین وقت نیز در پاریس بسیار کبوتران موجود هستند ، کدورصورت ضرورت آنها استعمال کرده خواهند شد درمحاصره سنه ۷۱ - ۱۸۷۰ ع پاریس آنها زائد از پنک تک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1119 of 1786

پیامهای فوری از شهر بارانس رد و بدل شده و ازان اندازه قدرت و قیمت آنها گرفته میتوانیم .

از چند سال گذشته برای امراض جنگی کبوترها را بصول طبی تعلیم داده میشود . اولا چند کبوتر نر جوان منتخب کرده میشود . واز آنها مشق پرواز ۸ تا ۱۲ میل کنانیده . که ازان بازوهای آنها قوی میگردد . رفته رفته فاصله آنرا افزود نموده تا آنکه آنها فاصله ۴۰۰ میل بحساب ۴۰ میل فی ساعت طی کرده میتوانند .

کبوتران نامه بر جزو لاینفک جرمنی است . واین امر ثابت شده است که هین کبوتران نامه بر همین شهر های انگلستان و جرمنی که فاصله آنها زاید از ۳۰۰ میل باشد . بپایان میرسد هرگاه میخواهند که نامه را ارسال کنند هزار میل خیلی ساده

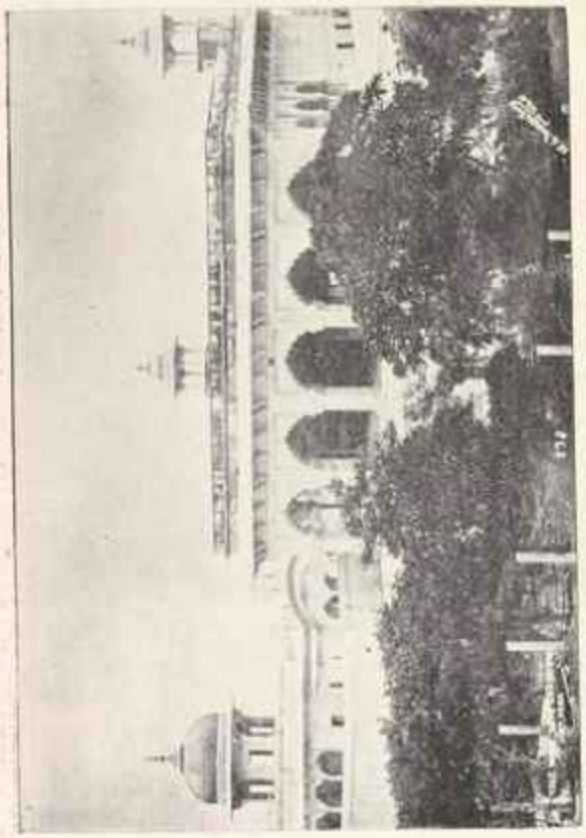

وزن یک پرنده ۱۳ الی ۱۴ اونس باشد . و حمل نموده نمیتواند . کبوتر می نشیند .

این کبوتران چنان تعلیم داده میشوند که . بعد از اندازه زمان می آیند . بعد صلح پارین شهزاده بسمارک وزیر اعظم جرمنی حکم پرورش آنها کرده بود اکنون . تقلید آن . هردولت اروپ کبوترهای تعلیم یافته نگاه میکنند تا که در آوان جنگ بذریعه آنها کامیاب گردیده شود .

ترجمهٔ اخبار هندی عارضه که بدرجرمن توجه کرده (کشتی های جدید بحرالبحر جرمن)

(عمدده) .

کولن هالند ۲۵ جنوری :

اشکرافات زیر مطبوعه که امتحان کشتی های بحرالبحرة جدید جرمن که در قریب جزیرهٔ هل کولند اجرا شده بود بقرار واقعه پیوست . وحقایق این کشتی بیان کرده میشود . کهورانا ی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1120 of 1786

طوفانها بسیار خوبی جهازهای خارجی را اغلب دچار خسارت
ماه بعد اتفاق هیچ جزئی اتفاق نیست .
(دوران باکو)

(کنده) :

نامه نگار آینه دریای خزر مینویسد که در دریای خزر

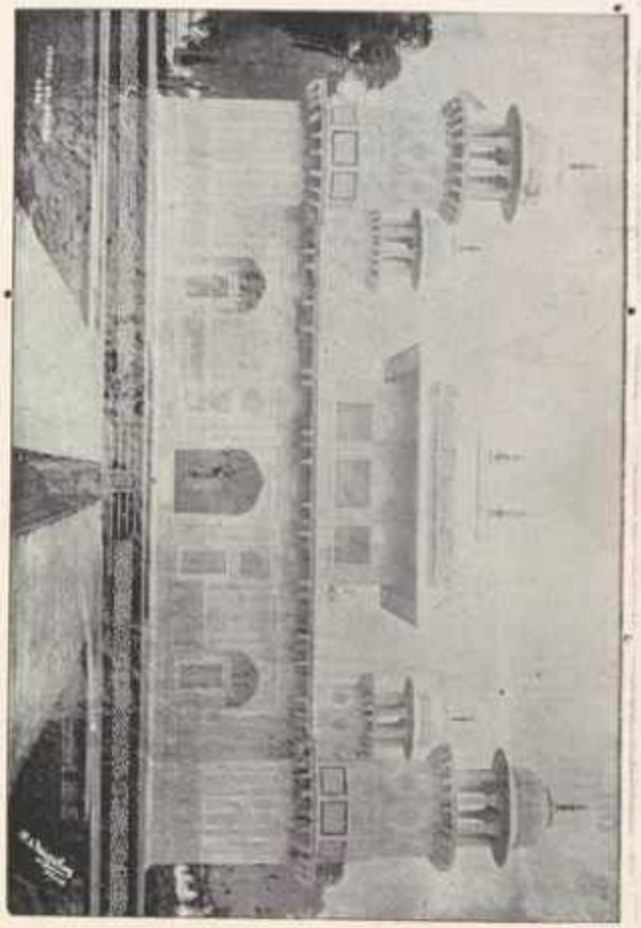

از منظره جالب بنادر
مقام اول که در آن از بنادر ایران نام برده شده

بلغاریا و صربستان مبادله نامه کرده اند که در آینده بیطرف
اتحاد ، و اتفاق باهم را رعایت کرده و در صورت هیچ یک از
عایدات از آن برنیامده ، و چنان معلوم میشود که فعلا بلغار میخواهد
که بعضی شرایط ناگوار را بصرب تحمیل کند که آنوقت صرب

و انگار در حدود یک ساعت باهم دوتن از چندین دریاچه شبیه
برداشته بود ، در حال تصدیق آن از نتوانسته بگوئی معلوم میشود
که بعضی جمعیت های ترک ، و بلغاری متحد شده میخواهند که
بر ... حمله کنند که در تحت تصرف صربستانست ،
نامه نگار صربی از پیش مینویسد که ، از مدتیست که در دریای

را برای آینده آن هادن قرارهای بسیاری لازم خواهد شد .
نامه نگار صوفیه مینویسد که از روسیا خبر تازه های جنگجویانه را که
عازم میخواهد تروج کنند بسیار قابل اهمیت میباشد مگر
این نیست که بنگارها بلغار اطاعت بلغار را اجرا کرده نشده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1121 of 1786

گامه نگار رومانیائی حالت سیاسی را به الفاظ ذیل اظهار نموده است که : درواقعات واحوال سیاسی اینجا فعلاً سکوت است . مسابقه ازهمه بیشتر درزیر تحت کرفته میشود . علناً طرز رفتار سیاسی ایطالیا . وتحقیقات باطنی را درروباست واین یکسخن مسلم است که ایطالیا عنقریب درجناح مخالفین خواهد رامد .

(کذا)

(مال غنیمتی که جرمنها از فرانسه بدست آورده اند)

یکدربوط تیرسی" ظاهرمیکند کازوقتی که جرمنها درفرانسه داخل شده اند تاکنون مال غنیمتی که ازبعضی علاقه‌های تجارتی آن مانند ، روئی وده لیل ، بدست آورده اند قریب ۴۰۰ ملیون چند بالغ میشود . یکی ازمدیرهٔ فن تجارت پنیم که از کور تحت ، جوریا ، بعلاوهٔ نمایندهٔ فرانسه بعرض اخذ معلومات رفته بود دراجوان تجارت ، موقع ، بیان کرده که جرمنها یک مقدار متنوعی ازپشم ، پوست ، ومعدنیات وغیره را بطریق غنیمت ازاقلیم کرفته اند . وبز کفت که درزیرکهای لیل جرمنها یک عده کثیری ازکالای موجی قوس کرده اند کنهایها آورازده قوش زیر پای خود ساخته ، کثیرازدرتخرد خود کفت که دروقت ضرورت جرمن ازعلاقه‌های مفبوضهٔ بلجیم وفرانسه آنقدرمس حاصل میتوان کرد که تا ۳۰ سال بعدهم اکر جنکرا طول داده شود کفایت کند .

(کذا) (جرمن ورومانیا)

ازیکرشته اطلاع پرسی رسیده است که رومانیا برای جرمن یک مقدار بسیار فله مهیا خواهد کرد . وجرمن برای حق آن کادیا باز برداری را حاضر خواهد ساخت .

(تهدیدات بحرة الفان)

جرمنها بتاریخ ۹ مانفروری یک اعلانی شایع کرده که ، باید پس از تاریخ ۱۸ فروری جمع جهازهای تجارتی انکلیز غرق کرده شود ، ونام دولتهای بیطرف را نیز خبرداد که لازمست تا بعد ازین تاریخ بعطرف بحرهای انکلیزی جهازهای" خودرا نفرستند زیرا محتملست که دربصورت جهازهای دولتهای بیطرف هم لطمه برسد . وکویا تحت جرمن مجبوراست که درمقابل بدون برتانیا همچنین پیش آید زیرا دولت وبرتانیا ازهمه طرف وسایل ووسایط حرب وآمدرا بروی بسته است . ومیخواهد کاملت کرد طوری مهیب جرمن را ازقافله کشی علاقه سازد . لهذا رجوع دولتهای بیطرف واضح باد که تاریخ ۱۸ فروری را یاد دارند ، وبعد جهازهای خود شارا ازحدود متعین بانطرف نفرستند ، . پس ازتاریخ مذکور جهازهای تجارتی دولتهای متحده که ازطرف کشتی‌های تحت البحر وجهازهای جنکی جرمن احراق کردیده اند . تاکنون ازقرار ذیل میباشند ، بعضی جهازهای ممالک بیطرف هم سهواً غرق کردیده اند :

(یک اسپیر غرق کرده شد)

لندن ۲۰ فروری :

امروز یک کشتی تحت البحر جرمن بطرف جهاز ، کیپ‌یک ، پیمد ۵ میل از خلیج ، آلوج ، تورپیدو حواله کرد ، این جهاز زخمدار باخود رانده به جانب لیورپول شروع بحرکت نمود .

(کار تورپیج جهاز را غرق کرد)

لندن ۲۱ فروری :

جهازهای ، چوارو ، و ، هایلند بری ، و ، همسپیر ، رابادو جهازهای دیکر بنام جهاز ، کارازوی ، جرمن در بحر او قیانوس غرق نموده است .

(غرقی جهاز ساحل)

لندن ۲۲ فروری :

یک کشتی تحت البحر جرمن جهاز ساحلی" داوون شایر ، را که ۳۰۰ تون وزن داشت درقرب ساحل ، کاف آف مین ، اغراق نموده است . وای برآن راهنمائی" آنرا هدف سپاه داده شد .

(بندش جهازرانی ازبنادر انکلستان)

لندن ۲۳ فروری :

اعلان ادارهٔ بحره مظهراست که درمابین روهار ، ارلاند ، ورود ماژنیال انکلستان جهازرانی بحوراً بسته شده است .

(غرقی سپیر رخمی)

ازخبرهای رسیده معلوم میشود که جهازه رخمی ، بز تورپیدو انداخته شده بود که بعد ۱۰ دقیقه غرق کردیده است .

(غرق شدن جهاز متاع تجارتی)

لندن ۲۴ فروری :

حرکه تاجرات اعلان میکند که جهاز تجارتی ، لفن میکنایی ، ازچندی مفقود الخبراست . وحیال کرده میشود که درموقع زاری ، دشمن غرق کردیده است . ازجهازهای ماهر معلوم میشود که ۲۰ افسر و ۲۶۰ نفر بحریان آن غرق شده اند .

(دوجهاز رخمی دیکر)

لندن ۲۴ فروری :

بعد ۲۰ میل از ، بیچی هید ، سپیر ، برتک سه چین ، پلاسرک تحت البحر اصابه ورزده ، وزیان تورپیدو انداخته شده است بهرصورت رخمی زیرک دران باز کرده شده ، بهر جهاز در ، نیوهیون ، پیاده شد . یک جهاز زرک دیکر بر در زدیک همین جا کرفار دیده است .

(غرقی یک جهاز دیکر دربحر انکلستان)

ازجمله آن دو جهاز فلاکت زده کی که در آن غرق شده بروز آمده بود ، جهاز ، او کی ، که ازلندن بکار دوش روانه ودرراه زخمی شده بود ، امروز وای که آنرا کشیده بجانب ساحل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1122 of 1786

می کوبند در اثنای راه غرق شد . و عده‌ای در « ریو گیت » و « دوور » پیاده شد .

لندن ۲۵ فوریه . عقبهٔ از کار قبل از اصابت حمله توربیدو حرکت آزاد در آب داشت . از ضرب توربید و بلند جنبش وارده هولناک محسوس شد شیرهای فولادی جهاز از هم شکسته . و رده های آهنین آن در هر طرف جدا شده بیرون افتادند . و جهاز بعد از ۱۳ ساعت که بحال خود حرکت کرد غرق شد .

(سفینه برطانوی رانده شد)

لندن ۲۵ فوریه :

دیروز در قرب « بنکار باد » جهاز « دیت فورد » لندن رانده شد و در ۲۰ دقیقه غرق گردید . عقبهٔ جهاز بسطح بحر برشناود کلا بآخر یک جهاز مسافر بردار آمده آنهارا باخود برداشت .

(غرق شدن دو جهاز دیگر)

سفینه « راجو پرانا » که بطرف بحر ابیض میرفت . و جهاز « هار چولین » کهجانب « نیو یورک » میرفت در ظرف دو ساعت هردو از صدمهٔ توربید و دروویار انگلستان غرق شدند و بدون ۳ نفر حیاتی که از ضربهٔ توربید و صدمات شدند باقی جمیع عملهٔ آن سلامت ماند .

(یک جهاز امریکا غرق کرده شد)

لندن ۲۴ فوریه :

دیروز سفینه « کیرب » امریکائی قریب سواحل جرمن غرق کرده شده است که بآن ۴۹۰۰ تن پارچه و دوا طرف محکمهٔ سرکاری دولت امریکا پیه کرده شده بود .

(دولت امریکا پیه را پس کرد)

نیویارک ۲۴ فوریه :

اعلان کرده شده است که گورنمنت فدرال بیع جهازها و اسباب یکه دولتهای خارجی جنگزده برای جنگ در کوک به غرق شدن جهاز « لوزی تانیا » و « کیرب » منسوب میشود .

(جهاز تجارتی دولت امریکا غرق کرده شد)

لندن ۲۲ فوریه :

اخبار « لوگانبرغ » میرسد که جهاز تجارتی « ایوانی » دولت امریکا که از نیویارک به « برمن » جرمن پیه می آورد . در ۱۷ فبروری « ۱۰۰ کم » بشمال لندانو غرق شده است یکعدد جرمنی عملهٔ آنرا نجات داده باخود برداشته است .

(غرق شدن اسفینه نارودی)

لندن ۲۲ فوریه :

سفینه « نارودی » کهاز « شیلد » به « ریو » میرفت امروز بوقت ساعت ۹ و ۴۵ صبح در نزدیکی دوور غرق شد .

(عبور یک جهاز فرانسوی)

لندن ۲۷ فوریه :

جهاز بخاری فرانسوی « ایلیر » یک اسلزتی برخورده غرق شده است رسماً بیان کرده میشود که جهاز « ایلیر » بایک جهاز گدام بطرف هوتی بیگو میرفت . در اثنای رفتار بایک سرمک لحت البحر دولت انزا مصادمه نموده غرق شد . و ۳۵ نفر آن نیز مفقود الاثر میباشند .

(یک جهاز زخمی دولت سویدن)

لندن ۲۷ فوریه :

یک تلگراف « یوتن » مطلع است که سفینه « سوارن » سویدن در خلیج میباشد . و در حصهٔ عروضی جهاز مذکور یک رخنهٔ بزرگ واقع شده که بایسر یک لحت البحر برخورده و توربیدو بآن اصابت است .

(پشاور دیلی نیوز) (غرقی جهاز پرنس ویکتوریا)

لندن ۹ مارچ :

بعصدهٔ ۱۸ میل از « دنس » جهاز « پرنس ویکتوریا » توربیدو حواله شد . و همچند کاوبیدو است که خود را از اصابت توربید دی لحت البحر بالمال احتیاط کنده مگر قابل نشد . حتی بساعت ۹ و ۴۵ صبح پیره دار قسم پیدن جهاز هر آمدن توربیدو را برفقای خود ابلاغ نمود که آنوقت هیچ فرصت چیپدن از محل اصابت توربیدو نامده بود . توربیدو بجهاز اصابت نمود و یک مصادمهٔ بسیار مدهشی عمل آمده جهاز غرق شد . و عملهٔ آن بعد ازانکه صفات بسطح بحر و کشتی های خورده خود سرا سیمه ماندند بالآخر یک جهاز خورده آمده آنهارا برداشت .

(غرقی یک جهاز دیگر)

لندن ۹ مارچ :

یک کشتی ساحل گیر ملاحان جهاز « بلیتوود » رادیو « بوهین » فرود آورده . که وقت ۶ نواصبح بجهاز مذکور توربیدو حالی شده بود . اهل جهاز را پیش ازانکه دیگر جهاز امدادی رساند کدو چهارده در کشتی های خورد خود بسطح بحر شناوری داشتند . کشتی لحت البحر بعد ازین توربید و بسطح بحر رانده ولی هیچ یک امدادی برای نجات دادن عملهٔ جهاز نبود .

(غرق شدن جهاز نکسن)

لندن ۹ مارچ :

امروز بوقت ۱۲ و ۴۵ ساعت رجستر « نکسن » توربیدو حواله کرده شد و آنوقت وقتیکه عملهٔ خود بعضاً بلامبات غرق شد .

(غرقی یک جهاز فرانسوی)

لندن ۱۰ مارچ :

در نزدیکی « بچی هیده » یک کشتی لحت البحر جرمنی ملاحان یکجهاز « زاز » فرانسوی را احاطه کرد که از جهاز فرو آمده . و به

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1123 of 1786

پرتگاه اهالی جهاز فرود آمده و تراز ، مذکور غریقرا نجاتداده شد ، که بعد از کمی در غرق گردید .

(زیمنار) : (طیارهٔ زپلین بر کیلی)

لندن ۲۳ فروری :

امروز صبح یك طیارهٔ زپلین ۱۰ بم بر کیلی انداخت کهازان ۵ نفر هلاك وچیزی زخمی شدند ، ودك و اسباب را نیز کمی نقصان رسید .

(طیارهٔ جرمنی بروارسو)

بعد از توقف چندهفته طیاره های جرمنی بروارسو حمله کردند . پانزپیلن حریب جرمنها بعلتندی ۳۰۰ فوت برشاهراه وارسو پرواز میکرد ، ودرحینیکه بلندی پلان روسی تعاقب آنرا کرده ولی ناکامشد ، ودرهمینحال بالای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1124 of 1786

کذا : (عرقی چهارها زدیل)

لندن ۱۵ مارچ :

وزارتخارجه بلغاریا وقت ساعت پنج بصدراعظم کنتی تحت البحر جرمنی بعد از غرق ساعت کنتر جواز عبور بانگلیزی تورپیدو انداخت اهل جواز بر کشتی های عبور نموده سوار شده بجواز غرق گردید.

وکیل : (نیم صفحه رانداز)

نامه نگار حضرتی اخبار (نگا کو تریبون) طبع جنیوا (واقع سویس ۰) گفت دعوت آن زپلین های موسوم اکوزای حق اندن در آن ساخته شده است بدینان دقت دارد است .

دولت آلمان بدفعات خرچه موده بگرافی و متعددی درتیه حمله کردن لندن بوسیلهٔ جهاز های هوائی مصروف ومشغوف بود، چون (کانستر بشکار خانه بزرگ زپلین سازی ساخته بود در آغاز جنگ بکهزار هزار دین کارخانه مصروفه پیش از حرب درجا (٤٠٠) عمله کار میکردند فی روز ۸ ساعت . ولی از آغاز حرب این انتظام کرده اند کهدر ٢٤ ساعت شبا روز (١٢) ساعت (٥٠٠) عمله کار میکنند و بعد آرام دوروز دیگر باز (٥٠٠) آدم (٥٠٠) کار میکنند یعنی ٥٠٠ عمله کار میکنند . حصه های مختلفه جهاز هوائی در دیگر کارخانجات حربی ساخته شده بدریعه ریل دین کارخانه می آرند کارانجا فقط مرتب ساخته وپیوند کردن است . این نوع دریکهفته یک جهاز هوائی کامل میشود . پیش ازین هرقدر زپلین ساخته میشد فی الوقت بدرد مقصود انحصاراً بدرد نمیخورد . مگر اخیراً زپلین آخری که دارد زیادتر مضبوط و وزنه است وبه ٥ تومبر مکمل شده بوسیلهٔ زپلین امتحان هوا آنطرف ثبات داده شده .

طولیان زپلین چهل گز است یعنی از همه زپلین های پیشتر دراز است عرض آن قریب ١٤ گز است وقوت آن دارد (٣) میلیون ٥٠٠ هزار پوند میباشد عمله آن ٣٠ نفر افسر و دیگر کارگرها میباشد . وقت رفتن بغدد کوکاران جهاز گذاشته کهمیتوانند آن بافت فضای کنند میلیون و نیم گالن آب بنزین میبرد . ١٢ (توپهای دار) فضای زپلین جا بجا طوری بر هر دو زپلین بگذاشته اند که در زمین حرکت کرده میتوانند و دیگر آن دو بمب گوله های سنگین

آخرین خبرها

نقل از اخبار های انگریزی وارده

در دنمارک

لندن ١٩ مارچ :- عالیجناب دولت بریتانیا اعلان کرده که در هنگام گوله باری در دنمارک دو کشتی" دریه" دولت دولت انگلیز که یکی « اوشن » و دیگی « داری شایر » نام داشت بگ دریه دولت « سویدن » نمودولت فرانس بر نگهای منصرفه خود غرق و ناپدید کردند . سیاهان و عمله جات کشتی دولت فرانس تفاوت نموده اند که تمام سیاهان کشتیهای انگلیزی رو دیگر کشتیهای شان از غرق نجات داده اند . و نیز کشتی" کوئی « نامه فرانس را گوله باری استحکامات ژنه تصان رسیده و نیز تمام کشتیهای جنگی فرانس وانگلیز که در دردانیل مشغول پیکار بوده گوله های استحکامات ژنه رسیده زده وزخمی نموده وکشتی جنگی « انگلیز » نام انگلیز شکسته و بیکار شده است . تخمیناً بعد تلف چند ازین رهگذر بانگلیز وفرانس تصان وارد شده .

خرابیها در ولینه

پترو گراد ٢٢ مارچ :- بسبب حمله های پیاپی وباران گوله های جرمنی در ایستان - یعنی ولینه تودهٔ پنج شهر های کلان رومنی وبیشتر از دو بخصه بمعاوقصه های ملت روس ویران وتباه شد که اندازهٔ تصان آنها دگرور پوند تخمین میشود .

تصادمات بحری

لندن ٢٣ مارچ :- رسیا خبر میدهد کهاکنون بخلاف جهاز کشتی تجارتی انگلیز یا غرق شده یا گرفتار آمده ، وبرازده کشتی بسرنگ یا مورده غرق گردیده است ، وبست ودو کشتی را کشتیهای آبدوز جرمنی غرق کرده است ، وعلاوه برینها چهل وهفت جهازات ماهیگیری نیز غرق وضایع شده است

(بقیهٔ پر زیل)

پترو گراد ٢٢ مارچ :- رسیا خبر رسیده که قلعهٔ پر زیل را که در سر حدروس ویرل اوستژا چه روسیا واقع واسطیر گرمداند .

❖ خبر های هندستان ❖

کلکته ٢٥ مارچ :- گورنمنت هندستان بلد قانون بسیار مستبداده وجارحانهٔ بسیار شدید دراکل قارا درهندستان سرازنو جاری کرده که بموجب این قانون همه حقوق رعایای هندستان را درزیر انحصار میآورد بدانست که بموجب این قانون هیچکس از رعایای هند بیمراه خارج مملکت هندستان خط و کتابت کرده نمیتواند ، واگر کسی ازینشخص که موجب خوف وهراس میدان شود ، وبد راه کامیاب دولت متحده کرده بگوید یا کند بمقابل سزا وجزای کامیابی دولت متحده خواهد رسید ، وهرکس که اداشیا وارمتنوع خانه سرای وظیفه گورا حکومت نسطمیکند وخود را حق میکند ، وهرکه هرکس کهاسلحه وبارود ودیگر اشیای حربیه ظهور باید موجب علاکش میکرده حکومت خانه وسکان هرکس راکهدان خواهد بلا رسان وباز خواست تلافی میکرده ، وهرکس که برخلاف دولت بریتانیا سخن بگوید وباموجب خوف وهراس خواهی شود ، وبا کسی اجتماع کند که درملاقات دولت بریتانیا داخل نشود وبا کسی گفت گوی قانون خوب نیست و برخلاف این قانون حرکتی کرده وبسخن گفت او را گرفتار کرده روی روی به نزد افسر که مامور اجرای این قانون هستند پیش کرده قرار حربی که از دست او سر زده باشد یا بسزای قتل یا هفت سال حبس دوگانه این میرساند . از اعلان این قانون اهالی را بات اب وتاب کاهیدی وطپیدن بسمل پیدا شده است .

در چاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مطالعاتیکه مستعلق ندارد ازطرف مدیر وسر محرر مجرد نخواهد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1125 of 1786

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشتصد روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارصد روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج صد روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت صد روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوسته

قیمت سالیانه] دهصد روپیه انگلیزی [قیمت ششماهه] پنج صد روپیه انگلیزی

به ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی چارصد روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند

یادآوری

رعایهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیک جابیکر چاروناچار میباید که یک رقعه دیگر وشرح ضرور انگیزند که من درفلان جا بودم ومحل درفلان جا مجموع اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

خواه اگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرنوع اعلان وانتشاریکه داشته از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج مرتبه بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درمیان ورق وقته درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر نه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارها (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مادیاً یک سال نشر کردن خواهد دوصد یک ساله را پیشکی ادا نماید ورق پیشی برسر سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1126 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خوشحال

از آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودداری بعمل آید ولی تا حال ادا کفایه هر گونه دارالسلطنه کابل یک مقدار کم دیده میشود لهذا مشار الیه تصمیم و توزیع اخبار مارا که بعهده مشترکین کرام رسانیدن داشت خیلی خوب قبول نموده و مشترکین کرام دارالسلطنه خود را یقین دهد آوری میکنیم که بعد از این اخبار های شان بدون واسطه هر فردا فردا بواسطه آدمهای ما کفایه خود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب ساد اول سراج الاخبار افغانیه جلد

کتاب ساد دوم ۰۰۰ مصور جلد

کتاب ساد سوم ۰۰۰ مصور جلد

هر دو اسلامیت

آنها باید کرد

قصه درفن

نوشته

این کتابهای هوقد اداره سراج میباشد. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کنند.

اعلان

از سفارت عالیات

سیاحت روسیه از دوران پطر اول روز جلد

سیاحت در سوئد جلد

سیاحت در ژاپن مصور جلد

تاریخ سلجوقی و تاریخ چنگیز سفلی جلد

رونق حکم جلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای هوقد را داشته باشد از طرف نظمیه عالیات دوسیه اصلیان از که خیلی خوش خلق سر مرتب و ازکار باز هستند کتابهای مزبور را از اداره پشتونای سنی که در پشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند.

و اگر از اطراف و اقطار آرزوی خریداری کتابهای هوقد را بکنند باید در اخبار افغانیه اعلان کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1127 of 1786

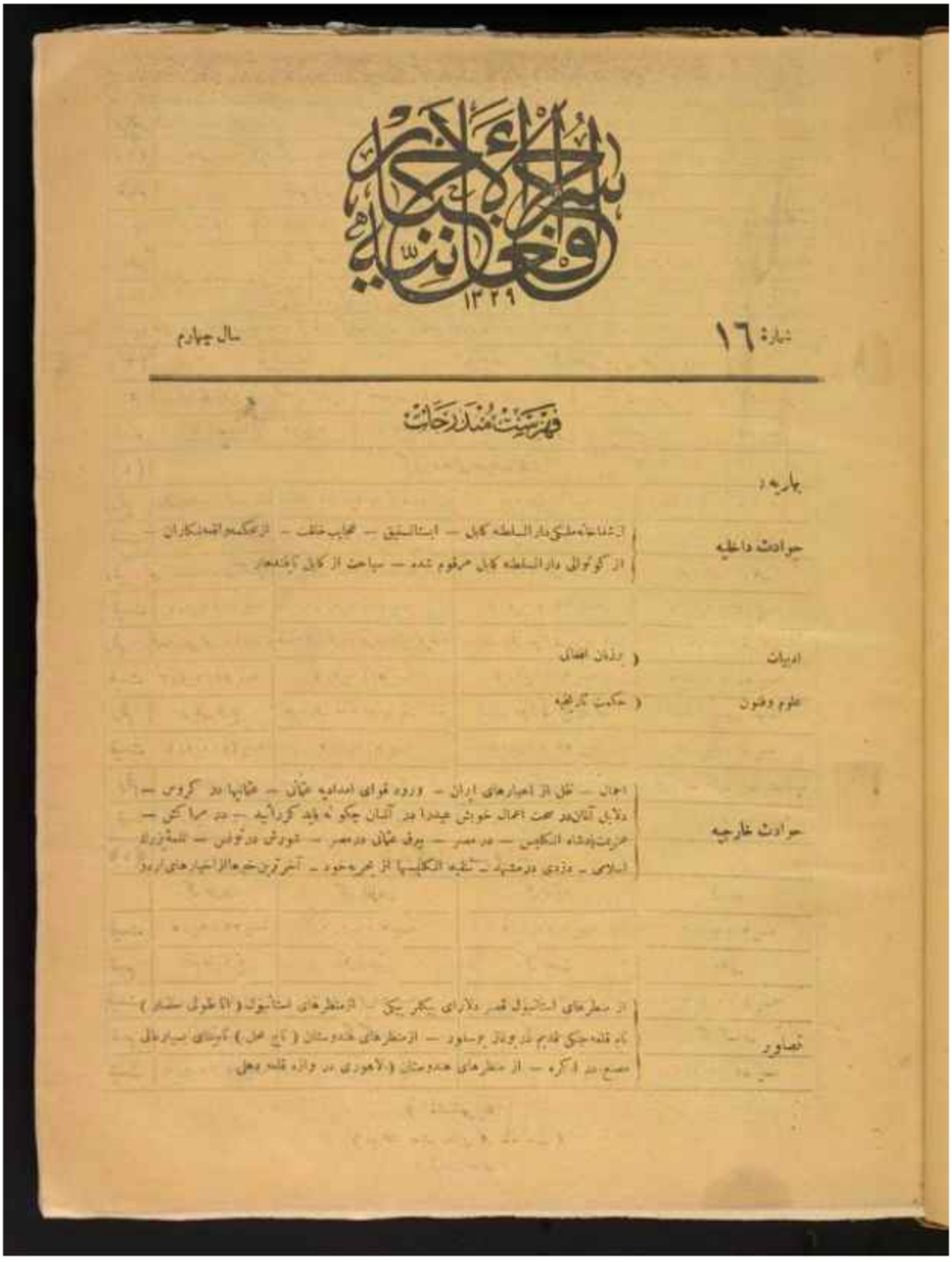

شماره ۱۶ سال چهارم

فهرست مندرجات

جراید	
حوادث داخله	از اعلیحضرت ملکی دارالسلطنه کابل — ایتالیتی — عجایب خلقت — از محکمه اقتصادکاران — از گوکوالی دارالسلطنه کابل مرقوم شده — سیاحت از کابل تا قندهار
ادبیات	(زبان اعضای
علوم وفنون	(حکمت تاریخیه
حوادث خارجیه	اجمال — نقل از اخبارهای ایران — ورود قوای امدادیه عثمانی — عثمانیها در کروس — دلایل آنان در صحت اعمال خویش چندرا در آنسان چگونه باید گزارشید — در مراکش — حزب پادشاه انگلیس — در مصر — پرنس عثمانی در مصر — شورش در تونس — قضیه زرال اسلامی — وزیری در مشهد — قضیه الکلیسها از مجریه خود — آخرترین خبرها از اخبارهای اروپا
تصاویر	از منظرهای استانبول قصر دلمای بکلر بکی — از منظرهای استانبول (الاطوق سلمان) باب قلعه جکی قدیم در وقت عبور سلطان — از منظرهای هندوستان (تاج محل) آبشاری سیار حالی مصنوع در اکره — از منظرهای هندوستان (لاهوری در دوازه قلعه دهلی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1128 of 1786

از صنایع پرورهای دات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه القاجاریه دمی وهمت جناب جریل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه رایحای حوایج دولی وعسکری مانند آلات حربیه دقایقه واونیفورمه های هما کرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند پیدا ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : عمل فروش این چیزها ، دیپو کابل (دکان عبدالله خان دربازار اول) میباشد .

(۱) سرخ های پشمینه باقی رنگهای مختلف کیفیت آن ذیلا قرار گرانکارزی ۳ قواره نخصص شده دار صد وقطعهٔ جنسی هر طرز فروش میرسد

اقسام	قسم اول				قسم دوم	
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم فقدری کمتر قیمت آن ۱۰ پیسه ارزانتر است
رقم	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۵ روپیه ۴۰ پیسه	۹ روپیه ۴۵ پیسه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه

کشیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکارزی | کشیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیسه | کشیره رهدار هر رقم چهل وپنج پیسه

(۲) چراب ها ﴿۳﴾ نکه های چرمی چراب ومتردو

رقم	نکه بالای زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۲۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۴۵ پیسه

(٤) کروه های جدیدساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو کاره	زه باف یک اسپه دو کاره سه کاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ جار کارهٔ نعلی
قیمت	۸ روپیه و ۳۲ پیسه	۹ روپیه و ۴۵ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاده یک اسپه	چرم باف دسته دولاده یک اسپه	دسته دولاده یک جار اسپه	چرم باف عرکان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۲ پیسه
رقم	قیمه چرمی کیفیت نکره نوکان	قیمت کیفیت نکره مارچرمه لایه نوکان	زه باف رقم سواری ساده کیفیت	زه باف دو کاره رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۶۶ پیسه	۴ روپیه و ۴۷ پیسه	۴ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۴۵ پیسه
رقم	رکابی ازغ	چرم باف میانه چوب پت زاده	ازدن سواری تیغ چرمی	زاده ابریشمی جیاغه
قیمت	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۵ روپیه و ۸۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته دولاده سای رنگین کیفیت نکره	دسته دولاده سای رنگین کیفیت نکره	از ازن سواری دولاده تیغ چرمی کهنه دار	چرم باف ماشین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

	گل چرین	گل بنفشه	گل پرپه	گل نسرین
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۹ روپیه و ۶ پیسه	۹ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسترن	جنبل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۸۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سومن	گل گندم
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(میرعلم هاشم دفتری کارخانه جات)

(کپتان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1129 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۱۶)

محمود طرزی

ادارهٔ مخابر طبعیه

در دائرهٔ سراج السلطنه (کابل)
عن امورات تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم جمادی الثانی ۱۳۲۳ تاریخ انگریزی ۱۶ اپریل تاریخ شمسی ۲۶ حمل ۱۲۹۴

(بهاریه)

کلام ادب‌پیرای دیانت‌انجام حضرت طرزی صاحب مرحوم

جهان چنان شده گلزار از نسیم بهار
که موج گل بقفس برگشته از دیوار
ز اعتدال هوا بسکه باغ شد مرطوب
ز سبزه آینهٔ تاب یافته ز سبکسار
دوان بپای درختان صحن بستان آب
توگوئی اند جریان تحتها الانهار
بباغ لاله ز افروخته چراغ منیر
شکوفه خوانده بگلزار مطلع الانوار
ز جوش لاله و گل بسکه شد فروزان باغ
توگوئی آتش سوزان فتاده در گلزار
ز بسکه هست درین فصل اعتدال هوا
ز شعله لاله و گل میدمد بجای شرار
ز شوق مقدم گل نعره برکشد بلبل
بپای سرو کشد غلغل جان شکوهٔ تکرار
صبا بمنتهیٰ آرد صد هزار قدم
نسیم نکهت گل را ز جانب گل زار
ز بوی گل شده گلشن توگوئی فردوس
ز عطر گشته جنان رشک گلبنهٔ عطار
بستان چشمه گنون از نشور جوشد آب
بسانکه هست روان از نوح در اخبار
شده از ترشح باران عذار شاهد گل
بسان روی عرقناک شاهد خمار

توگوئی از سر تو خون کوهکن زده جوش
ز بس دمیده شقایق ز دامن کهسار
عجب نهم چه قدا گل بکلاه بلبل کرده
که یک زبان نشنیده هوش از کفتار
ربوده طاقت و صبرو قرار از مستان
فغان بلبل و صوت هزار و نالهٔ سار
ز نکهت سمن و بوی نسیم گل مکوی
صبا گشاده بگلزار نافه های نثار
عجب مدار گر از اعتدال فصل ربیع
دمد شکوفه ز شاخ شکستهٔ انجار
شکافته در قندیل لاله زانکه کند
ازان پیاله سرشار رفع رنج خمار
بهر طرف متمایل شده چو مستان سرو
گرفته بازوی او بازوار دست چنار
درین بهار بگلزار گر گل الماس
روی نار زند گل بگوشهٔ دستار
بود جان تو شاداب گلهار مکدر
ز اعتدال هوا و طراوت سر شار
(گر ز بحمد باریتعالی جل و علی)
بباغ سوسن آزاده با هزاران شوق
زبان گشاده به تسبیح خالق جبار
ز کردگار خدایی که انس و آفاق
بوا حدیت خالق همیکنند اقرار
عجب هستی نوعهیچه هست یافته نیست
که لیس فی وسط الدهر غیره دیار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1130 of 1786

زصنع قدرت او آیه ایست هفت فلک
زجود رحمت او قطره ایست هفت بحار
تو تا بدانی تا ابد ش بهشت و حور و قصور
شرا زمایست زقیرش جحیم و دوزخ و نار
« احوال قیامت »
چو نفخ صور سرافیل بانگ بر دارد
شود زهیبت او محو از جهان آثار
که خطهٔ لن یملک را جواب دهد
بجز خدای که لله واحد القهار
کا ئنات حیاتی نماند از ذیروح
زور مختار نیاری نماند از جاندار
بساط سبع سیاوات را بهم پیچند
بسان صفحهٔ قرطاس و کاغذ طومار
همه زوال پذیرند غیر ذات خدای
قدیم و قادر و پروردگار لیل و نهار
زترس وبیم پدر را نه شفقتی به پسر
زجوی ورغبت معشوق را امید ازیار
عصیان و بانگ کنند انبیا که وا نفسا
بجز تنی همه مشغول بآنسان بزار
« کیفیت شفاعت »
دران مصاف کسی را نه رخصتی ز رکس
بجز احمد مختار (ص) او عترت اطهار
زیک طرف حسین و زیک طرف زهرا
زیک طرف سر اخیار جار بر کنار
همه گرفته بکف کیسوان مشک افشان
همه گشاده بجان لطف اهل تکرار
گشاده دست شفاعت بزه خالق خلق
که رحم فرما سوی امت ای غفار
« امت شافع روز جزا علیه افضل التحایا »
اگر چه امت ذات احمد همچو نبیست
بقدر دانش خود شمهٔ کنم اظهار
همه عزیز شمارند خلقهٔ تو لاک
که هست رحمه پیغمبران سرو سردار
همه عزیز بانت وجود جهان
که بود همچو پدر رهنما چو و انصار
همه عزیز آنکه از کال شرف
بود شریعت او قد مکتوبرا شعار
همه عزیز آنکه از زهٔ معنی
بر انبیاست مقدم بر اولیا سالار
همه عزیز آنکه حاکم تمامیتش
بود روی شرف سرمهٔ اولی الابصار

مرا که هست چنین سرور شفاعتخواه
چهاك زاتش سوزان و خوف روزشمار
« مناقب چهار یار رضوان الله اجمعین »
زهمه همه خدا امت خواجهٔ دوسرا
اشنو مناقب و اوصاف چار یار کبار
پس از مدایح صدیق و حضرت فاروق
کنم عصائد عثمان و حیدر کرار
چهار کان سخا و چهار بحر عطا
چهار راهنما و چهار شرع شکر
یکیست هادی اعیان یکیست جان جهان
یکیست جامع قرآن یکیست فخر کبار
چهار رکن عظیم و چهار عرش عظیم
چهار در بهشت و چهار شرع مدار
یکیست صاحب غار و یکیست عدیشمار
اول یکی سپهر و دوم یکی شمهٔ مکرار
ازین چهار یکی گر کسی خلاف کند
سیاه باد رخش زده خالق جبار
« افتراق مجز وبنا »
چونیست حد تو وطرزی، مدایح ایشان
خوش بتر و عجز و قصور کن اقرار
بصطفای مصلی و آل و اصحابش
درود و رحمت حق باد تا بروز شمار
عبیر تا که وزد در چمن بفیض نسیم
زنیم سحری رهگذار گل اقطار
عب آل نبی سرخ روی و خندان باد
چنانکه گل بچمن بشکفد بفصل بهار
عدوی دولت اسلام زار و خوار و نژند
بسان ترکس چشم دایما بردار

حوادث داخلیه

از شفا خانهٔ ملکی دار السلطنهٔ کابل

« ایستاتستیق » — یعنی جدول حساب — است که از نوروز سنهٔ گذشته ۱۳۴۲ تا پایان نوروز سنهٔ ۱۳۴۳ عدد مریضانی را که به شفا خانهٔ ملکی مراجعت کرده اند نشان میدهد :

(۱) — مریضانی که هر روزه سر دستی مداوی شده اند ۳۵۳۵۱
(۲) — هر روزینی که هر روزه سر دستی مداوی شده اند ۱۱۸۶۶
(۳) — اطفال که در طرف یکسال غذا چیچک زده شده اند ۴۲۲۷
(٤) — مریضان خوابانده ئی که برای مداوی در طرف یکسال در شفا خانه قبول شده اند ۱۷٤

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1131 of 1786

(۵)	مریضانی که شبانه‌روز از شفاخانه بیرون تشیه شده اند	۱۴۵
(۶)	مریضانی که هنوز در شفاخانه میباشند	۱۱
(۷)	عملیات جراحیه مهمه وکلانی که در شفاخانه ملکی اجرا شده است	۵۵
	جمع کل همه تداوی شده گان	۵۱۸۲۹

وفیات

(۱)	بیمارانی که بعد از عملیات فوت شده اند	۴
(۲)	— بیمارانی که از دیگر مریضها فوت شده اند	۱۴
	جمع کل همه وفات یافتگان	۱۸

تفصیلات وفیات

ازین چار نفر مریضی که بعد از عملیات فوت شده اند دو نفر آن بحال حالی که وجود شان زهر ناک شده بود بشفاخانه مرا جعت کرده بود . اگر چه عملیات اجرا شده ولی حیاتش رهایی نیافت . یک مریض دیگر نیز بسنی که از سالهای زیادی از مرض خناق مشکی بود . و کرده هایش به التهاب متلیحه ، و مثانه اش بعلت سر طان مبتلا شده بود . بعد از انکه معاینه باز کرده شد و دیده شد که قابل عملیات نمیباشد پس بسته شد . بعد از عملیات در ظرف ۳۶ ساعت از سبب تسمم بولی وفات یافته است . چار مین ، یک مردی بود که حافور بسیار بزرگ رایش پیدا شده بود . عملیات فوق العادهٔ آن به بسیار کامیابی وخوبی اجرا کرده شد . و آعرض جوشهٔ حافورش الیام یافته نزدیک بحوری رسید . اما فقط ترش نات اریه گرفتار آمده بعد از عملیات به ۱۴ روز وفات یافته است .

عملیات خورد و ریزهٔ که بدون ذکر وقایع — یعنی دوای بیهوشی — اجرا شده است درین حساب داخل نیست .

خلاصه

عدد مریضانی که بحساب وسطی هر روزه بشفاخانه می آیند ۹۷

عدد یکه هر روزه می آیند	۳۰
جمع کل روزانه	۱۲۷

جمع جمله مریضان که در ظرف یکسال برای تداوی بشفاخانه ملکی روی آورند (۵۱۷۱۸) نفراست . بیماران که بصورت رسمی — یعنی سر کاری — رفت و آمد دارند داخل بحساب فوق نمیباشند فقط .

عجایب خلقت

تحریر ایست که از طرف انجمن دو نفر از بین یک خانم طبیب واقعه شفاخانه ملکی بمراسلات سابق فوق نگارنیده است .

در خانهٔ حاجی « صدرالدین » نام شخصی از سا کنان قریهٔ « ده مزنگ » کابل تولید پسری بوقوع آمده که طفل مذکور از مفد طبیعی — یعنی مقعد — سراسر عموم وبمساحت بحدیکه عادت واصول اجابت بتدریج از بین رفته و آورده جایگاه آرا طلب میکند . دلاک آنها نیز عاجز و یکسو شده از کرد کتیه از یک حین که خیلی دورتر از مقعد طبیعی بوده باشد بقاعدهٔ چاقوی جراحی سوراخ را باز کرده و چون از سوراخ مقعد هیچ اثری پیدا نمیشود پس گردن خودرا عاجزانه پیش کار خود میبرد .

این بیچاره از میان مریضان چهارده هفته گان اولاد نیامده و اگر آمده بسبب های مختلف ضایع شده . وی اولاد مانده اند . دربیمار که صاحب اولاد شده اند چون دیده اند که بسبب این عارضهٔ نامعهودی آنها یک مرد تحلی معروض میباشند و جاهم والدهٔ پدر و مادر بچارهرا قیاس باید که چه درجه خواهد بود . اینچنین خیالها آنکسانی را که وقایع دیده میتوانند که پدر و هم اولاد دلشان کباب شده باشد ! مصیبت دیگر این بیچاره گان را ببینید که از موجود بودن یک شفاخانه که از بشتر سالها بسایهٔ مرحمت پرورایهٔ ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) صدها هزار چار دران تداوی شده و میشود بی خبردار نبوده اند . نمیدانم که آیا رحمتین عیری خنده باید کرد . یا افسوس ! بیرحمو رشتی یکی از دوستان حاجی صدرالدین که از ساعات شفاخانه نمیباشد حاجی مذکور را و موجودیت شفاخانه خبرداده . و او ابتدا رش و تشویق نموده طفل مذکور را از نزدش مخلصانه گفته و برداشته بشفاخانه آورده . چون دیده که این مسئله خیلی شان اهمیت است . وزودی وبزی دران بکار است مخلصانه بیدرنگ عملیاتش را اجرا کرده .

چنانچه اولا از چوت آغاز کرده تمام لحمی خارجی عضلات و « صفاقات » — یعنی پرده های نازک که گوشتها پوشیده است . و « عضلات » — یعنی گوشتها را طبقه طبقه کرده تا « دروشات » — ویشت خانه . تحمیناً زیاده از چار سانتیمتر و بعضی سه انگشت می آید دریک قطعهٔ بسیار عمیق آخر روده را پیدا کرده توانسته . شکم طفلک بچاره ساخته بچاره طبعاً از رجع آمدن غازات یعنی گیسها پر باد و آماسیده شده بود . واز درد بسیار زیاد و ناله دوام میورزید . در حین که روده را بلند کرده بحور شده رودهرا پاره کرده . از شکافی که حاصل شده مقدار بسیاری از گیسها و یک مواد سیاه رنگ بیرون برامد . آمانیمه گی شکم فرونشسته و طفل بچاره نیز از کرب آزاد گردید .

بعد ازین کار باقیماند که مقعدرا اصلاح و درستی داده برای اجرای کار طبیعی آن کار آمد بسازد . لهذا التصاقات — یعنی چسپیدگیهایی را که ازان قطعهٔ عمیق به اعراض حاصل شده بود که بانکشت و گاه با آلات جراحی باز کرده . روده را بدرجهٔ که لازم بود بیان گذیده . و تو گوئی آنرا بموقعیت دوختم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1132 of 1786

بعدازنیست وبخروزدهرچیزهاراتباه‌ویران گردید بواسطه‌وزش باد
دوسه‌هفته‌بود که آن طفل نوزاد یکسال تمام بوده فعلاً کاش بر
اظهرای سنی که حال طبیعی اگرکه است تجاوز مینمود.

ازچنین وقوعات بی‌اندازه‌ولادتهای که طفل نوزاد و این
کیفیت کول بندازه‌ولادت نیست. ولیکن حضور مادران روده
درچنین جای عمیق از وقوعات بسیار اندری تصور میشود.
اگرشما خانه مشکی نبیود برای این طفل بقسم ظاهر زندگان
حال میشود. لهذا این مرحمت باد وجهان خالق" اطیف در
بندند کنزالانام است که بال" حقیق وخالق" اعظمی" شفاعانه"
ملکی میدانند. آیاوقتها و بازهای دلسوزان دلشکنان کیه‌ها
حضرت وزیر کارهای الهان در حق اطیفه رشیداه باحرمت
و بندگی شفت خود شان رفع باد که گویا کارند چنان مطیر
حسن قبول اقرا فرمایند؟

در اینجا چیزیک قصهٔ بی میوه این است کسب جلب کردن
دعای خیرانسان. دعا ورضای خدای بالا اطیفه ان
مولوکه" آنان میشود که برای این عاجز بی کنزان غفرورحمات
تصور نمایند. ومن اللهالتوفیق. تحریر فی یوم پنجشنبه ۲ شهر
جمادی الاول سنه ۱۳۳۳

از محکمه واقعه نگاران

واقعه‌نگار کهنه‌ویشان مورخهٔ ۲۲ ذی‌حجه‌الحرام بارسالی
خود نوشته است — اهل محله نام دارا کره سا کن دهیک ۲
مرضی واقعه شده که بروز سه‌شنبه ۲۱ ماه حال بساعت‌یروز
معناً اززبان گفت گردیده و کوشایان امدام های خودرا بدهن
می‌کند صبح‌روز مذکورفوت‌شده عمر آن تخمیناً بی‌ساله بود.

واقعه‌نگار مزارشریف مورخهٔ ۲۶ ذی‌الحجه الحرام بارسالی
خود نوشته است — از تاریخ ۲۴ ماه ذیقعده الحرام الی ۲۶ ماه
ذاصفه باران های زیاد و متواتر باریده غریبی‌های کنده وقلیچ
اغلب حصه بدشتها خود خراب شده الزامات باران باران هاتقص
زیاد برای مردم زراعت کار عاصمه ترکستان رسیده است فقط

واقعه نگار هرات بمریضه مورخه ۲۵ ذیقعده الحرام بارسالی
خود نوشته است که یوم شنبه ۱۸ ماه حال بعد از نماز شام الی
نیمه‌شب باران بسیارشدید باریده صبح آن در بیر اخیر وجوی کو
سیلاب آمده خانه های زیادی آب برداشته خود تالیاطکومه
هرات هراه غربی زیادرفته آمد سیلاب رازدودوسه نیوده که
خلوق خداوند از ضرر آب فارغ گردیدند والا نقص وخرابی
زیاد می‌نبود فقط

مورخهٔ یکشنبه ۲۲ ماه جمادی‌الاول سنه ۱۳۳۳

از کوتوالی دارالسلطنه کابل مینویسند

اینکه مالیحاه محمد قاسم خان کلانتر کندز مراد حالی بروت
اطلاعدهی یوم شنبه ۱۱ شهر حال خود تحریر کرده که بوده جمعه

۲۰ شهر مذکور در کوتوالی دروازه خانه حسین بیه کی سه وضع
باه وطلاق خانه شرارت کاه در کی برق سیالی رسیده بعضی خانه
های مذکور را اندک اندک سوخانده کی و خراشته شده —
واراضعاً برق مذکور خود حسین صاحب خانه — ودروازه کم
خرابه ودیگاوسولنکر دوساعت پرتاب کرده شده — بعدپوش
آمده دیگر خانها فضل‌الهی ضرر وخسارتی وارد نشده — فقط

مسافرت از کابل بقندهار

(دنباله شماره ۹)

[— ۲ —]

(فرخندی — جریان)

شب در رباط باغات نامی داخل بودیم. چرا جواب در آمد
افکار پایانه حوادث را اندک بهبود شد. زیرا آب امنیتی حال
نکوت شد میشد این شب زمین بخت گذشت. زیرا شب اول
سفر اول هست. چون بیداری و انتظار وقیم کتب مواد شد
وقت گذر خاطرات پارینه‌ها. خلاصه بدرجه‌ای خاطرات پرسی
صبح شد. این روز توقف است شب نیست.

قبل الصباح بعد ازادای صلوة در مسجد رباط وقت طلوع
آفتاب حرکت ساعت (۹) بر قافله بسته شده روزدار. آوردیم
وارد رباط جوزدرا گذشته رسیدیم. در آنجا سرک قندهار بر
من که کاه‌روی جوده گردانیده. در حیا، عرض های بلند
بعضی جسمی چار دهی را غالب میکردیم. قدری راه‌رفتم که بقله
سنگی سنگ پشت مانند چون. سنگ طرفه طلک در میان افتاده
چهارده‌ی ازنظر میشود. وهرا مرجوع ساخت. . . .

امثال چیزیکه‌در راه‌جلب نظر می‌کند. هلا قطعات سنگ
وقلعه جات و فرهندی و ست. که درخت غلو وسنزآن از دور
اظهار آباد چون آرا می کند

از عقدی چهار کروه از قلعهٔ قاضی و صاحه دارد. قبل
ازانکه ملحاً مسافران یعنی رباط خوش بسط ساخته شده بود.
و کرمسافران الرقعهٔ قاضی گذشته درعقاد ازعقدی غریب‌های
شب میاند نشانند.

بسر راه ایلها یک عقاد بزرگ گیری، واقع ومشهور به
« چوکی‌ارغندی » میباشد. کمی کوش‌نوم درآمد چیا می‌شنوید
چون صدای درای قافله بکوش ملازمان (جرنج گیری)
درآمد، فی‌الفوراز درون، گوله، برآمد بهیئت غریب وصدای
غریب، بادیه ! ایستاده باشید ! که معنی توقف راالان نمیبود
از چار پنج دهان یکبارگی خارج‌شده قافله صبور بایستادن شد.
راستی که اگر همچنین پنج صدای متواتر کوش قافله بشنوید
کاهی قرار ایستادن، زیرا چون از قافلهٔ دهی برآمدیم در قافله
همین نه کر بودند درچوکی ارغندی چه حوادیم کرده ! وچسان
خواهند شد ! زیرا ایشان در خرچون ها بعضی اشیای تجارتی
پنهان‌دارند(؟) دارند ! . . . لهذا مشوش میباشند ! ! . . .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1133 of 1786

از طرفین حرکات وسکنات طرفین مشاهده افتاد . هردفعه صدای گلوله بارگیرا بگذرانند وملازمان خرچگری چه میکنند که بارگیری نگذرد وایشان باطوار غریبه صداها وگفتگوها می کنند . پس از گفتگوهای بسیار یک شخص از طرف قلعه گفت چه سخن است ؟ شما هر تیری خود را کرانه قلعه را بگذارید بروید . ایشان گفتند خوب است چه گفتگوی باقی نماند

بعد ازان دونفر سوداگر ازقلعه به « کوهٔ » خرچگری داخل شدند بعد ازساعتی توقف پس آمدند هر قلعه گفتند بارها بفروشید . که خود چند هزار دارند ! .... حقیقةً که

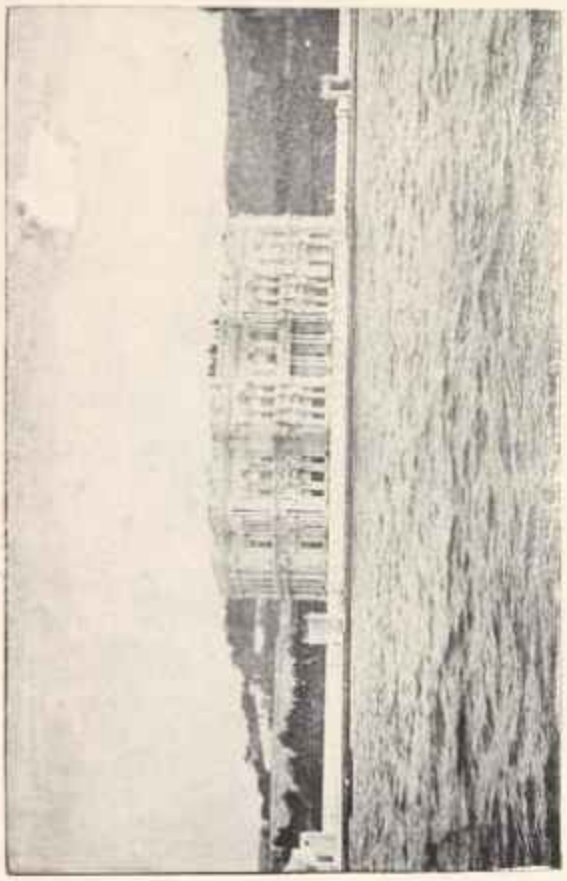

از منظر های استامبول
قصر دلآرای پادشاهی سلطان عبدالعزیز خان مرحوم
در حیث ساحل اردوی جوار بوسفور

شیرش عجب مزه دار چیز بود !! .... !

امروز هم در دامن کوه‌ها ودره‌ها رفتار دارم ولی آهسته آهسته میروم کی راه رفته بودم که یکبارزمین وسپهر سراسر خضرا . انهارش روان ، بارش فراوان ، چمنش بحدهٔ سرو در آزادی تاک ، ویاغهایش باد ازخط داده ازدور چن صدمهٔ

توضیح نکتهٔ رساله شیرقدردت بازیب وزینت جوده واز کدبانو درصفائی وخوشروائی بوی از (میدان) جنت رفته ، ! ...

پرسیدم اینگاه جای است ؟

گفتند : — آیاه ، میدان ، را ندیده اید

حقیقةً که خوش میدانی است ! .... ولی

(مظهر)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1134 of 1786

بایدرعت چه خط باشد ترسیر کستان مارا
که رهن کاروان انداست چون آیدروان مارا

بطرف غرب وشرق آن دو کوه معظم الشکوه واقع است طول میدان از شمال بجنوب است ، مردم میدان روان اصلی اعضای خود تکلم میکنند ، وگذران آنها درقلعه ها میباشد وان رسم قلعه ازان است که چون از قدیم ایشان بنزاع های مابین دعاوی مدعول بوده وشب وروز به گفت و خون خود ها مشغوف میبودند از ترس شبیخون یکدیگر چند ساله دارا احاطه یک جار دیواری ساخته ودروازه آنرا شب میبندند ودیوار خیلی ضخیم و ارتفاع (۱) های خودبرکرده است که باعث حفاظ روی ساختن قلعه

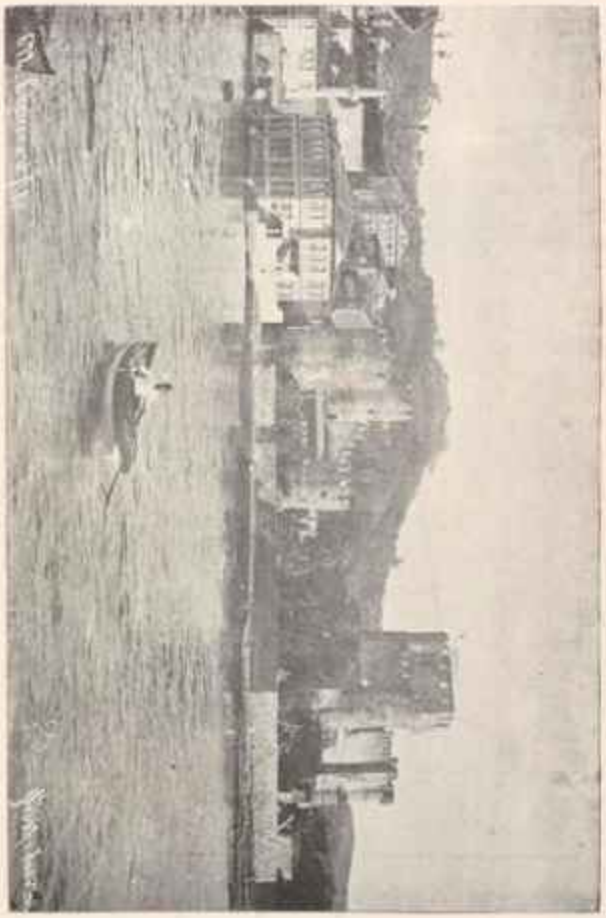

از منظره های استانبول
(تابلوی حسن) در قلعه میگی قدیم در نزدیک استانبول

میگردد واقع است ، برمن دوسر قورتکهای بازیاد بسیار دراز برخلاف هزارهای دیگر که دیده بودم دیدم وتعجب میکردم

(باقی دارد)

ع . ه .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1135 of 1786

ادبیات

زبان افغانی

(بحالات امروز دنیا یك نظر عبرت)

ته کړه دا زمکې ګورې نظر وکړه زما ورور ده
څه غږې آوازې دې رنګارنګه ټکارې دې
ماڼۍ ټوله دې په شور کې مړه ژن په شور ماشور کې
د بعضو ځواق لږ نه — د بعضو ډاو ډیلې نه —
ژنې تور ملکوته ښې ژنې خپل سا ټلای ښې
بعضو نوې ټهدای ګډیشو و بعضو خپل رهمای پر یشوو
ژنې دا ټوله هیوانه ژنې شوه پر زنګه پانه
پر ګډ رنګه احوال دې شو. ماشور او دل مقال دې
دنیا ده پر شور راغلې ټو پر ځل لهر پدې —
ټوې دولې چه پر دنیا دې په ډرپه ګه په ایتیا دې
ټول په جنګ ـ ده اخته دې په سر وینو آغشته دې
ډ(ډیر) ټوخیل سرتیر دې خاوره من په خاګل هیروډ
په پرپ کې ډ ډ ټوله ده سپه روز په ټور شپه ده
د جرمن پر غاښه ده — زمکه سره دوډی پر شپه ده
پل دې هر چیرې ټو روه د ټو پر ګډې دا روه
په هوا دې چیارو ده په اوبو کې آبکو ټوله
هم زمکه دې ریټوه — په دښتو کې موزه ده —
د ټو پر ټور در پهار دې مسره ګډیو ډ پسارو دې
د ټو پکو ټنګ هسار دې د مړو دکو شرکه هار دې
هر ډیاره پسان او ډې هم کښې بلادې ټو ډې
ټوې عظیم مهلك ټوپوله ډیر ده هش ټوا ډ ډ ډه
پر دښمن ګډوې وا ډ روه ورانه وې هر پر شپږوله
په لښکو نام قلیږې — په لښکو هم امیر یږې
دغږ د ټوې دولتونه — د هر و سلطنتو نه —
په پوه آن ګډې پر باد — د دښمن په زړه سې شاد
شه پر باد قوم په خرابې پرتې عظیم اضطراب سې
پر سه پل راسه — سې خپور پل اینسا ده
د یلچیم وحال ته ګورې که دې ساځه‌وې خدای ډ ډورې
په پوه آن سه پر باد — د جرمن زړه سه په شاد
پر عجیب رنګه احوال دې پر غریب منقلب حال دې
جرمن دې خدای ګار لې روس انګرزې شکار لې
روسیان ډاږې(ډار)ډاږې ګ جرمن غاړې خو ټالې ګ
انګرزان په ډیر آخته دې ډیر معصوم خو را ټپه دې
په فرانس ګ و ټوله ده — د جرمن پرې غاښه ده —
اخلاص چه پر احوال دې چه ټیر په ډیر ځان دې
خوشحال دې مسلمانان خصوصاً پیسا افغانان

خدای را ګرې غنیمت دې
ډ ډو میاشو ځانپاشو —
با غیرت ځ ځملان دې
مړ ډاه غیرت په ګورې —
د غیرت په ټلان ټیږولې
صد ځیرین ډیر غیرت وې
ډ ډ ډ سو په ډښیا
مقال هم د ډوبې سو
په مطلب سو سر فراز
هم پر مسرې چه ګرې هم پر سوړ په چا ډوې
خدای را ګرې غنیمت دې
مت په ډ ډ ډ ډ ډ
ای چه مسلمانانو !
ته لمنه په عطا ګرې
چه پسرو وینو آغشته دې
ځکا ځران بې ټول ډ ډ
ل ډې پرلسه ډ وې
ډ ډ ډ ډ ډ ډ ډ
په احوال مخته ژان غږې
پرېشان زمه احوال وو
شه وو ډ ډ ډ ډ ډ
لاې شاباش ډ وهلې —
دوې مخکاره په غیرت —
سره وا ډ ټوله په —
ډ ډ ډ ډ ډ ډ ډ
ټکرې وهلې په اخلاص
ډ ډ ډ ډ ډ ډ ډ
ډ ډ ډ ډ ډ ډ ډ
ای ډ ډ ډ ډ ډ ډ
ای ډ ډ ډ ډ ډ ډ
ای ډ ډ ډ ډ ډ ډ
ای ډ ډ ډ ډ ډ ډ
ای ډ ډ ډ ډ ډ ډ

محمد ګل (س)
سه شلې اوسه دور پې غور سنه ۱۳۳۳
په مدرسه شاهي ګ (صابغ خان)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1136 of 1786

(حکمت تاریخیه)

یک نظر بسوی اوایل قرون وسطی !

درشمارهٔ ۸ سال چارم مویدک مقالهٔ « درزر عنوان « حکمت تاریخیه » در قید تحریر آوردیم . وعده کردیم که بعدازاینکه کاملی درزر این عنوان یعنی معلومات تاریخیه در پیشگاه نظر قارئین کرام عرض خواهیم نمود . لاجرم چنانچه در آغاز قرون اولی چیزی چیزی بیان نمودیم در پیرامون از اوایل قرون وسطی یعنی احوالات تاریخیه را مینویسیم . اما قبل از آنکه بقصد شروع بمانچ یک دو کلمه درباب « تقسیمات تاریخیه » بیان میکنیم تامعلوم شود که مقصد ما از (قرون وسطی) کدام مدت است :

مؤرخین این اعصار جدیده « تاریخ عمومی » را بسه قسم تقسیم کرده اند :

(۱) — ازمان خلقت عالم — یعنی از زمانهای مجهولی که تاریخ آنی ضبط وثبت نشده است — تا بدایت دولت اپیراطوری « روسهٔ غربی » مدتی را که مورخین نموده اند « قرون اولی » یا « عالم دیگر » یا « مدهٔ متقدمه » میگویند .

(۲) — ازمان انقراض دولت اپیراطوری « روسهٔ غربی » تا انقراض دولت اپیراطوری « روسهٔ شرقی » — یعنی ازوقت فتح قسطنطنیه ازطرف دولت عثمانی — « قرون وسطی » یا « عالم دیگر » یا « مدهٔ متوسطه » میگویند .

(۳) — ازفتح قسطنطنیه تاهمین زمان را که مادران موجودیم « قرون جدیده » یا « عالم دیگر » یا « مدهٔ متأخره » میگویند .

« قرون » جمع « قرن » است . یکقرن یک عصر عبارت ازهمان مدتیست که ازیکصد ویکسال تا بیکصد ویکسال سال دیگر مرور نماید — یعنی یک قرن « یک عصر عبارت ازیک صد سال است » .

من تاریخ از بهترین فنون و علومیست که شمرده میشود . ولی شرط اعظم آن همان است که درمقالهٔ سابق بیان شد یعنی انسان بخواندن بردی « ومطالعه سرسری آن اکتفا نورزیده بدیدهٔ حکمت وعین بصیرت نظر کرده بخواند « واز خبرهای این عالم احوال عالم — یعنی عبر جلیل تاریخ — بانطباق احوال سابق را بحال کوشش ورزد « وازین جهت مدنیت ارتقاء « خلسا صنایع دما کنر « را پیروی کرده سکنان عبرت نور حکمت پرور آرا رهبر نجاح وسعادت سازد « حال بهمین قدر یک جمله مهٔ اکتفا ورزیده باصل مقصد رجوع مینمائیم :

در آخرهای عصر ششم میلادی عظمهٔ خرستانی باسمالک دو دولت سیاسی وشوکت و عظمت بزنوت وعزتی معروف بود که یکی دولت ایپراطوری « روسهٔ شرقی » و دیگی دولت شاهنشاهی ساسانیان ایران بود . لکن علی این هردو دولت واسطهٔ حرکات نادانیه « واعمال بیقلاته » امرا « وسکنهٔ خود شان بکسر سوی پرتگاه نابود مضمحل هو واضمحلال نقطان نقطان میرفتند . اقوامی که درزیر حکم این دودولت عظیم بودند بازیچهٔ دست هوا وهوس پرستی « حکام خود شده بودند . اگرچه ازهردو حکومت معظمه درظاهر حال جلال وشوکت ودر حشمت دیده میشد « ولیکن قصورهای زرنگار « وکاخهای دلکشه شان بودند « ودیدهها وطنطنههای شان داستان بار شده بود « اما درحقیقت حال این هردو دولت بسیدیگی « وضعیف پیدا کرده بودند . اهالی وملل هردو حکومت درزیر بار مظالم « وضلالت مبدء « وگرفته شده بودند . میکروبهای بیماری « مرض جور وضرر بدنه واساس آن هردو ایپراطوری جسیمه را چنان دیمه بودند که مانند یک چاری اجوف وکاوا کی ساخته بود . هرطرف ملک ازاثر ظلم وملک خرید خوری « حاکم های مرده وکلان یک حال خراب داری برآمده بود « افراد ملل درزیر بار مظالم واحتیاج بدرجهٔ عصیان وانسحلال رسیده بودند « مال « جان « عرض « حق هم « زد که « ثروت واموال درهر جا هدف حرزی بعضی که داران بی وجدان ماننه غارچ مانده بود « ده بیدوای جوانات وعجزی باهالیکه دشت خودشانرا اعانه کرده نمیتوانستند « دیو خوابانیده وقوهٔ فکریه وحسیات شانرا ازبرج ون رانکنده بود « در میان اهالی هیچ کس نمیدید که بجان یکدیگر « یاقدام که بفید — که آیا چه میشود « وچه خواهد شد « و بکجا میروند « وبرای چه زندگانی میکنند ! هرکس بدین مسئله راسخ الاعتقاد شده بود که حاکمها صاحب ملکند « وخود شان غلام وامیر آنها میباشند . ودر خصوص چنان ساعت وعرض تسلیمیت کرده بودند که این احوال حاکمها وخودشانرا ازحقوق طبیعیهٔ لازمهٔ آدمیت میشمردند !

دولت « ساسانیان » که قبل ازهجرت نبوی صلی الله علیه وسلم ۳۹۶ سال تأسیس یافته « وبعد از هجرت تاه ۳۰ سال دوام ورزیده بود آخرترین دولتهای ایرانست که درقرون وسطی تشکیل یافته است . آغاز آن به حکومت « اردشیر « وانجام آن حکومت « یزدگرد است که بعد از هجرت « هفتمین » اردشیر است که اسلام بخلل رسیده استقلال دولت ایران را خانه داده است .

رای تمثال عبرت در دولت ساسانیه از حکومت « بهرام « پنجم که مشهور بهبرام گور بوده چیزی چیزی بحث میرایم :

بهرام گور « چارمین پادشاهست ازان شاهان دولت ساسانیه که در ایران حکومت رانده اند « تاریخ ۴۰۸ « میلادی رافت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1137 of 1786

سلطنت جلوس کرده ، ومدت چهارسال یکدل ویکدله سلطنت و نام نیکی و مفخرت پدید کرده است.فردوسی درشاهنامه ، وطنامی مدحت بیکران آنرا دربارهٔ کرامیهای خود شان بامی مبالغات شاعرانه ، وشکته پردازیهای ادیبانه ازان بحث رانده،اند که سلاطین عهد تفصیلات صرفنظر کرده تنها بصورت اجمالی عرضه میکنیم که عامل بکلهٔ "خراسان" دولت ساسانیهٔ ایران همانا دین پرستی وشکار دوستی ، وخیره خواهی" بهرام گور گردیده است. بهرام در عهدات خود یک پادشاه باعدالت وحقانیت ، وصاحب قوت وجسارت بود ، ولی بسبیکه هواوهوس وعشرت پرستی برطبعش غلبه نموده بود عمدهٔ امور سلطنت خودرا بسته بحد هر وزیران ویوجدای که رائیها ازنشوجان اعتماد کرده بود. تسلیم نموده خودش هیچوقت سوی درامورات عمدهٔ سلطنت دیده است بوده آنچند طرورزا ووکلا بلشرکت مالپرستی رای عمس خودشکیل داده ملک و عیت را پناه وخراب نمودند . دعدالم وداد اعلان حریت درمابین همان چندنفر ترکا تقسیم گردیده بکشمار بسیار جزئی چیزیه داخل میکردید که آنهم الا بخارج هوسات پادشاه کفایت میکرد . لذا مقصدیکانه "آن گومیان" دین عبر بودکه ملکیارا ابقاءاز دوتهای مخرب ومضری که برای ه.مگذاریی امین کرده بودند بطریقیا چاره گویابدادوآن جا کدهادر اطراف اولیار شان همین دیدند که بحاصل کردن رشوتی کهداده بودند کوشش ورزند.بعد ازان درپی سه چهارمثل آن مبلغ رابرای کامل کردن خود میکوشیدند ویاز ازای آنکه عزیل شوند بمدارک دیگر رشوت برای گومیان" میگری میپرداختند که بایصورت اهالی مانده کاید های چال گردیده قریها قصبها بخاک خرابه زاری تحویل می یافت .

بهرام دراصل فطرت چون یک پادشاه باعدل ودادو واقف ترقی وسداد بود اگرچه این ناگواریها را حس میکرد امابعض دوستیش اصلاحات را بتعویق می انداخت . تا آنکه پندیک ازمؤیدان موجب بیداری عمقلی گردید ، ودفعهٔ به ترک عیش وعشرت کمته گرفت اصلاحات ملک را بدست پرمیان پرست . خاندان دولت را یکبارگی بمطویات نمیده عمارات نمود ، خرابیها را به آبادی تبدیل داد . بعد از اصلاحات داخلی بفتوحات خارجی پرداخته ، وتا پهلستان توسیع مملکت نمود .

در خصوص بیداری بهرام از غفلتش از قرار ذیل روایت کرده میکویند که یکروزی بهرام بامؤیدهیر وسفر میکرد بعضی قلعه‌ها وقریه‌های خرابه زاری بنظرپادشاه رسیدورو که آوازهای جوسها ازان بمیداری آمد . از مؤید پرسید که اینها آوازهاست؟ مؤید گفت : — این قبل وقال جمعیت ومهماست که برای جشن یک عروسی" گردآمده اند . وبسبب ازدحامی که در خصوص کابین درمابین شان پیش آمده باهم گفتگو دارند ! پادشاه گفت : — آیا در میان جمعها هردسم کابین جاریست ؟ مؤید گفت بلی، کابین جمعها خرابه زار هاست . عروس خیل صغیره مانندان قریهٔ خرابه به کابین عروس طلب میکنند . پادشاه جبل میکویند که : — «اگرملک این است وهمین شهریار" ازپنجه وپانزده صد هزار ! »

اگرچه او اخرسلطنت بهرام به بیباکی روی مرور نمود ، ولی اخلاقش با پیمان مسلکهای پیش و بعدی وخلق وشمکری فاز نبود . تا آنکه « اوشیروان » نام پادشاه عادل ومدبر پیروزی قبل ازهجرت ۴۳۰ سال بر تخت دولت ساسانیه جلوس کرده،ترقی وشان دولت خودرا بعدل وفتوحات ملک کردانید . وجاسوسان وامان داخل ملک وفتوحات خارجی را وسعت داده،ضابط اصلاح اخلاق اهالی نیز غیرت وسعی نمود.بیشتر بزندان داخل اله علیه وسیز درزمان اوشیروان کپواره پری دام وجود کرده ، اند. بعدازاوشیروان ازان بازدهرج ومرج عظیم متمکن نوم اتصال داده ، « هرمزداد » خلف اوشیروان آمد.یک امیر عدم وسداد کی بود که اهالی بمیان عبور شده بر رعایش کرده ، وبدست پسرش « خد » پرویز » بقتل رسید . حالا آنکه خود خسرو پرویز نیز در عیش پرستی وعجبی بدرجه ترقی نمود که برسهام کور صفوتها فرستاد . تا آنکه اوایر بدست پسرش « شیرویه » خلق رسیده در زمان حلافتش « زه گرد » دولت ساسانیه،را اوار شصطعه از عدالت وحقانیت نام آثاریاداسلام محو وناپید گردانید .

حالا یکقدری سوی دولت ایپراطوری" « رومهٔ شرقی » نظرعبرت افگنیم : — ایپراطوری" رومهٔ شرقی از ایپراطوری" رومهٔ غربی جداشده در « زانس » که مرکز آن « قسطنطنیه » است تأسیس حکومت نموده است . از احوال سابق ، وکیفیت تأسیس آن صرفنظر نموده نهایا احوال اخیره آن : یکدوسال علاقه را کشتا میورزیم !

« هرا کلیوس » که در زمان عزیز به « هرقل » مشهور است اگرچه یک ایپراطور جسور وغیوری بود ، امادر دوره دولت رومه چنان ناگواریها ورنالهای ظهور یافت که انسانرا از شنیدن آن شرم میآید . مثلا ایپرا طور « میخائیل دوم » چنان زبون یک ایپراطوری بود که از « هیرو دوم » کاتب لاتینی نامه بی هیچ جدا شدن نداشت . حتی یک روزی که در هیرودوم بدانا وذوق وصفا مشغول بود یکی از مأمورینش درجه بدرجه فرستاده که لشکر دشمن از حدود قسطنطنیه تجاوز نمود . ایپرا طور بمجرد شنیدن این خبر شمشیر برهنه لازهیر « دوم بیرون جسته وخبر آورنده راخطاب کرده گفت : — ابله بیادب بیوقوف! درچنین وقتیکه من مشغول مطالعه روز خودم به چنین سخنان بیهوده چسان پریشان کردن ذهن من جسارت میورزی ؟ » « این را گفته وشمشیر را برو حواله نمود .

درحالیکه از یکطرف این دو ایپرا طوری" سلطنهٔ فرس ، وروم،درزیر لخت خراب" بیدادواستبداد ، وآفتهای مدهشهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1138 of 1786

وجهات انجمن زار وزون شده بود ، فرطرف دیگر تراعی خیلی وحدتی آنان ، هجاز و برای یک انقلاب بسیار وسیعی حاضری میدید ، تا آنکه در سنهٔ ۶۷۱ میلادی ازیک قصهٔ بلند سکنان هجاز بر دوستان اسلامیت طلوع کرده در طرف بی وسه سال ریگستان پیابان عرستان را بنور عدالت ومعرفت شرق نمود ، وعرب های بادوی یک دوح معنائی ، ویک حیات عرفان وافکار کبادی بخشید ، سر انجام تاریخ سیاسی وتجارتی جهانیان که جهان انسانیت را فرا گرفته بود تدریجاً ازعربستان کرفته تاپاورای اقلیمای شرق وغرب دراز پرده ها محجوب مستور ماند ، انسانات عالیه ومتین قرآن مبین یک قسم بزرگ قوهٔ آسیا وافریقا وبعضی انحاء اروپا را به انوار علم وکمال وعرفان منور ساخت ، خرابها رابه معمور بدل ، بدویانرا به مدنیت جهان وحدت را بکلزار معرفت تحویل داد .

نتیجهٔ مکتب ، وخلاصهٔ بحوثی که ازین بیانات حاصل میشود این است که اگرچه آن دولت قدسی صفاتی که این امانات عظیمه را بنا نشر کرده در گذشته اندولی هزار ذکر که فرمان حق تابد باقیست ، هرگاه ارواح جهان تازه وعدالت ومعرفت وسعی وکوشش وغیرت وشرف وغیره که قرآن مبین بآن قسم بزرگ یاد کرده شود — بلوحوسنگ درجهٔ علمی وفلسفه واخلاق ، بلوار کوه حیوانات وحشیه مانند عربستان وشیرها وپرها ودیوها وبلاها وبزها فرا گرفته شده باشد ، باهر سلاح مدنیهٔ انحاد واخوت اسلامی که مسلمانان شرق وغرب را یک وجود ساخته ، وباخلاق حسنهٔ مان که جوش صبر واقدام وانتقامرا به آنها چشانیده ، وعبرت وشجاعت که همهٔ دنیارا درونی حرکت وحیات آن سر فرو کردهٔ تسلیم نموده ، روحهٔ آنهارابآن نجوید ، علی الخصوص در وقتیکه علمها وپرچمها وبی الفافیا چنان کاوات ومعنوی وجوشمندان کرده باشد که درجهٔ حیوانات متفرقهٔ در تحت آن زندگانی کنند ، علی قول اقوام شان از درجهٔ هیئت شرهای قاز وشیر درنده ها والزوده‌های خیال انزل بالکه باشد !

حوادث خارجیه

(اجمال)

ان جنك حوزری آنقدر را هیچ تاریخی یاد ندارد ، چنیکه درچند سنه‌ها کتاب ها جنك دارند :

(۱) — عمارهٔ دولت آلمان بانبارك درخاك بلژیك كه بحو ومقرض شدن دولت بلژیك به انجام رسید . (۲) — عمارهٔ دولت آلمان بافرانس درخاك خود فرانس . (۳) بزعمارهٔ دولت آلمان بافرانس وانگلیز درسواحل غربیهٔ خاك فرانس . (٤) — عمارهٔ دولت آلمان بادوس درروسیای شرق . (۵) عمارهٔ دولت آلمان بادوس در ایستان . (۶) عمارهٔ دولت آلمان بادولتین فرانس وانگلیز درجاهای مختلف افریقا . (۷) عمارهٔ دولت آلمان بااسترالیا نیوزیلندیها در اوقیانوس کبیر (۸) عمارهٔ بحری دولت آلمان بادولتین فرانس وانگلیز درنحر شمال ومانش . (۹) عمارهٔ بحری دولت آلمان بانگلیز درنحرهای امریکا . (۱۰) ـ عمارهٔ بحری دولت آلمان بانگلیز درنحر محیط هندی . (۱۱)ـ ـ عمارهٔ دولت آلمان بادولتین ژاپن وانگلیز در اقصای شرق (۱۲) — کارزار دولت اوسترو بادولت روس در بالکان (۱۳) — کارزار دولت اوسترو بادولت روس در ایستان (۱۴) کارزار دولت اوسترو بادولت صرب درخاك صرب . (۱۵) — کارزار دولت اوسترو بقره ، ع — یعنی مانتینکرو درخاك آن . — (۱۶) — کارزار دولت اوسترو بصرب وقره طاغ درجوسه وهرسك که طاغ اوسترو وهرزی آن بو حکومت منجر شده . (۱۷) کارزار بحری دولت اوسترو بادولتین فرانس و انگلیز درسواحل بحر ادریاتیك . (۱۸) ـ عمارهٔ دولت عثمانی بادولت انگلیز در حدود بصره (۱۹) — عمارهٔ دولت عثمانی بادولت انگلیز درحدود عدن . ـ (۲۰) ـ عمارهٔ دولت عثمانی بادولت انگلیز درسواحل خلیج فارس . (۲۱) — عمارهٔ دولت عثمانی بادولت روس درقفقاز . (۲۲) — عمارهٔ دولت عثمانی بادولت روس درایران . (۲۳) — عمارهٔ دولت عثمانی بادولت روس درعربستان . (۲۴) ـ عمارهٔ دولت عثمانی بادولت انگلیزوفرانس درسوریه وعراق . (۲۵) ـ وبنز عمارهٔ بحری دولت آلمان بادولت روس درنحر مانیت . (۲۶) وبنز عمارهٔ مجاهدین مراکو بادولت فرانس درصراحین مغرب .

باوجوب اکثر خلط کرهٔ زمین ازتأثیرات جنك متاثر بوده میشود ، ولی مرج ومرج خونریزی درتمام ملل احکام اجرا نگذارد ، مقدسترین انسانیت مانند سیاو و حقیهٔ درنده یکدیگر نمود نمایند ، آیات برهنی میخواند ، بازه بازه میکند ، عهدنامه‌ها محترمانه ، وقوانین زمان مالکمتدان شان عیان میکوشند کفاحت ومسئولیت این فتنهٔ عام آلوده را یک رویکر امداخته خود را مسئولیت آلوده برفع دهند ! مثلاً اوسترو میکوید که ولیعهد نمارا صربیا قتل رسانیده ورهرهٔ جهان خاص وانکار کردیدك این جهت سکر مخربیك خوددولت صرب ، بنابراین باید هرکس این حق بدهند که اورا یك کوشمالی بدهی ، اول کسیکه این حق اورا تسلیم کرده المان بود ، حالانکه درعین زمان روس خودرا وابنی دلایل وبراهین محی ومعین صرب نشان داد که المان از مجبورنده هزارها دلیل برای کفت معاهد ومتفق خود اوسترو بیان کنود ، از انطرف فرانس دلایل معاونت خود را به روس ، واز طرف دیگر انکلیز در باب حمایت بلژیك دلایل وبراهین بیان کرده هریك ازینها خودرا بحق وصوابدوطرف مقابل خود را متعدی ومورد عتاب قلمداد کند که چون المان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1139 of 1786

یکان یکان اوراق کتابهای آسی و نارامی وسرج وسعید وزره نارا مطالعه کند درین چیزه های منظرهٔ تابان جبران میابد، ومزده میدهد که آیا کدام یک راهی بطرف وکداد نارا ازهق منحرف برقم دهد !

چیزی که اظهرمن الشمس وابهرمن الامس است همین است که سبب یکانهٔ این جنایت خونریزی عمومی بخارجی دولت تجارتی دوچار شده ، ودولت کا انگلیز والمان یا نده دیگرهیچ چیزی نیست . انگلیزها بقوت صنایع وتجارت تواکر ثروتمند ترین دنیا بودند ، ودروسعت اراضی وتفوس یکانهٔ عصر خود شمرده میشدند ، حالانکه ازحند کاهی مابنظری دولت المان درصنایع وتجارت درجهٔ رسیدند که تقریباً خود نارا با انگلیز ها یکسر وگردن همدوش ساخته ، ودر حالیکه قوهٔ بحریهٔ دولت انگلیز زمرهٔ

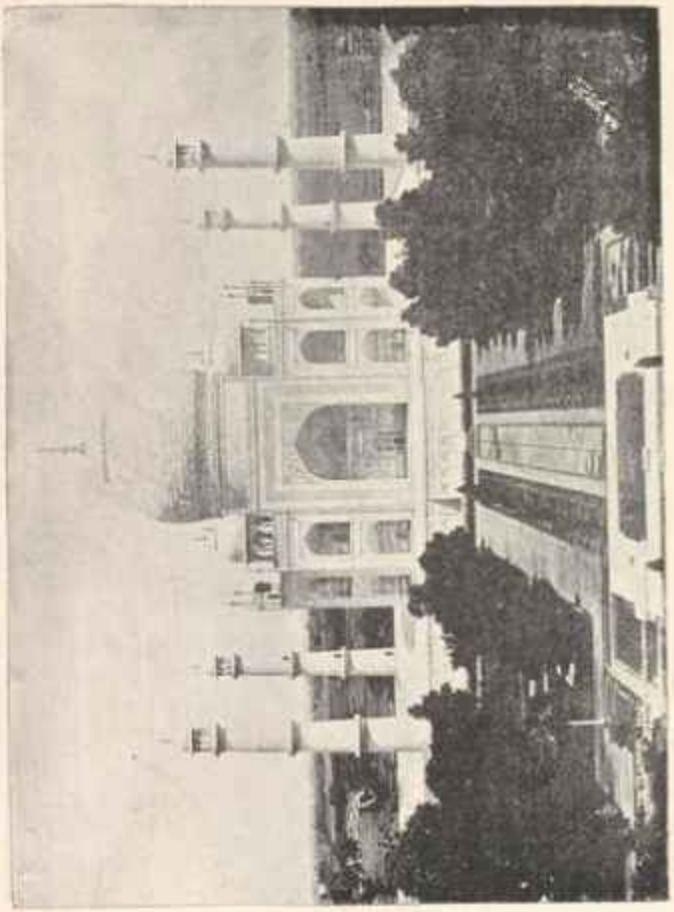

ایرمنظره های هندستان
(برج علی) نام بنای عالیشان ومنیع دراگره از بنای مشهور سلاطین اسلام

خوانها بزرگی داشت ، دولت المان قوای بحریهٔ خودرا نیز قریب به آن رسانید که اینچیزها دولت انگلیز را جداً بخطرنده ، وهراس عظیمی درانداخت . وشور حسد ورقابتش را تصاعف وحرارت بخود . حال آنکه قوای بریه وابتعاثات عسکریهٔ المان هم قوه امثال بلا عسکری جهان شده بود . وسبب اتفاق ملت وطن المان باوحدت وبشانیا بمسلوق قوای خطرناک شده بود دولت انگلیز که نسبت بلت قریب درونیا داشت . و آنهم عبارت ازدولت روس بود که آن وقت هم تنها درقوت جیشانکری وتوسع اراضی منحصر مانده بود . وفکر اینوقت منعکس قریب جدید خود — یعنی المان — رابید فکر توسع اراضی وحس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1140 of 1786

حقوق جهانگیری الزاماتی زیاده بارقیب جهانگیر هندستان آزروی خود — یعنی روس — عقد اتفاق ودرج اختلافی را حائز ولازم دانست . زیرا دیگر جایز اشتلاق و موافقت درمقابل آن رقیب مدهش جهانگیر خودرا نمیدید . زیرا اگر چه الجزیره الصابره فی پشتون آرا مانعاً دولت ایران

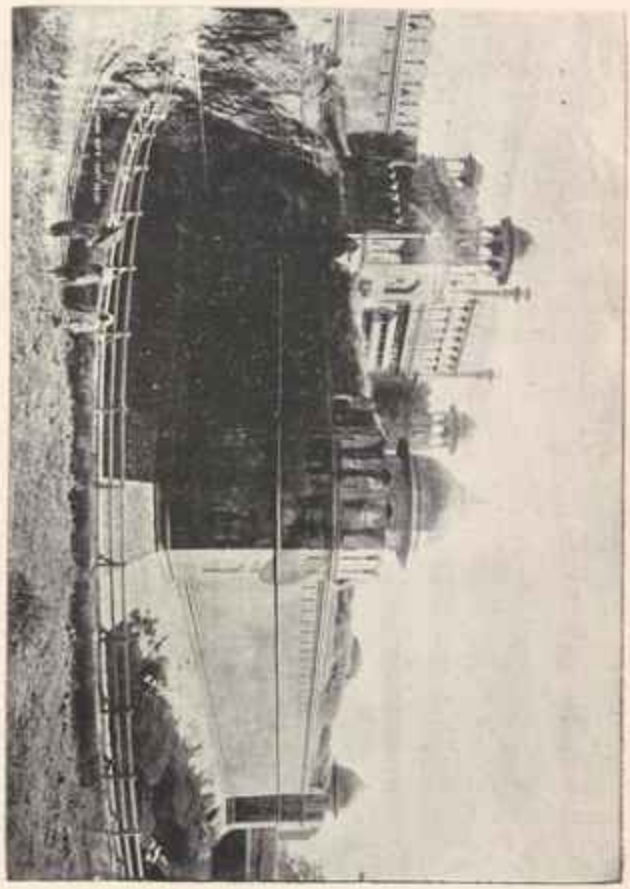

نیکند، جهة جلوگیری کرده نتوانست . ولی ازراه فارس وشهر آمو وبخارا وغیره رخنه نموده تعدیات حدود وسنجیدی چندان اعتماد واطمینان نداشت . لاجرم مجبور گردید که بارقیب جهانگیرخود طرح مواجهات ومکالمات ادامه داده تحت آسیای وسطای بالیافته جهت استیلا کارانهٔ رقیب جهانگیر خودرا براور وار درمیان

خود وارد تقسیم کند . تاازین رهگذر حاظر جوی کامل حاصل کرده . ورقیب دهشتناک قدیر خودرا حیث منافع اشتراک جدید خود ساخته دهشت ومصیبت ملحوظ بامن جانستان گرده دم خود — یعنی لندن — را به آن دفع کند . و چون پیشبینی میدانست که اگر بارویس عرض وداد واتحاد نماید ، لابد

مظهر حسن توجه وعنایت دولت فرانسه هم خواهد گردید . و چون درمسئلهٔ مراکو بدولت فرانسه رضایت دولت لندن مطاعت ومساعدت خواهد کرد آن حسن توجه و اعتماد را از هر جهت تامین وتأیید نمود ، ویز درهنگامهٔ طرابلس غرب چون در خیلی چیزها یاری ودعمای ایتالیا را باروس یکجا عمل آورد چون

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1141 of 1786

عثمانی دولت ایتالیا را نیز از متصفیان کفری دارده و با کشتهای تلافاتی مایل ساخت که درین زمان هنگامهٔ بالقان را تیز تر کرده . هیچ شبهه نیست که آتش افروزندهٔ خونریزی بالقان بیزدیم وار زبانی انگلیسون و کر هیچ دخل و مؤثری نداشت .

حالا دیده میشود که این هنگامهٔ حرب بوجوده یک چیز ناگهانی و دفعهٔ نبوده ، بلکه از سالهای بسیار درازی اسباب آنرتیه و آماده کردیده بوده است . حتی وقتیکه در عمارهٔ روس و ژاپن ، دولتین عثمانیه و بلغاریه بیدی بزرگی این عمارهٔ وقت حاضر یک تهیه و حاضری بود . حالا آنکه دولت اتحاد هم از بلغاریا و بی اندیشه های نبود که از عمارکات سال و ساک خود چشم پوشی کند . ادهم شبهه ورز در تزیید قوای بری و بحری و احداث واعمالات حربیهٔ دائمی خود کوشش و زیاده جدیت ظاهر و آماده ساخت که ضرور بود . بلغاریک در مقابل زره کزین و توپزن دولتهای دیگر بالقان ماندهاست با هر هزار نفره و قاوتات متوالیهٔ دائن دیکر چیزی اندیشه نمیشود . اما این را هم بکویم که دولت اتحاد هر اندازه تکه های سیاسی یکف رقیب خود رسیده توانسته است ، ومزیده که کردهاست اعطای رضی خود کرده دیکه است . از اعطاء بلاد نهایت اوستوا پرایش ماند که یک جزو مهم آن که ایتالیا بود به تکه های سیاسی رقیبانش بطرق را پیشه کرفت . حالا آنکه از جهت مقابل مانده دولت فرانسه یک دولت معظمهٔ که بسعت ، وثروت و دلاوری و نظام وانتظام ولوهٔ زره و بحریه شهرهٔ آفاق شمرده میشود ، و مانند روسی یکدولت جسیمهٔ قوی الشکیه که تقریباً نصف کرهٔ شمال زمین را بوسعت اراضی مالکه ، وتقریباً دو صد ملیون نفوس بی کلوه را صاحب میباشد ، و مانند انکلیز یک دولت عظیمه که در هریك از پنج قطعهٔ روی زمین پرارها کیلومتر اراضی وبصدها ملیون نفوس انسانی را مالک و حاکمست ، ومانند ژاپن یک دولتی کلدوس را چون موتی بهار تودهبود ، ودیکر دولتهای خورد ورزهٔ که باوجود کوچکی مانند یکیك آتش پارهٔ شمرده میشوند که انرژیکها وتهورکیهای رقیبش چنان اهریك وجود کردهاند وچنان کورانه وتاداسته برقیب ومحسود دولت انکلیز حمله آور شدند که عالمی را انکشت بدهان حیرت ساخته . همین قالزاست که در مقابل اینهمه بلاها سینه کشای هت واستقامت کرده توانسته است

دولتمان ، دولت علیهٔ عثمانیه را هریرك واقعیون و آشنای که وجود باخود متفق وشریك جنك ساخت ، وچنان کمان میکرد که باین وسیله سیصد ملیون نفوس اسلامیرا بهیجان آورد وهمه یکباره شان کرده ، زیرا درموقت عمارهٔ طرابلس غرب وعمارهٔ بالقان هیچ فردی از مسلمانها درهیچ مشرق از مشکیانبود که اظهار همدردی و به اقلا نه دستکیری دولت عثمانیه را نکرده باشند . حرفیر وعقدار کثیر جمعیت اسلامیه در هندستان ، وسوراداتیر است که این همه کتابه عظیمه اسلامیه امیران هندسته که دست وازوچشم و زبان شان بسته شکسته کور کنك شده مانده اند ، در وقت عمارهٔ طرابلس وبلقان هیجانها وعلنیهای صد کاره که ازهندستان برمیخواست ضمن اخبار آن باین میکریدند ، چرا ؟ چونکه از اقتضای پولیتیك حکومت متبوعهٔ شان بود ! در بیدار باوجودیکه مسلك بغیرات دولت عثمانیه ، یا تکلیفات دولتان باو اسلامیه ، تعلق میکرد کمی جان کرده میتواند وصدی ارباب وجدان وارین که کوکی بجیبند ، پیدا میشدند چرم ارتکاب جنایت ، چرا ؟ چونکه دولت عثمانیه با حکومت متبوعهٔ شان می جنکید ، و از زدن خود کرمن آنرا پیشتر حاضر امتناعات مناظر قرمودهاست .

چونکه بیان حالات آسف وحسرت دیده میشود هین است کمدرین جنك هو واصمحلال حربی دائم واصمحلال دولت عثمانیه وبقاء حالات فعلیهٔ اسلامیه مربوط کردیده است که با این سعد هیچ فرد مسلمان در دنیا نمود تواند که با این هو واصمحلات راضی بزوال وجدانش قابل کردد ، وا کر ازدست وزبانش چیزی نیاید ، هیچ شبهه نیست کمال وجدانش بزبانها وقلمها وبسیار زیاد نمود و کمال نیست وابوه شدن هو واصمحلات علیهٔ بلاد اسلامیرا آرزو نکند

نقل از اخبارهای ایران

در آخر پایان که ازمه ربیع الاول تاریخ دارند
ورود قوای اعدادیهٔ عثمانی

نظر بیك خبر خصوصی که در موقع طبع روز نامه زمینه هیجده هزار قشون عثمانی اخیراً وارد آذربایجان شده اند یك عده از ارکانحرب ریاست عسکریه حین ورودی بسمت اردبیل اعزام کشته که شاهسونها را بطرف قشون روس وادار جنك نمایند وبك عده هم بسمت تبریز وارد شده اند

ایضاً خبر خصوصی

عثمانیها در کردن

عدهٔ از عساکر عثمانی ایکنفر صاحبمنصب بکردن وارد شده و آنچه معلوم است مدتی دو روزه عدهٔ کرد یادی از عثمانی از خاك کرمنشان وارد کردن میشوند که بسمت تبریز حرکت نمایند

از جراید انکلیس

دلایل آتی درصحت اتحاد عثمانی

جراید انکلیس عقیدهٔ متفق دارند ، کاتب دوکلی دیلی نیوز نامه نکار رسمی آتی بالخیرا اظهار داشته ، قل می نماید جریده حرور چنین می نکارد .

واسطه‌بدن آمد واضحی که اکنون در معرض تماشا است دولت آتی آزاد است که در زیر معاهدات بین‌المللی چکونه رفتار داد های که عثمانی متحداً صدمن را در موقع جنك تعهد می‌نماید صرف نظر کند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1142 of 1786

اولا بواسطه آنکه دولت انگلیس خودش ابرا ذمه گذشته بندی معاهدات وقرار دادهای بین‌الدول را نقض کرده که امروزه دیگر حق‌دارد که مطالبهٔ در خواست کردن وتقاضای ابطای آنهارا بنماید

ثانیا بعلت آنکه مفاد معاهده کنفرانس « لاهه » راجع به جارتمان شهرها ومسائل راجعه به جنك مقتضی براین است که در صورتیکه تابعین متخاصمه اعضای آن معاهده را کرده باشند مقررات آن را مراعات نماید .

نظر باینکه دولت عثمانی وهم چنین سربستان آن قرار دادرا امضا نکرده « آنکه هر قسم دولت متحد عثمانی میباشد برحسب مفهوم قرارداد مزبور حق‌دارد کهموارد آن را مورد ملاحظه قرار دهد .

عیدرا درآلمان چگونه باید گذراند . —

در موقع عید « نوئل » یکی از جرایدی برلن به کسبه رجاء نموده واشخاص معروف آلمان مراسلات متحدانه‌ای نوشته ولی آنها تقاضا نموده است که هریك عیدنامه خودرا پروز نامه اوبنویسند کهرای کدامین عید « نوئل » چهمال خوست وبهترین حالتها کدام است که انسان عیدخود را بگذراند .

بعضی از جوابهائی که از اشخاص بزرگ آلمان بوی رسیده ازین قرار است . مارشال « ون در گولتز » نوشته‌است « اشرف نوئل » نزدیك است . برای گرفتن عیدنوئل چیزی به از این نیست که درمقابل خصم در خنق جنك دربرابرشان هولناك کلوله‌هارا نده وعیدرا بسر برد .

« امضاء مارشال ون در گولتز »

جواب پروفسور « ون هارناك » بدین مضمون است .

عقیده مرا در خصوص بهترین وضع گذرانیدن عید « نوئل » استفسار کرده‌اید باعتقاد من بهترین شکلی که این عیدرا میتوان گرفت این است که قسم بدهیم که جنك حوالیه کرده ابتدا جنك وعدا کاری نمائیم تا آنکه بتوانیم یك صلح باشرف وافتخار ویك نوع صلح قابل دوامی برای مملکت خویش تحصیل نمائیم)

امضای پروفسور « ون هارناك »

دکتر « زودلیس کابینه رئیس « رایشستاك » مجلس ملی آلمان بطور جوابداده «مقصت وافتخاراین روزهای تاریخی رابهمین باطفال خویش که زیر درخت (میوه بنجان) « نوئل » جمع می نمایم کاملا القاء کرده ودر مزرعه قلوب آنها مانند تخم بشتابم زیرا کهاطفال واطفال ماهستند که از نتیجه ثمرات این جنك عظیم هولناك بهره‌مند شده ودرآتیه میوه آن را خواهند چشید »

« امضاء دکتر « کابینه »

مسیو « ارتورون گویز » مدیر کل بانك مملکتی آلمان چنین نوشته است « بیش از پیش درعملیات ومشق محبت وانسانیت باید کوشید »

امضاء ون گویز »

« دکتر « ون ماکو » رئیس پلیس برلن عقیده خود را چنین اظهار کرده‌است « بگذارم کهقلوب متوجه واعتقاد پرورنگار ومشتهای ما دراجسام دشمنان خودمتصل زیرو کار خود باشند »

امضاء « رئیس نظمیه برلن »

در مراکش

از مراکش خبرمیرسد که دایرهٔ جهاد وسعت یافته مجاهدین عسر کرد که امیر عبدالسلام قصبهٔ (فضل الله) و (وزنیکا) را که در ساحل وشیر (دار اولاد هادی) را که در داخله مراکش واقع است تحت تصرف آورده اند .

عزلت پادشاه انگلیس

اخیراً خبرداده میشود که پدشاه انگلیس عازم است ازلندن باعائله خود بطرف قلعات شمالی حرکت نماید زیرا یك انکشاف ازیکنفر اسمان پیمای آلمانی درجت کرده است که بعضی ورده بلندن اول بعد ظهر ساطفی خواهد شد .

درمصر

ازمصر خبرمیرسد است که دفتر صاحبمنصب انگلیسی رای عیش دارد اداره روزنامه (التمس) گردیده اند بجای غیر کار گران که در ادارهٔ مزبوره بودند صاحبمنصبان را گرفته وحتی گردباد انگلیسان حتی اداره میفرستند بعداز ورود میشند متجاوز از هزار نفر جوانان مصری دراداره جامع هشته تاجار انگلیسان بنای ملاقات گذاشته وزحمت صاحبمنصبان را مستخلص میگردانند — مصریین صمیمانه از خدمات فنون عثمانی وزنده باد ملت اسلامی وزنده باد سلطان ما خلیفهٔ مسلمین بلند گرده اند .

برق عثمانی درمصر

امیرلند واعضاء اهالی مصر برقهای عثمانی را بالای عمارات خود نصب کرده اند من جمله ادارهٔ روزنامه (التمس) یك برق از حریر بارتفاع ۱۵ متر برافراشته وپهلوی آن یك فلاسفر دیگری نصب کرده که بسیاری ازآیات قرآنی من جمله آیهٔ (هوالذی انزل السکینة فی قلوب المؤمنین) برآن نقش است .

شورش در تونس

روزنامهٔ صدای مدیترنه میبویسد یك تونسی ازاعضای فرمانی که فرانسویها دار جمیع امور واحکام بجنك باسنوسیها در (وادای) نوشته بودند امتناع ورزیده وبان واسطه فرانسویها اورا حبس کرده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1143 of 1786

تاکنون از میلان خبر میدهد که تونسی ها برقشون فرانسه مقیم تونس غالب شده و تمام را اسیر کرده اند کشتی های جنگی فرانسه تهدید کرده اند که فرانسه وبها را مستحلص نمایند والا سواحل تونس را خراب خواهند نمود ولی تاپوزتیه اقتتال وین تهدید نکرده اند .

لمعهٔ نور اسلامی

بشهادت یکی از اعضای بزرگ عرب

خبر تأسف آور ذیل از منابع مختلفه رسیده وتفصیل آنرا بانیه وعده میدهیم شهید مظلوم . آقاسید مهدی آل حیدر که یکی از علماء صمیمی باحرارت وازکبار پیشوایان عرب ومحترم ساکن کاظمین بودند درجنگ (کرنه) بدرجهٔ رفیعهٔ شهادت رسیدند !

این شهید رشید — وابن برادر عبدالرئیس ازانصار حرب در عراق عرب و جهة انگلیسها (بصره) و (کرنه) تاب شکیبائی نیاورده وبدون تشریف باتصویری حرکت فرموده وبعزم دفاع مقدس وتهیج اعراب بطرف کرنه روان میشوند .

ومع‌التأسف دریکی ازخطابهای اخیر ، تیرتشن اصابه نموده وآن وجود پرگوار وعاشق‌زار بدرجهٔ رفیعهٔ شهادت میرساند .

جنازهٔ مطهر ایشانرا وارد بغداد نموده و باهیجان شدیدی بکاظمین حمل میتمایند .

آری این است حقیقت مردی وصربانیکی — این چنین است نتیجهٔ وفاهت وپشوائی . باین قسم باید بخون بشرا عاوعقدس وپیشرومسلمین گذاشت .

وبالاخره بصرف حرف نمیتوان روح‌دیانت اسلامیه را از خود خوش‌کرد ساخت رحمة‌الله من سبه ونسأل الله التوفیق (توبهار)

دزدی در مشهد

دوسبا درمشهد دزدی میکنند شب‌دوازدهم شهر ربیع‌الاول‌نمره مزد (!) یکساعت وبم ازشب گذشته میروند درب خانه کربلائی رضای علاف ساکن محلهٔ عیدگاه . ودرزده یکی ازدزدها میگوید که من کیسر عسر ودارهٔ کلید ترنك را بورت داده اند که دراین خانه ترنك قابل است . بموجب حکم اداره من باچند نفر مفتش اداره برای تفتیش آمده‌ایم .

صاحب خانه بیچاره درزدا کرده آقایان بمصونی را بجهة تفتیش بزیر دعوت نموده آقایان پس از ورود بمنزل وارد اطاق شده مشغول تفتیش میشوند ـ صاحب خانه میبیند که حضرات اموال مرغوب ازقبیل قالی وقالیچه راتفتیش مینمایند ترنك را با کاغذ ساده میکوبند گان لیکم شاها کیسر دمفتش باشید (آقایان بتمام زبان فارسی تکلم مینمودند حتی دربارهٔ دزدها کیسر و مفتش خطاب مینمودند پس از اظهار صاحب خانه فارسی را مبدل بروسی مینمایند !

وپس ازانکه میفهمند کهصاحب‌خانه ازمسئله مطلع‌شده‌فوری دستهای اورا بسته وبا اسلحه تهدیدش مینمایند — ومطالبهٔ اشیاء قیمته از او میکنند

بیچاره هم حاصل زحمات مدت عمر خود را که عبارت از سیصد وکسری تومان نقد ومبلغ چند تومان پول سفید وقریب هزار وپانصد تومان اشکوی طلا وانگشتر یاقوت وزمرد وغیره که از دیگران در گرو رهنه بوده درطبق اخلاص گذارده تقدیم میدارد !

کیسر مصنوعی باتفاق همراهانش دست کربلائی‌رضاوعیالش رابسته‌خدا حافظی کرده تشریف میبرند ! (توبهار)

تکمله انگلیسها از بحریه خود
اهمیت دخول عمانی درجنگ
علی مالکان عده تلفات

روز نامه تیمس چون درمقالهٔ امامی خود از وضع بحریه تعقیدات سخت‌نموده ومعلوم میشاید که داخل شدن عثمانی‌درجنگ عمومی اروپا چه قدر اهمیت دارد وشاید موجب بسی خطرات بزرك گردد .

ازاینجهة می‌نویسد درعصر جمعه گذشته صورت مفصلی ازقبه تلفات زیردریائی بحری انگلیس که درداردنل واقع شده باداره مارسید که تقریبا ازسه سفون ونیم روزنامه تیمس‌باحروف خیلی ریزه‌نگاشته‌بود چندین نکته دراین‌صورت بنظرما رسید که بهیچ وجه بنظرما رضایت بخش نیست .

مأیوسیم که چرادر روز جمعه بان دیری منتشرشد که تقیید واردات بان ممکن گشته وهمچنین نمیفهمیم چرا بدون توضیحات لازمه ازاسطوحات داده اند یك عده معدودی‌را ازقبیله اسامی مفقودین علامت گذاشته اند یعنی صاحبان این اسامی بطور غیر رسمی فرض شده است که جزو اسرای جنك درداردنل‌می باشند این قبیله اسامی که علامت روی انها گذاشته نشده چه شدند) آیا اداره‌بحریه نمیداند که سرانها چه آمده است واگر میداند چرا باطلاع عموم نمیرساند)

انورس در ۱۷ اکتبر‌ازقسطنطنیه تلغراف شده وچندین هفته است که تقریبا تمام تاسکت بازیك بدست دشمن افتاده وبزرگترین‌بحری‌ماعنی‌ایه که ازانها باقی مانده‌بود فوراً بانگلستان رکشته تمکن ورگ درب هفته عدهٔ آن (چهارین که ازانگلستان خارج‌شده وعدهٔ که برگردده وعدهٔ تخمینی تلفات سپاهی مختلفه که بانت گردیده تماما ذکرشود تا امروز هیچ ثبت ورقمی منتشر نشد مابدون تحقیقات عمیق اطمینان رسمی که از طرف بحریه داده شده چیزی قبول کردیم لکن این سکوت ادارهٔ بحریه درباب اتلاف وازباله انداختن بعضی ازانها تولید یك نوع حس دردمی نماید که کلیه دراین‌امر عدم صمیمیت موجودبوده بایدبخاطر آورد که اقدام قوای بحری باستثناء مقدمة الجیش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1144 of 1786

ظاهرة انوارش بود وسنگینیاً باعث نقب شدن سه کشتی شد این واقعه بزرگترین بدبختی که تا کنون بآن سوء طن پدی گردیده بود که آیا اگر ادارهٔ بحریه این اقدام به بلژیک را بآنها نسبت عامدی منسب کافی نداشته اکمال کرد. و وجهیکه عمیق واقعه روی میدارد — دور از آنست بنظر میرسد که ادارهٔ بحریه بیک رسمی در اعتنا میکرده که بکلی بالعکس حکایت نه میکرده ها ثابت است

قرار گفتی کران ارسیا بت میباشد حیلی و تبریی بود و بقدر وجیم بود که ملا وحدت آن نمی گذارد بروز میکند هیچ چیز بقدر ورود کشتی گران بمجاریان بارق حائز اهمیت در حال جنگ بحریه نیست و این اشتباهی است که بعضی دولت عثمانی مرتکب شدند باعث شدن دولت عثمانی بجنگ جهان دولت عثمانی کردید

باعث شدن دولت عثمانی بجنگ جهان این جنگ را خیلی توسعه داد و بنابراین منتج اثراتی بشود که اکنون مانیستی میتوانیم پیش بینی کنیم — دو نفر امیر البحر که در مسئلهٔ جلو گیری از گوان مهم شدند بعد از تحقیقات رها شدند و ملاحق بر آنها وارد نیامد پس کرایاید ملامت کرد؟ تقصیر با کیست ما نمیگوئیم که تقصیر بادارهٔ بحریه جنگ است اگر اکنون اظهار می کنیم آن است که چون وقایع نشکا میدا دلیلی بنداریم بحریه حالیه ندارد باید این پرده بلت را آنکه شود که چگونه این دو نفر صاحب منصب بی تقصیر گذاشته که کشتی (گوان) فرار کاید و سبب حوادث عظیمی شود که عاقبت از اهمیتکمی نمیتواند پیش بینی کاید

و میکر در بحث بحریه (شیئی) دوم بنیم عین کو مطالب موجود است؟ گر قوانین رجوع بمنحدات امیر البحری گذشته آزموده جبران ناوده نموده خودرا راضی کنیم مطلب حل نمیشود زیرا کامقصود ما این مسئله نیست نامیخواهیم هم بدانیم که چرا افسران با کفایت حائل که رای این قسمت صلاحیت ومناسبت نداشته واعمال ان کشتی ها همه سربازان جدید و تازه کار بودند باین ماموریت فرستادند وجرایات کشتی گیان کنند روی که مثل سابق برای این مقصود هیچ باید مانند همراه نکردند؟ ایا ادارهٔ بحریه توضیحی میتواند بدهد که چه باعث شد که امیرال (گرانت) باحمل جنگ شد ومیتواند توضیح بدهد که وقتی که کشتی (کاروس) را لازم داشتند چرا در انجا حاضر نبود بالاتر ازهمه میتوانند ما بگویند که چرا این امر خصوص را باین کشتی ها نمودند و باید بحمزه کردن این کشتی ها رای این امر کسی مقصر هست یا نه!

اولا باید دانست که این مطالب بتکلیف عمدهٔ که ادارهٔ بحریه بمن حیث المجموع دارد ربطی ندارد و مامطور کلی از ادارهٔ بحریه تنقید نمیکنیم بلکه مهر میدانیم ولی در ضمن هر قواعد ماهیه های مد کوره نشان میدهد که در کار کوتاهی شده است واین کوتاهی را مربوط بعموم بحریه باید نمود نمودواز جمله وزیر صاحب منصب وعمده کیتزل مرکز باید دانست ولیز در آخر

مقاله خود میکوید نظری هم بافسون در میدان جنگ افکنده ودر صورتیکه از وضع فرانسه وبلژیک چیزی بلد کفته نمیشود میکر باید تصدیق را بافسون داشت وهمچنین قدون باید در میدان از ملت دستی در سر باز کیری وغیره. افسان ملت از زمان وسعت آنی در میدان وشدت احتیاج که بکمک دارند کاه داشته باشند اکر تصدیری هست تقصیر در خانه ملت نیست — لایقطع قافله از میدان جنک برای ما میرسند وکاش انهارا بنظر عموم میرسانیم که در قبال شکایت از سستی ملت خصوص در امر سرباز کیری است — در قاعده که در نوره کفته بطبع رسانیدیم نهایت ملامت وتوبیخ میکوید کویا هوس سربازدر وطن برای ما ارزیکار صاحل نشدن تهیه میشود و هیچ در نظر نیاورند که در بعضی جاها صفوف خاکی های خیلی لازم (مثل هندوستان) درسنکرها نشسته جنک میکنند که انکلستان را از صدمائی که فرانسه و بلژیک دوچار شده اند برهانند — این سرزنش ها وملامت ها درست نیست الفوری که بیکاند ملت بفهمند اوقات چه میدانند تکلیفش چیست

آخرین خبرها از اخبارهای اروپ

لندن ۹ اپریل — دیروز بسه بجه دروقتی که حسین کامل خدیو جدید مصر از سای خود میرامد بیکی از احتلال جوان مصر به تفنگچه رو بر نمود. نتیجه هنوز معلوم نیست. میکویند که مشارالیه رها یی یافت.

کلکته ۵ اپریل: — در بادون عربی ستاخاموتوریش آمده وچون خراهی نیست سپهسالار کل قشون انکلیس را بورتهای پیغام فرستاده.

ایضاً: — جهاز (فلاور) نام انکلیزی را که ۴۷۰۰ تن وزن داشت ویکصد وچهل جهاز لندن دران بود ویکصد وسی نفر عمله آن بود یک کشتی تحت البحر المانی آزار داده دقیقه مهلت داده بعد ازان باتمر پیدو غرق نمود.

پاریز کراد ۳ مارچ: — رسماً دربار وکراد اشاعه یافته که جهازات المان در بحر بالتیک بنادر و لیبای و روس را در زیر کلوله باری کرفته خسارتهای زیادی رسانیده اند.

لندن ۹ اپریل: — کشتیهای جنکی المانی با کشتیهای جنکی روس در بحر سیاه محاربهٔ شدیدی نموده است. وزیره پوشهای کرین ورسلاو المانی ازکشتیهای دریدا وت روسی آکتباری زیادی نموده در تاریکی شب پنهان کردیدند.

ایضاً دار ۹ اپریل: — قاصد کولتز از راه وینه استانبول رسیده است از محاربهٔ دره دانیال هیچ نتیجه رای مشخص الین بالفعل حاصل نشده است.

درچاپخانهٔ عامرهٔ حروف دار السلطنهٔ کابل طبع کردید

هر مقاله که بخط مستقیم اداره از طرف مدیر ومسئول محرر باشد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1145 of 1786

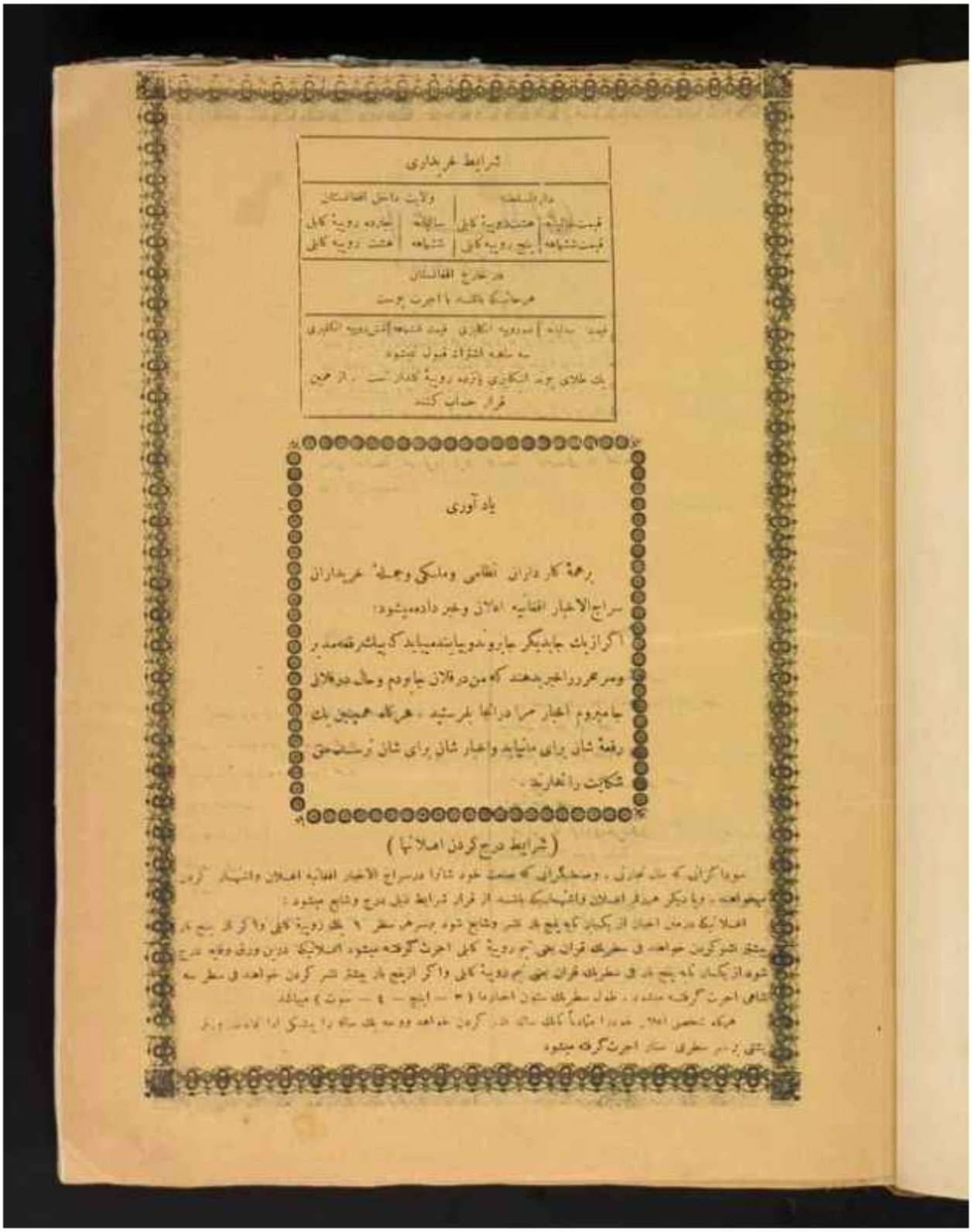

شرایط خریداری			
دارالسلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشتصد روپیهٔ کابلی	سالیانه	پانصد روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پانصد روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی
خارج افغانستان			
هرجائیکه باشد با اجرت پست			
قیمت سالیانه	سه صد روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش صد روپیه انگلیزی
سه نمره اشتراک قبول نمیشود			
یک خلاصی چند انگلیزی یا زیاده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند			

یادآوری

رعایهٔ کارداران نظامی ومالکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جابیکر جاروندو یابنده میباید که پیلشر قصد بر ومسر محرر را خبر دهند که من در فلان جا روم وحال در فلان جا مجموع اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان وانتشاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار گی پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۹ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۳ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وجه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۳ روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر به اضافی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — انچ — ۴ — سنت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خود را مادام الحیات نشر کردن خواهد وده یک سال را پیشکی ادا نماید وفی یک سطر ستون اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1146 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خوانرا

بد آوری میکنیم

هیئت سعی و کوشش کردیم که از شکایت ازبیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود داری لازم ممکن نشد لهذا باداکتابه من کزی دارالسلطنهٔ کابل یک مفاوضه نموده با کتابه مشار الیه تعلیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رسانند درصدد جبت خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تنبیه و بد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ هیچ فردا فردا بواسطهٔ آمریت داکتابه خود شان میرسد.

اعلان

از اداره.

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه بجلد

کتاب سال دوم ... بمصور بجلد

کتاب سال سوم ... بمصور بجلد

طرز اعلانیت

تا چه باید کرد؟

قیمت درجی

توجه

این کتابهای فوق در اداره نیز موجود است. هرکس که آزادی خریداری آنرا داشته باشد بادارهٔ مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت پرورد اروپ زمین پیمای روز بجلد

سیاحت در مو هوا بجلد

سیاحت در زیر بحر مصور بجلد

از هردهی سنجی و از هرجن سنجی بجلد

رونمای حکم بجلد

هرکس که آزادی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشند از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانستان از کوچه عبدالرؤوف خان هرمرتب و از دکان از محمد کتابفروش در بازار ارگ بقیمتهای معین که در بدت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آزادی خریداری کتابهای مفوقه را نکنند باید در سراج الاخبار افغانیه اعلانیه کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1147 of 1786

شمارهٔ ۱۷ سال چهارم

فهرست مندرجات

مرحت و لطفت دربارهٔ اعلیحضرت همایونی

حوادث داخلیه — (دربار معالی بازدید شنبه - یک وقت دلخراش — مرقومه از کوه‌ای ترکستان —

ادبیات — (ابیات انفعال کلام غلام علی الرنجدان افغان — اشعار فارسی — کلام جناب مستشی — کلام مدنی —

عالم عسکری —

حوادث خارجیه — (اجمال — نقل از جریده جمال‌الدین وضعیت روس در جنگ موجوده — خبرها رد ایران — نامه نگار از مشهد بگاشته — نقل از جریده رعد طهران — اثرات حیرت انگیز یک گلوله — اعلامیه دولت حامی خدیوی مصر — غرق گشت البحری فرانسه توسط اطریش — غرق گشتی زره پوش فرانسه توسط اطریش — علت شکوهان فوق‌العاده آلمان — آلمان فوق همگان — وضعیت شهر لودز — حوادث جنگ بالکان از آلمان — آخرین خبرها از اخبارهای انگریزی

تصاویر — (از مناظر هندوستان منظرهٔ عمومی شهر اجودهن شریف — طلعت مبارک حضرت سلطان قطب‌الدین ... درمعلی — بقعهٔ شیخ ... حسنی و اسلام خان در آگره — دهان خان در قلعهٔ آگره — (از تصاویر پادشاهان اسلام —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1148 of 1786

از صنایع پرورده‌های دات ستوده سلطنت اعلیحضرت شهریار اقبال والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه اعلیه وسعی وهمت جناب جبرئیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه رایحای حواج دولتی وعسکری ماشه آلات حربیه دفاعیه وادویهٔ زمه های اعلی گرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از ان اهل وطن استفاده میتواند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان مروارید فروش میباشد .

(۱) سرخ های پشمینه باقی رنگهای مختلف کمیت آن از قرار گرانکیزی ۳ نوعه مشخص شده در صدوقچهٔ جنبی هر فروش میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیادتر شته
رقم	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگی	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه	۲ روپیه ۱۱ پیسه	۱ روپیه ۴۲ پیسه ۱۸ پیسه	۱ روپیه ۱۸ پیسه -	۱ روپیه ۱۲ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه ۱۰ پیسه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکیزی کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیسه | کشمیره راه‌دار هر قواره یک پیسه

(۲) چراب ها ﴿۳﴾ نکه‌های چرمی محراب ومنبردار

رقم	نکه‌بافتهٔ زوج	راهدار زوج	معمول زوج	کلان قندهاری	میانه قندهاری	خورد قندهاری
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۲۵ پیسه

(۱) گروه های جدید ساخت

رقم	دوالپ بافتهٔ دو قرمه دار	زه باف یک اسپه دو گره سه گره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ جار گرهٔ لکی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دار دوالپ	چرم باف دسته دولاپهٔ یک اسپه	دسته دولاپهٔ یک جار اسپه	چرم باف محرکان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قیمت رنجی کمیت نمره دوخانه	قیمت کمیت نمره از چرم دولایه توخانه	زه باف رقم سواری ساعی کمیت	زه باف دو گرهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۷۲ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی اژدر	چرم باف میانه جوب پت زناده	اژدر سواری تیغ چرمی	زناده ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	۴ روپیه و ۵۴ پیسه	۵ روپیه و ۸۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	مسه‌دار تیغ برری	مسهٔ دولاپهٔ ساعی رنجی کمیت نمره	از زن سواری دولاپه تیغ چرمی کمیک دار	چرم باف ساعی پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

	گل جرین	گل نارمان	گل پرپه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۹ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(در محمد عالم دکانی کار خانه جات)

(کوچهٔ اتالیق)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1149 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۱۷)

مالک و مدیر مسئول
محمود طرزی

ادارهٔ محل و مطبعه
در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
عن امورات تحریریه یادداشت علیه
بنام مدیر فرستاده میشود

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مراسلات بالا ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مراسلات بالا ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پارچه روز یکشنبه نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک شاهی است

(اوراق گمنام رد نشود اعاده میشود)

تاریخ ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۲۳ تاریخ انگریزی ۳۰ اپریل تاریخ شمسی ۱۰ ثور ۱۲۹۴

(مرحمت وشفقت پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی)

در خصوص پرورش وحمایت اطفال واولاد یتیمان ویکسان وطن

سبحان الله ! ذکر وسپاس این نعمت عظما ودولت اعلا را بکدام زبان ادا توانم کرد که خلاق عالمیان منزه عن الزوال والنقصان با ... سنهٔ اسلامیهٔ افغانستان را وجود مسعودجان یک پادشاه بالطف واحسان مانند ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی آخر الزمان سر فراز فرموده است ! وجود مراحم آمود این پادشاه مقدس محبوب القلوب ما یک حیات گران وبک روح روان بجسم ملت وطن در دمیده است . از هنگام جلوس میامن مأنوس شاهانهٔ شان تجار آبادی وتجارت ، بحر رحمت وعدالت ، بحر سعادت ملت ، واعمار مملکت دگر چیزی دیده وشنیده نشده است . رابطها ، بلها ، رباطها ، نهرها ، بندها ، تاریکها ، مانیها ، السالهٔ آبها تأسیس مکتبها وبنی آثار نافعه ومدنیهٔ بر گزیده سایهٔ عز انوایهٔ این پادشاه مقدس ما در وطن عزیز ما اساس وبنیاد یافته است .

رأفت ، مرحمت ، شفقتی که بر حال واحوال رعایا وبرایا واقراد ملت ، وابنای مملکت این پادشاه ملک خصال شکون آثار معظم مشاهده میشود از جمیع یکی از پادشاهان سلف مشاهده نشده است . حسن خلق ، عدل ، احسان از صفات ممتازهٔ ایست که وجود مسعود همایون شان با آن تزئین یافته . بدون اعتساف قانون ، وقطع الطریقان وخیانت پیشه کان راه غوایت وضلالت ازقبل واتلاف شی بدرجهٔ نهایت اجتناب ورزیده اند . همیشه درپی اصلاح وعلاج وفلاح ملت کوشیده اند . واین است که محبت وصداقت واطاعت این پادشاه مقدس بحد قلوب وجوارح افراد ملت بدرجهٔ راسخ و جایگیر شده است که ذات ملکوتی صفات همایون شان را مانند پدر شفیق مهربان ومربی محبوب القلوب قدسیت نشان خود عنوان داده شبوروز متفکران عالق امن وجان رطب اللسان میباشند .

در اینجا میخواهیم یک شمهٔ از مراحم بیپایان اعلیحضرت پادشاه بیمانه مهربان خودرا کدربارهٔ جمع آوری وحمایتکاری ونوازش وپرورش یتیمان یکس ، ودر ماندگان بی غمخوارش وطن ابراز فرموده اند تبیناً لما تکلم تحریر نمائیم :

چهار سال قبل ازین نظر خیرات وحسنات پرور ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما از احوال سفالت افتیال اولاد واطفال یتیم واندوه ودر ماندهٔ که در گوچه ها وبازارها به انواع پریشانی وسر گردانی بکدای ویتوای بسر می آوردند جلب نموده عدالت ومرحمت شاهانه چنان اقتضا نمود که انهارا ازین سفالت وپریشانی وارهاند . بنا" علیه — چنانچه درشمارهٔ (٤) سال نخستین ، راج الاخبار افغانیه — مذکور گردیده بود در سنهٔ ۱۳۲۹ تاسیس وبنیاد دارالیتامی — یعنی خانهٔ تربیه وپرورش اولاد یتیم — امر وارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت شهریاری شرفصدور یافت .

ذات نوگذشتهٔ اعلیحضرت پادشاه مقدس ما بنی وسایل ودرائع ، برای وراندن مداخلات پیشمانه اعدات وابعاد فرمودند مثلاً مداخلات مکاسبانهٔ شاهی ، ومداخلات عسکریهٔ جن حضوری ، ومداخلات نعمی تذکاریها وبعی چیزهای دیگر وارای پیشمانه تخصیص فرمودند ، در سر اهم سالیانه مبلغ هفت هزار روپیهٔ کابلی از خزانهٔ عین الامن خاصهٔ شاهانه شان برای پیشمانه مقرر داشته ، وغیر ازینها دفترها وطومارهای اداه بنی چندهزارنفر صغار اطفال وبزرگان وخواتین وسودا گران وغازیان مملکت هر کس بقدر استطاعت وقدرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1150 of 1786

ثروت و بسار خودشان اعضای اداره مسار عزیز و همه ساله تودیه آن تکمیل ورزیده اند این است گمان مراسم صفات اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب مقدس سایه یزدان مراسم و مکارم میر خواهانه دین پرور اداره پدرانه شاهانه که در حق اولاد پتیم و درمانده ملت صادقه ملوکانه شان بیدریغ و رایگان فرموده اند ، حقیقتاً که غیر از خیران وحسنات اخروی ، بسی فواید مادی و معنوی نیز برای ملت و دولت شاهانه تأمین و حاضر ساخته اند .

پس از گزیده استمالات ، و عذرخواهی و اعتذارات در واردات و مداخلات این مؤسسهٔ حسنات بنیاد اعلیحضرت پادشاه بارعم وداد مقدس ساله یاد ، و رهبورلایق و اصول مواقی و خدور چرخ خیر اداره آن از روی عنایت و دولت گوناگون و سعی ورزیده شود ، و خیانت و دناءت پیدا نشود هیچ شبهه نیست که قرین نیمچه آنچنان اولاد های عزازه نیز رسد که در راه دین و دولت و ملت بین حسنات نامبن و فواید شایکن از دست شان بظهور رسد ، اگرچه این بنده در داخل وظایف نامه نکاری نیست که بعضی معلومات غیر هواخلاسهای داکته را که در خصوص مال پتیمخانه شاهزاده و تحقیق کرده ام درج صفحات سازم ، ولی بنا رمنطوق حدیث شریف حضرت پیغمبر صادق مصدوق ما صلی الله علیه و آله وبر که فرموده اند : — [من رأی منکم منکراً فلیغیره بیده ، فان لم یستطع فبلسانه ، فان لم یستطع فبقلبه وذلک اضعف الایمان .] — یعنی اگر یکی از شما یک چیز ناگواری ببیند آنرا بدست خود دفع و رفع کند ، و اگر بدست خود — یعنی فعلاً — نتواند زبان را دفع کند ، و اگر زبان هم نتواند بدل آن انکار کند که این درجهٔ سوم ضعف ایمان شمرده میشود — لهذا برای علیه ساختن و ثابت کردن قاتلین این امر خیرات و محسنات اعلیحضرت (سراپا لسنة والدین) که اگر راستی زبان جرأت وجسارت ورزیده باشد یعنی ثابت بیانات قرآن عظیم الشان ، واحادیث شریفهٔ حضرت هادی ایمان را داخل وظایف نامه نکاری خود دیده تذکار و بیان میمایم ، شاید ازین میانه یکی کارگر شود :

﴿ آیات بینات ﴾

در سورهٔ شریفهٔ نسا میفرماید : — « و آتوا الیتامی اموالهم ولا تتبدلوا الخبیث بالطیب ولا تأکلوا اموالهم الی اموالکم انه کان حوباً کبیراً » . — یعنی بدهید صریحاً مالهای شانرا ، و تبدیل مکنید مالهای پتیم را مال پلید خودتان ، و مخورید اموال ایشانرا بآمیخته کردن باموال خودتان . تحقیق شاید گناهی کار کنانه بسیار زرگ است .

دیز در سوره مذکوره میفرماید : — « ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً ، وسیصلون سعیراً » . — یعنی بدرستی آنانکه میخورند مالهای پتیمان را به بیدادوستم جزاین نیست که میخورند در شکمهای خود شان آتش ، وزود باشد که داخل شوند — خورندگان بدانید — حرارتش هر چند شدید است ولی باز هم آتش است ، اگرچه در خصوص پتیمان آنرا موجود است ولی بدو آیهٔ قصیره اکتفا ورزیده شد ، و در جاه ! اگر کسی یک حرف بیش ؟

﴿ احادیث شریفه ﴾

در (جامع الصغیر) از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم منقول است که : — « أحب أن یلین قلبک وتدرک حاجتک ارحم الیتیم وامسح رأسه واطعمه من طعامک یلن قلبک وتدرک حاجتک » . — یعنی اگر میخواهید که رحیم شوید ، و مراد خود هم برسید ! پس رحم آرید برپتیم ، و دست بکشید ، و از طعام خود او را سیر کنید که به این معامله دلتان نرمی پیدا میکند ، و مراد خود میرسید .

و نیز منقول است : — « احب ما تحب ان الله بک فیه یتیم یکره » . — یعنی خداوند ارحم الراحمین هان علة تنها بیشتر دوست دارد که پتیمی دران کرده و ملحوظ به بیند .

و نیز منقول است : « اما من اکرم مؤمنا لکرامتی الصغیر والکبیر الذکر والانثی یعنی من حرام میکنم رنجاندن دو کسان را که یکی پتیم باشد ، و دیگری زن .

از یک طرف خالق ارض و سما جل و علا بامر میکنیم گمان مراسم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب مارا که مرحمت و شاهانه شان برهٔ افراد ملت اعلیحضرت صغیراً کبیراً ، و ذکراً و انثی باشد ، و از طرف دیگر ما امر میکنیم رنجانیدن جانب یکسان میباشد ، کالهای بنظر اینکه چرای سلطنت سنیهٔ اسلامیه بدارد ، کاز مرحبا و خوشحالی حسبان اعلیحضرت شاهانه شان ملت و وطن رضوردار کرده ، و احسان و اخلاق مارا اصلاح و مستقیم سازد کار رضای معنوی اعلیحضرت شاهانه شان تطبیق حرکت کرده توانیم . آمین

جوائز داخلیه

دربار معالی بار یوم شنبه

روز شنبه گذشته ۲ جمادی الثانی در دالان شوکت نشان سلاملانه بدو ازده صادق ، مراسم دربار معالی بار شاهانه شرف انعقاد پذیرفت ، موجب رقعه‌ها و طومارهای خبری که یکروز پیش از طرف ایشیک آقاسیان دربار حضور انور والا توزیع و تقسیم شده بود ، جملهٔ شهزاده گان عظام و سران کرام ، وارباب مناصب اقلامی ، واعیان مراتب ملکی و حضرات درباریان مجلس علمای دینی ، درباری خود شان در دالان سلاملانه جمع آمده هر کس بجرا خود جاه ومقام خود شان جاجا شدند .

تقریباً یازده بجه بود که آواز سلامی موزیک های عسکری از خارج سلاملانه ، تشریف شوکت ردیف ذات شوکت سمات شاهانه مقدس محبوب القلوب ما اعلیحضرت « سراج الملت والدین » را اعلام نمود ، و حاضرین دربار معالی بار اعلان نمود ، همهٔ حاضرین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1151 of 1786

قربام ، دوصیت سلام واحترام را گرفتند ، بانت اعلیحضرت پادشاهی از دروازهٔ دست‌غربی عازم بیمنت مزدوم همایون مجلس دربار را شرف سعادت وشوکت بخشیده برسریر سلطنت جلوس وبر کرسی شوکت جلوس فرمودند . وحاضرین دربار معالی‌دار را بالقابات جهاندرجات واحوال پرسی وخاطر نوازی مکالمات ، مظهر تلطیفات وعواطفات همایون شاهانه‌شان نموده ازکلامهای حکمت پیام فی که در خصوص بعضی مسایل حکمیهٔ طبیعیه متعلق حرارت ورودت هوا وبارومیتر وترمومیتر ، وبعدازان ازبعضی حکمتیات وبدایع وغرایب بیانهای حکمت ومعرفت فرموده موجب استفاده واستفادهٔ عموم گردید .

درین دربار از اوضاع سالات حرب سابق ، نیز بعضی بیانات مناسبه بیان آورده از مقدرات معاهد بحون ، واز تجاذبات نیر نگهای دهر وقلمون وجوه‌های اخلاق حسنهٔ دوستی واتحاد ودیعهای عالمی وبیداد وجوانب گذار جوی ازین طوفان‌سعا کی بشر ، واولی بودن انتظار به نتیجهٔ خیر و شر وسی کلمات حکمتی وسیاسی فوایدی بیان فرمودند .

بعد ازان سفره مزعای کاینه نعمت شاهانه گسترده شده اهل‌میز حضور وروسط دالان ، ودیگر در بارپان رجاها وخادمهای خود شان بطعام دعوت شده بعد از فراغ طعام دربار معالی‌دار رسیدهٔ حد ختام گردید .

بانت وفات دخترش

سراج الاخبار افغانیه خبر کدورت‌اثر المذکر وفات حضرت اشرف‌زاده‌اند ارجمند جناب مستطاب فخامت مآبسردار اکرم‌خان‌خان نائب‌السلطنه‌صاحب‌افخم را که تقریباً هفته یکهفت‌قبله در هوای‌مازندران بهره یاب حیات گردیده‌وماند یک نتیجهٔ نهال سعادت که هنوز بشکفتن آغاز نهاده باشد در سلخ ماه جمادی‌الثانی ترکتاز باد خزان‌اجل گردیده اندکمان حسرت‌وتمام اسف درج‌صحایف حزن‌واندوه میباید ، ومسلم‌تعزیت‌ابکمال عرض می‌دارد ، حق لازالت جل‌وعلا وجوده‌ظل رالطافتهای‌بدوره‌پرفتوحات‌بوادهٔ گاشته‌ای‌الاهوی را شمع‌افروزی شان گرداند .

نمرهٔ یوم یکشنبه ۲۹ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۳۳

از کوتوالی ترکستان مینویسند

درین آوان سعادت اقتران دو گیفیت فجیعه بظهور رسیده فقرهٔ اول اینکه خواجه میر حاجی افغان کوتوال محال سریل مرقوم مانده که ارباب باغ گذر بلوچ در ریوت مستعری بومیه کوتوالی مرقوم نموده گجردیل یکشنبه ۵ شهر حال درخانهٔ ملا آستان ولد شاه مردا محل دویسر دیگرخرد خود بالله جانب‌قاضی صاحب انیم بر ان مذکور را محمد حسین ومحمد حسین واسم دخترزا فاطمه گذاشته گجردیم‌هر آنها تماس درقید میباشد .

فقرهٔ دوم اینکه یکنفر آدم محمد حسین‌نام ولد داماد باشندهٔ قشلاق شاه توت محال سریل علاقهٔ شیخزا گذرین روزها بزیارت شریف آمده تخمیناً عمر ۲۵ ساله گی میباشد درزیارت معذالک حاکم‌ی ترکستان وبالغ بحضور جناب جلالتمآب نائب‌الحکومه صاحب حاضر آورده که هر دو دست او ماضر زاد از مبدء تاله نبود و درهر ثانیهٔ آن مثل یک انگشت سیاه یک چیزی از گوشت و استخوان بود بعد جناب نایب الحکومه صاحب ازو استفسار فرمودند که روی شستن ونان خوردن تنها چه قرار خواهد بود عرض کرد که هنگام‌ای خود روی خود را می‌شویم وا گی وشرب هم میتوانم نائب الحکومه صاحب رای او چای خواستند مدتهٔ پیاله چای را درمیان دو کاسه ای خود کرده ویکپای خود رابالای زانوی دیگرای خود گذاشته بهشیاردستی در شرب چای مشغول گردیده پیاله چای را کامل خورده بعد جناب نائب‌الحکومه صاحب فرمودند که دریاله ای دسته باز جای بدهید چون پیاله ای دسته جای انداخته پیاله را باحتیاط تمام هردو کاسه ای خود کرده بزور لحظه ای دیگر خود گذاشته چای را کامل خورده وخودداو بیان نمود که در کان سیاه ارچی یه یک ای خود ازدسته بایشت کرده پیاله کاسه نمیباشد اما تاوقتیکه ملاحظه دیده نشود یدانته میخورم وبیر دستار را ازسر خود برداشته باز کرده کلاه رازانوی خود گذاشته عمرای یکپای وبعدازان آب ودهن دستار خودرا بهشیار صافی بسته خود ودرهاضلی جناب‌نائب‌الحکومه صاحب مبلغ سی روپیه هم‌عطیهٔ رای او داده امردادند حیرانم که مال دروغ‌است یاصحیح گرچه‌دوچیزشخص مذکور حاضر است

امضا (مستخط محمدآ کوتوال هزار شریف)

ادبیات

القمان

﴿ هوالغفور الرحیم ﴾

(حب الوطن من الایمان)

زره تعالیٰ دی که میی د وطن
چی وطن ساته عزیز دی ژ جان کن
هر یوک د وطن په ساتو کران دی
ژ کشمیر تر پاریس تر لندن —
شیرین جان د په شیرین وطن فدا دی
زه حو مازنگ فرهاد یم کوه حسکن
گلستان د وطن لا در کنار دی
خارستان دی د وطن زانه گلشن
د وطن په حمایت کی جان مباح دی
په داسی کیه لازم دی د باغبان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1152 of 1786

د چاپه سر کې چه سودا د وطن نه وي
سر د نه د ي مستحق د پرېدن —
چا په زړه کې چه جنون د وطن نه وي
د هغه زړه د خدای هېڅ ګټي لېدن
ساکنان د خپل وطن چه ګواښ نه چوي
هغه غدار د زمانې وي هم دشمن
کې د ږ وي په جهان کې هر څوک
د ږ خپت وي په خدمت کې د وطن
د ملت د دې سراج اعلیحضرت وي
په جهان کې لکه لمړی وي روښن
هسې شان ژوند شوی د دې په ډېر کې
چه په ګټو د ولې د پاره ځوړ من
مدرسې او مکتبونه اوس جاري دي
د هر ځای د هر کلي د هر ځ ن
نه توپه اوس چې ډزې په کابل کې
لښکرنا سو شوه له ګروپه د جرمن
هر اخبار موټاچ ګېږي په وطن کې
د ږ هر څوک لکه محبوبه شه مرن
چه مدرسې چه جامع د ګډ لاټ وي
خدای دي وي ساتي له هر حزن
واقعات مو چشم دید شوه د هر شهر
ګې پېکې دي که لښتون دي که ږن
اخر دا واقعات دا ده ای صاحبه
چه اسلام صاحب وجه کړي ډولنش

من کلام حضرت غلام علي آزاد افغان

﴿ کلام جناب مستغني ﴾

(افغان که جنګ وړپه ژوبه ځړوړ ګاني)
(نګنده است در آفاق سر بسر آتش)
(خدا دې هر آفاق شوړنې د جرمن)
(توان بخنده جهان را پیاله تر آتش)
(کسي چه یار خوانه که در گرفت جهان)
(شود چو خس ای وای تیز تو آتش)
(که میکند زطرف شارو پیطرف پرستش)
(چو شد بلند چو سه زخشانه تر آتش)
(با آب چاره کرن مسترس وود جرباب)
(جشر چه سود چو گردید شعلور آتش)
(توان نشست بخښکې چپن فرار کښې)
(اګر سپینه لښتیا قرار در آتش)
(مګر زخانه گردون بدر رویم رون)
(ګرفته است جهان جاه ابو در آتش)

(کنون بخوش مه سرسه شرارهٔ او)
(بلند ساخته این جنګ آفتاب آتش)
(شنوه سندر ازین انقلاب هر ماهی)
(که بحر نیز نشست از سرشک تر آتش)
(هوا بادی هر ژبیان چه ما پرسی)
(زخاک جانب گردون کشیده سر آتش)
(کسی ندانست ازین جنګ جانسوز چیز)
(بلی بداست چو افتاد پی خبر آتش)
(درین بهار زه این جنګ کشتی بجهان)
(که هیچو لاله زهرسو کشیده سر آتش)
(کنون بخار و بدل گوشش ای مسلمانان)
(که گرمساست ازو گوشه سر بدر آتش)

(پیه بچشم خود آتش خدای مدان)
(چرا نیاندت اندوست در جگر آتش)
(مشو زگرمی بازار صنروفی غافل)
(که زدعمه جهان جرمن ازهر آتش)
(مشو مشو د گر آتش زبان تو (مستغنی))
(درین مرن جهان پیش ازین د گر آتش)
(درین بهار که باران ندامت خود کوش)
(بګو بګو زکجا گردی ایندر آتش)

﴿ کلام مذنب ﴾

(چرا سرما نخیزد از دل بهار آید کنون بالذکر گل)
(چنون قطع نه وی زمستان که باید باز دیگر دسر گل)
(زخاکیای سرمائی خاندروی دیگر چه از ریح گرده تر گل)
(زبان بلبلونی چه ازین بست چې نګر خاموش کف ساغر گل)
(زگل هر وی گل ناز بخوزی که گرد فلکان گرده سر گل)
(بحر قوی نشاخ سرو بیگانه یکجا ایستاده جا کر گل)
(چرا فالست کوه و دامن صحرا زرنګ لاله حسن احمر گل)
(ازین لطف و زیبا کیا جدا زه چرا در خار بلند بستر گل)
(معطر کل دماغ خویدل را که تو انباغ صبح دیگر گل)
(نهالان بلبسور خندانیان که مجموعه وصف و تر گل)
(بهار آورده گردد از لطافت ندارد زور تبسم پیکر گل)
(زتکلیف هوا های لطافت خزینه فصل اذره باور گل)
(عجب سوده اگر از جود دوین نه سیلها زوی تلخار گل)
(سوار الطف کې بی سور ندارد خوبتر شیوه دلخواه گل)
(الهی سبزه فرش زیر پایش تنګوله سایه انداز سر گل)
(زهیګر بیکاره حسنش تواضعات ما (مذنب) سپینه هجر گل)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1153 of 1786

[بادهٔ نوشی و حرب ... مثل از تاریخ حرب]

دربن وقتها در اخبارات ازترك بیدوشی بحث ها و بیانها داده

بیشود ، چندی پیش ازین دولت روس بیدوشی را قدغن نموده ، از خبرهای این هفته معلوم بیشود که دولت بریتانیا نیز برای ترك بیدوشی بعضی تشبثات بکار میبرد ، زیرا مضرتهای ناشی از باده نوشی درین حرب اخیره بر آنها بعد ازینست عصر حالا افتکار کردید ، بنابرین یك حصه تبلیغ و کرده خود را که پیش ازین عصر ام الخبایث گفته است ناحیهٔ اسلامیه را ازان منع فرموده است ، نه انها از اشراب خبائث خراب ، بلکه از ضرر اعمال سیئهٔ واخلاق رذیله که مسلوجب ضرر و نقصان حالا انسانیت است باجتناب وپرهیز کردن امت خود را مأمور نموده است ، مثلا ، حرص وطمع ، ، ، بغی وحسد ، را نیز شیطانتر شراب ام الخبایث شناخانده امت را بشدت ازان منع فرموده اند ، اگرچه روس

از منظره‌های هندستان
منظرهٔ عمومی شهر ایچ شراپ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1154 of 1786

وانگلستان مفت تراشوتی را احساس کرده برمع وقت این آن اقدام ورزیدند ، واین را برای زوده انجام رسیدن تجارت حاضره وفوز وفلاح خود شان یك چارهٔ مفیدة دانستند ، اما شایان حیرت واسف این است که از عامل یگانه ومؤثر حقیقی این تجارت حاضره چشم پوشی وتجاهل عارف ورزیدند !

باید دانست که عامل ومؤثر یگانهٔ این حرب غیر از رحم قابل و حرص وطمع ، وسوءسیاست ، حسد وبغض ، ویکرهیچ چیزی نیست ، حال حسد ورقابت جهانگیری ـ علی الخصوص هندستان خوری ـ بوده که انگلیز وروس را دشمن ابدی جان جدیگر شان ساخته بود ـ حتی یاوعدهٔ قطعی میداد که از کردوی ازراه افغانستان حمله بهندستان را بکنند همهٔ دولتها را درغرور راه خواهد راندگیجت ـ وچون بادشاهان یك موقوش وعسوده مدعی دیگری درقلب اوروپا پیدا نمیشود بود ، وهرگز شوکت وعظمت وثروت وتجارت خود را که انگلند باشد درزیر تهدید آن محسود هیچوش دهشت آلوده خود درازده وتهلکه دید ، هندستان ازایشان یك چارهٔ قابل دفع آرا اولی ژوضروری دانست خاصه بنی ازهنگام آن تهدیدتجارت ـ بارقیب وموقوت هندستان طمع خود طرح نیزك اتلافی راانداخت ، وبقاسهٔ زادراله

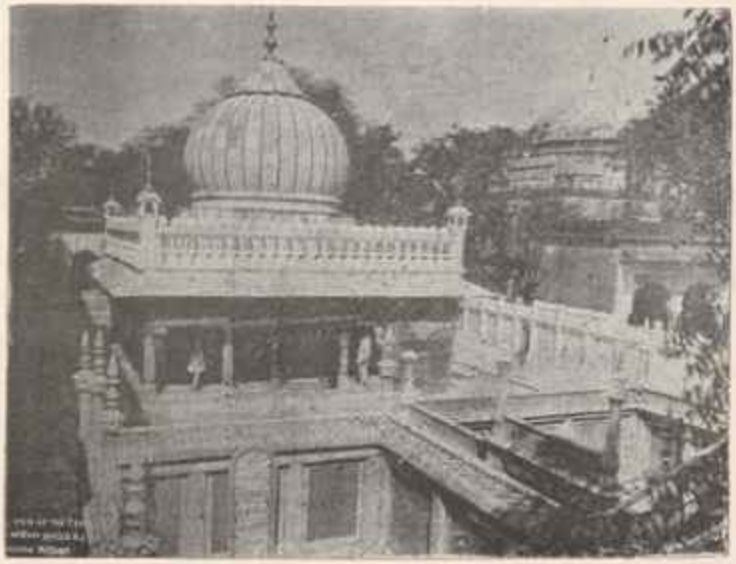

از مناظر هندستان

مقبرهٔ مبارك حضرت سلطان اطلاء لدین اولیا در دهلی

الیتوپوروانهٔ ازادنی آسیای صغراوعراق ، وفارس وغیره رقیب خودرا اضماع وتحریص نموده ورقیبی را از حرص وطمع این نقد ، از حرص وطمع آن نسیه مردم حاضر کوتاراز وموافقتر آمده این است که اینهمه هنگامه های بالامدود ، واینهمه آتشهای جهانسوز را شعله افروز عالم النهایت ومدنیت نمودند ! آیا

بی روایاید گفت که اگرزود به انجام رسیدن این حرب را که حرب عالم النهایت وازرا درافکندهٔ جهان مدنیت است براستی وحقیقت آرزومندند میباید که ازحرص وطمع ، وحسد وبغض هست پاکشند ، وبرای چره کردن آن مقاصد دنیه عالم مدنیه

بازه راحسرت نمازند .

خیر ! چنصورت ـ حالا از تجزها ، نظر کرده یك کسی ازمضرات وخسارات آن آب شرارت آب که میتوشانش بادشتاب وتم شماروی اوتن الآلایش میخواهند بخشیدلام ! ـ درانسان شرع شریف محمدی (س) شراب راه ، اباحوابیت ، ! ـ یعنی مادر چیها وخباثتها ـ تعبیر کرده اند که الحق تعبیر بسیارمعنی ورجاییست ، سرخشاه همهٔ فجایع ورذایل شرابست ، ومر چشمهٔ جمله فضایع وفجایع بازهم شراب است ، غیرازمضرت های شرعی واخروی آن ، از نقطهٔ نظرصحت وطبابت نیز معایب ومضرات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1155 of 1786

آن در نظرفن جلیل طب بدرجهٔ ثبوت رسیده است . بهترین وگرانبها ترین چیزها قابل است که بواسطهٔ این جوهر مقدس انسان ازحیوان تفریق یافته است . حالا آنکه اهم ضررهای این مانع زهر آلود اول برعقل تأثیر خرابی خود را اجرا میکند . انواع امراض مهلکهٔ صرعه ازیادهروتی برروجوه بشری مستولی میکرده . آلات مهمهٔ حیاتیهٔ داخلی وجود مانند مثانه وجگر وقلب وروده ها ومعده وغیره بدوام وافراط باده قوتی از اجرای کار کاری خود درمیافت . اگرچه یک کرمی وجرأت موقتی حاصل میکند ولی بتدارکی بسردی ورخوت عظیمهٔ تبدیل میپذیرد . وچون ازنقطهٔ نظرعسکری دیده شود . اعمال عسکر شرابخوری . ومغلوبیت کل فن حرب را ازید مستی باید شمرد . فن حرب ازکارکردن فکور است که بعقل وحواس کامل اجرای حرکات وعملیات آن موقوف ومنوط میباشد . وچون شرابخوری ومستی زایل کنندهٔ عقل وحواس است لاجرم درفن حرب بدستی حرام قطعی شمرده میشود .

درخصوص اشتباهاتی در آینده‌بیان‌مقالا" مستقله"مفصله" خواهیم نگاشت . درنجاهیقدر میگویم که دربعضی اخبارها دیده شد که هرچندی پادشاه انگلستان دردوایر مالیهٔ پادشاهی خود شان شرابخوری را منع وقدغن نموده تادیگر کرده ها نیز شاید پیروی این عمل نموده باشند . لازد کلیجروزیرحربیه انگلیز نیز دربلک خلیج بجای شراب آب زلال را قایمقام جام صحت پادشاهی گفته نوشیده است . لذا ازین هم خود داری نمیتوانم که بگویم باین شرف وفضیلت آب زلال خوشی را بجای میگیرد . « پتیرو » نام کپتان ژاپونی ده سالیه‌تراترین درمحاربهٔ روس گوی مسابقه را دربرده است که بشارتیان دهنایادوهیده ازه تاریخ حرب روس وژاپان » را درزیر این سرنوشت « نام عسکری » خود بنظر را دران صف نظامی" وطن مقدس خود عرض میمایم : (۱)

(یکدو صفحه از تاریخ حرب روس وژاپان)

(تقدیم نخستین پرده کردن مدخل)

« پورآرتور »

همومهای اول وروس که ازطرف دست کشتیهای جنگ ژاپون بوقوع آمده بود اگرچه قوای معنویهٔ روسها را منکسر وقسم مهم سفاین حربیهٔ شانرا مأیوس ومتضرر ساخته بودولی باوجود آنهم کشتیهای جنگی روس هنوز بحالیکه درحرکت کردن غیر

(۱) « تاریخ حرب روس وژاپان » درپنج جلدیک تاریخ حربیست که قبل ازپنج سال بموجب اسنادرسمی اعلیحضرت « سزاج الله واقدن » این مصور وشهریار عظیم الشان ترک غازی بادشاه ترتیب کرده ام . یک اثر بسیارنافع وعظیمیست . افسوس که هنوز بزیورطبع آراسته نشده . ازمراسم عرفان پروری ذات اعلیحضرت خاور امیدست که طبع ونشر آن درمطبعهٔ عروفت دارالسلطنهٔ کابل انجمن‌مان نمایند .

متقدر باشد رسیده بود . بناءً علیه درجوار « شه موپو » که ژاپونها موقیات عسکریه را اجرا میکردند . یعنی باواپورهای نقلیه از سواحل ژاپون به ارامنی" مانچوری عسکر میبردند احتمال اجرای تعرض ازطرف کشتیهای جنگی روس درهرآن وهرزمان موجود بودچون سفائن روس که درعقب های اول ازطرف کشتیهای جنگی ژاپون خسارات زده شده بودند آهسته آهسته تعمیر میشدند احتمال تعرض را بیقین میگردانید . دیگر اینکه بمناسبت شدت طوفانهای برف مدخل « پورآرتور » را همیشه درزیر ترصد داشتن برای ژاپونها کیفیت بسیار مشکلی بود . لهذا وایس امیرال « توگو » اندیشید که یکچند سفینه های نجاتی رادرمدخل پورآرتورغرق کرده بسته های کشتی جنگی روس را درداخل حبس نماید .

امیرال توگو برای اجرای اینکار پنج عدده سفینهٔ بزرگ وکرانهٔ نجاتی بدست آورد عین و عرضیات تمامی مذکوره عبارت از (۱۰) افسر و (۶۹) نفر عسکر بود . این نفریها ازمیان صدها داوطلبان داو طلب انتخاب شده بود . وجه کی انها مدیر کوساداتی" « پتیرو » نام کپتان کشتی" ازدیوشی » میباشد « که سفینهٔ امیرالبری داده شده بود .

تشکیل حاشیهٔ در مدخل بندرگاه پورآرتور اندر تقریبا ۳۰۰ « متر میباشد لهذا سفاین جسیمهٔ حربیهٔ بیادهی" ۷۰ « مترمیباشد لهذا قسمی که درمدخل یعنی راه درامدبندر مذکورمناسب ومواقق برای سیر سفائین باشد زیاده ازصد متر پهنائی ندارد .

امیرال « توگو » این پنج کشتی" که برای غرق کردانیدن تدارک نموده بود به سنگ وچوب ودیگر مواد قابله وسفلی مواد مشتعله مانند پترول وغیره پرومالامال نمود . وبرای دردادن این مواد مشتعله تزییات" الکتریک بزرگ بود که باین صورت دربلک زمان واحده هر کشتیها آتش میگرفتند . وهم جوت پرشدن آب در کشتی بسرعت تمام درقعر دریاها پی رفتند .

باین ۱۰ نفر ها « ۱۲ » عدده کشتیهای جنگ غیرمطوربیدو یار یکجا مرتب وقطعاً این طور پیدو ها آنرو که اولاً کشتی جنگی « رنه ژاون » روسی را که خسارات زده شده ودر مدخل بندرمانده است مراعی از کار انداخته ضرر آنرا مانع آینده « ثانیاً بعد ازانکه کشتی های خود را درمحل مقصود غرق سازند مرتبات" انهارا تخلیص ورهایی بدهند .

پیش ازانکه این پنج کشتی بصوب مقصود حرکت کنند . افسران داوطلبان داوطلب کشتیهای غرق شدنی بادیگرهای خود مراسم وداعیه را ایفا کردند . وبرای حسن موفقیت وکامیابی آنها دعاها ونیازها کردند . بعد از ادای وظایف همه جانفرسهای این سفرحربیهٔ بسیار مهلکه ومدهشه که درصدی نودنجات یافتن افسرها وعسکرهای مقررشدهٔ آن محال مینمود . « پتیرو »

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1156 of 1786

نام کپتان کشتی" زرهپوش " آماده ، یك قدح نقره شبیه را كه یكی از شهزادگان زاون یکوفی به افتخارش چند از آب صافی زلال پرساخته ، ودلاوران وافر خلب فرمانش را كه بکشتی های غرق شدهٔ سوار میشدند خطاب نموده این نطق ذیل را ایراد خواهد:

(صورت نطق)

« ای فداکاران شرف وناموس ملت ووطن !

« شما را یك موقع بسیار نهایتی نادر كه در زیر آتش طوپهای دشمن مسروض میباشد میفرستم ، سلامت باز گشتن ازین معرکه در هزار یك احتمال ندارد ، شما را كه باچنین موقع نهایتی نادر میفرستم ، چنان میدانم كه از فرزندهای جگرگوشهٔ حقیقی خودم جدا میشوم ولیکن بدانید كه اگر صد فرزند میداشتم كه از صلب خودم میبود همه را درراه این شرف و سعادت عظیمی كه خدا امروز شما را نصیب كرده فدا میساختم ، دست های آینده درکنار تاج دشمن كه بدان جای مقدس مایل تعرض دراز كرده میبینم ! تمامیا صد فرزند ، بلکه اگر تمام ملت یك فرزند صلبی خود میبود باز هم آنرا ازین شرف و سعادت احسن وبهتر شما نمیبودم نمیساختم ،

« روید فرزندان من ، روید ! جرأت وشجاعت اولادهای جنگ و شمن طالع و را بر دشمن آن تجاوز مقدس اثبات نمائید ! در اثنای جنگ آور من وظیفهٔ گان ، اگر دست راست خود را مجروح کنید ، دست چپ خویش ، واگر هردوست خود را غایب کنید ، بازوهای خویش کوشش ورزید ! وشاید وقتیکه شما هر دو ، باد ، بدن خود کن درب جانفزودن امر آمر وکوماندان خود کن سعی وغیرت نمائید !

« شما را هر چند بسیار دارید كه رهبری از شما وطنیا بسیار عظیم ، و مسئولیت بسیار سنگینی باز كرده شده است ، هر کسیکه در خود برای بجا آوردن ایفجنین وظیفهٔ مالی متانت وفداکاری کافی وکامل نمی بیند ، از حالا بگوید ، زیرا وقتی عیب نیست ، اما دروقتیکه بالفعل قدم در آرخوف و ترده باشد ، وبه جرأت دروغی ، و شجاعت ، ساخته کی پیدان جنگ ووتا برود بیدتر از ان بیشتر باز برای او دیگر هیچ چاره نیست ،،

درینجا سخن کپتانرا صدها وهابهای بسیار پرهیجان « زنده باد میکادو ، زنده باد ملت ووطن ! » قطع باز کشانیکه درفداکردن جان خوددرراه شان یکدیگر سبقت وتزدی کنند ، برید ، بعد ازانکه اینطوفان جوش و خروش پرهیجان قدری فرو نشست ، کپتان باز نطق خود دوام کرده گفت :

« پس چون چنینست شمارا وصیت وسفارش میکنم که ببرید! هرگز بلا استثنا ببرید ! ولکن جان خود را ملت ورایکان بدهید ، مرگ را حقیر شمارید ، ولی نه تنها بقصد حاصل کردن نام ونشرت عشکری وقال ! تن ، تن ! من میخواهم که مرگ هیچ یکی از شما بی فایده نباشد بود ، کشتن دشمن آنرا ضرر وزیان نسازد ! هریك ازشما میباید که اول رهبر سعی و کوشش باشد که کشتیهای غرق شدهٔ را به خطا مظنونه غرق شدگی نرساند ، ودر انجا غرق کند ، بعد ازان که این وظیفه را بخوبی ایفا نمود ، مرگ را به بسیار مسرت وافتخار در آغوش باید کشید !

« ای فداکاران قهرمان ! از پشت پردهٔ استقبال ، یك سیمای بسیار منوری میبینم وچه خوش" یك روز بسیار منحوسی منتظر میباشم که آرزوی فیروز سعادت اندوز عالمست که سایهٔ نیرو وعزت وفداکاری" نشانه شما اولادهای وطن ، دسته های کشتی های جنگی دشمن دربندره چوراکوتر ، تحویل خاهد ویشیدن اخیر مسرت آرقام زاون بوجود شما افتخار بکند .

« در ین هنگامیکه ازشما معرفت ابدی میکنم ، آرزوی صمیمی وداع را [سلامت اورو] ـ فاتح ، شامین ، بما تقدیم آورد ، چونکه این وظیفهٔ مقدسهٔ که ازشما بازخواست روشن فکر ووضوح قلب بکار دارد ، ولی شامین یك چیزیست که روشن وصفحیت فکر وروح را زایل میکند !

« بیائید ای عسکرهای خدا کار ، ای اولادهای جانفدار غیر قابل ! بیائید ای قهرمانان جنگ وطن ! ای پهلوانان شجاعت کامل ! بیائید که همه ما یکدیگ قدح آب صافی در دست گان میان خرمن انتظاران موقوفست وش کنیم ! آری ، آری ! بیائید ، وسینه های خود کن که مقراضی" آن خواهد شد سوار شوید ! زنده باد میکادو ! زنده باد زاپان !!! ... »

(انتهی)

خوادث خارجه

(اجمال)

مهمترین حوادثیکه دربرورهای جانب اقطار عمومی را بسوی خود نموده همه دسته های کشتی جنگی دولتین فرانس وانگلتر است در آسیای « دارد نیل » . لهذا خواستیم که در خصوص احوال این آسیای بسیار مهم کمك در جه معلوماتی به پشکاه انظار قارئین کرام خود عرض نمائیم :

این آسیا ، بسبب دو بحر نهار مشهور ومعروف را بیکدیگر ربط و آمیزش میدهد ، وبحر هین آسیا برای گشتن از یکی ازین دو بحر بدیگری راه دخول ومرور مفقود است خیلی مهم شمرده میشود این دو بحر یکی آن بحریست که قدما آنرا بحر « اژه » میگفتند ، ودر کتابهای جغرافیای ترکی « اطاره گری » یعنی « دریای جزیره ها » مینویسند ، ویك شعبهٔ از « هر مضیه » میباشد که آنرا « بحر متوسط » نیز میگویند ، دوم « بحر مرمره » است که در اطلسهای اردو وانگریزی آنرا « مارمورا » تحریر میکنند ، این است که آسیای دارد نیل مجرد مجموعهٔ کشتهاییست که از بحر الجه به بحر مارمورا ، باز بحر مارمورا به بحر اژه سیر وسفر میکنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1157 of 1786

شهر شهر « استانبول » ، نام دیگر « قسطنطنیه » ، نام دیگر « دار الخلافة العلیه » در آخر بحر مرمره ، بغاز بوسفور ، ودر اول آسیای بوسفور به نام دیگر « بوغاز استانبول » واقع شده است که این آسیای بوسفور بحر مرمره را با « بحر سیاه » ربط واتحاق میکند . « بحر سیاه » یك بحر داخلی بسیار مهمی میباشد که بجز همین آسیای بوسفور از هیچ طرف هیچ بحر دیگری با دیگر بحر های دنیا ندارد . ـ یعنی اگر آسیای بوسفور باز شده ، یك کشتی که از بحر سیاه خارج بخواهد گذار آسیای بوسفور کند کرده به بحر مرمره ، واز بحر مرمره ـ بشرطیکه آسیای دارد نیل هم باز باشد ـ از آسیای دارد نیل گذر کرده بحر ابیض واز بحر ابیض بحر سفید واز انجا به تمام بحر های دنیا سیر و سفر بتواند . اما بالعکس اگر آسیای بوسفور ، وآسیای دارد نیل بسته بود ، بحر سیاه یك حلقهٔ میماند که یك دروازه داشته باشد ودان دروازه هم قفل انداخته شود ، در بحر سیاه ، دولتهای روس ، رومانیه ، بلغاریه ، قپاپا بندر هاوذخیره هارا مالك هستند که قسم اعظم آن روس متعلق است .

حالا چون این کیفیت ها نظر کرده شود تا یکدرجه اهمیت آسیای دارد نیل ، وآسیای بوسفور ، وعلی الخصوص اهمیت موقعیهٔ استانبول بنظر جلوه گر میکردد . حالانکه ساحلهای بین وبسفر این دو آسیا دو قطعهٔ جسیمهٔ زمین را که عبارت از قسمه‌ای روپه و « قطعهٔ آسیا » باشد نیز در یك قطعه بر گرفته است . لاجرم عنوان سلطان البرین والبحرین که پادشاهان برنشان قسطنطنیه گذاشته شده است یك عنوان بمعنای شمرده میشود .

بحر سیاه و بحر سفیدش بود به بر
بر یك طرف آسیاست بیك قطعه جلوه گر

بر مدخل ـ یعنی دروازهٔ دراندك آسیای « دارد نیل » بار طرف بحر ابیض استحکامات بسیار متین وجسیمی با حربترین اصول جدیده ساخته شده است که یکی را « قلعهٔ سلطانیه » نام دیگر « چناق قلعه » میگویند ، ودیگرش را « کلید البحر » نام دیگر « مدالبحر » میخوانند . قلعهٔ سلطانی بساحل آسیا ، وکلید البحر بساحل اوروپا واقعشده است . درازی مسافهٔ این آبنا ، از حد این مدخل مذکور تا به حد موقعیکه آرام « کارولی » میگوید ومنهای آبناشمرده میشود ، هفتاد کیلومتر ـ یا آنکه هفتاد هزار متر است . [هر « متر » تقریباً یك گز شاه است] .

عرض این آبنا در بعضی جاها هزار ، ودر بعضی جاها تا به هفت هزار متر پهنای دارد ، وعمق ـ یعنی چقوری ـ آبنا آن قدر شدت کم نیست ، تذکرترین جاهای آن در مدخل مابین قلعهٔ سلطانی وکلید البحر میباشد که بقدر هفتصد متر پهنای دارد از مدخل آبنا تا به آخر آن در همهٔ نقاط مهمه استحکامات بسیار متین ورصین بآخرین اصول جدیده ساخته شده ویا باسلحهٔ کاریهٔ مدهشهٔ تحریر یافته است که دخول کشتیهای جنگیهٔ دشمن درین آبنا خیلی دشوار دیده میشود . اما بالعکس بعضی اوقات بسیار آسان میشود . مثلا اگر صد کشتی جنگی اردوی هجوم کننده تهاجم دارد آن غرق نشود کشته نمیتواند . واگر در همین نقاط تنك آن دو سه کشتی غرق شود برای کشتن دیگر کشتیها راه باز میکند و گیرم که از صد کشتی بیست کشتی آن بکشتن قاپاب هم آید ، آیا آن بیست کشتی چه خواهد کرد ؟ البته راستانبول کلوکباری خواهد کرد ! استانبولی ! ای وطنی گاه گاه شان گاه شود ! سعادتلی چه خواهدشد ؟ بسیار جهای استانبول خراب وخلقان نفوس وقوع خواهد آمد که بعد از تمام تمدن جسیمهٔ کشتیهای جنگی آن کشتیهای بی جیه خانه امپردست قاپطان استانبول خواهد شد ! ونسبت بحر روقصانی کهآن کشتیا به استانبول رسانده سه چهار مثل آنرا خود شان هم خواهد کشید !! ...

مبنی نقل از جریده کرامی جبل المتین

وضعیت روس در جنك موجوده

خاك روس تمامکنی وسیع وحصهٔ بزرگی از کرهٔ ارض است وعمدهٔ این وسعت واسطهٔ خاکفیر معمور سیبریا است واین دولت نصف پیشتر اروپا که غیر معمور است در دارد ، این روثروت طریق خاك روس بی اندازه وبی پایان گفته میشود . این قطعات زمین است ولی سرمایه های هنگفتی بی خواهد که این ثروت های طریق را بکار اندازد روسیه آنچه فیالواقع در رجزوی خاك خود فایده می گیرد از آن راحت است ممالك روس اغلب اشیاء احتیاج خارجه می باشد خصوصاً در اوان جنگ وقور حاله ، واغلب آن ، ما خال کار این احتیاجات روس را دوچیز پر میکنود اول گندم روسیه که سال بسال هارجنگستان میرفت ، دوم کار حاجات صناعتی او « لیور » (آهن) چونکه کارخانه‌ها صناعت وی حل به آسیا می کردید .

در موقع صلح دولت روس چند طرحهٔ حل وعقد داشت یکی از دریای بلتیك به بحر تهاجم دوم از دریای سیاه بطریق داردنل به مدیترانه سوم بواسطهٔ راه های آهن آسیا و تا بان به « اراضی اروپ چهارم از طریق بسیار طولانی از دریای منجمد به بحر (پاسفك) پولی از آنجا حیلی کم آمد وشد می نمود از آغاز جنك راه های آهن از اروپ روی روس بسته آمد ودریای بالتیك هم واسطهٔ جهازات جنگی تمامن مسدود شد از وجی که عیان هم شمولیت جاپان جنك آمد دریای سیاه وجار داردنل هم مسدود گردید شهر « لادز » هم که در روسیه حکم « پر مکیم » انگلستانرا داشت ومرکز صناعت و کارخانجات روسیه بود فیصدی آنجا بان در آمد در حقیقت یکدفعه قلع تجارت وصناعت ومراودات روس از اروپا گردید .

دولت روس منهای احتیاج را به فورخانه واعوانات جنگ داشته ودر این موقع هم هجیك از متفقین وی انگلیس وفرانس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1158 of 1786

نمی‌تواند از هیچ راهگذر تأیید و پیروی نماید ناچار کشتی اسلحه و فورخانه روسیه باید از ژاپون دانه شود اولاً ژاپون تا اندازه که کافی از مهمات جنگی امروزهٔ روس باشد ندارد و ثانیاً قدری بعد مسافت در بین است که بموقع خود روس نمی‌تواند رسانید و از طرق دیگر بواسطه گران وارد شدن فور خانه و اسلحه خسارات زیاد بدولت روس وارد می‌آید دولت روس در این جنگ بیشتر از فرانس و انگلیس از طریق تجارت ضعف یافته و اگر چندی به این منوال بگذرد طرفداران این سر آن سر روس را احاطه خواهد کرد به تجارت صناعتی او بواسطه بستن کار خانجات یکسفه علیح شده و تجارت زراعتیش هم بواسطهٔ انسداد بحار دارداز و دریای بالتیک و راههای آهن بانکلیه از جریان افتاده زیرا ثلث مال التجاره که از روسیه به خارجه حمل می‌شد گندم و جو که اینک در سواحل دریای سیاه می‌پوسد و فرانس و انگلیس محتاج بدوبند و بهمین مناسبت است که گندم و کنار کرهٔ ارض ترقی نموده گندم خیز دنیا اول روسیه است که امسال یک دانه از گندمش به اروپ وارد نگردیده دوم امریکاست که بواسطه کثرت خروج مورث ضیق معاش اهالی آن تمکنت نشده و مصمم شده اند که در آینده بیش از مقدار معهود اجازهٔ خروج ندهند سوم هندوستان است که آن هم بواسطهٔ کثرت نفوس خود محتاج باو است و جز مقدار کمی خارج می‌تواند شد و اگر زیاده خارج شود اهالیش مبتلا بجوع میگردند چهارم استرالیا است که آنهم امسال زراعت گندمش خراب شده است از طرف دیگر از روی خیلی محتاج بگندم است . فرانس هم بواسطه اشتغال جنگ و لشکر کو بی‌مالک وی مقدار زراعت سیاه دانه‌اش کم از انگلستان محتاج به گندم نیست این بلاث دول روس فرانس و انگلیس را مسلم داشته که وقوع تحمل هر گونه فشار باشد بحار دارد باز و بهار خودرا مرابوط روس را بازدوی بگشایند چه گشایش غیر بالتیک بواسطهٔ جهازات گندم و جو و روغن‌های نفتی هر چند در تسخیر تمالف آنان و آسترا خیر میسور است پس اسهل طریق برای مرابوط دول متفقه همانا افتتاح بحار دارداز میباشد و این مسئله قدری اهمیت پیدا کرده که حکم حیات و ممات دول متفقه روس فرانس انگلیس را پیدا نموده است وی گویند اگر بحار دارداز غیر مفتوح ماند نه روس از عاصره بیرون آمده مراوده به اروپ پیدا می‌نماید و نه ضیق معاش در فرانس و انگلیس رفع خواهد شد و زیاده از ملیارها گندم مال روس از خروج گندمش چی خواهد رسید و نیز مراوده بین فرانس و روس و انگلیس غیر ممکن شده که بتواند یک دیگر کمک اسلحه و فورخانه و قشون نمایند بدین مناسبات است که ما مکرر نگاشته ایم گشایش اسلامبول افتتاح بحار دارداز نصف جنگ را بر مرام دول متفقه خاتمه می‌دهد بلکه بعضی‌ها گمان دارند وقتیکه اسلامبول غیر گمان نمود می‌شود ولی بدون ثلث تحمل خسارات عظیمه وطول زمان در کار دارد برگشتن ! اگر دول متفقه بدولت عثمانی از در سازش و آشتی در آیند کامیابی شان میسر و خسارات شان کمتر خواهد بود و چنانچه از ملکرانات مستفیدین شود اضمحلال عثمانی ملکی بجهت بوده و جایهم نیست نهایت در نقطهٔ آلمان و آلتان‌ریستان دو بحار آمده فعلاً امکان ندارند که حضوراً از در صلح درآیند پس اگر دول متفقه با عثمانی سازش نموده و بداوطمینان بخشیده کلک جدی داده بتواند خود را از چنگال آنان بدر آورد پیشرفت مقصود که مراوده روس با اوروپ است بدو قسمان حاصل خواهد آمد علاوه براین در صورتی هم که دول متفقه طول زمان و تحمل خسارات زیاد بخار دارداز و بسفوری را کنانه قبضه اسلامبول نمایند چون این شکنه بیان شده که اسلامبول را قبضهٔ روسیان خواهد سپرد دو بحار مشکلات عظیمه خواهند کرد یعنی کلیهٔ امارات دلکارا چه مسلماً قبضهٔ روس بر اسلامبول بحویت کلیهٔ امارات دلکارا خواهد می‌کند ولی توان گفت امرای بالکانیه بحفظ و خیرخود پی‌نبرده در چنین موقع بفداکاری و جنگجوئی راغب نخواهند شکوت ایطالی و کنار گیی چون در شمولیت بدول اتفاق الاّ بر همین نکته است و ممکن است که از صدمت دراین موضوع شود بیشتر از مابین شرق و غرب دول اتفاق ثلاثه در شرق قریب مبانی بحبنک گردد و این نکته سبب گردد گفوت آنان در شرق و غرب کم شده و حسم را آسان بچیره شود از این رو سیاست آمیز فهٔ دول متفقه بیش که بقوه بخار داره نژ دارداز را مفتوح دارند پس اسهل طرق آن است که نکاتیم با عثمانی سازش نموده ایشان به استقلال آینده او داده بخارا را روی روس بگشایند ورنه خوف آن است که در این جدوجهد بجای نفع نقصان تولید شود درست باید غور نمود عثمانی امروزه علاوه بر صرت چند صد سالهٔ که اسلامبول و بخار داره نژ دارد دارای یکملیون قشون جرار است و تا آخرین طلقه فداکاری را در حفظ استقلال خود برای قبضه اسلامبول و دارداز خواهد نمود

خبرها راه ایران

یک نامه تلگراف از مشهد میگوید :

قونسلهای روس و انگلیز در مشهد مختلفاً بسیار کوشش و ترقب دارند که بدانند در مابین دولتین علیتین ایران و افغانستان آیا کدام مناسبات و مراوده و تجارات و مکاتبات هست و از آزاد ترکها چه میکنند ؟ ولیکن و کوشش شان هیچ ثمره نبخشد چونکه چیزی نیست که بخشد .

در کوه سنگ بریشت کوه اول عمارتی که هنوز ساختمان انجا وطرز عمارت و نقشه اش هیچ معلوم نیست و فقط جز دیوارش چیزی مشهود نیست از طرف روسها بنا شده گویا ایالت خراسان برای تحقیق و تفتیش بان نقطه تشریف فرما شده ولی بواسطه موانع بسیار برایشان مجهول مانده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1159 of 1786

— قوای روسیه در کلیه نواحی خراسان و بالخصوص در مشهد اقدامات زیاد و شدید بالاخره بنفع دولت قبل تعالی یافت

— قانون سالسور عاماً از طرف مجلس روس و انگلیس قسمت بخرابد جاری میشود کلیه دوائر مخصوص اداره حکومتی و نظمیه در یکسال خستگی و حوصله دارند فقط اداره ... [illegible]

وظایف خود میرسد .

یك لطیفه

یکی از اخبار (رعد) مطبعهٔ تهران :

رئیس بلدیان سوئیس در مقدمه افتتاح تعاس لطیف ذیل را ادا کرد :

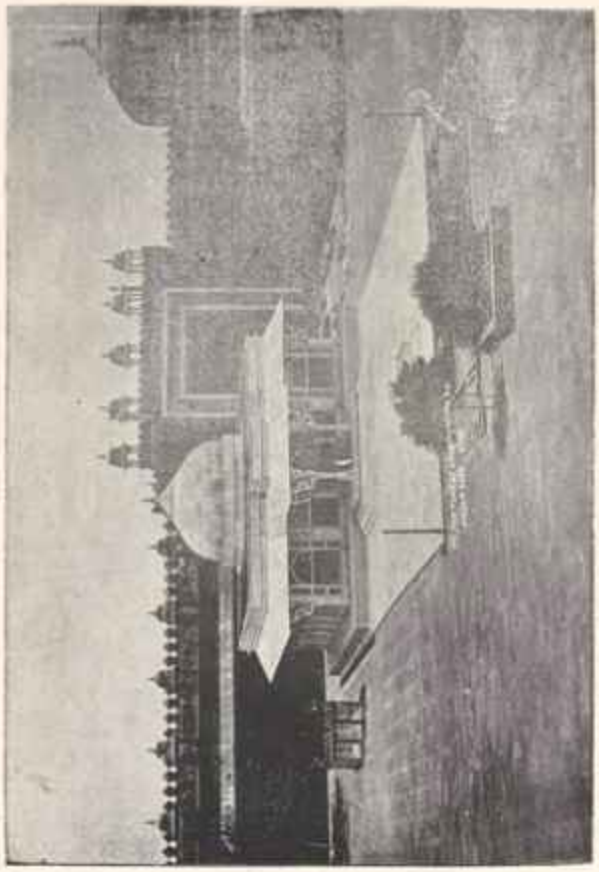

پاریس در شب سیل جاری و ایفل تاور در آن

« دول صغیره دنیا مانند دول عظیمه حق حفظ حیات و بیطرفی خودرا دارند و فقط همان دلیل صغیری تواند آنان قوای دنیا و اوروپا را فراهم و تأمین کرده مانند یك سدی خودرا بین دول عظیمه رقیب قرار داده و باین وسیله موجبات تصادم مستقیم آنهارا قدری مشکل سازند . »

« پادشاه عاقل که فکر کند دول صغیره در وجودش جای گرفت

واعداء آنهارا مقتضی نمی داند هوای جهانرا پر و بعلاوه عقیده‌اش این بود که اتحاد دول کوچك در دنیا وقوع جنگهای بزرگ را کم می کند .

« برای دولت کوچك و متوسط شرط اصلی حفظ وجود بقای حسن عبارت بیطرفی است و باین اصل اساسی معامل حقوق خوب تشریح و توضیح نموده اند . »

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1160 of 1786

« بقول پروفسور معروف (هولندرك) كلمه طرق مرادف مقبوليت فيضي ولاتي گرى نيست دلى ، باعلان وحفظ بيطرفى هم حالى نبايد مفهوم بى فكرى وبى خيالى در جريان حوادث را تلقى نمايد »

« مابيطرفى را نگاه ميداريم وليكن اين حق را از دست نمى

دهيم كه در جريان حوادث عصر حور وقت خود بمنافع حقيقى تامين كرده وخونبشن را درزمره عدالت گذاشته بايدير وروح تهيج وفشرده اكامل مال است قرار ميدهيم ودر همين حال بايستى بايك درجه فوق العاده اين مطلب را تلقى نمائيم كه جنك فعلى يك لطمه عظيمى باصول بيطرفى وارد نموده است »

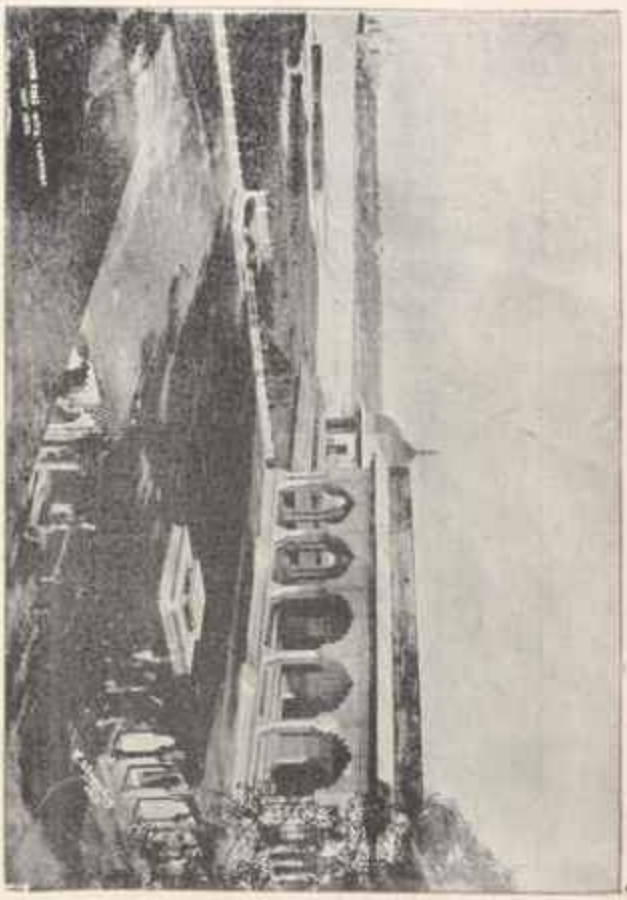

از مناظر هند سفلى
وجوان عابس در قلعه آگره از پادشاهان اسلام

رعد ميگويد

گفتار خردمندانه فوق عبارت از احساسات يك ملى است كه درميان توفان اروپا وهر جوارى بامدها ميدانهاى قشنگ اوزان رئيس كنگان خانه سويس ژاوش نمود.

بلى ، سويس يكى از ممالكى است كه از بدو جنك بيطرفى خود را اعلان وبواسطه تعقيب اين سياست كه بااعلان وحفظ بيطرفى هيچ نبايد مفهوم بى فكرى وبى خيالى در جريان حوادث را تلقى نمايد »

از عهده محافظة حقوق تملك و منافع ملت برآمده بانضمام عواطفى ومفهوم حقوق بيطرفى را كاملا مجرى داشته حتى اگر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1161 of 1786

اتحاد طیاره های آلمانی از آسمان سویس گذر نموده سخت مورد اعتراض سویس واقع گردیده .

ملت ایران هریک از دلائلی است که بیطرفی خود را اعلان و لی باز به لاقیدی در جریان حوادث هر گونه تجاوز و تعدی را موجب گردیده !

چرا برای چه ؟

علت آنکه سوئیس برای حفظ بیطرفی را فهمیده و بحفظ حفاظت شرافت ملی وحیات سیاسی خود را برای هر گونه فدا کاری در مقابل تعدیات متجاوزین احتمالی حاضر ساخته .

ولی کار کنان ایران مفهوم بیطرفی را عبارت از پستی ولاابالیگری پنداشته واظهارات اشخاص آنرا بخوبی اشتباه کرده و همین جهت است که متعاقب اعلان بیطرفی از نیم های سوم آنچنان نفس بی طرفی که رجوع شرافت ملت وارد آمد هیچ گونه تاثر عملی را از خود ظاهر نساخته !

دولت ما بیطرفی شد ولی نخواست این حق را بخوبی بفهمد که در مقابل جریان حوادث اطراق و عصر خونین غور وکامل بوده منافع حقیقی ملت را فدا کارانه مدافعه نماید .

از کلمه بی طرفی مفهوم بی قیدی را چنانچه باید وشاید تحلیل کرده مثل اینکه از اعلان این مسلک می خواسته وسیله دست آویز دسایس آمد حوادث سر تسلیم وتمکین را فرود آورند .

این حس بی قیدی در مقابل تجاوز دشمنان نه تنها اختصاص به دولت داشت بلکه بیشتر از نماینده گان ملت ومظاهر اقتدار ملت مشهود گردید .

چنانچه دولت در مقابل نقض بی طرفی اقلا تشبثات کتبی وفرستادن یادداشت های رسمی تجاوز بحدود وحقوق ایران را طرف اعتراض خود قرار میدادند ولی کرسی نشینان مجلس شورای ملی به اظهار تاسف وحیرت هم نخواستند علاقه خود را باین رشته مصالب واردة بر مملکت آشکار نمایند .

با آنکه در حقیقت که مجلس شورای ملی بجواب انتقاد کتبی اهل حضرت شهریاری تقدم داشته نمایندگان برای نجات آوردن مراسم ظاهری موافقت خود را در اتخاذ مسلک بیطرفی معروض حضور همایونی نموده اند ولی ابدا لازم ندیدند که تاثرات خود را از صدمات وارده باین تصمیم دولت بوسیله تجاوزات عدیده خواطر نشان نمایند .

در صورتیکه یکی از وظایف وتکالیف غیر قابل تغییر نمایندگان همین مسئله میباشد

این سکوت وخاموشی وبلا موجب آن میگردد که فعالیت وزراء نیز قدری کاسته گردد

بلی ! اگر در غیاب مجلس حوادث جنگ رخداده وفکران شرافت بی طرفی ما را بخود خود جریحه دار میکردند عامه ارا نیان ملزم باین مقال میشدند که : اگر مجلس بود چنین وچنان میکرد .

اینک مجلس . گویا بکلی خود را تماما حق در مقابل حوادث قرار داده ودر پرستش مصالب ممالک ملل اینکه خود را مسئول نمیخواهد قرار دهد .

کلمه بیطرفی طور تولید مرعوبیت وخاموشی هولناکی در ما نموده که گویا محض رعایت یک مفهوم غیر منطق حاضر برای وقایع اختیارات واز دست دادن کنترل ذات خود گشته ایم .

بیطرفی که ایران تحت خود ساخته قیدی آزادی فکر واختیارات در جلب منافع ودفع مضار مملکت را از مناسب کرده که حتی برای علاج درد های بی درمان جاده های بی اساس چاره بیان عقاید خود را نداریم .

ما گفتیم برای مصالح مملکت بی طرف شدیم ولی آیا التزام داده ایم که آزادی خویش را محدود سازیم ؟

راست است ما وابسته بست خصوصی نیستیم وجهات تصادم مسلم دول متحاربه را مشکل سازیم ولی آیا این درجه هم نمیتوانیم که از بسط دایره خرابی در داخله مملکت خود جلو گیری نمائیم .

رفع تمام اشکالات وتهیه وسایل سیل بصرصرای برای ما آسان خواهد بود در صورتیکه بیطرفی را مرادف مفهوم بی قیدی ولا ابالی گری نه پنداشته حال که خود مقصد از این تصمیم را نمی فهمیم قبلا از دیگران امو خته گشتار سازیم را که عراب بصیر تر از ما هستند سرمشق زنده گانی سیاسی خود قرار داده از لاقیدی وبی اعتنائی به مقدرات مملکت کمیا اجتناب نمائیم .

آثار حیرت آمیز یک گلوله

در جنگ اخیر « ایران » در حینی که طرفین مشغول جنگ وپیکار میان بودند . یک گلوله خمپاره که « ژاپنیها » مانند مخترعه جدید الاختراع) ساخته شده بود از طرف (آلمانها) در یک عمارت وبقیجه ترکیت کوچه « سن موریس » افتاد گلوله مزبور پهلوی یک درخت عظیم وکهنی چنار رسیده طوری زمین را بیک عمق زیادی کند وزیر درخت رفته واندرخت عظیم وتنومندرا با ریشه وتنه وشاخه توی اثر حفر کنده وبیرون انداخت که تمام درخت بدون آنکه یکشاخه آن کنده باشد با ریشه وبوداری که متجاوز از چهار متر تمام آن بود پریده ودر یک فاصله دوری درست وی عیب در جهان محاور افتاد .

اعلامیه عباس حلمی خدیو مصر

عباس حلمی پاشا خدیو « مصر » که انگلیس ها بجرم وطن دوستی وطرفداری وی از آلمانی اعلان حلع سلطانیه واستقرار رئیس حسین را دادند اعلامیه خطاب بافراد « مصر » وممالک « سودان » صادر نموده وبین از بیان مقاصد خود طی چنین اشعار میدارد

« امروز مدتهاست ودوسال است که یک دولت ومملت اجنبی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1162 of 1786

عدوانملک وطن محبوب مارا اشغال کرده وموقع استخلاص قطعی رسیده وبافوجی تحت وطریه وصدا آمده است .

ای مصریها وسودانیها — فرزندان عزیزم موقع مناسب رسیده وقت را مغتنم شمرده و استفاده از حوادث بنمائید .

یگانه منظور وکلمه واحده ما چنین باشد « استخلاص مصر از چنگال اسارت واحترام قوس و اموال ارباب مناصب و متمدان حقیقی استقلال مقتدون اتحاد کنندهانگلیس وکسانی هستند که با آنها مساعدت می نمایند . خداوند قادر متعال مارا امداد خواهد کرد که بآن آرزوی موفق شده ومقاصد مقدسه که اساس آن حقوق وعدالت و آزادی است تامین شده شاهد سعادت ملی را در آغوش گیریم »

غرق کشتی تجارتی فرانسه توسط اطریش

تلغرافیه رسمی « اطریش » اخبار میدهد که یک فروند کشتی تجارتی فرانسه که بطرف بارسلونه روان بود اطریش آمده و توسط هواپیمات کرده ومستحفظ دولتی بیاده ساخته وغرق شد بدون آنکه بتواند بخاکی حمله نماید .

مرتبه کشتی و ۲۵ نفر عمله جات آن را خلاص وامر کردیم وفقط یک ماشین درجه دوم مفلوج آورده است .

رجسٹر اطلاعات این کشتی تجارتی از سیستم ۲۸۸ تن که فرانسه عده از آن دارد می باشد .

غرق کشتی زره پوش فرانسه توسط اطریش

کشتی تجارتی اطریش موسوم به فره ۱۲ در بحر ادریاتیک داخل « کتورو » یک کشتی زره پوش فرانسه در بحر ادریاتیک دیده و شده و آن را ذیل غرق ساخت

این کشتی تجارتی اطریش کشتی زره پوش فرانسه اغرق ساخت ۷۵۰ تن ظرفیت دارد ودر آن ۴۰ عمله جات آنان ساخته شده ودر بندر « کتورو » جلب و توقیف شده ولی آنان تجارتی مزبور را بادارهٔ بحریه اطریش داد .

علت فتوحات فوق العاده آلمان

در نظم اقتصاد در بازار دنیا و تجارت

مرکه سؤال شود در کرهٔ ارض کدام ملت از حیث علم و تمدن وصنایع وادبیات از ملت آلمان قوی و امتیاز دارد ؟ در جواب این سؤال هر سیاسی فکر و تعمق نموده زیرا هیچ یک از ملل متمدنهٔ عالم حیث تدریجات واختراعات از ملت آلمان امتیاز ندارد و فکس ملت آلمان واسطه گوناگون عظیمه خود در صف اولین ملل زرگ عالم ایستاده است !

پس مشکل است در عالم اختراعات وانکشافات وثبتها از علوم وصنایع ذکر کرده کدام ملت آلمان هر وچیره مبتنی خود را در آن ظاهر ساخته باشد در ادبیات ، موسیقی ، صنایع مستظرفه طبابت فلسفه ودر کلیه چیزهائیکه امور ترقیات فکری بشمار است آلمان درجه امکان تکمیل کرده است ! مخصوصاً میل مفرط و عشق تام کتب در آلمان بدرجهٔ افراط رسیده وهر گاه آمیل مفرط در موارد دیگر ظاهر میشد مشاهل فرض بجنون میگردید ! صرف نظر از اینکه صنعت طبع وجلب در آلمان بواسطهٔ (گوتنبرگ) اختراع گردیده وبعد بسایر نقاط عالم منتشر شده . اکسیژن بیرون الطبقات وشیر (لیبیک) در سنهٔ گذشته مقام عالی ترقیات علمی وادبی وفکری آن ملت را دنیا ثابت ومدلل داشت .

صورت احصائیهٔ کتب تجارتی ظاهر شود که از کلیهٔ کتبیکه در اروپا منتشر میشود نصف آن در آلمان طبع میشد

در صنایع وفنون ماشین سازی ملت آلمان بقدری جلو رفته که چند سال قبل ادوارد هفتم پادشاه انگلستان اعتراف واقرار نمود که آلمان در عالم میکانیک مدتهاست از انگلیس جلو افتاده برای اثبات این مدعا همین کفایت که مسافرت انگلیس بسیاح معروف چندی قبل واسطهٔ اینکه نتیجه واگاهیکه آلمان مسافرتی داده وروی عاجات آلمان عموماً ملاحظهٔ ساحل آلمان مخصوص را بنامیم اداخته مسافرت آن سیاح بوده نشده مخصوص بتصویر افتاده وچون ساحل آلمان در انگلستان غیر ممکن بود لهذا انگلیس مسافرتی خود را بکر عاجات آمریک رجوع نمود .

عده کلی از ترتیب توپهای وزن ۴۸ سانتیمتری جدید الاختراع شنیده واز سرعت غرمیدن و تکمیل زیبائی و آرویلهای آنانیکه در موقع جنگ کنول بکار عمده ترین عوامل پیشرفت عملیات میباشد از حوزه مطلع هستند

بالنسبه از احصائیون عالم در مجات رقی وقدمت ملل راجع بمسایل مختلفه مقیاس واندازه گرفته اند بعضی از مقدار طبع کتب بعضی کثرت جراید ودر مقدار صابون یک دوره مدت چند سال در یک کشور استعمال میشود میزان کرده بالآخره یک میزان اتحاد بین دو یا چند ملت پیدا کرده که درجهٔ تمدن هر ملتی را تقریباً معین می نماید وآن وسیله عبارت از صدوقهای پستی هر مملکت است که صورت آن از قرار ذیل است :

(احصائیه صندوقهای پستی سنه ثالث)

اسم مملکت	عده
بریتانیای آلمان	۱۷۵ ، ۰۰۰
آمریکای امریکا	۱۴۴ ، ۰۰۰
انگلیس	۷۱ ، ۰۰۰
فرانسه	۷۰ ، ۰۰۰
ژاپون	۶۷ ، ۰۰۰
اطریش	۴۴ ، ۰۰۰
ایطالیا	۳۹ ، ۰۰۰
روسیه	۳۱ ، ۰۰۰
هنگری	۱۵ ، ۰۰۰

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1163 of 1786

سوئس	۱۳،۴۰۰
دانمارک	۱۲،۰۰۰
بلژیک	۱۱،۰۰۰ قبل از جنگ
اسپانیول	۹،۰۰۰
پرتوگال	۶،۱۰۰
رومانی	۵،۲۰۰
بلغار	۴،۸۰۰
ایران	۴،۳۰۰
حبشستان	۱۳
	۹

نخستین هم از صنعت واخلاق ملت آلمان واستقامت که از علوم وصنایع نموده است ذکر کرده امید وارم کمصدات پسندیده ملل درس عبرتی برای بیداری ماشده اوقات خودرا فقط تعجب وتحیر این وآن نگذرانیم ! افراد ملت آلمان از سن طفولیت در روی نیمکت های مدارس همواره ازمعلمین خودعبارت ذیل را میشنوند ودر کتابها وسرودهای ملی خود می خوانند :

آلمان فوق همه کان

آلمان فوق همه باد

دولت وملت آلمان علوم وصنایع والسنه رافقط برای ترقی وارتقاء ملت وبقای خودمیخواهند وقسمی آن ملت ماننده مانند کوکی تربیت شده است که کاملا برتمام قانع گشته اند که درواقع علوم وفنون بشر فقط سه قسم عمومی آلمان است :

همینکه ملت آلمان در مدت قلیلی بدرجات عالیهٔ تمدن وثروت وقدرت رسید وبه کیفیتی که آن کامیاب شد از موفقیت خویش نتیجهٔ ذیل را گرفت .

هر کاقدرت موجب تزید جلالت وثروت وشوکت است پس قدرت عالیه برای آلمان است بتاریان مالیکلسی وکوشش میکند که بواسطهٔ قدرت خودفرمان فرمائی کند همچه ملتی ملت برگزیده ایست وسایر ملل باید مطیع وی باشند .

بعقیدهٔ آلمانها انجه در میدان وجولان کاه تصور ممکن الاجرا می باشد انسان درآن ماذون وبحار حراهد بود ، بعقیدهٔ آلمانها حقوق بشری چیزی است کدر معاهدات بین المللی نوشته ومعاهدات بین الملل آن چیزیست کمیل وارادهٔ غالب وقانع دران مندرج وتصریح شده است بتاریان حقوق وقدرت دارای چنین معنی میباشد که در مواقع مفید کاغذ پارهٔ بیش نیست وهمان کاغذ پاره در واقع منتفیه ممکن است با کاله سیولت لکمال وپاره پاره کردد :

ماخوذ ازمقاله انگلیس

﴿ وضعیت شهر لودز ﴾

دراین موقع که قوای آلمان باشدت وحرارتی فوق التصور ازطرفی برای اشغال پای تخت «لهستان» روبپیش رفته وازطرف دیگر دومین شهر مهم ومعروف آن مملکت لودز مشغول باصلاح وتعمیر وبکار انداختن کارخانجات آنجاهستند . لازم است کمموقعیت واهمیت اقتصادی ونظامی آنرا بذکر کنم .

مهمترین وبزرگترین شهر صنعتی روس «لودز» مانچستر مملکت پلی روس یکی از مهم ترین شهر های جدید صناعتی دنیا ویکی ازان مراکز عظیمه کارخانجات مالدات که درعالم زرنه دنیادان شهر دردیف تمره اول مراکز مهمه تجارتی وصنعتی محسوب میکردد .

این نقطه ازمراکز جدید الاحداثی است که بعصر جدید برای مرکزیت تجارت روس درقطعه اروپا داخله شده است .

یکصد سال قبل «لودز» یکقصبه بود که چند صد نفر پشم بافی داشت ودرمیان باریکی واقع شده بود امروز متجاوز از ششصد هزار نفر ساکنین آنجاست ، یکصد وچهل هزار نفر کارگر درکارخانجات خودداره ، ازاین عده یکصد هزار نفر آنها آلمانی میباشند .)

شهر لودز ازیک خیابان طویل دوازده کیلو متری تشکیل شده است که در طرفین آن از کارخانجات نخ ریسی وماهوت سازی ورنگرزی وآب جو وفولادسازی وغیره وغیره وهزاران دواثر صناعتی وتجارتی که قسمت اعظم آنها بدست آلمانها است .

درابتدای امر یعنی درسنه ۱۸۲۳ فقط دویست وپنجاه نفر از تجار آلمانی ازاهالی سا کس وسیلزی درتحت ریاست بانك دلهستان به آنجا آمده واز آن به بعد همین دده کوچك نقطه مرکز داره تجارت و صناعت وعمود آلمان شده وترویج به توسعه وعظمت کرده وبکه آنجا که فقط پانزده هزار نفر بود در سال ۱۸۴۰ یکصد هزار نفر ودرسنه ۱۸۷۸ پنجصد وپانزده هزار ودرسنه ۱۸۹۵ یك کرور واهروز خمسه از ششصد هزار نفر جمعیت داره

کارخانجات آنجا از یك فرسخ المتجاوز پر چه های پشمی وقطنی سالی ۳۵۰ میلیون متر (بالغ بر ۹۰۰ میلیون فرانك) وغالی ازاین در سنه جنك عمومی دوازده هزار عمله وکارکردارند ودرحین جنك تمام اهالی اطراف مکنت های کرانبهای صاحبان واداره کنندگان کارخانجات حاصل نموده است .

در اطراف «لودز» شهر های دیگری مانند «زارز» ۳۰،۰۰۰ سکنه «شپر» پانیانیز (۴۰۰۰۰ نفر) و «بلیتز» وغیره نیز وجود دارند که تمام آنها صناعی و یك داره مهمه تجارت وصناعت درمحیط آنجا تشکیل کرده است .

درحین جنك وتصرف آن ابتدا توسط قشون آلمان وضعیت وفعالیت ساکنین و کارکنان دوچار صدمت کردید ولیکن آلمانها بسرعت اشغال جدا مشغول هستند که کمافی السابق زندگانی مادی اهالی تجدید شده و کارخانجات مشغول کاربشند

امرای جنگ کهکاولسال ۱۹۱۵ درمملکت آلمان حبس میباشند صورت عده امرای جنگ کهتا آخر سال ۱۹۱۴ یعنی اول ماه زانویه این سال از قشون متفقین در مملکت آلمان به عنوان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1164 of 1786

مجموعین جنگ تحت نظر و مراقبت مأمورین نظامی دولت هستند.

سرباز ۵۷۷۸۷۵ (پانصد و هفتاد و هفت هزار و هشتصد و هفتاد و پنج نفر) صاحب منصب ۸۱۳۸ (هشت هزار و صد و سی و هشت نفر) جمع سرباز و صاحب منصب ۵۸۶۰۱۳ نفر

عده مزبور پاسبانی انتظامی است که به عنوان گروگان داشته یا اینکه در راه ها اسیر شده اند و علاوه این اعضاء تا اول سال است (یعنی یک سال و نیم قبل) و اسرائی که در این مدت یک سال و نیم دیگر کرده شده بآنها اضافه میکردند.

صورت جزو اسرای فوق الذکر از قشون فرانسه، روسیه انگلیس و بلژیک از قرار ذیل است:

اسرای قشون فرانسه

سرباز ۵۸۹۰۵ ۲۱ نفر صاحب منصب ۳۰۵۸۹ نفر

(هفت نفر از آنان جزو آنها است)

اسرای قشون روس

سرباز ۳۰۶۰۲۹۶ صاحب منصب ۳۰۵۷۵

(هیجده نفر از آنان روس جزو آنها است)

(این عده اسرای روس پاسبانی اسرائی است که در تهستان از روس‌ها اسیر شده اند)

اسرای قشون انگلیس

سرباز ۱۸۰۸۲۴ صاحب منصب ۲۹۲

اسرای قشون بلژیک

سرباز ۳۹۰۸۵۲ صاحب منصب ۶۱۲

(پنج نفر از آنان بلژیکی جزو آنها است)

حوادث جنگ

تذکرات مخصوص از ورن تاریخ ۱۱۷۲ مورخه ۱۴ فوریه اداره روزنامه رعد

حملات شدیده قشون‌های علیه اطراف وردان و حوالی و کاپوت دو مجیین جبهه‌های شرقی قشون اطراف ورد و گورن و بطاریت هوا مساعدتا بدوام دارد.

بر عده اهالی از قشون اطراف پاسپورتی و سرد پردان میباشد در دست مداخت (پاسپانت) (عبارت تذکرات اخیر وده) و گورن و از وجود قشون روس تخلیه گردید.

روسیا در حال سر گردانی و فرار در همه جا است دهان و زنان و دختران مطلع شده و از جلو راه میروند.

مجموع سربازان گذر جنگهای اخیر از قشون روس اسیر بالغ بر بیست و نه هزار (۲۹۰۰۰) نفر میباشد.

تلگراف از آلمان

پیشرفت عظیم قوای آلمان در پروس شرقی

رسمی تلگرافی رسمی از ژان اغتشاش ۱۱۰ خانه - جنگهای سخت اخیر در پروس شرقی که بالغ بر سی و شش هزار نفر (۳۶۰۰۰) از قشون روس اسیر گرفته و مقدار غیر قابل محاسبه توپ و مهمات جنگی بدست آمده عده مجروحین تمام هنوز مشخص نیست لکن در هر حال مقدار مجروحین تمام کر روس خیلی زیاد است.

(آخرین خبرها)

از اخبار های انگریزی

خبر قسطنطنیه تاریخ ۱۵ — بعد از آنکه هفت عدد کشتیهای جنگی انگلیز و فرانسی در حوالی دارنال غرق و خسارات زیاد شدند دوباره حرکت این دو حوالی مذکور آغاز شده است.

شمله ۱۵ — اپریل : — جمعه روس در پریزبرن این نتیجه تحقیق که جرمن و اوستریا از جلب روسیا را بدور محاصره گرفته و بجبر رسیدن کمک پیشباری که از انگلستان و جرمنی رسید ترقی روس مسدود شده است. غیر جرمنی بات شود کان اقوام را بزکار باوس کرده است.

لندن ۱۵ اپریل — جهازات متصد هوایی جرمن بر فلک انگلستان حمله‌ور شدند و بر بسیار شهرهای انگلستان گلوله باری کردند و خسارات بسیاری رسانیدند.

کشتیهای تحت البحر جرمنی از دریرود ها چند کشتی دیگر را در بحر نیاه غرق کرده‌اند.

از قرار یکه اخبارات خبر میدهند معلوم میشود که یک جنگ بسیار بزرگ و مدهش بحری در بحرهای نیاه پیش آمده است ولی از کیفیهٔ آن هیچ تفصیلات نتوانسته اند.

لندن ۱۵ اپریل — کشتی تحت البحر انگلیزی نمره ۱۸ در آبهای در دانیل داخل شده و بکشتی دزدن برخورده غرق کرده ۲۱ نفر عمله آن بدست قوای عثمانی اسیر شده اند. خبازه عثمانی نیز بر جهازات جنگی انگریزی حمله انداخته اند.

شمله ۲۰ ماه اپریل : — دو کشتیهای تاریخ دوی عثمانی در خلیج بر جهاز غلیهٔ انگلیز که انواع انگریزی را بسوی دردانیل میبرد حمله نموده خرابش کردند.

طی ۱۹ ماه اپریل : — از لندن مینویسد که انواع عثمانیه رمضان اورن که قریب عدن است حمله نموده ضبط کرده.

لندن ۲۰ ماه اپریل : — جرنیل وان در کوتز جرمنی که از سالهای بسیار بخدمتگاری قوای عثمانی مقرر بود در بتوقف کل افسر قوای اردوی اول عثمانی مقرر گردیده است.

کذا : — خبر رسمی یازده گراماست که در قفقاز کلوله باری توپ و تفنگ بسوی ساحل جاریست. شاید ساحل بحر خزر باشد.

شمله ۲۱ ماه اپریل : — در محاربهٔ انگلیز بالقسطنطنیه میخند که قریب پنجاه زخم وارد آمده است ۱۴ نفر افسر انگلیز مقتول و ۵۷ افسر مجروح شده است.

در چاپخانه عامهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

هر مقاله‌ایکه منتشر نماید از طرف مدیر و مسئول تحریر نباشد عهده مقاله‌ها نیست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1165 of 1786

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرمانکه باشد با اجرت پست

قیمت سالیانه [ ] روپیه انگلیزی قیمت ششماهه [ ] روپیه انگلیزی

به ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رعمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیك جایدیگر جاروشو یابنده میاید کدیك رقعه در وسر هر ورق اخبر بدهند که من درفلان جا بودم ومال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرفرد اعلان وانتشار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی ¼ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقبه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریك قران یعنی ¼ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك متون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا ماهبا یکبار نشر کردن خواهد دوبه یك ماه را یکبار ادا نماید ورق پشتی زیر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1166 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرامی خود را

به آوری میکنیم

میدانید که ما از شکایت و بیدادی اخیر مشترکین گرامی دار السلطنه کابل خود ما را بزاویه تکان داده شدیدا مرکزی دار السلطنه کابل یک مقاله نوشته ما گماشته مقام البته تغییر و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین گرامی ما رسانده در عهده خیلی خود قبول نمود، مشترکین گرامی دار السلطنه خود را تسلی داده آوری میکنیم که بعد از این اخبارهای شان بدون واسطه هر فرد فرد بواسطه آدمهای ما گماشته خود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار الغایب بخط

کتاب سال دوم ۰ ۰ ۰ بهمین خط

کتاب سال سوم ۰ ۰ ۰ بهمین خط

طرز اعلانیت

آن چه باید کرد؟

ادب درس

توحید

این کتابهای خوشخط اداره سراج میباشد. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد به اداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت زمرد از دور دامن پنداره روز بخط

سیاحت در مو هوا بخط

سیاحت دوزخ هر جلد بخط

از هر جا سخن و از هر جایی سری بخط

روضهٔ حکم بخط

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای خوشخط را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درون افغانستان از کوه عبدالرحمن خان سر حرب و از کابل از محله کتابفروش در بازار ارزان قیمتهای معینی که در پشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مانوقرا داشته باشند به اداره سراج الاخبار الغایب مراجعه کنند.

اعلان

جزوهٔ پنهان

هوشکاران مطالعه اگر ادبیه را مزده از این تحفه نوبنیاد بگزار و مطبعهٔ عنایت و کاوشها آفرین فایده ! جزوه پنهان و پاک نویست که قوت عمل و معرفت دینی و دنیوی را برای اساس زندگانی نوع قویتر بنظر شرکت وجلوه گرمیسازد. هر ملکت، هر جنس هر فن، هر فضیلت ! خوبی باب، خوبی کاسه، خوبی اصورش علاوه، قیمتش نظر بهمهای باقی و ظاهرش بسیار ارزان ! تنها (۹) نمش دوره عمل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، و کابل باز محله بزار ارزان ، و کان غلام محمد خادم در مدرسهٔ شاهی.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1167 of 1786

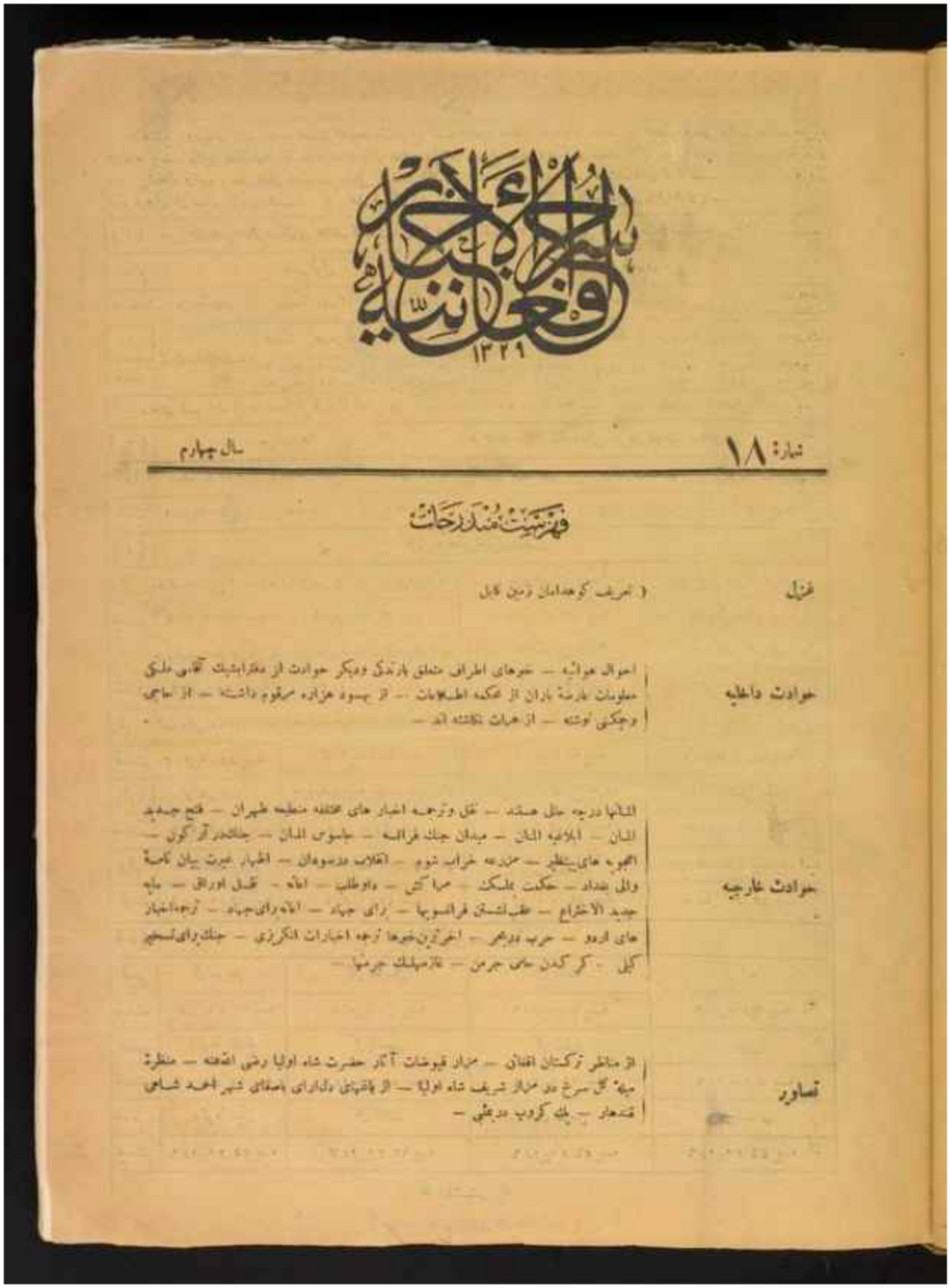

نمبره ۱۸ سال چهارم

فهرست مندرجات

غزل — (تعریف کوهدامان زمین کابل

حوادث داخله — احوال هوائیه — خبرهای اطراف متعلق بارندگی وبیکر حوادث از مکاتبیکه تقاریر ملکی معلومات عارضهٔ باران از شکیه اطلاعات — از بهبود هزاره مرقوم داشته — از حاجی وجکی نوشته — از هرات نگاشته اند —

حوادث خارجه — التمانیا درچه حال هستند — نقل وترجمه اخبار های مختلفه متعلقه طهران — فتح جدید المان — اعلانیه المان — میدان جنگ فرانسه — جاسوس المان — چالدیر آن کون — اکیوپه های پیشقطر — حنزیه خراب شوم — انقلاب درسوریان — اخبار عبرت بیان کامهٔ والی بغداد — حکمت پاشا — مراکش — وانوطلب — اعانه — قتل اوراق — مایه جدید الاختراع — طب لشکر فرانسویها — رای جهاد — اعانه برای جهاد — ترجمه اخبار های اروپا — حرب دریائی — اخرترین خبرها ترجمه اخبارات انگریزی — جنگ برای تسخیر کیل — کر کدن ملت جرمن — تلفات جرمنها —

تصاویر — از مناظر ترکستان افغانی — مزار فیوضات آثار حضرت شاه اولیا رضی الله عنه — منظرهٔ مهیج گل سرخ در مزار شریف شاه اولیا — از باشندهای دارای باصفای شهر احمد شاهی قندهار — یک کروپ درعقبی —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1168 of 1786

اعلان

از صنایع دوره‌های دات سلوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکه که دارالسلطنه کابل علاوه رایحای جوامع دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه وادویه و رمه های صاحب کرشاخانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از آن اهل وطن استفاده میتوانند ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش آن صادر گردیده است ؛ محل فروش این چیزهای ، ذیل (در کنار عبدالله خان دربازار ارگ) میباشد .

(۱) سرخ‌های پشمینه بالدنگهای مختلف کاقیمت آن ازقرار گرانبهای ۳ تو مستعلق شده دیگر مانند قحاله جنسی هرفروش میرسد

اقسام	قسم اول				قسم دوم	
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم وقماری کلفت قیمت آن ۱۰ پسر زیاده میشود
رقم	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیه	۶ روپیه ۱۲ پیه	۰ روپیه ۴۵ پیه	۶ روپیه ۱۰ پیه	۰ روپیه ۱۰ پیه	۶ روپیه ۱۰ پیه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی کشمیره میرارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیه اکشمیره رعدار عرض ۲ روپیه بیست پیه

(۲) چراب ها

رقم	نکه‌النگه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرخن	میانه قدرخن	خورد قدرخن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیه	۴۵ پیه	۳۶ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۵۰ پیه

(۳) نکه‌های چرمی محراب ومتبرد

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	لباف شانه دو فرسه کاره	زه باف یک اسپه دو گره سه کاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار کارهٔ کهن
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیه	۹ روپیه و ۲۵ پیه	۸ روپیه و ۴۲ پیه	۶ روپیه و ۱۱ پیه
رقم	چرم باف دسته دار دولاسه	چرم باف دسته دولاسه یک اسپه	دسته دولاسهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عرکین
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیه	۴ روپیه و ۴۶ پیه	۸ روپیه و ۲۳ پیه	۴ روپیه و ۱۳ پیه
رقم	قیمت کلیت نقره دار چرم دولاسه توغاله	قیمت کلیت نقره دار چرم دولاسه توغاله	زه باف دقم سواری ساعی کلیت	زه باف دو کارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه ۵۵ پیه	۴ روپیه و ۵۷ پیه	۵ روپیه و ۹ پیه	۵ روپیه و ۵۴ پیه
رقم	رکاب تزیح	چرم باف میانه چوب پت زناه	قزاق سواری تیغ چرمی	زناه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه ۱۵۰ پیه	۵ روپیه و ۸۶ پیه	۴ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه و ۸ پیه
رقم	دسته بلغاری تیغ برر	دسته دولاسهٔ رکابی کلیت نقره	قزاق سواری دولاسه تیغ چرمی گهلاه دار	چرم باف ماین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیه	۴ روپیه و ۴۵ پیه	۴ روپیه و ۵۹ پیه	۸ روپیه و ۱۲ پیه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرنان	گل برینه	گل شبو
قیمت	۵ ریه و ۳۶ پیه	۶ روپیه و ۶ پیه	۶ روپیه و ۷ پیه	۶ روپیه و ۳ پیه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبل
قیمت	۷ ریه و ۴۵ پیه	۶ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه ۳۸ پیه	۶ روپیه و ۸ پیه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیه	۷ روپیه و ۱۲ پیه	۶ روپیه و ۵۴ پیه	۶ روپیه و ۵۴ پیه

المشتهر

(میرمحمد هاشم دفتری کارخانه جات)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1169 of 1786

صفحه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۱۸)

قیمت یکسالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف و داخله مملکت
با ضمیمه ماهانه ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با ضمیمه ماهانه ۱۰ روپیه انگلیزی
هر دوازده روز یکبار انتشار میشود
قیمت یک نسخه آن دو پول نقره کابلی است
(اوراق گمنام درج نشود اعاده نمیشود)

جریدهٔ ملی و سیاسی مجرده

محمود طرزی

ادارهٔ محل طبع

در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
جمیع امورات تحریریه بعنوانیه خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

۱۳۲۹

تاریخ یکم رجب ۱۳۲۳ تاریخ انگریزی ۱۶ ست تاریخ شمسی ۲۶ ثور ۱۲۹۴

غزل

(تعریف ، کوه دامان ، زمین کابل دلنشین کلام)
(حضرت طرزی صاحب مرحوم در اثنای اقامت آنجا فرموده)

دامنِ کهسار کابل از تماشا گرگل ست
لاله زار و کوهسار و آبشارش بلبل ست

در چنین گلشن که شمشادش صنوبر مثال است
رخت زرینایهٔ سرو بلندش بردل ست

چشمهٔ آب روان از زر هر سنگش دوده
کابلی الحق مذاق آب جاری خورده ئی ست

ای رفیق مست عهد ازخانه بیرون تر خرام
نشئهٔ شاخ گل زین باغ عشرت چیدنی ست

هر که از سیر چنین گلشن زمانه گوته کج
از کنار شاخ گل بیکان حسرت خورده ئی ست

ای صبا پیر هنار تو عروسان چمن
نسخهٔ زیبای سواد از روی باغش روئیست

هر که شد مردود طبع باغبان این چمن
بیگمان از باغبانهای حضرت مبدئی ست

جانفی لطفی ندارد همدلیسان چمن
مهجو (طرزی) همدمان در پای هر گل کروئیست

حوادث داخلیه

اعوال هوائیه

هوا های مقاب امسال بسیار تبدلات عجیب وغریبی بظهور آورده است ، درموسم زمستان گذشته چنان بارند گیهای که بدرجهٔ شاید وباید باشند وقوع نیامد ، همین که نوروز شد درهرس طرف مملکت بارانها وبارند گیهای طوفانی بظهور نموده چنانچه از یکطرف در باب قوهٔ انباتیهٔ زمینها وکشتزار ها فیوضات جزا فضلی بکار برده ، ازیکطرف هم بعضی خرابیها بظهور آورد که تفصیلات آنرا اذکار را پورتهای نامه نگاران بطرز ذیل بکمال درج میکنیم :

دار السلطنهٔ کابل

تمام ماه حمل وابتدای ثور است کاهی یکپارچه متواتراً و کاهی طاقبهارانهای شدید باریده است ودر بعضی جاهای شهر خرابی رسانیده ، در نهر کابل سیلاب آنچه بسیار جوش و خروشی طغیانها نموده ، ولی قطعاً از کنارهای سنك بست آن جانطراف شهر سیلان نموده است ، درپشمان وتوابعات وسلطنات آن نیز از حد زیاده بارانهای شدید باریده وبسیاری ازخانهها را خراب ودر هر ساحه است ولی از طوس چیزی تلفاتی بوقوع نیامده است .

خبرهای اطراف متعلق بارندگی وغیره

حوالیات ازقرار اینشیك آقاسی مشرقی

محمد اسلم خان لغمانی نایب حاکم میدان مرقوم دانسته است که درین روزها باران وبرف زیاد باریده درموسم درهٔ نرخ وسرچشمه وسنگلاخ که سرحدات علاقهٔ میدان است خانه های مردم اکثریه جاها خراب وبرهم گردیده وبکنفر دختر درقریه سرچشمه زیرخانه شده — فقط مورخه ۴ ماه حمادی الثانی سنه ۱۳۳۳

کذا

بالیجاه امیر محمد خان حاکم غزنین مرقوم دانسته است که از ابتدای ظهور روز شنبه ۱۸ الی ۲۷ ماه جمادی الاول که به روز شنبه متصل باران میبارید مگر سه شب وسه روز تزوق باریده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1170 of 1786

وقت آن باران — بود خرابات وعمارات حکومتی بالاخصار و تیرهای ورابط سراجه وخانه های رعیتی علاقه تاجیکه اکثر منهدم وخراب شده خسارات زیادی وارد آورده است .

کذا

بالیحاء سلطانعلی خان ساکن چهاربکار ارقام داشته است که از حمل یکهزار و نهصد و نوزده شب یکشنبه ۱۹ ماه مذکور الی یکهفته روز چهارشنبه ۲۲ ماه جمادی الاول متواتر باران باریده ودر جمیع اوقات برف زده سیلاب از تپه های کوه ها جاری گردیده خرابی زیاد بسرک ورابط های سراجه وآبادی دیار سانیده — ویکباب خانه نشین مطالعه توقدرة عیالش در ۲۱ ماه جمادی الاول بالای عمارت مذکور وعیال ودوپسر او افتاده غرق عمارت او واقف گردیده خود عمارت مذکور را از زیر تپه مذکور خارج وعیال ودوپسر او که خلل رسیده بودند مردهٔ شاروا کشیدند وپسران مذکور یکی هفت سالگی ودیگر آن یکساله بود —

تحریر یوم یکشنبه ۲۳ جمادی الاول سنه ۱۳۳۳

کذا

واقعه نگار بازیکی نوشته که در ۲۷ ماه ربیع الاول غلام نبی ویعقوب علی وعلی حسین عیال ساکنان (گذر کنه آب) بازیکی جهة شکار آهو کوه (تاپه) هرانده غرفاب رفته بودند — ازقضا در روز مذکور برف زیاد باریده وبرف سابقه بسرعت گوچ کرده بعضی از انسانیان مذکور را قوت تلویبك طرف اداخته که هیچ آسیب وضرری برای شان نرسیده وبه خرمه گور زار برف گوچ مانده که از آنان معلوم نبود — عین طریق از زیر برف گوچ بیك طرف افتاده بودند غفلتاً بیك قریب کوه مذکور بوده رفته قریرا واقف ساخته — قری زیاد آمده رفهارا پاك کرده بعد از دوساعت بدوتن حیات ویکنفر را مرده از زیر برف کشیده اند

بتاریخ سلخ ماه ربیع الاول از طرف محمد هاشم خان ساکن خورسیده که خط مورخه دهم ماه ربیع الاول فوجدار وصف حسین کتب واز رسیده مرقوم است که موازی دوازده ثمر الثانیه جهة تورین گل هنگامک رفته بودند در جنگ دراثنا رسیدند ناگاه خراب وبالای شان افتاده مرده قریه که واقف گردیده مردآنها رفته اززیر گل موازی یکنفر را حیات ویازده نفر مذکور را مرده شان را کشیده اند —

واقف نگار سیلان و کهبرد ویکه اولنك ویامیان نوشته که شاید سردی هوا درین حالات بسیار است چنانچه درکوه سارها برف زیاد باریده ودرتالها تقدر یك چارك وچهار چارك برف برف میباشد — و درعمارات کهبرد باز عرض زردیب پیدا نقد فی دور دهم درجه حرارت میباشد ودرعمارات سفیان و کهبرد ودرتالها عرض برحسان بفرق نقده وکوتلا بسیار قوت میکرده نقد تحریر یوم چهار شنبه ۲۲ شهر جمادی الاول ۱۳۳۳

(کذا) (غایب حقیقت)

بتاریخ ۱۷ ماه ربیع الثانی محمد یوسف خان ساکن جاغوری مرقوم داشته است که زوجه صفدر علی نام طایفه علیشمو دهنه پژدری مدت به شبانه روز بوضع حمل گرفتار شده بعد ازان پسر دوسره ازتولد گردیده که دوگردن ودوسردودرهمسردوچشم ودوگوش ویکبك بینی علیحده علیحده داشت وچهاردست که دودست آن بطابقت اصلی ودو دست دیگران بسینه او ملصق بود وباقی جثه آن بحال بوده مدت یکروز بعد از تولد شدن حیات داشته فوت گردید وزوجه مذکوره نیز فوت شده

(کذا)

بالیحاء فتح الله خان ساکن پشت رود ارقام داشته است که بعمل (۱۰) ده نجه روز ۱۵ ماه مذکور الی نماز ظهر روز مزبور ملح زیادهوا ظاهر شده بعمل سه نجه باد شدید بازی کرده صرصر رعد وبرق ظاهر گردیده آنصرهوا تاریك گردید که بعمل چهار نجه روز مذکور چراغها روشن شده تاهفت یازده دقیقه چراغ افروخته بود بعد ازان هوا ساکن وروشن گردید والحمدلله باران نیز شده — مورخه یوم چهار شنبه ۹ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۳۳

معلومات تازه باران از محکمهٔ اطلاعات

ازسمت مشرقی دار السلطنه درجلال آباد شروع باران از ۱۹ جمادی الاول شده بود رای صفی نما وبانما به ۱۵ روز مداومت خود خبررسان گردیده است ازشتواری اموالدرسیده که مدت باران بطرفی بود که هوارا کامل کرده برار کرده افزونی غیر معمولی رسیده بود که بناسبه سی قدم هیچ چیز ملاحظه نمیشد ازکوهسار ها سیلاب به پایین می آمد که کاهی بمیان نرسیده بود خرمن رعیت ودر خلیان برق بعد افتاده بود اکثر دیوار ها وخانها خراب ومنهدم گردید چنانچه ازاطلاع خانه نوروز نام دراچین شتواری اول یکشنبه ۲۹ جمادی الاول وقتاً فوقتاً ضرورت اما جی افتکر است که بخودو وعیال واطفالش قطعاً ضرری نرسیده خاص دوراش کوشیده او هلاك گردیده —

درموضع رودگوت ساحهٔ سیلابی افتاده بدوتن تصادف کرده است که یکنفر آن هلاك و ذکر آن بالتکل سوخته است روز سه شنبه ۲۱ جمادی الاول دوتن رمسکه نام سا کن قریهٔ اوتی رودحصارکدر قریهٔ هزار نخورود میمنده راداخا عیال خود را که بخانهٔ پدرش رفته دوپسر کم پسر ده ساله و پسر سنك نام همراه بدار خود رفته چه ایشان را بسبب ماه بان سوار کرده عمارات بجای خود می آمدند بعد رودراهمی بین کوت رسیده بودند که دفعتاً سیلاب ازرود میمنده شتواری رسیده عیال پسر سنك ودوپسر کم پسر او را همراه اسپ مذکور آب برده واقعه است که چهار بکب وروز اسپسواری دفروقت را مسلمانان بی کوشش ازورتکها آورده اند که حیات است انا لله وانا الیه راجعون مذکور خبری دآدی پیدا نیست تاریخ ۲۷ جمادی الاول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1171 of 1786

باران بهمان شدت میبارد و رعد و برق جاری است کاغذ و قلم غیبچه ظهور کند فقط

در سمت جنوبی از روز چهار شنبه ۱۵ جمادی الاول باران شروع ببارین نمود شب و روز متواتراً میبارد جوهوارا اوزبره و کار آنچنان فرو گرفته که مقدر یک خط هم روشنی معلومدار نمیشود کمی کاهی برف و اکثر باران میبارد تمام دشت و صحرا و اراضی مزروعه و غیر مزروعه را آبگیر و گرفته رود خانه ها چشمی جاری شده که در خاطر کهن سالان بسیار قدوی الحجم را مثل خاشاک برداشته میبرد روز چشنبه ۲۰ جمادی الاول برف بارین گرفت مقدر چهار ساعت بشدت میبارید چنانچه در گردز مقدر یم قوت برف بزمین مفروش کرده بود و دشت ها قریب یکنیم قوت و بکوه قریب سه پنجه و نیم قوت برف افتاده بود بعد از ان برف باران تبدیل یافته سر اسر باران دهشنانی یا بد روز ۲۶ جمادی الاول باز دفعتاً باران به برف مبدل گردیده علی الاتصال برف میبارید تا آنکه هزار روز ۲۰ جمادی الاول باز دشت و کوه و هه اراضی را برف مستور و مفروش نمود بعضی خانه ها و دروازها غلطیده و منهدم گردیده چنانچه کاطرف خانه مالیجاه محمد امین خان حاکم گردز هم غلطیده فرش زمین گردید اما جای بسیار شکر است که خود ایشان و اهلقات ایشان خیر و عافیت بوده اند الیوم که ۲۷ جمادی الاول است همچنان باران دوام دارد تا رضای خداوند جهانیان چه باشد فقط

در ترکستان یعنی نواحی بلخ و توابعات و ملحقات او مدت سه شبانه روز است که قطعاً باران نشده و یوماً فیوماً عساکران بدخشان که در دره وقت در دره ها موجود میباشند نوع اشیای خوراکه را بلند کرده میروند چون حکومت قاعده معینی در باب فروش نمیدهد باید عساکران خود مقداری در نوع بکشه بارداشته باشند اگر مزار شریف آرد بدوازده شلنگ رسیده است — بتاریخ ۲۸ جمادی الاول جناب نائب الحکومه صاحب مزار شریف بچهار فرسخ شهر بدشت تورغرب رامده نماز جماعت خوانده دعا کردند سه روز پیروز نماز خوانده دعا میکردند خیرات ها درمساجد می نمودند لا کن از باران اثری پیدا نشد — روز دوشنبه ۲۰ ماه جمادی الاول که فصل گل سرخ و میوه تمشای خلایق است در جاغ روضهٔ مطهره خلق بسیار جمع بودند نائب الحکومه صاحب هم در مجلس تماشا حضور داشتند پهلوانی و کشتی گیری و دار بازی و غیره اجرا یافت بوقت نماز عصر نائب الحکومه صاحب و غیره مسلمانان دعا کردند که الهی از فیض نام خود خلق مسلمان خود را محروم مگردان از در امان ظاهر گردیده بود بعد از شش دقیقه شروع باران شده سه شب و سه روز علی الدوام میبارید چنانچه دشت و کوه و هه اراضی سیراب و مسرور گردیده و بازار عساکران خط اندیش گردی بنده گردیده هم و غم گردیدند الحمد لله تعالی پیدایش خط چوبی و درستی روش پیدا شده هم رمزا رفعت و اعلی حاصل گردیده فقط

ولگذهار در شیر گنبد سه نفر دهاقین ملک غلام نبی خان بارگرانی بارده راس مرکب برای آوردن شوره رفته بودند بده کل کنه بالای ایشان افتاده هردوا فرو برده یکنفر مرکب زنده رهانیده شده دونفر دیگر بارده راس مرکب فوت وهلاک گردیدند

در قطغن یک کوساله دو ساله سمندر حال کوتوال کوساله زائیده است که کاهی شنیده نشده خواهد بود که کوساله دوساله چه چه آورده باشد از عجائبات زمانه است فقط

در کلات نوعی عیال یک شخصی از یک بطن سه خسر وک آورده است که دو نفر آن پسر و یک نفر آن دختر است کمتر هیچوقت در نواحی مذکور اینچنین معامله اتفاق نیفتاده بود فقط

در نواحی فراه دو نفر دزده بصورت کمپانی در جزایر های ماه دار آن کمینی کرده در یک قلعه ی ویرانه گذاشته اند دران قلعه یکنفر عیال تو مروس نگاشته بود کمشوهر آن بصحرا رفته بود دزدان حرامزاده عروس نوجوان پدرورا تنها دیده سر اورا بریده زیور و اسباب اورا برده اند شوهر عروس کمتر قلعه آمده عروس مظلوم را مقتول دیده باطاقه خود از هر یکدر پی جوی کرده دیدکه کهان را شنیده از عقب ایشان رامده در نواحی ریگ سر حد سیستان دزد ارا بدست آورده قتل رسانیده است که باسباب و زیور عروس مقتول خود نموده سزا و مآل مشغول گردید فقط

در قلعه جعفر ضلع کلات نوعی یکدهقان چند کار در برای اعلان خود حفر می نمود حفر زمین که به بیست زرعه رسیده بود دفعتاً زمین فرو نشسته یک قلب قدیمی معلومدار شده مردم جمع دارشده بهمراه چراغها در ملاحظه کردند قلب هفتاد زرعه طول قلب بملاحظه میرسد رسیده و ملاحظه کردند که به اطراف قلب خانه هام موجود است و بسی استخوانهای بوسیده انسانها بهر طرف پاشکه های تغارها و خم های شکسته افتاده استخوانهای مذکور که ملاحظه شد بسنت به استخوان زمانه حال قوی تر و کلان تر معلومدار شده که بعضی دستاندن پشان میشد و قلب مذکور در طول خود بیست یک زینها هم دارد و چنان معلوم میشود که قلب مذکور از زمانه های بسیار قدیم است در موضع که قلب ظاهر شده دامنهٔ کوه است که حال از بسیار سالها زمین مزروعی است آیا از کدام عصر و زمانه خواهد بود که رفته رفته دامنهٔ کوه و زمین مزروعی گردیده کاهی قیاس برابر نمیشود که در چنین دامنهٔ کوه چنین قلب و بود باش انسانها بوده باشد فقط —

کذا

بدخشان — رعایای فیض آباد بدخشان قرار عرض واقعه الوسی آباواجداد خود همساله در موسم نوبهار بدشت فرق که حضرت فیض آباد واقعست و وسعت بسیاری دارد دکان ها و خیمه های رعیتی و سپاه آنجارفته چند روزی را بخوشی و به وقت می گذارانند کاردازان ملک و منصبداران لطای زیر بنا بست بیدر و دست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1172 of 1786

مدرسه مذکور شرکت و همراهی میکنند امسال در ۱۹ جمادی الاول بقرار قاعده خود بدشت مذکور برای جان میوه تماشای گلدار دشت بورعیت باطفال و اقوام و دوستان خود رفته چون بهر طرف هنگامه سیر و تماشا بود ساعت ۹ روز یکشنبه ۱۹ جمادی الاول محل سه بجه روز بناگهان یک ابر سیاهیرا از طرف مغرب ظاهر شده بادبسیار شدت کرد بظهور ارهاصاً قبلاً شروع بوزیدن نموده اول باران بصدازان چاله چه بسیار شدت ضرر نمود بقدر یکساعت نگذشته بود که تمامی دشت وسیع فرقدار آب فرو گرفته از دره ها وشیبها سیل بسیار آمدن گرفت جمعه از دره خارك گلدشتر و خانه‌های مردمان فیض آباد واقست کلا کثر سیلاب هریمین دست توقف دارند سیلاب بسیار تیزو دقیقی آمده تخمیناً ده‌خانه‌را خراب کرده و بسی درختان قوی‌را از بیخ و ریشه براورده و برده است و ازدرهٔ جوزون سیلاب که آمده سه حجره آسیاب را خراب و منهدم کرده و یکعراده کاه قلعه را همراه خود و امیار و غیره از کام کوه برداشته سراسر جدولی کوچکه اورد سایه بود اما جای بسیار شکرانه گی خداوند است که باحدی از میاه ورعیت بدختانی ضرری نرسیده است فقط

کذا

از علاقه مشرق دار السلطنه رسیده — اینکه در نواحی ورکوانی یکلنگره که اداکنندی می گویند یک قلعه ازجمع قریه گندی مذکور درجلگ یک کوه واقع شده بود که دران قلعه بعضی غربی سکونت دارند دوام داشت باران مذکور که توقف نموده بود از طرف شب همان قلعهٔ بغل کوه همراه زمین وغیره از جای خود لغزیده قریب دوصد زرعه بهمراه زمین و مردم مسکونهٔ خود بپایان آمده اما باحدی ضرر نرسانیده است فقط

مردم قریه خط عالی بدرشت برای آوردن بنهٔ سوخت رفته بودند بدرشت اخیری صاعقه سیاوی بالای ایشان افتاده پسر جوانی را صدمه سخت رسانیده بود از دنیا بناگاه او را زنده آورند بخانه خود که رسید برحمت الهی پیوست فقط

کذا

مسجدهای کنونی بفرزان گذاشته بود نائب‌الحکومه صاحب فضل و دختران مالیجاه ناظر محمد صفرخان سیاهٔ ان را طلبیده‌اند که در زیادهٔ عزت آنها بدرستی کوشیده بود و برای اطفال خورد سن فضل و دختران خیال دارند که بدرجهٔ دبستان ایشان برسانند مدرسه‌ها و تعلیم وغیره درین ایشان را کشته — و برای اطفالیکه در سن بلوغ اند حکومتی خودهم حالات بسیار خوبرا اجرا پدرمد نظر گرفته اند که اجرا کنند —

کذا

چند نفر تجار بلخ که کاروان قافله‌شان یک کاپل برای خریداری کوسفند بالان میرفته در حد قریه سنجانی‌ها قریب بست نفر دزد بالای ایشان خورد اندخته سه نفر ایشانرا بقتل رسانیده و یک نفر ایشانرا سخت مجروح نموده مبلغ یازده هزار روپیه که همراه تجاران بود برده اند این احوالات که بحکومت فضلی رسید چهار پیره سوار مدرموضع مقتل جا مقرر گردیده که یا قاتلانرا پیدا و بسر حاضر میکنید یا بجاه هزار روپیه از دیت واصل وجه تجاران و مجروح سرکار تحویل خزانه میکنید مردمان منطقه گور در تلاش و تردد هستند دلیل قوی بر آنست که قاتلان بدست آورده شوند

کذا

غلام صدیق ولد عبدالغنی تاجر درقطغن زره نخجوان‌های میکرد قریب پنجصد روپیه از اجورهٔ خود جمع کرده رواه وطن خود شده بود چار نفر دزد اورا تعاقب نموده بعد شوراب اورا بضرب تفنگ مقتول ساخته وجه اورا گرفته اند مردمان حوالهٔ شورابی گذارحکم تالب سابق یکهاه هزار روپیه جریمهٔ سیمانها واقف چونکه صدمای تفنگ را شنیده اند جمهوراً از خانه های خود برامده مقتول بعارضرا در حال طپیدن و جان سپردن وقاتلان دزد بدخت را درتردهٔ فرار دیده قاتلانرا تعاقب نموده‌اند قاتلان دزد در کوه بالا شده اند هزاره ها عقب ایشان خودرا رسانیده هر چار نفر دست کردن بسته بخان آباد اورده تحویل کوتوالی نمودند فقط

کذا

از هرات مینویسند که جناب نائبا الحکومه صاحب هرات ازهنگامیکه درین ولایت مقرر شده‌اند بجهان حسن سلوک و حفاظت رعایا و برایای الطبعحضرت بادشاهی رفتار کرده اند که هر قوم اینولا شب وروز دعاخوان و شکر گذار میباشند

وجناب محمد نعیم خان نائب سالار بانهایت درجه محبت و شفقت باعسکری ماتحت خود شیوه های یک وجود با ایراد میدهد از اینجهت بقاعده نیکوئی که نائب سالار موصوف گماشته‌اند است که هرگاه کدامیکی مریض شود چون هرشب زیوت نظامی خودرا ملاحظه می کند از مریضی میفهمد و سلامت و جای سکونت ان واقف شده فردای ان جراحت آن سپاهی مریض رفته اورا جدوداً پرس وجوی کرده دلجوئی ها داده یک پنج ده روپیه نقد همرای مریض داده معالجه میکنند اگر مریض تخت شد خیر واگر فوت شد بالای تجهیز وتکفین سپاهی اول خودرا رسانیده بعد از شست وشو همراه اقربای سپاهی تا گذار جنازهٔ اورا حواله‌ٔ خویشان همراه میدهد اورا بخاك می سپارند بعد از ان نائب سالار موصوف بجای خود می آید فردا صبح باز زره باز مانده کل قوتی برای دانه رفته قافله وسلامتی میدهند بازده بیست روپیه نقد همراه هند که از طرف من عقب مرحومی خیرات کنید بعد ازان بجای خودی آیند همین شیوه‌های بسیار معقولانه درست باجمیع عسکر ماتحت خود می کنند فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1173 of 1786

کند

ابشار و تورستان ماه جمادی الاول

جدرجات تورستان و بدرقهٔ پیچ و غیره علاوه جان خواجی مذکور سیزده شب و روز علی التوالی از باران میبارید و بدرقهٔ پیچ بعضی خانه‌ها خرابشده چنانچه یکنفر و دیگر ام دزد پیچ یک خانه افتاده سه نفر

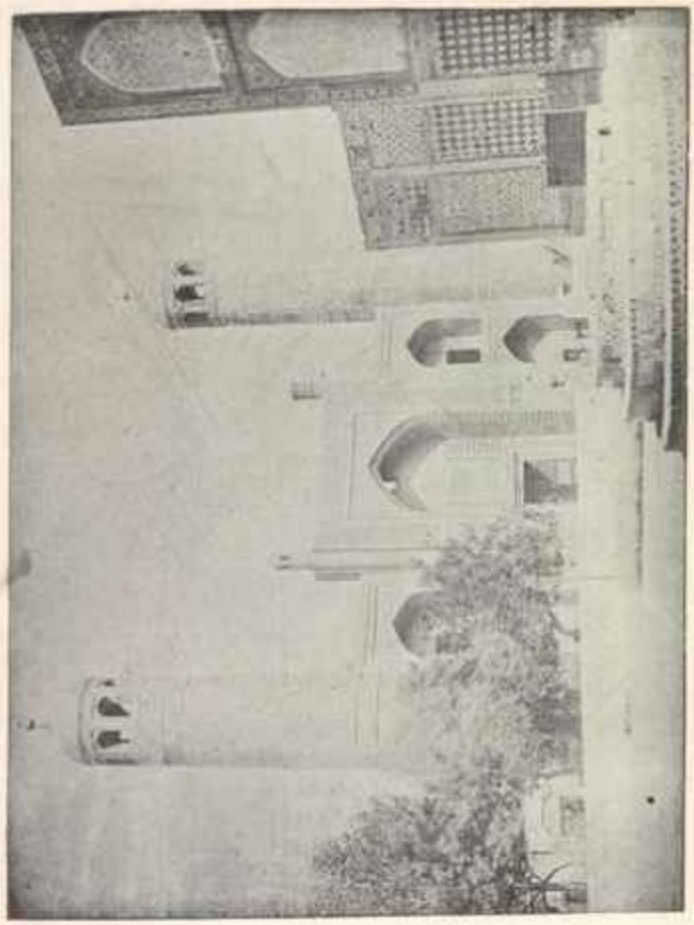

از مناظر تورکستان اعلی
مزار فیروزه آثار حضرت شاه اولیا رضی الله عنه

درنخت خانهٔ مذکور آمده رضای الهی فوت شده آن سه نفره دیگر چهه سرای صاحب این یک خانه افتاده سه نفر دیگر در خانه شده بودند از اینجمله یک نفر مرد جهات اما بخروج زنده برآمده دو نفر دیگر که یک نفر آن مرد دیگر آن زن حامله بود رحمت الهی پیوسته و با کثیر سر گذاشته راه ها ضرر و زیان رسانیده که

حرمت طلب میباشد و بکذالک بسیار رشتهای هم بدرقهٔ پیچ حادث گردیده بود چنانچه ازدرک اشجار اگری بدرختان نگذاشته ظلم

کند سمت جنوبی ۲۵ جمادی الثانی

خانکی دزد یک نفر حرام و یک دزد غداری بود که پیر سرزمین و پیرها قطاع الطریق کرده مال مسلمانان را بتاراج

وحشا میرساند و علاوه بران درخانهای خود مسافران صاحب مال هم صرفه و دزدی میکرد همانست که بجزای مال آن دسته اعدام گردید — بعد ازان حق میر شاه حیدرانی که از روان خانکی حرامزاده بود بطریقهٔ خانکی مذکور یک حیث بدکاران سارق را باخود همراه و متفق ساخته راه های عبور و مرور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1174 of 1786

مسلمانان را از سمت غربی دوردان وجیدان و لپو کرد قطع کرده اگر مسلمانان را بجنگ طلب میدید واموال ایشان را غارت میبرد دور نشده به مده جادی الثانی بسی وحمت ومیدانی میرسد موضع اسپین تخت زرمت پهلوی کوه هایش رسیده مشغول گردید — گزیت طالبان بسمت الخراسانیه بوده

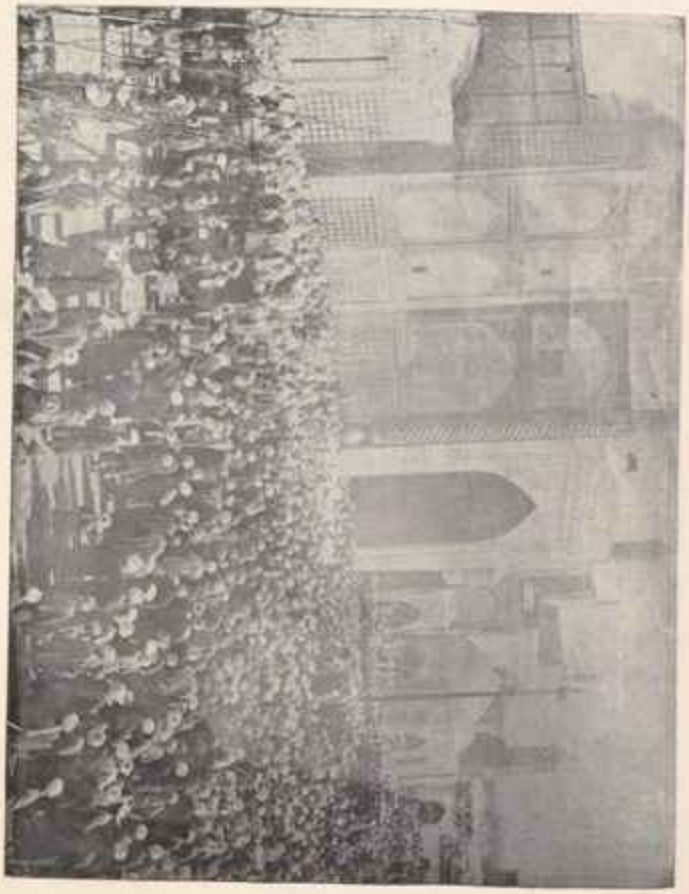

از مناظر دلکشای افغانی

منظره میوه گی مرج و باغات بلند طرف جنوب مرکز گندمین موسومه ی اولیه ی در حوالی قلعه جات آباد عبارت از باغ میگردد

چنین است — که مذکور داده مده گوزیهمرا چهل نفر سارقان ساخت خود زیبك قریه اسپین تخت زرمت آمده هراهان خود راعلای بلندیه سابق قریه مذکور توقیف نموده خود قریه مذکور بسمت جنوبی محال زرمت بدامنه کوه قریب مزار حضرت سید احمد صاحب رو طالبی قدری مرده در بین زرمت وجدران واقع

میباشد خود طالبی مرد وزن داخل قریه مذکور گردیده دوراس کوشیده وده آکازآزده بالای زعیتی موضع مذکور حواله کرده چون که فوراً رای بی درنیه رسانیده دوسه نفر از قریه مذکور اس اورا اطاعت ورزیده بلدیکساعت قسم قریب اورا معطل کرده چون قلعه در خلیه نظری را خبر داده اطراف اورا هراه

قلعه ها گرفته چون خان میرزده که دفعتاً باطراف خود نظر انداخته نظری را دیده که هراه لشکریا اطراف اورا گرفته اند میرزده خبر کرده بود که خود را از بین بکشد نظری زعیتی اورا امان داده عموماً راو فیر کرده چون پنج ضرب گلوله بجسم او رسیده فعلاً افتاده بود دو نفر از زعیتی پیش شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1175 of 1786

بودند کسر اورا دیده رودار شد تعاقب نمود که بدست آورد ولی نفر مذکور فرار کرده چون که یکنفر آن را بشهادت رسانیده ویکنفر آن را مجروح نموده است بعد ازان که جان از قالب او برامده سر او را بریده در کردز بحضور حاکم آورده حاکم نفری مذکور را بکمک ملاقه لنگی زردی داده وچشت سر وزد بدخت مذکور را کشیده بحضور جناب حاکم کلان سمت جنوبی ارسال نمود وسمت مذکور از قلعه وقلعه اورا نمود هرگس کار بدرون بهتر انجام

از پنجوهزاره مینویسند

ازتاریخ چهارم لغایت ۱۶ ماه حمل که درین مدت در هوا ابر مصاعفه طاهر گردیده صبح دین رعدوبرق آغاز نموده بطرف نماز عصر درقلعهٔ نمک زیاده کچ آب پیوسته مصاعفه هوایی یعنی برق در کنیدی خانه شخصی افتاده درین خانه دوفرد ساده کلان وکوچک زارلو وبزگران مرگ را سوخانده یکنفر آموراز که درین خانه بوده یکطرف بازوی اورا سوخانده کاملا از آن بی هوش گردیده لاکن بکلی فلج ساقط نشده وشخصی مذکور حیات است که احتمال صحت دارد همدران بارندن باران وبرف شروع نموده تقریباً هوا ابر بوده بارندن برف وباران مدت الوان دوام داشت چوم دوشنبه ۲۰ بار دیگر ابرهٔ هدا گرم شخصی که همراه سه نفر دیگر درپالای باغی کاری ها بودند وهدا گر نابودی آهی بدست خود داشت مصاعفه بالای مذکور افتاده خودرا درمیان ما سوخانده که علاوه گردیده وباقی سه نفر که همراه مذکور بودند هوش گردیده لاکن هیچ نقصان برای ایشان نرسیده بارندن برف وباران تا چوم دوشنبه ۲۷ دوام داشت که هوا هیچ صاف نشده چندساعت که توقف میکرد باز می بارید باوجودی که بسیاری آب می شد بالا درزمین هموار بیست ودو کوهستان ها اضافه برف افتاده سرمانندت دارد چوم سه شنبه ۲۸ از لطف خداوند هوا صاف گردیده الیوم که ۲۹ ماه مذکور است برف اندک سخت شده که پاره مردم شکستن گاره ودرین مدت چوب کم پیدا است اگر خانه ها تیمدی از خشت گذشته خراب زیاده باشد تاریخ ۲۹ جمادی الاول سنه ۱۳۳۳

از حاجی وچکی مینویسند

ازتاریخ ۱۵ ماه جمادی الاول لغایت چوم ماه مذکور از تغیرات آلهی باران وبرف زیاده شده روز بروز درین محال حاجی وچکی بارنده که از کثرت برف وباران مذکور بسیاری خانه ها وآبادی ها وقلعه ها خراب شد چنانچه درین روزها آمده مردم کوچی که از علاقه خارجه بعلاقه داخلیه دولت خداداد می آیند در محال حاجی کمیتر مردم کوچی مذکور شده چون از سبب شدت سرما وبارندگی سه نفر چوپان رمه ویک نفر زوجه وقریب پانصد راس گوسفند

وپانزده نفر اشتر درعلاقه حاجی قتل رسیده وقریب هشت نفر اشتر ازمردم کوچی درمحال چوکی فوت شده ورود چوکی نهایت ترقی نموده که یک طرفچه هشت ساله را ازمردم چوکی قتل رسانیده و قریب پنج خانه را از قریهٔ اشتر کلی چوکی هم خراب کرده برده اکنون صاحب خانه تعلقات او همراه عیال داری خودقبل ازدرون وخرابشدن خانه خود بر آمده دیگر جای رفته بود که چیزی ضرر برای او نرسیده ودر جعفریه بطان قریب چهل جریب زمین را همراه زراعی تخمیناً آن برده که امکان آبادی هم ندارد مدت دوچوم میشود که ازفضل وعنایت خداوند باران نشانده شده فی تحریر چوم پنجشنبه سابع ماه جمادی الاول سنه ۱۳۳۳

از خوست مینویسند:

یک حادثه مغموم طارنده از جهة سیل وارد شد که چند روز متواتر باران بارندن گرفت وروز بروز آب اضافه تر شده که بعضاً از چوم شنبه وایل یکشنبه چنان سیل مهیب آمد که جان باغ که درنهایت اوسط آن جای حاکم کلان وتقریبن که پنجاه پی جار کلن است و باغ مذکور در زمان جناب سردار محمد اکبر خان تشکیل بساری آن بلغه بود وچندین یکصد افی دو زرعه چهار اطراف باغ مذکور وچوال بسیار حین از مسکی وبعضی کلی بنا کرده بود مگر تمام نشده بود ولا مرقسم حیوانات انجار غیره بود وبعضی جا که هنوز کرده است نشده بود جناب ناظم صاحب تشکیل کرده بود طول باغ درسه اودنیل اول که بنده در خوست آمده چوم وقدو کرده چوم موازی شش صدو چهل وهفت زرعه وعرض غربی آن صدای وعرض شرقی باغ ازجهة که خانهٔ برکه نطاین می باشد کم است مدا ملاحظه از طرف غروب بقدر هفتاد قدم دیوار را هم سیل منهدم کرده ودروازهٔ مذکوررا غلطانده وازطرف سمت جنوب بقدر چهارصدو هفت قدم دیوار را خراب کرده وقریب یکسی الی دوجریب زمین متن باغ را سنگزار وخراب نموده که حالا آب آن درجریان است وآب الی محکمه خوست که درنصف باغ درپالای سرک مارین است درجوار انجار درجریان بود بعون وعنایت خداوندی از چوم دوشنبه که ۲۷ روز باشد آب از باغ خلاص شد وبسیار ضرر درخوست رسانیده صدها زیان رسید هسای انجها بیان میکنند که در پادی میان این چنین سیلی مدهش دیده نشده بود نهایت افسوس از خرابی دیوار باغ شد زیرا ذهکی وتندرستی غلامی وملکی چهاروانی از جملهٔ گرمی در همین باغ مربوط بود.

از هرات نوشته اند

که درایتوقت مالیحاد حاجی محمد امین خان نائب حاکم قلعهٔ نو معروض داشته است که درینوقتها گرگ دیوانه درتکاب غارستان پیدانشده چند نفر آدمهارا گزیده فردهوامل را گزیده مقتول شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1176 of 1786

ودوران اسب وبیست فرد خوانل سقط گردیده ودرانگلیس فرمیج پالتك دوباره نیز پیدا گردیده یکنفر را گرفته پلتك هم صدمه وشخص مذکور نیز فوت شده است ودر تکاب قدس گرگ دوباره یکنفر آدم وچهار نفر اشتر را گرفته شخص مذکور واشتران مزبور هلاك شده اند فقط

خوادث خارجه

المانها درچه حال هستند

یکنفر ازفرستاده گان مخصوص روزنامه « تان » که به تمام نقاط وقطعات به المان مسافرت کرده وضعیت داخلی واحساسات اهالی آنان واطمینان ایشانرا بفنون واطاعت آنانرا از امپراطور به تحریر ذیل شرح میدهد

از موتیخ بارلن

برلن - ازفرستاده مخصوص ما

صبح یکشنبه است وتعطیل شهر « موتیخ » مردمان شهر صدای تلفون کیوسکها ازجواب درخواست هوا آفتاب اهالی دسته دسته بمساجد میروند که ازخدای آنان درخواست فتح ونصرت عساکر آنانرا نمایند در کلیسا همه ازانکه کلیش دعای مصوره را خواند درحالی دیگر از خدا عافیت دشمنانرا خواست کلیش میگفت : دشمن ما فقط انگلیس است . اهالی هم سرودنده ومیگفتند دشمن ملت ما اوست .

درقلوب تمام اهالی ازین طرف تا آن طرف مملکت این عقیده مثل سنگ به زرنقش بسته است که مؤسس جنك وموجب صدمات اروپا فقط نظریات صداقت انگلیس ها بوده وهست . وضمن کلیش کوش میدادم مشارالیه شخص تومندی بود این عبارات را مکرر میکرد (خداوند ما همراه است وباعث روی مزرعه و میکفت) دشمنان ما دشمنان حق هستند ومامور یت آنان دردنیا همین است که : « دشمنان حق وحقیقت را معدوم نماید وهیچ کس قادر نیست که آنان را مغلوب سازد چرا که درخل جانب خصوصاً پروردگار میباشد بامغرانه متصل کردد ... انگلیس متلاشی شود ... روسیه معدوم گردد . اراده خداوند بایدك ماچین است وباید مجری شود »

حاضرین بالتمام با مسرت وهیجان بعدازخاتمه خلق کلیش بیرون رفته ودرمیدان خانها وقهوه خانها را گرفته شدند .

روز دوشنبه درمان شهروشهر مردم اندازه سابق تعاونی نکرده وا گر مرتبه زیاد بالاتر نظامی زیادتر ازایام عادی در کوچه ها دیده شدند هیچ کس خیال نمیکرد آنان برای جنك میباشند .

تمام ساکنین شهر در انتخاب مشغول تحریر وتماشای حرکت سربازان هستند که با بانوهای کرم زمستانی قدم بقدم همراهی کرده بطرف سربازخانه میروند وباهم سربازان عروج که بازمساعده شده اند دیده میشود که بعیال یدوست خود ملایم مشغول تحریر میباشند وکهی هم بمعنی دیگر مشاهده میکردند که غلامان سیاه پوست بازوی خود بسته بایك نگاه حزن آمیزی سربازان را بانظر مشایعت می نمایند سربازان جدید جوان دیده میشود که صاحب منصبان آنهارا بطرف سربازخانه میبرند وخانمها اهالی بطرف آنها رفته بیاقی محبت نهاده قسوس سیکار را باز کرده وعموم جوانان مزبور سیکار تعارف میکنند . دایماً کلیسا وعمارتهای « موتیخ » بازاست لیکن اهالی بعمارتهای کتابفروشی وقنادفروشی وکارت پستال که قطعه ها وصور جنك هارا میفروشند هجوم زیاده عکس های جنگی را تماشا وخریداری می نمایند .

درتمام صور وقطعه جات صورت امپراطور ویلیم وتصور ویلیعهد با اطفالش درحال فرمان دهی فنون مرتسم است .

کلیه مردمان تاجر وسربازان بزرك المان مانند پدرمادر تراند موشکه وامپراطورها ازقبیل فردریك کبیر ویلیم اول قیصر حالی ویلیم دیده میشوند که اصاور وتصمیمهای مقبول ومقوای آنها درحاشیه ها نهاده شده است .

پس از آن درتمام مغازها تصویرهای جنگی که همه روزه طبع میشود جلب توجه ناظرین را مینماید که سربازهای آنان شهرها وقلاع را فتح کرده وسربازان فرانسه بانشوار های سرخ واهالی ازمقابل آنها فرار کرده وهرروز چنین دشمن درحال عریان هستند .

بر قهای ملی المان عبارت ازسه رنگ سفید وسیاه وسرخ درهاه خانه دیده میشود که درحاشیهٔ آن این عبارت صریح رسم گردیده است : « ... هر قدر دشمنان مابیشتر خاك قدر قوت واتحاد وافتخار ما بیشتر »

تحریر کننده کی درمقابل شیشه های فروش وتصاویر مهوب آورده احساسات قلبی خود را تبادل می نماید واتحاد افکار واحساسات این دسته جات متفرقه را یکدیگر متحد و ملتفق میسازد وخوب معلوم میشود که تمام افراد ازملت فقط دارای یك روح مزاجات مختلف هستند آن هر روح حقیقی انسان که کاملا اطمینان قوه وقدرت خود دارند ودرنهایت جدیت ازقوی وحرمت قوه خویش مازه ومطمئن میباشند وماموریت خویش را چنین میدانند که آلمان باید بسایر ترابط قائق آمده وآنان را تحت استیلای خود آورده .

این تربیت عقیده نیست که تصانیف کلیسا یون بعملیات القاء کرده که نژاد های غلامه مساوی نیستند « وتوتونها » آلمان) اساس اتحاد زمین را روی آن عقیده طرح گرفتند .

حالا ویسندگان سابق آلمان از قرن « کوتیه » و « لاوار » و « شامیزلو » بیایند ومشاهده نمایند که چه نهرهای ازخون در میان یك دوفرانسه دوبرویه دوزمین آلمان ها وحرابها جاری است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1177 of 1786

قهوه خانه ها وخانها خیلی خالی بنظر است . اهالی در اطراف میزهای معدود قهوه گرد آورده ، یك طرف یك فامیل با اطفال خود وطرف دیگر اجانبی از دوستان وگوشه دیگر جمع هم قمار از میدهند که دود سگارشان بطرف سقف خلائی آسمان بالا رفته وصدای صحبت وصدای بازشدن کاغذ روزنامها وکیلا سیاهپر دیگر مخلوط شده مستحضرین قهوه وغذا مرتبی آورند . در کنار این دسته ها غیراز غذا گرم ، از جنگ مطلب دیگری نیست همه کس روزنامه را دست گرفته از استراتژی وفنون جدیدهٔ جنگ سخن میراند وتقریبا چنین میگویند «ما گر امپراطور در فلان مکان رسیده اند ، بلی ، رایزنا کیلات ، تصدیق کرده بی صحیح است !

محقق است که فرانسه ها در همه جا در مقابل قشون ساکب تیار ورده مغلوب شده اند و « قیصر ما » در فلان روز در پاریس وارد میشود ، روسها !

روسها آنها نیز در تمام میدانها مغلوب ومتواری شده اند ، ، ،

ژنرال هیندنبورگ ، روسها را در لهستان از پا در آورده در اطراف «وارشاوه» کارشان ساخته است . اما انگلیسها آنکان نیز مضمحل می شوند . ایشان در « لندن » از شدت بیوجدان می لرزند . چرا که یکصد و چهل فرونداتون جنگی ستراتژیست ! که مغلوب نمیشوند هستیم یکروز صبح ، زودیکصد قشون مقتدری بیکی از خطوط انگلیس پیاده میشوند . آنجا در کنتی « آبدن » که مدتها اقیانوسهای مشرقرا به خط تصرف در آورد ، حالا هر برای حمله با سکستان زره پوشهای ساز کاله ، کیل ، منتظر فرمان حرکت وهجوم هستند . »

در این ضمن من هم مشغول خواندن یك روز نامه بودم ویکمرتبه اطمینانی هم در مقابل من بلاخطه جراید مشغول بود وبیاده نظر هم میکردم پس از دقیقهٔ چند با مادرین بنای صحبت را گذاردم وازیك خبر سوال کردم ، تا الزاس ولرن انطمینان دارید ؟ لیکن قشون آلمان در مشرق ومغرب بدجنگ کنند وهجوم فرانسه ها وروسها قوی هستند ؟

فرانسه ها ! عجب سخن ! آیا از اول جنگ تاحال کدام فتحی را کرده اند وهمیشه از مقابل عقب نشینی کرده اند ، عقب نشینی از مارن را چه میگوئید عقب نشینی انها عقب نشینی روند ! حرکات استراتژی بی ، لیکن عقب رفتن ابدا ، — بسیار خوب ، پس رای چه شش هفته است که برای رسیدن به دکله « سعی دارند ؟

برای اینکه ما هروقت بخواهیم بانجا برسیم همان وقت جوابم رسید قیصر ما چنین حکم داده والبته اراده امپراطور باید اجری گردد ، اگر قیصر وصول به پاریس را حکم قطعی نماید البته مانند قضای مبرم باید عملیات یابد ، — خیلی خوب تاصور می کنید که فرانسه ها نگذارند — چاره ، فرانسه ها ، ما گر آنان مغلوب شدنی نیستند جناب آقا بسلامتی شما این جا نوشیده واطمینان میدهم که فرانسه در مقابل ما قابل توجه نیست

— عرض کنم آقا ، آیا ان شاء الله دارد کمدرین جا همه چیز خموش وقاری می شود ، در فرانسه میگویند که اسراء جنك در آنان دو چار سرمای کرسنگی می شود ، این مطلب برعکس است ما برای اسرا خصوصا در کرم وغذای خوب ترتیب داده ایم همان طوریکه بسر باز های خود ، وبه همه و غذا میرسانیم به اسرای جنك نیز میرسانیم ، میدهیم بی فقط زحمت ورنج ایشان همان است که در اسارت هستند لیکن اطمینان داشته باشید که دو چار صدمه ومشقت دیگری نیستند

در خصوص انگلیسها آن شخص آنان که یکنفر تاجر مشهول می آید اظهار عداوت میکرد لیکن در ضمن میگفت که نسبت هائی را که پادر خصوص تهیاران کرده اند اسرا وقتل مجروحین انگلیس وبدرفتاری میدهند کذب محض است وما آنها هم مثل ما رفتار می شود .

چندهفته است کمدر آلمان احساسات خصومت عرانسه الغیر کرده ودلسوزی وعطوفتی نسبت بدانها ابراز میشود ومیگویند فرانسویان رفیقان لائق طرفیت می باشند .

در همه آلمان برای فرانسه ها غمخواری کردن میگویند چاره ملت فرانسه دوچار شدت جنت شده وخودرا فدای انگلیسها ، روس » کرد ! میگویند چاره فرانسه ها که همه طمع ورزی وحرص ثروت طلبی انگلیس باشد ، وباسودن علائق معنوی وحسنی وحیثیت وجوانان خودرا قربان استبداد ساعت انگلیسی ، وخودسری روس وحشی نمود !

اخیرا عقیدهٔ مرا کرآنان واهالی چنین است که فرانسه وآنان که هردو ملت متمدن وعالم هستند میبایستی با یکدیگر اتحاد کامل ودوستی می نمودند

اگر فرانسه طالب صلاح خود این مسئله بافراست وحسن بین آنان بهترصورت میگرفت ، چرا که آنان غیر از یك ولایت « عاصیان » اسمایل گرفتن اراضی فرانسه را نداشت وازبابت صلاح وغرامت جنك فقط بگرفتن دهمیلیارد فرانك قانع می شد .

پس از این که این دو دولت صلاح کرده ومتحد شوند بدو؟ انگلیس را مضمحل و پس ازان باتفاق روسیهٔ مستبد را معدوم می سازند وفرانسه در ازای هدر رفت خود تمام امپراطوری تاپائی از « مرا کش » تا « دمصر » را بتصرف در می آورد ،

بهم چنین « طرابلس » را نیز از ایطالی برای مجازات وی ازاین خدعه وخیانتی که به اتحاد مثلث « نمود کرفته و فرانسه مسترد می شود ورای آنان مافوقه متصرفات عظیمهٔ انگلیس کامل خواهد بود . ازاطرف نیز صرب « بقلب حرص ایتالی « روس » وارد کرده « ایستان » وی را کرفته واو را بطرف انتهای شمال میراند

طرف مغرب خود که از « مونیخ » حرکت کرده وسوار یك ترن اطفای شده که مجموعه از جمعیت خود بدرجاتا که مرده در را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1178 of 1786

روحا فشانده بودند مسافرین که همگی سربازان بودند که بمیدانها میرفتند ورفتار شب ومدت مسافرت بسیار خوش و جنگی مذکور و یکدسته یک مصراع را خواندودسته دیگر باهمان لحن اجماع مصرع دیگر جواب میدادند ـ

در حالیکه قطار آنها بصفوف مقدم جنگ میرفت همگی آنها فرحناک وبایکدیگر مهربان ومسرت میبودند ، و بکنفر آنها بایک اطمینان وخوشحالی می گفت که عقریب پیشانی پرچ مایطل ، خواهم زد ، تمام آنها اشخاص قوی المزاج وتنومند وخوش قواربودند کلیهٔ آنها جوان وچیزو قشون ذخیره هستند وبسیاری از ایشان دوسال در اطاق خدمت کرده واز فنون جنگی اطلاع دارند وازاین جای تمام اشخاص طاکر دک باپوتین های زرد اعلا ورشته های آهن ،

فرحناکی وهیجان آنها مثل آن است که برای ماتورن وقیه نظامی دربرون شهر میروند واداء آثار ترس و وحشت درآنها نیست وبارهٔ اسور آن را میکنند که شاید تاچند روز دیگر لباس های آبدار گلها وباغها قرای فلان را بچنان افتاده کلوله های مختلف کفن خود ابدارا درخواهد ،

اطمینان وحرارت روحا درحین عبور این حیوانان واظهار احساسات اهالی وجود آنهارا پک توده الکتریک می نماید ،

بنا از تحصیل اطلاعات و شرافت نظامی صدا کرده ووعدهٔ صلیب آهن بایشان میدهند ، بآنها گفته اند که حمدهای المان با آنها درهر قدم همراه است و عساکر المان باکلاه خود ومعطر قولادین در میدان های جنگ حاضر وناظر و سارین را نصب کرده انهارا احاطه وحراست میکنند ،

در استاسیون دوتور امرتک ، ازاین قطارراه آهن گلابن حیوانان را بسوی جنگ وحرکت میدهد فرود آمدیم ، برف بطور ملایم شروع ببارین کرده شب است وتمین درسکوت وقطار راه آهنیکه به ژانی میرود ، خاموشانه ایستاده وبرف ساده پاک ورقه کرک اطلس روی هرعرصه‌ی ترابقرار گرفته ، درمدت حرکت هرتکه قطار آهن بمحل ایستگاه میرسد اهالی و پرستاران هروحین باطراف قطار دویده فریاد درداده صلیب احمره مصلیباحمر میبی درین هنگامیکه قطار بایستگاه صلیب احمر است واز گرم روحی هست ازین پرستاری داعماد حاضر هستیم قالیا هم دیده میشود که یکنفر مریض که درحال بهوشی است یکنفر سرباز مجروح را بلایت پاشه کرده بطرف مریض خانه صلیب احمر برده وفورا مرتبا خدمتی لهم مرهم وآب گوشت وسوپ مقوی وچای داده قدری تسکین حالات در چهره او پیدا شد یک اطبی سیکار بلب دیده که درراه قطار دیده ویرا ن آنرا بطرف آن برده و بسوی مقصد رهسپار میکرده ،

بالاخره بازاه آهن به ه ژانی ، رسیدیم هواقدمه جد ودو چرمه های روزنامه فروشی در اطراف بصدای بلند حرکت کرده وهریک از طرف بامیل ورغبت روزنامه را خریدهٔ درهان گوچه مشغول خواندن آخرین اخبارواصله جات میشدند ، یکروزنامه فروش از زدیک من عبور کرده وفریاد میکرد ، یک فتح بسیار بزرگ قشون آلمان با روسی — هفتاد هزار اسیر ، صد توپ مزالیوز غنیمت ، بخاطر توپ بزرگ دشمن بتصرف ما است

نقل وترجمه از اخبار های مختلفه (رعد)

بتاریخ سه شنبه هشتم ربیع الآخر اخبار شهاب ثاقب

مطبعهٔ طهران منتشر میشد

فتح جدید آلمان

از قرار خبریکه ازمرکز رسمی ما میرسد فتوحات بزرگ و عظیم بری تجاری که نظیرش را تاریخ جنگ کنونی کمتر نشان داده درسرحد شرقی روس نصیب قشون آلمان گردیده تحصیل واقعه و جزئیات این فتح بزرگ از قرار ذیل است :

اخبار الخاصه الخاقانی

نتیجه جنگ بزرگ درمشرق درناحیه های مازوریس اینک باجزئیات آن نشر شده است قشون دهم روس که مرکب از ۱۱ دویزیون پیاده نظام وچهاردیزیون سواره نظام بود یکلی متواری وتقریبا معدوم گردیده ، فرماندهان قشون المان مزاحمان جنگ مارشال (هیندنبورغ) ودوازراله (اپن هن) و (جوکو) بودند علاوه برکشته درحین روسها ۹۱۰۰۰ نفراسیر وهشتاد توپ وهفتاد مزالیوز از دست دادند ،

درلهستان النمانها شهر (پلج) و (پلمنت) و (رازیونج) را فتح نموده اسرای زیاد گرفتند ،

در فرانسه النمانها در زدیکی دست انوار ، یک کیلو متر از خندقهای انگلیس را فتح نموده دریک مبارزه زدیک هنوان قشون فرانسه علاوه برخروحین دوست نفرمقتول چهارصاحب منصب و ۴۶۸ اسیر غنائم داشته در صورتیکه ضایعات المان از گفته ورحی بیش ازهفتاد نفر نبوده در زدیکی ، ست مینمو ، النمانها عمدا یکهزار و دویست متر از مواقع مهمه فرانسه را فتح نموده در حوالی ، هت اسوس ، فره ، توروا ، دست النمانها تصرف شد ودر زدیکی تپه یکصد و نجاه ودو نفر فرانسوی دیگر را اسیر کردند (شهاب ثاقب)

اخبار الخاصه الخاقانی

تازه ترین اطلاعات واصله

النمانها قشون شکست خورده روس را (ترکی) و کردنو وسوخوراین تعاقب کرده ۹۴۰۰۰ اسیر ۷۶ توپ یکصد مزالیوز ویکصد وچهار دا گی غنیمت گرفته درجنوب شرقی کانوشمین کاملا منهزمشده هزاران اسیرازدست داده درجنوب بیشتر وشمال پراس چنان روسها از واقع خود متواری شدند درمشرق رازیونج ۳۰۰۰ اسیر از روسها گرفتیم ،

— میدان جنگ فرانسه —

در فرانسه قشون متفقین از فتوحات عظیمه جدید المان درروسیه بیجان وخشم آمده اقدام به حمله شدیده نموده ولی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1179 of 1786

نیجه نرونه جزایرکه انگلیسها ۱۷۴ اسیر ازدست داده و مواقع خودرا تخلیه نموده بازبن بگرندوفرانسویها درتنگیان شرق(رابس) ۴۰۰ اسیر با گفته وزخمی زیاد داشته وحلقه خود را قطع کردند

ـ درشامپانی ـ

در (شامپانی) فشون فرانسه باقده کثیری حمله سخت بعمل آورده منجر به جنگ تن به تن گردید والاخره تعرضات آنها

از باغهای دلکشای آرای باغهای شهر احمد شاهی قندهار

بکلی خلع مانده ٤ صاحبمنصب و ۷۸۵ اسیر وتلوپان بیشمار از دست دادند .

ـ وحشت در آلمان ـ

در آلمان قسمت بزرگ از مواقع میده فشون فرانسه را تصرف نموده ۳۵۰ اسیر ودوتوپ گرفتیم حمله فشون فرانسه رفته بودای [illegible]

جاسوس آلمانی

(وسر گذشت یک صاحب منصب فرانسوی)

یکی ازاصاحب منصبان فرانسوی درروزنامه (الیوستراسیون) پاریس سر گذشت خودرا نشر نموده که جالب بسی تعجب است وما عینا ترجمه میناییم — میکوید :

سالر صبح درجنگ دهۀ غلیظی حفظول جنگ شدیم در ساعت دو بعد از ظهر آنها مقام خود را توک نمودند — تا لیول کامن جزو آن بودم آنها را دنبال نمود چطورشد که من خودرا ازروی عمد تفکر در راه عقب گذیم — نمیدانم همینقدر میدانم که اولیتر از یک خواب خیلی سنگینی که کوا یک دست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1180 of 1786

وقتی جوانان که از رزم چهارده جوزین روی دانه بود پیدار شدند دوباره چپ خودرا سمت گلوج یقم — از چارچم دانم که یزن گفتم و چه ما باید روم — تاریکی شب اطراف را فرا گرفته شخص در جلو من موازه معلوم است چه‌طور پیدا میکند؟ دو هفته‌ایم پریشان بی‌اختیار و خرم راه افتادیم — بعد از پیمودن دویست و سیصد متر خسته شده و در طرف آن دره که زمین افتاده از کار خود تأمید شوم — ناگاه صدای یکنفر فرانسوی بگوشم رسید صاحب صوت را شناختم که یکنفر از سربازان فوج (آزوری) فرانسه بود چون هنوز دره شدت نکرده بود جبس داد و فریاد را نپذیرفتم — بعد از ادراک صاحب منصب

بلک گروپ در تبلی

بلیت جشن اتحاد ملی که از طرف عدهٔ دوستان علیحضرت امان الله خان طبع و انتشار یافته است جناب کرنیل غلام رسول خان صاحب قونسل دولت علیهٔ افغانستان عکس فوق را از طرف دلیل و مطبوع برای ما مرحمت کرده است

صرف رحم مایوسی که مرئوا است بست مراجعت اسپ خود کرده رواه شدیم — دراین وقت دسته‌یی غلیظ شده و ما بدر یک چهار راه رسیدیم که کوماندانت بکدار راه رویم — جامهٔ یکنفر از عدهٔ صدوقهای توپ انتانها در یک سمت صحرا رفته درست دیگر که خیلی دور بود دیدیم که کوچکی واقع و در سمت دیگر یک مزرعه کوچکی بود که از پشت در خشای چنار درست پیدا بود صاحب منصب مذکور نقشه جیبی خود را بیرون آورده مراجعه باآن می نمود —

الجوبه های بی نظیر

ناگاه صدای چند تیر شنیده شد ماخودرا زمین افگندیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1181 of 1786

ده یا ده نفر سر بازان روسی که در میان علف و قها بی صدا نشسته چپق میکشیدند مارا دیدند و بعد شش یا هفت نفر از انها بطرف ما دو یدند

که مارا بگیرند آن‌اشخاص ها حریف نشدند رفیق من صبا جواند اخته کنان کنان افتان وخیزان خودمان را بدر پنجه رسانیدیم و چپن های کنار درپنجه مارا از گلوله های تفنگ حفاظت کرد امامالاچه کنیم صاحب منصب‌بدون تأمل بدرون آب جست تاپنهان عمق آن چقدراست معلوم شد تا گرام آبست بن اشاره نمود من هم خودرا بآب انداخته باو رسیدم اطراف ما پر از گلوله‌های آن دو سربازان روسی این جدعه مارا نداشته ماهم خودرا درمیان آبخیز پرده فقط سرو بدان برای تنفس از آب بیرون بود وازتاریکی بهرطرف‌انها پیدا بود که باطراف ما نگاه میکردند ماچقدر دراین حالت‌بمرتبه توقف کردیم نمیدانم همینقدر بود که خیلی سرد بودن من میبایست بمون از عمق آب درپنجه باتم زرا که فورا حالت‌تبرا شکون دادو گویا با اثربحر ومعجزه تمام قوای من عودت نموده بالآخره دشمنان دست از تجسس کشیده بطرف دوچرخه ها وسندوقها رفتند ماهم‌از آب بیرون آمده میان‌علف‌ها لباس خودرا میشردیم

مزرعهٔ خراب شوم

باین حال روانه شدیم وخودرا درساعت دوازشب بمزرعهٔ رسانیدیم که دران نیم بازوده شخص آنجاداخل شدیم یك زنی که بنظر جوان میامد بیرون امده اشاره براه نموده گفت راه دهی کهچندان دور نیست آن طرف است صاحب منصب رفیق من گفت ما می خواهیم اندکی انجا استراحت کنیم ـ البته آن‌زده خوردی پیدامیشود آن‌زن جواب داد : افسوس جناب صاحب منصب چهاره من هرچه‌انجا بوده غارت شده حتی یك جرعهٔ آب هم پیدا نمیشود بمز آن است که مستقیما بان ده‌رویم وضع‌ضرب آن‌ده ومنظر شوم آن دهشت نبوده باطاقی که مادا خل شدیم‌اطاق خواب بنظر می‌آمد کشوهای میز همه بیرون کشیده وهوله ها ریخته وپاشیده بدفعاتها روی هم ریخته وشکسته صندلیها افتاده ازاین مناظر بی نظم وترتیب‌ما سوء ظن پیدا کردیم رفیق من گفت بقین دارم که در انبار زیر زمین یك چیزی پیدا خواهد شد که مابتوشیم زن اظهار کرد گمان‌من باین رفتن حاصل‌است هیچ چیز آنجا نیست

(بکوی ما اوفتد)

در اول زن بگلی از رفتن زیر زمین ابا داشت ولی ما بیدرنگ باجار نمودن کردیم که راضی شود ودیدیم تمام اعضای او بلرزه افتادوهی خودرا آماده میکرد وگفت خودتان تنها روید بتنی به بینید ولی ـ کشیم توانید اول پیش روی باین دهلیز زیر زمین باوسعی دیدیم پر از صندوق یعنی خالی‌بعضی روی‌درصندوقهای آن یك زیر زمینی کو چکتری بود که در خیلی سنگین داشت

که مادا خل آن شدیم وهر چه آن زن دهقان مارا تحویف کرد اعتنا نکرده مقصود تفحص شدیم دست بیك پیپ چوبی زدیم صاحب منصب گفت‌این براست(پیپ چوبی‌بالباجای‌شراب است) درهمونوقت آن زن رجسته‌بگردن ویکوی ماوپنجه وسارا اجباحه خواست فرار نماید من اورادنبال‌نبودم (وقتی که انسان‌درخطر است یعنی‌کار های پر مسئولیت را هم مرتکب میشود و بعد پشیمان میگردد) من روانور خود را کشیدم میخواستم که اورا زنم که صاحب منصب فریاد کرد زن دهقانی را ! من سربراهن زن دهقانی پوشیده بود من خود را بادرستا پیدا حرفه که در دست داشتم اورا بفرمان خود در آوردم با دران یك دقیقه بپنجم که درزیر منی‌چه واقع‌شد رفیق من تبانچه پانزده پیپ خیلی بزرگی که مثل دیگرها خالی بود شده گفتا گهان مردی از گوشهٔ که پنهان شده بود رجسته باروانور خود ازفیق من مقابل شد همین قدر صدای دو گلوله بلند و بعد صدای افتادن یك جثه شنیدیم دیگر چشمه صدای زنك الکتریك و غر و غر دست تلفون بلند شد

حالا ملتفت شدیم‌که‌در زیر زمینی‌چه‌جوراین‌زرادخانه‌تلفون‌است‌بیرون تلفون آشنای بود آن پیپ کوچك محتوی شیشه وقوهٔ پیپ‌بارك محتوی یکه سلکه تمام تلفون بود باتمام توانایی وسلاح جریان ارتباطات تلفون صدوف آتش‌داده بودیم ! ! !

انقلاب در سودان

(روز نامه‌ایتان شرقیه) خبرمیدهد که سلاوینی سه کذار فور (یکی ازایالات سودان است) باهتشاء هزار نفر مجاهد شروع بجهاد نموده واهالی ناحیه کاپ (ازایالات سودان انگلیسی است) سر بطیان برآورده وهرا کز انگلیسی‌را غارت کرده وآثارهای ذخیره‌را مجاهدین دارفور مصرف شده اند ـ بعد ازانتشار این خبرمسلمانان اوواره بزحمت سلاح رفته وبجا هدین ملحق شده وشهر خرطوم پای تخت سودان تهدید کرده اند ـ انگلیس برای‌جلو گیری انها یك قسمی‌قشون ازهر اطرف‌سیاه کرده واز طرف (حلفه) (دوا کی)داخله سودان‌سوق داده‌است قشون حلفه‌ای شده وبین‌هندیها‌وانگلیسها جنگ خونریزی شده است دسته قشونی که فرارنموا کی جلو گیرده‌اند آن انهارا‌دوبان توقیف نموده آمدکیفر مجازات کرده اند (زهور)

اختیار بیوت

بتازگی دولت عثمانی یك سکه زده است که روی آن نوشته شده است (ضرب فی دار الخلافه) واولین سکه جدید را اهالی قیصریه بزایده گذاشته وتا کنون بیست آن بفروش خروتی رسیده است (زهور)

بیان نامه والی بغداد

والی بغداد بواسطه بعضی شایعات بی اساس که راجع بطابع

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1182 of 1786

عثمانی باران نامه مطامع روس‌انتشار یافته‌بیان نامه‌رسمی ازطرف دولت خود در بغداد وعراق عرب منتشر کرده است

بعداز شکایت از کسانی که‌مقاصد انهارا تحریف والقاء نفاق وخلاف بین عثمانی وایران می نماید مقاصد دولت عثمانی‌را این قسم توضیح میکند: حفظ استقلال بلاد ایران یکانه مقصد دولت خلافت است و همیشه آرزو داریم که شیر و خورشید و ماه وستاره باهمدیگر متحد باشند وعقدی که محافظت خاک عثمانی‌محل توجه سالمت حفظ استقلال ایران راهم برای حیات خود لازم میدانیم ـ وبعد از حصول مطمئنیت اراضی ایران را بصاحبان حقیقی خودش رد کرده وحسن مقاصد خودرا بهمه کس ثابت خواهیم نمود

ودر اخر بیان‌نامه اظهار میکند که ماه وستاره برادر عزیز خود شیر وخورشید باگمال شفقت ونوازش سلام‌میکند (زهور)

از اخبار زهور

خدمت ممالک

دولت عثمانی باهمیت زراعت‌توجه مخصوصی‌نموده ودرمیادی اردولایات حبوبات بی‌عیب برای تخم کاری بلاعوض داده‌شده است من‌جمله درایدین که ازانواع ازمیر است ۵۰۰۰۰ ۲ اوقه در بین رعایا توزیع نموده است

مرا کش

مکتوبی که امیر عبدالملک نوشته چنین می‌گوید عباهدین‌تمیر (فاس) زاخلت مراکش رادر طرف‌اردوز فتح نموده‌اهالی باآواز تحسین وتهلیل عباهدین را پذیرفته ـ دشمنان فرار کرده ومقدار زیادی ازاراق ومهمات را ترک کرده که غنیمت مانده ـ از فرانسه ها سه هزار وهفت نفر مقتول وعدهٔ زیادی مجروح گردید ـ عباهدین بخوبی دهن کشاد وعدهٔ مقاتیوز ومراجعهای حل وعقد غنیمت گرفته

والی طلب

اهالی ناحیهٔ مذبه درعثمانی چندین‌هزارنفرجمع شده بایکدیگر عهد وپیمان بسته درخت گومانداق شیخ العرفا فین داولاد کوچه زار سلاح رفته بطرف بصره حرکت کرده و کاقلیه (دایم) واهالی (ازدو) و (چیار تنبه) تحت سلاح رفته اند

اعانه

جمعیت خانهای عثمانی وآلبان برای‌کمک بخانوادهای سربازان مبلغ اعانه جمع کرده وبدوست ونودو هفت قاطیق آذوقه تقدیم کرده

تحلی اوراق

دولت روس اوراق حکومتی را از تمیر کلیس زاخلت قفقاز بیرون برده و بجا های حاضر جمع فرستاده است اینسانه نادر ـ اسباب آمدیشه وخیال اهالی‌شده درتمیر بطروکراد نیز واسطه گرفتاری‌حسن‌سوسیا لیستها وغیور یارهٔ امتیازات اخلال دولت روسیه‌اوج نموده‌را ازمیدان‌جنگ ورشو خاطرنشان است که دروقت

برای محافظت ساحلو باشند زهور

مایه اختراق جدید الاختراع

روزنامه مرشلایست میگوید آلمانها یک چیزی اختراع نموده‌اند واوانشکل کیسول های کره ساخته هریک تقریباً چندین‌عدد ازاین کیسول را همراه دارند ـ خاصیت کودن آن جامعه یک کمپریت پاکش میکار دوره‌ان کره های خیلی است یک نوع اشتعال خواصولی تاپیری پیدا میکند وبعد سرایت به وسطان میاید وچنان اتش‌وشعله باحست وشدتی که معدل‌سوختن ازطول میکشد تولید میاید که عبارو وز دیک هر چیزی باشد محترق ومشتعل میسازد این‌کیسول‌را عالبا درموقع حملات وهورش‌های شبکار میبرند وکافی برای جلوگیری ازخیلیخون دشمن‌مقداری ازانهارا الی زدعدد دهات وقرائیکه بین آنها ودشمن میباشد الحاحته فوراً ازاینک شعله اتش میسازند که برای محافظت خود دشمن مثل یک حندق یاتندبرای گرو شدن سربازهادراین‌سرمای زمستان درمیان وگرها زیر پرده میخورده

۱۵ درمیع‌الثانی (تورهار)

سوء قصد بزرگ مسلول درمصر فرستاده گل قوای عمومی انگلیس زراک مسلول در حالیکه بدوخر بار ازقصر الیل‌عبور مینموده یک نفر سرباز مسلمان هندی به‌چوطرف مشارالیه حمله نموده وبزور مشارالیه مقتول می شود

کتا عقب نشستن فرانسویها

عقب نشستن فرانسویها ازسواسان درورسهٔ بازپس‌موء تاثیر نخشیده است

کتا برای جهاد

شیخ محمود که یکی از مشایخ معروفه ـ سلیمانیه است باعدهٔ کثیری عباهدین سواره برای اشتراک درجهاد بناصریه حرکت نموده است

درمصر حضروس درجهاد کارانات مسلمان هالیکه درمرحله روس در اردوی روسیه هستند از جانبدن باطریقها استکاف مینمایند

روزنامه توپه ورزه مینا اعتراف میکنند که خطوط جنگ ورشورا آلمانها درهم شکافته اند

کتا اعانه برای جهاد

سلیمانیهای چین به عرضه شدن اعلان جهاد بازده ملیون فروش اعانه برای جهاد تدارک نموده اند هیجان فوق العاده درسلیمانیان چین برتاثیر حکم جهاد تولید نموده است

ترجمه‌های اخبارهای اردو که عبدالیادی ترجمه کرده

(حرب در بحر)

(کارهای عارفانه ای تحت البحریان حربی)

(این خبرها از مقالات متعددن اتخاذ یافته)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1183 of 1786

لندن ۱۴ جادی الاول

رجهاز « کراون کی کستال » انگلیسی غرب جزیره سیلی گزارش داده شده است . عده آزار یک جهاز فرانسوی از کشتی‌ها رهائی یافته است

---

۱۵ جادی الاول

رجهاز « ازیر » فرانسوی غرب پیچ هیدی اطلاع گزارش داده شد که در ۱۵ دقیقه غرق و ۲۰ نفر از عده آن پس از دست و پازدن یکنیم ساعت در آب رهائی یافتند ، ۱۹۰ نفر غرق شده‌اند و ۲۰ نفرها یافته شده‌اند

کذا

رجهاز سیون سیز (۱۱۹۴ خروار) انگلیسی که از لندن بهاور میرفت ، غرب پیچ هید گزارش داده شده در ۱۵ دقیقه غرق و یک کشتی ناه کنی ۷ نفر از عده آنرا رهائی داده و ۹۱ نفر آن غرق شد

کذا

یک تار از لون (پایخت پرتگال) خبر میدهد که بحر البحر (۲۸۵) جرمی یک جهاز انگلیزی را ، ۶۰ میل بطرف جنوب براس غرق کرد ، یک جهاز رهاوی ۳۰ نفر آنرا از آن رهانید

کذا امستردم

یک کشتی بحر البحر جرمنی بر یک جهاز ناروی در نجیرهٔ شمال گزارش داده غرق نمود ، ۱۱ نفر عده آن مرد ، دهنفر آن عائله ، آورده شده اند

کذا

فلایتام جهاز دالی امریکائی را بتحت البحر جرمن به گزارش داده غرق ساخته است ۱۱۴ نفر جمع کپتان آن تلف شده ۱۳۷ نفر محفوظ شدند ، افسر اعلای جهاز عمارة و ۴ ساعت دست و پازدن در آب رهائی یافته است

---

۱۶ جادی الاول

کشتی بحر البحر ، ج ۹۰ ، جرمی امروز ۲ جهاز مهی گیر (جن) و (کوکیدا) نام انگلیزی اغریب شمال غرق و عده آنها جهاز ماهی گیر و کرسوار نبود ، بعد از آن یک جهاز دیگر ماهی گیر (نیل) نامرا غرق نموده عده آن در کشتی نشسته رهانند

---

۱۷ جادی الاول

جهاز دانمرکی (بلدر) در نجیرهٔ شمال غرق شده است ، از جمله آن ۲ نفری و یک مفقود و باقی ملاحان بندر (هل) رفته

پاریس ۱۸ جادی الاول

یک کشتی « ترار » (نیو فوندلاند) ناروژیک‌ها و گزارش داده شد ، از کنان آن سلامت خلاص شدند ، کشتی غرق شد .

لندن ۱۹ جادی الاول

یک جهاز انگلیزی موسوم به « سنی آف پرتین » غرب (ایندلایند) گزارش داده غرق شد ، از جمله آن ۴ نفر غرق و ۱۳ محفوظ ماندند و بنادر پرتس آنها را فرود آوردند

کذا

یک جهاز امریکائی « کرن پرائیز » نامیده نجیرهٔ شمالرا کدام بیزی مصادمه کرده تکه تکه شده است و عده آن در صوبهٔ شیلسوک بساحل فرود آمده اند

کذا

رجهاز خورد کلا سگو « اولیوائن » نام وجهاز « هرمیز » روسی تاریده وارد شده کشتی هاغرق و لی عده آن محفوظ ماندند

---

۲۰ جادی الاول

جهاز دالکوله بزی « پرتس مارتس غرب راس هارس غرق شد از جمله ۴۹ نفر ۴۵ ملاح و ۴ مسافر غرق شدند

---

۱۹ جادی الاول

اطلاع رسمی پتروگراد (پایخت روس) اظهار کرده است که کشتی‌های سازاصه" درازی کوتن و بسیار از غرب ساحل کرجا مصروف پیکار ساخت و کاوف گریکی تعاقب آنها می کرد وقت شب باز کشتی‌های تباه کن بادامه ۱۰۰ میل دورتر از کای‌فورس با آنها دو چار شدند مگر آنها سخت گلوله باری کرده سلامت برون شدند

کذا

بلدار روما مظهر است که جرمنی‌ها یکصد جهازات هوال رای‌هایان داده اند و آنها اخال رای‌الآیین و نگرانی متجسسانه در دانیال و پاسفورس طرز شده است

---

۲۰ جادی الاول

یک تار امستردم مظهر است که (فیلا مارتن وازدر کولتر) وا تاریده است وازانجا پس به استانبول میرود

کذا

دو افسر جرمنی کمتر مقام « یک شار » [بطرف جنوب مغرب انگلیند] یکیکر قیدیها زیر حراست بودند از انجا گریخته اند ، یکی از بهاموفاز رود ، رای گرفتاری آنها انعامیه شده است

کذا

اخبار نیلگراف ولندزی میرساند است که دو صد کشتی‌های بحر البحر جرمنی در جنگ بنجیرهٔ شمال میرفتند از دریای ثبات گشته‌اند

کذا

رجهاز (کاپیولیه) ناروی گزارش داده و از سوختن عبور کشتی‌ها مبادرت و دقیقه داده شده و آنها یک جهاز بانجیس در بندر گاه دول رسیده اند

(اخبار زمستان اندیشه ، کمپرس انگریزی ترجمه نموده است ، هوز دخل دور است)

کوکه باری بردانیان دخلب ترین پلوهای حربی ساخراست عموم از پیشقدمی وبیانی های انواع (بهادر) روسی وفرانس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1184 of 1786

از جبال دراز حدق و فلیدرز ، کمر موسم زمستان میشد ماهه شده جان توجه خود را بطرف چنان عرصهٔ کارزار منعطف نموده اند که از اسباب تعاقب آنرا بهتر خواست ، آثار کار به بسیار طرق مستحسن شده است و حتا لا روس ، فرانس ، انگلیز) را قربان کم فوائد بسیار حاصل شده است ، اسوقت غلبه و تواتر یافته کردن تحریر و آفرین هوزیه راست ، کامل در دنیا بیان زور داخل شدن ممکن بست و انطباکان گفته که برای فتوحات شهر عرصهٔ چند هفته کار است و آنهم بشرطیکه در هر کار افواج حتما کامیاب شده بروند .

بر علماء مطالع مرموم این مقالات چنان کفول از حصول فتوحات آواز می اندازد ، وفتوحات قابل بن اهمیت را باطراق و مبالغه بیان میکنند از ۱۵ نومبر در کارزار مغربی افواج متحدین افواج جرمنی را پیشتر می منع کرده توانست ، اما در کارزار مشرقی روسیا دشمن را آنقدر تعاقب نساخته اند که خود ایشان زیاده است ، این امیدها البته میباشد ولی هنوز بسیار کارهای دشوار باقی است .

برسطح غربی اوارت جرمنی را و گرورهای اورا فنا و ریزه و دار و اسباب اکثری تحت البحر جرمن تا سایه تجارت ما نقصان رسانده می روند ، آری مقابله کردنهای رقابه باید داد که نتیجه و نهایه معلوم نیست ، فتح و ظفر آخرین هنوز دیده نیشود و تا آنوقت حاصل نیشود کفوم انگلیز کابلوت و وسائل خود را بکار برده

ملاحالی که قلعه‌های ترکی کوتاهی میکنند خوب میدانند که کمال عمده مرمیه و دوار های قسطنطنیه بسیار دور هستند باینجهت داریم کملاحان زده و خورده کرده در دردانیال بزور دستی داخل خواهند شد و بایسپار شوق و افتخار ملوقع شوند هر های پیش رفتن آنها هنوز ، اما انجام آنقدر دور است که کمال دیده هم نمیشود

حق برزخت ترکیا سخن کم اهمیت نیست ، تسخیر قسطنطنیه و اطراف آن از جریه و مشرقی اناطولی بسیار تأثیرات اضافی خواهد آورد ، و قوت واقف است که تا کجا در تیکیا مانع حرکت آسانی‌ها خواهد بود ، بسیار مواقع موافق از دوره و خیری کنیم زیرا اگر واقعات هیجان واقع شوند سلطنت اتاسیه بازهم باقی میماند ، و تباه کردن آن آرزو خواهد شد این حالت جرمنی نهایت قابل تعریف است که میدانه وار بر خود اظهار می کنند ، سپاه جرمنیا و متحدین آنها کاهی ، ترک و آسترا امید های قوی دارند آنها هیچ امید ندارند فکر که در دولی مسلمانان حرکت های شان فساد پیدا کرده نتواند .

اگر چهارات متحده فرانس و انگلیس طرس تحاد را مانند قایس نمودند و روسیا در روایت داخل کردند و ایطالیون روانیا تصرف کنند آنوقت هم اصل مقصد حاصل نخواهد شد ، سالیانه تحت استقلال افواج قیصر را خوب داشته‌ایم ، علاوه بران مسلم است که قیصر هنوز طبقه‌ها نخص را برای حرب جمع کرده می تواند ، خانه جنگ نیست و کاوشتن افواج جرمنی مقصر است و بین وان انکلیز تدابیر بسیار متعددی انگلستان .

آخرترین خبرها

جنگ برای تسخیر بندر کیل

از ترجمه اخبار های انگریزی

شمارهٔ ۲۷ ماه اپریل — ۱۲ جمادی‌الثانی —

یک تلگرافی وزیر هند بنام وایسرای هند مظهر است که چنان معلوم می‌شود که بخور اصل جرمن که در ایام زمستان معطل شده بود از بحر آمده است و افواج جرمن باز جدد جهد برای گرفتن بندر کیل آغاز نموده اند و آنها در غور بریسو کرفتن دوازان (که در کنار غربی بریسو کور واقع است) کامیاب شده اند .

کر کردن ماهی جرمنی

اخبار کیپ تایمز (از افریقه جنوبی) رقم طراز است که در جنت گذشته در افریقه مشرقی یک کپتن سپاه جنس انگریزی در موترها سوار بود وقت شب (برای طایفه کردن یک حصه فوج جرمن از بقایان) می‌رفت — که ناکهان کرکدن را آنها حمله نمود و یک موتر را چپا کرده واز واپس آمده یک موتر دیگر را بالکل خراب ساخت و چهار عرکشت ند . و بالآخر بحمله کرکدن را پشکل کشته — لیکن قبل از کشته شدن یک سوار کرکدن را زخمی ساخته بود

طاعون جرمنیا

بیانات طرق پیدا کردن طاعون مند کور مختلف است بعضی می کویند که چند هفر در لباس خواص های بحری شباهای زادی را که با آله تاریونه می‌باشند با فرد ستکر و خنه‌های فرانسوی میبرند و بعضی می کویند که اول یک مانع را بر خنه‌های مذکور میباشند و بعد از آن مانع مند کور را در مردهند و طاعون مند کور از سوختن آن مانع پیدا می‌شود —

لندن ۲۳ ماه اپریل — یک جهاز زرک ، سیت کارلس ، نام انکلیزی را کپتن تحت البحر جرمنی غرق نمود اکثر کلی نشیمانش غرقاب کردید .

لندن ۲۴ — تیاری های بسیار قوی الله دعا جرمنیا میدهد و یک قوای عسکریه عظیمی جو کیدار او وسز بطرف کیل میرند .

پاریس ۲۸ اپریل : — مشکلات پلان عما کر فرانس در مقابل عما کر جرمن که در روز و در روز وقوع آمده است ازین رو که جرمن بر خلاف معاهده شهنشاه تاز هنگ خط کشیدهٔ میلک را بر خنه‌های فرانس پیشانند که خلاف آن عمالی بود .

لندن ۳۰ اپریل — تعدیهای لشکر های کندای انکلیزی که در میدان جنک در روزه معاینه شد معلوم کردید که زخم سلاح راتهایبود . و عده از نظر میلک که جرمنیا آنرا بر خلاف معاهدات طوق دول استعمال کرده بودند خفه شده مرده بودند .

فرانس تیلی ۲۶ اپریل — از چند روزه که جرمنیا انتظار فرصت داشته بعد از افواج خسته دیدند که باشد و خلط تحارات بیاه بطرف آنها در آمدست ، از بن واقعه حیران مانده بودند که دفعهٔ جرمنیا از بن سرحدهٔ متحدین استفاده کرده همه توپخانه جهٔ شدید آورده متحدین را پریشان ساخته و همه توپان بقبضهٔ غلب چوشیده از آنجا محفوظ بودند .

در چاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع کردید

همه مقالهائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و مدیر تحریر داده نخواهد طرفی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1185 of 1786

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرچه باشد با اجرت پست

قیمت سالیانه [illegible] قیمت ششماهه [illegible] روپیه انگلیزی

به بنده اشتراک قبول نمیشود.

یک طلای چهار انگلیزی دارنده روپیهٔ کابلی است . از همین

قرار حساب کنند

یاد آوری

رعایهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران

سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جابدیگر جاروجویا نده میباید که یک رقعه مدیر

وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان

جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک

رقعهٔ شان برای نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق

شکایت را ندارند.

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن

میخواهند ، وبادیگر عموم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمان اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار

بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ¼ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج

شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ¼ روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه

شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سون) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا تماماً یک سال نشر کردن خواهد دوجه یک ساله را پیشکی ادا نماید ورق

اشتی بر هر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1186 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

عیقدرسی و کوشش کردیم که از شکایت ترسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرا بارزاع ممکی لشدلیلها اما کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل یك مقاله نوده تا کتابه مقدار الیدتقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ خیت خودمقبول نبود . مشترکین کرام دارالسلطنه خود را تقدیر وبادآوری میکنیم که بعد ازین اخبارهای شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای ما کتابه خود شان میرسد.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوشیار از مطالعه آثار ادبیه را مزده ! ازین تحفه نوبنیاد رسیدهٔ کارخانه « مطبعهٔ عنایت » کابیدا شدن ثابت ! « جزیره پنهان » یك ناولیست که قوت هنر و معرفت وسعی وقدرت را برای اساس زندگانی نوع بشر مظاهرات وجلوه گردیده . هم حکایت ، هم عبرت همین ، هم فضیلت ! خوبی باب ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، و کابل باز محمد در بازار ارك ، و دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه عجله

کتاب سال دوم ... میسر عجله

کتاب سال سوم ... میسر عجله

عزیز اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درس

توحید

این کتابهای فوق در اداره مو جودست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت زمین پیشتاد روز عجله

سیاحت در میو هوا عجله

سیاحت در زیر بحر میسر عجله

از هیدهن سختی و از مرجن سی عجله

روضهٔ حکم عجله

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مانوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دروه افغانان از زاده عبد الرئوف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارك واز دکان غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی طبیعتهای سنی که در پشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند .

واگر از اطراف افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مانوقرا نکنند باداره سراج الاخبار افغانیه اطلاع کنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1187 of 1786

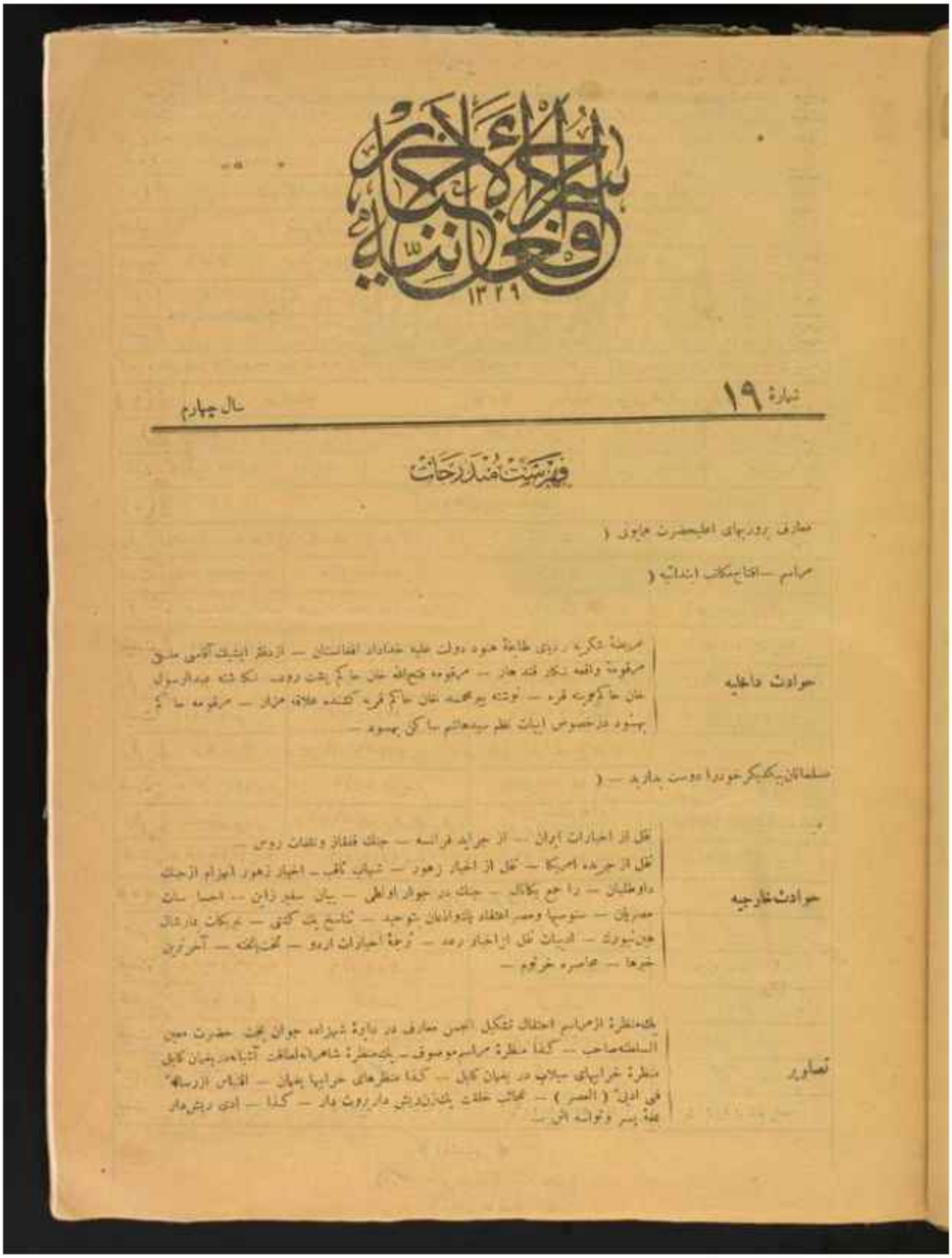

شمارهٔ ۱۹ سال چهارم

فهرست مندرجات

معارف پرورهای اعلیحضرت همایونی (

مراسم — افتتاحیه‌ها ابتدائی (

حوادث داخلیه — عریضهٔ شکریه رسیدهٔ طایفهٔ هنود دولت علیه خداداد افغانستان — از نظر اعلیحضرت گاندی مشرق مرقومهٔ واقعه تکفیر فتنه‌جار — مرقومه فتح‌الله خان حاکم پشت رودات — نکاشته عبدالرسول خان حاکم‌غوریان هرات — نوشته پیرمحمد خان حاکم قریه کشنده علاقه مزار — مرقومه حاکم بهسود درخصوص اجابات نظم سیدهاشم حاکمی بهسود —

سلطانان یکدیگر خودرا دوست بدارید — (

حوادث خارجیه — نقل از اخبارات ایران — از جراید فرانسه — جنگ قفقاز و قطعات روس — نقل از جریده امریکا — نقل از اخبار زهور — شهاب ثاقب — اخبار زهور اهرام از جنگ داوطلبان — راجع بکالک — جنگ در جوار اوطلی — بیان سفیر ژاپن — احصا سکنه مصریان — سوسیها ومصر اتحاد پانوانان توحید — تاسیس بنک کنتی — بنکان مارشال جون‌بورث — ادبیات نقل از اخبار رعد — ترجمهٔ اخبارات اردو — لحن‌بنگله — آخرترین خبرها — عاصره خرطوم —

تصاویر — یک‌منظرهٔ ازمراسم احتفال تشکیل انجمن معارف در دارهٔ شهزاده جوان بخت حضرت معین السلطنه‌صاحب — کذا منظرهٔ مراسم‌موسوق — یک‌منظرهٔ شاهراه‌لطافت آثاراهدر پغمان کابل منظرهٔ خرابهای سیلاب در پغمان کابل — کذا منظرهای حرابها پغمان — اقتباس ازرساله "فی ادبی" (العصر) — عجائب خلقت یکنازنینش دارروت دار — کذا — ادی دیش‌هار بچهٔ پسر وتوانه الی —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1188 of 1786

اعلان

از منتاج پرورپهای ذات ساوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترفیجواه دولت علیه افغانیه وسبی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات و ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل دلاوره راجای صنایع دولتی وهنگری مانند آلات حربیه دفاعیه واوزیفورمه های عسا کرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارگ) میباشد .

(۱)	سرخ های رنگینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گز انگریزی ۳ فوته مشخص شده درین صندوقچهٔ جنبی هم بفروش میرسد										
اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم و دکتری کلفت قیمت آن ۱۰ روپیه و ۱۲ پیسه	
رقم	کاملا ساخته نشده		رنگه	خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت	۴ روپیه ۰ پیسه		۶ روپیه ۹۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۰ روپیه ۵۸ پیسه	۶ روپیه	۰ روپیه ۱۸ پیسه	۰ روپیه ۱۰ پیسه	۱ روپیه	۲ روپیه ۱۰ پیسه	۲ روپیه ۲۵ پیسه
کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی کشمیره پیراهنه ۷ روپیه ۳۰ پیسه کشمیره رهدار مردانه ۲ روپیه بیست پیسه											
(۲)	چراب ها					﴿ ۳ ﴾ نکه های چرمی محراب ومنبردار					
رقم	شکمانکه زوج		راهدار زوج		معمول زوج	کلان قدرجن		میانه قدرجن		خورد قدرجن	
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه		۴۵ پیسه		۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه		۱ روپیه ۱۰ پیسه		۷۵ پیسه	
(٤)	کروه های جدید ساخت										
رقم	زه باف یک اسپه دو کروه سه کاره				چرم باف یک اسپه			یک اسپهٔ جار کارهٔ نخی			
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه		۹ روپیه و ۲۴ پیسه		۸ روپیه و ۴۲ پیسه			۶ روپیه و ۱۱ پیسه			
رقم	چرم باف دسته بادامی دواسپه		چرم باف دسته دولاپه یک اسپه		دسته دولاپهٔ یکی جار اسپه			چرم باف محرکان			
قیمت	٤ روپیه و ۴۸ پیسه		٤ روپیه و ۴۶ پیسه		۸ روپیه و ۲۳ پیسه			٤ روپیه و ۱۳ پیسه			
رقم	چرم باف کیف ترمه و نخاله		قیطه کلیت ترمه از چرم دولاپه نوجاله		زه باف رقم سواری ساعی کلیت			زه باف دو کارهٔ زکان			
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه		٤ روپیه و ۵۷ پیسه		۵ روپیه و ۹ پیسه			۵ روپیه و ۵٤ پیسه			
رقم	رکابی ازغ		چرم باف میانهٔ چوب پت زکاه		قزان سواری تیغ چرمی			زکاه ابریشمی خیاطهٔ			
قیمت	٤ روپیه و ۴۵ پیسه		۵ روپیه و ۸ پیسه		٤ روپیه و ۵۸ پیسه			۵ روپیه و ۸ پیسه			
رقم	دسته بادامی تیغ چرمی		دستهٔ دولاپه ساعی رنگینی کلیت نقره		قزان سواری دولاپه تیغ چرمی کمانه دار			چرم باف مابین پت یک اسپه			
قیمت	٤ روپیه و ۴۸ پیسه		٤ روپیه و ۴۵ پیسه		٤ روپیه و ۵۹ پیسه			۸ روپیه و ۱۲ پیسه			
﴿ ۵ ﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر										
قسم	گل چرین		گل نارمان		گل برچه			گل نیلو			
قیمت	۵ ربیه و ۳۶ پیسه		۶ روپیه و ۶ پیسه		۶ روپیه و ۷ پیسه			۶ روپیه و ۳ پیسه			
قسم	شکوفهٔ نارنج		گل یاسمن		گل بنفشه			جنبل			
قیمت	۷ ربیه و ٤۵ پیسه		۶ روپیه و ۵۸ پیسه		۵ روپیه ۳۸ پیسه			۶ روپیه و ۸ پیسه			
قسم	شکوفهٔ سیب		گل گلاب		گل سوسن			گل گندنی			
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه		۷ روپیه و ۱۲ پیسه		۶ روپیه و ۵٤ پیسه			۶ روپیه و ۵٤ پیسه			

﴿ المشتهر ﴾

(سید محمد حاتم دفتری کار خانه جات)

(کیدان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1189 of 1786

صفحه (۱) سال چهارم نمره: (۱۹)

قیمت در مملکت

در ممالک سلطنهٔ کابل روپیه کابلی

در اطراف داخله تاشکند

کلدار مائه دو روپیه کابلی

در خارج از تاشکند

پانصد مائه دو روپیه کلدار یکصد شلنگ

بیست مائه نیمهٔ دولار کمپنی متحده

(اجرای کدر چشود اعاده نمیشود)

مدیر و مسئول محرر

محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه

در مائیتخت دار السلطنهٔ (کابل) - عموم امورات تحریره بادارهٔ مذکوره

بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۱

تاریخ ۱۵ رجب ۱۳۲۳ تاریخ انگریزی ۳۰ ستمبر تاریخ شمسی ۹ جوزا ۱۲۹۴

❊ معارف پروریهای ذات اقدس حضرت خلیفتنا ❊

از جملهٔ مرحمتها و اعانتهای که ذات مکارم صفات پادشاه بیدانای دین ما اعلیحضرت سراج الملة والدین ابوالمعالی محمد امان الله خان غازی خلد الله ملکه من ابد الآباد الی ابد الدهر بر جمیع ملت داعیان شاهانهٔ خود ارزانی فرموده آنها عظم و اهمتر آن نشر معارف است - معارف جمع معرفت و معرفت شناسی دانایی داهیی علوم و کلا را گویند - پادشاه مقدس میزان ما برای ترقی صنایع و آلات حربیهٔ دفاعیه وسیاری از اسباب رفع احتیاجات ملت و ملت شاهانهٔ بی دریغ و بی پروا مبذول میدارند و میفرمایند که از علوم فرمودن و فابریکه های انسان سازی چیست ؟

آری ، آری ! آیین و معرفی و دانیدن قطع انسان سازی شمرده میشود - وگرنه ای متبوع محترم ، یک دستگاه آن ماشینخانه است که نوع نوع انسانهای نازنین را بوجود می آورد - چنانچه اشیا و مواد مختلفه را در آهن ، چرم و قلمدان را با فابریکی و ماشینخانه ها آورده اند ما هم کلفت شیای که در انسان موجود است و آنها را بی ماشینخانه میشود - آیا نمیدانی که در ممالک جنوبیه که مردم بی دین و بی علم اند انسانهای کامل و با دین و دانا میخواهند که برای هر کار و هر پار و هر طرف مستعد و قابل میشود ؟

از این هم بیچ شبهه نیست که اگر این کرهٔ زمین منحرف از دوران فرض کنیم ، روی همان کار کنان آیا غیر از انسان ، حیوانی هست ؟ آیا غیر از حرکت و دوران طبیعی محوری که زمین دارد ، دیگر هیچ قدر حرکت و جانی که بر سطح آن دیده میشود همه کی از اثر فعالیت انسان است ؟

آبهای دریاها و صحراها و کهسارها و چشمه زارهای خالی از انسان یک حیات و روحانی دیده میشود ؟ آبادیهای حالی از آدمی زار نامه پاشد چه جای نظر کنی آید ؛ الیه که در خصوص (ی) گفته نمیتوانم ؛ لیکن این دو تیرها و قصبه های انسان لقین حرکت های گوناگون ، و هایهوی خلقهای که بگاه عوام میشنیده و شنیده میشود ؛ باز هم الحرکت و صدا در اندر زمینهایکه انسانهای آن تخلیه شده باشد - یعنی آبادیهای انسانداری زاده باشد - نسبت به آبادی زمینهای که انسانهای آن عدم باشد - یعنی از کار خانه های آدم باقی نمانده باشد - خیلی کمتر و خاموش و خنگ نامه شک چار چندان مشاهده میکرده ؟

پس از این سیاست که ذات اعلیحضرت پادشاهنشهان محبوب القلوب ما زنده گی ، تازه گی ، درخشندهگی ، راحت ، سعادت عنایت ملت و ملت مولانا تاز اوایا آرزو فرموده و میفرمایند که کوچه جات جرات و همتهای مکارم نشان خودرا بسوی ماشینخانهٔ تعلیمیهٔ انسان سازی - یعنی امور و معارفی - که دایر فرموده اند حتی از کمال توجه خاصی که در خصوص دارالمعلمین و دار المعلمات عمطفه یعنی معارفی را اختیار فرموده اند ، اگر از حد از حوصلهٔ شاهانهٔ انسان شمرده میشد حضرت (سردار عنایت الله خان نایب السلطنه) صاحب اعظم امور فرموده اند.

حضرت شریف اندیشمند مدبر الله که فطرتاً پادشاه کامل و حکمران

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1190 of 1786

وتدابیر و عرفان پیشه‌ی ازچنین کیاستی امضاء وتجدیت ادراک مال شان هویدا است. درمقابل رضای معالی ازامضای والا ناجه‌ کثیر اضافه‌ عوایض تعلیق حرکت‌فرموده درطرف‌این‌دوسالی که زین‌میدهچیه مأمورفرموده‌شده‌اند — باوجودیکه بسیاری ازدیگر امورات دولت را نیز اجرا میفرمایند — بازهم خطهٔ ازلیات کاهه، واقدامات مهمهٔ این امر جلیل التیان لفت وچندپوتی ورزیده اند، و علمی معارف، را که اعضای‌شان از همین فاضل ودانشمندی مرکب است درزیر نظارت عالی خود شان تشکیل دادند. وعلی الاکثر درهرانعقاد مجلس بنفس نفیس خود درمجلس حاضر شدند. سررشته ها، ونظامنامه ها ودرکرامهای بسیار نافع ومفیدی وضع و ترتیب‌فرمودند. معلمین بسیار فاضل وکامل باغیرتی از ممالک بعیده طلب نمودند. وبرایا بمطالبا وبیانات مؤثرهٔ بلیغه، وتلقینات واقدامات جدیده درموعظهٔ عمومیهٔ خود شان کوشش ورزیدند که الحق این سعیها وغیرتهای عرفان پرورانهٔ خیرخواهانهٔ این‌شهزاده معظم‌جوانبخت شایان هزاران تمجید ومنظرت دیده میشود.

لما ازاین نکته که درخصوص عکر نقصانهٔ ما درسیاست خود داری نتوانسته عرض میکنیم که بایدات ومداخلات که برای امور معارف از خزانه دولت مقرر شده است، است به احتیاجات فوق العادهٔ که تمشک به عز ومعرفت دارد، خیلی کم است. وواقعاً این است که معارف بصورت عمومی درهرطرف ممالک محروسهٔ اعلیحضرت اقدس امجد بیاقته است. حتی‌درتحت ولایت سلطنت سنیه‌اش بناها وعمارتهای بسیار عالی که لایق وسزاوار شان ودرخور مکاتب باشد هنوز وجود پیدا نکرده است. دیگر اینکه‌مدرسه — یعنی‌بناخانه — ومطبوعات — یعنی چاپه خانه‌های سر کاری نیز در زیر نظارت وادارهٔ معارف نیامده که اینهم بمسئولیت بانی که نظارت جلیلهٔ معارف دارد موافق‌دیده‌نمیشود حالانکه مطبعه ومطبوعات درهرجا جای سیر است به نظارت معارف تعلق داشته میباشد. وواردات ومداخیلاتی که ازاینهم حاصل آید ازجملهٔ بایدات معارف شمرده میشود. حتی‌مدرسه‌های که ازجملهٔ مکتب ها شمرده میشود آنهم از خودجداگانه یک چیزیست که به نظارت معارف شامل نیست.

باقی‌ماند یکدرجه واسطه‌های خصوصی‌ما از نظارت جلیه‌معارف که آنهم این است: — درمکتبهائی که سراز توتیبی میباید، بقدر ازین تأسیس شده‌است. اساس تحصیل لوازمات دینداری دین، صداقت دولت، محبت مملکت وطن، حفظ شرافت ملی وصفات حمیده بدشمان استقلال وحاکمیت وآزادی وطن بنیاد یابد. واین حسیات ملی مانند بیخ کنری دماغهای خلا دعای وطن تلقیح شود که انشاء الله حضرت شهزادهٔ عرفان ومعارف معظم ما این نکات مهمهٔ صادقانه، مارا از یاد نبرد و خوبتر ازما اندیشیده و در معرض اجرام آورده باشند.

بیار که ایزد علیم حکیم واداجل‌وعلاجین گنجوبیار جیاتم وافزوی عمر وافبال ودولت واجلال اعلیحضرت پدر شاه بلند جاه تاق آسمان مقدس جومیدارا نیاز واستار عالم میکنیم. واز توفیقات صمدانی‌را دربارهٔ حضرت شهزادهٔ معظم‌عرفان‌توام خود میار دعا میبائیم که بحسن توجه نانی شان معارف که حیات وشن وملت بدین موقوفست تابانی تابانی افزاز کنند.

||

دیروز چون شنیدیم که مراسم افتتاح مکاتب ابتدائیه و مدرسهٔ صنایع که تشکیل اجرا میشود، خبر اداره ماجراله ازجنوی (بدید التهادی) مارا فرستاده بودیم که کیفیت مراسم بد کور را مشاهده نموده برای درج شدن اخبار درنمره گذار آرده. این است که لابحهٔ گذرشی موجی تایه را از قرار ذیل درج مخالف افتخار میبائیم:

مراسم

(افتتاح مکاتب ابتدائیه)

ساعت ۷ بجبرا دقان میدان که داخل باره داخلی مدرسهٔ عالی (دارالفنون حربیه‌را گفته است) گردیده.

امروز روز سه‌شنبه ۱۹ ثور جلالی‌الثانی است که روزافتتاح مکاتب ابتدائیهٔ جدید از طرف نظارت جلیه معارف حضرت شهزادهٔ معظم معین‌السلطنه صاحب افخم مقرر گردیده است.

[مکاتب ابتدائیه عبارت ازمکاتب است که‌در نقاط متعددهٔ شهر تهران تاسیس شده‌اند. این مکاتب در اصل دوازده مکتب می باشد. ولی درحدود پنج مکتب تأسیس شده است. به سررشته داری این مکاتب جناب موثوق‌الممالک خان مامور شده است که سررشته دار دارالتعلیم وبکفایت شناخته صداقتی است که درجلب‌ترقی معارف درملت خود حسن خصوص تمامی دارند. نیز تحریر شان از طرف دولت متبوعهٔ مقدس بادرجان واضح لیاقت، ورو شخصیاتی شان منظر میآید]

سررشته دار صاحب مذکور (موجیبک رفیع) باتفاق جناب اشرف‌فرمائی حضرت‌والی معین‌السلطنه‌صاحب‌افخم‌مقبول‌وجدید.

در ساعت ۷ و ۱۵ دقیقه‌آمدن‌جناب‌معظم‌الیه و جمعیهٔ مکاتب‌ابتدائیه از خانهای معینهٔ شان یکان یکان آغاز نهاد، که همهٔ‌شان باانتظام بسیار درست (باوجود ابتدائیت شان) آمده پس از ادای مراسم سلامی برای حاضری داخل میباشند.

جیرای حاضری نام یکان یکان آواز داده کننده وآنها که (حاضر صاحب) را آواز داده درست ادا میکردند تا کردن این‌مکاتب یکدری دیگری میآمدند که نامهای مکاتب شان‌از روشته قطعه یک در دست طا ب‌العلم نمودن آنها میبود معلوم می شد تعداد (۹) هریتج مکاتب ابتدائی[که استقبال وطن وابسته می ایشان وامثال ایشان است] حاضر شدند

درینوقت بعضی حضرات ملایان هم آمدند. انتظام قرشیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1191 of 1786

آقام پذیرفته بکجای بلندی برای عمارت جایه معارف ساختند، یعنی تحریرات وعرایض را که عبارت از کار امروز ما است هم زمین گذاشتند.

ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه را نشان میداد که آوازهای جمعیت منتظر تشریف فرمای اعلیحضرت صاحب را اعلان نمود. هیچ بعد دیگران فی الحال بشرف استقبال شتافتند که حضرت اقدس سواری موتر تشریف آورده بودند و همین شان جناب ایشیک آقاسی صاحب حضور شان کمالش خصوصی مکاتب است ومنشی الحین معارف حاضر بودند.

چون عبارة دومین داخل مدرسه شدند (که طلبه ومعلمین شان به ترتیب مناسب منتظر ایستاده بودند) تشریف آوردند از طرف همگی یک سلام صمیمانه خلوصیت کارانه به (چون) یک مأمور (ورزش) که اعلان است ادا وازطرف حضرت ملوکانه آن سرافراز شدند.

حضرت عالی رعایای مخصوص شان نشسته ملاقی حضور عالیشان جناب موقری عبدالرؤف خان ناظم رئیس دارالمعلمین ابتدائیه ومدیر رئیسه دارالمعلمین جدیده ومدیر قدیم شان کردان ومعلمان دیگر را که پیشروی شان در صف احترام بودند باسوال پرسی مخصر فرموده وازطرف آنها یک نفر شروع بقرائت نمود و مراسم افتتاح غاز آوردند.

(خطاب معصوم)

حضرت عالی اعلحضرت پادشاه ما خیرات و آثاری طرز تعلیم سابقه سخن رانده فرمودند که اصول تعلیمی ما این چنین وطن عزیز ما افغانستان جاری بود. آشکار است که امر خراب واصولا بی فائده که کسی منکر آن نیست. یک نفر دوازده (۱۲) نفر طالبعلم کتاب های مختلفه یک علوم تدریس نموده سبق می داد. وقت ضایع، حواس پریشان، بی نتیجه وفایده هم هیچ نمی شد الا یک بار بدون سبب شرعی و عقلیه و عادتاً حالتیها دو دوازده سال درس میگفت.

دین خود قریب ۱۰ یا ۱۲ سال پیش را اخیر استاد ازمیر کوچه امام که بازهم می فهمیدم. این طرز غلط واصول بد کار گرگون حال بود که افغانستان هیچ ثمره ندیده بلکه ضرر یافت. بسیار وقتها در چنین درس ها که شاگرد گاه گاهی را وقت جواب بگویم یعنی ایشان جواب بودند اینها قبل اعظم اقدس اعلیحضرت پادشاه بیدار گوشجواه، بفکر بسیار مقدس آنکه باین جواب محوی زاییده بتحریک وتکمیل مکاتب طرز جدیده میده فیض بارصبح سعادت وبیداری رونق خود شدند.

ما هیچ گونه از این تذکرات ندارم که کسی انکار و لایق این نشدن بسیار های و مفید اعلیحضرت هرکس شان باشد این طرز تعلیم بسیار مفید وکم مدت حاصل می شود. ۵ یا ۶ سال را در نحو صرف می کنند آخر هیچ چیزدانه نمی یابند

(ازمقدمه درس که نبود خیر ما)

« ازینرو باید پیروی فکر اقدس اعظم اعلیحضرت

گردیده درمتن مکاتب سابقه کوشیدیم چنانچه طرز تعلیم سابقه را از اولاد وطن خود پاک قطع دفع کرده مکاتب ما جداگانه واستادان ومدرسه وانتظام درست نمودیم همچنین که در درسی طرز سابق لغو کردیم درجاهای سابقه شان که مساجد معمور رحق ورودی بسبب اطفال ملا مکتب شده بود تبدیل کرده، مسجد را از خراب کردن محفوظ ساختیم ».

پس ازان مأمورین مکاتب ابتدائیه را مخاطب فرموده درباب تربیت واخلاق طلبا گویا کرده، معلمین شان را از اخلاق سنهٔ طلبا اگرچه بیرون مکتب باشد مسئول قرار دادند.

واز حاضری اطفال تحت فرموده سعی بسیاری درباب حاضر شدن شان امر کردند و احوال حاضری شاگردان یک وایت را بودن آنرا بیان کرده برای آینده سعی درحاضری را بشدت امر فرمودند (در اینجا خطاب بدرجه رتبه دار بود)

(عرایض)

بعد ازین بعضی عرایض قدیم وبعضی امور اجرا پذیرفته که بعضی از آنها را ازقرار ذیل چیزی بنویسم :

(۱) یکنفر قه ملایان عرض نمودند که قبل ازین طلبای این مکاتب ما که ابتدائیه پیش ما ملا ها درسجد سبق میخواندند، واحال چون آنها درمکاتب ابتدائی داخل شده اند، ما از درتعلیم دیگر هیچ کاری کرده نمی توانیم بیکار وبی گذاره بنده ایم زاویه اختیار از حضرت من به الامر است

درین مین سر رشته تعلیمات مکاتب ابتدائیه عرض کرد که چون اطفال قابل تعلیم در دارالسلطنة کابل بسیار زیاده میباشند وان دوازده مکتب ما کفایت نمیکند پنج مکتب آن تکمیل شده است پرچکوه کنجایش ندارد، لهذا باین شرط ما یقه را اجازهٔ مکاتب خصوصی خواهیم داد که

(۱) نصاب تعلیم وطرز تعلیم طرز مکاتب دولتی باشد

(۲) مکاتب اشان تیپه مکاتب ابتدائیه دولتی باشد

(۳) هرمکاتب الطفی که برابر درجه از درجه های مکاتب دولتی باشد آنرا در مکاتب دولتی هرشمره که خود شکاه دارند

(۴) این مکاتب تحت تذکرال مأمور مکاتب دولتی باشد

(۵) درمسجد باید طلبا تعلیم داده نشود، که مسجد خراب نشود.

درباب حضرت الفخری معنی مجلس معارف میرزا محمد عمر خان فرمودند که اینرا بعدالت نویسید که در انجمن معارف در انباب مذاکره شود.

(۲) دوباب تعمیر ۱۰ تعمیر مکتب خصوصی جناب مستوفی الممالک صاحب وند پیش شده وبکاغذیه صریحاً مستوفی صاحب هم تقدیم حضور شد، که جناب مستطاب مستوفی الممالک صاحب یک مکتب راسه هزار افغانی روزهٔ خود کرده اند، از تکواه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1192 of 1786

استادان ، وعظ وخطبا طلبیا . وقولامات وکرده وزن انشاء وشکرانی آن هر تحت نظارت معارف جزیه خواهد بود که آنراهم بزودی مخصوصی افتتاح نموده خود نظارت جزیه معارف در اول خواهند بود . (که احوال آنها متصلا در آتی درج اخبار خواهد شد)

حضرت مآل القضی ارزن وطن دوستی وفرزند خواهی جناب مستوفی الممالک سلمه الله آمده ، فرمودند که بالبدایت جمعی از کرام صاحبان مناصب دولت علیه پادشاهان ترکی روزانه مستوفی الممالک السلام ورزیده وطن مقدس خود مراجعت فرمودند [جناب مناصب مستوفی الممالک صاحب که مستشار سنی دون متوفیه عادت با دیگی از افراد بسیار عاقل هوشمند میباشند عمر آبک شخص وطنخواه وبالآخر آ دمیده دولت آگاه واز احتیاجات وطن مقدس خود خبر میباشند . قبل ازین هم درباب یک شناخانه عمومی لازمت خبر خواهانه گزیده بودند کمر ایم الاخبار الفاخره آن الفاضل درج کرده است . این است که واپسیار باز درباب مکتب لازمت کرده اند . ان الله لایضیع اجر المحسنین] . بعد ازان بنده قضی درباب بسی وگوشش وجد وجهد مرتبه در باب مراعات معارف بطق موثری فرمودند که اجمالاً مضمون آن ازقرار ذیل است و

« امروز چون در احوال عالم دنیا نظر کریم پیشرفت وترقی همه ممالک را نسبت بترقی وپیشرفت معارف آن ممالک مجزوم . حالا آنکه ملت افغان باوجودی که در فنون نظامیه فراست وابتداع تعلیم فن وصنعت ، وغیرت واتحاد تمام ممالک دنیا برتری دارد اظهار افسوس که در پیشرفت معارف حتی از حتی در عقب مانده اند ، وازهمین سبب مانده بود که بعضی از اشخاص دنی استلاء در محو اسلام کوشش میکردند و مقدر بود که آن خیالات باطل ظاهر میساختند امامدانوند جنابت ایشانرا بحق جنگ گرفتار ساخت که مستعمرات را گذاشته دیار السلام های خود میرفتند .

« امروز بی علوم ومعارف هیچ کاری اجرا کرده نه . این دولتیان که امروز مالکان عروف مرکزیم ، بسایه علوم ومعارف بایندرجه رسیده اند . ای اولاد وطن در تحصیل معارف بکوشید وخودرا ازین اقوام دنیا بسازید که شما شرف ازین ملل دنیا هستید . ملت افغان خوب ازین جمع ملل روی زمین است این خوبی خودرا لازمه طرفها تکمیل کنید . تادرجهٔ خوبترین ملتهای دنیا گردید .

« ای معلمین ! وظایف خود کوشش کنید . اگر ازشما کرمان خطای سرزده آنهارا شما بازخواست کنید و اگر شما کدام خلاف قطعاً نامه گردید البته سررشته دار مملکت از جواب خواهد کرد واز سررشته دار ومعلش من وسی اگر کدام خلاف یکنم حضرت ولی النعم المقدس المعظم من از خواست خواهند فرمود . »

بعد ازان سررشته دار مکاتب ایشانرا یک تقریر مختصری بمضمون بیان کرد : « هر چیزی است که واسطهٔ آن امروز کفررا توسیع کرده . اخلاق غیر الطبوع ، صنایع واسلام خانه آورده است ! اگر اسلامیان خود را بان آشنا نمایند صنایع سازند کفر کفررا هر آینه برهم خواهند کشید » .

این تقریر یک آثری وعده آماده مطهر تحسین شدند ، پس ازان یک نفر گردان سنف دارالمعلمین ترکی بقصه (آیاناکرسی) ایت الکرسی خوانده خواندنهای را بخوبی اسلام قبل وجود جان حال آنانست که هنگ خاص بوجود سکوت وتوجه آنها ، واو صداقت گردید (صدق الله العلی العظیم) از ان حال آنان پیدا بود . خواندن قرآن عظیم الشان یک تاثیری در دلها آنحاضرین که بعد از خواندن آنها قدری سکوت ، خوبطاری بود .

در جزیرهٔ همه خاص و در جزیره صدر این مجلس آنکه کلام قرآن شریف ازبود معهود بود .

پس ازان جناب مولوی عبدالرؤف حق وسیلهٔ برای ترقی وآبادی اسلامیان اسلامیه اهمیت بالا زده هنگنان حاضر کردند وحرامیم افتتاح اختتام یافت .

حضرت باز اعلی ساعت ۲۵ دقیقه گذشته از ۲۲ تشریف بردند ، جناب هم حضرات شدند ، از هرطرف خانه خود سال سررشته دار استقبال نموده دیدنش را کرده رخصت خود هم ساعت از توپ گذشته بود که من هم آمدم .

(ع ، ۱۰)

حوادث داخله

(قرارت نکرده رمضان ۱۳۲۶ بود تا غایه افغانستان)

اگر هزاران حمد هائی خودرا فدای ذات کبریای اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب معظم معظم مفخم الفخم خود تمائیم سعادت دوجهان عاجز است چون مکرمه اهل هوده دارالسلطنه کابل که بزرگترین هوده ... کارواناً از بدو دولت ... قدیمی دولت افغانستان سرقرار بوده دین باکبر از چهارده بین چهار عاقله الرسوخ وبسا همه بندی کاه حال شاه که عاقل بکند است هوده از صدق تنه وعلی الدوام عرض قدمبوس شاه خلدالله ملکه گفتن سراج الطالبین را بدار بر که اعلیحضرت پادشاه قدرقدرتهای ی تبار سایهٔ الطاف بیان اعلیحضرت پادشاه خلدالله ملکه میرفتند را در جمع خلایق افغانستان وبان کشورستان دنیا گویان که گفتن ماند تبین بارب العالمین ... چنانچه در آنروزه حال که بدالهای سال بازوارش پادشاه خود دارم وبرسیب آرامی وعراقت دل وجان جیب است هوده ذکر الله بدارد خداوند تعالی یار جمع وعقلای تنوا کون که از اعلیحضرت پادشاه ... سپید ... راهنمای سال یکم بیر ۲۲ ... ۱۳۳۰ فعلیان وارمنتج است ... عربیولا که ۲۰ داد حال که سنگرزاد بعیدنه وسای عرایم آنین وبسا گاه سعریم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1193 of 1786

از منظرهٔ مراسم مذکور

یک منظرهٔ از مراسم احتفال آثار تشکیل انجمن معارف
در دایرهٔ تاریخ‌دار جوار معظم حضرت
صاحب السلطنه صاحب العلم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1194 of 1786

یک منظرهٔ دامنه اطافت آشیانه در پیمان گیل

کی

(منظرهٔ در نزدیکی دریاچهٔ کاسپی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1195 of 1786

رابیجه گوجر دلاک ذکر — بای مکه داری دوم سیار — دیوان از جیدان — رابیجه جوهری — اندرداس قوم شکار چوری — پهگه اندرداس پسر هری — شکرداس چوه هری هلیرچند پسر لاله هندومل — کنه سکهه پسر هری سنگهه — رابیجه لیس — دیوان لعل چند وسهرچند — منشی کیشورام مرچند چوه هری

از دفتر اپشیك آقایی مذکی

واقعه نگار قدر هنر بوشه است که بتاریخ ۱۲ جادی الاول در قریه میانجوی رفته بودم — در حدود قریه بقعه دفیره شاه سرخ — ویالا کنار دروازه شکارپور منبع بانبار زیاد پیدا شده که از قبل وقت حرمه قریه خلق مه کور، دروازه بودند — وبالخصوص گوئل موچی رسیده وبراجان معلوم نشده که بیکبار شده وبارها باشد فقط خبر ۲۶ جادی الثانی سنه ۱۳۳۳

(کذا)

حیدرخان ساکن بقعه روه مرقوم داشته است که از تاریخ ۱۷ لغایه ۲۷ سنه مذکور باران شدید وباریده سیلاب زیاد جادی گردیده من بازار کرنت وکاچی باغ ها که قدیمی را آب گرفته بسیاری دکانهای بازار، دروازهای باغ مه کور را خراب نموده در علاوه خانه گرفتند خیلی ها نیکه قریب دریای هیره مانده بود از سیب وغیره آبدوزی وباران اکثر خراب شده وبسیاری حیوانات دلاو وگوسفند وآدمی را سیلاب برده نقصان زیاد سابقه فقط

(کذا)

عبدالرسول ساکن ساکره قریه لالهٔ میان شریف مرقوم داشته است که از تاریخ ۱۷ سنه مه کور از دهن شکی چشمه شمال الی جنوب زیاد باغ دره خانه شدید باریده اکثر عمارتها در خان طوفان علاقه گردیده فقط

(کذا)

عریضه مولوحه سابع سنه جادی الاول ارسالی زیر محمد خان ساکن قریه کنندو، علاقه میرپور شرف رسیده مرقوم داشته است که در ۱۷ ماه مذکور درموضع چانو تاه باریده که هزده آن قدر بیشه گوئر جو موازی بقعه کاو و هفده بز و گوسفند زیاد سقط شده ودر بعضی جا نقصان گندم وجو نیز نقصان رسیده فقط خبر ۱۸ جادی الثانی سنه ۱۳۳۳ (محمد هاشم انصاری)

(سراج الاخبار افغانیه)

شاهین جریده که مزایا کلان دفتر عالیهٔ جناب ایشیك آقای صاحب مذکی از قبل ارکوه بفرمای مافوق که وظیفهٔ کنین آب وهوا نگاری است در هر هفته دانسته یا نادانسته بصورت رسمی برای ما میفرستد ودر کدام جوده از ما رسیده حاصل میدارد، ولی ازبعضی خبرهای رسمی که واجب الدرج است خود داری میکند.

ملا خیر مفرد شمس جناب (عبدالعزیز خان) را بسعادت هندوستان و اقبال یافتن جناب (سامی شاه بیك خان) رابسیب بیماری از سعادت مند گردن که از خبرهای ضروری راجع بملك خود برای ما نوشتند، ومادام بالطبع آن خبر هارا بدرج کردن افتخار خود جرأت نمودیم، وباز خبر تشریف فرمائی جناب ایشیك آقای صاحب مذکی را بسمت جلال آباد که بر چلوه مأموریت می رود، ودر آنجا چه قسم اجرا آت نافع برای رفاهیت و سعادت رعایا و برای اعلیحضرت پادشاه مقدس اسلام پناه بکار برده نتوانند، گان میشود که جناب میرزا احمد سراج الاخبار افغانیه را نیازمای خبرهای مکدر نیلابهاه خراباتی منحصر تصور فرموده اند؟ وهذا من العجائب!.....

(بابلا مزدهٔ بهار بیار) (خبریده بوم شوم گذار)

ما و پسوه بنویسه

این چند ابیات علیه هاشم ما کن پسوه است که مدحات اعلیحضرت والا و مدح جناب انور باشی تلب السلطنه صاحب وبعضی القاط هزار کی واضافه است امید کهداخل سراج الاخبار افغانیه شود

منظومه فی المدیحة اعلیحضرت سراج الله والدین
سراج ملت و دین است ظل حضرت داور
نهاده دست همی اورا زرفعت تاج بر سر
خدایرا داده بخت بخشم و حسنرو در یا دل
محل را عامل کامل صواب اندیش هرکشور
دمادم وی پرستیدم زحضرت کبا بن دو زان
اکفا علی ومانندش زاده در جهان مادر
سراج دین گاه منصور کشته درصف هیجا
زبیم سطوتش عالم گزان عسکر کافر
اگر از آستین آید برون دست عطا بخشش
هزاران حاتم طائی ثنا خوانند بر در
کند سوی که این کرطلی ازمهران خسرو
کمر ساده در ایمان بقهر الظالم الغفور
براگر سر اگر از بر سر قصر و ایوانش
چپاره چرخ را افتد کلاه آفتاب از سر
اگر خواهر بیان سازم زوصفش شمهٔ زاد
کلاه عقل و عرو طبع زین دقعهٔ فکر
من و مداحیش هیهات لزین اشعار کاذبی
ودریوزانم الطوفان توبیان مدح پاکش
الهی حق پیغمبر هیشه حافظش باشی
زهر آفات و باعصان و بلیه آصف عشر
مدامش تیغ کین بران تا برفرق بدخواهان
عسودان را چو برکنده چشمید عطر انور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1196 of 1786

نکو خواه ترا آب بقا باقم بیاله
بداند پیش ترا زهر بلا پیوسته در ساغر
چه وا قابل مدح تو هاتفم نیست میدانم
سلیمان تو ان بی ترا موریست پل اخضر
مدح جناب مالک السلطنه صاحب

یا ساقی زروی مهر و الطاف — بده از لرم شاه بلخرقهٔ صاف
حرفا تا چنین مگذار محجور — دران میمنه کاباد کشت معمور
یا ساقی طلب کن بار دیگر — بر آور زرود از کار دیگر
درین فرخنده بزم خجسته — گذشته جام زیور طاق دسته
بیا از عدل سر ایملت افروز — شب حاقان زعدلش روز نوروز
خدا رحمه خلق از روی الطاف — فکنده ظل رحمت فوق آفاق
بعدلو داد معمور جهانست — چو عدل دین را پیمان است
دگر من از جناب صاحب خویش — زکلک سلطنه گویم گاه پیش
هزار ان قیصر و فغفور غلامش — که تاب سلطنه نیاورد نامش
زماه سر فکنده در پاهش — فلک سوده چو خاک آستانش
هر ان سوی آن دربار باشد — دعا گوئی سر دربار باشد
بلطف خود دعا گویم بجانش — بشرط انکه فهمد ز دعانش
مرا ما کو کجا چون منی — نیکدلتم مرا میکرد قبضی
بگفت ما کم که چندین تکرار — بلطف خود بگوئی خندا میر
روانه میکنم درپیش صاحب — که پیند لفظهایت را عجایب
جناب صاحبم سردار عالی — کمال هوش و اکثر دریای نوالی
وجودت برزمین ظل الهی — چو تن خورشید مردم تابیدعی
بهر کس مثل آفتوی به پیشو — رعیت آسوده قریا و قلر شیو
همه اسقاد وباجه نوکری تو — کمالند در کیو دار چمه قسری تو
ز کوپون و زمالیو و ز کوپك — ندیر جان سروکار است یکیك
وی مملکتهو جاست بسیار بروه — تظمی هو که رفی آمد زمتوه
بهار اولیون گوچی در توشابی — نگهبو میدو با آب سرکار
روم در سو" ویولکا پیه آغل — زپس موجا فرح هو گنه تحویل
دبیه خطهٔ پیشوی خاو — گذشته زاغوز آسیو
جا کاپی بدست قادر چیسل — بگوی خورد و موته تکیون مو پرتی
زیکسو وقی که آقا هری قاص — سوی وقره موکاتانه کندیر
رخ مو باخدا و بادشا هست — جانیب سلطنه این اتکا است
که مارا بی زدرویل پشمارد — بفرقم تور خود آینده سازد
خدا این تور را ازمو نگیرد — بخیق چهار یار تور باعث
میرداری بصریح شاه و هرچه — بنالیب سلطنه سردار اعظم
بس است عالیم ترا این لفظ تبرن — دعا گی ره ایم الدعا دین

یعنی تحصیل علم که کلید مکاتب عالیهٔ اروپا [آن اوروپا] کتابچه را ما کل وحی کی خود قرار داده وبند آیه دولت علیه عثمانیه را بلندتر از غیر مراقی و معرفه ترقی را از علوم و معارف جدیده باری میداند و ابدا میگذشته حتی این ادعای باطل خود شان را بطریق رد داده بصورت عملی بیسان کردن جرأت میورزند.

اگر چه ما آنها را بدین رویه داشتن معذور میدانیم ، زیرا اگر همچین اعتقاد نداشته باشند تحصیل وتعلیم شان ناقص شمرده میشد ، و هم هر کس در فکر خود کرده است ، هرچه نظرش رابع شده باشد گویا بیان کرده میتواند ، پس چاچه گیا فکر رابع خود شان را آزادانه بیان میتواند ودیگران هم برابها وارد نیآورده ، هر کدام فکر رابع خودرا درجواب آزادانه بیان کنیم همیکس حق ندارد کرفل را برما خواهد داشت :

لیکن سوالی که مدار بحث است که آیا علت اصلی از هم پاشیدن چرا مجوز اخذ ، وعلت بود در هر جا علت دایل بوده میشود ؟ کما یکه در دیباچه صاحب کرده اند این را بحثم مشاهده کرده خواهند بود که کدورت بلیه وابوها مریضان عصرا فالانتیتز مکرر دیده میشود ، در غالب ها ، و گویا به اخبار به آنها پیش میآیند ، در هر دو هر کدام باش اخبار واطلاع خصوصی داشته باشند ، در هریك از اثبات خبر و ضرور ، وین دو واقعه شادمانی خصوصی دیده میشود ، پایان از چیزیکه تسمه است ؟ اگر گوئیم که نوشیدن وین شادمانی است ، آن وین باچنان حرفال تلوث چنان احساسیاتی پیدایش نا پذیر است که غلط واقعه شادمانی خود شان زیر فشار وزور آورد هستند ، و گر بگوئیم که از هر وقایع وفن وصنعت شادمانی است ، آن هنر وقایع را (اگر یك نسبیاتی درمکتب ، کیمیا ، طبیا ، بحث و بیك در جواب تحصیل کرده و آموخت باشد ، و هم از روی اخلاص و آسیاش پیدا جاوکار وده میشود ، پس معلوم میشود که در ان مسلك یك کیفیت دیگری مضمر ، و یك اسرار دیگری مستتر است :

بلی ، که اسرار و آن کیفیت است که دولت اصلا را تقریباً پست پنجه دو آوری مستبد و حکومتی پر قوت خسوب مو جود ، و اوزات آزادی هم مفقود است ، چونکه دستگاه نیز تبدیلات بحر و مناطق که دارد همین است که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1197 of 1786

باوجود کثرتی مباهات بازهم آنها مانند دولت شمس طالع وآن سیا دولتهای دربیا زیاد است . حتی کیمهای ایران پرست هم باوجودیکه بدین ومذهب باهم شراکتی ندارند ولی بازهم چون خودرا ازخاک ایران وجنس کیان میدانند بهمان نامهای دوهزار سال پیشتر ازین اولاد خود شاورا موسوم ، وسیراً وسیتاً به استقلال دولت ایران خودشانرا مفتخر ومعلوم مینمایند .

آه یاران مسلمان ! در حالیکه در شرق وغرب دنیا متعدد دولتاوحکومتهای مستقل باعظمت وشوکت آزاد اسلام موجود بوده ودروقت حاضر تجزیه دولت اسلامیه که استقلال وآزادی شان رسماً وساکیت شان بر کل مانده دیگر هیچ دولت اسلامیه بانشکوه ومیکرباکوپ عریضه نمیبود . مانند نوواری مسلمان نامی پیدا میشود که در حق اعظم وا کبر آنها که دولت علیهٔ عثمانیه باشد افتخارتزان درداری میکنی ، وبادعدههای تحصیل خود به هیچ گونه کاطفه پرداری میدانی ! بتاریخ ای وبات نمیدانی ، حیا کی ای ملت نمیدانی !

خود این سرحلقهٔ عاجز افغانست ، آیا" عن جد افغانست ، وطن دوست افغانست ، دراثبات هویت وملیت افغانیهٔ خودمتحیر یک افغانست ، خدا کرمن جان ، ساک ، اولاد خود درراه حفظ استقلال وساکیت دولت خیوهٔ مقدسهٔ افغانیهٔ خود در هرآن وهرزمان حاضر وآماده یک افغانست ، چرا؟ که اگر مسئله کفر واسلام درمیان نیامده ودولت ژنالاسیمو الله خواهد که درصدد استیلای وطن عزیزه براید ، درحقوق ساکیت وا ستقلال دولت مقدسه هم تجاوز کند اولاً گفته" که درمیدان کارزار مدافعهٔ وطن بخطه حربی گفته" خشک این سرحلقه عاجز خواهد بود ! بلی ، بت خالصانه" صادقانه هم همین است که عرض شد ، الحال مدافعهٔ قلمیه‌ام در خصوص دولت علیه عثمانیه از نقطهٔ نظر اسلامیت است وبس !

دین مبین اسلام که بشرف پیروی آن سرافراز ودرتمام ملل دنیا به آن شرف ممتازیم ، مارا برادری ویکانگی وخیر خواهی تمام اخوان دینرا که خواه درشرق باشند وخواه درغرب امر قطعی نموده است ، علی الخصوص مارادولت علیه عثمانیه ، ودولت علیه ایران ازجهت همسی وجاوزداری یک رابطهٔ معنویهٔ دیگری هم موجود است ، زیرا بجهات نخصاً" خودما همین است که چون در تمام دنیا همین ددولت عثمانی ، ایران افغان باقیمانده است که به استقلال وساکیت سیاسی آن بضمن ازه متان وروحانیت حضرت پیغمبر ذیشان دست تسلط دشمنان دین وایمان نخواهد خود شان دراز نشده است ، پس اگر خدا نخواسته بیق ازینها علی الخصوص بدولت علیه عثمانیه تهاجم وارد شده میشود ، چاره اعی رحمه هیچ نیست که جهات آن دوی دیگر هم بکلیکی خدا نکرده که اگر جای ددولت اسلام بود ، واردوسه ، واردمجل ، وار جار پنجم ، وار پنجم ددولت باشد برای همه مسلمانان اسیر وآزار دنیاموجب ننگ ، خلالت ، مسرت مفخرت شمرده میشود .

حدیث (رسول مقبول ! کرم) صلی الله علیه وسلم است که امت کافهٔ اسلامیه را خطاباً امر فرموده اند :

[اثنان خیرمن واحد وثلاثة خیرمن اثنین واربعة خیرمن ثلاثة فعلیکم بالجماعة فان الله لن یجمع امتی الاعلی هدی]

« یعنی دو از یکی بهتراست ، وسه از دو بهتراست ، وچهار از سه بهتراست ، پس شما است که جمعیت واحد گیرید واز جماعت دورنشوید ، زیرا الله تعالی جل وعلا امت مرا جمع نمیکند مگر بر هدایت وسعادت . »

نمیدانم که کدامیک بدرجهٔ جامعت اسلامیه کوشش می ورزند ! ویل برانحصیکه مانعروی وروگردانی مسلمانان را ازیکدیگرشان آرزو میکنند ! لعنت بر آنکسانکه کفررا بر اسلام میخواهند !...

درخصوص مرکزی بودن ومرکزی بودن دولت علیه عثمانیه تنها بدرج معنی جدولهای ایستاتیکی که ده سال پیشتر ازین درجغرافیه های دنیا طبع وکنده شده است اکتفا ورزیدم که این جداولرا ارباب مطالعه واحد فنیی ویکمیقیای اساسی اظهار نموده حکم فرمایند که این چنین یک دولت را مرکزی باید گفت یا غیر مرکزی ؟

(تجارت عمومیهٔ دولت علیه عثمانیه)

اخراجات یعنی درامد اموال واشیا بحساب لیرهٔ عثمانی	اخراجات یعنی درامد اموال واشیا بحساب لیرهٔ عثمانی
۲۲۵۹۶۵۴۰	۱۰۵۹۱۶۱۰

(راههای آهن وکالسکه های تجارتی دولت علیهٔ عثمانیه)

راههای آهن	کیلومتر	عدد کلیها	جمع کلیهای بحساب آن
	۸۶۶۷	۱۰۲۳	۲۳۸۷۴۴۱

کلیهای تجارتی" که درطرق یکسال بمقدار کلیهای عثمانی رفت وآمد دارند

عدد کلیها	جمع کلیهای" تجارتی" بحساب آن
۱۹۴۶۱۹	۶۹۳۱۹۶۹۳

(عسکریهای لشکر اهای دولت علیه عثمانیه)

عدد سرکرده‌ها لشکر اهای سپه بحساب عدد لشکر اهای پیاده لشکر

یعنی لشکر اهای حاضه ها	کیلومتر	یکسال رفت وآمد نمودند
۹۴۷	۶۵۲۷۰	۵۱۹۹۸۶۲

عدد اعمال سالانهٔ تجارتی مصارف تجارتی بحساب لیرهٔ عثمانی

۳۰۲۰۰	۱۱۰۹۲۱۰

لشکر اهای تحت البحر بحساب کیلومتر

۶۸۲

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1198 of 1786

(چوست ـ حمی داد ـ دولت علیهٔ عثمانیه)

عدد مکاتب سالانهٔ کافه	عدد پوست کاغذ سالانه
عدد مکاتب ابتدائیه	عدد پوست کاغذ سالانه
لایه بیوده ویاپه	که سالانه میرود ویاپه
۲۴۳۶۹۰۰۰	۵۸۸۰۰۰

عدد حواله نامه‌لیکی می آرود	عدد جوازها و رسامها و تزهها
که سالانه بدائ میرود ویاپه	که سالانه بدائ میرود ویاپه
۱۱۵۰۰۰	۵۲۷۷۰۰۰

مصارف سالانه دائر حساب	مداخیلات سالانه دائر حساب
لیرهٔ عثمانی	لیرهٔ عثمانی
۹۲۶۶۹	۳۲۹۸۷۲

معارف

مکاتب دائره واعدادیه در تحت ولایت سلطنت عثمانیه

اسامی مکاتب	عدد تلامیذ کرداری	اسامی مکاتب	عدد تلامیذ کرداری
مکتب دار الفنون	۲۴۵	مکتب مهندسخانهٔ بری	۲۸۳
مکاتب ملکیه	۱۴۱	مکتب بحریه	۴۸۸
مکتب حقوق	۱۸۶	مکتب دار المعلمین	۱۷۸
مکتب تجارت	۲۵۰	مکتب طب	۹۴
مکتب فنون حربیه	۲۱۰۹	مکتب صنایع جمیله	۱۷
مکتب طبیهٔ عسکریه	۷۵۸	مکتب هندسهٔ ملکیه	۱۰۳
مکتب حیهٔ ملکیه	۱۲۰۰	مکتب بیطاری ملکی	۶۰
مکتب کندرجی گمرکی	۸۷	مکتب عدلیه کولجیه	۱۸۲۰
مکتب ادارهٔ امور تجارت	۹۴	مکتب مدنی	۹۴۵
مکتب زراعت	۴۰۰	مکتب اعدادی مرجان	۲۵۰
مکتب دار الشفقه	۲۰۲	مکتب اعدادی اسکدار	۱۶۲
مکتب اعدادی وفا	۳۴۹	مکتب رشدی اولاد ثبیه	۶۲۰
مکتب تولهٔ ترقی	۲۶۸۱	مکتب اعدادی طبیه	۶۰۴
مکتب اعدادی حربیه			

در تحت ولایت جبل لبنان که مذکور گردید ۳۷ باب مکتب رشدیه عسکریه ومدنیه و ۲۷۰ باب مکتب ابتدائیه و ۹۴۵ باب مکاتب ایالات . یعنی مکاتبهای دخل الزمو جوداست که عدد تلامیذ کردان اینها نیز تقریباً وازده هزار نفر است که هیئت اینها از طرف دولت فلسه باز شده است . حتی رأی کاپیتان و کیتکان نیز داخل باب مکتب موجود است . اما مکتبهای خصوصی که از طرف اهالی در تحت ولایت سلطنت سنیه تأسیس ومفتوح نمه دار قرار دارد است .

مکاتب خصوصیه در تحت ولایت

اسامی مکاتب	عدد تلامیذ کردان	اسامی مکاتب	عدد تلامیذ کردان
مکتب سعادت	۳۷۰	مکتب تولهٔ تجارتی	۶۹
مکتب اعدادی ارمنی	۲۰۰	مکتب روضهٔ ترقی	۷۷۱
مکتب رهبان ترقی	۲۰۰	مکتب دار الفنون	۲۱۳
مکتب دار العلوم العام	۹۸۰	مکتب مرآت دیس	۱۰۰
مکتب قیض	۱۶۷	مکتب ثمهٔ ترقی	۱۷۲
مکتب عجزی	۳۱۵	مکتب کنز المعارف	۵۰
مکتب شمس الکتاب	۱۵۰	مکتب ثمهٔ معارف	۵۰
مکتب زهر تحصیل	۲۲۵	مکتب گلستان معرفت	۵۰
مکتب مشرق فیوضات	۱۵۰	مکتب تدریجیه	۱۰۹
مکتب دار الادب	۱۳۰	مکتب گلشن معارف	۵۰
مکتب زهر سعادت	۹۰	مکتب اقومیه	۵۰
مکتب آفتاب معارف	۱۵۰	مکتب مزع تحصیل	۱۱۰
مکتب نجم ترقی	۷۰	مکتب تجارتی جدید	۵۰
مکتب رهبای فیوضات	۱۲۰	مکتب دار التحصیل	۵۰
مکتب دار الفرقان	۲۲۰	مکتب آلتون زاده	۹۹
مکتب منبع الفرقان	۵۰	مکتب جلالیک	۴۰
مکتب روضهٔ معارف	۱۱۰	مکتب حدیقهٔ عرفان	۱۰۰
مکتب فیض انوار جدید	۱۵۰	مکتب وسیلهٔ ترقی	۹۰
مکتب تولهٔ عرفان جدید	۸۰	مکتب حرمی اخلاص	۵۰
مکتب دار التدریس	۹۵	مکتب حدیقهٔ فیوضات	۵۰
مکتب حدیقهٔ معرفت	۳۱۴		
مکتب حدیقهٔ انوار	۱۳۰		

این مکتبهاست که در تحت ولایت است . اما در ولایات سائر السلطنهٔ عثمانیه هیچ ولایتی نیست که شهر ها وقصبه‌ها وقریه‌های آن از مکاتب اعدادی ورشدی وابتدائی خالیباشد که تقریباً تعداد جمعهٔ طوغی آنا کردان تمام ولایات دولت علیهٔ عثمانیه تقریباً به سه ملیون میرسد .

قوهٔ برّیه وبحریهٔ دولت علیهٔ عثمانیه

قوهٔ برّیه	
در وقت سلم	۵۰۰۰۰۰
در وقت حرب	۱۸۰۰۰۰۰
طوپ	۱۸۰۰

قوهٔ بحریه	
گلیهای زرهپوش	۱۸
کروزور وغیره	۴۰
طوربیدو بوت	۶۰
کلی تجاری	۱۲۰
طوپ	۹۰۰
عسکر بحریه در وقت آسایش	۲۲۰۰۰
عسکر بحریه در وقت حرب	۵۰۰۰۰

ملاحظه یابنده کنند کان نقطه بیانی که عدد ترقی دولت علیهٔ عثمانیه را ادعا میکنند . این جداول ایشان سبقت بلغاری را ملاحظه کرده انصاف کنند که همچنین یک دولتی راملزق بگوئیم یاغیر ملزق ؟ اگر بیه ملزق گوئیم که در تجارت ومعارف وغوای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1199 of 1786

ربه و تجربه دولت علیه عثمانیه بدرجهٔ دولتهای معظمهٔ اوروپست ولی به آن دولتهای معظمه ملت نصارا باید بنازند وافتخار کنند به مسلمانان .

وقایع خارجیه

نقل از اخبارات ایران

از جراید فرانسه

موقعیت نظامی و جغرافیائی قامیش وارد هان

آیا ساری قامیش ودوارد هان ، که جنگهای اخیر مابین قوای عثمانی وروس در آن نقاط واقع شده بود ، بلاغیه های رسمی طرفین موقعیت عظیمی بآن جنگ داده و برای تعرف آن نقاط از طرف فنون تزئینات کارهای عظیم شده است موقعیت نظامی و اهمیت جغرافیائی آن نواحی از قرار تفصیل ذیل است .

« ساری قامیش » یکی از نواحی مهمه ایالت ارضروم (فارس) و واقع در بلوار قفقازستان و جزو اراضی متعلقات آسیائی روسیه میباشد

این ولایت در فاصله بیست کیلومتری سرحد آسیای عثمانی و در بحساب کیلومتری مشرق « اوالطی » در ناحیه « قراداغ » روسیه واقع گردیده است

« اردهان » یا « اردقان » (که مابین کرسی ارکان آنرا مینویسند) یك شهر حاکم نشین کوچك و جزو ایالت ارضروم ، فارس ، روسیه و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شمال ساری قامیش و هفتاد کیلومتری شمال « فارس » واقع شده است .

موقعیت نظامی و سیاسی آن خیلی مهم است و آنجا یکی از شهر هائی سابق عثمانی است که در جنگ سابق عثمانی و روس علاوه « فارس » و « باطوم » و ارا خی متعلقه بآن دو ایالت مهم یعنی یك قسمت از کرجستان عثمانی مطابق معاهده ۱۸۷۸ « برلن » بدست روس افتاد

این ناحیه با رتفاع ۱۸۳۵ متر از سطح دریا در طرفین سواحل رود خانه « کر » که از انجا عبور مینماید و دریاچه کوهستانی که در طرف مشرق دشت های مرتفعه اردهان متصل میباشد واقع گردیده و از دو طرف مسلط بطرق و اراضی کرجستان روس میباشد

عالم خیال

این نقطه مهم که مسلط بر کوپ چراه های تجارتی و نظامی « باطوم » ، فارس ، و ارضروم میباشد در جنگ ۱۸۷۷ عثمانی وروس مدخلیت های عظیم داشته و غالب مرورا توسط مهندسین مستحکم کرده و تحاریات عظیمی در آن نقطه واقع شده و بشرائط درك تاریخی بعثمانی عاید و دد کارهای عظیمی هنوز در بعضی نقاط از وقایع جنگ های سابق باقی است

از جراید ترکی

جنگ قفقاز و تلفات روس

ارضروم ـ بطوریکه از بیانات امرای روس مفهوم میشود کردارده و ترکستان روس که در جنگهای قفقاز با عثمانی شرکت نموده تلفات زیاد بر ابتسان وارد شده و عدهٔ آن به بیست هزار نفر نزول کرده است .

اسرای روس هزار زنجان

از زنجان ـ در جنگهای اخیر سرحد از زنجان اسرای که از میادین روس بدست عساکر عثمانی افتاده عبارت از دو نفر فرمانده گرد (۲۳) نفر صاحب منصب و (۴۲۰۰) سایرین میباشند که ماموریت نظامی مخصوص مزبور را بانجام آورده اند .

(نقل از جریدهٔ امریکا)

پارچه گپه هندوستان در امریکا

گپه انقلابیون هندوستان در امریکا بیانیه که خطاب بملل امریکا از سوء سلوك و تعدیات دولت انگلیس نسبت بملل هندوستان منتشر کرده ، و از حرکات آن دولت اعتراض نموده اعضاء این گپه عبارت از مسلمانان وبر اهمه هند میباشند که در پیان نامه خود چنین میگویند :

« انگلیسها حقوق قدیمه مارا پامال کرده وطرز رفتار آنها با اهالی هند شدید گردیده بحدیکه هندوستان را که مادت بامالك واقلیم های مرتبه دار امپراطوری طاقت فرسا احترام داشته اند ، و چونکه انگلیس « انگلیز » اساساً در هند برای القاء تفاق بین ملل و مذاهب مختلفه آنجا است و تماماً کار او اختلاق فتی است که بین ساکنین حقیق آن سرزمین پدخت حاصل می کند .

هندوستان اتفاقون اساسی که انگلیس برای او وضع کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1200 of 1786

عجایب خلقت

بلدان دارای دارد چهار دارد دارد دارد دارد
انسان (آدم خود) میرود به (آدی دارای دارد)

ایرانیها استفاده نمایند و هدیه‌های جزیره از آنجا می‌رسد
جایهای خوبش را در خاک فرانسه و میدان جنگ مصر. فدای
انگلیس و سیاست وی دارد و دولت برتانیا. بحق بین ملاک
می‌نماید هندیها این حرف خود را دارد قضیه. آسیا حق آسیا
است. و بالخاصه انگلیس و انقلابات حق شکنانه آن روشن میباید
کیفیه هندوستان روشن. آن حق. گذارد جدار و انتظار خود.
است از روی صداقت و ملت پروری. مدافعه منافع حقیق اهالی
هندوستان را وعده می‌نمایند. انگلیس امثال. گاندی و را
بالطور کاذبانه و ریاکارانه جاروا زده و بر خلاف وجدان از جان
افکار هندیها مصرف میباید افتضاحات انگلیس را در سلب
حقوق هندوستان و تشتت ریاکارانه پیوده است زیرا که
اصیانات ملی هندوستان تأثیرات شدیده در افکار اهالی
میباید.

علی رغم آلمانیها و دسایس انگلستان بین تمام عناصر هند
فعلا اتحاد موجود است و هیچگاه زمانه مساعد زیند از استرداد
حقوق مغصوبه خویش غفلت نمی نماید و به آقایان وه فرماتر
مای هند قطعا وعده القای خلاف و نفاق بین اهالی هندوستان ندهند

گاندی

(اندیشه‌ای دارد) نشسته پیرمرد با ریش بلند و لباس
جولاهگان دین یا ایستاده

و تبلیغات آنها کاملا بقایده است. فریضه بیان کرده و تجربه هند و
از روابط نامه و نقشه هندوستان بنظم خلافت اسلامی سخن
رانده و اظهار امید واری مینماید کماهانی امریکا هم سهمی بدآمال
بن اهالی هندوستان نمایند.

نقل از اخبار زهور.

نطق سلیمان نعیف افندی والی بغداد

چون وقوع حضرت چون جانشاه و تأیید مظفر کیانش
علیه افضل التحیات حبیب خدا محمد مصطفی (ص) در اخبار به
گذارده بود بن شرف وجود آلاء مشهود نمودام و بگاه مقصود
بان عقد حظ دین مبین چون آثار و احیان و اقطاعات مقصود
شریفت مستعد مرتبه‌ها بمظهریت زوگیر. ولی دشمنان به
رای ترویج والقاء شبه و نفاق بین اسلام میخواهند حرکات
مارة برنامه ایران بشکل و مذهب دیگر تحریف کرده و اذهان
وفی سازاختلاف نمایند! لله و دولت علیان مقصود اعدائی از دخول
اقطاع ایران و حیات بارون کلفت ایران است!

لهذا: با اینکه کلیه اطراف ما را دشمنان اسلام احاطه کرده
باین حیات چشم طمع دوخته اند. الاس یک حرف متفق شکن
بی‌مغز و بیشمان بر ق آیا پست!

در حقیقت و نفس الامر مناظر پرستش برین جوده و وحش جوده
و طبیعی خرید. اعدان اخبار و ایران و مقدسات وطن آنها خدمت مرکنیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1201 of 1786

چند سال قبل از اعلان حرب عمومی روس و انگلیس ایران را بین خود تقسیم کرده و صاحب حوزه برای استیلای خود شان تحت پایداران اقامه ننموده بودند . حالا بعید اینها از برای منافع واستقلال ایران خدمت قیمت داری نمایند .

اشخاصیکه برای حاضر شدن در وطن خود از روسیه عودت نمودند وروح فتون روس شدند ، ولی رغم آنها ایرانهای حقیقی که در مقابل اشیاع جهاد اقدس پیغمبر (ص) وحفظ استقلال وطن خود اول کسی بودند که با پاز وپر شدند هیچوقت بین شیر وخوک شیره وماده وستاره یک هیچ برادری ووحدت وقوت دیده نشده بود تا این حال دشمنان ترسوی ما هزاران اقدامهای تخریبی بین برادران ما هستند ! فقط مساعی متفقانه اینها رابادن الهی خاتمیت خواهد بود .

دولت علیه عثمانی در حدود شرق برای حفظ منافع وحیثیت ملی وکلیه اقتدار خود وقتی بکدولت مستقل باقدرتی مثل ایران رابخواهد دیگر پشتو پناهیت ومتحریک مطمئن ترخواهد بود . مرکز خانه روسیا وانگلیس ها در حدود شرق ساخته شده تنها برای تعقیب استقلال ایران ، بلکه در مقابل امنیت استقلال عثمانی تهدیدات مالایطاقی میکردند .

انشاءالله این جنگ بارادتی مظفره منصور بیرون خواهیم آمد . واقوت درمقابل حقوق برادران ایرانی خودمان چادر رهبانیت خواهیم کرد ، تاوقتیکه خواهندید که (تاج وستارة) عثمانی برادر (شیر وخورشید) خودرا چندین بار دیگر باتوانش وقدرت سلام خواهد کرد .

(زهور)

نقل از شهاب ثاقب

مراجعت از جنگ

روزنامه میدهد که جنرال (پ) فرانسوی از ورشو به پطرزبورغ مراجعت نموده است این مسئله دارای خیلی اهمیت است زیرا که این جنرال یازده روز های ورشو بعد از تسخیر اولیه روس که معلوم شد حرکت روسیان از روی یک نقشه حربی بیست دولت فرانسه بتصویب دولت انگلیس جنرال پورا برای اصلاح وتنظیم قشون روس وترمیم نقشه جنگ وانتظام حرکت از دوها مامور جنگ نمود که تمام فعالیتی که این اواخر روسیا درلهستان ظاهر ساخته بواسطه مهارت این جنرال فرانسوی بود که تدریجاً اوقات خودرا مقابل مارشال هیندنبورغ ظاهر ساخت . ایشک که این شخص ورشورا وداع کرده به پطرزبورغ عودت کرده است معلوم میشود حالت قشون روس وضع بدی متقبی نمایند در هرصورت خوشحالیت این جنرال رادورو از انطاق بالشاهیت عامه تلقی میکنند .

ترجمان روزنامه جهاد

کلکته

بلوچستان

کلیات عظیمه اعلان جهاد اکبر در بلوچستان تدریجاً منتشر میشود این مسئله از انتشارات کمیته انجمن (هلوس) از طرف شده خوب مکشوف میگردد (آرائی هلوس یک شریک تام خیلی شکرانی فرا نسوی است مثل روز که ماه انگلیسیها دولف که متفق بالمان است) از وقتی که اهالی بلوچستان اعلان جهاد مقام خلافت اسلامی برعلیه انگلیس وروس دریافت مطلع شده وفتوای مذیعت اسلامیه بر این خصوص منتشر گردیده چندین هزار نفر از اهالی بلوچستان مسلح وداخل در مجاهدین گردیده وازسرحد شمال شرقی هندوستان تجاوز نموده ودر داخله هندپیشرفت کرده اند حکومت هندوستان متحیف وصول این خبر قشون جان سوب فرستاده وبین قریتین معرکه سخت بین وقوع یافته است . حتی عداوت انگلیس که در بلوچستان منتشر بود بعد از اعلان جهاد بدرجه کسب شدت کرده وچندین دفعات مجاهد دیگر بر ضد انگلیس است

اطراف آرائی هلوس کیفیت شرکت احرار فرانسوی است بخصوص مجاهدت بلوچها وتعدی انها بحدی هندوق است بدرجه اهمیت اوضاع بلوچستان

نقل از اخبار زهور

انهزام از جنگ

انگلیس ها ملتفت شدند که در رباط خاور صره نخواهند توانست اقامت کنند لهذا از خانه را تخلیه کرده بطرف جنوب رهسپار میشوند

داو طلبان

امیر سعود محمد ابن رشید که بکرت عده وده از اتباع امارت نجد پیش است بلوای عظیم خود وارد میدان ساحت جنگ گردیده کافه قبائل وعشایر عرب بلوای عظیمی در جنگ تر کت نموده وامید است که بهمین زودی فتح قطعی حاصل شود

راجع بکالن

جراید اسلامبول مینویسند انگلیس در کالن سوئیر چهار زره پوش داشت قشون عثمانی یکی از انهارا غرق کرده دیگررا سوزانیده وسیم عساکر زره دار در جنگهای سوئیر هزار وهشتصد نفر قشون انگلیس کشته وهشتصد نفر مجروح گردید شش توپ وبسیاری دیگر جنگی غنیمت گردید

جنگ در جوار ارض

بلغارها در سی هزار دوبرا سرحد صربستان (دوبرت) که در منطقه اولی واقع است حمله کرده سیف الله پاشا بموجب امر دیوان حربیه بقصد عزیمت بمقابل اویستاده دویست نفر از دون نی کشته ومابقی با یک حالت بدی متفرق وهزیمت دادند

بیان سفیر ژاپن

سفیر ژاپن در لندن تصریح کرده است که چون حسن وفاق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1202 of 1786

قشون ژاپون بساحت جنگ اروپائی پیوسته اضطرار ژاپون سعی کرده که در جنگ حاضر اروپا شرکت نماید

احسانات مهربان

از مصادیر مؤثر خیر رسیده است که حسن دلشاد انگلیس در پیاله مهربانی در آورد است و چند نفر از مطلعین که جمع کامل پنجاهمن کرده بود از طرف اهالی مطروب وحسی مجروح گردیدند

سوئیها و مصر

از روم (نقل ایطالیا) خبر میدهند که طوایف سودانی وارد دیار مصر گردیده و ذهبیه (سیوا) را تصرف نموده اند (سیوا نیز بست بلکه واحه ایست در طرف شمال غربی مصر که دارای اراضی ودهات ومزارع زیاد وبین مصر وطرابلس واقع است بی‌بل طول وپنج میل عرض دارد وچندین قریه ومزارع پر درخت خاصل خیز وچشمه‌ها وقناتها خوب دارد که نظیری در آن حدود کمتر است وتصرف آن بسیار اهمیت دارد شهاب ثاقب) وهمه مامورین انگلیس را که در آنجا بودند اسیر کرده

(زهور)

(اتفاق بلند داعیان بتوحید)

اگرچه اساس مذهب (لوتر) وطرفداران پروتستانی که در آلمان شیوع دارد مذهب رسمی دولت است کاهی وحمایت پروردگار عالم را در اذهان معتقدین وپیروان جای داده واز طریقه ثابت واقدام تلاش که مذهب سایر طوائف مسیحی خاصه کاتولیک واز تودکس است دور ساخته وخاطرات افتخارات باطله و بیهوده ازقبیل معصوم بودن پاپ وداشتن اختیارات فوق‌الطبیعه وغیره محو پهلت واداد کردن از عذاب اخروی انسانان کمتر از سایر طوائف مسیحی است ولی شخص اعلیحضرت امپراطور آلمان درکلیسای خدا وروحانی تمام قدرت وعلوم وقوت ودولت دارد پروردگار وتوکل بحقایق زمین وآسمان عقیده بسیار محکمی دارد که کمتر اطراف دیده شده است در مراطق قوای کار که از زبان امپراطور جاری میشود وحمایت خدا وتکیه وتوکل برقوت وعنایت الهیه بسیار قوی مشکل که تصادف بلا دیگر کرده وبلات لاینحل را بوحمایت وبسایل کشیده و جریان قوت الهی بعالم بشت کرده تاثیر مخصوصاً درمواقع جنگ حاضر هویدا و قشون را برحمت الهی جنگ وخاطر جمع میدارد ورای حصول فتح وظفر اسبی از اسپهای معظم تونهای آلمان از عساکر شجاع طیارات تندرو وکشتی‌های زره پوش وبیسیم وغیره فقط فتح وظفر را منتظر توجه الهی میدارد ومیگوید ما تنها برای اینکه خدا پشت وپناه ما است وما را حمایت وبرطرف ازالهٔ آلات بقوت وقدرت خود دری خانه وقصرت میکردند .

درسه چهار سال قبل درموقعیکه یکصد از کلیسای ها بنام آقایان ژاپونی بود امپراطور اعلی مقصد کرد که خلاصه قسمی

ازان ازان قرار است : اسلام دینی است زرتشتی وبتکده پرستش را وحدانیت خدا تبلیغ کرده وعظمت الهی را درافعال انبیا جای میدهند اسلام بنیان مدرسه تربیت وتهذیب اخلاقی است که دربرها بتوسط اوبه تدریج ملیت وترقی صعود وعروج کرده دیده وری که در عقیده توحید وبتکنیک خداوند عالم شدن دین اسلام سبی داشته باشد این دین توانسته است قسمت زرگ انواع بشر را که بالغ برششصد کرور است بعبادت وتوحید خداوند درآورد — سیصد جلیون پیروان دین اسلام بشاهد گوه عظیمی است کاسر برآسمان کشیده شهادت هوائی از آن کلمات وعظمت ارهای تیره گشته بدروه اعلا رسیده است قله های این کوه بانور توحید و بتکنیک خداوند تابان منور است .

اینه خوانندگان ازمطالعه این خطبه خوب متانت میشوند که چگونه امپراطور کیلیوم دوم در باب توحید ودارای عقیده راسخ و ثابت است که هیچ نوع تردید تزلزلی نمی باید دلی که سقراط زرگ حکیم معروف یونان درعقیدهٔ توحید ثابت وراسخ بود وبانهمه عقل از عظمت حکمت وجودیت بتکنیک وآرایی خود ان سر و تزلزل جایز حاضر شده واز بتکنیک خداوند دست نگشیده ـ عقلیت دیگر امپراطور هست اسلام وقابل تسلیم است

(طهران : شهاب ثاقب)

(تسلیح بلک کنتی)

نقل از اخبار (رعد)

کشتی تجارتی « پرنس ایتل » آنانی که فعلا جنگ شده است ۸۹۹۷ تن بارگیری دارد وهرساعت ۱۵ میل سرعت حرکت دارد سابقا درانیانوس کبیر مسافرت کرده و با کشتی جنگ آلمانی « شارنهرست » از مواضع شرق آلمانی حرکت کرده ودرانیانوس درحین مسافرت بکشتی جنگ جنگ شده ومجبور بزندان آنروزه وکلیه تجهیزات جنگی آنان گردید .

درهمان اقیانوس کشتی « شارنهرس » انگلیسی را که توزیع وعده از آنجا که هیچ جان آورد آنرا سوختا داد آنرا غرق کرد « شارنهرس » انگلیسی ۱۱۹۹۷ تن بارگیری داشت ومجبور از دو هزار و نهصد و هفت سال التجاره توزیع که بانگلستان میرفته است .

(کنا)

(تبریکات بمدارالمهام هندوستان)

لرن — بمناسبت فتوحات اخیری که بقشون انگلیس در کرده که مدارالمهام « هندوستان » در حدود پرس شرق و « ایستان » توجه وموفقی که در تشکیلات جنگی بدارالمهام حاصل شده امپراطور فام این‌های آنان وسیوتان بمدارالمهام وغیره تلگرافات تبریک وتشکر آمیزی نسبت به اقدامات عظیمه وی نموده ومدارالمهام نیز بهمراهی امپراطور از حصول نتایج عمدی فداکاری را باهالی اظهار نموده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1203 of 1786

ادبیات

نقل از اشعار (رعد)

سر کامر آفاق پراز نورش دلم اوست
از دست اروپاست

وین آتش سوزنده که آمد چپ و راست
از دست اروپاست

امروز جهانی همه با ناله زارند
بارنج و بجانند

بر روی زمین در همه شور شده بپاست
از دست اروپاست

آن آتش نابود که آن کشور خیره
میساخت نا خیره

بنمود یکایک همه بر یکر خود راست
از دست اروپاست

این شرق که یک قرن ز بیداد بیاسود
وز خلق بخر بود

وان آه که از سینهٔ او گاه تراوست
از دست اروپاست

دانها زتو پر در همه آفاق پر از خون
نه عدل نه قانون

خود چون دگران شو که مکافات در انجاست
از دست اروپاست

حال زچه آن بخت کهن شد زتو زایل
بی هیچ وسایل

وان بوم و برت جلگی امروز بیغماست
از دست اروپاست

آن خلق روان بخش که خود از همه بالا
میداشت مقدم

چونست که امروز چه این بوم و برماست
از دست اروپاست

گفتی که به نیرو بکنم گوه دماوند
افسوس که آن بند

گردید را کنده وهر یک بیک جاست
از دست اروپاست

گفتی بخرام بجهان همچو دلیران
هرقطر و اسیرا

دیدم که آن جمله چو یک پرده حصاست
ازدست اروپاست

بودت بسر اینخاك هوایی که جهانی
از پیش برانی

روزنامه (چهارشنبه سه چون شب یکشنبه)
از دست اروپاست
خراسان : فال

عکس از اخبارات اروپا که از کرزی کمیسر ارض محرر اداره ترجمه کرده
(تحت باقیه)

از دیلی کرانیکل ۲۶ مارچ :

یکی از اهالی فلاندر اروپا که بغرض معلوم کردن کیفیات حرب حاضر به جرمن رفته بود ، سیاحت اورا اخبار « دیلی کرانیکل » لندن یکو ضمن « پیرایهٔ بسیار دلپذیری درانشاعت کنونی خود درج کرده است لهذا آنرا برای مطالعهٔ قارئین خود در ذیل ترجمه میکنیم . سیاح مذکور مینویسد :

هنگامیکه من در نوروی بودم ازدهان مردم مختلف اخبارات حس میکردم که حال داخل جرمن در حال فوق العاده خوب است . از اینرو دراوراق اقامه خواستم که بالذات به جرمن رفته بعضی احوال دیده که خودرا درقید تحریر آورده در پیشگاه انظار عموم عرض و تقدیم نمایم .

بعد ازانکه بحدود حدودهٔ جرمنی داخل شدم روزی یک جرمنی من اهل کشورا برملهای چارهٔ فرانس وبلژیک بسیار دلچسپی آید که چرا ملتین دوقوم درین پیکار شدیم . امروزمردم سلطنتهای که تهذیب وتمدن انسانیرا بکمال کرده اند چنانچه دولتین روس وانگلیزاست واز دهٔ سایر از برکتی این هردو دولتست . چگونه حریکه میرود راج باهمین دوقوم ودر عرصهٔ کارزار که پرآمده اند این برای چنین بودن این هردو دولت ! بلجیم برای همیشه وجودش از صفحهٔ هستی زدوده گفت وحکومتش بایاخت از جمع ممالک آزاد میشد وپادشاهش در لندن بملاحظات فلانکی گرفتار آمد ، دراین اثنا بعضی جرمنهای دیگری بزبان ملایمی شدند که هر کدام شان از همین قبیل سخنان می گفت .

بعد ازان به « هامبورغ » رسیدم وانجا هرجرمنی را دیدم که بکمال جدیت درتهیه جنات بحری مشغول است و کوشش دارند که بزودیه قوهٔ بحریه برتانیا هم برسند . لهذا بحرهای جدید در بحر انداخته شده وشدند در آبها مانند رقاص آنها گردیده بودند .

درموقع من یک کشتی دخانی را به کرایه کرفته برای معاینه بندر کادوانه شدم واطراف بندر کادیس ازجهازهای تجارتی وباربرداری را کودتت جرمنی اسیر کرده بود که اکثر شان مال فرانس وبرتانیا معلوم میشدند . از ملاحان افسر های انگلیزی وفرانسوی جهازهای مذکوربیکر کارهای فرجی کرفته میشد . در لجان بندر کاه یک جهاز امریکائی هم بود غیر از لنگر انداخته بود که بجانب امریکا احرام میشد مکر که به سبب شروع شدن جنک بتوقف مجبور کردیده است .

در همینوقتها یکمن به « هامبورغ » بودیقصد رفتن « کیلان » بجهت زیارت حربیه مشحون بود وقتی که حرکت عسکرها یکونیم ساعت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1204 of 1786

وحریف جرمنی را این میدان خارج میسازد و آنرا بدون . تلفات
خود را ... جنگ ... و جنگ و گلوله بکمال شدت و ادامه دارد
و هجوم آلمانها و تلاشی میکردند .

بعد از انقضای یک مدت مختصر آلمان کاری‌های زخمی‌ها و
خسته خود را ... و مجروح ... از میدان جنگ آورده چنانچه
این از چندی نمی‌یابد که موفق به آرایش لشکری
خود و تکمیل گردید اقدام بازپس ... مد کور موفق شده و از
اجرای شوهرش را پرسیده گفت که هر شوهرم ۳۲ سال بود
و او معلمه در خواست کرد که در فوج زن خود مگر در
هزینه بازان در خواست او منظور نشده گوئیات « دوان
گفت آلمانیها وطنفروش میباشد . ولی آنها
هر آزوی شکست خود انتظار از طرف دولت خود تمنی
بگیاه ... و ... میدان جنگ نشانه . حالا از واقعهٔ
... چنگجوی وطنخواهی جرمنی را از این گرامیداشت بعمل
آورده میتواند .

آخرین خبرها

(از اخبار رهبر)

جراید انگلیس در روزهای از هفته جات خود درمیان بسیار
تعریف‌اند و از دامن افکارهای فرانس و انگلیز اظهار کرده
فلاده‌های ... و کابینهٔ وجوده مباحثه‌ها میپردازند . تا آنکه
این خبرها هیچ اصل و اساس ندارد ، و آنها نیست مگر اینکه
میخواهند نظر مردم را از مطلوبهای جوانی کمیو زمامداری
مقرن و مصر و ... و غیر های اطراف انگلستان می بندند ،
دور بدهند ، ترف دایسان منطوف دارند . حقیقت این است که
اگرچه ... های کنونی جنگ انگلیز و فرانس از مدتیست که
آنها دارایی را ... کرده‌اند و از کار باری قصور نکرده اند
ولی رنج خسارتها و زیانهای را کابینهٔ مرقوم‌تان چند کشتیهای
جنگی زرد ، خود آنها دیده‌اند ، قلعه های آسمانی مد کور
هیچگاه دیده‌اند از آخرین خبرهایکه تلگرافاً دارسیده معلوم
میشود که دیگر مطبوعهٔ انگلیه دربی روز هما یک طوفانات
عظیمانی بسیار قطعی حاصل گردیده . چنانچه انگلیز و فرانس
چون دیدند که از راه خبر دفاع مستحکمهٔ دارای فوق و ظفر
محال است خیال این افتادند که از طرف دریاچهٔ سپرون هنگر
خلک راه‌رده را ... های دارای و کابینهٔ تصرف نمایند .
رئیس ارکان حربیهٔ آلمانی چون این خبر را از پیش مختل
دارای در آن ... و ... ات لازمه را اتخاذ نموده بود ،
و بخواست که یک عده بسیار ... و نمایند عظیمهٔ بر ضد آن
... دارد . اینها از دامن هما از افکار جنسیونی
و خواهش دارد ... ، هنگ یک فرقهٔ مکمل هما از
ارکان حرب آلمانیه ... ی هزار پانصد نفر از کل اسرای
جرمن و ...) هنگ را ... و بک مسافهٔ بعیدی را از خبر
... و ... و ... کوچیت هنگ خارجات
و کرد ... ، با ... و پیش ... دارد کرد ، با کوان ... دارای بسیار
... از ... ی آن عده های نجوی بسیار ... اجرا

گرده چنانیک دکست فاحش به آنها داده گاه گاه هما گرفتار
مقتول و مجروح گردیده مقدار قابل ملاحظهٔ السیوف شان چرا مشغول
پس بکشتیهای خودشان رجعت کرده گاه آنها گرفتار شده و
غرقاب شدند . جنرال لریو گفته‌اند ، و یک جراید بزرگ و پسر
سردار اعظم انگلستان کاکلمان‌وود عروج کرده . ازین طوفانات
عظیمه مراسم دادنهای بزرگ در استانبول واگردید . و نتیجهٔ
کل متحدین از اطراح مارنل بسیار نامیدی رخ‌روده است .

لندن ۶ می ۲۶ جنوری الثانی :— منبع ایکونت دربورن
تقریری که در مجلس وکلا کرده است کابین بسیار افسوس
میکنم کدر امواج متحدین تعداد عروجین و مقتولین از حد زیاد
زیاده و جزئیل لریو بزرگ نشده است .

ایضاً پترو گراد :— رومنیا نین قشونهای مقرن و کاری
تون و مجبوراً پسپا شده میروند . و جرمن از فرصت گرا تواضع
جرار کرده جبهه‌های جدید روسیه نموده است . روسیه بعد
از مدافعهٔ شدید پسپا گشته .

لندن ۸ می ۲۳ جنوری الثانی : منبع لاید خارج اطلاع
کرده کابینه سیوم وزیر اعظم انگلستان را در دامان زهرکاری
شدید دیده است .

کلا :— جرمنها از جهت هر حالت کار روائیهای بسیار
شدیدی اجرا کردن گرفته‌اند . بنابر (اینکه) بر قضیه گردیده .
وازان راه مقدار کثیری از هما گرجرن راهروده بسرداست
سوی پیرو گراد در پیشقدمی است .

جرمنها طرف کلی بسیار قرب واردیده اند و قریب است
کمجر قلع آنجا برسند . (زهور) .

لندن ۸ می ۲۳ جنوری الثانی

حسب اعلان محکمهٔ بحری انگلستان کشتی جنگی تباه کن
« دارتری » نام انگلیز کلاز گاتهای عظیم جنگی بود بیک طرف
بحری مورده غرق شد و ملاحان کشتی مد کور در کشتی های
دیگر نشسته — و کشتی تباه کن گرو سیاردام رای امدادشان
رسید — لیکن باطریهٔ های جرمن از ساحل جرمن گلوله‌باران را
آغاز کردند — و گرو سیدر کشتی ها را گذاشته گریخت —

وخبر از بیان جرمن آنحاست افسر جدید دهشتناک جرمنها را
گرفتار نموده بمقدار زیاد زخم رسیده

(کلا) (مخابرهٔ جرمنی)

اخبار ... رائتر کابل ذیلاً ، جرمنی مطبوعات تقریباً ۶۰
هزار مسلمان که قبایل افغانند مرجعت اردوسط ماه فروری
اطراف شهر خرکوف حاضر گردیده . وهنوز رای وصول
کیفیت مفصل استقبال باید کشید و تاروز ۶ هفته مابین حضر
محمد وسفارت سلسلهٔ جنبانی دلچسپانه داشته است .

ترجمهٔ خبر جرمنی از انگلیسی کابل طبع کرده

که مطالعه‌کنندگان محترم از طرف مدیر و سرمحرر محترم رهبر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1205 of 1786

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایات داخل افغانستان	
شش ماهانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
سه ماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هفت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

مرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه [ده روپیه انگلیزی] قیمت ششماهه [شش روپیه انگلیزی]

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک علاوی چند انگلیزی [زده روپیهٔ کلدار است - از همین قرار حساب کنند]

یادآوری

برحمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیک جابدیگر جاروشو یابنده میباید که یک رقعه در وسر محرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید. هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند.

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشرکردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطریک ستون اخبارما (۳ - اینچ - ٤ - ستون) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً یکسال نشر کردن خواهد وسه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق هشتی در سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1206 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا

یادآوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت ترسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا بتوانیم تمکین نمائیم ولی باز گلایه مرکزی دارالسلطنه کابل بنام ما رسیده و ما گلایه مقابل توده را گلایه مقابل الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین گرام ما رساند مدعیه حیث جوهقبول نبوده . مشترکین گرامیدارالسلطنه خود را متذکر داد توری میکنیم که بعد ازین اخبارهای شان بدون واسطه غیر فردا فردا بواسطه آدمیهای یا گلایه خود شان میرسد .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمره نوبسر رسیدهٔ کتابخانه مطبعهٔ عنایت « کام بخش شیرین فائیه ! « جزیره پنهان » یک ناولیست که قوت قلم و معرفت دینی وطنیت را برای اساس زندگانی نوع قهرمانش نظر ثابت وجسورانه گرچسپانده . هم حکایت ، هم عبرت طرفی ، هم فضیلت ! خوش باشید ، خوش کاشید ، خوش امیدوش باشید . قیمتش نظر خویشهای باطنی و خاصهایش مبلغ ازان ! انبا (۹) شش روپیه فعل فروخت عین مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان بابا محمد در بازار ارگ ، دکان غلام محمد حاصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مجلد

کتاب سال سوم ... مجلد

طرز اعلانات

کی چه باید کرد ؟

ادب درس

توحید

این کتابهای فوق در اداره مو جودست ، هرکس تا آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابل

سیاحت زمین بهتاروز مجلد ۲

سیاحت در هوا مجلد ۲

سیاحت در زیر بحر مجلد ۱

از هندو سنتی و از هرجن سنی مجلد ۲

روضهٔ حکم مجلد ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از گذر عید الرحیم در مقابل واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارگ واز دکان غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی قیمتهای مبلغ خریداری گرفته میتوانند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای فوق را بکنند باداره سراج الاخبار افغانیه مراجعه کنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1207 of 1786

شمارهٔ ۲۰ سال چهارم

فهرست مندرجات

لهٔ معراج سعادت منهاج از نقطهٔ نظر فلسفهٔ اسلامیه (

توجیع بند — دولت (

اخلاقیات (دین ، دولت ، وطن

ادبیات (وطن

رومان وطریق حوادث آن (

حوادث داخله (راپورت در خصوص مرض طاعون — راپورت طبی — اطلاع از محکمهٔ اطلاعات

حوادث خارجیه خلاصهٔ وقایع جنگ اقیانوس از جزیره جیلانسین — شرف وقومیت — مرخص — نقل از اخبار رعد سلاطین وشهزادگان المان که درجنگ هستند — مسلمان شدن یک خانوادهٔ امریکا — آخر ترین خبرها — جنگ ایطالیا بالمقرا —

تصاویر منظرهٔ مکهٔ مکرمه — منظرهٔ شهر مدینه منوره — جناب شیخ عبدالعزیز چاوش — از اعاظم مشهور حضرات مشایخ سوئیس — طوبهای بزرگ المان — هجوم شدید رسالهٔ اسکوا وطوپخانهٔ روس — مینی استون که در آندن بشرف اسلام مشرف شده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1208 of 1786

اعلان

از صنایع پرورپهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت شهریاری ابدت الدوران پادشاه رفیعجاه دولت علیه الفلانیه وسعی وهمت جناب جریل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه براجزای حوایج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دقیقه وتوپخانه ها وتفنگ خانه های عسا کرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : تفصیل فروش این چیزهای ذیل (در کان فروشی خان دروازهٔ ارک) میباشد .

(۱) سرخ های پشمینه بالی ورنگهای مختلف کیفیت آن از قرار گرانکلزی ۳ فوت مشخص شده درست وقطعهٔ جنسی هم فروش میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم ولندری کلفت قیمت گز ۱۰ پیسه زیاده شده
رقم	رنگ تا حال ساخته نشده	خودرنگ / رنگ	خودرنگ / رنگ	رنگ	خودرنگ / رنگ	خودرنگ / رنگ
قیمت	۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه / ۹ روپیه ۴۲ پیسه	۰ روپیه ۴۸ پیسه / ۶ روپیه	۰ روپیه ۱۸ پیسه / ۶ روپیه	۰ روپیه ۱۰ پیسه / ۶ روپیه ۱۰ پیسه	۰ روپیه ۲۰ پیسه / ۶ روپیه ۱۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکلزی کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیسه ، کشمیره دهدار هر قرقره ۱۰ روپیه بیست پیسه

(۲) چراب ها ﴿۳﴾ تکمه های چرمی محراب ومنجوقدار

رقم	نکتانگ زوج	راهدار زوج	معمول زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۲۵ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زمانی خانه دو قره دوکانه	زره باف یک اسپه دو کروه سه کروه	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ بار کارهٔ نظر
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاسه یک اسپه	چرم باف دسته دولاسه یک اسپه	دسته دولاسهٔ یک بار اسپه	چرم باف عرکان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قیطه رنجی کلیت قره دوکانه	قیطه کلیت قره باز چرم دسته دولاسه توپخانه	زره باف رقم سواری ساعی کلیت	زره باف دو کارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازنج	چرم باف میانه چوب پت زکاه	ارزن سواری تیغ چرمی	زکاه ابریشمی حیاطهٔ
قیمت	۴ روپیه و ۱۵ پیسه	۵ روپیه ۸۲ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته دولاسهٔ تیغ چرمی	دستهٔ دولاسهٔ رنجی کلیت قره	از ارن سواری دولاسه تیغ چرمی کمک دار	چرم باف سایبان پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرون	گل نارنجان	گل بریه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۹ روپیه و ۶ پیسه	۹ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندنی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۹ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿المشتهر﴾

(میرمحمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کیدان لطامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1209 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۳۰)

قیمت بهای اعلانات

محمود طرزی

اداره احوال مطبعه

در مانیجمنت دار السلطنة (کابل)
عهده امورات تحریریه یادداشت ساده
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم شعبان ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۱ جون تاریخ شمسی ۲۴ جوزا ۱۲۹۴

لیلة معراج معجزات منهاج از نقطهٔ نظر فلسفهٔ اسلامیه

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السمیع البصیر

وی کاست خدایرا که ببرد بنده خود را شبی از مسجد حرام بمسجد دوری که برکت داده ایم اطراف آنرا تا بنمائیم باو بعضی قدرت خود مرادورا تحقیق که خداوند تعالی شنوا و بیناست . ۱۲ صدق الله العظیم

— ۱ —

چون پیش ازمه روز از تکرر این تبارهٔ ماضاعف باشبیست وهشتم ماه مبارک رجب مرد لیلهٔ نیز کا وقتاً سرکاهٔ مقال این تبارهٔ خودرا بمذاکر معراج شریف حصر نمودیم . لیلهٔ مبارکهٔ معراج یکی از لیالی مقدسهٔ اسلامیه است که بدین لیلهٔ مقدسه درسالم بحاء وکرم ولایت مرتاب سعادت حضرت فخر کائنات محمد مصطفی علیه افضل الصلوة والتسلیمات معراج قدسیت منهاج وقوع آمده است . در آنشب قدسیت موهب حضرت جبرئیل علیه السلام از طرف حضرت جل وعلا آمده آنحضرت صلی الله علیه وسلم را از مکهٔ مکرمه بمسجد اقصا که عبارت از بیت المقدس باشد . وازانجا بسموات علیا برده . ذات قدسیت سمات حضرت رسالتپناهی بمعراج انکه آیات بینات قدرتها وحکمتهای بیشمار پرحجاب وغرایب حضرت باریتعالی جل وعلا رامشاهده وواقعات بیشمار حق را رؤیت فرمودند بیمناسب بنی بمعاذ گفته " رسالتپناهی " شان الشریف آور دند . فردای آن کیفیت معراج را به امت باهرهٔ خود بیان فرمودند اولاً حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنه وبعد ازان دیگر اصحاب کرام تصدیق وتبریت نمودند .

اکثر علما براند که معراج در سال دوازدهم از مبعث بوده ودرماه او اختلاف کرده اند ولی اکثر واشهر همین است که درشب بیست وهشتم رجب بوده است . زهری آنحضرت صلی الله علیه وسلم ازمکه به بیت المقدس بعض قرآن ثابت است که نبود باعث اگر کسی انکار آن نماید کفر است . مراد المسجد الاقصی بیت المقدس ، ومراد (ماحوله) یعنی اطراف آنرا الهی تمام است که برکت معنوی " آن محیط وحی ومعبد انبیا بودن آن است . وبرکت مادی " آن سیزاری " اشجار وانهار ومیوه وفراخی معیشت وحسن هوای آنست .

چون مسئلهٔ معراج یک چیز خارق العاده وساعوق تصور عقول بشری دیده میشود منکرین این معجزهٔ باهره در کفار بیشمار بیشمار است . اما اهل اسلام که روحمایت وکمال قدرت وحکمت ذات اقدس حادق کائنات اعتقاد ، وآیات محکمات قرآن عظیم الشان معلم وثبوت رسول برحق اکرم صلی الله علیه وسلم دارند وبان وتصدیق بالقلب واقرار باللسان ایمان آورده اند هیچ شبه وانکار را بخیال وخاطر خود هم راه نمیدهند وحاجت دلیل کفایی ورهان آوردن هر رای مسلمانان دیده نمیشود . انواع متکران اکابر قرآن عظیم الشان از نقطهٔ نظر فلسفهٔ اسلامیه و بعضی دلایل نقلی وعقلی که بفکر ناچیزانهٔ ما رسیده است خود داری نتوانستم :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1210 of 1786

دلیل یکانه‌ٔ منکران مزاج قاعدهٔ طبیعیهٔ « ثقل اجسام » است که گویا ثقل مانع باشد جسم جسم است از سطح زمین بسوی بالا - حالا تکه « آرشمید » حکیم یك قاعده بیان کرده گفته است که : « آن بعضی اجسام چرا در آب غرق میشود ، وبعضی چرا غرق نمیشود ؟ مثلا یك تخته ورقه را چون در آب بیندازیم می‌بینیم که روی آب شناوری میکند ، وچون یکپاره سنگ را بیندازیم مثلاً تا عمر آب فرشدن آنرا مشاهده میکنیم » ازینجا فکری که درمسئله خود این نتیجه را استحصال کرده که : « هیچ هرجسمیکه ازهاندر یك حجم آب سنگینتر باشد آن جسم غرق ، وهرجسمیکه ازهاندر یك حجم آب سنگین نباشد آن جسم غرق نمیشود » اگرچه قانون فی « آرشمید » درروی هر کیمیا و حکمت طبیعیه بنی امیرات واصطلاحات خودش مقاله‌ٔ بیان شده است ولی ظاهریست که ذهن مطالعه کننده‌ٔ نکته‌ٔ مشروحش را قطعاً نمیتواند ازقرار فوق بعبارات ساده ووجیزه تعریف وتبیین کردیم .

تقریباً یکنیم عصر پیشترازین این قانون « آرشمید » درکرهٔ هوا نیز تطبیق یافته ارباب فن اندیشیدند که اگر یك جسمی پیدا شود که از هوا سنگین باشد هیچ شبهه‌یست که بهوا بالا رامدن آن ممکن خواهد شد . تا همین بود که « بالون » نام آلهٔ را که پیران « موتغلفیه » به یك نوع تصادق کشف نموده بودند « الکساندر دارل » نام کیمیا گرمشهور با « مونتالان » نام عالم بسیار خبیرتر از هوا که درکشف آن کامیاب آمده بود پروامهٔ نموده راه بالا رامدن طبقات علوی را درزمین طیلسان نام سطح باز نموده وتهیهٔ برهین مسئلهٔ خیفتر ازهوا وقی تاید بلکه کار ازاینهم بالاتر رفته درصدد این رامدند که اجسام ثقیلتر ازهوا را نیز بزور وقوت و قدرت فن و صنعت بالا براورده برطبقات عالیه حکمرانی نمایند . چنانچه گردند ، وبه طیاره داری وآریپلان رانی خود چنانیست که میکردند .

پس ای منکر حق و حقیقت ! بگو بدی ملاحظه فرما وانصاف ده ! اگر هرچیزیکه « دیدنی » و « ازهرمعانی که هست » اگرچه بدین حقایق هم مانی ، آیا حس و عقل هم ندانند خواهی بود که بان یك پدری که آیا بشریت بایسته تحیر وضعف و ناتوانی که دارد بازهم میتواند که از معامله کردن با « خالق کائنات » را با « آهن » و « موتغلفیه » نام یك آلهٔ را با آن چنان ساخته درسید آموخته شدهٔ آن می نشیند ، و از سطح زمین چنان هزارها هزار بالا رامده میتواند ، پس چسان انکار میتوانی که ذات قدس خالق کائنات ، وهستی وهستهٔ موجودات بدرجهٔ بدیر ماهر محتر نیز ازخلق ، حکمت ، قدرت عروه باشد نمیتواند که یکی ازخاصان خودرا که مراد فریاد بهوهر قدسیهٔ علویهٔ بالذیهٔ خود ازخلقات جسمیهٔ نابسطوحهای چنان سبکدوش سازد که سریع ازفرق شده بدور ماه ارضی و بادی جولان نماید ؟ .

بلی ، انکار این امر برای آن کرده نمیتوانی که ازوجوب وجود ذات باری منکر باشد ، وچون از وجود واجب الوجود انکار کنند ، لابد ازصفات علم ، حکمت ، قدرت نیز منکر خواهند بود . ولیکن واضحا که این انکار آنچنان انکار کننده کان نیز وجدانشان نیز یك خدا و عصمت ماهیای بیاید ، گرهیچ چیزی نیست ، زرا وجدان وحسیات خود کی بزبردن باید پیروی نکرده ، اصلا هیچگاه ازتردد واضطراب ، تشت وپریشانی رهایی نمی‌یابد ، وبدا خودیك وجدانشان بهن راه تحقیق اجبار نشان میکند ، و هزار ها هزار حربه های کوبا کون وبرایر وظلمون این کائنات مملوست نور بزهر خطوهم عدد رصدی واجب ارشاد نشان میزند ولی عدد آنچنان نیستان وکرده در کلی باد بی ایمانی جنبان نشان را میرباند ، یا آنکه سایهٔ خطاش که بروح داشتن جبان آنرا تاب آورد بین نشود جواً میرواند . لهذا روی سخن بدین مسئلهٔ آن چنان کرده لایحسون نیست .

در خاطبیهٔ محاورهٔ ذیل بدین صدد از قلم ملای مسلمان تذکار نموده مقالهٔ خودرا خاتمه میدهیم !

« پادری : هرچند فکر میکنم که بدانم آیا محمد [ص] از کجا زاده برآسمانها بالا رامده ؟ هیچ پی برده نمیتوانم !

« ملا : — وای ! مگر شما هیچ نمی‌خوانید که پیغمبر ما از کدام راه به سما عروج نموده ؟

« پادری : — نی !

« ملا : — چون چنست ، بگوید که من آنرا بشما بفهمانم .

« پادری : — بسیار مهربانی !

« ملا : — البته میدانید که حضرت عیسی (ع) « آسمان عروج فرموده رفته ؟

« پادری : — بلی !

« ملا : — آن راهی را که حضرت مسیح (ع) برای بالا رامدن پیمود بشما نشان داده ؟ یعنی آن راهی را ملائیکه فرا موش کرده بودند گویا ، این است که حضرت محمد [ص] همان راهی را پیدا کرده بآن برامده است ! . . . .

این لطیفه ایست که برای الزام خصم ایراد شده است . وگرنه ما مسلمانان را کجا ممکن یکانهٔ چنین وساده راه راست هدایت فرموده ، وبسراج سعادت منهاج پیغمبر برحق ما کالا ملائکه مکرمه کابه پیشگاه قدس وتزلفا به آسمانها رفته وعروج فرموده ، وبکلمات پربدار پروردگار شرفیاب حاصل نموده چنانکه رفیع وبرهان قوی ایست که بموجب چنین خیال پذیرفته شود ، « والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم » .

ملا توبا یك ترجمهٔ شعر دلپسند واو مرحوم بزرگوار حضرت ، طرزی صاحب را که درلغت تاجوروز خواحضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1211 of 1786

و بعد مستطاب و علیه‌الصلوة والسلام والثنا بدان شرف صدور فرموده بودند تیمناً و تبرکاً مدایح مخایف شرف و سعادت مینمایم

﴿ ترجیع بند ﴾

﴿ در نعت ﴾

(۱)

شب وقت سحر زمانه خالی ... رهبر چو سوی صبح اقبال
در بند گرفت تا بگیتیان ... بیدم خرد را بچشم ادراک
صد خیل ملک ستاده بر او ... از نور و صفا بسان حلاک
جنت همه پر ز لاله و گل ... دوزخ همه پر ز نار و ضحاک
از طوبی و سلسبیل و کوثر ... از زهره و مشتری و اطفال
عریوت وصدا که کوش گردم ... هر نقش که بید دیدهٔ پاک
عربک زبان راز میگفت ... اوصاف رسول شاه لولاک
اینجا چه قیم وصف گوید ... بشنو که بگوید ار ادراک

حق گفت چنین باحمد پاک
لولاک لما خلقت الافلاک

(۲)

نورش سبب ظهور عالم ... ضدش الف روان آدم
کهتر نیوانش نگین زر ... شه خادم چیری غلام
اوصاف وی از زبان عیسی ... صد بار نشنید گوش مریم
شد جام جهان نماز تابش ... سر خط رموز ساغر جم
بر زخم دم طبیب لطفش ... هر خط نهد زخم مرهم
آن ز کرم فشان بروم ... زراک شدم کسان از هم
هم چون نکنم پیشی او سر ... پیشش چو سپهر کرده قد خم
در یکدو کون وهر گردون ... در پای پیش وده فی کم
جائی که کند خدای مدحش ... او صاف و ثنا چیر من زم
من کیستم و کیم که بشم ... گر شما ثنوی ار نم دم

حق گفت چنین باحمد پاک
لولاک لما خلقت الافلاک

(۳)

والشمس رود صفات روشن ... والیل ثنای نکر موشن
در حسن وصفات و کره روئی ... جنت نبود چو خلق کوشن
چون مرده زو حیات یابد ... هر صبحدم از هوای وشن
از بس گل روی او لطیف است ... دزدیده نظر کنم بسویش
لب ز نکند بآب کوثر ... هر لشه که نوشد آب جویش
از دام دو کون گشتم آزاد ... تا گشته دلم اسیر مویش
در صورت او ست تحس مکنم ... آئینه شدم ز بس رویش
مشاطه چو طرف مدح خواهد ... این دیدهٔ سر نهاده کویش
با ناز و ادا بصوت دلکش ... از قول خدا کند برویش

حق گفت چنین باحمد پاک
لولاک لما خلقت الافلاک

(۴)

ای نقش نشان ز نقشبای ... رایای نهان و هم عیان
جوای خط لوح غیب رحمانی ... هر چند الف ز بادای
در جمع بشر بحسن اخلاق ... کس باوو تو یکی نمای
عشق تو زبس شباب طبع است ... آموخته پیر را جوان
هم بافع سر رمز یعنی ... هم واقف وحی آسمانی
زان گوشهٔ دامنت گرفتم ... چرخ است بن بشع کان
یکدای کره زنگ دارم ... زرا که زلطف میتوان
طرزی نکنی ادای وصفش ... صد سال اگر تو قصه خوان
چون خامه خوش باش بگذار ... مدحش کلام آسمانی

حق گفت چنین باحمد پاک
لولاک لما خلقت الافلاک

(۵)

فرش است فلک بخاک راهش ... بر عرش رواست تکیه گاهش
داره بخدای قرب نالی ... زانست بزه قرب راهش
رجاه کنند تکیه مردم ... جبه تکیه زند بخلق کاهش
مه را چکنی باو مقابل ... خور شید خجل بود زماهش
شد سیر بلا بسیای جانت ... عاری که فشادهٔ براهش
درباغ بهار عکس رویش ... گلزار دمیده از گیاهش
طرزی تو بگو حرف مدحش ... سایه زند قرب ماهش
خود مدحت او کند خداوند ... طرزی تو بمان سنک راهش

حق گفت چنین باحمد پاک
لولاک لما خلقت الافلاک

(۶)

رویش گل بوستان جانست ... یاقوت لبش چو جان روانست
جیبش چو بهشت لاله حیز است ... دستش چو سحاب درفشانست
از هیبت او دو سیم زهرش ... مورش مثل سنانست
شاهنشهٔ فل کبی است زادو ... در موکب او شهان روانست
خورشید سفرهٔ نوالش ... یک ذرهٔ کرم روی خوانست
از سهم حسام او عدویش ... در گوشه حزمه چون کمانست
بگرفت جهان ز شرق تا غرب ... شمشیر تکش چو کی کشانست
او صاف حمیده کمالش ... طرزی تو بگو کرا کمانست
خاموش نشین و گوش بگشا ... این مدح نبو که بر زبانست

حق گفت چنین باحمد پاک
لولاک لما خلقت الافلاک

(۷)

بقرب خدمت بسکه دمساز ... گشته چو خیال آسمان باز
هر عاشق و دلدارست و محبوب ... هم جسته نیاز هم همه ناز
در دائره خط پار سر بست ... انجام و بدست حرف آغاز
باهمت اوست چرخ گردون ... چون کلک ضعیف و چنگی باز
سرسته کره زنگ کارم ... جز نامش او که میکند باز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1212 of 1786

طرزی ترسید تا بکوشش هر چند بلند کردم آواز
نومید مشو که آخر کار این در ریخ تو میشود باز
ای مطرب دلنواز یکدم بی پرده مرا بچو چنگ بنواز
طرزی زسخن گذر بمدحش این نغمه بشعار ساز بنواز

حق گفت چنین باحمد پاک
لولاک لما خلقت الافلاک

دین ؟ دولت ؟ ملت ؟ وطن

این جز گاه مقدس را می بینید ! اینجا سر عنصر یست که قوام انسانیت انسان بآنست . کسیکه وطن خود را دوست ندارد شرافت ملی خودرا حافظه نمیتواند . کسیکه شرافت ملی خود را حافظه نتواند ؟ حقوق خدمت وصداقت دولت خود را چسان بیاد کسیکه افتخارهای ملت . ونتواند . وظائف دینی . اکمل اخلاقی را فاسد . تربیه اش را مفلوج . ولازمیت اجتماعیه اش مطروح باید شمرد .

« وطن » چیست ؟

« وطن » یك طرفیست که ملت مظروف آنست . چنانچه ظرف بدون مظروف خالی وبیکاراست . گفتهٔ مظروف بظرف نیز لازمیست . بپریشانی سرخود بیاد است .

« وطن » ید مهربان . « وطن » مادر شفقت نشان است که ملت اطفال پرورش یافته واولادهایت دیدهٔ اوست . چنانچه مادر وپدر بی اولاد . عقیم و عنین است . کسیکه اولاد بی پدر ومادر را نبیند . اسیر . حزین باید دانست .

« وطن » شجر است . ملت ثمر . وطن چشم است . ملت نظر . وطن مزرعه است ملت محصول آن . وطن خزینه است ملت گوهر آن . پس چنانچه شجر بی ثمر . دیدهٔ بی نظر . کشت زار بی حاصل . خزینهٔ بی معامل لایفیده وضع میراست . گفته وطن بی ملت . وملت بی وطن نیز لایفیده چیز میراست .

حالا ازین تعبیر های شاعرانه در گذشته یکمقدری معناهای حقیقی این کلمات مبارك و مقدس را بعبارات ساده بیان کنیم تاولادهای وطن بدانند وبفهمند که اینها چیستند وچه تأثیرات وتأجه درجه اهمیت دارند .

پیش ازسه چهار سال که بنابه مراجعوالیه عنوان پیرایه ذات معارف صفات پادشاه مقدس خود ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » اول بار بهاشتراك اخبار « جریدهٔ خویش » نوشتیم که « وطن » را که مینویسیم معنی اسمائی وطن عزیز ما در خصوص قدسیت آن ، ودرجهٔ اهمیت آن توضیح میکردند ، وتحلیل معنای آن پی ببرند ، بدرجهٔ که تحت قدسیت وحمایت وفداکاری آن یك چیز عجیب وغریب یکانه بگوش شان برمیخورد . جز گلمهای « اولاد وطن » ، « ابنای وطن » ، را کلمات عجیب آمیز واشیزا انگیزی نمیشمردند . زیرا یعنی تا که ها واولادشها را خطاب « یا ابنای وطن » داده تعبیر اولاد وطن را از همان قبیل یك کلمهٔ عشرانه ومسیزانهٔ کلن میکردند . ولی رفته رفته بیان کلمهٔ (وطن) گوشها عادت گرفت . ودرجهٔ اهمیت و قدسیت آن تا یکدرجه یعنی دماغها وفکرها رابشوروشر کرد ودرجه اینکه بعضی چنان کار خواهند کرد که مراد از « وطن » همان قریه یقصبه یاشهری خواهدبود که درآن توطن وسکونت دارند ، وعلاقه داری وصداقت وفداکاری وطن منحصر بهمان دیه وقریه وقصبه وشهر خواهد ماند ، حالانکه معنی حقیقی وطن این نیست .

مختصر ترین و خفیف ترین معنی « وطن » این است که « وطن » همان جا گرا پادشاهت که بامضای مرحمتی خویش وشرق وجنوب وشمال ازحدّ دیگر دولتهای همسایه خود جدا نموده باشد . یعنی دیگر « وطن » عبارت ملکها وزمینها وشهرها وقصبه ها ودیهاتیست که حکم پادشاه دولت یك حکومت دران نافذ وجاری باشد . وطن کابل . جلال آباد . لغمان . گردیز . غزنی . شتوازی . سفید کوه . خوست . ننگرهار . جدران . کوهستان . کوهدامن . خوږی . ننگاری . پکتیا . پکتیکا . غزنی . هزاره جات . وزیرستان . بدخشان . قطغن . بلخ . هزاری . میمنه ای . هرات . قندهار . وغیره وغیره همگی همان خاك پاکیست که آنرا « افغانستان » میگویند ومیخوانند ومینویسند .

حالا بیاموزیم معنی لفظ « ملت » : ملت بیرمانه لفظ وطن یك شمولیت بی دارد . اگر چه همهٔ اهل اسلام را « ملت اسلامیه » میگوئیم ومیدانیم . لیکن مراد ما از لفظ « ملت » همان صرف وهمویست که درخاك پاك وطن مقدس « افغانستان » میباشد وسکونت وجودیاش دارند ودرسایهٔ تاج یك دولت وپك حکومت هستند . یکدرجه آنها عنوان « ملت افغان » اخلاق میشود . تعبیر « قوم » معنی « ملت » رادیر تیکیرد . زیرا ملت ازاقوام مختلفه ترکیب و تشکیل یافته است . وچنانچه کلمهٔ « وطن » تنها پرچك شهر وقصبه ویکده منحصر نمیباشد . همچنان کلمهٔ « ملت » نیز عبارت ازیك قوم ویاتبعیه ویکدایی نیست . درانی . غلجائی . کاسیك ترك . غوربك . هزاره . کوهستانی . پکتیری وغیره وغیره همگی « ملت افغان » گفته میشود . چرا که مدرك وطن . وزیرحکم یك دولت سکونت ومعیشت دارند . وآن وطن « وطن مقدس افغانستان » . وآن دولت « دولت مستقلهٔ افغانستان » است وبس .

آمدیم بر لفظ « دولت » : هزار افسوس کهموجودیت ما گلهٔ دولت تنها پریشه درویه وخلا وخلا ـ یعنی توانائی اخلاق میشود . خلا میگویند . خلان آدمیسار دولت دارد . یا « فلان آدم دولتمند است » مرادشان این است که یعنی آدم بخلی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1213 of 1786

صیاد صاحب پسه وثروت وتوانگری میباشد ، وچون طایفهٔ هنود بادبور در اق مدخول ، وبه ثروت وتوانگری معروف آند القاب وخطاب که برای آنها وضع شود ، دولت پناه ، توشه میشود ، و اگر کدام طایفه مراسم سلام و کلام ابتدائی ملاقات وقوع آید ، خواب ، خدانگاهدار ، آبادباد دولتزاده ، گفته میشود ، لهذا القاب وخطاب زر کی مآب ! . . .

لهذا اینگونه القاب وخطاب از روی کژدن وخواهش نمودن میدهند ، نه روی افتخار و اگرام ! چرا که اظهار اینچنین

لایق خطاب والقاب آنه و سلمانان دانسته شود ، نمیبینند از اینرو اینان خطاب والقابی که لایق مسلمانان باشد مخاطب ومطلب میشوند ، حالا تنکلاب ، دولت پناه ، بابه یك لقبی باشد که مخصوص وزرا وو کلای دولت شمرده شود ، بهر صورت ! حالا ازین سخن صرف نظر کرده این را بگوئیم که ، دولت ، در لغت ! گرچه معانی بسیار وشاخ وبرگ داری دارد لیکن برای اینکه سخن دراز نشود ، واز راه گوناگونی بحث نرسیم بهمینقدر ! کفایت میورزیم که ، دولت ، عبارت ازقوة ماکمه ایست که زمام اداره وانتظام

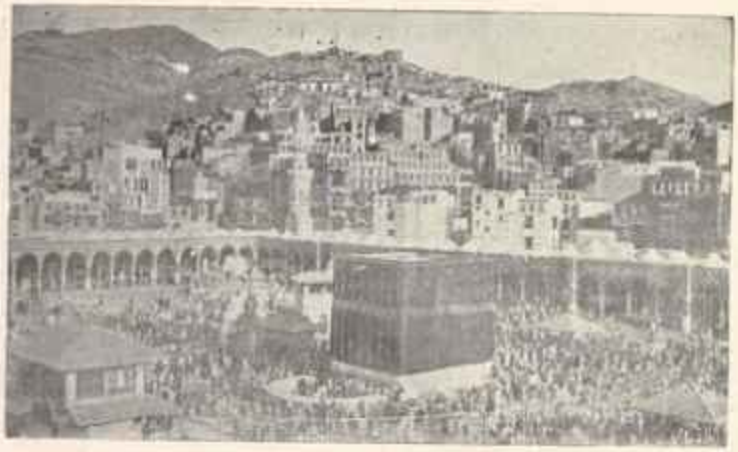

منظرهٔ مکهٔ مکرمه

حرم کعبهٔ شریف وبك قسمی از شهر مکهٔ مکرمه

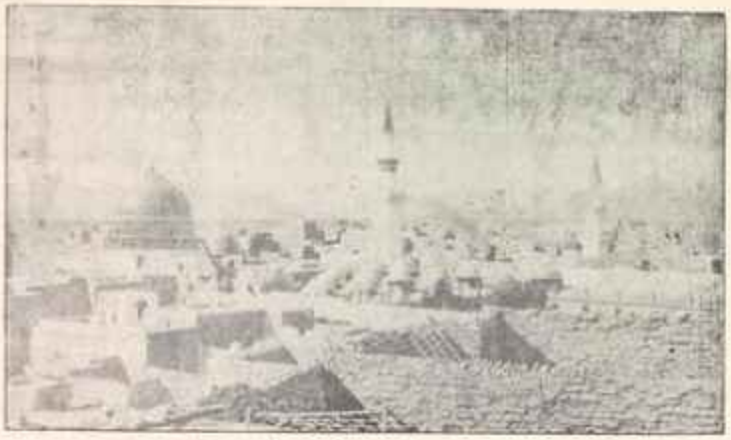

(منظرهٔ شهر مدینهٔ منوره و گنبد روضهٔ مطهرهٔ نبویه صلی الله علیه وسلم)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1214 of 1786

واحکام عدالت ورعایت وزون ومساعات وآزادی وعمران یك ملت ویك وطن چست کفایت و درایت ان قوم ما که که آزادی وملت ودین خودشان‌باشد بیرده ندیده بودن که کشته شد روح و دماغ ان پادشاه را باید شناخت بین چنانکه وطن بی ملت ، وملت بی‌وطن هیچ‌وجودیکه معنی نیشود همچنان‌وطن وملت بی‌دولت ودولت بی‌پادشاه نیزمانند یك جسد بیجان ، مانند یك‌عمارت موثر جلال‌شده بی‌موزون‌باشد، یك اسپ سر کش بی لگام ، مانند یك ماشین‌خانه بی‌نوا بخاریه حرکت فرجام میابد !

شیخ عبدالعزیز جاویش

از علمای متبحر مشهور وعضو شهیر مصر است کمعزین بخاریه حاضره رای رجحان دادن وطن خودرا ازمدت انگلیزهنگام های تحمی یاد کرده است

چون این سه چیز یعنی وطن ، ملت ، دولت نباشد دین هم نقص و بیکار میاید . بگوئید که چرا ؟ میگویم از ان سبب که تاریخ ووقعات وبده یا عیاناً نشان میدهد که از وطن وملتهای اسلامیه که ورزیر احکام وقوانین قرمان ، وان غیر دین‌شان در آمدند آزادی ملی ووطنی شان بدست متقلب کریدند واحکام دینیهٔ خود ازدایره ملك نیستند ، بکنار اطراف خود به بینید ! آیا گمان میکنید که از رادیان دینی ما که در زیر یغا غولادی استادت غیر دین وغیر ملت خود وبرامدند ایر مانند میان آزادی دین ، حق وطن ، شرف ملی را مالك خواهند بود ؟ لا والله ! هیچگاه !! ....

آیا میبینید که مسجد مسلمانان را خراب میکنند ، عزت وحقوق واختیار مساجد ومعاهد اسلامیه تحت حکمهای خود شان لاشی میباند ، اگر سرك یا راه دیل شان رگذرمعبد وزیرگاه مقدس اسلام رادربیاید بگذارین رادیان و بیاسی آزا می‌شکافند

از فعالهای مشهور حضرات مشایخ بدوی

ای اولاد وطن !

دین ، دولت ، ملت ، وطن خودرا عناصر جاودانهٔ حیات خود بشناسید ، در نیکنامی حرف صداقت ووفای ، حفظ شرافت ملی ، محبت وطنی خود بجان وقلب کوشش ورزید ، درین شماره

وخراب میکنند ، در عزت واختیار وحقوق هیچگاه‌یك‌مسلمان بسیار معتدد واحیت بانك نکنه معمولی خود شان را دی کرده نمیداند ، اگر اولاد مسلمان هزارها در جا خود شان تحصیل ابتدائیه داشته باز هرچه درجه ومنصب ومأموریت درجهٔ اولاد تحصیل ابتدائیهٔ خودشانرا نمیابد ، هیئت‌وجودشان را ، دیوار ودیگران او گر میدانند ، آیا نیکه وطن وملت ودین خودشان دین ، عقاید ، ملکیت‌شان حیاتهای زندگانیهای سازد وعزت واختیار ورثی میکنند ، آیا نیکه اسلامیل ورغیر وطن وملت ودین خود عاملت باشند ، ودر راه حقوق دینی‌وملی‌شه بزبان‌عیانند بقلم زنند ضبط میشوند ، گرفتار میباشند ، بندی میشوند ، اعدام میگردند .

زنجیرهای تکیدن گاه و کاهروی ، از قرآن عظیم‌الشان حرکت ونشئت میورزند ، ملاها وامامهای مسجد های مسلمانان را دوستان زبان خودشان دعا شنو خود میدهند چیزها زند ، قاضی‌ها مفتی‌های مرحوم مسلمان ، اگر احکام دینی وقوانین ملکی شان‌اجانب میشود ، واحکام رای آزاخوان دین‌ما که در زیر تسلط وحاکمیت غیردین وغیرملت خود شان‌در آمده اند ، نه محافظهٔ دینی نه شرافت ملی ، نه حقوق وطنی هیچ چیزی باقی نمانده است ، اسپرتیل حقیر بخاریکان هستند کهمالی کون ومکان ، ورو سایت یعنی آخر زمان ورکتاب قرآن عظیم‌الشان مارا ازاخلاق نکوهیده ، وآزار انحوان مازاهر نخواهد داد ، آمین .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1215 of 1786

همین قدر سخن اکتفا ورزیدم . انشاءالله در شماره آینده مطالعه کنام این گانن مقدسهٔ جاز گاه جداجدا بحث خواهیم داد .

(باقی در شماره آینده)

ادبیات

وطن

للامیر تخلص

فرح بقلب حزین فقد ز روی وطن
فتاد بنطق چگانیده گفتگوی وطن
وطن عزیز چه الفتش سزاوار است
هزار جان گرامی فدای روی وطن
بگلستان عربی شو بدل مکن غم
چه میدهند بگو گفت بد روی وطن
شمیم زلفهٔ مشک و سواد عنبر
بوده نیست زعطار خاک کوی وطن
اسیر محنت آنم یا مرحوم کز صدق
گشاده دیدهٔ الفت همیشه سوی وطن
خبر دهم بتوای مرغ داد زمن بشنو
فراغت بازده فضای معنوی وطن
نه شهان سلاطین سراج ملت دین
که کس ندیده چواو هیچ کاهبوی وطن
بروم دولت و عزتی همیت جوانمرد
چو اهل تلاشتای تکر کوی وطن
بچین بهمت علوم طرزی افغان
چشیده بیاض مدنیت زآبروی وطن
بسلیم دیار از کجا رسیده رحمت
شراب عشق توان خوردن ازسبوی وطن
ترنج مکلت وخرمت شیدهٔ مسز
چه بحث میکنی ازشرح گفتگوی وطن

(رومان : وطریق خواندن آن)

رومان یاناول عبارت ازآثارهای ادبیهاست کهبسرز افسانه نگاشته میشود درعصر حاضر رومانها سبب عمدهی گذرواشتهار افکار شده گردیده بگجزء بسیار میهادبیات جدید شمرده میشوند . رومانهای ادبیات قدیم کتابهای افسانه وسرگذری وبزم عبارت ازافسانهای دروغ وبیهوده گیراعتقادهای بسیار مهمل وباطل نوشته شده بود وی آنگه ازمانی برسانند درزمانی اخلاق برای خوانندهٔ آنحاصور است . افسانهای طرز جدید یاوه دیگر رومانها میراز افسانههای بسیار دلچسپ وشیرین میرنند کهازمعا لعهٔ آنها بفکرت وبانشاندهی حاصل میشود . لهذاامروزه روز درادبیات خوبترین وبهترین کتابها آنست کهطریق افسانه انشارا از

فواید علمی وفنی واخلاق بزبهره مند گردانیده ودرضمن افسانه خوان وسامع پندی یکدرس حکمت راهم بیاموزاند . واین قسم ناولنویسی بشوارترین شیوهاست کهکاردست هرکس میسر نمی آید . مگرشها و ژولورن ، فرانسوی بانگلیس مشهوری گشته کهدر فن ناولنویسی فن وعلمی واخلاق مهارت تامی بهمرسانیده توانسته است وچنان آرهای خوب ومرغوبی را درخصوص نگاشته کهتام دنیارا درپرتو راستای خودواقع ومعترف ساخته است چنانچه زیاده ازحد معتبر عنوان آرا ، مطبعهٔ هایت ، کمپنی آثار بسیار نافع عمرانی وروی ذات عالی شهزادهٔ معظم حضرت عین السلطنه صاحب افتخاراست برای استفادهٔ اهالی وطن زبان شیرین بیان فارسی ترجمه وانتشار کرده . ودرپایان کتابیکه درترجمه مطبوعات این مطبع میمنت منبع بطبع ظهور گردیده عنوان جزیرهٔ پنهان ، نام ناولیست که در سه حصه مشتمل است ، این ناول سال پنج پنجم هلاک زوکلی را کهازمادرزاد گی جدانده وچنان بکجزیرهٔ غیرمعلوی افتاده ماند که ازوضعیات آثار واشجار آن ظاهر است که از ابتدای خلقت تاکنون بالبشها مسکون نگردیده . وبسکه ازقسمت عظیمهٔ عالم گردیده ودرزاد آمدوشد بلدوایری بخانه ازاو درهیچ یک ازجزیره هاو موقع آن هم ثبت نیست خبت وبیان میراند که ، چنان این ملاکشدگان در سالیکه بلاد اسبای باخود ندارند . وبکلی جانشان بحال زمانهای اشتالی بشریت رجعت کرده بسی وصحاف ، واخلاق وعمل خودها هنوازبوبیانتاج حیات خودرا بدست خودمیا میکنند . وحالیکه آخور نراهم ملک نیستند معاونت همدیگر خودکلمه واو کوزه بکیک میدانند متعلمی را که باهمدان گم شوازبکمپل پلخاست برای سکونت خود شان وبلخاصهٔ آنهل رابرای رهایش "توسفندان وغیره حیوانات کوهی" که بدست آورده اند میبازند . وبغیرازخوی خودها دانین آنهل کوسفندان وغیره" نشیمن خودشان نیکراهی زند میدهند که هم وقت ومرحوم اگرچیزی در آنهل وقوع آید همان بکنفر رهبرشان که درآنهل برای محافظهٔ حیوانات موجود است بایشان خبر دهد . ازیکهاته گندم یک کیلوگرام وسیع چنان وجود میآورند واز انساخته بوده رفع جوع میتوانند . آثار چنین جزیرهٔ خشاند عالی صادق را (کالاکاپتان میرسه) ودرجزیره جداسرانست که خودرا بدان تکه ایشان ازان خوشود وبا آزادیته دربر وقتشان میرسه ، صاحبسار گیست ، ودرکشت وچنان خودرا بدیشان وانمیاند ، بعد ازانکه سه یار سالرا درجزیره گذشانده واکرا چنان آباد ومعمور میسازد که باینک ازانحال مانده عایدهاو میزند چنان هم (جنها وخوارپایان زمانه در جزیره آوازهای هست تا زمانهای میشوند کهبی ازمدتی جزیره بشاخهای خودقطعاً ازهم رمانده بهوا میشود وآبهای غیر غیای آنهوم آورده ازجزیره هجرت اثری نمیماند آنان بهتر رفتا چگونه سلامت میماند وچنان ایشان دوباره بادطان خود مراجعت میکنند و

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1216 of 1786

مختصراً بگویم ، جزء وظیفهٔ که مخصوص اولیاست جهان جهان هر دفتر علم بالغ حکمت واخلاق زاید حاوی است . ولی چون مدرجاتیا مراعات از تعریف اولیا نیست بلکه طریقهٔ خواندن آنهاست بگویم سهم خوانندگان از اوصاف مطلوبه که در ذیل به پدران وطنی خودشان طرز خواندن رومانها بیاموزانم :

اولاً ها نباید کتابهای افسانه های طرز های مروج وطنی خود ما که انسان ورق زده اولین بندیان را بکشاید و بخواندن آن آغاز کند خوانده نمیشود بلکه برخلاف آن کتابهای اول را از سر باب اول واز صفحهٔ نخستین باید خواند وتا آخر هرگز یکدوسه ورق آن پیم خواهد نشود وباب اول آنرا درست با انسان دقت مطالعه نکند یقراند ومطلب آنرا نفهمد ودراول امر خواننده آن درمیان یک هجوم زیاد موهومات ومبهمات بدوی میماند که هیچ چیز ازبنای آن عقلش نمیرسد . مثلاً اگر اول جزوه پیمان ، رابرای نمونه اول باب اول کتاب دوم اخوتر وبیاب ، بخواندن ابتدا کنیم تا کجان این جمله را می بینم که پی هم یکرشته تعداد ، یکی میگوید ، دوتا میگوید ، دیگری میگوید ، قان می آیم ، ... بی بی ، در زیرای ساخر شما است .

حالا چون کسی ابتدا بخواندن کند ودر آغاز کتاب نظرش را چنین صدا های عجیب وغا کهای " که گویندهٔ آن هم معلوم نیست جلب کند ازسیاق جمله نابجاست ازین لولها متوحش شده بخیالش میرسد کسکر آقای محرر این کتاب دیوانه شده است که پیش ازانکه سایر کتابهای افسانه های طرز قدیم مادران نوشته باشد که « فلان آمد وراوین اخبار چنین حکایت کنند » وسر سخن وآغاز بحث معلوم باشد ، ابتدأ به آواز های عجیب « بالا میروم ! دو » وبی می آیم ، که هیچ ازحقیقت و کیفیت آن هم خبرداری ابتدا کرده است وبعض همین یک دیدن خود که نمیدانش راخدانشته دل تنگ شده و آزاده بحث است گفته ، خودرا یکسو کشیده ازخواندنش منصرف میشود زیرا آغازاین حکایت وموضوع آن معلوم نیست ودوار ازواز صداهای عجیبی که درمیان آن هم بابحال خیلی عجیب است نوشته شده اند . خیر ! بعضی عرصه سال باز هستند که شوق خواندن ودیدن این کتابها درمیان شان میافتد وآنرا به خیال اینکه یک افسانهٔ مانند کتاب « مانم » و « جار در ویش » که آنرا بارها خوانده است خواهد بود . پس بعضی برای مرور آوری چاشنه قدمانست قرمانین کتاب یکجا بدا کنانه چنین گمان که اینهمانند کتابهای « باب نجم » « زلف سانم یکوه شا » یک چیزی خواهد بود بس بعضی همین باب خاص ازهمین جاشروع خواهند شد . ولی چون باب نجم این کتاب را میگشاید بعد از خواندن یکدو سه سطر دفعتاً چشمانش را پشمانک وسنگینی عرامیگیرد . زیرا به جای آنکه آغاز سخن وشروع به حکایت دیگر باشد ، باباه سخن و کژ حکایت است وباز بعضی آهنگهای غریب وغریب را که در عرضوه

هم نشنیده میبیند بیچاره حیران میشود که این چه افسونست وآخرا . سحت است وسر وزیش معلوم نیست ، گنه بدانش میکشاند . وملامت هم نیست چرا که ازعهد طفولیت نظر مطالعه اش وخواندن کتابهای حکایات طرز قدیم آشنائی گرفته است . حالانکه این نوشتها بی مبالغه صدرافاضه سرچوری وخسروه شیرین ، قیرن وهزار یکی ازین قبیله وغیره قطع ومشابهت ندارد .

لهذا طریقهٔ خواندن لولها چنانست که انسان ازسر کتاب ازباب اول شروع کرده وبی آنکه سبب فهمیدن خودرا دراول اعترافات خود بداند که مسلسل بقدرخواند وچون باب اول را خواند دراخیرازیاد دوتا آنرا خودبخود یکه رفع اشتباهش میشود ، ازباب دوم بعد حل بعضی مجهولاتی که درباب اول شده است آغاز میکند وهمچنان بکیاک شوق وشوق تاخاتمه کتاب رمضانهٔ خود دوام میورزد .

علاوه برین یکه مانع زیرکی که درراه خواندن آثار مطبوعه مطبعه عنایت وتوسیع اشاعت اخبار واقع شده همانا بآمدن وعدم اتصال وطی ماندن ازاجزاء حروفی ، تیپو گرافی ، و نزد است کسیکه مینویسد میگوید که عبارت اخبار مقابل ، و کتابهای مطبعهٔ عنایت مقابل خواهند نمیشوند . حالانکه هرگاه این کتابهای مطبعه عنایت زبان مروجه فارسی سابقی که ازان آشنا وهرطوریکه نگی بست نوشته شده اند مگر چه بیاره که عوام الناس جلب حروفی وطرز جدید تحریر آنرا دیده وآنرا عربی یا انگلیزی پنداشته وازآن نومیدهان فارسی خودرا عاجزی خواهند نمیتوانند . حالا این عنصارا باخبار ومعلمه راجع باید کرد ، زیرالضروره روز مطبعه های اعلا واطیق که درینا موجود وشایان قدر واهمیت میباشند نیا مطبعه های حروفی ، تیپو گرافی ، هستند . ولی چنان کرده اند که چشمهای اکثر اهالی وطن عزیزما باسبب قدیم سنگی یعنی واقعهٔ ماندن و آشنائی گرفته است :

چشمی که خو بلایق دیدار نداره
ماره گله ازچشم خوه ازار نداره

مگر حالا میباید که این عادت خودرا ترک کنند و نظر خودشان رالباجنب حروفی آشنا وعادی سازند . زیرا درافغانستان ازتوسیعات جهادیت عرفان روزی افزیصرت یافته ترقیخواه خوب القلوب منظرتکمیل که آینده اندازه عمومی برای آوردن مطبعه عملی شود وهر کس ، بشوق خود برای خود یک مطبعهٔ مستقل خرید ودوران ازمطابع وقلم کند . واز اینک ظاهر است که آن مطابع البته ازصنف مطبعه های حروفی خواهند بود .

حالانکه مطبعهٔ تیپو گرافی که دروطن عزیزما موجود است همانا مطبعهٔ عنایت ، است که کارخودرا بسیار بانظرفی کان کرده وباکمال باوجود کوچک خود دربازار دادن آثار قریب به صد آثارهای بسیار مفیدی را اکثر اوقات که مطبعهٔ بخدمت بسیار بزرگ ملی وطنی را درراه علوم ومعارف انجام داده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1217 of 1786

مطبعهٔ عنایت الله قسم روشن ، غیر از اول « جزیره پنجان » که وصف آن مذکور گردید بکوهای سیاحت در زیر بحر و سیاحت زیر دریا در کرهٔ زمین به هفتاد روز » و « سیاحت در جو هوا را بادو صد کتاب بسیار شیرین ادبیات جدید فارسی بنام « وستحکم » و از هردو سخن و از هر چین سی ، که هردو این آثار مذکور ترجمه و تالیف وطبع وانتشار ادیب مشهور فاضل یگانه فیلسوف فرزانه وطن عزیز جناب « محمود طرزی صاحب » است وهر کدام آن لطافت و زیبائی صوری ومعنوی را بکمالات بر طبع و نشر آنها دانست بدیهی حال ما از جناب معظم الیه تمنا خواستگاریم که در زیر سایه ترقیخواه اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه معارف دوست مادر ملت افغان ووطن عزیز ما افغانستان بسی آثار مفیده تمایف ترقی مادی ومعنوی یافته در معرض انتشار درآمده ملت وملت را از پای ترقی فوق العاده دست دهند !

« یکی از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه »

حوادث داخلیه

راپورت

در خصوص مریضی که در لغمان ظهور یافته بود
از طرف جناب امین النفس حضور عالی حضرت
معین السلطنه صاحب اقدس واز طرف عالی شان
برای درج شدن بادارهٔ سراج الاخبار فرستاده

بتاریخ روز شنبه ۹ مه جاری اتان یکنوالی احوال رسید که یک قسم مرض بسیار مهلک در لغمان که شش کروه از دار السلطنه کابل بعید است پیدا شده وتاحال چند نفر بمرض مذکور گرفتار وهلاک شده اند لهذا نور الدین خان وعبد العزیز خان ها کمان برای عرض آوری از مقرر وسوادی کابی فرستاده شدند مربوط مقرر مذکور واپس آمده اظهار کردند که مرض مذکور بیاست مهلک وماده ی است از قرار یکه از مردم انجا تحقیق کرده شد در (۲۹) ماه جمادی الاول یکنفر مسافر از پشاور آمده چونکه در حوالی لغمان رسیده تب کرده واستفراغ برای او پیدا شده فوت گردیده وهمی کسانیکه او که یکنفر ملا وسه نفر دیگر بودند بعد ازان بهمین مرض گرفتار وبدو چهار فوت شدند چنانچه در یکخانه دو نفر برادر ویک خاله شان برای جنازگیری آمده بودند بزیهمین علامات گرفتار وفوت شدند لهذا مرض مذکور بوبائیت طاعون خواهد بود ازین احوالات حضرت عالی معین السلطنه صاحب فی الفور عرض شد از انجا که حضور مبارک همیشه توجهات زیاد برای رعیت دولت خدا داد دارند فی الفور بفکر مبارک خود برای مالجاه خلق الله در لغمان یک عدد داکتر شفاخانه ملکی عرض تحریر نموده موتر سواری خودرا برای او فرستادند که رفته هر آوری نموده صورت عرض آوری خودرا معروض دارد ما کنار موصوف که شخص خدمت کار صادق دولت ودر فن ما کنری قابلیت زیاد دارد رفته عرض آوری نموده حضور مبارک شان از قرار ذیل بعرض رسانیده : که در بیوقت بشمار بعضی عوارضی که درسه نفر مریضها دیده میشود حکم نمیتوانم که این مرض طاعون باشد بلکه مرض زکام شدید میباشد اما بقرار افساناه هائیکه از مردم شنیده ام معلوم میشود که یک مرض شدید متعدی خواهد بود لهذا درین فقره ضرور است که اولاً روز یکدفعه خود من برای دیدن مریضان مذکور بروم ، دوم ۹ پیره قطاعی مقرر شود که مریض قریه لغمان را ازقریه بیرون نگذارند ، سیوم خیمه ها برای مریضان وعطار خانه واسپتالخانه شود چهارم خرچ سرکاری ازطرف روز ان و کوشت ودو وقته چای واز طرف شب پلاو برای مریضان و نفری اقوام مریضان که پرستاری خود بار داری مریض ها را میکنند داده شود — پنجم کادی از طرف سرکاری مقرر شود که همه وقت اجوبه وغیره که بکار شود در لغمان برساند ، ششم اجیره نانی که از لغمان متوقا کشیده شود سوخته شود اما وجه ان از سرکاری داده شود که جریمه متوقا برسد بعد از منظوری این استدعای خود قرارنامه که لازم بدانم خود رفته سررشته معالجه شان را الفا الله تعالی بقدر امکان و لازمه مراکم اضافه اعتبار بحضرت گرفتار است ، قدوی دولت دریاب استدعای ما کتر مشارالیه وغیره انتظامات آن بحضور حضرت عالی نائب السلطنه صاحب پیر عرض نمودم حضرت عالی موصوف بحضور پرنور اعلیحضرت والای روحی و جسمی فداه عرض رسانیدند — حضور مبارک خدوی دولت را بالبداهه ملهم گشته امر حالی مقرر فرمودند که در لغمان رفته سررشته بدست وبنت جهای نهاده وغیره را بکم از حضور مبارک بکهراه موتر مقرر فرمودند که بسواری موتر رفته اجزای پیرهارا ملاحظه کرده بحضور مبارک حضرت عالی نائب السلطنه صاحب ومعین السلطنه صاحب بعرض رسانیدم طرزات عرض واستدعای ما کتر مشارالیه را منظور فرموده حسب الاحکام شان قدوی دولت پیره هارا مقرر کردم وقری لغمان قرنطین نموده شد برای مریضان وقری خدمتگاران شان مطابق منظوری ازطرف روز دو وقته چای وان وشوربا ، واز طرف شب پلاو مقرر نموده اضافه ران برای بعضی قری غریبه کار که بشه درشیر آورده بفروش رسانیده اخرا جات وفوت عیال واولاد خودرا منمودند قدر کفاره شان بواسطه الحاجمعلک عبدالغفار خان گذیده موتری از کدام طریق مساعده داده شده که اسوده وارام باشند وقری که فوت شده لباسهای او آتش داده شده قیمت آن از طرف سرکاری برای ورثه آن رسانیده شد — وحضور مبارک حضرت عالی معین السلطنه صاحب موتر سواری خودرا مقرر کردند وبه ذهن عاجز ما کتر مشارالیه موتر ان عالی موتر را زده بپیراد آکثر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1218 of 1786

مد کور و مالیجه عبدالحمید خان تعلقدار کوتوالی در لفافه مرقوم واز محکمهٔ کوتوالی بجز اجرای قرار اشتوق شده عریضهٔ از ایشان الی روز جمعه ۲۲ ماه جمادی الثانی عرض مد کور گرفتار و موقوف واقعات شده اند از قرار ذیل است بترتیب —

۲۲ نفر

موقوف شده	۱۵ نفر

دین محمد ولد نور محمد — ملامهدی ولد غلام محمد — فتح علی ولد گنج علی — ملانورالله ولد غلام محمد — عبدالولی محمد ملاعلی ثانی — یک نفر مسافر — عبدالباقی ولد رزاق ملا دهمه گنج علی پدر فتح علی مد کور — عبدالصمد خان — نور محمد ولد زر محمد — محمد ادریس کاه — ملک سیف الدین پسر ملک مد کور — دو نفر آقا محمد عبدالرحمن

خبری که محو شده اند	۷ نفر

عبدالملا ملا فیاض الدین — ملک محمد ولد سلطان — بازویکم — عبدالوروز خان — عبدالگنج علی مد کور — میرداد کم — محمد اسمعیل کاه جراح —

بعد از خروج مد کور متواتر ان روز چهار شنبه ۷ ماه رجب رجوت حضرت رسیده بقرار اجازه دا کثر موصوف خبری عطای حواله شده و قرائین موقوف گردیده الحمدلله والمنه از یک بیت بشمعادت اخیحضرت عاجزی عرض مد کور وقوع ورفع گردیده و خاطر جمعی کلی حاصل و فضل خداوندی شامل احوال است چون این واقعه بسیار سخت و وهم ناک بود برای رجوت دولت خداداد پریشان زیاد ازین باعث یاد احوال شان گردیده ضرورت تحریرای فرموده مصلا بدرج سراج الاخبار مبارکه بنارید تا برای جمع رعایای دولت خداداد که از این احوال شنیده اند مسرت و خاطر جمعی حاصل شود —

واز اخلاق و مساعای دولت مرحمه قرینه اخلاق مرقوم میشود که بقرار عنایات دا گستری و مواحم حکومت به بسیار بررسی واطلاع و حسن خدمت حرکت کرده و به هیچ قسم پیچرای وخوف و اندیشه دوچار نیامده در معاونت مریضان خود شان و ویخا دادن قرائین جان کوشیده بدوبه انتظام رانیه وافیاز کامل ثابت قدم ماندند — و نیز دا گزموصوف از شرح خدمت گذاری و صداقت گنجی خبری عطای و غیره خبری جدیی که از طرف سرکاری برای انعامات بتعطای و غیره قرار ذیل مقرر شده بودند بحضور حضرت ظل سبحانی صاحب عرض رسانیده رضا مندی زاید الوصف حضور مبارک بلاحسن خدمت گذاری خبری مد کور و کال مریانی بوده لهذا خبری مد کور را بصد هزار امید وار آنها حرمت بودند تاجیع صداقت کیشان دولت ابد پیوند احسان و مرحمت پیدائی بوده عواره خدمت خود را بصداقت ورزشی پیدارند خبری که برای شان دوسه تنخواه انعام داده شده

۲۲ نفر

خبری عطای ۱۷ نفر	میرعطای ۳ نفر
سپاهی و حواله دار	سپهسالار کوتوالی
۶۵ نفر	نفر
ملامحمد عبدیعقوب خان کپتان	ساکنه سپهسالار مد کور
نفر	نفر
سقاء تبیت کوتوالی	محمد علی میرزا
نفر	نفر

راپورت طبی

بحضور والی جناب میرالسلطنه صاحب اعظم

از طرف عرائض دا کتر میر عزت یک خان

بتاریخ دهم جمادی الثانی موجب امر وفرمان والی بیشداد رفته واقعات ماجرا را بتفصیل عرض کرده و بتاریخ مد کور بامور متعلقات خبرداری پرداخته چون آمدنش بقرار ذیل عرض میداره مملک محمد ولد غلامخان و عبدالملا فیاض الدین را که پیشتر ازین بعرض گرفتار آمده بودند هردو نفر را بکمال دقت معاینه کرده بذوقت محمد علام عرض داشت که بصورت هزار معلوم داری موجود بود و در وجه حرارتش ۳۸ گیوس میداد عبدالملا فیاض الدین را گرچه در سینه اش علایم التهاب دیده نشد لیکن بسیار مضطرب بود و در حرارتش تا ۳۸ بود از نبضه حواله وجوان نا کرده نفر قرار کرده بمملک محمد و عبدالملا فیاض الدین تجاه گذاشتن مریض مذکور موجود برای دقایق بود و دقیقه چاپی را گذرانیده و در وقت معاینه نبضه و دیم و ساعت بقاعده نبضه و دیم چون تغیرات آن اشاره بآن مشاهده بنظم گردید امکان دارد کهاج شدوم زیادتر نا مریض یک مرض متعفن و شدید متعدی میباشد یعنی یک مریضیست کثاریکی بمرگی سرایت میکند بنابرهم سه نفر محمود یار محمد بیمار گردید اندیشه کنان بیمار را دانیده و فکر موده یکمتنواحد قیاس و برای تعین نمودن حقیقت و ماهیت مرض مقیاس اسپتی داد بگیرد لهذا بیشدقت موقع العاده هرطرف آرامعاینه کردم اولا هیچ یک علامتی که عرض عنوان را نشان بدهد در نوبتهم حق نیشده بسیار گوچکی در دهیچ طرف وجودش بخوردم در سینه چپش بسیار درد شدیدی موجود بود از شدت در سرفه و در یک لحظه عدوی آب گوش نزدم هر چند برای فرضیدا نمودم چنین نشده در شدت تنفس داشت و در حرارتش نیز ۳۹ بود نبض تکیش هم بسیار تند بود و تکیگ سرفه میکرد احتمال چون آورد از بیماران می آمد لهذا تشخیص داشتاریه راجع کردیدا بان تیز محمد بقدر وزن آن از خلط بیمار بگذرا آورده و هیچ یک مرضی از عرض سابقه خود یا تعلقانش اطلاع نکرده است و دوش گفت کاز چند روز طبعم خوب نبود روز سه شنبه خبر گرفتم که عبدالباقی باشتعبی بقاعده می محمد پارشد عبدالباقی گرچه از تنفس مضطرب بود و بهمه حرارتش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1219 of 1786

توپهای دراز مدور روی چهارچرخ

شده وفوق العاده تب میدهد بیمار خلیلی گریه میکند واز سینه اش خون بی آید چون بسیار بتاب بود معاینه اش ممکن نشد احتمال دارد که از اول مرض سل گرفتار بوده باشد در مبالغول محمد بن ساعت تیر محمد دان ازره تشخیص کرده شد ملا محمد ایوب چون بعد از خبر شدن ما یوم ساعت وقت کرده بود در حق مرض او بیان دیگر نمودن لازم نیست ول بگذاشته میرویم سراغ دردان ومیرویم میکرد تر محمد و سه شبه وعبدالباقی روز چهار شنبه و عبدالولی محمد روز پنجشنبه وفات کردند در بین که بعد از شدن قدیم شده بود کدام دگر شده بود ملا عبدالباقی روز دهم بیمار شده بود فوراً معلوم کرده بودم که مرض دان ازره متلاشی بود وکلیه وقت بدن این مرض های که دم در وجود هیچ بیمار آنها یک جا نمی باشد تصادف نکرده مرض دان ازره یک مرض متعدد است که دستگاهای مختلف روی را میشود این مرض چنانچه در اصل خود از امراض میکرب شمرده میشود میکرون چون آنهم شکل است و هر مرض میکرون سازی دیگر و نقطه نظر قابل یک مرض هر مرض از علامتهای که از راه کشف کرده میشود و این علایم در یک نقطه محدود نیست بلکه در شبه و گلی تنگی و رفع حرارت وقت اندوه و از نقطه محدود نیست خراخر قرقعه میباشد نظر بکه متخصصین دان این میکروبیان مرض یکم (تیفوئیدی) یک میکروبی دارد گفته که مقدار آنها کافی خرق زیاده ازده و یازده چون استادیو تو کرد و استفاده کرده شد مگر میکروبیا مستقلی شوند در مرض مگر خود را شدیداً اجرا میکنند و اکثر مرض آن رسانی یک نمی توانند که این مسئله را تنها متخصصهای میکروبیو لوژی تعین کرده می توانند انتاژنا ه نظر قابل یک که تشخیص شده آنها عبارت از دان ازره می باشد یک وجودیکه یک مرض ساریست ولی سرایت نسبت دیگر امراض بسیار خفیف است دیگر اینکه استعداد مرض هر در این شرط است دان ازره های که از نتیجه یک مرض تعین باشد و یا بصورت آنی ظهور میکند یعنی بعد از ان که مرض داخل بدن

عجوبه شدید در سالهٔ اوسترا رطوبخانهٔ روس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1220 of 1786

شود و علایم خود را ابراز کند طبیعتاً یک دات ازیه ضرور میکند و گرنه یک مرض ذات‌الریه طاعون ابتدائی موجود نیست و بنابرین بنا علیه باعث هیچگونه تشویش طاعون در شبکه ظهور نگردیده است و درین تلگرافی که مرض طاعون موجود نباشد وهم مرض حکم فرما نباشد لهذا یک دات ازیه که خود بخود ظهور کرده باشد طاعون گفتن صحیح نیست پس در اینصورت این مرض که در همه یک شکل و یک نوع امراض و درین تلگرافی ظهور نموده است چه قسم باید گفت جواب گفته میشود که اطبای باستعداد اهالی ولایات متحده امریکا و سایر ممالک موجود دیگر بعضی اسباب علل و اقسام بعض امراض مشکوک در بعضی حالات را ذکر نموده است آیا این مرض طاعون را که ادعا کرده میتواند که امروز در کابل هم موجود نباشد تنها در شفاخانه ملکی در ابتدای ورود بالغ هشت مریض مبتلا بوده اند بدانسته آمده است که سه نفر آن فوت شده است و پنج نفر آن شفایاب شده اند از آن پنج نفر دو نفر شان باهمدیگر در شفاخانه زندانی بوده اند دیگر هیچ کس مریضی سرایت نکرده است پس در اینصورت گفته میشود که مریضیکه در این روزها در کابل موجود است قطعیاً از علایم طاعون میراست و از نقطه نظر فنی هر یک مرض ذات الریه میباشد تنها شکل مرض اگر از نقطه نظر میکروبیو لوژی باشد بسیار تفاوت میکند که در آن فن جلیل چون اختصاص تمام میکروب طاعون بسیار مهلک و شدید دانسته یک مریضیست دراین زمان های اخیر در بعضی جاهای هندوستان در شرف یکباره چل هزار از آنجا آن مبتلا میشوند و می و پنجهزار آن وفات می یابد اینجنین تمام یک مرض را اهالی کابل کاملاً تشخیص و مرض تصور نخواهد کرد تغییر یک معمول

« میس آمستون »
(که در اخیر بشرف اسلام مشرف شده بود)

آور بوده باشد بدست که سرایتدار مانع شود کمتابع شدن اختیار مرض را ادعا کرده بتوانیم بنا علیه در یک دهی مانند کابل که هر جزیه آن و هر حال آن از حفظ الصحه قطعیاً جاری باشد درمان یک جمع بیماری که قطعیاً از احتیاط و تدبیر و اصول نظافتی مراعات شده نتوانسته توقیف کرده توانستن عدم الامکان است در اینحال امراض یکدام شخص سرایت کرده است و کدام شخص از بیماری کدام کس مرض را ربوده چار شده است این است که دراین حصه صیاد درمان انجنین وقوعات

بدیم و نه می پنج حال اولاً از جمله مشخصات مرض مریض یک سیب که داشته مریض شده ملک سیب لکن هزار مریض ها کامل اختلاط کرده ولا کی بسیار ساخته کی بسیار و بین مریض خود ابتلا داده دوم و آب سرد و دیگر اشیاء سرد خورده دو ساعت بعد اگر درش پیدا کرده های ملک مدد کور هیدوی آن بسیار سلک های کلان کلان را بار کرده الای قریه رسیده اینها مریض بدنی اجتماع می کرده یک دو ساعت بعد از درای آن علایم زوش پیدا شد محمد اسمعیل حراج ملازم شفاخانه از سکونت های خود تا منزل قافله رسیده قافله را یکان یکان ملاحظه نموده در آخاب جان از عرق سرار کرده بعد از اندک ملاحظه اسپ را سوار شده دوانیده من خود را انهاب داده از رای اینهم یک دو ساعت بعد علایم زوش پیدا شد. تمام مدت بعد و ملا قیام الدین پوکاهاه رای قافله رفته و بسر یق و هاه دیگری یاد شده اگر این مسأله را سبب مرض فرض بکنیم ملا قیام الدین هر روز پنج وقت در مسجد نماز میخواند و باهالی تماس میکند و بدر مدت بعد بس که دکاندار است هزار ها بیماری از مردمان اخذ و عطا میکند و بدر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1221 of 1786

سنهٔ ثیر محمدحسن غفرالله و والدهٔ عبدالوحید و مادرش موجود است و در خانه عبدالباقی و در خانهٔ ولی محمد دوازده نفر موجود است و در خانهٔ ملک سیف الدین او لاد و اقارب مذکور سی چهل نفر میشود تا به ظاهر شدن مرض او عادتاً همه یك جا و یك وجود بودند وقتیکه مرض از برای او ظهور نمود خانه آن ده نفر مانده دیگر تعلقات ندارد جدا نمودیم به پسر آن که در خانهٔ پدر بودند و یك پسر دیگر آن آقا محمدکاظم خانهٔ علیحده داشت که همراه پدر خاطر نکرده چند روز بعد از پدر خود عبدالرحمن و آقا محمد پسران ملک بیك روز مریض شدند هر کاه فرض کنیم که عبدالرحمن هم خانهٔ پدر و مرض را از پدر کرده آن ناچیزی آقا محمد چه قسم تصور کرده میشود دانی سی چهل نفر که همراه ملک خاطر داشتند چرا مریض نشدند و اطفال همسایها و دیگر مردمانی را که با ملک محمد و ملا قیاالدین و بابه‌های‌شان اختلاط میکنند بسیار نمی‌میشود مگر آنکه تا امروز در هیچ کس شکایت ظهور نکرد از وقتیکه مواد مرضیه در وجود دخول میکند تا وقتیکه مرض ظهور مینماید روزهای را که درین اثنا میباشد ادوار تعریف میکویند بنابران دور تعریف طاعون از بیست و چهار ساعت تا سی و شش ساعت است که باین حساب تیز محمد از سیزده روز محمدیوب و عبد الباقی از دوازده روز عیال ولی محمد از یازده روز باین سو وقت کرده اند پس چون چنین باشد از اطفاء نصف نفری که در اطاقها موجود دارند در هیچ یك از انها عوارض مرض دیده نشود ان مرض را مرض بیماری کفتن و این عادرا طاعون ادعا کردن برای یك طبیبی که از جدیت و شرف طبابت نصیب داشته باشد یك معامله جدی نمیرفت نمیشود مع مافیه برای این همه وقوعاتی که از اول تا اخر عرض کرده آمدم وقوعاتی که تا تاریخ آمده و گذشته است استنباط کرده یکمال اطمینان عرض کرده می توانم که در این حال حاضر ابرض طاعون نیباشد باحتمال اصولیکه تطبیق کرده شده عبارت ازینکه کمان بود که یك مرض متعدی موجود است مع مافیه در خصوص های آن یالمو آن پلیو و مخ و بعد از تحقیق دیکر حکم اعلیحضرت همایونی اطلاع دارند و من الله توفیق تحریر روم یکشنبه ۲۴ شهر جمادی ثانی سنه ۱۳۳۳ دکتور متریك

(از عکاسهٔ اطلاعات)

(از بدخشان رسیده) اینک روز دوشنبه ۱۱ ماه جاری الثانی بعمل دو بجهٔ روز ابر پیدا شده باران شروع ببارین نمود همینکه دو ساعت از نزول باران و مداومت باران منقضی کردیده از ده چوز کوه علامات آمدن سیلاب ظهور نموده از هر ای دره که آب دهشتناك سیلاب بیك جوش و خروش مدهشی خارج میشد اطراف خود را عموماً در زیر جریان خود در آورده راه پیدا می نمود — موسیو دان وکیل سفارت شهر فیس آباد عموماً همین یك سخن اقرار داشتند که در مدت العمر خود سیلاب بدین وضعیت ندیده و نشنیده ایم — قربان محمدنام شخصی باشنده کنی کدکان بجهة فروش بنك در بازار شهر فیض آباد آمده بنك های خود را فروخته خریده همراه مرکب های خود رواه منزلهای خود بود در مقابل روضهٔ مطهره خرقه شریف زاد عرفانه شرفاً و تعظیماً بسیلاب خانه خراب بتتاً تصادف نموده و سیلاب مدهش دفعتاً مرکب های اورا با عمده غرق و ناپدید ساخت قربان محمد بتلاش خلاصی جان خود افتاده اکرچه مردم بسیار باطراف آن دراکنده بودند و باحوال قربان محمد مذکور افسوس و حسرت خورده حتی الوسع در رهائی دادن او می کوشیدند امابسیلاب سیاه روی که عرصه وجهیده ساحه بتصطه افزون میکرفت هیچکس را طاقت آن نبود که در غضب یك شخص جان بلب رسیدهٔ خودرا بآب مذکور انداخته خود بخلاص کرداند جان تست که قربان محمد مذکور مرکب را باوجود دست و کریبان دیده رج بطرف آستان مطهرهٔ روضهٔ خرقه شریف نموده بزاریها و ابتهالهای التجای خلاصی خودرا نموده وهنوز از عرض التجا کپتی خود خلاص نکردیده بود — که موج سیلاب عجیبون بك دفعه قربان محمدرا برداشته بشکلی غرق و ناپدید نمود که حاضران را اشك در دیده پدیدار کردید — وازغضب قربان محمد بصدها وهزار ها خروار سنك های بزرك و کوچك وریك و کل و درخت وغیره را سیلاب از کوه می آورد و قربان محمد با آنها آمیخته بدریاب کوچك تاپدیدار کشت دریاب کوچك باچنان وسعت و عرض وطول که مالك است آنقدر مملو کردیده بود که دهنه عراهای یك حتای قریب دوساعت مسدود کردیده بود هرقدر آبادیهٔ کهیدمعدکور بوده همه را خراب ومدمم کردانیده برده

سیلاب مذکور عصر دوساعت پیمان یك قرار ترقی وطغیان داشت — بعد ازان رو به نزول نهاده خاموش کردید — فردای آن که روز سه شنبه ۱۲ ماه حال باشد جناب سیلان مآب حاجی محمدکل خان جرنیل نظامی بامنصب داران عساکر ظفرمآثر دربار عسکری جمع بوده متعلق بخدمات محوله خود بودند — کهدفعتاً قربان محمد مفروق درمجلس عسکری حاضر شده ادای سلام نمود جناب جرنیل صاحب وجمله حاضرین که ازاحوال روز کذشته قربان محمد متاسف بودند بحیرت دوچار شده خوب تحقیق کردند که خود قربان محمدمذکور است جوابهای احوال اورا داده — بیان سرکذشت حیرت افزاده شدن خودرا بدیشطرار شرح داد —

دروقتیکه آب مرا فرو برد تا بچند قاضی دست و پازدن ولی اختیار از دقت خود در زیر آب خوبی میدانستم بعد ازان از شدت صدمات امواج موسوی نمی از هوش بر آمد باحوال خود نمیدانستم بعد از یم ساعت تخمیناً آب مرا بالا کرده برسطح بر آورده بود که از هوای که بمشام من رسیده بهوش آمده چشم خودرا کشودم خودرا برسطح آب دیك چوب بزرکی را در پهلوی خود موجود یافتم بهسیار ناتوانی دست در از کرده چوب را کرفتم و یادم آمد که یك جاه پرا کنده و دوفرد کاه قلیه‌دار همرا در دامنهای خود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1222 of 1786

به خیران کرمان بدرگاه خداوند تعالی قوتدار شدم وچوب را محکم کرفته کار درکنت آب که درسطح آب سیلاب جاده خراب مدار این اعتبار همچون رک کاهی میرود خدا بسیار مضطر وخائف که با خود که بخود کرفتار همین احوال بود که دفعتاً خود را بیک زمین از آب پر کنارهٔ حس نمودم چشم کشاده بدقت ملاحظه نمودم که درقرب قلعاق کزی وباغ شاه سرداران کمنه کروه راه مفروق آمدهام باب نیز افتادهام عجالت که از جای خود برخواسته درقتلاق دهم شن را درقتلاق کدرایمه الیوم بحضور شما حاضر شده باهمه ناپذیرش بداند که خداوند زنده را چسان میراند ـ ومرده را چسان زنده میکند . اکر تیغ بام بلند زمانی ـ خرد ریکی تکواهد خدای ـ ازحضور جزیل صاحب خود آ یکدوب چکس بدخلی اهل وبکصد رویه ظلم وازطرف همه حاضرین وغیره راندران دین وملت واحداً واحداً فرداً فرداً رای قربان محمد مذکور عفاء وبخشش فرموده شد بعد ازان قربان محمدموس مرکب های خود دیکر مرکب واکان کرآمد خودرا خریداری کرده همچنان که ازخانه خود رآمده بود همچنان واپس بخانه خود عودت نمود فقط ...

خواندنی‌های خارجی

(خلاصه وقایع جنك)

آتش خاموش نشونده ـ پاچنك اوروپا

ازرمانهای پیشین اساطیرالاولین روایت میشود که چون « زردشت » بدعوی پیغمبری برخواست دین آتش پرستی را درفارس قدیم اعلان نمود بدارائیات دعوای خود باظهار معجزه خوارقهیا نیز پرداخت که ازانجمله « آتش خاموش نشونده » آتشکدهٔ فارس را افروخت ـ وبکوینه درمیان کانون آتشکدهٔ مذکور دوچوب صندل را بیکدیکر انشاء داده آتش زد ـ همین دوچوب هزارو چند سال ـ یعنی تاز مان سعد افزان شیوکالت نبوی صلی الله علیه وآله وسلم ـ شعله افروزی نو معجز خاموش نشده ـ چکونه که چون زردشت بمنزل برخوات وسیبیا ویکر حاکمیاتی که دربوقت معلوم ومعروف چست جزل دارا وحکم یك شخصی بود ـ کویا بالتبطیر حواس انجراء علوه کاهیات آمده خاصیت آکنی وسوزندکی سیارهٔ « مریخ » درارهان دوکمه پاره چوب صندل بهرصدها وظلسمها تطبیق وبرار کرده ازاثر آن چوب پارههای مذکور برابنهمه شعله افروزی هزار وچند صد ساله خود دوام ورزنده توانسته است .

این جنك حاضرهٔ اوروپا اکر همچنان یك آتش خاموش نشونده زردشتی مریخی بکوئیم جادارد ! زیرا ازوقتی که این آتش در کرفته است تاامثال عجز آنکه رفته رفته بارهٔ اعتراق خودرا وسعت داده رفته است ، و شدت ودهشت خودرا روز بروز افزون کرده است ، کر هیچ چیزی ازان دیده نشده است احوال ودقایقی که ازخبرهای مختلفه تشکیل یافته ازقرار ذیل است : دررمکههای مشرق خودرسها برشکست های قاطعی در کیف وولینه اعتراف دارند . جرمنیا فتوحات خود تازا درهرهرطرف تمالك روس بصدهاپیوسته . حتی ازلمبرج وارتاو وسرراست بسوی پترو کراد رفتن خود شان نیز رمزهمها دارند . دررمکههای مغرب جرمنیا ازپیشرفت خودشان سرراست بسوی بندرکاه کل وغلبهٔ برقلعه خودشان حکایت میکنند . وانکلیزها وفرانسیا باوجوداعتراف برحمله‌های مهاجمانه وقدم بجرمنیا وطرفدارهما ـ کر خود شان بمقابل آنها وبنارهای رهناکی که جرمنیا استحکام میکنند ، بازهم ازمدافعت شدیدهٔ خودشان ، وتلفات عظیمهٔ جرمنیا وبیا کردنها سیاها میرانند . کارتنهای کحت البحری جرمنیا درمدت دوامدارد . درهرهفته یکصد میرهای غرق شدن کشتیهای تجارتی انکلیزی بتواتر میرسد که در میان این کشتیهای غرق شده کیا مانند و لنتانیا ، وکشتیهای عظیم الشانی نیز هست که موجب ریزه ریزه شدن سکرهای تمام ملت انکلیز شده است . بکن کشتیهای زرت زرنك جنکیشان نیز کاهی سلامت و کاهی سرشکسته و کاهی از طرف تحت البحرها غرق میشود که بهمین سبب خبرها ودنیای قوه‌خبرهدولت انکلیز که معظم‌ترین قوتهای بحریهٔ دنیا شمرده میشد بکچیز ظاهرومعلوم میباشد . یکی خود داری دادن ، ودیکری همان جای پاشیدست ، و یکی این است که حقیقت ودهان را انسان انکار نکند . چیزی که حقیقی ودهشت افزاست آنست که هنوز دولتهای معظمهٔ که باین جنکها کرفتار آمده‌اند بخسارتها وضرر های عظیمهٔ کرفتار آمده‌اند وهنوزی ضرب الکل ، سر نزنك دوش هرروز کشت و هرانکه معظم بوده ضرر وزیانش هر عظیم‌تر بوده است که چاپلوسان انکلیز وروس دربرهای کرکدان پاشند .

نقطهٔ که او در ظهور جنك رابطه شده است هانا روایتهای داخل شدن ایتالیاست در جنك . که اینوقت اکرچه بیانهای حوادث آیده‌یافته است مکر امیرهای انکلیزی اقناع حاضرات میکنند که درمابین ایتالیا و دولتهای مرکزی بوده‌اند که باهر صورت رسمی بامیدوار کیفیت است . ایتالیا یکی از عضو های مهم اتفاق ثلاثه است که آلمان ، نمسا ، ایتالیا میباشند . در آغاز اعلان جنك عضویهٔ خطهٔ خود بیطرفی را اختیار کرده چرا ؟ موامل ایتالیا از هرطرف بازمفتوح بود محافظهٔ آن از انکلیزی کشتیهای جنکی انکلیز وفرانس حتی داده میشود ، واکر بدقتی که از اشتراك جنك اورپه متقبض وجوبش میرسید از بیطرفیش نمیرسید بلکه بیطرفی ایتالیا برای متفقین فایده هم میرسانید . بنابران شایعهٔ اشتراك جنك ایتالیا بهیچوجه داده نمیشود که کدام طرف باشد .

نقطهٔ دیکری که در ظهور افزوده هم اخلاق دولت ژاپن وچین است که بسبب قبول شدن شرایط اولتیما توم دولت ژاپن ازطرف دولت چین ، این هردو دولت شرقی آسیا درباب مسئله

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1223 of 1786

« آسیا باید از آسیائیان باشد » دست بکار شدند . هیچ شبه نیست که بسیاری اخلاق و اخلاق ژاپن در تربیت و تعلیم آنان قسمتی شرق و کنار اقصای غرب تاب و طاقی بیابند ، ضرور شود که اگر یکبار یك دولت شاهنشاه و تمدن طویل عریض مؤقتاً متلاشی قوهٔ از صرق اصفر در دنیا پیدان پاید ملت غربیان یکجا متحد خواهند شد ! . . .

از دار دنیل ، وضور از آسیائی آن کشتیهای جنگی انگلیز و فرانسی اطراف آنرا گرفته بودند . زیرا که از شرق در بندرهای وهت آنجا های انگلیزی و فرانسوی در مدخل آسیا دیگر خبری پیامد بما میگوید که از خشکی قصد خود شان را اندر میخواهند ولی از آنجا خبرهای غیبته کمی میرسد . واقعات مهم در زیر سکوت عمیق پوشیده مانده است که از هیچ سوی اثری در اخبارهای انگلیزی از اطراف دیده و شنیده نمیشود . اگرچه از طرف عراق عربی زخمیها و مجروحان کوتی میرسد ولی اخبار های جنگ مطابق آن گزارشها را بیرون از آنچه اوهام انداخته . . .

نتیجهٔ دیگر ظهور که حتی اینجا نیز اشاره شده لطف و اخلاقیست که در پارلمنت انگلستان پیش آمده است . از این تبدلات اشیاء بتاخلاقات بزرگ در فلسفیست ناخبره و چنگ موجود شده نمرده میشود . . .

اقتباس از جریدهٔ کریمی جبل المتین

شرف وطنیت

در باب شیوع وسعتیهٔ وجود حب وطن و حفظ استقلال قومی وصیانت شرافت ملی و تشکیل جمعیتی و اسعهٔ برق و توپخانه لازم شناخته شده هر قومی که اندرانش از وجود این خواطر عزیز باشد و تواند که در تضاعف کار رسمی و دیپلمیست و تدبیر آن وزیر جسور هم باشد هیچ وقت دورهٔ معالی و فیوض تعالی صعود نخواهد نمود — اینکه امروز اغلب دول متمدنه مسلح شده و افراد در جانهای خود را در کف نهاده بابك پادشاهیت و افتخار درمیدان مجادله جانه و عمر که حیات مقصود فداکاری و جان فشانی هستند تماماً برای حفظ شرافت و عظمت وطن خود میباشد — اگر کمی از لحظه نظر لطیف تعلیل مسئله فعلا را تعقیب کنید خواهید دید که علت و سبب حقیقی و اصلی اقوام عالم محبت وطن و محبت استقلال و حب آزادی و شرف است .

کتا (مرحبی)

چند روز قبل از طرف سا کو مرحبی روس لطف اشارهٔ فرمانفرمای کنکاسد حکم شد کشیرا چراغانی نموده و برای یك شهری که عیداً روسی ها از آنجا ها پس گرفته جشن بگیرند و اسم و عنوان شهر در میان نبوده چراغانی مطلب و عمل آوردند و این جشن گویا برای امکان آنرا که بود — چونکه از بعضی رؤسای آنرا که زخمیهای کماندهٔ شنیده میشود —

یکباره قبل هم حکم امپراطور روسیه کنت دال وافرادی عده از آنرا که خوانده وآنرا که اکنون زیاد نموده اند فوجودات روسیه واسطهٔ جنگ در ساری قیش واردهان وقارس در ترکستان وقفقاز مست شده وبازار تجارت وکار خسی از رونق افتاده که تا صد سال دیگر علاج آنحال است از منا کرات پاکیك نامدیشانه مأمورین روس منتها درجه تزلزل مزاج کن روسیه دیده میشود چندی قبل ۳ نفر از اتباع شهان را بجرم متفق از کنکنده ترکستان دستگیر وهریکرا بسیار زده درصورتیکه سندان عقیقهٔ آنهارا ظاهر نکردند امپراطور روسیه حکم وزیر مالیه نموده که ۵۰۰ هلیون سنه دولی جلب کرده وعنوان پاشنده ای برای مخارج قشون وجه ضرور را از کجا جمع آوری نمایند در کنجه یك انبار توتون وتنباکو که متعلق بیك تاجر انگلیز بوده طرف روس وقیمت ۴ هلیون منات تعیین فروش گذارده شده است ، درمدت تضاعف جنگ علی الدوام کشیرت داده شده امرای اقالی را تجدید خواهند آوردیا تا مالیکنفر ازان امرا دیده نشده و تا آنوقت آوردن امرای اقالی در این موقع تصنعات ترکستان جلب خاطر روس تابع است . فقط یك عنصار امرای اطرش که آنهام اصلا از اهالی سرب هستند بسرحبی روس آورده اند جراید روسیه این روزها از فلاکتهای پی در پی وتلفات وضایعات مال وجانی سربها مینویسند آنچه بست اطرش ها مقتول و گرفتار یا مانده بیك نوع وبواخوتی که هیچ وجه مقاومه ندارد دوچار آمده اند چنانچه در یك روز واسطهٔ این ناخوشی فقط ۶۸ نفر طبیب فوت و ۱۵۲ نفر هم متلاشده که در تحت معالجه اند ازین قرار تلفات سایر اصناف بچه اندازه خواهد بود ۶ شهر از ولایات ولایه منطقهٔ سروع واسطهٔ عبارة خالی در این اطرش ها یکی نمانده ومبدل بیك توبهٔ خاك شده وی قحط وغلا در کار و واقعی از قحط روسیه حکوفرما است که برای بذر وتخم زراعت زارعین عرضه بدولت مانده وبذر خواسته اند .

از اخبار رعد

سلاطین وشاهزادگان آلمان

کمر جنگ هستند

عمارات وخدمات نظامی امپراطور وسلاطین وشاهزادگان آلمان را در جنگ جراید چنین صورت داده اند .

***

بعد از دو هفته از شروع مخاصمت امپراطور « ویلهم » با کمال شوق وشوق از برلن بفرودگاه غربی جنگ شتافت ودر عملیات جنگی بلژیك وفرانسه که در منتها درجه شدت بوده حاضر بوده واز آنجا بمیدانها وخطوط جنگ فرودگاه شرقی رفته عملیات حربیه قوای خویش را اداره نموده وبواسطه کاری شدن عنصر کسالت مزاجیه « برلن » برگشته وبعد از چند روز توقف بمیدان عزیمت کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1224 of 1786

اردوگاه عمومی امپراطور « فلفدر » گوبلانز » وتیاندر » لوکزامبورگ » وبالاخره گاتادرنگ » فرانسه » عبور گردید بدون آنکه لحظه ای بطور قطع سیر گردید .

« کرون پرنز » ولیعهد آلمان فرمانده گارنیون نجیم (ارتال (کنونسدورف) رئیس اتمازوروی وصاگر مذکوره بین (وردون) و (دوز) جنگ می نمایند .

سایر پسران کوچکتر امپراطور بزودی فرمانده های لشکر جنگ خویش مشغول خدمات نظامی خویش میباشند .

فرزند دوم قیصر « پرنس ایتل » فرمانده یکدادوان پیاده نظام گارد روس است

سومین وچهارمین فرزند قیصر « پرنس اداالبرت » و « پرنس اگوست ویلیم » بعدی در اردوگاه عمومی مشغول خدمت بودند وواسطه صدمه که از اتومبیل به « پرنس اگوست » رسید فعلا بمراجعت بران ومعالجه گردید

پنجمین پسر امپراطور « پرنس ژوهاشیم » در گذارنامه یازدهم صاحبمنصب واردو نالس ژارال « یوسکو » میباشد ودر روس شرقی ومقابل روسها جنگهای نموده واسطه زخم گلوله جنگی دیده چندی برای معالجه زخم معاودت بمرینطاه نموده .

« پرنس هاری » برادر کوچک قیصر « پرنس امپراطوری است وچندی نیز در اردوگاه عمومی در آنجا بکار خدمت میکرد

پسر بزرگ وی « پرنس وانسار » فرمانده پنجمین دوریون اتومبیل های زرهپوش جنگی آلمان است .

پسران برادر دیگر امپراطور « پرنس لئوپولد » در رژیمها هوسار گارد امپراطوری روس صاحب منصب وداخل اخویت جنگی میباشند وصورت شاهزادگان خانواده هوهانزرن « فامیل امپراطوری » ازین قرار بود که ذکر شد .

پرنسهای « باور » در گامبورگ « ساکس » داخل عملیات تاکتیک یعنی ماهر السلاح بسته وگاهگاهی هیئتهای جنگوار جدید قشون « فرولت رفته ومعاودت مینمایند وولیعهدان آنها در کار فرماندهی میباشند .

بسیار دیگر از پرنسهای خیلی الدان که داخل صاحبمنصبان تاکتیک ومشغول خدمات نظامی میباشند :

پرنس « هس » « پرنس شارل » فرمانده رژیمان ۸۸ پیاده نظام « دوک دارلست » فرمانده رژیمان ۵۳ « پرنس شومبورگ » و پرنس هاری فرمانده هان رژیمان ٦٤ هوسار .

« کرانزدوک دوهس » و « دوک رانسویک » داماد امپراطور « پرنس والدک » درجز والوان ارتش خویش مشغول خدمات نظامی ولیابت سلطنت ملک خودرابه زوجهای خویش محوض کرده اند .

« پرنس هوئنن » برادر ملکه آلمان و « پرنس ارنست » و « پرنس باگن » کمیریک والیک ارتش مستقل هستند در الوان وفرولت های شرق وغرب مشغول خدمات نظامی میباشند .

ولیعهد و سردار قشون ششم و رئیس ولیعهد ورتمبرگ » سردار قشون چهارم است ومه پسروی در صفوف مختلفه در آتش جنگ مشغول خدمت میباشند . پرنس کراه بادر در حین جنگ بازرگان سوار خویش مجروح شده و « پرنس وید » پادشاه سابق آلبانی فعلا در ورتشتم سوار مطابست مازوری را دارد .

تا کنون هفت نفر از شاهزادگان آلمان در جنگ مقتول شده و یک نفر شاهزاده فعلا در انگلیس محبوس است واین شاهزاده محبوس همان فرمانده کابل معروف کانتی « اندن » میباشد که در آنجا اوراز داشت توسط قوای انگلیا اسکار وه « اندن » فرستاده شد .

کذا (مسلمان شدن یک خاندان امریکا)

صورت مکتوب :

یکی از خاندانهای امریکا از مدت چندی مرتبه کمسلمه خطوکتابت را جاری کردیم ونتیجتاً آن این شد که در دل خود صاحب خانه واعضای آن اله تعالی عقل خوب یک تحریک مقدسی پیدا کرده وخواندن رساله ها وکتب اسلامی را شروع کردند وبعض هفته مکتوب فرستاده واستفسارات میکردند . وبالآخر آنچه که عبارت از یکزن وشوهر وپسر باشد مسلمان شده شکر الله بجا آوردند . فالحمد لله رب العلمین « الیم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم » الایم « هاکذا عبدالقادر امام مسجد ووکیل کنگ اندن »

(آخر ترجمه)

جنگ ایطالیا باتومکیا تازه شروع است . در دایک کامپانی طیران بیدار بست . در زمینه مذکور شکست روسها هنوز در زمینه مغربی جنگ بشدت تماس دارد وکنتی جنگ دیگر طیران جدید در بحر سفید ضرب گردیده و غرق شده است . زیردریای جرمن بجهای صدمه رسیدن اضافه آتش افزودی زیاد وقوع آمده است . دولت عثمانی رقام دولتها اعلان نموده کانالسویس را در احاطهٔ جنگ داخل کرده است واز کشتیهای بیطرفها صدمه رسد ده دولت آن انگلیس وفرانس خواهد بود . کشتیهای تحت البحر جرمنی در مقابل کشتیهای متفقین روز افزون دارد . یک مرکز تحت البحر های جرمنی در بحر روم بنام گردیده کشتیهای بسیاری از دشمن را غرق کرده میروند ولی سورغم از انساب دولت خطرناکه است . از قشقاس ومصر جرمنها درمیان نیست . در صدد خرابی عاهد بسیار ترقی کرده اند . از حرکات امریکا بر خلاف آلمان و جنایت چین اغتشاشها پیدا شده است .

در چاپ سابقهٔ حروفی بازالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه ماهه آنیکه دستخط اداره از طرف مدیر وسرمحرر تحریر شده

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1225 of 1786

شرایط خریداری

دار السلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرمملکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه پنج روپیه انگلیزی

به بعضه انتزاع قبول نمیشود

یک طلای چهار انگلیزی یازده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رعایهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود

اگر از یک جابدیگر جاروجویا شوند میباید که پیشتر رقعه بدهند و سررا خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای نمیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود دارند در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هر قسم اعلان واشتهار که باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود در سرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطریک قران یعنی ثلث روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ثلث روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطر نه ثانی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً یک سال نشر کردن خواهد دوسه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق ثانی فی سطری سه ثلث اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1226 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

به آگاهی میکنیم

هیئت‌رسی و کوشش کردیم که از شکایت نویسان اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرا پذیرایم لکن نشدیم لذا کتابه مرکزی دارالسلطنهٔ کابل بت مدارجه‌خود به کتابه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار دارا که پیه مشترکین کرام با وسائط درجهٔ حیث خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تنبیه و بعد آگاهی میکنیم که بعد از ین اخبارهای‌شان بدون واسطهٔ هر فرد فرد بواسطهٔ کتابهای ذکر شان میرسد.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه اگر ادبیه را مزمه از ین تحفه نویسر دسیسهٔ گذار و مطبعهٔ عنایت و کاپیدا دین غافل! جزیرهٔ پنهان، یک ناولیست که قوت عمل و معرفت دینی و غیرت را وجهی اساس زندگانی توجیح فرموده، بنظرکات وجیزه گرچیزاده. هر حکایت، هر صورت عبرتی، هر فضیلت! خوبی جلب، خوبی کاشف، خوبی تصویر شی دلکوه. قیمتش نظر بحجم بهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان! لهذا (۶) شش روپیه علی فروخت نمی مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، و کتابخانه محمد در بازار ارگ، و دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

علم و اسلامیت

آئینه باید کرد

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوق در اداره موجودست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد به اداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت در جلد کابل

سیاحت زمرد دور زمین پیمانه روز مجلد ۲

سیاحت در سه هوا مجلد ۲

سیاحت دوازده بحر مصور مجلد ۴

از هیجده سحری و زهر چین ... ی مجلد ۲

روضهٔ حکیم مجلد ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای ماقوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دروازه افغانان از زاویه عبد الرسول سرخاب وار دکان حاجی محمد کتابفروش در بازار ارگ و از دکان غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی قیمتهای معین خریداری کرده میتواند.

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای ماقوق را نکند باید در سراج الاخبار افغانیه اعاده کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1227 of 1786

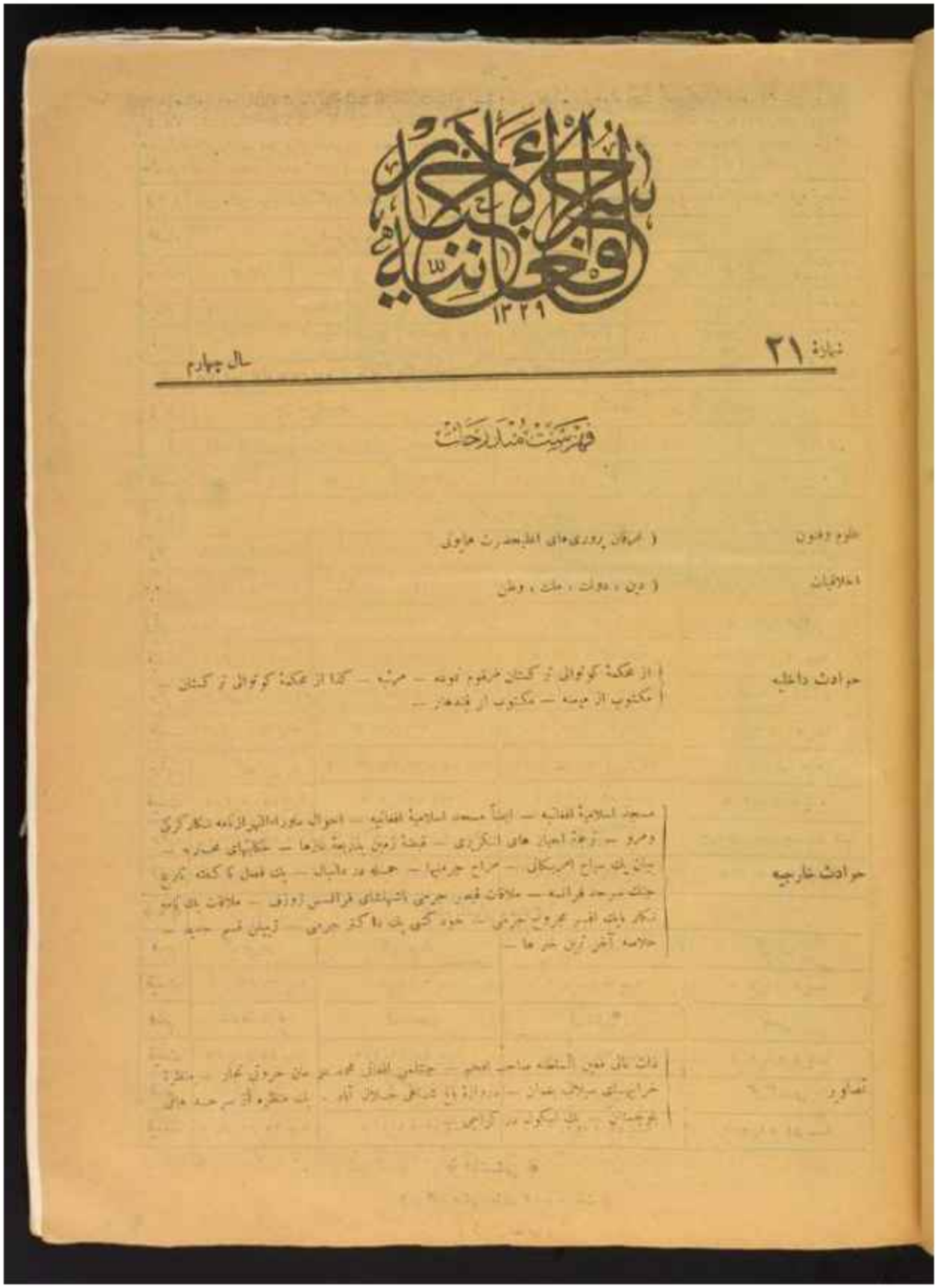

شمارهٔ ۲۱ سال چهارم

فهرست مندرجات

علوم وفنون | (عرفان پروری‌های اعلیحضرت همایونی

اخلاقیات | (دین ، دولت ، ملت ، وطن

حوادث داخله | (از محکمهٔ کونوالی ترکستان مرقوم نوشته — مرثیه — گذا از محکمهٔ کونوالی ترکستان — مکتوب از میمنه — مکتوب از قندهار —

حوادث خارجه | مسجد اسلامیهٔ لندنیه — ایضاً مسجد اسلامیهٔ لندنیه — احوال مکرر الشهر از نامه نگار کری دمرو — توجهٔ اخبار های انگلزی — قبضهٔ زمین بنارسهٔ هندوستان — خلاصهای عساکره — بیان یک سیاح امریکالی — مزاج جرمنیا — جسله در ماسیال — یک فصل از کتاب تاریخ جنگ سرحد فرانسه — ملاقات قیصر جرمنی با شاهنشاهای فرانسه و روس — ملاقات یک پاپ دیگر با یک امیر مجروح جرمنی — خود کشی یک دوا کتر جرمنی — ذیلیان قسم جدید — خلاصه آخر ترین خبرها —

تصاویر | ذات نامی مهین السلطنه صاحب العلم — جنازهٔ اطفال محمد جان خروتی بخارا — منظرهٔ خرابیهای سیلاب بدخشان — دروازهٔ باغ شاهی خیلان آباد — یک منظره از سرحد هالی غوجیانی — یک لشکری در کراچی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1228 of 1786

اعلان

از منابع پرورهای ذات ملوکانه حضرات اعلیحضرت سراج الملة والدین پناه ظل الله افندیه وسی وهشت جناب حریر کارخانه جات و ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه رایحای حوایج دولتی و عسکری سائر آلات حربیه دفاعیه و توپهای صحرا کرشاهان وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از ان اهالی وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت عزاول حکم فروش ان صادر گردیده است؛ محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان در بازار ارك) میباشد.

(۱) سرخ های پشمینه باقی رنگهای مختلف که قیمت آنها از قرار گرانکاری ۳ فیصد تخفیص شده در هر قطعهٔ جنس هر فروش میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم قشری کلان قیمت آن ۱۰ روپیه و ۱۲ پیسه
رقم	تاشاساخته نشده رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ
قیمت	۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۰ روپیه ۱۸ پیسه	۰ روپیه ۶ روپیه ۲۸ پیسه	۰ روپیه ۶ روپیه ۱۰ پیسه	۰ روپیه ۶ روپیه ۲۰ پیسه

کشیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکاری | کشیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشیره رخدار هر قواره ۳ روپیه بیست پیسه

(۲) چراب ها

رقم	تنکه‌بافتهٔ زوج	راهدار زوج	مسدول زوج	کلان قدرچی	میانه قدرچی	خورد قدرچی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۴۵ پیسه

(۳) تنکه‌های حربی محراب ومنبردار

(۴) کرورهای جدیدساخت

رقم	زه‌بافتهٔ ابریشم دوکرهٔ دوتایه	زه بافی یك ابریشم دو کره سه تاره	چرم افزار یك ابریشم	یك ابریشم یك تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۵ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم بافی دست داری دولایه	چرم بافی دست دولایه یك ابریشم	دست دولایهٔ یك جار ابریشم	چرم بافی عمرکلان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قیمه کلیت قره‌از چرم دولایه توغاه	قیمه کلیت قره‌از چرم دولایه توغاه	زه بافی رقم سواری سادی کلیت	زه بافی دو تارهٔ رکلان
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکلان ازنج	چرم بافی میانه چوب پت زاده	ازرین سواری تیغ چرمی	زاده ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۶ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دست بافتهای تیغ چرمی	دست دولایهٔ سادی رنگین کلیت قره	از زین سواری دولایه تیغ چرمی گهطه دار	چرم بافی مابین پت یك ابریشم
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نارمان	گل پرنیه	گل شبو
قیمت	۵ ریه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لیلون	جیلی
قیمت	۷ ریه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

المشتهر

(میرمحمد هاشم دفتری کار خانه جات)

(کیدان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1229 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۲۱)

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۲ روپیه کابلی

در اطراف و اضلاع مملکت

با ضافهٔ مالک ۲½ روپیه کابلی

در خارج ممالک

با ضافهٔ مالک ۵ روپیه انگلیزی

پیروزه روپیکار شمرده میشود

قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعدد پیسه است

(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و مسئول مجرمه

محمود طرزی

ادارهٔ محل طبع

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

عمده امورات تحریریه بداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۶

تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲۸ جون تاریخ شمسی ۶ سرطان ۱۲۹۴

(عرفان پرور پای ذات اعلیحضرت همایونی)

(مراسم افتتاح توزیع مکافات)

بعی جلسهٔ سالانهٔ بخش کردن انعامات برضا کردن مکاتب عالیه

سپاسِ عرفان آیاتی شوکتمنشیت بندگان مقدس حقایق آگاه معارف پناه ما اعلیحضرت (در اعلیحضرت دارین) ارادتمند دولت ازلی و ابدی که امور معارف دولت مقدسهٔ مشروطهٔ افغانستان بموجب امر و فرمان بندگان ترفیخواه دین شوکت ودان سایه عنایت پیرایه فرزندارجمند شان ذات عالی شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت سردار عنایت الله خان معین السلطنه، صاحب اختیار تعلق گرفته است یک رونق و رنق نمایان و درخشان دران ظاهر و عیان گردیده است که از مشاهدهٔ آن دلهای ترفیخواه هان وطن عزیز مقدس را یکنوع شوق و شادمانی سلیمی فرا میگیرد.

این شهزادهٔ معظم که نظارت های جلیهٔ امور معارف و حربیه هردو به عهدهٔ درایت وفطانت شان محوّلست چون تخمه و قدیم و بقدیم همهٔ افکار و خیالات خود شانرا درپیروی رضای معالی ارتضای ذات اعلیحضرت قبله گاه مقدس خود شان حصر و صرف دانسته اند، وذات اعلیحضرت پادشاهی یک توجه خاص جهانپای شاهانه را در ترقی این دو امور جلیه مبذول میفرمایند. از آنست که ذات عالی اخص هیچ لحظه ووقفه را در ترقی و پیشرفت این امورات عالیه اهمال نمیفرمایند وبجانب در خصوص ترقی و تعالی علم و عرفان تلمیک و انجمن معارف را در دایرهٔ افتتاح عالی خود تشکیل داده و نفس نفیس عرفان پروری خود شان در خصوص هرگونه ترقیات علمیهٔ وطن مقدس کوشش میورزند. کذالک رای بدر رسایین افسران قابل و کفاء حربیه، و تعارفهٔ اسباب لعایم و تربیه صوف الاعلی عسکریه، مجلس های عسکری، را در، مکتب فنون حربیهٔ شاهانه، قایم فرموده اند که در هفتهٔ یکبار بادات دران مجلس اشرف و جود فرموده باجناب بیه سالار صاحب، و مدیر مکتب حربیه، ومعلم اول، و دیگر معلمان مکتب مذکور واعضای مجلس مزبور مذاکرات و اجراآت بکار میورند که از نتیجهٔ این تشبثات واقدامات اجتهاد پروراله عالی شان التفاتها بسوی ترقیات مهمه را دولت ووطن دولت مقدسهٔ ما استفتاق خواهند نمود.

درهفتهٔ گذشته، مراسم اختتام توزیع مکافات شاگردان مکتب فیض مکتسب (مدرسهٔ عالیهٔ حبیبیه) که همه ساله اجرا شدنی میباشد بعمل آورده بود. لباسهای این مراسم یک احتشام وشوکت مخصوصه وشایسته بالتعالی وقوع آمده که تاحال امثال آن دیده نشده بود ذات عالی نظارت پناه معین السلطنه صاحب اعظم بعد از استحصال ارادهٔ سنیهٔ همایونی موضع اجرای مراسم مذکوره را مجامع تورلانج زرنج عینکه تعیین فرموده اکثر ارکان ومأمورین دولت وا کابررا از اقصا واطرا دعوت فرمودند. ارباب مناصب ومراتب ملکی وعسکری حلهٔ بالبدله های پرمعنی شان ملبس بودند رجو گهایکه بانظام دست درازی درزر سایبانها وشامیانه های بسیار عالی ترتیب یافته بود ومنصب داران های رسمی جمع آمده نشسته بودند. همه اسباب هاوآلات اتحاریهٔ عامیه وغیره، وتحفه ها وهدایای اهالیه، ترتیب بسیار دلکش ومشتملی حاضر و چیده شده بود. از جملهٔ هدایای اهالیه که برای مکافات شاگردان ازطرف ذات عالی شهزادهٔ عرفان وسادهٔ معظم ماترتب شده بودیکی یکصد اشتراک «سراج الاخبار افغانیه» بود که تقسیم نسخه های اشتراک شان که از شمارهٔ (۱۷) سال چهارم آغاز میکرد یکمدان فطره سرور در میان شاگردان هدایای مکافات جلوه گری داشت. «سراج الاخبار افغانیه» باین نمره شانلی ومرجت عالی نظارتپناهی تشکرات صمیمانهٔ متحرانهٔ خودرا عرض وتقدیم مینماید. چون خود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1230 of 1786

آن مدیریت سبب باری که دارم بالثبات بمحل این مراسم احتفال حاضر شده تا آنجا که ایشان اداره تحریرات را جداً مدار عرض وعده الهی نمازا که از تحصیل بالله این عین مدرسه بالله که امروز جشن سالگرد انعام است میباشد مأمور فرستاده چونکه کوچکترین وعده کی خود شارا انظار دلی درعید تقرر آورده اند

روز شنبه ۱۵ رجب المرجب ساعت ۷ داخل دارهٔ عید گلشن ، لکرت عسکریه لوی عید سعید را پیام میداد

از نظر دقت به پیام ، این روز هم پرچ صنوات از روز عید پارس فرق نکرد و زیرا یک تعطیلی که در آن از معرف نظارت معارف عمومیه برای جنابان معلمان مکاتب افغانستان انعام داده میشود . شهادتنامه ها تسلیم میشود ، وآنهم بدست چوش و خروش یکی در تحت عنوان « کار و تعاون افغانستان » اجرا میشد و اولاد وطن را برای فردا کار پیاپی گویا کون درحق وطن خود تعلیم و تربیت میکنند پرچ وجه از عید کار چیست

از توجهات جوانمردانه اعلیحضرت تاجدار افغان معظم بواقعاً مکاتب و مساعی فوق العادهٔ نظارت جلیلهٔ معارف امروهای برترازدرحق توسیع معارف جدیده و ترقی علمی افغانیه به تکمیل نزدیک شده است امروز حضرت نظارت پناهی همه افسران ملکی و معلمان را خوانده و هزاران طلبای عزیز را درعید گاه حاضر کردن امر فرموده کامتحانات سالیانه که گرفته بودند ، کامیاب هارا تحسین و انعام بدهد وانها رپورتها را از نقوات مکاتب که از فیض توجهات شاهانه اعلیحضرت همایون روحنا فداه یک آن آباد و مستحصر سازی احوالات حسنهٔ این اخلاق ارقرار ذیل است

از ساعت (۷) بعد ظهر کدنه وده که از در وازهٔ ورودی عید گاه طلبای مکتب فیض مکتب حبیبیه به اساس ترتیب و ترکیب درست فوجی داخل میدان وسیع عیدگاه گردیده و داخل قسمت شمالی اول برای شان معین شده بود رسیده وجاهای مخصوص یک سالم بالاطرافی قرار کتاب وفواعد اداء نمیدارد آراسته کرده ، وبعد از چند دقیقه مکاتب ابتدائیه دافکه های یکدیگ اسم هر مکتب را نشان میداد داخل شده بجاهای مقررهٔ خود شان توقف ورزیدند و بعد از ساعت پیشتر از دار المعلمین بمعیت محمد عظمهٔ خود باسکر فوری شامل شدند وقریب ۲۰ دقیقه بعد صدای فرحت افزای موزیکا عسکری آمدن طلبای (مکتب حربیهٔ سراجیه) را اشعار واخبار نموده وارد ساحهٔ اجرای صیاسرا خطاب شرف واشغال نموده درست جلو جلسه عظ چوکی های مسعون گردیده بستهٔ احترام گزیدند ودرمیان شان فاصلهای مکتب خورد سال جدیدی فنه قرولی نظام مکمل و درست استاده ، وجه های طلبه زادگان مسکن فاخری کار گذشته کان منارهٔ دولت که این هردو مکتب بمعیت مکتب جدید پا فخرنا گردان مکتب حربیهٔ سراجیه آمده نظام و محل خصوصی خود شان که قرائت پر شده بود تقرر ورزیدند

پس ه پی آمدن طلبای مکاتب عقائد جزئی های گوناگون وطن پرستان معارف دوستدرا عقلی زیاده از بیان می نماید ، اینوقت درهر کس یک حرارتی حس میشد واز اوضاعش بلند (انتظار) آشکار میشد که دفعهٔ آینده انتظار ه یک استقبال پرجوشی تبدیل بلکه صدای حیرانی میتوان نمود . قرق شیرازه عرفان وساعهٔ آرائه معظم حضرت معین الساعده صاحب افخم کفایت شامور معارف عمومیه در عهدهٔ جلیلهٔ شانسی اعلان نمود ، این وقت ساعت زیر بالا هشت را نشان میداد

اعلی حضرت ولی النعم حضرت نظارت پناهی دوستند ودر سالک داور افخر شان جنابت یکی الحکومه صاحب قضی ودرحضار سردار حیات الله جان وغیر افخر شان جناب سردار محمد عمر جان سردار صالح محمد خان حراق دانشگاه تشریف آورده رچونکی مخصوص خود قرار گرفتند بعد از احوالپرسی عمومی اعلان درباره کار ساکی شدند ،

ازریاست طلاب العلم مدرسهٔ مبارکه حبیبیه عبدالاحد باو ازجانب اداره اول آثار بامور گرده وصوت دلکش همدرا بصورت سکوت گرده آرزی گزاریدند که برکلام ملک جلال مدرسه بتواند ، بعد ازانکه دلهای مؤمنان این مجلس را انوارفیوضات قرآنی روشن ساخت حضرت عالی نظارت پناهی ریاست فرمودند :

« خطابهٔ عالی »

چنین بست که از زمان بگاه ترقی ووسعتهستین تعالی عمرومالش است دین ، زمان ومعارف هیچ دولتی پرچ ترقی وتعلیم وتربیه نمیخورده وهیچ ملتی ترقی نموده وتعلیم نیافته هرا هیشه گفته اند که تنها مرده ازان ورده باشد ، از اوزمان مخصوصیات اعلیحضرت همایون روحی فداه که دایم خیال شان مدرن دار ملت ترقی دولت علیه مسلمه افغانیه است از تاریخ پادشاهی که بنام نامی گرامی خودشان آغاز فرمودند تا حال همه کاری نموده اند ، و بررتبه آنرا بدست حساب عم علوم مکرم حضرت شاه السلطنه صاحب افخم دادند

مدت یکنه چهار سنه میشود که نسب الملک کنتر حضرت عم عظام کار مدرسه به من تعلق گرفته است ، قبل ازان مسلک به استادها وبررتبه کارهای مدرسه بالدستور العمل قابل و دائی داده شده بود وازین سبب تبدیلات سررشته کارهای آنها هرچیزها هم بررتبه کار اجرا پذیر میبود . مدرسه دربلندوپائی افتاده بوده وهیچ تبدیه ازان بظهور نیامده بود

من چون مسئلهٔ های مارتبهٔ احکام مبارک حضرت شاه و کتابهای را در کتاب های مدرسه که بنام مسلک مقرر فرموده بودند بطلبه دانستم که اعلیحضرت والا دروقت تعلیم تعلیم وتربیت یک توجه کامل وبک فهم مستقیم دارند چون ما هم مسلک را در اطاعت وپیروی خیالات عالیهٔ شان صرف قدرت عرض ولازم است بنابران قرار عنوان ارشادات اعلیحضرت شاه افخم خودمی برگوچه زیاده رزیده خودچون کار تعلیم وتربیت علاوه رقوت ناقابلیت تعلیمی هریکار دارد بنابران اولاً بشاگردی از بایده الف واصحاب بیتای باء (العین معارف) تشکیل داده ودرمدت سه سال طرقات منظور شده ساف مدرسه وکوارز آینده زحمت وتوجه سنجیده شده خلاصهٔ کار گردی انجمن معارف را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1231 of 1786

حضور والای ولیعهد عرض نمودم که بموجب خط مبارک اعلیحضرت همایون ارواحنا فداه که بافتخار انجمن شرف صدور یافته است ... که خیالات مبارک اعلیحضرت مطابق تقاضای انجمن است و از اشعهٔ اعلیحضرت والا باجرای آن امور موفق خواهد شد.

صورت موجودهٔ تعلیم و تربیت هرچند نسبت سابق خوب شده ولی خیالات رفیعهٔ شاهانه کو یا هیچ نیست.

یکی از امور انجمن معارف این است که اطفال بی بضاعت را تعلیم دهد زیرا طرز و طریقه تعلیم بد کار مهمی است که هر کس نتواند از عهدهٔ آن برآید و امتحان اولیا را گرفته برای کارهای شان شایسته نباشد باید رد شده و به کار های تعلیم مکتب و دیگر امور معارف مأمور نشده.

دوم یکی از این کتابهای که برای تعلیم مکتب حیدر خود کابل تالیف نمود، در هندوستان چاپ میشد که ابدا هر یک کار مدرسی بلکه تعلیم و جوانمردی از او مطمعه نظر نداشته قابل هیچ نوع اعتبار کردن نظامنامه های مکمل وضع شد. اصلاحات عمده در باب امور معارف و مکاتب ابتدائیه و غیره اجرا گردید و از قرار اجازه انجمن معارف وصیه وامضا شده است.

در باب مصارف مکتبها پیش از انتظار من خدمت حضرت ولیعهد اقتضا نمود و خود شان زبان مبارک خود از کمی آن اظهار داشتند.

و چنانچه پیش از این ذکر کردیم که علت خرابی سابق مدرسه نبودن دستور العمل برای سررشته داری و عیب و خوبی خود آیتهای نظامنامه مبنی کامل در انجمن معارف برای مدرسه ساختیم تحت کمی از وظیفه خود و غیر وجوه مستوفی آن باشد.

الیوم که از این انتظامات مدرسه اعلیحضرت همایونی روحنا فداه مطمئن شده، داخل شدن شهزاده گان معظم را هم در مدرسهٔ مبارکه حبیبیه اراده فرمودند.

و بخاطر این ایشان سررشته دست گرفته در مدرسه در رشته اخلاق علمی، جوش اسلام و حب وطن را در دلهای شان جا دادن کوشش می کنیم و معلوم است که تربیت شهزاده گان باید قسمیت دیگر جزی مقرر درست باشد و هم تعلیم و تربیه ایشان لازم است زیرا در یک وقتی قوت و قدرت آنها بسیار می باشد! اگر تربیت پخته باشد از قوت خود استفاده کرده کارهای قابل رای دون و دولت می نمایند و اگر تعلیم پخته نباشد بجای نفع ضرر از ایشان متصور است.

کمیتهای انجمن معارف در مقامه خود در توجهات شاهانه همایون امور والا کامیاب شده و بهوده رفته است تنها اگر مقابلهٔ تعداد طلبهای سابق کنیم می بینیم که اولا عدا در ما جمع جرم کرده بودند چون آنجا تفکیک کرده نمیشد. مکاتب ابتدائیه جاری شد و حالا چون مکاتب ابتدائیه تفکیک کرده مکاتب خصوصیه جاری شدند، بعضی از کارکنان خواهد مکاتب رابنام و اجرای بعضی مکاتب خصوصیه را زده خود کرده اند.

چنانچه صدقت همراه میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک رای اجرای یک مکتب خصوصی دهمزار روپیه عنده مصارف به معاون کرده اند.

-۴-

در اینجا بیانات اخیر جناب عالی محمد جان را از جملهٔ افاده سوم که یک طالب العلم از شدی است بتکرر دلپذیر فلسفه اسلامیت را کاملا فوق العاده رعوم خواهد اهل فضل را غرق عرق حیرت و خروش دینی اسلامی ساخت و چونکه مخالف مدعا اظهار انقلاب گنجایش نداشتن، انقلاب را در شمارهٔ آینده درج اخبار خواهد شد.

بعد از آن جناب مستطاب سیو فی المقامات صاحب در جامه تشکر توجهات جوانبخت اعلیحضرت همایونی و اظهار شوقیت فوق العاده از اقدامات شهزاده جوان بخت معظم حضرت عالیه بنای اهتمام گذارده گفته:

[امروز ۱۴ رجب اثر جلب است. کما حضرتکان دولت در یک جلسهٔ موجود شده اند که زبان مدرسهٔ مبارکهٔ حبیبیه را تفهیم می بینیم و یکدگر می انجمن ذکر می کنیم. و چند سال قبل از مدرسه را شنیده بودیم که اعلیحضرت شهریار همایون روحنا فداه تاسیس کرده اند، بازچند وقت شنیدیم که مدرسه در تحت مدیریت بعضی مدیرها مانده است و چون هیچ کدام دست و دل الطرف دولت داده نشده است [چنانچه خود سردار صاحب عرض نمودند] کارهای مدرسه درست نیست. همان بود که باز مدرسه تحت نظارت حضرت عالی افخمی نظارت پناهی آمده واز توجهات عالی وزحمتهای انجمن معارف از انواع و فیوضات معارف رفرق اسلامیان ظاهر شده. این بار گفت آن توجهات شاهانه اعلیحضرت همایون و آمدن مدرسه تحت نظارت عالی افخمی بنام گفت حضرت مولانا صاحب رومی رمثنوی شان تذکره دادند. بفرمایند

مدتی این مثنوی تاخیر شد ... باقی وبیت ماند زین شیر شد

دیگر روزبار گفتشان رمثنوی روز ۱۴ رجب اثر سبود که همین روز مصادف استقلال است. بار گفتگوی روز استقلال بود.

واضح روز استقلال است. امید است که چنانچه از گفت مولینا رمثنوی شریف گنجه تکمیل مثنوی شریف رخنه رخنه انوار معارف رفرق اسلامیان ظاهر شده. این بار گفت هم انوار فیوضات معارف رفرق اسلامیان خاصة افغانیان وتکمیل مقاصد مکاتب مذکور ظاهر کرده.]

بعد از آن جناب مذکور کتابا پس از قرائت آن جواهر مضمون (فلسفه اسلامیه) بکمسیون مخصوص زبان انگلیسی درباب خروج و دخول اسلام وعلت آن نکات خواند که عظیم تحسین اهل مجلس شد. و جوش و خروش دینی و غیرت قرائت انگلیسی در بیشتر از مضامین دوگانه آن معلوم گردید.

توجه مضمون انگلیسی آنرا فیض محمد خان جناب الیوحانه مذکور جرأت فوق العاده خواهد نمود. آفرین گفتند سلطان احمد خان نائی که اولین جملهٔ مذکورهٔ (افغانیه نمود) است باید گفت. مخصوص یک آله اختراع کرده خود را عرض اظهار حضار نزاد مجلس نمود. الله مد کوره آله مذکوره بدون که حاصول اطلاعات از روی درس خود درک کرده بود بیرده غیب از یک امر دیگر هم رخ نمایانده تفکر خود را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1232 of 1786

بیان نبود. بعد از حزم این حضار مجلس ملاحظه انواع پدیعهٔ رسوخته کتبی که مرکب از کلمهای گوناگون و طروق مختلفه و خریطه های جغرافی ساخته طلبه بود تقدیم و پس از آن ملاحظهٔ عدهٔ ادبیه دوبه اول بود که تجربه های حکمت و کیمیا را پیش ها اجرا می کردند در اینجا نوبه های سیمی کهروسیا در عاریه بورث آزمر در مقابل بیان استعمال کرده بودند و نوبه زنک برق و زیبهٔ برق آکوده که کپتان نوبرای دفع تر وحشی ها در کنگو عارق العاده و تیلوس از برق آکود ساخته و در موجود بودند که حضرت آن خط وافری رسید

[وقتی که میخواهند که از بیم زیاده ترحضرت و تاثیرات و عاصیان غیر المنظور الکتر یک پیچی برق را بشنوند. کتاب مطبوعهٔ مطبعه عنایت را که بنام سیاحت در زیر خرموسوم است و کیفیت عین زیبا برق بتفصیل در آن مندرج است خریده مطالعه کنند. ع. م]

پس از اجرای تجربه ها و تقریرات جناب اجل دربارهٔ اختراعات جدیدهٔ حربی مانند گیس و غیره که برای همین علوم هست. و اگر هیچ کم از جملهٔ اعداد به سوء پیش آمده یک قصیده غرائی. خالص (نظم) خواند که حضرت والا فحص توصیف طبع روان شریف را بیان کردند

[سراج الاخبار افغانیه هرچند سبب عدم گنجایش از درج این تقریر و تحریر های خارق صناید خراق العوز و افسوس می خورد ولی در آی الفاتحه شیأ فشیأ درج خواهد نمود.]

چون قصیده مذکوره طغرای دربار گردون مدار گشته بود مضامین مواده خود از قرآن کوی سبقت برده و دیگری در جمیع مضامین بر (١) و بر (٢) و بر (٣) و دیگر بدایت مضمون بر (١) یافته و بند یا خیری شان بسیار درست می بود ابداً خلاق غیر (١) می بود لاجرم مکالمات شده بحضور آن منتظر می شدند

طرز الکلام دادن آن بود که حضرت والا فحص عالمات جلیه معارف نشانه حوالفت معظم حضرت مهین السلطنه صاحب اعظم اعتمادات را بدست مبارک خود گرفته و آن عالی الجاه مذکور را بدان مبارک خود داده مستقی میداد [ازین زیاده چه سعادت !]

تفصیل اسامی که باین افتخارات و نعمت عظمی بر روز خود سرافراز شدهاند چون از مفاد مندرجه عبارت حیرت بشاره برند در آی درج خواهد شد و نیز اسامی کسانیکه شهادتنامه ها بافتهاند نیز بوقت آمدن فهرست شان درج اخبار میشود

پس از اقام توزیع مکافات مذکوره و شهادتنامه های مرصعه که بدست خط خوش خط دلی الفحص مزین شده بودند اعضای نجابای سوء ایستاده شده حضرت عالی الفحص برخاسته و عده ذیل را حاضرین عم بر خاستند ،

(فصل ثانی)

حضرت عالی خطاب بهمه مخلص کرده فرمودند :

همه شما معلوماتید که امروز بروز ترقی جمیع ممالک دابسته بعلوم و فنون است و بس. امکان ندارد که هیچ دولتی از دست دشمن های خود خلاص گردیده تواند مگر بسبب علوم و فنون من اگرچه دانان چیزی نیستم ولی چون در حق بنده معظم دولت قوی جود صادق هستم و می خواهم که دولت ما از دشمن های خود خلاص گردیده و ترقی یابد و بواسطه ترقی دولت ما اسلام از خطرات آینده محفوظ ماند. و باز در اسلامی پرزمین های دنیا ایستاده گی اسلام سر بلند کنند لهذا در خدمات عوله خود کمعارف و عسکریت روشن رسانی فهو کبه اقدس اعظم که اینهمه خیالات ما بداده های سده شاهانه خیر خواهانه ملک و ملت شان نسبت بدولت هردارد صداقت کامل میکوشم و چون معلوم است کمتاع صداقت ضرور میدهد است و میم اخلاص صادق هستم. لهذا امید دارم که دولت ما الآخر بر ترقی پایی در مقطعهٔ و حیثهٔ مطلب خود را که اعلای کلمهٔ و نگهداشتن اوطان مقدسهٔ دیو اعلی خود حاصل از دست دشمنان کامیاب گردیم

ماهم رالازم است که وظایف خود را صداقت اجرا کنیم. خدا معلوم است که من هرگز تجارتا بنوده بلکه می بینم زیرا هرما خدمتگاران یک بادار بیدار دیندار اقدس اعظم خود می باشیم و من بسبب صداقت خود هر خدمت گذاران صادق دارا دوست دارم. من علماء فضلا را از خود بارها بهتر میدانم و ایشان را احترام میکنم هیچند من وضع پیاده طلبی را کمدر دوست دارد کمامروز هر یاران طلبی آمده ام و لباسی که برای طلبای مدرسهٔ مبارکه تعیین مقرر کرده ام طلبی است و خودم هر وضع پیاده باشم ولی مناصب علماء را بجهت قدس آن احترام میکنم و وجود شان را برای دولت و ملت خود نافع می دانم.

بکردن عضو انجمن معارف هر کس هرچه بگوید غلط است انجمن معارف یک انجمنی است که آرای توسیع و ترقی معارف و تعمیم آن در دولت خودما تاسیس داده ام و کارهای که انجمن مذکور اجرا و تجویز کرده است همه را بدستخط مبارک خود مزین ساخته است.

٨ روز پیشتر کارهاو کدام را انجمن را بحضور مولای معظم خود زده منظوری آنرا حاصل نموده که آن از قرار ویشت :

(١) تقسیم تعلیم درجه رشمه است برای داخله و خارجه

(٢) تاسیس مدرسه علما و فنون و فنون برای عالمه جات

(٣) تاسیس مکتب سرزائل ، مکتوب تونیی ، رفوبوسیاق

(٤) تاسیس مکتب قواعد حکومت از روی کتب مقرره و کتابچه های حکومتی

انشاءالله چون مکاتب مذکوره جاری شوند تحصیل یافتگان اینها خدمات دولت خود را بصداقت واضاف کرده دولت خود را اقبال و اظهار تجات خواهند داد

تقریر که خارجه میروند در رشته تعلیم کتابخانه برای استعداد و کسب کمالات تعلیم مناسب میزنند. این تقریر البته از تقریر که داخل ملک تعلیم میباشند کمتر میباشد. لهذا خرج آنها هم بر از تقریر می است کمبرای مدرسه مقرر شده است کمادتا نکته سنج دقیقه رس خبر خواه ملک روز بیشتر همچنین فرمودند بسیاران ذات در امیدهای خوشگواری از اقبال و بخت مکتب سه گانه خود دارند گر بیان فرمودیم تا بدی هریه ملک خود را از توقیات جدیده بیان کرده فقط جنابعلی ملا محمد رفیق آخندزاده را کمدر باب (نامورانزگان جهان) بنام اخبار افغانیه بود ذکر نموده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1233 of 1786

دین ، دولت ، ملت ، وطن

در شماره سابق خود در زیر سرلوحهٔ (اخلاقیات) ازین گفتار مبارکهٔ حضرت آنیاد بعضی بیانات نوده وعده کرده بودیم که در اینباره آیده ازهرین که مقدمتاً آنرا جدا جدا بحث خواهیم نمود ، اینست که به ایفای وعده خود مبادرت میورزیم . اما قبل ازانکه بقصد شروع کنیم لازم میدانیم که یکقدری از حقیقت کلمهٔ سرلوحهٔ (اخلاقیات) بحث نمائیم :

اخلاقیات ، مباحث و مطالبی را گویند که به اخلاق تعلق داشته باشد ، « اخلاق » جمع « خلق » است ، خلق بمعنی طبیعت ، خصلت ، شیمای انسانی که در نفس انسان را گرو راسخ شده میباشد ، و اعمال انسان تابع همان خلق و خوی بوده خود بخود از انسان سر میزند ، « اخلاق حسنه » خوبهای خوب ، « اخلاق سیئه » خوبهای بد ، « اخلاق عمومیه » خوبهای که مردمان یک بوم و بوم را گویند ، یعنی مردمان ، خوش خوی یا بد خوی را تنها بخشم روی ، و جنگره گی منحصر میدانند که اگرچه جنبه روی نیز یکی ازجمله اخلاق حسنه و جنگره گی هم یکی از اخلاق سیئه شمرده میشود ، ولی خوش خوی و بد خوی را تنها بر همین امر منحصر نمیدانستند ، حکمای اخلاقیون ، اخلاق حسنه را بهمی خوبهای خوب را یکان یکان بیان کرده اند ، و کتاب ها در ان خصوص تألیف و تدوین نموده اند و در باب آنها قواعد های تام و عیدی وضع کرده اند و از اخلاق سیئه — یعنی خوبهای بد اجتناب ورزیدن و دوری جستن را از فضایل بسیار پسندیده و عنایی گردانده اند ، پس ، اگرچه خلق ، چنبره بکر خوی باشد یک چیزیست که فطری و خلقی در نفس انسان مرکوز شده میباشد ، و اگر آن

(غلام حلقه بگوش اعلیحضرت شاه شهید)
در لباس حلقه بگوشی

در باب خواهیم گفت ، اما تا حدودی از همین سخن را درباب خوبی و بدی باخلاق حضرات خلق را بصداقت و امانت و اخلاق برای ترقی دین و دولت تعریف نموده وقایع اسلامیرا درین جنگ بلیسوله آزاد میباشد مؤثر خوش باز از خدا خواسته ، فرمودند :—

« اقوام بهادر غیور افغانستان را چشمه است که از شجاعت و دلیری و غیرت نسل و دلاوری سرشتی موجود است که همچنین بیکبار بانشه ، امروز در شجاعت و بسالت بیخبر از همچنین گردیده اند تحصیل علوم و فنون زمانه که مدت بعدیکی از ملیکه روی زمین بوده ، علمای باقی اسلامی شده می توانند »

درین اثنا یکبار باز صدای دلربای یکی از شنوندگان قرآن شریف که از دهان یک طالب النور محمد نامی که بنوی حضرت مال افغنی معین السلطنه صاحب در کرسی نشسته بود سوادم حضار مجلس را مطابق آیات جان پرور قرآن عظمت نشان ساخت ، هوا فضا زمین ، در و دیوار مسجد را سرتا پا یک کیف باطنی و نشئه روحانی فرا گرفته لای لای دل را مانند جان در دل جا میدادند ، دل های حضار زمانی وجد دست داده بود آیات بینات قرآن کریم که از زبان محمد صاحب بحسن صدا و حزن ادائش هزار بار گواهی بر زبان می آمد و چنانچه اختتام مجلس قرآن قرآن پذیرفته بود ، اختتام آن هم همچنان بعد عالی حضور جناب صاحب مولوی عبد الرؤف صاحب دست دعای ترقی دولت اسلامیه و سلطنت اعلیحضرت پادشاه بوده ، حاضرین همه بالهای پرسوز و جوش و خروش آمین گفته با دلهای خالی از درد یاس و کوششهای را در اصلاح دین پرورده رخصت شدند و خود حضرت مال افغنی هم تشریف بردند

انتها

(عبدالهادی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1234 of 1786

خوی خوبیاند. کارهای عزیز! اگر آن خوی پسندیدهٔ کارهای بزرگ انسان سرچشمهٔ اعاظم ... زیرا تحصیل ادب ... عاقبهٔ نفس چیزیست که جوهرای جدا جوهرای خوب تبدیل داده میتواند.

وجود مسعود حضرت فخر کائنات و مفخر موجودات ... هادی ورهبای ما ... پیغمبر ذیشان ما صلی الله علیه وسلم عظیمترین همه اخلاق حسنه را فطرتاً و خلقاً جامع بود ... درجهٔ که شان اقدس اخلاق عظیم النشان جل جلاله خلق آنحضرت صلی الله علیه وسلم را به لفظ وعظیم تعریف فرموده بود ... وجود رسولالله صلی الله علیه وسلم حدیث شریف خود شان بالصاحت ناطقه فرموده اند که : — « انما بعثت لاتمم صالح الاخلاق » — یعنی من برای اتمام کردن اخلاق خوب و صالح مبعوث شده ام — ازین پند جوی معلوم میشود که اخلاق حسنهٔ صاحبه تاچندین چه اهمیت دارد ... علی الخصوص کدا ما جنی جهان پاک پیغمبر دیشان که برای اتمام کردن اخلاق حسنهٔ مبعوث فرموده شده باشند برفراز باشیم چسان میشود که رای اکتساب اخلاق خوب بحسان کوشش نورزیم.

(بابک چنگیز افغانی)

عکس مزبور مروی از لحور مشهور جرمنی مکتوبی در صفحهٔ (۲۰) درین نمبره

اخلاق حسنه کدام چیزهاست؟ بعضی دیگر انسان چه کنند که صاحب اخلاق حسنه شود؟ این است که کتابهای معتبر اخلاقیهٔ که عالمای معروف نوشته اند. اخلاقیون رحمهم الله تألیف نموده اند. ابحاث مفصل از ان بحث نموده اند. واصول و قواعد مکمل در ان تخصیص نشانداده اند. ولیکن چون کتاب اخلاق نیقوماخوس یک میباشد است که از بعضی فصایل اخلاقیه حواله اخلاقیه راجع ان وطن خودمان لازم کاروقت وزمان حاضر رای محافظهٔ هستی وجودما بکار آید.

بنابرین ما آن بابت قرار میکنیم که چارن فصایل اخلاقیه ... وهمه ستون خصایل انسانیه عبارت کلاوین ... دولت ... ملت ... وطن را خودرا انسان از همان مملکت اولاد خود. بلکه از تمام جهان زیاده تر دوست باید دارد.

(دین) چیست؟ و دوست داشتن آن چیاست؟ — دین ما دین مبین مقدس اسلام است ... دین پاک وکیم خلاق مرحمت که ما را از معاصی منع میکند ... و باوامر خالق ما ... و احکام پیغمبر ما ... و همان قرآن ما پابند میدارد. از عقاید و احکامیه یکایکشان بحث این دریچه بیاوریم و اعلام معلوم نشده میشود ... زیرا آن چیزیست که طفلهٔ ازصغیر وکبیر ... همه برادران ما میدانند ... مثلیا از سیاست دنیه ... یک عنصری بیان میآریم!

اولاً باید بدانیم ... واعتقاد کنیم ... وایمان ورزیم بدین مقدس اسلام ازهمه دیگران محکمتر عبادات هیچ دین واقدس تر است ... ثانیاً بجان اعتقاد وایمان ... درین یک جان و ... وبدل وهمهٔ وجود وهستی خود دوست ... وهرطرف وهرطریقه خاطر و آسان ومیتوانیم محکمگذاریم دیگر ادیان دین مقدس ما ودوطن ما حاکم ... ودین مقدس ما ودوطن ما حاکم ودیگر دین نبود. لکنآنهه مسلمانان را کاهی میباشند از ترقی باشند اگر در عرب ... اگر در جنوب باشد ... اگر در شمال باشد زاید خود بدانیم ... وبرادران خود شان خود را شریک بدانیم ... و اگر دست معاونتی رسد در حق شان دریغ نکنیم ... وبا... داران مسلمان دور ودرباشد خود رابطهٔ قلبی واتحاد معنوی داشته باشیم ... وافتخار دین خود کار بدانیم ... ومسلم بدانیم ... ودین دیگر ... و احترام ... واحترام دیگر ... ازدست ندهیم بخیال دیگر دینی کم کردن ... نجاوز وحمله کنند ... وجان ومال خودمان وار مقاومه نمائیم کامل محبت دین را بجا آورده باشیم.

دولت چیست؟ و صداقت دولت چگونه است؟ — دولت مأخوذ خداوند ... افغانستان ... است که متبوع ملت ... وملت تابع آنست ... دولت ... وملت جسم وجود واحد شمرده میشود ... یعنی دولت از ملت ... وملت از دولت ... درمیان این جسم وجود که آنرا دولت وملت گوئیم ... دوتن ... بنامهای اعضای رئیسه — یا مأمور طب وصناع — شمرده میشود ... و ملت بنام دیگر اعضای بدن ... البته که این جسم وجود را یک روح — یعنی جان هرلابد ولازم است ... این است که جان وجود دولت ومان ... پادشاه ... آن دولت وملت میباشد.

پادشاه ما ... اعلیحضرت سراج الله والدین امیر حبیبالله خان اعلیحضرت معظم امیر عبدالرحمن خان ... است که از دین ما وعالی دین ما ... از استقلال ما وعالی عالمیان ... از وطن ما وعالی وطن ما میباشند. شرط اعظم دولت رای یک ملت همین است که دولت وپادشاه شان از دین خودشان ... از ملت خود شان ... از وطن خودشان باشد ... اگر خدا نخواسته ازدیگر دین ... از دیگر ملت ... از دیگر وطن باشد ... آن ملت ووطن را مردمجلد پند اشت ... لهذا چون دولت غیر دین ... وغیر ملت بخواهد برخود ... و بالای دولت خود ... آن ملت ... قدم نجاوز وحمله را رساند ... دولت رای محافظهٔ دین وملت ووطن ... وملت نیز رای محافظهٔ دین ودولت ووطن بانام هستی وجود خود بمدافعهٔ دلیرانه شروع نموده ... وبسعی وکوشش ورزند ... بمسئولیت وظیفهٔ دینی وفرض منصبی خود از دوش ... حقوق صداقت ومحبت واتحاد خود را بجا آورده شوند.

دین پاک ... همیقدر گنجایش داشت ... اشاعه درتجارت آینده بیشتر ازین تفصیلات براولاد وطن عزیز ومطالعه کنندگان پاکیز خود بیان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1235 of 1786

انشا نمواهم نمود ، ومن الله التوفیق .

خواطر داخلیه

(از عکاسهٔ کوتوالی ترکستان مینویسند)

بتاریخ دوم چشمه ۱۲ شیر جاری در چشمهٔ شفا عمل زیارت وجود واجتماع یک جماعه غیور وکاری بود ساعی احمد علی نامبردار عساکر دلیر وقایل آگاه ملا رمضانخان مرحوم وبرادران محترم جاری بود نامبرده باختیار خودبدون تکلف از جادهٔ کوتلای چشمه میباشد بر جاده عریض چشمه آب دریاب آمده که آبیاری کند گفتگو بمیان آمد که مدکور و برخی اورا مانع شده که این دریاب نهایت ساحتدار آب وازین مکتبه نامبرده اظهار کرده که من دریاب اینرا وجلاباً داده عمل کرده ام این چه دریاب است کدمن عمل بکنم این را گفته بدریاب اندرون شده بمحرد رفتن در آب نامبرده آب فرو برده و در آنجا که اورا آب چاپیده غلبهٔ آواز بلند شد که ساعی احمد دریاب آبیاری میکند جانبی که درین ساحه آب چشمه نشسته بود همه یکباره برای تماشای آب بازی ساعی مدکور درحوالیه هوز دران رده جاده مدکور رسیده چونکه آب ساعی مدکور را میرده مکر ساعی مدکور بحوالی آب بازی مصروف بود میرهمه اورا کل کامل نمود که بعد آنش مرور چند دقیقه ساعت هزار قدم از محل انطلاق مرحوم تاخته معلوم نکردید تاحالیکه دریان واسیاب بود عقب اورفته هرقدر سعی کرده خواستند قرار بیان گفتگوی جوی چشمهٔ مدکوره که هرقدر ساعی مدکور گفتم که دست خودرا بدهید دست خودرا نداده آب اورا میبرد جلسی ساعی مدکور بدریاب غریب گردیده بعض آن کوه جمعه ۱۳ باشد بار عصر از دریاب بیرون عاید مردم نکته آقا کارتوابعات تیر جنال است برآورده خرچه سیر میرساتم لاحاله تیر مدکور متصل مقبره سید میرساتم آقا مدفون ساخته اند فقط

مرثیهٔ جناب مستطاب مرحوم مغفور برادرش

چنان بهتر بلا گردت آشنا مردن
بچشم دیده کس ازچشمهٔ شفا مردن
چه جای چشمه تو و چشمهٔ بقا مردن
برای خضر شود چشمهٔ بقا مردن
گرد وقوف گاه مرادات آشنای تو
گزا خبر که کیم باشد و کجا مردن
مآیه رانیم جاکو در ذکره فقط
چرا تو مردی و چوماست حق بما مردن
رادری چو تو کم عالم شیعه را دو نبود
کجاشت ایکه تو از مات جدا مردن
خرم کاش گویش از اجل میرایکند
سلامتی نگذارد بکوی ما مردن
زمن وکردن ازین زندگی چه بهتر احد
چرا گفت چنان زندگی مرا مردن
چرا نکنند غم مرگ این جوان مرگ
[illegible]

پرگی راضیم الزندگی شدم بیزار
پس از فراق تو کاش زندگی نکرده بودم
خدایا زکیم بعدازین گذاشت اگر
بجز همین بکند بیوفا چرا مردن
علاج درد تو میکرد گر مسیحی
برد کار اگر دانش روا مردن

کتا

جانب شمال ۴۳ میله مدکور از کوه سیاه دیال سخرج کرده از دامن ساب قریه پیدا شده رفته و رفته از فراز و نشیب عبور نموده از دهنه شمال شاخه های درختها تاکیده درشب مدکور از اشخاص های زیارت جی ها از طرف مزار شریف رامی آمدند از شدت شمال وسیاهی شب پریشان شده بعد قدری باران بارید شمال از شدت خوابیده هوا بعد از اسف شب روشن گردیده در حدود حین ابتدای زراعت های کشتر قان بکنار پسر قطسالاروزی محمد علی صدباشی کشتر قان زارع اشخاص که بالا هراه بودند مفقود گردیده بعد از شب مدکور پیدا شده هرچه درک اثر اشخاص مفقود مدکور گردیده مردم چشمهٔ گوزا بود بکفته ۲۴ ازین آب کی زراعت پیدا نموده اند گاهی مرور درین ازینه آب کی بسیار مفقود گردیده فقط

(از مزینه)

جناب فضایل مآب بیشتر ازمدیر روشن ضمیر جریده گرانقدر سراج الاخبار افغانیه را الله تعالی وتعالی هموار فرمت قلب وطن زیاد عنایا فرماید که مدت مدیدهٔ افغانیه خودرا چنانچه از تاریکی جهان نادان میسازد ، سراج الاخبار افغانیه فیض افتخار کاملا اسلاو علی الخصوص از خود ملت افغانستان شمرده آنها از احوال عالم روی زمین وازتوقیات علم وادبیات بیدار ساخته وبسیارند — این چند فقره را برای ملت وبرادران عزیز وطن خود عرض میدارم اگر منظور نظر درج فرمایند — اولا یک شهریار فاروق یادشاه فاضل مهربان ملت افغانستان اعلیحضرت سراجالملة والدین که تخت سلطنة اسلامیه جلوس فرموده اند ملک افغانستان جان وتوقیات انسان بوده که به تمام روی زمین مثال آفتاب فایان میباشد — چونکه یک ملک یا ساعی یک شریح ملک که تخت میباشد ساخته میتوانست سال اجداد که خانه های کوهپای آش وش ودشاه ریوتهای جانوردار کریم وزن وحیوت وغیره قوازمات که دارالسلطنه کابل تیار میشود ازهریج دولت کریست بلکه کوهپای سایان از دولت های که من دیده بهتر است اگر دلیل آن را بگویم مزینه عنای من کفایت میشود — درسوقت سایه یادشاه یاد عدالته وقلبه آهنگران سایان تخت های داوی وجانور دار تیار میکنند وشکست ساخت وپاسکی وموتر را تعمیر میسازند الحمد الله تعالی بعد از مدت اندک این اسباب جاری کامل خودرا صاحب خواهیم شد که ازخارج [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1236 of 1786

بسیار مغز بلان کار خانه کتابچه باق تیار کرده از کتب های خارج به آنجا مبادت دارند و بس — ما هردمان ملت افغانستان کامل بخیر و خوشی بوده ایم که از لست زلزلهٔ خود صادق پی سیر بوده ایم یعنی به هزار خانه یک خانه زلزله نخورده سال آخرینه تمام آنها صاحب خط و سواد ضروری خود میباشد و لباس های خود را که بسیار غلیظ کلان و چرکن میپوشیدیم سال بدین لباس های خوب که قاشی آن از مکاتب خود ساخت دیدیم که مکتب خود را بس خوش و خوش کرده برای ما فرستاده — خود این بنده بعد از شانزده سالگی دعوا من خواند و خط فرع کردم سال آخرینه خط هندی فارسی را تعلیم دادم خط روسی را تعلیم دهم کوشیده پادشاه محبوب القلوب مبارک میان ما رفق ملت خویش بوده ما مردم ملت افغان از ترک و تراش آن کامل اعتبار زندگی خود یافته ایم در این هفت سال خود تجارت کردم چنان ترقی کرده که قرار فرمایش خود یکار خانه های روسی پشمی منکو ماشهای پات فلک خود تیار کرده بر سر حروب آن نام و نشان مبارک دولت افغانستان را خواسته چاپ کردم و بعد سال تخمیناً هفتاد هزار پاکت کاغذ روپه تجارت مبارک دولت خود تحصیل از ملک خارجی خود تحویل میدارد. اینهمه اعمال از فرق دوری های پادشاه ماست پیر دوکان و شهر روسی و توپ ها نام و نشان دولت ما میباشد ای برادران ملت افغانستان از برای خدا بکوشید بدانید که از جهان صنعت های کوناگون می باید و آخر شوه پست که مان محتاج به غیر دین از مالها و ناموسها ناتم افغانستان و ضرر ما جنس افغانستان یعنی از جان ما بهتر است پس لازم است که شب و روز از پادشاه مهربان خود باشیم اگر یکی قدم دانسته کج شود همین جریدهٔ وطن خود را خوب ملاحظه کنید انشاء الله تعالی پادشاه آن برای انسان کافی است یکی جای دارای هیچ شخص به زیان راحت میسر نمی شود اگر شود به بسیار ملاحظه نام آن را ملاحظه میکند.

از جانب اظهار کوتاهی بنده عریضهٔ پادشاه مهربان اعلیحضرت محبوب القلوب ملجأ الله والدین الامر ملت افغان وجوه مسلمانان کوکو نده نگرداند حق جمع آنها آمین فقط مستخط احمد علی پسر محمد کاظم حروفی با آن عزیزان مقیم میمنه صحیح است تحریر وجه نامه ۲۰ ماه رجب المرجب سنه ۱۳۳۳

مکتوب از قندهار

جناب مشفق علام گرام میرزا نیک خان سرمدیر محکمه اخبار سراجیه دولت خداداد اسلامیهٔ افغانستان عوالیه دولت اسلام معزز دارین باشند بعد از دعای دنا گوی دوام دولت پادشاه اسلام پناه مشهود میدارم اینکه در اخبار سال چهارم نمرهٔ ۱۵ شهر جمادی الاول سنه ۱۳۳۳ شخصی در محکمه اخبار اطلاع دهی کرده تا حق شکایت از دست اجاره دار های قندهار تحریر داشته مضمون اینکه اضافه ستانی میکنند پاکت بارشم روانه هندوستان شده قیمت پاکت دو روپیه پاکت و نیم هزار روپیه گرفته و حرف های نامشروع بد گفته یعنی اضافه ستانی در آن میکنند از دست اجاره دارها صادر شده شرح طویل داده اکنون عرض

دعا گویان پادشاه اسلام است کابلیکو نه عریضه و گفت و گوی نگردد خلاف گفته چنانچه حرف خلاف آن ظاهر معلوم دار است اولاً خط شخصی مسلمان صادق و دیانت کار است که در قندهار است — کمتر دروغ خود پائی ندارد چگونه شخصی راستی خواهد کرد دویم که اینکه پاکت بارشم بوده فی هر پاکت یکصد روپیه حصول آن میباشد از پاکت بار میلیون کرور روپیه حصول میشود البته در تمامی افغانستان اگر یک پاکت بار شم موجود نبود — ثالثاً آنکه این چگونه گفت و گوی دروغی خواهد باشد که قیمه آن در یک پاکت نیم جای نبود — چنانچه کار کوزت کار اعتبار و ایب است کار بی اعتباری و چه کی پست اضافه بر آن این دعا گویان کجا قندهار خود را صادق خدمتکار دولت جان خدا میدانیم و هستیم اگر یک شخصی دروغ آنها را قرار فرمان مبارک واجب الاذعان از طرف پادشاه عالی غلام نظر شود — اینده دیگر شخص را در نظر نداریم هرگاه واقعاً پادشاه را بصدق و جان قبول داشته سهیل میدانیم — خلاف گفته نمیکنیم و خواهد کرد بعنایت الله تعالی — چونکه بالجمله عبدالرحمن من بسیار شخص مسلمان و آدم دوست و اصلاح گرامت جوش کار میباشد زیاده جرئت باشد خط هذا محض برای استحضار آن مشفق مهربان صادق عدالت کار دولت اسلام تحریر یافته که آنوقت خاطر باشد و مهربانی کرده درج اخبار مبارک کنند که تزویر قول آن شخص که درست گوئی نکرده بشود فقط والسلام

امضا ها

تجار های خاجه مسلم.

الشاهد میر غلام یتیم و دلال صحیح است — امیر محمد خان صحیح است — شمس الدین خان بالجمله با محمد خان فوفلزائی صحیح است — عبدالحمید فوفلزائی افغان الشاهد حاجی گل محمد تجار قندهاری صحیح است — الشاهد عبدالسرور خان — عبدالحمید چندران تجار — حاجی محمد رسول خان تجار صحیح است — محمد اسلم صحیح است — محبوب خان اچکزائی صحیح است — بالجمله شهباز خان ناصر اچکزائی صحیح است — محبوب خان اچکزائی صحیح است — ملک محمد خان صحیح است — یار محمد خان فوفلزائی صحیح است — محمد عمر خان ترکی تجار صحیح است — ملا صدیق کلان تجار ها صحیح است — حاجی محمد حسین قوم خروتی صحیح است — عبدالغفور خان صحیح است — عبدالمطلب خان فوفلزائی صحیح است — عطا محمد تجار صحیح است — خواجه محمد دلال ملا نور تجار ساکن دره جوجه صحیح است — ملا فیض محمد ترکی تجار صحیح است — میرزا غلام خیلانی ناصری صحیح است — ولی محمد تجار صحیح است — غلام حیدر قوم اچکزائی صحیح است — محمد حسین خان فوفلزائی صحیح است — شاهنواز خان فوفلزائی صحیح است — محمد طاهر خان تورزائی صحیح است — عبدالشکور صحیح است — عبدالغفور ناصر کزائی صحیح است — عبدالخالق الکوزائی صحیح است — غلام حیدر صحیح است — عبدالقادر صحیح است — عبدحسن صحیح است — میرزا عبدالرشید صحیح است — عبدالله صحیح است — عبدالحمید صحیح است — سید احمد حسن خان پسر سید ناجر آقا تجار غلجی صحیح است — علی محمد صحیح

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1237 of 1786

پست — غلام محمد خان نورزائی تصحیح است — میرزا محمد اکبر تصحیح است — میرزا عبدالرحمن تصحیح است — فضل احمد تصحیح است — میرزا علی اکبر تصحیح است — قدیر علی تصحیح است — محمد یار تصحیح است —

مستحفظخانه‌های خانجه اهل هنود بطریق شهادت

دیوان دهنه تجار — دیوان میر چند ودیرام داس شکارپوری — دیوان شیوه مل دلال — دیوان پادشاه ساهوکار — دیوان گوپالداس براور امیرچند — دیوان مذکور — امیرچند و حکم چند برای راجه — دیوان لاشو — دیوان جو — دلالة دیوان جتامل — دیوان فقیر چند — تجار تصحیح است — دیوان دیوان — که مل تجار — دیوان موتی ساهوکار دیوان کشن ولد رام ساهوکار — دیوان سیوک دلال — دیوان بلیرداس — دیوان بشومل — دیوان سنگامل — دیوان کیمه دلال — سوجمل زار — لاومل زار — صاحب چند — شیوه مل حوردوداس — دیوان شیومل ولدمول چند — دیوان نداتو لکومل — دیوان چوکر مل زار — دیوان فقیر ساهوکار — دیوان کشن مل زار — دیوان گری دلال — دیوان اوتم و لکامل — دیوان کرمامل ولد رتم — دیوان لکو ولد لشومل — دیوان لعل وجیون — دیوان موله ساهوکار دلال — دیوان دره مل دلال — دیوان رحومل دلال — دیوان دوی چند برادر سوبا — دیوان جیمل حوزه — دیوان لکومل — دیوان کندن مل — دیوان حرومل ولد اوجل — دیوان موله ساهوکار — دیوان نارومل ویر چنگل — دیوان لرکومل دلال — دیوان لکامل ولد لشومل — دیوان راجی صراف — دیوان نیک چند —

سراج الاخبار افغانیه

طی حکایه‌ها شخصی که راویان ظریف نوشته بود که در سنهٔ هزار و ۱۸ جمادی‌الاول همین سال درج کرده بودیم یک شخصی بود که ساکن بود و کاردار ! بلکه یک سپاهی مرد لاغرضی بود که از جهه شنیدنها و دیدنهای اوتا پدیگ هرآن فرقها بوده باشد . اخبار چون یک مجموعهٔ خواست، وغرض راویان وحکمرانی نیست . لهذا جانبه خوان هرقدرا غیاًدرج ساخت نموده بود چنان استمداد را بر (العهدة علی الراوی) گفته عیناً درج میکند . اما نکتهٔ شایان دقت اینست که دران فرقه نامه چیزی که موجب عدم عدل وانصاف جناب نائب‌الحکومه صاحب باشد بنظر نرسید زیرا نائب‌الحکومه صاحب اول مصاحفه راضی نبوده اند که عین عدل وانصاف دراول دعواهین است وا گرصلح نیشد هیچ شبهیست که باز خواست هرمیکردند آقایان صاحبان اعضای این نامه هم حق بدست دارند که اگر گفتگو ودعوا برحق وصواب میبود آیاچنان یک پیاله شیرینی حل وفصل میکردید ؟ . والحاصل سراج الاخبار بار وظیفهٔ خودرا بدون کم وکاست درج نمود علی العهدة علی الراوی .

جواد سلاجقیه

(مسجد اسلامیه افغانیه)

(دروازهٔ دولتی استریا)

وارتها شهریست زیبا که از اهل فرنگ وغیره آباداست ، از بندر فریادار بادار (۱۲) میل ازدریا فاصله دارد وعمارات عالی مصنوع آن حیرت انگیزاست و تماشاگاهها ومسرت و عمارات در عصای ساده سنگ مرمریاست ودرزمین وسنگ استریا این شهر وقت است که بنائب‌الحکومه ا کثر اوقات همین جا سکونت میدارد ، بازار کلان آن وقیم سیر نامیدارد ، هردو طرف بازار تمام پایه‌وچراغهای برق وعمارات زیبا ومرمری است درمیان همین بازار غالب دست راست مقبرهٔ مسجد اسلامیه افغانیه پیداشده است

افغانان از کور نمنت استریا اجازه کرده بودند تمام بحوالهٔ درمیان شهر مسجد تعمیر کنیم ، کورنمنت مذکور بلازده اجازه‌دادن مسجدی است عظیم وعالی از خشت پخته و گچ تعمیر شده ودیوار های درون وبیرون بسیار منقش است در صحن مسجد حوضی است عظیم و گردا گرد حوض باچه گل وسنگ کوتاه کون وحوض ازسنگ خاره و گچ تعمیر شده ، گردا گرد مسجد باغیاست مدور که تا کهای انگور آن بسیار نظر زیبا ست گردا گرد باغ دیواری بقدر قد آدم ساخته شده است

این مسجددرشهر آمتریا شهرت تمام دارد ، رونق این قابل عجایب است، صنعت کاران این‌ورو بین‌ودند ، بدوطبقه مدورساخته شده است ، طبقه (۲) آن سه دروازهٔ بلند از شیشهٔ بلور ساخته شده است که بعضی شیشه‌ها سرخ وسبز و زرد وسفید وبنفوش ضربه منقش میباشند

درداخل مسجد چهار درجهٔ بلوری بازشده وطرف مسجد بمکلف بسیار آراسته شده است که غلغله‌های غنچه گل دیوار ها کشیده شده آن‌هم از روی طلای مصنوعی ، بالاشده وسه چراغهای جلی که از کار خانه مدرن برقی والا سیم آورده شده است که درون مسجد تمام روشن میباشد ودو چراغ برق در صحن مسجد نزدیک و کنارهٔ حوض درصحن مسجد ودیگر آن بسر دروازهٔ طبقه‌دوم ، دردروازه‌ها وکنار مسقف مسجد آویزان است که مسافه دوری را بقدر میل از نظرهٔ آن اهل اسلام سیرمیشوند وقتی وریس ها منبر واسکلت دربعان میباشد وبسیاری ازمردمان وزنان وبروپی برای دین مسجدی آیند ، وجونهای خودرا ازکثیده بطور مؤدبانه وصفائی سیر کرده واپس میروند

ازچهار هزار پوند زیاده درین مسجد خرچ شده است هنوز برای مدرسه سراجیه که تمام نشده شده است مبلغ دو سه هزار پوند ضرور است .

برکناره راست دروازه مسجد درسنگ مرمر بخط خوش واضح این مضمون کنده شده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1238 of 1786

... الحمد لله [illegible] مسجد اسلامیه روز دوشنبه تاریخ ۲۵ ماه رمضان المبارک ۱۳۴۳ هجری پایدشد ، افتتاحش را خداوند تعالی بر جمیع مسلمانان مبارک و مبارک گرداند و رحمت گناه و

روز محشر که جان گدار بود
یار این پرستی غمخوار بود

در کنار چپ دروازه مسجد عین مصور و انگلیزی ترجمه شده در سنگ مرمر خط خوش واضح تر تحریر و کنده شده است الحمد لله المنان الحمد لله ... [illegible] چه خوبی شده است ، افغان مظلومان این بنده را چه احسن و بحسن قبول فرموده ، قانون وقاعده چنان قرار یافت که هرچه مسلمانان زادهای که درین جاهستند ، بروقت رای درس بیایند ، بعد نماز صبح وبعد نماز ظهر ودرین جناب مولوی ملا پاینده محمد شاهنشیر مولوی محمد عوث قندهاری است ، که رای امامت ودرس مقرر شده اند که مولوی موصوف در عربی ، فارسی ، انگریزی تعلیم یافته شده است ، لهذا مسجد هشت هزار افغان می باشند که در سر کار برطانیه استرالیا در کوئینس رجسٹر شده است

اگرچه ملا پاینده محمد خان پرسیدن افغان است لاکن امامت ودرس را هرچه احسن می کند زیرا که می خواهیم که همیشه امام ودرس مقامات باید افغان باشد

دیکر

(مسجد اسلامیه افغانیه)
(در ملبورن آسترالیا سوتهه آسترالیا در وسط شهر)
(در کابت سترت)

آسترالیا یک شهریست در سوتهه آسترالیا (استرالیای جنوبی) وا کنار دریا خاصه ۹ میل واقع است ، شهریست عظیم وعمیق ، اهالی آن اهل یورپ اند ، بازار های آن وسیع وخوبه پاکه وسنت مرمر فرش شده بکنارهٔ دست چپ در وسطشهر در کابت سترت مسجد اسلامیه افغانیه واقع وبنا شده است این مسجد از سنگ خاره وگچ ساخته وزمین مسجد وروبار های آن بکمال هنر صنعت کاران صنع وحزین شده است و بالکن های مختلف مقابل ومقابل ... در اصل مسجد حوضی است وسیع برای وضو وکناره حوض گل وسیل کاشته شده است ، دو عمارهٔ بلند عظیم وزرین مقابل دروازه ساخته شده اند که بالای یکمیل دور از شهر نشتر علوم میشود که از نظر اهل اسلام مسجد ان شهر وزیبا منظر میشود در اصل مسجد در طالان الیز وکلاهای مذکور حرس شده اند ، یک زمین مرغزار برای محل جنازه وقطعه گرفته است

درین مسجد تخمیناً زاید از نه هزار روپیه خرچ شده هزار یکصد هزار روپیه ... برای چندسه سال ضرورت هست ، کمیتی مسجد اهل افغانستان که در بندر کار برطانیه کوئینس لنت استرالیا رجسٹری شده اند مسجد برر سه کنیج [illegible] آسترالیا زیر نصرت است

([illegible] شهرت وسنن آسترالیا) ... امضا ...

... [illegible]

مراج الاحسان

در شمارهٔ (۹) عین سال چهارم خود تتمهٔ ازترجمهٔ احوال سیادت وفضایل پناه جناب سید جلالشاه صاحب کابل سیدنامی نسب ، وبکلام روحانی منسوب میباشد چون بنده چندین از آن است که در پنجاب این مکتوب مذکور را بزیور طبع بیارایم ، حقیقتاً شنوندگان وخوانندگان این داستان سیادت ، دینی وعبرت راندان افغان ملت ما که در آسترالیا مقیم اند درچنین اوقات خیریه شان شکران فراوان خواهند نمود ، والسلام علی من اتبع الهدی

تحریر چهارم آنکه ۱۰ شهر رجب المرجب از عمال میمنه سنه ۱۳۳۳

(احوال سیادت الشان)

باما شکار ملاز کرکی ومزد میبوید :-

کیفیت داعیه تمامک روحی الحرمین تر کن از اول حالت ایام بهار کشت اسپ جمع کردی بوده که کویا اسپ سواری رایش آماده — حاضره ربیع الثانی کوهکار تا شکنه آمده چون مردم تر کن را از عهد خود ناچیز از چهار اطراف آن را بحضور خود خوانده ودرة تیمارمردم سابق از دولت روس چند خانه وغیری وملک های موالی وعدی مالکیت وملک چه قدر دارید بیاهه آن را بعهد چرا که دولت روس چون حرب دولت ارتقا مردم نهایت اسپ های زیاد کشت کویا رسیده سال میجواهد حوض اسپ ها وصداقت شاهد هزار اموال تر کن اطواف مقرر چیتوه وتشانهای صداقت ازطرف دولت روس کرام تیما ها داده میشود مردم تر کن مولوی وملا هر کرام آن هاسیاحة خود را اضافه از چهار خود داد بعد از سیاهه رای کتوب ها کمت که تیما مردم از سابق یکی ریپب غربی وملک تیماها زیاد شده سال دولت ما جنگ دارد از تیما مردم کفت وجه نقدی را میخواهم مردم لاجواب شدند درجه اول از چهصد سنات کذرنده افغار کل هزار ۵۴ خانکی وجه نقد هم کوری بود یعنی یعنی که وجه نقد وملک دادنت قریب ۱۵۴ هزار هر عسکر کرفت تخمیناً یکهزار عرشه خانکی حرب خود هرشانه خود میکویند که آنها کامل دست دولت معطله میان زده افتاده اند — و عرشه خانکی الاول وکلی امیراطور روس همه علی عدالت آن جنت قضیه از انکه باسردار ایه شهر هری زده تو جنک کرده بودازها کفتند ومیکفتند که علی پادشاه خود دیکر نمیشود که ملک سعادت تمایه های امراسلام را منتخاب میکرداند از آنجاکه از دهی هرشخصی چیزی برداده بنای خوب وپادشاهی بعد آن رایان مرشان کفت که ما پادشاه شما ها نمیشود عکس عیالان اوردیاه لازم است که چیزی کفت وپاداده شود چهار درجه کرد درجه اول ی دو کان دوصد منات درجه دوم یکصد وچهل منات درجه سوم یکصد منات درجه چهارم پنجاه منات درجه پنجم آوری بود — علاوه روسی یک هزار نفر دارد مامور های حکومتی خود حکم بود که کنیج بود مرشخص که علاوه روسی داشته باشند کمویل خزانه وبانک های — کاری بکند عوض آن کاغذ عهد مادی بکیرند تعداد پنجوه هزار مرشخص اکر علاوه روسی باشد شوروی صنات شش منات جریمه وداش داده میشود — [illegible] صنعتکاران مذکور بهروصد وبیست وسه میباشد — دولت شوروی شش هزار عرشه خود را باخود [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1239 of 1786

از منظرهٔ طرز پهلوی سیلاب یغمان

یادر خود می‌برد براحوت مذکور درین آب طوفان شدار بندر کم خود دور افتاده غربی مذکور که درین راحوت جوشت واسلحهٔ حربیه نداشت قدری بدست روس اسیر شده ان شش هزار نفر ارتقام شهرهای محکومی خود گروش دادند صف اولین روزها بمرو آورده چو میگفت که چنان عسکرهای اوستیرا گرفتم و بگوید که دست بسته بدستم افتادند هزار هابدل این ها ازعسا گرمن نقل رسیده واسیر بدست کوران میباشد معلوم میشود کسانیکه ازین هیچ دست گیر مذکور نشده اگر میشد بقال این ها هزار ها میگفتند —

از ممالک داخله خود روسی عمل منسلمانان بخارائی و ترکمن وسیودی کمپوزان حاکمارت میگرد کشیده‌اند از تکنند و اطراف نهاد که روز ۲۹ ماه جاری الاول ازطرف حکومت روس بمرو حکومت که فی هشت نفر عسکر از عرضه ترکمن جمع آوری نماید در امروز بای ها و کلان شوند های عرضه ترکمن را حکومت بمرو خواست معلوم شود که چه جواب رهنمود ازدیگر علاقه‌ها بدل تکند. وعلاقهٔ بخارای شریف نیز با آنکه قرار مرو حکومت داشته باشد بدون آنکه خاص عرض میکنم — خزانه قدیمه بخارای شریف را بخود رفته بپایه قرص روس برد که چیزی برای شان نمانده عنقریب مردم داخلیه ممالک مذکور ریشان زیادی میباشد.

از ترجمهٔ اخبار های انگلیسی

که ترجمان انگلزی ترجمه کرده

لندن ۲۷ ی ۱۲ رجب المرجب

مسترا بسکوتیه در تقریر خود بیان نموده است که جنگ به کامیابی جاری داشته نیشود تا کوکلای فرق علاقه انگلستان درورزارت داخل نباشند.

لندن ۲۶ ی ۱۲ رجب المرجب

مسترا بسکوتیه در تقریر خود اسبق بکنور سلیسبوری را بیان نموده که از شکست که ایشانه در جنگ در افغانستان صدمت زیاد رسیده است و دوستی قدیمی ایشانه و رضایه ازین ترکیب مدنی به اتحاد کامل گردیده است —

روما — ۵ می کریل ویارا طاوی دوهزار نفر اطاوی وچهار هزار نفر الرطوی را باخود کرده به ملام مدد واقع شدن واده کرید که بعضی انوام باقی خواهد ماند — چون بساحل ده میل رسید فوج الرطوی عاوت نمود — ومابین فوج اطاوی وفوج الرطه جانکاهید واقع شد —

قضیهٔ زمین بدریه ها

فیلدمارشل فریدیچ میگوید که آن حصه های میدان که در مقابل پرس سیب استعمال نارها از دست رفته چوند کمال با آنها مصرف نشده‌ایم — وی گوید که مقدار نارهاییکه زیاده از آن کافی دیده نشده بود — نارهاازانبار پهاآورده میشد مدت آن نیز آمدورفت میل مقرر بود ودراین اثنا کلوله‌های گلوله باران نارند وار نارهای بعضی مطابق چهل فوت بلندی داشت واز ین سبب اکثر حصه فوج مقابل از کار افتاد —

لندن ۲۷ ی ۱۲ رجب المرجب —

باخبار تأثیر از خلم آیون گورنر اطلاع رسیده که تاریخ ۲۵ و ۲۵ می حمله جرنل رخب فوج روسی در کلیشیا در تواریخ جات پی نظیر بود — غیر از خانه های کنار طوفان آتشباری رخب فوج روسی زیاده و آنرا رهم ساخته ازانده باشد که بچین وبسار فوج روسی رجوع نماید لیکن افواج روسی بترتیب درست و منظم پیاشدند —

۵ دروازهٔ باغ شاهی جلال آباد ۵

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1240 of 1786

یک منظره از سرحدهای بلوچستان

شماره ۲۹ می ۱۹ رجب‌المرجب

خبری از انگلستان به شماره رسیده است —

بدستیاری کولی کلار ۱۰ شریح کثیرالتعداد ملک و یکصدان تعداد کثیر طوطی هندیا دارای سان را عبور گردانده — عده جرمرو آنها بطرف جنوب و مشرق در فصل نهایت شدید میباشد وقوع کثیر مصروف پیکار است و هرگز ظاهر نمیشود از به سبب جنگ اطلاع قوت انها و جزئین در زمان مشرق گزور شده باشد .

لندن ۲۸ می ۱۲ رجب —

اعلان سرکاری مظهر است که چون جهاز جنگی عسکری علاوه کلی چون در جنگ مصروف چوبک کشتی زره‌اب دشمن آرا غرق کرد — وقریباً کل افسران وسیاهیان محبوط ماندند —

لندن ۲۷ می ۱۲ رجب‌المرجب

جهاز فرانسی این در بندر کاستیونی اتفاقاً رسیده — وصرف یک نفر از اهل جهاز سلامت ماند — وقریب دوصد نفر کشته شده است — این حادثه وقت یازده نفر روز وقوع آمد یک شعله زرگ پیدا شد وجهاز غائب گردید

حکایتهای غریبه

نامه نگار اخبار دیلی میل از فرانس اطلاع میدهد که وقت شب تاریخ ۱۸ ماه مارچ گرفتار شده بر کنی حمله کرد ورفقاء طائف شهر بلدر یکدرجن عمارات ، وچون منبای این همجوم عمومی آن بود که استانیون مشهور ریل مری تاج و کلی باد کرده بود از اورد در زدیک همین موقع بشدت جاگشنده شده از انجمله بکخانه آتشزدگی از اتفاقهای ایستگاه افتاد کده نفر اعلان وهاتفدر را مجروح ساخت

اینان قریب سه ساعت دلیر پرواز داشت و در همین اثنا از هرطرف دان هر گردیده ولی بالاخره بکمک کامیابی مرا بیت نمودند هوائی کمن القامت دانشمندان رساله ۱۲ وچراغ خلد اوتاریه در اسپیکی در اوتاق من داخل شده مرا مخاطب ساخت گفت اینان دلیر دوره میکند وشما زودی بیرون

یک اسکول در کراچی

بنظر بنده هنوز من از اوتاق خود نیامده بودم که صدای توپ و تفنگ بگوشم رسید همینکه تعجیل چوت هایم را پوشیدم خود را بسرک رساندم گرده بخلق کردن اطراف و جوانب خود مشغول شدم کمترین موانع بصری نمیدیدم وزنهارا از رادیدن مع گردیدن من سخن هیچکدام نمیدانستم بخیر خانه بدین نظاره دوام ورزیدم . شب تاریک بود ، و توپخانه فرانسوی برزبان از هر طرف گلا باری میکرد ولی هنوز آن پیدا نمیشد . در حالیکه ایستاده بودم ازظلمتی که حکمفرما بود هیچ چیزی بنظرم نمی آمد ناگاه دوباره خود عوض کرده کارخانه بمرتبهٔ بالای اول رفته چیزی اندیشه کردم . درانیوقت صدای ماشین زبان متصل بگوشم میرسید گمان کردم که بیمد ۱۰۰ گز از اوتاق بامان شدت یک آواز میوزیرا حس کرده وجود خود را تحت کابد ضرور از دیده معلومات بدست آورم هرچند کوشیدم ایچ حاصلی نداشت . لهذا بدیده ازدالا برج فرو آمده بطرف سرک رفتم که بازده توان هوائی متوانر دیگری "بار ضربه" آن بام حالات اولی گردیده قوهٔ ساخته او را پراگنده ساخت . شب سیار سرد وتاریک بود که انسان بدین هیچ چیز مقتدر نبود وهرچند کوشیدن را درخانه آسایش کردند نیافتند ولی گاهی هنوز هم دوام داشت . بعد از کمی دیر چنان معلوم شد که حالا زبان برکنی پست واز انسب کوه باری وقف خود مگر ، ناگاه بنهایت شدت یک آوازی برآمد که متصل آن صداهای توپ تفنگ هم دوباره بالا شد . من بر ۲۰ دقیقه آنرا برای تحقیق قضائت رفته شدم وبعد ازانکه به استانیون رسیدم معلومات گوشه مسافریکه در جاده های ریل بخواب رفته بودند از آنان بر دیافت شده بود . وکمی دورتر نه دیدم که از تاثر بلندم دیگر یکصد باری ریل را آتش گرفته . شعله‌های آن بلند شده است که پس از کوشش وتکلیف بسیار خاموش گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1241 of 1786

حکایت دیگر

(بیان یک سیاح امریکائی)

در اخبار ، دیروز وارد لندن یک سیاح امریکائی که در حال از سیاحت جرمن فرانسه بلندن خود مراجعت کرده است مینویسد که :

من از آلمانها آنرو داشتم که به جرمن رفته و حالت عمومی آنجا را دریافت کنم و همه اینها را از نزدیک ببینم . غرض من در وسط ماه دسمبر به جرمن رسیدم و حالا از آنجا واپس آمده ام . در اثنای سفر روزی در مابین هوا ، برف ، بارش و گرد و غبار بیان خوردن مشغول بودم که یک نفر اجنبی آمده از من پرسید که « آیا شما انگلیزی هستید ؟ » من در جوابش گفتم که « نی من یک امریکائی هستم » و بعد مابین من و او یک مکالمهٔ خوبی واقع شد . او گفت امروز روزها که پس از جهازهای انگلیزی را بقعرهٔ کشتیهای تحت البحر خود غرق کرده اید بسیب اینی آن است که بهیچ صورت غله و خوراک به انگلستان نرسد ، در نوعت هر چیز در آنجا گران است و اگر شما نگذارید که غله به آن برسد انگلیزان هیچگاه انتظام خوراک خود را کرده نمیتوانند . تا کنون ازه ما ۴۰۰۰۰ سپاهی و ۵۰۰۰ افسر انگلیزی اسیر شده و ما اینرا برای حالا حصهٔ بزرگ بولاند روسی و شمال فرانس و بلجیم درنظر تصرف داده است .

وقتیکه به هنوسا جرمن داخل شدم در آنجا حالت عجیبی مشاهده کرده . تیاتروها و رقصخانه ها همیشه شده اند و هر کس میخواهد که پیمان جنگ را بکند جنگ ، بچه های کم سن که هیچ قابلیت برای شدن عسکر را نداشتند برای خواهش رفتن به جنگ در خواست ها می کردند ولی ادارهٔ حربیه درخواست شانرا بتاثیر صغر سن شان نامنظور مینمود . زنانیکه در اداره حربیه بخدمت قوای را آرزو کرده اند حالا وظیفه پولیسها را انجامی آورند . زنان فاحشه کارهای گذشتهٔ خود ها را گذاشته در انگرانخانه ها و قحبه خانه ها بجای مردها کار میکنند . عنصر آهنی را که دیدم در آنجا زنها بنظر رسیدند که بکارها مشغول میبودند و هر شخص درین جنگ عین وحشت را در خود حراس کرده بود لهذا اگر همین حالت جرمنها که من در دسمبر و جنوری دیدم که حاضر باشد که حتیکه من میدانم از اقوام دیگر دنیا پیشتر ترقی میتواند کرد . و این یک امر بدیهی است که در دل هر مرد و زن و طفل که چنین خیال وجود داشته باشد آنقوم هیچگاه از روی دنیا محو نمیشود .

حکایت دیگر

(مزاح جرمنی ها)

در جنگ جرمنیا بار یکها یک مزاح بطرفانه کرده اند :- جرمن ها اعلان شایع کردند که « دنیا روی بزرگ بر بار جرمنیا یک اختراع جدید بسیار اعلای نشان میدهند لهذا کما یکه آرزوی دیدن این تماشارا داشته باشند میباید دوروز پیشتر تکت های خودرا بخرند » . غرض چون بازنگیان این خبر رانشنیدند بسیار مردم جاپان ، پنج هزار پیشتر به جرمن تکت ها آنجا کرده و بایشم جرمنیا از اطراف شهریک مبلغ خوب پیدا جمع کرده . شبی که برای تماشا معین بود رسید و درین شب جرمن ها در اوقیانوس بودند و به اطراف آن جزایر که مقرر نموده بودند مردما یک تکت هارا خرید و بعد روفت مطلوب کرده و بجاپان رسیدند ولی همه شان دروازه تیاتر و اپیرهٔ پولیسها را بران دیده پس گردن خودرا خاریده واپس خانه های خود شان مراجعت کردند .

وجرمنهای آن جزیره ها این اعلان را شایع کرده که ما و پیروانمان صلح کرده بودیم » .

حکایت دیگر

« جنگ دریائی »

از فکر یک جرمنی که برای اختراع کولون گرت جرمنی توشته و تاپیر کردن ازان نقل کرده است .

یک افسر جرمنی طیارهٔ « جیپ » کیپ جنگ جهازات متحدین را در دریا دانیال بدین صورت نشانده است .

در ۱۸ ماه مارچ یک جنگ بسیار شدید مابین جهازات انگریزی و فرانسوی را پس و ساختیم که از روی اخبارها خواندید خواهید بود .

علی الصباح یکشنبه دو جهاز برطانوی و چهار جهاز فرانسوی بنظر درآمد که بسیار جهازهای نیاه کل دیگرهم وجود داشتند این جهازها آهسته آهسته در دره داخل می شدند . یک جهاز که کوین الیزابت وبران توپ های ۱۵ ، ۱۶ انچه نیز در نصب بودند ۲۲ میل دور از ساحل ایستاده شده گوله باری شروع کرد . از گوله باری او که در مقابل آن هیچ توپ فرانسیم من آرمهای خود را تباهای محفوظ فرستادیم و خود یک فاصله کر نیل از سابقین توپخانه پیم آتشباری جهازها مشغول شدیم . من آوقت بگمان شوق انتظار می کشیدم که باهم گوله باری شروع کنیم .

درمقامات محفوظ یکقدر نشستن بسیار دلمحزون می شود من باطمینان در توپخانه میگشتم و بمردم مزاح کرده و آنها سیگار تقسیم می کردم .

درین اثنا توپخانهایی که به جهازات نزدیکتر بودند آتشباری شروع کردند ازین سبب جهازات پیش شدن نمیتوانستند که تاپر گوله باری شان هم نکنند .

پس ازانکه دو سه ساعت در گوله باری شدید ملدوم بودیم اندازه هم به درست کردن توپها حکم شد مردمان طوپخانه عمومی وظیفه خود را ازین اول ریک جهاز فرانسیسی گوله انداختند . پرتوپخانه ما جهازات دشمن سخت گوله باری میکردند . گاهی گاهی ما به مقامات محفوظ مراجعت می افتاد ، ولی آخر ما جهاز بیوت را صدمه زیادی خوب میدیدیم که گوله های ما چسان زدن جهاز میخورد . مردم ما شرق شرق میخندیدند ولی بعضی جزیره کار میکردند . به بسیار زودی وقت آخری حیات جهاز رسیده در گرفت چون یک گله دیگر مار پیلوی او خورد بعد از سه دقیقه ماشند سنگ پخت در آب رفت بعد از ان جهاز های زره پوش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1242 of 1786

زحماتی در ارزنیتال بود کوشن ، مامهائی جدیدی ارزو سپتل اول و ۲ و ۳ هم خود اوتن نیز عزل گردید .

از صدا های رعد نمای توپ های قلعه های ما و چهارهای دشمن گوش ها کر می شد . پس از هنگامه دو گروه احوالی توپخانه ما خیلی کم بود ، بعضی سوراخ شده بودند ، دهنگذر افتاده بودند ۷ هر ماکال و ۱۴ اهی شد قطعات قلعه های دیگر هم کمتر .

مأموران راه ، اگر او مدت گردم نیز بالتوپ که کامل بیکار شده بود ، از آتشباری منصله ماندند ، نه سپه چنگ یک گلوله سیاه گردسرنگ چون نیز عزل شد ، پنج گلوله توپ زدند ، گوش نیفتاد . افتاد بسیار هری دشمن تلف شدند وقت شام اسپ هاوبیاهی های خود را دفن کردیم و در قبرهای آنها که دشمنهای کلعه ما قدائیم .

آهسته برو که هستان ز خواب ما
بس نازک است شیشهٔ دلهای ما

دیروز جوانجاه دیپتاه خود رسیه من نشان بهادری ترکیه بیاند ، ورای من سفارش صلیب آهنی هم شده است و ۲۷ سپاهیای جرمنی را این نشان داده میشود دشمن علاوه بر این خواهد آمد و اگر آمدند مثل اول قوی خواهند رفت .

حکایت دیگر

یک عمل نا کرده تاریخ جنگ
فلاپیم حد فرانسه

کوهر شهریان که گاهی بدست (حدن) پیش می آمدند اطلاعیه‌های فرانسه بطور اختصار از پیشرفت دشمن خود سخن میدادند و مانا اوقات نظر بسرعت جریان حوادث بخلاف دیگر جبهای از مطالب تا کفته میماند — از جمله مواقعی که چیزی از آن نشنیدیم ورد کردیدا دیدیم در گفتار بالای مستحکمه حدی وجه گذشتن قوی بعدا تهاجم و سایه کرد — لانکوی — یکی از شهرهای دور که سقوط آن را درقهٔ رسمی اعلام نمودند (مورخ) را نیز از حق اینکه غیر ها میدهیم در دست میباشد اندیشه اداره ارتباط است این که از آن قرار کرده باز هال بقلعه شده و حالی فاکتور راجع بجزوه کتابهای خلط ضروری تلفونیز موتری) رئیس فرانسه که مقاومتش نامون بود بدون مقاومت بدشمن تخلیه کردند و فاکتون دیروز در ۲۸ ثور وارد آن شدند — ولی تا آن مستحکمه وذخیره های جنگی را تقریباً غلتون ساخوی متلاشی و محترق ساخته بودند —

اداره‌ها می ۱ کلار و لانکوین و بعد ضرور و تقریباً سه ربع مسافه جنوبی از زرنیر و لانکوین ، میروند حوالی کردند — آنان‌ها این خطرا خیلی لازم دانسته ناراضی خود شان در قلعه کوهی که لانکوین ، روی آن ساخته شده‌است را هم جبهه‌ی ساخودند —

قلعه ، اگر نوشته بودیم که نزدیک و کهن و واقع است آنان‌ها در ۲۹ ثور عدم حملات خود قرار دادند و سه روز کلوله ریزی کردند توپهای که رای بدر دشمن این قلعه بکار رفته عبارت ودان توپهای زرتاخیرتی کاز هفت سانتیم قلعه کلوله‌ای انداخت ولی کلوله توپهای قلعه آن اندازه زیاد بودند از این رو درخواص یک چشم زخم زدن قلعه قوی پیکردند . زیر چهاره های ما چون زیرزمین کشتی وسا خلوی هایش در خوب مستحکم ساخته شده —

ابنیه‌های ساخوی‌های این قلعه مثل مستحفظین و مشتری و انبارهای باروت وغیره مانند شیر زرده وه چه چه ترکیب وغیره و غیره همه آنان‌ها انبار .

یکی از ساکنین و لانکوی ، شرح جدائی در خصوص تحاصره آن شهر میدهد قسمت مستحکم شهر محروم قلعه ، لانکوی علیحده و یک استحکامات مربوطه قرن ۱۷ از آن حراست می کرد در اوائل ماه اوت آنان‌ها قشون ساخوی انجاره تسلیم دعوت کردند ولی جنرال استکاف فرمانده فرانسوی اولیوت این امر می فوراً سپاهیان آنان را تحاصره نمودند صبح ۲۱ اوت در ساعت چهار و نیم آنها شروع بتحارات کردند — من بارزین و بکترنیه مشغول کردید هر ساعه شعله‌های آتش سر بازان فرانسوی قشون آنان را میدیدند که تراه (راهن آهن راه) را ترک میکردند —

خلاصهٔ آن قطعاتم که شبانه روز هدف فیر دشمن میباشد آنان واقع شدند در ۲۲ اوت آن قلعه باقطعات پانتونیه خلاء وفا کنند گردید دیگر قطعات مقاومت در خود ندیده گذار حکم به تسلیم داد .

(حکایت دیگر)

(ملاقات قیصر جرمنی باشهزاده فرانسوی ژوزف)

اخبار گوزدر اتحاد کنول خود میدوسد که قیصر ولیهم رای ملاقات شهزاده فرانسوی ژوزف اینجا طور اوسنا فیار بنان عرض یک مدا کرده در جنب شر که جنت اعلای حضرتی اتحاد تلفن کند و وفا کرد . در آنجای گفتگو شهزاده ژوزف قیصر را از این یک امر مطمئن ساخت که اگر در حرب مابین اتحاد تحاوز نکنند گی هرگز نمیتواند که بگوئی حدیث بازوی ، فرانسی ، و انگلستان مقابله کنند . روس این یک را در نظر دقت گرفته بود . قول فیلارد شکست داده و قسطنطنیه قاضی گردیده باز از راه دریا بان بفرانس وانگلیز عروج نمودی خود کاشته از درون ارادهٔ خود کم نشده است . لاوله ری کفوه غربی متفقین زدوبان کرده وجود دوام دارد تاکنون آن یک نتیجهٔ برای متحدین حاصل نشده است . مگر در حقیقت اگر فرانس و انگلیز دور بان قاضی شده بودند دران وقت حمیه جرمنی از استرا (آدرنا) بر بیم که تا از استانبول را اشغال کنیم . جواب این فقره قیصر جرمنی فرمود که بی مهم همین حالات را حس کرده بود و در هر نیم بر غیب همین تحلیلیکه تنها آنرا ظاهر کرده موجزی بود . حی ذکرا تا که وقت امیر اندار حواهر کرد . بحیران صرافکان یک بحث خصوصی است و این بحث از امروز آن یک‌کار چند ساله بایدبرای‌ندان آمده است . کارخانه مشهور کروپ ماشین سازی حرب وقسطنطنیه رخانه وسان من‌رای داده را دران میان خود یک منبع جسیمی بر فراهم نموده است

ارکان حرب انجلس و فلاتی کردن دانیال در مقابلهٔ قوه بحریه متحدهٔ فرانس وانگلیز نشان داده مزاحمان کردن وتحسین بلغی بیت شده انگلیز و فرانس که سال‌ها در مقابل تحاصره و دواه ورزیده‌اند و فکر چنین که تقریب بدرجهٔ هیچ از راه حشکی دان قبول کرده ولی باز هم بعیان من آن حله کامیاب آمد بیتوان نمود من از راه آبه وهم که قسطنطنیه روه یکی حلا خود را حاضر شدن درمیدان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1243 of 1786

وزمگه مغزی بیشتر عبور می بینم چرا؟ که من قصد کرده ام که تا تکمیل باتمام نرودی در « پاریس » باقی شوم و اگرچه در راه انجمن آن عده یاعلل سبی جانبا لازم می افتد مگر با آن من هیچ باآن باک ندارم آورد چرا که آن جنگها کمک ما کرده اند زیرا در وجود خرمنی تحصیل خود ما مصمم بست بلکه برای آزاد کردن ملت وملت ان همه عکاسها بروی کار آمده اند .

بعد از ان زنک خطر زده شد و هریک از حضار به عادت خود رفته بجای خودمن مشغول گشتند .

حکایت دیگر

(ملاقات یک زنده نگار باک نفس خروج جرمنی)

کمه نگار اخبار « دیلی اکسپرس » از صدر مقاومت می انگلیزی اطلاع میدهد که می‌نالند افسر خروج جرمنی که اسیر شده بود ملاقات اتفاق افتاد و پس از ان چون در ان از صادف کرده بود از او می‌نالند و او گرفته آواز داده زد خود علیه گفت عقلی خورده بود بحد گران بگرم بسیار زرنگ و سنگین گفته بود . در میان من و او گذر گفتگو دوام ورزید . من ازوی پرسیدم که در خصوص جنگ جهان تنها چنان است جواب داد که از زیاده ۲ سال محاره را طول داده شود ملت ماخوش و کاملا اطمینان از مقابله روس . فرانس . وانگلز را آمده میتواند وهریزه ملت ما جز آرزو دارد که در عسکر داخل شده بادشمن در میدان حرب نجنگد .

حب وطن درولد زنان به اندازه جوان وعروق آمده است که زنان پیرنگ هیچ از اندیشه شان بوده بیست رای سپاهیا وعزم من می‌ورزند و از پیه وزه را کرده نصف وارثان خود شان را که ازانی تحریر بست می‌آورند مدافعه جنگ داخل میکنند . یاروها وقهوه خانه‌ها پر شده اند در هوتلها وشیره خانها رونق وهم وجوش بالا گرفته است و تا هر کس جهان جنگ رفتن میخواهد وهریکدر کلنگار ان نوجوان که بودند هرچه جهان جنگ آمده‌اند . در لحاظ خروج قطع کلار خود کرده جنب سخت و تاوانی که از زخم باور نموده بود ازرده سخن گفتن دماغ خواسته خاموش ماند .

حکایت دیگر

(خود کشی یک ما گذ جرمنی)

اخبار « دیلی میل » در اشاعت جدید ازن خود مینویسد . که « مستر درز اجتهاد هند » یک فیلسوف جرمنی که در یکی از دارالعلوم مشهور لندن پروفیسر بود خود کشی کرده است و جنسیات پس از خود کشی او بانک کاغذیکه پیشتر ازان در وقتیکه حیات بود نوشته است و سر مرش یافته‌اند که درآن سبب این فعل خود را که عبارت از خود کشی باشد چنین نوشته بود :

چون در وقت وطن من در خلاف انگلزها و فرانسوی ها در سر پیکار است لهذا در دل من بعضی خواهشها بود که چیک قسمی وطن خود برسم و یکار وطنی خود بیایم مگر هرچند کوشیدم از اظهار آن من هیچ نمکن نشد . آن شخص بدرجها از من پیر و در راست کمتل و ناتک باشد ولی خدمت ملک و ملت را کرده تواند . خداوند بن دست دو کوتن وبنی را عطا فرموده است مگر افسوس که من آنهارا در خدمت خود و وطن بکار آورده نمیتوانم . برای من مناسب آنست که خود کشی بکنم . در اول اس اراده کردم که خودرا از کلو بیاویزم لیکن درین صورت چون در رامدن جان خودم بسیار زحمت واهمی میکردم بنا علیه باندازهٔ نیز خود کلوی خودرا خود می‌زدم و در عرض ۱۰ تا ۱۵ دقیقه راهی ملک عدم خواهم شد . پس از اکراهان زیبانیا تاهلی من بازهم یک عمدری میخواهد باشد آن بدینطریق نکن است که عش مرا به یک شعاع جرمنی فرستد که در آنجا خانه اعزهای جرمنی جسم مرا تکه تکه کرده از ان یک معلومات می بدست آورده هیچ نباشد درین حرامی کاباب نشوند ومن بر بین ازمرگ غیر کنم که من راضی مرگ به نداکار وطن خود آمده توانستم .

زپلین قسم جدید

اخبار « دیلی میل » رقمطراز است که « جرمنی درعین وقتیا یک زپلین قسم جدید را ساخته اند . درونیکه زپلین پرواز میکند از ان یک آواز عجیبی می‌آید که از دور و حرکت چار عدد ملخی آن که دو عدد آن در پیش ودو عدد آن در دنبال زپلین میباشد و هر کدام آنها قوت ۴۰۰ اسپ را ملک هستند حاصل میشود هریک که باهوای می انگیزی جرمن دنده راهنمن این آواز کوشش دارد که بهتر از این آنرا بگوش یکی که را نمیباشد . که هان آواز را عبور زپلین آزماند ولی تا کنون درین تثبیت خود شان هنوز بدرجهٔ اتم کامیاب نشده‌اند . وزپلین بزرگتر ازانی که پرواز یکند بازهم‌مای موب آن خفه کان را هنوز پیدا نمیباشد . وزپلیکه زپلین رای پرواز بسوی فضا روانه میشود چنان می‌باید که درجو هوا یک قوهٔ بازدارنده بسیار شدیدی موجود است که بدرجهٔ آن از ان آلهٔ هیتلک بگمان برمن بطرف سما برخیزان میشود در وقت طوفان ها وگردبادها خاصتاً که به حال یک جهار جرخی که طوفان شدیدانه تحویل میباشد .

جرمنیها در وقت حاضر دو طرز زپلین را اختیار کرده اند که یکی طرز دیگری رای است طرز اول آن « ل ۵ » و طرز دوم دوآن « ل ۶ » میباشد . زپلینهای قسم « ل ۶ » در پنوقتها اکثر برفراز شمال در پرواز مشغول اند « قوهٔ عربهٔ انگیزی را لحاظ میکنند که طول آن ۱۵۲ پا و قطر بیشترین آن ۱۸ پا و حجروت متداشت در زپلین مقدار ۶۰ لک مکعب فوت گیس موجود میباشد و موجد آن کاوت زپلین بان میکند که این گیس را از کجا و آنس گرفته‌اند البته بیست درا دران بگمان آلا نصب کرده‌اند که از گیس مقدار کثیر دران جمع شود آنرا اخراج می‌نماید . قسم اعظم زپلین از آهن ابلو موجوده و چوب چارچوب ترکیب میابد و دران بشتا لا مسکری هم بیشتر وضع شده گازپلین را بسیار در عدد طبقات بلند هوا پرواز داده وهمچنان بهمارمت آنرا فرود آورده میتواند . بزپلین جهای گذار وبت فحره زرنگ هم دیگه . وارود موجود میباشد و جهای که از زپلین انداخته میشوند دوزن قریباً ۵ سیر میباشد و پیکه رشته بقطر دراینطرف انداخته شده وزن خودی آن قریب ها اسیر کان تعیین شده است .

مأخذ این سه فقره خوش (عبدالرحمن)

(خلاصهٔ آخرین خبرها)

ایطالیائی ها بر تاکی خود شان دفوت انتزاع الدرانی کرده مانند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1244 of 1786

وزیر هند برای وایسرای خود تلگراف کرده که جرمنها و اتریشی ها در کالیشیا عقب نشینی میکنند و عقریب است که روسها سنگرهای آخری خود شان را گذاشته در عقب خود روس پیدا شوند. در ثبات چوفند هم روسها برگشت خود شان مجبور شده اند و میگویند که جنگ بسیار شدت جاریست و جرمنها در میدان روس بدون وقفه قوای خود را بیشتر چنده تلگراف کرده و جنگ دیروز از ۹۲ هزار زون که هر روز زون تخمیناً ۴۰۰۰۰۰ نفر میشود و صلاحاً تعداد دو زونها ۹۲۹۲ هزار زون میباشد. جرمنها در زمانه مارس و اپریل ۱۰ در علاوهٔ فرانس با قوای بسیار زور ده جدید الاختراع که باری کرده اند که فقرتاً را زیر و چراغ بیان میکنند رخطابه ۲۵ کرور روپی احتیاجات جنگ منظوری کرده

۹ جون — خواندن — دروغا تطریق رسمی اشاعت یافته کابل جهاز آلمانی هوای" دولت انگلستان را که جهاز هوائی دولت ایتالیه حمله نموده جهاز ایطالیدا انداخته و دولت طرفین آنرا گرفتار کرده.

۹ جون — خواندن — تلگراف رائی ویرای هند خبر رسیده — که در کالیشیا جنگ بسیار شدید جاری است قوای جرمن و اتریش بطرف مشرقی پرزمیشل پیش قدمی نموده اند — راجع روسی در کنارهٔ شرقی دنیستر جریان میباشد — مگر از طرف جنوب قوای دشمن برای نیستر را عبور نموده اند.

۱۰ جون — خواندن — یک جهاز هوائی دولت اسپانیا رشیدویس ملک ایتالیه حمله نموده بمها انداخت لازم صرف یک عرادهٔ وجد تلف رخمی شدند وجدار یک عمارت را قدری خسران رسیده — دیگر ازخرابی خبریت است.

۱۱ جون — خواندن — یک جهاز قسم زپلین دولت جرمن در بحر ایلاد دو تگر جهازات دافی کجی دولت رخطابه را غرق نموده و آنها هشت نفر نجات یافته باقی غرق گردیدند.

۸ جون — خواندن — مسٹر اسکوئیت — در دوران بیانیه خود گفته که — از بابت حملهٔ جهازات هوائی دولت دشمن برای داشتن تلاش مقابلهٔ انگلستان مربوط ازمنه — معلوماتی آن را دولت رخطابه ادا خواهد نمود.

۱۱ جون خواندن — اعلان نمودن میرسد — که جهازهای زپلین بالتیک — قریباً گرفتار — غرق گردید — وچهار تری گذر جهاز سوار چوفند غرق گردیده دیگر فرار کرده.

۱۰ جون — خواندن — محکمهٔ اخبارات دولت رخطابه اعلان نموده که دو تگر کشتی های تاریخ ۱۰ و ۱۲ دولت رخطابه را در ساحل شرقی انگلستان — گلم کشتی آبدوز دولت جرمن — پدیده گردیده غرق نموده چهار تگر غیر از همه کشتی های مذکور نجات یافته بساحل رسیدند.

۱۰ جون — خواندن — امروز هوازی شش تگر جهازات قسم تراز دولت رخطابه را کشتی های آبدوز دولت جرمن غرق نموده و یک جهاز دولت جرمن که قبل ازین در همین بلاشمو جوده بدست ملیان آمده بود — اورا بمهٔ یک جهاز کوچک خود ملیان — کشتی های تحت البحر دولت جرمن غرق نمود

۱۰ جون — خبر لندن — در شهر لندن در مقام وست اند آتش گرفته زیاده عراده موتر های چکی سوخته خاکستر شد.

اخبار تایمز لندن قل از اخبارات جرمنی مینویسد — علاوه مضمون اینکه در موقعهٔ جشن تاجپوشی اعلیحضرت سلطان المعظم اور پتلاهای قومات کل چوفدا نمودند — وسفیر دولت جرمن قطعه کارهای که صنع جنت گیل چوفی منتخب قیصر جرمن را بحضور جارج سلطان المعظم تقدیم نمود — که دران بساریه گرم جوشی — اظهار خورسندی کرده شده بود — واز خیالات عرده تزک وجرمن چنان ظاهر میشود — که معاملهٔ درهٔ دانیال وحل شده — واین دوهم تا کجاست که رای دول متحده — در درهٔ دانیال حاصل شده — چنانچه ظاهر میشود که دول متحده — از حالات درهٔ دانیال پی خبر محض بودند — وبنا بر روان وتدبیر دست درهٔ مذکور از دست اینان بیامده — وهمان اینقدر هم دارند که این قسم معاملات را بدیگری واگذار نمایند — وهمچو اینان جنگ شان در درهٔ مذکور کدام کاری پایان وسودمند برای شان کرده نمیتوانند اکثر خود غرق وتباه شده اند — واین حملهٔ دوبی رکیی بر مدهوشانهٔ انواع متحده — برای یاران ترک اندازه موزون ثابت شده که گویا دشمنان — ایشان فوج زیاد ترمیدهند گیل چوفی آورده که انواع ترک بالای شان مشق جانسازی کرده دست خود را صاف نمایند.

وهرقدر جهازات دول متحده — کمتر غرق شوند هماقدر جهازات وطاقت حربی دولتمتحده درخور تباه — برای امتیاز جنگ خواهد شد — وهرقدر سپاه دول متحده که در گیل چوفی هلاک شود همانقدر که سپاه درمیدان فرانس برای ما بسیاران خواهد شد — واین فوجهای تازه میتانانه وقدرتهای تازه تر که کمک فرانس و رخطابه ازمصر و آسترلیا و کناڈا — وغیره یک ما کرده — بالای آنها اراده فتح — گیل چوفی را نموده — درمیدان جنگ آورده.

البته اگر دول متحده — آنچه ازاوای زمامدین زیاده بر — دولت کرمن را بحاجز مقرر میفهمیده بود — تا بحال جارمکان اندرمقابل انواع سنجیده وبیاندوزانهٔ یاورند — هان بود که ازحیث حربی کرمنان بسیاردون جهوری رای شان رسید — وایندم تعریفها که میشنوید بیجا هیچ ثابت شد — از ساحل ایشانی دریابان نام ونشان دشمن گشته — واز تمام ساحل بریه — بمی گیل چوفی وغیره — هرنوع دشمن را گذیده — صرف دریابطنطام کاپیتام حربی فوج دولت متحده برای ممدادر — باقت حفاظت قوای جهازات جنگ خود باقی مانده اند — فقط

در چاپخانهٔ حبلهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

هر مطالعاتیکه منتشط ندارد از طرف مدیر ومسئول مجرد نخواهد شد

احمد طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1245 of 1786

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ بارهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت . عبارت از یك مجموعهٔ انتخاب اخبار مجدد آنکاری میباشد که کاغذ اعلا ، وخوش طبع دارد ، وتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وعناوانش مرغوب بیکطراز جدیداست . لندن تجویز ضروری ومعنویاتی قیمتی حق اداران . یعنی بقایل (۴) در روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از درهٔ عبد الرزاق خان سر میشود . ودر بازار اداره از دکان آقا محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان آقا محمد هرکس خریده میتواند .

شرایط خریداری			
دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی
در خارج افغانستان			
هرجائیکه باشد با اجرت پوست			
قیمت سالیانه	دوازده انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیهٔ انگلیزی
به بالعه اشتراك قبول نمیشود			
یك طلای چهل انگلیزی وازده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند			

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود

اگر ازیك جا دیگر جا برود ویا نخواهید که یکبار فهمیده و سر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا مجموع اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرقسم اعلان وانتشار که باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار اشتر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر اشتر کردن خواهد فی سطریك قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وجه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریك قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر اشتر کردن خواهد فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا میخواهد یك سال اشتر کردن خواهد وجه یك ساله را پیشکی ادا نماید ورق پنجم برسطری سه شاهی اجرت گرفته میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1246 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یادآوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها یابیم ممکن نشدلهذا بادارهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مداوله نموده تا کتابه مقدار الیه تقسیم وتوزیع اخبار شوا که پنجه مشترکین کرام ما رسانده درصورت عدم وصول خودشان کرا ایدارهٔ السلطنهٔ خود را اخبار دهند وبعد ازین شکایتی که منجر ازین اخبارهای شان بدون واسطهٔ هر فرد افراد بواسطهٔ آدمهای دا کتابه بخود شان میرسد.

اعلان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ازین تازه وبسیط کابل ، مطبعهٔ عنایت و کتابخانهٔ شان عنایت ! « جزیره پنهان » یک ناولیست که قوت عشق وحرفت وسعی وغیرت را برای انسان زندگانی نوع نمایش بنظر گذاشت وچیزه گرمیداره . غم حکایت ، غم محبت همراهی ، غم غلبیات ! خونی جاپ ، خون کاغذ ، خون تصویرش علاوه ، قیمتش نظر خوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! انبا (۶) شش روپیه اهل فروخت نمی مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارگ ، دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم « « مجلد

کتاب سال سوم « « مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درس

توحید

این کتابهای خوب در اداره مهیا میباشد ، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی

سیاحت زهره در دور زمین پهنادروز مجلد ۲

سیاحت درجو هوا مجلد ۲

سیاحت درزیر بحر مجلد ٤

از هرچیز یکی واز هرچیز یکی مجلد ۲

روضهٔ حکم مجلد ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مفید را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از زیر تعمیر الزوق سرحوض واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارگ واز دکان غلام محمد کتابفروش داخل مدرسه شاهی طلبهای خویش خریداری کرده میتوانند.

واگر از اطراف افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مذکوره را داشته باشند باداره سراج الاخبار افغانیه عریضه کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1247 of 1786

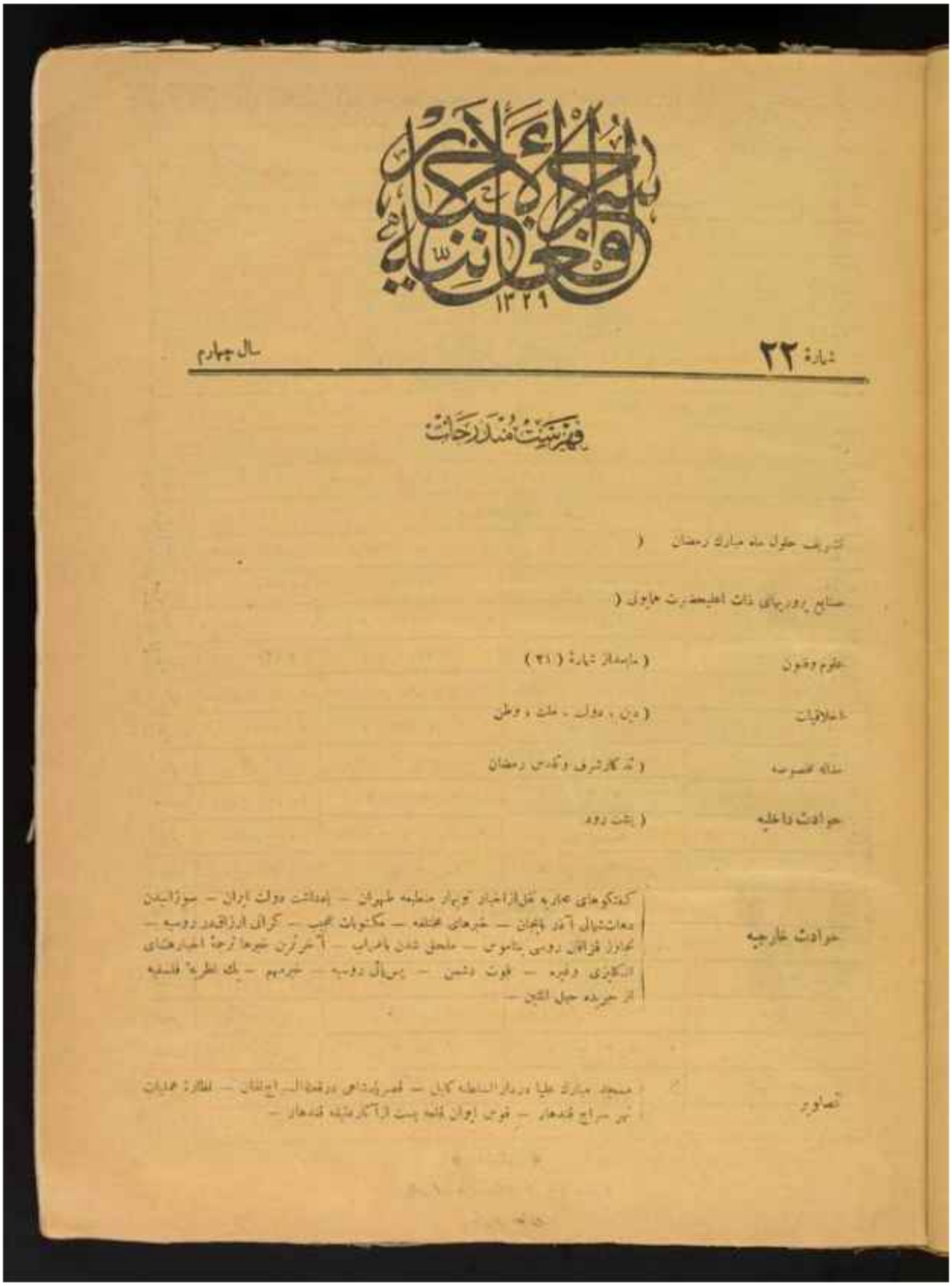

نمرهٔ ۲۲ سال چهارم

فهرست مندرجات

تشریف حلول ماه مبارک رمضان (

صنایع پرورپای ذات اعلیحضرت همایون (

علوم وفنون (مابقی نمرهٔ (۲۱)

اخلاقیات (دین ، دولت ، ملت ، وطن

مقاله مخصوصه (تذکار شرف وقدس رمضان

حوادث داخله (پشت رود

حوادث خارجیه کنگرههای عمارهٔ قبل از اخبار تو بهار منطقه طهران — اعدامات دولت ایران — سوء اثر این دعاء شیال آمدن باکو — خبرهای مختلفه — مکتوبات غیب — گزارش از قفقاز روسیه — تجاوز قزاقان روسی بناموس — ملحق شدن بادکوبه — آخرترین خبرها ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی وغیره — قوت دشمن — پس‌آل روسیه — خبرهم — یک نظریهٔ فلسفیه از جریده جمال الدین —

تصاویر مسجد مبارک طیا دردار السلطنه کابل — قصر پادشاهی درقندهار — ایلخان — نظارت عمارات نهر سراج قندهار — قوس ایوان قلعه پست از آثار عتیقه قندهار —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1248 of 1786

اعلان

از صنایع پرودیهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه زمینخواه دولت خلده الغایه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنهٔ کابل ملازمه رایهای حواتج دولتی ومسکری مانند آلات حربیه دقیقه وتوپیلوزه های بسا گرشاخانه وغیره ، بعضی دیگر صنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته گردیده است که از حضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارگ) میباشد.

(۱) سرمه های پشمینه باقی رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گرانیکری ۳ فرقه مشخص شده درین صفحه وفقحانهٔ جنسی هریکی درج است

قسم اول			قسم دوم			
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده
رقم	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ
قیمت	کمالیسا خانه شده ۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۷۱ پیسه	۵ روپیه ۴۲ پیسه	۴ روپیه ۲۸ پیسه	۳ روپیه ۱۴ پیسه	۲ روپیه ۱۰ پیسه / ۱ روپیه ۴۲ پیسه

کشمیره های قسم اول درجهٔ دوم از قرار گرانیکری کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه ، کشمیره ریدار هر رقم ۱۲ روپیه پست پیسه

(۲) چراب ها

رقم	نکتائیکهٔ زوج	راهدار زوج	معمول زوج	کلان قره قلی	میانه قره قلی	خورد قره قلی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۳) تکمه های چرمی عراب ومنیردار

(۴) کروه های جدید ساخت

رقم	زه باف عنابیه دوکره دوکره	زه باف پک اسپه دو کره سه کره	چرم باف پک اسپه	پک اسپهٔ چار کرهٔ نقلی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۴۸ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولانه پک اسپه	چرم باف دسته دولانه پک اسپه	دسته دولانهٔ پکی چار اسپه	چرم باف عرکیان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قیمه رنگی کمیدنره وبچه	قیمه کلیت قره ماز چرمه لایه توخانه	زه باف رقم سواری ساچی کلیت	زه باف دو کرهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۴ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازغ	چرم باف میانه چوب پت زناه	ازرین سواری تیغ چرمی	زناه ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته دولانه سازی تیغ چرمی	دسته دولانه سازی رکابی کلیت قره	از زین سواری دولانه تیغ چرمی کمیت مار	چرم باف میانه پت پک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل چرین	گل نقره خان	گل پرپه	گل شیو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۹ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۹ روپیه و ۳ پیسه
قسم	تکولهٔ کارغ	گل یاسمن	گل لیلون	جیبلی
قیمت	۷ روپیه و ۱۵ پیسه	۹ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۹ روپیه و ۸ پیسه
قسم	تکولهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۹ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۱ پیسه	۹ روپیه و ۵۴ پیسه

المشتهر

(میرمحمد عالم دفتری کارخانهٔ جات)

(کیهان لطائی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1249 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۲۲)

قیمت سالیانه

در دار السلطنة کابل روپیه کابلی
در اطراف واجنبه مملکت
تا هندوستان مالا ۱۲ روپیه کابلی
در خارج ممالک
تا هندوستان مالا ۱۰ روپیه انگلیزی
چهارزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

افغانستان

محمود طرزی

اداره در محل مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنة (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم رمضان ۱۳۳۳ تاریخ انگلیزی ۱۹ جولای تاریخ شمسی ۲۲ سرطان ۱۲۹۴

تشریف حلول ماه مبارک رمضان غفران نشان را مراج الاخبار افغانیه بر جملهٔ مومنین ومؤمنات مبارکباد میگوید، ودعای ترقی وتعالی دین مبین اسلام را ورد زبان صداقت مینماید.

صنایع روح بهای دات اعلیحضرت هلوی

در خصوص فواید ومنافعی که (صنایع داخله) بدولت ووطن میرساند اگرهرچه بگوئم، وهرچه بنویسم، وکتابها بدوین نمایم هنوز لبیت یک قطره را بدهم. و لبت یک رشم را به تدهم بیان کرده نخواهیم توانست. هر ملی که ترقی صنایع داخلهٔ خود را مالک شوند اول از احتیاج خارج رهائی میبابند. و چون از احتیاج خارج رها شوند بسبب که خارج برود در نفس مملکت میماند، وچون بسبب مملکت در خود مملکت بماند اموال آن مملکت ثروت وتوانگری پیدا میکند. اهالی که صاحب ثروت وتوانگری شوند، وطن را که عمران مسکون آباد معمور، آباد، روشن گلشن میدارند. دولی که مالک مملکت آباد وتوانگر باشد، صاحب قوت، شوکت وعظمت میشود.

هیچ ملی در دنیا امور خود را بدون صنایع داخله خود نمیتواند اداره کرده نمیتواند. زیرا از نواقص یکدیگر حمیت مدنیهٔ بشریه یکی همین است که ملتهایکی به یکدیگر خود شان محتاج باشند وسبب آن احتیاج یک بدیگر معاونت رسانند کما قال بالطف انسان جلوه گر ظهور گردد. مثلا باوجود یکه اوروپا دار الصنایع تمام عالم شمرده میشود بازهم اگر اشیا ومواد خام ممالک شرقیه نباشد بسیاری ازکارخانهای آنجا تعطیل صنعت مجبور میگردند. حتی در خود اوروپا بعضی ممالک هست که بران قدم صنعت، وبعضی دیگر رقم حرفت امتیاز و اختصاص دارند که بصورت میانهٔ یکدیگر معاونت مینمایند، ودفع احتیاج همدیگر خدمت میکنند. لهذا مقصد از ترقی صنایع داخلیه این نیست که یکمالک کی انسان از همه چیز های خارج استغنا حاصل کرده بتواند. زیرا آن یکچیزیست کهخارج دایرهٔ امکانست. اما مقصد از ترقی دادن صنایع داخلهءاین است که تاجدیکه ممکن باشد مملکت ازاقتدرتن حوایج ضروریه بواسطه صنایع داخلیهٔ مملکت رهائی داده شود، واهالی را بصنعت و حرفت تشویق و عادت داده از تنبلی و کاهلی وبیکاری که زهرهای مهلکهٔ اخلاق ملت شمرده میشود بر کنار دارد. ودر عین زمان خزینهٔ دولت وکیسهءملت پرزمهنا نیز تهی کرده، وبرسران همه خزینه ها ودفینهای پر و معمور پنهان ومستور طبیعت که در زمین وکشور وطن عزیز ودیعهٔ ذات اقدس کبریا جل وعلا شده است روی کار آمده موجب استفاده شود.

از بن است که ذات شو کتمآبات پادشاه حقایق بین اعلیحضرت سراج الملة والدین، شهریار عدالت آئین مقدس محبوب القلوبیمان برکات دنیویه، ومنافع عدیده صنایع را مدنظر پیشگاه افکار مراحم کنار ملوکانه درآورده ازهنگام سعادت انجام جلوس فیروزمان مأنوس همایون یک توجه خاصی بسوی ترقی دادن وتوسیع نمودن صنایع ابراز فرموده اند. وامروزه روز ملت ومملکت شاهد وشاهد ازبی اعتنائیها بدیده امتنان لطف و احسان گردیده اند. چنانچه صنایع ترقیات این پادشاه معظم مقدس اسباب شاهیه وملی از آلات و اسلحهٔ حربیه وجاریه وهمه گونه امتعه حربیه حاضر وآماده گردیده است، وعجالتا بسی حوایج ضروریهٔ وطنیه نیز رفع ودفع گردیده وهیگردد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1250 of 1786

ذات اعلیحضرت پادشاه صورت‌القلوب ما اعلیاحضرت دوم که از هنگام شهزاده‌گی همایونی شان گاه بگاه موکه ماشینخانه مبارکه را بنفس نفیس شاهانه تشریف ارزانی میداشته‌اند که از فیض این توجهات جهانمدرست ملوکانه ترقی های نمایان درکارها و دلشو بخات مراد ای در کار پکرها پدید آمده است . حتی درین هفتهٔ گذشته پنج مراسم احتفاظ و افتتاح بسیار دلنی و دلکوش در ماشینخانهٔ مبارکه بتشریف شوکت ردیف شاهانه وقوع آمده است . کوائف آثارافزار و نامه نگار خصوصی ناصدالبهادی خان که خصوصاً باهتمام شده بود از اقرار دلیل خراید که کی وشنید کی خود درفید تحریر آورده است که سراج الاخبار افتابه بعض رای آگاهی قارئین کرام خود عرض انظار اولی الابصار مینماید :

کیفیت تشریف آوری ذات اعلیحضرت همایونی

به کارخانهٔ پشمینه باف

روز یکشنبه ۵ شهر شعبان المعظم درماشین سه‌بار که یکصدال . یک روش . یک کار کی مشاهده میشد . صاحب لباس های مخصوص پوشانیده وسر کها آبیاری وپاک کرده . بدرنل هر کس بی اختیار یک سوال آیا چیست ؟ پرسیدند . آری امروز بادشاه کشیان والاصفات پدرمهربان رعیت . خیرخواه وطن وملت اعلیحضرت سراج الخواقین حق الله ملکه زمناً تشریف می آرند . تفصیل این احوال آنکه : — امروز اعلیحضرت همایون روحنا فداه عمارتهٔ را کار دولت (ملکی . نظامی . سررشته‌ها وغیره را بنفس نفیس خواسته اند که بمعاینه کارخانه پشمینه‌باف تشریف‌می آرند . با آنکه ذات‌حضرت صنعت‌همایون باکاً بارها دیده‌اند ولی ازین باری‌خواهند که دیگر اهالی ومتصدیان پی‌برجایند که نتیجه کوشش های کثیر وصرف مبالغ فراوان چه شده است و آیا خود صرفه با شکار چقدر بظهور پیدا کرده اند ؟

لهذا یکنیک ورق چاپخانه‌کرده بسیار بابهمه هری که خواسته شده آمده بودند توزیع شد که دران فهرست ماشین های پشمینه باف علی الترتیب درج است که برای کار های مختلف متعدد خریده شده اند . چنانچه اعلیحضرت همایون هم بهمان ترتیب سیر ومعاینه ماشین ها آغاز کردند :

اول معاینه الهی رزاق که ماشینخانه را دوربیدهد وازانجا در کارخانهٔ رقم کردن پشم تشریف آورده درین کار خانه هری دست پشم را تحریق میدهد یعنی یک رنگرا بکطرف ویکررا دیگر طرف می نماید اینهارا خود اعلیحضرت دیگران هم نشان میدادند

ازانجا بیک خانهٔ دیگر رفتند که ماشین های خانهٔ نکاش پشم‌وازانجا نصب بودند . این ماشین ها دوعدد بودند که از یکطرف پشمرا دران میانداختند واز طرف دیگرش خانه و کرده می‌رامد واین ماشین‌ها یک دل بیرون خانه زیرقرش خشتی خانه رفته است که گردهای پشم ازآنراه بیرون میرودند

بعدازان بخانه دیگری که دوعدد ماشین شمش پشم‌دران نصباست تشریف بردند که ماشین اول پشم را باسوده وصاوون میشوید وماشین دوم پشم را ازسوده وصاوون بنفش پاک می کند .

وازانجا بیک خانهٔ دیگر که پشمرا واسطهٔ بخار خشک می کنند . اینهاهم دوعدد ماشین هستند

ازانجا به کار خانه دیگر رفتند که اینجا پشم را نیل وصاوون زده پاشین داغ میشود ودرهمین خانه ۲ ماشین دیگرهم نصب میباشد .

یک ماشین که پرین کاردا پشم میسازد . ویک ماشین که تکمهای کپنه ورنش جلیقی را پشم میسازد . ویک ماشین جدیدی برای خانه نکاش وبافتنی ماشین‌ها میباشد که اختراع وساخت خود اولاد های وطن مقدس افغانستان است واسبابهای ان درماشین خانه ساخته شده اینها همرا اعلیحضرت همایون فرداً فرداً دیده دیگران نشان میدادند

وازاین خانه دیگر تشریف بردند که درانجا ماشین های قلیچه کرمن نصب بود . که هزار و ن پشم‌رادیکطرف آن هموار کرده میانداخته وازطرف دیگرقلیچه شده دریک‌چوب مخصوص پیچیده میشد

کماً را (یقین) می گویند . درهمانجا شش ماشین بود حسب‌ذیل

ماشین درجهٔ اول یعنی	پرین	۲ ماشین
ماشین درجه دوم یعنی	میدم	۲ ماشین
ماشین درجه سوم یعنی	کورس	۲ ماشین

و در همین خانه چهار عدد ماشین کپ دادن پشم برای کار وجود موجود ونصب بود که درهر ماشین ۳۶ دوک می باشند . همه حیرت دربیان این متحیر می‌شدند وکو صیف فکر وعقل وزبان ها را می‌نمودند . [خانه انکه اکرایشیائی‌ها وافغانها درین کار بکردند و آرا تحصیل کنند . خود ایشان همچنین پیچیدها اختراع میتوانند شکایت وخوبتر ازاروپ‌ها بدولت‌هستند وساحر که‌دانش بدین چیزها خوب ولایت وبیشتر کامیاب آمده اند . محرر]

ازانجا بیک خانهٔ دیگر که یک میز ان مصنوعی کردن درجهٔ حوت وزن کار بود وکماً وچک برای تعریق کار وجود بود رفتند وازانجا بخانهٔ دیگر رفته معاینه ماشین مکبه که کار را دران جهت ماشین وکارکاهای بافت می چاشنه نموده . ازانجا بمعاینهٔ کارکاه کالینه کن وماشین چاپیدن کالینه دالای یقی جهة کارکاهها تشریف بردند

وازانجا بیک خانه فراخ که صدهای برق برق آن می گذاشت که کسی صدا وسخن کسی را بشنود تشریف بردند . دراین خانه کار کاه های دافت کاهای سرخ و کشمیره از قسم دستکی ۶۲ کارکاه واز قسم دیگر که به بخار وسیله حرکت می کنند ۳ ماشین بودند که اینهه یک سرعت فوق العاده مشغول (بافتن) بودند ودرهمین خانه سطرنجی بافها که بدست زوری زمین کار میکنند کار می کردند ذات قدسی صفات همایون تکههارا دیده وبه اعالی دربار وا کار آمده کی نشان می دادند . اما از دست صدهای بلند کار کاهها هیچ نشنیدند که ذات همایون چه مدتها بوقت از ۱۵ دقیقه گذشته بود که اعلیحضرت همایون ازین خانه برآمده به خانهٔ دیگر رفتند . (راه نمای این جایها جناب جبرئیل (محمدسرور) خان که در افسرخانه ماشینخانه خدمت مرحومهٔ اعلیحضرت همایون و عهده کرده بودند) درخانهٔ ۲ عدد ماشین های شمش کان که بهمراه سوده وصاوون می شوند نصب بود بعد ازدیدن اینها اعلیحضرت پیش ماشین فشاردادن کاغذ وخطاب به جناب اعتماد الدوله صاحب توزه فرمودند :— « که تیار الاصول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1251 of 1786

این ماشین می خواهم خبر بسازم. وبعد از ان اصول مذکور را بیان کردند بدینطریق :

« این ماشین حرکت کردن آن است بدریعه فشار اما شما بظاهر فشار او را نمی بینید همین قدر می بینید که ماشین دور میخورد ، ولی قاعده است که چون ماشین دور میخورد دور ماشین آن آن مذکور که اقتضاء است از مرکز ماشین فرار قاعده طبیعی دوری میورزد وچون از اطراف در طب بسته است لهذا در یک فشار قوی می درآید از ماشین (مرکز) قوت طبیعی دوری خوردن ماشین آنرا به دیوارهای اطراف چنان می چسپاند که هیچ دست های قوی چنین فشار داده نمی تواند ، از این فشار چیزی رطوبت که دارد از راه دوله چون می زاید چنانچه تنها به بینید .

پس از ان یک کان را که بسیار تر خود آورده دور ماشین انداخته ذیل مرکزی ملحق ماندند ، چون ماشین بدور خودش آغاز کرد ، ان مذکور از میل مرکزی دور دور شده رفته به دیوارهای اطراف ماشین چسپیده وار دوله بیرونی ماشین آب رطوبت آغاز نمود ، وایی تشریح اعلیحضرت همایون تحاشیها وبرکزارا بسبب فهمیدن خوب حظ بخشید .

ازان بعد معاینهٔ چهار عدد ماشین ها که آنها را ماشین می بعدد فرموده واز انجا بیک خانه دیگر که ماشین برقی در آن بود رفتند ، این ماشین برای طبخ کردن پشم قبل کار می بعد .

وبعد از ان خانه دیگر رفتند که در حوضهای چوبی بدریعه بخار هر قسم آنها رنگ داده می شود تشریف فرما شدند ودران خانه پنج عدد حوضهای چوبی موجود بودند که حرکت را ملاحظه فرمودند .

ازین خانه هم بخانه دیگر تشریف بردند که انجا آنها پس از رنگ شدن وشسته شدن در انجا برای خیش کردن موهای آن آورده می شوند ، آنرا هم اعلیحضرت هردم نشاندند ، جناب امیرالدوله صاحب پس از تحریر گفتند :— « آن پشم چرا پس از چندین پیچ وتاب وتغیرات وبتدریج رسید » ، اعلیحضرت فی الفور جواب فرمودند :— « تا نباید که تابیده بهم اجزاء وکل " شاهد راحله کرده پشمینه را کهن » در اینکه پیش این ماشین ایستاده بودند سخن از پشم افغانستان آمده پس از توصیف آن اعلیحضرت همایون فرمودند :— « که در هندوستان در یک کارخانه پشمینه باقی رفته بودم ، آنجا یک کمی پشم افغانستان دیدم وگفتند بهترین پشمها پشم افغانستان است چون دیدم گفتم انشاء الله بعد ازین این پشم امیدگی نخواهد گفت که تجارت آنرا منع می کنید ، گفتم نی چون اراده دارد در افغانستان انشاء الله کارخانهای پشمینه باقی بنیاد می نهم ازینرو چون پشمها در ملک خودتا بکار شوند برون چرا بیایند » درینوقت حضرت علی احمد خان معین الساطنه صاحب عرض رسانیدند که :—

« الحمد لله والمنه که این ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت بخوبی انجام یافته بامروز ما مردم از نتایج امید وخوشوقتی داریم، وامید داریم که همه آرزوها وارادههای سنیهٔ اعلیحضرت همچنین در ملت ما روز روز به انجام رسیده دولت وملت ما ازان فایده برداشته روند آمین »

بعد ازان عنان سخن بر رنگ آمده جبریل کار صاحبان گفت اند « که انشاء الله عنقریب رنگیها را هم بساحت حضور همایون تقدیم می کنیم سبب ساختن رنگ جنگ موجوده است که رنگ از جرمنی پیدا میشد وحالا بواسطه جنگ انجا نرسیده نمیتواند لهذا در همین جا می خواهیم بسازیم » بعد ازان بملاحظه ماشین اوتوکردن آنها که بدریعه بخار گرم می شود تشریف بردند وچه از آنجا کمی نشان ماند

به یک بخش عتیقه خانه بود که ازانجا به کوپلخانه آنها تشریف بردند در چوکی نشسته سیگارها خواسته وهر یک آنرا خواسته آتشا میکردند ، وآخر کتابچه های ازان آنها را گرفته میدیدند که لایق ومزاوار تحسین نکها بودند .

پس ازان اعلیحضرت همایون امر فرمودند که یک خانه دیگر بطور مشیر ومعرض ساخته شود که دران از هر قسم آن یک یک دران نهاده شود ، تا ازان ملاحظه ومعاینه بشد .

دران اثنا جناب جبریل محمد ، روز خان جبریل کارخانجات یکمرینه بحضور معدات ظهیر همایون تقدیم نمودند که فعلا آنرا اینجا درج می کنیم :

(ترجمه)

« ای حضور فیض ظهور اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه غازی خواه معارف پرور صنعت گستر ، تاجدار ملت شمس تاج دولت خود گردم ، ازانجا که بخاطر سرخوش مظاهر اعلیحضرت پادشاهی را همواره متوجه ترقی صنایع ملاحظه نموده واز حسن نیت جبر مرصد همایون انواع وانواع صنایع مختلفه در تملکت رفیع وبرک خود در بیان فیوضات افتخار جاری وساری می بینم که همه کی آن برای رفاهیت ملت نجیبهٔ افغانیه خودمان وفواید مالی از اهل صنعت پیشه کان است هیچ زبان عرض شکریه عاکفان زیه سریر سلطنت ادا کرده نمی توانیم خصوصاً بدینروز فرخنده کی فیروز که شمس طالع موکب سعادت کوکب قسم رسمی انوار تجلیات را در کنار خانه جات دولتی لامع وساطع ساخته بخدمتکاران سریر نات بارکات شاهانه وخدمتکاران صداقت کیش دولت ابد مدت ملاحظهٔ کارخانه پشمینه باغی تشریف حضور ارزانی داشته اند ، جامه خانکان و غلامان که باوجود اطاعت اولی الامری حضور اعلیحضرت که شرعاً وعرفاً بالای ملایان فرض وواجب الاطاعت خودرا بملک خوار وخدمت گاردولت می دانیم وصدیارنه یک هزاربار در مقابل احسانات حضور مولای سلطانی سر وجان وجان خود را تملیک عبودیت حضور پرانورالنور نموده ایم عیدانام که درمقابل این بیان بخشی حضور سراج منور که بذات قدسیت صفات همایون به ملاحظه کار کارخانه جات که وظیفه خدمت گذاری غلامان است تشریف می آورند چه تحفه تقدیم حضور پرانورالنور فائض مکر اینکه این جان ناچیز را فدا سازیم یا آنکه دست دعا بدرگاه کبریا بلند نمائیم و سرهای فکنده وخجالت زده ضاعت مزجات خود را کهخه دعالت حضور مبارک عرض وتقدیم نموده عرض بداریم که الله تبارک وتعالی وجود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1252 of 1786

سنوده صفات اعلیحضرت پادشاهی و جاودان رایهٔ سلطنتی الی مرور الزمان
تحت طل حمایت دول علیه شوکت اسلام سریر آرای تمکین عزو اجلال
داشته مادیای صادقهٔ شاهانه را توفیق خدمت گذاری و مناصحت زیاده
ازپیش نصیب گرداند همچنین که ما مادن تحیه از فواید کارخانه مبارک
پشمینه باف برخوردار گردیم امید بدرگه حضرت واهب العطایا داریم
که دیگر آثار ترقی و تمدن که بیت خیر مرصد همایون برای رعایای
صادقهٔ خود خیال دارند مستفیض گردیم. بحضور مبارک عرض تبریک
کارخانه مذکور را که در حقیقت فایده بتمه جمیع من تحیب الغلب
عموماً و فواید بتمام خدمتکاران اهل فن و صنعت خصوصاً میباشد
بحضور مبارک نموده امید قبولیت داریم.

امضا

(غلام قدوی محمد سرور جرنیل کارخانه جات)

بعد از خواندن عریضه اعلیحضرت همایونی آنرا در جیب یمین
مبارک احاطه فرمودند بیانیه که متین خانه قدیمه کهنهٔ جاهای
آرا نباشد و جایه خانه و غیره ندیده ام. رویم ولی بعد از مدا کره
قرار دادند که روز یکشنبه دیگر انشاالله آنجارا معاینه میکنیم. || اگر
معاینه آن شریف برود آنرا هم برای مادرین کاغذ تحریر میدانیم ||
پس ازان اعلیحضرت ازخویخانه برامدند. بطرف کوتی بمیت
خدمت کارخانه وجود رونق آنجاایستاده دیگران بتاریب ایستادند
وبابا لطف بسیار مؤثر اعلیحضرت را کوش نهادند

(لطف همایونی)

« من امروز شمارا برای دیدن متین خانه پشمینه باف ازین سبب
آوردم گفتنیهاندید که من بعد انشاالله مرمتها ی کهن وزمشها ی چین
خواهد ماند. هرچند کهنه ماند هم ازخانهٔ بی کهن وی چین مرده وزمشها
تازه وی چین ما آنرا از خارج میخریدیم و به پاکستان خارج میرویم،
ما خودرا زنده می شمردیم. علی الخصوص درین اوقات که سبب تجارت
دولتها راه تجارت مسدود است و چیزها نمیرسد. اگر یکبار همین
راه باشد مستبعد نیست که اشیاء خود را برای این آوردیم
گفتنیهاندید که انشاالله بسرو توسیع این کارخانه بعضی از احتیاج
غیر خودرا خلاص میکنیم و نیز خدمتی کمتر برای قوم خود کردهام
پنها نشان بدهم.

این متین خانه قوت ۵۰۰ اسپ دارد و وقتیکه ترقی که عنقریب
انشاالله به تکمیل میرسد قوه ۱۵۰۰ اسپ دارد که اگر آن برسد،
یک تلک میزاری میرساند. ولی قوه اسپ را عقیدتاً خیال میکنیدی
۵۰۰ اسپ قوه این معنی ندارد که قوه ۵۰۰ اسپ را که یکجا کنید
بلکه این اسپ یک مقدار میباشد. بعداز حضرت نائب السلطنه صاحب
والیانه صاحب لشکر الطاف خسروانه ومراحم شاهانه شارا که
درحق قوم باعز خود دارد بجاآورده وتقدس ذات والاصفات شانرا
بیان کرده ذکر خداوندی بجا آورده که ما مادن الطاف تحت حراست
وحمایت خارج نیستیم.

ذات شوکت سمات شاهانه هم دعا کردند که خدا ازبدی خارجه
مارا نجات بدهد. خدارا باآبرو داشته باشد. هرچند کمی باجوانرن
باشد ولی آبرو داشته باشیم وانصراع فرمودند.

« تاتان خشک خویش بدین آب تر کنیم »

وباز نائب السلطنه صاحب تصدیق قول اعلیحضرت همایونی نموده
گفته: « آری خدا مارا باآبرو داشته باشد. وحیات حقیقی تعریف
کنند. حیات حقیقی حیات باخوشکی نیست کاروبار ومعیشت تان بدرجهٔ
نهایت اعلی است ولی تلک حیات نمی دانند. محکوم غیر میباشند. اگر به
برای شکار های اعلی. معیشت ازحد بالا و ثروت بی انتها را ملک الله
ولی هیچ زده نمیتواند. بلکه ازمردم هم بدترند. که خدا بیمار ازین
جلک نجات بدهد که عدم وجودشا بهترست ازهلک. وباوجود مسعود
اعلیحضرت پادشاه مقدس خودتکر مداوه و برخ آورده والطاف ومراحم
شانرا درحق ملت تشکر میکنیم.

ما میدانیم که ذات اعلیحضرت یک پیچ این متین خانه را بدکان این
کشمیرمارا بخودنخواهند برد مطلوبات کارخانه را برای خدمت قوم
وملت خودمی کنند وبس یک نشان خدمتشان که دروا ملت کرده اند
باقی باشد. آنهاهم اساس مطلب ازخدمت قوم باید خدمت دین باشد
که رضای خداوندی حاصل شود که اصل مطلب اعلیحضرت همین
استدعاس ».

بعد ازان اعلیحضرت همایونی جرنیل (محمد سرور) خان جرنیل
کارخانه جات وکرنیل محمد عظیم خانرا خواسته ودست مبارک خودرا
برشانه جناب جرنیل موصوف گذاشته وحضرت نائب السلطنه صاحب
وحضرت مهین السلطنه صاحب ودیگر بزرگان که بمیت شاهانه آمده
بودند خطاب ساخته بزبان مبارک فرمودند: « هرکدام یکدرمیان خانه
بقدر کار وطاقت خود سعی کرده است ومن ازجرنیل (محمد سرور)
خان خوش میباشم زیرا که جرنیل (محمد سرور) خان درخدمت
مدام سعی وصداقت را بکار برده است چنانچه من درحیات اعلیحضرت
(مغفرانمآب والدین) مرحوم هم نظر کارصنایع بوده وباز کمالمهارت
ونکوکاری کارخانهٔ مارا بذات خود برذمه گرفته ام ودرین اوقات اخیر
درهرحصه یازین خانه آمده انتظام وکارهای خوبه جرنیل وحسن صداقت
اورا وکرنیل محمدعظیم خان را دیده ام درهیچ وقت هیچ تساهلی درکار
شان معلوم نشده وهمیشه خدمت شان بوده من کوا صداقت را
داده است ازین سبب من اورا درجرگه خدمتکاران بارگاه درجهٔ اولاد
خود مردام واظهار این را هرجای آن میکنم که شمایان هم اورا بهمین
نظر عزت بدیده ».

وروی هردورا بوسه داده شرف دست بوسی شانهارا حاصل نمودند
وجناب جرنیل (محمد سرور) خان بعد ازشرف دست بوسی سر خود را
برهنه نموده لوازم شکر گذاری را که شیوهٔ غلامان جان نثار است
بجاآورد. بکمال فخر واکسار عرض نمود: « که این جان ناچیز را
که ازحضرت ایزدی جل جلاله بمن شده اگر درراه دین ودولت
وپادشاه معظم خود فدا نسازم چه قدر وفاداری خواهد داشت امیدواری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1253 of 1786

شکریه‌ای وارش شاهانه را بوجدان کرده می‌توانم وازخداوند متعال توفیق خدمت را زیاده‌رزیاده و رضامندی‌مولای خودرا خواهانم .

ازجناب‌نایب‌السلطنه صاحب‌فرمودند که باین رضامندی صاحبی را برای این دوخیر شریک میکونیم واین مرحمت صاحبی را بدیگر خدام نشان داده اینشاءالله بصداقت در خدمت دولت دعوت میکنم که همگی بصداقت وسعی در خدمت‌دولت کوشش نموده‌بدانگونه نوازشها متوجه خواهندشد وبیکفرمودند که‌جناب جرنیل عمده‌ور خان‌دارد انجمن دراین است چانچه‌دراول که انجمن کابل‌در حرکت وگردش بود دیگر ماشین‌ها معطل بود وقتیکه انجمن کابل در حرکت وگردش آمد دیگر ماشین‌ها بحرکت وگردش آورد کویا جرنیل کارخانه جات‌باشد انجمن بزرگاست که کارخانه ها را اجرا میدارد — و بصداقت خدمت میکند .

و حضرت سپهر السلطنه صاحب نیز نوازش شاهانه را بجناب جرنیل مبارکباد گفته ودست مبارک خویش را بگردن‌جناب جرنیل انداخته وروی اورا بوسه نموده زبان مبارک فرمودند که « با جرنیل را بیشتر در جمله خدمتکاران صادق‌میدانستم و حال بزیاده‌ازحد میدانم وجناب جرنیل‌نوازیده کوئی را که شیوه صداقت پیشه‌کان است بجا آورده بدعای عمر وسعه اعلیحضرت همایون وشیرازه بلند اقبال مدانم شدند .

بعدازآن اعلیحضرت همایون شاه‌ایحان رکابیانی‌را رخصت‌خواسته وبعموم خطاب فرمودند :

چند روز پیشتر ، شاه ولی بزمن یک‌سوال کرد که من جواب داده نتوانستم ولی اورا گفتم که جواب شما را بکروز خواهم داد امروز که شاهد کی مردم حاضرهستید ، امیدمی‌کنم که‌جواب شاه‌ولی‌را بگوئید .

مایک هونل راب کول جن حضوری بخلصه ساخته‌ایم کهرکس دراینجا آمده وهرچیز که می‌خواهدخورده باشد ونفی کهازاین‌می‌گریم بمصرف پنجاه میدهیم ، بازسالقط یکهزارروپیه حاصل‌هونل شده بود امسال برای جاری داشتن این هونل ماچند کمر بلند ما شده یکهاد روپیه اضافه کردیم که چون‌به‌کوه می‌رویم آنجا درهونل مخصوص نشسته اگر چیزی خواهیم می‌خوریم وجه آن بمصرف‌یکهاد میرسد .

مسجد مبارک علیا دردارالسلطنهٔ کابل

سپرده دولت روسی دائر بمسجد سعادت سرای‌الغوانین علیاحضرت سابقهٔ ملکه

سوال‌شاه‌ولی‌این‌بود که آیا این‌مردم دیگر چرا نمی‌آیند ودرهونل چیزی نمیخورند ؟

این فقره را جواب بیاقم اخال ازشما می‌پرسم که این پنج جوابیه دارد عرض کردم که شما درهونل آمدید وچیزی که بیشتر ازمی‌ارزید به (۱۰) روپیه خریدید این روپیه شما نقص می‌شود ، نمی‌خندا ! گر شود آیا آریم های‌بی‌بدر وبادروی‌خویش واقربا (آواز مرحبا مرحبا از زبان ملکوی‌صفات امیرصاحب اجرا یافت . گربه گرمش شادا فهمانید) کاسب یا کسی در کوچه‌ها می‌گردند ، به‌آنهادادند‌به‌همان‌وسائل پلیم‌های کیسانند ؟ واولادهای که ؟ ..

اگر ماوشما اشارا تربیت نه کنیم ، که خواهد کرد ؟ فردا اگر بی تربیتی اورا بدزدی آموخته ساخت وگرفتار شد پلیک رادر دی خودرا قتل کرده ورپارا وفار کرده شد اورالازم است که خلاص برسانیم اما وجدان ما چه خواهد گفت ! آری کناه ماست که اورا تربیت نداده‌ایم ! . . و گناه آن سرقت وقتل هیگران ماست می‌کویند بچه آدم بسیار دزد رهزن بی تربیتی یک وقت گرفتار شد امرور اگر اورا نوش کنید یک‌خلق زرکی‌است در باخیم ، آیا چرا اورا تربیت‌نکرده و چنین ساختیم یعنی تربیت یک‌شخص بسیار شقی را هم‌در چند بسیار مالی رسانده‌میتواند‌ودراین‌شرکت کوچکنا کنی داخل شده نمیتواند وگرهمقدر روپیه کمتری شرکت نرو خواسته وادا کرد البته داخل شده می‌تواند ، ویکی کوتاه زامن محض برای لقمه خود می‌کنم کجای من بلند دوا ست اگر شکم مریض میشود .

ما میخواستیم که چیزی پرکنیم آیا غلط از کجا می آوردیم اینست که اظهارا کنده کل آنرا درجن‌اصلاحیم الحمد کول شد واینجا پرشد چون دولت مایک دولت بحری‌ست وهیچ منظرهٔ بحری ندارد وصاحب کنتی وجهاز نیست درین کول ، اگر یک نونهٔ سفر بحری در کنتی ببینند چه عیب دارد که فی نفسه یک تشنگ داده در کنتی گردش کنیند . درین اثنا حضرت افخمی سپهر السلطنه صاحب گفت : « بلی افسوس است که دولت ما هیچ بندر بحری را مالک نیست . » واعلیحضرت همایون هم فرمودند : « که بلی ضرور است که دولت مایک بندر بحری داشته‌باشد ! ولی خیر ما ، امید می کنیم که این سر دفترهای ما که بکروز چنین نباشند آنها هم کامل بیایند . »

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1254 of 1786

اطفال عزیزم را تقدیم میکردم . عده‌های معینه ذکوره و حرکی بجای خود خواهد رفت والسلام .

پدویلیه ۲۰ دقیقه مانده ـ چون که همه‌قری برای عصاء رفته و برای طعام دو جای ساخته شده چون یکی در کوتی مذکور و دیگر بیان خیمه ایستاده گردیدند بعضی قری بالا بکوتی رفته و بعضیان بالخورون مشغول شدند و بعد از بالخورون هرکس بجای خود رفت .

انتها

محرر اداره : عبدالهادی

(مابعد از شماره ۲۱)

تحریر لیل یوم یکشنبه ۱۴ رجب المرجب در جلسهٔ سالانه مدرسه میار که حبیبه یکی از توزیع مکافات از طرف یک طالب العلم ادا شد جادهٔ اعتمادیه سوء علی محمد خان کم بتلان گم خوانده شد . که اهل مجلس را غرق غرق جوش و خروش اسلامی ساخت وچون احوال مراسم احتفال مذکور در شماره (۲۱) سراج الاخبار افغانیه درج شده بود و برای اندراج تحریرهای طلبا در شماره های دیگر وعده شده بود لهذا کتحریر اولی تحریر الحاق خوانده شد عرض انظار قارئین کرام گردید .

بسم الله الرحمن الرحیم

(فلسفه اسلامیه چیست و از چه بحث میکند)

فلسفه اسلامیه مجموعه دینی است که عیناً در نصاب تعلیم مدرسه میار که حبیبه شامل شده است — مبادی و نتیجهٔ آن تصحیح عقاید دینیه و دقائق اسرار و عبادات یقینیه و اثبات حقایت دین مبین اسلام و در انحصار ترقی دین و دولت در پابندی احکام حضرت نبی خیر الانام علیه الصلوة والسلام است .

فواید دینی و ذوق و شوق ایمانی و جوش و خروش اسلامی که ما تا کر زاد گان آنحضرت شهریار زمان از دروس این مضمون هدایت مشحون حاصل نمودیم در یکدقیقه و یکروز و یک کتاب احصا و انحصار آن عدیم الامکان بوده از حضرت احدیت جل مجده نیاز می کنیم که این جوش اسلامی خودرا بجای خدمات صادقانه دین و دولت بدوجه کمال باثبات رسانم .

اکنون در حضور انور جناب مالی متعالی شهزادهٔ دیندار باحمیت افغان خودما حضرت معین السلطنه صاحب افخم ایدام الله اقبالهٔ که نظارت معارف عمومیه دولت علیه مستقله افغانستان یکی از امور مهمه متعلقه ذات عالی شان است بطور نمونه مشتی از خروار و یکی از بسیار این مضمون حکمت مشحون را بسمع حضرات فخام و سامعین کرام عرض میدارم و خلاصهٔ یکی از دروس فلسفهٔ اسلامیه را بیان میدارم وبالله التوفیق .

(درس)

(مسلمان باید هرحرکت وسکونرا برای خدمت دین می کند)

مقصد ما جرا به ازین عنوان هدایت ترجمان اینست که مسلمان باید همیشه دست درکار و دلدار چه روی دل خود را چون سوزن قطب نما که همواره متوجه مستقر قطب است دوحهٔ طاعت و رضای الهی داشته باشد چنانچه قطب نما را هرقدر بچپ و راست حرکت دهند سوزن آن ازان ازان باز بسمت قطب توجه میکند واز یرو که توجه او بنقطهٔ واحدهٔ قطب است هادی رهروان دریا نور جان گردیده بدرجه آن در بحار پیمان راه مقصود بلاهیچو خمچین ! گردد مسلمان همواره متوجه اطاعت و رضای حضرت واحد حقیق و فرد صمدی جل جلاله و عم نواله و دیباچه در هر طاعات نعمانیت و بشریت را هدایت و سعادت دارین را سبب همان توجه بقدر ما باشد و بهر اندازه که انتقال داشته باشد مقصد اقصی و مراد دلی او همان یک وجه از سمت مقصود که حصول سعادت دارین است هیچ گونه منحرف نخواهد گشت .

نتیجه قطعیه که برای میان اولاد وطن مقدس افغان ازین عنوان هدایت ترجمان حاصل شده است اینست : — مارا لازمست که جمله حرکات و سکنات خودرا برای رضای حضرت یزدان و اطاعت حضرت

« قصر فرح افزای بادشاهی در قلعهٔ السراج لغمان »

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1255 of 1786

خدمت مقربان پیغمبر الی و جان علیه سلام الرحیم الرحمان عالم — ۱ اگر درمدارس دولت بتمام علوم وفنون جدیده اشتغال ورزیم مقصد یگانه ما این باشد که ازراه حصول اینعلوم وفنون (ازدخل باطلت اعلیحضرت شوکت مقدس معظم خودماعلی الله قدره که آنهم بحکم دین فرض ولازم است) محافظه دین ووطن را توده از اغیار ازدار که بهمین وسایل دین ودولت ما را (لا سمح الله) نیست ونابود میخواهند سلب نرم ، واگر بخدمات دولت مشرف شویم منظور نظرما این باشد که بوجود ضعف خودها قدر قدرت بالقوه تدریجا خدمتی بما کنیم که ترقی دولت ما ازان حاصل شود .

۲ انکه خارجه غیر ملت را برای اینکه بگویم که علوم وفنون ازان استفاده کنیم وازراه دادن زبان بکر وجریدها وتروبرات دفی شان بدانیم ، واین روحافظه دین ووطن را بزنده همت خود ثابت داریم صنایع جدیده وحرفهای مفیده را برای این میاموزیم که ثروت ملت ووطن بدست مردی ناشناخت وغیرت دانی که داریم یکجا شده موجب ترقیات سازی ومعموری دین وسلطنت اسلامیه الغایه ما گردد .

هرقدر ازالسنه خارجیه وعلوم وفنون جدیده ازراه دین انحراف ورزیم وملت تعلیم یافته کان محکوم ملت غیر از تعلیم وتربیت ما افراد غیر ملت استفاده ها نمایند ، واین قدر نادان نباشیم که بتاوتعلیم وتربیت وحفظ دین وناموس ازراه حقیقت باز گذند ، غافلیدیم ما نازل کرده وسیوئی وخروش ادبان بدست گذته ازراه نادانان دین خود که کدام ازراز را بالوجود قوت وثروت شان محدود ومنکوب نموده چندان سایل شده وبعض ترقیات جدیده را بوجب کامیابی خود بدانیم که ازین گونه ترقیات زیر دستان دین ودولت بخاصه قدیمه خودها واصل میشوند کی ، لی .

۳ انکه ازاین تعلیم وتربیت حاصل داریم که بحصول رضای حضرت باری متعال ورسول بزرگ وحفظ دین وبیضه اسلام وحفظ وطن وملت مسلم افغان ومساعده غیرت وغیر قوم واطاعت حضرت پادشاه اسلام پناه ثمره جزئیه آن باشد وهمانقدر خدمت دین ودولت وسردادن وبحو وبابود ساختن خودرا براطاعت وخدمت اعلیحضرت ملوک مقدس افخم خود مقدر قلمی خودها بدانند وادای دین ودولت راهر نادیروجبل شیطانیه خودها تاکام سازیم انشاء الله الکریم .

واین را یقین بدانیم که اگر توجه دل ما بخدمت دین مبین چنان باشد امور ذیل را فرض همت خود دانسته سعادت دارین را ازان حاصل خواهیم کرد .

(۱) تصحیح عقاید اسلامیه وتحصیل اطمینان قلبی (۲) ادای عبادات بدنیه واجبات غیر آیات باطنی (۳) محبت خدا ورسول ودین اسلام (٤) محبت قوم (۱) قوم اصل بمعنی افغان ، ب ، قوم دینی یعنی جامه مسلمانان روی زمین (۵) محبت وطن اول اصل یعنی افغانستان دوم وطن دینی یعنی هرگوشه وبقعه مسلمه که یک خطه و دیگری دارالنصرت اسلام است وصرف قدرت بامه افراد مسلمانان در حفظ وحمای حرمت این هردو فرض عین ودین فرض است (۶) محبت واطاعت اولی الامر که ترقی دین ودولت دران منحصر ، واطاعت خدا ورسول بآن وابسته است (۷) فتح و مامونیت محکومی غیر اول غیر دین دوم غیر قوم (۸) تخلق باخلاق فاضله صداقت ، امانت ، عدت ، شجاعت غیرت .

ومقصد یگانه ما ازتحصیل این ملکات فاضله خدمت و اطاعت فرد اول مسلمانان شهریار زمان — ومتبوع مقدس اعظم افغان خود مان اعلیحضرت سراج الملة والدین خلیفة تعالی ملک وسلطانه بوده باشد که درجمیع مساعی جمیله خود بروفق خیالات رقیقهٔ پرتو شان روان باشیم — تادرهان ارادهٔ قلبی خود که (جمیع حرکات وسکنات ما برای خدمت دین است) صادق وآئیم .

آیات کریمه واحادیث شریفه الواعظات عباد دین که درمروس فاضله اسلامیه در لزوم اطاعت اولی الامر خواهد و بروق دلی واخلاص آرا دانسته ام زیاد ازان است که درین فرصت اظهار وبیان آنرا کرده بتوانم بلکه رساله علیحده درباب آن دارم .

۴ اکنون یک نکته مختصره را معروض میدارم که کدام مسلمان وبرادر حضرت سیدالانام علیه الصلوه والسلام محسوب واز شوم اعمال زبراسباط ملت غیر در آمده ودین وناموس شان درمحل خطرات در اطاعت احکام غیر دین خود کوشش نمیورزد و بهیاهوای نفسانی وتسویلات شیطانی اطاعت ملت غیر را برای خود موجب نجات تصور کرده اند وکمتر حقیق وبثرت ظاهری وتعرایت بدینی حکام ایشان موجب عدم اطاعت حکام غیر دین شان نگردد — ماشاءالله افغان که بحمد الله دانه دعوی — غیرت دینی وقومی وملکی را داشته وداریم ودل دادهٔ محبت و اطاعت حضرت رسول انام علیه الصلوه والسلام وجدیم و بیگانگان مجبوری دین متین اسلام چومه و بیباکم وزبردستی ملت غیر را خلاف وضد ایمان و اسلام خود دانسته بار بار قوم وناموس خودها را از تسلط ملت غیر بحکم دین واحسان بتوفیق ازدمتان ونورانیت دین متین حضرت سیدالانبی وجل محفوظ داشته ایم وصغیر وکبیر ورنا وپیر ما علانیدن روبه وروان کنندی حفظ دین وناموس بوده هستی خودرا با محکومیت غیر ملت موجب خسران دین ودنیا وهزومیت از رضای حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم وموجب نزول غضب الله تعالی دانسته وهستیم .

بین باوجود اعتراف ما باین جمله صفات فاضله که خویش و یگانه اخوت ولله افتخار واظهار آنرا کرده وی کنند بیکوشه در اطاعت وخدمت شهریار وبیدار هدایت آئین اعلیحضرت سراج الملة والدین روحنا فداه که بمیت صادق واعتقاد موافق و عبادات لائق متصف است وجود خودرا خود بابود نسازیم ورضای حضرت پادشاه خود وبی در اطاعت وفرمانبر داری اورا چرا برای حصول رضای صاحب دین متین و ترقی شرع مبین و ابطال ارادهٔ باطله اعدای دین وما کاس تدابیر ملحدین اخوان الشیاطین بالیقین صادق نداریم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1256 of 1786

خدا کرد کارما توفیق و هدایت وارشاد نصیب مات و پادشاه ما یعنی تا بطریق رضای تو و بروفق اوامر رسول برحمت در خدمت دین ودولت صرف همت وغیرت نمائیم ودول هذه مسلمه اقطاریه ما در ظل عاطفت شهریار دیندار ما ترقی دینی نموده جمیع حرکات وسکنات ما تحکم وتابع ومتبوع قوم دولت ما برای خدمت دین متین حضرت سید المرسلین باشد .

این دعا از من واز جمله مسلمان آمین باد

احقر العباد علی محمد طالب العلم

درجه اعدادیه سوم

مدرسه مراد که حبیبه

این تقریر که درذیل درج است ترجمهٔ یک تقریر انگلیزی است که تقریر مذکور را علی محمد خان نام طالب العلم زبان انگلیسی خوانده وترجمه آنرا فیض محمد خان کوطالب العلم جماعه اعدادیه سوم بحرأت شوق افاده وفهوم قرائت نموده ، بقرار وعدهٔ که در شمارهٔ ماضی کرده شده است ، عیناً تقریر مذکور را درج می نمائیم

[ترجمه تقریر انگلیسی]

حاضرین ترجمه مضمون انگلیسی را که استاد عزیز جناب مولوی عبدالحق صاحب انشا فرموده اند وبرادرم علی محمد خان آنرا بصیغه حضور حاضرین خود بزبان فارسی عرض وبیان می کنم .

نخست ازهمه فرایض منصبی که داریم درخواست مقصد وسلامتی ذات ستوده صفات اعلیحضرت خلد الله ملکه وشوکته حضور والی حضرت شهزاده جوان بخت جناب معین السلطنه صاحب است

حاضرین عظام — منت خدارا که ما وشما همدرا پیرو دین متین اسلام گردید

شکر لله که مسلمان زادیم وز عذاب ابدی آزادیم

وقتی بود که آفتاب فتوحات دین مبین اسلام بروبهه اینیا واولیاء را بنور ضیای خود منور ساخته ظلال سروف اسلامیه بربع مسکون سایه افگن گردیده بود ، لیکن درین زمان مبریک ازمیدانند که بچه مشکلات وادبار گرفتار بوازان شاروتوک واوج وزمت که مسلمان دین متین بزور بازوی خود حاصل کرده بودند بخلاف دان افتادیم

سوالی دارد آیا چه باعث بود که آنها بآن عزو شان رسیدند وچه سبب شد که مابان پان مذلت وادبار گرفتار گردیدیم ، بلی ، هر گاه هر شخصی قدری بحال خود توجه کند ضرور جواب میگوید که البته باعث ترقی و جهانگیری گذشتگان ما پیروی دین حق بود که بحوای ان الدین عند الله الاسلام دین پسندیده اسلام را کوهر گرانبایه جان پنداشته درترقی پله و تعالی مرتبهٔ لحظهٔ غفلت ور زیده صاحب ممالک ترقیات درخشندی گردیدند وکسانیکه ازروی بدبختی ودنائت احکام مبارک کتاب مقدس را توجه کرده غافل شدند تمام وسائل ترقی ازدست شان رفت و ذلیل خوار شد آری :

ازدست غفلت مرگ شد ازکار مهلت چون فتنه خفت هرکه ازکار جهاد

درین زمانه جدوجهد زیادی است که اصلاح اوضاع اسلامیان نموده شود لاکن اصلاح کسی میداند که اصلاح چه معنی دارد ، اگر معنی اصلاح چنین باشد که بدعت های ظاهر و زیان تهذیب جدید را اختیار کرده ازخوبی های حقیقی دین اسلام بیکبار چشم پوشیم کاخ ترقی گزینه نمی توانیم ، افضل ترین اصول ترقی که برای اهل اسلام باقی است واز مطالعهٔ تاریخ عیان میگردد تمسک متانت دین متین اسلام است و بس ، لهذا ای برادران دین وهموطنان عزیز بیائید تا گرد همت بسته اصول ترقی خودرا روشن سازیم وخود هارا ازمعنی حقیقی ترقی آگاه نموده درمبتدی وتعلیم خود قانون رحمانی اسلام را تحت کرفته ترقی تدریجی خودرا که قبل ازین انواع سیاحت اقاعل عدتها خوفناک بوده تسکان اصولیدن متین ساحل مراد برسانیم وشمه کیفیه وضع را بسیمه های خودبیرون کرده مختصراً بگفتن وزبان ترقی دین ودولت وسلامتی ذات مرحمت آیات بادشاه ممالک مواد عدالت پناه خودرا ازاوند خدای درخواست وانشاء قائمیهان زبانگ :

خسروا عمرو دولت افزون باد چهره دولت تو گلگون باد
تاج و تخت و سریر سلطان جناب تو بعمد وميمون باد
داوری سروری الهیت ملی پیمان دات پاک مو زون باد
لطف حق یار یاورت دایم واجب فرض دین ومسنون باد
سلطنت معدلت جلالیع حشم در زیاد و زور افزون باد
شاه دوران سرای ملت ودین که فروغش بدور گردون باد
هم زما اهل جمع این مکتب این دعا بر رضای چون باد
مرحمت سوبت چشم پوشه اند ازین حرف در خون باد

ونیز بحضور حاضرین معروض میدارد که مقصد ما ازمطالعه زبان انگلیسی فقط واقعات انگلیسی نیست بلکه مدعا ازعلم انگلیسی اینست تاسرار واحوال عروج غیر اقوامرا دانسته اندوخودرا ازدست رفته خودرا که زبان وحکومت وغیره شایست دوباره حاصل یافته والله المتعال توفیق امرانجام شان زبان خودشان نموده بنوایح فقط ومن الله توفیق .

چون در شمارهٔ گذشته از تحصیل وتقریر سلطان احمد نام طالب العلم اولین جامعه اعدادیه سوم که دریافت که امتیاز گرد کی خودش وجه وعده داده بودیم لهذا تقریر اورا عیناً درج می نمائیم

(تقریر سلطان احمد خان)

عنوان مطالب راحمدی های عروزوت وسوام سلطان اعلیحضرت والا روحنا و جسمنا فداه وسلامتی وجود مسعود تیزاند بواسطه عروز ترقی خواه حزن می سازم زیرا که ترقیازو که خودتید جهان آرائی این بشنکته را بر هموطنان عزیز ومحترمین کرام عرض میدارم که بر خاطر عاطر شان مستور ومخفیا نخواهد بود که قیاسات جزئیه علوم بسا اوقات ناقص و اخذا بنات کلیه وتجربه میکردد چنانچه می گویند که اختراع عینکهای موجوده حاصل و کامل نبود ، میباشد وجه نهایت که توجه بسا اوقات این را پیدا کرده می توانیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1257 of 1786

پس برای ما اولاد وطن واجبات آن لازمست که از اهمیت تعلیم موجودات نقل نموده آنرا بقرار اصول دین پذیرفته فوائد دینی و دنیوی ازان‌ها حاصل نمائیم . وامید است که خداوند کریم مارا بوصول مدارج ومدوریت کلیه وجزئیه خودها توفیق عطا فرموده کامیاب گرداند بفضای اینکار ومن طلب فقد وجد)

هر جوهری است که جوینده خود را از فقر ذلت وبی‌چیزی نجات بخشیده بگنجی گرانبها و درجه‌ی شریف آمده است

(الحکمة ضالة المؤمن خذها ولو وجدها فهو احق بها)

لهذا بعد عرض میشود که این حقیر سراپا تقصیر در مطالعه ریاضیات بلخصوص مایل مکرر اکثر مردم که از فواید این علم بطل الد جدال می کنند که ریاضیات علمی است که دران بعض از استدلالات قیاسیه وتقریبه بصوری بوده حالا نکه این هر علاوه از جمله قیاسیه یک جمله وسیع علی هرصوری وجمالیه ترقیات صنایع مغرب زمین که اساس آنها اصلاً مبنی برهمین ریاضیات است در این امر دلیل است روشن وبحثی لست سر هر

بناعلیه چون این حقیر تعلیم علم مثلثات را شروع کردم وآنرا در سیکل لسه‌های عالی بگذرانم هر سال خواهد صلح کلان باشد باخود مسائل برساند وسپس فکری بدماغم رسید که اگر جدولهای کافی مرتب نموده یک آنها استخراج شود که بران جدول های مذکور را ترتیب بدهیم . لکن خواهد بود که فاصلیات بی عدد بقرار تناسب یکضلع ویکزاویه قائمه مفروضه بدون زحمت مساحت آن حساب کرده بتوانم ازان رو شوق مغز افزوده شده سر گرمی تمام‌ان آنچه موجوده را که اجرای آن کاملاً تکمیل وی ترتیب وتقریبات آن آوزیده است از بابت اینکه برای ادای حق خیالم از نظر قناعت کرام بگذرانم شروع کردیم مگر چون اذهان ابرا مشاهده کردند افکارم را تصدیق وبنده هیچ مدار تحسین فرمودند و گفتند که در در ستی اصول این که هیچ‌جای شک ومغالطه نیست اما این تحریر موجوده بترتیب وتقریبات درست ساخته نشده است ، بالنتیجه بعضی مسافات قلیل را باین که تخمیناً نشان داده می‌توانم ،

بعد ازان اشکال موضوعه موجودرا بروی تخته سیاه نموده ترسیم کرده مهارت کامله خود را ثابت کرده .

پس از اتمام اینها یک طالب‌العلم آنور علی نامی یک قصیده غرائی در مدح ما به لهجه وجرأت تامی خواند که در آخره تخلص (مدح) قصیده شانخته شده مورد تحسین شد وحضرت بالمعین السلمه صاحب لطرف طبع روان شارا فرمودند

قصیده تریم که در جلسه سالانه مسابقه جبریه ازطرف آنور علی نام طالب‌العلم اعدادیه سوم خوانده شد

بصائر دیده بکشاید چومرد عاقل دانا
نیاید هیچ در چشمش بغیراز عالم یکتا

شد از تعلیم اشیاجمله کاراین جهان جاری
شد از تعلیم انبیا جمله اسرار نهان پیدا
نبکردید اگر تعلیم انبیا از ازل باهم
چوخفاشی پنهان می‌ماند تحت لجه وحوا
همین علوست وعرفان اشیاز آدم وحیوان
همین علوست فرق اندرمیان جاهل و دانا

غرض کردیده بدین کتاب صاحب خبرت
بجز از عز واز حکمت ندیدند جریان اصلا
بدست علی بی‌آید کرحاجات وکر حشمت
بدست از علی بی آید اگردین ستا گردنا
نکردند پیروجاهل زدنیا شجهان هرگز
که عمرو ازفروغ شمس باشد بیدنا امین

خوشا آن رهرو کامل خود از بندعقل
که روز وشب غلامدون خود را بندبسودا
خوش آن جوینده‌جان خوش آن پوینده‌عرفان
که از خطاء دوران بود سرمست ازصهبا
نباشد کارمارا فکرصنعت درجهان امروز
ا گرمومن ا گر کافرا گرکرسو گرترسا

بتحصیل علم از جان‌ودل امروزی کوشند
فرانسی جرمنی ژاپن وروم وروس و انگلیس
یکآخر بختم مرا وضاع جهان نیکر
کامروز ازهمه کشور جهان اینسه شدعالا
چه‌وماین آتش جرمن که‌بادوصد خونریزی
گزدین‌ذخیره‌دانش که گردان شده‌را رها

چرا جرمن صد کشور زاند لشکروافسر
ذخ آخر چرا قیصر یک ملک تن تنها
همان علم‌است و آن‌صنعت که بیدانش ربیدرش
چه‌بیدار دخویش‌راست چه‌خورده فرخطاش خطا
زهمدرد خود میان هنگستان شتاز شد آری
ز اقران میشود فتاز مرد عالم دانا

غرض مازمزمهٔ افغان ا گراز علم واز عرفان
سخن‌را نیست دوران سمر گردیم بردنیا
بود از همت عالی بود از رافت والی
که گردد لطف خود عالی زموز علم را رها
سزاوار است والدین شه باجرو بانعکس
امیر معدلت آئین حمیدو خلق پیرا
زهی سامی‌آن ملت که گردید ازو همت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1258 of 1786

مرادر رافع صنعت عدالم لکثر معنی
که گردان فرض را فیکرد وان رد وی این کفود
که از شادی شکست اندرون پیرد رج برنا
معین السلطنه مرد دانا سپه نیک اختر
که از روشن فروغ دولت و حشمت دوبیدا
چنان زده از جا شناسد عرفان و آگاهی
که چیز بود و مست بست و کری در سرش اصلا
بعالم مدتی اوضاع واطوارش نباشد کس
سپس بر خاطر خلق و دلایش گردد اجلیلا
بیکدیگر دهی گر بسته روی فته در بسته
هزاران رحمت مرسته گنند پیدایش ایدا
سخن از دولت جاوید و ملک پایدار دارم
کدام عقل حکمت جو در چشم من زیبا
کسانی غیر ای جان دادند غیر دین باشد
که نام هر گروه از دین گردیده رسوا
همان علمی که در تعلیم ابرار راه دین نهی
مرید راستان تو مرکز مشهور فکران اعلا
گزاف تعلیم دین گوید زمایش گریزان تو
اگر باشد تعلق بی لطیفه وطن دوست
سر رشته دانش در حقیقت کی بکار آید
بلند نامه چون نبود وفائی در دل ملت تو
سپس چون خلق دین آموختی در کل ملت تو
زهی خوشتر حکمی پیر ملت خدمتی زیبا
که کاین هر دو گردد جوهر هم نوعی گوهر
سخنه کاین هر دو گردد بافت جوهر دانیا
بایت، لیکن وشرین که اکنون پیر گیتم تحسین
(گفتگو میان وطن آمده درین اثنا
وچو خلق خدمت کی چوانان گذشت آمد
گرفته چنان احترام و مهر خلق در صفحی
چو خلق آموختی از حرص آنگه ترس یاد دش
چو دادی بهمراهی آمد گرده زرد کالا
توجون موزی دران امست همچون موی میرویش
مرا درسیار از تقلید و تخمیر و رعنا ،
ندیم از هر سخن بار گران و هوش کمی
بنالم طبع موزون سخنه دیده تو لا لا
بیا اکنون زتکلیف سخن شاعران بگذر
زهم خاص پی چه سخن بپردا انشا
خدا و خدا بعلی اعلا مرین ذ تو لا گی
سخنه نام از عدیل خاتم لکی گردد پیدا
بعالم ماند ور معرف سخن مرد یانی
زهر خطبه و تاریک حکمت سالخان بینا

عدد ما آنکه این یک تبدل و دگرگونی ایست که خود آن گوینده جنونی میدهد - وچون هیچ یک دوربین حقیقت را ندیده نمیتواند بی انصاف نظر کند معنی ازان دشمنان را سرانجام خود و مقرض میدانند وسخنی را آنم مقرض - و معنی را روبه انهدام و اقراض مثلا دولت وطن ثانیا ما - را در خود و مقرض میبینیم - زیرا دولت بدان طور دولت

فدائیا مرا از شاهباز معرفت پرون
مکن مارا درین وادی حیران همگنان رسوا
الهی آنچه پسندی مکن مارا فشاطل
مکن پنهان خداوندا صراط المستقیم از ما
مران نیز از صدا الزلفت و دولت پیرو دور گردان
بلوتو فیق خدمت ازره دین مرحمت فرما
بکار اوطن دارد چو دایم فکر مسر میزی
نهال آرزو یتی را مده اندره کی اصلا

امضا

محرر اداره : عبدالهادی

دین ، دولت ، ملت ، وطن

ملت ووطن آنچنان باهم مربوط وبایکدیگر پیوسته وبسته چیزهای میباشند که اگر هریک را یک چیز واحد بگوئیم جادارد . زیرا این دو چیز بدون همدیگر یک معنی مستقل را در بر نمیگیرد . لذا دلایل مقالهٔ خود ثابت ساختیم که این چهار کلمهٔ مقدسه بایکدیگر چه رجحانیات و مناسبات دارند که اجزاء لاینفک شمرده میشوند ، و یکی بدون دیگری قایم ودایم نمیماند .

چنانچه قبل ازین گفته شده چون باز تکرار میکنیم که اگر عدا ناخواسته وطن یک ملت ازدست شان رفته چنانچه دولت غیر دین وغیر ملت شان میماند اما چیزیکه بآنها نخواهد بیست (دولت) و (دین) آن ملت است . زیرا مثالهای تاریخی بصورت واضح بما نشان میدهد که دریک ملت ووطنی که اجنبی مستولی شده است نخواهد (دولت) آن ملت ووطن صورت آنی وقطعاً واقع نشده است . چونکه تادولت یک ملت ووطن خودمقرض نشود زبان وطن وملت اجنبی مستولی شده نمیتواند ، امادین آن ملت ووطن تا بصورت تدریجی تحت تصرف خود ومقرض درآورده ، وتبدلات ، تحولی ، اختلافات ادبیات ، زبان ، تهذیب ، تربیت آن ملت یکی بعد دیگر خود ومقرض شده میرود تاهیچ اثری ازملت آن هم باقی نماند . تا یعنی خواهد گفت ، که آقای من عمر در شباب مبالغه گوئی میکند . اینگ است معنی تجربه‌های بسیار زیبک حساباً ثبا که باوجود استیلای دین وغیر ملت شان زبان ، باهم بهمانطور که هاینگ سرتحریر میکوید چیزی نشده است ، ،

تا سال آنکه این یک تبدل ودگرگونی ایست که خود آن گوینده جنونی میدهد - وچون هیچ یک دوربین حقیقت را ندیده نمیتواند بی انصاف نظر کند معنی ازان دشمنان را سرانجام خود و مقرض میدانند وسخنی را آنم مقرض ، و معنی را روبه انهدام و اقراض مثلا دولت وطن ثانیا ما - را در خود و مقرض میبینیم - زیرا دولت بدان طور دولت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1259 of 1786

غیر دین وغیر ملت شان است که واسطهٔ حکم میراند واز خود دولتی تشکیل داده‌اند. وطن‌شان یک پارچه از اعضای بدنهٔ همان وطنی است که وطن اصلی دولت ما گفتهٔ شان میباشد. چرا که قانون مروجهٔ دولت همچنین حکم میکند که هیچ پارچه‌ای از پارچه های قلمرو هیچ دولت یک عضو یست از اعضای وطن همان دولت. اگرچه وطن اصلی آن دولت در غرب باشد. وآن پارچه اش در شرق! این شاید بدیهی فرض شود. زیرا اولا باید همه چیز در خطه دولت ناقص شمرده میشود. و سعی اکمال پیهم تمامیا اجرا نمیشود که اگر یکان یکان ادعا کنم یک کتاب علاحده باید بنویسم. مثلا شاید روزه آنهارا و اعراس مجازم. زیرا زبان خود شان که یکی از اعضای اساسیهٔ ملی شان شمرده میشود زبان رسمی دولتی شان نیست. و با چونیکه زبان فارسی و عربی واصل زبان خود شان مرکب است رفته رفته بعضی از اجزای مرکبی آنرا سراسر کشیدن و حذف نمودن میخواهند. مثلا زبان فارسی که در یکوقتی زبان رسمی ساطنتی ملی شان وزبان ادبی اصلی شان بود. و در وقت حاضر زبان دوم دایرهٔ اسلامیه میباشد. واز لغاتهای بسیار عمدهٔ ترکیه شمرده میشود. این زبانرا سراسر میخواهند نفوذ کنند وتحصیل و تعلیم آنرا منع نمایند. وممکن است که رفته رفته زبان عربی را هم که جزو ثانی زبان شانرا تشکیل داده بتدریج سازند. و یا آخره زبان اصلی شانرا نیز از میان برداشته زبان ملی وحکومتی خود شانرا قایم کردانند. که اینطور حقیقتاً خیلی دهشتناک یک ضربه ایست که بر جامعهٔ ملت شان حواله میشاید! انهاه زبان. بلکه بسیاری از حقوق ملی شان وغیره.

نظارهٔ عملیات تپه سراج قندهار در حدتورمه

این احوال تمامکنهای تربیتی ملت که بسبب استیلای دولت غیر ملت وغیردین شان بایشان حالیاتیکه یک قطره از بحر ازان بحث داشته نتوانستیم گرفتار آمده‌اند. و جادهٔ وطنیت وحب گیتی شان سراسر محو ومنطرض گردیده. دین وملیت شان نیز تدریجاً زایل شده میرود. حالا تمکه اگر یکقدری دور نرفته به (اندلس) نظر بیندازیم در انجا هیچ اثری از آثار این چار گانهٔ مقدسه را بامیکرو سکوپ هم دیده نمیتوانیم.

پس ای نونهالان بوستان وطن عزیز!

برحال واحوال دام بیدادویه! و رنجهای که حالتی یکانه! بی‌همتای ماجل وفلاکتزاتیا احسان فرموده دانا گردید! این چهار عناصر مقدسهٔ حیاتیهٔ خودرا از جان وجیان عزیز وقیمتدار تر بدانید! زیرا منافع دین ودنیا. دردوست داشتن همین هاست! زیرا حاصل کردن حیات ابدی درجهٔ کردن جانست درراه همین ها! زیرا ملکات شخص وپیرایهٔ اخلاق حسنه طبق کاملترین اصول همینهاست دردنیا! زیرا صاحب شدن رتبهٔ علیه وآیه تربیه کردن مناسبست بردوست داشتن همینها! زیرا ناموس. شرف. عزت. افتخار. استقلال. همه کی درمحبت همینها. مندرج باشد قلب مالیتی. درراه وطن اینها. درراه ماندن اینهاست!

این ابنای وطن عزیز. ای ملت عزیز باهمه

اتحاد. دین مقدس باحسن واشرف واقدس واعلا ترین همه

اله باشید. زیرا خداوند تعالی را یگانه یکی. و بی مثلی. ولاشریکی میستاید. میخواهد آن ملتیان که بعذاب نکبت گرفتار آمده اند چقدر معذب. چقدر مزدد. چقدر متشتت الفکرند! تا یک راهی پیدا نموده. وبآنرا یک گشته بجاده‌ها. چه مشکلاتها می‌بینند! پیغمبر برحق ما. قرآن قادر مطلق ما بحر خوبی بحر یکوبی. بحر دانش بحر راه های نجات وسعادت وگر چیزی بالشان برسد. راه پابی است دنیا وآخرت را برای ما برداشته است. باهمه افراد بی‌نوع بشر ما را برخوبی وحسن سلوک مأمور فرموده. وباهمه ملتهای که همدین ما باشند خواه درشرق باشند خواه درغرب به برادری وهمدردی ویکجوهتی دستور داده است. دولت متبوعیما (دولت اسلامیه افغانستان) است که مالیچ آنرا. صاحب دولت ـ یعنی پادشاه ما شان اعلیحضرت (سراجالملة والدین امیر حبیبالله خان) است که از وطن خود ما از ملت خود ما ازدین خود ما بدیده‌ها دیده‌اند وبوی راحتطلبی بمشام سیدالفرسان استدر ترقی وتعالی شان دولت همدوش صرف افکار میفرمایند. اززمان جلوس میمنت مأنوس این پادشاه حقایق آگاه محبوب القلوبنیط چه ترقی. چه سعادتهایست که بروی ملت ووطن بازشده است.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1260 of 1786

طالب و رحیم ، شفیق ، لرگی پرور ، نرم گستر یك پادشاه مقدس است. ملت ما (افغان) است از حیثیت تابعیت به دولت افغانستان افغان است از حیثیت معیشت و سکونت در خاك پاك افغانستان افغانست ، دیانت ، نجابت ، اطاعت بامولای مهربان و فطرت ما وديعهٔ آنهاست ، افتخار شرافت ملی ، یدرجهٔ افراط وطن دوستی ، غیرت ناموس ، فکر هوشمندی از شیوهای اوست که خداوند بالم بصورت بسیار وافری بما احسان فرموده ، وطن مقدس ما (افغانستان ولست که حضرت خالق ارض وسما جل وعلا از همه کونها وتوازکریهای طبیعت آنرا محفوظ ونگاه داشته است ، چه زمینهای زراعت خیز ، چه چشمه سارهای خوشگوار ، چه جویبارهای باآبشار ، چه کوههای سر بفلك کشیده ، چه جنگلهای انبوهه ، چه میوه های حلاوت بار ، چه غله های پیشمار چه معدنهای مختلفه ، چه حیوانات متنوعه پست که دران پست .

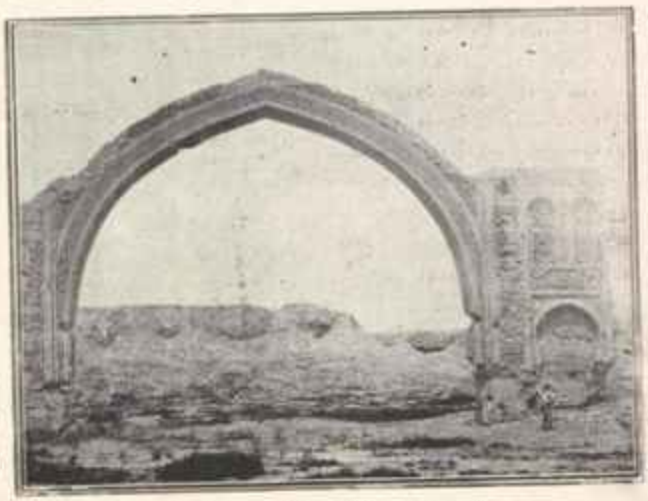

قوس ایوان قلعه‌بست ازآثار عتیقهٔ میمنه درولایت قندهار

لاجرم ایجنین دین مقدس، ایجنین دولت وپادشاه مقدس ایجنین ملت مقدس ایجنین وطن مقدس خودرا ! اگر نظام و جدان وایمان دوست نداریم ، ودر راه اعلای آن درراه صداقت آن درراه شرافت آن درراه محافظت آن جان فداکردن را شرف عظیم نشماریم ، خدای ما رساعقب خواهد کرد، دولت ر ما لعنت خواهد کرد ، ملت ما را معدوم و وطن مارا مردود خواهد نمود !

ای برادران همدین ، وهم تابعیت ، وهم ملت ، وهموطن !

بیائید که همه دست بیك کنیم ، دلهای همدیگر خودرا ازکدورتهای محبت این عناصر اربعهٔ مقدسه چنان بیکدیگر مربوط نمائیم که تیرهای قوی لهجهٔ مقدسه و حربهای عظیم الجثهٔ و عتیقه نتواند آنرا ازهم بگسلند ! اگر دشمنان این مقدسات تصور چشم زخم رسانی رادربك گوشهٔ از گوشه های دل خود ، دربك حسی از حواس دماغ خود جادهند ، چون اتحاد وارتباط میان محبت این عناصر مقدسه دلهای شانرا ازدرون‌شان داورده ریزه ریزه کنیم ، مغزهای شانرا ازدماغهای شان کنیده حواس شانرا پاره پاره نمائیم !

بلی ، بلی ! برای حفظ این مقدسات خود ، بیدار گردیم، هشیار شویم ، همدم وهمرشته حاضر باشیم ، بیاموزیم ، بیندوزیم ، غیرت ورزیم ، همت کنیم که بهترین اخلاق حسنه همین است والسلام درپناهش همیشه ، انشاءالله درشمارهٔ آینده ازحقوق متقابلهٔ اینها بحث میدارم .

(باقی در آینده)

مقالهٔ مخصوصه

(تذکار شرف و تقدس رمضان)

عدا بیان تفاوت وهدی و موعظهٔ لمتقین

لفظ رمضان مأخوذ از رمض است که معنی آن شدت حرارت وحدت گرمی را درمیگیرد ، ودرفرهنگهای لغات یعنی کتب چنان استدلال و استنباط میشود که درقبل از ظهور اسلام در عربها حساب رسم یعنی ماههای شمسی وفصل رواج داشت ، و چون این ماه همواره بموسم گرمی وقته که حاری وبیابانی درکنار عرب اصابق نمودمیدان ربت و سنك تلال وجبال ارض مقدس را مانند یك پك اخگر آتش پرشعله و شرر میساخت ازاینرو بدینجا سبب آنرا رمضان منسوب وموسوم نمودند ، اگرعصر های بسیار قدیم و سالهای نخستین اسلام رازروی تاریخ درزیر دقت مطالعه آورده وخط نظر آندیرهٔ خودرا تابه ۹۱ سال پیش ازهجرت تمدید وتوسیع دهیم ، تاباه بچنان لوحه های محب وغریب اتفاقات وتبدلات مادی ومعنوی بالم اسابت رخ‌خواهیم خورد که هیچصورت ازیك حیرت فوق‌العادهٔ خودداری نتوانیم ! عین در زمانیکه کرهٔ ارض درزیر فشار وانحصار یك از کثیف تیره‌روگار یك ظلمت و جهالت درآمده بود ، وآفتاب حقیقت ومعرفت درعقب پرده فلاکت زودهٔ تحلم رخوه غفلت و وحشت غایب ومحتجب گردیده بود ، وملتکا کفار تیکوئی و حسنات ازوجود غیار معصیت وسلالت تکنهای سرسبز پوشانه درهیچ یك‌زاویهٔ دنیا اثری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1261 of 1786

ازوی باقی نمانده بود ، و آثار کریهٔ ظلمت و شر فی برهه کائنات صفحهٔ گردیده ناجیز میبود خود قوت نور و حقانیت را بیم تهدید مینمود ، ودرهر طرف دنیا برخلاف اوامر واحکام الهی وسیاوی عاصی بی‌باکی رجم ی و عصیان برافراشته شده بود ، و نزدیک بود که دیو باطل کفر وشیطان مطلقیان توحید وایمانرا درزیر نیکن آورده سراسر شبهٔ و تسخیر نماید ، وهمه اطراف و جوانب عالم را بان ظلمت شدید شرک وعصیان احاطه کند ، کهربای یکبار درمیان این همهٔ ماء تاریکی وسیاهی انبار براسر از کوه حرایک ضیای مبارک درخشان ومنوری درشعشعه وانی ونور افشانی مشاهده شد که از وضعیت واداباش چنان عالم است کدر یک‌دست بیارانداز یکسال سرحد حرمین کفر ومعصیت را سوخته وبرباد داده وهمهٔ ماء بشریت را از دستبرد وظلم ظلمت وشر کی وازهایمه بامزهٔ حفاظت ونورانیت مقدس خود چشم‌همه کانرا روشن گردانید ، وبیک حملهٔ شدید لشکر دیوسیکر وحشت وغفلت را ازهم پاشیده گرده برفرار وهزیمت مجبورساخت وبه اینصورت حکومت قدیم ازدست رفتهٔ‌تهذیب وانسانیت را بیش ازپیش مستحکم گردانیده دنیا رابنور وحق پرستی اجرای احکام نحوانین الهی حله‌نمود، وروی زمین‌را ازپرتو شرک وفساد باآب شایستگی ومدنیت شسته، وبایک رشته‌محکم جمع بشر کی هارا، کهازدست درازی ضلالت وجهالت برهانن انداخت بپرامن توحید ومعرفت‌واردآمدوجه دوباره ربط نموده ودر روی دنیا سرازنو فرشتهٔ رحمت ورأفت امن‌وامان بجای شیطان‌لعین ودیو پلید فسق وفساد حکمران گردید !!

این میمنت سعادت احتوا عبارت از ذات بابرکات حضرت صفات حضرت سید الرسلین وخاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه وآله‌وسلم است که‌درچنین موسم گرمای عربیه‌تأثیر شدت‌حرارت هوا‌بگیاوده‌ه و روز های دراز تابستانی را اهمیت نداده درغار اربه وثور کوه حرا روزها ازاکل وشرب‌مأ وشهاجتر ازلیلهٔ القدر را روزه ورزیده بطاعت وعبادت الهی روزرا بشب ملحق نموده وشبرا تاسحر بسهر بسر می آورد ، درچنین شبهایک شبی بود که برهمهٔ مخلوقات یک سکوت و سکوت عمومی حکمفرما گردیده‌بود، وافلاک وسیارات‌همه‌ازعالم بالاوعالم‌سفل بیانتهاورده مسعودی مهبط انتظار دوخته وهمه تن چشم گردیده یک شیوهٔ سیاه والیهاء برزمین عنف و صرفنظر داشته ، ودر کرهٔ خاکی نیز طبعاً جمیع حیوانات وساکنات وجمادات بزبان خاموشی چنان نشان میدادند که چون برای یک تشریف سعادت دوعی گوش بوا میباشند ازاروهیچ یک کلهٔ بهدیگر خود نگویند تاخیال فکر و اندیشهٔ شان نشود ، درحالیکه دریکطرف عالم‌بارک کوه‌حرا چنان عزلت گزین وزاویه نشین تحاریم دیده میشود که ازهمهٔ ماسوی‌مجرد ورزیده درحصول رضای خالق کائنات ریاست وعبادت مشغول ودر تحمید وتمجید ذات پاک حق محو وازخود بیگانه شده درغار بایمنا گذار معرفت وشناسائی اش فرورفته است ، ناگاه جبرئیل امین باسفیر ملائک قدوسی ازسماءعلیا فرداً مده ورصاحب غار امی ذات احمد مختار وسید الابرار (ص) کیفیت وحی عاری گردیده وجبرئیل پنج‌چند آیهٔ‌پیوتلقین نموده وازانظر وحی بجانبریل دامن قرآن عظمت ملائک درسیرهٔ نبوت وعینه‌اش آغاز نهاده رسالتش را تأئید ساخت ، و همین شب را خداوند عظیم الشان درکلام سعادت پیام خود به « لیلة القدر » تعریف و تمجید فرموده ، و آنرا بسبب شرف نزول قرآن بهزار ماه فضیلت بخشید و جبرئیل وملائک را بتقریب همان لیلهٔ مسعوده بفرود آمدن زمین امر کرده ، و آنشب را بمظهر آیهٔ آفات و بلیات سازمانده « انا انزلناه فی لیلة القدر ، وما ادراك ماليلة القدر ؟ لیلة القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر ! » اینلیلهٔ مبتسمهٔ گیاوانرا قرار دوران آغاز نهاده ، وآنرا درسینهٔ پرکینهٔ عبارک پیغمبر ما (ص) تنزیل و تحویل دانسته ، وجبرئیل امین بملائک دوران رحمت وبرکت را از آسمان بزمین آورده رمضان تقسیم و توزیع نموده الحمد رمضان برحمت و احسان یک شب سعادت موهبی بوده « شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان ! » .

چون درآوایل اسلام وابتدای‌بعثت حضرت خیرالانام علیه‌الصلوة والسلام عدد امت ناجیه آنقدر افزوی و زیادی نکرده بود و ملت اسلامیه عبارت ازچندنفر متعددی بودکه‌آنهم درمکه‌مکرمه که ازدر کفار تکثر شعار ساعی‌را بخاموشه کی و انزاعی نمیتوانستندبکند رانند ، و از دستبرد اذیت کارانهٔ شان بهم بخیال هرگونه تکلیفات و عذاب خودرامصون میدیدند ازاروجناب حضرتخاتم رسالت‌مآب وقتیا روزرا بدین سبب باهل اسلام فرض نکرمانید ؟ کفار نگویند که چون حالا مسلمانان وچیزی مقتدر نیستند وخوراك ومعاش خودرانمیدارك ونمیه نمیتوانند ، لهذا بالضروره بفعل جوع رجوع نموده وایام صوم وفرضیت آنرا بظاهر پشیمانه ساخته اند ، ودیر زمان در آنکار چون اسلام بسیار ضعیف‌بود وهنوز کسرقوت وشوکت نمودنبود وحقیقتی هرگاآنوقت بقوی درمعرض شهود نیامده بود ، اگرصوم فرض میشد شکی بود که بسیاری ازصوم نفی‌را بشدت زوال گرمی‌لازم میشدوان عمل ازهمت هرکس میسر نیامده وهراحص وبندی اینقیودرا مشکل پنداشته درمسألهٔ صیغهٔ اقامت وتوسیع اسلام بشدت زرگی واقع‌ومانع میگشت ، خیر ! بهمه‌حال اینیک حقی است که‌بسبب دوم هجرت نبوی درمدینه طیبه زمانیکه اسلام روز بروز قوت و متانت حقیقی خود را جلب‌نموده وصردمان گروه گروه‌درین عصیان‌دین خداوندی داخل وشامل میشدند، وازهمه‌طرف ازهرگونه تعدای‌اشخاص الهی رمسلمانان کثرت ووفرت گرفت وچون همه وقت عنایم از کفار جمع و فراهم می آمد ازجمیع لوازم و احتیاجات میمنت و زندگانی خود چنان امین و مطمئن گردیدند که نزد هریک ازاصحاب کرام کمیزکان متعددی که درغنیمت از کفار گرفته بودند حاضر ومیبودند ، لهذا حق سبحانه تعالی رای اینکه مسلمانان شکرانهٔ حق‌را وظیفهٔ‌شان‌را که رایشان انعام واحسان فرموده بجاآرند وازانسبب در روزی شان برکت و افزونی وارده آرد بنار مناسبت تذکار شرف نزول قرآن عظیم الشان واسوهٔ حسنهٔ پیغمبر آخر الزمان میمنت ماه رمضان سعادت قرارداد رحمة مسلمانان علی الاعلان فرض گردانیده وبدینصورت ان قانون مبارك تاهلو جاری گشت ، « یاایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون ! »

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1262 of 1786

ازان روزیکه این آیهٔ عنایت پایه بسوی حضرت رسالت مآبی (ص) بصورت وحی القا گردیده است تا کنون دهمین اسلام رساله در ماه رمضان فیضرسان قیام صیام مانند ادای صلوة یکفرض دینی ومذهبی شمرده میشود وهیچ مانع صلوة بشرائط وآداب مخصوصه الی غایی آید ، و چنانکه غیر از طهارت ووضو ونیت درست همچنان روزه نیز بر آنکه انسان جمیع مطالبات و آرزوهای نفسانی خودرا ترک نکند ، و از قیود مادی مانند خورد و نوش وغیره آن دست بردار نشود ، وتمام جوارح واعضای خودرا از استعمال منکرات ومنهیات باز ندارد روزه اش صحیح نمیشود ، در آیات صوم ذات اقدس کبریائیات علیه افضل التحیات عمدتاً کید فرموده اند که کروفی سایر کتب وشتام های سخت دهد وقتالهٔ اش رخصت خلقش آماده شود ، صایم بجوابش تحمل ورزیده وهیچ آثار غیر وغضبرا نشان نداده بگوید انی روزه دارم ، چنانچه در حدیث صحیح مذکور گردیده است « اذا کان یوم صوم احدکم فلایرفث ولایصخب ، فان سابه احد وقاتله فلیقل انی امرؤ صائم » ، ودیگر جا فرموده است که کسی کاروزه گرفت در رمضان ، باید ان ، و آداب تری از جمیع گناهان گذشته اش عفو وصفح شود « من صام رمضان ایماناً واحتساباً غفرله ماتقدم من ذنبه » کتاب صحیح « سالانکه اکثر مردمرا بگناه تکلیف می بینیم که صدود و آداب صوم را هیچ ملاحظه نکرده بسیار جسارت و گستاخی درمه صیام پیش از عادت خشن و جزوارا وزبان بی رانه وبه تخریب وتحطیم صوم هیچقدر نپرداخته و آن فرض مقدس و مبارک الهی را آلهٔ حرکات سفیه وفساد وجنگ وجدال خود میسازند ، وبکوان والزام جنگهای بیهودهٔ خودشارا بر آن قانون پاک سماوی افترا و بهتان میکنند « فاستمعه بالقاله سمیع علیم » ، ازانرهم بدتر بسیاری از عوام الناس درهر کوچه و بازار دیده میشود که ابدای آنکه نیز نخوانند و یانیا روزه گرفته بکلی ضرر وسائله برخلاف آن در ماه رمضان بقمار مشغول و مصروف میباشند واگر ازوی شان پرسیده شود که این عمل شنیعرا چرا میکنید ! میگویند که روزهٔ خودرا میگذرانیم « واذا قیل لهم لاتفسدوا فی الارض ! قالوا انما نحن مصلحون » غیر روزهٔ بانوای کاسیاد طرب آورا که درانوقت ، ماه حسنات وادای صلوات وعبادات مأمورند بارادر کنهٔ اباطیلیون ، او الفسوق میسر بازی وساعت تری بسر آورند صورتیکه خدای غیار در کلام حقانیت انجام خود مارا بتحدث وتکرار ازان منع فرموده ودر جهٔ حائش را پس از حر وپیش ازین پرستی نشان داده است « یاایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون » .

غیر ازینها یکعده فریق دیگری که در جمعها ازایشان در نظر میرسد موجود است و خودرا بخود شارا مسلمان هم میگویند ولی روزه نمیگیرند گروهی ازان عوام الناسی است که از نعمت عقل وعلم بی بهره وجهالت خود ازغاز وروزه منکر ، ولی ! ملکاتیا قبول دارند ودیگر هیچ نوعی ازدوام وعمل آن نشان نمیدهند وتکلیف خودرا بعمل پاورده پوشیده روزه را میخورند گمان یک طبقهٔ بسیار سفیهه است که عدد

ایشان انتخاص نگویست بسیار قلیل است « اولئک کالانعام بل هم اضل واولئک هم الغافلون » وگروه دیگر آن ، عبارت ازبعض کسان متعددی است که خود شارا توبهٔ تهذیب جدید پیش میکنند و بالاتک خودرا بیرونتفق میدانند وبالاسلام وسلمانی دعوا دارند بنا بر عدم پذیرفتن روزه را بتحکم اعتقادات زمانهای قدیمهٔ بیهوده شمرده و آنرا بکلی رسم کهنه ومرسومهٔ گفته وهیچ درجهٔ اهمیت را به آن نداده ازان سهل میگذرند وبدینصورت استکاف دلیل الهی را استهزا اعلان میکنند وازوجود حق نمیترسند « الله یستهزئ بهم ویمدهم فی طغیانهم یعمهون » وخداوند جزای عمل ایشان کنارا بسیار شدید وکلا صفت فرموده خودداده میکند والبته فاعلیم واعدائهم اخلاصی ازالاذقان فهم مقمحون » واخطهٔ تعالی که ازین طبقه درکل ملت نجیب افغان کمی نیست .

بلا تقدیم یک خاصه دیگری که جمیع فرایض سلاوی واوامر الهی را مقدس و محترم دانسته بملاحظهٔ آداب و حدود الله آنرا بجا می آرند ، روزه میگیرند ، غار میخوانند ، مصاحف میبوسند ، صلوة تراویح را میگذارند ، زبان خود شارا از غیبت وهزیان محافظه می نمایند ، ربوت نمیخورند ، سود نمیگیرند ، برای اغراض شخصی خود حقوق عباد الله را پامال نمیکنند وبآن تکمال صداقت در خدمت وطن وملت سعی وهمت میورزند ، وخیرات و زکوة را به مستحقین وضعا کین میدهند ، امانات را خیانت نمیکنند در اموال یتامی دست درازی را روا ندانند ، واز حرام هوری لا واشکار میکنند ، غرض ازجمیع منکرات بشدت اجتناب میورزند ودراوامر ونواهی الهی حدقه حرکت میکنند ، پس اینها بندگان حقیقی خدا گفته میشوند ، وعباد الصالحین عبارت ازینانست زیرا برای رضای خداوند جود تمام آرزوهای نفسانی خودرا پشتپا میزنند ودر اظهار عبودیت وبندگی واخلاص فروتنی همهٔ مطالبات شخصی خود شارا ترک میکنند ، اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحون ! ، مگر بکمال تاسف چنان ظاهر میشود که در وطن ما این طبقه عبارت ازچند یک گروه بسیار کم جلد ومختصری است که وجود وعدم آن هم درنظر نیست ، بهرحال مالازدگاه خداوند متعال بصدقلب وبیان آرزو داریم که افراد ملت مارا بهمچنین اخلاق حمیده وعبادات حسنهٔ گذران رضای خدا و خوشنودی پیشاه وآسودگی راحت وخیروطن وملت مصمم ومستقیم باشند متحقق گردانند .

درخاتمه چون بمسئله میادفرحت ختام اردوردرک آمو خودیم جمیع اسلامیارا بدیدار سعادت آثار خود دعوتی مینمائیم ، باشد تو کلیهاشاه پیشات آنکه ملت پرور محبوب القلوب معظم مادر عشرة اوتان [بشرطیکه یک عدد متر وفی باشد] وهمه وقت شاه باجمیع ارباب مناصب ملکی وعسکری وبک جمعیت زرنگ وبای صافهٔ شاهانه شان در میدان بصفای خوش آب وهوای جن حضوری دارالسلطنة کابل تشریف آورند ، وقریب ۴ ، یکهزار خروسه وقت افطار صیام با پادشاه مقدس خودشان ریکجوان گذرونه لطف واحسان ملوکانه یکجا هم نشسته بخوردن اقسام غوا گوناگون اشتهاء مقبول گردیده بندالاقراغ افطاریات اعلیحضرت بعیت این جمعیت عظیم بسوی مسجد عیدگاه حرکت وعزیمت فرموده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1263 of 1786

مدت طولی نزاع و ستم کلانتر را تحمل می آورند که مسلمان چون اینهمقدر ومرحمت شاهانه را درحق دین وملت بیند وهیچصورت ازایمان دینی خالی از رای دوام عمر ودولت بادشاه اسلام خودداری نتواند !!

(عبدالرحمن محرر اداره)

خوادث داخله

پشت رود

(پشت رود) یك موضع بسیار مهمی و ماگز نشین ایلات خلجه قندهار است . از مدتی بود که ماگز خصوصی دائمت ورأساً ولایت قندهار ملحق شده به آنصورت اداره میشد . ازانجا که مرحمتهای تاجدار اعلیحضرت (ضراع الله والدین) پادشاه ممدوح مرحمت گردار رعایا و برایا و عموم تبعهٔ صادقهٔ شاهانه شان شامل است ، اهمیت موقعیهٔ اخبارا مد نظر اکبر تر فرموده جانبجاه حرمت همراه ، فخامتمآب ماگز ساقهٔ (هراه) را امسال در پشت رود ماگز مقرر فرمودند .

از قراری که از زبان بعضی وارد ین مسموع افتاده ماگز مشارالیه بمجرد رسیدن به آنجا امرا آن بسیار لازمه ومفیده را مرعی نموده یعنی با کوچهایی که درانجا پیش آمده بود به آندک مدت رفع نموده . ودردهاورهزنها وبعضی ازدستهایکه راحت وسعادت رعایای پادشاهی را اخلال نموده بودند سزا رسانیدند . وتقیدات مالیات ووجوهات سرکاری را بحسن صورت ایفا وسررشتهٔ انتظام آن ولا را به بسیار خوبی بحالا ورده اند که الحمد لله سایهٔ توجهات مراحم آیات اعلیحضرت پادشاهی کم وبیش آنجا به بسیار خوبی جریان یافته است

خوادث خارجیه

گفتگوهای عادیه

نقل ازاخبار نوبهار مطبعه طهران

باب دائمت دولت ایران

کاپیتان اقای مستوفی المالك درباب دائمی که بحکومت روس تبلیغ نموده ازانجواز اینکه واسطه صاگر روسیه درآنای مراجعت از آنور بایران رسیای ایران وادلاله وارامی آنان شده وصاراتیکه وارد آورده اند بلطنت روسیه کردهدر بدادلت ضرور فضاحت حوادث ذیل اظهار شکایت شده است

۱ ـ سوزانیدن دهاتنشینان آنور بایجان

۲ ـ تکیهداشتن چند هزار مستحفظ اهالی بعنوان گروی ـــ

۳ ـ تخریب حویلی خوی وغارت واحراق دهات شاهولاق ـ

روزنامه اقدام مطبعهٔ اسلامبول در یك مقاله اساسی بدادلت مزبور را مورد تحت قرار داده میگوید ـ از اخبار فوق دونتیجه بدست میآید تحت درجهٔ مطامع روسها ـ دوم حالت توانائی دولت ایران ودائمت این اندازه جرأت وصارت که بسیه اینها بتواند دومقابل حرکات روسیان پروست نماید سکته اولی دائماً ازمسائل مدهیه است که مطامع پیگانه وحرکات روسیا که حتی درهیچ قوه وحتی در امکان ونظار آنها دیده نمیشود چندان تاریکی ندارد ویکو منهای روسی خواهد این حقیقت را بالفاظ خوش ظاهر مستور بدارند و بهراندازه که متفقین روس یعنی فرانسه وانگلیس تابع صنایع ومنافع روبه تنده ایهمه تعدیات ظالمانرا تاویل بسکوت واغماض بگذرانند بازهم مردم دنیا بدون هیچ تردیدی این مطالبرا تصدیق میکنند ـــ

روسیا با گذاردن حق وملاحیت داخل ایران شده « برای اصلاح » دید دید که روسیا درایران چعها کرده ! اینبار لطف اسلامی را بجه حال تباهم انداخته !! درایران چقدر خون ریخته اند ! درعهد مقدسه ایران چگونه بی اعتنائیها کرده ! وبرای اینکه این ملکت رادون هیچ گونه حق تصاحب کرده باشند چگونه این کشور وسیرا عملا مداخله که درتحت حمایت وتشویق یك پرسان زنده مالی تمام در تشریع این مطالب چندین جلد کتاب نوشته شده است حتی کتب ترایان است که اغلب این قبیل کتابها در انگلستان تالیف ووضع شده است هرین انگلیسها که امروز بازوس دست بدست همدیگر داده اند یك دوستی پیش نیست که درموضوع ایران بایك نظر حرمت آمیزی به روسیها نگاه میکردند آری اینك دولت ایران ازمعاشدات اخلاص کارانه دولت عثمانی که بحفظ استقلال حدود ازی بشکل ازادانهٔ نظر تازه ای دوبی بایران مبذول داشته ومناسبات کامل داشته ودارد استفاده کرده وازمطامع روس پروست نموده است .

الیوم وقتی که بیانات سازانوف روسی نظر میکنند ناچار روسیه را درچنان موقع خلافت قاری ملاحظه نموده تصور میکنند که عثمانیها دشمن ایران وروسیا پرستان ودوست گرامی ایرانیان میباشند فقط زمان که هرحقیقتی را بمرحلهٔ ظهور درآورده سیدی را ابیض مطلقاً تشخیص میدهد ـ این اقدامات مضحك ونظریات مصنوعی سازانوف را بخوبی تکذیب میکند ـــ

بلی اینك روس وانمود میشود ـ حقایق بطور خیلی واضح وبیان شده وازاین روشنتر هم چیزی نمیخواهد شد ـ

خبرهای مختلفه

مکتوبات غیب

ازجیب وبغل اکثر مکتوبان روس مکتوبان پیدا گردیده که درانها تلفات مدهش روسیادر میدانهای جنك تذکار وبعضا که روس توسیه شده است ـ برای هوای خیالی زار روس واتباع خودرا تکذیب میکنند .

گرانی ارزاق درروسیه

درروسیه گرانی ارزاق باندازه موجب تشویش شده کلیه مطبوعات روسیه درایموضوع بس شکوی میکنند ـ روزنامهٔ (نوه ورمیا) فوق العاده اظهار تلاش کرده میگوید ـ نرخ ارزاق وحوائج ضروریه بایك سرعت مدهشی روبترقی گذاشته واحتمال است در آتیه مان غیرقابل تحمل برسد .

تجاوز قزاقان روسی بمامور

فروین ۹ ـ دراین چند روزه دومرتبه قزاقهای روس درخیابان جلوخان هارا گرفته که بامور چند کسه اجتماع کرده جلوگیری میکنند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1264 of 1786

دیشب و امروز کسه خیابان ناکهارا بسه مکزیکی‌ها رفته عربدهٔ عظیم بادامی کرد این مسئله ضرر مالی نیست که توابع تحمل نمایم و بآسانی از اقدامات کمیسری نیجه ظاهر نشده است .

(منحنی تمدن یا اضراب)

چون پیرار قرار یک شیرینداری یک عدهٔ از سربازان انگلیس در بصره باضراب ملحق شده‌اند .

(آخرین خبرها)

ترجمهٔ اخبار های انگلیزی و غیره

نوت دشمن —

اندازه شده است که قریب بیست لک جرمن و استروی در کابنا موجود میباشند و ازین چهارلک و نیم هزار نفس بر کنار در پای بستر در جنگ مشغول هستند — وکل فوج حریف از ساحل بالتک الی بکو ورنا چهل لک نفس است روسیه از نیولا مسافت شش یا هفت میل دورتر گرفته اند .

بیانیهٔ روسیه از نیولا —

لندن ۲۴ ماه جون — ۱۱ شعبان — روسیه از نیولا به ترتیب وسر تاسر دست بسا کشت واهل آنرا هیچ مانع نیست در نیولا توقف نه

ایستردم — خبرسبی وآیا بیان میکند که نیولا را فوج دوجها خلع نموده است —

لندن ۲۳ ماه جون — ۱۰ شعبان —

ایستردم — خبرسبی رلی اطلاع میدهد که نیولا را انواع اسلحه وقت تسلیم گرفته — وروسیه ازعلاقه سان و کنار دریاوسیجولا گرفته میرود —

لندن ۲۲ ماه جون — ۹ شعبان —

از کوپن هیگ (واقع دنمارک) به ایستردم (واقع هالند) خبرسیده که جرمن هانظام لیبارا بسیار مستحکم کرده‌ی روند مدافعهای کلان بحری راهم بازار ها نهاده اند —

لندن ۲۲ ماه جون — ۹ شعبان

یک توپ جرمنی که از مسافت بسیار کلوله می‌اندازد ریکارد کرده بلژیکرا دروع کرده است — وازده کلومیتر اندازه کلوله بسیار خرابی کشته است

لندن ۲۲ ماه جون — ۹ شعبان —

ایزوار ۹۰ لحت جوان پنج کشتی اجوز حلیفان درخلیج سارموز رسیده واز آنجا ذخیره اجناس بطرف کیلی چوئی صدور ساخته اند —

(جرمنی)

۲۱ ماه جون خبر کلکته — گورنمنت هندوستان دراجوان تجارت های هندی بتجارات جهاز حکم فرستاده که بعد از تاریخ امروز برای دولت بلغاریه هیچقسم کالای تجاری فرستاده نشود و رای دولت عثمانیه وروسیه — اشیاء بکار آمد مصارف قوی که در آن آذوقه خوراک حیوانات و انسان وحیوان باشد ارسال گردیده نشود —

۲۵ ماه — عی خواندن — در بندرگاه تیوتس واقع ملک انگلستان که قریب لندن واقع بندر کاسبار کلان ومشهور است — یک کلوله از الک مذکور هوائی دولت جرمن در جهاز روسی آژدن نام دولت روسیه افتاد — جهاز مذکور — هزار دوصد و چهل تن مسافر تباه گردید جهاز مذکور شش هزار تن وزن داشت ودر سال گذشته بانجام رسیده بندرا تماشه نموده - چون در وقت ۹۱ نفر روز — ۲۷ — ماه مذکور در جهاز به مسئولهٔ مذکور افتاد — بجزء اشخاص — یک آواز بسیار مهیب برخواست وروی بحر را دود کلوله مذکور قال یک از بسیار تیره مسدود ساخت وبعداز پانزده دقیقه چون دود مذکور آهسته آهسته نابدید — نشانی از جهازات وغیری باقی نبود الیه تکه‌های جهازات گاز صدمه‌ام رسیده بودند بنظر می آمدند — آوازم مذکور — درمقام بیستم گاز بندرگاه مذکور ۲۲ میل دور است شنیده شده — ودرمقام بشتک بورن گاز بیای وقوعه — دمدمل فاصله دارد — ازصدمهٔ ام مذکور آینه های اکثر عمارات شکسته وسقف یک عمارت مسمار شده — ازاقدام ریتیم گاز شیراس ۴ میل فاصله دارد — عیک یک خیابا — برای شوهر خود — در تیراس بندرگاه تیل فون اطلاع — داده درموقت نبوده — که ان چه کیفیت است گاهگاه یکنوع آواز بسیار مهیب شنیده‌شد — ویک طفل عمدان یک زوج بوت ویک عدد کلاه — ویک پوند مسکه ازهوا درمحل باقی افتاد — ودر بندرگاه تیوتس ازین صدمه برای جهازات دیگر هم بسیار سخت نقصانات رسیده — در بندر بسیار خرابی حلاق و زخمی شده‌اند — گفته میشود — که متصدی جهازاتیکه دران وقت در بندر مذکور بودند هلاک شده — ازجهازخرابی کدر بندر — وجهازات بودند — یک نفر آنکار یک جهاز وسه نفر دیگر اشخاص تحت بانده باقی غرق وهلاک گردیدند —

۲۸ — مارچ — خبرلندن درانگلستان بتاخیر اطلاع سرکاری شایع شده که درموقت حملهٔ جهازات هوائی دشمن خیلی ضرر وزیان بعمارات خود را بسته کشته تا که بود زمی بلوگیس وزن عمارات دارود —

لندن ۲۶ ماه جون — ۱۳ شعبان —

یلوز گزت — وزیرجنگ روس استعفای خودرا داخل کرده است میگوید که استعفای وزیرجنگ روس وتکشت های کابینا دیلی است وقت سامان حزب بزرگ از اسباب استعفای او می باشد —

(یک نظریهٔ فلسفیه)

مقول از جریدهٔ فریدهٔ جرمن انگلیز

یکی از اساتیذ فلاسفه درموضوع این جنگ چنین پیشگوئی میکند بزرگترین صدمه ونقطه که اخلاق آسیائیان ازاین جنگ وارد آید آن است که پس ازخاتمهٔ این جنگ از روی فنون اجتماعیه ثابت خواهد گردید که ۲۵ ملیون عدد آن دارو برحمدان فروش خواهد یک وخواه مخواه دست طبیعت این جماعت نی موسی وصاحب وفیق را مانند میان بخارهٔ آسیا فرو خواهد برخت .

بعلیحدگی با فساد اخلاقی که فلاسفهٔ اروپا را از آزادی زنان ووسیع مصاشرت آنان بنظر آورده پس از ورود آن میدانان آخواهد سرعت رقی آسیارا فراخواهد گرفت وجلوگیری از آنهم بخاطرها مشکل است که میتواند بقوهٔ تحت دانست چه هیچ چیز نمیتواند شد عادی طبیعت را عاجز بیابد گفت زرگترین صدمه‌ا که ازاین جنگ بآسیا رسد همان وقتهٔ البته ورود میدانان آخواهد خوب است .

در چاپخانهٔ حلقهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

هر مقالهٔ‌ایکه مستخط نداره از طرف مدیر ومدیر محرر باک

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1265 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مجموعهٔ کارخانهٔ مطبعهٔ «مبارکه» عنایت، و عبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار محمد آکاری میباشد که کاغذ اعلا، و متون طبع دارد، با تصاویر بسیار دیدنی جلوه گر بازار عرفان گردیده است، اگرچه از تحت خط و خال عاری نیست ولی مصاعب و ابیات آن سراسر یکطرز جدید است، قیمت فوق پهای عادی و مسنونش قیمتی خیلی ارزان، یعنی علاوهٔ (۲) دو روپیهٔ کابلی در خود مطبعهٔ عنایت از کوچهٔ عبدالرزاق خان سرخ، و در بازار کوچهٔ از دکان باز محمد، و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان ملا محمد عرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هو سکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! این کرهٔ زمین رسیدهٔ کازار، مطبعهٔ عنایت، کدام را تبرین نمایید! «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که قوت قلم و صرفت وسعی و همت را برای اهالی زمانه بوضع دلچسپ بنظر گیرنده وجلوه گر میسازد، هم حکایت، هم عبرت هرقی، هم فضیلت! خوب چاپ، خوب کاغذ، خوب کلیشوش علاوه، قیمتش نظر بهای باقی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۹) شش روپیه فعل فروخت خاص مطبعهٔ عنایت در به اختیار، و دکان باز محمد در بازار ارگ، و دکان ملا محمد متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ، ، ، مجلد

کتاب سال سوم ، ، ، مجلد

حزب اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درس

توحید

این کتابهای فوق در اداره موجود است، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت پیرامون زمین بهفت روز مجلد	۲
سیاحت در سیر هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مجلد	۱
از هم دهن سخن و از هر چمن سخن مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دروازهٔ افغان از کوچهٔ عبدالرزاق سرخ، و از دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارگ و از دکان ملا محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتواند.

و اگر از اطراف افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مذکور را بکند باید در ایام الاخبار افغانیه اطلاع کند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1266 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

مطلب بی و گوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرا بایام نکل نشده‌اند با کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل یک علاوه نموده با کتابه مشترالیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بعهده مشترکین کرامیها رسانید در عهدهٔ حین خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنه خود را بیشتر وجه آوری میکنیم که بعد ازین اخبار هایشان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای ما بکتابه خود شان میرسد .

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی ششماهه هشت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
هرجائیکه باشد با اجرت پست	
قیمت سالیانه دو روپیه انگلیزی قیمت ششماهه اش یک روپیه انگلیزی	
سه ماهه اشتراک قبول نمیشود	
یک طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند	

یاد آوری

رعمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جابدیگر جاروندو یا بتدمیباید که پیلشر قدیمی را وسر محرر راخبر بدهند که من درفلان جا رفتم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وا دیگر هرقسم اعلان وانتشاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وجزء درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطرهای متون اخبارما (۳ — انچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً یکسال نشر کردن خواهد دوصد یک ساله را پیشکی ادا نمایدو ورق یعنی در هر سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1267 of 1786

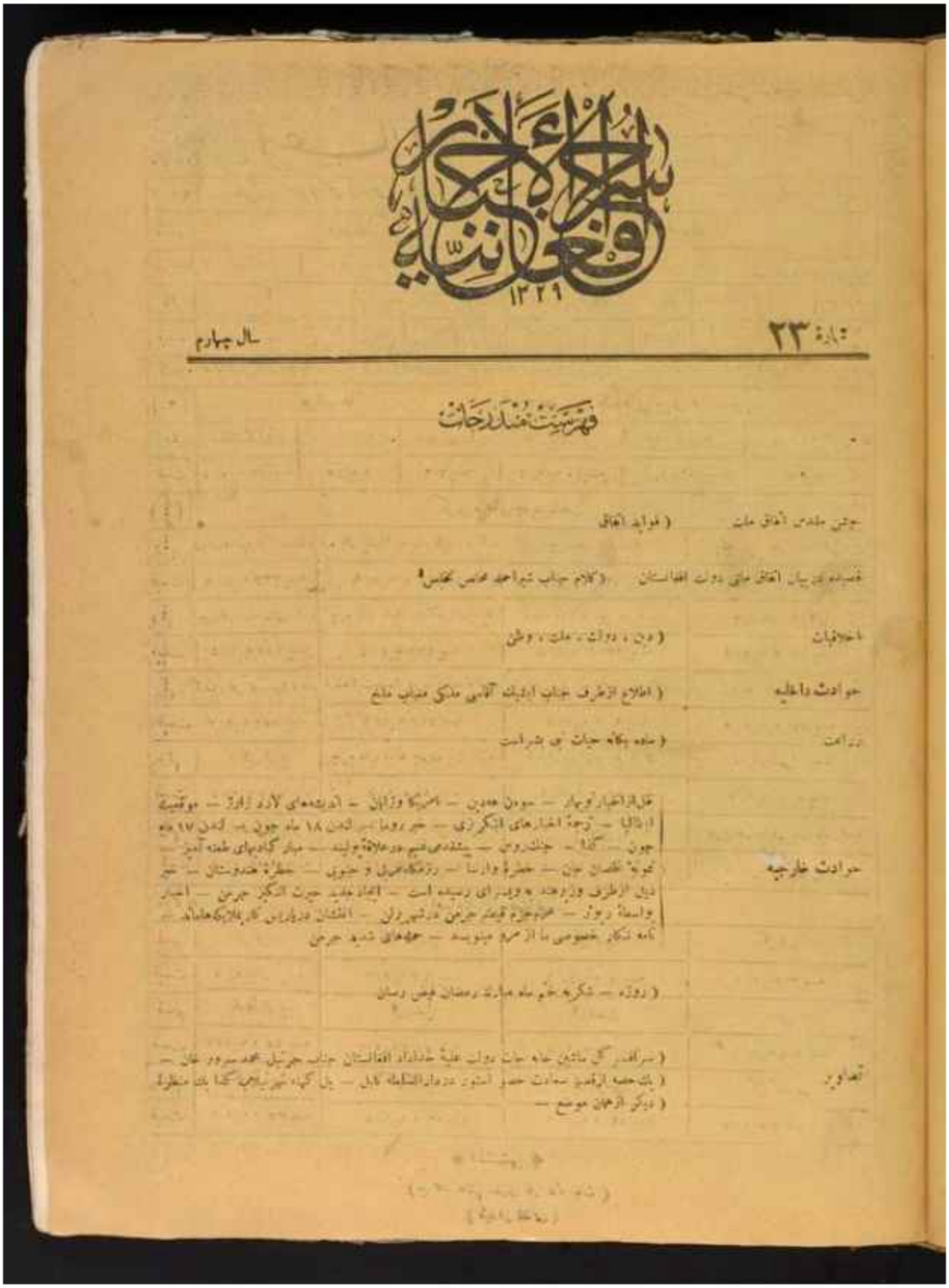

نمرهٔ ۲۳ سال چهارم

فهرست مندرجات

چرخ مقدس آفاق مات	(فواید آفاق
قصیده در بیان آفاق مای دولت افغانستان	(کلام جناب شیراحمد خلص)
داخلیات	(دین ، دولت ، ملت ، وطن
حوادث داخله	(اطلاع از طرف جناب ادبیات آقای ملکی مناب مایع
رزامت	(مایه بکاه حیات بی بشرامت
حوادث خارجیه	(اخبار تویار — سودن عدوین — امریکا وژاپن — آدرسهای لارد زارز — موقعیت ایطالیا — زوجهٔ اخبارهای انگلزی — خبر روما — لندن ۱۸ ماه جون — لندن ۱۷ ماه جون — گذا — جنگ روس — پیشقدمی عسکر دولت — میار گادیهای طعنه آمیز — نحوهٔ تطمان جن — خطرهٔ وارسا — رزمگاه غربی و جنوبی — خطرهٔ هندوستان — خبر ذیل از طرف وزارت به ویراس رسیده است — ایجاد جدید جیت انگلز جرمن — اخبار واسطهٔ روتر — عزم جزم قیصر جرمن در شهر رلن — افغان در پاریس کار بلانکهاماند — نامه نگار خصوصی ما از عرم مینویسد — جهادهای شدید جرمن
	(روزه — شکریه خوشحالی ماه مبارک رمضان فیض رسان
تصاویر	(سراعظم گل ماشین خانه جات دولت علیهٔ خداداد افغانستان جناب جنرال محمد سرور خان — (یک حصه از قصر سعادت حضر آستور در دارالسلطنه کابل — یل گهاه شیر بالای گذا یک منظره (دیگر از همان موضع —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1268 of 1786

اعلان

از صنایع پرورپای ذات ستوده صفات اعلیحضرت شهریاری خلدالله تعالی ظله العالیه وسعی وهمت جناب جلیل
کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه راههای حوائج دولتی و لشکری ساعد آلات حربیه دافعه و توپخانه های
دست کرشاخانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از اهل وطن استاده میتواند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون
حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان بازار ارک) میباشد.

(۱) سرخ های پشمینه، بالاپوش رنگهای مختلف که قیمت آن بالاقرار گرانکیزی ۳ نوع مشخص شده در سه دقعه جنس هر طرز فروش میرسد

اقسام	قسم اول				قسم دوم			
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده		
رقم	تا سال ساخته شده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت	۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۹ روپیه ۶۰ پیسه	۵ روپیه ۴۵ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۴ روپیه ۲۵ پیسه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۷ روپیه ۴۰ پیسه	۹ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکیزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیسه | کشمیره دهدار هر رقم هر روپیه بیست پیسه

(۲) جراب ها ﴿۳﴾ تکمه‌های چرمی جراب ومنیره دار

رقم	تکمه‌تنگ زوج	داهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرخی	میانه قدرخی	خورد قدرخی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴) کمره های جدید ساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو کمره سه کمره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار کمرهٔ نعلی
قیمت	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاه یک اسپه	دست دولاهٔ یک چار اسپه	چرم باف عرکاپی
قیمت	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قبضه کلیت نقره‌دار چرم باف توپخانه	قبضه کلیت نقره‌دار سواری ساده کلیت	زه باف دو کمرهٔ رکابی
قیمت	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	چرم باف میانه چوب پت زناه	الزین سواری تیغ چرمی	زناه ابریشمی میانه
قیمت	۵ روپیه و ۸۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌بلندی تیغ چرمی	دستهٔ دولاه ساده رکابی کلیت نقره	الزین سواری دولاه تیغ چرمی کمک دار	چرم باف ماین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۹۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام کلاهای مصنوعی سر

قسم	گل جرمن	گل لکزمان	گل پرنیه	گل شو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۹ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۸ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندنی
قیمت	۸ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿المشتهر﴾

(میر محمد هاشم دفتری کارخانه جات)
(کپتان قلاعی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1269 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۲۳)

قیمت سالیانه

در دار السلطنة کابل ۴ روپیه کابلی

در اطراف داخله مملکت

با خراجات داک ۱۰ روپیه کابلی

در خارج مملکت

با خراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی

هر دو هفته روز یکشنبه نشر میشود

قیمت یک نسخه آن در کابل یک پیسه است

(اوراق گمرسیده مسترد داده نمیشود)

مدیر و مسئول محترم

محمود طرزی

ادارهٔ مجله و مطبعه

در ساختمان دار السلطنة کابل

هر اموریکه تحریر به اداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

۱۳۲۹

تاریخ ۱۵ رمضان ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲۸ جولای تاریخ شمسی ۵ اسد ۱۲۹۴

جشن مقدس اتفاق ملت

(فواید اتفاق)

اتفاق چیست ؟ اتفاق یک حس حسن طریق است که ذات حضرت خلاق حکیم دانای قدیر توانا جل وعلا برای ترتیب وانتظام عالم وآسایش ورفاهیت بنی آدم آنرا خلق وایجاد فرموده در قلوب عبودیت جلوب بندگان خود تودیع وتودیع نموده ، تا بدریعهٔ آن از راحت ، امنیت ، غذائی ، سعادت استفاده توانند وتوسط آن بدروه های رفیع وقلل بلیغ کوه بارفعت وشکوه ترقی وکمال رسیده ازانجا مناظر لطیفهٔ آرامی وسیعهٔ صنعت حرفت زراعت ، تجارت ، مدنیت وغیرهم را بکمال تزیر نظر وقت خود شان بگذرانند . اتفاق یک آلهٔ فعالیست که یک امهٔ جرگ دادن آن ، معدنها ، رکنها ، کانیها ، مظهریتها ، ترقیها وهم الذکر از شان دادن صورتهای خوب واشکال وقیافهای مرغوب خود شان بیش ازحد محظوظ ومسرور میسازند . اتفاق یکقوه بزرگ آسانی است که هیچ یکقوتی در مقابلی آن ایستاده نمیتواند وهیچ قوتیکه بزوری عیاریده شده ومیدود بدفعات ازین قوت بدیع شکستها وهزیمتها برداشته بالآخر مجبور بزوری آن خود را تسلیم واعتراف سطوت آن خواهد دید . اتفاق یک عجبهٔ آفرینیست که همهٔ وسیلهای پرقوت وخلقت از کلب دادن و برتافتن آن عاجزند . اتفاق یک فعل بسیار امنیست که هرکلید در کشودن آن کامیاب نیامده خود را قاصر یافته است . اتفاق یک کوه بلند بانگیست که هیچ قدرتی بر احاطه ودرگرفتن آوردن قله های آن موفق نگردیده ، اتفاق یک عسکر پرملاح بسیار شدیدیست که همهٔ جانوران از هیبت خود بلرزه درآورده وهریکه قصد کشادنه قلعه وقصرت یک آن اولاد آدم را استقبال وپذیرائی کرده است ، اتفاق یک قلعهٔ جنگی رصینیست که قوت هذه ترین سلاح هم حصار سخت پست آنرا ضرری رسانیده نتوانسته ، اتفاق یک حصن حصینیست که هرگاه آنرا دوزیر محاصره کرده پرداشتی خسارات وتلفات عظیمی ازفتح آن مأیوس شده ، عقب گشته است . اتفاق یک آلهٔ مدافعهٔ بسیار مهلک وهیبتناکی است که بازار توپهای زرگ ۱۷ انچی وزرپاش های عظیم رفوت و بعضت تاثیر است اتفاق یک سدیدیست که هیچ یکسیلاب بلندی آنرا آفت وتلصان رسانیده نتوانسته وخود را پیک کنار کشیده بانبور وشر رستاخیز خود از پهلوی آن جریان و سیلان نموده است . اتفاق یک حرارت بسیار شدیدی است که ازدور وجود وبین شان را باجوشش شان از شدت گرمی خود آب میسازد . مختصراً اتفاق چنان یک ماشین بدیع صنعتی است که بعد ازانکه درکارخانهٔ قدرت الهی جوشها خورده بخته شده است پیدان شهود وظهور جلوه این یک را بثبات رسانیده که یکچنان قوت غیرمعقولی را مالک وحاوی است که اگر بر چرخ زندگانی احتیاجات ولوازم انسانی متوجه شود آنرا به دور وحرکت می آورد وهرهیچ قوتی به غایات واجراآت مهمهٔ آن دافع وماتع شده نمیتواند .

اگر اتفاق نبود تمام عالم امروز یک فلا کت عمومی مرد و زار عبارم ، انسانها از همدیگر شان متنفر ، کرهٔ ارض را فشار عمران وآبادی مرادر خلق ، طاق شریدرا ازاریاس وپوشاک عاری میدیدم ، قوت تجزیه را معدوم ، زبان را ازانطق محروم ، وجدانرا مانند کلهٔ موهوم تلقی میکردیم ، خونسارا وحشی ، رحمه ، گرسنه ، ترسناه مراسیمه ، آواره وجمیع صفات وحشت وحیوانیت متصف میدانیم ، خوراک خود مارا از تکلم گوشت عام حیوانات وپوشاک خود مارا ازپر گیاهای درختان عبارت میگردیم وبانک برای لباس وستر هیچ لزوم هم نمیدیدم ، روزهارا درجنگلها وشبهارا درمغارها و کوهارها بسری آوردیم ، در تمام عالم عارفرا آدمی وعارفی سیری ، عارفرا شجر برپاروی وله از درخت ماه وثریا بنظر دیی نمیبود ، افکار کجارت کلی له ازصنعت اتفاق ، ماذا یاده وکلا کر عاجزه از زراعت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1270 of 1786

گردهٔ ثانی پیدان میرامد . قوانین وانتظامات امروزی عالم انسانیت را مرهون مجهود واداری زمین یکلی طی ومعدود چند دانوه میباشد . واز همین لاکن حقیقتاً احوال انسان ضعیف ناتوان ودوصدت این جرم خاکی پی میبرد که زمان گذشته دارای موجودات بزرگ مجسمه بوده . عقاب . خوف . وحشت تحت . دهشت . . چیزهائیکه روز بروز کسب قوت وملکات نموده را بانواع علومیها وزورآزمائیها مانند انعام وبهایم . مسلم روح وعقل غیر مجهول میباشد . مگر چون خالق عظیم الشان وقادر سبحان ازاول وروز اولیکه اسباب راخلق نموده وبدانها اخلاق را بیاموزد وآزادی نوع انسان را مانع شده بحکومت فرمود باحکومت این سلاح ازدستبرد وستم هر گونه مصائب وآفات ملاحظه از جور وجفای وحوش وسباع نجات یابد .

سعیف آن اقوام بیدار را که اگر چه ما کنین داشته باشند وله پیدا نکنند باشند وله سلاح ومعاونی را مالک باشند وعلاوه بران حکومت شان هم سلب شده باشد ودرزیر استبداد واقیادمل غیر باشند . شرف ملیت . وحقوق قومیتشان برابر بیاد گذشته ازدست نمیروطز حکومت غیرین وملت شان یکلی مجذوب ومضمحل گردیده باشند بالبیعه اگر یکبار اختلافات جزئی ومذهبی خود شانرا رفع کنند وخودشانرا فریاد کوطن وملت پیدانمایند حتماً بگویند ! آیا که گفته میتواند کهبود گذشته اوقات حکومت خودشانرا واپس دست آورده نمیتوانند ! وبآزادی معنوی را مالک نگردند ! وبواسطهٔ مدارت وقیادت ملت غیر را از گردن خودها جدا نکنند ؟

مور چگان گریکنند اتفاق شیر ژیان را بدرانند چست

وقتی که ازیک ملت اسیر انچنین کارهارالسان بزرگ اتفاق عمل یاد این چون افراد یک ملت بالطرف وآمون درجمهور وجمهوریت مانند قوم جلیل وملت نبیل افغان که از آثار وسالنهای دراز متصل غیرت . همت شجاعت خود شانرا برتمام دنیا بارها به آثبات رسانیده باشند . وجمیع اقوام وملل عالم بتکرار . تهور . دلیری قوت . طاقت شانرا اعتراف وتسلیم نموده باشند . وکمال اخلاص وصداقت در خدمت دین . وحمایهٔ وطن . وحیز ملت . ومحبت پادشاه از شعار وخصایل ذاتی طبیعی شان باشد . وازتحمل حیات وآزادی خودرا به حیات وبقای دین . دولت وطن . ملت خودها موقوف ومنوط دانسته . یکی بکبار بامجموعیکر دست محبت ووداد داده بحبل المتین اتفاق وانحاد مضبوط ومربوط گردیده . وهمه افتراس تعالی را بزوال ساخته رای ترقی وخیر اندیشی دولت وملت بهمدیگر خودمعاونت نمایند . درآنصورت فرصت خواهیم دید . که ترقی . تعالی . تهذیب . تمدن . علو . فنی . صنعت . تجارت سعادت . آسایش . امنیت . همه را مالک شوند . واز جمیع آثار حلاوت بار انتشار باغ فرحت مراغ در زمین مسرت آ گین اتفاق شیرین کام گردیده بهرطرفیکه رخ غایته ازغیرت ملی وحمیت دینی بلمع مظفر . غالب . منصور قدم برفرق دشمن نهند ودر تمام دنیا درعرصهٔ وسیعهٔ عز وهنر ازهمه کان سبقت برده پیشتر ازهمه وخود شانرا صفحات تاریخ ترقی ورفعت رسانیده وبنقطهٔ اوج کمال لاحق گردیده رهگذران طایق گردند . وهمهٔ بانرا ازچنین ترقی سریع السیر فوق العادهٔ خودشان دورطهٔ تعجب وحیرت انداز ند . میدانید ؟ که کدام چیز در دنیا حکومت کرده است امروز وقوت ! کدام چیزیکه وحصول اتفاق واتحاد ست . زیرا بهر آن کوچکی را میدیم که برتر ک همین اتفاق ومؤدت روی بآن عظمت وبزرگی آورده . مثلا هرمی پیم کهدرآن قوت همین سلاح رمضان بوده حریف دهشت زده خودشده وحسرت بقه است وتا کنون بکوچیز زمین آرامی کمالک آنرا هیچوکدام ازحصباش تعرف نموده است . وبلکه برخلاف آنقدمان بزرگ علاقه‌های غیر خودرا بسان بوده درحکومت وقلمرو خود شامل واضافه گردانیده وهنوزهم که انکار کرده میتواند که تاهمین پیمانه کامیاب شده ! وارادهٔ خودش را حسب آرزوانکام و . انجام دیده . وچرا اینها یک چند مثالی خود که برای آثبات وتصدیق دعوای خویش پیش آورده ازتحت اندیشهٔ وطن خود را ازهواجم اتفاق آگاه کرده باشد واز نتایج عظیمهٔ آن در حضور اذهان زاداوری وند کار نا ثم

آنروز چقدر فیروز سعادت اندوزی است کهملت رحیمت ده کرور خوی بادموش شجاعدلیر غیور اسلامیت فضایه پیلک توانا هم دست گردیده بهمدیگر خودهای اتحادداده وبسوی اتفاق ومؤاخات یکدیگر خود شتافته اصلا ودعوت نمودهاراطی خودها یکدیگر را باشاد وامیر خود باخلوص و تسلیم بوده وهزاراحکام الهی و حدود شرعی اطاعت و فرمان اورا بوجود لازم دانست درزیر سایه یک علم اسلامی درآمده ودرای خودشان بانقطعهٔ وسیعتر میهن را که ازسا کنین وزراعتی وبه آن مدعون گشته و میکوشند وطن مقدس گفته حفاظت وحراست آنرا برخویش ازفرایض دینی قرارداده درمدافعهٔ آن باجمیع قوای حالت استوای خود بکمال شدت غیرت وحسارت قطری شان پی واقدام را زیدهٔ خودها لازم گرفته . ودر مقابل همهٔ اعمال آزادی واستقلال خودشانرا به آوازیکه درداده درصفحهٔ اوراق تاریخ بیست اقوام دنیای حیات وظایف دنیا یام خودرا درج وداخل نموده . وساکنین ملی خود شانرا هدایات رسانیدند . این اینروز مسرت افروز را که درآن جهة افغانان بلیغ زنده‌گانی واتفاق مربوط گشته‌اند عیدروز افغانی و نوروز نخستین بهار ملی باید گفت و چون بقریب این عید فرحت مآثر درهیچ ملت نجیب افغانستان صاحب لاسرور وشادمانی ومسرت وفرحناکی مشاهده میشود ازاوراق هیئه درنگار این روز میمن روز ازجمله طان ده شب دور وزمیاسر یک جشن فرحت بخش عمومی ازطرف تمام ملت اجرا میشود ودوایر رسمی وغیر رسمی وبازار های جمیع ممالک محروسهٔ السلطنهٔ افغانستان صاحب الاقبال عن الاقبال الدوران باکمال زینتها و چراغها آراسته و پیراسته میشوند چنانچه درین سال فرخنده فال جشن اتفاق ملت باز باهمهٔ فرحت و مسرت عز نزول سایهٔ مراحم آیهٔ پادشاه مقدس محبوب القلوب ملت نجیب افغان اعلیحضرت (ید الله والدین امیرحبیب الله خان) ادامالله دولته‌الی اخر الدوران بکمالشوکه اجرائیافت . اینست که تفصیل آنرا ازقرارذیل بیان میکنیم .

(مجلس دربار معالی بار جشن اتفاق ملت)

روز یکشنبه ۲۱ ماه شعبان مطابق ۱۲ سرطان وقت ۶ بجهٔ صبح اکثر کسی از غایهٔ خود برخاسته سلام دایرهٔ فاخرهٔ ارگ مبارک یک ساعت اجرا میشود درزمانیکه ، آفتاب فرحت بشاط فرخنده‌گی آرا کهموماً بهرطرف حکمفرما بودمن وحیث مشاهده میشود وبیرازیک آوازهای مسرت بخشای دیگری که عبارت ازجوق جوق آمدن خبری مدعوین واعیان دربار است کهدرورود پیشتر بوجب رفعتها وشان های خبری دربار جشن ازطرف اعلیحضرت آقایان ملکی ولطایف اخبار گردیده بسوی سلامخانه عزیمت دارند خط واستفاده میشود است . بساعت ۸ ازبار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1271 of 1786

مناصب ملکی و عسکری و علمای عظام و خوانین عظام و بلدیهای سفید ریش و ملاکین و کلانتران و صنف گران و غیره متفرقه بلدیهای معمول خودشان در پیشروی سلاحانه بموقع وقراهم آمده بودند بساعت ۸ و چون اکثر نفری حاضر شدند دروازهٔ عادل سلاحانه گشاده شده همه نفری درباز حضور را بداخل شدن و رسیها و چوگ های مناسب خودشان بهمین امر واجازه دادیدند . دروازهٔ سمت شمال سلاحانه مردم متفرقه مانند مرا ها و کاربکر های باشیخانه وغیره نداشته بودند . دور پیشروی آنها خارج از زنده سایهانها و تخت های گذارده شده زمین آن بالاپوش ها و شطرنجی های اعلا فرش گردیده بود برای نشیمنها . و ملاکین ، و کلانتران وغیره مردم تخصیص داشت . عما گر خلرساگر بزودی هریک طرف صف دستهٔ شوک بودند منظرهٔ داخل بالاخان زرنگ سلاحانه بانواع گلها وگلدانهای که درمیز باخوری حضور چیده شده بودند رونق وزینت داده بود . ازسقف گلدار زرین کار آهنین بالاخان پر کاهای خوش رنگ بسیار اعلی . مانند گلدانهای قدیمی طرفین آویخته شده بودند . گلدانها چون بابیمه ترجمات و تعریفات خوشها عطف نظر می نمود بی اختیار شرفهای یک دیدار لمحه نظر را بر قلب و حواس خود یک مراق شدیدی حس می نمود یعنی همهٔ اهل دربار یک هیجان فوق العادهٔ تشریف آوری موکب سعادت موهب اعلیحضرت پادشاهی را در پیشان انتظار داشتند . که بساعت ۹۰ همه نفری حاضرین را در چون سلاحانه بانتظار هاچون واردای سلام امیدند . هرکس بکمال سرعت متتالانه به چون رامده همه‌گان در پهلوی سرای محیط قامه‌ارت مبارکه در عقب عمارت بالاخان ورفعت سلاحانه متصلا صف بستهٔ احترام گردیده به ساعت ۹۰ و ۳ دقیقه ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراجالملة والدین پسواری عرابهٔ موتر ازپهلیان تشریف آورده موزیکهٔ عسکری سلامی شاهانه را شروع نموده از طرف عموم مراسم سلام ذات شاهانه ادا واجرا گردیده از طرف قرین الشرف هاچون هم بدرآن دراقرار گردیدند پادشاه‌ی موقف موتر اشارت فرموده بعد ازانکه همه‌حاضرین را باحوال پرسی تایل ومنتظر ساخته ازبالای موتر عموم را مخاطب فرموده بدینطریق ابتدا بکلام مبارک ورزیدند .

«من ازدرگاه الهی رقی وقوت اسلام را علی العموم وازملت ودولت خودم افغانستان را علی الخصوص می‌خواهم . این جشن جشن مقدس اتفاق ملت است که جشن آزادی واستقلال ملت است هرکس دران آزاد است . من اصلاح ملت خودرا ازخداوند عظیم الشان آرزو ورجا دارم ومن محل هرکس را بحودش میدهم اگر کسی که عمل خیر و نیک کند . درپیش خدای خود ذخیره وصئون خواهد بود . و کسیکه بدمیکند من ازخدا اصلاح اورا خواستهام کاورا هدایت فرماید . باقی سلامتی همهٔ شمارا خواهانم » !

درنخا از هرطرف این حمیت زرنگ که ازنه چار هزار نفرتشکیل داشت آواز های دعا وصداهای « زنده‌باد شاه ما » برآمد . باز ذات اعلیحضرت پادشاهی ابتداء کلام نموده ازشدت مرض وی مبارک شان مختصل رانده وخواص مرض خودرا قرار معلومات قبلی اجرا فرمودند . ویا آخر حاضرین را از تخفیف مرض خود شان خبر داده دلهای همدرا تسکین وتسلین نموده همه‌گان دعای صحت وعوده مراجعت آمود شاهانه را خواستگار گردیدند . و اخیراً مخاطب فرموده گفتند . « که چون ۵ مرض کاویش یک آزی باقیست لهذا با لذات از اتفاق پرادم در باز معذورم و انطرف نمیرا هر صبح دیدم و بالا عودت میکنم » و اهالی دربار سلام آخرین را نیز ادا نموده به ساعت ۱۱ موتره حرکت اتفاق . وهرکس دوباره بداخل سلاحانه عودت نموده به جای خود نشسته پس از دقیقه ۱۰ ، ۱۵ دقیقه ذات فخامت پناهی کاپیتانه صاحب اعظم داخل دربار گردیده از طرف عموم تعظیم واحترام شان بجا آورده شد . بساعت ۱۱ و ۳ دقیقه تودن شروع وحاضر کردن طعام امرداده شد که یکساعت درتقسیم تودن دستارهای شیرین وجای خوردن صرف گردید به ساعت یونیم طعام واحاده شد . درانثنای خوردن طعام ومیوه وغیر اینشک آقایی ملک صفدر . هاچوی قرار یافتن که درانتظام وترتیب تودن نظری دارد کاهی بدرجه وخارج سلاحانه وگاهی داخل سلاحانه آمده ونظیدربار نظارت می نمودند . بساعت یک ازطعام فراغت حاصل شده به ساعت ۲ دربار معذابر جشن اختتام یافت .

۵ شب چراغان وشیرآتش ۵

خبر چراغان شهر و بازارها برای شب جمعه وشنبه یک روز پیشتر از طرف مأمورین صفائی به عموم دکانداران وغیره اهالی که ابلاغ واخبار گردید . رو بخشنبه درجهٔ اطراف شهر مینو بهر میز ما ودرجوه افراد اهالی خصوص دراطفال خورد بیک فرحت وخوشحالی فوق العادة مشاهده میشد . هرکان به انواع پرده‌های زرین وسلمه های زرنگ زرنگ تصاویر آراسته شده بود . یکان یکان تصور جلب حالاتی هم بنظر می‌مورد که مولیالناس بکمال حیرت به آن عطف نظر داشته یکان تصاویر مشاهیر اوروپا را که مزین میدید آرا عکس پادشاه جرمن گفته هرکس بالطرف بکمال شوق ورغبت متوجه بیشته ودرپیشروی عکس ایستاده دلها میدادند . ازین شوق ورغبت اهالی بخوبی معلوم میشد که چنگ درانها هم بسیار تاثیر وسرایت نموده است و هرکس ازان خبر گشته باآن یکدلچسپی حاصل نموده است .

ذات شاهانه درهردوشب سواری موتر تمام بازارهارا دوره کرده و درهریک از لطف واحسان و کرم وسخای شاهانه دست باز داشته واکثر دکاندار های را که دکانهای خود شانرا به چراغها وشمع های بسیار آراسته می‌بودند مثل مثل طلاوجواهر مرحمت وبخشش فرموده ذات عالی شهزادهٔ معظم حضرت معین السلطنه صاحب اعظم نیز در شب اول سواری موتر خصوصی خود شان بازدات شاهانه معیت وهمراهی داشتند . به شب دوم جمع شهزادگان عظام وغیره‌گری از اکابر و مأمورین زرنگ دولت درسمتی دکانهای بازار ازرنگ تجریداری یعنی اشیا واسباب جدید وعجیب وغریب مشغول بودند وبدانصورت رای گری گذار ازین دادوستد واخذ وعطا یک واردات درنی بست آمده مع رداشتن روز شنبه چراغان وشیرآتش وغیره مراسم وتمکام جشن مقدس اتفاق ملت به حسن انتظام وحیویت تمام به اتمام رسید .

(عبدالرحمن محرر اداره)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1272 of 1786

قصیده در جشن اتفاق ملی دولت افغانستان

ساقیا در سر خمار داده ام از مدتی است
تلخی دی دستان خوف رنجو ملت است
خیز یک ساغر بده کز سر خمارم وا برد
زانکه وقت نوبهار است و زمان عشرت است
عیش از امروز و امشب کز پی عیش و طرب
شش جهت کنز دهر فرش ابسط و فرحت است
از عنایات شهنشاهی بدار السلطنت
بلکه در هر شهر جشن اتفاق ملت است
جمله اهل دولت اسلام را این روز و شب
همچو عید فطر و قربان فریضه باحرمت است
پیروان دین احمد در چنین روز سعید
یکجهت گردیده باهم از لسب پرهیزت است
گر شیش را قدره روزی عید گویم می سزد
کاین شبه روز از نشانهای صنع قدرت است
از کمال لطف سبحانی و فیض دین حق
این شبه این روز را بس احتفابو منت است
آن سراج ملت و دین پادشاه مسلمین
کز خدا او را عطا آیو تکین و دولت است
بر سریر سلطنت بنشسته با عز و وقار
مرخدا را شکر پرداز عطای نعمت است
سایر ارکان و اعیان و غلامان و خدم
در حضورش ایستاده از برای خدمت است
خوش بساط عیش و اسباب طرب آورده اند
عالمی را در صفا و دل فشان عشرت است
باغ شاهی رونق ترتیب یکسر یافته
در جهان امروز این گلشن نظیر جنت است
روضه‌ی اوست چون فطعات کز ارم بهشت
دوحه‌هایش از چو رضوان مالک فطرت است
طایران خوش نوای سیر باد اندر صنع
برفراز شاخها هریک بذکر وحدت است
شاه با بام داده اهل ملت خویش را
کاین شب ذکر تعظیم است و رفع کلفت است
افسران ملکی و سر کرده کان فوج را
در سرو برجامه‌های فاخر است و شوکت است
بر فراز مسند شاهی بزیر خسروی
هریکی بر کرسی بنشسته باهوش زیرک است

خسرو از فرط نوازش با گروه چاکران
در مقام پرسش و آمرزش و هم الفت است
میوه های تازه و تر هم زنقل و حلو یات
درمیان طلعت هاتازه باسه لذت است
هم زما کولات و مشر وبات گوناگون بسی
خوانچه هامنتخبون زانی مردمان بزعت است
هرکه زهرسوان نشسته بازهر چیزی خورد
اجتماعی نیست کس را از حضورش رخصت است
جایدار ان کاسه های نقره را همچون شراب
گرش خوش داده گردی جان و دل را راحت است
محفل عیش و طرب گرم است در هر جانبی
حمد ملة طبع خسرو را کمال فرحت است
عشت و فرحت قرین سال او همیوا زه باد
کز عنایت های او اسلام را بس رفعت است
کوکبا از نورامشب کرده روشن گنبدها
گویا از نورامشب کرده روشن گنبدها
بسکه مشك وعنبر و عطر و عرم افشانده اند
وار سیده در فضای عالمی این نکهت است
شمع های رنگ و کاغذ ری از لاله و نرگس
گردخور نورشان خورشید و مهراحیرت است
درمیان ارك و باغ شاه زو شن کرده اند
نورمه ازبر توان نورهما در حیرت است
بر فراز نخلها فانوس ها آویخته
هریکی در روشنی نور الهی طلعت است
نیز در بیرون ارك و باغ شاهی همچنین
شمعها افروخته در چار رکن دولت است
باغ و راغ و کوچه بازار کابل هر طرف
پرچراغان گشته مشعلها بسی در کثرت است
در میان رسته بازار ها درهر مکان
چون نگاهی میکنه یك گلشنی پرزینت است
هر دکان داری پی آرایش دکان خویش
جامه‌ها و زیوری آورده کافزون قیمت است
شهر کابل گشته امشب عبرت از یك چین
بسکه انوار زینت و نقش و نگارو زهر است
یارب این فرخنده دولت را بذات شهریار
استدامت ده که این سلطان عالیجاه خصلت است
عشرت دارین اورا کی عطا یاهر یزی
کز وجود اجدادش خوش روحی درطینت است
درشب دو شنبه از مه سرطان سپوده
اشتهای روز یکشنبه طریق عشرت است
سال هجری یکهزار و سیصدو سیزده است
زانه کاین جشن ترتیب نکو درمدت است
کرده شیخ احمد رفیق این اعظم پور یاد کار
تحفه اورا در حضور یاد اعلیحضرت است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1273 of 1786

سراسر کل ، تزیینات دولتی داده ، اعلیحضرت پادشاهی گردیده ، تقدیم نمایند

﴿ دین ، دولت ، ملت ، وطن ﴾

(حقوق متقابله)

[اینها]

■ یکقدری از حقوق متقابله این حد سان بحث و بیان واقعی و لازم است ، نامحدود شود که حق یك مقدس ران مقدس دیگر چیست؟

ازین جارگاه مقدسه ، کلمات اول و آخر آن یعنی (دین) ، و(وطن) حق دار ، و صاحب حق هستند . اما (دولت) ، و (ملت) چنانچه یکی دیگر خود شان به ادای حق همدیگر مجبور ومکلف میباشند ، همچنان هردوی شان در نگاهداشتن حقوق دین ووطن نیز در زیر تکلیف شمرده میشوند .

اولا از حقوق متقابله دولت وملت باید بحث براییم که این بحث خیلی مهم ، وبسیار نازك است . وبیان آن براظهار حقیقت ، وعدم کتمان و آشکارا کردن هرچیز موقوف است . بااینهمه حرری که میخواهد این مسئله مهمه بحث را فاقد میباید که یك معلومات وهرقدر فوق العادة واسعی و

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1274 of 1786

مالک باشد ، وقتی که میخواهد ازین شکنجهٔ سرسخت چیزی بنگارد ، میبیند که یک میدان فراخ برای سیلاب آزادی را صاحب باشد تا جولان شعلهٔ جواله آسانی خود را بمباهات گرد آسمان آنقدر این عرض و طول را معلومات و عریضهای اشکارست ، وقه فرانک بالیکنگی را تون جولان پیچیدارست ، لاجرم از بعضی بیانات ساده و بسیط دیپی و تکرار این مسئلهٔ مهمه چیزی جزی میکنیم ، تا درترتیب موضوع بحث ما بی انتظامی نیاید .

بادوات بی ملت ، یا ملت بی دولت را تجهیز نشده دانسته میتوانیم و بارها گفته ام و بازهم میگویم ، که ملت بی دولت بیات کند ابتهای فرد و خوابی چندین میباشد که افتخار ، و بجارهای شاد گذارده روحانیها الزسرشان کشیده شده ، و دریک ساحهٔ محدودی کهوجبارو وار زیبا جهت احاطه باشد ، و اسلام کون و مکان گیری همیکر آمده باشد ؛ پایه رسمه های کوسفند بی چوبان ، پایه غراب موتر ، الجن ریل حالا بدون موتر ران و دایبت میرساند آیا دولت بی ملت چه خواهد بود ؟ هیچ ! بلی ، یک هیچ و عدم مطلق ! دولت چه وجود ملت و دولت را کرده میتواند ، و کرده یک باشنده و یک چند نفر و زیر و وکیل در یک دشت بی آدم چه نام خواهیم داد این مفهوم بیوده که دولت و ملت یک وجودیست که سر آن دولت ، و بدن آن ملت است ، چنانچه تن بی سر زنده نمیشود ، همچنان سر بی تن یعنی حاکم را در رویکره بدون تحت سر و بدن درمیان آمد لازم شد که حقوق متقابلهٔ دولت و ملت را یاد از قاعدهٔ اطرفین (متقابل الاعضا) بدرازی بحث بیاریم ؛

معلوم است که همه اجرای حرکات اعضای بدن کار دماغ ـ یعنی سر ـ است زیرا دماغ موضع عقل و حواس میباشد ، عقل باشنده ، وحواس ، هیئت قوهٔ ماکله است که کار تمام اعضای بدن ازانهٔ حکمرانی راداجرا میکند ، عقل تمیز ، تصور ، تخیل ، تفکر ، تعاکه ، بیدن ، شنیدن ، چشیدن ، بالمس ، اگر نباشد اعضای بدن حرکت کرده نمیتواند ، واگر حرکت بتواند آن حرکت هیچ حرکت غیر اختیاری یی لکطمانه مهلک خواهد بود ، این است که حق دولت برملت بقابلهٔ حق دماغ است برقاعدهٔ بدن :

ملت چشم ! دربدن پی ، دست ، پنجه ، شانه ، گردن ، کمر معده ، جگر ، قلب وغیره اعضای مهمهٔ موجود است که هریک ازانها وظایف حقوق حیات را بعهده گرفته ، دست ، پی ، پنجه ، شانه گرز ، سعی و کوشش زراعتی ، تجارتی ، صناعی ، عسکری ملت است کهمواد غذائیه ومالیه ومعدنیه ذخیره وغیره وتاسیس راداره واحصار میکنند ، معده استهلاکات تغذیه را اجرا کرده ، مادهٔ مایه اخلاط خون را حاصل ، وکبدخانه وصرفخانه واداره غدد های جگر ها و گردها وزهیه وغیره آنهارا تصفیه وتزیه ، ودیگر اعضای تغذیه کاررده زرمهای خون را در حرکهٔ دورهٔ قلب جمع توری میکند ، که ازانجاواسطهٔ مأمور های اجرائات شرائین ووریدها درتمام بدن ساری و جاری داشته واعصاب واعضا را حیات وقوت تجدیده بحضرت دماغ عرض وتقدیم میباید ، این است که حق ملت بردولت بقابلهٔ حق اعضای بدست دماغ !

(یک حصهٔ ازقصر سعادت مصر استور مبارک)
(در دارالسلطنهٔ کابل)

ابتدائی راهم باید دانست که حقوق متقابلهٔ دولت وملت چنان باهم رشته وبافته است که اگر یکی ازادعاهای حق خود قصور و تکاسل ورزد در حیا آوردن حق آن دیگر ازو قصور و نقصان وارد میشود ، مثلاً اگر دولت در وضع قوانین متین ، ونظامات مفید دخل قایل ، واجرا آت عدالت و آسایش تمالیک ، و معبودیت ، و صحت ، و راحت عمومی ، وتعمیر معارف عمومی ، وانتظام عسکری ، واقتدارسالیه کوشش ، وترویج صناعت ، وافزون تجارت وغیره غیره کوتاهی وسهل انگاری کند ، ازهوایه ومعنی که از ملت حاصل شدن بانتظامیتواند نکند ، درانحال ، دولت بحقوق متقابل وطبیعی مشابهی حرکات اعضای بدن نیز کاهلان قسمیکه دماغ بیاده درهرآن وهرلحظه تهلکهٔ افتادن ، وعدم انتظامهای گردن ، ورقص ، وسوءهضم و بیماریهای مختلفه ازعدم انتظام جولان دم ملحوظ است ، کذلک اگرملتی که حقوق موجوده ، واشکاه حریهٔ دولت خود دهد صداقت وبدهد اطاعت وزیاد آن ملت را متوقع ، معیوب وبه انواع امراض عصبیه مثلاً بدشناخت که وجود شان ازدولت ، ودولت شان ازچنان ملت هیچ استفاده نمیتوانند ـ که هیچ عموهلاک هرآن یا آن تواند افتاده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1275 of 1786

ا گرچه قواعد حاکمه ومنظمه وسیاسهٔ بسیاری درباب این حقوق متقابلهٔ دولت وملت ازطرف علمای حقوق بیان شده است . ولی ما ازان مسایل مهمهٔ مطلقه صرفنظر نموده همچنین بیانات خودکردهٔ ساده وقریب الفهم وچیزی قناعت ورزیدیم . ودرنظر اگر کسی یکحرفی بهست ؟ .

حالابن را بگوئیم که دولت بامات . وملت بادولت چنانچه بماهیتی وظایف حقوق متقابلهٔ هریکی خود شان مکلف اند . همچنان درعدا آوردن حقوق (دین) و (وطن) بزرمکلفیت وعهدیت قطعی دارند دولت چنانچه بقوانین ونظامات وسررشته های تدریس وسیاست . ملت را آسایش ، سعادت ، معرفت ، صنعت ، تجارت می بخشد ، وملت نیز بسعی وکوشش وبکار وصنعت خود دولت را قوت ، ثروت ، خدمت تقدیم میکند ، همچنان لازم وواجب است که دولت وملت هردو باهم دست بیک کرده بانام هستی وهمه قوای خود شان حقوق دوحقدار مقدس خود شان ـ یعنی دین ووطن ـ را بجاآورده نگهبانی و طرفداری بجاآوردن حقوقان دومقدس همین است که ازهجوم وحملهٔ دشمنان دین ووطن آنهارا محافظه ومدافعه کنند . یعنی اگردشمنان دین ووطن بخواهند که برملک یک مقدس وطن که دین ، دولت ، ملت درآغوش حفاظت وحمایت آن غنودهٔ کهوارهٔ سعادت وراحت است . قدم یک قدم ازحد خودتجاوزکنند ، هامله دولت باهمه قوتهای باریهٔ کوههای آتش فشان آسا ، واسلحهٔ حاربهٔ برقی دا ، وملت باهمهٔ هستی وجود توانا ، پردوان وپرورنا جان صولتهای شیراله وجان مدافعه های هروماله لشان بدهند که تمام هستی ملکیت وملیت دشمنان را از بیخ وبناد بزرگ الهدام وزوالا محو وانعدام دراورند . تاحق دین ووطن جاآورده شود . احکام دین را بجا داشتن . وحمیت مقدسهٔ آنرا دربن کشتن نیز ازحقوق مبرمی الاجرائیست که دولت وملت بذمه لزوم بجاآن مکلف است . آباد داشتن وطن . ومشروع بداشتن وطن وبکار انداختن معدنهای وطن . وهمه چیزهائیکه موجب زنده گی وتازه گی ، ورونق وثروت وسعادت وطن باشد حاضر وآماده گذاردن نیز ازحقوق مشروعهٔ لازمی ولابدی ایست که بزمهٔ دولت وملت فرض وقرض است . درهین زمان محبت مقدسهٔ وطن را در جواس وقلب روزبدن نیز از وظایف حق شناسی عظیم دولت و ملت است درجبران آوردن حقوق وطن .

درنوشتهٔ اختلافات مذاهب ان چار قدم مقدس بیان مقالهٔ تاجزائیکه خود علاقه میدهد . انشاالله درزمان بعد از دیگر محاسن اخلاقی وفضایل تهذیب که موجب تنویر اذهان اولاد وطن خواهد گردید نیز عرض وبیان خواهیم داد . فاما وضیعاً بگانه اثر قلم مقصودنگارنده درین اخبار وطنیهٔ مقدسه تحریر همچون عریضهٔ که یک خدمت تاجزائهٔ شعرده شود مگرچه نیز است ! (ومن الله التوفیق)

حوادث داخلیه

ازطرف ایدیک نظامی صاحب منصب عالیرتبه رسیده

مبنی بپیدا شدن مانع بقرار ذیل اطلاع رسیده برطبق واقعه تکلیف پشت رو بخط مورخهٔ ۱۵ دجیا تحریر ازسائق خود تحریر داشته است

که ازاطراف زمینهادور درموسی قلعه پشت رود شارع ۱۱ ساعت جل میرسیده که نور محمد نامدار بصحرا غزدی خودرا نصب کرده بود ـ تابی همراه سایر غزدی خود بکدام طرف رفته ـ زوجه مذکور یکنفر پسر شیرخواره ودوماده خودرا بکهواره خوابانیده خود جهت جمع کردن هیزم رفته بود ـ بعدی دقیقه که حاضر شد آمدن مانع بالای کهواره طفل دوساله خودرید که ازهوش رفت هرقدر کوشش کرد ـ که پسر خودرا گرفته بصحرا برد توان خودرا ندیده بسرعت تمام دویده ـ بدیگر غزدیها رفته دادوفریاد کرده ـ کمک ومعاونت طلبیده چندنفر آمده بعضی مانع هارا گذاشته رعی را دور کردند آمدند دیدند که بحساب آمد وبچه های طفل را تمام مانع خورده بود ـ ودرسال روی طفل را هراس لبریز وحواس بی وبت حاضر دیدند دست وپیشان که قدری کم خورده اگرده بست دقیقه معطل میشد البته طفل معصوم کامل خورده میشد وباز غزدی مذکور را شکافی شکافی کرده چندنفر از غزدی مذکور را رهانیده درین غزدیهای خودنصب نمودند ـ واگر مانع در خال مذکور واقع است که بحساب نیامده آمدن کهی سالها بخاطر ندارند که چندن مانع کامل آمده باشد ـ دیده شود که باکدام چه خواهد شد ـ فقط دواقعه نگار فدوی بسفقطه خطوط ارسالی خود تحریر داشته است قطعه اول اینکه خط حاکم کشف خود ازمورخهٔ ۲۵ رجب رسیده که درهمان حال ازحد گذشته مانع چوچه دار پیدار آمده که گرداگرد اناردانه خلایق خدا زیاده بهانک آمده شب وروز آرام نداریم ـ که سبز ودرخت درمانک نمانده گندم که خشک بود درمیدان نشده جانیکه جوسبز بوده تمام کرده آسیاب مردم ازدست مانع بند شده نان نخته کرده نمیتوانم اگر پنج روز دیگر باشد آمدرا خواهدخورد گذران کوسفند واشترو عوام حال بسیار سخت میباشد ـ هرقدر انسان سعی کند که حتی بای کشانیان باشد صورت ندارد تمام شاههای مردم ودیوارها وزمین پرشت فقط

قطعه ۲ ازمورخه ۲۸ ماه مذکور اینکه الیوم خط غلام دستگیر خان صاحب قوماندان وسپیدوران اسی فدوی دولت رسیده که درتوابع قلعه مراطورحسن نام طایفه خشکی ساکی منصورانی بتاریخ عرعرجب هفت ساله بچه وشش ساله دختر که علی مادر وپدر خود سردرو خوشه گندمرا میچیدند طرف صحرا رفته طلاق مذکوررا مانع صابع نموده وگوشتهای آنهارا خورده بدون سرهای شان آنرا باقی گذاشته ـ هردو غرهلاک شده ـ چنانچه ازقدصدیق خان نورزائی که ازطرف مذکور بود استفسارشد که این خبره واقعی میباشد ـ تاییده اظهار کرد که واقعی وصحیح است دگلوم مانع بدرجه شصت گز که گنجایش هزار دوگاب ورثه وثلثه اخورده ـ سرزگی باقی گذاشته ـ بقلمداد خط محمد خانصاحب حاکم دهنه زرسیده که کیفیت مانع همین است که دردهم جمادی الاول مانع پرواز درملک آمده تحرکرده ـ ودر ۲۰ جمادی الثانی هیچ آن پیدا نشده که بعضی آمال پرکشیده ورعی پیدا میباشد ـ ودر وطن باقی است وتلفیات زیادی درا ترقرهیچ علاقه خال مذکور خال سردرخی وزراعت جو وگندم وخشک رسانیده ـ که دیگ پیدا نشده وهیچ گندم سبزرا باقام رسانیده ـ وکنده گیدرو میباشد قدری نقصان رسانیده ـ هنوز مانع مذکور دفع نشده ـ فقط قطعه سیوم مذکور ازمورخه ۱۰ شعبان اینکه خط حاکم ثورابات رسیده تحریر داشته است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1276 of 1786

که قبل از رسیدن قدوی ملخ زادی درمحال مذکور آمده کارهای سررا کامل خورده ـ که غیر از خاک خشک چیزی باقی نگذاشته ـ از قرار بیان مردم شوریک که حاصل کندم ـ وجو ـ نخود ـ کنجد ـ زیره ـ وبرنج که هیچ چیز کامل خورده شده ـ وعلفزاری نرسیده ـ که خرابی زیاد رسیده ـ وبالاخره واقعه نگار جاوری وبلستان وبهبود نمره ۲۲ رجب مود نحریر داشته اینک در ۱۹ فرسخی ازقریه بارخانه علاوه بهبود خبر رسیده که ملخ زرد بالدار ـ بسیار پیدا شده پشت وبیخ هزوار خلوزان وزراعتهای قریه مارخانه را خورده ـ وهنوز هم ملخ مذکور دفع نشده فقط الله رب العالمین فضل خودرا بکند نحریر ۱۷ شعبان المعظم سنه ۱۳۳۳ علی احمد

سر ازین شماره ببعد سرلوحهٔ بسیار کم وقیمتداری در جریدهٔ خود علاوه نمودیم ـ (زراعت) مادهٔ بکلهٔ حیات بشر است. ترقی مدنیت ترقی عمارت ـ ترقی ثروت و سعادت حال بترقی (زراعت) مربوط ومنوط است.

اگر زراعت نباشد معادن ـ صنعت ـ تجارت هیچکاری کرده نمیتواند. چرا که بگرسنگی هیچ کاری نمیشود ـ جزئیهٔ دولت را هیچ چیزی برگرده نمیتواند مگر توانایی دهقان ـ دولت اگر مالک ملیونها سکه، صاحب ملیاردها توپ و تفنگ برشرر باشد چون کشتهای پرذریات غله وارزاق نداشته باشد هیچ است ـ سعادت وبختیاری کلی در زراعت است ـ چونکه زرها ـ جواهرها ـ نقرها ـ سامانها پرنیسرها وچیها چیا هیچ یکی قدر وقیمت خوشه های گندم ـ دانه های جواری ـ وکلیچه های نانو وسیب های زمینی را پیدا کرده نمیتواند ! چنانچه حکیم دانای شرق شیرازی میفرماید :

گر نبود دانش آگنده پر ـ خواب توان کرد همه زیر سر
ور نبود دانه همخوانه پیش ـ دست توان کرد بآغوش خویش
این شکمی هست بسیج بسیج ـ صبر ندارد که بسازد بهیچ

هم چه حاجت ! این جمله مأخوذ چهانسوز برهمه ثابت بود کمبیترین قوای حربیه ـ وبکاه اسباب مالیت ومعنویت رفاه وارزاق موقوف میباشد ـ انگلیزها هرقدر سی و جهدی که داشتند صرف نمودند ـ تاکنون از گرسنگی بمیرانند ـ مگر آنکه آنها بین کار حد درجهٔ اعلی کامیاب گشته نتوانستند ـ زیرا آنها از یکطرف خود کشتیهای زیرحرخودشان زارعرا ازجزیره انگلیان بریتانیا بنابودند، واز دیگر طرف بقوت متفق خود هیکلی آبهنی دارد بیارا بسته کرده دهنهای بحدود سالب العرا لایقان میبرارا درانبار خانههای بسیار های خان پوسیده ساختند ـ ودرین زمان دامنیه های جنت مثال حیوانات ونباتات ومترهات راین ودیگر شهرهای زرخیز ملک خودشانرا بامیدهای سیراشکمها وهمدستیهای خلق زیبا وفرح افزای شهرهارا بسیب زمین وبکاو مزروع ساخته که ازهمین یک معلوم میشود که مسئلهٔ زراعت تاچه درجه وقعت واهمیت فوق العاده دارد.

(سراج الاخبار افغانیه) در زیر این سرلوحهٔ (زراعت) خود انتشاحه ازموادمهمهٔ (علم زراعت) بحث وبیان خواهدداشت. وامید میکند که حکومت مقدسهٔ ما ـ و نیز زمینداران و کشتکاران وطن عزیزما بتوجهام وبتاهمیت مخصوصهٔ باین سرلوحه وعنوان ما مطلب نموده هرکجیزی را که قابل تدقیق چشته در تطبیقات وعملیات آن سعی وهمت فرمایند. وچون امسال چنانچه از اطراف ولایات شاهانه خبر وهشت اثر ظهور یافتن (ملخ) که مدهش ترین آفات و بلیات زراعت شمرده میشود رابورا رسیده. لاجرم دراولتام وظیفهٔ خدمتیه قلمیهٔ خودرا در خصوص حصر نموده از قرار معلومات و تجاربی که خود اینمدیر وسرمحرر مجلهٔ مدنانی سیاحتهای طالب علمانه وتدبر حاصل کرده ام و کتابها ورساله هائی که درخصوص بدست آورده ام بعضی تحریرات لازمهرا عرض انظار قارئین کرام مینمایم :

ملخ

در خصوص نحو وتلف نمودن نحم ملخ پیه

اولاً : ـ درهر جای که ملخ پیدا شود از دو حال خالی نیست : یا اینکه آن ملخ بصورت پرواز سیلاب آسا ازدیگر طرفها آمده میباشد و یا آنکه از تخمهای که پیشتر درانجا زمینها گذاشته میباشند بصورت مجتمعیداشده ملخمیشوند. چه دو صورت، بمجردیکه در یک زمین پیدا شد، یک قریه، یک قصبهٔ ملخ ظهور کند هنوز ریش سفیدها وملکهای آنجاها بدگردیدن خورده یکلای گداخته وقریه بدآن تابع باشند خبر دادن ضرورات، وآن حاکم جا که کلانتر ازخود ویو جانب الحکومه ونائب الحکومه یاک ضروری مثلاً دارالسلطنه خبرباید داد تدابرای جلو گیری آن درهر هر طرف ملک یک پیدایی وباخبری حاصل باشد.

ثانیاً : ـ چون ملخها درایر سه پیش ازانکه هواها خنک شود هرگی در جائیکه پیداشده باشد یکجاجمع آمده نحم میاندازند وتخمهای خودرا در خاک پنهان میکنند وبعد ازیک روز یادوهفته وبدر تدریکهای هوا خودآن ملخها تخمهای مانده مرده میافتند. این است که درجان روزهای نحم اندازی ملخها ، درهرده وهر قصبهٔ که ملخ ظهور یافته باشد ملکها وریش سفیدان آنده وقریه همتاهای خودشانرا جمع کرده بجاپان و جستجوی نحم ملخ آغاز کنند ، و جای آنرا پیدا کرده بحکومت آن حال خبرشان بدهند ، وملکها ازطرف دولت بایدمجبور باشند که ضرور خود شان متوجه شوند و سر مراتها رفته چی وسیله وواسطه کمپانند جای نحم پنهان ملخهارا پیدا کنند.

ثالثاً : ـ بایدیک نحوی باید دانست که چاره یگانهٔ دفع ملخ بجز اتلف ساختن وخود نمودن نحم ومجموع آن دیگر چیزی نیست ، ودیگرهیچ مدا وهیچ تدبیری برای آن موجود نشده است . اگر اهالی چون اهتمام کنند کهاین بلای سیاه پست وهیچ تدبیر ندارد ، ودست بسته وبا تکیه نداشته قلقلیق آن نشوند انحط وگرسنه مرگی را برخود قبول نکنند . لهذا بمجردیکه درومعان وقریجات ملخ ظهور نماید همه مردمان بایدبرای مدافعهٔ آن چنانچه برای دفع دشمن حاضر میشوند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1277 of 1786

همچنان حاضر و آماده شده ملک ها و رئیس سلیمان ، و مأمورین حکومت همهٔ مردمان دهات وقریه جات را که سالم وتوانا باشند رجوع آوردن تخمها و تالف ساختن مجبع های ملخ برگمارند .

رابعاً : — برای محو کردن وجمع آوردن تخم وجبع ملخ از طرف دولت یک دستورنامهٔ مخصوص باید ساخته شده تطبیع رسد ، ودرهر ولایت آنش اجکومه نشین ، وهر محل حاکم نشین نسخه های مطبوعهٔ آن نظامنامه توزیع وتقسیم شود ، وبموجب فقرات آن نظامنامه ، حکومت بایدهمه مردمان سالم وتندرست را رجوع آوردن وتالف ساختن تخم ملخ وجبع ملخ مجبور سازند ، و کسانیکه درباب به امر حکومت اطاعت نکنند بموجب فقرهٔ مخصوص مجازات درآن نظامنامه نوشته شده باشد سزا رسند .

خامساً : — چنانچه ما گفتهای خورد بجا گهای کلانتر از خود ، و آنهاییکه اجکومه ها مجبوراند که جبر پیدانمودن مایدرایدهند ، درهین زمان باهم مجبور ومکلف میباشند که بموجب احکام نظامنامه خودشان بر حلا" بتمایم لازمه درجاها آغاز کنند ، مثلا اول ازینج شش نفر کلان شوندگان هان مملکت یک انجمن تشکیل داده درباب تطبیق دادن فقرات نظامنامهٔ تلف ساختن ملخ مدا کره و مشاوره کنند وزودی مرجع تمامتر هیئت آن انجمن را باقوهٔ سائطه یعنی کوتوالی ، وبخاصه دارها باسکر هائیکه بمیت آن ماجی مأموراند باخود گرفته در جائیکه ملخ باتخم آن ظهور یافته روند ، واهالی قریه هایی که دران جوار باشند همدرا جمع آوری کرده بوقت معینی که مقرر شده بمحل بسیار درست تجمع کردن ، و تلف ساختن ملخ وتخم آن مباشرت ورزند ، وباوقتیکه سراسر بیخ آن کنده نشود بیس نکردند ، واگر ملخ بسیار باشد وتنها مردم یافته وبادوسعده کفایت نکند ، ماگهای کلان حتی آنش اجکومه ها هریه آن اشتراک ورزیده ونسبت به کمی و بیشی ملخ مردمان اطراف وجوانبرا جمع آوری کرده برای اجرای کار ، نگرانی ونظارت نمایند .

سادساً : — ماگهابهراه اعضای انجمنی که برای جمع آوری تخم ملخ میروند ، باید ازمیرزا های ساکت خود یکنفر دو نفررا باخودجزوه که امور حساب وکتاب ونوشت وخوان را اجرا کنند ، واز افسر های نظامی که دران ماگ نشینی باشد بترتیب اجرای احکام ودیعه وانتظامی وسکرانی وسررشته وانتظام اهالی وجمع آوری تخم ملخ وتالف ساختن خود ملخ باخود برند .

سابعاً : — ملخ ها وتخمهای که جمع شود ، دریاهای دورتر ازدهها درمیان چقوری های بسیار عمیق که گنده شود پرکنند ، وبرسر آن علف دو انگشت چونه آب ریخته انداخته ، و علف یک گز خاک وسنگچل روان انداخته بدینگونه اول یک پرت پل خوب سخت کنند .

ملخ چسان تخم میدهد ؟

باید دانست که ملخ ازتخم ملخ حاصل میشود ، هرملخ صدتا تخم میزاید ، وبیک را دیگر جفت میشود ، هرملخ صدتا تخم کوچک یکنوع کلوله وجود میآورند ، ملخها دایما باهمدیگر بکجازیست میکنند ، درموسم تیرماه یکجایکی در بالفعل تخم میاندازند ، وتخمهای خودرا کلوله کرده بقوهٔ هفت انگشت درزیر خاک گور میکنند ، دراول بهار گرمها رو بگرمی میزند ملخها ازتخم میرایند ، ومه چهار روز هیچ چیزی خورده نمیتوانند وبدیزمها وبناها وعلفها کیاخودرا چسپانیده میمانند ، بعد ازان بکروشی آمده آهسته آهسته خوراک میآیند ، ولی ازوقت وامدن شان ازتخم تاقدر دوسه هفته بی قوت وبی قدرت بوده مانند بیروشان گردش میکنند ، بعد ازینه هفته مانند مگر که پوست می اندازد ملخ هم پوست انداخته وروز روز قوت گرفته بهمین زدن وکم کم پرواز کردن آغاز میکنند ، این است کیفیت ساختن وجمع کردن ملخ درهین دوقت ممکن میشود ، یعنی یک درموسم تیرماه که تخم میدهند ، وصورت جمع کردن وجمع ساختن تخمهای آنها ، ویک درموسم اول بهار که از تخم برآمده وپیش ازانکه پرواز بیایند آنهارا جمع کردن وجمع ساختن .

ملخ ملخ ، وتخم ملخرا چسان جمع وتالف میکنند ؟

درموسم تیرماه پیش ازانکه هوا خوب حبت شود ، ماگهای جفت شده بخطر افتاده ، وبگور کردن تخمهای خود ابتدا میورزند ، درزمینهای قوله شدهٔ سخت ، وبازکردن تخمهای خودرا بطوری" جفت هشت قدم گور میکنند ، وبازکه تخم دادند اگر هوا بگدری سرد تر باشد درجاها ، وهاروز میبرد ، واگرهوا یک قدری گرمتر باشد یک دو روز زنده مانده ، ویک چند ساعت مساله دورتر رفته درانجا میمیرند .

چنانچه درفول ودوبطرهٔ اعابانامه بیان کردیم ، وقتیکه درتربیکهای موسم تیرماه درهره وقریه" گاهی یک ماگ نشینی" خورده باکلان سیلاب پرواز ملخ بیاید ، همدهه ملخ های دهه وقریه ها ظهور یافته ملخرا تعاقب کنان تابع آن میباشند خبر میدهند ، وچون درانوقت که سیلاب ملخهای کلان پرواز کننده می آید جمع کردن وتلف کردنشان عرهکی است ، ازاروهمه مردمان دهها وقریهها باخبری و هوشداری یکنند که ملخها بکجا میرود ، وبرکجا تخم میدهند که درخصوص میابدیک خطه تالی نشود ، وچون دراروز ها ازیکطرف ملخهای مادهٔ حامله شده سکین شده میرود ، وازدیگر طرف زوادهٔ نشان هم جفت میشوند ازانسبب ممکن است که دراوقتها ملخهارا جمع کرده بتواند ، واگر ملخها دروقت جفت شدن دیده ندود البته بعد از رخنه دن تخمهای خودشان درزمین طرف مرده افتاده میباشند ، هرگاهرا پایمه وزمینهارا کنده تخمهارا پیدامیکنند ، واگر درهرگاهها پیدانشود ، درنزدیکی آنجا هائیکه مردهٔ ملخ پیدا شده باشد زمینهای سخت قوله شده را ودیگر زمینهارا کنده تخم ملخ را پیدا میکنند ، بعد ازان به اصول وقاعدهٔ درست آن تخمهارا جمع کرده درجاها وچقوری های کاپیدتر کنده وحاضر شده باشد میاندازند ، ودرسر آن یکیک گز خاک انداخته تخم میکنند ، وازآنکه چوبه وخاشاک سیاری روان نرخه آتش میدهند .

هرگاه بدینصورت تخم ملخ جمع شود درگاهگاهیور یقین ملخ امکان پذیر نخواهد ، امابنظر هر وای احتیاط درادل بهار که هوا گرم شود از مردمان دهها درهرمحل قطعا یک تخم ملخ را جمع کرده آتش میدهند ، وباقی مادهٔ تخمهایی را که درتیرماه جزئم نیامده باشند ودر گودیها کنار پنهان شده مانده باشد ، وبدینصورت مجموع تخم گز که آنسیاهند آنهارا جمع وتالف میکنند ، برای آسان جمع کردن وتالف ساختن همچنان که ازاول تخم راه نداده باشد ، درهرگاههای که تخم ملخ جمع نشده باشد همین قسم بوده درهر طرف زمین محلات ومحیطهای که ازاتخم جمع نشده میباشند چون مادهٔ شاست که رچوبها بالاشده میخورد هر چند روز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1278 of 1786

حرکت گرده نمیتوانند همدیگر رهنمون چویا وخانه‌ها وچمنهای‌اند.
اینها چون صبح وقت مردم رابرها شود بسیار کمال آنها را جمع
کرده میتوانند. وبالنتیجه در اشراف آنها آنقدر خدمتها میسو
زاند. وچون بهینصورت مجتمعیان را که هنوز توانائی رامیدانند
تلف کاربدرت ملیارد از ساعتی که مطهور بالا بیچیون ریکنند.
ولی‌بیاید که عشر دوسه هفته هرروزه همچنین دوام‌نمایند کاهیچ اثری
ازان باقی نماند.

ملخیان که چویا وچوبدن آمده باشند. دایما یکجانب که برطرف
که رو آورده باشند بهانطرف میروند. برای تلف ساختن آنها قاعده
چالشت که اهالی را ردوقسم تقسیم میکنند. یك فرقه که از بسیار
مردمان مرکب باشد بابارو بای دسته‌دار، وچوبهای شاخه‌دار درپیش
روی رفتار ملخ می افتند. وسعی وکوشش تمام رفتار بدرفتن آنها
مانع میشوند. ویك فرقه‌دیگراهالی نیزدارا روهای دسته‌دار، وچوبهای
شاخه دار ازعقب آنها زده وتلف کرده میروند. وچون ملخها غیر
ازهال را هیچ درپیش کرده هیچ طرف رجوع نمیآورند، وعقب هم
نمیگردند. درمیان همین دوفرقه‌اهالی خرمن‌شده میماند، وبهینصورت
باچوبها ودیگر وسائط گرده‌بروند. دیگرایکه‌همان‌طریقیکه ملخها روبراه
شده‌اند بچاوری" یك گز یانیم گز وبیشتر" لازمی حرهاهم حرخدها
کنده‌بیاورند وهاکی که ازان حرها کنیده‌بیشتر وعقب‌مقابل مانند دیوار
بالابکنند. وکاینك ملخها ازانجا میگذرند درمیان آن چاوریهای می
افتند. وچون ملخ در چاوری" مذکور افتاده گریختن نمیتواند
پرانها انداخته نمیپرند.

ودرای بقیاند تلف آن باز همچنین یکدوسه حرهای دیگر پیشتر ازان
کنند. همدرا همچنین حرهای پی درپی کرده تلف نمایند.
اگر ملخها درموقع کوچکی شان هجوم تلف نشوند، وقوت پیدا کرده
قزاده تر بجوشند وپرگ پرواز کردن آمده باشند. در اوقت حرها
وچوبه‌های که کنده میشود باید یکقدری چلوتر و دورتر زده،
وبرحا کهای آنرا که در جهت مقابل حرمانند دیوار میکنند، ران
حا کهای ازیکسر حرکه‌یکی مرحرزده‌های که از جنس چوبی باشد
وبکقدری بسوی حرمایل داده میشود که ملخهاران گشته نتوانند،
وبران زده حمله‌نموده زده پی به حرمیافتند. حمدان حا کهارا بسر
آنها تخته کرده ویکقدری چوبه بران انداخته به اینصورت هم
تلف میکنند.

درای هم تلف کردن ملخهای، وهجوم مانع که هنوز بچوبدن
بسیار نیامده باشند، وبال نکشوده باشند همین اسلوبها وقاعده‌ها خود
که بیان شد، انمار مدمان که ملخها قوت بالزده وبه پرواز میایند
جمع وتلف ساختن آنها خیلی دشوار میشود. واگر آنقدر زرگ شوند
که مانند سیلاب انبوهی هوا پرواز کنند درانوقت علاج آن هیچگی
است. ابدا در خصوص جلوگیری کردن وهم تلف ساختن ملخهای
ومجموع حیوانات را درموقت ظهور باقی آنسیمی درنباید اول بیان
میاید کاهدان دوحا کهای دانا حکومتها وملکیارهمه مردمان وجمیع
اهالی بدان تأسیر از دوقت بسیار سعی و کوشش لغت واقدام تام

نمایند تاینکه تلف شدن ارزاق عبادالله، وتلف شدن آن حیوانات
مضرة دهند هرچه بطرف شود.

درین شمارهٔ خود بهیچقدر اکتفا ورزیده انشاءالله درشمارهٔ آینده
ترجمهٔ قانونهائیکه دول علیهٔ عثمانیه را که درینباب هی رهنمون فوائده
ترتیب قانون ونظام نوشته شده، وبك قسمة آن بقدمت ما آمده ترجمه
ودرج خواهیم نمود. ومن‌الله‌التوفیق.

خبرهای خارجیه

(نقل از تورپاز)

(سوئیس‌هه‌وتن)

که از اهل سوئد واز هنرورین ودانشمندان اروپا است که در ضمن
سیاحتهای متصله خود باران نیز مسافرت نموده ودرای مقام عالی
وصاحب تألیفات متعدده است. این شخص معروف کتابخانه ام بالطف
السه ترجمه شده است. یکی از اعضاء انجمن جغرافی انگلستان بوده
درین اواخر اقرار اشتمار تلگرافات روتر ناطس مزور مشارالیه
ازعضویت خود متصل دانسته این اخصاصدا مستند بتألیفات اوست
بالجمله کمود چنانکه رفیقنا (هنر جوزه) درشماره ۲۷ این مطلب را
درضمن یادداشتهای اساسی خود قید نموده، ما نیز در تعقیب مطالعات
راجع بان قضیه، یك قسمت از مقاله دلکشاه مزبور را که در معنی
مطبوعات اروپا انتشار یافته، وبایست اخیر بالارسیده، در اقتباس
می کنیم:

«مطبوعات انگلیس، بحقت آلمان وحتی خطاب میکنند. ولی
که اسناد (سیاسی) را به عرصه ظهور آورده، و حتی ورزی
نمیشود بلکه آن جا هیچ بامر سیاسی قائل وبا رو سهای صنعت سای
انجام را گذاشته و علل سیاست وزعم پوست را برای قائل ملت
مفید پوست متمدن سوق داده، و بواسطه اعطاء حق در اقرشاهین
ورزای آن اقوام را متنعم میسازد، شایسته تراست که حقیقة و حتی
ورزی بشمار آید. انگلیس غیرت ثروت را درچنان معمول داشته
وطن واسطه مرکب و حشکری شده، قبایل وحشی را برای جنك
بلشمه ان سوق داده و بدین وسیله جوانب تجارتی را عهده گرفته،
درموقعیکه تصور میشد که هنگام پیشرفت آن است، پارلمنت انگلیس،
اوضاع فرون وسطی را در نظر مجسم میسازد: بسیاری از دوستان
من که در انگلیس هستند: از این اوضاع شاکی ومنفرند.»

امریکا واروپا

از اقرار مطبوعاتیکه از پاریس به (ویانه) رسیده، حساب تجارتی
روز گذشته (۲۲) مقیم امریکا مقیم (پکن) اعلام نموده است که
از هر گونه تغیر سیاسیکه مخالف بالذات مدنیت جدیده باشد نهایت
شدت مدافعه خواهد کرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1279 of 1786

کتا

اندیشه های (لارد اارز)

« لارد زارز » وزیر مالیه انگلیس در باره کور لمطلق کرده ضمناً میگوید در خصوص آلمان ما دچار اشتباه بوده ایم حالا حقیقت مطلب که از پشت پرده بیرون افتاده ما را وامیدارد این فکر وذکاوت آلمانها که در صدد برآمده اند که از سیب زمینی بقدر کفایت کن تهارد نمایند یک مسئله هشانا کی است که مافوق فکر و تخیل ما بوده و هیچ یک از طبقات مردم آلمان تکان نداده و حتی یک حرکت بلاهانبوده و من از تعجب های (هند برت) پس تو از اینها میترسم

اختلاف بین متفقین

جریدهٔ تایمز لوید — از مطبوعات بیطرف لندن مطالب ذیل را که توجه افکار عمومی پاریس را جلب نموده نقل میکند:

« در پاریس نظر ان شده که بریانه کوشش انگلیس حکم طرفدار است . و همین طور نسبت بحکومت (بورد) هیجان در تزاید است . حکومتها هم میکنند باینکه باهر نوع موقع ممکن را متفقد آینده جلوگیری از خودداری دولت انگلیس در همان راه (خواهر) می توانست جرئت بکنند که من وظیفه خودم را انجام دادم تا چه حوا هیجه کرد ! آنچه من خواه متفقین اکنون انگلیس را بیدار میپاید . اگر اعضای

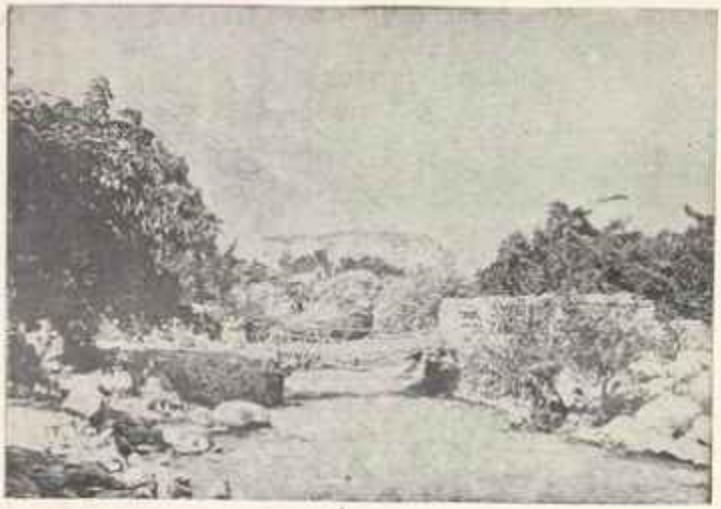

پای کهنه نیر تیلاب

یک منظرهٔ الزبر تیلاب در موقع جنگ دارد کاخ ۳۰ هوس اپارتمان مکتب ورقعهٔ مجموعه بنیاد غیر آنها بیاضعرت پاداده دی روی پای آنهای اشکوفی ساخته شده است

جامه است اگر اند کی موقع غلکت از روی مالی اندیشی موضع دقت میشدند همه کارهای امروزی بهتر تعرفت . در پاریس ویلز زورنال معاونت عمده مخصوصاً در معاونتها و کمک های مالی از انگلیس انتظار دارند در اواخر اخیره اتحه از نظریات رجال سیاسی استنباط شده است . این است که از همان سابقی که موضع صلح فرانسه مطرح گردد انقطاع مناسبات انگلیس و فرانسه محقق الوقوع خواهد بود . فقط در حال حاضر فشار ها بیک از یک خصم مشترک پرده دوات متوجه است . موقعی برای طهور اختلافات نظر باقی نگذاشته .

افکار ملت انگلیس در این زمینه سیر میکند که فدا کاریهای بریطانی کبیر اقدام متفقین بیشتر است میگویند اگر روس و فرانسه همان اندازه که مادر برای وظیفه مهمرا بعهده گرفته و انجام میدهیم ، در خشکی وظایف خودرا انجام میدادند امروز ما دلیل موفقیت تحصیل نموده بودیم .

علاوه برآنکه خسارت مادی ما از اسیار متفقین بیشتر است . از نقطهٔ نظر دیپلوماسی نیز مناسبات ما بدول بیطرف بیش از روس و فرانسه دچار تهلکه گردیده است نمایندگان سیاسی که مالکانه گزیده مو جب استفادهٔ روس و فرانسه گردید — در همان حینی که مناسبات حسنهٔ متفقین ما در پرتو همان نمایندگان بدول و ملل بیطرف برقرار است تولید احساسات خصومت آمیز نسبت خودمان نموده است !

روس و فرانسه قبلاً عیدانستند که دولت انگلیس اعزاء یک اعتبار نظامی را با رویی دی عهده دار نبود . باین تقدیر مساعی (در دکتر) لازم بود که امتحان متفقین را جلب نماید . انگلیس پیش از وظیفه [illegible] باری خود [illegible] اگر عملیات ما با نگاه داشته ضیق میشد ، دولت انگلیس در همان ماه (نوامبر) می توانست جرئت بکنند که من وظیفه خودم را انجام دادم تا چه حوا هیجه کرد ! آنچه من خواه متفقین اکنون انگلیس را بیدار میپاید . اگر اعضای پارلمان انگلیس میگویند (متفقین ما شمشیر بدست ما هجوم کرده ومیگویند یا باید باجوج بدهید ، وبا بنگ ما علیحده صلح خواهیم کرد) ؟

کتا

موقعیت ایتالیا

روزنامه مرنینگ پوست خود را در این موضوع اینطور میگوید : « اگر بلژیک روس در هر لحظه خواهد توانایی را که کار بخدمت میرسد ، محو خواهد کرد . وانسان آلمان را باستملکاتی که در بحر احمر و بحر محیط هندی دارد ، متقاعد خواهد ساخت . این تهلکه که از طرف روس متوجه ایتالیا میشود ، خطر کاکتر و میزان اهمیت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1280 of 1786

است که از طرف انگلیس ها دولت وارد شده ومیشود .

در این موقع کار است خاطرات را که چندی قبل از مذاکرات روسیه با عثمانلی برای اتحاد با فرانسه شد ، بنظر بیاوریم .

علت اتلافی متذکر از طرف دیگر ما انگلیس اتحادیه را در طرابلس غرب و بالکان خواهد آورد ، اتحاد در حقیقت بر اتحاد که قدرت و نفوذ فرانسه زیاد شود چنان در همه مالکیت ایتالی در طرابلس غرب خط خواهد افتاد ، اتحاد آمدن خود را مانع روس را جمع به عارضای دولت ایتالی وحکومات بالکان را پیش از آنان وارش تهدید میکند . طبیعی است درصورتیکه اتحاد مذکور آمدن اتریش طرابلس غرب آید — تمام دولت ملکیه وصنایع حیاتیه تمام دول و ایتالی بوران روسای — و بلغار و را تامین خواهد بود .

اتحاد با روسیا

یکی از اقتصا دیون مشهور و روسای و در روز نامه و پالتیک ، که مدیر تجارت منتشر میشود مطالعات ذیل را اظهار داشته است

اشغال بغاز چناق قلعه از طرف روسیا تجارت دولت روما نیا را درصدی شصت تنزل خواهد داد ، رومانیا برای صادرات حبوبش طرق بحری آزادرا لازم دارد از پترولیک اتلافی مات تولید المدینه های بسیار بزرگ برای روسای می باید

لندن ۱۸ ماه جون

ترجمهٔ اخبار های انگلیزی که ترجمان انگلیزی ترجمه کرده خبرروتر مظهر است که کشتی زیر آب جدوسامام ایطالی را یک کشتی زیر آب دشمن بدرجهٔ غرب ناریه و غرق کرد — و یک افسر و سه نفر دیگر که زنده برآمدند — اسیر شدند —

لندن ۱۸ ماه جون — ۵ شعبان —

از حالت جنگ میدان مشرق دوروس پریشانی پیدا شده است — گرسنه دولة (سپه سالار افواج روسی) یک ترتیب خوب افواج خود را داد واپس بمحاذره افواج روس رضا ورغبت خود پیدا نشده بلکه دشمن درمقابله فوج تهیات کلی آورده بود

جرمنها روحانهٔ غیرهٔ ابیض قبهای غیری را تصمیم کرده که بجروس سامان جنگ دیده نتواند — وچهارات سوین وغا روی را اطلاع یافته شده است —

لندن ۱۷ ماه جون —

جبارزه حالی تراقوزه که طرف سیالان مرفت در غیرهٔ آزلیک بضرب کاریده و غرق شده است و چهارتر توانسته که کاریده و خود دیگر را کنار رسید —

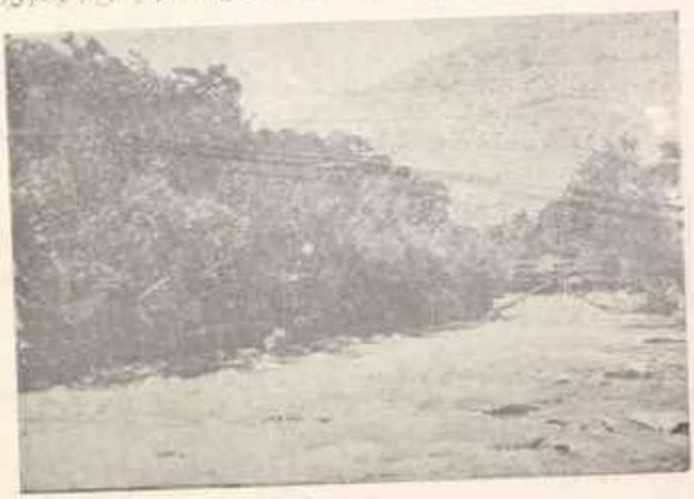

کیا

افواج جرمن و استریا در ساحلهٔ کوشا پیشقدم محکمه ده و دواج روس طرف مشرق پسپا میشوند —

و بتاریخ ۱۵ ماه جون وقت تمام طرف مشرق ملامقشورت فرح انگریزی جبهه کرده خط اول خندق های جرمنی را گرفت لیکن در شب مجبورا پس داشته — یک زیردیان جرمنی شارنج ۱۵ ماه جون بساحل مشرق انگلستان حمله آورده بیها اندامت وزده نفر مقتول ووزده نفر مجروح شدند — ودر بعضی مقامات آتش در گرفت — درمیدان جنگ کلیتیا تخمیناً سی پنج جوش فوج جرمنی واستریا جمع شده اند — واز اینجمله یکنات بطرف جنوب دریای بسفور باقی مانده درزیرسان موجود میباشند — مقصد جرمنها ماسوای تسخیر بحرک این است که روسیرا شکست داده افواج جوبی روسیرا کامل کرآنها گفت است ازافواج شمالی کامل کرآنها ملکو ویتزو گرد میباشند جدا کننده وبن مقصد خود توفیق است که کامیاب شوند

لندن ۱۸ ماه جون

فیلد مارشال فرنچ مینویسد که روز سه شنبه جنگ برخط مدافعت انگریزی جاری بود خط مدافعت دوم را که وقت صبح گرفته بودیم درقصه خود شکل کرده توانستیم —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1281 of 1786

لندن ۲۸ ماه جون —

از ارنهوم (واقع هالند) اخبار آمده که چهار فوج جرمن از طرف مرحد هالند بطرف خط مدافعت رفته است و جرمن برمقام کورت راهی توغانهٔ عظیم‌الشان مع ۲۰۰ توپ کلان را جمع نموده است و بتشکیل سپاهی را بطرف لاهای وپیرس روانه کرده است .

جنگ روس

پترو گرید — بقرار خبر سر کاری درجلهٔ آوزارو جنگ بشدت جاری است و جرمنها بر کنار چپ دریای وسچولا پیشقدمی نموده‌اند . بتاریخ ۲۶ ماه جون روسها بر کنار دریای نیلای فرار کرده

پیشقدمی تازه در جلهٔ ولینه

لندن ۳۰ ماه جون — ۱۷ شعبان —

خبرمی پترو گرید — یک تعداد کثیر انواع جرمن مابین منبع های دریای بیلار و یک واقع بولینه پیشقدمی نموده میرود —

میار کباری‌های طعنه آمیز

اخبار مارشال پوست بدولشتکولان سر کردهٔ انواع روسی تلگرافی میار کباد فرستاده که پیاپی انواع روس باینچنین کامیابی بوقوع آمدست که بنظیر آن در تواریخ دنیا موجودیست درجوابه کور بخواب تلگرافی نوشته که فوج روسی ساعه فوج دیگر رفیقان خود برای فتح و ظفر پیانده میرود !

نوعهٔ قصان جان

یک امریکوی که میدان جنگ را بچشم خود ملاحظه نموده بیان میکند که در یک مقام مابین کورتی دیوول (واقع فرانس) قریباً ده هزار نعش مقتولین جنگ فرانسوی رزمین افتاده بود که کسی آنها رادفن کرده نتوانست — ازین اندازه قصان جان بخوبی میشود —

لندن ۲۹ ماه جون — ۱۶ شعبان

روما بقرار اطلاع سرکاری از سبب باران و خرابی موسم جنگ ایطالیه معطل میباشد بقرار بیان اهل استریا یک کشتی زیرنجراندوزی یک کشتی تاربندوی ایطالیه را غرق نموده است —

شملهٔ ۳۰ ماه جون — ۱۷ شعبان —

ازتلگرافی وزیرهند بنام وایسرای ظاهر میشود که روسیها حصهٔ شمال دریای بیلر بپیاشده‌اند — ودرولینه کشتی جنگ جاری است

خطرهٔ وار — سا

لندن ۲ ماه جولائی — ۱۹ شعبان —

وزیرهند تلگرافی ذیل بنایوایسرای هند ارسال نموده است — سبب پیشقدمی استریا وجرمنی از کابینیا بعلاقه ولینه وارساد رمعرض خطر میباشد چنانچه حصه‌های جار ماه جرمن مابین دریای وپیرز ودریای پنت جاری میباشند وانواع روسیه پس‌شده میرود وبسبب این قوه جات جرمنی ه در مشرق در یای وسچولا ، رو سیه مقامات زاوی چوست واوزرو وسیدورا که استحکامات مضبوط او میباشند خالی کرده است

یک احوال جرمنی مظهر است که در مشرق خیلی ازوسیا اری پیدار نیست

وزمکاه غربی و جنوبی

فرانس بیان میکند که بعد از کوشاری بجزوی جرمنی در نواحی بکنال ربط حصهٔ خط مدافعت فرانس مصرف گردید — ودر شمال وردن هم کوشاری نبود — وایطالیه بیان میکند که بسبب ناموافقت موسم کار توغانها معطل گردید ودرین اثنا دشمن خود را مضبوط ساخت مگر درسرحد آسوترو ایطالیه جبهه‌ای استریا پیدا نبود وبقرار بیان استریا ایطالیه استریا را پیدا نکرده بلکه استریا ایطالیه را پیدا ساخته است —

لندن ۲ ماه جولائی — ۱۹ شعبان —

اطلاع رسمی میرسد — که جنگ درحدود آسوترو بسیار شدید بود — لاکن فوج ایطالیه بمقصد کثیر پیانده اگرچه فوج مذکور قریب خندقهای استریا رسیده بود

لندن ۳ ماه جولائی — ۲۰ شعبان —

پیرس — بجریل گوارد که سر کرده انواع فرانسی در دردانیال بود زخم شدید رسیده است وعوض او جریل پی‌لود مقرر شده —

لندن ۱۹ ماه جون — ۳ شعبان —

هجرت بعضی نوجوانان از حصهٔ غربی الرلینه بطرف امریکه موجب حیرت میباشد —

خطرهٔ هندستان

۲ جولائی — خبر دهلی — بتاریخ ۳۰ ماه جون — وقت مغرب یک شخصی به لباس فقیرهای هندی درپلک برج لال قلعهٔ دهلی که مشهور بدروج سلیم گراست بطریق خفیه ازطلب برج بالاشده توپانیکه درروج مذکور بودند اسپاهای آنهارا خراب میکرد — وچند عراده توپرا خراب هم کرده‌بود — کهشخص مذکوررا پاهیان انگریزی گرفتار نمودند ازین واقعه برای حکام بسیار خوف پیداشده — کهاین معامله پیش خبهٔ یکواقعهٔ کلان خواهدبود تاحال حقیقت آن ظاهر نشده —

خبر ذیل ازطرف وزیرهند بوایسرای رسیده است —

پیشقدمی انواع جرمن و آسترا درولینه جاری میباشد — وانواع آنها وزاموسك وزعلاقهٔ شمال کاپنو قبض شده‌اند — دالی مقاومت تعاقب روسیان را کردند — وروسیان تسلیم میکنند که پیشقدمی دشمن جاری است وبتاریخ ۲۹ جون بانواع تحفظ خط جنگ شدید واقعشده وفوج جرمنی بمقام کوهاتی رسیده است وجرمنها برمقام تمدان حمله کردند که ازایشا مسافت نصف میل واقع میباشد — وحملهٔ جرمن ها در علاقهٔ از کان بشدت میباشد — ودرجنگ علاقهٔ آسوترو پیشقدمی اطالویها نهایت سست میباشد — وخلاصه انواع اطالویرا پیدا نموده برای حملهٔ جدید تیار شده‌است — نامه‌نگار اخبار کاپتر در باب جنگ درداردانیل مینویسد که درجزیره‌ای کالی پولی حملهٔ خفیه‌ای شده ست چرا که هیچ موقع کزرون استحکامات درانجا نیست .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1282 of 1786

اختراع جدید حیرت انگیز جرمن —

لندن ۶ ماه جولای —

کمپانی اخبار دیلی میل از شهر راتردم واقع هالند مینویسد تازه ترین اختراعات جرمن برای تباهی و بیچارگی دول حلیف طریق پرواز هوائی کلان میدان مثل کشتی آتش فشان میباشد که خود بخود پرواز مینمودند — چون جرمنها برای حمله وهجوم مقرر تیار شدند سرعت آتش باری آنها بسبب اختراع مذکوره خلاف قیاس واز حد زیاده خواهد بود —

اخبار واسطهٔ زیوخ —

حمله جزء قسمت جرمنی در شهر ورلی —

لندن ۵ ماه جولای — ۲۲ شعبان

پیرس — پلتشخصی مشهور ازدولت غیر متبادار که از شهر ورلی آمده است بیان میکند که در هفتهٔ گذشته درمیدان یک تجربه درموقع یکدسته عسکری قسمت قسمت خورده که درچه اندازه گرمدم کتابستان هیچ جنگ نخواهد بود — وجنگ حاضر درماه اکتوبر سال روان باختتام میرسد — واقسران وسپاهیان اظهار خوشنودی کردند ودرمدار السلطنه ورلی نهایت جوش پیدا شده است — همهٔ اهالی عموماً وقسم عسکری خصوصاً امیدهای تازه دارند که قلعه ها واحتیاجاتی که جدید پروی کار آورده شده است جنگ را بهمچه حال پیش ازدستان خاتمه وقیصه میدهد ودشمنان را مجبور به تسلیم میکند —

اغتشاش در پرتگال

۶ ماه جولای

درشب گذشته باشنده کان شهر پورتو بسیار مشوش بودند زیرا که جرمنها بیان کردند که آنها انواع اسلحهٔ جنگی را بعد از کشت وخون بسیار درمیدان حربی بالکل مغلوب ومجبور نمودند —

(کار بلا یکها ماند !)

۲۷ ماه جون — سنه ۱۹۱۵ — خبر لندن — از میدان جنگ خبرمیدهد — که یک دسته سپاه برطانیه درحالیکه ازمقام ماؤ شکست خورده — پس پس میشدند — درآن وقت یک جاهل ملانگی را دیدند — که درمیان سپاهیان — انگلیز — وسوار ان جرمن حائل شده — وسپاه — جرمنی ازاتفاق سپاه انگلیز بازداشته منتشر نمودند —

۳ جولای : خواندن مسنر — جی — پی — مارکی — انگلیز که در ملک امریکه بجهة خرید اری اسباب حرب رفته بود یک شخص جرمنی گفت — امریکه — دریک مدرسه مدرس است بالای انگلیز مذکور — دوفیر تفنگچه نمود — مسنر مارکی — هلاک شد — ازقاتل پرسیدند که چرا چنین کردید گفت کذوازده میدم — انگلیز رغیب خریداری اسباب جنگ را ازملک امریکه نمایند —

۵ جولای خواندن — جهاز کارتیج — نام جنگی — دولت فرانس را ازورود درمتبادلات فریبدادن مجبور گردانید کشتی تحت البحر ترک دریه کاریدو — غرق نموده ازجمله آن ۲۶ نفر جات دادیدند — وشش نفر مفقود الخبراند —

۵ ماه جولای خبر ایستر دم — کشتی تحت البحر و نمبر ۳۰ — دولت جرمن که قبل ازین غرق شده بود — جهاز مذکور راجرمن

عاید ازمدت ۳۶ ساعت — ازقصر دریا کشیدند — ازجملهٔ آنهادر مدت ۳۶ — ساعت مذکور بحر صرف یک ملاح هلاک شده بود باقی همه طوری حیات بودند —

۸ جولای — جیرومه — بطریق رسمی خبرمیدهد — که درشب گذشته جهازات دولت اطالیه درشمال بحرایدریاتک غرق شده — وعدد که کدام کشتی تحت البحر — دشمن یک جهاز جنگی — غرق کردند — ابقی نام دولت اطالیه نگاریده اضافت چون نگاریدو — بجهاز رسید یک طرف کج شد — وبعد ازچند دقیقه غرق گردید — درانثنای غرقیدن غرق جهازهوردا کشیدباشتاه خودرانجات کردند —

۹ ماه جولای خبر لندن — امروز وقت صبح بمقام هالاسلو که درمشرق جنوبی مغربی شهر سالندن یک جوهری است دریک کارخانهٔ باروت سازی — آتش گرفته صدای بسیار بشدت پرمیدن گرفته — شنیده شد — بعد ازان پانصدتن بسیار زور وقوه رهواطاف کردند — صدای پریدن مذکور — درحدود ۱۵ — میلدور ازمقام مذکور شنیده شد — مرکوبات کدام جهازهوای دولت جرمن ریکارخانهٔ مذکور بمباندانده است تمری زیاد هلاک شده واز کارخانه آثاری باقی نمانده است

نامه نگار خصوصی ما ازحدود مینویسد

کنسول دولت روس که درملکت ایران بود آزاکتال رسانیده ماند کامال معلوم نیست که مرده ایرانی هلاک رسانیده ویا ازطرف دولتهای محاربه دو شهر روس را در حدقفاس عسکر عثمانی تخلیه نموده — درین روزها جمعیت عسکر روسی در شهر ها گویه میباشد از قرار گفته کدام جزویه عسکر دولت مذکور بلکه آمده قدرت که بوجود مذکور جرئیت کامل رابشهر یزد کویه رده عسکر های دولت معظمهٔ ایران و حرمایه داوستریا اطراف شهر مذکور را محاصره نموده معلوم نمود گفته میشود حرب کلان مذکور این چهار یا کوجاست اگر این شهر ازدست روس رفت احوال مذکور خیلی خراب خواهد شد ازمدت اوریتا روز مانده در اخبار های خود مینویسد که اوریتا اگر جرمن نیست درض خود ازجرمن کم نیست — اخیرها یعنی کلان ترهای عرصهٔ ترکی را حکومت روس از هرجا به صور خواسته ور به ۲۰ شهیر رجیالترجب الجین ترکی ها بشهر صور جمع شدند تخمیناً متصدقراطین بودند پیر لیک یعنی صاحب صور بهاجیها گفت که دولت روس ازشما مردم فی قراطین چند وینج سوار برای خدمت میخواهد اجین ها درجواب مذکور گفت که چند حرابه روس ازمامردم پل غدواسب وغیری خواست مامردم بدادیم مقدا هریمه که ازطرف دولت حکم شود مامردم قبول کردیم حال که روس فی الجین چند وینج سوار میخواهد صحیح است مامردم رنا هستم لازم است که تاخوره وکالان بحرب روم وسر خودهارا درینج بهتاریخ لا کی امسال گذوند روس حربه داشت از مامردم خیلی تمری واسب وپال خده رفت هیچ معلوم نشد وبیتود حال که باز هرمن تمری الساها کرفته شود و بتال ساعة پی جای میرود فرمای مامردم کمک وسلاح کامل داده شود بعدازدیوم آنچه که هستم به مرجایی که حکم باشد میرویم وخدمت میکنیم اسلحه وغیره هیچ چیز دون سلاح ازروس قبول نداریم کامل از خودمامردیخشد ما گفت کور گفت که این حرص شماها قبول نمیشود الجین ها گفت که این حرص مامردم قبول نمی کنند پس مامردم هم این حکم را قبول نداریم چونکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1283 of 1786

خدمت ما میرود یکنیم نام یکی از دیگر شخص باشد اغیر ما کی مد کور دهیم و نده دانه وه که بعد از دهوجوان میدهم لا کی روس بایدقدر میرسم از ترس جان خود بعام و خاص تعلق داده نمیتواند و میدهم ترکش هم یک نفر ندهند — فراحوت های جوان جرمن شهر لندن باقحت انگلیس زادرداده خیلی نفسان ها بشهر مد کور رسانیده — امپراطور روس درین روزها باشکنکه می آید در اخبارهای خود نوشته میکند کرای هواموری وحفظ می آید لا کی غلطات معلوم میشود که از جرمن یک ما وزیر وقت خود شکوت کرده نمیتواند — قند ومس وفولاد در تمامک افغانستان از طرف دولت مد کور می آمد مس و فولاد را متوقف نموده وارقند قریب سه‌صدان از جانه مر کار بخریدار قند داده میشود قند در نجا فی داده چهار پنج روپیه رسیده

۱۳ ماه جولائی سنه ۱۹۱۵ — خبر سمله منجانب وزیرخانه رای ویسرای هند از لندن خورسیده — که جنرل سر جان فرنچ سپه‌سالار فوج‌های دولت برطانیه از میدان جنگ ملک فرانس راقطرار است که جرمن‌ها در مقابل فوجهای مازن این قسم تاس‌های تیر وزهرناک ملک درمقابل سپاسیان استعمال می‌نمایند — کمچون هوتزاس مد کور جماع انسان میرسد بحیره دیدن بوی‌دوده — راانسان یک حالی غش‌میکند طاری میشود وبعد ازان بیهوش — تکالیف تمام — وحالن دردناک علاوه میشود جرمنها قبل از حمله کردن در صورتیکه رخ‌هوا بطرف فوج مازن بوده باشد — تاس‌های میلک‌را بقال‌ار بیرارند — بطرف مازن می‌فرستند و چون دوده مد کور — در بین فوجهای مازن رسید وسپاهیان ازدستاس بانک آمده‌خان خودشان سواران‌شان حمله‌کنند — یک حالن دردنا کی‌دچار میشوند — چنانچه ازهمین کارروائی کاس‌های خود درنواح ایپرز یک‌فقدهٔ بسیاری نمودند —

۱۵ جولائی — خبر لندن — از پیترو گراد خبر رسیده که دولت جرمن بسیار فوجهای زرگ خودرا درشمال وار سلوو بقال وحرکن آورده — وتاریخ ۱۲ ماه حال فوجهای دشمن درحدود نارو یک حملهٔ بشدت جاز حمله نموده — ولب دریای نیمن — روز ۱۳ ماه حال سنگرهای مازن را قابض شدند — ۱۲ جولائی خبر پیترو گراد بطریق سرکاری خبررسیده که‌برای‌فوجهای جرمن واستریا در میدان جنگ روسی — بسیار سیاه تازه‌دم کمک رسیده — بتاریخ ۱۴ ماه حال درعلاقه جات شمالی جرمنها یکلک — یک حملهٔ بسیار بشدت نموده پیش قدمی نمودند — ودرسعی مقامات دریای دسترا عبور نمودند جنگ بسیار بشدت جاری است فقط

۱۵ جولائی خبر پیترو گراد — از میدان جنگ یک حکم نامهٔ — فوجی بدستخط جنرل میکلسن جرمنی دستگیر شده — دران‌مجرر است که این تسخیر دوباره عظیم‌الشان ملک — کالیشیا — محض یک نمونه — روسان — یعنی قساک — جنگ موجود است بایدوم — رومان مد کور — درنواح کیف ظاهر خواهد شد — وازین لشت کمدر استحکامات وقلعه بندی‌های کالیشیادادند — مدید دولت روس جدوجهد نموده — فوج‌های مازن درمدت پانصدگام — استحکامات وقلعه بندی های ایشانرا تباه‌نموده — تمام کالیشیارا تسخیر نمودم — پس ازین لشت — باید که مازن — ازین کروه درقلیل مدت دریای لخت دولت روس خودرا برسانم — ودام علاقه‌جات مغربی روسیرا قابض شوم —

(حمله های شدید جرمن)

لندن ۱۳ جولائی — سانح شمال —

خبر رسمی پیرس مظهراست که جرمنها در علاقه آرائس حمله های جدید شروع کرده وبعد کلوله های کلوکر در حمله دوم رفرستان وخندقهای نواحی آن قبضه نموده در مقامات خصوصاً در سمت جنوبی بذریعه کلوله‌های بی دستگی حمله‌های شدید کردند

لندن ۱۴ ماه جولائی — ۲۹ شعبان —

خبر پترو گراد مظهراست که طرف جنوبی ایلن جنگ جاری‌است ودر بعضی مقامات جرمن‌ها این قسم تاریخا استعمال می‌کنند که بسنت اول غلطیکه درپیش میباشند — ابتدا از اراضی‌شان بذریعه سانیکه برای ایکن کردن آن تار تجویز شده وبرق کار کنان شده است — وجنرل میکلسن (جرمنی) بیان کرده که بار کردن علاوه کالیشیا چندان دقت ندارد — روسها آنده ساد کالیشیارا مضبوط می ساخته وما در یک ماه کل استحکامات آن را رهم کوبیم وامیداست که ما در وقت کنر تار السلطنه قدیم روس (وارسا) خواهیم رسید ودر علاقه جنوبی دمغربی روس قبضهٔ دائمی خواهیم کرد —

نامه نگار اخبار دیلی گرافک خبر میدهد که در وسط پولیند جرمن‌ها دو رشته‌ایل کرده اند — مابین وارسلو ودر وسط مستحکم ساخته شده دوخ صرف در خط اول میباشد ودو خط دیگر اعتدا تاً تیار شده اند که بصورت سپاس یکلک پیاده — صفطریق‌های استحکام کاملا بدرستی خروج بود باشتمال آورده اند بلکه بعضی طرزهای جدید هم اختراع کرده‌اند — ودرخت های جنگل را سوراخ نموده‌پس پشت آنها برای سپاهیان جای ساخته اند — ودر داخل خطوط خندقها کلوله‌های فولادی استعمال کرده‌اند — پشتروی خندق‌ها تاطاقهٔ سیمانداربیانند وپیش روی آنها کلوز خبها موجود میباشند وپشتروی قلب های مد کور آهنین قلب های پشته که بحیره پهلن پای بی کنند — ودر قلب ها نار رهگذار پرمیباشد ودرک های زیاد تیارشده است که بدرعت تمام سامان جنگ آورده شود — وخرابی‌را بصورت فاجعه تبدیل نموده اند ودرآنها توپهای مانتین داردآنهاده اند — ودر شاخهای درختان برای توپها وسپاهیان جای ساخته‌اند —

در علاقه بالتیک متعلق روس تعداد کثیر مالکان آرامنی از نسل جرمن میباشند — ودر ابتدای جنگ ملازمین آنها (که دراصل فوری نظام جرمنی بودند) غالب گردیدند واکنون بطور رهبر فوج جرمن کار می کنند چون جرمن‌ها از حالات آن علاقه بخوبی واقف بودند لهذا فوج جرمنی درعلاقه مذکور بقدریهٔ موزها بفتار بی پایهال میل روزانه پیش قدمی کردند —

لندن ۱۲ جولائی — ۲۹ شعبان —

نامه نگار دیلی گرافیک از پوزنان مینویسد که‌دریک کشتی انگریزی که از ارزروم بطرف سلز فته بود دریک جریحه قندیب ژوفید وبعد ازتحقیق درچند جریحه دیگر نیز بمباهائفته میگوید که درکار خانه‌های قند سازی امریکا اکثر نفری‌ازنسل جرمن میباشند —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1284 of 1786

لندن ۲۴ ماه جون —

یك سیاحی انگلیزیا درخط سوء توشه است که معرکهٔ گیتی پولی سخت ترین معرکه های جنك حاضر میباشد — او میگوید که درهیچ وقت کس از آتشباری پاره پاره نمی‌تواند —

شمله ۸ ماه جولای — ۲۵ شعبان —

تلگرافی دیلی از طرف وزیرمختار به واشنگتن رسیده است — بعد ازوقوف مذاکرهٔ دشمن در علاقهٔ چولیه پیشقدمی نموده است — ومقصد دشمن گرفتن لیان میباشد وبعد ازحدت شدید افواج جرمن و آستریا رهی دوطرف کرانهای خط فوج روس را رهم ساخته اند — وروسیان بالکلی کنترپیا شده اند — روسیان پیان میکنند دشمن مابین کرانهای دریای ویپ رز بطرف لیان حرکت میکند — ودر کابلهای مشرق روسیان پیدا شده برای زه کالیزارا عبور نموده اند —

لندن ۷ ماه جولای — ۲۴ شعبان —

بقرارجازه یك کپی فرانس آف ۳۱ ماه مه از افواج فرانس چهار لك نفر مقتول وهفت لك نفر مجروح وسه لك نفر مفقودالخبر شده اند

لندن ۷ ماه جولای — ۲۴ شعبان —

جرمنها ازراه باجیم توغلات جدید بطرف مغرب میروند — وافواج شان بزیه طاق سمت حرکت میکنند وکوشش دارند که مقصد حرکت افواج شان اردشمن خفی باشد —

لندن ۸ ماه جولای — ۲۵ شعبان —

همه جرمن ها رهنمای سوچ چرچیل میباشد — وآنها درشب گذشته بطرف مشرق سنت میول پدریه کلوکباری همه سخت آورده وریك مقام خط فوج مارا کساف هفت صد میز شکافته بطرف مشرق پوش‌اوریز جرمنها در همه جوه آتش روان وسیاه استعمال کردند

افغانی

روژه

روژه میاشت ده بخشود — ژان خیر که لسو د
د روژی فضایل ور وی — له حساب ژ حمد لږ وی
خو را وږ په ثوا وینه — وی په دك قول محکما وینه
روژه خدای ده خاص کړی — وخپل ژان ئی منسوب کړی
دا حقیت ژ ریف قدسی وی — یدا شان د اصوم ئی د وی
د آ اجوزی په د کتو ره — وی د وی پخان کی وروزه
خبرهای و یلی به قرآن — په ته طور او په ته شان
چه د شهر رمضان د — انزل فیه القرآن د —
خوږا ثبات میاشت ده جانه — ژان په وه که پرما گیراه
رحمانی انوار له پاس — تابیژی ستر له لاس —
هر دعا چار ژ ډیر بزی — تعاسو پریوا لیږی —
روژه وی قسم ده جانه — ژان که چه وارونه له ماته
هر چه چه په ده تا ده — ژان خیر که هغه تا ده
ده خوږك او نه چاك وی — او دبطن وفرج ساتل وی
دا روژه ده د خدا امر — د مخالق مخدا تابو —
د بیکاتو روژه دا ده — چه مخسوله د مو لا ده
باید ټول اعضا ساتلا کی — له گناه په پشاه کی

نه په پشو نه په لاسو ق نه په نورو اعضا مه
پر کینه وکی اقدامو — خپل ژان وسائی مه دام
د اهمی درجه دا ده — چه ژ تو لو نه اعمال ده
چه ژوره پاك نه ساتوا کی — وایته په ده مو لا کی
دا روژه ده د خاصا تو — د اری د مطیعو لا تو —
چه روژه په وی گناه کی — فایده نکی ژان ته لری
روژا ئی چه گنه کاروی ق په شان د وی بیاروی :
چه پرهیزگ ډیوه نخوری — اوبه توی لاس زهرجنوری

(سابق محمد)

شکریه ختم ماه رمضان المبارك

شکرنه که ماه رمضان بار آمد — آنکه بهال عزیز است چو جان بار آمد
یازده ربنهٔ ماه که پی از یك سال — یافتار دو صد عطسه و دان بار آمد
صاحبقرا ست ازین مژده نه طاقت — طاطان و ابدان اندوه گران بار آمد
مومنان راهمه جاخاص بافغانستان — در کمر ازادهم منصور عنان بار آمد
زانکه باعادت دیرینه محشر قرآن — شاه باجمله اعیان و سران بار آمد
پس آن خسرو گیتی که مراجالت — اقدش درهمه آفاق عیان بار آمد
بسکه شوق بجلادو مجاهدکرده — ازپی طاعت شهر رمضان باز آمد
سوی جامع بزاروچهل وان شدازدرك — پاوی آن حافظ قرآن خدا نان باز آمد
پیرده روزه اقامت چمین زار حضور
فستقرابن شده نور فشان بار آمد
خیمه وار گه خسروی آمد چمین
چون بهاری زپی رفع خزان بار آمد
پس گزید بهاد نسم بلطافی
وقت افطار دوپیرو جوان بار آمد
پیر خوان شبی افت صلاخاص وعوام
پیرو راز لعشق خلق جهان بار آمد
بعد افطار همان جمع نظری انشاء
سوی مسجد همه آمور وروان بار آمد
مسجد جامع عیدین درین مه ده شب
درسی موسمعها خطر گران بار آمد
مولوی آن بدهم شب چو پذیرفت اقتدا
سوی منزل راز هم کار امان بار آمد
بارب این خسرو اسلام که فیض گرمش
همچو ابر بهمه اهل زمان بار آمد
تا به کی چو آمد شده ماه رمضان
خلق گویدکه چنین رفت وچنان بار آمد
بهر دل شاد به افزون عمرو دولت
که باسلام از و امن و امان باز آمد
هست شیخ احمد غلص چودعا گوی درین
شامل دعوت او روز شبان بار آمد

در چاپ خانهٔ حروف دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

همه نقلهاییکه مستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر مجرم باشد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1285 of 1786

اعلان

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ کارهٔ مطبعهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار متنوعهٔ گوناگون بیادگار رفیق اعلا ، وخوش طبع دانا ، بانصاف بسیار زیبا جلوه گر بازار خریدار گردیده است ، اگرچه از حسن خط وسطر بعد است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکدرجه جدیداست . قیمت خوبیهای شاعری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . بمقابل (۴) در روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت تا زده عبدالرؤف خان سر حوض ، ودر بازار ارک از دکان حاجی محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ دلپسند رسیدهٔ کارهٔ مطبعهٔ عنایت ، کلمه را تحسین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یک ناولیست که قوت عشق ومعرفت دینی وقدرت را برای انسان زندگی نوع بشر بنظرآیات وجلوه گرساخته . هر حالات ، هر حیرت هرفن ، هر فضیلت ! خوبی باب ، خوبی کاغذ ، خوبی نسوش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه حال فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، و کابل از محمدور بازار ارک ، و دکان حاجی غلام محمد خان مرکت متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ۲ ۰ ۰ مصور مجلد

کتاب سال سوم ۲ ۰ ۰ مصور مجلد

علم و اسلامیت

آریه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوق در اداره مو جودست ، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی

سیاحت پرورا دورزمین بهشتاد روز مجلد ۲

سیاحت در جو هوا مجلد ۲

سیاحت در زیر بحر هفتاد هزار مجلد ۴

از هیجدهم بیستم و از هوجین تا نهی مجلد ۲

روضهٔ حکم مجلد ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مفوقه را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دره افغانان از ده عبدالرؤف سر حوض واز دکان حاجی محمد خان از دکان غلام محمد خان مرکت متصل مدرسهٔ شاهی مجلدهای مفیش خریداری کرده میتوانند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مفوقه را بکنند باید در سراج الاخبار افغانیه اظهار کنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1286 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرامی خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین گرامی دار السلطنه کابل خودرا بتوانیم تکمل نمائیم بازهم کتابه مرکزی دار السلطنه کابل یک حادثه توده دا کتابه مشترالاه تقسیم و توزیع اخبار را که بهده مشترکین گرامیا رسانه درعهدهٔ خیث خود قبول نموده . مشترکین گرامی دار السلطنه خود را متشکر وید آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه بر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتابه گفود داده میشود .

شرایط خریداری	
دار السلطنه	ولایات داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت شش ماهه پنج روپیهٔ کابلی	شش ماهه هفت روپیهٔ کابلی
خارج افغانستان	
مرحبیکه باشد با اجرت پوست	
قیمت سالیانه بیست روپیهٔ انگلیزی قیمت شش ماهه ده روپیهٔ انگلیزی	
سه ماهه اشتراک قبول نمیشود	
یک طلای بوه انگلیزی وازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند	

یاد آوری

رعایهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیک جابدیگر جاروخو یاینده میباید که یک رقعه در وسر محرر را خبر بدهند که من درفلانی جابودم وحال درفلان جامیروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچین یک رقعهٔ شان برای نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

خواه کسان که دارای تجارتی ، وصنعتکرانی که صنعت خود را دار سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وخواه هرنوع اعلان وانتشار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقیه درج شود اگر یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر به شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — انچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا تکراراً یکساله نشر کردن خواهد ودرسه یک ساله را بیشتر اگر لایحه ورق باشد فی سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1287 of 1786

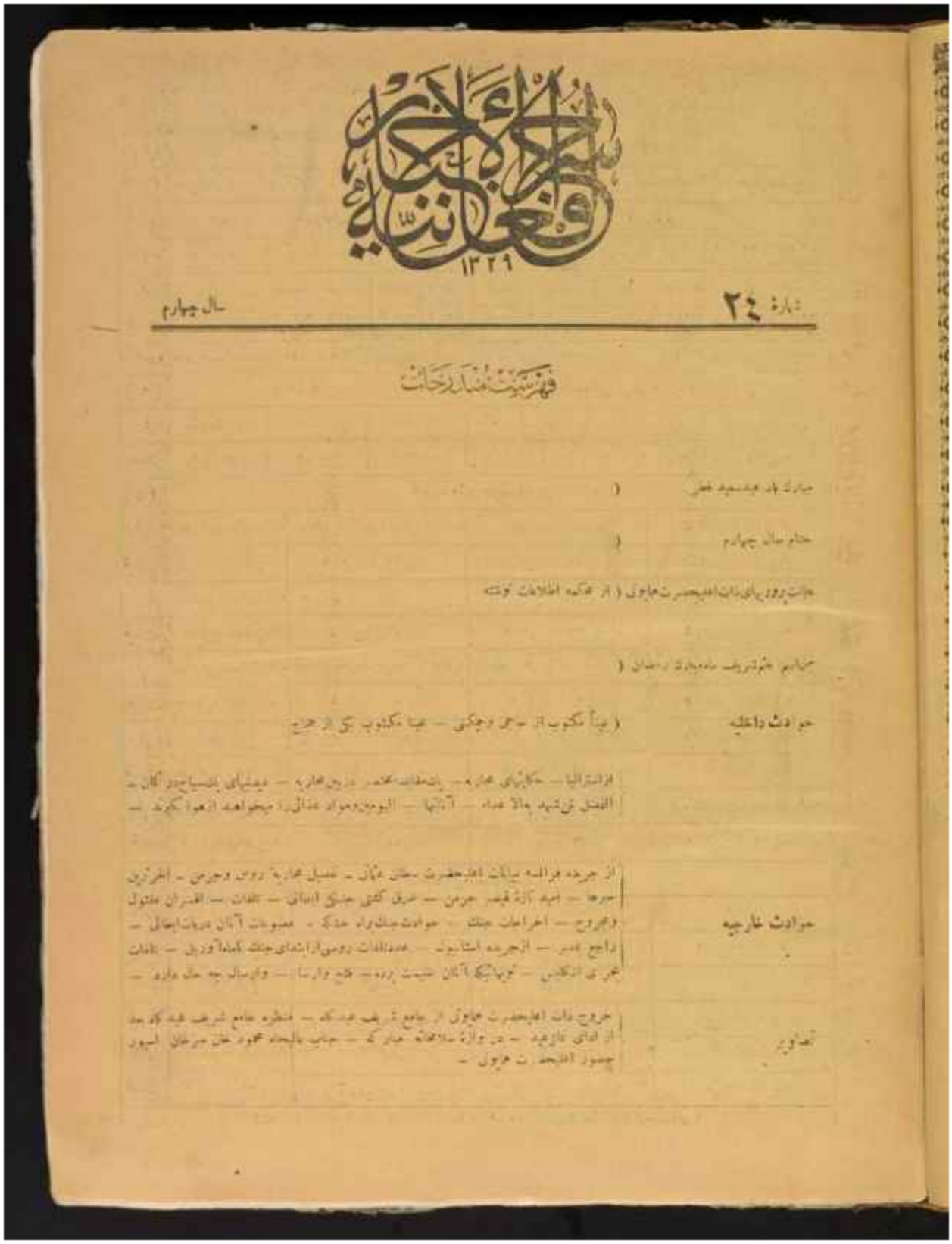

شماره ۲۴ سال چهارم

فهرست مندرجات

مبارک باد عید سعید فطر (

جلوس سال چهارم (

جلوس روز پای‌دان اعلیحضرت همایونی (از عکسه اطلاعات توشه

جشن جلوس شاهنشاه (در تهران (

حوادث داخله (عیناً مکتوب از سرحد وچکی — عیناً مکتوب یکی از جزیره

حوادث خارجه | فرانسه‌ایا — حکایتهای عجاره — پانصد نفر عنصر دزدی عجاره — دیشهای پاشیاچه در آلمان — الفضل بن شهید بالا عداء — آتاتها — الومن ومواد غذائی را میخواهند انحصاری کنند — از جرمه فرانسه بیانات اعلیحضرت سلطان عثمان — تعمیل عجاره روس وجرمن — اخرین جرمها — امپراتور قیصر جرمن — غرق کشتی جنگی انگلیسی — تلفات — افسران مقتول وجروح — اخراجات جنگ — حوادث جنگ راه حدگ — معیوبات آلمان دربیانات اعتمال — وقایع مصر — از جرمه استانبول — عدد تلفات روسی از ابتدای جنگ تاکنون آوریل — تلفات عجری از انگلیس — تونیا بکی آلمان خیلت پرده — قلع وارسا — وارسال چه حال دارد —

تصاویر | خروج ذات اعلیحضرت همایونی از جامع شریف حدرکه — منظره جامع شریف عید گاه بعد از ادای تاریخ — در والاحضرت عجار کی — جناب بالجاه محمود خان سرخان لیسور حضور اعلیحضرت همایونی —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1288 of 1786

اعلان

از صنایع بدیعهای دات سلوده صنات اعلیحضرت شهریار اسبق واقدس پادشاه زمینجاه دولت علیه افغانیه وسبی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات وماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه رایحای حوایج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه وقوطیه وادویهٔ ورمه های سا گرشاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از ان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروشی ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارگ) میباشد.

(۱) سرپوشهای ریشمینه باقی رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گرانکاری ۳ نوع مشخص شده در سنه وقطعهٔ جنسی هر فروش میرسد.

اقسام	قسم اول			قسم دوم			
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم	
رقم	رنگ / خودرنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ
قیمت	۵ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۰ پیسه	۹ روپیه	۰ روپیه ۱۸ پیسه	۰ روپیه ۱۰ پیسه	۰ روپیه ۲۰ پیسه

کشیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی | کشیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشیره دهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲) چراب ها | (۳) نکه‌های چرمی چراب ومنبردار

رقم	نکه‌کلان زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۷۵ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو کره	زه باف یک اسپه دو کره سه کاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ بار کارهٔ کهن
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دست دولاسه اسپی دواسپه	چرم باف دست دولاسه یک اسپه	دست دولاسهٔ یک بار اسپه	چرم باف عرکیان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	آبده رنجیر کلیت دره دولاسه	قبضه کلیت تکره از چرم یک اسپه توپخانه	زه باف رقم سواری ساس کلیت	زه باف دو کارهٔ رکاب
قیمت	۲ روپیه ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۷۲ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب الزنج	چرم باف میانه چوب پت زناله	ازارین سواری تیغ چرمی	زناله ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولاسهٔ رنجیر کلیت تکره	از زین سواری دولاسه تیغ چرمی کمیت دار	چرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرمن	گل نارنجن	گل زرینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۹ پیسه	۹ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۸۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۹ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(الناشر) (سر کاه عمله دفتری کار خانجات (کپتان خانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1289 of 1786

صحیفه (۱) سال چهارم شماره (۲۴)

قیمت سالیانه
در دار السلطنة کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف واکناف مملکت
با محصول داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با محصول داک ۱۰ روپیه انگلیزی
جریده روز یکبار انتشار مینماید
قیمت یک نسخه آن دو کابلی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر مسئول
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و طبع
در مطبعهٔ دار السلطنة (کابل)
جمله امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ یکم شوال ۱۳۲۳ تاریخ انگلیزی ۱۳ دسمبر تاریخ شمسی ۲۱ قوس ۱۲۹۴

سراج الاخبار افغانیه برجمیع مؤمنین ومؤمنات
تبریک عید میامن پیرا مون فطر را مبارکباد میگوید،
وخیرها ودعاهای جمله ملل اسلامیه را عموماً
ودولت ومات ووطن مقدسهٔ خود را خصوصاً
از درگاه خداوند تبارک وتعالی تضرع ونیاز مینماید.

ختام سال چهارم

حمد و ثنا بذات اقدس حضرت باری تعالی جل وعلا، جریدهٔ گرامی وطنیهٔ سراج الاخبار افغانیه مدار پارهٔ پیشاد جلوه خوانی آخرین نسخهٔ سال چهارم خودرا باختام رسانیده، سراج ثانیهٔ آینده که مصادف بازدهم ماه شوال المکرم است، انشاءالله تعالی نخستین نسخهٔ ثبات سال پنجم خودرا بحرض انظار قارئین کرام وجود میرساند، دران سپاس وثنای اوشاد مقدس بلند و کبریای بی چون و بی چگون را بجا آورده، و بعد از آن بعرض تبریک عید سعید فطر و تهنیت ختام سال چهارم بحضور اعلیحضرت پادشاه مقدس ما یکی از مهمترین وظایف خود شمر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1290 of 1786

انتشار یافتن افتخار . در وطن عزیزما یکی از ایجاد های فوایدِ اتحاد بسیار مزیه ایست که محسوس نمر فرخندگ حصر سراجیه میباشد .

درخصوص فایده‌مندیهای جرائد ازاحکام آغازشر سراج‌الاخبار افغانیه باربار سیاها رادعایم ، و اگر مجدد گفته شود بازهم نسبت باهمیت آن کم نمیشود . درروی خسر جرائد یومیه و هفته‌وار وماهانه بدرجهٔ خوراک وپوشاک ماحتاج مردمان گردیده است علیوبنا خروار کاغذ درزیر چرخهای ماشینهای عجیب‌الطول طبع ، درپرواه بخروج میرود ، وباز هم نسبت باحتیاجاتی که مردمان این عصر عجایب پیدا کرده‌اند کافی‌دیده نمیشود . وطن عزیزما درسوقت تنها عین یک دانه جریدهٔ وطنیه‌را مالک است ، و امید است که بسایهٔ عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه معارف آگاه توفیقخواه مقدس‌ما جدیت تعمیم یافتن ووسیع شدن علم وعرفان مالک‌ومات ، جرایدنیز کثرت وافزونی گیرد .

(سراج الاخبار افغانیه) درمدت چارسالی که بمشتریان آغازنهاده است بقدرویع وطاقت تحریر، وبدرجهٔ قوت وقدرت قلمیهٔ باجازات موروثیهٔ خود حسب مقدرت توده عیارگردیده میدانست . وهرانقدری که میتوانست دربارهٔ آموزش وظیفهٔ خود — یعنی در خصوص عرض نمودن معلومات کافیه ، ونتایج مفیده ، و احوال عالم ، و اطوار اقوام براخوان وطن ، وهموطنان عزیزخود گوتاهی نبود . اگرخوب میکوشید اگرد ، اگردانست میکوشید اگر کج ، ثبت ومقصدش برخیر خواهی ورائتی و دوستی مبنی میباشد ، گاهی ازعلوم وفنون ، گاهی از صنایع وبدایع ، گاهی از زراعت وتجارت ، گاهی ازاخلاقیات وادبیات ، گاهی سیاسی گاهی قیدی ، گاهی داخلی ، گاهی خارجی و اخبار عربیه که میکوشید و میبینید خواه مقبول خواه معقول جهد کرد بنیت خالصانهٔ خدمت وطن ، دولت ، ملت ، وطن است .

(سراج الاخبار افغانیه) یکداده جریده ایست که بسایهٔ عرفان پیرایهٔ اعلیحضرت پادشاه مقدس‌خود جلوه‌گرباز معارف شده‌است . اینکاهیست که‌خودرا جامع‌الصفات ساخته درراه استفادهٔ اخوان وطن ، وهموطنان عزیز خود عرض خدمت نماید . وازین است که‌هم بهمت یک جمعهٔ علمیه ، وهم بشکل یک رسالهٔ موقوتهٔ ادبیه ، وهم بطرز یک جریدهٔ سیاسیه ، وهم بنشر یک اخبار خبرهای جمعیه شده بمیان میاید . اگر همچنین نکند ، چه‌کند ! زیرابرای یک‌مملکت ازهرقسم اینچنین جرایدی کمند کور گردید صدها جراید لازماست . حالانکه « من یکمان باشق صد آندین رخساره‌ام ! »

(سراج الاخبار افغانیه) بامهٔ کروجوه هستی خود — یعنی بامهٔ حروف وکلمات وعبارات وصفایف واوراق خود — ازمراحم واشفاق ذات شوکتمات اعلیحضرت حامی ملت مقدس عرفان پناه مقدس خویش عرض تشکرات بلاپایات میاید ، و « دعای خلق ازپی افزونی عمر و اقبال ، وترقی شوکت واجلال شاهانهٔ شمارا ورد لبان عبودیت وصداقت میاید ، توفیق روزافزون دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خودرا ازدرگاه ازله متعالی نیاز و استدعام میکند ، برای ملت ووطن مقدس خود سعادت ، سلامت ، عزت ، ثروت ، ترقیات میطلبد ، ودر بارهٔ خود توفیقات صمدانی را تضرع میکند ، تا وظیفهٔ خدمات قلمیهٔ خود را بدرستی وخوبی بجاآورده بتواند .

(سراج الاخبار افغانیه) حسب وعدیکه بامشترکین کرام در آغاز انتشار خود نموده ، وباکمال در عرسال بتقدیم یکجلد رساله کتاب نیز

بانظم بنام (هدیهٔ سراج الاخبار افغانیه) موفق آمده ، درپیشگاه پدرعرض وتقدیم نمودن یک کتاب (مختصر جغرافیای عمومی) عرض خدمت مینماید ، چون بعضی از مشترکین گرامیها رای‌ما میفرستند که ازبعضی اصطلاحات جغرافی وزمینها وتپه‌ها و موضعهای کمیر ، یا الاخبار افغانیه نامهای شان مذکور میکردند تفصیلات ومعلومات کافی بنویسیم ، لهذا خواستیم کاحول خاطر مشترکین کرام خود یکجلد کتاب جغرافی (گرچه مختصر هم باشد — عرض وتقدیم کنیم تادر ظل جغرافیه یک معلومات اجمالی حاصل کنند ، وازتقدیم قطعات جغرافیه وتعیین اصطلاحات جغرافیه یک سررشتهٔ بکلف آیند ، در مشترکین کرام این آرزوات بحری گاهاوصف متنی‌نموده میشود البته که‌باین کتابها احتیاج نخاهند خواهند بود ، ولی چون سنف مبتدی اکثریت دارد لهذا این هدیهٔ ناچیزانه‌را انشاءالله خیلی‌نافع ومفید یک خدمتی شمرده خواهد شد ، فانا سراج الاخبار افغانیه بحسر خدمت شور افکار هموطنان عزیز خود دیگر چه‌قدما دارد ! امیده است که این هدیهٔ ناچیزانه مقبول انظار اولی الابصار گردد .

(سراج الاخبار افغانیه) بادعای صداقت ابنای خالصانهٔ صمیمی ، زاید عمر واقبال پادشاه مقدس عرب القلوب و حامی اعظم عرفان بقلوب خویش رساله چارم خود خاتمه میدهد ، و دردوام انتشار خود توفیقات روزافزون وتوجهات جهانبانی را نیاز میکند .

دیانت پروریهای اعلیحضرت همایونی

(از مجلهٔ اطلاعات مینویسد)

چندانکه مخالف روزنامهٔ ژیان‌الوار متزن از تحریر شمارهٔ اخیرش وسائل است اول ازدرگاه ایزد وحده لاشریک جل‌جلاله غایهٔ عمرودوام دولت اعلیحضرت سراج الله والدین پادشاه عدالت مستگاه وقبلهٔ اسلامیان پناه را خواهان — تا بخدمت جناب مستطاب مدیرصاحب مکرم ومحرر صاحب معظم سراج‌الاخبار فیض وسعادت اثر عرض میشود گاهی‌رسائل گذشته خدمت ذیشرف از حفظ کردن حفاظ مدارس قرآن عظام‌الشان عرض شده بود — درهمانجا نیز تقرار گذشته حفظ کردن نامه ظریف حفاظ مدارس موسومه ه تکمیل رسیده مرقوم می‌گردد — در ۲۴ ماه رمضان سنه ۱۳۲۴ که خاص بارادهٔ شاهانه‌حضور مدارس حفاظ کلام‌الله‌شرف از حضورعرض ومرحمت گردیده فرموده شد — خلص فرمان همایون ایشانرا شاید که بسی توجه پادشاهی حفاظ کلام الهی درممالک محروسه خداوند افغانستان بسیار گردیده فیض ایشان تخاصوعام رسد — تخواه معلمین مدارس ممدوحه وخورا که ایشان وتخواه فراشان وخورا که وچوشا که ومصارف خدمی حفاظ وجمیع مایحتاج ایشان از طرف دولت ملحوظ ومقرر فرموده شد — همان است که موجب فرمان مرحمت ترجمان مدرسه های حفظ قرآن درپایه موسع دولت وسیع گردیده والی حال دوصدوچهارده نفر حافظ کامل از مدرسه های ممدوحه بدون حفظ قرآن الهی خارج شده‌اند که تفصیل آن بدینقرار است :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1291 of 1786

۲۱۴ نفر

مدرسه دارالسلطنه کابل که چهار نفر معلم مقرر است ۹۹ نفر — مدرسه حزار شریف دونفر معلم مقرر است ۴۰ نفر — مدرسه بدخشان که یکنفر معلم مقرر است ۲۰ نفر — مدرسه خان آباد یکنفر معلم مقرر ست ۵ نفر — مدرسه هرات که دونفر معلم مقرر است ۴۳ نفر — مدرسه قندهار دونفر معلم مقرر است ۲۲ نفر ، سابقه ۲۱ نفر ، الیوم زیوت زیاده ۱ نفر — مدرسه فراه که امسال واسطه عدم حفاظ در نفان تعطیل شده ۱ نفر — مدرسه پشت رود مال فراه در این کره تعطیل شده ۱ نفر — مدرسه میمنه یکنفر معلم مقرر است ۱۸ نفر — مدرسه غزنی یکنفر معلم مقرر است ۸ نفر — مدرسه جلال آباد یکنفر معلم مقرر است ۷ نفر

درصورت معلوم دار است که ملت نجیب ما افغانستان واولاد ابطال ایشان تاکنون و دامنه نفس و اپس خویش از عهدهٔ شکریه مراسم و لوازم وشئات وحق تربیت و زحمات مدرو جهانبار خود و حدوح عدالت شعار خود وولینعمت محبوب خود بوجه صورت راضیه نمی توانند غیر ازینکه سرومال وجان وزندگی وهستی خود را در راه رضامندی وخورسندی پدرمهربان وپادشاه جهانیان خود فداو نثار کنند .

که بنابر هر از عهدهٔ هزار یک شکریه احسان ولینعمت مهربان خویش بدر نخواهیم شد مدرسه دارالسلطنه درتحت نظارت جناب امین الاطلاعات صاحب ومدارس محالات وولایات در قید نظارت جناب حاکم صاحب وجناب قاضی صاحب جناب سررشته دار صاحب وکوتوال صاحب ولایت وغیره میباشد — چون جناب مستطاب عالیجاه محمد روزخان حرنیل حاکم کابل الحکومه شهر هرات یک قسم توجه مخصوص درباره حفاظ مدرسه القراء داشته ودارند — بنابران درخروج حفاظ ازین دو مدرسه های محالات وولایات مدرسه دارالنصرت هرات یک را یک از مدرسین وحفاظ کهنه است که جای تصحیح وتعلیم مدرسه موصوفه وعمل تذکر از تذکران ها وخدماری های جناب کابل الحکومه صاحب حدوح است — وحکمهٔ اطلاعات شکریه توجهات جناب کابل الحکومه صاحب را ازصمیم قلب نموده درخواست توفیق توجهات را زیاده ترزیاده می نماید — وجناب محمد اسحق خان حاکم فیض آباد بدخشان وجناب آخندزاده صاحب عبدالرحیم خان حاکم میمنه را نیز خداوند تعالی جزای یک هزارین نصیب فرماید که درسی وکوشش عاد قانهٔ خود کوتاهی نکرده اند وجناب محدوحان را بدولت اسلام پناهی ذات شریف جلوس اعلیحضرت فیض اکام پادشاه وبیک کام خواهانم زیاده فقط تحریر ۲۹ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۴۳ « دستخط میر یوسف سررشته دار حکمهٔ اطلاعات ».

﴿ مراسم ختم شریف ماه مبارک رمضان ﴾

افغانستان ، یعنی وطن عزیز بسیار مقدس ما از روی موقع یک تاکتیکی است بسیار مهم و از روی استعداد طبیعی مستعد و منبای هرگونه امر وکار .

افغانستان ، صحیح البدن ، قوی ، باهوش ، زرنگ ، زحمت کش ، یک مرد توانا ثابت که علاوه برآنها یک استعداد فطری دارد که هیچ مفقود است ، اما یک معلم عاقل و فیلسوف فاضل محتاج بود ، که در تربیه اوعقل وجه آنگاه گوشیده ، پس ازمدتی اورا باتحاصل مدبر عاقل ، عاقل کامل ساخته بتواند .

افغانستان ، بلند ، شاهد ، زرنگ ، یک کوهی است که مطرح کیبا از آفتاب جهانتاب طبیعت راو تکه تکه دروش را پر از کوههای بسیار پیش بها ومعادن لایعد ولایحصای ثروت وتوانگری فوق گردانیده ، ولی یک مهندس ماهرانه کاملا محتاج وقابلیت کار از ثروتهای طبیعیه آن استفاده نماید .

افغانستان ، سطح قابل تعمیر وتدبیر ، بسیار مناسبی است ، کاملا صنایع مصریه هم از خودش وهم بدرجه اعلا ، یعنی سنگینی درسختی نظیر وکاش تحریر پاله آب بدون کیلی در سوراخ کی قلبهای ماهرانه ژاپنیان ، لیکن محتاج معماری چون صاحب پیشما که بنایش راسلها ثابت فی الارض وفرعها فی السماء ، از استحکام وعلوشان .

هزار هزار شکر وسپاس بخداوند وهاب باس ، که از افادات رابعین خادم فاضل وبزرگوار صاحب استعداد کامل گردانیده ، امیدان معلم کامل باهوش مهیا کرده ، واگر افغانستانرا کوه بزرگوه ، یاز معادن بیکران ثروت ساخته ، هزار کوه یک معدن بسیار دلکش نموده ، واگر افغانستانرا یک بنای کامل آبادی ساخته اورا هزاران معمار یکدل صاحب اقتدار بخشیده ، که لسان صادق ملت افغان تا بکی و ابد گوای اورا ادای حقایق آثار ترقیخواه مرحوم کنز اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) گفته اند

این پادشاه مقدس ما ، از روز فیروز جلوس میمنت مأنوس شان دقیقه از دقیقه ها وساعة از ساعه بفکر پیدا کردن وسایل ترقی ووسایط تعالی رای وطن وملت دولت خود بوده اند و خواهند بود .

ازطرف معارف ، مکتبهای ابتدائیه ، رشدیه ، نیم خانه دارالتعلیم ، دارالفراها تاسیس دادند ، درتوسیع معارف وسطیه ها کوشیدند ، هم اولکسی که زیاد مال معارف جدیده مفیده را در افغانستان بهادان توکتابات اعلیحضرت است وبس .

ازطرف صنایع ، فالباً باعطارت آنها معروف وهمیشه در توسیع آنها کوشیده فابریک های جدید ، زرنارزرنگ آورد ، فابریک برق ، فابریک پشمینه بافی ، ژیکو گراف ، تیلو گراف وغیره وغیره الخ فرمودند

« خوشا ملکی که باشد شحنهٔ عدل تومیمارش »

ازطرف دینداری ، چون پرده بی دانسته ، کهیچ دولت وهیچ ملت اسلامی پیروی واتباع اوامر مقدسه اسلامی کافی نکند ، وهرقدر کوشش ملحوظ موجودات علیه الصلوة والتحیات لساعل واکامل ورزند ، جزئات وخیری دنیا وآخرت نخواهند دید ، لهذا در تائید شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم وتشیید بنای اسلامی وتاکید اوامر الهیه مسابی جمیله بکار بردند ، درهر سال ماه نمودرا ازعلما وفضلای اسلامی حرمین ساخته ، در هرمسئله ازایشان استفتا کردند ، تاانها خودرا بآداب اسلامی مودب کردند شبکه برای رها داشتن دین مبین قواعد وقوانین بسیار درست ومضبوط وضع کردند ، محکمهٔ احتساب قایم کردند ، وخطب های خواران مقرر نمودند ، برای مساجد تعلیمات بسیار درستی درباب صوت واستماع وخطبه وخروج وتعمیر مساجد انتظام کردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1292 of 1786

علاوه برینها بانفس نفیس هایون بچندین امور اقدام میورزند که باعث تشویق مردم بطرف بیداری میشود که یکی ازانها تزاویح ماه رمضان مبارک است که همه‌سال باصباری ازخدمت گذاران درباری ختمشان خود باجرا واقای آن میکوشند که امسال هریکزار سابق تراویح را اتاوهند گفتصیل کیفیت آن را باروضهٔ دیگری چنانچه عیناً مشاهده کرده‌ام ازنظر ذیل عرض میکنم :

تراویح

راب شرقی جن سفارتس وکنار طرف بار کوه طبقه‌های دائی برای دات اعلیحضرت هایونی وشهزادگان عظام ودیگر نفری دربار برپا شده بودند . طرف کنار ثمالی جن برای طبقه‌عام جای فصیله ساخته شده بود .

برای دات اعلیحضرت هایونی ، واهل دربار وعلاء ارکان دولت وسفارتها وسائر ذوات درجهٔ اول مملکت درجن سفره‌های طعام حاضر ومهیا شده بود

تباعت به بعدات اعلیحضرت هایونی وعده خواسته‌شده کل بارس فراکوت رسمی حاضر شده ، چون طوپ افطار صدا میکرد ، ایشان هرسه یکجا افطار کرده وکار مرتبه‌ا بعد ازان خوانده شد ازای تناول طعام‌های معین‌خود مشغولی نشستند تا هفت وثلث در یک طوپ دیگر که بردیده گذاشته شده بود رسیدن وقت نماز را اعلان مینمود واعلیحضرت هایونی وشهزادگان واهل دربار در موترهای خود و کلان ارجن نامه‌ها که تشریف می‌آوردند ، ونفری دیگر هر صدای طوپ را شنیده معروف عید گاه می آمدند بساعت وکلان انجا و بساعت (٨) انجام می یافت

انتظام روشنی توجه خوب شده بود ، هر سرک روشنی دوتا یا سه عدد گاز اسیتی لین‌حات روشن بود درسرک داخل عید گاه وسرک های دوران بر هیچ چراغ روشن نبود ، یکی روی شدم چراغهای سیاری بهاله و آویخته شده بود علاوه برین روشنی روشنایی هر مسجد معالی بزگاه عید گاه را ازشب روز تبدیل داده بودند .

همچنین انتظام آب‌دهی فواره‌ها هم‌شده بود ، هرهرطرف طرف زنانه‌زار پرازآب رنج وچوبی های پرازآب وسروی آبخوردن میباشد .

ادای صلوة بکوشع دلکشی داشت ، یکصدای بلندی براین چند نفر مؤذنان مکبر ساخته شده بود یکعده عربه آواز تکبیر بشنوند ، یک اثیر غیبی درفضا مشاهده میشد .

پیزاحاضر ساکت وساعت ابتداده وبلندصدای میدان دلکش مسجد بلند حافظ جید با آیات تکبیر شروع شد ازان قرآن مجید زبان دوازده دانهای مسلمانان است وعظمت خداوندی ازدلان حافظ وورواز لبان وشانوگیا دست بساء خدمیتاکو بیلند وبزه وبکشان

درویش و غنی بنده این خاک درند
آنجا که غنی تواند محتاج تواند

هرآنچه گریه وندبه‌وزاری که اینوقت درمسلمانان ازیادخدا دیده ورحم وخوف فرحت‌وحین پیدا میکرد ، ازصدای بزاپو الله اکبر مکرر و دلکش ان صدا ازطرف محراب وروانی عظمت وکبریای الهی درنظر مردم جلوه کرده‌مضمون این‌مصرع : جانهی رفت که خراب بدیار آمده ، رفت ودست کرده ملحقی آنکه پیلت شب پرمین کیفیت قرآن عظیم‌الشان را بامامت حافظ جید بانظر حافظ محمدحسن خان پایان جماعت بزرگ مسلمانان ختم گردیده شد ، شب آخری یعنی شب ۲۷ رمضان المبارک به ارادهٔ ثالث والا حضرات اعلیحضرت هایونی بشیرنی شیرنی تقسیم گردیده بمسجد آمدند ودرمسجد بمردم دعا بدهای وداز آکوده تقسیم شده ونماز ایشانه ختم گردیدند .

پس ازنماز همه عربهای دعا بدور گول گردآمدند خودواعلیحضرت وبهرکابی شان دیگر درداربا سواری موتر تاریف آوردند که تماشای آتشبازی مشغول شدند اول آتشبازی های هوائی ازیک تپه کوتاه خورد کنار گول اززمین بآسمان رفته‌ودرانجا کنیده ستاره‌های سرخ وسبز غریب النظیری فرو میریختند که عکس آنها در گول مانند ستون رنگ بنظر می آمد

منظره‌های این آتشبازی طوریکه بود که تصور آنرا کسی بارهای دیگرت هرگز نمی‌تواند منظره را بوجود می ساختند ، لذا آنچه جلب نظر این سوجانه داد کرده هذا درجنها وسرو های جرانان بودند که بزبان حال این بیت مرزا مظهر جانجانارا تکرار میکردند

سوز دل از هرسو مرغ تماشا کرده اند
ای مسلمانان مرا سرو چراغان کرده اند

واحاصل به اینصورت خوشگام عید حضرت ملت‌الملاء ، دست تراویح حضرت سید الانام علیه‌الصلوة والسلام بسلامتی ذات اعلیحضرت بادشاه اسلام خلد واحلم بقا

ابدا

محرر اداره (عبدالهادی)

حوادث داخلیه

حوالهٔ تعالی شانه

بیاً مکتوب

بعد از القاب همه مقاله های اخبار فیض آثار مبدء شمار گرامی برازاوار هزاران توصیف وتحسین است که هر کلام‌آن‌در بلاغت جواهر عقده بوده و میباشد ناظرین افغانستان را واجب و لازم است که همه اوقات دست آمده وضرع اجابت‌دعا در گاه الهی بوده‌لته بجنبه عالی مقصد تشکر وتفخر ان بحضرت پادشاه اسلام‌پناه بوده و میباشیم که بیمن طالع لامع اعلیحضرت جهان مطاع عدالت اکتساب‌توجه کامله آن‌ذات بابرکات در وسعت عدالت جلوه افشان گردیده اند سی هزاران تشکر وتفخر الدوا ادامه‌الله‌تعالی‌در قرب‌مدت اهل حضرت بامساعدت علیحضرت از فیوضات آن متناعض شوند ، هزاران زبان مشکور وبگ ترقیات غیر محدود دولت علیهٔ اسلام روز بروز درارتقی عروج رسیده ومیرسد که تحت بسوابق آلات حربیه وکار خانه جات واسلحه واقسام طیارات وطرز امواج ومساجد وجدارس عمومیهٔ اسلامی و غیره آلات ماشینهای دولت که برای تعلیم وتعلم اهل اسلام بتوجهات عالیهٔ هایونی تعمیر گردیده سورت انتظام یافته اند این‌همه نتایج سعادت مندیهای بیدار بخت دولت علیه بامردم افغانستان است بلازم میدانم بپاس حضرت خداوند راست که بامردم افغانستان هیچ یک مذهب ومسلک اسلامی باعث شقاوتی و جدائی نبوده و نیاشم از اینرو باطنا ومظاهر مختلفه در طبیعت بامردم از طوائف غیر نیباشند که بیادتی و اسائی طریق ثمالی را درین بامردم گذارند بلکه بوابطهٔ آن مناسبه ومطالب از دست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1293 of 1786

عیناً مکتوب

در تعاقب جراید این روز گار در خصوص ترقی پرور پای ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الله والدین) مشاهده دیده ازمطالعه

ما زوده لا کی از آنها که بر فواید عبارت مسبوق سرور کائنات (شرافت الانسان بالعلم والادب لا بالمال والنسب) مساعد دور بعد نمیباشیم وجوهر انسان در علوم شریف وآداب در کالات نه در زین لعیف محمراد کمیلا مؤیدیم بدین (العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة) آیه شریفه (یرفع الله الذین امنو امنکم والذین اوتو االعلم درجات ونیز آن کل فرقة منهم طائفة لیتفقهو فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعو الیهم لعلهم یحذرون) والدر سولصلعم (فضل العالم علی العابد کفضلی علی ادناکم) بدلیل توضیح آیه شریفه (انما یخشی الله من عباده العلماء) بدین برهان مبین ترجمان آیات است (والجهل علة والعلم سراج یدل العالمة) هرآینه اگر مطابق مواد اساسیه مدارس عمومی و معلمان کامل از برای تعلیم شاگان واطفال عموم در اطراف وا کناف مملکت محروسهٔ افغانستان بترتیب جهات بالغهٔ کامله اعلیحضرت حمودخان دیانت آگاهی شوند انشاء الله تعالی علامت بی خبری وجهل از مملکت محروسهٔ علیه رفع گردیده افتخار ترقیات بلا نهایه در ضمن آن عاید و واصل میشود و بطور قاطعی اطفال اهل اسلام در عهد قلیلی برای تحصیل علوم شریفه و فنون غریبه مأمور گردند در قریب مدت منبع خیر آن بر اطراف روز گار ابداً منشور ومسطور وذخیرهٔ یادگاری خواهد شد واسطهٔ تحصیل آن در چشم خصم ملت وملت ناخن وخاشاک افتاده خواهد شد چون ترقیات دول

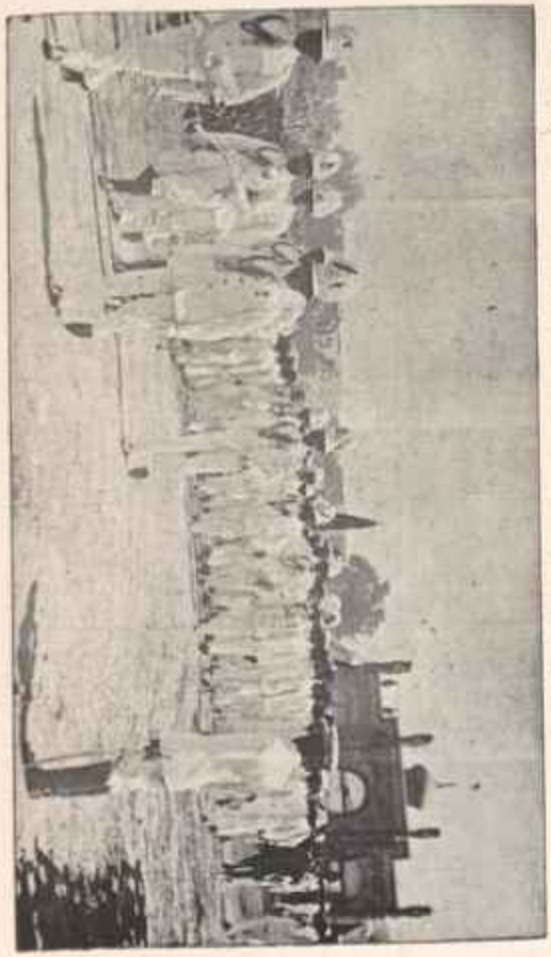

عروج دولت علیه بترقی علوم و فنون

گرد روی زمین همه از تعلیم فنون اکتسابی ظاهری اند لیهذا ما مردم اهل اسلام با وجود شرافت اسلامی اگر تحصیل آن نصیبهٔ ما مردم افغانستان شود نور علی نور خواهد شد وزان خصوص تعلیم فنون وعلوم وکالات هرچند توجیهات فرا گین دولت و حق بین ملت دولت علیه اسلام مبذول شوند نتائج خیریه هست بیشتر بهرچه اقتضاء گرامی قرار گیرند صواب باشد بندگانه در نظر وقصور گرانپایه حضاب و جسارت است چون سابق برین که واردات

این حالترا بخدمت عرض کرده وبموجب اخبار مبارک امم دائی داخل بیانیه وعرضه مناسب و منظور داشته که درج اخبار فیض آثار میباشد امیدوار دائمین میفرما ئید زیاده القاب گرامی او پاینده جاوید العبادخط تحریر یوم چهار شنبه ۱۸ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۳۳ دستخط حقیر سعادت ماکچ سی وچوکی

آن جودرا غرق سرور می نموده ، کها حجاج ورود ما از این دیار سرور وحبور خوبه بوده اند ، از عدالت گستری ومعارف پروریهای ذات اعلیحضرت سخن می راندند ، شنوده مسرت بر مسرتم می افزود بعد از شنیدن اینگونه خبرهای مسرت اثر ملاحظه خوبه خود میکنم (موقعی که دیاستاً اهمیت تمام داشته باشد وزان کمال این موقع وحای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1294 of 1786

این توسیع یافته اینکه چه خواهد شد ، وقتی از حضور اعلیحضرت قصد انجای از کارچی بطرف حج زیارت روانه شدند ، زیارت مکه معظمه مانع شدند . این حاج تر گشتن خلائق سابق بدیم خشنودی از معامله های مردم افغانستان مشاهده نمودند حتی که از این وقت مکرر نمودند که از دیده بود از اخلاق و معامله های خوب گیران و بدران راه کابل شکایت و اشتکاه میکرد . از جهتیکه است که به باشندگان این دیار داشتم این اطمینان کامل بوشنودی آنها بعمل میاید با کوار می آمد . دور بعضی وقت با آنها بدادیه و بحدیکه قبل می نمودم بجاز زیارت مکه معظمه و زیارت والدین که در سمرقند فردوس مکان مشرف شدن تکرار آ برای تکمیل تحصیل بطرف مصر روانه شدن را اختیار نمودم و همان عزیمت را بطرف افغانستان و هندوستان آنه روانه شدم . وتقریب حدود افغانی رسیدیم اثنای راه از زوار و آمدهای که از طرف افغانستان می آمدند غیر از شکایت از ظلم جرچیزان

منظرهٔ جامع شریف عید گاه بعد از ادای نماز عید

قول معامله که از بندرهای دریم سخنهای کسرا و اشکالهای نا بجا بود . بعد از ادای گمارک بندرهای چهار غیر معمولی آمده بمعامله و تکیش خورجین‌ها مشغول شدند . اولاً تکیش اینها را دیده خیلی خورسند شدم . چونکه در بادی . تکیش خورجین و اثبای آیا که کان خیلی مصلحت واز ضروریات است . اما این طرهائیکه به تکیش و معاینه کی مشغول بودند در اثنای تکیش چیزیکه بنظر شان خوبتر می نمود آنرا قصداً و جبراً می گرفتند . بعضی مسافه نموده چیزی نی گفت . بعضی بنار ضروری بودن آن از دادن ابا می نمودند که آخر معامله و مشاجه می الجامید وگاها دست بگریبان شدنها واقع می شد . در ظرف سه ساعت که در آنجا بسبب اشتراحت مانده بودم ، دو مرتبه جای زده وخورده انجام یافت . بی روزی زوارچه میکوید : وچه که میکوید . حیرت اینجا انجاشان گذاشته خان ملاحظه را بطرف مزار بعض اکرکه احوال ملولیان و من وران آن زیارت که اداء و انجام سعادت انجام

و بندرهای افغانی دگر چیزی نشنیدم از کیفیت احوال آنها سوال واستفسار می نمود که ای برادر ، چه بودند ، وچه میکردند ! یک درجواب میگفت - ای آ چه می پرسی قلیچه کوزای هرتی واستواحت کورده بودم در تار کشد یکدر وان افغان از من بی هوش زوریکار دست گرفتند بدان آن داخی نشده محاصمت کرده مرا ضرب وان کردند ، دیگری میگفت درحکومیک طرف افغانستان گشتم بندرهای جاسه مرا سوغاتی کوبان زور گرفتند ، و دیگر یکی - از بلطا شدن کرده ولاری شکایت ، ودیگری از غصب شدن لاله وظایفه حکایت می کرد . ازین سخنان آنها خیلی در حیرت بودم وباحوال اسلام واسلامیان افسوسها میکردم که « مسلمانها اینهمه هلاکت ازین کونه سخنهای روی داده . بازخود میگفتم که شاید افترا وخلاف واقعیباشد. ولی بنار معتمد وشنیده بودن آنها به اطراف سخنان آنها جبور می شدم . وقتی حدود افغانی قریب شده با کاکی خلائق افغانستان گشتم

را جبور بنگریم ، اشنه میگفت درین مقام بعنوان ، دا کوی ورضاجوی زاویه نشین گشتاهم ، به اخلاق وی تریق از همه کوی سبقت ربوده اند بلکه یک عادت سارقان ورهزنان میباشند که برای لخت کردن واآزار دادن مسافران زوار نشسته اند وقتی که احوال اسف ماک آنهارا مشاهده نمودم سرانجای وجودم را یک نا امیدی ومأیوسی استیلا کرد ، از قرط مأیوسی گریه‌ها کرده واز بعضی سوال کرده که آیا نائب الحکومه صاحب بافغان فراحت ماک اینها مانع نمی شوند جوابها بن بیان نمودند که ، نائب الحکومهٔ سابق به اصلاح احوال آنها کوشش بجا ورده به اغفال اسطول آنها مانع می شدند ، اما نائب الحکومه حالی در خصوص آنها چیزی نمی کوید وباز حواست آنها از حرکات کارهای سیاست حکومت نمیتوانند از شنیدن این جواب خود گفتم که ایشان معهذا بیکانه " مسافر دور وزدیک که می آیند اینسان سبب خرید وفروخت یک قایدهٔ شان بولایت میرسد این یک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1295 of 1786

سیاست دیگر ! اگر آن مردم مسلمان یکباره آزاد و بیدار شوند دنیای وحشت دولت مجبوره این دیگر سیاست چی ، ما مسلمانان به چندین چی اشیاها مو صوف و به کفایت کیا ماکوی و مرلوم ، اگر این احوال اسف مآل بدچنوال دوام بذیر باشد به آینده هیچ شکی نیست که به آمدن هزاران زوارینکه در آن میله گل سرخ از بار دارد و ایران دیگر بلاد برای مشرف شدن بزیارت شریف می آینه فاصله وحاله بدهند . العیاذ بالله اگر بقیت بالجوال قرار گیر کردند غیر از نامید شدن هزاران مسلمانها از زیارت مزار فیض آثار ، مضرات ومباحث بزرگ در میانه این دو اخوان دین بمیکر خواهد شد حالا این بد بختیانیکه تمام اسلام روی داده اگر یکانه سبب آن مضرات ومباحث ، نبوده ، دیگر چیست ؟ دریکی از شمارههای سراج الاخبار خوانده شد که پادشاه ترقیخواه دولت خداداد افغانستان جمی از اکابران را دریک مجلس جمع نموده در خصوص آمد وشد زایرین عبارت از (۱۰۵) فقره قانون ترتیب داده که حالا در موقع تطبیق مانده شده وبرای رونداکان وخصوصاً حجاج خیلی نافع است لیکن اداره امور عالمگیر قوانین نظامیه خوب واساساً خصوصاً آن قانون سعادت مقرون امواجید ذات شوکتسمات اعلیحضرت امیر (حبیب الله خان) مرتب شده باشد ، ولی اگر تطبیق کنندگان آن مانند همین خرج کیران بلدیر ترکستان وماننده خراج دار کامرس دوری بنك که بد اخلاق آنها معلوم وظاهر است ، باشند ، از خوبی آن قانون چه فائده ، واز مفید بودن آن چه استفاده وبرای قاصر بنده از قوانین خوب ترتیب دادن ، تطبیق کنندگان خوب پیدا کردن رجحان هزار بار خوبتر وبهتر است میاد ما از تحریر این مقاله بدیگران پند دادن نیست ، پند دادن از قوهٔ فکریهٔ ما بیرون است ، چونکه ما از حیثیت آنکه مسلمان ایم خورسندی آنها خواسته شده افتخار میکنم وبه خورسندی آنها خواهیم آنها یک شمرده ما وشما ومکرر میگوییم واین سخن را می نویسم وهی گوییم والا ما هم دانیم ، وبخوبیاست کویان بکار خود می شدیم باقی سلام مع الاحترام امضا

(یکی از حجاج عبد السلام المطیعی سرخه دی)

طالب

درخصوص باشندگان راه پشاور در آینده خواهم نوشت

سراج الاخبار افغانیه

این عبد السلام اقدی وقتیکه بدار السلطنه رسیدم برای ملاقات این مدیر ماجر کذریف آوردند حقیقتاً صاحب اخلاق وکان یک طالب العلمی دیدم که خیر خواه عالم اسلامی بودن شان از گفتار واطوار شان ظاهر وعیان میبود هیچ شبهه نیست که این مکتوب خود را از هندوی اسلامی نوشتهاند وهیچگاه بر خلاف واقع نیست ، زیرا از دیگر بعضی حجاج هم همچنین تکلیفهای خیرخواهانه از اینها مراج الاخبار افغانیه از مأمورین ازارهٔ دولت علیهٔ مقدسهٔ خود بالفعالیت وسلامتی برسد واستوار میکنند که نظر بخیر خواهانه صداقت کارانه حال متوقع براه ان مسئله متوجه فرمایند ، وخرچکران وبندرین باخلاق وتربیت را برای این کار انتخاب کنند وخواهند شاید یکهفتهٔ پیشتر بدهند که از احتیاج حق کردن حجاج وزوار مسلمین دست ردار شوند تا بدانشویک بدار کنندهٔ نکو نامی چندقدر ومزات که دارد پامال نکنند اینجا الزمن والحضرت شان اجراالله

خواندنیها

از اوسترالیا

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله سیدنا محمد وآله واصحابه اجمعین الحمد لله رب العالمین جل جلاله شکر افغان در قبل است خصوصاً همدرین سرزمین آسترلیا بقام بلدت گیرلوند شهر ریزبند کنج لیند آسترلیا مسجد بروتق بکمال زیبا افغانیان تعمیر نموده اند ویکمسجد بروتق بکمال زیبا بقام هارکت اسپرنگ سوت آسترلیا تعمیر شده دوعدد مسجد در روکی هل یوسلاله ویلس آسترلیا نیز تعمیر شده — ویکمسجد عظیم بروتق در شهر ادلیدسوت آسترلیا بکمال تکلف وزیبائی تعمیر است یک مسجد دوشیزه گی جنوبی آسترلیا در بازار ولیم سٹریت تعمیر است صاحبان دو مسجد که یکدیگر نزدیک وسط آسترلیا تعمیر شده ویکمسجد در شهر آدلیدسوت آسترلیا بسیار زیبا و بروتق که اندرون مسجد فرش های رنگارنگ وکرده کرد مسجد تاکهای انگور وباغ گل های قسمقسی وحوض کبیر وربط معما که ۱۰ کلرکار باشد ساخته شده مرمی معمار ساخته شده اند ودرای تبلیغ اسلام بقدر وسع خود سعی بلیغ میکنند وکتب های تبلیغ اسلام وقرآن شریف کاغذ انگریزی مرقوم شده درمدرسهٔ سراجیه که فی الحال زیب جدید نهاده شده — موجود است اگر اهل یورپ بیان را خیالمند باشد تاکنونی آمده از حالات اسلام واقف شده اگر در قسمت اتی مسطور باشد خود اسلام قبول خواهد کرد .

اگر اهل یورپ رکدیدن وخواندن کتب اسلام می آیند افتخار و تعالی جل جلاله قوت اسلام را قایم دارد .

صاحبان مدرسهٔ انجمن اسلام افغانیه سراجیه مراد دراغا

سراجیه آن افغانانه کتابهای اعلیحضرت سراج الملة والدین اند که بطور فخریه مسمی شده اند جشن عظیم شده وکمیته خود حاضر بود که تمام اهل افغان بسیار بحیث بنده در اطاب بوده وشد — همدرین جلسه خانون اند زیبا فاطمه توسط شده که اصل اگر زوده کهنه آورین اسلامیان زیبا فاطمه مسمیه شده بسیار خوش بحیث اسلام اظاهر کرده دیگر خانون مسمه زیب زینب توسط شده که اصل از قوم قزلباش است گفته اسلام بانوین زینب مسمی شده نیز بسیار خوش بحیث اسلام اظهار نمود این هردو خوش در توضیح دو افغان سراجیه در آمدند از انجمن اسلام افغانیه بسیار خوش وخرم شدی خیر دای بادا اسلام سراج الملة والدین واهالی افغانستان کرده اند برای غلبهٔ مسلمین کفار بالطرف التر بنی است بسیار خوش دعا کرده اند الله تعالی وتعالی جمه مسلمانان را درین اسلام خود قایم داراد ودشمنان وحاسد انش را ذلیل و خوار کرداند بعد از ختم جلسه وده اسلام — یکدای پرجوش رای زدن خود حاضر شدند که مدیر سراج الاخبار ست کرده شد — کانجمن اسلام افغان تکریه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1296 of 1786

نورا اداء کردن نمی‌تواند سبب تمدن خودرا ایشان همین جریده‌شراج الاخبار میدانند که بخواهند سراج تمدن ایشان مرتفع است روز روز درکار دین اسلام و خیالات فاسده رسانیدن برای قوم‌خود مستعرقباد سبحان‌الله وعجبه که قدرین‌المسلمین آسترلیا که جوش‌وخروش اهالی درکاردین اسلام مرتفع شده وخیالات ایشان درفایده رسانیدن برای قوم خود محوشده بالمرتبه سبب‌اجر همین سراج‌الاخبارست

افسوس میکنم کسرداران وخانان بلوچستان ازریاست‌قلات وسیله خصوصاً خان اعظم کیج مکران وسرداران قوم کلپی وسرداران قوم توشیوانی وسرداران مری واهالیهٔ خاران وپیور وگهره وغیرهم که همراه این بنده محبت تمام وسیعه محبت پدری وجدی میدارند چرا اوقات زندگانی خود را بخواب غفلت ضایع میکرده‌اند ـ لازم که خودرادرزمرهٔ مشترکان جریده‌سراج‌الاخبارافغانیه‌شامل‌فرماید خواه رئیس باشد یاغریب که ازاهل تمدن وخیرخواهی قوم آگاه شده‌در کرده بقوند که کاردین‌اسلام همین‌است لازم که خودرا‌هرطوری‌ازین خواب غفلت بیدار و آگاه گرداند .

ازمجدد اسلام‌افغانیه سراج‌الاخبار استرلیا شهرپارتهوستن آسترلیا بتاریخ‌جلاشانی‌هجده مورخهٔ ۵ ماه شعبان سنه ۱۳۳۳

(حکایتهای عبارت)

(یک مقایسه مختصردرین عبارت (۱۸۷۰) و (۱۹۱۴)

درین عبارت‌موزیر انگلیزی که یک‌سیست‌عظیمی وبک صدمهٔ سیاسی بدماغ اشرف ومدنیت کرده ، برای رهبر دادن گریبان خود را از مسئولیت عظیمهٔ این جنایت عظما هیئت ازدوستهای عارف سی میکنند که خودرا معصوم وطرف مقابل خودرا مسئول برقرار دهند . و در خصوص مانند کتابهای « رنگ و گرداگرد » های حقه بازها یعنی مداریها اوراق رنگارنگ سرخ وزرد و آبی وسبز و سفید وکاغذی وغیره را در نظر مردمان جلوه میدهند . علی‌الخصوص فرانسی‌ها مقدور زوری که دارند صرف میکنند که همه قباحتها و مسئولیتها را بگردن آنان ها بیندازند . حتی جریدهٔ (آن) که معتبرترین جریده‌های فرانسی است ، هرقدر که میتواند ازدیدهای اخلاق واوصاف انگلیسها مراد که ازانجمله درسیکی ازنسخه های خود ازعبارت سنهٔ ۱۸۷۰ فرانسی والمان بحث بیان آورده میگوید : ـ « که آلمانها طبعاً در روجنگ طلب مردم میباشند . چنانچه « بسمارک » مشهورشان برای باز کردن دروازهٔ جنگ را بفرانسی درسنهٔ ۱۸۷۰ لشکرآلمانهٔ بادشاه ماپلیون سوم را تخریف کرده بود » . سال آنکه این سخن جریدهٔ (آن) درنظرارباب بصیرت بغرض خیالات ساخته گی « کرهیچ قسم واقعیتی را جازیست ندارد چون بتاریخ نظر کرده شود تحقیق میشود که عبارت ۱۸۷۰ را بادشها خود فرانسویها ایجاد کرده بودند و آخرالامر درمیان سیاهی که کنده بودند خود شان افتادند .

حقیقت این است که درتاریخ مدکور پرنس (نپولیون) نام یک شهزادهٔ خاندان (هوهنزولرن) آلمانی که راقم همین بادشاه (پروسیا) بود که چندی پیش ازین وقت بفت برای بادشاهی تخت اسپانیا انتخاب شده بود . دولت فرانسی این انتخاب را نه پسندیده . و اغماض داده جنگ را بک بهانه پیدا کرده بنای قتل وقتال وجنگ وجدال را گذاشت . پرنس (لپولیون) مدکور برای آنکه سبب شخصی در جنگ وقوع نیابد از حکومت اسپانیا دست بردار گردید . باوجود

اینهم چون فرانسی جنگ طلب بود ، دائما بواسطهٔ سفیر خود که در برلین داشت بادشاه آنان را که حد قیصر امپروزی آلمانست هوی میاع شده آزار میداد . وازو طلب جنگ که بدستی قول بدهد که بعد از پسر در میجوف ازخاندان (هوهنزولرن) کسی پادشاهی تخت اسپانیا انتخاب نشود . امپراطور آلمان درانوقت درشهر (امس) بود ، وسفیر فرانسی هرروزه بدروازه اش رفته حاضر ازدعاء همین خواهش دولت فرانسی را ازو طلب میکرد . تاآنکه امپراطور ازین تعجیزات سفیر به تنگ آمده بواسطهٔ یکی از پلوران مبعث خود به توکفت : ـ « که پرنس لپولد ازتخت اسپانیا دست برداشته . واخبر رسمآ بن واصل گردید . دیگر کشتی دمیرداره والسلام . » . امپراطور این گفتیت را به تلگراف پرنس بسمارک نیز خبرداد .

هنگامیکه این تلگراف امپراطور به پرنس بسمارک میرسید ، پرنس مشارالیه بادرستان (مولتیکه) که رئیس ارکان حرب بود ، وناظر حربیه (روون) بانجا وسرسفرهٔ طعام نشست بودند . پرنس بسمارک بعد ازانکه بگفتوگو تلگراف را تنها خودش خواند بدو رفیق خودداده گفت : ـ « ازین روش فرانس معلوم میشود که مطابق ما جنگ کردن میخواهد . حالا آنکه ما بایک مسئله آرزو و مدارات میخواهیم حرب را منع کنیم . واگر زیاده برین همین وضعیت را محافظه کنیم برای حل واستیفای حکومتهای المان که یک امید اتفاق واتحاد را در میرورانده یک آفت عظیمی شمرده میشود » . ازینرا گفته ازنظر درپیش مذکور پرسید : ـ « که وضعیت عسکری آن چگونه است ؟ » . مارشال مولتکه که اکثر اوقات ساکت وصامت یک حالی داشت ، ازین سوال پرنس یک حال خوشی وانتظاری پیداکرده وخود را درمواجههٔ یک حرب تا گزیری که فرانس‌دران نشیت نموده یافته گفت : ـ « هیچ وقت ضایع کردن لازم نیست . باجنگجو باز جنگجوی دگر چارهٔ نیست » . بعد ازان درحالیکه چشمهای خودرا بسقف دوخته بود ، دست های خود را به قبوزغه های خود زده گفت : ـ « همین که بازار اردوهای خود را بفرانسه رانم ، بعد ازان بگذار که همین سقف برمن بیفتد » .

پرنس بسمارک چون خوبی دانست که فرانس پهنه سال دست بکار است ، لهذا برای آنکه جنگ را زیاده توناکرده بسازد ، عاجله تلگراف نامهٔ مذکوره را تحریف کی ، بلکه یکقدری تعدیل نموده بعضوعات ـ یعنی به اخبارها ـ داده درخلق منتشر نمود ، به این سبب درفرانسه قباحتها پراکنده آتش حرب درگرفت .

درینوقت فرانسه فریاد وفغانها میکند که گویا این حرب حاضر را المانیا سبب داده ، حالانکه همهٔ خلق جهان یک میدانند که سبب یگانهٔ این حرب بغیر جنایت سریهٔ فاتل ، وحمایت کردن روسیه آن قاتل ، ودرین حمایه فرانسه وبریتانیا نیز خودرا شریک ساختن بالقابل دیگر هیچ چیزی نبود . وچنانچه درسنهٔ ۱۸۷۰ قباحت برفرانسه بود درین سنهٔ ۱۹۱۴ نیز قباحت برفرانسه است . علی‌الخصوص گقباحت این بارفرانس چون صورت‌آبی ودنیاه روی اسلامی بطهور پیوسته است ، لازم از چنان قباحتهای چست که عنو شدن باشد .

حکایت دیگر

میدانیم‌کیک سیاح درانان جمعه وجه جریدهٔ (تان) نوشته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1297 of 1786

دراین موقع جنگ خوشتر ملاحظه کنیم که آیا در وضعیت اهالی تغییری بافته و تزلزلی در مظنت آن مکان راه یافته یا نه

در خوان وکلاه بزرگ آنجا گذشیدم مانند مواقع خیلی عادی کاسبهای دیزها دیزها تلو ازمردم ودوده میکشیدند اطاق رویت مکان خالی بنظر می آمد

قیمت آب جو بیشتر از بیست و هفت پنلک هم نبود

بابك زحمت زیادی کشیدك صندلی خالی پیدا کردم نشستم واگرچه حاضرین ازبابت جنك تعجب می داشتند لیکن هندری جنت وهیهمه وه که می توانستم درست علیده انهارا فهم نمایم

بواسطه این که گرسنه بودم خیال کن خوردن کرده وحواسم نبودم که خوان طوریکه درخارج شایع است ازکان چنین اشیاء اعلی کندوعالی بعضی جنسیات دیگروجوداتی دارد کرازو کیاباست وغیر

اولین حیرت من از این شد که در صورت قیمت خوراك ها وکن که حسب المعمول روی میزها است نسبت به قیمت سابق ابدا تغیری یافته وقیمت کن حالا باسابق فرق که درهمین موقع بهار خودم در آنجا بوده تفاوتی نکرده است وعلاوه نرخ سایر ارزاق وغیرها تقریباً بهمان ترتیب سابق باقی مانده است ودر ازای یك مارك پول آنجا تقریباً به قران پول ایران بهمینوجه مرغ وسفیدی نرخ یك قران من آوردند که بانان وپنیر کاملا صرف کردند

خیلی دوچار حیرت شدم که پس این شایعاتی که در فرانسه هست که قحط وغلا در آنجا رافیانه است وارزاق فوق العاده گران شده چیست وغیرا حیرت یکی از دوستانم که در پاریس به من گفته بود خاطرم آمد که میگفت این آنهائی حمله بارمیخواهند افکارایرانیا بشوراند ومیگویند آنوقه کم دارند در صورتیکه مسلماً همه چیزدارند واداً بخارج احتیاج ندارند

در حقیقت هم گاهی شهر رقم غذاهای لطیف ولذیذ بانم وخوش مزه اینکه درشهری که کان میکنند ازارای قحط وغلا زبون و لاچیز شده است من جائی وغرنه شدم .

مارشال هیندنبورك درهمه جای آنجا جسم است ازپشت شیشه‌ها تصاویر وعجیبه مختلفه این سردار نامی وچشم خودرا بازبین دوخته. درکافه وعلامات مخصوصه هوتلها اسم مارشال باخطوط طلائی درخشان وروی قوطی های سیگار بانگاسوار، وپیاده قابل وحتی روی پاکت های اجناس طریف وعلائم تجارتخانجات تصویر مارشال هیندنبورك هویداست وهیچ جا که چشم بیفتد از مارشال مزبور حاضر ونظراست.

با کنون این امتیاز مخصوص قیصر وذیعی تصاویر امپراطورانطیار را بوخیرساخته بود وحالا ازالمشارالیه مانند قیصر افکارتوجهان آنان را جلب کرده است .

وضعیت وحیات شهر موقع تقریبا مانند ازمنه عادی است وخطوط ملاحی که آنان دارد جنك میکند دراین شهراین است که تمام تجار کشته های بازرگانی هستند که عروج نموده وکاره معاطله شده وازمرض خانه بیرون میایند وهنوز درسیمای آنها آثارات مهاب وعظمت خاطره این جنك مشاهده میکردد .

این بازار یالها (موقع ری تحت تملکت بازرگانی آنان است) را که درست نگاه کنی سیمای هر تجاری ازوجنات ایشان هویداست

ومیتوان فهمید که از دست این نوع مردمان شدید الخلق چه کارهائی درجنك ساخته میشود

بقول یکی از ما یران این آنا نهای ازاریائی ازچیزی که خوشتان میاید قدرت جنك جوئی وتجارت است و چنانچه دقت رفتار وقیافه اینان درروقتی که بصنوف میدان جنك میروند نگاه کنی که چگونه دسته گلی بنوك کلاه خود آهنی زده وکارد خودرا درچکمه‌ها نداره اینصدق این مسئله وعقیده مکشوف میشود

مردمان مزبور طبیعتا قوی بنیه ودرشت استخوان وزیر کانی زیر آسمان وخطرا عادت دارند ومجبت درتجاری میدان دنیا اذیت میکنند واین ها کدرزمان صلح بزروهای تعطیل یکشنبه پیوسته کشتی و کشتی کاری را تفریح خود قرار میدهند فقط برای جنك جوئی وتجارت آن‌چنان دست بخطرپذیرفتن قدرتی میدا شد .

هاوقتیکه من ازمونیخ بارما آهن حرکت کردیم عده کثیری ازنظامی بطرف میدان غریب حرکت کرده و اینها تلو ازهمین سربازهای بازار پالی بوده واینان قشون جدیدی بودند که برای دوز ه و ه آکوان ه اعزام میشدند (رعد)

کنا (افضل لمن شهده الاعداء)

(ژورنال دوپاری) فرانسوی درباب آنانها چنین مینویسد .

آنچه را نوالاتر وبالاتر صنعی درد نیا نتواند بصنایع وفنون جنگی بدهد آنانها فاقد آن را دارا هستند . برای آنانها تاریکی وروشنائی تقریباً یکی است وی توان گفت ظلمت شب برای اینان وجود ندارد وجاشمه توپخانه‌ها آنچه درهمکای تجارتیه نمایند شعاعهای درخشان موتلك های توپخانه که برای هدایت در شب ومقاصد عملیات عسکری است ملحق میشود .

از وبانهای آنان درهر کجا که حضور شود مانند ارواح رقی سیر حاضر وصهای کار میباشند وبمجرد آنکه آنها یکی ازمواقع توپخانه مارا کشف نمودند دیگرتکلیف معلوم است وخودرا ازهجان بلای آسمان بتوسط روسیاه طلاعات موشکی که ازاروپان بحر کت می آید آنانها درست می‌فهمند که مادر کجا وتوپخانه‌ما در چه نقطه است

در ابتدای جنك ازحیث عرابه‌های رقی واتومبیل های سیارفوق العاده برتری قوای تجهیزاتی عسکری انهابوت نموده وهرچه که داشتم به تلاشی وتلاش‌ها است در کرانه‌ها باخرین سرحد کال رسیده است خطوط تاکراف وتلفونی حتی در یك کروهان کوچك قشون فاصله دور یازدیك باشد وجود دارد وهیچ دسته معدودی نیست که وسیله آنها باتمام قشون ارتباط نداشته باشد

اقوام (سکرمنا) ومهندس اینان بطوریکه دارای هر گونه وسایل عملیات وسیرای کار هستند که برای اینان خراب کردن یك راه آهن یا راه‌آهن یا تعمیر آنها کمتر از یکروز کار نیست

دوطیار آلمانی که نظامی فرانسه تقریباً معاصر تمام دنیا برتری است نویسنده معروف (کوستا وهرده) در روزنامه (عملیات اسپانی) مینویسد (آنانهاموفق شده‌اند که کشتی‌های تجاری انگلیس را ... غرق نمایند یعنی در ساحل انگلیس که طرف امریکا است تبدیل زنده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1298 of 1786

وتخریب نمایند فی‌المثل دو سپه آنها در جوار (ایور چوك) خودرا رسانیده اند ! ... هنوز برما مجهول است وچیزی که بتوان اشخیص دادن است که آنها تحت الثری های ساخته ودر صدد ساختن هستند که چنین موجرا بروز داده کمی تواند مواد احتراقیه وتریل وانواعه وظرفات برای یکچنین مسافرتهای بسیار طولانی حل نماید

بعلاوه آنها فوق العاده قوی بنیه وزردست میباشند وقوه فکر واقدام در آنها زیاد است .

مخترعات وانتکلیسها تماماً خیال میکردیم که مشهور ترین ملل ازاین حیث هستیم وقوه فکر وتدبیررا منحصر بخودمان میدانیم .

در حقیقت قوه تشکیلات وسعی وعمل آنهارا نمی‌توانستیم تصور نمائیم لیکن بنظر ماآنان مردمان ستمکین وغیر جالاکی آمده وتصور میکردیم که آنها فقط حفظا بوده ودر اختراعات از ما تقلید می‌نمایند لیکن جسارت عقلای وقوای مدرکه آنانرا اکنون قائل میشویم .

باین دلیل که از اول جنك تا کنون فقط آنها هستند که ازحیث قوای مخترعه را جمع بمهمات وفنون جدیده حربی عمده کمی را متحیر ساخته اند .

آنانها اتومبیل زره پوش جنگی را اختراع کرده وتمام عمده در این جنك کرده . فیلك شناوری کشیم که روی دریا ودر اقیانوس‌ها شناور وتصور انشعاب دریا زیاد کارد بسفر السفها وانتکلیس هارا بیاد نوع های دریا پیمای سرحقیق از آنها کرده وتمایت اختراعات جسارت امیز ابتدارا بخاتم داشته وتوسعه وتوسعه معروف مارتن سن‌لوئن در روزنامه آن می‌نویسد ! ماقبلا بایك نوع رقیبان تمره اولتیماتوم سرو کار داریم واگر کسی خوب بخواهد بفهمد که بنیه زهره مردانی طرف هستیم بایستی در میدان جنك رفته وباصاحب منصبان ومتخصصین علم تعلیم وداشتمندان فنون حربیه صحبت کرده واوقوف اطلاع حاصل نماید که تدارکات جنگی فوق التصور واستراتژی عالی وغیر العقول آلمانها بعهده وبنیه درجه فوق العاده است ودر تمام جزئیات وکلیات آنانرا چگونه اینتکنیکرا معادل میدانند وچه توپهای سنگی وچیزه کی ایشان فوق هر گونه سعی وعمل ما میباشد

در هیچیك ازقسمت های سنگر و کپر در تمام خندقها و صفوف المان مهمات کافی بعده بافراط موجود هستند کمیتورین کثرت حرکات زمینی وآسمانی مارا مرتکب هستند وهیچ حرکتی ازما آنها پوشیده نیست .

آنانها از بدو جنك تاحال در تمام مواقع وعده‌های جنك هزاران خد عده‌ای جنگی بکار برده که محقق وظهور میباشند

کاهی چنین وانمود مینمایند که میخواهند حمله بنشینند وچون خیلی مارا پیش کشیده وسپس صفوف مارا بامیلیونهای توپهای کمین زیر درختها وتوده های کلوله ازانطار عقب داشته آنرا درو کرده وخرمن هستی سپاهیان مارا آتش میزنند

بنابراین کرچه این حالیات خندقی از آنها رانصرف کردیم بایستی متنظر باشیم که آنها از عقب وجلو مثالهای باران کلوله های آتشبار میلیاردی که برای مارو ب کردن واعداد مضرعین جدید هر گوشه خلق شده نخواهند داد کرچه متقابلا در وسط یکی از دالانهای تحت الارضی که بشکل مارپیچ وبی معنوی ساخته شده بعمل بیاورند دوچار کردن که بیشتوبها وچراحه تمام تازه رسیده کانرا تلف نمایند .

بی اندازهای آنها مانند موشکهای احتراقیه ایشان بقدری مؤثر وشدیدالسم است که علاج بتوضیح نیست .)

وقتیکه خیال نمائیم که انکلیسها وروسیها وفرانسه‌ها باچه خودستائی وبی‌فکری بآنانها تهمت زده وبیکوته آنانهارا بدون امتنا انتحاص بی‌شرف وبی‌وجدان معرفی مینمایند میتوان تصور کرد کهانان چقدر برای جرائد فرانسه وانکلیس سخی متفقت دارد که ازروی تاجری از تمجید ما کرآنان میتوانند خود داری کنند

این است که آنان که باچهار دولت بزرك وچندین دولت جانبدار کثیرهم جنك مینماید تفوق وعظمت قوای خودرا بدرجه بیانان مشهود داشته است که حتی دشمنان خول خوخویش را مجبوری بیند که بلاارادة وطوعاً کرهاً ازاظهار تعجب وتحسین زبان خودداری نکنند .

(آلکالیها الومین ومواد غذائی را)

کما میخواهند ازهوا بگیرند

جراید وبیانات علمی آلمان درحسوس کشف معدن الفلوی جدیدی که بوسیله آن مقدارهای عظیمی الومین یعنی ماده غذائی کندم بانشاسته مصنوعی که ازهوا کرفته میشود هیجان مسرت آمیزی دارند

درذیل این عنوان (فتح بزرك جرمنان) روزنامه معروف (توسه تاکبلاتی) می نویسد آلمان بوسیله فلوم مایه وفلورین ! کشفا فن اقتدار بزرکی واقتداری خوش رابابوجه عظمت رسانیده ووجودسای جدی دشمنان که میخواهند این مقام رفیع رابزوی بیابند موقع نداده خویش رادرزیر آفتاب حفظ خواهند کرد . الومین یا ماده غذائی کندم مهمترین عامل حیات انسانی است وهلاکت آنان از سالا درکار اقدام است کهمقادیر بسیارعمده ازان حاصل وبرای اشخاص وابسته کام و کوشتند واسب وغیره مصرف سازد .

ازطرف دیکر (رایز تاکبلات) یك مقاله بسیار مبسوطی راجع باین اکتشاف جدید نوشته وبرین اینمسئله درپاریس موضوع بحث کردیده وعلمای متخصص فرانسوی درتحت مداقه قرار داده وبعد ازتحقیقات بسیاری میبو (ماری) رئیس دارالعلم فلوم مایه پاریس نظریات وعقاید مجمع علمارا بتحصیل ذیل بعرض کماشتکان چنین اظهار نموده است

رایز تاکبلات مطبعه پاریس چنین میدهد که دارالعلم مواد غذائی آلمان موفق شده است که ازهر چیزی که بخواهد یك نوع نشاسته برای حیوانات سازد کهازصدجزو آن یکجزء قسمت مواد ازته نداشته باشد

پس ازدقیقهای لایدرین عمل معلوم ومکشوف میشود که بطورساده ولی کامرانی که شاید فوق التصور دارای عظمت واهمیت بالقوه‌ای تشخص کرده باشند که فعلا درحد معمول است یعنی ماده حیوانی را که درهرچیز ودر آب وهوا موجود است مبنای این عمل قرار دهند .

همه کس میداند که ماده حیوانی یك ماده غذائی بانك اموبیاك وی میدهد میتوان درعوض اکثر بیرون آوردن ازان یك طوری آنرا عمل آورده وشناخت نمایند کهمواد الومینی آن کاملا بکار خدابخورد ولی نه بقدر قسمت ازصدقسمت بلکه ۴۹ قسمت ان ماده الومین خواهد بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1299 of 1786

همان طوریکه فعلا می‌توانند مستقیما امو نیاک را از باده آزوت هوا استخراج وبدست آورند معلوم میشود که ادیسون واختر دار العلوم غلط بودن پی‌اساس نیست واگر نتواند هرچه میکوید صورت دهد لااقل قسمت صورت پذیر است چونکه تا کنون پیوسته برای ساختن قندچقدر لازم‌بوده ومعین‌شده است که ماده قندی فقط درهوا میباشد وبس وخالا زیاده براین درباره موضوع نمی‌خواهیم بحث نمائیم

پس درصورت حالا دشمنان ما یعنی المانها بر خواهند خاست طبیعت را بخدمت خود وا داشته و بمقدار های لازم ازاین ماده حاضر سازند وباین مقصود موفق خواهند شد درسورتیکه کار ساختمان زیاد ومتعددی عاوه ازدو کاه های خود برای ساختن وبدست آوردن امو نیاک ساخته وتناسب بمقدای اسب های زیاد فشون چونکه این مقدارا آنالیها فعلا برای اسبها وحیوانات خویش می‌خواهند بکاربرند تهرای خود شان دست بکار شوند که مقادیر زیادی تهیه نمایند

یک نکته دیگری باقیست که تذکار آن بی‌اهمیت نیست عبارت ازاینکه مواد الیومین برای غذای انسان وحیوانات لازم است واکثر علما ودانشمندان آنان بکمک وسیله علمی کشف میکردند که مقدار حیوانوفه که برای انسان لازمست در یک روز از این رویه‌مرفته حیوانات بیشتر از انها تناول می شدند امتا دربس عمارتهای دار العلوم پاریس

قروزارة سلاطین مبارکه

ازجراید فرانسه

بیانات اعلیحضرت سلطان عثمان

دربک تشریف حضوری که درقسطنطنیه بروز نامه نگاران امریکائی مرحمت شدوبود اعلیحضرت سلطانی بیانات عدیده نموده‌بودند ضمن سایر مطالب راجع بعملیات متفقین درداردانل ومقاصد آنها عدرمتأثر ساختن دول بی‌طرف . فرمایشات ذیلرا نموده است :

• نهایت اطمینان دارم که قوای متفقین هرچوقت قدرحضور کردن بروازهای داردانل نیست

• عملیات دریاله که قوای منصوره ما اخیرا وجدیدا درعمارات بوقار نموده اند طوری درخشان است که امروز می‌توانم بشما بگویم وخاطرجمعی دهم که متفقین هرچه‌بتوانند وسمای آنها هرانداره باشد وهرقدر قومیاوردند بالاخره اخراق میتوانند که مقهور کردن قوای مدافع غیرممکن است

• روس‌ها انگلیس راهجبور باین اقدام نموده اند لیکن خودشان خواهند دید که این خیال چه‌خطای بزرگی است که بصور خودشان داردانل وقسطنطنیه راالتفال نمایند غلط برای اینکه بتوانند واردات وصادرات ازوروس داخل وخارج نمایند.

لیکن مطلب که ذکرای متفقین کشف میشود که افتواج وقوای مقام شهامت وفداکاری خودرا بالمیان ثابت نموده ومعلوم میشود که عما گر عثمانی قادرانجام وظیفه خود میباشند

پس ازاین سلطان ازرشادتهای کنونی عما گرآنان وصاحب منصبان آنان که برای دفع داردانل جنگ می‌نمایند وازلیاقت و قابلیت دلل قیصر وپاشیم توصیف نموده ومعدجتن بیان می‌نماید .

• خیلی خورسند هستم کهروزنامه نگاران امریکائی رادراین موقع مشاهده می کنم درموقع حلات متفقین بداردانل خودروزنامه‌نگاران حضوردارند وحقایق امررا بالمیان می‌بینند .

من افتخار عمومی بدول وملل بی‌طرف خیلی امید عدم وموقع اهتمام میشمارم که اظهار رضایت از بدایت بمیاه آزادی داده‌ایم

(وضع زندگانی)

درتحت الحمایه لندن فرستنده تحت البحری ۲۰ ج ۲۶ ۰ آبو نشان ۰ هالس ۰ بملت‌غیر ازدروز نامه نگاران امریکائی اجازه مسافرت و ازدواج داده و صاحب منصب

مرور در این مسافرت اخلاقات دقیقه راجع به زندگانی کردن درتحت البحری هوا تنفسیات فرورفتن وبرون آمدن وحمله دشمن‌را باتصویرات جالب توجهی شرح داده است که عینا میگذریم

همین که از دیک داخلی و گنبدهای فولادیم باگشتن دریا در ظلام وطوفان باتدوومیات بحری مسلح وکرده فوری زره آب رفته ودر آنجا راحتانه آسایش مراقب کار وفرصت خود میشویم

چون که فرد میرویم تمام روزنه ها را مسدود وتوسط لمبه تحت عمق از فشار هوای خوب داخل محفظه های اعتباطی داخل کرده وکاهنده دقیقه بار ومنزرا (درجه هوا) نگاه می نمائیم که آیا درجه فشار پائین آمده است یانه و همیشه کار کار ها حراب و وسایل لازمه میباشد زیر آب میرویم

در حینی که زیر آب حرکت مینمائیم بالسکوت شبه‌مرگی درکشتی و دریا حکم فرماست وموتر الکتریک بدون فنره صدا درکار حرکت است ۱۰ آب بقدری خوب نقل صداست که چنانچه‌بیک کشتی روی آب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1300 of 1786

بالای سرمان زدیک کشتی ما عبور کند فوراً آب صدای ماشین آن را باهی رساند و بلا فاصله ما فهمیم کشتی در چند فاصله و در کدام طرف ما است

کشتی رانی ما در زیر آب مطلقاً توسط نقشه و پرگار میباشد ولی که خیلی زیر آب میرویم و مقتضیات دریا ما را مجبور می کند که زیاده از حد معمول تحت آب بمانیم هوای کشتی گرم و متعفن میشود و وی روغن ماشین مخلوط بهوا می کردد و کمابیش اداره در خدمت داخل شده و کاملا معتدل شده اندطوری جواب میدهد که بآسانی میتواند خود داری نماید وخیلی بایدمی نماید که آنرا جواب زند

کاهی بعضی اشخاص کار فکرده در کشتی می بودند که وادار بدهم اشخاص در سه روزه اولی کهدامل شدند ابتدا غذا خورده جواب میدهند غذا خوردن را بازدان میدهد و متدر جاً که عادت شده این حالات رطرف می شود .

باری همینکه هوای دریا طوفانی شد یا آنکه زدیک قوای کشتیهای دشمن رسیده بایستی برصد آنها داخل عملیات کردیم در آب غوطه ور می شویم و همینکه موقع کشتی خدمتکان پست حکم میشود که حواسیده یا آنکه مطلقاً راحت نباشد واداً مداخله در عملیات وراحت نباشد را که کار و حرکت اسباب آن است که زیاده استشاق هوا نموده و اکسیژن هوا را در تنفس زیاد مصرف کنند و مسئله سرفه بدون ازصرف اکسیژن در کشتی تحت البحری در دست مثل آن است که یک آدم تشنه در صحرای بی آب وطنی باید حتی الامکان آخر قطره آب خود را احتیاطاً بی اندازه کند کمبادا دچار تشنگی میشود .

نکته دیکر کمر تحت البحری خارق العاده است مسئله آتش است کمیجوجه نمایش در آنجا آتش روشن کنند چرا که آتش نیز اکسیژن هوا را جذب میکند (زغال) میباید.

توماکزیک خطهای الکتریکی و برق در کشتی خیلی خوب است و در صورت لزوم عوض آتش برای طبخ اشیاء میتوان بکار برد.

غذای ماهور مدت مسافرت واجنب جهازات دشمن فقط غذای تحت سرد است که همراه زمیداریم وبطوریکه دیده اید مطبخ و اسباب طبخ پساون غذاپزی در کشتیهای تحت البحری پست دوران سردابهای مهیب دریائی که بیای بزرک و تفریح کاه ندارد من خودم روزی هشت ساعت تمام بایستی در طیارهای منشور شمای (آلت بلورین دور بین است که مثل تلسکوپ دو وسط کشتی تحت البحری قرار کرفته و توسط چندین عدد ازهمین منشور های شمای دکمی کشتیهای کمدور روی آب است در آن افتاده و کاهی از روی آن مشاهده میکنید که دو وسط دریا چه خبر و کشتی در کدام طرف است) ایستاده وچشمم در آن کار نماید ودقت مراقب دریا باشم پس از آنکه مدت تعیین شده خودرا دیکری را بجای خود کماشته ودر کمال لذت ومیل زیر آب خواب راحت وخوش میروم و کشتی مانند یک کهواره ملایمی حرکت میدهد وهمان حرکت بیشتر اسباب لذت ودر بودن خواب میکردد وقت بالا آمدن رفیق از آنکه روی آب بیایم حکم میدهم که چند دقیقه صبر ساکت باشند وخوب کوش میدهم که آیا در اطراف ما بواسطه توسط منشور شمای نمیتوان دید یا کشتی دشمن هست یانه چرا که آب بقدری خوب ناقل صوت است که صدای کردش چرخ کشتیها را از دور ساعه یک ماموس راصدائی بکوش میرساند .

(جناب مالیجاه نجم الدوله خان امیر)

حضور اعلیحضرت

کان جنرال وان و پولو بتاریخ ۱٤ ماه سال در غلالهٔ سا حملات باکلت دریای وهدا وزا عبور نموده - واز انجا بسرعت تمام پیش قدمی کرده - برساحل شرقی دریای مذکور سنکرهای خود را مستحکم نمودند واخیراً از انجا بطرف علاقه توکوم که در مغرب بحیره ریکا - یعنی خلیج ریکا یک مقامی است - پیش قدمی دارند - سپاه روسی عبور شده مقاومت زیاد واقع نشده چونکه از قدرت اعلی نموده - بطرف همان سنکرهای خود عقب رفتند - که قبل ازین بسیار مستحکمی تعمیر کرده شده بودند مکر سپاه جرمن عقب نموده - بتاریخ ۱۶ شهر ماه سنکرهای مذکور را قبض شدند وسپاه روسی در بین دریای پسیا - ودریای وسجولا در تمام خط بطرف بحیره ویس باشند - دولت روس بطریق رسمی اطلاع داده

اریابت همه رحمم از قبیل زیبل زین بالوکهای مخصوص پانوب الداخل آن زاده بران حکایت میکنم وا کشتی میباشم یا یک از کشتی جنکی باشد یی خبر از زیر آب دوسه تربیل کهفر بلندی چهل متر میباشد وارد بطرف او روان کرده و کارش را می سازیم وا کر کشتی غیر مسلح باشد تا کمال را طی روی آب آمده و بانهای احتیاط میباشم کسیوار کرمیشوند وبعد در نهایت آسوده کی خطر با کلوله توپ باتار تجات بغیر آب روانه اش می نمایم

تفصیل محاربهٔ روس و جرمن

۱۹ - ۲۰ جمادی الاولی سنه ۱۳۱۵ - خبر آمدن در کاه اخبار وردان ستاد روسی از ساحل بحر بالتك الی سرحد رومانیه دو صد یکهزار میل جبهه بسیار سخت جاری است جرنیل هندنبرک جرمنی در سمت شمال وجرنیل میکنسن در سمت جنوب کاندای فوج های جرمن را میباشد هردو جرنیل های مذکور از هردو سمت پیش قدمی بسیار شدت نمودند وفوج های روسی در اکثر مقامات عبور شده عقب نشستند - فوج های جرمن تحت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1301 of 1786

که سبب این همه پیش‌قدمی‌های دولت جرمن و پس‌نشستن دولت روس این است که دولت جرمن تعداد سپاه خود در جناح روسی است بمقابل مخالف یعنی یک‌رو نموده ـ ازین‌رو افسرهای روسی قرار مصالحت وقت لازم دانسته ـ قوچهای خودرا از کنار دریای وسچولا عقب برده ـ الزسو مرتب نموده ـ حمله خواهند نمود ـ چنانچه کار دولتی مذکور بلاصراحت غیرمعمل گوزده میشود ـ ترکتار غربی دریای وسچولا پیش قدمی قوچهای جرمنی بسیار سرعت جاری است ازین جلوبرد روسی بطرف عقب دریای هرنکا در علاقهٔ جنوب زولن پس‌رانده واقعدران جرمنی میخواهند ـ که سپاه شان دریای بلندا عبور کاینده بان طرف برو خود را برساند درین حالت که اکنون ایشان حمله شان است قوچهای جرمن بسیار علاقهٔ ملک روسی را قبضه نموده لیکن نقصان بسیار سخت برای سپاه خود ایشان عرضه‌یده در تمام جناح میدان جنت روسی جنگ بسیار خون ریز جاری است اما در دوجا یعنی وجه قوچهای جرمن ازحد زیاده دامنه می‌شود ـ یکی درمقام وارسا جوسنک و علاقه جات و استحکامات دریای نار چودوم در علاقه جات لیتن که باهمین کلید میدان جنگ را دارا است قوچهای جرمن حمله های بسیار سخت نموده ـ موضع وقوع واقع‌جاها کاروزرا قاعس شده ـ وبالخصوص درجناح لیتن جنگ بسیار شدت جاری است سپاه روسی تمام روز حمله های سخت و پشت سپاه جرمنی مکنسن جرمنی را پس‌را نمودند مگرفردا بوقت طلوع آفتاب قوچهای جرمن یک حملهٔ بسیار سخت نموده مقام ترونستارا قاعس شدند ـ ودرتمام علاقه جات مقام مذکور سنگرهای خود را مستحکم نمودند و قوچهای استریاصدارجنت بسیارشدید وخونریز ـ مقاومتنداشته ـ قبضه نمودند ونیز بدراجا سنگرهای خودرا مستحکم نمودند ـ سپاه روسی قدری عقب رفته درصدد وچون سنگرهای خودرامستحکم نمودند ـ ونیزدرتمام جناح میدان جنت کلوله باری بسیار بشدت توپهای کلان دولت جرمن جاری است گویا در تمام یکهزار میل قیامت برپاست

۱۷ جولائی خبر لندن — ازپترس بطریق مرکاری خبررسیده که درمیدان جنگ فرانس — جنگ بسیاربشدت جاری است دوشنبه شب‌گذشته کلوله باری توپهای کلان جرمن جاری ودودر علاقهٔ میری نیرپس قوچهای دشمن جرمن یک حمله بسیاربشدت نموده شهای دستی استعمال نموده درمقام ورایی قوچهای جرمن دوحمله جنگهای بسیار سخت برسنگرهای سلان نمودند مگر ایشان را پس نموده درعلاقهٔ ارگون قوچهای جرمن یک حملهٔ بسیارسخت نموده ـ همان سنگررا ـ که قبل ازین سلان از دست قوچهای دشمن گرفته بودند دوباره قوچهای دشمن قابض شدند ـ

۱۹ جولائی خبر شمله بطریق سرکاری رسیده ـ که سپاه ترک درمقام خلیج حمله نموده ـ سلطان خلیج را زخمی نمودند ـ سلطان مذکوررا درحدن زخمی آورده بالای توپخانه جراحی کرده اند مگر نامبرده فوت گردید ـ این سلطان ـ که اسمش ثروت بن احمدبن علی الشهیر به سلطان ابالی بود ـ وبسیار دوست وخیرخواه دولت برطانیه حکومت میشد چنانچه دولت برطانیه خطابات ـ کی ـ می ـ آئی ـ ای رای او داده بود و حکومت خلج که درسرحد عدن بطرف یمن یک ملک است بدو تعلق داشت چنانچه درامد فقط

۱۸ جولائی خبر لندن — مبعوثان جنگ ملبوریده گزارد — بیان نمودند که از طرف ثبال درخلیج یکصد میل قوچهای جرمن بطرف وارسا بسیار بسرعت پیش قدمی می نمایند این خط خلیج قوچهای روسی درین — لین های — ملاوا — وارسار یوای — ودریای بیسا میباشد — ازین حرکت جارحانه مدعی دولت جرمن است که همین قوچهای که درخلیج یکصد میل از ثبال بطرف وارسا پیشقدمی مینمایند — ازیک طرف وقوچهای کابنیر — که اطراف سپاه مذکور ازین فوج — یکصدو هفتاد میل دور بطرف مشرق میباشند ازیکر طرف حمله نموده ـ بطرف وارسا پیشقدمی نموده وقرب وارسا هردو فوج باهم اتصال یافته یک دایرهٔ دوارسا حلقه نمایند — وهرقدر فوج وپاگادی که درین حین هردو فوج بیاید زنده وبریده کرده شود — دولت روس — برای مقاصد حمله مذکور کوشش می‌کند

۲۰ جولائی خبرلندن — ازپرون اخبار جرمنی — دراپسزدم معلوم شده که قوچهای جرمن شهر ووارشا جات وبندگاه اورا قلع کرده قابض شدند — ودولت روس بدون هیچ گونه مزاحمتیر وسامانات وبندگاه را خالی نمودند — وبندگاه پرسامل غربی بالتک قریب خلیج ریگابک شهر است —

۲۲ جولائی خبرلندن — اتباعات پیدایش قوچهای جرمن درمملکت روسی ودرمعرض خطرآمدن وارسا — وریگا — درتمام‌وقت روی بسیار بیقراری واضطراب پیدا شده — اعلان گردیده که درتمام‌وقت ۲۴ ساعت یعنی یک شبانروز دوا کرده اورد جانبه وقت‌بیابی مدکور ازشش‌غده شبیه‌مشغله شروع گردیده — وروز بیهارشنبه در گرجهٔ کلان پترو گراد آنقدر هجوم خلائق بود که بقدر کفیدست جابدست نمی آمد — مدت ۲۴ ساعت درتمام گرجه‌های ملک روسی مرخوست داده بودند — وزنگهای گرجه‌ها بنوا آواز می‌بودند — باوجود اینکه دران روز گرمی هم ازحد زیاد بود —

۲۲ جولائی خبر لندن — از پرس بطریق سرکاری خبررسیده که درمقامات مختلف کلوله باری بسیار سخت دولت جرمن جاری است درمشرق ازگون سپاه جرمن یک حملهٔ بسیار شدت نموده — وبعد ازجنگ بسیار سخت در گرفتن یک سنگر مابین کامیابشدند — جنگ باحتدت جاری است —

۲۵ جولائی خبرلندن — یک لنگر جهاز دولت روس وبک لنگر جهاز دولت فرانس وی لنگر جهازات موزرا کمبر آمیرلر ثبالی درغل وحر گردیدند — کدام کشتی نحت‌البحر — دولت جرمن حمله جهازات مذکوررا غرق نموده — دربارت جهاز — مابقی علاوه‌شدند یک نفری نجات یافته —

۲۵ جولائی خبرلندن — درشهر لندن درکلیسای بزرگ یک گروپ مبارزین بحمهٔ پادشاه دولت برطانیه جمع‌شده — بخیالخواهان هوجهای بری و بحری دول متحده — دعا نمودند

۲۶ جولائی خبرلندن — بعداز جاسوسی یک‌حلقه — کشتی های نحت‌البحر دولت‌جرمن — دوباره حمله‌نموده — میل فرقاطهٔ شورا اسرائیلیه جانجه‌بتاریخ ۲۲ ماه‌جاری قریب لورکی یک‌جهاز دوبی را غرق نموده — ودیشب جهاز فرنچ — ودولت برطانیه‌را بلاتلاع ذخیرهٔ تاریدو ساخته غرق نموده — وسه لنگر جهازات جورد‌را هم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1302 of 1786

در بحر سفلط غرق نموده و یک جهاز دولت برطانیه را گرفتار کرده — یرق اورا گرفته — جهاز را غرق نمودند — ودروقت غرق کردن جهاز یرق را حرکت داده — خدمه های کمپنی نمودند —

۱۰ می خبر لندن — یک جهاز کوچک ولهذا یرا گذام کشتی آبدوز دولت جرمن در بحر سفید غرق نموده جهاز مذکور بسیار دور همراه کشتی آبدوز مقابله نموده مگر از باهت کوچکاری از کشتی آبدوز کرفته نتوانست اما کشتی آبدوز خبری جهاز را مهلت داده — کاپیتان در کشتی ها سوار شدند بعد ازان جهاز را غرق نمود —

۱۰ می خبر لندن — دولت جرمن درباب غرقی جهاز لوسی تانیا — که قبل ازین اورا غرق نموده بود — برای دولت امریکا جواب داده — که دولت جرمن در خصوص غرق کردن خبری امریکا در جهاز لوسی تانیا اظهار عدم وجود نموده ظاهر می نماید — که وعده داری این نقصان عظیم بردولت برطانیه می باشد — بقرار و جوهات ذیل —

۱ دولت برطانیه جرمن را برای کردن این قسم کارها مجبور ساخته — که دولت جرمن جهازات را غرق کند —

۲ باقی جهازات تجارتی دولت برطانیه مسلح میباشد و از غرق نمودن جهازات جرمنی که بدست اینشان رسیده درج می نمایند — ۳ — جهاز لوسی تانیا هفتاد هزار وچهار صد بکس های کار طوس بار بود — ازین سبب غرق نمودن جهاز مذکور عاقبت جانشان غرق نمودن بود ونمیدانیم افسوس می کنیم که مردم امریکا روحیه زیادی انکرده — که درباب محافظت مردم امریکا کرده اند یقین کرده — یرکنه میدان کاهی خیال هم نکردند

۱۱ مارچی سنه ۱۹۱۵ خبر لندن — نمایندگان مطبوعات این میدانند که ازساحل دریای ارش — الی ساحل بحر سفید در هفتاد میل جنگ بسیار شدید جاریست — چنان معلوم می شود — که جرمن ها برای هست آوردن بندرگاه کیل کوشش بلیغ می نمایند — ازین جنگ از طرفین بسیار خبری کشته و زخمی شده اند روز شنبه جرمنها — بالای اوز ایلدر بشدت کاوله باری نمودند — کفتن ازین کاهی دیده نشده بود ازکاوله باری مذکور سنگر های فوج و طایفه زیر وزبر شده ودرحالت مجبوری فوج های و طایفه سنگرهای خود را خالی نمودند — چون جرمنها به جهت کثیر پیش قدمی نمودند افواج برطانیه حمله کرده بسیاری شان کشته باقیمانده شان پس پاشدند —

۱۰ می خبر اند ازپترزبرغ مطلعا شد خبر رسیده — که قیصر جرمنی در میدان جنگ کلیشیا بنفس خود آمده کیفیت جنگ رابچشم خود ملاحظه نموده — جنابچه در جنگ یک دسته سپاهیان کارد خود او موجود بود —

۷ جون سنه ۱۹۱۵ خبر پترو کراد — جرمن ها در مقام زاوکا — ابتدا بدست استیلا کامل مهلت را نمودند که در تمام علاقه جنت دور و نزدیک هرچیزی روبراه آرمیدگی آن محفوظ نمانده — وجمیع حیوانات علاقه مذکور بتعداد کثیر زنها وکودکهای خورد سال هلاک شده اند اسپ های کشیریت یعنی بار برداری افواج روس بعضی زیادتر و قیمه ها را تکسانده فرار نمودند وبعضی حواسها هلاک شدند —

۱۳ می — خبر لندن — دولت جرمن درمیدان جنگ فرانسه — در بساری جاها ریمه های فولادی که توپهای آن ها بسیار نیز است درمین نصبی نصب کرده — که صدها درمین دفن و توپ بزرگ آن از زمین بیرون است — کهکه کاسب وبالا نمودار سر آنها باشند — زخم بسیار مهلک برای شان میرسد — واین قسم رچه هزارا بکرور کذر کاه دول متحده نصب کرده اند —

۲۲ می — خبر لندن — یک ریل کاری اسپیشل یعنی ضروری که درین آن چهار دهقر افسر وچهارصد وشصت وشخص سپاهی از انواع دولت برطانیه سوار بودند وطرف میدان جنگ می رفتند قریب اسپتی لای واقع ملک انگلستان هراه یک ریل کاری مسافری که در بین آن صدها دیگر سوار بودند تصادف نموده هردو ریل کاری پیاپی شدند درین صدمه یکدیگر ریل کاری ایکس پرس یعنی خاص ازطرف دیکر آمده هردو کاری شکسته تباه شده بود وهمه ریل کاری ها تکه تکه شده مشتعل شد بسیار یک نظاره دره ناک آتش بودبعضها غرزنده ومرده و زخمی دران می سوختند وعلاج از دست کسی نمی آمد چون حاضری سپاهیان مذکور دیده شد از جمله ۲۶۵ نفر سپاهی و ۱۴ نفر افسر ۹۶ نفر باقی مانده بودند دیگر همه کی هلاک شدند —

(آخر زن خبرها)

لندن ۲۰ ماه جولائی —

خبر یرو کراد مظهر است که جنگ برای قلعه وارسا نهایت شدت جاری است — وجرمن ها بوجود قصان کلیه پیشقدمی کرده میروند — جرمن ها قریه باری را کرفتند و برمقام کراوستا مصروف شدند —

لندن ۲۰ ماه جولائی — ۷ رمضان —

دریرو کراد بطور رسمی اعلان شده که تاریخ ۱۹ ماه جولائی در علاقه شوش پیشقدمی جرمن ها جاری بود — ودر علاقه سوکال جرمن ها و استروی ها بسیار زور آورده اند — ازجمله جرنیل هاتن یک دویزو کراد بسیار مزاحمی رخ نموده است —

شنبه ۲۱ ماه جولائی ۸ رمضان —

اطلاع ذیل ازطرف وزیر هند به وایسرای رسیده است — پیش قدمی استرا وجرمن در یک خط هجاز و یزقیست — و جرمن ها مقابله خاورا کرفته اند — وفوج روس پیدا شده دریای بارزوا عبور نموده است و دشمن دریای بک را عبور کرده — شدت جنگ میکند — وفوج ایطالیه در علاقهٔ گلوزو پیشقدمی نموده و یک جهاز جنگی ایطالیه در بحیرهٔ ایدریاتک غرق شده است فقط —

امید تازه قیصر جرمنی —

لندن ۲۱ ماه جولائی ۸ رمضان —

قیصر جرمن ملکهٔ خودرا اطلاع دین خواسته است و عوام الناس خیال دارند که قیصر دراین انتظار است که چون وارسا سخر شود — بجانب غالچ در آن داخل کردد —

لندن ۲۱ ماه جولائی —

مستر بونولا در بارالعوام بیان کرد که حالت افریقه مشرقی برعکس حالت افریقه جنوبی و شرقی و توکولیند و کیمرون بسیار خراب است —

شنبه ۲۲ ماه جولائی — ۹ رمضان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1303 of 1786

تلگرافی ذیل ازطرف وزیرخارجه وایسرای موصول شده است ـ
جبهه‌های سابقهٔ جرمن کاملا باری میباشد ودر صورته بالتك جرمن
روبه‌زقیمت ودرمشرق توکوم روی جانب دیکاپیا شده است وبرقرار
بیان جرمن درشمال سکرودی وپیا جرمنی بسیار استحکامات روسیه
را گرفته ودر قلعه‌های مستحکم خانم اوسترو لتکا قابض شده است
احوال جدید که از جرمنی موصول شده مظنون است که جرمنی
تامقام پوتی کرجك که ازو ارسا دهمیل میباشد پیشقدمی نموده ولی
روزورا تا که استحکامات روسی میباشد رسیده است وجنرال واژ
برج روسیان را از استحکامات جنگی که در جنوب ورسا میباشد کشیده
وفوج سوار اورا بندوبست دیگی روسیان تحص جرمن قدرتی کرده که
دشمن باحتیاط تمام باستحکامات جدید خود برسد خط ـ

پیشقدمی متواتر افواج جرمن بر کل جبهه ـ

لندن ۱۹ ماه جولائی ـ ۶ رمضان ـ

جنگ شدید بر کل جبهه روسی از بحیرهٔ بالتك الی بسارابیا که
یکهزار میل درازی دارد جاری است ـ جنرال ون هندنبرگ
درحصه شمال وجنرال بلکنسی درحصه جنوبی روز گذشته
رای‌جبهه جارحانه عمومی حکم دادند ـ واطلاعات رسمی روس تصدیق
می کنند که افواج روس پیشقدمی های که پیشتر تیار کرده
بودند عقب رفتند ـ اخبار روس وجرمن درباب مقابله های افواج
سواره درصوبجات بالتك متفق اند ـ ودرصوبجات مذکور جنرال
ون لو (جرمنی) درروی وداوزا امور نموده طرف شمال وجنوب
بشرکاه بتاخ پیشقدمی مینماید ـ وشدید ترین جبهه‌های جرمن درعلاقه
راسنائ جاری میباشد روسیان اعتراف می کنند که آنها بریسپای طرف
درینی بازپس عبور نموده اند لهذا اردوی جدید افواج بر کنار چپ
درینی وسجولا ضروری بود ـ جنرال میکنسن روز شنبه قریب
مقام واکولان که بطرف جنوب لیدن ومابین درینی وسجولا وبلت
واقع است جبهه شدید آورد وروسیان درموقف شب مجبوراً بطرف شمال
پسپا شدند ـ

غرق کشتی جنگی ایتالی

بتاریخ ۱۸ ماه جولائی یکدسته جهاز زره پوش ایتالی زیر
آمر بندرگاه کنزولوه باری کردند ـ ووقت پسپائی یك کشتی زیرسمر
اوستریا جه کرده جهاز جنگی زره‌دار گریسادی‌نام ایتالی را غرق نمود ـ

تلفات

درباب تلفات افواج بحری وری انگلستان درمدت ۱۲ آخر ماه
جون وزیر اعظم انگلستان به دار العوام اطلاع ذیل داده است ـ

افسران مقتول ومجروح ـ

مقتول ۵۷۱ نفر ـ مجروح ۱۲۵۸ نفر ـ مفقود الخبر ـ ۱۳۵نفر ـ

سپاهیان مقتول ومجروح

مقتول ۷۵۴۳ نفر ـ مجروح ۲۵۵۴۷ ـ مفقود الخبر ۷۴۰۱ نفر ـ

مجموع

مقتول ۸۰۸۴ نفر ـ مجروح ۲۹۸۱۴ ـ مفقود الخبر ۷۵۳۶ نفر ـ

اجرا آت جنت

لندن ۲۰ ماه جولائی ۷ رمضان ـ

وزیر اعظم از دار العوام پارده کرور پوند برای مصارف جنت
طلب نموده است ـ اگر این مصارف منظور گردید کل مصارف جنت
انگلستان بمقدار بیست کرور و پنجاه لك پوند خواهد رسید فقط ـ

حوادث جنك

راه خشکه

مسئولین جهندار دانل را می خواهند

روز نامه (اروج) فرانس درمقاله جالب توجهی می نویسد این
مسئله تحقق گردیده است که عملیات راه دارداول را قبلا خوب حساب
نکرده بودند ودون مطالعه داخل چنین عملیات بزرگی گردیدیم ،
واسباب عدم موفقیت چندی حالات مزوکشف لیکن دو مرتبه باز هم
باهمان مقصد پیش بینی شروع کردند ، برای چه سلاح بهترین جهازات
جنگی وسربازان فرانسه را باینسان درمحفه سنك های خارجه وآبهای
دارداول فدا کنیم وتیجه نبرم .

ماهمه سربازان خودرا شهید تر ازیکی از حلاجها اعتقاد
می کنیم که یك روزی درصدد تحقیق مسؤلین آن برخواهیم آمد
چنانچه قضا وقدر وپیش آمد های اجباری قابل عفو باشند ملت
بچوجه نمی تواند لاقیدی را نیز عفو نماید .

معلومات آنان درباب ایطالی

معلومات آنان بابك هیجان تمام آمیزی عیسه تکی ایطالی را
موضوع بحث قرار داده وبدولت خویش توصیه می نماید کهشدیدترین
اقدامات را آنان برای کیفر چنین دست غصبی درباره روم بکار
اظهار نماید وتیجه اشان چنین است :

ملت ایطالی میتواند انگلیسه و سالاندرا متفکر نماید کهآن ملت را
درانظار تمامدنیا مقابل چنین حجت توده ومدنیت تاریکی وحشی
جلوه‌داده است که میخواهد با کال بی‌عرضی دستهرا کهنهایت صداقت
بجهه وی پیشنهاد کرده باخنجر خیانت قطع سازد وایطالی را ملتی
معرفی نموده است که دولت خود را بپول به دشمنانش فروخته است
ال بابو وعلامت مقابله مردان بی‌شرف همین است .

(سالاندرا رئیس الوزرا) و(سونی‌نو وزیرامور خارجه)خیانت
بدولت خود نمودند وخون او لادان ملتشرا درازای پول بیحساب
فروختند . اخلاق سازمین تمایلات ایطالی را اقناع میکند ووی را
بسوی مظاهر ورذالت آمیزترین جنك کنونی سوق میدهد .

ایطالی در مدت مدا گزات سابقه خویش بالطرزی مذبوحانه
بعملیات صریح با بدلسان فروخت برای مدت نامشروع سعی میداد
وامیدوار است کهچنین قضایالطریق کهخودرا بالتدریج بالطرف
مغلوب نموده اند در صورتیکه خودشان شرافت وعزت ملی را بزیرپا
انداخته‌اند مردم مسلمه شرف واعتبارات را درپیش میکنند ! .

(راجع بمصر)

سکوت از اوضاع مصر چه در اخبار دوزو چه در اعلانه ها
موجب شده بود که بعضی تصور می کردند عثمانیها از خیال آنها منصرف
شده‌اند ولی در ۲ جمادی الاخری اعلان افتتاح خطوط اهن‌زمین‌مصر
در طول هشتاد کیلومتر داده وبرای حمل مسافر ومالالتجاره کهدقیق
وقدمی ترنهارا حاضر کردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1304 of 1786

معوبنده علن دکوت تمارك مقدمات كارديده است .

خردا این اعلان مصادف بود بااعلان دیگری كدوول عثمانی بدول بحرف درباب تعمیم عنایات درگاك سوئز داده ومسئولیت خسارات وارده را بعراقسه و انگلیس نسبت داده بود .

از جراید استانبول

۲۶ مبر گرداور عراقسه (زوآو دیشان) گیاه ایی زرنا توپه داری خواست قشون بیاده باید قایق باسرنشان وقور ـ بامیر عسا كرعثمانی گردید .

۲۸ مبر در حملات اخیره عثمانیها برای ورتو صدنفر مقتول دشمن درمیدان باقی مانده وعده كثیری كشته وزخمها بودوبر جلوقومش اطه یك زره پوش فرانسوی و كشتی غایه دشمن وبر آتش كلوله های توپخانه عثمانی شد

۵ ژوئن ـ در اطه زده گری تحت البحری عثمانی یك كشتی زرك دشمن را باتور پیل غرق كرده ودر جوار ارض روم بواسطه تریل دیگر یك فروند كشتی حمل نكن متلاشی شد

۶ ژوئن ـ عملیات شدیده درمنطقه سدالبحر بموفقیت كامله عثمانیان خاتمه یافته فور خانه زادی با ۱۷ میزالیوز نصیب عسا كرما شد

بواسطه شلیك توپهای آری ورتو یكی از جهازات دشمن غرق وبا قی سمجه فرار كردند .

اخبار های انگلیس وفرانسه كلا عثمانیها چهارصد اسیر گرفته اند بلكه دروغ است وبلكه ما اسیر نداریم وبالعكس ازده هزار نفر متجاوز دشمن تلفات دائمه تامابهزیمت رفته ونتوانستند اجساد مقتولین را ازمیدان ببرند واز ۱۷ میزالیوز كه گرفته اسلحه غنیمه

۱۱ ژوئن ـ درفرونت قفقاز از طرف روس بی درپی حمله عنیفه بطرف اردوی عثمانی بعمل آمده ولی بكلی حملات شدیده عثمانیان آنها را خلف نشانده وموقع آنان را متصرف گردید .

در بحر سیاه جهاز عثمانی ۵ بدل ۵ بادو كشتی جنگی روس مصادف شده یكی را غرق ودیگری را خراب كرده كه بزحمت توانست فرار نماید .

اخلاع سی الان مورخه ۲۶ ۵ مقرر است بریگ عمومی عساكر آتی كه تازه آخرین درخدمتگاران داخلش گرفتار هستند بترتیب ذیل میباشد .

روسی	۱۰۰۱۷۰۰۰۰
فرانسوی	۲۵۷۰۰۰۰
انگلیسی	۲۴۱۰۰۰۰
بلژیك	۴۰۱۰۰۰
صربی	۵۰۰۰۰۰
جمع	۱۰۳۸۵۱۰۰۰

عده تلفات روسی از ابتدای جنك تاسه آو زیل

در روزنامه رسمی روس آنكه از طرف عمومیه دولت روسیه انتشار میدهد كه تلفات روسها تاسه آو زیل تقریباً چهار ملیون نفر بوده است .

تلفات عسری انگلیس

موافق معلومات اداره عسری امریكا دولت انگلیس در ماههای اول جنك ۱۲ فروند كشتی جنگی از دست داده است غیر از كشتیهای معاون كرد ونورد وجهازات تجارتی

توپهائیكه آلمان بغنیمت برده

بر حسب یك نظره صورت رسمی كه در برلن انتشار یافته است عده توپهائی كه قشون آلمان تاكنون از دشمن درجنك بغنیمت گرفته است ۵۵۹۰ عراده میباشد كه صورت جزو آنها از دولتخواسه چنین است

از بلژیك	۳۳۰۰ عراده
از فرانسه	۱۳۰۰ عراده
از روس	۸۵۰ عراده
از انگلیس	۷۰ عراده

مقدار كثیری ازهمین توپها خوب و قابل استعمال هستند وفعلا با كمال عجله مشغول درجنك ها بكار میروند .

(فتح ـ وارسا)

« وارسا » عظیم ترین شهر جنگی روس میباشد ومركز بهترین ابتیاراتی الویه روسی بود ـ عموما آرتلمه در جه اولی جنگی بشمار میرود حدود شهر بر كنار چپ دریای وسچولا ۵ قلعه حلقه زده ما و ۱۰۲ قلعه از طرف بیرون حلقه زده اند وهفت قلعه كه طرف راست دریای وسچولا است علاوه براینها بوده اینها قلعه های جامعه ۵ میل از شهر میباشد این قلعه ها جمعا ۱۴۰۰ توپ مسلح بودند ـ روس هاوقتی از وارسا حمله پل هاوسامان (۱) خریب آلتیرند وبسیار جاهارا خراب كردند

(منظره بار كشتن روس ها)

وچون افواج روس ها از وارسا بواپس میرفتند ـ ووارسا اخلی گردید در اراه هرجم بسیر آنها رامیدیدند ـ وافواج بصدهای بلند میگفتند پس آمدند پس آمدند وافواج درجواب آنها گفتند ـ معلوم باشید كه عقریب از همین راه وارسا برای فتح برلین خواهیم رفت !!!...

(نظاره برلین شدن فتح وارسا)

قیصر بعسكر خود بدریه تلگرافی خبر وارسا فرستاد ـ قیصر جنرال ایلی كاجدر برلین را حكم داد كه در برلین بایسكل سوارها برای رسانیدن واكتشاف خبر فتح وارسا فرستاده شود حسب الحكم بایسكل سواران در بازارهای پرپروار رفته واعلان لحظه وارسا را میكردند ودرهر كوچه گفت چیخ میزدند هرچه برلین وبولیس ها كه میكردند بیهوده میكردند نظاره های پرجوشی وخروشی اخیر عجیب بود ـ هرچه زنانه های مال را میبردند ـ مدرسه ها بستند ـ كلیساها باوازه تكبیرات عمومی برپا كردند ـ رخانه ها چراغ ها بانه شد ـ اخبارات علاوه های مخصوص طبع ونشر كردند ـ هیجان برای خبر آنها بقدر جوشی وخروشی بین آمد

(وارسا چه مال دارد)

جریده ها میگویند كه مارون هارا این آنكه حلقه استحكامات وارسا را محاصره بتواند مجبور بفرار كردیم

روس ها میگویند كه هرچیز وارسا درست آماده است دیگر ما را ندادن انتظامات آرسنال سبب كارتن پیها خراب شده اگر هرقوای شهر براهنده كه خانه ها خواهند شد ـ مریضانهای خود را در كلیسا گذاشته اند براه افتادند ـ سبب كه هم خراب شده ـ افواج جرمنی وقتیكه شهر میرسیدند غیر از آتش و خاكستر چیزی دیده نتوانستند .

مكتب خانه عظیم الشان كه روس وارسا بوكمال پدست جرمن ها آمده است كه روس ها آنرا خل داده بود الشده

در چاپخانه حروف دارالسلطنه كابل طبع گردید

همه مقاله ها یكه بدستخط اداره از طرف مدیر ومحرر تحریر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1305 of 1786

اعلان

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار جدید آقای میاندکی رکاعظ اعلا ، وحوی طبع رنگا ، بالصاور بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال جدید ادبی متأخرین وخیالات مزاسیکفر زجدید است ، قسمت خوبهای شاعری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان ، یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از تره عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار قرائ از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالب آثار ادبیه را مژده ! این تحفهٔ بدیع بسرمایهٔ کلزار ، مطبعهٔ عنایت وکتابخانهٔ شرق عنایه ! ، جزیره پنهان ، یک ناولیست که قوت حسن ومعرفت وسعی وقدرت را برای انسان زندگانی نوع قدرشناس بنظر گذاشت وجلوه گرمسازد . هم مطالب ، هم عبارت هرکدام ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه فعلی فروخت عین مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، ودکان باز محمد بازار ارگ ، ودکان حاجی غلام محمد تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الأخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درس

توحید

این کتابهای فوق در اداره موجود است ، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بادارهٔ مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی

سیاحت پرورا دور زمین پهلد ، روز مجلد ۲

سیاحت در جو هوا مجلد ۲

سیاحت در زیر بحر مصور مجلد ٤

از هردهن سخن وز هرجزو سری مجلد ۲

روضهٔ حکم مجلد ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دروده افغانان از تره عبد الرؤف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارگ واز دکان حاجی غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای معینهٔ خریداری کرده میتواند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای فوق را داشته باشند به ایالا اخبار افغانیه عاید کنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1306 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرامی خود را

یاد آوری میکنیم

مراتب دعا و گذارش گردد که از شکایت گرفتن اسماء مشترکین گرامی دار السلطنه کابل سودرها از ایام گذشته ها را بنام گماشته مرکزی دار السلطنه کابل یک علاوه نبوده ما گماشته مشار الیه تعیین و توزیع اخبار ها را که بسته مشترکین گرامی وساعد در عهده خود قبول نموده . مشترکین گرامی دار السلطنه خود را متذکر و یاد آوری میکنیم که بعد از این اخبار های شان بدون واسطه غیر مردا مردا بواسطه آدمهای ما گماشته خود شان میرسد .

شرایط خریداری			
دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
شش ماهه	هشت روپیه کابلی	سالیانه	چارده روپیه کابلی
شش ماهه	پنج روپیه کابلی	شش ماهه	هشت روپیه کابلی
در خارج افغانستان			
هر جائیکه باشد با اجرت پوست			

قیمت سالیانه [ده روپیه انگلیزی] قیمت شش ماهه [پنج روپیه انگلیزی]

به سفارشات قبول نمیشود

یک طلای روپه انگلیزی چارده روپیه کابلی است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رعایه کار داران نظامی وملکی وجلب خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جایدیگر جاروندو یابنده میباید که یک رقعه در سر محرر را خبر دهند که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعه شان برای ما نیاید و اخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبابیکر هردو اعلان وانتشار یکه باشند از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یک روپیه کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ¼ روپیه کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایع درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ¼ روپیه کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطرهای متون اخبارها (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه صحبی اعلان خودرا عیناً یکسال نشر کردن خواهد دو صد یک ساله را پیشکی ادا نماید ورق یکی را در سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1307 of 1786

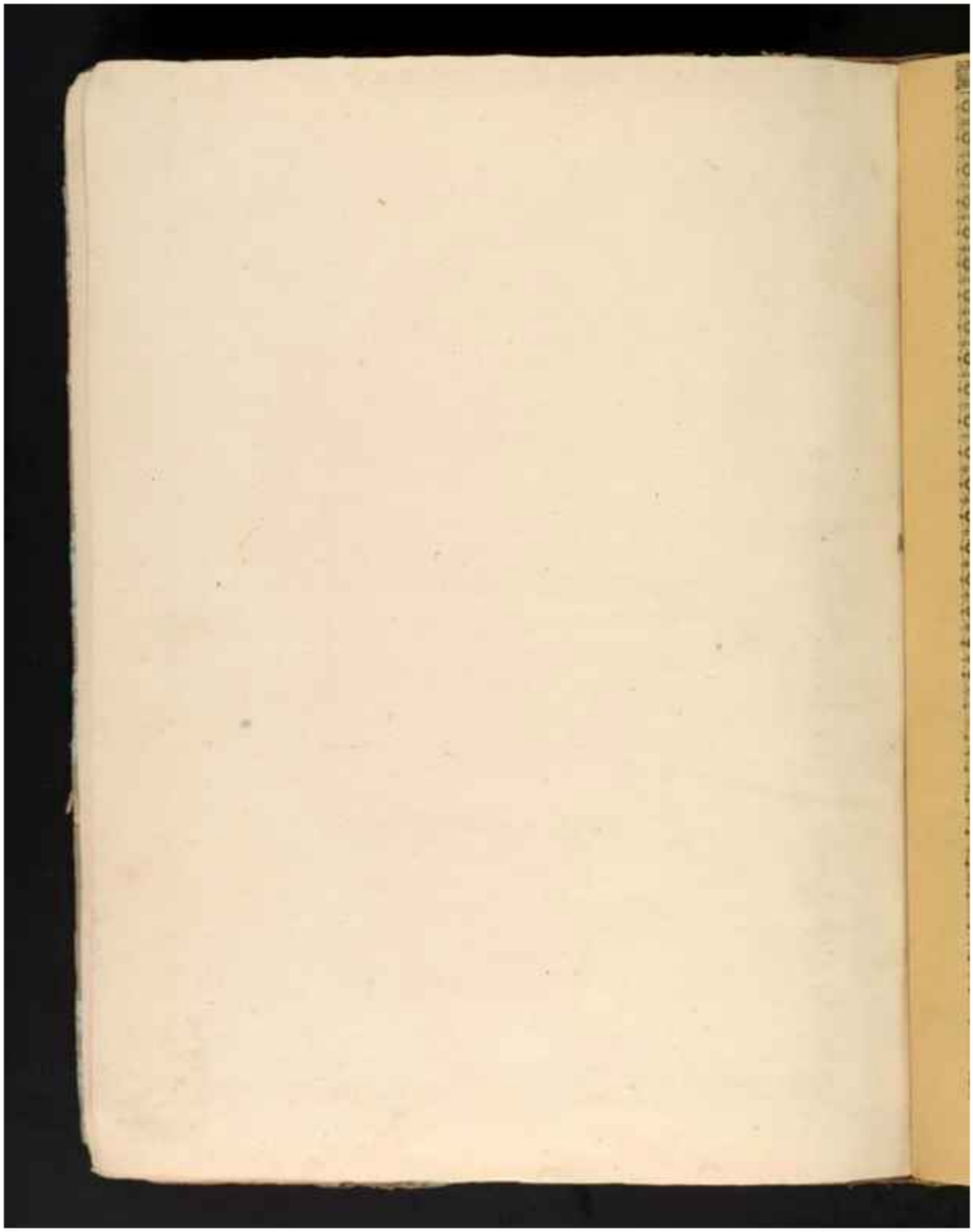

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1308 of 1786

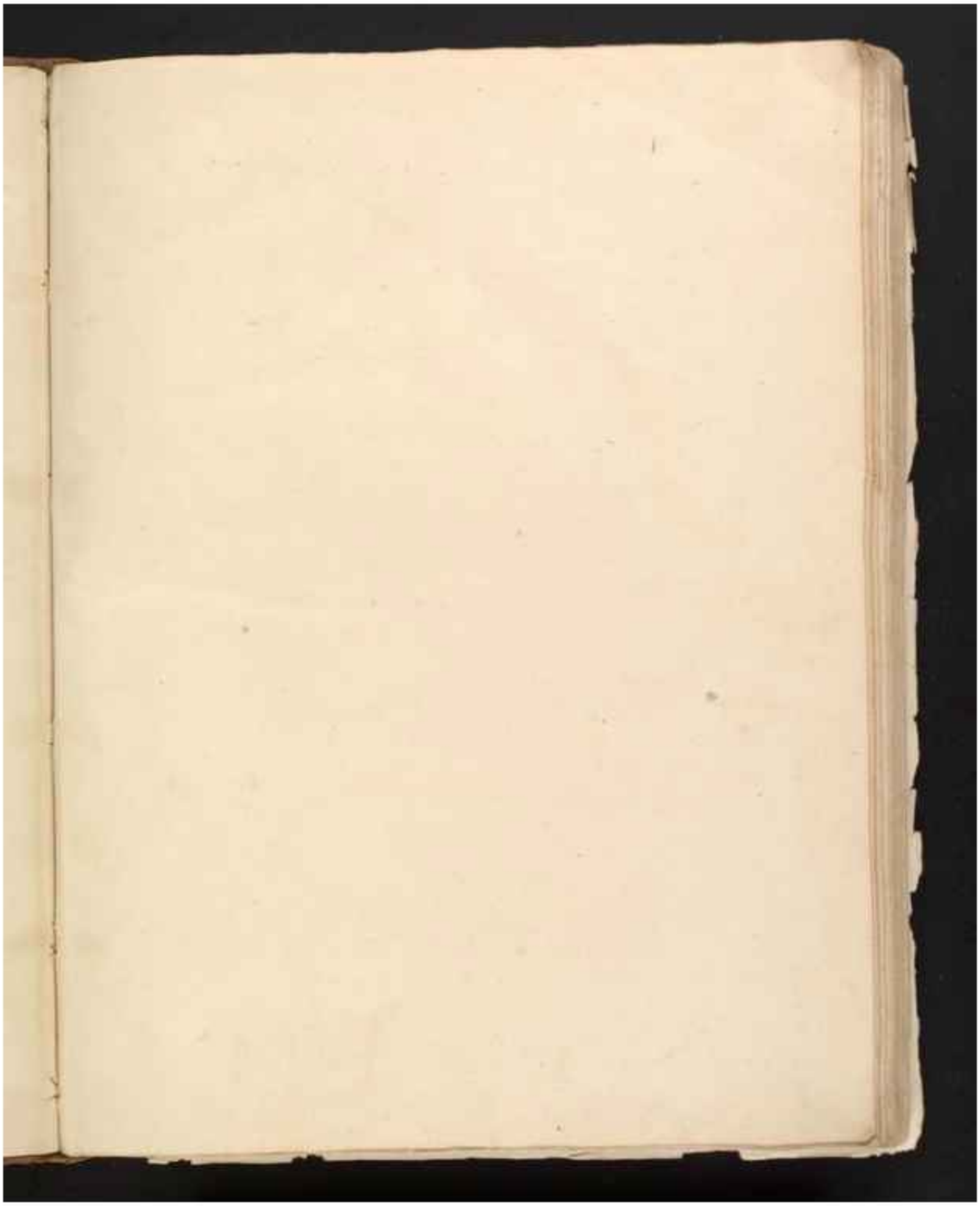

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1309 of 1786

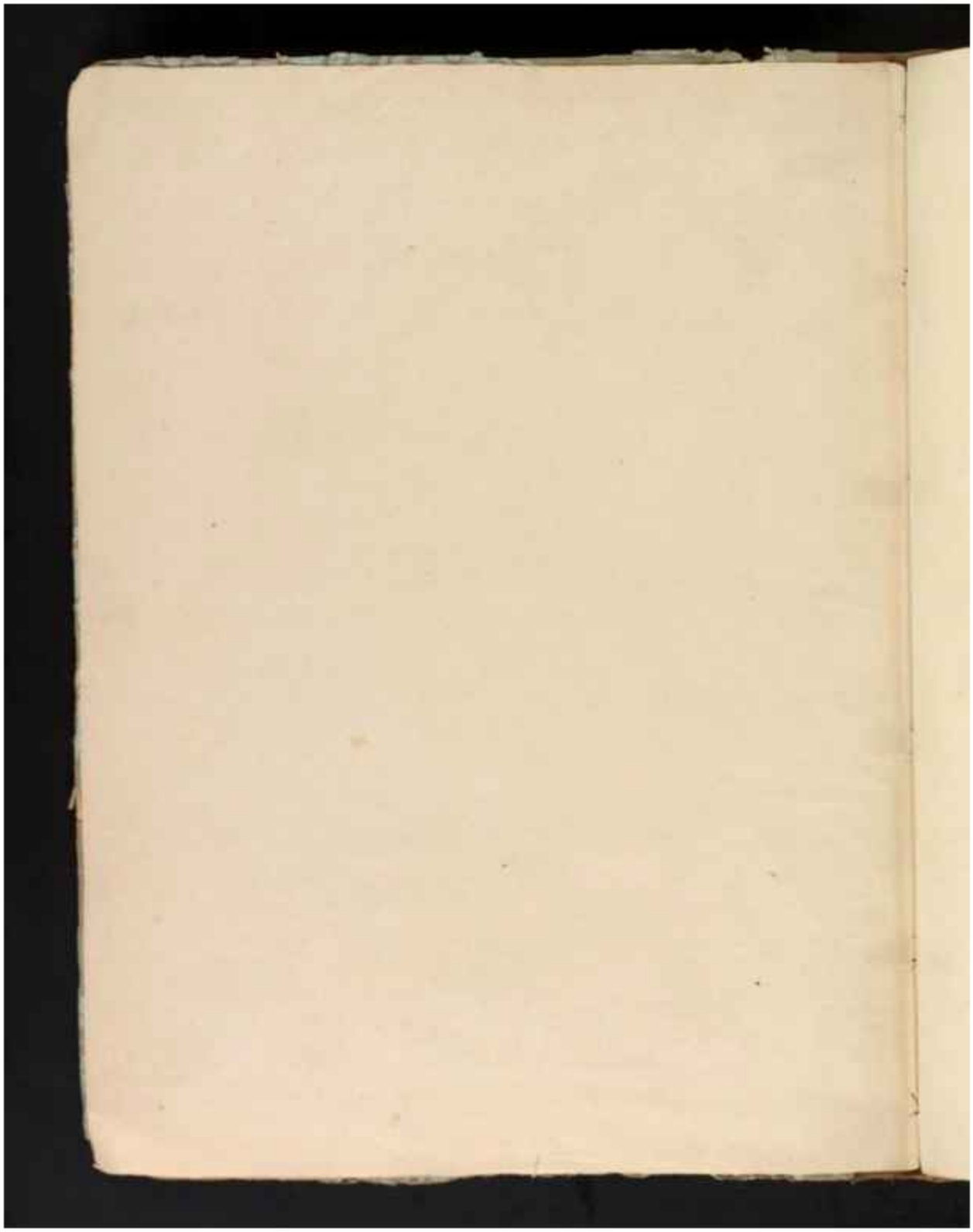

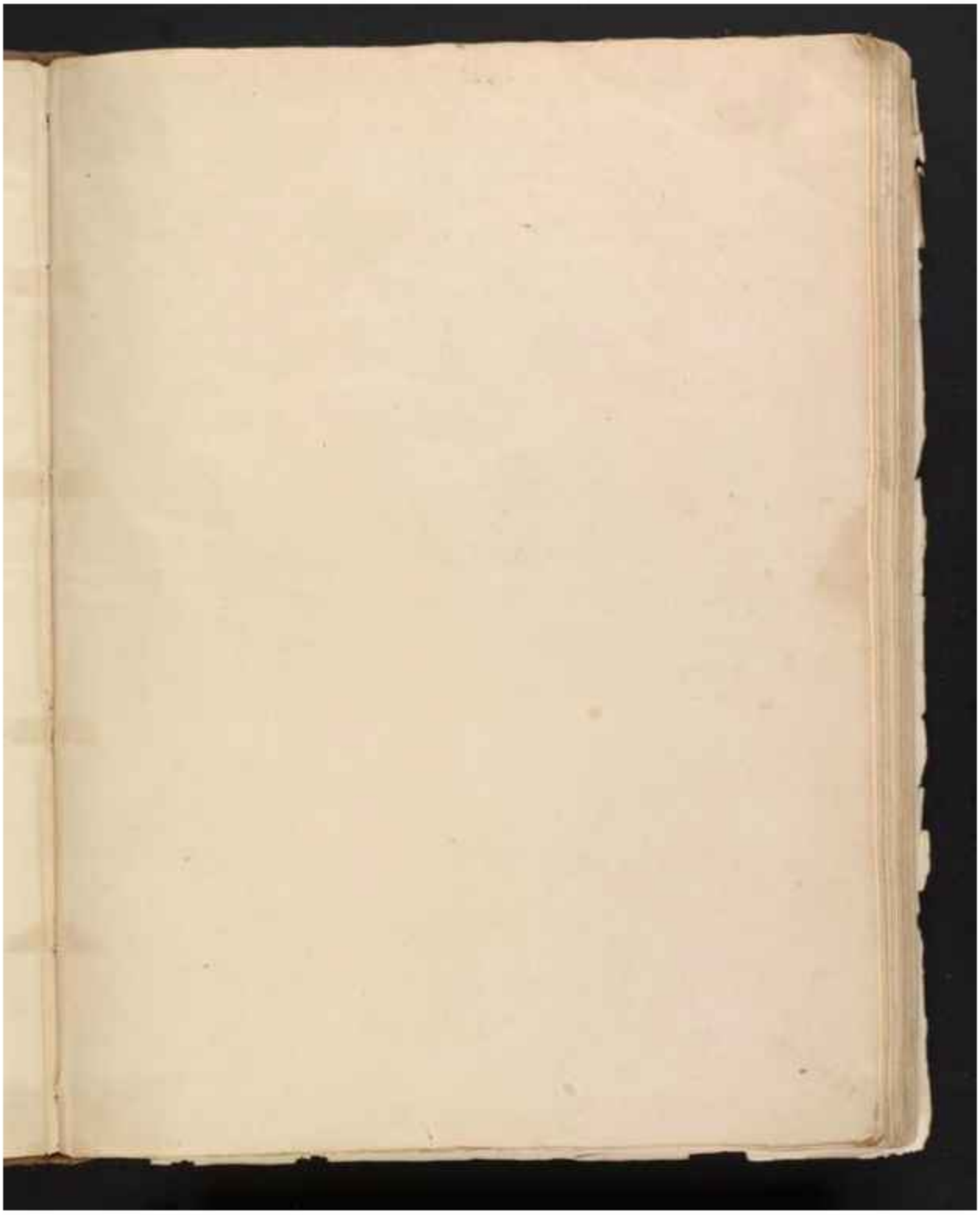

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1311 of 1786

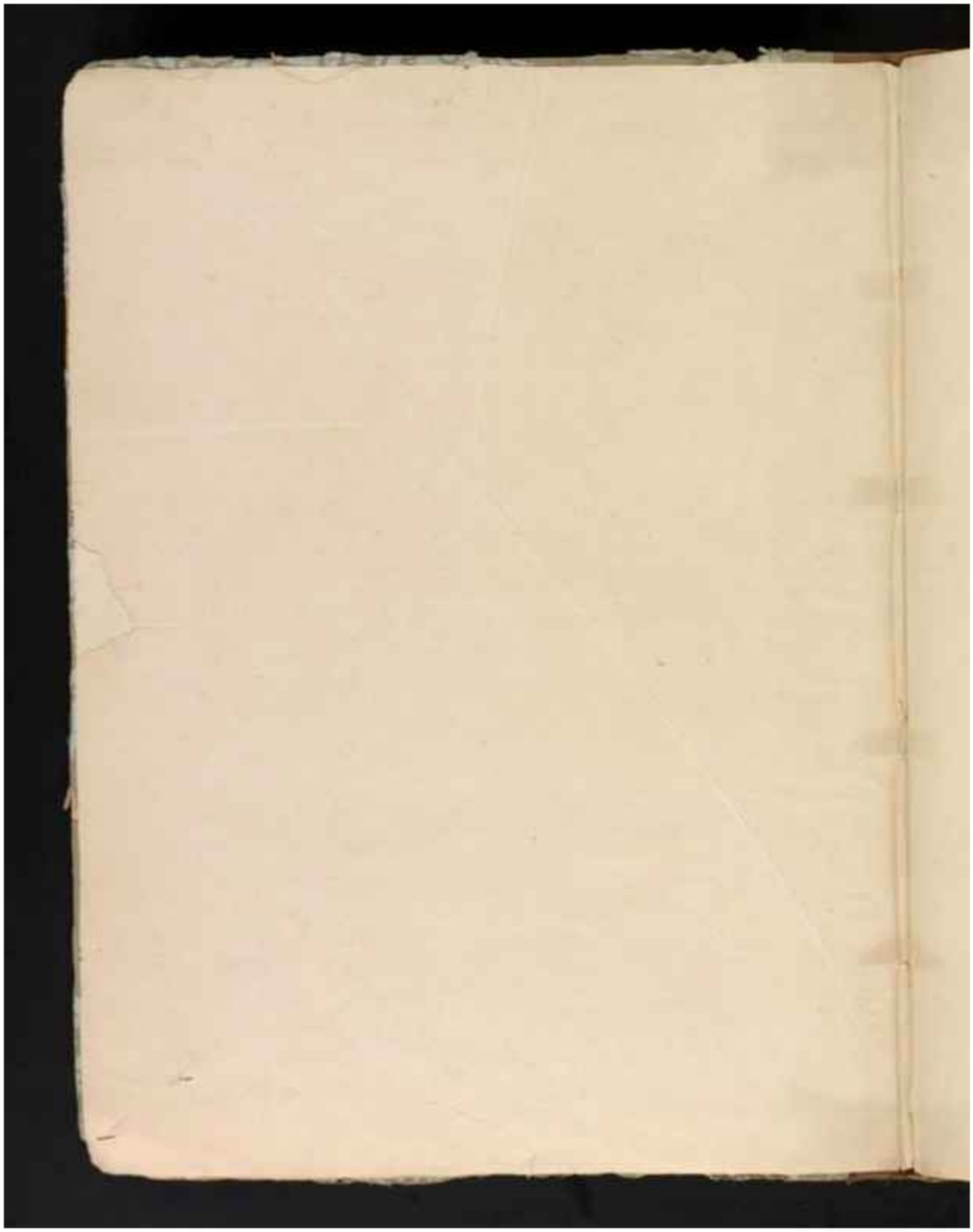

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1312 of 1786

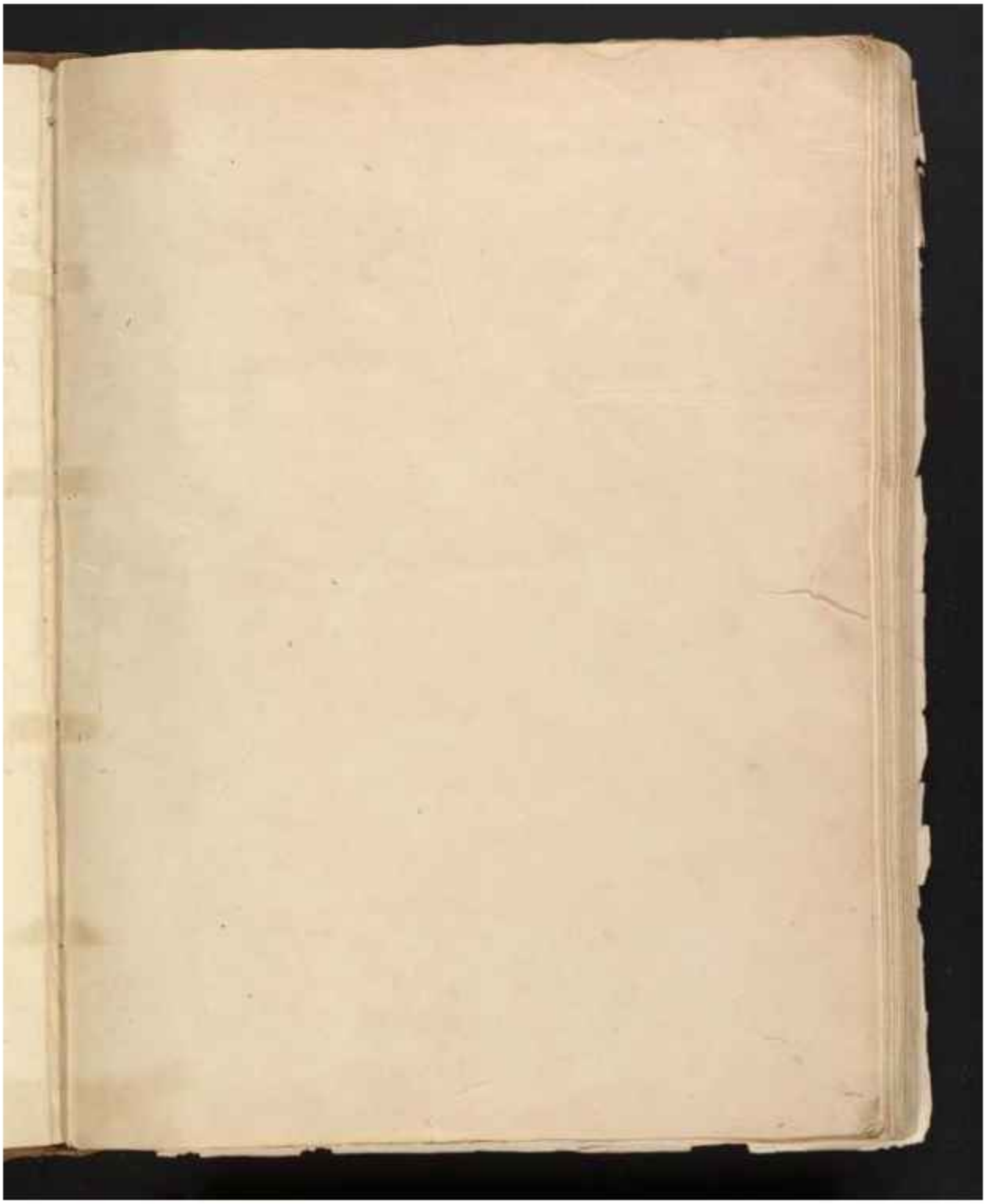

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1313 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1314 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1315 of 1786

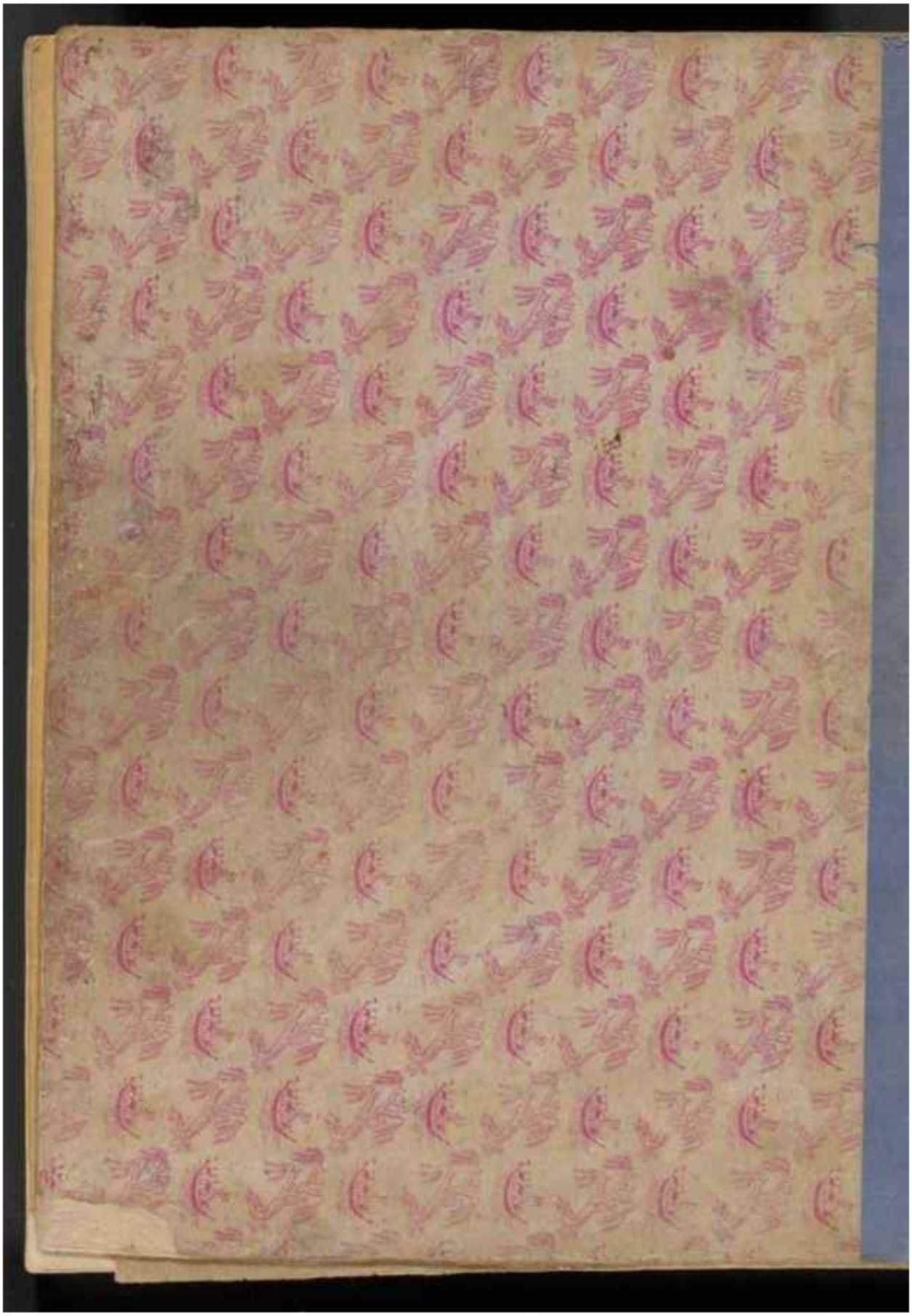

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1316 of 1786

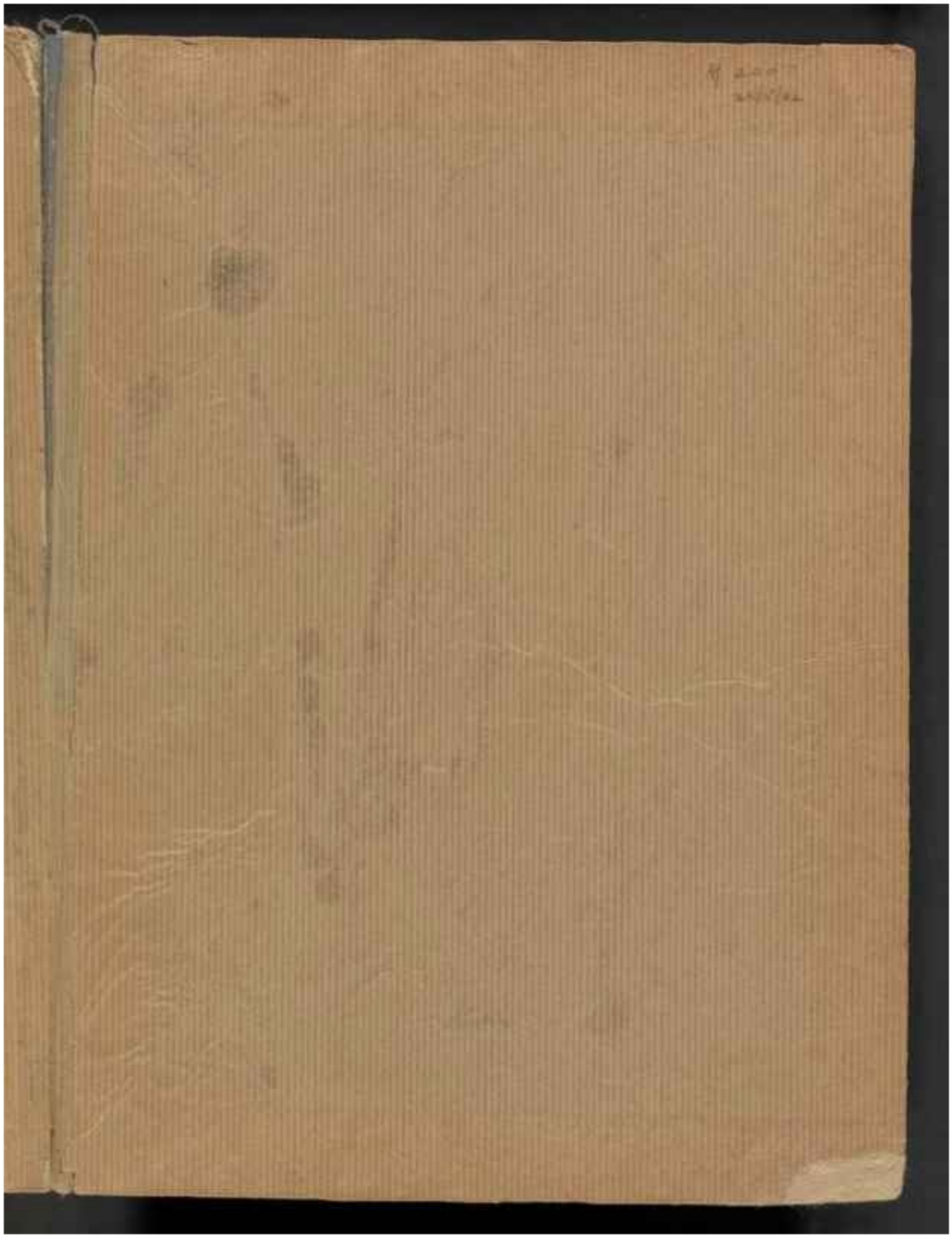

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1317 of 1786

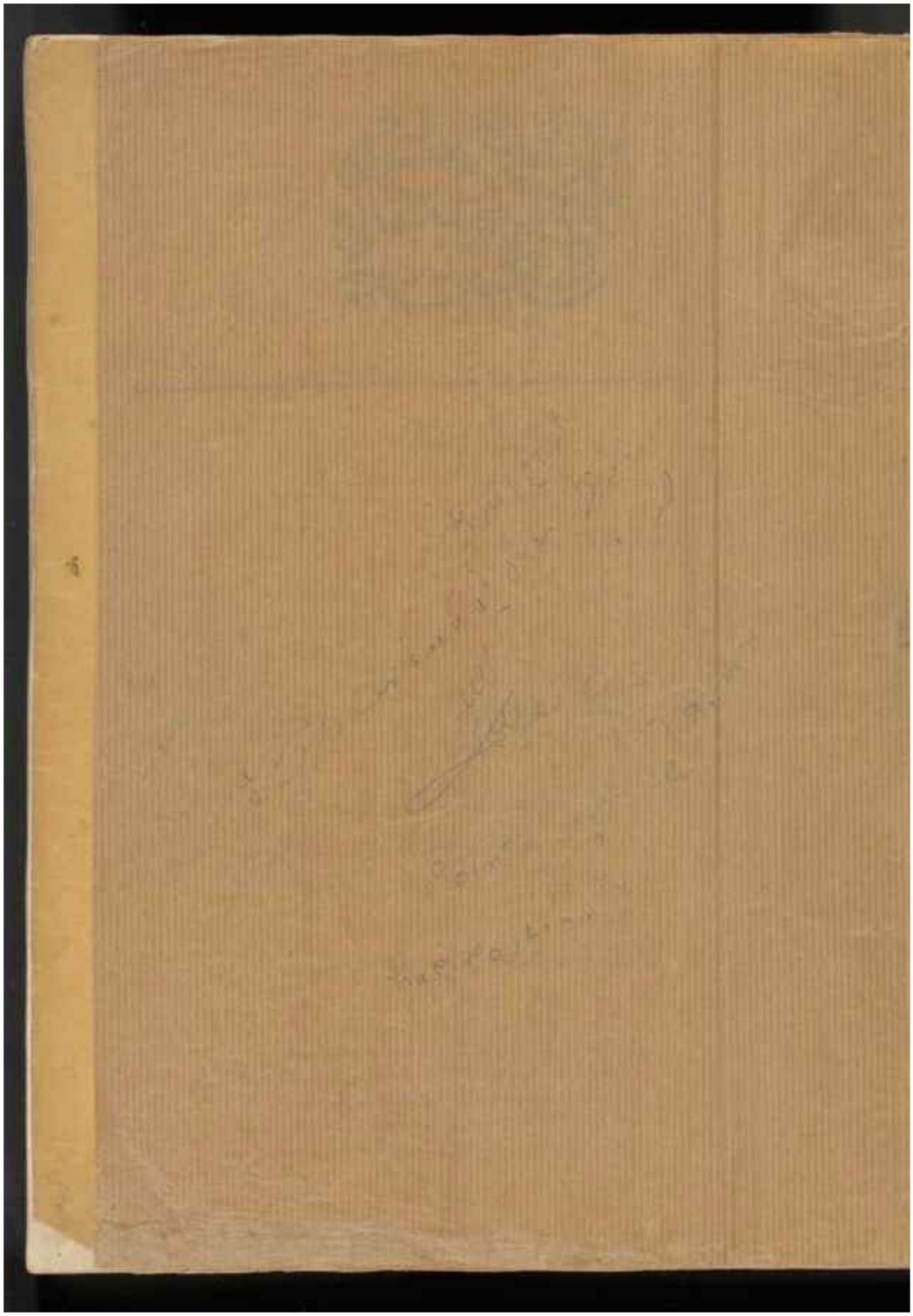

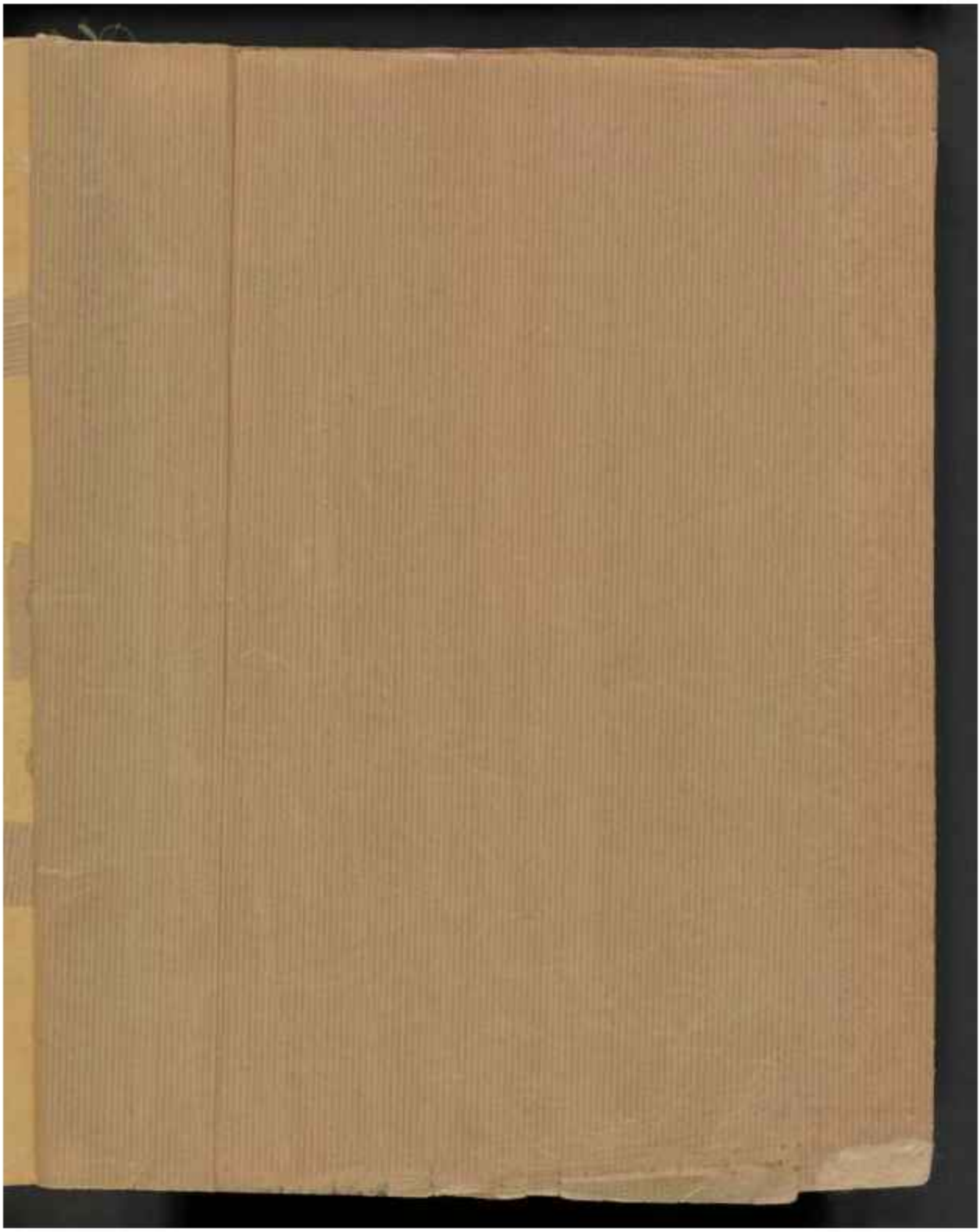

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1319 of 1786

سال بیم

فهرست مندرجات

مقاله افتتاحیه سال بیم مراج الاحرار افغانیه

مراد و تمنای دات اعلیحضرت همایون

حوادث داخله — رحیلیم دربار روز عید فطر — واقعه یادی — دعای دفع مرض — اکثیری توسط

حوادث خارجیه — کریمیه جنت رستخیز افتاد — آخرین جوهای جنگ — سیاه ژاپ — حمله مرض
روس — یک خطر جدید — سیاهی ژاپ درمیدان جنگ — فتح وارسا — فواید انکراف
پیسیم — تفصیل فتح وارسا — تراژدیه جرمنی روس

حوادث داخله — (فوت فضایل آگاه جناب مولوی عبدالرؤف خان مرحوم

تصاویر — یک تمثال اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان علیه الرحمه والغفران
تمثال دات اعلیحضرت سراجالملة والدین امیر عبدالرحمن خان علیه الرحمه والغفران
تمثال دات اعلیحضرت سراجالملة والدین سالکالملة فی آفات الزمان
یک گروپ احاطه دربار سردار اکرم حضرت نائب السلطنه صاحب اعظم
شهزاده کلن جوانخان ومظم حضرت نجل السلطنه صاحب وزین الدوله صاحب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1320 of 1786

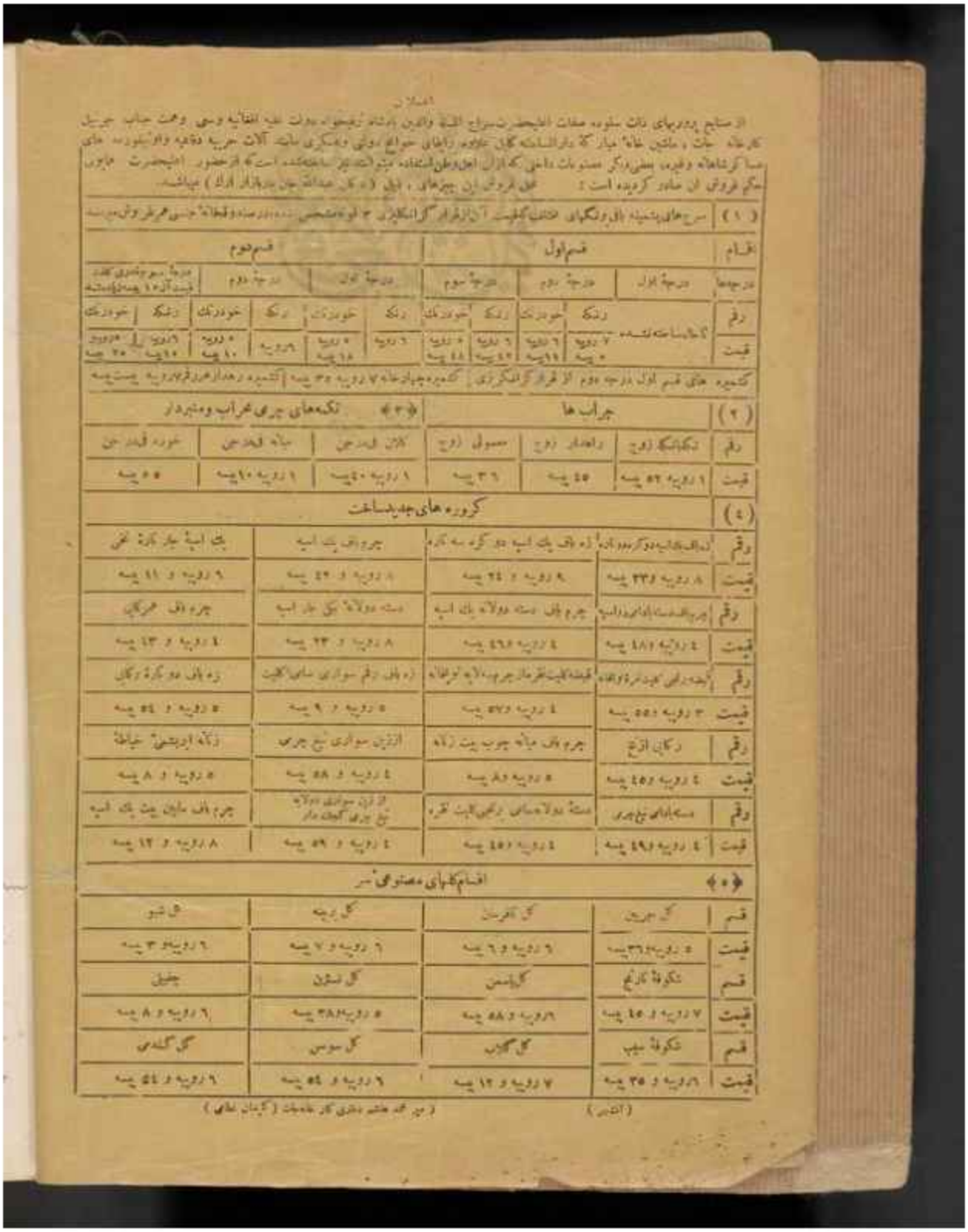

اعلان

از مسامع پرورهای ذات سلوده صفات اعلیحضرت شهریار اقلیم والاتبار پادشاه زیبنده دولت علیه افغانیه وسی وهمت جناب جریل کارخانه جات و ماشین خانهٔ میار کهٔ دارالسلطنه کابل علاوه راههای حوایج دولتی و لشکری مایه آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمه های سما کرشاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت شاهی فروشی آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (۱۰ کابل عبدالله جان بازار ارک) میباشد.

(۱)	سرخ های پشمینه بافی و لنگهای مختلف گیفیت آن از قرار گرانکلاه ۳ تومانشمی ... در صده و قطعهٔ جنسی هر طرز فروش می رسد										
اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم			درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم و چادری کلان قیمت آن ۱۰ روپیه و ۱۰ پیه	
رقم	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت	۷ روپیه ۰ پیه	۶ روپیه ۱۶ پیه	۶ روپیه ۱۰ پیه	۵ روپیه ۱۲ پیه	۵ روپیه ۵۰ پیه	۴ روپیه ۱۵ پیه	۴ روپیه ۱۵ پیه	۳ روپیه ۱۵ پیه	۳ روپیه ۱۵ پیه	۳ روپیه ۱۰ پیه	۳ روپیه ۱۰ پیه	۲ روپیه ۲۰ پیه
کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکلاه ۷ روپیه ۳۵ پیه	کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیه	کشمیره راهدار هر قطعه ۲ روپیه بیست پیه										

(۲)	چراب ها				﴿۳﴾ تکه های چرمی چراب و منیردار		
رقم	تکمه تکه روی	راهدار روی	مسمولی روی		تکمه قدرجن	یاپه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۶۲ پیه	۴۵ پیه	۳۶ پیه		۱ روپیه ۴۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۵۰ پیه

(۴)	کروزه های جدید ساخت			
رقم	آزدانگ تکاب دوکروزه	آزه دانگ یک اسپه دو کروزه سه کاره	چروان یک اسپه	یک اسپهٔ چار کارهٔ لغمی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیه	۹ روپیه و ۲۵ پیه	۸ روپیه و ۴۰ پیه	۹ روپیه و ۱۱ پیه
رقم	چرم دانگ دسته اداری دو اسپه	چرم دانگ دسته دولاده یک اسپه	دسته دولاده یک چار اسپه	چرم دانگ هرکاره
قیمت	۴ روپیه ۱۸ پیه	۴ روپیه ۴۶ پیه	۸ روپیه و ۲۳ پیه	۴ روپیه و ۱۳ پیه
رقم	کیجه دانگی کوچه نرو دوکاره	کیجه دانگی تکه مار چرم دوکاره یک اسپه نوکاره	زه دانگ رقم سواری ساده کابلی	زه دانگ دو کاره رکابی
قیمت	۳ روپیه ۵۵ پیه	۴ روپیه و ۴۷ پیه	۵ روپیه و ۹ پیه	۵ روپیه و ۵۴ پیه
رقم	رکابی ازنج	چرم دانگ یاپه چوب پت زاده	ازنج سواری تیغ چرمی	زکاه اردبلی خیاطه
قیمت	۴ روپیه ۴۵ پیه	۵ روپیه ۸۵ پیه	۴ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه و ۸ پیه
رقم	دسته اداری تیغ چرمی	دسته دولاده سادی رکابی کابلی کاره	از ازنج سواری دولاده تیغ چرمی گوشه دار	چرم دانگ ماچن پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه ۴۶ پیه	۴ روپیه ۴۵ پیه	۴ روپیه و ۵۹ پیه	۸ روپیه و ۱۲ پیه

﴿۵﴾	اقسام گلهای مصنوعی تر			
قسم	گل چرمن	گل کغرستن	گل ریبه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه ۳۶ پیه	۹ روپیه و ۶ پیه	۹ روپیه و ۷ پیه	۹ روپیه و ۳ پیه
قسم	نکوفهٔ کارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جقیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیه	۸ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه ۳۸۲ پیه	۹ روپیه و ۸ پیه
قسم	نکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۸ روپیه و ۳۵ پیه	۷ روپیه و ۱۲ پیه	۹ روپیه و ۵۴ پیه	۹ روپیه و ۵۴ پیه

(اکثیر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (گیلان نمای)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1321 of 1786

صحیفه (۱) سال پنجم شماره (۱)

قیمت سالیانه

مدیر و مسئول محترم

محمود طرزی

اداره اشتهار تابع

در مائیطخانه دار السلطنة (کابل)
عمده امورات تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ ۱۵ شوال ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ۲۷ اگست تاریخ شمسی ۵ سنبله ۱۲۹۰

بسم الله الرحمن الرحیم

مقالهٔ افتتاحیهٔ سال پنجم سراج الاخبار افغانیه

الحکومت و احتیاج اجانب ما را مستغنی سازد ، واز دقیقه‌های لا تحصا و گنجهای لایفنای ما ضمنت نوائر وفی گردانده، مقصد از عرفان علمیست که آنهم را در کنف حمایه و گیرد، وطبقات مارا بعوالم اجوبه سوق نماید ، مقصد از عرفان علمیست که قله‌های آهنین سرحدهای ما را سدی متین دشمنان ما را از تاخت باز دارد ، و کوههای هزار متری طبیعی ما بوجهای دشمن را از هر شکاف ، مقصد از عرفان علمیست که خطهای راه آهن مارا بهر خطهٔ بسد هزار لشکر مدافع را بهر یک ساعت بکار داخل بدهد ، و خطهای تلگراف مارا بر آن واحد از هر حرکت دشمن ما را خبر رساند .

هزار افسوس کامران علمرا از شعار میدانیم ، و عمر خودرا صرف ملایعنی میکنیم ، در وقت حاضر علوم علمیست که بحافظهٔ اساس استقلالیت خدمت میکند ، وبنیادهای قصر دین را از زلزال حادثات این دهر آفات نگهبان میباشد ، خروارها علمی که منحصر بر دقایق ترکیب (ضرب زید عمراً) ، وتعیید قضایای (سالبهٔ جزئیه ، موجبهٔ کلیه) ، وحل کردن (هذا ضرب وهذا لایجوز) مانده باشد ، درین عصر وزمان حاضر درجهٔ یک بیزیره گنگ یک قوهٔ فولادی ویک گله گنگ بیچ مثلثه ، یکلی درین هدری خدمت کرده نمیتواند ، وچنگ در مدرسه های بسیار معروف ومشهور اسلام ، در مصر وبخارا وهند وایران وغیره داخل شوم ، بصدها ، طلبه های بی بنیم که دوازده سال بازده سال بتحصیل مشغول مانده اند ، امابجون نیک نظر کنیم جز تحصیل حاصل ، جز اضاعه عمر کرهیچ چیزی بکف نیاورده وافاده ای ، در اعلی مدرسه مصر سالها (دین) برای محافظهٔ خود از تعدای دین به آن احتیاج است ، دولت برای قوت وقدرت خود به آن محتاج است ، ملت برای راست وثروت سعادت و آزادی خود به آن محتاج است ، وطن برای عمران وتمدن وترقی وتعالی خود به آن محتاج است ، پس او چطور خواهد و پذیرفته خواهد ؟

میگویند که ما بر وجدانی خود هستیم ، آیا برای ما همین علمها را گذاشته اند ، واز قرنهای که ما جنوبیم جدا کرده اند .

جواب عرض میکنیم که عالمای سلف ما رحمه الله تعالی اجمعین در صدر اول اسلام (علم) را صورت عام تدوین کردند ، و آنرا یک قوهٔ برای خدا وقوت وقدرت اسلامیت شناخته از یکطرف علوم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1322 of 1786

دیده را بدوزن ، و از دیگر طرف فنون متنوعه را از هزاران که بافته توجه کردند ، و بیک بیداری وهوشیاری" تمامی ورزاه ها وگوناگون کوشش ورزیدند ، و بهر چیزیکه در هال عصر وهمان موقع بیداری شوکت وسلامت دین را به آن احتیاج یافتند در اسباب سوق دهت فرمودند و آینده کاررا به نحوی دقت آیند کل خدمت نمودند از جهان فانی در گذشتند ، گزاده بیرحمی ، و رحمة الله علیهم .

آینده کان که پیمانان آمدند کریه رعایت حق مقدمه از جدود جهانگیریه نشستند ، دون چون پیشروان مساعدتر و تسامح کردند ، و تکفیر فرقهٔ فرقه ها وگروه های مخالف از اسلام متاهده نبودند اهم را رهم ترجیح داده نهاردها عملاً موجوده آکنده و زدند ، ودرای جلو گیری" تفرق وشتت ، دایرهٔ علوم را توسیع طبیعی" آن مانع آمده قدیک حد معین محدود نبودند ، لهذا رفته رفته در وسعت علوم ومتون یک حال توقف روتما کردید ، و نیز چون رهبرای عالم اسلام بین که عبارت از دو آیای نصارا باشد دریک حال توقف وعقلت بودند این حال توقف وتعدویت خودهون جنان ضرری درسانید ، بلکه برای رفع دهها ، ورفع عرقلها مدیدهر شمرده بودند .

رفته رفته این حال توقف وتعدویت ، کمالات ورقیات ، وعلوم وصنعت بیمار گردید ، وطریق دریس وتدریس رسمالخط جزئیاً تحلیل قانون مد کور گردید مانند (مجاهیر) و (مرتبه بدعرآ) ومعجم ماند که آنهم مبنی وحیق قدیک مقصدی بودکه کنکوبدیکار نشسته اند ، ورای آن پیدا کردن یک راهی دست دانسته باشند .

وقتا که دشمنان دین اسلام — یعنی حال غربیه اورو پیداری و کار کناری امده ، وبهمار علوم وفنون ، که در صدر اول اسلام علمای اسلام اساس آنها را وضع کرده بودند جلت اذیت زده عملیات آنرا به استحصارات قوت وثروت تطبیق دادند ، وبواسطهٔ آن قوت وثروت در اساس بنای اسلامیت بکمیابی" تمام سده ها افتاده . علمای کرام اسلام بجان جواب سوالیی فرورفته وبند که طرافه هاروهوا دگیر آن همه سدده های پیدایی هیچ سامه حرافی پیدایی" نشان نکردند ، بلکه آن زلزله های شدیده را عبارت از یک جنبش گهواره آسای استراحت خود پنداشتند .

روی سخن با بهمه علمای کرام اسلام است ، زیرا ورثهٔ انبیای عظام علیهم السلام ، وسکاندار کشتی" امت ناجیهٔ حضرت خیرالانام علیه الصلوة والسلام ایشانند ، این عبد دون ذلیل و اقصر سالفهٔ یعنی وبیدشعی مقابلت ندارد ، از همیات انکار نباید کرد ، آیندهٔ این آلات کریه ، وان صواعق مدهشهٔ سماویه ، والبته همه اخطا بالت فیه وخریباً که برده وشرده میشود غیر ناصر گردن هال که بحساب مقابله گذاشته میشود ، پاک فوة بسوی کمالیک کوشش کوشش را کانگر کوشش را شنوای راسالک باشد بایک کوتی کمدر طرف یک تانه امریکه آسیاسدار ا بشنود پذیری کرده میتواند ، آیا قطار تند بارفتار عرابهٔ موز ، وبار پذیری وسرعت عرابهٔ گراجی بالقطار های راه آهن همسری کرده میتواند ؟ آیا طوپهای که قطر دهنی شان از سه جارچ تجاوز نکند طوپهای که قطر دهن آن نهایت اچیرسد ، ویک گلله بارودی را تاسافه ۲۰ میل رتاب میکند پن هدی کرده میتواند ؟

علمای کرام خواهند گفت : — « که جهت تعلق امتحان باچیست کهاین اخبار والای هزار دراعلی خود امیدی ، ومژده امیخورده اند ، عرض میکنیم که جهت تعلق امتحان » (۱) است « وغرضها راجست ، تاریکو تر که علمای بسانند ، بطوب " ولیکن چیزیکه رهبرهٔ دانا" علمای ترکه تر میدانند این است که عموم را تشویق کنند ، تحریص نمایند ، فوائد عامه ، اختراعها فرمایشند تادین چیزها وجود کردند ، واین چیزها وجود نمی آید مگر به تشویق" دانشهای کاملهای آموختن ، وجود کردن ذهنیها دران خواسته بود ، معلوم است که دریاها ، تاریکها ، بیابانها ، زوایه کنوها ، اورو پاها ، آسیاها ، تحت البحرها ، فوق البحرها ، تحت الارضها ، فوق الهواها ، ودریاها ، کلها ، باغها ، در دها ، پاکها وچیاچیاها در نباتهای ، مکتشوف کاملهای سلف ما چیزهای نازها تحت وبیان میراشدا ان علمهای جدید است که مخصوص عصر جدید است ، جبر ، هندسه ، حساب ، ریاضیات ، طبیعیات ، فزیک ، کیمیا ، جیولاجی ، جغرافی ، قوانین مالی ، دستورهای سیاسی وغیره وغیره علمهایست که این بیوناسانیات آنرا کشف کردند گرفتاوری دادند کلهای قابلیت مطبوعیت ، سیاحت ، سیاحت خود ساختند و کامیاب آمدند ، باوجود اینهم کلهارا فرهای جنبه کنیم ، تا اعتقاد واعتماد واین کامل سازان است که قرآن علم القلم را (کتاب قدیم) است ، وهیچ رطب ویابسی نیست کهدران نباشد ، هذا اخبرها تیک مد کور کردید ، واخبرها چیزهای دیگری کهزبان لسان ازبیان آن قاصر است عقل مد زر کانصدة (حکمت) مسدود ومحصور است ، حکمت ، آنچنانیکه کتاب عظیم الشان ما (حکمت) جسیم علمایست کهچون یکی اجتماع وعنصر موده شود (سرکنیز) و نواحسان میشود ، (۱) کنیزرا به قبیل ، کفیلت را بحرثیت ترجمه نباید کرد ، بر کنزین وواقعترین حرفها حضوصیات (دین) است از بیان شدن وعکوه ساندن و اعتقاد فیکردن ، حال آنکه اعتقادات ، عصر وزمان وقت مدد عافظهٔ تمامی وبیاد وزرا تکمیل (حکمت) منحصر داشته ، از همه موثر اینکه : حکمت ، بلکسان گذشته سلیمانیهاست کهدر هرجا بیاند باید بگردند ، (۲) افسوس که مدد بگردن آن واداء نمودن ازان کوشش میورزم ! مدرن هم هیچ شیء ندارم واز کامل دارم گذرین ، دین حضرت تعالیست ، حفظ فرمودن ذات پاک او بحفاظت جل وعلاست (۳) ولیکن ما را بر رعایت آن مأمور فرموده وبه بسیار آیات کریمه تاکید فرموده ، ما کرمت دینی بته بتدبیر وهوشیاری وفداکاری در انسانان کنیم چنان تو کل میباید کهما بیدانشوری باشد ، اگر به « حکمت » راجوع نوع تفسیر کرده اند ، وترجمه علمی دانش را بین حکمت گذاشته ، دانش ، فن ، معرفت ، حکمت حدیث تفسیر میرود ، واگر « حکمت » انها زهد وتقوا وعبادات منحصر تفسیر شود ، در آنصورت بسیار احادیث مذمومهٔ میرسد که فضیلت فن رعلمیات عبادت ترجیح داده شده است (٤)

والحاصل این چهار سالهاول شدکه « در انواع الاخبار اطلاعیابه » در فلسفه سیر از خیر و شر روانه استاد ، کاشکه سالهای چهارم خود را بخاطر بیاوریم بسالهای قدیمهای ، فریادها ، فغانها ، ناله ها کرد ، اندازه نداشت واسمه بچنین در آمد ! این است کهدرین بارهٔ اختتامیه خود را

---

(۱) در قرآن کریم میفرماید که « بؤتی الحکمة من یشاء ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیرا » ، (۲) حدیث شریف است « الحکمة ضالة المؤمن احتها اینما وجدها » ، (۳) آنه کریمه : — « انا نزلنا الذکر وانا له لحافظون » ، (٤) حدیث شریف : — « فضل العلم احب الی من فضل العبادة وخیر دینکم الورع » ، دیگر : — « طلب العلم ساعة خیر من قیام لیلة ، وطلب العلم خیر من صیام ثلاثة اشهر » .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1323 of 1786

یا اینچنین بیانیهٔ تحویل داده درجرأت استاد از علمای کرام عبور کرده، زراه جراید و جریده‌نگاران و بیانیه‌کرده اخبارها و اخبار والاها و آن اهمیت وعزت واعتباری را که امروزه روز در بلاد مدنیت حائز میباشد، درمسر رمیم عشر عشیر آرا هنوز پیدا نکرده است. بلکه اگر بگوئیم که درترد بعضی موجب هزء واحتقار هم باشد بجاست!

ای علمای کرام! این ورثهٔ انبیاء عظام! وقت میگذرد، نهایک دورروزی افزاید. بیدار شوید، بیاخیزید و همت فرمائید. بتحصیل علومی که بحفظهٔ اساس اسلامیت خدمت کند، وبا اقتضائات وقوانین عصر وزمان موافق ومنطبق باشد عموم ملت را تشویق دهید، رغبت افزائید، رهبری فرمائید. این علوم شرعیهٔ موجودهٔ کهتعلیم وتعلم آن متداول بر محافظهٔ ودگیهای بنیاد واساس قصر متین اسلامیت در چنین عصر پر آشوب وفتن، ازشر دشمنان دین بآوان خدمت بتواند. علومی که بحافظهٔ بنیاد قصر دین خدمت میکند علوم حاضر باخلق آن مدافعه است که مذکور کردید. وعلوم متداولهٔ ماتعلق بفن وزینت آن نیست، نهادا بنا برقاعدهٔ محکمهٔ «ثبت العرش ثم النقش» میباید که اول اساس وبنیاد قصر اسلامیت را ازخلل محافظه دوبابه‌قائم وبعد ازان بمزینات ونقوشات وتزیینات داخل آن پردازیم. لاسمح الله، امیدوار باشد از رحمان عزیزهٔ نسارا از این گرودار غیابت آنچنان که درینوقت بآن گرفتار آمده‌اند، بکنار رهائی‌یافته بجزیرهٔ سلامت ازدست داده گیای خودشان درمسند بدست آورند مخالف شرفهٔ اسلامیه آغاز کنند. آنوقت ترکیب مضر بیند. عرآنرا بکه خواهیم فهمانید. بازبجوزرا بکه خواهیم نشوانید درینوقت علمی لازماست که برای محافظهٔ دین، دولت، ملت وطن بنظامهای آهنین واستحکام‌های آنچنین بکند. علمی لازماست که همه مارا بسکر تعلیم بلغهٔ مسلمه بیدار. علمی لازماست که از هرچیزی برای ما زیادتر بسه، کیمیا از جهانیان باز کند!! وقتنا کبیر گوئی بگذشت وزفت، علمی لازم است که بزبانهای مارا سرعت قوت برق بخشد تا عصر عصر موتر وریل است وبرق!! کاسهای اشتری بگذشت وزفت، علمی لازماست کهمارا هوا پرواساخته دشمنان ما کشتیهای واپارد، بدهوا جولا بکه نوع بشر!! وقت بیابد وی بگذشت وزفت، علمی لازم است که کوششهای مارا آنچنان تیز کند که دران واحد صدای غرب وشرق‌را یافظ‌اند، وسیم آهن درسخن آمد برق!! تیلفون بشلوکری بگذشت وزفت، تأنوجه عمومی بتحصیل این علوم نشود تکین بنزفت آن نیست. توجه عمومی وعظما، اجتهاد نشوطها، ترغیبهای علمای کرام وایستاست. تحریرهای «سراج الاخبار افغانیه» برای مقاله های نشوقیه و قابلیهٔ اهل فضل ودانش باز است عقل تدبر، چاک اندیشی عصر و زمان همچنین اقتضا میکند که عرض کردیم. اگر غلط وخلاف حقیقت عرض کردیم ما ارشاد وهدایت فرمایند که بعدازین سکوت کنیم، وحق خودرا ومعذ دیگران را بدریم وخوریم کهاین هم یکثواب وحسنهٔ عظیمهٔ شمرده میشود. زیرا انسان ازخطا خالی نیست. ممکن است کهاین معروضات ما برخلاف حق وصواب باشد. پس اگر ما را ارشاد فرمایند برهمانی یک برادر مسلمان خودشی وهمدرد بوده خواهند بود. واگر این معروضات ما رقرین حق وصواب میدانند کمر همت را بر زنده‌مت ورهنمائی امت برای تحصیل علم ومعرفت وبدست آوردن خیر کثیر حکمت ثبت زمان بنده کاهیچ نباشد ازیار مسئولیت وارهند. باقی درهر حال وظیفهٔ احوال غور و فلاح وخلاح وصلاح امت راجنابحضرت (س) را ازیار گاه حافظ مؤجل سبحانه تعالی میدانیم. وبس الله التوفیق!

یک قطعهٔ دلچسپ

بمناسبت سرمشقهٔ ذوقی خود در اخبار گهربار (زمیندار) بقلم عبدالحلیم کردیم

اینچنین درسگاه، علم، وچنین جای نیاه
خود ببینید وهم بیند که چون میباید
فرصت اردست بشد عرجه کنی زودیکن
نیست کاری که بروصبر وسکون میباید
اینچنین کار به تمکین وسکون رباید
آندکی نیز درین شیوه جنون میباید
کار ملت نه بافسانه وافسون باشد
سینهٔ سوختهٔ درد درون میباید

مزایا وثنایای ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین

«سراج الاخبار افغانیه» یک گوشهٔ نوزبان آمدهٔ چهار ساله است که ازقدمه های زبان عبارت زند کانی خویش تنها چهار قدم راطی کرده ورقدمهٔ پنجم پنهاده است! بالبته، پرورش یافتهٔ مهد باسعادتیست چون شهد جان پرداه بحقایق آگاه میدان هنرآموز مقدسیت گهواهر لئوو نهای بیمار عوالمات عرفان نثارش، مدرجهٔ پیران کهنسال جهان ورد زبان دیده اش ایصال نموده، ورشحات سحاب عصر ترقیعصر رفیوضاتش بجنان شادان وعرض وسرسبزش رسانیده که تعالی تعالی سال واستقبالش را کامهای رنگارنگ عروحکمت، ومیوه‌های حلاوت اورنگ فن ومعرفت زینت وبارودی بخشیده‌است!

بلی! عصر سعادت عصر ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بنازمان ربیع معرفت، وبنام اوان تجربهٔ اختیاری وفنی وملیت است که ازلمحات الأنس هوای حیات بخشای ربیعش افغانستان وافغانان رابآب جان تازهٔ درین دمیده، واز گل های علم وفن امتهام رواج سعادت وعلویت نموده، وبه ثمرهای لذیذهٔ رحلاوت آثار مدنیت لذت امیدوار کنی کرده! «سراج الاخبار افغانیه» بایل نواسنج این کلزار پرازهار تجارب عصر معرفت بار، ورواه سراج وهاج محفل این زمان سعادت نشان ترقی آثار است که موسیقار منقار خوش گفتارش مزایا وثنایای حاضر مقدس خود را تکرار علی التکرار، وبرتونمهر خمار زمان مدنیت نثارش بالهشان شوق برسار میباید!

پادشاه مقدس محبوب القلوب، وآب اشفق ارحم به تکون محبوب وطن وملت افغانستان وافغانیان بابت اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) اطاله دولته الی مدد الزمان چنان پادشاه حقایق آگاه معدلت اکتناه درکیست که درزمان سعد اقتران سلطنت جاویدان شان دولت علیهٔ خداداد افغانستان را، توکت، عظمت، قوت پدیدار آمده است. وطن افغانستان را ترقی، تعالی، مدنیت استقبال کرده است. ملت افغانستان تجارتی، آزادی، سعادت، معرفت رو آورده است.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1324 of 1786

از هنگام جلوس میامن ماوس آن پادشاه دین آگاه مقدس بزرگ تا چندین‌ها چه ترقیهای نمایان و درخشانی نصیب کشور شده پیوسته درماههای اولی که تحت مالیحت سلطنت سنیهٔ افغانیه وجود مسعود این پادشاه مکرم معظم‌الیه قرار گرفت، خصوصاً مرحمتی که درحق ملت عطا فرمودند بخشش مالیات سابقهٔ بود که وقتاً بعد وقت رعیت ریزارهٔ گرفته بود، باین بخشش انعام پادشاهی ملت را یک نعمت تازهٔ عطا فرمودند. درخطب آن عفو عمومی را اعلان فرمودند که باین مرحمت شاهانه گرگینه گان آغوش شفقت وطن عزیز را مجدداً مسکن و وطن حاصل آمد. سپس بهمین‌جا بیان راجع‌والدم اعلان و اعلام فرموده گفتند: — «چون ترقی و سعادت امروزیهٔ ما موقوف بر تعمیم معارف و تکثیر مکاتب است، در اوایل جلوس همایون خود در تمام مملکت شاهانه مکاتب اصول جدیده باز کرده» و به این فرمان حیات روشن پادشاه افغان روز بروز درجه‌های ترقی و تعالی استقبال وطن باز گردید.

اینها یکان نمونه‌های بسیار کمی از فعالیتهای ذات اعلیحضرت این پادشاه مقدس ملت که هزارها کتاب تفصیلی عاجز در بردارد، دور دوسه سال اول جلوس همایون پی‌هم اجرا گردیده است. حال آنکه ازان روز فیروز سعادت اندوز تاامروزه روز، عرصهٔ هر خطه بسی اکثر تجدد و ترقی و تمدن روی کار آمده می‌آید که اگر بتفصیلات هرهٔ آنها یکان یکان به پردازیم یک کتاب مستقل باید بنویسیم لهذا بنا و تلخیص نسخهٔ شمارهٔ تحسین سالگرهٔ خود باجمال فهرست مانند معنی آثار ترقی روزبهای زمان سعد اقتران ذات اعلیحضرت همایونی را کتابا میورزیم:

راهها و سرکهای متنظم که رشته های برکهای حیاتیهٔ ملک است در هرهر طرف تجدید یافت. پلهای آهنین متین و مستحکمی رودهای بزرگ که عبورگاههای مهم‌شمرده میشد ساخته‌اند. و رباطهای سراجیه، درمنزلگاه های راههای همه ولایات مملکت عروسهٔ المسالک شاهانه بنشاند. کانال های بسیار بزرگ و پرآبی برای آبیاری اراضی درهرهرطرف حفر گردید مانند سراج‌الامصار، وقلعه‌السراج قلعه های مستحکم تأسیس یافت. قصرها و عمارات بسیار دلکش و تعیین درهرهرطرف بنشاند. کارخانه ها، ماشینخانه ها، برقیها، تلفونها، موترکارها و بسی اکثر تمدن و ترقی و روشن عزیزمدنی‌ما بسایهٔ عرفان پایهٔ ذات اعلیحضرت (سراج الله والدین) روی کار آمد.

وازین همه چیزها گذشته شمار شهرها علم و عرفانست که بروی ملت و وطن باز گردیده است. مکتب مبارکهٔ حبیبیه و مکتب حربیهٔ سراجیه مکتب دارالمعلمین، مکتبهای متعدد ابتدایی، مکتبهای اناث حضارو قریه مریک روزنه های فلاح و نجاحیست که شعاعات آفتاب سعادت و اختیاری را بر خانهٔ استقلال آبای ملت و ملت برتو انداخت عزت و علویت میگرداند.

ازجملهٔ آثار جهان‌تاز عصر شاهانه یکی وجود آمدن این نامهٔ گرامی (سراج الاخبار افغانیه) است که اینهم یک مکتب عرفان بار سیاری شمرده میشود، و راهی عموم ملت باز گردیده است. چنان یک مکتب مالیست که عالی و بسیاری ازانتظار است. تا گردان این مکتب عالی جاهل زحمت کلی رفت و آمد مکتب را هم ندارند، بلکه خود این مکتب ازسرقدم ساخته بخدمت شان میشود، ودروازه های درسخانه های رفیع‌القدر خود را بروی هوسکاران تدریس مرفوع درسپا میکشاید.

«سراج الاخبار افغانیه» نمایندهٔ سنی مقدس خود یکسال قطر و سرور تأثرات تعلیم آخر در امت تعلیم میکند، و وجود میباشد و میباشد! اگرچه تأثیرش تدریجیست، ولی اساسی و تولیدیست!

سراج الاخبار افغانیه از درگاه خالق ارض و سماء جل وعلا، و درحمایت حضرت اقدس معظم‌الیه امتنان الطاف کونی، عمر و اقبال، و زیادتر کن واجلال اعلیحضرت پادشاه مقدس عروس ملک و بنی مقدس تکوین آنمالک خود را تمتع و تبریک، و وجود خدمات قابلهٔ خود درزیر دولت، ملت و وطن توفیقات بیغایت نائل گردیده را دایرهٔ خود استمرار میباید. و من الله التوفیق.

جوابهای داخلیه

(صباح روز عید سعید فطر)

امسال ماه رمضان سعادت توأمان مارا کنار ثلاث عروسهٔ استقلال افغانستان ازدوز چهار ده حساب شده روز بخشنده وقت شاه ماه مذکور هلال عید براهل خبرین پدیدار گردیده چندان مدت نگذشته جمیع اهل اسلام را تمدن و سرور گردانید. گوپهای شادمانی که برای ادای تعظیم و وداع و بمصارم حرمت احترام واستقبال وبدرائی عید میامن پدید آمده بیشتند بهرصدای آن بصدا صدای خوش ادای اخلاقیکه ریاضا برای تشیید و حساب کردن گوپها انتظار داشتند پر هر اواز گردید. حرمت عمومی زاد و بالا بوساخت. روز عید ساعت ۸ هنگام اهالی شهر واطفال که بلباسهای رنگارنگ جدید ملبوس خود شان ملبس بودند یکمان شعارت دوده میشدند که بجوق جوق بسوی مسجد عیدگاه توجه و عزیمت داشتند و درعبور بشطرحت و نشاطخیزی دری مشاهده میشد. تاساعت ۱۰ اضافهٔ وسیع مسجدعیدگاه بانبوه جمعیت بزرگ باز خواهان مرد اندر پروانه گردیده بود. و درهرصف بعضی ملاهای متعددی گردان داشتند که بآواز های بلند خود شان هرگاه طریق نیت وادای حرکات وسکنات وترتیب صفوف عیدرا بزبان گوزی نموده می آموختند. و زود هر گام شان ورفتهای جای که ازطرف سرکار برای شان داده شده بود ودران مسایل صدقهٔ فطر متعلق ثبت وتحریر پکجا بود موجود بود کارروی آن عریضه‌ای صدقهٔ فطررا تلقین می نمودند. عوازین حدود فی هر مرد اکثر مساجد وبازارها همچنین درقه های جای ازمرکز مرکاری توزیع شده بودند که مردم آزانجمله طریق ادای صدقهٔ فطررا ازان بیاموزند. درزمان صدا کرد ظفر مآثر شاهانه از قلعه ارگ، وقرارداد کوتوالی، و دار السلطنه که هرسه شان بالای توپهای عسکری و بسی روزعید عاین بودند بزیر بم توپهای های دلنواز مدهوشی پیر مستعیم ومنظر خود شان از روی سرک زرنگ قوس وع مرور نموده از دروازهٔ وسطی شرقی، داخل محسن مسجد گردیده، بدو طرفهٔ سرک که از دهن دروازهٔ مذکور تا پروانگی الجهم آن به محراب و صدر خطبه منتهی میشود ابتدای پلنه صف سه شوک گردیده بساعت ۱۰ و نیم کوکهٔ پرچیدهٔ شاهانه که دوطرفه باعساکر سوارهٔ رکابی، وخان اسپور، و سرکوس محاط بود یکمان هیبت وعظمت از روی سرک عید گاه داخل مسجد مشاهده شد. موزیک عسکری بالای دلنواز سلامی خود دخول ذات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1325 of 1786

شاهنشاه دیجه‌اقتدار تمود پس از توقف چند دقیقه‌ای دوباره عید
ابتدا شده بساعت ۱۱ از آغاز قرار حاصل شده تغیری مدعوین که دو
روز پیشتر بدربار دعوت شده بودند راه
از دیگر مردم جدا شده تازه سمت سلاملخانه گردیدند و ساعت ۱۱

ورج چوبی دربار
حضور که بلباس‌های
رسمی عید خودشان
ملبس بودند در عمارت
داخلی سلاملخانه
رجو کی های بسیار
منظمی که به ترتیب
بسیار درستی گذاشته
شده بود نشستند .
ربع خارج سلاملخانه
که پلتیارها و قراول
های اعلای خرقی
شده بود برای حفظ
سرزنها و نگاه کشتن
ماشیخانه و کلاتران
شهر و غیره مشرفه
تحت امر قاضی خان
باش شهزاده سعلو
حضرت معین‌السلطنه
صاحب اقتدار قبل
از تشریف آوری
اعلیحضرت همایون
سلاملخانه صف بصف
گردیده حضرات
علمای کرام و جمیع
حوانین اعیان رتب
صف‌ملبس و عسکری
داخل قاعات خراب
به ترتیب صفاتیه
و مصافحه دستور
خان شان سر افراز
فرمودند و بعد کی
فرداً فرداً بکوچ
بسیار مناسبی کلان
جمیع حضاتی ملت
روزی شان فهمیده مبلغ تواضع و مرحمت فرمودند . به ساعت ۱۲ چند
دقیقه باقی بود که بانگ توپ کشیدن اعلیحضرت همایون از در دوازه
بزرگ سمت جنوبی سلاملخانه داخل گردیده سلامتی که از طرف عموم
بطرز حرکت لطیفی وای اوای سلاملخانه آمدنش آسمانرا گرفته بانگ
تحت سلطنت سنیهٔ اعلیحضرت توقف ورزیده حد قاره رو سلام و تسلیم

بن‌گشال پیسال آریه

مؤسس خاندان جلیل القدر محمدزائی در افغانستان پادشاه صاحب‌آرای والاتبار
امیر گ بنظر اعلیحضرت (امیر دوست محمد خان) علیه‌الرحمه والغفران

رسمی و عید مبارکباد آن و مشرف ساخته بلوس فرمودند در اثنا کر
ر کای داخل سلاملخانه گردیده در طرف چپ کی های تفری مدعوین در بار
متصل دیوار سلاملخانه به صرود طرف صف کشیدند . ران شاهانه در باب
فصل ماه صیام ابتدا بکلام نمودند . واز مواد توپ افطار و توپ سحر
که آیا واجب مدت صوم را تعین واشعار می کنند بحث را ذکر مودند

که چون پیش ازین
در سالها تبک قاعدهٔ
توپ اندا تخلی برای
سحر و افطار بوده
در اوقات تماما اختیار
روزهٔ عموم بدست
مؤذنها و دیگر بعضی
از آنها قبل از وقت
و بعضی خود از ان افطار
کرده و بعد از وقت
اذان شام می گفتند
و عموم هم کاهی پیش
و کاهی پس به شتابان
و آهنگی اینان در
افطار و سحر روزه روزها
افطار میکردند و هم
چنین از طرف صبح
هم کاهی پیش و کاهی
پس اذانها گفته میشد
و خلق و درست یک
وقت معینی برای آن
نبود . لهذا به تمام
شهرها و قریه‌جات نشریها
فرستاده واضح نمودیم که
در ماه رمضان وقت
سحر که آغاز صوم
و وقت شام که اتمام
صوم و وقت افطار است
شرعاً قاعدهٔ که در
دار السلطنه قریب چند
سال جاریست یک توپ
زنانه در آن تفری
ملاها تبک برای تعین
شرعی وقت افطار
بلندیهای سیار دست

و اکابل در ماه رمضان برای اجازهٔ آتش دادن توپ وقت معینی مقرر
و تعلیم داده بایشیک آقاسی باشی حضور اعلیحضرت همایون بحضور عرض
نمودند شاه از هر تفری ملاهای مذکور اظهار خورسندی و رضامندی
فرموده و دست دادن توپهای ماه رمضان آنها را تحسین فرموده
هزار تشکر کی احسانهای ملوکانه از به آنها مرحمت فرمودند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1326 of 1786

جندومؤید دولت قویشوکت خداداد افغانستان پادشاه سیاست‌وکیاست عنوان اعلیحضرت ضیاء الملة والدین
(امیر عبدالرحمن خان علیه‌الرحمة والغفران)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1327 of 1786

مروی عن الامام الاعظم (ابی حنیفه) رضی الله تعالی عنه وقال کل من اشتغل بقراءة او حفظه او کتابته فکتبوه عنه (وهو هذا)

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم ﴾

(اللهم انی اسألك) (بمدد حافظك) (بعزة عرشك) (برضاء نفسك) (بنور وجهك) (ببلغ علمك) (بغایة قدرتك) (ببسط نعمتك) (بمحی حقیقة ذکرك) (بمنتهی رحمتك) (بدرالتمشیات) (بکلیات آیاتك) (بکل صفاتك) (بتام وصفات) (بزیادة اسمائك) (بکنوز سرتك) (بجمیل ستارتك) (بجزیل مرتك) (بکمال منتك) (بفیض جودتك) (بشدید غضبك) (بساطور رحمتك) (باعداد کلماتك) (بنهایة نوعتك) (بتحریر فردانیتك) (بتوحید وحدانیتك) (بسقف عالمك) (بسرمدیة ازلك) (بعزة ربوبیتك) (بعظمة کرسیك) (بجلالك) (بجمالك) (بکبریائك) (بالهیتك) (بالسماوات) (بسیاراتك) (بالکواکبك) (بجبروتیتك) (بنباتك) (بحیوانك) (بالطبقات) (بالارضین) (بحیاتك) (وبحق حیاتك) (ان تجعل لنا فرجاً ومخرجاً وشفاءً من الهموم والغموم والوباء والبلاء والفناء وجمیع الآفات والعاهات فی الدنیا والآخرة) (بحق کهیعص) (وبحق طه ویس وص) (وبحق حمعسق)

﴿ وبحق الاسماء التی فتحنا بها ﴾

﴿ برحمتك یا ارحم الراحمین ﴾

عالیجاه عزت همراه مشفق میهربان جناب مدیر صاحب ومیر محرر (سراج الاخبار) افغانیه سلمه الله تعالی عرض سلام وبا کوی آن (ملا عبدالجبار) پسر (ملا گل احمد زاده) مدرس مدرسهٔ شاهرخیه صاحب اینکه چون دعاً مذکور فوق را بعض بلحاظ خیر خواهی دولت وملت خود سعی بلیغ از کتب معتبره دستش جمع کرده در آورده اند لهذا تمام از جناب گل خیر خواه دولت وملت میکنم که چون توجه کرامات سمات جناب شوند علیحده یا درضمن سراج الاخبار صاحبه دام الله ماجور وعند الناس مشکور خواهند شد والسلام علیکم ورحمة الله

امضا

(ملا عبدالجبار)

از شهر جوینده

از جملهٔ دین پروریهای اعلیحضرت اینکه ـ جناب سیادت ونقابت نصاب حضرت میر محمد عثمان خان میرصاحب متولی حضرت خواجه انصار قدس الله سره العزیز را که از اسلاف سادات عظام افغانستان بودند چون وقت وفات جناب میرصاحب میر غلام نبی صاحب پسر ارشدشان را بسجاده نشینی پدر منصوب فرموده فرمان جایداد پدری شان را باحکام شاهانه درصدرات ارسال فرموده نائب الحکومه ونظامی ودفتری آنجا را ارشاد فرمودند که جلسهٔ عظیمانه درکارگاه شریف معقد ساخته که دران مجمع اعیان ملکی ونظامی وعلماء وسادات واشراف واعیان هرات حاضر آمده جلسهٔ شاهانه را رونق وشان وشایسه مراسم عزت از طرف قرین الشرف پادشاهی بخاطر آرند بعد خود جناب موصوف عریضهٔ تشکار نامه سرور اهل گردیدند که ما بنا بعادهٔ مقررهٔ قبلگاه خود وجایداد وانعام واظهار اعاده شکرانه این همه مراحم بیحد واکرام شاهانه شرف اندوز حضور ساطع النور میگردیم بمقدار حصول اجازت فرمایند السلطنه

گردیده قبل ازورودشان نوروزشان نو رسیدند وجای مسکن برای شان آماده گردیده روز جشن ملی که اعلیحضرت از طهران رونق افزا گردیدند چون جشن موصوف حاضر بودند بنا بر فرموده مهربانهای شاهانه که درباره شان شده بود وهمه علی رؤس الاشهاد به حضور حاضرین محفل میبوسند گل جشن ملی زبان عذر بزبان بیان فرمودند بعد ازحل اعطاء وخلع زرتاج شاهانه دروقاحة تحریر شاهکار مرحوم شان را درحضور حاضرین جلسه داده فرموده حاضرین آنچه گفته درباق شها درعرض عبادات کار وکردار شان بارگاه مسئول مبلغ موده ودرروز عید سعید خاصهای ذخیره که برای جودتان وملازمان ایشان عنایت شده بهمرکاب درعیدگاه رفته بعد از ادای مصافحهٔ عید ایشان را مخصوص داشته بهمرکاب والا برسلاملاه برده براتب احترام انبار فرمودند

خدایا جوان تاج در زیر دست که آسایش خلق در ظل اوست
بمنی زیر حفظ وپناه دار بتوفیق طاعت دلی زنده دار

این معنی باید دانست برای جمیع سادات وعلماء وارباب دانا تازه وشتاب گردید گمان امید شان تکمیل گردد فقط امضا

یکی از خواننده گان

خبرهای خارجه

تاریخچه جنگ رستخیز آبنگ

﴿ مقدمه ﴾

اگر کلام واین ـ به اصطلاح ـ بما ـ روی طالع اخبار مارا باز میکرد ، وماهم از مردمان میبودیم که بدانها وگفتهای گوش میدادیم مطابق طالع اخبار خودرا ، مریض و میدانستیم ، زیرا بازاقوال اساطیر خصیب عبارهٔ مریض را خون ریزی وآتش افروزی میگویند ! اخبار چارمضا مکرر دروزیکه ، قرمز مریض ، بود خرمنه پرای مارا وجود کرده است !!!....

سال اولیا خوادث خونریزهای بحاریهٔ طرابلس غرب ، سال دوم وسیوما خوادث جنگهای بالقانیا ، وسال چارمیا پیمیا خوادث این جنگ موجودهٔ رستخیز آبنگ املا کردید ، حال سال پنجم اخبارما شروع خود ! گیتیم که ، مریض ، چه میکند ! البته بقیامت کبری ، یقیامت صغری را پرا خواهد کرد !

از خواجه نصرالدین پرسیدند که قیامت کی میشود ؟ گفت : ـ آیا ازقیامت کلان میپرسید ، یقیامت خورد ؟ گفتند : ـ قیامت یك قیامت است ، خورد وکلان آن کدام است ؟ گفت : ـ قیامت کلان آوقت میشود که من بچه ، وقیامت خورد آنست که همه مردمان بمیرند...

حالا شاعر منتظریم که ببیند چه میشود ! هیچ شبهه نخواهد بود که قیامت کبرای خواجه نصرالدینی وجود اخبارما پرا خواهد شد زیرا می بیند میشنود حس میکند وفی چیزی گفته میتواند ، ودیگر خورده خورده آخر الامر مانند تلاش مزا گه ، وتلکها بساقش یك انجمار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1328 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1329 of 1786

واخلاق مدعی گرفتار می‌آید . ولازم بازهزه گردیده ازدغدغهٔ ناه
هستی وامیرهد ! اگر نکوید ، دیگ مزار را میپرد ! ، وگر بگوید
، پژارش میپرد ! ، چه مشکل جاه ! ...

مرا در دست اندر دل اگر گویم زبان بسوزد
وگر دیدم کشم ترسم که مژگانخوان بسوزد

کتابهای اخبار ناصر ، افسانه ، ... مکتب ! ، گردید ، گلم
لولیا بکم ـ تی ! ، ! هزار درهزار ! از دراز ! ! ماهیه بالصفه
سقطه فی الفلسفه ، واحاصل هیچ، هیچ !!! ...

من کی ای بیدل جداری باغ شکر را
زینهار از ناله هایت غوطه تأثیم را

هردردی ، اردوار دردی دزیر عنوان مصرع رجعت ذیل :
دیوانه باش تا هر کودیگران ... بوده

چون یك موی میپوسید گذشت ، گوز گفت سالك براین دوانه‌های
با گل ساخته ، یعنی دروازه غلط ـ شهر ، پوا نمیرود ، اسباب وسایل
مباشرم ترکستان وساعت نمیرود ، اسپا ساخته است ، آنرا غلط‌های
باسکوپ نشان میدهند ، گر مولوی میشد آشنا ، خانه نرد ، شطرنج
قصه وغیره را پیدا میشد ، در یوقت بخارج ده هزار روپیه رشتی
زنی ، ، باغهای برق رابی آبا میبا گردیده ،

پیدا کنی سرما برق ازچرن خود چنان یك واسطه بین کرد
میکوید ، ... انتظام دادن استفاده اسباب راحت وراحت که ازطرف
گوز ، ... برای دوانه‌ها شده است ! هیچ شود پست که از حوض
قسمی دوانه میکنند ! ازان استفاده باشد که ازچنین آدمیها
درامور ما دیده ، وازان دوانه‌ها نکته ! ،

بنابران این ملاحظه ازچنین میپوسید ، ... میکوید که بسبب
این انتظامات ، دوانه‌ها گرگ‌چه ازدو آرام میشوند ، اما در دیدن
آنها بیش ، دوانه حقیقی خواهد بود گاردو آرام نبود ، واگر
دو نبود هیچ شبهه نیست که دیگران خود ضرور نمیتوانند
کرد ، وخواهد گفت :

« آیا که غلط چنان کند دوانه بتر »

میبرد که ... ازاختلاط دوانه ، ازچنین گوز های دوانه‌ها
را نباشاده است ، به گوز خواهد گفت ، دوانه سخن را دروغین ، ازچنین
عرب ، نباشد ، ودهان سخن را دسکلیت ، یا گرمانه ، پنداز چرن ،
گشیده ! اگر دوانه گی نیست ، پس چیست !

آوازه ! چه چاره که این جنگ خودرز ، واین هنگامهٔ رستاخیز
ازجهان غلط ومسیحای پست اختیار نمی‌یابد ، وخواهش را درکعبه
عالم ، ... زده زنگار ! چنگیست که ازآسمان آمد ، نه آیا دیده چشم هیچ
بیننده وگوش هیچ شنوندهٔ دیده ونشنیده است ، هیچ گرگی ، گاهان
ازچنین یك جنگ خبرداده است ، ظالم‌ها ، وهای بزرگ که گرچ
نشانداده است هیچگاه ، اینقدر چه ، لطافت عظیمه را ، وقوع نشوارده
پاورده است ، درسطح زمین رجعه سعادتیکه اصطلاحات جغرافیا زان
عاوست ـ یعنی درشت ، کوه ، تپه ، جزیره ، دماغه ، برزخ ، تنگنا
وغیره ـ جنك است ، درزیرزمین هرجنك است ، چرا که استحکامات
وخندقها ، وسوراخهایکه درمیدانهای جنك زیر زمین کنده شده است
نیز محل مبارزه قرار دادهشده‌است ، برسطح بحر جنك است ، درزیر
بحر جنك است ، در روی هواجنك است ، درمیان فضا جنك است ،

تشریت جان بخون همدیگر تشنه شده اند ، کعطوبه‌های آتشفشان
طوبهای مزیب جهان ، بمبهای خراب کنندهٔ ساختمان را کافی ندیده
رحمدیگر خود درمیدان آتش بازهای میهنگذاری افتاده ، ... درخصوص
قتل وخونریزی اختراعات حیرت بخش بطور ایجاد میکنند ، بدرجهٔ
که مریخ‌وحریق نشانان از ترسمساری ، بسیار مزیز ، جدر زهره درج
میتوانند ،

خصوصاً اینکه متمدن ترین انسانها این هنگامهارا برپا گردیده ، آن
متمدن ، اینکه دیگر صلح وصلاح عموم عقلانیت میبرند ! ازقرار حساب
که بتحلال گردیده مقتول ومجروح ومفقود ، واسع حال متمدنان به
۹۱،۰۰۰،۰۰۰ ، نزده ملیون نفوس رسیده است ، وجمله خسارات
وزیان مالی ، عساکر ، تجاری ، قتل در پنج قطعهٔ روی زمین به
۲۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ، بیست ویك ملیار روپیه بالغ شده است ، درعالم
کرهٔ زمین ـ یعنی درمریخ‌شعبه ـ زاده ، یا واسطه‌زادهٔ حیات وکائنات
متشکل است ،

این است که مالا نامیدن‌ها یکی بعد ازچنین حریق‌ها زیر بسیار عوامل
میخواهیم که هما ازچنین دیانت‌ها نیا درهمان یك‌چند تجدید نمودن
چنین بناهای جهنمی ، ازآن پیشتر خلاصه حوالی کرده ، ازین
مساعد خود کنایه کردیم ، ازدوانه‌ها درین دوانه خود بیشتر یك تغییرات
اصلی ، درخصوص اخترعات جدیده ، ازقرائن ، اگر خودرن حرص
مخلوقات میدارم ، یك دگرگلی حاصل آورده ، ودرنتیجه مکان اخترعات
را ازروی قواعد ، گرچ حربی ، ازین وضعیت جدیده نگاری نمایند
یا که آنرا ازقوای حربی بکار ، عساکر ، برخواهد کرد ،

جنگ اخترعات

اگر متالیف‌ها ، دیوانه‌ها ، این حرب عمومی نمی‌نامیم ، نباید
که علت ، ومعنی دارد ، یك قوس قزحی گرد ، افق زندگی خود میدانا
سرکار ، ارتباط گرفته‌اند ، یك خودداری داشته ، آگریم ، ... زاسباب ، کتابهای
دروغی ، وتاریخی ، وشاعرانه ، وغیره ، رنگهای دوانه‌ای ، دیدا ، که
مرکباه شیان مخصوص خود ، وقاعده دیگری ، گوشش ، وریدها
همدیگر ، ... زده گرده ، عرض انتظار ، ... کرام خود ، بسیاج ، که
آنها ، حالاتست ، آیا حالت‌اخلاقیه هیچدان ، میتوانیم که ، بدل‌بلاه
این خودرنی عمومی ، بلاهای جرمی ، صدف طبع ، وعادات ، که آنها
آدم‌ها گهان ، ی بلاك از چندین سالها بناك ، بنیادت ، عادت ، دنیا
پرنده‌بود ، ازهنگامیکه‌دوکان اول ، دوره‌ای نهاده‌بود ، این‌بنیادت حرص
وحسد بزرگ انگلیز ، بیکر ، آمده بود ، زیرا دوانه‌انگلیز هیچگاه این
چنین دیده‌را ندارد ، که ازخود زیاد کمی را بیند ، وقتیکه کابلون
مشهور فرانس ، قهرمانی عظیمهٔ خودش را حاصل کرده بود ، لازم
عین‌انگلیز بود که همچو قهرمانی را داشته باشد ، آنچنان ، آن علامی مصنعاتش ساخت
وچون روی یك سعادت وشوکت زندگی را حاضر کرد ، بزچشم حسدش
چرانی آمده ، هرکدام یك نیزنگ‌بدولت ژانوش سر کون کرد ، واخاصل
بسیار مثالهای گرچی دیده میشود که این‌حسیات حسد وغرور انگلیز
را ثابت میسازد ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1330 of 1786

از مدتیست که دولت انگلیس تحدیدات و ترقیات دولت آلمان را بیک نظر حسودانه ملاحظه میکرد . حتی اروپائی که دولت آلمان در دولت فرانسه جلب آمد . و بتدریج افکار عمومی سیاسی رئیس سیاست را قانع ساخت موقع آمدن آنرا شخصاً فرا رسیده بود . تا آنکه رفته رفته آلمان قوت شوکت پیدا کرده رفت . و بهمان نسبت بغض و عداوت بر بالا دولت انگلیس عداوت در بطن او طرف گردید . و واسطه دلائل گوناگون در قلب سلطنت خود روی بر باب آنرا مفتوح نمود . و بقایای اتحاد ثلاثه آلمان ، اوستریا ، ایتالیا ، انگلیس ثلاثه ، روس ، فرانس انگلیس را تشکیل دادند .

از هنگامیکه این اتفاق ثلاثه مقابل آن اتحاد ثلاثه تشکیل یافت مابین الخصوص از وقتیکه در سنهٔ (۱۹۰۷) اتفاق روس و انگلیس در بحق مسئله (ایران) و « افغانستان » وغیره عقد گردید ـ معلوم شد که این اتفاق و اجتماع اضداد بین جمعیتیکه جنگ طلبی میباشند . و هر روز یکدیگر ان اتحاد گذشته رفته مقدمات ملکی الحادیون و انگلیون را بر تهدید کرده میرفت .

بنا علیه سبب بالذات این جنگ جهانسوز هائله فروزرا در آتش حسد و حرص و طمع انگلیز در مقابل اقتدارات و ترقیات خارق العادهٔ تجاری و صناعی آلمان باید دانست .

آتش زدا که ؟ و چسان افروخت ؟

بیانیت ها و ، محرکهای بارود پرشدهٔ سالیان طول کیک آتش زد « بامبول راسیب » نام شقی ، حرین بود که ولیعهد جوان دولت اوستریا « آرشیدوق فرانسوا فردیناند » و زوجه اش « دوشس دوهوهنبرگ » را در « سراجیوا » پایتخت (بوسنا) هدف گلوله خیانتکارانهٔ عمر وستم کوده قاتل مذکور دوطرف وحد که یکی « باربروچ » بود که در اولین گلوله رضایهٔ موت سواری ولیعهد مذکور اهداف . ثانی ولیعهد بیک حرکت دلاورانهٔ کوده ، وبدوا بازوی خود دفع نمود . و بعد از آنکه موتر از کشت وبه زمین خورده در گرفت . و پنج شش تیر از اهالی تیرین دوطرف موتر نشینرا که در عقب موتر ولیعهد و بصورت میکاب هجوم ساخت . ولیعهد برای رسم احتفال که بشرف او از طرف مأمورین دربارهٔ « البان » تهیه ، ترتیب شده بود میرفت . بعد از این واقعهٔ هوله ، گرچه خواستند که ولیعهد رفتن خود را تا وقتیکه تمام لازمهٔ عسکریه اجرا شود بتعویق اندازد . ولی ولیعهد قبول نکرده بهمان روز کرانی که در پیش گرفته بود حرکت نمود .

از دو عراده موتر نشینی که در عقب موتر ولیعهد و بیک رکاب دیگر بودند ، بود که زخمی شده بود . ولیعهد خواست که بشفاخانه رفته استشفاء خاطر او را بکند . در اثنای که رضایهٔ موتر ولیعهد در بارهٔ فرانسوا زوجه اش هم خواست داخل بشود . از طرف دیگر بامبول راسیب دوموتر عکس روند . کاتول زوجهٔ ولیعهد دوشس هوهنبرگ چون خودرا عالم وجد و شعف در آغوش شوهرش خطیب . در عقب آن کاتیکری آمده بکردن ولیعهد خورده . وگلوگاهش را شکافته صورت آن وقائع را نتیجه بخشید .

ولیعهد « آرشیدوق فرانسوا فردیناند » در سنهٔ ۱۸۶۳ در شهر « خراج » تولد یافته . و در سنهٔ ۱۸۹۰ با زوجهٔ موفیه اش « آرشیدوشس هوهنبرگ » که از خاندان شاهی بود . و از معتبر معای سرای امپراطوری بود ازدواج کرده . این ازدواج محض سبب یک عشق سیار شدیدی

وقوع آمده بود . زیرا بنا بر قوانین خاندان امپراطوری اوستریا تنها زاده‌ها میباشند که بشهزاده‌ها ازدواج بکنند . ورنه اگر دیگر خانواده‌ها ازدواج کنند اولادی که از ازدواج بنیاد وارث تاج و تخت نمیشود . حالانکه ولیعهد مشارالیه حقوق حکمداری اولاد خودرا عشق پر سودای که داشت فدا نموده ازدواج کرد .

رعایه عرفان عصر معلوم بود که ولیعهد فرانسوا فردیناند در فنون عسکریه بکمالیات واختصاص قوی اقتدار داشته بود . و در رتبه قائم مقامی عسکریه اوستریا بکرسی وافتخار سپاه سالاری گماشته بود . کذلک برای طرفداران اتحاد ثلاثه بر یک استشکاه سپاه سالاری شمرده میشد ازین سبب بود که وجود این ولیعهد برای رقبای این اتحاد حین حضور تهلکه ناک شمرده میشد . اینهم بنا به « تیوفیدیه » که « فلسفه یک جهت اثبات تیوفی » ضرب مسموب بود . و تربیات این جانب فاجعه‌ناک در عین وقت بوقوع آمده بود . و وجود هائله ازمانی قاتلی استشهاد شده است از طرف اغبر هیئت عسکری و مأمورین ملکی ضرب بخاطرها داده شده بود .

این است که این واقعهٔ فاجعه انگیز در ۲۸ حزیران سنهٔ ۱۹۱۴ گریت حرین جنگ « مواد بارود » گذاشته شدهٔ اوروپا گردیده ، نایره شرارت را شراره رستاخیز واقعهٔ گیری در گرفته .

اعلان حرب اوستریا بصرب

عرصاحب انصاف دولت اوستریا ، زا یک اخذ انتقام شدیدی از حکومت صرب ذی حق خواهد داشت . لذا دولت اوستریا یک بیان وهیجان پر غم و الم از این جور وستم دراسده ، دولت اوستریا در ۲۳ حزیران سنهٔ ۱۹۱۴ یک « نوت » متضمن که معنی او انتهاکوده و بلکه معنی اعلان حرب را در دیپلوماسی بعضویت حربستان پیش کرد ترجمهٔ نوت مذکور چون فقره فقره در ذیل (۳) پنجم جارم اخباره مندرج شده لست ساحت تکرار آن نیست . بدون مدت مذکور ۴۸ ساعت مهلت حصر بداده شده بود که اگر طرف این ۴۸ ساعت تر طبالزا کهدولت اوستریا پیش کرده است از طرف حکومت صربیه قبول نکوده مناسبات سیاسیه دو طین مذکور از همدیگر منقطع خواهد گردید .

در این زمان دولت اوستریا واسطهٔ سفیرهای خود گذوزه دیگر دولها دانشمندان از همین وق که بصرب بیتان داده بود . آگاهی داده بود که « دولت امپراطوری اوستریا از این یک حاضر جمع است که باجرا کردن این تشبث خود ـ بهر یا اتمام شود ـ تعهدات تمام دول و ملل متحده موافق یک حرکتی کرده خواهد بود بلکه دولت متحده همچنان از قبول و تصویب خواهد کرد که حربیتانه کنی در عادة سیاسیه بی جزا مانده نبود » .

والحاصل مهلت ۴۸ ساعت بانجام رسید . و از طرف دولت صربیه جواب شرائط دولت اوستریا نرسید . همان بود که سفیر دولت اوستریا از پایتخت صربستان راخته مناسبات سیاسیهٔ هردو دولت منقطع گردید . و در ۲۷ جولای دولت اوستریا بدولت صربیه رسماً اعلان حرب داده ، لشکرهای عسکریش از سرحد بحالت حرب تجاوز نمود . و آتش حرب بکباره شدت در بین هردو حکومت ظهور گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1331 of 1786

جنگ عمومی

و اعلان حرب دیگر دولتها بیک دیگر

در آغاز کار رهروگی معلوم گردید که این جنگ اوستریا و صرب دربارهٔ حدودی خواهد شد ، بلکه دایرهٔ سرایت آن تا یک جنگ عمومی پیش رفته صورت خواهد گرفت ، زیرا دولت روس که بکلیه

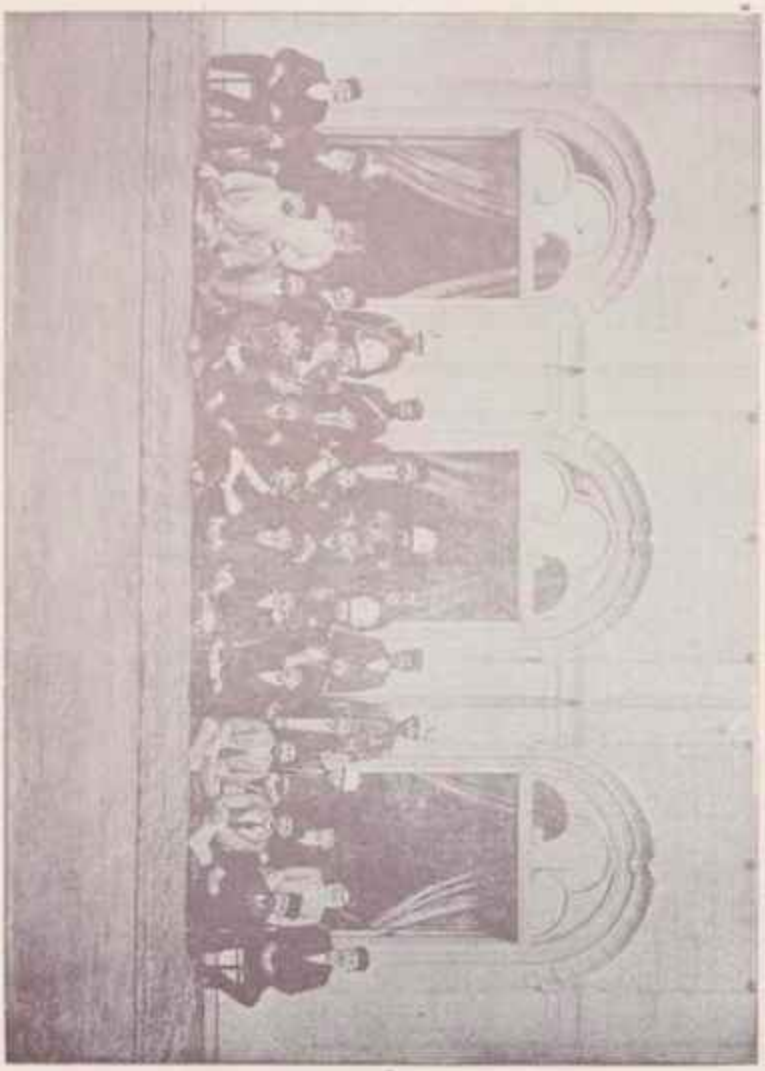

اعلان حرب بشود طیاره های فرانس بر شهر و قورتیه رفته و آلمان بوسیله اولتیماتوم ، امتناع از اشتراک کردن خودرا در این حرب اعلان کرده ، حکومت مسئله ، لوکسمبورگ ، از طرف آلمان اشغال شد . فرانس اعلان حرب نمود ، بدولت عثمانیه برای حفاظت بیطرقی خود جمع آوری عسکری خود را اعلان کرد .

در ۴ ماه اگست اول دولت ، بلژیک ، بعد ازان دولت ، انگلیز ، بالمان اعلان حرب کرد ، بعد ازان ژاپن ، عثمانی ، ایتالیا نیز یکی درعقب دیگر بجنگ اشتراک ورزیده ، ودولتهای بیطرق که تاحال بیطرق دوام نموده اند باقی مانده جنگ عمومی باقدام معانی خود در میدان قتل وقتال عالم بشریت جلوه پیرای ظهور گردید .

وقوعات مهمهٔ که در مبدانهای حرب از تاریخ آغاز حرب تاحالین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1332 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1333 of 1786

و دوستان پیغمبر شان متفق شده برای مدافعه منافع مشروعه خودمان مسلح
و دانش مجهز شدیم ، دولت روس از سه قسم به انطرف دولت علیه
عثمانیا بسیار در رهای جنگ مردود جاری کرده است ، شوکت و قدرت
عثمانیا در هر گاه با حربها و سی حیله ها و دسیسه ها تحت کردن
کوشش ورزیده است . دولتهای روس ، انگلیز ، فرانس ، جمعیتهای اهل
اسلامی کدر زیر افکار های ظالمانه خودشان آنها را فریب داده اند ،
وجه آن مسلمانان اردوی دین بخلافت معظمهٔ عاصمه میباشند ، هیچ
وقت از رو راستین فکرهای درحق آنها فارغ نشده اند ، و سبب و محرک
کلیه هر گونه مصیبتها و فلاکتهای ما گشته اند ، این است که باین جهاد
اکبری که در بیدار بآن توسل کردیم جانصرصایق که از بیدار وقتها
دشمان و شوکت خلافت ما و حقوق سلطنت ما در حق انگیخته اند انشاءالله
تعالی گاه ابدیتهٔ آخری خواهیم داد .

« ای عسکرهای بهادر من !

« ورراه این غزا و جهاد مبارک که در دشمنان دین مبین و وطن
عزیز خودمان باز کرده ایم ، یک آن و یک لحظه از عزم و ثبات ، وفدا
کاری و جانبازی جدا مشوید ، در دشمنان دین و وطن مانند تیران
شیران صولت انداز مهابت شوید ، زرامیات و صای دولت ما و صد
ملیون نفوس اهل اسلامرا که بفتوای شرع شریف بجهاد اکبر دعوت
کرده ام بنظریت شما وابسته است ، دعاها و نیازهای سه صد ملیون
مؤمنین مظلوم که در هر طرف دنیا میباشند بکمال وجد واشتیاق
شما ، در هر مسجد و هر جامع و در کعبة الله بحضور رب العالمین همراه
یکجا میباشند .

« ای اولاد های دلاور من عسکر !

« این وظیفهٔ کبرا مروزه روز بر شما ترتب کرده باجمال در دنیا هیچ
اردوی عسکری نصیب نشده است ، در آتیهای که این وظیفه را شما
بی آورد باید بدانید ، و بعلم نشان بدهید که شما چه اختلاف های عمان
اردوی های عثمان هستید که در یکوقتی دنیا را بلرزه آورده بودند ،
آنکه دشمنان دین و دولت و خاکهای مقدس ما بیادداز کردن ، جرأت
توانند ، و از طرف دیگر که هجازه که بر کعبة الله شریف و مرقد
نورانیوی محتوی میباشد از شر اعدای دین محفوظ باند ، دشمنان
دین و وطن خود بصورت مؤثر هویدا سازید که یک اردوی عسکری
سینه های کتلهای بحری عثمان موجود است که دین خودشان را ،
وطن خود شانرا ناموس و شرف عسکری خود شانرا بقوت سلاح
دلاوری خود دافعه میتوانند ، و در راه پادشاه خود مرگ را بسیار
چیز حقیری میشمارند .

« چون حق و عدالت با ما ، و طرف مقابل دشمن ما است هیچ شبه ندارم
که عنایت صمدان جناب حق مطلق ، و امداد معنوی پیغمبر حق
یار و یاور خواهند شد و باین جهاد تلافی ما فات ضررهای ماضی خودرا
خواهیم کرد ، و یکدولت پاشان و شوکت و قوت و قدرت شدید یا میرا نیم .

« باقی شهیدان کن شهیدان سالفه مزد مظفریه ، و غازی زنده ماند کان
غنی مبارک باشد ، و دشمنان کن نابود باشد . ق ۲۲ ذی الحجه ۱۳۳۲

بیانامهٔ اورپانا

بر عموم عساکر شاهانه اورپانا کوکیل سرعسکر کل — پنج و کیل
حضرت سلطان العظم میباشند وقائد الجیش عموی ، و ناظر حربیه است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1334 of 1786

ومستحل شده همهٔ تلاش آن سپاه‌ها برای این گردید که راه فرار صدها کیلومتر را طی و عده‌ی زیادی از سربازان بقلعهٔ ورایسک روی بیابان و از خاک اوزوی خرد روی صدها تیر و ارابه‌ها و غیره‌ها در حوزهٔ تصرف آلمان و استریلیزه‌اند. حزب برتانیای اکثر دارای مخاصمهٔ بحری "کشتیهای تحت البحر آلمان کرفته شد. حالا آنکه از دولت آلمان و متفقین یکی چیزهای دست و پای هشت که باید باشد.

از دم آلمای هشت ۱۸۰ طیاره کیرنگ قریه های عظیمهٔ ازین جمله بوده است. دولت آلمانست. در ازانکه بتواند که وی را آلمان در وجود داشته دولت و چین. یک قلعهٔ مالیه داشته بسیار زرکی راشمارها توفی حق فرموده آلی و چین همه شرایط استقلال کشتی را که آلمان برای کذاشتن عهدنامه قبول کرده و واسطه آن قبول کردن از همه حقوق آزادی و ساکنین و استقلال خود ادوام نموده درازی حالت و سیادت آلمان درآمد که تحقیق این مسائل موقعیت و کامیابی عظیمی برای آلمان شمرده میشود.

جاپان

این است که تا حالیه حرب جهودرا خلاصه کرده که چه نتیجه میتوانیم آنرا بدست آوریم. و این یک فکر اعلای است که روزنکی کرا وجود حرص نموده و اکر خواهیم کلا واقعات حربی را بوجه ریکهای این حرب ریشه‌جرا آنها بیان تا بصدها پیامد هر دولت لازم می‌آید چون در دولت کی بیان خواطر و حرمانشان و آزادی آید. آزادو اقعات را از روی مقابل و دلیل کفتکو نکنیم بست و تشریح و حل کمر خصوص از تبعات و تحقیقات دقیق بر خود کوارا نبوده و چاشنی که قارئین کرام ما ازین رهکذر بدست آرند رهنمای میشود. ولی رویهٔ جزو سعادت اسلام و روی رهم شدن این حوزه‌ی را در اساسات مهم کلام میباشد. (ومن الله التوفیق)

آخرین خبر های جنك

شنبه ۲۸ ماه جولای ۱۵ رمضان

جریان از طرف وزیر هند بوایسرای رسیده است —

وزیر کفته جنکلات قوی دوجنك طرف ثالثانست و جرمن حاضله مقاومت کرده و دولتهارا حاضله کرده میرود. جرمن (جرمنی) در علاقه وصول وچون رسیده که قریباً چهل میل طرف شرق تیون میباشد — و جرمن‌ها دراین تاروار زور خود کوده اند — وقریب است دشمنکا جرمن‌ها را رو دسی‌ها طرف عقب پس کرده میروند —

جاپان ترکیه

مبارزه شدید دارند انکلیزی افزود ماباك میبوسد که سالن آنجا عین سالن مقامات بیرس و دو چیز میباشد و فتح متفقین روی حاصل کرده میتواند — وقوع ترکی جنك را وقت شب حوالی دارد —

حمله جرمن روس —

شنبه ۲۸ ماه جولای — ۱۵ رمضان —

داخل شدن جرمن در اضلاع بالتك در روس به توجه زیاد دیده میشود — وبیان کرده روی‌ها در خصوص داخل شدن جرمن مانع

علاقه تی ودوبار از دشمنی جبان کرده میشود و اکر جرمن پلان‌دار که مقصد جرمن قطع نمودن سلسلهٔ ریل مابین پترز دوار — میباشد —

یك خطر جدید —

کوشش مقطع نمودن سلسلهٔ آمدورفت وارسا —

لندن ۲۸ ماه جولای — ۱۵ رمضان —

ازسپرسپالی وتسلیم نمایی افواج روسیه خطوط مدافعت اکنون بمحت صدمیل محدود میباشد که ازان در قصد میل جنك جاری است اکر فوج روس طرف خط مدافعت جرنیل میکسین در جنوب لبلن میباشد — و حالت در اطراف وارسا بسیار کار کذشته است — و پیشقدمی جرمن در چهل میل ظاهر میکند که یك حمله عظیم از طرف اسلاك بالتك خواهند شد — وقطعه این هر دو سایدین افواج در حدت استحکامات تین میباشد — وعلاوه ازین جهها از طرف جنوب وغرب چرخ قریب قلعه کار رسیده باشد — وتخمین کرده میشود که فوج جرمن از این طرف در اطراف پکصد و بیست میل دران (مابین کاو و ورو بارك) پیشقدمی کرده می آید — ازسیر وقایع جریان میکسین جرمن‌ها پیشقدمی و کوشش دارند که از طرف جنوب سلسلهٔ آمدورفت وارسارا منقطع کنند —

جنك ترك در میدان جنك

لندن ۱۵ جولای —

مبصر آلمنیه نزدیك در یك مراسله می نویسد که افسران افواج جاندارمری بوزدی میباشند ترك رطب الدخان میباشند وی کوید که آنها روای مزاج را هرکز ندارند لا این طریق جنك آنها مطابق یکدکر و غرابیاست

۲۸ جولای صبح زود — از میدان جنك مقام فرانس خبر رسیده — لندن دالیفنیوز — جنك بسیار شدید صورت اختیار کرده میرود — جاها توقعه دشمن بداخل آورن — دو دفعه بسیار — بشدن کلوله باری نموده — کلوله باری سخت کوه شهر — آوردن آتش کرده — کمتعداد زیادی بسیار مرده کردیده اند — ودر دالفارکن — هم جنك بسیار شدت — وخون ریزی جاریست — وتوقعه دشمن کلوله باری بسیار شدت می نماید —

« فتح وارسا »

از اخبارات انکلیزی نکاشته

انواع شتابی جرمنی کمتر فوتنال جنك وان هلدن برك وبنك ازطرف شمال و افواج جنوبی جرمنی کدر چولند کمتر فوتنال وان میکن در حدود طرف جنوب افواج روسی حدود وارسا را محصور کرده خواستند ولی روسی‌ها بقرار خواهشان پشتوره حلیف‌های خود افواج ایرا از وارسا این پرده و جرمنی‌ها بکلوج میکر ازطرف شمال و جنوب برای محاصرهٔ شان فرستاده ولی تاکنون آنها روسی‌ها از انجا عقب‌پسانده بودند. جرمنی‌ها فوج سوم ازطرف شمال و جنوب بدوره کلان فرستاده ولی روسی‌ها ازانجا عقب‌پسانده رفتند و جرمن افواج روسی را بتاریکی کدوك تکوئی دنبال پیمائی دارد) تعصور نشده ولی تنها وارسا ازانکه قریب ۷۰ میل ازوارسا پسند رفته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1335 of 1786

خبرهای جنگ

بدرایع مخابره
فواید تلگرافی بیسیم

لندن ۲۷ ماه جولائی — ۱۴ رمضان —

در مجلس سالانه‌ٔ مأمور کولی کمپی‌مستر کادفری آنکس‌بان نموده است که در اپریل سنهٔ ۱۹۱۰ عیسوی کمپنی مذکور به حکومت انگلستان اشعار کرده‌بود که برای یک سلسلهٔ تلگرافی خانه های بی‌سیم اجازت داده‌شود چون حکومت انگلستان این‌در خواست‌را منظور نکرده — دولت جرمن بصرف بیست لک‌پوند یک سلسلهٔ تلگرافی خانه بی‌سیم قایم کرد — وقت‌پنج دقیقهٔ شانزدهم شارع چهارمه‌اکست بجهازات جرمن بواسطت بی‌سیم خبررسانید که مابین جرمنی وانگلستان جنگ شروع شده است وبدین طریق صدها جهازرا محفوظ نمود — حالانکه کمپنی اخبارات تأسیس سلسلهٔ مذکور بذریعهٔ تلگراف خانه بی‌سیم (از قدم وار لینه) می‌باشد

تعداد آتش فشان‌های جرمن —

لندن ۲۷ ماه جولائی — ۱۴ رمضان —

نامه نگار اخبار دیلی اکسپرس از پرس رفطراز است که تعداد آتش‌فشان های اتوپ جرمن که بخط غربی موجود است شصت‌وده وشش‌هزار میباشد —

لندن ۲۷ ماه جولائی ۱۴ رمضان —

پترو گراد — نامبان روسی‌بیان‌میکنند کشتن جرمن‌ها در دوم عاشورا ولی در دوهفته دیگر بدرجه‌انتهائی خواهد رسید — وهر چندروز ظاهرمیشود کمی‌هزار فوج‌سوارهٔ جرمن که در علاقهٔ بالتک موجود است — وفوج غیر گوبخط تین میباشد چه‌خواهد کرد — جان خیال کرده می شود که مدعای آنها تصرف دریل کووو و ولنه‌می باشد —

عملهٔ ایطالیه

— بحریه کاوه های خد کوچک را استعمال کرد چرنیل کشتی کمسر کرده فوج ایطالوی در خط طرابلس جو بمقام آداقیر ترشینو نقل رسیده است —

لندن ۲۷ ماه جولائی — ۱۴ رمضان —

نامه‌نگار رویتر صدور ملاحظه کوه بحریه کجرمن‌ها واپس گرفته‌اند بیان‌می کند کبر کی حصه‌بالای کومه‌ها کوریکه‌تقریباً ۱۴۰۰ فت بلندی‌دارد چندقطار خندق های جرمن یکی‌ای دیگری‌موجود است — وهمچنان درحصه‌زیرین آن خندق‌های انگریزی استاده‌ویک‌مقام‌مابین‌انگریزی وجرمنی ازیک دیگری به بعد شش گز میباشند —

۱۹ ماه جولائی — خبرایتر پای‌تخت دولت یونان — دولت جرمن ازیب مالی ذمه داری سابن سخن را طلب کرده — که همراه دول متحده — جدا گانه صلح نکند — زرا که دولت برطانیه میخواهد — صلح بست کرور پوند — بدیم کوان جنگ برای دولت عثمانیه داده هرگاه او از راه صلح درآید ولی عثمانی‌رد کرد.

۱۲ اکست خبراتدن — نامه‌نگار رویتر ازمیدان جنگ فرانس رفطراز است که درمقام هوگ جرمن‌ها وسپاه دولت برطانیه‌سیل‌های مشتمل شونده — بذریعه‌پل‌ها پانتون‌ها درجنوب‌هوگ سپاه جرمن بروح‌های دولت برطانیه سه‌دفعه — حمله‌های بسیار سخت‌نمودند — بعدازان فردا علی‌الصباح اول یک گلوله باری‌بسیار سخت‌بسپاه دولت‌برطانیه‌نمودند — یکبارهٔ یکن‌های شان یک‌حمله بسیار شدت‌نمود — بحریه‌حملهٔ پالن — انگریزهای جرمنی که‌منتظروقت فرصت آمده وبازجودند — دهن‌توپ‌های بحریه‌ای — نیل آتش کرد بطرف سپاه‌برطانیه بازنمودند — بدرستگرهای فوج برطانیه نیل آتشین باریدن گرفت درین فرصت سپاهیان جرمن درستگرهای سپاه برطانیه رسیده درستگراولین داخل شدند وبدریه عبور پایمه — سنگر مذکور را گرفتار نمودند — گذشت علاوه ازین‌جانب خوفناک از حد بیان دور است این حمله بکار کردشمن وبارید نیل‌آتش کرد قلل‌باران سپاه‌برطانیه‌را بسیار پریشان وسراسیمه ساخته چون سپاهیان برطانیه سیلاب آتشین نیل‌را دیدند که بسیار سرعت بطرف شان می‌آیدمجبور شده‌ازمقابله اینقسم‌طرفهٔ‌جنگ‌خلاف بپیروی‌کمستگراول خودرا بجهت دشمن واگذار شدند —

لندن ۳۱ ماه جولائی —

نامه‌نگار اخبار دیلی تلگراف از کوپنهاگن (دانمارک) خبرمیدهد که از برلن اطلاع رسیده که فوج جرمن عقدر ده لک زیاده شده است درین‌زیاده ازجوانان ۱۸ و ۱۹ ساله‌داخل میباشند — و آنهارا بسیار سرعت تربیت داده میشود واکثر حصهٔ آنها درمیدان جنگ شرق رفته اند —

لندن یکم ماه اگست — ۱۹ رمضان —

درخبر مرکاری پترو گراد اتفاق این‌امرشده که لشن وریل‌بایی طلسان بودا الکرمدرا ورجوتر خالی‌شده اند — وروز پنجشنبه به آن انواج روس که مابین دریای و سیجوا ودریای بلک مقیم بودند حکم داده‌شد که درتحت طرف‌غلب خودمقامات مستحکم پیش‌شود‌جانکه نگاهبانی و حفاظت تعمیل این احکام نموده شد —

لندن ۳۱ ماه جولائی ۱۸ رمضان —

یک کشتی زیر آب جرمنی جهاز آبرین را ضرب کاربید وغرق کرده — وقریباً هفت نفر ازاهل جهاز تلف شده اند —

شنبه یکم ماه اگست —

درحال فرع اطلاع میدهد که جرمن‌ها بمقدار گلوله باری شدید بذریعهٔ گلوله های‌شمه‌خبر برخندقهای انگلیسی‌حمله نمودندوبطرف شمال وجنوب مقام هوج رخط اول خندق ها متصرف گردیدند — وجنگ هنوز جاری است —

پوب روم‌یک تحریر بنام فرزندان مخرب شایع کرده است که خلص مضمون آن حسب ذیل میباشد —

ازاده تباهی دیگررا ترک دهید — واین خیال را بگذارید که نجات بانجی‌محض بذریعه شمیر فیصل میشود — درجنت اقوام بصرف بدبخت تباه میشوند بلکه تفرت و خواهش انتقام بدورانات نسل‌های آینده پر میرسد — چرا واسباب بلا واسبابه نتایجه خیالات نمی‌کنید ای‌خیالان امن‌کوشش مثفقه جنگ‌اختر کنید تامن واطمان قائم‌شود —

آخرین خبرهای جنگ

۵ماه اگست — ۱۹۱۵ — خبراتدن — یک جهاز کاستل داه دولت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1336 of 1786

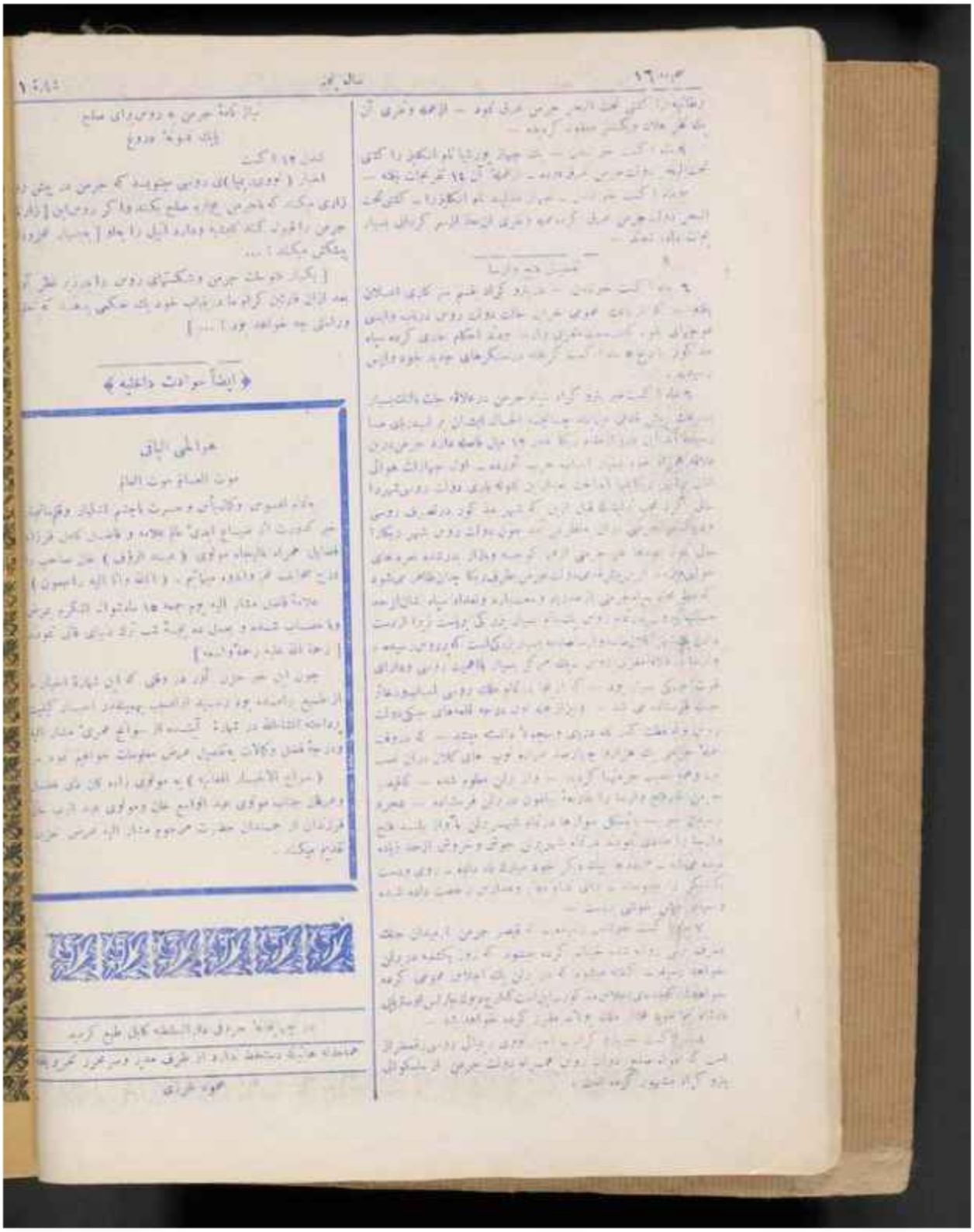

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1337 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ کارهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار بیدار نجیب آگینی میباشدکه رکاغذ اعلا، وحروف طبع دارد، بالصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار شده است. اگرچه از لحاظ خط وحال بسیط است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست: قیمت خوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان، یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از کرهٔ عبد الرؤف خان سر مرتب، ودر بازار ارگ از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد مرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده از این قرار تودیع رسیدهٔ کلزار، مطبعهٔ عنایت، کام جانرا شیرین تمایند! «جزیره پنهان» یک ناولیست که قوت خیال ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر پیشرفت وجلوه گر میسازد، هم حکایت، هم عبرت هم فن، هم فضیلت! خوبی چاپه، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش دلکش، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در دهٔ افغانان، و دکان باز محمد در بازار ارگ، و دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درفن

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت رودرا دور زمین بهشاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
از هردهن سخنی واز هرچمن بوی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
راکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مذکوررا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دره افغانان از کرهٔ عبد الرؤف سر مرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارگ واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای مذکور خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مذکوررا بکنند باید در سراج الاخبار افغانیه اشاره کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1338 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا
یاد آوری میکنیم

مرهون منت و گوشش کردیم که از شکایت زیادی اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا جلوگیری کنند لهذا بنا کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل شکایت نمودند با کتابه مقرر ایه تقسیم و توزیع اخبار را که بهده مشترکین گرامیها رسانند مرتهده حیث خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنه خود را متضرر دانسته آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه غیر فردا فردا بواسطه آدمهای دا کتابه خود شان میرسد .

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیه کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
هرمکاتیکه بالسه یا اجرت پوست	
قیمت سالیانه سه روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه دو روپیه انگلیزی
به باقیه اشتراک قبول نمیشود	
یک علاوی برقیمت انگلیزی دارچه روپیه کلدار است . از همین قرار حساب کنند	

یاد آوری

برعهدهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جابدیگر جا روخویش بدهید میباید که پیش قبل سفر وسر عبور اخبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود را در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وهمچنان هرقسم اعلان وانتشاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج ونشاج میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر ونتایج شود درسرخط سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک افغانی یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وجاه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر فرآن بها ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۴ شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطرهای متون اخبارها (۳ - انچ - ۴ - سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متعاقباً یک سال نشر کردن خواهد دو حصه یک ساله را پیشکی ادا نماید ورقی باقی دو سطری سه اجرت گرفته میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1339 of 1786

نمرهٔ ۲ سال پنجم

فهرست مندرجات

قصیده در تهنیت عید سعید فطر (

اخلاقیات (زبان و ادبیت آن

علوم و فنون (اختراعات جدیدالحدوث

حوادث داخلیه | تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی به پنجاب - کیفیت بهاری مارسه - یک هزار تن کشف اورعلمی - ازدواج مکتوب تویسی مرقوم داشته - از قندهار نگاشته -

ادبیات (اقسام - فارسی

حوادث خارجیه | حکایتهای غاره - ترجمه از اخبارات اقدام - فتوای شرعیه - اجوبه - اوضاع داخلی المان - کشفیات المان - استادیهای المان - نقل از اخبار رعد - المان و پرتغال - المانها از انگلیس پیچ پیچیده گرفته اند - وکیل ۲۸ جولائی - یک جمعیت بزرگ مهمین مسیحیت برای هندوستان - جرمهای جنگ راه خشکی - کارهای خفه کننده - اختلال داخلی روس

تصاویر | منظره اهای تاز در اطراف پیشاور الحمد لله فاتحانه شرفا - سلطان البرن والبحرین خادم الحرمین الشریفین الغازی اعلیحضرت سلطان محمد رشاد خان خامس - منظره شهر مدینه منوره و گنبد مطهره حضرت نبوی صلی الله علیه وآله وسلم - غازی انور پاشا وزیر حربیه دولت علیه عثمانیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1340 of 1786

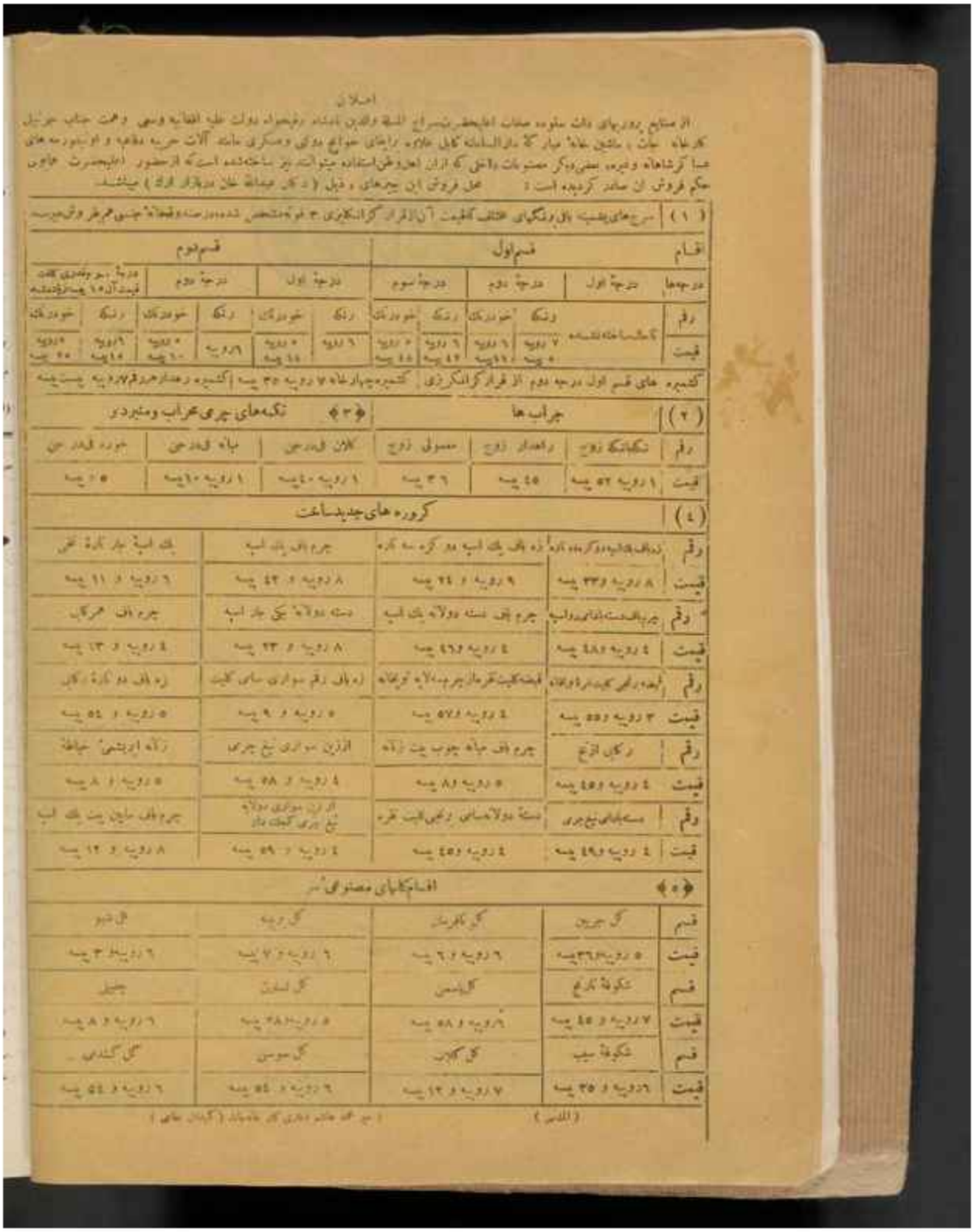

اعلان

از مصانع پرورهای دات مفوده صنعت اعلیحضرت شهریار ایران ایدهالله وتاجدار دولت علیه انگلیسیه وسعی وهمت جناب جلیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ عیار که دار السلطنه کابل علاوه براجزای حوایج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه وقلعه و توپخانه های صدا گرشاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از ان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت خاقان حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالغنی خان دربازار قرغه) میباشد

(۱) سریهای پشمی بالوان رنگهای مختلف کیفیت آن از قرار گرانکلیزی ۳ فوته متحصر شده درسه قطعهٔ جنسی هر طرز فروش میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم بطوری کاغذ قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده
رقم	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ
قیمت	۷ روپیه ۱۰ روپیه ۵۰ پیه	۱ روپیه ۹ روپیه ۹۰ پیه	۰ روپیه ۹ روپیه ۴۲ پیه	۹ روپیه ۰ روپیه ۳۵ پیه	۸ روپیه ۰ روپیه ۱۰ پیه	۶ روپیه ۰ روپیه ۴۰ پیه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۴۵ پیه | کشمیره رعنا هر رقم ۱۲ روپیه پنجاه پیه

(۲) چراب ها

رقم	تکمه‌بانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیه	۴۵ پیه	۳۶ پیه

(۳) تکمه‌های چرمی چراب ومنیردر

رقم	کلان قدرحی	باله قدرحی	خورد قدرحی
قیمت	۱ روپیه ۴۰ پیه	۱ روپیه ۲۰ پیه	۵۰ پیه

(٤) کروره های جدید ساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو گره سه گره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ بار کارهٔ تفنگی
قیمت	۹ روپیه ۰ ۲۴ پیه	۸ روپیه ۰ ۴۲ پیه	۶ روپیه ۰ ۱۱ پیه
رقم	چرم باف دسته دولاته یک اسپه	دسته دولاته یکی بار اسپه	چرم باف هرکاره
قیمت	۴ روپیه ۰ ۴۶۵ پیه	۸ روپیه ۰ ۲۳ پیه	۴ روپیه ۰ ۱۳ پیه
رقم	قبضه‌کیت قرمار چرم بدلاته توپخانه	زه باف رقم سواری سای کیت	زه باف دو کارهٔ کار
قیمت	۴ روپیه ۰ ۵۷۵ پیه	۰ روپیه ۰ ۹ پیه	۰ روپیه ۰ ۵۴ پیه
رقم	رکاب انزع	چرم باف جاپه چوب پت زاده	انزین سواری تیغ چرمی زاده ابریشمی جاپه
قیمت	۴ روپیه ۰ ۵۴ پیه	۰ روپیه ۰ ۸۶ پیه	۰ روپیه ۰ ۸ پیه
رقم	مسه‌بالای تیغ چرمی	دسته دولاته‌سای رکابی کیت قره	انزین سواری دولاته تیغ چرمی کیت دار چرم باف سایبان پت یک اسپ
قیمت	۴ روپیه ۰ ۴۶ پیه	۴ روپیه ۰ ۵۴ پیه	۴ روپیه ۰ ۵۹ پیه ۸ روپیه ۰ ۱۲ پیه

(۵) اقسام کلاهای مصنوعی سر

قسم	گل چرمن	گل کاغذی	گل روپه	گل شنو
قیمت	۵ روپیه ۰ ۳۶ پیه	۹ روپیه ۰ ۶ پیه	۶ روپیه ۰ ۷ پیه	۶ روپیه ۰ ۳ پیه
قسم	شکوفهٔ کاغ	گل یاسمن	گل لندن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه ۰ ۵۴ پیه	۸ روپیه ۰ ۵۸ پیه	۵ روپیه ۰ ۴۸ پیه	۶ روپیه ۰ ۸ پیه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل کندی
قیمت	۶ روپیه ۰ ۴۵ پیه	۷ روپیه ۰ ۱۲ پیه	۹ روپیه ۰ ۵۴ پیه	۶ روپیه ۰ ۵۴ پیه

(المشتهر) (در محل عامر دوری کار خانجات (کابل خانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1341 of 1786

صحیفه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۲)

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف قاصله تلگراف

باقی امان دالر ۱۱ روپیه کابلی

در خارج تلگراف

باقی امان دالر ۱۰ روپیه انگلیزی

جریده روز یکبار نشر میشود

قیمت یکساله آن در کابل یکصد افغانی است

(اجور اعلان محسوب میشود اداره میشود)

مدیر و مسئول محرر

محمود طرزی

اداره تحریر و مطبعه

در کتبخانه دار السلطنه (کابل)

خانه امیران محرر اداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ یکم ذیقعده ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۲ سپتمبر تاریخ شمسی ۲۱ سنبله ۱۲۹۴

قصیده در تهنیت عید سعید

حضور اعلیحضرت سراج الملوکین داد ده ملکه محترم

یادروزه که بود فرخ فال ... حیف گر چشم ما نبیند حال

در نیستان رهی همچون شمع ... چهره افروخت شاهد شوال

جام عشرت بکف گرفت جهان ... چون بارو اشاره کرد هلال

عید فرخنده آمد و در دهر ... گسترانید مسند اجلال

گرچه عید است بس سعادتی ... روزه هم داشت عظمت و افضال

شاهر روزه دار بود چو فرد ... وقت افطار از نشاط کمال

خاصه آن دمشی که حضرت شاه ... بافرا وان تجمل و اجلال

دعوتی داشت خلق را بچمن ... بزید عطا و جود و نوال

همی از بهر خیر قرآنی ... مردمانرا ز هر نواح و محال

در حضور شریف خود آنجا ... جمع فرموده بود جنید و ایال

چشن مالی دران چنین هنگام ... خلق از خوان نعمت شاهی

در حضور سراج ملت و دین ... حسب خواهش موافق آمال

فیض یاب از عطاء کونا کون ... شاه دین پرور خجسته خصال

باز تا آن حیاط نو فور ... مینشد دی و هم ز ثواب زلال

سوی مسجد بیامدی ز چمن ... حضرت شهر یار عدل خصال

در تواضع چنین نمودی ... بابهی دستگاه و جاه و جلال

فاطمه کان مه روزه ... ختم قرآن ازو متصل ...

خلق را نور مهر عید سعید ... رفت و آمد زعید او شوال

شاعر خاطر جهان گردید ... جلوه گر شد بناجت احوال

از تهراب نشاط مالا مال ... شاه مسکین نواز چهر ایاز ... با گروه متاع و اوصال

جانب عید گاه عطف عنان ... گرد اهل این بلاد و عیال

خندم و هر جنم همه ارکان ... بود در کاش روان فیشمحال

از ادای نماز و خطبهٔ عید ... شاه با قوم گشت باز قرین

پس از انجا عنان بجهت رفت ... در حضور رأس بغداد یافت مقال

جمله بسوی سلام خانشاه ... همه آرند روی استقبال

شه دران خانه چو سر نشست ... که مبادا باین سر پا زوال

بدکان ایستاده از دو طرف ... پیش تختش چه از پس چه شمال

فرقه فرقه خلایق از هر قوم ... در حضور شده مبارک فال

پادشاه و بر سار کشاد ... پی تبریک عید کرد سؤال

فاضل فرخی بلندی یافت ... رود شهر یار ذی افضال

محفل جشن عشرت شاهی ... رونق یافته بحمد کمال ما

نعمه پاچه های سلطانی ... کرده دور از قلوب زنگ ملال

خوان دوانجا فراخ گسترده ... دور نعیم کنیز و لا مال ...

اطعمه نفز و میوه حلویات ... زانچه آرد کسی بفکر و خیال

جمله در خوانچها بخوش ترتیب ... مائده در پیش خاص و رجال

بهره زان خوان نعمت الوان ... بر گرفتیم جمله با اشکال

هر کسی رد جانب خانه ... میوه های گشنیز در دنبال

یارب این عید را مبارک کن ... اولاً رشتهٔ فرشته بحبال

پس بشهزاد گان و اخوانش ... باهمه خانمان و اهل و عیال

نیز بر جمله فرقه اسلام ... بر رعایا و فوج جیش بسکال

تا که در صفحه جهان باشد ... رفت و آمد ز روزه و شوال

تا کمان عید را بود گردش ... در ولایات موسمان هر سال

دولت و عمر شاه ما یارب ... باد بر قرط ضبط و استقلال

فرق اعدای دولتش بادا ... زیر سم ستمگر ایمال

شمل شواهد است مدحت شاه ... نیست او را بجز این کار اشغال

حاجی شواهد شاعر حضور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1342 of 1786

﴿ زبان ، و اهمیت آن ﴾

یکی از مکارم اخلاق حسنهٔ ملی هر ملت محافظه کردن زبان و اصلاح و ترقی دادن آنست . زبان رسمی" دولت منبوعهٔ مقدسهٔ ما زبان " فارسی " و زبان ملی" ما زبان " افغانی " میباشد . زبان فارسی اولین سبب زبان رسمی" دولتی" ما شده است که قبل از تشکیل و تأسیس یافتن دولت مقدسهٔ افغانیه و استقلالیافتن ما کیان ملی" ما، خاکپاک وطن مقدس ما اجزای تمامی ایران محسوب بود .

هنگامیکه (نادرشاه) مشهور کبیرشاهنشاه غیور وجسور ایران بوده در اوان تحل رسید . (احمد شاه) درانی که از امرای نامدار افغان درحضور نادر بود همهٔ قوم افغان را جمع آوری کرده به (قندهار) آمده ، و در سنه ۱۱۶۱ هجری سلطنت افغانیه را تأسیس نموده اعلان استقلال نمود . نخستین پادشاهی که همین سلطنت حالیهٔ" دولت علیهٔ افغانیه را تشکیل داده ، وتمام افغانستان ، وبسیاری از ممالک ایران، و تاپقدم تبالی" هندستان، وکشمیر و نواحی" آنرا ضمیمه" ممالک ساخته ، و بقدوت خویش که سلطنهٔ افغانیه را ایجاد وبنیاد داده همین پادشاه نامدار گیست که لقب (دری) و (بابا) ملقب شده است . این حکمران دانشمند ، و مؤسس نخستین دولت افغان ۲۶ سال جلوسات و مجاهدات سلطنت کرده در سنه ۱۱۸۷ در شهر قندهار که پایتختهٔ شاهانهٔ شان بود ، و (احمدشاه) مسمی شده بود بجوار رحمت ایزدی پیوسته از دار دنیا در گذشته اند . رحمة الله علیه رحمة واسعة .

و فتیکه اعلیحضرت (احمد شاه بابای نامی) بتأسیس و استقلال سلطنت افغانیه کامیاب آمد امورات دفتر و کارهای کتابت و میرزایی ، و جمله نوشت و خوان دولتی که اساس امور سلطنت بران موقوفست زبان فارسی و پدست همان مردمان فارسی زبان ایرانی الأصل بود که از بازماندهای حکومت سابقهٔ ایران باقی مانده بودند . زبان افغانی بدرجهٔ اصلاح نیافته بود که بدقة" امورات دفتری و کارهای کشوری به آن زبان تحویل میشد . فلهذا" همه سالهٔ افغان چون عموماً بکار عسکری وغیره حالات پیلاوه اصغار و خریده ، به گرفتار بودند بکارهای میرزایی ، و تحریرات امورات حکومتی وقت وفرصت نداشتند حتی اینچنین کارهارا برای خود عار میشمردند . وکتابات عرفاء" [میرزا گری] [وملا گی دی] ارباب تحریر را حقارت هم میکردند . کتابهای متداولهٔ تحصیل علم و ادبیات هم بازبان عربی بازبان فارسی بودمزبان افغانی بدرجهٔ کفایت ازین چیزها سرفسر محروم مانده بود .

این است که بنا برین سببهای که بطور اجمال از ان بیان نمودیم از آغاز تأسیس استقلال دولت افغانیه زبان رسمی" دولتی" ما زبان فارسی شده مانده است. بعد ازانها هم بسبب عوامل خارجی و اختلالات داخلی هیچ گونه" اصلاح و ترقی زبان افغان ، وتبدیل دادن رسومات دولتی را از زبان فارسی بزبان افغانی و زبان رسمی ساختن آن پیشنهاد نکرده اند . دیگر اینکه در خاکپاک وطن عزیزما تنها اقوام افغانی الأصل که زبان شان صرف

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1343 of 1786

...ایک روپیه مخصوصی تشکیل یافته کتابهای لمیه ضروری ولازمی آموختن آزادیدن و ناشر باید کرد . حتی برای تمایق دادن کلمات ...ی وسائی ، واختراعات جدیدهٔ که نامهای آن درزبان افغانی غیر معروفست کلمات مناسب ونامهای مناسب زبان افغانی پیدا باید کرد وهرچه زودتر اسلاب وترقی که لازم است دراسباب اجرا باید کرد .

این راهم بگوئیم کهزبان افغانی ما ، بالذات زبان بسیار خوب وبالاقتدار میباشد ، قواعد ، یعنی صرف ونحو ، آن بسیار متین ومنظم است بدان وصلا ...ست آن مانند مثانت وصلابت خود ملت افغان مردانه وقویست ...سانه . وازین است که بکمال فخر وسرور میگوئیم که زبان عسکری دوان مقدسهٔ ناموس دین ملی افغانی است . همه پولها وفرمانده ها ...ونامهای قواعد عسکری نظامی زبان افغانیست . زیرا صلابت ومهابت این زبان برای این مسئله خیلموزون ومناسب افتاده . وبان شان وشوکت جسورانه قواعد عسکری تجدیده است . اگر پولهای قواعد عسکری زبان فارسی مبهوت بسیار سست وکشاف وغیرموزون دیده میشد . مثلا درپولین «ولی» فارسی : - « ای بلوچ چریك قدم پیش ، وبولی» افغانی « پرخاروا » ، وبولی» « خلك را آتش ده ، وبولی» « اوورو ... « ولی» ای عسکرها ایستاده شوید، وبولی» « دریز » ، وامثال آنها فرق که موجود است هرکس تسلیم باید بکند .

درسال اول (سراج الاخبار افغانیه) یك مقاله» نوشته ثابت کرده بودیم که « زبان افغانی اجداد زبانهاست » . قارئین کرام ما آن مقاله» مخصوصهٔ ما را بالبداهه از نظر مکرر تصدیق فرموده اند که زبان اصلی «ملی» افغانی» ما چه درجه یك زبان بااهمیت وطبیعی وقدیم یك زبانست . با ایهم زبان افغانی ازادبیات وحکمیات غنی نیست . وهم ادبیات بسیار شیرین وحکمیات خیلی قیمتی دارد که الشاءالله . سراج الاخبار افغانیه هیچه بعضی پارچه های رنگین ادبیات وحکمیات زبان اصلی ملی خودرا درج صفحات اخبار خود خواهد نمود .

ای نونهالان جستان وطن !

زبان ملی افغانی خودرا فراموش نمائید . ودوست دارید ودر آموختن آن بسیار کوشش کنید . زبان «رسمی» وسیاسی» فارسی» خودرا نیز بسیار دوست داشته بخوبی تحصیل کنید . زبان عربی چون زبان مقدس دینی» همهٔ مسلمانان وموجب فهمیدن قرآن عظیم الشان است ازهمهٔ زبانها آنرا مقدمتر بشناسید . وآموختن آنرا برای ترجمه وفهمیدن معانی» قرآن کریم ازواجبات شمارید . زبان ترکی وارد وانچون زبانهایست که بسیاری ازبرادران مسلمانان مایه آن متکلم میباشند لهذا اگر بعض برهمین مقصد وبین الخلق واخوت اسلامی بیاموزید هیچ باك ندارد . اما چون زبان ترکی بدرجهٔ ترقیهای اوروپا بعلوم وفنون متنوعهٔ جدیده توانگر نمیباشد وهر زبان یکه وسائط مطمئهٔ اسلامیه میباشد قبل ازمقصد الحاد واخوت اسلامی برای ترجمهٔ علوم وفنون را ازان زبان زبان خود مان بایدتر ثابت میشود .

(وکل لسان بالحقیقه انسان)

یعنی زبان هان تو وزبانهای جدیدی را بیاموز . زیرا هرزبان در حقیقت یك انسانی میباشد . بنابرین اگرزبان انگریزی وهرکزبانهای غیرهرا بیاموزید نیز چیزی بدی ندارد . ولکن در آموختن زبان انگلیزی اگر احتیاط وقت بسیاری درآن مفقود خواهد شد بهتر است . زیرا اگر احتیاط نشود نتیجه خشدان و حرمانی خوشی وپیوسته ، ماحصل ما ، فکر بعضی ازافغانیان است که در مکتبهای مبارکهٔ حربیهٔ سراجیه ومکتب حبیبیه ازشا گردان صف دهمی که از علوم دینیات وفلسفهٔ اسلامیه شهادتنامهٔ درجهٔ اخیرا حاصل کرده باشند بکچندنفر شاگردان دیندار وطن دوستی برای تکمیل تحصیل این زبان جداشود ، ومقصد ازتکمیل تحصیل زبان انگلیزی آنها چندان باشد که اقتدار وملکهٔ مکمل درترجمهٔ کتابهای فنی وسائنسی آن زبان حاصل کنند ، وبعد ازاینکه ملکهٔ لازمهرا درآن حاصل کردند بخواهیهای کافی خاص برای ترجمهٔ کتابهای فنون وعلوم جدیدهٔ محتاج الیه مامور شوند . زیرا تا کتابهای علمی وفنی عصر حاضر بزبان خود یك ملت بسیار نشود هیچ فایدهٔ حاصل نمیشود . چیزی که برخود این مدیر عاجز نظر خصوص ترجمه بتجربه ثابت کرده این است که مترجمی که میخواهد از زبان غیر زبان خود چیزی ترجمه کند شرط اعظم آن همین است که اول اصول تحریر والقا وکتابت زبان خودرا درجهٔ اعلی بداند ، تابتواند که معانی زبان غیررا زبان خود تطبیق نماید .

والحاصل یکی از جملهٔ اخلاق حسنهٔ ملی ما مسئلهٔ زبان بود که همینقدر تحریر وتقریردرالخصوص خودرا مکلف وملزوم میدانیم . این است که بعرض عالی الیال مخصوص آقای خود پرداخته توفیق خداوندی را درباره خود ، وهمیواران دین خود نیازمندیم .

اختراعات محیر العقول

ازرمانهای سابقه ، تا هلت اختراع عجیب وغریبی روان شده است که آنرا « عجایب سبعه » گفته اند . ولی درعصرهای جدیده چنان اختراعات محیر العقولی بظهور آمده که عجایب سبعه را « اعجب العجایب سبعینیه » ابلاغ نموده است . بنا علیه خواستیم که سراژین نهار تجریدهٔ ماجرانهٔ خود ازبعضی اختراعات محیره وعجیبهٔ عصرهای حاضره ، بعضی معلومات مایده بنظر قارئین کرام خود عرضه کرده باشیم . زیرا مقصد یکانهٔ (سراج الاخبار افغانیه) همین است که درتوزیع معلومات اسانی وطن عزیز خود کوشش ورزد . واژین است که گاهی ازدین ، وگاهی ازدنیا ، گاهی ازصنایع وگاهی ازبدایع ، گاهی ازاخلاقیات ، وگاهی ازادبیات گاهی ازفلسفه وگاهی ازسفسطه ، گاهی ازسیاسی وگاهی ازغیر وغیرهم بحث رانده وچند جلدان را وظیفهٔ لازمهٔ قلمیهٔ خود میدارد . اگر چه بعضی : - [مغزما خورده وحلق خود میدرد] گفته خواهم یکنند ولی چون صدای ناخوش خودمانرا می آید از زیرو از نغمه ... [نمی] خود داری نمیتوانیم !! ...

۱

ماشینهای دوا در خانه

اول ازیك اختراع بدیعهٔ فن طباعت - یعنی چاپ - سخن میرانیم که مادر علم وفن شمرده میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1344 of 1786

یکی از بزرگترین اختراعاتی که در عصر دوره‌ی اسلامی برای کتابت فکر و ترقیات مدنیه خدمتهای عظیمه و مربیانه از خود داشته است ماشینهای دور کننده طبع کردن جریده های دومیه (یعنی اخبارهای روزانه میباشد که اگر این ماشینها وجود نمی آمد وری ، در عاصمت امروزیه جریده‌های روزانه که بکلیه سبب نشر افکار و تعمیم معارف شمرده میشود این قبوصات را پیدا نمیکردی لما اگر قارئین کرام ما اخبار شانزده صفحه‌ئی سراج الاخبار خودشانرا

کعدد هزارده روز یکبار عدد هزار و ششصد نسخه طبع وقت میکند درپیش نظر خودشان بگیرند ، و ماشین طبع آرا که درمانیجه‌جاست درتصور آورده ، وقتی علی هذا ، بگویند ، در اتحاد این ، ماشینهای دوار طبع ، که در بعضایان آرا میخواهیم بکنیم چیزی نخواهد رسید درداین ماشین طبعی که سراج الاخبار افغانیه‌را طبع میکند هزار طبع و قرارداده‌ی که استاد ماشین مذکور بنا کرده است همین هزار و ششصد نسخه جریده‌شانرا پنج پاشار روز چاپ کرده میتواند ، و بعد ازانکه درتمام خاک عزیزهٔ افغانستان و چیزی جزی خارج هم میرود و تعمیم میگردد باز هم عدد یکصد و کسور نسخهٔ آن درادارهٔ باقیمانده میشود .

حالا چار شهرهای امسور تود کمالک پیستک ، سی‌لک ، لاهور بخارا بخوص باشند ، و در اینجه خوش شهرورنامه خوانی بدرجهٔ دیگر حوایج ضروریهٔ خانه‌شان رسیده‌باشد ، پس برای آنچنان شهرهای بخاطر خوبی آن چگونه ماشینهای طبعیه لازم خواهد بود که این اختیاررا بدهم بتواند ، این است که آن اختیاررا همین (ماشینهای دوار طبع) که مروجهٔ حالا خود ساحه‌ام دهم ورفع میتواند .

پیش ازانکه صنعت طباعت ازطرف ، گوتنبرگ ، نام متفکر آلمانی بروی کار بیاید ، وسیلهٔ آن کتابهای چاپ طبع زیاد بکار فکر کنیم که بی کتاب ناجودجه بوده باشد ، اگرچه کتابهای قلمی موجود بود اما هرکس مالک آن نبود ، وصورت عمومی هرکس ازان استفاده کرده نمیتوانست ، بنیاد طبعه بطن صنعت طباعت یک انقلاب بزرگ درافکار و کتابت واردنیجهٔ آن در توسیع علم و عرفان پدیدار آمد ، این است که کشف و اختراع ماشینهای دوار طبع تجدد عظیم یک جریده عومیه همچنان یک انقلاب و ترقی عمومی خواهد بود .

اما جرایدومیه که گفته شد ، بار قارئین کرام ما جریدهٔ وطنیهٔ سراج الاخبار خود شانرا درپیش نظر خود بگیرید و سراج وما که بجایه بسی در هندستان طبع میشود آیا بر نظر یارند ، مقصدما از جرایدومیه‌است که در شهرهای پیستک ، سی‌لک ، بخارا ، تومه مانند بران برازیل ، بیونارک ، لندن و امثال آن طبع و نشر میگردد یک ورق خاطه‌ماندی می‌بینید که یک گردازی ، و سه‌پاره و آب استوه ، ناپیاپشت و روی آن بوشته پره نخوست ، و در هرور علیحده نسخه ازان طبع و نشر شده‌فروش میرسد که اگر همچنین ماشینهای دوار طبع ، باشد آیا انچنین اخبارهای روزانه چنان وجود پیدا خواهد شد ؟

پیش ازچهل بخاط انچنان ماشینهای طبعی که در یکساعت بار هزار جریده طبع کند موجود نداشت ، و به کی ممکن بود انچنان ماشینهارا بخیال و خاطر خود آورده میتوانست ، ماشینهای طبعی که موجود و که این ماشین طبع سراج الاخبار هزار همچنان قبیل است ، کاغذ راست دزان میگذارند ، و حروفات را یک سطح راست و هموار در ماشین

گذاشته رفت و آمد آن سطح کاغذ های اخبار چاپ شده میرو حالا آنکه جان اصول رفت و آمد سطح در زیر روی که کاغذ بران چاپ شده است همچنان از یک مقدار معینی بیشتر چیزی چاپ شده نمیتوا اما برای اینکه عدد طبع را یک حد غیر محدودی بالا برد باید ماشینی باشد که باین اصول باشد .

این اصول جدیدرا (مارینول) مشهور در سنهٔ ۱۸۶۶ میلادی پیدا کرد . اول بار یک ماشین طبعی موجود آورد که همهٔ صورتش پلتفارم طبعی مانند زمینهای سطح هموار ، یک اسطوانه بزرگ روی آن حرکت میدهد ، و این رول که حروفات بران وسیع شده میشود سطح هموار بربع آمده کاغذهای اخبارها بصورت چاپ میکند کاغذ که در چنین ماشینها خرج میرود تخته تخته نیست ، بلکه مانند کوپون طرح عرض اخبار براز بصورت طولانی در رولها واسطوانها پیچیده شده است ، کاغذ مذکور خودبخود بازشده زیر رول حروفات میرود ، و رول حروفات بران کاغذ ، حرکت دوریه خود را اجرا کرده نوشته‌ها بران چاپ کرده میرود ، و در اطراف ماشین مذکور یک آلات دیگری موجود است که کاغذ را از طومار مانند جابشده‌ها اندازهٔ طولیهٔ حرفی فورمهٔ اخبار میبرد ، و وری همدیگر می‌چیند که غیر دوختن و غیر کردن دیگر کاری نماند .

تخمین‌یکه ازین ماشینها ایجاد کرده‌یکی یکبار عدد چاپ کردن جریده‌ها روزانهرا از ساعت یک هزار ، بساعت پنجاه هزار بالا برده ، و آن ریخته‌که اصلاحات و تعدیلات دران عمل آمده ، و واقعات آن کار شده در ساعتی پنجاه هزار ، و هفتاد هزار ، حتی تا صد هزار بالا رفته ، حالانکه درین سالهای آخر در اعلی درجهٔ خاک متمدنه مخارف و هوس جریده خوانی بدرجهٔ رسید که این ماشینهای کعدر ساعتی صد هزار نسخه میرا ورده‌نمیتوانست بکار افتاده ، یا آنکه از اول عصر پنجم میلادی بسایهٔ ترقیاتی که در ماشینهای دوار طبع حصول آورده شد ، امروز دروی چنان ماشینهای دوار طبع موجود است که در ساعتی (۹۷۰۰۰۰) دوبست هفتاد هزار نسخه اخبار طبع و نشر کرده میتوانند .

حالا یکقسمی دران بیندیشیم ، و فکر خود را بجولان آوریم که دنیا چه خواهد بود ، و چه کند اگر ماشینهای مذکور نبود ، و کتابت موجود نبود ، تمریت مقصد خود را بشکل معنی انسانیا چه‌توانها بذریعهٔ مشهودهٔ خودشان رسیکیا و خطیا ، و آنمی بزعم خود نمیتوانست بازاری بیت دفعه بنگار می‌بودند ، و فقره فقره اشکال حروف آنهی را کرده‌شان کاغذ وجود داشت که بران چیزی نوشته بتوانند ، و چه چیزها و چه حوایج ، و معنی از کجاهای در جان و گ بزرگ و نشر بازار که کاغذ موجود نیست ، آنقدر خطاطها و کاتبان نبود که حد حاجتها نشر هزارا تابع بتوانند ، یک کتاب بقصد تجدد را که ماشینهای دوار امروز بطرف ده ساعت پنجاه هزار نسخه ازان موجود آورده میتوانند ، و در اوقت یک کاتب خوشنویس بدو سال هم نوشته نمیتوانست ، صنعت طباعت روی کار آمده انچنین ماشینها موجود نبود پس چه اندیشه کنیم که از روزی که این ماشینهای مطبعه‌ها پدیدا دادند ازساعت چار هزار ، ساعت دوبست و هفتاد هزار ترقی یافته ، و اوقت هم معلوم میشود که علم و معرفت در عالم مدنیت تا چه اندازه بکجاها باید رسیده باشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1345 of 1786

کرده ، واین ماشینهای دوار طبع کجه درچه‌ها درین راه خدمتها جانورده است !

قرین کرامت چنین تصور نکنند که بدست آوردن چنین ماشینها مشکل فارون موقوفست . نی نی آنقدر خارق العادتیست ندارد. فکر اینرا بیندیشند که اگر انجمن یک ماشین دوار طبع درمملکت عزیزما بدهد ، اولا آیا چه سبب خواهد کرد ! وچون جلب کند چه خواهد خواند ! یکجا خرج خواهد رسانید ! چونکه انجمن ماشین که درسالی بیوف وهفتاد هزار نسخه جریدهٔ روزانهٔ خلق ساعتی طبع کند ، لااقل درهشت ساعت مدت ملازم خود (۲۱۶۰۰۰۰) دوملیون ویکصد و شصت هزار نسخه بعمل میآید که اینقدر نسخه طباعت برمیزون آن باید کاغذهای هزارو هفتصد تعرف رسد، واگر رسد موجب خسارت اداره خاهد آن میشود . لهذا درمملکتی که هر روزه اینقدر جرایدهٔ اخبار پیدا شود ، هیچ شبهه نیست که انجمن امتیازات عجالتاً بر باد میداد شود !

والخاصل ازین معلومات مختصری که بیانها کردیم ، بیکدرجه معلوم میشود که این (ماشینهای دوار طبع) کجه درجه اهمیت وقیمت دارد . وکجه‌ها از روابط والان مدرسهٔ امور طباعتشمرده میشود . وچون زیادهٔ اخبار امتیاز این ماشینهای مهم ، عدد طبع حرائد بدرجهٔ

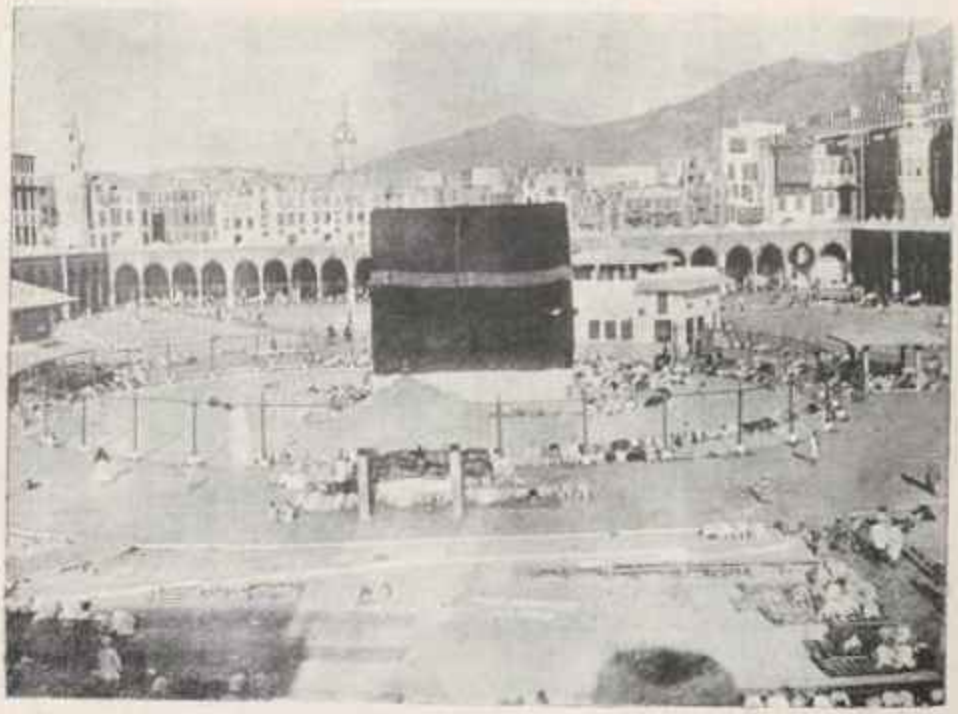

منظرهٔ ادای نماز

در اطراف بیت الله الحرام زاد الله شرفا

فوق العاده افزوی کرده است.الطبع بمرقیات فکریهٔ جهان‌پرور خدمتهای بسیار مهمهٔ عظیمهٔ امتیاز نبوده است که اگر این (ماشینهای دوار طبع) والزهیرترین مخترعات وکشفیات اسف اجرعصر نوزدهم میلادی بکوئیم ، واز آثار ترقیات صناعیهٔ حیرت انگیزش بدانیم جادارد .

حوادث داخلیه

تشریف فرمائی موکب ذات اعلیحضرت همایونی به یمان

بتاریخ ظهور بارشهٔ مرض در شهر کابل موکب ذات شوکتمآب اعلیحضرت همایونی باجههٔ شهزاد کان عظام و همه تعلقات سرای شوکت احتوای خاندان سلطنت بسوی صفحهٔ یمان تشریف فرمای عز و اجلال شده است .

کیفیت جاری بارشه

جناب حافظ حقیق جل وعلا حالت عمومیهٔ شاهانه را از آفات وبلیات محفوظ دارد .

مرض بارشهٔ دهشتناکوبا بتاریخ ۱۹ ماه رمضان المبارک اول صورت ناگهانی ظاهره (علامالدین) که ازمضافات شش کروهی دارالسلطنه است ظهور نمود . بعد ازان درویگر بعضی قریه‌ها سرایت کرده یوم دوشنبه ٤ ماه شوال در شهر آغاز شد . تابتاریخ الیوم که ۱۹ شهر شوال المکرم است میزان جمع وفیات شهر و اطراف آن به ۲۸۳ نفر رسیده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1346 of 1786

اگرچه در آغاز مرض که در قریهٔ علاءالدین ظهور نموده بموجب فرمان حیات دستان ذات اعلیحضرت خاقان برای تدابیر لازمه و تحفظیه مقرر گردیده و اخیراً آن قریه بمنزل آمده دراندک مدت قریهٔ مذکوره از وفیات و مصابات جاری رهائی یافت .

لیکن بکمال افسوس دیده شد که بادیهٔ سرایت جاری در قریهٔ مذکوره محدود نمانده بیکر اطراف و نواحی شهر انتشار یافت و روز بروز افزون گردیده رفت .

جناب امین العلی صاحب اگرچه صورت بسیار خدا کارانه و معنی های دلبرانه در خصوص تنظیمات و تدابیر لازمه سعیا و اقداماتِ لازمه را اجرا می کند ، ولی بنا بر مقتضای وسعت شهر و پی روی اهالی جاهل گاهی مرض باخذ هزار فن انتشار یافته است . در خصوص ازین پیشتر چیزی گفته نمیتوانم ، همه را بقضا و قدر الهی می گذارم کردگار اقدس یزدان متعال جل و علا فضل و مرحمت خداوندی خود را از سر مسلمین رفع فرماید ، آمین .

سلطان البرین والبحرین خلده الله من الدارین
الغازی سلطان محمدشاه خان غلامی

(یک جمله تاسف آور عامی)

(وفات حسرت آیات جناب مستطاب فضایل مآب مولوی عبدالروف خان)

غفر له ربه

از دیدهٔ زمانه روان است جوخون
ای دیدهٔ زمانه بگو تا چه دیده

و کالات همراه مولوی
مکرم محترم (مولوی
عبدالروف خان صاحب
مبنای بوقرارتی گفته
بازهم تار یف کردیده
الفضوالاالیه راجعون

مرحوم مشار الیه
در وطن عزیزمانی بلکه
در بسیاری از صفحات
دنیا در الامثال بلند پایه
فضل ودانش در همه امور
عقده وعقده دفتن میدانست
والبته صاحب چه طور
وجود ، منبع اجرای این
فضل تحریر الحق که
از خسارات وضایعات
جلیل دهشتناکی رای ما
بزرگوار وطن عزیز
تصور نمی شود .

فاضل مشار الیه ان
عرفان سجایی بودند که
جامع علوم نقلیه و عقلیه
و ماهر کامل الی
دانا و ، عربی ، فارسی
افغانی بودند ، چنانچه
دروقتی که کمی اخبار
این شناخت ، اخبار ان
عربی مکه رای دارالـ
شوکتیات اعلیحضرت
مجاوری خلافة علیه
مصر ، شام وغیره کالا
میرسید ، ایشان
حسب الامر والا ترجمه
می نمودند .

ولادت شان درقندهار درشهر صدرالنظار سنه ۱۲۹۷ هجری قمری واقع شده ، تحصیل علوم متنوعه را فقط ازپدر والدبزرگوار خود نموده اند همچنانکه والد زرگوار شان ازپدر والد بزرگوار خود جد امجد مولوی صاحب مرحوم تحصیل علوم کرده بودند .

جناب ایشان جانشین فاضل وحیدالدهر وفریدالعصر استادالکل والکل (مولوی حبیب الله) صاحب قندهاری است که تصانیف جا

درین اپریل سالگذا روداده که از خبر آن دل میلرزد . یکجا صدها جنازه دفن میشود ، حوالی پرشان میشود یعنی زندگی علی وعرفان حیات ادبیات یک صدمهٔ هلاکه وبک تزلزل تهلکه هراهی برخورد . یعنی روح علم ودانش ، روان عرفان وبینای جناب فضایل دستگاه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1347 of 1786

شعرا بشان در علوم متنوعه مشهور اطراف ومعروف آفاق است .
در اوایل جلوس سعادت مأنوس اعلیحضرت ضیاءالملة والدین طاب الله ثراه موکب صاحب مرحوم بحضور شان رسیده ودردربار بجای معین مقرر شدند

هر کاب اعلیحضرت مغفرت مآبی سفرها کرده اند ، درسفر مزار شریف هیاعلیحضرت مرحوم بوده وقت زیارت مزار فیض آثار نور باریک سلامیه زبان فصاحت توامان عربی که خود تحریر نموده بودند خواندند تا بدرجه پسندافتاد که آنرا بخط زرنوشته در دوطرف دروازهٔ هردوی مزار متبرکه نصب کردند تاحال ودراستقبال هریک کار خواهد ودرین اوقات اعلیحضرت خلد آشیانی درعهد سعادت مهد اعلیحضرت سراج الملة والدین در خدمت دولت مصروف و بخطاب ملای حضور سرافراز بودند همیشه موردعنایت وتلطفات همایونی میبودند ، حق دربن وقت مقتدر بزرگ حالیکه درحضور اعلیحضرت همایونی درپغمان بودند مصاب گردیده از حضور در موزه خانهٔ خودش فرستاده شدند . واعلیحضرت همایون از کمال توجهی که درحق شان داشتند ساعت ساعت بدریافتیدن احوالشان آدم می رسیدند تا آنکه بعمل ۱۱ بجه شنبه ۱۶ شوال المکرم جان بحق تسلیم کردند . الیه اعظم له

چون اکثر عمر شان مشغول خدمات سلطنت بوده فرصت تالیف وتصنیف چندان نیافتند . و آنچه از قلم مالی رقم شان سرزده محتاج الیه دولت بامور بران سلطنت بوده که حسب ذیل است .

(۱) تفسیر آیات المبهوت من کلام الملک الودود یک تفسیر جلیل آیات عدیده قرآن مجید ویزاحیل زبان فارسی درموضوع لزوم وتنبیه براحکام سیاسیه و اقتضائیه دینیه بانسلوب خوش وتحریر دلپذیر در عهد سلطنت حضرت ضیاء الملة والدین تالیف کرده اند که پسند افتاده است

(۲) عقد اللآلی فی جمع نظم عقد الامالی قصیده ایست غرا بزبان عربی درتحقیق عقاید اسلامیه فرقه ناجیه اهل سنت وجماعت حاوی مسائل کلامیه وناقد مباحث خلافیه

(۳) کلمات امیر البلاغ فی الترغیب الی الجهاد رساله فوائد آساله کلامیهٔ اخلاقیهٔ متضمن الحان شریفهٔ مرغوبه که مطالعهٔ آن درهر وقت وزمان منبع نتایج دینی ودنیوی میباشد که حسب الامر اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم هزاران هزار نسخه مطبوع ومقبول گردیده است

(٤) خردنامه . رسالهٔ مختصرهٔ است درتحصیل مراتب عقل که برای ذوی العقول نافع ومفید است

(٥) تفسیر افغانی، تفسیر سوره فاتحه وجزو اخیر کلام الله شریف زبان افغانی است که بعد سبقت اجل ناتمام مانده است .

(٦) کشکول، دوجلد ضخیم است که بجمع جمیع متفرقات وحاوی مضامین غریبه و فقرات لایق مطالعه و باعث توسیع معلومات مفیده و مشتمل بر لغات نادرهٔ هرعلم وادبیات نظم ونثر میباشد

(۷) رسائل مختصره درحل مسائل مغلقه وابحاث ضروریه بسیار دارند که بسبب اختصار شان ازذکر مفصلشان صرف نظر نمودند.

علاوه برین همه علم وفضل حافظ جید کلام ملک علام بودند ودر ادبیات یک خصوصیت ممتازی داشتند . ازخامهٔ عنبرشمامهٔ خودشان هم قصاید رقواید غرا واشعار وادبیات بسیار بامعنی سرزده است .

ولی افسوس کهٔ تصنیف وعظیرا ازمرکهٔ عمر عزیز بتکمیل نرسانده وطن را ازدیدار وفواید خود بیشتر محظوظ نه نمودند . رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین .

لطف خویش خدایا روان او خوش دار
بدانچنان بکن زین حیات خوش سندش

جناب حق وفیاض مطلق عمر و عافیت ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه عرفان پناه پادانش ودین یارا مزید فرماید آمین.

سراج الاخبار افغانیه بحضور ذات اعلیحضرت همایونی شان مراسم تعزیت جناب موتوی صاحب مرحوم را عرض میکند . زیرا مرحوم مشارالیه یکی ازعلمای نامدار افغانستان وعلی الخصوص مظهر توجهات جهاندرجات اعلیحضرت پادشاه پادانش وعرفان شمرده میشد ، وهیچ یک ازاهل وعلقات ومنسوبین مرحوم مشارالیه نخواهند بود که بدرجهٔ اعلیحضرت همایونی «صباح ابدی» مرحوم مشار الیه متأثر نشده باشند . لهذا اول مراسم تعزیت را بپایگاه سریر سلطنت تقدیم نموده بعد ازان بازماندگان کرام اورا تعزیت وتسلیت میدهیم که خدای غفار رحیم آن عالم زمانی را غفران نماید . وایشانرا توفیق صبر ودوا احسان فرماید .

کل من علیها فان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام

از دفتر مکتوب نویسی میتویسند

بالتجاء محمد سرور خان نائب الحکومهٔ هرات ازقرار اظهارهی محمد صدیق خان نائب حاکم فاریاب معروض داشته است که در اوایل چهار شنبه ۳ ماه شعبان المعظم بعمل نه بجه از طرف میانه قبه وجنوب ستارهٔ بزرگی روبطرف شمال فرود آمده که درنقاوس روشن گردید ، الی دودقیقه صدای بسیار عظیمی که ازتوپهای بسیار کلان هرصدای آن اضافه خود بگوش میرسید چنانچه درقول خیال زده صاعقه را نمودیم — وآواز آن الی شانزده کروه راه رفته بود —

از قندهار مینویسند

چون مطابق احکام اعلیحضرت سلطان مغفور مبرور ضیاءالملة والدین علما وعلمای مملکت محروسه را از حوالهٔ خانه داری ودیگر تکالیف شاقه معاف ومرفوع القلم فرموده اند . ولی درولایت محلوم الجهات فورا کر کسی مطلب علم ودست آوردن کالات دینی اشتغال ورزد رئیس وعامل محله حتی الوسع آن طالب العلم را از تحصیل مانع میشود وزجر وتوبیخ واذیت بی اندازه اورا میرساند وبالمشافهه میگوید که تو ملا ، فلان ملا وفلان ملا و . . . و . همه شاگردان ملاوطالب میشوید پس وجه روپیه سر کار را از که حصول کنیم —

مبادا دل آن فرو مایه شاد که از بهر دنیا دهد دین بباد

امضا

کل محمد الزکی الفولی

(ادبیات افغانی)

بشنو ازنه نشرینه هم قصیحه هم متینه
فوائدش خورانده دی فوائدش هم ازنه دی
داو سینه ده خو را ژ تول ژوند دنیا
کی کارنج نه نظر وکی پرآگنی گندرو کی
داسه ئی درنه کوپان جدای لاله ای جاجان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1348 of 1786

ادبیات

من کلام شیخ احمد غزالی

کیدانم چه آتو بیاست پیدا در جهان امروز
کدام آفت رسیده در زمین از آسمان امروز
بعالم اینچنین شور و فغان و های و هوئی نیست
که بارد یک گرحکم قضا آمد چنان امروز
شده توپ و تفنگ و بمب و بمبافکن یکسر
بهر شهر و دیار و بحر و بر آتش فشان امروز
مگا آتشفشان موهسان روم را زیشان
همیگردد خدای کار ساز بنده گان امروز
فرا بگرفته اطلس جهانرا از حتم حق
بحسای ژاله بارد کار بر نصرانیان امروز
ملائک خلق در بیابی گرداز طوفان آبی وه
زده طوفان آتش موج در دور زمان امروز

بهار بخشرانی آن دولهارا بگفتندی
کنون رسید کآمد از چه را آنها جزان امروز
انسان سلطنت را تکیه بر تدبیر دادندی
که هواهه گردان تدبیر را عطف عنان امروز
درجوش آتشین خیابهای جانگزا هیهات
همی بزرد هوا فی در بلاد بشمان امروز
چو لحم کشته چو جو صد هزاران جسم انسانرا
بهر جارفت دهقان اجل در ما گدان امروز
درین مدت که گشته شعله ور این آتش فتنه
شده هشتاد فی شاید شهار کشته کان امروز
فرود کوبند از تعداد بمروبم انسان را
هوا از قیح و نفرت گر لگشته ناگران امروز
زرو یان مه پیکر باطراف هر نگستان
زگل توهمان دارند صدآه و فغان امروز
چه امصار و عمارات مهل وع وستان ها
که گردیده خواب و خرو بی ابو بشان امروز
معدن مالو منابو کنیو اسباب جهانداری
بخرد و فروشند بخرو بر نقص و زیان امروز
معین نیست تاین آتو بیدا آخر چه خواهدشد
نه کس واقف بود زاحوال آن در الزمان امروز
نجاهت کیش و مرداستی بنگر که در گیتی
نحب هنگامهٔ برپا نموده آسمان امروز
فنون حربیو سامانو سلاح جنگ را جرمی
بگیتی جوه کرگرده از گران تا گران امروز
چسان افکنده در ارو از ارزه حکمت
کمیزاند همیون بیدازوی جنبدان امروز
کالات و هرمندی نخست اندوخت پیر خود
سپرده کاورد آورا در مظالمتحان امروز
زفیضان کالیو فن ترقی کرده چون جرمن
کرده حسبان اوزاند سو ملت و جهان امروز
ز پیایه ای مسلمانان کجاهم پیر هرو فی
بجدو جهد زیدارم دورو شب میان امروز
زهرزو حکمت دانش ترقی میکند روزن
همی شاید که دانشم درخوان کران امروز
زفیضات جرمن را بخود در مشق نگارم
بتعلیم فنون کوشم رهندر توان امروز
اگر کردیم سائی فضائی کنون شویم آگاه
چرا دیدیم از کف غرخودرا زایگان امروز
بطرز آفاق ای هوسان روی دل خودرا
پی کسب و کاه آریم باد هنگان امروز
تعالی از کف نیرو و اتحاد نیز آموزیم
مگر گردیم در آفاق مشهور جهان امروز
بعهد حضرت شاه ترقی خواه عدل آگاه
که از بیش گرفته گرد رفتار شان امروز

ز خورا فریضه به (به گوشش جمله سه)
شعرارا یکتی بردی زحسابو توشار بردی
از و هدی جور سوی ادبیا توی لیکی
کی بیان که تو موبه بکار کیبز دیگرو نه
نیاو خوشحال خان گورو ترجوان چنور کهاوروده

متکلان تی کام مز کره معاملات مستعمل کره
چه بیدا دی دافغان دی طبیعت تی کور روادی
چه توکن ده بیشادی زا کی کش تعه بندی
صاب به کیم لاله گی چه بیان دخط وخال گی
بدا بیو گی طبو فادی صنایعو گی سلمان دی
قاگی ه ورته چنورتی گدهوی زلار سپورتی

چه بفرق به خط و خالدی ایا ه قدیم خیال دی
هم اهل دی هم مفید چه طرزی زی جدید
بحیرتی دی هر وی دی تعلیمو ه در گوی دی
خواهنه گی در شکار ه د هخت دخط د ره
خورا درتا کید شدت گی د او لاد به تربیه گی
هوشمکار دی پیوی دی هوشمکار دزده گوی دی
دعلمو مود گردی گری پکارچ گی فکردی گری
پیژره دگی دی گهیزی چو گریبی گ دفاخیزی

هفه هر یی خوند ه دی چه فارسی اشعار دیدی
یاهم دوی بادی ده دی پشتو غندی هرمو دی
په دارسی قول گس روهی تخلص خیال دی ایز دی
تخلص دار دی خوشحال گری پشتو گنی چه هان گری
دی خو را شیرین بیان عرض داچه خوشحالخان

ما معلوم گر مستعاب هر دیده له ته کتاب
چوبان هو باید شعیرل پشته بوزرو دنل
چه هو خوشحال خان توبنو خوشحال گرهو

عبدالهادی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1349 of 1786

دیده دیدهٔ ایام شاهی همچو او در دهر
رعیت پرور و انصاف خوی و مهربان امروز
زنی کرده دین و دولت اسلام در عهدش
راحت بوده در ایام او پیرو جوان امروز
مرا یه الفت و دین آمده در شاهان اسلامی
پناه اهل اسلامی است اورا آستان امروز
بذل رحمتش ده موسمان را امن و آرام
شائبات نبی کی مراورا کامران امروز
اساس دین و دولت را بذات او قوی کردان
سر افرازش بازرجمهٔ شاهان جهان امروز
سپاهش را که اعوانند مردین و شریعت را
پیروزی و نصرت‌دار یارب هرزمان امروز
الهی مومنان را فتح و نصرت ده بهر کشور
خصوصاً کی مظفر دولت افغانستان امروز
بکان کافران آکرم کی در دین خود دایم
دمان اسلامیان آسان بس جرو لمان امروز
بدرگاه الهی کن دعا شیراحد مخلص
که توفیق قرین کردد بجمع مومنان امروز

خوادث خارجیه

حکایهای شماره

ترجمه از اخبار اقدام :

در ۱۲ جمادی الآخر سنه ۱۳۳۳ مطابق ۲۷ ماه اپریل سنه ۹۱۵ در آستانبول یک جوش و خروش و سور و شادمانی بسیار عظیمی روئنده بود ، نه تنها در پایتخت ، بلکه در هر هر طرف ممالک ترکیا این سور و سرور روی داده بود ، زیرا روز مذکور باجلوس سالگره جلوس اعلیحضرت سلطان المعظم مصادف آمده بود ، در حالیکه در پایتخت خلافت عظمی و هر طرف ممالک ترکیا چراغانها و شادمانیها اجرا میشد ، از یکطرف هم دشمنان دین مبین احمدی (ص) از چند روز پیشتر خیال این افتاده بودند که همین روز سرور را یک روز ماتم پرشر و شوری تبدیل بدهند ، و به تدارکات و تهیات پنهانی حاضریها دیده و نقشه ها کشیده بودند که در هنگام متن عید جلوس اعلیحضرت پادشاه شان خنجر بیدادرا حواله نموده کارشانرا یکبارگی تمام نمایند .

از یکطرف اعلان کرده بودند که از اروپا و عسکر در سواحل قلمهٔ سلطانیه و مدالبحر در گذر شده اند ، از طرف دیگر عسکرهای بسیاری جمع آوری کرده متصل با تفنگها آورده میرفتند ، حکومت دور اندیش عصر حاضر عثمانی از این نقشه و پلان دشمنان خاین خود بخوبی آگاه بود ، امامتانتها و قدرتهای خلاق یگانهٔ خود حشم دوخته ، و بجرأت و شجاعت مدافع های پادر خود افتاده ورزیده بیک وضعیت مردانه و دلاورانه تا کی وسا کن خودرا نشان میداد و همان ترتیبات دسیسه پردازانهٔ دشمن هیچ اهمیت نمیداد ، دشمنان خاین دین اسلام حاضریها و ترتیبهای خودشانرا کامل کرده کرده ، وقت صبح روز یکشنبه که روز مقدس عید جلوس جلیلهٔ زیشان بود برای بدست آوردن مقرمعالی خلافت یک هجوم و یورش با کهانی اجرا نمودند .

دسته های کشتیهای جنگی روس ـ آردوس کمدشمن تاموغم انسانیت ، ومتعهد جملهٔ دوستداران انسانیت میباشد ـ بایک حرکت بدستانه ازطرف بحر سیاه آمده در خارج آبهای بوسفور بقدر نیم ساعت یک گلهٔ باری تأثیری اجرا نمود ، وچون گلههای خانمان انتحاکمهای عثمانیان را برسر و کمر خود خورد ، فرار را برقرار اختیار نمود ، باز طرف دیگر شریکهای جنایت او ـ یعنی انگلیز وفرانس ـ نیز درآبهای دار دنیل نقشه های دسیسه پردازانهٔ پنهان خود شانرا روی کار می آوردند ، چنانچه در ۱۲ ماه اپریل وقت صبح درسواحل غربی جزیره غالی ، کلیولی ، ازجهار طرف بمباردمان عسکر نشیت کردند .

قطعه های عسکری دشمن که درجوار ، آنکه بروی ، نام موقع برآمده بودند بهجوم وجهٔ عساکر عثمانی پدرپا برخاسته شدند ، قطعات عسکریهٔ دشمن که درجوار ، آنی بروی ، نام موقع بیرون برآمده بپیش آمدن کوشش میکردند ، از نتیجهٔ حملهای شدیدانهٔ مدافعهای قهرمان عثمانی نگرخته ، وناچار بجهای خود پس بکشتیهای خود رجعت کردن مجبور شدند ، عساکر دشمن که درجوار ، قومقلعه ، بیرون شده بودند ، در جایهٔ کلهای طوپهای کشتیهای جنگی خودشان پیش آمدن میجوشیدند بر حملهای شدیدانهٔ عساکر عثمانی تاب آورده مدافعت نشده وامیدهای بسیاری داده ، و نقشه ها و رجحیهای بیشماری درمیدان گذاشته فرار نمودند ، عسکرهای مسلمان همدی ، و جزایری انگلیز وفرانس که درجوار ، قیانیه و بیرون کشیده شده بودند عساکر عثمانی سلام کرده بارادران دینی خود التحاق کردند .

در خلیکه این احوال بود ، دربحر بر کشتیهای جنگی شان ازطرف وحدات خالی مانده ، وکشتی جنگی زرهپوش سپار بزرگ ، تریومفه نام انگلیزی سه گلهٔ بزرگ او پوس اسفنجکا مان عثمانی اصابت نموده جاهای مهمهٔ آنرا ویران نموده ، وبسیاری ازعساکری آن کشتی زخمی شده بسیار زحمت ازخط حرب خودرا بیرون کشید ، ویک کروزور بزرگ دیگر شان نیز در کلها وسکاش پاره پاره کردیده بحالت تمام غرق فرار نموده توانست .

این بود نتیجهٔ دسیسه های شیطان پیشهٔ دشمنان دین اسلام که برای روز مقدس عیدجلوس حضرت سلطان المعظم اسلام نقشه کرده بودند ، وبخیال خام وهوس ناکام افتاده بودند که از یکطرف روس وازیک طرف انگلیز وفرانس زور آورده سرور اسلامیان را بماتم بدست آوردن مقر خلافت مبدل نمایند .

هنکامیکه دروزان بشارت پرسعادت دراسانبول انتشار یافت درتمام اهالی یک جوش وخروش عجب وغریب فرحت ومسرت برپا کردید ، اسباب چراغانها وزینت ها وسامانهای که برای عید جلوس حاضر شده بود یک رصد علاوه شده تمام شهر درمیان نور وسرور مستغرق شده بود ، طوپهای شاهانه از هر طرف انداخته وباجه خانه های مسرت نواخته میشد ، اهالی یکدیگرهم آغوش شده همدیگر خودرا تبریک میکردند .

بشرف این روز فیروز عنوان جلیل الشان (الغازی) بزعنوای شریفهٔ ذکر اعلیحضرت سلطان علاوه کردید که تحل آن فتوای شریفرا از قرار ذیل مینویسم :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1350 of 1786

(فتوای تاریخی)

که از طرف حضرت شیخ الاسلام داده شده بود

صورتیکه علیه بعضی رؤسای احزاب مخالفه علناً قیام و بالکتابه حضرت مولانا السلطان محمد ثانی خامس عما کر اسلامیه را در این عصر سلطانی مشروطیت مقرون نصر بالخوشبختی و هر نوع سرور ظهور نموده، وان عما کرباهیت حالیه در راه خدا و ترقیات دائمه ملت و دولت بالکتابه شده است که حضرت خلیفه اسلام دو جوانب مدت شریف خود مساعدت کرده و من جمیع طوائف سیدالله مقدس خود را از کمیت هر نوع کاری در راه خدا مرتفع نماید تحقیق که مزا کره است ..

پس در حال دانسته هستکه ما هم که سلطان در جمیع اوامر و عاطفه و مشاور و خصوصاً در خطبه ها بعد : ه فاری ، مقرون شود ، و آن مشروع است ؛

الجواب :

نعم .

(کتبه الفقیر الیه تعالی : خوش بن حیدی الاکوی عفی عنهما

و بس چنین است :

که رای عوان (فاری) دون سلطان اعظم سلطان محمد خان خامس از حکمة شرعی حکم دلیل صادر گشته و بواسطه همیایه و آثار سامیه وزارت جهاد و عدلیه و نیان که رای شوکت و سطوت اسلامیه سعادت مسلمین عثمانیین از جانب سنی الجوانب خلیفه اعظم بثمة ظهور و بروز رسیده باید که اعلیحضرت سلطان ثانی : ه مصداق عوان (فاری) باشد و مواقع فتوای شریف که از طرف و کلای عاجز از تصدیق شده و مو شح توشیح اعلیحضرت همایونی گردیده باید تا بلند قدر خلیفة اعظم را بعنوان (فاری) ردیف سازند . و در تمام محافل و مجالس و منابر خصوصاً در خطب لازمات که عنوان جلیل اقدر (فاری) بنام اعلیحضرت سلطان قرات کرده و این عنوان باید باجلا در همه جا خصوصاً برای خطباء تبلیغ گردد . ه

حکایتهای محاربه

اوضاع داخل آلمان

روزنامه « اکزو » منتشره خارکوف : نقطه یکه در امن کامل بحدت میدهی در بلاد آلمان وقوف داشته و اوضاع داخلی آنرا در نهایت جنت مشاهده نموده است . واطلاعات خودرا در یکی از روز نامجات زیرة انگلیسی اشاعت داده است نقل میکند :

در سمت اغرب نقاط مختلفة آلمان را سیاحت کرده در هیچ نقطه آثاری از قحطی و گرانی ارزاق دیده در کلیه شهرها وبلدات آلمان وضع ارزاق بحال عادی بوده است ودر هیچ نقطه مثل بلاد انگلستان مسئله ارزاق در تهلکه نبوده است یقین دارم که آلمانها بموقع محصول جدید ، از حیث ارزاق پهلو به دشواری نخواهند شد ـ محصولات امسالیه بطور وفور وبرفور از معمول سنوات موجود است در کلیه اراضی آلمان بگوجه جاه زراعت نمودهاست . در تمام نقاط شهرهای آلمان عدد اطفالی از میزانی که قبل از جنگ بوده است کم تر نشده ـ در آلمان هنوز اشخاص بیست الی چهل ساله که میتوانند به جنگ حاضر شوند ، عده زیادی هستند که هنوز دعوت نشده اند وفقط اسامی آنها در دفاتر عسکری نوشته شده .

من در آلمان بازدیدهای عاد اصناف وطبقات معاشرت وملاقات نموده اطمینان حاصل کرده ام که در آلمان آن ۱۰۰۰ یکنفر پیدا نمی شود که اطمینان قطعی بفتوحات آلمان نداشته باشد . اهالی آلمان اعتماد کامل بحکومت خود دارند . ملایشتر از هزار نفر افراد سوسیالیست دموکرات آلمان درخدمت اسلحه هستند در ملاقاتیکه (باسابیاج) مفتش اول کمیته سوسیال دموکرات آلمان بوده من کردم که عقیده ایشان راجع بوضع داخلی آلمان ، بخصوص بین سوسیال دموکرات چیست ؟ ایشان فلسفه معتقد مارکس هستند در اینصورت از تحت قیادت ملیتاریزم و دهاتی خواهند یافت .

مشارالیه جوابدادند که مارکس بیستم که محاربه و جنگ خاتمه یابد ، زیرا درصورت شکست آلمان صف عمله بیشتر در تحت اسارت ملیتاریزم واقع خواهند شد . علاوه براین دشمنان ما تجارت وصنایع ما را در تحت شرایط سختی خواهند گذاشت که بیشتر اسباب تضییق صف عمله خواهد بود

بنده گفتم پس چرا شما قبل از جنگ ضد تسلیحات نمودید . جواب داد : حالا مطلب میشود آنرا اندازه داخل نبوده ایم . مخصوص صف عملجات فرانسه وانگلیس روابط دارم . ولیکن باین اندازه قدرت نداریم که تمام جوامع دنیا اجرای خود عالم در صورتیکه ارزوهای آلمان دارای این اندازه قدرت وقوت نبود ما نیز پیمان تهلکه که فرانسه آلمان دوچار شده است گرفتار میشدیم

حکایت دیگر

تلفیات آلمان

نمره روزنامه « روسکی اسلوا » مینویسد :

هرقدر هوا صاف میشود ، برای عملیات طیاره ها بیشتر مساعدت مینماید . آلمانها قریب دوهزار عرضاحب منصب آسمانپیما دارند . وعدد طیاره ها هم زیاد است . که هرآسمان پیما من انتخاب در جوار خانه خود نگاه میدارد هروقت خواهد طیاره خودش را عوض کرده باطیاران تازه نفس از روی سنگرهای (روس) طیران میکنند !

یکمرتبه عده میشود که ۱۰ ـ ۱۲ تا ۱۵ طیاره متحدالشکل دسته دسته جنگی در روی سنگرها نمودار شده متفکرانه پس و پیش میروند ! ابتدا چنین متصور میشود که این طیاره ها برای اکتشافات مواقع حربیه خواهند آمد ـ ولی بعد یکمرتبه عده میشود که اینها روی عرصه آوام طیاره پر های هولناک خودرا متلاشی میکنند !

ولی در مقابل آن طیاره های ماعی « روس » خیلی مالیخولیائی حرکت میکنند ـ یعنی رتبه اکتشافات خودرا کامل کرده حرکتا مراجعت میکنند بدون اینکه یکنوع چیزی در میان عرضه بیندازند .

آلمانها همینطور کورکورانه کاری میخواهند خودشان را خسته کنند ، در مسئله طیران بر عملیات خودرا در تحت مسائل حساب وریاضی اجرا میکنند !

مثلا دراین اواخر در یکی از سنگر های روس یک طیاره آلمانی را پس از حرکت و مراقبت کامل پائین میآورند و طیاره چی هارا دستگیر مینمایند . مقدار گرات فیل مابین صاحب منصبان روس و طیاره چی ها مزور پیش آمد :

ـ چندین روز است که در بالای ... ما چیز عجیبه و موقف میگردی که ماحی میدانستیم که تو درجه ... اجی از کدام طرف بالای سرما حاضر خواهی شد ! نهایه مقصود داشتیم و چه چیزرا میخواهی کشف نمائی !

(فتوای تاریخی)

که از طرف حضرت شیخ الاسلام داده شده بود

صورتیکه علیه بعضی رؤسای احزاب مخالفه علناً قیام و بالکتابه ، حضرت مولانا السلطان محمد ثانی خامس عما کر اسلامیه را در این عصر سلطانی مشروطیت مقرون نصر بالخوشبختی و هر نوع سرور ظهور نموده، وان عما کرباهیت حالیه در راه خدا و ترقیات دائمه ملت و دولت بالکتابه شده است که حضرت خلیفه اسلام دو جوانب مدت شریف خود مساعدت کرده و من جمیع طوائف سیدالله مقدس خود را از کمیت هر نوع کاری در راه خدا مرتفع نماید تحقیق که مزا کره است ..

پس در حال دانسته هستکه ما هم که سلطان در جمیع اوامر و عاطفه و مشاور و خصوصاً در خطبه ها بعد : ه فاری ، مقرون شود ، و آن مشروع است ؛

الجواب :

نعم .

(کتبه الفقیر الیه تعالی : خوش بن حیدی الاکوی عفی عنهما

و بس چنین است :

که رای عوان (فاری) دون سلطان اعظم سلطان محمد خان خامس از حکمة شرعی حکم دلیل صادر گشته و بواسطه همیایه و آثار سامیه وزارت جهاد و عدلیه و نیان که رای شوکت و سطوت اسلامیه سعادت مسلمین عثمانیین از جانب سنی الجوانب خلیفه اعظم بثمة ظهور و بروز رسیده باید که اعلیحضرت سلطان ثانی : ه مصداق عوان (فاری) باشد و مواقع فتوای شریف که از طرف و کلای عاجز از تصدیق شده و مو شح توشیح اعلیحضرت همایونی گردیده باید تا بلند قدر خلیفة اعظم را بعنوان (فاری) ردیف سازند . و در تمام محافل و مجالس و منابر خصوصاً در خطب لازمات که عنوان جلیل اقدر (فاری) بنام اعلیحضرت سلطان قرات کرده و این عنوان باید باجلا در همه جا خصوصاً برای خطباء تبلیغ گردد . ه

حکایتهای محاربه

اوضاع داخل آلمان

روزنامه « اکزو » منتشره خارکوف : نقطه یکه در امن کامل بحدت میدهی در بلاد آلمان وقوف داشته و اوضاع داخلی آنرا در نهایت جنت مشاهده نموده است . واطلاعات خودرا در یکی از روز نامجات زیرة انگلیسی اشاعت داده است نقل میکند :

در سمت اغرب نقاط مختلفة آلمان را سیاحت کرده در هیچ نقطه آثاری از قحطی و گرانی ارزاق دیده در کلیه شهرها وبلدات آلمان وضع ارزاق بحال عادی بوده است ودر هیچ نقطه مثل بلاد انگلستان مسئله ارزاق در تهلکه نبوده است یقین دارم که آلمانها بموقع محصول جدید ، از حیث ارزاق پهلو به دشواری نخواهند شد ـ محصولات امسالیه بطور وفور وبرفور از معمول سنوات موجود است در کلیه اراضی آلمان بگوجه جاه زراعت نمودهاست . در تمام نقاط شهرهای آلمان عدد اطفالی از میزانی که قبل از جنگ بوده است کم تر نشده ـ در آلمان هنوز اشخاص بیست الی چهل ساله که میتوانند به جنگ حاضر شوند ، عده زیادی هستند که هنوز دعوت نشده اند وفقط اسامی آنها در دفاتر عسکری نوشته شده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1351 of 1786

ـ خیلی لازم بود که مواقع توپهای سنگین شمارا کشف کردهایم ، زیرا که آنها خیلی مارا اذیت میکنند .

ـ بسیار خوب بیائید برویم مواقع توپ هارا بما نشان بدهید .

(در اینوقع طیاره چی را در جنگل که توپ های سنگین روس‌ها در آنجا مخفی بوده میبرند . . .)

ـ افسوس میخورم که من نمی دانستم توپها اینجاست ! آه ـ خیلی دیر شده است . حیف که وجود من بعد ازین برای وطن من مفید خواهد بود !

ـ آیا از خیلی وقت طیران میکنی ؟

ـ از بن جهت خیلی من راحت است زیرا تا کنون چهل دفعه پرواز کرده ام وبهمین اندازه ازخودم ممنون هستم که درمقابل وطن وظیفهٔ خودرا انجام داده ام ! . . .

طیاره چیهای آلمانی ، بانهایت جسارت ومهارت درروی خطوط جنگی برای اکتشافات طیران کرده ، ودر همین حال بمب هم میاندازند ! وازشر بل هائیکه مارروبه آنها بطرف آنهاس اندازیم ابداً نمیترسند !

آلمانها در ممالکی که اززالتفات کردهاند ، غالبا توپهای خوب شان را درخانه‌های دهاتیها ـ کار خانهاو معارفها مخفی میکنند ومازتوپهای آنهارا میزنیم ـ ولی توپهای سنگین جنگی مخفی نشده در بیابان وصحرا دیده میشود . وآلمانها متصل درمیان آنها میاندازند !

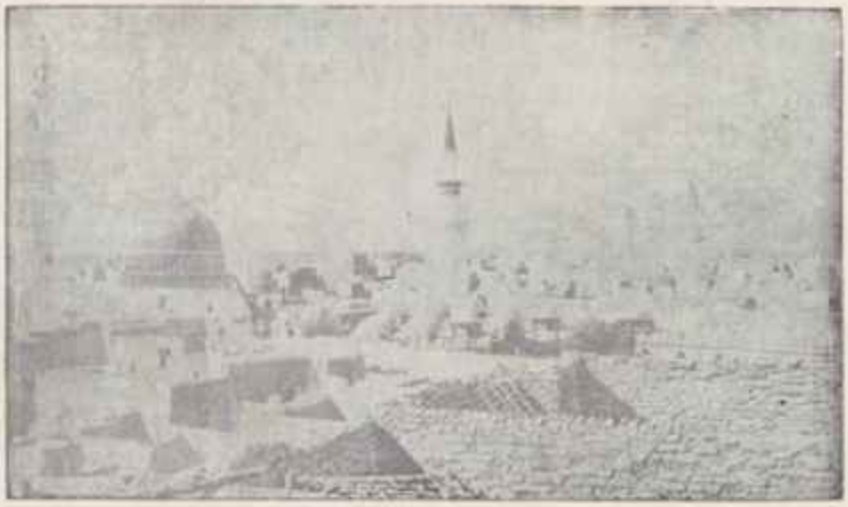

﴿منظرهٔ شهر مدینهٔ منوره﴾

(وکنبدمطهره حضرت نبویه صلی الله علیه وآله وسلم)

و قتی که باقسام جبهه گریهای آلمان نظر شود دیده خواهد شد که این ملت جبهه وجدیه را در تحت اصول علمی مرتب کرده ، درین خصوص عملیات آلمان در هنگام محاربه مثل دستهای حفه بازهاست ، جبه و خدعه آلمانها هیچ حد واندازه ندارد ، مثلا یک جنگل را ازریشه کنده ودر جای دیگر تعبیه مینمایند ، برای اینکه ماهیوده یک جنگل را بتوپ بپندیم در حالیکه توپخانه آنها در جنگل مصنوعی است !

واگر طیاره چیها زحمت کشف کشته که توپهای آلمانها درکجاست ، تازه ارکان حرب گفتهٔ آنهارا باور نخواهند کرد ، زیرا ازروی نقشه میبینند که در جنان نقطه جنگل وجود ندارد !!

در بعضی مواقع آلمانها توپهای خودرا بارنگهای خاکی یاروپوش های خاکی رنگ پنهان می کنند . گاهی هم توپخانهای مصنوعی که از چوب ساخته‌اند ، درمحل نصب کرده بعضی توپهای یکارد را هم شبیه آن ساخته و مقداری قوای روس‌را صرف ویران وآتش زدن آن توپخانه‌ها در وی کرده و آنوقت توپهائی که حقیقهٔ اسباب تخریب قوای دشمن است ، ازانظار مخفی نگاه میدارند وگاهی هم برای تکمیل حیله های خود در توپخانه های چوبی دمصنوعی دود وغبار وشعلات اشتعال ظاهر میسازند ، وبیشتر اسباب مصرف شدن قوای روس را فراهم میسازند !

ساکنات روس وقتیکه اینگونه حیله‌ها را می بینند متحیر شده میگویند : « چه حرامزاده مخلوق است ، چنان هم باین حرامزاده که میشه است ! » واین مخلوق بیحیا غافل وقتیرا که حرامزاده‌گی میخواهد بدهد !

برحسب تصدیق جنرنکار مخبر موقیت آلمانها در صدی پنجاه واسطه کشفیات طیاره‌ها وپنجاه دیگر واسطه مهارت ، موسیقیت تشکیلات جاسوسی که فعلا درآلمان هست بیحد وقت نموده است .

نظر باعتراف یک صاحب منصب آلمانی این تشکیلات بارروی آلمان فقط قدر توپ های ۴۲ سانتیمتری ، بلکه بش از توپهای صد سانتیمتری فایده می بخشد !

حکایت دیگر

استادی های آلمان

مخبر روزنامهٔ « ر . و . دومستی » ازاسنکهلم مینویسد :

آلمانها برای اینکه اطلاع حاصل کنند که کلوله توپها اندازهٔ‌های دشمن رسیده وبهدف خورده است یا نه ازآلمان تلگوب کهدر کشتیهای تحت البحری استعمال میشود استفاده میکنند .

این آلت عبارت است ازدو آینه که موازی هم واقع شده ویک لوله بهم اتصال دارد ـ وقتیکه این لوله را ازسنگرها بلند میکنند ، عکس سنگرها وخندقهای حصررا با آینه که درزیر لوله واقع شده منعکس میسازند ، این لوله قدری باریک است ، که میتوان آنرا با گلوله هدف قرار داد ، واگرهم هدف قرار دهند سائین آلت مزبور را خراب نمیکند زیرا که لوله از یک قسم مفوا ساخته شده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1352 of 1786

غازی انور پاشا

وزیر حربیه دولت علیه اسلامیه سابقاً

وزیر برای اینکه حدقهای از طرف دشمن وسیله نفوذ نشود ، مأیوس نشود ، بگروهون ، که آن تجسس جوابت تحت‌الارضی است ، در حدقه نصب کرده و واسطهٔ آن نور ، مطابع چشمه که دشمن در گذاشتن قنبلت تحت‌الارضی است . وبلافاصله بامپرا و پرها دشمن را در آن محل استقبال مینمایند !

دختر فانوس مانند حدقه‌های طرفین یکدیگر دیده بوده و میدان فانوس‌های کوچک های توپ پست جرثقیل‌دیده و وسیله منجنیق‌های جدیدالاختراع آلمان اعتبار جزء ساعت معین ترکیدن پرتاب میکنند .

در موقعی که هوا تاریک میشود ، فلاخنهائی که از زیر ساختمانها و سایر آلات منفجره را سنگرها و حدقه‌های دشمن می‌اندازد .

آنها این قبیل از اختراعات زیرک استعمال شده و کارهای زهر آگین میسازد . از بیان دهان کیهانپیسوت پدر دهید رهیدانت !

علاوه آنها آلمانها شیوهٔ دیگر برای دفع حملهای دشمن پیدا کرده و آن سیمهائی است که در جلو حدقه‌ها تعبیه نموده که پاهای دشمن مانند گرفته و زمین گیر شده و بدام افتاده ، افتاده منفجر میشود !

در آلمان شایع شده که واسطه‌گیری خانم و سیمان آلمان اداره تجربه آلمان ممکن است زحمت بکشد ، تحت اینکه چنین چیزی شایع شد در تمام تیرهای آلمان دلها کبوتر تعلیم کردند که بمجرد موهائیکه از سر وصورت مشتریان خود جمع میکنند ، بی درنگ وزارت تجربه طریقه درست احصائیه اواخر سال ۱۹۱٤ ۵٤۹۰۰۰ کبوتر در آلمان موجود بوده و برای جلوگیری از حادثهٔ قحطی دیسان پشمهای گوسفندان مزبور برای همین مسئله تخصیص گردید !

اینها حکایت صادره ، کارکنان و موهای زنان آنها را تاریخ یاد خواهی شود .

حکایت دیگر

نقل از اخبار رعد آلمان و بزمارک

مطابق تکلیفی چراید آلمان حتی سال صدم تولد پرنس و بزمارک ، در تمام آلمان مخصوصاً در برلن پایتخت ، وعظمتی مناسب باهوادث فعله آلمان اجرائیه و واقعات امپراطوری در خلال آن روز تاریخی خودرا بعده احساسات تمام آلمان بوضع هیجان‌آمیزی جلوه گری کرد .

در اطراف سالن بازاری علی که در مقابل عمارت (رایشتاگ) واقع است خانه‌ای مرتبی از گل بسته و برای جوانندگان و مردمان و مدعوین برای تحت‌سلطی دل بسته و مخصوص برای غلق نصب شده بود .

از ساعت یازده ورود و دقیقه صاحبمنصبان بزرگ و مستخدمین و مدیران کشوری و هیئت منتوگرد بازرگان مخصوص کلیات مخلوط آلمان و فرستادگان سلاطین و غیره شروع شد .

پرنس (آو بزمارک) واو بزمارک نوه که فعلا سیزده سالگی است بر حاضر بود و پرنس (وبنهل دو روس) فرزند ارشد و ولیعهد از طرف قیصر امپراطور و نایندگی جدا جداز حوزهٔ حضور یافت .

امپراطور حکم کرده بود کلیه وزرای چندین خبر از جانب قشون بری و بحری با پاشکوهی از گل انتظار بزمارک تقدیم نمایند .

از طرف خود امپراطور نیز تاجی مطلا تقدیم شد که این عبارت در کنار آن منقوش بود « تقدیم وزیر آهنین در این دورهٔ آهن » .

باهی که از طرف (رایشتاگ) محلس ملی تقدیم شد این کلمات در آن منقوش بود ، از طرف ملت متحد بواحد و موسس امپراطوری آلمان .

سپس دکتر لیبان ملوك مخالفین امپوری بزمارک و خواست وطلق موجی بود کهارا ، مطالبی چنین است :

« آلمان نیگذارد و هیچیک از افراد آن اجازت ندهد کهوشمنان مملکت نتیجه سی و سه سنه بزمارک را متلاشی سازند .

« بزمارک » بتعلیم داده است کهخیراز فارشمالی از هیچ فرد وقوهٔ نترسیده و در مقابل دشمنان ثابت قدم و دلیری را پیشه خود ساخته وقوهٔ مادیت معتقد و مطمئن باشیم .

دشمنان از جوانب اطراف ، سرزمین ما محصور آورده اند و مایوسی تام انهارا مغلوب و منوازی نمائیم .

« باین قوت تن واقتدار آزادانه پدراست که برای خاطر امپراطور و ملک محبوب با افتخار جوانش تمشع از پای کشیده و رقیبان را دو چار شکست و انهدام خواهیم کرد . »

در جواب تلگرافی که رئیس الوزراء در موقع جشن بزمارک تقدیم نموده است امپراطور از میدان های عمومی حرب چنین اظهار داشته است .

(تلگراف شما را جمیع جشن هیجان انگیز (بزمارک) موجب فریضه ت فوق العاده من شد

من هرتخصاً دراروپا که جنگ در چشن صدراعظم بزرگ حضور داشتم و پیام من گل ، سرد علیه وی در میان احساسات ملت و نایندگان تقدیم شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1353 of 1786

احترامیوحق شناسی من برای مرده ژرژ کی که در دورهٔ زندگی امروز معرف وجسمهٔ قومو عزم راسخ آنان است کامل، وآن شخص با کمال افتخار وظیفهٔ خویش را انجام داده دردامن وطن خویش فعلا آرمیده است .

« اکنون وظیفهٔ من دراین موقع است بملت آنان مسلح آن است که در میدان و افتخار جنگ برای حمایت واز دیاد عظمت و قدرت تاجدار در اقطار داخله و خارجه آنچه امور آن ممکن شود سعی و فداکاری نمایم .

« اولین سامی وامید واری من بفتح وپیروزی لطف خداوند وسپس ارادهٔ متحد عموم وعزم فولادین است که بهر قیمت رقیبانرا از میدان رقابت خارج نموده وحتی عزم وارادهٔ ملتها بصوم بالیان آشکار سازم والاخره ثبات قدمیها که حوادث روزگار بعرض امتحان گذارده است که بدنبال نتایج فداکاری برای وطن یگانه شیوه ما است .

« حس اتحادی که زمینه وعدم میدانهای بامیهات جنگ ملت آنان را بالا رفتن از کردوه های مشکلات کنک و هدایت کرده بااین عرض های طوفان آمیز جنگ طوری ترقی کرده که پس ازانکه ضروری وفتح قطعی خودرا بطور دلخواه بدست آوردیم رکن و ترافت و توسعه عظمت ما بصورت زیبائی ازافق وطن طالع خواهد شد .

« بدارآن درازای قیمت فتح وفداکاری حیات ملی آنان قوی و زیرک خواهد شد و ملت آنان در آنوقت میتواند آزادانه و قوی گام ابدی ملی خویش را دوباند .

« درحقیقت آنوقت است که نتیجهٔ کوشش ومؤسسهٔ پرمارت متوج بنائی خواهد شد که مفهوم تاج عظمت ونتیجهٔ آن سعادت ابدی ملت آنان است »

ازاردوگاه جنگ قیصر ویلهلم

گزا — حکایت دیگر

آنانها از تلگراف بی‌سیم چه‌فایده‌ها کرفته‌اند

عربک ازممالک اروپا نسبت بخود چند دستگاه تلگراف بیسیم دارد ودرفرانسه دودستگاه موجود است که معروفترین وقوی ترین آنها دستگاه تلگراف بالای برج ایفل است وازحیث اهمیت وقوت شهرتی دارد بیاندازه ومسافتی را که میتواند مخابره نماید ۹۵۰۰ کیلومتر است وهیچ وقت نه هزار کیلومتر نتوانسته حرف بزند

درهیچ مملکتی عدد آنان دستگاه تلگراف بیسیم زیاد نیست صرف نظر ازعده کثیر آنان یک دستگاه تلگراف بیسیم فوق العاده قوی ودر قاعده حرف زن دارد که درتمام دنیا نظیر آن یافت نمیشود و آن دستگاه تلگرافی است که در ولایت تونس نصب شده (همان دستگاهی است که بالتگراف خانه بیسیم اصفهان ازهمان مخابره می کردند) که تا ۱۲۶ هزار کیلومتر (قریب یک هزار وبیست فرسنگ) بلاواسطه میتواند حرف بزند یک دستگاه دیگری باهمین قوت وعظمت آنان دراسپانیون دارد ویکی درافریقا ویکی دیگر درساوله مقابل نیویورک دستگاهی که دراسریکا دارد دراولجیک این قوه راداشت ودرهمان ایام درنهایت درجه‌کرمانه قوه اورانه مقابل گردند

این دستگاه ستون دارد که هریک ۱۵۰ زرع بلندی آنها است که تمام دستگاه را در آنان ساخته ومخفیانه بدیگاهل نمودند

ازابتدای جنگ تلگرافات تحت‌البحری آنان بکلی قطع شد

لیکن بوسیله همین تلگرافات بیسیم بود که امپراطور آنان توانست با تمام ممالک دنیا رابطه خودرا حفظ کند

امواج برقیه تلگراف بیسیم درهوا بدون کم وزیاد سرعت سیر ور حرکت میکنند (ثانیه سیزده هزار فرسنگ میروند) وعیناً مثل نور آفتاب که توسط آینه پامنظور تعالی میتوان اشعه اورا ازخط سیر منحرف ساخت تلگراف قوی تلگراف بیسیم منحرف میباید .

درجنگ آن واحدی که چند تلگراف بیسیم مشغول مخابره باشند طبعا اشعه برقیه آنها درفضای محیط باهم تلاقی می‌نماید وهر دستگاهی که میان آنها قوی‌تر باشد سایرین را خنثی میکند ودستگاه برقیه را دستگاه تلگراف بی‌اثر می کند ودرحقیقت فایده وثمر تلگراف بیسیم باید مانی میشود که دستگاه آن ازسایر ممالک قوی‌تر باشد ودرین معلوم است که امروز فایده این دستگاه تقریبا منحصر بمملکت وسیع آنان گردیده است ، ودرایام سابق یعنی درزمان صلح برای ترمیم این قیمه که نفع تلگراف بیسیم انحصار تمالک معظمه مثل آنان نداشته باشد وسایرین هم بتوانند فایده ببرند تجمع بین المللی در لندن تشکیل وقرار دادی بین دول جاری شد که درچه ساعات دستگاه های آنها بکارباشد و درچه ساعات دیگران مشغول کار بشوند .

پس ازطلوع جنگ اروپا قرار مزبور متروک شده وآنان که دارای قوی ترین دستگاه های تلگراف بیسیم دنیابود بنای رابطه ومخابره را باستاسیون های (لون) و (اسپانی) وامریکا نهاد وتلگرافات بومیه وابلاغات رسمی روزانه راجع بحمله وامور تجارتی وسیاسی آنان درتمام نقاط منتشر شد بدون آنکه سایرین بتوانند از دستگاه خود درمنافع بشوند .

آنسان همین اندازه قناعت نکرده وشعبات جزوی از آن درتمام ممالک تشکیل داد اکنون سی وشش دستگاه جزو درتمام ایالات ودر مکزیک دارده دستگاه وهم چنین درتمام امریکای شمالی وجنوبی ودرمشرق اقصی ونقاط دوردست وافریقا عدهٔ کثیری دستگاه مخابرات ترتیب داده که از (لون) و (ساوون) مستقیا وتوسط شعبات واسطه دائما مخابره مینماید .

روابط تلگراف بیسیم را آنانها درتمام نقاط دنیا وصل مینما کردند

در دریاها

از همان ابتدای جنگ که تجری آنسان در اقیانوس کبیر همت کشتی معروف اول (آمدن) و آخر ، کالسروه زرهه در بندر تجارت وبحریهٔ متفقین انداختند چکونه توانستند که مدتهای مدیدی درافیانوس ها گردش کرده وچپ وراست کشتی های متفقین را درهم کوبیده غرق واسیر نمایند وباوجود آنکه گردوزر های جنگی انکلیس وژاپون درتعقیب انها بودند می توانستند بدانها دست پابند

تازه اکنون معلوم گردیده است که فقط فرد گردوزر های جنگی وجهازات معاون جنگی آلمان همگی دارای دستگاه های تلگراف بیسیم بوده است که قوه انها ازدستگاه های جهازات انکلیس وفرانسه وژاپون بیشتر می باشد .

بعلاوه آنها اکثر تمام کشتی‌های تجارتی وزغال کش حتی جهازات کوچک تجارتی که درابلاغیه ها یاغی گری تعیر می‌شود مستقیا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1354 of 1786

و غیر مستقیم در اقیانوس هند و ستان و چین و امریکا و سواحل روس و ژاپون دستگاه های تلگراف قرار داده و تقریباً تمام نقاط عمده دنیا را بهم وصل می کردند.

دالا کتی آمدن و نگاشتن و غیره در تمام مدت عمران همه ساعت بالدان نخاریه داشته و از دان دستور وضع می کرد، و اطلاعات مربوط بواحد خویش را برای تعریف آنها حاضر میداشت.

حال که آرزوهای کتی معروف تاریخی انسان از قبیل کاپیتو ماشین الکتریکی سیم و بیرون جسته و در اقیانوس کره بنای تاسیس کردن جهازات انگلیس و روس و فرانسوی را گذاشتند و هرکدام طرفی را اختیار کرده و واقع هریک بآنها شوند و در اطراف هریک از آن جهازات جنگی الان جدین فرود کشتی تجارتی وزنده. کشتی وسائل گیری الان در شمال و جنوب و مغرب و مشرق آنها بودند که از یک طرف خبر تازه بآنها دهند و آنها رسانده و از طرف دیگر مثل جاسوس ان زیر دست توسط دستگاه های تلگراف بسیم خود بآنها خبر میدادند که فلان کشتی انگلیس یا فرانسوی از کدام سمت حرکت کرده و چه وقت میتواند آنرا ملاقی شود. و در حقیقت جهازات تجارتی الان پیش فراولان جهازات جنگی بودند که وسایل عملیات را فراهم میکردند.

گرداز رهای قعر اقیانوس تحت البحرهای وی طوری موجبات انقلاب در دریاهای دیدارا فراهم آورده که تمام اموال متعلق بآبت غیر از توصیف قرار خود داری نکرده و در واقع بوسیله تلگرافات بی سیم بوده و هست که این عملیات شده ساده تا کنون صورت یافته است چنانکه تلگرافات بی سیم که هرون در بیورت اداره گی انهارا عهده دار شده بود در کار این شد عملیات جهازات آن تا این درجه برای متفقین مفید و مفت نمی گشت اگر درست دقت شود که کتی (پرنس آیتل) چانوه و اداره پناه گاه بیو جوزا شده و چنور دو ساعت توسط تلگراف بی سیم با (کاپ ودوه) مذاکره میکرده و چه تأثیر در هوای اروپه از کنار جهازات جنگی انگلیس نخو گذشت آنوقت میدانند کمقیاس فعالیت آنانها، وقیمة تلگرافات بی سیم آنها چقدر و چیست.

حتی خود صاحب منصبان انگلیسی و فرانسه به شایع عظیمه تلگرافات بی سیم آنها عقیده دارند و موسع مزبور بایک اهمیت زیر کی در مقابل انگلیسها مجسم است

در خشکی های دنیا

وقتی که توانستیم حل نتایج که بوجود مشکلات و موانع عظیمی که در راهها موجود است آنانها بان درجه از کمال این قبیل کارها را کرده اند خوب می توان فهمید که در خشکی های دنیا که تلگرافات بی سیم آسان تر و بنافع تر است آن چه نتایج مفید و عظیمی حاصل کرده است

توسط همین تلگراف بی سیم بود که مسیو هرون در بیورت که دوروز قبل از وقوع مساوت اورا بآنان داد همه روزه مستقیماً بخود امپراطور مشغول تراوک اطریش و مذاکره بود.

بالاستثناء هر روز مسیو در بیورت اخبار و اطلاعاتیکه بپرانس و بوسیله جاسوسان امریکائی خود از فرانسه و انگلیس و لو شایع عمومی دنیا تحصیل کرده بود مستقیماً بقیصر میداده و طرفین الزام تعلیمات می کردند.

همین مسیو بود که در بیورت با امپراطور وهیئت دولت وی جریان بازار امریکا و وضعیات دیپلوماسی و غیره را خوبیداده و در هوش از دان

اطلاعیه های رسمی و توضیحات لازمه و فتوحات آنان وغیره را در یافت کرده توسط همانها دستگاه تلگرافی خود را مطلع میداشت و اتریش و ... و ... و ... و ... مکزیک برازیل و هلاند و چین و ... متاثر کرده و در حقیقت افکار عامه را در یکی نگهداشته بود تمام تلگرافات بی سیم آنانها روزی دوزده ساعت مشغولی های تجارت خود شان لازم دارند و بعد از آنکه این دوزده ساعت تمام شد باز هم دست بروار بسته و مقفول می شود چرا که از یک طرف وامنه تلگرافات انهاقوی تراست اخبار سازین را جلب کرده و بهترین وسیله کسب اخبار دشمن است و از طرف دیگر حفاظت قوت این دستگاه و کاپوتی دستگاه های دشمن دائماً امواج دقیقه تلگرافات بی سیم انگلیس و فرانسه را در فضای هوا حس کرده و میگیرند چیزیکه آنها را همه بی معلوم است تلگرافچی های آنان در سواحل چیلی امریکا و اروپ بیکار نمی نشسته و ماشین آنان در نهایت منظم تا میکند که روابط تلگرافی بی سیم آنها منقطع و از آن راه قایده نبرده اند.

حالت تلگرافهای بی سیم استیمونهای ساحل و جهازات انگلیس و فرانسه در دریاها واقعاً وقتی اگر است چنانچه ساعت در کنار دستگاه های خود دست هار از حمل نهاده و از موج اشعه دقیقه می فهمند تلگرافات بی سیم آنای مقصود کدام است و تلگرافچی انگلیسی که از ضعف دستگاه خود مطلع است وی داند با کار کردن آنانها نمی تواند مخابره کند انتظار دارد که شاید دقیقه آنانها تعطیل نمایند و خودش مضطر نباشد که داره بگوید لیکن چندین ساعت انتظار میرد وقت آن کارهم فوت میشود و آنانها بدون دقیقه راحت و قاصد مشغول هستند و دائماً تلگرافچی ها می بینند امواج دقیقه آنانی هوا را بتصرف دارد و دستگاه های انهارا یک چیزی مصرف ساخته است.

دستگاه های فرانسوی هم از سیستم انگلیسی ساخته شده و همان قاعده را دارد و خیلی سهل میکنند که در ان راه تکمیل نمایند و در حقیقت باید گفت امروزه تلگراف بی سیم فقط خدمتگذار آنان است و از خدمان به سایرین استفاده داده است.

یکی از قواعد و اصول ثابتهٔ کپر این بود که می گفت برای مضبوط کردن خصم و بهترین راه سهل برای معدوم کردن او قطع مراودات و جدا کردن اوست و در این یک زمینه عوض آنکه انگلیس و فرانسه کار خود را صورت دهند آنان همان وسیله مثبت شده است.

(یک جمعیت ورزنه ملیون صحبت برای هندستان)

و کیل ۲۸ جولائی:

مسلمانان هند این خبره بکمال حیرت و افسوس خواهند شنید که کار کنان دیری صحیحی برای شان تیاری فرستادن یک جمعیت ورزنه ملیون دین تصور اوپت را کرده اند.

چند سال قبل این در جنوبی هند پرین سخن اصرار شده بود که یک کانفرانس هندرا لازم است که بصیار قوت و همت در هندستان ثبت جدیت را بکند و فی بعض فرقه های ذمه دار الوقت برای هندستان لزوم دیده و گفته بودند که در افریقا صاحبی خود را بطور ... دهیم

در ثانی این مسئله دوباره در ... اظهار امور و تحلیل گردید ... و بروزه ای چیز برفرنج و ... استدعا نموده که این معامله در پیشروی ارباب حل و عقد ایکبلگن چرچ و انگلستان و پیش کند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1355 of 1786

وبنی ازملیون مسیحی تأئید این درخواست را کرده اند و کمیسیون تحریک نموده که بالاتفاق تمام جمعیتها یک جمعیت بزرگ بنام « آلیانس متن » [جمعیت متحدی] قایم کرده شود که دران ملیون را به بسیار دقت طریق تبلیغ تعلیم داده شود و کار کنان این در تمام هندستان منتشر شوند که ازیکجا بدیگرجا تبدیل هم شده بتوانند .

دردرخواست مذکور بیان کرده شده که درمدت ۱۰۰ سال گذشته ۱۰ هزار هندو مسلمان شده اند وبعضی عیسائیان هم در همین زمانه مذهب باسلام شده اند ودر کار تبلیغ ، مسلمانان ساحل مغربی هند بسیار پیشرفتی کوشش کرده اند که مطمع نظر شان هم اکثر هنود بوده اند .

ودردرخواست مذکور چنین ظاهر کرده شده که ازغلط وسهل انگاری موسیو نریهای مسیحی که درحق مسلمانان هند ازیشان ابراز گردیده ازان نتایج بسیار افسوسناکی پیدا شده اند . زیرا مسلمانان درهیوقت دریک حالت شک وشبه هستند وصد حیف که تا بحال برای متأثرساختن چنین دلهای غیرمتعلق ومتذبذب بکوشش بعمل آمده است . پس حالا بجان کار کنان رو جان نکنه رس ، و مصلحت اندیش ، ضرورت واحتیاج داریم که ازمحاسن اسلامی وخیالات مسلمانان کاملاً واقفیت داشته باشند تا نوجوانان اسلامی امروزه این را ثابت کرده بتوانند که بهوع مسیح حاجت روائی شان را به چنان یکطریقه میتواند که « عبدالله و پیغمبر شان » صلی الله علیه و آله وسلم هم نمیتواند .

دردرخواست مذکور بعداز اظهار اینقدر خیالات توقع ظاهر کرده شده که اگر تمام کلیسا ها یکجا شده متفقاً دراجرای این کار بکوشند قیناً اثر آن برمسلمانان هند بسیار اهم ومؤثر ثابت خواهد شد . وآنوقت لازمست که در صدد گرفتن هندستان اقامت اختیار کنند وسررشته تعلیم کار کنان هرپیمانه وسیع کرده شود ودرزبان اردو وغیرزبانهای اهل یکرسالهٔ تبلیغیهٔ هرشایع کرده شود وهیچدقیقه ازپیش کردن بسوع مسیح را دریغ روی مسلمانان فرو گذاشت نشود چرا که اکثر چنان کسانی درآنها موجودند که مذهب آبائی خودشانرا مکمل ندانسته ودرتلاش اختیار کردن یک مذهب دیگر هستند .

ملیون مسیحی دردرخواست خودشان حالتاً کوار مذهبی مسلمانان هندرا نمایش کرده اند . مارا بکمال افسوس چنین یک معترف میسازد که آنها درست اندازه کرده توانسته اند . فقدان تعلیم وتربیهٔ مذهبی مسلمانان را بسوی مادیت مایل گردانیده و اگرچه یک طبقهٔ محدود پابندی مذهب اورحالت موجوده بجزاهت نکوئی دنیاو آخرت میدانند . مگر افسوسکه پابندی عملی مذهبی ازقسم اعظم آبادی اسلامی مفقود گردیده است . بی شبه درهرپنج وقت آواز جذبه انگیز الله اکبر از مساجد شهرها و دهات بلند میشود ولی صد حیف که در مسجدها همان رونق قدیم هیچ نمانده وبجای آنها حالا کلیسها بارونق وباجروجوش میباشند وآن کسانیکه قبل ازین روز بخوف در حضور الهی رکوع وسجود مشغول میشدند بهوش آن حالا وقت خودشانرا بچنیس وغیره میگذرانند . واین هیچ یک سخن معیوب وغیر مرغوبی نبود گاگر بامغرب پسندی خدا پرستی هم قایم می ماند ولی حیف که بخاطر مغرب خداپرستی را بکلی ازخاطرها فراموش گشت !! .

پس چون معامله بدینصورت باشد اگر پادریهای مسیحی ازین حالت زار مذهبی مسلمانان استفاده کنند وبرای تبلیغ عیسائیت درمسلمانان تزیه فرستادن یک جمعیت بزرگ موسیو نری را پسندیده بکلی حق بجانب خواهند بود . حالا درین مسئله تفکر کردن فرض مسلمانانست که آیا حالت موجودهٔ خود شانرا تغیر داده جمعیت مذکوررا برارادهٔ فاسده اش کامیاب میسازند ! و یا بگانون مذهبی خودشانرا اصلاح نموده کوشش خواهند ورزید که سعی این جمعیت را بی اثر ثابت کنند ! ودرهوقع دانستن این را می خواهیم که آن انجمنها ودرسگاه های مذهبی که بکلی مراد شان تحفظ دین و اشاعت مذهب است درتا کام ساختن این مهم موسیو نرها تابکدام درجه مدافعت ومقاومت خودرا ثابت میتوانند . برای خودما برای متأثر نشدن ازاثر تا کوار این جمعیت مجوزه از هم اول هاتامایل ساختن مسلمانان موجوده است بسوی پابندی دین ومذهب واینهم تاوقتی که درتعلیم وتربیه عنصر مذهبی را غلبه نباشد حاصل نمیشود ازاروما را لازمست که درتعلیم وتربیهٔ مذهبی بچه ها و نوجوانهای خودما پیش ازپیش توجه کنیم وزودی قلع وقمع این حالت افسوسناک رابکنیم واگر این چنین نکردیم حال ماهم بحال اسف اشتمال برادران دینی ما مسلمانان فجی منجر خواهد شد .

حال مسلمانان فجی بسیار قابل رحم است عددشان زائد ازیازده هزار نیست اینها آن کسان وبالاولاده آن نفری است که از هندستان برای مزدوری رفته بودند وپس از اختتام معاهده درهمانجا مقیم شده بودند ولی چون درتمام آب وهوای آن عیسائیت سرایت کرده است ازاروی مسلمانان آنجا ازمسلمانان هندهم بدرجها نازل بودند . درانجا هیچ یک مسجدی نیست و نه کسی نماز میخواند در رمضان هیچکس روزه نمیگیرد ونه کسی ازایام مقدسهٔ اسلامی خبر دارد وقتی که از یک مولوی فجی پرسیدند که آیا شما نماز میخوانید ؟ او درجواب گفت « که درین ملک کسی نماز نمیخواند » یک پادری بیان می کند که روزی بوقت شام نزدیک مولوی آنجا رفته بود او فی الحال یک کاسهٔ آب برای وضو طلبید پادری چون گفت که این آب برای وضوی شما کفایت نخواهد کرد او گفت که تمام اعضای من پاک هستند تنها دهان خودرا میشویم . مختصراً اسلام درانجا درچنین حال کس میرسی بچاره وضعیف افتاده است .

مسلمانان هند را واضح باد ! که اگر حال موجودهٔ خود شانرا زودی اصلاح وچلو گیری نمودند پس در آنها ومسلمانان فجی هیچ فرق نخواهد ماند وهمانطوریکه بقول رجوند فراغان گه درانجا ملیون مسیحی را درعیسائی ساختن مسلمانان بی اندازه کامیابی پیش آمده درهندستان هم اگر همچنین بود پس ازمسلمانان بعید نیست که دین مقدس خود شانرا خیرباد گویند وبه اینصورت آنها را موقع کامیابی بدهند چنانچه بعضی آثار آن الحالا هنوز ظاهر گردیده ومیگردد .

علامهٔ شبلی نعمانی همواره بغرض اشاعت اسلام درممالک مسیحی برای تیار و آماده کردن یک جمعیت موسیو نر های اسلامی کوشش واندیشه داشته و کامیابی که آنهارا درین مقصدشان رخ نمود هرناظرمن الشمس است ولی شاید که این جواب همان کوششهای آنهاوند که درو طن خود شان اعظم گده ودرانثنای حیات شان یک جمعیت ملیون عیسائیت قایم شد که مقصد آنهم این بود که موسیو نرهای یورپی برای تبلیغ عیسائیت درمسلمانان فجی به فجی فرستاده شوند واین جماعت همراه جمعیت های

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1356 of 1786

و اگر موسیو ژیهای عیسائی یکجا شده و مسلمانان جزء فعلی در مقابل مسائی آنها در تمام خود تازه آوردن غیور گشتند.

اگر مسلمانان هند حالا مانند گذشته مسلمان فعلی را درست کرده نتوانند و باعث زدائش این بار گران در آنها نیست آیا ایشان هم میتوانند که از سنت آیا برای خود فرق نکرده ؟ اشاره روشن باد ! کاندر اقوام و ملتهای که بیدار دینی و فضائل امور مدنی پیدا شود بالاخر آن ملت مستعد یکی پیشرو میشود و نتیجه آن این میشود که ملتهای دیگر آمده آنرا در هر جای خود ساخته دین خود بگذارند. پس مسلمانان را در موقع از همه اول لازمست که یکدل قوت جمعیت ملتی خود شان در مدافعه و مقابله این حمیت غیر آشنه بکوشند و وجوهٔ غیری آنها ثابت کنند که مسلمانان هند انشاءالله بهترین مدافعه دنیا میشوند و در صورت وجود اسلام دیگر غیر ملتی را اختیار نخواهند کرد.

(تمام)

(ژیهای جوانی در روس)

این بیکار عمومی ژیهای جوانی که کم وقت این را خیر رسیده است که بدون بوجود خود معاونه روس را از بندهای هائی بدست آورند از هر مکان فوجی روس توخانه روسی را تعقیب درست گشت کرده توانستند که در جنگ مات آنان امید کرده میشد. لهذا چون مناسبت افسرهای فوجی روس باعث مغلوبیت کراه مشهور گردید و بالآخر رائی شان این قرار یافت که چون کاباری توخانه تاثیل که در جنگ روس کرده بود روسیان بسیار مؤثر ثابت شده و از آنرو سالا لازم که توپخانه ها از جائی خوانده شوند. دیگر آنان این ضرور را فهمیدند که بوجه فی الفور از آنان توپخانهای چست بانک توخانه زرگ طلبید. که امروز در میدان جنگ مدار قوت مقابل توخانهای متحدهٔ حربی و اوستریا بنگ باری دولو دارد. این توپهای جوانی از قرار اسباب جدید می باشد و به قسم توخانه حربی مؤثر و کامیاب ثابت شده اند. علاوه برآن مناسبات روس و آنان بسیار واز حد افزون اصلاح یافته است. و برای مؤجر الذکر که هر قدر سامان جنگ و توپهای توخانه و بالا و غیره کم بکار باشد همه از آنان فرستاده میشوند. اسباب حربی مانند توپ و غیره کمر میدان جنگ آورا سیاه روسی صرف میکنند همه از آنجا مهیا کرده میشود. جمیع کارخانها و اسلحه خانهای اول شهر روز بکار مشغول میباشند و برای روس سامان حرب میسازند و از آنجا بسیار زود و بلا تاخیر روس فرستاده میشود و خوص آن از روس زمین مخرج اگرچه از چندسال پیشتر حربی بآن اندیشه بود که مبادا آنان بازوی همسایان جنگ امداد کنند ولی از آمدن توخانه آنان میدان زد و خورد شرق اورا بحقیقت مدد ساخت.

طرحهای جنگ براه خشکه

(طرحهای نقشه کشیده)

یک اخبار طرف روزنامه (تیمس) مینویسد : دول ائتلافی متفقاً خیال واهی میکنند که آنان را وادار کرسکی وقمبلن نتوانند میشود فایده زیرا که ذخیره احتیاطیه آنان روز روز در ازدیاد است حتی امروزه از دوه آنها اندازه شده که در اول جنگ خود آنانها این امید را نداشتند این اوقات دولت آلمان روز روز ملکهای تو میگیرند و آن ملکها را مدروع میسازند و خود را مثل بلغاریا آزاد کرده اند بلکه خود است

که تمام آذوقه و لوازم را از خاک خویش تحصیل باید لهذا این همه خیالی آنان امروزه از تمام دنیا روی زمین پر اداره شده و لوازم حربی خود را داخله فابریک حاصل میشود پیچ هائی کیسا که دوک آنان در اول جنگ تشکیل داده کامروز تعویض داده برآمده است و بالعکس والقصه که قبل از جنگ مشاهده میشد امروز آنکار میشود. اصول (کالوجوک) امروزه در خاک آنان خیلی ترقی نموده استعمال (آیوت) در تحت تحریبات کامله از هوا کرده میشود و برای خاک و آتشه بروسور های سماوی آنان شب و روز بدون اینکه خسته و ملول بشوند در اجزا آنها مشغول عملیات میباشند.

بدان اواخر آنانها تمام امید خویش را منحصر بکار های خشکه کرده بودند. هرچند تاسیسات کارهای خشکه کمتر از لاهه تنوع شده است لکن هر حرب آنانها اقدار کامل میکند. کیه کرهای آنان کارهای خشکه کشیدرا بهترین اسلحه وقوهٔ مدافعه آنان قرار میدهند و تعلیمه آنها این کارها بدرست تکمیل شده است. کیه کرهای مزبور میکوشند که این کارها برای توپ بکار روسیتوز و برای زمان آینده ازان مواد، برای خرقه وسایر آلات قتاله آنها خواهند کرد. ولی اثبات این مسئله کیه کرها میکوشند که زمان آنرا قتاله بواسطه جمعیت وسیوت حرارت قلی بهترین وسیله موفقیت در جنگ میباشد. حالا آنانها در فکر پیدا کردن وسیله هستند که این کارها مقدار کلی پیدا بای جنگ بتوانند تا سالی حل و فصل نمایند.

عقیده کیه اکثر عالمست که مقدار حل این مسئله عملیات آنها تکمیل خواهد شد.

(اقبال)

احتلال داخلی روس

راجع بانقلاب مسکو

درباب جدیده اخیر مسکو روز نامهای پترو گراد اظهار ساسو اجازه ارائه تفصیلات ذیرا مینویسند :

اطلاعاً یک از اداره طبع شهر مسکو جدید آورده اخبار جاریان است که از انقلابات مسکو ۵۴۵ باب تجارتخانه ۲۰۸ باب خانه متضرر شده و ۳۸۵۹۸۰۰۰ دنات (معادل سی و هشت کرور دو سی وچهل هزار تومان) خسارت وارد شده است. قابلهای قیمتی و دستمالات داخل مبلغ فوق نیست) سی خسارت ۲۲۲ باب تجارتخانه ۵۰ بانک مرتبه را کهاسان آنها معلوم نیست جز مبلغ ۱۱۳ هزار تومان و اثاثیه عظیم و اثاث طلائی شمرده آنان و اثاثیه ۴۸۹ هزار تومان متفقاً و ۹۰ کر روس خسارات کلی وارد آمده است.

آخرین اخبار واصله که از داخل مسکو به انگلیه تلگرافی شده مذکور : کشتی جنگی فرانسه موسوم به (کارنو) در داخل مو حمله ربیل واقعشده غرق گردید ۶۶ عرادات بانک ۹ کر مفقود ا شدند.

در چاپخانه حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همه مقاله خانگی دستخط دارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر باشد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1357 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا

یاد آوری میکنیم

مابقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرها پطرزیم لکن نشدنهذا بادا کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل یک حواله بوده یا کتابه مشارالیه تعمیم و توزیع اخبار ندارد که بهمه مشترکین گرامیما رسانده درعهدهٔ حیث خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنهٔ خود را متنبه ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ هیچ فردا فردا واسطهٔ آدمهای دا کتابه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایات داخلی افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
هرجائیکه باشد با اجرت پوست	
قیمت سالیانه ۱۰ روپیه انگلیزی قیمت ششماهه ۶ روپیه انگلیزی	
به نسخه اشتراک قبول نمیشود	
یک طلائی چهل انگلیزی (نزده روپیهٔ کابلی) است . از همین قرار حساب کنند	

یاد آوری

رعمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگرازیک جابدیگر جاروبدوبیاندمیباید که یک رقعه مدیر وسر محرر راخبر بدهند که من درفلان جاروم وحال درفلان جامجروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای مانیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرنوع اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمدن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی یم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی یم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سونت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مبادیاً کالک سال نشر کردن خواهد دوسه یک سال را پیشکی ادا نمایدد ورق یعنی فی سطری سار اجرت گرفته میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1358 of 1786

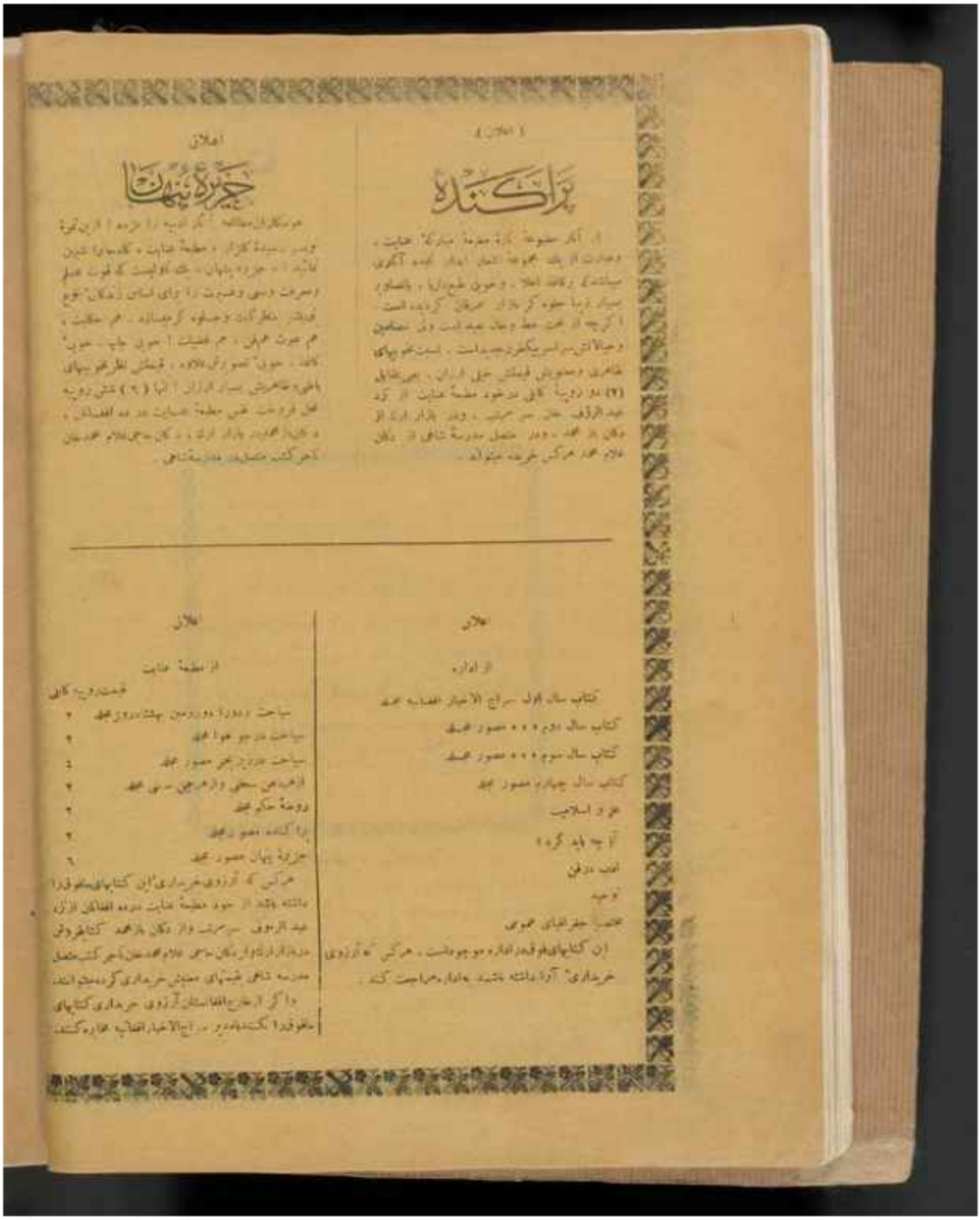

اعلان

پراکنده

۱ - آثار مجموعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، عبارت از یک مجموعهٔ اشعار ایدار نجیده آنهای سیاستمدار یگانهٔ اعلا ، و هنرور علم‌دار ، بالصاور ، بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از لحاظ خط و چاپ عیب ندارد ولی مصاحبین و حیالاتش برابر یکدیگر نمیباشد . لباس خوبیهای ظاهری و معنویش قیمتش جبل افزاید . بهر تقدیر (۲) دو روپیهٔ کابلی در جلد مطبعهٔ عنایت از کوچهٔ عبدالرزاق خان سر حوض ، و در بازار از دکان باز محمد ، و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هر کس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هر کدام از مطالعه کنندگان این کتابچه را جزیرهٔ از این قطعهٔ وسیع زمینهٔ کابل ، مطبعهٔ عنایت ، کتابخانهٔ تازین تاجایند . جزیرهٔ پنهان ، یک اوپلیست که قوت علم و معرفت دینی و ضرورت را برای انسان زندگان" موضع فهمانند نظرگاه وصفوه گردیده ، هر مطالعت ، هر عبرت طرفی ، هر فضیلت آموزی چاپ ، جلوه" یافته ، جلوه" تصویر نی یافته ، قیمتش نظر بهر بهای باطنی و ظاهرش بسیار ارزان آبها (۹) شش روپیه فعل فروخت عنی مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، و کابل از محمد بازار ارزان ، و دکان حاجی غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه چاپ

کتاب سال دوم . . . مصور چاپ

کتاب سال سوم . . . مصور چاپ

کتاب سال چهارم مصور چاپ

حج و اسلامیت

آنچه باید کرد

ادب درس

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجود است ، هر کس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمتهای روپیه کابلی

سیاحت دور دور زمین بهشتاد روز جلد ۲

سیاحت در سه هوا جلد ۲

سیاحت دور بحر مصور جلد ۲

از هر هن سنجی و از هر چین سنی جلد ۲

روضهٔ حاکم جلد ۲

پراکنده مصور جلد ۲

جزیرهٔ پنهان مصور جلد ۶

هر کس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از از عبدالرزاق سر حوض از دکان باز محمد کتابفروش در بازار از دکان حاجی غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی طلبهای خویش خریداری کرده میتوانند .

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مذکوره را نکند باید در سراج الاخبار اعلان کند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1359 of 1786

شمارهٔ ۳ سال پنجم

فهرست مندرجات

قصیده در مدح پادشاه اسلام اعلیحضرت سراج الملة والدین (

حوادث داخله (جدول اسامی و وفیات مرض جنگ و اسهال — وفات — مریض

انگلستان و عثمانی — قطع سفر اعظم آنان — آخرترین خبرهای جنگ
راه حمله علی از اخبار های ترکی و عربی — روزنامل چرد از تهر — دربار بشر کت ایطالیا بجنگ —
دربار اعلان جنگ ایطالیا بعثمانی — یک جنگ جکه عجیب — اصول جنگ در مکاتب شرق —
نقل از اخبار چهره ها تسلیم شدن چین بژاپون — ایضاً آخرترین خبرها راه حمله نقل از

حوادث خارجیه اخبار ایران — در داخل — اوضاع سوید — جنگ ایطالیا — اختلال و انقلاب در مسکو —
با [illegible] — ایضاً در داخل — تلهای کارخانهٔ کروپ — عملیات آلمان در روسیه —
[illegible] جاسوس — تحت البحری کشتیها را اسیر میکنند — امریکا در جنگ تجارت میکند —
مهاجمت اردوی عثمانی از کرمانشاه — ترجمهٔ اخبار های انگریزی و اردو — یک نمره چپلوپ —
ادبیات نقل از جریده جمال الدین — خبرهای هندوستان یک قتل سیاسی در نواح کلکته — ایضاً
نقل از اخبار جمال الدین — مسلمانان لیتوا — اوضاع طرابلس — فتح روست لیتو وسك —

تصاویر یک فقره: طلوع منظره ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین در کوه بنان مناظر عوالم را
تماشا میکنند — از منظرهای جشن سالانه مکتب فیض مکتب حبیبیه — منظره دیگر از جشن سالانه —
کار پکاتور رجز خوان ژاپون و امریکا —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1360 of 1786

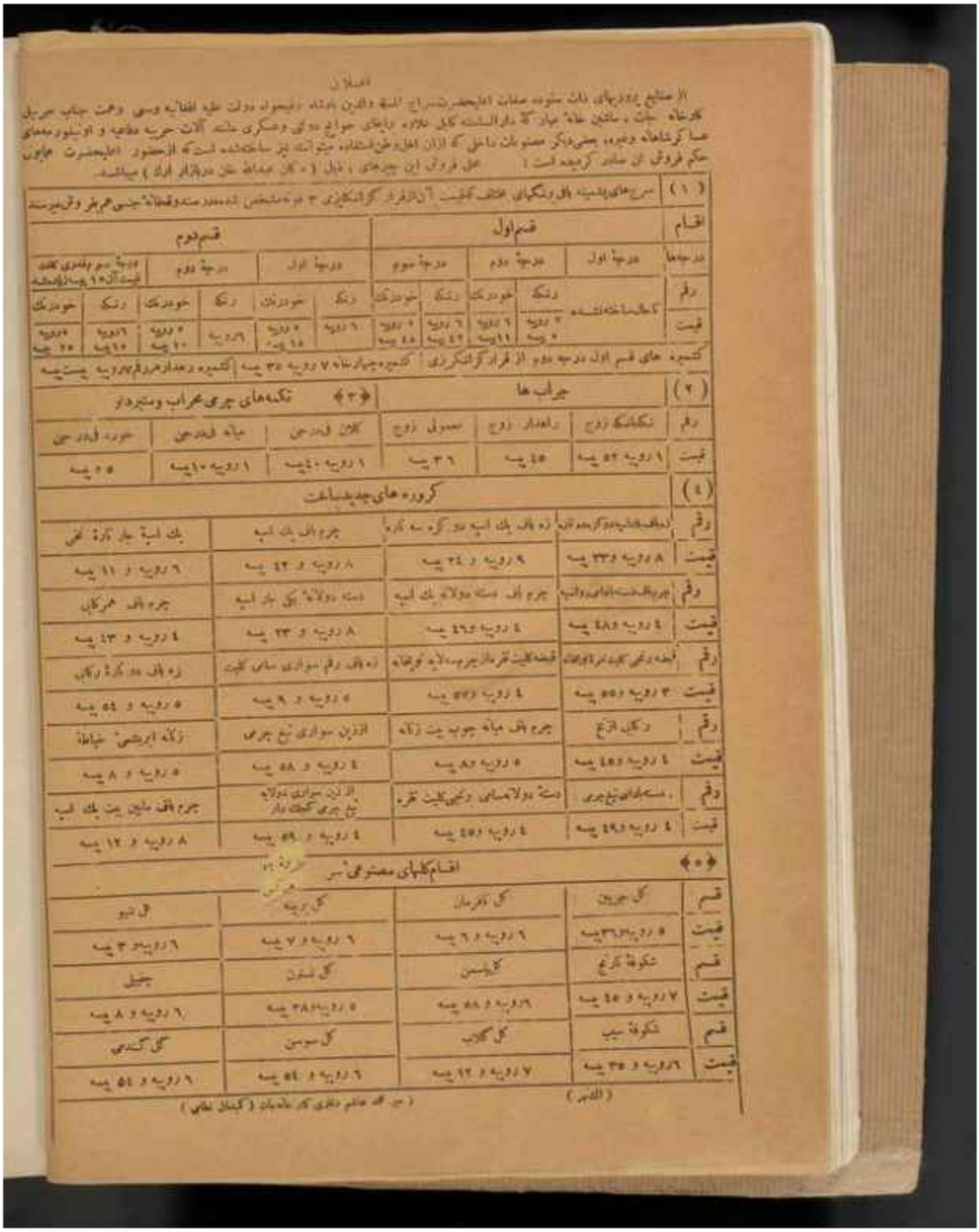

اعلان

از مصانع پرده‌های دات سنوده صنات اعلیحضرت شهریار ابد مدت ناصرالدین پادشاه دام‌ملکه و دولت علیه افغانیه وسی وهفت جناب جریل کارخانه جات ، ساختن خانهٔ بهار که دارالصنعه کل تلاش رایحای حوایج دولتی وعسکری مثله آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمهای عساکر شاهانه وغیره، یعنی دیگر مصنوعات داخلی که از ان اهل وطن استفاده میتوانند پز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالحافظ خان دربازار ارک) میباشد.

(۱)	سرخ‌های پشمینه بالی ونگینهای مختلف کشیده آن از قرار گرانکزی ۳ مرتبه مشخص شده درجه متوسطهٔ آن جنس هر نفر وقس میرسند																
اقسام	قسم اول								قسم دوم								
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول			درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقسمی کلفه قیمت آن ۱۰ روپیه زیاده شده					
رقم	کاشته شده		رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ		رنگ	خودرنگ		رنگ	خودرنگ		رنگ	خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه		۹ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۲۲ پیسه	۹ روپیه ۲۵ پیسه	۶ روپیه ۲۵ پیسه	۶ روپیه	۴ روپیه ۲۵ پیسه		۹ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۲۰ پیسه		۱۲ روپیه ۰ پیسه	۹ روپیه ۲۰ پیسه		۱۲ روپیه ۰ پیسه	۹ روپیه ۲۰ پیسه
کشیده های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکزی			کشیده چهارتاه ۷ روپیه ۳۰ پیسه			کشیده رهنار هرنمبر ۴ روپیه بیست پیسه											
(۲)	چراب ها								﴿۳﴾ تکه‌های چرمی محراب ومنبردار								
رقم	نکلنگ زوج		راهدار زوج		معمولی زوج		کلان قندهاری		میانه قندهاری		خورد قندهاری						
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه		۴۵ پیسه		۳۶ پیسه		۱ روپیه ۴۰ پیسه		۱ روپیه ۱۰ پیسه		۰۵ پیسه						
(۴)	کروره های چدید ساخت																
رقم	زه بالی یک اسپه دو کره سه کره				چرم بالی یک اسپه				یک اسپهٔ یابو کرهٔ لغی								
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه		۹ روپیه و ۲۴ پیسه		۸ روپیه و ۴۲ پیسه				۹ روپیه و ۱۱ پیسه								
رقم	چرم بالی دسته دولاسه یک اسپه				دسته دولاسهٔ یکی یابو اسپه				چرم بالی همرکابی								
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه		۴ روپیه و ۴۶ پیسه		۸ روپیه و ۲۳ پیسه				۴ روپیه و ۱۳ پیسه								
رقم	قبضه و نعل کلیت قره باز چرم بالی کوچکانه				قبضه کلیت قره باز چرم بالی سواری سان کلیت				زه بالی دو کرهٔ رکابی								
قیمت	۳ روپیه ۵۵ پیسه		۴ روپیه ۴۵ پیسه		۴ روپیه و ۹ پیسه				۴ روپیه و ۵۴ پیسه								
رقم	رکاب الزغ		چرم بالی میانه چوب پت زکاه				الزغن سواری تیغ چرمی		زکاه ابریشمی خیاطی								
قیمت	۴ روپیه ۴۸ پیسه		۴ روپیه ۸۴ پیسه		۴ روپیه و ۵۸ پیسه				۴ روپیه و ۸ پیسه								
رقم	دسته دولاسهای تیغ چرمی		دسته دولاسهای نعلبی کلیت قره		الزغن سواری دولاسه تیغ چرمی کمک دار				چرم بالی مابین پت یک اسپه								
قیمت	۴ روپیه ۴۸ پیسه		۴ روپیه ۴۸ پیسه		۴ روپیه و ۵۹ پیسه				۸ روپیه و ۱۲ پیسه								
﴿۵﴾ اقسام کلهای مصنوعی ابریشمی																	
قسم	گل چرین		گل نارمان		گل بریده				گل تیو								
قیمت	۵ روپیه ۳۶ پیسه		۶ روپیه و ۶ پیسه		۶ روپیه و ۷ پیسه				۶ روپیه ۳ پیسه								
قسم	شکوفهٔ تازغ		کاپیسن		گل نسترن				چنبیل								
قیمت	۲ روپیه و ۴۵ پیسه		۴ روپیه و ۵۸ پیسه		۵ روپیه ۳۸ پیسه				۶ روپیه و ۸ پیسه								
قسم	شکوفهٔ سیب		گل گلاب		گل سوسن				گل گندمی								
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه		۷ روپیه و ۱۲ پیسه		۶ روپیه و ۵۴ پیسه				۶ روپیه و ۵۱ پیسه								

(الناشر) (سید محمد عالم دلدی کار ماشیان (کتبخانهٔ نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1361 of 1786

مجله (۱) سال پنجم شماره (۳)

قیمت اشتراک

در دار السلطنه کابل ۲ روپیه کابلی

در اطراف و داخله مملکت

باقی ممالک ۱۰ روپیه کابلی

در خارج مملکت

باقی ممالک ۱۰ روپیه انگلیزی

هر ازده روز یکبار انتشار میشود

مبلغ اشتراک در کابل اکسی آمد

(اوراق گذرانیده نمیشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

ادارهٔ اخبار و مطبعه

در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

همه امورات تحریریه باداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲۶ شهر تاریخ شمسی ۳ میزان ۱۲۹۴

قصیده درمدح پادشاه اسلام

دان شوکتشهان اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه
خودمختار دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان خلدالله ملکه

زان یکجای اقامت نکند آب روان
گاه جای که روان است جهان گذران

عامه این عصر که از حرص و حسد اهل فرنگ
آتش افتاده در آفاق گران تا ارزان

عامه امسال که این جنگ جهانسوز و رزب
تا کیهان بخم این برق بلازد نجهان

خاصه امروز که از دولت تهذیب نشست
چون دل عاشق بیچاره بجون مانیان

بهر این واقعه آموخت ورب این تهذیب
که نباشند در آفاق ز دیار نشان

کاروده زنده درین جنگ کس از جنگ اجل
گر سلیمان جم عرش بسانم زده سکان

یکنفس نیست درین خانه که پیکار اجل
نخواند بچارهٔ سر کشته الف سر گردان

تن تنها بجهانی چکند خود را ئیل
خود کند قبض یکیسار مگر جان جهان

این اگر حاصل تهذیب، توان گفت بلسه
که کم از داده ده امروز ز بوده آده چنان

این اگر حاصل تهذیب توان گفت بچیز
که بحیوان دنی فضل ندارد انسان

داده ده گفت مهذب که در آفاق کنون
نه ز اخلاص بود نام و نه از صدق نشان

مرحبا قاعدهٔ خلق چنین است چنین
جیدا شیوهٔ تهذیب جنان است چنان

بلی کرد فنا خانهٔ تهذیب خراب
داد بر باد جهان کشور دانش ویران

خاک غم بر سر تهذیب که از طرز جدید
سیل خون کرد در آفاق بهر گوشه روان

برق در خرمن آفاق ز دند از تهذیب
انچه تهذیب خوشا سیرت وحشی صفتان

انچه تهذیب که کردند جهان ز یرو زیر
انچه تهذیب که شورند بهم پیرو جوان

ای خوش آن جنگ که بی‌بود دران تیر و تیر
جنگ آن رزم که بود است بشمشیر و سنان

نکشند نیزه و تیر خلق بصد هما ملیون
نکشند تیغ و سنان قتل همه اهل زمان

خوشا آن عصر که کردند دران نوع بشر
چون ددو دام بهم جنگ بچنگ و دندان

جنگ و دندان کجاوان گفت دوکس را نکه
گفت تهذیب بیکبار بین جمله جهان

بحر آتش بود امروز جهان از تهذیب
هر طرف توپ و تفنگ است بهم شعله فشان

غرق گرداب فنا کرد جهانرا تهذیب
توپ جرمن بود امروز ز تندر طوفان

چون درانداخت در آفاق صدا توپ و تفنگ
گفت یکقدر بر خلق دم تیغ و سنان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1362 of 1786

نشانه بی جنگ یکجو شتر
رفت از قضا آهاق دگر نیرو کان
خم ابرو تحکمت مرده زیم تمشیر
گشت در دیدهٔ هرهره سبک گردهٔ کران
بعد ازین کیس کند در صف هیجا بیدر
هیبت توپ و صدای تفنگ و تکاپان
کوه باران بود کیس کنون از بلا
از پیکار نشست است و سیاره با زان
باش تا از پی ایذای بشر نوع بشر
رنج و طاعون و وبای دگر آرد چنان
باش تا اصل جرثومه زپی ساز نبرد
چه بلاها و بدها است که سازد عیان
باش تا پسر پی آیم بچاره هنوز
چه خطر هاست پس پردهٔ غیب نهان
پس کی از شکوهٔ تعدی و شکایت مپای
کاین چنین است و چنان است و چنان است و چنان
خیز کی قصه دلا ماقت مکرار بخیر
مرکبی اکنون صفت مشوه کرصفحه دهان
دلبر سیمتنی ماه رخی زهره جبین
صنم سنگ دل لب شکری مهوی میان
شوخ طنازی کنی پیرهن سیمکار دلبر
زلف لشکر شکنی غارت دل آفت جان
آنقدر دست حکمه ازراد نداد کاهد
آنقدر شوخ که آتش نشناسد ز دخان
خلق انداز زمان خانه براند از زمین
که به بیداد کشد خانهٔ خلق ویران
چون بت سنگ دلیمی که زجور و ستمش
هیچو من مردم یک شهر نایند کریان
نکه از کردش چشم سیهش گوشه نشین
خیل مژگان بکش کرده بلا گوشه نشان
لب یاقوت نگرم چند زحسرت که رقیب
آن لب لعل کرد است زخم دندان
قیمت بوسه اگر دل طلبد اینک دل
عوض وصل اگر جان طلبد اینک جان
باغبان زلف بکش بید و بیه سنبل
وان خط سبز شبد است و نبود ریحان
گل بخون غرقی زرخسارهٔ آن غیرت گل
وبکل سرو زرتنك قدد آن سرو روان
ای بت سرو قدد کارخ شیرین حرکات
باده پیش آر که برباد بود کار جهان
بادهٔ ده بمن امروز که بفزاید جان
بده آن باده که آرد بدرم حال وخرد
بده ان باده که آرد بتنم تاب و توان
آن مرم بخش که سازد دل رنجور صحیح
آن مرم ده که کند در تنمی پیر جوان

باده دلبستگان بود ایذوع جهان کشش
باده بیغش بود ای ماه بطرف مستان
باده درباغ برد کلفت بسیار زدل
باده درباغ برد زحمت و آزار زجان
تشنگی سوخت دل آن آب بیوآکنی آخر
بجلی آن بادهٔ بیغش که کند طبع روان
بده از لطف بمی جام بیاپی ساقی
تاکنم مدح تو شه ملت امیر اقصان
شاه شاهان وامیرالامرا خسرو عهد
بافضل و بادل و بانل ملك ملك ستان
کوهر بحر جود تاج شرف و تاج هنر
معدن جود و محیط کرم و جان جهان
خسرو ملك ستان بادشهٔ بانشکوه
ملك عهد و شهٔ عصر و شهنشاه زمان
طالب امن و امان راهب احسان و هنر
مایهٔ فهم ودد کا آیهٔ صدق وایمان
پردل وبحمل وبتیر شکار آرزو در
بام جود وهنر رسم روز میدان
رزم را لطف و کرم مهر و وفا جود وسخا
رزم را شیر ژیان چوگان پیل دمان
شاه عم جاه ملك قدر سراج ملت
آنکه ملکش توان داد در آفاق نشان
آنکه درعهد خوشش سکی آهوست پلنك
آنکه در ساحتش گرگ پاید است شبان
آنکه طباع کدائی بادی وافعال سده
آنکه پیر است شده چو بافعال جوان
آنکه در کشور انواع جنان است زمین
آنکه دردولت اوامن وامان است زمان
آنکه از خلق نکویش چوبهاراست خریف
آنکه ازرو روایش چوبهشت است جهان
آنکه باشد دلش ازجود چودریا مشمس
آنکه باشد کفش از راه کرم خصم یکان
آنکه شدوقت درخلق بخدان معروف
آنکه شد عمر عزیزش پی کار عمران
افکند سطوت او لرزه به بنیاد عدو
باده از هیبت او زهره روان شیر زیان
از خدا پیوسته دعا باش بدعا میخوا هم
که مرا نجیه صفت باد زبان زر زبان
کاسهٔ خانهٔ خور شید پرسم تجیم
تا که منصوب بود زهره شود میزان
تاحمل باشد و میزان شرف شمس و زحل
کو کب طالعش از برج شرف باد عیان
تا بود حتم قصیده بغزل بیکسو تو
گویم اکنون غزلی در صفت لاله و خان
ماه دل شاد ازایم که آن جان جهان
جان زما خواست شب وصل و بیوبم روان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1363 of 1786

ایکه چون ماه رخت مهر نباشد روشن
تا کی از دور بدیدار تو باشم نگران

بر لب لعل تو مبیند چیان اسکندر
چشمهٔ خضر گرو بود بیکمبر نهان

چرا از بست دهان تو دران نیست سخن
زان میان یکسر مو بیان نیست نشان

دو کمان میکشد ابروی تو پیوست چرا
میکند کار می غمزه بك پشت کمان

میکنم جان بلب لعل تو سودا هر چند
من سودا زده ی سود نداشم نه زیان

جان بدان ز کس خوش نخواهد (مستغنی)
میشود گر لب جان بخش تو ای شوخ عیان

خواهدم طبع دگر بار مکرر مطلع
آفرین باد مکرر بچنین طبع روان

درج اخبار کنم مدح شهنشاه زمان
غیر از ینم نکند خاطر غمگین شادان

عذر ما تات توان خورد بتکرار قسم
تا مسلمان نخورد روزه بماه رمضان

بخدا وند توانا بقسر آن سو کند
باز بر صدق رسولان وبشور ایمان

صف لشکر مزکان و بخنجر جادو
به نگاه غلط انداز و بناز خوبان

بوفای غم جانان و به چهری دوست
بستمکاری دور ازو بعمر گذران

بشب وصل که افزون زشب قدر بقدر
بشب هجر که کوته ندارد پایان

بدل آن بت پیمپیر که صد بار فزون
بدرش خورده قسم از سر سجی سنمدان

قسم از سر اخلاص بآن است وبان
قسم از ره تصدیق بان است و بآن

قوت فرزند نیکرده اگرم دل بخون
ورم از مرگ برادر نشدی اشك روان

مرگ این مرد جوان مرگ بیکبار اگر
قدم از بار غم و رنج نیکرد کان

گر لسان مادیم این درد ازان شعر بلند
گر اثر مادیم این رنج ازان طبع روان

گر نه این مانم دلگیر نمی ساخت حزین
ورم این مرگ کلو گیر نمی بست زبان

لب نمی بستم از توصاف سراج الاخبار
آنکه وصفش نتوان کرده بتقریر وبیان

کار او مدحت اسلام بود غیرت دین
کس چگوید که درو مدحت اغیار بان

کارش از غیرت دین خدمت قوم است و وطن
از اجانب نتوان یافت درو نام و نشان

گر چه از کار جهان است خبر دار ولی
نکند کار جهان کار همان است همان

درج اخبار وطن میکند اشعار وطن
مدحی شعرش اگر سوی نکند بیان

کاشکی بشنود این حرف که کرده خاموش
از سخن طوطی شکر شکن هند ستان

تا ه گر مدح نصاری بسراج الاخبار
نظر ستد که کند نشر در اطراف جهان

منم امروز مقابل که روان شعر نرم
تشنگان نوش نمایند صوض آب روان

نبود گرچه هم از اهل زبان (مستغنی)
بود اقرار باصناف سخنش اهل زبان

§

این قصیدهٔ حکمت نشیدهٔ فوق‌العاده ربانی حکایتی درج صحایف افتخارما شده است :

قبل ازینکه از ریاست « توهارو » ممالك هندوستان بك مکتوبی بانك کتابچهٔ کریم که کتابچهٔ مذکوره عنوان (قصیدهٔ مرض اخلاص) را حاوی وبحسن خط وحسن طبع مطبوع شده بود ، صاحب مکتوب درج قصیدهٔ مذکورهرا در سراج الاخبار افغانیه آرزو کرده بود. قصیدهٔ مذکوره تقریباً یکصد و نجاه و چند بیت بك قصیدهٔ غرابی بود که در خوبی و حسن مضامین شعریه اش هیچ گفتگوی نداریم . ولی موضوع آن مذهب او مسلك اخبارما آنقدر ضد وبعید بود که درج آرا نی بلکه خواندن آرا نیز برطبع خود گوارا نتوانستیم . لهذا بجناب شاعر شیرین بیان وطن عزیز خود جناب « مستغنی » مراجعت کرده باین قصیدهٔ مافوق تا یکدرجه تشفی صدر توانسته کردیم . از صاحب مکتوب بالطاعه اعتذار میکنیم که در صحایف سراج الاخبار افغانیه آنچنان اشعار و گفتار راه دخول ندارد .

حوادث داخلیه

حضرت ذات اقدس الهی جل سبحانه ممالك محروسهٔ شاهانه را از همه آفات وبلیات محفوظ داره .

چاری مدهٔ مرض وباسهال که در شهر واطراف شهر ظهور نموده اگرچه تا وقت تحریر را بحروف هنوز دوام دارد ولی قاطعدوالله از تاریخ ۲۹ شهر رو به تخفیف نهاده است چنانچه از جدول ذیل بخوبی مسبوق میگردد . وامید از فضل و کرم نامتناهی الهی که تا چند روز دیگر اثری ازین عارضهٔ مدهشه نماند :

جدول اصابات ووفیات مرض
هیضه واسهال
از تاریخ ۱۹ رمضان الی ۳۰ شوال
بموجب رپوتهای کوتوالی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1364 of 1786

تاریخ	وفیات	اصابات
آغاز مرض در قریهٔ علاءالدین از ۱۹	۳	۱۰
الی ۲۹ رمضان		
ایضاً در قریهٔ مذکور فی غرهٔ شوال	۰	۹
روز شنبه ۲ شوال قریهٔ علاءالدین	۹	۲
۳ ماه قریهٔ علاءالدین وقریه باقیاکار	۲	۳
٤ ماه در شهر واطراف	۱	۳
٥ ماه در شهر واطراف	۳	٤
٦ ماه در شهر واطراف	۲	۳
۷ ماه در شهر واطراف	۱	٥
۸ ماه در شهر واطراف	٥	۱۳
۹ ماه در شهر واطراف	۱۱	۲۹
۱۰ ماه در شهر واطراف	۱٥	٦۰
۱۱ ماه در شهر واطراف	۲۳	۷۱
۱۲ ماه در شهر واطراف	۳٥	۷٥
۱۳ ماه در شهر واطراف	۳۹	۷۹
۱٤ ماه در شهر واطراف	۱۱۷	۱٤۱
٦٥ ماه در شهر واطراف	۱۰۷	۱۳۲
۱٦ ماه در شهر واطراف	۱۰۰	۱۲۱
۱۷ ماه در شهر واطراف	۱۲٤	۱۲٤
۱۸ ماه در شهر واطراف	۱۰۳	۱۲۱
۱۹ ماه در شهر واطراف	۲۳	۰٦۳
۲۰ و ۲۱ در شهر واطراف	۳۰	٤۱
۲۲ و ۲۳ در شهر واطراف	۲۷	٥۱
۲٤ در شهر واطراف	۲۳	٥۷
۲٥ در شهر واطراف	۱۹	٥۹
۲٦ در شهر واطراف	٤۷	٦۹
۲۸ و ۲۷ در شهر واطراف	۱٥	٦۳
۲۹ تنها در شهر	۲	٦۳
۰۰ در اطراف	۳	٥
۳۰ در شهر	۲	٥
	۸۸۳	۱٤۲۲

وفات حضرت سیات

بتاریخ پنجشنبه ۲۳ ماه شوال المکرم سنهٔ ۱۳۴۳ هجریهٔ قمریهٔ ذات محامد مآب معالی جناب سردار اکرم نائب السلطنه صاحب اختر پرین (رقیه) صاحبه که تنها هشت سال از ورود بدوکهٔ دنیا هوای حیات پر فضا تنفس نموده بود از وفور محبت هستی عزیزان را قربان نموده بدار بوجود خوش بشتافتند بجنت برین ارواح مقدسهٔ ایشان هستین گردید . انا لله وانا الیه راجعون.

مختصر مشار الیها در شب ۸ شنبه بتاریخ فوق ۸ هشت بجهٔ شب عرض مدعا موجود مصاب گردیده وقت صبح جان بحق تسلیم نموده . سرای الاخبار الفاتحه و کمال الصبر و حسن التسلیم لعزیزان او تقدیم نموده سلامتی ذات اعلیحضرت همایون و جناب عالی لحضانت او را از درگاه الهی نیاز میکند .

وفات

خانجاده میرزا عبدالله خان که در ادارهٔ ماجراها از اجزای مهمهٔ اداره و بکلی مرد مخلص و نیکنام بامت بود . واز مدت هشت سال است بکلیوان دچار گردیده . و عاقبت تأسیس ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه در اداره بهمراه این قدوی دولت بوده ودر وظیفهٔ خدمت بحوالهٔ عمر کمال غیرت وهمت باوجود مصدر پیری جدید لازم و ایکار نموده . و بجهار شنبه ۲۷ شوال المکرم سنهٔ ۱۳۴۳ دار الفنا جای الیقا بیت گفته فی مابقا بدار بقا رحلت نمود . رحمة الله علیه .

وفات این مامور کار آموده ما که امور خانه و مکتوب نویس ادارهٔ ماجراها بود بکمال غیرت وهمت اجرا میکرد حقیقتاً یک ضلع از ضلعات مهمهٔ ادارهٔ ما شمرده میشود . خداوند متعال اورا مغفرت وعلیین مکان را نصیب و نسبت عطا فرماید .

دیگر میرزای ادارهٔ ماجراها ملا بجواب ملا عبدالقول خان والد ماجد شیر وخان عزیزما جناب ملا عبدالقیوم را که چه عرض مهلکهٔ مدهشهٔ معیوده مصاب گردید ولی عمل و کرم نامتناهی آلهی الحمد که بایشان رهایی بخشیده است .

از بارگاه آلهی نیاز میکنیم که این بلای عرض شامل مهلت را روزی از سرمایا ایشان دفع ورفع فرماید آمین .

جواد خارجیه

(انگلستان وعثمانی)

بتاریخ بعضی ملاحظاتی که زاده مامن اعتبار ما بران موقوف بود از توشتن اجمالهای سیاسی " و ازطرف خود مینوشتیم لا مندیست که بعرض نظر گردانیم . اما بتوشتن نقل ترجمهٔ تحریراتی که از جرائد بیگانه گرفته ایم . وکسی را حق شکایت نیست . لهذا ترجمهٔ بعضی فقرات یک مکتوبی که از (سویتزرلند) بجریدهٔ اقدام نوشته شده است در اینجا عرض انظار قارئین میداریم :

" انگلستان یک وقتی بود که دوست دولت عثمانیه بود . بعد ازان در اداره کلادستون " کرفته ازطرف (لیبرال) هاخلافی دولت عثمانیه یک پولیتیکی پیش نهاد کرده . کلادستون . زرکترین دشمنان اسلام بود انگلستان بجای پولیتیک " دوستی " عثمانی " پولیتیک دشمنی " روس را که بزرکترین دشمن عثمانیست پیشه کرفت . وابجاد مقصد دیل درذهن " لیبرال " ها قرار کرفت :

" اولاً — بالسلامیت دشمن شدن .

" ثانیاً — استقبال همسایکان از شیعه زهراوان

" ثالثاً — برای تجارة نمایان انگلستان " ازیک حکومتی که مملکتهٔ وسیعه مانند عثمانی طلب کردن .

" ابن آرزوها پولیتیک قدیم انگلستان زادوشرق قریب تبدیل نمود مع هذا حشمتمآب ادوارد هفتم " دوست شخصی " ترکیا بود . وزمان سلطنت ایشان ازدیاد امتیازهای بزرکی را برای ترکیا کرفته بود . در حالیکه وفات ایشان یک ماتم بزرکی در ترکیا برپا نموده بود . اکر آن حشمتمآب زنده میبود این پولیتیک متجاوزانهٔ اجنبیت وخلاف دولت عثمانیه پیدا نمیشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1365 of 1786

« بمجردیکه دولت انگلستان دولت روس‌را معاون قوهٔ بریهٔ خود ساخت ، در اورد و زنگهای هلاکت و مصیبت را بخاطر انگلستان ازنزدیک واطراف روسیه نمایان خود یك چند فایده و منفعت‌را درمدنظر گرفته بود ، وبمقابل آن منفعتهای که خودرا حاصل کند . لازم‌بود که برای آسان ومقاصد روسیه نیز خدمت‌کند . یکی ازین منفعتهای مقابل مسئلهٔ قدیم ایران وافغانستان بود ودیگر منفعتی که انگلستان از مقارنت روسیه انتظار داشت‌ا فایده چیزبود :

اولاً : ـ روسیه‌را که استانبول آورده‌و آسیاخاراندست اوداشته وفکر و خیالش را سراسر از هندستان برگردانیده آرزوی و سعت دادن مملکت گیرش‌را بر ممالك عثمانی کشیدن .

ثانیاً : ـ خلافت اسلامیه را سراسر از بیخ وبن برکنده‌برای مسلمانان هندستان هیچ بگذوخصوصی نگذاشتن

ثالثاً : ـ بالقانیا و آسیای عثمانی را در مابین خود تقسیم کردن و برخلاف القانیا یك هیئت متفقهٔ حاضر ساختن .

رابعاً : ـ بحصر سراسر یك مالکیت مستقلهٔ حاصل کردن .

خامساً : ـ ازبصره گرفته عموم عراق عرب و عراق عجم‌را بدست آوردن .

سادساً : ـ یکباره رقیب تجارت وسیاست خود القانیا را ازروی دنیا برداشتن .

ازوقتیکه حکومت مشروطه درعثمانی قایم گردید همکاینه‌های عثمانی همین مسلك‌را پیش گرفته کهانگلستان‌خوش گذران گشته‌مسئله‌هایی که درمابین عثمانی وانگلستان مختلف فیه بود برای حل وفصل کردن آن حکومت عثمانی آنقدرسعی وکوشش ورزید که براصلاحات داخلی خود نیز آنرا ترجیح داد . ولی چه فایده که سیر ادوارد گری وکابینهٔ لیبرال جو چنانیك مسلك عداوت کارانه‌پیش نگرفته‌بود که این نشانات سودمند افتد . نه‌تنها دل نگشتی عثمانی ، بلکه اوضاع تا گواز انگلستان هیچ نکتی درنیافته بود که بانگلستان رحمی ودرحمی پیدا نکرده باشد . انگلستان برای حرس حفاظهٔ منافع اقتصادیهٔ خود بحریت واستقلال همه ممالك دنیا ازدین یك پیش گیجه‌خوردگی نکرده است . بخلاف روسیه مجولانده ، بالبانیا به امریکا وغیره وغیره فریدی که از دستش آمده قصور ورزیده است . وازین است که باوجودیکه عثمانیان خیلی ازحین انگلستان‌ابراز دوستی نشان دادند بمقابل آن بجز بدی دیگر چیزی ندیدند . وبصورت‌واضح معلوم گردید که‌پندر و کابینه لیبرال ـ یعنی سیر ادوارد گری ـ پولیتیك مدا ساختن عثمانی‌را بمنافع روسیه یك مسلك مستقیمی برای خود گرفته است و درهر قدمی که بر میدارد پروی همین مسلك زمزحرکات اوپدیدار میکردند .

یك نظارهٔ علویت منظره

نات شوکتنیات اعلیحضرت سراج‌الملة والدین مرکوه پرشکوه پنهان مناظرعوام طبیعیه را تماشا میکنند بهمت شاهانه‌شان مالیجاه (احمد شاه خان مرر اسپور

دریکوقتی بود که دولت عثمانیه برای انگلستان بسیار لازم بود برای تعطیل کردن حرکات روسیه کمپکسر درآسیای وسطی پیش‌شده میرفت یکدولت عثمان احتیاج قطعی موجودبود اما انگلستان دفعهٔ یك‌دفعه کاری دیگری‌را پیش گرفت : ـ دولت عثمانی‌را صدمه‌دمن‌بازشده آن گرگ کهنه بیع ساختن ، وهندستانرا بایصورت ازچنك حرص وطمع آن رهایی دادن ، ومنافع سیاسی واقتصادی القانیارا بزودترشرقغرب بواسطهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1366 of 1786

آن طعمهٔ چربی که بدهش الطاف بدست او میافتاد .

انگلستان اگر بجای این مسلک ، مسلک تقویت دامن موقع اهل اسلام هندستان را معماً و عمداً پیش میگرفت ، وهمه حقوق آنها را محافظه میکرد ، در اوقت هندستان را بصورت دایمی از ترکستان روس محافظه کرده میتوانست . اما چه چاره که کابینهٔ لیبرال بازو لیبرال‌سوسیت ودوستی اهل اسلام خیلی دور افتاده .

از منظره های جلسهٔ سالانهٔ کنگرهٔ فیبی مکلب جلسهٔ

تشریف فرمائی شهزادهٔ جوانبخت معظم معین‌السلطنه صاحب العلم در مراسم جلسهٔ طلاس کنگرهٔ بین‌المللی فیبی مکلب در تالار کنسرتوار کنسرتوار شهزاده در میان جمعیت

طرف دست چپ شهزاده آقای سردار مفخم بختیاری سردار اشجع آقای سردار محتشم

در کومن شماره بالا در آمده این فصل دیگر را بیان کرده :

« پیش از این بحثت رود . چگونه وضعیت ایتالیا را در شیا ایضاح خواهد کرد . هنوز یک شمهٔ امیدواری موجود بود که اشتراکیون حکومت مطلقه را خواهند جلوگیری نمایند . اعلان امید بسر نرسید . روحیات جمیع احزاب آشکارا نمایان که ملت ایتالیا از اتحاد خود تا در راه مرغهای خون آلوده در صفحات تاریخ دستخط خود بنویسد . [در اینجا صداهای

شدند که برسوابر چون این سخن از اهل مجلس درخواست] کان میبود که (ماکیاول) یک روزی گفته بود که « : ـ (اگر برای محاربه ضرورت پیش شود ، در اوقت آنچنان یک حرب حق و عدل میباشد) اما این نقطهٔ نظر (ماکیاول) که از افکار اخلاقی سراسر عاری ووارسته است ، بازهم اگر اساس محاکمات اتخاذ شود . آیا این محاربه لزوم وضرورت موجود بود ؟ آیا این محاربه سراسر مغایر عقل سلیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1367 of 1786

نبود ؟ [صداهای : بلی ! بلی !] به ایتالیا را هیچ کس تهدید نمیکرد از جهت اوستریا مجارستان ، نه از جهت آلمانیا برای ایتالیا هیچگونه تهلکه وارد نبود . عامل ساختن ایتالیا را وعدهای ملاکاری ائتلاف مثلث چیز معلومیست که در اواخر تاریخ آوا اثبات خواهد کرد [نعره تحسینهای پرشدت]

ایتالیا ، بی آنکه بکقطره خون بریزد ، بی آنکه حیات یك فردی از اولاد خودرا بتهلکه بیندازد به تصویباتی که مقررات آنرا پریروز برایش خوانده بودم دسترس شده بود ، بااینصورت که : ایتالیادرجهت ترنتن (ایزونزو) ودرجهت (ایزونزو) در داخل هاقدر منطقهٔ که زبان ایتالیائی دران استعمال میشود زمینها را حق السکوت کنده بدست میآورد (۱) . ودر (تریسته) ایز آمال ملیهٔ ایتالیا توزیع میشد . غیر ازینها ایتالیا درالبانیا نیز مالك آزادی حرکات میشد ، زیرا اینهمه مانند (آوکوتیا) یك پارچه فیتداری باوداده میشد . ایا ایتالیا اینهمه مساعدات را چرا قبول نکردند ؟ آیا ایتالیا میخواست که همه قطعهٔ تیرول را که باالتهاسکو نسبت بدست خود دارد ، دستهایکه باین تصدی نکند بشکند ! [نعره‌های شدید تحسین]

ایتالیا این موقعی را که امروز بدست دول متفقه احراز کرده است بسایهٔ خدمات الان بوده است . آیا ایتالیا همین مقصدرا میدوراند که اگر بخلاف عسکر اوستریا مجارستان هجوم بکند ، بهجوم میهاییم که اگر بخلاف عسکر اوستریا مجارستان هجوم بکند ، بهجوم ومقاومت آلمانیا نیز معروض خواهد ماند . ودر خصوص چای هیچ شبهه برای ایتالیا نگذاشتیم . [نعره‌های تحسین] ایتالیا که میگوید (وبه) را آیا چرا بایك صلت بزرگی دچار خود ؟ ایتالیا که میگوید درمابین سخنان میان خائی تنها یك سوء نیت احساس کرده است . حال آنکه درکون اعلان حرب او دریاب هیچ گونه یك صراحتی موجود نیست ، درمطبوعات ایتالیا ، ودرطیزهای پارلمنت شان شایع شده بود که تکلیفات اوستریا مجارستان ناوقف رسیده ، وبدین تکلیفات امنیت واعتماد کرده شده وازاسباب بداعلان حرب کردن مجبور شده است . گان میشود که ایتالیا گذرنت اعلان حرب خود انجیزهای فوق را ذکر نکرده ازین است که ازذکر وبیان آن شرمش آمده است . آیا حقیقت حال همین است ؟ رجال حکومت ایتالیا ، نظر به اسنادی که در خصوص رعایت وصداقت عهودات التزام کرده اند ، بوجوه صلاحیتدار نبودند که حسن نیت دیگر ملت‌هارا عدا که کنند . [صدا های شدید تصویب ، وقهقه های متسلسل]

تعویضاتی را که از طرف اوستریا مجارستان نشان داده شده بود ، ایتالیا حرف بحرف تطبیق واجرای آنرا بالذات تکفل واعهد کرده بود بنابرین برای ایتالیا هیچ سبب معقول موجود نبود که بی‌اعتنی نشان بدهد [تحسینهای شدید] تکلیفات اوستریا مجارستان چرا دیر رسیده باشد ؟ بی‌دیر رسیدن آن ازین است که ایتالیا باوجودیکه در اتفاق مثلث داخل بود واتفاق مثلث هنوز زنده بود ، واوین آنکه شرمش باید بسیار پیشتر هادر زیر لمید

(۱) آیا افغانستان زیر هر قدر یك استفاده‌ئی از حق السکوت خود درمنطقهٔ که زبان افغانی دران استعمال میشود حق داشت ؟ بی داشت ودارد ، وخواهد داشت ! (مترجم)

ائتلاف مثلث درامده بود که دروقت تکلیفات اوستریا مجارستان خودرا از آغوش ائتلاف رهائی داده نمیتوانست . حال آنکه قرال وحکومت ایتالیا بعد از اعلان حرب اوروپا نیز باقی بودن اتفاق مثلث را تصدیق کرده بودند .

تاازماه دسمبر در وضعیت کابینهٔ ایتالیا بعضی علامات تبدل موجود بود . حقیقتاً بایك نیروی تاخته زدن هروقت خوب بکچیزیست ایتالیا درخصوص از بسیار وقتها به اوضاع وحرکات متلون ودودرنگی میال بود . اما معلوم است که مادربك دالان رقص نبودیم . بلکه اینجا یك عصر تجارتیه خونریزانه ایست که درانجا ایتالیا واستریا بمقابل یکدیگر دشمن برای محافظهٔ موجودیت خود شان مجادله میکنند . [تحسین‌های پرشدت] رجال حکومت ایتالیا همانبازی های که بمقابل ملازی کردند . عیناً همان بازیهارا بمقابل ملت خودشان نیز بازی کردند . اگرچه آن حوالی کمدور حدود شمالی ایتالیا زبان ایتالیائی تکلم میکنند ازوقتهای وقت درزیر نظر هرایتالیائی بود ، اما بااینهمه اکثریت عظیمهٔ ملت ایتالیا متفقاً صلح را آرزو میکردند . درپارلمنت ایتالیا نیز افکار اعضای پارلمنت عیناً درهمین سر کرود . دراوایل ماه می درمجلس اعیان ایتالیا دریچ بارنر . ودر مجلس مبعوثان درسه دونفر رهمین فکر بودند که حرب نشود در میان طرفداران صلح رجال بسیار جدی ومعتدل موجود بود . اما چه فایده که در مملکت عقل ومحاکمه هیچ کاریگر نمیشد . ادارهٔ مملکت بدست پست پایه‌ها افتاد . رجاله حکومتی که تورسر کار آمدند بقوت طلاهای ائتلاف مثلث اهالی را بقابل ساختند وتشویق کردند بدرجهٔ که کوچه‌ها دریك دقیقه شراب خون کوتی پرولوله گردید . یعنی پست پایه هائی که مردم عوام را اداره میکردند قرال را بیك اختلال تهدید میکردند . وهمهٔ اعتدال پروران را که با آنها طرم جنك را نمیخواختند به نعره‌ها وقطارهم میدادند .

رجال حکومت جدید ایتالیا از صفحات مذاکراتیکه بااوستریا مجارستان جریان یافته بود ، واز درجهٔ وسعت مساعدائی که از طرف کابینهٔ ویانه ابراز شده بود مدت ایتالیا را قطعاً خبردار نکرده بودند که به ایصورت بمدار استعفای کابینهٔ (سالاندرا) هیچکس برتشکیل کابینهٔ جدید جرأت کرده نتوانست . ودر مجلس اعیان ، مجلس مبعوثان یك خطیبی پیدا نشد که ازطرف اوستریا مجارستان چگونه مساعدات برقیمت وبااهمیت به ایتالیا داده شده است . ارباب عقل ووجدانی که نمیخواستند چیزی بگویند کمتر شان درمیان قیل وقالهای حرب طلبان پنهان کردید . اما امید قوی ما آنست که چون از نتیجهٔ حرکات عسکری خود ملت ایتالیا یاس وناامیدی یفتد آنوقت چشمهای شان بازشده خواهند دانست که چه خدمت عقل بحرب عمومی داخل شده اند . هرانچیزی که از دست ما میآمد در باب جدا نشدن ایتالیا از اتفاق ما اجرا کردیم . متفق خود استریا مجارستان را برای داد تعویض ارضیه بمتفق ثالث خویش یعنی ایتالیا ـ تشویق وتشجیع کردیم . اینهم معلوم است که اوستریا مجارستان درمدت عدات تاپه اخیر درجه پیشرفت . رئیس ، ولیو ، برای حصول یك ائتلاف ، تمام فعالیت ومهارات دیپلوماسیهٔ خودرا درایتالیا صرف کرد [تحسینهای پرشدت] اگرچه همساعی رئیس بمشار الیه بیوده ماند ، ولی همهٔ ملت ازو تشکر کنار است به [تحسینهای پرشدت] بامتفقهای خود برادر وار سلاح بدست کرفته .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1368 of 1786

آخرترین خبرهای جنگ روسو-عثمانی

(ترجمه های اخبار های ترکی و عثمانی)

اصول جنگ کنونان در پیش گرفته بسیار عجیبانه است. دو میدان جنگ در پیش دارد: یکی در شرق بالکان و دیگر در غرب بالکان. و قوای روسیه که از طرف شرق بالکان کامیاب آمده است بشتاب که بطرف شرق حرکات تجاوزی آغاز می کند. و در طرف غرب وضعیت دفاعی را پیش میگیرد. چنانچه حرکات تجاوزی عساکر آن در روس بخوبی پیداست و مطلوبیت جزء آن بدست. همچنان وضعیت دفاعی آن در چنین لایترلاسه کالنکلو و فرانس از جهه‌ای متوازن خود خبر اظهار نظر نکرده. در وقت حاضر هر دو طرف مقدرت خودرا آنان به اتفاق متفق خود اولویا عساکرشان روس صرف می کند. و عزم جزم کرده است که روس را پیشرفت نکرده و مضمحل و پیصلح راضی نکنند رو گردان نشود. و از این میباشد که در طرف غرب بالکان حرکات دفاعی و تهاجمی دیگر کاری نکنند و به اینصورت قطعات کل دشمن وارد عمل آرد. هیچک از طرف شرق بمقصد خود کامیاب آید سائیه میل خروشتای بسوی غرب رو آورده. حال حالیکه روس وارد آورده و عثمانیهای غربی خود خواهد آورد.

بار دانیل - پور آرتور

اگر ارباب بصیرت قطعات قلع بار دانیل را بادقت خیلی ظاهر مینمایند. و می گویند که انگلاتیون درین نقطه خودشان کوب خود را غلط کردند. زیرا کردن انچنین مطلقات مستحکمه بقدر کارهای عظیمه و قوتهای بسیار فائقه و وافر نظیات جسیمه متوقف میباشد. استحکامات بار دانیل اگر در جوار پور آرتور نباشد این کم نیست حال آنکه باوجود قوة وافیا عسری آنان باز هم بزور و قوت بحربور آرتور غالب آمده نتوانستند. و تا آنکه از طرف خشکه بقدر دوسه لک عسکر حرارو کار آموده موق نشوند. و طوپهای بسیار زور قلعه نکاف را زخمها و مدتهای فوق العاده از خشکه نیاورند. و گولهای جسیمه روسیه از راه خشکه با آن طوپها نفرستند پور آرتور را گرفته نتوانستند. حال آنکه در اینجا قضیه برعکس است. و لاکتنی های جسیمه انگلاتیون از استحکامات بار دانیل که پاک آسانی تسخیر و آنرا به آسانی گذشتن آنان خیلی مشکل بلکه محال الاحتمال است. مگر آنکه لااقل نصف عمده کشتیهای جنگیه موجودهٔ خود شانرا فدا سازند. و اگر انچنین پک فدا کاری را بنظر نگیرند. در اوقت قوة بحریهٔ آنان در طرف غرب دشمن قوق حاصل کرده دیگر از تهاجم شان میترسد. و اگر از خشکه خواهند کاروانات خود کامیاب شوند آنهم آنان مشکلات است. زیرا در پور آرتور عسکر عاصر آنان باز هم جوابگو از عصور روس حتی فائق بود باز هم بزور هجوم و یورش نتوانسته کاری از پیش برند. بلکه بصورت دفاعی و متدافعی چاره مقصد خود کامیاب شدند حال آنکه تصور میاند کان پور آرتور از خشکه پیچطرف اتصال نداشته. و هیچ مدد و کومکی به آنها از هیچ طرف نمیرسید. بعکس آن بار دانیل هر یومی ارتقاء و عرفاء مالک آسیای صغرای عثمانی از خشکه مربوط است و عساکر تازه دم دمبدم به امداد آن میرسد. تا عسکر و طوپ و قوا ذخائر خودرا که و حربیه

این هجوم دشمن وجود هم تحمل می کنیم. [تحسینهای پرشدت] از ماهیاست که بالاتر از عبارتان متفقاً در پیش روی قوت قابل وجود خود — یعنی روسیه — سیاسر و مقاومت را کناره جنگ می کنیم. و بطرز شهای تمام دشمن هجوم کرده بسیاری از ملکهای تازا سقط گردیم. و هم امیدی کنیم که با این عزم لایزال خود این دشمن وحشیرا نیز مغلوب کنیم [تحسینهای پرشدت]

دور گا درین عزم و اتحاد و تجدد خود شارا تمجید می کنند. هر ملت آنان باپک تحد وصداقت بزرگ از دوی ری و حری تهای را که بامرمربوط هستند وضع جهای شدیدتا کی بر هجومهای دشمن خود وما میورزاند. و بینصورت آنچنین مظفراه مقاومت می کنند پاک صعوبت و حرارت تعجب می کنیم. [تحسینهای پرشدت]. دشمنهای ما بالمقابل همه وسایط قوت وقدرت دنیارا به عدهٔ مبارزه راورده. ولی بالمقابل هیچ پک نتیجه حاصل نکرده. مقاصد دشمنان خودیستیم که قوت آنهارا استحقار کنیم. لی پاک ما میدانیم که در مقابل پک غلطهٔ هجوم هما گر ملتهای بقدرت وسطوت جنگ میکنیم. دشمنان ما بسیار است. ولی بسیار احق و حقایت هستیم کاملا و غایت هر باساست. دشمنان ما خواستند که ملت هشتاد ملیون هوس آنانرا بازور و خونابش از کرسیکی هلاک نمایند. زمانرا قیدروها و اقدامها ثابت دادند. در اندن و واریس بعزمهمین اقدامها که آنان ها هیچ پیش گرفته ادوار پرجهه خانه کی و مدنیتی و کرسیکی به هلاکت گرفتار شده اند دیگر چیزی شنیده نمیشود. سالبور پدرجهٔ سخت گیری میکند. که ملت فرانسه از عزتهای معدهٔ پرهم کبوروسیا وارد آمده بزحمات نمیشود. دولتهای دشمن ملتهای خودرا بازی داده و بچشمهای ملت خود خاک انشاده گوگرده حتی کن وخصومت شارا میافزایند. امتیازاتی راضی که آرا میشنا بهم وران میورم یکسر مواخراف نمیور زیرور رغم این نشت افکاری که درمیان دشمنان ماهتیود است ملت آنان با کامهای متزوسا کی در راهیکه درپیش گرفته روانست میان بحار بدا ازدوی کن وصندلی. بلکه با پک قصب مشروع و اصلی اجرا میکنیم. [از هرطرف پک طوفان شدید تحسین]

دشمنان ما تهلکهٔ را که از هرطرف برما متوجه ساخته اند هرا نقدر که زور کثر شود بهمان نسبت حس محبت وطن پرورانه ما افزوق میکرده. هرا نقدر که در حق اولاد واحفاد آینده های ما زیاده ترباشد مقاومت ما نیز بهمان نسبت شدتمند باید شود. و تا به آخر — یعنی تا وقتیکه دشمنان ما تمنا و تمکنا بامحاربه کرده نتوانند — برقیامه باید دوام ورزیم.

[از هرطرف غوغا تهای بسیار حرارتمند تحسین] در اطراف هرا نقدر که کرد باطوفانها دهشتناکتر شود باهم بیاید غائهٔ خودرا بهمان نسبت عکستر بنا کنیم. [تحسینهای شدید و مکرر] قابل حس هدا کاری و عزم لایترزلی که ملت آنان دارد. و شاها که رای وطن مسافی مبادیه صرف می کنید بهمهٔ شماها حسیات متشارانهٔ بسیار سمیمی و کرم الطبعحضرت اپراطوریرا تبلیغ می کنم [بسیار تحسینهای شدید و حرارتمند در هرطرف دالان عکس انداز گردیده اطق خاتمه یافت]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1369 of 1786

که انگلیسها از راه بحر بسواحل (ساروس) براوردن میخواهند رجحانی ومنفعتهای بسیاری دارد. اولا از بحر بخشکه عسکر کشیدن اقدر یك کار دشواریست که در فنون حربیه ازمشکلترین کارها وناگزیر امورات حربیه شمرده میشود. علی الخصوص که بر وتهایکه تحت البحری هم دارد بحر سفید موجود باشد. ثانیاً در چنین محاربه های استحکامات هیچ یك از طرفین بسیار بزرگ که بر طوپهای استحکامات دشمن قابل بتدلازم دارد. حال آنکه انجمن طوپهای جسیمه را از مواضع انگلستان وبسواحل فرانس در کشتیهای بار کردن وتا سواحل ساروس رسانیدن واز کشتی بخشکه برون راوردن از چنان کارهای پست که ارباب بصیرت دون حرب آنرا سهل نتواند شمرد. ثالثاً در داردنیل واطراف آن عثمانی تقریباً همه جا یك لشکر بصورت دایمی حاضر کرده میتواند که انگلیسان میباید بهمه حال قطعهٔ ازان قوت، دران نواحی حاضر کنند. آیا این قوای فایقه را از کجا تدارك خواهند کرد؟ اگر همه بارك لشکر در جاهای خودرا ازرزمگاه خالی به آسانی گسیل نمایند درمقابل مانند انسان یك خصم پرقوت خود ضعیف میباشد که نسبت رجحان کار بغیر خفت عقل ردیگر چیزی حمل نمیشود. واگر از مستملکات ومستعمرات دوردست خود عسکر بیاورند، صرف نظر از مسافات بعیدهٔ کذایشان است: آیا آن عسا کرسیاموزده سرنوج وپای توج بوا بامدی واه سزالیان وافریقائی مانند وحشته آنها درمقابل عساکر تازه دم کار آزمودهٔ جاهد عثمانی چه کرده خواهند توانست؟ حال آنکه قوق عددی را هم بهیچصورت بدست آورده نمیتوانند. لاجرم حکم میشود کهان نصرت انگلیسان بجز بازی دادن خود وچشم پوشانیدن مردمان دگر هیچ چیزی نیست.

درباب شرکت ایتالیا بجنك

اخلاق وسنت عنصری ایتالیا درین جنك برهمهٔ ما مبرهن گردید. مهمشکلیش رهان بداخلاق اوست. سست عنصریش بازی خوردن وعدها ووعید های گاوبك انگلیسان است. همین زمینهایی را که ایتالیا برای جستن اوردن ان خونها میریزاند وجانها تلف می کند، متفقین سابق او - یعنی النان، واوستریا مجارستان برا نکه یعنی یك فردی ازافراد ملت ایتالیا خون شود باو ندادند. مگر ایتالیای سست عنصر آرا قبول نکرده بحرب زبانهای انگلیسان کرویده شد. ایکاش چه فایده وثمره حاصل کرده است؟ غیر ازینکه چندکشتی جنگی خویش غرق شد، وبسی مساکرش تلف شد. وگرچه اوستریا مجارستان چون یکار بسیار مبتلی - یعنی مغلوب عودن روس - مشغولست، ایتالیا را هیچ اهمیت ندهند. وبکان لکه پسه کابی ردهدنی حواله می کنند که همان آنکه برای او کافی است. اما هینکه یك قدری ازانطرف فارغ شدند وبطرف اوبیاید، یارب ایتالیا قدر عافیت را خواهد دانست که چیست!

درباب اعلان جنك ایتالیا بعثمانی

ازخبر اعلان جنك ایتالیا بعثمانی همه کس را یك حیرت خنده اوری دست داد. زیرا این اعلان جنك ازاتوقف شده بود که ایتالیا ازعهد ومیثاق متفقین عثمانی رو گردان شده بادشمنان عثمانی متفق گردیده بود باعلان دوم چه حاجت بود. اینزمن اعلان جنك اوقدری که بعثمانی رسید، وقتی که بایتالیا رخورد چه خواهد بود؟ اگر قوای بحریهٔ خودرا بقوای بحریهٔ انگلیسان هراز ودمساز اردوایك چند کشتی دیگر که بر کشتیهای سابق دشمنان بیفزاید چه اهمیتی خواهد داشت؟ اما درین زمان این رامر باید اندیشید که اگر ایتالیا کشتیهای جنگی خود را قدال کشتیهای انگلیسان ساخته در میدان ابتلای داردانیل مدفن انهارا بسازد میباید که درغیر ازینیك قوهٔ بحریهٔ خودرا گم کند که در الحال قوهٔ بحریهٔ حاضرهٔ اوستریا مجارستان از فرصت استفاده کرده الشیا رسواحل ان خواهد رفت. وبقابل یك قایدهٔ جزوی کهپیدا نخواهد کان خود رساند. ضرر های کلی دامان خودخواهد رسانید. ازراه خشکه عثمانی بایتالیا هیچ از دستی ندارد که چیزی ضرری بهنگ یاچیزی فایدهٔ بایتالیا رسد. حالانکه مسئلهٔ (طرابلس غرب) هم درمیانست. تجاوزاتی مسلمان الدر زمین سیبیا علان جنك ایتالی بعثمانی حشمهای سرور وشادمانی رو نمودند. حضرات سوسیالیستها اعلان جهاد عمومی نموده بکمال جوش وخروش وجمع اوریها وحاضریها اغاز نهاده اند وانشاءالله قریباً وقت ان رسیده که طرابلس غرب ازچنك غدر وخیانت ازدامن دین مبین رهایی یابد. مسلمانان روی زمین باید باین اعلان جنك ایتالی خان مسرت کنند وهیچ رم واندیشه را بخاطر خود راه ندهند.

یك جنك چگه عجیب!

بعضی ازارباب سیاست را رأی ازین است که چنانکه دولت بریتانیا درین بارگاه رستاخیز اسلامیان است که بت بیروزمانده و نشود. — یعنی می گویند که: «زهر طرف چو شود گشته سود انگلیز است» مصمحل شدن روس رابدست النان هم دین قایدهٔ جدید میتصارد! خلد انکه درعین زمان دشمنان النان نیز بهلاکت گذرانراه میدهند قایدتاوست فرانس هم اگر ازپوراقند بجزقبضه چیزی ضرری برای او نمیرساند. درزرمگاه غربی عوض پانزده که از انگلیز تلف میشود چهار دوم از فرانس تلف میشود که اینهم پانزدهایی ان چنانیك است. بعد از انکه کار روس و فرانس را النان فیصله کند بیرونکی که با شد انگلیز ها باو راست خواهد امد!...

اصول جنك درزمگاه مشرقی

النان درزمگاه مشرقی اصول «جنك اخطبوطی» را پیش گرفته. وبه این اصول، کامیابیهای تحیرانی حاصلکرده است. مثلا واز شورا درمیان گذاشته ازجنوب وتیلك ان بسوی شرق ان پیشقدمی کردند. وخواستند که خط رجعت وموانصلت روسها را ازعقب قطع نمودند. اردوی مکمل روس رایك جانب کتلهوای روسها پیشتر خودرا ازبازهٔ احاطه بیرون کشیده مملو پولندیا رتخت ان تمام بدست النان درامد. در طرف ریگا که جهت شمالی روس است و طرف بیارلیا که جهت جنوبی روس است نیز همین خط حرکت را النان و اوستریه پیش گرفته اند کذایشان. راسر به کامیابی پیشقدمی انها. وتلافی وپیدائی روس ها منجر شده میرود. دروقت حاضر سرعهٔ حرکت اردوهای اوستریا وجرانك میکنین النانی شهر «لبك» و جهة حرکت جنوبی النانی شهر بزو گزاف میباشد.

﴿نقل از اخبار چیره عا﴾

﴿تسلیم شدن چین به ژاپون﴾

درین هنگام که رنگسر اوروپا متماثل، وسیاسیون انها غرق افکار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1370 of 1786

(موت و حیات) ملت و دولت وملک خود هستند . دولت ژاپون نیز وقتیکه نسبت داشته باقرارداد پیشنهادهای استقلال شکن دیپلوماسی زور قوه ، دولت جمهوری چین قبولانید ، و چین بالنهایت ذلت در ظرف چهل وهشت ساعت مطالب استقلال شکنانه را قبولکرده وتسلیم صرف شد (غیرتسلیم ورضا کو بارا !) که ما اجمال شرایط را برای آگاهی خوانندگان چهره‌نما مینگاریم .

(در اثبات حاشیه)

(۱) دولت چین متعهد میشود که : موافقت کند باشرا پیشنهاد مابین ژاپون و آلمان در خصوص تصرفات و امتیازات و غیره که درباره (چائتچو) میشود

(۲) دولت چین متعهد میگردد که : ابداً دراثبات (چائتچو) قصبه (یعنی باجزیره وغیره یکی باجاره بدهد ونمتازل کند .

(۳) دولت چین قبولمیکند که : دولت ژاپون راه آهن (کایوچو) و (چیتان) بکند .

(٤) دولت چین متعهدمیشود که : برای مصالح تجارتی و جای‌دادن کالاهای خارجه جاهائی دروسعی بلامنفرد کند خصوصاً در اثبات (چائتچو) که بدرجات تجاری گردد وشهرها نیکه این عملیات دراو اجرا خواهدشد باید در معاهدهٔ جداگانه ورد باشد .

(در جنوب منچوریا ومغولیای شرقی)

(۱) دولتین چین وژاپون متفق میشوند در امتداد اجاره ایالت بندر پورآرتور راه آهن منچوریای جنوبی وراه آهن انتونج ومقدار ثمدت نودوه ساله (چهره‌نما یعنی کالنهای دنیا)

(۲) ژاپونیان میتوانند در جنوب منچوریا وشرقی مغولیا از مابین بغرند یا اجاره بکنند یا مصالح تجارتی یا صناعتی وزراعتی برافزایند .

(۳) ژاپونیان آزاد خواهندبود که در جنوب منچوریا وشرقی مغولیا سکونت یا توقف واسکان جایند برای تجارت یا فعالیتهای گوناگون وبرای تجارت یا فعالیتهای گوناگون وبرای تجارت یا فعالیتهای گوناگون وبر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1371 of 1786

﴿ چهره‌نما ﴾

مرکبی بنظر سطحی وعدم بامبالات کی در تکات مهم مدققانه فصول وشرایط آن آغاز نماید ، ومقررات استقلال شکنانه اینکه دولت سرزنده ، ورجال رمز (زاپون) بدولت بیگانه (چین) پیشنهاد وقبولانیده ، ودولت چین با آن مقاله شانه‌دار اشی واسعه کثرت خوش مبتلا ، در نهایت مذکت ورقیت آشکارا قبول کرده‌شور کند ، ومنصفانه در اولین نقطه نظر که خود تصدیق خواهد کرد که از این به بعد برای دولت شعبه وملت کثیره چین هیچ آزادی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی بالاتر از عبودی رقرار نخواهد ماند ، واز این تاریخ دولت چین استقلال خود را وداع کرده ودولت زاپون تسلیم شده است

﴿ منظرهٔ دیگر از جلسهٔ سالانه ﴾

دات مالی شهزادهٔ جوانبخت معظم برحاضرین کرام مجلس خطق میفرمایند

خطق مذکور در نمارهٔ ۲۱ سال ٤ مسطور است .

آخرین خبرهای جنگ براه خشکه

از اخبار های ایران

در دینال

ورود قشون های جدیدهٔ عثمانی برای متفقین موجب اضطراب است ویک قسمت عمده ازقوای ساحلوی قسطنطنیه را برای طرفین داردانل الزام کرده واز طرف دیگر قسمت بزرگی از اردوی ساحلو اورتجرا به کتان ، فرستاده ودر آنجا مشغول استحکامات شده اند که اگر متفقین برای مشوش کردن حواس عثمانی بخواهند درساحل شرق خلیج آنوس پیاده شده وطرف تراس پیش روند ازانها ممانعت بعمل آرد .

جهاز جنگی مدتر پس عثمانی موسوم به « معاون الله » که اخیراً قسمت بکار عملیات شده برای اولین دفعه داخل درمدخل جنوبی بوغاز کشتی جنگی انگلیس موسوم به « کولیات » را غرق کرده وسلامت مراجعت نموده است .

کشتی « معاون الله » ازجهاز فروند ضد نوردیل آلمانی است که در سنه ۱۹۱۰ توسط وجوه اعانه ملی از آلمان خریده وتقدیم بحریه گردیده واین اسم موسوم شد

جهاز کشتی مزبور درزمان اعلان به ظرفیت ۶۱۵۰ تن وهریك دارای دو توپ بزرگ وچهار مترالیوز وسه لوله تربیل انداز بود . وعده عملجات آنها ۴۳ نفر بوده وشعاف خرید بارهٔ تشکیل ها در آلمان بعمل آمده است وفعلا تماما متعلق به بحریه عثمانی میباشند

اوضاع سوید

اخیرا اوضاع (سوید) شکل دیگری پیدا کرده وبعضی حرکات برضد متفقین از آنها مشهود میگردد مخصوصا عضو روزنامه (روسکی اسلوا) اطلاعات دهشتناکی از آنجا میدهد زیرا که حرکات ملت جوانه برعلیه روس ودر خواست دخول درجنگ را ازدولت دوز روز کسب عدت مینماید وهر روزه دراین باره معلومات تازه میرسد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1372 of 1786

حبشه وایطالیا

حبشه سپاهان حبشه بمستعمرات ایطالیا (اریتره) که در ساحل بحر احمر واقعند روز بروز مهیتر میگردد ودولت نظامی وسیاسی ایطالیارا وحشت واضطراب مافوقالعاده بیشتر ازهمه آنکه هرستان قوه بدان جا موقوف عبور از کانال سوئز است

دولت ایتالی چندی قبل وجود عساکر را در آنجا خاطرنشان ودولت تصریح کرد که مقصود ازان اعلان بسط عملیات تحت البحری بمنطقه کانال است علیهذا عبور سفائن ایطالیا ازهوف تحت البحری ضرور نهایت مشکل خواهد بود در صورتیکه حبشه همسایه آن غائله است وحبسیات میتواند فشون وآذوقه بدان سامانداده کشتی وشایدآنجا هم گذارده وارد مصر وسودان شود

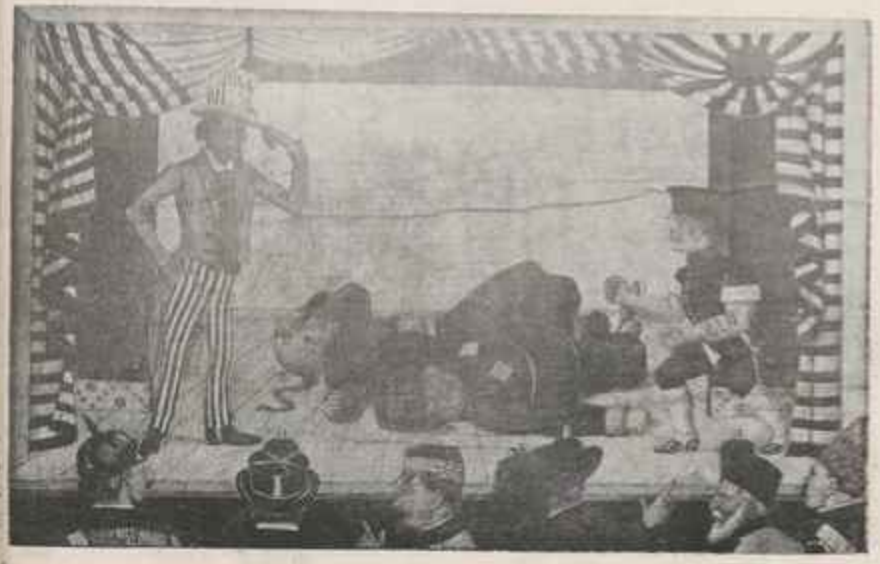

کاریکاتور

رجز خوانی ژاپن به امریکا سزاوار پهلوان دوش وچین را از پا در انداخته به امریکا میگوید : — آیا چنان ! عبرت میگیری ! — امریکا میگوید : — هوش کن هشیار باش ! (دولتهای دیگر تماشا میکنند)

علاقه برای فشون کیری واتخاذ یدک عسکری پسرهایش دهر سایه خودرا ازدست داده والاخره پسر هایش را هم بجنك فرستاده‌اند کمیاریان آمده وچندی درطهران بوده بالآخره ازنزد کان خود سیرشده ومر خودرا بدست خود برده است

هرون در تیورك در سوئد

سیوهیون درتیورك وزیرمستعمرات آنان کهعملیات خرابت آمیز قورا دراکثروئی کدرجه اطلاع داریم اجیراً وارده آنان گردیده واز قرار پارهٔ انتشارات خیال مسافرت بمالك سوئد وزوار داردواستماع این خبرخیل موجب اندیشه‌متفقین گشته‌است چرا که کفایت واستعداد این شخص درجهٔ ایست که تیشود مسافرت وی را بی‌اثر پنداشت خصوصاً دراین موقع که باوجود نگاریکه در جراید راجع بگذشته روابط روس وسوئد دیده میشود معلوم می‌شاید که مطلبی‌در بین بوده واگر نکوئی هم نباشد لااقل صدا ومودتی درین نیست

در دار دانیل

عملیات‌متفقین دردردانل بمشکلات بزرگ‌برخورده ازیك‌طرف‌به تحت البحری های ضانی حمایت سفاین برای فشون کاسته شده ازطرف دیگر هرچه‌فشون پیش بیاید ازسفائن دور ترشده‌عقب میرود کهتوپها نمایر زیاد درانجاها بکار برده جلدهای حفاظت کننده اند . ناس میشود که از عقب ازدوی متفقین تك خنك ؟

اضطراب والتهاب در مسکو

روز ۲۸ و ۲۹ ماه مای روسی شهر مسکو بواقعات غدرمردم پراز صداهای شورش واضطراب گردیده عهدهٔ شور شیان وغارتگران ، کله بازشده کان ، استغاثهٔ طفلان وزنان ، صدای خمپاره ها ومقاومتها ، شکستن درب و پنجره‌ها ، فرودآمدن سقف‌ها و سوختن شیشه‌ها هنگامه قیامت هولناکی‌دراین شهر برا کرده بود و زمناجزرا ظاهرساخت

طرز روس

ازطهران :

شخصی‌چند روز قبل‌سر خودرا بدره ازفرار مسدوم ازنا کسی مسلمان تر کستان روسیه وخیلی متمول بوده در جنك داخلی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1373 of 1786

... ی کنند بالاخره معلوم میشود در تحت هائیکه عاف روی آب ... و شانیه محی بوده‌اند واردوه کیست روز راهم دران تحت‌هادانسته ... سکر های ساختگی هم زیاد دیده شده که متفقین سگر حقیقی تصور ... کرده بهجوم درآنها ریخته پس در حفره ها میریزند که خلاصی ازانها ... محال است چاه هائیکه پیچ آهن ومیخهای زنده در آنها نصب شده ... خیر زیاد هستند ، بعلاوه گر کومعدا کنده توپهای سنگین محی ... کرده‌اند که آنها کشف شوند چندین کشتی بایدقربان کرده نتیجه‌تدابیر ... کورده کنون اطلاعات متفقین است که یکپنجاه از مجروحین آنها تمام معرض ... به‌دادارس وعمارات عمومی و کشوری مصرد ار کرده ابلاغیه‌هائی ... ند بلند ورمتفقین ۳۰۰۰۱ نفر بالغ‌بست ۱۷ میلیون نفر می‌گویند موافق ... گران جان بناپا دریک روز شش کشتی حامل مجروح وارد مصر شده ... ی انها حامل ۵۵۰ نفر زخمی بوده است .

توپهای تازه کارخانه کروپ

خبرهائیکه از جراید هلند تحصیل کرده ایم حاکی است که ازطرف ... کروپ درشهر « سن » یک باب کارخانه زره کی تاسیس شده ... کارخانه مزبور دراوایل‌ماه‌جون روسی افتتاحیه‌خواهد است که‌برای کارخانها ... های ساعی و کامل آورده اند قابل توجه مدیر های کارخانه زره ... ند ازقرار مسموع در این کارخانه توپهای زرهٔ وسریع الاطلاق ... واهند ساخت . لایحه این گونه توپهارا چند ماه قبل براین درداده ... کان حرب آلمان انشاء نموده اند . گمان میکنند که آنها درین کار ... ه یکنوع توپهائی خواهند ساخت که‌تمامرا خیلی مسافت‌دور احاطه ... شلیک این توپها بواسطه منار هوا خواهد بود بعلاوه مسافت دور ... را عزقه میاندازد کلیک میدان زره کرا مشتعل خواهدنمود .

(توپ و زره)

عملیات آلمان در رومانی

بواسطه اتباع عملیات آلمان در رومانی هیچ جای شبهه باقی نمانده ... که اگر رومانی داخل جنگ شود حکماً بضرر متفقین ... واهد بود وطن اخیر بار اوف که راجع رومانی می‌توانم چیزی ... بهار دارم جای شبهه باقی نگذارده است که طرفداری رومانی ... آلمان در دو ماه اخیر پیشرفت کلی نموده است .

فعالیت آلمان درممالک بطرف بلغاری شگفت آمیز است که نظیر ... ی درونیا دیده نشده است وسئله ذیل کشف می‌نماید که آلمانها چه ... وجه جذبت وظیفهٔ خود از هیچ گونه مساعی خود داری ندارند .

آنکه ورود به مطبوعاتی که زبان مملکت نشر میشوند در ممالک دنیا ... ال کم و بالا مساوی است آلمان ها در دو ماه گذشته مبلغ ۸۰۰۰ ... انک حق‌آورد اعلانات ومطبوعاتی که زبان رومانی در آن نوشته‌شده ... یکمرتبه رومانی پرداخته اند

از همین مبلغ هنگفت میتوان قیاس کرد تا چه اندازه رومانی‌دوست ... کار وعمارات آلمان تشریق کرده وچگونه مقدار حاصلات تاج آلمان ... ولت‌نفت واگر بخاطر آوریم که از اوایل جنگ به بعد سفیر آلمان ... ر بوکارست چه مبالغ های گزافی برای انتشار اخبار آلمان ... الراقی خودش صرف کرده اهمیت مطلب بهتر مکشوف میشود ... بلغارستان ویونان نیز مطلب تقریباً از همین قرار هستند وهیچ‌قوه ... فعالیت آلمانها نمی تواند جلو گیری کند ومساعی فرانسه و روس ...

درمقابل این عملیات خطیر بقدری زبون و ضعیف است که هیچ نتیجهٔ مناسبی نمیتوان از آن انتظار داشت .

کشتیهای جاسوس

از بندر (باری) به (رم) اتصال میدارند که جاسوسان نظامی اطریش وآلمان جداً عملیات خویش‌را تعقیب مینمایند وعده ازکشتیان داخل این خدمت هستند وشب در موقعی که شهر تاریک بود باعلائم نورافوان بادشمن مشغول مخابرات رمزی بودند وبنج نفر از کشتیان دستگیر شده اند .

در انبار کالیسای ایشان یک ماشین که باعلامت نور در شب حرف میزندبدست آمده وتوشتجات چندی بزراجع بجنون‌اطریش وآلمان واوضاع سرحدی درآنجابوده است .

از قراریکه معلوم میشود کشتیان مزبور بدنها است که روابط خصوصی باکشتیان وین داشته اند .

از جراید هلاند

تحت‌البحری کشتی هارا اسیر میکند

تحت‌البحری های آلمان فقط عملیات خویش را برای صرف کردن جهازات جنگی تجارتی صرف مینمایند واز قراریکه اخیراً معین شده‌است تحت‌البحری‌های مزبور هرقدر ازکشتی های تجارتی انگلیس را زده یک بحرتیان‌مشاهده نمایند و کشتی جنگی‌مزاحم نباشد جهازات را اسیر کرده وباصمولات سالماً بچنگ آلمان می آورند

مطابق اخباری که به امستردام رسیده است دو هفته گذشته تحت‌البحری‌ها چهار فروند کشتی تجارتی که‌انواع پنبه ولاستیک‌وسس وآهن وغیره بود دربحر شمال اسیر کرده وهمراه خود بپاندرها مورک آورده وبار های انهارا مابوزین دولت آلمان تحویل نمودند

امریکا بدین جنت تجارت میکند

امریکا برای ترویج تجارت خود بموقع یکوئی دست آویز یافته است .

دوممکت بزرگ تجارتی اروپا یعنی آلمان و انگلستان اولا درتحت شدید محاصره بحری ثانیاً خود مشغول هستند . ازاین دوممکت به کشورهای بیطرف مال تجارت قابل ذکری حمل نمی‌شود . درین موقع امریکائی ها تمام مال التجارهٔ را که آن دوممکت بعمل میاوردند خود بمالک بی طرف میفرستند .

این تجارت مشروع است زیرا هم احتیاجات ممالک دیگر رفع میشود وهم خود آنها منافع بزرگ میبرند .

لیکن علاوه براین امریکا موقع را مغتنم شمرده یک تجارت دیگری را هم اختیار کرده اند که در صفحه تاریخ آن ذات آرزوی خواهد متمدن لکه بنظر میرود و آن تجارت اسلحه میباشد .

هرروز هم ازین حریص‌ها میپرسند که‌چرا به‌چین اسلحه نمی‌فروشید جواب می گویند هر چه اسلحه بیشتر بفروشیم سرباز ها زیاد تر کشته میشوند وبالطبع جنگ زودتر تمام می‌شود . ازاسلحه امریکا فقط چین میتواند استفاده‌کند زیرا بآلمان مسدود میباشد . این مسئله تاحال باعث چند بروشت ازطرف دولت آلمان شده وهرگز در جراید آمریکا میخوانیم که آلمانهای های آلمان زمزمه شکایت آمیز مینمایند ودولت خودرا تحریک می کنند که ازحمل اسلحه بخارج ممانعت کند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1374 of 1786

مهاجمت اردوی عثمانی از کرمانشاهان
بسرحد خوی شان

نظر باطلاعاتیکه دوروزه بوزارت داخله رسیده است جمعیت کوچ
بیات فرماندهشون عثمانی باقسا کرعثمانی از کرند چندروز قبل حرکت
نموده بسمت سرحد رفته اند وامشب درصفحات کرمانشاهان اتفاقی کاره
رخ نداده است
(رعد)

ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی وارده

۱۰ ماه اکت سنه ۱۹۱۵ خرلندن یک دسته جهازات هوائی دولت
جرمن درشب گذشته وقت ۸ بجه و ۴۵ دقیقه برساحل شرقی مملکت
انگلستان حمله نموده الی ۱۲ بجه و ۴۰ دقیقه صبح در گردش بودند ـ وهمه
جا را احاطه ـ ازین جهت بسیاری از مقامات آتش گرفته وخسارات بسیار
رسیده ـ باوجود تاریکی شب وابروهوا پرواز جهازات هوائی دولت
برطانیه متوالر گردیده ـ باوجود اینهم بعضی جهازات هوائی دولت
برطانیه برای مقابله جهازات جرمنی پرواز نمودند ـ درین واروگیر یک
افسر کلان راه هائی جهازات هوائی دولت برطانیه چهار مشقت یک جهاز خود را
هوا کرده ولی بسیار زودی افتاده ریزه ریزه شده کردید ـ

۱۰ ماه اکت خرلندن ـ محکمه بحری دولت برطانیه اعلان کرده ـ
که یک جهاز جنگی قسم تباه کی دولت برطانیه درمحیط مدیترانه کدام سر یک
بحری تصادف کرده غرق کردید ـ ازعمله دیگری آن جهاز هر افسر
و ۲۲۵ نفر ملاح نجات یافته باقی غرق کردیده ـ

۱۰ ماه اکت خبرپترو گراد ـ شارع ۸ ماه ماه جاری اکت ۹
لشکر جهازات جنگی و ۱۲ لشکر جهازات قسم کروزور دیگر جهازات تباه کی دولت جرمن درخط مالتک بجهت آوردن خلیج
ریکا حمله نمودند ـ درین جهازات جرمنی وروسی جنگ بسیار شدت
جاری شد که این قسم جنگ بحری تاحال پیش نیامده بود ـ

۱۱ ماه اکت محکمه بحری دولت برطانیه اعلان نموده ـ که یک
جهاز خورده ـ گرمهٔ ـ دولت برطانیه را کمدر سالت زده بود ـ یک
جهاز گودرز دولت جرمن درمحیط شمال غرق کرده ـ

۱۲ ماه اکت خرلندن ـ یک جهاز معاون ـ یعنی بدرقهٔ جهازات
تجار ـ مسلح یعنی جنگی اینهام دولت برطانیه که درمحیط شمال تجارتی را می بود ـ کدام کشتی تحت البحر دولت جرمن
اورا بقعر بحر غرق نمود ـ ۲۲ نفر افسر ـ ۱۱۹ نفر سپاهم نجات
یافته اسیر شدند باقی چندنفر غرق کردیدند ـ

۱۲ ماه اکت خبرپترس درمیدان جنگ فرانس جنگ بدستور سابق
جاری است ولیعهد جرمنی به بالاری دو جه های جرمنی را درمیدان
فرانس می تابد ـ درمقامات مری کورلینی ـ و میرونین ـ و کرکی ـ
وجارجر ـ سپاه جرمن حمله های بسیاری سخت نمودند ـ ودرتمام
ریزی جنگ بسیار شدید جاری است ودرمقام دوستجرحر سپاه دشمن
حمله بسیار بشدت نمودند ـ

۱۹ اکت خبرکنکنه ازخبرهای آمدنی وزیر ظاهر میشود ـ که
دولت جرمن نقطهٔ حرکت فوج های خود ـ ودولت استریا درمیدان
جنگ مشرقی یعنی مقابل دولت روس ازین قرار تصویر کرده ـ که ـ
جمله فوج های دولت جرمن که درپنوف درمیدان شرقی زیاده از چهل
لک نفر داشته میشود ـ دو دو حصه تقسیم یافته یک حصه بالکنی جرمنی
میکسمن بطرف مارکو ـ ویک حصه ـ بالکنی جرمنی وان هندن برگ
بطرف پترو گراد ـ وجمله سپاه دولت اتفاقا بطرف کیف وساحلات
اسود ـ جمله فوجه پیش قدمی نمایند ـ

۱۱ ماه اگست خبر شدن کشتی های تحت البحر دولت جرمن
لشکر جهازات خوردو کلان دولت برطانیه ویک جهاز روسی را درقع
شمال بحیرهٔ بالتیک پیدو غرق کرده ـ همه دیگری جهازات تجارت را
شدند ـ

۱۱ ماه اگست خبر پترو گراد ـ سپاه دولت جرمن ـ عاجز
شش میل ـ شهر کودنو رسیده اند ـ شهر کودنو را دولت روس
خالی نموده وپیشقدمی سپاه جرمن بدستور سابق جاریست

یک خبر جیپ ولپ

۱۹ ماه اکت سنه ۱۹۱۵ خرلندن ـ جریل هملن کاندان سپه
انگریزی ازکیل چول رجوت فرستاده ـ که سپاه ملیون برسکرهم
شمالی وجنوبی ترکان حمله نمودند ـ ودرقریب خلیج سوالا یک جنگ
بسیار زرک کاره ده ـ چند ازجهازات خرده تورپدیم ـ ازبیان اسیران
ترک معلوم شده ـ که درین مقام سپاه ترک به تعداد بسیار آمده
ومیخواسته که برسپاه ملیون حمله نمایند ـ مگرملیون ۲۵ ساعت قبل
وقت حمله آنها رابشان حمله نمودیم ـ ودرین سپاه قریب یک جنگ
بسیار وحشت ناک جون درجاری شد ـ وخسارات بسیار را رسانید
نمودیم ـ تحویر فرده آوردن سپاه درخلیج سوالا بسیار معطول و
وبسیار خونی سرانجام یک مگرملیون سپه که ترکان قبل ازوقت از جنگ
وحرکت ملیون خبردار شده ـ چندان فوائدی حاصل نشد ـ زیرا که
دشمن رخصت زملیون وقوی یافته ـ جمله امواج خودرا ازقسم مستحضر
وغیر آن درآنجا جمع نموده ـ امواب توپ را زملیون مسدود ساخته
مگرملیون خودرا دوباره مستحکم نمودیم ـ وحوصله وهمت سپاه بحالی
خوب است ـ

۲۰ ماه اگست خبرپترو گراد ـ دولت روس اعلان نمود ـ که بتاریخ
آخر کار جمعیت قطع جهازات جنگی دولت جرمن جهازات روسی را
پس وفوده درخلیج ریکاداخل شدند ـ مگر جنگ بحری تاحال جاریست
ـ اعلان رسمی دولت روس ظاهر می کند ـ که جهازات عاطفه
خلیج ریکا از زاویهٔ جهازات جرمنی عبور آمده طلب نشسته ـ
وچونکه طاقت جهازات دشمن از حدزیاده بود ـ درخلیج مد کور
داخل شدند ـ وبنا بر آوقت جهازات جنگی کلان روسی موجود
نبودند ـ وچند لشکر جهازات خورده محافظت می نمودند ـ

۲۰ اگست خبرلندن یک جهاز سبویرک استین تام دولت برطانیه که
ازبندر گاه رسنل بطرف سبویرک میرفت ویک جهاز سبورک نام دولت
ناروی را کشتی های تحت البحر دولت جرمن غرق کرده ـ

۱۸ اگست خبرایتز ـ پای تخت دولت یونان ـ سفیر دولت جرمن
مقیم یونان دولت یونان را مطلع نموده ـ که چونکه در بحر ایجین
احتمال همه جهازات تحت البحر جرمنی ممکن است لهذا جهازات دولت
یونان را مطلع کرده شود ـ که پرچ های بسیار زرک علامت دولت یونان را
که ازدور دیده شود ـ وجهازات خودبطور حفظ ساخته نصب نمایند
تا که رعایتی کدام تحت البحر وجهازات یونان همه نمایند ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1375 of 1786

۲۰ اکت غرقدن ـ کشتی زیر آب دولت جرمن یك لنگر جهاز بخار ۱۲۰۰۰ تن وزن ـ ویك جهاز ابستار ژ ـ نام ۲۰۰۰۰ تن وزنی دولت رطانیه را ـ غرق نمودند ـ

۲۱ اکت غرقدن ـ دولتکر جهازات بخار ـ وشیارا آمان ـ به ۹۰ هزار تن وزن ـ بارداری دولت رطانیه را کشتی تحت البحر دولت جرمن غرق کرده عده وغری آنها نجات داده شده ـ

۲۱ اکت غرقدن ازپیژوکراد ـ خبررسیده ـ که کشتی تحت البحر دولت روس یك جهاز باربرداری دولت ترك را که درین آن هشت هزار تن زوغال سنك بار بود وطرف قسطنطنیه میرود ـ قریب ساحل بلغاریه غرق نمود ـ

۲۲ اکت غرقدن ـ دولت اطالیه بخلاف دولت ترك اعلان جنك نمود ودرعین وقت متحدینش اظهار بیطرفی کرد ـ

۲۲ اکت کشتی تحت البحر دولت جرمن یك جهاز دشمن نام ـ یك جهاز بار ۱۲۰۰۰ تنی ـ ویك جهاز دیگر او دولت رطانیه را غرق نموده عده وغری آنها نجات داده شده ـ

۲۰ ـ و ۲۲ اکت غرقدن ازپیژوکراد ـ موج های دشمن بعدازمعی خونریزی ـ شهر کودنورا قابض شده ـ وازانجا پیشقدمی نموده درین دریاچه ودکانسکرهای خودرا قائم نمودند درعقب خود جیوش بیشمار دشمن سپاه بشدت عقب کور شدند ـ ودرین بین دریای نجولا ـ وباروم بسیار جنك خونریزی است چنانچه اعداد بیشمار کشته های سپاهیان جرمن درسیم های خاردار سنگرهای سپاه روس شده ـ ولی خانه جرمن در اندك مدت کارها باری نمود و توانائی سپاه را خاموشی مجبورساخت وبروارهای قلعه جات بین راه ـ دا کر ـ وناگزیرانه نموده اند ـ سپاه روسی با وجودیکه بسیار ـ به سپاه رشته مجبور گردیدند ـ یك جهاز حوان سپاهیان از بسفورس خبرآورده ـ که وقت شام ۲۰ ماه حال حالت قلعه جات جاز بسیار بسیار نازك بود وبقین است که سپاه قلعه جات آنجارا زین مدت نمی توانند ـ

۲۳ اکت غرقدن ازپیرس خبررسیده ـ که درمیدان فرانس مقامات مختلف کلوله باری توپهای متخاصمین جاریست وکلوله های دشمنی هم استعمال کرده می شود ـ گاهی سپاه دشمن و گاهی سپاه ما پیش قدمی مینماید ـ

۲۳ ماه اگست سنه ۱۹۱۵ غرقدن یك جهاز دوصدنفر ۴۶۰۰ تن وزن ماه هولت کپی انگلیس را کدام کشتی زیر آب دولت جرمن غرق نموده ازجمله عده وغری آن یك نفر کپتان جهازمذکور همراه نفر ملاح هلاك شده باقی نفری نجات یافته اند ـ

۲۴ ماه اکت غرقدن ازپیژوکراد خبررسیده ـ کابینه اختلالهای اخیر جمله ارکان ومشیرین دولت روس دریك مجلس عمومی جمع آمده ـ بعد ازروبودن یك مجلس وزراء جدید اعضاء دولت که اسم آن مجلس وزراء خط ملکی خواهد بود وهمراه وزراء موجوده درهر کار مداخلت خواهند ورزید ـ زیرا که برای ابتنای ملك محسوس شده که این وزارت موجوده ـ ازاثبات عدم توجه وزراء موجوده روشنا گردیده ـ ازین باب بحث ومباحثه بسیار کرده شد ـ

۲۵ ماه اگست غرقدن ـ یك جهاز سلوپ نام انگریزی که ازبندر کاله

لور پول روانه شده بود کدام کشتی زیر آب جرمنی ـ جهاز مذکور را غرق نمود عده وغری آن نجات یافته ـ

۲۳ ماه اگست غرقدن ـ ازپیژوکراد خبررسیده که یك لنگر جهاز جنگی سیوج نام ـ دولت روس را جهازات جنگی دولت جرمن قریب ریگا غرق نمود ازجمله عده وغری آن که ۱۴۸ نفر بودند صرف پنج نفر نجات یافته باقی جمله غری غرق دریا هلاك گردیده اند گفته میشود که دو نفر افسر و ۲۰۰ ملاح از جهاز مذکور بدست جرمنی ها زنده گرفتار آمده اند ـ

ادبیات

غل از جریدهٔ پر گردهٔ جبل المتین

(در نصیحت ابناء وطن)

هندیان را هی و هو لاد سودن	بفرکان ذلت از آهن ربودن
روی آب یاری غش کردن	میان آتش بیوزان شودن
بدون اسلحه اهل پشتان	شکار از چنك شیر نر بودن
عکس کبوتر وند بی نفس	ز کار مملکت عقده کشودن
ز غفلت از گروه متحدین	کنای و طنجوا هی نمودن
نمودن ضرب واحد را واحد	بقدار عدد آنگه فزودن
ودصد بار آسان تر که چون عبد	مطیع دولت بیگانه بودن

خبر های هندوستان

(یك قتل سیاسی در نواح کلکته)

در انگشتین مالات یك قتل سیاسی در موضع ۱۰ کروره نواح کلکته تابع شده است

موضع ۱ کروره قریب ۸ میل از کلکته دور نست و از بارکپور ۶ میل فاصله دارد ، یك شخص مهاری موهن سرا که عمر آن قریب ۵۰ سال بود وملازم سرکاری بود ، در خانه خود دختر بچه خود را تان میخورانید که یك آدم نوجوان که لباس خوب پوشیده بود ، او را برای یك کار ضروری بیرون طلبید ، باو دختر خودرا درحل گرفته بیرون برامد چون قریب نوجوان مذکور آمد ، نوجوان به رجوانور خود شش فیر بر باو کرده باو افتید ، و دخترك بیچاره هم زخمی شد

قاتل پس از ان به سرك رفت که آنجا دونفر دوست او و موتر ایستاده بود ، خواستند که در موتر سوار شده روند که دونفر سپاهیها خواستند ایشارا منع و معطل کنند ، مگر پران مردو هم فیر کردند که مرده زمین افتاد ند ، و قاتل ها بطرف کلکته روانه شدند یك جاعت که بتلاش وجستجوی قاتل ها رامدند سپاهی های مجروح را بشفاخانه انجارسانیده حال مجروحین خراب است

سبب قتل مقتول جز اینکه مذکور یك گواه مهم بود چیزی معلوم نمیشود او گواه مقدمه یك دا که بود که پرسیشن آ کرده چندروز پیشتر افتاده بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1376 of 1786

در قبال باوی مذکور ۱۰ نفر ترکا جوند دیگر دونفر آنها بکمک باو آمده جوند . باوی مذکور را بکشتاخانه می رسانند مدت احتکام دختر جوزه مهلت پیدا کرده دو تنگشت های دست اوزیده و یک پای او زخم رسیده است

مرجی های پولیس که در اوائی شان رامده جوند موترکار را آهسته آهسته روان میدند که پیش پای آن دو جوان بنکالی پیاده میرفتند. یک سوار دو بایسکل در دست های خود داشت و یک جوان دیگر در یک دست یک بایسکل و در دست دیگر یک ماکچه داشته گفت او تو غرض بگیرید که بنکال ها مسلح میباشند سپاهی ها تا حال نه گفته اند که ما مسلح هستیم ضرور وقت هم هستیم

و چوب را بچنان ضرب بر سر بنکالی زد که او در زمین افتید یک کانستبل که شونا گرفتند کدام ضرب کاری و دو نفر دیگر پشت سرهای هم خورده اند اینوقت بنکال ها باز قدمها می گردند. گوت یک سپاهی را سوراخ کرده مجسمش نمودند

درین اثنا یک بنکالی دیگر پیش خود را در موترکار انداخته دو بنکال ها بایسکل سوار شده طرف کلکته رفتند کسی در صدد یک سر کانستبل آمده و یک بایسکل بنکالی هارا که مانده بود گرفت هر چند دو نفر بنکالی بعد ازان آمدند چون اورا هم مسلح خواهد کرد بدین رفته

دو کانستبل اخی هستند . برای مقدمه مذکور عدالت مقرر میشود .

(نقل از جریدهٔ مدار گا جیل الکین)

(مسلمانان لیتوا)

روز نامهٔ (وقت) در ضمن یک مقاله وضع معیشت مسلمانان لیتوا را (که یکی از شهر های ایستان روسیه است) چنین شرح میدهد.

در بعضی شهر های لیتوان مناره هائی که باسمان بلند شده دلالت بر سکونت مسلمانان میکند اما آن مسلمانان از لسان مادری خود و ایکلی فراموش کرده و بزبان روسی و پولی تکلم میکنند . تنها در شهر (لیتوا) متجاوز از بیست هزار مسلمان میباشد که بیشتر آنها در ادارات دولتی مستخدمند و در میان آن اصاحب منصبان نظامی نیز زیاد است

مسلمانان کدام شهر های (مینسک) (ویلنا) و (کوونو) وغیره تا کی هستند مساجد زیادی دارند ولی ابداً مکتب ملی ندارند و مسائل دینیه و شرعیهٔ خودرا از کتاب (شرایط الاسلام) که بزبان روسی طبع شده یاد میگیرند . ملاهای آنها غیر از سوره (فاتحه) و (توحید) از زبان عربی چیز دیگری نمیدانند . در مساجد نماز های روسیه ادا نموده و غلط غلط ترجمه و معنی آنرا فراموش نموده اند دعاهای کلیچین نماز میخوانند اکثر آنها زبان ترکی است و این اوعیه را هم بتوسط حروف روسی یاد کرده اند (در ۱۹۰۸ کدولت روس در جنگ ژاپون شکست خورده و قدری ضعیف شده بدین واسطه مسلمانان قفقاز جرأتی پیدا کرده از دولت بعضی اختیارات برای ترویج زبان ترکی گذرانیدند آنها میخواهند درخواست بکنند روزی یکشنبه که قریباً ۴۵ الی ۵۰ سال داشت وارد مدرسه شده و بعضی از اهل اسلام بدون وقتی که خواستند داخل صحبت شود معلوم شد از زبان های ترکی و عربی و فارسی

که عمده ترین السنهٔ اسلام است هیچ نمیداند زبان روسی الزام آنها منصب و آیین شما چیست ؟ بزبان ترکی (نهایت صعوبت جواب (مسئله) را میدهم چه مسلمان هستی گفتم زبان روسی و دکری را نمیدانی ! ، فوراً آنکار حزن و هیجان در شره او ظاهر و اوضع اسفناکی در جواب گفت « چندین عصر است در تحت وقفار روس واقع شده ایم و ضرور زبان مادری خودرا از دست و چون شنیده شد که در قفقاز معارف مثل روسیه ترقی کرده آن نواحی مرا که از طرف آنها هیئتی فرستاده اند کدام مسلمانی استعداد عمده تا بتواند بتوانم دانیت خودرا که جزاسی از آن زاده کنیم و نیز در اثنای مسافرت بیک نفر از مسلمانان قازان کودم گفتگو هائی کرد (جدو سود) را برای خود خواهیم هیچ خواهیم اثبات کرده بتوانی از اول تا آخر سوره هر چندین قرأت کرده او علم ملاّمی خواندم (قل هو الله احد) و او میگفت تو غلط میخوانی ایراست (گول خو والا خو آحاد)

خوب است انسانی که قدر آزادی و استقلال را نمی داند بگیرند » مترجمه

(اوضاع طرابلس)

این اول زوبه از وقایع موثقه خبر میدهد که در اسلامبول است که یکسله از سرکرده های مقتدر تابع سنوسی یا چند نفر جوان ترک ملاقات مینمایند نتیجهٔ ملاقات آنها این شده که از طریق دیده آنچ دودمان صاحب منصب آنان برای تنظیم قشون ایتالیا روانه نموده اند

قلع دوست لیتو دشمن

اهالیه آنجا بموی میگفتند که قشون جرار (وان ار) بسمت دوشنبه (زست ایتوونیک) را قصد نموده اند و قشون (وجرار و ار) بشلاغ داخله رسیده قشون ساحلی را شده اند

در این بشارت تبشیر بزرگترین فلاح و نجاه (زست لیتو اظهار مسرت و شادمانی می نمایند

در اعلامیه رسمی شده ۲۷ آگست چنین قشون (جرار ها را در (میتاو) ذکر نموده و چنین بیان میشود که روسیان را تعقیب نموده اند ولی این سمت رفتن روس آنچه خبر رسیده منظور نبوده است

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید

محمد سلطان عاشق مستخط دارد از طرف مدیر و مسئول

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1377 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرها پذیرایم ممکن نشدلهذا بدا گاهانه مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مطالبه نموده دا گاهانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارهارا که بهمه مشترکین گرامیها رسانند درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا گاهانه خود شان میرسد .

شرایط خریداری			
دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی
در خارج افغانستان			
هرجائیکه باشد با اجرت پوست			
قیمت سالیانه	سه روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی
به ماهه اشتراک قبول نمیشود			
یک طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند			

یاد آوری

رعمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیک جادیگر چاروندو پیاشده میباید که یک رقعه مهر و سر محرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم ومال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای مانیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود وسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سونت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مبادیاً یک سال نشر کردن خواهند دوسه یک ساله را پیشکی ادا نمایند ورق پشتی پر در سطری سه سار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1378 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار منتشره تازه مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت.
عبارت از یک مجموعهٔ انتخاب بسیار گزیده آنگونی جیبلندی و ناقد اعلا. و چون طبع بارق، بالصور بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بحث خط و سند عبد است ولی مضامین و خیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست. قیمت علاوه بهای ظاهری و معنویش قیمتی جلیل ارزان. (بی مقابل (۲) در روپیه کابل در خود مطبعهٔ عنایت از کوچه عبد الرؤف خان سر حوض. و در بازار ارزک از دکان باز محمد. و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

موسیکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده! ازین ثمرهٔ نوبر رسیدهٔ گلزار و مطبعهٔ عنایت و کامیاب تبین فائید! «جزیره پنهان» یک تالیفیست که قوت علم و معرفت و سعی و غیرت را برای انسان و دلکان نوع بشر بنظر ثابت و جلوه گر میسازد. عم سکاکیت، عم عبرت عرض، عم فضیلت! حوی جلب، حوی عاقبت، حوی امور دنیاوی علاوه، قیمتی نظر بحسن بهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان! انها (۹) شش روپیه حل فروخت عنی مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، و کابل باز محمد بازار ارزک، و کان ساجی غلام محمد خان آجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه بخط
کتاب سال دوم ... بمصور بخط
کتاب سال سوم ... بمصور بخط
کتاب سال چهارم بمصور بخط
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد!
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در ادارهٔ سراج الاخبار موجود است. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بادارهٔ مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت در روپیه کابلی

سیاحت دورهٔ دور دنیا بهفتاد روز بخط ۲
سیاحت در سیر هوا بخط ۲
سیاحت در زیر بحر بمصور بخط ۴
ژرفین سحر و ژرفرچی سحر بخط ۲
دوشهٔ حکم بخط ۲
واکنده بمصور بخط ۲
جزیرهٔ پنهان بمصور بخط ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مذکوره را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دره افغانان از کوچه عبد الرؤف سر حوض و از دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارزک و دکان ساجی غلام محمد خان آجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی عینیتهای خریداری کرده میتوانند.

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مذکوره را بکنند بادارهٔ سراج الاخبار افغانیه مکاتبه کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1379 of 1786

نمبره (۱) سال پنجم شمارهٔ (۲)

قیمت تسالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف داخله مملکت

با مراسلهٔ داك ۱۰ روپیه کابلی

در سایر ممالک

با مراسلهٔ داك ۱۰ روپیه انگلیزی

هر یازده روز یکبار نشر میشود

صد یك سعهٔ آن در کابل یکصد افغانی

(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

اداره در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

همه امور ان تحریریه باداره علاقه

بنام مدیر فرستاده میشود

امیر و امیر زاده

۱۳۲۹

تاریخ ۱۲ ذی الحجه ۱۳۲۳ تاریخ انگریزی ۱۱ اکتوبر تاریخ شمسی ۱۸ میزان ۱۲۹۴

منطقهٔ زراعت

یعنی سرزمینهای که قابل زراعت درخت پورتقال است

درخت پورتقال بسیار نافع و یك سرچشمهٔ مداخلات کلیّ برای تجارت شمرده میشود . اما بهر اقلیم و هر اراضی امتزاج کرده نمیتواند . کاشتن و پرورش یافتن درختهای لیمو و پورتقال وامثال آنها . سراز منطقهٔ (خط استوا) کرده ، تابدرجهٔ چهل و سوم عرض کرهٔ زمین امتداد میابد . اما درین درجهٔ چهل و سوم عرض زمین یا ازان بالاتر عرضها درختهای لیمو و پورتقال در زمینهای باز و کشاده بسر نمیبرند، بلکه در کلخانه ها و خانهای مخصوص بسر رسانیدن شان ممکن میشود . مال آنکه زمینهای ممالك نگسپار تقریباً درسی و چارم و سی و سوم درجهٔ عرض کره واقع شده است که تقریباً باراضی ممالکهای سواحل بحر سفید آسیای صغرا برابر میباشد . زمینهای سواحل بحر سفید از همهٔ دنیا بهتر وخوبتر پورتقال بسر میرساند . ویك تجارت وسیع و مهم بسیار عظیمی ازان حاصل میشود . اینقدرهم هست که نهایت درجهٔ عرض گرمی و سردی منطقه هاکه تاثیرات اجرائیکنند بلکه ارتفاع یعنی بلندیها و پستیهای موقعهای زمین نیز در گرمی و سردیّ هواهای هرقطعه جدا گانه تأثیرات میبخشند. وچون مملکت عزیزما نسبت باراضیّ سواحل بحر سفید اگرچه در درجهٔ عرض کمتر فرق دارد ولی ازروی ارتفاع خیلی باهم فرق دارند — یعنی اراضیّ نگسپار نسبت باراضیّ سواحل بحر سفید خیلی بلند تر میباشد — لهذا اگر به این سبب پورتقال در زمینهای نگسپار نشود احتمال دارد . اما چون خود این سر بحر ماجز هم اراضیّ سواحل بحر سفید وهم اراضیّ نگسپار را دیده ام در گرمی اراضیّ نگسپار را زاراضیّ بحر سفید افزونتر میبینم ، ونیز چون تاریخ و تفکر واقعی درخاها بسر میبرند باین دو دلیل میتوانیم گفته کوئیم در اراضیّ نگسپار ما مملکت که پورتقال وانیوی بسیار اعلای بدست رسد

در اصلاح ، علی ، تاکات ، همه درختهای فصیهٔ تاریخ جبل رابینی کاریخ پورتقال ، گنه ، متد ، سترچکوترهوغیرها (سترونس) مینامند . درین جنس ، سترونس ، ازهمه بیشتر که بسردی طاقت آورتر میباشد

(باغچه های لیمو ، و پورتقال)

مملکت عزیز ما خاصتاً (افغانستان بصاحافة عن شر المدوان جان یك خاك خاصلخیز پرخیز و برکتی میباشد که از هرنوع میوهٔ جات رقم میوه بسر میرساند ، قطعه‌های مختلف الطبیعهٔ دارد که هرمیوه‌ها و نباتات گرمسیر ، وهم سرد سیری را میپروراند .

حتمایکه درین سرلوحهٔ زراعت تحریر میخواهیم بیاریم محتوی برمسایل زراعیهٔ خواهد بود که در وطن عزیزما قصداً دران باشند ، وبا آنکه اراضی قابلیت واستعداد آن قسم زراعت را داشته باشند ولی بسبب بعضی موانع از زرع آن استفاده نشده باشند ، مثلاً اراضیّ (نگسپار) با وجودیکه درختهای نارنج بسیاری را بسر می آرد ولی درخت لیمو و پورتقال که آنرا مانند میگویند دارند زمینها بسر نمیرسد. حالانکه لیمو و پورتقال نسبت بنارنج خیلی نافعتر و ، وتجارتش فایده مندتر میباشد ، لیمو و پورتقال — یا — مانند اگرچه یکقدری از نارنج نازکتر — یعنی به هوای سرد ناسازگار — است ، اما بازهم درجهٔ که نارنج بسر برسد بسر زمینان آنها هم بامکان شمرده نمیشود، بااینهم حکم قطعی کرده نمیتوانیم که لیمو و پورتقال در اراضیّ نگسپار ضرور باید بشود ، اما بسبب فایده مند بودن پورتقال نسبت بنارنج هرانقدر معلوماتی که درخصوص اصول زراعت وتربیهٔ این میوه لطیفه بدست داریم عرض انظار قارئین کرام ، علی الخصوص برای باغبان باغ دار حظ بنگسپار نشین خود میداریم گما گر قابل تطبیق به بینند شاید فایده‌مند مرتب شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1380 of 1786

جالا درجهای تاریخ و پرتقال شیرین میباشند . اما دیگر اجناس آن بدرجهٔ بسیار توانایی ندارند . حالا در خصوص منطقهٔ زراعت لیمو و پرتقال بیفایده نوشته اکتفا ورزیده بر خت نهال نشاندن و تربیه کردن و بسر رسانیدن آن یکقدری عطف نظر خواهیم نمود .

— ۱ —

مسئلهٔ آب و آبیاری

مهمترین مسایلی که در زراعت درخت پرتقال در زیر نظر دقت باید گرفته شود مسئلهٔ آبدادن درختان پرتقال است . اولا این باید دانست که درختان پرتقال که آنرا در اصطلاح علمی مشاتله میگویند ازدرختان بارکتیست که میوهٔ بسیاری محصول میدهد . اما بطوراوسط جان این محصول شمرده میشود . در جاهای که آب درخت پرتقال بهیچصورت زیادش نمی باید محصول نمیدهد . بهترین پرتقالهای دنیا پرتقال « یافه » است . یافه در ساحل بحر سفید ، بندر کاه ، بیت المقدس ، تربه میباشد . هریک فورهٔ میوهٔ پرتقال درتابستان بقدر یک حوض بشود ، بهمه حال باید درهفتهٔ یکبار آب بسیار وافری به آنها داده شود . هر گاه آب جاری موجود نباشد باید چاهها برای آبیاری باقیمه های پرتقال کنده شود ، وتوسطهٔ دمهای متحرک آب جاه را گشیده در حوضهای مخصوص باغ کاری که ساخته شده است پر کنند ، وبه واسطهٔ جویهای باغ کاری در هرهر طرف باغیه تقسیم شود .

— ۲ —

انتخاب زمین برای نهال نشاندن

اینمسئلهٔ انتخاب زمین برای هروع زراعت خیلی مهم شمرده میشود که برای نهال نشان پرتقال نیز از اهمیت خالی نیست . اما بدرجهٔ مسئلهٔ آب و آبیاری اهمیت ندارد . زیرا درخت پرتقال از جنس وطبیعت زمینهای مخالف خیلی متأثر نمیشود ، در خصوص خاک خیلی نازك نیست — یعنی درهر زمینی که باشد فائده و نفا میکند — اما سگی که نهالان پرتقال آنرا دوست ندارد همان خاکهاییست که از جنس گل سرتوی سخت وزوجتاك . ومانع نفوذ آب دران باشد . وزمینهاییکه بسیار جوانه دار ، وبسیار ریگزار باشد برای تربیت وپرورش آن فایده مند نیست . زمینهای گل ـ رشوی آنرا چون خوب جذب میکند از اطراف ریشه های نهال را گنده میسازد ، و زمینهای کهجوهٔ بسیار دران باشد نهالرا زرد وناتوان میسازد . وزمینهاییکه ریگ بسیار داشته باشد زود زود آب دادن آن لازم میشود که باین سبب قوت پرورا از کم میسازد .

— ۳ —

اصول کاشتن وطرزان ساختن درخت پرتقال

اصل جان مسئله درهاست . وچیزیکه مارا بکیفیت وجه نائل میسازد هرهرین است که آیا چون درخت پرتقال نداریم آنرا چسان بکاریم وچسان طرزان سازیم ؟ هر گاه دراطراف جلال آباد درخت پرتقال موجود . وکشکارش آن معروف ومعلوم میبود هیچ مشکلاتی درپیش نمیبود . حیثیات چون این معلومات را که درذیل بیان میکنیم قارئین کرام با مطالعه فرمایند سراسر ازوجود یافتن درخت پرتقال نائل باید نگردند :

اولا این را بگوئیم که میوهٔ پرتقال ازهندستان بکثرت درمملک ما می آید . لاجرم از تخم جنسهای اعلاترین آنها بسر رسانیدن نهال پرتقال یك کار غیرعملی شمرده نمیشود . اما اگر بگوئیم که دروقتا آنقدر تخمها بهمرسد که همرده که زنده اند بدانجهین کندو واد پذیرفتن جنانچه ازهریج کاری ثمرهٔ حاصل نمیشود . همچنان ازمیوهٔ پرتقال هم ثمرهٔ حاصل نخواهد شد . حالانکه هزاران کارهای دنیا بهمین استقبال آمال پیش میبرود . اگرما بگوئیم که یك گرمنهال ازان بسر رسانیم نگذشت که اولاد واحفاد ما ثمرهٔ آنرا نگذاشتن گذشتن وحلاوت بخورند . ودرحق ما خدا یاحیزی بدهند .

لهذا اول اصول ماهرین است که بطریق کاشتن تخم پرتقال نهال پرتقال را بسر رسانیم . اما بهترین اصولهایی که دردنیا باغ دارهای پرتقال کاری ومیوه میباشند اصول (پیوند) است که باصول پیوند میوهٔ پرتقال وفوت وبلان وغیره دلتر میشود . ودیگر رای اصلاح جنس پرتقال خدمت میکند . اینهم بگفته ثابت شده است که درراه پیوند پرتقال . وهمرای پیوند سنتره . وهمرای پیوند لیمو درهوای تاریخ ویا درهنهای لیموشیرین که آزادمیکو بهخیلی نافع ومفیداست . یعنی اگر یك قلمك ازشاخچه گك درخت پرتقال بدرخت تاریخ پیوند شود . یکسال دو سال بعد درخت پرتقال ثمرهٔ اعلای بر میدهد . ازدرخت لیموی شیرین یعنی که کرده درخت تاریخ راکه پیوند پهتر است .

حالا درینجا بازیك مشکلات عظیمی پیش آمدیم که نمیدانم ازدراه پرتقال مأیوس میسازد . مثلا قلمك شاخچه گك درخت پرتقال از کجا بدست بیاریم که درهنهای تاریخ خوب پیوند کنیم درخصوص همینقدر گفته میتوانیم که برهر کاری که عزم واقدام وهمت صورت جدی راسخ شود هیچ تیرهبیست که آخر نتیجهٔ مصروف مقصد جوینده نشده وره ، بطور ص پیوندد . مثلا اگردن یك چند نهال پرتقال ازجنس اعلاترین پرتقالهای هندستان غیرعملی یك چیزی نیست . اگر اصف مبلغی را که سالیانه برای آوردن میوهٔ پرتقال ازهندستان صرف میکنیم برای آوردن یك چندسال آنصرف کنیم چندان مانع ندارد . نهالها را اززمینی که دران کاشته شده اند بیکصورتی که یکدانه آن ضرری نرسد ازبسیار جلدی برآوردن . ودر پیهای بسیار زرکی که خاك وپاروی لازمهٔ آن بدرجهٔ معرفت از باش وضع شده باشد گذاشتن . وآن پیهارا بواسطهٔ ریل تاه عبور رسانیدن . وهم خطه ازریل برداشته درموتر هایباربرداری گذاشته خلال تاه آوردن غیرعملی یك چیزی شمرده نمیشود . حال آنکه غیرازین اصول دیگر اصول تخم پرتقال را بسر رسانیدن بازموجود است . (باقی دارد)

از اختراعات عصر الحاضر

تلهٔ سکوپ — میکرو سکوپ

درشمارهٔ سابق از « ماشینهای دوار طبع » بحث رانده بودیم ما

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1381 of 1786

شمارهٔ خودخواستیم کلمهٔ « تلسکوپ » و « میکرو سکوپ » نام گلهای غریبه که از اختراعات بسیار عجیب و غریبی شمرده میشود یک شمهٔ معلومات برقارئین کرام خود عرض نمائیم .

یکی از اختراعات بسیار عجیب ومفید نام مدنیت ، تلسکوپ ومیکرو سکوپ است که « تلسکوپ » مسافات بعیدهٔ عظیمه را بچشم انسان نزدیک می آورد ، « ومیکروسکوپ » چیزهای بسیار کوچك فوق العاده را که قوهٔ نظر بشر از دیدن آن سراسر عاجزاست بهزارها بار زیر کند ساخته انسانرا برحقیقت آن مطلع میکرد اند .

(تلسکوپ) چنان یك آلهٔ بدیعه ایست که قوهٔ بصریهٔ بشررا هزارها بار از حد طبیعی آن زیاده میکند ، میدان رؤیت انسانرا تا افق فضای بی منتهای سما میرساند ، به کنه سرایر کائنات انسان را آشنا میدهد ، این آلهٔ بدیعهٔ تلسکوپ در خصوص کشفیات اجرام سماوی بنام مدنیت خدمتهای نمایان بجا آورده است که باین جهت از بزرگترین اختراعات عصر مدنیت شمرده میشود . اگر تلسکوپ اختراع نمیشد دنیای امروز خودرا چگونه پیدا میکرد ، آیا دنیای امروز بچه حال درمیامد ، کی میتوانست ؟ آیا اگر معاونت این آلهٔ بدیعه نمیبود ، « غالیله » نام حکیم مشهور میتوانست که دوران وزمانرا درجهٔ ثبوت برساند ؟ آیا اگر این اختراع غریبه پیدا نمی آمد این انتظام قوانین علم هیئت که منظومهٔ عوالم را دور میدهد بدرجهٔ که امروز دیده میشود وضع وتعیین شده میتوانست ؟

بسیاری ازمحررین و مؤلفین ایجاد تلسکوپرا که اکثرین انواع دوربین است ازوقتهای زمانهای قدیمیان گردهاند ودرخصوص کتری دلیلها نیز آورده اند ، امامتفق علیه همین است که این کشف مهم از اختراعات اعصار جدیده شمرده میشود ، محررینی که آنرا از کشفیات زمانهای قدیم ادا میکنند دلیل یگانهٔ شان اینست که معاملات رصدیهٔ فلکیه درتزد ملتهای قدیمه نیز بکمالیان اجرائشده است که اگردوربین وتلسکوپ نمیبود آیا چسان اعمال رصدیه را بجا آورده میتوانستند ؟ حال آنکه باین فکرخود بازی خورده اند ، زیرا حکمای قدیمه اعمال رصدیهٔ خود شان را بواسطهٔ چاههای عمیق اجرا میکردند ، وبسا بها لوله‌های اسطوانهٔ دراز را که مانند لوله‌های دوربین بود ولی آینه نداشت برای اعمال رصدیهٔ هیئت استعمال میکردند . چونکه دربن چاه های چقور وتاریك ستارهها بسیار خوبی ودرستی عکس انداز میشوند ، حتی در روز های روشن نیز ازبن چاه ستارهها بخوبی دیده میشوند ، لوله‌های اسطوانهٔ دراز نیز مانند یك چاه است که بدست گرفته شده باشد .

درخصوص ایجاد دوربین اکثر مؤرخین چنین یك متفق هستند که « لیپرشی » نام یك آینه سازی ایجاد کرده است . لیپرشی یك آلهٔ صنعتکاری بود که بلورهای مدوروعدیم مقرراورا برای بعضی ازصنعتهای خودمیساخت . یك روزی بود که بچه‌های خورد سال لیپرشی دردکان پدر خود با آن بلورها بازی میکردند که دران اثنا بیك عدسهٔ محدب ویك عدسهٔ مقعررا که بچاگهای تختهٔ میز بر کنار عدسه خلاییده بودند واز پشت آن عدسه ها برون را تماشا میکردند دفعهٔ منارهٔ کلیسای نزدیك شهررا که ازدکان شان بسیار دورموجود خیلی نزدیك « مسافی مشاهده کردند ، واز خوشی بسیار که یك چیزدوی پافتند مسرت وشادمانی وکف زدن آغاز کردند . لیپرشی از جای خود برخاسته آمدتابیند که بچه‌ها چه میکنند .

چون بر حقیقت مسئله واقف گردید حیران مانده هنوز بعملیات ابتدا نموده ، ودوربین را ایجاد کرده مدار مدنیت شهرت محترع را حاصل کرد . این است که نخستین دوربین همین دوربینی ست که درسنهٔ ۱۶۰۹ میلادی ازطرف (لیپرشی) به اقتصادی عیان وجود وظهور رامده است ، ورفته رفته ترقی کرده بدرجهٔ این تلسکوپهای غیر المعقول موجوده واصل گردیده است .

درسنهٔ ۱۶۰۹ دست (غالیله) نام حکیم مشهور هیئت‌شناس بزرگ دوربینی آمده بود که بواسطهٔ آن برسی کشفیات فلکی موفق گردید ، حتی خود غالیله نیز چند عدد دوربین های برقم رقم ساخته است که یك چند دانه آن کماکان درموزه خانهٔ (فلورانسه) موجود است . قطر عدسهٔ این دوربینهای غالیله بقدر چار سانتیمتر ، ودرازی خود لولهٔ دوربینش درماین یکماه سانتیمتر ، تابیك متراست .

اماالصل تکمل وترقی که در دوربینها پیدا شده ، وبزرگی وجسامتی که امروزه روز در تلسکوپ ها می‌بینیم مخصوص عصر نوزدهم میلادیست که عصر مذکورمادرهمه ترقیات معمولات ومخترعات شمرده میشود . برای دانستن درجهٔ ترقی وتکمل تلسکوپ همینقدر می گوئیم که درزمان (غالیله) یعنی درسنهٔ ۱۶۰۹ درازی دوربینها ازیك متر بیشتر نبود ، حال آنکه درعصر حاضر بمسکوپ پنج شش خروار ، ودرازی پست وپنج نامی متر تلسکوپی می‌بینید که تیاقطر آینهٔ آن یك نیم زار درازی تمام دوربین غالیله می آید . سایهٔ هیبت انچنین تلسکوپها امروزهروز درحالیکه انسانهای خودلشته میباشد بجولان وسیران بام فضای پیمان کامیاب میآید ، علت اینرا رؤیت تلسکوپ ، بر قاصر عاجزانسان به اسرار های سیارات که ، منظومهٔ شمسی ، را تشکیل داده‌اند خود میباید ، قطعه‌ها ، بحرها ، قطبهای منجمدهٔ سیارهٔ (زهره) یکان یکان دیده وشناخته میشود ، کوهها وادیها ، دشتها ، درههای کرهٔ « قمر » درپیش چشم انسان بنامها جلوه گر می گردد ، حتی خریطه ـ یعنی نقشهٔ ـ مکمل آنها گرفته میشود .

والحاصل تلسکوپ یك آلهٔ بواسطهٔ بنظر هیئت ایست که حصهٔ تدقیق ومشاهدهٔ خوارق وبدایع کائنات را عایدمیکند ، تا تلسکوپ وقت وزمان خسوف و کسوف ، « صعدهای که بعد به دور کرهٔ زمین است ، وهمه حرکات قمر که تابیه‌تابیه وقوع می آید معلوم وعیان می گردد ، جولانهای سیارات ذوالذنب — یعنی ستاره‌های دمدار — را قدم‌قدم تعقیب می‌کند ، بنابرین ، چون این آلهٔ بدیعه تعین گردن وتدقیق نمودن احوال وحرکات اجرام سماویه را که بملیونها کیلومتر مسافه از کرهٔ زمین بعد مسافه دارند ، بساکنان زمین عطا واحسان می کند ، وانسانرا برعظمت وکبریای خلاق عظیم الشان کائنات وبدایع مخلوقات اوسبحانه معترف وآگاه میسازد ، اگر یکی از بدایع مخترعات واختراعات بشریت ومدنیت شمرده شود جائز است .

§

آمدیم برآلهٔ که آنرا (میکروسکوپ) می گویند : این آله برعکس دوربین است که آن دوررا بچشم نزدیك می‌کند ، واین نزدیك وخورد رابچشم بزرك می گرداند . لماخوذه که گفته شد ، خوردی (ذره) وبزرك کردن (ذره‌ها) را کفایت نماید کرد ، این آله می گوید میکروسکوپ ازذره بیهایی که مارای ساعت نیزی یك گیت را سه چار بار زیر کنر با آن می‌بینیم خیلی فرق دارد ، زیرا میکرو سکوپ (میکروب) نام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1382 of 1786

اجسام اصغر الاصغری را مجسم الیهم می‌کرداند که از ذره بغیل گوچاتر چیزهاست. گوچکی آنرا در این درجه قرار داده که در یک قطره آب زلال که چند بار صاف شده باشد، و مجسم فی‌الشکل باشد، جسمای موجوده در هیچ چیزی دیده نشود. چون بقدار آن قطرهٔ آب زلال را باین آلهٔ بدیعهٔ عالم‌نما نظر کنیم بعدها حیوانات مختلف الشکل غریب و عجیبی در آن قطره در حرکت و جولان می‌بینیم. باریکرو سکوپ نیز هین قدر نمایاند. بلکه واسطهٔ این آلهٔ کلیهٔ بدیعه که طالب کوچک و بعی خیلی زودتر ست در هر شعبهٔ علمیه وفنیه و کار کداری که در بین عیدان و رزگرین خدمتی بردی کار میآید. حتی یکی از علمای فنون جزئیهٔ عصر مخبره می‌گوید: — ۱۰ گرمی‌گرو سکوپ اختراع نیشد. امروزه روز دروازه‌های ترقی برای بسیاری از فنون مسدود میماند. والفکار بشریت صورتیکه مذکوره زان بصورت دوچار شکی وقفه میشد.

حقیقتاً می‌گرد سکوپ ضرور برای اطباب فن وصنعت یک واسطهٔ تحقیق وتدقیق بسیار لازمی دمروزی شمرده میشود فی‌الخصوص درفن طبابت خدمتهای نمایان بسیار عمدهٔ که آلهٔ بدیعهٔ می‌گرد سکوپ وجود آورده هیچ انکار شدنی نیست. اگر همین آلهٔ کبکی که از سه چار پارچه بلور های مختلف الشکل و یک آینهٔ دوریین مانند کوتاه، وبلندوسه‌پیچ وغیره تشکیل یافته وجود نبیود و پاستور و نام‌حکیم‌مشهور ومعروف فرانسوی بعالمشغول کشفیات (میکروبی) های امراض‌خطرناک کمیاب‌نمی‌آمد، وامروزه‌روز حیوانات کوچک‌کوچک که میکروبی امراض خطرناکه مانند وبای کرمدکی)، و (جذام) و (فرانکی)، و (های ژیتوژنی) وغیره که دشمنترین و خطرناکترین دشمنان حیات بنی‌آدم میباشند کشف ویدا نمیشد. این است که بسبب موشه و سرایت تأثیرات مدهشهٔ این حیوانکیهای نمی‌گرویی، عوض بسیاره عوض آلهٔ می‌گرو سکوپ ایمدان زیادمیات، وازوقتیکه این می‌گرویها واسطهٔ آلهٔ می‌گرو سکوپ کشف گردیده بارهاوعلاوه جهای مؤثر آن مرضهای میکرکی را نیز پیدا کرده اند.

خدمتهای می‌گرو سکوپ تنها به کشف می‌گرویی امراض برای حیات‌نشد منحصر نمیاند بلکه واسطهٔ این آلهٔ برای وجود رکیاوی‌ها وصفحات استحاله های غیرالی که اشیاع مادیهٔ انسان را تشکیل دادند اندازه گرداندن یک حیوانی پیش شود واسطهٔ می‌گرو سکوپ تدقیق وتحقیق میشود. حتی اطلاعات نشوونمای وجود بشر از وقتیکه بحالت نطفه رحم مادر می‌افتد تاوقتیکه مال مضغه کی را می‌گیرد، ووجود پیدا می‌کند واسطهٔ می‌گرو سکوپ تماما مبین می‌گردد. غیرازینها، درخصوص فن‌تاریخ ذهبیات، و کشفیات معدنیات، وتوصیف الاحجار، وتدقیقات آثار عتیقه باز خدمتهای بسیار زرگ برای انسان می ازار می‌کند.

این‌یک معلوم است که اساس می‌گرو سکوپیرا دراول امر، بلور های محدب دره دنیا که آرا «لوسوره» — یعنی چیزیکه چیزرا خود جیسوزاند — لقبی داده است. حالا آنیک بلورهای محدب تازه پیدا — یاتم دیگر لوسوزها ازبسیار قدیم وقتها عیدان رامده است. نظر بچیزی گفتار چند جزئیات ضبط کرده است دوروایت موجوداست: یکی این که نظریات اولیهٔ میکرو سکوپیرا خستین بار «زاخاریاژانسن» نامشخص هولاندی درسنهٔ ۱۵۹۰ پیدا کرده. دیگرایتکه: «بلورهای چوبی‌دره

بلد دنیا یک‌هزاری خستین‌بار درسنهٔ ۱۶۲۰ یک بی‌گرو سکوپی‌وجود آورده است. بهرصورت، تعاریف‌آن هرکس که باشدباشد، اینقدرمان این‌کلمات می‌گرو سکوپهای امروزیه بسیار ضعیف اخیر عصر وزمن سیلانی آثار ناقصاست. وامروزه روزدرجهٔ نهایت مکمل‌رسیده گردیده است. زیرا زان میکرو سکوپهای موجودهٔ حالایی یک چیزی را تقریباً هزار بارازحد اصلی آن زیادتر کرده جسم میدارد. حالا چون تصور کنیم که یک دانه کیک را سه هزار بار بزرگ نشان بدهد هیچ شبهه نیست که تاریخ اصلای داخلی وخارجی آن بکمال سهولت اجرا میشود. وچون عدد یک ازین یکی که امتیان یک معمولی باشد بالاین آلهٔ دیده میتوانند ضرورة آزادانه نظر بجسم دانه رحقیقی آن انسان را آگاه خواهد گردانید. وچون دریک چون یک قطره رحوبایک قطره یکوجود یک مرض بالآلهٔ مخبره دیده شود هیچ شبهه‌یست که بسبب حیوانات صغیرهٔ میکروبیه در آن‌دیده خواهدشد. وازقرینه‌اعداد اجرا آنها حیوانات صغیره استعمال شده تأثیرات آن تخریبه خواهدشد که بسبب میکرو سکوپ روز بروز توسع میکروبیای اقسام مرضیها پیدا شده میرود. وتجربه‌های کوناگون در میکروبیها اجرا شده خدمتهای بسیار میدهد. بقی‌ای جزئیات وجه بشر برای کار آمده میرود. لهذا میکرو سکوپ را بزار اختراعات بسیار بدیعهٔ گرانبهای این عصر حاضر باید شمرد.

صنایع‌نفیسهٔ ادبیات

این یک عنوان جدیدیست که برای تعریف معانی خواسته کل آن عنوانش سوق‌الوار گردیم، چونکه «صنایعهای» ادبیات و سائر علوم وفنون‌های ادبیهٔ که دراین یک صنعت یک مضمون بسیار بدیعهٔ فی مضمرباشد بحث میکرد.

(ادبیات) تشکلات وانبع‌وبرگیست که همه چیزدارد. ازانیک (صنایعهای) بسیار مکمل ومکملی را مالک است که صنعت گوناگون، وجزئیای وقلمونی ازان میداند که‌الفاظه درضمن آن عنوان یک تماشاگاه جامع صنایع ادبیهٔ فارسی را بنظرقارئین کرام عرض خواهیم نمایید.

صنعت رقما

رقما در لغت یعنی «گویند» نقل آمده است. اما در صنایعهای ادبیات نام یک صنعتیست که صنعتگران چیره دست بکار میبرند دستکاه تخیل یک لطیفی بازند چوجود آرند که هرگونه آن از یکطرف مخطوط ویکطرف غیر مخطوط مشکل شده باشد.

مثلا (سلمان ساوجی) میگوید:

ازار چوی خوش خبر تو
باز صبا تازه بستان کشد

درین شعر فوق چون از مرکا بشنوید یک حرف را نقطه دار و

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1383 of 1786

حرف را بی نقطه می بیند ، چنانچه (ا) غیرمنقوط (ز) منقوط ، (ا) غیرمنقوط (ت) منقوط الی آخره .

حضرت « طرزی صاحب افغان ، علیه رحمة والغفران میفرماید :

چون کنم باغیر تو نوشم می لب سیمو بکشا — خون می از لب سیمو بکشا
ای صنم برفکن حجاب از رخ — چشمان رنگ رو بکشا
برهم باش سیر ای سیمو — می عتاب رنگ رو بکشا
باهم رنگ متحد جانم — تنه شمارنگ متکو بکشا

صنعت متصل الحروف وموصول الحروف

وان صنعتست که بیشه وران ماشینخانهٔ ادبیات نثری بالطبع ایجاد کنند که حروفات آن بالا جمان حرفه الی حرک باشد که بهمدیگر وصل نشود ، یا چنان گالی تشکیل شده باشد که هرگاه دو حرف ، یا سه حرف ، یا چهار حرف ، پیشترازان وصل شده باشد .

مثلاً حضرت مولانا (جامی) قدس سره السامی درین پنج بیتی که در ذیل میاوریم اول بیت آن متصل الحروف است که چسپاندن حروف آن خط تعلیق فارسی غیرممکنست ، دوم آن از گالی مرکب است که دو دو حرف وصل شده ، وسوم آن به سه سه حرف ، وچارم آن به چار چار حرف ، وپنجم آن چنیچ پنج حرف :

زخ زرد دارم زدوری آن در — زده داغ دردم درون دله آفت
جومن کست گویی شرفرقت تو — مذو کمباشد بدین گونه لاغر
خطت خضر جمدحکم مشك نبت — مذسیم لعل لبت نکته شکر

از مناظر هندستان

یک سمت عمارت کشمیر در کنار نهر

بجنب نسیم مقیم حیات — بهشت محیط غیب مخضر
بلها مسیحی بکفن مسیحی — بسلامت صبحی بگیسو معنبر

وباز (سلمان) ساوجی درین رباعی ذیل خود همین صنعت را رعایت کرده که مصرع اولرا از حروف متصل ، ومصرع دوم را از دو حرق ، ومصرع سوم را از سه حرق ، ومصرع چارم را از گالت چار حرق تشکیل داده است .

ای درد آورزده ازرخ آور — منی برمن مخور خط توجا کر
غیر شکی جمد حکم گالت قضا — مشکی بکشد بشکل چنبر عنبر

گمالت سامان درین بیت ذیل صنعت موصل بدو حرق را مراعات کرده است :

لب توسایل تولوخط تومرکز لاله
شب توحامل گوک مه توخاط هاله

حضرت (طرزی صاحب افغان) در رقعهٔ ذیل که برای حضرت (جانان) صاحبزادهٔ مجددی قدس سره نوشته اند نیز صنعت موصل بدو حرق را رعایت فرموده اند :

(رقعه)

« جانانم جانم قربانت !

« حامل نامه کاغذ جانانم بدست من حریف طریف رسانید ، هرحرفش « مرهم خاطرفگار ماجزشد یاخون خط پرلالهٔ تولیق ، جانم برخط «

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1384 of 1786

أثر مناظر هذه الليلة
على خطوط سكك الحديد الحربية

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1385 of 1786

« خویش عاشق ، نی نی ! ل پ هوشم ساخت .
« عاجب من ! هرکس که جرعهٔ ساغر حرمان سافی بقی نوشید ، »
« با کف پرکاسهٔ سرجم گشت ، هرکس سر خویش" می" مریی »
« بطن ا کنی کرفت ، بدست پرجم شهد مدعایم گرفت ، هرسرکه »
« خدمت مرشدکامل یافت ، سالها ، مرگرم طاعت ، مانع باطل جو »
« شش باید ، باقی : کف پاچه کر توی سیاید ، پرمر کاسهٔ سر »
« ی وجم ، باس ابی » .

۶

در جملهٔ متصل الحروف این غزل دل جناب امیر خسرو دهلوی را نیز بشنوید :

ای دل زره مردمدوا در ره یاران
وزدرد نخورده درش آی ودرو آن :

یاودروش آزاری وازدردودوش
آوازدل آرای دراور زدل زار

ریزاردوی و دلزاری وداردوی درجودل
رو رو دروان آزرد زدره دادار

دوری زدرداورو دلزار ازاندوی
از روح روان روزن دل دروم اوکر

ازرادی وآزادی ورزاه ارادت
آزادرو ورزود رو ودود زآزار

۷

اتصال غزل فوق را دیدید ، حد اتصال این پنجهای قبل را هم ملاحظه فرمائید که سنعکران کار عده ادبیات چه کونه ها بیدان راورده اند :

تمیدمنجنگشتم کاهنمیفهنگشتبحار

دیکر

بکنیبیشتست بشایستهست
سیشیکشیپیست سیشیکاستکست

این دوبیت آخری فوق را صنعت (انسان الثثار) بزمیکوینه ، وبرای آنکه خوانندهٔ آن خوانده را زحمت ندهد ، بپهای مذکور زبه املای درست هم مینویسیم :

بیت اول

ن دیدم لطیف کشت چو کل خلم نهفته کشت بخار

دوبیت آخر

دُنی لب بن بست لشست بُش لب بن بست بست
مستیوش بُش لبن پست بتری پشتی مست شکست

پاداوری

شاعران دیوانیان وادیبان نکته سنجان وطن عزیز خود را یاد آوری میکنیم که مقصد « سراج الاخبار افغانیه » ازبار نمودن باب « صنایعخانهٔ ادبیات » این است که دربب ادبیات آثار قدیمهٔ شعرای ناظم فارسی که داد سخنوری را داده اند یك خدمتی ابراز کرده باشیم ، موزم ، ـ یعنی یك مجلس عالم ادبیه درعجلات خودتشکیل دهد . واین مقصد بسر نمیرسد مکر اینکه هوسکاران فن ادب ! کرآثار روی دوام این آرزوی اخبار وطنیهٔ خود را آرزو داشته باشند ، که میبایدازاو مروت نموده هرکاه در کتابهائیکه درنزد شان موجود است ازان کونه نزی وبالطبع که مبنی برنك صنعی باشد بنظرملاحظه ومطالعهٔ شان برسد امسك روانداشته برای مدیرماجز روانه فرمایند که مع الشکر درج صحیفهٔ افتخار نمائیم ، وشکر کذار ادب پروری" شان کردیم .

ونیز کرشاعران شیرین مقال مابعدی نیزنظم صنعت نحریرخودرا مهربانی کنند آنرام بکمال محبوبیت قبول میکنیم . اما شعر قدیم بوجهیکه زوانهٔ سوی ناجزانهٔ کرده میاید که بهمه حال معانی" شعریهٔ آن درست ومفهوم باشد ، وتنها رعایت الفاظ ازبهر صنعت اکتفا نشده باشد . نام شاعرآن هم اکردرنزد فرستنده آن معلوم باشدنوشته شود ، ومتحفظ خودازسالکشنده نیز موجودباشد ، ومن الله التوفیق .

حالات خوشحال خان خٹك

بطور اختصار از کتب متفرقهٔ افغانی والاریخ نوشته شده ـ

خوشحال خان ولدشهباز خان ولد یحیی خان ولد ملك اکوخان ـ قوم خٹك ساکن ملك پور المعروف بسرائی

ولادت خوشحال خان ـ : د درسنه ۱۰۲۲ ه ـ چونکه قوم خٹك از قدیم باقوم یوسف زئی عناد و عداوت داشت — وهنکامهٔ کار زار هرچند درمیان ایشان کرم میبود ـ ازاین سبب پدر مع اجداد خوشحال خان در جنك‌های مردم یوسف‌زائی بکار رسیده‌اند ـ خوشحال‌خان درزمان سلطنت شاهجهان ازجملهٔ اکابر دولت او وخان قوم خود بود ـ هنکام اورنك زیب پدرخودرا محبوس ساخت خوشحال‌خان ملازمت راخیرباد گفته بوطن اصلی خود مراجعت کرد ـ وبعزت وحرمت تمام اوقات خودرا بسر می کذرانید ـ چونکه خوشحال‌خان نزد شاهجهان نهایت مقرب وازهوا خواهان او بود اورنك زیب بسبب خوف که مبادا خان مذکور کدام فتنهٔ رانکیخته شاهجهانرا ازقید او رها کند ـ اورنك زیب ازین جهت قصد حبس خوشحال خان را کرد و ظاهراً برای اوجنان نوشت : —

چونکه شهانه تخص دانسته ولایق میباشید همچنانکه درعهدشاه جهان غزی وحرمت داشتید در دربار من نیز شمارا بهمان قسم عزت ومرتبه عطا کرده خواهد شد لهذا باید که شما حاضر دربار فیض آثار پادشاه مقابله شوید ، خوشحال خان باوجود کال دانش به تحریر او فریفته شده درسنه ۱۰۷٤ ازمسکن خود بطرف دهلی بسوای جمیت کثیر روانه کردید — چون بپشاور رسیدصوبدار پشاور فوراً اورا بقرار فرمان اورنك زیب که قبل ازین برای اورسیده بود محبوس کرده باو کفت ! اکر شمابلغ ٤٠ هزار روپیه برای من بدهید شمارا رها میکنم ورنه بطور بندی بحضور اورنك زیب پیش خواهد شدید ـ خوشحال خان بخیال اینکه دروقت شاهجهان خدمات بسیار کرده‌ام شاید که اورنك زیب علاوه ازرهائی بلحاظ حقوق خدمات سابق برتبهٔ بزرك خواهد رسانید ـ ازین سبب برای صوبه دار مذکور کفت که من جهت شما یك حبه ودینار نمیدهم بلکه میخواهم که بنده را بدهلی روانه کنید صوبه دار پشاور خوشحال خان را بحفاظت تمام روانهٔ دهلی کرد ـ اکرچه اقوام خوشحال خان چند مرتبه برای جنك ورهائی دادن او جمع شده بودند ـ مکر خوشحال خان ازین ارادهٔ شان باز داشت — باخره دروسط ماه مبارك رمضان سنه ۱۰۷٤ ه بدهلی رسید ـ وبعداز عرضهٔ چند دربارهٔاو ازحضور اورنك زیب چنان احکام صادر کردند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1386 of 1786

که خوشحال خان در دهل عیوض شده و عیال و اطفال او در دهل گرو ده بود ـ بمجرد صدور احکام شاهی پسران او بطرف ملک خود روانه شدند یعنی سعادت خان و میرباز خان جهت آوردن عیالها و وطن خود آمده آنها را بدهلی رسانده ـ بعد از عرصهٔ چهار سال او رنگ زیب خوشحال خان را از حبس رهائی داد ـ و منصبی که در عهد شاهجهان داشت برای او داد و بلقب ـ اباوا در زمرهٔ ملازمین خود منسلک ساخت بعد از چندی خوشحال خان خودرا مع عیال و اطفال بخدام حیدرآباد کلیده وطن اصلی خود باز آمد ـ بعد ازان پسر بزرگ و عداوت اورنگ زیب چندمرتبه اقوام خودرا جمع کرده باانواع توطئه کرد ـ و در یک واردات محاربه حریف خودرا بزخمیت واداشت ـ خوشحال خان از حد زیاده در دیوان خود غلو اورتملق کرده است جانبه خود خان مذکور می گوید : ـ گفتم دیوی چند اشعار در هجو سلطان محمود غزنوی گفته انام هجو اورنگ زیب را به بارده گفته ام .

مذهب خوشحال خان : ـ اهل سنت وجماعت و حنفی فاضل عمیق ومتقشر از شیطان رجا کار بود .

عادات و اخلاق : ـ خوشحال خان صاحب سطوت ـ واحسان ـ و مروت ـ وشجاع ـ وسخی بود ـ با وجودیکه در سال ملک بسیار عالم مبتذل است چونکه آزاد بطور جوانمردی وسخاوت صرف و بذل می کرد قول خودرا کاهی زاور کوه واجب نشانده بود .

شوق شکار را نهایت زیاده داشت چنانچه تا آخر عمر خود شکار میکرد ـ اگرچه خوشحال خان شعر افغان وفارسی را می گفت ـ مگر شعر گوئی را بد میدانست غیر : ـ تاریخ انتقال خوشحال خان معلوم نیست ـ مگر اغلب گمان میشود که عمر او بین ۹۰ و ۱۰۰ خواهد بود .

کار نامهای خوشحال خان : ـ خوشحال خان مشهور ترین افغانان وعلاز بزرگ قوم خلجاست ـ قوم خلج از بقایای کیرانداد ـ و بیشتر افغانستان وهندوستان مسکن وماوا دارند ـ دیوان خوشحال خان که هر زمان پند و نصائح و ضرب الامثال وجواهر ناب است ـ در هر از کتاب دیوان حافظ رح پرزور میباشد ـ اگرچه در خوبی و فنون عالمانه این شخص زائد از یکصد کتاب تصنیف کرده است ـ اما اطناب از تصنیف او همین دیوان وفضل نامه ـ وفرخنامه ـ ورباعی الحقیقه ـ وعیارداش ترجمه انوار سهیلی بشکل میسر میشود ـ از بدایع افغان در اکثر علوم معقولات ومنقولات علامه دهر گذشته است ـ علاوه ازین خان موصوف در شجاعت وجوانمردی وسخاوت رستم وقت وحاتم دوران خود بود خوشحال خان بگواه و نشان فرزند نرینه علاوه از دختران کثیر التعداد داشت که مجموعهٔ ایشان ۳۴ فرزند او درجهٔ اعلی شاعر بودند ـ اقوال او قریب بدرجهٔ اعجاز رسیده است ـ واگر آنها ضرب الامثال گفته اند ـ اشعار افغان اوی مثل واشعار فارسی خوشحال خان بدرجهٔ اعلی میباشد ـ خوف اطویل اجازت نمیدهد که اشعار او قدری نقل کرده شود تاهم بطور نمونه چهار شعر او در افغانی وفارسی معروض میدارم :

اشعار افغانی

تو چو خلسم تی ی اختیاره له خانه باده آب کار —
اولهیږدی پیاوړه پیاوړتیا پخان خوږه دخدای یاوړه

(ایضاً)

پښتو هسی وه که نه پوهیزی څوک پښتی وه که نه پوهیزی
بدمرغه هرسه چاچیان کی خوه پښتی وه که نه پوهیزی

اشعار فارسی

یکدانه بابرو خم بادل بگذشت رخی بو شکل و ابهای بگذشت
ایدارس ازین میان چون عدمان از بهر خدا که عمرت از جمل بگذشت

(ایضاً)

امروزه ازقصر شهان غلغله است چون آنرا بتراشده یکذاهمدست
گنجیکه کسی بگنج ویران ننهاد زین بیمعطلب که گنج ویرانه ماست

احقر العباد غلام محی الدین افغان
۲۷ شوال سنه ۱۳۳۳

(گل من خلیفان وبی وجه دنیا دا اخلال والا کراه)

(قصیده افغانی)

امید مکره چه هیڅ مال خوشحال چه دنیا کښی هر سی له زوال
هیڅ ثبی زمانی لو قرار نلت دی ثبات دهغه کاتو دی عال
پاډشاهان کښته زمانی چه لو چه دی ووصاحب دماه اودمال
خپرواله سکندر کل جهان دی چه دی لازسه که دنیا وی عال
لاتی مرته چه اصل ودغه رای نه پوهکاری پښتانی ثوه ناقال
د پاڼی اوه پلوی سیاطنوه دای پرشو لکه ابرانی دماحیار
درمکو کړو فریه داشان برته لکه ابرانیږه خوشی کښی انتظار
ورورده کښی فصیح لکه سحبان او کاڼی لکه بوعلی صاحب جوار
او که فرد فریدون که حاصل نی اوجمشید خوند دحیاتی مالک
او که فضل دلقمان حکه ستانی همسر لکه چه نوح پی نه پوهه
اوپوه که ورته لکه جالینوس نی اوږم خوند که ځکی خوږ نه
اوپوهه کښی که لکه خرنی نه پوهه کښی نی ښه خوش حال
او که نه پوهه آن کښی نی اوږد خوند که نی صاف حال
چه خلق کښی د علم او دولت نی نه پوهه کښی کاهل روی دهال
الغرض چه هکمال پوهه صفت نی دی سړی دوی پوه نا کښی ځمک
چه دای داجل ځوله کاږه نی نه پوهه وگری له دنیا نه لاړ ځمک
ای افغان نامسح مته و ورته مکره که نی پوهه چه پوهیږی

احقر العباد غلام محی الدین افغان

آدمیات

ترکیب بند مسدس

به امضای فرمانهای سمو سوق زاده محمد : یف بازسیده

فریب نیساز بنده ناچیز از توان ازروی لطف خاه اسلامرا ببین

رفضل خود لکه کی و عصیان ماحرین ملان بحیز نقص خود اقرار وترحمکن

خل سراج ملت ودین ورته میږه هرمختصر سیاه کم زسر جمله مؤمنان

اکنون زخواب داغی بیدار گشته ام از کیف کرده اندک هوشیار گشته ام

وز اضطراب چرخ جهار کناره ام بلا سبق حب وطن بار گشته ام

درسایهٔ امیر جهانگیر تخت ایبه
مطلع جهان جبین شد ومایان چو عندلیب

جیرت فزوده صنعت وردپ زشناعوم
کاغذ بخش غیرت ملت زبود توم

هرکس بقدرخویش روالبدمتم وتوم
هردم نوید نوکری بعد ازصلوه وصوم

پیوسته خوش شهنشه عصار مستقل
عیسی زمی مسیحا کرد اسلام وشیر دل

یابو نجبات کافهٔ اسلام را بده
بر زر حریدهٔ توجان نام را بده

فیض الطاف ورونق احکام را بده
ما حاجیان کوی تو احرام را بده

وانکه بسوی کعبهٔ خدمت رواه کن
یاوه بزم تیغ شهادت فشاه کن

مایان هان موحدو اسلام پیشرو
دشمنان ماکنون شهادت شده گرو

قلتان ماکلاه سپاهی برفت دو
عقاب ومنبر نیوی پیدق ویلو

محمآر ای دوست جوانان صف شکن
قسمان دین یکسره عشق چمارتن

طوب وتفنك وخنجروشمشیر توضهور
شایان افتخار ومباهات وجش زور

مایان اگرچه لوازم دفرنه شهرنود
لیکن دبای دولت وملت بماندرود

مکتب اصول صوتیه را کرد قابول
وانشه روی اهل ترقی ره وصول

پژهنده روم بعض ادبیان خوش مزاج
الطفی فدای ملت ورواهٔ سراج

هردرد احتیاج و رفیقان ابتهاج
هریك مدیر دائرهٔ حسن امتزاج

جمعیت تجمل مارا بکاه دار
از شر عصر حوادث ایام روز شکار

تشریف کار خانهٔ ماشین بیکبخت
فیض سلوده داد بلولاد پی تخت

تلفون وتلگراف ومتاع وقماش ورخت
موتر راه ژه وسواری براه سخت

از حاسدان مشمن وانیان احتیاط
یاریکه بیوفاست ازان یار احتیاط

امروز روز روشن وشب همچو ایل بد
هرجا روی بچشم مسلمان نموده قدر

حرب حزین وجنك احد گرو دار بدر
منقوش شد بصفحهٔ تاریخ ناصدر

از افترای ثرثرهٔ قوم الغیاث
وقت دمیدن سحر از توم الغیاث

اینهم ازان دمی است که عیسی دمیده بود
این حرف ازان لطیف که نام ندیده بود

این لطف ازان لطیف که نام ندیده بود
سلطان ایبه شب معراج دیده بود

جمعاً یکی بجبل الهی زنید دست
همچون هموم بد ارواح در الست

قرآن داده آیت وآیت ورق ورق
در ابتدای دعوهٔ حضرت براه حق

از قوت اساء رسل گشته ماه نی
دنیا گرفته در عدیت زیا سبق

از صوفی زاده چز قرو انکسار نیست
بخشا کریم در کرمت بیشمار نیست

حوادث داخلیه

جناب حق وسائط مطلق ممالك اسلامیه را از جمیع آفات وبلیات ارضی وسماوی محفوظ ومصون فرماید.

درشمارهٔ سابقهٔ خود جدول حساب اصابات ووفیات مرض منحوسهٔ مدهشهٔ هیضه را از آغاز وقوع مرض تاه آخرده شوال بقرار یومیهای محکمهٔ کبرای تولنه یومیه. اکرچه ازفصل ومرحت حشارتی از تاریخ ۲۹ ماه شوال باینطرف مرض رو تخفیف نهاده ولی چون بالکل منقطع نشده است لازم میدانیم که تحکمات اینداز مرض کذشته باشد. این است که جدول حساب اصابات ووفیاتدرا از قرار یومیهای محکمهٔ کبرای تولنه از تاریخ غره ذیقعده تاه ۱۲ ذیقعده درج تحاریف تاسف میکنیم که از جدول مذکور چکونکی معلوم میشود که حال مرض در تکثیر وزوال تحیی دده میشود.

اصابات	وفیات	تاریخ ومواقع
		از یکشنبه مورخه ۱۰ ذیقعده تا غره ذیحجه عرفه
۱	۰	در شهر
۵	۱۳	در اطراف شش کردهی
		از پنجشنبه مورخه ۱۴ ذیقعده تا ۲۸ ذیقعده
۲	۰	در شهر
۸	۳	در اطراف ۰ ۰
		از پنجشنبه مورخه ۲۸ ذیقعده تا ۳ ذیحجه
	۰	در شهر
۲	۵	در اطراف ۰ ۰
		از پنجشنبه مورخه ۳ ذیحجه تا ۴ ذیحجه
۰	٤	در شهر
۰	۰	در اطراف ۰ ۰
		از ۵ یوم چهار شنبه تاه ۰ پنجشنبه ۵
۰	۲	در شهر
۰	۰	در اطراف ۰ ۰
		از ۵ یوم پنجشنبه تاه ۰ جمعه ۶
۰	۰	در شهر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1388 of 1786

۰	۰	در اطراف ۰ ۰
		از ۰ ۰ پوم جمعه تا ۰ شنبه ۷ ۰
۰	۱	در شهر
۰	۰	در اطراف ۰ ۰
		از ۰ ۰ پوشنبه تا ۰ یکشنبه ۸ ۰
٤	۱	در شهر
۷	٤	در اطراف ۰ ۰
		از ۰ ۰ پو یکشنبه تا ۰ دوشنبه ۹ ۰
۱	۰	در شهر
۸	٤	در اطراف ۰ ۰
		از ۰ ۰ پوم دوشنبه تا ۰ سه‌شنبه ۱۰ ۰
٤	۱	در شهر
۷	٥	در اطراف ۰ ۰
		از ۰ ۰ پوسه‌شنبه تا ۰ چهارشنبه ۱۱ ۰
۱	۰	در شهر
٦	٥	در اطراف ۰ ۰
		از عصر پوچهارشنبه تا ۰ عصر پنجشنبه ۱۲ ۰
۱	۲	در شهر
٤	۱	در اطراف ۰ ۰
٦۱	٤۱	

از دفتر ارتباط آقاسی ملکی

میرحضرتی حاکم کوهستان ارقام داشته است که در پوم دوشنبه ۲۸ماه شعبان المعظم پرده پیچ باران زاینده عبالهای مرده شده‌لام در آبیاب جریان آردیهوین کرده رفته‌وند وقوع سیلاب شده موازی هفتاد خرابانه دیست فرد کاو و یکعدد زراعه خصان دای مرده‌وده مذکور زمینه‌وند و یکنفر پسر دایز سیلاب زده‌وه مادر او جیه‌دراورین پسر خودن‌ایز سیلاب اداخار هرقدر تلاش کوده که پسر خودرا از سیلاب ورین کایه نمکن او نشده آخر الامر پسر مذکور از سیلاب یکدان تحت پو آبه‌وه‌دار مذکور فوت کرده‌وه

از دفتر ارتباط آقاسی ملکی

میرالطاهرخان حاکم کلان مرقوم‌داشته‌است که‌درجوبنه شنبه سابع ماه شعبان درفراجان ودرماه‌سابق زائل‌باران زیاد شمسیلاب جاری گردیده موازی‌نا زده‌نفر مرده‌الاته را از علاقه‌فراجان رده و دزمالداری مرده و انتال‌داوه گوسفند و وزراز سیلاب رده است و خران ایاه درامالاکشان رسیده است و دران بعده کور باد مخالف وزیده در بعضی قریجات من جمله اشجار قدیمه ریشه را از بیخ کنده ـ

حوادث خارجیه

خبرهای جنگ از اخبارهای اروپ

فراسیسها از روسیا غنون پسنده

اخبار (کلن) مینویسد که فرانسیها باطراف خود شان انگلیزها از آن حد اعلا درجه دوش پروش در زمانه غریب کیک درجه ازاز موجودیت خواسته بودند ، وبمقابل آنها که ویش‌ازحمایت وموفقیت نشان داده ، حال آنکه حتمن دیگر مابقی روسیا درحرکات عسکریه شان بجز مغلوبیت وهزیمت پی‌ا هم دیگر چیزی دیده نمیشود ، از کریه اقدامهای ارکان حربیه روس این شکستهای خود شانرا میخواهند بنظر مقابلات (بلان رجعی) — یعنی نقشهٔ جنگ باز گشت — نتایج دهند ولی اینرا بمنطقهای او باور کرده میتواند ـ وقه خود روس ی ـ ی ـ این جهت اردوهای روس بجزهزیت ومغلوبیت دیگرهیچ معنی ندارد ، ازهمه بدتر گاهی شکستهای پی‌درپی روسیا درخصوص شکست قوهٔ معنویه نیز خیلی موثراست ـ

سفیر جدید بلغارستان درلندن

موسیو « زیوف » که درسوفت از طرف حکومت بلغار بسفارت لندن مقرر شده است قبل‌ازین مقرری خود در (روما) سفیر دولت روسیا پرنس « بولو » وازطرفداران شدید پولیتیک اوستریا و انگلیس میباشد ـ ازین سبب موسیو (زیوف) مذکور بعد از انتزاع ایالت بلغار دررومانیا مانده نتوانست ـ

اکتشاف کتابهای

اخبار (نوکاک اجایکر) مینویسد که از کوپنهاگ خبر رسیده کتابهای ازفرستادن دیگر عسکر برای انگلستان اکتشاف ودرزیدهاند

برق انلان درانگلندرون

اخبار (شرنا) مینویسد که رطوبتوسیاه (انگلندرون) بندرگاه (حلب) است برق‌انلان نصب‌بود ، یک گروه‌لزور فرانسوی درقریبهای آن بندر غیر مستحکم بغرض آمده برای حاکم بندرمزبور فرستاده که برق انلان را فرو آرد ، حاکم طبعاً جواب رده‌داد ، لی گروه‌لزور مذکور برق‌مذکور را انلان کرده‌ازرده کلان‌بندر کنار بازرهمی برق مذکور احساب نموده برق رزمین افتاد ، و عاجم مصطفی نام یک نفری عسکری عثمان برق مذکوره را ازرده رداشته ور کنار دریارده ، وبرقرا بهوا جاریده و ۰ زندهداری های عثمان وانلان ، گفته بصدای بلند فریاد راورده ـ

طریق جنگ انلان

یکی از (آتشه ملیز) های دولت بیطرف بایک محرر اخبار (ا پتنر توبنه) درآشای ملاقاتی که کرده‌است بیانات ذیل‌را نموده‌است « اگر گفته‌شود که درین زمان حاضر استادان فن حربیانانه هیچ مالحضایه پنداشت ـ موجود وحتراع نقشها وبالنهای توپدار تازه میباشند ، درحرکات عسکریه چنان چیزهای اختراعی که درهیچ کتاب وهیچ آثار حربیه دیده‌نشده است ـ وهم این حرکات صورت عمل‌دروقت جنگ وآشای حرکت دیدیم روی کاری که ملاحظه‌درهین حرکات نخواهی" یک اردوی جسیمی ، دفعهٔ دیده میشود که بیک وضعیت غافلی" غیرمتوقع درامدند ، ودرحالیکه وضعیت واقعی را تمامی نشان‌میدهند تا کیان چنان‌وضعیتهای نخواهی‌را دفعهٔ" کار می‌کوند که‌دشمن‌را سراسیمه ومتحیر میسازند ، هرانقدرقوه‌در که در روزگاه مشرقی « کامپانی" تمام حاصل کرده اند همه از بیشان همچنین حرکات تخیله وغریبهٔ عسکریه" شانست ـ ، وارسا ، راجع گرفتند که روسیا همچین به آن نروند ـ درحالیکه روسیا استحکامات قلعه های خارجی وارسارا بصدها توپها و انواع اسباب ذخیره سیمهای خاردار وغیهای آنتیاروغیره مستحکم نموده منتظر میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1389 of 1786

بسیار شدیده وخونریزانه جرمنها بودند . وجرمنها نیز همچنین نشان میدادند که بهجوم و حمله آغاز خواهند کرد دفعهٔ دیده شد که یك سرعت خارق العاده وارسازا گذاشته ، ازدو طرف رخنهٔ استوار آنها گردیدو . ودیوانوار وگروه گروه چنان پیشقدمی را پیش گرفتند که فاصلهٔ جك روس را زپروزیر ساخته بجزاینکه آنها از وارسا ، یك از ارکان قطعهٔ (ولینه) بیرون راینده دگر جارهٔ ندیدند . حال نیز بهمچنین حرکتهای پی‌غلط از طرف ریگا سرداست بردو قول پیشرفتن را خط حرکت کرده‌اند کیك قول بر « ماسکو » ویك قولدر « پترو گراد » و کتلهٔ ازطرف جنوب باتك‌قول بطرف « اودیسا » ویك‌قول بطرف « کیف » خط حرکت پیشروی را درمدنظر دارند . یکی هم ازحرکات جالب اندار حرکات عسکریهٔ جرمن اینست که در اثنای حرکات تجاوزیه دفعتاً یك حال تدافعی وتوقف را میکنند که دشمن باز بامیدها افتاده حمله کردن را بنامبرند . حال آنکه این توقف بجز اینکه یك تکیه‌گاه راست کنند وحاجاتی را که کرده‌اند انتظام دهند ، وسرازنو نقشه‌ها ویلانهای جدید اختراع کنند چیزدیگر چیزی نمی‌باشد .

فراماسونهای الملل

اخبار رایتر کانتینال جنوبیه کانون « فراماسون » الملل در اجتماع دروهٔ خود شان ، بافراماسونهای فرانس وایتالیا قطع علاقه نمودند .

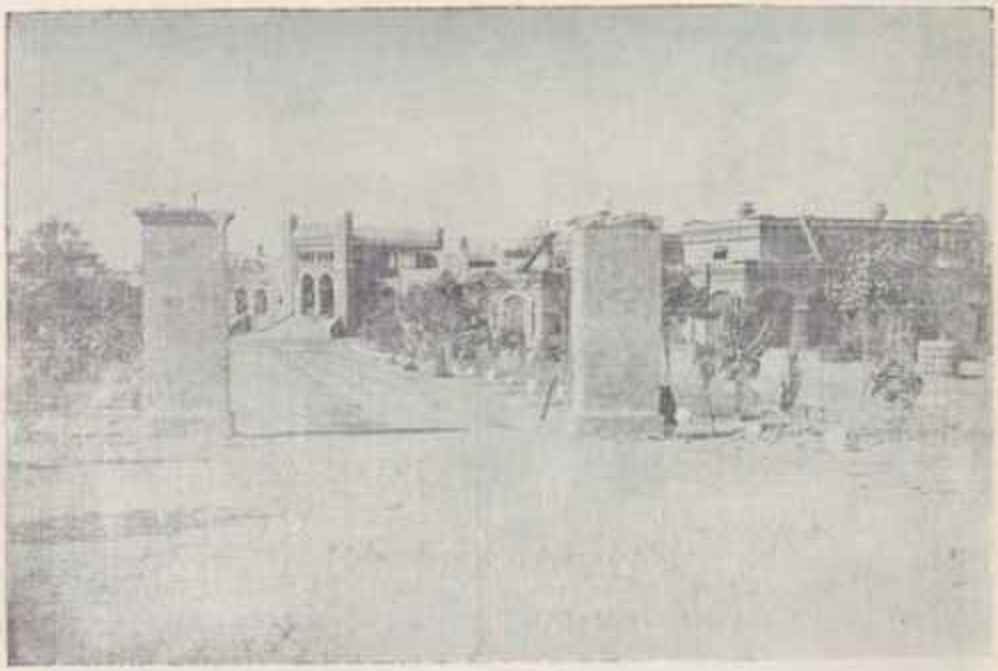

از مناظر هندوستان

امتیش ریل شهر سکیر

[فراماسون ـ یا ـ فرامیسن که در زبان مافرانسا آزاد ، فراموش خانه می گویند جمعیت مخصوصه‌ایست که درهرطرف دنیا جاقهای آن موجوداست ، ومحفلهای آنرا دلوژه می گویند . درخصوص اسرارها وانتریکهای جمعیت فرامیسن انواع روایتها و حکایتهای عجیب و غریبی زاده شده‌است . حالانکه آنچه روایتها بجزمبالغه دیگر چیزی نیست درحقیقت یك جمعیت دنیوی ایست که برای تعمیم نیات‌های مسلك خود شان وپیشرفت مقاصد مخصوصهٔ شان بنام خدمت انسانیت ، وعلی‌الخصوص واخوت بانسانیان هزار رنك ، وردهای رنگارنك رزوی کارآورده آند . این جنك رستخیز آخرنك چاکچه پرده از روی بسی اسرارها برانداخت . پردهٔ فرامیسن‌را نیز پاره‌نمود مثلاً یکی ازردههای فرامیسن این بود که دو فرامیسی هیچگاه باهمدیگر خود دشمن نبتوند ، واز یکدیگر یکانگی می کنند . اگر درشرق باشد اگر درغرب همدیگر خود را میشناسند . و بعهوت وعهد کاری باهمدیگر پیمان می کوشند حال آنکه دروقت حاضر همهٔ دولتهای گیها یکدیگر ملك وجوزی می کشند ومنافع یکدیگررا پامال میسازند پادشاهان‌شان ووزرای شان وبسیاری ازاهالی‌شان یکتوجی ازلوجهای فراماسون ـ یا ـ فرامیسن منسوب میباشند . زهی خدمت انسانیت ! حربی یکانگی واخوت ومعاونت !!! سرایاالاخبار اقتباس

غرق کشتی ماژستیك

اخبار (دیلی نیوز) لندن درخصوص غرق‌شدن (ماژستیك) نام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1390 of 1786

کشتی "جنگ" زرهپوش انگلیسی که چندی پیش اخبار دریانوردی آنرا دارد ای غرق شده بود چنین مینویسد :—

ضایع شدن زرهپوش « مارلبرا » در انگلستان موجب تأثر بسیار عمیقی شده است . یک از متخصصان امور بحریه انگلیس میگوید که ظهور بمب تحت البحر های آلمان در عراقه زرهپوشهای کشتی "جنگ" ما در پناه آبهای داردانل یک "بهانگ" عظیمی محسوب میشود . طوفانهای ساحل فرانسه که صورت بسیار سفرناک پیدا کرده است . وانبوه مینهای مورد پسند و پیدهای دائمی صورتیها تیک درجه عمل آنها افزوده شده است . با وجود کاملا بهانگ عظیمی کشتیهای تحت البحر نیز دران افزوده گردید . بازهٔ عملیات و کار گذاری این کشتیهای

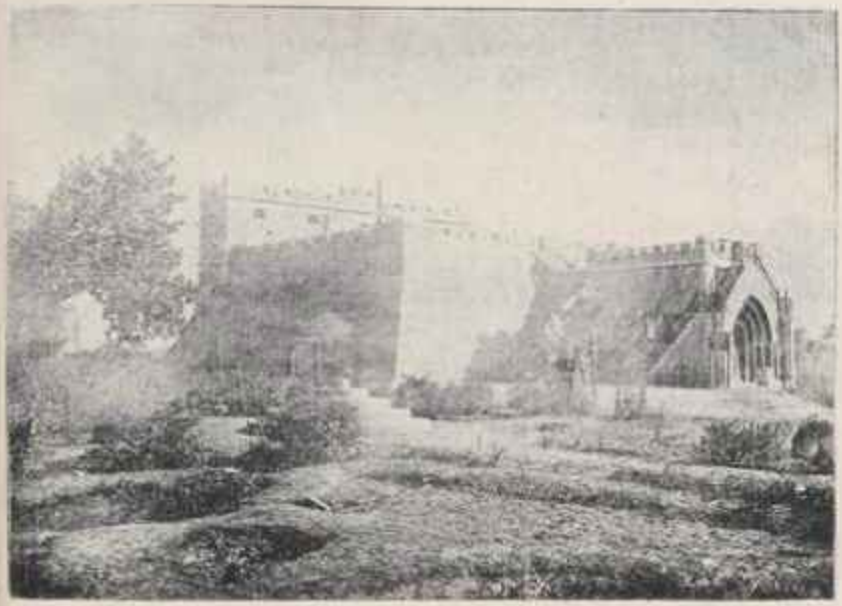

زمناظر هندستان

قلزر تنبه آب در سکهر

بحر قادر دکارپا و دولاورپا از جلدار سفرهای دور خود شادا از دست دشمن رهایی داده بخاک میهن رسیده بودند . فقایا دوس حضرا "با ومهمان نوازی" شان نهایت درجه ابراز محبت وخدمتداری میکنند

دیروز نیز از طرف امانت شهر ـ یعنی میونسپالتی ـ یک مهمانی بسیار مکلف ومجلی در قالهٔ (سرای عمومیه) شرف ترتیب یافته بود کلا طرف اعلیحضرت سلطان العلم . ووایسرای هندوستان مأمور خصوصی . واوزرای دولت یعنی . واعضای مجلس اعیان ومبعوثان یعنی دولت . وسایر رجال دولتهای اتحاد . و اوستراد . ودیگر یعنی معتبران شهر دران ساعت حاضر بودند . موزیکهای بحریهٔ کشتی از طرفین دو پرده بهمهمه‌ی دلنواز انتظار خوب سامعین میکردند .

خلیج بحری بقدر بازدهمیل امتداد دارد . از آغاز حرب بانو دسته های کشتی جنگ باین زرهپوش ، مارلبرا ، و تهریاد ده وا کشتیهای جنگ اعلا تابع کرده است که بواقتضاب دسته‌های کشتی جنگ ما درصدی بیست از سیستم کشتی جنگ ما سیاه تقسان یافته است بدان آنکه دسته‌های جنگ اتحادیان کوه واین سیستم هیچیک کم ضایع نکرده اند . پس چون بانقطه‌ی فکر کنیم معلوم میشود که صایعات بحری ما در برابر زیادی میزان حربیه‌ی بسکی دادماس

بهادران کشتی (ایدن) در استانبول

اخبار تقدیم مینویسد :

معلوم است که بعضی افسرها و نفریهای باقی ماندهٔ کشتی (ایدن

﴿ حکایتهای بحریه ﴾

فتال و روس اول در قفقاس جنگ آغاز کردند و

(زاپورت فتال)

روسها چنانچه در حق دسته های کشتی جنگ ما در بحر سیاه حمله کوری کامل اجرا نمودند . عیناً همچنان در حدود شمالی بندر حمله کرده بی آنکه اعلان حرب بکنند . در ۲۹ ماه اکتبر اول پانچ قول عسکر از قفقاسیه حدود را گذر کردند . بعجله که اجرای اینچنین حرکت دشمن ، از انبیار وقتها پیشتر ترتیب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1391 of 1786

شده بوده است . واشکار است که دشمن ، درباره ما از زمانهای دوری حمله آوری را قصد واسیم کرده بوده است . قطعه های عسکری ما که برحسب بودند بر غم این قصد واسیم دشمن ، امرها وتعلیمها را که آماده شده بود بکمال مهارت وشجاعت تطبیق واجرا کرده . جانب اولا دشمنرا ضربههای شدیدی زبون آهسته آهسته عقب کشیده ، وتلفات بسیاری ازدشمن بوقوع آورده فرصت رسیدن برای قطعه‌های عسکریه ما که درپس بودند تمهید تا آنکه ترتیبات لازمه وتدبیرهای کامله خودرا گرفته . قطعه های عسکریه پیشقدم مابین پیشداری وما ومنهای پی دربی که بمقابل دشمن اوراز کوهها ، دشمن دو سه یک حد قوتهای خود تمارا جمع کرده بود . بعد ازچار روزنبرد وپیکار ، کوپری کوی ، آمده توانستند در کوپری کوی یک قوس رسالهٔ قرائی روی ازطرف یکی ازقرقه‌های رسالهٔ نظر دور کرده شد . بعد ازان قوس العرض دوم بازشد . در ۲۳ و ۲۴ تشرین اول حرکات تعرضی دشمن توقف کرده ، حتی قرقه‌ها و سیمت العرض [وسعت عرض] را در زمینهای انگوری که ازجانبا می گشت حمله های چار ساعته جنوبیه [... در ۲۵ تشرین اول قطعه‌های ما بحرکات تعرضیه آغاز نمود . دشمن درجهت غربی ، کوپری کوی ، درنیت موضع قوتدی وسعت داشی [کمیت عدد] بیار ساعات [... مقاومت ورزیده . تعرض ما که ۲۶ تشرین اول دوام ورزید ، در ۲۶ تشرین اول بعد از پیشین عسکر های تجمع یافته جمعها وسیع های دشمن برآمده ، وموضع قوتدشمن را سقوط داشتند نمودند . این موضع ازطرف جاده الای ... [یک الای تا سه یاش تا چار یاش مرکست] — ویک الای طوبخانه ویک فرقه سواری — که کتابه ازشصت هشتاد هزار عسکر باشد — مدافعه کرده میشد . دشمن که ازینجا شکست یافت ، در عقب کوپری کوی درنیت موضع مستحکمتر مستحکمتر دیگری خود را محکم کرده باز مقاومت شدیدی آثار ورزید که در اینجا دیگر قوای امدادیه نیز برای روبرو واصل شده بود . در ۲۷ تشرین اول یک فرقهٔ عسکر خاصه روبروی یک قوتی اردوی تمام قفقاس در پیش روی ما قرار داده بود . جبهٔ موضع دشمن بدرازی ۱۵ کیلو متروه واز جهت جنوب موضع شان به نهر ... آرانس ... و از جهت شمال یک سلسلهٔ کوههای بسیار سخت و عالی مستند بود . و برفراز اینها حکم سنگرهای مکملی ساخته بودند . ودر عقب جناح چپ خود دشمن بسیار قوتلند بکمال احتیاط هر داشتند . در ۲۸ تشرین اول بحرکات تعرضیه آغاز نمودیم . ودر ۲۹ تشرین اول وقت صبح بر موضعهای دشمن ازهر طرف بهجوم عمومی وهجومهای شدید ابتدا در زیده شد . بعد از یک محاربهٔ بسیار حوزنی وقت ظهر یکی از نقاط استنادیهٔ دشمن را عسکر مظفر عثمانی بقوت هجوم بریزه ضبط نمود . وبعد وقت شام از بیار حصه سه حصهٔ مواضع مستحکمهٔ دشمن بدست آورده شد . قطعهٔ آخر تین امتداد دشمن که نتیجه ۱۹۰۵ وده بایک شیخون شدیدی بهجوم بریزه ضبط گردیده در ۳۰ تشرین اول غلبهٔ عسکر عثمانی کیمیه پذیر شده همه مواضع دشمن بدست عسکر منصوره درآمده از دوی روس بسورت بسیار پریشانی فرار نمود . قطعات دلاور ما بلا درعقب کری دشمن دوام ورزیدند تا آنکه در ۳۱ تشرین اول وتشرین ثانی دشمنی را از حدود بیاآمدو داده ، دور امرس ما را محافظ دشمن آثار نهاد .

خبرهای جنك پراوختگه

نقل از جراید اوران

۲ تشرین ۱۹۱۵ امروز استحکامات عثمانیه فروند کشتی جسیم طایفهٔ دشمن را دیده که بلاانقطاع حمل هجوحین میکردند باوجود اینکه این کشتیها علاوه قرقه صلب اخر که خاص هجوحین است نداشته باز استحکامات رابشان گلوله پنداخته اند محاربه که از سه روز بابنطرف دربسفور نهایت درجه سخت شب وروز دوام میکرد بحمدالله تعالی بامظفریت کامله انواع اسلامی اختتام یافته ومیدان جنك پراز مقتولین دشمن گردیده است درهین روزها طیاره های عثمانی هم گاه‌گاهی بر دشمنان عثمانی جان ستان می اهداخته

۳ تشرین ـ درسفالبحر دشمن برای حمله کوی ازانداز کات انواع عثمانی بیات حمله قطعی برجناح یسار او هرچند پی اندازه صرف مهمات حربیه کرده است نتایجهوم پی‌یا کانهٔ عثمانیان گاه‌داخل خندقهایشان تاب مقاومت نداشته پی اختیار فرار نموده انداز طرف دیگر استحکامات عثمانی در اثنا طولی باران گلوله رقابتهای دشمن که میخواستند انواع بکره برای دستیاری قوای مقهوره ایشان پرانه کنند ریخته وآن راباتفاقات عدد وحساب دچار نموده اند دیگر سفاین حربیهٔ دشمن باب ساحل آهوان را بداشته بالجمله تمام عقب نشسته اند (آرویلانهای) دشمن گلوله چند قره (پی شهر) انداخته بدون تاثیر بر گشته اند

۴ تشرین ـ در فرونت داردانل وموقع (آری بوری) دشمن گلوله های پرتاخه گشوده انداخته ولی حوش بختانه باد سحری آن گازهای مسموم را بنوعی دیگر فرق داشت که ابنا انواع اسلامی از آنها ضرری ندیدند روز دوم تمن ماه عما کر عثمانی بمریزه وهجومحت شدیدی تادرون خندقهای دشمن ریخته تمام آنهارا بتصاحب آورده اند استحکامات ساحل ما پرده گاه دشمن آتش شدیدی ریخته توپخانه وانواع وآرویلانهای آنهارا بحو واتلف نموده اند

۵ تشرین ـ درفرونت قفقاز عسکرات سوار دشمن که از جناح چپ ما دفع وطرد شده بود گاه سختی تعقیب میکردند

در فرونت دار دانل روز چهارم تشرین یك ساعت ونیم از ظهر گذشته یکی از جسیم ترین سفاین طایفه فرانسوی که دارای دوهزار کس بوده ازطرف یك سفینه (تحت البحری) باهمه افراجش غرق گردیده است همین سفینه در طرف سه دقیقه زیر آب پنهان شده است شب همین روز بیار تاثیر توپخانه عثمانی یك قطار مهمات جنگی دشمن آتش گرفته اشتعال عظیمی پیدا وتوپخانه دشمن که نزدیك او بوده خراب گردیده بست انواع دشمن که برای دفاع حریق بدان قطعه شتاب میکردند آماج گلوله‌های استحکامات اسلامی گردیده همگی تلف شده اند

درفرونت (القزاز) قوای دشمن که بفرفرات مجوم ابتدا جلو روند دچار هجوم مجاهدین وحشا گرانه ما گشته بمقدار ما تقاضی مقتول که میان آنها یك فرمانده وده صاحب منصب انگلیسی بود منهزما عقب نشسته اند

اخبار های اخیر عثمانی

میدان امیا پیشرفت تعرضیه تر کیارا درجهة قفقاز جنوبی بعد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1392 of 1786

این پیشرفت در جناح یسار عثمانی خیلی آشکار بوده ، فرار گاه عثمانی ۴ ژوئن خبر میدهد که : افواج عثمانی — که در جبهه اولی مشغول هجوم بودند — جناح چپ روسهارا بطرف شرق راندند »

« ۵ ژوئن خبر میدهد که : عساکر عثمانی پس از جنگ سختی کوه مقوره داغ را — که بارتفاع ۲۹۰ متر در دو ساعتی حدود عثمانی و تر دیکی (قلعه بولاری) واقع است — ضبط نموده اند .

« ۶ — ۷ ژوئن خبر میدهد که عساکر عثمانی روز دهم جاری یعنی (ژوئن) روسی که مطابق ۲۳ ژوئن فرنگی میباشد — آخرین دسته قشون روسهارا از جوار قلعه بولار دفع کرده است » .

« ۹ ژوئه خبر میدهد که : در جبهٔ قفقاز عثمانی — که در مواقع سخت کوهسار واقع است — بطرز مساعد بمقابلین مقاومت داده ، عثمانیها در این محاربات غنایم وافری بدست آورده اند که از جمله غنایم قریب هزار صندوق جبخانه و آلات وادوات استحکامات ، و در میان مقتولین روس خیلی صاحبمنصب دیده میشود » .

قوای عثمانی در بلغار دار عالم

برحسب تحقیقات بعمل آمده نظامی طمس قوای عسکری دولت عثمانی در شبه جزیره کالیپولی در مقابل عساکر متفقین عبارت از ۳۷۵ هزار نفر است

قوای مزبوره متعلق بفرق مختلفه میباشد که در موقع صلح مرکز آنها در قسطنطنیه و اندره و دردانل و ازمیر و انکوریه میباشد

بعلاوه آنها دویزیونهای چندی دیگر قشون در ازمیر تشکیل شده که در موقع ضرورت قسطنطنیه اعزام میشوند

هر دویزیون عبارت از ۱۲ هزار نفر و هریك دارای شش باطری توپخانه صحرائی بالزار و توابع مهندسی و پل سازی و یك بریگاد سوار نظام هستند

بعلاوه اتومبیل و مهمات غلبه در هر کدام از موجود قریب سی هزار نفر دیگر که سه ربع آن بریگاد های سوار هستند در اطراف اردوها برای مامور دیتهای خارجی باطراف قشون متفقین حاضر دارند

تمام آن تشکیلات سه دارای توپخانه های سنگین وقلعه کوب هستند که در کلیه دسته جات وباطریهای توپخانه عده کثیری از صاحبمنصبان و سر بازان آلمانی وجود دارد ورابطهای آلمانی طرفین بحر مرمره و دو طرف داخلی بغاز را حفظ مینمایند وتمام وسایل جهه ورود را فراهم ساخته اند

در مقابل این قوای عثمانی متفقین یعنی انگلیس و فرانسه بیز جمعاً نزدیك ۲۷۵ هزار نفر قشون تدارك دیده اند وباین عده قشون بدیهی است نمیتوان مغلوب کردن قوای عثمانیرا انتظار داشت

غیر نظامی طمس خاطرنشان میکنند که عثمانی بارودهٔ مدافعی که الحاق کرده است البته این مقدار قوای وی خیلی عظمت واهمیت دارد وقشون مهاجم باید بتواند قوه مدافع مزبور رادارا شود ودر غیصورت نمیتوان انتظار داشت که باین سهولت وسرعت پیشرفتی مانه طرف قسطنطنیه صورت خارج شود

قوای جدید آلمانها در مغرب

امستردام — وقایع نگارها اظهار میدارند که آلمانها توپخانه جدید ازراه بلژیك به سمت مغرب میفرستند وکوشش میکنند که متفقین از قصد مقصود وعمل جهه آنها بی اطلاع باشند .

تلفات سه ماهه فرانسه

بموجب صورت رسمی تلفات فرانسه تا ۳۱ دقیقه چهار صد هزار مقتول وهفتصد هزار مجروح وسیصد هزار مفقود بوده است .

دعوی قیصر

جریده « ام بهود » میگوید از روسیه اطلاع رسیده که قیصر چون وارد شهر لوبز شده کیسه‌ئی که در آنجا بین اوراق احکام عشر مالیه داشت که او مالیهٔ (مسیحا) بموجود است .

قشون در لهستان

تصرفات مالکانه آلمان در لهستان روس هیچ جای شبهه باقی نگذارد که از حالا آلمانی خواهد آن مملکت را مانند داخلهٔ آلمان اداره نماید دوائر پستی وتلغرافات تمام نواحی لهستان و آلمانیها گردیده ودر شهر های لودز وغیره کمرا کرهای هستند حتی الامکان کار حاجات بکار افتاده اند .

ابلاغیه المان

بیصد و هفتاد هفت هزار اسیر جنك

از اردوگاه عمومی ۳۰ ژوئن وفاة ژوئیه

در (کورلاند) ودر ولایت (کوفو) درماه ژوئن ۴۶۹۵ نفر سرباز و۱۲۹ نفر صاحبمنصب اسیر وبرق دهنت عرادهٔ توپ و ماشین پمپ افکن و۵۲ عرادهٔ مترالیوز بدست آمده در (کالیسی) خط رود خانه (کیلادیا) را قشون ژنرال لیزنر باهجوم متصرف شده ودو هزار وسیصد وسی نفر روسی وپنج عرادهٔ مترالیوز گرفته است مارشال مکنسن در لهستان روسی بین رود (و (وسنول) جلو میرود و بشهرهای (کارف) و (زامش) در است ودرمغرب (وسنول) آنانیا واطرافیها کنار رود خانه (بنیشا) جلو میروند .

درماه ژوئن قشون آلمان واطریش درتحت فرماندهی ژنرال (لیزنر) و (ماکنسن) و (وورتی) ۴۰۹ نفر صاحبمنصب و ۱۴۰۶۵۰ آلمان روسی اسیر و۸۰ عرادهٔ توپ و۲۶۸ عرادهٔ مترالیوز بغنیمت برده

دردارداق درایام اخیره در تمام (سمالجر) و (... رو) انگلیسها هجوم آورده ولی بالنتیجه بسیار شکست خورده و در نزدیکی (آراس) فرانسویها را از بعضی نقاطی که سابقاً گرفته بودند عقب نشانده و هجوم فرانسویها جبهه های (موز) جزشکست و زیاده آنها نتیجه نداده .

برحسب تلگرافی که از استامبول رسیده یك روزنامه سوئدی مینویسد که از انصحت فروند کشتی زیردریائی درجه اول انگلیسی از جمله تا کنون بدست فروند آن غرق شده است و حال اینکه از این کشتی آلمانیك فروند هم غرق نشده است بدیهیست آن روزنامه اظهار عقیده میکند که موقع نزدیك رسیده است که بحریه آلمان در روی آب بزهاطور که در تحت البحری جنگند با بحریه انگلیس نبرد نماید .

قشونیکه که در تحت فرمان صاحبمنصبان اطریشی بوده اند در ماه ژوئن دویم روی ۱۹۰۰۰۰۰ اسیر و ۱۰۰ عرادهٔ توپ ۳۵۰ مترالیوز غنیمت گرفته اند از اردوگاه عمومی ۳۰۲ ژوئیه ۱۹۱۵

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1393 of 1786

درجنوب ومشرق باکو ارتا سنگرهای روس را که روی تپه مرتفع واقع شده بود ۱۰۰۰ نفر اسیر گرفتیم .

قشون ژنرال لیژنسکی بسرعت در عقب روسهای شکست خورده پیشرفته ازشهر مارچ پل گذشته وازشهر فولیف ردشده ورود خانه استالینیا رسیده است ۷۷۵ نفر روسی اسیر و ۱۸ عراده مترالیوز گرفته است مارشال مکنسن در لهستان ازرود خانه (لاوینکا)و(ر) گذشته وشهر گرازنیك را اشغال کرده است ژنرال ورش درجوکون روسهارا هزیمت داد و۷۰۰ نفراسیر گرفته است .

هیوم روسها درمغرب شهررادم دفع شد حملات فرانسه هادر نزدیك سوتز دفع گردید وهمینطور در نزدیکی ترپیارژباوجود آنکه فرانسویها گردهای دستی وتوپهای کارخانه ژنو استعمال کردند .

درآرا کی قشون ولیعهد آلمان یك صندوق بطول ۳هزار وسیصد ذرع کرده است سپاهیان آلمان مرکب ازاتباع آلزاس لرن ورونجرنه ۱۷۲۵ نفراز فرانسویها اسیر و ۱۸ عراده مترالیوز و ٤۰ ماشین بمب افکن وتوپهای سریع الاطلاق گرفته اند .

بازهم اختراعات آلمان

بیشتر ازهرچیز آلمانها دراین جنگ بواسطه اختراعات غریبه خود نام را منحصر کرده اند توپ ٤۲ سانتی مترکه وزرکمتر ازآن تحت البحری های آتش افروز ، زیلیتهای مهیب کارهای خسته کننده وبیهوش کننده وموشك های شکافی وغیره وغیره را سابقا خبر دادیم وعموم مطلعند بعد بازهم چندین فقره اختراع ازطرف آلمانها شنیده میشود من جمله دو فقره اختراع یکی برای حمله ودیگری برای دفاع بوده اند . اختراع راجع بحمله عبارت است ازمایعی که بتوسط لوله‌های مخصوص پاشیده میشود واین مایع رافورا مثل آب میسازد گویا نام فلزیست که فردوسی در شاهنامه اشاره کرده میگوید کوه آهن ازشنیدن آن مثل بخاری آب میگردد همین مایع باشد درحمله طرف دشمن ورسیدن بخندقهای خاکریز وسیم دارمایع مزبوررا بکار برده سیمهارا آب میکنند وی مایع وارد سنگر های خصم میشوند دیگری که مخصوص دفاع است دیوست مصنوعی است که بروفسور (روهلاند) معلم یکی ازشهرهای ورتمبرك اختراع کرده وروز نامه آلمان در هشتم نوامبر اشاره بدان می نماید این اختراع مخصوص ساختن سنگرهای سخت وهکم است بخصوصیات شماره است که سختی واستقامت آن چندین برابر سنگر های سابق است که ازسرب پاسمنت ساخته میشد .

محکمهٔ غنائم آلمان

جهازات جنگی وتحت البحری های آلمان که حتی الامکان در آبهای بیطرف اسیر کردن وبه غنیمت آوردن جهازات تجارتی خصم را برغرق نمودن آنها ترجیح میدهند بازهم اخیرا چندین فقره کشتی های حامل التجاره و آذوقه ومهمات را در دریا اسیر کرده ودر بندر هامبورك تسلیم اولیای امور بحریه کرده اند .

محکمهٔ غنائم بحری کذرهامبورك تشکیل گردیده جهاز تجارتی موسوم بماژور متعلق بیکی ازاتباع هلاندرا محکوم کرده ومطابق رای محکمه یکقسمت ازمحمولات کشتی که برای انگلیس وجنوب افریقا حمل میشده ضبط کرده وقسمت دیگر که برای هندوستان ارسال میشده است رها نموده اند وچونکه اصف بیشتر ازمحمولات قاچاق وممنوعات جنگی بوده است خود جهازرا نیز بعنوان غنیمت ضبط کرده اند .

کار خانه جات بحری آلمان پر کار افتاده است

مطابق مراسله که یك نفر از صاحب منصبان بحری آلمان از هلاند نگاشته است کار خانجات کشتی سازی جنگی آلمان بافعالیت فوق العاده تراز ایام سابق مشغول ساختن واتمام کشتی های زرهدار ونوت وزره پوش میباشد .

علاوه تحت البحری های جدیدی که امیرال تریپتز جدا مشغول تزئید عده وبکار انداختن آنها است صاحب منصب مزبور اشعار میدارد که آلمان درهمین مدت جنك یك کشتی زرهدار نوت درجه اول ساخته است که ۲۵۶۰۰ تن (هفتاد وهفت هزار خروار) ظرفیت این جهاز نومند میباشد .

یك کروازر دیگرهم اخیر اتمام کرده که ظرفیت آن ۲۶۲۰۰ تن (قریب هشتاد هزار خروار) میباشد واین کروازر زره پوش سریع السیراز حیث عظمت درجنس خود منحصر بفرد میباشد بجای توپهای ۳۰۵ میلیمتری توپهای ۳۸۱ سانتیمتری در آن قرارداده اند واین تغییراترا بانواسطه در نظر گرفته بودند که این کشتی را مانند کشتی زرهدار نوت سیستم اول انگلیس کون الزابت میسازند . بازهم صاحبمنصب مشارالیه در خانه اظهار میکند که دو فروند کروازر خیلی سریع السیر که در کار خانه مشغول ساختن آن بودند تمام کرده اند وبآب انداخته اند .

بدین طریق امسال آلمان چهار فروند زرهدار نوت وعده چندی زره پوش وزرهدار نوت برنجریه خویش اضافه نموده است

علاوه عدهٔ زیادی تحت البحری های بزرك و کوچك که همین امسال ساخته اند ٦٤فروند تحت البحری هریك بظرفیت ۱۲۰۰ تن (سه هزار وششصد خروار) ساخته اند وبدرجه تکمیل نموده اند که خط عملیات تحت البحریهای مزبوررا تا ۳۰۰۰ میل (یکهزار فرسنك) معین کرده وسرعت سیرایشان در روی آب ۲۰ نوت است

ازقراریکه معلوم میشود آلمانها تحت البحری های دیگری هم دارند که تاپنجهزار میل (هزار وششصد وشصت فرسنك) یکسره مسافت طی کرده ومادهٔ عملیات را تاقیانوسها میتواند توسعه دهد چرا که مطابق اطلاعات وارده ازلندن دولت آلمان انتظار میدارد : بواسطهٔ آنکه کابلهای هریکس فرستاده تحت البحری توانسته است پنجهزار میل طی مسافت کرده ودر بحر اژه دو جهاز دریدنوت انگلیس را غرق نماید نشان و لیاقت وی داده شده است .

متعاقب اعلان این مسئله حالا اولیای امورا نگلیس این واقعه غرابت آمیزرا که شبیه به سحر است کشف نموده اند که تحت البحری های آلمانی ازبحر ماش ونگه جیل الطارق وبحر مدیترانه ازمیان دنیای دشمن وانکا درهای بحری انگلیس وفرانسه گذاشته مراقب هستند هزار وهفتصد فرسخ طی طریق نموده ودرمقابل دارد ال کار خودرا صورت دهد بدون آنکه بازهم بحریه انگلیس بتواند کشف نماید که مقر تحت البحریها کجا است وچگونه ازانظار مخفی شده اند

مسلك جدید تحت البحری های آلمان

برای پیش بینی ازهرگونه سوءتفاهمی وبرای آنکه مقصود ازمحاصرهٔ بحری انگلستان بعمل آمده باشد وصدمه هم بخلوص مسافرین جهازات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1394 of 1786

وارد نشود. مین البحریهای آلمان جدیدا مسلک تازه اتخاذ نموده اند

کاپیتانهای یازده جهازات روسی وغیره که آنروزها در انگلیس بازداشته و تحقیق دارد بیوکاشل شده اند حکایت می نمایند که در بین راه مین البحری های آلمان اینها را ملاقات و مسلک وپیش بودن طریق ایشان را اخطار نموده .

باقی آنکه تمام امته والسوان که به جهت انگلیس حمل می نمایند با آبدیدن مین و یا کشتی حامل مهمات انگلستان زده یا آنکه برای تبدیل خوردن و غرق شدن مهیا شوند

جای شبه نیست که کاپیتانهای جهازات مزبور فی اول را اختیار نموده در حضور و تحت نظارت فرستنده تحت البحری الغار تا آخرین بار آنروزه و آخرین صندوق مال التجاره را با آب دریا ریخته و کشتی خالی بساحل بسوی بنادر انگلیس حرکت کرده است

این مسلک تحت البحری های قیصر آلمان یک مسلک قضائی که تاکنون چنین موضوعی در امور قضائی دیده نشده بود الغاء نمیاید عبارت از آنکه گرایه حمل و نقل این امتعه را از بابت صاحب اموال که در دهنه دریا رشته بعد پاک از جیب صاحب کشتی بر و زرخواست این موضوعی است که عنقریب دوائر قضائیه انگلستان باید درسده حل آن برآیند .

حریق های هولناک در انگلستان

در این اواخر متوالیا چندین حریق مدهش در انگلستان وقوع یافته. در چندین شهر فعلا و بدون هیچ سبب وساطه کاهی در تجارت خانها کاهی در مسلک های کشتی ها و یا در کارخانجات فلفله حریقهای با کهان واقع شده است .

اهالی از این حوادث مجاز متا در جهٔ هیجان و تشویش گردیده . اینها وقایع را بالتمام از طرف جاسوسهای المانی میدانند .

علی رغم تدابیر جدی که از طرف مامورین حکومتی در اطفای این گونه حریقها اتخاذ شده اخیرا رشدت و دفعت این حریقها میافزاید. چنان که اجرا در آمدن در مسلک های (ویکتوریا) و انبار های زوص و انبار پنبه حریق هولناکی واقع شده پس از ۲۴ ساعت بالمقابل آن موفق گردیدند .

در (مانچستر) کارخانه بزرگ نکرزی (جوهر سازی) آتش گرفته است .

و اطمینان هست یک کارخانه بوده که از جهت جوهر سازی با کارخانه آلمان در تمام دنیا رقابت می کرده است ! .

زوال دست و پا شکسته

زوال کور اوداره پارسی شده دستهٔ استی در سمر کال رفی جدا شده استخوان زان استی شکافی رسانده وپای چپش شکسته است

خبرهای مختلفه از اخبارهای متنوعه

مهمات جنگ بعثمانی میرسد

دیده اقایچ طوریکه اطلاعات غیرقابل تردید حکایت مینماید مهمات حربیه وغیره مقدار های زیادی مدافعیت ومیزهای حربی وتریبل متوالیا از المان بعثمانی میرسند واداره حربیه عثمانی از جهت اخبار جنگ کاملا خلو وابداً از این جهت قلقی ندارد

این مهمات حربی از طرف المان برای ومداقایع و بندر بلغار در اره) حمل شده وربی از رسیدن آنها بوی بلغار ستان فرستاده میشود لیکن همینکه توسط اهن بمقصد و مقدرند ، رسیدن مهمات مزبور نظامی را آنها توقیف و تصرف کرده و برای خودش نگاه میدارد .

از قرار یکه مذکور شده در صورتیکه ارسال آنها ظاهراً بعنوان ستان است تا کنون ابداً از طرف دولت سوئیه باین اقدامات اعتراض نشده است واز این قرار چنین مستفاد میشود که قراردادی در بارهای دولتین حاصل است کهاین ترتیب غیر مستقیم وسایل حمل وقورخانه از المان برای عثمانی سهل ومدرج گردد

پاپ های امرا عثمانی

برای فرانسوا ارزاق و مدارک اندوخته اخیراً از طرف امرا عثمانی و فرانسوا زورق و حکمرانی صادر شده است که درپاپ های مهم اشیاء اطوری وبی وسایر شهر ها کل کارپاپ خیالها را موقتاً دایر کرده وعجالتاً سیب زمینی وسایر چیزی الآن که برای تغذیه لازم است کاشته شود .

تحت البحرهای آلمان کبوتر قاصد هم دارند

از طرف هلاند روز نامه دیلی میل نامه ذیل را که حکایت از آمیزی از زرنگی وچابکی یکی از تحت البحری های المان می نماید نگاشته مزبور حاکی است که یک کشتی ماهی گیری هلاندی را دوسه ماهی گیری مسلح المان تعاقب کرده و آنها را توقیف و بندر روانه شدند لیکن قبل از رسیدن یک کبوتر قاصدی را دیدند که از طرف پرواز می کند و نزدیک شده است و از شدت خستگی فرود و در کشتی آنها نشست و در زیر بال کبوتر قاصد نامه برای آنان دیدند که در آن نوشته بود صدمیل ساحل نوشته میشود تا حالا چیزی ندیدیم

از قرار یکه مذکور دیشب تحت البحری های آلمان همراه خود چند کبوتر های قاصدی هستند که هر زمان بخواهند اخبار خود را پاپ نوشته و برای مرا از خود دارند آن کبوتر ها را رها میکنند و آنها بطرف مقصد خود طیران نموده و اخبار مزبور را ارسال میدارند

راجع به تلفات جنگ انگلیس

(دا تایمز) کابینه بزرگ ورزیات عدهٔ زیادی از اهالی را مصاب گفت : در هیچ قرن از قرون اخیره چهار و نیم سال جنگ مدیریه و بزرگ عدهٔ مقتولین باین اندازه نبوده است ـ روزروز تلفات خود مارا میخوانیم و ترسی زیاد است خیال نکنیم که سختی بارض ماشده ـ ملاحظه کنید که از بادداشته یادداشت عساکر که دارای چهار صد صاحب منصب و ۱۲ هزار کارین بود صد صاحب منصب و ۲۳۴۰ کارین باقی مانده اند و از یک دژیمان که چهل صاحب منصب و یک هزار و دویست کارین بود فقط یک صاحب منصب و بیست کارین مانده است

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله ایکه منتشر میدارد از طرف مدیر و سرمحرر محترم

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1395 of 1786

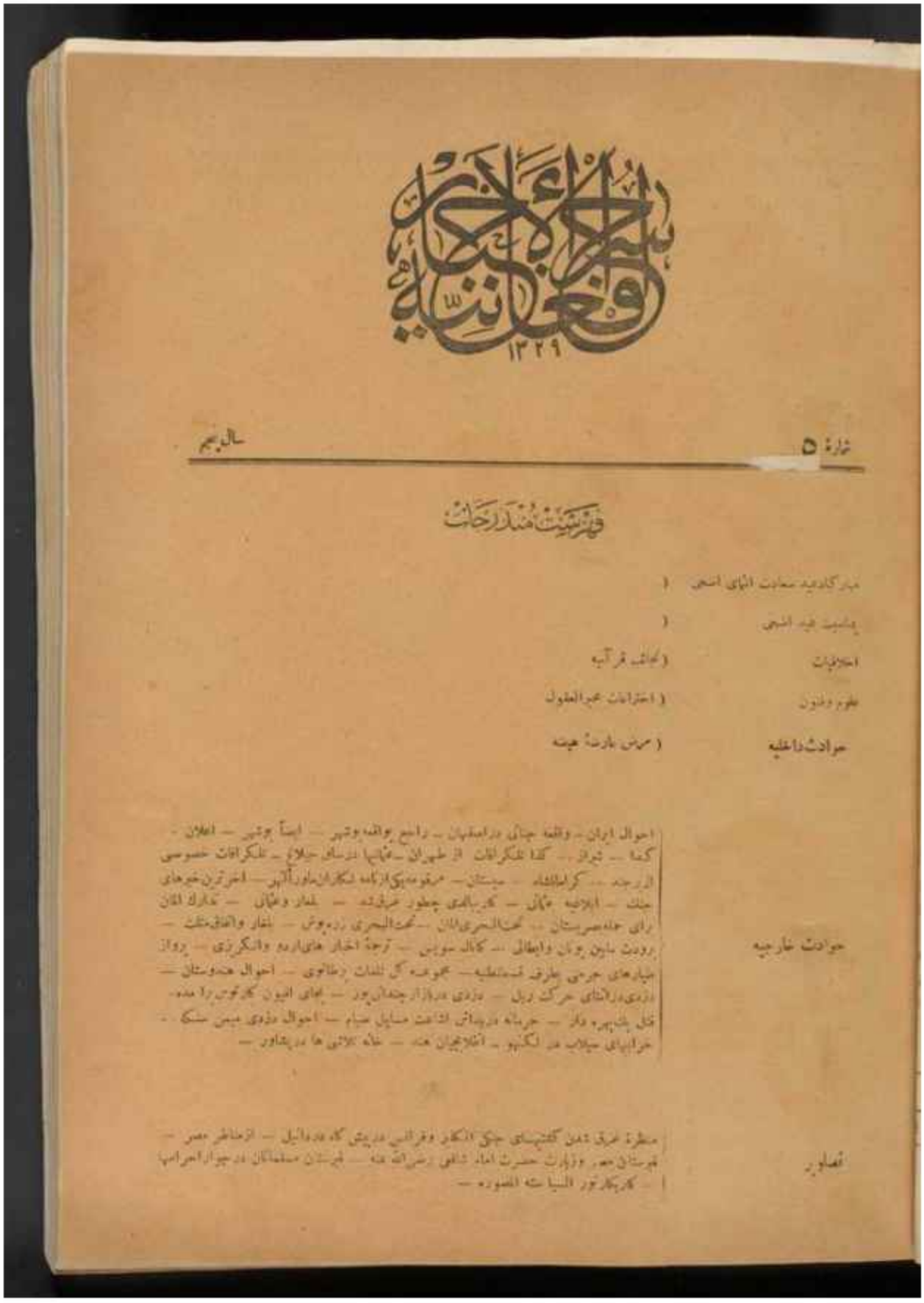

شماره ۵ سال پنجم

فهرست مندرجات

مبارکباد عید سعادت انشای اسعی (
پیشنیت عید اضحی (
اخلاقیات (خاتمه قرآنیه
علوم و فنون (اختراعات عجیب العقول
حوادث داخلیه (عرض بارشه جدیده

حوادث خارجیه — احوال ایران - واقعه جنای در اصفهان - راجع بواقعه بوشهر - ایضاً بوشهر - اعلان - کتبا - شیراز - کتبا تلگرافات از طهران - قضایا در ساحل خلیج - تلگرافات خصوصی از رجه - کرمانشاه - سیستان - مرقومه یکی از نامه نگاران ماور آلنهر - اخیرترین خبرهای جنگ - اعلانیه مهمی - کار بالکی چطور میرود - تجار و تجارت - تدارک اتحاد برای جلد صربستان - تحت البحری آلمان - تحت البحری زیردوش - انفجار واقعی مثلث - رودت مابین روس و ایطالی - کانال سویس - ترجمهٔ اخبار های اردو و انگلیزی - پرواز طیارهای حربی طرف قسطنطنیه - مجموعه گل لغات رمضانی - احوال هندوستان - دزدی در اثنای حرکت ریل - دزدی در بازار چقماق چور - بجای امین گارکوس را دزد قتل بلت پهره دار - حریقه در بیاض اشاعت مسایل صیام - احوال دزدی میمن سنگه - خرابیهای سیلاب در لکنهو - اغلاجیان هند - خانه تلاشی ها در پشاور -

تصاویر — منظرهٔ خرق شدن کشتیهای جنگی انگلیز و فرانسه در پیش گاه دردانیل - از مناظر مصر - فوتبالیان مصر و زیارت حضرت امام شافعی رضی الله عنه - فرستادن مسلمانان در جوار احرامها ا - کارکاتور السیاسه المصوره -

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1396 of 1786

اعلان

از صنایع دورهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت شاهنشاه ارواحنا فداه و قلوب ملت فداکار و وطن پرست بهره‌مند و خوشوقت و مفتخر و سربلند و بمقتضای وقت و زمان و حسب امر جناب جلیل کارخانه بافت ، ماشین خانهٔ چهار گانهٔ دارالساسله کابل علاوه براجرای صنایع دولتی و حکومتی مانند آلات حربه ، عسکریه و اونیفورمهای عساکر شاهانه وغیره بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از ان اهل وطن استفاده بیشتر بعمل آورده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالغنی خان برادر کارخانه) میباشد.

(۱) سرمایهای پشمی باقی رنگهای مختلف کیفیت آن از قرار گرانکاری ۳ نوع مشخص شده در صدوقطعهٔ جنسی هرنوع آن مهر

اقسام	قسم اول			قسم دوم			قسم سوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول			درجهٔ دوم			درجهٔ سوم		
رقم	کامل ساخته شده	رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ		رنگ	خودرنگ	
قیمت		۲ روپیه ۰ پیسه	۱ روپیه ۱۱ پیسه	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۰ روپیه ۱۵ پیسه		۶ روپیه ۱۵ پیسه	۰ روپیه ۱۰ پیسه	

کمبره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکاری | کمبره پشمی از حاشیه ۲ روپیه ۳۵ پیسه | کمبره از حاشیه ۱ روپیه بیست پیسه

(۲) چراب | ﴿۳﴾ نکه‌های چرمی چراب وسنبردار

رقم	نکه‌نکهٔ زوج	راهدار زوج	سنبوی زوج	کلان قندرجن	میانه قندرجن	خورد قندرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۱۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۴۵ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زین جناب دوکروره دار	زه باف یک اسپه دو کروه نه کاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار کارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۲ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاته یک اسپه	چرم باف دسته دولاته یک اسپه	دسته دولاته یکی چار اسپه	چرم باف حیوانی
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	اسپه رانی کلیدار کارکلان	قیمت کلیت نقره دار چرم دسته لاته نوعاله	زه باف دقم سواری ساده کلیت	زه باف دو کاره رکاب
قیمت	۳ روپیه و ۵۴ پیسه	۴ روپیه و ۴۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۴۷ پیسه
رقم	رکاب افراج	چرم باف حیاته جوب پت زناه	ازارین سواری تیغ چرمی	زناه ابریشمی حیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولاته‌های رکابی کلیت نقره	از ازار سواری دولاته تیغ چرمی گلبتن دار	چرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل پرینه	گل تیپو
قیمت	۵ روپیه ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	تکوهٔ کرنج	گل نسرین	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۹ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۴۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	تکوهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۹ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(الناشر) (میر محمد عالم دفتری کارخانجات (کابل شاهی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1397 of 1786

صحیفه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۵)

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۴ روپیه کابلی

در اطراف و داخله مملکت

با محصول پست ۱۲ روپیه کابلی

در سایر ممالک

با محصول پست ۱۰ روپیه انگلیزی

هر پارچه روز پنجشنبه منتشر میشود

مدیریه سعادت در کابل نمبر ۱۰۰

(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و مسئول محرره

محمود طرزی

الاجرت حاضر مطبعه

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

عمده امورات تحریریه بادارهٔ خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ذی الحجه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲۵ اکتوبر تاریخ شمسی ۳ عقرب ۱۲۹۴

عید سعادت آیای اضحی را ، سراج لاخبار افغانیه ، رحمة مؤمنین ومؤمنات وجملهٔ مسلمین و مسلمات مبارک باد میکوید ، وبکانکی واتحاد ورابطهٔ قلوب ووداد مسلمانان روی زمین را بیکدیگر شان ازدیاد خواهد کبریا جل وعلا نیاز واسترحام مینماید آمین

تناسبت عید سعید اضحی

عالی ارض وسما ، رازق جرندکان ، خزندکان ، شناوران زمین وهوا ودریا را هزاران حمدوثنا ، بازهزاران حمدوثنا که مامت ناجیهٔ محمد (ص) را براه راست هدایت فرموده ، واسطهٔ وجود مسعود بیهود فطرکائنات ، واشرف وافضل مخلوقات ، محمد مصطفی ، صلی الله علیه وعلی آله و صحبه وسلم ماسلمانانرا بهترین امم موجودهٔ عالم ساخت ، بآن کتاب مستطاب قدسیت جاوی مانند قرآن مجید و فرقان حمید را برای امور معاد ومعاش ماسلمانان مشعلهٔ رهنمای هدایت وسعادت افروخت .

اکر ماحمودرا بهترین امم شماریم ، ورهنمای انوار سعادت دنیوی آخرتی سازی ومعنوی بزدان وشایان نشویم کناه رخو قساست در اقصلیت وکرامت دین ما نیست .

بازخلاق اعظم کائنات صلی الله علیه وسلم هزاران هزار شکر بیشمار که باعث اعلان نعمتهای استقلال ، ماکیت ، آزادی ، دیانت ، شجاعت ، غیرت حمیت ، حس وطن دوستی ، اطاعت وفرمانبرداری کرام واحسان فرموده ، ودر پناه وطن بالنصاف وبعدل ونظل مانند افغانستان ، در زیر سایهٔ عدالت آیهٔ پادشاه مرحوم سراج الملة والدین میرحبیب الله خان

مانند زمان اعلیحضرت سراج الملة والدین میرحبیب الله خان

که حسن نیت ، وقلب سلیم ، صفوت شاهانه اش زمامدار سکان کشتی ملت است مقیم وسایه لشین امن وامان دانسته است .

ملت افغان علامات وعلوشانیست که قوت جلالت ، وسیف سریر شجاعت خود تشکیل دولت واستقلال نموده ، واز یك عشیرت مختصره درسنه ۱۱۶۱ یکدولت معظمهٔ مستقله بوجود آورده ازهندوستان تا اقصای حتی تاه دهلی و لکنهو وما وراءالنهر بتوسیع ممالك پرداخته ، واز ان تاریخ تا الی الآن والشاءالله تاه آخر دوران درمحافظهٔ استقلال ، ماکیت آزادی خود موفق و کامیاب آمده وهی آید .

ماراست کهاها شرافت وحیثیت ملی خودمارا مدنظر داشته حق استقلال خودرا بقیمت جان خود محافظه نمائیم . زیرا شرافت وحیثیت دولتی ، ملی ، قومی ماموقوف براستقلال وماکیت ملیست . استقلال وماکیت آنست که هیچیك دولت بکاه ، درهیچ امور داخلی وخارجی دولتی ماحق هیچ کونه مداخله و تجاوز را نداشته باشد . اکرچه درروسعت ملك ، وامداد نفوس وغیره برادردولتهای کلان نباشیم ، لکن تاتمام قوا قاطعاً باهمه دولتهای کلان مستقل ، مساوی وبرابر شناخته شویم .

هزاران هزار شکر وثنا که دولت علیهٔ متبوعهٔ ماسایهٔ توفیق آیهٔ ذات شو کتنبهات پادشاهانهٔ ومدبرانهٔ اعلیحضرت

سراج الملة والدین افغانیان تعالی یوم الدین تمام حقوق استقلال وماکیت وآزادی را مالکست . اکرچه بسبب تعدیات ومداخلات وعدم اختلاط تصدیق استقلالما ازطرف دولتهای معظمهٔ دنیا تعویق افتاده باشد ، ولی بفضل پادشاهی حضرت باریتعالی جل وعلی ومدد وحمایت حضرت رسول الله علیه افضل التحیات دولت متبوعهٔ اسلامیهٔ ماهیچکه مستقل بوده وخواهد بود ، و هیچکست که غرب دولتهای معظمهٔ دنیا نیز تصدیق وقبول خواهد نمود . (وهذا من فضل ربی)

قدر وقیمت نعمای عظمای باریتعالی را دائم بادشاه حق خواه نکوپی آمال ذرزندان اعلیحضرت (سراج الملة والدین) محبت ، صداقت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1398 of 1786

اطاعت ورزم ، دعا و ثنای جاویدان را وزد زبان صداقت سازم که در عصر سعادت‌عصر این پادشاه مقدس‌معظم انواع اوایل خدمت بحالت و وطن وملت افقان متوج گردیده است . واز قرائهای صاحبقران این پادشاه مقدس محبوب القلوبیها یکی این خواهد بود که استقلال کلمهٔ موجودهٔ دولت علیهٔ مستقلهٔ کذائی موجوداست بنامها وجاهمین باعث سعادت ابدی آن اتم واکمل گردد .

خیل‌الدین دین‌مقدس خود رشته‌های حیات خود راچنان رشته‌وبافته دست کلیم کاهیچیز نتیجه وازهٔ اوهام باطله وافکار فاسدهیچ یک از آن نتوانند دین مقدس ، دین‌خوب ، دین خلق ، دین‌تربیت دین‌ترقی ، دین‌آموزی ، دین‌پرست ، دین‌خلق دین‌پارسا میباشد . ملت مسکنت ، بیچارگی ، هرج وامدادخلق دران نیست . هرپیغمبری پارسیان دیگران علیهم السلام ، مانند حضرت پیغمبرما ، محمدمصطفی ، علیه‌افضل الصلوة‌والسلام ، جهانگیری وفتوحات ووضع سلطنت‌اعدالت وحافظهٔ حقوق عباد واهتمام بالامور فرموده بلکه است وازین جهت کمتر آثار ظهور این‌دین‌پاک مقدس ، درادوار خلق‌فی آفاق جهاررا بانوار عدالت ومشیت‌الهیه منور ساخته بلکه‌دولت علیهٔ‌قوی الشکوهٔ مظفرهٔ پادشاه این‌است که باقبال آن‌دولت علیهٔ قوی‌الشکوه موجوده دولت موجودهٔ خود عرش اقبال شوکت وسیادت جهان .

سابقست که درهر صریح وسنه ، واحدهٔ علی دین‌الاسلام ، گفته ، ودر هرباب وبیکاه ، علوالهمت من‌الایمان ، رادر پیشگاه افکار اقتدار خود دانسته ، ودر هیچدوره خلط غیرت و صداقت باد شاه دوطن ، وعلمای شرافت وحمیت حقهٔ خود ندارد ورمق نگاه نداشته ، ساقی ، فساد ، جاهل ، مرتجع ، متعصب ، دشمن‌ایمو نگاز اهتزاز ، فتنه‌ترین مستعد ترین ناحیهٔ محمدیه (ص) در حساب آیم . ومن‌الله التوفیق .

[غلاف قرآنیه]

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿ ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ﴾

یعنی بتحقیق ، الله تعالی هیچ قومی را تغییر نمیدهد تا آنکه آن قوم حال خود ندارا در نفسهای خود شان تغییر دهند .

این آیهٔ کریمهٔ کتاب مزین قدیم ، ملت شهیر ، حقیقت و آیهٔ خداوندی هرشناست برای همه و اقوام و ملل نیز موضوع بشر ، زیرا آشکارا میفرماید که مرحمت‌ها وعنایتهای ذات خداوندتعالی جل‌وعلا مانند مرحمت وعنایت بیک کان نیست که آنرا هرکس یافتد ودر دشان خواهد اختصاص والعام کند ، وچون داشتن خواهد ، وبنا برخواهشات وتمنیات نفسانی خودازکسی دل زده ودرو گردان شوند احسان والعام خودرا باز گیرند ، نه ، بلکه ان الله بدوالجلال حیات بخشنده رحمانیت ، وکافهٔ موجودات ، وعالم الوان واشکال وجهٔ مال ، بی‌آلوم مرحمت وعنایت عام گریبی‌درحیم قدست خداوندی را یکسان وبیان شامل داشته است . همینطور که وصیتهای که دراقوام وملل بی‌شمر واردمی‌آید وموجب خوداصلاح شان میشود بجزان نیست که آن‌قوم وملت نفسهای خودشارا چاهان سیئه واخلاق رذیه خودشان تغییر میدهند . وازراه‌حق وصواب‌انحراف ورزیده بضد آن بروان میشوند . کورا عظمت ، عدالت‌کجور ، عدت را شهوت ، انتظام را به‌زبون ، مساوات‌را به‌کوه‌تفوت تبدیل میدهند . حقوق عبادالله را برای منویات نفس خود پامال ، دین را برای دنیا اهمال میکنند پس دراوقات خود شان خودرا مستحق‌سلب ونکبت ، وسیر بدوبیز فلاکت واسارت میسازند .

« تاریخ » یک میزانگاه‌اعتبار ، وبانجام جهان ثابت که هرچیزی وزان دیده وبالله میشود . عهده های تاریخ دنیا کان وروشن میسازد وشهادت میدهد که قوت وعظمت وشوکت وحشمت خان اقوامیکه‌ایل که به‌صفات اخلاق مبتلا گردیدند ، ودر نفسهای خود تغییراتی وحیث عجیبهٔ شان نحو وصحیح شده است . هیچ شبه نیست که‌اساس بقاء ملک ، ومل یک ملت از اهمیهٔ عسکری ، کرهیچ چیزی نیست مگر اینکه آن ملت بفضایل اخلاقیه وعبادت آراسته باشد ، فضایل اخلاق ، قوی موجوده ، ووثوق و قرار دهندهٔ هروه سعادت وامنیان قومیها وملیات درحقیقت که فکرها ، زنده کی دنیا بفضایل اخلاق حاصل میشود ، ایجاد ویکانگی فضایل اخلاق بظهور میآید ، رفاهیت و آسایش باد فضایل اخلاق حل میکند بمقدمهٔ تنزل وزوال ملت فضایل اخلاق ابدی الظهور میشود ، فضایل اخلاق است که ملیت امت را بحکم وکالیه میکند ، فضایل اخلاقی است که شرف وحیثیت ملت را از انقلابات ازمنه ، وتبدلات دوایر محفوظ ومصون میدارد ، فضایل اخلاق است که نظامات ملت وقوای عمومیه را وجود میدهد .

اخلاق فاضله توانائی قرن رابیان است که علوم وفنون وسیاسات وقوه رابایکدیگر شان مربوط ومضبوط میسازد ، اخلاق فاضله علوم‌مدنی را دوعین عظمة می‌بخشد ، وشرافة انتظام وامتزاج آنهارا بیکدیگر شان محکم وقوی گردانیده روز بروز موجب ترقی‌هنر طوری میگردد که مشکلات آن نادند ، فسادا خلاق جان زهرهلاهلوهر قابلیست که در تحتنین حوزهٔ علوم وفنون وسیاسات وفنون را از عنصر کینه درمیان آن علوم یکدیگر ویکانگی وداد سازی ، جنگ بکدیگر عداوت وبغض ودشمنی‌فارغ میگرداند . درحینیکه فضایل اخلاقیه‌رحمة الاللعالمین بیانات مقدسات وموافقت سیاست وطن باین وجود زیر میکرده بالاتر که دین مقدس اسلام جامع چیزیست که آنرا دراز دادنه باشد فضان فضایل اخلاقیه است که به‌انهدام چیزی دین ، فن وسیاست را دچارهٔ صدمه خود ، اخراج میکنند . گاهگاه فضان فضایل اخلاقیه که فن وسیاست (دین) را مانع‌وغیر پیشرفت خودمانسته بیکانگی وآشتی به آن میپیوندد .

هیچ شبه نباید کرد که باخلاقی ، ازهد اخلاق بظهور می‌آید هر گاه اخلاق فاضله ازمیان برخاست ، وفساد وخرابه عمران نیاشد ، جمیع علوم‌جمیع‌صنایع ، جمیع‌ترقیات‌جمیع‌احکام‌سیاسیه ، جمیع‌فضایل اخلاقیه ، جمیع ترقیات‌فنیه ، جمیع‌امور سیاسیه درین مقدس‌اسلام موجوداست دین مقدسی است که ﴿ ان الله یأمر بالعدل والاحسان ﴾ فرموده اساس سیاست وقوام حکومت را بآن آیه جلیله وضع میفرماید . گاهدورهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1399 of 1786

عبرت وکدام آیهٔ حکمت در اکتساب فضایل اخلاقیه روشنتر ووا
سعتر از حرص نفس جلیل عنوان فوق پیدا خواهد کرد؟ دین مقدس
است که برای ترهیب وتشویق تحصیل علوم وکمالات عادی دا میکند.
فرزا بتو، جهل را بمطلب، باطل را بمیدا، جاهل را به اجتنا
می ستاید، برای اکتساب صنعت وتجارت، برای آبادی وعمارت،
برای انواع تأسیسات مدنیت وزراعت، برای اصول وقواعد حرب
واستحسارات جنود ورباط خیل جهاد وتروج بلاد وغیرها بدلایل وغیره
کمتعلق امور عسکری وحربی باشد کدام بعض آکثفهٔ هست که در
آیات قرآنی واحادیث نبوی واصول فقهی گفته نشده باشد.

علی الخصوص درخصوص حرب وجهاد وفتوحات امصار وبلاد،
درجهٔ کمدین مقدس، قواعد عدل وحقوق را اس فرموده هیچیک
از قواعد عسکری دنیاوی ازان تجاوز نکرده است. از نهب وغارت وتاراج
وهتک پیران واطفال وزنان بلاعی که قلع مبنیوی ضرر عسکری اسلام شدیداً منع فرموده شده. مالیکه که مصالح تسلیم شوند
حق حقوق دینیه ومذهبیه وآزادی شان را محفوظ میداند. والخاصل
اگر اخلاق فاضله درقوم وملت حکمفرما نبود، ودین را یک چیزی
علیحدهٔ که پداشته منبع جمیع سعادتهای اخرویه، ودنیویه، واساس
عرفیا واصلاحات مدنیهٔ فاضلهاش دانسته، وحکمت را بلسان گذشتهٔ
خود دانسته «زیرا جستجوی آن نامجین وماجین وبابلیها وبابلیها
اگر باشد بدودو بدست آید» وقسمهای خودرا جزا و عملیات
و بیانات خود تبدیل داده به فضایل اخلاق، و استقامت و فعالیت
وجد وجهد وتقوا و عفت وخدا جوئی وحق شناسی اصلاح نمایند
هیچ شبهه نیست کمالات مقدس ارهم الراحمین جل سبحانه هیچگاه مانع
آزادی سعادت آنقوم وملت را بذلت وخسارت تغییروتبدیل نمیدهد.

زان اقدس ارحم الراحمین جل عظمة در دیگر موضع شریف کتاب
عزیز میفرماید: — «وضرب الله مثلاً قریة کانت آمنة مطمئنة
یأتیها رزقها رغداً من کل مکان فکفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع
والخوف بما کانوا یصنعون». یعنی الله یک قریه را مثل آورد که آن قریه
امن ومطمئن [یعنی بسبب فضایل اخلاقیه خودشان از هرخوف وخطر
آسوده وخاطر جمع] بودند، ازهر طرف رزق شان بکمال وسعت
وفراغی می آمد. امانعمتهای پروردگار خودشان کفران نعمت کردند
[یعنی قدر وقیمت وسعت رزق و آسودگی را که جانب منعم حقیق
بمکافات فضایل اخلاقیهٔ شان درین دنیا انعام و احسان فرموده بود
ندانسته وننداختند]. لهذا الله [تعالی جل وعلا] نیز لباس ترس
وگرسنگی را به آنها چشانید. [یعنی چنانچه لباس بدن را از هرطرف
احاطه میکند، جناب حق نیز آنها را از هرسو به خوف و جوع
مبتلا نمود].

عدهٔ ثروت سعادت وآسودگی وخاطر جمعی در اکتساب فضایل
اخلاق حسنه وجهد اخلاص ونکبت وهلاکت وترس وگرسنگی وذلت
وخرابی دربدی اخلاق وفساد اخلاق هرقوم وملت مظمر است. حالا
بهتر دو مثال ازآیهٔ قدرتهای عرشانی:

«حکمت کارخانه»

نظر افکنیم

دولت کرای (روما) که دربک وقتی دوشبهال معلوم و تو ک
خود را بشرق وغرب عالم بکمال عظمت و جلال گذاشته بود

در اوایل احوال خود بلندترین خصلت وبهترین فضایل اخلاق شمرده
میشد. درروزهٔ اولای حکومت، ملت «روما» بسیار باتربیه، بسیار
باآداب، بسیار اهل عرض وناموس، بسیار صابر، بسیار کوشنده
بسیار غیور، بسیار صبور بلندعالی ودلیرهای شان باکمیت وطن
وباس شرافت ملیت معلوم بود. در مسلک خود شان ثابت قدم، راد،
آزاد بودند. اسراف، دعاعت، نفس پرستی، حرص و تعدی بریک
دیگر برای حرص وطمع جمع مال درپیش شان ازمعنور ترین چیزها
بود. عسکرهای شان درجسارت وشجاعت، درصبر وتحمل، دراطاعت
وانقیاد بگرمترین عسکر های دنیا بود. چنان وزرا و زمامداران
حکومت، وچنان رجال سیاسیهٔ پارلمانیت وقضاتی داشتند کهنیت مبارت
دور پیرامنه یک مسلک معین بسیار مستقیانه حرکت میکردند. دقت
وانضباط ملت وحکومت درمسئلهٔ عرض وناموس درجه‌ای بود که نهادهشه
نیز درروما شنیده نمیشد. اعتبار وشرف بثروت و سامان نبود، بلکه
محترم ومعتبر همان شخصی بود که پرور فضایل اخلاقیه‌ومکارم آراسته
بود. اما یکه یکه از فضایل اخلاقیه و کمالات انسانیه دوری کرده
رفتند، به اسراف وسفاهت، و عیش و عشرت گروه شدند. کار
تجاری و فعالیت، کوشندگی و غیرت را ترک کرده به ذوق وحظ
وسرور وصفا پرداختند. چشمهای شانرا پردهٔ حرص وطمع پوشیده
برای اسباب ذوق و صفای خود بریاد کردن حقوق عباد جرأت
ور زیدند. ثبوت پرستی شان درجهٔ رسید که درراه عشوه و غمزهٔ
یکزن فاحشه حقوق بسیاری ازاهل عرض وار باب ناموس را عدما
ساختند. اشرف وناموس نامرادشان ماند. بدرجهٔ رسید که درمیان
جامعهٔ زنان و مردان توج وبرهنه باهم یک جا نشست وشو میکردند.
درمهمانی های رسمی بعد ازانکه زنان ومردان ازسفرهٔ طعام و شراب
رمیخوانستند، باانواع فضیحتها ور ذالتها پرگونه خشیات وبد کاریها
علناً مشغول میشدند وهرزن باهر مرد وهرمرد باهرزنی که دلش میشد
بصورت بسیار پیشرمانه و ملتکارانه باهیجانی خشیات میپرداختند.
باوجود اینهمه رذالتها خوردن و آشامیدن شکمپوری نیز بدرجهٔ مبتلا
شدند که زنان وا کابر روما بیک بار شکمشیر شان خوردن قناعت
میکردند، وبعد ازانکه در شکمهای شان کنجایش دیگر طعام نماند
یک نوع دوای قی کردن ترتیب داده بودند که آنرا خورده، طعامهای
خوردهٔ خودرا واپس بیرون میبراور دند، وبار دیگر نوع طعامها
شکمهای خودرا پرمیکردند، وبدینصورت دریک شب مهمانی مکلف
بیشتر ازهفت شکمهای خودرا بصدها رنگ طعام پر وخالی میکردند.
وازسر شام تاصبح متصل خوردن وآشامیدن وزنانسر میآوردند.
برای تداوک فضایح ومصارف این گونه اسرافها و سفاهتها دست جور
وتعدی، وباب ارتکاب ورشوت خوری را چنان باز ودراز کردند
که دراندک حوزهٔ مالک روما بقدر و گرسنگی بدرجه هلاکت رسیدند.

این است که آن دولت عظیمهٔ روما که دراول یک مجسمهٔ فضایل
اخلاق شمرده میشد رفته رفته بدرکهٔ آنچنان یک هیئت اجتماعیهٔ که
منفور ترین، ذلیل ترین، حقیرترین، خائنترین، مشوش الاداره‌ترین
هیئت های اجتماعیهٔ عالم گفته شود تنزل نمود. تاآنکه آن بنای معظم
سلطنت که بیشتر ازصد ملیون نفوس را محتوی بود یک طرفهٔ دهشت
انگیز هولناکی سقوط نموده باخاک سیاه یکسان گردید. آسباب این
عروج وزوال چه بود؟ هر که بعین دقت، درآیهٔ حکمت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1400 of 1786

نگرانی نظر کرده شود ، سبب یگانه آن اجانب درکار و روان (فضایل اخلاقیه) در وکر چیزی نخواهیم دید ، تا که دولت مختشمهٔ روسیا نفسهای خود شارا از فضایل اخلاقیه به اخلاق رذیله ، و اعمال سیئه تغییر ندادند ذات اقدس باریتعال جل و علی احوال آنها را نغیر نمودهود. همینکه خود شان نفس خود را تغیر دادند ، خدای لایزال نیز تغییر احوال شانرا ارزانی فرمود .

اخذ ثمانیات بحر المقول

در شماره های سابق خود درزیر عنوان سلوق از بعضی اختراعات غریبه وغریبهٔ اعصار مختلفهٔ سلفیه یکدوسه چیزی چیزی توضیح نمودیم شمارهٔ خود خواستیم کارزوی یای فوق العادهٔ که در نوکهای سرزیرکارهای مهندسهای عالی العاده ، و فوق بدیههٔ عقل وذکای که ذات اقدس حضرت خلاق اعظم بدانها و جنس بنی آدم بطور اعطا فرموده یکدوسه مثال بیان می کنیم !

(کانال سویس)

اول چیزیکه نظر انسانرا درکشاده شدن این کانال خود جلب می کند این است که درشکل وشیرم جغرافی قطعات کرهٔ زمین بسبب نشانه شدن این کانال تعدیل وتبدیل واقع شده است . مثلا پیش از باز شدن کانال سویس ، وقتیکه فن جغرافیا از تقسیمات زمین بحث بیان می نمود قطعهٔ « افریقا » را به « جزیره نما » تعریف و بیان کرده از طرف شرق شمال ارتباطهٔ خاکشای سویس مربوط بودن آنرا بقطعهٔ جسیمهٔ « آسیا » بیان مینمود ، این است که کانال سویس این رابطه را بریده آن دو قطعهٔ کلان زمین را از همدیگر جدا نمود ، و نام قطعهٔ افریقا را از « جزیره نما » به « جزیره » تبدیل داد .

دوم شایان دقت است که باوجود اینکه حفر کانال سویس مدت نصف اخیر عصر نوزدهم میلادی از فکوه جنی آمده است امتیاز عظیم آبهای بحر سفید) را به بحر احمر ، کانال ادوار اثنانیهٔ کرهٔ دوغهٔ مکرهٔ انسانها نابگیر شده بود ، که اینهم دلیل واضحیست برینکه این فقر ضعیف عاجز که بزار نصف وجود خود یک سنگ را از زمین برداشته بتواند بقوهٔ عقل وذکای خود باستعداد وقابلیت بیگرانه کارهای عظیمه خلق کرده است

گنبکه اول بار بفکر باز کردن یک کانال در برزخ - یعنی خاکشای سویس افتاده بود ، هاه (سزوستریس) نام فرعون مصر بود که شش قرن عیسی علیه السلام در گذشته است . در اوقات چنان تصور شده بود که اول شاهراه آخرین بحر پیل را که بحیرت ذی واقعیده است گاه گول « تماح » وصل داده الحاقا بحر احمر کانال کشده بود . این تصور در هاوقات نیز کامیابی حاصل شده گاه گول مذکور عملیات حفر بدان اجرا شده بود ، بعدازان « تماح » نامی که از اخلاف او بود بر عملیات کشیدن کانال از گول تماح تا سویس آغاز شده بود ، بعدازان از طرف

دولت فرس که مصر را اشغال کرده بودند برای مصر رسانیدن این کار نصب گیری شده بود ، بعدازان سبب غارتیکه در زمان رومانیها وقوع آمده بود درکار حفریات مذکور اهمال شده کانال مذکور پس باطل بر گردید ، در زمانیکه دولت ژاپان و آمریکا سرباز بر کردید ، و بعدازان از اهمال شده مرور پیشه بود ، در آنای فتوحات اسلامیه در زمان خلافت حضرت « عمر » رضی الله عنه کانال مذکور از طرف « عمرو بن العاص » که لشکر اسلام شده تا آنطرف رفته بود مرارتو حفر و کشاده کردید ، و در بیار از « قسطاط » هر پیتر گذشته طول امتداد آن (٢٠٠) کیلومتره ، ٣٢٠ بفرسخ بلاغ کردید در زمان دولت امویها اهمال ، و در زمان خلیفه (منصور) عباسی برای آنکه محبوبهٔ مصر با الجزیرة العرب منقطع گردد جهت مدخل بحر احمر آنرا سرانسر مسدود نمودند ، آثار قدیمهٔ این کانال زمانهای پیش تا حال در بعضی جاها پیدار مانده است .

هنگیکه « نابلیون » بمصر مستولی کردید ، در امور خود این راتصمیم نموده بود که در سایین « پورتسعید » و بحر احمر « شادون یک کانال بکند است ، اگرچه در خصوص بابی اجرای تدقیقات را نیز آغاز نهاده بود ، امیدیکه تا الفائش در مصر بسیار دوام نمودن امورش از فوز حاصل نیامد ، تا آنکه وجوه آمدن این اثر عظیم را اصیب یک فرانسیس کرده ، و توک بر کار مهندس مشهور فرانسوی موسیو « فردیناند ولسپس » کانال موجودهٔ امروزه را بازنمود .

« فردیناند ولسپس » بعد از تدقیقات بسیاری که اجرا نمود خط کذر یک کانالرا تکمیه در سنهٔ ١٨٥٩ « سوئز مصر » سعید » را مساعدت کرده ، و امور خود را بقبول کرانیده امتیاز کانال مذکور را بافرمان مخصوص مصر و منشور الیه استحصال ، و در سنهٔ ١٨٥٩ تحریرات و عملیات ابتدائیهٔ آنرا آغاز نهاد ، « ولسپس » مذکور بنابر حق امتیازی که خدیو مصر بصورت بسیار بی اساسه بادا نموده بود ، بسیاری از اهالی « فلاح » و چار کار مصریرا بطریق بیکاری - یعنی باجرت و مزدوری - سالو استخدام کرده ، غرق جبن و فوت بازوی آنها بعد از کوششهای زیاد و مشقتهای بالاطاقت که در مدت دهسال مهیاً اجرا نمود آخر در سنهٔ ١٨٦٩ عملیات آن سراسر باجرام رسیده مراسم افتتاحیهٔ آن بکال دبدبه و طنطنهٔ عظیمه اجرا کردید .

برای اینکه قارئین کرام اندیشه بزرگی و جسامت این همت و عزم عظیمهٔ ثبات ذکر احوال حاصل کرده بتوانند ، لازم آمد کمیتی از طول و عرض این کانال یکقدری بیان کنیم :

کانال سویس هندسی (١٢٦) کیلومتر یک طولرا مالکست که تقریباً وسط سیستم ترکیبی کاه جلال آباد میرسد . عرض آن در بعضی تنک ترین جاهای آن (٦٨) متر ، و در بعضی پردارترین جاهای آن (١٠٠) متر میباشد . عمق یعنی چقوری آن ٨ متر و نیم متری آب برای سفن ایتقدر یک مسافهٔ دور و درازی را باین قدر چقوری و پهنای (٧٤) ملیون متر مکعب خاک بیرون کشیده اند ، وقتیکه کانال بحد اتمام رسید (٣٧٠٠٠٠٠٠٠٠) سیصد و هشتاد ملیون فرانک روان صرف شده بود . [یک فرانک تقریباً یک روپیه و سه شانزده یانه .]

کشاده شدن کانال سویس اوروپا را بهندستان ، و سواحل بحر هند بسیار کم خیلی نزدیک کردانیده و در حیات اقتصادیهٔ عالم یک انقلاب عظیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1401 of 1786

عظیم فوق‌العادهٔ محصول آورده است ، بسایهٔ این کانال ، از اوروپا بهندستان و دیگر ممالک راه‌بهار اهم بهم کوتاه گردانیده است ، مثلا پیش از کشاده شدن کانال از (لندن) تا (عدن) (۶۰۰۰) کیلومتر مسافه موجود بود ، حالا آنکه بعد از کشاده شدن کانال به (۳۰۰۰) کیلومتر مسافه تنزل نموده‌دولت انگلیز اهمیت فوق‌العاده این کانال را در حیات ملل ، و علی‌الخصوص برای بکدولت بحری بخوبی درک و حضر نموده بود که بنا برمقصد بدست آوردن آن ، در سنهٔ ۱۸۷۵ سندهای حصهٔ شخصی خدیو مصر را که به (۱۷۷۰۰۰) سهم میشد بکجا خریداری نمود و به این واسطه ازهمه دولتها بیشتر حصه‌دار کانال گردید .

اگرچه کانال ، کپل ، کدر انگلیاست ، وکانال ، پاناما ، کدر امریکا

جدید بازشده است نیز خیلی اهمیت ، واز اقبال جسیمهٔ صنایع ملوسیت شمرده میشوند ، ولی منافع عظیمهٔ کانال ، کپل ، چون تنها بدولت انگلیز اراجعست ، وکانال (پاناما) هنوز بدرجهٔ تمام باید اکمال نشده است از اسباب دروقت حاضر بکمال جرأت گفته میتوانیم که کانال سویس هم ازجهت تصور کردن تشیدن آن ، وهم ازجهت عملیات موجود آوردن آن ، یکی ازبزرگترین آثار فکر وذکا وسعی وهمت بشر شمرده میشود ، ویکی ازعجایب سبعهٔ عالم عصر حاضر گفته میشود .

بندهای نیل

« بندهای نیل ، کفراسیوط آرا ، بازاز دونیل ، ومصر پیا

استحوان سخت است

منظرهٔ غرق شدن کشتیهای جنگی انگلیز وفرانس در بمباکاه دارد انیل بضرب گله های عثمانی
یکی کشتی جنگی ذرجیوش ، دیگری (آدی سپستیل اوشن) نام انگلیزی

آرا (قناطر خیریه) میکویند از معظمترین آثار صناعیه بشریه است که درقیمت واهمیت با کانال سویس مساوی شمرده میشود .

این بك معلوم است که نهر نیل یکی ازانهار معظمهٔ دنیا میباشد و اگر گفته شود که موجب بکلهٔ ثروت ومعموریت قطعهٔ مصر به همین نهر است مبالغه نخواهد بود ، ولی مبنی که درجریان آن بك انتظام تامی موجود نبود کاهی بوسیلهٔ منع ، ضرر بارمی‌آورد ، لهذا اول کسیکه فکر انتظام دادن جریان آرا اندیشید ، خدیو اسبق مصر (محمد علی) پاشا بود که بواسطهٔ انشاءودن همین بندهاز تفاع وانحطاط جریان آبهای نهر نیل را بك نظام وانتظام تامی آورده قوسانات قوهٔ انباتیهٔ اراضی مصر را بك درصد بدان افزونی داد .

همت وکاشی که درساختن این بندها بخرج رفته ، اول ازین قیاس باید کرد که درپیش روی جریان بك نهر عظیمی مانند نیل که کشتیهای بخاری دران رفت وآمد میتواند بند انداختن تابچه درجه بك تشبث فوق‌العادهٔ قدرت ومهارت وذکاوت بشررا نشان میدهد ! این است که این مهارت وذکاوت نیز درتولوزکار (موژل) نام مهندس فرانسوی جلوه کر شده است

درسنهٔ ۱۸۴۰ مهندس مذکور بفرمان محمد علی پاشا مراسم سنك نهادن نخستین اساس بندهارا اجرا ، ودرظرف دهسال بسعی و کوششهای مبادیه‌پیانها انشاوا کمال کرده توانسته‌است . درازای همان بندعبارت از (۹۷۴) مترست که جمعاً (۱۳۲) عدد قنطره ـ یعنی چشمهٔ بدر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1402 of 1786

رفت آید را ملاء است . وضعیت ماشینهای بنا کردن و باز کردن این مدد رفتها یك صنعت ومهارت مخصوص ساخته شده است که انسانرا حیران میسازد . بسبب این تدبیرها ، جریان آب نهر جان بك انتظامی پیدا کرده که از سیلابی وخشك گی ضرری نمیبرد . همین بندهاست که باعث بکلی عمران ورونق حاضر قطعهٔ مصر گردیده است . پس اگر اینرا یك اثر عظیم صنعت خواهیم ، که مانند قطعهٔ مصر یك سر زمینی را با تمدن مدت طرق فیض عمران و ثروت کرده باشد از عظیم ترین مدائع مدنیه بگوئیم جاوارد .

بزرگترین پلهای دنیا

پلی است که در انگلستان در نهر « فورث » بنا شده است .

این پل نیز از جنس آهن فوق العادهٔ صنعتی شمرده میشود که حیرت بخش عقول است . پل مذکور در خط « اسکوچیا » در نهر « فورث » انشا گردیده کهدرازی آن دو هزار و پانصد متر میباشد (۲۵۰۰) از همه بزرگتر اینکه پایه های درازی هر یك از آهن و فولاد ساخته شده است که این مسئله را عقلاء نظر فن معماری شایان اهمیت فوق العاده شمرده میشود . اگر گفته شود که چرا باید باین جسامت و بزرگی ساخت معدنی موجود شد ، هیچ مبالغه نباید پنداشت روی هم رفته از پل مذکور و همچنین پایه های فولادی که هریك آن به بلندی (۱۰۹) متر درازی دارد استاده داده شده است . پایه های فولادی باین بلندی که عادر ثلث بلندی برج (ایفل) می آید از جنان صنایعی است که انسانرا در پیش خارج تعدی ، وقوه تصوری وحدت وقوت بشری که در این ماشین آهن بکار رفته حیران گذارد . پل بزرگ و پایه های فولادی بهمان نقشه که گرد استوار شده است .

این پل را دو مهندس انگلیزی کهیکی سر جون فورستر ، ودیگری تیز آهن به بکره نام دارند از سنه ۱۸۶۳ تا سنه ۱۸۹۰ در ظرف ۲۷ سال باتمام رسانیده اند . باحساب از عقل کاکل سوء ، در آن باتمام

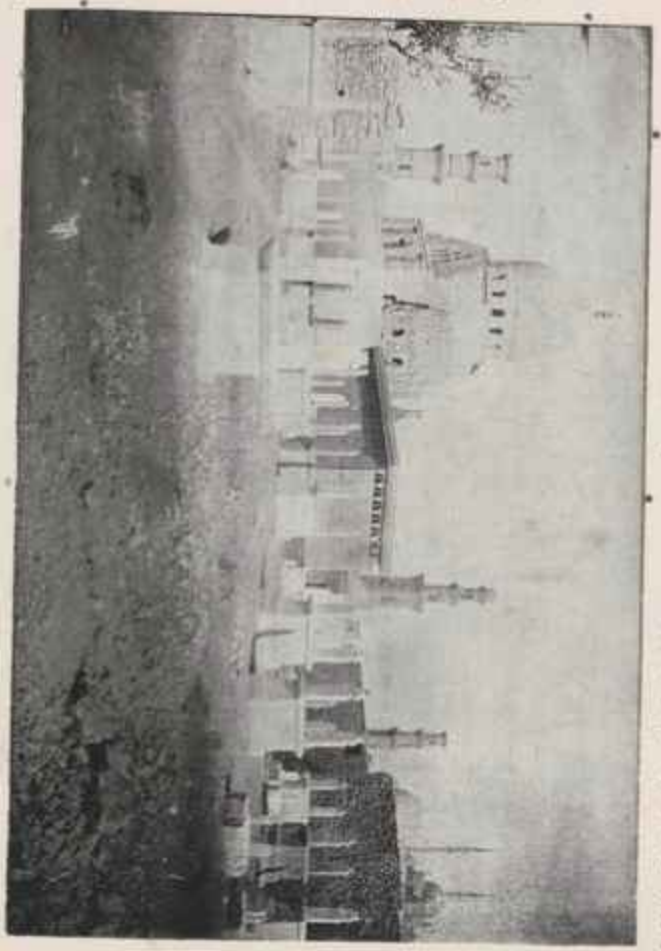

توئل (۱ - میلیون)

(توئل) نفیها و سوراخهایی را میگویند که برای گذرانیدن راه آهن پاره های آب در زیر کوهها میشکافند .

در زیر قم توئلها عظیمترین و دهشترین آنها توئل (سه میلیون) که از زیر کوه « آلپ اینین » گذرمانین (سوزرلند) و (ایتالیا) میگذرانیده شده است . توئل (سه میلیون) ، عظیمترین آثار صنعت

رسیده است دو یم بار زیادتر یك زمانی درازاه صرف شده است که اینهم یك برهان روشن اهمیت وجسامت این اثر بدیعانهٔ صنعت این عصر مدنیت را بمیان میاورد . اینها اگر پل « فورث » گلستان یکی از اختراعات عجیب الطول تصورات و عقلیات فن معماری در گذشته شده هیچ سطر عقل نمیرد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1403 of 1786

این‌که بیستم میلادیست که دلیل یگانهٔ (بتر ترل سی) و قدرت دستها و فکرهای بشر را درخصوص برداشتن و رفع نمودن موانع طبیعیه بصورت بسیار جلی و آشکاری نشان میدهد. حقیقت که برای شکافتن و باز کردن این تونل که درازترین و عمیقترین راه های زیر زمینی این زمان حاضر میباشد، مشکلات بسیار عظیمهٔ دست‌گاههای خیلی سخت و فولادینه‌ای اصادف شده بود که به رغم همهٔ این مشکلات و زحمات فوق‌العاده بشر، قوت ماشینهای بسیار قوی‌تند، و ورمه‌های فولادی مذکور تکان که از نهایت فن وصنعت دورین سالهای آخیر بوجود آمده است کارخانهای تونل‌مذکور درطرف چند سال یک‌مدتی که اسباب اتمام کار مذکور میان یک مدتی شمرده میشود بانجام رسیده است.

ثانی. بزرگی و اعجوبهٔ کارهای عظیمه را بوجود می‌آورد، و کره زمین و کائنات وقوت بازوی هرجا موجود است که بتواند بسر رساند!

کندن نخستین این عملیات عظیمه در بیست‌ودوم ماه‌جولیه سنهٔ ۱۸۹۸ پیشه‌بود. آخرترین سرحدهای کندن آن عملا در بیست و یکم ماه‌فبروری سنهٔ ۱۹۰۶ زده شده است. درازی تونل (سمپلون) بیست کیلومتر، یعنی پانزده هزار متر مسافهٔ جغرافی دارد که تمام روی زمین و اکثر آن در زیر زمین هیچ‌راهی در زیر زمین موجود نیست. در عمق یعنی چنوری که ماند این تونل هیچ تونله بدین درجه موجود نیست. زیرا این کوه عظیمی که فنون وصنایع کوناکون در حیلهٔ عبور دادن آنرا شکافته است. ارتفاع آن یعنی از اعلای آن تا سطح تونل (۲۱۳۵) متر بلندی را شامل میباشد که این چنوری تونل تکمیل نموده و تمدیده شده است.

در وقت حفریات این تونل بعضی موانع هایل اصادف شده بود که رفع نمودن آنرا هیچ عقل قبول کرده نمیتوانست. مثلا از انجمله طهور یافتن یک چشمهٔ بسیار پرزور و قوی بود که در عمق راه تونل دفعتاً بصورت تا کهانی از یک دیوار تونل فوارهٔ آسا با آب زلال آغاز نهاد. بالا این بود که این آب بدرجهٔ حرارت ۴۰ — سی مانند آب جوشان سماورها گرمی داشته که تبخیر شدن و آن بخار شده بود. وهوای خفه کنندهٔ پر حرارت آن در درون تونل بحدیه عمق و طول کار آزار عظیم بوجود آورده اسباب کار حفریات تونل شده‌ها سبب ماند. زیرا در میان تونل یک نهر آب جوشان بخاری تشکیل یافته درمیان آنجنان جوجنهم آسا کسی طاقت کار کردنرا نداشت. حال آنکه انسانهای این عصر پیشرو و متمدنه را بدرجهٔ تکمیل کرده اند که چشم شان از چنین مانعه‌ها خیره نمیشود. لهذا برای دفع آنهم به نسبی چاره ها وحیله ها تشبث ورزیده تالیف آمدند. و بوقت دخول آن آب جوشان پرزور وقوی که در تونل مذکور معلوم میشد کلهاب آمده کوه کلان یعنی آن برزگی را از یکسر کاملا شکافته با دوله های سنبر های با اقدار راه آهن ریل‌های خود از آن عبور گذشتند. لهذا این تونل سه میلون را بزرگی از خوارق صنایع الفنون اعتبار ثالث این عصر متمدن آورده حق عرض خواهی داشت.

برج (ایفل)

دوسال پیش ازین مراسم سنهٔ دویم یکصدم تجلیل آمدن پاریس کار برج (ایفل) دارالریس اجرا گردیده بود که‌این مناسبت یک جشن عمیار بزرگ ریشه درخس برج مذکور بسیاری از قدر شناسان مهندس مشهور موسیو (ایفل) که هنوز زنده‌است جمع آمده مراسم مخصوصاً بانجا اجرا شده بود. چون از ساخته شدن برج ایفل بامحال بیست و هفت‌سال میرسد بود، ودراوراق جرایده کتابهای تصویردارصورت آن بارها دیده‌شده ازاسباب گوناگون وچشمها آنقدر بشنیدن ودیدن آن عادت کرده کاین از محیرالعقول آهنین را بسیار کمان از آثار معظمهٔ اختراعات دریه نخواهدشمرد. حالا آنکه بیش ازبیست‌وهفت سال کههنوزاین برج ساخته‌شده‌بود وتصور ساختن آن ازطرف مهندس (ایفل) بیان کردند هیچ کس روجود یافتن اینچنین برج آهنین سه‌صد متری عظیمی باور نمیکرد. وبعقل خود کسی گمانیده نمیتوانست که اینچنین اساس وتهدیدان که به ثقل اینقدر برج آهن عظیمی مقاومت بتواند بوجود بیاید. حتی بعضی میگفتند که تحریم همچنین یک برجی بوجود بیاید. ولی اینچنین بلندیرج کاغذ ودیدنش پاریس را درمیان اینقدر باغها وعمارتهای ظریف ودلکشش پاریس را چون یک منظرهٔ بدنمایی تشکیل خواهدداد. امامهندس ایفل، بهیچیک ازاین‌شبهات واعتراضات گوش نداده بکار آغاز نهاده وبزور اوردن تصور خودرا تاوقوه بفعل بکمال جرأت اصرار نموده بالاخره‌نقشه‌های آرا بسیار دقت‌وهمت حاضر نمود.

درباهٔ نخستین کلنگ نهادن این برج تجربه دیده دریست وهشتمه جنوری سنهٔ ۱۸۸۷ زده شده بود. وپایهای مذکور بطرف پنجماه باتمام رسیده بعملیات برداشت کاربالا براورین قطعهای آن آغازشده بود. ودرماه می سنهٔ (۱۸۸۸) تمامیا عملیات التاسیه‌ان مبنای معظم آهنین انجامیافته مراسم افتتاحیهٔ آن بکمال دبده وتاسیاطه اجرایافت بهاین صورت، همهٔ عملیات انشائیهٔ این بنای هشت اعلای آهنین که اضلاع برج نمرود را به آب شیشه، بلند ترین ومستحکمترین همهٔ بناهای میباشد کهدرونیا ازسابقه های قدیم بکمال دست انسانیا بوجودآمده است، درطرف دوسال وچهارده روزروز اتمام بانجر گردیده است.

این برج آهنین ازبعد عقله متفکی است کهطبقهٔ اول آن ازسطح زمین (۵۷) متر، و (۹۷) سانتیمتر بلندی دارد. طبقهٔ دوم آن (۱۱۵) متر، وطبقهٔ سیوم آن (۲۷۶) متر بلندی را ما لنکست که اکثر سیاحین که برج ایفل را تماشا کردن میخواهند نهمین طبقهٔ آن بالا میشوند. ازین طبقه بالا دوربین اعلا تماما هالیکه درداخل محیط (۸۰) کیلو متر یک مسافه‌بانشه بسیار خوبی تماشا میشود. سه‌چار طبقهٔ دیگری نیز ازین طبقه بالاتر دارد که آن طبقه‌ها برای اجرای ترصدات دبه رداربهای مختلف تقسیم یافته است. حتی برای شخص خود موسیو (ایفل) بترت اتاق مخصوصی درآن طبقه های فوقانی موجوداست. ازاعلای برج ایفل یک‌چراغ بسیار بزرگی افروخته میشود که روشنی این‌چراغ وسعتاً یعنی آینه های عکس دهندهٔ که بقرار فن بیان کرده‌شده، بزرتیا ازسماله (۱۲۷) کیلومتر دیده میشود. رهبه طبقات این بنای عظیم عربی‌الشکل واسعهٔ (آسانسور) یعنی‌ات بالابرنده میشود، همهٔ بنای برج ایفل از آهن است که سنگ وخشت و چونه و غیره هیچ ندارد. مقدار آهنی که درین بنای جسیمه بکار رفته‌است تخمیناً (۷) یعنی تقریباً بیست‌هزار خروار ـ آهن میباشد. برج ایفل چنانچه ازجهت تصورات وعملیات فن‌معماری بنای‌بدیعه‌صنعت شمرده میشود، همچنان درخصوص علوم وفنون نیز خدمتهای عظیمهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1404 of 1786

بکار می‌آورد : مثلا درخصوص ترصدات احرام سماوه واحوال جوه وهوائیه برای ارباب فن خدمتهائی که این برج بعمل میآرد دیگر هیچ رصد خانهٔ نمیتواند . ازاینجهة چندی پیش ازین یك کونگرهٔ بین‌المللی درباب توحید وبکانیکی ساعتها تشکیل یافته بود که درروز دوم ازسر این برج بواسطهٔ تلگراف بی‌سیم بهمه مرکزهای متمدنهٔ جهان اخبار کیت میشد . و ازین رهگذر تمام بلاد مدنیت استفادهٔ عظیمی کرده میتوانست . لهذا برج ایفل یك از بدیعهٔ عدیم المثول آثار صناعیهٔ تام تعدن شمرده میشود .

حوادث داخلیه

مرض مادرهٔ هیضه

جناب رب جلیل ممالك محروسهٔ اسلامیه را از آفات وبلیات درحفظ وامان بداره .

مرض مدهشهٔ وبا از قرار رپرتهای حکمهٔ تلغراف تاهنوز رفع نشده است وبك نزول وضروج غیرمنتظری دارد . چنانچه از جدول ایستاتیك اصابات ووفیات شبانهٔ سابقه وسایداخبار معلوم است که بعضی روزها خیلی شدت وبعضی خیلی کم میشود مثلا یك روز امنی وامانی کم موافق طبیعتش وجه پیدا کرده . مردمان حلیم وسلیم درمقابل خود می‌بیند که آرزوی جانرا نمی کند . مثلا دریك جای کهفکرها برین بلا ثابت شده باشد کفن اموات بخرفروشان کلفوم وخویشی شان دران دفن شده باشد در دیگر یا امکان ندارد مرض چسان با آن جنازه‌ها از جای بجای مشابهت نکند ؟ یك شهری کدام قدر مصاب میشود یك قریه کدام قدر مصاب بلوکات میشود ضرور باید حمل ونقل شود . چه چاره سرباید کرد ؟ خودش بشك آمده تشریف برد ! بهرصورت ازبارگاه آلهی تضرع میکنیم که این بلارا از سرمسلمانان رفع نماید .

اصابات	وفیات	تاریخ
		از ۱۰ یوم هجده تا یه جمعه ۱۳ زیقعده
۱	۳	در شهر ۰۰
۱	٤	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم جمعه تا یه شنبه ۱٤
۲	۳	در شهر ۰۰
۱٦	۱۲	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم شنبه تا یه دوشنبه ۱۵
۲	٥	در شهر ۰۰
۱۵	۷	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم دوشنبه تا یه سه‌شنبه ۱٦
۱٤	٥	در شهر ۰۰
۹	٥	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم سه‌شنبه تا یه چهارشنبه ۱۷
۱۱	٦	در شهر ۰۰
۲۵	۱٦	در اطراف ۰۰
٥	۲	در شهر ۰۰
۱٤	٦	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم چهارشنبه تا یه پنجشنبه ۱۸
٥	۲	در شهر ۰۰
۱٤	٦	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم پنجشنبه تا یه جمعه ۱۹
٤	۱	در شهر ۰۰
۷	۳	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم جمعه تا یه شنبه ۲۰
۱٤	٥	در شهر ۰۰
۱۹	٥	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم شنبه تا یه یکشنبه ۲۱
۸	۱۲	در شهر ۰۰
۱٥	۸	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم یکشنبه تا یه دوشنبه ۲۲
۳	۷	در شهر ۰۰
٥	٦	در اطراف ۰۰
		از ۱۰ یوم دوشنبه تا یه سه‌شنبه ۲۳
۳	۲	در شهر ۰۰
٥	٦	در اطراف ۰۰
۱۸۸	۱۲۸	

حوادث خارجیه

﴿ احوال ایران ﴾

جریدهٔ رعد مینویسد

آنوح ! که گذارشان نظیر روز گار باسر عت هرچه تمامتر از دید های خیار آلود ما میگذرد و بیانیزی کرور ها انباء نوع سرنوشت آینده ملل را معین میسازد در ما اینکه حس آ ملی کنان ایران بجنبش در نیاید وفعالیت مدعیان مالش درمقدمات قریبه‌ا مصرف میکردد . از گرفتاری درپیچ‌وخم تردید وتلون عمر ودقایق زندگانی یك‌جمعیتی درگرداب جهالت‌وخود خواهی نابودی ودر مقابل تمام مصایب و کی شدائد بلاهام دنیا خوشنود میکرد کذا

واقعه جنان در اصفهان

نظر باخلاعات و اصله‌ب چهار شنبه رئیس بانك استقراضی از قنسول روس در اصفهان درحالیکه بمعیت پیشکار مالیه تقریبا ساعت ازشب گذشته از یك‌مهمانی عودت میکردند درخیابان بانك از میانه در خنا صدای شلیك بلندشده وچند تیر گلوله بطرف مذکور انداخته میشود رئیس بانك مقتول وپیشکار مالیه مجروح کذا

راجع بواقعه بوشهر

در ۲۰ سرطان مقارن غروب آفتاب چند نفر از ما حمله الکلیس باچند سوار هندی از سرزآباد که محل زراعتی قونسو است حرکت کرده بعنوان تفحص از تکشتیبانی که بان نا آمده بودند بمسافت سه میل از سبز آباد رفته پس از چند دقیقه مقدمه ازاطراف شلیك می شود ومأمورالیهات وبا ، کاپتن وبك هندی مقتول ودونفر هم مجروح میشوند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1405 of 1786

نقل از اخبار حقیقت بین
حبل المتین
ایضاً بوشهر
(اصحناق عبودیةالدولة الیر بطانیه)

از ۲۰ رمضان وضعیت شهر بوشهر تغیر وحکمران عارف نام اشرف واقف بتواقف عصر دست بروی دست نهاده گویا منتظر پیش آمدی میبی نشسته بود برخی اشیاء همچه تصور میکردند بحران کابینه ایشانرا هم در حال بحران گذارده وحال آنکه همه وقت فکر خود را مربوط به کابینهٔ طهران می پنداشتند تاآنکه در یوم یکشنبه ۲۹ رمضان قشون انگلیس وارد وادارات رسمی را تصرف کردند آن وقت معلوم شد آقای موقرالدوله که از یکهفته پیش منتظر بودند منهای دانش وسیاست را داشتند در هر صورت علی الرسم دا رالحکومه را هم قشون انگلیس فتنه نمود وموقرالدوله راحترم نگاهداشته یکی از دو امررا از ایشان خواستند اول اینکه بطرف طهران روانه وثانیاً بمنزل سایرمردمان عادی در بوشهر توقف کنند . موقرالدوله ساعتی چند غور نموده کوتاچنین تصفیه کردند که بجون من کژبان از وضعیت جنوب واقف بوده قبل از این پیش آمد کنونی جالب وطن فروش منتظر شان دانسته بودند باین پیش آمد چه اقلب خواهند داد معلوم نیست وخوف جانشان هم میرود توقف در بو شهر هم بامردمان عادی بآن علو طلبی و شرف دوستی که درو جود ایشان موجود است نه پسند یده خواهش نمودند آزادانه باعیال واطفال روانهٔ بوشی گردند مشروط براینکه پس از اینکه دولت انگلیس بوشهر را تخلیه نماید مو قرالدوله را در همان عمارت حکومتی جای داده برود . یعنی موقرالدوله را بحکومت بوشهر برقرار دارند وباضاً هم آنچه لازمهٔ تقویت باشد از ایشان بشود .

اعلان

کذا

دولت انگلیس او امر صادر فرموده اند قوای انگلیس که حالا در بوشهر است فوراً بوشهر وجزیره ها را تصرف بکنند و حکومت بوشهر را بعهده گرفته گمرک خانه هم تحت ضبط بیاورند

این اقدام از طرف دولت انگلیس بسبب اینی که برخلاف میل ورفتشان براآنها زوراً ور شده است بعمل آمده واین تعین ایشان ازمواجهه تازه تاسف انگیز طوایف ری بوشهر که درضمن آن دوصاحب منصب انگلیس وسه نفر سپاهی کشته وزخمی شدند بتصدیق پیوسته است ..

ازین روبن وضع یك وضعی است که دولت انگلیس تحمل بتوان کرد ولهذا مجبور شده اند که اقداماتیکه برای مصالح خود لازم تصور کرده بعمل آورند ومداومت بتصرف بوشهر کنند تاوقتی که دولت ایران ملتزم بشود که تلافی کامل از اشخاص مقصرین از جمله اخیره بیاید وسایر مطالبات دولت انگلیس را اجابت نمایند

بموجب اوامر دولت بیه مردم بوشهر وتمام کسانیکه مربوط هستند اینطابدانند که امروز این جانب حکومت بوشهر را از جانب دولت انگلیس بعهده گرفته ام (امضا) (تراور) سا کم از جانب حکومت اعلی انگلیس

کذا

وکیل روتر از بطرو گراد خبر داده که قرب قزوین شاهسون ها عصیان ورزیده جنگ شده یك نفر افسر سویدی با ۱۲ ژاندارم کشته و۲۲ نفر هم مجروح گردیده اند

کذا

شیراز

(درمضان)

اوضاع سپری کما کان است ادارات دولتی ممنوع واعضاء همه روزه حاضر ولی کارروایشان مفلوج است ایات جلیه شخصاً اصلاح جووامنیت خواه اساجزاء واتباع غوماًمفسد وفاقد جووطباع هرقدر ایات جلیه درتحصیل امنیت ورفاه ملت برخی آیدرتکس اعضاء ادارات درخرابی ملت وتماکت مساعی جلیه خود را مبذول میدارند هراندازه خودایات بی غرض وبی طمع ولی اجزاء واتباع غمعشان مافوق التهایه وغرضشان مافوق تصور است اختصراً رؤسای ادارات باندازهٔ غرض ران وخود پرستی تخرج میدهند که تمام اعمال نیك چند ساله ایات جلیه هم بیاد وهدر داده اند

کذا

تلگراف از طهران خبر رسیده که ایلات لرستان بژندارمه قرب بروجرد حمله برده دوتوپ از آن ها گرفته اند ونیز تلگراف خبررسیده که در کنکور قرب کرمان شاهان همراهان قونسل آلمان گاهدژبرز بوده بهمراهان قونسل های انگلیس وروس حمله برده طرفین استعمال سلاح نموده همراهان قونسلین تلفات یافته اند ونیز از ژندارمه کاری پیشرفت نموده تا امید گردیده اداین خبر فوراً بوزرای طهران داده شده حکم بقاصر قزاق که درصحنه بوده وتاکنکور چهارروز است رفته که بقو اسلحهای روس وانگلیس کمك نمایند

اخبارروحد مینویسد

عثمانیها در ساوجلاغ

روز پنجشنبه شهر رمضان تلگراف ذیل از میان دوآب بطهران عجاره شده است :

کاغذ صدق یك قوماندان است که از ساوجلاغ رسیده عیناًدرج میشود : خدمت آقای رئیس تلگرافخانه مبادوات بعداز تقدیم عرض سلام واحترامات فائقه خالصانه زحمت افزا میشود مخلص خاطر شریف وعموم برادران دینی آن طرف را مطمئن میباید که دولت علیه عثمانی غیر از استحکام مبانی اتحاد ووودتی وتشیید اساس اخوت بادولت علیه ایران وآسایش ورفاهیت رعیت وانظیر خاك پاك ایران مقصودی ندارد دراین صورت وحشت وتفرقه کی رعایای کرد محل شبهه نیست وبلکه باعث استفاده دشمنان اسلام میباشد بطوریکه مخلص دراین جا مشغول اعادهٔ امنیت وآسایش کلیه رعایای محل وگرده می باشم ازجنابعالی وسایر مامورین محترم خواهش مندم بهرشکلی اقتضا میباید در تامین رعایای عجاره یك مرجت فرموده آنها را بجاهای خود بفرستید که بدون نگرانی مشغول کسب وکار خود باشند وخصوصاً ازطرف مخلص بایشان اطمینان کامل بدهید که بدون خیال سرجای خودبیایند وکسب خود مشغول باشند انصاف نیست دشمنان اهالی در این ضمن از ما استفاده نمایند الحمدلله تجار محترم وسایر محلهای این جانهایت استراحت را دارند زیاده زحمتی ندارد

قوماندان ساوجلاغ صدق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1406 of 1786

(توپخانه)

تگرافات خصوصی

ارزنجه — تا کنون عرض میکردیم دراین اوقات که اتحاد دول اروپا افزوده با وجود دسیسه های اجانب صلح اسلام در هراس بدولت هر کیش و آئین و دول دوست برخیاند که امروزه از فرایض شمالست دولت علیه اول مادرا امر بربطرق فرموده در سوریکه ازهم جوانان دران دست بکار اقدامات دربطرق هیچ چیز مشاهده نشده ازطرف همسایه دنیای کار خصمانه شیطان را القاءات و تصرفات غیر مشروع نموده از طرف دیگر همجوار جون در کمین ستاده و خریستان دخالت های حق نکرده می باید علنا که قدری گفتن طرف توجه همسایگان بوده و نقطه قابلیت و میدان بود که حکومت جابه دران انقلاب از هر حیثیت رفع تباه اقتدارا نموده بهادران دراین معرکه شدید کان ابناک دران دست ازهم کوده و کنون آثار انقلاب ظاهرند مگر قابلیات و مدت قابلیات هر دو اقوام مشاهده دران ایکن صرف بوده و ملاحظه اهمیت خطه را نموده کماینه و عادتی بست همسایگان بایدگان صفحه اوطن مقدس داراهم مال دار بیاعتمال ساختن کرده و زافسوس کماینبغه نکرده با وکنون دانیدان وزده عما کرچنود این عقیدا ابرده کار بوده ایم اینک دو نظر آقای بشیر قاین بر زرده فرمنجی رجند وار دشده اند بالمیت تمام بر خلوا از سکنات وتوب و تفنگ وارد می نمایند واز طرف دیگر دولت انگلیس هر قدر خصمانه ازهم بدید وچان خود قریب بامید نظر رسانه هندی سیستان وارد نموده است در سوریکه بتحص خیرخواهی خود ابتدان حکومت جابه را چنرنهای ننموده بدولت داده واز طرف دولت اهم وانگلیس مبین شده و حضرت حاکمران بایشان اطمینان ازهم دیق داده اند که تا آسوده باشید قوای دولت قادر مکن ناصر است و شخصا خود من هر زمان گونه اقدامات کوتاهی ندارم واطمینان بدهم کمچو سادنوع خواهند داد وجود این دقایق نشده این ملک بی صدار ابصدا آورده وشول خواهند کشید گمان ننمه هم مال سازد جاها بتوزیچه آنکی خواهند شد محمد ومیدک دامسلمانان قابلیات جای سادات وایمان آنها رعیت ازقال وعبارت سادات روس چدنظر کاملا مقبول وهدی گونه بی رحمانه ایشان ، ناموس و اهل وعیالشان درچنگال خون خواره باشکار بیرحم ، تا کراولیای دولت دمملت رفع تباه بزودی ننمایند ضرورتاً آنچه لازمه قرن اسلامی است اقدام خواهیم نمود .

قسط ١٣٠ تومان علب وتشکرین اهالی

گرت تشاه

ازقرار اخبار واصله حسین رؤف بیک بازار خاتین عسر وسرپل قوه سوق می کرده است با کوا دشمای گرما شاه نزد آقای اقبال الدوله مکتوبات منصبه وشته درحسن اظهار داشته اندکه « هوا اعمال عاطفه یکلی رفع نشده است » .

بدخشان

بدراین اواخر انگلیسها بیاه اینگ ط حوالی علیی سواز آبادی دیده شده ولی نفر قشون عمدی بجنده برجند وارد کرده اند .

روسها نیز بهمین حوالی عده قشون جان سمت سوق نموده اند قوای روس درسیاری قیمات حرکت کرده است .

یکی از نامه نگاران ازماورالنهر مینویسد

امر مخصوص دولت روسی چنان است که درین روزها کرده های

دامنهٔ تجارت خودرا کامل ازهریم مسلمانان وبهودی وغیره فرقه های غیرروس که بدولت مد کور است موقوف نموده بلکه قریب دوهفته شده کدورکی برای کسی گرید نیامده است ونمی آید دوبهال سنکین باب مثل دریب و کستور وغیره اجناس پشمی و کلاوه تج از دران تجار ها کجدولت های غیر می رد موقوف نموده ونمی سانه — وتیز دورکی افواجاست که بدهٔ دایمال عسکر عثمان به عسکر دولت اظهار وفرانس شکست زیادی داده بلکه دوازده هزار عسکر شان را غرق دریا نموده است — وتیزمسموعی شنیده شد که چند ضرب توپ وچهاری عسکر سوارهٔ روسی درمنتهه مقدس جهاد جلوگیری عسا کر عثمانی اظهران بوده اند است

آخرترین خبرهای جنك از اخبار تهران

اعلامیهٔ عثمانی

از طرف سفارت کبرای عثمانی تبلیغ می کردند

شرارت اردوی شاه بموجب عثمانی

درجبههٔ قفقازدی روز یك طرزه عثمانی تپه مهمی را از دشمن ضبط کرده ودوسها بالنگ همه های سخت والی پس کردن هر تپه می کشند جز دادن تلفات زیاد نتیجه ندیده

دیروز بعدازظهر زدوخوردهای دشمن بموجوده (نقدان)(دشمن) باچهار عدد موشك آغاز یدن کد (قیانچه) آمده بیشتر از دویست گلوله بموقع عثمانی انداخته اند نتیجه این تعرض بکشیده ودوسحروز بوده استحکامات مقابل کرده یکی الوزده چوشها دوچار خسارت کلی وفرار نموده بنابراین کلی آتش استحکامات (آناطولی) دشمن فعالیت قدیمه اش را درموقع (تشك چوری) از دست داده

جبهه قفقاز جناح یمین ما که درحوزه رود (ارس) حرکت مینماید باندازه پیشرفته است درظرف دوهفته اخیر دوهزار نفر دشمن مقتول علیشده است درنقاط دشمن آذوقه فراوان نموده اند کاملا تشکیلات جدید مانعوشده دشمن ناچار دانه دوروزدو مواقع آری بودند دشمن بیك آتش توپخانه سخت رجناح یمین ما هجوم قشون نموده درظرف دوازده قشون عثمانی کاملا هجوم وپریشان شده وفرارنمودند لاسر ارار هدف خود شمارا پرت کرده اند اکثریت این عقاید عسا کر عثمانی را زیاد واسلحه بغنیمت بدست آورده اند

درست البحر هزاروز دشمن سعیفه هجناح یمین ما هجوم کرده ولی از دادن تلفات زیاد کاری نکرده درجناح یسار عملیات جدیدا بود کرده ازدشمن دوغراده مزاپوز بدست اغتنامه است درکلیه این نقاط بالنگ دشمن قریب شصت هزار گلوله توپ صرف نموده است تپه جدوجهدش جبك هزتپه کلی مقابل شدیدتلفات بی اندازه داده ازهرطرف عقب نشسته است

دیروز درموقع مد البحر دشمن بجناح یمین ویسار با حمله متوالیه آورده بامرتپه مقابل دیده نحو پریشان شده ودران اثنا عده انگلیسها اسیر گشته اند

جبهه عراق شب یازدهم مد گشتیهای انگلیس درشط قرات مرتبه غیرت ورزیده اند گطرف شاه جلوروند بنابر مقاومت شدید قوای عثمانی باتلفات زیاد عقب نشسته اند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1407 of 1786

۱۵ ماه جبهه داردانل سمت آری ورق یك سفینه قشون دشمن که بیو از قشون بوده در دقایق یك کشتی جنگی ساحل تخریب نموده بتار شلیك توپخانه عثمانی یکی از کشتیها غرق ودیگر محترق گشت

جبهه عراق قوات عثمانی دشمن را احاطه کرده نتیجه یك محاربه دوازده ساعت بالفعلیات زیاد غلب نشاده اند بااینکه انگلیسها مقتولین وجرحین خود را حمل کشتیها کرده‌است عدد زیاد بجا مانده باز در عرصه جنگ بیشتر از بالصد جسد افتاده است که میان آنها دو ضابط صاحب منصب عالیمقام مادرین حرب یك صاحب منصب ویکنفر تبعه دولت ویکنفر عروج شده دراین محاربه کشتیهای انگلیس رقوای عثمانی قریبا سیصد گلوله توپ انداخته اند .

جبهه دار دانل در آری ورق دشمن برای اوضاع کشتیها یکدرجه قبا افروخته ایم جد وجهد بسیار می کنند

در سد البحر کشتیهای قلعه دشمن از دروز بابمباردمان مهاجماً حمل ونقل عجز وحین می کنند

جبهه عراق دشمن که سیردهم ماه زوجه بموقع قلعة الحمید قریباً قورند) غلب نشاده شده وبقوای کاره کرفته درشب ۱۴ ماه جبه رمواقع مادر ساحل فرات رده درنتیجه یك محاربه شدیدی کلیة مهاجم ویرشان گشته عده انگلیس بیك هزار امکان سوار قایق کشتیها نجاته همکی ازطرف عساکر عثمانی اسیر شد اند دراین محاربه تلفات انگلیسها زیادتر ازهزار نفر بوده درمیان آنها یك فرمانده ودو صاحب منصب است سی ودو قایق دو عراده متراليوز دویست عدد قطعات عدة بسیار شمشیر وتیزه مهمات وغیره بدست عثمانی افتاده است

کاربالدی چطور غرق شد ؟

تحصیل غرق کروازر کاربالدی نام ایتالی را اخبار روتر اینطور مینویسد:

یك دوپزون از کروازر رهای ایطالی که به جبهات جنگ حرکت می‌کرد ، فروبی ، کاربالدی ، وتریسانی متشکل بوده در حوالی کاناروفایتی داده دشکام مهاجمت جهازات ایطالیه در جهة بحر البحر بهای اطریش

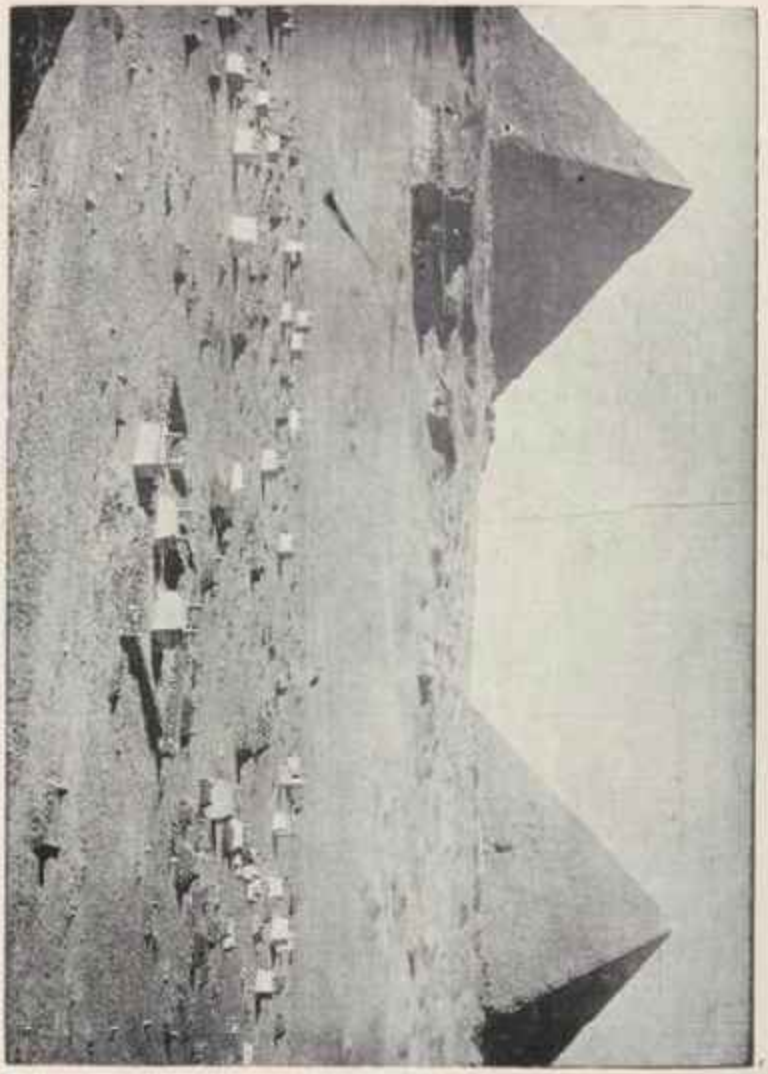

قهرمان مسلمانان در حوالی اهالیا که در اقلیم سبعه نام عثمانیست

میشوند . کروازر کاربالدی جبه را دفع کرده در جهة ناتی تورپیل خورده غرق میشود .

بلغار و عثمانی

مخبر روزنامه (تایمس) مقیم صوفیه خبر میدهد که عهدنامه بین بلغار و عثمانی به امضا رسیده است وبالنتیجه راه آهن (دده آغاج) بلغار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1408 of 1786

وا کنار شده ـ وبز تمام راه آهن (مورچ) بعثمانی داده‌شده وبن معاهدهٔ جدید تمام مسائل عالقه سیاسی را که بین دولتین بلغارستان و عثمانی از زمان موجود بوده تصفیه وحل کرده است

پتروگراد — برحسب مشاهده که مابین بلغار و عثمانی منعقد شده است ، قوای عسکریهٔ بلغارستان در سرحدات صرب و یونان تربیه وتقویت شده است .

مسکو — برای ترتیب کار صادرات گمرکی جزیره عدهٔ زیادی از متخصصین میکانیک آلمان از بلغارستان ورود سالیا جدیداً عثمانی اقامت نموده اند .

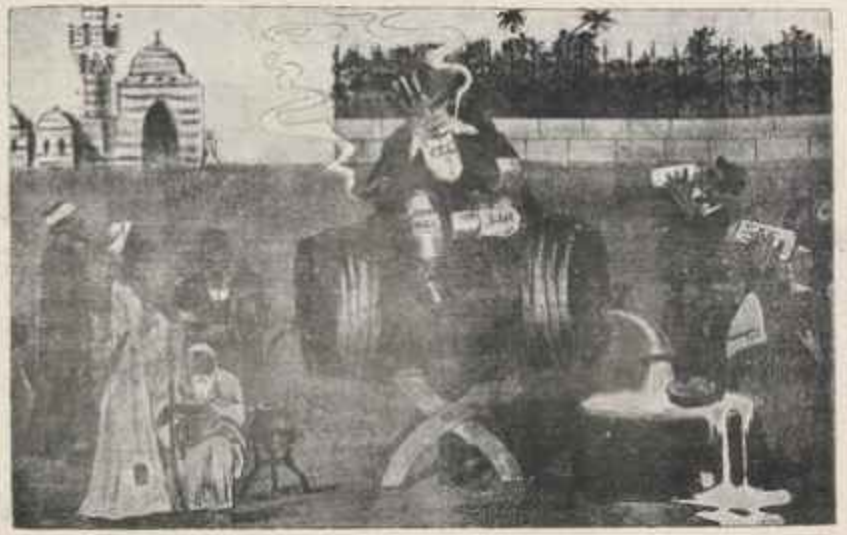

کاریکاتور

الیا دة الصوره

پیشکلان مصراست کهاراضی ثروت وسعادت بلاانباشد ، انگلیز ، کهاهمیتی برشاروان دنیای مزبور انتظار است ، درطرف خودشان ازشو دهن فراخی مانند سیلاب رخنه طرفی را تبرز و کاسه‌های شاراپ ، وشکمهای شارا طول ساعت ، درطرف وطی های خود مصرف میکند اذیت جانم پلم قطره قطره چیکد ، وا طرف یکی پرشده توت دیگری رسد از لشکر میبرد سلطان اعظم (؟) مصر ، آیا سزاست باشد ؟

میکند . آیاتاالشاءمیدهند که حرکت روسان برضداتلاف رفع میباشد .

پتروگراد — ازطریق روسان آلمانها هرانروا کون اسلحه بخاك عثمانی وارد کرده اند .

اقدام آلمان برای حمله بصربستان

آژانس پتروگراد مورخه ۲۴ اول (۲۴ رمضان) خبرمیدهدکه نظر به شایعات جدید آلمانها بتازه‌گی مصمم شده اند که یك حمله‌سختی به صربستان نموده بدینوسیله یك راه مستقیم از داخلهٔ آلمان و اتریش بخاك عثمانی باز کنند وضمنا دربلغارستان نیز خود خودرا محکم سازند . برای اینمقصود مقدار کلان ذرتاك دیده میشود . ازقرار معلوم آلمانهایس

پتروگراد ـ روز نامه (روسا) منطقه سوق خبرمیدهد که مقدار کزاف مابین عثمانی وبلغار عاید بلغه است . امروزها آنها از طریق بلغارستان بخاك عثمانی مقدار زیادی اسلحه روانمیباشد . آلمانها واسطهٔ استکفوای روسیه ترکیها را محکم ساخته خیال دارند که چندین دسته عسکر بروانه نمایند آلمانها بجبهات غربی مبادرت بصوقیه برای رسیدن به حمل ونقل اسلحه وترمیم آنها روانه نموده اند . ازقرار مسموع یکعصار وا کونهای راه آهن بلغار حاضر شده که چند روز موقتا حمل ونقل عسکر را توقیف نموده بحمل مهمات حرب مبادرت ورزند .

پتروگراد — درروسان سوقیات خصوصی صاحبمنصبان امتداد

ازانکه در خطوط ترقی پیشرفت خود را تامین نمودند ، مسئله خودرا صربستان را تعقیب خواهند کرد .

تحت‌البحری آلمان

« پارسون » امریکائی درضمن ملاحظات خود باخیر روزنامهٔ دیلیگراف گفته است :

« تحت‌البحر های آلمان کاملا از جنگهای جدی وحقیقی حالا آغاز نکرده اند فعلا ۱۱۹ فروند تحت‌البحر آلمان درسواحل انگلستان مشغول مین گذاری هستند ، عده این مینها بالغ بر ۳۵۰۰۰ خواهد وقتیکه تحت‌البحری های آلمان بجنگ جدی شروع کرد خلك انگلستان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1409 of 1786

دفاع جبههٔ متفاهمه می کند که عقلهارا حیران میگذارد و نیز گفته است که : « امروز در کار خانهای آلمان ۴۰۰۰۰ عمله موجود است که به بساختن تحت‌البحری های تازه مشغولند و هر هفته یک چنبه تحت‌البحر جدیدی در آب میاندازند » .

تحت‌البحری زره پوش

از اول این جنگ مهمترین دولت آلمانی بواسطهٔ پیمودن دریاهر گونه اشتغال میباشد . بطوریکه بعضی جراید تویسا گویا مهمترین دون مزورانه اظهار داشته اند که بتوانند کشتی زره پوش تحت‌البحری که دارای یک عراده توپ سنگین باشد اختراع نمایند .

زرهٔ کشتی باید باندازه باشد که در سطح آن یک برجی دارای یک توپ زده و گله بیاندازد . تقریبا زرهٔ کشتی مثل کشتیهای جدید سطح البحری باشد بعلاوه از آن برج باید برج دیگری باشد که دارای چندین عراده توپ کوچک برای دفع هجوم کشتیهای زره پوش تحت‌البحری شود عرادهٔ این کشتی باید احتیاج باتش خارجی نداشته و بقوهٔ الکتریک کار کرده و در هر ساعتی سی میل کشتی را راه برد . در وقت جنگ این کشتی باید فرورفته در سطح آب فقط آن برجی که دارای زره میباشد مرتفع و بدین واسطه این کشتی را مثل زره پوشهای دیگر طبس زره نکرده و زره پوش نامند برج خارجی اگفا میکنند .

یکی از (روزنامهای) انگلیس خیال تعجب‌آوری راجع بآن کشتی نموده و میگوید که : یک کشتی که فروبرده رفته و در ساعتی سی میل راه رود لابد باید هم آن خیلی بزرگ باشد و البته باید خیلی گران تمام شود زیرا کشتی که دارای چنین برج شده و در وقت جنگ بایدفرورود خیلی دوری طرفایل امکان است

(کاسپی)

(بلغار و اتفاق مثلث)

هر چند بیشتر از یک هفته میگذرد که نماینده گان متفقین پیشنهاد منصفانه معاوضات و مصالحه‌ای که بلغارستان را بطرف اتفاق مثلث متمایل کند تقدیم صدر اعظم دولت بلغار نموده‌اند ولیکن تا کنون از طرف دولت جواب به پیشنهاد مذکور داده نشده جرایدیکه نسبت بروسی از مواد پیشنهاد مذکوره توضیحاتی خواسته اند و در همین هنگام نطر (رادو سلاوف) با نماینده گان آلمان و عثمان در مجالس عدیده مشغول مشوره بوده است

رودت مابین یونان وایطالی

بحریهٔ ایتالیا در این اواخر کشتیهای یونان را بشدت بنای تفتیش گذاشته زیرا که یونانیها بحت‌البحریهای آلمان معاونت میکنند مسیو ملن یونانی بانهایت سختی تا کید میکنند که دولت متبوعه این وضع تحمل ناپذیر را بقوت دفاع بدهد (بی اقبال)

کانال سویس

اهمیت کانال سویس برای انگلیسها مخصوصا در این موقع جنگ و شروع انقلاب هندوستان خیلی واضح است .

انگلیسها برای هندوستان دو طریق دریائی دارند یکی همین طریق کانال است و دیگری در جنوب افریقا از جلو دماغه امید پس از حفر کانال راه دماغه امید از کار افتاده بندرها و ایستگاههای منظم و مرتب داشته که جهازات پستی هندوستان از آنها باحتیاج خود دائیه کنند .

مسدود شدن کانال علاوه براینکه متجاوز از ۳۰۰۰ میل راه جهازات انگلیس را دورتر خواهد کرد تأسیس بنادر لازمه هم محتاج وقت زیاد است . و گمان است که تشبثات حال بنامهم از عملیات تخلیهٔ کانال مانع نشود . در این صورت باید گفت که تجارة راه انگلیسها از دریا برای هندوستان بسته شده و فرجه بدست شورشیان هند افتاده است . مسدود شدن کانال سویس را ایلافیه عثمانی رای ما اینطور خبرداده : —

در جبههٔ مصر در طرف این دو هفته یک کشتی جنگ دشمن در میان کانال سویس غرق گردیده عبور و مرور از کانال کاملا قطع شده است .

مطبعهٔ عثمانیه گمانیست خبر بارهٔ مارسیده در اینباره مینویسد :

« بموجب اخباریکه از منابع رسمی بامیرسد گویا در کانال سویس یک فروند کشتی زرهٔ تجارتی که پراز امتعه بوده بدون جهت وواسطه غرق کشته وراه آمد وشد را بسته است »

روزنامه می اقبال پس از درج خبر فوق اظهار میدارد که بمقتضیٰ عقیده براین است که این کارهارا کماآنها می کنند »

ونیز گمان است که این کشتی را انگلیسیون هند که در آن مستخدم بوده اند همراه خود بقعر دریا برده وراه تعدی دشمن را برقفای خود بسته باشند !

(توپهار)

از ترجمهٔ اخبارهای اردو وانگریزی

۱۰ ماه اگست سنه ۱۹۱۵ خبر استردم — از سراسلات اند که دمشق ظاهر گردیده — کاهان قاوس برای ساخت کنفل از بن قیصر جرمنی — برای منار سلطان صلاح الدین — وعده کرده بود — قاوس مذکور راه اتمام خاص تیار کرده شده — و به ترک واحتشام — تمام بدومشق رسانیده شده — و بمنار مبارک سلطان صاحب مرحوم توقف نمود .

۱۲۶ اگست خبر تبعه دولتگر جهازات تجارتی دولت رطانیه که گرفتار شده در بین آنها عده کثیر بطرف ملک انگلستان فرستاده و دیگر دولتگر جهازات مذکور را کشتی های تحت‌البحر جرمن غرق نمود —

۱۲۳ اگست خبر انتشار افزار راپورت‌های آمده که دره دانیال ظاهر گردیده که بدون افسرهای خوره مثل کپتان و گرنیل وانسن — دونفر افسرهای کلان — یکی جرنیل اچ بالدن — مقله ل وجرنیل جی گرانت مجروح گردیده —

۱۲۷ اگست خبر استردم — از خبرهای آمده کی وان ظاهر گردیده — که جرنیل هنری که در بحر بالنت دوباره قتل وجرح گشته شروع نموده — مکرر گزشتی جرنیل مذکور در سمت جنوب متادی باشد — و گفته می‌شود که دولت روس مقابلتا را خان خود وسپاه جرمن ملقب مذکور را قبضه نمودند —

۱۳۰ اگست خبر گذشته از اخبارات یونان ظاهر گردیده — که بلغاریا بسیار کارخانه گرب جرمنی در قسطنطنیه آمده کار خانهای اسلحه سازی برپا نموده اند که در کارخانه های مذکور روز وشب کارکرها در ساختن — گلوله واسباب جنگ مصروف می باشند واز اطراف لیه سپاه جدید متواتر در قسطنطنیه میرسند — ونیز ظاهر گردیده — که دشمن کشتی های تحت البحر جرمنی در بحر اسود — ومار موره ودره دانیال — وخلیج لنگر کشتی‌های مذکور در خلیج سمرنا می باشند —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1410 of 1786

۲۸ اگست خبرپترو گراد — از طهران مذیعهٔ کارمن رسیده — که سفیرهای دولتین روس و بریتانیه منتهی درجه سعی و کوشش مینمایند که از طرف کشور بی آمدند — که سفیر جرمنی بهمراه یک دسته سپاهیان کارد بالای شان حمله نمود فعلاً بسیار رای طرفی سپاهیان — سفیرهای دولتین رسیده — در موقعه سپاهیان چندرانهٔ ازالهٔ امر کاری کرده نتوانستند وزارت ایران هان وقت فی الفور اجلاس نموده — دو توسونان بنام قصر بر گذه سپاهیان ازان احکام فرستاده شد که در ظام مد کور خودرا رسانند —

۳۰ اگست خبرلندن — درمیدان جنگ فرانس جنگ سپار شدت جاری است در علاوهٔ از گون توپخانهٔ دشمن — یک کوشش سخت توده — وکامیابی است درین مقام سپاهیان جرمنی جمعاً اشغال می نمایند و سرنفرها پس قدم جرمنی رانند —

۳۰ سپتمبر سنه ۱۹۱۵ خبرشمه — منتخب وپارلمان ملت هند اعلان یافته — کفار ازین مشتعل شده اند — کمیکسته کوچک سپاه دولت بریطانیه درعلاقه وزیرستان مقتدار — قصه نموده اند — حال میرسد که در شب ۹ ماه حال یک جمعیت مردم قبائلی ازان که تعداد آنها قریب شش صد خواهد گردید — باهمی دو هزار سردار ازادی سپاه انگلزی حمله نمودند — بجرد حمله ورآ جدید — فوج مقابله کرده شد — وجنگ سخت قتال تر گردیده شد — ازطرف مردم قبائل — چهل هزار مقتول گردیده — واز طرف سپاه انگلزی دو هزار افسر علاوه وچهار هزار زخمی شدند —

۳۰ سپتمبر خبرشمه از لندن برای وپرای هند میرسد که در مشرق قفقاز سپاه روسی سپاه جرمن واستراحمه — بود — مگر درروسیه مقتدر روسی — وساحل غربی قفقاز پیش قدمی سپاه جرمنی جاریست جرمنها قریب مقام قوی ترو مدرجهٔ کامیابی میقدار حمله بسیار سخت بوده وجنگ بسیار خونریزی جاریست — واز اعلان دولت جرمن ظاهر گردید که سپاه جرمن — مقاومانکورا از دولت روس فتح نموده —

۲۲ سپتمبر خبرلندن — اعلان — نموده — که در علاقهٔ سکلان — فوجهای روسی بسیار بشدت وکثرت حمله نمودند مگر جریل هندنبرگ جرمنی — بمقدار جنگ بسیار سخت خونریز وقت شب وشیر سکلان قبضه نمودند —

۲۲ سپتمبر خبرلندن — ازپترو گراد معلومشده — که کشتی های تحت البحر دولت جرمنی — درخلیج بوده — درینجا که گزیده بودند — اکنون چهارده کشتی دولت روس دریای — بحس کشتی مذکور می باشد

۲۲ سپتمبر خبرلندن — برای وپرای ملت هند میرسیده — درمیدان روسی جنگ جاریست فوج های جرمنی تحت فرمان — جریل بی کنسن درمقام کومونی رسیده اند — این مقام از بندر لودز بفاصله ۱۸۰ میل طرف شمال میباشد — وبندریک مقام دیگر کاریست ۹۷ میل طرف مغرب بندرمذکوره روسی بود — قصه نموده اند درعلاقهٔ از گون دوابنجر — جنگ بسیار خونریز جاریست — درانجا گون جرمن ها توپهای کلان بکثرت استعمال نموده اند مگر سپاه متحدهٔ انگلیس فرانس وبلجیم — سپاه جرمن — بدرجهٔ کامیابی میقدار روسی های — آنقدر — عقب نموده — سپاهیان — فرانس خود آ صفحه بندی کرده اند درصفحه بین قدری فاصله نشسته —

۲۴ ماه سپتمبر ۱۹۱۵ خبرلندن — کشتی سب البیا دولت ایطالیه ۱۷۰۰ سپاهیان دولت ایطالیه را از بیوپارک ملت امریکه سوار کرده — طرف ملک ایطالیه می آمد جهازمذکور در خلیج بسکای گرفتار شده — ۱۵ سپتمبر خبرلندکه از اخبارات آمده گرفتار چرپ ها شده — گمبودت جرمن — سوسیاری باد که درصورت گرفتاری شود — دولت فرانس علیحده صلح کند — گفته می شود که دولت مر می خواهد — کمصوبهٔ ایسی — وفوائی را دولت فرانس واپس بدهد وزیر علاقهٔ ملت الزیس را گذرمذکور مرا گوچمسال قبل ازین از فرانس حاصل نموده بود —

۱۵ سپتمبر خبرشمه — منتخب برای مقاصد اعلان یافته — فوجهای جرمنی تقاء — ولیا — ولین های روسی را طرف پترو بورگ میرود رسیده اند — ازمقام روسی خبر رسیده — کمپاه روس ازان برود — که ازمقام ولیا — بقدر ۲۵ میل طرف شمال مشرقی ان کلان پترو گراد پلوانی بود — پس رانده شده — واز سمت جنوب جبهه ی طرف شرق سکچه ال بصیار شدت جاری است — کمپلتیپ ار هرز سپاه جرمنی رسیده — ودر علاقه جات والکوسک و کابرز — سپاه بسیار احتیاج و آمنشک — پش قدمی نمیباشد —

خبرسیده که کشتی ای تیرپ تحت البحر دولت بریطانیه اخیراً در دریای بالتیک غرق کرده ۱۳ افسر و ۲۵۰ عرملاح جان کشتی مذکور اسیر بوده اند چونکه تعداد چهارصد نفر بود کشتی مذکور معلوم کشته میشود که جان دشمن تلف خواهد بود —

۱۷ سپتمبر خبرلندن — طریق سر کاری اعلان یافته کابنیه جدید رای — سپاه — انگلزی — گفته سپار رسیده — سپاه انگلزی تعداد کلان سپار شدت توپهای کلان — درجه مقامات جبهه های سپار سخت جاری در هر دو — وجبهه ها — تحصن سپار سخت ابتدا آرایی و تو

۱۷ سپتمبر خبرپرس اعلان یافته که درزمان محاربهٔ فرانس کلان سپار شدت جاری است در علاقه از گون سپاه دشمن جمعاً تعداد ۱۰ — ودر ۱ کلو مقامات کوله های توپ های کلان سنگر بوده — تعداد بسیار استعمال نموده —

رواز طیاره های جرمنی طرف قسطنطنیه —

لندن ۱۳ ماه سپتمبر —

اداره بکار روز اربیورز اعلام می دهد که از بلغاریه بروت بان مد رسیده است که طیاره های جرمنی از اوسودا پرواز نموده از مرو و بلغاریه آ کشت طرف قسطنطنیه میرود —

عفو کل تلفات رطانوی —

لندن ۱۴ ماه سپتمبر —

درپارلمنت اعلان نمود که کل تلفات رطانوی در جنگ بقرار جیب ذیل

مقتول

افسر ۴۹۶۵ — سپاهیان ۷۰۹۹۲ —

مجروح

افسر ۹۸۷۳ — سپاهیان ۲۴۲۱۰۸۶ —

مفقود الخبر

افسر ۱۵۰۱ — سپاهیان ۵۳۲۶۶ —

یعنی کل تلفات مقتول مجروح ومفقود الخبر سیصد وهفتاد وکملا هفت صد وهشتاد وسه نفر میباشد | درسال دوم جنگ الیه که این طور عدد مثل آن بالغ خواهشد . اگرچه تعداد تلفات دیگر محل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1411 of 1786

اطراف این تمداد خیلی کم بنظر میآید ولی چون نسبت باصول وقواعد کار دولت انگلیز شوه خیلی افزون یك اقلیتست ۱۰۰ خدایان این [illegible] عیناً عربیدا زودی خاتمه دهد]

احوال هند ستان

(وزدی در اثنای حرکت ریل)

یکی از وزدی حیرت انگیزی که در ریل راه آهن واقع شده در نظر است که تفصیل آن از قرار ذیلست ، که چار نفر وزد قبل از رسیدن راه آهن مهری ساکن « راجستاهی » به « دوری » حرکت ، در اثنای که ریل کندی بکمال سرعت فوق العادهٔ که دارد ره پیمای بوده در میان سایرین های « مادونکر » و « اوزاق » بوده در گوشهٔ نشسته راه آهن دیکر مسافران در آمده آنها را بقتل رسانیده هر اسبابهای بدرد بخور مسافرهای نقدی را از ربودن کرفته . پس از آن بقدر دو میل رفتار و سرعت حرکت ریل بپایان رسیده که بکلی هیچ اثری از آنها معلوم نیست .

(کذا) (وزدی در بازار چندان پور)

در اخبار دور قطر از است که در حال در بازار چندان پور واقع شده و نهاد آمده « بزدان عبداللطیف نامی وزدان آمده ودکانهار ساکر تجارت - سی « دیکند . وتعداد آنها قریب ۳۰ بود که همکی باشکار و ربه ها و سوته ها و دیکر آلات مهلکه مسلح بودند . وزدان هاکه بازارها را تماشا میدادند ناکاه بمشوکی پیش آمده قریب ۲۸۰۰ روپیه نقد از دکان ربودند .

(بجای افیون کارتوس رامده)

بتاریخ ۱۹ سپتمبر یك نوجوان بشکالی از اهل مظفر نکر آمده در استیشن « جوره » بیان شد . که شیشهٔ افیون کالا و اسباباش را تلاشی نمودند . مکر در اثنای تلاشی بجای افیون ۹۰۰ دانه کارتوس تفنکچهٔ مخزن از ارتوش رامده که بشاران بشکالی مذکور بوداً زیر حراست کرده شد .

(کذا) :

(قتل یك پیره زن)

خبر شکاکه « دی حیرت انکیزی از جن فوجی لکهنؤ رسیده است که پرهار مغزی که در میدان فواد فوج لکهنؤ بوده است قتل کرده شده و صندوق آهنی دفتر در فرق احاطه دفتر بر یکسیدان شکسته یافته شد . از هرسان کاه مال کمپنی بدست نیامده .

(کذا) :

(جریمه در اثنای اشاعت مسایل صیام)

محمد الدین در اثنای پیشه خود مینویسد :

« اکرچه بذکار مسئله را در اخبار خود حاسب نمیدیم مکر بهمه ملا اخبارات خارجی در الخصوص در باب اخذ معلومات افاده کوشند که در « التبر » مطابق دفعهٔ ۲۹۲ قانون هند مقدمه ساخته شده است که شاران از طرف سیاردوستها خطوط استفسار امور الدرای ما رسیده حالا اخلاصاً عرض میشود که در « التبر » مورخهٔ ۱۶ جولائی در تحت عنوان « مذ صیام » متعلق احکام ومسایل صوم از اخبار « القمر » نقل جلب شده بود از جملهٔ آن معنی فقرات آن در نظر کرفت بخاب

خلق معلوم شدند وبصدارمقرر شدن دو کرج روز یکم سلیم محکمهٔ عدالت بر « التبر » دادن ۱۵ روپیه را بطریق جزا امر کرد .

از نقطهٔ نظر سیاسی نمیخواهیم که در خصوص چیزی بنویسیم ولی از نقطهٔ نظر ربی این مناسب نخواهد بود که یکوئیم که روزه ونماز وحج در کوه همکی فرایض شرعیه هستند که متعلق آن احکام مقدس شرعی در تمام کتب فقهیه بشرح وبسط تمام موجودند . التبر نیز همین احکام شرعیه و مسایل دینیه را که بصدا ملاقات شایع نموده بود . پس از کزاشات این چیزها خلق مانند آیا احکام میتوانند که جمع کتب فقه اسلامی را که در آن ها این مسایل بکمال تفصیل درج میباشند خلق قرار بدهند .

« التبر » را لازم است که در محکمهٔ چیف کورت لاهور مرافعه کنند این قیصله نظر کای کرده شود باحکام مذهبی مداخله نشود .

(کذا) :

(احوال مزید وزدی میس سنکهه)

حالات مزید وزدی که در بازار « چندرمای » میس سنکهه واقع شده بود معلوم شده وازان چنان ظاهر میشود که تعداد اشقیا قریب ۳۰ بود که بعضی کرده وکرتی پوشیده چوندوبرسرهای بعضی کلاه های سکی قسم کورکی بود وبعضی بر سر های خود ازار تنها شکوته شته بودند نیز روی های شان باقاپهای سرخ پوشیده شده باتفنکچه وغیره سلاح مهلک مسلح بودند . وزدان بتوسط یك کشتی دریای « نیر » را عبور کرده آمده بودند وقریب ۸ بجهٔ شام بر ۶ دکان دیکر نیز هجوم بردند که از جملهٔ آن ۴ دکان از مردم « مور وادی » و ۲ دکان از « بنکالی ها » بود . مقدار مبلغ نقد مسروقه ۲۲ هزار روپیه تخمین کردیده است وسه هزار روپیه زیور . علاوه بران است اشقیا مبلغ سیاری را که از یکجا برده اند قریب ۱۱ هزار روپیه اندازه کرده میشود که مقابل کمپنی « بیراب داس بیواب چند » بود . ازین دکان ۵ نفر مجروح هم شدند که در میان آنها یك بچهٔ ۱۲ ساله هم داخل است اشقیا باکشتی که آمده بودند دوباره به آنسو عبور کرده اپس رفتند « هراو خود سه عدد تفنک را نیز بردند که یکی از « مالك مدوك » و دو عدد آن سرکاری بودند که مأمورتاً برای کمپنی مذکور داده شده بود .

(خرابیهای سیلاب در لکهنؤ)

در لکهنؤ سیلاب دهشت ناکی که بتاریخ ۳۰ کست آمده بود تاشام کرج یکم ستمبر دوام ورزید بهزار ها خانه را ویران وبسی جانها تلف کردانید وکامه روز در شهر صورت قیامت یك حال را کرفته تنها درعرصه ۲۴ ساعت ۹ انشاریهٔ ۷ مکعب انچ باران بارید و ۵ مکعب انچ در روز داخل هم بارنده بود و بارشیکه بمقدار بارید اندازهٔ آن تحوی هنوز معلوم نشده . درهر کوچه از اطراف خانه ها ودیوار ها وکریل اصلی از ترس جان مناظر بسیار دهشت آوری نمودار بود . بهزار ها عمارت ها وخانها مسمار کردیدند وملك ها مردم بی خانمان کشتند . کور فلت مردم را بسیار پریشان وبی آوازیچه در بعضی عمارات زرکار سرکاری آنها را اجازهٔ داخل شدن داده . پولیس در بعضی دکانها ودوایر حکومتی ازمردم دانسکونت امر کرد . علاوه برخیران های بارش طغیان در پانیز باعث بسیار ضرر ها ونقصان ها شد . بسی از دهات قریب راآب ربوده آبادی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1412 of 1786

کنارهٔ دریا و زمینها و مزارع زیر آب شدند . دوازده و ۲۵ کار را علاوهٔ دریا رده و این قسم خلیان پس از سال ۱۸۹۸ ع هیچ گاه باهمال وقوع نیامد بود .

۱۰ ستمبر لاهور — چندی قبل از ین — ۶۳ نفر هندو را گورنمنت هند در لاهور گرفتار کرده بودند از تحقیقات بالای — ۶۱ نفر مذکور — جرم سازش خلاف سلطنت ثابت شد که ایشان بدو بست نموده بودند — «جهیزیاد هندوستان را ترغیب داده خلاف دولت آمادهٔ بلوا نمایند. خزانه جات واسلحه خانه‌های سرکاری را تاراج و غارت نموده افسران انگریزی را هلاک کرده یک بلوای عام از ملک هند الی دیگر سر آن برپا نموده . انقلاب ساخت دارند . چنانچه معلوم شده تحاصل مرکز انجمن مذکور در امریکه و برلن میباشد . بعد از تحقیقات وثبوت جرم — ۲۴ نفر شان را سزای پهانسی — و ۲۷ نفر شان را سزای حبس دوام — به عبور دریای شور — یعنی کالاپانی — و ۶ نفر شان را سزای قید به میعاد مختلف نمودند —

اخلاگیان هند

بمناسبت این جریان موفق از اصل و اساس این کومیتهٔ اخلاگیان هندستان وافکارشان یعنی معلومات که جریدهٔ (خدو) نوشته است در غافل میکنیم تا گرامین کرام بر حقیقت این مسئله آگاهی حاصل کنند :

کومیته انقلاب چیان هند که در پاریس (سان فرانسیسکو) میباشد — برای انقلاب هند با کال فعالیت کار می کنند . بیان نامه که تازگی از طرف کومیته مذکور نشر گردیده . حاکی از مطالبه دولت انگلیس بوده و نوشته اند که مبالغی که حساب دولت متذکر الیها از مالیات هند تحصیل نموده بانگلستان میفرستد کویا ۱۶۷ ملیون پوند انگلیسی بوده است این پول هارا انگلیسها با کال ظلم و تعدی باقوانین های استبداد گانه از مردم تحصیل می کنند مردم بیچاره هیچاری نکنند باید در صدی هشتاد و بیشتر مالیات انگلیسان بدهند این است که در شهر های زرخیز هند از پول هزارها مردم در کوچه و بازار — زار حالی — خوابیده اطفال میشوند — طفیله هزارها مردم در کوچه بدنیا آمده و در زیر حکوم بسر میبرند و میمرند . پوچو یک انگلیسها بمارد هند و استان همیشه میرند هیچ وقت بفکر ثروت مالیان بیچاره نمیافتند و دارائی اینها را بانواع حیله وخدعه از دست شان ربوده خود بیهای خشته که صرف زینت زن و بچه ایشان و بسکی کشته یک از مرتب های انگلیس (آدرس) نام در آنتازیکه میخواست سوار کشتی شود یک از سرداران هندی بانیزه اورا کشته است انگلیسها خود آنان را اعدام نموده اند

هنگامیکه دولت انگلیس برحسب اسباب (فوره کیتز) از هندو ستان لشکر آنجا فرستاده و ساحه جنگ اروپا میرساند . و چو و بهادری لشکریان هند افتخار مرکز دولت بریتانیه که در تمام جهان منتشر میشود . مقاله استهزا آمیزی نگاشته واین سطران ذیل را درج نموده است :— «دولت انگلیس از فرستادن لشکر هندی بارو پ فایده حاصل خواهد کرد اگر اهل هند مرد زرخی و مون گردیدند . مبادا دولت انگلیس باعتماد و قبول هندوستان را به گونه جنگ آوری هندی هامردم که میخواند در سرما یخ شدید اروپ جا داری و موفقیتی را میتوانند از بهادری خود ثابت کنند ؟ خوشست دولت انگلیس بهادری ما گرسنه پوست انگلیس خود نادیده بهارا خیلی نانها فرستاده و از هند بهای بیرحمانهٔ باریک زان حاصل خواهد پرداخت و از بن بیانات اهالی هند

پیجان آمده روزنامه‌ها و اطلاعین خودشان جوابهای سخت داده‌اند از

(دوی لاکه هزاری) هندو که یکی از اعضای مجلس ادارهٔ و الله آباد است . در یکی از مجالس کهزادان کی رای استماع سخ مشارالیه بالکا شتلاته وضع تعلق مفصل ایراد نموده . درج بدر وطنی وطن انگلیسهارا بکل بکل بیان کرده و گفته « حیف صدازین بالاتیمه سرزنش های دروغ و بیجای انگلیس ها در روزنا شان بالعمل هند در راه ان بدسکالان باول وجان خودمان فدا کنیم ! . . » گویا از اعلانه عین روزنامه آگر اغراق و اشتر از هندوستانیان بوده و آنکار کردیده است حویداست سرکار هم از معاملات و رشق اخلاق و حرف های انگلیس ها حصهٔ مسلمانان را جدای این مقدمتان اسلام کار تشویق و زیر وبالای مصیبت و کفر را آمدگی کنار بکناره و پیش از این نام بیا وابداد زر فراز و خانواده عزم خود را بیاد بدهد چه که دوروزه قابل ایمانیست که انسان شرف و آبروی دنیوی و بدام را برای خاطر انگلیسان رخته . بروشد ! آفاقان سیدصحیح وفرزندان واحفاد حضای ق فاضله است از پدروسادر شرف از دار حیف است زر کوارای مانده ایشان بخاطوبی . نامحود دار شاکی دشیر گفته بنگالیان بی اندازه و بی ازمندی را زخمی کرده فرار نموده است پولیسهای که « تعقیب انشان فراریان راوسه‌میل دیکر اندخته آنهارا بز کشته گرفتاده اند مقدمات اختلال است چنان معلوم میشود که عنقریب حمله هندوستان میتوانند حریت وآزادی خودرابدست آرند

الهلاهیل ، مدیر اسلامیول

« خانه تلاشی ها در پشاور »

وقت ۱۱ و نیم بجهٔ شب ۱۸ ستمبر دفعتاً سر کرمی و د ولیس بظهور آمد . ومیان عمداله سودا گر چی فورآ گرفتار شد . چند ساعت پس ازویکپارچه‌دوی و جوان « بهارت ماتا » مأموشدند . ومتصلاً صبح تاریخ ۱۹ ستمبر بعضی خانه تلاشی پولیس کامیابی بعضی خانه‌والا هوی که خانه های شان تلاشی شده اقرار ذیل است :

۱ — بهارت ماتا ۲ — میر چند ۳ — بابو دانپت

۴ — عمدهٔ امیر چند

۵ — عمدهٔ امیر چند کهفیازاین عبارت از وی گرفته شد

۶ — لاله تهارام زرگر

۷ — لالا کی مل . ند — میان عمداله سودا گر چی .

غیر از اینها بعضی دیگر نیز هستند که تلاشی خانهٔ هان گرفته شده ولی تاحال نام شان هنوز معلوم نشده . وقت ۱۸ ستمبر بکشتر لعلیم بلاشکر گرفتار کرده شد . مگر این یک معلوم نیست که این گرفتاریها چراوچه سبب بعمل آمد

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع کردید

همه‌ماله هاییکه منتشر میشود از طرف مدیر و سر محرر

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1413 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا
یاد آوری میکنیم

مرقدرسی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا بیرون نکن نشده‌ایم باوا کتابخانه مرکزی دارالسلطنه کابل یک ساله نموده دا کتابخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهه مشترکین گرامها رساند درهیچ حیث خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنه خود را مخبر وکیل آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های‌شان بدون واسطه غیر فردا فردا بواسطه آدمهای دا کتابخانه خود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشتدرویهٔ کابل	سالیانه چارده رویهٔ کابل
قیمت ششماهه پنج رویه کابل	ششماهه هشت رویه کابل

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشند با اجرت پست

قیمت سالیانه [ ] روپیه انگلیزی قیمت ششماهه [ ]ش روپیه انگلیزی
به مطلقه اشتراک قبول نمیشود
یک طلای روپه انگلیزی یازده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:
اگر ازیک جادیگر جاروندو یابنده‌میباید که یک‌ترقعه‌مدیر وسرعمر دراخبر بدهند که من درفلان جاودم وحال درفلان جامبروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای نرسیده واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرنوع اعلان واشتهار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود درهرسطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وجه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهندفی سطر به نماو اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً یک سال نشر کردن خواهد وبه یک ماه را پیشکی ادا نماید ورق پشتی زیر سطری سه اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1414 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ کارهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ انتخاب بچهار مجلد آگاهی میباشد که بکافهٔ اطفال ، وخصوص طبع وارها ، بالخصوص بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است ، اگرچه از بحث خط ونقاشی بعید است ولی مشتاقین وخیالاتش مرا سریکطرز جدید است ، قیمت مجموعهای حاضری وعمومی فیشش خلق الرحمان ، یعنی هشتاد (۸۰) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از کوچهٔ عبد الرؤف خان سر حوض ، ودر بازار ارک نزد دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان ساچی غلام محمد صراف کتب هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

موسکاران مطالعه آثار ادبیه را جزء لاینفک زندگی تصور نموده مطبعهٔ عنایت با کارخانهٔ تازه تاسیس خود جزیرهٔ پنهان را یک داستانیست که طوطی عمر و معرفت وسعی وغیرت را برای انسان زندگانی نوع بشر بنظر گفت وجلوه گر میسازد ، هم حکایت ، هم عبرت هرفن ، هم فضیلت ! خوش جلیب ، خوش قالب ، خوش تصویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه حال فروخت نمی مطبعهٔ عنایت در ده افغانستان ، و کابل باز محمد بازار ارک ، و دکان ساچی غلام محمد صراف کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

علم و اسلامیت

کیا چه باید کرد ؟

ادب درس

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجود است ، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی

سیاحت زهره دور زمین پهنشاد روز مجلد ۲

سیاحت درجو هوا مجلد ۲

سیاحت در زیر بحر مصور مجلد ۴

از هند من سخن واز هر جن سخن مجلد ۲

روضهٔ سکر مجلد ۲

پراکنده مصور مجلد ۲

جزیرهٔ پنهان مصور مجلد ۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مطبوعه را داشته از خود مطبعهٔ عنایت دره افغانان از کوچهٔ عبد الرؤف سر حوض واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارک واز دکان ساچی غلام محمد صراف کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای جدید خریداری کرده میتوانند .

واگر از اطراف افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مطبوعه را بکنند مدیر سراج الاخبار افغانیه عاریه کتب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1415 of 1786

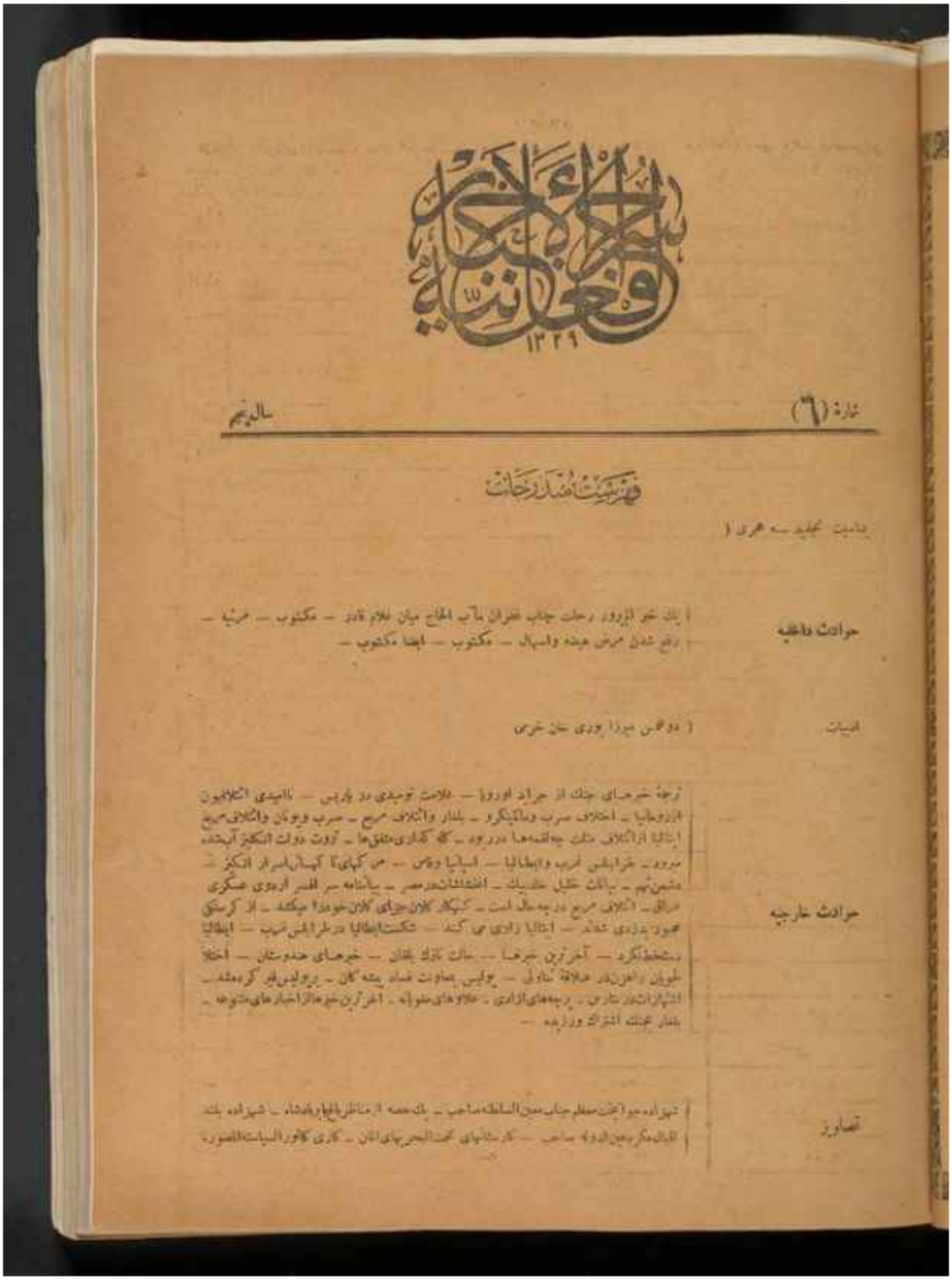

نمرهٔ (٦) سال نهم

فهرست مندرجات

ثابت مجلد سه هری (

حوادث داخله
(باك خبر ازورود رجلت جناب خطران مآب اطاع میان غلام قادر — مکتوب — عربه — رفع شدن مرض جذه واسهال — مکتوب — ایضا مکتوب —

ادبیات
(دوقلس میرزا وردی خان خرس

حوادث خارجه
ترجمهٔ خبرهای جنك از جراید اوروپا — خلاصت توحیدی در پاریس — تائیدی انقلابیون ازرومانیا — اختلاف صرب ومانتینگرو — بلغار واختلاف صرب — صرب ویونان واختلاف صرب ایتالیا ازاختلاف دولت چاقله‌ها درروم — کاپ کناری متفق‌ها — ترقت دولت انگلیز آیندهٔ مدرو — طرابلس غرب وایطالیا — اسپانیا وفاس — من کهای آ کهان‌اسرار انگلیز — مشمن‌نهم — یادات خلیل حلیك — افتتاحات‌درمصر — یادنامه سر الفسر اردوی عسکری عراق — اختلاف صرب درچه حال است — کنکاکلان‌جوابی کلان‌خودرا میکند — از کرسنگی عبور یدزدی شدند — ایتالیا زادی می کند — تکست‌ایطالیا درطرابلس‌غرب — ایطالیا دسخطکرد — آخرترین خبرها — حالت بازار بلغار — خبرهای هندوستان — اختلاف طویل راجع‌بقرار عدالة ثانوی — پولیس بمعاونت عساکر بشه کار — پروتیس‌فیر کردهشد — انتخابات‌در نارس — رپیه‌های‌ازادی — علاوه‌های‌متوالیه — اخرترین خبرهاازاخبارهای‌متنوعه — بلغار جنك اتفاق ورزیده —

تصاویر
شهزاده میرانجف‌معظم جناب‌عین‌السلطنه‌صاحب — یك‌حصه از مناظر باغ‌پادشاه — شهزاده یلنه الدلکزبرین‌الدوله صاحب — کارتانهای تحت‌الحریهای‌الغان — کاری کاتورالیات‌المصوره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1416 of 1786

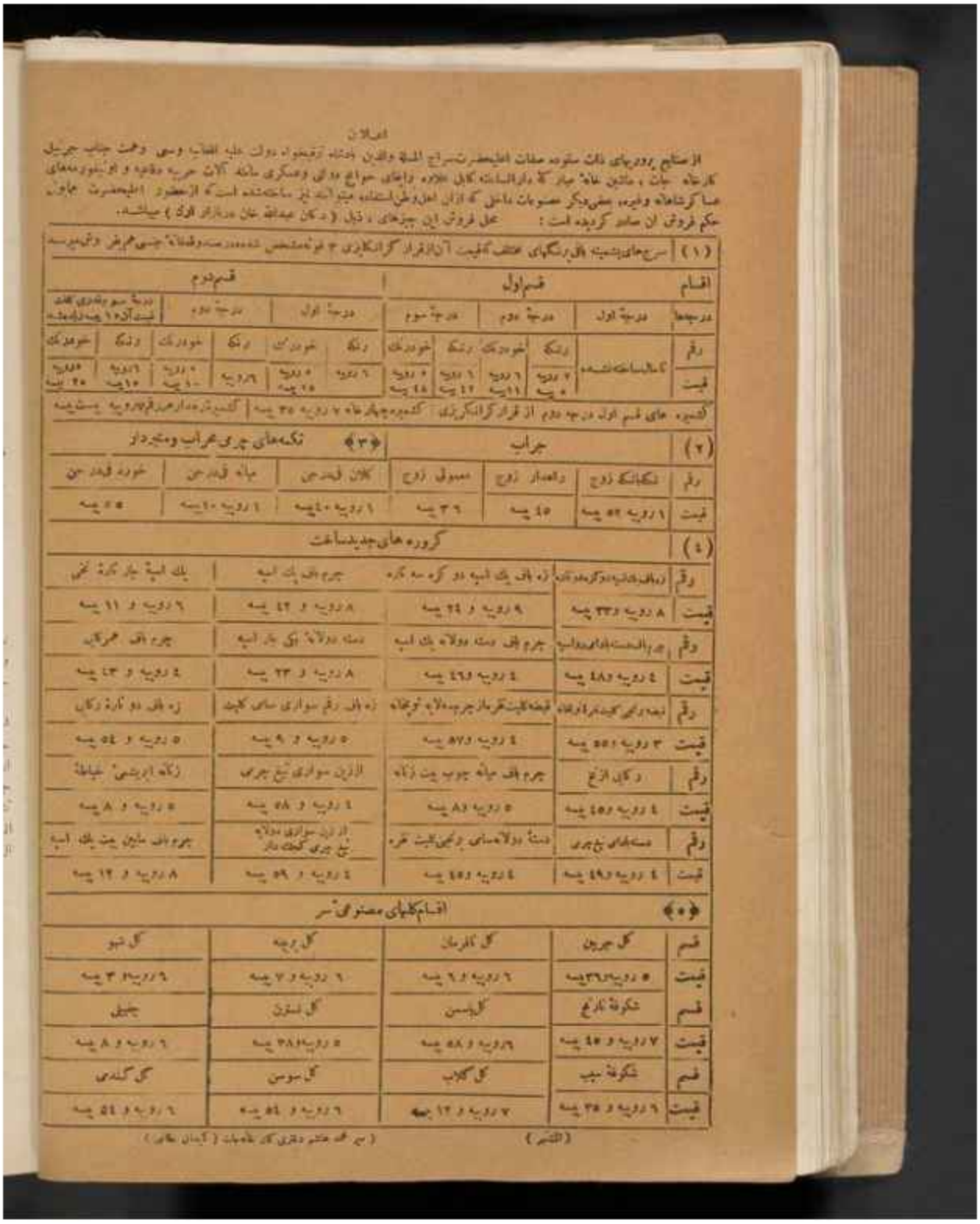

اعلان

از صنایع پرورده‌های ذات ستوده صفات اعلیحضرت شهریاری خلدالله تعالی دولته علیه الطاف وسیعی وهمت جناب جبریل کارخانه جات ، ماشین خانه بیار گاه دارالسلطنه کابل علاوه رامای حوایج مدنی وعسکری مانند آلات حربیه دقیقه و توپخانه‌های صاحب کرشاخانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات ماشیل که از این اعلی وطن استفاده نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت جاوید حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار قلری) میباشد.

(۱) سرچ‌های پشمینه الوان رنگهای مختلف کیفیت آن از قرار گرانکاری ۳ نوع منقسم شده در سه طبقه جنسی هر نفر دو میرسد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم بقدری کفت نیست آنرا ۱۰ پیسه دارد شد.
رقم	تا مطابق نقشه	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه	۱ روپیه ۱۱ پیسه	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۰ روپیه ۴۵ پیسه	۰ روپیه ۲۵ پیسه	۰ روپیه ۱۰ پیسه ۰ روپیه ۲۰ پیسه

کشیده های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکاری کشیده چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشیده دار هر قواره ۲ روپیه پنجاه پیسه

(۲) چراب

رقم	نکه‌بانکه زوج	دامنهار زوج	مسوق زوج	کلان قندهاری	میانه قندهاری	خورد قندهاری
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۴۵ پیسه

(۳) نکه‌های چرمی چراب ومیزدار

(۴) گروره های جدید ساخت

رقم	زه باف دانه دو گره دو تار	زه باف یک اسپه دو گره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ بیار نکرهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف الست دار دو اسپه	چرم باف دسته دولاه یک اسپه	دسته دولاهٔ یکی بار اسپه	چرم باف عمرکاین
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۲۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	نمده دیجی کیت قرار قواله	قیضه کلیت قرار چرم دولاه توچاه	زه باف رقم سواری ساس کلیت	زه باف دو نکرهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه ۵۰ پیسه	۴ روپیه ۷۵ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازرع	چرم باف میانه چوبه پت رکاب	ازاین سواری تیغ چرمی	رکاب ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه ۴۵ پیسه	۵ روپیه ۸۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولاهٔ سای رکاب کلیت قره	از زین سواری دولاه تیغ چرمی کمیت دار	چرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه ۴۹ پیسه	۴ روپیه ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام کلهای مصنوعی سر

قسم	گل چرین	گل کارمان	گل پرچه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۹ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لیلون	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه و ۵۰ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۲۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۹ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(الناشر)

(سر محمد هاشم دفتری کای ماشینات (کیهان ماشین)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1417 of 1786

جلد (۱) سال پنجم شماره (٦)

قیمت سیمالیانه

محمود طرزی

ادارهٔ مجله و مطبعه

در قسطنطنیه دار السلطنة (کابل)

همه امور تحریریه باداره نامه

نام مدیر فرستاده میشود

تاریخ هجری یکم محرم ۱۳۳٤ تاریخ انگریزی ۹ نومبر سنهٔ عیسوی ۱۹۱۵ تاریخ شمسی ۱٦ عقرب ۱۲۹٤

بسم الله الرحمن الرحیم

بمناسبت تجدید سنهٔ هجری
از ۱۳۳۳ ه ۱۳۳٤

ثانیه هارا دقیقه ها ، دقیقه هارا ساعتها ، ساعتهارا روزها ، روزها را هفته ها ، هفته هارا ماهها ، ماههارا سالها ، سالهارا عصرها طی و طوی میکند ! بشریت ، در دورهٔ جاریهٔ رفتار وجود و عدم در باغ حیات و ممات چه بالست ! وجود — یعنی پیدا شدن ، عدم — یعنی فنا گردیدن از کدام طرف ، علی رکیف و الی میاشد ؟ عین جذر و مدی است که محیط حیات بشر را بحرکت زده گی و سعی و تلاش میدهد ! جذر و مد بحرهای محیط اگر حیات را بنظر تحسین میدهد ، جالب اثر دوام حیات بشر نمی گردیدن ، و نمی فرو رفتن است . همچنان جذر و مد بحرهم بر نفس زنده گانی آدمست . هزار افسوس که بحرها نفس میکشد و میپاید ، کوهها سرفرازی میکند و پایداری دارد ، گه انسان بیچاره ! که هرگشت و سوی عدم تزدیک میکند ، و هر نفس ، او را بحضرت حتمی نزدیک میکند !

نفسی هردم ز عمر عزیزی میکند و بدل ،
یا نفسی ان ورقه معمار الجین باقی -

امام محدثین رازی رحمة الله الباری میفرماید :

وکم قد رأینا من رجال ودولة فبادوا واجیاءً من بعدهم وزال
وکم من جبال قد علت شرفاتها رجال فزالوا والجبال جبال

حضرت شیخ سعدی شیراز علیه رحمة الغفار میفرماید :

ایدل بکام خویش جهانرا نودیده گیر
دوری هزار سال جو نوح آرمیده گیر
بستان دوام ساخته وآنجمان بسی
ایوان وقصر مرحلت برگزیده گیر
با دوستان مشفق و یاران مهربان
بنشسته و شراب حروق کشیده گیر
مرها کثیر کیست زخویش و طریف
آن چه را بسیم و زر خود خریده گیر
آواز رود و بربط و سارنگ و طبله را
هرصبح و شام میشنوی هم شنیده گیر
چندین هزار اطلس و زربفت قیمتی
پوشیده و رخو و آنگه دریده گیر
هرنعمتی که هست بعالم تو خورده دان
هرملکی که هست سراسر بدیده گیر
آخرین که زین قفس تنگنای دهر
روزی قفس شکسته و مرغش پریده گیر

باز میفرماید :

ایمه هیچست چون می بکدره تخت و بخت و امر و نهی و گیر و دار
نام نیکو گر بماند زادمی به که ماند سرای زرنگار

باز میفرماید :

قارون با ثروت کمعدهٔ گنج دانش تودیوان نزد که نام نیکو کمائت
آری ، آری ! نامیکو ، آن حقانیست که بدست آورندهٔ آن بازندهٔ خسر هراست ! تودیوان ، ایوان کسرا را بنا نمود ، در چین زمان عدل و داد را هم احیا کرده ، ملکهای که در زمان استیلای بدست دشمنان درامده و دو باره بدست آورده ، از ایوان عظمت نشانش در بیرونات بجز بقایهٔ خاکی دیگر هیچ چیزی عیان نیست ، امانام نیکویش با لحان زبان زد دانیان ، وضرب المثل عدل واحسان شده مانده است -

از غرهٔ اینسنه محرم الحرام سنهٔ جاریهٔ هجری اسلامی سی و سوم قمریهٔ روان شروع خودرا تکمیل نموده بقدمهٔ سی و چارم قدم نهاده و شرافت خودرا دوش افزود ارتقا گردانیده ، یعنی سنهٔ ۱۳۳۳ هجری سوی حل صاحبها الف لجهٔ می به سنهٔ ۱۳۳٤ شرف تجدد ورزیده ، از مرحلهای پایان ثالث قدمی از جرار حین جل و علا ، درو مانند بارگاه بار قدمیت صدات رحمة للعالمین علیه افضل الصلوة واتم التحیات شرع و بیان ماحین است که این سال فرخنده فال جدیدرا برعوم امت ناجیهٔ محمدیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1418 of 1786

عبارة ومیمون گرداند . و برج عز اسلامی را در ظلّ دنیا برافراخته فوز وفلاح یافته قوت و ترقی ، شوکت و برتری دین مبین اسلامی را روز افزون دارد ، دولت مزبوره مقدسهٔ ملکانه تاریخ سایهٔ عنایه بادشاه نکوی آثار ذی حشمتی ذات فخیم حضرت (سراج الخاقانین) یک شکوه وهیبت و جلال بحدّ کمال ظهور دهد که عاطر باد ، و ازپیار فرصت ثمره های خیرت وسعادتی حاصل آید .

« رویت باد چو دیدم مبارکباد منه »

شمهٔ در بیان کیفیت هجرت

حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوة والتسلیمات از مکهٔ مکرمه

بمدینهٔ منوره

نخستین علم و نخستین علمدار در اسلام

اگرچه واصل شدن حضرت فخر کائنات ومفخر موجودات علیه افضل الصلوة والتسلیمات در « قبا » ناحیهٔ (مدینهٔ منوره) یوم دوشنبه دوازدهم ماه ربیع الاول در سال چهاردهم ولادت باسعادت شان ، مصادف بسنهٔ ۹۲۲ میلادی عیسی علیه السلام وقوع آمده است ، لیکن رأس سنهٔ هجری از غرهٔ شهر محرم الحرام از این سبب اتخاذ شده است که مأمورین هجرت باصحاب کرام درماه محرم عطا فرموده شده بود .

بعد از اتصال جد واجب التبجیل حضرت رسول جلیل - حضرت اسمعیل بن خلیل علیهم الصلوة والسلام - بقریب عصری تکلمه بود که پردهٔ کثیف جهالت وغفلت سایهٔ ضلالت تا کنار حجاز را پوشانیده ، ولیاً هجاز ویل بلکه عمدهٔ کُرهٔ گنبدگان بدویهٔ جهالت جزیرة العرب ، در میان یک علمت آمده بورهٔ ضلالت مانده بودند .

هکذا یک حکمت بالغهٔ صمدانیه چنین اقتضا نمود که آفتاب حیات حقیقت وعدالت ، پرتو نثار هدایت آن حوالیٔ مظلمه گردد ، وضیای پرتو افزای عرفان چنان جهانیا را خلاصه رابان سازد . هان بزرگ موجود ممسوح حضرت فخر کائنات علیه وعلی آله صلوات الله المعین مأمور شد حوالیٔ فوق آوردی در افق سپهر یک بقعهٔ اطراف واکناف نابان شهود گردید . وظلمهٔ بیوت ورسالک کوشهای همهٔ مرزبان جهانیا از وقوف تاقی پرتو وظلمت شرک وطغیان از اوطان وکوشای از یک طرف گردید ، روز بروز درآن بقعهٔ مقدسه کشکشان بدویهٔ حجرت ندای (اجروا ای الله) اجابت میکردند ، وروشی جویان حقیقت مانند رواه نبوی بخطوزان اسلام میپیوستند . لکن این شمعهٔ فیضانیش ، چنان جبههٔ مشرکین را که مانند جوشوم ظلمت پسندی ماهت کرده بود کور میساخت ، ومرهای شانرا بدور می آورد ، وچون بدان فیوضات روشنی آیات تعمل کرده نمیتوانستند از آنرو میخواستند که بعضی اشتباهات ایجاد نموده نمی گذاشتند که آفتاب حقیقت آشکار شود ، وآن تمایع چراغ الهی را بامعاندت هوای نفسانیت خود خاموش سازند اما بقول ازیکی :

چراغی را که ایزد برفروزد
هرآنکس پف کند ریشش بسوزد

درین اثناء که بنا بامکان رب جلیل لایزال که در هرحکم آن حکمتهای بیشماری مندرج است ، هجرت بابسعادت حضرت (محمدیه) صلی الله علیه و آله وسلم بوقوع آمد ، یعنی آفتاب سعادتمآبی که ازافق مکه طلوع نموده بود ، برای آنکه بادیهای واسعهٔ ضلالت را بیشتر بانشر

انوار هدایت منور سازد بسمت افق مدینه طیبه شتافی گرفت ، لهذا این احوال اینکه :

قبل از تشریف فرمائی آنحضرت بهجرت چنانچه ورقلا بیان اول مأموریت هجرت اصحاب کرام اجرا گردید ، واول کیکه از اصحاب کرام وطن خودرا ترک کرده (مکه مکرمه) مدینهٔ منوره هجرت نموده است حضرت ، ابوسلمه بن عبدالاسد ، میباشد ، بعد ازان حضرت عمر الفاروق رضی الله تعالی عنه بارادران شان حضرت زید ، عیاش ، وبا بکر رفقای شان که بیست نفر میگردند بسمت مدینه طیبه هجرت فرمودند ، ازهمه بعدتر حضرت علی ، رضی الله عنه هجرت فرمودند ، حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوة والتسلیمات باصحاب (ابوبکر الصدیق) وحضرت علی المرتضی ، رضی الله تعالی علیهما مکه مکرمه بصدور امر الهی انتظار داشتند .

مشرکین قریش چون دیدند که اصحاب آنحضرت صلی الله علیه وسلم یکان یکان بمدینه هجرت کرده ودراینجا قوت اسلامیه کسب قوت وشوکت کرده رفتنشان کدام تجارتیست در نهایت خواهد انجامید (دار الندوه) اجتماع نموده قرار دادند که وجود مسعود نفسیه روح کائنات را ازمیان بردارند ، ورشتهٔ حیات اسلامیت را بدین توسط آنحضرت ازهم بگسلند ، این قرارداد فاسد کدام معاونتی جلال حضرت رب العالمین بواسطهٔ جبرئیل امین به آنحضرت صلی الله علیه وسلم اخبار برای هجرت فرمودن شان بسوی مدینه منوره حضرت اعطا فرمودند ، انقیای مشرکین اطراف خانهٔ سعادت را بعد ازشام در زیر محاصره گرفته وقت خواب آنحضرت را منتظر بودند ، حضرت حیدر کرار علیه السلام بجای آنحضرت خوابیده وجبه را بفراش خوابگاه مبارک خود بامر آنحضرت امر فرمودند ، ولی نبای که ازمدتها در شان برادرشان حضرت علی المرتضی رضی الله تعالی عنه تعلیم نموده ، وچیزی آنهارا صاحبانه توصیه فرموده ، آمدن شانرا بمدینه ارشاد نمودند ، بعدازان حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم سورهٔ (یس) شریف را از اول آن « فهم لایبصرون » خوانده ، در یکدقیقه خاک مذکور بدست نبای ملاعینی که اطراف خانهٔ سعادت را بمحاصره گرفته بودند ، پاشیده ، وبا آیات مبارکه متوجه بجهت خود میگردند ، وبعد روحی فداه جنابرا از دروازه راسته بحضرت ابی بکر الصدیق رضی الله عنه تعارفهٔ که در جبل ثور تشریف فرمودند ، انقیای کفار که همچار هیچ چیزی خبردار نبودند ، وچون وقت موعود بهجرهٔ سعادت درآمدند از سینه حضرت نبوی قوام نبودن حضرت علی المرتضی رضی الله عنه را دیده ماندند ، وچون از حضرت علی رضی الله عنه پرسیدند که ، محمد کجاست ، ایشان بجواب فرمودند که « نمیدانم » ، ازحیرت بحیرت افتادند که هجرهٔ قریش چون زبن خبر آگاه شدند بجستجو آغاز نهادند ، دره کوچه و کناری را در مکه نگذاشتند که نیابند ، وبامدادها الله کردند که هرکس محمد (ص) را پیدا کند صد شتر جوان الطبع بدهیم ، حضرت ابوبکر الصدیق اگرچه کفار از آثار قدم کدهن آن مغاره آمده ولی چون بحکمت ربانی ، ومعجزات حضرت نبوی یک عنکبوت در مغاره تنیده ، ویک جفت کبوتر صحرای دراینجا تخم نهاده بود ، لهذا خلف « آثرا بذکر رفقای انقیای خود نشانداده گفت که « از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1419 of 1786

بلایت بعلوم جشود که از مدتهای مدیدی درین تارکسی در امد نبوده، و این کلیهٔ اورا دیگران نیز تصدیق کرده اقرار در گذشته .

« یامن هویره » که از بندگان آزاد شدهٔ حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله عنه بود ، درشبها خوراك برای آنها می آورد . وعبدالله بن ابوبکر اموال قریش را بایشان میرساند . درشب سوم (عبدالله ن ارقط) تنزهایرا که پیش ازین حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه اشکرا کرده بود بدهن مغاره آورده آنحضرت صلی الله علیه و علی آله وسلم ، وحضرت ابوبکر و یامن هویره در همان شب برشترها سوار شده رهنمای ، عبدالله بن ارقطه ، راه مدینه را پیش گرفتند .

مدتها متمادی مانند حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله عنه پدران آن شهید علوی پروانه کوشش میورزیدند. سپر هرطرف مسموما وطلب گیرها رواه کرده آن جسم لطیف را بدست کثیف میرد آوردن میخواستند ، پدران عطب گیران شان (مراقبون سالک) ودر که سایه سایه درعقب آن خورشید گرم سیر سپای قدسیت در رسید. وچون میخواست که در کنار عهد آوری جرأت ورزد در اولقدم پایش درچاه هرورفته ازین جرأت گستاخانهٔ خود دلتنگ ، و زمین فرورفت ، ومجبور گردید که از مرحمت میان آن کهف الامان انسان باید . دیگر از طلب گیران (یزید بن الخصیب) بود که از دلاورهای مشهور قبیلهٔ « بنی اسد » بود . وبایك جرعفیری بفکر بدست آوردن رسولانه صلی الله علیه وآله وسلم افتاده بود . اگرچه آن های سعادت را نمیدانست پیدا کرد ، ومیخواست که بکند . اما عنایات سامانهای آن نایب الفقوی که گرفتن وبستن آورا آرزو کرده بود خودش گرفتار وبنده گردید . و بمجرد دید ازسعادت نثار پرانوار آن سیدالابرار برتوهٔ اخلاص وعقیدت شان بسته شده باهمراهان خود یکجا بشرف ایمان و سعادت اسلام مشرف گردید . در حالیکه میخواست راه را بران هادی صراط المستقیم هدایت بکند . دفعتهً خودش رهبری آن رهنمای امت را در عهده گرفت .

« یزید بن الخصیب » بعد ازانکه بشرف اسلام مشرف شد ، همرکاب حضرت رسالتپناهی را اختیار نمود اول کاری که کرد این بود که عمامهٔ سفیدی را که برسر داشت باز کرده ، و در حالیکه بزهٔ خود که آنرا بعد ازاین بسینه شکافی جاسوسان دشمنان دین وایمان میشود— مسه کرده بحضرت رسولالله صلی الله علیه وسلم چنین عرض نمود :

— یارسولالله ! ذات اقدس شما سرور وسردار جمیع انبیاء ورواح میباشند ، و سپهسالار فئهٔ اشباح هستند وجمیع زبن بك راهی شده نمیتواند که بدون « علم » حرکت بکند ، اجازه فرمائید که در پیش روی موکب اجلال رسالتپناهی بشرفیابی « نخستین علمدار » شدن افتخار بکنم .

این استدعای حضرت « یزید » که از جوش خالص ایمان عرض شده بود مظهر قبول حضرت رسول کبریا علیه الف تحیا گردید . وجناب « یزید » آن لوای والارا که بنجحات هدایت ، ونسیمات برکت موج شده بود بروش هدایت همدوش خود رسانده گاه قریهٔ طیبه « فبا » رکاب قدسیت انتساب حضرت رسالتپناهی رسانید .

این است که « نخستین علمدار » در اسلام همین عنوان گزین است ، و « نخستین علم » همین رایت ظفر آیت است که در سبیل الهی کشاده و افراشته شده است . اگرچه بعضی ازمؤرخین نخستین

علمدار علمی را میدانند که به نخستین فرماندار سریهٔ اسلام حضرت « حمزه » رضی الله تعالی عنه داده شده بود ، اما آن علم ، چنان علمی شمرده میشود که اول بار برای حرب برافراشته شده است . حالانکه عنوان « نخستین علمداری » را همین علم مبارك ماثراست که مذکور کردید وعنوان « نخستین علمداری » راسایر خصوص همین عنوان جلیل « یزید بن الخصیب » میباشد ، حضرت یزید رضی الله عنه بعد از مواصلت حضرت فخر کائنات صلی الله علیه و آله وسلم به مدینهٔ منوره در همه غزوات سنیه موجود بوده است ، و چون نویسنده وخواننده بود از جملهٔ کاتبهای حضرت سیدنا نیز معدود است . بعد ازرحلت آنحضرت صلی الله علیه وسلم زده جون آمده ، که حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله عنه بدولت روم سوق نموده بود نیز علمرداری کرده است ، ویکصد وهفتاد وهشت حدیث روایت کرده است ، بعد ازان برای جهاد به « بصره » وازانجا بخراسان رفته بسال ۶۲ هجری در (مرو) وفات یافته است . رضی الله عنه وارضاه

بمناسبت تجدید سال جدید نیز کاً وبناً بهمین یك فقرهٔ تاریخیهٔ اسلامیه سر مقاله این شمارهٔ خود را که مصادف باصرهٔ ماه محرم سنه ۱۳۳۴ آمده بود ختم نمودن را از واجبات دانستیم . باقی از درگاه یزدان اقدس کبریا جل وعلا ترقی وتعالی دین مبین اسلامرا تضرع ونیاز میداریم . وراپت ظفر آیت محمدی را طاهر های متوالیه ونصرتهای متتابعه دایما رافراشته و سرفراز ، وبدخواهان دین مبین سیدالانام وبرهم زنندگان وتفرقه اندازان ملت ناجیهٔ اسلامرا مخذول ومنکوب ومتشتت ، و روح اعمالهم دشمنان بانع اسلامیت ، وبدخواهان اتحاد ووداد امت رامقلوب و مقهور ونگونسار بخواهیم رب العباد آمین .

حوادث داخلیه

(یك خبر افسوسناك رحلت سر امیر مصیبت)

خبر رحلت سر امیر مصیبت جناب غفران مآب الحاج میان علامقادر صاحب عبدوی علیه الرحمه الباری را بدیدهٔ اشکبار وقلب جریحه دار تسلیم محایف حزن والم اعتبار میباشیم . این غم بزرگ جانکاه تنها دل صفا منزل والمساجد مکرمشان که رهنمای هدایت وپیشوای طریقت میباشند تأثیر جگر خراشی بکار برده ، بلکه قلوب عالم اسلامیت اگر مسلمانان وعموم مخلصان و دستگیران آن دودمان پاکرا غمخوارهٔ یأس و حسرت دانسته است .

سبحان الله ! چنورهای تجلیات امیای حسنای ذات اقدس کبریا ، وخاصان بارگاه جلالش چه کار های پنهانی بکار میبرد ! دست خون شهیدان میدان ترکستانی قهارش را بچرم خون سر تسلیم و رضا دگر چه چیز است که ادا بتواند !

اهل دل ، درنغمهٔ تحت عنوانی نوازی چنین میسراید :

در مشهد شهیدان هنگام ترکتازت
رنك دیت نگردد خون شهید نازت
چون چنك نازگیری در بزم بیخبازی
از جای نغمه بیرون خون میچکد زسازت
زآتش عتابت از سوز دل چه نرمی
همدم چو شمع سوزم در پرتو گدازت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1420 of 1786

سپاره چو زین پیش از حجر توجام
صد پاره ساخت امروز مشت ازبان کارت

چون شود لیف مضمون بیتا زیست
ارسط رخسم حواشه معنی سرزلات

از دست رد نارت از سنگ در هراسم
من کیستم نپاره در معرکه عبارت

صابر ا گر شهوم ساری بحجر کار
از تو حیات یابم از لطف بیان توارت

باصد نیاز منتی (عرزی) زنجر کوید
یارب پشنه حواهم از تار پیرارت

پیشتر ازین فراهم رقم الزوم را جرأت دوزدن نیست ، اما وقوع این سانحهٔ هایلهٔ روشنهٔ الزاموال آن روحانیان مظهر آثار پیلارزا مدرج نمودن مکتوبی که رای اخبار این آیفیت بر معیت ما رسیده است عیناً آنرا میورزیم .

مکتوب

ازواقعهٔ بیان کنان ازاظهار وفات حضرت آیت‌کبرا شجرهٔ حقیقت ثباوهٔ وجود مان طرفت حضرت شهزاده جان میان صاحب سلاله قادر صاحب پیر بزرگ و جانشین حضرت غمدة السالکین زبدة العارفین جناب ولایت مآب عالی مراتب حضرت صاحب چهار باغ صاحبزادهٔ پیلارآباد ادام الله تعالی علی الطیبین من حوشه خبرداده میشود که آن سالک راه طریقت وپیرو راه روان شریعت پس بی و هفت ساله گی برض عرقه ازهار گردید جهان فانی را درپیستم سوم ساعتی قمری اظهر سنه ۱۳۳۳ پدرود کرده روح مطهرش صعود بالا اتحاد نمود الیهم الحضرة وازهم وازل علیا من زکاه آمین — حالات وکرامات که درسن کودکی وجوانی از حضرت معبود مبرور جنت‌مکان مشاهده شده نهایت بسیار است انشاءالله تعالی در کتاب علیحده درج میشود اکنون بطوراختصار بخدمت گرامی مرقومیشود که حضرت مغفور بحدوح درعلو ظاهری مآثر کامل وجود ودرتعالیم و احادیث وآثار اصول وفقه شریف باخبری تام داشتند وسیاحت دشتی وقرائ الیل وباع طی شریعت و سالک راه حرفت وابود مراثهٔ قویش حرمین شریفین شده بودند و از طرف پدر بزرگوار خود سلوک ارشاد نیز بوده بصدها مرید و پیروان هزار خلص وعقاید در افغانستان و ترکستان و هندوستان دارند لهذا بروفات ایشان مرشد زادهٔ فاضل کامل محمد یوسف اسلامی خصوصاً بافغانستان وخاندان خیلی محزون وغمگین شده درهرروز هریک از افغانستان مسافت شعار آنجا لازمهٔ تعزیه و احترام شان بود قضاءالهی تب آورده واقعه نیارند و لعلی وجود باجود حضرت صاحب پیرزرا دربناه خود داشته و امیدحضرت شهریار دیندار حیات شعار هدایت آئین سراج الطوالین را که علیه واخلاص زایدحق حضرت صاحب عبدی فروق دارند باران و نصرت جوانان فاز دانته دوست نواز ودشمن گداز داراو دولت وملت افغانستانرا ازرک وجود فرخنده نوایای زمان درحفظ وحراست خویش نگاه دارالوالسلام خیرالکلام ومرثیه نامهٔ منظومهٔ علیحده که بعضی ازفاضلین شان گفته‌اند ومیگویند علیحده بخدمت وی مکرمت ارسال گردیده که ملاحظه فرموده دامن حواهند بود والسلام علیکم تحریر پیشنبه ۱۳ ذیحجه الحرام سنه ۱۳۳۳ دستخط میرزا محمود امین نظام پرگه

مراثهٔ تعالی شاه

مرثیهٔ پیر حضرت صاحب چهارباغ ملقب بشهزاده جان وامیرالحضرت ظلاله قدس الله سره العزیز

هزاران آه وحسرت بر دل ریت — کجا آخر جهان گردید خلیهار
فلوب عالمی در بین ولایات — بدیع غصه وغم گشت افگار
وزین ماتم بخدین حادثهٔ — چیانه شیون بسیار بسیار
خصوصاً شد مریدان را بهر جا — معاینه معازین غصه سوبسیار
کدام است این جانکاه گزوی — عیان را فشانه در جگرپار
وفات حضرت شهزاده جانست — آبادا روح اورا در جنان بار
فلاپقدر است مسلمش پدیدار — شهزاده جان ودنیا تنگ
جهان بود دنیا گرچه بیش — همی کرید دلشم انوار
حجسته طلعت و میمون لقاوه — فرشته طینت وفرخنده آثار
بسی وهدت عمرش بوده اصل — زوری سی بگوسش زینهار
به بنیاد عمده الف آلی — وجود تش بود لحل زرو بار
عمر کم مطلقاً لات فراوان — زاوار علوید کاشف واسرار
عنایت کرده بودش حق زالطاف — عمرش بود کویا خوشتر
علامات طریقت می نموده — بدقیقات شرع ودین جسورد
رئیس سالکان وعارفین بود — سرور کرده زاهداء انوار
حافظ وبنده وشارع مسائل — زبان دانت چون از کهربار
حرور زرفهوم خوش بیرود — فصیح دلنشین شیرین وغزگفتار
بیوش حزعلوم دسوم نقل — بدلبر زهد وتقوی داشتی کار
گرفته دست بهت ازیدر بود — ندیدم قرین مادون وهمتار
پدر آخر حضور خویش اورا — خلیفه کرده وقت بسیار
هرجارا زجذبین سالکان — هیکرد آن چراغ بزم امیدوار
در آنجا وطریق حق پرستی — فراوان جهد وتلوار پروار
جناب واترش شد دلنشین آنها — وجد مشهور درا کناف اقطار
مقلب اوست در گیتی بحضرت — مرامعموم باد خاتمش انکار
مقاموحوض او سیر باغ است — سعادت اوست آن مسکن چوگلزار
درین هنگام کفر جوبهبهات — فتاد آزلال تازه از روبار
زقدرات زبی چند روزی — زرع هرقه هکرایند پار
ندای ازحی آمد گوشش — روان شد جانب سر منزل یار
چراغ مزار گردید خاموش — شد از چشم پدرآن نورانصار
ازین است که عزیه‌ها کرده — سوی فرحت‌سرای کوی‌دلدار
چوفرد ساحب الزوم داشت بادوست — عیان شد وصل جانان واحرید
ظهرانش چنان آشوب وخاست — کشکول حشر شد آنجا پدیدار
پدررا ازفراقش سینه شد چاک — خلیفه مادرش زاور جگرخار
عزیزان و اقارب از وفاتش — نشستند از پی اندوه در تار
زاحوال مریدان جودچ گویم — کزین غرشد وفاتش کارشوار
و کان ناعرب ناهشته روز — چشم هر مرید اوشب تار
کسانرا که بود اخلاص وایمان — شهادت در وفاتش تحریر دار
آلاکی بوسنا زان وعیان — اگرچه هست این غرشت‌وار
ولی چون حزبودناچیت باید — طریق سیرا گرچم لابد
دعای مغفرت در بارهٔ او — کنیم از جان ودل ذکر تکرار
الهی آن بهشت اورا گزانت — بدار خودش گردان سزاوار
رهنمان عاشق اورا بر کن — که توستاری وباقی وغفار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1421 of 1786

روشنیه بست وسه‌ازماه رمضان بجان بخشای جان را گرد بازار
بران مسجد که حق را سجده‌میکرد بحکومت رفت و رخ بر خاک انکسار
زهجرت سی و سه بگذشته صد من تاریخ آن معمور بنگار

چوان مرثیه شد احمد رقم کرد
کنید از غم بهجرش ناله زار

شیرازهٔ حواشی معلم‌دوین السلطنه صاحب امضو رفیق پادشاه واحد تاریخ مجهولات

مکاتیب

جواب سائل ملاحظه‌شود احمدخان مقرر محل مرز التحقیقات نمره ۱۰ ازموال مالیجه غرت عمرانیه‌مدیر وسرمحرر سراج الاخبار امامیه و مدیر زمان دریافت خط تودین تحصیل علوم واجره مکاتب‌دروان امامیه مالیجه غرت عمرانیه حیر حواله بالاخلاص دین ودولت واسلام منه وسنبط از وم‌عملت حواشی‌وحواشی مدیر وسرمحرر سراج الاخبار امامیه جناب محمودیک خان‌طرزی ساده‌الله تعالی عن‌الضرر والشقی واتش عرض نیاز بجناب المنعم سرافراز اینکه آن مهربان بعد ازعرض حرامل صاحب‌وبلافت پناهای‌مواضع‌علیه برای‌گل‌عاجزنیاز و ارسال‌رجم امرجواب‌کتبی نموده‌وبود که‌خلاصهٔ آن‌چنین‌است که اگر عطوفت سلاطین‌گذشته‌ایام مرا از یاد نگذشته‌باشد تاسکوت کنم‌ازجواب‌وصواب‌به‌اید گرحمت بازشاد ملت وهدایت‌امت برای تحصیل علم‌ملت زمان‌بایده لهذا امتثالاً امر مکرم درخصوص از روزگار خود آگرچه فراغت‌بال مساعد حال نیازمند نبود ونمیباشد موافق رأی هیچ‌دان خودخصوصاً فه‌تعالی وحال از ملاحظهٔ جدوای نفس گزاف جواب صاحب برداختم اما نخست‌ترین سخنیکه گوشگذار صاحب خواهدشد همین‌یک‌نکته‌است که جواب را بعنوان نزاع نکنم واگربطور نزاع نکویم برمعنوی ن بلکه محض‌لطف خواهدبود چرا که‌مدتهای متوالیا حرکحرص بودن اخوان اسلام‌خود بحافظهٔ ملت خویش و عداوت اعداء دین چیزی دیگر نیاشته بلکه ازچهٔ مدل مکمت ماگذشتهاشتهٔ استشار برشنیده هیگویم که طرز سوال الصاحب عین صواب است اگی نفو خوش رقم صاحب مزاول چنین مرسوم گردیده که (درهمهٔ اوان ترقی وتمدن وراحت وسعادت نوع‌انسان رهزو عرفان منحصر است اگرعلوشده

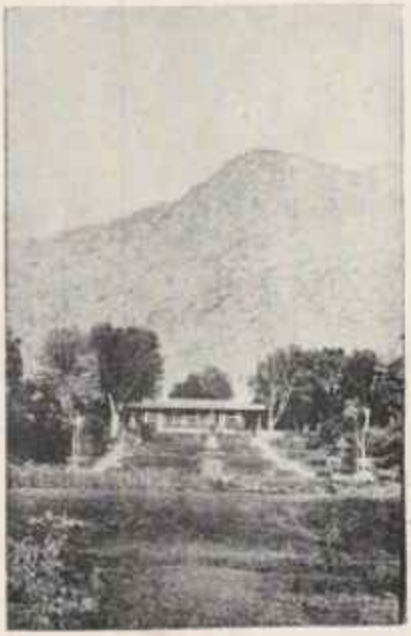

یک حصهٔ ازمناظر باغ پادشاه
درداراالسلطنهٔ کابل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1422 of 1786

شهزادهٔ بلند اقبال مکرم عین الدوله مردار بمان الدهن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1423 of 1786

چونکه تمثیل تحریرات حربیه دارد بسا ضروری است علی الخصوص درزمان کنونی که اهل اسلام که تفاصیل آنرا خود آنصاحب بسط تام مبسوط نموده اند حاجت باز کردن ندارد هرچند که درتحصیل این فنون تا کیدات فرموده اند ان تکالیف شاقه را بخیال خود حقیر از شوائب غلط کمتر خیلی بعید یافته که بحق موافق می یابم چنانکه کلام خیرالانام درزیارت آن وارد است (عن علیه بن عامر رضی الله تعالی عنهما قال سمعت رسول الله تعالی صلی الله علیه وسلم وهو علی المنبر یقول واعدوا لهم ما استطعتم من قوة الا ان القوة الرمی الا ان القوة الرمی الا ان القوة الرمی رواه مسلم) خلیل مختاری وقاضی بیضاوی رحمهما الله تعالی درتفسیر خود فرموده اند کلمه می انواع اندازی صادق نیست بلکه (کل ما یتقوی به فی الحرب) مراد است مگر تخصیص رمی در کلام خیرالکلام بسبب آنست که درمی زمان قوی ترین آلات حرب بود همین گاه که سرور کائنات علیه افضل الصلوات درزمانهٔ خود قوی ترین آلات حرب تخصیص مجاهدین میفرمودند علماء رحمهم الله علیهم اجمعین چرا الیوم وتهارا بترقی دین و دول غلبه و شیوع وچرا درین زمان حرکت ملت اسلام ازدست نصاری زغیب و تخیر مردم را تحریر آلات حرب وصناعات آن نکنیم لابد بلکه ضرور آرایکنیم مگر آنصاحب بیقین داند که هیچ یکی از علماء زمان این موعظه واقعه استناد نداد هریکی بقدر وسع خود دین باب وعظ مینماید ودر سخن ترغیب به اطاعت واقیاد پادشاه مسلمین حضرت سراج الله والدین کار وبار مکتب هارا بانواع تحسینها بیان می کنند والحال دولت پادشاهیهٔ شاه معظم ما بنیاد مکاتب بسیار اقلیم اند چنانکه خود این دولت دین ودولت بسبب آنکه چندسال درمکتب حربیهٔ سراجیه تقرار فرمان مبارک ولی نعمت محترم ما جناب معین السلطنه صاحب رای اصلاح بعضی رخنه ها مقرر ودم تحسینات وفوائد وترقیهای مکتب چیزی که مفهوم خاطر حقیر خود زنهاده که درهر سرزمین واکثر مجالس اخوان مسلمین خود بسیار بسیار بعرض بیان آورده ام وهی آرم وبسیار را بسیار راغب می یابم

(س) آیا درین خصوص همین شوق وهمت مرا ازچه برخاست (ج) از سایهٔ فرط وشجاعت شهزادهٔ افخم ما جناب معین السلطنه صاحب که خود بدوی درجند مجلس آن شاهزادهٔ والاجاه چندساعت که حاضر بودم جناب مذکور درباب تمدن وترقی دین ودولت چنان درشهوار مواعظ را صرف ساعین مجلس نمودند که هرفرد از حاضرین مجلس قدر استعداد بان خویش محظوظ وشاد خارج گردید ند همت موعظت آن محترم را دیدم که درین غرهٔ جوان شباب وترقی جوان که درباره و بکران عادةً زمانهٔ لهو ولعب شمرده میشود شهزاده مذکور از فرط شجاعت وهمت خود را زحمت کرده دائما درباره تربیت اهالی دولت وترقی دین وملت خودسعی بلیغ میفرمایند الهذا بقایهٔ نعمت وجود چنین شهزادهٔ عرفان وساده شکرانه ازدیدنها را بجا آورده رخود لازم گرفتم که من هم بقدر بضاعت وسع باجزاء خویش مجاهده باید نمود ودرحق این اقدام خود بازنگشته ام بلکه در هرمقام که مجلس را مملو پذیرفته ام سعی خود را دریغ نداشته تقلید شهزادهٔ والا را نموده احسن تبلیغ تحریرات شهزاده محترم را کرده ام زیرا که قوم اغلب از شنیدن چنین منافع مکتب که اولاد مردم بهمهٔ انواع علوم دینیه ودنیویه مشغول میگردند وازارزد خسته ها شغل میشوند مشق

ایشان از خوانین وملکان از روی صدق واخلاص آرزومند شدند که اولا مدارا بهرطور که باشند سعی بکنید که داخل مکتب شاهی گردیده از جهل رهند ومقابل همین نعمت عظمی شکرانه الهی را بجا آورده حق نعمت پادشاه خود را دانسته درخدمت پادشاه مهربان خود بجان ودل کوشش نمودن را دریغ ندارند وقتیکه مردم غنای کلان تحصیل مکتبها بمسافرت اولاد خود راضی میشوند وازراه راستی تمنای خود میخواهند که بهار السلطنه ارسال کنند آیا اگر درد وطن خود شان مکتب ترتیب شود رغبت تمام دران داخل نخواهند نمود ؟ اگر عرض می کنم که اجرای مکاتب کاری است عظیم واسری است جسیم خیال این هیچیدان چنین میرسد تا که بلکه همهٔ حکومت وموعظت علماء باهم یانند اجرای آنها بنظر صعب وبدمیشود وا گرباهم اتحاد مظنون میشود که از ترک واقبال بر کار والآثار واز فرط علوهمت ناظر معارف نعمت ما جناب معین السلطنه صاحب واز بسی اخلاص و کوشش آنصاحب در کل افغانستان باسانی اجرا پذیر خواهد شد انشاء تعالی طرز معیت شمهٔ حکومت یا موعظت بفکر ناقص عرض میکنم (لایکلف الله نفسا الا وسعها) اگر قبول رای آن بالیجناب الاشرف والا امری است اجتهادی احتمال طرفین دارد (اینکه) درد ولت افغانستان عدد محکمه ها تقریباً بهشتاد میرسد اگر قاضی و مفتیان ، حاکم محکمه بزبان وسفید بدان قطعهٔ محروسهٔ خود هارا جمع نموده حراء شان به بسیار دلاسائی ورغبت دهی درباب مکتبها مشاوره کنند اشان رضا ورغبت عریضهٔ رضانامه بمهرهای خود بدهند ورضاء واخلاع خودها از حضور ونور ناظر مکتبها جناب معین السلطنه صاحب ازمجلس معارف معلم مکتب راطلب کنند امید است که بهمین قسم اجراء مکاتب بطبع هرپیری از خواص وعوام تا کوار خواهد شد (والله اعلم بالصواب) باقی باغبت باشید آخر بتاریخ (۲۸) ماه ذیقعده الحرام سنه ۱۳۳۳

امضا

عزیز احمد

مراح الاخبار افغانیه

جناب ان ما بافکر وهوشی وطن عزیز خود عرض شکران خود را تقدیم می کنیم ، هیچ شبهه نیست که در مهام امور ، علی الخصوص در امورات معارف که حیات ترقی بران منوط است واشال آن ، رأی وفکر شخص واحد اگرچه افلاطون هم باشد ازخطا سالم نباشد ، تقلید ، یک شهراه زرین افتتاح فرخنده او دمانها شمرده میشود ، مبادلهٔ آراء ، مصادمهٔ افکار هارقهای حقیقت راهیدان میاورد ، اگر سراج الاخبار افغانیه یک جزئی بگوید ، ومنقد ومعترضی در مقابل خود نیابد بجای اینکه ممنون ومسرور شود ، یک دلشکستگی حیرت آوری حس میکند ، وچون درچنین مسایل تجاوزه ومناظره وقوع آیدرفقه یک نکته مثمرهٔ مفیدهٔ متین میشود که فایدهٔ کلی تنقید همین است ، چون درین شماره گنجایش نداشت انشاءالله درشمارهٔ آینده درباره آن بتفصیل در خصوص جناب فاضل مختار الیه باب صحبتهای و عمدرد را باز خواهیم کرد ، و من الله التوفیق .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1424 of 1786

جناب فیض اکتساب مبرز محترم رفیع القدر حقیق القرائب مدیر و سر محرر اداره سراج الاخبار دولت خداداد افغانستانرا السلام علیکم بعداز تبلیغ تحف دعا و تقدیم هدایای تحیه وثنا مرفوع میدارد ازانجا که از آنجناب کالت مآب افادتمآب بصدوجاذم ساری واعلام خدمت گذاری و صداقت شعاری شان ثابت بدولت خدادا ثابت وجاری ست لاجرم بدستیاری کلك دوتای یدایع ترجمان حل رموامر کلیات لغات هرملل و کشف غوامض حقایق هردول را که سالهای مدیدی درجناب خدامصدر وخطاب توازی مستتر بود وفهوه مدرکه احدی برامون خیال آن بمقدام افهام جسارت ومبادرت نورزیده بعرصهٔ بیان و معرض عیان جلوه داده مسکن گزینان ظلمت کده بخترا بروشنائی شناسای آشنا ساخته هرهدرا هوشیار وبیدار وازمضایق فنون ورسوم هر مملکت واقفیت وخبرداری بخشیده اند لهذاابن بابده خواهان بساط عنایات احدی وزبه روزان بساط شریعت احدی سید احمد مکی قریشی دلیل حجاج محالك فرنگه وسیدابراهیم مدنی ساکنین بلدین طیبین شرفین زاده هالله شرفا که مرهون احسان ومدیون رو امتنان دولت خداداد گشته ایم واستحسانانی که لاحق وبایدحال این خادمین حرمین الشریفین گردیده بعنوان تشکر تذکر وبمحل شرح وتبین می پردازد کالزین اظهار بعض عدالت گستری ورعیت پروری های ذات ملوکی صفات قدسی آیات اعلیحضرت عمدة السلاطین ومفخرالمسلمین حضرت سراج الله والدین پادشاه جمجاه اسلام پناه و ترفعات مواد حشمت وترقیات اسباب دولت بوضوح میانجامد عرض مینماید اینکه این پیروان دین مبین انار الله برهانهم ازاهالی حجاز آنهائ عراقی بوده پشت بقدام شریف الحادثه جزء ورارد قدس مبارك شده ازانجا سمت روم وخطه دولت اسلامی عثمانی متوجه المطاف داده سپس ازانجا روبه کدشته تاانکه فرنگه کماصل مقصدرو رسیده رحل اقامت افکندیم ودرین اثنا بهربلاد وامصار وشهر وبیار که لاقی دست میداد رسومات ملی وقواعدات ملوکی هرطوایف ازمواقی وممالك بنظر تدقیق وامعان ملاحظه ومشاهده میرفت وبر کافهٔ مذهب ومسلك شان اطلاع کامل وعلم شامل بهم میرسید پس ازتوفیق فرنگه بهیئت زیارت روضه مقدسه وحرم وطن مألوف حرکت کرده بتاریخ آلهیر آمده ازدریای آسوبه عبور وبخطه دولت خداداد اسلام مهاد افغانستان مرور نموده داخل مزار فائض الانوار حضرت اسد الله الغالب شده بتقبیل تربه سدره مرتبه مفتخر ومباهی گردیدیم وبعد از انقضای دو سه یوم تقدیم حضور جناب جلالت وایالت دستگاه شامخ ومحتشم عزاز نایب الحکومه صاحب تدبیر وجناب نایب حکومه صاحب تدبیر یا کریمانه وشیوهٔ بزرگانه مراسم مسافر نوازی وغریب پروری را بحری دانسته تفقدات شایان والتفاتات نمایان وبارهٔ این تذکر کنندگان دولت خداداد میذول داشته در جوار روضه مقدسه مدنی و حیرهٔ مبروکه ازذکر خانه مبارکه معین نمودند که تاحال بدراهالی ومرفه الحالی درظل عاطفت وسایهٔ رافت دولت پادشاه ظل الله شریعت پناه بدعاگو علم آسوده ایم ودرسولا ملاحظه میرود جای هزاران شکراست که و سلوك رعایای این دولت بروفق احکام شریعت نهاده طرز و ا حالتا این مملکت بطبق اوضاع عدالت آماده و جمهور رعایا ا ربك کیش وملت اسلامی افتاده وقاطبهٔ رایا طوعاً زیر انقیاد دا پادشاهی داده همه کس از الطاف و عنایات الهی مسرور وا اصناف و ملل پادشاهی متکوراند الحقیقهٔ کلمات اسلامی ساقوی هرملل ودول خد افغانستان محسود هردول است خصوصاً ملهٔ رفیعهٔ دوستدار شیعه حد مرئوسه علیه الصلوة والتحیه که مهد الحرمین الشریفین میباشد ب دربهترین بقاع بسیط زمین است هروقت اوامر فیض کذاره ومواسم آماده اولاً در طباع جاه مبارکه حضرتی که ازقبل پادشاهی مقرر بوجه انواع اطعمه طبخ افته حبهٔ حبه بخلایق ومسکین گزین از عوام و مسافرین رسم جیره وظیفه هرروزه میرسد تاکنون خانه که جیره خورش ساخته شده دراینجا اصناف کتاب از تفاسیر وسیر و ا و دیگر علوم متنوعه موجود و میرا است هر تحصیلی بقدر ا ازمعلمه آن مستفید میگردد به تخصیص صدها طلبهٔ قرآن مجید و الطرات شرف کهر روزه خدام مدرسی زیر انواع متعدده که و برای تلاوت آماده نهاده اند بعداز طلیعه صبح صادق الی طلوع جاهیر مسلمین بقدر وسع فرصت بقرأت وتلاوت اشتغال ورزیده آنرا بروح پرفتوح حضرت خیر الانام علیه الکی الصلوة واتمل ا وبرآل کرام و اصحاب عظام اوتخشیده دعاهای مخلصانهٔ صادقانه د بادشاه اسلامیانوجمیع متعلقین دولت ومنسوبین حضرت وسایر مد مؤدی میگردد چون اهمیت مذهبی واکملیت مدنی این دولت خد بنظران خیر خواهان ملت اسلام جلوهٔ استحسان بخشیده بالعمو نیك نامی وبیکو سرانجامی این دولت ابدمدترا مدنظر داشته و بیان آورده باصحاب والا مراتب تکلیش رفت توقع که درج کرده بطابالشهار کرامند زاده والسلام والاکرام فقط محرر ۱۴ شهر ذی قعده الحرام سنه ۱۳۳۳ .

الفقیر الدائم لخیر السید احمد المکی العربی القریشی احقر الحجاج ا ابراهیم المدنی الفقیر الشیخ بشیر المدنی

ادبیات

دوهمین میرزا نوری خان خرمی ملاحظه نویس سابقه حضور م مکان ضیاءالله والدین مرحوم برخوردار محمود خان طرزی مدیر و مم

مراجع الاخبار افغانی

قسم اول

معارف اهالی اول تربه اولاش بود تحصیل
معارف آنها بود برج کرباسش بود تحصیل
معارف حضرتی دوس است و حورالش بود تحصیل
معارف کاسبانی دان کمرلعلش بود تحصیل
معارف خدایی خوان که الطافش بود تحصیل
معارف را نمیداند کسی آغاز و انجامش
که نبود طایر وحدت برون از حلقهٔ دامش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1425 of 1786

نشاد ظاهرو باطن سر از فرمان اعلامش
اگر اهل معارف بگذرد باقی بود نامش
حیات جاودان علمست و برهانش بود تحصیل
خرد درشیشهٔ دانش کند عمل پری زادی
کشدمانی چوازلکش هزاران نقش بنیادی
بجز عرفان نباشد آدمی را توشه وزادی
ص ۲ زم معارف میشد از جهل آزادی
خسارت دیدگان را رفع خسرانش بود تحصیل
اگر دیدار میجوئی بغیر ازمعرفت مطلب
که علم معرفت دارد وثوق اگرو اغلب
عبارتها درین معنی بسیاری از کتاب رب
معارف‌شدغزای روح‌و جای آن‌بود مکتب
جهالت درد بی درمانو درمانش بود تحصیل
معارف یافته ای عاقل حیات جاودان ما
هو سرچشمهٔ حیوان هو روح‌و روان ما
هو دنیاو دین آمد هو شد این‌و آن ما
معارف جمع آگاهی بود اندر زمان ما
که از شر جهالت ها نگهبانش بود تحصیل
مکو آدم توانی انسان بابتی مرد نادان را
مسلمان کی توان گفتن کزوه نامسلمان را
بیا بوری طلب ازحق تعالی نور عرفان را
بیا محمود از فیض معارف تازه کن جان را
بنای قصر جان عرفان‌و ارکانش بود تحصیل
فصل دوم
دور دو دوران سر سری بگذشت‌و رفت
حاصل اندر بی پری بگذشت‌و رفت
این‌و آن تا بیکری بگذشت و رفت
وقت شعرو شاعری بگذشت‌و رفت
وقت سحرو ساحری بگذشت‌و رفت
از وفا کی جامه‌و از مهر مهبه
دست زن در دامن خوبی عهبه
زهد دنیا را گزین رجای شهبه
وقت اقدام است‌و دیو جدو جهد
غفلت‌و تن پروری بگذشت‌و رفت
در زمانه نیکو بد را نیست فرق
مالی در بحر سودا گشته غرق
جامه از سالوس‌و خسانه ز زوق
عصر عصر موزو ریاست‌و برق
کامهای اشتری بگذشت‌و رفت
از دنیا حکاو ر پا خبر گشته
گویست از فرمان دنیا سر کشته
خاك آخر خیالی را در گشته
کیمیا از جمله اشیا زر کشته
وقت اکبر آوری بگذشت‌و رفت

هوشها مصروف لاقیل و داوری
سعی ها در مکر و جلب و خود سری
همت مردم همه غارت مگری
خلق قصر پر سیمه صنعت پری
قصهٔ دیو و پری بگذشت‌و رفت
در تو حاجات زنشه از تیغ ضرب
با کسی هرگز مکن دعوی حرب
چیست دنیا جای درد و رنج و کرب
تاکرانی آرد خیر از شرق و غرب
قصه‌و نامه پری بگذشت‌و رفت
پی سپر شد این زمین تاغرب و شرق
در میان دورو نزدیك نیست فرق
خواه معجز خواه حکمت خواه زرق
سیم آهن در سخن آمد چو برق
تیلفون بشنو گری بگذشت‌و رفت
چند قصرا را پری شهر شد
چند در پها سکه جوئی نهر شد
برخی پا پرپرو پی با پهر شد
کوه ها سوراخ و پها بحر شد
جانشینی را گری بگذشت‌و رفت
در هوا گم بود راه آدمی
فضل و دانش شد گواه آدمی
این زمان همچون نگاه آدمی
شد هوا چولا نگاه آدمی
رشك بی بالو پری بگذشت‌و رفت
دید پو دی این چنین راو رفت
بلبلان سرو سمن را و رفت
گفت مو من اهبر من را و رفت
گفت محمود این سخن را و براند
سعی کن تیلگری بگذشت و رفت

خوادث خارجیه

ترجمهٔ خبرهای جنك ازجراید اوروپا
علامات نومیدی درپاریس

ازپاریس بجریدهٔ « تویه زورنخر جاینوایه » مینویسند :
هر وقتیکه حکومت حرکات نجاوزی — [به اصطلاح ترجمانهای زبان‌انکلیزی حملهٔ جارحانه] — را اعلان‌میکند بجای نامیدی‌وبدبینی بسیار سنگینی که دماغهای مردمان پاریس‌را فرا گرفته‌است . کوشش بشاشهٔ امید ونیك‌بینی قایم‌میکردد . اما کمی نمیگذرد که‌ازان حرکات تجاوزی هیچ فایدهٔ حاصل نشده باز نابدبینی ونا‌امیدی اول از انگیزد یك بدبینی ونا امیدی خلق‌را بگرداب حسرت وماتم غرقه میسازد . اگرچه مطبوعات فرانسه دایما به اغفال کردن وبازی دادن مردمان کوشش میورزند . اما کارها بدرجهٔ رسیده است که اهالی را بتعقل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1426 of 1786

و امید وار ساخته نتواند . هیچ کس باقی نمانده که به خبرهای مطبوعاتی که مطبوعات آزاد منتشر میکنند اعتماد ونظر نکند . فقدان معلومات صریح وتلقینات عطیهٔ عسکری وهمدوره آمدن مجروحین کلی ، وسوختن آخرین قوتهای احتیاط میدان جنگ چیزهائیست که مردم را از تزویر بدی به نومیدی وادار میکند . فرانسیسها چون فکر میکنند که با زیاد تجارهٔ زمستان مجبور خواهند بود سرا سر در گرداب یأس ونا امیدی مستغرق میگردند . بتقسیم اراضی مطبوعات فرانس ، از حرکات عسکریه که به آسانی وبدلایل اجرا شده است وقوای اصلیهٔ شان را راکنده گرمیباشد باخاطر خود شانرا برخنا وبدین حرکت انگلیز وفرانس میخواستند فرانسیسها بجز این از روسها نیز هیچ امیدی ندارند . انگلیزها نیز میکوشند که روسها وظیفهٔ خود شانرا خوبی بجا بیاورند .

کامیدی انتلافیون از رومانیا

جریدهٔ « لوپوپولو رسوله » :

این جریده از جریده هائیست که از دیگر جریده ها بیشتر در رومانیا فروش میرسد واز آغاز حرب دایما طرفداری انتلاف الاه - یعنی روس فرانس ، انگلیز - را پیشه کرده است وبشدت تمام غالب آمدن روس را قبول میکند . جریدهٔ مذکور اروپای کاوستریانک ، وقوتهایرا فتح کرده مظفر براطی ، صاراییا ، پش رفتن را آثار نهاده مجبوراً از ادعای خود صرفنظر نموده است . این جریده که نهایت دسیسهٔ اوسترو والمانیارا نیز دانسته میکرد درینوقتها از فتوحات متوالیهٔ اوسترو والمانیا بگمان گریه میزند . خلاصهٔ گمانتلافیون در رومانیا هماندم جدوجهدی که در وسع شان بود برای جلب نمودن رومانیارا بسوی خود صرف نمودند ، ولی وقتی آمد که برای کامیابی شان یك زمینهٔ بالسانده بود ، حتی مینیکو ، قوتهای روسیا ، پروپاگندهای متعدد در رومانیا بر خلاف المانها وعثمانیان در رومانیا رواج کرده ، ولی چون رفته رفته میدید که انتلافیون غیر از بدادن بازی هیچ زوری ندارند وانسته که باعث فایده های که انتلافیون به آنها نشان میدهند هنوز نه آیند . حالا جانبك قایم نشده تا کاهدهٔ شان در طرفداری المان وعثمانی اوست ، ودر خلق یار خود را چنانیدن چندان کار مشکلی نیست . این تبدیل درجهٔ رسیده است که انتلاف صریح - یعنی روس، فرانس انگلیز ، ایتالیا - نیز از رومانیا نا امید شده اند .

اختلاف حرب و مانیکرو

از سوقه خبر رسیده است که بسبب ملت ایتالیا در باره حربها و مانیکرو ها اختلافات بسیار مدهشی ظهور پیوسته است . حتی این اختلافها زور خورد هم منجر شده است . مانیکرو تیها صریحا گفته اند که اگر تنها راتشودره - سقوطری - حق کشید باهم به البانیا متفق خواهیم شد .

بلغار وانتلاف صریح

[از وقتیکه ایتالیا بانتلاف ملت رفیق شده عنوان انتلاف ملت بعنوان (انتلاف صریح) تبدیل یافته است] .

برای عدم اتحاد کردن بلغارستان کوششهای که بدول راست میاید حکومتهای انتلاف صریح اجرا کردند ، ولی ناکهان کامیاب نیامدند . وروح سیاسهٔ آنها بلغارها بازی خوردند . بلکه بالعکس آنها را بازی داده رفتند . چنانچه در اول امر تکلیفات انتلافیون را بدون قیدوشرط رد نکرده بمقابل آن جواب حاضر کردند . وپیش ازهمه چیز بعضی جاهای ما کدونیا را کیمست صریب ویونان بود طلب کردند کهازانها گرفته باو بدهند . انتلافیون گفته « تودم نقد خود را در آتش حرب بینداز . بعدازان دادن انچنانرا بتودادن آسانست » وضمنی که بلغار بجواب این سخن انتلافیون کرده عبارت از یك خندهٔ استخفاف بوده است !

صریب ویونان وانتلاف صریح

بجریدهٔ (لوده سکی لیستوك) از « پش » مینویسند :

درمابین کابینه های صریب ویونان در خصوص جلو گیری مقاصد انتلاف صریح کدامنا کدوبنا اتفاقی بمیان نهضه بذا کرات آغاز شده است . زیرکست که در بین این دو حکومت مذکوره یك انتلاف عاقده شود که مستند برین اساس بوده باشد که برای مانع شدن دادن امویصال کهانتلاف صریح ازاراضی صریب ویونان بلغارستان بخواهند بدهند باهم قوتهای خود شان مقاومت ورزند .

ایتالیا ازانتلاف ملت چه فایده ها درخود دیده

معاهده نامه

از (لاس) بجریدهٔ (توپ فرایه پرسه) مینویسند :

قلمانسانیهٔ معاهده نامهٔ گذشته ۲۴ مادی درمابین ایتالیا ودولتهای انتلاف ملت عقد گردید ازقرار ذیلست :

۱ — بایتالیا مبلغ « ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ » پنج ملیار فرانك قرض کوپ داده میشود .

۲ — انگلیز ، درخصوص « ۵۰۰۰۰۰۰۰ » پنجصد ملیون فرانك که بصورت حساب جاری ازامریکا استیاب و تواریخ چند بایتالیا داده شود ضامن میشود .

۳ — برای خریداری خوردا که از امریکا برای ایتالیا میرود « ۳۰۰۰۰۰۰۰ » سه صد ملیون فرانك دیگر جدا گانه یك حساب گشاده میشود .

۴ — دولت فرانسی ، از فابریك توپ سازی خود مقدار که توپ به ایتالیا تسلیم میکند .

۵ — انتلاف ملت ضامن میشود که ایتالیا برخلاف معنی کمپر طرفداری مسئول شود ، ویبر ازینکه « آنجوادی » ویك پت دیگر که برای صریستان انتخاب بشود ، دیگرهمه سواحل بحر « ادریك » بایتالیا باید میباشد .

بمقابل اینها ، ایتالیا تعهد میکند که بمقدار « ۱۵۰۰۰۰۰ » یك ملیون یك قوهٔ عسکریه را جامرستقیای خودحاضر و آماده میدارد .

(۱) ایتالیا هرچه که هست باز یك دولت انتلاف شمرده میشود درانقسمه فرودن حقوقش مساعدست . تنها دولتهای کوچك کوچك مانند بلغار ویونان وصربیا میبینید که چون دهن ودندان جنگ ندیده را مالك اند برچگونه قدمها دعوا گرده اند ؟ آه ، بلغار ، وامثال آن کهازعدم حکمت وتدبیر ، هیچقدریك دقایق را مالك نالهٔ خود نبوده اند . چنانچه کهك طوطیرا دیگر نغمهای جز کدرینوفت وفرصت آمادهدیا افتاده است بکفایت !! اگر خود میخواست آقا ! ...

(مترجم)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1427 of 1786

کلی گذاری متفقها

جریدهٔ (روسکوه اسلوو) مینویسد:

متفقهای ما در دار الحرب غربی هیچ‌یك فعالیت وکار گذاری آشکار نمایند نشان نمیدهند. روسیاهان روسیائیست که در کنار عقاب دو کروسیای شرقی را استیلا کرده جاهای فرانس از جناح اورس تجزیه مینماید. روسیاهها کفاریس را از دست اورس گرفته میدهد. عجب این است که فرانسیسا در اثنای وقت نیز از شکایت خلی نمانده بودند. با وجودیکه در آن اثنا روسیه هنوز حاضری سفر حرب خود را بدرستی آشکار نکرده بود فرانسیسا اورا مواخذه میکردند که چرا وسایل حرکت اعزیمه‌اش را نمی‌کند. امثالا کارد های بزرگ انگلیسها تاروپود و کابلهای مارا استیلا کرده دایما در پیشرفتن دوام دارند. آیا متفقهای ما با کدام کومك ومدد رسانیده توانستند؟ متفقهای ما در جهة غربی آیا کدام موفقیت وکامیابی بدست آورده‌اند؟ دروقتی کهما بازوها های جسیمهٔ دو دولت اروپ داشتیم متفقهای ما چرا سنگرها و خندقهای خود دست از رچه قلعه سپرین نمانند؟ چرا بمعرض ومهاجمهای واسعه‌ای تشبث نکردند، وما کو ملك رسانیدند حالانکه درمیدان غرب تهاجمان در مقابل فرانس وانگلیز مانده بود. قوتهای این هردو دولت — بازیك عبارتلر — آیا هیچقدر نتوانستند کمانلر سنگینی را آنجا بروی‌ما انداخته بود یکقدری تخفیف دهند؟ هیچ‌یك چند گز از خندقهای خود بیرون میجهند. بعد از دادن تلفات عظیمه بگام خندقلرنان قانص میشوند. واویلاها ووکولهای موفقیتها وکامیابی‌ای شان عنبارلرا پرمیدارد. حالانکه این موفقیتهای کوچك هر اسر ازاهمیت عاریست. از دیگر طرف ایتالیا هم تاحال تغیر مهمی عارضات پیشدار دیگر هیچ‌کاری ازپیش رده نتوانسته‌اند. همین روس است که دوش اینهه‌لارا سینه کفای مدو مقاومت مانده‌است.

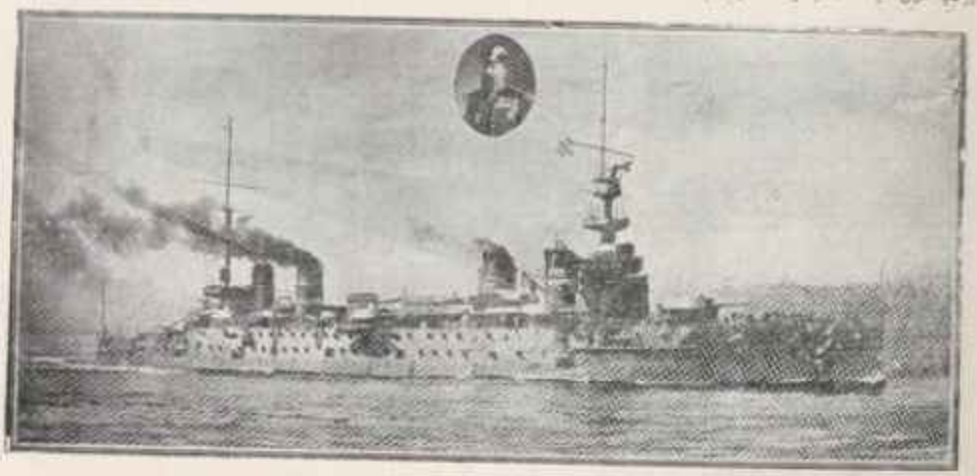

کارستهای بحرالجر های المان

« لیون گامبتا » کم کرو وارور فرانس که در راه « اورانیو » بضرب کارپیدوی بحرالجر المانی باهمه افسران آن غرق گردیده است صورت شخصیکه درنجاتش دعوت امیرال « سیمس » سر افسر است

ثروت دولت انگلیز آب شده میرود

از (لوزان) جریدهٔ (اقدام) مینویسند:

خارج یومیهٔ چنگی دولت انگلیز بوسه ماه پیش ازین درهر روز به (۳۰۰۰۰۰۰) سه‌ملیون پوندمالغ شهود که‌باین سبب صدراعظم دولت انگلیز مستر (اسکویث) ازپارلمنت « ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ » دوصد و پنجاه ملیون پوند تخصیصات فوق‌العاده طلب کرده بود. ازین حساب چنان معلوم میشود که ثروت و توانگری دولت انگلیز بیك سرعت بسیار مدهشی مذاب شده میرود. مالاً این مسئله را ناظر مالیهٔسابق دولت انگلیز « لوید جورج » نیزدرنطقی که‌درپارلمنت ایراد کرده بود این‌خبر شیع والیرا از کرسی خطابتی که‌ران ایستاده‌بود علناانگلیز خبردادنه گفته‌بود: «معاصرروقتی که‌خریدداخل میشدیم چنین تخمین کرده بودیم که این عماره از هر چیزی بیشتر به پسه میشود. وچون ثروت و توانگری موجودهٔ انگلستان بیك درجه ایست که لالیارا درانمك مدت مغلوب شواند ازارو کارهای خودرا از روی همان حساب ساخته بودیم. حال آنکه الانیا باآثار خارقه تخاپ‌اثبات کرد که بالفوق حساب و تخمین مالك ثروت وتوان کسری میباشد. ماهرای‌خود وهم برای متفقین‌خود پیسه رساندن مجبور هستیم. مبلغی که بریتانیارای‌حافظه کرده‌توانسته با کیت‌بحریهٔ خودصرف می‌کند‌نسبت بهمه مصارف حربیهٔ متفقهای ما قات قات افزونتر است. برعکس اینهم متفقهای ما در خشکه بزار معاونت ما انتظار می کشند. اگرچه ماهم میخواهیم که به آنها مدد برسانیم ولی این خارج امکانست. بنا برین بعد ازین متفقهای ما برتر ازهمین درجهٔ موجوده در خشکها ازما مدد رساندن‌را انتظار نباید بکشند. چرا که‌نظر بقوهٔ مالیهٔ کهداریم درین خصوص هیچ‌امکان برای‌ما نمانده‌است. » این اعتراف « لوید جورج » یك‌تأثیر بسیار عمیق درانگلستان حاصل کرده بود. ویك‌هیجان وقیل وقالی پیدا کرده که ازکیفیهٔ آن تبدل کابینه هم بوقوع آمد. او وارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1428 of 1786

گرمی بیابان چشمه‌روی پیک کوتاه کنایه کنید . نوره جبر جبل بازرگان کردن تجارت تجربه عبور کردید . انگلیز میخواست که آنان واداربزرا نظر وفاده‌وسر کرده بصلح مجبور کرداند . در نتیجه خود آنقدر کول خورده بود که نزدیکست خودش ماتحال عکوب کردد . حتی همین بلکه سیار تجسیمای شان بیهوده رفت . در مالیکه انتهارا بیهایکه گرسنگی الداخل حساب میکردند . خودشان تعجب کرده حاضر کرکار شدند . در مالیکه روس وفرانوی را بیهوده حساب کرده بودند . در خصوص خریداری خود . در مالیکه زن بلک

گاریکاتور

التباسه الصوره

استاد شرق میکادوی ژاپن ، در مکتب شرق شرقیون را درس داده میگوید : — ای اولاد های عزیز ! آیا میتوانید بگوئید که این عظمت وشوکت واقبال اوروپ و تمام چیز هایکه : ترکیا میکوید : — راقی ، ایران میکوید : — پرسی وافغانو ، هندی میکوید : — برگ وغرور ، مصری میکوید : — ریدست اوردن مذکرای ضعیفان وعجایب کار جاوی میکوید : — رطلو ، چینی میکوید : — پرمکر ودسیسه ، کوریان : میکوید : — ابنها چند دانم که از جانب شما دولت اوروپی میباشید ؟ استاد ژاپن میکوید : — لی جان من ! منهم مانند شما شرقی ام ، ولی خفیفت بی رویه وداستی . این است که بشما هم میدانم : رهمه همین چیزهایی که گفتید یافته ، ولی از همه زیاد تر همین دواکه روحیه شان گردم مبی میباشد .

(بقیه قوت ۱)

تجروحین وشهره جان خارجیست که میزان جبران خیلی مدعی است. مصارف حربیهٔ انگلیز تنها عبارت ازهمین مبالغی نیست که در میدانهای محاربه صرف میشود . بلکه در نتیجهٔ سیاسیات دراقصای نقاط دنیا نیز صرف کردن مجبوریا چند مجبور است . نظر بروش احوال جنان معلوم میشود که بعدازین دخیره خارجش خیلی ازخیلی افزونتر شده برود . باوجود اینهم دین گرو دارها اینهم تطبیق پیوست که ما کیت تجربهٔ شان بزعبارت ازینکه قوه قابلیهٔ بوده است . انگلیزها در اثنار حرب پیدا کرده بودند که بسبب قوهٔ ما کیت تجربهٔ شان به غلبات تجارت خارجه بی آید . علاوتاً در خصوص نیز حساب شان خیلی محاربات انگلیز هارا خیلی پر اشیمه ساخت . ودر سر شصت محاربات تجربهٔ شان غلبات وارد آورد . این است که جان سروس ژون وتوان کرنی دولت برتانیا روز بروز آب ومتاب شده میرود .

طرابلس غرب وایتالیا

کداه و ژوان ؟ :

سرعسکر اردوی ایتالیا کدر طرابلس غرب ، در حوالی دانه آنجا مقاومت کردن را خارج امکان دیده ازایتالیا دیگر قوای امداد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1429 of 1786

جلب کردیده ، وشوشه است که اگر مدد بوقت وزمان معین نرسد داخل مملکت راهی بطرفهای سواحل بکریختن مجبور خواهند شد

اسپانیا وفاس

از پاریس :

جریده‌های فرانس بدرجهٔ نهایت اندیشه ناک اند ، گویا در اسپانیا بسیکهای متعدد تشکیل یافته پروکلامه کرده اند که (فاس از اسپانیا باید باشد) .

کتبا :

مرکبهای ناکهانی" در اطراف انگلیز

دربندرهای کشتیهای جنکی بحر باتیک روس سر کوشیدن امپراتور (نمسه) وبعد خبر اقدامها دربلغاریا بصورت ناکهانی خیر وقت بان شایع کردیده است ، اکثر مردم را خیال این است که عسکر های غیری کشتیهای مذکور عصیان کرده اقدامها بقال رسانیده اند ،

اغتشاش در روسیه

جریدهٔ (نوسیت جاپتوچ) از پترو کراد خبر کرفته است که از طرف سر کوشیدن شهر موسکو به وزیر داخلیهٔ روس پلتدراپوری آمده دران نوشته شده است که در موسکو و حوالیش بسیار مهیب واقع شده دیشد ، اهالی شهر موسکو تنها بقصد کری وخرابه کردن بعضی جاها اکتفا نکرده بلکه قاتلها وخرکتهای سیاسی بزاهرا کرده اند هر کوچه (پیو ، رسکا) شاکردان مکاتب دایه ، وهم غیری از مزدوران کان و کارکران برقهای شروع بدست کرفته ، و [عرضه قاتلهای شب ... عوشوند مسیهای این عارضه" خون آکود ...] کفته فریادها راورده اند ، درموقع (دزا غو میلوف) بلوا کننده کان بسیاری از فرمای پولیس وزاندرمه هارا قتل وجرح کرده اند ، درباز (کود روفو) فرزندانهای اختلال کرده اند ، و [در زمین کور نسبود زاروزارت او ...] کفته فریادها راورده اند ، هم غیری ازاهالی بان جهت بلوانیا یکجاشده در کوچه‌ها کردش کرده اند ، و [زار وانوان اومیخواهند که مارا ازیکطرف به کرسنی واز یکطرف بدم خوریا بیراند ، مانزوصلح میخواهیم ...] کفته و قوله ها اشاعه اند ، اشاعهٔ اخبارها بطوری معلوم میشود که در روسیه بحران بسیار مهم داخلی حکمفرما میباشد ، در وقت مطوبتهای روس به ژاپن نیز همین اختلالیها رؤیده بود ، چنانچه دران جنك بزهروز مریضهای بیشمار کوشزد اهالی روس میشد درینوقت بزبحر مریضهای شکست یافته ، وصدها هزار افغانیان واسیر خودنمارد کر چیزی نیشوند ، صد ازین درهیچ یك فردی از افراد روس امید کامیابی دلی نمانده ، وهمهٔ این بلاها را ازاستبداد زار وانوان او میدانند ، زار وار کان متعلقش ازین اختلالهای داخلی بیشتر از عارضه" که بآن کرفتار اند خایف وادیشناك میباشند ، واز بسیار علامتها معلوم میشود که دولت روس زودی خودرا ازاتفاق فرانس وانکلیز جدا ساخته بصلح دراید .

﴿ دشمن سهم ! ... ﴾

از (ژنو) به جریدهٔ (فراپه ره سه) مینویسند :

بنا برکشوفات (ایتالیا) حکومت جمهوری (سان مارینو) نیز خیال دارد که بر دولت المان و اوسترویا اعلان حرب بکند ، حکومت (سان مارینو) کوچکترین حاکمهای دنیاست که بر ساحل بحر (ادریاتیك) واقع ، و ۱۱۲۵۷ نفر نفوس دارد ، مجموع از دوی عسکریش عبارتست از (۳۹) افسر و (۸۵۰) نفر عساکر !

بیانات خلیل خالدبك

جریدهٔ (ترك یورد) مینویسد که خلیل خالد بیك که سابق در مصر از طرف دولت علیهٔ عثمانیه قونسول بود ودرینروز هادر المانیا میباشد یکی از محارر های جریدهٔ مذکوره ، ازتأثیر اعلان جهاد در هندستان بحث بیان آورده بیانات ذیل را کفته است : در هندستان زیاده از ۷۰ ملیون مسلمان موجود است کاهنه آنهاست بیکر مذاهب روز بروز در ازدیست ، وزمامدار مسلمانان هندستان پك اتحاد و محادث بسیار صمیمی موجود است وچه جایهٔ مسلمین پك حرمت ومحبت زیادی میبرد ارند ، برای حوالتها وچیزهایی که از خارج بهندستان می آید سانسور انکلیز حایل شده کسی ، حتی جریده‌ها ومجموعه های انکلیزی هم براحت کلوخست . اکرچه انکلیز ها قوای عسکریه" خود شانرا حالی از حدی زیاده کرده اند واقوام مختلفهٔ هندستان مانند پنجاب صورت مطلقه اجرای حکمت کرده نمیتوانند ، قبایلیکه که توازقوای مسلمان وهندو وغیره بسر میرسند همه غیرت وقدرت خود شانرا بروزاستقلال ملی خودشان متوجه کرده اند .

(القسم ثالث بزمصر)

خبر ویانه :

جریدهٔ (مورجنك پوست لندن) مینویسد که کزارشهای اغتشاشات بسیار مهیبهٔ وقوع آمده است ، ویا برخریکی که از طرف خلع شده است ، حکومت عسکریهٔ انکلیز همه جاهای مصررا بند کرده است .

(عدم تشویش از قوهٔ بحریه)

در مجموعهٔ (رووه دوموند) آمیرال ه به کویس ، عدم تشویش خود را از قوهٔ بحریهٔ فرانس و انکلیز بیان کرده میکوید که ، باوجود دعوای ماکیت بحریهٔ که خلقها میکنند درین محاربه بطرز حربی که المانیا کرفته اند مجبوراً محکوم شده اند ، المانیا در بحر باتیك آزادانه بهرطرف خود حرکت میکند ، حال آنکه از دسته های کشتی جنکی" متفقین باتحاد کدام یك کاری که مناسب دعوای ماکیت بحریه" شان باشد دیده شده است ! در یك دوسه جنکهای خورده وبرده که درینطرف و آنطرف شده ، است هیچیك فوق متوسط شان پدید نیامده ، آیا حرکت بحری" که بدون تدقیق وهاکه برآشنای دارد نایل اجرا کرده اند بجز یدانی" ماکیت بحریه چه نتیجه" بخشیده ! ! کرهای آن حرکت بجا وغیر معلوم در بحر نایل که درپش پش" شان افتاده وباتحاد هیچ یك نتیجهٔ درانجا استحصال نکرده اند یك حرکت حربیهٔ ثابت میکردند خوبتر و معلوم تر یك کاری نمرده نمیشد ! آیا اکر فرانس در بحر ادر یاتیك بجای دار دانیل حرکات حربیهٔ خود را اجرا میکرد افضل نبود ؟ ؟ .

بیانامهٔ سر افسر اردوی عسکری" عراق

جریدهٔ « رای العام » بیانامهٔ سرافسر جدیدار دوی عراقرا که درین روزها به « بغداد » مواصلت کرده است ازقرار ذیل نقل میکند :

« سلامتی" جانب حق بر کسانی باشد که براه راست میروند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1430 of 1786

« مسلماً باهمانای به ایفای وظیفهٔ خود آغاز میکنیم. مدت طایفهٔ مسلمین امیدی" دارای یک کردن خطهٔ مبارکهٔ عراق را از لوث وجود کثیف دشمنان دین بی اختیار کامل عاطر موده اند. ازهر چیزی بیشتر این یک معلوم باد که هر کس باحر کات واعمال خودش موازنه وعاکه خواهد شد. در زد من برای تعین ماهیت و هویت اشخاص غیر از این دیگر مقیاسی نیست: هدف اعمال خودش کمتار برخی از بلاد اسلامیه چنان کثیری نیست که مردمان مسلمان را تحریک کرده بتواند. بالخصوص برای مسلمانان عراق این کیفیت بک مرتبه بی تمر دمیشود. انگلیزها و متفقهای او اوامیکنند و مدعی دارند که پت اضطراب دوره و ضامطیر شده و به، و مشهد های اهل بیت ـ یعنی حطهٔ مبارکهٔ عراقیه ـ و دار اخلافت اسلامیه را بگیرند و آن جا گهای مقدس را بامورد های بلوند و مردار خودشان سازند. و برسر انهم کوشش میکنند که در دنیا هیچ یک حکومت اسلامیه را باقی نگذارند. دشمنان بی چون در میان دین اسلام یک اختلاف صوری و ظاهری مشاهده میکنند و جرأت پیدا کرده دین مبدای خود بیا نجا میاورند. همین مسئله برای باز شدن چشمهای بیداری و آگاهی مسلمانان سبب عظیمی تمر دمیشود. من شمارا بصورت واضح بیان میکنم که وقت وزمان آن در رسیده است که همه مسلمانان که تحت توحید تعبیر بدین شده اند باید اتفاق کامل کنند. جبههٔ موحدها اتحاد تمام بخرج دهند. زیرا اگر دشمنان دین بدین اتحاد واتفاق تام علیهٔ آگاه کردند بالهای جرأت شان میشکند بسان مرغ که بوزیدن هوا بسینه رزمین میخورد. ای اخوان دین! از بی تعصبات و سیاست ناموس ملی ـ ودین و عناصر مقدس خودکل همت گمارید غیرت ورزید اتحاد کنید که بک وجود وحید. یک سدمتین حدید بشوید! بقین میدانم وامیدم که هرفرد موحد و مؤمن بدین دعوت من اجابت خواهد کرد. از لطف جلیل کریم جل وعلی آرزو میکنم اتحاد واتفاق را نصیب کنم. بدانیم همگی بدانید که اگر قدر یک ذره اتحاد و حیات در میان بیاوریم جزاهای سیاه بحد وسنگینی را در بارمان تطبیق خواهم کرد. این بیانات مرا که مطبوع سلامت باشد بایدار پیش نظر دقت باشد و باشید. همه اصناف مأمورین و علماء و متنفذین را بحرای تلقینات واز شادات مهم دربیاب توضیح میکنم. هیچ شبهه ندارم کفر بأموفقیت و کامیابی اهل ایمان میسر میشود. آیت کریمهٔ (نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین) رانصب العین میکنم. بالتوفیق از خداوند عظیم الشأن است. »

اتلاف مرجع در چه حالت؟

جریدهٔ « آواتی » نام سویه سیاست که در ایتالیا انتشار میابد از لندن یک مکتوبی فرستاده منتشر شده است که مشکلات عظیمه و ضایعات وخیمهٔ مرتکبه را کما حقاً اتلاف متروکاً و لاحقاً اتلاف مرجع گفته میشود از قرار ذیل امور و حکایه میکند: ـ « کیفیت وصول تحت البحرهای آلمان در پیشگاه آبهای مارد انیل، و حادثهٔ غرق شدن کشتیهای جنگی زرجیوش و تریبوف و و و مازنیث، تا انگلیز صورت واضح و علانیه ظاهر میدارد که مشکلات در کی صادق میکند. جریدهٔ « تایمس » کهنهٔ آبهای مارد انیل را به کلمهٔ (مسطر) وصف میکند در عین زمان این را هم اقرار و اعتراف میاید که این حرکات حربیهٔ ذیل که از طرف متفقها اجرا شده است هیچگاه بنظر تحویت و موجب موفقیت دیده نمیشود. جریدهٔ تایمس چون مروج افکار (تونس ویلسو) میباشد، وحکومت حاضره بدست لیبرال، هست از اسباب باک گفته شود که سخن تایمس در بیان بعضی اغراض باشد. مادامکه جریدهٔ (دیلی نیوز) کمتر و مروج افکار جورنالیزم است بر چنین مینویسد: ـ « اگرچنان کیفیت معلوم ود که تحت البحرهای آلمان در جوار آبهای دارد انیل بتدریج دیده خواهد شد. تایمس تحریر کمایحصوت روی دیدن کیفیت پنهان اثبات وجود بتواند. این است که برخلاف انتظار مابین آن تحت البحرها وسعت سیار موثر دستهای کشتی فرانس وانگلیز در آن جا مشکلاتی را که از پیش خود داشتند بار بار مضاعف نمود. با کشتی (بارسیلیت) هشتصد درد وحشت که از آغاز محاربه تاه اوایل ماه مارچ کرده ام. از آنجه ازین چند خواهند شد: بلا انصاف ماهیت خود بحرهٔ آلمان خیلی بیشتر ضایعات داده ام. دولتهای محارب کشتیهای ذیل را از اول جنگ تا ماه مارچ ضایع کرده اند (ن) از قرار ذیل است

کشتیهای اتلاف ملت: ۱۹۰۸۶۲ ن
کشتیهای دولتهای دشمن: ۶۵۷۱۴ ن

از جمله این مقدارش کمار اتلاف متاز ضایع شده است ۸۲۲۲۸ ن آن حساب حربات « آبهای دارد انیل داخلست. غیر از این اتلافی که کشتی تحت البحر بر در پیشگاه آبهای مذکور ضایع کرده اند این اعداد ذیل داخلی بوده است. حالا آنکه اتلاف خیلی افزون کرده

گنهکار تلاف جزای تلاف خودرا میکشد

« گوسپودین » تلوف « کماندر حربهای عسکریه » مشهور بلغارستان بعنوان فوق یک مقاله توشته در یکی از اخبارهای « صوفیا » درج شده است که ترجمهٔ آن از قرار ذیلست: ـ « در میان جنگ دونیای جدید در کیفیتها کمتر میاشد واتلاف آن باحالت دیده نشده است حال روی یک کره کاز زد کی میاید تحسینها وبهای آراسته ودرسلاحهای او دفع کرده شد. ودر جوبهای خود تقاضا کرد آیا این حال: جزای آنهمهای کلان کلان روس بست گناهان آرا فعلاً اجرا نمود وحق مستحق آن شده است؟ ملت ماجزا زدست خودرا گاز ورهر قاتلها عروه وحاصل دوند. فکر وذکا ومدنیت وحریت آنهارا تحقیر کرده رفتند. به استبداد، بعبود، به زنجانهای زمهریر آسیبریا، بطرها ودرهای بعشقیانه خودرا بچان انداخت. عدهٔ حریت، عدالت مساوات دعاوی تبعه جاره بانگ جهان عمومیهٔ آن تلاتاج ایف را از روی یک جند خراب وفهای مسند که حریت استبداد را هدم داشت. پس اگر همچین یک گنهکار کلان همچین جزاهای کلان یکدم چیزی بعد خواهد بود. » جریدهٔ مذکور بعد از حل این مدعا بر انگلیز حل کلام توجه مینویسد: ـ « امروز که روسیه جزاهای گناههای کلان خودرا می کشد، هیچ شبهه نیست که انگلیزها نیز جزاهای مدهش معنوی خلاص نشدن خودشان راه نه بیشدن آغاز نموده انگلیزها نیز مانند روسیه بحقوق بشر رعایت نکردند. اگرچه طرفداران این دو حکومت جدا جدا میباشد. ولی به اعتبار نتیجه در مابین شان هیچ فرق موجود نیست. انگلستان تنها حقوق انگلیزها را نگاه داشت حریت، عدالت وهرچیزرا تنها برای انگلیزها تطبیق میکنند. حقوق صرف برای انگلیزها لایق ومستحق میدانند. اما بقابل دیگر اقوام بلند بساط خود کماه دارند که گویا غیر از انگلیزها دیگر السنها السنه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1431 of 1786

بستند ، برای انگلستان این یك خبر مذموم و مکروهیت کاری شمرده میشود که انگلیزها بنام انسانیت حاکم بشوند . و برخلوفانها بپردازند گمانشان خواهد کجاوز بکنند ، خواهش و آرزوی انگلیزها دراین ماکنن تعرف باز بجزان چیست که انسانهای بیگانه را که در مستملکات وپستصرات شان زیش حکوم شده اند هرآنها را برای منفعت خود بکار وزحمت کشی اندامه کنی شانرا ازدست شان رهانند ، و خودشان بانداقان بدون کاروزحمت زیست کنند ، این است کهسلا انگلیزها بر مانند روسیا به کشیدن جزای این احلهای خود البته محکوم خواهند شد .

از کرسنگی بعضی به دزدی شدند !

از (سمرا) مینویسند : — در ۸ ماه گذشته وقت صبح دشمن مارسا قدر (۳۰۰) نفر دزدها و اشقیا را که از بعضی جزء های اطراف زور پیسه جمع آوری کرده بودند در ۲۰ عدد قطیها نشانیده وقطارآنرا در جاده یك کرو وازوروسطوریدو سوق کرده در ساحلهای دریست نهر ازمیر — یعنی سمرنا — محتکر کرانورهند ، ودزدهای مذکور رفرقه (وجان) هوه آورده بقدر ۱۵۰ رأس گاو ، و ۵۰۰ رأس رمه بدرا چیاو کرده میخواستند که به قطیها بر کردند . اما هاندهٔ مهمه وکفیدار عسکر محافظ آنها مسلح شده خودرا بدزد هارسانیده فرار را راپها کرفتند . دزدها گاوها و رمها را گذاشته قطیها خودرا برقب کردن خواستند . ولی یك قسمی از اهالی که طرف کنار دریا گرفته بودند انهارا کرده چندی کشته وزخمی و بعضی را دستگیر ساختند . دزدها ، آسیمه شده بعضی قطیها فرار کردن موفق شدند و بعضی بنوی جنگلی که دران نواحی بود فرار کردند . دیگر ها که غیال از سیمه جنگل مذکور از هرطرف احاطه کرده بودند زدوخوردی وقوع آمده چند نفر آنها کشته وزخمی و بعضی گرفتار و بعضی فرار نموده ، مقدار کلی اسلحه بدست ما آمد . از طرف ما چهار نفر خفیف مجروح وقوع آمد . ازین دشمنی که بواسطهٔ دزدها واشقیا از دعات دفعه جانب هندی کردن ناموز تجزد کشته عجز تعرف دیگر هیچ تأثیری حاصل نمیشود .

ایتالیا زاری میکند

جریدهٔ ویه کلی ده روند شانو) ازلندن خبر موثوقی که بحراو از واسطه بدست آورده است چنین را نشر میکند : — « ایتالیا ، بدلالت یك متوسط به کابینهٔ ویانه گفته است که کا ترانوستریا بحارستان های اراضی را که پیش از محاربه وعده کرده بود بدهد من از محاربه دست بردار میشوم ، و وعده میکنم که در هیچ حرکات خصمانه اقدام نکنم . و بعد از محاربه باز در معاهدهٔ اتفاق مثلث در آمده عهد و پیمان را تجدید کنم .

شکست ایتالیا در طرابلس غرب

جرنلین : — قطعات عسکریهٔ ایتالیا که در داخل ملك طرابلس بود از نتیجهٔ محاربهٔ شدیدهٔ که باعاهدین نموده اند به ضایعات جسیمهٔ دوچار شده بطرف ساحل فرار نموده اند .

ایتالیا دستخط نکرد

خبر (لوسرن)

یکی از دیپلوماتهای بیطرف که از روما آمده است بیان میکند که دولت ایتالیا وعده داده که رفقایش در پارتجدا گانه عقدصلح نکردن همدیگر شان امضا کرده اند از دستخط کردن امتناع ورزیده است .

آخرترین خبرها

حالت ازمنه بلقان

ازترجمه های اخبار های اردوانگلیزی که تا به (۵) کتوبر رسیده است چنان معلوم میشود که احوال بالقان خیلی تازگشته میرود . اتلافی صربچ روس ، فرانسی ، انگلیز ، ایتالیا از یکطرف باتفاق تمثال اوسترا ، عثمانی ازدیگر طرف دقیقهٔ از بوزگیا والتریکهای سیاسی در بخارا وروسیا ووبان فارغ بستند . وچنان استباط میشود که بلغار ، رامر طرف الان واوسترا وعثمان مایل بلکه تقریباً ملحق شده است . روسیا نیز بسبی که روس از اطراف حلت او مغلوبیتهای پی‌هم دور شده است واز هرطرف درمابین اوسترا والمان محاط مانده است خواه نخواه آزاد نشینی ، ویا طرف اتفاق للاقه بین المال واوسترا وعثمان خواهد شد . از اوضاع یونان نیز معلوم میشود که باتلافی صربستان بسی سیما سر کرو اتفاق نشود ، چونکه حرکات ایتالیا وضبط کردن انگلیزها دوسه جزیره‌را برای مأوای کشتیهای جنگی خود یونان را خیلی رم داده است .

حرکات روزمکه مشرقی اگرچه ازترجمهٔ اخبارها معلوم میشود که روسیا جبهه‌های تجاوزانه کرده و مقاصدهای خودرا پیدا کرده اند ولی چون هیچ نتیجهٔ قطعی ازان پیدا نشد ودرین اخیرهای ماه از بازدهٔ کرفته شدن مانند (ویلنا) یك شهر عظیمی اعتراف کردند هیچ تنبه نماند که آن جبهها هم یك روایت وجهی وده باشد .

حرکات روزمکه غربی نیز همچنین است که از جبرهای جبهه های تجاوز کارانهٔ المانیان هیچ نتیجهٔ قطعی پیدا نیامد . بلکه چنان استباط میشود که جبهه های تجاوزی از طرف مقابل بعمل آمده باشد والمانیان مامور دفاعی جدو جهد شانرا پیش ازپیش کرده باشند .

ازطرف دارد نیل ، وجنوبیت مأوسیت‌کام انقاد چون دیده میشود . از عراق ، وقفقاز هم خبرهای که شایان دقت باشد شنیده نمیشود . تابیده شود که چه میشود .

خبرهای هندستان

« اختلاطچیان رهزن در علاقهٔ تاتولی »

از قصبهٔ « منکرا » نیز کامل « واقع علاقهٔ تاتولی » مدراس خبر یك واقعهٔ حیرتا کی رسیده است ، که چند شب پیشتر قریب ۸ نفر فساد پیشه کان از حال بدبرد ماهتاب استفاده کرده وخود شانرا باسلاح مهلك

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1432 of 1786

مطبوعات خانهٔ بنگلادیش منتشر و منتشر خواهد شد.

(کذا):

از بنارس خبر رسیده است که دیوار های هندو و دیگر بنایی مکاتب انتشارات مطبوعه چیپان و اوراق پاره شدن آن زده مکاتم فرستاده شد.

«پرچمهای آزادی»

(کذا):

خبر کارکنه مطبوعه است که تاریخ ۱۳ ستمبر بنگ پرچمهای آزادی، دیوار کاغذ، جنگ بنگی، از زمان پاشیدند. و بیرق پرچمهای بالاخانه روز ۱۴ ستمبر در کلکته، تقسیم کرده شدند پرچمهای مذکور دیوار عمارت ما را و بالاخانه فرید پور زینت دادند.

«اعلانهای متنوعه»

(کذا):

هر دیگر جدیداً از کارکنه رسیده است که بالا پرچمها آزادی، دیوار های کاغذ های دستی و ... زین، و غیره پاشیده شدند. کار کنان کاغذ فوراً آنرا باز کرده برگشتند. حتی دیوارهای بالاخانه از نقشهای پرچمها تصویر زینت کرده اند.

(مترجم عبدالرحمن محرر اخبار)

آخرین خبرها از اخبار های متنوعه

بلغار بجنگ اشتراک دوید، و بادشاهای آلمان، اوستریا اتحاق نمود. — سفیر های دولت انگلیز و روس وفرانس از پایتخت بلغار مفارقت نمودند. — میگویند که اتحادیهای بالکان دعمان است اتحاق ایتالیا بادولت انگلیز وفرانس وروس خی وافغز شمرده میشود. — (بلکه که پایتخت سابق، و (پایتخت لاحق صرب بود هردو ازدستش رفته، وحال در (انگلوس) که درمجاره اخیر ازدولت عثمانیه صربها رسیده اشتعال دارد. قوهٔ مدد کاری فرانس وانگلیز به صربها از راه وارد شده است.

— از روش حال چنان معلوم میشود که کامل خود قایم است، وان طرف زمان چان نشان میدهد که ایشان — کارصربها به آنکاه لکن کشیده شد. ایتالیا که تا سختی راه هارا برای عذرپیش رفت خودپیش میکردند عذر معقول دیگری نیز برای شان طبیعت فراهم آورده که آن برفهای شدیداست وان راههای سخت. — ازراه کلاه نظری عیچیک خبر مرسی که نتیجهٔ قطعی را نشان بدهد مفهوم نمیشود جنه هاوبیاتها وقدری توپها که ازماها شنیده میشود هاست

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کامل طبع گردید

همه مقاله هائیکه منسلط ندارد از طرف مدیر و سر محرر نخ

محمود طرزی

«پولیس بعادت فساد پیشه کان»

(کذا):

در محکمهٔ عدالت کلکته یک مسئلهٔ مهمه شده کردن یک شخصی «جن» نام دولت عنایت دادن رای اینکه در آینده خوش سلوکی کند یادداشت بود. وروی این جرم گناهکار شده بود گناهکاران وفسادجویان را زده خود یاد میدهد وازسال مد. وقه حصهٔ خود را میکرد. ویک چند افسر پولیس «تهانه» موجی پرا» نیز اعدادان را میکنند. از ثبوتیت این گفت که مجرم قرار واقعی یک قوم خیلی مهمش است وزیاده تر شور انکزار نشده در زد خود همه وقت پناه میدهد وان دردان درقف آدن خصوصیت ومهارت تمی دارند. دو گواه دیگر شاهدی دادند که افسر پولیسهای تهانهٔ کوریز معاون هزکان وفسادپیشه‌گان میباشند. وزدان، خاص درجدود تهانهٔ «موجی پرا» وزدی وقف زن میکنند ویک شاهد دیگر گفت که چون من رای توشن رپوت مجرم موصوف بتهانهٔ کور رفتم پولیسهای دیگر تهانه صاحبدولت نموده از تهانه خارج کردند.

«پولیس قبر کرده شد»

(کذا):

از «بلاسپور» خبر رسیده است که مابین پولیس و یک جند نفر باشخاص مسلح یک فساد سختی واقع شده جانکه تفصیل آن از بقرار است که پولیس اطلاع رسید که یک چند نفر اشخاص مسلح که ظاهراً مظهای امنی معلوم میشوند درامن آباد مقصد آنکار در بلاده بحرسو گشت و گذار دارند. لهذا پولیسها درپی گرفتاری این مردم واحد بالایشان مقابل کشته. اشخاص مسلح پولیس مرکوه. از اشخاص یک چند نفر زخمی شدند. از اشخاص امنی ۳ نفر مجروح شد که از قرار شنیدهٔ یک نفرشان فوراً در جان جا مرد ولی هنوز تفاصیل این قول رسماً قبول نشده. ازپولیسها یازچند نفری مجروح شد. دوافسر پولیس «سترکت» و «سپرنتند» نیز بموقع حادثه حاضر بودند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1433 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت . وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار نجیده آثاری میباشد پرکاغذ اعلا . وخوش طبع دارا . بالصور بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وحال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست . قسمت بخوبیهای ظاهری ومسنونش قیمتش خیلی ارزان . یعنی علاوه (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب . ودر بازار ارگ از دکان باز محمد . ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب هرکس خرده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبسر رسیدهٔ کازار . مطبعهٔ عنایت . کام جانرا شیرین نمائید ! . جزیره پنهان . یک داوایست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای انسان زندگان نوع بشر بنظر گاه وجلوه گرمیسازد . هم حکایت . هم عبرت هرفن . هم فضیلت ! خوش چاپ . خوش کاغذ . خوش تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۹) شش روپیه عمل فروخت نفسی مطبعهٔ عنایت در ده افغانان . دکان باز محمد در بازار ارگ . و دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

مرد اسلامیت

تا چه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

عنصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوقدر اداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دوره زمین بهفت روزه مجلد	۲
سیاحت در جو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	٤
از هر دهن سخنی واز هر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش درب بازار ارگ واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا بکنند باید بر ادارهٔ اخبار افغانیه عاید کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1434 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خود را

یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود جلوگیری کنیم نشد لهذا ادارهٔ مرکزی دارالسلطنه کابل یک مطالبه نموده باداره مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبار را که بهده مشترکین گرامیها رسانده درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنه خود را تنبیه یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای باداره خود شان میرسد .

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه یازده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
هرمانیکه باشند با اجرت پوست	
قیمت سالیانه [ده روپیه انگلیزی] قیمت ششماهه [شش روپیه انگلیزی]	
به شماره اشتراک قبول نمیشود	
یک طلای روند انگلیزی یازده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند	

یاد آوری

برحمهٔ کار دارای نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار اقتضاء اعلان وخبر داده میشود :

اگر ازیک جابدیگر جاروخویا ننمیاید که بیلتر قدمدر وسر محرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم ومثل درفلان جا مجموع اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود را توسط سراج الاخبار اقتضاء اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هردم اعلان واشتهار یکه باشند از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار که پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایع درج شود از یکبار که پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۱ شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — انچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خود را نهایتاً یکسال نشر کردن خواهد دوسه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پیشی از هر سطری سه ثلث اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1435 of 1786

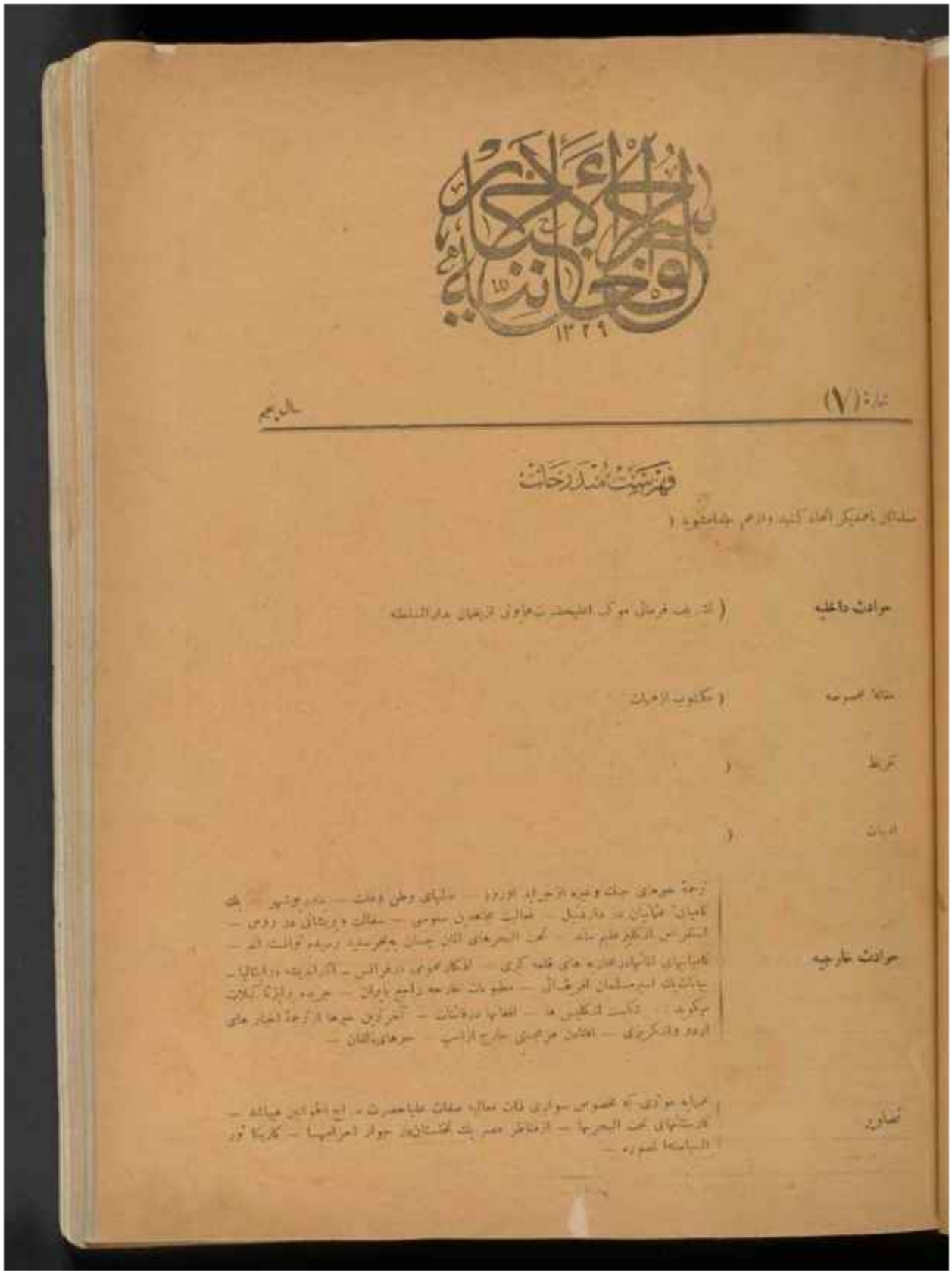

شماره (۷) سال پنجم

فهرست مندرجات

سلطان باحضور الحاد کنید و ارقام جلب شود)

مواد داخلیه (تشریف فرمائی موکب اعلیحضرت همایونی از اعیاد بدار السلطنه

مقالهٔ مخصوصه (مکتوب الاعیان

تبریک ( )

اعیاد ( )

مواد خارجیه | زمزمهٔ طبلهای جنگ و تهیه لوازم آن در اروپا — ملتهای وطن دوست — مذاکرات سیاسی — بک کامیابی عثمانیان در داردنل — عمالیات عثمانیان سوسی — ممالک و ریشهای دور دوس — استقراض انگلیز علیه ملت — لحن السنهٔ های آلمان چسان بکلی عوض شده توانست که — کامیابیهای اتباع دولت علیه در قفقاز — انگلیز عموی در عراق — آلمانیه و ایتالیا — بیانات ملت اسپر مسلمان افریقا — معلومات خارجه راجع باروپا — جریده و مجلهٔ تازه انتشار میکنند — تذکرهٔ انگلیس ها — اعضای پارلمنتان — آخرین سوءقصد از زمرهٔ اشرار های اروپا و امریکا — اعلان مرتجعی خارج از باب — حرفهای آلمان —

تصاویر | عرایض موزی که مخصوص سواری ذات معالیه صفات علیاحضرت پادشاه اقلیم عیالند — کارتپوستالهای تحت البحریها — از مناظر مصر یک تحت البحر جوار اعزامیها — کاریکاتور السنهٔ مصوره —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1436 of 1786

اعلان

از صنایع زردوزیهای مات ساخته حضرات اعلیحضرت سراپرده اقبال و اجلال پناه ظل الله ارواحنا فداه جناب جریل الرحمان ، سلیمان خانه مهار که دارالسلطنه کابل علاوه براجناس حواج دولتی و لشکری مانند آلات حربیه دفاعیه و توپخانه و غیره صدا کرشاهانه و غیره و بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزها ، دیپارتمنت (دکان عبدالله خان برادر قرابت) میباشد.

(۱) سربندهای پشمینه باقی رنگهای مختلف کیفیت آن از قرار گرانکیزی ۳ نمبر مخصص دستار بندی و قطعه جیبی هر طرز وش مورد

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه ها	درجه اول	درجه دوم	درجه سوم	درجه اول	درجه دوم	درجه سوم بندری کلان قیمت کرایه ۱۰ پیسه داخلست
رقم	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ
قیمت	۹ روپیه ۰ پیسه	۹ روپیه ۱۱ پیسه	۹ روپیه ۲۲ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۲۰ پیسه

کروه های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکیزی | کشمیر چهار ۴ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیر هفت رقم ۵ روپیه پنجاه پیسه

(۲) جراب | تکه های چرمی جراب و منجوق دار

رقم	نکه تکه زوج	راه دار زوج	مصنوعی زوج	کلان قندهاری	میانه قندهاری	خورد قندهاری
قیمت	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۶۰ پیسه

(٤) کروه های جدید ساخت

رقم	دستمال دوکره دوکاره	زه بالی یک آبه دو کره سه کاره	چرم بالی یک آبه	یک آبهٔ چار کارهٔ خرد
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۵ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم بالی دسته دولاه یک آبه	چرم بالی دسته دولاه یک آبه	دسته دولاه یک چار آبه	چرم بالی خرکلان
قیمت	٤ روپیه و ۴۸ پیسه	٤ روپیه و ۴۹ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	٤ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قمه دکمی کمر دار دولاه	قمه کلیت مقرار چرم دولاه توکداره	زه بالی رقم سواری ساده کلیت	زه بالی دو کرهٔ رکابی
قیمت	۳۰ روپیه و ۵۵ پیسه	٤ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵٤ پیسه
رقم	رکابی الزغ	چرم بالی جاه چوب پت زکاه	ازدین سواری تیغ چرمی	زکاه ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	٤ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۵ پیسه	٤ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بالای تیغ چرمی	دستهٔ دولاه سالی رنگی کلیت مقره	ازدین سواری دولاه تیغ چرمی گلبتهٔ دار	چرم بالی ملین پت یک آبه
قیمت	٤ روپیه و ۴۹ پیسه	٤ روپیه و ۴۵ پیسه	٤ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جریق	گل نارمان	گل رزیه	گل نیلو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۹ روپیه و ۶ پیسه	۹ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل سمن	گل نسترن	جلیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۸۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵٤ پیسه	۶ روپیه و ۵٤ پیسه

(القصر) (سید محمد هاشم رفیق کار شاه بابا (گلبان نگار)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1437 of 1786

صفحه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۷)

قیمت سالیانه

مدیر و مسئول محترم

محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه

وقایع نامه

۱۳۲۹

در مانشجاه دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه باداره ماه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ۱۵ محرم ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۲۳ نومبر سنهٔ عیسوی ۱۹۱۵ تاریخ شمسی ۳۰ عقرب ۱۲۹۴

یکدو سخن بمناسبت یوم عاشورا
(یا شورا)

این شمارهٔ ماچون باروم مبارک « عاشورا » مصادف آمده است خواستیم کهیکقدری معلومات تاریخیه درخصوص عرض افکار قارئین گرامی داریم ، وازنقطهٔ نظر (اتحادالسلام) یعنی ملاحظات ماجزائهٔ خودرا درخصوص سرد وانیان تقائیم :

« عاشورا » در ترد مسلمین بروز دهم ماه محرم الحرام اطلاق میشود که در روز مذکور واقعهٔ پرفاجعهٔ کربلا بوقوع آمده است. این واقعهٔ جانسوز ! با انکهٔ ازچندان واقعه ها نیست که هر فردی از افرادمسلمین رااز وقوع آن کاملاً باخبار ! دانسته ، ودرصفحه های تاریخ اسلام یک لکهٔ عظیمهٔ بدنمای یادگار گذاشته است ، هیچقوم ، هیچ ملت ، هیچ هیئت اجتماعیهٔ از امت ناجیهٔ « محمدیه » صلی الله علیه و آله وسلم نخواهد بود که به اهل بیت الاطهار چنان حسن عقیدت و احترام ضرورانه ، عقیدت اهل بیت یکی از ارکان عمدهٔ اسلامیت شمرده میشود. استاهل بیت اطهار ودانستن مدرجهٔ عشق محبت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم را در دل کائنات گناه عظیم و ذنب جسیم را در بردارد . ناچار چون این روز « عاشورا » یعنی دهم ماه محرم الحرام مصادف سنه (۶۱) هجری ، حضرت سیدالشهداء حسین ابن علی المرتضی رضی الله تعالی عنهما که سبط رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم باشد بامیدی از خاندان رسالت بانصورت بطیع وام انکوری حرباً شهید گردیده الخ ، ازین سبب این روز (یا شورا) یک روز ماتم و حسرت عمومی اهل اسلام شمرده میشود .

کیفیت وقوع این واقعهٔ الیمه چون در کتب تاریخیه بتفصیل بیان شده است وهرکس ازان خبردارد بند کار آن درینجا اراده نمیشود. مگر همینقدر گفته میشود که این واقعهٔ جانسوز ، در نام اسلام از بدترین واقعه های جانگداز الم انگیز وفاجعترین مصیبتهای درد آمیزی میباشد که دیگر مثیل و مانندی ندارد . اما چیزی که در نظر ما اعظم مصیبتها واکبر بلا گفتها شمرده میشود ، جانانشقاق وافتراق ومخالفت و منافرتیست که از نتیجهٔ این واقعهٔ اسفناک در هیئت اجتماعیهٔ اسلامیه پیش آمده است . این مصیبت افتراق ازچندان مصیبتهاییست که ارواح قدسیه را بلرزه میآورد ، وریشهٔ شجرهٔ مقدسهٔ اسلامیه تیشه میزند ، بنیادقصر مشیدهٔ دین را بانهدام تهدید میدهد .

مدارج علوم ، ومعارج قدسیهٔ کرسای آن بزرگان دین بوده و آنچه شده چه اسباب باکهٔ آن برعین جانانهای طیبهٔ که در کربلا پیش آمده چه موقوف بود ، ازادهٔ از لیهٔ سبحانیه سیدالشهداء تمدن آن ذات قدسی صفات را برلی نمودن عین مراحل برخدا راه آلا ، وا کمار این دارد نیای نا پایدار منوط بانشته بود . هزاران حسرت و افسوس است که ازان واقعهٔ جانگداز (۱۲۷۳) سال تمام گذشته و عداوت وبغض ایران وافغان را برایکدیگر چنان مجسوم میشود که گویا ملاسوز بوجود یافته باشند ! حالانکه جهت قاتل و مقتول نه ایران و نه افغان نه عثمان بودند ، بلکه از قوم وعنصر وجنس واحدی بودند که هیچ جهت تعلق نداشت . این است که در نظر ما اعظم مصیبت وافدحترین فلاکتهاییکه باقی همین بیخ وبنیاد است که درین هیئت اجتماعیهٔ اسلامیه وکشاکش مذهبیه ، افتاده الصقوا کل الخیر بعاشورا آمده است .

این افتراق واشقاق ، زخم عمیقیست که در ذمهٔ هیئت اجتماعیهٔ اسلام پیدا شده ، واز همین رشته سست گسستگان حقیق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1438 of 1786

دین یکانگی موقوف و کامیابی درمیان آن‌فلسفهٔ رضیه و جوانب دعوت گردیده است . نخستین ضربهٔ افتراق ـ ضد وحدت اسلامیه ـ که شده ، وبگانه حربهٔ اتفاق که وجودمان را از میان دو پاره کرده عالمین مسلمٔ شیعگری وسنیگری میباشد . حالانکه در بصری که اسلام خلا کنونی بسیار قلیلی گرفتار آمده است ، از چنین افتراقها و اتفاقها بغیر ضرر و خسارت هیچ فایده و منفعتی حاصل نبوده ، لابد وضروری ست که همهٔ امت ناچیه که بسلسلهٔ الذهب کلمهٔ طیبهٔ (لااله الا الله محمد رسول الله) مربوط میباشند اگر در شرق وشمه وگر در غرب ، ازهرقوم وهر عنصری که باشند ، باختلافات فرعیهٔ مذهبیه اهمیت نداده بلمهٔ مبرمهٔ (اتحاد اسلام) رالتشبث وتأیید نمایند اگر هزار بگویند که من مسلمان ایران ام ، آدیگر مسلمان عثمانی ، اگر صدبار بگویند که من مسلمان افغانی ام آدیگر مسلمان هندی ، اگر کلهٔ بار بگویند که من مسلمان جاوی ام ، آدیگر مسلمان چینی ، اگر هزار ها بگویند که من مسلمان مصری ام آدیگر مسلمان مراکوی ، اگر فقها یراند که من مسلمان بلوراالنهری ام آدیگر مسلمان هندی هیچکدشمنان حقیقی اسلام ومسلمان حواله‌سیع قبول نخواهند کرد ، وتا وقتیکه وحدانیت آله واحد جل وعلا ، وپیغمبری خاتم‌الانبیا محمد مصطفی علیه‌السلام والتحیا ، و حقانیت قرآن مبین ، و قبله‌بودن بلدالامین ایمان کامل واعتقاد حواصل مسلمانان رکال باشد اگرازهر گروه واز هرعنصری که باشند ، ودر هر گوشهٔ از گوشه های دنیا که ـ کی باشند ، درنظر آن ملتی که درکرسی خطابت راسده وقرآن رابالاکرده گفته که : ـ « کان کتاب واحکام آن دردنیا موجود باشد آرای رایها مفقود است » جاهدام وانهدام محکوم خواهند بود .

بنابرین برای محافظهٔ ما وحمایت اسلامیت ، تحابها واساسهای سای معظم « اتحاد اسلام » را کاساً ، شرعاً جهٔ مسلمانها بران مأمورند ضرور بصد ضرور باید وضع گردد ، ودرخصوص هیچ یک از ملل واقوام مسلمانان روی زمین غفلت وبی‌پروائی نباید بکنند ، وقدری که وسع‌شان رسد درترویج همین مدعا کوشش ورزند ، عدما این‌نیست که همهٔ مسلمانان دفعهٔ بدون بتصیب غیر دست‌بشمشیرشده برملل غیر دین خود غریب‌وبتقیم کنند ، نی ، بلکه مدعا این‌است که همهٔ مسلمانان روی زمین همدیگر خودرا برادر دوست دانسته باشند ، به خیر وشر ، ونفع وضرر همدیگر خود را شریک شمارند ، تمیتوانند بدرجهٔقدرت وطاقت هدم ، عدم ، ظلم ، بعدم ، بهم‌خیالی بهم فکری ، بهم دردی ، بهم روی ، بهم آبی ، بهم گوئی ، بهم‌شوی یکدیگر خود مدد ومعاونت ، خیر وبر کت برسانند .

رابطهٔ مشترکه که مسلمانانرا یکدیگر شان مربوط داشته دین است . دین در قرآن مبین ، و پیروی سیدالمرسلین است . تاوقتیکه خرافات ، وتشتت واختلافات ، واعتراضات درین داخل نشده بود ، اسلام وجود واحدی بوده جهان گیر شده بود ، قرآن کریم است که « اتفاقوا بحبل الله » ـ یعنی تحقیق که همهٔ مسلمانان برادر همدیگر هستند ـ فرموده ، فرقان حکیم است که : ـ « و اعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا » ـ یعنی همه بحبل محکم گیرید وبیان خداوند را یعنی دین را ـ همه شما وهیچگاه ازهمدیگر جدا مشوید ـ الحمدلله حضرت قهرمانان دیندیم ورهنمای ما گردیده صفات ماحیه وعن ،

سبل السفوة واشقیات در « جنانوباع » رشاهلهٔ بلند جبل عرفات ده ازصدهزار مسلمانان گذرانیدند آخرترین خطبهٔ بلیغهٔ رسالتپناهی خومتارا چون بیان‌فرمودند بلندقسم مبنی ازامور اساسیه والتحاریه امت ناچیهٔ شارا تلقین داده اند که تنها معنی فارسی بعض فقرات آن خطبهٔ مقدسه را درنجا میکارم :

« ای امت من ! سخنهای مرا که بشما میگویم بگوش جان بشنوید ، زیرا امید ندارم که سال آینده درنجا درمیان شما موجود باشم . ملت قدسیت وحرمت این روز ، این‌ماه ، این بلده ، مال وجان هریکی ازشا بردیگر شما مقدس وحرام است . اینرا از خاطر خود بیرون نکنید که چون بحضور رب‌العالمین رسانید از همهٔ افعال وحرکات خود تان بجواب دادن مجبور خواهید بود .

« ای امت من ! چنانچه شما رزوجه‌های خودتان حقدارید ، زوجه های شمانیز برشما حقدارند . باآنها بحرفق ، ملایمت معامله بکنید . آنها شمارا دیعهٔ الهیست . شمارا امرخطه وصیت شان برشما فرست .

« ای امت من ! سخنان مرا بیاموزید . بدانید که همهٔ مسلمانان بایکدیگر برادر میباشند مال یکی ازشا بردیگرشا حرام است . مگر که خود آنشخص رضا ورغبت خود بخشش بکند دراوقت حلال‌بودن دراجرای ناحق وبیعدالتی پرهیز کنید . کسانیکه درانجا حاضر اند بغیبتان مرا و کسانی که حاضر نیستند نقل بکنند . »

این‌است کلمهٔ آن‌مجمد خاتم الکتب واحادیث‌منیف حضرت‌خیرالبشر برای اتحاد ، اتفاق ، اجتماع ، عدل ، احسان ، امداد ، معاونت ، حسن رفق وبی‌خوبیهای دیگر امت ناچیهٔ محمدیرا بیکدیگرشان امر وارد فرموده ، واز تفرقه ، و جدائی ، وبغض و کین وحقد وحسد وبدیهای دیگر مسلمانانرا بشدت منع وتحذیر نموده ، پس از چیست بوجودیکه همهٔ مسلمانان روی زمین بیک‌قرآن ، بیک‌پیغمبر ، بیک‌ایمان وتوجیه دارند ، وهمهٔ شان کلمهٔ مقدسهٔ توحید خالق وجید بر زبان میرانند وبدل تصدیق می کنند ، چرا بغض وبدشمنی همدیگر را درول پرورانند ؟ علی‌الخصوص درچنین وقت وزمان که از جمیع ملل عالم باختن ، وبیشت اجتماعیهٔ خود افزودن لازم است .

آه ! هزار افسوس که این اختلافها و جدائیها وبغض ها و کینها را درمیان امت ناچیهٔ محمدیه (ص) خرافات ، احتراسات ، اغراض شخصی ، امراض روحی بظهور آورده است . وگرنه دین‌مبین ملت اسلام از آغاز ظهور خود درجهان اسلوبهای بسیار عالی ، وبسیار روشن وبسیار راست که‌بموجبهٔ آنرا هرقدماغ ، وهرفکر بسیار صیقل وآسان بکنجد تأسیس وبنیاد یافته بود ، واز حرف و عملهای که در انتقادات مصریها ، ایرانیها ، هندیهای قدیم موجود بود اثری درآن پیدا نبود ، جهات که رفته‌رفته این‌حرفها هرآمد ، بیانات وصورت فلاکت‌بود ، دردهای دیانت‌ما خودرا نمایانده ، وسع واشتا نموده بحرورایام بظهورپیوست ، هر وقتی نگرنجهٔ دیده مراجعت کرده بایک اندیشه وفکر بسیرت که بحالات وتفریقات ان کوایف پرداخته شود بی‌حقایق وسیع این‌تفرقه‌ها وجدائیهای اهل اسلام ازیکدیگرشان پیدان علانیت خواهد کرد ، درنجا کنجایش آنیه تفصیلات را درصفایف جریدهٔ پیچیم . وهم از اصل مقصود خود که دعوت اتحاد است دور نشویم ، یعنی مباحثات ومشاجرات مذهبیه سطحی منجر میشود ، حالا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1439 of 1786

بتوان وان زمان کنجایش اینچنین چیزها را ندارد . وقت آن گیاه که گویند محمدی (ص) از لفظهٔ دامهٔ عنایت یزدان خود آثار خود ما را باز کنیم ، از خواب سنگین رخوت و بیتالی بیدار نویم . مناقشات فرعیه را بطرف بالا گذاشته بررسیهٔ تدریسات حال بامیال حاضر بمطالعهٔ علاجهای اصلیه مشغول شویم . ازینکه برسمی بالغ شصت هزار و دویست سال پیش ازین همهٔ عمر خودرا بکره زمین بسر آوریم بهتر است که رحال موجودهٔ فلاکت آلودهٔ مصیبت آمودهٔ دقیقهٔ حال واستقبال خود کره کنیم . والحاصل چون وجود شخص مقدس بانی اسلامی از امراض مزمنهٔ تفرقه ونفاق ، بی فوت وقت درت کرده است چارهٔ یگانه ، و مداوات عاجلانهٔ آن رفع عوامل تفرقه وقوام ساختن اتحاد است .

با ازینکار « سن » نام طایفه بیالای چه امید خواهیم کرد که چه در قوت وکاپیدرجه متانت را حائز خواهد بود ، کیفیت عقل احتمال میدهد داد که آن تاریخ در حال انفراد خود یک طوبه بزرگی که فروغرها ثلث را مالف باشد کشیده بتواند ؟ هیچ احتمال ندارد ، حالا یکپارچه حال کار « سن » را از حال انفراد برآورده بامیاری از کارهای دیگر حال طایف تاب اتحاد دهید ، ویک زبنبان محکم کافی ازان وجود بیارید ، ببینید که بچقدر طوبه چقدر تعلقها را کشیده میتواند ! همچنین است حال افراد ، واتحادات وملل کا گر منفرد باشند هیچکاری کرده نمیتوانند ، امابمینکه متحدالفکر واتحاد شوند قوت ومتانت فوق العادة را حائز شده به استحصال واستکمال هر گونه اسباب رفاهیت ومعیشت مدنیه ، و وسایل ترقی وسعادت بشریه موفق وکامیاب آمده ازتجاوز اغیار محفوظ ومصون میمانند .

مسئلهٔ اتحاد امت ، اولا ازافراد عرصات حداجدا آغازباید کرد ـ یعنی عرصات اسلامی درهریقعه وهرخطهٔ که سکونت دارند اولا درمابین خود شان رشته های اتحاد ویگانگی را تاب دهند . این راهم بگویم که حاصل ازاتحاد این نیست که وجود های خود را انسان مانند خیر یکدیگر سن بهم یک وجود سازند ؛ چرا که اینچنین یک کار خلاف طبیعت درنصور نمیگنجد ، مقصد ازاتحاد ، متحدشدن فکرها وخیالهای ملت است در یک نقطه که اهمترین آن نقطه ها درموقف حاضر هانا نقطهٔ آزادی بانی آن ملت است ازاسارت اجنبی غیردین وغیرملت . اگر دین اتحاد تمام قوت ووکال متانت مستحکم کرده ، وملل اجنبی غیردین وغیرملت ازین یک امین وخاطرجمع شوند که درفلان مملکت همچنین یک اتحاد فکریه واستقلال وآزادی شان موجود است ، درانحال هیچگاه خیال وخاطر خود درخواب هم تجاوز واستیلای آن ملت متحدالفکر را گذاشته نمیتوانند . آیا اگر این اتحاد فکریه مابه درایران موجود میبود ، ودشمنان ازین یک بقوی خاطر جمع نمیبودند که دران ملت یعنی چنان اشخاصی که تخواه خوار وگرویدهٔ دام اسرار شان است موجود میباشد . آیا برین یک جرأت ورزیده میتوانستند که درچیره های قصر های پترسبورگ ولندن درپیش میزهای سیاسی خود نقشه نقسیم آن ملک را بنام منطقهٔ نفوذ در خریطهٔ عالم بتوانند بکشند ؛ اگرچه درباب وطن مقدس مادر بهمالسیب ها همین خیال ها افتاده بودند اما ملت افغان اتحادوند عظیم الشان خود مابودنها « بدون شکران بیالان ادامیکنند که ملتبدوجود مسعوداعلیحضرت « سراج الملة والدین » بلندپایه بدارمغزتر هوش جسور وغیوری به آنها احسان شده است که بتدبیر شاه ورأی رزین فرزانهٔ نفس نفیس خویش ملت ووطن را ازان تهلکهٔ عظیمه وارهانید .

همان سخن را بازازدست دادیم ، لهذا باز برصدمحت خودرجعت کرده میگوئیم که اینیک غلطاً وخلطاً ثابت شده است که اتحادواتفاق افکار و آمال ملت ، شیرازهٔ کتاب آزادی واستقلال ، ورقی واجلال امت است ، وتفرقه ونفاق که ازشتت واختلاف مقاصدومنافع ملت بظهور آید — یعنی هرکس بدیگرمقصد ودیگرمنفعت خدمت کندباعث اضمحلال حقوق واعتبارات شرف ملی آن ملت خواهدگردید ، ملیونها ملیون نفوس ماوراء النهروهندستان که درنتیجهٔ آنچنین اسارت مضمحل شده اند ، سبب یگانهٔ آنرا چون درتاریخ تحقیق کنید غیرازین نشئت مقاصد واختلاف منافع ودیگر چیزی نخواهید یافت .

حضرت حق علیم درفرآن حکیم امت مرحومهٔ محمدیه (ص) را خطاباً میفرماید : — « ولا تکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد ماجاءتهم البینات واولئک لهم عذاب عظیم . » — شما باشید مانند آنهایی که ازهم جداشدند ، وباهم اختلاف کردند ، بعد ازانکه برای شان آمد بروبراهین قاطعه وبینات ساطعه . وآیاست که برای شان عذابهای معلومداری مقرر است — این آیه کریمه بک امر وتنبیه مؤکدیست که برای همهٔ مسلمانان روی زمین شهراه هدایت وسعادت شمرده میشود لهذا بایدمان باشد میکوئیم که درچنین عصروزمان که دشمنان دین اسلام در هرطرف — یعنی درترکستان وماوراءالنهر وقفقاز وهندوستان وبلوچستان ومصروسرا کوودیگر بلادافریقا علیه نفوس اسلامی را درزیرانگیخته های اسارت آورده ودربارهٔ ایران ووطن عزیزمقدس ما افغانستان ، ومقام خلافت عظمای اسلامیان یعنی نقطه های استقلال واقتدارآنه ، وافکاراسارت پروراه کشیده بودند ، وبجهوداستعمال همه حکومتهای اسلامی کمربسته بودند ، ودرعین عالم بود که این افکارفاسده ، ونوا یای غدارانهٔ خودرا ازقوه بفعل هم میاوردند . اما ازانجا که ذات اقدس ارحم الراحمین جل وعلا وعده فرموده اند که — « انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون » مسمی ذات اقدس باریتعالی جل وعلاست که کتاب قدیم وفرقان حکیم واحکام دین قویم را نازل فرموده وذات اقدس اویتعالی است که حافظ ونگهبان آنست . — بنابرین وعدصادق ذات اقدس خلاق مطلق بود که برگزیده گان آن کتاب مستطاب درینوقت مزاران ابواب عذاب را بازنمود ، وملکهای انتقام را ازمرکزاورو را آنهامنبسط ساخت که نزدیک است که انتفاضهٔ بنیاد شاورا ازجا هستی وبردارند . معهذا درینوقت وفرصت برهمهٔ مسلمانان روی زمین ضروراست که اختلافات وتفرقه را ازمیان برداشته بنیادهاوه دامای بنیان اتحاد واتفاق را درمابین خود شان قایم ودایم دارند . وبرخود رحم آرند تاخداهم برآنها رحم فرماید . والسلام علی من اتبع الهدا .

حوادث داخلیه

تشریف فرمایی موکب اعلیحضرت همایونی از پغمان

بدارالسلطنه

از فضل وکرم نامتناهی باریتعالی جل وعلا مرس عارضهٔ مدهشه‌ئوا که برشهر واطراف آن مستولی شده بود ازیکماه به اینطرف سراسر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1440 of 1786

رفع گردیده است . حقیقتاً که بسبب این جاری شهر عزیزما یک ناگوس غم و پریشانی و یک اندوه و سرگردانی پرشدائی فرا گرفته بود. هیچکس از زندگانی خود برای فردا امیدواری نداشت ، یا یک میدان تجارت را کسانیکه در صف حرب موجود باشند سبب تکرار تری گله های تفنگ و تشریق خطه امیدوار زندگانی خود نمیتوانند بود. حالا فرض مدعیهٔ وبا نیز همچنین بود . اگر چه از انسام قضایای آبال درهیچوقت وهیچ خطه دهان یافتن امکان ندارد ، ولی وهم وهراس واندیشهٔ که در وقت این بلای مبرم بدلها مستولی میشود هیچ وقت امکانیت ندارد. انسان درخانهٔ تنیمکده خود درآنانی که یک حالت بیمی نشسته باشد، دفعتاً از اطراق خانه های همسایه های خود یک گریه وواویلای بلوشش رسیخورد . دلها تواسها را یک خبر و اندوه و یک ترس و بیم پرستوه استیلا میابد ! هنوز ازان اندیشه فارغ نشده که خبر کدورت آلودی باصابت یک دوست و آشنا ، ویا یک خویش واقربا مانند صاعقه گوشزده میکردد . اضطراب واضطراب می افزاید . دربعضی خانها کدان خانه ویران داخل شده یک قتل عامی اجرا کرده که کدا ماده وهمه را ، وخانه سراسر بسته شده خانه خانه‌اش تحویل اللاتر شده است. درعمارتها چون انسان درزیر باران گلها میدرایند. درمیدانهای حیات غشای مدافعه‌تین ودولت ، وعاطفهٔ شرافت وطن وناموس ملت ، وتر روهای منحرت انگیز ظفر وغلبه بردشمن ، پارهای" دادن خاک یک متدس وطن اسارا قوت ، جسارت ، غیرت وتهور می‌دهند . حالانکه در شهرهای کدان بلای ناگهانی وبا حکمفرما باشد ازینگونه امیدها هیچ چیزی پیدان نبوده قوت وجسارت عمومیکرده ، دلشکسته ، دست ودپاسته همدیگر خطه منتظر موت می‌بینند !

یک کدورت ویأس پرحسرت دیگری که بسبب ایرس مدهشه شهر عزیزما را فرا گرفته بود ، فالا خالی ماندن شهر بود از وجود سلطان آمول ذات مراحم سمات پادشاه پادشاهان و دین اعلیحضرت (ظل‌الله والدین) ابوالفتح ابوالمظفر الی یوم‌الدین ، شهریانهٔ یک جسدی بود که جان ماده باشد . هرمیدیدم که اهالی" باضطراب قوأم از جوانب پرسیدند تحسین چیزی که جلب نظر دقت شانرا میکند ، وعزم دلهای شانرا آیاری ، ودیده های افتخار شانرا روشن افزایی" میابد همانا مقابلهٔ عظمت پرجبروت سردودانهٔ ارک مبارک است که علامهٔ تشریف داشتن ذات اعلیحضرت پادشاه معالی پناه مارا در دارالسلطنه اشعار میابد. این است که ازمدت بسیار بود که بسبب تشریف‌داشتن موکب اعلیحضرت همایونی درمقام (یلدیز) نظارهٔ تموجات آن دلپذیر سعادت آیات انظرهای ضداقت کاران پنهان مانده بود .

خداوند عظیم‌الشان را هزاران هزار شکران بیایان که درروشنبه ۲۶ ماه مبارک ذی‌الحجه آن رایت باسعادت بموجبات پرافتخار سراسر بشارت خود تشریف فرمای مو کب فرخندیک موهب ذات اعلیحضرت پادشاهی را پر عمکان اعلان نمود .

بلی ، ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی بسعهٔ روز مذکور بسواری" خرامان" موکب پاشهزاد کان عظام ومصاحبان حاضروخری" معیت شاهانه درجن حضوری تشریف سعادت روبیف همایون دارالزانی مرموف. بعضی ذوات گرامی از متصدیان ملکی وعلمای که بتاراجی وار شاد ذات عالی" جناب مستطاب نائب‌السلطنه صاحب اعظم ـ کفیل یکبت دارالسلطنه تشریف آورده بودند ـ بالیاس عرسی درجن حضوری

شرف بارابی وسلام اعلیحضرت ملوکانه حاضر بودند . و با کلمات مشعوفی" مبارک بایل آمدند .

ذات معالیه صفات علیاحضرت سراج الخواتین قبل ازان روز از تشریف آوری" ذات ملکوتی صفات همایون بسواری" موثر خاص بایل مکرماً شان تشریف فرمای دارالسلطنه شده بودند . شهزادگان عظام دارالسلطنه و معین‌الدوله بمعیت ذات شوکتسمات اعلیحضرت همرکاب بودند .

(سراج الاخبار افغانیه) شکرنعمت رفع شدن بیماری ، ودعای بقای دولت قویشوکت ذات اعلیحضرت همایونی را رفیع الرتبه گردیاید .

مقالهٔ مخصوصه

(مکتوب از هرات)

خدمت پاشرافت جناب نجابت انتساب آقای ممتاز ترقی ماداق مدیر روشن ضمیر جریدهٔ مبارک سراج الاخبار افغانیه را دعا گوی دیرینه عرض میداریم ـ که بعد ازدعا گوئی ازدیاد عمر و پادشاه زیجاه عرفان پرور خود ها خواستیم که بواسطهٔ جریدهٔ فریدهٔ خود بعضی نکات دلپذیر که مبنی برترقی ملت ودولت مابان بوده واز مطالعهٔ کتب تاریخ وروزنامهٔ مبارکه و نظر تجربه بمیان قصران ترقی حواله ملت اسلام رسیده کوش روشنیان وهوشان عزیز خود عاجم ـ تا مجراز وطن عزیزمان از فایدهٔ روزنامهٔ ملی خود بهتر از پیشتر واقف گردیده واز پرورش های آن جناب ادب فاضل که دربارهٔ اهل عرفان دارا واطلاع یافته باشند که هیکله درباب خیرخواهی ملت ودولت خود هاچه نمایند زحمت آنهاچیز مثل ما دور مقبول نظر آنجناب افتاده وبکار شان بموجب آن جریدهٔ فریده دروزی کرشمین بخوبی انتشار یافته ملت اسلام زمین تحسین دربارهٔ آنها گشاده وسنین همکنان سرافراز خواهد بود ـ فلهذا بتابع حب خیالات ترقی خواهی دولت وملت عزیزدارا درمقام زبان درازی برآمده وهموطنان عزیز خود هارا مخاطب عبارت میورزیم ـ گحمدت چهارسال است کهدرروی ماملت ا احسان الهی اعلیحضرت پادشاه توفیخواه معظم ماشتر یک روزنامهٔ مبارکه رافریب بلقب مبارک یاسم سراج الاخبار بتجلیت ترقی وآزادی ملت سنیهٔ اسلامیه امر واجازه داده والحق آن جریدهٔ فریدهٔ بیرا است کهاجتماع الکتریک تمدن سرتاسر دولت قوی شوکت افغانستان روشن نموده ومدیر ادیب نجیب آن نهایت سعی وکوشش قلمی را دربا مانات مبذول داشته وازمضامین آن روزنامهٔ مبارکه خون مدلل کرد که در ابتدا دلهای اوروپ چقدر مردمان ذلیل وحتی ساکنان وحال تابچه اندازه ترقی نموده که کوس عظمت شان کوش کرهٔ ارض کر کرده ودست صنعت شان فضای هوا را رفعت آورده وزبان شان سحاب را مدیده وپای قوت شان آبهای دریاها العجیب الدامغ الیحرهای شان زمین دریا را مسخر نموده ممالک ایالت مقاوم مانده ومصاحبان آبادی دست تعدی کنان ای آنها خلاصی یافته وچاره دلپذیر نکرده بودند که دربارهٔ همجنسان خود کنند دولتهای اسلامیه را که باسم تمدن تعدی های خود ازدست مانده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1441 of 1786

یکدیگر جلوگیری از ضروری و فکر زیاد نکرده اگذاشته بلوحیت خودها قبل گردیده خودرا خدای دنیا دیده را خطاب نمودند ـ پس علاحضرات پادشاهان عزیز خود سوال نامه کاتبی این دیده و عظمت را بگذار توان الشعاعش پیدا نموده خود را متمدن و عالم دوم اسلام را وحشی معرفی می نمایند البته بی تامل جواباً همین جواب را خواهید داد گفتنی ـ اخلاق و اخلاق ـ جانان ـ فواعد خلوقات و خلاصهٔ موجودات پیغمبر حق معبود انبی (احمد محمد) صلی الله علیه و علی آله و زجهت سلامت قریبیت گذاشته و زبان معجز بیان فرمودند که المؤمن اخو المؤمن یعنی بلوحیت و برادری همدیگر امر نموده لاکن بیاخوان غفلت آن سرمایه سعادت ما را مزدوان اوروپا از دست ما و با اغفالات داده و آنرا

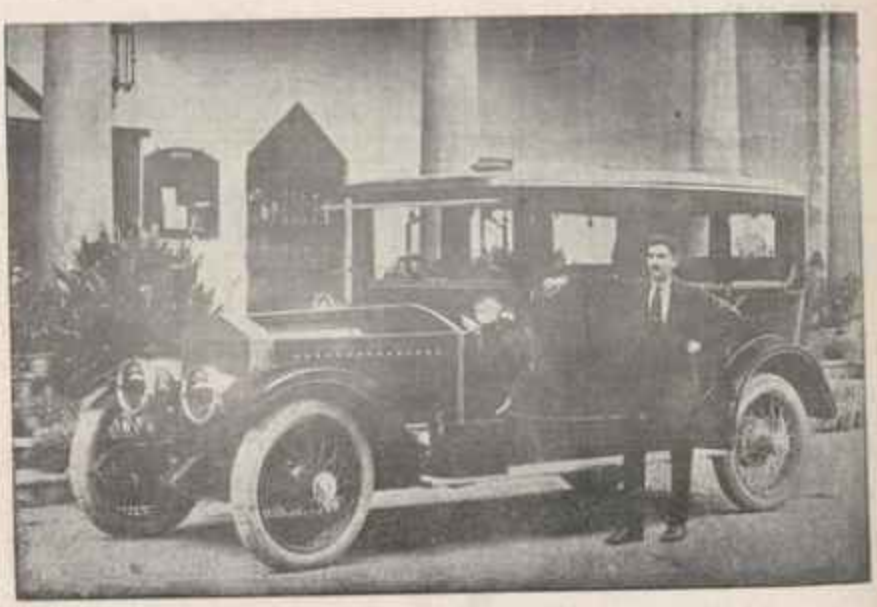

عراده موتری که مخصوص سواری دات معالیه سفات علیا حضرت سراج الخواتین صاحب معظمه میباشد ـ و بهترین موترهای موجودهٔ دارالسلطنه شمرده میشود

قوت از ۴۰ الی ۵۰ اسپ

رفتار در ساعت ۶۰ میل

داده ما را زنده ما را از وادی ظلمت بضیاء رشد هدایت برساند کدام چیزست که این اسم بامسمی را بخود بسته است بجواب خواهیم گفت که گفته علیه (اتفاق واتحاد) ای هموطنان عزیز وای علما و بزرگان ملت وای برادران جوان رشید افغان حال وقت وزمان تغافل گذشته وچشم امید از همسایه و بیگانه برای ملافاه نموده موجهای جون اطراف خودرا فرا گرفته پادشاه رؤف مهربان اعنی در ملت و وطن دادوشاه طالب فرزند فسوده وما رعایای صادقه خود را از ملکی و ملتداری وطن مملکت ودولت شریک نموده و آزادی شریعت غرا که آزادی ما ملت میباشد حسب الاحکام حضرت الهی وحدیث حضرت نبوی صلی الله علیه وعلی اله وسلم بما عطا نموده ومارا ازقید اجانب رها داده چنانچه

عین اوضاع وقوت و شوکت سابقه را که بدان فکر وجواب باری نخواهید داشت بلکه خود آنها همیشه ترقی وملت خودها همین طریق طاروقرا دانسته و میدانند ـ پس حال که بسعی و کوشش پادشاه خود ترقی حواسها این درجه بالا و ازقیدهای آهنین مدبر دوشن ضمیر و معاون جریدهٔ فریده ملتی خودها از خواب بیدار شده ایم لازمست که سعی و کوشش و تردد نموده ان جوهر مقصود را که ان متمدن ها قیمت و قیمت آورا نداشته و در بوقت تحکم (کل ای رجوالی اصله) بطریقه سابق خودها یعنی بی اتفاق و بدون برادری بوده خود بدوران بگردن سکنیدرا گذاشته اند خلل قیامت اتیل و این دست گرفته و خود را بر مقصود رسانیم حالا

عند دربار عالیات پادشاهان که تشریف آورده بودند زبان مبارک فرمودند که من هرازچه شهامت غرمتی محسوب بوده وشهار اهم شریک وفرزند خود میدانم و همیشه ترقی شما ملت را مدنظر کیریا از کرفتاهام چونکه دولت را ازشما وخودرا جزو شما میدانم از خداوند مسئلت دارم که شما اتفاق دهد که سعی و کوشش دولت شکستکیهای خودرا درست نماید زیرا که دولت وملت لازم و ملزوم یکدیگر بوده دولت بی ملت و ملت بی دولت وبنا بقتیل دو کف مبارک را بهم زده کفتند زمانی که بدوست بخورد صدایشه می شود دیک دست صدا ندارد واز این کفتار دربار که هزار هاجان شیرین فدای ان باد نیز از امر اتفاق و عطای آزادی ماملت کدام چیزرا در دولت دیار فرموده که من این مرایه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1442 of 1786

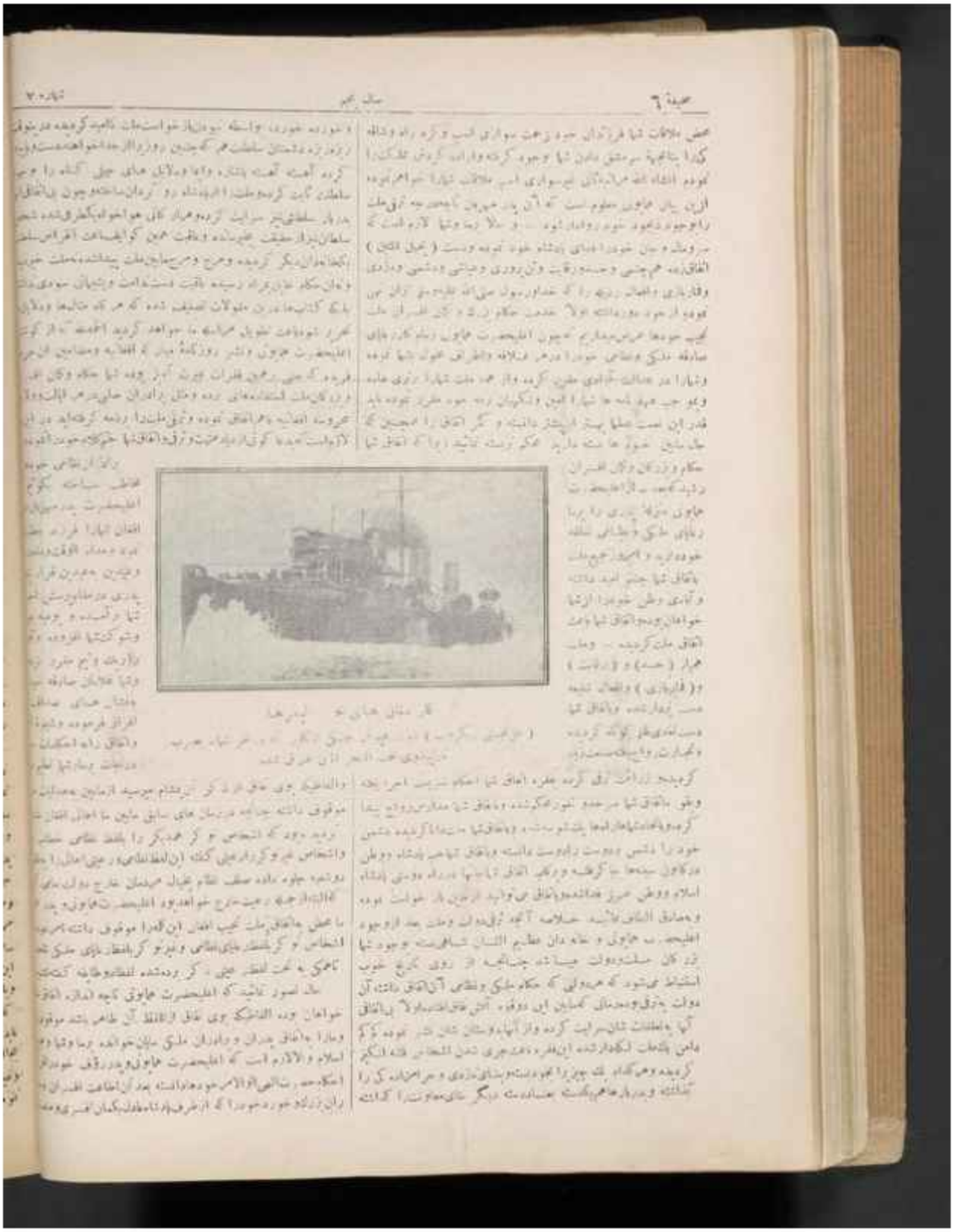

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1443 of 1786

عزیزی شود و خود واجب دانسته و فرار قانون نظام نباشد و حواله‌دار خویش را در زندان حکم واجب‌الاطاعه نماید زیرا که هرگاه خدانکرده اطاعت امثال و حواله دار را نکردم گویا اطاعت حکم صاحب دارو کنان را نخواسته‌ام و اطاعت نکردن آنها باعث مخالفت نکردن حکم کیهان مطاع گردیده و با اطاعتی حکم کان‌لم‌یکن گفته شده و از این قبیل مخالفت حکم پیدا می‌شود و اوامر است بجا آورده نشده شخص‌های معلوم‌بیشوم می‌شوند بنابراین اسلام را از این قبیل نگهدارد چرا که اشخاص‌های و صاحبان این صفت از مکافات اعمال و حدیث شریف جای‌شان در دنیا جاری و در عقبی دایل خواهد بود و اگر شخص‌های روی جنس‌الکواهد بدخدا نخواهد بالغ حرمت بیشتر بود زیرا کرم صلی‌الله علیه وعلی‌آله وسلم اطاعت حاکم را توفیق داده کاهیچین که حال فلان‌مخالفت منصداران خودرا نکردن داریم مداماً بگردن داشته و شاهای عزیزرا قرار محکم و جزئی آیاهدای وطن عزیز خود تمام و گمان نمیران ما راهم خداهدایت کند که مدار راه راست می‌دین و حق و بغض دشمن حق باشد دولت مدار شاه کند —

وبنابرهمین‌قرار است کورر سکر واجب است که پدران و برادران ملکی خود را مرصف طایفه گفته نشوند بلکه پدر و برادر خود دانسته سایهٔ ناموس تاج‌دار عزیز خود را بر فرق خود فرض دانسته و خداوند را حسب‌الامر پادشاه میهربان خود را خود فرض دین دانسته و خدام —

زیرا که همین پدران عزیز وطن است که کتب‌خانه‌ها دار خوانی کشیده دارایه‌حال خاندان داده و سالها را پرورش کرده بکمال رسانیده که حال در راه‌ناموس خود خدمت نموده و دار راق و اسحه‌ملتی خود رفته‌ام —

و همین‌پدران میهربان است که کتب و دروس رحمت‌ها کشیده و سختی‌ها دار خود‌ها دیده در روز های تابستان گرم و شب های زمستان سرد و تهیه‌دیوطن عزیز مدار راحت و فلاحت کرده و صنعت و تجارت کرده از حاصل رنج‌ومحنت و تاجو عرق‌جبین خود‌ها حصه‌ها و شهار از خود جدا کرده‌ها و خزانه های پادشاهی تحص آسوده خالیها و شیا اولادان عزیز ذخیره نموده وی داشته که رای مالهایت تعارف و رها جوش بادوشیا رسیده و میرسد بکار آسوده حال بوده متوجه سرحد داری خود‌ها گردیده و لایت عزیز خود را از هجوم بیگانه چنان عزیز حفاظت نایم آسوده حال بوده و با کوش اطیحضرت هایون را که مدار اقتدار دولت های دولت درست کرده و بیاس عرض خود‌ها مشغول بوده ملک و وطن عزیز مدار آباد و مدار آسوده اسکله دارند و باید بادوشیا از رای عالی هیچ‌زمان معاونت هایی که در ایام های مقدمه های سابق پدران ملکی ما خیرها نموده و شاه شاه عراهان دشمان دولت ما جنگیده‌اند فراموش نکنیم چنین ملت است که مثل ما فرزندان را پرورش داده وی‌دهد که امروز در راه‌وطن عزیز مظلوم ژیر راقدر فکر نموده و بی‌دوده جانهای عزیز خود را صرف ساخته بوده که در روزهای مقدمه‌ها پدران غازی و شهدای سابقه مادر میدان جنگ کان و آب می‌داد واقعه چنین هیچ ملت و دولتی این درجه و رتبه حاصل نشده که رجالهای ملکی و غلاس شان پادشاه و ملت طرفه و ازیک جنگ و یک جون پاشند این وطن عزیز ما و شیا است که همگی طایفه و یک ملت و یک طرفه گفته شده خطاب می‌شوم پدران این ملت عظیم‌الشان و برادران این ملت شکرانهٔ عزیز ما آبی را خلاص و برادران انفصال نشده مثل ترک و چرکس و تار و دوزی و مردم آزادی و غیره که طریقهٔ خلاق است همچنین که حال اجتناب داریم پیشرا اجتناب نموده دوست اتحاد و برادران خود داشته شب و روز بکار خواهد و نظام داری خود‌ها که قانون جهاد گفته می‌شود پیش از مقتضا شامل بوده و خود را مجاهد دانسته رضاجوئی حضرت الهی را در رضاجوئی پادشاه میهربان و شهزاده مکان‌عظام و اقران و صاحب‌نصبان خود دانسته سن عزیز اقدامی و علی‌نجیب خود در رکاب پدر میهربان خود نموده و در این جا لازم است که بعد دیگر تکلیف خود را بدهد

و پدران و برادران ملکی را مواجبه قرار داده عرض نمایم که ای پدران و برادران عزیز فرزندان عزیز وطنی شما قرار اخبار اطیحضرت همایون مطاع اتفاق را دانسته و قدر شما را می دانند شما هم باید قدر آنها را دانسته بکمال آرامی و آسوده حالی بلاش کرده خود را متفق اراده‌ها جمع آوری کرده و متفکرها خود مجلس مبارک مشاوره ملی که ملی شهزاده آزاده باشد قبول سنین السلطنه صاحب‌مشاوره حضار حکم آن میباشد براه‌انداخته و از آن ماشین خانه‌های آده سازی جوانکان قابل رسانیده و خود اتحاد راه‌اصلحه و ... لا های وطن عزیز خود را شوسه و آباد نموده و آن راه‌ها ماشین های زراعت و فلاحت و صناعت و تجارت را از خارج بداخل حمل نموده و دولت خوار خود را رشک حله برین نمایند —

زیرا که دولت که صنعت و اسباب مذکور را نداشته خود مدار امروز که کوس دولت مظفرالان کوش‌ها را کر نموده بقبال دولت‌های معظم روس و انگلیس و فرانس و ایطالی و آلمان و غیره تاب مقاومت آورده و کار را از پیش برده همه خود راه‌های آهن و سیم‌های تلگراف و کار خانه های متعدد نموده در زمانهٔ حال هیچ دولت بدون صناعت و اسباب فی‌الارض یعنی ریل و سرک های آهن که خود آن از ده های معظم را از یک سمت مدرکز سمت حرکت می‌دهد حکم و کار خواهد شد زمانهٔ سابق گذشت در آوقت هرگاه ریل و سرکه ماشین نداشتیم همسایه های حاکم پاس خود خود امروز چهار اطراف دولت میان را سرک های تمن احتیاط نموده و هزار و سه صد دبی و سه سال قبل از این جناب پیغمبر و پیش وای اهل اسلام اعنی حضرت (محمد مصطفی) صلی‌الله‌علیه وآله وسلم مدافع این وزرا باطنان نجیب و پیروان دین حنیف اسلام نشان داده و حفر خندق را در زمان بدیر مبارک خود بن و خلفاء الراشدین مفوات الصدیق اکبر و عمر الفاروق و عثمان ذی‌النورین و علی‌کرم‌الله‌وجهه و در آوقت حفر خندق را مدافع بکار دانسته و با مسلمانان امت نجیب خود سرمشق قرار داده که بجهت مدافع دشمنان و علی‌عزیز خود‌ها حرکت اتحاد و اتفاق کرده دار السلطنه های خود‌ها که عاصمه مسلمانان اسلامبول باشد بدوان خوان خدایر محافظه نمایند ! کمی‌از خود و یگانه دست تطاول و آرزو نکنند پس ما همیان دولت سنه اقضایه که عاصمه پادشاه میهربان اسلامی خود میباشیم و در طبقه از روی جنسیت مذهبی و همیتی و هم وطنی حکم یک وجود و وطن عزیز ما واسطه پیوسته یک حکم یک مدینه را دارد لازم است که پیرو به پیشوا و مقتدای خود هاکوده و دست اتحاد و اتفاق بهم داده بیل‌ها و کلنگ‌ها را بدوش خود‌ها کرده و بیرقها شوق و نشاط روشنی نور چراغ ملت و دین خود‌ها تحت پادشاه میهربان و پادشاه ترقی‌خواه وطن عزیز خود و استعانهٔ جلب آبادی وطن و مدافع دشمن در (وطن) عزیز خود‌ها مرکزهای تخته و بیل‌ها و غیره بوده مدرست نموده و اماده‌ها حاضر آوری کرده و آن و به پیشوای پادشاه ترقی خود که ترقی‌ما خواهان است و ماشین‌ها و ریل‌ها و کان‌خانه‌ها و لایت عزیز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1444 of 1786

خود آورده ومکتب‌های حربی وصناعی بکرده بوده وخودرا ازاحتیاج اجنبی‌ها داده، وطن عزیز خودرا واسطهٔ خطوط راه آهن بهم وصل نمایم که دوملت ضرورت به آسیا وروپی بهمدیگر رسیده در هم وشادی همدیگر شریک باشند باشرح واقعهٔ هیجدهم که درافتتاح اسلامیه حزب حافظ برای حفاظت مسلمانان عدیدهٔ طیه لازم‌بود امروز خطوط سراسر وسیع ها استحکامات وماشین‌ها جهة حفاظت دولتها لازم است زیرا که در آن زمان مثل یگانه محافظ اسلامی سرور وسردار انبیا (محمد مصطفی) صلی الله تعالی علیه وعلی آله وسلم وجود مبارکی که هزارها جان فدای اسم مبارکشان‌باد بجای وتکهای حاضر بوده ساحت بحفر خندق نبود مگر آن کار درحقیقت سر متلق بوده وجهت ساحل اسلام دشمن را منع نمایند کما‌اینکه امروز هم عنوان که مدافع مسلمان وطن عزیز خود را بدارم همان قسم اقدام نمایم امروز ازروی‌فن‌سیاسی تحکیمی هردولت بستهٔ خطوط راه آهن وسرک ماشین‌وتلگرافخانه است ، هردول که‌صنعت داشته باشد قوت دارد واسطهٔ که امروز چهار طرف وطن عزیز جان را خطوط راه آهن حلقه‌کرده ، میباید این قوة فی‌الارض‌را لتقلیم کبیک ساعت هزارها عرحضر شده جانهای عزیز را فدای وطن نمایم قوهٔ مد کوری‌توانیم درسال های گران غله وخوراک یک شهر را بدیگر شهر خود رسانیده دراهر وقتان خود دفع جوع را نموده وقوة ضروری‌توانیم یک ساعت امواج عساکرین را ازیک سرحدیکر سرحد حرکت بدهیم وقوه آن می‌توانیم تجارت خودرا رواج داده وازفایدهٔ آن ملت ودولت فایده ها رسانیده ومزایا دولت مابان وجه کرایه وعصول آن تمو نشده وطن عزیز آباد شود عرفاه‌تامی فایده‌های آن را تحریردوارم باعث تطویل میباشد خواهد کرد هرکس خواهش دارد که فی الجمله از فایدهٔ آن اطلاع حاصل نماید بدو روپیه کتاب جدید الاختراع مطبوعهٔ مبارکه (عنایت) بی ساحت هفتاد روز کرهٔ ارض را که طی مکانی رقم یکاه میرزی ساحت افغان جناب مدیر روشن ضمیر سراج الاخبار تحفی دانش ماسردم خواهد مرکز های آهن خط سرورمان بنی‌و نوشتن شیرازهٔ ازادهٔ جوان بخت هرهان روز بانجام رسیده خریداری نموده ملاحظه نمایند که یک شخصی چه‌آسوده حال خود راه آهن وآب‌کوت های هفتاد روزه‌دور کرهٔ ارض‌را گردش وسیاحت نموده وقیدهٔ هیکلی واسطهٔ شرط رده وهان کتاب جمع فواید را نشان داده شکه در حقیقت معلوم کرده درضرر نبودن راه آهن شکست دولت معظم روس وفتح دولت کوچک ژاپون مثال است زیرا که جمع شکست های روس واسطهٔ نداشتن راه درسنی‌بلاد حذراپون بوده .

بنا بران عرض میداریم که دولت هرقدر کوشش خودرا نموده حتی‌المقدور اسباب ترقی را مثل سرکهای شوسه و رباطهای سراجیه ومکتبهای متعدده وماشین‌خانه‌های حربی وغیره درو‌طن عزیز ایجاد‌نموده امروز زمان کوشش ملت است هرگاه ماوتنا اتحاد واتفاق نموده روز بیست ازاخراجات خودهایس گنجینه جمع‌شفی علیحده ذخیره کنیم مابلیغ‌قران وسال دوازده‌قران شده . الحمدلله بیست‌ملیون نفوس میباشیم ازقرارنفوس مبلغ بیست وچهار ملیون قران میشود بان‌روز یکبیست پی‌انداز بقوة اتفاق بپاشد اینقدر وجه کلی بدست آورده ومیتوانیم که بطریق (اداه) بحضور پدرمقدس مهربان خود کعبه‌حقیقت‌چراغ ملت ودین‌است تقدیم نموده خواست دارشویم کهعین وجه را بالتماس

ظل دولت مابان بطریق اجاره داده و آنرا واداز نماید که سرک ها و خطوط راه آهن وسیم تلگراف دولت مارا درست کرده وبدوسیلهٔ اداه انتظامات هر وطن عزیز مان آباد و هر نظراء آسوده حال گردیده آن‌روزی و کمال از دادران قلیر مابان دورشده وقوة اداه می‌توانم هزارها دسربه داد نموده واولاد های بیچه وطن‌را بپذیرائی جمع‌آوری کرده ودران ماشین خانه های آدم سازی انسان های کامل گردیده وفردا شکسته کی‌های دوران نشانهٔ آنها درست شده وبدوسیلهٔ خواهر دیده بعنوان کاملا ازقیدناجنب خلاص گردیده درمابان آباس وجسور وساحت‌دولت وملت خود مابان خواهند بود

طبعا چونکه دانشمند ملت بدانش نکات ترقی‌شان بسته بطالعه اخبار میباشند ستارین ازجملهٔ حکام وصاحب منصبان وغیره سر جلد های کارات دولتی وارمان و آنقدر سطالعان وطن عزیز خود خواهد داریم که چون‌دانشمند ملت بخیرشان حسب‌الامر هایونی بدانه رقم مابان بصورهٔ ثبا قرار کرده .

ثانیا بر ملت هرگاه هر ارباب وطنه را امر نمایند که همه‌ساله ۱۴ روپیه‌قیمت یک‌ساله روزنامه مارا که ملتی خودرا بطریق (اداه) ازکرده دنیای ساکنی خود که سالی‌هر یک پیسه و نیم پیسه میرسد جمع آوری کرده وبآن میلغ‌روزنامه این ملت خود را خریداری نمایند وبیسه دوپیسه زیادی ساکنی خود را جمع آوری کرده و ان هزارها صاحب دل پدر وبکات مدرسهٔ آن جریدهٔ فریضه واقف وداده‌صاحب منصبان حیث انواع ساکنی خود قرائت نموده جمع ملت مابان شیوه از خورد آنها وفواید حب پادشاه اسلام وطن عزیز شان واقف سازند انشاءالله بدوسال این ملت‌نجیب کوی‌سبقت از جمیع اهالی دنیا‌می‌برده و طی عزیز مابان آبادی‌وتمکنی‌ایشان خود جلب نموده وروز بروز بمدد مبارکه ملتی مابان هر یک‌باشوق و شعف ملت هفته وار وروزانه کرده وهرروم ملت را قوة آن بشارد عنایت رسانیده بطالعهٔ آن ازسخن های عیبت برادران دینی‌ووطنی اتفاق خلاص شده حلقه های اتحاد واتفاق بهم وصل‌می‌گردد .

زیرا که مطالعهٔ اخبار بهر ملتی روحی تازه بخشیده وروز بروز بعدود که طبع انسان‌را روزی کرد ازین‌تر داده وحتی‌هزارها سطر ساخته‌وروزانه امت که حقانیت وترقی ملت خود را ثابت نموده وشر روزنامه‌ها که صنایع فنی وصنعتی ملت خودرا عائدات داده‌روز بروز بعداقت که باتفاق چشم های ملتدرا بدیدن عکس های عزیز وجوانان رشید خود روشن ساخته چنانچه درک مطالعهٔ جریدهٔ فریدهٔ ملتی مارا است که ماهر گمان‌را ثابت‌می‌دهد که واقعات که مثبات عصه خودرا بعلت‌نجیب خود حال نموده وانتظاص خاطر چه دولت‌ثابت عنایم کفاقطه‌نمی‌وکوشش باشاهر قوی ترقی‌خواه ملت‌نجیب‌بافغانیه بیدار گردیده‌وشوق بادشاه‌در‌کانون سینهها جاگرفته ومثل‌زیور عصلی ره چیدان‌سته روح ملت‌اعلیحضرت امیرالطوا عظم‌افغانستان وترکستان حضرت‌ملة الله والدین) خلافة ملکة وساطنته بسته میباشد اخلاقة بین اعلیحضرت همایونی باتفاق های‌ملت رفع گردیده وملت نجیب اهل سخن‌های اصلاح‌ملتی خودرا هرگاه ازبان شخص کوچک باشد باشد هرقبول‌نموده وهمین اهالی افغانست که‌درزمان های‌سابق بلاد کفاررا در حمد معادین شان آنها وحشی خطاب می‌نمودند هزارها غیر جان عزیز را قوة اتحاد و اتفاق بدون داشتن بادشاه غنای دولت عزیز نموده دیگه وجب وطن یک خود هارا بهسایه های اجنبی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1445 of 1786

را کار کنند با وجودی که در آن زمان از صدر طریق نظر تفاوت داشته و آنهم جنگی بوده قومشه چوبین روی چیشو او مقتداء خود حضرت سرور دو عالم روز جزا احمد مصطفی صلی الله علیه وعلی آله که در روز بدر اقدام نموده بودند نبوده از دعوای مطلع مسلمین انگلیس و روس را از نظر دور نموده امیر شجاعت و شرافت خود را کوش زد و نمایان کرده.

در طی دوستی ساعات خوب همین فقره کافی است که چند اسپی جوانان میهن ما غبار نادانی وطن خود متکدر شده بخارجه فرار آورده در انجا بار وطن گذران نکرده و خود را زیر بار ذلت گرفته همیشه جبان پشیمان کصنایع خارجه را آموخته و در زمان فرصت وطن اصلی خود را مراجعت کرده برادران ملت را تعلیم داده و دیده شده که هر کدام که یک صنعتی را از خارجه آموخته چون خارجه را خود دانسته فوراً در صدد آوردن هاوی اسبابهای زحمت را نموده و وطن عزیز آمده زیاد خودها ملت را مستفیض نموده چنانچه از جمله اشخاص مذکور یکی جناب معارف آقاب حضرت مدیر روشن ضمیر جریده فریده مبارک رایه اخبار حضرت (محمود طرزی) میباشد که خود تحمیلات مالی و کمالاتی که داشتند محض حاصل کردن تجربه و دریافت طرز جدید سالهای در جنوب و شمال کشیدن حسب الامر هاوی وطن عزیز مراجعت نموده که امروز بسی و کوشش اعلیحضرت هاوی دفوه فکر جوش الحاد و زندیقی را بین ما ملت رواج داده و ما را بشاه راه هدایت رسانیده و معارف پروری های اعلیحضرت هاوی را کوش زد جهان نموده اما ما دلم کمان را بطن ورود آن جهان نکرده و ساعات هم باید قدر این زمان عجیب و خدمتکار دولت و ملت اسلامیه خود را دانسته شبوروز در حق پادشاه معارفپرور خود دعا کوئی دارم که مثل این مرد معارف آگاهی را ما نور تعلیم ساعات خودمان و در سلطنت ملت نجیب افغان حین کالی است که مهمارا هدیه حضرت الهی دانسته اگر اوقات مبارکش ایلان در میهمان که نجاه یکروده دیگری را مواظفه و زاع نبوده و هرگاه شخص میهمان معاونت مالی و جانی خواسته مال و جان خودرا ازان شخص دریغ نکرده چنانچه مابین ما مردم مثل است که یک زمان یک هر سلطانی شکار خوک در شده یک خوک از شکاه که گرفته در راه گذاشتان خانه های مردم رشید افغان سر پا بوده خوک از ترس جان مابین خانه درآمده و از طرف آن سلطان و شکاریها رسیده شخص صاحب خانه و میهمان افغان حربه های خودرا برداشته بیدان استاده شده جهة سلطان بیان نمودند که این خوک مابین خانه های ما آمده و پناه ما آورده و وجود نجسی آن از شیوه مردی دور است که بقتول آن حیوان نجس راغب شویم آخر الامر چنکمه و خوک را داده و به این واسطه هان مردم واسطهٔ رشادت ذاتی و دل صاف که داشتند حایت خوک را کخانه شان پناه برده بود نموده اگرچه مذهب مسلمان حرام گوشت و نجس میباشد و موسوم بخوکهای خیلی شدید در قومیت و وطن دوستی مابین همین فقره پیش است که هیچ اهالی وطن در زمان ضرورت خود را یک قوم و یک وجود دانسته در راه وطن جانهارا فدا نموده و بی تأمل و بدون از خاندان شاهنشاهی افغان خود دیگررا سروری و پادشاهی خود قبولدار نمی شوم - زیاده زبان درازی را امیدوار عفو نموده دعا می کنم که زنده باد پادشاه توفیقداد دیار افغان و اولاد و احفاد خاندان شاهی افغان و زنده و برقرار باد ملت نجیب و وطن عزیز افغان و روزنامه باد سراج الاخبار افغانستان و پاینده باد دشمنان سلطنت و ملت افغان .

امضاها

عن اکبر کوت دهمدار قندهاری . عبدالله طالب اخلوجدیده

سراج الاخبار افغانیه

(ناطق) تخلص یک شاعر فارسی میگوید : — دارم بدیدم بجان من و ناطق در عشق . کوچه بلبل و پروانه اصبحت گرما « النایه بلبل وچه پروانه بابل که یک گل خوش رنگ خوشبوی چمن . وطن . ملت . وطن دوست مقدار واره . پروانه گرشمع عرفان . ودانشه عرفان و گلزار عرفان باشد از عشق وشوق شرح فدائی داره ایضی از خود بیان بلند مقامان چون این جمله را سراً یا خوانده و امضاء رسید . و در پیش نظر خودشان یکبار یک کوت دهمدار . و یک طالب العلمی و پنجسایک کاف لغوی در صدر ترتیب داده باخود خواهند گفت : — « عجب اماچنان گمان کرده بودم که این مقاله سیاسی . اجتماعی . اخلاق . ملکداری را کدام ملاوانط شیوایان . و یا کدام دیپلومات واقف احوال جهان . و یا کدام افسر بسیار کلان توشته خواهد بود! ودیکر این یک کوت دهمدار . و یک طالب العلمیکی بود ! ... » صاحبکوئم : « بندیکر از سخن هریج مین خاموش . بیکوش متاع جان و جدکان که شکری و . وجدان . دکا . فهم . هوشیاری چیزی هست که در زر اعتبار دارد و محسوس دوات کبارها اقتدارداشته . زیرا ! اینهاهیچ نیست که هر بین قابل و مسلمه‌ی را که باید در انجا نشو ونما میکند . و فکر و محصول میدهد . نه کوههای بلند سر افراز دامن پند . و نه زمینهای پست ماجری هرازراهی اندیشه .

سراج الاخبار افغانیه بکمال فخر و سرور مکتوب صداقت و حقیقت اسلوب این دو اولاد رشید غیور وطن عزیز خود را در سینهٔ محبت دیدهٔ حویشتن حفظ می کند . و برای سرمشق دیکر اولادهای وطن بتمام قلم نشر میباید . دعا های آخرین و جدانیهٔ آزدودل سوختهٔ افتخار آموخته را تکرار علی التکرار نموده آمین آمین ثم آمین یارب العالمین بجاه سیدالمرسلین (ص) میکوید .

بقیه تقریظ دیکر

بسم الله الرحمن الرحیم

وعلی اتصالی جمیع المسلمین الکی جم وسلاح آمین

لحن اخبار حوشا و جریدهٔ فرحت افزا که در جنب نشر کفتار تکرارش نرخ جانشرین ازان بود در اوراق بیاض چین السطورش سلاله نور ظلمت نشان ایباد آن شوراه کنان تیمرها و ازلال کوثر . وسوادش دیده افروز آهو چشمان سیمبر و ! الفاظش را سلسلهٔ آب روان لاوم ومعانیش را اضافت جان ملازم! هاکزار ساله اقبالمند حرس و رتوده دولت شاهانی رفیق مشتاقان انداخت. هزاران شکر که این سال هاوی فال سال بخیر سراج الاخبار ما آغاز نموده رسم مقرر و آئین مستمر کزاشار قدر و شرف تردید و پدیدار آن دیدهٔ انتظار مطلع انوار کردید و عطالعه آن سفینهٔ بی قراری بساحل قرار رسید و معالعه اش شاهد مراد در آمد و طراحی رنکامیزش رقم پزاد و سای خطوط کلیه حون خواص محبت وولا و وضع پرسش و وضع خواهر و نصب باحبه و عبرت : حوش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1446 of 1786

آورده مسلمان و انواع صنایع و دگر مناقبرا که و شرح مراتب عالیه پادشاه محبوب القلوب جناب رفیعوالد اعلاحضرت مرتوشاهر حسابالسلطنه قایم‌مقام الوزرا مدظله العالی و مدالله المحسنین بظل الطیار الامیر ان الامیر اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) لازال مؤیداً خلد الله ذاته الملوکانه و خلد سلطنته و جعل الخیر مقصوداً علی یدیه العلیه که در خلوای آن مندرج است بسیاه سرود عزیت گردیده تنها را و جمیع فارئین کرام را از صمیم دل تبریک می گوییم خصوصاً بدل مسلک است که جریدهٔ فرخنده حبل‌المتین در شیر قندهار برای من هدیه می آید چون مدیر شان شخص باذوق و واقف باوضاع زمان و اعلام میباشد از حق گوئی و نوع مواضع که نهایت محظوظ و ممنون آگریه در بعض جاها در خصوص بعضی فرق ما آن اغراض میباشد سر آن جزیره مشکور شان میباشم دیگر اخبارهای حربی و فارسی را هم دیده و ملاحظه کردم مانند سراج الاخبار سراج الاخبار و زاهد افغان و امان افغان های اسلامی شیراز است شوق افزود عواره مشغول و اشتغال مطالعه آن میباشم موجب ساعت خوشی خلد تا میباشد باقی باین جریده برای مشترکان راحت روح و روان است و این مشتاقانرا مفقود فرخنده شان براخلاص میدان اسلامی مبارک باد و دوران خصمه اعمار دوام جمعیت تحت دلهای پریشان بادهٔ مسلمانان پایدار حضرت دایم الظاهر و گرده اسباب نیل سعادت و رفاهی دولت امیر الاعظم الذی ارتفعت بیده العلوم و المعارف و اطفاء نار الجهل الذی اشتعلت الام بظل عدله السوارف درة تاج الامارة الاسلامیة و واسطة العقد السلطنة الافغانیة ادام الله ملکه اسسه میرام و مالک علی الله عزیز زاده

دل روشنت قابل رازداد درفیض و خاطرت بازباد

فقط سنه ۱۳۳۳ ه مستخط حقیر سیدمیر حسن القندهاری عفی عنه

ادبیات

بامضای «گل» قزاران وارد شده

◄ رمشیر ◄

زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

ای خواب زوده باش بیدار ای مست زباده باش هشیار
ای ماجه شد جان جنک تو ای مست نموسیدونک است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

هان تیغهٔ بی نگر تمشیر از خفتگیوی باز ماند دیر
بشتاب که زندگ زبی برد امروزه وردفتی وشتاب است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

گاچند زبان زغلو بسته از آزادی خویش دست شسته
تو دیده بگشو شبهٔ نشسته کز چشم و کروهای لشکاست
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب که روز زبو جنک است

گاچند خروش وآه وزاری زین پس سزاست زدباری

(۱) = تنک = تنگ

زین پیش بود خوراست خواری فرمان زدن بخروش تنک است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

باز آواز آمد هنگاری اندر سر ره تمناد خاری
همان بزوه زنگ زستکاری از گوش زابسوی زنک است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

کروس بلک ما هنگ زنه گاچند هنگستان نشیند
تادشمن هنگیرش نیاید خودشیه کابستر تنک(۱)است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

هم ازان ومرد دیر ورنا بر آمده شیوهٔ تکاپ
تن در نادن روس جنتا چیانا صیوا بصنک است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

بس رنجه کنیم مان خویش هنگاری توان چرداز پیش
باو من دشمن ند اندیش بر کردن وای والیهات تنک است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

دیگر نزنم دست بر سر دیگر نکنم آه اهسار
دیگر نکنیم دیده هار از ابن پس گاه تارخا(۲)است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

دل جنگ شد از غمزه ارزان کو طلعه رت آن خنجر اوبار
زاندروبن کو است برج ارزان این مرتبه گهنی تنک(۳)است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

این دو دل دل آهوی است این دو زره چهره سندروی است
این اهر بن ماه روی است پاره قول پر زدنک است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب که روز زبو جنک است

خوش آن پلنگ که تیغ آبدار پیکار (٤) برقرار
تمشیر زخون سرخ دارم چندی است کهنیز رنگ است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

از بهر وطن بخاک بکو شم در رزم چنان نیل جوشم
چون شیر دژم بهر خروشم کو دشمن ازدر ویشنک است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

حیدر دور شود زتن سرما گفتم در ما هنگ پیکر
دهیم زچنگ اهسرما کهبر زگیل یکه هنگ است
زخیز زخواب گاه تنک است
بشتاب کهروز زبو جنک است

(۱) = بترنگ = رمی (۲) = تنگ توار تمشیر
(۳) = عنگ = زن آدام (٤) پیکار = جنگ جنگ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1447 of 1786

در عصر که چون نیستان ایم یکسر و سود و سرشتن ایم
میراث و تبر افگن آنیم جاوزه کوی جد زشتن (۱)
پرخیز زخواب گه تنک است
بشتاب کدروز رزم جنگ است

(۱) زشتن = از دلاوران تورانی

ای افشان شد هلال عیان شیر بکشوه شتاب الغیان
غرید از خاور تیر ایران از هر سو مرگ زره تنک است
پرخیز زخواب گه تنک است
بشتاب کدروز رزم جنگ است

الغیان نژاد سیزده بر خاست درع ورزه سپاه آراست
از نیروی دشمنان ما کاست زو بیم وهراس در فرنگ است
پرخیز زخواب گه تنک است
بشتاب کدروز رزم جنگ است

زاد راتی روس بس گزداست این آلتی واند گر سپند است
از دشمن اهریمن بلند است خوئی خرس وزاد اندرنگ (۲) است
پرخیز زخواب گه تنک است
بشتاب کدروز رزم جنگ است

(۲) آندرنگ = هلاکت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1448 of 1786

بلرزه‌ک سوار و پیاده افتاد همه پیش دست داده
جان آمده پادشاه ناده این است سزای او زورگ است
زنجیر زخواب گه تنک است
بشتاب که روز رزم جنگ است

بر کشتی الکیس مگار هر گونه شکست شد پدیدار
زان پس ترک گزاف بسیار کاندر دریا بسی نهنگ است
زنجیر زخواب گه تنک است
بشتاب گه روز رزم جنگ است

شد نیره چو خاک کاخ میدا از دود توپ حشمتو فرسا
لشکر بگرفت دشت و دریا از روی زمین خون رزمین خلتک(۱) است
زنجیر زخواب گه تنک است
بشتاب گه روز رزم جنگ است

فریاد و خروش از سواران مرد گذرد زچرخ گردان
آمد از دود تیره حکمران پی از خون هزار کشتک(۲) است
زنجیر زخواب گه تنک است
بشتاب گه روز رزم جنگ است

از غلغل وغو گوش و کرا شوری افتاد بخرج میدا
خون بگرفت گونه دشت و دریا پنداری چرخ چنبر جنگ است
زنجیر زخواب گه تنک است
بشتاب گه روز رزم جنگ است

شمشیر یلان در این نگاهو آمد چو کان و گاه هیجا گو
لرزه دل شیران هیجا هست این بر دوزخ فروخت است
زنجیر زخواب گه تنک است
بشتاب گه روز رزم جنگ است

(۱) خلتان = ...

(۲) کشتک = روزمره قرمه

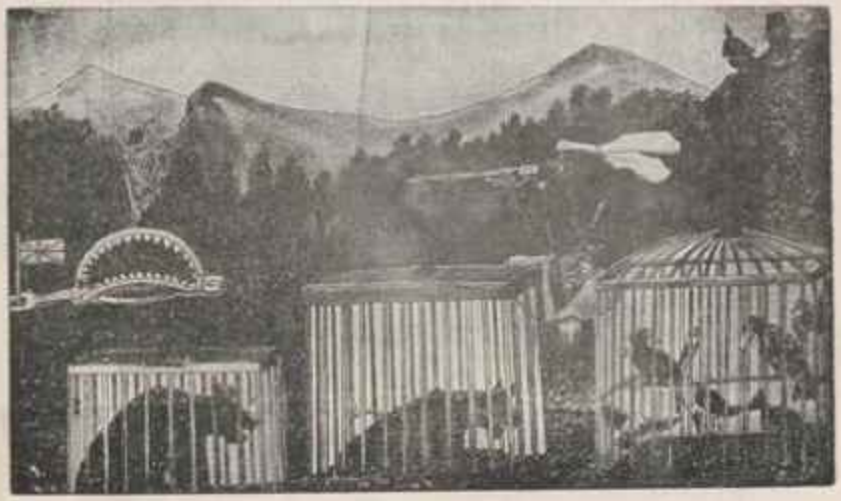

کلاریکاتور

الساعة التسع ...

انگلیز — بعد از اینکه کرکن افرقا و سودان ، و پارت هند ، و سرتاسر دنیا را و مزار هر محیط را در قفسها احاطه : نقشه‌ها داریرا گذاشته ، دیگر جاها را میخواهد چه آن بگیرد و در قفس بکند . فیان دلتان از پشت کوه هم حرکت آورا در زیر نظر ترقب داشته میگوید : — بیوده زحمت ماکش ، وقت تمادی رسیده ، آزادی : . . .

این کهر را خدا برانگیخت برفرق عده غیار غم ریخت
زایشان چندین هزار خون ریخت تاشقم روس و فرانک(۳) است
زنجیر زخواب گه تنک است
بشتاب گه روز رزم جنگ است

(۳) فرنک = انگریز

خواندنی خارجی

ترجمهٔ خبرهای جنگ و هواداری جراید اروپا
حالتهای وطن و ملت

جریدهٔ علوم مینویسد :

در مکتوبیکه شخصی از « شیراز » برای یک دوست خود مشهد نوشته از حالات آن نواحی بحث رانده مینویسد :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1449 of 1786

آقای پل رانشاعی اعتماد وامنیت کردمدور اطراف خود آنهارا جمع کرده وزمام امور عسکری و ملکی را بآنها سپرده که همهٔ شان زبانها گشوده خوار وفدا کار انگلیز بودند ، و همینها بودند که راز گرمن بندر « بوشهر » را برای انگلیزها باز وبسی اسبابها برای آن فراهم آورده بودند . اما درینوقت طمعت آن خائنان دین ودولت ، وبدارزان وطن وملت ازهم افتاد ، وبدرجهٔ کارشان آشکار گردید که بقدر خودشان را کالای انگلیز میکیرند ومیدانند که بیدادست . ازقراریکه شنیده شده آن خائنهارا بطهران طلب کرده‌اند که بکیفر کردار شان برسانند . این خائنان غدار را منافع شخصی وبقای جانهشان شارا برشیده کردن ، وجنان ، ایرانرا فدا کردند ، وبرای دنیای فانی مقدساترا زبال ساختند ، حال آنکه نامهای آنهارا عیب های کرج ملت تاباد محفوظ خواهد داشت ، وخود شان ، وذریت شان نسلاً بالنسل تاوقتی که ایرانی وایران دردنیا باشد مطهر لعنت و نفرت خواهند بود . لعنت بر خائنان دین و دولت ! نفرت بغداران وطن وملت !

بندر بوشهر

جریدهٔ « توپه ورمیا » مینویسد :

درنظام ایران یك خلبان و هیجان عظیمی از ضبط کردن انگلیز بندر بوشهر روی کرده است درا صفهان بیدار تشویق علما و اعیانی نام عتار وقیام برانگیخته اند ، وعهد وپیمان کرده اند که تا یکقطره خون درتن داشته‌باشیم ازانگلیزهارا ازبندر بوشهربیرون خواهیم کشید .

یك کامیابی جدید عثمانیان در دارة نیل

جریدهٔ اقدام مینویسد :

قریب روز به اینطرف است در جبهٔ « انگلیز خانه » نام موقعه عاره های بسیار مهم بوقوع آمده است . جنرال (هاملتون) که اردوی مقدری خودرا کرمن آبنای دارمانیل عبور خودرن ضربه های شدیدهٔ سواریه هیچیك نتیجه نمیده ، ونتها در زده افکار عمومیهٔ فرانس نی ، بلکه درهیچطرف دنیا نیز جنای ورسوایی دیگرهیچ فایدهٔ نیافته ، آخر بمبودای آزادان کاشتار اینهمه تلفکاهی های خودرا بر صورت که میشود باید بکرده ، و هیچ نباشد بحضرات متفقها که درقام جهتهای حرب بغیر الفلاکت ومصیبت دیکرهیچ ندیده اند یك زمینهٔ آوری رسانیده بتواند . مرجه بادادا کفت یك قطعهٔ مهوم وهمه آوری بسیار بزرکی کشیده بود . وبرای ازقوه بفعل آوردن این کار مقدار کلی قوای معاونه — یعنی لشکر مددکار — طلب نمود ، وقرارداد های معمول متفقین را برقاع ساخت کما کر مدد لشکری تازه دار رسانند بهمه حال یك کامیابی عظیمی حاصل میکنند . متفقین اکرچه برای تدارك کردن قوای معاونه خیلی دلتنك شدند ومشکلات بزرکی رخود دند ، ولی بشیار امیدی که جنرال هاملتون » داشتند امیدوار کرده تکلیف هاملتون را در باب فرستادن مددلشکری چاره‌پذیر قبول کردند ، وچنرالها متفقها وخون جکرها قوای اضافیه را بجنرال هاملتون رسانیدند هاملتون همه قوتهای خودرا جمع کرده ، وبصورت شیار شده‌اند و مصمماً برای پیش رفتن خطهٔ کلیدی خود ازسه جانب طرف ژنوامری مستحکمهٔ مهم قوم وجودیش بود محاربه نمود . مقاومت سلانیکی پرحمتهای حدادی ، و مقاومت و شجاعت ملاوران عثمانی از هرسه طرف چنکشهای خاصی ، وتلفات مدهش کرفتار آمدمحالی مقهور ، مغلوب شده مجبور کردید . از قراریکه حساب آمده تنها مقتولین این محاربات سه‌روزه زیاده از یازده هزار عسکر فرانس وانکلیز میباشد . خایعات عثمانی بحسب آنها خیلی کمتراست ، اکثر هجومهای دشمنان بقوت قهر و طابل وشجاعت عدیم المثال عسکرهای بهادر عثمانی زور رچه وشکست وخسارتی کردیده اند . توپه های دشمنی بسیاری نیز استعمال شده است . طیارهای عثمانی نیز بمحاربه اشتراك ورزیده رمواضع مهمه وارد وکاه دشمن بمبهای بسیارموثر انداخته است . طرزهای استحکامات عثمانی چنان آتشباری شدید و تأثیری اجرا کرده که خود دشمن بزاعتراف میکند . عدادین محاربه برای متفقین مراسر نالیدی ازهاردنایل حاصل شده هامیلتون بزودی از کار خود رفته است .

فعالیت عجاهدین سنوسی

جریدهٔ (جیرونالد ایتالیا) ازمصر اخبار میشود :

مأمورین مصر وطرابلس ازطرز حرکت ورویهٔ کهدرین اوقات رؤسای مشایخ سنوسی پیش کرفته‌اند بسیار پریشان و اندیشناك دیده میشوند ، درمابین سنوسیها وحمال پتا که بکرفتن مصر مأمور است ومنتظر اغتیاض راه آهن مقدارکات جمع‌آوری قوای عظیمهٔ مشغول است دایما محاربات جاری میباشد همینکه ازین طرف تحرکات عمومیه آغاز شود سنوسیها همرجه حرکت حاضر و مهیا میباشند . و درینوقت بموقع وضع ایتالیا ازطرابلس کزهت نشانده وازهر طرف اغتیاشها وفشار های سختی براتالیا آورده اند . آخر ترین خبریکه جراید (سویجر زلند) ازروما کرفته نشر کرده‌اند مضمرین است کما کنز ایتالیهای کهدر طرابلس بودنده (میتا) نقل کرده‌اند ودرطرابلس بغیراز مأمورین حکومت دیکر کسی از ایتالی نمانده است ، درمابین شهر طرابلس واطراف آن مناقلات وخارات تعطیل یافته است .

مذاکات و پریشان در روس

جریدهٔ « کیه فسکا زیمسان » روسی مینویسد :

مشیها وخرابهای کهاز شهرهای اشغال کرده شدیکر داخل ملك روس میآیند ، واداکنندهٔ بلاسیاس مذاکات وفلاکت را نشان میدهند ازحد و حساب خارج شده است ، ازهزارها ولکها کمتنه‌حالا بلیونها رسیده است ، شهرها وقصبه وقریه ها وده هایی که بوسیه بدست الثانیا واوستزاها افتاده میرود ومیرمیان آنهاساند سیلاب بلاشبه بسوی شرق روان‌شده میرود بلاستثناء دهشت آوری دارد ، قلعه‌ها قلعه‌های دیده میشود که از مردوزن وپیروجوان واطفال درجنکلها وکهراها وکوهها وتپه‌ها ساکن‌ملجأ پناه شده‌اند ، وهرچه درپیش روی‌شان آمده میرود خورده ورفته میرود ، دهها وقریه‌هارا بعدازانکه غارت وبغما میکنند آتش‌داده درمیکذارند . این فرار ومهاجرت عمومیهٔ اقوام ادوار اولیهٔ تاریخیه‌را بخاطر میآورد . باآنکه روایت شکست سد سکندر وخروج یاجوج ومأجوج را یاد میدهد ، خوف و دهشتی که دلهای این فراریها را استیلا کرده وعسکر و دیکر اهالی سرایت کرده یك داستانکی وبی‌جرأتی عمومی حاصل شده میرود . ازحد بدر کهاین منظرهٔ اضمحلال وپریشانی موجب قیل وقالها وکفتکوها وخبرهای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1450 of 1786

عمومی میشود که تا این حرب بی‌ثمره وبی‌نتیجه کی‌دوام خواهد کرد؟ وحکومت چرا زودی یک‌چارهٔ برای رفع‌این مصیبت عظما نمی‌کند؟ وازین گفتگوها وشروعها اندیشهٔ یک اختلال وانقلاب عمومی درروس پدیدار است .

استقراض انگلیز عظیم مالیه

جریدهٔ (توه فراید رومه) مینویسد :

استقراض سه‌ملیار (۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰) مارق که‌انگلیز میخواست از امریکا قرض بکرد بنابر اعتراضی که ازطرف رئیس جمهور موسیو (ویلسون) واقع‌شد ملغی‌ماند .

تحت البحر های‌المان چسان بحر سفید رسیده توانسته اند ؟

اقدام مینویسد :

درین‌هنگامهٔ حرب‌عمومی بلندترین نمونه‌های جسارت‌وفداکاری‌را قوهٔ بحریهٔ المان‌نشان داده است کابک‌بدر کشتیهای تحت البحرخودرا ازبحر شمال رهسپار دریا نوردی داشته وازدریاها . وآبنا‌های کاهکی با کشتیهای دشمن دیده بانهای هزارفن فرا کرده شده‌بود گذرانیده بامقدار متفق تصحیح خود ترکیا فرستاده بود . این‌طور چون اخبار شایع گردید بسیار کسان بودند که بهیچصورت این‌اخبار نمی‌کردند وآن‌را باور نکردن شان چندان بیجا هم نبود : زیرا تحت البحر ها ازحالات اتایا کمتر نزدیک ترین و راست ترین راههای بحری حرکت کرده بمالک عثمانی بیایند لازم میبایست که یک بحر بزرگ نمایندا ، وآبنا‌های‌آنرا کمتر باین فرانس وانگلستان واقست ، وبحر فرانس‌را وآبنای جبل الطارق را که هرطرف آن بالتحکمات منعقدهٔ انگلیز محاطست . وبحر سفیدرا تمامیا . وبحرروکن وجزیره هارا باجمیعهش کرده به آبنای داردنیل رسیده میتوانست . این راه دور و دراز بشرطیکه درهیچ بندری توقف نشود وسرراست شبه‌روز قطع‌مسافه شوده کمتر از (۲۴۵۰) کیلومتر روی و ۳۳۰۰ میل مسافه‌را مالک است . تحت البحر ها چون اکثر این مسافه را باید درزیر آب طی کنند ، ودر زیر آب در ساعتی از ۸ تا ۱۰ میل درروی آب از ۱۵ تا ۱۶ میل‌قطع میکنند ازینجهت طی کردن اینهمه مسافه‌را خیلی‌بعید الاحتمال میشمردند . مگر آنکه در پشکاه آستا چون آن تحت البحرها بچشم دیده‌شد ، وصرف شدن کشتیهای بزرگ جنگی انگلیز وفرانس‌را بواسطهٔ آن‌تحت البحرهامشاهده کردند هرگس باور کردن مجبورشدند

کامیابیهای المانها در محاره های قلعه کیری

ازنیویورک « آگرانس وولف » :

از آغاز محاره ناحال عسکر های المان در خصوص ضبط نمودن قلعه‌های مستحکمه کامیابیهای خارق العاده نشان داده‌اند . در رزمگه غربی ۹ عدد قلعه‌های بسیار مستحکم ومشهور را فتح کرده‌اند کماز قرارذیل است: (ایلز) (نامور) (نوشوی) (موبه‌دی) (اُمور) (نوئون) (موبوز) (آنورس) (ایل) .هریک ازینهابغایر ازمستحکم بودن‌شان ازشهرها وقصبه‌های معمور ومشهور دیگر شمرده‌میشوند . ونیز در رزمگه شرق ۶ عدد مستحکمه های توقیف را کرفته اند که اینهاست : — (ناوونیل لیه) (ژوه) (لمزا یومل) (هیسون)

(فوند) (فازه رومدن) . همه این شهرها وقصبه های مستحکم درخاک فرانس واقعست . آمدیم درزمگه شرقی : درین رزمگه ۱۲ عدد قلعه‌های مستحکمهٔ شهرهای معروف‌را ضبط کرده‌اند کماز قرار ذیلست : (لیبا وو) (ژو زان) (پوتو وسك) (ایوان کرود) (وارشاو) (لوبچه) (اوستروليسكا) (كودنو) (ووودجوو جيوسك) (اوسو ويك) (جمست اينو وسك) (دمبيتيسك) (بلوبه) . این شهر هائیست که با استحکامات بسیارقوی ورصین مستحکم کرده‌اند شهرها وقصبه های غیر مستحکمی که گرفته‌شده وبامور روسیا کذ کرفته‌اند داخل انحساب فوق نیست . درروسگه غربی‌نیز همان‌شهر وقصبه‌هایی مذکور گردید تامستحکم بودند وزور هجوم کرده‌شد وکرنه شهرها وقصبه‌های غیرمستحکمی که گرفته‌اند خیلی‌افزونتر است موقعهای مستحکمهٔ بلژیک و فرانس در طرف سه هفته تخمین می کرفته شده بود . غیر از استحکام (ایبادو) ضبط و تسخیر استحکامات روسی‌در آخر ماه‌اول‌حرب‌آغاز شده‌بود . درینصورت معلوم‌کردید که‌هیچ‌کونه موقع‌مستحکم دشمن در مقابل عملیات عساکر متفقه عساکرالمان مقاومت کرده‌نمیتواند در زیر تأثیر دهشتناک طوپ زرک و سکین المان واوسترا استحکامهای دشمن در یک مدت خیلی کمی کند . (ایلز) از نتیجهٔ یک‌هوم تا کهای . ((نامور)) صدار وبیست دهان که پنج روز دوام ور زد سقوط نمود . ((موبوز)) آنش‌طوپهای دهشتناکشان دوروز مقاومت کرده‌توانست . ((آنورس)) کاملا مهیب ترین‌وقوی ترین استحکامهای دنیاشمرده میشد در دا روز ضبط و تسخیر کردید . دیکر استحکامات رزمگه غربی سه یابند روزوبعضی چندساعت کرفته شده‌است . دررزمگه شرقی نیز همچنین بوده است : لیبادو ، روزان ، پوتو وسك ، اوسترو لینکا ، اوسو ویچ ، آنکه حاجت محاصرهٔ متمادی سقوط کردند . بعدازانکه موضع‌وقوعیه‌را عساکرالمان ضبط‌و کردند وسیا وارشاورا حوزه‌خود خالی‌نمودند ، وجاروز مدیر حال کردند ، ایوان کرود بعدازآغاز تعرض چهارده روز ، و بعداز چهارده‌یوم دوازده‌روز تسخیر کردند . قلعهٔ مستحکمهٔ (ووود جیوسك) را بازیده ازهفتاد طوپ وکثیرملک عساکر آن یک‌جا بطرف دمروز جست آوردند . استحکام دومبیتیسك مدت اکست ودر ۱۹ معمد کور عساکرالمانیه وتهرآ کرفتند . اینو وسك را در طرف یک‌هفت بامهٔ استحکامات آن قلعه بر [انحساب فوق‌نیاورده] کسانست . امامعد ازان تاحال بزمینی واستحکاماتیا را بزلزالها یعنی‌را بچوم وبعضی‌را کمبود ذخیره‌ها دست آورده‌اند]

افکار عمومی درفرانس

یک مکتوبی که ازفرانس بجنوده آمده شایان دقت بعضی مدرجات افکار عمومی مردم‌فرانس مندرج‌بوده . ازان مکتوب‌ها که درفرانس آنچنان طبقه‌های‌مأیوس وناامن موجود است که قوتناک آنها دولت فرانس‌را بهمه‌سال بصلح‌مجبور خواهد کرد . فرانسویها خیلی‌زدخورد تلفات دیده‌اند . هیچیک‌فرانسوی‌ندیده‌میشود که بامهٔ موجودیت خود شان هواخواه صلح نباشد . بعضیه‌های حکومت وآمدهای حکومت اهمیت واعتماد هیچ‌کس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1451 of 1786

داده است . خبرهای اضمحلال روس درجهٔ فرانس تأثیرهای بسیار شادی بحصول آورده است . وهرکس یاس و نومیدی شدید و عروق بلند است . فرانسویها را ازانگلیز هاهم امیدی نماند است آمدنهای هرهفته خورج دوزده کیجز بیک صورت که ازشوق ولذة باری بود نمی کرید . مهرالسوی که فکر رسا دارد درون خود بجای بحبت گی وخرمی میپرورانند . انگلیزها درسبب بکلة اینهمه بدبختها و خرومیهای خود میدانند . خلاصه امروزه روز برای فرانسه ازمتفقین ودوستانش هیچ امیدی باقی نمانده ، وبرقوت وموجودیت خودش نیزاعتمادش خیلی کمتر شده است .

آثار اندیشه در ایتالیا

نظر بخبرهایی که از ایتالیا بدست رسیده است چنان معلوم میشود که دراعلیحضرت مذعوفة که روس درسرو کار خود میخورد ازحد زیاده تر اندازه بخرد میدهد . بخوبی معلوم میشود که دردولت ایتالیا بحث تشدید میکردند قطعاً تعیین کرده نتوانسته بودند که روسها بچه درجه مشغول وپریشان خواهند شد . وچنین گمان میکردند که روسها بهمه یک نظر مداخلهٔ کاریشان اداره کرده پیش خواهند رفت . وحقیقت هرچنین بود که دران تاریخ روسها باقدام موجودیت خودشان برکنار کنهای کوههای کاریات زور آوردن کوشش میورزیدند . ائتلافیون مسی داری دشمنان ایتالیا ـ بالخصوص دیگرداری خوردکان ایتالیا ـ نیز خیال خام می کردند که اگر ایتالیا بحرب اتریشورزد ، اوستریا امر حرب زده شده بکار خود والهوسر کردان خواهند ماند . وروسها نیز بسیار آسان ازکاریات گذر کرده ایتالیادون زحمت بقصد خود خواهد رسید . ونیز این امیدرا هم داشتند که ازاشتراک ایتالیا بحلف سه جانبه طرف داری ائتلافیون بعمل خواهد آمد ازین رو که ایتالیا بچنین حرب بلوها بحلف داخل شده بود . اما چون دیدند که ازاینهمه مالها وامیدهاهیچ خبر هیچ فایده برای شان حاصل نشد وعدهٔ آرزوهای شان برباد رفت درینوقت باندیشه های خوفناک دوچار شده اند .

بیانات یک اسیر مسلمان افرنجی

درجرائد مصر والی که ازقرار گاه غسا کرفتان ازیم جزیرهٔ کاپرولی رسیده نقرهٔ ذیل نوشته شده : ـ درمیان اسیرهائیکه دروز ازعسکر فرانس بدست آمده (داوود آغا را) کهنه ترکی مسلمان سنگال نیز موجود بود . [سنگال ازمستملکات فرانس است درافرنجای غربی] این اسیر میگوید که من ازمسلمانان سنگال میباشم . پدرم محمد نام دارد فرانسویها وقتیکه مارا بعسکری خود داخل میکنند ازعبادت وشعائف مسلمان مارا منع می کنند . مارا ازمقتضیات بحیر وزور جمع کرده باینجا سوق کرده اند . عاقبتها بمسلمانان که ترکیها اسیرهارا قتل می کنند هوش کنید که تسلیم نشوید . ماهیچ عیدالنتیم کهاسلمانها جشن کنیم را کردیکر وقتهای نمی دانند که شاسلمانان بدبخانه بخوبی معاونه می کنید هرة آن کرفته بیش نیا خواهند آمد .

مطبوعات خارجه راجع ایران :

ازجرائد آلمان

انکلیس وجنوب ایران

جریده (فرانکفورتر زیتونک) اتالی مورخه ۲۳ اوت انکراف ذیل را که از اسلامبول رسیده است انتشار میدهد :

قونسول انکلیس مقیم بوشهر بسمت فرمانفرمائی وحکمرانی جنوب ایران معین شده است . چرق انکلیس را درتمام خط جنوبی ایران که تمکن بود نصب کرده اند . عده قشون هندی که پیاده شده اند ازقرار معلوم متجاوز از ۳۰۰۰ است . هیجان ایلات جنوبی ایران خیلی زیاد است . و مشغول تهیه وتدارک هستند که اگر انکلیس ها مقاومت نمایند . ایلات مختلف جنوبی ایران متفق شده اند که اعلام جهاد نمایند .

جریدهٔ ولیز کا کلان میکوید :

اشخاصی که سیاسیون ایران کرده اند بزرک است . چنکی که آنها میکنند چنکی است برای حیات و استقلال خویشان یا برای تحصیل استقلالی که در طی معاهدات انکلیس وروس برای افاده انتظامات مملکت از کف مملکت ایران رفت . تکلیف ایران این است که معاهده ۱۹۰۷ انکلیس وروس را ازصفحه وجود محو نماید و کریبان خودرا ازعواقب وخیم آن برهاند .

این معاهده را بدون مشورت مملکت ایران بسته و دولت ایران همیشه برضد آن پروتست نموده است لیکن غیرازپروتست کاری نکرده .

شکست انکلیس ها

انکراف ذیل ازقرار خبر بتاریخ دوم شهر ذیحجه رسیده است : ازقرار اخبار واصله درجنک تنکت ازطرف اردوی مجاهدین ۵۰ نفر مقتول وهشتاد نفر مجروح شده ولی زخم مجروحین بی خطراست وامید بهبودی میباشد ازعده مقتولین قطعیان انکلیس روایت مختلف است کمتر ازاصد وبیشتر ازهزار نفر گفته میشود اخبار مقتصدتری زیاد است اردوی مجاهدین درازدیکاه مستقیم وروز روز برعده آنها افزوده میشود ازقراریکه شنیده شد درین جنک مجاهدین نهایت رشادت وشجاعت را بخرج داده اند زیرا که عده مجاهدین سیصد نفر بوده است وعده قطعیان انکلیس بالغ برسه هزار نفر .

افغانها در قاهره

موافق راپورت انکراف ازشهر قاهره شهرت دارد که عده افغانها بدوفرسخی درخش رسیده اند (درخش دوازده فرسخی پرجند است)

(شهاب ثاقب)

آخرین خبرها

ازترجمه های اخبارهای اردو وانکریزی

اعلان هز مجستی جارج الزاسب

ازلندن ۲۹ اکتبر : ـ هزمجستی جارج پنجم پادشاه انکلستان برای معاینهٔ افواج درزمکاه غربی از لندن بفرانس آمده بود . هنکامیکه سواری اسپ برصفوف افواج کشت وکذار میکرد . وافواج نعره های تحسین میبرآوردند دفعة مادیان سواری پادشاه ازتوازهای پاجماها وهایهوی های افواج رمخورده وجست وخیز آمده پادشاه را بالا کرده برزمین انداخت وصدمه های بسیار شدید بروجودش رسید . هرکنان حضور شان پادشاه را ازخاک برداشته وعاکیای سرودین شارا کلاه به احتیاط تمام درعراده موتر سوارش کردند . وبهمینکاه واراکیا درکشتی سوار شده بخانه رسیدند . باوجودیکه کسی را ازینواقعهٔ دهشت انکیز خبر نکرده بودند بازهم بسیاری از مردمان پرسند جمع آمده بودند . هزمجستی ازدرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1452 of 1786

میباشد مضطرب و متری میباشند . واقعا گفته که ۱ گرچه عده‌ئی بیمار شده است ولی لشکر عثمانی اعضا بست و آماده است کلیه قوه خود را بکار شوند .

خبرهای بالکان

۲۰ سپتامبر ۱۹۱۵ ع خبرلندن — دولت سرویه در یک اعلان سرکاری خود اعتراف نموده که سپاه عثمانی یعنی دولت بلغاریه شهر (اسکوپ) را فتح نموده .

۲۸ سپتامبر خبر لندن — معلوم میشود که ولایة شمال شرقی مملکت سرویه رسماً دشمن آمده چنانچه دریک اعلان جرمنی گفته که در اینجا دربین سپاه آستریا و جرمنی همراه قوتهای دولت بلغاریه اتصال قایم گردیده .

۳ اکتوبر ۱۹۱۵ ع خبرلندن — اخبارات پوری بحواله اخبارات جرمنی مینویسد که این فتح شهر (نیش) ودست آوردن مملکت سرویه جزء اعظم مقاصد سپاه عظیم الثانیه درصورت جاری بوده و آن قسمه قسمت تمام دنیا مربوط است دانسته میشود . زیرا برای دولت جرمن ازاین فتح راه برای فتح قسطنطنیه ودرمیان یک دریا قرار گرفته پیدا شده واقعا ازین جهت دولت جرمنی اظهار خیالات نموده میباشد که از برای شکست دادن دشمنان دولت جرمن دست آوردن سه گانه کلی چندان ضرور نیست . بلکه فتح قسطنطنیه ودرمیان که قریب ملک مصر است بهتر دانسته میشود و دریچهٔ ملک مصر وراه سوی هندی انگلستان محرا فتح شده قایم شده گویا ملک مصر یک حلقه بسیار بزرگ زنجیر سلسله انگلستان وهمدست ازین بیان دارایی سیاست انگلستان آگاه پی برداری پیدا شده .

یکم ماه نومبر خبرلندن — نامه نگار اخبار تایمز ازبخارست اطلاع فرستاده — که جهازات جنگی دولت روس بساحل رسیده که (ورنا) دولت بلغاریه تودار شده ازخوف سرنشینان بحری ازقلعه پیچیدل دور گلوله باری مینماید — گفته میشود که همراه جهازات جنگی تعداد بسیار جهازات بارداری که درین آبها نیز هم میباشند جهازات (کرن رسلاو (جدید) بامان دارند توپ وتوپخانه حامل — بجواب جهازات روسیه گلوله باری نمودند .

چهارم نومبر خبرلندن — عکسه بحری دولت برطانیه اعلان نموده که یکفر کشتی تجارتی دولت برطانیه در ساحل جبل طارق همراه یک جهازجنگی تصادم نموده غرق دریاب شد دونفر افسر ۹۸ نفر عمله کشتی مذکور مفقود میباشند که غالبا غرق شده خواهند بود — نامه نگار اخبار پرایمت مینویسد بخاطراست که درین روزها دربین دولت روسیه ودولت جرمن یک عهدنامه صلح مرتب گردیده — گذاردی آن دولت جرمن مقدار پنجهزار تن دولار برای دولت روسیه خواهد فرستاد دولت روسیه عوض آن — جواری وغیره خورا که باب میباشد خواهد فرستاد چنانچه بقصدرین کاری راز ذوالک — در روسیه رسیده کاری جاری مذکور را مقدار عالی بودن اشیاء خورا گمارش گردیده خواهند شد .

۲ ماه نومبر خبرلندن — اطریق سرکاری اعلان یافته که جریان فعلی کامل سپاه انگلیزی جبهٔ جنگ خلیج فارس وعراق عرب قریب بمقام رسیده —

۲ ماه نومبر خبر کلکته — اخبارات پوری کیفیت بحوری شمول دولت رومانیه را همراه دولت جرمن چنین می‌نگارند — که در دولت رومانیه هیجدتوپ وقلعه که موجوده است مقصد کار گرفتن جرمنی است ازین سبب دولت رومانیه طبعا از برای حاصل نمودن گلوله وبارود محتاج دولت جرمن است زیرا که این یک نفس دارای کلی توپهای کرپ است که دران گلوله های دیگر توپها بکار نمی‌رسد چنانچه دولت رومانیه درشروع جنگ برای دولت روس وبرخی بحوری خودرا ظاهر نموده بود که اگر دولت رومانیه در حین موجوده هراینبول متحده ترک نماید همه اسباب وتوخانه اوزدی نمودن گلوله وبارود پی کارات خواهد شد ودول متحده درین فرصت این عقده را حل کرده می‌توانند یعنی درین وقت اسباب وکار شده بدین قسم جوشانه را میتوانند کاری است بسیار مشکل واگر دولت رومانیه توپهای خودرا تبدیل نموده نجای — توپهای جرمنی توپهای قسم دول متحده را خروج نماید — این قدر فرصت نیست که سر انجام آن کرده شود .

۳ نومبر خبر لندن — هز هینس جارج پنجم پادشاه دولت روس بتاریخ یکم ماه نومبر درلندن وارد شد — هنگه خبر رسانی بیان میدارد شب ۳ ماه نومبر شاه موصوف الزشدت درد بسیار بزرگ بودن مبتلا بوده شدید موجود است .

۳ ماه نومبر خبر کوپنهاگ — مقیم دوسی قرار بیان اخبارات روسیه اظهار نموده که سپاه جرمنی سی بسیار می‌آیند که دریای (دونا) عبور نموده تا نهر وسرگز این جایی (دیل (روسلسك) قیمت نیامده روسلسك بنظر اهمیت جنگ چندان اهم جایی نیست مگر جرمن‌ها چست آوردن آن ازین سبب بیان قدر سعی می‌نمایند — که برای راه دیگر بطرف بلزو گراد می‌رود تسلط حاصل نمایند — اخبارات بیان می‌نمایند که دولت روس طام وعلاوه جات (روسلسك) دولت را حمل نموده و همان اسباب و اشیاء که برای جرمن‌ها کار داشته بشهر دیگر شهرها — مثلا نموده اند ازین اظهار این داشته که دولت روس ازین شهرها دست برداشته مگر ازقرب سپاه که عقریب برای بدست آوردن مطالعات مذکور — هوجهای پلخانه سپاه بحث خواهند نمود ودرین علاوه جات جنگهای جون زور پیش خواهند آمد — واگر هوجهای جرمن الای جلسه کوه دانوب عبور شوند — قربانی هزارها عسکر سپاهی خواهد بود .

۴ نومبر خبرلندن — یک کشتی زیر آب دولت فرانس از سمت قاری دشمن — درنهر مذکوره غرق گردید — دونفر افسر و عمله کشتی مذکور را اسیر گرفتار وقید نموده اند .

۴ ماه نومبر خبر دهلی — ازلندن برای دیسرای ملک هندوستان خبر رسیده — درمیدان سرویه هوجهای جرمنی ترکیه‌ئی شامل دیگر ( ) هم نموده اند وهوجهای بلغاریه بطرف شمال پیش میباشند وحرکت جاریه هوجهای آستریا از سمت شرقی ( ) جاری است جهة سپاه متفقین بگرو می باشد — درمیدان مذکور جنگ بزرگی است .

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید

جریده هائیکه مستقیماً اداره از طرف مدیر وممر عرض گردد

عبدالهادی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1453 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا

یاد آوری میکنیم

بخاطریکه در کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرها پذیرایم تکی نشده باشد اکنون مرکز دارالسلطنه کابل یک علاوه نموده و اکنون مشارالیه تحریر و توزیع اخبار شارا که بهده مشترکین گرامیها بوده بدوش خود قبول نموده . مشترکین گرام دارالسلطنه خود را تشویق یاد آوری مینمایم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه غیر فردا فردا بواسطه آدمهای دا کتاب خود شان میرسد .

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایات داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیه کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
مرجائیکه باشد با اجرت پست	
قیمت سالیانه ۱۵ روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه ۸ روپیه انگلیزی
سه ماهه اشتراک قبول نمیشود	
یک طلای روپه انگلیزی دوده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند	

یاد آوری

برحمهٔ کارداران نظامی ومکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار اطلاع اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیک جابدیگر جاروبدوبباشدمیباید که یک رقعه مدیر وسرمحرر راخبر بدهند که من درفلان جاروم ومال درفلان جامیروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شارا درسراج الاخبار اطلاع اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبابکر هرنوع اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایع درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۱ ثانی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متواتباً یکسال نشر کردن خواهد دو به یک ساله را بیشکی ادا نماید ورق یکی بر سر سطری سه اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1454 of 1786

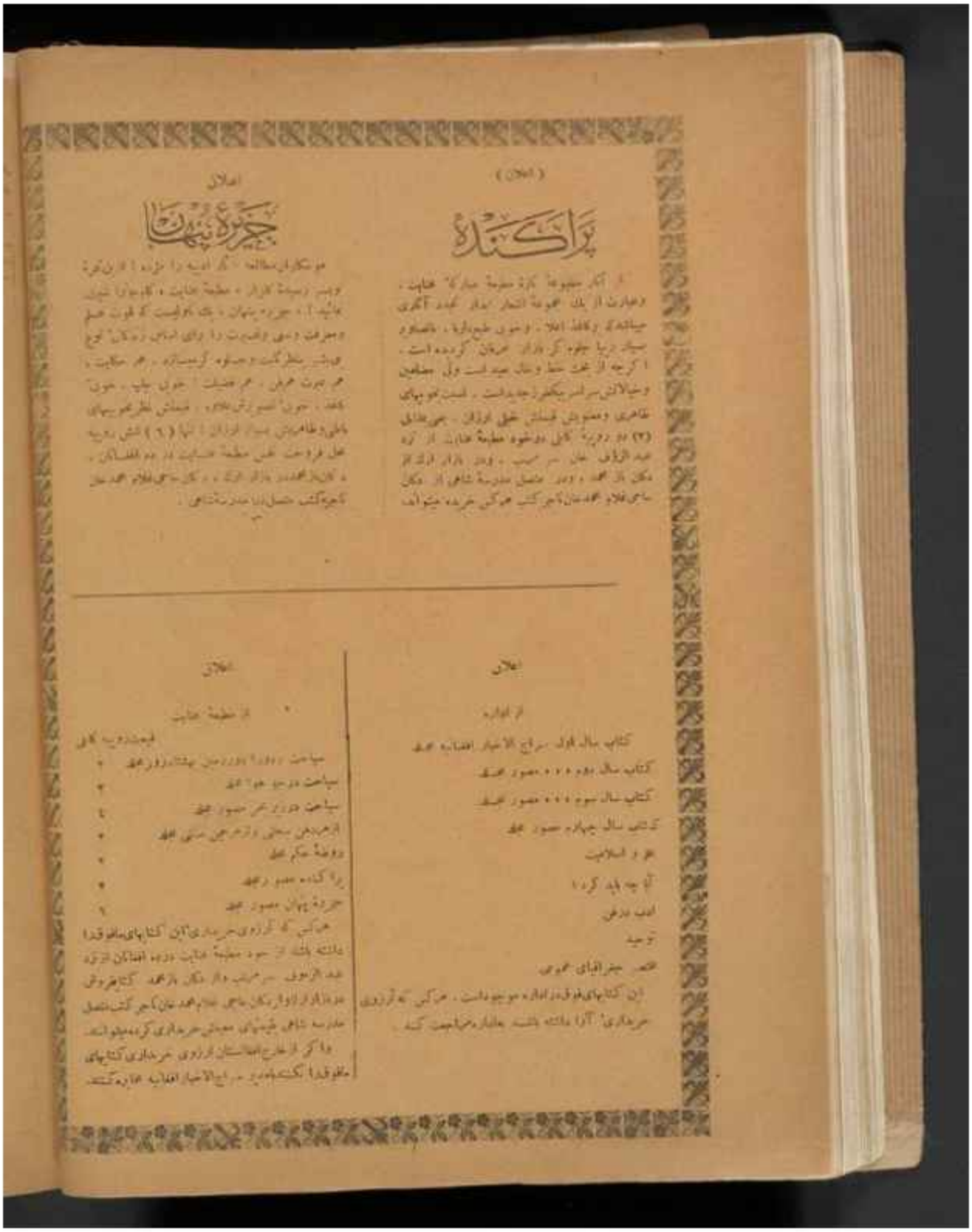

اعلان

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ کارهٔ مطبعهٔ سراج الاخبار افغانیه است عبارت، دعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار محمد آگهی میباشد که کاغذ اعلا، و سوی طبع دارد، باقصاوه بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از غلط خط و خال عیب نیست ولی مضامین دلچسپ آن سراسر بیکر و جدیداست. قیمت هر پهای ظاهری و معنوی قیمتش خیلی ارزان. بهی طالبی (۳) دو روپیه کابل دوخواهد مطبعهٔ عنایت از کوچه عبد الرزاق خان سر چسپ، و در بازار قرائت دکان باز محمد، و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان ساهی غلام محمد خان اگر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جریدهٔ پنهان

هو شکار مطالعه کتب ادبیه را مژده! این جریدهٔ وهیر زیبنهٔ کار، مطبعهٔ عنایت، کابل بوا شیوع یافته! جریدهٔ پنهان، یک کاوشیست که قوت علم و معرفت دینی و ادبیت را برای امثال زمان نوع پرور بنظر گشت و جستجو گزیده است. هر حکایت، هر عبرت خرش، هر نصیحت! چون پند، چون کلمه، چون اندرز خالی، خالش نظر بحو پهای باطنی و ظاهریان میباشد! ثمنا (۶) شش روپیه حل فروخت نمی مطبعهٔ عنایت در دو افغانستان، و کابل محمد در بازار قرائت، و دکان ساهی غلام محمد خان اگر کتب متصل مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابل

سیاحت دور از وطن بهشت دوز جلد ۲

سیاحت دور سیر هوا جلد ۲

سیاحت دور بحر سمور جلد ۲

از هر دهن سخنی و از هر چمن سبزی جلد ۲

روضهٔ حکم جلد ۲

پراکنده سمور جلد ۲

جریدهٔ پنهان سمور جلد ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مطبوعه دارد! باید بمطبعهٔ عنایت دوم افغانان از کوچه عبد الرزاق سر چسپ دار دکان باز محمد کتابفروش مراجعت و از دکان ساهی غلام محمد خان اگر کتب متصل مدرسه شاهی طبع های سمبلی خریداری کرده میتواند. و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مطبوعه دارد! مکتوب بدفتر سراج الاخبار افغانیه عبارت کنند.

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه جلد

کتاب سال دوم ... سمور جلد

کتاب سال سوم ... سمور جلد

کتاب سال چهارم سمور جلد

عز و اسلامیت

آه چه باید کرد!

ادب درس

توحید

قاعدهٔ جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجود است. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بداره مراجعت کند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1455 of 1786

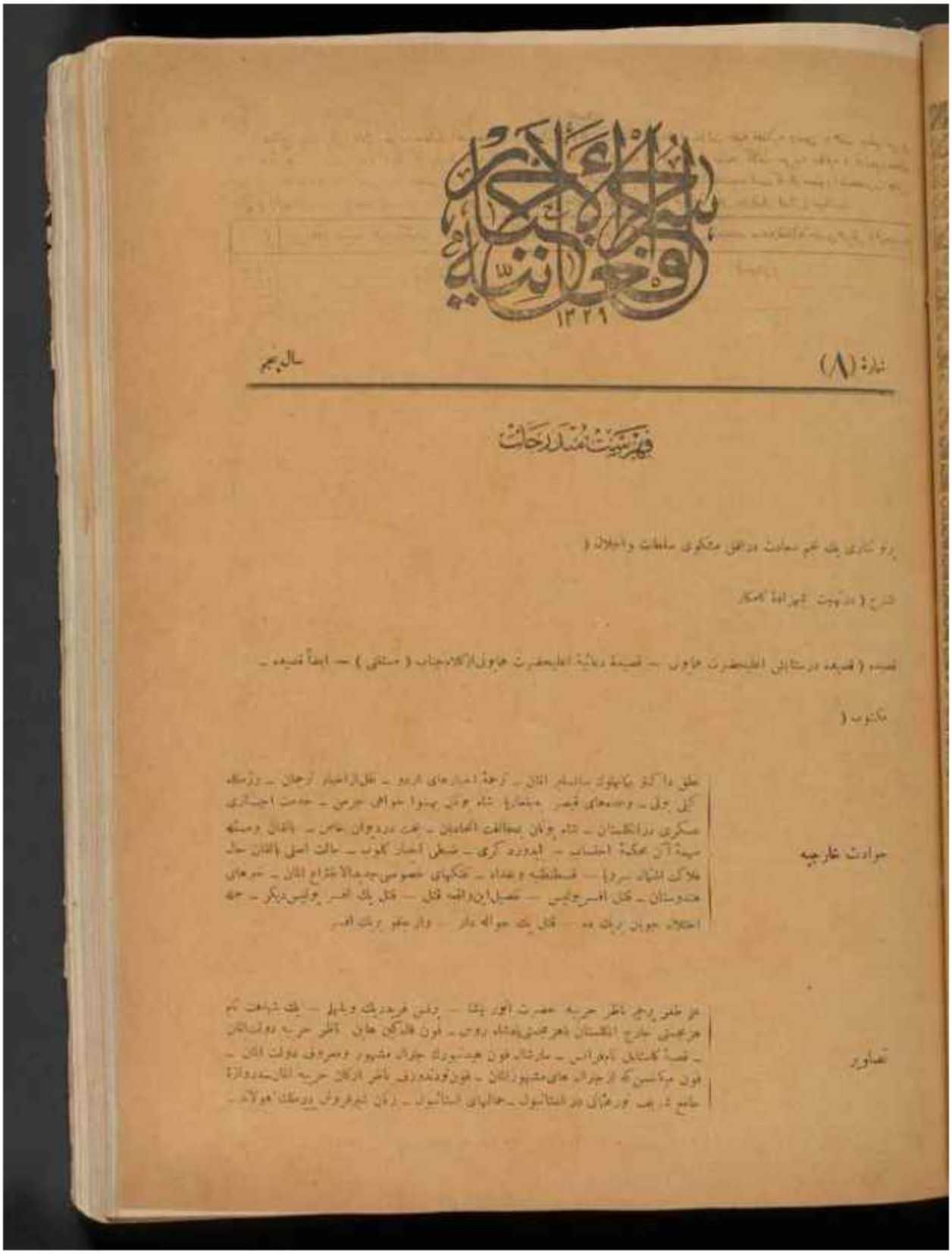

سالنامه ۱۳۲۱

نمرهٔ (۸)

فهرست مندرجات

رو شاری یك نجم سعادت دولت مشکوی سلطنت واجلال (

شرح (دولت ایرانه کامکار

قصیده (قصیده درستایش اعلیحضرت همایون — قصیدهٔ دیگر اعلیحضرت همایون(اکلاندجناب (مستطاب) — ایضاً قصیده —

مکتوب (

حوادث خارجیه

علی داکو پاپاپولو ساکنان اثان — ترجمهٔ اخبارهای اروپ — نظر باخبار ترجان — روزنامه کل بولی — وضعهای قیصر — مبارزهٔ شاه بولی بهنوا جوابی جرمن — خدمت اجباری عسکری دراطریشیان — شام ولیان بمخالفت اکثریان — نطق دردوان عباس — باکان ومسئله سیهٔ آن محکمهٔ احتساب — ایدوارد کری — نطق انجار کلوب — حالت اصلی باکان حال هلاکت اشتهاد سرو — قسطنطنیه وبغداد — فکرهای خصوصی جدیدالاختراع اثان — خبرهای هندوستان — قتل افسرچینی — تفصیل این واقعه قتل — قتل یك افسر پولیس دیگر — حمله اخلال جوین برلن وه — قتل یك جواله دار — وار مفور برلن افسر

تصاویر

در طرف رچر ناظر حربیه حضرت انور پاشا — رئیس فرمانده ویابل — یك شباهت تمام مرحومی خارج انگلستان بغرمنی پادشاه روس — فون فالکن هاین ناظر حربیه دولت آلمان — قصر کاستایل ناپولیس — مارشال فون هیندنبورك جنرال مشهور ومعروف دولت آلمان — فون مرکلین که ازجنرال های مشهور آلمان — فون فوندورف ناظر ارکان حربیه آلمان سمت دوازدهم جامع شریف ورهای در استانبول — حالهای استانبول — زنان لیفروش روسفلی هولاند —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1456 of 1786

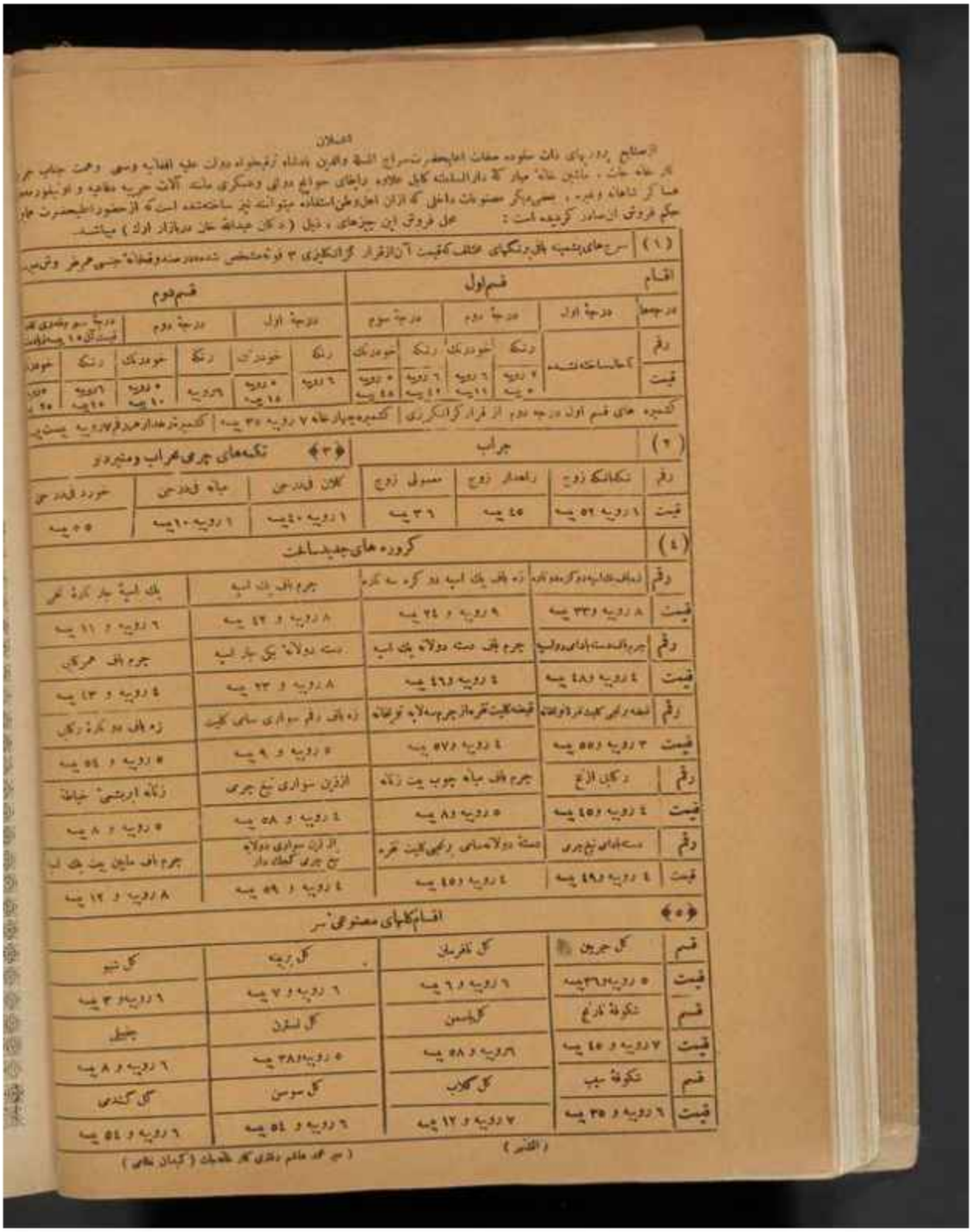

اصفهان

اصناع ردوزهای دات سلوده حضات اعلیحضرت شهریار السنة والدین پادشاه ترقیجوه دولت علیه اقدامیه وسعی وهمت جناب جلالتمآب
کار خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه براجزای حوایج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه مقاتله و توپخانه
هما گر خانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت جلالت
حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالغنی خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرخ های پشمینه بالون رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گرانکاری ۳ قرانه مشخص شده در صندوقخانهٔ جنبی حرم سرا فروش میرود

اقسام	قسم اول			قسم دوم					
درجه	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم و بقیه که قیمت آن ۱۰ پیسه الی ۱ روپیه	
رقم	کاملساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۵۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۵ روپیه ۵۰ پیسه	۲ روپیه ۱۵ پیسه	۲ روپیه ۵۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۱ روپیه ۲۰ پیسه	۱ روپیه ۲۰ پیسه	۱ روپیه ۲۰ پیسه

کشیده های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکاری | کشیده چهارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیسه | کشیده نرخدار هر قواره ۱ روپیه پنجاه پیسه

(۲) چراب

رقم	نکمالنگه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

﴿۳﴾ تکه‌های چرمی چراب ومشیرو

کلان قندرس	میانه قندرس	خورد قندرس
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴) کروزه های جدید ساخت

رقم	زه بالی یک آب یک کروزه	زه بالی یک آب دو کروزه	چرم بالی یک آب	یک آبهٔ بار کردهٔ تفنگ
قیمت	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه	

رقم	چرم بالی دست دولاه یک آب	دست دولاه یک بار آب	چرم بالی عمرکان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه

رقم	قبضه راهی کلید در قواره	قبضه کلید تفنگ از چرم بهلاه قواره	زه بالی رقم سواری ساچمه کلید	زه بالی دو کروزه رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۴ پیسه	۴ روپیه و ۸۷ پیسه	۴ روپیه و ۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۴ پیسه

رقم	رکابی الزنج	چرم بالی یاه چوب پت زناه	الزدن سواری تیغ چرمی	زناه اربتنی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۱ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه

رقم	دست دولاه سای رکابی کلید تفنگ	الزدن سواری دولاه تیغ چرمی کمانه دار	چرم بالی ماشین پت یک آب
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی تر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل پرینه	گل نیو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۹ روپیه و ۳ پیسه
قسم	تکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبلی
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۸ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	تکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(الفقیر)

(سید محمد عالم رقمی کار خانجات (کپتان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1457 of 1786

جلد (۱) سال پنجم شمارهٔ (۸)

قیمت سالیانه

مدیر و صاحب امتیاز

محمود طرزی

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ کابل (کابل)

کره امورات تحریریه جلاله شاه

بنام مدیر فرستاده میشود

کره قمری یکم صفر ۱۳۳٤ کره انگریزی ۹ دسمبر ۱۹۱۵ کره شمسی ۱۶ قوس ۱۲۹٤

پرتو ناری یك نجم سعادت واقبال

در افق مشکوی سلطنت و اجلال

ماهی از برج شرف زاده خورشید کمال زاده الله جلالاً بجهان داد جمال

سکنین آتیه الله بیاناً حسنا بنمایند سپهر از چمن جاه و جلال

یوم جمعه دهم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۳٤ هجری حضرت فخر الأنام علیه الصلوة والسلام پرتو ناری یك نجم سعادت واقبال در افق شوکت واجلال بوقوع آمده بجهان جهان فرحت ومسرت دلیدار شادمان دیدهٔ ارا درخشان گردید و در جنشان خاندان جلیل الشان سلطنت سنهٔ مبنوعهٔ مبارك توشهٔ تازه بخشود تا آغاز نهاد.

ولادت باسعادت حضرت شهزاده (عبدالله) خان اطال الله عمره بالعز والشان از صلب پاك اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ومشفوع مقدس افغانیان واز صدف عفت مصونات معالیصفات (علیاحضرت سراج الحرمین) علیة الشان بمثال جیره دولت علیه افغانستان ا تر شعشعه شود جلوه گر. زیرا درچنین زمان وآوان که دست شئوس خیرها وسعادتها در آفاق وطن عزیز مقدس ما بهمدان جهانداری پادشاه خویش واك آگاه ما از رقیا وگال وآزادی بالاستقلال درخشیدن آمده ولادت باسعادت این فرزند جاوید مدت شاه با یکمثال بصیارت و مبارکی برای استقبال ملت گرفته میشود. واین واقعه پر خجسته و میمنت عزت وعظمت آینده را نوید میشود. زیرا همین درچنین وقتی که از هر جانب آفتاب ترقی وسعادتمندی دو مدار گردیده تولد این چنین فرزند سعید پادشاه زاده. حقیقتاً جای تاریك نتیجهٔ فرحت ومسرت آینده برای وطن وملت است:

زین فال خوش گشود ملك خوش

بقاسعیت ولادت باسعادت این مولود مسعود بتاریخ ۱۶ ماه موصوف همسیر سعادتمند اول امنجشن شهزادگی و عاس درسلام جاه ارك مبارك پرداخته که در آن اکابرین، والیان ترفی حضور داشتند و کشك از طرف ذات معالیصفات (علیاحضرت) صاحبهٔ معظمهٔ مراسم دعوت وضیافت عمل آمده بودند. در ارك مبارك در آیهٔ مذکور بانواع چراغها وزینتها آراسته گردیده بود. ذات نیو کخصال اعلیحضرت همایونی بقرب بشارت این واقعه بر کنیکه بحضور شاهانه عرض تبریکی نمودند و در خصوص اطفال مکاتب ملکی "دار السلطنهٔ کابل" که رایرك بحیوانی میباشد کاری فرموده اند.

سر ایا انوار افتخار در یکمال شوق وشعشعه تبریکات بحضور اعلیحضرت حضرت به هفت سپهر شاهانه وذات معالیصفات (علیاحضرت) صاحبهٔ معظمه عرض وتقدیم نموده کاسهٔ فخر وصباحات میوزد. دامنهٔ قلب ابرار گاه حضرت خالق کریما جل وعلا تقدیم میکنند. که این شهزادهٔ را که سالها قدم از کنج عدم بعرصهٔ وجود نهاده بالقاب شهزادگی بلند اقبال درظل عاطفت مرحمت الهی پدر رحیم ومهربان ملت از جمیع آسیبهای زمان محفوظ و برکران دانیه بکمال پوری برساند.

این دعا از من واز جمله ملت آمین باد!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1458 of 1786

اشعه بطور عکس در تربیت شهزاده کامکار

هیکوچ‌شناو حمدو تحسین ترا ای خالق ایجاد وتکوین
بحق حضرت طاها ویاسین باین شهزاده خسته عمر وتمکین
تما کوئیدای حضار آمین

چوفرخ ساعت ومیمون زمانی کهاز فضل خدا خوش میهمانی
بوزمشاد آمد همچو جانی خدا او را بعمر این و آنی
زدور چرخ بگرفتار آمین

درخشان اختری از برج اقبال تابان شد چودر آینه کمال
قدوم او بود بارب بگو فال برای شادی خاقان هربه وسال
شود شش حرم از دیدار آمین

بیارکباد گو الطاف سبحان بفرخنده حریم قدس سلطان
سراج ملت ودین شاه ذی‌شان که چون خورشید تابان شش تابان
رسید این شمع پراقبال آمین

سراج گی خواتین مادر اوست که الطاف الهی یاور اوست
حریم شاه همچون خاور اوست زصدف خوشتر دای در اوست
که بادش عمر و این کردار آمین

بیارکباد گو لطف خداوند بدولت خانه شاه خرومند
تولد تدچنین فرزانه فرزند خوب میمنان گردید خرسند
بود اقبال او بیدار آمین

بیارکباد کاین شهزاده امروز چوگل درباغ دولت جلوه افروز
وزو گردید باظفرحت اندوز خدایا در جهانش دار فیروز
بگردد هیچگه بیمار آمین

بیارکباد کاین مصباح تابان فروزان گشت اندر دولت شاه
مرادها گردان و حسن‌دخواه راضیه از کمال لطف الله
بمی‌زین مژده‌شد شادکار آمین

بیارکباد این فرزند نامی که گیتی یافت از وی شاد کامی
هوا خواهان او باید تمامی دعای طول عمران گرامی
کنند از صدق در اسحار آمین

بیار گیر جمع دودمان باد همیشه با گران و به کامران باد
وجود او سعادت را نشان باد زآفات زمانه در امان باد
شود لطف خدایش یار آمین

چوآمد از عضو یار باطهار همه عاجز اورا نکهدار
شده‌یانه الی کی شهد دکار چوطوطی شکرمش ساز گفتار
گذش از عمر پرخودار آمین

چوان شهزاده اخلاقی اگر دسایند از دای دایه در بر
نصیبش باد الطاف داور حیات خسرو اقبال سکندر
شود خوش خلق و خوش کردار آمین

بخوان ای دایه بسم الله وبگیر پس آهسته در گوش خودش گیر
بزانو لب چوشکر شیرش بشیر مکن در خدمتش یک لحظه تقصیر
دعایش کی بلو بسیار آمین

تو این شهزاده را ای دایه جویان کی وزو خرم دل شاه جهان کی
پر مقصود اورا کامران کی علوم دهر را روی جهان کی
کلاکش بده سر شار آمین

بگفتیه زلطف حق چون دعم بود از شرم وقت میمون
ولادت یافت این مود هنایون که بادا حفظ حق بالیقین مقرون
کنید ای کودکان تکرار آمین

هانا این پسر گر شهریار است چودر مانوره آمد بخیار است
حسابیسه‌اش هم اشکار است هزارو معصدو سی و چهار است
شد از شیع اعمه این گفتار آمین

بسته‌طهٔ حاجی شیر احمد شاعر حضور اورولا

قصیده درستایش اعلیحضرت سراج الملت والدین روحنا فداه
برای فرقهٔ اسلام فکر دین بهتر
بی رای مسلمان بیکار ازین بهتر
باعتقاد و عمل شد چو حسن دین محکم
که قصر دین مبین ازهمه متین بهتر
ولای دولت ودین پرزاست وقوم ووطن
عبادتیکه نیست چنین درهٔ زمین بهتر
بسعی خویش وطن چیباز کی ازغیر
و طن زدست برای تو ازچنین بهتر
بسعی و کوشش قوم است کار هامرهون
زکوشش است که جان خود زچین بهتر
زسعی و همت خود جوی هرمراد که هست
عباد بخشی اگر بابدت همین بهتر
بسعی و کوشش و عزم و کمال و استعداد
بدانیکه هبط است از ره یقین بهتر
بهر زه عمرت اگر پیش ازین گذشت گذشت
خلاف پیش اگرت پیشه بعد ازین بهتر
علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد
نی که صاحب فرهنگ پیش بین بهتر
چوشاه عصر ترقی طلب وطن پرور
خوشا بانکه خوش زیدکنان درین بهتر
چو خواهد از من و ما شاد وقت عزو کمال
که اهل علم بی کار ملت و دین بهتر
رعایت شهٔ ملک است بر رعیت فرض
که هیچ امر اولوالامر دانشین بهتر
بی ترقی ملت و وطن چه خواهد بود
ازینکه ما تو بالیم ازان و این بهتر
زچین دوست وطن پرزاست یادشمن
قرین دو کار کدامیش ای امین بهتر
میان نفع و ضرر فرق بایدت کردن
بگو کدام یک از زهر و انگبین بهتر
تو بصیرت حکم خیر دین و من
که میدان است زحکومی چنین بهتر
عباد از سر ما دور شهریار زمان
سراج ملت ودین شاه مسلمین بهتر
خوشا شهی که بایکدلی و دلسوزی بکوشد
که شاه کشور اگر باید ازچنین بهتر
شهٔ رحیم و شهٔ میهربان شهٔ مشفق
زما نه باد خدا رد شهی ازین بهتر
زهی امیر وطن پرور ترقی خواه
خجسته شهزادهٔ یک اختر گزین بهتر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1459 of 1786

شاهین چو خدا بر گزید در افغان
بود ز جمله افغنا نیان باین چمتر

عرضه باد بان مملکت همین سر ود
دعای مردم این مملکت همین چمتر

پدرج نامه سخن ختم کن خموش دگر
دگر مگوی که آن در استوان چمتر

مرا بنده مدیحت چه کار (مسلقی)
زمن حکایت آن یار نازنین چمتر

مرا به نیکوی مردمان چکار و غرض
مرا روایت ازان شوخ مه جبین چمتر

مرا بامل بدخشان چه و عقیق یمن
فتاد اگر بکف آن لعل آتشین چمتر

دیده همچو تو طفلان پسر ملامت چیست
که گفت زاهد نادیده حور عین چمتر

عزیز ز بود ای زلا لئ خوهر دار
ازان بارد بت ازار موج چین چمتر

شکر که شهرهٔ آفاق شد بشیرین
چه شد نباشد ازان لعل شکرین چمتر

زروی مهر بمن بو سهٔ عنایت کن
که سیر پیش من ایده چین زکین چمتر

قد تو بنده کوید بیاغبان قمری
که راستی نبود سرو ما ازین چمتر

تو دم این غزل تازه نغمهٔ باران
بعهد صفه قندر کز آفرین چمتر

قصیدهٔ مبانیه ومدحیهٔ اعلیحضرت سراج الله والدین شهریار والا وتد کارخامد هایونی در ترویج علوم وصنایع وفنون وبدایع ونشیر ایجاد وتعلیم چهل روزهٔ درجه ابتدائیه که کیفیهٔ خیریست ازنتایج حسن نیات برکات اعلیحضرت پادشاه اسلام حفظه الله ملکه ومدظله ازکلاه ء راقم ء

(قصیده)

تا زمین است و آسمان باشد — در وی از مهر و مه نشان باشد
این سپهر و سپنج و چرخ رفیع — تا حزین با خشان باشد
آسمونات از کروه مقف — تا زمین بر زاش و جان باشد
تا در اقصای بارم ملکوت — ذکر و تسبیح قدسیان باشد
تا محاریب مسجد و منبر — یاد حق ورد هر زبان باشد
تا بلوح فلک ز کردش و سیر — ماهر و خورشید رافران باشد
تا روی زمین زنا ش مهر — رونق باغ و بوستان باشد
تا وقوع بهار و تابستان — کاروه دی و خزان باشد
تا فصول چهار گانهٔ دهر — متعاقب درین جهان باشد
تا ظهور لیالی و ایام — شبوانی پر زمان باشد
چمن تا که درفصول بهار — گل و لبرین و ارغوان باشد
سلبل و بید مشک و نیلو فر — ترکس و ورد و ضیمران باشد
کاه بستان و بید نارنج جوی — سرو و شمشاد در الشان باشد
زا هنگ از نسایم سحری — تا معطر مشام جان باشد
بلبل از شوق وروی گل هر سال — تا بگلزار عند لیب هزار — مست نغم هدا ستان باشد

بار بیابان خسرو زمان محفوظ — ذا فت آخر الزمان باشد
ملکش از مشرق تا مغرب و شمال — وزیر فتنه در امان باشد
کیست آنخسرو یکه مدحتاو — ورد هر پیرو هر جوان باشد
آنکه از اسراء ملت و دین ء — نامور در جهان نشان باشد
نا نامی او ، حبیب الله ، — بصفت نیز هم چنان باشد
عاقل و عالم جواد و کریم — در دلش رحم بیکران باشد
حامی سنت رسول کریم — ساعی بدفت جهان باشد
شاه رو تشنفی که بادبیر — پیرو ، با همت جوان باشد
دارد از بهر مکارم اخلاق — خلق را ازوی امتان باشد
ز مضیرو کیر ز که ومه — از فضو دیده مهربان باشد
در کهر باقی و زر افشانی — داد و دهش چو بحر و کان باشد
مرحبا کیخو بشوا بان را — مردم جود زر فشان باشد
مرحمت های خسر وانه کو — مرهم ریش خستکان باشد
در قوانین معدلت دایم — حکم او نافذ و روان باشد
امن ش از مشفق صلاح و سداد — سر مو لی نه بر کران باشد
توسن بیش پیشهٔ خیر — باد سیرو سبک عنان باشد
رخش همت پی ترقی ملک — دایش هر طرف جهان باشد
گه میدان صعب و حرفت — که بدو زینت جهان باشد
که بحولا نکه علوم وفنون — تا که در جسم ملک جان باشد
پت طرف کارها ریاست — کوطن مستفید ازان باشد
از سلاح مروج عدل — که بدو ملک را امان باشد
وز قناعت و کر مشاع معاش — آنچه مسئول این زمان باشد
وانچه اندر زمانهٔ موجود — وهرا اقتضای آن باشد
کاوطن سود دهد هل وطن — نی که محتاج دیکران باشد
بکطرف تدبیا مدارس نو — که بنامم را بکان باشد
تا اولاد ملت ازین تحصیل — نعمت عیش بیکران باشد
تا کهر هر دقوم ازین قبطان — منتظر در جهانیان باشد
تا کانبای ملت از تعلیم — فیض عاید هر جوان باشد
وسعت رزق را سبب کردد — عمر توفیر را ضمان باشد
هر پدر از تشنج فر زند — خوش و مسرور و شادمان باشد
بسکه روح نیک داده بهز — خلق را فکر تی چنان باشد
کز برای تعلم و تدریس — وانچه لازم حصول آن باشد
طرز خاصی روی کار آید — تا که آسانی دران باشد
خاصه تعلیم ابتدائی را — که تعلق بکو دکان باشد
بلکه عباس از صغیرو کبیر — شنع زفیض آن باشد
زمان قلیل فیض کثیر — حاصل عمر طالبان باشد
زانکه هر هفته هر کمال را — در خاور تو نشخوان باشد
من عروج کمال صنعت را — اولین زینه زبان باشد
علم هر کز نمی شود حاصل — کاه کین را رهی دران باشد
راه آن خواندن است و نبوشتن — ورنه کی چهرهٔ ازان باشد
می شنیدم کزین وطن مهریست — که بزرو از فهرو کاردان باشد
طرز تعلیم ابتدائی را — کرده ایجاد و آنچنان باشد
که زصد تعلم چل روز — تخمش آخوان مواد خوان باشد
نه چهل روز کامل کهروز — صبح تا شام درس آن باشد
بلکه هر روز چار ساعت آن — صرف تعلیم طالبان باشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1460 of 1786

مبتدی بعد این زمان قلیل — مستعد بهر امتحان باشد
پیوسته مرا نجبه بر کوئی — خواندش بزم میهمان باشد
از مبانی رقومیو هندسه نیز — کاغذی حسا دان باشد
پشتبان مرا لعجب بود — کان نحل هلا حسا باشد
تا کلا مبدء آن دستان — که مرادروی این یاران باشد
متصدی نخستم خود دیدم — کنده وحر استوئی کان باشد
بعد دیدن مرا بچین افتاد — کاچه بشنیدهام چنان باشد
ایهم الحسن نیت شاهی است — کاین آرهای خیرازان باشد
وین متاع گران بهای تبن — که مساوی بلعه جان باشد
شدیدا زار صرفت پیدا — که همه سودی زیان باشد
خاصه کاین فیض خاص عام شود — متداول همه جهان باشد
تا در اهکذ زمان قیامتش — خلق باطفه نامه خوان باشد
هیچ نامی عناد احمد ملک — نی ازو نابود نی نشان باشد
زین لعل کرسخن برانم کردم — کی تمامی درین بیان باشد
زانکه افزونی عنامه شاه — آشکار است کی نهان باشد
بلکه آن ملکی گاهر سر او — افزین نیک سروران باشد
نه که من بار دربها گویم — کاسرا طاقت و توان باشد
ابکه بالهای را فت تو — بر سر خلق سایبان باشد
حواهم از کردگار ابکارا — عمر بر کام دوستان باشد
هردم هیبت و صلابت و کین — تیغ بر حلق دشمنان باشد
سر دشمن که پای مالت باد — مورد خنجر و سنان باشد
دایم اندر سریر سلطنت عدلت — کرد مرکارا نشان باشد
سر دوران زماله را بدرت — سر طاعت بر آستان باشد
تاتی اعراب وهندو عجمت — بر زبان خرقی فرمان باشد
گرچه جاوید نیست مدت عمر — مرترا عمر جاودان باشد
عمر جاوید چیست نام نکو — کز تو در صفحهٔ جهان باشد
ابتدا از من است و آبادش — زبان فرشته کان باشد
پشتبان چو خود بای مدح — نحوهٔ بی نشا حسان باشد
چونه گر نحوه نیست در اقرار — ازوی این نقش رایگان باشد
تا بماند بیار مختار از تو — نام نیکی بماند اندران باشد

(مکتوب)

(السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته)

جناب مستطاب ادیب فاضل — و لبیب کامل مدبر و روشن ضمیر سراج الاحبار مبارکه افتاده را حضرت حق تعالی جل علاه بمراسم فرحت دارد — الحمدلله تعالی که جناب ادیب لبا از جهة قم خواری دولت ، و بیهودی ملت اسلامیهٔ خود مستعد باطلی میباشند وگرهمت اتباعی ملت اسلام خودرا بکمال زحمت ومشقت تمام برمیان بسته شد ، لهذا بتاریخ ۲۲ رمضان المبارک سنه گذشته پارس نیل بخدمت جنابادیب خود بنده نگاشته بودم وبخدمت برادران دین وهم و طنان مقدس اسلام خود عرض ماجزی خودرا کرده بودم که بعی ازراه تمرین معدنیات دنیا در مملکت مقدس ما امکان پذیر خواهد بود زیرا جبالات غیبهٔ رنگارنگ وتلواهل های غریبه خوش منظر ، لذیذ عارض مزروعی بکثرت کان است [هرگاه برادران دین واهل وطن مقدس عزیز ما بحد اطراف واکناف وطن مالوف خویش بامورات مختلفه مأمور ومؤظف میباشند یادآوری شان گردیده حق الفقدور

سعی وشری خودها راصرف ان کرده بحس ولتخلیص کلیات بلکه عضاء جل سیحانه بك وسیله خیرمناد، که برای دولت وملت اسلامیه مایه استفاده ترقی بسمل وروزی کار آید] چنانچه آن جناب ادیب کامل ازروی خیر خواهی وعضلهای بشیارهٔ دوم سال چهارم اخبار گهربار مزیح اطایف الواخبار ترتیب فرموده بودند ، وبنده افسوس همدارم کازقیاق کمازمعدنیات جبال کرده لهای جاز جاهد میباید ، درشکن مقدس عزیزما نسبت بموسسه ملك ، وکثرت جبالهای سر بر افلاك درق هزار بالاهم تصور نمیشود ، ای عرب اسلام مثال مشهور است کمسخن واقط بی عمل هیچ قدروقیمت ندارد ، بلکه درصورتی که معادن جغرافیا اشباع می نماید ... بازبان بنده کهدرسمت جنوبی دهم حدوم ثابت کردار وطبیعه خود بودیم ، لاکن اکثره برادران دین ودولتی مقدس عزیزخودرا ترغیب دادیم که چرا بك سنك غریب بنظر نیاورد وخودرا برای گنجکاوی ندارید چنانچه برای عالیجاه پرنسان کرنیل ملکی جدرانی ، در بعضی جات جدران ، رسم از جانب خود نوشته کرده بودم که مسموع گردیدهام کهدر (سور کوچ) جدران معدن نواکر (سرب) دره موجود است وهرگاه بسنك وعلك غریب که مستلزم گردید برای من ارسال دارید ، زیرا خدمت دین و دولت اسلام رهنمه مسلمانان فرض وواجب است ، حال بود که یك حد ازصفات فطری کهدولت باسعادت اسلامیه خود داشت نخوتا ازسنن سرب دره از سور کوچ جدران دستیاب کرده معاونه [ارسال] بسیارلهی کهدال ورق قره شماره آن می باشد ، وراپم آورده تسلیم اولیا وسنن های مذکور از اظهار اظهار چه لازمان موصوف بسیار نواکر است ، وهنوز درمعنی معدنیات دیگر مانده می وعلا سائی بیشتر کما کر خدا جل علی خواهد ، دستیاب ومطلوح کرده — وعونه دیگر کهتقدیم مستشاره مقصود لحاظ باشد ودرواقعات بسیار حکمتی معدن نواکر دارد ، وقرار اظهار عالیجاه سعادت خان حاکم چاچی وچکی کمن قرویهارا بسیارك دربشاوردروش دارد ، وعونه آنرا برای این چهار نجار ارسال داشته بود — کان یاقوط مسلله دوم ازرك علائی تا حالی رك پسته ای کهسنك آنرا جناب مستطاب باظم صاحب اکرکوالکی) خوست دستیاب کرده راپم آورده بود — راپم خصوص معدن بك مسموع گردیده بودم کهدرزور کوتل شهره کان است وچند دفعه قاصد شده وازنهان شده ! اکنون درتائید مسموعی بنده عالیجاه بیك خان جدرانی همرشهادت داد بلکه اظهار کرد کهاوهن خان آنرا کنده ودیده ، بتاریخ نخستم ۲۶ رجب المرجب بنده که از کردن بازار دار السلطنه مبارکه می شدم ، بخانه رفته ازدره جناب فاضل صاحب رخصت خودرا معاجناب نامدوله خان سرحلك سمت جنوبی وشرقی کردم ، واز پراه خان بابای نخستین کرده نشان جای آنرا کرده بازدیده ، وروانه کوتل شهرمشیرم ، در حدود سنگهزاره کهرسیدیم ازخرج بگیری آنجا که حالا خرابه است عواری وحدود بخانه قدیم بلده نشان کاغذ بود کابل شیله نمیباشد ، زیرا در حدود شیله کهوازده نفر رفیق های راسما وداع کرده بازدیده شد ، بعضی دراندهاده دران روز حکم دیوانگی برن چاه ، حاجز میبودند ، که نمیگذارند برواله شده کهدرین شیله های صوب ازواله چپ میرود ، قول مستطاب ممکن خاره ! اگرمیدان دوتالایا بیشتر دارد ، بنده قربان سرحلك موصوف تکلم کرده گفتم - بلی معنی ازراهدر های ما گفتهٔ ازشیام خرچه حبلی وترقی دولت اسلامی را نمیدهاند ، وبالجمله قاریقات

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1461 of 1786

پیوندی و ترقی ملت خود را تجدید . امروم مانده اند فی الحقیقت ملت نیستند کمااینکه اقوام میباشند . لهذا حقیقت چنین است که هر ملت ، وملت وجدان ، بشرط ثبت پیوندی عنوی و تعالی دولت وملت اسلامیه هرقدم کجناب خبر مینهد وبازم گردد حقیقتاً عبادت میباشد واجباً ! گر شخص بخدمت دین ودولت ووطن خود بناحق نائل رسد رفع سعادتاً آن شخص کخدوی دولت وملت اسلامی خود گردیده موجب سزاوار (ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولا کن لایشعرون) گردد . خلاصه مدتا در اول شبهٔ دست راست کاوار آبدی خاک هزارم قدر پنج صد قدم محلا بجرا شبهٔ بعدت یازده ، روزه امتداش گردیم درنگ گرده نتوانستم - ناگاه از آن شبهٔ خارج شده شبهٔ دوم کمقدر جوار آن کان بود رفته معاینه گردیم سیاه نقه مکرخاک چکرنما بکثرت داشت . ناگاه از آنجمله کفشته جانب یسار که در شبهٔ آسیاب بود ، از آسمان جوا شدیم و بلندک رسیدم وصدکردیم از چشمه شور و کان نمک انکار مطلق نبود . بعد در شبهٔ بالا شدیم هرقدر که تفحص کردیم میسر نشد . و آب که ازاد مترشح میشد شیرین بود . ولیکن شبهٔ ما در آن شبهاضافه شد زراکلیم بسیار آن شبهٔ ازهم جدا جانجاک معاینه میشد . حتی ّ زمین رشبود . کمکان نمک درنخت آن محتمل شد زراعت درزمان برف وباران احتمال مانع شدن روی آن دارد . شواهد های خاک ازجمله تخم وبزول است ازحدود خود تجاوز حاصل کرده جاجاک میشود والله اعلم - رابع ازان شبهٔ نیز مراجعت کرده درشبهٔ سوم همین بالاشدیم در آخر آن شبهٔ دوخانه دری بنظر بجارمامور خورده در آن موقع قیم ، دو عرزن و یک صبیه معه یکنفر مرد بود . ما کنون از نزدی های خود برای سؤال و جواب آنها نزدیک گردید ، دو نفر آبدار تاول

تو طرف پرچم ، و ناظر حربیه حضرت اورینا
یک منظره از جنگهای کانال سویس ، عسکر نظامی دولت علیهٔ شاهانه ، وعساکر شتر سوار اعراب در کانال

گرده ، هرچند صاحبها گفتیم که شبا ازخاک مذکوره جوا شوید که آسوش داریم ، آبا چشمهٔ شور درنجا یکجا می باشد که یک وقتی آب کاربدارید چون مثال مشهور است که راستی را از خوره جو باشوید که صبیهٔ مذکور بیان کرد که ازین شبهٔ رامید روبروی شبهان چین خوره است چشمهٔ شور درانجا موجود است و ازانجا بجانب پین شبا یک شبهٔ که جوار این شبهٔ است روید در آخر شبهٔ پش روی شبا قدری می باشد که زهایبا سنگهای آرا می لیسید این بجاره وبرهنه ساخ رفته ملاحظه کردیم که ازقندی مذکور آب ترشح می نماید و آن درسنگ فلسی نمک منجمد می شود . مدتها ازسنگ های او چندتا نشان کرده بازمیشدیم ، وجائیکه تخمهای نمک دارد خود بزبان خبر دارد وکان نمک درانجا هین است بالا اینکه نمک ازترکستان دولت قوی سوات خواردافغانستان بحقدر مسافت بعید دارالسلطنه میباشد کمی آید مرکه این معدن منوح گردد هیچشبه نیست که بسیار فایده باید دولت

باسعادت اسلامیه ازجهت قرابت طریق تجارتی پدر خواهد شد . ای محب اسلام ازان شبهٔ برگردیده یکسر راست بطرف کوتل تهره بی آمدیم درسر کوتل که رسیدیم بطرف دست چپ سنگهای راقیه یاه که بشل شبهٔ چوتل سیاه مشابه عادت دروقتیکه ازدار السلطنه درستهٔ گذشتهٔ بارش پل رفته بوده سنگهای اویز جالب نظر گردیده بود جنابچه نمونهٔ آنرا باخود داشتم کشبه ازاسپ زول گردیده درتفحص گردیدم دفعتاً یک حریق ازفرسنگ زنگ تا عشابه سنگ مس بنظر ناخورم رخورده و قدر نمونه آنرا نیز باخود گرفتم ـ مدتها که مدتور بدون تاخیر خواهد بود زراسنگ عجیب وغریب دارد ـ خلاصه والحاصل تاریخ بوده ۹ شعبان المعظم هشتاد و نمونه‌های موصوف را بحضور فیض ظهور جناب مستطاب ، پیشوای سعادت شعار معظم وحضرت مولی شهزادهٔ جوانبخت مکرم (معین السلطنه) صاحب دامقباله وطول عمره تقدیم نمودم ، وحضرت باسعادت مآبی مخلصانه بعرض منظور نظر حاضرت ظهور خویش فرمودند ، وحجرهای مذکور را تحویل عالیجاه شیخ جانخان عنایت نمودند ، ، ، ، سبحان الله حضرت باری تعالی جل علاجلال مرحمت بی پایان خود ، وجود سعادت آمود حضرت شهزادهٔ ممدوح چنان دولت اقتدار درخشان ، و فعالیت قوی احسان فرموده که نوشتهٔ ناچیزان عاجز بجارگنجایش توصیف شرح آوادر خود نمی یابد که تقسیم نماید زراد آن زود سعادت افروز علوهای مؤثرهٔ از منابع حب وطنی واتحاد ملی وصداقت بدولت اسلامی ومرحمت های پدری اعلیحضرت شهریاری احسان فرمودند که نطقهای مبارک شان مانند جادهٔ مغناطیسی بر بت آرای قلوب های صداقت محبوب اهالی حاضرین گردیده و جوانان با احساسات پاک استقبال و زخشان مآل دولت باسعادت اسلام متحسن میگردید

(الهی دامنه) آمین ، ای محب اسلام هرگاه مادامت افغان بمی جمیع رعیت که تحاک پاک دولت قوی صولت خداداد افغانستان متمسک وساکوم وباسم افغان کسب شهرت دارم وفخر مینمایم ، خودهارا فردا فردا فدای این دین مبین اسلام خود وجسم جسم تصدق این چنین پدر مهربان پادشاه ترقی خواه خود کنیم ، هنوز در دایرهٔ حساب السابقت قاصر خواهیم آمد ، زرا شخصی اگر درمدرسه مبارکه دار العلوم حربیه وبا مکتب دار الفنون حربیه سر آمد و یا در کر مدرسه‌های متعدده دولت شاهانه مکمله وغیر مکمله که از توجهات جنابخدیو جنات عالیه شاهانه ایجاد و بنیاد گردیده زود معلوم بتواند زرا مهر ومدارس درجه‌ی و کتاب دانکان بخشش واحسان آن وهمچو مدرسه حربیه سر انجاماً تقوا ماشاء الله راز برای محتاجان سبحان الله آیا تصاویر خواهد بود کمدر حق پسر چنین دلسوز مهربان باشد بی بی پدر رعیت اسلام شهریار عدالت قرین و توفیق خواه مسلمین اعلیحضرت سر ایمالله والدین ابد مدت مکرین آن جانبین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1462 of 1786

پرنس فردریک ویلیم حسن نژادی
ولیعهد دولت آلمانیا که در افتخار گارد دوم رزمنده‌ی
دولت مشار الیه میباشد و ازمدتیست که بقابل ارده‌های
عسکریه دولتهای انگلیز و فرانسه بکمال موفقیت
آنان دشمن مقاومت و مظفریت را اجرا میکند

ملت مسلمین است ..... زیاده از حضرتش ذوی جلال علا شانه سلاطین
دانشمندیست صلاح پذیر حقیق و ترقی خواه سلطان المعظم امپراطور
(سر ایمپراطور والدین) معه برومند شاهی مبارک نهاد بجشنوع و جشنوع
نیاز واقعا دارم که بنامهای دراز سایه هزاره مبارک شاه را از روی
ملل ملت افغانستان بکو کوکه نکرده باشد و جناب ادیب لیبیا گاهی
ترکی اصول انسانیت است نیز محت رمضرت دارد که از محرر خود
متمادی و مقرر هوشمندانه بالاخره شان ملت اسلام از قوم کنانه انشاء
آنها گردیم تا موجب سعادتهای دوفیروز مندی سان گردد آمین گیه
محولات دعای اکثر حضور معلی خالص جناب ادیب قبا فاط

وقوعات خارجیه

درین دو هفته چون اخبار های اوروپ وارد نشده درین شماره
ترجمهٔ خبر های آن موجود نشده است . اما اخلق صدر اعظم آلمان
جناب (فان هوتوغ) را که بان تعلق گرفتی و دارای سی سلو سنت
سیاسی میباشد خبر دادهٔ فریدهٔ (رعد) هنا نقل نمودیم . بکمال سرور یا
گرفتار میشود . وچنان خیال کرده‌ایم کلمه‌های مشهور مشاهیر را
بدرج ستون مخصوص کتبی انشاء الله .

نطق دکتر بیتاتوک سفیر آلمان

در بخارست

کابات اوضاع حل

آلمان ـ در وقتیکه نیروهای متحده ملت میدان مقابله افتاده دست
دارند ، در زمانیکه در داردانل و سرحدات ایطالی امواج یورشهای
پیوسته دشمنان در مقابل سنگهای خارا در شامت فنا گرمادر خرمی شکنند
(احسنت احسنت) ورود در عرصه سال دوم جنگ در میدان مشرق

مارشال فون هیندنبورگ
جنرال مشهور و معروف دولت آلمان که فاتح بهادر محاذ روس میباشد

قوت حیرت انگیزی را پیدا حاصل کرده است که از حیث عظمت آن
بناها و قصبه ها و قصبات ساخته است (غرض هایکه در نمایندگان و حصار
از جنای منال شا گر بالیم (آلمن آلمن) از اینجاست کنون در
قوم مدرکه و کفایت فرماندهان گرا تدبر قائم (احسنت احسنت
صاحب منصبان و سربازان حویش استوار امتنان دائم (غرض احسنت
وزدباد) از وضعیت اداره مملکت قیصری شا گرمانیم در جات اجمار
آلمان الصدر کذیل جزء . وکل بطوری که انتظاری رفت تعاویض
وموجبات برای مقابل باوضعیات لازم و در بعد اکمل فراهم کرده‌اند
های طولانی احسنت احسنت)

امر اطور صنوع ما در اعلامیه مورخه ۳۱ زوایه حالات روز
واحساسات ملتزم کاملا تمکار داشته است وکلمات محکم و رو حلاوت
که حقایق آلمان را مشهود میداشت و هیجان اطمینان آمیز دروی
و قوای زوال ناپذیر داشته تملک و وسایل خاصه ملت واقتدار
امکان زرگ در تمام نقاط آلمان نشین مهیا نموده .

سال دوم است که ملت آلمان بالاطمینان بازی تعالی و بالاتر قوار
مملکت امپراطوری با اراده راسخی بر اطراف قیصر جمع و متحد شده
و حلوشهای متحده آلمان برای این جنگ که برای هریک غیر آلمان جنگ
مقدس محسوب است حاضر جدا بازی شده و یک صفحی میخواهد که
برای تمام ملل دنیا راه آزادی و ترقی و توسعه معارف را باز کند . منتهی
که جان آلمان اطمینانی دهد که در آینده دشمنان باهم کوه سنگین
قوه مزاحم باورا نخواهد .

« فرمانهای هورا شانطر »

آلمان نمایندگان از تجارت پیشان تحلیل شده تا کنون که تقاضا
نموده وقایع فوق التصور عظیمی در دنیا عرض اندام کرده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1463 of 1786

مساوی سیاه فرانسه که مرتبا خوار شمرده و بر قدا کاری خوش خودش افزوده و از هیچ نوع قدا کاری مضایقت نموده که صفوف مسلح خود را بر ضد سپاه اجنبی تقویت نماید و بی نتیجه ماندن مقابل مقاومت دلیرانه ما کم کم از پا در آمده و شکست فاحش بکرده .

اینان که خیال می کردند بسهولت مستعمرات ما همسایه خود را جزو خاک خود ضمیمه و اشغال و دیگران را دوخته و به نهایت شجاعت دفع کرده و بعد از آنکه عده تلفاتی در مقابل اطریش زیاد تر بود تلفات خود را بیشتر تحمل کردند .

بر دار بالن و عساکر بیرومند ژنرال طوری مقاومت نمودند که دوستی را مجبور تقدیر معترف کردند .

اینان تمام دراین مدت روبه حمله و تعرض بدشمن را اختیار کرده و در هر طرف حمله را مغلوب و فکد کوبیده نموده و با متحدین خویش که عبارت از بلژیکی ها ، کالیسی ها ، لیتوانی ها ، کورلند ها ، ولاندرز ها ، وشهر های ، لوبائن ها ، ورتو ها و کوتر ها وغیره را تحمل خویش درآورده اند .

نظر به ای نظر داری در داخل مملکت حصر ، رشته و خطوط مواصلاتی و همه روز های سیاسی است که دشمن قدرت گشتن از آن را ندارد و قشون های جدید و نیرومندی از کجا در تحت اقتدار دارد که حملات تازه جویانه جدید را بهر طرف بخواهیم جوابگو میسازیم .

در نهایت اطمینان و اطمینان همه کار نظر به خویش آینده را در کمال متانت با افتخار و بدون ترس و روا مشاهده می نماید . در میان گرو داد این جنگ بزرگ ما بر تمام متحدین خویش را همانند جمهوریت ما در مصوص تبادل اشخاص غیر نظامی و مجروحین اقدامات نموده

اعلان رسمیه متحدین

دشمنان ما مسؤل و مرتکب حقیق این همه بیدادی های خونی هستند که از این ویشتر جاری است که غیر از فریب دادن ملل خویش کاری نکرده در عوض زمامیکه ملیونیت های خود را قدرت انکار ندارند فتوحات خود را وسیله پرتاب کردن تهمت های جدید بطرف ما قرار داده اند .

مثلا چنانچه در همان سال اول ما واقع شده ایم می گویند که آلمانها میلیون ها نفوس بیگناه مشغول تجارت این جنگ بوده اند و خودشان بی گناه و معصوم و غیر از عشق بصلح و سلامت حاضر برای کار دیگر نبوده اند .

(تبسم وخنده های استهزا آمیز حاضرین) آیا بخاطر دارید که خلال جنگ خویش که وزیر جنگ روس در بهار سال ۱۹۱۴ اشاعت داده چه لهجه داشت و رجز خوانی که تدارکات روس برای جنگ تکمیل شده تاچه اندازه بود .

آیا بها نمایید کان در نظر دارید که پاچه لمن و زبانی فرانسه ها در شوارت انجیره و پاچه مملک هیجان آمیزی صحبت می کردند؟

شما خوب میدانید که فرانسه هر وقت پول روسیه قرض میداد قرض معهودی این بود که قسمت عمده ازاین وجوهات بابتی بمصارف تدارکات وتهیات جنگی مصروف شود .

« دراد وارد کری » در موسم اوت که شب آن اعلان جنگ داده شد در پارلمان چنین اظهار میدارد :

« باین قوای بحریه متفقین چنانچه مالشترک در جنگ خویش تجارت بلطف یک مبلغ کمی فرق دارد تا اینکه بحالت طرق تجارت

وزیری که در شب که می خواهد اعلان جنگ نماید این چنین جدی واز روی اطمینان حرف بزند آن عرضحال « سرادوارد گری » که پولتیک دوستان خود را هر اندازه میکرد مسلما بدون اطلاع از تدارکات عظیمه جنگی مؤتلفین ابدا این طور مطمئنا نمی توانست نطق نموده

خود انگلیس این قضیه موهومرا گذار گذاشته که فقط برای خاطر بلژیک داخل جنگ شده چرا که هیچکدام کسی پی باخطری این اندیشه را در نکرده بود . اینکه چاره ملل می توانند فریب خورده واین ادعای انگلیس ودوستان اورا باور نمایند که برای حمایت حقانیت صغیره و خاطر تحدن اشتراکه درحرب جسته است ؟

انگلیس کجا رفت وروابط ملل بی طرف راحتی الامکان در دریاها حفظ مینماید وجهازات آنرا مجبور میسازد که امضای انگلیس را سوار کرده ومطیع دستور آنها باشند . انگلیس بدون ذره تردید جزایر یونان را عمدا تصرف می کند چرا که حمایات قطعی اوودوستانش لازم است وی خواهد یونان بی طرف را مجبور سازد که از اراضی خصوصی ومقله خود شورا به « بلغارستان » بدهد برای آنکه اورا بتواند تبرعات جنات سازد

در « ایستان » روسیه با متحدین خویش برای آزادی ملل جنات می نماید (خنده حضار و تبسم) بدین چنین قرار عقب رفتن آن مملکت بی گناه را پیر خانه ویران میسازد و تمام قراء وقصبات رعیت بدبخت را آتش زده محصولات آنهارا کاملا سوخته و نابود می نماید اهالی بیچاره را از پیری و بیسوی بجبور از الجا کرده جنیمه و خواهی نخواهی بید مزارو ویران می فرستد بلی این است معنی تحدن و آزادی که دشمنان ما برای آن جنگ میکنند .

المان و انگلیس

وقتی که « انگلیس » مدعی حمایت حقانیت صغیره و ملل ضعیفه دنیا میشود از این غفلت میکند که پاکارها و تخطرات فاحش و با کواری ازوی در خاطر دنیا نقش بسته است

در سال ۱۹۰۲ انگلیس ها جمهوری های صغیره بوئر « ترانسوالیه » را بسیه خویش کرده وسپس تعرضات خود را بچه مصر « و چقدر مالی که انگلیس ازمصر بخاطول داده بود که « مصر » را از قوای خود تخلیه نماید

همین انگلیس آزادی پرور بود که چی پیشهاد کرد م اگر بلژیک بخاطر ما هم استقلال و تمامیت بلژیک را تعهد میکنیم یا کیان سر بلندی جواب داد که تعهدات خویش را در موضوع بی طرق بلژیک نمی خواهد اسباب بهانه زدن قرار دهد و صرف نظر از قول خود کند .

همین انگلیس بود که بدون پروا و آزرم در نظم ملت دیگران با فرانسه تعهدات خود را در مقابل تمام اروپا بباد فراموش کرده ومعاهده با فرانسه بست که « مصر » مال انگلیس باشد و « فرانسه » « مراکش » را برای خود سهم برد .

راجع باران

در سنه ۱۹۰۷ بار دیسه از در موافقت در آمد و بموجب عهدنامه تمام جنوب مملکت « ایران » منطقه نفوذ و منافع انگلیس شد و قسمت شمال آن مملکت عرصه جولانگاه قزاقان آزادی بخش و حریت پرور روس شود . (خنده حضار)

**

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1464 of 1786

دولتی که مثل انگلیس دروس چنین سیاست طمع ورزانه بمنطوق وهمتی مثل همیره را تعقیب مینماید حتی ندارند دولت وملتی رامثل آنان که مدت ۴۴ سال ابدا خشم طمع نظر بکران دولت و توسعه اراضی را در نظر نداشته وصلح اوروپا را حفظ کرده مهم بمسلک جنگ جوئی نمایند درصورتیکه خودشان دائما اراضی دیگران را غیر وظیفه تصرف میکردند وحال صدارا تحت رقیت میآوردند واقعا دیوه رایکاری وساوس است ! حقیقتا باید ترسم کنند . تواعد قطعی راجع بکابان انگلیس درحدوث جنگ دراوروپای وزرای بازنگ دست آمده است اگر راستکو هستند برای چه استمرار درزیر وبطرد کراد درلندن جلو استمرار نگاهداشته اند و خودشان مثل اتفاقی استادی را که در پاریس مذاکرات محرمانه داشته بطلان انگلیس ووزیر جنگ بلژیک قلمدادنموده ام نخواستند ومسؤلین جنایت خونریزی بین‌المللی را در وجود زمامداران خود بشناسند .

بل از مشاهده آنهمه ادعاهای باستان گمیخواهند خودشان را معصوم وبیگناه از جنگ جهانگیری جلوه دهند باطل وضایع میشود .

لا میباشیون آنان از این حوادث سری‌اطلاع داشته وآنگاه غدا چشمهای خود را از مشاهده مطابق بسته بودند : جریحه گذاشته بود .

این نسبت کم هوشی وعدم بصارت درزویه سیاسی دهند بلکه است بلکه‌بتوانند برای صلح کار بکنند چرا که باطلاع باین توضیح بار عرض میکردم کابینه‌سوالیستی‌انگلیس‌بیاورم ، خداوند متعال انتکرمیکنم که توفیق سعی این عبارت کرد حالا موفق شدم آن تصمیم رانگلیس‌وارداسازم .

مثل روز روشن است که اگر انگلیس‌صیانه دآنان نه‌غلط‌طالب صلح بود نه اگر ازین پایه عظمی وعصمت سهمگین که بدست روزگار دوهیئت دنیا‌را در آتش‌اندا خته نداشت وبلوکیری‌نمی‌کرد که در فردا تصور یک چنین خطری را میکرد آیا بین از اینها هدنت بوجود نمیکنی اوعملت کرده ؟ باطلاع بلغوه انگلیس که زهرمیرنگ باین جنایت می‌بایستی می شکافت باز عرورای آن ازپی نشستم .

وقتی که مسئله ازنقطه نظرحیات جهان وجهانیان ودارای این چنین عظمت فوق التصور مهیب باشد ورد دلیل من چنین بود .

« بامحوات خدا هیچ چیزها بیست »

صرف را ازاغفال پیشتر میتوانستم بگویم عوام نمیدهم . بادشاه متوفی انگلیس ادوارد دهم باتیک افرادی بریتانیا را وعلیه آلمان تحریک میکرد وبعد ازفوت وی امید وار بودم که مذاکرات ۱۹۰۹ ما منجر بنتیجه حسنی خواهد شد . مذاکرات طویل میکشید تاسنه ۱۹۱۱ وسپس درآن سال مذاکره جدی انگلیس و مذاکرات بین فرانسه وآلمان درموضوع مراکش قلمفرسایان نشان‌داد که پولیتیک رای‌سیاست وتسلط دنیا چگونه وبچه اندازه صلح عمومی دنیا را تهدید مینماید .

همان وقت حلت انگلیس کاملا مفهید که پلتیک ماندازا تی‌جه وزه متضایقه است وصدار رفع علیه خ ان مقتضی شد چاره عاجله بود که در گرداب خطر خیره جنگ بین المللی نیوفتد . ولی آن وقت در حالیکه مذاکره وی بک حس تمایل ایجاد شد ... ابط خود را با که مانع از حدوث اقدامات مساعده دنیا نده‌ودر حالت دفاع باشد .

ماموریت لردهالدین

دراین موقع « لردهالدین » وزیرجنگ انگلیس « فصل بها ۱۹۱۲ جرئی » آمده‌می اطمینان داد که انگلیس صیانه‌ا... نواخت‌ا...

لا کن چون‌خاطره‌ما جمع مذکرید قوا موجب اضطراب شده است من‌اروی سؤال کرده که آیااتفاق بالنان که مخلط جنگ انگلیس بالنان تابع می‌سازد یک خطر احتمال حالتاروپارا مرتفع میکند خیر ولی در مدت موقت « که آلمان کمتر بایستی بسازد زیاده ران قیمت خارجی .

لردهالدین رای خودرا کرمن وطریق من شاید حضرت دوستان سؤال کرد که چنانچه آلمان از صمیمیت انگلیس اطمینان حاصل آیا رای استعلال فرانسه صادرت آلمان بدوی خواهد بود .

من جواب دادم پالتیکی را که آلمان چهل سال است تعقیب می آیا چنین‌وه طوری داشی تواند عرضه داشته وچنانچه آلمان قبول خیال هارا داشت وسلک رادان ترک پیشه را بی‌جواب انتظار باید درموقع جنگ ، آرشوالد « درموقع جنگ روس وژاپن چون چنین است اختیار باید ، آلمان که مایل‌وده وهست بافرانسه‌ها عبورت عمل‌داد ! اگر میخواست میتوانست یک اتلاف‌دیگر در باشد حمل باید .

بعد از عزیمت « لردهالدین » مذاکرات « آلمان » تعقیب شد و منجر شدن بروابط مستحکمه وای بالطرفی بدون شرط عروض تعهدات بین آلمان بانگلیس پیشنهاد کردیم .

انگلیس چون آنگ دور داشم تکلیف سازاده کرده باید تعهد دیگری نموده آراهم قبول نموده وفرمول ذیل را بمذاکرات کرده که پیشنهاد کنیم :

« انگلیس درجهت معین حمله بالمان تعاهد کرد اگر والمانها به آلمان حمله‌وارد می‌نماید

ودر معاهداتیکه انگلیس بادول دوانداره حمایت در آن بست ومعاهده که جنگ بالمان ازمقررات آن‌نشد بعده ما متحقق خواهد بود »

بعقیده من‌این مولتمدت‌دیر معمول بود که بدون جهة سازاموزد حمله‌قرارداده ومعاهدات بایارین منعقد سازند که چنین‌ضمن یکی ازمقررات آن باشد دولت روان قبول وتعهد انگلیس که اینطور حمله باید موضوع یک قرارداد رسمی بست ومعاهده لازم دارد .

لایحه انگلیس پیشنهاد کرد که بفرمول فوق این عبارت زیاده « نظربیکه دولتین متعاهدتین بین‌ازند که‌این آیا صلح ودوستی‌را ساند انگلیس ملزوم می شود که‌این جهة حمله از طرف او واقع نشود »

انگلیس والمان

این تکلیف تاوی انگلیس چنری بود که تعویری در عقیده قسمت عوی بدهد و کار خارج آنی‌می ملاحظه باشد کابینه کرات ! ودرآن زمان قطع کردم .

بالآخره برای آنکه مرتبه قدرت داشم برای تامین صلح بیا کنم بانگلیس حواله که ساخ وی فوق آن فرمول هستم شد انتظار این حمله بروی داده شود . وبازاین چنانچه جنگ پرآلمان ضد شود انگلیس مسلک بی‌طرفی دوستانه ، حمله خواهد کرده .

سزاوار کری ! الحق این حمله اتلاع نبوده ودر بحبوحه ما گفت که بم آن ! داده که الحق این عبارت وسعی انگلیس سازاین وضع اندازه .

مقصود ازاین‌حرف‌این بود که مذاکرات‌دیگر قیمه‌نداردوانگلیس معتقد می شود که بی جهت بحمله نکنند لیکن در موقعی که یک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1465 of 1786

دولتانی خواهند پیچیده شده در اطاعت خود از او خواهد ماند.

دولت کنونی مستراسکویت درکابینه خود از اطلق خود خاصر ان که

که این فرمول انگلیس که بدون جهت آنارا مورد حمله قرار دهند برای مستر امور آنان کافی نبود وی خواستند که اگر آنان داخل جنگ شوند انگلیس بطرف شد. این طرز اظهارات مستر اسکویت حقایق را مستور میدارد درصورتیکه ما فقط همین را می خواستیم که اگر ما بدین عاقبه نایبنه چون طرف عاقد وان نکته را. اسکویت و علی کرده وحق داریم بگوییم که مقدار لایه افکار عامه انگلیس را گمراه کرده است.

چنانچه مستر اسکویت برای ضلالت افکار حقایق را در پرده اخفا مستور نکرده بود می توانست در نطق مزبور اظهار دارد که دولت انگلیس بحری وری خود را زیاد کرده وی خواست این خود را از تمرکز دسپوی برای انتیلای داردا متعهد عملیات شود.

فردا هم همین چگونه وچرائی مستر اسکویت و این توجیهاتی را که خوب مسبوق بود دعلاق تغیر کرده و رمکن نتیجه دگرا اظهار دارد.

راجع بان نکته واقعی مزبور را خاطرنشان میکنیم که بعقیده ما کابینه دمکراسی طبیعی از دشمنان ما استفاده بی نتائجی خواهد قرار میدهند درمقابل تاوان و تاوان پروست واعتراض کنیم.

و همچنین ما اطلاع مقامات صداقتی انگلیس هرچه انگلیس ها خواستند بعمل اینعمل کردیم و هم می خواهیم بوسیله اعتبار حقایق مطلب را بسمع آنان برسانیم.

فرضا که دشمنان ما موفق شوند که این اظهارات را در کشمکش های جنگ وبیان دولتهای تنور حرب مستور دارند ومقاصد شامت آمیز خود را در تحریک ملل اسلامیه کابینه روزی خواهد آمد که تاریخ صداقت این وقایع را کرده محکوم ومتصرین حقیقی را اعلان نماید.

باطلاب صلح دنیا بودیم

مدتی آن رسیده بود که انگلیس و آلمان موافقت صمیمانه با یکدیگر کرده صلح دنیا را تامین کرده وطنان از زحمت جنگ کشف جنگ آسوده سازند ما مواعظان آن بودیم لیکن انگلیس نخواست وادعا میان آلمان جنین را از دامان خویش می تواند بگذارد.

بدان جامعه گی بن و مراد وارد کری و ومسیو و کامون و سیر فرانسه مقیم لندن مراسلاتی رد وبدل شد که از مضمون آنها اطلاع بکلیم و مقصود آنان تعاقب افکار راجع باتحاد قطای تعاقبی انگلیس وفرانسه بود.

زمینه درجاتیا تهیه شده بوسیله قرارداد های جدا گانه بین ا دولت های گل قوای بحری وری دولتین مزبور، اتحاد نظامی مذکور صورت یافت.

این مسئله را نیز علق داشته و به اطلاع عامه انگلیس نرسانده فقط وقتی که دیگر جاره جز توضیح وصیات نداشته در تاریخ سوم اوت روز قبل اعلان جنگ این واقعه را بعرض اطلاع عامه گذارده وگلا ازدحام و زرای دولت انگلیس و پیوسته در باره آلمان خویش اظهار می کردند که در باره جریانات کیو و موقع طوع جنگ اروپا ازیقدمی کوته نبینی آزاد هستند.

انگلیس همین سیاست خصمیت باآلمان را تعاقب می کرد تاوقتی که مذاکرات انگلوفرانسوی بحری انگلیس وشهر ۱۹۱۴ بین سر البحری روسیه وانگلیس تشویق شده و بیان رسید که سر البحری روسی در خلال بود که دعوا و استظهار جهازات انگلیس ایالت و بوسیان و آلمان را قلع وقمع نماید.

اینک قضیه دولت انگلیس که با تمایلات خصمانه و عدم بت صریح می خواستند آلمان را از طرف اطراف دچار محصور سازند از این قرار بود طرز عمل باید بودیم که برای

حفظ همین وجیات ... بی بود باشیم وجوه حکمت تربیه خواهد را در سنه ۱۹۱۳ تهیه و پیشنهاد کردیم.

روس و آلمان

راجع به روسیه و پیوسته خطیات خود را مضایق ان اطمینان تعقیب می کرده دائماً در رواط دوستانه جداً به باقی و کلان متلق و شاید تمایل دارند که شدت تعبیرات مذاکرات را تخفیف دهند.

در مسائل خصوصی سعی کرده و با روسیه دوستی حاصل کردیم و معاهده و پیمان و راتیفا یا داوری میباشم وروابط دوستانه آنان و روس در اوقات و فقط تمایل ازدکرده بود بلکه راجع اطمینان های شخصی نیز استقراری کرده

ولی با این حال دیده که وصیات ومناسبات عمومی بین چیره و خاصر نسبت بین شد. چرا آنان طرف جنگ طلاق و استقام فرانسه علاوه طرف دیگر اصابات جنگ جوئی و تمایلات تعدی رای وسعه و انحصار ملل و استیلای بر پیوسته دام التزاید بود و بواسطه موازنه قوا را تحصیل ضد آلمان کابینه و انتد. و چون می توسعه بیشتر روحانیت اوضاع می ازدواد تمایلات جنگجویانه و انتشار حرارت های درونی رو افزون آنان بقدری درکار ا دیده وضعیان بود که هیچ مانعی درمقابل قادر بجلوگیری نبود و بالاخره آتچه باید شود شد ودعاه آتش فشان در تابستان ۱۹۱۴ منفجر گردید.

پیشنهاد انگلیس راجع بکنفرانس

در انگلستان رمایه کفته می شود که چنانچه من تکلف و سر ادوارد گری و را قبول کرده ورای شوه و مذاکرات روس واطرافی اشتراک درکنفرانس نموده بودم تمام بود ازوقوع جنگ احتراز عمل آمده باشد.

تفصیل پیشنهاد کنفرانس این بود که در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۱۴ و سیر کوشن و سفیر انگلیس مقیم و برلن و به و مسیو ژاکو و وزیر امور خارجه درضمن مذاکرات شفاهی این مطلب را تکلیف کرده و و مسیو ژاکو و به سفیر مزبور مطرح نظر کرد که ترتیب پیشنهاد دهم بنظر او ثابت نیست.

ودر جائیه بوی کفت که برحسب اطلاعات واصله از روسیه و مسیو و سازوف و برای تشاول افکار و مذاکرات مستقیمه با و کفت پرخواهد و وزیر امور خارجه انگلیس حاضر است و مستقیماً مذاکرات بین دولتهای و پطرسبورگ و و و لندن و پیشنهاد کند که بدین نتیجه مساعد و رضایت بخش منجر شود و این جهت و فقیده و مسیو ژاکو و پیشنهاد بود که ملاحظه نتیجه مباحثات مزبوره شود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1466 of 1786

در حقیقت مدافعات وزرای خارجه روسی و اطریش سر نرد و دوام یافته تا اینکه تهیدات عمومی روس شروع شده و مذاکرات دیپلوماسی را قطع کرد.

دفعه دیگر با کمال جدیت و صراحت تکرار می کنم که این طرفه از حقیقت و این افترای زشت که می گویند سازقونوف پیشنهاد انگلیس را جمع به کنفرانس امتناع نموده و همین جهت مسئول وقوع این جنگ شده ایم از همان نمره روز حرب پنان های مطبوعی است که دشمنان ما می خواهند در قلب آن پنهان شده تقصیر وارتکاب خود شان را خفی سازند.

میدانید چرا جنگ حتمی الوقوع شده فقط واسطه تهدیدات عمومی روس برای مطامع سیاه بیانه ورزیده.

اعتماد دارم واطمینان میدهم که ما از جنگ های این تهدیدات و هم از جنگ های میدان های مخالفه فاتح و مظفر بیرون خواهیم آمد و اسلحه افتراو حرب دشمنان هرگز تاثیر دران خواهند بود.

موضوع مذاکرات انگلستان

انواع خدا کاریها و اطرافی به حدود شرق مذاکرات انگلستان و سرحد و روسیه و رسیده اند.

در قرنهای متوالیهٔ ماضیه وضعیات جغرافیان ومقتدرات سیاسی آنها و انگلستان و هارا وادار کرده بود کاین خود را دوخورد و تشکیل نمایند و این کار ها و افتخارات این مشاهیر انگلیس باحترام یاد میشد و در مقابل تهدیدات دشمن پرستانه و حدیت های شاهان آنها فرق که مثل انگلستان" تحمل قدیمه مقرت زمینی خود را دفع میکرده دور مقاصد دلالانه و نشقی که برای استقلال خویش در بین رقیبو مصیبت های شدیدی که در دورهٔ استیلای سخت روس ها تحمل میکرده ودر مدت بلای وارد این جنگ نیز محبت استقلالرا فراموش نکرده است ابدا که خواهد کرد.

امیدوارم که تصرف فعلی سرحدات شرق و انگلستان و توسطقشون آنان واطرافش برای آن ملت شدیده بکدوره سعادت واقبالی زائد و باید که تمام اختلافات قدیمی ومنافشات قرون سالفه را بین آنها و انگلستان و هاوطرق ساحه واین مملکت محت تکنیمه گذارکور ساخت ورشته اتحاد روس متحلص شده است بقاسم های سریع سوی یک آتیهٔ متمدنی وسعادتمندی حرکت نماید طوری که بتواند حیات افرادی وامنیای خودرا تامین وترقی دهد.

ما مملکت مزبور را اداره می نمائیم لیکن حق الدور بعد ولت خود ملت واشتراک خصوص خود اهالی آنجا نیز واهم کرده که مشکلات وتعلیات آن مملکت را و طرف ساخته وجرا ساتی که روسیه به جسم آنجا وارد نموده است معالجه ومداوا نمائیم.

صلح آتیه

هرقدر جنگ بیشتر طول می انجامد بهمان نسبت زخم های بزرگ که خون اروپا و دنیا را روان می سازد وضع تاثر آمیزی اختیار خواهد کرد و دنیا که پس از خاتمه جنگ در مقابل اتحاد بلشه عرض اندام می نماید آن دنیای تباهی یافته و ویران خواهد بود و کمتر مال را باقی میگذارد خصال سیاسیون خیال هستند و انتظار دارند که وسعت اروپا امور ذیل برقرار سازد و بدان الان ضعیف و ناچیزی که تقریبا خراب کرد:

یک روس مهیب و تنومندی باشد.

خیر! خیر! این طور نیا بستی بشود، این جنگ جهانسوز سهمگین ابدا ترتیبات سابق و وضعیات قدیمی را دوصورتیه اساسی تشکیل نخواهد داد.

اروپا میتواند صلح را قبول کرد مگر با یک اتحاد مقتدر و مغلوب نشدنی. و قشون موازنه و تعدیل قوا که انگلیس تعقیب میکرد دیگر وسیله سیاست جهان محدود نشود چرا که همان قشون است که اکنون تهدید و تهاجم انگلیس، صرب و مراز مقاصد و مطامع رویه ای و بحران حقیقی جنگ ها است.

در چهارم اوت ۱۹۱۴ موقعی که پس از اعلان جنگ صدر اعظم آلمان بتصدیق اینکه معاهدهٔ بین المللی را پاره کرده و بروی میاهد مشارالیه بصدر تاچنین اظهار داشت: «این جنگ بین آلمان و انگلیس بعد از انعقاد صلح به سراد وارد کرد» اجازت خواهند داد که جسارت نمایم و باصطلاح طرق انگلیس تتوانسته است بگذه بقان بده

(بقیه در شماره آینده خواهد گان)

بلی دروغی که «سراد وارد کرد» این حرف را میزه در مقابل چشم وی بد وسیهٔ گوه یکر مبادی انگلیزی جلوه کرده و شاید آن در نظر آید کال حواری وخفت مشاهده میکرد و دران وقت آلمان مغلوب وضعیف رای انگلیس خوب بود که از روی کاغذ بازی پلتیس نماید و تحت الاطاعت درآید (آلمان) شده و انگلیس راه استعمارات خود خلب نماید.

(قسم عوم حضار)

آزادی دریاها

آلمان بایستی مقام خویش را تحکیم نماید. موفقیت خود را سخت بدار واستوار سازد بطوریکه بعدها سایر دول هرگز در این قصد و تبانیات از قشه نظر سیاست اورا متغیره سازند.

برای حفاظت خویش برای صیانت سایر ملل بایستی آزادی دریا واقیانوس های دنیا را تحصیل نماید و این بطوری که انگلیس ها برای استیلای دریاها نموده اند تا که برای آنکه عموما تمام ملل از اقداماتکلی رای و تجارت تابع تسلیم صلح و آزادی ملل کبیره وصغیره ملل دنیا و خواهیم بود.

ما بیشتر که مال کوچکتر در تحت اراده ملت سوئد ـ نروژ سابقا ـ علاقه قسمت عمده از دولتین و را تهدید و تحریک می نمائیم و شما خود ملاحظه میفرمائید که دیپلماسی و اتلافی عربع میکوشه سعی دارند تمام بالکان را احاطه ساخته و بدان میگویند که تابع دول مرکزی خود شوید اما دولت و بند کی ایشان است در صورتیکه غلبه و اتلافی مربوط لیبرال آزادی و استقلال و توسعه علت آمکن شده وضعیات اقتصادی آنها را از بین دهد.

چه مال بلژیک است که دوسیه صرافتا مسئله استیلا جوی و حرص المانیک گم را باین راه دوان ساخته است.

«بالکان مال ملل بالکان است»

واین هم دول بزرگ را در درجه اشتیاق اقتدار و سیاست وی ساخته چرا که بدون تکمیل بوسیله تحت معاهدات سرب و بلغار را فراهم کرد.

همچنین چندی پیش چنت که یکدولت بزرگ دیگری در قرن گذشته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1467 of 1786

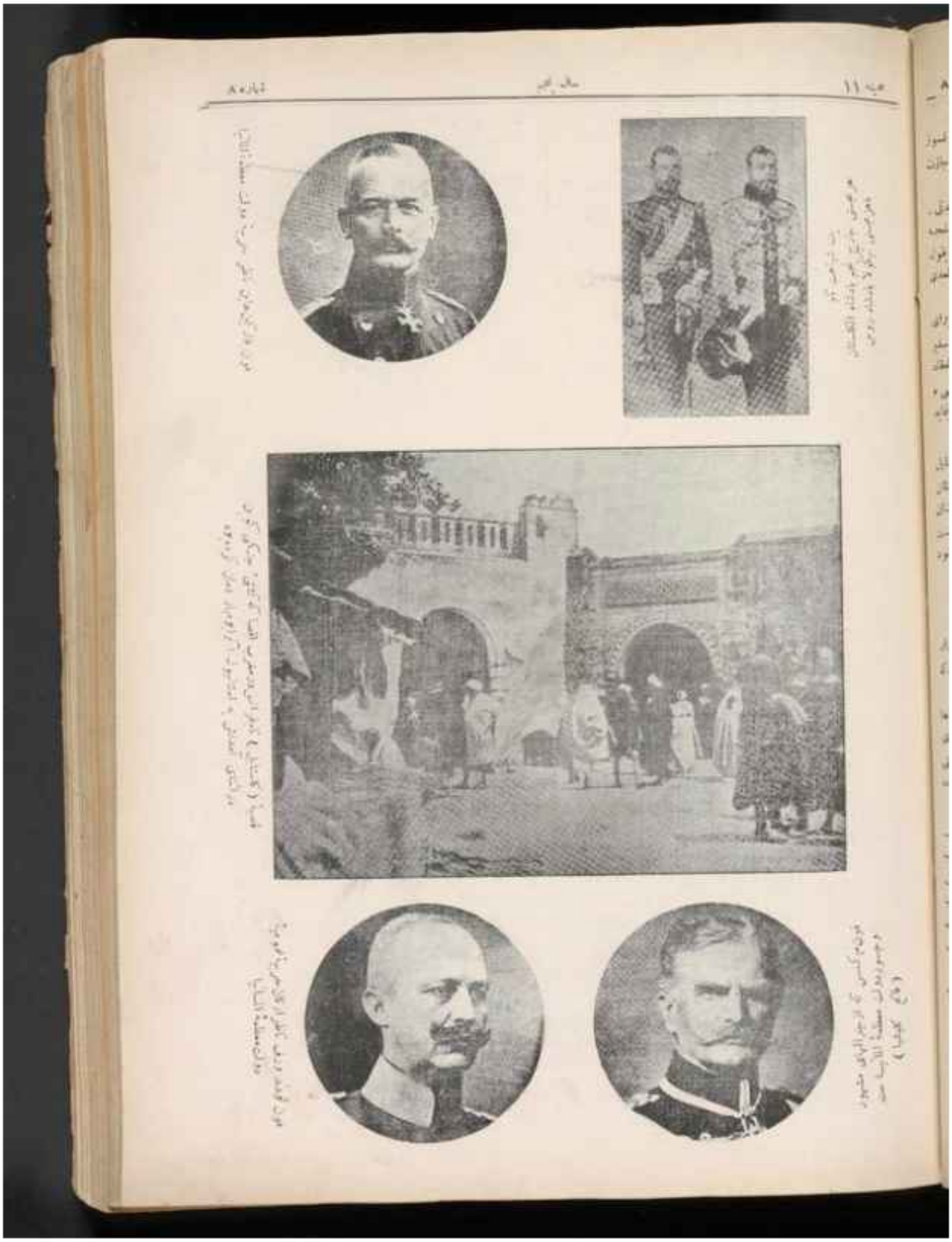

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1468 of 1786

دروازهٔ جامع شریف هور عیالی هور اسلامبول

جارپای اسلامبول پیاده کلارنه جیقان
پرداشت هیچ وار ایدی

زنان شریفه نك وسیر ایدرکن
بر عربه جولانده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1469 of 1786

... یکی مطالب وصائبی از دست همان دولت امدی پیشه چنانکه ...
... یکی سائل مسائل را که رای‌مانیه کرده بودوست داشتیم چرا که ...
... لیدن ومقاصد دشمنان حائلت وچرگاهرا درما ایجاد نمود که رای ...
... آن نمی کرده وامروز توانستیم این چنین پیش رفتیها وفتوحات ...
... الحقوق مدنیا تحصیل نمائیم .

رای امیر الجوری متحد انسان هریک سال صلحی که طول میکشید ... وع جوانه عظیمی را غنیمت میبرد زیرا که در حال مسالمت بدون ... ان میتوانست راه تمایل ایشوده وسریعا ترقی نماید .

... هیچ زمان در صدد غوق وخوف درآورده است وپیوسته ... ان حفظ کار میکرده است که درصدا غتصالح وسلامت ازجنرال وحیت ... ی وامن وترقی بلاد صغیره و کبیره دنیا پشتی خود .

نتیجه

... ین جنگ سهم گین در انظار جهان مدلل داشت که چه درجه ... طنرا ثابته ولایق هستیم واطمینان مارا نسبت بقوای اخلاقی ... عنوی خودمان تأیید نمود .

قوی را که این قوهٔ داخلی را بما اعطا نموده است تهنیت ایم ازاینجهت ... ر داری درعمل دیگری مصرف ساخریم .

... ن را گرمنه داران آنها اینقدرا تحریک ووادار بحملات با گردیده ... ایشان وپیوض نمیدادیم وکینه خصوصی بآنان نداریم .

... ملیک را این قدر دوام خواهیم داد تاآنکه ملل مزبوره از کذا ... نامهای حقیقی الجادان جنات هستند، اور محکم قضای صلح نمایند ... دوت خواهیم کرد ناموقعی که راه ازادی وامنا پیش رای اروپای ... سدی که از دسایس فرانسوی‌واز شهوت‌فتح وجهان گیری مسکوی ... راجعت انگلیسی مستظلس وحصنا شده، باشد باز گردد.

... دوید های طولانی علیها واحسنت والمرن ... الیها

(اخبار های اردو) از اخبار های اردو

(پولیس گرمن سراید ورد گری از وزارت حربیه)

... تلگراف لندن" اخبار کابل میدهد که چون الموسم ... بار کشته و ازطرف ازوقتیکه چشم سراید ورد گری خراب شده ... عت جبال اوزبن با آن خیل نزول نموده قابل اطمینان نیست . لهذا ... ملا مهم میگوید که چشمو ارض اورا میباید کاهیر ازعهدهٔ وزارت ... حربیه یک عهدهٔ دیگررا که کارهاوزمه دارپهای آن لسدت اشتغالات ... جلیهٔ وزارت حربیه قابل باشد منظور کند کاچندی باعث استراحت ... ان گردد !!! وفی الحال ازجهة" کفایتکه این عهدهٔ بزرگ‌الخطر وکفالت ... میتواند انهاکی لارد « لانسیدون » که عمرش ۷۰ سال ویکری لارد « گرزن » است که یک کار غیرمهمی درینوقتها مأموریت دارد !!

کذا (روزنامه گلوبوی : بیان یک امریکائی)

اه کار جنرال لیمان ساندرس

تاریخ ۲۲ اکتوبر :

... تلگراف لاندن « ایسوشی اید پرس » ، کهدر حال تهیهٔ ترمیکها ... ر خطوط مواصلت ترکیا را گرفته است مینویسد که در ملاقاتهٔ واقع‌شده ... ین افواج انگلیزی قریب یک لک و نوزده هزار نفر است و در مقابل ... شان یک لک و سی‌هزار ترک موجودند که علاوه بر ۸۰ هزار قوج ... خطوط عرب دارند کاملاً فایده وموفقیت کلی ترکیا ثابت است. جنرال لیمان ساندرس مینویسد که حالا من آنقدر پروگرام الستن شده‌ام که اطراف و جوانب بعضی معاملات را بخوبی تمیز و تشخیص نمیتوانم . ولی بآن چنین واعتماد کلی می پرورم که اگر گذام نقشهٔ نا گهانی" غیر منتظر تخریبی" پیش نشود الحادیها اگر هزار کوشش وصرف همت نمایند قدمی هم ازحل قهام سالان خودشان جلوتر نخواهند توانست .

اندازه وتخمین کرده اند که قدر مدت تنها ۱۵ روز الی تاریخ ۱۲ ماه اکست گرفته تا ۲۷ ماه مذکور درجبهه‌های تعرضانهٔ خود کذا کرده اند ۱۲ هزار عسکر الحادیها مقتول و ۲۵ هزار شان مجروح گردیده ودرمقابل آنها قشون ترکان نهایت جزوی و مختصری بوده است.

(کذا) (وعده های قیصر بامارتها)

استردام ۲۱ اکتوبر :

قیصر جرمنی اعلان شایع نموده که دران صدد تعریف و توصیف همن وشجاعت افواج بلغاری الفاظ‌زیبا نوشته است نه عقلاً قریب است که بلغاریا حقیقتاً مملکت بلاشرکت غیری قیصر اعظم تملک کرده، وحدود تحکمیه‌ی سواحل « بحرهای » اسود وازه ، وادریا تیک‌را می نموده . تمدید وتوسیع ، وعظمت وشوکت فوق‌العادهٔ کسب نماید

کذا: (شاه یونان پیوخواهی جرمنی)

لندن ٦ نومبر :

خبر « اتینه » باطلت یونان مظهر است که سفیر جرمنی تکلن دوارک شاهی یک عمل را برای سکوت خود اتخاذ نموده و شاه قسطنطین باشد یونان همیشه وپیوسته تفکر این چنین خصوصی" رادارست باخود قیصر جرمنی اگر به گفتگو وسوالوجواب میکند . در زده‌سپه وپیزیلوس خطوط شدید آمیز بسیاری متصلا عرزوه میرسند . که بتاراج اقربا واحباء وی همواره اورا درزیر نظر احتیاط ودقت خودشان گرفته‌اپسای میکنند ، وچنان گمان میرود که بعضی واقعات نا گهانی عنقریب ظهور خواهند پیوست .

اخبار « رایتر تلیلات » راجع دیگرازقیام دوبارهٔ وزارت ویزیلوس اندیشه است واندازه برای دفع وچارهٔ ماتقدم آن کوشیده مینویسد ، که امید است که شاه یونان مجدد خود را یک طرز عمل مدعش ومنحوس گرفتار نماید ، وباز باردوم خودرا با قاعدهٔ برخطر ویزیلوس مصاب وسر دوچار نسازد ! سپس پشاه یونان پداوری نموده میگوید که ویزیلوس عرضحال کمالک اثر وصاحب زموج یک شخصی عهدنامه درمیان رأی وارادهٔ ملل خود پادشاه گذام قوج نه ملل حاکم شاهانهٔ اوسر مجدد هیچ کار وغرضی را پیش برده نمیتواند .

(کذا): (خدمت اجباری عسکری درانگلستان)

رکلیدو جنرال « سراپرل سپرن » گهرپست کابری افواج جدید میباشد درانثنای تقریر خود چنین « هل » بیان کرد که :

ما هرگز نمیخواهیم وقتی گوئیم که در برطانیا برای ادای خدمت عسکری اجبر واشتد بکار گرفته شود . مگر گاهیکه برای موسم بهار اینده ۳۰ لک قوج را تیار وفراهم نکنیم ازعهده برای پسیار بزرگ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1470 of 1786

قوچی خود برآمده نخواهیم توانست . غیر از این یک تحول ما برای خود آمادهٔ ضرورت توپچی را تعیین کرده میتوانیم که اولاً مقدار صحیح عسکر موجودهٔ دشمن خودرا معلوم و ظاهر سازیم . ثانیاً سوء تعبیر خود دولو ورزیده گفت که « من چنان قیاس وتخمین می کنم که سالا ژدهرمی از ۱۸ تاه ۴۵ ساله مابین ۹۰ تا یک کرور نفوس تیار وحیز موجود است لهذا درصورت آزرو مند زودی خلاص شدن جنگ نیاشد . وهم کابینهٔ وقتیا رأی زنهای ما در خصوص شکستاندن قوت دشمن قطعاً بیهوده ومهمل ثابت خواهد شد . وچون من اعتقاد کلی واعتماد کامل دارم برشکوه وشوکت بهار آینده حساکتیو افواج جرمنی بحسب انتظارها صائم ونائف خواهد شد وآنوقت قوای عسکری جرمن واوستریاقوای متحدهٔ دولتهای متحده متوازن ومساوی خواهند شد . لهذا اگر برطانیا تاه اکتوبر ۳۰ لک نفوس فراهم کرده پس غنیمرا بجاو ناچار تسلیم کردن این سخن لازم خواهد شد که بعد ازین طول دادن مزید عبارت رای او بغت ویک وزوال است » !

(کذا) (شاه‌وپان بمخالفت اظهار پان)

ثمن ۸ عمر :

اخبار « کالیوی » رقمزاز است که چندی قبل زن شاه‌وپان همسرا ونیا پت کل دولتهای متحده گفت که « چون قیصر جرمنی ازمن سوال و استفسار نمود که چرا گفته‌ای که افواج متحده « بندر که سلانیک رامند ! لهذا من درجوابش گفتم که کارمانیک جرمن قلع وقمع کلی « جهان ویلیان خصما « عالمگیرا « قوة بحریه « انحادیون را ازپوتان نکند تا آنوقت من ازمخالفت آنها حاضر خواهم بود » !

(کذا) (تحت دردیوان خاص : اداره رانقطا مات جاری)

ثمن ۸ عمر :

لارد « کرزن » دردیوان خاص گفت که مسیاپتوریب طبعاً بدون استشاره واستجازهٔ ماهرین قوشی وبحری فرستاده شده بود . وهر این خیال که یک حلقی خورد وزراء انتخرض ساخته شود که حلقی زرة را از واقعات خبرداده باشد سراسر یک فکروهمی ومهملی است تصحیح فایدهٔ دون این عنصان که وقت بسیار حرجی خواهد شد دو کار نا کرده خواهد شد زان موقوف ومرتب بست .

§

« بالفان ومسئلهٔ میسهٔ آن »

درخصوص لارد دلر این اعتراض کرد که چرا برای وقعات تازه ومسئلهٔ میسهٔ بالفان پیشتر تیار وآماده نشده زان غوروخوض نمودیم .

§

« حکمهٔ اعتساب »

لارد کرزن ذکر حکمهٔ اعتساب را کرده گفت که کورنت بسیار خائف این سخن رانیکند که بهرطریقیکن کمیته‌دون فقرات عرضداشتی که از اعضای آن بدشمن نمی‌رفتند بگرهتواعتصاب را بالتعطیل لشروانتشاعت بعد وازین بلندا بعهده کارفرمایان ومالکین بود که قریب بسیاردستی انتظام شایع ساختن احوال متصل آن وقایع را که از آن بدشمن فایدهٔ زیده تکمیل خواهد داد .

متعلق خبرهای تلگرافی پاریس جرمنها . لارد کچر گفت که بیشتراز درین تلگرافها « بیان کردن واقعات جنگ ا کتفا ورزیده میشد ولی

اکنو درآن بعضی چنین اعداد نشان داده میشوند که از دانستن آن اهمیت اکادی از دلهای صحیح میرود .

§

« سراید وارد کری »

لارد کرزن گفت که امروزه روز سراید وارد کری را سراغ نمودن چنان یک کار مشکلی درپیش است که در زمانهٔ ما هیچ یک چیز حاضر را نظر آن پیش نیامده است . مگر تنها پس ازجنگ ۱۵ ساله چون دو پادشاه عالمگیر بالفعل بکطرز عمل برخلاف امیدهای سابقه واتفاق نمودند ازاورو مارا نیشاید که سراید وارد کری را دررا دواستقبال کرده محافظت وی رائم سالانگه تا کنون همیشه بالا تر وصف وتعریف اورا میکردیم .

« مبقی اخبار کلوب »

بعدها ذکر مبقی اخبار « کلوب » را کرده گفت که چون ما در کور متعلق استعفای مارشی لارد کچر گوشته بود « که اوزمازلزله خود بغایه متدران امور بحاسته شده « ازاورو ثانیاً بحاسب که یک عاطفی را اشاعت دادیکه سیار زیان یافت که یک وجه خاطری اصول را نیز بان ربط وتعلق داد . وآن فردای آروز هم اعادهٔ همین غلط خود را نموده درسخن خود اصرار ورزید . واین را نیز با علاوه کرد که کورنت زمینی که این خبررا کرده هرغلط و چشمپوشی مرتکب شده است کورنت حکم قاطعی اخبارهٔ کور را واقعه ساخت زیرا که بوجود کورنت اورا وخطرش واقف ساز توقعها اصرار ورزید .

§

« حالت اصلی بالفان »

لارد « لینون » گفت که تنها سبب کمی غوروفکر امید ها درباره بالفان غلط ثابت نشده بلکه فی‌الحقیقت طرز عمل ما بدولتهای بالفانی راصول « ازیکست شده وبیکر دست بکر « میباشد بود . مگر عمری رای کرفتن بسیار حالاً وبروقت دادن ذکر آوا هم بکر نمودن ورقابت باهمی که سبب سازش ها واز همسای خارجی را وزیدت کرفته بودند درراه این طرز عمل منجیهٔ مناسب جلو درمسئلهٔ توپ فرستادن برای پیشقدمی بکردن جرمنها نبود وآنرا که ازطرف ما والموشت جانبوجه بود که ما میآییم کورنیا با و کار آمد پیش نداشتی دشمن چه‌خواهد بود ! بهرحال چندان و نمویق واقع نشد وهر قدر توپ که آنوقت میسر و موجود بسلانیک فرستاده شد وانتظار روانکی باقی قوج طلبی آن نبود کرده شد .

(کذا) : (سال هلاکت اشتهان سروبا)

یک « موسیو الجیر » جنگین نام که درماه اپریل گذشته بدیغرض وملعده رت بود « ورثا نامه های صلیب احمر انگلیس خدمت حفظ‌الصحه را اغا کرده « خلقی حالت زار سروبا بکلی پرورده واقسوسی کشته است . « جنایات وفاکه بافراد نهایه کرده مردم جوق جوق سوی جنوب هجرت کرده . حال سرکیا و حیی الاوزو وزان ۲ فت شریک طبقهٔ کثیف کل ولای بالا آمده وآنقدر شدت برف وباران میبارید که ازلمحهٔ مهاجران یک خروه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1471 of 1786

لشاگی بوا برمیخته . زنها جراب ها و پیژار های خود شانرا کشیده درمابین گل ولای باژانو راه میرفتند درعقب شان بعضی اطفال خورده مرده بیشتند کمارهای شان ازدستهای شان گرفته باخودمی کشیدند تمثال مسیر ویر گلهای موانی و کاه وزرا پیش انداخته درعقب شان بسیار زحمت در گل ولای راه رفتن مشغول بودند . بعضی اوقات این بچهٔ زبون دفعتاً ازحیات مأیوس گردیده درمابین گل ولای بدن توقف میورزید که درچهرهٔ شان آثار یکحزن واقع . وبأس وغم قوی مشاهده میشد بانطریق این جمعیت بامصیبت بیشتر رفتن کوشش میورزیدند که بکجا و کدام طرف میروند وعزم دارند . بردلهای این ها رعب وهیبت وخوف ودهشت بقدریکه بامشیت اوستزا تأثیر بیشتر جای گرفته بود . اگرازتکمیلهای شان پرسیده میشد که دریقدر منزل دور ، دراز بچه گمانی کرده باشند ایشا گفته میشود که چون درین راه رفتها خیلی کم میباشند واین عجاره کان نیزباخود زادوتوشهٔ نیاورده اند ازاینرو از ترسنگی وقلهٔ کشی بدرجهٔ هلاکت رسیده اند وجان کان میرود که بچند روز دیگر آب وکان سپر رده اند . بسیاری ازاطفال وبچه ودختر های خورد حالت گرسنگی وماندگی وخستگی را بادیده دوراه ضایع وتلف گشته که ازجسدهای خورد ولاغر شان هردوطرف سرک تاچند منزل پروا ملا گردیده بود .

(کتا) : (قوت وذخیره محبوط حربی)

« مسئلهٔ لازمی دیگر » بعد ازتحقیقاتیکه دران دوایر سویسره « سویژرلند » که از اکثر معاملات حربی واقعیت کلی را مالکند اجرا نموده ازلحاظ نظر تجارت وصنعت متعلق معلوماتیکه درسق مسابقه های حربی حاصل نموده یک اعلان مفروضاتوق را شایع ساخته است سنژویلر معترف است براینکه « درین یک شانزده شلک وزیب پست که قدیم گاه ملا هنوز زقوت اصلی » خود قایم است وزد وی هنوز یک قسم بزرگ قوهٔ عسکری وسامان حرب وغیره موجود وباقی است ومادامکنون به اختتام وپایه قریب الاختتام شدن زدیک رسیده است . ولایتهای تجارتی آلمان سال هرقدر ولمدادات اول بنظر میآیند . ودرخصوص ترقی صنعتی وی نزهیچ کسی ثبوت درستی پیش کرده نمیتواند .

این اصلاتی نشدن وقابل خیلی خود است که درحربن معدنیان یکمال کثرت ووفرت پیدامیشود وهیچگاه امیدنباید کرد که باهمدرین مدت قلت معدنیان رخ خواهد داد . بلکه ازین فکر واندیشه خاطرها سراسر آسوده باید داشت . باوجود این عجارهٔ عظیم حربی اقتداریرا برای خود مهیا کرده توانسته واقتدر والاساخته است که اگرقیام اتحادی ها بهیئت متفقهٔ خود شان کوشش وزیدند رارآن بوجود آورده نمیتواند توانست .

تنهاچیزیکه عبارت ازاربلندالته درزد حربی موجود بست دو اگر هست هم گاست این چیز درانگلستان اگر یک مقدار معینی هدیه قیمت شود درحربن « ۲۰ » روپیه هریدا میشود . علاوه بران چشم هم درحربن روپیه کمبودی واختلاف یافته ملاهرقدرکالای نه انجاساخته میشود هیلا « پیدا » نمیشود . وحربنهارا کهدرساختن چیزهای کل یک قابلیت یافته خصوصی ثابت است چنانکه همیشه آنرا درتجارت خودشان عرضه میکنند . بدستیاری همان قابلیت خودشان تکه هاوکالای سودی رابسیار صفائی بشکل ورنگ پشمی می سازند وزائرین سردی کاین کالارا استعمال میکنند معلوم کردن این یک از دشخیص خالی نخواهد بود کهاین کالای نقل برای ایشان آنقدرآرایده وبامنفعت است چنانکه تصور میتوان کرد .

یکه وجنگ آوری بزرگی خواهد نشست . درتمام مخالف مقدوحه هرقدر پتهٔ گیرای جر می بدست میافتد وهرقدر پتهٔ گیری پایند همرا بیار کردن اسباب سودی صرف میکنند وهی قدر اسبابیکه ساخته میشود همه آن برای فوج رده میشود ، وباقی هرقدر پتهٔ گیرا بدوفاصل می ماند بصرف ساختن کله وبارود میرود

بناریخش پیرودوراندیشی « دشق » خودجر منافق ازجنگ برای امریکه فرمایشهای بسیار بزرگ پیدرا داده بودند وعین درهمان وقتیکه پرنس واژیلو درازهم جدا کردن ایطالیارا ازاتحادیها کوشش وسعایی بلیغ می نمود « ۵ لک بندقی » بزرگ ان دوشندر « جنوه » افتاده بود وچون دانست که بالضرور وبیار وناچار ازایطالی میباید که روه ازاروایهها مقدار پیدرا قبل ازاعلان جنگ ایطالیا « سویژرلند » تکل داد . هرچند که ایطالیا یکقدری ازاررا درزد خود معطل و توقف داده توانست ولی مقدار کثیر آن بجرمی رسانیدمشد وتاحال ۵۰ هزار بندقی کلان ان درسویژرلند موجود است .

بناریاتهای معتبرموثق عسکریه راوی است که درتروجا کست گشته زد جرمن ۳ لک وهشتاد هزار بندقی پته موجودبود وعلاوه ، ران یک لک و هشتاد هزار بسته های دیگر ان در انجمن در کاری انبار بود .

(کسا) : (قسطنطنیه و : بغداد)

گاه نکارندگی « استکهن » رقمطراز است که درموقع جلسهٔ الاتحاد اقتصادی « سنژانیشنالک سوسیالیستی » مستشرقی مشهور « مسئر جارجس وود » درپیش روی یک جمعیت کثیر وغیر متعلق مهم درداردانیل یک اعلق ایراد نموده بالاخر از صورت حالات حاضر چنان اخذ نتیجه کرده گفت که « ازوصیتی که امروزه روز واقعات کسب نموده اند خیلی دشوار است که انسان متعلق این امر که فرستادن فوج بمالقان برسهم دردانیل چسان تأثیری خواهد نخشید ازفکر خود یکنفراری داده پیشنهاد قبول کرده نتواند . مهم دردانیل دایمک بسیار صحیح ودرستی آموخته که میباید که مبهمه تانتظام کامل ووافی فوج کرده نشود تان وقت لازمهٔ ی تنخیص ویلا غیر فوج را برای سرانجام نمودن کدام مهم جدید فرستاده نشود . زین سپس علی الخصوص زین یک که تا فوج را از کیلی ولی امر مراجعت وواپسی داده شود بانشود بسیار مباحثهٔ دلچسپی گردیدند چنانچه « مرتوماس ها ذیع » که صدر جلسه بود مخالف خواسته شدن فوج را از دردانیل کرده گفت که سالا عقریباست که بصورت فتح بغداد درعراق اقتدار خودرا درمشرق قایم و مستحکم سازیم ، و برخلاق این درقسطنطنیه ومهم دردانیل خواه نخواه اگرهرچند واقعات غیرقابل تحمل وقوت ناگهانهٔ پیش هم بیایند چندان یک وامیدی درمقابل کامیابی کما کان درنجاحاصل کردیم ندارد . ولی گرنیل « ازتورات » ازین رأی مخالف وزیده گفت که ازوقتیا ودشواریهاییکه درکیل چوئی به افواج متحصنین امدادات انها رادیده بکمال وثوق وامنیت گفته میتواند که تجربهٔ عمل ودرحربن سراسر زین یک حکم می کند که فوج را از انجا مراجعت و عودت لازم است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1472 of 1786

(زمیندار) : (طرز کپای طرز جدید الاختراع آن)

لندن ۱۲ نومبر :

در خلافت مغربی " رنگا " یعنی طرز کپای قسم جدید حربی ها بدست روسیا افتاده اند چنانچه اخبار خصوصی کورین طرز کپ موجودات است که خود بخود حرکت کرده و هر دقیقه ۲۵ کار طوی جان میتواند

(بقیہ خبر اوارہ صفحہ آخر)

خبر های هندستان

(قتل افسر پولیس)

از بمبئی تلگراف رسیده که در هرهی کهوتی ، ناظم قصبه ، تحت افسر پولیس تعلقه ، نی — آئی — وی کلکته ، ۲۰ در ماه گذشته تبدیل یافته به بمبئی مأمور شده بود وقت شام روز ۹ اکتوبر بکلوله تفنگچه زده شد در خانهٔ خالی باغیچه اش در دهی موجود بود ، وبس از وی قاتل بسر مد کوشش هر نشانه وار فرار کرده شد .

« تفصیل این واقعهٔ قتل »

در خصوص قتل « جنه رام کهوتی » در قصبه پرتحت افسر پولیس از بمبئی تلگراف ذیل موصول شده اند :

روز ۹ اکتوبر قاتل بروقتی که مقتول در خانهٔ خود با خانواده خود علاوه و یک پسر خورد بچه اش نیز در منزلش نشسته بود رسیده ، چه آوران زن افسر مقتول را اشاره کردند که یکطرف شود چنانچه بمجرد پس شدن اوی در پی وار کلوله دیر شدت مد کور گردیده شد کلوله هایکه پیشانی و دیگری زنگم مقتول اصابت نموده که فی الحال باعث موت واقع گردید پسر ش نیز که هم اصابت نموده وقت کرد .

روز دیگر یعنی ۱۰ اکتوبر صبانهٔ ما گذی هردو نعش بدوسپرد کرده شد ، وبس بسیار سامان حیرت انگیز این هردو مقتول دریافته شد ، پولیسهای محل مین سه گهه سلح گردیده برای متابعت افسر مقتول خود از باش اشتراک ورزیده هر اعزه و اشراف شهر نیز دیگر افسران پولیس هم حراهی نمودند ، وجوانیکه جنازه رهن آرامگاه آخرین میبرد کلات شده ۳ بعده برای اطلاع حسدن روح وی شلیک نموده شد .

در جسم مقتول ۱۷ زخم که معاینه شده که از جمله اخراج گردید دیگر گلوله در هان ماند که او در ان نشسته و دیافته شد ، یکه در قریب بی داخل شده و زبان و حلقوم را بالخود پاره کرده بود که از آن هیچ پیدا نبود .

راجع این جنایت قاتل چنانچه های قسم « مادر » اظهار کرده اند و بعد قتل باغه گفته شده که همانان موجود بودند و دراسپای سفیدی مشی بودند که بمجرد داخل شدن خانه بفیرهای متصل یکجا اتدا کرده و بس از ارتکاب قتل چون کسی را در صدد گرفتاری خود نیافتند بجانب مشرق روانه شدند ، وچون کسی از ین صداهای زود زود از دنبال رسیده هم باشد بجواب گفته خواهند بود که این صداهای باقی های زرع آتشبازی خواهند بود ، تاحال گذار گرفتاری بعمل نیامده وسبب اصلی از قتل هنوز کنون پنهان و هیچ معلوم است .

مقتول مذکور در بمبئی سکه اعلیٰ پلیس بوده و در هیچجا خویشاوندان و بیگانگی نبود ، گویا مقتول که در سال گذشته در خصوص یک مسئله سیاسی در بنگال شرقی دوره کرده بود و افسر اعلای وی از روی بسبب حسن خدمتی که در اثنای همین دوره خود از او نموده بود خوشنود و راضی

بود که بدانسبب یک سال قبل از وفاتش بغیر از یک دست تحفه مطریق مکافات و انعام داده شده بود عمرش ۴۲ سال بود ، وب از عالی حسب سیاسی اپر کتف و متاصل ساخته بود ، و حسب ملازمت خود را در سراغ قتله پردازان بنگال صرف کرده بود و حیات اکثره خطوط و مکاتیب پیدا آمد مقتوم را نیز در سنه ۱۹۱۰ء در کلکته بکار است در تعاقب وی اقدامات ناکام مانده اسقاط شد .

(قتل یک افسر پولیس دیگر)

یک اطلاع جدید موصول گردیده که سنه جعفر امام پولیس برای تفتیش یک مسئله بمحل بیرون آدرداه قتل کرده شد گروه میتود که برای تحقیقات یک کار خصوص سرکاری از ایب سکنهال به محل مرقوم رفته شده بود که هنوز مراجعت نشده در نصف راه از یک کنوار قریب فرشته روگرده شد و بهم رجمعت اصابت نموده درقریب قلب وی از آنها رسیده و وفات کرد .

و روز دیگر نعش وی به پایگاه فرستاده شد که در انجا احترام فوجی دفن کرده شد و اجازه اش عرض بسیاری از ورثاء شد ، وچون این شخص برای یک کار خاص مأمور گردیده که به قوم قبایلیه « زاده » متعلق بود از اینرو چنان معلوم میشود که قاتل یکی از قبائل پیشه کل قوم مذکور بوده .

(حمله اغتلال جوان بر بلیده)

رپورت جمعه پولیس علاقهٔ سرحدی رسیده که چند قبائلی بلیده تهانه لنڈی کوتل ۳۵-۴۰ نفر رسیده حمله کرده مکانات بغیر اجازه گرفته ، و در آن حمله غلطات ها صادر شده ، و یکجوان کشته در تعاقب دو آمد ولی ناکام مانده ، ۴ عدد غلطهای افسر کار پرداز علاقه گردیده و سرکاری حمله آور بدست دزدان افتاده ، و گروه حال مزید آن معلوم نگردیده .

(قتل یکجوانه دار)

از کلکته خبر رسیده که جوانه دار پولیس قتل گردیده حمله سین کاروش یکنوی کنقریب آنجا در حیران گردیده شد .

(وار بالتو بر یک افسر)

در حال محکمهٔ عدالت مجسٹریت یک دعوای پیش گردیده که بگرن رحمن که برسب اتهام آوارگی چهار گرام وارنٹ گرفته است ، ملازمهٔ مذکور در تهانه پکپر پورت میدهند که سب امر موصوف برای تحقیق رپورت آمده چونی گفت و شنید میان مجرم و کنسیبل افسر مذکور را زخمی ساخت .

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید

عنقریب انشاء الله منتظر شاره از طرف مدیر و سر محرر خواهد شد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1473 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هیئت رسیدگی و کوشش کردم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا جلوگیری کنیم لکن تقدیرها بدا کمانه مرکزی دارالسلطنه کابل یک شماره نمونه را کمانه مقام ولایه غیر و توزیع اخبار داده که بعهده مشترکین گرامیست رسانده در عهدهٔ حیث خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنه خود را بیشتر دقت گوش میکنیم که بعد از ین اخبار های شان بدون واسطه بنام فردا فردا واسطهٔ آدمهای دا کمانه خود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هفت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هفت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	پنج روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک خلای چند انگلیزی بازده روپیهٔ کابلی است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برحمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جا دیگر جاروجنجال میباید که بیلتر قدمدر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هر قسم اعلان واشتهار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ¼ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وجه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ¼ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متعاقباً یکسال نشر کردن خواهد ودوجه یک ساله را پیشکی ادا نماید ورق پشتی و سر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1474 of 1786

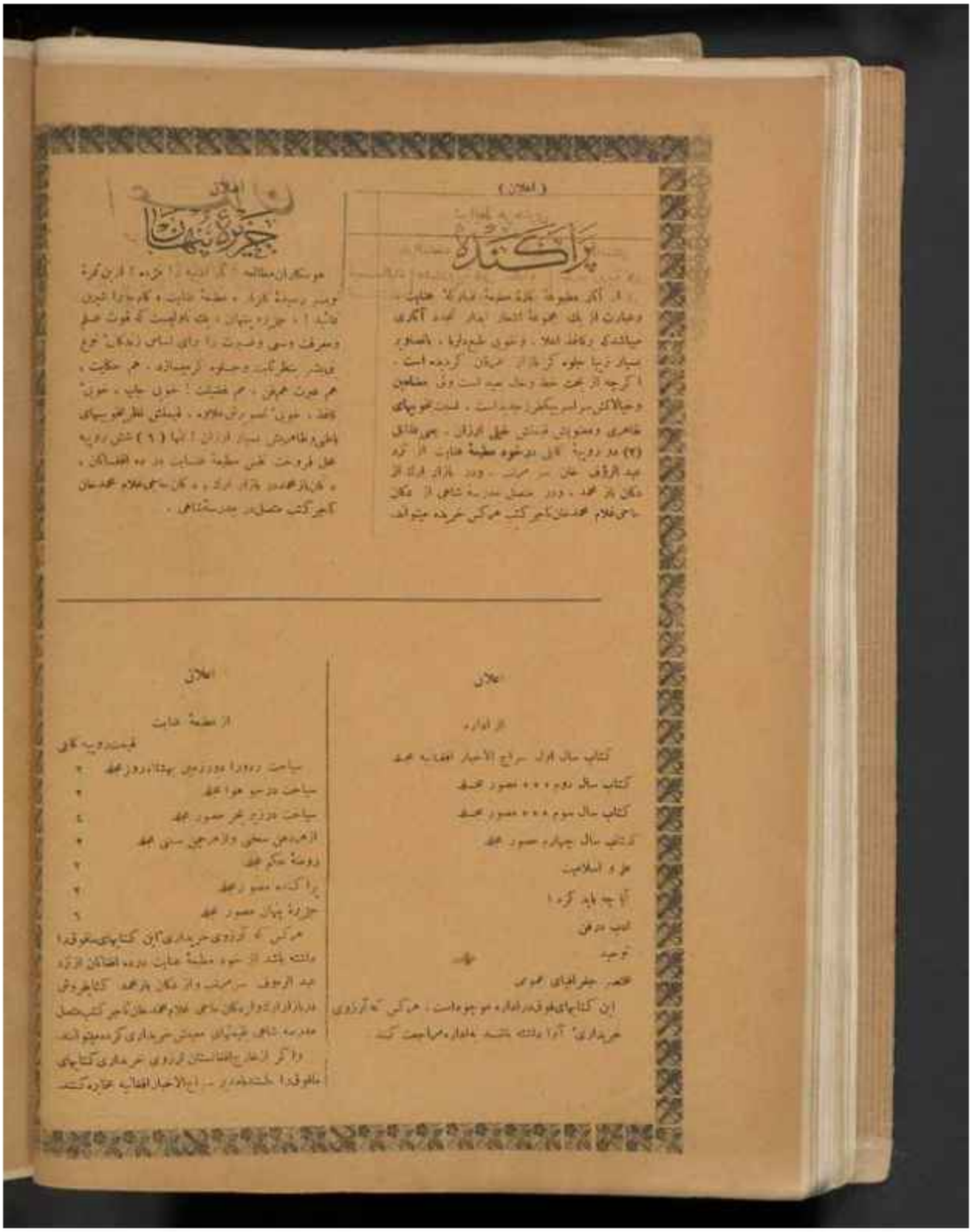

(اعلان)

پراکنده

۱ - آثار مطبوعهٔ مطبعهٔ عنایت کابل عنایت و عبارت از یک مجموعهٔ اشعار شاعر شهیر آقای آگاهی میباشد که بخط اعلا ، و متون طبع دلربا ، باصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط و سطر بعید است ولی مضامین و خیالاتش سراسر بیکر جدیداست . قیمت فوق های ظاهری و معنوی اش خیلی ارزان . بهر طالب (۲) در روپیهٔ کابل در خود مطبعهٔ عنایت از کوچه عبد الرؤف خان سر حوض ، ودر بازار قرائت از دکان حاجی محمد ، ودر محیط مدرسه شاهی از دکان حاجی غلام محمد خان کاجر کتب مرکس خریده میتواند .

(اعلان)

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه از مژده آذرین کوه بسیر رسیدهٔ کابل ، مطبعهٔ عنایت ، کلوبازار شهر نشین ، جزیرهٔ پنهان ، یک ناولیست که قوت علم و معرفت وسعی و همت را برای انسان زندگانی نوع بشر بنظر تأیید و جلوه گر میسازد ، هم حکایت ، هم عبرت آموز ، هم فلسفیانه ! متون جالب ، جلد ناقد ، متون کسب نظر دلکش ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان ! آنها (۹) شش روپیه فعل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در سه افغانستان ، و کابل از محمد بازار ارک ، و کان حاجی غلام محمد خان کاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه عدد

کتاب سال دوم ... مصور عدد

کتاب سال سوم ... مصور عدد

کتاب سال چهارم مصور عدد

طب اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درس

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست ، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت زهره از دور زمین پیشاور دور عدد	۲
سیاحت در سیر هوا عدد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور عدد	۵
از هر دهی سخنی و از هر چمن سمنی عدد	۲
روضهٔ حکم عدد	۲
پراکنده مصور عدد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور عدد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از سوی مطبعهٔ عنایت دروه افغانان از کوچه عبد الرؤف سر حوض و از دکان بازار محمد کتابفروش در بازار ارک و از دکان حاجی غلام محمد خان کاجر کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای معینش خریداری کرده میتواند .

و اگر از اطراف افغانستان آرزوی خریداری کتابهای فوق را داشته باشند در ... ایالاخبار افغانیه اعلان کنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1475 of 1786

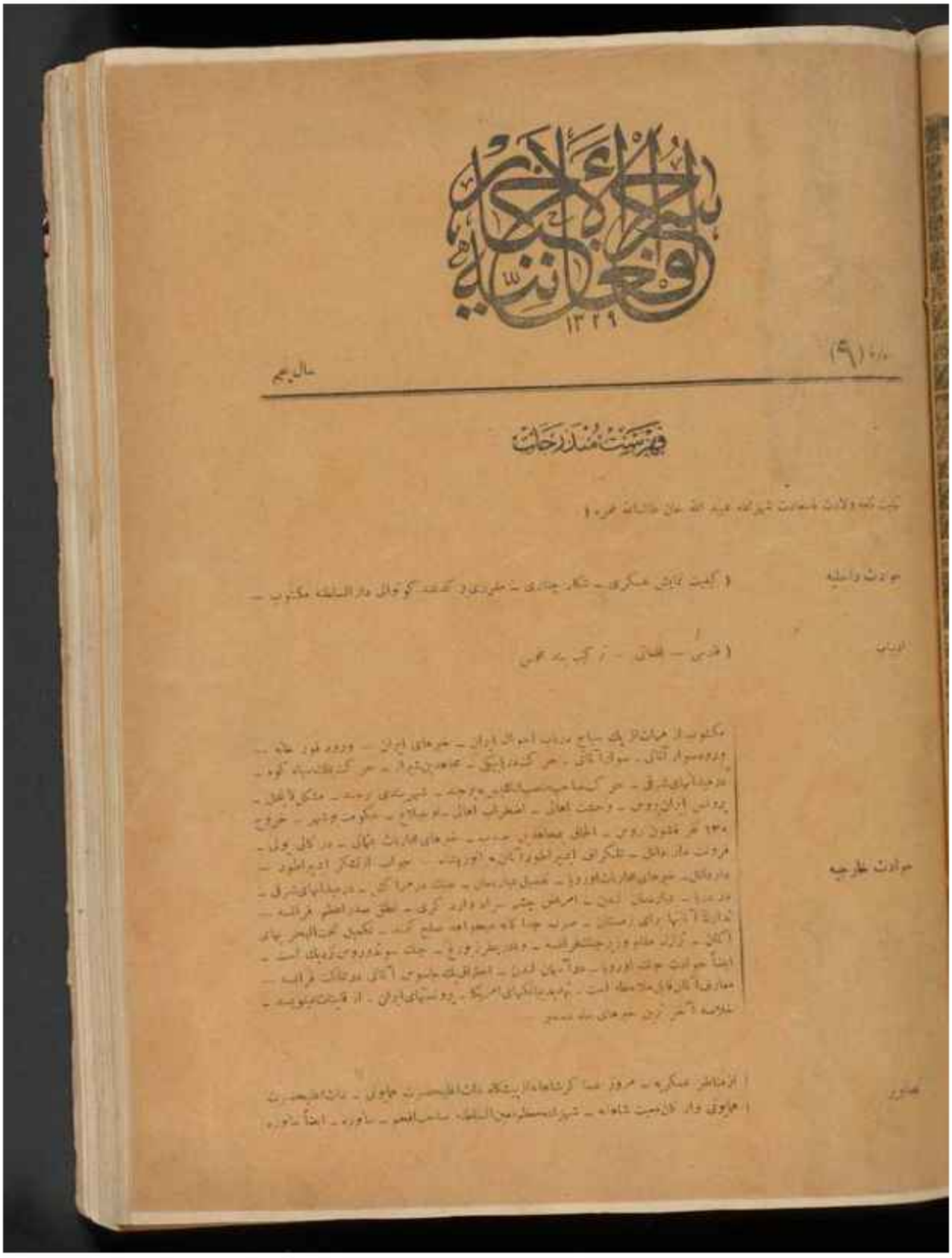

۱۳۲۹

(۹) ۱۰/۰

سال پنجم

فهرست مندرجات

کیفیت ولادت سعادت شهریاری عبد الله سلطان خلدالله ملکه و

حوادث داخله — کیفیت آرایش عسکری ـ شکار چتادی ـ مقربین و کدخدا کوتوال دار السلطنه مکتوب ـ

ادبیات — فارسی ـ فصحای ـ ترکی بند عربی

حوادث خارجه — مکتوب از هرات از یک سیاح درباب احوال ایران ـ خبرهای ایران ـ ورود قورخانه ـ ورود سوار آتای ـ سوار آتای ـ خبر کشتی ایتالی ـ مجاهدین ایران ـ خبر کشتی بادکوبه ـ درجیدانهای شرقی ـ خبر کشتی مسافرین ـ وجه ـ شهریهای رسیده ـ مشکوة الطلب ـ پروس ایران روس ـ وحشت اهالی ـ اضطراب اهالی ـ توپخانه ـ مکوت وشیر ـ خروج ۱۳۰ نفر قشون روس ـ اطلاق مجاهدین جدید ـ خبرهای ولایات بهبهان ـ در کابل پول ـ مرورت دار داخل ـ تلگرافی اخبار اطوار آتای ـ اخبار ـ جواب از تلگراف اخبار اطوار ـ دار داخل ـ خبرهای ولایات اطراف ـ تفصیل بیانات ـ جنگ در مراکش ـ درجیدانهای شرقی ـ در دنیا ـ زلزله لندن ـ اخراض چشم ـ سراد وارد کرمی ـ اخلاق صدراعظم فرانسه ـ تجارة آتایها برای زمستان ـ صرف چای که مجاهدین صلح کنند ـ تکمیل گنجالبحر بهای آتای ـ تزار علوم وزرجنگ فرانسه ـ وزیر بحر روس ـ جنگ سوئد و روس نزدیک است ـ ایضاً حوادث جزئی اطراف اوروپا ـ حوادث لندن ـ اختراع یک ماشین آتای موتاک فرانسه ـ معارف آتای فارس ملاحظه است ـ پرچمدانهای امریکا ـ روزنامهای ایران ـ از قایقات مینویسند ـ خلاصه آخرین خبرهای بندر

عساکر — از مناظر عسکریه ـ مرور عساکر شاهنشاهی بشکار دان اقدس سرکار اعلیحضرت همایونی دار الخلافه طهران ـ شهر السلطنه سلطان الفخم ـ ساوه ـ ایضاً ساوه ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1476 of 1786

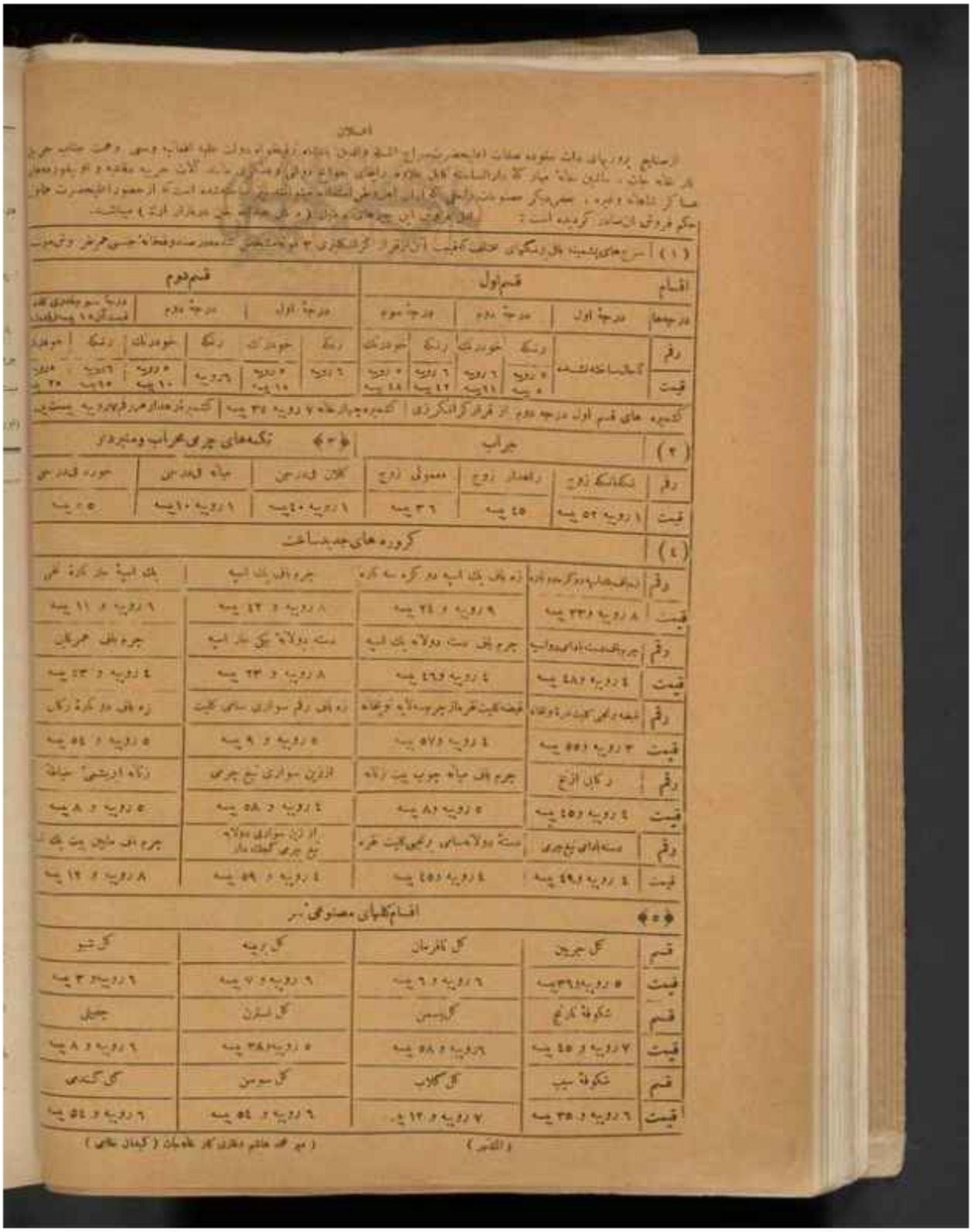

اعلان

از صنایع پرورشهای ملت ستوده صفات اعلیحضرت شهریار ایران و الدین دانشور رفیعقدر دولت علیه انگلیس و بمنی و همت جناب جریل بار خانه جان ... ناطق ساحه مبارکه بارالسلطنه کابل علاوه راهای جواع دولتی کوشکهای باغ ... گلان جریه مقدمه و اعلیحضرت معلی مراکز شاهانه و غیره ... بعضی دیگر حضور اعلیحضرت شهریاری که ایام اعلی انشاءالله میتوانند ... که از حضور اعلیحضرت علوی حکم فرمودن این صادر گردیده است : (اعلان فروش این چیزها در دارالترجمه دولتی میباشد)

(۱) سرخهای پشمینه بال رنگهای مختلف کمپلیت آن از قرار ذیل ۳ قواره ... متر ... وقطعه جنسی هرطرز دلخواه

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم یعنی بافندگی کلفت
رقم	گلابتاسه‌نقشه	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ
قیمت	۵ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۱۲ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه

کمپله های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکزی | کمپله چهارتاقه ۷ روپیه ۳۷ پیسه | کمپله نرهدار هرقواره یکصد پیسه

(۲) جراب | تکه‌های چرمی جراب ومنبردار

رقم	نکتائیکه زون	راهدار روح	مصنوعی زوج	کلان قندهاری	میانه قندهاری	خورد قندهاری
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴) کروه های جدید ساخت

رقم	زره بالی جلیه دو کره سه کره	زره بالی بالا پیه دو کره سه کره	جره بالی بالا پیه	بالا پیهٔ سار کرهٔ علی
قیمت	۸ روپیه ۳۳۰ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جره بالی دست دولاه بالا پیه	جره بالی دست دولاه یکی بالا پیه	جره بالی جرمیان	
قیمت	۴ روپیه ۴۸۲ پیسه	۴ روپیه و ۲۶۹ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قیف کلیت جره از جره وسه پایه توغاه	قیف کلیت جره از جره وسه پایه توغاه	زه بالی رقم سواری ساقی کلیت	زه بالی دو کرهٔ زکان
قیمت	۴ روپیه ۵۷۱ پیسه	۴ روپیه و ۵۷۱ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازغ	جره بالی جاه جوب پیت زناه	ازدن سواری تیغ جرمی	زناه ازدنی جاقه
قیمت	۴ روپیه ۴۵۰ پیسه	۵ روپیه ۸۲ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌ای تیغ جرمی	دستهٔ دولاه‌سای رنجی کلیت جره	از زن سواری دولاه تیغ جرمی گلیت جاه	جره بالی مابین پیت پاک
قیمت	۴ روپیه و ۴۹۲ پیسه	۴ روپیه و ۴۵۲ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

اقسام گلهای مصنوعی تر

قسم	گل جرمن	گل نارمان	گل ربنه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶۰ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه و ۵۰ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸۲ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل کلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(الکتب) (میر محمد عالم دفتری کار خانجات (کیپتان خانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1477 of 1786

جلد (۱) سال پنجم شمارهٔ (۹)

قیمت سالیانه

مدیر و مؤسس محترم

محمود جزی

ادارهٔ محل طبع

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
عمد امور آن تحریر یا داره خاه
نام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

تاریخ فتری ۱۵ صفر ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۲۳ دسمبر عیسوی ۱۹۱۵ تاریخ شمسی ۱ جدی ۱۲۹۴

تهنیت نامه ولایت بمسعادت شهزاده کامکار حضرت اکبر سردار
عبدالحق خان طالبالله عمره و اقباله

امروز جهوه کرده بکیتی چه فتح است
کز روشنی خوب جهان منور است
زیبا گرفتن در گه سلطنت مسلمین
واجب ثنای حضرت خلاق اکبر است
زیرا که از عنایت حق اندرین زمان
شهزاده عطا شده بانشاه کشور است
شاهی گزین و دولت اسلام چون عروس
هزهیاه گرفته بس زیب و فر در است
نور امید ملت و دین است در قلب
گر اقبال نیکفام زما منظر است
در دولتان اشرف این شاه دین پناه
موجود گشته جوش بدی پیشه حضرات
فرخنده است زینه زمستان سلطنت
وهمر سیر دولت ماضی انور است
موسوم کرده شاه عهد اقبال بدهر
حکم شاه خدا و دین پیمبر است
اندر حریم شاه هزاران شاه راهبرد
اسلامیان عهده و مربی ایام باور است
آیت الهدایت جهانست در اصالت
حسنور فرشته منش پاکدل کوهر است
نور الف سراج حوالی زشهریار
زوده عطا که در هر آفاق اظهر است
مذهب بکشور این وهمه این دیار
جوئی مژده ساده بیر کوی دهر در است

از استماع این خبر میمنت اثر
عیش و طرب کشیده زهر محفلی سر است
صد نام در گیهنه همه در نسی نشاط
فرحت قرین حال رعایا و لشکر است
در هر کلاه شاه جهان زین خبر خوش
آرایش حشن و جلال دگر است
از بهر تهنیت شده خلق عزاهم اند
حاضر هوا و واجد زاعیان و الصر است
این تاجی جلوس و عطا سرفراز شد
سکندار شهریار در هزن و در است
مسعود باد طلعت او در جهان بیان
کاین شاهباز دولت اسلام را پر است
عمر مزید و بخت سعیدش نصیب باد
زان سان کهاد کار زخضر و سکندر است
روز دهر زباد عمرت چو هست شد
بر شاه ابن شاه سعید و مظفر است
در روز بخشاد جوانید بر کشد
ایکی و کز نتیجه مسعودی و فر است
صد هزار دسته صدو سی و چهار دان
کز اقبال شاه آمده این شاخ پر است
تاریخ احمد است فالی شهریار کان وشاد
گرسلف جا گزین شده پدر است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1478 of 1786

حوادث داخلیه

«کیفیت نمایش عسکری»

روز سه‌شنبه گذشته ساعت ۸ از کسی از اعلیحضرت خود را مستعد جهت عزیمت بمحل مانور نمود و بکسر و حرکتی اجرای امور را پس از یکربع دقیقه چون به سرعت فراغ و جمعیتی که از زیارت کنندگان موکب همایونی از هر طبقه و صنف در آن روز در میدان مشق جمع شده بودند از دیدن و ملاحظه این قشون منظم و مرتب و مجهز بهر نوع آلات حربیه و ادوات جنگیه و توپخانه‌های سنگین و سبک و سواره و پیاده و غیره که در آن میدان وسیع بصف‌آرائی مشغول بودند بقدری مسرور و خوشوقت شدند که از حد تحریر خارج است. بعد از ورود موکب همایونی بمیدان مشق و سان دیدن از قشون و توپخانه و سواره و پیاده و غیره که در آن میدان وسیع بصف‌آرائی مشغول بودند بقدری مسرور و خوشوقت شدند که از حد تحریر خارج است. بعد از ورود موکب همایونی بمیدان مشق و سان دیدن از قشون و توپخانه و سواره و پیاده و غیره که در آن میدان وسیع بصف‌آرائی مشغول بودند بقدری مسرور و خوشوقت شدند که از حد تحریر خارج است.

بکراره ۹۰ درجهٔ منکر ساخته بتوپخانه که هنوز سمت حرکت داده نشده بود و بسرعت بسمت نقطه استقامت که قریب میدان بود حرکت کرده پس از گذشتن یک عرصهٔ قلیل چون به محل مناسب رسیدند معاً بتوپخانه سمت و جهت خودرا از شمال بسوی جنوب تبدیل داده توقف و ورزیدند و توپخانه عسکر پیاده و سوار هر کدام بقدر چند ورسته و نظر بمقدار مانکره ساخته بودند بطور عقبی در آمدن چه بود صفی بکدیگر صف کشیدند. درین اثنا در طرف غرب صف جنوبی که از برای توقف ثالث شاهانه تخصیص و تخصیص یافته بود. یراقهای شمس یرقی که وجود شاهانه نظام را در تحت خود اشعار میداشت مشاهده شد که برای خدمت کردن و تیار نمودن جهت سریر سلطنت که خدا خواسته در همین وقت اجرای مأموره بکمام جاری و آتی مصاب کردند حاضر و آماده گردیده بود.

یکساعت و نیم از آمدن و ایستادن قشون بقی صف گردیده بالساعت ۱۰ و ۱۵ جمیع فوج از اصناف شجاعت اتصاف سوار و پیاده و رساله حسب مراتب و قدر و موت و خودهای بدیعه صف بسته تو کن گردیدند. که هریك از این سه تقسیم فوق از قدمهای پیاده و سوار و توپ و کوتولی و دار الساعه تر کیب یافته بود. هر هوزیکهای هر چهار قدم بیرقهای مخروطی شکل مرصع بجواهر موسوم علما کرد وسط میدان مأموره اخذ مقام نموده بودند.

درین اثنا که بسبب انتظار کیفیهٔ آمدن همایون یك دیگر و سکوت مسافهٔ ما بینهما مشاهده گردیده بود، وزیان در مقابل همیشه خاموش و عاجز و مغلوب، وقلب نیز از طرف دیگر بقوهٔ شدیدهٔ مضطرب و مجبوری کشیده و مغلوب دیده میشد و جمیع حواس آنها از گوش و چشم و منتظر بودند برای شنیدن صوتی گوش بهوا و برای دیدن وجودی چشم براه انتظار میکشیدند که ناگاه صداهای بسیار لطیف و مهیبی از سمت غربی در جو هوا طنین انداز گردیده و متصل آواز سمت آوازهای بسیار مدهش از طرفهای دیگر و تیار صدها از هر طرف و دفعتاً در همه کان یك حس عجیبی و تحیری بی اختیارانه بروز و تشخص مشاهده شد. که گویی در یك دقیقه تأمل معلوم شد که صداهای مهیب و آوازهای دلکشا اعلام و اشعار حضرت پادشاه عسکر پرور شهریار است که بتشریف فرمائی موکب همایونی از طرف غرب بسمت شرق و از طرف جنوب بسمت شمال و از طرف شمال بسمت جنوب و از طرف شرق بسمت غرب بطور دایره بگردش در آمده و بعد از ورود بمحل مأموره و توقف در آن محل بسمت شمال و جنوب و شرق و

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1479 of 1786

ساعت ۱۱ آیم سپهدار اعظم وسر اقتدر بزرگ کل از درون خیمه
نشستن بر ذات شو کشیات اعلیحضرت پادشاهی در عمارت بالا بیاور
مزبور رسمی مجلس چوبه سواری اسب پیشتیزاده کان جلیل القدر
بایل محدود ساخته گردیده . موزیک های عسکری بهیئت مجموعی
یک هیئت لازمه سلامی ذات شاهانه را ساخته وازطرف خود عسکر
برایم سلامی بزرگ پادشاهی بجا آورده شد . پس ازوقوع ادای سلامی
وره آن ازطرف اعلیحضرت همایونی ، ذات شو کشیات پادشاه
عظیم الشان همه ملت افغان ودولت مستقله افغانستان پشیزاده کان کرام
ویبزرگان را کمال لازم الاحترام خاندان شاهی که بهمرکابی شاهانه شان
تازه سرافراز شوند جانب زاویه نشان که عبارت ازموقع اقامت علی
شاه روموضع توقف توپخانه است عزیمت فرموده وازانجا یکسر بجانب
جنوب متوجه شده طوالی خط قیام صف عسکر اسپ تاخت واز
پیشای صف که انتهای آنرا ازنظر گذر انیده وهر کان را ازافسران
سپاهی باحوالپرسی وعواطفات ملوکانه وتلطفات شاهانه شان متخلق
ومباهی ساخته ، وچون ازین گشت و گذار زیبر ومصاب فرصت
دوران یافته جانب محل مخصوص قیام شاهانه عین بساعت ۱۲ عودت
درجت فرموده تشریف آوردند ازارباب مناصب ملکی وغلام بچههای
حضرت یکجا قدر بست پیرد وطرف ذات اعلیحضرت پادشاهی وخاندان
سلطنت سواری اسپ صف بسته احترام جودند . وزعقب آنها کار
سواره مراوی ، ومیر اسپور ، ودر کالیکی بعد دیگری حسب درجات
ومراتب خودها توقف داشتند .

بعد ازیکدقیقه اندکی همه عسکر را حکم مرور به آداب سلامی
دی فرمودند . ازمواجهه ذات اعلیحضرت همایونی داده شد ازهمه
ودر ازمه مسافه یکمیل وپاره دران حال حضرت توأم دیده شد که ازجای
آرام وموضع قیام خود جدا شده جانب غربی متوجه شده ومتصلاً
زعقب آن توپخانه نیز آهسته آهسته حرکت آغاز نهاده به ساعت ۲
همه عسکر که عبارت ازحال محترم پادشاه حضور همایونی گذر نمود
به سلام خود عسکر دافرانسلطنة کابل جناب شجاعت لشان سردار
محمد حسن که پیشروی علم مبارک براسپ سوار بود به سلامی گرم
وامواجهه ذات پادشاهی مرور نموده بعد ازانکه یکچند قدم دورتر علم مبارک
تکمیل آداب سلامی وسمت عزیمت خودداده ورزهاز موقع سرافسری
خود جانشده حسب قاعده جناب راست ذات شاهانه یک گونه توقف
نموده زعقب حال بعد یکچند قدم توپخانه هم یکرفتار متوسطی باختیار
عدد وموزیکی که درابتدا ذکر شده بکمال درستی وانتظام مرور
نموده درهر فاصله توپخانه عدد بیشتری ازتوپهای کوهپایه خاصوخیره
که موجود بود درانجام هریک صف عدد دوعدد وبیشتر عدد توپهای
خود افسران نیز بقوت اسپان تومندی کشیده میشدند

ساعت ۱ ازعقب توپخانه یاقاطه یکچند مژ صفوف به شجاعت
سرافسر همه عسکر بیاده در رسید . موزیک عسکری نیز بکمال خوش
آهنگی چیزهای خوش را میزدند . آواز های قدمهای منظم فوجی
فوج یکجان مواظبت و مطابقتی بهم میرسانید که فرصت زمستر
نمی افزود . همه عسکر عند الدخول وادرون دولتخانه بکمال
ترتیب و انتظام وشوکت واحتشام از مقابل ذات همایونی بادای سلام

و نیی خواگور ، مرور نمودند . انتظام صف بندی وقدم الداختن
همه عسکر بنحوی الخصوص عند الدخول حیلی قابل تعریف ولایق
توصیف بود . دراثنای گذشتن افواج پیاده مو بکمره موت بدقوت
از صف دیگر موزیک ها میداشتند وقتی که همان « موت » قریب
الاختتام میشد افسران خود حرکت کرده درعقب صف آخرین « موت »
خود خودرا رسانیده باآن یکجا شده میرفت .

ساعت پنجونیم ازدور آواز موزیک سوارکرسانه شاهی وصدای
دانگه اسپورهای اردلی واردلو کوتوالی ودارالسلطنه وغیره دهنده
نزدیک شدن عسکر سواره بمن « رسانه » را اشعار می نمود . ازهمه اول
رسانه شاهی اولوشاهی دوم یکیان ودرمی انتظام گذر نمودند . سپس نوبت
رسانه های تیزه دار دانگه دار رسید که یک یک تیزه سرتیز دراز
بدست هرسوار آن نمودار بود که پادازمانه های روایتی وگان وخود
وبیر . وشان ازنامهای رسته واقرا سیاب میداد . هرچند که علاوه
ران بالمانه گرج وتخت وغیره سلاح امروزی جنگ هم مسلح میباشند
ولی دانشی تیزه وتواجان دانگه هم بوده وحالی ازفایده وحکمت نیست
که ضرورت وازوم آن الزمهارتیکه آن نوعی مطلوب است باصاف و
عسا کر سواره هم با کمال ترتیب وتمام انتظام مرور نمودند .

پس از اتمام واختتام این سیر وسورهٔ بزرگ که محیط آن تخمیناً
۳ میل مسافت بود جمیع عسا کر راه راه جانب قشله های خودشان
انصراف شدند . درین اثنا ذات اعلیحضرت پادشاهی جلوهای صفوف ظهیر
تا اکثر نفری معیت رکاب شاهانه شان و یکجمعیت زیاد افراد رعایای
صادقه انتظار ورزیدند تا به ساعت ۴ ونیم ازانجا وقتیکه مقراق دست داده
برای امتحان وتجربهٔ بعضی توپهای صحرائی که برای انواع تخصیص یافته
بودند آغاز وابتدائیه ، واز فاصلهٔ تخمیناً ۲ ونیم میل ازدو سمت مخالف
بر اهداف فیر کرده شد ، اکثر گلها قریب بهدف اصابت نمودند وبدیگ
یکان یکان خیلی نزدیک بنشان مصاب گردیدند ، به اینطریق از هردو
طرف ۱۰ ، ۱۲ فیر کرده شد که هرکدام آن شایان تمجید بود .
ساعت ۴ ذات شو کشیات اعلیحضرت پادشاهی باجمیع شهزاده کان عالی
مقام بسواری سرایهٔ موتر وفیرسوار شده بسمت شیرعزیمت فرموده
تشریف بردند وبه اینصورت همهٔ مراسم این مانوره عسکری بکمال دیده
واحتشام انجام واختتام یافت .

(بقیه از شماره آینده)

شکار که چناری

همه آهوان صحرا سر خود نهاده زکف
بامید آنکه روزی بشکار خواهی آمد

همسه ساله درفوسم یک شکار که مذهب ومطلبی در کوهستان
موضع (چناری) ترتیب میباید که درشماره های هرسال سراج الاخبار
افغانیه از کوایف آن ، حتی ازاصاویر آن نیز معلومات درجشده است
امسال نیز وقت وموعد منتظم آن — یعنی یوم شنبه سلخ محرم الحرام
سنهٔ ۱۳۳۴ هجری مطابق ۲۸ ماه عقرب ذات شو کشیات پادشاه ژیخواه
معظم مراحم آگین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بصوب چناری
تشریف فرمای عزم وجلال گردید ، بابازلکه (غند) بسواری موتر
وبعد ازان بسواری اسپ بموقع چناری مواصلت فرمودند . شهزادگان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1480 of 1786

در مزارگاه موقع مزور سر آورده و دیگانیه و ذبیان و تطهیرات شکار مشغول شدند . و موقع شکار گذرا از نظر مبارک گذرانیده رای شکاریان صحت هاول تعین موقع نمودند . وقت را درز هاند مزارگاه هاول پسر آورده فرمای آن یعنی وی بدرشته شکار گاه تشریف فرما شدند وتاوقت سالت وصحت شکار وترتیب موقع را کرده وقت معین افراد اهالی وعسکر کاذب اطراف واکناف موقع را احاطه کرده اهوان را در موقع مذکور جمع نموده چند دانه و هاپوپا انها را در انه گاه شکار سوق نمودند . و از طرف دات اعلیحضرت هاول وشهزادگان ومصاحبان فرمای شلک شده تقریباً پنجاه پنج عدد هو شکار کرده گذشت سالهای سابق خیلی کمتر شکار مبلغ آمده است واین علوه میشود . شکاریان این محلوق درین موسم رومنا قص پیاده باشند .

بعد از ان از شکار گاه مذکور هاول عودت وشب را در انجا بسر آورده چوبه شنبه ۹ (یکم اس) ا موقع بصدا عودت فرمودند . یکشنبه را در انجا گذرانیده دوشنبه وقت عصر شهر عودت فرمودند .

مقرری ارگ عالی کوتوالی دارالسلطنه

بارهٔ سایهٔ زات شوکتیات اعلیحضرت پادشاهی . حزب نشان ارگ عالی کوتوالی خان قوندیدان سابق اردوی هاول طرز مقرون شده بود گوی عدد کوتوالی دارالسلطنه مقرر فرموده شد ارگ مشارالیه از افسران کارگذار . وجناب منصبان اقتدار صف جلیل اعلیحضرت وبصداقت واستقامت معروف اند این منصب جلیله محیطهٔ ایشان اعتراف می کنیم وکامیابی ایشان را درراه خدمات صادقانهٔ پادشاه وطن وملت نیاز می کنیم .

حکم مقرری خود جناب ارگ مشارالیه از قرار ذیل رایاداوتشان که عیناً آرا درج میتاییم از استناد درج آن باشد :

چون فدوی والا قدر این دولت که بحسب ارگ های انواع عنایات بیقرار وبیمانند درحقه الیه حسب الامر مبارک اعلیحضرت پادشاه معظم الیه سابق تعدد ایالت دارالسلطنه هوا شده بود درهمه مدت مذکوره شهر حال قدمه فرمان حزب مشحون مبارک اورو الا مضمون مرحمت مشحون اسمی جناب آقای سردار سپه سالار صاحب نظامی صدور یافت که عبدالوکیلی ارگ که از قدیمالایام خواسته شده بود بکار است یعنی در نظام السلطنه کارداره لهذا از حضور امر می شود که فورا بردند کوتوالی مقرر فرمودیم که قرار قانون نظام متوجه خدمت خود باشد حال است که فدوی والا نفاست نظام داری شده سالور وده کوتی ترقیات دین و دولت خدمات دار استقلال مشغول میباشد چون زیاده ازین اظهار گذاشتن مدت مدید از کتابخانه خود نه میدانند لهذا بعضی از خدمات دور نامه موصوفی معاف شده کاپی بعضی از آنها در ذیل مندرج میشود . امیدوار است که فدوی والا نفاست نظام داری خود بعد از ملاحظه این اخبار شان در هاها برای شان برده ـ بازار خود مقرری خود الازم دانسته خدمت گرامی محرر و مرقوم نموده که از اخبارهای فدوی دولتخواه خود کوتوالی رده و آنچه در باب شکریه مراسم حضرت شهریاری گذار روی داره روزی و کرم گستری درباره این خدمت گذار دین ودولت بوده میباشد فدوی والا در هیچ صورت و هیچ اظهار کرده نمی تواند اگر شکریه مراسم شهریاری هزار بار سر خود را فدای خاک پای مبارک اورو الا ایام ودر راه خدمت دین ودولت جان خود را نثار سازد معذور کم است ازین که خداوند یکتا توفیق ازدیاد خدمت

وصداقت را در راه خدمت دین ودولت و برای خود وطن را از دان خدمات گرانبهای وجود خدمت گذاران ملت ودولت خواهان صمیمی زیاده واستدعا خود منحط عبدالوکیل ارگ که عبد کوتوالی محترم است .

(مکتوب)

جناب فضائل مآب سر محرر و مدیر روشن ضمیر جریدهٔ غرا سراج الاخبار افغانیه محمد ولیخان طرزی صاحب را الطاف ربانی هنوز قوت قلب و عمر زیاد عطا فرماید که بتواند مدتها در خدمت دین ودولت تائید وطن عزیز آنصاحب ملت خود وحق اسلام چون ایشان گی از چندنفر قبیل خدمت دارند عزیز و ملت ووطن مقدس افغانستان خود به کاک آداب عرض میدارم منظور آنصاحب کالات نشان شود درج جریده عزیز که خود تان ای دارند عزیز ملت کهن مقدس افغانستان بدقت مطالعه فرمائید تا بدانید که حق سبحان تعالی برای ملت ووطن وقوم خود چنان پادشاه میربان محبوب القلوب عنایت فرموده که کتب توبه مبارک بالای شان خود برق و نوازش پدرانهای ملت ووطن خود را فرموده باین مدت قلیل این در جات عالیه را که کار توپ وبمبات و تکنیک هاوزات رایفل و الکتریک تلفن و هزاران نعوش ازان زنده شده و میشود که من از قبیل عرض داشتم که عرض میدارم فیض قلم ازین عبارات من جریدهٔ غرا که در اینجا افغانیه میباشد که تابان از آن فرموده چونکه در اینجا دانشمندان شخصی پاک میشود از بلک آتاب اندیشه را تیار می کرد و از ان زمان هزارها رویه و شاهنامه ها میگردد که ازان جمله یک نامه مردوسی که برای اعلیحضرت سلطان محمود غزنوی ساخته جریدهٔ وطن مقدس ماین که ماکس دانوکان دست جب این بنده و مکتب کتابخانه بدست راست من میباشد ان باین ذرهٔ بی بضاعتی که عدد دردی دارد ثمره حاصل دارد و آن عبارت از چاپ این صفحهای زندهٔ آثیرت وه در جهان توده چاپ شده نامه های نامی ساخته شده و میشود و فروش می شود حزب ما باین ذکر خیلت اصل از نظر کتیم هیچ قیمت ندارد و بار و اولتعلق مرده که حضرت تعالی این عاجز را ملاحظاتی کنند و چندسال مرا دیده و ملاقات کرده باشند می گوید که محرر و از خود اشخص میباشد لاکن من عرض میدارم که در ملاقات و هر روح شخص اشتر بنده هدست دارم) عرض میدارم که محرر و گیرا است خود از توبه و نشان دادن با خود کاپی سابق مرا فاش ها که عرض نموده بودم حال تحفهٔ ازا فرستاده امید وار اخبار مبارک خود باید که کاکی راوزان دور هزار ترقی ملت خود باشد و عرض این باجزا صحیح باشد چونکه در شان هرات این رادرانم کامل ازسالهای جدید ساخته کی شان توده توبه خیلی منظور نموده مانی از بستن اخبار ملت افغانستان بذکر مردم شیری مانی محرر این هستم و برادران دورا عرض که ملاحظه فرماید و هر شخص در کار خود کوشش نماید و ترقی بدهد چه اگر دهقان باشد زمین داری خود سای باشد تجارت خود سای باشد که مانند برای بیتالمال دست خود سای باشد که رد پای ان اسوده نباشد چه طریقه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1481 of 1786

خود بایده دولت را غرق شده و سر رشتهٔ جدید برای فائده ملت بکنده و کار کنان و تقدیر های کار خانه جات و کار خانه های تعلق خود صنعتهای جدید بکشه و بنای پلتنه بزرگ و فراست و عقل کم ما مردم افغانستان داریم در هیچ یوں وطن من ندیدیم چونکه مردم جاهل اند اگه کدر مکتب تعلیم یکنند از اینده و بدون انجیزی را نمیداند ما مردم ملت افغان بدون مکتب چقدر صاحب فکر و تدبیر و فراست هستیم و حال که کتب های جدید خود تعلم بکنیم نور آن علی نور میشود و چقدر صاحب تدبیر خواهد شود اخلاقشان ملت و براه وی عمارات خود این پادشاه قوی دماغ میریان ترقی خواه معمار روح اهل اسلام عمارات آنرا باین مدت قلیل سر رسانده حال محض صدا کاری آن مانده روشن تر عرض میدارم کمایان ملت افغان

از مناظر عسکریه
مرور فدا کار شاهانه از پیشگاه ذات اعلیحضرت همایونی

از مناظر عسکریه
ذات اعلیحضرت همایونی وار کاه مبت شاهانه

ادبیات

زمانه پر ز کین است و روزگار چنین
کنون چه چاره که مشکل شدهاست کار چنین
بدین قرار بود بیقرار اگر کسی
کان مبر سکته نماند کسی قرار چنین
چسان بعقل رهد گرد جرمن از دانش
که پنج سال کما میکند شمار چنین
ولا نبودی اگر پیش بین چنین جرمن
نساختی تو بخواهد خود فکار چنین
نساخته چو ام کار و بار خویش خست
که گشت خاطر اغیار داغدار چنین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1482 of 1786

بگوش و عقل و هوش و رزو عزو فضل و کال
بخاموش و زره بیان بوج کار چنین

حریف خصم توان باسلاح خصم شدن
تواند درمکتب و اوتیغ آبدار چنین

به توپ و زرپان و تانک و آبدوز حدید
بیاو حربهٔ جرمن بیار بسیار چنین

بجنگ خصم کما می روی بدست تهی
مگر چه مرده اگر می‌روی شکار چنین

بگس نمیکند این کعبها از چکم
چه سود ازین که بکوبم هزار بار چنین

خدا خیر مکند کار زمرهٔ اسلام
که کار زار چنین است و کارزار چنین

زجور یار دلم خون شده و کداخت جگر
فغان که یار چنین است و روزگار چنین

دل پرلطف بشان می‌کشد خدا حافظ
مخطوب است چنین حق گواه ما رچنین

فطر نمی مکند آن پیمبر (پشتی)
خدا بکس ندهد دوستان نگار چنین

(تشویق نوآموزان)

یا طفل ادیب بازی کن یا خانه برو بخواب
سیر از روز جوان و شب کنده آب کن از بر

مگو پیش زر کان نایوسه از تو یک حرف
فصاحت را بمیزان بلاغت سنج و گو بهتر

بحکم فرض دان حرمت استاد را لازم
حقوق والدین و اقربا خواهر و برادر

معلم یک مدیر کاشان طبارهٔ مکتب
باوج مدعا آرد بالان و زینت کلبور

قوی یک قوی دارد ندارد قوت جرمن
سیاهو حصانی دارد ندارد سد اسکندر

بوزی یک سبب در کارو رتقدیر هر تدبیر
برزق ی طمع بگشود حکمت حقهٔ خیبر

اطاعت کن بامور نبی طبق الله فی العالم
مقدس محترم دان طرهٔ احمراب هم منبر

متوبروین برای کج روان ازمی گر وجدان
بشکل گردی محرقه شوی در گردش محور

وطن را دوست دارو باهمه ملت مدارا کن
توحش کن زوحشت در تمدن باش یک صنگر

متوسعقون صورت فرض معنی خواه ازسیرت
چه میکوید بآن بنگر که میگوید باو منگر

بعرفان دستورین ازسوی الجزایر رهایکن
باخلاص ابو بکری گزین دین پیغمبر

باخلاص عمر خوکن که شیطان از تو بگریزد
بحزم حلم عثمان پیش گیرو غیرت حیدر

عنان فلسفهٔ خواندی کهایت حق کن زاول
معانیهای الفاظش کماید مطلق و ابتر

نبی هیچو کاند در جهان میدان باوسعت
گروه حرف‌زنگین دسته‌های نغمه‌ذوق‌آور

گذشته نوبت ازمادرزمان خویش حاضرباش
دیگر کون میشود الیه آمدو شکل هرلیسر

تقاضای جهان درهرزمان یکشیوه میخواهد
چکار آید دربندم کرزهای صدمی و کومر

رسد روزی بآنجا فن حکمت کوبی ازمترق
سخن را بشنود در سوی مغرب آدم دیگر

تأسف میکنم رحلت دهخدا اشهاد قدوم
فغان از کاظمان کشکو داد از سامعان کر

محیط شرع را آنان محافظ عقل فهمیدند
بدنیای طبیعت غافلا را کرده خاکستر

بکنج عافیه اکنون رو کز غم اشکم
تو کافت علی‌الله کندده هیان دوخت پیرزد

ازمناظر عسکریه‌شهزاده معظم معین‌السلطنه صاحب‌اقتدار خصوص احداثیات باسردارسپهسالار صاحب‌عضو تلفنات مبلغ‌مایه

گروه بی سوادان از برای نان و آش ملت
گرفته از پی اشرا فیان تقلید را مدیر

نفس دزدان چوماتین غزالخانه دردادند
هزاران‌سوخت دران آتش پی‌دود خشتلوتر

عصای میر خود برداشت پیر در سر ایزه
مغان ساده توهان مشکای چوب را موزر

ستر هسای قطاروسار بان خر سوار ما
نتاند کار پاو را تخواهیه شد شمندو فسر

طریق ره نوردی پاگیر از بیعت رضوان
مرید شیخ سنوسی شوو هم صف انور

سر خودرا فدای قوم کن همچون نیازی پاک
وطن گزد بنام نامی ماشه تو افسر

جنان آتش دهان‌تو تاتوی مثل حاج‌الدین
ادیب صف افغان و مدیر جامع الاشهر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1483 of 1786

مرد نیا بطوق گهٔ امید بی هنا دی
زشکنا هم چو موی با کتاب خط ره بکار

نصب کرم ملت عصرب بنیاد جمعیت
کمالت مرد میلك غفلت مردم ازین بدتر

نجات دین و دنیا صدرح در ضمن بکرتیکی
کتابش در ضمیر الحداد قوم دان مضمر

زمر آن سکندر نبی مقصود این اخبار
زبانها را ندان کی شوی پرسر او مظهر

غزاد و خواندو کار زندگی تشریح کن ساعت
پس از مردن بپرسو گرد و حسابیات کن اکثر

حقوق وطن و آبرو تجدید و حفظ موسیقه
زمکتبهای ما در محن شهرت یافت زیب و فر

زاسطیر لاب وزیع ملت اسلام او روپا
بدورین و تلسکوپ دستوس تند سالو پی و

فنون صنعت جغرافیا هم سال ما بودند
بهرفن زده ازما اهل یوروپ خفته و مسطر

هرجان کار خود کردند و سعصد سال ساختیم
ازاین غفلت همان مسکرد آگها شده زر گر

زشوق تو کتابان دشمنازا بود هم اندار
بکشتیهای ملین باد دریا بود فرسان بر

پیك زیبور لطیفی شکار باز می کردم
حنوط دانه مارا از هوا میده یك گفتر

خلق کی باخلاق الهی باهمه خلوقی
جوانرا ورزش و تهیجو خاور فزمراژور

تجسز تشویق و ترغیب هوسکاران و آموز
باشند درمان محزون صوق زادهٔ اعصر

(بسم الله الرحمن الرحیم)

ربنا لاتجعلنا علی القوم الکفرین وبنا

نمازه دو بنوعه دی پیغمبر — ن سنم ده کا هنرا تو شو بیار
درسول دو بفضل و کرمی رب — به امت د خیل جرب زر کوار
سنون د تکبر وچه حساب کرم — دوی نیز شوی وچه حدوده تجاوز
دای په زره کی رحم نشته باسلام — جوړ دی درلکه جور په اهل النار
حاقت نلرم چه دلته بیان لی وکرم — ده ئی چاته سموه مه اخبار
زمایانو کافرا تو وو فصد کړی — چه د مسلمانو ته ئی چوړ یار
نو احراج مسلمانان ئول له یوروپا — حاله تکه دیه دوئی ئی پر کار
دروزوه پهانیا کهم مفقود ئی — مکرسوله چه صلیب ئی پرستار
د صلیب سیرق دوس په مسکه ئی — چوړی وئی چه دلی باحد د تکار
مسلمانان چه دوی یاړه انصاری ئی — په رضا یاړه جفا وازه کفار
ئی وران باش له حکم د سلطان شه — صباورز سروپه شوه خو دهکار
اګر زوه چه خیرخواه وچه خو پو — پد اجمل ئی کړ قضیه د دوی دیر
فلاکتان اوس بندی دی پالهور که — ز که دانګریز پو چستان شه یاړ گذار
مرا تو کړیدو رزو سره چه تلوه — اوس فرانس په کهنزدی بی پیکار
یاران کهم د فسی حال سکار یزی — چه تولد شوی کړکان دی په مردار
سرب ئی مسطر الخیر یا کړه — هم تاج داسی سلطان دا تکبار

دانګریز دی قریب پداو نیا که — چه خیرخواهان چه د تهدید تول تیار
هیچ مطلب تور نظر په زره که — شعر تاسو حوا مورو ده آذ پلار
اهانت زه را غلی یو له لری — د شوا راتو کړ و مدد راد و دار
عرض د دی زان تاپان کړی پته شان — دوئی خو طنان لګیا دی د پسکار
تر میان چه وزیر پو ری پدرده که — لحاظ خو نکری د کبار او د صغار
فاسطین چه یقیت که د اسلام دی — په اسلامبول کې د اسلام دی برقرار
په مسیح ماقسم چه د دی خو اهان دی — چه صلاح الدین بیرته کاندی چدار
دا لجوا صلیبی جنګو کې چه وه — په میز باند له یوروپ دنا تار
سلطان صلاح الدین په زمانه کې — تول یوروپ چه یو رشو کړه حصار
له کفارو ا تړ مره شو په میدان کې — تور شو و خلاص په رحمت او غفار

سه قسمه وه د اسلام په باب لیکلی — چه زه د نه د امام کړه کوله بار
بیا جنګ وه د طرابلس په افریقه کې — چه مسلمانان شو شهیدان هزار هزار
د سپین اردی لی د سلو کاوړیا وو — نه چه یو کې د سو د طفل شیر خوار
چه محل ره زیدلو نو حاسو یل شو — لنګه وی و عید له نوری د نهار
در لین لی سلی کړه له سروتن — عمارات خالی و سوه بیا په نار
سنمو نه دا لی سه لعب ندی — چه از حال دانګریز او کړ اظهار
چه ظاهر کې انګریزان مهذب ئوی — په باطن کې د ئی بدتر تور کفار
اول د اچه اوس سالار د دوی گجرزی — چه ئی مرمی ی سور کړی و میدار
هغه چې چه د مسیح قائم مقام دی — مذهبی د دوی سردار دی هم ئی پلار
چه د کړی وه پیرن اطمینان ته — چه اسلامبول د پرانستو غړی ولار
در تو اب ی چه خدا وی ئی لاری — هر یلاری که د ی توی تو د ار
الی دا سی انتیصال د اسلام ګړی — لنګه ئی در و دا سه د مرغزار
قلمینه ه ګړ مه نصره نکری — گنه مور ګړی قلمون تول تاجدار
دعا (افغان) داده ای خالق — چه د ال دی تول د تمدن د لیل هموار

امضا

غ . م : افغان

﴿ ترکیب مخمس ﴾

(به امضای « گل » از ایران وارد شده)

درویش شورشی

هو حق مددی مولا نظری
هو حق مددی مولا نظری

از چیست چنین چاره شدیم — گوئه دست و خطوا ره شدیم
از خانه خود آوا ره شدیم — با دیده چو ساگس در بدری
هو حق مددی مولا نظری

ایران بشکر ویرا نه شده — چن مهر وطن افسانه شده
قدمتی تولی دیوا نه شده — تا خود تو د انیسان بشری
هو حق مددی مولا نظری

این خانه ه از کیوان تو دی — آ رامگه گردان تو دی
مر رتبك همه تا هان تو دی — شد د ست خوش تول تری
هو حق مددی مولا نظری

ز ان پس ز ده مردان تو نیم — ز دره وطن درمان جو نیم
ایران ایران گو نیم — در ورد شب و روز سحری
هو حق مددی مولا نظری

ای قبلهٔ ما ایران ایران — ما بنده و تو پکتا ز دان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1484 of 1786

بر گرده کنون مهرت دلبر جان تو روح ملی و نور بصری
هو حق مددی مولا نظری

هو هو هو کو کو دارا کو شاپور آن لشکر آرا
کو نوشیروان کردون حرکا رفته و نامد ز ایشان اثری
هو حق مددی مولا نظری

خورشید کیان گردانه چورو شمشیر زه دشمن شو جو
رو با ای چرخ نگون و نو کانگیخت مبا پیداه گری
هو حق مددی مولا نظری

در ما تهو در را ری تا کی آتش ازدو پیر جاری تا کی
شرمنده کی و خواری تا کی آخیسه روا این خونخواری
هو حق مددی مولا نظری

آوخ آوخ کز می مسلم افیون زده و خوابه سلم
از خود غافل ز ایزد بیم بود ما را از خود خبری
هو حق مددی مولا نظری

ملت د غمل دشمن در کار از یک در خواب آن بیدار
این یک مدهوش آن یک هوشیار زایشان کردند از یغمری
هو حق مددی مولا نظری

بگرفته عدو کاشانه ما از خود دانه این خانه ما
بر کنده تنکیم از دانه ما بر خرمن ما برزه شرری
هو حق مددی مولا نظری

بیداد عدو اندر تبریز باد آورده از ظل چکاز
آتش الله از این خونریز بر سوخت بهم هر خشاك و تری
هو حق مددی مولا نظری

از بهر وطن از جان کوشیم واز دست اجل خلعت پوشیم
از جام فنا زهری نوشیم تا کام وطن کردد شکری
هو حق مددی مولا نظری

ما را باید شمشیر و تفنك زور و دلیر نه روی نهنك
با زوی پلان اندر کے جنك تا کونه زرده چشم تری
هو حق مددی مولا نظری

جانت بقربان هو هو هو خونت بخکان هو هو هو هو
در ویش بخوان هو هو هو هو هر شی بزند بر کش نهی
هو حق مددی مولا نظری

وقایع خارجه

مکتوب از هران بامضای (پاکساز) در باب احوال ایران آثار حیات در ایران نیمرده

غرهٔ محرم سنه ۱۳۳۴

جناب علامه مدیر مراة الاخبار افغانیه

در جرائد هندوستان جزوی از خبر ایران بدین منوال شائع شده ست — : کمیسران دولت انگلیه واسترآباد . عسکری ودولت علیه عثمانیه رطهران بیرون رفتند — وایشان کان کرده بودند کدر قلب ایشان تلهاران هرخواهد آمد — امابعد انگلیس وروس بشاه ملاقات کرده زو وعدهٔ دوستی حکومت ایران بدولت انگلیس و روس گرفتند .

وهریمان فرمانروایی الوار کهوستان انگلیس وروس هستند داخل وزارت ایران نبودند .

ازین خبر مذکور الا بعضی حقائق مبهمه ژورنالهٔ جرائد وقایع اسلامی دروغ پرستان میافتند . چون کاب این سطور ازایران تازه وارد شده است واز حالات و حسیات مردم ایران — از وضع وتریف جوان وپیر — داد وستد — اطلاع دارد — جرأت کرده در صفحات جریدهٔ غرای آن مالیجناب شاهد حقیقت را پرده از رخ کشیدن میخواهد .

ذلك بیست که ملت ایران درشصت سال — یعنی پنجاه سال عهد ناصر الدین شاه ودوه سال عهد مظفر الدین شاه — ازحرکات تمدن عبارت است ازضبط مالیات حسب اصول اقتصادیهٔ جدیده — و عسکر موافق قواعد نوانجاد — وتعلیم همه افراد ملت محروم مانده ودرهمین شصت سال اقوام عرب درعلوم وفنون وکشف اسرار قوی وایجاد اسباب تسهیل خط و سیاحت وغیرها چنان ترقی و تقدم کرده کدر قرون قدیمه اصلاً بدو هزار سال هم نکرده بود — واز اثر مساعدت بخت مظفر الدین شاه مرحوم در ابتدای سنه ۱۹۰۷ ریدتر عریضهٔ خویش حکومت دستوری قرارداد . وبعضی ملی و توده — ملت ایران بدون اضاعت وقت بدرجی اصلاح ملت و مشغول شدند . ودرای نظام مالیات درهمه طول وعرض ایران یک فن اقتصادی — مارکی شنتر نامی را ازحکومت انکلیس متخصصاً طلب نمودند — مارکی شنتر خلاصانه ودرصدد اصلاح مالیات ایران واشکر نمایچه هردوزیر امنیم صاحب منصبان سویدن — انضمام صورت بیافکرتی درست پیدا کرد . در ماه اکتبر سنه ۱۹۰۷ دولت انکلیس وروس بهم اتحاد کرده سنك راه اصلاح حالی وطنپرستی ایران شدند . ومارکی شنتر امریکی را عزل کرده از ایران بیرون نمودند . ازسنه ۱۹۰۸ ع تاامروز کاهشت سال میشود ازهم تداخل روس وانکلیس رایرانیان بلاهای متواتره را که ازاشتباه

(۱) مثلاً طرفداران شاه سزول مدداسلحه وپول بانه برای خانه برانداختند . ومنابع ثروتان ملت وملت کشتند — (۲) درسنه ۱۹۰۹ وزیر مالی ایران را کهوطن پرست بود بلادرمی کدرعیت روس را روز روشن در طهران کشت . وبکفیر کردار ناقرجام خود نرسید

(۳) در اواخر سنه ۱۹۱۱ ع چون دولت اطالیه از اتوای انگلیس وفرانس وروس برطرابلس غرب کهبك ولایت دولت علیه عثمانیه حمله آورشد . حکومت روس برای اعانت اطالیه ولایت آذربایجان ایرانی لشکر عسکری نبوده . حکومت عثمانیه را مجبور کرده کهعثمانیه را بسبب محافظه ارمنیه وکردستان از آسیای کوچك بیرون خواند . وهنگامیکه لشکر روس بتبریز در رسید . اعیان و اشراف ولایت را طلبیده استمالتها نموده کهبطور رسمی درمیان خلائق اعلان کهدولت روس حسب طلب ارباب حل وعقد آن ولایت رای حکومت ایران لشکررا بآذربایجان فرستاده است — تا الامر رئیس روحانی آن خطه بود ازروی راستبازی ووطن پروری مدفوع رامی فطد — پس روسیان بکمال سکمل وسلاح تمام ودیگر معصومان را روز دشورهٔ محرم سنه ۱۳۳۱ هجری مدار آن ازین جادهٔ جنگاه عزیز ازبهر هدم ملت ایرانی برآمد (٤) روسیان ضعف حکومت ایران وبیچارگی ملت ایران هویدا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1485 of 1786

زیرلفافت هول وحیارت خویش برحرائر مقدس امامرضا درمشهد کوبا توپ بادند — و حرائن تابنه و جواهر غریبه ازان روضهٔ پرکه عبارت بودند ازین واقعه نیز ایرانیان اشك خونین ریختند .

(۵) انگلیس وروس عمداً ادارهٔ مملکت را چنان خراب وفاسد نمودند که عامل بسیار که شد وتوکن حکومت باقی نماند — پس انگلیسها پول برای اداره فرستادن آغاز کردند — لامحرف چند هزار پوند دیگر وسود اضافهٔ مضاعفه !

در ایران جائیکه در دیگر بلدان ملت منقسم بسه طبقه است اهل بازیچه واولی مردم ازطبقهٔ اولی زمام حکومت بدست خودداردند . لذا کزین ایشان ازپند اثر . واز احوال مالم بخبر واز حب وطن بیخبرند . برای چون ملت وملت را میفروشند . ومردم طبقهٔ سفلی واطیف مصداق عوام کالانعام هستند . ترك مردمی شارا برباد داده . وانهماك اهالت ایشانرا بدرجهٔ بهائم رسانیده است — اکنون باقی ماند طبقهٔ وسطی — درمیان ایشان مردم باغیرت وحمیت ووطن پرستی بسیارند — اخلاص دارند . اما نفوذش بمقدار خیر ومعرفت ایشان ظهور می آید اینطائفه اخیره . چون اطف روس وانگلیس وسفاکی وجباری این هردو درایران ملاحظه کردند . عرق ناموس ایشان حرکت آمد — جانهای پنهان و آشکارا برای خلاص وطن عزیز وجود آوردند . وکوششهای فاضل بکار بردند — چون ماهیان جیل بیابی ازروس و انگلیس ازمسائی وطن پروران ایران آگاه شدند میدان وطن فروشرا ازطبقهٔ اولی دست آورده شیرازهٔ اصلاح وترقیرا بهم زدند — درهمین جنك وجدال فیابین مصلحین و مفسدین این سالهای اخیره در گشت — و حالت ایران روزبروز ابتر گردید — ونفوذ روس و انگلیس درشمال و جنوب ایران روز افزون شد —

درین اثنان جنك ناگهان دراروپ آغازشد — برای خاکفروطن دوست ایران یکفرصت غیر مترقبه روی نمود . ایشان ازین فرصت استفاده کردند وبوکلای دولت الان اتفاق کرده برای استقلال ایران وعده گرفتند . علاوه ازین مددمادی ومعنوی هم تاپك درجه ازایشان حاصل نمودند — پس ایشان نوجوانان روشن دل ومعارفرا کهدراروپ تحصیل کرده بودند طلبداشته بهمه طول وعرض ایران برای فهمانیدن حقیقت مسئله پرده ابلات وقبائل منتشر ساختند .

مسئلهٔ جهاد اکبر را تشریح داده ملت خطر نابرا وطن را بعرض بیان آوردند — و مردم ابلات را که بجوهر مردانگی آراسته اند . بر چیدن دامن روس و انگلیس ازایران آماده کرده منتظر فرصت نشستند — درین سال گذشته سعی ایشان در تبدیل کردن رای قوم غالب مطلوب بروزبافته مشکور گردید — وهزیمتهای روس وانگلیس و مظفریهای المان و استریا و ترکی دل ایرانیان را قوت و جرأت بخشید .

هرچند کمانت ایران برای اخراج روس وانگلیس ازایران مستعد وصمم گشته — ازپیر بدست آوردن مراد خواستند که حکومتدا خود عمار وعهده دار نباشد . کملك وملت ازطبقهٔ خاصه جنگ معمول داشته — وبزیرکی خواستند کهشاه ایرانرا ازطهران بیرون ردمیاصفهان یا جای دیگر دروسط ایران تحت حکومت قرار دهند . تاازحیهٔ روس ایمن باشند — روس لشکر خویش را در ازلی وقزوین . وخیر ها که بغرب وجوار طهران واقع است فراهم آورده تاوقت ضرورت بطهران داخل شود — ازینجا است کهفرقهٔ ناجیهٔ ایران باسفیران عثمانی وآلمانی واطریشی درسفارتخانه معظمه بیرون‌رفتن شاهرا ازطهران درست کردهبودند . ولیکن خائنین ملت کابینهٔ روس وانگلیس تاموی ملت وشاهرا فروختهاند بسفیران روس وانگلیس اطلاع دادندکه قشون شاه ازطهران کشتند — اظهاردوستی روس وانگلیس از جانب شاه ایران وداخل کردن فرمان‌فرما وعین‌الدوله درهیئت وزرا چیزیست مجهول ومبرا در خلاف خواهش ملت ایران — واقعهٔ دهم‌مه‌وهم سنه ۱۹۱۵ درشیراز را مشتی توده از خرواری ازحسیات وارادات قوم ایرانیان توان پنداشت حسب اطلاعات مطبوعه درجراید انگلیسی‌چنان میباید که دهم مه توسط مردم شیراز کلیهٔ بخلاف انگلیسان برخاست قونسل جنرال انگلیس‌ودیگرمردان انگلیسی ترابدا کرده اسیر کردند . وزمان و بمکان ایشانرا به بوشهر برده تحویل و سلامت بدست صاحب منصبان بحری انگلیسی حواله نمودند . لشکر جنداره بعی‌ضابطان متعلقهٔ شیراز هم شریك ملت شده در گرفتاری انگلیسان وبیرون فرمادن زان وبکنان ایشان کلك نمودند .

از احوال مذکوره‌بوضوح ثابت که "منصوبه" خلاص کردن ایران ازچنگال روس وانگلیس خیلی قوت گرفته است . پیش اززمان‌دراز ایرانیان بالشاهزادگان ایشان عدد جندارمه کقریب سی‌هزار فوج‌منظم است واعانت مردم ابلات یك‌گوشتر بلیغ "دراخراج روس وانگلیس از ایران خواهند کرد . البته ایشان مانظرداند بظهور حرکت انقلابیه در هندوستان (زیرا کهدر هندوستان سازشبخلاف حکومت‌انگلیس روز روز درترقی است) و بشمول مسلمانان عرب وجوانان‌در جهاد اکبر . وآغاز شدن جنك درمصر — حق بجانب ایرانیان است — چنین فرصت غیر مترقبه برای آزاد شدن مسلمانان از رقهٔ عبودیت انگلیس و روس وفرانس‌وبرای اتحادواسلام باز نخواهند آمد . . . فرصت چو نوبهاری درغیر شخص وقوف کرزقه بازآید مثل‌شباب زائل — امضا

(مله سابح)

خبرهای ایران

ورود قوز خانه

منجیل — دروز بعداز ظهرهشت کاری قوزخانه با ۳۵ نفر مشایعت ودهنفرقزاق روس‌واردمنجیل شده‌امروزقبل ازآفتاب‌بازهقزوین‌شدند

ورود سوار آلمانی

اسد آباد — دروز یك عده سوار آلمانی بایکنفر صاحب‌منصب از سمت کنکاور وارد اسدآباد شده دوسه‌روزی اقامت دارند‌انتظارمیرود وهر قطعرا که معین نمودند توقف نمایند .

سوار آلمانی

اسد آباد — دروز عده سوار آلمانی وارد شده بسمت همدان حرکت کردند

حرکت دربیك

زانجان — در بیك حکمران بیادر باچندنفری ازهمراهان افواج . تلف از راه جان خانم بوشهر و حرکت کردند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1486 of 1786

مجاهدین شیراز

شیراز ـ مجاهدین متحول متفق هستند و هر روز در مسجد وکیل حضور علماء و سایر طبقات اجتماع نموده نطق و بیانات میخوانند

حرکت به ملک سیاه کوه

سپاهان ـ امروز قسمت زیادی از قشون انگلیس تقریباً تمام عده آنها بقصد عازم نوجانه و سایر نواحی باختر زاینده رود بسمت کوه سیاه کوه حرکت کردند و قسمت مهمی نیست که بجای دولرجو اهند فرستاده شد و بزودی مراجعت خواهند نمود اما اهالی چیزها شنیده میشود که اصل صحت ندارد

حرکت صاحبمنصب انگلیسی به یزدچند

قاین ـ امروز صاحب منصب انگلیس با ۸۰ قشون از مشهد وارد قاین شده عازم یزدچند حرکت کرد

شهر بندی یزدچند

یزدچند ـ چند روز است رئیس مالیه دور شهر را علامتی قرار داده و تمام دروازه ها بسته بوده و در هر دروازه یک مستحفظ با تفنگ برای گرفتن حقوق دولتی کسی از دروازه نرود

مشکل لاینحل

پس از امضا کاپیتولاسیون ایران و در باب تخلیه پوشهر با دولت انگلیس تمام از طرف مجاهدین امروز گفتگو از جنگ زیاد بمیان آمد و تشنج زیاد شد ولی مشکل بزرگی پیش آمده این است که مجاهدین اظهار میدارند تا انگلیسها کلیاً از شهر و بنادر تخلیه نکنند ما از اسلحه خواهیم کرد انگلیسها هم میگویند پوشهر تخلیه خواهد شد ولی عده برای محافظه قنسول و اتباع انگلیس خواهند ماند دولت و سایل تمین اقدام کند باین اختلاف و تشنج که انگلیسها پوشهر را تخلیه میکنند نه مجاهدین ساکت میشوند

دولت ایران و روس

بعد از واقعه استعفای دستگیری توفیق یک شهسوار دولت عثمانی از طرف هیئت دولت اقداماتی شده و ۳ روز قبل کتباً پرونسی بسفارت روس داده شده است ولی هنوز جوابی از طرف دولت روس نرسیده است

وحشت اهالی

سرابه ـ سه چهار روز است بواسطه انتشار ورود عساکر عثمانی و عشایر سرحدی بساوجبلاغ اهالی دهات حوالی مضطربا بازن و بچه و اثاثیه بقراغه آمده سکونت کرده اند

اضطراب اهالی ساوجبلاغ

چنانچه درضمن تلگرافات اطلاع داده میشود چند روز است که انتشار ورود عساکر عثمانی بسمت ساوجبلاغ و حدود اطراف میباشد و روسها برای طرفیت یک دسته هزار نفری قشون بامهمات روانه داشته اند ولی تلگرافاتیکه اخیراً رسیده مبنی است که کاملا طرفیتی نشده و اهالی از ترسستان باطراف فرار میکنند .

حکومت پوشهر

برحسب پیشنهاد قوام الملک بمقام ریاست وزراء علاء حکومت پوشهر موقتاً بعهده دریابیگی وا گذار شده است و ایشان در آنجا مشغول کار هستند قشون انگلیس هم عثمانی ماموریت ندارند .

خروج ۱۳۰ نفر قشون روس

بانگران ـ امروز بتاریخ ۱۳۰ نفر سالدات سوار مسلح و هشت گاری اسباب حرب از طرف قوچان وارد و بمشق آباد رفتند

اطلاق مجاهدین جنوب

یکصد نفر از اداره ما مأمور کازرون که از تمدت فلاکت و تکدر هوا حلوق مسدود آمده و باوعده های زرینک مأمور شده بود و هفت هفتشان مسدود را در ازاء حقوق پرداخته در برازجان ملحق بمجاهدین شده وجه وجیره نگرفتن در جلو گری تمری بخشیده است

خبرهای محاربات عثمانی

اخباری که در روز نامه های (تیمس) و (دیلی میل) انگلیس مندرج و منتشر میشود و اطلاعیه های فرانسه و انگلیس متفق و مطابق دارد کاملا مغایر حقیقت است این روز نامها و اطلاعیه ها در صدد ستر واخفای هزیمت کلیه مؤتلفین در کلی چوق و داغ هستند و بر طبق اخباری که از انگلیس بما میرسد قوای جسیمه فوق العاده انشاء نموده و بمنظور هجوم قاطعانه شده الیوم دشمن بعد از تلفات بحساب در پشت سنگرهای ساحل محصور مانده اند و به ورود های اطراف تلفن و تلگراف انشاء کرده و منظور عثمانی مشغول میباشد و جداً تقاضای قوای فوق العاده میکنند عده و عده های مواصله این جزیره هم برطبق اظهارات دشمن ضبط ۶۰ هزار نفر ذکر شده است

در کلی چوق

چهار دار دامل در روز در نا هموار طه توپخانه عثمانی را در تحت دشمن را که در زیر ستان تپه و شمع صنوبر عمارت نموده بودند تلگراف کردند در آن روز برق توپخانه عثمانی دستگاههای بی اثر بی سیم را در آتش خود گرفته آنها را ساکت نمود همین توپخانه سنگر و دفاع تخلیه دشمن را هم که در ساحل آبی روی افراد و سیمات پیاده می نمود مورد گلوله های مهیب خود کرده آنها را مجبور بفرار کرد

۲۷ در آنا فورطه و کراوز دره سدالبحر حمله بات عثمانی افواج دشمن را در خفیه احاطه نموده آنها را اسیر و مقدار کلی غنمت و ادوات حربیه و تلگرافیه اتخاذ نموده اند

۲۸ چهار دار دامل پرورد یک کشتی زیبای انگلیس که قشون فرار از ساحل کراوزه به تقرب زده بود او را آتش استحکامات عثمانی غرق کردند همین استحکامات موضع دشمن در سدالبحر شدیداً بنا به توپ

۳۰ ـ جبهه اطراف شب ۲۹ قوای عثمانی ربک قوه دشمن که حاضر بود آنها را دچار تلفات مهمه نمود

شب ۲۷ قوای عثمانی مجدداً تازه آورده دشمن دچار تلفات سخت گردیده در اثنای محاربه مشاهده شده است که انگلیسها متفرق شده فرارها تحت فرمان آن شب دشمن توانسته تشکیلات قوای خود را بهم داده سعی تاوقت غروب دوام کرده ولی بالنتیجه قوای دشمن مجبور بعقب نشینی شده مقابل از قوای اسلامی دور و بساحل در مقابل مدافعه دلیرانه عساکر اسلامی بلا فاصله مانده در آن بین یک طیاره دشمن تخریب و دو نفر یادداشتها و عده کمیونات غرق و یک هواپیما تلگرافچی اسیر گردیده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1487 of 1786

جنگ انگلیس ها فشنگهای دوم دوم وگلوله‌های پراز گاز خفه کننده تهیه کرده اند

بیمه قطار در جناح چین ما مانع مهم راه کنافی میان وبلغوج سواره روس تصادی واقع‌شده روسها مجبور بعقب‌نشینی و بلغوج را خالی نمودند

۱۰ اکتبر ۱۹۱۵ جریده داردانل در آتی ـ چرچل لرد جانسیار بحریه را که در جزایر (ایلی جزیره) واقع میباشد تخریب کرد درسه فرسخی بحر نمی که آتش زده چندین خندقهای دشمن را زیر و زبر کرده و درسالیبر میان لوبخانه جنگ طرفین جنگ سختی واقع شده یک قسمت خطوط متحدین مجبور بعکسوت وقسمتی خندقهای انهارا تخریب شد جریده البحر نمی که طرف جناح چپ ما زده وچپ طرف متحدین را رهوا کرده همه عملیات را تلاف کرده

از مناظر عسکریه ماوره

مانند همان طور که جنگ دریا که از زیر شروع و تحت البحر ها بیشتر از سطح روی آن فعالیت تخریبه میدهند عملیات زیر زمینی هم همین کسب اهمیت مینمایند .

از گفتار این جنگ بادازمیع‌های مخرب کار رفته‌اند که در جنگهای سابق استعمال آنها دیده نشده بود . ما درمقابل مواقع فوق که ترکها بوجود آورده اند مبارزه های شدید میکنیم ولی باید خوشحال باشند که در این مبارزات چندین جان واسلحه تلف می کنیم . ودر هر قدمی که جلوی لشکرهای خود می گذارم باخسارات عظیمه مجبور بعقب نشینی میشویم . جسارت وشجاعتیکه ترکها دراین میدان تخریب داده اند در هیچ حربه سابق آنها را احیاء نبود . حقیقتاً آنها در این جنگ جلوی آمده اند که در بسیار گذشته بکطایفه جنگ جوئی بوده اند —

تذکری امیرا طور انور پاشا

چندی قبل گفتار ماخری پاشای انور واسطه مجروح شدن ازدار

داخل جبهه کاپیولی باسلامبول و کشت انورپاشا وزیرجنگ عثمانی شخصا بجای او آمد و واسطه موفقیتی که حاصل کرده وقشون متفقین را مغلوب نموده مورد تعجب وتحسین گردیده اعلیحضرت قیصر یکقطعه نشان لیاقت نظامی برای او فرستاده وبدین مناسبت تلگرافی ذیل را هم بانور پاشا عزاره نموده است .

تمام لغرضات دشمن را باین موفقیت متعطفی دفع کردن ودشمن را مغلوب ومنهزم نمودن موجب افتخار ومسرت عظیم گردید تبریکات قلبی خود مرا ازموفقیات جدیده بدات عالی بیان واظهار مینمایم —

باچنین اردوهای متفق جسور وفداکار یکه متصف بحس فداکاری هستند ازمظفریت قطعی وآخری مطمئن وخاطر جمع باید بود — برای آنکه تقدیرات وتفکرات مخصوصه خودم را یک نشان وعلامتی باشد :

— نشان لیاقت عسکری را که زیر کترین نشان های حرب آلمان است بشما میدهم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1488 of 1786

امیر اطور و پادشاه ویلیم

جواب از لشکر امپراطور

امروز تبریکات مبارکی را که بمناسبت اعطای درجه هرموده بودید مشعر براینکه شجاعت وفداکاری فشون تحت در موقعه اقامت در ساحت حرب داردانل در حضور اعلیحضرت موجب تحسین گردیده و بشما آن پیغمبر خودش نشان لیاقت عسکری را اظهار موده باید زیارت کردم ـ تذکرات تاجرانه خود را با احترام و تعظیم پذیرائی حشمت پناه عرضه داشته وتبریک وارم مطمئن باشید گذشته از آنکه پذیرائی عرضیات دشمن را درمیدان جنگ قلعه و کالیپولی مقاومت ودفع مواجه کرده

(امور دیگر جنگ)

دار دانل

قشونهای حمایات دشمن را در ۳ ماه امیر ۵۵۵۰ صاحب منصب و ۵۰۰۰ و ۱۲۹ نفر میگوید امپراطور عمارت سنجی واقع شده وروی همرفته موقع قشونها بهتر واحکمتر ودارای وحدت حملات

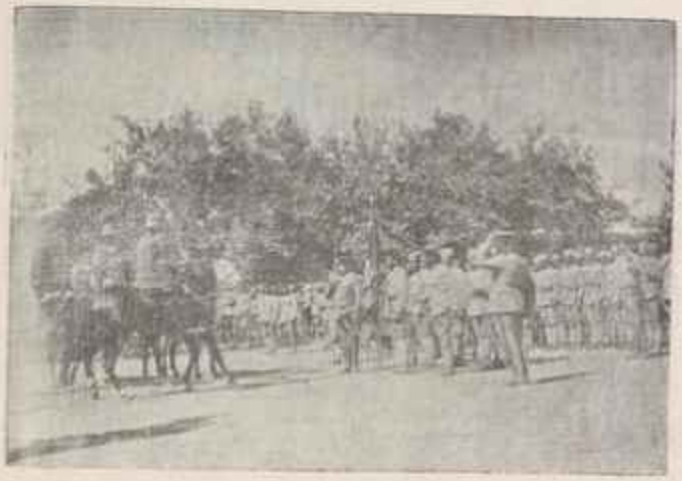

از مناظر عسکریه

ساوره

این تپه های جزیره ۲۵ ورست راه را طی میکردند این کیوسک ها بهر دوازی ازقلعه قدیم کیدیل باغچه بکنار دریاچه ملاحظه دارند آنها بنواحی قلعه ودود کیوسک تورهای تازه دیده گردیده بودند که کیوسک های آنها تصدیق است و دیوارهای رصد وسی من ضرر و وقتیکه این کیوسک های شست پول در هوا سیر میکرد از شست سیر آن یک طوفان بزرگ پیدا شده آنها نمیدانستند تیکردند که طوفان بواسطه کیوسک های تورهای آنها میباشد تا کیان یک کیوسک بزرگ یک عمارت چون افتاده و آنرا مثل یک جمعه برست بهوا پراند

سلطانها قبل میکنند که و وقتیکه کیوسک های شست پول آنها میافتاد چهار پنج خانه چوبی را مثل جعبه های کاغذی برافتاده و درخت های

این است تفصیلات تحت البحری های آنان دشمن را حیرت زده کرده

۷ دسامبر جبهه داردانل ـ دیروز در موقع انفجار مه قرار عثمانی در چندین نقطه خط نهری دشمن هجوم برده دو طوافیار قلعه تقلیه و ۹۲۰ صندوق جبه خانه گرفتند و الیوم هجوم های مزاحم دشمن بکار میرود ـ در همان موقع یک هزینگ انگلیس مهمات موره کلوله عثمانی شده و تمام مهمات غرق ومتصل گردید استحکامات ساحل دروز رتوپخانه دشمن آتش افروخته وکلیه سا کنین واقوام دشمن را که در (سمور توکان) جمع شده پریشان گردانیده است

(نقل از رعد وشهاب تلغراف)

سر عسکر عثمانی

عصیان پنجاب دشمن ووودگیور ملت

انگلیسها برای بیدار دشمن شیر ووود گیور ملت و عصری میبرده شده و مرتبه نموده کلوله‌های خ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1489 of 1786

دهزار عراده توپ در تمام مدت شبانه روز علی‌الاتصال مشغول گلوله‌ریزی بوده و اذعان میکنند که هر قسمه نیدانند معلوم نبود که این‌قدر گلوله را از کجا میاورند و مثل لشکری بلافاصله بیام‌لقاط قلعه میاریدند.

آنهائیکه‌ان وقت‌هنوز لشکرهای ماهیاورند بازدست ازپادامن کوه نمیکشیدند عدا گر پیاده نظام آنها بدیره باستحکامات هموم آورده و از بالای سر آنها گلوله میاریدند.

ازموقع ماه آوگوست آسمان پیاپان با روزها شروع بابران نمود زیرا ازترس گلوله ها نمیتوانستند پرواز بکنند هوای تیرناک قلعه صدا آمده بود از یکطرف هزار هاب منجر میشد و از طرف دیگر سنگ های زمین از قوت انفجار آنها بهوا میپرید و زمین دود غلیظی بهوا بلند خود کرده گوئی مانند ابر سفید برروی قلعه کشیده بود که شهر را از روشنائی آفتاب محروم مینمود دهان مدافع متمادیا درهوا درحرکت بود و آنهائیکه از ضرب گلوله ها بقلعه نگاه میکردند مانند آنکه باز بیچه اطفال در آسمان حرکت میکردند.

سابقا نقل میکنند که هیچ‌وقت در هوا آنقدر هیاهوی مشاهده نشده. از دور شهر مثل پاریس آتش بنظر میامد. شبهنگام انفجار بیها از صدای خراب شدن عمارتها منظرهٔ مخوفی را تشکیل میداد.

خلاف آنکه دوهفته شب وروز بدون انقطاع یک دقیقه فاصله بعد از صدای بیها واز غرش توپها کسی یکدقیقه خیال استراحت نداشت.

از طرف شنیده میشد که قلعه را به هوی مخافظه میکنند از طرف دیگر برای العین میدیدیم که شهر یک هجوم واقعی تبدیل شده در بالای شهر پرواز میکنند دهزار نفر ملائکهٔ عذاب وگاه چندین کیلومتر مربع را میدیدیم که میدان مارشال کارتاخه رنجه کرده تمام او را دوب شده بودند. مثل است از هول وهراس از ذهن هیچ‌کس عبور نمیکرد حتی سر خود را بدانند یک طرف قرار نمیداد.

جنگ در هوا کشتی

اخیرا در هوا کشتی بین فرانسه ها وبیچ قیافه زد و خوردی واقع شده است قبالی که شرکت در این جنگ کرده عبارت از شش هزار پیاده و یکهزار سوارند. چون قوای فرانسه چهار هزار پیاده یکهزار گوی دهمزاری سوار بودند.

در نتیجه عاید فرانسه ها تماما مغلوب شدند و ناراضیا فراری گشته نصف قوای فرانسه تلف شده است

قبالی من بوده شش مزالیوز و شش توپ وچهار خانه زنبوری صبت کرده‌اند.

در میدان های شرقی

درفرونت شرق وجنوب شرق قشون آلمان واطریش هوار بمقابله خواهند در مشرق لوبلک ـــ

یک قسمتی از قشون بطرف قلعه زولتو حرکت کرده ودرهمان حین می گویند آلمانها آنقدر همت مبذول داشته بیاز جهاز بسیار مهمی را بتسخیر دوتا بورج (دوبشک) دوائر میدهند. قطاری که در ماه‌سپتامبر از روسیه به چنك میامد عبارت است از : ۴۲۱ نفر صاحب‌منصب ۱۶۳۵۴ نفر توده عراده‌توپ ۲۹۸ عراده مزالیوز

در دریا

کشتی جنگی ایطالیا موسوم بندکورن بواسطه اصابت تخریب وعده زیادی از راکبین آن تلف شدند

بیمار عمال آلمان

بیمار عمال آلمان بتوسط زیمن موفقیت زرگی حاصل نمودوصدمهٔ زیادی بهانك انگلیس وچندین کار خانه وارد آورده وخسارات وارده تنها برهانك کار خانه معادل یکصد وپنجاه هزار لیره است

امراض چشم سراد وارد کری

روزنامهٔ « لیس کنتینانتال » در تاریخ ۲۸ اوت در تحت عنوان (دردچشم سراد وارد کری) بطور مقایسه می‌نویسد که خلاصه آن از این قرار است : حالیه بالفعل روز نامه (لوسیکل بلاژ) مقرر شده چنین حدس میزنیم که چشم درد سراد وارد کری وزیر خارجه انگلیس یک‌مرض جزئی وسهل العلاجی است ولی حالیه‌مع‌الکاسف خلافش معلوم شده زمد وزیر مزبور خیلی بحث ومطلق است.

علاوه از دقت های زیاد این اداره چشم را این طور تشخیص داده‌اند اولا وزیر مختار مشار الیه خیلی از مرض چشم اضطراب دارد زیرا که چیزها را از دیدن بدیده و اقعی مطالب مشتبه میکردد ودرمسائل سیاسی عدم اقتدار خود را ثابت میکند چنانکه تقریرات مشارالیه در پارلمان راجع بجواب [ناقص] خود ثابت میکند که وزیر مختار مزبور اقتدار خود را گم کرده مضطرب شده است

کاپا مثلاش به (فرنچ) گریه‌حتی محسوسات را هم نمی‌بیند واگر می بیند خیلی کم وجزئی میبیند زیرا در پورتهای رسمی آلمان را نبسته و صحبت اردوی خود وار دوی آلمان را هم ملاحظه نمیکند لابد اگر ملاحظه کرده بود بعضی اطلاعاتی حارا نمیکرد

ثالثا وزیر مزبور غرض تصاعف بعد مبالغه شده اگر احوالها در سابق یکی راه‌دوتا می‌دیدند اینار یکی راصدتا میبیند وهمین جهت است که عساکر انگلیس را که زده کیچنر تحت سلاح آورده اضافه عده خیلی تصور می نماید

راجع‌مثلا بهوست حمله شده چترهای خیلی کوچك را که حرکت وناقابل است بسیار بزرگ می‌بیند وهمین جهت است که هردوز قوتهای زیادی از قشون خود و متفقین نقل می کند وغیر از آنکه در همین حال هم بواسطه اغلاط کذبی حمله پیدا میشود چیز هیچ‌وقت زولو را کوچك دیده قوتهای آنرا زیاد ونا قابل میشمارد

خلاصه‌ای‌علاوه‌ای درمیان است که معلوم میدارد وزیر مختار مزبور غرض اغتشاشات اذهان ، گرفتار شده زنان ها را هم نمی تواند تمیز دهد وهمین واسطه است که در بعضی از سفاین انگلیس برق اسکاکاب شده ویا این حال مشارالیه انکار نموده برق های مزبوره را برق انگلیس تصور میکند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1490 of 1786

سادساً ... بزرگان پیشبینی میشود که مبتلای برص (احتلاط دوئیت) میباشند مثلا کنتی (گوزنیا) که اسلحه و توپ خراب داشته و همین سلاح معروف دیگر که صلح جوهاند چنانچه بازی السلاح شده است ... اطباء تجویز نمی کنند که ایشان را چورت های آلمانرا بخواندزیرا که باعصبی عصبیه چشم ایشان می افزاید بعلاوه تولید انقلاب وظهیر کرده اسباب شدت مرض میشود ... مضرورت انگلیس برای تسکین حالت خوب است ولی جیب دیگری دارد که عصبیه چشم را زیاد میکند

در موقعی که حقوق بین‌المللی و مسائل راجع به بیطرفی در بین می‌آید تجویز کرده است که باید یک چشم خودرا بپوشد درموقع تدقیق دقت اموات بکلی مطالعه را تجویز نمی کنند وباید که دوچشمان بسته باشد در خصوص موفقیات تحت الجری آنان نمیتوانند چشم هم کاملا بست وبعد پرده‌های سیدستجیبی درجلو بکشند که زخم نور دیده نشود

ازسایرجریانات این مرض خیلی بحث هاییکه بی‌اهمیت نظر میکنیم

(نقل ازشهاب ثاقب)

نطق صدر اعظم فرانسه درعایه روس

عبرزیکی از جرائد آلمانی بذیل آوزرای فرانسه سیو وجوزف ملاقات کرده ـ موضوع ملاقات راجع بشکست‌های روس وفقدان مهمات آذوقه وغیره بوده است ازطرز سئوال وجواب معلوم میشود کمبودت تعدیدی بین مؤتلفین تولید شده است

وزرای میگویند اینکه روسیا مارا مهم میکنند که در موقع کرکاری فشون روس وتضییق که بواسطه تهاجم فشون آلمان واطریش بانها وارد می آید فشون فرانسه باطل وبیکار نشسته واز تکلیف خود کماینبغی عقب باقی وارد آورده اورا صور کنند از تصیفات خود در شرق بکلی غفلت کرده اذهان نهمت محض است وفرانسه‌ها برای اینکفوای اثارة شکست بدهند ملیونها نفوس انسانی فدا کرده اصل مطلب دراینجا است کمدولت روس گوش بحرفهای بیداد ما میخواستیم حرکات اردو های تشدیدول ایتلافی ازروی نقشه متحدی باشد وهر حرکتی میکنند طوری باشد که تمام اردو های سایرین هم بفیده برساند وبهمین جهت ازقبل چورا روسیه اخبار داشتیم وخصوصا درالوقت خاطر نشان کردیم که حالات وفرصات خودرا بکوههای کارپات موقوف ومنزول دارد ـ لهذا روسیه حرف مارا نشنید ودر جواب تکالیف مااظهار داشت کهقشه های ستوف الجیشن را کماز پیش تهیه ونمودار کرده واسبه بعضی اسباب میا سبه نمی تواند تبدیل دهد این بود که کرکتار چنین متکلات گردیدند در خصوص فقدان مهمات جنگ اردوی روس حتی الشکه در وقت خودش که فرصت داشتند صنایع داخلی را ترقی ندادند

امروز احتیاجاتی که اردوهای روس دارند بیشتر از اثر نقایص های اسلحه سازی روسیه بیشتر نمیتوانند فراهم سازند واز کارخانهای امریکا بزیدرجه کفایت احتیاجات بکله مهمات فرستاده نمیشود ـ

از بیانات صدر اعظم فرانسه بخوبی معلوم میشود کدرجه برودت وسردی بین روسیه وفرانسه از یکطرف وانگلیس وفرانسه از طرف دیگر فوق العاده شدت داشته وصدر اعظم مزبور زبان حال میفرماید کهولا کن حاضر اردو های روس جزای مخالفت واعمدیست که در مقابل تکالیف فرانسه وانگلیس روز داده باین حال معلوم است که صداقت وخلوص بین دول متحد زیاده از خود خواهد ماند

تدارک آذوقه‌ها برای زمستان

عیده بان عظمی روز بروز تاریخ را عقیده براین است که از حرکت مشمن چنین معلوم میشود که خیال دارند خطروبغه (دوینا) را متصرف شوند ـ بعلاوه ۱/۵ فرامین جنرال (بو) این کمعدی مانند آلمانها معلوم می شود ـ چنین فرمان جنرال بلو خالی از اهمیت نیست ماهیتا آن را ترجمه ودرج مینمائیم :

« ای عساکر امیر اطور آلمان ! شما خیلی کار های بزرگ از پیش برده وخیلی فتوحات تازه نمودید ـ شما محکم ترین شهر های ایطالیا و (لیتوا) را از دست روسیا ربودید ـ حالا یک کار بزرگی برای شما در پیش است وان این است که یک هجوم سخت باید بمیدان موانع روبغه (غربی دوینا) آورده مشیر برکار امتصرف شوید ـ زیرا شهر ریگا بزرگترین گمارگخانه روسیا است واسروز در انجا ذخیره زیادی جمع آوری شده واز حیث موقع جغرافی نیز برای ما اهمیت زیادی دارد ـ علاوه براین زمستان نزدیک است اگر به ریگا روید مژدهای گرم برای شما فراهم میشود وتا بهار آینده مون اینکه از روسیا تصیفات چیزی آنرا زحمتی میکشید ـ واکثر اهالی ریگا لاتی و آلمان دوست میباشند ـ دراین مدت زیادی استراحت نموده و خستگی چندین ماهه شما رفع میشود وبرای بهار مهیم میشوید که بطرف روزوغ را از دست روسیا گرفته وآنها را ازموحل باتلاقیه دور کنید »

ازبیانات جنرال مزبور معلوم میشود که خیال آلمانها این است که جنود خود درریگا بقوای خود مرکز بدهند که تابستان را بامصالحه بسر برند آلمانها امروزه برای استراحت اهمیت ازسابق بیشتر دارند زیرا چهار ماه است که شب و روز بلا وقفه جنگ میکنند فرمانیکه از طرف جنرال بلو نشر شده است برای این نیست که از فرار خود مهمی سازند بلکه برای سالدتهای آلمانی میباشد پس باید فرمان مزبور را خالی از اهمیت ندانیم .

میتوان گفت که جنرال (گورلاند) را جنرال (فالکنهاین) تصمیم کرد وجنرالیتوپ تاکتیکی اطاعی اورا تجزیه نموده بترتیب اتمام بعضی ازاطاعیان آن مرحوم از جنگ تواص گورلاند نبودند ودوستان نیاورده که اهالی آنجا نده لاتوش ، و دانسته میباشند که هم روحیه تجاری با آلمانها دارند وهر زمان آنها مهمترین وسیله دوستی و ترقی با آلمانها است .

مثلا پیمانه آلمانی (اوست ری) را بواسطه اینکه دوران مرکز خویش میدید اعتبار آلمان نمی شمرده وعقیده میگفت :

آلمانهای اوستری فقط در دست مایک آلتی است که ازاقی آنرا گرفته وانتشار نمی کنند .

همفکر های پیمانه روسیا که قول اورا تصدیق کرده ویک که : یک قطعه ارقمی که فرضا در سواحل بحر بالتیک واقع است هیچوقت از اعدیات روسیا مصون نیست ودرای این است که مانند نمی کنیم که بیدیون آلمان اذهان خود را با سائل نکنند آن از مشغول نمایند .

وقی از اطاعیان آلمان بنام فالکنهاین اورن مثل اینکه عقیده‌اش ویانات اورا عقیده نمیدانند این امر مرم التفام نموده بطرف شمال حرکت نمود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1491 of 1786

بیانیه کنکاوزن ازاین اقدامات این بود که علاقه بژوکراد را
بجنوب روسیه قطع نماید .

عرب چنانکه میخواهند صلح کنند

روزنامه (بالکانیک ...) اظهار میدارد . کدوئن عرب بتوسط
پاپه کاتی در بغارست و آن لشکریان برای صلح افرادی بعمل
بازو رطبق اخبار اخیر بغارست وزیر مختار عرب دراین شهر
بایتالیان اتان واطرزش همکری استمزاجی راجع بصلح کرده ودر
مذاکرات گرده است آنچه شرایطی برای صلح پیشنهاد خواهد شد ؟
فعلاً فایدهٔ عرب با کاک اصرار سوال کرده است که دولتین
جنگی عرب میتوانند کدامین ازصلح وی خود بکنند .

بایتالیان متعدین جواب متی بمقاصدی نامنده عرب که رطبق
بکور ولیمیه (الکساندر) بوده است داده اند و بالاخره اظهار
داشته اند که با عرب صلح نخواهند شد مگر بعداز اینکه اورا بسزای
اعمالش تعمیل جنگ خونین حاضر و است رسانند .

امیر عطریس آلمان و خواهران سابق اهر روس

استکهلم ۱۴ سپتامبر — ازلندن خبر میرسد که امیر اطریس المان
به قرار با بایتالیان خواهران سابق اهر روس اجازه دادهاست که
بملکت آلمان آمده و اقامتگاههای اسرای نظامی روس را سرپرستی
نمایند .

تکمیل تحت البحرهای آلمان

روزنامه های پوان شرحی راجع بازدید تحت البحری های المان
وتاکنون میدانند کدولت امپراطوری آلمان جدیدا تحت البحریهای
بیشتر جدید ساخته که ازتحت البحریهای سابق زرنگتر میباشد وزودی
در بهای دور وزدیک بکشتیهای تجارتی و اطفای متفقان حمله
خواهند کرد .

کزارش مقاله وزیر جنگ فرانسه

نماینده ایتالیک دمکرات فرانسه جدیدا اقدامات میرو میراند وزیر
جنگ اخوات که وتاب اقتضاء این فرقه حرب اخیرکی کابینه هستند

وباور بطرز چوری

مطالب تلگرافی کهاز بطرز بورغ شدهاست روزانه قریب ۵۰ نفر
ازمردم دستگیر میشوند .

جنگ سوئد وروس تزیت است

روزنامه استا کوم دوسال میشود که مرا گرانیکی بخارست مطمئن
میباشد کهر آینده نزدیکی روابط دوستانه میان دوروسیه قطع خواهند شد
ازاینجهت سوئد (فنلاند) را اشغال می کند .

حوادث جنگ ازور

در آسمان آلمان

زپلین های آلمان روساعت ۹ قبل ازظهر ... راهی لندن شده و در ظرف دو
یا سی دقایق این دیدان که تقریباً دو ساعت طول میکشد کران هم
انام میشود و هرقوت باید جهی از اهالی انگلستان را در راه این دیدانها
بخاک قربانی بدهند

احتراق

چندی قبل کارخانهٔ بزرگ اسلحه سازی روسیه درقرب بطروگراد
بصب مجهول چنان محترق شد که شهر بافندراکچند روز زلزله افکند
وذاتیه اسلحه ومهمات وماشین ها هرچ باقی ماند فقط معلوم شد یک
آلمان که از سی سال قبل درانجا مستخدم بود حیالات خود را سابقا
بسوئد فرستاده ودر روز حادثه خود نیز بطرف سوئد فرار کرده است اینک
هم توپه گو چیگری از آن در وارس دیده میشود : کار خانه مهمی در
خیابان کولوماگ بارس متحرق شده حتی منازل اطراف کارخانه خراب
وصاحبانش مجبور آنها مدفون شده اندروز دو روزقبل مستشار اخیل
بزرگ خبرداد چندی که باکاک ۴۰ نفر مقتول معلوم شده ولی روزبیکر
از حادثه آن قابته میکوید فقط دوهفر مرده اند!

یک جاسوس آلمان در محکمهٔ فرانسه

جراید فرانسه شرح محاکمهٔ یک جاسوس را ازقرار یکنفر صاحب منصب
فرانسوی چنین شرح میدهند :

دریکی ازشهر های بزرگ شرقی فرانسه چند سال قبل یکنفر عکاس
دریک قطعه شهر یکدکان عکاسی بازنمود . طولی نکشید که واسطه
بازاری که درصنعت عکاسی داشت وواسطه ازازای اجرت مشتری زیادی
خصوصا ازاهالی قطاع دور وجمع کثیری صاحب منصبان فرانسه هم عکس
خود را در این عکاسخانه سفارش میدادند وهم عکسهای خود را
که بارفقا درشهرهای دیگر گرفته بودند برای ترمیم عکاس میرور
می دادند وهم عکس سری خودش را باو سپارش می کردند .

این عکاس رفیت آلمان بوده ویکی از اجزای جاسوسین آن دولت
حساب میشد . بعدمعلوم میشود که عکاس مزبور کلیشه های تمام عکسهای
صاحبمنصبان فرانسه را بخاک آلمان میفرستاد ویکی یکنفر از صاحب
منصبان فرانسه بخاک آلمان میرفت اورا بواسطه آن عکسها اورا شناخته
وهمیشه حرکات اورا تعقیب میکردند .

واضح است که هرسال نام صاحب منصبان فرانسه عکس خود را
باک ورقه تذکره بوزارت جنگ میفرستاده .

درورارت جنگ هرسال عکسهای جدید صاحب منصبها را دریافت
نموده در عوض عکسهای قدیم پدیوار می چسپاندند . عکسهای قدیم را
باد کرده هاواسطه اینکه لازم نیشد دور می انداختند .

این عکاس هرسال بهانه اینکه (کولکسیون) جمع میکند
ازفراشهای وزارت جنگ عکسهای کهنه را باد کرده‌های کهنه میخرید
وفراشها نیز بفروختن عکسهای کهنه اهمیت نمیدادند تمام این عکسها را
عکاس مزبور بدون واهمه نموده که در آخرهای تشکیل دادهاین عکسها را
معاینه مینمودند . برای این بوده که نام صاحب منصبان فرانسه را در بان
ودر نقاط آنان بخوبی شناخته واوضاع داخلی آنها را بفهمند
وهمچنین بواسطه این اقدامات بوده که کارهای جاسوسی آلمان در خاک فرانسه
پیشرفت میکرده

معارف آلمان قابل ملاحظه است

روزنامه (ر کلام اوفیور سوم) شرح ذیل را دریکی از مقالات
خود نوشته است مسئله معارف در فنون اهمیت بزرگی حائز است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1492 of 1786

بنا برین تعویل داده بشود این مواد هر دولتی لازم است داده بشود این مواد در هر ده هزار نفر از قرار دویل است آلمان ۲ نفر انگلیس ۱۰۰ نفر فرانسه ۴۰۰ نفر بلژیک ۸۳۳ نفر ایطالی ۳۰۷۲ نفر ایالات متحده ۵۵۹۲ روس ۹۱۱۰ نفر از صورت فوق معلوم میشود که معارف آلمان اول رتبه را دارد و قابل مقایسه با سایر دول نیست

تهدید بانکهای امریکا

هوا خواهان آلمان در امریکا بانکهای را که بسفیر فرانسه وامی بود تهدید شده اند بنظر مشورت دکرسته اقدامات سخت ضد آنها میباشند حتی برای اعضای کمیسیون فرانسه خطر جانی هم مفسود است و اعضاء کمیسیون بدون مستحفظ حرات بیرون ندارند طیاره ازه شب اعضاء کمیسیون بمنزل کمیسیون منتقل شده است پلیس قاره است و اعضاء کمیسیون تمام اوقات با مستحفظ هر جا میتوانند اتومبیل کنند مگر اینکه بدون مستحفظ سیر و با کمیسیون دارند تهدیدها خواهان آلمان کردن بانکها دارند سخت ایستاده اند و تسلیم نمیشوند بانکهای بزرگ آمریکا فرانسه بدهند درصورتیکه ممکن است از این قرض عواید کلی حاصل کنند بالاخره ممکن است این تهدیدات اوضاعات آرات کلی در سر بانکها هم بیاید

ترجمه مقالات کلیکی از ویسه‌بادن معروف (بطرف) در روز نامه (روسکی‌لیو) بتاریخ بیست اکتبر ۱۹۲۲ میلادی تحت عنوان اوضاع جاری و دارالسلطنه کلن چین :

چند روزی در بطرو کراد اقامت داشتم حالت روحیهٔ مردم بسیار با گوار بنظر آمد .

همین بود که از آمدن دل روز کار وضعف عمومی عمومیون و سر تعجب فکر فرو رفته اند . چند نفر از رفقای عالمی خودرا که از میدان جنت مراجعت نموده اند ملاقات کردم همه‌شان میگفتند چه شهر عجیب که شخص هر چه در آن فکر بکند : هرجا مروری تعجب اضافی آمیز اوضاع کوناگون جنت وشکست‌ناپذیری درمیان است. مثل اینکه مردم بیک حالت ثابت و خرمی عادی خود در یک مقیاس بیانات عطوفانه میشوند این اتفاقات جزئی الکلی وجود استثنائی ندارند .

تمام شهر یک کار خانه کار خانه کشتی مشابهت دارد .

حتی اطفال میدانند که کار و دانستن باید از تجارت و تفنن ملحق شده جدا کرده شود چند روزی از میدان جوین جنت دور شده فقط تنهایی کار کردم و ساعت خوشی بیدم و بخارا رفته شدم .

کجا است اینها ؟

هر دو طرف [illegible] من از جنگ و غضب تنبیه میشود یک بار فکر که در شرق مقصر شمن است .

جوبیات بر صرف جنت روبرو در آنها بیعلاقه و همه جور بیدردی .

برای شخص من — سکو — بطرو کراد — و سایر شهر های عظیمهٔ روسیه بیک کار خانه کشنده از احمال موتور و اعزاق آمیز بنظر می آید کارخانه‌ای که بدون نتیجه است که ساعتها در شرق انجمن میدهد .

رو تشهای ایران

دولت ایران چندین مقرره نوشت را جمع جرکت خلق روس وانگلیس از قابلیات به سفارتین دادند واز قرار اخبار واصله انگلیس از قابل بطرف سرحد حرکت کرده اند

از قابلیات مینویسد

پیاده‌دست آورز جدیدی که برای محل جنوبی‌ایت مردم‌باجزای حکومت بدست آورده اند مثل آنهاست که هر کس را محکوم جریمه کنند میگویند آقایان خانه تو آمده باتو باآنها مرور باهاآنها اسباب فروخته علاوه آنکه جدیدی است از این راه مشهور تعدی نمودم پرداخت هستند مخصوصا علی بیک در قابل این بیانه آکر در زیر کوه قفرو خته و چاه بست که دو چار این حریق نشده بلکه کلن نیرود در هیچ جای دنیا از اهالی قابلیات مردم پرداخت زر و نقد تر پیدا نشود دیگر حال و مال برای مردم باقی نمانده از ناچاری بدسته و جوقه جوقه بطرف مشهد افغانستان فرار می کنند .

حاجی عبدالله بیک را که تو آلکه برای مطالب مهمه پیرا فرستاده هنوز مراجعت نکرده است (نقل از اخبار های ایران)

خلاصهٔ آخر ترین خبرهای سه مسیو

صبا کر انکلیز در عراق عرب شکست فاش دوچار شد . حتی و عمرو زیاده از دوهزار است . عربها وعشایر بیباری بدست ما واسطه است — در میدان زرمقاله عربی حرکت اسرار انکلیز ا جاری و سیر های آن به هاشد و دیگر جاها نمیرسد . دولت عراق جریان حاضری را عزت وعلنی آن جریان کاملتور ا در زمان مقرر کرده است . — تجارت بطلان تقریباً تمام شده و تمام تشاصل هیوشان وعشایری که دوسه ماه پیش از طغیان کرده اخراج و در اطراف وسنکر و پناه کرین شده اند . صبا کرنل فرانس وانکلیز هم هیچ‌کاهیان درآمدن صبا حاصل کرده بیانکاه خود دارا بسوی ملایک انصراف میکنند وحتی تهدید آنرا در سلایک هم تهدید میکنند — طیاره در داردیل از دهاتی وضعیت نخاوری در آمده حمله های شدید و کاه زیری مدافع شدن از پشان داشته‌اند مقاومان در قرب همدان و ومراقبه و سوچلاغ در مکدونی و حرمین و طیاره‌ای تجدید شده ازینه کشتیهای کف البحری لندن و آسترالیا طیاره‌ای تجدید کشتیهای بسیاری از متحدین را در غلط غلاده غرق کرده‌اند در تهدید آمده — حکومت جمهوری چین از حکومت ایران تحویل بکه چون می کسی به ایران طوری نمین شده است — و اجرای ملکی و عسکری فرانس و انکلیز وروس جمع آمده اموال دهشتناک موجوده مذاکره ومذکوره کرده‌اند — عساکر در بانکوک داخل شده است . — از ملک مانچکوکو بدریعه رسیده کمیته‌ست جیاران جنگ دولت آمریکا که سال کاوه باری نموده چند لشکر جیاز دهان ایطالیا را مذاکر می پایتخت غرق نموده و غرب دهانه دریای وجاده یک لشکر کنیز دولت فرانس را هرتراه نموده است — عساکر آلمان در حالت تهاجم روبه در پشقدمیست.

در چاپخانه حروف دارالسلطنه کابل طبع کردید

عمده‌ها هائیکه بمنحط دارد از طرف مدیر ومسئول تحریر

محمد طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1493 of 1786

اعلان

عموم مشترکین قرام خودرا

یاد آوری مینمایم

مهندسی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خود داری نمائیم لهذا بادا کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل یک علاوه نموده با کتابه مشارالیه تحریر و توزیع اخبار را که بهده مشار الیه گرامند دروعهدهٔ خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنه خود را تغییر داد کردن میباشیم که بعد از ین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتابه خود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه	ولایات داخلی افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه دوازده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هر جائیکه باشد با اجرت پست

قیمت سالیانه ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه شش روپیه انگلیزی

به ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی دوازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رحمهٔ کار دران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود

اگر از یک جا دیگر جا بدیگر جا بوطن میباید که میباشد قصد در وسر محرر را خبر دهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچین یک رقعهٔ شان برای نمیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هر نوع اعلان واشتهار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمن اخبار از یکبار گه پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود . اعلانیکه درمن ورق وقوه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه ثلث اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — انچ — ۴ — سنت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً یکماه نشر کردن خواهد دوحصه یک ساه را پیشکی ادا نمایدو ورق بیشتر از سه سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1494 of 1786

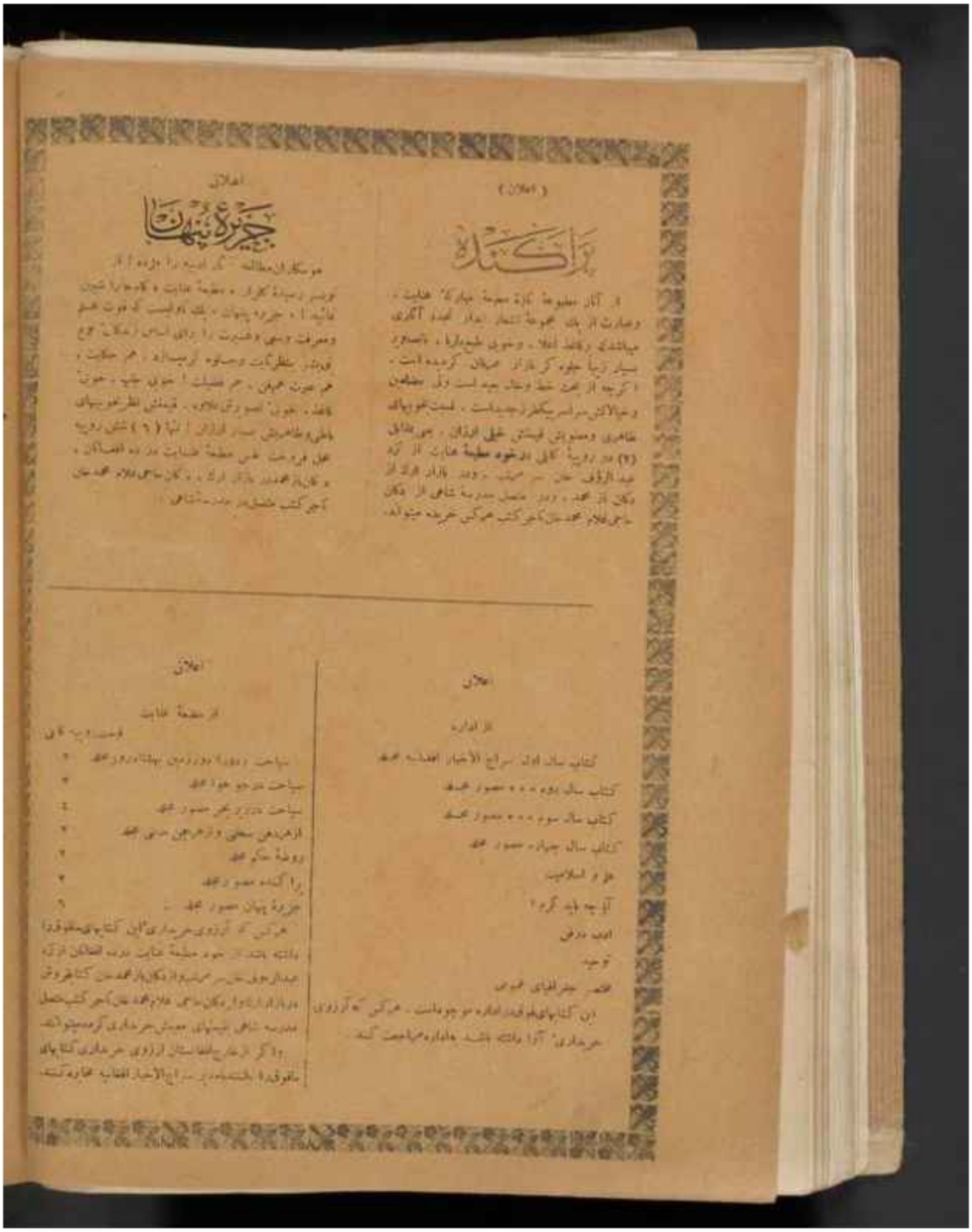

(اعلان)

پراگنده

از آثار مطبوعهٔ کارهٔ مجموعهٔ جدیدهٔ عنایت. عبارت از یک مجموعهٔ نسبتاً بسیار آگاری میانشای و کاغذ اعلا. و متوسط طبع دارد. باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بعض خطا و اغلاط مبرا نیست ولی بمطالعین و خریداران مراسر یکطرز جدیداست. قیمت خوبیهای ظاهری و معنویش قیاسش خلق الرحمان. بهر بفروش (۲) دو روپیهٔ کابلی در مطبعهٔ عنایت از کوچهٔ عبدالرؤف خان سر مرتب. و در بازار قرائت از دکان آقا محمد. و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمد خان کاجر کتب هرکس خریده میتواند.

(اعلان)

جزیرهٔ پنهان

موسکاران مطالعه کتب ادبیه را دارد از نویسنده کرار. مطبعهٔ عنایت و کاغذ را تحسین نمایند! جزیرهٔ پنهان. یک ناولیست که موجب علم و معرفت و سبق و عبرت را برای اساس (مکالمه) توع فرموده. بنظرگیات و صنوعه آراسته. هر حکایت. هر عنوان هرفن. هر فصلیت! جوی جلب. جوی قاعده. جوی اصول و رنگ دارد. قیمتش نظر خوبیهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه. محل فروخت عمدهٔ مطبعهٔ عنایت در دو افغانان. و دکان آقا محمد در بازار قرائت. و دکان حاجی غلام محمد خان کاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الأخبار افغانیه عهد

کتاب سال دوم ... بحضور عهد

کتاب سال سوم ... بحضور عهد

کتاب سال چهارم بحضور عهد

طب اسلامیه

آو چه باید کرد؟

ادب درس

توحید

قاعدهٔ جغرافیای عمومی

این کتابها فروش اداره موجود است. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی

سیاحت دورهٔ دور زمین بپهلوانان روم عهد ۲

سیاحت در جو جوا عهد ۲

سیاحت در زیر بحر بحضور عهد ۲

از هرات تا سنگی و از هرات تا مرو عهد ۲

روضهٔ ساکر عهد ۲

پراگنده بحضور عهد ۲

جزیرهٔ پنهان بحضور عهد ۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مفوقه را داشته باشد از جانب مطبعهٔ عنایت در دو افغانان از کوچهٔ عبدالرؤف خان سر مرتب و از دکان آقا محمد خان کتابفروش در بازار قرائت و از دکان حاجی غلام محمد خان کاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی این کتابهای مجلدش خریداری کرده میتوانند. و اگر از شهر یا ولایات ارزوی خریداری کتابهای مفوقه را داشته باشند در سراج الأخبار افغانیه عایده کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1495 of 1786

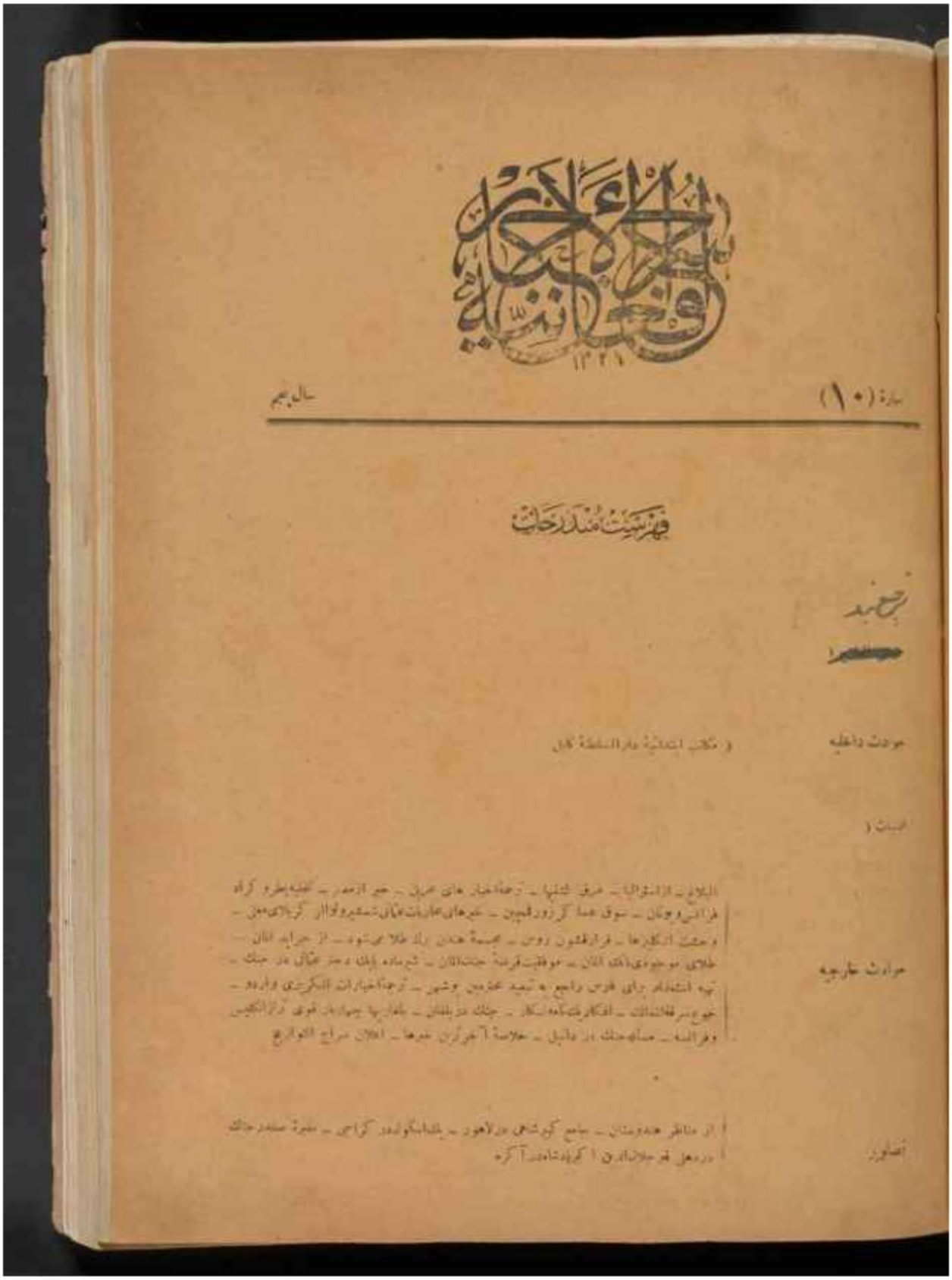

سال پنجم

نمرهٔ (۱۰)

فهرست مندرجات

ترجمهٔ

[redacted]

حوادث داخله (مکاتب ابتدائیهٔ دار السلطنهٔ کابل

امثال (

حوادث خارجه الیلاق ـ از استوانبول ـ غرق شدنها ـ ترجمهٔ اخبار های عربی ـ حج امسال ـ غلبه یطرو کراه فرانسه و بلژیک ـ سوق عسا کر زور لیجین ـ خبرهای عمارات عثمانی تسخیر دوآر کرلای دمن ـ وحشت انگلزها ـ قرارگفتن روس ـ جمعیهٔ هندیان راه طلا می شود ـ از جرایه آلمان ـ خلاصهٔ موجودی بانک آلمان ـ موفقیت قرعهٔ جنتالمان ـ تخریب بلژیک و جنگ عثمانی در جنگ ـ تهیه استعداد برای فارس راجع به تمدد عساکر روسیه ـ ترجمهٔ اخبارات انگلزی واردو ـ جوابهای فعالیتهای ـ افکار عمومی کمه نگار ـ جنگ در بلژیک ـ بلغاریها چطور قوی ترانگلیس و فرانسه ـ مساعدتهای در تایل ـ خلاصهٔ آخرین خبرها ـ اعلان مراجع الوزرا

تصاویر از مناظر هندوستان ـ جامع گوهرشاهی در لاهور ـ بلندیگوندر کراچی ـ نمرهٔ صفحه درج در دهلی قرجلالتلو ابن اکرم شاه در آگره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1496 of 1786

اعلان

ازصنایع پدرپاک ذات ستوده صفات اعلیحضرت سرای السنة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جریل
قار عاده جات ، ساختن خانهٔ جدید که دارالسلطنه کابل علاوه رایحای صنایع دولتی وعسکری مانند آلات حربیه مقاتله و اونیفورم دوزی
عساکر شاهانه وغیره ، یعنی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت هاور
حکم فروش درصدر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالحق خان دربازار ارگ) میباشد.

(۱) سرخ های پشمینه بالون رنگهای مختلف که جهت آن ازقرار گرانکلاری ۳ توته مشخص شده درصد وقطعهٔ جنسی هم هر وضع است

اقسام	قسم اول			قسم دوم			
درجهها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم	درجهٔ سوم ولایتی کلان قیمت آن ۱۰ پوند انگلیس
رقم	آکاس ساخته نشده	رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیه	۲ روپیه ۶ پیه	۱ روپیه ۴۶ پیه	۱ روپیه ۶۸ پیه	۰ روپیه ۱۰ پیه	۲ روپیه ۸ پیه	۱ روپیه ۲۵ پیه

کشیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکلاری | کشیره چهار خانه ۷ روپیه ۳۵ پیه | کشیره شش خانه رقم ۷ روپیه بیست پیه

(۲) چراب

رقم	تکمهای چرمی چراب ومنجدر				
	نکمهٔ کلاه روح	راهدار روح	مسدول زاغ	کلان قندرجن	چاله قندرجن	حوره قندرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیه	۴۵ پیه	۳۶ پیه	۱ روپیه ۴۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۵۰ پیه

(۳) کروه های جدید ساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو کره سه کاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار کارهٔ نمی
قیمت	۹ روپیه و ۲۴ پیه	۸ روپیه و ۴۲ پیه	۶ روپیه و ۱۱ پیه
رقم	چرم باف دست دولاب یک اسپه	دست دولاب نیکل چار اسپه	چرم باف عمرکان
قیمت	۴ روپیه و ۴۶ پیه	۸ روپیه و ۲۳ پیه	۴ روپیه و ۱۳ پیه
رقم	نمونهٔ نمبر کلیدر دوخته	نمونهٔ کلیت قره باغ چرم بیدآباد قرغانه	زه باف رقم سواری ساس کلیت	زه باف دو کارهٔ رکان
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیه	۴ روپیه و ۴۷ پیه	۵ روپیه و ۹ پیه	۵ روپیه و ۵۴ پیه
رقم	رکاب الزغ	چرم باف جاله جنوب پت زاده	الزغن سواری تیغ چرمی	زناله ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیه	۵ روپیه و ۸۲ پیه	۴ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه و ۸ پیه
رقم	نمونهٔ دولاب سادی رنجیر کلیت قره	نمونهٔ دولاب سادی رنجیر کلیت قره	الزغن سواری دولاب تیغ چرمی کمک دار	چرم باف مابین پت یک اسپ
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیه	۴ روپیه و ۴۵ پیه	۴ روپیه و ۵۹ پیه	۸ روپیه و ۱۲ پیه

(۴) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نارنجان	گل پرینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیه	۶ روپیه و ۹ پیه	۹ روپیه و ۷ پیه	۶ روپیه و ۳ پیه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لیلون	جنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیه	۶ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه و ۳۸ پیه	۶ روپیه و ۸ پیه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گلدی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیه	۷ روپیه و ۱۲ پیه	۶ روپیه و ۵۴ پیه	۶ روپیه و ۵۴ پیه

(الفقیر) (سید محمد عالم دفتری کار خانجات (گیلان خانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1497 of 1786

صفحه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۱۰)

قیمت سالیانه

در پایتخت دولت علیه ۱۰ روپیه

در اطراف و ممالک

در سایر ممالک

هر دوازده روز یکبار نشر میشود

محمود طرزی

اداره و محل مطبعه

در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

جمله امورات تحریریه جاداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غره ربیع الاول ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۷ جنوری عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۶ جدی ۱۲۹۴

ترجمهٔ بردهٔ

در مدحت حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم

کلام حضرت طرزی صاحب افغان علیه الرحمه والرضوان

بند اول

مردم بام خاك در گاه محمد مصطفی ام
عرش و طوبی پست در راه محمد مصطفی ام

چرخ را بارتبهٔ قدرش چسان آرم بیاد
عرش باشد پست پیش جاه محمد مصطفی ام

تار و خورشید سراز آنجهان بر تر کنم
گر چنین سایم بدر گاه محمد مصطفی ام

تا ابد عرض و چو مینا در صفا خواهد گذشت
گر صدف جان درلب جاه محمد مصطفی ام

چشم جان تابان بلب خندان شود
جانم جان تابان بلب خندان شود از مکرمش نیروند

روشنی میخواهم از ماه محمد مصطفی ام
اینمه گفتیم و کم گاندرهٔ او دیگاند

جزم حق است ، خواه محمد مصطفی ام
جمله عالم از طفیل روی او پیدا شده

شام دنیا روشن از ماه محمد مصطفی ام
عین و شیطان در هم چو پر خولد در کمراو دین

میکرزم سوی در گاه محمد مصطفی ام
از تو میخواهم مدد یارحمهٔ للعالمین
نورافزا کی سراج ملت دین مبین

بند دوم

کوی کونین است در چنك محمد مصطفی ام
چرخ پی سنك است از سنك محمد مصطفی ام

بسکه از شرمش حیازد حجاب عصمت است
پردهٔ ناموس شد سنك محمد مصطفی ام

در گلستان جهان رنگ گل حور نبود ماه
یافت آنهم رنگ از رنگ محمد مصطفی ام

اهل دل زیر لوای جانسپاری می کنند
صف کشد با اهل در چنك محمد مصطفی ام

از صفوی رتبهٔ قدرش چاکرم پیش ازین
از ضریح عرش زد خلك محمد مصطفی ام

می کشد بر دیده جای سرمه اش کروبیان
گرد خاك پای پاکرنك محمد مصطفی ام

دفتر اصنام از پا آب تسبیح شست
عقل و فهم و عزو فرهنك محمد مصطفی ام

صبحدم از خندهٔ ثنای گریبان میدرد
شب نخندد هم که دلتنك محمد مصطفی ام

می کنی تابنده بامن آشنایی ای شمس شوم
شرم کن از روی تابانك محمد مصطفی ام

از تو میخواهم مدد یارحمهٔ للعالمین
نورافزا کی سراج ملت دین مبین

بند سوم

دیده ام تابش رخسار محمد مصطفی ام
شده ام زان پاك اسرار محمد مصطفی ام

اختیار خود کجا دارد دل من کز ازل
میتپد از جان خریدار محمد مصطفی ام

گوهر جان خود دل مالم و مشاطه زندگی
جمله ازم صیقل و کار محمد مصطفی ام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1498 of 1786

میده آینهٔ شرمش صفا از پیش من
تا که گلرنگ عرقریزان محمد مصطفی م
در درون چهره‌ام تا حشر باشد محتفی
هر که خود در بارگه یابد محمد مصطفی م
نغمهٔ قطب و اوتاد میشود در چرخ فعل
هر که شد در خطهٔ یار محمد مصطفی م
هر که آمد در زمین کالای مطلب چید و رفت
کشتی بود چو گلزار محمد مصطفی م
کز بگرد چار سوی ما من کردی گذشت
کرد بازاری چو یار محمد مصطفی م
از بلای آز و حرص و شهوت و بغض و حسد
می کردم زار و دوار محمد مصطفی م
ازتو میخواهم مدد یا رحمة للعالمین
نور افزا کی سراج ملت دین مبین
(چهارم)
تا کرفتم دامن محمد مصطفی م
چید ادکلیا دامان محمد مصطفی م
[illegible]
[illegible]
[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1499 of 1786

حوادث داخله

مکاتب ابتدائیهٔ دار السلطنه کابل

از وقتیکه حکومت افغانستان قدم بمرحلهٔ ترقی و تعالی آن ملت اسلامیه مقدم را (چنانچه معارف) که اهمترین چیزها و باب ترقی و هبودت و هرملت میباشد در دور یکم دولت سنی اسباها و مبانیها در پیش روی می آمد که از آن جمله یکی هم بلسان من زبان فارسی بود که مرا سکوت و مهجور بود . تا آنکه یوم شنبه ۳ ماه صفر حضرت فوقی ادیب وبلیغ نجیب مولوی عبدالرءوف خان صاحب محترم کمندر دار المعلمین ومدیریت دار العلوم مکاتب ابتدائیه هستند از روی مهربانی حاضر شدن امتحان یکی از مکتبهای ابتدائیهٔ شهر مرا دعوت فرمودند . من که بسیار شوق زائد داشتم درباب دیدن مکتبها کدایل وحید ترقی هرملت میباشد هوراً بسی شکر های قلبیه و زبانیه اجابت قبول نمودم . صباح روز موعود بسیار انتظار نکشیدم که آمر حضرت مولوی صاحب تشریف آورده آمد فی الحال بهمراهی راه افتادیم بمجرد یکه ساعتی بدروازهٔ کابل مدرسه رسیدیم و راستی من کوچه کنایش ازهمین آنیه که بدرون دروازه قدم نهاده میآیم و بعدهٔ گفته بود که در طرف شهر کابل بهمین طور منظم و مرتب مکتبهای ابتدائی موجود باشد . تا بیان بعدهٔ مدرسه که رسیدیم حضرت مولوی صاحب موصوف با کمال لطافت و بشاشت روی کمال مواد اخلاق عدهٔ ایشان استادان ماهرا استقبال فرمود.

وچون نظر وقت اداحتم ازدیدن حسن نظام وانتظام قوانین این مدرسهٔ مبارکه کماهی جدا ترین اصول حاضره مرتب وچه پذیرائی سرور وروحیهٔ پرفرح و حبور دراجزاء همهٔ وجودم حس کردم .

آن وقت همهٔ شاگردهای وطنیهما که عبارت از (۱۳۰) نفر شاگرد وشاگردهای امتحانهای مختلفه مانند قرآن کریم وادبیات فارسی وحساب وغیره گرفتار بودند . چون بنظر انصاف ملاحظه شود ازین مرحله قدم که در میان مدرسها وشاگردها حساً مشاهده میشود بچوبیکه یک مدت بسیاری نگذشته که آن مکتبها باز شده اند ازفرو دل غار حیرت واستغراق بدریاهای اعجب جوداً جمع کرده نمیتواند .

بعد دو ساعت کما کان فرحت و مسرت درمابین دیوارهای آن جای مقدس وحرمی دلچسپ گذاشته گذاشتیم وقدم و قوادم ازدیدن بساری آن شاگردهای کودستقبل عمارآن ملت انشاءالله میباشند خوش و خروش آسمان پشاور رشده بود .

وراستی داد همت فوق العادهٔ وسعی و کوشش عظیم حضرت عالی شعار شیرازهٔ منظم معین السلطنه صاحب افخم در باب ترقی معارف این قدر وقت کی کماینبغی ادارهٔ (معارف) جلیله بدست مبارک شان آمده عین موجب شکران عظیم وتبریکات جسیم میباشد .

پس بیداری وهوشیاری آن ذات معظم وحسن انتخاش دو مقتدرین از معلمین و اساتذهٔ لحد الیوم گفته میشود کمدر افغانستان مکتبهای ابتدائی علی مترقی موجود است .

وحقیقتاً اگر بنظر بصیرت دیده شود می بینم که موسسان تجاج هیودت وهرملت رتجاج وقدمدارش ابتدائیها آنها موقوف میباشد علی الخصوص

اگر معلمها ازخودشان آنوطن باشندپس تا کردای که انفعالهای ابتدائی را باتمام رسانند بنیادهای وطن پرست تلخت دین ودولت وملت وپشتبان است که فهمیدن آنها از فرایض هرآدم بلاستثنا میباشد در عروق و اعصاب آن شاگردها بهمراه خون ودم تجریان می آید که آن چیزها لابد ولاریب اساس بنای اول هریک ملت که زنده گی واستقلال مدام الابد مربوط بعدی میباشد .

پس نتیجهٔ افکار باحزامانه را وبرعهدی واجب الادای دوام شوکت وعزت دولت مولانا بوالمعدیت حضرت امیر المومنین (سراج الملة والدین) که زارع اول تخمهای معارف درمزرعهٔ آمال وطن میباشد خاتمه میدهم وبرتمام اهالی ملت نجیبهٔ افغانستان واجب ولازم است که شاکر خداوند عظیم الشان آنالیل والطراف النهار وزبان سازند که اعلیحضرت پادشاه مکمل عادل وطن پرور برای این وطن افتتاح ترقی ومعارف عطا فرموده است

محمد ادیب

ادبیات

بیکوم برای مقتدر دولت سیم و زر باید
همین یک اتفاق از هرچه باید پیشتر باید
بیکوم کهن گردیم وزر کاری نمی آید
کجاید سیوزر خیزو خشم لیوندر باید
بروز رزم گردان سیم وزر باید نیا باید
که کاه گیرو دار خصم دل باید جگر باید
خداوندی کدمکان مقتدردولت متفق کرده
دگر چیزی نباید اینقدر باید اگر باید
بگو ازاتفاق ای دوست ازبهر خدا مگذر
برای دشمنی دین اتفاق یک دگر باید
نیابت صدق و غیرت اتفاق دولت وملت
اگر دنیا ودین مطلوب باشد اینقدر باید
مسلمان بابت امروز سر ازپای نشناسی
و گر همسرپای کافر فی بوسر باید
مکن بی اتفاق کوتی برین گرمحفل بشنو
سخن شنو گرت پندی به ازلعل وگهر باید
سخن رابیشتر درآدمی تاثیر پیدا شد
چو کار آدمی با کاو وخر شد چوب توباید
اثر بار است تیرین ثمر مرغوب توستقی
دعانت ای حلاوت بخش معنی پشکر باید

(غزل اتفاق کلام مستقی)

به نام که همه تو داده بتو هیزه
چه دروغ ده که رستیاده تو چیزه
تن دکفر و دا اسلام سره حلی دی
غلبه ده کافر ده نه تو هیزه
چه اسلام زه یاغر وی کما دی ده
دازرا ده که خسته اده تو هیزم
جنك دکفر و دا اسلام که قیامت دی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1500 of 1786

آخرت دی که دنیاده نه بو هیزم
حاجیلاوورب جنانده یختر دی
بو هیزم ایچه یاده بو هیزم
بوورب دخلی وجنك کیسنجه دی
که بر کل ما نفیاده بو هیزم
رکاوزای زیاده سارکو کوره نه کوره
کوره شیوده که زاده بو هیزم
ما فلان و زمانی لیبو ن کره
یا جنون دی که سودا دیوه بو هیزم
(مسلمی) کاشکی ایدیا یه مزه کره
چه دیه جمله سوده ناده بو هیزم

جواد خارجیه

(تحریر)
(البلاغ)

« البلاغ » نام پکر سالهٔ فواید اسالهٔ اسلامیه است که درلغت دوست تحریری ادیب فاضل و ادیب کامل وطن پرور غیور ، واعظ فصیح وخطیب مشهور هند جناب مولانا ابوالکلام ، صاحب آ ، اندرهی یازده روز یکبار بکمال رغبت ورسانی اشاعت واشتهار می یابد ، مسلك ومقصد اعظم این رسالهٔ بلاغت توأم الزام اهل این دوزادهٔ گرامی غیور عاشق وطن است چنانچه مولوی رحمانی تجاران مراد ومقاصد کافهٔ تبلیغ احکام اسلام و ترغیب به حفظ ترتیب قوانین منیف شرع شریف حضرت خیرالانام علیه الصلوة والسلام انحطاط میشود ، مطالب ومقصد فصاحت وبلاغت آمیز مفهوم ومفهوم میگردد ، طرز تحریر وشیوهٔ تقریر این جریدهٔ مفیده خیلی مرغوب وپسندیده است چنانچه اصل هرواقعه ومرجعیت دین را از آیات بینات قرآن عظیم الشان استدلال استناد می فاید .

جناب مولانای موصوف در خصوص رکیکی اعتبارات و بی کیاتی وخالی الفاظ واعمال که در حین تحریر وانشای تحریر خودشان بر کلمات استعمال می فرمایند در امکنان معروف ، و در حلق واقیا معاصرین جدید وعناوین جدید طبع مال شان به جهت یافتن موجود وخارج اسلم میشود فمن الزین « البلاغ » وامثال سالهٔ معاصر دیگری کلمات تحریر و چه طرز ووضع تقطیع وترکیب آثار سالهٔ مانند ازالهٔ « البلاغ » عیناً بروی وقلب مرتبه نیز در تحت مدیریت جناب فاضل مقدار اند در عربیهٔ ادبیات رونق افزای مذهبوعان می گردید ، ولی بنی از مدت ۱۰ ماه بتاریخ انکلاب تسالی واشتعالات آثارهٔ مدیر صاحب تحریر خود بوقوف وتعطیل تحریر شد ، ودر یکدور مدت مدید شایقان دیدار ومشتاقان گفتار خود را در انتظار بودند تا تاریخ اول محرم سنه ۱۳۳۴ در عوض آن تجارة تحسین رسالهٔ « البلاغ » الغرا در معرض طبع و انتشار آمده باز مژده ادبیات رونق افزای اوتن را بشارة بخشید ، و بدینصورت قلوب جمهور خواهان وجمیع مشترکین « البلاغ » را به جهرهٔ بلاغت شهرهٔ خود خط سرور وفوق العادة عطا فرموده بقلوب های صوری واطفای معنوی خود گردیده وقلوب ساخت ، ودر این خصوص ذات جناب مولانا « ابوالکلام » صاحب جلی شان تحریر وتحسین میباشد بلکه راجع عبده واوصاف پسندیدهٔ مانند حبدن ووطن و جوش اسلامی ، کمولانا بهمی ازامثالشان را درقطعه هندستان بها آن شهرت حاصل است ، صفت اظهار کلامی وفصاحت وبلاغت تمام الرصفات تا وخصوصی است که حضرت خالق تعالی خاص بایشان عطا فرموده واین زبان اردو را با آن عروج وترقی دادهاست ، انسان اگر تجلیات « البلاغ » را در نظر دقت ومطالعه بکرد بی شبهه در مقابل جنت تحریر و جنات معروم ومعنای آن محو وحیران خواهد ماند واز اکثر تبحر نکاری وجدوزبانی صاحب ومدیر ادا اندازه وتحسین خواهد نمود ، خلاصهٔ جناب مولانا درمسلك خود یك شیوه احسن وبی اصول بنا مستحسن را کهنظر آن کتابچه میشود ازپیش گرفته تعقیب می کند .

رسالهٔ مصورهٔ « البلاغ » بلحاظ صورت ومعنا جراید کرم وتجار اردو زبان قطعهٔ دوسیهٔ هندستان است وهیچ اخباری نیست که فی خصوصه واصول موضوعهٔ خود را بحای خود انتخاب نموده دلیل حسری باید ، در لطافت وپاکیزگی خود یکانهٔ حریفهٔ است کهدر هندستان طبع میشود ، یکبار حضور حیات لازم آنست که خریدار « البلاغ » و تصاویر بسیار دلپسند ومرغوب ومزین می گردد قیمت سالیانهٔ آن ۱۲ روپیه انگلیزی وشش ماههٔ آن ۷ روپیه و ۱۴ آنه میباشد و هر هرکاغی از ۲۴ صفحه کم نمیشود ، اعلانات رسالهٔ مصورهٔ « البلاغ » کامل ازین اشاعت محروقت بزحمت چهارصد روپیه انگلیزی در رسالهٔ « البلاغ » درکاکته هروش میرسد ، کهمهٔ آنها اعتبار مند اصلاور کثیر الاستفادهٔ اردو دوقی نشان مطالعه لازم خریدست ، و اعمال وطن عزیز خود آگاهی دارد کوشش آشنائی دارد و بلند وقت علمی رامالك باشد بالشترای اعلانات « البلاغ » و اشتراك رسالهٔ « البلاغ » ترغیب نکرده بی کوشش کلمه لبا این چنین آگاهی رایشان باعث بهمی استفاده وتوسیع معلومات است .

« ... از الا اخبار الفاظیه » رفیق مقرر وخبره خود « البلاغ » را بکمال فرحت ومسرت استقبال وپذیرائی می کند ، وخواهان بهادر وموفقیت اشاعت آثار پرمحتوی جناب کلات مآب فضیلتمند مولانا ابوالکلام ، صاحب آزاد بارد ، وهمهٔ تمام اسلامیان جانبدار بتا درهند گاهداشته در هندستان نیز بحمی چنین دوائی وجود دارد بکمال عدالت مدافعه دیرا نموده بهمهٔ موجود بت خودشان در حرارت اسلامی درین قوم وملت خود کوشش ورزیده آثار وشرر تحاون ورشکاری مرحمت خداوند تعالی اشاعتیم .

از اوستراليا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الصلوة والسلام على حبيبنا محمد وآله واصحابه اجمعين اما بعد كاغذيكه روز شنبه بتاريخ ۲۴ ماه رمضان المبارك از سال گذشته بودم امید که رسیده باشد شنیده را که خیال رخصت چه که از راه راست بدینجا میرا سکاوورت سیدکا بیروت ودمشق زیارت آنحضرت صلی الله علیه وسلم مشرف شده بجمع رسانم آن زمان بنده را فی الحال موقوف داشتم زیرا که از ایران واقع شمالی وسنن آسترلیا که در آنجا اقامتان سراجیه خواهد شد گذاشته بودند که پی دری بدینجا بیانگرانی خبر میرسید اوضاع آنها چونکه فی الحال درین بلاد اوستراليا آسمانها حالا ایشروع

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1501 of 1786

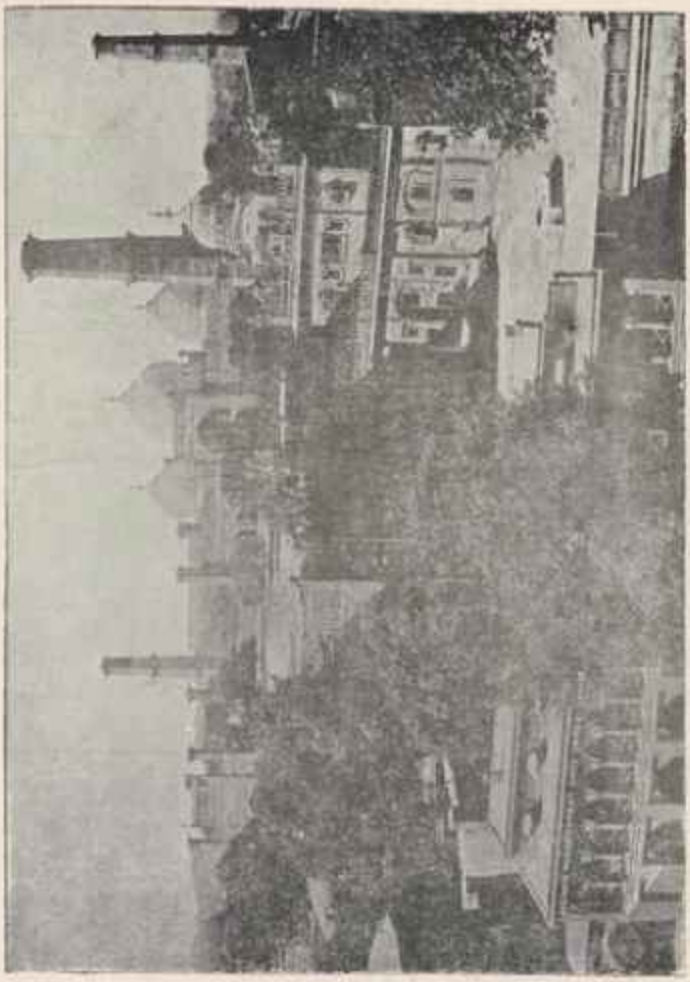

اسلحه هند سنگین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1502 of 1786

محتاج میباشد بشکل بیست ۲۰ بیست و دو ۲۲ سی ۳۰ سی و چهار ۳۴ ساله خاص از مسجد پذیرفته از آب واز عمل الکتریک محفوظ گردیده و کفایت برای مسجد های عدیده بهتر همین است به یکبارگی از تبلیغ اطفال جامه جمع شوند کاملاً ان افغانان که در نظر این بنده گذشته هفت ۷ صد نفر می شود که قریب قریب شهر های او ستراليا میباشد و آنکه در تمام زمین آستر یا متجاوز تعداد شان بنده معلوم نیست و آنانکه در نیوزیلاند و سمن اوستراليا میباشد این تعداد شان بنده را معلوم نیست امید که آینده در سیاحت معلوم خواهد شد ـ آنچه که معلومات الوشان ا کرینج پنج ۵ وابده ۱۰ وده ۱۰ وده فرمایشها کرده وجمع نموده که بهبهار و نوزار پوند مکان خوب ومضبوط در وسط

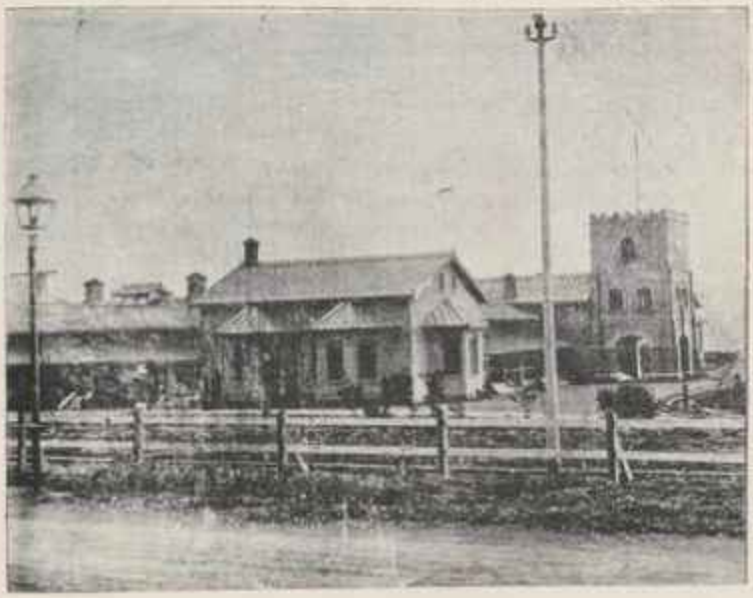

از مناظر هند

پل اسکو لندن کراچی

زمین اوستراليا بسیار ویران خواهند که به کنیز و یا جانوه چشمچ کثیر بلکه بنا کنان برای تالف شدن وقف حالت پریشان پیش شده برای این غرض بنده یک مصلحت پیش میکنند اگر جلب خاطر انشاء الله هیچ وهم پریشان برای این نقف شدن اوقاف مساجد و غیره پیش نمی آید و آن این است که در زده سرکار وقف و خاص در شهر سدنی و ملبورن زده گورنمنت اوستراليا و دان وقف مسجد رجیستر زده شود زیرا در رجیستر شدن مع عظیم همین است که هیچ صورت نقف نمی شود و نه فروخت میشود و برای یاد کار نقشهٔ وقف با صفهٔ احوال کیفیت مذکور در شهر کابل دولت خداداد افغانستان فرستاده شود که در سراج الاخبار درج شود برای ولادی آینده و برای زمانهٔ آینده باشد حکم

وضبوط خواهد شد که هیچ جناب باطل و زده ویشان نزدم خواهد شد و کار مدرسهٔ مراجیه بترضبوط خواهند در نیوفو های کلان کلان مثلاً سدنی تیسمانون ویلنی اوستراليا و شهر سا ساون اوستر الیا و شهر کولیسنون اوستراليا و شهر پرتهوسی ازبانت جنگ و جدل زمزمهٔ مرغ مکانیکی بیست ۲۰۰۰۰ هزار ر باشد امید که پنج هزار پوند مرسدوی انشاء الله در طا باشد برق پاشعوت روشنی ظاهر خواهد شد هزار ترتیب درجه اکمال میرسد

میخواهم که این حقیقت در سراج منتشر شود که مراجعا افغانیه در نمایی ا کناف واطراف اوستراليا منتشر شده آنکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1503 of 1786

دلیل وصاحب علاقه خود بخود متوجه باین کار خیر شوند بلکه اگر چنین ومروج افغان ظاهر شد امید که در این زمین اوستراليا يعني كراچي كه از پنج هزار نايست ۲۰۰۰ هزار چند از کیفیهٔ خود خرج کردن می توانند شروع طبع کنند ـ شجاعت افغان هست افغان غیرت افغان در خود دارد پس باید افغانیت روشن وظاهر شود و باید ستاره درخشان باشد اگر در این وقت مکان به پنج هزار چند خریده شود انشاالله تعالی بعد از هفتاد چند زاید کرایه وصول خواهد شد ـ زیرا که در این بلاد کرایه وصول کردن هفته واری ست ـ باید هندوستان بواری رواج ندارد ـ

این شهر پارتهه وسنی آستراليا شهریست عظیم ومسفا وروشنفکار که مکان های بلند میباشد وآب وهوای این شهر بزرد بنده از آن وهوای ملبورن وسنی بسیار خوش و معتدل افتاده بلکه بسا یکزمان انگلیز آب وهوای شهر پارتهه را از سدنی وملبورن خوشتر دیده تعریف کند

ویک بازار شهر پارتهه وایم مترنت نام دارد و درهمین بازار مسجد اسلام واقع است که بنام مسجد اسلامافغانیه مراجیه شهرت پذیرفته آنچنانچه برای اشاعت اسلام کنندگان در اکابل افغانستان نوشته بودم درشهر پرتهه آمدوشد جهازات بخار فرانسوی بسیار شده روز چهاردهم ۱۴ دریادر قرنطینه جهاز میرسد بشرطیکه در شباه روز ۲۴ صد وشصت ۳۶۰ میل مسافت بکشاند که از قرنطینه تا بندر ۱۲ دوازده میل بندریهٔ ریلوی شهر پارتهه واقع است مناسب دانستم که ضرور از زیارت مسجد اسلامافغانیه مراجیه خود را مشرف سازم ـ چونکه جهاز از بندر فریمانتل شهر آباد ـ جنوبی اوستراليا ـ گذشته یکشد بعد جهار شباه روز در بندر آباد میرسد بنابر کثرت مترددین آباد این مسجد اسلام افغانیه مراجیه میباشد لازم شد در این زیارت نیز خود را مشرف کنند ـ از اینجا بگرداندن راه آهن ریلوی کشیر میلورن رفته و از آنجا بسدنی قریب پنج شنبه اوستراليا رفته وهم راه دریا نیز متوی شده خواهیم که از آباد تا پرتهه از راه آهن ریلوی جهار شباه روز مسافت دارد سر طیکه در میان راه در شهر میلورن وسدنی وبابگر جنکشن استفاده نکنند ومتواتر دوروز هم علی الصباح در شهر پرتهه قرین آهن میرسد

در شهر پرتهه بنظر سلامت گهر اولا در مسجد اسلام افغانیه مراجیه بیاسایم وخورد مدرسهٔ مراجیه نیز بنا شده باید که از زیارت شان نیز مشرف شود

در این شهر پرتهه ـ یک مکان عالی بلند رونق دار بنام ـ افغان ورکهاوس شهرت میدارد که از ملک یک افغانست واقعدآن طویله ـ وزارت ـ تیوبا وتهه ویلس اوستراليا ، مقابوت از شهر سدنی دوازده ریلوی ـ راه آهن ـ یک شباه روز مسافت دوری میباشد اندازهٔ میل معلوم نیست از اینجا توجه خریدنه بفاریک اگر افغانان ملک نشان داده وبعضی شان زمینداری ودر اینجا یک سودا گر افغانست کاز مقصد تشریف را مالک است وتخمینا نزده ۷۰ هزار کوسفند زاید دارد ملک است ودر شهر سدنی بزمکان های شان میدارد

چندین مرتبه بنده را فرموده که میخواهم که در سدنی یک مسجد اسلام افغانیه مراجیه نیز بسازم وبافغانان مقیم یک مشورت بکنیم که چسلاحیت میدهند درآنای گفتگو تا کیدا بنده را میفرمودند که چه مشورت میدهید بنده درجواب شان گفت بسیار خوبست ومراهم پسند است که درسدنی مسجد اسلام افغانیه مراجیه بنا شود که کار دین اسلام همین است لیکن اصل انتظام وقف است چنانچه سابق هذا تحریر شد که اول مکان ودکان واله خریده شود وآن را رجسترد نموده ووقف نموده که انجام مسجد برای دایمی مضبوط شود بعدازان بنای مسجد وبامدرسه نهادهشود بعد ازان فرمودند که این صلاحیت خالی ازمعنائیست لیکن مشورت همراه افغانان مقیم یک خواهم کرد ازین جهت معذور شدم که مدیر مراجاالاخبار سردار محمودبیک خان صاحب طرزی را خبردار سازیاق حواله خدا ـ الله تبارك وتعالی دین اسلام را همیشه قوی وروشن گرداند احقر الفقیر بنده جلال عفاالله عنه السبأت پسرزادهٔ سید مراجد مرحوم بازمسجد اسلامافغانیه مراجیه شهر پارتهه وسنی آستریلیا ۱۵ ماه محرم الحرام ـ یوم سه شنبه سنه ۱۳۳۴ھ

باقی درآینده تعداد افغانان تفصیلاً باوقت مرور زمان تحریر خواهد شد انشاالله = بنده شکریه ادامیکند که الحمدلله که افغانان این بلاد خدمت این بنده را بخوبی میکنند ودوچار خبر افغان گردیده دایم برای خدمت این ناچیز ایستاده اند فقط

حوادث غرق کشتیها که در ماه نومبر غرق شده

۶ ماه نومبر خبرشدن — ازپریس خبر رسیده که در شب ۲ ماه نومبر کشتی های تحت البحر دولت جرمن از بحر اوقیانوس راه جبل طارق در بحر روم داخل گردیده اند ـ ودرشب چهارده نومبر دولتکر جهازات دولت فرانس ویک لشکر جهاز دولت اطالیا در بحر روم غرق نمودند درباره مسافران جهازات فرانسوی تاحال معلوم نیست

۷ ماه نومبر خبرشدن — یک جهاز (ایولاجی) نام دولت برطانیه از بندر کاه تیوپارك ملك امریکه شکر بوده بار کرده بطرف انگلستان می آورد در بحر (اطلانطك) جهازمذکور را یکبابك آتش گرفته جهاز مذکور با ساحل رسانیده آتش آن فرو کرده شد مسافران جهاز بخیر بودند کمان کارروائی مزدوران جرمنی وآستریاق است وقت بار کردن بوده درین بوری هادیاق مخصوصیکه بمقدار میعاد مقرره بحرکت مادن دیل کوشیم نهایهٔ ساعت در بین آن می باشد می گذرانده اند

۸ ماه نومبر خبرشدن محکمه بحری دولت برطانیه اعلان نموده که یک جهاز جنگی کوچك (نارا) نام دولت برطانیه درسمت مشرقی بحر بذروم کشتی زیر آب دشمن حمله نموده جهاز مذکور را غرق نموده از جمله عمله وغیری آن ۳۴ نفر مفقودالخبر میباشند —

۹ ماه نومبر خبر تیوپارك ـ یک جهاز (روشمبو) نام دولت فرانس که از اینجا روز شنبه عزم رفتن (پورت دو) روانه شده بودند درین آن مابین بسیار ۴۲۹ نفر افسران جنگی سوار بوده درین راه آتش گرفته شعله کرده می شود که جهاز مذکور را کسی قصداً آتش داده —

۱۰ ماه نومبر خبرشدن — از (طولس) بندریهٔ نارخبر رسیده که جهاز (انکولا) نام کمانیا بارانده رفتن تیوپارك روانه گردیده بود ـ درین بحیرهٔ روم یک کشتی زیر آب بسیار زور کمانی آن برق دولت آستریا بوده رجهاز مذکور حمله نموده باول از دور بقصد فیر توپ بالای او بود بعدازان بندریهٔ یکدگر پیدو جهاز مذکور را غرق نموده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1504 of 1786

رطی‌ها وپس مانده کان جهاز مغروق در (طولس) رسیده اندازجمع ۶۰۰ نفر مسافر) و (۴۴۲ نفر عمله) که درجهاز مذکور سوار بودند شش صد نفر غریق وهلاک شده‌اند وباقی نفری مستمرحی وبرخی تندرست نجات یافته آمده گفته میشود که در جزیره‌نشینان جهاز مذکور چند نفر مردم امریکائی بودند — وزیر تحت البحر مذکور یک لشکر جهاز (آرپی) نام غرق کرده از جمله عمله نفری آن ۱۳ نفر نجات یافته و ۲۲ نفر مفقود الخبر میباشند —

۱۰ ماه نومبر خبر دوما — یک کشتی زره آب دولت جرمن یک جهاز مالک دولت فرانس را در بحر روم غرق نموده عمله ونفری آن نجات یافته —

۱۰ ماه نومبر خبر میرسد دوئی تحت دولت (اسپین) ازجبل طارق خبر رسیده که دراثنای جبل طارق جهازات جنگی کروزر دولت برطانیه دو لشکر کشتی های زره آب دولت جرمن را غرق نمودند — وتحت البحرهای دولت جرمنی جهازات (بیورسک) و (گلوز) و (میکسیز) نامدولت برطانیه را بصید جهاز (پلسو کس) نام دولت جاپان در بحر روم غرق نمودند مفصل کیفیت آنها تا حال نرسیده —

۱۱ ماه نومبر خبر پیرس — یک جهاز فرانس نام دولت فرانس را که از ساموئیکا بطرف مارسیلز می‌آمد کشتی های تحت البحر دشمن غرق نمود —

۱۰ ماه نومبر خبر لندن — محکمه جنگ اعلان نموده که در بحر شام کشتی های تحت البحر دشمن بالای جهاز باربردار (امریکن) نامدولت برطانیه حمله نمودند — جهاز مذکور بسلامتی در بندر رسید مگر از جمله عمله ونفری آن (۴۳ نفر هلاک) و (۳۰ نفر مفقود الخبر) گردیده ونجات نفر مجروح میباشند

۱۲ ماه نومبر خبر لندن — یک لشکر جهاز روحی روار (لوئیز) نام دولت اطالیه که در بحر آن نیل بارجوده درین در یا گیان از گذام جهاز هوائی یک عدد درین او افتاده جهاز غرق گردید —

۱۲ ماه نومبر خبر لندن — محکمهٔ جنگ دولت برطانیه اعلان نموده که جهاز (سانتیه) نام باربرداری دولت برطانیه که از بندر کاه فسکندریه بطرف سالونیک حرکت درنحر ا بودن که تحت البحر دشمن بالای جهاز مذکور حمله نموده‌لوای اتوکر بیند و انداخت جهاز مذکور تقصان رسیده شده دربندر که (مدرون) رسیده ازجمله عمله ونفری آن ۹ نفر هلاک و ۲۲ نفر مفقود الخبر میباشند —

۱۳ ماه نومبر خبر لندن — محکمه بحری دولت برطانیه بعد از اظهار افسوس اعلان نموده که یک کشتی زره آب نفر ۲۰ دولت برطانیه در بحر مدیترانه برای کدروائی جنگی رفته بود اکنون خبر رسیده که تحت البحر مذکور را جهازات دشمن یعنی دولت ترک غرق کرده ۳ نفر افسر وشش نفر عمله آن را قید کرده‌اند —

۱۳ ماه نومبر خبر دوما — ازجهاز (فیرک) نامدولت اطالیه کشتی های زره آب دشمن حمله نموده جهاز مذکور را غرق نمودند ازجمله عمله ونفری آن ۲۱ نفر غرق وهلاک شده اند —

۱۴ ماه نومبر خبر لندن — از دوما خبر رسیده که یک لشکر جهاز (پرسیا) نام دولت اطالیه را کشتی های زیر آب دولت امپراطوری غرق نمودند ازجمله عمله ونفری آن ۱۹ نفر مفقود الخبر میباشند — غلط

۱۶ ماه نومبر خبر لندن — محکمهٔ اخبارات دولت برطانیه اعلان نمود که یک لشکر جهاز انپطال (انجیلا) نامدولت برطانیه در روم‌بار انگلستان بهمراهی یک بحری اصادره بوده غرق گردیده در ین اثنا یک جهاز (توپی تیا) نام که قریب ادرور بجهة امداد درنجات نفری جهاز مغروق قریب از رفت ان هم بعد از یک آواز مهیب پر دین‌بارود غرق گردید — درین حادثه نفری بسیار ضایع گردیده — جهاز (انجیلا) همان جهاز است که هزمجستی جارج پنجم پادشاه دولت برطانیه بدو بعد سواری اوقات بطرف فرانس چندروزقبل ازین رفته بود

۱۶ ماه نومبر خبر لندن — معلوم گردیده که یک لشکر جهاز (وین اف گرانس) نامدولت برطانیه را کشتی های زیرابی دولت های دشمن درنحیرهٔ شام غرق نموده جهاز نمبر افسران جهاز مذکور را همه جهاز نمبر مسافران هندوستان آن یک جهاز دیگر دربندر کاه (پلاسوئیه) رسانیده دیگر کشتیهای آن همراه نفری باقی مانده تا حال معدوم میباشند — گفته میشود که جهاز مذکور بتاریخ ۵ نومبر غرق گردیده بود —

۲۲ ماه نومبر خبر لندن — دولنگر جهازات (مار گالنس) و (هیز شاهر) نامان دولت برطانیه زیر تحت البحرهای دشمن غرق نمودند عمله ونفری انها نجات یافته —

۲۲ ماه نومبر خبر لندن — جهاز دالتولایت (پی — اوسالت) نام کاپتانیه ۱۲ ماه حال مال یورپی را برداشته ازبندر کاه لندن روانه سمت هندوستان گردیده بودند خلیج سویز دریک بنداقتاده —

ترجمهٔ اخبار های عربی

خبر ازمصر

یکی از مردمان مصر که از مدت انگلیزها رهائی یافته وبه استانبول آمده است چنین بیان می‌نماید که از بسیار وقتها میشنود که انگلیز ها از (اوستر الیا) و (زه لاند) دیگر عسکر بمصر میاورده اند و در اوستر الیا هنوز اهالی وسکان آنجا بیک بیگانه عجیق فرد رفتار زیرا از احوال آن عسکرها که بطرف درونی روانه شده‌اند آنقدر خبری نرسیده . ودر زه لاند نفری هان که صالح خدمت ولشکر باشد قطعاً باقی نمانده است .

باید که تلفات دشمن در فرونت دره نیل از حد زیاد باشد چرا که پیش ازچهار پنج هفته درمصر تنها چهل هزار نفر زخمی وارد شده و چندی ازجهازات تجارتی بوامطهٔ طور پیلیسا درقناة سویس غرقاب شده‌اند . اخبار هائی که اطالیا اشاعت داده‌اند که سبب تعطیل سیروسفر درقناة مذکور میشی برخرابی هوا وطوفانهای شدید میباشد دروغ محض است . بلکه سبب حقیقی آن غرقاب شدن جهاز ها بطور پیل است لاغیر وانگلیزها گان میکنند که جهاز های دولتهای بیطرف گذارشات غیر نموده‌اند آن طور پیلیها را انداخته اند افکار عمومی درمصر تماماً برند انگلیزست وحیات اقتصادیه سراسر متوقف است وانگلیز ها دانسته که دور مصر دوسه گز بالغراف پر سیم موجود است ولی هرقدر که کوشش کردند موقع آنرا نیافتند وبه این سبب حیرت زده وپریشان شده‌اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1505 of 1786

تخلیهٔ پطرو کراد

اخبار (دیلی کرانیکل) میگوید که محافل سیاسی و کاب خبای سیاسی روسیه برخطریکه پطرو کرادرا تهدید میکند قیل وقالهای خود کرده ، ومناقشات شدیدبرای لازم بودن تخلیهٔ پطرو کراد مینمایند

فرانس وروسان

درروسان قهر وغضب درحق دول ائتلاف اربعه یعنی (انگلیز وفرانس روس اطالیه) روزبروز درشدت است ودرتیا تروها بازیکرانی گیوانند اینهمای جرحی را پوشیده میباشند . مردمان تماشا بین ابرا بقلبها وتحسینها مقابله می کنند وهمدیگ زبان بدعیان فریاد بلند (خدا قهر کند فرانس را)

سوق عسا کر بزور قهین

تلغرافات اینطاس میدارند که زخیارا گاز دردنبال بطرف مصر روان میگردد بصورت سری بقشاخانه‌ها ارسال میشوند . وخدیو میشروع مصریک اعلان نامه برای عسکر شدن اهالی مصر انتشار نموده اربع یکصدو بیست و پنج نفر که اکثرشان ازمردمان دهقان میباشند کی اعانت دعوت نمود پس ازانها یک بلوک تشکیل نمودند و به سمت اسکندریه فرستادند ولی افراد آن بلوک بمجردیکه باسکندریه رسیدند رعلم شدند که بطرف درده نیل برای محاربه باعثمانیها رواله میشوند عصیان نمودند وبرج صوری رفتن را قبول نکردند پس الحال دائرهٔ بر آنهارا بیک ازاعثمانهای لیان بندی کردند . ویک هیئت عسکری انگلیزی برای استحاق آنها فرستاده اند وقتیکه ازآن بدبختها ازسبب اعتصان ازسفر استفساح نمودند آنها حقیقت را اظهار کردند که مصطفی وجمال برادران دین خود نمیروم لیکن هیئت جبارهٔ انگلیزی آنهارا زور قهین سوار کردند و مؤخرا معلوم افتاد که بعد رسیدن شان دردده نیل خودشانرا بعثمانیها تسلیم کردند .

خبرهای محاربات عثمانی

مأخوذ یک مخبر آفاقی

— ازمن کرمطبوعات جنگی —

درجبهه های « کلیپولی » سوار اسپ میروم اطراف مستغرق صمت وسکون . بدمدافت بعیدی، مؤذن ازان عصررا میخواند . نسائی که ازدوراینها بلند میشود ، بهمراهی ارواح صاف وخبیث خاکیان پهناور این دشت ، صوی آسمان بست راحت وسکوت جاودانی بلند میشود . بلی ، پهلوان جناق قامه بدین منوال ترق وتصال می نماید .

آن روز گرم بود .

انجا صدمتر دورتر ازما ، سنگرهای انگلیسها است . صدها سرباز دارد ، قطعهٔ تمام خودرا محکم کرفته ودرمقابل انها آماده وحاضرند . اطرف مقابل ، همه چیز ، آلودهٔ سکون ، تنها ، آن مالغه های میشوم سبز ، درزیر تو آفتاب میدرخشند .

چول باشی حسین علی افندی سنگرهای « پیش جناق » را میکردد : اطراف ، خیلی ساکن وخیلی آسوده است خطوط « پیش جناق » مشروم پیشروفت کرده .. حمله وهجوم شدت می یابد .

« آرش پیش » خدا کمک می کند ، خدا کمک میدارد ، علی محمد ! پیش ، پیش ، همه یکدفعه .. عبدالله ! دیکر دوا نداری مکر زخم برداشتی ؟ سنگرهای دشمن این است همان جا است .. الله می کویم . الله .. تیر خوردم ... »

دیکرها همیشه جلو میروند .. دسته های تازه میایند . جلوها بیشتر میشوند . کلوله‌ها مانند تکرک میبارد . شرابطها ترتیم کرده می توکد .

« مردان ! زود سنکر بندید . زود قور خانه بیاورید . کلوله‌هارا اینجا برژ . بارا بی‌هدف کی ... بارپش .. مانده را کرفته باید داخل سنکرها شد ... آرش بچه‌ها ! هجوم .. هجوم .. » داخل سنکر ها شدیم .

« بقیه دشمن را براندید .. پژن ! محمد ! علی ، مرا کشته کی جلومن زیاداست . سرکی . آمدم » دست بکریبان میشوند ازیک طرف سرباز های تازه میرسند . ماتحصیل جلومیروند . دانه‌انازها میایند . شرابطها درهوا میترکد .

دشمن اینجا شکست خورده فرار می کند .. خیلی خوب : رهانکن درطرف دیکر » آنها آمدن زیادند که ..عیب‌ندارد ثبات کن ، میشنوی الیان ....

قرارباین را شلیک کنید .. احمد ، سنکررا بدازه یک‌نفرهم دست ده .. شاهم بکنید ، بکنید سنکر ها کوه ترشود جوانهای ریک را بدانطرف بکذارید .. »

« زود باشید ! بچه‌ها ، زود .. وقت نیست دشمن شروع بحملات متقابله کرد ، قور خانه‌را اینجا .. بدو وکرنه تیرخواهی خورد . بدو ! دشمن را شلیک جلوکری میکند . دیکر نمیتواند نزدیک‌تر بیاید . سربازهابیل وکلنکهای آینه‌سنکرها کودنده ، صدهای عجب مربوط کردید . مرده‌های خویشرا جمع‌آوری می کنند . دیکر آفتاب غروب می کرد .

چول باشی حسین علی را ازسنکر یکه تصرف شده بود آهسته آهسته میآوردند . کلوله بپیشانیش خورده دل نظرهای وی باشتا ثبت فتح وظفر نمه دار بود . محبوب وی ــ که آنها اطراف جنوب ملکت ، درشهر ساده و کوچکی برای او می کرید ــ همین که اورا باین نشان دی‌شان خواهد دید خواهد خندید .

من درجبهه های (کلیپولی) سوار اسپ میروم ، اطراف خیلی ساکن وساکت است ...

طنین

شمشیر ولوا

از کرمابی مصل

صبح جمعه ۱۴ ذی‌الحجه در حالیکه جرم علمای اعلام وسادات عظام ومشایخ کرام واهالی عموما وسامورین حکومت جلیه بالتصرف خصوصاً حاضر وناظر وهمه مشغول بتکبیر وتهلیل بوده اند حضرت آیة الله فی‌العالمین (آقای سید صدرالدین) مدظله‌العالی مفارق المسلمین شرعمحترم حضرت سید الشهداء ع مشرف شده وبعد از ادای رسومات معموله وزیارت باخضوع وخشوعی که خاص حال تقرب ایشان ست شمشیری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1506 of 1786

را که یکی از شعائر های دینی و نهایت درجه وارشاد عباس صفوی است از مکان خود برداشته واز علاف تکیه وبطرف حضار متوجه شده میفرماید . (بگیرید این سیفرا از حضرت سید الشهداء ع زیرا جهت مجاهد بامیرت ومدافع باحریت و والدین بلافاصله) فرمان روای کشوری ولشکری کل عراق که در حفظ این مکان شریف وسایر اماکن مقدسه ومشاهد مشرفهٔ ائمهٔ مسلمین در مقابل کفار غاصب مشغول دفاع است خرسند . چرا که امام وملتهای ما حضرت سید الشهدا ع را شمع وحضرت حکومت اسلامیهٔ عثمانی را خوانده که امروز در راه دین حزن ، وعجبهٔ تطهیر اراضی وبلاد مسلمین از لوث وجود کفار ، وخاصه عجبهٔ محافظت این بقاع شریفهٔ ائمهٔ طاهرین بالعدای دین در جنگ است .

ای برادران مان: این شمشیر برندهٔ اسلام وسیف قاطع ریشهٔ کفر است . که وقایه کننده میشود وقتیکه وزیر اوست و خدا و رسول عبده والسلام علیه .

سپس باحسان جعبه واز جایگاه عالیه حضرت ابی الفضل العباس ع مشرف شده ، لوای مقدس را که تا آن وقت فتح وحضرت ورزوی او چه جرئت سرع بر آن زده و نزدیک شده باحسان مراسم معموله را مالشه ، وچنین میفرماید .

(ایها الناس : این لوای عظمت وسیما لاء و کاندان قشون حضرت شاهزین سید الشهداء ع است . عساکر اسلام از برکات توجهات ائمهٔ اطهار ع فاتح ومظفر ومنصور خواهند بود) بعد از آن جمیع علمای اعلام وجمیع اسلام وسادات ومشایخ عظام با کمال خضوع بقرائت دعای فتح وفیروزی مشغول گردیده ، ودر حال وقت هیئی از معتمدین علما وسادات به ریاست جناب آقا سید جواد افندی زین الدین بجهة شمشیر و ریاست جناب آقا سید عبد الوهاب افندی وهاب زاده بجهة بیرق مشکل شده وبا کمال شکوه وعظمت از راه جزر بغداد گردیدند که این عطایای تاریخی را بصاحبش و حضرت نور الدین بیک افندی والی وکاندان کل قشون عراق ویرسانند .

درعبور این عطایای حسینی ع درقبایل وعشایر عرب جنان هیجان شده که هیچ نظیر آنرا نداده . تا اینکه در ورود بغداد ورود هیچ سلطان وپادشاهی را احدی بان عظمه وشکوه واز الی کدر قلوب خواص وعوام نبود کسی خاطر ندارد . شاعرشان کنجایش مدحات و صدای اسلام فرستی و شعرا از آرایش وزینت کاهی نمیدان و عنان آک اظهار و هوشان سبط رسول مختار ص ع و خاصه برای اطلاع را در ان ایرانی مینگارم تا سبب روشنی چشم و فرح قلب دوستداران حیدر کرار گردد . وما توفیق الا بالله العلی العظیم

صدای اسلام منطبعه بغداد

فتح جدید عراق

مجددا خبر فتوحات نمایان درساحل جلاو بامیرسد که روسها عقب نشسته وعثمانیها سمت ایران پیش میروند

فرونشاندن عاصیان والمکان آن

اطلاعات جدیه بصرب چنان دارد ان اغتشاش کنده ومقدر متفقین در اخطای مسائله بگوشند با قرائن زیاد شهادت میدهد که اخبارات

ازدواجاق تقریباً باز مانده الا مدتی است هیچ خبری از آنها نمی‌رسد فقط خبر اغتیاب است که کشتی های زرنا جنگی رفته و زره رفته که چنان که از زرنا ترین آنها دو عراده توپ‌مارو بجای آنها آمده میتوان گفت پی اثر ماندن اینهمه خسارت و فداکاری اقتضای سیر دولت انگلیس وفرانسه نموده صدر اعظم فرانسه مالاو سراه وارده بر اردوزای انگلیس استعفا داده وقوع این حادثه پس از استعفای وزیر انگلیسه وزیر خارجه فرانسه کاشف از اینستکه مطلب خیلی ساده نیست

وحشت انگلیزها

نقل از اخبار های ایران

روزنامه تیوجرنل عراق از تیواورلئان اطلاع میدهد

چهار نفر امریکائی عضو هیات کشتی نجاته ی کوزیان که مفقود الخبر بوده اظهار میدارند که چگونه انگلیسها بایک طرز بی رحمانه و شرم آوری بازده نفر قهرمان آلمان را که در لجت البحری آلمان بوده و میخواستند جان چندین نفر دعیت انگلیس را نجات بدهند بقتل رسانیدند :

تحت البحری آلمان بکشتی کوزیان حمله برده و برای انکه کشتی مزبور و انگلیسهائی را که در آن کشتی بودند خلاص نماید دو قایق های نجات را باین کشتی انداخت اجزاء تحت البحری آلمان که آلمانها نشانه که و سایل تسهیل این اقدام را فراهم آورند و وقتی تقریب ی کوزیان مبادرت کردند که عموم را از این قایق نجات رسیده بودند در این اثناء یک کشتی نجات مارای برق امریکا یک شد همینکه مارسید برق امریکا را دیدند عقب برگشتند زیرا میدانستند که کشتی انگلیس موسوم بمارلوک است که دارای توپهای زرشیر و بمب انداز میباشد تحت البحری آلمان توپ او را غرق کرد زده غرآلمانی کمپکی از آنها که تحت البحری بود خود را باب افکند انگلیس فوراً حکم تسلیم طرف آنرا کابیکه در آب شناور بود داده عین خبر اینها را بکشتی رساندند بیکر شتابکار خود را بکشتی انگلیس رسانیدند آنوقت خریدار او شکل بی رحمانه مقتول شدند اینکه این انگلیس حکم بقتل عمومی صادر کرده و مرد بازها شروع باطاعت نمودند یکی از آلمانها را امر کردند که دستهای خود را بالا نگاه داشته و زودتر بیاید کنار بتواند او را هدف جنایت خود قرار دهد کاندان تحت البحری و آلمان دیگر بی از مشاهده این اعمال عمداً خود را بقتل رسانیدند و انگلیسها بکشتی ایشان را بقعر تحت اقدام نمودند دکتر یک از کشتی کوزیان کاپیتان امریکا شهادت میدهد شرح فوق را اظهار نمود و چهار نفر امریکائی دیگر در تحت اقوال خویش سوگند یاد نموده

این واقعه مجدداً ثابت میکند که لطف انسانیت و بطرف کلیه مدعی وطرفدار او هستند جز عبارتی بیش نیست

خدا انگلیس را بجزای خود برساند اسلامبول . دو فروند کشتی بخار روس موسوم به کاما و آسترو و محمولات شان زینت سوئد بتوسط تحت البحری های آلمان غرق شدند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1507 of 1786

آتش‌نشانی — فروند سفینه بخار انگلیس و یک ایطالیائی که بجموع آنها ۲۶۶۶ تن جابکر داشتند در طرف سه روز اخیر به قعر دریا فرو رفته نظر به تلفات کثیری که در مدیترانه بانگلیز وارد آمده‌بیانه آن مقرون در سالونیک انگلیس حاصل گردیده است

برن — سه فروند کشتی بخار فرانسوی که جان قشون ومهمات مارسلیا حرکت کرده اند هویزه مفقود گردیده اند

استانبول — کشتی زرهٔ انگلیس که بتوسط مین البحری نزدیک کرت غرق شده‌مان کشتی زرهٔ ایطالیا از کپتان کوک لاین ۹۳۰۰۰ تن جابکر بوده است

لندن — در مجلس عمومان بیکی از اراکین دولت اظهار داشت که تلفات انگلیسها در دار دانل تاکنون ۴۲۰۰ صاحب منصب ۹۹۹۹۹ نفر سرباز بوده است .

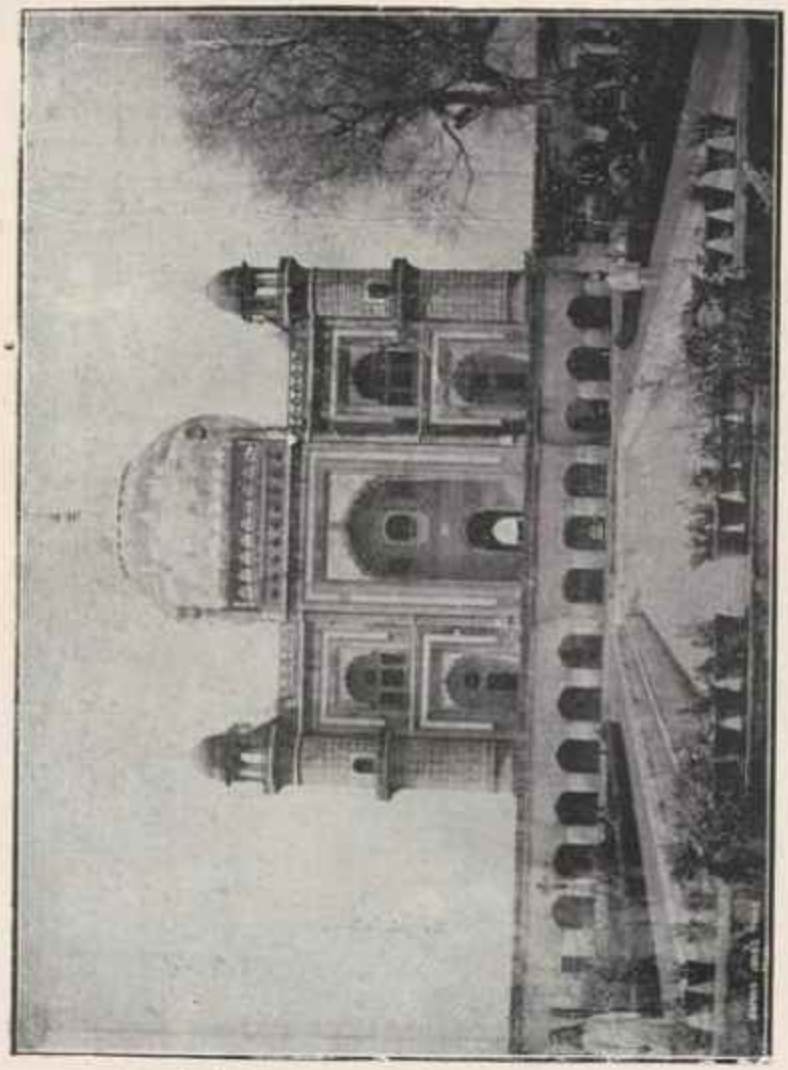

از نقاشی طرح هند تالار مدیترانه در جنگ دردانل اسلامبول

فرار قشون روس

از آنس مل عیان خبر میدهد کهنه قسمت بزرگ از قشون روس که در حدود رومانی واقعند از میدان جنگ فرار کرده بخوار زن انکه عازمان شوند از سرحد گذشته وارد رومانی شده اند ودولت پنج نفر از ژنرال های قشون را معزول کرده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1508 of 1786

مجسمهٔ جیودی هندیرند خلا می‌شود

مجسمه عظمتشان هیئت تبو رنگ که مراسم جشن وی چندی قبل در ایران با کمال شکوه و جلال مجری گردید ، در میدان (روایل) در پاریس آثار باکارهای پیمانکار و مدیون نصرت که فتوحات سلطان (۱۸۶۴ - ۹۹ - ۷۰ - ۷۱) را متذکر است ریخته شده بود

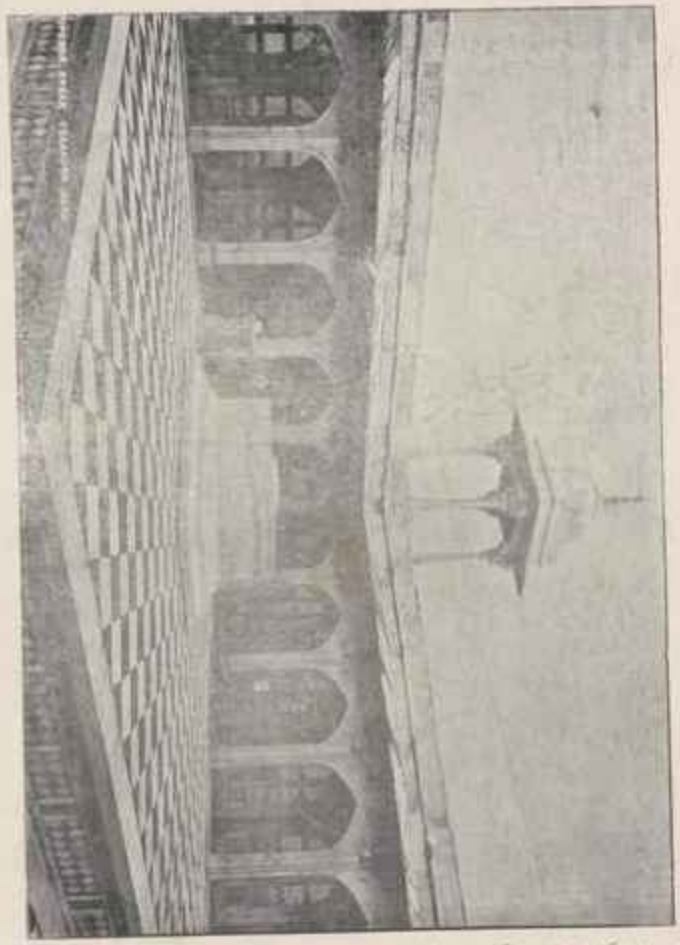

از مقابل هندستان
مجسمه الدین اکبر پادشاه در لشکر در آگره

عبارتی را که مستشار کل ایرانفوری آنان در موقع اجرای مراسم جشن و مجسمهٔ هیندیرند ذکر نموده مبنای حسیات عالیه تمدنات آمیز است که پاریان بشناخت و مسرت کامل از طرف اهالی حسن‌الفی و حسن قبول یافت : (جلوبهای باقی عظیم نصرت مارن مجسمه را) حاشیم برای آنکه شکران و حق شناسی ملت آنان را بیاد عزت دولتی

تبدیل بدهم - و طی باید بعلوت اشخاصیکه متعلوت بیان فشان ۲۱ کاری وی است بشناید و این عمل معاونت و مساعدت واسطه تشکر عظیم هیئت برای بدوقع اجرا گذاشتیم زیرا که این مجسمهٔ تجسمات و دشادت جنگ و وطن رهنمای معنوی تمام قوای حربیه ما است که در جلو ما ایستاده .

میخهای طلای باقره و طلای متعددی الزینک مالونگ بیالا تعرض قرار گذاردیده تمثیلهای مزبور راه مجسمه چوبی هیئت ترک خواهند که مجسمهٔ چوبی را تبدیل بطلا و طلا نماید و برای پوشاندن تمام سطح چوب دو ملیون میخ ساخته شده و از هات آن به پیره زنان و اطفال شهر گذر جنگ تو هر زیور و اثر بدان گذاشته مصروف خواهند شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1509 of 1786

دولتی روز نصب مجسمهٔ چوذ قریب بیست هزار تومان اهالی دلی
سهام بلا و قرعه خریداری کرده به مجسمهٔ مذکوره بردند .

از جراید آلمان

طلای موجودی بانک آلمان

موجودی طلای بانک دولتی آلمان و رزیش بانک و نسبت بسنوات
بانک دولتی آلمان قرار است .

دسامبر ۱۹۱۲	—	۹۱۱ ملیون مارک
» ۱۹۱۳	—	۱۱۳۰ » »
» ۱۹۱۴	—	۱۲۸۰ » »
» ۱۹۱۵	—	۲۴۱۴ » »

اسکناس های بانک که در مملکت رواج بوده چنین است .

سالهای ۱۹۱۲	—	۱۷۵۳ ملیون مارک
» ۱۹۱۵	—	۵۰۶۰ » »

(یک مارک تقریبا معادل دو قران سیزده شاهی است)

موفقیت فرضهٔ جنگ آلمان

ملیونهای روی ملیون

برلن ۲۴ سپتامبر

بحسب تلگرافات واصله از لندن دکتر « هلفریش » وزیر مالیه
آلمان در ضیافتی که بافتخار کلیه مطبوعات امریکا راجع بمناسبت سومین
استقراض داخلی آلمان از او گردیده اظهار داشت که تقریبا ۱۲۰۰۰۰۰۰۰
۶۰۰۰ لیره جمع شده است

(معادل هشت هزار کرور و دویست کرور تومان پول ایران)

وزیر مالیه مطیبه که اظهارداشت قرضه اولی که دویست و پنجاه ملیون
لیره و قرضه ثانوی که چهار صد و پنجاه ملیون لیره درخواست باین
قرضه که سومین استقراض ملی است مجموعا ۱۲۲۷۵۰۰۰۰۰ لیره
میشود که ملت برای ادامه جنگ داده است (هزار و دویست و هفتاد و پنج ملیون لیره معادل است با یازده هزار (کرور) و سیصد کرور تومان
پول ایران در صورتی که لیره را تقریبا شش تومان حساب کنیم)
دکتر « هلفریش » علاوه کرد : علاوه این پول جدید اعتبارات
جدید دیگری هم داریم . آلمان نه تنها قشون های جدید برای جلاد
جدید دارد چنانچه شانسلور در « ریشتاگ » گفت :

بلکه مارکهای ملیاردهای جدید پول هستیم مارکی که برای گذراندن
جنگهای زمستان و رسیدن بهار لازم است تهیه شده و ما را برچیزی
مرفوضه نگران نیست

مبلغ ۷ قرضه سوی آلمان جمع شده است حتی اقرضه دوی
انگلیس ها که در تمام بانها آنرا بی نظیر جلوه داده متجاوز است دولت
انگلستان بتوسط استقراض های بعد الموضه تاحال ۹۲۵۰۰۰۰۰۰
لیره آلمان ۱۲۲۸۵۰۰۰۰۰ لیره بدست آورده است .

خارج انگلستان زودی زیاد میشود خارج جنگ آلمان از روز
۲۰۰۰۰۰۰۰۰ مارک یعنی سه ملیون لیره زیادتر نیست واز این رو سهم
هریک نفر آلمان خرج جنگ روزی یک مارک میشود ولی سهم هریک نفر
انگلیسی در ایام جنگ روز دو مارک میشود قیمر وزرمایه آلمان را برای
موفقیت خود تحریک و تهییج کرده است

شرح حاله یک دختر عثمانی در جنگ

تحریرات قشون انگلیس درمصر حکایت میکنند که در زدوخورد سنگر
های دردانل مدت چند روز یک نفر نگلیس بیهوش بود که چون بهوش
آمد دید در دست دشمن اسیر است و بعد از چند روز یک نفر نگلیس دیگر
که در جنگ اسیر شده بود نگاه او را دید و بعد از چند روز یک نفر
نگلیس دیگر که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1510 of 1786

است اصل سبب دخول ترکان درین جنگ ـ مترجم] ومسلمانان همه میفهمند که سلامت هندوستان درمظریت ما بالتبا موقوف است همانطور که سلامت انگلستان نیز درهمان مظریت موقوف است چنین حادثه در حق قبائل وحشیه وغریب نشانه(۱) هندوهندستان وهمچنین در حق عوائلی تمام بلاد افغانستان صادق بیست ـ امیر کابل در مخالفیا مرادوفا دار است وین طرق تبدیرا از ابتدای جنگ تا کنده عاقله تودماست ولیکن فرقه های وحشی ملک خویش را زیر تسلط وحکم داشتن برای امیر پشت یک وظیفهٔ حل مشکل میباشد علی الخصوص که از ایشان جوش وهیجان ندارند ـ اما درحدود هندوستان کسی بیست که قبائل اخبارا زیر تصرف داشته باشد ـ کسانیکه عمر خویش را در شرق صرف کرده اند خوب میدانند که چگونه سیلاب هیجان از مغرب آسیا گذشته ایرادر سالهای گذشته فرا گرفته وچه بسی دران هنگامیکه ترکان یک قوس کوچک مثل وزارا تاکست داده بودند ـ وایشان میتوانند فهمید که بمعظم سیلاب جوش وهیجان ازیک گوشهٔ آسیا تا دیگر حرکت اید ـ اگر اخبار شکست انگلیس ومظروفیت ایشان از قسطنطنیه دست ترکان درهوا انتشار یابد ـ من بیعوام که درپارهٔ ملحوظات عسکریه رای خود را بدهم ولی ازاظهار این امید چارهٔ نمی بینم که ارباب حل وعقد مصالح عسکریه که پیش ملت مسئول هستند ـ خودرا برای دادن جواب پس کشیدن عبث کرما ازدلایل مجبور بیابند ـ مارا فرصت که قبائل حدوده درین ایام بهیجدرجه خوش وخروش درآمده اند ـ چنانکه از جنبهای ایشان وحدود افتخار است پس اگر اخبار فتوحات ترکان بانگلیس زیاده تر شیوع یابد ـ یک جنبش وهیجان قوی درمیان همه حدود هندوستان وهمچنین درافغانستان ازقوت فعلی خواهد برامد ـ وممکن است که این تازه جنگجوئی ایران راهم فرا گیرد ـ ازین وجوه مذکوره امید وارم که عنا گریطانیه دوبار عنا گر عثمانیه (۲۰۰۰۰۰) ازمردم دلیل مشغول خواهند داشت ـ من هیچ سبب نمی بینم که مناطق حلیفان ما درشرق (روس وفرانس) جرات موضاته جاروب کشیدن(یعنی جوکردن استقلال قبائل حدود هندوستان واقغانستان واران وقسیم آنها میان حلیفان) را درجه عناصر اصلیهٔ دسیسه جنگ تازه[الاتحاد بروافغانستان ـ ازمانیکه گرنیل بیندر عضو ملی انگلیس این خطابه کرده بود تا اینوقت دو ماه پیش بیست ـ دوروش واخبار گردیده ـ سرو[که مدخال خود میان ترکان وحلیفان ایشان درمیان نداشته شد ـ ولذا در انگلیس در عصر کانیمیرجان فریب بعداز شکستی یافته بود ـ هجوم رجوع جانب عمره کشت ـ وهر گز قبل حرب عثمانی موسم سرما از ورپ بقطع سفر متقل شد ـ واز ایران برحسب اقتضای وقت دران اخلاق روسیا قوای جهاد اگیرد افراشته ـ وقبائل حدود هندوستان هم موافق قول سعدی ـ : ازان مار زیرکی دارد که دشمن کم زند بسنگ ـ درخرا آغاز نهاده ـ عجب است که جموع سرحد المالک انگلیس هنوز فراد علی من مزید است ! ! ـ مترجم]

(۱) غیر گاو حشی وفیل یعنی بلغه در اصطلاح زبان انگلیزی زان حیوانی اطلاق میشود که حقوق دیدوشنیده وبنابرآن خود را محافظه کنند ، و (بلانشیه) خودرا بنده وانگلیزرا خدا فتناسته ! ! ـ

(افکار پراگنده نگار)

تبصره ـ اگر دوروزی که یکی از بزرگترین سیاسیان جهان است درین تاریکی زمانی میان خطابهٔ خویش درلندن بعض نکات مهم که قابل التفات مسلمانان خصوصاً وشرقیان عموماً است بعرض آورده است (۱) او گفته است که این جنگ تیراژهٔ حقوق الدول الزم گسیخته اوراق حفظ دولت ملل را از کنده ساخته یعنی دیدنامیا که دول معظمه بیکدیگر میکردند اعتبار ونگ راستوار نیست ـ (۲) چون اعتماد رفیعه ویقینها باقی نماند ، حفظ اتحاد آیندهٔ دولت متحاری موقوف باشد ـ (۳) این قوت از پیدا میشود ـ یعنی اکنون بجای اتحاد حلق اتحاد افراد ملت و (٤) آن ورپ کهنه اوراق وورپ باقی نمی ماند ، هنگام احداث یک ورپ جدید وجود آید ـ

نظرات او گویا وزیر اعظم جاپان نیز درین زمینه زمان در خطابه فرموده که جاپان حصافرض جنگ خودانا کرد ، والبته که هنگام صلح در مجلس شورای دول اجازت ـ خواهد داشت ـ پس ازان گفت که در جنگ فرمه (سنه ۱۸۷۰) حکومت جرمنیا بامجلوسیت انگلیس وفرانسه متفق شده خلافت دولت داخل شده بود ـ لیکن هنگام صلح بوکیلان حکومت در مجلس شورای صلح قبول نکردند ـ (زیرا گمان دنیا قوت بازین وزیر اعظم جاپان ملت خویش را نصیحت میکند وبرکوه ملت سابقیک بانگه متفق شده وهر گونه اسباب قوت را بهم رسانده در هم بمعزز وقتار کنند ـ

آن مسلمانان را که از آسمای دارهای کبیرهٔ غیر حکومتی وازحمت استقلال کوزیاده بهره وراند ، رامورد گونه تازه بعد گرد ـ کسانیکه وزراعظم انگلستان ووزراعظم جاپان هردو ، جای تمرار میدهند ـ وتحصیل این قوت را بواسطهٔ اتحاد قوی میگویند ایشان درپست اوردن اسباب حفظ ذات میباشند ـ آیا وقت رسیده که برای حفظ ذات خود شان قوتی پیدا کنند ؟ خصوصاً هنگامیکه صورتهای ایشان از انگلوفلیس علی انگلیس بدشت بست کمانکو کیا عنا گرانگلیس وروس عداوت جنگستان ، وبعد از پاک ماندن مستقل حکومتهای آسیای وسطی مشغول خواهند کلالات ذات ایشان شود ـ وکارمانیکه ایشان حدودرا مستقلهٔ اسلامیه ام متفق شوند ـ ایشان را درمصیبت گرفتار خواهند کرد ، وقتیکه ورپ خودش در معرض خطر آسیائی چاره در کدام حساب باشد ! این تازهٔ جنگ بام گو ، میباشد که کرهٔ ارض را فرا گیرد ، اگرچه اقوام آسیا جنگ ایشان سیلاب بلاایشان خواهد رسید ـ پس تدبیر چیست ـ ضرور باید که ام متفق شده براین خلافت کبری نشست نماید ـ این اتحاد اسلامی قوت عظیمهٔ وجود آرد که همه بران چیزی نمیتوان کرد ودولت علیهٔ خلافت و کل ایشان در ورپ باشد ، همین است کلام پیغمبر که فرموده است : حافظ علی اخا عنه ـ من فی النار (یعنی مدد خدا همان آنرا است وهر کس کمک خدا شود در جهنم دلت وخواری وجهودیت وناچاری در افتد)

(صدای اسلام)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1511 of 1786

(ترجمهٔ اخبارهای انگلیسی واردو)

جنگ در بلقان — تمهیدات عساکر انگلیس وفرانس

لندن ۱۱ — دسمبر — ۱۹۱۵ —

اخبار رسمی دفتر لشکر ترک (در بلقان) کمال واضح شایع شده است — : وقتیکه ظاهر شد که لاحق شدن اجتماع اجنبی عساکر صربستان — که گفت زدا که عساکر سروی در جنگهای الانیه وماقی گرو ـ دلازن (رومان) را کنده شده است ـ این برای قرارداد اتحاد گرفتن را از پیشترین مقامات وساحل سرتا بجانب کرولاتی پارند — تدریجاً لشکری عدلشکری بلاقصوبدون زحمتبازپس آمدند ـ باوجودیکه روز بروز شدید و تقویت بقاریاست عوهما آورده اند وهرقت باقدامات میکردند. ملاحظات انگلیس جاهای نورساحل دریاچه پست آوردیم —

لندن ـ ۱۱ ـ دسمبر ـ ۱۹۱۵ ـ سالونیکا

وزارتخانه وجمله مقال عساکر اتحادیان (انگلیس وروس) سکوت وآرامی (بی‌هیچ جنگ نشد) عساکر مابالسلوب خوب پس می‌آیند ـ اموال سیاسی کلیةً اشتغال بال دارد .

علاقی عسکرفرانسوی فعالیت بقاریها روزافزون است ـ بقاریها ما گزافراهم می‌آرند .

وعساکر اتحادیان قریب قاعدهٔ لشکری خویش خطوط عسکری جدیده قائم کرده اند

بقاریهاچهار بار قوی ترازانگلیس وفرانسه

لندن ـ ۹ ـ دسمبر —

ازمقدونیا خبرسیده بقاریها بکمال شدت جنگیدند. بقاریها چهار فرقه حمله آوردند ـ یکی از شمال ـ و دیگر از غرب ـ ودو علاقی انگلیس ازشرق ـ شهر کوچک مقدونی که مرکز آن قصابانست بارادهٔ پیر انگلیسها افتاد — پنجمبر که عظیمعدد کوهها بغرب استرومبزدا دوالاده دوبوقوع پیوست ـ آنجا بقاریها سعی کردند لشکر انگلیس را ازلشکر فرانسه جدا دارند ـ ایشان خطوط لشکر فرانسه را شکافته بخط دور رسیدند . ظاهرا مقصود ایشان این بود که لشکر انگلیس را محصور کرده بحدود یونان داخل شوند —

لندن ـ ۱۲ ـ دسمبر —

نظارت حربیه بطور رسمی مطیر است که فرقهٔ دهم پس ازحملهٔ شدیدهٔ دشمن باوقات کثیر درپس آمدن موفق شده ـ وعدد دشمن لشکرها بسیار زیاده بود ـ اکنون لشکر ما جاهای استوار ازعدد طوران واد غرب دریای وادار کرده ـ باقاقی عساکر متحده آزفرقه علاقی دشمن زیاده درعدد خوب جنگید ـ ازجوان مردی مستر کو زیلرز دوبلی فیو زیلیرز و کنات برنجرز آن فرقه دهم نجات یافتهاز پس آمد — ازجهت کوهستان هشت تاخوب جدائی را برای مدافعه جای یافته بودند که هنگام جمعیت زودی توپها را هراساً آوردن ممکن نشد ودون توپها پس آمدند تخمیناتها پنجهزار وپنج صد بود (۱۵۰۰) درجرائد انگلیس ازهفتاد هزار اسیران اطرشی که درست سروبا جوع میکنند ـ ! اکنون که عساکر سروبا دریا بجهای البانیا وعلاقی نکرو وا پس برا کرده اند ـ آن اسیران اطرشی کجا رفتند ؟ بعضی گویند که همراه عساکر سروی بالبانیا رفتند ـ اما آنجا برای عساکر انتظام خوراک وغیره نیست برای اسیران چه خود چیزهای خوردنی پیدا شود . ظن غالب این است که همه اسیران اطرشی بدست ظالمان اطریشی افتادند — دیگر عجب این است که اطالیا وعدهٔ اعانت سروبا بآنروقه وامیاب جنگ کرده بود ـ اما وفاکرد !

مسئله جلتدار دنیل

ازتقریر اسکوینه

کسانیکه گمان میکنند که جزیره دار دانیل قرار داده شده بود بدون فکر کردن وتصور نمودن جمله امکانات غیره — سراسر خطا میکنند . درمسئله جزیره کردن دردار دانیل میان امپراطور که بر اهل جنگ حکمران بود و ارکان حرب غیره در لندن بکمال دقت و غور مذاکرات کرده شدوتدریجاً رای قائم کرده شد — وپیش ازان کهمسئله اجزیره کرده بودند . این مسئله را بوزارت بحریهٔ فرانسه عرض بیان کرده بودند — چنانچه حکومت فرانسه آنرا کلیةً قبول کرده — وراضی شد که بامادرین جزیره دردار دانیل شریک شود . وهمچنین این رای را دریوناعظم کهدران وقت سپهسالار عساکر روسیه بود . بکمال خوشی خبر مقدم گفت ودر اثنی اعتقاد داشت که جزیره دار دانیل لشکر کشی روس در قفقازیه را موجب اثبات خواهد شد . درمجلس شورای حربی این مسئلهٔ بحار بار زیرفت آمد — وبوجودیکه همهٔ ارباب منصوبهای جنگ سراسر قبول بود . لاکن قبل ازینکه یک گلوله بردار دانیل زده . هیئت وزرا از همه آگهشدند . استحسان کرد . در آن احوال که ماخود را باقلیم بعض جزایر بحری تنها در جنگ مانند — لارد کچنر گفت وما بالو اتفاق کردیم — کماهی تواجهات معتدبه لشکری را از انجا برخیزیم . بنابرین قبضه کردیم که بامطول بحری تنها جزیره اور تومیم .

وزیراعظم انجا جزیره داری جزایر دنیل را برخود محمول میکنند وکسانرا که گمان کنند کهاین جزایر از خود انتعاش محمول وجود آمده بود نهایت شدت ملامت میکنند . واعتراض میکنند که درین جزایر خطرها بود . اما مطالب مالیه هم بود . یکی جلب کردن حکومت های بلقان بجانب اتحادیان بود . دوم کشادن راه بحراسود برای حمل کشتم وديگر ضروريات ازروسی که آنوقت برای انگلستان خیلی ضروری بود بوجهه کردن رقبت سلطنت دولت علیه عثمانیه .

وزیراعظم میگوید که جزیره کردن دردانیل قرارداد دوراندیشی ماه فروری سنه ع ۱۹۱۵ وقوع پیوست

قلعه های پیرونی را خراب کردند ـ و تسخیر کردند ـ این جزیره ها تاپان ماه جاری بود ـ وما قبل الامر هدف ماه مارچ سنه ع ۱۹۱۵ برتنگترین اجزای داردنیل جزیره این جزیره مارا پیداخت وبسیاری ازخوشترین سفائن حربیهٔ مارا کلیةً ضایع کرد ـ پیکار وتنگه گرداپ

پس ازین خسارهٔ عظیم ـ این رای قرارداد که ! گرجزیره بحری باتفاق عساکر بریه بعمل آرند ممکن است کهمقاصد اصلیه حاصل شود . بنابرین در هیجدهم ماه مارچ سنه ۱۹۱۵ از لندن روان شد تابه سالار عساکر جزیره داردنیل بشود . او حاضر بود که یک حملهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1512 of 1786

اعلان

سراج الاخبار
جلد اول — دوم

زند گانی دوداز هر فرقه و ملت (سراج الاخبار آینهٔ حیات تمامی ملت جلیل الخلاف . زیرا از آغاز تا کنون دول و ملل اهالیهٔ مایه بحث میداد که برای عالم اسلام در شکل چیست . و سودمند از این اقدام ملت تصور میشود . هر ملتزم واجب است که یک نسخه از آن را بدست آرد و بداند که در آن اوضاع خوب و بدشان نگاشته اند . علی الخصوص که کتاب بهیت عالیه و چیز خواهانهٔ استادانه نوین و اخروفرمان دان صفات نوشته مقدس ما علیحضرت سراج الاخبار دین و تاج و در مطبعهٔ مروارید السلطنه کابل زیور طبع آراسته و زین یافته

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خلدان دوران (...) می از آثار تأسیس و استقلالیت دولت علیهٔ افغانستان تا زمان امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم و مغفور مکان از هشتم کابل خلد و جلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از حکومت امیر محمد شاه بن کبیر دوست محمد خان تا به اولاد سلوی الدین و ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان ، غایت آنروز تاریخ بارتفاع ا رسیده و تمامی اطلاعروف بسیط طبع رسیده است . قیمت کتاب در کابل از شش روپیه جلد اول آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) یکی چرمی چرم نصواری دار کابل پخت چهار جدول طلا بر کارنشان دولت و اسم کتاب از ورق طلای اصل بنا شده مبلغ شانزده روپیه بخته کابل

نمبر (۲) یکی مقوا روپه کرمالی چهار کنج وزرچرخ مذهب و اسم کتاب و نشان دولت ورق طلا حاشیه دوپیه بخته

نمبر (۳) یکی مقوا روپه کرمالی چهار کنج وزرچرخ مذهب یکی سرحه کابل پخت حاشیه اسم کتاب و نشان دولت ورق طلا حاشیه بنا شده یازده روپیه بخته کابل وده شاهی

نمبر (٤) یکی مقوا روپه اری چهار کنج وزرچرخه مذهب یکی پخت حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت ورق طلا حاشیه کوشه ده روپیه بخته کابل وسه شاهی

نمبر (٥) یکی مقوا روپه اری سرخ چهار کنج وزرکنج شیرازی و نشان دولت ورق طلا حاشیه کوشه بنا شده روپیه بخته کابل وده شاهی

محل فروش

در شهر کابل مدار گی از تحویل خانه جناب محمد ولیخان سر دفتر دربار گی ا د کان عبدالله خان .

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر دفعه تمام بمشتری داده شود کتاب مذکور بسیار ضخیم شده والا اگر بخواهند که کتاب موصوف کلان جلد کلان جلد اول آن بخواهند و در طبع میباشد و دو جلد دیگر بعد از طبع و تمام شدن آن بخواهند تا جلد دوم و سوم بعد از طبع و تمام شدن آن بخواهند داده شود

در چاپخانهٔ مروارید السلطنه کابل طبع گردید

محمود طرزی

جریدهٔ هفتگی که از طرف مدیر و مدیر محترم

... جریدهٔ هفتگی که از طرف مدیر و مدیر محترم ... دارد دلایل حقه گردیده بود و باعث امیدواری ما گردیده بود این اطلاع فرستاده که عقیده ما که عربیه و ویزه بامر لازم است . و این رأی را ارکان حرب جرمنان بتصویب گردند . و در اعلام آن حوادث که از مصارع کمله ۱ گست سنه ۱۹۱۵ چند مرتبه های گاپیول وقوع پیوست . هیچ اشارت نکرده . اما بگوید که در اوائل ماه ۱ گست گذشته حکومت انگلیس یک قوای عظیم از عسا گر بحریه و بریه در جوار دار دنیل فرستاده بود . و لاعلاجه های هولناک باطریهای زرد دوق العاده از کشتیهای جنگیهٔ آنروزه را ذکر کرده بودند . که حاصل از مکتوبه از جزایر حوالی معلوم است . و در انتهای کلام رسمیاً جنگ دار دنیل نمیخواهند که علامت بالخلاص پیدایش مخصوصه باشد گفته و میگوید که ... این رای خوب است گفتن آنکه این جنگ باوجود بودن (مظریتو هرغی) چین جلبوز (چینی هیچکاه اعتماد نکرده چنانکه از تسمیه مظریتو در دار دنیل ! انکلیات و علامات تابع و فرمانروای چنانکه شایسته و میبود کما یک درمیدان جنگ وجود نبوده بودند . مانیا بسیار و زرت بود شک ندارد که مرتزاخورد . و تابع مظریتو ا رمظریت نصیب و زیاد میشدی ـ کو بخارج از حیطهٔ تحاریر بیان وی ـ مظریت مادر دار دنیل مسکه یکان را حاصل کرده بودی . و امکان ملاقات باهمراهان دشمنان مارا ـ (چنانکه اکنون از ثبوت کلی مواضعهٔ حقیقی شده است) ـ از قرون جبل آمدن ملاقی شدی ـ و دار اطلاعهٔ عالیه را بعرض خطر کی توقع تسخیر آوردی ـ و در همه بلاد شرق قوت و جرئت و عظمت و شوکت روز افزونی (انگلیس و فرانس و روس) را اظهر من الشمس فی صف آشکار کرده بودی ! ! ! ...

خلاصهٔ آخر ترین خبرها

عسا گر انگلیز و فرانس بهراهان شدیدهٔ عسا گر مظریتو ترکیه در دار دنیل کما و بیش مغلوب شده میروند و شهور آ بتاریخ معمور شدند . و در دار دنیل در وقت حاضر جنت بست لشکرهای دشمن اسلام کلیاً از دار دنیل یک سمت عبور غربی بغرض فرار گردیده ـ و در عراق عرب انگلیزها شکست های پی در پی خورده و تلفات عظیمی داده اند . عربها یک جمعیت حربیهٔ عجیبی تکاریده انگلیز عارا تا بهای بسیار دور از ساحل گذیده و چون دانسته که جاء در موقع زد کاه رسیده حال وقت از تعقیب عین و بسار لشکر انگلیز را مناسب گردیده عسکر مظفر عثمان پرانها حمله کرده و تمام آنها را نابود قریب است که بقیهٔ السیف نتوانا در حدود بصره پناه برده زانده ـ و در نواحی دین تجارت اسلام بالانگلیز قروع نشده است ـ ... جلبهای متواتر سوسیا از جبهٔ عرب و سوریا از جهت شرق و مصر جاری میباشد ـ ... از هر یها نیوشتان باقی نمانده بقیهٔ السیف که در الشانه دنا کیلکرو پناه گزین شده اند تعاقب میشوند ـ ... عسکر متحدهٔ انگلیز و فرانس در سالو یکا حضور و در زد و خورد میباشد ـ ... از اخبار جرمنهای که باخر ترین حالا از طرف ایران رسیده بتصدیق که (گی) از طرف جرمنها شدت و مدار تمام میشود ـ ... در ایران آتش جنگ و جدال مشتعل است ـ روس ، جرمن ، عثمان در خاک ایران زور خود دارند ـ حکومت یک سمت مساعی ندارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1513 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرامی خودرا

یاد آوری میکنیم

مهندسی و کوشش کردیم که از شکایت ترسیدن اخبار مشترکین گرامی دارالسلطنه کابل خودرا بنوازیم لکن بتعدیلها اوقاتیکه مرکزی دارالسلطنه کابل یک ساله نبوده یا کتابه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارها را که بعهده مشترکین گرامیها رسانیدن میباشد بعهده خود قبول نبود . مشترکین گرامی دارالسلطنه خود را متذکر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه غیر فردا فردا بواسطه آدمهای یا کتابه خود شان میرسد .

شرایط خریداری		
دارالسلطنه	ولایات داخل افغانستان	
فیمت سالیانه هشت روپیه کابل	سالیانه	چارده روپیه کابل
فیمت ششماهه پنج روپیه کابل	ششماهه	هشت روپیه کابل

در خارج افغانستان

مرحبا بک بالسدا اجرت پست

فیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی | فیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

به صفحه اشتراک قبول نمیشود

یک طلائی پوند انگلیزی پانزده روپیه کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برعهدهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیک جابدیگر جاروجویا نمیباید که یک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وسال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود را در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن بخواهند ، وهابیکر هردو اعلان واشتهار یکه باشند از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمابین اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابل واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابل اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابل واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۴ ناس اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً یکسال نشر کردن خواهد دوسه یک ساله را پیشکی ادا کرده در ورق پشتی زیر سطری سه ناس اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1514 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مجموعهٔ کارهٔ سیاحت بیارگاه عنایت ، و عبارت از یک مجموعهٔ انشاء بدیع تحریر آقای میاشدگ رفیق افغان ، و حاوی طرح‌داری ، بانصویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است ، اگرچه از بحث خط و سبک عبد است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست ، قیمت فی‌پهای حاضری ومصوبش قیمتش خیلی ارزان ، بعی مقابل (۴) دو روپیهٔ کابلی دوجلده عنایت از کرهٔ عبدالرؤف خان سر خرمن ، ودر بازار قرار از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان ماسی غلام محمدخان تاجر کتب خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

موشکافان مطالعه کنند بیرا از طرف ودیر زیبادهٔ کرار ، مطبعهٔ عنایت ، کابل جاری شدن عایند ، جزیرهٔ پنهان ، یک ناولیست که فنون علم ومعرفت وسیع و تجربت را برای اساس رمانش موضوع بحث نظر گرفت وجلوه گردیده ، هر سکاین ، هر تجربت جغرافی ، هر عنایت ، خون جاری ، خون باغبان ، خون کسب رنگ دلاویز ، قیمتش نظر قیمتهای باطلی وظاهرش بسیار ارزان ، آنها (۶) شش روپیه چل فروخت ، فعلی مطبعهٔ عنایت در نزد افغانستان ، و کارنامهٔ بازار کرار ، و دکان ماسی غلام محمدخان تاجر کتب فاضل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از انوار ،

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه محمد

کتاب سال دوم ۰ ۰ ۰ مصور محمد

کتاب سال سوم ۰ ۰ ۰ مصور محمد

کتاب سال چهارم مصور محمد

طب و اسلامیت

آوچه باید کرد ؟

وجوب وطن

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در انوار موجودیست ، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد مراجعه نماید .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت درجه کابل

سیاحت دور از وطن بیشتر روپیه محمد ۲

سیاحت در سو هوا محمد ۲

سیاحت در زیر بحر مصور محمد ۲

از هند تا سمالی و از حرمین شریفین محمد ۲

روضهٔ حاکم محمد ۲

پراکنده مصور محمد ۲

جزیرهٔ پنهان مصور محمد ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از حوزه مطبعهٔ عنایت نزد افغانان از زده عبدالرؤف خان سر خرمن و از دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار قرار و از دکان ماسی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی خریداری کرده میتوانند.

واگر از اطراف افغانستان آرزوی خریداری کتابهای فوق را بکنند بدایر ، سراج الاخبار افغانیه عاید کنند.

اعلان

کتابهای محمد سراج الاخبار افغانیه ، و کتابچه‌های علاوه‌ان و پاره ، غایی متفرقهٔ آن ، و محمد کتابهای مطبعهٔ عنایت را هرداران که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان ماسی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، و از دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار قرار و شعبه‌های دیگر آن خریداری کرده میتوانند و نیز در حوزه اداره روزنامه‌جات میباشد . و در حوزه مطبعهٔ عنایت در نزد افغانان هر جزوش بیست محمد فلوس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1515 of 1786

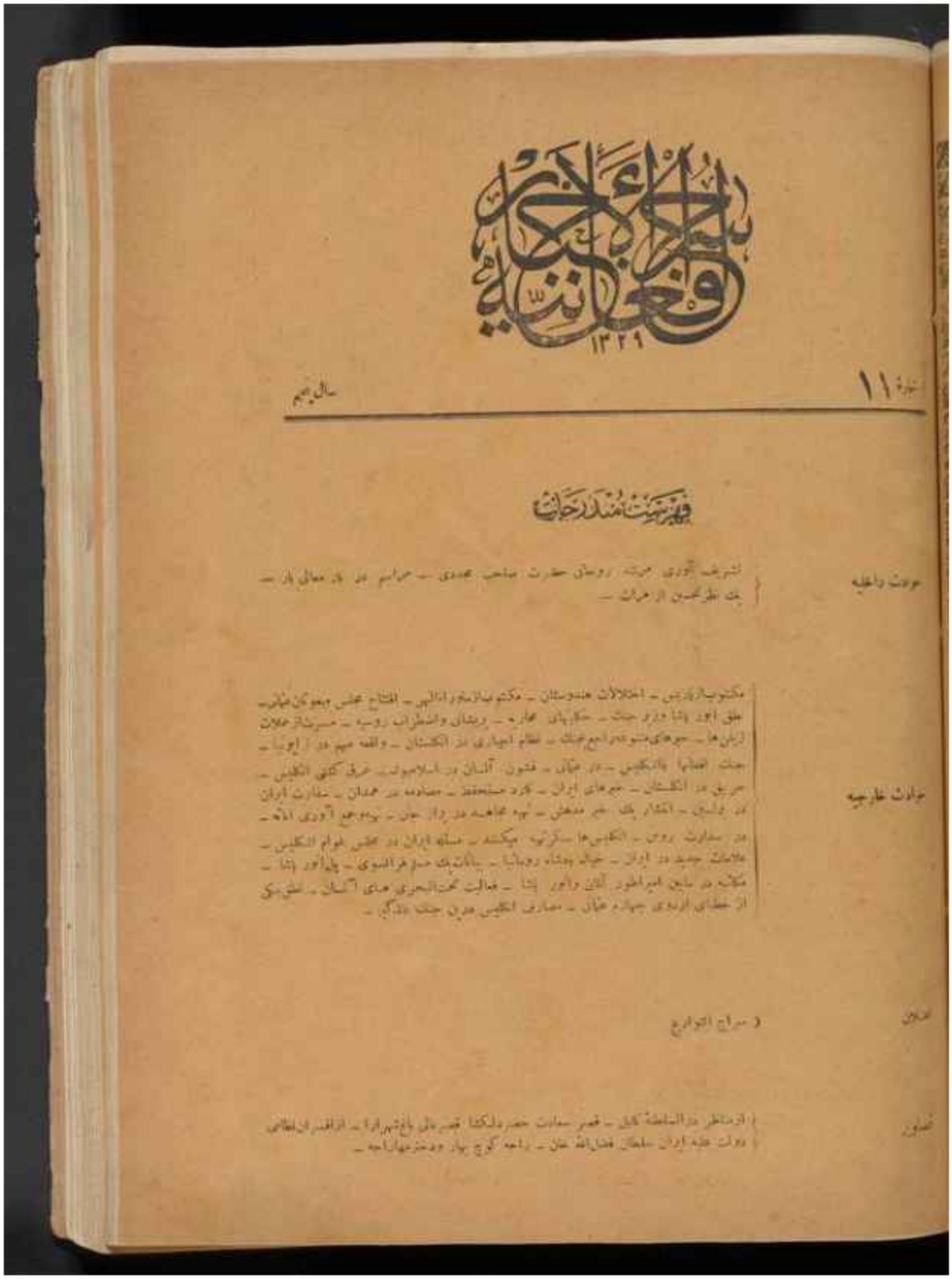

نمرهٔ ۱۱ سال پنجم

فهرست مندرجات

حوادث داخله — تشریف آوری مرشد روحانی حضرت صاحب محمدی ـ مراسم در بار معالی بار ـ یک نظر کلی از عراق ـ

حوادث خارجه — مکتوب از پاریس ـ اختلالات هندوستان ـ مکتوب از شوستر از لندن ـ افتتاح مجلس مبعوثان عثمانی ـ حق آبور پاشا در دربار جنگ ـ حکایهای عجاره ـ پریشانی واضطراب روسیه ـ مسرت از اعلان آزادی ها ـ جوهای متنوعه در اوضاع جنگ ـ نظام اجباری در انگلستان ـ واقعه مهمه در اروپا ـ جنگ اعضایا با انگلیس ـ در عثمانی ـ فنون آلمان در اسلامبول ـ غرق کشتی انگلیس ـ حریق در انگلستان ـ جوهای ایران ـ کارد مستحفظ ـ مصادره در همدان ـ سفارت ایران در ونیز ـ اعتذار یک خبر مدعی ـ تهیه مجاهده در راه جان ـ تهدید جمع آوری اعانه ـ در سفارت روس ـ انگلیسها ـ گرتیه میکند ـ مسئله ایران در مجلس عوام انگلیس ـ علامات جدید در ایران ـ جواب پوشاه روسیا ـ یادداشت مظفر الدوله ـ پیام آور پاشا ـ مکالمه در مابین امپراطور آلمان و آور پاشا ـ فعالیت کمیته های آلمان ـ تلگرافی از خطای اردوی جبهه عثمانی ـ مصارف انگلیس در جنگ دادگر ـ

اعلان — ۵ سراج التواریخ

تصاویر — ۱ ارسلان در السلطنة کابل ـ قصر سعادت حضرت ملکه قصر مالی باغ شهرآرا ـ ۲ الاقدس السلطانی دولت علیه ایران سلطان فضل الله خان ـ راجه کوچ بهار و دختر مهاراجه ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1516 of 1786

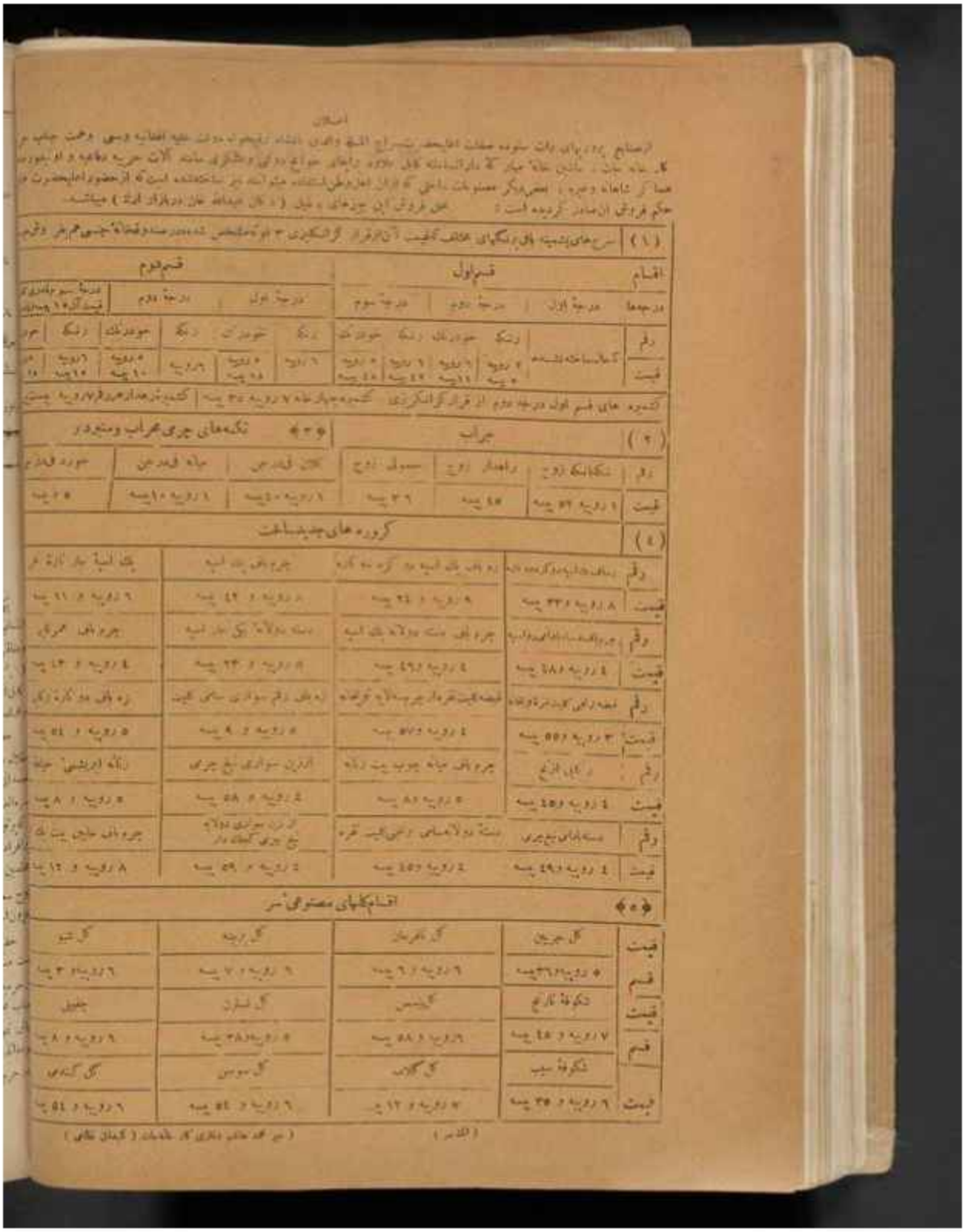

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1517 of 1786

نمبره (۱) سال پنجم شماره (۱۱)

جریدهٔ سیاسیهٔ علمیهٔ

دار السلطنهٔ کابل ۸ دویه کابل

در خارج مملکت

در هندوستان ۱۰ روپیه انگلیزی

در روسیه روزبکار قسر میشود

در ترکیه آردکابی یکمانیم است

(برای درج یکشود اجازه میشود)

مدیر و مسئول محمود طرزی

امور اداریه و طبع

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

همه امورات تحریریه بادارهٔ خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

غرهٔ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۴ تاریخ انگلیزی ۵ فروری عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۵ دلو ۱۲۹۴

حوادث داخلیه

تشریف آوری مرشد روحانی حضرت صاحب مجددی
سعادتیکه همی چشم از خزانهٔ غیب
گهی رسید که آن مرشد زمان رسید

[illegible] از مراحم ازلی و تفضلات صمدی تشریف آوری جناب ولایت مآب فضیلت القاب مرشدنا زمان و هادی دوران صاحب کرامات عدیده [illegible] کرده جناب حضرت صاحب چهاردانگ باصفای جلالة آباد جناب [illegible] [illegible] [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1518 of 1786

حفظ الامکان) یعنی این ذات ستوده صفات از حضرت الله تعالی موکل است که بدای او افغانستان از بلایا محفوظ ماند ـ بنا علی هذا وجود باجود اینچنین ذات کرامت سمات را از خداوند باید شمرد ودوام وجود باجود ایشانرا از حضرت اقدس متعال مسئلت باید کرد .

حضرت صاحب ممدوح علاوه بر سفر های متعدده حرمین شریفین اکثر ممالک اسلامیه را سیاحت فرموده اند و علاوه بر عربستان ممالک مصر وشامرا نیز بطور تاک گردش نموده زیارات شریفه و مواضع متبرکه شانرا بشرف ـ ایشان مکان فرموده ودر بیت المقدس مراتبعا نموده واز هنالک احرام بسته اند اخرا بسته اند (اینچنین متشاهیر عادت ازده سبحان مخصوص ذات واجب الکات ایشان است)

کرامات و خوارق عادات جناب ممدوح که در بر و بحر و مواضع متفرقه ولدا کن متعدده از سی طفولیت الی الان از حضرت ایشان رخ نموده است درزبان خواص و عوام داستان است من شخصیکه بحضور شان مشرف گردد وشرف خطاب وملاقاتشان ربما از خطرات باطنیهٔ او بکمال آگاهی واخبار داده میتوانند ودر اسرار عبادات وسلوک و آداب واذکار متابعین طریقهٔ کبرویه حرفهای کاملیرا حامل میتوانند مکالمات ومقالات غیرمتداوله ـ حالات ذات بارکات وسوانح شریفهٔ عمر عزیزشان در کتاب علیحده مندرج خواهد شد خواهش مخلصین گرامیشان است خاصتی از در سراج الاخبار افغانیه امکان تحریر وتسطیررا ندارد

از تقدیرات الهی درین سال دو واقعهٔ جانکاه ودو حادثهٔ اندوهناک ذات شریف حضرت صاحب ممدوح را بشکل خصوصی رنجه و پیر سفرکرده حضرت صاحب که ولی معارف اشتهار ومشهور بالاذکار بوده اند ازدار فنا بدارالبقا رحلت فرموده دلهای مخلصان و بادیه نشینان وستیجیان این در کاه ولایت پناه را اجرا شده ودر بلاد افغانستان وهندوستان حتی عربستان قاطبهٔ سوانح ادعیه وعنایات وصدقات ازطرف مخلصین برای آخرت این بزرگ زاده ها جرا نشده . سراج الاخبار افغانیه مرتبا (۶) عین سال مرحوم تعزیه وفات مخدوم ـ مرحوم مغفور واسع قارئین گرامی رسانیده بود

دوم اینکه دوسه ماه از وفات مخدوم (اندکی بیش) حضرت آن مغفوره والدهٔ مخدومهٔ مخدوم زاده مرحوم مخدوم نیز رخت اقامت بدار ده جنان فانی را بدرود کرده والقاب راجعون بایی صاحبهٔ مغفورهٔ مکرمه بلکه ولیهٔ از اولیاء الله بودند که اوقات عمر عزیزشان بصیام وقیام در گذشته وبرای عایلهٔ آن وطن عزیز افتخاریکه مرتبهٔ کاملهٔ وعبادت فراق وفوت این بی بی مکرمه حزن واندوهی عامهٔ مخلصین ومریدین را دوبالا کرده حضرت اقدس متعال بحرمت حضرت نبی مقدس علیه الصلوة والسلام این دو ذات سیات کمیکی اصلزاده یکی فرع ولایت ودر وصدق عرفان وعبادت دروسعت امکان خداوند ذوالجلال حضرت صاحب موجود مقدس مارا در ظل عاطفی رفیع ومنیع گرفته وبه اجر جزیل بنصیب ذات کرامت سمات شان بدارد وباقی اولاد واحفاد وعامهٔ مخلصان بناه شانرا از بلیات وآفات محفوظ بدارد انه ولی ذلک آمین

عرایض متعدده از جانب مخلصین هدیهٔ حضور حضرت صاحب زاده والتجای اجازهٔ حضور شانرا جهة آمد برای زیارت مرقد مبارک

گرام طلب نموده اند حضرت صاحبها آنها وعده فرموده اند که بان شریف شان در سرهند تشریف برده در جوار قبر آنمکرم اند ربانی عدهٔ الفی آی تشریف فرمانشده در اخبار سوم عزیمت وهمه جوار از جانب خود مخلصین مبلغ آن هدای بجا آورده خواهشمند در بین این انتظار مرحمت بتشریف بردن حضرت صاحب دیگر خواهشات مخلصین اجابت وقوع یابند این است که جواب مطلب حضرت صاحب مخدوم زادهٔ ممدوح بایشان اشرف بخشیدند

شاعر همان حق که حاضر میخواست آمد آخر زین ره دهٔ تقدیر پیر

الفاعالی و قدس وجود عرفان آمود وجود مسعود شانرا بحرمت حضرت احمد مختار علیه صلوات الرب الغفور ازافات وبلیات ارضی وسماوی در حفظ وحراست حضرت حوش عاطفه پناه عیاذ آی واولاد اورا باوطن عزیز وافراد وطن دیانت مسکن افغان از رکن اساس شریعهٔ شان وبرسال خطوط واقفه ازهیهٔ مستجابهٔ شانرا در بدایقبال ونصرت اعلیحضرت مذبوح مقدس اعظم اعظم والای عدل آئین سراج الملة والدین ابابالله ظهیر العلمین سالیان دراز در جوار عاطفه بقاء الله الیوم آمین یارب العلمین

﴿ مراسم دربار معالی مدار ﴾

یکه روز قبل جمیع ارباب مناصب ملکی وعسکری وخوانین ذی جاه دعوت واخبار گردیده بودند . ازیکه روز سه کور هما و مدعوین که لباسهای رسمی زمستانی خودشان میبودند بکمال وضع وشان دیده میشدند که یکان یکان بسمت قلعهٔ مقصود عازم وغاشیه گشتند . تا ساعت ۱۰ قسم اعظم اهل دربار در خارج ورودی اطراف سلاملخانه جمع آمده پس از توقف یکچند مختصر بتاریخ عدد دری های سلاملخانه گشاده گردیده همگانیرا بدخول عالی واحضار داشته . حضرات علمای عظام وارباب مناصب ملکی وخوانین ذی احترام حسب عادت صف ملکی . بالمقابل آنها متصدیان دربار عالی وافسران عسکری درصف اطرافی دالان زرد وجمیع سلاملخانه چه کهای مرتب ومنظم خودشان وجهای مناسب علی قدر مراتب وضع پذیرفته . تا ساعت ۱۱ ونیم در انظم و برابری دربار از طرف آقایی ملکی حضور همایون وغیره طرق ازدستشان کوشش بعمل آمده . وچون دربار فرحت مدار وضعیت وزینت خصوصی خودرا داشت دران مابین نائب السلطنه صاحب افخم وحضرات شهزادگان عالیمکان داخل سلاملخانه گردیده جمیع حاضرین جای سلام وزیارت آداب تعظیم واحترامشان بجابیاورده وبعد ازانکه اجازهٔ نشستن بایشان داده مکرر بمواقع مقرر خودها قرار گرفتند پس از لحظهٔ همهٔ سلام جداگانه را بترتیب سر یکدیگر سر یکدیگر سکوت داشتند هیئت کلی عظمت الائی استیلا کرده وهیبت بایدار سکوت وآرامی بکسب شدت همچنان حیرت قلب وحیرت وملاحظه انواع شوق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1519 of 1786

برای شاهزاده حکمفرما گردیده و بانگام دوفوقت شریف سعادت
رفع داشتند کشیبات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب مقدس
مورد آرزو و انتظار داشتند . چنانچه متصل این احوالنامه ساعت ۱۲
ازدن سلامه آوازدلنواز موزیک عسکری که لازمهٔ موزون بهبت
سلامی ورک پادشاهی را تواخت ورود مسعود مسرت آلوده
شهاررا اعلان و اشعار نمود . ذات علیت درجات اعلیحضرت
پادشاه آگاه معظم ما زاد و ازهٔ غربی باغ توکن واستقام دولتخانه
داخل سلامه گردیده . جمیع حضار برای تکمیل آداب تحیت وسلام ،
وتقدیم مراسم عبودیت واحترام شاه جوق ، ولاد ، که از طرف جناب
سعادت مآب سردار عالی جاه السلطنه صاحب رحمه کان الله وابقاه
گردیده بودند بعد از اندک عکسبرداری بدولتخانه وشرف احوال پرسی
وعواطف صدرواله نایل وسرافراز گردیدند تخت عالی تخت سلطنت
سایهٔ عنایه را بکمال شکوه وجود زینت مراسم شوکت وسعادت
نمود شاهزادهٔ جوه زیب وانتظار فوق العادهٔ تخلیده جمع اعالی دربار
را بتشریف اجازه فرمودند . درین اثنا فوجی عسکری از روس
در قلی حضور همایون بترتیب قاعده هردوطرف سلامخانه از یکدیگر
بترصف بندوق شوکن گردیدند ، وچون وقت طعام نزدیک گردید از دو طرف
تندور از دو طرف پشت مهای حضور بناوهٔ آوردن طعام آغاز
نمود وهمه قوت حصف دادن میزهای طعام خوری رسیده و بدست
جاسالهای دست نوت تقسیم و توزیع گردیده بود که ناگاه ذات مراسم
آیات اعلیحضرت همایون والا عموم را خطاب فرموده فرمودند که
بعراهم که پیش ازانکه طعام بیاید بشایک چند سخن بگویم وهم چنین
مجلس که کنایک درست اخیر سلامخانه باشند بسبب دوری الفاظ
بگوش نمیرسد و نمیتوانند استفاده توانند نمود لازم و هستند که از جایهای
خود برخاسته پیش و نزدیک بیایند ! سارین سراولی الامر اعظم خودها
صاحبان اعالی دربار از شهزادگان عظام وعلمای کرام وسایر اهل مناصب
جنگ و عسکری و حواشین ذی الاحترام یکدیگر را شوق و شعارت از جو کیای
خودشان رخصت و درمواجههٔ حضور همایون صورت یکطوری را
بطرق شاهانه ترسیم و تشکیل نموده ذات مذکوی صفات پادشاه اسلام
بانطباق کلمهٔ قدیمی نگاه دولت کشاه عدالت آگین اعلیحضرت سراج الملت
والدین امیر حبیب الله خان ادامالله دولته الی اخر الدوران رموقع عالی
سلامخانهٔ باغ دلران تخت عالی تخت سلطنت کمال عظمت وحشمت قصر و
موجودات پادشاهانه در حالیکه همه حضار و چهره فلاحت بار هر شخص کنار
نعمت نان که از ایشان انوار ضیاء سعادت و شرافت ، و هم و مزاج
درج و تفوق ، و لطف و مرحمت باهره معان و اطوار آن متصل و مترشح
آه چشم انتظار و انتظار پاوقار دوخته بودند چنین کلام حکمت پیام ،
اعلی حضرت ابجاز آغاز و ابتدا فرمودند :

مراد ما از دربار امروزه دو چیز بود ، یکی آنکه عدلی بودکه شهارا
دیده بودند که الحمدلله هرا شهارا بکمال صحت ملاقات کردیم
[از طرف عموم ذوی سلامتی وجود پادشاه اسلام] و دیگر درضمن
این ملاقات میخواستم که بعضی سخنها شهاگویم و شهارا آن عقیده
که اهل یورپ که امروزه روز دنیای ما موجود و حاکم بست
همگی ازان ماخوذ است که از مدت یک سال و نیم به اینطرف یکمان
شت درمابین دولتهای معظمهٔ دنیا دوام دارد ، وفی الجمله من شهارا

از نتایج روزمرهٔ آن خوش و درمنی وقوف و اطلاعی حاصل بست
والبته که من از احوالهای آن خبر دارم شما جیسی کمتر میدانید زیرا
برای من ذرایع خبررسانی بسیاری موجود و برای شما نسبهٔ مفقود
است [صدهای تصدیق] هرچند که هرکس بقدر احوالخود ازبعضی
نتایج آن که تا کنون بعرض شهود آمده اند که وبیش واقف است
ولی از نتیجه قضیهٔ آن هیچکس خبر ندارد . یعنی وبه بذکر کمی
ازان علمی است بلکه کنایک خود را از زحمات این حرب بیدانیه
نیز الفهم وبودن نتیجهٔ قضیهٔ آخرین آن عاجز ولاعلمند ، وکر چیزی
که ظاهراست همین است که الحق دایره دولت بزرگ کثیفی مشورو حق
میباشد ، سعدولت مستقل تو چکمابه طبیعی ، وضروریهای بزرگ و سرانجام
از حضرهٔ وجود وهستی خود مفترض گشته وهریکدی ازانها لیاق دارند ،
واین یکدهم که وبیش برهرکس معلوم وافکار است که درینوقت هرهٔ
کالک روی زمین درچه حال هستند ! وهرانس چه حالتاست ! وروس
چه احوال دارد ؟ وراستریا وجرمن صورت واقعات چیاست ؟ همچنان
در ایران وغیره ممالک چه حال است ! امروزه روز ممالک ایران بنابر
اختلافی که درین دولت وملت آن روی نموده وزمکاه روسها وانگلیز
ها وجرمنها گشته است که حقیقتاً خیلی شایان عبرت وتأسف بحالیست
[ازطرف عموم صدهای تصدیق واظهار افسوس] وابینهه مثلا که
بباعث اختلاف وتفرقهٔ دولت وملت درایران پیش آمده ، ملت ایران
جدا وپادشاه ودولتشان جدا روحدهدیگر حرکت می کنند مدهای ما درینجا
ازین بست که بلو بم کدور وقت حاضر پادشاه و دولت ایران بکدام
طرف میل دارد ، ورعیت وملت آن کدام طرف را تائید می کند ،
بلکه اصل مراد ومقصد ما اینست که شهارا ازاختلاف و تناقضی که
درمابین دولت وملت ایران روی داده واقف و مطلع گردانم دولت وملت
میباید که بچنان یک اتفاق واتحادی بیک دیگر مربوط باشند که جدائی
شان از همدیگر غیرمتصور وعدم الامکان باشد ، وهردو متفقاً در انجاز
مقاصد واغراض خود توأم باهدیگر بکوشند وبالاتفاق دین خودودولت
خودرا قوی بخشند [صدهای تصدیق وتحسین] چنون مصرع اول
این فرد درینوقع مناسبت ندارد لهذا ازان صرف نظر نموده لها مصرع
ثانی را درخصوص اتفاق دولت وملت درینجا بطریق مثال می آرد ،

چون دو تکنند وحدت اتفاقی !

ولازمهٔ ملت ودولت مابرمانند دوتکیی کهوریک انگشتری باشند
باهم مربوط ومتحق باشند در خصوص بیان کردن نتایج وجههٔ تفرقه
واختلاف ! کرعوام برای شهاء بی مثالهای عبرت آوری را آورده
میتوانم چنانچه یک مثال ساده وبسیط آن قصه ایست که میگویند
کهچاق یک شخص جوهرا احداث وزرد آلوهای بسیاری ازدرختهای
باغش کنده خوردن مشغول گشته مالک صاحب باغ را چشم زین حال
افتاد وجوهرا در مقابله آنها ماجر ونهایت لهذا فکری اندیشیده زد
میهمانان احواله خود آمد وبی ازانکه بحریصه غیر بکمال ملاحظت
احوالپرسی نموده کیفیت هریک را خودمعلوم گردانده آهستگی وزیری
سیدملا احماض ساخته گفت که آقاصاحب شهان شبه سیدوملا میدهید
وزگوار یک دانهدیده جناب ملاصاحب ! شما هریکدوبار کتوانتم
یکوجودی میباشید که هردوی شما سبب این فضایل کن واجب الاحترام
اشخاصی هستید ، لهذا شما کان این مجلس کهمازه و کل بهرهدارید ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1520 of 1786

وه ازروی حسب ونسب شرافت وحریّت را مالکست از چهرو داشتهام زمساوات وحسریّت زده بکمال بیرویّ مشربیرا بطریق حق میجویم بنابرین سید وملا چون اینقدر تعریف های خود شانرا از صاحبباغ شنیدند خود شانرادرخور بنداشته‌ای را ملاحت کردن گرفتندوصاحبباغ رفیق سیدوملاصاحبجاه را بیکی ازدرجتها حکم بست ، سپس صاحب باغ دارس از کمی توقف سخن را برملا دوریده وسیدرا خطاب کرده گفت کمیدصاحب ! نهایون اولادرسول واز خاندان نزدلا ومقدس یکانات باز کال میباشید بهمه حال شما درمان من ذلیل وفقاربد مگرهیچگاهی کان نیرم که ملاصاحب در کلام کتاب از کتب فقه شریف خوانده باشد کمال مردم جواری بطریق حلالزمیباشد ، ازاروباخلاص سید ملارا هم یکدرخت دیگر درپهلوی اوحکم بست کرد ، وچون ازان فراغت یافت سیدرا که تنها مانده بود بکمال سیوت درجوار دورفیق دیگرش یکی ازشعبه‌های درخت مصبوطیست وقی‌الحال ازدرخت یانجند چوب کلفت ودرشتی‌را کنده هرسه‌نفررا بوجه مطلوبه تا کمیتوانست ان‌کوبیدنبود ، وبدانطریق ازهرسه‌نفر انتظام کشید ، پس ازسید وملا وقی ازابتدا بمیحان صاحب باغداری نیخوردند آیا کاهی ممکن می نمود کهصاحبباغ بچنین آسانی بفریفته ومتصدخود نازلو کامیابباشد مگرسبب اتفاق واخلاقی که درانها بطهور پیوست هرسه نفرشان یکدیگری بسیار سیوت دست صاحب باغ گرفتار گردیدند ، بنابرین علت ازگردماین دولت وملت وبدبختیهاییست تفرقه واختلاف وجدالی واتفاق روبعد وهرکدام ، خود باشد پی‌دولت بی‌صلاح‌ملت ، وملت بی‌مشورهٔ دولت‌هریك فرداًفرداً وجدا گانه طریق اختیار نمایندی‌نیز باشندوان وخرابیٔ هردویآن خواهستند ، وبرخلاف آن اگرملت ودولت هردو بصلاح ومشورت یکدل ویك زبان بوده متفقاً ومتحداً درحفظ ناموس دین ووطن بکوشند سبب عزت واقبال هردوی شان خواهد گشت :

دولت همه زاتفاق خیزد بدولتی از نفاق خیزد

هردولت ومللی گاهی دست اتفاق واتحادرا بادهاند وبدانصورت متفقاً درسرانجام نمودن یك کاری کوشیدهاند پشیمران حرادوملتمند خودها کامیاباً مدهاند [درنجاجناب‌مآل‌آثاب‌السلطنه‌صاحب‌افخم‌درتائید قول هاوی فرمودند که بی کامیابیها وفتوحات حاضرهٔ جرمنها سبب عین اتفاق دولت و ملت ثالثست که هردو دست یك کرده در مقابل دشمنان‌خود می‌جنگند] لهذا مارالازماست که‌دولت‌وملت یانکدیگر اتفاق کرده درترقی وتقویت وصیانت دین مبین اسلام بکوشیم ودر همه وقت‌وهرحال بکمال اتحاد ویگانگی‌باهم موجود بوده اگرترقی نصیبماشد هردو ترقی کنیم واگرپیش باشد هردو استراحت کنیم واگرمبتلی هردوشویم اگرامن‌باشد هردوباتفاق همدیگر درحفظ امن خودها سعی کنیم واگرجنك باشد هردو یکدیگر دیهلوی همدیگر بمیدان جنك بروم ، غرض اگرآبادشویم هردو یکدیگر آبادشویم واگرخرابشویم هردو یکدیگر باد گردیم مال وعزت پادشاه‌را رعیت ازوجود وجانو جان ملت‌ورعیت‌را پادشاه ازخود بداند ، اگرپرمال وناموس رعیت وملت تجاوز ودست درازی شود پادشاه آنرابمال وناموس خود تجاوزبداند واگرمال سرکار دست اندازی شود ملت‌آنرابمال وناموس خود دست اندازی‌داند [درنجا عموم‌حضار باآوازبلند گفتند کهبروملاولا

خودرا فدای‌پادشاه خودمی کنیم] مدعیدرهروقت وهرحال اگرکی باشد ازمن ، واگرخوئی باشد بنام دیانم کهخودمانرابی‌دولت خودرا یك شخص ویکوجود دانسته درترقی وعزت ، وخرابی و هروقایکدیگر شریك وسهیم‌باشند [صداهای پرجوش قبول واقع ناگهان هرقسمی که بود باکی نداشت ولی این‌مسئلهٔ اختلاف بین دولت وملت ازان یك سرمنشق عمل است که رما لازم میداند تا بهر وهرطریقی که‌ممکن‌باشد جهاد رعیت وملتخودرا برای خود وفکر خود یا آسایشمیابیم که هردویك کاری‌را خواه دران منفعت وفایدهٔ باشد یانباشد باتفاق همدیگر اختیار کنیم :

من نیکویم که در فکر زیان یاسود خویش
ای زفرست خیر درهرچه هست‌زودمباش

لهذا خواستم کهاین فکر خودرا چنانکه شنیدیدان کرده‌بودم ورعای افغانستان‌بدانام کاجاهاً ! اگرکه‌واقعه درپیش‌آیدن دولت وملت هردو جمعه الفکر ومتفق الکلمه باشند وبکمال کردیده درحل آن کوشش ورزند بنابرین درخصوص چندان کههمه‌اطراف وولایات‌مملکت فرمانها فرستاده‌شود واهرفرمان یکنسخه از طرف عموم اهلیٔ آن بطریق وکالت انتخاب دارالسلطنهٔ کابل‌بیایند ولی‌چون‌چندبصورت نمی‌انتظامات موسم وآمدن وکیلها ازجاها ، وعلاقه های دوردست ماطول میکشد زمستان ، ومیاریهاییده ، وسردیهٔ کوچ وبار کیری شان‌هم درموسم زمستان خیلی دقت تکلیف ومشقت بود ، وبهمین طریق ، آمدن ورسیدن‌شان تاچهده چهارماه درتاخیرافتیزو وانتظاربسیاری کشیدن‌لازم میشد ، ازاینرواصرفرمودیم تادوقت بعبارت دیگر ، فرمان ، چاپ کنند که قسم اول آن عموم برای علاقه ها وحالاتی که دارالسلطنهٔ کابل قریب هستند مانند های جلال آباد ، وتلمان ، و کوهستان وغیره که از انجامها درماه ۳۰ روز دارالسلطنه رسیده میتوانند که بعی ازینهم تاتاریخ وعامله و اعانتست که برسند ، وقسم دوم آن برای واطراف دوردست مانند هرات وقندهار ، وغزنی ، وقسمی وغیره تخصیص‌دارد که وکیلهای هریك‌ازین علاقه هاند کورند خودها مراجعت نموده زود ، باب‌الحکومهٔ آنجا جمع شوند و وکیلهای هرات زود باب‌الحکومهٔ هرات ، وازقندهار زود باب قندهار ، وازمزار شریف زود باب‌الحکومهٔ مزار شریف ، زود باب‌الحکومهٔ قطغن ، وازبدخشان زود باب‌الحکومهٔ بدخشان هذاالقیاس وازهرجا بسوی باب‌الحکومهٔ وجانب حکومت هرجا که متوجه شدن فراهم آیند ، وهردو اشتهار مذکوراتیکه اول آن‌میرر وستخط شدهاست ، ودرای‌شما هردو قسم آنرا

(۱) قسم اول اشتهار وفرمانی است که برای علاقه‌های فرستاده‌میشود

(۲) این‌اشتهاری است که برای علاقه‌های‌دوردست ماطول‌فرستاده [ذات پادشاه مکلم صفات پادشاهی ودین اهایحضرت والدین‌هردوقسم اشتهارموصوف‌را بآواز بلند بگوش عموم که هر کس آنرا بخوبی شنیده ودرستی فهمیده می توانند قرائت فرمودند ، واخیراً چون ازخواندن آن فراغ حاصل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1521 of 1786

از مناظر دارالسلطنه کابل

غیر سازتحیر معانی احتوای (دانکا) در حین تعمیر و ترمیمات

بات عالی" کاب السلطنه صاحب ومدالسلطنه صاحب اقطم وهمه اهالی دربار دعوت حضار رحسن وصواب این تجویز وفکر پادشاه حقایق آگاه اعلیحضرت خویشان تحسین خوان گردیدند . ذات اعلیحضرت همایون اشرف والا تأیید ابتدا بکلام فرموده وسلسله نطق مبارک را از دست داده فرمودند] .

بارین چون در کتابهای علاقه های فرنگ با بدار السلطنه بیایند بالخصوص باید باصلاح ومشوره کرده مافوق خیال خود ، آنهارا اگاه انها از فکر خودها مارا باخبر گردانند . ویک قسم بنادل خیالات در بین واقع شده . ازان اخذ کردن یک نتیجه که ما میخواستیم و کتابهای کابوشن گروهی کابل نیز درزمینه تعریف اشیاء قسم اول شامل میباشند که یعنی . راست بدار السلطنه اعزام میشوند . ووقتیکه وکیلهایشان از یک به چهار دربار کرده در اوقت از مناسب هاوقت وموقع تمام از همهٔ واقعات واقف خواهم بود ! وهمچنان چون عرایض و کیلان ولایات واطراف بدوست رسید ، وبعد ازانکه نایب السلطنه ومدالسلطنه وغیره اهل شورا آرا دستجمعه . و حاصل آرا بزودی عرضه نمایند خلاصه فکر آنهارا هم بزشما واضح خواهم ساخت !

واخیراً ذات ملوکانه صفات شاهانه بلسان فواید رسان مبارک خود از وجودی جمیع رعایای اسلام علی الخصوص وطن عزیز خود افغانستان وملت نجیب خود اظهارا از درگاه حضرتحانه تعالی بکمال خلوص

وصلوت باطن تضرع وزاری کرده ختم مجلس فرمودند .

پس از اتمام دعا بارگاه حضرت حامی کوردن اعلیحضرت همایون اقدس اعلا همایون تاجدار افغانستان وشاهنشاه عظام بوده جمیع اهالی دوباره احاطه نموده برجایهای خود شان قرار گرفتند . وقریب به ساعت یک بود که از طرف پیشخدمت های حضور صف دادند . دسترخوانهای حضور تا زنده بالای هرسه انواع اطعمهٔ لذیذ و میوه های تازهٔ شیرین بکمال دقت واحتیاط چیده شده بودند . ساعت وار عبارت از سه ساعت ونیم ساعت دیگر نیز به تقسیم چای وسگریت وغیره صرف گردید . ساعت ۳ و نیم ذات ملوکانه صفات پادشاهی از سلام خانه برخاسته همهٔ حضری را اجازه مرخصی داده طرف ارگ فرمودند . وپس از انکه موزیک عسکری در خارج سلامخانه لازسلام آخری حضور شاهانه را دانستند هرکس بسمت منزلات خود حرکت کرده وبه مصروفات معمولهٔ خط وسرور ، وفرحت وحبور کارهای روزمرهٔ زندگانی را تعقیب اعتنایات .

(مکتوب)

(یک نظر تحسین بمکتوب ازهرات)

درشمارهٔ هفتم سال پنجم (سراج الاخبار افغانیه) یک مضمون پرجوش علمی اخلاقی سیاسی تحت عنوان (مکتوب ازهرات) از نظر ما در گذشت ـ مضامین در خلستان معانی گوناگون ونکات موقعیون آرسیه کنان بوده اصلاً وهر کدام بطرز تسلیم نمی کرد که این درج معانی دلپذیر را غیر از جناب محمود حق صاحب طرزی مدیر جریده متبر که (سراج الاخبار افغانیه) کی تواند دگر از زحیر عمیق دماغ واز طلاطم وامواج افکار تولد یابد ـ

لیکن بالاخره چنین واعتقاد مصمم شدیم که همین مقاله بلاغت پیرایه نتایج افکار جناب مدیر صاحب است ولی عنوان ورا لحاظ کدام غرض که جناب مدیر صاحب تصور کرده باشد میدان ساخته اند ـ

زیرا که اگرچه ارسال معلومین جریده متبر که اهل قلم است از زمانه دراز یکی از مستفیدین قارئین همین جریده متبر کاهم ـ از هنگامیکه چشم کور بصرت خود را بکحل سواد مطبوعش مکحل وبصیر ساخت ـ ومقام دماغ را بشمهٔ نظر مضامین کونا کون ورایحهٔ مدحت سواطع وقلمهوش معطر وطراوت افزا کین نبود این چنین مقاله معنی خیز درین جریده متبر که کمتر دست کدام مضمون نگار باشد از نظر ما نگذشت ـ ولی زیور تازه این مقاله موصوف از زیور تمام آن سر ورقهای جریده متبر که هذا کدر میدان آن جناب مدیر صاحب یک طریق خاص شیرین قرار تازه روشنخیالی ودقیق فکری بلحاظ چنگ آوری کدام خواص مقصود جولان داده باشند که در جرائد انگلیسی وهندی ازان تعبیر به (ایدیتوریل) و (لیدنگ آرتیکل) صحبت کرده میشود که نبود ـ از همین روی حیائما طرف مدیر صاحب رجحان زیاده میداشت ـ واز طرف دیگر از سبب قطار حالی همین قسم مقالهٔ نگارزور مندان کدر افغانستان بنا رتعمیل فیض قول سعدی شیرازی را (هرپیشه گمان مبر که خالی ست شاید که پلنگ خفته باشد) تصور کرده وهم احساس می نمود ـ

هر گاه که بامضاء رسیده وام (علی) کرصاحب کوت دفعه دار وجناب (عبدالله) صاحب طالب علوم جدید از دهزر آن تائید خود جناب مدیر صاحب کنز عنوان (سراج الاخبار افغانیه) وداشتن یک ملاحظه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1522 of 1786

از منا ظرفدار السلطنه کابل
قصر عالی باغ شهرآرا و عکس اندازی آن در حوض آبنما

نموده‌اند تصدیق خودرا کلمه علی خلاف واقعه) بر آمده چه باین اسناد لانهوی رای و مصمم‌حال کتابیه حقیقة الامر را مدعی داشته بهمین قسم قرار مقتضای الوجود زبان خودرا موسن وار گشوده ادای شکریه خداوند علام مترجم ساخته —

که منهای زمنها وسنا پشهای لانهاهردا وزرا سزامست که در قوم غیب افغان مالی قسور وشنیدن و هدردان محبوبان آمدوحه اتفاق و اتحاد ملت وملت خود و تبعه و شیدای شهنشاه معظم اسلام (خلدالله ملکه وسلطانه) پیدا نموده کاذ عمده شائع افکار ایشان باشد ، ظل پادشاه اسلامیه گردیده — (جزاهم‌الله الدارین خیرا)

من ازصدها تحسین وهزارها آفرین بنام عرض پیش خدمت هم‌خیالان خودمیدارم که همین قسم خطهٔ وخط وصیحت تحریری که شایان ادب ارقام فرموده‌اند کافی مقرون قوم سامعهٔ افغانان نمی‌شود که فتیکه اولا پرده سمعت صماخ گوش ایشان بخوبی بالانسان پرده تکرده —

از هنگامیکه همین جریده ننیر گذار کشوده بصحرای وجود درآمده و کرهن خودرا بسته و به همان قسم وعظ وصیحت که شایان تحریر فرموده‌اند شاغل گردیده که اکرهن ورقها جمع کرده شود لااقل یکهزار قرطاس نمیوشده در نظرخواهد آمد ولی در قوم نجیب افغان ما سواز (آهن مرد کوهن) د کرهیچ طیور یافته نه برای تصدیق سرورقهای تجارتخانهٔ سالنامه (سراج‌الاخبار افغانیه) مطالعه باید کرد که جناب مدیر صاحب چه فکرکرده اند —

اگر منظور خاطر جناب مدیر صاحب باشد امید که در تجارت آینده یک طرفه خاص که موجب ارتفاع پردهٔ کوش افغانان باشد زحمت خواهم آورد —

زیاده دست ادب بامید اجابت مدرکه قاضی الحاجات رسالتمآب زبان خودرا به همین چندفقرهٔ دعائیه مشغول میدارم — که خداوند علام باعنایت شهنشاه معظم ترقی خواهقوم نجیب افغانرا رفتارشعار جمیع اهل اسلام (خلدالله ملکه وسلطانه) بارتباط دوام مربوط داشته بحرمة النبی والعترة

زاده قوم نجیب افغان مستحکم نموده جریده سراج‌الاخبار را تکرر مبذول توجه کامل ساخته چون آرزو داشتند یکعدد جریده هردوزبان و هرجریان مذکوره اند حاصل فرموده قوم نجیب افغان مارا ازشر ومکائد مخالفین دین نبوی (ص) محفوظ کرده بمنن محمدیه مارا به مخالفین دین نبوی (ص) مرتبهٔ دینی وفتح ونصرت‌های بیده و کرده —

امین

ابو الفارق حکم الحفظ الرحمن سوانح جهانداری جلالتمآب

خوادث خارجیه

نقل از اخبار عصر جدید مطبعه طهران

شماره ٢٧ مورخه شنبه ١٩ محرم الحرام ١٣٣٤

مکتوب از پاریس

اولا نیک دولت انگلیس فرانسه هردو دیار خود افکنده وچندین جنگ مغرب بانصا کرسیار و خارج بی‌شمار بادردادن فرستاده بکارزار پیاده شده فرانسه ها تصرف شهر قسطنطنیه را در عرض چند هفته از قشونهای منتر وعدیل الوقوع پنداشته وازشدت وجد وشعف درچه نگنجیده — اهل پاریس هم در آن اوقات کاهی خوابیدن وبیهوش هرروز صبح درجراید خوانده بودند وبزودی فتح اسلامبول وکل برق ترک و فرستادن آنرا برای موره خواهید (برقو تلیون) وصل برق های فرانسه وانگلیس وروس را هر سه باهم دریای دم سه قسم خواهد و دیگر ازین باب خیال شان آسوده وراحت بود تخمیناً بعضی از آنها هم در بامرو حرکات سفاین جنگی و وضعیه فیما کرد ابنظم کامل در تهیه و شکست سخت و فرار ترکان وغیره را منتظر کرده وازمیدای تمنا وشنگ توپ غلغلهٔ از جواب رجعته وجود ندارد

عرض بنده ولی هزارها عالیجناب ترک بعد از نصر خوش جواب کاهیه

اول چیزی که صبح تحت نظرهای شان می‌افتاد اوراق روز نامه بود وهر چند بطور یکه منتظر ومترقب وعده‌هود جراید فتح نامه‌ها وقایع کامل داده نمی‌شد بازاحدی در رجات خوشحالی واطمینان می افزود که چندین دفعه آنان یکی باحاد یکسان کذشته وضعا گرد پیش رفت فوق العاده نموده وآنرا بی‌نشسته آمدنها با کمال لهفه منتظر بودند که درجراید روزانه یا روزنامه های شب‌نامه اخبار وجه بخواند خوانده وحظ کنند

روزنامهٔ لوماتن هم که بعضی اوقات باخبارها خوب دست آورده دیر کاهه بنویسد هرروز شکل میزان الحراره در صفحه اول کشیده و سرخطائی آنرا درحدت رقوت متحدین نوشته ویک سرقوائی دیگرکه بمقدور رفته وروبا صبح است که افزشدت وزور متحدین هرروز برابر سطح زیبق داخل آن که اشاره به پیشرفت قوهٔ متحدین است دائم داخل اضافه می‌شد وچندین هفت روز ها ازساعات دو بعد از نصف شب هشت شب (در اول حرب وکالهارا می بندند) ازدحام خلق بر کزان بولوار در مقابل اداره‌شان می شد چون مردم هرروز میدیدند تکرارات فتح ونصرت کاملرا در پشت تیغه‌خواهد —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1523 of 1786

... در هر نقطه ورد هر طبقه حتی در کوچه ها و خیابان ها حتی در اتاقها و طرفه حکومت آن نبود زیرا کرفیته آن شهر از حرکات شمرده و هر کز در ذهن خود تصور غیر آرا نکرده و در افکار خارج میدا نستند که انگلیس و فرانسه و روس ازروی میل قادر به اجرای چنین و اقدام نرسانند اما فقط قسه و افسوس داشته این بود که مبادا سلطان غنای و امور بادشا ، وزارء دون به اسلامبول فرار کرده آن جو اهرات سلطنتی واسباب و آلات ... و آنچه اشیاء نفیسه خطی و سایر خطوط و عتیقی های قیمتیه ... و هزها از باب های وانها کی رداشته و همراه خود برده باشند ... واقعاً جای تعجب است که آنها چرا ... فاجعی بتوانند و نصیب دیگران ... نمایند امریکا و دیگر جاهارده و بروخت نمود بکلی از چنگ بدر رود ... نیافته یعنی از فرانسه ها از بابت فقدان آن اسباب ها و اشیاء و اقعاً ... کی داشته و حقیقتاً افسوس زیاد میخورند مخصوص وقتی از آنها که ... ربطی به اسلامبول یعنی از آن خبایی را که برای طالبان اشیا ... به تحصیل نقل کرده و دقت عرجه تاوتر تشریح جزئیات آنها را ... سنه دیده خود دیده و چشمها دنیال چست آوردن آنهاست و از آن ... زیاده که چست امریکائیان بیفتد

... دولتی بهمن ترتیب خیلی خوش گذشت و مردم همه فکر و خیال ... از یاد نبرد و همه ها را فراموش نموده منتظر کردن اسلامبول ... بودند روز هر روز بحث خوش حالی و بی صبری آنها بواسطهٔ اخبار ... بی روز بعدها افزوده میشد امانجیدانم چشمد و چه اتفاق افتاد که ... بروز از اسلامبول زنده تصور آن میزان الحراره را کرده و موقوف ... کرد و در کام طبع از چست همچ جات اوفتاد و شکست (۱)

... ما هم چست زیرا که تمام کار کنان ادارات تحت رطوبت عجیبی ... بان کرده و اشخاصی را بجای آنها کرفته اند که اغلب سررشته در بتی ندارند

... در همه کارشان روز نامه هاعم که محاوت فاحش بهم میرسید و اخبار ... نشده مارد نقل از صفحه اول بصفحات دیگر در جز اخبار غیر مهمه ... اندازه زحمه از فرق کذشتن یعنی کلی های انگلیس و فرانسه ... استعمل چند جاور تحت البحری بیان آمده بعوبک دیگر تمین رخنت ... کرکن در روز نامه را داشت مخصوص در این ایام که از کوته کنار ... نشده میشود که از یک کوردر صدا کر آنها پهٔ در خاک کابل و بی تعلیم ... رفته قدم اقامت کرده و به دیگر نیز عروج و صعودی باحالت زار ... راست داده شدند فرمان دهان منقل عوض شده و آبفشاری هم کمال ... خرد فرستاده شده اند معلوم چست صلاح آنها در چون کابل و لیست ... بعض سیاسیون باحاجت بوطن بعضی محبت های دیگر بنزدیان ... ند که بعضی از انگلیسان خودشان ازقول این امر اصلاح نمیدانستند ... والعلما نیز بهمین عقیده بوده و میکفتند ما باید درین جا چلو کیری ... نشی کنیم این بود که مسئولیت این کار را انگلیس بصیغه ... کرده و میکویند از این بعد قدری باید بعرایض رفقایش کوش داده ... تر امور در پولیتیک شخص خود نمایند پولیتیکس

نقل واقتباس از جرید های اوروپا

اختلالات هندستان

کی از اخبار های رومانیا چنین مینویسد

مؤثر ترین اسلحهٔ حربیهٔ که انکلیزها دران مالک میباشند خطهای

... انکراف زیر بحراست که مبدأ و محرج هٔ آنها در دست انکلستان ... پایی واسطه انکلیزها میتواند که شیوع شورهائی را که خوشش نیاید منع کرده بتواند . مثلاً با وجودیکه از بسیار وقتیاست که اغتشاشات واختلالات در هندستان دامنه دوام دارد . وموجب پریشانیهای بسیار برای انکلیزها شده . ودرماین هندستانیهای بیچاره که آرزوی رهائی و آزادی واستقلال خودشان را از پنجهٔ طنانهٔ انکلیز کوشش میورزند وباهما کر مستملکهٔ انکلیز بسیار زدوخورد های شان پیش آمده باز هم انکلیز موفقیات اوروپا چسورت خبردار شده نمیتوانستند . تا آنکه سیاحیکه بعد از سیاروفها بخارجه (سوبارا) آمده و به یکی مسافر ین یک کشتی تجاری که طرف اروپا رهسپار بوده است در خصوص اختلالات هند یعنی معلومات داده توانسته است کمابیش از واقعیت قدری خبردار شده توانستهایم . امابعدازان بازدنبالهٔ خبرهای هندستان مقطوع کردیده وازان مقطع وسیع وقیمتدار انکلستان کدرمیان آشوبها و شورشها در حرارت شدت هیج معلومات کرفته نشد . پس معلوم میشود که انکلیز واسطهٔ مالک بودن رخطهای انکراف زیر بحر نیکذارد که آنوقت از ملیونها نفوس امپروزبون بکوش کی رسد . امادین یک حقیقت است که امروز در هندستان . باحکومت انکلیز حرب میکند . ۰ مابین دو پایسیا ۰ و ۰ یعنی ۰ جمعیتهای وطنی ۰ و ۰ کوشش میکنند که برای خودشان سلاح تهارک کنند . حتی جهه میورزند که اسلحهٔ انکلیزها را از بسیهای شان ربایند وازدستی یعنی اسارت منحوس انکلیزی وارهند . ودراطراف جمعیتهای وطن پرست آن اشخاصی که به انکلیزها روی معاونت نشان میدهند خائن وطن ۰ شمرده میشوند . در پاشنامه های که ازطرف ۰ مابین نایپسیا ۰ نشر میشود ازقرار ذیل اداره کلام کرده میشود :

۰ حکومت انکلیز از مسالهایست که خون ما هندیان بچاره را مانند زلوی مکد . وبیک اصول وقاعدهٔ منتظم آهسته آهسته بمحو کردنما کوشش میورزد . لهذا برهٔ اهالی ۰ مطیعهٔ ۰ هند وصیت و پندش میشود که تا به نفس وایسین با انکلیزها عار نکنند . آن انکلیزی که خود را لباس حیله کارانهٔ مسافع و محافظه استقلالیت و تمامیت ملکیهٔ ملتهای دنیا پوشانیده پیدان رامده است . ازوقتی که در هندستان جایکیر شده تا بحال ثروت ... المارا از کرسنکی تلف کرده اند . تنها از سنهٔ ۱۸۹۵ تا سنهٔ ۱۹۰۵ یعنی در ظرف ده سال [نوزده ملیون ! . . .] المارا در هندستان بکرسنه کی و مرهکی خود حلاک ساخته اند که از این یک خوبی معلوم میشود که چقدر ملیونها نفوس هندستان را قصداً کرسنه کذاشته یا تصورت زمینهای عدم میسازند . حال آنکه از سنه ۱۸۰۹ تا سنهٔ ۱۹۱۳ یعنی در ظرف یکصد و هشت سال در تمام محاربه هائی که در کرهٔ زمین ظهور آمده اند (پنج ملیون) انسان تلف شده است . درمیان این تاریخها حربهای عظیمه و دراری مانند جنکهای (ناپلیون) بزرک ، ومحاربه های (کریما) ، وحرب الجان وفرانس وغیره نیز موجود بوده است که چون تقابل آن تلفات کرده شود که جور وستم انکلیز هادر هندستان درزیر نظر تصور کرفته شود درجهٔ دهشت وفلاکت این فاجعه های که در ظرف ده سال انکلیزها بالعمالی هندستان وارد آورده اند تابکدرجه تقدر وتخمین کرده میشود . مخلصاً کوید کرج انسان شریر ... ووحشی که حکومت انکلیز درهندستان تطبیق میکند هیچ دیده نشده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1524 of 1786

کسیونا لیستهای هند در پایانهٔ خود میگویند : « ما دعای بقای حکومت انگلیز را علت اکبر ، وحشت ، غضب گذاشته‌ایم ، مصریها زیرا که در مصر ای « ثل الاکبر » ازتبع کرده‌اند ، سودانیها را که در (ابودرمان) بکمال سکون وآرامی گاه غرآخرین شان یکدیگران اعدام کردند ، بنی‌هالی را که در راه (لاحسا) تمامیا خلل رسانیده‌بودند ، بدوی هالی را که در (یوتوبایو) صف صف ایستاده گردنهای خلائق کردند ، مزدور کاران هندستانی را که از ترس گرسنه مرگ ازهندستان برامده به (کیپ جدید انگلیز) رفته‌بودند ، ودر اخبار اردلپاها قصابهای انگلیز انهارا پاره پاره نمودند ، هزارها هموطنان ما که درپلوای سنهٔ ۱۸۵۷ معنهای خوب بسته شده بهوا پرانیده شدند ، بزارها طفلها وزنهای (پونر) هارا که بسمانها وکرسته گیاه انواع تکنجه‌ها کشته ، بعد دیگ در (کل) بسنهٔ ۱۲۹۶ هجریه داخل شدند بعد ازخراب کردن (بالاحصار) قلعه‌گاه اقتدار داری دران واقع شده ، ودرهرروز مقداری کثیری از افغانها را بهزارها بهانه ها درپای دار آورده حریقه کردند ، وبایصورت میخواستند که متنفسی دران دیار نگذارند ، این است که خونهای همان مظلومان عدد وحیات انگلیزها درین وقت انتقام خودرا انتظار میکشند . »

پایانهٔ مذکوره باین سطرهای ذیل ختام میابد :

حکومت انگلیز به" را که درهندستان تشکیل افتاده است تخریب کردن وطن عزیز خودما نیم نمیخواهیم ، بلکه بالتمام التماس میکنیم که جمع قوانین بشریه را در زیر پای تحمی خود دمال کرده میروند ، حکومت انگلیز خون بدانند" گشوده گاه گرهقدر ظلمها وتشکیجها وفشارهای که درامورشان بکنند درهندستان اجرا کنند ، باز هم خاطر جمع باشند که مانع هر گونه خیر کارانه" هموطنان عزیزما نخواهند شده توانست ، هموطنان عزیزما برین یک قرار قطعی داده اند وعهد کرده اند گاز حد کوهستان (هالا) تابه دمانهٔ (کو هرین) یک هندستان مستقل وآزادی تشکیل بدهند . »

مکتوب از مانورا الیر مینویسد

صاحب من درین روزها از تاشکند و بخارای شریف و سمرقند تجارهای قطغی وبخاری رسیدند ازخرابی وبرهمی و پریشانی مردمان روسی بیانهای عجیب و غریب که مشاهده کرده بودند بیانات نمودند اول اینکه هرقدر روسی که از نظامی ومنصبدار وملکی شان ملاحظه میشوند چنان معلوم میشوند که تمامی شان درتعزیت کلان یکچومیه بستر غم واندوه درخانه شان هوار ودرفکر آن مستغرق اند اگر شخصی از آنها دریابیک امری جوابشود اول جواب نمی گویند اگر گویند یکو یندبه لفظ شرین وتمیس جواب می گویند دویم اینکه بیان نمودند که هرقدر زنهای روسی که بیوه مانده‌بودند درین روزها بالای رهبری خود هاشیم نمودند گاز نهای روسی خدمت شهارا پدارند وشهارا نه هزار مان به هیدمی هزار زن تخمینهٔ امیر بخارا رسیده‌بود مدتی شده که امیر بخارا از مایای مملکه خود درین باب مشورت می نمودند مردمان رهبری شان قبول دار نشدند که مان زن های روسی هارا بخانه خود هاراه نمی دهیم که ازهمه احوال خانه مان باشرشوند ازدست مان زنان وامان نمی شوند زنهای گذشته راباخانه خودها راه می دهیم دویم بیان اینکه یک طرمنصب دار کلان روسی راه تاشکند آورند یکدست از آرنج وانقطع بود وزخمی وسدمات گرفتار بود جوابشوم بان نمود که منصبدارمذ کوروفوج زیادی در کنار بندر کلان مقرر بودند و برای هان بندرشمه بودند وچومیه مقدمه داشتند بسیار فوجی شان ها رسیده بود که حساب نداشتند درین اصرازگام طرف دیگر فوج نام روان علیه عثمان وحرمی پاشای شان می آمدند تعرشان خبرداده مذکوره که زیادفوجی وتوپ خانه هاه انطرف مراجعت نمودند و سمت راه وسرک مطلق نبود وتمامی راه های آن جلزی و جرمه فوجی وتوپ خانه شان مدهوم مانده منصب دار مذکور حکم فرمود که مقتولین را در چقری وجرهاند ازند چنان کردهاند که در وچقری ها مخلوبر گشته توپخانه وفوجی خودها را گذرانیده و درین فرصت یک گوله مریسه بسیاری فوجی روسی قتل رسیده وقیم جوم کرده اند گفتم تکه چوبدست منصب دارمذ کور پراورشده بقل دست توراقطع کرده بسیاری فوجی قتل وقد کی گمانده بودند تن کرده بودند منصب دار مذ کور راورداشت آورده دا کترها آن معالجه می نمودند ازان منصبدار مذکور بیان می نمودند که بجبر می گفت که فوج روسی باقوت عثمان وجرمی مقابل شدن نمی جرا آمده نمیاندند اجازه اند که بیشتر ملاحظه نمی شود و تمامی فوج قتل میرسد وروسیا همان مقدمه دار فقط سربیان بودند گفتم روسی بسیار قحط وقرمت اند اندازه گاه اندازه دار فقط چهارم اینها بودند که درسمه چهار حوی در مشت شان های مردمان آن رسیده چرا می نمودند که موز هوائی آمده در آنجاه فرود آمده مذکور کرده بودند سابقاً موز آنجا نمی نمودند گاپیتان بیان نمود بخارا چیزی میخواهیم امروزها آمده بودند برای آنها داده بودند که برای ما گوسفند بدهید وان قدر راه دیگر اجازی نمی گفتند که خرج مان خلاص شده بسیجوان هاچین کرده بودند موزهم از دهان هان جوانها بیان نمودند گاهی گفتند که در موز مه هشت نفر آدمان لاغر کشتم رفته بودند وهشت نفر آدمان قوی چیره بودند ودرموزها بدون گولهٔ چیزی نبود گفتند کمان دولت عثمان وجرمی ما نیم فقط

اقتباس از جراید ایران

از جراید

انتخاب مجلس مبعوثان

عثمانی

۱۸ اکتوبر ۱۹۱۵

لطف‌های رئیس مجلس وانور پاشا

پس از تعطیل تابستانی مجلس مبعوثان عثمانی مجدداً نمایندگان ولایات دعوت گردیده و مجلس ملی با کمال ابهت وجلال افتتاح و (خلیل بیک) رئیس مجلس وپس ایران (انور پاشا) وزیر حربیهٔ نیروی راجع بوضعیات عمومی سیاست و جنگ حاضر و توضیحات سیاسی ونظامی جامعی برای استحضار نمایندگان ایراد کردند خلیل بیک رئیس مجلس مبعوثان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1525 of 1786

« در موقعی که قوای روس و انگلیس توانستند با پیروزی بر دشمن خود را به قسطنطنیه برسانند و بحارات شدیده و دهشت ناکی در داردانل و (کالی پولی) جریان داشت در آنوقت من در (لندن) بودم و شخصاً به رای العین مشاهده می نمودم که احساسات صمیمانه شگفت آمیز متحدین مالالتهاب زیادت و شجاعت فنون و قهرمانان زبردست ما که حملات متعارفانه میرا دنبال می نمایند چقدر جان است .

« ملت » آنان « در آنوقت علنا بدولت و ادارای امور خود تبریک گفته و تشکر می کرد که در موقعی که حتی کوچک ترین ملل و اعجاز آن دول بانظر حقارت آمیزی به ما « عثمانیها » نگاه می کردند بآن شجاعت و اقتدار عهدنامه بلندا را عقد و امضا نمود .

این اقدام تامل وظایف و تعهدات برای ملت آینده دوری بود و همان عهدنامه یک دوستی صمیمانه و موقت تزلزل ناپذیر منعقد شد فنون زیبا و سه ملت عظیم را بایکدیگر متحد و هم پیمان نمود .

« تو پهانه که مدتی بود در کنار (داردانل) به غرش آمده و سیس چندی خموشی را پیشه خود کرده بودند اینک مجدداً بانضباط و اهمیت صدای رسای خود را بلند کرد و بطرف یک از قطاع های میدان های سپه کن اردوی قلعه بالکان مرتسم می گردد .

« بعد از تأمین راه مسالم و ارتباط قوای ملل متحدین که در فصل قلیل مدت انجام خواهد یافت ـ ما کرباهتر و نیرومند تر می توانند وظایف جنگ خود را بانک وضع درخشانی در کامت قرون انجام دهند .

« انتظارات و آرزوهای دشمن اندازه در مقابل « قسطنطنیه » و بحار « و بغازهای جنوبی « داردانل » که مقصد عمده و اساس این جنگ را تشکیل داده غرق گرداب یاس و نومیدی می گردند و دیگر قدرت تولید و ایفاد در جریان سیاست نخواهند نمود .

« عمده ترین و مهم ترین نتیجه این جنگ همین است که از این پس نخواهیم « هند » یک هیئت واجمع مقتدری ایجاد کرده که برای ابد مانع بزرگی در مقابل خود خواهی و طمع ورزی انگلیس گردیده است و در جلو تجاوزات و تفکر روس و خیالات نظام فرانسه و خیانت و خدعه ایطالی عرض اندام نماید » .

برای تأمین این نتیجه خیر و سعادت ملت عثمانی با کمال شرف افتخار دارد که برای هر نوع فداکاری حاضر و آماده است » .

خلیل بیک در پایان صحبت و آفرین زبان خود را تمام کرده و در خاتمه برای حق شناسی و سلام روح قهرمانانی که در این جنگ جان داده اند اظهار تاثر نمود .

املای انور پاشا وزیر جنگ

سپس انور پاشا وزیر جنگ از نقطه نظر وضعیات جنگ مسائل دیگری را بطریق ذیل اشعار داشت :

« بعد از یک جنگ (جنگ گذشته بالکان) که یک قسمی از اراضی از جسد مملکتما جدا کرده و البته زرگی جمعیتما وارد نبود وزارت جنگ تمام سی و چهارصد خود را برای تجدید قوت وطن مصروف کرده و در صدد برآمد که عساکر را کنده و قوای متفننه قشون را مجدداً جمع آوری سازد .

در حین آنکه مشغول سر و صورت دادن به کیفیت خود بودیم حوادث غیر مترقبه مرتبه و شدت تاریخ بیداد و ما تقاضای خود را بکار بردیم که شاید از دخالت در جنگ احتراز نمائیم .

اولین پیرون که در (بحر اسود) جریان داشت وسیله برای جری کردن ما بکار برده ما را مجبور بداخل شدن در جنگ کرده و سپس ما بلا فاصله فهمیدیم که خصم فلانا توپ دیده بود که وارد . حدان تهاجمات کرده و حملات تعرض جویانه روس ها که بدوا اره ضعیف و شروع کشتند در اوایل جنگ نوعی شد که پیش آمدن قشون روس از آنطرف خیلی نزدیک بنظر می آمد .

لیکن یک سه بعد حملات متقابله دشمن را عقب افکندیم و عساکر ما روسیها را در خاک خود آنها بنای تعاقب نهاد و از همان به بعد عبارات اردوهای ما نوعی خود پرداختن ساخت که دیگر نتوانستند زحمت و خطری داشته باشند .

مصادف باهمین ایام بود که حوادث بسیار مهم واقعه ناگهانی در بعضی جاهای « داردانل » درخ داد و همین از آنجهت مایه تقویت منطقی قسوی « حضر » اعتماد داشته و پس از تمام کات لازمه قسوای احتیاطیه ما از ذخیره جزیره « میتا » عبور کرده و از اضی مجاوره کنار « سوڤ لا » را که برای تحلیات واردو گاهی لازم و ضروری بود تصرف نمودیم .

در ضمن حین وقایع اسکادرهای جبهات جنگ انگلیس و فرانسه پاره میا جات برخلیه « دار دنل » شروع کرده و قلاع خارجی « بوغاز » که از نقطه نظر استحکامات جدیده جنگ بی رویه قدر و اهمیت نظامی نداشته بعد از بیان مقدار مقاومتی که کاندرجه هم انتظار نمی رفت خاموش شدند .

قوای بحریه دشمن از این پیشرفت های آسان شیر گیر و دلیر گردید و در تاریخ ۱۸ مارس بانک ناوهای نو ی پرو مه بحری که مغلوبیت آنها تصور شدنی نبود بنای حملات شدید را گذارد لیکن بخواست خدای قهار یک قسمت از این قوای بحری و کشتی های جنگی را در آبهای (داردانل) غرق کردیم و بقیه مجبور بحالت منهزمیت بعقب رفتن گردیدند .

بعد از آنکه انگلیس و فرانسه نتیجه از این عمل شکرفته و کشتی های نیرومند خود را زار و زبون دیدند در خیال افتادند که در خشکی ما را مغلوب و متواصل مانند و بوغاز ها را گرفته برای تسخیر (قسطنطنیه) بشتابند .

تا کنون جزایی و ابطار فرانسه ها و انگلیس ها از این اقدام خود نتیجه دیگری نگرفته اند .

فعلا قوای تلاقه متحدین بالنتیجه و نظر جنگ میباید و معاونت خداوند تعالی قدمهای ما گاه بسوی فتح قطعی شتاب دیده نظر باینکه از یک طرف قوا و تهیات جنگی که از جنگ بالکان برای ما باقی مانده چندان کم و ناچیز بود و از طرف دیگر وسایل ارتباطیه ما با خارجه مقطوع نبود با محصولات و صنایع جنگی و مهماتیکه از اتفاقات خود ما بدست میامد اکتفا کرده و منابع داخل را بکار انداخته و من بدا اطلاع میدهم که قطع وسایل ارتباطیه با آنان و اطرافیان ما وجب اندیشه و خاطره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1526 of 1786

بست و نواسکه مدتها هر یکمین جامعی باشد درصورتیکه عضویت مستلزم باز خواهد شد بنابراین احتیاجات فعلیهٔ ما از بحث اساسه دعوت زودی رونق خواهد شد .

حکایتهای تجاریه
پریشان واضطراب
از پارچی روسیه

از کیف :

من در یک اطاق بزرگ نشسته ایم که پراز جمعیت میباشد . هوای آن بشدت گرم و خفه وصدای غلغله در آن پیچیده است . پنجه‌ها درهم گوشه آن قرمه میکشد . گوشها را در آغوش گرفته اند . اطفال چهار دست وپا روی زمین میخزند — همه خواب آلوده و گرسنه اند . پدر و مادر آنها بصورت تپای فرسوده از زحمت و چشم های خواب آلود نشسته اند . برخی هر روی سکه وبالش لمیده وبعضی در خواب وخروشان بلند است . غلغله طرف شام است باران بشدت می بارد وبه پنجره های استانبول میخورد . در هر استانبول . در هر گوشه وکنار هزارها نفر جمع شده اند که از دولتی خود مهاجرت اختیار کرده اند — هر روزه بیست هزار نفر مهاجر میاید ومیرود .

وای سکوت مهاجرین لالات مرگی روسیه را معین میکنند وبازهای تجارتی آنهارا غالبا باحیه که معین شده میروند تاوای حرکت دو عربانهای قطرن روس میلودیع نکردند . زنها آنها را میبوسند وازنها آنها را میبرند . با کارها میایند باکارها میروند . از سواحل رود ذیبر که تا بدر اطراف تکه کنید یک رشته بی انتهای کبری و عراده میبینید که از مهاجرین هلان شهر راست وبه فلان شهر میروند . همین که به دهان برود کاری هایی بزند کدر جاده‌ها گوچه عابر گردان هستند بعضاً جمع میافند خود را ازدز وصندلی وغیره درپناه عرابه گذارده وگوش را بامتاب بعطب عرابه بسته و میرود . از او پرس که تجاهروی تنها جواب خوهدداد وبلان ودر گرمانو میدانم که از کجا می ایم اما نمیدانم که بکجا میروم .

درمیان این عجاره کاری خانوادهٔ بزرگی چهارمیز گشاده دارند . فراوان ووفور را از دست ندهند . خانواده های خوب بسیار دیده میشود بطوریکه شخص از تعجب و یاسی که باو وارد شده تلف میخورد . چه تعجب وتاسی بیمه سال عمر و نعمه ! هر خانواده و هر هیئتی را که من در این استانبول می بینم دارای یک چهره و سیما میباشند تمام آنها مثل عزیزان هستند که همه چیز خود را تکار کرده ودر استانه بلاجهات جدیدی ایستاده اند . غیر ازتوکل سرمایه ندارند .

وغیر عزم راسخ وصبر وتحمل چیزی نمی شناسند . انسان خاک وزمین عرش آنهاست .

در هر خانه یک یا دو زن زیبا دیده میشود که باگیسوان عنبر وصورت چون خورده یک گوشه نشسته اند . شوی آنها جز از غم وغصه حکایت نمیکند و چشمانشان جز از حزن وحالت چیزی ترکیب نمیکند . چنانچه کوتی این پریان کین سال شدید روز روز تحمل کرده اندوتی سختی های این چند روز جانرا تحمل نتوانند کرد .

سیاری هستند که شاید بخروج است خوابیده اند خسته وفرسوده . با چشم های سنگین وسیمای خوش — راطراف نگاه میکنند . دونن

در پریشان حالی ودر ماتمگی

این اشخاص پاکدامن چندی مهربان اند که در اوقات بدی این آن تمکن نیشود وبلیس ومسئولین هم باانهامهربان وملایم اند . دراین بار هیچ کس اند نه نمی کند . هر کس ازهمسایه‌اش میپرسد حاد وچیست وگوشش می کند که بچهارا آسوده کنند وبانها خوراک میدهند . مرد با میخوانند وشمع خرده درخلو عباد نگاه های است میدن روشن می کنند . حتی یهودیهاهم که عادت خود را عوض میکنند . حتی اوقات در سال صلوة وده می شوند الان گمانشان این گفت مثلا یک اسرائیل محترم در گوشه ایستاده وباخدا وخدخود راز و نیاز میکند است . یک زاویه سفیدی را پیدا کرده وصورت خود را بطرف دیوار وپشتان را روی بار و گذارده زارزار گلایه شروع میکند .

حتی صاحب منصبان هم مجروح اند ورنج وتعب دیده اند . مرد هدردند . این یهودی پیر خاطر من می آورد که چهودیان را در آورشلیم سر خود را بدیوار میزنند .

کیف یک استانبول مرکزی دارد که در اطراف آن سکو ها گرفته اند . چون آنها بانجا استانبول می آیند ملاحظه میکنند که بار حزن غریبی جمعه واضاب روی این سکو ها گذارده شده وبه زبان مخصوص صدای غلغله استانبول و استانبولی گوشها مهاجرین را می پیچد . گویا یک اکسپرس بیچون ترازدهای روی هم شده که از اطراف مختلفه روس وارد اینجا جمعی دیده میشود .

حالامن ازاطاق انتظار برون آمده وروی یک جوان نشسته که رو روی من همقسم اسباب خانه باقت می شود . یک گوشه کی افتاده باکجا تخت خواب ومیز وصندلی گذارده یک طرف چرخ خیاطی که درجعبه است دیده می شود . ودرآن طرف رودبیر سلامت آنانها بیقطعات زن واز اسباب مسی ازقبیل دیگهای بزرگ آبخوری حوض الشوانها . توبه هاهمه تکه تکه دیده زنکه زده ملاحظه می کرد که آنهارا نیتوان یکمرتبه بست زرادرشکل وهیئت مختلف ومتفاوت

بعد سماورها . کتریها . ماشینهای زراعت . چرخ ها . رکیب کلیسا ها . زنگوله ها وناقوسها که آواز رسای آنها گوشها را زینده میدارند در یک طرف دیگر جعبه صبح پاسرم و میبی در آغوش مادر است گذارده و درذیل جعبه باکچ نوشته اند که آنانه متعلق بفلان کلیسا است . همه ساکت وخموش . غروب وقت روی بار کش ها افتاده و تاباواسطه هوای مرطوب از جزئیات افتاده اند

کرد یک من یک نفر لهستانی نشسته که سر گذشت خود را حکایت میکند . این شخص مالک یک کارخانه بوده که در زمان سابق بنظارت دولت اداره میشده تمام اسباب آن کارخانه را مسکو فرستاده اند . این لهستانی چاره که کیف آمده باچه های خود را گذاشته از او آمده اند بدن گنده با آواز حزین میگوید چه سر رفتن چه خسارتی !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1527 of 1786

اقبال السلطنه دولت علیه ایران سلطان فضل الله خان قاجار
کنسول ایران در سلطان آباد که از طرف داران غیور و جسور اتحاد اسلام است

مگری نامی کوید در حقیقت شما نوکر دولت هستید و خدمتهای
ما را فراموش خواهند داد . ده یا ۱۵ پاره جواب می دهد . خیر دولت
ما خدمتهای دوازده پاره پی را برای یک چیز چران نباید زیاد و بدهد
نمیشود . او از ترس مرد زن من عصبانی مزاج بود . همینکه چیزها
بدلخواه او در یک کارخانه شروع بباریدن و اجزای کارخانه را خش
خش کرده چون چشمان خود را بست دیگر نگشود .

کارخانجات . دکاکین . دار الفنونها . اکادمیها . مدارس .
اینها تمام ناصی دولت محاسبه شده اند یعنی از بلاد خارجه
باسم متقل گردیده اند . دار الفنون ورشوه را ستانی . دار الفنون
ادبیات بیار وسلاق رفته . کارخانجات این شهر ها تمام غلط روسیه
کار کرده ونکمک دولت عجله شروع بکار کرده اند . حتی شهر
است که خیلی دوراست در جرائد اعلان کرده که کارخانجات شهرهای
ما زده را خواهند پذیرفت و وسائل آسوده گی و راحت آنها را
فراهم خواهند آورد . اما مدارس بلادی که پادر تصرف پدر نهدید
نمی دانند شاگردان آنها باید همان شهری روند که مدرسه بنا
شده و باز شده است . و از این رو پدر و مادر آنها هم باید نهجرت از
شهر خود کنند . کیش های گیسوان درازدهات خراب دهاقین در
خرابند و عبادت گاهرا ترک گفته اند بسیاری از کلیسا ها در صوامع
مانده اند . سومعه سیبیرسکا پادر کپ چند هزار مهمان دارد .
زوار و کشیشان و دهاقین منازل خود را ترک گفته زیارت اختیار کرده اند .
در ایامی که زوار در مسافرت همه وقت تعطیل می باشد دسته دسته
رهبان ، قاضی ، وطالبین و کفار میان مردم مشغول انجام کار خود
هستند . درهر عبادتگاه ومسجد وعبدی شمعها بسوز و گداز مشغول
و صدای موسیقی کلیساها هرگز ساکت نمی شود . حتی یهودیها هم
در سومعه ها میروند غذا و پناه میطلبند و پناه داده می شود .

مدت از حلات زبان ها

مرحوم دوبیا گر شوتک مالک ده روز بعد از جهاز زبان ها وکلمن

مقاله مینویسد که چند جهت آن اظهار ذیل است : ما این بیان دهان
تمیلات کلمن را مثل سایر بیان دهانها با نهایت مسرت تهنیت میکوئیم
وخصوصا در این موقع که درمیان جنگ بنصف النهار وسعت زمزمه
شادی مانیز در نصف النهار بزرگی است . قشون ما در حرب و روس
و فرانسه و بلژیک خویشتن را با فرانسه اند تحت البحری های ما در دریای
مدیترانه و اقیانوس اطلس و بحر شاهان جولان میکنند و کشتی های هوا
ما را آسمان الکلن خویشتن را می آرایند و دل دشمن را آب می کنند .
هرقدر کوفت بیشتر کند و بازوان آنان بیرومند تر و اندیشه و دشمنان سخت تر
می کردد . چنانچه همه وقت گفته ایم هر قدر جنگ بیشتر طول کند
موقع ما مساعدتر و بقصد زودتر میشویم .

خبرهای دنیوی راجع بجنگ

اقدام اجباری در انگلستان

از اخبار های اروپا

انگلستان تا کنون بقصاحه راضی نمیشد زیرا از طرف خود
و مستعمرات خود تکمیلی اطمینان و خاطر جمعی داشتند لیکن از سیدن
قشون آلمان و اطریش بقسطنطنیه این خاطر جمعی مبدل بتزلزل میکردد
و حکومت سلطنتی انگلیس شروع میدورا از عواقب امر بتوانند عمده دار
کردد و با فشار روس متصل شود . بعلی راه هذا را حفظ کنند مشکل
بنظر میاید از عهده حفظ آلمان و نهایی بحر و قضیه الغرها برآیند در اینصورت
دور نیست بطرف صلح مایل شده باشند و بنظام اجباری التجا جایند .

واقعه مهم در اروپا

تو کیو ـ دوان از اروپا واسطه معاهده خود کنیول روس و انگلیس
داده باشد که عقد آنرا در روس قرار دهند .

در پاریس از اون یک فرقه تشکیل شده که انبارهای باروت را که
روسیه از وت میدهد آتش بزنند حکومت از اون برای جلوگیری از اقدامات
فرقه مزبور مجبور داره عمارات زور یعنی آمونیکی در دهانها تعبیه دارد

بعد از این واقعه چندین دفعه قاموس مکوست وردهای پیدا شده
رسیده است در بعضی دوا کر میکند . کاپتان این ورقه ها را نیافته اند .

جنگ اطریش با انگلیس

بموجب خبری که حاکی از ابراز جنوب منتشر کرده اند در پایه و ستان
جنگ سختی بین اطریش و انگلیس واقع شده و ۳۰ هزار نفر
از انگلیسها کشته شده است

اهالی هندوستان طرفداران ملحق میشوند انگلیسها عجالتا میدانند
با کمال سختی رفتار میکنند

در عثمانی

از اخبار یکه از منابع بثروت رسیده معلوم است که کشتی از تحت البحری
های عثمانی در زمین جزیره کریت یک کشتی عثمانی غرق نموده
یکی از شاهزاده کان مصر برادر سلطان خانه شاهزاده محمود بوده .
شاهزاده معظم له خواهش نموده است که کشتی را غرق نمایند . چندین نفر
از سرنشینان پرس آن که کشتی غرق میشود خود را بآب انداخته ولی
دیگر ها خودها را نجات داده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1528 of 1786

راجه کوچ بهار و دختر مهاراجه روی کوه قصر آنان از دوایر کرده و عده یکنفر

§ از صاحب منصبان کمپوت عثمانی برای تلگراف بی سیم بقسطنطنیه میباشد از فرار مسموم تر کیا بتاریخ ۱۰ ژانویه عبارت از تلگرافی نوح دارد تشکیل میگشته کمتر کرانی قوا در تاریخ نوشته شده بود ... بیان اردوی مزبور ده هزار نفر صاحب منصب آنان مقدار تلفات می باشد .

§ بطرفداران تلگرافی گذارش است مرتبه ششم قوچ سواره عثمانی از طریق مقدونیا بخاک آلبانی وارد شده اند . خیال آنها این است که با اهالی آلبانیا را علیه متفقین شورانیده داخل در جنگ نمایند .

قشون آلمان در اسلامبول

بموجب اخبار متواتره که رسیده است ۴ کردارمه قشون آلمان (هر کردارمه چهل هزار نفر است) باسلحه وارد اسلامبول شده اند .

حریق کشتی انگلیس

لندن ۲۹ ـ رسما خبر میدهند کشتی از حیازات غایه انگلیسی (کنگنه) شب ۲۵ اکتبر واسطه مصادمه با کشتی دیگر در حوالی فرو رفته . از ۲۵۰ نفر عده جمعیت آن صد نفر نجات یافته .

حریق در انگلستان

لندن ۲۹ ـ رویتر آل ـ حریق کلسور میدهد که در اثر حادثه بندبوقال لاین بزرگ خراب گردیده است . مقدار خسارت را بچهارمیلیون دالر تخمین کرده اند .

بالتیمور ـ دوریل ساحل کمتعلق راه آهن « بالتیمور اوهیو » بوده بانام اسباب ومال التجاره گمرآن بود سوخته شده است . التجاره مزبور را برای تمدن ولیورپول میخواستند حمل نمایند . مگر مدتها حریق قسمی بهم های بالکتریک بوده است .

صاحب منصبان آلمان واطریش در بخارا

برحسب اطلاعات جرائد آلمان فعلاً در بخارستان برای دعای عثمانیان جنگ واداره کردن امور اطاعی وغیره شش نفر ژنرال و دهت نفر کاپتان وشصت نفر صاحب منصبان دیگر که درجه آنها ما بین و غیره است در بخارستان ، موجود بوده که عدهٔ از آنان اعزام شده اند

خبر های ایران

جریدهٔ فریدهٔ نوبهار بتاریخ داخل شدن ما کرر روس در و متصل چنین مینویسد که ما بعضی از چیزهای آورا اقتباس میکنیم

آیا افق خونین ؟

آیا افق پر گرد و غبار ؟

و آیا باز افق سفید ؟

هرچه هست خونریزی بلا نیست، ایتوز هارا دیری است را مدت دراز منتظر بوده اند ـ چنانست قبل از همین ما بود که افق آن سرخ شده ـ و در هر همین ما بود که عرصهٔ در خیابان روس از جنود بار پر صحی مزین و آهنه زر کان دین و سران در خلوتهای دیوهٔ جلالت و اقتدار را تابان مرداد ! ..

تهران نیز ! ..

روی زمین زیر زمین ، برای یک ملت مظلوم ـ برای ناتوان حرفی ندارد ـ بیاید مساعی برای کسکون کردن یکصدمهٔ دیگر مظلومیت ایران خونهای پاک خود مان را در طشت قضا کاری کرده ایم ؟

صدمهٔ جبران نخشم فرزندان ایران نا شناخته ، چنانکه امروز ایران گردیده ـ فلاکت از هرچیزی مارا تهدید میکند ـ و مساعی ملل حریت را می طلبیم ـ دیروز نیامد ، ولی امروز میاید ـ یکمدت و بادار کار یکدسته داخل اجرای طبیعی خود بشود .

یکروز مردن ، برای همه ناشرف بهتر از هزار روز مردن ، و عده خدا است

اینات هزار و ششصد مرتبه دشمن اطرف ما می شتابد ، ما که از حرکت نمیایستیم ـ ازین دو هزار سرباز که بیم مرگ و ا دلهای آنهارا بیشتر از دل بیوه زنان ما میلرزاند خواهیم توانست مدار ای حدود وطن برای حفظ شاهنشاه ایران ، برای صیانت ناموس ما بوجود آ بدهیم ، مادر خطرا در خون خود بغلطیم ، تا کروی خون ، مارا در ولایات یاری ما را نکند ؟

امروز جان کیست ؟

جان کسی است که هنوز حرف در الفاظ بلند قسم قطی بسته و جان کسی است که شادا تنها بکدارد !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1529 of 1786

کارد مستحفظ

در شب چهارشنبه یکدسته مجاهد تفنگی از فوج طهران برای محافظت سفارت انگلیس فرستاده شد

مصادره در همدان

از قراریکه باطلاع رسیده در همدان مابین مجاهدین وقزاق های ایران مصادره واقع شده وبالاخره قزاقها تسلیم مجاهدین میشوند

تهران - ۲۶ اکتبر - در اعلانهایی منتشرشده است که چندین نرجنوب خصوصی عثمانی بتهران وارد شده که درمیان دیپلوماتهای بیطرف نیز وارد شده و یک معاهده زودتر از سابق عقد نمایند .

اشخاص که طرفدار حفظ بیطرفی می باشند وحس کرده اند که تمام قزاقهای ایران بهمدان موجب آسایش است . بخیال افتاده اند که دران باب یک مسئله زودتر را موقع بحث گذارند .

در میان دیپلومات های احتیاط کاری ایران بعضی افکار مشاهده میشود : آنها امروزه که مسئله بالکان درست تصفیه نشده است از عقد معاهده با آنان وعثمانی شانه خالی می کنند . آنها میترسند که اگر از طرف روسیه اقدامات جدی باشد آنوقت آنان ها نتوانند از ادعاهای خصوصا در مورد که انگلیس ها در بغداد قوای خود را تمرکز داده باشند پشتیبانی نمایند .

سفارت ایران در برلن

سفارت ایران در برلن در این اواخر اهمیت فوق العاده پیدا کرده و خصوصا از زمانی که اتلن متوجه شرق شده است و روابط تجارتی واقتصادی خود را در حال توسعه دادن است وراه آهن بغداد در شرف اتمام و افتتاح است اهمیت سفارت ایران در برلن وسفارت آلمان در طهران هر دو افزوده شده چنانکه می بینم دولت آلمان با نکته نظر اهمیت وبکی نزدیکه وجه انتخاب ژنرالها مامور کارهای مهم میشاید تا سفانه از غفلت وتسامح مدتها بود دولت ایران در برلن نماینده ای نداشت حتی در یک موقع وزیر مختار آلمان در طهران این مسئله را خاطرنشان کرده بود جای تشکر است که دولت اخیرا متوجه این مسئله شده و یکی از رجال کاردان نمره اول این مملکت یعنی آقای حسینقلی خان ولی که مدتی هم وزارت خارجه ایران را داشته است بسمت وزیر مختاری دربار برلن معین وازقرار خبر روتر بفرمانروایت وارد شده اند و ازقرار معلوم این حسن انتخاب در برلن هم حسن اثر داشته ومعظم الیه زود پذیرفته اند آقای حسینقلی خان در وکالت مجلس خدمات زرگ را انجام داده اند میدانست در این ماموریت خدمات بالیتری موفق خواهند شد .

انتشار یک خبر موحش

روز یکشنبه در محافل طهران خبر موحشی شایع شد که یکعده از قشون روس از قزوین بطرف طهران حرکت کرده میزان این عده تحقیقا معلوم نبود چنانکه منظور ومقصود اولیاء دولت روسیه از این حرکت اظهار نیز کاملا مجهول بود بالاخره معلوم شد میزان کلیه قوای اعزامی که باین دسته قسمت شده ومتدرجا حرکت کرده اند به هزار نفر متصاعد بالغ میگردد . از این عده ۴۰۰ نفر قزاق وبقیه سوار نظام وسلطات میباشند قرار هم این است از قزوین راه وقورخانه آنها را هم وغیره همراه دارند وهمان روز دوشنبه بمرور آنها بکرج میرسد .

انتشار حروف یک هیجان نامحدودی در تمام طبقات تولید کرده . چه این دومین دفعه است که عساکر روس از قزوین بطرف طهران حرکت نموده اند آنان را میبایند و از خطوط واضح آنکه درهی دو دفعه این حرکت مصادف بالزم تعطیل وتشکیل اجتماعات بوده است وهمچنین است اقدامات در چنین مواقع زودتر وهیجان داده بیشتر خواهد بود .

تهیه مجاهد در راه تهران

از طرف آقایان علماء شیراز بآقا شیخ جعفر در تهران اطلاع داده شده است که یک عده مجاهد در آنجا تهیه نمایند وخارج آنها هم از بابت وجوه اعانه از شیراز فرستاده خواهد شد .

تهیه وجوه آوری اعانه

علماء شیراز همه روزه مشغول جمع آوری اعانه میباشند واز طرف تجار وملاکین هم مساعدت لازم شده اخیرا هم مبالغی جمع آوری نموده اند ویک مقدار برای مجاهدین بطرف تهران فرستاده شده است .

در سفارت روس

چهارساعت از شب سه شنبه گذشته شاهزاده شهاب الدوله وزیر دول بعد از طرف آقای رئیس الوزراء بسفارت روس رفته وزیر مختار روس را ملاقات وراجع بحرکت قشون روس از قزوین بطهران قریب دو ساعت مشغول مذاکرات بودند وشش ساعت از شب گذشته بدربار مراجعت نمودند . از قراری که تحقیق شد وزیر مختار روس اظهار داشته که بواسطه آنکه آلمانها طهران را تهدید آورده و محتمل است در این هنگام اغتشاشات در شهر پیدا شده برای حفظ اتباع روس از قزوین قشون حرکت کرده ودر نزدیکی طهران اقامت خواهند نمود .

انگلیس ها سکوت میکنند

برحسب سابقه انگلیس ها در بدایت قضیه ساکت مشغول اصلاحات خودشان میشوند وقتی از اوراق زرد روز بروز در تزلزل است آنوقه عرضه از اطراف وارد میشود آنوقت هندوستان که آنوقه قشون انگلیس را گذارات نموده بر قیمتی که ممکن است خریداری مینماید اگر این رویه باشد مالیات وخیم برای اهالی خواهد داشت

مسئله ایران در مجلس عوام انگلیس

لندن - از لندن خبر میدهند که در مجلس عوام یکنفر از مستشار پارلمان وزارت خارجه لرد سیسیل در باب ایران نموده اند مشارالیه جواب داده که فقط من در این باب برای جواب حق اظهار کراه میتوانم داخل در مذاکرات بشوم ولی این مسئله در بین وزارت خارجه و وزارت هندوستان در تحت مذاکرات دقیقه میباشد .

لرد سیسیل در باب سوء قصدی که در اصفهان شیراز و طهران بقونسلهای آنها شده حق تحریکات دشمن نموده است .

مستشار مزبور در ضمن بیان خود اظهار نموده که :

« این سوء قصد از بزرگهای دشمنان متولد شده است . حکومت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1530 of 1786

انگلیس دارد حکومت ایران تشنات بزرگی کرده است .

حکومت ایران امروزه در یک موقع مشکلی میباشد . فقط خیال ما اینست که جد وجهد کرده آسایش حکومت خود را برقرار نموده وسعی خواهد نمود مضرات ازان رفته نتایج مهمه در این موقع که جنات عمومی ازو استشمام می کنند برای ایران تحویلات قطعی نیز خیلی مشکل است ولی ما امیدوار هستیم که وسایل کارهای ایران خوب فراهم شود .

دولت انگلیس در باب معاونت خودی بزرگان وعده داده است زیرا در تعاقل سیاسی دراین دایره دارای جریان نموده است .

دولت انگلیس حاضر است کابوار یک سیاست عظیمی باید .

علامات حیات بدهد در ایران

یا تاکی که در مجلس عوام انگلیس در باب ایران بوده خیلی قابل اهمیت میباشد . سؤالی که در باب سیاست ایران از وزیر هندوستان کرده اند در جواب آن خیلی احتیاط کاره شروع سخن کرده و بیان نموده است که امور سیاسی مملکت مزبور در بین وزارتین خارجه و هندوستان با کمال دقت وسعی واقع تصفیه میشود . وزیر مزبور در باب در اختلافی وسوظنی که در بوشهر و شیراز واصفهان هم نسبتهای انگلستان شده حل تحریکات دشمن نموده است .

ان کو میسیان دوستانه انگلیس اگر حق از ایران و ایرانیان را بدهند خوبی مساعد وطوری برای ایران صرفه دار است که انظور رفتار تا کنون از حاضر دیپلماتهای شرقی وغربی حضور می کرد . کارهائی رسیده که حرکات خصومت کاره کارانها را ظاهر نموده که انها تمام آن حرکات را حل تحریکات دشمن می کنند . یعنی تمام تقصیرات را کردن ما گذاشته دولت ایران را از مسؤلیت معذور میدارند علاوه از اقرار مجدد دولت انگلیس یک مسئله استقراض هم بیان آورده و بدین وسیله میخواهد یک معاونت قوی نماید و ایران بدهد .

مگر چشمه است که انگلیس با زبان ملایم با دولت ایران حرف میزند پس زبان آتش فشان پرتابهای که چشمه است ؟ چیست ؟ اعمال خود که دیپلماتهای دولت مزبوره در نقاط مختلفه ایران سر قونسولخانه ها می کنند میخواستند ایران را زیر و زبر نماید . ولی امروز کارهای این قدر کی را مایوس نموده حل بحرکات آنان دشمنی می نماید !

نظیره جواب این مسئله خیلی بسیط است دولت انگلیس دیگر قرار نمیدهد . زیرا دولت آسان وارزش دشمنی معروف شده بلکه بالعکس در هر نقطه فائق وجود دارد فتح مینماید . امور شبه جزیره بالکان نسبت با نها خیلی وخیم شده است از طرف دیگر دولت ایران هم کار متفقین را خراب مشاهده نموده درصدد افتاده است که از زیر بار استقراض روسیه وانگلیس بیرون آید . آن خوف ووحشت واضطرابی که در قلوب ایرانیان حاکم شده بود امروز دارد خنثی میشود وطن خواهان ایران نیز از این احوال استفاده کرده با کمال جدیت برای اجرای مقاصد کوشش مینمایند . البته دولت انگلیس بخوبی فهمیده است که دیگر باسر پنجه از عهدهٔ ایرانیان نمیتواند برآید حالا یکدفعه حرارت خود را بدرجهٔ صفر تنزل داده است .

انتخابات پارلمنت انگلیس آغاز می یابد و بدست بدست یا که دیپلوماتها غیر از تحریک ودروغسازی وشارلاتان بازی چیزی خود نمی کنند امروزه درست ملتفت شده اند که سیاست کنونی غیر یک اعتراف مجبور نمیباشد . تمام ملل میداند که ما وقتیکه با آلمانها در تحریک بازی و آتریک سازی با انگلیسها نمیتوانیم رقابت کنیم . امروز آلمانها از تمالک ایران خیلی دور افتاده مانیز دارای یکی قلبی و ارتباط نداریم . ولی برعکس ما ، دولتین روس و ژاپن اکنون تمام امور سیاسی ایران را بدست گرفته اند . بواسطه این اولا مانع خلاء ایران تحریکات نمیتوانیم شروع بکنیم و اگر شروع هم کنیم موفق نخواهیم گشت میتوان گفت دولت انگلیس و خیرخواه خویش را در ایران بخوبی احساس کرده است و استعداد ایران را خود باین نموده است ولی غیر از اینکه این اوضاع را حق تحریکات دشمن میدیده است ؟ این نکته را شاید فراموش کنیم کما گر روس انگلیس در مقابل تحریکات ما بطوریت خود اقرار کند . ما در نیتو اندیشهای رائی اعضای مجلس عوام اخواهد نمود . طبیعی است مغلوبیت تحریکات بدولة مغلوبیت و اضمحلال خود میباشد که انگلیس و روس تحریا این مغلوبیت و هزیمت مغلوبیت مغربیان

وقتیکه در تحت اعضای حکومت در مجلس عوام انگلیس بر هند هائلی در گریلای سلا تحریا مجلس جشن منعقد کرده چونست که انگلیس مغلوبیت معنوی گذاردان دوچار شده تحریکات آنان وعیان نکرده و شک نیست میبرد از اقدار گذرمیانه ما وارانیا جریان میکند بمانند حقیقت هر دو میان ایران وهم در افکار عمومی دنیا عیان وایران روز بروز رو می کند یک نیاز غلبه از جریان امور ظاهر میشود که خلاصی ایران روس والکلیس فقط وفقط مربوط بیک جهاد مقدس ملی جریانات مضره تعاما می کند که ایران بیانی داخل عملیات شده وجود را داخل معرکه های آتشین نماید . ولی در تحت پاپیمه اوضاع ، علامات حیات مشاهده میشود وطریق نجات شده است . مایقین که این جریان در آخر کار ایرانرا هر چه زودتر از دیپی آن میرساند یک طریق مستقیم موفق خواهد بود و در ایرانرا از ذلت ظالمانه روس و انگلیس خلاص خواهد نمود . . . متحدین خوبش میخواهیم ایرانرا از چشمه حیات دهد ، کنون هر میتوانیم رائیم . بالاخره ما ایرانرا تشکیل صدها هزار نمیخواهیم فقط ، چونکه از آنها امیدواریم حرکیات تشکیل قوی ایرانرا نماید . (عنین)

خیال پادشاه رومانیا

دو یکشنبه روز نامه (آینه وزن) مقاله نگار سی و چهار پارلمنتاریان وی طبع شده بود (که در تحت عنوان (چیست) مندرج بوده است . در مقاله مزبور ملاقات پادشاه و فرزانیا میان روماتی شرح میدهد که کوشیدن آن ملاقات سیاست امروزه را پیش پی کرده بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1531 of 1786

راجع بملاقات پادشاه رومانی بیان کرده عقیده من در این جنگ
آنها خواهند بود و زراقوای آنها تمام شدی نمیباشد هم از حیث
این رسیده هم از حیث نظام و هم از حیث کلوله توپ که مانند کوه قاف
به روبه اند دشمن خود تفوق دارند .

سپس مرور در جواب پادشاه اظهار نموده است که :

اعلیحضرتا آخر دشمنان آنها نیز از وطن پرستی و از محکمت خواهی
برخوردند . آنها نیز برای مبدو کردن آنها از تحت حیات و محات
دارند و هجوف از هر کوه دهند داری شامل نخواهند کرد
وهمه چیز پیچیده است کلا آنها بدان حیات ماهر شده اند و نظام
و روی العاده خوب است و همچنین توپهای چهل و دو - نیمتری دارند
که آنها نیز از حد زیاد است لکن در آخر کار بکلی خسته و مانده
خواهند شد .

پادشاه از دیپلومات پرسیده است :

من خوب وقتیکه آلمانها حمله نمایند متفقین باچه قوای اولی
مقابله نمایند ؟

دیپلومات جواب داده است

اعلیحضرتا خیلی مشکل است - من تصور نمیکنم آلمانها کلا آخر کار
بر متفقین غالب شوند زیرا اول وفنون در محکمت متفقین خیلی زیاد است
و نیز چه که اسلحهٔ آنها نیز زیاد خواهد شد که آنوقت میتوانند
هم قوه دهند .

پادشاه می گوید :

دیپلومات ! ممکن نیست آلمانها هیچوقت مغلوب نمیشوند . اردوهای
آنان لایقهال نیستند .

دیپلومات تحت خود را تغییر داده می گوید :

اعلیحضرتا ! کاپیتولی که از کشته میخواهد بشیاز بحالت مال
است من تصور میکنم که بعد از چند روز این محکمت در دست
اداره وسیع ترخواهد بود .

پادشاه از آخرین کلام دیپلومات متغیر شده بالک حرارت مشت خود را
روی میز زده میگوید :

دیپلومات مگر شما گمان میکنید که محکمت ازش نجزیه خواهد
شد ، هیچ وقت ! (تو دو ریها)

ترجمه از اخبار های عربی

بیانات یک مسلم فرانسوی

یک عسکری مسلم فرانسوی که از اردوی فرانس بکرفتن خود
خلاص کرده و اردوی آنان آمده بود تصریحات ذیل را بیان میکند .

اولین سه ال ... — و طرفهٔ اردوی جزائری که عدهٔ افراد آنها
مسلمانان را دران وطن ما میباشند منسوب بوده واز ابتداء جنگ
از وقائع مهمه میدانهای محاربه موجود بوده بسیاری از افراد
طرفهٔ مزبورهٔ ناهدی تحت جسدهای زیر زمین که قابل حیات
نبوده فرشهای خانواده تلف وهلاک شدند

افسکر های مسلمانان که در اردوی فرانسوی هستند بیانات
ذیل را تعریف وصف مینمایند که انسان از دیدن آن جگر خون میشود .
آنها تحمل‌های وصفهای اول میدانهای محاربه هدف تیر دشمنان
میشدند خلاف عسکر های فرانسوی که با کمال امنیت وامان دور نشسته
میباشند وعلاوه زن نا خوشها و صعبهای مخصوص اینکه مداوایشان
بخوبی در امبولانسها وشفا خانهای اردو نشود زود قبحین وات وکوب
میدانهای محاربه جیاً سوق میکنند بسیاری از افراد این طرفهٔ من
از عدم اعتناء با کثر ها و سردی هوا و موجود بودن السهای
ضروری فوت وهلاک شدند ودر وقت گرفتن از وحوالهٔ عسکریه و
مسلمانان آخرترین فرقه میباشند آنها که یک چیزی زیاده از خودشان
دارند و بالطبع ملاحظه وملاحظهٔ فوق العاده میفرمائی کنند . و علی الاکثر
مارا همه میدانیم که ربعهای ساعتی بشبانه روز فصلهای قاش که مداصهٔ
انچنین جنگهای زور را نتواند دیگر چیزی را نمیابم . از انچنین
چیز های دشواش صرف نظر کرده یک بار باحوال عسکران ما نظر
بیفکنید که انها را چنان دفن میکنند که به فصول دولت وبه فصول
السابیت موافق است . در مابین ما بعوض ملاها ومشایخها را هیچ وقت
نمیگذارند طرف حکومت مقرر هستند میباشند لهمذا تهادت کهدراخرترین
آنهای حیات هریسیو از انها نمیکنند دراینجا کسی را نمیباید که تلقین کند
ایضاً ما العاتهای رنگارنگ بسیار موهوم دشواش هر ساعت و هر دقیقه
میشنوید وهی بیم واگر یکی از مایان گناه بسیار خفیف بکند هزار ها
سیاه و شلمهای دلتکاه میشنود وحکمهای ظالمانه بموجب قانون
عسکریشان که انها را بنام اجرا تطبیق میشود جزا میدهند .

حال ما بسیار مؤثر و موصوف بیان حالست که از طاقت انسان خارجست
بعد از بیان حالهای ماقوق یکی از شنوندگان از او پرسید که مایک چیزی
بسیار عجیب شنیدیم که بسیاری از مسلمانان جزائر رضای خودشان در
اوردوی عمومی داخل شدند آیا این دروست است ؟

جواب این سوال بعد از کشیدن یک آه پاسخ داد .

آن کسیکه فکر میکند که اوی که او با فعل داشته باشد از او وجدانی
از عیال خود ووطن خود وعائلهٔ خود را میبیند وجود رابیدانهای
هلاکت وخطر می اندازد ! علی الخصوص که دران جنگ ثواب اجرت
هم موجود نباشد . خلاصهٔ اگر حقیقت را بشما عل بدهم رسائل
مارفت خواهید اورد زیرا ما را بدرجهٔ بخطر و قاقه رسانیده اند که
عمرک را بزندگی پنداشته ام درمیدان جنگ اندم که از گرسنگی ومرم
حال آنکه دراینجا هم شمهٔ از احوال ما را شنیدید که چیست واگر
تحقیق بدانید همهٔ رفقا ما منتظر هستند که چه وقت یک فرصتی بیابند
وشما خودرا رسانیده بتوانند .

پل اور پنا

حضرات محاک که دورا دور (پاریس) رای تسویل نمودن عملیات
پلتی آغاز نموده بودند بانجام رسید . وپیر (شنیده) که در ان شهر عظیم
مرور میکند امروز قابل سیروسفر چهار های خرد وکلان شد .

ودران قشاق دوبل بسیار مهم قائم نمودند که یک از آنها را بنادوق
عهد المانیا ودیگر بنام ناظر حربیهٔ دولت علیهٔ عثمانیه (انور) پنا
مسمانموده اند که از ان معلوم میشود که دلاوریت وشجاعت ملحوظهٔ آن
قائد فاتح اقتال را الفت ثنائی مطلبی دارند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1532 of 1786

مکاتبه درمابین امپراطور النانیا وامور بانا

جناب دوستانب امور بانا بات تلغرافی مبارک بادی در خصوص باتحاد رسیدن اتکلی جمعیت اتحاد عثمان و النانی بحضور اعلیحضرت امپراطور النانیا ارسال نموده بود . جواب آن اعلیحضرت مشارالیه چنین بات تلغرافی فرستاده است که عیناً آنرا درذیل داخل میکنم :

(تبریکات خالصانه خود را جناب شما در خصوص باتمام رسیدن جمعیت اتحاد عثمان والنانی پیش میکنم که این اتحاد یوصداقت صمیمانه که سلاح آنرا بوجود آورده است ابدی باشد

امضا
ویلیلم

فعالیت بحر الجزر های النان

ازتلغرافات اخیره که از برلین رسیده چنان معلوم میشود که بحر الجر های النانی درهفته های اخیره دوازده سفینهٔ دشمن را غرقه ساخته که همگی شان پر ونفو از عساکر بوده غرق کرده است ازانجمله یک سفینهٔ تجارتی انگلیزها بود که درمیان آن بغیر عساکر انگلیز غیر از عمله موجود بود .

اطلق یکی از حضرای اوردوی چهارم عثمانی درحمص خطیب بعد از اظهار تذکرات کثیره ازمرحوم حمص گفت :

ای برادران ! بگمان اکثار وه رقراری درمابین کان استانه میتوم ودنیا ازسبب غیر وطنی بسیار مهم وعظیم جوش مطالعهٔ خودرا بر دشمنان دین ووطن بساحهٔ غدارند جانشانه احراز کرده اند تبریکهای مادیهٔ خودرا تقدیم میکنم والزین فتوحات شما کر اسلام معلوم میشود که انشاالله آن دولت و توان وسیعه که استعداد واستیلاجاع شرق وبعد قارهٔ غرب ادا که از [illegible] آن بشمانیان بی نهایت سهل آن را مضمحل نموده وبدست ذلت داده است چنانچه امروز جهانیان اخبارها وجریدها ورسالهای موفقیه تام که درروی زمین قدر میتوداردشمنان ودوستان شهامتهای غیرالعقول ودلاوری وشجاعت وهمت آمیز عساکر مظفرهٔ ملت محمدیه را بیکدیگر میگویند .

مصارف انگلیس دوین حمت بلنکر

لندن ـ دوم عومبر سنه ۱۹۱۵ ع

درانثنای خطابهٔ طویل وزیر مالیات (مجلس عل) وزیر اعظم انگلستان گفت ـ حالت مالی (مان امروز خطرناک است . مالیاب ضروریه را از دیگر بلاد میطلبم دمی ملیون پوند (۳۰۰۰۰۰۰۰) ماهانه زر بطانیهٔ آن اسباب بیرون میفرستم . ومصنوعات ماموش النیای علیوه ممالک اجنبی فرستاده نمیتوند ـ لمایش ازجنگ صرف یازده ملیون پوند زرحوض النیای علیوه هرماه میفرستادم (۱۱۰۰۰۰۰۰) سمانخیلان خود ودیگر اقوام قرض هم میدهیم . که قدمهٔ آن قرضها را دوست من وزیر مالیه در خطابهٔ خود پیش این مجلس عل عرض کرده است ومیزان کل آن قرضها میان این سال مالی روان تاچهار صد و بیست وسه ملیون پوند (۴۲۳۰۰۰۰۰۰) میرسد ـ ما متوقع هستیم که درآیندهٔ پیش چه خواهد آمد

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول ـ و دوم

زند گانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست . (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات تمامی ملت جلیل القدر است . زیرا از آثار نشکیل وتکمیل پاین دولت انقلابهٔ حالیه بخوبی میداند که برای سالوسانتقبال ملت چه تدابیر درسکار خیزد . وخوشتر ازین آنکه ملت تصور نمیتوند . هرفردی ملت را واجب است که یک نسخهٔ ازآنرا بدست آرند ومانند جواهر در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتابیست که به بیت حالصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی باامروفرمان دانمیهٔ صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الخواقین » تألیف وتدوین ودرمطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل بزیورطبع آراسته است

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان دیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان از هند در کابل تحریر وجلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تاه اول جلوس اعلیحضرت « سراج الله والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه و کارهای را جامع میباشد وکاغذ آلا بحروف نیی طبع دیده است . قیمت کتاب مذکور باجلد پشت وخوبی تجلید آن اقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرمه داری داغدار کابی بخط چهار ملون جدول طلاکار نشان دولت واسم کتاب در ورق طلای اصل جلد بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ بخهٔ کابل ـــ

نمبر (۲) پشتی ملوا دوپه گرمسالی چهار کنج وزرچرم قرمجه طاقه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجه سیزده روپیه بخهٔ کابل

نمبر (۳) پشتی ملوا دوپه گرمسالی چهار کنج وزرچرم مینتی سرخه کابی بخط خانیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجه جزء بندی شده یازده روپیه بخه کابی وده شاهی ـــ

نمبر (٤) پشتی ملوا دوپه اوری چهار کنج وزرچرم مینتی سرخه کابی بخط خانیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجه کوتاه بندی شده نه روپیه بخهٔ کابی وده شاهی ـــ

نمبر (٥) پشتی ملوا دوپه اوری سرخ چهار کنج وزرگرشمه اسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجه جلد کوتاه بندی شده نه روپیهٔ بخهٔ کابل وازده شاهی ـــ

محل فروخت

درقص ازک مزار که از تحویل خانه جناب محمد ولیخان مرحوم در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر جلد وقایه وشیرازه بندی نهایم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ما امر فرمودند که جلد اول ودوم بدریک وقایه شیرازه بند وجلد سوم وچهارم آن که هنوز بزیور طبع میباشد وبعد ازاتمام وآمده مطوا گردیده شد انشاالله اعلان فروش آن نشر گردیده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

جریدهٔ هاینکه مستحط میدارد از طرف مدیر ومحرر محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1533 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرامی خود را
از آوری میکنیم

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایات داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیه کابلی قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیه کابلی ششماهه هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان هرصانیکه خواسته باشد اجرت پوست	
قیمت سالیانه ... روپیه انگلیزی قیمت ششماهه ... روپیه انگلیزی به ماهه اشتراک قبول نمیشود. یک طلای روپیه انگلیزی دو روپیه کابلی است از همین قرار حساب کنند	

یادآوری

رعایت کرداران نظامی و ملکی و جمله خریداران مدرج لاخبار اقامیه اعلان و خبر داده میشود که اگر از یک جا دیگر جا بدوجا بیاید که پیلشر فعلا در وسیر عبور را خبر شده که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید. هرگاه همچنین یک رقعه شان رای ما بیاید و اخبار شان رای شان نرسد حق شکایت را ندارند.

(شرایط درج اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی و صنعتگران که صنعت خود را در مدرج الاخبار اقامیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند، و یا دیگر هرنوع اعلان و اشتهار که داشته از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود:

اعلانیکه در مدار اخبار از یکبار که درج و نشر و شایع شود در هر سطر ۱ - افغانی روپیه کابلی و اگر از چهار بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک افغانی هم بر روپیه کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه تمرین ورق و یکه مدرج اول از یکبار ماه چهار بار فی سطر یک افغانی هم بر روپیه کابلی و اگر از چهار بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. (یک سطر شامل شمردن اعداد ۳ - الی ۴ - سطر) میباشد.

هرگاه شخصی اعلان خود را میخواهد که یک سال نشر کردن خواهد روپیه یک ساله را پیشکی ادا نماید ورق شانی را سر سطری سه اجرت گرفته میشود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1534 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آنکه مطبوعهٔ کارخانهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ استمار اندار مجهد آنکاری میباشد که کاغذ اعلا ، وحروف جدید وافیه ، بالصاور بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است ، اگرچه از عمر شط و سال چند است ولی مشتریان وخیالاتش براسر یکفرد جدیداست . قیمت هر پهلوی عادی ومتوسش قیمتش حق الورق . حق خلق (۲) دو روپیهٔ کابل در سود مطبعهٔ عنایت از کوچهٔ عبدالرؤف خان سر شهر ، ودر بازار از دکان باز محمد ، ودر محل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمد خان آخر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزوهٔ پنهان

موسیقار مطالعه کنندهٔ ادبیه را جزوه ایست زیبنده کار ، مطبعهٔ عنایت ، کابل بارها شین تائید ، جزوه پنهان ، یک جواهیست که قوت علم وصرفت وسعی وخدمت را برای اساس زندگانی نوع بشر نظر گذشت وجلوه گر میسازد . هر حکایت ، هر عبرت هر نصیحت ، هر نصیحت ، هر جواب ، هر سوال ، هر تصویر ، هر تصویر ، هر تصویر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1535 of 1786

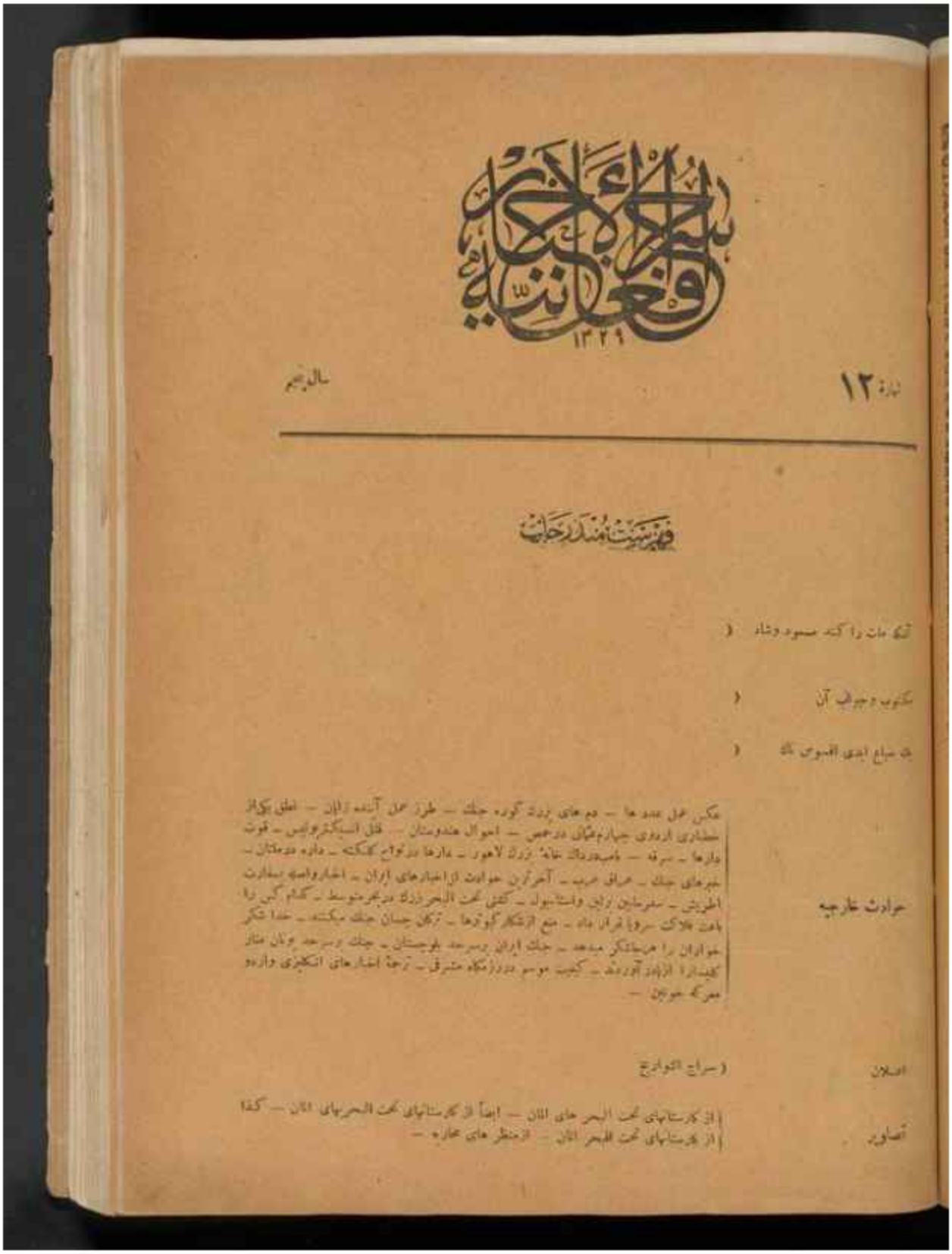

نمرهٔ ۱۲ سال دهم

فهرست مندرجات

ترک مات را کند مسعود دشاد ❨

شکوب و حریف آن ❨

یک سواع ابدی الصوص ❨

حوادث خارجه — عکس عمل عدد ها — دم های بریدهٔ گوره جنگ — طرز عمل آینده ژاپن — اعلی یکزار سفاری اردوی چهارم عثمانی درحمص — اموال هندوستان — قتل السیکترولیس — قوت دارها — سرقه — بانک دولت خانهٔ بزرگ لاهور — دارها در نواح کانکه — دارد دوملتان — خبرهای جنگ — عراق عرب — آخرترین حوادث از اخبارهای ایران — اخبار واصله بسفارت اطریش — سفرسابق ژاپن وقسطنطنیه — کشتی تحت البحر بزرگ دربحرمتوسط — کشتی را باعث هلاکت سرویا قرار داد — منع از شکار گوترها — ترکان چسان جنگ میکنند — خدا شکر خواران را میشناسد مبدهد — جنگ ایران وسرحد بلوچستان — جنگ وسرحد وزیرستان — کیفیت از ژاپن آوردند — کیفیت موسم دور از نگاه مشرق — ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی دارد و معرکهٔ حوزین —

اعلان ❨سراج التواریخ

تصاویر — از کارستانهای تحت البحر های المان — ایضاً از کارستانهای تحت البحرهای المان — کذا از کارستانهای تحت البحر المان — ازمنظر های محاربه —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1536 of 1786

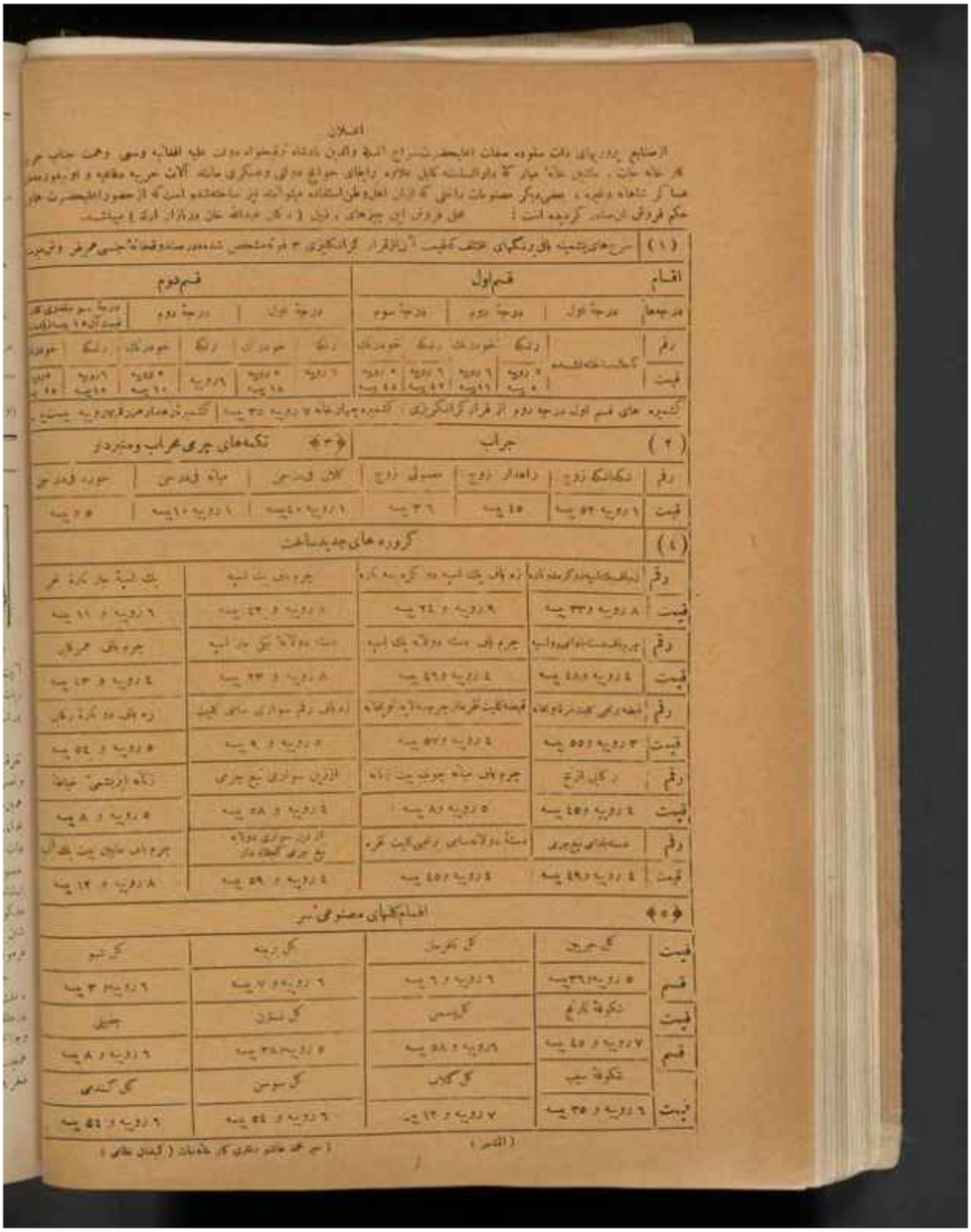

اعلان

اصناع زردوزیای دات مفوده معلمان اعلیحضرت شاهنشاه ارواحنا فداه واکنون بادشاه زنجبوار دولت علیه افغانیه وسبی وهبت جناب عزیز
کار خانه جات ، ماشین خانه میار کا دولتمانه کابل علاوه براعلای جواهع دولتی ومشتری خانه آلات حربیه مقاومه و اوزیوزیتو
هما کر شاهانه وغیره ، بصیرویکر مصنوعات داخلی که از ان اعلیحضرت ظل الله پر ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت عزیز
حکم فروش ان صادر گردیده است : علی فروش این چیزهای ، ذیل (در کار خانه جات دولتی ارزان ارزی) میباشد .

(۱) سرخ های رشیمه بافی رنگهای مختلف کمپلیت آزمایشی گرانکلیزی ۳ نمره مخصص شده دور صاده قطعه جنسی عرض وقیمت

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجه اول	درجه دوم	درجه سوم	درجه اول	درجه دوم	درجه سوم مشتری کار خانه آن ۱۰ پیسه زیاد است
رقم	کمپلیت خانه الفسم	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ
قیمت	۰ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۵۲ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۵۵ پیسه

کنیزه های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکلیزی کنیزه چهار خانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کنیزه شش خانه هزار قرروپیه بیست

(۲) جراب

رقم	تکمه‌های چرمی جراب ومنزدر				
	تکمه‌ای زوج	دانه‌دار زوج	مصنوعی زوج	کلان قدرمن	میانه قدرمن	خورد قدرمن
قیمت	۱ روپیه ۶۲ پیسه	۱۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵ پیسه

(۳) گروره های جدید ساخت

رقم	زه بافی یک لایه دو گروره یک کاره	چرم بافی یک لایه	یک لایهٔ چار کاره غیر
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۵ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم بافی دست دوزه یک لایه	چرم بافی دست دوزه یک لایه	دست دوزهٔ یکی چار لایه	چرم بافی غیر بافی
قیمت	۴ روپیه ۸۵ پیسه	۴ روپیه ۶۵ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قیمت کلیت نظر مار چرم دوزه قرقاله	قیمت کلیت نظر مار چرم دوزه قرقاله	زه بافی رقم سواری ساقی کلیه	زه بافی دو گروره زنگار
قیمت	۳ روپیه ۵۵ پیسه	۴ روپیه ۶۷ پیسه	۶ روپیه و ۹ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	ز کلی الزرع	چرم بافی ساده چوب پیت زاده	الزرین سواری تیغ چرمی	زکه ارتشی ساده
قیمت	۴ روپیه ۵۵ پیسه	۵ روپیه ۸۶ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دست بافی تیغ چرمی	دست دوزه سیاهی رنگین کلیت گروره	از زین سواری دوزه تیغ چرمی گلبتن دار	چرم بافی ساده پیت یک آن
قیمت	۴ روپیه ۵۹ پیسه	۴ روپیه ۵۵۲ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۴) اقسام کلهای مصنوعی نمبر

قیمت	گل چرخی	گل نکرمل	گل زرینه	گل تیو
قسم	۵ روپیه ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قیمت	نکوفهٔ کارنیم	گیوسن	گل نسترن	چنبیلی
قسم	۷ روپیه و ۵۶ پیسه	۸ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۲۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قیمت	نکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۶ پیسه	۶ روپیه و ۵۶ پیسه

(الشر)

از محمد عالم دفتری کار خانجات (گلبهار خانگی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1537 of 1786

نمرهٔ (۱) سال پنجم شمارهٔ (۱۲)

بهبهان سیاسی الثانی

مدیر و مسئول محمود طبرزی

اداره خانه و مطبعه

عام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳٤ تاریخ انگلیزی ۱۱ فروری فیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۲۸ دلو ۱۲۹٤

در نمرهٔ گذشته حوادث جزایم در دنبال بار ، و بیانات حکمت آن بیانات قدیمت صفت تشویق علویت آنکه مهاجر کردار خود سازی بر قانی تعالیف اخبار قوه جویم ، و در این نمرهٔ خود خواستیم گفتگوی در توضیح همین آن کلمات سیر اسر حکمت ، و چگونگی سعادت کوشش ورزیم ؛

چون قسم اعظم خلق هراول را او ساف اتفاق و اتحاد ، و زمانیم فرقه و اختلاف باهمی ، دولت و ملت ، تشکیل داده بود ، و توضیح اندرج جدید بیان مقصد مهم ، و جزو متوسط فرحتار خود از آروسایر در مقصود را نصب العین ساخته ، مجزخود ، قرار دادیم ، و عقاد مضمون غایت متحون مندرج ذیل را که بنا بر ربط موقع ، و مناسبت حال ، دلت الطبیعت بر نداده ، مکارر و حصالیا در خصوص روابط و مناسبات خصوصی ، دولت و ملت ، و حسب مقال ایراد و تذکار فرمودند هر کر تکرار و تأکید استدلال امین نبوده شرح و تفصیل آن را واگذاشتیم ، و بات حکوی صدات اعلیحضرت همایون در اثنای سلسلهٔ خلق مبارک اتحاد ملی ، و اتحاد دولت و ملت ، و تعلقات هردو را بدجمع لشتیم ، و تحلیل فرمودند :- [چون دولت و ملت آنکشتری] !

حقیقتاً که در تحت این مثل جزء مناسب و تحلیل افاده است . بلی ! ملت و دولت ، هردو در محیط عبارهٔ شخصیهٔ وطن بمثابهٔ دو نگینی که در حلقهٔ یک آنکشتری نصب و تعبیه شده باشند روی افراد و طایف موجود و جوانه تدین ماهیت و حیثیت آنکشتری را کراقدر و نگین میسازد همچنان وجود ملت کوه ، و دولت کوه ، در داخل حدود وطن باعث عمر و تکین آن ، زمین فیوسات ، کین میشود ، و چنانچه قدر و قیمت و رتبه و زینت آنکشتری بنگین است ، در مقابل آن وطن نیز موجود سعادت آمود ، دولت وطن ، از هر گونه میامن و برکات باواع کرم و لطیفی مظهر و رنگین است ، دولت و ملت ، جانها بهت زرگی و اهمیت و قدر و قیمت وطن خیال و تخمین ننمودند بلکه اگر نظر تحقیق دیده تدقیق بنمودند ، ثبات و حیات حقیقی وطن سراسر بوجود ، دولت و ملت ، موقوف و منحصر است ، و در صورتی که وطن مالک این دو جوهر عزیز نباشد هرآینه زوال اطلاق لفظ ، وطن ، را نتوان کرد ، زیرا مفهوم اصلی و حقیقت معنوی کلمهٔ مقدسهٔ ، وطن ، عبارت است از یک قطعهٔ وسیعهٔ محدود ، و یک قطعهٔ ثابتهٔ محفوظ احدود محفظه یک جمعیت بزرگ افراد بشر ، که در تحت کوه یک دین و دولت واحد حکم یک پادشاه و یک قانون حرکت کنند مصئون و مسکون باشد ، پس هر قطعهٔ که از این اوصاف باری و این شروط وقیود آزاد و خالی باشد آرایمم ، وطن ، موسوم نتوان ساخت ! بنا علیه میتوان گفت که وجود ، دولت و ملت ، در جسم وطن بمثابهٔ روح سایر و دار کرده آرا ملک حیات حقیقی و صاحب حرارت غریزی ساخته خواسته است ، و اگر این دو جوهر گرانبهای حیات آفرین وطن موجود نباشند آرا در اصطلاح اطبا یک جسم بیجان ، یک تن ناتوان یک هیکل بی روح و روان تعریف و توصیف یاد کرده و یا عنادر فن جغرافیا آرا یک دشت بی پناه ، و یک صحرای بی گیاه ، و بلکه دادی بی مرام تسمیه و تعبیر میاندوده ، و چون ، دولت و ملت ، ، وطن ، دو رفیق لازم و توأمی هستند از اینرو اگر این هردو جوهر عزیز را کمادهٔ حیات و بقای وطن میدانسته نتوان یکدیگر تفریق و تجزیه هیچگاه کاری نباید و حال از قوانین بگزیده خواهیم بود ، چنانچه ، ملت ، عبارت از این هیئت عظیم مجتمع افراد بشریه است که در یک موقع محدود و محل مخصوص که عبارت از وطن است اقامت و عرض اندام نموده باشد ، و هان سرزمین مخصوص آنچنان سعادت مکان مولد و مسکن ، و مأمن و منفی تحیل او بوده ، مادهٔ تولید و تخلیق وی که عبارت از گوشت و پوست و استخوان باشد از اطراف آب و هوا و محصولات و مأکولات مزروعی آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1538 of 1786

حالهٔ یك تربیه و آماده شده باشد . هر چند در ان خطهٔ شرقه اقوام وعناصر مختلفه آن باشند . فکر یکی که همهٔ آنهارا بیك اسم یاد نماید . سرزمین محدود قدم از عرصهٔ عدم بعرصهٔ وجود نهاده . رهمه طوایف و قبایل مختلف آن اطلاق « ملت واحده » کرده میشود ! وه دولت « مقصد از یك هیئت حاکمهٔ عظیم القدر جلیل الرتبهٔ است که از تمامی خود ملت غرض سر انجام دادن یکی امور لازمهٔ مهمهٔ شأن نظم وادارهٔ وطن وغیره مقرر یك آمر وحجتیرك مطیع قبول شده باشند که جمیع افرادملت من حیث المجموع تابع ومطیع قواعد واصول محوضوعه وی باشند !

این سه کلمه مقدسات « دولت ، ملت ، وطن » بیکدیگر وسایط وروابط جسیمه ، ومناسبات عظیمهٔ تامهم دارند که بصورت یك « مثلث » میرسانند که وطن بمنزلهٔ یك والدهٔ شفقت شعار ، ودولت بمرتبهٔ یك والد بزرگوار ، وملت بثابهٔ یك فرزند رشید حراز این « مثلث محترم واین خاندان مقدس محترم است ، وهمه افرادش همین یکدیگر جو آرزو دارند که کمال عافیت ورفاهیت درموافقت ومواظفت همدیگر ازهست حیات حظ وافر گیرند ، واز وجود وبقای خود شان « مسرور ، وخیلی خوشنود و مذکور دیده میشوند ، وچنانچه حقوق که مادر را در حفظ عرض وناموس خود بفرزند وساند ثابت است ، همچنان اعانه دون فرزندان وطن که مراد از حفظ ناموس وشان وشرف معنوی آن باشد دولت وملت ملتزم است وبیاید که دراین وصیات آن از تجاوز وتعرض اغیار نامرعی درایشان باقی باشد . چونکه مخالفت ذلیله بدن وجان کوشنده ، وهمه وقت یکاهدد خطرشان قوت وملت وتوسیع وعظمت آن بود ، همواره بالاتفاق درحصول فواید و منفعت مالی آن ساعی وجاهد باشند ، وچون وطن کهان حافظت ومرحمت ملت ودولت رادر آغوش شفقت ولطافت خود جاداده است ، لزاوم عبادت دین حق وطن ازطرف هیئتهای معظمهٔ دولت وملت وجداناً وایماناً دین واجب الادا است ، وهمچنان « دولت ، ازملت حقوقی مزید است چنانکه پدر ازاولاد ، وملت را می باید کهمانند یك پدر اهل وساعی که همیشه خواهان خود مطیع وفرمانبردار باشد ، درهرحال بدولت تسلیم وتابع بوده ، وبادرای تحصیل رضای اولیای امور وحفظ وتأمین حاضر وهوا گرفته ، بالجمله اشارهٔ آن در سر انجام کردن امور بس مهم دشواری باهمدیگر جودیت خوبی تلقین واقتدار نموده ، وهی گونه مصائب ومصاعب شدیدرا که دران میان « دولت ، وبهبود « وطن ، مفسود باشد متحمل گردیده وجود گوارا سازد وافادیودن ان حقوق « دولت وطن ، ملت حقوق والقرن برکافهٔ افرادملت غرض ولازم الاداست . وعلی هذا القیاس « ملت ، رادولت بزرگ همچنان حقوقی موجوداست که اولاً دارا الزیدرامیدوتصور میتوان کرد یعنی دولت میباید که مانند پدر مشفق ومهربان درهر وقت وهنگام در استراحت ورفاهیت ، وترقی و ثروت مادی ومعنوی آن جهد بلیغ وسعی بیدریغ کار فرموده جان راه پرانی را بغرض تحصیل اسباب ترقی وتکمیل توانس فضایل اخلاق روبروی بکشاید که بتوسط آن بیلتسرعت غیر المحمول در اندك فرصت افکار واذهان عموم افراد آرایك صبای بیضای نورهدایت وفی منور وروشن گردانیده خودبخود طریق سعادت رفیق فلاح ومقصود واصلاح وبهبود خودرا بیابد ، ودولت متعهد و کفیل همهٔ چنین امور عظیمی است که برای « ملت ، از قبول عهده ومنعت باشند ، وانجاآوردن این شرایط وزمهٔ دولت یك وظیفهٔ مهمه ویك فریضهٔ لازماً واجب الاجرا است .

ایضاً مادر بنسبت فوق وجود « دولت ، وملت ووطن « خیلی بلند مربوط وبیکدیگر موظفند ، حتی اگر یکی از ایشان مفقود باشد باز دیگر وحواری دورفیق دیگر خود گردیده آنهارا بترکیب باخود وبوجود واز عرصهٔ حیات سراسر نفی ومطرود میسازد ، چنانچه یکی یأس وحسرت میبینم که عرصهٔ کنار نفی خود هیئت دولت را مالك نیست ودر ترجمه عبارت ویك کی یك هیئت حاکمه اجنبی باشد بصورت یکه یتیم که در تحت ظل عاطفت منزل پدر شفقت کستر هیچ تربیه ورعایه نشده باشد همواره زبون ومطلوم ، وعاجز وعجزون میباید ، وهمچنان مملکت آن از روح وانسجام غیر ، منسوخ وتمام حقوق تراقی وحریت خوبی از هیئت آن ساب ومسلوخ معلوم میشود ، وهمچنان وطن نیز از وجود آن دوجوهر عزیز که یکانه مادهٔ حیات آن از محروم گردیده همه آرزوهای سعادت وفرخنده گی را که آنها نهایت پرور ترفکر خود نیست ومعدوم ساخته تمام خرم واباد تمتره وسائر صاحب دولت اصلی خود نشسته وجودرا بکمال دست خود وتمام اقتدار و آزادی تکنیهٔ بقهٔ تطاول واعدی اغیار دیده باهمهٔ حسرت وتأسف بدترین وقاسیان حیات خود تسلیم روح میکند !

وچون سابقترین گفت کردیم که وجود وحقیقت وطن بدون « دولت وملت صورت پذیر نیست ، وباهذا آزادی وآقادی وپایداری واستقلال آرایش همین دو چیز قرار داده بودیم لهذا حالا میگوئیم که کلمهٔ « وطن ، بی هستی « دولت وملت » وجود ومعانی ندارد ، دولت بی ملت ، وملت بدون « دولت حقیقی رامالك نیست ، وهیچکدام افراد انسانیه وصورت جدا گانه کاری از پیش برده نمیتوانند ! « دولت وجود حیات « دولت » کلیه مبتوده « همهٔ قدرت و حیثیت وارزش واهمیت آن برثبات ملت منحصر است ، ودرطفیل آن « ملت » وجود دولت حائز حرمت وشرافت است ، واگر دولت نباشد ملت آن ! بشکل یك جمعیت خوار ذلیل واسیر وسفیل بشریت منصور است « دولت وملت » چنان که وجود شان بیکدیگر مربوط وجهان بهمدیگر متعلق است ، حاضر بمعاونت وموافقت همکنان نیز وبکمالاح دیده میشوند ، ودر صورتی که ملت ودولت باهم تخالف کرده در هر کار ملاحظهٔ حقوق همدیگر خودرا بجایه نیاورند پراساس حقیری گذاشته ورزند آواحسب اثر ام انجام خواهند داد ، ازرفق ووداد وصحت واتحاد کار کرده در حصول مناد ومرام نقطهٔ مراد کوشش کنند هیچگاه با کامیابی سر انجام نخواهند شد .

سبب ترقی ملل وامم حاذ اتفاق واتحاد دولت وملت بوده است ، هردولت وملتی را کهمتعلقاً در پیوستن طریق سعادت وفرخنده گی سای و کوشان یافتیم ، اخیراً بکمال حیرت مشاهده افتاده که سر حقوق الفاظ خودرا بمقتضای اوضاع عروج وافتخار ومنهای درونه واختلال ترقی وزیست داده اند ، ودر خلاف آنچه دولتی که بدهها تفرقه اخلاق را شعار ومسلك خودقرارداده آنرا الطیب کردن گرفته هر آینه دراندك مدت بانواع مصیبت ومذلت گرفتار آمده شیرازهٔ وحدت خودرا بیکبار شاخ وخیمهٔ نفاق وشقاق سراسر هم ساخته در پنجهٔ ذلت یك اسارت وهمکومیت ملتهای اجانب مبتلا مصاب ومشقت گوناگون چرخ وللمون مر نگون اقامتدار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1539 of 1786

بحضرت اعلی دولت وملت و افغان و متعلقاً در آغوش باصفای وطن مأوای خود و افغانستان و ودر پرسایهٔ ترقیات وپادشاه دیانت آگاه و عدالت پناه خود طابق آگاه دقایق نگاهی مانند ذات ستوده صفات شهریار تاجدار عدالت قرین اعلیحضرت و سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان حفظه الله تعالی بالحفظ والامان بکمال رفاهیت وآسودگی ، وتمام آسایش و بهروری بسر ازاوقات می نماید و حضرت خالق اکبر کار را هزار رحمت میکند که چنان یک پادشاه خیرخواه عادل ، وبیدار مغز دانا ، رحمدل وبذل ، وکریم ورحم دل برایشان عطاوم حمت فرموده و لحظهٔ از فکر و اندیشهٔ مسعود خیر وبهبود وطن وملت خود فارغ وغافل نیست ، واز آغاز جلوس میامن مأنوس شاهانه در تمام انوار عدل پرتو افگن ، وفتح ابواب بذل واحسان درراه تهیه اسباب ترقی و عمران کشور روح وروان وتاب وتوان وطن ومات است عطف توجه بهری همت جهانگیست بلو کاه فرموده در نوز وانواع وترقی واصلاح احوال حسب وطن عزیز خودشان کوشیده اند ، چنانچه مجموع آثار خیریت وبرکت ندلحصر این پادشاه جلیل القدر مانند شمس تابان برهمگان آشکار وتابان است ، وبچون ذات اعلیحضرت متبوع مقدس ما عموم افراد ملت شاهانه را از لحظهٔ نظر مرحم وعطف کریمانهٔ پدرانه تابع میدانند هم بسی که هیچ پدر عطوفت سرپرده نشده که به خیر وبرکت ، وزیان وضرر دور حود راضی باشد از اندرونان قدیمیت آیات وبول نیز طعماً راحت وآسایش وسعادت اولاد وطن وافراد ملت شاهانه را آرزو ومطلوب دارند ، وچون شجر پربار وبر اعلی باشد اثمار حلاوت باری بارش آرد وهم هیچگاه چنان یک باغبان نمود که وجود چنان درخت عالی بخی را بیکار گذاشته از ان استفاده نکند ، لهذا ذات معدلت صفات اعلیحضرت اشرف والا نیز گاهگاهان در سایه امن وطن فیوضات مکنن ، وثمرهای نونهالان گلستان سعادت تاریخ خویشان می یابانند ، ازان درخت بارکت نیز یک نهال با کمال موفقیت نشوئی آماده وکنده ودرحدائق طراوتناک وطن غرس نموده تربیهٔ آن ملت ودولت هردورا ربط وپیوند فرمودند تادر سایهٔ یک پرتو آفتاب حنان مأمون ومصئون باشند ! هرچند که هیئت عظام دولت زعیم و کفیل همهٔ امور مبرتر ملت است ودر انفاذ واجراء ارادهٔ وعزم خود باقتدار وصاحب اختیار است مگرباآن ذات پادشاه دانش ودین اعلیحضرت سراج الملة والدین از کمال فیوضفراست ، وعقل وکیاستی که ذات خلاق عظیم الشان به ایشان عطا و احسان فرموده قوم وملت شاهانهٔ شان را نیز در سراجاد دادن امور مهمهٔ ملکی در ظل مشورهٔ خود داخل وشامل ساخته از فکر آنها نیز استفادهٔ وافی خواسته که حقیقتاً این یک لطف بالمثال ، ویک مرحمت بیمثال ، ویکگنج جلال ذات پادشاه فرخنده کی آمال مکارم خصال باشد که خصوصاً برما ملت افغان از لحاظت خسروانه وم حمت پدرانه نهایت ارزانی داشته اند ، که هر گاه تنها قدر وعظمت همین واقعه را در حیاتانهٔ دماغ خود نقش وتصور کنیم هر آینه شخص خودرا در مقابل اینهمهٔ مراحم شاهانه خیلی ناچیز وحقیر خواهیم یافت ، این امتیاز خصوصیت طرازی که ذات سراز کلات پادشاهانه ملت خودش عطا فرموده اند در تاریخ اقوام مانو کتب اخلاق امم کمتر نظیر وعدیل را ملکست ، زیرا یک پادشاه بزرگ عظیم الشان جلیل القدری ملت خودرا

چنانقدر مهربانی فوق العادهٔ تمتاز وسرافراز گردانیدن وآنرا درقطع وفصل امور عطیهٔ ملکیهٔ خود شریک وسهیم ساختن نهایت دانشمندی وهوشیاری ودقت اندیشی وروشن خیالی آن تاجدار باقتدار یک دلیل ساطع ویک برهان لامع است ! درینواقعه ذات اعلیحضرت شهریار عدالت شعار علوت آثار مراهم گردار ماهیاً مسلک اجانب اخلاف حضای راشدین رضی الله تعالی عنهم اجمعین را تأیید وتعقیب فرموده اند که عموم ملت را بنظر مساوات ومواسات مینگرند وآنچه برای خود گوارا می فرمودند ازانهام دریغ نمیکردند ودرهمهٔ امور باهمدیگر مشورت وزیادت افکار مینمودند ، وامیرهم شوری بینهم ، وازان بوده که تنها درعرصهٔ شش ازعصر تقریباً درربع مسکون یعنی درسه براعظم زرناً وتیاناً آسیا وآفریقا واوروپا رحنهٔ فتوحات کشاده ازشرق تاغرب بنظام وانتظام اعلام وراپات ظفرآیات اسلام بلوح ونوح درآمدند

ملت ، افغان ، به هیچ زمان ازعهدهٔ شکرانهٔ هذه نعمات آنهای که بوجود ذیجود ترک بود مرحمت آمود این پادشاه دیندار فرخنده کی دکر معادت انوارها عطا واحسان فرموده وانوایم مکرانیکه بوالم عروالبال ، ودولت واجلال این پادشاه نکوئی آثارها کمال قدرو نیازازدرگاه خالق کار سازور جوینده وازاقصای وسؤال کنیم!

از دست وزبان که براید ؟ امضا
کزعهدهٔ شکرش بدر اید ؟

(محرر اداره عربالرحمن)

بعدالانتخاب

چون از ابتدای این جنك جهانسوز ، هرکس ازاخبار وآثار برای کردن معلومات از احوال جنك جانمی امور زده اند ، یعنی که استماع حوادث اخبارات را دارند براه راست ، وبعضی کسانی استماع نموده اند ازیار ورفیق خود حالات جنك را جویا میشوند ، این هیچیدام را از حصل قدر سخن در هدومتان بوق بخواندن اخبارات هندی وغاریبی دست داده بود که باحال بهمان بوق گرفتارم اما درینوقت از مطالعهٔ یک قطعهٔ کتبچهٔ (۷) عین سال (۵) اخبار وطنیهٔ میدار که خود در زیر عنوان (عشقهای وطن و ملت) مطالعه کردم یک مشکل لا یحل ویک نکتهٔ مرموز لاینحل از خاطرم زایل وازد خاطرم گردیده میخواستم که آثاری آن ادیب سخن فهم بنویسم وانطباع اظهار کرده باشند تاکنون که ۱ کرتحلیل شده درحل این مشکلها داد فرمایند و آن این است که این سخن را خود این عاجز در هیچ اخبار نخواندهام که یک نفر از ملازمان دولت برطانیه را دولت روس بپذیرد تواند وپول از خود کرده باشد ، وتاآنکه دولت برطانیه با وجود یک هدم سیاسی مراعد گفته میشود بازهم ندیده ام که یکی از دولت متبوعه دولت روس را وباخورد ترین دولت اروپ را بپول ازدولت متبوعه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1540 of 1786

فاش و گریبان گرفته خواهد شد . گفت دولت باهیت این کفالتها و آلات عجم‌العقول و سیاستهای عجب‌الاصول خود حالی رانخواهد جوان ساخته بازهم شنیده نشد که یک آدم دولتی بتعلیم و یا تعریه را پیوش از خود ساخته باشد .

حال آنکه بارها دیده و شنیده شده است که کارداران فلان دولت اسلامی برانداخته و بجای خود گردنکشان و وجدان خودرا آزادی تمام ملت را برای نفس شوم خود زنجیر واسیر کرده اند . از اینهم بدتر که در دولتهای نصارا با وجود یکنوع دین و مذهب بازهم این کار اجرا نشده است . و در اسلام با وجود حمایت صوری و معنوی ، و با کیدات قرآن خاتم‌الپیغمبران و احادیث بشمار حضرت سیدالکائنات محمد مصطفی صلی‌الله علیه وسلم در اجتناب ازین کار ناهنجار و رجحز از این فعل شنیع زشت و بار بازهم با کمال جسارت و تمام جرأت زبان اقدام وزیده اند .

این است کیفیت این دردیکه بیچاره ما ، از چنگال نامرحمی دارها یکتو ، فی‌الحال بانظار عاطر میرسد که آیا از راه چاره میتوان تهذیب شده گفته میشود ، و اگر درمانیست آیا بعمل کدام دوا و توان گری شان نیز بجان درجه گفته میشود که این چنین علت ابدی را از ایمان خود کوتاه بتوانیم . تا چرن ازین مشکل لاینحل در گرداب حیرت فرورفته ناچار شدم کیفیات رادر ادارهٔ خودم جمع کرده حل اینمسئله را طالب علم و هم آرزو داشته که رای استشارهٔ عرضی این سوال و جواب ساده صورت علمی درج صفحات جراید گردد . والحاصل تحت نظارت الغیر که انشاء حقیقی خواهد فرط خرج فی ۲۰ صفر سنه ۱۳۳٤ امضا عبدالرحمن الکتبی

الجواب

بعد الالقاب

تحریرات حکمت ، وبیانات عبرت آن زیر کوار مدتها گذار این ناقص گفتار شده ، باوجود ضعف وناتوانی که سبب بیماری روحیه بلکه احتراز اداء مسئول میباشد ، بدرجه تمکن در حل مسئلهٔ و مشکل لاینحل) قرطاس را بکی از وظایف مهمهٔ انسانیت تصور ده فی قدر الاستطاعه ، وجه اختصار بعرض رای اناب مبادرت میورزم :

مسئله را میباید که از سه نقطهٔ نظر تطلب وتحاکیم نمائیم . اولا از نقطهٔ نظر (دین واخلاق) ، ثانیاً از نقطهٔ نظر (تربیه ووجدان) ثالثاً از نقطهٔ (غیرت وناموس) .

لهذا ارکان جرأت بدانسته شود که عامل این فعل شنیع که بدول کرهٔ بلکه دول یکباره گردد موجب ضرر وخیانت دولت وملت وطن خود خود آنچنان اعتبارات دین واخلاق ، وتربیه ووجدان وغیرت وناموس مردانه مجرده وی چیره باید بیطالت کلیتین خصوص هیچ مشکلات نیست . وهر صاحب غیرت کمیک فکر علی وذرایترا مالکیانه فی‌الحال ریزبین و تشکر وجدان امر بدون تاخیر درک حکم میکند .

اما مسئلهٔ (مشکل لاینحل) را درینجا پیدا می کند که آیان اشیاع اعمال چرا در مسلمانان موجود ، ودر اروپیان مفقود است این است که سام باید ازینجا حل این مشکل وقد فیصلات

خود را از نقطهٔ سکاه فوق عریان داشته بگوئیم که آیا شما را از این یک عمل شنیع بحر (دین و اخلاق) ، بحر (تربیه ووجدان) ، و (غیرت وناموس) کدام چیزست که منع کرده بتواند ؟ چون نمی چنین یافته ، بازاین سوال واداره میشود که آیا چسان حاکم کرده میتوانست که این چیزها در اسلامیت مفقود ، ودر نصرانیت موجود باشد ؟ حتما تم خلنا که این چیزهای حکمی تحیات وعاطفت عمیقهٔ در افراد مسلمانان کمتر کرده بتواند ، اخلاق حسنه ، تربیهٔ روحیه ، ووجدان سلیم ، غیرت وناموس مستقیم از احزای مقدسهٔ مقدس اسلام است کهیروان این دین متکفل وعهده دار وظیفه دار واست . این سودا گری ملعونهٔ ملعونه که موسوم بعلت ناشناسی عبارت ازدین فروشی" مطلق تصور شده میشود که تاحر آرایهیچ زمان بصور اسلامیت خارج پاید نداشت ، وچون دین فروشته ، هیچ چیز نیست که مسلمانان آرا از پلیدها تا آن سودا کرده خواهد بود .

زیر کوارا ، احتمال ناقص این عقیم چنان میرسد که سبب‌های این سودا گری ملعونهٔ منحوزه این چیزها شده است :

اولا ـ دور ماندن از قرآن ، کتاب ، داخل شدن خرافات ، ثانیاً ـ نقصان اخلاق وتربیه ، زاهدی ، تصور رهبان" حقیقی" ، غیرت وناموس .

قرآن کریم وفرقان حکیم که هادی صراط المستقیم ومعیار موزون وسلیم است بسیار خوانده نمیشود ، ویعنی" آن از نظر جانب گذشته میشود ، وچنان پنداشته میشود که این کتاب مستطاب بلاغوان ومعانیست که برای اصلاح و افلاح ابدی" جهانیان" آمده ، کاه‌ها و ترقی روان یافته است ، ویک منبع اعجاب معرفت ومعاملاتست که دوران زمین و آسمان ، موافق ومطابق هر عصر وهر زمان آن هر گونه مطالب ومقاصدی که برای مرجوع چیزها وسعادت های بشر آن کرده میشود ناقص گویا الفاظ جمیع ، به غیرها آن برداخته شده است ، حتی هر از تفاسیر شریفهٔ که حضرات ماضیه رحمهم الله مطابق عصر وزمان خودشان کرده گذاشته ، کم مقصر گردد ام خواننده ، حتی در دوره‌ی بیست قرون آیات کریمه در مخالفت ، بار بر چار تصور میشود است که آن رهبا و هادی" ماضر کوته‌های ضلالتهای ما بوده ، بعد ما عقیده که ما لدنی نسیان مانده است ، واز جهة غیرت و تعصب دین فرقها و مزارها ، روح هر یک تقسیم و توزیع داده شود .

هر گاه در غیرت (داخل شدن خرافات بدین) سعی زاید چیزهائی را خواهیم خورد که حضرت پیغمبر ، از حضرت تحیات خواهیم شد ، دین ملعون اسلام در ابتدای ظهورش بلاشبهه ومستقیم بطور وحدانی بود که حضرات اصحاب کرام وتابعین بآن شهرها شرق وغرب وشرق وغرب را بانوار هدایت وعلم آباد نمودند ، افسوس است کارکنه رکنه دران شهرها خرابها وتشتها ، گوهالهای عجیب وغریب پیدا کرده میشود خرفعها واختلافها وافتراقها وارا کند کی کرده ، وشیرازه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1541 of 1786

... کوره راههای خادمت اندوه خرافات آگودی شاخ شاخ وجدا ... کرده.

ای بزرگوار! این مبحث خیلی عمیق ودقیق است ویک صفحه ... صفحه سخن تمام نمیشود، بلکه یک کار مقدس تکاپوی لازم ... آید، درایران، درمخالف تر کیه، درهندومصر ودرهمه جای عزیز جودما ... کرجستجوشود، آنقدر کتاب های خرافات آگود کاوشهای موضوع ... بطرفدار بزرگراه ایمانی دین روشن میباشد دیده میشود که نسبت بآنها ... کتابهای معلمی که از حقایق نظریات عقاید وحکمیات فلسفه وسیاسیه دینیه ... خبر ویان میباشد خیلی کوتاه میباشد، تنها کتابهائی بلکه بعضی ... رشادهای جاهل و گمراهی دیده میشود که در بازارهای کوچه ها ایستاده

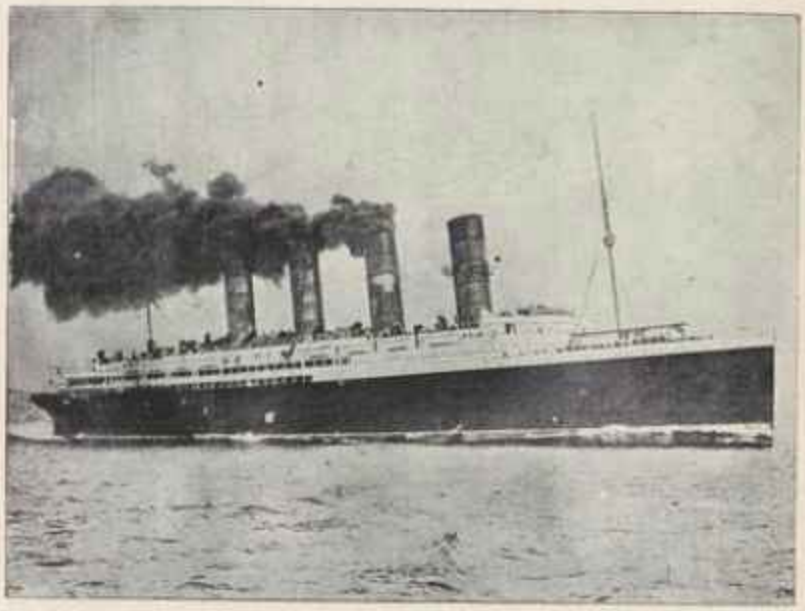

از کارستانهای تحت البحر های آلمان

(لوزیتانیا) نام کشتی غولپیکر انگلیس که در بزرگی وجسامت واتظام وسرعت از بهترین ومنظمترین سفاین دنیا شمرده میشد وبضرب تارپیدوی تحت البحر آلمان دربحر محیط اطلس غرقاب خلفات شد است

برای گدائی بعضی چنان زهرهای دردناکهای اعصابی بکار میبرند که چنان آدم واقف حقیقت را بازار بکره می آورد. خودان حقیر شاهد درهمین بازار ده افغانان خودما می گذشتم دیدم که مردم بسیاری جمع آمده اند وهمگنان بیک استغراق هدکوش کرده زهرات وخرافات یک شخص کنی کول بدوش سفید پوش بلند آوازی را بگوش من میشنیدند. حتی دکاندار ها هم دست از کار وبار باز داشته بصورت مرتفعه بآن زهر فروش گوش داده بودند. یک قدری درنگ کرده گوش نهادم. هیچقدر شنیدم که می گفت: ـ و یک شق بود که می وجاهل نفس معصوم را کوفته بود... نمیدانم ـ که درپیش آنها ملا رفته پرسیده که من بی وبه قتل کردنم آیا بخشیده خواهند؟ او گفت که اگر چهل قتل یکی هم بخشیده میشوی. وآن شق بیع را گفته آن ملا بشیخ را هم گفت که چهل چوبه شود ویک تحمی اورا خواهید که درجنت نعیم مقیم است....

انصاف فرمائید که این چه قدم خرافات است! معلوم علت شیا ست که درهمه جاعوام جاهل تحت خواص فاضل بیشتر است چون انچنین خرافات بفهم شود وکتابهای اینگونه موضوعها وخرافاتها هرگز بدست تداول گردد حال یکجا منجر خواهد شد! مثلا کتابهای که بگوید اگر هزارها معاصی را مرتکب شوی، ودرگفت قتل درفلان وقت شب بگوائی، یفلان ورد دعارا لقد بار بگوائی غیر ازانکه جنت نعیم خدمت شوی، چنان حوری را نایل میشوی که سرش درشرق وپایش درغرب باشد!... وقس علی الوائی. پس چون یکبار انچنین یک فکری در دماغ عوام کردرامردهان دور گفت قتل جاهل در دودیقه آسان جرأت دون پروائی برهرگونه قباح ورذایل مرتکب شدن بسیار آسان میباید. وچون آن دور گفت قتل بآن ورد ودعا هذا کتابهای غلو شدنی باشد آیارای پنج وقت فریضه راجا آوردن، وروزه رمضان را گرفتن ودیگر احکام شرعیه را بجا جاء میاد. والحاصل این یک مشتی از خروار واقوعه از بسیار است که عرض شد. وگرنه هزارها ازین گونه خرافات حتی هزارها احادیث موضوعه نیز در الحسوس ها ساخته شده است که داخل شدن اینگونه خرافات دین مقدس اسلام، افکار عامه را چنان زهرناک گردانیده که از کفر و بیان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1542 of 1786

از کارستانهای تحت‌البحر های المان

منظره‌ئیست داخل گنبد فوزیتهای انگلیز که بدریا پیدوی تحت البحر المان غرق شده است

قوه غیرت را تبدار سیاه‌داری و هم چشمی و رقابت تصور . و گاه مقدس ناموس را که شیر جرئیل امینش باد خواند تبدار بتهمت آن متهم میسازند که آن هم عبارت از عرض زنان میباشد . حال آنکه درجهٔ اعلای غیرت و ناموس آنست که انسان غیرت‌دیده و ناموس وطنیهٔ خود را محافظه کند - کیکه دین ، دولت ملت ، وطن حدودرا بدوات مهاجم و دشمن این مقدسات سودا کند و رومانت مالاکه گ‌این مقدسات مینگ گرده آیا آنجان دل‌های پست فطرت را جسان صاحب دین

تربیه ، اخلاق ، وجدان ، غیرت ، ناموس گفته خواهیم توانست حالا بر جان مسئله رجعت کرده این را تحقیق کنیم که آ اوروپا چرا انجنین بیع وذ ای فروختن دولت حال وطن عمار دشمن وقوع می آید ؟ بیش از همه چیز در خصوص سخن یک فیلسو اسلامی را بمقابل یکی از مصر اسیان که دلو مباحثه میکرد بیان که گفت که تبارهی مصر اسیان - هرا مصر که اروپن خودرا جمله بهمان نسبت ترقی کرده غالب و مظفر شده . رفید ، و مصریان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1543 of 1786

نیست که از زبان خود دو کرده خاتمه بدی کرده مطلوب بخود نداده رفتم ـ حقیقت هم همین است ـ وقتیان بود که اورپا مرکز فیلسوفان بشمار آمده بود ، باو مباهات داشته گرمابرو خشک بود یکی را از شاه و گدا که اینها (آمدرو) یعنی مطرود و مردود شمرده میشدند که گویا از عالم انسانیت اخراج میشدند . درآنوقتها اروپا در ظلمات جهالت و ظلمت و همای تیره و تاری چنان بوده تنها بلکه بیوتیراهای بلکه صدها فرق تا کوازیها درمیان شان سرزده بوده چنانچه ـ اما رفته رفته حکمت ، فلسفه ، فن ، طبیعت ها کشف شده و همانقدر که حکمت و طبیعت ها کشف رفت ها گیت کلیساها مضمحل گردیده رفت ـ و چون حبوض از اجزای متممهٔ طبیعیهٔ بشریه میباشد ، حیات بوطن و ملت و دولت سرایت خلاف حکمت و طبیعت سرزده مفقود گردیده رفت ـ

بمثابه چنان گفته میشود که اورپا در جهٔ اکثریت را احراز نموده : ترقی ـ دراورپا چیزهائی منافی خلاف طبیعت چیزهائی مخالف میشود گاهی را حیران میسازد ـ خلاصه همینقدر عرض میشود که گرویدن بدین بهود دشمن برای حیات بدین ودولت وملت وطن مان طبیعت ومعیار انسانیت یک عجایبست کدر هر جا بود هر قوم ودر زمانی که وجود پیدا میشود موجب لعنت وعبرت میشود ـ اورپا را هم بر این عمل شنیع خالی نمیدانیم ـ چندسال پیش ازین مسألهٔ (دریفوس) ، وستر (عولین) که فروختن نقشه های استحکامات مرکز فرانس را بجرمن متهم شده بود هنوز از خاطرها فراموش نشده ـ و اطاعل اینچنین اشخاص را (غلط طبیعت) یک مخلوق مشکوک ، خیلی مالیه از هیئت اجتماعیهٔ بشریه و حقوق مدنیهٔ علیه مطرود دانستن باید دانست ـ این است گناه وجود پرمثال ذهن ، و اختلال که بهیچقدر نیست افکار خطرناک را در جواب آن بزد کوا نطلب آراء خویش عرض نموده نتوانستم ، باقی را در گاه حق جل وعلی اصلاح نیتهم را نیاز و تضرع کرده ختم مقال مینمایم ـ

اگر چنان مرکبورت از روی شمار نامه هرباد درج شدن جدول بیاد بعضی از رسائل که باخبارها وارد گردیده بود آمد ، این شماره مدرج میشود

یک صباح اذی الصبوسناک

جناب حق و دیوان مطلق عمره وافیضات اعلیحضرت ممدوح الثالث والثانی ، پناه پادشاهان دوران مارا روز افزون فرماید ـ

یوم دوشنبه ۲۶ بیست و ششم ماه صفر سنهٔ ۱۳۳۴ هجری ، مطابق ۲۶ دوم جنوری سنهٔ ۱۹۱۶ عیسوی جناب مستطاب سردار نامدار افغانستان ، محمد یوسف خان ، ابن امیر کبیر جنت مکان اعلیحضرت امیر دوست محمد خان) طاب الله ثراه وجعل الجنة مثواه دامن اجلال را بزیارت کعبهٔ آمال مزین ، فال به کشن سرای جاودانی نمایند ـ رحمات علیه رحمة واسعة ـ

مرحوم مشار الیه درسنهٔ ۱۲۶۹ هجری کهواره برای عالم شهود آراسته گردیده حساب ۶۳ هفتاد و سه سال از عمر گرانمایه او در جریان برای فال بدر آورده توانسته اند ، لوزه عین فرزندی از فرزندان اعلیحضرت امیر کبیر بوده ، در وقت حاضر عین ذات خجسته صفات

مرحوم بوده که از معمرترین و محترمترین اولاد دکور اعلیحضرت امیر کبیر جنت مکان بیاد گار مانده بودند ، حقیقتاً ضیاع ابدی این ذات خجسته صفات مکرم یکی از اضاعات بسیار اسفا کی در خاندان جلیل الشان سلطنت سنیه منبوعهٔ ما تمرده میشود ـ

(سراج الاخبار افغانیه) مراسم تعزیت را اولا بذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه مراسم آگشاه معظم خویش کوارث حقیقی یگانه حاندان جلیل الشان سلطنت سنیه میباشند عرض و تقدیم نموده از پیشگاه حضرت شاهانهٔ شاه اورزمان عبودیت مینماید کما ینبغی افراد والاتبار خاندان شاهی و اولاد و اعقاب گرامی خود مرحوم مشار الیه بتقدیم مراسم تعزیت پرداخته بروح پرفتوح مرحوم فاتحهٔ تبریه را قرائت می کنند ـ

خواطر خارجیه

حکمی عمل عدد ها

اخبار صدای اسلام مینویسد :

این جنگ خونریز عالمگیر چیزهای عجیب وغریب نشان داد ـ مثلا از حساب هیچکاه حکم نمیتواند که دده هزار عدد فوق العاده ترقیات بدهد ـ زیرا هشت سده سابق وعالی است ـ عاد آنکه درین جنگ حکمی عمل این عددها بعمل آمد ـ سه دولت باهشت دولت جنگید و غالبا آمد ـ آلمان ، اوسترا ، عثمانی ـ بمقابل انگلیز ، فرانس ، روس ، ایتالیا ، ژاپن دولتهای بزرگ کرهٔ زمین یا دولتهای کوچک قوت شدید از دوسال دست و گریبان شده اند ـ نتیجه چنین شد که بلژیک ، صربیه ، مانتینگرو ـ سراسر از صفحهٔ خریطهٔ دنیا حک گردید ـ ژاپن بگرفتن بعضی بندرهای آسیای شرقی الصاق قناعت ورزیده از دیگر چاپیدن خودرا بالحاق یار کناره جوئی گزید ، دولت روس که یکه تازگاه و مغروریت تازه بود چنان مغلوب گردید که چند تمام ملته آلمان ۱۲ الکتی را دست جرمن داده و دربیوقت بجریک شلیک زدن بسمل وار دیگر کاری برایش نمانده ـ انگلیز و فرانس با قوت بحری و بری خود باوجودیکه کوششها نمودند و رهائی جسته ها بردند ولیکن بحران بی آبرو و سیاهی بشانهای گردن خودرا خریده از یارهٔ ذیل رجعت کردند که دائی زاد خود خدایداند !! در حالی که لشکر فرانس آلمانی های و اسمی را بخاک آورد و در خاک خود ، او خود را محکم ساخت ، و انگلیز تازه لشکری بفرانس ، بلکه از ترس جان خود ـ تمام قوت خودرا بفرانس همدست نموده ، وتکست وزحمت بلژیک مغلوبیدا نیز جمع کرده دوسال کاملست که بجان میکوشند که انها لشکر را یکقدمه پس برانند ، ولی [زمینهای شیرزمانی دهل] !! (لندن) ، (پاریس) که اعظم راجل ترین وقتهای میباشند حالا بروید به بینید که از آتشزنی غضب بومه های زمینها درچه ظلمت سوگواری پیچیده شده است ـ میگویند که قتال و جان زدن عام بشریت انگلیز است ، و بینید که برای بلند رفتن بحران خود چه دولتهای عالم در افغان خود نمود ، اگرچه رفیقانش حالا پای پس برده اند ولی چنان گیر آمده اند که خودرا خلاص کرده نمیتوانند ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1544 of 1786

کتاب : « بم » همای بزرگ کورهٔ جنگ

اورو صورت یک « کورهٔ » آهنگری عظیمی را کرده که برای آب و منبع ساحل بندر بم شعله فشانیست ! این کوره دو عدد (دم) بسیار بزرگ دارد که این کوره را در تازه ساختن و شعله ور ساختن شبانه‌روز مرتبی دوست ! یک (دم) آن دولتهای شرکت « ا ن ا (ژاپن) » میگویند ، دیگرش در صف دیگر کرهٔ زمین است کلا آ ا ه (اسکا) میباشد . این هر دو دم کند مینا خودرا کشیده بقدر ساختن آلات وادوات تازه استعمال میورزند ، و دمیدم وتازه تازه بر حربهٔ کهنهٔ خود و پایان کلمون آتشین همدیگر میدوزند تدریج میکنند وزرهای مرای ثارا در جیب کرده میروند ، ولی از این (دم) زدن کورهٔ جنگ هوا آنها وآبات خودشان است !!!

(طرز عمل آینده ژاپن)

بعنوان فوق در جریدهٔ « ژاپن میگزین » یک مضمون حکمت مشحون پروفسور مشهور « میاوکا » نشر وشایع شده است که در ذیل ما آنرا از همه مختصر بخود اختیار مواید آکرد ترجمه میکنیم :

در اثنای این محاربهٔ عالمگیر جزیرت ژاپن یک فروع ومدهشانی فوق العاده کسب خواهد نمود ، دولتهای اورپائی علی التناسب قریباً جلای ضعف وکذور خواهند شد ، هرچند که امریکا نیز از این جنگ صدمه مطیر خواهد برداشت ولی بهمه حال بدرجه دوم از ژاپن خواهد ماند ، هنوز کاملا بهمهٔ آن فوائد جزیی که این جنگ بعدت آمدن برای وی مخصوص وادوار آن صانحق کرده نایده است نرسیده ، واین قاعدهٔ مشاهده شده است که هرقدر یک ملتی ترقی می کند حاکمان یک قرنه بازدر چشمهای ملل دیگر بیک شدت بدرجات بی الاقوامی دیده میشود ، از اینرو ژاپن را بیدار وهوشیار بودن لازم است که هیچگاهی شکار حمایا ومهربانیای اقوام سریع حرکت سفید پوست نشود ، وبرای مقابلهٔ اینهمه نحس وعداوت آنچنان باید که خودرا خوکند وصاحب طاقت واقتدار بسازد چرا که در خلاف عرصهٔ زد وخورد آنش غیر وغضب بسیار زودی وتیزی مشتعل میشود وآن قوم باشیکه فی الحال بظاهر ژاپان دم از هوا خواهی ودوستی میزنند بزمانی آزمایش وغرت وحقارت را خواهند گذاشت علی الخصوص که مدار دشمنیای اوپ صروح وکلان ژاپن از جههٔ دوستان حاضر ژاپن یعنی زوجهٔ خاص خاطره دلدار وعرض شخصی خودشان مسئلهٔ دوستی را گرفته اند ژاپن دخیل وقول آنها اعتماد کردن نشاید ، وحالا در فهرست دشمنان وی نام « آلمان » هم داخل شده است دیگر که پس از اختتام جنگ اروپا دوباره علاقات وروابط دوستی قایم شوند ولی این قسم یکدوام مدتی خواهد داشت .

هرچند که از کار دانان وسیاست دانان ژاپن یک حقی وبهمین فکر متصدد که بعد جنگ ژاپن را نسبی که مانند آلمان یک قوه ومدافوکند وبلاشبه دشمن خود ساخته است هویت قدیمه ومنافع بدون نقص وخسارت دست خواهند داد ، مگر چون تدبر وهمت کار خودرا کرده است وچونکه واقعاتی بوده دلیلها صلا برای ژاپن طریقه بهتر و خوبتر آنست که قوت خودرا باقتضای مدارج کار عمده وقوی بدهد تا اگر مقابلهٔ غوغا قدرتی مال بوم اتفاق افتاد هر یک آن میک وچون جنگ بعضی مردم برین است که وزارت « گوست اف کوو » تأیید ترتیب قوا برده وغرده رامیکند نظر بهمین وی اصولات بین چنان معلوم میشود که آن اعضاء از تعیین کردن صورت مطالبات این باجر وخطر های نان از دیدن جوانب واقعات قاصر است و دل یک امری واقع میشود وشیجهٔ آن خراب وخسوایی میزاید بر این جهة غلطیکه دامنه دار پاهو بوعات واقع وبادی گردد وبایدا عرض آوازهای شدید نمی وضعی بلند میشود مانند که وزارت اسنی از عمل خود خودرا جدا ساخته بتواند وتوقوم از وطن کاملی نتواند از آنرو برای مان لازم است که ما ملات داخلی و وضع یک حرکت وزارت را باچنان باور کنانه تعقیب کنند که وزارت بر عهدهٔ مان یک مصیبت خوفی طاری نشود ، مدرن وقت « پیکن » وقت چون وضعی امور خارجی گشتگوی وسیاسه که مردان ارکانهای سیاست مانی غلطیهای صریح وشدیدی سر سلا نکه اگر مدت یک نکاه عقلی شان دقیقه رس بیر آن چنان سیوهای عظیم واقع نمیشدند ، عنصراً فی اطمان فرض وکارکنان سیاست که ماخودرا ژاپون وقت میدارم ، ولی از هیچ کس نمیترسد وبارا میاید که هر یک دشمن خودرا با تشبیهات قوی قوت وعظمت خود بدارم تقوهٔ دفاع وحمله مارا بدارهٔ تکمیل برسانم وبه اینصورت ثروت خطرا ماصون واحتفاظ میشود ، دهمهٔ دارو مدار آن بیداری قوای اراده که چنان قوت خود راجع و محافظه کرده میتواند ، پر کنترن ودمغی مادر خلقهٔ خودما است ، واگر ژاپن بهمه وقدار خودرا در مقرار و برقرار داره برای ادعان تقلید ورودی کردن لازم است ، وبارا میباید که طبیعت قوای هارا بکریم و تاریخ ودسیسی که چرخیا ازان کار کاریه کردیم .

واضح باد ! که اصول اساسی « هذا » این قوت وضع امر اعلیم است ، و بنیاد « هذا » ترتیب مرتوب وتنظیم خوش اسلوب و ترتوسیع مدارس وانتشار معارف موفوق وملیم است ، وتعلیم بدن جوش وحرارت معنوی پیدا کرده که خود خود علاقه مندان را بفداکاری روح وکار میدارد ودرحقایق آن احوال مانیست جوانی وحفاظت ساختن پهلوانی محمد کنیم ودرتحصیل جسم تمامیقوای معنویه وفکریه ازانکه شود های جسمانی را هم باید رسانیده ، وشیجه همین نوشی شانست که آنها در کارهای وجسمانی حرکت فوالعادهٔ مانند برق ودارا مالک میباشند ، و برای آنکه خود خودرا از بلاتی زا کت ولطافت وجدن وادراک اولین ترتیب انسانی است وازعلت مانند اقوام یک طرز خصوص مدارت دارند ، ژاپن اخبار ودوست کردن ازین علل های دوستی کرفتن لازم است ، جزئیات وسیع خود دارا چاره وفوائد سامانه های کتابهای جدیده وسایر مصروف وتهیات کشتند وهمین یک امر الاساس عمدهٔ این کل امروزی آنها است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1545 of 1786

حکومت آلمان بهرطریق ممکن در ترقی وتکثر آن کوشید وایشانرا برای گرفتن سایس یك کمیان عظیم الشانی حاضر نمود . جرمنی هارا در مدت بسیار کوتاهی توانست بحدی ثروت و فرهنگ دست یابد که مانند یك دولت سایس خودشانرا در راه فلاح و بهبود سلطنت خود معرف کند . و آنها در خصوص انتشار دادن این فتوحات و کشفیات علمیه بهر قسم حیل میباشند که آنرا بهیچ فردی از افراد عربی آموزانند تا بدان ملت و مملکت شان ازان فایده کرفته شود . برای طلبهٔ این کار در آلمان تعلیم داده شده که بعضی از شهرهای بزرگ عربی همچنان در درجهٔ اخفا و ستر یك صورت غیر متکشفی بمانده و جریان عمل و نظام و ترتیب قوهٔ خودرا بسادکی کذاشته و همین قوت سایس است که ایشانرا بار جوعطای ترقی دماغی و بیان بمملکت غیر مغلوب ساخته . ایشان تحتها بدرجهٔ صنعت حرفت بکمیان را بوسیلهٔ انکشافات کیمیوی در ماده انقلاب پیدا کرده و تحت رای خودشان بکمال موفقیت و مظفریت مقابل نموده اند . آنها بقدر بی و حسن لیاقت انتظام اعراض و اغراض مالی و صنعتی خودشانرا بدرجهٔ عظیم کرده در خصوص رسانیدن ساعان رسد و تقسیم نمودن آن وقل و حرکت قوس ثبوت عمل انتظامی خود هارا داده اند از کارهای آنها بخوبی معلوم میشود که آنها در اداره و انتظام یك مملکت غیر مغلوب بچه اصول رایدا کرده و باصول سیاست حاضره وجود اتحاد خود کردند ؛ میتوانند که این جنك را تا بکرمان نیز بی خبر و امتداد دهند . غرض اکر جرمنی فنا و نباه کردد دنیا افاقون و دیاه ساختن آن بآسانی دست خواهد داد . چرا که جاپونی بسیار سخت است و هم بسیار وقتهاوسطی خواهد رسید از اینجهت من عقیده یك کار و تجویزی نیست کهناهم خودرا بکشتن آلمان بازم وقوت بازوی خودمارا وقف حفظ داریم وجمیع امدادها و سایهای خارجی را خیرد کم . چونکه لازم کاه جنکی هارا از طرق لیتن بکذارد و یکدل و یك جان کردیده دوستی آنرا اختیار کنند . مارا لازمست که در هموطنان خودیك حس وجدیهٔ زحمت قومرا پیدا کنیم و آنرا بیاد کاچان آدمهای عادتهٔ کنیم که در دین و سیاست بقدور خود سعی یك طلب مسلمکو و مضبوطی نیز باشند . و بدون خلل کردن مصارف و مزاحمت بقوت خودرا ، تحت نظر خودرا لایق صاحب اسباب و افتدار بسازیم . و این چنین دولت را بیك جماعت میدان وسیع و مفوض بما نشین در دست چیست بلکه این یك فرض مهم مقدسیست که میباید ادا بدهد . جاپونرا این یك امن و صلح و رحمت یك جنك بزرکتر و موفقیت حاضر چون لازم است . ناظر می کنیم که بازهم قوت های درجهٔ اول میباشیم ولی مانند امریکا بعض دین و سیب اخراج میشویم که مقابل بعضت آنها نیستیم تا در جرایم عمل داشته و در یك جرایات صادات کرده میشود . و همین جاپونرا بقوت خودما رقیب و بلکه تصرف خودما است و بیکی یك دولت آزاد و مقتدر جپانا این قسم سلوك بعزت آمیز کرده میشود . اکر خدا نخواسته ازین چیز هاکدا یك چیز بسلب شود مارا در نظرها کدام جنت خواهد ماند و آیندهٔ ما چه حالا کنیم . منتظر خواهد شد . بهود همچند کمیك دولت قدیمیست میباشد ولی بازحالیان قوی و اخلاق آنها زانها یاد تعریف شدید کرده میشود . و حقیقتاً در سیاست کیودی استعداد عجیبی بکار مخارت و کراهیت دیده میشود . ابدا از بیهده سخن ها معلوم میشود که اکر خواهیم که خود راهبر اقوام شویم بسازیم بیاید که خودرا قوی و حاضر کرده باشیم . و در صورتیکه ما صاحب قوت باشیم درحالات آنها بلاتکلیف و مزاحمت کذارد . تاروپود و حرکت کرده خواهیم توانست . و بدون توسع دادن دفوحات عینا قوت خودرا عرضه میتواهیم و توسعه آنرا در دنیا قیام این وسکون بلزمست . و بیرق عظیمی احتشوده در سر تاسر دنیای عربان ساده کرده می توانیم . جان برادرم است که بهر قسمی که تشنکی داد باشد مکرر برقرار میشان عدل و انصاف ادعا کاری جرمن هر بیرق و صرفه نکند . و اورا نباید که بدون خونریزی جرمنی خلاص و کار آنان بیهوده و غلطی هارا بیابد .

اعلی یکی از خطبای اوردوی چهارم عثمانی در حین خطابه بعد از اظهار تفکرات کذشته از هروم حمص کفت

ای برادرانم : بکمال افتخار و سرفرازی در راه این آستانه میتوم وشها از سیب این وطن بسیار مهم و عظیم جوش مظاهرهٔ خودما که رشتهای زیر وطنی ساعدهٔ خداوند جلاله شاه احراز کرده اند تریکهای ثلثیهٔ خودرا تقدیم می کنم واین فتوحات عما کر اعلاء معلوم میشود که ابتدائه آوقت واوان رسیده که امداد واسترجع شرف وعهد قدیم خودمارا که از سالهای سالم آزادمنان وطن والتنیت ومدنیت آورا متصل بوده وحد زیادتشده است جاده امروز جرائدها و جریدها و رسالهای موقوعه و کذروی زمین نشر میشود از دشمنان ودوستان شهانهای مخصوص روکاوری و شجاعت دقت آمیز شما کر مظاهرشان حیرتها می کنند .

[چانکیك تحسین]

یکی ترمن پرسید که : ـ چه کاهی وقت آتش شعله ورجنك عالم سوز خاموش وساکن خواهد شد ؟ جواب او کفتم که آتش جنك خاموش نمیشود مکر صورتیکه ملل متخاصمین ساعتهای وساعات خداوندی تاامروز رسالت اول خودما صبر و ثبات رای متین وبرابیکه برای نصرت حق و تأیید دین جنك میکنیم نهایت الامر الله الجبین میباشیم تحلای دشمنان ما که میتوانند شاره اخیر سیب دوك دروازهٔ امید داخل کاشند که آنرا کردند وله بالاخره وقتی کشاشه که دعاهای تضرع و سیر وزان منکسرانه در راز کرده واسطه های رستکاریك رای معاونت وامداد خود شان بخشوند که اجرین سانها ظاهر میدارد که آن هدفهاریزها از اجتهادین صدر وانسانان دست وبجز سالت دشمنانشان دیکر چیزی نیست [چانکیك تحسین] .

از اعلان جنك دولت العلیه رسید غما کم خورید . بلکه باید بسیار مسرور شوید که آروقت در رسید که حساب کتاب خودما را پیدا کنیم این دولت عظام عالم که از قدیم و لایتم بارعایی کرده میسب الاسباب یکمال آسانی اورا درمیان در ورطه کاری کرفتار دیدم خود فرصت یافتم و اتفاقاً بقرب وقت عساکر های مظفرهٔ خودمانین داورا عبور داده میسازند . و روی زمین را از اجنبین دولت پاك کرده برای چند علاقی سریع [اندوار کرای] بزرکی میدان را معاونت مظهور و منکوب کردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1546 of 1786

در اینجا جناب خطیب محل موضوع رجعهٔ مصر بوده گفت: ایشان از صعوبت ومشکلات راههای مصر از طرف ریگستان خوب خبردارید که از زمانهای قدیم تا امروز شنیده نشد که کسی توانسته باشد کاملا عبور کرده مصر را ضبط نماید مراز دولتهای که یکی از اینها فرانسه قلمداد کرد [اسکندر کبیر] که بعد از حلات شدن وقت عسکرش از کرمی و گرسنه گی وتشنه گی مصر رسیده نتوانست . ودیگری قائم مقام [یزد سلطان سلیم] است که آن هم مصر رسید . بعد ازان که قسم اعظم عسکرش تلف شدند . اینکی بنای ذکر وفخر است که چندین بیشتر اول بار در مصر مظفرانه واسطهٔ تدابیر و کوشش عظیم حکومت کانال السویس رسیده وبعد وبک عرفان بین سپاهای که مدد کرده بودند اعلان نمودند

در حین رسیدن مقدمهٔ عسکر ما کنکتافیهٔ ما عنال السویس یعنی از افراد کمیوش وخرونش ملیت ووطنیت جانشان غوران احمد فوراً در حین رسید نشان خاک خودرا بپیراهن اسلحه ودعاز پاک انداخته جستند که خاک را عبور کنند وبه گومات وکیفیت راهزنان خودشانرا رسانند . آن انگلیزها بزارها گلها وهدیه اینهارا زود معلوم شده وحتی که بساحل مقابل رسیدند هدف عذاب مختلف الانواع وحشیانهٔ انگلیزی شدند .

یعنی زمانگان می گفتند که چون عظمتر ما برای فتح مصر رفتند مالانک این خط خاطر است بلکه مصر یک تملک اسلامیهٔ متوجهست و مردم قهرمان وفهرمان اسلامیه متعصب است لکن مادیجوانهای که برای تحفیر انگلیزها را ازان زمینهای مقدسه کنیم واز دست انگلیزها که حیات وآزادی واستقلال وحریت ما مسلمانان را تاراج وزیر نمودند رهما کنیم دگر چیزی نیست

لا فراموش کرده ایم تعریف لوئیس [فلاستون] وزیر سابق انگلیز راکه درحق مسلمانان انگلستان ارائه داده وقرآن کریم را بدست خویش گرفته وبطور مسخره گفت : [مادامیکه این کتاب درمیان موجود باشد امن وآرامی برای ما کنان روی زمین نیست] که این عبارت درانظار ما شخص بعض انگلیزها در حق اسلامیت قوی جلوه گر میسازد .

واه واه چه آزادگیانه وچه نظریات منورانه! افراموش کردی ای فلاستون که قرآن عظیم الشان باکیان یک وقت نازل شد که تا آنوقت در این روی هوا دنیا موجود بود . بیت وقت کی معجزات ظاهرهٔ همین قرآن دیدارا امن وآزادی حاصل شد ویک مدنیتی تاکیل نمود که بهیچ وجه مدنیت نیا انگلیس وفرانسویها که دزدی وخداع ودروغ وریا میست مشابهت ندارد !

آیا ای (گیجر) وواه ! وشیک علنا تصریح نمودی که تعالیم پیغمبر ما برای تمام کوب زمین وحیوانات را برای زیارت وشنا کنان دنیا باز نکرده تخواهم گذاشت ! آیا ای گیجر فراموش کردی کلمات آن اوکتاو مقدسه که صدها بیون غیور اسلام بفدا کردن جان ومال وروح واولاد خودشان برای محافظه آنها هنوز مظهره حاضر وآماده استاده اند !

لطف است از همین ادمی که نظرها ارائه کنند حالانکه از واقعها بیخبر هستند . چنان معلوم میشود که جزیره ها وقشونهای مو چپای انان ومنصور پیغای میوه ها گر مظاهره عالیان مادر دارد دنیال حس وعقل فوراً تصدیق کرده باشد ! ..

(الدال)

﴿ احوال هندوستان ﴾

(اختلالات پیاپی)

ترجمه از اخبارهای هندوستان

(فل انسیکلوپیدیا)

(کلکته)

کلکته ۱۲ جنوری :

امروز صبح ساعت ۱۰ در کالج سنترت کلکته قریب ماکس داکتر دفتر موجود آن کاشناس سانیتیکز (تاب الدر) فرع عمومی پولیس کلکته را که مدهوشون پیدا جارحی آمده است آماج گلوله کشته وبه ازین پیشتر او خورده ازسینه اش پرید . فکری سبب اطلاع را دیدند و مذکور علی الفور فوت شد . قاتلها از انجا فرار اختیار کوچها گرفته گریختند وبگه اشدند .

(قوت دارها)

« خطوط تلگراف تیز »

از کلکته : — خبر رسیده که در چند روز پیش خطوط تلگراف تیز یعنی التماس شموله رسیده باشد که از اندازه زدن عابرین تنبیه واطلاع بود . هر چند کارمان دارد در ان عابرها نیفتاده اند شمولین مذکوره سپاهی ها بطور محافظ وچوکیدار مقرر گردیدند .

برقه

(در بالکانه زرگ بیشی)

معلوم شده است که در ۳ جنوری در بالکانه زرگ بیش یک که بسیار سخروه مقبل ودر بالکانه حکم القائد چوب زده شده وبیش هزار روپیه کلدار از انجا برده شده است هزار معلوم نشده است .

لاهور

(در بالکانه زرگ لاهور)

در « جارچوست آفس » لاهور چوقت ده بجه روز هنگامیکه دکر دا کخانه بر کاغذها می مزدوران آنی مهیای از بک [یکی] باصدای مدهش رآمده دست خاصه مذکور زخمی شد . ظاهرا در انجا یک مسئله انگلیزیه موجود بود .

مارها

« در نواح کلکته »

(۱)

در « کوکوپور » ضلع « میمنسنگ » یکدن پشاورین [پشاوری] بالائیست داره زده باهل خانه بدستور که کرده قریب یک ونیم روپیه کلدار دهند چیزیکه اطلاع وداد . « بیم شدت هنگامی » مذکوره در راه بالای داره برخورده وفارمست آنها مذکوره خوب ات خورد . فکری داره کرخانند .

(۲)

در « شتیرپور » [کنارهٔ دکر در خانه پوت] زنی کوبرا اورا آخدر زدند که گرفت ! ... اما بعدم ! ... داره والها نشدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1547 of 1786

(۳)

در استانبول یکدانه دیگر در خانه یك متوطن مشهول آلمانها افتاده ملاحظه های فاحش داخل خانه رفته انجام هیچ کس گرفتار نشد .

« دارد »

« در ملتان »

زمستان خیر رسیده است که غلام حسین نامی در خانه خواب بود کیسای دروازه اورا از خواب بیدار ساخت . دروازه زننده گفت (غلام حسین) زود باش و اجناس که قیمت آنها به ۱۲ روپیه بالا میرسید باخود برد .

چوکیدار سر گرم تفتیش است !...

از کارستانهای بحر الجزایر های آلمان

(فوزیتانیا) چسان بگرداب نابود عدم چون مدفون ؟

اول فروری سنه ۱۹۱۶ خبر لندن ـ طبق اخبار دریاب معلوم داخلی انگلیس جهاز دال (آیو) نام انگریزی که از ممالك امریکه روانه انگلستان شده بود اعلان کرده شده ـ حال ازممالك امریکه خبر رسیده ۲۰ بار مد کور را یك جهاز جنگی قسم زیر آب دولت جرمن بعد غرق کردن هفت انگریز جهازات دیگر انگریزی فریب جزائر (کنیری) گرفتار کرده و ۱۳۸ نفر مسافران جهازات مغروق را هم بالای او سوار کرده بطرف (نار فوك) ممالك امریکه روانه چنانچه الزام جهاز مد کور در بندر گاه (نار فوك) رسیده انگرانداز کردید وبقسم ما سبق دولت جرمن بالای او نصب میباشد ودولت امریکه بطریق

خبرهای جنك

۱۷ ماه جنوری سنه ۱۹۱۶ ع صبا امستردم — درقسطنطنیه قسم سر کاری اعلان یافته که فوج ترکیداخل (کرمان شاه) کردیده مقام مد کور درسمت مغربی (همدان قریب سرحد ترکی واقع است ودر علاقهٔ همدان سپاه روسی بدوست محصور بودن سپاه جندرامدارانی را که زیر دست افسران سویدی وجرمنی می باشند توده اند و این سپاه ترکی عنقریب به کمینك شان خواهند رسید —

۲۹ جنوری خبرپترو گراد — ازمیدان جنك روس وجرمنی خبر رسیده که جرمن سپاه خودرا ازمحاذ (بکوینا) پس کرده در کدام سمت نامعلوم رده اند ومعلوم شده که دولت جرمن درانباب حرب سپاه خود بسیار زیادت کرده خصوصاً توپهای ماشین گن بعقدار بسیار میاکرده . دلك قسم توپهای بسیار زرد تجدید خطر دهن شان (۲۱) انچ میباشد درمحاذ مذکور آورده درروح هائی که ازفولاد وغیره ساخته میشود نصب می باید —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1548 of 1786

اداعه اند وکامل معلوم نشده که ۵۹ نفر هلاك و ۱۰۲ نفر مجروح شده اند وعلاوه از ویران بسیار عمارات رسمی یك گرجه و یك وسط کاه و دو کارخانه آب و سه کارخانه اسباب سازی و بعضی استیشن‌های ریل ویران گردیده —

۳فروری خبر پترو گراد — وزراء دولت روس از اثر مخالفت خراب تحت خود از عهده و زارت استطاعت نبود ۳ فروری جواب دادن — یك لشکر جهاز (فرانسوی) تا دولت برطانیه را یك جهاز هوائی قسم زپلین جرمنی بدرجهٔ هم آداری غرق نمود —

۴ ماه فروری جولیان — در علاقه سلانیك جهازات هوائی قسم زپلین جرمنی هر روزه هم آداری می نمایند که از اثر آن کرنطری موجی وملکی هلاك و زخمی شده اند اکنون خبر رسیده که یک حد سلانیك درین سپاه متحده و دولت بلغاریه جنگ خفیف پیش آمده تو بخانه بلغاریه برابر صدمهٔ موج طیاره دول متحده آتش باری نمود

از منظره های بمباره

سانبنل ها یعنی طوپهای آتشفشان الان عسکر روس را در ریکا دو میکنند

گردید — واز جهت ویران پارلمنت هم دو نفر مقتول بالجمله می باشد که شاید در بین آنش بر آمده خواهند بود بعد از مودن عمارت مذکور آتش بسیار عنیف طرح کرده شد گفته میشود که از آتش زدگی مذکور خاسر ده لك پوند گمساوی هیکزیم کرور روپیه گردیده وده دانه قصار رای دولت برطانیه رسید — حکام انجا بعضی خبری را در شبه آتش زدن عمارت مذکور گرفتار نموده اند

۴ فروری جولیان — یك لشکر جهاز (بیل گوفرانس) تا دولت برطانیه را آب دوزهای دشمن غرق نمودند —

۶ فروری جولیان — از (اوکلاند) خبر رسیده که یك کارخانه [illegible] (اوکلاند) و یك کارخانه اسباب

۲ ماه فروری سنه ۱۹۱۶ ع جولیان — امپراطور کوف شخص ایالیست که قبل ازین درباب اوضاع بلقان بوده در مقابل از قریب بیست هزار سپاه جمع کرده و عنقریب بطرفداری دول متحد در یك جنك خواهد شد — حال قسم در گاری اعلان نکرده که با موصوف را حکام دولت اطالیه گرفتار نموده بطرف ملك اطلی فرستاده اند و اکثر صرده های البانیه را دولت آسترا زور رویه وزن بطرفداری خود آماده کرده که اعلان در البانیه بخلاف دول متحده فتنه وفساد برپا نمایند —

۴ فروری جولیان — از (اوکلاند) واقع کناره مقابل ساحل بحر دولت برطانیه خبر رسیده که عمارت پارلمنت مقام مذکور که در عمارات محیرة العقول محسوب میشد در بین موقعه اعلان عمومی از تر گردن یك عدد بم آتش گرفته از سعی و کوشش انجن‌ها و دیگر آتش کل گردن فائدهٔ حاصل نشد و عمارت مذکور کاملا سوخته

عرب) از بغداد (هنیپار) واقع کناره مقیمه دولت برطانیه دولت برطانیه آتش زده اند —

وازیك پل ریل موصوله (و کنوره برج) را هدم حیث پراخته اند .

---

* عراق عرب *

مصایب ملحقه به انگلیز بسبب صدمه بت های زاله

۱۹ جنوری

مصایبهٔ غیبی نامه نگار رسمی انگلیز :

دربنده روز گذشته سخت باران وخلنك شدید بوده — گهاه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1549 of 1786

... موجی جریان ظاهرشده ، ماندهیدان فلیدرز اطلاعیه حضیت ... بزرگ موجوداست ، ولی ماهیگیرهای خوب‌خوب طبقه درجه‌یکم ... بندی گرفتارها میسر می‌شود ، واقوام‌شب‌وروز در کارخانه‌مشغول ... وزیبه عرضه‌میان می‌کنند ، افراد احمق جای در آب جوشیدهٔ آن ... ی آب تبدیل می‌کنند .

توابع (محور یا) درموقع کوچ ساحل که وارده زیاد بسیار ... بندی بسر های خود گرفته ، یکی های بزرگ وارد رود را گرفته ... نمانده‌بود ، عرجین موضوع‌دوی ردیاهای نیزملایق تحسین است

مرحمت‌خدا توخانه دشمن‌ساعدرمکاه غربی شدت وحدت ندارد ... ردیف جرفارها موافق‌ضی مدافعه حاصل است ، وما درمیدان ... بیم هوا بد رخت وچنگل ، ویده وسرد ، وبرحر وحوی‌پیش ... بینی‌شده‌اند آنها ازبیشه‌سنگر های‌ساکن وموقعهای خانه آشفتهای ... ترکیه‌بارین ساتحمل خسارات نهایت زیادشده‌باشد .

این‌نکته‌ذکور مکتوب خودرا‌ایدآره ، تعجب نخواهد نمود :

سرباز پیشقدمی وناملایمی‌موسم وصعوبت‌راه وحوصله واستقلاتوع ... وسایا) هیچ اثری اداخله نتوانند ...

آخرین حوادث از اخبار های ایران
طی از اخبار مصر جدید

ایران واحد

اوضاع مرکزی ـ بطور کلی تابع است در کانون مساعدبرای فشون ... ی وقاهرین واقع شده وفشون روس هر در حدود شهر کانون اقامت ... دارند‌بقیه جدیه صحیحاً اطلاعی ترسیده

اوایل امدادآمدن قزاق خبرکاهرین‌ربه‌قاهرین کرمانشاهان ... رسیدکه آمده دراطراف آنها وفشون روس زد و خوردی ... ولی داده

در حوالی خانقین در این چند روز بین فشون روس با مجاهدین ... زاکویت خان درقومات وحوالی خانقین چندین مرتبه مصادمه ... نموده وهمه روزه ازاستعداد رشت واردبل بآن طرف سا مورین ... جدید میرسد ولیکن بامکان موفقیتی برای فشون عرضه حاصل‌نشده ... ونخواهدشد‌مگر سوارانیکه تازه خان پیدا نمایند

اوایل‌دسامبر باشعبونها بمناسبت اینکه عنی باشهرازقزاقان روس‌را ... که درطریق مظفری پیدا نمود وان کاروانرا بطاقه آرای منسوب ... دیدند بت امامقلی باغی قوبسون اردبیل مامور سر کوبی طایفه ... کوی می‌گردد درحدود اولین‌ازمقارنه سخت‌طایفه‌روس‌موفقیت ... پیدا نموده قوبسون مزبور عبور براجعت وتزیدقوای تازه‌ی کمک ... قزاقوای تازه‌ی منجر بمقارنه سخت می‌گردد

اخبار راجعه بمقدمات اغتشاش

اتباع ساحل فرد ۱۹۳ واقعه درتیاه شرقی سوان را متصرف ... شدند‌صاحب‌منصب ۱۳۰سرباز اسیر کرده‌دوستراالوزحیمت کرده‌غنائم‌بی ... بحدود من‌استراض‌الان۱۲۰۰۶۹۹ملیون‌مارک‌است ـ جرائد‌فرانسوی ... مثل‌کلیسپارا درسری وداردان بکلی‌نقیه نموده‌بطور حتوفشون ... ورا معدوم تصور می‌نمایند‌طریشها داخل درمقاتر وشده‌صربها ... بدرایت مغلوب نموده هزار اسیر گرفته‌اند دوتا مقتل متکرو را

تهدید نموده‌اند که اقدام‌صلح جدا که نهایت بلغاریها فرانسویها را ازدوطرف [واردار] تعاقب می‌کنند] چنان‌صلحات کرده است که فشون فرانسه وانگلیس بناچار خود عقب بکشند ولی بیطرفی‌خودرا قویاً رعایت می‌کنند ـ درصورتیکه دولت رومانی بکلی خود دسته جات فشون روس‌را تابع شده است ـ قوای روس که ازکنتی پیاده شده‌اند دوتارا ازطرف فشون بلغار واطریش واتان معدوم شده‌اند درفتح غنائم زیادیک [کوتالعماره] غارت زیادی بدست آمده‌علاوه سه‌صد اشتر بارودار وشش اوبن انگلیس که حمل ازبنادر بوده بغنیمت رسیده‌اند ترکها باگاه شدت فشون انگلیس را تعاقب نموده بعلاوه‌عقب کشی آنهارا وادامه قابل ضرب وخیار رحمت شده است‌فقط

تصر جدید روزچهاری قبل اطلاعداد که از طرف روسها دروارنا سرحد بلغار لشکر پیاده شده وبعد ازده روز بازهم داد که قرار اطلاعی که رسیده پیاده کردن لشکر ازجانب روسها دروارنان ساخته بوده ازاین دواطلاعیه که هرکدام متضاد است حقیقت‌بالفعل‌تاکنون ظاهر نشده باید ازاین ازپس پرده چه ظاهر شود فقط

فی سفر باین پرلین واستانبول به

اخبارات جرمنی بکمال شوق وشعارت این‌اعلان را نشر نموده‌اند که ... ازبارج یکم جنوری درمرحلهٔ دوم کاروانهای سریع‌السیر بین ... برلین و ... قسطنطنیه ، برای حمل ونقل عوض وغیره امور لازمی در حرکت افتاده ، و بتبعیهٔ این دیل توسط قطارهای ... کاروانهای ذکرده ، ویاده ، و ... نوع دیگر تفصیلی و مفصل گفته ، ودر هرقطار سه خانه‌برای استراحت موجود وسیا خواهد بود .

(۲۵ کنتی تحت البحر زیرک در بحر متوسط)

لندن ۵ جنوری :

یکی ازنامه نگاران جریدهٔ ... اکسپرس راجع بان تخمین می‌کند که درینوقت در بحرسفید ۲۵ عدد کشتی‌های تحت‌البحر جرمنی‌موجود است ـ واروپی‌اقوام های بیطرف کشتی‌های مرکز عمومی‌هم‌از این تحت البحرها ربسواحل جزایر برتانیاست ، جانبه بعضی ازانها در سواحل سریه ، سوریه ، وبعضی عده کریت ، و ... کاریو ، وغیره جزایر یونان جدا گانه مرکز ومرجعی را برای خود اتخاذ نموده اند وهم حکومت یونان خود مسئولانه رسانیدن نیل وغیره بانقاع این تحت البحری‌ها را تعهد کرده است ، ازقرار یکه مشهوراست حکومت یونان برای‌صرف ماشین های آبروز های مذکور نیل خریداری نموده رعایت کان نائی می‌فروشد ، وآنهاز حیثاً توسط جهازات عمدهٔ آرا بهمین جزایری که دران من تحت البحری ها موجود است بوسیله لنجی وسیلا کی می‌رساند .

(کدام کس‌را باعث هلاکت دروغ قرار داد ؟)

نامه‌نگار اخبار ، تایمز لندن ، از روم ، وتحت‌ابطالیا منویسد ، که درایطا درسالهای همهٔ مهاجرین صربی که ازوطن عزیز خودهجرا شده ازراه ایطالیا به خاک ایطالی داخل شده اند طبعاً این خیال پیدا شده‌است که دین‌همه‌این هلاکتها ومصیبت‌های امروزی‌ایطالیا‌ها بی‌خصوص انکاری که بران ازهمه بیشتر اعتماد داشته بوده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1550 of 1786

(منع از شکار کبوترها)

لندن ۲۰ جوری

محکمهٔ حربیهٔ انگلستان اعلان ذیل را انتشار کرده است :- که چون یک عدهٔ کثیری از کبوترهای پادیر گهدر راه خبر رسانی دری وحربی خدمت میکنند لذا هر شخص که با کبوترهای نامبرده شکار کند یا آنها را اذیت نماید یا اینکه بر ضد کبوتران حربی وظایف آنها اقدام نماید مجازات شدید خواهد شد .

(مستقر تحت البحرهای جرمنی)

از روی نتیجهٔ تحقیق وتدقیق فرانسوی ظاهر میشود که بمقابل حملات جهازرشیا چشم پوشی داخل حکومت بوکان است در خصوص مستقر الخلاء نمودن آبدوز های جرمنی واوستریاک در خرهای بوکان جریدهٔ « ایکودی پاریس » بیان میکند که برسواحل بوکان جهازهای که برای تحت البحری های مذکور اسباب مایلزم وسامان رسد را میرسانند هوارد موجود میباشد وانتظام نقل وحرکت آنها خاص بدست اختیار بگوزار سابق بوکان است . مستقر این جهازهای غلبه برسواحل جزیرهٔ « سیسی » است گفته میشود که مستقر وجهاز بار برداری برسواحل شمالی جزیرهٔ « کرت » و « کارفو » نیز در بوقت موجود است . و آبدوزها مدلل است که در لیان ، الجسایان ، کمطکیت ملت امپراطوری " ترسراست که در جزایر بناء کرده وعلاوه بران مشهور است که در جزایر « سایوس » و « کوسیروس » نیز مستقر جهازهای بار برداری کان است .

(ترکان چسان جنگ میکنند !)

« چاپلین پرس » مضمون ذیل را که ممد « و ایوجر شیر » نامه نگار وزن « از ۱۰ پور » میباشد وقت است نشر کرده است :

ترکها نامه « جنگ من » یک آدم تر عصبانی جنگ میکند . هر افسر وسپاهی " انگلیز که افراد یک گی واقعیت از نزدیک نامه کپی چون دو در مالیان ، باشد در آنجا این سخن دقیق غلط میباشد . در جنگ برطانوی با ترکیا ! گرچه ان عسکری موجود است که انها را مواد محو انها را کان قبل برن یکدو سال مصروف بکار شدن پیش آمده است چنانچه ما بالنها ! کثره در خصوص مکاته میباشد روزی من دریک از خیمهای فوج از لاحظ نشسته بودم همهٔ افسران در شجاعت وبهادری ترکان رطب اللسان بودند . یک کپتان ارلاند گفت که ترکان مثل جهانی جنگ مکر سپار تریف هستند . جرمنها ابتدا درهر فرصت ومهلت فرمیدهند که مقتولین ازمیدان برداشته شده دفن کرده شوند وبعد از ازمیدان جنگ بقطاعها نقل داده شود . ولی ترکان برخلاف انها کاهی درخواست بارمی" التوای جنگ را برای بعد خروجین ودفن مقتولین رد نمیکردند . باترکان نبرد آزمائی نمودن مثبار کلان یک مرد ذکی است چرا که آنها هوارد عزت واسایش جانفیکنند . یک افسر دیگر گفت گماردوی سیه آچند دوخوب خود را قریب انداخته نصب نمودم وسی یکدفعی غلطی" که در ابلاغ احکام صادر گردید این حرکت انجا سرزده شده بود . ترکان بی الفور آوازه کردند وچانترهای « ریو گراف » [از فریق آیهٔ برق] حالا" یا گفتند که « ما آرتیا خودرا از آنجا شفا نمیدهیم

پس نکشید ما کمک خواهیم داد که قریب شفا طاقا" شما گله باری کنید بعد ازین افسر موصوف گفت که ما در بوقت جواب شان کدام « بلی ! » دین خصوص بن شبهه از شفاطی واقع شده وایست کماندان از انجا خودرا پس کرده بدیگر طرف میرویم « چنانچه مقتولاً و خودرا حرکت داده بدیگر جاشفال نمودیم .

افسر دیگری گفت . که من یکروزی از ترکان یک وضع زیرک حرکت کهین مشاهده نمودم چنانچه در آنجای" که جنگ بارضی برای برداشتن مجروحین ودفن کردن مقتولین بتر و ومیدان وقتی زخمی ها بشفاخانه وکار خود مشغول بودیم که ناگاه ترکان « آیهٔ برق » زبان فرانسیسی برای ما این پیام دادند :-

سپاهیان را عزت وسربلندی نصیب شود ! و !

رجاء میباشد هوارد درهر و آنشفاخانه سالم گردند ! !

همین افسر گفت که مرتبهٔ یک کاه" تر کیا آمده بزاوی یک افسر مالصابت شود وآن جواره در فاصلهٔ میان خندقهای برطانوی و افتاد ، ترکان فوراً سارا هیئتفدر فرصت دادند که مارفته آنرا بر وسپس آنها « آیهٔ برق » گفتند که « یک سپاهی سپهوآ افسر مذکور را یکی از افسرهای متطلع فوج ما است تمنا دارم که آنرا بدهند وما آن یکعددی دمقدرت هم از بن غلطی خودها خواسته !

علاوه بران یک افسر دیگری گفت کاشانن عیناً همچین یک پیش آمده بود که از کپی مایز ترکان معذرت خواستند . و آن بود گماشته یک کاه" آمده بموتر کارهیتال خورده - وترکان دانستند که از ایشان وبخصوص غلطی سرزده است فوراً آنها « آیهٔ برق » ازما معافی خواسته گفتند که « ما بسیار افسوس میکنیم کهاز طرف ما اتفاق شد » بالافسر دیگری گفت که در مکاه کپی چون دو ملا ن آفرینی است ، وموقع از معاینه چنان بنظر میخورد که از هوا بالای سطح بحر آوردن شده باشد ودر انجا انسان بحر وزور مصروف بکار شده میتواند وایتدار کنجایش دران نیست هیچ اعدای خودرا پس کرده بتواند وبخود را نشانی و دیگر داده تواند . اگرقوی صعیف از حریش بر کشته علب شتابد او بدون بحر دیگر ملجای نتواند وضرور میباشد خودرا بر کشته دشمن انداخته درکپی وی کپایت ساعین قسم وجه کمی باشد ! ازینین کروزتوم بار وناچار بحر خودرا بیندازیم چیز دیگر محارب فوج خودرا کرده چنانست از ترس آنکه قوی سبب جاندار یک شقندی خود بدا میاندامت . در تاریخ عالم کپی در یاد زمکاه خونکنده هست آوریست . بخیال من که همین مطلب یاد کاه حقیقت اصل ابراز مکاه وحالات آن معلوم شود وانیه تحریر بیاورند . ن شبهه نشانهای آینده ازشنیدن وخواندن نداکیه دهشت زده وتحیر خواهد کشت .

(خدا شکر خودرا بجا شکر میدهد)

بسوان فوق در « لندن کایز حقیق عیش ومشرت افسران جرمنی کمر انگلستان عیوض میباشد یک مکتوب یک افسر مذکور نشانع شده است :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1551 of 1786

مناسب این کار موجود آشکاری است گلوله‌های جرمن بیشتر بسیار دقیق و استراحت می‌باشد در مقابل گلوله‌های انگلیس که در جرمن عمومی هستند ، ودر چندوقت اگر به گفته میشود تا دو شهر یعنی ماهی یک حمال قطعی است مگر با آن دختری که ابتدا فروشان دوبوده ماهی بسیار اعلان آوخته یافت چنانچه بزودی معلوم شد که این دوماهی را دکاندار مد کور برای دو نفر از جرمنی نگاهداشته بود ، وچون برای خریدن آنها خودمن بسیار مبرز کرده کاندارلوی چانقه درآمد ، وچون بکی نشدلهذا برای هر آنیه ماهی بطریق خصوصی برای خریدن ماهی فرمایش دادیم ، ولی از بکدار وطن پرست مابقی حصه ازسر ماهی جدا کرده برای ماقرستاده یکی از افسران جرمنی گفتند در یک ، راو ، دیگر خصوصین برای مکولیه شده بود که بهترین گوشت‌هارا میباسازند چنانچه نتیجهٔ آن چنین شد که قصابان مد کور برای مشتری‌های سابقهٔ خود شان گوشت ناوه وخرابی که مانده بود دادند .

(جنگ ایران برسرحد بلوچستان)

یادگرفته

نمایندگان اخبار ، بورس گزیت ، مقیم خلیس مینویسد که درایران بیرت واقعات یوماً بعدیوم درایزی است ، بسیاری ماهارا در عراق [بین‌النهرین انگلیز] در هرجا بزوال عظمت قوم و عدم قابلیت مؤاخذه میکند علی‌الخصوص نمایند کان اتالی این سخن را بسیار بدلوبر طرف اشاعت داده‌اند وعده‌ای‌شان از آن‌ایست که مابین‌ما و ایران وسنای آسیا رشته ارتباط واتحاد هنوز هم مستحکم‌تر شود ، سرده وضوح مقطوع قبایل ایران دوباره صادق کارفرمائی جرمنی‌ها نشانرا ترویج کرده‌اند .

پرا خلیج جمعیت زبردست قبایل را خود کرفته برسرحد بلوچستان اجازه‌ی‌دهد کرد ، وانرا پیش خیمهٔ جنگ بلوچستان تصور باید کرد ، بنکاه وتیاری های هزاران قوج کنی دردست اختیار قونسول اتالی کرمن وغیره اجنت‌های جرمنی مقیم کرمان است ، علاوه بران جمع قبایل نامبرده بالا ایران نیز امتیاز ساخته‌اند که اکروی برعکس استدعات ایران هنوز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1552 of 1786

دشمن وطن صرف کرده و فریب پیچیدش را کشته و زخمی و مریض زیاد کرده بگماندان و هیأت جنود ما سلامت برمد. در جزیره نمای بالقان از رجعت فیلری لشکر انگلیس و فرانسه از سروی به سالونیکا بتجویز شجاعت طرق الدار و سردار کمندیر الفرن تصرف میشود. حضور ایشان چیست. تحقیقات ایشان در هیوط است دروغ کار نامه‌بران خلاف ایشان دیر یکار؟

۱۰ فروری خراشن — در مطلع انگلستان (گیر مریشن هیرود) یکه بحر دشمن آمده و خلاف قانون ملاست جزیره جات هاوکار روائی مناسب می‌نمایند.

۱۱ ماه فروری خبر لندن — چند تکره میهانات جنگی عثمانیه که جزیره و چهار لشکر میهانات در تشکیلات دولت بریطانیه برشن گذشته قریب (۱۰ گرنات) حمله نموده بک لشکر چهار (ارتیس) امدولت بریطانیه‌افرق نموده ورثت چهار میکر گردیده اداعت مکر برای توقیفاتی رسیده بنا بر آنست ۲۶ غرملاحل چهار معروفی را حربی تحت قاعده دلی ساخته هیئه لشکر میهانات عودت واپس آمدند —

۱۱ فروری خراشن — دولت حربی حمله دولت عالیه جنب دار را مطلع نموده که چونکه دولت بریطانیه حمله میهانات تجارتی خود را مسلم توصیه‌دا گردیده شده که میهانات مذکور حسب الحکم اقتدار حکمت بحری دولت بریطانیه بر میهانات حربی و مایملک آن حمله می‌نماید و در اکثر مقامات برق های دولتهای غیر جانب دار را استعمالی نمایند — لهذا بعد از تاریخ پنجم ماه مارچ سنه ۱۹۱۹ دولت حربی حمله میهانات تجارتی دولت های دشمن را میهانات جنگی تصور نموده الای تاریخه خواهد کرد — باید که بحری دولت های غیر جانب دار هر میهانات مذکور مقرره نمایند

۱۲ فروری خراشن — بلقانستار چهار (سرلکویل نام) انگریزی کمپانی هندوستان و آیدوزهای دشمن غرب (مالتا) مذبحه گردیده غرق نموده بحری آن ۷۳ غر حمله آن نجات یافته — ۱۳ فروری خراشن — بک لشکر چهار (الا) امدولت بلژیم و بک لشکر چهار (آرتیس) امدولت‌ها لشکر جرار (روانک) نمبوت نجوم را آیدوزهای دشمن غرق نموده و بک لشکر چهار چنگی قسم گروه دولت بریطانیه همراه سرحلقه بحری اصادم نموده لشکر واز جمله بحری آنرده غرقاب شده

۱۲ ماه فروری سنه ۱۹۱۹ع خراشن — از اخبار مت خبر رسیده که عجله هزار سپاه دولت جرمن در طلم (دستجوک) رسیده از انجا طرف مملکت ترکی روانه گردیده‌اند. گفته می‌شود که جرمن لو جهاتی مذکور را ازاین گفت دولت ترکی فر ساخته

۱۳ فروری خبر لندن — بک اطلس رونه انگریزی قریب (هزروک) برای سپاهیان انگریزی جلیره بالواری می‌نمود. لغایت بک‌صد میلیون لغیر مذکور ترکیه لغیر مطلع همراه پنج غر سپاهی حمله کرده ۲۴ غر غر ویج شده‌اند —

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول و دوم

زنده باد جاویدان مرحوم و مغفور (تاریخ آسمنه) — (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست — زیرا از آغاز تشکیل و کار دولت افغانیهٔ سایه بخت مراد که رای جلوه استقبال ملت بر دستگاه عزت و حشمت این امتداد ملت تصور گردیده — هر فرد ملت را واجب است که یک نسخه از آنرا بدست آورده و بنظر عبرت در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند — علی الخصوص که کتاب مزبور به بیت خالصانه و حسن خواهانه استفاده حوی و امروز هر ملت از صفحات پارینهٔ مقدس سالخوردهٔ خود (سراج التواریخ) را آنچنان در مطمعهٔ حروف دارالسلطنه کابل زیور طبع آراسته و از انتشار

جلد اولیان کتاب از ابتدای سلطنت غفران دثبات و سرور یعنی از آغاز تأسیس و استقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم مغفور مکان از جنت برین و جنه ده و آن الحکم سرخاندان جلیل الشان (محمدزایی) یعنی از حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا اولاد اعلیحضرت و سپه لقا و الدین امیر عبدالرحمن خان - طاب ثراه که مجموعاً جامع میباشد بالاعلا بحروف تبع طبع زینه است و کتاب مذکور ضمیمه ذریعه و علوی تجلیدآن از قرار ذیل است

نمبر (۱) یکنی جرمی جرده صوری داخلدار کابل بقطع چهار جدول طلاء کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اعلی بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ نقد کابل —

نمبر (۲) یکنی مقوا روه گیرستی چهار گنجیور زر بفرجه طلا بدوام کتاب ونشان دولت ورق طلا سیمه سرجه روپیهٔ نقد

نمبر (۳) یکنی مقوا روه گیره لاجوردی چهار گنج دارد جلبی سرجه کابل بقطع حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جزء بندی شده یازده روپیه نقد کابل وده ناهی

نمبر (٤) یکنی مقوا روه یارد چهار گنج و زرجره جلبی کابل بقطع حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا سیمه گوله شده نه روپیه نقد کابل وده ناهی —

نمبر (٥) یکنی مقوا روه آردی سرخ چهار گنج و زر گیرستی کرک ونشان دولت ورق طلا جاه گوله بندی شده نه روپیه نقد کابل ویازده ناهی —

عمل فروخت

در نفس ارگ مبارکه از تحویل خانه جناب محمد ولیخان سرحلقه در بازار از گل از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد از کرده وقته وشیرازه بجلد نمبر کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون و لا بس بودند که جلد اول و دوم و دریک وقته شیرازه و جلد سوم و چهارم آن که هنوز مورد طبع میباشد و بعد از طبع آراسته طبوعه کرده شد اقدامانه اعلان فروش آنرا نیز خواهند شد فقط

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید

حمله‌ها هایکه مستحط ندارد از طرف مدیر و مسئول محفوظ است

محمد طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1553 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا

بادآوری میکنیم

مرهون منی و کوشش کردیم که از اشکالات در رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا رفع کنیم لهذا بدا کلخانه مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک عده بوده با کلخانه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار را که بهه مشترکین گرامیها رسانده میشود خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنهٔ خود را متذکر میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه بر فردا فردا واسطهٔ آدمهای دا کلخانه عرض نمیشود .

شرایط خریداری

دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت شش ماهه پنج روپیهٔ کابلی	شش ماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرچیکه باشد اجرت پوست

قیمت سالیانه [ده روپیه انگلیزی] قیمت شش ماهه [پنج روپیه انگلیزی]

به ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای روپه انگلیزی دارده روپیهٔ کابلی است [از همین قرار حساب کنند]

(شرایط درج کردن اعلانها)

مودا گران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا بذریعهٔ اخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وهمچنان هرنوع اعلان وانتشاریکه باشد از قرار شرائط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود بسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه بدرج وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۲ شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ۳ ۱/۲ انچ - ۴ سانت) میباشد

هریک شخصی اعلان خودرا مثلاً یکسال نشر کردن خواهد دوسه یک ساله را پیشکی ادا نماید در وقتی دربر سطری ستر اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ قطعهٔ بزرگ زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ افریقا

(مطبعهٔ دارالتربیت) یک اثر دلپذیر جغرافی در نظر هوسکاران عرض میدهد . بدست آرید ، بخوانید ، درظرف ۲۹ روز یک مسافت کمی ، قطعهٔ زمین را بسیاح آن بکجه وهمراه دور سیر میکنید . طلسمهای را که دران میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خواهد مطالعه . چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه مزورها میکرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درین رسالهٔ شاهانه هوسناک وانگیزاننده یک اثر !

این اثر دارای حجم متوسط وقطع وقیع میباشد . تقریباً (۷۰۰) صفحه ، و با (۱۰۴) قسمه تصاویر مناظر طبیعیه وانتخاص معاصره وقطعه های جغرافیه مزین است ، قیمت با اینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ بیست . کاغذ اعلا ، چاپ خوش ، تصاویر زیبا و گرانبها ، جلد محکم واستوار ، وگرچه میخواهید ! خریدنی که باید خرید مطبعهٔ مبارکه (عبدالرحمن) خان سر مهتمی مطبعهٔ مبارکه ، بازار مرغان (بازار محمد) جنب کتب بازار بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی یکان ساحی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رد کرده وبیلهٔ فوق کتابت مد کور را بدست آرید دیگر کاری نباید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1554 of 1786

(اعلان)

پراگنده

از آثار مطبوعهٔ کارخانهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت.

عبارت از یک مجموعهٔ انتشار افکار تجدد آگاهی میباشد که دارای مقالات اعلا، و عنوین طبع دلربا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بعض حیث دعوی جدت است ولی مضامین و خیالاتش بر اساس یکطرز جدیدست. قسمت خوبیهای ظاهری و معنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی فقط (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از کوچه عبدالرؤف خان سر حوض، ودر بازار ارگ از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان ساعی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه! کدام ادیبه را مزه آلاین نویسندهٔ گلزار و مطبعهٔ عنایت، گلوبارا شیرین میسازد؟ - جزیره پنهان، یک ناولیست که قوت عشق و معرفت و سعی و قدرت را برای اساس زندگی نوع بشر بنظر گرفته و جلوه گر میسازد. هم مطالب، هم عبرت طرفی، هم فضیلت آموزی جلب، عنوین کاغذ، عنوین تصاویر دلکش علاوه. قیمتش نظر بحسن بهای مادی و ظاهریش بسیار ارزان آنها (۶) شش روپیه فعل فروخت هس مطبعهٔ عنایت در دره افغانان، و کابل بازار محمد در بازار ارگ، و دکان ساعی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

طرز اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درس

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجودست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت رویه کابل

سیاحت زهره در زمین پیشاور دو مجلد	۲
سیاحت در سیر هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	٤
از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
راکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مذکوره را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در دره افغانان از کوچه عبدالرؤف خان سر حوض، و از دکان بازمحمدخان کتابفروش در بازار ارگ، و از دکان ساعی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی عینک خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مذکوره را داشته باشد به سراج الاخبار افغانیه عاید کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، و کتابچه‌های علاوه آن، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت، خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان ساعی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، و از دکان بازمحمد خان تاجر کتب در بازار ارگ قیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند، و نیز در خود اداره در ملتیشهٔ مبارکه، و در خود مطبعهٔ عنایت در دره افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1555 of 1786

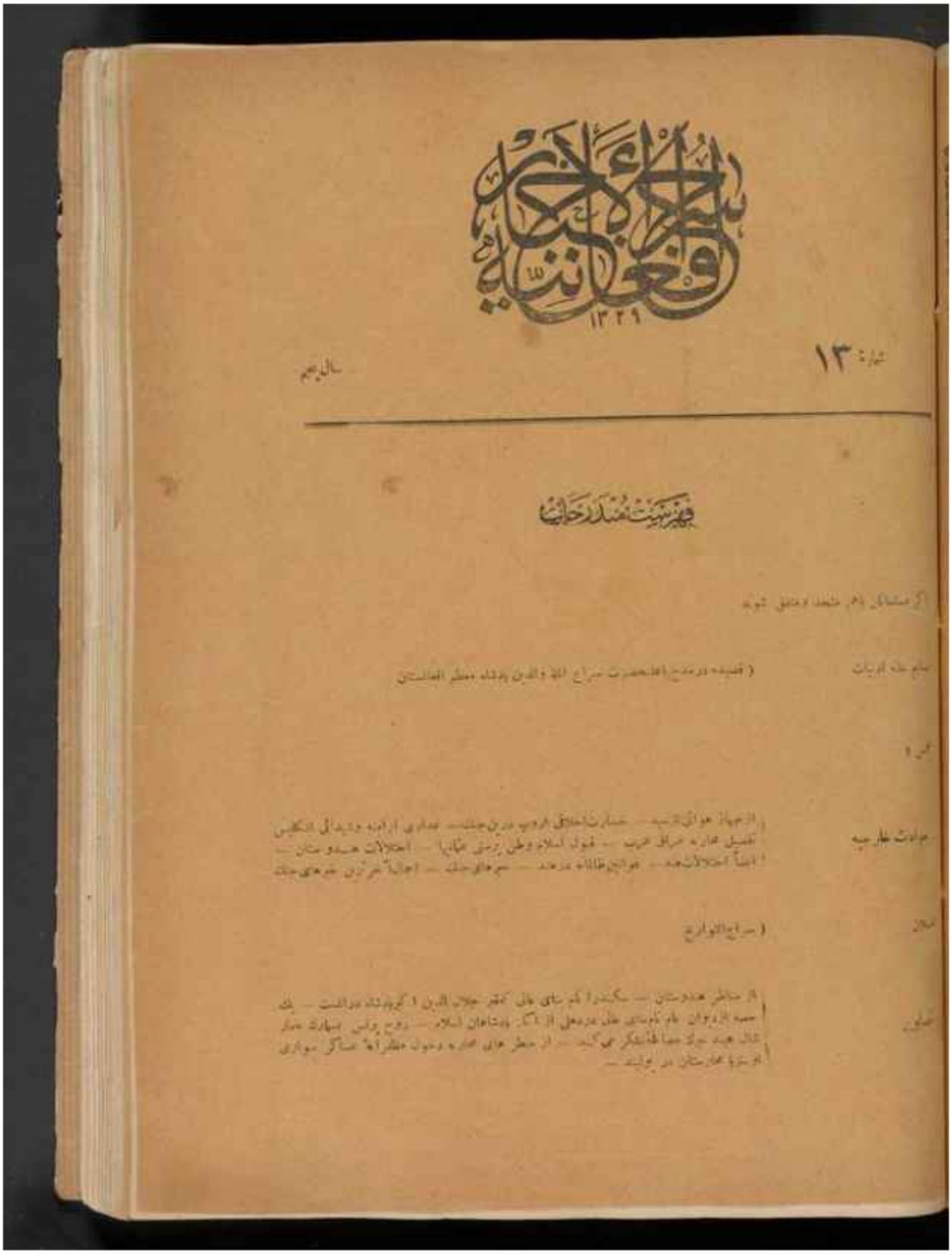

شماره: ۱۳ سال پنجم

فهرست مندرجات

از مشاکل نام ناصر و مشق ثبوت

سلام ملة الرحمان (قصیده در مدح اقدس حضرت سراج الله والدین پادشاه معظم افغانستان

حوادث عالم

اسلام (سراج الاخبار

سیاسی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1556 of 1786

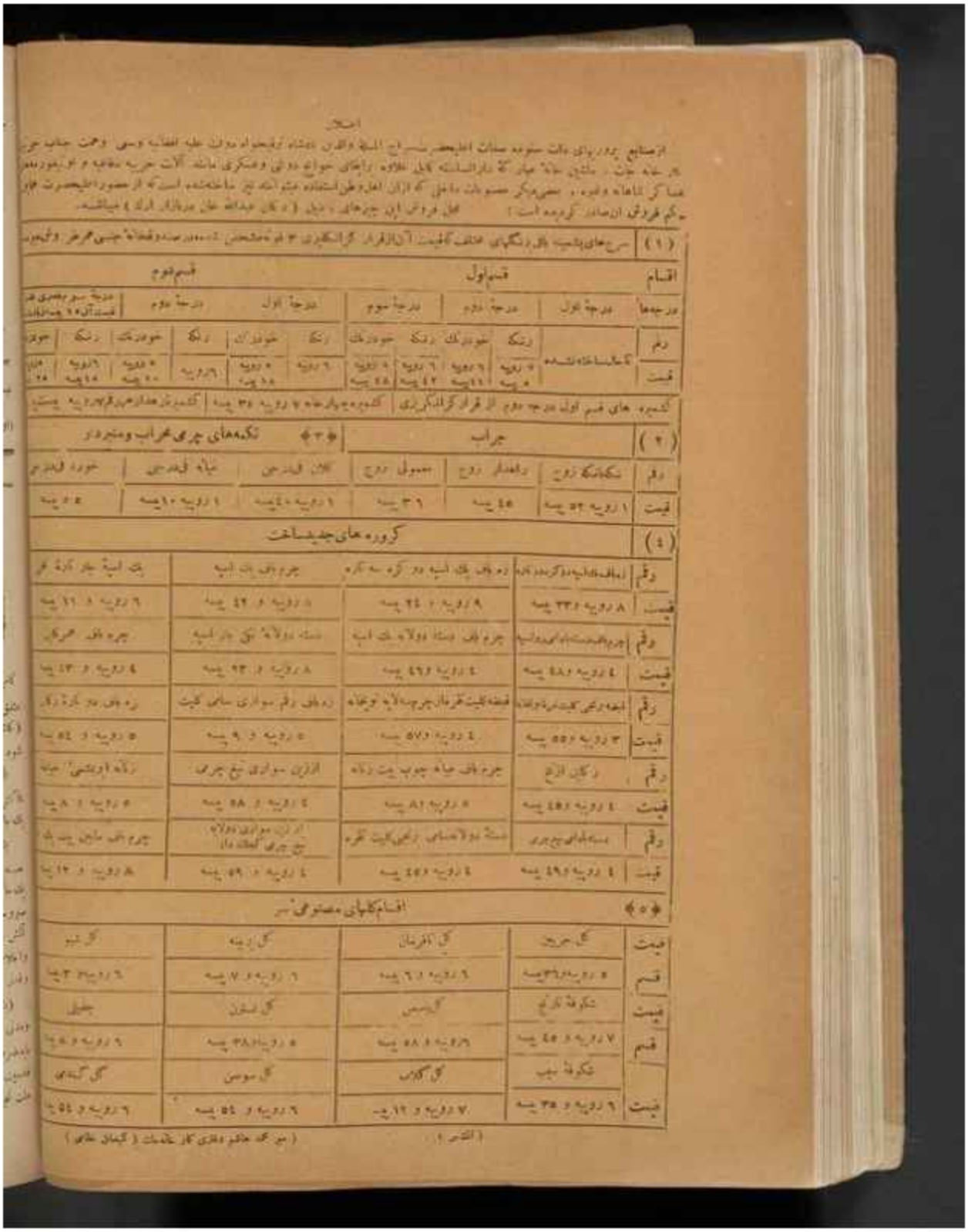

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1557 of 1786

جلد (۱) سال پنجم شمارهٔ (۱۳)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل و ولایه کابل
در اطراف و اجنبه مملکت
در ولایات دار الایاله و ولایه کابل
در خارج مملکت
در ولایات دار الایاله و ولایه انگلیزی
یوازده روپیه یکبار قسط میشود
صدره صحاف بدوازده روپیه یکمشتی است
(از قبل گذارده نشود ابا وده نمیشود)

مقاله و رساله تحریریه
محمود طرزی

ادارهٔ جریده و مطبعه
در مانیجمنت دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه ۱۳۲۹

نمرهٔ قمری غره جمادی الاول ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۶ مارچ عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۶ حوت ۱۲۹۴

(اگر) آلات (شرط) است ، شرطیکه مسلمانان متفق شوند کامیاب میشوند ! (مگر) هم از آلات شرطیه است ، بشرطیکه مسلمانان متفق شوند ، ناکامیاب میباشند ! یك چیز دیگری هم هست که آنرا (فلسفهٔ امیگویند و عربی) آن (لیت) گفته ، یا لیت ، ایکاش ، آنچنان بود و اینچنین نمیشود !! ...

یا پروردگارا ! چه عظیم الشان خالق فعال توانا و دانائی که آنرا (اگر ، مگر ، لعل ، لیت) کلمه محیط الحقیقهٔ (انسان) کاوجدیهٔ خلقت فرموده جمع آوردهٔ ، (فتبارك الله احسن الخالقین) !

(شریعت محمدیه) یك مجموعهٔ اتحادیه است ! آب و هوای حیات بخش اخلاق حمیده ، با آکسیژن سوزان خانه ویران صفات رذیله در کالبد ایرده و بکرش بدبو گرد آمده ، بادشدید خوف و غرور حرص و طمعش خاکهای مجامع و نهادهای را میروبد ! مواد مذابهٔ غضب و کین و بغض کوه آتش فشان نفس و هوایش بسیلان و جریان آمده آبهای مصفای صدق و اخلاص و حقوق شناسیش را به قارهای غلیظ و کثیف حیوانیت دور و جایش خویش و تبعیض میدهد !

(شریعت) عموماً باید ما همه متحد و متفق باشند ! اگر متفق نباشند ، کامیابی ممکن نیست ، بلکه بالطبع قوی خود را ضعیف و ناتوان میسازند ! علی الخصوص (اسلامیت) امروز بالضرور بلکه وجوباً و بالبداهه محسوس گردید ! کلام جلیل صاحب دلیل (واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا) را اطاعت کرده باشند من نحیث شعبهٔ اعضائیه : لابد ، لابد ، ضرور ، ضرور باهم اتحاد و وداد کنند و از خلاف و نفاق رو گردان شوند تا در چنین وقت نازك دین خودشانرا ، پادشاه خودشانرا ، ملیت ، وطنیت خودشانرا بدرجهٔ که در وسع و طاقت شان باشد ـ بلی تا به آخرین نفس ـ محافظه و نگهبانی بتوانند .

چسان اتحاد باید کرد ؟

اول ـ اتحاد دینی باید کرد : دین اقدس و اعظم اشیاء ست ، اتحاد دینی همین است که قوم و ملت ، بدون تفرق طایفه و فرقه و زاتی و غیره بدین یك متحد الفکر و متفق الکلمه شوند کماینبغی خود را نمی گذارم که بیان تحقیر وسم غیر دین بما بشود ، و این واجب است باین که حکومت ملهٔ اسلامیه ما وقرار باشد ، و پادشاه ملت ما یکمال عزت و افتخار و تمام توکل و اقتدار مطاع ملت و متبوع ملت باشد ، و اوامر پادشاه ما تی بر مطابق شرع شریف محمدیه ما فذ و واجب الاطاعه باشد ، و این صورته نمیشود مگر یا که ملت بصدق ایمان ، و صفوت وجدان از ملوث جان پادشاه خود مطمئن ، قلب هر دو از خیال باشد .

علی الخصوص که حضرت باری تعالی جل و علا که مسبب الاسباب حقیقی همه آرزوها و جمله تدبیرهای کائنات ماست و جود و بوجود اعلیحضرت (سراج الملة والدین) یك پادشاه عدالت شعار مسلم و مقدسی بملت افغانیه عطا فرموده است که در راه دین ملت ، در راه ترقی و اعلای ملت ، در راه شرافت و عزت ملت ، در راه محافظهٔ ملت شاهانهٔ خود از مکاید دشمنان این دین پرور ملت بهوش و خبر آدمی و حسن تدبیر و صفوت وجدان و سیر باطنی حیاتیت شاهانهٔ شانرا مصروف داشته اند .

هیچ شبهه نباید کرد که هر صاحب مال ، در حفاظت و صیانت مال خود از دیگران دلسوزی حریصانه و دوستداری افزونتر است ، ملت مال پادشاه است که بوجود آن مال خلاوت ماك ! کسب عیشت می کنند ، و تلذذهای موجودیت می گیرد ، آیا هیچ صاحب مالی تصور خواهد نمود که به گرو به خوردن ، و موش زدن ، و برهنه شدن ، و در میزه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1558 of 1786

کشف مال خود را نمی کرده ! زیرا نمی کرده ! خوب می اندیشه خوب فکرهائی می کند ، خوب اجرا آن بکار میبرد .

پادشاه مقدس محبوب القلوب معظما بالقاب ، دادا ، توانا ، خیرخواه وطن پرور ، شفقت گستر ، ملت دوست ، وطن دوست پاک اندیشه پرزرگ حقایق آگاهی هیئت که پیروی افکار وخیالات حقایق نیاله ، وهم دردی مقاصد غیر مرامند تو کاه شان موجب خیر وسعادت دنیا و آخرت شمرده میشود ، وجود مقدس پدشاه محبت و اتحاد و اتفاق و اتحاد موجب سعادت ملت است .

دوم ـ اتحاد ملی و وطنی باید کرد ، و آن چنین میشود که باذهان کامل و وجدان پاک فاسی عزم جزم قطعی باید داد که مانع آزادی واستقلال پرشرف وشان مالی خود را ، وحقوق ملکیت و موجودیت وطنی خودرا بسروجان ومال وتمام هستی خود درزیر پرچم سلطنتی اسلامی خود مدافعه ومحافظه می کنیم ، واین میسر نمیشود مگر به اینکه ملت اغراض شخصی ومقاصد نفسی ، وبیانداری های قومی ، ورقابتهای عشیرتی ، وفرقه های جانبی وقرونات مذهبی را ازمابین خود رداشته بصفات حسنهٔ اتحاد و اتفاق حقیقی متصف شوند ، اخوت ، عدالت ، رقابت را یکسو افکنند ، همه (با) های قبیلی قومی وجنسی وزاتی وعشیرتی وقیره گی را باهم حل ومل نموده یک وجود سازند ویک (با) ی امت (الفاظ) رااز آن تشکیل بدهند ، وظیفهٔ پزرگ پیشرفت این مقصد خیر مرصعه بزرگان سادات کرام ، وعلمای عظام و مشایخ عظیت مقام ترتب می آید ، نصایح ووصایا ، وتلقینات وارشادات این گروه معظمه درراه حق وصواب تأثیرات عظیمهٔ دارد .

ازدرگاه حضرت واجب الوجود چون وچرا نیازمندی پرزار مالی همهٔ افراد ملت ، ورپوفت وفرصت میدانند که درچنین هنگامهٔ رستاخیز که دنیارا پک دیگی خون ، و جهانرا پک آتش جهنم نموده ساحه وبارا ستاره الانیات رئامون وتبدلات حیرت مشحون نموده عین دولت مقدسهٔ اسلامیهٔ دمدمات ماجرا که درروسط قطعهٔ آسیا ازسالهای سال درپیش مهاجمات ومصادمات سد هندهٔ دو رقیب دو سیرت طماع برمحافظهٔ استقلال وموجودیت آزادانهٔ خود قایم وپابرجا مانده پیشروان انسانیت را ازفضل وکرم نامتناهی خویش همایه خیرومسعادت وترقی شرافت گا باشد نصیب گرداند ، آمین یا مجیب السائلین .

قصیده در مدح ذات اعلیحضرت پادشاه مستقل مقدس افغانستان سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان باشعارات وتخیلات فنون ریاضی

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم ﴾

بیای میز کبر بر مقدر وسر محرر سراج الاخبار افغانیه مستحضر از وقتیکه این نسخه باب واین مصباح ماکتساب الرمطمه ذهن دار الطباعه خارج آمده است نه تنها اسلام بلکه جمیع اهل مکتبی تورویه خصوصاً این حقیر ازروی یک تأمل اول وضع اوراق این نامه تاحدی کرده اند

این دیواچه از منزل عقل هیولائی جانب شهرستان عقل بالفعل آمده است چند روز است که خواستم چیزی بویسم اگرچه هر چیز در گوش هوش من نصیحت حضرت جامی قدس الله سره آمد فرد

زخود دان نیکبوست لافی بلاغت :: مکن والفضولاه ذکر فضایل

اما درپای فکرتم افزائر حرارت این مزاج منور از حالت انحراف روی بحالت اعتدال نهاد نه بلکه ازقوه الفعل بحیز این مهیر اتو صحت جزئی را گذاشته روی بحالت اعتدال آورده لهذا فزارا الزینا گوئی برآورده فرد

روان جانک وجسته و فرخ نوشتم :: چو هنگام ترغیب لک عنبر

این حرف شرافت را انشا کرده وبحکم حکیم حاذق رحمة الله علیه درسال بکوش هوش من گذشت :: وصف تو که باضمیر شد هم

کای مادر صوری معانی :: فارغ شود فاقد فیالم

واین جمع مغالطه را درنظر راجعین آنحکیم کامور اداخلم گذارد مقبول آی ارباب عقول شود فقط .

صلاح الدین السلجوقی ابن حاجی ملا سراج الدین الخطیب سابق مدرس های حصار دارالعصرت هرات .

﴿ قصیده ﴾

شاه تمدن کرفت جام جم اندر کرا :: رایت پیشانرا کرد لوح ارکا

آمد چون جم نشت برسر ملک جهان

ما صنع حبوبش را کرد عمارو فا

ساخت ز کشته خل زال کهن را جوان

مکرد زعمرو هر فصل ، کر اینرا

روی هوا را کرفت جلدی طیاره کان

مجسمه هموم جراد برسر کوه صفا

از صلت آله زیاد صلت در مکارز

صاعقه سان بوهب باش دیو صلت زهوا

باهیبة آتش هست دیو رجیم شهاب

دیو شهاب افکنست بر طرف زرا

باسکه لایبال واز برسر اعجاب فیل

کاره سجیل و از بیلکنه زرا

باسکه عقاب مریع کان زی اصطیاد

جانب لدرین چرخ می شود فی اقتضا

باسکه وجد کر کبی کرب لدنی ملک

خوصله واسع کند از جهت اقتلا

از صفت زیدین مدحت موزه است

مکان زار وژوه وین جود از علتا

از همه طیار مکان موزه بهتر بود

زانکه جراد بکف به زکانک هوا

برسر لا ملک بین کنی مکنی موزان

در وسط کهکشان چون زذهب نیها

در وسط سره دار سی کنان همینا نکه

سی نجدد ملک برفرقدان خلا

ایت نجایب سما برسر نار و هوا

دار دو دوزیر وچار خط استوا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1559 of 1786

همچو سیر بزن منزل یک روز اوست
شاه کیخسرو عالم که حکم حاکم اوست

ز آخر افغانستان تا خط مکرو تا
جزء زمین در کنش کره جغرافیا

هر کف خاکی او هست بدور زمین
گر چهار احتیاج خصم نشیند کند

شصت هزار سال دور زمان برهوا
می نشواند نمود قدر ورا انبیا

فکرت اکلیدوار ازپی احصای ارض
زانکه پیکر و جبل سنو کنونه او

بسته کمر بای است قاهر فیه تعا
بر سر اعداء عرش کی کند اهتلا

ذکر خدارا که کنت ازدوش موزان
ای بهتر بهترین بدوهٔ پیغامبران

دولت افغانیان هست بر طانیا
وی سطحا بهترین نادره ازمیا

این همه نصت بها از چه سبب رویکرد
شاه ترقی بشو مقتخرو مفتخر

ورنه هیولی کجا روح قدس در کجا
یار تمدن ترا شیفته و مبتلا

تو کرم کره ستمکار قدرن اسماء
کر بخرابی رون باقد افراخته

وز مدد بخت شاه سایهٔ لطف خدا
کرده دلوتو کراق لوحهٔ بطحا سیا

مادرش مشکو دین خواجهٔ روی زمین
کف تو مزن الطیر قلب تو بحر الکیر

صاحب تاج ونگین پایه عزو علا
خلق تو رع الیر رویتو شمس الضحی

شمس علامت بجزم ماه شباهت بعزم
فکر تو در طبیعیات شرح مجسطی بود

همچو جو پیتر بزم مری صفت دروغا
نطق در عالیات رمز انو لوحیا

هست ورا درحکم فکر متورن شیم
لب سراج توهست این لگی خلاو آب

هست ورا درحزم حصن عطارد صبا
هست حباب رو سقف زجاجی بنا

آمده بست او آمده تا چاشتین
رود حبیبالهیی برقده شا هنشهی

خادمه بزم او آمده ویکتو ریا
باد مسازد ترا پسر این مشکا

شمل آفاق گیر کاشل برکار پیر
رای توکیوان مثال حسن توزهره جمال

فاضل رو شنضیر حامل فهم و ذکا
عزتو در حبس فال حکم مثل ذکا

صاحب حزو حیا واهب فضل و سخا
ملک ترا نیوس هست بقطوم شمس

راغب صدق وصفا ساکب جود و عطا
چار حدود وبست چار مهش داخیا

کسر نیش چولا منیع توحید شد
ژانش نیفت نهنگ آبشود درخضار

رفعت زاد جهان پوری ونام ترا
از تف بندوق تو موی شود ازدها

جوهر تیغ ورا هست عرش پنج بحر
لطف تودر هرزمین دفع کوالف استرم

آیت را پاک اوست قبله گاه مصطفا
خشم تو درهر مکان مور دصد هیکلا

ازصفت آدمی صورت خالص شده است
حزه ترا برفسر کز نیکار د کمی

سهم عدویش که هست نام بشر الوری
واقف وثابت شود شمس صفت جابجا

صورت منظور نیست زانکه یک صورتند
ور بسیها اوفتد زمزمهٔ عزم تو

شاه جهانگیر اکوست قیصر کاولاد
گردد نواخر کنین همچو کلوس سها

فرق معالی بود شرط مناسبا از انکه
جوشن اقضا ئت فاق هر الفر قدین

ازره صورت یکست شکر فوایدا
کوکب اشارهٔ دام عمل الانجلا

چشم زمانه ندید همسرش اندر جهان
وقت بردت زمین مکنوالت جهان

از زمین را مسی نادم نیکلا
زلزله زار الهیا اخرج اثقا الهیا

وزاین شخصیه را تا که برافراخته شد
آتش نیفت چو گرد شورش صفراخیم

مظهر شهوریها شو کت جمع سا
مهبط وحی بود هر ورا دار وی مقصو نیا

تمن وحیدی که نیست درطرفین زمین
رای تو کار جهان حلقه مانش کرفت

ازسه تراد جهان همچو وی ازاصفیا
عقل زحمل را کرفت علت ماهولیا

چار مال از جهان پنج قنیع از زمین
لوح سعیت زبس صیقل ادراک دید

شش روش سلطنت کشته وی مبتدا
زال جهان را نمود آینه قد نما

هفت وای هشت جزو درتن باتو کنش
به عرش وده جوان چیدشده ازملوی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1560 of 1786

مدح حسام زا هی کا بمرج گفت
کبرده بهرام وار حاتر کنور خضا

جله ستان کر روی بکته مانند میر
از خط منجنوریا کاب هیبا آب

کاروبا رسید صیت تو بهر کرز
وی بدریا نهاد دولت ایطا لیا

کرده خصم را شخص تو نبود عجب
زانکه کرزه پلنك از تو جیض الضا

توجسم ملکوه هست موتر کرسی تو
نقش مدار الرحل خاتم پنجر زا

رمز کتاب کرم ودرحق اخبار تست
فکرت محمود هست هدهد شهر سبا

هردرق نسخه‌اش ساحل صد کونه حرش
خانه بالیس وار کشته چیون رحیا

حوض زجاجی چو بیارخط صفحه‌اش
عکس زساقش شده روزقش موپیا

ایت کتاب کرم همچو کتاب کلیم
هست ورقها زسم جمله زلوح طلا

ایت سراج عجب چشم دوه دلسهب
خانه هنرد اوب یافت زنورش ضیا

تا کهازمکواه ذهن جانب قانوس عین
آمده دریافت زان بیت تعیدن سنا

تا که روی زمین رفت چو رشکست
قدر کرا فیك را رفعت او سزا

طف پرشته کشید همچو لآلی و کشت
رشتهٔ شیرازه ان حبل متین دا تما

صفحه آینه را زلك ابدز دلی
هست بیای چراغ آینه دهن خطا

وقفهٔ زاخبار اوست رعدصدهای زشت
برق زنور وبست جمله خرد رشید را

حوصلهٔ زاینده رودجدول ازصفحه‌اش
یافت ازان جدوائش کاره پاران نوا

از شفاش یافت نور جلبی ایران تو
یافت زآ کاوش عصر جدید اقتلا

طوبی زنورویست دوشی وزاقبال او
سر بسر ابیار کشت چیزاق لدنا

هست ورا تذکراق جمله پیام سروش
مرتبهٔ او ما بیت رتبه اسلاف را

نسخه محمود هست زانکه بود محمرش
خامهٔ محمود حق زده اولی الغرا

در رخ کیتی نخانه شاعر یکی
تا کشد و کلکش تو دسجزوست وعسا

آمده از خانه ان لوح مثال را الف
ساخته از آبدانی چشم دول توتیا

خامه از درمثال در کف جان بخش او
همچو شهاب مبین ژده شدید القوای

زادمطر الکلام متجا خاص وعام
طرزی والا مقام صاحب فهم وحیا

ای زیم فکرت زاقی قلیدس نهی
وی زعلم حکمت دردل هرشمل حنا

ویکه زحب وطن کشته مرجع زدن
پر شهی اجبلی خدای اقدرا

من بجناب وطن منعمل زانکه او
چشك بحسنلوه من دار دروز جزا

حبق وطن فطراست ازوطن اجبلی
کرچه بود موطنش نیسو پو تابیا

زین ورق دومین فکر دیر فلك
هر نفسی میکند کشك ترا مرحبا

روم بدازمن کژو ازوی بیرون شدی
زانکه نمیکو بود یکمه و دو پیشاد

چونکه بپند آمدی خانه ستان ازرحل
دست تو وجیب او مکدر ازین انما

کلك توفتاح وار از پی هیجان شده
از تك بحرسیاه جانب رو ما تیا

خامه امریکویت طرفه سیهو تلیست
داده زما خلیواه اهل وطن رانشا

دانهٔ هنر وهنر بذر پیر مر زمین
کردی وزاخبار خویش پر برش جویا

قدر تو نشناسد آن شخص که جاهل بود
فرق ازین تیا تا بدکر آب

ایکه فزودی بفك بزو هنرا پسی
ویکه بودی زخود حق وطن را ادا

فکرت سلجوقیانست طبع ترا قدردان
خضر شناسد همی آب بقا

مادر طبع چو کاشت مانع چندین کهر
بافی مرا کرده اند هفت اب پر حیا

هرچ مرا نصه نیست زانکه مرا کاهلیست
پاك پدر میر فان ما می ما و شما

تربیتم کرد مبذول ازطل وفضل
محمدتو از جوانی تحبه تر از نوان

شمس معاینتم مر کرهنر و کان
بیت مرا ماکیی ما جنك کسب ما

پارهٔ مدر کان بازده سیاره ام
هزده هر مشت هزده انبار ها

ان همه از اخبار تودفوق شمس کنم
ورنه بدم پیش ازین دو دب رضا

به که کنم زودا خاتم مقالات خود
زانکه دها کارمن هست بصبح وسا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1561 of 1786

با که بود ذره خلل عرق هیولوجنس
جنس بلا شرط شیء به باشر بلا
حکم ورا امتثال کافی و محکوم بار
وجه ضرورت بود حکم ورا مقتضا
امضا : صلاح الدین سامیوفی هروی

محسن
دوستان وضیع جهان زدلت دگر می بینم
آشنی را بخلق بزده سر می بینم
گر : ارش خسته عالم نشود می بینم
این چه شوریست که در دور قمر می بینم

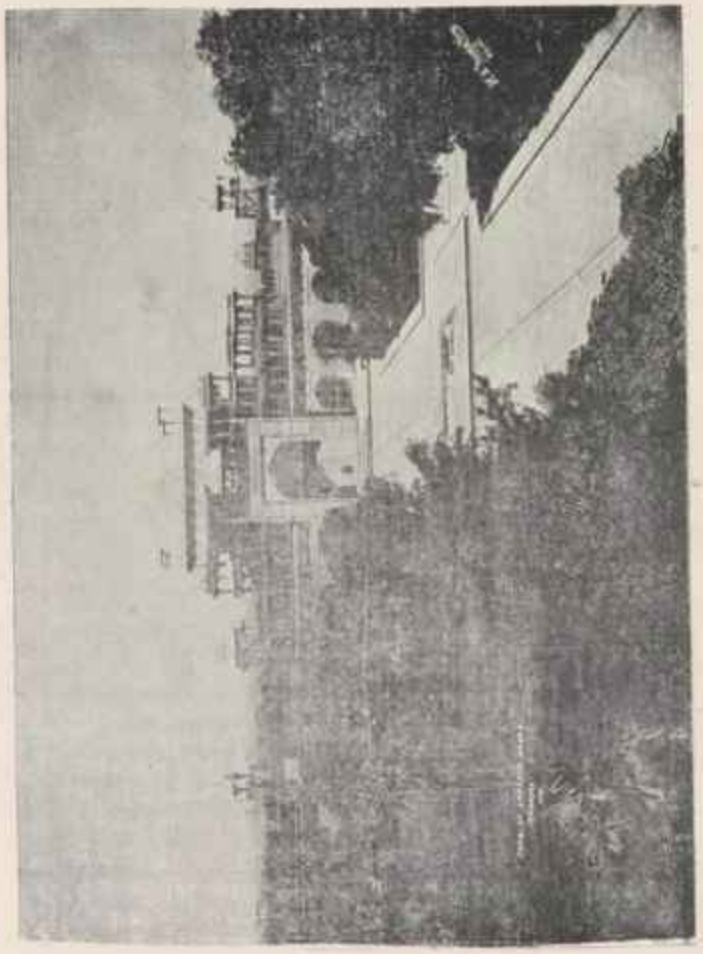

ز مناظر هندستان
دسکنه این بناها هندو هستند اگر اشتباه نباشد این آرامگاه

هرسه آفاق پر از فتنه و شر می بینم
دوسه را ایمان بخطر جان و سر می بینم
درس و آسایش و تأمین خود افسانه شمار
صبح افسانه بروپ کتبه عبرت چون شام
هر کسی دور زمان می خلسه از اینم
مشکل آنست که هر روز بتر می بینم

جاهل آنست که چشمش ز جهان بسته است
در میان ضلالات ابدا بوده است
چه دروغ عشرت دنیای دنی خرسند است
اصفهان را خسته شادت اکلاسو قند است
قوت دلها همه از خون جگر می بینم
کفر افراشته برق به سپهر گردان
شور افکنده ز غوغای کمدن بجهان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1562 of 1786

اهل اسلام زدین مانده کی خود جران
لب کاری شده محروح زدر بان
طوق زرین همه در گردن خر می بینم
چشم عبرت بکشا و بنما یک نظر
بردو یک خلایق بفکر بنگر
هر یکی بسته کمر نیک بکین دیگر
دختران را همه جنگ است و جدل با مادر
پسران را همه د حواه پدر می بینم
هرج الفت بجهیم مادر و دختر دارد
کی بهم مهر و محبت زن و شوهر دارد

خواجه را صدق و اخلاص نه کر دارد
هیچ رهنی نه برادر به برادر دارد
هیچ شفقت نه پدر را بپسر می بینم
تو غلام حیدر بیچاره بدل باک کن
جهد بیرون بدن از ورطه تاریک کن
در سخن های رزکان همه با یک کن
پند حافظ بشنو خواجه رو نیکی کن
که من این پند بآواز دو کیهر می بینم
کینه غلام حیدر نویسنده ماکو بهبود هزاره

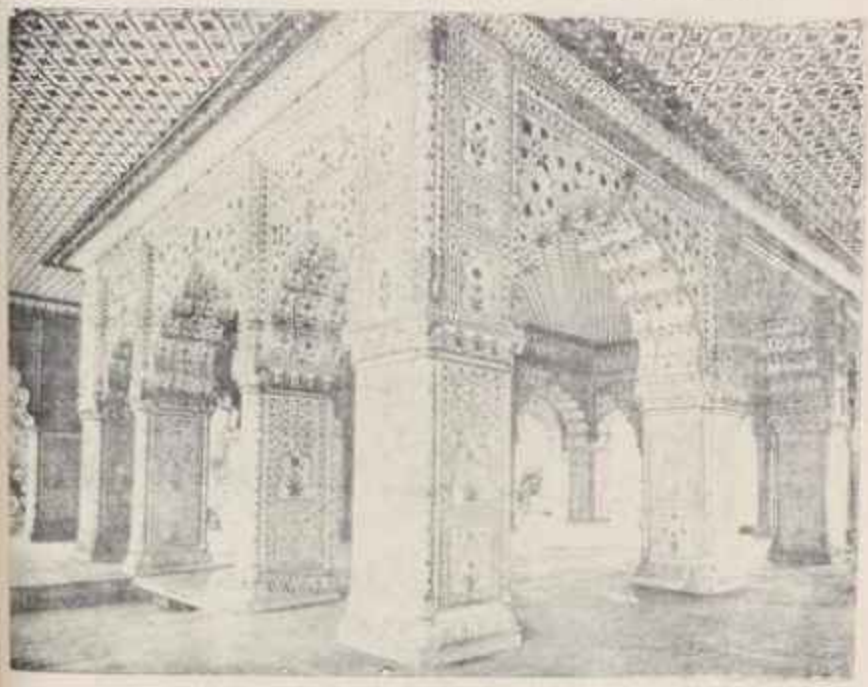

از مناظر هند ستان

یک حمله از دوران عام و کامرانی های درخشان پادشاهان اسلام

حوادث خارجیه

از جهاز هوایی نشریه

یک نامه تلگرافی کمدرین جنگهای طابسور درمیدانهای مختلف موجود بوده در خصوص جهاز هوایی چنین بیان معلومات میکند : جهازهای هوایی که درین جنگها استعمال میشوند دو قسم است که یکی را (زپلین) می گویند . ودیگری را (تاوروپلین) میخوانند . زپلین ها قسم اعلای جهازات هوایی شمرده میشود که بسیار کلان یک چیز است . هر قوت تازیبی کپس هر قوت ماشین دهد پرواز می کند . وبسیار وقت در روی هوا مانده

میتواند و مسافه های دراز را طی کرده میتواند و از پنج آدم تا بیست آدم درآن نشسته میتوانند و بهاد تکهای ثقیله بزرگ و بسیاری در آن بار میشود . این رقم جهازهای هوایی بسیار کمیاب شمرده میشود . از این رقم جهازهای هوایی را بغیر از دولت هیچ دولتی مالک نیست . مخترع آنهم (قومت زپلین) نام اعلان میباشد که تمام خود نام این جهاز هارا زپلین نهاده است . در یک ظلمت تمام همین زپلینها در اورده است از این تو جهاز دولت انگلیز دیگر متعلقیتی ندارند .

دیگر رقم جهازهای هوایی (تاوروپلین) است که از این

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1563 of 1786

قوه دولتها دارند. این جهازها بدرجهٔ زیبایی دهشتناک نیست، درمیان دوربینها ازدو قدم بیشتر نمیتوانند که یکی ازانها جهازران دیگرش دهبار است ازچهارپنج هم زیاده تر انداخته نمیتوانند و مسافه‌های زیادی طی کرده نمیتوانند، درمتانت وصلابت از هر حیث زیبایی نیست. زود خراب میشوند. جهاندارئ انگلیس جهازهای هوائی هیچگاه لازم ندارئ خود نهاده است. اکثر نیست بلکه جهازهای که از طوپهای اقتدار در جدا تأثیر زیاد خوفناک است، اسلحه باهای که چشمها بیدان آن دوخته شده بیچوجه از مسافه جسیر و فرخره تر نمی بینند و ازان بر هر بیننده یک خوف و رعبی بدلها می اندازد. اما همازانکه یک چند بار دیده شود و عادت آبروآن پی برده شد هیچ اهمیت و ترسی ازان نمیماند. و ازجملهٔ جزهای دخل برقم میرود. علی الخصوص که بعضی شکمپیان نشان انداز زبردست اگر بعضی موقعهای باشد بصحو و واو کرده بگلوله توپخانهٔ جهازان آنرا بخاک برسانند. یارمانش آن کدام کلهٔ کاری برسانند خود مانند یک تکه پارهٔ برزمین می افتد. جانبه در هوا مثل بالهای غریب بدین انسان چون اول بار جهاز هوائی رقم نمود و بالون را در سر خود دیده بسیار ترس افتادند. اما همازانکه حضرات مشاهیر سویی آیات قرآنی مجیدرا که دربابت رجم شیاطین بود راتهاصر بر نمودند آنها را اطمئنان راسخ و تسلی داد و اضطران غیالی و دلایل عقلی آنرا بیان نمود زن و مرد شان که برملای میدانی بودن آن حاصل شده بود زایل گردید هیچ اهمیتی بآن ندادند. علی الخصوص که بعضی نشان اندازان دلیری از اینرا بگلوله توپخانه برزمین انداخت هیچ خوف و رعبی ازان نداشت. لهذا ازجهازهای هوائی دشمن تدارک مسلمانان راسخ الاعتقاد هیچ ترس و پروا بدل راه نمیابد داد.

[یارانی که هیچ ترس و اندیشه را ازجهازات هوائی بخیال خاطر نیاورد. دراخبارهای انگریزی مرقوم بود که جهازهای زیبایی جرمنی را برلین میخواهم همینطور تراندا میکنوم که اینطور زیبایی جهازرا بلندتر هم انداخت. ولی هیچ نقصان نرسانید یک طفل یا دو طفل بالفرض ازین هم زیاده جانهای زیبایی کشته شدند. پس جاندارئ زیبایی ها کمتر ازین جهازات هوائی میباشند چون جهازهای اهمیتی نباشد آنطیاره آکپای تورو پلنکها راچه اهمیتی خواهد بود !!!]

جوش و خروش افغانها در بغداد شریف

اخبار شیها یک مکتوب یک افغان مقیم بغداد را که برای یکی ازدوستان خود مقیم شام نوشته درج صحایف خود نموده که طائز عیناً آنرا ترجمه و درج میکنیم :

در شهر بغداد شریف ازمردم افغان تقریباً دوصد نفر مقیم هستند که این مردم غیرتمند یاور و توانا بسیاری اسلاف و آلا کرام اولادهای حضرات سادات عظام کیلانیه میباشند. هکذا یک تعداد اکثیر در موضع اشتیاق تقرب نمودند مردم در جداً علی العموم و در افغانان علی الخصوص در جوش و خروش عظیمهٔ برپا گردید. (غوث الدین) نام یک افغانی که در دلاوری و بهادری یک شهرت عظیمهٔ در بغداد پیدا کرده همهٔ افغان مقیم بغداد شریف را در باب الشیخ نام موضع جمع و دعوت نموده بالها الاظهار ذیل نطق نمود :

« برادران ! نزدیک شده که مظلمات مقدسهٔ پیشوای مذهب ما حضرت امام اعظم صاحب، و پیرومنتکرما حضرت غوث الاعظم صاحب و امامان دین مقدس ما و اولاد رسول برحق ما در زیر کرپای جوتها و موزه های نجس و مردار دشمن دین و ایمان ما پایمال شود. آیا کدام ایمان، کدام وجدان گوارا میتواند. کدام ناموس برخود گوارا کرده خواهد توانست که چشمهای سر خود بیند که کوزه های لعین و مردار پاپوشهای برنجاست خود در مقامات مقدسه داخل شده عبادت کنند ! [از همه افغانان یک صدا حاشا حاشا ! هیچگاه هیچگاه !]

« برادران ! به بینید که روس منحوس در ایران چه کرد ! قبر مبارک امام رضا صاحب را بخوب زد، ویران کرد، با پوزه های نجس خود آن مقام مقدس را لگدمال کرد، شکمهای زرکان بر شان را در همه جاها آویخت. هیچکس هیچ نگفت. تا که کرکسها غیرت آمده بریوق قوسلطحا نه روس شوم پرده بریقرا بمنقار و چنگال پاره پاره کردند! آیا ما از کرکسها هم بیغیرت تریم حیث ترخواهیم بود که چشمهای خود بینیم و چیزها مانند آنها نشسته باتیم و فرنگی آمده در کاخ مقدس پیرومنتکرما حضرت باز عبدالقادر گیلانی پیشوای ما درایند. ! اگر همچنین بی خبری درما مسلمانان دوام یافته باشد فردا خدا ناخواسته ! اگر کعبهٔ بیت الله و مرقد قدسیت احوای حضرت رسول الله را هم بالاشبه پایمال کنندن رکاهیت و حیث هیچکسی نور نخواهد خورد. نی برادران ! باید اینچنین روزهای منحوس را نبینیم، چشمهای خودرا کور کنیم، جانهای خودرا در راه محافظهٔ بغداد شریف قربان سازیم. حالا بگوئید که کیست باین هراهی کند و کیست کفن خودرا ازجان خودزیاده دوست داشته باشد ؟ »

این سخنان (غوث الدین) مذکور یک جوش و خروش بیحد عجیبی درافغانان راگیخته و همگی متفق الکلمه شده در طلب غوث الدین بدایرهٔ عسکری درپیش قوماندان رفتند، و مافی الضمیر خودهارا بیان کرده برسای خودها داخل شدن خود شانرا در صف عسکر نظامی استند کردند. به این شرط که حیث شانرا ازهمدیگر جدا نسازند و درمیدان حرب در یک قطعهٔ که حافظهٔ آن باخود وران بهمه حال خدا کاری عطایی موقوف باشد سوق و نصب نمایند همچنین عرضه. ازجمله دوصد نفر هشتاد و نفر شان شربت شهادت چشیدند. خود غوث الدین ازسه جا زخمی شد. سواران تجمل عرب و عسکر نظامی عثمانی اکثر هارا ازسه طرف احاطه کرده چنان قتل عامی برآنها وارد آوردند که دوباره نوبغداد را هم زبان نیاورند. تقریبا شصت نفر مقتول و مجروح و اسیر شان در بن میدان حرب وقوع آمد. و از همه عراده طوپ عسکری و طوپهای ماشینگن و مقدار کثیری فشنگ و جبه خانه و جبه و اسباب و لوازمات فراوانی بچنگ خزانهٔ مسلمین درآمد. و یکنان سراسیمه گی و پریشانی فرار نمودند که نظیر آن کمتر دیده شده است.

نقل از گرامی روزنامهٔ جیل الجدید

(خسارت اخلاق اروپ درین جنگ)

یکی از دانایان میگوید خسارهٔ این جنگ اروپا بمقدار نیست که تشریح و بیان در آید اولین خسارهٔ آن هانا بودی اخلاق است :

اروپا بیان ازسی صد سال باین طرف در تمام کرهٔ ارض تجارت تمدن و اخلاق خودرا گوییده خواهخواه بقبول بنی نوعان کفتن مخصوص

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1564 of 1786

بارو و حسن اخلاق و مروت و انصاف از خصائص اروپائی است هر ملت کوچك اروپا مزیت خودرا بزرگترین ملل آسیا مسلم میداشت فقط اسم اروپائی برای ایراد تمدن و جلوهٔ اخلاق و آئینه مروت و انصاف کافی بود باندازهٔ تعظیمهٔ تمدن اروپا چشم مابقیرا خیره میساخت که هیچیك از ملل آسیا ولو مالك هر قدر قدامت تاریخی و تمدن دیرین بودند خود را مطرح برای یك آن هم تصور مغلبت اخلاقی بهیچیك از عناصر اروپائی نمی نمود واین نکته یك حربهٔ مسلمه برای اروپا شده بود که واری بالا آن میسر نبودی وقیمت آن برای اروپا از همه چیز بالاتر شمرده میشد این جنك خونخواره آن مزیت تمدنی اروپا را زائل ساخته نزدیك است که اقوام وملل آسیا در تمدن واخلاق دعوی همسری کرده مزیت بارو پایان یابند .

خسارهٔ مالی

خسارهٔ مالی این جنك از روی قطع بصد از خانه آن از بیست ملیون کمتر نخواهد آمد فقط اروپا را چهار صد ملیون میگویند واگر این خسارهٔ تقسیم بعموم شود صدی پنج خواهد شد واین عدهٔ خصان خیلی زیاداست وبیشتر این خسارهٔ باید بدول بزرك جنك جو است ودول بیطرف چندان حصه از آن ندارند واین عدهٔ تلفات چون تمام از جنس مذکور است وعنصر اناث پردقیق وصاحب اروپ خیلی خواهد افزود وطبیعت آنهارا بحور بانتشار در آسیا خواهد ساخت و همین نکته نیز بزرگترین لطمهٔ اخلاقی است که از اروپا در قلوب ملل سائره جای خواهد گرفت اما خسارهٔ مالی این جنك بارو پ بمقدارهٔ نیست که احصاً دراید :

(خسارهٔ مالی)

خسارهٔ معینهٔ جنك جهان تا آخر جنك فعلاً از بیست هزار ملیون ارمبالغ خواهد بود خسارات صناعی وتجارتی اروپ پیش از آن است که بتوان بیان کرد مثلا یك از اعاظم بین اکتشاف میکوید تخمیناً بایدات اهالی اروپ روی همرفته ماهانه سه لیره بوده والان نوزده ماه است که آن بایدی نکن نبوده یك لیره تنزل کرده است و گوئی هیاهی هشتصد ملیون از بایدات اهالی اروپ کاسته و حال آنکه بهمان مقدار هم بواسطهٔ گرانی اجناس رمصارفشان افزوده است اهالی آسیا هر اگرچه یکمك اندازه درین خصان بارو پا شمولیت داشته ولی ازطرف دیگر جای خالی این خسارهارا طبیعت پرکرده است درین مدا کتارو پا بواسطهٔ اختلاع بحك توانسته است که مبادلات صناعی را که همواره به آسیا میفرستاد برساند ورفاهی چون محتاج بود لوازمات معاشیهٔ خویش را بقیمت رخیص تحصیل کرده بارو پا بردد درین سیاست باقی میماند در حال اقتصادی تمام دنیای آسیا امروزه قسمت بطول جنك خیلی بدتر و بیتر است تروتهائی را کمتر سیصد سال پیشتر اروپا بامضا خویش علم و عمل بخود جذب نموده بود آلان دارد دور اجرای اعمالی یکی بآسیا و دیگر به امریك میبرد معلوم است که اگر چندی دیگر کار بدین منوال باشد نظر الده اروپا را احاطه خواهد نمود اگرچه برحی از دول بیطرف اروپ درین جنك استفادهٔ تروتی میکنند ولی در جنب آن همه خسارات دول بزرك مقداری قابل ذکر نیست و امروزه باثروت ترین دول وملل محتاج قرض ونوام بالاحتیاج دنیا است .

(خسارهٔ علمی)

اعظم خسارات اروپ درین جنك هانا اعداد بسیاری از رجال بزرك نام وكامل درهریق میباشد كه نظیرها مانند آنان پیدا نتواند شد واین خسارهٔ بزرك را اروپ از قانون اعمالی قشونی عاید چرا كه از هر طبقه وهرسلسله بحور بخدمات قشون و خدمت در جنك امر وهریك شمولیت بحك نبود خواه نخواه بالفعل دوچار میكردید یك ازواقعان امور حساب نموده میكوید درین جنك جهان سوز اروپ تا كنون هشتاد هزار علماستجر وفضلای علی مقدار ازهرفن وصنعت رهسپار وادی اعدام گردیده‌اند واین نتیجهٔ منحوسه تولید نشده اگر از قانون مشق اجباری كه موجب عزت وقوت و افتخار اروپا گردیده بود فقط چیزیكه درین جنك ترقی نموده هانا برحی صناعات است كه برای اعدام نوع انسان ایجاد میشود وهمه روزه نیز درفكر احداث آلهٔ قتالهٔ جدیدی میباشند :

(خسارت تجارتی)

یك از مهندسین هولاندی دراول جنوری سنه ۱۹۱۶ حساب كرده میكوید كه درین مدت جنك باندازهٔ كشتیهای تجارتی وماهی گیری وجنگی غرق گردیده كه هركدام جمیع كارخانجات جهاز سازی دنیا شب وروز كشته درمدت بیست سال جبران آنرا نتوانند نمود وهمین بلجیك باندازهٔ لطمهٔ بتجارت وصناعت اروپ وارد كه تاكنون جبران نشده تفكردد باین خساراتیكه شمهٔ ازان ذكر شده هنوز هم خم بابرو جنگجویان نرسیده است :

كذا (بلجیك كاری آلمانها در اصفهان)

چیزیكه بیشتر راهالی زرنك اصفهان تأثیر نموده آن است كه مدار قونسلی آلمان كلوله طوپی ازجنوب ساخته كه طول آن قریب یك ونیست و چهار اتج دور آن است ، ودر دور آن كلوله مرتبه خط سیار جلی وروشن گذشته (بانتظام چهار دهان مرقوم منوره علی این موسی الرضا علیه آلاف التحیه والثنا احداثه جیشود راهالی اعلان نموده كه این نه كلوله ایست كه در كارخانهٔ كروپ ریخته شده واین كلوله در اردوگاه آلمان كه بجانب پتروغراد موجود است كه كاپیتانی زرنك آن شهر دراوایل موقع احداث این بیان بندری در قلوب مردمان اصفهان وتوابع آن از ا كه دست همه بزیارت این تپه كلوله آمده اظهار تضرع و منیایند ودور نیست اگر چندی بدین منوال بگذرد این شبه صورت یك امام زادهٔ بزرگ را كسب كرده مرجع ارباب مطالب خواهند ، وگوئی بدانی هنوز هشتاد هزار نفر دوخراسان كه اصفهانها دامن همت بركمر زده مردمانرا تشویق ساخته زیارت كلوله میآورند ودور نیست عنقریب زیارت نامه هم برای او نوشته این تخریب قونسلی آلمان بندری درقلوب اهالی اطراف اصفهان آنقدر كه تصور آن مقصور نیست .

اداری ادامه واداری الكاپس

اخبار عثمانی مینویسد :

ازمانیكه تركان درین جنك شریك شدند ، جراید انگلیس ا برحی وستایش تركان دارمیها كه رجالی ایشان هستند همیشه نشده . ووقتاً فوقتاً تعصبات جنونسوز تركان را بر ارمنیها

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1565 of 1786

بیانیه درباره انتشار داده‌اند که مسلمانان دور دنیا حیرانند که چرا دین زندگانی دولت علیه عثمانیه دو چار مسائل موت و زیست میباشد بلاوجه دین آزاد رهایی خویش شود بلکه چه گونه فرصت بدست آورده و چنین امور غیرمعقول اشتعال داده ؟

مسئله ازانه جزویست که بمسلک کلی انگلیس و روس و فرانس دولت عثمانیه از سالهای دراز تعلق داده ـ برای ایضاح مسئله دانستن سی واقعات کارخی لازم است ـ چون (سلطان محمد خان ثانی) در ۱۴۵۳ ع قسطنطنیه را فتح کرد حسب فرمان سید الکونین که محسن سلطان ده وصیت فرموده بود ـ در عثمانی نصاری که تازه داخل حمایت دولت شده بودند مراعات فوق العاده و تفضلات غیرمتوقع ازانی داشت بلا قید جان خود بآتریك قسطنطنیه را کاب فرش استقبال کرده اورا بخوبش جای داد و بدست خود کلاه و چوب و غیره از علامات منصب آرچی اورا عطا کرد ـ و مثل نصرانیها را اختیار قیصه کردن معاملات دین خودشان ـ و حریت تعلیم اولاد بدون مزاحمت حکومت وغیرها وغیره ـ

درمیانی از آغاز نامه مصداق بواسطهٔ دعوت و تبلیغ ترقی کردها رتبهٔ قسطنطین اعظم که باقی بقدهٔ قسطنطنیه بودند نصاری راقبول کرده آزا دین ملی دولت روس قدیم گردانید ـ عادت فرستادن داعیان بلاد غیر نصرانیه منقطع گشت ـ واین حالت تازمان (مارتین لوتر) زیاده از یك هزار سال دوام کرد ـ وقتیکه (لوتر) فرقهٔ (رو تستنت) را وجود آورد وازشیوع این فرقهٔ انگلستان وجرمنی وسویطرلند دیگر ممالک یورپ از ریاست پاپای روم خارج شد ـ پاپای روم باز عادت فرستادن داعیان دین مسیحی بافواج غیر مسیحیه احیا کرد تا از اقوام آسیا وافریقا تلافی مافات ازاروپ نماید ـ وممالک عثمانیه برای چنین دعوت بسیار موافق افتاد ـ زیرا که حضرت مسیح ودین او در ممالک عثمانیه تشوونما یافته بود ـ دیگر فرقهای نصرانیه هرقدر بجا پاپای روم علیه کرده داعیان (مدرسهای) خویش را بممالک عثمانیه فرستادند. این داعیان نصرانی رعایای عثمانی را که نصرانی بودند بافکار فاسده اغوا نموده خلاف دولت عثمانیه بمحاربت برانگیختند ـ ودین را که سیاست ساخته درعدم بنای سلطنت عثمانیه کوشیدند ـ درمدت سه صد سال اززمان فتح قسطنطنیه ازاسباب کثیره صدق دربنیان حکومت عثمانیه راه یافت اقوام یورپ درهمین مدت در علوم وفنون جدیده ، وسائط عسکری واقتصادی ترقیات تابان کردند ـ ودراثنای قرن تاسع عثمانی بدولت قوی پنجه انگلیس وفرانس وروس خود را سمی رعایای نصرانی دولت علیهٔ عثمانیه قرار دادند ـ درحمایت این دول قوای فتنه افساد و عناصر و جراثیم میان نصرا نیان درممالک عثمانیه منتظم ومستحکم گردید ـ وولایات ممالک واسعهٔ عثمانیه مثلاً یونان و رومانیا اورپا وغیره بکرد و بلغاریا بمشجع وحمایت دول یورپ تدریجاً یکی بعد دیگری ازممالک محروسهٔ عثمانی خارج شدند .

چون ترکان روشندل دوصل روزبدند که فتنه داخل ازتحریك خارجی بیدانمیشود ـ درسنه ۱۸۷۶ع باجرای دستورالعملهای حقوق سیاسی دنیا درعهدهای عثمانی بدون تفریق دین وملت دادند ، وبهاینصورت فتنه وفساد را استیصال کردن خواستند . امابتحریك اتحاد فساد در بلاد عثمانی روس وانگلیس وفرانس راخوش نیامد ، باجمنهای شورشی ملتهای که درسیت پیشرو ترك وادرن و پاریس بودند اشارت رفت تابکشت و خون تاحق دربلغار یاجوش وخروش وجود آوردند ـ وچراند یورپ درمسئله شامل شده ومیانه وطنورا انکار برده کارا کوموذند ـ منشکیدستون که پیشوای سیاسی ملت انگلیس بود بحطابهای شورانگیز کهدرمیتنك مدلو وهرین) مشهور گشت همه‌مانا متمدن را خلاف ترکان برانگیخت وترکان را وحشیان خونخوار وانموده وچنین تراجیف خلاف یورپ را بهیجان آورده بدول معظمه التجا کرد که ترکان را ازجملهٔ یورپ بلساز ورك بیرون رانند ـ از شور و فریاد کلیدستون روس جرأت کرفته درسنه ۱۸۷۷ ع بخلاف دولت علیه عثمانیه جنك کرد ودرسنه ۱۸۷۸ ع بلغاریا هیئت استقلالی بدست آورده ـ وکلیدستون لقب آزاد کنندهٔ بلغاریا یافت ـ

درسنه ۱۸۹۲ ع کلیدستون وزیر اعظم انکلستان شد ، ودرسال رمسئلهٔ هومباول (استقلال اداری) برای آرلیند شایع کرد ودرسنه ۱۸۹۴ع ازوزارت استعفا کرد وبجای خود لارد روزبری را وزیراعظم ساخت اکنون حال وزارت خوب نبود ـ خواستند که بحالت . رعایارا بمسائل خارجیه در آویخته بجای وزارت روزبری را استوار دهند ـ مسئلهٔ ارمنی را بوجود آوردند ـ وکلیدستون را هم حاصل کردند ـ مردم مانند کین مالکم میکال وچیمبرلین وریچارد آی وریست هستر کلید ستون را که پیرفرتوت شده بود گفتند که اینرا آزاد کنندهٔ بلغاریا می کویند باید که آزاد کنندهٔ آرمینیا هم بکوینه ـ وطرفدار مسئلهٔ آرمینیا ساختند ـ جامعهٔ انجمن شورشی ارمنی درلندن بقوه ارمنی درممالك عثمانی پیغام فرستادند که ایشان شورش میکنند دولت انکلیس ایشان را حمایت خواهد کرد ـ و بدرجهٔ قوه اعضای انکلیسی درممالك عثمانی اداره‌ها مشورتخانه فرستادند ـ پس ارمنیهای سامسون که قدیم وان در حریف سال ۱۸۹۴ ع ازادای خراج دولتی ابا نمودند این چیزی شکرف نبود درزمان سلطان عبدالحمید خان حسب عادت آن صید لشکر را فرستادند تاحاصره کرده ارمنیها را بادای خراج دولتی مجبور کنند ، ارمنیها علی خلاف عادت ازخانها برلشکر تفك انداخته بعضیرا ازسپاه عثمانی کشتند ـ لشکر عثمانی مجبور شده قهرا بضرب تفك واطلاق رصاص فرونشاند لاکحاله کی چند از ارامنه کشته شدند درمیان کشتکان بلغاریان وچه هرج ومباشد چون این خبر بانکلستان رسید ـ بلکستون وغوغا کردرا بنیاندند ـ درجراند چونه ور سائل شهریه تفصیلات کزاف از کشته وخسته ارامنه باکاف رسالهه درجرنه وامریکا هیجان عظیم پیدا نمودند ـ پس وزارت روزبری در ابتدای سنهٔ ۱۸۹۵ ع باعانت روس وفرانس اتفاق کرده هیئتی مشتمل برقنسلان هرسه دولت را بمحل واقعه ازسامسون فرستاد ـ ازتفحص وتحقیق بحل واقعه معلوم شد کشتن وپیچیدش ارمنی کشته شده بودند واین عددرا مطبوعات لندن بچهار یاپنج هزار کشته رسانیده بود ، درین اثنا وزارت روزبری ساقط شد ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1566 of 1786

ولارد سالسبری رئیس فرقهٔ کنسرواتیو کابینهٔ دوستی بدولت عثمانیه داشتند آکثر قوی العاده از طرفداران وزارت دربار ابهت (عابدین ثانی) وزیر اعظم شد ـ ولخواست کابینهٔ لارد روزبری را تتبع کرده مسئلهٔ ارمنی را زنده کنند ـ قناصل بان فرامده در لندن تذکری کردند که لارد سالسبری را تتبع مسلک وزارت سابقه مجبور کرد ـ بارامنهٔ ترک بطور جبهه اشارت رفت (ایشان روز عیدجلوس سلطانی درقسطنطنیه جوق جوق در کوچه و بازار بیرون آمده راه عبور بند کردند گویا عرضداشتی بحضور سلطان پیش میکنند چون سبوت پلیس ضابطهٔ (پولیس) دارالخلافه برای گرفتن عریضه پیش هجوم آورده آمد ، اورا به تنکجه کشته ـ این واقعهٔ غداری در سر حکومت عثمانی مسلمانان درجهٔ ـ فاء ا بهیجان وغضب آورد ـ ایشان زده و کوب ارامنهٔ قسطنطنیه آغاز کرده و بسیاری را از آپا کشته و حکومت مسئلهٔ آن عهدهم قدری احساس کرد ـ چون وسیلهٔ سیاسیان انگلیسی دلخواش اخلاق مسلمانان ترک ووقوع این اقدامات موافق شد و چون خبران وقایع مدعده در قسطنطنیه بدایهٔ تاریخ پیوپ وامریکا رسید ـ در همهٔ متمدن یک پریشانی پدید آمد ـ پرهان الدین سلون باوجودیکه از تداخل بسیاسیات اجتناب کرده بود ـ تمام چستر زنده مخالف حکومت ترک یک خطابهٔ جوش انگیز نقل کرد و گفت ـ : حکومتی که چنین جرائم وفلاکترا روادارد ـ نه ـ بلکه مردمرا وآن جرائم وفلاکترا تشویق کند ـ مار است ، بچه مار ، گمان حکومت ارمنی پروی میکند ـ مار است بدندان ـ ومار است به اساسیت : ـ مطبوعات لندن اخبار هارا بطوریش خلایق آورده بتخیلات پیدا کرد ـ و حکومت لارد سالسبری را مجبور کرد تا موسسهٔ ارمنی را دست گرفت ، بهمه عمر سنه ۱۸۹۵ ع در قناص تاریخی بدعای شهر لندن ، یک قطع تهدیدی مخالف سلطان عبدالحمید کرد وبسته های سفائن حربیه دول معظمهٔ یورپ را بعنوان آشتی دادن فراهم آورد ـ امادولت حربی هیچ بدیده نظر نداشته بود

پیش ازسنه ۱۹۰۷ وتعلقات انگلیس وروس صمیمانه نبود ـ بلکه درمیان ایشان وقایت سخت بود ـ وهجدین پیش از ۱۹۰۴ ع میان انگلیس وفرانس دوستی نبود ـ بی روس وفرانس حلیف بودند ـ چون مسئلهٔ ارمنی انگلیس آغاز کرده بود ـ روس وفرانس در تعین کردن هیئت معائنه بانگلیس شرکت شده بودند ـ امنه برای اعانت انگلیس بلکه برای نظر داشتن برمسائل انگلیس ـ پس چون لارد سالسبری خواست که سفائن حربیه دول معظمه زود داخل آبهای داردنیل شده قسطنطنیه قابض شوند ـ رئیس کوزر اعظم روس آوف بود ـ راضی نشد ـ وفرانس هم تأیید روس کرد ـ باین تهدید بازی روس دولت عثمانی را از انگلیس جدا کرد ـ وبطرف خود کشید ـ این بود انجام مسئلهٔ ارمنی درابتدای سال ۱۸۹۶ ع ـ انگلیس خیلی منتضح گشت ـ حتی که لارد سالسبری درانظهار مجبوری دولت برضایت علی رؤس الاشهاد گفت ـ : اگر بحر بیچ سلطان ترک می آمدند ـ ما بحر ایشان را شکست دادن میتوانستیم ـ اما مادر توانم که آهن پوش جهازهای جنگی خویش رابالای کوه ارارات (جودی) شنا کنیم ـ ارامنه ازین اکامیابی جنبهای انگلیس پریشان شده ـ روزی جماعت بسیار مسلمانان در قسطنطنیه بیوفایی مذهب دوست در آمده مردم بیگناهرا کشتند ـ و واسطهٔ انگلیس ایشانرا اجازت نداد تا بحر بیع وسلم یورپ

رفتند ـ این شورش وبلوا که برحسب وسعت اقدامات ضابطهٔ مردم دراولین الطوفانیا جوش آورده ـ پس ازارامنه حمله کرده وخیلی کشت وخون ظهور پیوست ـ کلید ستون باروبیکر مخالف حکومت ترک خطابه شدید کرد ـ وسلطان عبدالحمید راسلطان اعظم خواند ورای داد (ازروی اظهار عدم رضامندی حکومت ترک ازقسطنطنیه سفیر برطانیه باز طلبید ـ امالارد روزبری بان رای کلید ستون اعتنا نکرد ـ وزیر دست فرقهٔ احرار خودرا باز کشید ـ چنین بود انجام بحرجام مسالم انگلیس وارامنه در سال ۱۸۹۶ ع ـ

دوازده سال دیگر گذشت وعالم دیگرو وضع وجنات التفات داشت ـ وانگلیس را فرصت نیامد تا فائدهٔ خوابیدهٔ مسئلهٔ ارامنه را بدار کند بلکه بعض اکمیهای ارامنه مسلک مداراختیار کرده وبان تکه کمدایس و ملی از بلا و آسیب فساد خلق شدند ـ چون عبد حمیدخان والخلاد ترقی درسنه ۱۹۰۸ ع درملک ترکی آغاز شد ـ ارامنه درعلس مبعوثان داخل شدند ـ وانعضای وزارت دولت عثمانیه گشتند و لیکن چون در ماه اپریل سنه ۱۹۰۹ ع از مسئلهٔ جانبی خود قوای تریکی داخل می نمود که نورانیت حقیقی را زائل نماید ـ آنوقت ارامنه مشمئن بیرونی مملکت ومملت درساخته قدری فتنه انگیزی کردند استانبولدان ازدی نکشانند که کثافت رابطانت چیره کردند ـ ازانه عبدالعزیز خیدسلطان محمد خامس خلیفهٔ ملکیاوجود خیانهای سیاسیهٔ ارامنه دولت عثمانی باایشان مسلک مواسا ومحالاصرفی داشته استرداشان رمناصب جلیهٔ مخصوص ساخته ـ حتی که در وزارت احداهار نورادونکیان داوزیر امور خارجه ساخته بودند ـ وباوجود کهدولت راطرافلس خریدار وجنك بلقان را اماده خوب نکرده ـ وفکر جنك مالگیرا نداشته ـ ارامنه باز خلاف دولت خودوطن خودرا روس وانگلیس امانت کردن گرفتند ـ باین عمل ایشان سرانسر غداری بدولت وملت خود خطهٔ کمآن را سرزمین ارمنی میگو بند مسکن کرد ودیگر جنس مسلمانها هم است ـ وچنان واقع شده ـ کهپدست عثمانیان چیزدست روس ـ آنخطهٔ کوچك حکومت مستقل داشتن نمی تواند کسانیکه تاریخ حاضرهٔ ملت روس خوانده اند ـ خوب میدانند که ارامنه در ملت روس بچقدر افسوسناك است ـ وحال آنکه درموراثیت عثمانی عنصر ارامنه مانند دیگر عناصر ملت عثمانیه برای ارامنه حقوق سیاسیه مساوات حاصل است ـ خلاف چنین دولت مشفق ورفیق کفران نعمت است ـ این موفقیت روس در ارض روم واحی لاهاله ازغداری ارامنه گرانبار شده ـ چنانکه ارامنه که این ملت زبردست وبیالائه ازنعم خود گمراه شده درولای سرانسیمه میکردند ـ بلذزمان بود گما کثر تجارت شاهانه عثمانیه در ارامنه بود ـ آرطین پاشا معتمد سلطان عبدالحمید خان بود ـ ایشان را ازرق وشید انگلیس بدام زور در آورده وسلطان قسمیکه خصب ازعدهٔ صواب دور انداخته ـ اخلاق ارامنه را ترکی اینطور میدهد ـ : برای غریب ماندن هو کس عادی شده کافیاست وبرای غریب دادن چهار یهودی بلندرو (وبان) کافیاست وبرای غریب دادن دیوانی یك ارمنی کافیاست ـ امید که ارامنه وهوش الغرباد وخروش جرائد انگلیسی درباب مظالم ارامنه در بیفتند ـ تاین حقن پوشان غریب رحم گذاری خود این عادت سیاه می آید بیرون ـ عثمانی ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1567 of 1786

تفصیل محاربهٔ عراق عرب

ابلاغیه عثمانی نقل از جراید ایران

از طرف سفارت دکرای عثمانی تبلیغ میگردد .

نوشتجات اردوی عراق عرب عثمانی تاکنون ذیل را دور نموده ۱۷ سفارت دکرای عثمانی منتشر میسازد

اردوی فاتح عثمانی در کمال فعالیت بتعقیب اردوی مغلوب و فراری انگلیس دوام میساید امروز اردوی عثمانی با دشمن در نهایت موفقیت چند مرتبه نموده و دشمن در اشباه سی میکرد پل خود را رباید هما کر عثمانی چند تن از محافظین پل را مقتول و پل را هم غرق نموده اند و چند اسیر دیگر هم گرفته اند و از دشمن یک سفینه بخار دارا دوده و مملو از اشیاء و ارزاق و مومیا و ماشین خط نویس اغتنام نموده اند و دو کشتی جنگی دشمن که اردوی عثمانی را تعقیب مینمود از آتش توپخانه عثمانی خلاص نشایده شده و قسم اعظم از خرشانی تلف گردیده است در روز مرحبی که هما کر فاتح عثمانی داخل نجزیره میشدند بمنا صدای اذان صدای دریائی منار جامع ذریف بلند و اهالی اسلامیه بشکرانه این فتح و ظفر کمس جانب الله بود بسجده ادا افاده و بواسطه بعد انگلیسها

روح پرتس بیچاره از مشاهده مصائب تفکر میاید

ای خود از اردوی عثمانی بودند مضبوط اجبور فرار گردیده و خیمه الله عثمانی قوه دشمن کاسته گردیده که در مقابل حملات دشمن و امشب اردوی عثمانی مقابله آنان بی اندازه ضعیف و حتی بوجوه اردوی عثمانی ضایعاتی نداشته است و در نتیجه اطلاعات دیشبی که از اردوی انگلیسها کرده شده یک موتور حربیه دشمن تخریب و یک دوبه آهنی آنان اغتنام و یک سفینه حربیه هم مغروق و ضبط گردیده ول ارزاق و جبه خانه آن را انگلیسها احراق کرده بودند در داخل قصبه عزیزیه و جوار آن بقدری از ارزاق و مهمات و اشیاء متنوعه که انگلیسها بجا گذارده

آن قلعه غریق سرور و شادمانی گردیده و در کار ربط گرو عرض شکران مینمودند و انشاءالله فرداهم بالطاف سبحانی فتح قصبه عزیزیه اردوی خلیص بلاد سائره اسلامیه را بشیر خواهم بود

اعانه اکراق قومندان اردوی عراق عرب عثمانی مورخه ۱۸ کانون ثانی

اردوی انگلیسها باحال بسیار پریشان فرار و اردوی عثمانی شب و روز در تعقیبشان دوام مینماید امروز بعنایات شامله حضرت قهار متعلم قصبه عزیزیه را هم اردوی شجاع عثمانی استرداد نمود و عثمانیان تا کنار دجله جلو رفته اند و انگلیسها شیخون را که بدرخت خایه موتور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1568 of 1786

اند مالامال است که تعین وتعداد آن محال میباشد ودرمیان متروکات دشمن موجودیت اشیاء قیمتی صاحب‌منصبان وآلات‌وادوات قیمتدار اقوام مهمه سیاسیه دلالت بکمی مقاومت دشمن دارد ودر جوقه‌های مختلفه کنار تپه‌وجبه‌زار این جنگاه وصدوقهای اشیاء از انگلیسها دیده ودست آمده است چون در حین فرار اردوی انگلیسها از هر کجا که گذر میکرده دوسیار اغراض وتاجر وتار اهالی مارکرده لذا برای اغذال اعتقاد آن سامان وهم اغراض آنان درآنجاها اعلان کرده‌اند که کابین دوازدوی قرار شاه که عقد کرده است در جنوب یکجهم اردوی نظامی دولت بانموس ازکلب باین قسم دروغ را تحی عنوان اردوی عثمانی درنهایت شدت تاریخات بنیاده دشمن را تعقیب میبرد

از منظره‌های محاربه

دخول مظفرانهٔ غازی سواری آوسترالیا بغازیان در پولیمه

وموافق مندرجات جریده‌جات انگلیسها تلفات اردوی انگلیس از پنجهزار بوده است ودر آن میان صاحب‌منصب واقوام انگلیسی بسیار بوده است اینها مورخه ۱۹ تشرین اول

غازی عثمان ومجاهدین اسلامیان امروز دشمن قوی را توقیف وآثارا مجبور بمحاربه نموده دشمن پس ازدادن تلفات کثیره زیاده

غیور قرار گردیده‌اند درآن محاربات عثمانیان فقط عبارت‌اند خروج وهاهاندن هم شهید بوده است وهمین حضرت سبحان اند عثمانی از انگلیسها بقدر سیصد غنایم گرفته اند ودرآن جزایر منسوبان انگلیسی از میان‌بی‌ورود بقتل وغیره حبس بوده است افراد هم انگلیسی بوده اند از قرار تحریرات سه دویه‌ها

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1569 of 1786

و مهمات و توپ و جبخانه و عرابه ها و تجهیزات بسیار باز اغتنام نمودند (طرف آتش توپخانه عثمانی دو نامبوط زراد که یکی (فارفلاس) دیگری (کند) نام داشته و باصطلاح اهالی انبا (اوالسیله) میباشد قرب ونمبط گردید نامبوط کند نام کاملا انلاق و نی نامبوط فارفلاس را مالا ضبط و مصادره نموده اند و عده توپ و مترالیوز های کادر دوایا جوده ضبط شده بالغ بهفده قطعه استیان و نامبوط که بهترین وسیله حرب دشمن بوده است فوق العاده خاطر اهیت میباشد و نامبوط فارفلاس را قریبا در مقابله دشمن استعمال خواهند نمود انگلیسها در چرکوت الاماره و بقیه به قسمی از اردوی عثمانی که بجدره هجوم برده و در موقع بتعرض نموده واز یکصد و بیست تیر توپی که بسمت این قوه عثمانی انداخته اند جز چند شهید و مجروح اثر دیگری نکرده است ولی این قوه که عبارت از یک فرقه از اردوی عثمانی است دشمن را دوچار خسارات کلی نموده و مانع از عبور دو کشتی جنگی انگلیس شده و آنها را مجبور بعودت بکوت الا مازه نموده اند و از طرف عثمانیان نامبوط اغتنام شده فارفلاس نام اسم سلمان پاشا داده شده است

ایضا تلگراف ۲۰ تشرین ثانی

اردوی عثمانی پیوسته در تعقیب اردوی مقهور و فراری انگلیس دوام مینماید بطوریکه اهالی قصبه بنیه را هم عثمانیان استرداد نمودند یک سیم چکی کوچک صحی (یالسادن) با یک دوجه آهنی که دارای دست و چرخ تون حجم بود سالما بالارزاق و جبخانه و مهمات بسیار زیادی اغتنام نموده اند و یکفقره اسر هم باز اسر گرفته اند وضع اسرا بحدیست ما بین انگلیسی و یکصد و بیست خرپاغ میشود و ضرر مادی دشمن در قبضه تعقیب اردوی عثمانی متجاوز از یکصد هزار لیره تخمین زده شده است و در میان دشمن هشت هزار نفر عثمانی بوده و این بازان شده اند و نامبوط سلمان پاشا نام که دیروز اغتنام شده بود برای تخلیص سیری که از آتش توپخانه عثمانی بادوار کرده بود برای اصلاح بنداد برنامه شده است و انشاءالله عراق عرب را از لوث اعدا تطهیر و احوال کره اردوی باعزم و قوت عثمانی بسیار خوب است و امروز بهیچوجه اردوی ما دوچار خسارات نگردیده است (رعد)

• قبول اسلام •

(ترجمه از اخبار های هندستان)

هندوهای ذیل که مرید سر آغا خان بودند علناً از مذهب هندو بدین اسلام مشرف شده اند . همراه عیال و اطفال خود

نام اسلامی	تعداد عیال و اطفال	نام هندوگی
حسین بهائی	۵	سوهند اراه زرگر
محمد اسمعیل	۴	مانکو زرگر
مهدی محمد	۵	رام بهایا زرگر
قاسم	۱	صاحب دته زرگر
محمد قاسم	۵	چهجو زرگر
محمد بهائی	۶	حاکم چند
قاسم	۱	بیره زرگر
حیدر علی	۱	ملقان سنگر تنهیار
حسین بهائی	۳	بهایا
جعفر	۵	جیوا
میزان	۳۶	

• وطن پرستی عثمانیها •

اخبار ذیل مبل انگلیزی در شماره ۸ مارة خود از کیفیت وطنخواهی عثمانیها از آغاز جنگ تاکنه است که بچه شوق وذوق تمام برای امداد دولت و حکومت سنیه خود میباشند این کیفیت تحریر اچنان بیان میکند

همه اسباب عیش و عشرت در اسلام بول معدود بنداند رقص عثمانیها . و نیا زوجها همه موقوف شده اند . بیش مردم هرقدر روپیه زیاده از خوردن و پوشیدن باقی میماند آنرا بحرب و حرب تحویل میکنند . اطفال کمسن هم خرجهای زیاده و اسراف و اجبار را ترک کرده اند . هرقدر پیسه اضافه داشته باشند بوزارت حربیه ارسال مینمود .

کلیسیاها هرقدر نقدی که از خرج اسب و کالسکه زیاده شود داخل وزارت داخله میفرستند . عورات مستوره هم کار بافنده گی کرده در بازار فروخته نفع آنرا در خزانه حربی داخل می کنند .

• فالحمد لله انشاءالله العزیز •

اختلالات هندوستان

• پیغام داده •

روز یکشنبه در کلکته دو نوجوان شکلی بر بالسکل سوار شده در خانه یک شخص هندو پاس ۸ بجه داخل شدند . وصاحب خانه را گفتند که فی الفور ۵۰۰ روپیه بدهد . شخص مذکور انکار مطلق کرده گفت من روپیه موجود نیست . آنها گفتند کسه روز میشود که برادرت از مدراس آمده تراو صد روپیه موجود است ولی صاحب خانه از آنها انکار نمود . لهذا بالکل گفت که در آخر این هفته خانه تراجبور خواهیم کرد و خانمان ترا خواهیم گفت شما هرقدر میتوانید حفاظت خودتان را بنمائید و بولیس راهم خبر کنید .

گذا

بنام (بابو کرتاموهن چکراورتی) که در کلکته بکتریس مشهور و معروف است یک خط بی امضا رسید که انشا شده برخانه ها جه کرده همسایه و محلداران برج و نیز انهار اجازه داده اند کهبرهٔ بولیس برخانه خود مقرر کنید . چون بابوی مذکور اجرا نمود (عجب مانیه !) راقم (اسم ذکر نمیشود) ممنوع نبود . فوراً بولیس اطلاع داد و بولیس ها بشب شبه خانه اورا حفاظت کردند مگر هیچ حمله دران شب نشد ولی فردای آن وقت پیش یک کرو دار همها برخانه او حمله برد و هرقدر اسباب که یافتند در هالوقت کردند . بولیس ها در سر اغ ایشان افتاده اند .

• دار های تعلیم بالغا •

از کلکته اطلاع رسیده است که بولیس ثرا کشور چندغرفه ها نهیت داره زن گرفتار کرده اند این نفری عموماً بسیار آدمهای شریف واز خاندان های محترم تعلیمیافته میباشند از این ۲۵ نفر گرفتار شده کمی زنانی - کمی ایم ای هستند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1570 of 1786

﴿ اختلالات ﴾

هند

دارهٔ مدکاو :

شب ۲۸ فروری چند نفر دزد زن‌های مسلح بخانه (تراکوانیه) درآمدند . اهل خانه بخواب خوش رفته بودند . خبری نداده ، زن صاحب‌خانه‌را بیدار کرده جای‌دوپیه وزیور هاراپرسان کردند . زن مذکور بجای‌جره زدن‌را گذاشت ولی آنها اورا ساکت ساخته هیفده روپیه وزیور وغیره که یافتند گرفته وبزن مذکور تسلی داده که این روپیه هاوغیره‌را عقریب پس‌خواهی دهند . چون ایشان راصدق زن مذکور غافله انداخته وشوهر خودرا که بدیگر طرف خواب بود ازماجرا واقف‌ساخت شوهرش پولیس‌رابه تیلیفون اطلاع‌داد ولی‌تاحال سراغ آنها معلوم نیست .

کلکته :

هزار دارهٔ زنی در بنگال هنوز گرم است . دارهٔ هاهفه مسلح‌اند همه‌سر بنگالی کیفیت‌ترس آورنک‌دارند‌را که‌درروز روشن نزدیک تپهٔ (موریل گنج ضلع کهلنا) درخانه یک‌نفر (بابو گریش‌چندر‌رای) درآمده قفل وزور ۵ هزار روپیه کلدار‌را گرفته بردند . ذکری کنند که پولیس درجست جوی آنها هستند .

کلکته :

یک‌جیمت نوجوانان بنگالی که قریب ۳۰ نفر بودند بانصف‌شب در خانه (باوچی مادهب کهنا) رفتند . همه زیورات زنان ، وما فیهای ترنک‌ها ، وبکس‌هارا کشیده‌هرادیچی‌قدی بردند . اینهاهمه مشعلهای روشن‌درست داشتند ، وربش‌ها دمتبل های‌ساختکی داشتند . پیش آنهانیز ارهم موجود بود .

کلکته :

قریب ۱۱ بجه آدم درنصف شب‌بحدود (رای‌بور ، ضلع دهنا که) در دریای اریل‌خان‌یک کشتی که‌درملکیت شیخ‌عبدالعلیم تاجر می‌بود حمله کرده بمقدار جمع‌قدی ودیگر اسباب متفرقه‌فرار کردند . می گویند که‌هشتان بارودهم داشتند .

کلکته :

ده‌نفر اشخاص مسلح‌ربش‌های ساختکی بزنج‌چسپانده دریک کشتی سوار بودند . کشتی‌را در بهر (ضلع‌کنج ، ضلع‌پتره) دراورده یک کشتی‌یک‌آهن‌غش نامی‌حمله‌کرده‌وزور وتهدید‌بقتل‌هارا از آنها کرده تفنگ‌های صندوقهای آهنی راباز کرده قریب ۴۰۰ روپیه نقد کشیده بردند‌وبر کشتی‌خود سوارشده پس‌رفتند

کلکته :

ده ، دوازده‌نفر خانه بابومیش چندر کرمکار وقت‌نصف شب‌داره زده‌واهل‌خانه‌را ترسانده‌بعضی‌بکس هارا شکسته‌تمدوجنس که حساب نشده برده اند .

« درپنجه واقعه‌ها یک‌سر اتی هم‌باخته نشده پولیس‌ها »
« سر گرم تحقیق اند »

ترجمه از اخبارهای هندستان

« قوانین خانواده »

در هند

شرح این قصه جانسوز بالفعل تا کی
سوختم سوختم این سوز نهفتن تا کی

درین ایام لهجهٔ حقانیهای اخبارات ملت عالم‌ومخصوص هندبسیار آزرده‌کنوزاست ، انتظاروسررشته‌ازدست انگلیزها رفته آنار وانتظام واجرای قوانین غیرمعقول وحشیانه ، سراسیمگی شانرا اظهار میدارد اما آنچه حاضر می کنیم درهند عجز ، وداغهای توجوانان وجیغ‌وفریاد نیست که باعث پریشانی آنها شود . پس معلوم است که این داغ‌وجیغ فوق العادهٔ دارند ! . . . .

که رای جلو گیری آنها قوانین وحشیانه اجرا میکنند کمال پریشانی حواس شان است چنانچه یک دو سرمقالهٔ یکی ازاخبارات‌رانا اجلاً ترجمه‌میکنیم:

تهذیب عصر حاضر والسنایت قرن موجوده مدعی است که بر اصول حقانیت پروراه وقواعد معقولیت گمراه میباشد ، این دول شان درجوریکه ایشعه کار کرده که بگناه ملزم دیگر مجرمیگ واجبی گیرند وآزار نمی دهند .

اما . . . . درهند سیاه تحت یک قبیله بیگناه امن خواه راضی بگذرد که آنهم شبه میباشد ، درقید عجازات می آرند زیرا احتیاط کدرهین نظری جرم حقیق عم گرفتار بجه عقوبت ضمناً شود .

بعد ازان بارباب‌حل وعقدهندیک‌خطاب مأیوس ازجوان کرده گوید . که این عجازات وانظر بندیها که گرفتار شده کان آنچه‌ها خود خم‌دارند اظهار میداره که‌حکومت برطانیای عظمی ازتعیم مرض اصلی عاجز آمده ، بادویه که حاوی اجزای‌مختلفه میباشد بنیه طبیعها معالجه میکنند ، ولی افسوس کان دواهابرتندرستی آنها وتصدیع خود مضافها خاصیت نمی‌بخشد .

§

دریک شمارهٔ دیگر جوده بعنوان تازه‌بخش « زخمی زده ، قانون حفاظت هند » فریاد اورا وعنوعرض‌یک چون ازان فریاد احوال عمومی مطوعات هند وقانون معلوم‌ت اجمالاً ترجمه میشود :

قانون حفاظت هند فریاد میزند که اخبار ، استیشنری‌وکتب ، لقب ، محجوزهند ، فریادش ادا داده هر روز بخط جدید خودرا بآن مزین میسازد ، درحقیقت محجوز هندنیست‌زیرا بعض های سیاسی که مدنظر حکومت هندست حدّ انداخته چنان حق دراب جنگ اشاعت میدهند که در حق بارود فساد‌واختلال حدّ سوزان دارند .

مراد از اجرا وغاذمی (قانون حفاظت هند) این‌وه کلمه راست راست (!) کاروبای یعنی خبرهائی که بواسطهٔ ، دیگر ترقی آوف سیلت‌وجزیره هندوستان برسانم اما این ، هندوستانیها ، اکاذیب واباطیل اخبارات آنگلوپارا در ماحضر درج کرده مطلب مرابطال می کنند ، این خبرهای دروغ‌یا خبرهای‌بیمار راست‌رکاری در استیشنری‌وشاعت بلکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1571 of 1786

...دنیه می اندازد که چنین خبرها هم وجود دارد که ریوتر ، و ... را اینها بیان کردن میخواهند . حالا انگلیا کوه و سوسه‌ی ... دیپلوفت برای اهل عقد موزون نیست .

... دیگر دوستی من ، مولیانه ملاقی گرت ، لاهور است ... روز پیشتر در کی در کن جلیل‌القدر سلطنت برطانیه صدارت ... انگلیس‌ها را باین گناه که او چرایش از وقت پیش گوئی کرده ... در آخر ۱۹۱۶ در بن جنگ تعیب ماست بجای آنکه تحسین ... حوصله افزا را مبذکره خطاب رزیلاه ، اعلی ، را بلوباید ... حکومت انصاف کند که اعمال دفاتر سرکاری وطالب‌العلما ... مد گور را برای تزئید معلومات سیاسی خود بخوانند فرمودرا ... وزارت عظمای حکومت ما که خود چیست چه خیال خواهند فرمود را ... برای قیام ودوام رعب وسلطنت وسطوت حکومت ماری و ناقد ... لیکن همان بسیار راست وحقیق من در چشمهٔ اصلی رعب ... سلطنت سزایکو نهرا بخصائص منسوب میکنند . پس در دل ... برطانیا چه رعب برطانیه جایداد .

... حایت کاران من بسیار طویل است مانند ویتر انگلیشمن ... زیاد باعث آفرینها ، حالات وعنایات بی‌نهایت گذاریکر انوشته کم .

یک دل وصد هزار داغ ننه کا کا تم

اگر این خبرها راست می‌بود ، چرا آن حکومت راستی پیشه‌ی ... وطن داخل شدن اودر جنگ سبب ایشست که علم راستی ... بالا باشد و دروغ و دولت و باطل شناسی منکوب و مطروب گردد ! .. ... ازدور از اشاعت آن خبرها منع مینمود ، من بحکومت دار ... دوستان خود پیشنهاد میکنم که اعلم ایشرید قانون حفاظت عقد را بکار ... خود حکومت که عدل مجسم است (!) و حکمت مثل (!) قبل ... باین باب فکر کرده بود . چنانچه نام اخبار « زمین دار » ... صلح » و « بلو » (که همه‌اروبوسته !) حکم کرده بود ، که غیر ... های ریوتر و مراسلات برق و زبرهند دیگر هیچ خبری درباب جنگ ... نکند . و حالا این فرمان قضا توأمان شایع گردیده است که رسالات ... از همان درسوء دهل و غلاب قطعاً داخل نشوند . و از آنها هزار ... رویه خبات کرده اند .

این اخبارات که ترجمه‌های اخبارات انگلوانديزه را درج میکردند ... دلی افراس حقیق و دعاوی قانون حفاظت هند بودند . آینده ... ک خواهد شد .

ایضاً

... شدن این اخبارات سه گانه از دو آن خبرهای دروغ (!) ... چشمهٔ اصلی آنها اخبارات انگلوانديزه ریوتر ایتاسمین انگلشمین ... باید موثوق خواهند شد ؟

... انگلیزی در بن زمانه که صدها مدرسه‌ها وهزارها مکتبها ... گوشهٔ ملک جایها مروجا انگلیزی دان ساخته ، مانع اشاعت ... شده میتواند ؟

... یک حصه کاذبوت دیگر است ؟ آیا خبری که برای یک حصه ... باشد ، برای غلاب چرا حرام است . آیچیزیکه برای عالک

متحده و نکال نوش است چرا برای غلاب بیش شده است ؟

آیا اخبارات « اینکوائرین » تحت قانون مطبوعات هند نیستند که ازایشان باز خواست نیشود . در کمام موجه تنوع الدخول نمی‌گردند وهرجا کمسنک است بیای‌لنک اخبارات ماجز ازدوست این چندسوال است که هرهندوستانی منتظر جواب آنهاست ...؟

المترجم (عبد الهادی)

خبرهای جنگ

۲۲ فروری خبرلندن — یک لنگر جهاز (دونکل) نام دولت برطانیه را آبدوزهای دشمن غرق نمودند عهذا نوری آن نجات یافته .

۲۳ فروری خبرلندن — یک لنگر جهاز (دیلز میتی) نام دولت برطانیه درین دریاسفر میبود که یکایک درین نزدیکی آن آواز ریدن بلزود شنیده شد وجهاز مذکور شکسته به بسیار حالت خراب بساحل رسیده گشته میشود که این هم شبهات جرمن ها است .

ویک لنگر جهاز (لافلیندر) نام دولت هالیندرا هم کشتی های زیر آب جرمن غرق نمود — ویک لنگر جهاز (ویست برن) نام دولت برطانیه را جرمن ها شش ماه قبلیت گرفتار کرده بودند بعداز آن معلوم شده که جهازمذکوررا غرق نمودند و بزجهازات (فلسنگو) و (هیورس) و (میکناوش) و (واپ نیاک) و (کیدیج) و (بایو) و (انکسموث) نامان دولت برطانیه را آبدوزهای دشمن غرق نموده (۲۰۶) نفر افسران وعمله جهازات مغروق را مقید کرده بردهاند

۲۵ فروری خبرلندن — از جزیرهٔ (الزنف) واقع سمت غربی ملک افرقه خبررسیده که یک لنگر جهاز جنگی قسم گرو زرجرمنی بمثل جهازایدن درعلاقه جات مذکور طوفان‌زیا کرده چنانچه درعین چندروز جهاز لنگر جهازات دولت برطانیه را غرق نموده —

۲۶ فروری خبرلندن — سپاه مرویه وملتی اگروه وجوده عهدهای بسیار سخت سپاه استرا ملک البانیه را خال نمودند — وسپاه آستریا داخل شهر (دراز) گردیدند —

۲۶ و ۲۸ فروری خبر لندن — یک لنگر جهاز (دیدو) نام انگریزی را آبدوز های دشمن غرق نمودند عهذا نوری آن نجات یافته ویک لنگر جهاز (صیوحا) نام انگریزی که مال ومسافران عازم سمت (جزایر طارق) و (ورسرلیا) وبلدان و (عدن) و (چینی) و (کراچی) را گرفتار هلاکت ساخته‌ویک گروه‌زورا انگریزی قریب بانکه (مدن) همراه یک سرنک بحری لعاوم نموده غرق گردید از جمله (۴۹۱ نفر) عمله وغیری آن ۲۶۰ نجات یافته ویک لنگر جهاز (بانت نت) نام انگریزی ویک جهاز (رکت) ویک لنگر جهاز (کارن بارن) نام‌بیره دولت سویدن رادرعرض دوم ویک لنگر جهاز (میکلن رت) نام‌برهدولت هالیندویک لنگرجهاز (رنکلیک نام‌برهدولت فرانس ویک لنگر جهاز (پشتکاتی‌نجه) نام‌دولت روس را آبدوزهای دشمن درعرض دوم سمندر غرق نموده — کویند عرصهٔ سرور هفت لنگر جهازات دول متحده غرق گردیده

۲۸ فروری خبرلندن — درمیدان فرانس درهیچ‌جا علامات جنگهای خریف حسب معمول جاری است مگر درمعاد (وردن) این قسم یک جنگ سخت وخون ریزی جاری است که این‌چنین جنگ سخت وخون ریزقبل ازین کاهی پیش نیامده چنانچه معلوم‌شده که جرمن‌ها ازحد زیادتر باری این جنگ را کرده‌بودند وقصد جرمن بالذات خود درجنگ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1572 of 1786

مذکور موجود بیاشد مدرین جنگ حرص‌ها این قسم پاک آله جدید استعمال کردند که شعله آتشین آن از دوازده میل انجلیزی بتوپ میل‌جه اندیکوحیوان وانسان را فنا می نماید ـ ودرین جنگ حرص ها آنقدر بشدت جلوه نموده اسبابهای تباه کن استعمال می نمایند که هیئت جغرافیای میدان جنگ تبدیل یافته یعنی کوه هموار شده وزمین های هموار سوراخ سوراخ وبرابر اختیار نموده والحالیه در جرمن خاصتاً چند میل درون میا شد ـــ

۵ مارچ ـ یک عدد جهاز هوائی ازجمله جهاز های که قبل ازین درپشاور پرواز داده بودند دیروز نوشیر روز شنبه ۲۲ ساعت از هوا زمین افتاده بود هر افکار که در جهاز مذکور بودند هر هلاک شده وجهاز هم بکلی شده تحصیل دار الحیا خیرندهٔ برای جنت کشتر اطلاع داده حیف کشتر حکم کرده کهیره مرور کنید که کسی نزدیک آن نرود وهرچه واقف نشوده حال ۱۰ بجهت نگهای جهاز را دور دور بیندازید وهرده های دیگر انگلیز را دفن کنید ـــ فقط

(اجمال آخرین خبرهای جنگ)

از قرار رپوتهای روسی که در اخبارها نشر میشود کوپا روس (ارض روم) و (ترابیس) را گرفته اند اما تیجهٔ قطعی هنوز حاصل نشده است . ـــ در روزگاه مشرق حربها وضع ذیلی را کرده حمهٔ میا حیات خودرا بر روزگاه معرکه صرف میکند ، واز تیجهٔ آن (وردن) نام مستحکمات ملک فرانس را پاک قسمی از اراضی ملک جدیدفرانس دست ، افتاده درین جنگهای عظیمهٔ عما گرفرانس وجرمن وقوع امدهاست ـــ میرانس از اجمالاً مظهراست که در اندن زیاری شدید دیروز ها شده است ، درانثای این زیاری سه عدد زیپلین جرمنی صورت غیر متوقعه پدیدار شد تاحال خیال کرده میشد که زیپلینها در زیاری حرکت کرده نمیتوانند که دراهای کثیرالدیک موفقیت وکامرانی پرواز میکردند ، ومن سمتهای مختلف دهشت نشانده ، وبرباد شاره ، وان کولن نثار وروتلیند ، وهنکرن وکیوم غشاده ورموت ، والبرفیلد ، وکیت قریباً چهل وده جاها هشت بلدات خوش ، وبرباد دکانها وخانها ودیگر عمارات وقوع آمد ، یک انگر جهاز کپی انگلیزی از (برسوا) بطرف امریکا عزیمت ، وساحل امریکای جنوبی با کوچی مصادمه کرده باعث آن که ۱۰۷ نفر ، و ۳۳۸ سامان غرقاب شدند گردید ـــ یک انگر جهاز برتانوی مو سوم به (رالیه سی) غرقاب شده است ، وایز جهاز مو سوم به (طاسمه) غرقاب شده است ـــ شایع شده است که (یوسف عزالدین افندی ولیعهد دولت علیه عثمانیه بمارامس قلعه طین رای نظارهٔ قوای اردوی عثمانی که برای مصر حاضر شده است ـــ یک احتفالات عظیمهٔ برای جشن (اتحاد ترک و جرمن ونمسا و بلغار) در استانبول روی دیا شده وروایتست که زیشاهزاده وامرای عثمانی ایم در اجتماع مواعد کرده ـــ نمبر جرمن به پرنس سید حلیم پاشا صدر اعظم دولت عثمانیه نشان (اعتماد) یعنی عتاب میدهد که نشانهای زرگ دولت جرمن است عطا فرموده فقط

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول ـــ و دوم

ذکه کان جاودان مرحوم ومغفور ملت (تاریخ آنست ، (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست ، زیرا از آثار تشکیل وتأسیس بنای دولت الفائیهٔ حالیه بحث میداند که برای حال واستقبال ملت پیشرفتی درمیدان عبرت ، وخوشتر ازین انتباه ملت تصور نمیشود ، هرفردی ملت را واجب است که یک نسخهٔ ازآن را بدست آرند وسامان حزین در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند ـ علی الخصوص که کتاب مذکور به پیت خاصانه وبغرض خواهانهٔ استفادهٔ عمومی باامر وفرمان نافذ حضرت پادشاه مقدس بااعلیحضرت ، سراج الملة والدین ، تألیف ودر مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل بزیور طبع آراسته وتزئین یافته است

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان دیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان از هند در کابل محتوی وجلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تاه اول حضرت اعلیحضرت ، ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان ، طاب ثراه ودر تاریخ جرا سامع میباشد وکاملاً بحروف تیپ طبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور قیمت زیبا وخوش تجلید آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم نصواری ساده دار کابل بخت چهار جدول طلا بر کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اعلی بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ بخهٔ کابلی ـــ

نمبر (۲) پشتی مقوا روپه گپ ماشی چهار گنج وزر چرم طرف حاشیه اسم کتاب ونشان دولت ورق طلا منجه سیزده روپیه بخهٔ کابلی

نمبر (۳) پشتی مقوا روپه گپه لاجوردی چهار گنج وزر چرم متنی سرخه کابلی بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا منجه جزء بندی شده پانزده روپیه بخته کابلی ودوه شاهی ـــ

نمبر (٤) پشتی مقوا روپه اری چهار گنج وزر چرم متنی سرخه کابلی بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا منجه گونه شده ده روپیه بخته کابلی وسه شاهی ـــ

نمبر (٥) پشتی مقوا روپه اری سرخ چهار گنج وزر گپ شب‌نم نشان دولت ورق طلا منجه گونه بندی شده ۵ روپیه بخهٔ کابلی وپانزده شاهی ـــ عمل فروخت

درنفس الرائ مدار که از تحویل خانه جناب محمد ولیخان سراج در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهارجلد میباشد اگر وقایه وشیرازه بیشتر هم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امی نبودند که جلد اول ودوم درین وقایه شیرازه وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وبعد ازطبع برآمده مجلوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آنرا خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

عهده‌دار هائیکه منتظم ندارد از طرف مدیر ومحرر خود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1573 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرامی خود را

به آگاری میکنیم

مرتبه بی و کوشش کردیم که از تکالیف و سنین اخبار مشترکین گرامی دارالسلطنه کابل خود را فراهم نمائیم لیکن نشد لهذا بدا کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل یک مکتوب خود را کتابه مشارالیه تسلیم و توزیع اخبار نمایند تا که بهمه مشترکین گرامی رسانه در عهده خود قبول نمود . مشترکین گرامی دارالسلطنه خود را تسلیم وجه آگاری میکنیم که بعد از ین اخبار هاشان بدون واسطه بم فردا فردا واسطه آدمهای را کتابه خود نام میدهد

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی / سالیانه چارده روپیهٔ کابلی	
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی / ششماهه هشت روپیه کابلی	
در خارج افغانستان	
مراسلیکه باشد با اجرت پوست	
قیمت سالیانه / ده روپیه انگلیزی / قیمت ششماهه / پنج روپیه انگلیزی	
به باقه اشتراک قبول نمیشود	
یک طاقی وجه انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است از دین قرار حساب کنند	

(شرایط درج کردن اعلانها)

تجار گرامی که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود را ذریعهٔ ارتزاق اخبار اعلانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرنوع اعلان واشتهار که داشته از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرمتر ۱ یک روپیه کابلی وا گر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطر یک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وجه درج نمود از یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی وا گر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهد فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

مرکه تمنی اعلان خود را مثلاً یکسال نشر کردن خواهد دوسه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق متنی ، در سطر شار اجرت گرفته میشود

اعلان

جنتالمه سیاحتنامه قطعهٔ اروپا و آسیا

در ۲۹ جزو

آسیا ✻ اوروپا ✻ افریقا

(مطبعهٔ جنان) یک از دلپذیر جدیدی در نظر هوشمندان ارجمان جلوه نمای میدهد ، بدست آرید ، خواندنیه درطرف ۲۹ روز یک مدت کرهٔ قطعهٔ زمین را سیاح آن یکتاه و همراه دور و سیر میکنید ، ملکهایرا که بران میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا و تاریخ آنرا خواهد میتوانید ، چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه سرورها میکرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درین زمان نامراد نادیده هرمرد دانشگواه — یک اثر !

این آثار به حجم مرکب وزیرک وجه طبع میباشد ، تقریباً (۷۰۰) صفحه ، و با (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر طبیعیه وانسجاس مختلفه وغیره های مهمه مزین است ، قیمت با اینهمه جوهریهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ بیش ، کاغذ اعلا ، طبع خوبی ، تصاویر زینکو گراف ، جلد محکم واستوار ، اگرچه میخواهند ! هفتصد که پنجاه صفحه مطبعهٔ نیاز که در دره افغانیه (دره آرزوی) جان سرمهیب مطبعهٔ نیاز که ، (نیاز آرزوی دکان (یا محمد) حاجی کتب پنجاه بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی دکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب زود آورده وبیلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید فکر کاری نباشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1574 of 1786

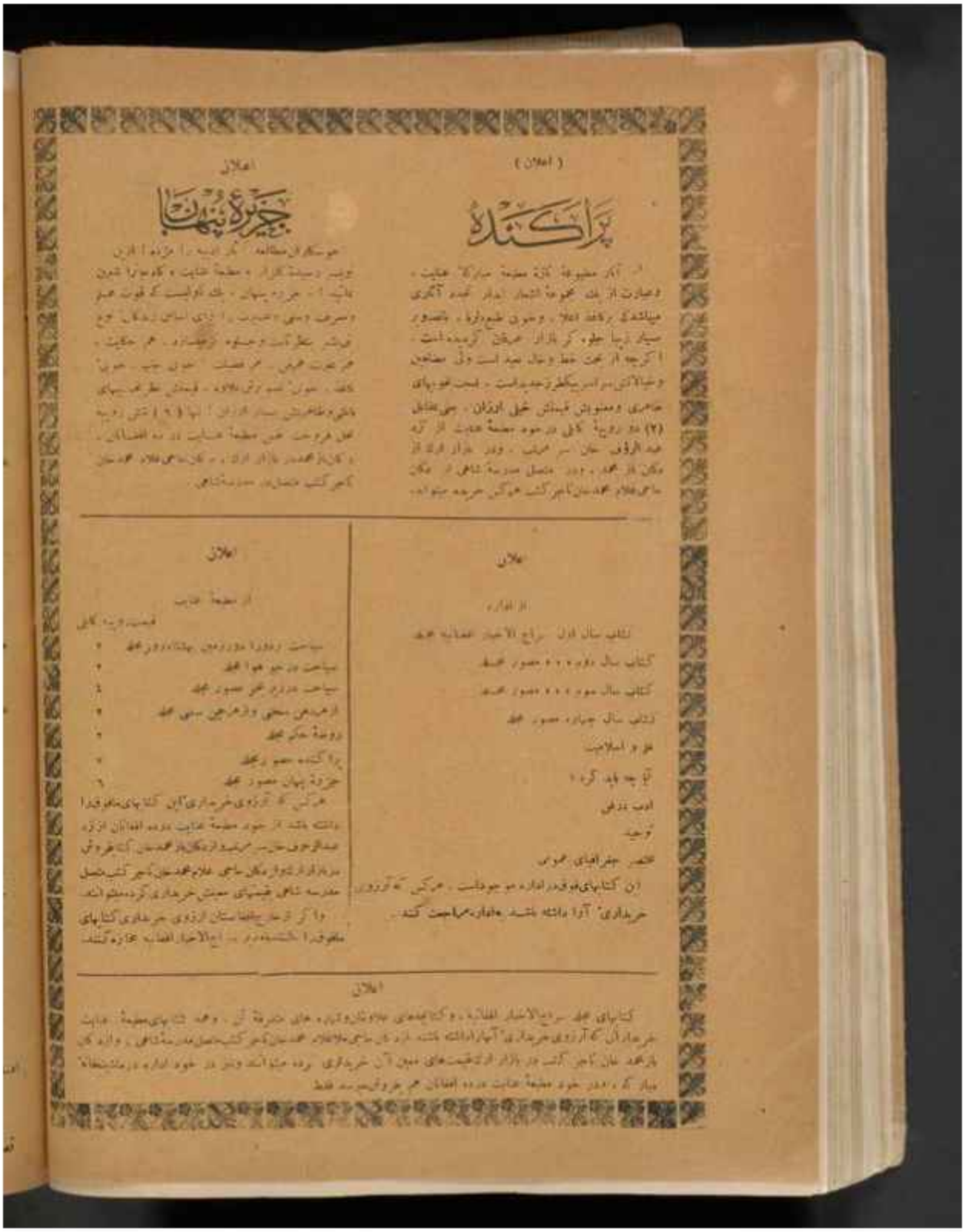

(اعلان)

پراکنده

از آثار منشوعهٔ کتابخانهٔ مطبعهٔ سازگار عنایت ، و عبارت از یک مجموعهٔ انشاء ادبار عده آنکری میباشد که بکلیه اعلا ، و مضمون طبع دارد ، بقصور سیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط و حال بعید است ولی مضامین و عبارات بسیار بیکطرز جدید است . قیمت خود بهای عاجزی و ممنونی قبلش خیلی ارزان . بی مقابل (۲) نمونه رویهٔ کاغذ در همه مطبعهٔ عنایت از کوچه عبد الرزاق خان سر خیابان ، دوم بازار قرار از مکان باز عبد ، دوم متصل مدرسهٔ شاهی از مکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب هر کس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

خوشگوار مطالعه کتاب را مزاج ادارین میسر و سینهٔ کتاب ، مطبعهٔ عنایت ، کلمه را شرین عنایت ! - جزیره پنهان - یک ناولیست که قوت عمر و مصرف وسعی و اهتمام را برای اسباب زندگی جمع میکند بنظر آمد و مفهوم نمیگذارد . هر حکایت ، هر عبارت خوش ، هر فصلت خوش جنس ، خوش کاغذ ، خوش کمپوزیشن بالاخره ، قیمتش نظر بهای مالی و مطالعه‌اش بسیار ارزان ! بها (۲) نمونه رویه اصل هرروسه عین مطبعهٔ عنایت در دو افغانستان ، و کابل از محمد بازار قرار ، و مکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول مراج الاخبار اعلیحضرت امیر
کتاب سال دوم ۲۰۰ مصور امیر
کتاب سال سوم ۲۰۰ مصور امیر
کتاب سال چهارم مصور امیر
علم و اصلاحات
تو چه باید کرد ؟
ادب درس
توحید
اطلس جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجودست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت فی کاپی

سیاست دولت در دوره جنگ عظیم ۵
سیاحت در جو هوا امیر ۵
سیاحت در زیر آب مصور امیر ۵
از هندوستان تا انگلستان ۵
روضهٔ حکمت امیر ۵
پراگنده مصور امیر ۵
جزیرهٔ پنهان مصور امیر ۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مفوقرا داشته باشد از طرف مطبعهٔ عنایت دروه افغانان از کوچه عبد الرزاق سر خیابان از مکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی خریده میتواند .

واگر از ولایات افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مفوقرا داشته باشد در ایالاحباب عنایت مراجعت کنند .

اعلان

کتابهای جلد سراج الاخبار افغانیه ، و کتابچه‌های جلد شده و غیره های متفرقهٔ آن ، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، واقع کان بازار محمد خان تاجر کتب در بازار قرار قیمت‌های معین آن خریداری کرده میتوانند و در خود اداره و در مفتاحهٔ بیاورند ، و در خود مطبعهٔ عنایت دروه افغانان هر جزو نیم روپیه قیمت دارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1575 of 1786

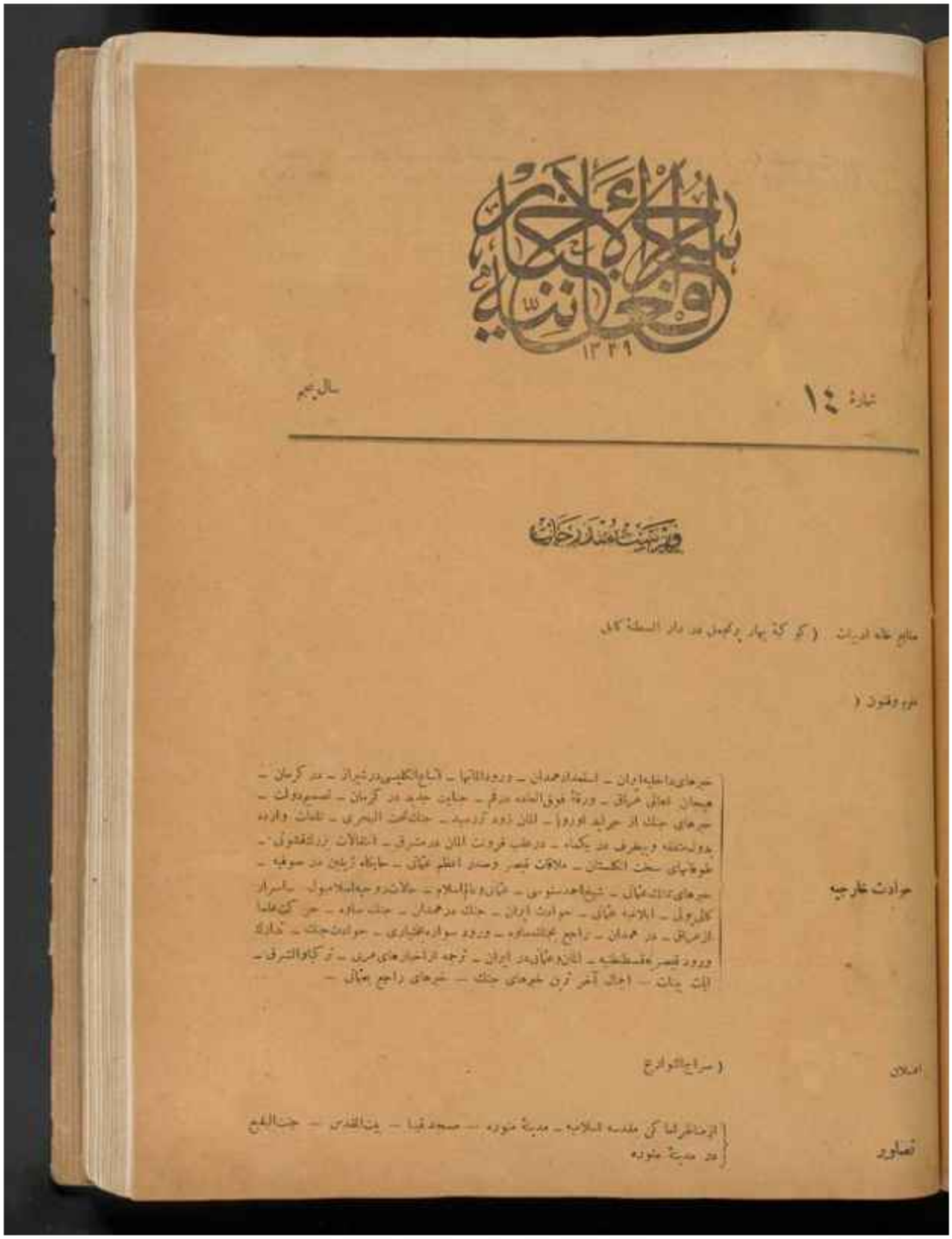

شمارهٔ ۱۴ سال پنجم

فهرست مندرجات

مقالهٔ خانه ادبیات (کوکبهٔ بهار درکهول دار السلطنهٔ کابل

شروقنون (

حوادث خارجه

خبرهای داخلهٔ ایران ـ استمداد همدان ـ ورود الاتها ـ اتباع انگلیس در شیراز ـ در کرمان ـ هیجان اهالی عراق ـ ورقهٔ فوق العاده مرقم ـ جنایت جدید در کرمان ـ تصمیم دولت ـ خبرهای جنگ از جرائد اوروپا ـ لندن زود گرمید ـ جنگ تحت البحری ـ تلفات وارده بدولتخواه و بطرف در یکماه ـ درطب فروت لندن در مشرق ـ انقلابات زرتشتیون ـ طوفانهای سخت انگلستان ـ ملاقات قیصر و صدر اعظم عثمانی ـ جایگاه ژاپن در صوفیه ـ خبرهای داخلهٔ عثمانی ـ شیخ الاسلامی ـ عثمانی و شیخ الاسلام ـ ملاقات دو جانبه اسلامبول ـ اسرار کابینهٔ ـ اعلانیهٔ عثمانی ـ حوادث ایران ـ جنگ در همدان ـ جنگ ساوه ـ جر کن علما از عراق ـ در همدان ـ راجع بحالت ساوه ـ ورود سوار بختیاری ـ حوادث جنگ ـ تدارک ورود قیصر بقسطنطنیه ـ لندن و عثمانی در ایران ـ ترجمه از اخبارهای عربی ـ ترکیا و الشرق ـ ایالت یمن ـ احوال آخر ترین خبرهای جنگ ـ خبرهای راجع بعثمانی ـ

اعلان (سرایا الوارع

تصاویر

از مناظر فاکن مقدسه اسلامیه ـ مدینهٔ منوره ـ مسجد قبا ـ بیت المقدس ـ جنت البقیع در مدینهٔ منوره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1576 of 1786

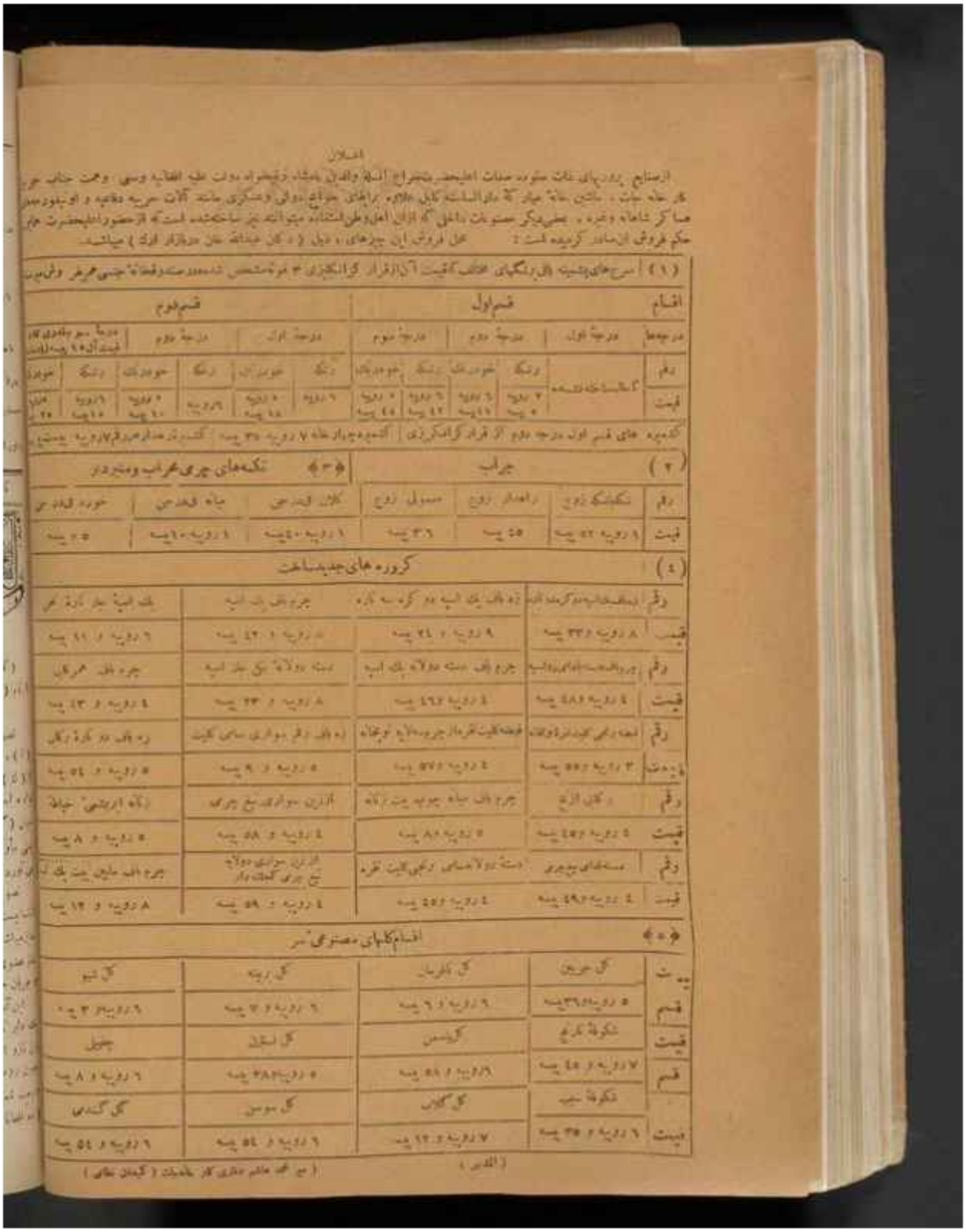

اعلان

ازصنایع پرورپای ذات ملوکانه حضرت اعلیحضرت شهریاری اسکندر واقدرقدرت پناه ظل الله وقبله عالمیان وسبب وجهت خلق جهان کار خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل ملاحظه براجناس متنوعهٔ صنایع دولتی وتجارتی مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمهای عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن الشتاه میتوانند بر ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت عزاسمه حکم فروشی ازمادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان خانهٔ خان مرکزی کارک) میباشد .

(۱) اسرح های پشمینه قال رنگهای مختلف کمپنی آی ازقرار گرانکلزی ۳ نمونه مختص شده درسه درجه و قطعهٔ جنسی هریکی ازین

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم (قیمت آن ۲۰ پیسه ارزان)
رقم	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ	رنگ / خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه / ۲ روپیه ۱۲ پیسه	۲ روپیه ۱۲ پیسه / ۲ روپیه ۲۴ پیسه	۲ روپیه ۴۴ پیسه / ۳ روپیه	۲ روپیه ۱۲ پیسه / ۲ روپیه ۲۴ پیسه	۲ روپیه ۴۴ پیسه / ۳ روپیه	۳ روپیه ۱۰ پیسه / ۳ روپیه ۲۰ پیسه

کمپنی های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکزی | کمپنی دوچار خانه ۷ روپیه ۳۰ پیسه | کمپنی ... صادر هر قطار روپیه پیسه

(۲) چراب

رقم	نکلنگ زوج	راهدار زوج	مسمول زوج	کلان قدرحی	میانه قدرحی	خورد قدرحی
قیمت	۹ روپیه ۵۲ پیسه	۵۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۷۵ پیسه

(۳) تکه های چرمی خراب ومتروک

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	[illegible]	زه بالن یک اسپه دو کروسه کاره	چرم بالن یک اسپه	یک اسپهٔ جار کارهٔ خرد
قیمت	۸ روپیه ۳۳ پیسه	۹ روپیه ۲۱ پیسه	۸ روپیه ۴۲ پیسه	۶ روپیه ۲۱ پیسه
رقم	چرم والف [illegible]	چرم بالن دسته دولاه یک اسپه	دسته دولاهٔ یک جار اسپه	چرم بالن خرطال
قیمت	۴ روپیه ۵۸۲ پیسه	۴ روپیه ۶۶۲ پیسه	۸ روپیه ۲۳ پیسه	۴ روپیه ۲۳ پیسه
رقم	قطعه رکن کیدر اوطاق	قطعه کلیت قرار چرم دولایه توغاله	زه بالن دقر بوداری ساعی کلیت	زه بالن دو کارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه ۵۵۲ پیسه	۴ روپیه ۵۷۲ پیسه	۵ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازنج	چرم بالن سیاه پیوپه پت زناله	ازدین سوار کدیع چرمی	زناله ابریشمی جلاله
قیمت	۴ روپیه ۴۸۲ پیسه	۵ روپیه ۸۸ پیسه	۴ روپیه ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۸ پیسه
رقم	مسمای پیچ چرمی	دسته دولاه سمای رنجی کلیت نمره	ازدین سوارهٔ دولایه پیچ چرمی کلیت دار	چرم بالن ملیون پت یک [illegible]
قیمت	۴ روپیه ۴۸۲ پیسه	۴ روپیه ۵۸۲ پیسه	۴ روپیه ۵۸ پیسه	۸ روپیه ۱۲ پیسه

(۵) اقسام کلاهای مصنوعی سر

پیشت	کل جرمن	کل کلوبان	کل ربیه	کل تیپ
قسم	۵ روپیه ۳۶ پیسه	۹ روپیه ۶ پیسه	۹ روپیه ۲ پیسه	۹ روپیه ۳ پیسه
قیمت	شکوفهٔ تاریخ	کرونس	کل لیکل	چیپل
قسم	۷ روپیه ۵۰ پیسه	۶ روپیه ۸۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸۲ پیسه	۶ روپیه ۸ پیسه
قیمت	شکوفهٔ سیب	کل کلان	کل موس	کل گندی
	۶ روپیه ۳۵ پیسه	۷ روپیه ۱۲ پیسه	۶ روپیه ۵۴ پیسه	۶ روپیه ۵۴ پیسه

(الفاتر)

(میر محمد عالم مدیری کار خانجات (گیلان خانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1577 of 1786

جلد (۱) سال پنجم (شمارهٔ) ۱۴

قیمت سالیانه

مدیر و مؤسس محترم

محمود طرزی

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
عن امورات تحریریه بعنوانه عامه
باسم مدیر فرستاده میشود

۱۳۲۹

از اقرای ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۴ کارخانگرزی ۲ مارچ عیسوی ۱۹۱۶ مارچ شمسی ۳۰ حوت ۱۳۹۵

ضیائیهٔ ادبیات

کو کچنهار پرمجمل در دار السلطنهٔ کابل
(کابل) بگو و مکدر اینکدری تأمل فرما! وصف الحال (کابل)
(کابل) هوداست، وآن چیست؟ این است:
(آب) است میان و گل چکمه و

صور لفظ را به بینید! (آب) مرکب است از دو حرف: ا (ب)، واین دو حرف درمیان دو حرف دیگر که کدورت (گ) و (ل) است واقعشده است. «گل» یا لفظ «گل» را تشکیل داده چون در «آب» است (ا)، (ب) که لفظ (آب) را تشکیل داده چون در (گل)، (ل) که لفظ «گل» را بوجود آورده است چونکه او آب را لجن کرده. نام آب در گل چکمهٔ (کابل) را بو جود داده.

صور معنوی را بنگرید! کابل قطرهٔ آب باصفای سحاب علویت بوده است که صفت وقفت چون یک دولت مختشمهٔ مقدسهٔ اسلامیه را تشکیل داده واز این سرچشمهٔ مبارکه آب حیات تأسیسات معنوی ودرهر هرطرف مملکت ـ یعنی جاذبهٔ وطن مقدس ـ سریان پیدا میکرده، وشجر سلطنت اسلامیه را شاداب وبارور میگردانده! از آن آب صفوت جناب، ودرمیان یک باغ وگلزار چنان میبایده که گویا دار الخلافهٔ کابل مانند گلزار بهشت وگلخنهٔ ریاض رضوان تشکیل شده باشد! سمت شمالی شهر خیرزما را حوضهٔ (دریاب) کابل) که از جمیع سمتها جریان آبهای متعدده را بخود جمع کرده، سمت شمالی آرا باغهای (بابا) و (باغچی) و (شهر آرا) وباغهای (اغا) در بر گرفته، سمت شرقی وجنوب شرقی آرا باغستانهای (بکتوت)، ونواحی آن، و (شیوکی) و (بی حصار) وغیره در آغوش گشیده است که همهٔ این نغمه‌ها وخطه‌های گهبان شهبانها ودر هزار های پرورخت میوه‌دار چون شهد خوشگوار محافظه میداشت!

هرگاه طلیعهٔ سلطان حشمت نشان (بهار) ازدور پدیدار میگردید، وغیر پریشارت تشریف حیات‌بخش را سیلهی مرغکان خوش الحان چون سازه وگلبشك وبلبلی ومینا وبلبل وسار وغیره بر هوا مسابقت آیین نثر واعلان میکنند، هاتفهٔ خون همه درختها خوش می‌آید، چرا، دانه‌ها، گنار های جویبارها کاپوش میکرده، خزینه‌دارهای ابرهای ربیعی پیشتر میرسید، قطرات های باران رحمت را برانها نثار میکنند، مشاطگان وآرایش گران دامنهای بهاری در پی آن میدوید، سبزه‌ها را زمردوان میبارد! شکوفه‌ها را تاج الماس زیور میبهد! لاله وسوسن وسنبل را جواهر پوش میگرداند! آفتاب خورشید جهان افروز نوروزی آمده بر تخت اقتدار فصل ربیعی جلوس میفاید، ودر همهٔ باغ عدل ومساوات تساوی! لیل ونهار را در اولین جلوس خویش نثار واعلان میفاید! حرارت عزیزی بهمه اجسام مادیه می‌بخشد، تجلی جمال شاهد قدس پردهٔ غیب را باید بیضای موسوی «وجلی الأرض بنوره» مانند کهای قلمهای شمائی خود به تصویر کنی آذر میبخشد، از هرطرف نور حیات میبارد، از هرسمت جوهر زنده گی میروید، ازهرجهت نور میرزد، درهر سینه سرور می افزاید!

بیائید کابل را درچنین فصل ببینید! اول دامن کوهسار نگین آبادی که در پرستان سلیمان بهار بنام (لاله) موسوم، وبلقب (لعل بری) ملقب است، در کوهها ودامنها ودشتها بجلوه گاری رقص پری حالی میدهد، وبلبل را باخود رقص شریك میسازد! دردشت بروید ببینید! سودهٔ زمردوانی داده شده است! درهر هرجای این قطعهٔ زمرد یکپارچه دامن نگین لطافت اتمام چوخهٔ (لاله) را می‌بینید که قدر است کرده، ولبهٔ لاوس لازیل شنجرافی که تورالکشریکی تجلی جمالشاه صنع دران افروخته شده است دست گرفته رمالهای دشت کان جاکر لشکان عشق بهار، انوار رحمت میرزد!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1578 of 1786

سبزه را بارسید ، لاله را بالی چه مشاهد ؟ عیان را بایان چه حاجت ؟ در سبزه روح طراوت ، در لاله جان لطافت مجسم ، در (مرد نبوت حاوی ، در لاله سر دلکی خلق بین لاله وباست. هرین مشابهت ومناسبت که هردو از یك تمس رزق ارواح حیات تکارا میکرند واحی ! . . .

یکبار اگر بسبزه ولاله نظر کنی ! جهان جهان سبزه بزمان زمان لاله جلوه گری لاله ، درهشها ودامانها صرفکان شوخ وشنگ ، وروواله های رنگارنگ بی‌درنگ را بررقص میدارند ، لاله‌ها معلمیست که درسهای اشعه های مدرسهٔ حضرت بهار راه تا گردان طبیعت‌خوان دستان های سلطنت بهار از بر میکند !

حالا از کلام شیرین مقاله یك صاحب ملق که از هشای جانها کل حضرت بهار است درمدح (لاله) نغمهٔ چیزی بشنوید :

﴿ لاله ﴾

بیا بباغ که گردید جلوه گر لاله فتیح کرده بکف گل زمستر لاله
شکست شاه زباهن چو لشکر سرما زده است جار بع لعل را بسر لاله
رسید از سر دریا گردش استقبال گرفت سبزهٔ نوخیز را بر لاله
رخی سیاهتر از کردار وکارش مهر
چرا که جامه لئیمی بود ونو سفر لاله

مگر هوای تو دارد که گلستان امروز گرفته دامن پر گل ، زمستر لاله
سحر خیال گل روی تو باغ گشت چو غنچه گشت بخواب دیده تر لاله
ز خجلت چشمان عارضت در باغ عجب سبزه فرورده است سر لاله
بباغ از دهنی باده های مشک فروز که بیخ تاك خورد آب بر جگر لاله
زباغ تابت گلچهره اه بروز آمد زده بجامهٔ خوبیار پیش لاله
چو چشم مست تو باش جلوه چشم افروز
مطرفه چون گل بادام قران تر لاله

اران پیاله گل‌رنگ لعل‌فام پراست که تابنده نارنده آتش گونه گرلاله
بباغ از رخت کان دلبر سرو گل عجب سبزه زر است گل سر لاله
فروزد روی حسن تو از دیدن خط بی سبزه دهد زیب پیشتر لاله
چو آب در چمن از هر سو شد هزینم از گل روئید شکفته تر لاله
بجستجوی دو رخسار گلندام تو عجب گوه بکوهسبزه در بدر لاله
بباغ گوهر ناچو گلگون راز شوق عجب بر داورد بکو بر لاله
ازان لعلین چی برخ دوه‌داز خلق که باد عشق آباشت زجگر لاله
بپیش حسن تو چون لعل ران طراوت نیست
بچهره گرچه نهد خال مشکفام لاله

زشرم روی تو از رشك عطر خاشت بکوه و دشت گرفتست زان مفر لاله
زدست عارض گلگون تو طرف چمن گرفته طشت پر آتش زهم بدر لاله
چمن زآب روان میکند پذیرائی کنون چه مژده رسانست وقته گر لاله
ندیمیانه فشاند چو عربده‌جوئی چو گردنا کردن سرمه عصر لاله

غزل (طرزی افغان) زلفت تو مواعد
که خال عشق امیدش زند بسر لاله

روبجوش وخروش آمدآمد نغمهٔ سنبله ـ یعنی بغته سوسن ، سنبل ، زنگی وغیره تدوع منشوه ، سنبل باطرهٔ طرار پرشکنج شکسته بندی دلها میکند ، سوسن باصدزبان بیان شکران بهار را میگذارد ، بنفشه داغدار بیرحیدهٔ خویش بسوی روح پرورد مأوف روح ، مشام عقل ، حواس جنهٔ ملکوتی را معطر میگرداند ، این نغمهٔ بی در شهرستان پرستان حضرت سلیمان بهار چون جواهر پوش نو خوشرنگ بین شمشاد قلب لطافت مکتب (بلبلری) را افتخار افزاید

پیچید که بلبل نشیده سرای بارگاه حضرت (بهار) باکلی دلباختهٔ لطافت مصنوعات رنگارنگ اوست درحق سرود وی این نغمه یعنی جناب (بنفشه) لطافت پیچه جانصورات نغمه پرداز

﴿ بنفشه ﴾

روبدا کشمراز نافهٔ ناتار بنفشه
خوشبو شود چون خط دلدار بنفشه

ای در چمن حسن تو یکبار بنفشه
باکزه کی خط تو چنون مر بنفشه

آنش کده آید بنظر لخن گلستان
گل آتش وخنده‌دوی پرستار بنفشه

چون بلبل گویه است زبان در دهن او
گرد است زبی‌وصف تو تکرار بنفشه

تاجه حسنست جلد سکریان گلزار تار
بافرقه بکف سوسن وغم تاریخه

جدا بکل ولاله واسلس ه سمن داد
بکشوده سرپار چو انجار بنفشه

گر محکمی نسل تواند بگلستان
دوبد چو مستقل روبتو گلنسار بنفشه

دید است مرزلف پریشان تو در خواب
گاشته بگلشن شده بیدار بنفشه

تاسلهٔ حکیمیه وخم زلف تراید
مشکین شده چون نافهٔ تاتار بنفشه

گی راست به اوستست بکی بگلستان
گان خورده ز داره وهموار بنفشه

باشد زصلاحان و کیزان تو در دع
شمشاد و گل لاله و گلزار بنفشه

تاسبحهٔ خوی رداز دفتر حسنت
بکشوده بگلشن سرخط مار بنفشه

تاپوسف حسنت چوزلیخا بکف آرد
آمد زحبس زندر بازار بنفشه

تاچشم گاندار تو نیرمزه روا شت
گی زخم خان آمده و افگار بنفشه

تابای حیوانات بسر خاك نیاید
گرد است چن زاهنه گلکار بنفشه

خواهد که ز غنچه زاید از کف گل
دامن به گهر دزده طرار بنفشه

زان زر که ز گی رد بخلالگی وچینی
آورده ه کف صدهٔ زر کار بنفشه

با گوهر جان تا گه خرد تکیت زلفت
باد آمده دلال وخریدار بنفشه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1579 of 1786

در پیش گل خلق تو مانند غلامان
بر کردن جان بسته کمر بندگی تو
از بهر شکار تو دو عالم شده دامی
آورده به کف کوهر شهوار بسته
تازی ز (تازی) شتابد تو ندانی
چندد چو دو دست بکردار بسته
از بیک عدو زور دو بیع تو نیابد
از زاری او گفت مدار بسته
آیینهٔ اندای تواز هم بشکافد
پرداخت به کف خنجر بیکار بسته
گر جان سپاه ظفر آفت تو آید
در پیش کشد اطلس زر کار بسته
با گوشهٔ چشم از نگری سوی من خاطف
زرین کمرم گوهر شهوار بسته
بیند که (طرزی) چو از لطف تو دیده
زر تار عنکبوت زر دیده ابتار بدیده

ربقهٔ آخرین جلد عقیدی سلطان (بهار) را تشریف آوری (ترکی) نامتبه وزار زوسیان تشکیل میدهد ! « ترکی » دقوز (قاف ودوات متیاه) خود شرح عرض احوال عشق خود را بحضرت (بهار) میگذارد بی ترکی که در پریستان سیال بالقب (فطراچیزی) بحضرت معزی حاضر کرده بانغمهٔ (عشق) را تصویر میکند . قامت لطیف موزون ، شکسته ، نازک چون جبال ، سراپا کند که گویا مثال او از هر ورق کتاب جمالش سنی ، عشق ، و راتعلیم ، میدهد ! راتحفظ به و عشق ، را هر گی میداند ! چشم دارد ، ولی بجز پشت پای خود ، گر چیزی نمی بیند ، جلوه زار امید بالطف دارد ، ولی غیر از غمزهٔ سرمستی عشق دیگر چیزی نمی کند ، وقتیکه ترکی میرسد بلافاصله بانشور مانتور باری حاضل میشود ، شورچه سامان ترکی برشورچه حالی بابل تام خوبی اجرا میکند ! خوش وو جدش میآورد !

شوید که هندلیب گلشن سرای پریستان جانان بهار ، احوال (فطراچیزی) ترکی دلداده را چه رقم رقم مضامین شیرین رنگین عرض بارگاه حضرت (بهار) مینماید :

(ترکی)

چشم مست تو نگه کز فلکنه زد ترکی
روید از خاک چین تاوم عاشر ترکی
زان منور شده چون جیب سحر دامن باغ
که بود صورت خورشید و سحر در ترکی
کی بید است که انجم رخسور شید بود
بر خور شید نمود اینهمه اختر ترکی
تا که در بزم چین پیش گل افروزد شمع
پرسر خویش نهاده فلکن زر ترکی
تحمن شاهد گل را همه بی جامه کنیست
ساغر و شیشهٔ می کرده میسر ترکی
جامش از باده نمی گلبد که از ترس خمار
سر نگون کرده قدح مانده بیاسر ترکی
سر خوشی و مست سر افکنده که گنج کرده
مستی چشم که کرد است اکرد ترکی !
از غم چشم تو چندین همه بیمار و بیماع
ساخت از سینهٔ پر ناله و سنتر ترکی
دفتر نسخهٔ خوش چشمی تو کرد سواد
زان کشاید بجمن اینهمه دفتر ترکی
تا نوبسد صفت قامت و ابروی ترا
صورت چون وقلم کرده مصور ترکی
تا که زلفت چین شاه نشان بنشیند
بسته بسته کمرو هر ده کشور ترکی
تا نثار کفهای تو گشته در کانشن
زکف دست کرفته زرو کوهر ترکی
تا که در گل کند از ناز نظر باز بها
کوشهٔ چشم فسوه از زر صعبر ترکی
تا بروبش نکند چشم جوانان چین
بن کشد بزیع خود کوشهٔ چادر ترکی
تا سیم سحری سوی چین پی نورد
گفت چون جیب کل دامچه سطر ترکی
تا که در سایهٔ سرو قد سانه خود را
همچو قمری کند از بهلوی خود پر ترکی
تا سکنه بفرق سر مشمین جاه نوازد
بسته بند کمر افسر شاه ترکی
من اکر لاغر و زار و خیالم سیم وزر است
سیم وزر دارد وباشد زجه لاغر ترکی
دامنش از زر و سیم است لیالب زجه رو
سر فرو برده و نشسته منکر ترکی
پیش ازانم نبسد ای شه باجود و سخا
که زند خنده چین ترکی من هر ترکی
این غزل پیش تو (طرزی) بنواند برخواند
تکه (غم نوخت چو پروانه ای پر ترکی

بدین کیرودار عان آمد آمد کلبهای زمانی کهبار لطف کزدار شهر عزیز دلپذیر مارا بوجود لطافت آنود آنها عشق و سرور ، وزینت وحبور می بخشد ، شکوفه زارهای انجار در حتی نیز یکان یکان جولان تازی سراپا دلبری مینمایند ! اول بید مشك با خرمنهای ماه مانهای مشك طراوت نثار زندگی آثار خود جلوه کاهی مینماید ، این جناب بیدمشك که آورا (گربه بید) هم می گویند در حوصلهٔ بهشتی روضهٔ باغات مالیخت سلطنت مشوه مقدسهٔ مانبدار است ، و آن یك نوع از درخت بید است که « (بید مشك) معروفست ، این بید ، پیش از انکه برکشکند درشاخها وشاخچه های آن غنچه های کلوله کلوله دراز رنك خوش قاش لطافت باش پیدا میشود که قاش ان از تو

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1580 of 1786

(الانسان)

انسان اسم جنس است که بر مجموع نوع نر ماده شامل میباشد انسان خوبترین و اکمل ترین مخلوقات ارضیه در ظاهر و وجود میباشد بصنایع الهی آراسته احسن صورت خلقت فرموده . واز اروز که بدرجه دنیا بظهور آمده سعی کوشیها برای فهمیدن حقیقت اصل خود و لکن چنانچه در فهمیدن حقیقت دیگر اشیای کائنات و هو جوان باختلافات عجیبه وغریبه برخورده . همچنان در شناختن حقیقت خود بهمین اختلافات عجیبه متصادف شده .

لهذا میخواهیم که در اینجا از بعضی افکار خیالیها و فکر های که انسانها درحق خود شان پیدا کرده اند در انظار قارئین جلوه بسازیم .

(فرق مابین انسان و حیوان)

اگرچه انسان در بعضی چیزها بدیگر حیوانات ازروی حس و حرکات و هوسات شهوانیه مشابهت و مشارکت بهم میرساند لکن درمابین این جنس حیوان واذنا ترین جنس انسان آنقدر فرق و مباینت هست که مشابهت آن بهیچوجه ممکن نمیشود .

بلی اگرچه در مجموعهٔ حیوانها بعضی چنان صفات دارند که از صفات انسان میباشد مانند قوت و دلاوری شیر وصبر وتحمل و حرکتهای عجیب وغریب وایجاد بعضی قوه نظریه بعضی حیوانات لکن خداوند عظیم الشان انسانرا بك موهبهٔ عقل و تا گرفته که هزارها هزار چیز از صفات حیوانیه کمتر کرده میباشد ودلایل دیگر آن که دیگر حیوانها ازان روز که وضعاً وجود آنها تاامروز برهمان یك حال لاتغیر باقی مانده . لکن انسان روز بروز ادراکیکه خداوند از اعطا فرموده در راه ترقی و تمدن دایم بیك رفتار مرموزی ترقی کرده میرود که تاقابل تصور میباشد .

(اصل انسان)

اصل انسان — علمای فن طبیعی وادیان در باب اصل انسان ها فکر رفته اند :

۱ — بعضی گفته اند که انسان بنوعخود مستقل خلق شده است هاز دیگر اجناس موجودات زمین . ودر مخصوص دنیای دیانت پیروی و گرکرده اند

۲ — وبعضی گفته اند که انسان ازسلسلهٔ حیوان ترقی کرده بتاثیر احوالات طبیعیه بدرجهٔ انسانیت رسیده است .

۳ — سوم طائفهٔ گفته اند که انسان از (مصادفات طبیعیه) عبارت اتفاق بدون یك قانون درعمر وجود آمده است که در اول وجود در یك کتلهٔ بخار شعبود و آن گیس شده در وجود در سطح زمین غذا دیافت ازهمان زمان بصورت پیوشیدنی وبعضر دوسال درین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1581 of 1786

... بطوریکه بعد ازان ازان کریمه سریرون توده وبك آلات باخود ... وبدیعهٔ آن آلات میتوانست گاندمه فرورون غذای خودرا ... بکند ریزه ریزه ازقبر بحر برزمین برامد .

این هیئت فکر کنند گان گرید بی انصار و معاونین دارند که ... باطنه رافکر خود نشان اظهار می کنند . لکن مابانها را ... نمیکنیم ویکسو میگذاریم و راه علل بحث تبع می کنیم :

بعلاوه کریم الشان ازان رود که دنیا را خلقت فرموده وبانم را

... خلقت انسان طبقه اسلامیه ...

این امت کفران ورزیم وازین اصل ونسب شریف خود دست بردار شویم وخلق تدن خودرا تصادف طبیعی بالاز سلالهٔ حیوان منتشر اعتقاد کنیم . حال آنکه تامروز آن دوطایفه که پیکی میگوید انسان ازسلسلهٔ حیوان ترقی کرده ودیگری میگوید که اصل انسان بصورت الساق بدون یکنقاون دربحر بوجود امده است گرفتار بسی اختلافهای مجیب وغریبه هستند وان اعتقادشان بغیر ازظن وگمان وشکوك باطله واوهام

وبدیعهٔ این جایه برای شناختن قدرتش و عظمتش درکجایش منور ساخت به بسی جاها در کتب سما وبه اظهار فرموده که اصل انسان رابدست عظمت وقدرتش ازآب وطین مکون ساخت ودرتحت دوسیتك وحی مقدس را در کالبدش بگذاشت و روح صفهٔ دنیا را آوردش .

بهترین مکرها وآداب همین است که در گرید چنانچه قرآن کریم خاطر داده حق همان است که آن انسان را اشرف مخلوقات فرموده وارادهٔ ازلیهٔ خود بشکل انسانی خلق فرموده . پس مارا چه لازم که

و دیگر چیزی نمی بینند لکن مخالفند اگر بعضی از اختلافات اضطراب آن دو فکررا نیز برانظار قارئین جلوه گر سازیم .

ازفکری که می گویند که انسان تصادف طبیعی درقعر بحر بوجود آمده است از طرف (داروین) نامیله بانم طبیعی که درسنه ۱۸۵۹ موجودرده درباب انشاریت این امت بدیك استحقاق مذا گره ومناقشه را نمایند ... بیکسو میگذاریم چنانچه نفس الانسان و موضوع بیکسو افکنده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1582 of 1786

لکن فکر دوم که می گوید انسان از سلسله حیوان ترقی یافته سپیک زیاده ترشایع ومنتشر است آیا ازان یک قدری تحت میرائم ؟

علما و مدققین که باین فکر خیالی وهمی گرفتار هستند دلیلهائی که برصواب بودن فکر شان میآرند اینست که انسان از آن (غوریل) نام یک حیوانیه که عندالتشریح هذا اعضا واستخوانهای آن باعضا واستخوانهای هیکل عظمی انسان مشابهت دارد وجود آمده است ازان رو می گویند که انسان ازاو ترقی نموده بان حال رسیده . لکن محققهای علمیه که رصد آنان هستند یک جواب علمی کافی انکار شان خواهند وآن اظهار کرده اند که اکثر حیوانات مشابهت شکل باانسان هزار فکر علمی عمیق این عصر (غوریل) نام حیوانیه میباشد مع هذا

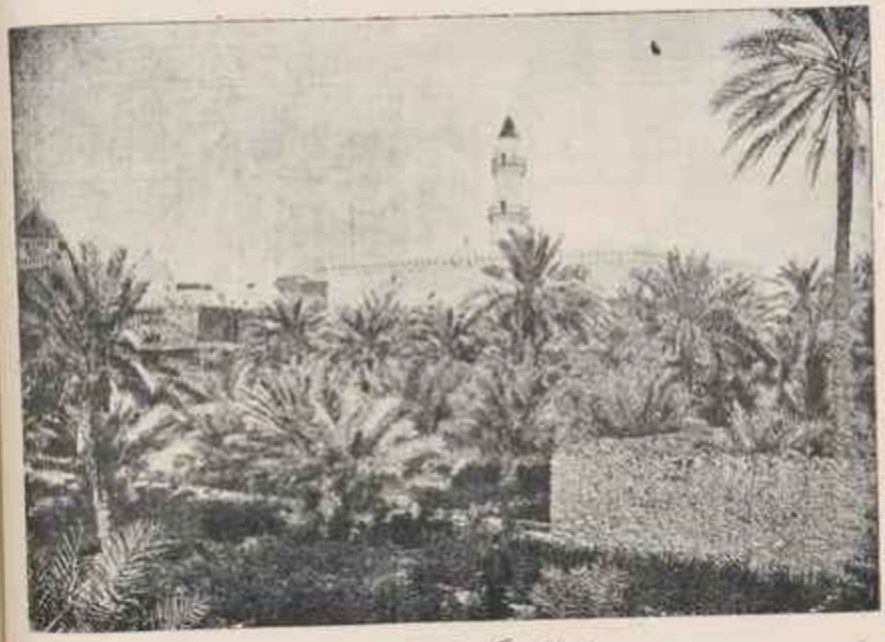

از مناظر اماکن مقدسه اسلامیه مسجد اقصا

آیا این فرق عظیم که درمابین قیاسات مغزسر وکاسه جمجمه سر انسانی ومغزسر و کاسه جمجمه حیوان غوریل که آشکار ست امکان دارد که انسان یکبار از اتصال باین احوال ترقی کرده بحال کمال رسیده باشد ؟ واگر علمای فن طبیعی که رئیسش (داروین) نام یک عالم انگلیزی است که مبتدع این فن میباشد بگویند که یک حلقهٔ از میان مفقود است وآن حلقه مفترض شده بحیوانات اومیگوئیم که آیا این حلقه بحیطور مفقود شد وهیچ اثرش معلوم نشد حال اینکه اگر بفرض اثرش ضرور ضروری باید که غوریل بیشتر ازان حلقهٔ موجوده مفقود نبود .

ثالثاً وانظار قارئین کرام معلوم باشد که این هردو فکر خیال حقیقت ندارند وغیر از خیالات واوهام باطله دیگر چیزی نیستند و لحیات

اگر مشابهت درمابین اعضا قرن طبقات بشر وان غوریل نام حیوانیه یکسیر یک فرق بسیار بعید میبینم زیرا طبقه قرن مغزسر بشری از ٩٢٠ الی ٩٩٠ (گرام) میباشد که ازین گفته هیچ کاه نمیشود حال آنکه مغز سر جنریهٔ غوریل از ٩٢٠ گرام هیچ زیاد نمیباشد .

وهیچ جزء قرن کاسه جمجمه سر انسان کمتر از ١١٤ (سی سی) مکعب نمیباشد حال آنکه کلانترین کاسه جمجمه سر غوریل از ٣٢ (سی سی) مکعب زیاد نمیباشد ! اگرچه کل یک غوریل بمقابل کل دو نفر از نوع بشر میباشد .

و بهر صورت اعضای انسان ازان حیوان فرقیها دارد که مع انسان باحیوان هیچ وجه ادنا مشابهت ندارد .

از چنان اشخاص که از اصل حقیقت شریعت خود بی اند وبالجمله چیزهای وهمی انعطولاه کرده شود .

حالا بهمین قدر درخصوص کیفیت خلقت انسان تحت وبیان رانده ذاتی وزاویهٔ اندیشه بر آینده از بعضی احوالات انسان مذکوره خیورش از مسکن وملبس وطعام وچیزهای لازمه بیانات خط و کتابت وتعارف یافته وزان که بهرچیزی ازان بحیطور توانست زیست نمود ایراد وانظار قارئین کرام جلوه گر میسازیم ؛

محمد ادریس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1583 of 1786

حوادث خارجیه

خبرهای داخلهٔ ایران

جریدهٔ فرنگ رعد یك فقره از خطاب صدر اعظم رئیس الوزرا مینویسد :

« باید دولت یك تصمیمی را اتخاذ کند واینکه تاسفانه باقیام دولت و خط بطرق این منظور عمل نیامده ودولت نمی‌تواند وضع قشون را اکاهدارد وباید یك تصمیم قطعی نیز را اتخاذ نماید »

بنابران کنون وفشار حوادث را می‌نماید که پس ازین نمی‌توان در زوایای بطرق موافق بماند دورهٔ زمده کان روز سپری گردید . چاره نیست باید تصمیمی اتخاذ کرد دیگر دولت نمی‌تواند وبه باید بنان بطرق باقی‌ماند چه کاین کدهیچ معنی ومفهوم بخارج ندارد .

اینك بامنتظر تصمیم دولت شد . فکر عمومی بایك بی‌صبری مالاتهایه میدانست که حکومت چه تصمیمی را باچه شرایط وتحصیل چه‌گونه سنجو کدام وآیتی برای تامین آینده است به کدام طرف اقدام خواهد نمود .

استداد همدان

از همدان مینویسند که استداد مجاهدین همه روزه زیاد میشود واز سمت عراق وتوپ‌خانه وکان و کرمانشاهان وارده شهر میشوند واز طرق اهالی وارد استقبال واقدامات عمل‌میاید ورؤسای مجاهدین عده بهم از استداد همدان اخیرا بسمت قزوین روانه نموده‌اند سالار لشکر مکران هزار سپای مجاهدین متعول کار هستند .

* * *

عاصری که از چندی بدین طرف در شیراز بودند باوس های فسوس مشغول معنی کردن هستند واز اهالی شیرو دفرقه هم هرنفر که دلی جدیه استعداد کرده اند ودر این موضوع عریضه‌ها تقدیم نموده‌اند .

ورود آنجا

زیاد آنجاییکه از اصفهان بطرف زد حرکت کرده بودند امروز وارد شده عده آنها بنوزده هزار نفر میباشد وبعضی از آنها ارابه‌ای هستند .

در قم

بقراریکه از کرمانشاهان خبر رسیده اخیرا یك عده صاحب منصب آنجا ویك مقدار قشون وارد قم شده اند وبسمت کرمانشاهان خواهند آمد .

اتباع انگلیس در شیراز

طهران ۲۵ نوامبر - چهار نفر خانم انگلیسیکه در شیراز در تحت توقیف بودند از طرف ادارهٔ ژاندارمری خلاص شدند .

بنابران اینکه جهت اتباع انگلیس در توقیف می‌باشد صاحب منصبان سوئدی کدام زیاست ژاندارمری ایران دارند این‌طور توضیح داده‌اند که بمجرد طرق اعلام واوامر دولت ایران اقدام بتوقیف آنان کردیم و گذشته از اینمطلب وقتیکه اعلیحضرت شاه حاضر شده اند برای ترك مقر سلطنت خود وحرکت باصفهان معلوم است که مقدمات حکومت طهران بادولتین قطع گشته واربان باآنان داخل جنك شده است

در سیستان

عده سوارهای آنان که فعلا در کرمان بالونیفرم قوانسوخانه هستند قریب سیصد نفرمیباشند درهفته گذشته هرعصری آنانی‌عاید آنجا وارد شده اند مردم هم بترتیب سابر نقاط در صدد فراهم کردن وجه وتهیه استعداد هستند .

* * *

عده سوار های آنانی که فعلا در رشت اقامت دارند قریب دویست نفرمیباشند اهالی هرعده مسلح شده واستعدادی تهیه کرده‌اند وهرماه هم‌مبلغی باسم اعانه جمع آوری نموده اند .

سفارت امپراطوری آنان مقیم دربار طهران بطور قطع وصریح اظهارات آزادی رورزا تکذیب می‌نماید راجع باینکه اختلافات تجاری بین سفیر کبیر دولت سنیهٔ عثمانی ووزیر مختار دولت امپراطوری آنان بوده است .

نتیجه - وکلای سیاسی این دو دولت متحدو موافقت کامل‌داشته وهیچوجه اختلاق وجود خارجی نداشته است

هیجان اهالی عراق

هیجان اهالی عراق روز بروز شدت میکند وناطقین در مساجد عمومی اهالی را وادار باتحاد واتفاق کرده تشویق بدفاع مینمایند عدهٔ که از چند روز قبل تحت سلاح رفته بودند بقراریکه میرسد بسمت همدان حرکت نموده‌اند ازدهات واطراف هرطایفه بسمت شهر میآیند وحاضر برای حرکت بهرطرف کارفرمای مجاهدین دستور العمل‌بدهند عده فعلا قریب هزار ویانصد نفرسوار مسلح در عراق حاضر میباشند وازقرهباغ گرانائی اضافی کیه‌دفاع ملی تاپهاتجاوز نشده‌تاپهات لازم میدهند .

ورقه فوق العاده برق

(نجف همدان) ورقهٔ فوق‌العاده پیر کیه‌دفاع ملی ازقم بطهران رسیده مرا آنجا نوشته شده است که . آخرین تلگرافی بیم ازهمدان عصر دوشنبه الساعه نشارت فتح قوای ملی مرکب از دسته جات مختلفه وغیره ازآوه رسیده که مرا آنجا تصادف باهزار نفر قشون روسی که باشش عراده توپ شصت تیرهازم همدان بوده اندکه وجه نفر از روس ها را مقتول و بکلی آنها را مغلوب وفراری ومتفرق نموده تاسیده‌اند بیع فرسخی قزوین روس ها را عقب نشانیده وفعلا اردوی همدان در آنوح مقیم وکردنهٔ آنجارا درنهایت استحکام متصرف شده‌اند .

جنایت جدید در کرمان

بقراریکه از کرمان خبر میرسد دوروز قبل ژاندارمی در آنجا وخیابان وبینکان قوانسولخانه آنان وکیل قوانسول کرنی انگلیس را بضرب گلوله سخت مجروح نموده اند مشارالیه هنوز فوت نشده ولی زخمش کاری است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1584 of 1786

تصمیم دولت

آنچه اطلاع داریم دولت در ظرف این چندروزه معاملات خودرا برای گرفتن تصمیم قطعی راجع سیاست خارجی نموده بامضی از نمایند گان هم در خصوص مذاکرات شده تا هفته آینده تصمیم خودشان را علی خواهد نمود .

خبرها جنگ از جراید اوروپا

از جراید فرانسه

آلمان زودتر رسید

مسئله بالکان فعلا بحطریت متحدین آلمان حل شده است و آنانها قبل ازاینکه قسطنطنیه شده وکلیه ابواب مشرق زمین راقشون ژنرال « ماکنسن » بنام متحدین اروپای مرکزی تصرف نمایند .

دیگر کار از آن گذشته است که مسئله اتصال یافتن قوای آلمان بابلغاروترکیرا مطرح سازیم ویکوئیم بایستی این کاررا کرد یا نه ، اگرچه قشون صربستان درچین حلب نقشتن پل ها وتونل ها وهرقدر امکان بوده است خطهای راه آهن راخراب ومنهدم کرده ولکن‌مانیکه انانها این خطوط را تعمیر نمایند خیلی وقت لازم دارد لیکن مسئله قورخانه رساندن ازآلمان به بلغار وعثمانی فعلا ازطرف رود خانه داتوب بسهل میامد وبقدر کفایت قورخانه میرسید .

آلمان در رسیدن به قسطنطنیه برقابلیت جست واولین نتیجه مادی آن شد که عثمانی را ازاین مصیبت بزرگ حاذق قورخانه که ممکن بود اورابه زودی ازپادرآرد خلاص ساخته است وسپس درعملیات مشرق قوای عثمانی میتواند مدخلیت های بزرگ داشته باشد ودر جنگ های آینده عسا کر آن کاری را که تاحال نمی توانستند صورت بدهند شروع نماید

دومین نتیجه این پیش آمد معنوی است وجراید آلمان نتایج خوبی را که ازاین واقعه می گویند آن است که حالات روحیه ملت خودرا تقویت کرده وی گویند ازحاضره بیرون آمده وبرای عملیات جنگی مدت زمستان می‌توانم اذن دادنرا بازنشده مهمات اولیه ذخایرخودرا تکمیل نمایم

کازت دوفرانکفورت بایک خلاصه وصلاحی این واقعه رابزرگ ملت آلمان یعنی ازاندازه‌بزرگ معرفی کرده وی گوید‌بایک راه بندرهامبورگ تاخلیج فارس برای ملل شده است

جراید آلمان ازحالاسئله فتح مصروروان قشون خودرا بسرحدات هندوستان به ملت خود وعده می دهند .

گشفرالس ژنرال ژوفر درلندن برای همین مطلب است که اقدامات لازمه برای عائمت ازمنظوری که قیصر برای نیوج اتباع خود درمشرق وعده می‌دهد بعمل آرد وثابت نمایند که قشون مؤتلفین را کردارمه های قیصر می تواند در آن دیار معدوم سازد .

مؤتلفین دران موقع درقطعه بالکان بقوای خود شان تنها بایدکار کنند زیرا که گشتانتین پادشاه یونان به قیصر وعده داده است که تادم آخر بی طرف می‌ماند وجریده انبرس ناثر افکار دولت یونان می گوید که ساعاتما کرانی کنیاه‌بار فرانسه بعمل آورد‌میلیکن حرف مارا نه پذیرفته وحالا دیگرمانعی نوایم خطاهای سابق‌را جبران کرده وسپس وظیفه یونان نیست که زیاده ازین بی طرف مساعدتی‌ازانه نسبت به مؤتلفین محروم، دیگری نماید .

جنگ تحت البحری

تلفات وارده بدول متفقه وبعارف دریامانه

تلفات وارده بدول متفقه وبعارف دریامانه

تلفات اطلاعاتی که درینه ازجنگ تحت‌البحری‌بتوسط اخبار تلگرافی میرسد چندان کافی نیست که مارا کاملا از خسارات وارده مطلع ومستحضر کند خصوصا ازحیث تاریخ این اخبار خبری نامرتب است که مارا علی کامل واشتباه واقع می شود . حتی اعلانیه های هفتگی اداره‌بحری بریطانی نیزدارای همین معایب است زیرا که اولا‌قطعا‌تمام بکشتی های انگلیس میباشد وثانیا اگر کشتی غرق شده کشتی‌بیطرف بارگیرش باشد ذکری ازاو نمیشود . منبع اطلاعی که مارا ازاین صحت خسارات وارده وعملیات تحت‌البحری های المان آگاه میکند وازشدت وضعف جریان جنگ‌بحری‌درهرماه مطلع می نماید‌اسناد‌لویدیک هالی است که از طرف دفاتر (قوئید) یا (ورتیاس) طبع ونشر میشود . چنانکه اسناد‌لویدیک (ورتیاس) مینماید که درماه ژوئن‌ما کشتی کمتر غرق گردیده وعملیات تحت البحریهای المان درماه قبل از ژوئیت (ژوئن) شدید ترنبوده است .

درماه (ژوئن) که سی روزتمام است تحت البحریهای المان تو وچهارکشتی غرق کرده اند (شصت وسه کشتی تجاری‌دویست وپنج کشتی بادی) میزان بارگیر کلیه کشتیهای غرق شده صدوهشت هزارو‌هفتصد تن میباشد . درصورتیکه مقدار بارگیری کشتیهای غرق شده ماه اوت نود وهشت هزار دویست ویازده تن است ولی از حیث عده سه کشتی بیش ازماه پیش است بنابراین معلوم میشود که تحت البحریهای المان چون دیدند‌درماه ژوئیت گذشته سابق نتیجه چندان خوبانه اطلاع عده پیش افتاده باشند باین ملاحظه ازمهاجمه که سابقا می کردند صرف نظر کرده بدون اینکه اهمیت کشتی ومیزان بار اورا در نظر گیرند بدون تامل هرچه را که ببینند غرق میکردند ماین چهل ودو کشتی تجار که درماه ژوئن از انگلیسها غرق شده بیست وهفت کشتی از میزان بارگیری کمتر ازسیصدتن است مانند (الزابت) سی وپنج تن (ژ . م . و . س .) سی وسه تن (مناوا آ) سی وهفت تن (ژیروك) سی وچهار تن واگر رسیده کی بکشتیهای بادی بنتواع بر شود خواهیم دید که میزان بارگیر آنها کمتر ازین است .

مجموع عدد کشتیهای تجاری که تحت البحریهای المان درماه مذکور غرق کرده اند شصت وپنج است ومیزان بارگیر آنها هفتادوپنج‌هزار وسیصدوپنجاه تن است . معلوم است تفاوتی که بین ازهه خسارات حالیه انگلیس است (چهل ودوکشتی تجارچهل‌وهشت هزارونهصد و شصت وسه تن)بین از او دوسه (شش کشتی بخار یازده هزار و هفتصدوپنجاه وشش تن)

سوم فرانسه (دوکشتی تجاری شش هزارو هفتصدوهفتادتن)

چهارم اتریش (دوکشتی تجاری سه هزارو چهارصدوبیست‌وهفت‌تن)

تحت البحریهای آلمان فقط دول جنگجو را طرف توجه قرارنداده برای اینکه دول بی طرف نیز ازان خوان خسارت سهمی برده باشند کاهی عقب نظری به آنها کرده وقسمی ازان ضرر متوجه آن میشود : روز (پنج کشتی تجاری هزار ودویست وسی وهفت تن) ماقبل (یک کشتی دویست وچهارده تن) واضح‌ما کشتی مورد اعتراضات وگفتگوی بسیار روی شد (هزار ودویست وچهار تن)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1585 of 1786

از نقطه نظر کشتیهای تجارتی دارد دولت انگلیس بیشتر متحمل خسارت
[illegible] اول را دارا است (بیست کشتی هزار و پانصد و شصت و هفت تن)
[illegible] روس (دو کشتی دو هزار و چهار صد و چهل و پنج تن) (ایطالیا)
[illegible] کشتی دو هزار تن) معلوم نیست ایطالیا از کدام مرتبه قرار دهیم
[illegible] که اگر او را هزم جنگجویان محسوب کنیم دولت آلمان اعلان جنگ
[illegible] که در اینباره بیطرف باقی گذشته ۶ خسارت اتلاف مربع میباشد .

در جنگ بحری دول بیطرف حقیقتاً خیلی خسارت دیده اند : نروژ
[illegible] کشتی بهجده هزار و ششصد و شش تن) سوئد (سه کشتی هزار و
[illegible] صد و بیست تن) دانمارک (چهار کشتی و چهار صد و سی) (چنانکه
[illegible] رفت مابین دول بیطرف نروژ بیش از همه خسارت دیده است .
[illegible] این جملگی را از این نقطه نظر مابین متحاصبین قرار دهیم بالاخره
[illegible] دوره بهم پس از انگلیس خواهد بود و مقدار اتلفات و خسارت
[illegible] حساب است بایک اندک خسارت بزرگتر دشمن آنان .

علاوه بر اینها دو کشتی دیگر توسط تحت البحری غرق شده است:
[illegible] از آن یک کشتی بخار آلمانی (هفتصد و هشتاد و چهار تن) و دیگری
[illegible] کشتی بخار آلمانی (هزار و ششصد و چهل و دو تن) میباشد که
[illegible] این دو کشتی اخیر توسط تحت البحریهای دول متفقه بوده است
[illegible] های تحت البحری نیز تا الآنبوده و چهار کشتی محترق ساخته اند :
[illegible] کشتی تجار انگلیسی (صد و چهل و هشت تن) یک بخار بلژیکی
[illegible] هزار و هفتصد و ده تن) یک بخار روزی (دو هزار و سیزده تن)
[illegible] شراع دار سوئدی (چهار صد و چهل و نه تن)

در عقب فرونت آلمان در مشرق

مهاجرین و فراریان نواحی « گرودنو » که به روسیه رسیده اند خبر
[illegible] که آلمان ها در نهایت جدیت مشغول ساختن استحکامات عظیمه
[illegible] آبیارها و خندقها در خطوط « گرودنو » و « برست لیتوسک »
[illegible] و در تمام آن خطوط راه های آهن را مثل زنجیر بهم وصل کرده
[illegible] های ذخایر در اطراف جابجا کشیده اند.

این تحصیلات تدافعی که سر تاسر فرونت آلمان و روس را فرا گرفته بسی
[illegible] آمیز است شب و روز مشغول کار کردن هستند و عده از اهالی
[illegible] را برای کمک در ساختن آنها آورده اند و هر کس فرار اختیار
[illegible] بخار آلش قتل است .

انتقالات زرگ فشون

آلمان — در فرونت غرب علامت حرکت قشون بزرگ از آنها
[illegible] میشود در قسمت غرب و جنوب غربی آلمان بواسطه حرکت قشون
[illegible] ریل التجاره بسته شده و چهار دو زنامه هلاند
[illegible] است در سرحد هلاند نیز مراقبت کامل مینمایند که خبر حرکت
[illegible] به جائی طراوش نماید .

طوفان های سخت انگلستان

لندن — دو روز است که طوفانهای خیلی سخت در بریطانیای کبیر
[illegible] شده است . شش کشتی در ساحل غرق شکسته شد یازده نفر
[illegible] شده اند .

محکوم شدن تزار روسی فرمانده کوتو —

« تزار گرگوریف » روسی فرمانده نظامی قوا و استحکامات « کوتو » به ارتکاب عظیم ترین جرم دستگیر و در محکمه عالی نظامی روس وی را محاکمه کرده و پس از مدتی که وی را محکوم به یازده سال حبس و اعمال شاقه نموده اند و علاوه تمام درجات نظامی و افتخاری را از وی سلب کرده اند

جرائم این تزار چنین است که در مقابل حملات قوای آلمان تمام اقدامات لازمه را برای دفاع قلعه نظامی مشهوره « کوتو » بعمل نیاورده است و قلاع نظامی مزبوره را در حالتی که هنوز جنگ جریان داشته خالی گذارده و خودش بیرون رفته است .

ملاقات قیصر و صدر اعظم عثمانی

بموجب تلگراف آژانس ولف اعلیحضرت قیصر با صدر اعظم عثمانی در « اگل توار » ملاقات و مذاکرات نموده است . پرنس عمر فاروق پسر سلطان متوفی عبدالحمید از مدرسه « ژنو » فارغ التحصیل بیرون آمده و « برلن » برای تحصیلات نظامی میرود

امپراطور اطریش فرانسوا ژوزف نشان درجه اول « لیاقت » را به فرمانده اند پادشاه بلغارستان اهدا نموده است

جایگاه زیبا در صوفیه

سالونیک ۶ نوامبر — از صوفیه بعضی مأمورین خبر میدهند که آنها در صوفیه مشغول ترتیب مراکز آسمان پیمائی میشوند و یک جایگاه بزرگ برای زیبایی دو آنجا بنا مینمایند که میتواند چندین زیبایی را آنجا داشته باشد

خبرهای ممالک عثمانی

شیخ احمد سنوسی

شیخ سنوسی که در جنوب « طرابلس » اقامت دارد و قبایل بربر و عربستان در قطعات افریقا خصوصاً اراضی مرکزی آنها سکونت دارند و اعتقاد مذهبی به شیخ مذکور دارند اخیراً شهرت یافته است علت عمده اشتهار وی واسطه طرفیت هائی که در مدت استیلای « ایطالی » به « طرابلس » با قوای آن دولت کرده و نکرده جنگهای بزرگ در آن قسمت با آنها نموده است .

یک نفر از صاحب منصبان انگلیسی که تا کنون جزو نظام مستعمرات انگلیس و در محالف مختلفهٔ امریکا مأموریت داشته است شرح زندگانی و کارهای اورا بجریدهٔ « مدت زاده » انگلیس حکایت نموده و در روزنامه مزبور اظهار قرار درج شده است .

عمر شیخ حالا ۶۵ سال است . خیلی خوش بنیه و قوی هیکل و رشید میباشد . از وجناتش آثار دانشمندی و استعداد فطری هایان است . مردی زاهد و متقی و در میان اعراب مقامی رتبهٔ بلندی دارد . در علوم قدیمه و جدیده خصوصاً در علوم دینی مسلمانان تحصیلات عالیه نموده است و آثار و حافظه و فصاحتش در قلوب معتقدین او مثل مغناطیس تأثیر و احکامش بسرعت برق نافذ . جمع اهالی سومالی و طرابلس و عدهٔ زیادی از مردم افریقا اورا واجب الاطاعه و رئیس مذهب میدانند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1586 of 1786

چنین جهت است که از چند سال قبل این طرف که با قشونهای جدید وانگلیس جنگ کرده و بیش رفته و از سه سال قبل تاکنون اعمالی را چندین مرتبه تکذیب داده است .

در سال ۱۹۰۰ در جنگ با جده هجده هزار قشون از حرکت نمی توسند گفته شدن را شهادت می دادند . عدهٔ اتباعش که امروز به عنوان قشون در اطراف او هستند در ۲۰ هزار نفر سوار مسلح به اسلحه‌های متاخر آلمانی را در جنگ های انگلیس و جده و ایطالی دست آورده اند و قریب سه دوست الی صد عراده توپ دارد عده قشون و مردان قابل توپزدار می باشد . و قدری که از آنها کار ساخته می شود از قشون تحت دار و توپ کار ساخته می کرده . زیرا که بزه دار در مقابل کاوله یورش آورده و با آنکه دارای سیر توپ بار هم اغلب تکرده و از زه صفوف خصم جهتی رد و بهمین علت است که طرف مقابل از زیزه داران سنوسی بیش از فلک داران ترس دارند .

از جراید فرانسه

عثمان و دین اسلام

تحت خصوصی این موضوعه ، و ایمز از قاهره می نویسد :

روزنامه سود اندلاوش کور سپوندرن که سیر و فرین جراید پست که در مدرجات و اداریات خویش همیشه طرفداری از دولت عثمان میکند از اسلامبول اطلاع میدهد که سلطان عثمان لقب وزیر اعظم شیخ سنوسی معروف را تشویق بی اعتنا نموده است علاوه بر آنکه مقام مذکور در جریان کابینات سابقه همه قسم مساعدت و همراهی و مساعدت سلطان عثمان کرده و پیارهٔ روز نامه مزبور این اقدام اولیای مثانیه را برای دارالاسلامبول و متفقین شایع مهلوه و اهمیت کامله است .

حالات روحیه اسلامبول

کتابچه از قسطنطنیه بمانوریت وارد شده اند حکایت می نمایند که عثمانیها بالطبعه دشمنی مشعوفانه از انگلیس و روسیه و چنین آلمان عساکر آنها نهاده اند و خطوط آهن میدانی جاری و فعال آنها است جزیره زون توکه مصمم شده اند که یک طرفی تصرف سیار فعال دشمنی در سان استفانو واقع و روسه قشون آنان در زیر تحت چسبند .

فراوان ارزاق و آذوقه وارزانی آن واسطه قطار هائی که پیوسته از بلغارستان میرسند عساکر را راحت و قلوبرا مطمئن گردانیده و مسئله بارتفاع راه آهن عثمانیان از طرف شرقستان و حالا نده و جوه مزرای شده مسلمانان را بعجه بیجان آورده است .

جراید عثمانی حالات هیجان انگیزی جنگ و مسئله فتوحات مصر وقفقاز و بیداری مسلمین دیار بعیدستان توصیه می نمایند .

جراید مزبور سلامهای برادری و اتحاد خود را بملت ایران فرستاده و از ایران بطور استفهام سؤالی می نمایند که آیا هنوز موقع آن نرسیده است که در باره جهاد مقدس وارد گردند .

از جراید فرانسه

اسرار کاپ چولی

تحت عنوان « اسرار کاپ چولی » روزنامه « دایلی میل » شرحی را بهمین عنوان تعقیب می دهد و مینویسد بریتیش که تقدیمات این معمای تأسف انگیز قابل برای ملت انگلستان حل کرده و امان تعقیب وی

این است که قابل تحقیق بعمل آورد که مسؤلیت قشون فرستاده « کاپ چولی » با کی خواهد بود و مینویسد توصیحات سابق مستر اسکوئیت در جلسه دوم نشده که رئیس الوزراء برای مذاکرات اظهارات جدید جنگ « عاس می آید این قضیه در ارکان مطرح مجلس و روزنامه‌ها ظهور مینویسد که مستر اسکوئیت بعد چنین از این اظهارات شاخص و پوست کنده در این موضوع توضیح دهد و مسؤلیت را تعیین کند .

« دایلی میل » خاطر نشان می نماید که برحسب اظهارات مستر اسکوئیت بطرد کیچنر و غیره و بهر حیچ کدام مسئله قشون فرستاده « کاپ چولی » را در پیش نیاورده و پیشنهاد این اقدام از طرف نشده است و سوری که از طرف دیگر می گویند قشون کمی بطلب را بعضی از اکثر وزرا تصدیق نموده و شورای جنگ انگلستان آنرا واگذاشته کرده و فرانسه و کراندوک تیلای روحیه کلاسست و خواهد تلقی خواهند

بالا خره « دایلی میل » از روزنامه رایکال موسوم به « تایمز » مطابق بسیار شدیدالهجه را نقل کرده و در آنها نوشته شده است که « مستر چرچیل » وزیر بحریه مؤسس و مسئول این موضوع است و بهمین جهت چون که بعد از مغلوبیت این قضیه خود را از کنار کشیده و مقام پست تری را قبول نموده

خلاصه آنکه « دایلی میل » نظریات خود را بدین نکته جلب نموده « روزنامه رایکال » که از جهت خیلی پیش بین آمد وزرای انگلیس پیش از همه باچنین عقیدهٔ مخالف بود و همان اول دفعه گفته بود که اوزراء میخواست توسیعات در این باب بدهد « روزنامه رایکال » گفته بود که تاریک میانی در خصوص یک چنین اقدام زیاد آمیزی داخل نه و تحقیق کرده .

اخلاقیه عثمانی

از طرف سفارت کبرای عثمانی نشر و تبلیغ میکردد

از جانب سفارت کبرای عثمانی در لندن یکی از اسلحه‌های مخصوص دشمنان ما که عبارت از این است که انتشار موجودات خائن بین ملتین میباشد کاهی بین اهالی وکیل فرستاده گل و فواج پشا و لیان قون سابق ترس پناه کابین از حزب عثمانی و ارکان حزب اتحاد و ترقی و کلاء بین مصر و اقطار آنان و صدارت عثمانی و اعضاء هر بین صاحب منصبان عثمانی و آلمانی در اروپای عثمانی با اختلاف کرده و باینک اختلاف مختلفاً هر اعلان می نمودند جدیدی هم گفته که اهالی اسلامبول با آمدن اردوهای متفقین خائف بعد روز و روزی هم موجودیت اختلاف بین سفیر کبر عثمانی و وزرای آنان در ایران را تاثیر داده است همان طوریکه اخبار موثق اگر صریح می باشد ظهور اختلاف هر بین سفرای متارالیها بطوریکه تاثیر داده کتب اصلی و خصی کتاب است و بین سفرای متارالیهما چندین هم تحلیل کرده و سیمی هم دارد که مناسبات تحلیل کرده است مطمئن باشند این قبیل اخبار که موجب تقویت آنان است در آتی واقع خواهد شد .

حوادث ایران

جنگ در همدان

روز پنجشنبه سیم همدان قطع شده و تلگرافی از آنجا بر گردان رزو کشته سیم اتصال پیدا نموده و تلگرافچی راپورت داد که اردو

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1587 of 1786

... بن قفقاز روس و مجاهدین که در پل شکنه سمت اسدآباد اقامت داشتند شروع شده و صدای توپ هم الساعة بشهر میآمد و تا ظهر امروز دوام داشته ولی بعد از ظهر صدای توپ در همدان شنیده نشده و از همه کار زد و خورد جنگ تحقیق حاصل نشده است . کیفیه جنگ هنوز معلوم نشده است .

جنگ ساوه

راه چنین رسیده که عده از مجاهدین تقریباً یک هزار نفر از لاله کان و بعضی آبادیهای اطراف ساوه وارد سوه شده اند

*

جنگ بین قشون روس و اتباع نایب حسین و مجاهدین خبر میرسد که لاله کان و بعضی آبادیهای اطراف در تصرف مجاهدین افتاده و هر روز هم جنگ مداومت دارد .

جنگ ساوه

از تلگرافی که از ساوه رسیده مشعر است که جنگ در قریه لاله کان با مقاومت فوق العاده هر از گاهی بعنف آمده و استعداد تازه بین طرفین وارد شده است از قرار مذکور قشون روس شب دوشنبه وارد لاله کان شده و آنها شبخون زده فوراً مقاومت کرده و جنگ شروع شده است که در آنجا نیز ...

از مناظر قبا گی بقعهٔ اسلامیه بیت المقدس

حرکت علماء از عراق

از عراق خبر میدهند که استعداد سوار و پیاده از همدان عده روزه از آنجا وارد میشود و اهالی هر از آنها استقبال نموده با مراسم احترام از همدان میشوند و طرف همدان حرکت میکنند و در قریهٔ هر از آقایان علماء بابک عده از اهالی شهر بسمت همدان رفته اند

در همدان

از همدان خبر رسیده که قشون روس وارد شهر نشده اند و اهالی از اندازه از نزدیک شدن آنها در وحشت و اضطراب هستند چند روز قبل عرابه خانواده و قابل حکومت را بسمت بروجرد حرکت داده اند .

راجع به جنگ ساوه

منشأ جنگ ساوه رفتار غیر منتظره ایست پیدا کرده و قوای مجاهدین افزوده شده است از قرار یکه تلگراف اخیر داده اند در ظرف این چند روزه که جنگ ... و بر شده روسها عمارات داشته آذوقه قوای هر مجاهدین در حین آمد و شد گیر داده مشغول جنگ میباشند و مقامات رسمی میگویند که اخبار هر قریب بگشت قشون از قشون روس گرفته اند

ورود سوار بختیاری

از اصفهان خبر میرسد که آقایان علماء همه روزه عالمی دارند و راجع به اوضاع حاضر مذاکرات نموده تلگرافاتی بقرای حرکت استعداد از اصفهان اداره کرده اند و از سه ده و بعضی دهات اطراف هم جمعیتی وارد شهر شده است و قریب دویست نفر سوار بختیاری هم وارد شده در ظرف امروز و فردا باتفاق چند نفر از آقایان علماء حرکت خواهند نمود .

*

تلگرافی از اصفهان رسیده است که روز یکشنبه سه ساعت بغروب حواشین بختیاری اعم از لشکر خان ـ سردار معظم ـ علی رضا خان بهادر السلطنه ـ و خلیل خان بابک عده سوار و پیاده و اسلحه زیاد وارد شهر شده از طرف حوالین و علماء و سایر طبقات مردم استقبال شده خطبه های مفصل خوانده اند .

وده مجاهدین پیشرفت نموده اند و بتدریج نزدیک بقدار کمک هر از قشون روس گرفته اند جنگ دیگری کرده و مقامات رسمی اظهار میدارند که در عرابه توپ هر از آنها گرفته اند اخیراً هر یک عده از حوالین خلجستان و استعداد آنها بما بین ملحق شده است و قوای ناصر و آنها هر از اطراف بکمک مجاهدین آمده اند نتیجه جنگ تا روز هنوز معلوم نشده است .

حوادث جنگ

برلن ـ وین ـ قسطنطنیه اطلاعی از اقدامات سلطان عبدالحمید خان آنها با بهت و تکوه تمام حاضر شده اند که چنین اقداماتی را بر ضد اسلامبول متحد دارند . وقایع تلگراف اسلامبول جریده برلینر تاگبلات نشده گذشته تلگراف میکند که حل و فصل امنه و مال التجاره از راه داتوب در نهایت سرعت کار میکند و علاوه میکوید اگرچه حالیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1588 of 1786

نمیتوان گفت چگونه امتعه حمل ونقل میگردد لیکن بزودی اثرات آن معلوم خواهد شد .

مقارن این احوال کشت واقف مترقب سفر جدید آنان بطور سیاه وارد اسلامبول شد ودر سعدیه پارسان عثمانی مفتوح گشته امابحضرت سلطان محمد خامس لطف اراده فرمودند کترجمه قسمت عمده آن ازاین قرار است :

حملات شدیده که فشون بری وبحری انگلیس وفرانسه برای دست یافتن به اسلامبول که تصرف آن از دوقرن و نیم قبل بان طرف مسلک روسیه بوده است بردار دانل و کالیپولی منتهی گردید واسباب صعوبت وحملات غیرتصوره سپاه بری وبحری من دفع شد . هرفشون وهرتجربه ماجلادوابهت جدیدی باعمال اجداد ویا کارمافوقوده وافکار تجدیدوتحسین جمیع ماموراتخود جلب واشتغال . دشمنان ماقطعات موانع متحمل شده ماد

از مناظر اماکن مقدسه اسلامیه جنب القلیج در مدینه منوره

درسایر جبهه‌ها خطوط رامیتوانند فتح وظفر اصیب فرمایند .

زمانی که فشون باعظمت وجلال متفقین ماداری و اظهر شکست انکیز جمع اما کن مستحکمه را تصرف در آورده وقوای تحریه فشون بروس را در هم شکسته وبسمت بالکان متوجه شدند قوای بلغاریها ملحق گشت . این واقعه قابل توجه که اقدام مشترا میدان باکمال سریع بوده وصول مقصودرا برای مارویک ساخته است . رای آبکلان پیش آمد را در بالکان رای خود کمین تاجبهاه اصلاح سرحدات ویلغاریا رضادادیم . عهدنامه که رای این مسئله معاهده شدایشک بحضور جناب تقدیم می گردد که تصویب نمایند .

شکست اعداء مادر تمام خطوط این عقیده را ثابت کرده است که اسلامبول فتح خواهد شد وازپرو فشمان باضرور وقوت مادست بسته بالکل دراز کرده وازبالکانیان استمدادی جویند . هرچی کمک میخواهند هرچیزشان دلخواهم دساسی آنکارا درقبه جزیره بالکان مهیا ساخت ودر زیر سایه عفو فتوحات متفقین بزودی ساعیا کی روس از کارات بیرون کردند . عرضه کالپن ولیهتارا براتها تقدیم امتحکامات دشمن موروثی مارا باعث یک سال توده وامید ایکی مشترا بقوای روس بدل یاس کردند .

اینک برای شکر گذاری وسپاس در حضور خدای قهار سر میکنم وزمین بند کی را می بوسم که فشون عثمانی فرصت داده تا ولیت روز بکار بزرگ خودرا دست بیاورند . خدای متعالرا میگویم وروی سیاه درگاهی میاورم وعده میکنم کهیاهن باکرمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1589 of 1786

تشریفات ورود قیصر به قسطنطنیه

سفری که اخیراً از طرف « قسطنطنیه » بسالونیک » وارد شده‌اند مربوط بمسافرت آخیر ورود « قیصر ویلهلم » و ولیعهد و اولاد و امپراطریس » فردریک » بقسطنطنیه » رایحهٔ اقامتی » بلغارستان » رایحهٔ اقامتی » قسطنطنیه » قریب وقوع می‌باشد . و میگویند بمین زودی عده نفر برای ملاقات اعلیحضرت سلطان عثمان خواهند آمد و در شهر « قسطنطنیه » و راه ... و ذخیره تدارکات بسیار بزرگ برای آمدن و دریاچهٔ تهیه عمای طرز برای پذیرائی عثمانی این ملاقات عظیم را مشغول شده اند .

آلمان و عثمانی در ایران

طهران ـ از روحیه روزنامه ناصر میدهند : آلمانها در روحیه ارتباط فعالیت سازی تاسیس کرده و عشایر و ایلات محل را مسلح نموده‌اند ... نفر ژاندارم در تحت ریاست صاحب‌منصبان سوئدی از شهر خارج که بطرف همدان عازم شدند در اصفهان هم مشغول تحویل دسته من نفر تفنگداری هستند ۲۵۰ نفر اسرای اطریشی را که حکومت ایران بدولت به ورامین فرستاده تحت نظر قرار دهد بوزیر مختار آلمان از طهران به اصفهان رفتند .

همچنین خبر میرسد که آلمان و اطریش و عثمانی آژان‌های مخصوص برای خودش را بایران فرستاده‌اند .

حل قورتانه و میسیون جنگی بواسطه ژاندارمری از طهران و اقدامات مورد راه وطنیان و سر کشی دسته جات ژاندارم در تحت فرمان صاحب منصبان سوئدی که فقط هم خود را صرف اجرای اوامر آلمان و عثمانی کرده‌اند شاهد و دلیل براین است که باحکومت ایران اعتنائی نمی‌نماید بلکه بکلی ضعیف و ناتوان گشته و کلیه اختیارات و نفوذ خویش را از دست داده است .

افکار عامه می گوید که شاه و حکومت در صدد پناه جوئی هستند کمو راطهران را ترک کرده باصفهان روند . (رعد)

ترجمه از اخبار های غربی

مترجم محمد ادیب

(ترکیا والشرق)

در ذیل عنوان مانوق جناب فاضل ادیب (ترکیا کتابی عاص) عدنانی در استانبول یک خطابی ایراد نموده که ما آنرا عیناً از جریدهٔ فریدهٔ العدل ، ترجمه کرده و نظر مطالعهٔ کرام عرض میکنیم و آن اینست :

فاضل مشار الیه می گوید که از همه پیشتر این را بگویم که در فضا می در استانبول بکمال مسرت ملاحظه کردم که افسران آلمان که عهدهٔ شان اصلاح جیوش عثمانیه محول شده بود ، خوب کوشش ورزیده‌اند ، و سعی فوق‌العاده قابل اعتنا در راه خدمتگاری عثمانی نموده‌اند . و اگر بنظر تحقیق در تاریخ دولت عثمانیه دیده شود معلوم می گردد که اهمترین مزایای که باید عثمانیها آن فخر کنند آن مزیت بسالت و دلاوری ایست که دولت علیهٔ عثمانیه آن مزیت خود را از زمان قدیم معروف و مشهور آمده است .

اما دولت آلمان نیز ابدا فراموش نخواهد کرد که خون عسکریه را در راه سالهٔ اول بار از عثمانیها اخذ کرده بوده .

ثالثاً دین مبین اسلام چنان یک دینی است که اسلامیان را بر جهاد و دلاوری فطری از آغاز اسلام تا آخر زمان امر فرموده شده است . زیرا اساس تحکیم این دین معظم بمجاهدات عسکری و فتوحات و غلبات مرکوز و منبعث ، و اگر همین طور نبود آیات کریمه در قرآن کریم بسی تشویق و ترغیب بر جهاد و اعلای کلمه حق نمی فرمود . تا آنکه جهاد در زمان خلیفهٔ ثانی عمر الخطاب رضی الله عنه یک فرض دینی گردید زیرا همه مسلمین در آن وقت مکلف و مأمور بخدمت عسکری شده ، و چون مقصد مکلفیت از عسکری اجرای فریضهٔ جهاد است از اینرو عموماً بعسکری مجبور شدند ، و به این صورت فتوحات اسلامیه در چند عصر بدرجهٔ کمال رسید و اسلام در اکثر قطعات روی زمین منتشر شد و پرچم لوای محمدی را با کرام و مقام عالیهٔ دلاوری تا شرق بعید برافراشت .

تا آنکه کسالت و تنبلی و تنعم و تفرقه افراد مسلمانان را استیلا نمود و دیگر دولتها از خواب غفلت شان بیدار شدند و بهمراه مسلمانان سای عداوت را ساقط و بسی ملکهای شان را تجزیه و تقسیم نمودند . این همه چیزها را کلفا ورزیده دستهای نجس خود شان را بمقام خلافت دراز کردند . آن وقت همهٔ مسلمانان یک جوش و خروش خارق‌العاده پیدا شد ، و سلاح حق و عدل بنام نصرت دین جهاد و غزا بر کشیدند .

و من امروز بعد از ان که بزیارت عتبهٔ وزراء دولت علیهٔ عثمانیه شرفیاب شدم امیدوار شدم که انشاء الله تعالی و بقدر بضاعت عثمانیها کاخر میباشد .

و حقیقةً امروز وزرا و اراکین این دولت معظم اسلامیه اساس ملک خود شان را بستونهای قویه مثبته بنا میکنند . و علی الخصوص در سیاست خارجیهٔ خودشان مسلکهای مستقیمی پیش گرفته‌اند .

واز اهمترین آن مسلکهای سیاست خارجیه آن است که با دولتهای آلمان و اوستریا دوستی و اتحاد کرده اتفاق ثلاثی عثمانی آلمان اوستری را بوجود آورده‌اند که گمان میشود که بزودی کاه تاید آنان آنرا بحقیقت صداقت و مودت که در قلوب خونهای همدیگر شان در طایل دفاعان وطن های مقدس شان تحریر یافته است هیچگاه متحل و فراموش نشود .

ثانیاً گفتار است که مفاد عثمانی همیشه دولت یکدیگر مربوط میباشند . لهذا گمان نمیشود که این خدمت جلیهٔ دولت علیهٔ دولته آلمانیا و اوستریا فراموش بشود و یکی بعد دیگر رود .

و اگر بسویهای که جرمن و اوستریا برای اعلان جنگ رضدروس و انگلیز و فرانسی اجبار نمود یک نظر بیندازیم میبینیم که جرمن و اوستریا اعلان جنگ نمودند مگر برای رها نمودن آن تمنا و امنیای که دولت آن دولتان عظام طالبانه افتاده اند .

اعلان جنگ نمودند مگر برای تطهیر روی زمین از ان سفاکیای وحشیانه که هر روز بر عرصهٔ وجود انسان یک تازگی رعجمانت وقطاعت تبدیل می کنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1590 of 1786

اعلان جنگ تمونه‌کر برای تخلیص تمون‌شهای بدختهای هندستان
معروض میدارد که بجز اخراج انگلیز فرانسیس روس‌طور
وحشیانه وظالمانه کنان ووطنهای مقدس‌شان هموتمونند ودرزیر اسارت
وکاهیت شان جبراً داخل تموده اند .

عالم سیاست را بینید که چه کارهائی کند ! یك وقتی بود که دوماین
دولتهای انگلیز وروس وفرانس عداوت ورقابت درجهٔ نهایت رسیده
بود ، تا آنکه بتاثیر منافع شخصیهٔ خود شان در یوقت اتفاق نمودند
انگلیز عدوا کبیر حرص ایمی میباشد ، چنکی که درماین روس
وژاپون چندسال پیش‌ازین وقوع آمد ظاهر و آشکار میباشد که سبب
آن بلاهای عظیمی که برسر دولت حرص ایمی رخنه شده بود سبب
یکانه آن دولت انگلیز بود که الیوم باهم متفق شده اند ، اما چه اعجوبه
که فقط برمنافع شخصی مبنی ومتید است ، اتفاق تلاش عمالی‌ازین
و اوستا برصدق ویت حمیه قائم گشته است .

باقاً داخل‌شدن دولت علیه درین جنك حاضر برای حفاظت حق
وآزادی واستقلال وحریت خویش ازضروریات ووظایف برای خود ش
بلکه برای احیاکردن ۳۰۰ملیون نفوس اسلامیان الشدشعر وری میباشد .

ویك‌مقصد مهم دیگر دولت علیه عبارت ازین بود که دولت افغانستان
رابك دولت مستقل وآزادی باسطوت وقوت گردانیده ۳۵۰ملیون
نفوس هندو مسلمان هندستان را یاکلی نصر ومعین بسازد .

وبا وجودیکه من هندستانی همیشه دولتهای عالیه‌را ازدیگر دولتهای
اروپا پاك انتقاد می کنم زیراانهارا باشند خودم یك‌طرز وخیالات
شرقی زنده ومتعلق میبینم .

و الحاصل برما هردو شان شرقی ضرور وواجب است که در چنین
فرصت اساس وبنیاد یك اتحاد اسلامی ، قوی متین وعسکری را درماین
خودما استوار وبرقرار نمائیم زیرا چنین فرصت باز برای ماهیچ وقت
نخواهد داد :

کذا

جریدهٔ فریدة العدل منتشرهٔ استانبول یك در مقالهٔ در زیر عنوان
[بلاد الافغان] نوشته که ما عیناً ترجمهٔ آنرا هدیهٔ ارادتمندان باانظار قارئین کرام
عرض میمائیم و آن اینست .

« دراین روزها اخبارها وجریدها از احوال افغانستان بسبب اهمیت
مرکزیهٔ آن دراین حرب عالم بسیار انتشار یافته و گفتگوها میکنند
وبسبکه ما و آن ملت جلیلهٔ معظمهٔ اسلامیه را رابطهٔ دینیه ومذهبیه
جمع گردانیده است ، طبعاً هر مسلمان برای تشنیدن فضایل امت ناجیهٔ
محمدیه در هرجا میل دارد لهذا لازم دانستیم که از کلامهای فیلسوف
اسلامالسید جمالالدین الافغانی الشهیر برای آگاه نمودن قارئین کرام
ازیك کتابچهٔ تالیف خود شان بعضی جزءهای مبهمهٔ حل نمائیم :

امت افغانیه بمزید قوی وشدهٔ بأس معروف ومشهور یك امتی‌است
که بهرجه وجه از وجوه نتوانسته که حمایت وکاهیت دولت ابتدائیهٔ خود را
عهده وقبول کنند ، آن دولت که برحرص جوع‌البقر وامتشقاءمالکت
هردوبرون دوصد ملیون نفوس عالم سیرنشده تاکه بعض جزء را برای
بلع‌نمودن غیرهٔ عالم وخوردن میاه پاکی وغیر جیحون وزدانته آنرا
ملت افغانیه همیشه براین فکر ثابت قدمند که هرایام‌جوانی‌هم
بتدارك برخاسته وبرسند ولی زمانی که بطرزی عادی وعادت باشد هیچ
صورت قبول نکنند .

مرحوم سید جمالالدین افغانی در کتاب [تتمةالبیان فی تاریخ الافغان
که از تالیف های معتبراوست در اصل اشتقاق نام (افغان) چنین
نوشته که گویا این نام را فرسیها راجع‌بانها نهاده اند ومیگویند تازی
(عرب عصر) اینهارا اسیر گرفته پرسیدند که نامهای شما چیست میگویند ما
نام آن قوم را (افغان) گذاشته .

وبعضی میگویند که واسهٔ (شاول) که جد افغان اول بود
نامش (افغان) بود ازین سبب این نام برهمین طایفه تمامه شامل
افغان گردیده وبعدهٔ فرسها افغان را (اوغان) میگویند ، وهندیان
پشتو (پتان) میگویند ، وبعضی قبایل افغان که در قندهار وفراه سکون
دارند خود شان را (پختون) و (پختان) میگویند وبعضی اوقات
مابین ما تبادل (خوست) و (گرم) و (باجور) بهودند ازاوقات
و (یغان) میباشد بالا چون درین الفاظ تدقیق وتحقیق نموده میشود
میگردد که آن کلمها همه ازاصل واحد متشق هستند واصل (افغان
و (اوغان) و (پتان) محرف از (یختن) و (پختان) همگی بر
کلمهٔ سر میرند .

سرایاالاخبار افغانیه

رفیق محترم یا (العدل) این فقرات که در باب وجه تسمیهٔ
افغان از کلام فاضل یگانه وفیلسوف فرزانه (السیدجمالالدین) اخذ
نقل نموده بعضی ازروایات کرهٔ متداولهٔ کذائی عربهامخالف
است راجع‌بالاخبار افغانیه درشمارهٔ نهم سال دوم خویش در زیر عنوان
(زبان افغانی چه زبانیست) یك مقالهٔ مخصوصه درج نموده است که در
مقالهٔ بتاریخ تحقیقات فن (فیلولوگراف) سابق‌الاکتشاف
ثابت شده بود که اصل واساس شمهٔ (آریان) مسلمهٔ کافکازیها
(هندوکوه) که آنرا (هندوکش) نیز میگویند نشات نموده تا
بیکرانهای اطراف وا کناف عالم تشعب‌یافته است وچون هندوکش درافغانستان
موجود است وروایات ودلایل واماراتی بسیاری از جهت رفته‌رفته
وارده خرافات‌الماضیه ودلیل واضح‌اینست که همین‌هزارهزاره‌سال
درهمین نقطه مسکون بوده اند وهمان سبب گفته میشود که
افغان یك قوم قدیم ومستقل بوده است که از زمانهای قبل‌التاریخ
درهمین قطعهٔ حزین سرزمین نواحی (هندوکوه) یعنی کش بغلان
ومسکون بوده اند

آئین دیانت اوغان

فضایت عصیان نمودن عساکر هندی سواری انگلیس در
عرب یك‌نامه نگار عنوان ماقوق چنین مینویسد :

عیب وطن ازچنان حبیا نیست که در دل انسان فطرت جوا
و دیعت نهاده است تا بواسطه اطلع فائزة این حس ربط حیاتیه
جغرافی زمین محیط گردد — مثلاً شش حصهٔ اختیاری زمین که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1591 of 1786

نظر دریم ، وزراعظم آسیا ، وزراعظم افرقا ، ودو وزراعظم امریکا (وزراعظم استرالیا شهرت یافته ـ از لزوم تربیت مخصوص در نظر مردم جهان وبخصوص جوانان ما دوستان میباشد که کوتاهی شمارهٔ جدا گانه هست . این فرق ها اگر منحصر بهمین خصائص آب وهوا واصناف نبات وحیوان ... باشد هیچ مضایقه ندارد ـ اما وقتیکه اختصاص بدا کی موجب فوت وفتور وصورت حرابی بلاد وولت عباد باشد ـ آن چیزی غیر طبیعی بلکه فتنه وفساد در بلاد خواهد بود ـ اهل اروپ از جهت توغل فنون بالجمله و انکشاف اسرار فطرت درفن ازمنهٔ مالیات وهمار بکمیوتی بحصول حاصل گردیده ـ البته قابل تحسین و آفرینند ، ولیکن وقتیکه ابتدان بواسطهٔ علم ومعرفت در براعظم آسیا و افرقا رمساع نازنین وانساب دفاع ملک وملت قابض شده اقوام را بجهار وجهور بمن خود میبارند ـ این فضائل ابتدان صورت رذایل میگیرد ـ این همه بنابر از دیاد عائلهٔ انگلیس گردیده اسیا وافرقا بمصداق توان یافت از هردو را توان وزجون ساخته ـ پس ابتدان را بخدمت عسکری گرفته بلاد را در زمان جنگ اداره میسازند ـ اوقات این سپاه اسیا را برای جنگ بای میرند گاهی را از ان هیچ خبر نیست ـ چون در میدان جنگ سپاه را معلوم میشود گه انگلیس رملک را در ازای آسیائی ابتدان لشکر کشی باحق کرده است ـ وجانب مخالف انگلیس در مدافعه اروطن عزیز واما کن مقدسه خود را کرا اعلان کرده است ـ آنوقت سپاه آسیائی حکم انگلیس را قبول نمیکنند ـ تاوقت فرصت یافته انگلیس را ترک کرده هر یکه راه بلاد خود میروند ـ مدتی روزها یک نظیر وسئال طغیان از عراق عرب بمیان میآید ـ : صاحب منصب عمومی انگلیس در عراق عرب این اطلاع را فرستاده است که دست وسوم ماه فروری گذشته یکدسته از سواران رع دار عدد یازدهم از تعمیل فرمان لشکری که شائع شده بود انکار کرده ـ این خطای بزرگ در تحقق آداب و قوانین عسکری مقتضی گشت قضیهٔ ابتدان از طرف محکمه عسکری که بعمل را سزای بی عزتی وسعی را سزای حبس مؤبد دادند

این حادثهٔ عزت انگیز یکی از آیات بینات اوقات است ، یعنی مسلمانان بمجردیکه از تعریب انگلیس آگاه شدند ، جان خودرا در خطر انداختن روا ندانستند ، اما چنان بخلاف رادران دینی که در مقابل خود جهاد دشمن را مدافعه میتوانند قبول نکردند ـ آخرین برهت مردانگیشان !

طاری دیگر از کوهستان می آید ـ میگوید که چون

رهبت مسعودی را که در کوه بود گذشته که ابتدان را عراق عرب خواهد فرستاد ، همه رهبت از وطن بعراق عرب انکار کرده حکم کرده که ابتدان را نخواهد برد پس همه مسعودیها فرار گردند ـ ودر کوه ویلان متکثر گشته ـ حق بجانب این مردم است ـ اگر کسی رملک انگلستان جهه کند وانگلیس را مدد میتوانه کرد ـ اما بدرآمدن نتواند ـ مردم هند انگلیس را مدد میتوانه کرد ـ اما وقتیکه انگلیس خود غالب شده بر هاردنیل وعراق عرب وملک مصر وجزیره لشکر کشی میکنند ومسلمانان را نگاهبانی وتارت خود میباید از آنجه مسلمانان صادق به فریب کاذب انگلیس ... درنخواهند داد .

انگلیسها باید باین چنین واقعات ملتفت شوند وبینند که هنوز اسلام کلیةً مرده نیست !

احوال آخر ترین خبر های جنگ

اقوام صلح : ـ بسیاری از مردم امیدوار احوال اینست که صلح قریب شده است زیرا مهاجمان شدیدهٔ جر میهار جهاد غربی لابد کار را بکطرفه خواهد ساخت . ـ راه آشتی دادن دائیل را بصورت موقت از دنیا مبت صادق کرده اند ، وتقریباً بیست قطعه تحت البحر های جرمن از اقیانوس بحر سیاه عبور نمودند . کشتیهای جنگی عون ورز سلاح وجدیده وغیره باطوپهای بسیار بزرگ مجهز شده اند چنان گمان میشود که قوهٔ بحریهٔ عثمانیه فوق عددی را حاصل کرده سواحل بحر سیاه روس را در زیر چوبهار دمان شدیدی بگیرد . وقوهٔ بحریهٔ روس را در بحر سیاه محبوب نموده یکبارگی آزادی عمل کردن را بسوا حل اناطول را وزده بالنتیجه دارس رود قفقاس را تهدید نماید . ـ

جر لیل (ایلمر) انگلیزی که رای یک جر کت عروس از موقع حضوریت خود اجرا نمود بناگهانی نتیجه تشدید هنگ بقدر هفت میل از حصکاه خود دورشد ولا وران اعراب وبها دران عثمانی از هر سه طرف بعسکر انگلیز هجوم نمودند . وتلفات عظیمه شکست بالش بعسکر انگلیز وارد آمد . جراید انگلیزی اعتراف میکنند که جر لیل ایلمر از سپاه آپ پیمائی نموده است . وهمهٔ عروجیرا باخود آورده است .

روما نیا قریب است که بحملت ما حل بشود . زیرا دولتین المان واوسترو بسیار وعده های عجیب وغریبی بآنها داده است . این را هم فهمیده است که اگر دولتهای المان واوسترو وبلغار وعثمانی راو جلو آورشود تیا روسی بجان خود کرفتار آمده اورا رهای داده نخواهد خواست .

عنا کر عثمانی را وبخر ای امتر داداردوم در حرکت است .

یک انگر کشتی جنگی (فاریت) نام انگلیزی دیا حل مشرقی انگلستان بهمراه تحت حمایه کشته غرق گردید ـ از کشتی هائی تحت البحر المان که در بحر سیاه رامده بود یک کشتی کاریده دار روسی را در زیر آب ساحل (وارنا) غرقاب کرده ـ از حوادث اخبار هامعلوم میشود که قوهٔ بحریهٔ جرمنی بزودی وزهاده الت بزرگ تشبث نموده است قبل از این حرکت بهمی دسته های کشتی جنگی المان را در بحر سیاه مشاهده نموده اند . بازیکی از اخبار های انگلیزی مینویسد که حل وحرکت دسته های جهازات جرمنی برای انتشار دادن غم های بحریست در ره کنار های مهمه خط های میدیترانی ـ اکثر اخبارها میگوید که ترک جنگ رنکلا را انگلیز هاسب شده دوزرخار جوز رنکلا در دولت اعلان کرده که درباب گرفتاری جهازات جرمنی رتانیه عزم داشت وه تشویق او ایتمسئله پیدا کردید ـ میگویند که این شرکت جنگ رنکلا را درجنگ هیچگونه تاثیری نخواهد بود . بقدر تحت شرکت جنگ ایتالیا بزرالمان وحلفائش ضرری نخواهد رسانید . حال آنکه ازشرکت ایتالیا بزرد میدانهای جنگ هیچ یک خبری پیدا نشده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1592 of 1786

عمارات عالی در مکه مکرمه روز بروز شدت میکند . پرتقاب خط حرب آتش باری جهه آماده دارد . جرنالهای جناح فرانسوی که از ورمن پیدا شده اند سرانرا بحمله شدیده شروع کرده است . —

یک عضای عظیم الشان کل انجمنان درصدد عالم جنگ جریان زوهر مانده شده است تا رای جلو گیری پیشرفت جرمنها در رزمگاه شرق بلکه در وقایع بلژیک . — از یعنی علامتها یعنی نامه بکاران اعزامها استباط نموده اند که دولت (انپن) رضد دولت برلگال بالتان اتفاق خواهد کرد . زیرا از بسیار وقتیاست که آزادی بلجیک پور نکله دعا کرده سر میبرداند . وچنین است که دولت (انپن) نامه آخر بطرف نخواهد داد . چرا که تمام دول این موقع را نهایت دانسته قصد فایدهٔ خویش کوشانه . — بدانستن از مردم خیال دارهای گذرای حضرت جرمنی عمکری طلب شمالند بلواهای عظیم پرانده است

خبرهای راجع بخیال

از جراید قندهار

اعطای نشان ناصر بانا

بموجب اخباریکه از لندن گوپیاغ جرونامه (ب . و) وارد شده است فرزند پادشاه افغانستان درجهٔ اول نشان (الکساندر) را که اورباتهای وزرجنات دولت خیال اعطا نموده است (نشان مذکور در سال ۱۸۸۹ بتوسط رئیس الکساندر دوباشیرهٔ امپراطور روسیان گذرانده شد)

شرح سوسی وعدان حلبی بانا

از هفتاد روزنامه (ب . و) تذکرات انتخار میدارند که بموجب اخبارات تذکراتی که جریده (ژرونا) از قاهره دریافت داشته شیخ سنوسی که تا کنون از اطاعت و تبعیت دولت ایتالیا در ترپیولی تمرد وسر کشی نموده وهوادار دولت مذکور مشتولزده وخورد بوده وهمدار روم را تا حال دوچار خسارات وخسارات مهمه کرده است بک تذکراتی به عدس حلبی بانا حدوه سابق حضر فرستاده وبراو اظهار مینا اراوت وصداقت بقدر ازیه نموده وبران ضمن بادشای مذکور اخطار کرده است گدان موقع بحران مالیه بدخدمت وجاهدن نموده خطرات وضایقات را از دولت اسلامی رفع وبر طرف ساخت وبران موقعیکه مهم ترین دوره تاریخی است سکوت وگوشه نشینی پژ گذران خلاف وصدده بلغ اسلامی بوده وباید گوشید وجانشه جان بحران مدهش دار . من آنچه وظیفه منهی خود بوده انجام رسانده وآخرین نفس خویش در تعقیب این وظیفه وسعادتی فروگذاری نخواهم کرد خود نمایند عالیجاه مختار دولتی مسئولیتی را که در مقابل خدا دارند مد نظر گرفته وهدایت جزئی قصور ومسامحه باعث خسران ابدی خواهد بود .

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — و دوم

زند گانی جاودانی هیچ قوم وملت (تاریخ) است « سراج التواریخ » آئینهٔ حیات تمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتکمیل یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که رای حال واستقبال ملت بهتر از درسگاه عبرت . وخوشتر ازین اشیاء ملت تصور نمیشود . هر فرد ملت را واجب است که یک نسخهٔ از آنرا بدست آرند وساند حزء در کتبخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به بیت حالصاحب وحضرت خواهان استتابهٔ عمومی جامع ومرحوم مان خان مرحوم صفات بادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج التواریخ » را تألیف نموده ودر مطبعهٔ حروفی دار السلطنه کابل بزیور طبع آراسته وتر تیب یافته است

جلد اول این کتاب از بادشاهی سلطنت خاندان درنشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تاسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان گذشته اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان الزهد در کابل تخت سراج وجلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از بادشاهی حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا که اولاد جلوس اعلیحضرت « سراج الله والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه دوام کار بخیر را جامع میباشد و لهذا علاوه بحروف تیپ طبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور قسمت نرخ وخوش تحلیدآن از اقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی جرمه چرم نصواری دانه دار کابل بخت چهار مانه جلد اول خلاصه کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اعلی مزین بندی شده مبلغ نازده روپیهٔ بخت کابل —

نمبر (۲) پشتی مقوا روپه گچه مائی چهار گنج وزر جلد رنگ مائیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا نجته شده روپیهٔ کابل

نمبر (۳) پشتی مقوا روپه گچه لاجوردی چهار گنج وزر جلد مینی سرخه کابل بخت مائیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا نجته شده جزء بندی شده یازده روپیه بخت کابل وده شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روپه اری چهار گنج وزر جلد مینی سرخه کابل بخت مائیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا نجته شده کوته بندی شده ده روپیهٔ بخت کابل وده شاهی —

نمبر (٥) پشتی مقوا روپه اری سرخ چهار گنج وزر گرد شیاه اسم کتاب ونشان دولت ورق طلا نجته شده کوته بندی شده ده روپیهٔ بخت کابل وپازده شاهی —

محل فروخت

در قلعه ارگ مبارک که از تحویل خانه جناب محمد ولیخان مرحوم در بازار ارگ کابل از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر دفعتاً وقیه وتیراژه جلد هم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امی نمودند که جلد اول ودوم دفعتاً وقیه تیراژه نموده وجلد سوم وچهارم آن که هنوز بزور طبع میباشد وبس فراغ الطبع پرآمده طبوع کرده شد اقدامات اعلان فروش آنرا نیز کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

مدیر مسئله هائیکه مستحط دارد از طرف مدیر ومحرر تحریر یابد

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1593 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خود!

به توجه میکنیم

مفتخر بوده و کوشش کردیم که از رشکیت رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا تراپم بکن نشده لذا بنا کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل یک شماره خود را کتابه مشترکین قسم و توزیع اخبار مذکور که بوده مشترکین گرامیا رساند و خواهشمند است خود قبول نمود. مشترکین گرام دارالسلطنه خود را اشعار داده گوش میکنیم که بعد از این اخبار های شان بدون واسطه نیز فرستاده شود واسطه آدمهای را لغاء خود شان بوده

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایات داخل افغانستان
فیمت سالیانه هشت روپیه کابلی فیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	سالیانه جارده روپیه کابل ششماهه هفت روپیه کابل
در خارج افغانستان مرحبا بکه پوسته اجرت بوده	
فیمت سالیانه ۱۲ روپیه انگلیزی به ساعه اشتراک قبول نمیشود	فیمت ششماهه ۶ روپیه انگلیزی
پول طلای روپیه انگلیزی و نزده روپیه کلدار است	از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی، وصنعتگرانی که صنعت خود تازه را درمزاج الاخبار اعلانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند، وبا دیگر هرقسم اعلان وانتشار که باشد از قرار شرائط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار که پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیه کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیه کابلی اجرت گرفته میشود. اعلانیکه درمین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیه کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ۱ ثانی اجرت گرفته میشود. طول سطرهای ستون اخبار ۳ (سه) انچ و عرض ۴ (چهار) سوت میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً یکماه متواتر نشر کردن خواهد دو سه یک ماه را پیشکی ادا نمایند ورق ثانی و سر سطری متاز اجرت گرفته میشود

اعلان

جنرال قطعه سته مروی مابین

در ۲۹ روزه

آسیا ✕ اوروپا ✕ افریقا

(مطبعه عنایت) یک اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوسکاران جریان جاوهٔ حرص خواهد بود. بدست آرید، خواندید درظرف ۲۹ روز یک مدت کمی به قطعهٔ زمین را با سیاح آن یکجا وهمراه دور وبر میکنید. ملکهای را که دران میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خواهد متوانید. چه چیزها می بینید، چه چیزها بیشنوید، چه قشنگها چه سروصداها میکنید! تماشی، آدابی، سیاسی درین زمان شاهراه باشنده هوسات رانگیزانه - یقیناً!

این اثر ازسه حصه عمده مرکب ودرهرکدام وقایع عجیبه میباشد، تقریباً (۷۰۰) صفحه، وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه وانتخاص معتبره، وخارطه های مهمه مزین است. قیمت با اینهمه خوبیهای کن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ بیست. کاغذ اعلا، چاپ خوش، تصاویر زینکو گراف، جلد محکم ودلنواز: اگرچه میخواهید! خریدار که باشد نمی مطبعهٔ مبارکه درده افغانان به (عبدالرحمن) خان سرحلب مطبعهٔ مبارکه یا پدر بازار الرشید خان و (محمد اکبر) خان سرحلب مطبعهٔ مبارکه درده افغانان یا پدر بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی یکان ساعی ملا (غلام محمد) خان شهیر کتب زود آورده وبقیه فوق کتابات مذکور را بدست آرید دیگر کاری نباشد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1594 of 1786

(اعلان)

پراکنده

آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ عنایت، عبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آگینی عیاشدهٔ رکاکت اعلا، دوسوز طبع‌زاد، بامضامین بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از لحاظ حجم و حال جیبه است ولی معتقدین و حیالاتش سراسر یکطرز جدیداست. قسمت خوبیهای ظاهری و معنویش قیاسش خیلی الزان، بهی طلبان (۲) دو روپیهٔ کابلی مرحمت مطبعهٔ عنایت از کوچهٔ عبدالرزاق خان سر خریف، ودر بازار ارزان از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان ساجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

(اعلان)

جزیرهٔ پنهان

موسکار ان مطالعه آثار ادبیه را جزیره ا ارزان خوبتر رسیدهٔ کارزار و مطبعهٔ عنایت، کلوجارا شیون غلبه ا، جزیره پنهان، یک ناولیست که قوت علم وصنعت دینی وطنیت را برای اساس زندگانی نوع بشر مظهر کامل وجلوه گر میسازد. هر حیثیت، هر جهت عرفان، هر فضیلت ا حوالی جلب، سوی ناظر، حوزهٔ تصورش علاوه، قیمتش نظر خوبیهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان ا لیا (۶) شش روپیه محل فروخت هس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، و کابل بازار ارزی و دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

(اعلان)

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه عجله

کتاب سال دوم ... مصور عجله

کتاب سال سیوم ... مصور عجله

کتاب سال چهارم مصور عجله

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درس

توحید

اقتصاد جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجودیست. هرکس که تزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

(اعلان)

از مطبعهٔ عنایت

قیمت دو به کابل

سیاحت زهره از دوره من پنجاه دوره عجله ۲

سیاحت در سیر هوا عجله ۲

سیاحت در زیر بحر مصور عجله ٤

اژدهای سحبی و اژدهای سنی عجله ۲

روضهٔ سکر عجله ۲

زاکنده مصور عجله ۲

جزیرهٔ پنهان مصور عجله ٦

هرکس که تزوی خریداری این کتابهای مذکوره را داشته باشد از سوی مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از زر عبدالرزاق خان سر خریف و از دکان باز محمد خان کتابفروش در بازار ارزان و از دکان ساجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی قیمتهای مذکور خریداری کرده میتواند.

و اگر از خارج افغانستان تزوی خریداری کتابهای مذکوره را داشته باشد در سراج الاخبار افغانیه اعلان کند.

(اعلان)

کتابهای عجله سراج الاخبار افغانیه، و کتابچه‌های علاوتان و نمره‌های متفرقهٔ آن، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که تزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان ساجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی و از دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارزان قیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند و اگر کتابهای مذکوره را از خارج افغانستان خریداری کنند باید در خود اداره درمانده‌ها عجله، و در خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان هر یکروپی سه قلم میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1595 of 1786

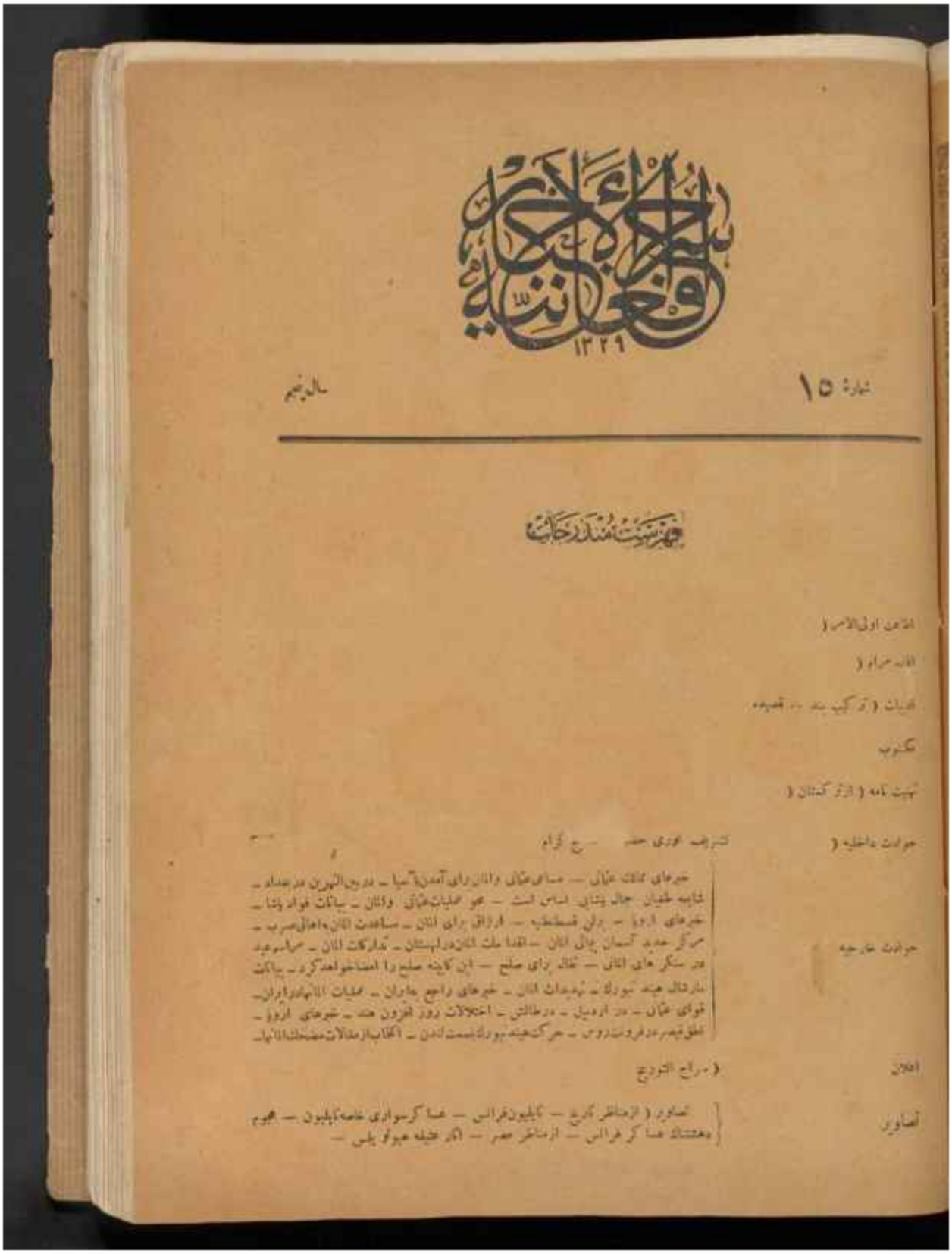

شمارهٔ ۱۵ سال نهم

فهرست مندرجات

اعلان اول الامر (

اعلان حرام (

قطعات (ترکیب بند ... قصیده

مکتوب

تهنیت نامه (از ترکستان (

حوادث داخله (تشریف فرمائی حضرت ... ع کرام

حوادث خارجه

خبرهای تلغراف عثمانی — مساعی عثمانی و اتحاد برای آسمن آسیا — عبور النهرین در جنگ — شایعه طغیان جبل یشتاق اساس است — محو عنایت عثمانی و اتحاد — بیانات فوق العاده — خبرهای اروپا — برلن قسطنطنیه — ارزاق برای اتحاد — مساعدت اتحاد با عثمانی صرب — مرکز جدید گسمان پاشا اتحاد — اقدامات اتحاد در البستان — تدارکات اتحاد — مراسم عید در سنگر های اتحاد — تعلل برای صلح — این کابینه صلح را امضا خواهد کرد — بیانات نمایندگان هیئت نیورک — تهدیدات اتحاد — خبرهای راجع بجاپان — عنایات انگلیس و ایران — قوای عثمانی — در ادرنه — در طائف — اعتصابات روز افزون هند — خبرهای اروپا — تطوق قیصر در فرونتروس — حرکت هیئت نیورک بسمت لندن — انقلاب از مقالات مخصوصه انگلیس

اعلان (... راج التودیع

تصاویر (از مناظر کریت — ناپلیون فرانسی — عساکر سواری خاصه ناپلیون — هجوم دهشتناک عساکر فرانسی — از مناظر مصر — اگر غلبه هیوگو پلس —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1596 of 1786

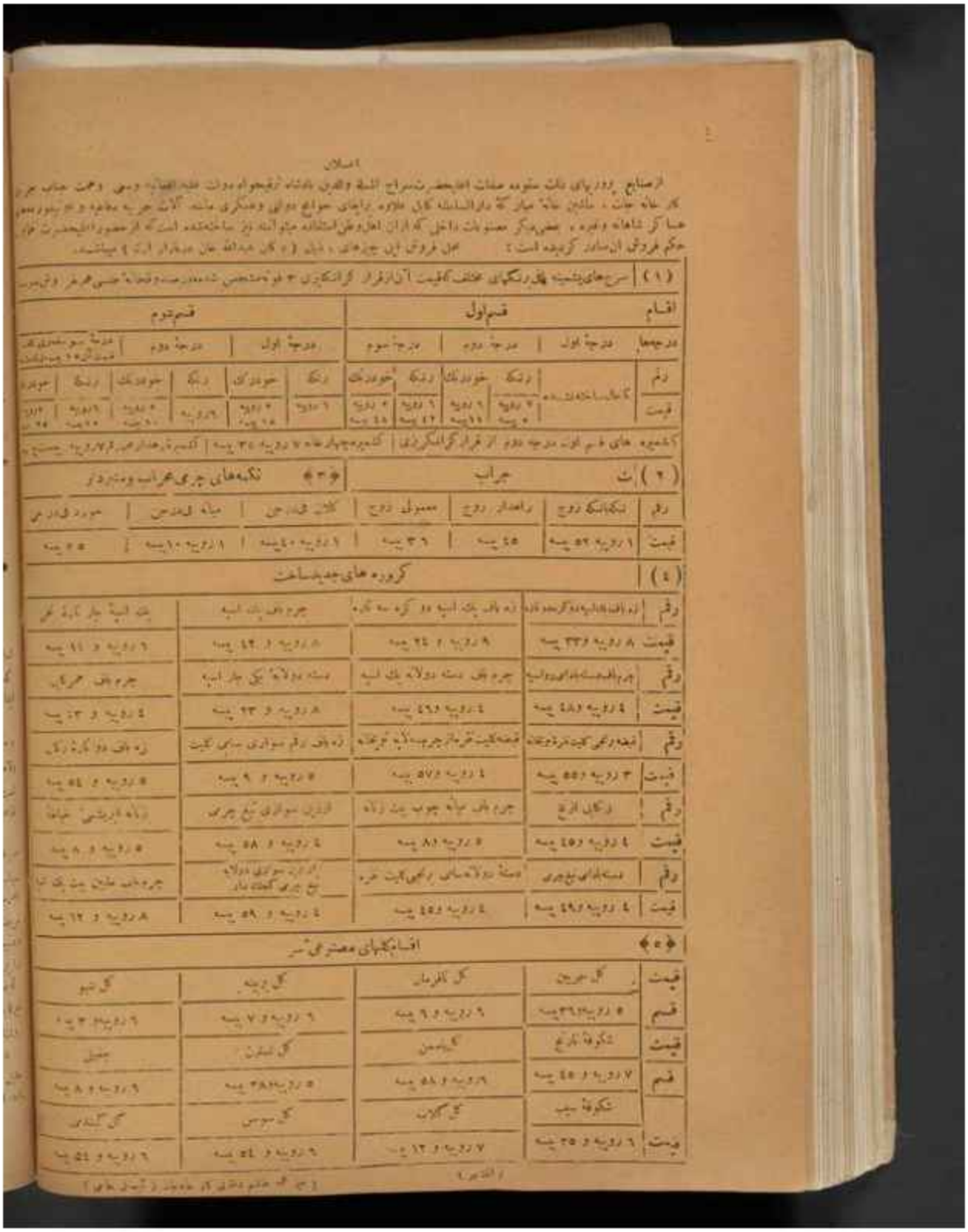

اعلان

از صنایع زودرپای تازه متنوعه محلات اخیرحضرت سراج الملة والدین بادشاه زنجبوار بدون علت اضافه وسعی وهمت جناب جری کار خانه جات ، تاسین خانهٔ بیار که دارالسلطنه کابل علاوه براجای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه مطبوعه و ... بسوی عموم هم اکثر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از ان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت خوا حکم فروختن آن صادر گردیده است ؛ اهل فروش این چیزهای ذیل (۱ کان عبدالله جان مدیر ادارهٔ ۲ میباشند.

(۱) سرخ های پشمینه چار رنگهای مختلف کیفیت آن از قرار گرانکارتن ۳ تو متعصبی ... وقطعهٔ حسبی هر هر ...

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم
رقم	کابل ساخته دن ده	رنگه خودرنگ	رنگه خودرنگ	رنگه	خودرنگ رنگه	خودرنگ رنگه
قیمت	۲ روپیه ۰ پیه	۱ روپیه ۱۱ پیه	۱ روپیه ۱۲ پیه ۵۵ پیه	۱ روپیه	۰ روپیه ۰۸ پیه	۰ روپیه ۰۸ پیه ۰۸ پیه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکارتنی | کشمیره چهار خانه ۷ روپیه ۲۵ پیه | کشمیر ... هزار ... ۷/۵ روپیه ...

(۲) ث چراب

رقم	نکه‌بافتهٔ روح	راهدار روح	معمولی روح	کلان قندهاری	میانه قندهاری	موردقندهاری
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیه	۴۵ پیه	۳۶ پیه	۱ روپیه ۴۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۴۵ پیه

(۳) نکه‌های چرمی عراب ومنبردار

(۴) کروده های جدیدساخت

رقم	زه باف نکه‌بافته دوگرده دار	زه باف یک اسپه دو گرده سه گاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ یار کارهٔ خرد
قیمت	۸ روپیه ۳۳ پیه	۹ روپیه ۲۵ پیه	۸ روپیه ۱۲ پیه	۶ روپیه ۱۱ پیه
رقم	چرم باف دسته دولاسه یک اسپه	چرم باف دسته دولاسه یک اسپه	دسته دولاسهٔ یکی چار اسپه	چرم باف خرد کار
قیمت	۴ روپیه ۴۸ پیه	۴ روپیه ۴۶ پیه	۸ روپیه ۹۳ پیه	۴ روپیه ۱۲ پیه
رقم	قبضه کلیت قرمار چرمی	قبضه کلیت قرمار چرمی دولاسه خرخره	زه باف رقم سواری سه‌پی کلیت	زه باف دو گرده رکاب
قیمت	۳ روپیه ۵۵ پیه	۴ روپیه ۵۷ پیه	۲ روپیه ۹ پیه	۸ روپیه ۵۴ پیه
رقم	رکاب ازدع	چرم باف سیاه چوب بند زاده	قزاق سواری تیغ چرمی	زاده ابریشمی خیاط
قیمت	۴ روپیه ۴۵ پیه	۵ روپیه ۸۱ پیه	۴ روپیه ۵۸ پیه	۵ روپیه ۸ پیه
رقم	دسته دولاسه‌ای تیغ چرمی	دسته دولاسه‌ای رکابی کلیت خرخره	قزاق سواری دولاسه تیغ چرمی کمندی دار	چرم باف طلبی بند یک تن
قیمت	۴ روپیه ۴۹ پیه	۴ روپیه ۴۵ پیه	۴ روپیه ۵۹ پیه	۸ روپیه ۶۲ پیه

(۵) اقسام بکهای مصنوعی شر

قیمت	گل حریر	گل کلابتون	گل پریشه	گل تیپو
قسم	۵ روپیه ۳۶ پیه	۹ روپیه ۹ پیه	۹ روپیه ۷ پیه	۹ روپیه ۳ پیه
قیمت	تکوفهٔ تاریخ	گل لیمون	گل لیمون	جنیل
قسم	۷ روپیه ۴۵ پیه	۹ روپیه ۵۸ پیه	۵ روپیه ۳۸۲ پیه	۹ روپیه ۸ پیه
قیمت	تکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گلدانی
	۶ روپیه ۲۵ پیه	۷ روپیه ۱۲ پیه	۹ روپیه ۵۷ پیه	۹ روپیه ۵۱ پیه

(از صفحه ۴)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1597 of 1786

جلد (۱) سال پنجم (شمارهٔ) ۱۵

بقیمت سالیانه

مدیر و سرمحرر

محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه

در مانیسا «دار السلطنه» (کابل)
عمده امورات تحریریه یادداشت شده

بنام مدیر فرستاده میشود

۱۳۲۹

۱۵ جدی الثانی ۱۳۳۴ | ۵ اپریل عیسوی ۱۹۱۶ | ۱۵ حمل ۱۲۹۵

اطاعت اولی الامر

در خصوص « اطاعت اولی الامر » اوامر جلیهٔ کلام دین مقدس اسلام شرف اصدار فرموده بدرجهٔ ناس و ناسواری را مانند امر بمعروف واقف شدن رحمانیی حقیقهٔ ساریه و معنویهٔ آن هر فرد صاحب ایمان و وجدان را بحضور « اطاعت آن امر جلیل الشان » مکلف دانسته است .

دین مبین مقدس اسلام عبارت منویات اخروی ، بلکه جملهٔ سیاسیه و اداریه امورات دنیویه را از در برداشته ، چنانچه در هر احکام واجبه شرع شریف همین روحیهٔ ساری و معنوی آشکار و پیدا آمده است . همچنان دین امر جلیل « اطاعت اولی الامر » نیز همین روحیه را دارا و افاده است .

بلا از خواندن رسالهٔ ایمان امنیه ، یا رساله ایمان از نقطهٔ نظر منویات اخرویهٔ آن نور رحمت ، وضیاء جامعیت گذارنده نظر بیست انوار هدایت هدی و عرفانی عطیهٔ را در برداشته زیر دران اصل واجب التعظیم ظاهر و واضح میباشد ، کذالک در اوامر قطعیهٔ قرآنیه و جمیع وی گونه دیگر هر همچنین رهنمود طرف اخروی منویی شامل است . علی الخصوص کلمهٔ « اولی الامر » که مسئولیت زمامداران و حکمرانان و مطالعه دقیق کردن چنان امر جلیل واجب التعمیل بست امتداد مقرون قوس اسلام را بیک سلسلهٔ اتحاد سیاسیه ثابت و پایدار نگاه داشته است که اهمیت سیاسیهٔ دینیهٔ آن بین از آفتاب تابان است .

در اینجا از دیگر اوامر جلیهٔ شرعیه دینیه بحث نمیداریم و تنها امر جلیل القدر عنوان مقالهٔ حاضری که عبارت از « اطاعت اولی الامر » است اهمیت سیاسیهٔ دینیه یکدو گام عرض را مناسب احوال و آمال

دیده از همه پیشتر عرض میکنیم که مسئلهٔ « اطاعت اولی الامر » یکی از مسایل معمول بهٔ شریعت اسلامیست . لهذا مقصود از حکومتهای اسلامیه بس بجز از « اولی الامر » ی کسانیکه باشد دیگر حکومت اولی الامری را مراد نداریم . این راهم موضوع بحث نمیکنیم که آیا اطاعت مسلما زاد به حکومتها و اولی الامر های که بغصب و ظلم و زور تمام شان را واداری شان را و حکومت شانرا بدست آورده و آنها حاکم اولی الامر شده باشند تا چه درجه و تا چه زمان و چه وقت واجب و لازم خواهد بود ؟ تا زه چوب و لزوم چیست که حدود و درجهٔ آن معلوم است !

مقتضای از اطاعت اولی الامر ، فرمان برداری پادشاه اسلامیکه دولت اسلام است ، زیرا این امر برای اسلامها و حکومتهای اسلام شرف صدور یافته و برای مسلمانان که در زیر حکمرانی حکومتهای غیر اسلام بوده باشند ، دین مبین مقدس اسلامی دین دلت ، دین مسکنت ، دین مجلوبیت نیست ، بلکه یک دین است که برای روشن ساختن و آباد کردن هر دو دنیا را به عدالت ، و مساوات ، و معادات از آغاز تا انجام شرف نزول فرموده است . و از آغاز قرآن بر همین مقصد دینی بوده است . که اگر همچنین نبود برای دعوت همهٔ عالم را بدین صراط المستقیم مأمور نمیکردید . که اگر همچنین نبود مأمور بجهاد ، و فتوحات بلاد ، و محافظهٔ حدود عباد نمیشد . که اگر همچنین نبود احکام و قوانین تمدن و سیاست دران وضع نمیشد .

اطاعت اولی الامر مقدمتاً قوانین و سیاسات تمدنیه و حدود دولتی و متعاقباً تمام « اطاعت بمعروف » را تنظیم و اساس قوام و دوام میدهد . اگر « اطاعت » نباشد احکام جهاد این مقصد مقطعاً ساقط میماند . همچنان هر چه عرض میکردیم علی الخصوص در باب عسکری اگر مسئلهٔ « اطاعت اولی الامر » را مانند روح در بدن نظام عسکری بگوییم شتاب است . فرقدر باین عسکر نظامی و باقی جاری غیر واجب الزوال بودن « اطاعت اولی الامر » دیگر هیچ چیزی نیست . هرگاه مسئلهٔ « اطاعت » نباشد در میدانهای محاربه های جنگهای ساطر کلمهٔ برای مغلوب ساختن دشمنان وطن و گرفتن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1598 of 1786

دشمن وقوع می آید هیچکدام هیچ موقعیت وکامیابی‌ها ازهیچ طرف بحال طرف مهاجم وبه از طرف مدافع وقوع نمی پیوست . مثلا از آلات کاره واختراعات محیرالعقول که برای قتل وهلاکت بشر درین محاربات حاضره استعمال شده ومیشود هر کس باندکرویه معلومات حاصل کرده است . آیا اگر مسئلهٔ مهمهٔ (اطاعت) نبود یک پولی (زمیچراغ) چسان رکاه های خرداری . و آتش درزرهای طوپهای پر انقشانی دایا چیش رفتن دواد ورزیده میشد ؟ اگر مسئلهٔ (اطاعت) نباشد برای گرفتن یک استحکام یک قلعه‌یک موقع مهمه پیش ازانکه بحمله آغاز میشود چسان حکم داده میشود که اینقدر عسکررا تلف باید کرد واین قلعه یا استحکام را باید گرفت ؟ استاد یگانهٔ ایجادن حکم بجز (اطاعت) ربچه چیز خواهد بود ؟

تنها درامور عسکری نی بلکه در کافهٔ امور کشوری از انضباط وارتباط حکومت وسلطنت منحصر درمسئلهٔ (اطاعت)میباشد . اگر اطاعت باشد هیچ امری‌ازامورات پیشرفت ندارد. شرع شریف اسلام که عبادات . ومعاملات بی آمده . جهت معاملات آن صرف منحصر بامور سلطنتی میباشد . بلکه جهاد وفتوح بلادهٔ امور عسکریرا هم در برگرفته است . ازین سبب (اطاعت اولی الامر) درین دین مبین مقدس یکی ازاساسهای دین شروط اسلامی گرفته شده است . خلیفه ، سلطان ، پادشاه ، امیر کامیاب است که درمسلمانی صفت (اولی الامر) دارد . خلفایرا تدین رسوان افغان احمق چنان لسلط وهیبت اولی الامری را ساز بودند که سر افسران بسیار کلان را چیون مرتبهای حرب مثل میکردند خادم بلاآن وزیک شمشیر افسری را به افسر دیگری که تم ازان نصب شده بود تسلیم نموده زعیت وعساکر را بوی امر مجاهده دواد میورزید . هرگاه امر اطاعت یک استاد کامل اسلام نبوده درچین حالیا بعضی ناگوار اتیا بظهور نمیرسید ؟

هر گاه درصفحات تاریخ اسلامیه نظر کرده شود بسی مثالهای درخشان درباب (اطاعت اولی الامر) درنظرها جلوه گر میگردد که ما فعلا کلات انتساب شیر غزنین با جواب موثری (عبدالرب) علی صاحب درسالهٔ مؤلفهٔ خودشان که درین اوقات درمطبعهٔ بیدار کابل بزیور طبع آراسته گردیده اکثر آیات بینات قرآن عظیم‌الشان . واحادیث مبارکهٔ حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را بیک اسلوب بسیار دلاویز مقصد وموضوع خیلی خوب ثابت کرده اند . ومقصد یگانه ما ازین گفتاری که در ذیل عنوان (اطاعت اولی الامر) درسر مقالهٔ ماجراهٔ این شماره خود ظاهر کرده ایم همین بوده است که بلکه تعریف (توانائه) درحق آن رسالهٔ فوایدرسالهٔ عرض رسانیده توانسته باشیم : اینها بقدر توفیکه دربارهٔ رسالهٔ مذکور درج صفحات افتخار نموده بحال وسیعه علویت موضوع آن رسالهٔ فوایدرسالهٔ را دربارهٔ آن کما کان میه لحاظ کرده خواهیم توانست :

بسم الله الرحمن الرحیم

(افادهٔ مراد)

این امور از بدیهیات ودر احتیاج فکر است که چون ارادهٔ ازلی حضرت الهی جل جلاله برقی ملت حالی متعلق گردد . جمیع افراد ملت‌را بیک طرف متوجه ساخته وتفاق و اتفاق را از مطلب واقعی شان مرفوع ومدفوع گردانیده حکمی افراد ملت متفق الکلمه‌ای درترقی دین ودنیا سابق وشاهد بوده یکی درتحصیل مقصد آنها دیگر کوشیده ومعرفه مقصد برادر مسلمان خودرا مقصد ومراد خود دانسته کاپی مقاصد همکنان هان یک گردیده یک اتحاد ثانی واتفاق حقیقی پیدا میکنند که درعین کثرت افراد ملت یکوحدتی ملاحظه میشود وبه آن سعادت دارین وجمعه درک صغیر فوائد کثیرهٔ مادی ومعنوی حاصل میکردد وترقیات فوق العاده درمدت قلیل تامین میشود گذشته وسیعهٔ کبیره که ازین سعادت اتحاد واتفاق محروم مانند درصفحات تاریخ همچنان نتایج حسنه ظهور نموده میتواند .

واین سعادت اتفاق واتحاد ازچه حاصل میشود معلوم است که در اصل آن (اتحاد مقصد است) که اگر مقصد جمیع افراد ملت واحد باشد ترقی میکند واگر بطرق وبرا مختلفاً متوجه گردد همان نتایج ضد ترقی میکند وتحصیل این مطلب اعلا و مقصد اقصای (اتحاد مقصد) مایهٔ سعادت دارین وترقی کونین است دراطاعت واتباع فرمانروای اکمل دین ودولت ورع روان رعیت که وجود باجود خلیفه‌زمان وبه حضرت رحیم رحمن است انحصار دارد . وبجز این امکان حصول ندارد زیرا که چون ارادهٔ ازلی برین رفته است که درهرقرن وهرزمان یکی خودرا بوجود آورده ورسولان برحق براه راست بیاورده وهمان وارثان شانرا بذروهٔ اجرا زمان حاصل داشته بعد از ختم نبوت هدایت راشدین را جانشین پیغمبر مقرر فرموده وهمان وظیفهٔ مقدسهٔ هادی وارشاد همانرا بردوش ایشان گذاشته وبعد از زمان خلافت راشدین حقوق خلافت را تمدد زادرده سلاطین اسلام وضع فرموده کذا مسلمانان اطاعت وعبودیت طلق سلاطین اسلام را بجا میاورده اند ودنیا ترقی وتعالی نموده سلطنت اسلامی بعثمانی وترقی وسعت تامین رسیده واز زمان مارک مطلب اعلای (اتحادمقصد) بطرف گشته وهمه مسلمانان ازیک دیگر متغایر گردیده واضح ولایح است که حال تمام مسلمانان اسلامیه نیز روبزوال وتسفل داشته است .

پس علی هذا ملت افغانرا که اتحاد واتفاق بین دین وملت وملک پادشاه دین پناه دارد بر جمعیت حالی واتحاد قطری متصف بوده وبمقصد پادشاه ورعیت وجمیع افراد تمسک میداشت واز مرام اتفاق وتشتت صدمهٔ رعیت شهریار بیشمار مراحم شعار (اظهر سراج الخواقین) افتخار ارحم ورضای حضرت سبحان وتعالی بدرجه مقدس علیه الصلاة والسلام اورسا واطاعت خود حکم دین دانسته خود منحصر میدانم که الهای روح وروان خودمرا درامتثال الامر فرض ذمت ولازم همت دانسته ومیدانم واز همین علت است الهی که (اتحادمقصد) پادشاه ورعیت است امیدوار ترقیات دولت دین ودنیا خود میباشم .

فرض ذمت ما میباشد که شکرانهٔ این نعمت عظما را ادا کرده ودوام این سعادت را از حضرت الهی مسئلت نمائیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1599 of 1786

باب این نعمت که مازاد افادهٔ در تزاید دار تا یوم القیام
وظیفهٔ ازادای شکرانهٔ الهی توجه تام داریم که درباب اتحاد
بین هریکر کوشان باشیم واوامر الهیه وارشادات نبویه را کمادر
بین دست درباب اتحاد واتفاق واطاعت وحمیت خلیفهٔ زمان پادشاه
زمان هوارد مدنظر خود داشته باشیم که خدای زمین و آسمان پیغمبر
ما وحی واسلام دین واین وملت باین مادرین باب چه فرموده ودرای
ترقی مسلمانان افغان درین جزو زمان چه دستور العمل عطا فرموده
وکتاب درین اوراق بعضی اوامر الهیه وسنی نبویه واعمال واقوال
باین مرادرا که تعلیم وتعلم آن برای اولاد وطن مقدس وبرای افراد
ملت ضروری بوده تحریر شده در مقدمهٔ عنایت که از مراحم معارف
پروری حال نهضت سعادت حضرت شهریار ادام الله تعالی جناب دین السلطنه
نایب الحکم اعلاه الله تعالی تأسیس یافته است هزاران هزار بطبع رسیده
بمدارس دولت ملت ورایکان تعلیم وتوزیع فرموده ومی فرماید —
الله تعالی وتقدس عامهٔ افراد افغان را توفیق عطا فرماید تا این
امر سیمرا بگوش هوش شنیده ورطبق آن عمل فرمایند —

(آمین یارب العالمین)

المؤلف

حقیر عبدالرب عفی الله عنه

ادبیات

ترکیب بند در هدایت اطاعت اولی الامر و دعای دات خجسته صفات
اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان ادام الله دولته

متکلم (فال)

خواهد دوستان اگر امید خود بکام
از بنده بشنوید یک شکرین کلام
کان تحفه ایست طرفه که تقدیم می کنم
از طبع خویش شعر تری بهر خاص و عام
ای پیر شیرت است مرا نام این سخن
مقصود من نصیحت خیریست والسلام
داریم چون امید شفاعت روز حشر
از حضرت رسول خدا سید الانام
باید که این زمان همه گفتار و فعل او
باشیم پیرو همه ان بصبح و شام
گیرد زیاک دلی و لطافت چودین فروغ
باید ز اتفاق چو این رشته انتظام
مکر و ریا و رشک و حسد و هوای نفس
آخر رسیم از شر آنرو بکنار
مکنیم در رضای خدا و رسول او
در راه دین فدا نمائیم جان تمام
بهر رفاه جملهٔ اخوان دین خود
دست طلب زنیم بدامان اعتصام
بی مکر و بی تأمل آخرین خویش
باشیم در اطاعت سلطان خود مدام
از جان مطیع امر امیر زمان شویم
تا این ازمصایب هردوجهان شویم
امروز بسکه روی زمین گشته پرشرار
یک آتشست هرطرف از حربه و کارزار
پیغام و نامه پرشده توپ و تفنگ و برق
بگذشته بهر بشه زان تیغ آبدار
گرگشته از تمام جهان ایلک مانده است
مثل هما بروی زمین نام اقتدار
گردی نمود از خورو از خواب یک نفر
کار بنگری زخود به اوضاع روزگار
جزما بسکه اینهم شنا مر خدای را
آنهم زحسن بخت شاه فلک مدار
شاه زمان امیر حبیب الله خان که هست
توشیروان عهد خود از عدلو از وقار
قوانین همه موافق شرع محمدی
قطعی همه مطابق آیات کردگار
پس لازمست برهمهٔ ما که مومنیم
کیریم از خلاق نیکوکاری کنار
دایم فرض بلکه صد آرزو کنیم
باصدق و شوق امر اولی الامر اختیار
ان امررا که من زخود ارشاد میکنم
قرآن بخوان که کردست این راز آشکار
یارب زلطف خویش عطا کن بما همه
توفیق در اطاعت این شاه کامکار
کز یکدلی بجان وسر ومال وجمله خویش
باشیم همه مطیع امرده خویش
تاچند میل کشتن و جام و سبو کنیم
زر و لقاط ماه وشان آرزو کنیم
غافل چرا بدام هوا و هوس رویم
یک چند سر بجیب تفکر فرو کنیم
احوال کذو خویش زفرط غفلتشان
نظاره چون بزر حرص عدو کنیم
کاینهم چاکو نخوارو حقیر پیش خصم
زان پی باتفاق همه گفتگو کنیم
یاد آوریم زعهد نخست اتفاق شان
زانعام یافتهٔ دل اینشان رفو کنیم
بهر ادای فرض بما نیز لازمست
حکماً دل به آب بهر مودت وضو کنیم
آخر بسوی منزل مقصود پی بریم
معدوم نیست مقصد اگر جستجو کنیم
محروم کس نمی شود از لطف بی نیاز
مقصود خویش را طلب از لطف او کنیم
فرصت برهمه که رضای خدا را
جویا شویم وسوی وی از صدق رو کنیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1600 of 1786

چون امت رسول خداوند اکبرم
باید ز صدق پیروی امر او کنیم
بهر اطاعت حدّ خود را نگه بدان
در قول و فعل فرض شمارم سرور ن
کفار را چون پیه افسون جهان گرفت
اقلیم ما ز چنگ دلیران چسان گرفت
گردد کتاب های سوابق نظر شکن
تا کی ازین صفتان ازچه جان گرفت
از اتفاق و کوشش و صنعت گری و علم
این بر تری ز مردم اهل جهان گرفت
از ابتدا اگرچه وحشی نشار بافت
اکنون نگر که رویزمین درزمان گرفت
علم و کمال و دوستی و خلق و اتفاق
از ما هلی زما همه را را یکان گرفت
با ریل و باجهان شکرفتند رو بحر
بالون سوار گشته رهٔ آسمان شکرفت
ماهیجنان ز کاهل این حرف میزنم
دانان آرزو بطلب کی توان شکرفت
پندی زقول حاقد اگر بشنوی نکوست
کاندر سخن سبق زهمه هنکنان گرفت
« حسنات به اتفاق ملاحت جهان گرفت »
آری به اتفاق جهان میتوان گرفت »
هرچند ایزمان چو بدوفیق کرد کار
از خصم خویش دادند آسان توان گرفت
لیکن بجز اطاعت سلطان حق مجان
صعب است راه خویش ازمز کان گرفت
پس فرض شد که چه بفرمانبری شاه
گردن نهم و سر بنهم آن زمان زراه
یاران چه میشود که زحال زحال خویش
واقف شویم وفکر کنیم اندکی خویش
بالیم تابچند دسکر از غرور و نخ
مذاق فکر و رای وجوان وسوالدخویش
تا کی شکنیم پایند امت ز کاهلی
بالیم غرق پیرچه در اشغال خویش
شکردم جبهه شکن که ترقی بیاکنم
پیرچه تفکنیم بقسمت وبال خویش
شکیرم درس پیرچه وفا کنم روی
از طالبان مدرسهٔ خود کمال خویش
زین پیشتر اگرچه بنادانی و غرور
در زهکدار داده بسیارم مال خویش
اکنون که فرصت است شمارم مغتنم
کوشم بکسبت همه در اخذ مال خویش
اجداد ما چگونه بدنیا بریده اند مانع
گیرم مال سابقه را پیش فال خویش

اقدا بقصد ما همه تیغ و سنان بکف
ماهیجنان بخواب گران و خیال خویش
تا کی ز بیم لاف ز باک به اتفاق
تا کی نویم فرده به این قول و فال خویش
این به که چون پاشاک و بلادروی و بلهوسان
از حق ربا کنیم نهیات نه ز مال
تا از نجوم جیب طلب پر شکن شود
در چرخ تا ز ذره شمس و قمر شود
کمتر ز ماه تابع خود شمس و بر شود
در روز کار نزد او نیم هیچ و پس
در دهر تا ز خلقت آدم اثر بود
تا در زمین بود اثر از زندگی و نبوت
تا در جهان خیود ز جنس بشر بود
تا هست بیم خزان و بهارست در جهان
تا خاطر همدم گل و باغ شکر بود
تا در دل پرستش خلاق انس و جان
تا ماهی و مزور مشاهیف بحر و بر بود
تا عقده های طبع گشاید نسیم عقل
بستانی فضائل آدم ز سخن پر گهر بود
تا امر صنع صور سر افعال بشود
این تا حیات ماهیجنان و مسکر بود
تا آن سخن جمله علم فضا شوند
تا (فال) از فضای سخن پیره ورود
دام دغای حضرت سلطان دین پناه
از صادقی این وظیفهٔ شام و سحر بود
یارب سراج ملت ودین شاه مخلتم
فرشته بر سریر شهی مادار تا کرم

(انتهای)

قصیده من کلام غلام حیدر تویسندهٔ حاکم بهبود هزاره
مزار کرسی برافراز اندر کنید گردان
سر فخرو سر افرازی بصاف ملت انصار
کنامون ملت آنکو جهادرا اسلام باشد دین
کنامون این و آنکس آنکه باشد مرش عرفان
هب اخوان همه یکرنگ به حکم خالق داور
همه یک کیش و یکمذهب همه دین و یکایمان
غیور و مرد و باهموت و پرزور و سخن کش
به هنگام وغا هریک غضنفر وستم دستان
سر موخوف و بی ازخائف شان خاندوشد
نه از دشمن هراسانند نی از مردی زبان
بحفظ ملک و ناموس وطن باشند
متفقند و بنا سر یکدیگر بیم و پشیمان
ندیده چشم گیتی این چنین خلق کم نور
زاده مادر دوران چنین اخلاق پاکیزه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1601 of 1786

شرع احمدی محکم به حکم بادشه تابع
چه شرعی شرع پیغمبر چه شاهی رهنمای آن
زهی شاه زهی ملت زهی ملک و زهی دولت
همه اقسام ملت تن وجود بادشه چون جان
پیم شاه رعیت آنچنان مربوط و ممزوجاند
که در عمری خلاف هم نگنجاند میان شان
چنین خلوق شایسته بشاه خویش دل بسته
ندارد هیچ ملک و هیچ دولت اندرین دوران
خدا محفوظ دارد این چنین شه تا قوی را
زیر سایهٔ شاهنشه عدل جاه ذی عرفان
سزاوار ملت و دین آنکه مرعداش جهان خرم
شه افغانستان از سی او چون روستم سوان
رهی هست نگو خلت سپهر عظمت ملک حشمت
خرد رهبر بادبار اختر فریدون فر ملک دربان

زهی خدای سزا گیوشش از بندر خشان تر
ز اطراف تمالک حلوه گر همچون مه تابان
هر آکاری که کرده از صنایع در وطن جاری
زهی آوده یکایک اندر چشم بدخواهان
بناهای که در بهبود ملک خویش نامده
هزار آگندر از جنید چرا نامده است در دوران
سخن آن به که خامه اندر اینجا ترجوی کرده
زبان از مدح آن به چرخ از وصف آن حیران
غلام مستمر چاره و مدحش زهی خجلت
شهی کو اندر ملک هست مستغنی ز ملک جان
بود تا آسمان برپا و سطح ارض پا برجا
چراغ میر دمه اندر فلک باشند افروزان
بقای دولتش مدا و افزون عمر او
بداد ما گرداز تو خواهای ذوی الاحسان

از منظر تاریخی
ناپلیون زرنهٔ فرانسی در سنهٔ ۱۸۱۲ بر مملکت روس هجوم میکند

وان دوستدار نیام زهر مودام بردوشم گرفتار این چنین باد
ز خاطرها فراموشم سبکبار این چنین باد —

باینهمه باوجود اینکه از یاران حوادث مشیت سایهٔ من بر زمین چون دام می افتد یعنی جای درست در جگرنا نامده است چندانکه فیران سر مژگان فرو گشاد ـ ومدتی بود که سر مه هم بر دامن گرد خاموشی بدوانه ـ لاکن از های فراموشی آزادیم مگر میکند نسیم جان بخشی است که احیاناً ـ گرمی خویش بطرف کنار آید ـ

هم سرو نجاشده خرامان گردد هم سوسن بی زبان به گفتار آید
لهذا بدین توان سعادت افزان که تولد مولود مبارک حضرت شهزاده (عبید الله خان) سامه نواز مزارات و اخلاص و روضی بخشای دیدهٔ نور و سرور گردید بعداز عمری شیشه دل در قفل آمد و گلبن و خیال مرکزم اقسام دستبادی گل —

الای طوطی گویای اسرار مبادا خالیت شکر ز منقار

حضرت گرامی منزلت عزتلو (مدیر صاحب) مکرم دارالکتابه ی و دبیانی در هر دو در علو در عزت و کامیابی در دو دفعه وقم از گردون باد ـ احمد تعالی که دین و دولت جاوید الاستقلال و برقراری است دوران امجد اطیبحضرت شهریاری و حضرات عالی را کاملا عافیت دین پروری و خرمان نثاری و کامت کوهبار جانستا هر دو سواد خط شکر و لطف همین (مراج الاخبار) مبارکه مرکزم دلدشکاری ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1602 of 1786

شاه

عما گر سواری دمد ز پاپوش) امر شود رروی را کرنه ا

این است کیفیت قصیدهٔ غصیر مضمون تبریک و تاریخ آن میلاد مسعود خاطر فاتر رسید و در ذیل مکتوب هذا بخدمت گرامی مرقوم و ارسال گردید چون بحکم آنکه

خران را کسودا کار فرماست سرش زر گل صد فکر پیداست

چو سیادی کند طبع مشوش قفس از مومیازد مرغ را آتش

هرچند آشفته است طرهٔ وضع کلامها لما هو کائن مهربان های آن استانکامل مطرور و مناسب دانسته بعنوان آن قصیده یعنی دوسه سطری مکتوب که طی سربکار گردد بلکه درج گردد (سراج الاخبار) مبارکه نجابت بعید از حسن شان خواهد بود انشاءالله الودود —

باقی باقی باشید و بادهٔ کالات و معارف را ساقی — فقط وسلام علیکم عبدالعزیز یسمل

بسم الله خیر الاسما

تهنیت نامه از ترکستان

بعنوان تبریک و تاریخ ولادت شامل السعادت حضرت شهزاده (عبدالله خان) از جناب کینه خادم زاده (عبدالعزیز) تخلص (یسمل) ولد جناب غفران مآب (محمد سلیمانخان) مرحوم (محمد زائی) سال مقیم دهدادی علاقهٔ مزار فیض آثار حضرت (شاه مردان رض) آن شاه عرش بارگاه که میخواند مردان حقیقت شاه مردانش گرداند وجیه

شکاف شب ز عذار جبین چو صبح کشید
زفیض باد سحر گاه غنچه ها خندید
ز آسمان و زمین جوش زد بهار دگر
دماغ جان جهان را حیات تازه رسید
بباغ وراغ هزاران چراغ گل افروخت
زخار و خاره صحرا و کوه لاله دمید
بجای دود زآتش بلند شد سیلی
زاوج عوش ژاله ریخت مروارید
شکفت لاله و گل را عذار گلناری
بسان عارض زیبای دلبران زنبید
ابر طراوت ورز و هوا نضارت بیز
زمین خضارت خیز وزمان نضارت سنج
بیاد صبح بگلشن گاه ایچه چنان است
جهان پر دگرباره چون جوان گردید
چه نور تازه برون تابد از بطن قدس
زجیبت ایچه سامان دستگاه جمشید
چرا به نور زند غوطه دیدهٔ ـ مردم
کدام تمشه زانی ز غیب گشته پدید
چه گویم که چه تحول ظهور فرما شد
که دل زبهر تماشا بسوی دیده دوید
کدام عیش مرا پرده زد که از آنرش
جهان چو محفل جانم مراجعت گردید
فضای پردهٔ مستورتم فراش باداز
بیا بگو چه شنیدی چه دیدم چه تو دید
جواب داد که اکنون خدای عزوجل
بشاه ماه شها تازه بلک کبیر بخشید
شهنشهی که سراج است ملت و دین را
دل مکارم اخلاق اوست چون خورشید
به نرمت به ترحم به رأفت پدری
شب خلایق اوچون روز روز چون خورشید
محیط اعظم احسان وبحر خلق جسان
که عقل مدحت اورا کی توان سنجید
کنیه نامنیه بردار حدرش میشنید
شکوه بارگهش را اگر کیان مدید
ظهور سایهٔ (رحمن) (امیر حبیبالله)
که نور رحمت حق از جبین شان تابید
چنین نوید مبارک به گوش هوشم داد
بگلشن ای از صبح صادق امید
غیب و دامن ما رابغی هزاران گل
وزین بشارت خوش باز تازه گردی نو
زگام تاکی وتاریخ سال میلادش
بیار پر نشان هوا فیض تهنیت
نفس بفوروصفا داد گفتای(یسمل)
بیمن سعادت شهزادهٔ عزیز رشید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1603 of 1786

بنام خواجهٔ احرار اولیای کبار.

مشرف آمده امسال زهی مراد مرید
بنام نام شریف و مواد تاریخش
بود سرامد این بیت لی کم و نه مزید
پناه کوکب برج شرف عیدالله سنه ۱۳۳٤
هوای اوج اجلال توای حمد حمید
دریست از صدف بحر (حضرت علیا) ۱۳۳٤
(سراج جمع حواتین) وتاج بخت سعید
برای حافظه ملت جلیله ماثر دین
بنای عصمت وعفت ازوست سد سدید
کنون دهیم ختم این قصیده را به دعا
دعای اینکه رسد از خدا بدین تائید
به ماه و مهر عبارتاً طلوع این اختر
به پادشاه و شهر مقدس سطوع این ناهید
به دین و دولت نور جبین او اسعد
به ملک و ملت بین قدوم اوست سعید
بدولت علی و هم عالیات را برسد
زسوی (یسعی) نیرک شامل الامجید
زد سایهٔ وا لای حضرت شاهی
بوند جمع به اقبال و جاه و عز مدید
(سراج ملت ودین) تاجدار و ظل الله
مناد از سر ما تا بحق عرش مجید

حوادث داخلیه

(تشریف آوری حضرات متابع کرام)

اخبار میدهیم :

امسال فرصت جلد سردرمین کابل بالجمله یعنی ملک وطن عزیز ما تاریخ حضرت وابتهاج وسرور وفرحت است . علی الخصوص اهالی ما بعد این سال یک سال بهجت بخش عرض انتظاری در انجا میداشتند از ورود فرخت نمود وکلای اطراف وتشریف سعادت وصف تاج گرام ومرتدین عظام (اطعنا الله باطاعتهم) یک قوت وسطوت دلخواه وبهجت فوق العادهٔ کسب کرده به آسمان شوکت پیمان میساید که درونت سحر منارهای زرناد درهر طرف آن معروفی شعشعه فشان میباشند

آری این پیشوایان زرناد روحانی که اقطاب سپهر هدایت ومعالی الله را آفتاب شعشعه شهریدو پهر کابل صاحبا الله عن الحوادث والنوازل حلقه منارها معروفی اعلا وادام ضیاءه باد، هشتاد که از جواب اهالی بارها جاری گردیده است اهالی این جامعهٔ اسلامیهٔ افغانیه هرگی اعتقادهای بشتاب بهدایت انوارایشان مفتخرانه بهموی سرگ دوچار زوق وشوقی های زرناد زینت شده بن اختیار یاد های جلوه نمود وجبات بادلو گرمیهای اعلیحضرت (سراج الله والدین) ادام الله قدسی وشموع

مکرر بعدالت آئین خود دست نیاز بدرگاه خداوند چاره ساز وی آرند آری از کرم حلیف بیمن ابتهمه سعادتها ، هدایتها کمالات ذاتیات افغان کابل آنها شده واینراز مرحمتهای فوق العادهٔ شاهانه ملت پرور اعلیحضرت پادشاه مقدس جاست وضی

تشریف سعادت ردیف ذات سراپا عاطفت غازی غیور مجاهد جناب پادشاه صاحب اسلام پور خلیفه و جانشین جناب آخندزاده ملا نجم الدین صاحب مشهور آخندزاده صاحب هده که خلیفه جناب صاحب الصوات بودند ورود سعادت نمود جناب هدایت انتساب آخندزاده صاحب عالیمراتب موسی که خلیفه و جانشین جناب ملا فیض محمد آخندزاده مشهور آخندزاده صاحب موسی که خلیفه جناب صاحب الصوات بودند باوفاضل ومدبر وزیده شناس یکتان بار کات اند وقدوم بخاری لزوم جناب مستطاب ملا صاحب نکلب خلیفه جناب آخندزاده صاحب هده وحضرت والامرتبت پادشاه صاحب پر گری خلیفه جناب آخندزاده صاحب هده وجناب مستطاب میان صاحب رود حضرت مدار الجبان صاحب حضارك جناحضرت شمس الحق صاحب وجناب معلی القاب استاد صاحب هده وجنابان محترمان شیخان صاحبان وجناب حافظ حی صاحب پسر جناب صوفی صاحب وجناب ملا محمد رحیم آخندزاده وجناب ملا عبدالغفار آخندزاده صاحب وپسران حضرت صاحب محترم مجددی شور بازار وغیره

ازجمان خوش بختی ها است که قدردانان آن میدانند علی الخصوص که درین ایام سعادت فرجام ابتهمه ذوات گرام که از سالها سال بازار جوش وخروش مغرط وکمال اسلام شماری ونهایت دیانتداری واخلاص کیشی بکمال مسلک وزیدارانهٔ اختیار کرده بودند وعوام کالانعام بل هم اضل آن را در نظر مردم زرناد ساخته ، اختلافی ، نام نهاده بودند وبرای آن اسباب چیده بعضی مسئلههای جزوی مختلف فیها را بضد کلی منجر ساختن میخواستند از فضلات ازد کائنات جل وعلی ومرام بال العالم اعلیحضرت همایون که در دربار معالی بار گذشته که در ج شهار ۱۹ است درباب گم کردن اختلافات جزوی واتحاد وجان گرانقدر دین وسنه سنیه بیان فرموده بودند ، این خطاب مستطاب همگی یکجائیته وسخنان صاحب غرضها را که باعث فتنه میشوند اهمیت نداده اتحاد وجان وصدق وایمان یکدیگر را در دل محبت فشردند وبجدیت کامله جانهای مساعیه صرف کرده خائنان چشم وشمنان کردند واز محررات سالفه وند کره های سابقه هم ثابت نمودند کدام بدانند تا حال واز حال تا کی یکدیگر خود را محبت کرده واحترام نموده اند وعلمای زرناد زرتاز را در آن وادی ها شاهد ساخته اند که بعضی بخواب رحمت ازدی پیوسته ورحمی هنوز محبت وسلامت نشسته اند ، کمواهیر نشان در آن ذکر حکایت است سنا زین مجلس ما کیدام نموده اند که کمی از مردمان وعقیده کنندان ومتعلقین یکی ازین ذوات گرام در حق یکی دیگر سخنی نامناسب وناملایم نگوید بعداز رجعها از طرف شیخ وملتهای خود مطرود ومردود است وشیخ ازاو بیزار (بعوذ بالله من ذلك)

ایشست که الحال این اقطاب دهدهٔ ازیشت اهل رتبتی آفتاب رتق وفتق را واورده علمی را مستغرق انوار داحت ستار خویش گردانید و متکلمان ظلمت ضلالت را بر انگشت تمایع حواب رابیدار کرد . .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1604 of 1786

اقتضائی از سرمایه مرحمت وپایه پادشاه ترقیخواه متنوع مگر بمدد وجود مسعود زیجودشان راحت عظیم ورفاهیت معمور است که و کوشه نگرمادر کامکار از پرتو رای ترقی‌انتوای مرحمت خویش بفرمادی ومعنوی مانند اتحادواتحاد سرافراز گردانید

توخیر اندرین خلق بس‌دعای تو چنین باید
الهی هرچه هیر خلق اندرین جهان بیند

(ع - ا)

خوادث خارجیه

خبرهای ممالک عثمانی
نقل از جرایدیران
از جراید فرانسه
تدابیر تحت شدت برای مصر

اخبار وارده از اسکندریه حوادث ذیل راتقویت می‌نماید

یک نوع جدیت وفعالیت فوق‌العاده درمیان گروه نظامی عثمانی درقطعات شامات هویدا است . درتمام راه آهن های قدیم وجدید آن مملکت هیجان غیرمعمولی بمصر ملاحظه می گردد .

صاحبمنصبان ومهندسین آلمانی که درشهر دمشق بودند بطرف جنوب و مرحلات ، مصر ، حرکت می‌نمایند . در ، برون ، جدا تعمیات عریض جاهای ثابت وسیار برای عبور قوای بازدوی اهتمامیه تأسیس می گردد یک مقدار مهمات کامل‌العیار وقوازه جراحی ومریض خانه‌نظامی مرکب ازادویات لازمه بارراه آهن به ، بیت‌المقدس ، فرستاده شده‌است آنها به ، العریش ، هنگامیکه درقشون کنی‌ارسال هیئت صاحب اهتمام‌مرکزی برای مداوای مجروحین مریض خانه دائر کرده بفرستند .

حال پاشا فرمانده کل اردوی سپاهیان خودش به قصد تمام تدارکات مزبوره را اداره می نماید ومشار الیه پیوسته در اردو گاه عمومی ، تل‌الصباح ، اقامت دارد از آنجا از میان‌همراهی کوچ دسته‌دسته‌کاروان وتدارکات های نظامی اهتمام می دارد که چند عده از آنها تاساحل ، کانال سوئز ، پیش رفته اند چند تن از آنها نیز امیر مقدمه الجیوش قشون انگلیس شده اند

پاره از نظامیان انگلیسان داده وخودشان برای العین دیده اند که خود جمال پاشا بارفاسته ازقشون مقدمه به ریاست آنان ازمیکاده کاناله آمده بوده است .

بنابر اساسی شایعه طغیان جمال‌پاشادرون آنکاین مطلب‌صحت‌داشته باشد وزیر سابق بحریه بانام جدیت وقابلیتی که در وی موجود است استیلای به ملک ، مصر ، را عهده دار شده است وبرحسب مقدماتی که در ، برلن ، پیش بینی می نمایند تسخیر ، مصر ، موجب آن‌خواهد بود که تمامت قطعه اروپ وعلیه موافقین سرچشمه‌ثروت در آورند .

مسافی عثمانی وآلمان برای آمدن بآسیا

قسطنطنیه ـ عبارات واقدامات نظامی برای تکامل اردوهای گاه‌بدر می کوشه از ممالک عثمانی هویداست وبموجب اطلاعاتی که‌بطورغیر مستقیم از مراکز مربوطه میرسد فعلا مسافی آلمان وعثمانی باین نقطه

می گویند یقینه است که یک از دوی بزرگی حرکت از عساکر و آلاتی برای حرکت واعزام به سمت ، هندوستان ، تشکیل نمایند وتعداد این قشون بزرگ ۴۰۰ هزار عثمانی و ۱۰۰ هزار نفر از قشون آلمان ودرتخت فرماندهی ، مارشال وزید کولتز پاشا خواهد بود .

وهمچنین گفته میشود که عدهٔ کثیری ازصاحبمنصبان آلمان از وارد قسطنطنیه شده که لشکریان این قشون و و سایل اعزام آن مرتب سازند و این اردو کشی برای فصل بهار بعمل خواهد آمد مدتی است که تمام قطار های راه آهن ، اناطولی ، فقط‌مخصوص حمل و نقل قشون و مهمات شده گردیده است بعلاوه مقادیر کثیر فشنگ بقسطنطنیه ، وارد گشته اند . لیکن انتقال فشنگ سابقه مزبورباسفان غلبه به سواحل آسیائی متکل شده‌است وبواسطه‌عبور کشتیهای انگلیس درتحت مراقبه حمل ونقل آن دوچار اشکال می‌گردد .

باز هم ازقرار معروف اردو گاه عمومی آلمانها وعثمانی درشهر سیا خیال حلات جدی راجه کانال سوئزموقوف داشته‌وسائی‌ی را دراین خط مصروف می سازد که وسایل جنگی قشون زرگاه جدی را برای رفتن بطرف اراضی آسیا فراهم سازد .

راههای خط آهن جدید عثمانی
از خط آهن حجاز تاسرحد مصر

مامورین لشکری وکشوری عثمانی بمراسم معموله درتاریخ ... اولت شعبه خط آهنی که از ، بیت‌المقدس به ، تل‌الصباح ، امتداد عمومی عثمانی در، مصره ، محمد والصالحیه‌است مفتوح‌ومرفرار شد

توسیع این شعبه مهم ازخط آهن است که ازدوگاه بزرگ عثمانی مابین استانبول ، مصر ، وبلاواسطه راه آهن بزرگ حجاز ومدینه وتوسط آزاد قسطنطنیه از طریق راه آهن ، بغداد ، مرتبط‌خواهد شد

این شعبه جدیدخط آهن که ازیک میدانچه‌بین کلازه عثمانی آن فرعات حاصل کرده اند از کنار راه شوسه که بطرف ، غزه ، و ، یافا ، الخلیل ، میرود محمد کشته است ودر درجهٔ که بموسوم است پیش رفته وبواسطه‌تل‌الصباح وصل‌می شود بخط راه آهن ۸۰ کیلومتر است

مسافت این دونقطه به طیران پرنده‌بین خط‌مستقیم ۵۵ کیلومتر لزجیت پائین رفتن وبالا آمدن اراضی‌است واختلاف سطح زمین عبور ۵۵ متر میباشد چرا که از تلاع ارض بیت‌المقدس از سطح ۷۴۰ متر خطه منتهی الیه خط آهن ۷۴۰ متر ارتفاع دارد .

برای پیش رفتن وامتداد راه آهن بسوی کلازه سوئز مدیر کل مهندسین آلمان وعثمانی عملیات لازمه راه سازی وراه را شروع کرده است ورشته این خط به ، حیفا ، الموجا ، و سایر عثمانی ومصر متحد شده واز ، رفاالطیب ، رابطی برای می نمایند .

یک شعبه دیگر ازراه آهن بطول ۵۰ کیلومتر برای تکمیل ارتباط این خط درنظر گرفته اند واین خط‌جدید ازطریق جنوب که از (فلسطین) به طرف (مصر) از داخله شبه جزیره گشیده اند عبور می نماید ، واز این نقطه منتهی الیه این خط تا ساحل کانال سوئز قریب ۳۰۰ کیلومتر خط‌مستقیم فاصله دارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1605 of 1786

آن این خط را مهندسین آلمان وعثمانی چگونه بامحط آهن (حجاز) مربوط کرده اند ، به بطوریکه از جراید آلمان مفهوم می شود یك خط بزرگ جدیدی اخیراً بین آن دوساخته اند.مواقق بااطلاعات بدست شعبه خط آهن دیگری ازراه (حجاز) منشعب شده ومستقیماً (العلا) استانبول راه زوار (مکه) درمیان شبه جزیره (مدینه) برقرار میکند .

بهترین جزیکه از اطلاعات مزبور مستفاد می گردد آن است شعبه راه آهن یکی از (العلوه) بمدینةالقدس ودیگری از (حیفا) (زرقا) الحاق می کنند است .

خط آهن (العلوه) بمدینت المقدس در روی خط توسعه قدیمی ها که هنوز آثارآن موجود است ساخته شده واز (جنین) (نابلوس) درطول آن توسعه خواهد یافت وبا خط آن رادرهان زمان شروع بکار مشغول ساخته خواهند ونظر باهمیت استراتژی مخصوص آن ازحیث سرعت انتقالات عسکری حالیه قطعاً باسبق بکلی تغییر یافته باشد .

خط آهن (حیفا) را که درسنه ۱۹۰۵ یعنی ده سال قبل ساخته بودند وآن راه درقطعه ، درعه ، ۱۲۵ کیلو متری ، دمشق ، به راه آهن حجاز وصل شده است .

دربین النهرین در بغداد

مسئله بغداد وپیشرفت های اولیه قشون انگلیس (بیکس) در بلندی های عثمانی والقای خیلی اضطراب آمیز شده بود وانتشار اخبار آن بدون حالت عصبانی در آنکارا حاصل کرده بود لیکن ، آژانس رویتر ، بجراید القا نموده بود که ، یك حادثهٔ غیر مترقبه مهمی رخ داده وخیلی در عزت خیالات انگلیس را که متقرب بغداد رالصرف نظر کنند تغییر داد وحرارت فتح میدان ، یك دوش آب سردی شد لیکن اطلاعیه آژانس اوکون قره ، ازقرار معلوم این حادثهٔ جدید عبارت ازاطلاعیه جراری بود که در عربستان چون برضد انگلستان جریان یافته وعلاوه آن سایر مشکلات دیگری که پیشرفت انگلیس هنوز طرف بغداد مشکل نمی سازد .

وکالت بومر انگورت ، رای اینکه افکار القا نماید مینویسد که انگلیس میخواهند بوسیله لوله های حوض فرات غرب آن خط را کنار کرده وآبرسان رابطرف خود جلب نمایند ومینویسد که برحسب آخرین اطلاعاتی که ازقسطنطنیه رسیده است ، پاشای خلافای قدیم دائمی قشونهای تامین شده واستحکامات لازمه وقوای مکفی در آنجا مرکز شده اند وچون سبب حالات جدیده انگلیس ها بدان قطعه پیشرفت خواهد کرد .

همان روز نامه راجع بمسئلهٔ بغداد ومقاصدی که دول انگلیس وروس تعقیب مینمایند چنین مینگارد .

عملیات انگلیس درآن قسمت ازمیدان درجه دوم مهم ازحیث توسعه این میدان های حربیه شایان دقت است .

قشون انگلیس مقصودش آن است که خودش را بقوای روس وصل ودارودسته کروس که بطرف ارمنستان کوشش می نمایند چنین قصد داشته که سرحدات شرقی عثمانی را ازتمامک ایران جداسازند وبوسیله اتصال بقوای انگلیس سرحدات عثمانی وایران را ازهم قطع نمایند لیکن از زمانیکه درماه دسامبر ۱۹۱۴ پیشرفتن قشون روس درقفقاز جلو گیری وغیر ممکن شد اتصال این دوقوه وتحصیل ، طور یعنی جدا شدن ایران وعثمانی نیز وجود خارجی ندارد .

دربن صورت اشتغال کردن انگلیس بغدادرا غیرازیك تاثیر جنگی موضوع زیر اهمیتی ندارد .

دربیه طهران "جان تایمز" آمریکا است

مخبر جریده ، ژیوتا ، ازقاهره تلگراف می کند :

شایعات اخیره جرایداروپا درخصوص آنکه جمال پاشاوزیر بحریه سابق وسردار کل قوای اعزامیه مصر طهران ورازیده ورطیه دولت عثمانی اقدام کرده است تکذیب شده است .

جمال پاشا بامقداری ازقشون عثمانی در حوالی کاناکالسوتر دیده شده ومقدار الیه رای قشون اعزامیه ترك بسمت مصر سمت فرماندهی کل راخواهد داشت .

رتوتیا که (می گفتند بطرف جمال پاشا رفته) بایك قشون جدیدی بطرف بغداد وجنك بالکلیسیا حرکت کرده است .

عبور عملیات عثمانی والمان
برای بغداد وایران ازجزیرهٔ کرد

بواسطه وصولیات کمك اداتی بین النهرین قشون انگلیس درمقابل حملات وفشار های صعب گرترك مجبور بعقب نشینی شده وداستان عملیات اخیره قرونت بغداد چنین است .

پس از آنکه درتاریخ ۱۸ تموز وجوزین انگلیس ، فرماندهی ارتش توشاند درجلو بغداد قطعه ، زهور ، را تصرف کرده ازطرایق ساحل شط فرات ودجله بغداد بنای پیشرفت را نهاده تا کوت العماره ، نسیفون ، رسید وقوای اوتاجیمی ژنرال ترك ، توزاخورماتا ، درآنجا درمقابل سنگرها قرار گرفته بودند .

بعد ازیك جنك طولانی که تمام روزطرفین بخدمت مشغول بودند مواقع مزبوره ۲۲ تموز بتصرف انگلیسها درآمد لیکن قشون عثمانی که بطرف ، دیاله ، عقب رفته بودند از تعرضات زیادتنه وحملات پیاپی قوای ژنرال ، توشاند ، خیل آوردند وفقدان ایشان بطرف ومنها جان ترك وعرب ازطرف دیگر قشون انگلیس را مجبور بمحاصره قرائتی چیده بودند .

سیل اندامهای بزرگ ازتعرضات قشون دیگر برای سپاهیان ترك رسیده وتعرضات شدید خودش را چنان توسعه داده که چندین تنگان های سخت قوای انگلیس را تا ، کوت العماره ، ۱۲۷ کیلومتری بغداد و ۱۲۵ کیلو متری ، نسیفون ، که آخرین محاربات طرفین هاست انگلیس ها درآن قطعه باخر رسیده بود راندند .

بدون آنکه طرد وتبعید قشون انگلیس را باین فاصله بزرگ شکست قاطعی پیدا فرموده این است این مقدار رانده شدن کثیرات بزرگ دارد.اما بازورژنرال ، نیکس برای آنکه یك موقع متینی را بدست آورد که بتواند سیس درین النهرین درمقابل قشون ترك مقاومت نماید چه اگر بواسطه رسیدن امدادیه برای بغداد تعداد قشون عثمانی را تا بدرجه از ازدیاد نسبت بقشون انگلیس زیاد کرده است . الطاف های عثمانی دراین خصوص یعنی درباب جنك مزبوره هرچه کوید آن قطعه واقع طبیعی ندارد وقشون انگلیس ناچار به تخلیه اختیاری آنجا بوده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1606 of 1786

یادداشت که قوای انگلیس از خلیج فارس در داخله بین النهرین پیش میرفته است بهمان اندازه فشون وی در اطراف ویست های از بغداد راه متوقف می‌شده است و ناچار بوده که برای حفظ اراضی مفتوحه دوطرف کوت العماره استحفاظ بکمارد .

از خلیج فارس تا « لیلون » خطی را که انگلیس اشغال کرده بوده است ۷۷۰ کیلومتر مسافت داشته واز « کوت العماره » تا خلیج فارس باز هم ۴۳۰ کیلومتر طول در دست آنها است .

حالا باید فهمید کدام های عسکری میتی که بفرمانده فشون میان بغداد رسیده و بآن نقطه فتح کرده‌اند ازکار مانده است ، مسلما این مقدار کثرت وعدد که راجع انگلیس دارند از اطراف بغداد فراهم نکرده است .

از قراریکه معلوم می‌شود این امدادعبارت ازعساکری بوده است که در تحت فرماندهی « ژنرال » از قسطنطنیه مامور گردیده و بعنوان اسلامی تابع شده که عمل باسا طغیان کرده واین فشون برای دیوگیری از مقابله به اراضی تابعات میرود وبعد معلوم شدکه این تابعه تحت اداره واردوی « ژنرال » عوض دمشق و بغداد آمده و موجبات طرد وتبعید بیگانگان را فراهم آورده است .

از رسیدن این فشون وامداد باین سرعت چنین مفهوم می گردد که راه آهن بغداد برای حمل وحمل سریع انواع اعانه از قسطنطنیه بکار رفته است وبعدا انگلیس هارا بوجود زحمت عمده است .

نظر خلیج « سولا » وکمیسر بعض عشایری که از طرف دارالشوری « قسطنطنیه » وارد بین بند واطمینان خاطر عثمانی که از جانب کابل چون خطری وی متوجه نیست تاثیرات اولیه آن عین بوده است که در بین النهرین قسمای عثمانی عرض اندام وبعد مقابل به انگلیس فشار آورده‌اند ونتایج همین مطلب بی‌وقت عملیات داردانل خطرناک بدفاع از محسوس هویدا خواهد شد .

در حقیقت وسایل ارتباطیه قسطنطنیه بغداد مستقیم وخیلی آسان وسریع شده اند واستفاده از آهن مزبور وسایل مستقیمه المقسالات را مهیا ساخته اند وفاصله بین مقدار کمی راه موجود است که بهم اتصال نیافته و آن مقداریکی در بغداد « موصل » دیگری در گردنه کوهی است که گردنه های « روانی » و « کارس » راه همدان باید متصل سازد .

این خط آهن در جلگه‌های بزرگ در جوانب کوه در مشرق زمین جریان دارد و اساس حرکات عسکری آنان وقتیکه برای قطعات شرق توسط این راه منظم می‌شود ، یک قسمت مهمی از سر این خط بالای خلیج « اسکندرون » به فاصله ۲۰ کیلومتر از ساحل دریا واقع شده است تا از طرفی دیگر بنقطه شعبه راه آهن دیگری از خط بزرگ منشعب شده و از اراضی « عربستان » را بساحل دریا وصل می‌نماید .

بنا برای فوق که در عربستان بین النهرین مشغول عملیات هستند بوسیله این خط آهن بزرگ حرکات خود را مرتب ورجایع جنگی را تقویه می‌نمایند بلکه تمام عملیات آنان وقتیکه از همدان

چونکه تمام سرحد این دولت براساس اعمال آنها روی آن قرار گرفته وازهمین جاست که قسطنطنیه را بایک سرمه باصفهان اتصال میدهد .

بیانات فواد پاشا

از (لوتان) روزنامه (پتی) می‌نویسد که پروفسور (لنتان) ملاقاتی را که اخیرا بامشیر فواد پاشا که بفرماندهی کل قوای مصر مامور شده در جریده (فوسیشه چایونگ) انتشار داده ودر مقابل توضیحات پروفسور مزبور فواد پاشا اظهار داشته است : بطیمه‌من بواسطه‌ی انگلیس‌ها از حوالی بغداد عملیات جنگ فشون انگلیس را دچار اشکال عدیده نموده واحتمال نمیرود که دوباره بتوانند بسمت بغداد حرکت کنند .

در حالت حاضره ، ناظر حزب بغداد تشکیل یک کابینه دوم از انگلیس ها خواهد داد .

در جواب سؤال اقدامات جنگ مصر فواد پاشا بیان نمود ، دراین باب نمیتواند تفصیلاتی بدهد ولی می تواند اطمینان کامل دهد تکمیل تحریرات وتدارکات نظامی قوای مصر داده و اینکه عشایر داخل عملیات خواهندشد . در ایام زمستان زمینهٔ عملیات بکلی فراهم خواهد بود وعشایر ناظر خواهندشد کهموافق مصالح خود عمل نمایند .

خبرهای اوروپا

کنفرانس

آنها موانع خود را حکم می کنند ازنظر یکی ازمحررین نظامی از تحقیقات اخیره خود معلوم میشود که آنانها باید حزم وفعالیت نظامی اداری وغیره را که تصرف کرده‌اند ، مثل اینکه آنها را باید هرچه درتحت تصرف خود میدانند ، جدا حاکم میباشند . آنها در خلیه آسایش واستراحت را بخود حرام کرده‌اند واز این نقطه نظر که درموقع تعطیل وتوقف عملیات جنگ بروقت خودرا الف نکرده ودر این اوقات صافی خود را صرف تحکیم اراضی ومواقع خود مینمایند .

و چون اصول استحکامات قدیم بااوضاع ووسایل جنگ امروزه فائده ندارد ازاینرو آنها درتعمیرات خود استحکامات آنچنان جدیده ترتیب داده وقلاع و سنگرها را باتوپهای کاره وسنگین مجهز وتعمیر تحکیم وتقویت می‌کنند . این گونه استحکامات که با سرعت وکلیه درظرف مدت قلیل اقدام میشود بقدری ازعهده مقاومت برآمده وتعمیر کفایت درمقابل حملات سخت مقاومت می کند ، بلکه از روی وقوعات کارنجه به ثبوت رسیده است حملات شدید عساکر جسور وشجاعین دلیر نیز درخط این استحکامات جواب نیست چنانکه درقضیهٔ (ورا) و (سوالستاوک) باوجود اینکه عساکر روسیه برای این دوشهر فراهم نمود عساکر مدافع بازهم شهادت را از آنها دفاع کرده واز این جهت شهرهای مزبور برای هوخواهان آنها دارای ۱۵ ثانی که از (روسها) گرفته اند در زیر وموانع عدیدهٔ طبیعی امتداد کرده و همان وسیله مدافعه را تشکیل کرده اند . آنها از یک طرف این مواقع طبیعی را تقویه وتحکیم کرده و از طرف دیگر قلاع و استحکامات مستحکمه و خطوط دفاعیه کامل ساخته اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1607 of 1786

وسایل اطمینان که دست آورده اند ، هر گران بازده
[illegible] اسلحه‌خانه ممبور وصرف‌نظر، وقصبات آباد بامسترد خواهند
[illegible] والیه نمیتوانند کمازاین ایالات وولایات وقراء وقصبات
[illegible] می کنند جشم‌خواهندپوشید ازاپیرو ناپیات عادر وفدا
[illegible] مدافعهٔ این خاك عزیز ونشبت خواهند نمود .

ازروی تحقیق وحساب پروفیسور (اسپرنوف) حکومت روسیه
[illegible] دست دادن ایالات ویلنا و کورلاند درصدی چهل
[illegible] کار صاحبان ومؤسسات صناعیهٔ خود محروم شده است .

تمام روسیه که اساسا ازحیث صناعت دردرجهٔ ضعف بودهاست
[illegible] بی‌بهره‌بودن ازوجود فابریك‌های خودوبیار مدهشترین
[illegible] اقتصادی گردیده است .

حتی از جراید آنان باصراحت هرچه تمامتر مینویسند که چون
[illegible] اتحاد آرا دارد که درآتیهٔ زمان بتدارك وجبران خسارت

کلا

هجوم دهشتناك عساکر فرانسه بر شهر (منکاو) روس

[illegible] برای عملیات متراليوز و توپهای مختلفه تعلیم و ترتیب کرده اند
[illegible] مواقع ژوهمین مستخدمین غیرنظامی را برای عملیات جنگ حاضر
[illegible] خواهند بود اگرما استعداد آرا نداریم که مثل آنانها درعلم صنعت
[illegible] اختراعات جدیده موقع‌میرا احراز نمائیم . لاعلاج ازتقلید وپیروی
[illegible] آنها نباید غفلت کنیم زیرا گهدرعمارهٔ ساخته برای احراز فتح‌وغلبه
[illegible] لازم است که در صنعت وسایل جنگ‌وپی چشمی فوق حاصل نمائیم
[illegible] ضرورتی استعداد چنین فوق را هم خود سراغ نداریم لااقل باید
[illegible] سعی کنیم که ازآنها عقب نمانده باشیم .

آجی‌سوز

برلن — قسطنطنیه

خط تلگراف مستقیم از قسطنطنیه بآرلن از طرف خلافت عثمانی
[illegible] داده شده ومتصل گردید .

ازقسطنطنیه بآرلن دورشته سیم تلگراف هوائی امتداد دادهاند
[illegible] آنکه عمارات دائما ازطرفین تعقیب‌شده ومعطل‌حرف زدن دیگری

خود اقدام نموده وخود را از این ورطهٔ اضمحلال خلاصی دهند ،
ازاین‌رو آنانها اگرهم‌نسبت بفرانسه وانگلیس یك‌نوع رویهٔ‌عاشقانه
اتخاذنموده وبعضی گذشتهارا برای آنها ممکن پنداشته . برعکس درمورد
روسیه باید هیچ گونه تسامحی را جایز نشمرده وبایك ضربت مؤثری
بسایع روس مدعو واضمحلال آن تملکت بکوشند .

تاهی بعضی شایعات انتشار میابد مشعر براینکه از مقدار عساکر
آنان کاسته شده‌است این‌شایعارا نباید بهیچوجه باور کرد وبرصورت
صدق هم نباید اهمیت داد . زیرا فرضاهم که ازعدهٔ قشون آنان کم
شده باشد ، واسطهٔ کثرت توپهای‌سنگین ومتراليوزها وتوپهای مسلسل
و سایر مهمات جنگی آنانها پیوسته قوای مادی و معنوی اردو های
خودرا بامضاعف مضاعف زیاد می کنند .

نظر بیارهٔ اطلاعات اخیره آنانها علاوه براقراد قشونی که درجبهه
های مختلفه جنگی دارند ، حتی افراد عامه ومستخدمین امور تلغرافیه

نشوند واین‌ترتیب مخابرات مستقیم بین‌آنان وعثمانی واقع میشود بدون
آنکه محتاج باشند مثل سابق ازتلگراف خانه واسطه بتدر رومانی
تلغراف سیم هارا وصل سازند .

ارزاق برای آنان

ازکپنهاك روز نامه روسکوه اسلو اطلاع میدهند : نظرشا بعاینکه
در آنان دوران دارد دراین اواخر مقدار کلی آذوقه برای آنان
و اطرش درروسال تهارك شده است بعضی ازجراید آنان از گران
قیمت این‌ارزاق شکایت می کنند ازقراریکه آژانس وولف خبر داده
این ذخیره عبارت بوده است از یکصد هزار وا کون که ۲۰ هزار آن
کندم ۱۰ هزار و ۲۰ هزار وا کون‌جو وبقیه ولویا است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1608 of 1786

مساعدت آلمان به اهالی صرب

وزیر امور خارجه ، صربستان ، به تعرض جراید ایطالی تصدیق کرده است که آلمانها نسبت بسایر ملل متوجه ، صربستان ، کمال مساعدت را کرده و با آن خوش سلوکی مینمایند و هرچیرا که میخرند پول نقد درعوض آن کارسازی میدارند .

در ، بلگراد ، چیره ومعاش به اهالی پرضاعت وفقرای اقوام میدهند و امارات بقیه شهر های ، صربستان ، باعضاء و منتسب خودش کماکان السابق مشغول اجراء وظایف میباشند واز قرار یکه از خوش آنها استنباط میشود درصدد هستند که و سایل رضایت او را فراهم نمایند .

آلمانها هنوز با این کشتی که از آنها بسیار مشهور است

مرکز جدید آسمان پیمائی آلمان

امسال‌داه از منابع بسیار موثق اطلاع حاصل شده است که آلمانها اخیراً یک مرکز آسمان پیمائی بسیار بزرگی را درجوار شهر « کلو » که نزدیک سرحد « هلاند » است شروع کرده وایشان درکار اکتبابات ودراینجا تدارکات زیادی از آرویلان وزپلین فراهم ساخته اند .

اقدامات آلمان در ایسلان

دولت آلمان در ایسلان محکمی صادر کرده و قدغن نموده است اشخاصیکه درساحل پیاده رود وبستول هستند اگر بشکار خود مشغول نگشته سخت مجازات خواهندشد . دولت روس دولت آلمانرا متهم نموده که جزایر وجهازات مالتیه بالتیک مدروبیه هستند را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1609 of 1786

... در اسلامبول بدولت روس ... اخبار اخیری ... خواهد کرفت مطابق اخبار اخیری ... مرد حکمران ورشو افتتاح مدرسه عالی طبی ورشو ... آلمان را تصویب واعلان کرده ودر تاریخ ۱۵ نوامبر ... مرور اجرای خواهد شد.

تدارکات آلمان

(بگزارت روزنامهٔ (برلاوا ویدو موسی) نویسنده جریدهٔ (رینانیا) که از طرف صرب (تا کوپتکو) تابعیت والشامت میباشد ... ذیل را منتشر ساخته است :

«از طرف فرمانده کل اردوهای آلمان عده عدیدی برای جنگ ترتیب ... شده بموجب این عده آلمانها در بهار آینده بالغ بقوهٔ سیصد هزار ... رسیدهای روسیه خواهد بود ، در مقابل عده آنان بموجود جماعیت ... دران بالکان نداده وتصور می کنند که اردوهای متحدهٔ بادارد قشون ... بزرگ از عهدهٔ مقاومت این میدان برخواهد آمد و احتیاجی بمعاونت ... برای آنان واژرش نخواهند داشت .

آنها می گویند که مابطور قطع بموفقیت صلح خواهیم کرد ودرای ... این مقصود بانام قوای خود یک حربه قاطع در میدانهای شرق ... برای روسیه وارد خواهیم آورد .

مراسم عید در سنگرهای آلمان

کابینهٔ از میدان جنگ به شهر (کیف) رسیده اند خبر میدهند ... آلمانها برای مراسم عید میلاد مسیح تدارکات عمده حاضر می کنند ... میخواهند مراسم عید را بایک شکوه وعظمت و جلال هرچه تمامتر ... میان اردوهای خود انجام دهند . همه روزه قطارهای واگون مملو ... آذوقه وعیدیها لاینقطع بمیدان جنگ واردمیشوند وتقریبا بکاردوی ... از کل اسامورین پیشخانه مشغول تقسیم این هدیها هستند . دراین ... امنت جی افراد قشون که درعملیات جنگ مجروح شده اند شرکت ... دارند . درسنگرها نیز مشغول انتظامات وسایقها و تزیینات هستند ... بخطوط دوم وسوم سنگرها بتلفون ویسیم تلگرافهای الکتریکی وبرای ... گرم کردن سنگرها بخاریهای آهنی گذاشته میشود هر گونه ماشینهای ... الکتریکی وبیسکهای بخار وگلوله های آهنی وسایر ادوات لازمه کهبرای ... گرم کردن سنگرها بکارمیرود مجددا از آلمان وارد شده و برای تزیینات ... داخل سنگرها بتزهر گونه میزها وصندلیها واثاثیه از عرقیل آورده ... میشود .

تعمال برای صلح

روزنامه « عثمانی » نوید ، که بزبان فرانسه در اسلامبول انتشار ... مییابد ، دریکی ازشماره های اخیر خود درباره تعمال راجع بکابینه جدید ... فرانسه مندرج ساخته است اول تعمال است که روزنامه فیکاروی فرانسه ... درای اسامی اعضاء کابینه جدید استخراج نموده بدان ترتیب کلماتی ... سه چهار حرف وزرای فرانسه را مرتب بیکدیگر ردیف ساخته واز هر ... یکی چند حرف برداشته وان حروف وقتیکه الصاق بهم گرفته میشوند ... دعوت انگلیس میدهند که مضمون ان این است :

این کابینه صلح را امضا خواهد کرد

دوم : تعمال است که روزنامه آلمانی معروف (گلنیشه زیتونک) ... بهمین ترتیب از روی اسامی وزرای جدید فرانسه استخراج نموده ... جمله دیگر تشکیل میدهد که مضمون ان اینست :

(هیات ائتلاف جنگ را خواهد قبولانید)

بیانات مارشال هیندنبورگ

روزنامهٔ (دیلی تلگراف آمریکا) مینویسد که (مارشال فون هیندنبورگ) ... درضمن مطالبات وبیانات خودش بمخبر (دیلی تلگراف) نامبرده ... چنین گفته (روزنامهٔ آزاد) وین اظهار نموده است : دشمنان ما هیچگاه ... حاضر بصلح نیستند زیرا که هنوز خود شانرا مغلوب و مقهور فرض ... نمی کنند . وما را مجبور می کنند که مغلوبیت آنهارا بخودشان بقبولی ... ثابت نمائیم کیکه موفقیات حواله طرف مقابل را انکار کند باید او را ... مجبور نمود که کاملا اقرار به مغلوبیت خویش نماید .

چیزی که بیشتر از همه جالب تعجب و حیرت است این حال دولت ... عالیه بنا برچیست که بقدر خسارات وصدماتی را که عاید ... خاطر انگلیس متحمل شده اند ما در این لکه داری حقوق خود که ... عواید احراز موفقیت کرده ومیکنیم بخواهیم بدون اینکه بقدری ... مقاصد انگلستان میشود . هیهات که بقیهٔ ابهه لندنکاری هارا که ... هیچ نتیجه برای خودشان ندارد خرج میدهند وضعیت تجارت ازاول ... جنگ تا کنون در تمام نقاط ازروی قانون تجارتی وتجارت استوار ... کاملا موافق ومساعد قوای حربیه ماست .

ژنرال معظم الیه پس از این خود دائی هیچ در جوابهایی که ... بمکتوبهای روس با کثرت قوای احتیاط ودویف تقاوی را تحدیر ... میدان های جنگ داده علاوه رانگ پاستجات وصنوف ساره ذخیره ... می تواند تکمیل نماید قدرت کمیر قوای جدید عرضه شود تا این چند ... هفته ازروس منتظر معاونت وامید موفقیت باشند .

درباب تجارت ایتالیا وقشون افزایش وخبر مارشال جنه نبورگ ... اظهار نمود : خوشوقتی من از مغلوبیت قطعی ایتالیا است واین جنگ خاتمه ... خواهد پذیرفت مگر آنکه بدولت مصر که باعث این تجارت ... بوده باید دیگر تجارت بحث ومورد خطرات شدیده بشود باعتی ... ماندیک انگلیس وضرب ولیتالیا کاملا تنبیه وتجارت نکرده وپاداش ... اعمال ایشانرا بدست خودشان تدارکان تجارت را خاتمه خواهیم داد

تهدیدات آلمان

از گپنهاک اخبار میدهند که مسافرینی که از آلمان وارد میشوند ... صحبت می کنند که در تمام آلمان بانگ بانگ صدای بلندی شنیده است که مهم عبارت ... از این قرار بسمت مارشال فرانسه ژوفر (روبر مصر) که در قطعی ... جلب دولت انگلیس نزدیک) نوشته اند که دولت آلمان ... یک اردوئی برای مصر تشکیل داده فقط درباره این مدعا ... است که هزار صاحب منصب بسمت مصر تعیین داشته واعزام نماید .

خبرهای راجع باران خلی از انجاء های ایران

عملیات آلمانها در ایران

« توپه ورمیای » روسی شرح ذیل را راجع باران مینویسد :

کار کنان آلمان بالاخره موفق شده اند که بعده کثیری از اهالی ... ایران وانمود کنند که قیصر ویلیام اسلام را قبول کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1610 of 1786

است ومیگویند این اسم طبیعی است « زیرا که آنانرا نژاد ایران قدیم وساکنان بوده‌اند »

در حقیقت نژادهای قبایل زمانی یا آنان از شهر قدیم ایران « کرمان » واقع درجنوب ایران بوده ودر واقع « کرمانی » بوده که « زرمانی » نامیده میشوند چرا که « کاف » کرمان همان کاف « گرمان » می باشد کمدر السنه اوروپائی « کاف » را « ز » تلفظ نموده وقبایل مهاجرت کرده « گرمانی » « زرمانی » گفته شده است .

دکتر همای عوامل آنانی درایران دلایل متعددی برای اطمینان خاطر ملت ایران ذکر کرده‌اند که آخرین شهدا ازقلوب آنان برطرف ساخته‌اند این نمایندگان زرمانی‌ها ازنژادایران وساکنان مسلمان بوده‌اند .

بی تربیت — اهالی « کرمان » درازمنه سالفه مجبور برمهاجرت ازقطعه آسیا گشته وبه « اروپا » آمده رحل اقامت افکنده‌اند وبسا درمرور ایام مجبور شدند که آئین عیسویت را اختیار نمایند و ازالهایکه حالیه خیلی ازچیزها غیر نموده است زبان های امروزه وگرمانیای قدیمه حاضرند که به آئین سابق خود عودت نمایند پس درنصورت ایرانیها چنانچه بطرف آنان متمایل شده وبا آنها جهاد نمایند گرمانیای امروزه حاضر هستند تمام کفار جنت وجهاد کنند .

کار کنان آنان در ایران البته ایرانی چشیده ونوکر از خودمانی تشکیل کرده ودر حسب مقررات قرآن مرتبا همه روزه وضو کرده ومانند ایرانیهای حقیقی رفتار مینمایند .

قوای عثمانی

از کرمانشاه همان اطلاع داده میشود که یک عده از قشون عثمانی باساحمنصب وسربازی توقفخانه وارد قصر شیرین شده وبطرف کرند حرکت خواهند کرد .

درارد بیل

از اردبیل خبر میرسد که دوروز قبل درخارج شهر یک نفر سالدات روس مقتول گردیده است این مسئله باعث جنگ بین قشون روس وناهمونها گردیده ورشته جنگ هرچند روزاست امتداد پیدانموده .

در طالش

در این ایام مقدار ما قشون روس از انزلی بطرف طالش حرکت می‌کند وآنچه خبر رسیده است در آن خاطر اهالی طالش وغیره زود خوردی نموده‌اند ولی نتیجه معلوم نشده است .

اختلالات روز افزون هند

« دارده در جهلم »

کور تحت بجناب اطلاع دیل را اشاعه داده است :

درشبهای مابین ۱۶ - ۲۰ سپتمبر یک گروه افریدی‌ها که در کل ۶ نفر بودند مسلح بوده هم داشتند بخانه یک هندوی متمول ساکن راتهیاحه کرده اند .

(هزار روبیه رسمی هند) که ۲ نفر آنها را همراهان به جمع شده کرده‌اند وحصول امساله آنده که ۶۶۷۷ روپیه بود ازطرف حکومت هند مکافاتا بانها داده شده اند . آفرین باین تجویز ماهرانه که خودشان را بخود جانشان متصل می‌سازند ! . . . آه حیات ! . . .

دارده در موضع کراچول

یک خواز کلکته رسیده که درین اوقات در خانه یک بنگالی بنام چندر رای نام دارده افتاده و آخر روز ازبیداری مبلغ ۸هزار کلدار آنها برده فرار کرده

تعداد این نفری قریب ۵۰ نفر بوده که همگی بتفنگهای رب مسلح بودند ، و درروبهای خود سیاهی مالیده بودند که شناخته نشوند ازین تعریف وتوصیف تجزیه‌ایکه بکونم کلیان دارد تا چه پایه قرین صحت بودند هیچ تعیین معلوم دیگری کرده نمی‌توانیم

کتا

در « دار جیلنگ » نام موضع ۲ دفعه دارده افتاده که اول چند پنجهزار اگیر کرده ویکی از آنها را کشته و۲هزار روپیه کلدار را نیز وزور وعلاوه بران نقد وبگرهم کرده‌اند

این نفری هم سیاه وهم بتفنگ مسلح بوده‌اند دفعه ۲ در جمیع منقول درآمده مبلغ ۲هزار روپیه کلدار بوده‌اند .

(اختلالات روز افزون)

« هند »

درهفته گذشته درپورنیا (۱۲) دارده پیاپی بکلی رسیدند که می تخمین آنها (هندو ومسلمان) هست . موقع اینها در ذیل ومقرب بنگال بوده است

جیسور	۲	دارده
بوگرا	۱	«
دهاکه	۱	«
چیاپاکری	۱	«
کهلنا	۱	«
میدناپور	۱	«
مرشد آباد	۱	«
پتنه	۱	«
پرنیه	۱	«
فرید پور	۱	«
بنکورا	۱	«

در فرید پور دارهٔ بحری شده بود واعداد دارده والا قریب صد نفر بوده درین دار هابسیار مالها برده شده است .

دارده مدهش دیگر در بنگال

یک خبر کلکته اظهار می کند : که در ۶ جمادی الاول وقت یک جماعهٔ نوجوانها بفاصله ۲۴ میل صدر ستیفن ایلیت کنج کرده حمله کرده مبلغ ۶ هزار ۸۸۱ را نقد وجنس وزور برده .

« دیگر دارده »

بخانهٔ یکنفر زمین دار صاحب کهلنا نوجوانان مزاحم وارد شده اول از صاحب خانه خواسته پس از انکار نمودن او را کشته ومبالغی را از جیب کلیدرا یافته از صندوق قریب دو هزار کلدار نقد وجنس گرفته رفته‌اند

این مجروح هم تاکنون خانه رسیدن فوت شده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1611 of 1786

خبر های اوروپا

نطق قیصر در فرونت روس

« قیصر ویلهلم » که بادقت تمام جزئیات و کلیات جنك را مراقب بود وقایع وحقایق مطابع واز جریان حالات روحیه قشون خویش کاملا بیت دارد در ضمن نطق های حضوری درمقابل عساکر رجوع خطابه های کتبی که صادر می نماید خصوصا سعی است که روحیات هیجان وتشویق عساکری که درفرونت روس مشغول عملیات هستند بشکل مؤثری صورت پذیر گردد .

لهذا درفرونت روس درموقعیکه قشون آلمان مامورشده بودند که دفاعی نموده وبمواقع مشکل وخطرناکی پیش روند ، بدون تلاقی ومقدمه « قیصر » بداخل ورود نمود .

ماهیتصبان بهجدین شقاوت رژیمانهای بیرحمانه قشون درحضور قیصر « رانهاده وژنرال فرمانده کل حسب الفصول بنای خواندن را بدین خویش راهنماد که بتوسط قرائت راپورت هست بخشاه فرمانده کل قوای متفاالیه ساکت شده و « قیصر » بصدای بلند که همه کس بشنوند چنین گفت .

« حرف زدن چه فایده دارد درصورتی که این قبیل میدان زدوخورد عرضه درمقابل من می گذارند وچنین قشون نیرومندی در فرمان من است ، خودم بهتر میدانم که عملیات زد وکی از آن چنان خوبست بهبود بیشتر وجه زحمات طاقت فرسائی برای ایفای خدمت تحمل کرده اند - سپس روی خویش را بطرف سربازان کرده و گفت :

فرزندان عزیزم ، شاهانه بقدرت وافتخار آلمان هستید شهادتان بقدر مناقب رزمی را تحمل کرده وعملیات مشقت آمیزی را باتمام رسانیده ، من خودم کاملا از فداکاریهای شما اطلاع دارم ، من قدر واهمیت زحمات بزرگ شمارا دانسته ومیدانم چقدر کارهای عظیمی کرده ومیتوانید بگوئید یك گی دیگر صبر کنیم یك پادوئیت دیگر کوشش نمائید وآنچه را که خواسته ایم بپایان میشود تامل وتحمل نمائید مدت زحمت وانتظار فدا کاری نزدیك رسیده است ، یك کوشش کنید تمام عملیه ناتمام ومدخواه ناموفق بانته است ، وقتی که یك اسب آبدیده طویل را دویده است آخرین فرسنگ که بسر منزل مقصود میرسد بیداری سخت میآید لیکن اگر خداوند که موفقیت را بنده زدن کوی سابقه کرده لیاقت دوچندان تحمل زحمت و شادمانی زیادتر خواهد داد . از اینها اطمینان میدهم بمنزل اخیر راحت خیلی نزدیك شده ایدانك از آنجائیکه سعادت وسیادت را بشما نشان میدهم از تمام مناعی را که قبل نموده اید جبران کرده و بمکان افتخارات شایسته نائل میباشید » .

فرزندان من ، دوستان من ، شما هائی که اسباب فخر وتراقی من وکشور عضو نزدیك شده است بشنائید .

اطوریکه حاضرین موقع نطق « قیصر » حکایت می نمایند در آنوقت از طرز بیانات خیلی رسا وبلند لیکن بطور ملایمت خیال آنرا داشت که گوئیا نباید نطق می کرد بلکه با سربازهای صفوف نزدیك گفتار وی را می شنیدند گوئیا قیصر بصدای بلند که صفوف مابعد گفته و آنان نیز به ترتیب بخطوط بعده قشون تبلیغ می نمودند .

دراین نطق امپراطور سربازان خویش را برای مشکلات جنك زمستانی روسیه حاضر ساخته وموجبات هیجان وترغیب آنان را فراهم کرده و گفت .

روسیه نمی خواهد بلا صلح جدا گانه نماید واساس امیدوارهای خویش را براین قرار میدهد که بقریب ابتداء سرمای زمستان بدینه وبتواند نفس براحت بکشد تنها ها هم فرزندان من خودمان را برای جنك زمستانی مهیا گنیم ، میدانم که تنها خسته هستید ، ماقبلا تصور می کردیم جنك بیش ازچندین ماه طول نمی کشد لیکن زیاده از انتظار سابق مأطولانی شد ودربصورت طبیعی بود کمابیش خسته می شدیم ، ولی خاطر آورده که شایع زحمات تنها بدوسع درخشانی باید خواهدشد سعی وفدا کاریهای شما درموقع آبستان فتوحات ولوله آمیز و شایع بی اندازه درخشانی حاصل کرد ، ملازمتان را نمی گذاریم که بدون عملیات متممه‌ی تمام کرده ، خسته گی زمستان در وجود شما مردان هنرمند روز کار مؤثر واقع نمی گردد همان طوریکه تا کنون درمقابل بخه های دست وپای خرس روس چنگال های پولادین خودرا بوی فرو برده اید درمقابل اشتداد سختی زمستان فعالیت وجدیت های وحشت بار خودرا ارائه خواهیم داد .

مهاجمات مهابت آمیزمدت آبستان خودرا مداومت خواهیم کرد ، مالا کنون قوای خویش را تمرکز داده ایم که برای شکستن حربه جنگی نهائی فعلا موقع همان جنگ رسیده است ، قوای خویش راجمع وعضلات آهنین خودرا حاضر کرده پیش روید پیش روید تارقیب را درهم شکنید .

حرکت هیندنبورگ بسمت لندن

یکنفر شاعر المانی کتابچه بی نهایت دلپذیر بنظم نوشته وآنرا بسر قشون هیندنبورگ درتمدن نام نهاده است ، اهالی المان این کتابچه را خیلی میخواهند .

وقایع نگار کپنهاگ معاونه تلگرافات مقیم سویس ازفصل آخر آن کتاب چند فراز اخذ کرده باطلاع میدهد ، فصل آخر کتاب در خصوص حرکت قشون المان در خیالهای میهن زمینه است ، شاعر المانی بطوریکه گوئی جنوبیست قبل از ورود قشون المان بلندن در دهات اطراف شهر جنك شدیدی وقوع می یابد دو الهانها مو غلاه آمرین قشون انگلستان وصیده را متفرق ودرا کنده میسازند ، در کرانهای فیلد مارشال هیندنبورگ قشون المان را سان می بیند ، وخطاب بسپاهیان کرده می گوید رفقا بار محبوب ترین شهر ها را بتصرف خویش در آورده ایم ، شب قبل ازورود سپاهیان المان که درمحلات اطراف لندن اردو زده اند چراغهای لندن را می بینند ، در حالیکه از آن گاه خاموش و گاهی روشن میشوند .

حرکت از پل لندن ساعت ۹ صبح شروع میشود ، هیندنبورگ درروی صندلی خویش قرار گرفته و گفتارش در کنار فی ایستاده تماشای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1612 of 1786

اولین رژیمان السان را میکند که خانه و دیوی شیر امیرا طوری میروند، چنانچه اکثر درمیدان دهیه زلی مقتول مقتی علمای هستند، دربار هی السان تارخانه جات گنتی ساری وگاه های کنار دریارا که ازجمله زیبایا مشهور هستند تعطیل میکنند، مقصد مقتول بارک سی جوی میباشد.

روز گذشته پایای والسکس و جاپیان فراکو آتش توپخانه السان خراب شده وکام بردشکها دوا کوپ واتومبیل ها وذایل السان جمع شده هزاران هزار السکلیس وروی دشکها و فراز اتومبیل ها ایستاده گهیدند و زنده باد انگلیس باد باشد. بالاخره مقتول السان از جهان گیلک وبایم هزیز گردیده پرقوت ترین عبارت از هوط جهان ساکنین هوس وبالک انگلیس و وزن بلند میباشد، در السز الی بالک مقتول السان بالک عبارتی از انگلیس را میبینند که داد وفریاد شان برای چوله بلند است.

زیاور لندن از اعلانات فروش و سرگیشهای دلفریب های فریبنده وچشم زار بیت لوجوت رقتون السان نگاه می کند، اندازه وزن درجات جنس وفی زار بیت و صعب دریت گوشه جمع شده وزن دیگر بیانگرند قتون وقع السان اول وارد جهان میشنده از آنجاه جهان طبت وغیره وغیره السان میروند.

آمرلاس هن دیورک وسمی صاحب حسان دلیرنت بهالس پاران رفته بر آنجا ملحظه ملاحظه رکنند گهیدکه عکس هن دیورک را آنجران کوده اند.

۰ پس ۲۳۰ کوادر
ازجرایم السان

انتخاب از اعلانات مصلحت السانها

استعدی منتر جرجیل

وقایع نگار ولی جریده این کانت میلویسد:

اینه الحسابان آنچه از اندازه وغم ملاحظه میشود، یکی از وزرای انگلستان که درهوا مت خاطر که موشیارا الزوی سرزاع بیرون آورده میکوند غریه السان رام بقول خودش از وی سرزاع بیرون بیاورد استعدا داد.

سالسبوری میخورج میل طور که انگلیسها از عبارات این شخص غرور وتمام تام از اعلانهای از هروی توجه آورا و استعدای چرچیل خون معلوم میدارد که دشمنان داخلی دولتی که صلح بین المللی را برا کرده در سات اساده میباشد.

دران ما لازم نیست که سرت چرچیل را اعلام نمائیم،

چرچیل یک قوم حریص است که میل سرقتی که در خون انگلستان هرامیاب اعجب میدانند ازیک اندازه بیاند اندازه لا زمرود و خیلی دلش میخواست که از هرطریقه بهره از تخت انتها برده بدین وسیله خود را هو پرد گزین صدر انگلستان جای دهد، چرچیل جان شخصی است گهیگشت زوری در راههای کریه کاری و زیانکاری السان جواهرات بنا آورده و دادن گرانه گوئی دیرا معوم گردند.

اعلانی

سراج التواریخ
جلد اول — و دوم

زند گانی جاودانی مرهون و منت (کتاب) است (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات کامل ملت جلیل الشان است، زیرا از آغاز تشکیل دولت اعلیحضرت سایه خدا میخواهد که برای سلاطین نامدار درسلک تربت، و تواریخ ازمنه السلف تصویر گردند، هرایرانی ملت را واجب است که بلاتسامح آنرا بدست آرند و مانند جواهر در گنجینهٔ قلوب خودشان نگهدارند، علی الخصوص که کتاب مذکور به بیت حاضره و غیر جواهات الاتحاد عوس و اسرو فرمان دارند صفات بادشاه مقدس سالاعلیحضرت و سراپا نوالدین و آفتاب و در سلطنهٔ حروق دارالسلطنه کابل زیور طبع آراسته و از بخارا

جلد اولش کتابیه از ابتدای سلطنت خاندان درانی و سلسله بعی از آغاز تأسیس و استقلال دولت علیه افغانستان آورده اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جهت مکان از هفت در کابل و جلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) بعی از زمان حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان که اول سر اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر عبدالرحمن خان، جناب آرزو از تاریخها را جامع میباشد و کاملاً بحروف تهیه طبع رسیده است، قیمت کتاب مذکور نسبت زینت و خوبی تجلید آن قرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم صوادی ماهدار کابی پخت جرم جدول طلاکار کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اعلی پشتی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابل —

نمبر (۲) پشتی مقوا روه گرمسالی چهار کنج وزر چرم جدول طلاکار کار نشان دولت ورق طلا جلد سیزده روپیه پختهٔ کابل

نمبر (۳) پشتی مقوا روه کرده لاجوردی چهار کنج وزر چرم جدول سرخه کابی پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جلد چهارده روپیه پختهٔ کابل وده شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روه اری چهار کنج وزر چرم جدول سرخه کابی پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جلد کوشه شده پانزده روپیه پختهٔ کابل وده شاهی —

نمبر (۵) پشتی مقوا روه اری مرغ چهار کنج وزر گوشه شده نشان دولت ورق طلا جلد کوشه شده شانزده روپیه پختهٔ کابل وچارده شاهی — محل فروخت

درمحل اداره سراج که از تحویل خانه جناب محمد وارث سرخاب در بازار ارگ از دکان عبادت خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد آنرا دوازده وشیرازه بیندهم کتاب موصوف کاغذ نهایت اعلی و لا اعلی کوشه که جلد اول ودوم بزیور طبع آراسته وجلد سوم وچهارم آن که هنوز بزیور طبع نیامده وبعد از طبع آراسته مقوا کرده شده انشاءالله اعلان فروش آنرا در خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع کرده

محمدعثمان هزاره دستخط دارد از طرف حاجی وسی محمود خوزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1613 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرامی خود را

شرایط عرضداری	
دارالسلطنه	ولایات داخلی افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیه کابلی	یازده روپیه کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
مربوط بمالنامه اجرت پوست	
قیمت سالانه ۱۵ روپیه انگلیسی قیمت ششماهه ۸ روپیه انگلیسی	
به ملاحظه امتیاز قبول نمیشود	
یک علاوی چند انگاری یازده روپیه اعتبار است ۱۰ آنی قرار حساب کنند	

مطبوعی و خوشی گردیم که از تکثیت زیاد اخبار مشترکین گرامی دارالسلطنه کابل خود ما را مرقوم فرمائید لذا کمافیه مرکزی دارالسلطنه کابل که علاوه نموده ما کماهه مقدار الیه تعمیر و توزیع اخبار ما را که بعهده مشترکین گرامی ما میباشد بهبود خود قبول نمود، مشترکین گرامی دارالسلطنه خود را مشعر دارند تا بعد از این اخبار عایشان بدون واسطه غیر فرما فرما واسطه گدامهای ما کماهه خود نشان میدهیم.

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که حال تجارتی، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند، وباديگر هرقسم اعلان وانتشار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار شایع شود درهر سطر ۱ یک روپیه کابلی واگر از پنج بار بیشتر شایع کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیه کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه بدین ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیه کابلی واگر از پنج بار بیشتر شایع کردن خواهند فی سطر ۱ نیم اجرت گرفته میشود، طول سطریک ستون اخبار ما ۳ — انچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متواتیا یکسال شایع کردن خواهد دوصد یک ساله را پیشکی ادا نماید درفی سطری سه اجرت گرفته میشود

اعلان

جنتا مه سیاسه قطعه بروی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✻ اوروپا ✻ افریقا

(بقیه عنایت) یک آزمایشگر جدیدی دراطراف هوسکاران عزیز جلوه عرض خواهد شد. منتظر آمدن خواهید درظرف ۲۹ روز یک سیاحت کلی بر قطعه زمین را بشماع آن، کره وهوا دور وسیر خواهید. ملکهای زراعتی را که بران میگذرید متصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خواهید خواند. چه چیزها می بینید، چه چیزها میشنوید، چه لذتها چه سرورها میگیرید: طبعی، لطیف، سیاسی درین زمان شاعرانه عالمانه هوسناک دلنگیزانه بیشمار.

این آثار نفیسه جلد مرکب وبدیع وقیمه میباشد. تقریباً (۷۰۰) صفحه، وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر متناسب عنایت والتفاتی مخصوصه وعالیه دارد وبهاء آن قیمت (۷) هفت روپیه کابلی آن هیچ بیش، کاغذ اعلا، چاپ حروف، تصاویر رنگارنگ گرانقیمت، جلد عالی وباستون، دیگر چه میخواهید: همینقدر که بازار ملی مطبعه میرک که بورده افغانیه (عبدالرؤوف) خان مرحوم مطبعه میرک بازار دارد، کتاب (بازار) کتب فروشی متصل مدرسه شیرخان وکتابخانه حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب را بورده و بفروش گذشته مه گوراز است آنرا دیگر نه کار دهی ماند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1614 of 1786

(اعلان)

پراکنده

آثار منتوعهٔ کارخانهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت.

از یک مجموعهٔ انتشار ادبار تجدد آثاری میباشد که واقعاً اعلا. و چون طبع دلربا، باصفوره بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از حسن خط و حال بیبهره است ولی مضامین و جوابگوئی بر اسر یکطرز جدیداست. قیمت مجموعهای عامری و معمولی قیمتش خیلی ارزان. بهر فاقی (۲) دو روپیهٔ کابلی در خود مطبعهٔ عنایت از کوچهٔ عبدالرؤف خان سر حوض. و در بازار ارگ از دکان باز محمد. و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان آخرکتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه! اگر ادبیه را جزیره! ازین نویسنده کزار، و مطبعهٔ عنایت، کدام را نشان نمایید؟ «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که ثبوت علم و معرفت و سعی و غیرت را برای انسان زندگانی نوع بشر بنظر تمین و جلوه گر میسازد. هم حکایت، هم سرگذشت عبرتی، هم فضیلت! خوش جلب، خوش قافله، خوش تصویر دلکش علاوه، قیمتش نظر بحوزیهای مالی و مصارفش بسیار ارزان! لهذا (۶) شش روپیه فعل فروخت فقط مطبعهٔ عنایت در کوچهٔ افغانان، و کتابفروشی محمد در بازار ارگ، و دکان حاجی غلام محمدخان آخرکتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

طرز انشاییت

آیا چه باید کرد؟

ادب درس

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابل
سیاحت دوره از دور زمین پیشاور و رجلد	۲
سیاحت در جو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	۴
از هر دین سخی و از هر جن سی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای فوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در کوچهٔ افغانان از کوچهٔ عبدالرؤف خان سر حوض و از دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار ارگ و از دکان حاجی غلام محمدخان آخرکتب متصل مدرسهٔ شاهی طلبیدن خریداری کرده میتواند.

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را داشته باشد در سراج الاخبار افغانیه اعلان کند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، و کتابچه‌های علاوتان و تبصره‌های متفرقهٔ آن، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمدخان آخرکتب متصل مدرسهٔ شاهی، و از دکان باز محمدخان آخرکتب در بازار ارگ طبق قیمت‌های معین آن خریداری کرده میتوانند و نیز در خود اداره دستیاب میباشد. دیگر خود مطبعهٔ عنایت در کوچهٔ افغانان هم بفروش میرسد فقط.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1615 of 1786

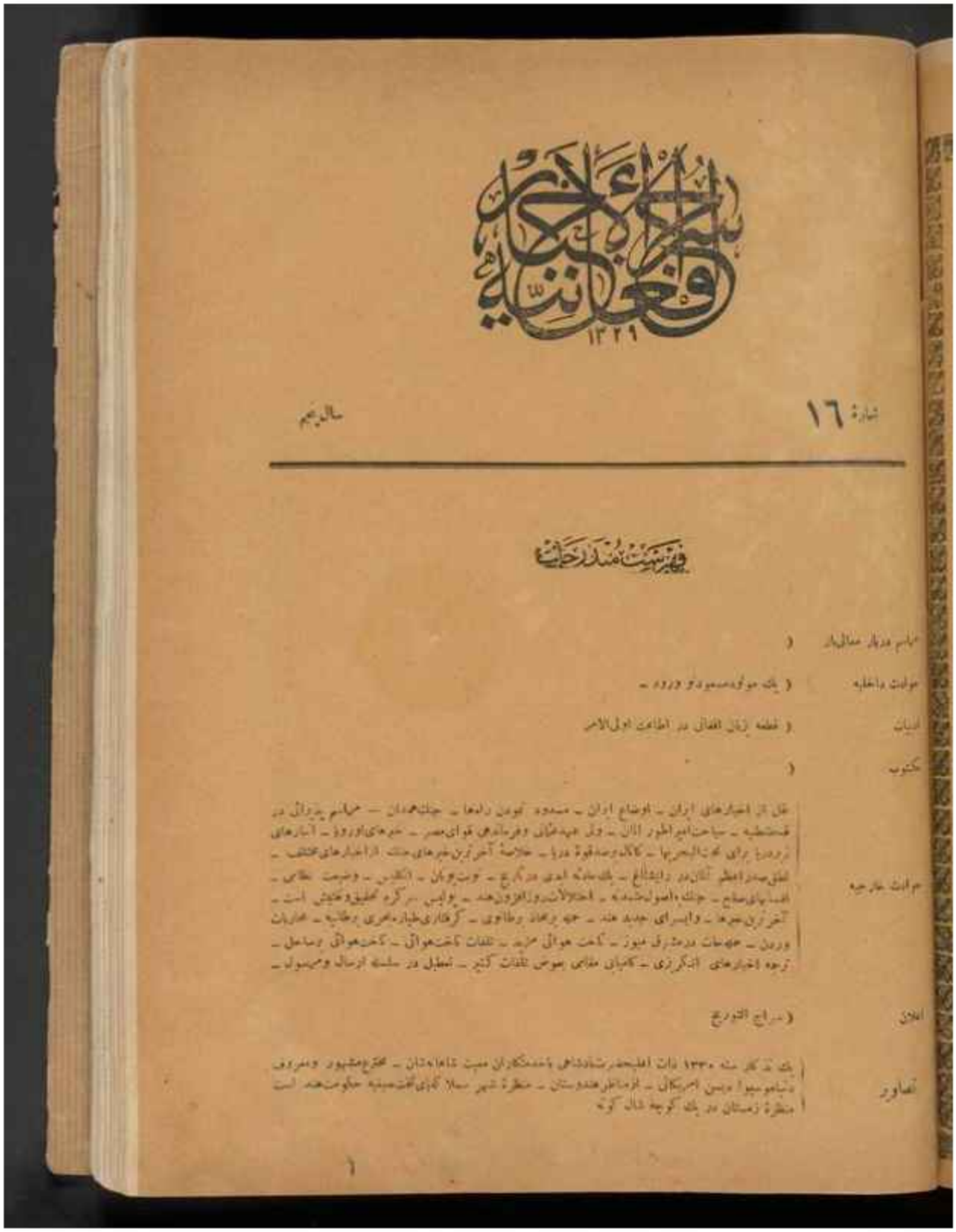

شمارهٔ ۱۶ سال چهم

فهرست مندرجات

مهام وزیر مختار ( )

مولت داخله (یك مولت مسعود و ورود ـ

ادبیات (قطعه زنان افغان در اطاعت اولی‌الامر

مکتوب ( )

مولت خارجه | نقل از اخبارهای ایران ـ اوضاع ایران ـ مسعود ثانی رفعا ـ جنگ‌هندان ـ مهام پیرانی در قسطنطنیه ـ سیاحت امپراطور آلان ـ ولی عهد ثانی و فرماندهی قوای مصر ـ خبرهای اوروپا ـ آثارهای زردرنگ برای نجات البحرها ـ کاکاو و صدقوت دریا ـ خلاصهٔ آخرترین خبرهای جنگ از اخبارهای مختلف ـ نطق صدراعظم آلمان در رایشتاغ ـ یك جادهٔ آهنی در کرنج ـ توپ وبان ـ انگلس ـ وضعیت نظامی ـ اخبارهای صلح ـ جنگ و اصول جدیده ـ اختلالات و راه‌زنی‌ها ـ روایی ـ مرکز تحقیق و جنایش است ـ آخرترین خبرها ـ وایرلس جدید هند ـ حق رهاد رطانوی ـ گرفتاری طیاره‌بحری رطانیه ـ غارت وردن ـ حملات در مشرق میوز ـ کمت هوائی مزید ـ تلفات کمت هوائی ـ کمت هوائی و ساحل ـ ترجمه اخبارهای انگرزی ـ کامیابی مقامی بعوض تلفات کثیر ـ تعطیل در سلسلهٔ ارسال و مرسول ـ

اعلان (درج التوزیع

تصاویر | یك تذکار سنه ۱۳۳۰ ذات اقدس حضرت شاهانه با خدمتکاران میمنت ذاتهاشان ـ مخترع مشهور و معروف دناموسیو ادیسن امریکائی ـ از مناظر هندوستان ـ منظرهٔ شهر سملا گرمای تخت صیفیه حکومت هند است ـ منظرهٔ زمستان در یك کوچه شال کوته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1616 of 1786

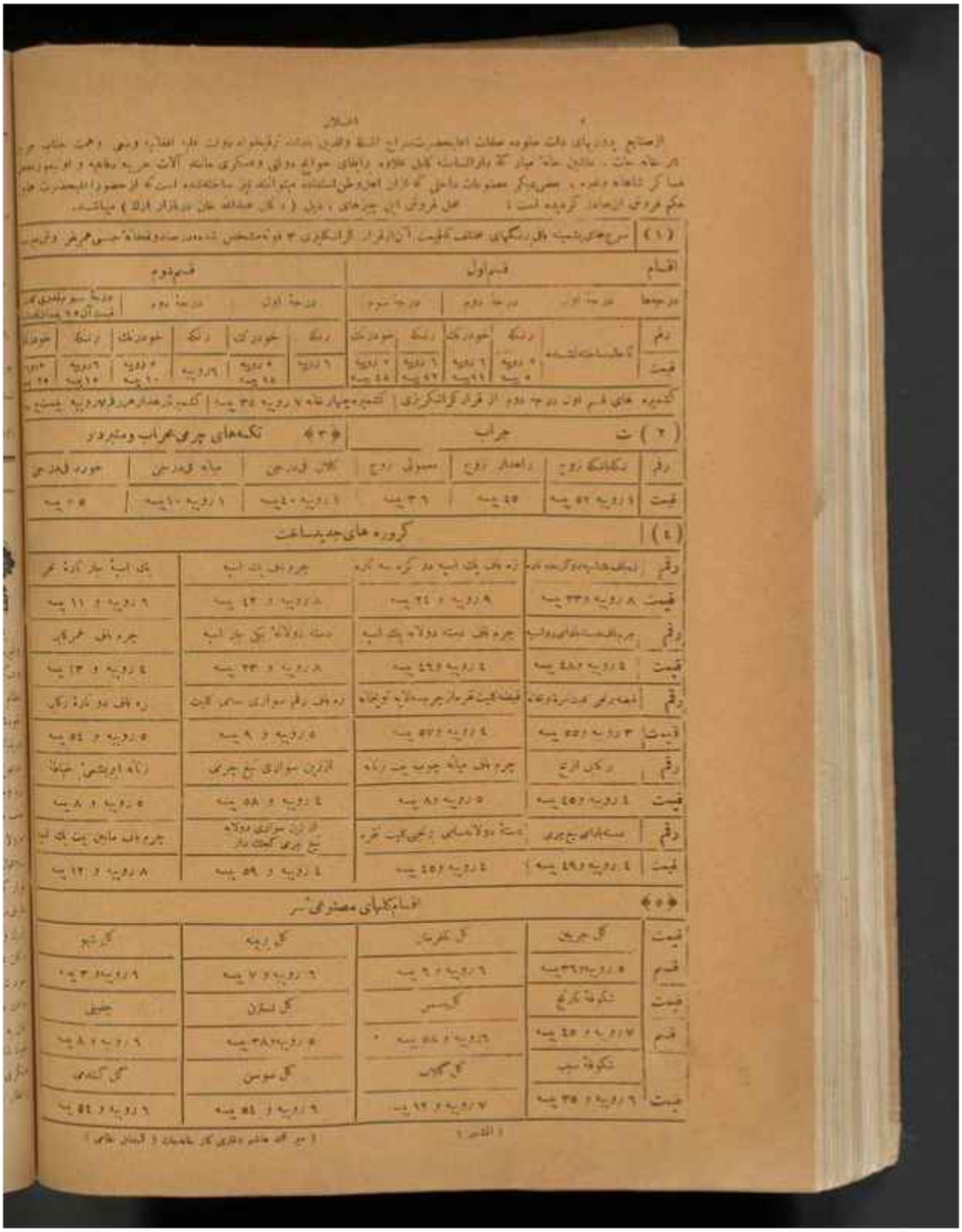

(۱) سرج های رشته بافی رنگهای مختلف قیمت آن از قرار گرانکرزی ۳ دو تومنخص شده در صدو قطعه جنس هر یک وقس

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجه ها	درجه اول	درجه دوم	درجه سوم	درجه اول	درجه دوم	درجه سوم بافندگی کم قیمت آن ۲۵ پیاله است
رقم	تا مطلبات نشده					
قیمت	۰ روپیه ۰ پیه	۶ روپیه ۶۱ پیه	۶ روپیه ۶۲ پیه	۶ روپیه ۶۸ پیه	۶ روپیه ۶۸ پیه	۶ روپیه ۶۸ پیه
رقم	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت	۶ روپیه	۶ روپیه ۶۸ پیه	۶ روپیه ۶۸ پیه	۶ روپیه ۶۸ پیه	۶ روپیه ۶۸ پیه	۶ روپیه ۶۸ پیه

کشیده های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی | کشیده چهار شاخه ۷ روپیه ۳۷ پیه | کشیده شاخدار هر قواره یک روپیه بیست پیه

(۲) ت جراب ۴۰۳ تکمه‌های چرمی جراب ومنبردار

رقم	تکمه‌ای روح	راهدار روح	معمولی روح	کلان قهوه‌ئی	میانه قهوه‌ئی	خورد قهوه‌ئی
قیمت	۱ روپیه ۶۲ پیه	۴۵ پیه	۳۶ پیه	۱ روپیه ۴۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۰۵ پیه

(۴) گروه های جدیدساخت

رقم	زه باف یک لنبه دو گره سه گره	چرم باف بند لنبه	بند یک لنبه
قیمت	۹ روپیه و ۲۴ پیه	۸ روپیه و ۴۲ پیه	۹ روپیه و ۱۱ پیه
رقم	چرم باف بند دولا یک لنبه	بند دولا یک لنبه	چرم باف غربال
قیمت	۴ روپیه ۶۹۶ پیه	۸ روپیه و ۲۳ پیه	۴ روپیه و ۱۳ پیه
رقم	قیطان غربال چرم بند دولا	زه باف رقم سواری سه رنگ	زه باف دو نارنج زنگ
قیمت	۴ روپیه ۶۷۶ پیه	۵ روپیه و ۹ پیه	۵ روپیه و ۹۴ پیه
رقم	زنگ انار	چرم باف میانه چوب بند زنانه	ازرق سواری تیغ چرمی
قیمت	۵ روپیه ۸۲ پیه	۴ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه و ۸ پیه
رقم	بند دولا سیاهی زنجی گیت نقره		از زن سواری دولا تیغ چرمی گیت دار
قیمت	۴ روپیه ۶۵۲ پیه	۴ روپیه و ۵۹ پیه	۸ روپیه و ۱۲ پیه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قیمت	گل چرمی	گل کلرمان	گل پرنیه
قسم	۵ روپیه ۳۶۲ پیه	۶ روپیه و ۹۲ پیه	۶ روپیه و ۷ پیه
قیمت	نکوفه کرنج	گل سر	گل لیلان
قسم	۶ روپیه و ۵۲ پیه	۶ روپیه و ۵۸ پیه	۵ روپیه ۳۸۲ پیه
قیمت	نکوفه سیب	گل گلاب	گل سوسن
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیه	۷ روپیه و ۱۲ پیه	۶ روپیه و ۵۱ پیه

(الف)

(ب) این گونه عاملی دیگری کار عاملیاری و کمپانی نظامی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1617 of 1786

جلد (۱) سال پنجم (شماره) ۱۶

بهشت نمونه‌ی سعادت

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
محمود طرزی

اداره در خانه و مطبعه
در مائتخانه دار السلطنه (کابل)
عه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

قمری ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۳۴ عیسوی ۱۸ اپریل ۱۹۱۶ شمسی ۲۹ حمل ۱۲۹۵

مراسم دربار معلی بابر

موجب رشته‌های جبری که از طرف اینک تاری صاحب ملکی ... تاری تنگست شان برحمهٔ متاع وو کلا و ارباب مناصب ملکی ... تاری تسلیم شده بود به ساعت دو بجر ظهر روز چارشنبه جمع متاع ... وو کلای ذی اعتبار و طبقه‌ی دیوان گرد آمده با سپاهای شاهزادهٔ ... دیوان داخل حوض حوش دالان سلام عامهٔ عام حاضر شدند. ... دار خلاف سابق الذکر کثرت تاری چوکیهای که برای نشستن ... دیوان علیحده حاضر نبود برداشته شده بودند و بعوض آن دوازده ... دستی که از اینک سردالان سلاطنه تا دیگر سراپرده آن گسترده می‌شد ... صف تاری نشستند از همه اول تاری متاع ملزم و سیمین و کلیهای ... الآیات وهی مطلا مرصع و زرین خودها در دواجهٔ دولتخانهٔ ... شاهزاده که دران تخت مالی تخت سلطنت سنیهٔ الطالبیه موضوع است ... گرفته حواجع دربار و ارباب مناصب ملکی و عسکری نیز بهرهٔ ... از متاع و وکلا استقبال نموده و داخل صف آهسته آهسته همه‌دالان ... دیوان سلطانه الی پکسر کابل گرسر الطالبه درین اثناء شهزاده ... از عظام نیز داخل سلطانه گردیده و حرکت بجمل مخصوص نشان ... دالان متوجه شده وضعیت دربار از قدم فراوان تحقیق شد. که ... همه دیوان حیث دربار کاملا وضع نظم و آرایش را کسب نموده همه ... ساعت دو ربع ساعت روپ ذات اعلیحضرت پادشاه شوکت پناه ... دالان انتظار میکشیدند تاپی از چند دقیقه آواز دهول و کرنا ... تاری که سلامی پادشاه را اعلام میدهد بگوش رسید طبل ... جمع حاضرین دیدن چهره سلاطین پرداخته و در حیرت و بشارت

داد بعد از توقف ۲ دقیقه ذات اعلیحضرت همایون والا از دروازهٔ ... تاری سلاطنه عام داخل گردیده بعد از انکه از طرف عمومی حرکت ... تعظیم و احترام بعمل آمد بر تخت مالی تخت سلطنت سنیهٔ الطالبیه با کمال شوکت ... و استقلال جلوس فرموده همگان را باحوالپرسی عمومی شاهانهٔ شان مفتخر ... و مباهی ساختند و از طرف عمومی حضار دعای سلامتی و وجود سعادت نمود ... اعلیحضرت پادشاهی بجا آورده شد. سپس بعد از انکه برپا لای تخت ... سلطنت قدری مکث و درنگ فرمودند و بعضی از متاع عطا و اهدا احوال ... تاری و السنه و سپهران مخصوص شاهزادهٔ شان نایل و سزاوار گردانیدند ... برای آزاد اطلق همایونی از زیر تخت مالی تخت در سالکه جمع حاضرین ... رجای های خود استاده شده بکمال عزو شکوه برخاسته چنین بکلام ... حکمت پیام ابتدا فرمودند:

قریباً جشن دوساله پادریم ساله خواهد شد که در بجا یکجا بار کرده ... بودیم و مراسما ان دربار این چند که چون امروزه روز در همهٔ ممالک ... جنگ گیر و دار آزر کی جاری است پس در بصورت ما را چنان باید ... کرد. چنانچه تاری که حاضر دربار بودند این مسئله را به آنها فهما ... دیدم که در بیوقت از همه اول برای ملاقی میباید و چون میخواستم ... که این خیال خودرا بهمهٔ افراد ملت عیهذا بهم ابلاغ نمایم لهذا چنان اندیشیدم که ... همهٔ رؤسا از هرمکان برای خود شان و کیلها منتخب نموده ولا بتیکه ... دار السلطنهٔ کابل نزدیک هستند مانند شنی کروخ و کوهدامن و کوهستان وغوربند و جلال آباد و هزاره جات و پیشاور و جمرود تاری وکلای خودرا بدار السلطنهٔ کابل روانه بدارند. و از ولایات دور مانند هرات ... قندهار و مزار و میمنه که درین سردی زمستان آمدن شان مشکل ... بود و هم دیدن شان کار دار السلطنه خیلی مدت و انتظار بکار داشت ... از همه کدام حکومتی و ارباب الحکومهٔ خارجا موجوده اظهار فکر و میلان ... خودرا بکتبه رسما عریضه گذشته توسط عرایض عرض حضور دارند. ... ابتدا شما تاری متاع ملزم و وکلا را که خواسته ام مرادم اینست

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1618 of 1786

که شما البته ضرور از این یک امر خواهید بود که امروزه روز روی دنیا یک جنگ بسیار سخت و یک گیرودار وحشتناکی در یک کشمکش عظیمی است چنانچه اکثر دولتهای که ما متصل بوده هر یک امور وضع سیاسهٔ خودرا حفظ کرده نشر انسته ودرین این دولتها مابین خودرا بدولت ایران بسیار مشابه یافتیم . ایران در زمان ناصرالدین شاه یک دولت آزاد ومستقل بود وهیچ اغتشاشی در آن موجود نبود ناصرالدین شاه قریباً ۵۰ سال بلکه بیش تخت سلطنت ایران حکمران کرده وپس ازوی پسرش مظفرالدین شاه رخت نشست ودسیسی که مرا یاو اکثر طبل می بود چندان بامور سلطنت پرداخت نامید از حکمرانی قریباً ۷ سال یا کم وبیشی در گذشت واز اینجا حالت ایران روبخرابی نهاد چنانچه بعداروی پسرش رخت نشست ودر عهدوی بسبب ظهور تفرقه و اختلاق که درمان ملتش روی داد شیرازهٔ ایران بکلی از هم گسیخت و حالا امروز در ایران چنان احوالیست که درآن روس و جرمن و ترک باهم یکر جنگ میکنند و ملت ایران از دولت خود جدا شده وهریک از متخاصمین یعنی ترکیا وروسیا وجرمنیا ازملت ایران برای خود شان کر می گیرند وبهمدیگر می جنگند وایران بسبب همین تفرقه وی اتفاق خود حالا میدان جنگ دو دولتهای اجنبی گردیده است ! درینجا یک خبری درخصوص بلای بی اتفاقی برای شما بیان میکنیم ، درزمانیکه موسی یعنی علیه السلام قدری بعد یکیل قومی از بنی اسرائیل مرتکب یک گناهی شدند وبسیی بران گناه خودها نادم وپشیمان گشته از حضرتش استغفار خواستند وآن پیغمبر آن وقت برای همو واستغفار این جرم خودها رفتند آن پیغمبر چون بدرگاه حضرت تعالی درخصوص مغفرت ایشان التجا کرده وحی آمد که این قوم بسبی که بگناه شدیدی مرتکب شده اند لهذا ازین سه بلا یکی را برای خود اختیار کنند که بایشان عرضه دارند قحط وطاعون سوم بی اتفاقی بعد ازانکه همهٔ قوم این حکم الهی را شنیدند درمابین خود شان برای انتخاب یکی ازین سه بلا مشورت کردند وآن پیغمبر خود آمده ، گفتند باو حضرت تعالی عرض کنید که بعد بلای بی اتفاق ازین دو بلا که قحط وطاعون باشد هر کدام را که او برما بفرستد اختیار است ، درینوقت از حضرت تعالی وحی آمد که ازین قوم سبب قبول نکردن بلای بی اتفاق را پیش پیغمبر موصوف ازیشان رسید که حضرت تعالی میفرماید چرا بلای قحط وطاعون را اختیار کردید وبی اتفاقی را قبول نه نمودید گفتند درصورتی که اتفاق داشته باشیم البته کاهی چنین نخواهد شد که همهٔ ما غیر مدفون ومریض یا حتی القدور بی مأوا نخواهد بود وهیچ باشد دروقت قحط انها بدین همدیگر همدل های خود سارا اسکان داده خواهیم توانست ولی در صورت بی اتفاقی اغلب آنست که بیماری وی وقعاً بکمال فضیحت تباهو هلاک شویم ، سانرین حق سبحانه تعالی را اتفاق گروهو خوش آمد وگفتهٔ ایشان را قبول نموده بعد ازان بروی بلاهای قحط وطاعون رابیزار ایشان مورد داشت ! وظاهراست که بلای بدتر از بی اتفاقی در جهان وجود ندارد ، وهریوی که درمان بی اتفاقی راه یافته بالآخر فنا برباد گشته است ! پس چه باید کرد ؟ اتفاق ! اتفاق کردیم جوانان کلستان شد ! خداوند تعالی مرارتها ازطرف خودپادشاه مقدر فرموده وشمارا

درتخت حکم من داده است [صدقهای تصدیق] پس هر چیز یکه من بشما میگویم البته کاهی برای نفس شما وضرر دین خود نخواهم اندیشید برای خیر دین وخیرشما خواهم اندیشید من فی الحال خیرشمارا درهمین میبینم که دولت وملت باید هردوباهم همدست ومتفق باشیم مراد ازدولت باشد است ومراد ازملت آن ملتی نیست که معنی آن در کتابها وقته در یک اصطلاح زمانهٔ حالیه ملت عبارت از عبارت مثل الفاظ صاحب کمپنی اصلی کتابی آن یار ورفیق است وحالا در اصطلاح مؤلفا درهر خداوند دولت استعمال میشود ، ملت هم همچنان است ، وبرای اینکه دولت باملت وملت بادولت متفق باشد یعنی چنانکه من الشاء اتفاق هستم وخیرشما خیرخودوضررشمارا ضرر خودمیدانم همچنان شماهم بایدبادولت خود متفق باشید وخیرادرا خیرخودوشررادرشر خود بدانید مراجع سبحانه تعالی که رتبهاشدوالاتر مقدرفرموده وشمارا هم درهمهٔ مسایل که مابین باشند باطاعت من امر فرموده است [نوازهای تصدیق] درووجوه من فضیلتی دیده است هریکه که من مدعی آن نیستم [سا های همچنین ، همچنین] پس من امروز خیرشمارا درهمین میبینم که باید بدولت خود اتفاق کنید ! ودرمابین خودها خانه جنگی وخونریزی وجون وزاغیارا ترشحید ! وباهمدیگر متفق وهمدست گردید امروز من از طرفین شما وکیلهارا بحضور خود خواهم خواند که این مطلب بشمارا همهٔ افراد ملت خود بفهمانم که درینوقت که درروی زمین حرب است وهیچ کس نمیداند که فرجامچه خواهد شد وخوهای یکدیگر هم اعتبار واستقراری نیست برای ماوشما از همه اول اتفاق لازم است کماید باهم هر خیال ومتفق باشیم وکاملا بهمدیگر تکی باشد یکدیگر دانسته باشیم ، من از خدای خود همیشه آرزو دارم که مرا توفیق بدهد تا همه کار را موافق بخیال خود باشم که درآن خیرملت ودین ودولت باشد ودرصورتی که (خدانخواسته) ملت من از امر من درگذرد من ازین امر خیلی دلتنگ وازجانب دوست زار دارم [ازطرف خود صدهای تصدیق و صوتی وآوازهای تشکر خدا گویانه باشد ودرحق وملت وسلطنت دعای خیر کنند] شما خوبی وکیا خصی برای همین مطلب وبسی مطالب دیگر که هنوز موقع آن نیست خواسته بودم که شمارا خبرهم ولی چون درشما بسیار وقت گذشته دیر شده که شما ازخانه های خودجدا شده باید ودرینجا هم انتظار مرا نباید کرد بود یعنی نمیتوانید که ۴ یا ۵ ماه ۶ ماه دیگر درینجا وبنظر خود بگذرانید لهذا شما ازجمله همین قصد وچیدن خبر که هستید دوباره ۲۰ و ۴۰ خبر وکیل وکیل منتخب کنید بایدطریق مثلا اولا ۲۰ نفر انتخاب کنید وبانجاه ماه این ۳۰ خبر درهینجا بوده باشند وبعد از این ۳۰ خبر دفعه درعوض آن ۳۰ خبر دیگرشما که آنهارا هم درخانه گذارده باشید بیایند وهمانجا دفعه بعوض آن ۳۰ خبر آخری بیایند بهمین سالا ، ۹ نفر وکیل وکیل گرفته میتوانید که همچنین سی سی خبر گذشته لازم باشند بنوبت آمده ورفته باشند واخراجات سفر وغیره ان خبر همه ازطرف سرکار داده میشود وهرچیزی که بایشان گفته شود وهمهٔ افرادمان رسانیده میشود ، وبقیشما هابنی که مدتی استراحت های خود جدا شده باید وخواهخواه عیالها واولادهای کنار هم شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1619 of 1786

ان پرشان خواهد بود بدربار آینده بعد ازانکه باهریکیم وخلعتهای خود را بگیرید انشاء الله رخصت میشوید وازانجا که رفتید عین چیزی را بروز من چنانکه گفتم هرکدام تان بنفری تعلقهٔ خودتان سفارش بکنید بدگفتن این تقریر امروزهٔ من بشما داده خواهند که بحالات مربوطهٔ رفته برای مردم خوانید . ودرمشایع عظام محترم خود هم که برتبهٔ هیئت روحانیهٔ ملت من میباشند توصیه میکنم که همواره درتوقیع درخصوص اتفاق واتحاد وغط کشند ومردم را بسوی اخوت اسلامیه دعوت بنمایند زیرا الحال برای ما اتفاق ازهرچیز لابدضروری است وهمیشه برسیل عین مطلب کوشش خودهارا بالاتفاق صرف نمائیم [درانحا مجلس مرحوم پادشاه صاحب که خلیفه ومأذون اولیاحضرت صاحب مرحوم است وهم یکمال شجاعت وصفت مردانگی موصوف است این قوی اقبال خود ازطرف عموم حاضرین بانو کاله وازطرف خود بالمباشره بقدمبوسیهٔ همایون رسانید که ماهم نفری مشایخ ووکلا برای ما گزین خودرا درراه رضای خدا ورسول که رضا وخوشنودی بندگان موقوف ومنوط است سروجان وتن ومال حاضریم . وماخوش بدایم که حضرتهٔ تعالی ذات ستوده صفات پادشاه وبندار مارازهمهٔ بیشتر فهم ودکا وعقل وفراست مرحمت فرموده وهم اورا از خود بیشتر خیر وضرر مواقف گردانیده است ، وما در هیچوقت وهیچ وقت از امر وفرمان اولی الامر خودمانکه حضرتهٔ تعالی رما فرض گردانیده سر کشی نداریم ! وما راست که بوجود چنین پادشاه ترقی خواه دیندار خیراندیش خود بدرگاه حضرتهٔ تعالی شکر کنیم وازحضرت حق وقدیر مطلق بکمال عجزو نیاز طول عمر وبلندی اقبال وقبوت نصرت اعلیحضرت اولی الامر معظم خودمان را مسئلت نمائیم ودرین موقع هفت نفری حاضرین دست بدعاورداشته ازیکسر تاپیکر سرسلاطین پاک نهاد وتوازهای آمین آمین متصل فرا گرفت واصل مدعام درین توازها وغرو های پرجوش درآخر جهت اعانت بعرض سا رسانده] واخیراً ذات اعلیحضرت همایون اشرف والاهمهٔ حاضرین بالمرة مورد عطا فرموده بعدازانکه سلامی زرگ شاهانه تواخته شد جمع نفری هریك بسمت عزت خودهما متوجه گشته وبدینصورت مراسم دربار معالی بار باتمام شوکت واحتشام انجامواختتام یافت !

معارف داخلیه

یك مولود مسعود تولد شد

پریشنبه ۱۰ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۳۷ ولادت باسعادت مولود مسعودی در گلشن سرای خاندان جلیل الشان سلطنت ازصلب پاك جناب مستطاب مآب سردارا گرم حضرت نائب السلطنه صاحب افخم واقع آمده دلهای همه اخلاص گیشان سدهٔ سلطنت سنیه را شادان وخرسند ساخت .

(سراج الاخبار افغانیه) دعای طول عمروعلای این مولود مسعود ابتهاجی ذات خجسته صفات واقعما جد کثیرا خواهدبود وانشاء الله عزمهٔ عالیهٔ شان درزیرظل ظلیل مراحم دلیل ذات قدسیت صفات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه پادشاه ودین خود از بار گاه ذات اقدس کبریا بازمیکند وبعرض میرساند که باعث مسافت ما حاجزانهٔ خود میدارد

ادبیات

(قطعهٔ زبان افغانی)

(در اطاعت اولی الامر)

اطاعت داولی الامر فرض بین دی
بل بی ثابت سوی په قرآن
از وبیل یه دی وی چه خلق وای
رخا دی قول پسونه شه شیان
همه پسه چه اطاعت دشان نه کی
خودپیو خوری دیابوان اوشر موشان
پسه ځان پخیر وشر کی وهیزی
نارمه روزی لقمه بی دگر کان
چه ټیوه پرمه رانبی دامی ټینه
جمیت پریږ دی رهبی پر یاران
چه جداجدامی دوی حیل شپانه پریږدی
ټیوه حیل مطلب حاصل کی جدا آن
چه ټیوه پرمه کدی حاضی دادی
پسر وږیو تول زه لی پری لان
جدا مدتی جدای توره بلاده
هم دغه خدایه نواری دشمنان
دشمن هم دامطلبدی مثل واروه
ټیوه ځه خواری له خدایه دو باران
جدا مدتی لاړی شپانه قبول کی
او که نه وی بیایه وکی دیرا رمان
پدرکاب کی پسرور کی شه تابع می
شکری وکړموږ شان دی میران
دهی شیه لعظیم لازم پرهیزی میزی
اوکه مکی خوره وکی دیر غصان
لاری خدایه توفیق را کی وموږنه
چه دحیل پلوته تابع سو پهنه شان
شه توفیق داطاعت و موږنه راکی
چه دحیل امیر تابع سوپه قرآن
خوبه لوی نعمت درپدی پرموږ سوی
چه پلوته موسلمان دی هرافغان
دغه لو میرمالی د خسدای ده جاه
چه خپله قوم دی زموږ شیان
خدایه ورکه جدان اودورنکی کی
توله پر کلمهٔ چه مسلمانان
آمین
(صابغ محمد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1620 of 1786

جناب کرام ذوی الاحترام فصاحت و بلاغت بنیان صداقت و مصافت بیان محمود خان مدیر سراج الاخبار افغانیه در دولت خداداد حضرت خلد آلهی سراج الملة والدین دام ملکه معزز و مکرم باشند ـ بعد از شرح دعا گوئی دوامدولت خداداد که در تسخیر هریک از ولایات افغانستان از روی اخلاص و محبت می کوشند ـ مصدع حال آن خیرخواه دین و دولت خداداد می گردد اینکه ـ در این وقت بتوسط مایحتاج شجاعت و صداقت همراه جرنیل عبدالغفار خان اطلسی که خدمتگار صادق سرکار و فدوی دین و دولت است بجهت و قوف مضمون نسخه های محبت اطاعت اولی الامر که در مطبعهٔ عنایت جناب شده در دیده هر از حضور مبارک جناب معالی القاب شاهزاده جوان بخت معظم معین السلطنه صاحب چندجلد آن رسیده و در پرینت که در جمیع دار که حکی از اطلسی و ولایتی از افغان و اوزبک و ترک و تاجیک حاضر و درین مضمون نسخه موسوف را بآواز بلند جرنیل موصوف خوانده حکی از معتبرین ملکی و لشکری و کل اعلام بآوای مد کوره بیک جوش و خروش صادقه بیانتهای و یکدل درباب ثبوت اطاعت اولی الامر حضرت سرکار سراج الملة والدین دام ملکه از ثبوت و دوق باطنی و اخلاص و محبت قلبی ظاهر نموده عریضهٔ متضمن تعریف دلایل عقلیه بالغه بحضور جناب معالی القاب معین السلطنه صاحب درباب اطاعت حضرت سرکار اشرف اقدس والا حکی باتفاق عریضه ئی نموده عریضهٔ موصوف را بتوسط مالک الیوم بحضور جناب مدوح ارسال نموده قبل آن را مطابق اصل مذکور بدین سرکار والا تحکمه شرعیه اینولا باستدعای مردم مد کور ـ در محکمه سراج الاخبار درج آن فصاحت شعار رواج تودیع الناس بیان و عموم رعایا وطنی اینولا این است که آن جناب بجهة استحضار کل برادران دینی و ملی اهالی افغانستان قبل مد کور را که مطابق اصل است درج سراج الاخبار فرمایند تا حکی واقف و باخبر بوده ثبوت و دوق خودها را در اطاعت این پادشاه ترقی خواه لشکر نواز رعیت پرور اضافه در اضافه نمایند فقط قبل عریضهٔ مد کور همین است که مسروض و مرقوم می گردد فقط

(نقل مطابق اصل)

فدای حضور مبارک جناب عالی معین السلطنه صاحب شوم قطعه فرمان مبارک عالی مؤرخه بخشنبه ٣ ربیع الثانی عزاعلاه بانکه مضمون اینکه چون شکرانهٔ وجود مسعود مبارک شما یحضرت شهریار عدالت شعار اولی الامر مقدس و مطبوع اقدس مولانا علیحضرت سراج الملة والدین روحی وجسمی فداه و صرف همت عالیهٔ رعایا برادای حقوق اولی الامر فرض ذمت جامه رعایاست که بحکم قرآن عظیم و احادیث رسول کریم واقوال ائمهٔ دین ثابت و مستحکم است و عایهٔ رعایای افغانستان محمدالله والمنه در اطاعت اولی الامر راسخ و بدولت خدم می باشند یاران خواستم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1621 of 1786

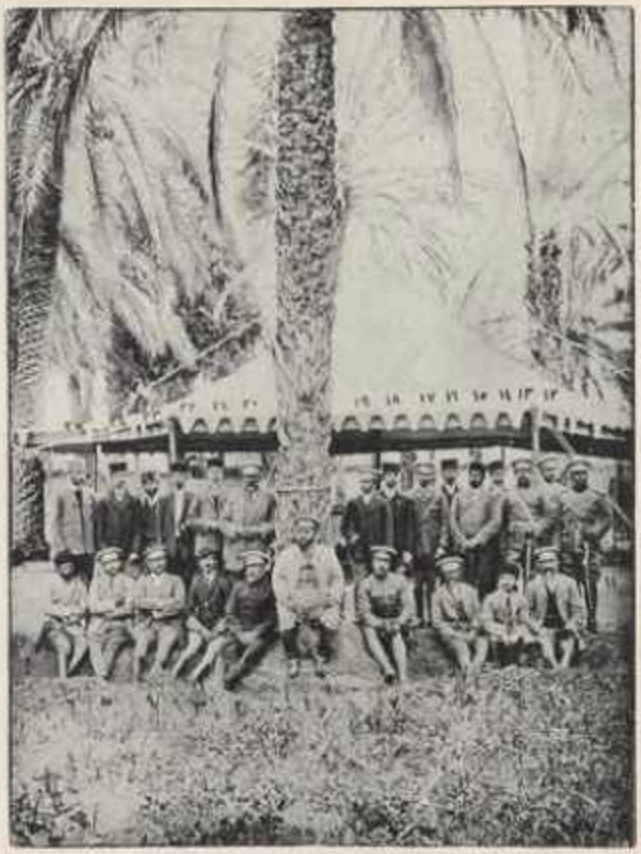

یك تذکار سنهٔ ۱۳۳۰
ذات اعلیحضرت پادشاهی پادشاه‌تاجداران معین شاهنشاه‌ثان
در (جرمنیا) جلال آباد
(صف نشسته کان)

(۱) ذات اعلیحضرت همایونی — (۲) مصاحب خاص سردار محمد یوسف خان — (۳) ر کاب باشی شاه‌ولیخان — (٤) مرحوم محمدامر خان — (٥) عبدالاحد خان — (٦) صاحب محمد خان — (۷) خان امیور احمد شاه خان — (۸) خازن الکتب محمد زمان خان — (۹) ایشیك آقاسی حضوری نیك محمد خان — (۱۰) امین العسس فاتح محمد خان —
(صف ایستاده کان)
(۱۱) — معین السلطنه شهزاده سردار عنایت‌الله‌خان (۱۲) — آدم‌خان (۱۳) عین‌الدوله شهزاده سردار امان الله خان (۱٤) — سکندر خان (۱۵) محمود طرزی (۱٦) محمدشریف خان (۱۷) — سپهسالار محمدنادر خان (۱۸) — محمد صدیق خان (۱۹) شهزاده محمد ولی خان (۲۰) — مصاحب خاص سردار محمدآصف خان (۲۱) محمد اسحاق خان (۲۲) محمد امان خان (۲۳) امان بیك خان (۲٤) — محمدیعقوب خان — (۲۵) مرحوم محمد اکرم خان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1622 of 1786

رعیت یک دو جهت ثبوت مدعای خود دو دلیل عقلی می آوریم که امر عقل از اطاعت اولی الامر بیان گذاشته لیاقت قاعده مقرر شده است که ذکاوت هر چیز در مقابله معلوم چیز است پس بیان زمان حاضر از زمان گذشته آن مقابله توده تصور کنایم فهمیده می شود که مرحمت های ملوکانه حضرت سرکار از تخفیف کورها رویه باقیات های اضافه کی تقویه نظامیه و تشخیص فراریان در اول جلوس و انتشار امنیات ایران و استرداد اعلان از واداختن رباطهای شش گروهی کی علاوه جات و سرکها و پل سا و آبادی پلها و آبادی معنی قصبه های متروکه و موترها و اختراع مکتب و فنون جدیده و اختراع سراج الاخبار افغانیه و ساختن شفاخانه و مقرر شدن وظیفه از برای مدرسان و محصلین و فقراء و محتاج و

عالم مشهور و معروف دنیا موسیو (ادیسن) امریکان
بابلیه اش
تلگرافی ، تیلفون ، فونو گراف ، گرا موفون و سی اختراعات الکتریکیه دیگرا همین شخص دنیا
اینقدر سروصدا پیدا کی طارق العادة دماغ خود اختراع کرده است و حالا نیز زنده و دنیا اختراع عجیب
وغریبی میکوید که مشغولست

مدارس و مساجد و مدرسه حساب جدیده در هر ولایت و ترایف اسباب و براق و ماشین و کار خانه ها و مقرر شدن محکمه جات جدیده و محکمه واقعه بکار ها و محکمه جات اطلاعات و محاورات بیان تجربه باز خواست و رفاهیت رعایا و نظم نشاء و ترقی ملک بجه اندازه در مملکت آبادی و در نظام انتظام و در رعایا رفاهیت و آرامی شده است فقط

دلیل دوم آنکه اگر امروز علاقه دولت خداداد اختراع بهر سر زمینی که است داده شود واضح معلوم میشود که امروز آفغان آرامی وشوق امنیون و مسلمانی و رفاهیت و واتفاق یکدلی که از برای سکنای دولت خداداد حاصل است میان هر گز زمین از برای هیچ علاقه میسر نیست در هر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1623 of 1786

... آرامی و آبادی مملکت و انتظام نظام و جمعیت خاطر در حقیقت وجود مسعود اشرف اقدس اعلیحضرت سر کار است مایان در اول روی که هنوز آثار اجرای مذاکرات های مذکوره در حیز وقوع نیامده بود فاروی شرع بحکم آیه والی عداوته « اطیعوا الله واطیعوا الرسول والامر منکم » بیعت و عهد نموده بودیم حال که آثار منافع بسیار در ترقی و آبادی مملکت و انتظام نظام و آرامی رعایا از حضرت ... کار دیده و مشاهده نموده بدلایل عقلیه هم ثابت شده است بحکم ... رفع نیز تجدید بیعت و عهد را ... نموده لازم گردید بحضور عالیجاه ... فرستادن ... واعلی حکمه شرعیه اینولا عهد صحیح ... بجای ایشان عهد میان خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و ما ... این بندگان و رعایای درین دار جعفر از اولاد شاه دین پناه ترق خواهد داشت آیین ... سرانجام الله واین دام ملکه نمیچیده بر دوست دولت ... دوست و دشمن دولت خداداد دشمن بوده جان خود ها را ... رضای خاطر اشرف اقدس والا آنچه که باشد معروف داشته از ... خاطر ثمر بخش والا در هیچ موقع تخلف و انحراف نپیوزیم ... بیعت بسته و تمالی عمر و اقبال حضرت سر کار را از ترقی و ازدیاد ... با برادران دینی و ملتی مایان را در اطاعت و رضای خاطر اشرف ... والا یکدل و یک جهت داشته بدارد و بجاه محمد العربی صلی الله ... آله الاطهار چنانچه کل معتبرین ملکی از سادات و علماء و ارباب و آقایان عموم رعایا و افسران و قاضی عسکر و سید مذکور را نموده ... حضور مبارک جناب عالی نمودیم فقط —

[illegible] است کل مطابق اصل تحریر گردیده فرستاده شد تحریر فی یوم ... ۱۹ جمادی الاولی سنه ۱۳۲۴ — قاضی دین محمد — غلامحسین ... بیدک — ایشان مقیم خان — علی احمد خان کاروان ساز — ... غلام قادری محمد رحیم والقمه ذکار —

حوادث خارجه

نقل از اخبارهای ایران

جریدهٔ رعد در سر مقالهٔ یکی از شماره های خود در خصوص ... داخلهٔ ایران در زیر عنوان (دیگر بس است) چنین مرقوم ...

دیگر بس است

بیان مقدمه وجیز و صغری و کبری ضروری ندارد . کار ایران گرفتار در پنجه رجال لاابالی ایران چرها گذشته .

مقدرات یک هیئت اجتماعیه ، آن ملاحظه ، یک دسته مجسمه های بیجان گشته ، که هیچ فشار ، مزاحمه ، تضییق ، تهدید و تکاپو استرحام التفاته در هیولای متحرک ولی فاقد احساس آنان مؤثر واقع نمی شود ، مطلب را صاف و پوست کنده اظهار ای مزید بصیرت ما میباید گفت .

قاعدهٔ مقدره که مظهر روز افکار متمدنه ، قوه حیات ملتها و دارائی متمدنه است مانیا هیچ یک از ذرات ایران را مساوا خواهد کرد بلکه مرده و بیروحیه که می کند به سبب انعدام نظرات ... شخصی افراد آن و ملاحظات خصوصی تجویز معالجه های شیاطین ... این چاری که از آثار ذاتی و لیاقت همین اعضاء عرق مرگ ... وی در حالت جریان است خواهد افزود

ان کابینه بایک چنین ترکیبات مضره مانیا اهالی کشور و حفظ کاخ و تخت شاهنشاه را ندارد بلکه از دوام عمر کابینه حکمرانی خود هرآن بر مخاطرات وحشت آور عمومی می افزاید .

اوضاع ایران

طهران ۵ دسامبر — احتمال می رود که فردا روز دوشنبه مذاکرات روس وانگلیس صورت تلگراف های حکومت ایران وجواب پیشنهادات خودش را از طرف در بار طهران دریافت دارند . از قرار معلوم حکومت ایران همانطور که من دروز تلگراف اطلاع دادم بدولتین جواب خودرا خواهد داد . ازقراریکه شهرت دارد دولت ایران در ارسال صورت تقاضاهای خودش وجواب پیشنهادات دولتین مذکورین فقط عقیده خودرا اظهار خواهد داشت یعنی مسئله تقاضا های ایران ولی جواب دعوی روس وانگلیس فیصله خواهد یافت . عقد اتفاق قطعی رسمی فقط پس از احضار قابینه کل و تصویب پارلمان ایران می توان صورت پذیر بشود .

حکومت ایران درضمن تقاضا های خویش تقرات ذیل را هم از دولتین روس وانگلیس درخواست کرده :

(۱) حق سربازان جنگی در بحر خزر و خلیج فارس .

(۲) حق تشکیل یک اسکادر جنگی تجارتی دران دو دریا .

(۳) تصدیق حقوق سلطنت ایران در جزیره (بحرین) وسایر جزایر خلیج فارس .

(٤) انگلیس حق مبایعهٔ بلاواسطه با شیوخ و خوانین ورؤسای عشایر ایران که درساحل خلیج فارس سکنی گرفته اند نداشته باشد .

(۵) تجدید مرحدات مابین دولتین ایران وانگلیس در بلوچستان وسیستان .

(۶) تجدید نظر در عهد نامهٔ (ترکمان چای)

(۷) انفصال پست و تلگراف دولتین روس وانگلیس در ایران . برای اینکه درحدهٔ اتلاف طرفین وقطع مذاکرات سیاسی تعجیل شود سفارت انگلیس باداشتی بدربار طهران که صبح روز شنبه ساعت ۱۰ صبح منقضی گشت ارسال داشت ولیکن بنابه خواهش حکومت ایران مدت آن مجددا الصبح دوشنبه تاخیر شد ، دریافت یادداشت انگلیس را حکومت ایران در پرده نگاهداشته .

مسدود نمودن راه ها

برای پیش بینی ازحمله بطرف قریب جمعه مجاهدین راه قزوا از طرف ساوه گرفته در آن نقاط سنگر بندی کرده اند واطراف راهم استحکام سوار و پیاده گذاشته اند که راه عبور ازمنطقه بهم مسدود باشد .

جنگ همدان

بقراریکه تلگرافا از همدان خبر میدهند جنگ بین قشون روس وعده مدتی درمیان بل شکسته که روز گذشته اطلاع دادیم بمنتهی جریان دارد قوای مجاهدین هم اخیرا زیاد شده است از طرف قشون روس دونفر صاحب منصب مقتول گردیده ازطرف مجاهدین هم یکنفر صاحبمنصب تلف شده است نتیجه جنگ هم تا کنون معلوم نشده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1624 of 1786

(کذا)

از قرار خبریکه تلگرافا از لژ از لژیان رسیده است چند روز قبل قشون انگلیس در ژدیکی وشیر سنگر واستحکاماتی تهیه کرده اند یک دفعه از عاصفین هر از لژ از لژیان بسمت ژیف حرکت کرده در اندا مقابله واقع شده منکری که قشون انگلیس تهیه کرده بودند بدست مخالفین افتاده است واز قرارکه خبر میدهند فعلا هم مشغول جنگ هستند .

ازجراید فرانسی

مراسم پذیرائی در قسطنطنیه

بموجب تلگرافی که از (وکار سن) مخابره شده انور پاشا بمشورالفعل ساختن طاق نصرت درقسطنطنیه برای جشن ورود قیصر داده است . وتیز برای تهیه سیاها تو گرافی وفوتو جدید خبر سیاها تو گرافی چربه برای اخبارم داشته . گویند که امپراطور آلمان درموقع ورود قسطنطنیه اظهار نامه برای عالم اسلام انتشار خواهد داد . تاریخ وعلل این اظهار نامه درقصر سلطان میان خواهد بود ازجمله تلگرافی می نمند بموجب اطلاعاتی که ازدوائر مطلع بآن تحصیل شده پس ازینکه قیصر قسطنطنیه را ترک کرده قصد ملاقات ویلهلم پادشاه یونان (کنستانتین) را خواهد نمود معلوم نیست این ملاقات درچه نقطه صورت خواهد گرفت ولی چنین شایعست که سلامت وقرارداد های لازمه اتخاذ را فراهم آورده وحل را معین کرده اند

سیاحت امپراطور آلمان

امپراطور آلمان عازم بسمت اسلامبول حرکت کرده پس ازملاقات باسلطان عثمانی برای ملاقات شاه ایران وخرستان بطرف بوداپست وبخارست وصوفیا وبلغارستان جلوی حرکت خواهد کرد سیاحت قیصر گیلان درآسیای صغیر فلسطین وقسطنطنیه جزء جراید وصاحبان آنان انتشار داده اند گفته اند ازآنکه بارای عثمانی اهمیت قسطنطنیه موقعین را ازملامتوش ومغبون ساخته وبخلیفت نتایج این مسافرت آثار سوی درروشنیان ساخته جای تعجب نیست به دول فرانسه وانگلیس خواهد بخشید .

ولیعهد عثمانی وفرستادهی قوای مصر

قطر باخبار وارده اسلامبول عرضداشتی که قشون دولت عثمانی مامور مصر بعهده یوسف عزالدین ولیعهد دولت عثمانی گذارده وبرضایت پاشا وسایر قشون وفرماندهی قوای آنان (یا کذرسانده) است قوای عثمانی این اواخر داخل عملیات جنگی درمصر خواهند شد .

ایضا خبرهای اروپا

اظهارهای روسیا برای تحت البحریها

جولان تحت البحری های آلمان واطریش مجارستان وبلاژیک که ازحیث کثرت تعداد ایشان دارای قوای هوا میباشد موجب نگرانی بحریه مؤلفین گردیده است و تروتهای آن پیوسته برای کشف نقاط مستور سوامل اتخاذ را برای یافتن مزایا که تحت البحری دوتحت نظر دارند وقایع مطبوعه هنوز بدست نیامده است .

مطابق اخباریکه بجریده « سویس » رسیده است در نزدیک جزیره « بیدا کوزه » یک کشتی سربسته که شکل صندوق عمیقی داشته است آزمایش بعمل آورده وچنین معلوم شده است که یکی ازکشتی های تحت البحری آلمان وحامل ازمواد مانع ازبن وجوهی فقط برای ذخیره رسانیدن بقوای البحری های آلمان بوده است .

بازهم تخته پاره ها وتنه های سفیدرنگ مشابه بهمان کشتی در بسیاری ازنقاط ساحل ایطالیا پیدا کرده اند .

بطوریکه معلوم میشود این نوع کشتی های سربسته ازمیان برای قوه وبرتری رسانیدن به تحت البحری های آلمان میرود وبرای آنکه مجهولات اظهارات عثمانی گردد عینی خود آلمانها این نوع سایر اخبارها معدوم وخراب میسازند وگوشه کنار نقاط ایطالیا این نوع اخبارها که مکرر گفته شده وارده اطلاعات دروغ بانه رسیده است الیا قرارداد های رادیو متعددی درنقاط زیر آبهای مدیترانه بوجود انبارهای متحرک یعنی درروسط آب ساخته وقرار داده اند که موقع رسانیدن فقط وبرتری بحت البحریهای خودشان باطلاعات بی کفایت رسانند .

مخصوصا درابتدای شروع بعملیات تحت البحری آلمان تا کشتی های مملو ازخوراک وعرض وسایل هنوز داخل عملیات نشده ودرروی این انبارهای مخصوص بسیار لازم وضروری بود .

سابقه که تحت البحریهای کوچک بکار افتاده اند توسعه مهمی درقاطعیت مساعدت بسیده که عین پاید خیلی مضبوط شده است واشکال مشکلی که درهر کوشه انبارهای فعلی بنظر میرسد نداشته باشند ودوباره محتاج باشند فواصل بسیاری را برای رسیدن بیک سرکز مهم وذخیره که لازم است برداشته عملیات آنان را فوق العاده سریع وسریع تر میسازد .

آن ۱۵ مسلم

ازجراید آلمان

قانون برسد قوه دریا

جراید وین میگویند کنفرانس هر دونیورنگ را درخصوص بحریه انگلستان واقدامات شاهنشاه بدهد . هردونیورنگ می گویند چنین امپراطوری انگلستان را پدو وسیله میتوان سازد .

اول آنکه بحریه ملی مختلفه کرده که تمام قاطعی را که ازقدیم هاراسد میتوانند برای خودداشته باشد . دوم آنکه انبارهای انگلیس خراب کند .

ازجمله باید انبارهای فراهم آورده که انبارهای جزایر الفاظ باید وایطالیا ساخته برای خود تهیه کند .

هردونیورنگ انبارهای که درسواحل بحری آنها بوده وانگلیس برخلاف یکدیگر خواهد بود .

هر دونیورنگ علاوه کرده اند

این جهت حرکت وبرتری بحری انگلستان را خاتمه خواهد داد اعلاوه براینکه دول مرکزی اورپا واقع خواهند بود قطعا بحد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1625 of 1786

... جنگ ایران عالیه انگلستان هم دچار مشکلات فراوان می‌شد. حقیقت اینست که نفوذ و رزی انگلیز و بخوبی لندن همین دوره در جنگ تزلزل و دودستگی میباشد. یک سال قبل اگر زمامداران لندن و اطرافیان بسمت داردانل سعی میکردیم می گفتند جواب میدهید. اما امروز آنچنان که دشمنان ما خواب تصور میکردند پیش نیامده گردیده است. اما خاورمیانه دران موفقیت اندازه مایل مرکزی اهمیت دارد که در حقیقت هندوستان محتاج بجاده های دریائی بود. دران اوقات ما میتوانستیم دریا خودرا بهندوستان برسانیم این طریق یک قسمت بزرگ دنیا از نفوذ و سیاست انگلستان خارج شد.

یکی دیگر باید درنظر داشت که مقدارهای معتنا بهی از مهمات را بدون گرفتن دیگر میتوان حمل و نقل کرد در صورتیکه راه امن این مسئله شکی نیست ولی من خود تجربه می کنم این مسئله که تا چه موقع جنگ بنفع ما خاتمه خواهد یافت بسیار مشکل و پیچیده است. برای این مقصود دولت می گوید اروپا باید کاملا ورشکسته و بیچاره شود تا اینکه قابل کنترل ما باشد و مردم بیچاره و بیکار ایران که حالا قابل کنترل ما نیستند و مطیع ما شوند.

بهرطریق ما باید کم و بیش منتظر این باشیم که این جنگ خودبخود خاتمه یابد.

خلاصهٔ آخرین خبرهای جنگ
از اخبار های مختلف

لندن ۲۷ مارچ ـ در پارلمان از سبب التوی دیگ حمل و نقل پرسان بعمل آمد. وزیر مربوطه اعلان نمود که قبل از این اخبار های انگلیزی رسمی درقم داده خواهد شود. بنویسنده گان اخبار ایران و افغانستان و حریص تر از ما نباشند.

بعد از یک مقدار تاخیر جنرال مایرز و معاونان حرکات قشون روی جبهه تور مصروارد یکجن عربستان شده اند. وزیر مالیه انگلیز در مکالمه خود اظهار داشت که مخارج جنگ تا ۲۱ مارچ ۷۴۱۰ ملیون پوند میشود. از این مبلغ ۲۴۱۰ ملیون پوند را انگلیز و فرانسه قرارداده بودند. گذشته از این مبلغ ۳۰۰ ملیون پوند را دومینیون ها و هندوستان پرداخته اند. وزیر مالیه اظهار داشت که انها را از حساب خارج خود پیش میبرد و پس خواهد داد. ولی انها را از حساب خارج خود پیش میبرد و پس خواهد داد. ولی از آنجائیکه انها حساب خود را خواهند انها را بعهده گرفته اند. وزیر مالیه اظهار داشت که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1626 of 1786

نطق صدر اعظم آلمان در رایشتاگ

از جراید انگلیس

مطالعه اوضاع جهنگ

آمستردام دورخه ۹ دسامبر بموجب تلگرافی که از برلن رسیده امروز درموقع افتتاح مجلس رایشتاگ کاربیار ازجمعیت بود

شانسلور آلمان مطابع نطق خویش را این چنین قرار داد از زمانی که رایشتاگ درماه اوت گذشته تعطیل شد جوانب داخله بلغار در جنگ بازوان توانای مادر ومدتر است . از آغاز اشتعال نایره حرب بین اتفاق دشمنان ما پیوسته مکر و کید میکردند کفرديناند تزار بلغاررا بسمت خویش ربایند وخاك اطریش وهنگری وعثمانی وچنانرا کرباله بدوی وعده میدادند . نه تنها از کیسه دشمنان خویش واز مستملکات یك دولت بی طرف بخشنودی نزار میکردند .

بلکه ازهادن اراضی مستملکات صرب هر مضایقت نمودند همان صربی که دربیه می کوید بخاطر استقلال وی عزیزت جانرا ازجانم عزیزتر دانسته است بار اروپا وتمدن چیره کردد . همان صربی که متفقین جانرا برای آزادی وی دعوی میکنند سپس شانسلور اضافه کرد :

برای آنکه بلغار بسعادت متفقین شمشیر از نیاور کند ازصرب تقاضا کردند که بعضی از اراضی خویش را بدوی دهد وصرب این تقاضا راپذیرفت ، واین معنی میداره که باچه درجه اختلاف وتفاق برتمنان ما با آمد . بعدازجنك خونبالکان حقوق عده بلغار وتقاضاهای مشروعی را در مقابل چه کسی نخواهد نمود .

بلغار که ثمرات آن جنك وسعی های وی را تحمل کرده بود در مقابل تهدیدات روس بدون صبر و شکیب در کوشه قرار کرفت ونظاره میکرد که چگونه بازیچه خونخواران وربا به مرتبه میدهند وحق دار را از حق محروم میسازند . (بشنوید بشنوید) صرب را بسایر دول بالکان مزیت وبرتری نبادند ودر انتخاب غنائم خون تحمیل شده دیگران حق اولویت دادند (براوو براوو) خصومت وعصبیت بالطریق هنگری ازهمه بیش قدرتر بود .

اکنون فردیناند شهریار بلغار عهد ومیثاق را که در اخر جنك دوبالکان بامات خویش بسته بود کرد وآن عهدنامه بود پرفرمای بلغار که بعدازجنك های بالکنو واسطه مادر وعدر دشمنان بطور پاس وحرمان رسیده شد قدری از اراضی از دست رفته بازواز نماید ودرحق ملی ما شاه وملت بلغار را در سایر های اقدام دارد (صرو وهلهله ـ صرو وهلهله) دولت صرب بجای آنکه در مقابل قرارداد وی رآید که لازمه خویش را ازعضمات بالکنجنك تازه آسوده نماید تصمیم کرد که همان لوای آتش واطریش هنگری عثمانی نماید بلکه برعهه لوای شرق خویش هم حمله کند .

قشون ما بطرز درخشانی درجبال صربستان کرده ودرجمیع سنکرها غلبه نموده اند . اینك ما وهرفیق قدیم خویش اطریش ودوست جدید مان قشون بلغار که بواسطه جنك کردن بهمراهی ما مقام حقه خویش را در بالکان بدست میاورد ادکارات خویش را تقدیم میداریم .

قشون ترکیه تجاوزات وشهادتی که از خصایص قهرمانان است داریم را از چشم زخم دشمن محفوظ داشته اند همان داراتی کهستراتکون در کابستان سال گذشته سقوط ورا قریب الوقوع اعلان میداشت امروز دار دالی از هر وقت محکم تراست ودرجناح راست ترکیه بانگلیس یك اضافهٔ قابل تحدیدی وارد آورده اند .

یك حادثهٔ ابدی در کانال

افتتاح راه شرقی ترنك یکی از وقایع مهمه این جنك است . راه مستقیم دهانی از نقطه نظر نظامی دارای یك قیمت فوق العادهٔ میباشد از حیث اقتصادی واردات ممالك بالکان وعثمانی جوانبرا بهتر رو می کفایت میکند . بعلاوه آنیرا بسی امید بخش است . حسن نیت فردیناند ومسلك ماکیاولیتی وی مابین دول متحده قیصرین وملك بالکان وترکی ترنك یك دیوار مستحکمی ساخته است . بعقیدهٔ متفقین این دیوار صدای قدم قشون وماطیون کوا هدشنید بلکه صلح سلاح وعلوم (آشنائی) از روی وی عبور ومرور خواهد نمود . (هی هیرو وهلهله) در حالی که مابین مالتنه ومالك التجاره میباشد کردهستدوستی ومودتی را که واسطه مصاحبت درجنك تحکیم نموده اند تثبیت خواهیم کرد اما برای آنکه مال هارا برضدیك یا برائیگزاچ بلکه برای این مقصود که طالبان ترقی را بمعارج تمدن ورسانیم . (هلهله) دشمنان ما کوشش می کنند که شکست های پشکیر نظامی خویش را در بالکان بوسیله اعلانات تحقیق کراه نمایند یك طرف جبران نماید (راست است عین حقیقت است) هاردو وهاموراز که از ابتدا اخبار کرده بودند تعقیب کنند . (بشنوید بشنوید)

کویت یونان

حالا کویت یونان است ازابتداء مؤلفین اظهار داشتند کهیر یونان . کنك خواسته بود قشون آنها در سالونیك پیاده شد . بقدر همین احوال مسیو وزلاس خودش ورؤسای یونان صریحا اعلان داشتند که پیاده شدن قشون در سالونیك مربوط به تحقیق اولیه وی بود که آیا یونان میتواند ۱۵۰،۰۰۰ قشون برای کمك یونان برسد تا حاضر نماید (بشنوید ، بشنوید) دولت انگلیستان وفرانسه حاضر شدند به پیاده کردن قشون در سالونیك شروع کرد وباوجود دولت سد دولت یونان پیوسته رفوای خودافزودند . وسالدار آنها جان خودرا رفتار میکند که کوئی خویشان مالك یونان اند . حالا مادامیکه ما این منظرهٔ جالب توجه را که چکونه معاهدین میتوانند روی خواهش انگلیس را برای نمایند کردن یونان وادار سازند تعقیب کنیم طرق جوار اشتغال میباشد . اول وعده بیطرفی میتوان ازیونان تقاضا کرده بتحصیل مقصود موفقیت حاصل نمود بی طرفی متمایل را بین خود کرده ازیونان تقاضا کردند که قشون خودرا ازسالونیك وتوابع آنها حرکت دهند و در مزبور رارای اقدامات دفاعیه علیه هیچ متفقین وا کذارد وراه آهن های یونان وطرق سر حدی را برای عبور ومرور قشون بانها منتقل سازد . ولا نیرا در آنیه خصوصی یونان برای هرکونه اقدام وعملیات نظامی آزاد واکذار است تحریری کهمؤلفین برای بی طرفی متمایل میکنند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1627 of 1786

دول دولت عثمانی باوجود جمع انکلاتن که بدان گرفتار میباشد
جمع کرده است که بطرق خودرا حفظ نماید وطرف واستقلال
تمام عثمانی را از دفاع نماید .

انکلیس

بران هنوز چنان مطلب نیست . انکلستان بادکرد خدمات کار خصایص
کران تاثر است چنان معاوقه دارد که برای قلس بطرق بازرگ

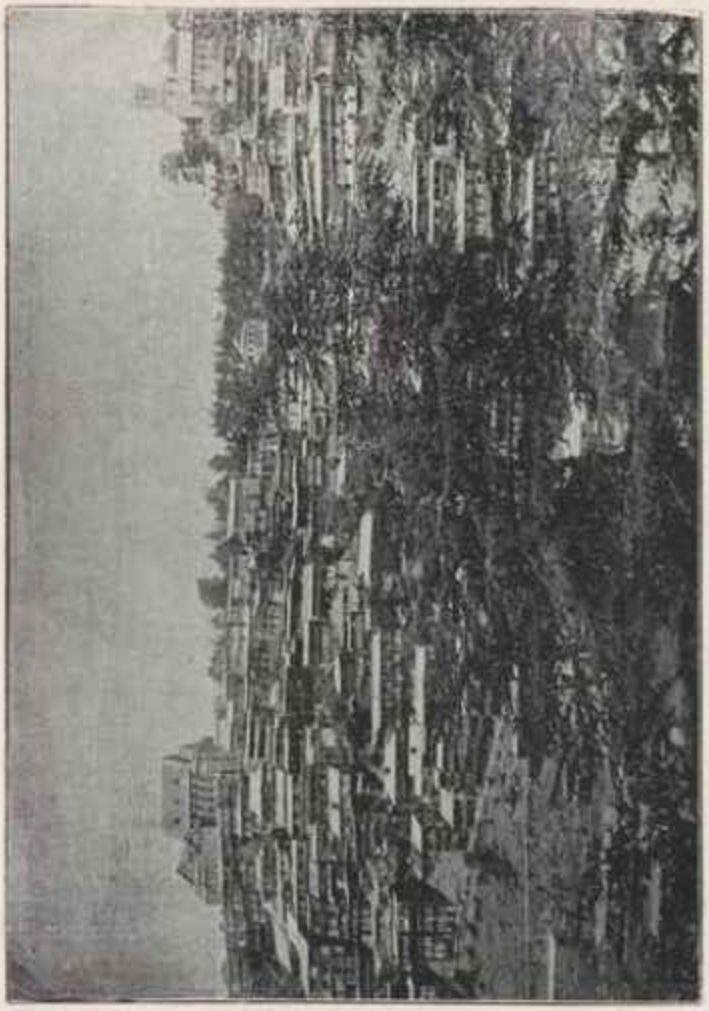

آرتمانارخه هند . قلق
مظرهٔ شهر سیلون که وقت صید بلکوت هجوم است

کنون کاتان عهدشکن است وهام راعبور می کند که درمقابل قوای
ملی کاریزه وی تسلیم شود . واژاینرو باید وبرادرهم شکست .

هرکس که خویشتن دارای مسلک جور وطراست وبرتوان اینکه به
دفاع می کند دیگر نخواهد ریاکاری واقعی زادگی خویش را پوشیده
وپنهان دارد . همانان انکلستان می کند که نهایت ستوده راه خویش

دفاع زراعتهای منجیم ستوردا . وبدین مساکرا برای اهالی دیاکرار کرده
درنظر خاص وعام بی‌دریغ شر منده ورسوایش خواهم بود . حتی
خود انکلستان نیز ملتفت این نکته شده است چنانکه چندی موزخه بلغ
نوامبر درطی یک مقاله صریحا اعتراف می کند که انکلستان برضد آنان
تشنیع کشیده است زیرا استیلای وآنان قدم دیگر تنگ نخواهد بود

تشنیع کشیده وبرای این تجاوز بعساکر آنان دعوت شده است .

انکلستان درچند امر در این دعوی خویش صادقه کرد لیکن
آخر الامر مجبور شد اعلان دارد که عدم ترک وی درجنگ قلس
بطرق بازرگ بوده است روزنامه تیمس این جریده بوجود کاعتراف
کرد انکلستان برای بازرگ داخل جنگ شده است . وباز جود این
انکلستان درپیش ممالک بی‌طرف باصراری پیش از پیش زبان بحسرتانش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1628 of 1786

اکنون باید دید که چرا تحکیم انگلیس این حسه ارزی دوام دارد .

وضعیت نظامی

رامیج وضعیات نظامی شانسلور چنین گفت : — درمشرق قشون مابصاحبت سپاهیان اطریش هنگری دارای مواقعی بغایت متین وبحکم هستند وهمیشه حاضراند که بازهم پیش روند . درمغرب راست است کهانگلیس هاوفرانسویها میتوانند سطح جغرافی شمرده ودرمعنی از خاط بفروت مقتدار وارد آورده اند لیکن بدرجه تکمیل خطوط ما که مقصود آنهابود موفقیت حاصل نکرده اند . وبحاهدات آنهاعاقبت مجاهدات سپاهیان ما نتیجه داده ، اطریش هنگری مقاومتخانه خودرا درمقابل قشون ایطالیا نیکو حفظ کرده بامقاومتهای دلیرانه حملات متوالیه ایطالیارا کهبالفعات سینکین بعمل میاوردند دفع نموده است .

حفظ ۵ زمستان درپک کوچهٔ شال کوته

در لهستان ولیتوانیا وگورلند ملاحظه کردیم که هما کر روس درموقع عقب نشستن تمام خاط راهرا هولناک باز وخراب کرده اند وهیچ ومیچ کامل درآن خاط برقرار بود . مادر آنجا قوای نامیه جدید ازقبیل پلیس وغیره وادارات بلدی وتشکیلات قاضی ودوائر حفظ الصحه بنا کرده ایم . صنایع اقتصادی آنجارا ترقی داده راه آهن را مجدد ساخته ایم وقوانین بلدی وضع کرده ایم تامردم درحیات اجتماعی بهره مند ودرجوردار شوند .

درتحکم نظام مسئله تعلیمات مدارس دقت مخصوص مارا بخود متوجه داشته . در ورشو یک دارالفنون یک مدرسه عالی بنا کرده ایم .

هیچ کارنجی باشتان نمیدهد که درپی صفوف کارزار حالی که ملیونها سپاه برای یک جنگ حیات ومماتی بجان هم افتاده اند بتشکیل خدمت صلح پرورانه بعمل آمده باشد .

لزاجع وضعیات اقتصادی عارضا اگر بطور تشریح توزیع کردند کافی است این مسئله یکی ازحقایق قطعیه انسانی میباشد قبلا دارای میهمدرخاط ، دشمن گرانقدر تادرخاک ما .

اقسام های صلح

ازوضعیات نظامی واقتصادی ما دشمنان ما چنین نتیجه می گیرند که مادرشرق زوال هستیم (بطور استعاره) مخصوصا این عقیده درمیان آنهارواج دارد که مابرای صلح التماس می کنیم . برلین بوفورا مدوم د کنزسوالفدرا درلاهه ، برلین مکسیملیان رادر اشکهل ، و کابینه هارتمن رادر رم ، مامور کرده ایم که برای صلح وساطت کنند ودرمیان این اظهارات دشمنان ما هیچ حالی که دربالکان آرام گفته قیصر ناپلئون میرود تادرآنجا شرایط صلح را اظهار نماید ودرتمام این اقسامها حتی یک قدم راست پیدا نمیشود .

زمانیکه صفوف مؤتلفین دربالکان قطعه قطعه شد ووقتی که صلح

ویران ساختن ایطالیا شهرهائیرا که میخواست تصرف بدهد بوجوب شکست های نظامی ویرا جبران خواهند کرد .

دربارهٔ یک وضعیات اقتصادی اطریش مجارستان دارد ، کهاین وضعیات آن ممالک عمدهٔ از کنند ، وضعیات مالیه آنجا مرتب شده است خانه ورا آهن هاوطرق باز ومشغول کارند ، واستخراج ذغالست در ازدیاد میباشد چنانچه درعرض ربع سال اخیر تقریباً سه ملیون تن ذغال استخراج کنند ا گرچه ارعده کارگران که بیکار بوده اند کاهیده شده لیکن این مسئله غیرمکن است که تواز بازار کار راه حل معمول عمدت دادزیرا ربطاتهای گمرکی توسط بسی ابواب تجارت صادرات راوبازیک صنایع آن ممالک را خفه کرده است . ونیز دولتهای آلمانی مشغول مذاکرات مدارس هستند که زمان بازیک تعلیمات خویش را دوام دهند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1629 of 1786

نمی دهیم بیائید مادران افسانه ها را رواج ندهید . من کوشش کردم که اوضاع میدانهای جنگ را بطور حقیقت بیان نمایم . دشمنان ما در مقابل حقایق منطق هیچ نمی توانند کرد . تعهدات بیطرفی و عوامل مانع ومنعند . از اینرو اطمینان داشتن خواهند بود . اگر هم نبود وقریب دشمنان ما در مقابل سپاه راستی و حقیقت پی شده است عقریب بتسلیم مجبور خواهند شد . ما را که از یک اردوی دیگر میدریم و در ممالک مصر دور افتاده وخویشتن را تنها میدانیم فرتوان گفت که در تحمل و توانائی در اخلاق و توای معنوی از دشمن پست ترهستیم اقتصادیات آلمان هنوزی با وی توانای برابری کردن دارد است . ق . ق . ما تسلیم گفتار خواهیم شد . و اخیری ثابت جنگ را کدشمن میخواست و ما میخواهیم دانسته آنچه را که آنها آنان ازما تقاضا می کنند بعمل آوریم (هلهله وشادی طویله وشادی)

جنگ بطول منجر

ترجمه از اظهار نطق نخست وزیر :

زمان وما که جنگ دران قیافهٔ بی وحشی عبارت وواز کشتن دشمن ایم وبسا خاطرها چون حسیات انسانیت بی مرحمت وشفقت را فراد بی بشر دانسته ترقیات اخلاقیه وتعلیم روحانیه دران طوائف ما بطور دشوارتی ـ مادیهٔ محفوظات مقامی گفت که بالسیران وعجروحین آنها نمی معاملهٔ مرحمت ومهربانی کردهشود کدشمن عیالسیران وعجروحین ما گیاسان درافتند معاملهٔ شفقت ورحم دل نباید . ودراندیشی نیزمی گوئی می کنند که چگن گمصالح ملت وملت اصلی امروز را اصحاب قرار داده ـ

چون خیانت انگلیس که در حالت صلح ورد آن سلطان وشاه دشمنان عثمانیا غصب کرده ـ وشرارت روس که هنگام آتشی آشتی ملتوس را بمعاندت دائمه دشمنی وهنگامغفلت راستبول بدون اعلان جنگ قبضه کردن میخواست دولت علیهٔ عثمانیه را مجبور داخل شدن دین جنگ عالم گیر نمود . شیان ترک که امروز پهلوان دولهٔ اسلامیانند وازحیث شجاعت ومروت وصداکاری محبوب خلائق از خاص و عام گشته . درمیدان لطف ومهربانی گردن دوستان اسیر ـ وخصوصاً در جایهای امداد در ممالک عثمانیه ـ از همه گوی سبقت ربوده . باوجودیکه در ابتدای دراین وملت روس رعایای آنان واطرافی وعثمانی مفید گشته . وهمچنین در حربی و آستراهکری رعایای دشمنان زیر حراست درآمده بودند ودیوان ترک (ترحماً ورأفةً واعتماداً علی حسن الاداره) هزار ها مردم انگلیس وفرانساوی وروسی تزادرا که هنگام آغاز جنگ درممالک عثمانیه ـ چهوردار اخلاوه وچه درد یگر شهرهای ملت محروسه بودند . آزاد ومطلق العنان گذاشته ـ حتی کاغذهای ارسالرا کهخلاف دولت وطن خود جشمنان جاسوسی می کردند مادام که حربی ازایشان ثابت نشد هیچ تعلیقی نمودند حال ملاحظه فرما این کرم وعطف عاص انسان ترکیرا ومقابله کی آرتاصلف جاوانه ومعاملهٔ وحشیانهٔ انگلیس گهزارها مردم بی گناهرا ازوضع وشریف هندوستان بمحض امکان شاید بعید بکشید وحراست چوپس در اقدامه است ـ :

بین تعاون زه از یگانه تاکجا !

ازمدت می تاعشر حزران سنه ۱۹۱۵ ! ترکیی درتر هنگاه وباع ما فرا درقرب هوال زپاپلیس برای گذشت رهانده اوروپ اسلامبول مردان وزنان فرانساوی و انگلیسی و روسی زادرا جزم گنان دیده بانه وزیر صاحب منصبان انگلیسی و فرانساوی را که در بار بدیل دست ترکان اسیر شده بودند بکلیکه نشست مانند سیاحان محترم باکوچه وبازار رای هواخوری سیر گنان ملاحظه کرده باشد .

درمیدان جنت هزار کن اخلاق سنه و آداب شریفه را هیچگاه ازدست نداده این شهادت چشمدید کوناه انگلیسی از روزنامه عراق عرب در جن تر کان در جرائد انگلیسی جاپ شده است پس از مدرکه بدست و دوم جنوری ۱۹۱۶ ع بحوالی قط العماره هنگامیکه باران تمام شد ورای گرفتن مجروحین ودفن کردن مقتولین مدار گفتار بات صاحب منصبان ترکی و انگلیسی گشتگو آغاز کردند ـ آن چشم دید گواه انگلیسی چنین می گوید ـ (صاحب منصبان عثمانی بگرمجوشی وخنده پیشانی پیش آمدند ـ زیرا گمجانبکه یکدوست گفت ـ ایشان درجهٔ ثابت دلمویت مواضع وداوب هستند (در عبارت انگلیسی لفظ مومنیت رای اظهار محبت مخلوط باعتراف وغیر ایجا استعمال شده) بلکه صاحب منصب عثمانی کلاه اسطرخانی رسم و ادب کاری زیر ران از خیمه های ایشان رانده بود ـ گفتم ماشیدیم که تنها زیر باران هاصفید ـ او تبسم کنان گفت ، چگونه چادرها داشته باشیم ـ هنگامیکه تنها بمجین حربت انگلیزی توپ میزنید ! بارانرا من سوال کرد ـ این جنگ تاکی مداومت خواهد کرد ! من بی اختیاری گفتم که شاید پنجسال مداومت کند اومتعجب شده گفت ، پنجسال ! مضحکه ندارد ، روانی پست وخبث خاصاحب منصبان ترکی گفتگو می کردیم یک مرتبه ازدهی آمده دست بریشان نهاده بطرز عسکری سلام کنان ایستاد کاشکیکما گفتگو تمام کردیم ـ من نمیخواهم که بدبخت سربان ترکان بی اندیشه خود را در اندازم ، ترکان مانند دیگر مردم خطا ها دارند ـ اما درای من این امر مسلم شده است که معاملهٔ ترکان درین جنگ با غیر ازمعاملهٔ دیگران بوده است ـ درمروت ومردانگی ودستکیری بجار کان ازهم پیش الان پیشیان بپرداند ، ترکان هیچگاه رصاب اجریحی علی مجروحین توپ نیزنند ، وازروی الموثوق ثابت شده ، که ترکان رحمة زخمیان روسی بار رواران کاهی نیرتفنگ پرداخته ترکان مردم متخلق باخلاق حسنه ومتادب بآداب حمیده هستند ـ وحسن معاملهٔ ایشان بسربان خودشان شهرهٔ آفاق است ـ چون پیش ازچند ایام گذشته دوحرف طیارهٔ ما بست ترکان در افتاده بودند ـ جنرال نورالدین پاشا حسب خواهش مردم طیارهٔ ما بعرب فرستاده ورای اسباب عسکری ایشان ازاینجا سیاست ما هم اسباب اقتصاب طیاره ومبالغ ازپول رای ضروریات ایشان فرستادند درین اثنا آن مردم طیاره را بجانب ثمال روان کرده ـ پس جنرال نورالدین پاشا بایت عذر خواهی هم اسباب هم پول ازفرستاده یادفرستاده که آن اقتصاب طیارهٔ انگلیسی اکنون مهمان دولت علیهٔ عثمانیه هستند ازجهت پول وغیره اینقدر زحمت نخواهدبود ـ جنرال مبالغه ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1630 of 1786

کنون از دست ما امیر شده هندوستان هرستاده شده است . از حمایت عربها آگاه بود که برای غارت کردن اسباب زحمارا می کشند پس او حکم داده بود که هر کس یک انگلیس زنده را بیارد مستحق پنج لیره خواهد بود

ساحه قوای خویش را فراهم می آریم تا زنگارا خراب کنیم و برباد دهیم ـ اما مابانیان کینه ودشمنی نداریم ـ وهمچنین ترکان هیچ ناحیه وعداوت ندارند . من از ان صاحب منصب عثمانی که کلام اخیر اخذ برسیدم که چرا تنها بخلاف ما بجنگ درآمده اید ؟ او چیزی غیرواضح درجواب گفت ـ گویا گفتا انگلیسان ترکان را در جنگ بلقان صدمه زده بودند . و هم گفت جمله درباب سیاست گفت که من نفهمیدم .] جرأت و گستاخی انگلیس را ملاحظه کن که از قبائل آوق بام صدا کرد خودرا ساخته بجنگ عثمانی درعراق عرب حاضر آرد واز ترکان می پرسد که چرا تنها بخلاف ما بجنگ درآمده اید !

آزادی دعاوی انگلیس وفرانس وروس درممالک عثمانیه قریباً یک سال و نیم دوام جنگ باقی بود ـ اما وفیرک انگلیس وفرانس درابتدای این سال قانون قدیم حرمت ایلچیان را شکسته قونسلهای عثمانی والمانی و اطریشی را درسلونیکا ودیگر جزائر یونان که تحت دولت بیطرف بوده است ـ اسیر کرده می بودند ـ نه حبر بلکه عثمانیان رعیت مسلمانانرا هم اسیر کردند ـ دولت علیه عثمانیه مجبور انتقامدهنده رعایای دول متحصاره را زیر حراست پولیس نهاد ـ معاملهٔ انگلیس باشرفا ورعایای عثمانی که هنگام آغاز جنگ درممالک انگلیسیه بودند خوب نبوده است ـ می گویند ـ که دا کترهارا درحبس ورای میلهای آهنین انداخته بودند . بعضی را از انها دولت خدا داد از زندان انگلیس وارهانیده ـ

ترجمه از اخبارات انگریزی واردو

(اختلالات روز افزون)

(هند)

یک خبر از (ماریسال) اظهار میدارد که بعضی مزارع ها بسبب ۱۲ مارچ یک شخص باو اسامیرندت نامرا قتل کردند قتل درکجری کواجوبنام موضعی صادر شده است .

پولیس مرکزه تحقیق وتفتیش است !!...

دیگر :

ایضاً ازماریسال خبردسیده است که ، باوسنیش چندرپهتا جرجی ، درکتبی خود خواب بود که وقت ۲ بجهٔ شب یک گروه دارد زن هاو جمعه کرده قریب ۹۰ روپیه کلدار غداو جنساً ربوده اند . این باو سب السیکتر آب کاری روح پور بود .

پولیس مرکزه تحقیق و تفتیش است !!...

دیگر :

از داکخانه روح پور ۲۰۰ روپیه کلدار بطریق (پاسرار) گمشده است پولیس مرکزه تحقیق وتفتیش است !!

دیگر : درعلاقه ورنام موضع هندوستان یک آدمرا بعنوان ملزم درعدا (۱) حاضر کرده اند . گناه اواز قرار ذیل است : این ملزم درخت گواهه می نشست یکوقتی به مالکهٔ خانه خود یک خط نوشت که ا مبلغ ۵۰۰ روپیه ویک زیور طلائی خودرا میدهد غیر ازاین والا ما آمده اورا می کشند . خانهٔ اورا می سوزانند و اگر میخواهد بر یک صدت که همه مبلغ اورا میسود آن پس باو میرسانند .

در مکتوب مذکور اینرا هم نوشته است : که ای مالکهٔ خا اگر شما پولیس اخطار مرا نشان بدهید البته من بدی خواهم ولی فقط واردان من که چهارهاخرد البته بی حس انتقام خواهند

مالکهٔ مذکوره خطرا پولیس داده نوجوان مذکوررا چند حکم شده است !... حقیقتاً غریب یک مکتوب پنداره !...

دیگر : برحواله دار یکر سکهه ونایکاو پورن سکهه (راجپوت) الزام شده بود کهایشان ازیکم جنوری ۱۹۱۵ اپریل حاضر بودند که یک جائی که انگلیزارا ازهند یعنی وطن بیزار خود می کنند شبوروزسی وجهدی کنند ولی بعدازان گوتوال ریورت نکرده بودند بلکه خود ایشان وچندنفر (!) دیگران با آنها اتفاق کرده بودند . لهذا درپی حوالداران اخطار نظر کشیدند اورا ازدریا شور عاقبه اسیر عمری ساختند !!

اختلالات هند

درشب جمعه ۲۶ جمادی الاول تخمیناً بیست نفر افغان غیر وقت یک بجه شب در علاقه آب پشاور شهر پشاور وحدود اسماعیل خیل قریب دوازده هزار روپیه کلدار غداو جنس زاردهاند پلیس عرب شده سردارشان راکشود طرفین مابین خود غیر تنفنگ هم بودند او پلیس یک نفر مقتول و یک نفر مجروح گردید از طرف دهره حق وهمجروح وه دست گیرشده بخاطر جمعی بقیهٔ قشون وجنسی سا طرف یاغستان رفتند —

آخر ترین خبرها

وایسرای جدید هند

دهلی ٤ اپریل غره جماد الاول

لارد چلمسفورد امروز بعمل غش و یرقانه صبح بسوا دهلی موسوم به قیصرهند درهلی رسید و ۳۱ فیر توپ بطور کرده شد وا کثر حکام اعلی ملکی و نظامی ووالیان ریاست ها استقبال او بودند — واز جانب مجلس منطقهٔ شهر دهلی خیا مقدم پیش کرده شد — وبعمل ۵ بجه و ۵ ٤ دقیقه گذشته حکومت هند رابدست خود گرفت وبعمل ده و نیم بجهٔ شب بطرف رواله گردید —

لارد هاردنگ پنجشنبه ٤ ماه اپریل (غره جمادی الثانی) شاه بنوازی جهازابیربک (عربی) هندوستان را الوداع کرده انگلستان رواله گردید —

جهاد بحاذ برطانوی

ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی

لندن یکم اپریل — ۲۷ جمادی الاول

نامه نگار دیلی میل مقیم دارالروم رقمطراز است که ازقراریکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1631 of 1786

بسیار کثیر در کمیت واقع می‌شود که اغلباً بر رطوبی‌ها یک
تلفات وارد کرده خواهد شد ـ

گرفتاری طیاره بحری برطانیه

لندن ۳۱ مارچ ـ ۲۶ جمادی‌الاولی ـ
از هیگن ـ یک فروند طیاره بحری برطانوی با سه نفر سواران
خود بیل واقع دوبارهٔ از سبب حران آنجن در بحر افتاده بحری مذکور
بدست آمده بود ـ

خبریات روس

از پطروگراد مخابرات گورت مال گورت گاوله باری خوفناک کرده شد ـ در مشرق
ـ از گاوله باری شدید جرمن‌ها در علاقه درمیانی دو اردوی مونت
آن یک حمله زبردست نمودند

حمله جدید در مشرق میوز

لندن یکم اپریل ـ ۲۷ جمادی‌الاول ـ
در بیانیه اعلان رسمی در باب حمله جات جرمن‌ها در علاقه ورن مذکور
است ـ در مغرب میوز تا حی گاوله باری وقوع می‌آید تا کی
شرق میوز وقت شام گاوله باری از حد شدت اختیار کرده بود
و از آن وقت شب در علاقه واکسی جرمن‌ها بهمراه جمعیت کثیر
خود حمله آوردند ـ دفعیه حمله اول از گاوله باری توپ وتفنگ کرده
شد تا کی در حمله دوم جرمن‌ها مدد از جنگ وجدال شدید در قریه مذکور
داخل حاصل کردند در قریه جات واقع دامن کوه میوز گاوله باری
شدت وقوع آمده است و در تپال ایسی مقابله دشمن توپخانه‌ها را
نصب است ـ باطری‌ها بر زانه‌ها و ریل ارکون گاوله باری
دوام نموده ـ

تاخت هوائی مزید

۱۶ طیاره علاوه ویکصد طیاره دشمن شدند

لندن ۲ اپریل ـ ۲۸ جمادی‌الاول ـ
بطور رسمی اعلان کرده می‌شود گذشته دو لنگر جهاز
بالای ساحل شمال مشرقی انگلستان نمودار شدند فقط یکی از آنها
پیدا عبور نموده بود ـ و دیگری واپس رفته بود تماس همین قدر
ثابت شده است که ۱۶ فروند طیاره و یکصد فروند زخمی شده‌اند ـ هشت
فروند طیاره را صدمه شدید رسیده است یک عکس هیکل کار فرانسوی
گرفته شده است ـ

تلفات تاخت هوائی بوجمعه

لندن جمعه اپریل ـ ۲۸ جمادی‌الاول ـ
کل تلفات تاخت هوائی بوجمعه چنانکه اکنون معلوم شده است
نفر علاوه و ۵۶ نفر مجروح میباشد ـ دوصد دانه بمب گاوله‌های ساده
و نیز احاطه شده بود اکثر عمارات و خانه‌های سکونی و تجارتی
شده‌اند لاکن هیچ نقصان اهمی وقوع نیامده است

تاخت هوائی بر ساحل سکاتلینه

لندن جمعه اپریل ـ ۲۹ جمادی‌الاول ـ
بروزدین اعلان میباید که زپیلن‌ها بشب یکشنبه بر ساحل سکاتلینه
الاتحاد شمالی و جنوب مشرقی انگلستان نمودار شده و بمباری کرده‌اند

ترجمهٔ اخبارهای انگریزی

۲۷ مارچ سنه ۱۹۱۶ ع جرنلدن ـ نامه نگار اخبار مارننگ
پوست از سلانیک می‌نویسد که فوجهای جرمنی و دولت بلغاریه در زمین
و بحر بسیار بسرعت تمام پیش قدمی مینمایند ـ فوجهای یونان در مقابل
شان بسیار بسهولت پس زده شده فرار مینمایند و افواج جرمن و اتریچ غالب
جنت و اسپانیتیل فون وسلنیکا تان را قابض می‌شوند ـ و نیز خوف
آن است که عنقریب فوجهای دولت اسثرو ـ و ـ ولگاریا) حمله خواهند
کرد ازین سبب جمله یاشنده کان ولونا طرف مقابله یونان می‌روند ـ

۲۷ لغایت ۲۹ مارچ جرلندن ـ یک لنگر جهاز (سیدن) نام
انگریزی و یک لنگر جهاز (خرطوم) نام انگریزی و یک لنگر جهاز
(میدوسا) نام جنگی انگریزی و یک لنگر جهاز (منچستر انجیر)
نام انگریزی و یک لنگر جهاز (اپرس آف مدلینه) نام انگریزی
و یک لنگر جهاز (ایکل وانت) نام انگریزی و یک لنگر جهاز
(پی) نام دولت فرانس و یک لنگر جهاز (هیرهیب) نام دولت
دنمارک و یک لنگر جهاز (دولفید) نام دولت هالیندرا آبدوز های
دولت جرمن غرق کرده ـ گویا در عرصهٔ سه روز ۹ لنگر جهازات
دول متحده را غرق نموده اند ـ

کامیابی مقابی بعوض تلفات کثیر

لندن ۳۱ مارچ ۲۶ جمادی‌الاول
جرمن ها در علاقه وردن بار مباجه خوفناک اختیار کرده اند ـ
اعلان رسمی میکوید که گاوله باری زمان کورت است ه سابق در
شدت دوچند شده است وقتیکه بهمراه جمعیت کثیر ازسه طرف بران
ذیحون های سلسله وارد ـ عاطفه فریمند کور یک عطان لیا مانی
نبود ـ بعد از جنگ وجدال خوفناک که کل شب جاری مانده بود
و جرمن ها در آن تلفات کثیر رسانده بودند سپاهیان مقربه ویران
شده را خالی کردند ـ

تعطل در سلسله ارسال و مرسول

لندن ۲۹ مارچ ـ ۲۴ جمادی‌الاول
برف باری وطوفان گرد باد در انگلستان عمر بالمثل می‌باشد از سبب
تعطل سلسله ارسال و مرسول کثیر تلفات عمارت معلوم خواهد
شد ـ سرک ها مسدود و کار و بار در کار خانه جات و معدن ها معطل
شده است ـ در کوچه و بازار زمستگم بقدر یک ذرع انباشته است ـ
از سبب افتادن درخت ها در آمد و رفت ریل و تراموی در لندن هرج
واقع شده است یک قطار ریل راز سپاهیان که بطرف جنوب هوا پس
میرفتند از ایردین بمداز ۲۳ ساعت در لندن رسیده است رفت و آمد
تلفات کثیر از هر گوشهٔ انگلستان آمده میرود انجین طوفان و برف
باری در انگلستان از عرصهٔ چهل سال بوقوع نیامده است کل جهازات
و کشتی‌ها بر ساحل لنگر انداخته اند ـ

(مستر دالش) در نظر رخود بیان نمود که این جنگ تمام دنیا را در افلاس
گرفتار نموده الی مدت هفت سال طول جنگ دولتهای دنیا را خواب نموده
و بیان نمود که میان از مدت هفت سال قوت دولت تزک را یک مرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1632 of 1786

پیاده پوره دانسته هیچگونه وقعت اورا نمی‌دانستیم مگر خدا میداند بکدام یک طریقه براستاریم همین چهار سال میباشد که آنقدر ترقی نموده که امروز از جمله دول درجهٔ نهمدان ماوراءالنهر می‌شود و بحیث یک از طرف هرکس که در میدان در آید بمیان می‌چکند اگرچه علمای شان مدرجهٔ اعلای افلاطون رسیده مگر در شجاعت و مردانگی شان هیچگونه فرقی پیدا نمی‌شود و (راکدوانی) بیان نموده که روزگار جاپانیان در خصوص تسخیر قسطنطنیه راقی دولت روس مورد اپریل سنه گذشته نموده گفته کرده زیرده داریل حق نموده نتیجهٔ آن همین شد که دولت بقاریه و دولت جرمان ازما علیحده گردیدند و دولت روسیه اعلان حرب داری نمود —

۳ الی ۹ سنه از یل حرب اندن ـ پنج لکر جهازات (زرنه) و (بتور) و (دریو) و (شنه) و (گنیت) کمان دولت برطانیه ویک لکر جهاز (نیو) از دولت ناروی ویک لکر جهاز (وهکو) از دولت اسپین ویک لکر جهاز (هانریتا هیلا) که دولتها ازندرا آمد و شدهای دولت جرمن ویک لکر جهاز باربرداری دولت روس را بقعه هری واب آن آمد و دولت کرکدر بحیرهٔ اسود غرق کرده ـ

٤ سنه ازیل حرب برزد کرد ـ (جرنه آنیوسوف) کمان فوج جنوب مغربی دولت روس از عهدهٔ خود استعفا نموده ـ و (جرنل رانسکوف) بجای او مقرر شد ـ

۵ ـ ازیل خبر اندن معلوم شده که (جرنل ویلی) وزیر جنگ دولت انگلستان از عهدهٔ خود استعفا نموده ـ و (جنرل موردن) بجای او مقرر شد ـ

۳۱ مارچ سنه ۱۹۱۶ ع حرب اندن ـ اطریق مرکزی اعلان یافت که شب گذشته فوجهای جرمن در خلاف (وردن) بقلعهٔ جات بسیار بشدت نمودند ـ اول و خاته حرب قوت جات سابقهٔ بسیار بمیان برمیان (مان کورت) ابوه داری نمودند و بعد ازان به جمعیت های کلان و پیدرپی ازسمت مذکور هجوم گردیدند ـ ده (مال (کورت) در نقاط مذکور انگریزی بودند از جهت بسیار سخت که تمام شب جاری بود و طیان بسیار سخت برای افواج جرمن دیده فوج انگلیزی بدوران شدهٔ (مالن کورت) راخالی نمودند و جوشکاراهی گرفته مذکور بدست فوج انگلیزی بود ـ اعلانیتی درباین طلب رفته و در دیگر خلافه جات فرانس هم بدستور سابق حرب جاری است ـ

۳۱ مارچ خبر توکیو دایر بحث دولت جاپان ـ جنرل (اوکا) وزیر جنگ دولت جاپان ازاین خلافات طبع از عهدهٔ وزارت استعفا نموده و جنرل ـ (اوسوبیا) بجای او بر عهدهٔ وزارت مقرر گردید ـ

یکم اپریل خبر اندن ـ یک دسته جهازات هوائی قسم زپلین جرمن برخلافه جات مشرق و شمال مشرق ملک انگلستان حمله کرده غریب دوصد عدد بمبهای هرقسم انداخته ازین جمله ازمدادی ۴۳ نفر هلاک و ۶۴ نفر مجروح شدند و عمارات بسیار و (ترانزیل) و غیره ویران و خراب شدند بعد از آن در تاریخ ۲ اپریل دوعدد جهازات هوائی دیگر به اراده حمله بملک انگلستان بودار شدند که یکی آن آبهای انگلستان راعبور کرده ناوالست واپس رفت و یکی آن عبور نموده بملک انگلستان حمله نموده بمبها انداخت ازین جمله دونفر ۱۶ نفر هلاک و ۱۰۰ نفر مجروح شدند و عمارات بسیار به آتش گرفته ویران شده —

اعلان

سراج التواریخ
جلد اول — و دوم

زنده گانی جاودانی هرقوم و ملت (کرچ آست) ـ (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات بقای ملت جلیل افغانست ، زیرا از آثار تشکیل و تکمیل دول افغانیهٔ سابقه بخوبی میداند که برای حفظ واستقلال ملت چقدر درسکاه عبرت ، و توشه از ان ابناء ملت تصور نتوانند ، هرفرد ملت را واجب است که بقدرامکان آنرا بدست آرند و مانند جوهر در گنجینهٔ قلوب خودشان نگهدارند ، علی الخصوص که کتابیست که به پت خاصه و جبر خواهان استفادهٔ عمومی بامرومرحمان دات عزیز صفات پادشاه مقدس بلاعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف و در مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل بزیور طبع آراسته و از اینجهت

جلد اولیان کتاب از اشتهای سلطنت خاندان زنبان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمدخان مرحوم جنت مکان از هند در کابل خدیو و جلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا اول جلوس اعلیحضرت « سراج الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه و جلد سوم آن از جلوس اعلیحضرت سراج الملة والدین تا اواخر سنهٔ ۱۳۳۲ هجری قمری که مطابق سنهٔ ۱۹۱۴ عیسوی است ، در مطبعهٔ مذکور بالفعل بحروف چاپ طبع شده است ، حجم کتاب مذکور بست درشت وخوبی مجلداً آن اقرار دارد که

قیمت (۱) یکنی جرمی جرم اصواری ماهدار کابل پخت چهار جلد جدول طلاپر کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اعلام بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ بچهٔ کابلی —

قیمت (۲) یکنی مقوا روپه گرم مائی چهار کنیچوز برجرم خاص جلدبرده اسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مبلغ بیست روپیهٔ بچهٔ کابلی

قیمت (۳) یکنی مقوا روپه گرم لاجوردی چهار کنج وزبر جرم یکنی سرخه کابلی پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جلد بندی شده بازده روپیه بچهٔ کابلی وده شاهی —

قیمت (٤) یکنی مقوا روپه اری چهار کنج وزبر جرم یکنی سرخه کابلی پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جلد بندی شده ده روپیه بچهٔ کابلی و سه شاهی —

قیمت (۵) یکنی مقوا روپه اری سرخ چهار کنج وزبر کرشه نیلوفر کتاب ونشان دولت ورق طلا جلد کوتاه بندی شده نه روپیهٔ بچهٔ کابلی وپازده شاهی —

محل فروخت

در قلعهٔ ارک میدان که از طریق خانه جناب حاجی عبدالرحمان در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر در وقایع وشیرازه بندی هیچ کتاب موصوف نقصان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر فرمودند که جلد اول ودوم در یک وقایع شیرازه جلد سوم وچهارم آن که هنوز در یک طبع میباشد وبعد از طبع برآمده ملحوظ کرده شد انشاءالله اعلان فروش آنرا کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

محفوظ هاست که مستخط دارد از طرف مدیر ومدیر محترم جریده

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1633 of 1786

اعلان

محلوم مشتر کین گرام خودرا

بذ آوری میکنیم

مرفدرین و کوشش کردیم که از شکایت و بیمار اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا مرتفع گردانیده، ولی کماکان مرکزی دارالسلطنه کابل دیگر نمانده، بلکه مشارالیه ضمیمه توزیع اخبار ولایات گردیده است. لهذا مشترکین گرامی که بعهده مرکز دارالسلطنه خود را مکلف میدانند، از تاریخ ۱۵ سنبله ۱۳۰۱ مطابق ۱۵ ستمبر ۱۹۲۲

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1634 of 1786

(اعلان)

پراکنده

اگر مطبوعهٔ کارهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، از بدو تأسیس انتشار تا بحال محمد آگهی سیاستهٔ و رافعهٔ اعلان ، و حوی طبع ارزان ، بالخصوص بسیار زیبا جلوه گر بازار خریدان گردیده است ، اگرچه از حسن خط و سلک عبد است ولی مطابع و خیالاتش سراسر بیکر و جدید است . قیمت طبعهای عامری و معمولش قیمتش خیلی ارزان ، مثل (۲) دو روپیهٔ کابل درحوه مطبعهٔ عنایت از کوچه عبد الرزاق خان سر مرتب ، ودر بازار نزد از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ویسر رسیدهٔ کرار ، مطبعهٔ عنایت ، کامیابانه میدان یافته ! ، جزیرهٔ پنهان ، یک ناولیست که غوث عشق و معرفت وسعی و غیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر نظر گرفته و جلوه گر میسازد ، هر حکایت ، هر عبرت هرفن ، هر فضیلت ! حوی جلب ، حوی جاذبه ، حوی تصویر تلاوه ، قیمتش نظر بحوبیهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه کابل فروخت هس مطبعهٔ عنایت در دو افغانستان ، و کابل باز محمد بازار نزد ، و کابل حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه عد

کتاب سال دوم ... مصور عد

کتاب سال سوم ... مصور عد

کتاب سال چهارم مصور عد

علم و اسلامیت

آنچه باید کرد !

ادب درس

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابها هم قید اداره موجود است ، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بادارهٔ مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت دو به کابل

سیاحت زمرد از دوزخین بهشت ، روز عد ۲

سیاحت در سیر هوا عد ۴

سیاحت در زیر بحر مصور عد ۱

از هردهی سحق و از هرچی شاهی عد ۴

روضهٔ حکم عد ۲

پراکنده مصور عد ۴

جزیرهٔ پنهان مصور عد ۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مفوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان نزد عبدالرزوف خان سر مرتب و از دکان باز محمد خان کتابفروش در بازار نزد و از دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی خریدهای خویش خریداری کرده میتوانند .

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مفوقرا بکنند بمدیر سراج الاخبار افغانیه عاریه کنند .

اعلان

کتابهای عد سراج الاخبار افغانیه ، و کتابچه‌های علاوتان و دیگر های متفرقهٔ آن ، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت هرخداوند که آرزوی خریداری آنها را داشته باشد از دکان حاجی ملا غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، و از دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار از کاغذهای دیوی آن خریداری کرده میتوانند و نیز در خود اداره در مطبعهٔ عنایت که ، در خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1635 of 1786

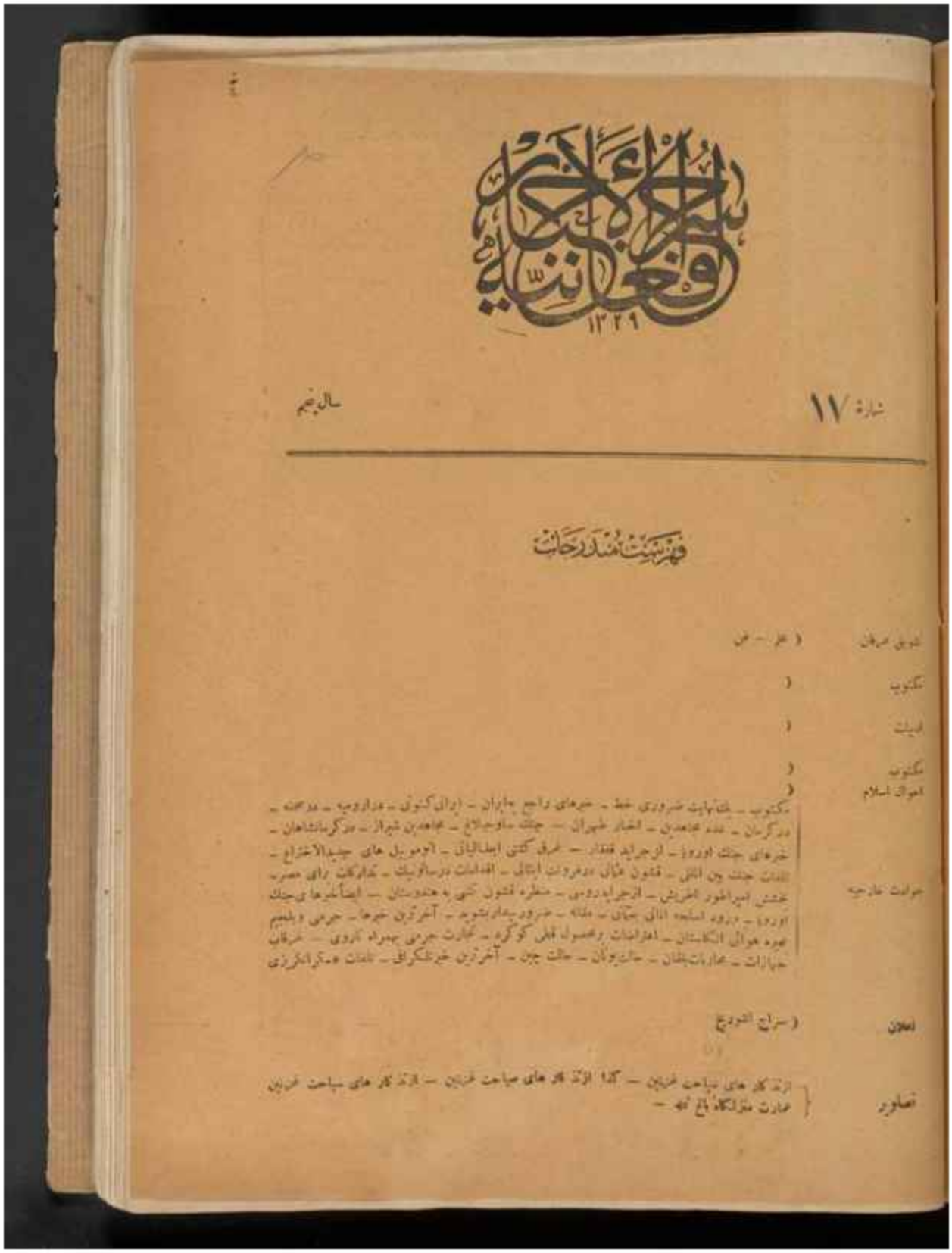

شمارهٔ ۱۷ سال نهم

فهرست مندرجات

شوی عرفان	(علم - فن	
تکنولوژی	(	
ادبیات	(	
تکنولوژی	(	
احوال اسلام	(	
حوادث خارجه	تکنولوژی - شایانیت ضروری خط - خبرهای راجع بایران - ایران کنونی - عزاداری - مراسم - درگذشت - نامه عاملین - اخبار طهران - جشن ساوجلاغ - عاملین شیراز - درگذشتگان - خبرهای جنگ اروپا - از جراید قفقاز - غرق کشتی ایطالیائی - اتومبیل های جدیدالاختراع - اقدامات جنت بن الملل - قانون مالی دوره دوم ایتالی - اقدامات دولت عثمانی - تدارکات برای مصر - جشن امیرالمؤمنین افریقی - از جراید روسی - منظره قشون کشی به هندوستان - ایضاً خبرهای جنگ اروپا - دوره اساسیه ایالی بحران - ملاقه - ضرور بیدار بشوید - آخرترین خبرها - حربی و بلجیم عهود هوائی انگلستان - اعترافات رضعیول قبل کوکره - تجارت حربی بهمراه ناروی - غرقاب جهازات - عمارات بلغار - حالت یونان - حالت چین - آخرترین خبرتلگرافی - تلفات عسکر انگلیزی	
اعلان	(سراج التودیع	
تصاویر	ازند کار های سیاحت غربین - کذا ازند کار های سیاحت غربین - ازند کار های سیاحت غربین عبارت متروکه واقع شده -	

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1636 of 1786

اعلان

ازصنایع پرورپای ذات ستوده صفات اقایحضرت سراج الملة والدین پادشاه زیبحواه دولت علیه اعلیه ومهبی وهمت جناب مرکز غایه جناب ، مادون خانهٔ مهار که دارالسلطنه کابل علاوه ، راجای حوایج دولتی وفشکری مانند آلات حربیه مقابله و توپخانه صاحب کرشاهانه وغیره ، معنی دیگر مصنوعات داخل که از ان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اقیحضرت عز حکم فروشی ان صادر گردیده است : عمل فروش این چیزهای ذیل (در کان خدانه خان درباز ارنه) میباشد.

(۱) سرخ های پشمینه باقی رنگهای مختلف کیفیت آن از قرار گرانکلازی ۳ فوتمتخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هرهر وقریه

اقسام	قسم اول			قسم دوم		
درجها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم بهای فی قطعه آلزه ۲۰ یارد
رقم	تاحالساخته نشده	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	رنگه / خودرنگ	خودرنگ / رنگه
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه / ۱۱ پیسه	۱ روپیه ۱۱ پیسه / ۹۰ پیسه	۱ روپیه ۹۰ پیسه / ۱۸ پیسه	۰ روپیه ۱۸ پیسه / ۹ پیسه	۰ روپیه ۹ پیسه / ۶ روپیه	۰ روپیه ۶ روپیه / ۱۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۲۵ پیسه | کشمیره مرغدار هر قطعه ۱۰ روپیه پیسه

۳ چرابا

رقم	تکه‌بافتهٔ زوج	راهدار زوج	مصنوعی زوج	تکه‌های چرمی عراب ومنبردر	
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	کلان قدرجن / میانه قدرجن / خورد قدرجن	
				۱ روپیه ۴۰ پیسه / ۱ روپیه ۱۰ پیسه / ۷۵ پیسه	

(٤) کروه های جدید ساخت

رقم	دستاف تکه‌بافته دوگره‌دار	زه باف یک اسپه دو گره سه کاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار کاره تخم
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۹۲ پیسه	۵ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم‌بافته‌های دوآب	چرم باف دست دولاسه یک اسپه	دسته دولاسهٔ یکی چار اسپه	چرم باف هرکار
قیمت	٤ روپیه ۴۸ پیسه	٤ روپیه ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	٤ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قبضه دار کیف تفرتوتاق	قبضه کلیت تفرمازچرم پیه آلاچه توغاق	زه باف رقم سواری ساق کلیت	زه باف دو کاره رکابی
قیمت	۳ روپیه ۵۵ پیسه	٤ روپیه ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۹ پیسه
رقم	زکان ازچ	چرم باف چاپه چوبه پت زناه	ازدن سوزنی تیغ چرمی	زناه ابریشمی جیاق
قیمت	٤ روپیه ۱۵ پیسه	۵ روپیه ۸۹ پیسه	٤ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولاسهای رنگی کلیت تفره	از ان سوزنی دولاسه تیغ چرمی کمتر دار	چرم باف ماچن پت یک اسپ
قیمت	٤ روپیه و ۴۹ پیسه	٤ روپیه ۵۵ پیسه	٤ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

۵ اقسام کلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل ناقرمان	گل پریه	گل نیو
قیمت	۵ روپیه ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی پیسه
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندنی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(بالقلم)

(میر محمد عالم دفتری کار خانه‌جات (کمپان خاص)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1637 of 1786

صفحه (۱) سال پنجم (شمارهٔ) ۱۷

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در ولایات داخله افغانستان
در ممالک خارجه ۱۰ روپیه انگلیزی
در ماه یکبار انتشار میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک پیسه است
(اعلانی که درج نشود داده نمیشود)

مدیر و سررشته محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانهٔ مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
عرض امورات تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۳۱

تاریخ قمری غره رجب ۱۳۳٤ تاریخ انگریز ۲٤ می عیسوی ۱۹۱٦ تاریخ شمسی ۱٤ ثور ۱۲۹۵

تشویق عرفان

علم — فن

از پی خدا ، ای اهل وطن

تا کی غفلت ازعلم و فنن تا کی حسرت، زاحوال زمن
خیز ازمن ، بشنو از من کوشش باید از پی فنن

از پی خدا ، ای اهل وطن

علم وفن ، شد آتش و آب سوزد هردم ، سازد شاداب
سوزد دشمن ، سازد احباب : هر کو بدی سازد علم و وطن

از پی خدا ای اهل وطنن

آیا ما زاد نبوده و نیده ؟ آیا گوشت ، این نشنیده ؟
کاندر نار ، کس نگزیده : رحمت وشرف ، ذات وعلم

از پی خدا ، ای اهل وطن

ذات و فخر ، در یعلمی عزو شرف علمیست تعلمی:
هر کو نه ترقی فعیل خیل این هردم ازعلم وفنن

از پی خدا ای اهل وطن

بنگر تونسوی همسایهٔ خود ایران بنگر، حالش چون شد!
از یعلمی، طمانت کاوره محکوم شدند وخاکشد من

از پی خدا ای اهل وطن

بالا تروی ، ترکیه ، ببین کابل زبان ، کشمیر قرین:
باعلم وفن ـ زاروز زمین : طاقت کردند ، در جهانن

از پی خدا ای اهل و طن

از پی یکدیگر ، بالا تروی چرمن بنگر حیران میدو
کو ازعلم ، بر ده مکروی ازجمله جهان، ازجمله وطن

از پی خدا ای اهل وطن

نبود جهان، جز علم وهنر اسباب دگر، از پی ظفر
در جو هوا و بحر و بر حاکم نبود، جز علم وفنن

از پی خدا ای اهل وطن

باید انسان، بیدار بود باهب وطن، بیدار بود
رفع و ضرر هشیار بود آنکه کردند، زحوالث زمن

از پی خدا ای اهل وطن

کردن خواهی اروعز آموز! دنیا خواهی؟ روعلم آموز!
مسعود شوی؟ روعلم آموز! بالا آبوطن.

از پی خدا ای اهل وطن

علم وفن شد ، استاد وفق علم وفن شد ، ماحی نفاق
علم وفن شد ، مارا ترقی بی او باشیم ، مسموم بدن

از پی خدا ای اهل وطن

گر خود نشدیم ، آنکه بالا باید بکنیم ، مکتب فردا
مکتب پر شد بهر برنا : باید بکشود ، از فن در وزن

از پی خدا ای اهل وطن

روزن کفتم ، مکتب باشد مکتب چو بود ، مکتب باشد
فکر تو دران ، حلقب باشد بلکاف به آن ، سد آهن

از پی خدا ای اهل وطن

ای اهل وطن، تاکی خوابم بیدار شویم ، بس بشتابم
اولاد وطن ، را در یابم ، مکتب سازیم ، در هر زن

از پی خدا ای اهل وطن

ای اهل وطن ، ما بم نبود همت مارا گر دست جسود
مارا باید ، بی دهن و قنود مکتب سازیم ، بروفق زمن

از پی خدا ای اهل وطن

اعلیحضرت ، یا دا دینا متبوع ما، سر کار ما
بنیاد اساست، مکتبها را او کاد ما ، شد پرسخن

از پی خدا ، ای اهل وطن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1638 of 1786

پیرو کردیم ، اولش از جان اول حق را ، دوم قرآن
سوم دین ، چارم سلطان لازم باشد ، پیرو گشتن
از بهر خدا ای اهل وطن

حق در قرآن ، قرآن در دل نور فرق تو یکی از کور و بصیر
فرق ظلمت ، از نور منیر جهل و علمست این پیچ و شکن
از بهر خدا ای اهل وطن

پیغمبر ما ، فرموده چنین عرفان بطلب باشد در چین
حکمت از تست ، در روی زمین میرو میجو ، یکتا تا من
از بهر خدا ای اهل وطن

شاه سالار ، آثار جلوس باعلم کوس ، مارا مأنوس
عرفان و غنا ، سازان عسوس گردید پدید ، در هر ورق
از بهر خدا ای اهل وطن

قرآن و حدیث و امر مولی ناطق باشد ، راهین : کمیل
باید بنشینم با جنبه بتول در راه علم ، در راه فضل
از بهر خدا ای اهل وطن

السابقه سبوق ، اندر لاحقان باصدق وطن ، ایمان و جان
بشدیم کمر ، با من و شان دائما بسازیم ، او لاد وطن
از بهر خدا ای اهل وطن

یک مکتب ، بایده مکتب کافی نبود ، صدها مکتب
مارا لازم ، لکها مکتب ایها شود ، چرسال و چن
از بهر خدا ای اهل وطن

ای اهل وطن ، احسان و کرم از هرچه بود ، کریش و کم
از مال و درم ، ز جیب و شکم بلکه جا آرو ، سازش خرس
از بهر خدا ای اهل وطن

بالآن خرمن ، مکتب سازیم لکها لکها ، خیرا نیازیم
هرکوچه بلاها دور اندازیم هرسو کرده همچون گلشن
از بهر خدا ای اهل وطن

ای اهل کرم ، ای اهل عطا ای حب وطن در هر دلها
جو مدی ، بکشید بهر ابتدا تاشاد کردد اولاد وطن
از بهر خدا ای اهل وطن

اولاد وطن ، حقها دارد آینده وطن ، زانها دارد :
صدها امید ، دلها دارد زاولاد وطن ز اولاد وطن
از بهر خدا ای اهل وطن

مارا باشد ، یک بدعلت آهم اینست ای خوش فطرت :
« بعد از سرعادت ذات : هرچه باشد ، باشد چه بی اه
از بهر خدا ای اهل وطن

پیغمبر ما ، میفرماید : « دهر دنیا ، کار ی باید »
« گو یا که تمری نامه اید باقی هستی تا دور زمن »
از بهر خدا ، ای اهل وطن

« چرعفلا کاری می کی کویا کاروی ، فردا زچین »
« هردم هرروفکری میزن چرفیرت ، هم چرگفتن »
از بهر خدا ، ای اهل وطن

ای اهل وطن ، این قولهای دقی باشد ، حرف از دلوی
کزان نبود دنیای دلی ورران کردد ، زقولوسخن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

اند یشه یکی ، چهر آکی حاضر چیست از نسل آی
یکدشه زما ، شاید آکی از چروطن ، کردد جوشن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

جوشن کلفم ، مکتب میدان مکتب ، مکتب مکتب میدان
طیاره طوپ ، آتش افشان زرع وهر ، فی تدجوشن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

تاکی کویم ، از علم وفن فر سوده بشد ، توی آهن
شرم آید ، ز ثبات سخن زر اظهار ، باشد روشن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

ظاهر بنکر ، در روی زمین احوال جهان ، زانخودی بین
هرجا که شده ، فن را تلقین آنجا روشن ، آنجا کلشن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

آنجا قوت ، آنجا عزت دیکرها ، عسرت فسرت
علم وفن شد ، حکم وقدرت چون آن نبود میزی بدهن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

دین حق شد ، دین اسلام قوت عزت ، اورانست مرام
آواز چمه شد ، کفرور تمام میکو باین ، می کو شین :
از بهر خدا ، ای اهل وطن

کویم باکو ، ز اسباب آن یک نکته شنو ، باقی هزیان
ملک اسلام ، حکمت عرفان کمشته ازوی ، مانده اوروفن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

مارا لازم ، در دست آریم ملک خود را ، هرجا یابم
با جان و دل ، کوشش ورزیم ثروت یابم ، از علم وفن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

عزت یابم ، از علم وفن قوت یابم ، از علم وفن
قدرت یابم ، از علم وفن بالآن یشویم ، حقیقت وطن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

علم از نبود ، ایمان نبود نبود حرکت ، کرجان نبود
جا ن آمده علم ، ارزان نبود همت باید ، بلملک وطن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

میدان جهان ، همت کردند بالآن همت ، غیرت کردند
کوها تیغها را بر کندند آیا نبود ، مارا نکفتی ؟
از بهر خدا ، ای اهل وطن

نکذار کنیم ، این عقدهٔ خود اندیشه کنیم ، آیندهٔ خود
مکتب سازیم ، دریغهٔ خود دین و دنیا کردد بامن
از بهر خدا ، ای اهل وطن

از ده افغانان کابل فی ۲۰ جمادی الثانی سنه ۱۳۳٤

مکتوب

بعد از کوچ بحر لنکرات صبیحی بخاطر خود شد تور جناب مدیر محترم صاحب پوشیده مباد که بنده باوجود عدم استطاعت بین

(۱) [اطلبوا العلم ولو بالصین ، اطلبوا ...) الحکمة ضالة المؤمن ، وجدها أین وجدها ، اطلبوا ...)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1639 of 1786

... مآبی تسکا بازسال همین مقاله ماجراله جسارت یاب گردیدم
... شرط موافقت سلک اداره لطفاً و مروتاً بیکان کوشهٔ سئون
... بالاخبار درج گرده شود عین غریب نوازیست
... الرجی تیر آینده نیز چند فقره از حالات اوضاع ترکستان
... وجوه خواهم نوشت ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۴
مرید و مخلص ثنا سوفی زاده محمد شریف فرغانه‌لی

در مأموریت بلک امید

خدا بالقضای مشیت ازلیهٔ سعادتلو توست کادر جهان وجهانیان
... عصر نوبهٔ عزت ترقی ودور عرفان موجب حیرت تبدل وتنزل
... بیدهد واز طرف دیگر عز عزیز نوع بشر بنگاوی جهت
... بام گذرانی در گذر بوده ومیباشد بالخاصه کسانیکه بوجدان پاک
... آگاه عقل عنایت ازلی دستگیری نشماید بامراض اجتماعی جنس
... بیاجتدرلك مدارا ومواسارا پیش گرفته تمامه امور اداره زندگانی را
... بقدرت خداوندگان رسانیده‌اند وبموجب فرمان اقدس الهی وبحرمت
... سنیهٔ حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وسلم انباعاً بدون غرض
... شخصی وصولاً بفریضهٔ خدمات خدا پسندانهٔ خود را پیش نهاد
... نموده و خواص گردیده بهمین واسطه ازطرف عموم ملت نشان
... ممتاز ولیاقت تحسین را بدوش گرفته‌اند وبرای آینده‌گان ملت نیز
... سرمشق آموزی فراش خانهٔ عمومی یا که برای ترقی واعمال خود دین
... اسلام ومحافظهٔ وطن اساسی‌ئی حمیت خیریه‌پخود اینا بوخته وصندوق
... اتحاد وولا ازطرف حکومت موافق پولتیك سیاست امتیاز لوازم حقوق
... وفا گرفته تا اینکه دشمنان دین‌وزوی تعرض تعصی نکنند بدین
... بارهٔ رحمت ایدهٔ جناب پروردگار جل شانه بیوسته اند تاسف
... فاحضرت امتیال آنان گدائی باغراض عمومیهٔ خودحقوق گردیده
... گذیده شدن طناب جرخ بیوستن بی وقوف الشکر کرده کان قوم
... رهبر وراکاب اعصب خودبین دون رسمی باولاد وطن همیشه درضرر
... بوده که دشمن غرضمند وهنر ودیدن قوانین مکاتب اصول سویه
... فهم گذشتهٔ معلمین دوالاحترام میباشند جای گریه اینکه این چاره
... سازان ازساده لوحی درحیرستان آنشکدهٔ جهل مرکب بی‌نام ونشان
... بوده چنانچه بکشمکشهای خیالفاسدهٔ بی‌فائده بحق وظیفهٔ عبودیت را
... بجا گرده نتوانسته‌اند اگر اوقات شریف قوی‌النیادرا کشاعله
... رجا امور معیشت جهانداری نموده فردا درحضور شفاعت موفور
... السروری سرخجلهٔ خجالت گردیده افلاً مراسم رسوم انسانی‌را بجای
... آورده نتوانسته‌اند وخیروی اخلاق رگردهٔ محمدی‌را گردیده تصدق
... فکری را درپیش گرفته بغیرت حربی را تطهیر نموده محیا وحلم
... ایدیا قبول گردند تشجاعت علوی را گردند والحاصل از سزای
... ازلد الالاد مستحق لشکر قوم شده‌اند یکی ازین جمله ساکنان خطهٔ
... فرغانه بلکه همه‌توران زمین یعنی ماوراء النهر ترکستان آسیای
... علی گهکی آنها بقوم وملت میباشند تخمیناً از تاریخ هزارو
... سیصد هشتاد تالان حیل تندهای فلکرا از دنیاله خورده بسی
... بلاهای نا گهانی را از دست بی‌امان روس منحوس تلخ تلخ چشیده‌اند
... تا اینا ازطرف امپراطوری دولت روسیه بموافق شرع شریف احداث
... طرق دین وتوسیع مذهب وآئین‌را گرفته نتوانسته روزی رسیده‌گی
... جانب ادبی وبیان خانهٔ بقسم لفظی ومعنوی را منسوب شده‌اند

این کذابان نا انصاف اقوام نجیب ترکستان را وحشی گفته بیك ملت
ناجیهٔ ترکیه‌تحمل این بارتحقیر بسیار طاقت فرسا گردید بعضی نوجوانان
وطن بواسطهٔ تاسفوق حیرت‌فا مشاهده کردند که این خوابهای دور
ودراز مردم ترکستان وفرغانه وطن‌رایدست اجنبی سپرده دیار بهرطرف
دویده ودست توسل بیار واغیار دراز کردند افسوس که کمی التفات
نکرده بازمانده که معلائی تورجوع نموده بخشوع و خضوع نضرع نیاز
وزاری گردنهه عیان‌وطن‌بعجز وانکسار گریه‌کنان مصلحت‌تحقیق
گریبان‌خودرا ازجناب اقدس‌تو استرحام‌نمودند هزاران شکروسپاسکه
باندك مدت قریب مساعدت بعید فضل عنایت مبذولی شرفان شد که
یکی ازانها اتمام بنای مسجد مبارکه اسلامیه دربار سیوغ مکتب دار
المعلمین ودارالعلمات درانوا ودرقزان قرائت صفحه‌های ملی درقصبات
شهرمکتب صبیهٔ ایلی وبهاری دراو روسیه اخباروروز نامه‌های
یومی مجله های ملی نشر ونشر میکنند خصوصاً درشهر شهر تاشکند
صدای ترکستان درسمرقند آئینهٔ جهان‌نما در خوقند صدای فرغانه‌کم
جریده های وطنی باوجود بیپولیودن جماعت های خیریه واعانهٔ وطنیه
بقدری نسبی دلدا کفایت میسازد اکنون میخواهم که بحالی ازحالات
حاضرهٔ اقوام ترکستان بعده رسانی توفیق یزدان برفق خود اطلاع
بدهم تا کدرمیان عموم‌بالاسلام تشاسانی وآشنائی حصول پذیرگردیده
ملحاق مسلمانان پیوسته شودزرا کهامروز براسی کوچه بخزدون
ابدمدت خداداد ممالك محروسهٔ افغانستان باهل‌بخارا وسیوه‌ترکستان
حمایهٔ تربیك وسای ومیهربان یك‌حکومت اسلامیست اگرچه‌دولت
علیهٔ‌عثمانیه نیزدربارهٔ خصوص تعلیم‌وتربیه ازهرمکتب‌علوم ومعارف
ارزان فرموده ولیکن چه چاره که‌پولتیك روس واسطهٔ قوی بالکلیه
مشرش میباشد شهادت نامهٔ ترکیرا اعتبارت معارفی کاهی قبول ندارد
چه جای که باشد ازین گونه معلومات مصلحت آمیز خیلی نتیجه های
دلگوز بجناب فرغانه‌زمین وصول خواهدشد حالامقالهٔ نیاز ماجراله
خودرا بادعیات ذیل ختام داده‌سایهٔ مراحم وایهٔ حضرت امیر المؤمنین
(سراپاناله والنین)را غنیمت شمرده و تمدد میخواهم فقط

ادبیات

طنین بانگ سحر گه صریر عرش مجید
بگوش بلبل نالان وقت صبح رسید
صدای صوت بلند اذان مصطفوی
بهوش صوم خوابیده نفرای کشید
زقبله برخاست اسلامیان بلك سرشت
نسیم غیرت دین اسدی وزید
صفیر بانگ طبش چون نفیر اسرافیل
بگاه بانگ احیای مرد کان گردید
زنین کنید دوتار ورقص وقلدون
یکی اشارت جنان دیگر بشارت عید
اذین طفل نباشت وخنده گل سرخ
صفیر مسالك مبارك مثیر روز سعید
غرام صوم وجهجهان شوق وباجهٔ دوش
ده غرائی ومقام حجاز را گوید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1640 of 1786

بیای سرو بدامان ز کس نیندیشد
بجوبهٔ ماه کبیر قطر مظفر ماله چکید
بفیض عشق دروئی زچشم قنواره
شلاله موج زد وچلچلان دل جو شید
نظارت یل خشت وشطارت لب رود
تبسم لب جاڑا بجوبهٔ کرده مزید
بسوی شام شبستان خفتن دل شب
هلال طاق دو ابروی لطف بار خید
زداغ سینهٔ خسرین گلا بردلاله
مطاع سرخ تجز از خوان کسی نخورد
دهان و ازصدف پرزاب نیسان شد
بیم سوده زالماس تیر صاف مکید
صفوف منتظم گل مأموره مضمون است
زخیر دست هزاران بالحسان رشید
درین پیالهٔ گلکشت نیز دور آهنگ
بیاس ره نبعد (صوفی زاهد) جز بامید

خدمت ترفیخواه صداقت کیش ، خیر اندیش ملت افغانیه دان جامع الصفات مدیر جدید روزنامهٔ سراج الاخبار افغانیه نمرهٔ فراوان وسلام پایان بتقدیم میرساند . ! هرچند که جناب مدیررا ازین اعارف بیانیه من کم ودینی استصحاب وحیرت دست خواهد داد مگر ازانجا که کرم النعمان کرهوش را دامادارد تندان صداقت کوش بافراط و کثرت میاشد میزید که این معارفهٔ صرایح مبنی برصدق واخلاص بداند . اولا وجود فضایل نمودآن محترم را باعث آنشد ملت را ازاز پرتو کالات آنجناب فرصت استفاده کردن ومهلت مستفیض گردیدن بوجه احسن واصول مستحسن دست داده وبخوار شکان قوم غفلت وبیخبری راسبب گاههای شیگرو فغانهای پرتأثیر آن مخمور قوم بحفظ وبیداری حاصل آید ، واهی زه کان نهی دانشی را از بین اجلیت وبحر علمی آزادسل وطنخواه تزیل میسر گردد تا کان محت وعافیت پاینده وسلامتی میخوا هر . ثانیاً این چند گله را بتوسط اخبار گهربار آنجناب بحضرت عزیز خود پایتهای مجر دفروتی عرض وتوصیه میکنم .

« بحضور ملت گذارش باد »

زگوار چنك وبیضاء خدا را بنشو مانند کاله دره مارا

ازه اصالی را بسیاس یکپاس وشکران بیکران که مارا بهوا عنف رجهاد ومراحم کرهاد خودا خلاص فشوده تا امروزا کل استقلال و آزادی نگاهداشته وازسموم تلقب بیکانگان که بهارجلستان جیومال آسیائی دانقارت نموده است پیمان استقلال وحریت مارا حفظ وحراست فرموده ، طالع نکونمارا وزیکان بخارا را هم اختر مانکرد انیده وامید سوانحهٔ هندیان بچاره رانگهم طالع مالساخته است . وهرچه ازپیدایش پسر این چهار کان وارسیده مارا ازان مطمئن ومأمون داشته . بصیر خبری را برماسلط فرموده که مارا باطاعت وفرمان بری خود مجبور سازد وحلیهٔ استقلال وحیات قومی را ازماسلب نموده خواز ومستمند گرداند ، ونعاج بیگانه را برما مقرر فرموده که مارا بحکم وشئت ظالمانهٔ خود حقیر ومضمحل دارد ، باری صدشکر که حالما بدبخواه و کیفیت ما بدینسان نبوده است بلکه برخلاف آنرا درساحتی بلندهمت قدسی ازافراد ملت خود که ما اورا بعزلهٔ پدرشفیق برخود رحیم ومهربان میپندارم ایم بسرمی بریم ، ما ، تحت پناه کم دانشمندی هم اندیشی هستیم که بیوه وترقی مارا ازخودمام پیشتر مراد ومقصود دارد ، مارعیت درظل رأفت چنان سلطانی که دردمارا ازمام افزون ورزحم می کند ، ذلت ومسکنت مارا ذلت ومسکنت خود ، وعزت وثروت مارا ثروت وعزت خویش میانگارد ، اگرمارا بقوای هستم بیشتر عاطفت مرتش ازشدت فرودده خیلی محزون وپستوه می آید ، واگر مارا درفرحت وراحت آسوده وشادمان بیند می آید قلب منورش ازانوار سرور ونشاط مانند گل شکفته ومنبسط می گردد ، پس وجود معظم آنمودپادشاه حقایق آگاه معارف اکتناه ذات صفات (اطیب سراج الله والدین) که خلاصهٔ جوهر روح افزاذات حقایق سمات انسانیت ومیوهٔ اصل حضرت آدمی است ، وهذا مرحمی است سراپا شکر وامتنان ، وتعبیری است شایان هزار گونه تحسین وتمجید که گونه ازابعای شکر این موهبت عظمای حضرت واهب العطایا از عهده نمیتوانیم !

مارا است که بوجود مسعود جناب شاهزادهٔ جوانبخت معظم الیه صاحب العلم هزاران حمد وثنا نثار بارگاه حضرت کبریا جل وعلا نمائیم که اعلیحضرت پادشاه مقدس ما این چنین دانا ستوده صفات توئیم بیدار مغزی را بر کتفی بالی علمی ما کفیل شکستگان معین ومعاون فرموده ودرجهل بی قابل مبارکتی آنچنان پادشاه دانا وبا صلاحیتی دیگر گردانیده که ازفرط همدردی حقیقی پرستار کی ، وعلاجی وزیرده میسوزند ، خدایش پاینده واختر اقبالش وسعادتش را تابنده دارد تا بیماران مرض نادانی را بها کیمیا سریع التأثیر معارف انتفاع توسیع مارا احیا فرمایند .

هرقوم وملتی که امروز بپایه ترقی جلوه افروز میباشد بدون شک بفضایل معارف موصوف است اکنون هرگس قوت وشوکت که امروزه روز مارا است غیر واسطهٔ علم بدیگر چیزی بدست نیاید همین تحت البحری ها که جهانی را غوطه خوار لجهٔ تعجب وتحیر گردانیده از بحر کیمیا کنار علم بیرون رجسته است واین زیبا حوری هوا مانند کرگس وزغن درطیران وسولانند ازنامساعد ها وسیران پرواز آمده اند ، ازین تحریر هیچ گاه این نپندارد احمد گرده که گویا من عزارا ازروی آنکه بی آلات هلاکت باز وسیاحی انگیزد ازروی کار توده وجودخیاله مقالوت انتزاعات وازانتقالات کثیره اش قصدی بیاکوش کردانیده تعریف می کنم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1641 of 1786

از نگارش های سیاحت غزنین
سنه ۱۳۳۱

(۱)- ذات اعلیحضرت مولگاه - (۲) محمود طرزی کمرمایشات همرهی را در خصوص معلومات (بند سراج) از اعلیحضرت پادشاه مقدس خود مینمود - (۳) معاحب خاص جناب سردار محمد یوسف خان - (٤) جناب شهزاده محمد گبیر خان - (۵) محمود خان سرخان اسپور - (۶) مرحوم پر کدعبدالاحد خان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1642 of 1786

تواند دوخت اصرت حصول قانون را تواند ا موخت ، زندگان آزاد
پی جامه و مردگان آزاد پی کفن خواهید بافت ، عزا کرد است کسانی
را که در دنیا زندگی ذلت وا زوا دارند ، وهر لاری است
آن را که تهذیب والسایت ، وقدرت وعظمت قومی خود شارا عاطر
نشان هر کس و ناکس می گرداند !

پس ای رادران غیور ! ای هموطنان جسور ! باید که بالاتفاق
نصب را از خود بر طرف سازید و از چنگ جبابات رای عالی و رستگاری
خودها سعی و ورزیم خصالی پسندیده و اخلاق مرضیه را بخود جلب کنیم
کمن و تنابستگی ، و تهاب و خصایص انسانی را کسب نمایم ، فداکاری
دینی و فرسوده خیال را از ذهن خود بیرون سازیم که ، هوا خواه هم
پیمان سمت وجه همت کلی خود را بدون ملاحظه سوق کرد

کنا از تذکار های سیاحت خزیران سنه ۱۳۳۱

(بقلم سراج خزان) وعنایت الله آن محرر فاضل مدرسهٔ ۱۸ ساله دوم سراج الاخبار افغانیه

واز منافع خود و هیچ گونه حکومت متبوعهٔ ما در سایهٔ حمایت خویش میتواند
استفاده و تمتع گیرم ، و بکمال شوق و ذوق موفق آمده کسب فیوض و
معارف اتحاد کنیم تا خود را در پیشگاه اتحاد جمع ام باقوامیت و آزاد
ثابت سازیم ، و اگر از غفلت و تن آسانی کار گیریم از دوستان و رفقای خود
البته انتظار مرود که بسیار زودی خدا خوانده باشیم ، اطاعت اوامر
پر کرمن نیوده حافظهٔ غلامی بیگانگان بگوش آوریم و بجای دلا نکرسی
زینت بای خود دهد بکرسی مقهول شویم !

حضرت قادر سبحان و خلاق عظیم الشان از قانون قوم و دستور دین
خود سر مو نمی خواهد بگذرد ، اگر کسی بر خلاف دین خود سر قال
و ذهر ملل را بخورد و دیده هیچ جای تعجب و حیرت نیست و اگر کسی
دست از آئین خود و سوزه هر خلاف عقل و منافی فطرت کاری بگیرد ،

پس اگر ملت قوی بخواهیم و خود بصر مشاهده کنند که بیدار
هر ملل و هموار آنان بازهٔ دست انساط و استیلای اغیار زده
و بلا از هر طرف روی قهر و غلب اجانب جانب خود متوجه
واز هر سمت و پهلو دشمنان آزادی و ماکیت خویش را برای نهب
خود مانند اژدهای دهن با بیند و خود چنین احوال هم از دهشت
صورت حال اجواب قطعی نداده و تدابیر حفظ ماندهٔ خود را
معرض بحث نیاورده و برای رجعی استقلال حقیقی و آزادی معنوی
هیچ یک هر گونی اجرا نکند ، بلکه بر خلاف آن در بن خود سر
جدال و نقال اگر داشته باشد و خود را بیش از پیش ضعیف و ناتوان
ساخته و از حفظ آزادی حل و حریت قومی خود بهلوتهی کند و اغلب اهل
دران دیده بصیرتی نشیده هر شود ، و دوست را دشمن و دشمن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1643 of 1786

بیت تفکر روا نیست ظاهر سکوت کرده و خود را لوازم امور تمدن و آبادی بلاد را از خاطر محو داده و هر کدام از ایشان از جهت خصومت یکدیگر خود را بر گمراه داده و هواره در پی تخریب و تضییع همدیگر خود باشند علاوه بران برسخنان خواهران و برادرانشان خود هم گوش نمیدهید یکدیگر را نمی‌شنوید و هم و خرد خود را بکار نمی‌توانید ، زود است از آسمان در اندک فرصت و کمتر مهلت در تحت اسارت و محبوسیت اجنبی آمده از استقلال و آزادی خود محروم ، و به اوامر و قوانین بیگانگان اجبار محکوم شوید ، و آهسته آهسته ضرورات آداب و عادات مذهبی آرام بجاذبهٔ یک حس خشک و فرو مرده و غیر محسوس مانده آنگاه کوب و نابود شده علم و تمدن اغیار کردد !

پس ای برادران باایمان ! بترسید از آن هنگام ناخوش انجامی که بنیان حیات و آزادی آن و اشخاصتان خون وطن و اولادتان ، و بال گردن اعدای دین و دنیا میگردد ، از نیاست بیاید و از آن تن بلاء بکند و تباهی کرده نتوانید و هرچند که بتاکوفان رفتان بکوان رسید کریبوی گریه‌وزاری و آه و فکای نباشد نبود ، و حذر کنید از روزیکه شیاطین دشمنی و دخواهی مسلمان عدین و هر مذهب ان عبور کرده و نیا به اغلاظ و بین اعضاء و بدن و نهاد و بلاها بسیار و عذابهای گوناگون وارد آید ، و خیر آفرآن کریم سبیل المهتدا نرود سازید و بجز آنچه به رهبر یک مذهب دیگری و مذهبی نباشید ! و زیاد از این مقدمات و عبرتی که از عبرتین بیگانه از بسیار معروف و اشهر است بر شما بگویند گمان نکنید که ما گر بلاد مسلمان و بلاد حکومت اسلامی اشغال بحیث و هم‌دردی نخواهید پی نبرده دریای آتش و خون بی‌سرحدی خواهد کرد !

پس ای برادران عزیز ! نصیحت را نشنوید و خدا را ذکر کنید که ابدا شعار و حفظ و امان خود داشته و مزیه حکومت اغیار را از شما جلب نکرده و شما را فرصت بیدار شدن و وقت حصول استقلال و آزادی نمه داده است !

گوفته شد کوش کی ، کوس رحیل کاروان
حیف بر آنکس که اکنون هم بخاند در فضا

و اگر شکران نعمت الهی را بجا نیاورید و بدیکو مقدمات وی روانی کردار و بیان و نوع بی‌حسی و غیر آن مثلا نبایید و از تحصیل علوم حاضر نشوید دارید دور نیست که خود تا را مانند مردمان قرون اولی خلقت نوابر بالوراق اشجار سترنمایید و هر جانبوحوش و طیور را قوت خود سازید و بره بیابان و وحشت خود کنید یکدیگر مرکز بیان جانهان بزرده بیندیشید که امروز هین اشته و اجنبی و ولایات دیگر از شما آبادتر شده و آیا کما چیز جسم کان را از آسیب گرسنگی و سرما حفظ خواهید نمود ، و همچنان اگر در اندیشهٔ تربیت فرزندان خود نباشید و آنها را چسان آتش را برای پخت و پز و زمستان خود میتوانند ؟

پس محل غیرت و مقام حیث نیست که برای ضروریات زندگانی خود دست دیگران و برای سترخود و زنان خود منت کش اغیار ، و برای افروختن آتش مرهون احسان بیگانگان و برای کفن مرده خویش منتظر لطف و مرحمت بیگانگان باشید ؟

کفن مرده خود را ز فرنگی خواهی
همچنان کافر مانده که تو بینی قرآن

پس عبرت کنید ای برادران مکرم ! وای اخوان محترم ! اگر میخواهید کاشانهٔ ناموس زندگی بسر آرید ، و اگر آرزو دارید که نگاه منصفانهٔ اغیار نشوید و با عزت و آبرو قطع مسافهٔ عمر طبیعی کنید ، در میان زندگان بطور مردگان زیستن غیر ممکن است پس طرز زندگانی زندگان را اختیار کنید ، و بالنتیجه از دنیای زندگان رخت اقامت ندارید و هر بیابان عدم آباد کردید و بهم قسمان و هم قسمان خود یعنی مردگان اخلاق ورزید مگر این وضع کاهی شان و مناسب حال یک ملت غیوری نیست ! خدا را بیدار شوید !! تحصیل معارف کنید ، همه سعی و کوشش ورزید و خود را مالک حیات حقیقی و صاحب حرارت معنوی بسازید ، و عیسی و افسردگی را ترک نمائید !

چنانچه حکومت معظمهٔ افغانیه بشیوه خوب و اصول مرغوب و طریقهٔ نشر و اشاعهٔ علوم و عرفان را ابقا نموده است ، امید است که بدین طریق حکومت سنیه از جمیع فرایض دیگر خود هم اصلا پهلوتهی نفرماید بلکه بهر کونه دلسوزی و همدردی بمعاونهٔ ماجاران از هر باب پرداخته و از مدعیان و متلفی کردانیدن مالی جیل خود را در حضور حضرت قادر علی الاطلاق و بارئ وی خلایق آفاق مغفور و مشکور کرداند !

از آنرو مدعی خلق فیض نامتوقعی بحضورت انکار نتوان کرد ، کوهر کرانبایه اکر بحال افتاده باشد باز هم کوهر است مکر چون درج آبدار عمومی بر چهرهٔ جلوه افروز باشد خیلی خوشنا و بسی لطیف میباشد همچنان علوم در هر زبانی که اموخته شود نافع و مفید است مکر چون بلسان عمومی خود ملت اموخته شود بسیار سودمند و فوایدرسان است زیرا در زبان غیر علاوه بر اموختن اصل خود یک تکلیف دیگری هم موجود است که ان عبارت از یاد کرفتن خود همان زبان اجنبی است ، و برخلاف آن اکر علوم در زبان مادری خود انسان باشد در آن صورت خیلی سهولت است چرا که در اوقت همهٔ توجه انسان تمامتر بجانب نفس علم معطوف میکردد ، و بیزاران اصطلاحات زبان غیر کاهی وقوف یافتن چنان یک تکلیف و دشواری نیست که در یکسال و دوسالی سهل و آسان کرده ولی بمقابل آن در زبان عمومی ملت تصور چنین تکلیفی احتمال وجود هم ندارد و از همینجا است که حکمای معمور جنت مکین اعلیحضرت ضیاء الملت والدین در سواغ خود رقم فرموده اند که بزبان غیر کاهی وقوف یافتن خیلی دشوار است و چون آن ساخته از نفس علوم زبان چیره کردن و قطع کامل برداشتن نفس یک اندیشهٔ موهومی است ، علاوه برینها زبان عمومی ملت خود را سرپرستی کردن و صفی از اوصاف اقوام زنده و ملل رفیعات است چه اکر زبان عمومی یک ملت معدوم کردد نام آن ملت نیز از فهرست اقوام زندهٔ دنیا محو و سترده میشود و وای ! بر حال چنان ملتی که هیچ اثری در روز کار بیاد کار نماند چنانچه تحقیق بنکرید هرچند که حالا از حکومت هندوان هندازی و از سلطنت رومیان نشان ، و نه از مملکت قوی شوکت یونانیان نشانی باقی مانده مکر بسی که السنهٔ این اقوام الامروز جاری و موجود است نام هریک از ایشان زنده است اکر امروز در دنیا سانسکریت نبیود کسی از حالات هندوان کذشته چیزی ندانستی و اکر ، لاتین ، و ، کرمک ، یونانی نبودی حالا کسی از جونس و سکندر اعظم نام کار و بیان نیاوردی !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1644 of 1786

زبان افغانی منسوب بافغانستان پس وای بر رجال ملت افغانیه ! آن زبان شیرین بیان ایشان بکوشهٔ معدومی و زاویه کمی خزیده منزوی گردد وهیچ یك اثر ونشانی ازایشان بدنیا قایم وبرقرار نماند که بروجود ایشان دلالت کند واگر زبان افغانان بباعث اغلاقی که در حلق و هر دارد ازصحیفهٔ روزگار سترده شود اینرا بهیچ قومی ازدنیا دعوی مقابله وهمسری نخواهند بود !

وحشیان افریقا زبان خود شانرا ازدیگر السنهٔ لطافت بیان بسیار عزیز ودوست میدارند حتی وحشیان امریکا برشیرینی و لطافت زبان خود شان وجد می کنند . وحشیان اوسترالیا وجزایر نیوزه لاند وبوکی زبانهای خودرا بجان برابر میدانند پس مالافغانان چرا وچه سبب زبان شیرین بیان خودرا بتاراج یغما ویدکار میل خودمان را که بعدازما تسالهای دراز به اهالی دنیا ازمانستان خواهند داد ازبیخ وبن برافکنیم ! چرا افغانان بالافغان باصدپاس وحسرت تمامتین معدوم گردد واز چهره اینقدر زودی زبان افغانی شیرین ودلنشین ناقابل امید ازتذکار کند ماروزدهٔ زبان افغانی هستیم وشرط مروت نه است که پرورنده وتربیت دهندهٔ خودرا تدریج بدریغ معدومیت وگمنامی گردانیم بنابکیال ادب خدمت حکومت وملت عرض می کنیم که درترقی لسان ملی خود ها غفلت روا ندارند ودر احیای زبان خویش کوشش ورزند زیرا در وقتی که زبان وجود ازبشان آری نباشد همین زبان باحیاواعضای نابایشان جد وجهد خواهد ورزید !

الحمدلله تعالی درخاك پاك افغانستان بسیار علما وفضلا موجودند که توجه اینگونه بدرجه نبودن کتب السنهٔ دیگر بجهان شیرین بیان افغان معطوف بداشته وحکومت معظم را نیز حوصله اغراق وقدر دانی چنین انتظاس امید کردن لازم است . به اینصورت درآتیهٔ زمان ترقی زبان افغانی را مشاهده خواهند فرمود وخواهیدید که چون حکومت وملت همدو متفقا بسرانجام نمودن کاری اقدام ورزند چگونه کامیاب وفایز المرام می گردند !

افغانان ایمانك بلند می گویم که تیغ الخلیفه شراره ایشتراره مکر افسوس که نابنیار خاکسار آمده اید ! اکنون که حکومت معظم آن خاکسارا ازروی نمایش می کند مستعد وآماده شوید وخدا بس شراره کی خود را بظهور رسانید !

اهل جهان کنند شرار دکان را بنگر کان تیغ تو چون الیغ ما

واجب می باید که در مدارس ملکی جمیع علوم در زبان افغانی تعلیم کرده شود وفارسی وعربی وترکی بطور زبان ثانوی آموخته آید ودربصورت هم اولاد وطن را سهولت خواهد بود وهم تمام توجه شان یکجا بیك نقطه متمرکز واصل مراد مطلوب خواهد شد وهم زبان افغان که مقصود حقیقی مارا آست بوجه احسن ترقی روز افزون خواهد کرد جاپانیان چون درسنه ۱۸۸۶ع دارالعلوم قومی رانامیس نمودند هیچ یك کتابی را ازهیچ علم درزبان قومی خود نیافته نبودند مکر چون زبان تعلیمی آن دارالعلوم زبان ملی خود قرار دادند دریك مدت قلیل درجهٔ علوم آنقدر ترقی جستند که تمام دنیارا واله وحیران گردانیدند وهم زبان مایه تنانرا آنقدر عروجی حاصل آمد که امروز بانهای ملتهای متمدن اروپ دعوی مقابله وهمسری دارد . زبان روسیان درعهد پیتراعظم بحضرت زبان بود که آنرا بوحشیان منسوب توان کرد ولی چون پیتر اعظم درترقی وبهبود ملت خود سعی وجهد نمود زبانرا که ترقی ملت ماوای آن تمکی نیست درجهٔ تعلیم وترویج درمملکت خود قرارداده دریك فرصت کمی هم ملت رابه اوج ترقی رسانید وهم زبان خودرا به اندرجه اغلاخشوده ازهرگونه علوم توانگر ومی ور گردانید که دربیوقت یکی ازالسنه مرغوبه دنیا محسوب میشود وچنین بود که دروطن عزیزما هم درین ایام که ترقی ملت خیلی مطمح نظرها وتمام است مسئلهٔ ترقی زبان هم فراموش ونظر انداز نگردد وترقی زبان وترقی زبان گمانهم چنان لازم ومربوطند که بین وسیلهٔ یکدیگر کمیت شان نیز تمکی وخارج امورات ازهم تفریق داده نشود بدین معنی یکجا پرورش نمایند وحکومت را میباید کمانند پدرشفیق کهدورزند خود را بالامتیاز وتفریق تعلیم وتربیه کند ترقی ملت و ترقی زبان هردوسانی و کوشان باشد خوشا روزی که طرح ترقی زبان وملت هردو یکجا افکنده شود وملت روز بروز بجانب مدارج عروج ارتقا جوید وزبان عذب البیان هم باآن روبروج ترقی نهاده جانب منازل تعالی پویان وهمسپار گردد اگر ایطالیان را براعوستوس قیصر چنین وچنان فخر است که درعهد اوالطریق به کمال ترقی رسیده بود پس درعهد آن افغانان را وجود مراحم آمودگار شوکتنشان اعلیحضرت سراج الملة والدین جای هزاران فخر وناز است که درعهد سعادت مهد اینتی عرملت افغانیه ترقی یافته وهم امید است که زبان لطافت بیان فخر رازیرشتابه ترقی نصیب شود . خوشا بادشاهی که بنیاد وبنای ترقی زبان وملت هردورا نهاده وعمارت رفیع استقلال وآزادی ملی خودرا تکمیل نموده از آسیب صرصر حوادث مأمون و محفوظ گردانیده است

پس ای برادران عظام وای خوان افتخام ! بیائید ! وقت تذکار یکدشت ورفت ! ! ! بیکی بحص گفتگو های زبانی گذاشت وبیا بدازین گردار بی کفتار میباید شدن ! ! ! برخیزید ومصروف حرکت وعمل شوید ودرتحصیل علوم برهان بذوق وشوق بکوشید وزبان قوم خود افغانی را ازالسنه غیرممکن المانی ثابت سازید ! آیهیچ مقایسه وعمل افسوس نیست که جمیع اقوام بانم برای حفظ حیات شکاهانه عزت وعظمت قومی خودها سر گرم عمل ، ومصروف حرکت باشند ومانافغانان هنوز هم درخواب سنگین غفلت آسوده حاضر خودرا بانم وبانجود دست وپاشان خودرا تماشا ی فنا واعدام ودر عین زمان مانند عمدگان بی حس وحرکت افتادن رادخود گوارا سازیم پس را چه شده که نمیدانیم شوکت وعظمت بزرگان واسلافنا عرق غیرت وحمیت مارا بحرکت نمی آرد وبدبختی موجوده حس بیداری وهوشیاری مارا درخوابان وهمچنان میدارد . حالا کنون خودرا بحالت زار وگمگشتگان خود مقابله نمائید وتفاوت ظاهر وبین آنرا بنگرید وحالتان فرق زمین وآسمان موجود خواهید یافت عبرتها بگیرید همت بلند دهید ! ! ! بشامت اعمال خودگان تاه های تاریك گمراهی وجهالت یکسان نسازید وجود وآثارا بباد مهالك ونیستی دموای عدم نکردانید ! وسعی ورزید تاخود را خالف الرشید زمان سلف خود ثابت کنید !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1645 of 1786

ای برادران ـ هنوز باور نمیکنید که مخلوم افتاده‌اید و گرفتار وجود بیگانه‌ای و بخیال را برای مبارزهٔ افکار و اندیشیدن چارهٔ کار خود تان متحد میشوید و حق انتقاد در بحثها میدهید که آنگاه بوسیلهٔ آرا و زیرکی میخواهید بیابید که زورگان و گردنکشان ایران را بیطرف کرده آمده برای دهاتی و رستگاری ملت خویش همیشه اظهار میدارند که ایشان خودرا نمایند و بهر تجویزی که اجماع و اتفاق نمودند بآن عمل و اگر دیده ملت خودرا از حضیض ذلت و پستی و بیچارگی و مرض جهل و نادانی نجات دهند !

ولی ای گردنکشان و سرآوردگان ملت افغان ! خدارا آن آسان گرفتن پستی را روا مدارید ! عزت شما بر عزت قوم منحصر است از عزت خویش را آرزو دارید ؟ اولا قوم خودرا معزز و آقای خود بدانید ! اگر خودرا مخدوم جهانیان گردیدن نمیدانید ! از همه بیشتر خدمت ملت خودرا مخدوم مثل سایهٔ علم بکردانید والا اگر خود را بیش و عشرت غوطه ور دیده و از کار ملت را نکنید بیش و بیش از ملتهای اجنبی بشما عرض بیقدری و اهمیتی نخواهد گذاشت و دیده که شما خودرا سزاوار هرگونه عزت و عظمت شخصی دانسته مگر چون ملت ما را خوار و ذلیل و بی علم و هنر نگهداشته اید شما را هم در دیگر افراد ملت تان بهمان نظر عزت و حقارت می خواهند دید زیرا

هر قومی بیک پیمانه‌ای گرد نگه را منزلت مانند مه را

لهذا اگر مقصودتان نگهداشت قدر و منزلت و حصول عزت و عظمت شخصی است پس ملت خودرا از قید بی علمی و بیدانشی آزاد سازید و از گرداب یک مرتبهٔ علمی شاندار قومی را تشکیل دهید که در آن جوانان کارو سر آمدان قوم باشد آنوقت در باب ترقی هر کار و پیمایید در دنیا داری کار آورند ، و صدها و قدح هر آن تجوز و خیری که مقبول عام شود دران عمل پیدا کردید و بدینصورت ملت عزیز خودرا از خطرات بیدانشی هاوج ترقی و رفعت رسانید ! جای بالانصاف و انتهای پیروی است ای یار اخراجات جزئی و کمی فواید عامه را بر دوش حکومت نهادن از یک اثر شیوهٔ هوشمندی و فرهنگ بعید است خصوصی در داخل یک دهکان حکومت معظم را جوابده و وزنه دار آن قرار دهند چرا که حکومت ما آیا بکدام کدام امور فلاح و اصلاح ما پرداخته ؟ آیا در فکر ما بوده ساختن لباس و پوشاک ما شود ؟ که همه عریان از ما نمیدانم . آیا در صدد پیدا کردن ادویهٔ شفا بخش ما شود ؟ که همه مریضان بیچاره و خسته‌ایم . آیا بمایهٔ استقلال و آزادی ما را متکفل شود گردانده ؟ که جهانی ما را مسخر ندیده بمطیع و عملی را سودای جهانگیری ما در سر جا نگیر است . آیا بحفاظ معزز و باوقار ، و دولت گرداندن شما را پنداشته ؟ که خسته حال و فلاکت نشان و مستمند و از پا درآمده ، و یک جهان پرتقاضات و انتظار اوکنده . آیا بعلم و تربیهٔ شما پرداخته ؟ که برصفحهٔ گیتی نشانها نماند که قدیمترین جهان هستید و تاریخ درصورتیکه همهٔ اقوام دنیا بعمر دراز مفقود بسیاری شما قدمی هم پیش نهاده‌اید . آیا بتعلیم و تربیه جوانان شما کوشیده‌اید که در آینده جوانان کن فکون خود شما را که نمایندهٔ از جنوب و مشرق را از مغرب ارپی و تاثیر گرده نتوانند و نیز از جاذبهٔ جوانی خانه خود از دیگر دنیای اطراف السموات والارض چیزی نمیدانند .

آیا این کار ذمه داری ست که حکومت سپه حفظ ناموس وطن و آزادی و خود مختاری و نگهداشت فرزندان و میهنداری تن را از شر دشمنان ناهنجار که همواره برای پیمال نمودن همهٔ این چیزهای که دنیا آنهارا دوست دارید در کمین اند رهبهٔ خود تضمین نموده ؟ و آیا این لطف و مرحمت بی نهایت حکومت نارا که در راه ترقی تجارت و صنعت و حرفت شما مصروف داشته است کافیه تصور کرده میتوانید ؟

غرض حکومت متبوعهٔ مقدستان جمیع فرایض خودرا انجام داده است بلکه بسی کارهارا اضافه بروظیفهٔ خویش هم اجرا نموده مگر با آن نیز انها از تکمیل نمودن همهٔ احتیاج و لوازم و ضروریات تان بی آنکه شما هم با آن یک معاونت و امدادی نمایید ناچیز است

سد دایم کاسه پر جوید پور یک چکنه این بادمن باهمدیگر

لهذا اگر تی خود هارا آرزو دارید بهمه حال حکومت محترم خود تان بسر وصل مدد نمودن شمارا لازم و لابداست !

ای افغان ! اگر تی مستحق معاونت و حکومت میبینید اگر قدر جوی هم دردی حقیقی جان دارید ، و از استقلال و آزادی خود یک چیز محبوب و عزیزی میدانید اگر خدمت وطن و ملت را فرض حقیقی خود می انگارید ، پس خمارا پیش آیید و بیکباریگ اول لازم است اقدام ورزید ، در طلب ماندن و خودرا بی حس و بی حرکت و ناموس هیچ حکمت ، وفضیلت و مصلحتی ندارد ، و از گریدار و هوشیار نمیشوید و بهیچ رو دیگر از خواب غفلت برنمیخیزید اینک برخیزید ، زاویهٔ غفلت و گوشهٔ عطلت را بگذارید و میدان عمل در آئید مجامع و محافل منعقد سازید ، و باحکومت متفق و محترم خود بدرد و قدم بقدم معاونت ورزید ، زیرا تی آن ملتی که افراد و اجزای آن خود در گوشهٔ جدا نشسته و جمیع امور را بعهدهٔ حکومت خود گذارند احتیاج غیر تکمیل یک امور موهومی است ، و نیز هیچگاه آن ملتانی که افراد آن ذمه دار هر یک خود و خویشتن خود حکومت خودرا قرار دهند توان هر نقص و ضرر خودرا بدیگران منسوب نماید مهذب و موفق خواهد شد !

حکومت بمعاونت رعیت کاری از پیش نتواند برد ، و همچنان رعیت بی یاری و همدستی حکومت در هیچکار کامگار و بی نیاز مراد خواهد ماند !

عین اشارهٔ گوینده هم افتاده میگردد چه حس موجود میکرده جهان را فرا گرفته تا کی ؟ هنوز در ظلمتکدهٔ غفلت و جهالت خواهید ماند ! از صوانع و نشستها بیدار شوید و بهمدیگر در باب افکار فایده و چارهٔ اندیشه نمائید ، از ذلت و مسکنت موجوده که دارید نجات پیدا کنید ! همت ورزید !! که بی همت و همچ کاری را سر انجام نتوان داد ! حیف است که رسما قوام دیگر خنده زنند و ما را و حشی و جاهل گویند ، و طریق غیرت و حمیت ما هیچ نشود نیاید ، همکاری کنید اولا با یکدیگر مشورت نمائید و با هم افکار تان غیرت و ناموسداری باشد آرا را در معرض عمل آورید ، اقوام غیر را با پا هر خنده می کنند چنانچه بچهارا چسانیا است دانه زبان مارا دو خوه او می نهند و کاهی مارا کاووخر گفته زبان مارا یک چیزی مهمل و بی معنی قرار میدهند !

پس ای برادران عزیز ! بعد ازین از گوشهای خلا سعادت را بشما میدهد و مکررا از شما رجا ، و خدمتان التجا میکنم که غیرت کنید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1646 of 1786

ملت !! چرا اگر ذی‌غیرت باشو زبان و بیانیت عمر بسر بردن محال است ، متوجه فلاح و اصلاح خود نشوید ! و به‌رقی زبان شیرین بیان خود پیدا کنید و دشمان هرزه‌دراین دریده‌دهن ، و خرافات‌سنجان یاوه‌سخن گوش میدید . این بدبختان شوم طالع و تیره روزگار زندگی ملت را چون بابوشیا معاویه‌اثاثه است‌مریه نگونبخت معدورش !

چون ندید حقیقت ره افسانه زدند

شما کار خود دانو درزید ! و در بارهٔ خود مقبول باشید و همیشه پیش بروید ویس رفتن و عقب نشستن را شعار خود سازید !! و همواره دوام عز و اقبال پادشاه دیندار پناه مرجع خصال خود را از بارگاه ربالعزتین خواهید :

خاص از برای مصلحت عام در سال

مالی که چون توکن نخشند مجانی تو

(لازمة اخطر الفساد میجور الوطن)

ع . ا . ف .

قزوین پنجشنبه ۱۷ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۴

(اخوان اسلام)

حضرت الفاضل جناب‌شریعت صاحب والا مراتب کامل ، و مدقق محقق الطالب ، ادام

دوش آمد بر در ما یار بدل
داد سوخت‌دران آتش غم‌چون‌سمندل
دود دی ز جگر تا برامد بیرون
این نوحه‌را نوازنی ! ساجدل !

« وان‌استنصروا کم‌فی‌الدین فعلیکم النصر »

درد درون زبان نتواند بیان درین
سر نهان نیاده نگردد عیان درین
ما چوشمعیم درد دل ما ازبنه است
چاره ره دل بیان نتواند زبان درین
عمری است زلفکار مقابل ملت
جز تیرگی ندیده همین دود مان درین
آشفته‌ایم وسخت‌وسیه بخت‌وتیره‌روز
سررشته کارگار چو آشفتگان درین
ازبس شکسته است‌دل‌ووضع‌وروش‌ما
خندد بما خزان همه‌چون‌زعفران درین
یکبار روز کار ما بهم برآمد
بار دگر نمانند شود آسمان درین
این جسم زار و نالهٔ ما جان جان تند
وزضربتیوتیزه نکردان و آن درین
ازاینما نرفته که چون رفت اندلس
چندین‌هزار گفته شد استان درین

دریای نیکس نیست که‌در اندلس بود
آن جوی‌خون‌ماست که گشته‌روان‌درین
آخر چراندیم چون‌دیگر چرا ؟
رفتیم مست‌بسته ره‌دشمنان درین
ازهندو مرو ، سند و بخارا چه‌گویمت
هریك ظریفت زمان عدم‌جهان درین
زخم دگر که برتن بیمروح ما زدند
جز تیغ بیندریغ و ایطا لیان درین
این‌خفته‌دل‌طرابلس‌است‌ای کتاب‌خوان
ازهمت خواب رفته‌ما را بکان درین
بار دگر بمرکز اسلام تاخته (۱)
گشته بیگناه همه مسلمان درین
آیا که بود آنکه زماده تک آدمی
انصاف کردوگفت بطاهر که‌مان‌درین
کزاین‌معضلات(۲) نبودی اگربسر
میکردازان‌جسارت خودباکمان‌درین
زخمی زدند کاری و بردند دست و پا
ازخوداین خواند(۱) تمدنشان(۱)درین
اجداد ماکنون وبخارو بلال ونسر
اکراد ، وزنگبار کفتار کمان‌درین
گردید فیرهای بزرگان درین‌ما
پیدا نمواعب انصارا نیان درین
ابوای،تدمساجدنا جرح(۳) کافران
ناقوس‌شد بلند بجای اذان درین
دقت کنیم رفت چراملت هاییدا؟
ازما نگردغفر چرا آسمان درین ؟
چون نیك بنگریم‌هم ازدست‌مستان
ازخویش‌اند ، ناکه‌ازخودمغان‌درین
مانیم باعث همه‌ادبار خویشتن
مانیم موجب همه‌ذلت زبان درین
درکل‌خویش‌چون‌که‌کردیم‌خود‌درین
امید چون کنیم زبیگانگان درین
هر تیشهٔ که خورد به پای حیات ما
ماخودزدیم ، آه‌تاسف ، فغان‌درین
اول برای خویش گرفتیم دشمنان
زایس‌میان خویش فتادیم‌مان درین
ازاند رفت آیه قرآن که مؤمنان
درراه‌دین‌خویش ندارند جان درین
مارا نفاق نمودیم صد فسمان
دشمن گرفت کامل ما ، دوستان‌درین
مارا بجهل وخود غرضی‌ها ادبردید
یکباك گرفت‌ثروت‌ودولت‌مان‌درین
روشن کنیم مشعل دیگر بداغ دل
گردید رفع گمهٔ ماخون‌فشان درین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1647 of 1786

من گرفت از کف اسلامیان مدینع
غیرت نماند در دلشان پهلوان مدینع
آن پهلوان که کوس ملک میزد است
امروز ملک اجنبیان شد فغان مدینع
آن پهلوان که مغرب و خور شید اهلی
آورد زیر، زیچه شد کاوان مدینع
آن پهلوان که مطلع خورشید(٤) را گرفت
امروز خلق طالع بختش چنان مدینع
اسلام بود منبع هر علم و فن هنر
امروز از چه معدن جهل است آن مدینع
اسلام بود صاحب قوت مدار علم
بر خاست اتفاق زمانین شان مدینع
مشهور بود در همه عالم حسام هند
امروز کم مباد از آن بی نشان مدینع
افسوس و آه و ناله و شیون هزار حیف
فریاد و داد و حیره و وای و فغان مدینع
دیگر قلم بیان نتواند، چنان کنم!
آن خامه میزند این داستان مدینع
ای یار خلق بلکه بسی در خطر
امروز ملک میرود اسلامیان مدینع
ای یار مرغه بوی در خطر بود
چون مشهد امام رضا در دستان مدینع
آتش گرفت کاخ من خامسوخت سوخت
طاقت دگر نماند مرا مردمان مدینع
اصفهان ـ پریشان ـ

(تشریح)

(۱)(۲) مرکز اسلام یعنی اسلامبول
روس و انگلیس
(۳) یعنی کلیسا
(٤) عبارت از چین

از تذکارهای سیاحت فرنگستان سنه ۱۳۳۱
موتر ایست که در انگلستان در یکی از ضیافت ها مرا داده بودند

حوادث خارجیه

مکتوب

عیناً ورقهٔ که از طرف جناب ـ کنور صاحب مهمان وزارت عظمیه پرس ـ کم داشاعرل وکیل کمپنی اوقات بدوات متبوعهٔ خلیفهٔ مالقاستان مهمان مینا شده به ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه رسیده است که درذیل شاره شود ـ

یک نهایت ضروری خط

قصر وایع بارتاد (کابل) تاریخ ۱۵ ق ـ ۱۹۱۶

دوست عزیزمن جناب ایدیتر صاحب سراج الاخبار ـ معاف فرمائید زیاده تر تصدیع نمیکنم بدهم ـ من حیران شدم که درجنده اخبار هند مرقوم میدارند که من بجواهر که واسطهٔ تجارت بحکومت افغانستان میکنند ـ من هیچ واسطهٔ تجارت نمیکنم ـ

کفته اند که من خودرا پلنیپوتنشیار آمده ساخته درستاق اعلیحضرت قیصر داخل شده ـ این مزاحی بهت میشد ـ من هرگز خودرا شیار آمد تصور نکردم ـ و نه هیچوقت درستاق یاد و کری دیگر داخل شدم ـ

الیته من خیال دیدن حالت حربی در وقت جنگ در آن ملک رقم کجا دولت جرمن بی بسیار اتفاق نبود ومرا موقع دار که من جلسه را از خندق پشت ترین وار خیاره (ایرو پلان) بینم و همین نیست بلکه اعلیحضرت قیصر خود مرا دیدند ـ بعدازان مسئله هندوستان آشکارا بدولت عالیه جرمن درست کرده وضروری سندهارا کرفته طرف شرق حرکت نمودم ـ

بخدیو مصر وشیراز کن دوزراء معه مشهور ومعروف انور پاشا وبا اعلیحضرت خلیفه مبارک سلطان المعظم ملاقات کرده ـ ازدولت عالیهٔ نهال عرصهٔ هندوستان وتوقرا درست کرده ضروری سندهایافتم ـ مراه من افغران جرمن وترک ومولوی برکت الله صاحب برای اعانت فرستاده شدند هنوز مراه من هستند ـ باوجود خطرها وتکلیف های سخت ازمرحله که مابما کوه راه بغداد و اصفهان به افغانستان

رسیدیم و علاوتوجه اعلان بیطرفی اعلیحضرت امیرصاحب بیکار ما بارام و اختیار مهمان دولت شما هستیم ـ باید که دوستان من از ما دانسته باشند ـ واکرمن بی شوند هرتوجری قبول نکرده ـ من دشمن هیچ آدم وقوم نیستم ـ من دوست دار هستم ـ من فقط این میخواهم که هر کس وهر قوم درخانه پاملک خود باآرامی و آرام باشد واین طور جنت و جهد از دنیا زایل نشود ـ

راقم

امیدوارم که عاقبت بامردم هندستان ودوست دولت عیانی هندوستان کسی که آنرا کنور صاحب مرسان وراجه صاحب هاپور می کویند مکرر ـ برای خیال وکار شخصی من هیچ دوست من وراجه حقیقی من راجه چاندر مرسان علی کرکاراست نسبتی من میباشد راجه صاحب جیواند جناب بامدرسه صنعت و حرفت رم میباشد اینه زبان مسئول وجوان ده میباشد ـ

م ـ رکاب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1648 of 1786

خبرهای راجع بایران

ایران کنونی

جریدهٔ رعد مینویسد :

یکی از دیپلوما تهائیکه اخیراً بپاریس ورود نموده است در مجلس مهمانی مارشال بهادران ایران اینطور حکایت کرد : — من سالهای سال است که ملت ایران را میشناسم و لاصبر قلب آسف میخورم که دامان وطن مشارالیه هم گرفتار پنجه متجاوزین اجانب شد .

حرکت هیجان آمیز و عجائبیکه فعلا در ایران رخ میدهد و منتظر ما انگلیسها در کار جریان است چندان قابل ملاحظه و سزاوار اهمیت نیست زیرا که حکومت ایران تا کنون فشون منظم دائمی که بتواند رخنه ما بیکار بردنداشته و نخواهد داشت . تشکیل یک اردوی مجاز در ایران از امتناعات است و آنان هرقدر در این راه جدیت و مجاهدتی کنند هرقدر طلا و ماشین و آلات و ادوات جنگی هم بایران حمل نمایند باز مقصود خویش بالکل نبافته فائده و نتیجهٔ را نخواهند برد .

برای اجرای مقصود فوق وطن پرستی که بافراد جنت کنونی یکی از عوامل عمده و بزرگ پیشرفت مقصود است بیش از حد تصور لازم است لیکن روی وطن پرستی به مقام ایرانیت نرسیده و احساسات وطن پرستی اصلا در آنان وجود ندارد .

مانیکه معتقد باشد که (حق با دراست) و روی این زمینه نشو و نما و تربیت یافته باشد مانیکه پیرو شه عقیده و دلیل بوده ، مانیکه در قرن بیستم و عصر تمدن روی قانون به مقاومتی نرسیده باشد و هیچ قانونیرا نشناسد مانیکه قبل از قیمت حیات و سعادت خویش را نداند ! مانیکه به نایب کار و مستبدین و حکومت خود از بزرگ و کوچک) رشوه بدهد و از احدی و هرکس تملق و تملق و وجود آنها چشم بپوشد هرقدر هم باصر و دیندار و شکیبا باشد بازنمی تواند اردوی تشکیل دهد .

ایران زارع صالح است . لیاقت کوه احساسات و قابلیتیکه سعادت و نیکبختی در آن باشد دور و در هیچ کجا نیست . ایرانی صلح طلب است . اما در تمام دوره حیاتش جوینده و خواستار همین چیزها است : که مامورین و حکام و نمایندگان حکومت کمتر از او رشوه گیرند و کمتر احدی نماینده و یاور هوا خیکه در این دوره‌های استبداد و اغراض شخصی روی تحمیل شده کمتر و بیکار کردد .

در ارومیه

از ارومیه مورخه بیست و نهم صفر مینویسند :

وضع شهر آرام است کلیه معاملات و تجارت بکلی متوقف گردیده آنها کشمکش و نزاع بیک اندازه روحی بتجارت میدهد کمبودی که اقسانی حاصل شده رو دوام دارد . نظر باینکه در شهر باره شایعات داشته و اسباب اضطراب اهالی بوده قونسول روس بتوسط اعلان جریان جنگ را در نواحی ساوجبلاغ مابین قشون روس و ترک نمایند . ابتدای جنگ از تاریخ هشتم شهر صفر شروع شده جنگ مابین پیش قراولان روس و عساکر ترک و مجاهدین مجدد السلطنه کردیده معلوم است که انتشار دارد یک عده قشون عده عثمانی عازم ارومیه حرکت کرده است در این دو روزهٔ آخر گفته میشود که از ارومیه حرکت قشون مطرعثمانی عبارت از ده هزار نفر بسمت ساوجبلاغ کرده است . صدقشون روس روز بروز زیاد میشود این دو روزه شنیده میشد کابان معروف تجدد سالقبل رئیس کشتی های دریاچه ارومی وارد از جنت هم وارد قونسولخانه روس شده با صد قشون عثمانی عزیمت است .

در کرده ستان و ساوجبلاغ عوامل اتحاد و عثمانی تحریکات خود را شروع داده و اهالی همچنان فوق العاده هیجان دارند موجب اظهار امیدواری شده و آنها هم حاضر برای عملیات میباشند .

عمارت مدرسه کلدانی ها در ارومیه

در همدان

آقای مکویه حاکم همدان از مجاهدین چند روز قبل از کرمانشاهان بهمدان آمده والیات کرمانشاهان هم مساعدت کرده قریب سه هزار نفر با عده آلمانیک صد نفر قزاق و دو عراده توپ و مقدار کافی جبه خانه و مهمات جنگی با کمال اطمینان خاطر بهمدان وارد شده اند و در این اواخر اهالی ارامنه همدان هم میباشند و بعد از واقعه جنگ کنکاور در همدان اسلحه تهیه کرده و طبق یک اظهاری کمهور از مرا کز رسمی تائید نکرده آقای نظام السلطنه هم با چهار هزار سوار به همدان آمده بازاران مواجب بقدر احتیاج نقدی می دهد .

در کرمان

جریدهٔ طوفان مطبعه کرمان بتاریخ چهارم شهر صفر مینویسد :

از طرف قونسولگری انگلیس در کرمان اعلانی منتشر گردیده یک عده از قشون انگلیس بقورخانه کالی در خاک بلوچستان وارد شده با پرداختن کمیکتر از سردارهای بلوچ است جنت نموده قریب صد نفر از قشون انگلیس مقتول و مجروح گردیده باقی فرار نموده اند .

عده مجاهدین

از کرمان خبر میرسد که عده مجاهدین روز بروز زیاد تر میشود و از طرف

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1649 of 1786

آبا بداو طلبان تلفات پنج نفر ومجروح میدهند درخارج شهر ... هارا متفق می کنند تاچند روز دیگر یك دسته آنها بطرف ... حرکت خواهند کرد

اخبار طهران

روزنامه طوفان کرمان را جمع باخبار طهران مینویسد که در بیست ... تلگراف رمزی روس وانگلیس از طهران فرار کرده وبقزوین ... اند تلگراف قزوین همه بقشون روس کرده وا نهارا هشت فرسخ ... درات عقب نشانده اند — وافی بقت گوید با جمعی از کسانش ... قزوین شده وسوار هایش درشرف ورودند :

جنك ساوجبلاغ

جنك بین قشون روس وعثمانی درساوجبلاغ ومیان‌دواب ... جمعروزه اخیر شدت نموده وبقرار اطلاعاتیکه میرسد رشته جنك ... گسیخته وفعلا زدوخورد سخت دراین نقطه شروع‌شده‌است ... میرسد عساکرعثمانی دراین‌حدود بالغ بربیست‌هزار نفرمیباشند .

قشون عثمانی درارد باجان

اینا ازبرز می‌نویسند : قشون عثمانی درخاك اردبیجان فعلا بالغ ... بیست هزار نفر میباشد که بیست هزار نفر آن بسمت ارومیه رفته ... بیست هزارانهم درسمت ساوجبلاغ ومیان دواب مشغول‌جنك‌هستند .

مجاهدین تبریز

... مجاهدین تبریز بطرف ارداجار حرکت نموده اسلحه ... ذخایر آنها هم بالیات وصول شده و بصرف مجاهدین میرسد ... ارزاق هم ازاهالی تبریز جمع‌آوری نموده اند .

در کرمانشاهان

ازمنابع خارجی خبر رسیده است که جمعی از قشون عثمانی عهده‌دار ... کرمانشاهان وارد شده اند .

خبرهای جنك اوروپ

ازجراید قفقاز

غرق کشتی ایطالیائی

یك کشتی جنگی ایتالی که از (برندزی) حرکت کرده وچندین ... سرباز آنرده وما کولات باچهار صدو بیست وپنج نفر قشون فرمانده ... حرکت کرده ، مین برخورده وغرق شده است ازمسافرین کشتی مزبور ... بعد نجات شده اند

اتومبیل های جدیدالاختراع

از (دوبلینك) بروز نامهٔ بیزانز پوید ومطلبی خریده‌اند که آقایان ... (ویلیامز) یك نوع اتومبیل‌ها - یعنی موتورکارها - توظهور وترقیات ... نموده‌اند که ، دراین اتومبیلها عوض چرخ بسهولت میتوان الکل ... خرابی‌رخ‌داد یکی ازاعضاء این مرکب جدیدالاختراع را ... بطورکامل زیر پوش هفده‌دوردی رفوچیز واسطهٔ آلات مخصوصه ... حرکت میکنند وبوسیلهٔ اینها قشون وتوپهای سنگین حمل‌ونقل میشود .

تلفات جنك بین‌الملل

نظر بمحاسباتیکه در مطبوعات لندن منتشر شده است ... سیر (کوزنی) درمجلس اعیان اظهار داشته است که عده‌تلفات ... جنك عمومی تاکنون بیش بالغ بر ۱۵ ملیون مقتول شده است

قشون عثمانی درفرونت ایتالی

ازمنابع خارجه‌میدهند که‌درمیدان جنك ایتالیاوآنرش یك عده ازقشون عثمانی وارد شده اند این عده بالغ برده هزار نفرتوازم فرونت‌داردائل باطیا اعزام گردیده اند .

اقدامات در ساوتیك

ازقرار اشعارات گزانس پترو گراد ۱۲ طیارهٔ آلمانی ۷۸ بمب بساوتیك انداخته اند

درزدیکی ساوتیك چند لنج‌البحری آلمانی دیده شده است .

تدارکات برای مصر

در عثمانی برای حمله بمصر اقدامات جدی وتدارکات قطعی دیده ... میشود فعلا یك اردوی صد هزار نفری باید پست وبخارا، توپ بحرانی ... که اطراف آنها توپهای سنگین هشته وعلاوه برآنها هزارو پنصد اتو ... موبیل تدارك شده است ! اگر قشون احتیاط را نیز کاربرای اعزام‌بمصر ... تهیه شده بحساب بیاوریم کارهٔ قوای اعزامیه مصر عبارت خواهد بود ... از سیصد هزار نفر بامهمات لازمه فرمانده کل اردوی مصر حال پاشا ... درموقعی که از اسلامبول حرکت میکرده این عبارت را تحریر نموده :

« باید بافتح وظفر مراجعت کنم وباید کشته شوم »

بخشش امپر اطور اطریش

هشت نفر روسی را بدرجهٔ قشون جنوبی واردوی اطریش ... وسایر وافسرا سکم اعطاء آن صادر بدود امپراطور اطریش ... بنا به وساطت « الفونس سیزدهم » پادشاه « اسپانی » هشت نفر روسی را ... کیت مرآباغیر جریده، نوورمه ورسیا » بوده است بخشیده است .

ازجراید روسی

منظره قشون کشی بهندوستان

ازمرا کز بسیار عالی ومواثق « انگلیس » اطلاعات فوق العاده ... جالب توجه درخصوص اعزام اردو وقشون کشی آنان وعثمانی بطرف « هندوستان » و « آن » رسیده است .

بطوریکه معین شده است ازیك ماه قبل‌ازین طرف مامورین‌نظامی « برلن » و « قسطنطنیه » یك نوع تدارکات بسیار عظیمی برای قشون کشی بسمت « خلیج فارس » مهیا کرده وانمکاس تدارکات نوعی‌بوده که در آن نواحی تهیه های نظامی مزبوررا برای قشون کشی‌بسوی « هندوستان » معرق ومتمکن گردید .

درواسط ماه « دسامبر » « مارشال چون در کولتز » باآقا ملازور مخصوص خویش وعده کثیری صاحب‌منصبان آنان وعثمانی برای تشکیلات یك اردوی نیرومند وجدیدی به طرف « بغداد » رهسپار گشت .

پس ازآن متعاقب ۱۵ هزار نفر قشون آنان که مرکز واساس تشکیلات اردوی جدیدالتاسیس عثمانی عرب محسوب میگردید بسوی حرکت می نمودند .

عقیده مرا کز مطلعه براین است که (مارشال ون در کولتز) بتحفه ریاست و فرماندهی کل این اردورا برعهده خواهد گرفت .

اراضی وتقاطع النهرین محل عملیات‌کار کنان دولت آنان گردیده واشخاص مزبوره برای فراهم ساختن عده سکنی قشون بدون اندیشه وحساب مبالغ هنگفتی خرج کرده واز هیچ نوع مصارف قدری مضایقه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1650 of 1786

ندارند وعقاید احزاب را دعوت مینماید که داخل قشون گردیده و برای جنگهای قریب‌الوقوع مهیا باشند و به احزاب مزبوره از هیچ نوع مساعدت مالی و تهیه‌های لازم فروگذار نکرده و دراز ای معاونت عسکری آزادی و تأمین حقوق سیاسی وعده میدهند.

خطوط آهن بین « بغداد » و بندر (ازمیر) از چندین هفته قبل درتحت نظارت مامورین نظامی آمده و تمام قطار های راه آهن مخصوص ومشغول حمل اسلحه و ذخایر جنگی بطرف بغداد می باشد. وضمناً قیاز شدن راه مستقیم برلن وقسطنطنیه از جانب بلغارستان و « صربستان » پیوسته مقادیر هنگفتی اسلحه و مهمات رسیده و بیشتر هم بسمت عراق عرب اعزام میگردد

بموجب نقشه بسیار عظیم و پرطول و عرض که آلمانها در برای انجام قشون کشی هندوستان تهیه کرده است. اردوی جدید التأسیس مزبور مرکب خواهد بود از قشون هائی که فعلا درمرکز نظامی بین‌النهرین اقامت دارند وعلاوه بر آنهائی که برای تقویت وامداد وی معین گشته وقوای تازه که در هاجا میادرت به تشکیلات آن نموده‌اند مطابق نقشه مزبور اردوی جدید الاحداثیه « هندوستان » موافق خط راهی که (اسکندر کبیر) مقدونی بسوی (هند) عزیمت کرده طرح ریزی شده ومیخواهند ازهمان راه بمقصد برسند.

مقصد واولین اردوی زرنگ آنست که اراضی مرکزی ایران را اشغال کرده وسپس از شرقی (ایران — سیستان — بلوچستان) از طرف بلوچستان به « هندوستان » حمله می آورند.

این عملیات وتدارکات جدید توجه عمیق عالم را بخود جلب کرده است. چرا که اغلب از سیاسیون آن تدارکات را تصور می نمایند که باین ترتیب وباهراهی ومساعدت « فیصر وبابلو » حاکمیت سیاسی و خود مختاری خودرا ازهندوستان وتمالک اسلامی بسط وتوسعه خواهند داد.

روح این مقصد ومحرک حقیقی این جنبش های زرنگ علما وروسا نبود وهرا گر اطلاعی دولت عثمانی میباشند و باین ترتیب اشخاص مزبوره احساس میکنند که با استیلا یافتن دوباره قسطنطنیه و به عهده ستان « مهلک ترین ضربت سخت به قلب انگلستان واردکرده ومهمترین مستعمره عظیم الجثه وی را ازدستش گرفته کار اورا خواهند ساخت.

این اردوکشی بطرف هندوستان ازقشون کشی وحمله عصر مستقل وجدا گانه خواهد بود. فرمانده کل قوای اعزامیه مصر جال پاشا است که فعلا باسلامبول آمده است

بطوریکه ما ازمطالعه سیاسی ودیپلوماسی مؤثقین درپوتان اظهار عقیده مینمایند. این تدارکات وقصدار « وکشی به هندوستان حتی از حقیقت ومعنی بست چرا که طرفداران عثمانی که هنوز مسلح نشده اند بسیار زیاد میباشد ومقدار کثیری مرباز برای آن از داخله آن مملکت تدارک میشود وعلاوه بر آن پس از بازشدن راه بالکان ورسیدن هرقدر اسلحه که لازم باشد تشکیلات جدیده این قبیل اردو های زرنگ دچار مشکلات نمیگردد. (روسکوپه اسلوو)

خبرهای جنگ اروپا

ورود اسلحه آلمان بعثمانی

برحسب اطلاعاتیکه از « سوفیه » رسیده است بلغارها نهایت جدیت وسرعت مشغول کشیدن یک خط آهن جدیدی شده‌اند که در ماتوب

شده واز « روچوق » شروع گردیده وبیشتر داتوب « ویدین میرسد.

این خط آهن یک خط آهن جدیدی است مابین « ماتوب » واطریش بزودی راه ساحل داتوب « سرستان » واز « کلاه‌روا » شروع گردیده متصل میشود.

حمل ونقل مهمات و حرکات عسکری بقدری زیاداست که روی داتوب وخط آهن فعلی کفایت آنرا نمی نماید. این دو خط آهن فوق‌العاده مهم وبرای آخر ماه آوریل « ماتوب » بادام رسیده وازطرفین بهم میرسند.

در تمام استاسیون‌ها « بادرروخانه داتوب « بلغار ۷۰ « صرب

بشدت وجدیت تمام آوری جاری است. هر روز دیوزیون‌ها وسته جات قشون آلمان واطریش ومقادیر عظیمی مهمات جنگی وسوی مشرقی میروند مخصوصاً روزهای ورود وخروج توپ‌های سنگین وقطارهای حامل مهمات آنها بیشتر از همه موجب تعجب اهالی است.

تمام اینهائیکه ذکر شد از راه آهن‌های آلمان واطریش وارد شده وسمت عثمانی ومشرقی حرکت مینمایند.

مقاله

ضرور — بیدار شو — ضرور

از زبان هندی اصل عینا ترجمه :

کسی درهندی خوب گفته است جوا گ سوداری جو سوی سو گیرو یعنی کسی که بیدار است هرچیز که می خواهد میابد اما کسی که خواب است هیچ نمی یابد — افسوس که مردمان این نصیحت را نمیدانند یا خواب میباشند — برادران اینوقت خواب نیست بچشید که احوال زمانه شما مردمان دوررمین می کنند ودنیا درروگر اتفاق عجله می بیند کسی گریبخواهد که خدمت نما بکند شما هیچ متوجه نمی شوید — آیا اگر شما را کیدهم میکند شما خواب هم نمیدهید — این چه‌طوری شود — باید که شما از خواب رخصت احوال زمانه را فهمیده مدبیر دیگر را بکنید — هیچ وقت این مشروط خواهد شد که مادر جوان وبرادر هیچ‌یکی دوستان نمیشنویم — نه — خیر نه — این قصور شما است اگر شما پاک جاگتی شوید ورای مدد گر بسته می گشته بشنو :

قصه

دوسافر بودند — دریک سرائی قیام کردند — یک خوابید دیگ هنوز بیدار بود که بزدها آمدند — ملک آن که خوابیده بود بردند اما یک مرد که جای آن آمد که بیدار بود گرفتار شد — ملک آن تعرف وروز دیگر ازحکومت انعام هم یافت —

[بیدار دی مثل بیکاری]

این هم یعنی اوقات میشود که مردمان بیدار هستند وهر قدر خودرا هم میخواهند سی هم می کنند اما یکی دیگررا می شوند — چرا — زیرا که اتفاقی بست ویا درمیان هیچ واسطه نیست — اگر اینصورت میشود باید که همت کرده اتفاق کرده شود ودرمیان وسیله پیدا کرده شود — تاکی است که یک دوبار تاکاه بان میاتند اما آخر ضرور فتح است بشنو

قصه

پادشاهی بود که آزا تاکست فاحش شد — آخر درجنگی فرار کرد — آنجانشسته بود ودرخیال خود گفتی بود که یک دانه گوی ازیک درخت بردیگر درخت رفتن می کرد اما درمیان اتفاق — یادگر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1651 of 1786

اعتراضات برحصول قطی کو کرد ـ

لندن ۸ اپریل ۵ جمادی الثانی ـ

درباب حصول مجوزه‌قطی کوکرد مشکلات پیداشده است مالکان کارخانه قطی کو کرد سازی فروش قطی هذا موقوف نموده اند ـ

تجارت جرمنی بهمراه ناروی ـ

لندن ۹۰ سنه اپریل ۷ جمادی الثانی ـ

هزار بیانات اخبار اخیر وسیع جهازات جرمنی ازهمبرگ روانه‌شده درخور ناروی داخل‌شده بهمراه‌آن تجارت قایم کرده‌اند دهان میرند وسمن ونیل وغیره می‌آورند ـ نامه‌نگار تایمز مقیم آپنهاگ نیز تصدیق نقل وحرکت جهازات تجارتی جرمنی می‌نماید ـ

غرقاب جهازات ـ

بذریعه تحت البحر جرمن

لندن ۹ اپریل ۶ جمادی الثانی ـ

جهاز انگلیزی موسوم به (شمله) غرقاب شده است

جهاز برطانوی موسوم بهآومن غرقاب شده است ـ

لندن ۱۰ اپریل ۷جمادی الثانی ـ

جهاز برطانوی موسوم بزفره غرقاب شده است دو لنگر دیگر جهازات برطانوی موسوم به سفك ورنهه هال وکاپن آموند غرقاب شده اند ـ سه‌نفر ازجهاز اول الذکر مفقود میباشند ـ

لندن ۷ اپریل ٤ جمادی الثانی ـ

جهاز کپنی بی‌آپنه اوغرقاب شده است ازاهل جهاز ۱۷ نفر ملف شده اند ـ

غرقابی دیگر جهازات ـ

لندن ۸ اپریل ۵ جمادی الثانی ـ

جهازات برطانوی موسوم بهیانتالا وبرون تن وجهازات دنمارك موسوم بهسینت جرئی بورنك وکلاپید غرقاب شده اند ۹ نفر ازجهاز اول الذکر شایع شده اند ـ

محاربات بلغان

لندن ۹ اپریل ۹ جمادی الثانی ـ

اپیتز ـ جرمنی چونان‌راضی‌ساخته است کهمهاجمه بلغاریه‌جرمنی در حدودیه بقی می باشد ـ

حالت چونان ـ

وزیر خزائن مستعفی شد ـ

لندن ۹ اپریل ۹ جمادی الثانی ـ

اپیتز ـ موسیودرا کومس وزیر خزائن باوجود منت‌وسماجت رفقا خود ازمنصب خالی شدن خزائن وارزس حملجات که رای کابل دوایس بعض علاقه جات مفتوحه مقدونیه ترك کرده خواهد شد مستعفی شده است ـ

حالت چین ـ

۷ اپریل ٤ جمادی الثانی

نامه نگار مارننگ پوست مقیم تیت‌سین می‌گوید که سلطنت عمومی چین روبه‌اصلاح ناورد مدامست اخبارات که قبل ازین حامیان خاندان

جوانح

بیگ انگریز درفرانس بودند وکاپتاً رنصف فرانس قابض بودند د مردمان فرانس خواهش پیداشده‌بود کهانگریزرا از ملك خود ر کنند اینهوج طریق ندانسته ـ آخوف بلکزن که نام او (جان) بود همت کرده ازخانه حرکت نموده برای آزادی ملك‌خود کوشش کرد ـ مردمان ازهر جهار طرف فراهم شدند وملك‌را آزاد نمود ـ

چه انتظار آدمی خاص لازم است

در هر زمانه ـ آدم خاص هر جان وقت پیدا میشود که درمیان مردمان پیدا میشود وآن آدم ضرورت الزماست ـ کسی خوب گفته است که اینم همان چیز می گوید که درخیال مردم پیدا میشود ـ من خاصتم که بواسطه یك‌یك این‌خیال کرده گفتم اگر کاری کنم که میشود کار خیررا آغازی کنم ـ اگر ما این طور فرض خودرا نکنیم بلاشك ما کامیاب‌وا خرپشیمان میشویم ـ پشتو ـ

قصه

بلغان یك حوض بزرگ تیار کرد وحکم داد که هر کس ازشهر یکظرف آب دران بیندازد ـ اماهمه این خیال کرده گه اگر من یک مضایقه است دیگران البته میاندازند هیچ‌آمدند وحوض شد ـ درگروز بادشاه این دیده بازدید شده بگرداد که هر کس آب انداخته نام‌خودرا بنویسند ـ همه‌فتند وحوض دریکروز

ماصل مطلب

بیدار بشو ـ بیدار بشو ـ بیدار بشو ـ

آخر نوین خبرها

جرمنی و بلجیم ـ

لندن ۸ اپریل ۵ جمادی الثانی ـ

اخبار دم ـ کورنر جرمنی‌مقرر بلجیم اهل‌بلجیم راحکم‌داده است که مکتوبات وخط وکتابت رسمی زبان‌جرمنی استعمال کرده شود ازیوم میشود کهبلجیم‌را جرمنی بصورت قطعی ودایمی بملك خود داخل کرده است ـ

بحریه هوائی انگلستان ـ

لندن ۸ اپریل ۵ جمادی الثانی ـ

دیلی تیگراف می‌گوید که لارد مان نیك نیز ازمجلس بحریه هوائی انگلستان مستعفی شده است ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1652 of 1786

شاهی بودند اعلان می کنند که بوال شکالی برای قیام علی الدوام بر منصب مو جودهٔ خود عزم بالجزم نموده است چنین جنو بی نسبت بسالق برای وطرق بوان شکالی آزاد باشد

سلطان خاندان شاهی در کرمی زیاده تر از سه فرسخ طرف غرب جاده عامهٔ عظمی صدر اعظم مقتله شده است ـ در بیکن کوشش کرده میشود که افسران و اعلمان آنها از مروج از بکان بازداشته شود ـ کدام خوف و دهشت مظلم شاهد و بر شهر بر دیوارها اشتهارات برای تسکین خاطر عوام الناس چسپانیده شده الله فقط ـ

امرتسر سیم فروری

جنگ عظیم الشان صف آرا در منصورهٔ اسلامی در عراق عرب هنوز دوی عسکری انگلیز انبوشه !

شنبه ۲۹ ماه اپریل ـ ۲۶ جمادی الثانی ـ

(فقط) مسخر گردیده است ـ

جرمن بعد ـ اعلان رسمی متعلقه تسخیر فقط بیان میکند که بعد از مقابله و مدافعت ۱۴۳ روزه در داشتن مستحکم قسما قسم جرنیل توشنه از سبب قلت ذخایر خوراک مجبوراً اظهار اطاعت نموده است اواتواب وجرنیلهاه هارا پیشتر روانه کرده بود ـ درلشکرگاه او ۲۹۷۰ نفر سپاهیان رهائیه دشمن هزار عربیا هیان هندی بودند ـ که همه تسلیم واطاعت کردند ـ

کلکته ۳۰ ماه اپریل ـ ۲۷ جمادی الثانی

طور رسمی اعلان کرده میشود که شب ۲۶ ماه اپریل ۲۱ جمادی الثانی برای فرستادن پانصد تن جهاز خوراک برای اهل قلعهٔ فقط جمع وجهیز کرده شد ـ

لا کی افسوس که کار کرنشد ـ عبارهای ملفوف کردند که جهاز مذکور در مشرق قط عاصله ٤ میل پرخشکی رفته اسیر شده بود ـ

[حضرت الله عظیم الشان وعده فرموده است که حافظ دین حق خود ذات اقدس خداوند یست ، واین حق است کما بران ایمان داریم کرامات اولیا نیز حق است که از مرشد معتقدان ماست ـ آیا آن فرواج مقدسهٔ کدفین خاک عطر ناک آن قلعهٔ شهر یاست ، هیچ یک تأثیر معنوی باردوی ظفر آردوی عیال که از قصرها بخدمت آن مقامات مقدس انتظار داشتند مدد نرسانیده باشد ؟ البته که رسانیده است ! سراج الاخبار]

تلفات افسران عسکری انگلیزی

از هشتم ماه اپریل الی ام آن ماه الفراز راپوتهای رسمی خود انگلیزها در رزمگاههای مخالف الفراز ذیل است :

اپریل	افسر مقتول	اپریل	افسر مقتول
۸	٤٥	۲۰	۱۱۷
۱۰	٦۳	۲۱	٦۱
۱۲	۲۹	۲۳	۲۳
۱۳	۱۱۹	۲۵	۱۱۷
۱۵	٥۸	۲٦	٦۱
۱٦	٥۰	۲۷	۱۲۰
۱۷	۹۷	۲۸	۹
۱۸	۱۲۹	۳۰	۳۰

مجموع کل ۱۱۲۵

اعلانی

سراج التواریخ

جلد اول ـ و دوم

زنده باد جاودانی هیکوم و ملت (کرنج آست) سراج التواریخ آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل الفاخست ، زیرا از آغاز شکالی دکمی دولت العلیهٔ عالیه تحت میرآمد که برای سالدار استقبال دارسکاه عبرت ، وخوندن ازین آئینه ملت ضرور نیشود ـ هرفرد ملت را واجب است که یک نسخهٔ از آنرا بدست آرند ومانند سر در کتابخانهٔ خانوادت خودشان نگهدارند ، علی الخصوص که کتابخانه بیت خانه و میر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بهاسرور فرمان شاهانه صدات بادشاه مقدس ماهیحضرت ، سراج الطوالین ، تألیف پدر ودرمطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل زیورطبع آرایش وتر تیب یافته

جلد اول این کتاب تاریخهای سلطنت خاندان دنیان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تحت دولت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم مغفران مکان الاهه در کابل تحریر وجلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا به اول جلوس اعلیحضرت ، ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان ، طاب ثراه بکار فرموده جامع میباشد درکاغذ اعلا بحروف چاپ طبع رسیده است ، قیمت کتاب مذکور قیمت زیبا وخوبی تجلید آن الفراز دون است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم ضخامتی ۱۰ جلد جلدساز جدول طلاکار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای انبوه بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پخته کابلی ـ

نمبر (۲) پشتی مقوا روپه کمرساتی چهار کنج وزیر جرم حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجته سیزده روپیه پخته کابلی

نمبر (۳) پشتی مقوا روپه کمره لاجوردی چهار کنج وزیر مینی سرخه کابلی پخته حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجته جزه بندی شده یازده روپیه پخته کابلی وده شاهی ـ

نمبر (٤) پشتی مقوا روپه اری چهار کنج وزیر جرم مینی سرخه کابلی پخته حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجته کوته بندی شده ده روپیه پخته کابلی وده شاهی ـ

نمبر (٥) پشتی مقوا روپه اری سرخ چهار کنج وزیر کپی شاسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجته کوته بندی شده نه روپیهٔ پخته کابلی

وپازده شاهی ـ عمل فروخت

درقلمی ادارهٔ میدار که از تحویل خانه جناب محمد ولیخان درهمه در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد ازینه وقیه وشیرازه بیشتر مهم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر فرمودند که جلد اول ودوم دریک وقیه شیرازه وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وبن از طبع برآمده مقوا کرده شد التماسات اعلان فروش آنها نیز خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومسئول محترم

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1653 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا
باد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که اشکالات رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا فراهم نمائیم باوجود کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل بشارت علاوه نموده دا کتابه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین گرامیها رسانده درعهدهٔ خیلی خوب قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنهٔ خود را تشویق دهد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتابه خود شان میرسد .

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایات داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی / قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی / ششماهه هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
هرجائیکه باشد ما اجرت پست	
قیمت سالیانه / دو روپیه انگلیزی / قیمت ششماهه / دن روپیه انگلیزی	
به ماهه اشتراک قبول نمیشود	
یک خلاصی روپیه انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است از من قرار حساب کنید	

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند ، وبا دیگر هردم اعلان وانتشار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمدن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وجه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — انچ — ۴ — سونت) میباشد

مرکه شخصی اعلان خودرا میخواهد یکماه یکبار نشر کردن خواهد دوجه یک ساله را پیشکی ادا نماید درق فی هر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

اعلان

حسنا مه سه قطعه نمروی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ افریقا

(بقیه عنوان) یک اثر دلپذیر جدیدی در سطر هوسکاران عزیز جلوه عرض میدهد ، بدست آرید ، بخوانید درظرف ۲۹ روز یک دوره گی به قطعهٔ زمین را بامیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید ، ملکهای راکه زان میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا رنگارنگ آگرا خواهید مطالعه نمود . چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه کیفیتها چه دورها میگذرید ! عاجی ، آدمی ، حیاتی درین زمان تاجرانه عاشقانه هوسات وانگیزه ، یک اثر :

این اثر نفیسه حظ مرکن دوستان وقته محظ میباشد . تقریباً (۷۰۰) صفحه ، دوا (۱۰۵) قطعه تصاویر ماهر خطوط والقاعاس مناظر وقطعه های مهمه مزین است ، قیمت با اینهمه چنین بهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هم نیست . کاغذ اعلا ، چاپ خوبی ، تصاویر رنگو گرافی ، جلد فاخر واستوار ! اگرچه میخواهند ! هفتادار که این نامی مطبعهٔ مبارکه وزوه اطلاعیه (عبدالرحمن) خان در مرتب مطبعهٔ مبارکه پادشاهی کابل (در ۱۳۰۷) طبع کرده در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی دکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده دوا وبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید هیچ کی گران نیست .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1654 of 1786

(اعلان)

پراکنده

آثار مطبوعهٔ کارنامهٔ مطبعهٔ عنایت، از قبیل مجموعهٔ اشعار شیدا، مجدد آگاری شیدای بدخشانی اعلا، وحوش صنع ارزا، بالصور بسیار زیبا چوپ گرد بازار عرفان گردیده است، اگرچه از نحن خط وحال جدید است ولی مضامین وعنوانات بر اسلوب یکطرز جدیداست، قیمت مجموعهای شاعری (معنوی) قیمتش خیلی ارزان، یعنی فقط (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از کوچه عبدالرؤف خان سر حوض، ودر بازار ارزان از دکان بازمحمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده! ازین پس رسیدهٔ کارزار، مطبعهٔ عنایت، کامیابانه نوید میدهد! «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که ثروت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای انسان رهنمای نوع پرور بسطرنگیت وجلوه گرمیسازد، هر حکایت، هر عبرت عرض، هر فضیلت! حوض جلب، حوض کاغذ، حوض کمپوزیشن علاوه، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وخارجیش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه کابلی فروخت نمی مطبعهٔ عنایت در دهه افغانان، و در بازار محمد در بازار ارزان، و دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

عزت اسلامیت

تا چه باید کرد؟

ادب درس

ترجمه

عناصر جدرافیای عمومی

این کتابها موقوف اداره میباشد، هرکس که آرزوی داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دهه افغانان ازکوچه عبدالرؤف خان سر حوض، ودر بازار ارزان از دکان بازمحمدخان کتابفروش، ودر بازار ارزان از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مانوقرا باشد باید در سراج الاخبار افغانیه عاید کنند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی

سیاحت زمرد از دورزمین پیشاور روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهرچی سخی وازهرچی سنی مجلد	۲
رودهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مانوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دهه افغانان ازکوچه عبدالرؤف خان سر حوض، ودر بازار ارزان از دکان بازمحمدخان کتابفروش، ودر بازار ارزان از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مانوقرا باشد باید در سراج الاخبار افغانیه عاید کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، وکتابچههای علاوتی وشماره های متفرقهٔ آن، وجمله کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند ازدکان حاجی ملاغلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، وازدکان بازمحمد خان تاجر کتب در بازار ارزان قیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره در مانیتجا از که، ودر خود مطبعهٔ عنایت دهه افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1655 of 1786

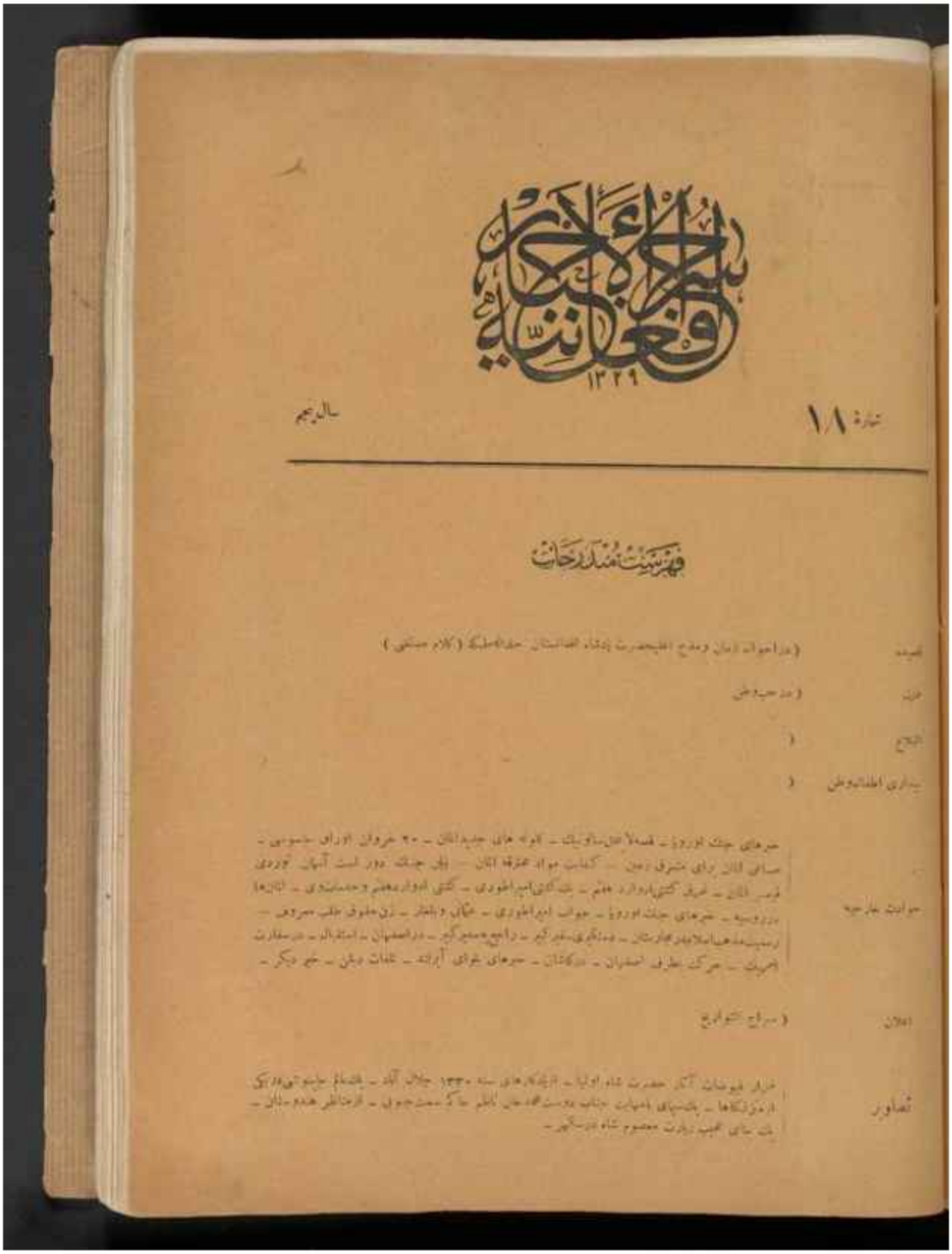

شمارهٔ ۱۸ سال پنجم

فهرست مندرجات

قصیده (در احوال زمان ومدح اقدس حضرت پادشاه افغانستان خلدالله ملکه (کلام صائب)

غزل (در حبوطن)

اتحاد (

بیداری اهل الوطن (

حوادث خارجه جنگ اروپا - قصه لاغل ساکویک - کلوه های جدید آلمان - ۲۰ هزار اوراق جاسوسی - مسافر آلمان برای مشرق زمین - کتاب مواد محرقه آلمان - پل جنگ - دور است آسمان - توپ قوی البدن آلمان - غرق کشتی پادشاه هلند - یک کشتی امپراطوری - کشتی انوار معظم وحمله دوی - تلگرافها - جنگهای جنگ اروپا - حوالت امپراطوری - عثمان وبلغار - زن مفقود طلب میشود - رسیدن مدهب اسلام بهندوستان - دعاگوی مخلص - راپورت مسیو کیر - در اصفهان - امتحانات - در سفارت فرانسه - حرکت طرف اصفهان - در کاشان - جنگهای خوانی آرائه - تلفات دیلن - خبر دیگر -

اعلان (مراجع التواریخ

تصاویر مزار فیوضات آثار حضرت شاه اولیا - از یادگارهای سنه ۱۳۳۰ جلال آباد - پادشاه جاپان وامپراطریس - از دژکاها - پلتنهای جاپان جناب دوست محمد خان بالم جا کرده جوبل - از مناظر هند - پل سنای عجیب زیارت معصوم شاه در سکهر -

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1656 of 1786

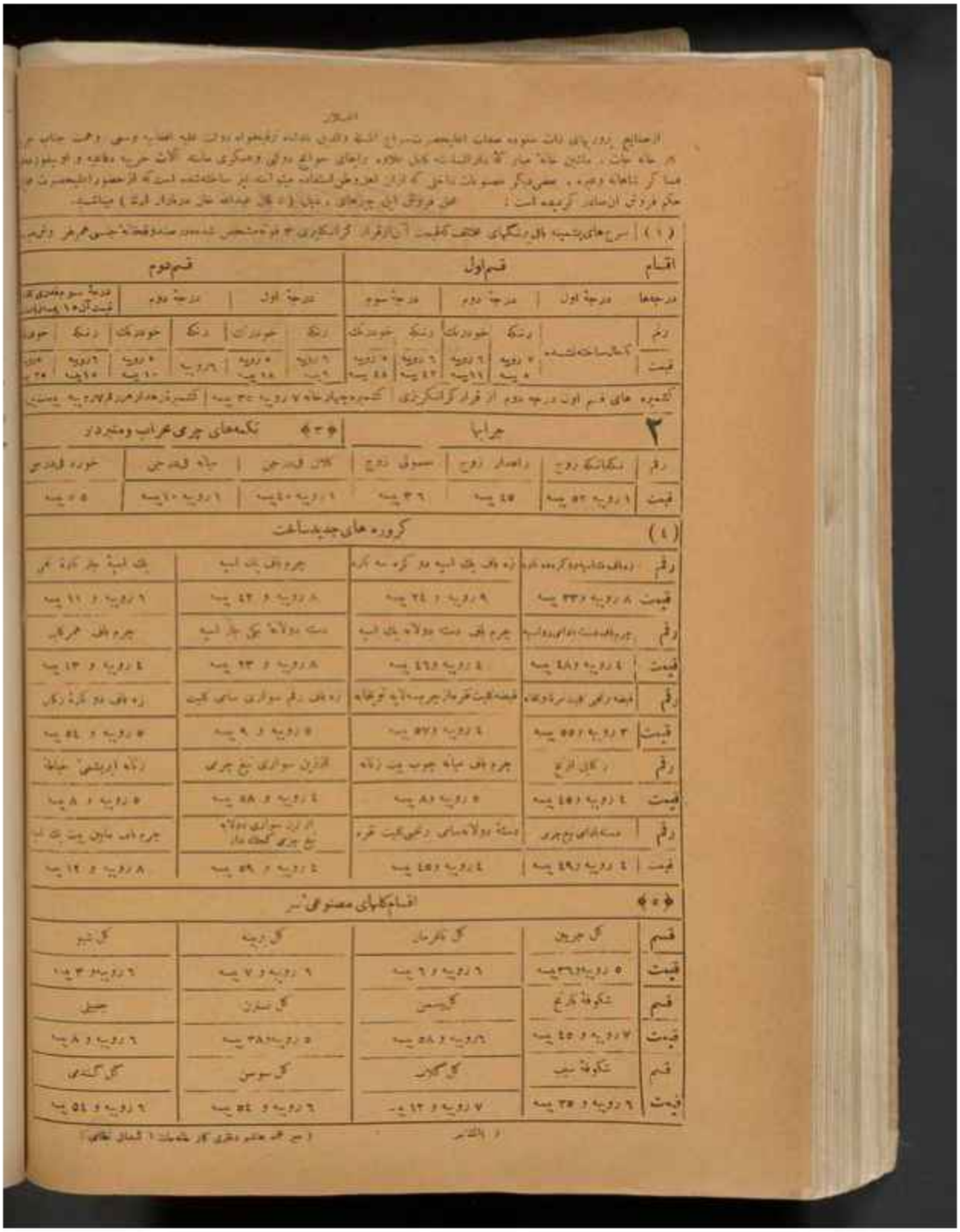

اعلان

از صنایع زردوزی ذات سنویه صنعت اعلیحضرت شهریاری ادامهٔ داشتن بندگان رفیعقدر دولت علیه اعلیحضرت و سعی و همت جناب مستطاب عالیجاه جلالتمآب کامل الاخلاص راجای سوانح دولتی و عسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و توپخانه صحرا کر شاهانه و غیره ، بعضی دیگر مصنوعات ناشی که از این قبیل و طی استفاده میتوانند بر ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت ... حکم فروش ازصادر گردیده است : اهل فروش این چیزهای ذیل (از قال غیره خالی مرغوب قرار) میباشند.

(۱) | نرخ های پشمینه بافی و رنگهای مختلف تکمیل آن از قرار گرانکاری ۳ قرانی منحصر شده در صندوقخانهٔ جنس هر هر ذرعی

اقسام	قسم اول			قسم دوم			قسم سوم		
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم	درجهٔ سوم و همدوش کاشمیر آن ۱۵ پهنا		
رنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیه	۲ روپیه ۱۱ پیه	۲ روپیه ۸۲ پیه	۲ روپیه ۰ پیه	۲ روپیه ۸۲ پیه	۲ روپیه ۵۸ پیه	۲ روپیه ۰ پیه	۲ روپیه ۱۰ پیه	۲ روپیه ۲۰ پیه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکاری | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیه | کشمیر زمینه از هر قرار ۲ روپیه پهنای

۲ جرابها | ۴۰۴ تکمه‌های چرمی عراب ومنبردار

رقم	دکمه‌دار زوج	داصدار زوج	مسدول زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیه	۵۲ پیه	۳۶ پیه	۱ روپیه ۴۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۵۰ پیه

(۱) کروه های جدیدساخت

رقم	زه‌دار یک‌لایه دو کروه سه کروه	زه دار یک لایه دو کروه سه کروه	چرم دار یک لایه	یک لایهٔ بیز کرهٔ بی
قیمت	۸ روپیه ۳۲ پیه	۹ روپیه ۲۴ پیه	۸ روپیه ۵۲ پیه	۶ روپیه ۱۱ پیه
رقم	چرم‌دار دست دولاه دواسی دولایه	چرم دار دست دولاه یک لایه	دست دولاهٔ یک بیز لایه	چرم دار عرقچار
قیمت	۴ روپیه ۴۸ پیه	۴ روپیه ۲۶ پیه	۸ روپیه ۹۳ پیه	۴ روپیه ۱۳ پیه
رقم	قیطه‌دار نقره‌دار دولاه	قیطه‌دار قرمز چرم‌دار آبه توغاه	زه دار رقم سواری سای کلیت	زه دار دو کرهٔ رکن
قیمت	۳ روپیه ۵۲ پیه	۴ روپیه ۲۷ پیه	۶ روپیه ۹ پیه	۶ روپیه ۴۸ پیه
رقم	رکاب ارنج	چرم دار سیاه چوب پت زناه	گلابن سواری تیغ چرمی	زناه ابریشمی جیاقه
قیمت	۴ روپیه ۴۸ پیه	۶ روپیه ۸۶ پیه	۴ روپیه ۵۸ پیه	۶ روپیه ۸ پیه
رقم	دسته‌دار دولاه‌دار	دستهٔ دولاه‌سای دلخی کلیت قرمز	از ان سواری دولاه تیغ چرمی کمتر مار	چرم دار عابدین پت یک لا
قیمت	۴ روپیه ۴۸ پیه	۴ روپیه ۴۸ پیه	۴ روپیه ۵۹ پیه	۸ روپیه ۱۲ پیه

۴۰۵ اقسام کلهای مصنوعی ترکی

قسم	گل جرمن	گل نارمار	گل ترپه	گل تیپو
قیمت	۵ روپیه ۳۶ پیه	۶ روپیه ۶ پیه	۹ روپیه ۷ پیه	۶ روپیه ۴ پیه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گلیسن	گل نسترن	جسمین
قیمت	۷ روپیه ۴۵ پیه	۶ روپیه ۴۸ پیه	۵ روپیه ۳۸ پیه	۶ روپیه ۸ پیه
قسم	شکوفهٔ نیپ	گل گلاب	گل سوسن	گل گندنی
قیمت	۶ روپیه ۳۵ پیه	۷ روپیه ۱۲ پیه	۶ روپیه ۵۴ پیه	۹ روپیه ۵۴ پیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1657 of 1786

جلد (۱) سال پنجم (شماره) ۱۸

قیمت اشتراک سالیانه

در دار السلطنة کابل ۸ روپیه کابلی

در سائر ولایات افغانستان

در هندوستان و ممالک خارجه

در ممالک روس

در ممالک انگلیس

در ممالک آلمان و اتریش

اوراق که درج نشود اعاده نمیشود

۱۳۲۱

اداره کتابخانه و مطبعه

در ساختمان دار السلطنة (کابل)

خط امورات تحریریه باداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ۱۵ رجب ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۱۸۸۸ عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۲۸ ثور ۱۲۹۵

قصیده

در احوال زمان و گزارش مدح پادشاه افغانستان خلد الله ملکه

(کلاه مخملی)

بجز فریب ندارد زمانه کار دگر
سپهر نیز ندارد چو این مدار دگر

چنین بازیچه بشر کرد روزگار جهان
ندید چشم چنین بازی روزگار دگر

چنین کرد باهل زمانه بازی چرخ
هنوز دانی بازش چه کار دگر

خلق کرده بسان کهن هزار سخن
هنوز سان دگر میکند هزار دگر

چو رنگ گل بنگر سال نو بهار دگر
که گاه گل شکفد سال نو بهار دگر

یک شراره جهان سوخت جان بنیوخت
چه باشد اگر کرد یک شراره دگر

ز خویش رفت یک گروه از خلق جهان
خدا خبر چه توان شد یکروز باره دگر

توان گشید بالا یا وجود سپهر
بلی که داده به هبود اختیار دگر

بکا کنیم زمانه بکون چرخ کبود
چو این گشاد نخاهد گشاد دگر

توان ز آهنه حصار جهان کرد هزار
ولی حصار اگر دیده حصار دگر

اگر گرفت زیار و دیار خویش مالک
بگو که یار دگر داری و دیار دگر

بسی بازی باران بدیدی که کسی
بدین زمانه یکی را ندیده یار دگر

بخود بخور غم خود خود بخود که خلق جهان
یکی نیشود امروز غمگسار دگر

بگر بکر خود افتاد ای مسلمانان
بهر زه دست نیاید زدن بکار دگر

کنون شدند چو اعدای دین بجنگ دگر
چرا کنیم درین وقت انتظار دگر

بکر خویش چو در ماند است دشمن دین
چرا نفاق نگیرند تا شمار دگر

باتفاق بکوشید از برای خدا
یکی برادر دین چند مستعد دار دگر

بهم برادر دیدیم ای مسلمانان
چشند تا بن زیاری و آزار دگر

خوشا وفاق که سازد یکی هزار هزار
بدا نفاق! که سازد یکی بکار دگر

هزار صد است و هزار اتفاق یک بگر
همان یکاست چو زوکم کنی شمار دگر

ز نیکبختی ای اهل اتفاق زند
بدین متاع همی آید از دیار دگر

گر اتفاق بهم داشتی گروه فرنگ
چرا بخاک کشیدی یکی مدار دگر

هنوز هم رسی داری از حیات هنوز
مکن بهر زه مکن صرف دور کاره دگر

بخوش آی یکدست توحاد و بس قهر
کنون بکاست یکی چون توحاکسار دگر

پیش به قدرت ودو نداشت وقار
کنون بکاست یکو چون تو بوقار دگر

عنان دشمن دین مادی از پیاده روی
چه شد نبود یکی توشهسوار دگر

چه شد که میکنی اقرار هوشیاری خصم
چه شد نبود یکی تو هوشیار دگر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1658 of 1786

چیچکار حزن دست خود که گفت ترا
که هیچ بست کنون چون تو هیچکاره مگر
گذشت موسم بیکاری و فرار نشست
زمان گسب وکال است و کاروبار مگر
زمان غفلت و تن پروری گذشت گذشت
کنون زمانه بی است و روزگاره مگر
در کار چین شهریار عدل شعار
زمانه یافت وقار دگر قرار دگر
جهان عدالو سپهر خرد محیط کرم
کمالو دولت اورنگ اعتبار دگر
سراج ملت و دین آفتاب دولت و ملت
که هیچو او نتوان دید شهریار دگر
رفیع تور سراج منیر عصر امیر
پدر بزرگوهر بست کار کار دگر
زمدح خسرو عهدم دگر چه گاه گو
من شکسته چه آیتی بکار دگر
زمن حوشست هنر وصف قهرمان زمن
مرا که بست جز ثنای شهریار دگر
غزل - ایهوا آرم بدان حدیث بتان
مرا که بست جز این پیشه کاروبار دگر
(غزل)
ندیدم چو یسان چو تو نگاردگر
که دیده از گل روی تو خارخار دگر
چو چون دو هیدمت نگار دوست
که دیده است چنین سنگدل نگار دگر
ببرد عشق تو دل با غم بدام محنت
خدا بخیر کند با دلم قرار دگر
بدور چشم تو شد یار من کنی بجهان
کنون فتاده درین دور هوشیار دگر
بیا که سازم این بیم جان نثار بیا
بیا که بست مرا غیر ازین نثار دگر
گرفت کشور حسنت بچشم من
غبار لشکر حسنت چو غمگسار دگر
بعشق تو رجال زمانه مسلمی
ندیده است کسی چون تو شهریار دگر
غزل در حب وطن
بسکه در دلبس کرده جای وطن
هیچ نیمد بیاد از خدای وطن
حبذا اشرف حب اوطن من الایمان
چو ثابت است چرا سود و لای وطن
وطن کجاست وملش بلبل وهیکوم
کجاست غیر زدهیچک بپای وطن
غیبت است وطن بس غنیمت ای اخوان
فزون بود زیان قیمت وبهای وطن
چو هست از وطن آوارگی عذاب شدید
مباد هیچکس در جهان جلای وطن

پی حفاظت ملت خودای وطندار
زاتفاق کنید آهنین بنای وطن
قدر وسع بکوشید تا خدا نکند
قدوم مرهم بیگانه آشنای وطن
تلازم است وطن را گمان مکن یکسی
اگر شود سروسامان همه جای وطن
مبارا هل وطن زعم به که مرهم غیر
سراسر است وقبیحترین جفای وطن
برادران پی دفع گزند جانیان
وان بکار نحوا بید از برای وطن
چشم کور شود هر کسی که جنبید
نگاه تیز نماید به اد بای وطن
اگر عدو بکند قصد ملک ما یارب
اسیر کی شود او را بدست بلای وطن
هرانکسی بسوی این وطن رافراند
دمش چو واله شود زراسپای وطن
حمام دو حته بادا بلطف ز داں
بتار سوزن قلع وقمع قبای وطن
کز اختیار دهندم کیخسرو هر کز
حریر ملک و گزدا به موریای وطن
هزار جانه که ازلک چین وماچین
نثار کشکرة قصر ما کنای وطن
درین وطن که بود این از قلوب وطن
سرور بخش دل ماست ملک ای وطن
ثنای حق وجود وی ای مسلمان
ادا کنید گداهست کدخدای وطن
سراج ملت ودین شیر بار اسلام است
کزو شد است ترقی واعتلای وطن
رفیع همت این حصر وحصنه حصان
رواج جوهرون شد در اقتضای وطن
نظام مملکت این وطن کرفت قوام
بعید اوشده مرجوع نزوای وطن
بزاد دولت عمرش نصیب کی یارب
مزید سایر رو وسعت وفضای وطن
مبار خوشان الهاس آمین است
چو شد شود در شیر احمد این دعای وطن

(البلاغ)

در شماره هفتم همین سال بخوبی نوشتیم که در خصوص اخبار مکتب که خواندن (البلاغ) کمتر کسی طلبی فرجناب (ابوالکلام آزاد) ولتر مینویسد در تحاف افتخار نموده بودیم . در این شماره میخواهیم بسیار سوز کداخته و اجمالیه تا کرای بیداری برادران قومی خود نتوین خود تحریر فرموده اند در بحار سیمیا آنچنان بی پاک گردیده اند فکر به اوباشان از دار البلاغ بدایم دوستان ما بخوبی کاه خود کرکسم

◄ اعتماد هر دو سب ◄

همچنانیکه در دنیا موسم بهار و خزان می آید . وهوا دارای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1659 of 1786

...ترک نمیتوانم ، و انقلاب کرما و سرما هر کس صبح و شبی وظیفهٔ خود را اجرا می‌کند ، آیا همچنان شورش دلهارا در کنار موسم ، و اضطراب قلوب را بفراق ازدواج راهم گذام وقت وفصل موجود است ؟ و آیا چون درسراسیمگی را هم بگمومتی عسس که بادعای آن ... ، وارهای آن خودرا شود وردهای آن صدا و فریاد ش نداشته ... آن بگیی دردرختشان میایند ، هرچند که درست بودن این ... ضرور ولازم گفته بیتوانم ، مگر خود من هم یکی ازهمین ... ؟ و دانستن بلندی جوشیده زمیجوزد ، وشورش روح من تصفیه ... هرگز آسمیدرامن وسکون اقلیم وجودم خلل انداز میکرد ! ... نگذشته مانند دریاچهٔ آب آن ازخشک سالی فرونشسته باشد آرام ... وروی امروز مانندخبری که ازنهٔ آن موجبا خوشبختی ولا ... این آغاز نهاده باشد باز از آن ونگاه روا ملا گردیده ام ! چشمهایم ... مصایب و آلام انکیز و سیاس عظیم از کوشت شورشها ... شار ... کشته است ! من امروز باز تلاش جان خاک پاک برآمده ام که ... را بر وچهرهٔ خود باش دهم ودوباره جستجوی آن تمنا کی ... شده ام که زهرهای جگر صدمهٔ خودرا ، وآن پرسام ! من امروز ... ولی والکام ، وصبا ضرورت پارستان است ، چراکه هوشیاری ... را کرده میسازد ، وتندرستی هدیه من نبخود ! آه ! من میخواهم ... امروز آفتد بگریم که غم جان شود ، و به آفتد شدت تاکوفرزاد ... بارم کاسهٔ فشاشتار ازچشم ، وچنان کنه تاراشام که گردانم ! ... بدیه از آهنهای من چنان تنها سنفس ، از نالههای من طریعت تنها مکدر ... دامان ودولابهای من دلهای تنها مانندتنور گرم وشعله ور خواهند شد ! ... دریا را از غم واندوه کلو ، وباد رد وحسرت آشنا وماًنوس خواهم ... شد ، اشکهای تارا ازقرط حزن ولم مانند جوئ روان ، وعمارت ... وی وقدرت تارا که از مدتها معمور بوده باسیل اشک وسرد آه ... خود خراب وویران خواهم نمود ! :

روی بازار هزارامروز عربان بامنست
پیدهٔ ترمیترم تنم دامن تر میخرم !

دنیا همیشه می بینم وهر وقت مشاهده می کنم که اگر خواب ... انسان چیز دوم اسمی یعنی خواب موت نباشد یقینه یک خواب طبیعی ... فراغتی وآسایشی ، بیدار حیات کرده میشود و کاهل جنان اعمال ... ضرور خودرا که تمام زندگانی خود باو بسته هیچ نگذرد ، مرچند ... انسان خوابها هر بحسب وقت ومدت ، وتأثیر وشدت که درین فرق ... موجود است ، یعنی خواب بعضی که یک قدری سبک ولطیف باشد ... یک آواز پست وخفیف هم برای بیدار ساختن شان کفایت میکند ، ... بعضی چون یک درجه دیگر قوی اند آسایش واستراحت شانه برای اعضای ... آنها یکان یکان صدا وآواز های بلندهم احتیاج میباشد ، وبعضی ... برای بعضی که خواب شان از همه عمیق تر وسنگین باشد ضرور دانند ... اعضای شان نیز زدوکوب وارد میشود ، مگر باینهمه هرگز واقع نمیشود ... که زندهها بیاید ، ومردهها نخیزند ، و کوه های آتشفشان بزگوه ها ... انسان را بقدر هزار آرزوازصدا های هولناک تاهم خوردن ومسدود ...

آنها پرده های گوشها پاره پاره شود و هنوز هم چشمهای خواب آلوده خواب رفتگان ما ازهم کشاده نشکردد !

پس ازین کنیدو تحقیق نمایید که خداوند متعال درانسانهای خود حال همین هیچ ومنوال نوده است ، اولا آواز میدهد بگسرشار بادهٔ غفلت ودیهوشی چشم خودرا باز کنند ، وا گر آن هیچ حس وحرکتی درو ضع آن بشدت نقل مشاهده نیکند ، پس از هرطرف روی شور وغوغا می انگیزد تاشاید بدینصورت وتدبیر آثار بیدار شاره وا گر به اینهم لفظ آن خوابیده تحت میدرنشد ، دستهای رای شور دادن بهم بیدا شده اورا زمیجزاند وبالای سرش صدا کردهمی کوید رخیز ! رخیز ! که شب گذشت وصبح درسیده روشنی آفتاب از سر دوازهها آن ، ودرها وپنجرها وسیدانها منتشر کرده ، رخیز ! که هنوز ابتدای روزاست ومکفار ! که این روز بیهوده ازدستت فوت ومنقضی کرده ، چرا که روز چون یکبار گذشت بازدوباره خودنمی کند ! ولی باوجود اینهمه اقدامات اگر چنان بیفتاده که به این شور دادن هم چشمان خودرا بی کشاده ودهنهو شان باز خواب وطیری ازپهلو به پهلو هم نگردند ، وازان تنبیهات خیرخواهانه قدرذرهٔ هم گوشهای شان متأثر نشوند ، پس درمرتبهٔ اخیره آوازهای صعب ، وصداهای هولناک می رانند ، زلزله هایی آرند ، وولکانها شعله فشانی آغاز می کنند ، زمینها به ترکیدن وریدن می‌دارند کوههابهمدیگر مصادمه می نمایند وازدست ودهشتناکی صداهای مهیب آن جمیع کائنات را یک شور وشر وستاخیز عظیم قائم نمایش می کند ، اینهمه برای چه ؟ برای اینکه انسان از نوم غفلت وبیداری بیدار شود وملاحم کبرای وقوعات میداد موجودات چشم بکشاید وبه اطراف وجوانب خود نگاه کند ، وا گر دین هرهیچ چیزرا نشان ندهد ودیدهٔ خودرا بازنکرداند پس درنتیجهٔ بزرگ انفجاری به آواز بلند صدا برآورده میکوید که « اموات غیر احیاء وما یشعرون ایان یبعثون ؟ » !

پس جمیع تدابیر تنبیه وهوشیاری دروی کار آورده شدند ودرای بیدار ساختن یک خوابیده چیزیکه ممکن ولازم بودعمل آمد ، تأسف اینست که چشمان تنها هنوز بتناسب وثبتهٔ غفلت هیچ طرفی ازسر ازجودن نرفته ، و خواب آن بهیچ صورت رفع و زایل نیشود ، در دنیا آثارا نظایر بسیرت وقیم وفراوانست ، دلائل عقلا ، هدایت هادیان وبیدارکنان وآیات هدای مقدس حضرت قادر سبحان ، تعلیمات پاک پیغمبران موجودند ، وما متعلق آن هرکو به حوادث وانقلابات ، و گاه وبیگاه ، واستیلای وسلطهای همه دوره بظهور می آیند مگر رای رسان قومی که برای رفع غفلت شان اینهمه پیش وبیکار است ! هار واقعات کشندهٔ وباهلاکت میشود وه ازعبرات وحوادث سالای پشه می کرد ، هارو عید الهی می‌رسد وه ازهدایات بندگان عبرت می گیرد ، « وما یعلم جنود ربک الا هو وما هی الا ذکری للبشر » !

بلی بسا اوقات چنان بنظر می آید که درپس صداهای عبرت آور های خیرت رای بیدار ساختن وهوشیار گردانیدن آن بلندی وشدت ورزه بهمان است خواب آن زیاد تر کسب کثافت ووحشت می نماید ، « ولقد جاءهم من الانباء ما فیه مزدجر حکمة بالغة فما تغن النذر » .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1660 of 1786

درد بیداری خدعت . وحصول فهم وبصیرت از هم اول نوبت تاریخ یعنی واقعات وحالات اقوام وامم ماضیه میرسد . وهمینا است که انسان بتوسط آن تجربه ودانائی را تحصیل میکند . وبی بند که هوادوجون ازاین قبیل معاملات ووقایع عظیم پیوسته اندوبك قسم اطلاعات گرده شده تا بالآخر ازاین آنهام بقدر حالات و کیفیات طاری گردیده اند ، ودرما بعد نیز نتیجهٔ که ازاینها برامده است هریك سان بوده است لهذا بی ازتجربه واستقرار فکر درین بقرار میاید که مطالعه از کرهیجان حالات صورت پذیر گردند . ضرور واید نتایج ان ازیکدیگر پیدان کشف وشهود خواهد رامد . چرا که اکثر شعبه های آثار هدیه وجود انسانرا بوضاحت است کافی دیده خواهد شد که کمی درمیان آنها آرام ، وبعضی واستراحت نافرمیده ! واگر درحوادث وواقعات گذشته برای ما کمال از وضاحتی موجود نیست ، البته ازین بابت بوجه صورت انکار نخواهد توانست که امروزه روز ، حاضر درپیش چشمان جان حوادث واطلاعات وجود دارند کهزمان ازهم بها بیشتر آوازه دهند . وازهمه زیاده زبر گوشها چیکزنده ، ودردلها تاثیر گذشته است ، « اولا یرون انهم یفتون فی کل عام مرة اومرتین ثم لایتوبون ولاهم یذکرون » ؟

واگر جمیع آن حوادث وتغیرات که از انبیا هریك وهریك رد هر طلوع وغروب حیات تباهکوه مسور است هریرای فهمیدن وبیدار شدن ما کافی باید . پس آیا جای عاشی آخرین وصاعقه آتشین قانون تعذیب وتخریب اثر حضرت قادر قدوس که ازهیبت آن غلطها معدوم وهوتها میوت وفکرها کاوذ وغیر مطویی گردند هرشمار از خواب غفلت بیدار نخواهد کرد ! کجاست امواج مهیب زلزلهٔ انگیز دهشت اندار آن قوه های کوهیاکب زیداری وسلامت نیاورده ازهم پاره پاره شوند ، وزمین از شدت حرکت وزلزل بخود فرو رود وبنیان عمرها برای گریه تخریب وماتم آن بیرون آیند ، « کلا واللیل واذ یاسر والصبح اذا اسفر انها لاحدی الکبر . نذیرا للبشر لمن شاء منکم ان یتقدم او یتاخر » ؟

پس ای گرشما ! کنون بدین سبب نمیخاسید که کهنیک زلزله ها نیایند بیدار نمیشوید ، وکوفتگی ولکان پاره پاره شود چشمهای خودرا بدین چیزی نخواهید گشاد و تاریکساعای دهشتناک از قوه های جانوقهر های خدارد چیزهوا نشد کرده کوشهای خودرا بستون آواز هاخواهید نهاد . پس آیا این تاخیر عرید برای چیست ! واین انتظار بعید برای کیست ؟ چرا کهازگامهام آمدن واتفاقها هم گذیده کوه هام پست شدند وصداهای مدهش ، وخروشهای عظیم وهولناک از روی زمین وزیر عرها شنیده شدند وشما ازهان بیخبر گردان افتاده ویدیگر پیام بگشید ؟ آیا بعد ازین چه میخواهید ، واصلا بعد ازین چه هم وتصور میرود اید ؟ مگر شاید آرزو دارید که آسمان شق شود ، و آفتاب رزه پزه شود ، و کرهٔ ارضی هم بصورت یکدود وغباری تحویل یافته از نظرها غایب وبرابر مساوی ومحتجب گردد ؟ ! « فهل ینظرون الا الساعة ان تاتیهم بغتة فقد جاء اشراطها ، فانی لهم اذا جاءتهم ذکراهم » ؟

چشمها برای دیدن ، و گوشها برای شنیدن هستند ، ودل درپهلوی انسان برای این گذاشته شده که هواره بتپد وبیقرار باشد ، مگرچه جاره ! زیرا جمیع چیزهائیکه چشم آدمی بینند برای شما پرده وپیکار است ، وهمه آن منظرهائیرا که گوش میشنود دنیا پیموده ویراز است ، وهمهٔ آن افکار وفکرهای که ازان روح بیقرار ودل پراضطرار میشود زندگانی واهی ولایعنی است ! پس هرچه کرده شود لاحاصل ، و آنچه گفته شود بیفایده وغیرموثر است ! افسوس ! شما خیلی غافل گشته اید ، ودر بیهوشی گرفتار آمده اید ، دست تسلط گرهای دنیا دراز گردیده ، قوت احساس از شما گرفته ومسدود گشته وحس تیز وادراك را از شما بکلی وزایل گردانیده اند ، والا اگرچنین نبود ، هریك ازینوقتی که بیوسته ازنظرما گذشته ومیگذرد چندان صاحب فیض ومنفعت میبود که اگر کور میبود بین آن بینا میشد ، واگر لال میبود بر گفتگو بش گوش جهانیان تعجب انگیز تاثیر آوری واقع نشده ، ودر مقابل سکی جواب شما دول سکها وافیها ودرها افتاده است ، هیهات ! اما کور چنان بود ید ، پس چرا نشنید گفتهای که رسول خدا هواره بدو سان ایشان ناتم میکرد ، « انهم قلوب لایفقهون بها ، ولهم اعین لایبصرون بها ، ولهم اذان لایسمعون بها ، اولائك کالانعام بل هم اضل اولائك هم الغافلون » ؟

آه من چسان کنم ! وکدام طریق روم ! وچه صورت در باری شما بود کنم ! وآیچه قسم کرده شود تاکه واع کن سلك وقلوب کی تضطرب گردد ! شما رانجشده که از رویگان هرچند گشاده ودنیا از عقل وتمیز دراطوار وحرکات آن متاهده نمیشود ، وشك وتردد بدرجه وسواس شما مستولی گردیده که بدستان میخانه هم از شما خندیده میگذرند ، ودرخانهای کلیسا جان بلب طاعون ، وعرش خدا یکی طاری گردیده گمانکه هرچیزی میگوئید وهرچه اراده میکنید بروی شما میشود وچه از روی رضای قلب قسم گرانمان یاد کنید ! اقلا بیاد زدن القرآن لعلکم تعقلون » ؟ شاید که شما از خدا بآن گمان یابید که « کر شارا حق بخاطر وتعالی در قرآن بیان الشان فرموده است ، « وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا » ؟

مدتها گذشت که امانت وی روی زاهکو گردانید ! سرابرده شده حالا از کف بگذارید ! وبسا روزگار انقلابش وشما در صرف کردن بیکفایدی بیدار شوید ! « تا بجائی که یکدیگر خودرا گوریکه ساخته ما عرسر وقتسیاهد یگر یابید ، عرها یکدیگر ناراحتی وگاه بیگاه سالهای ابتدای متزل است غول یکدیگر خودرا بشناسید ! روقه زوالجلال شمارا چنان مهلت گرانبهای عطا فرموده که تاامروز نظر آن گذرنده شده پس هوش کنید ! وروی آرا بدزدید ! « تا شنوه حضرتحاله تعالی شمارا بغیره گیران نعمت خود گرفتار سازد وزندگانی خودرا از شما قطع کنند ، و بعموش شما بزاری نامت عجت خود از زمان هرشید جانب هیشه غلت نوست ، « وان الذی انعم علیکم ان بشاء یذهبکم و یستخلف من بعدکم ثم لایکونوا امثالکم » ؟

ای گرشما مال ومتاع خودرا از خدا زیاده دوست دارید وبخواهید که آنرا در راه وی صرف نمائید ، واگر چنین خود را درصف پیشقدمان گرامی وعزیز نمایید ، وتوریسید که شما را ایام وفرصتهای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1661 of 1786

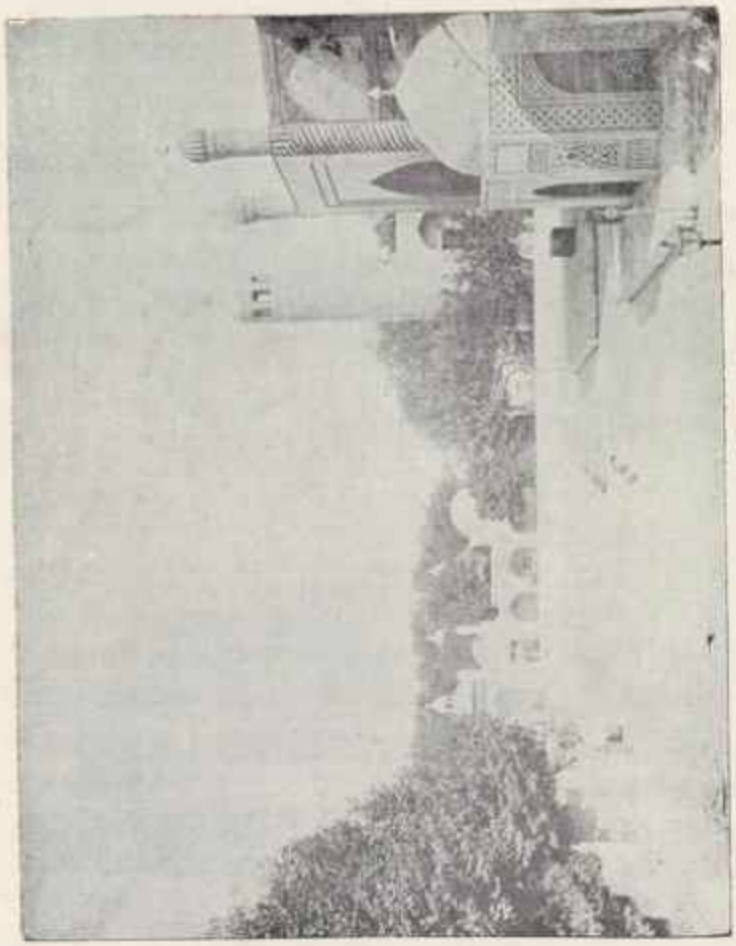

مزار شهید ثالث آقای حضرت شاه اول

جود را در دست های ناپاکان نخواهد گذاشت ، و اگر شما این را باور کنید و اکنون اقدام مکرمن صرع می‌پرسم کجیون از طرف شاهد مقابل صدای وی هیچ جواب نامسوای نیامد آیا برای سرانجام دادن خدمت خود بعوض شما دیگران را بدستهای رحم و محبت و فضل و مرحمت سوی خود دعوت و اشارت نموده میطلبد یا ایها الذین امنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم یحبهم ویحبونه اذلة علی المؤمنین

اعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله ولا یخافون لومة لائم ، ذالک فضل الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم ؛

یادداری اطفال وطن

یک روز غریب شام رای هوا موری و روح نفس که بعد از کار زیاد روزانه جسد میباشد درمیان جت منظر باغهای چهاردهی دلکشا دامنم و جوهای روانح شکوفه های ریبه دوروده و زهور بهاریه مرا

روح وهوش خود بعظمت خالق وقدرت خداوندی بیل شاه فکرنده میفهم درین اثنا یک صدا بگوشم رخورده گاهی گفت یادیب ! ! یادیب ! ! چون نظر افکندم نخست چهاردهیازده ساله یک بچه جوان معتدل القوام یک صدا تزین ایز دا دیدم که مرا سلام داد من جلو اسپ گرفته دیده بودم واز او پرسیدم که تو کیستی میفرمائی . جواب من گفت بی پدر و مادر من از شاه زده های دارالفنون وطن عزیز خود میباشم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1662 of 1786

کوچکی چیزی ازوطن وحقوق مقدسهٔ آن وتربیت وصول آن واخلاق وفضیلات آن نوشته نتوانسته ام

وچون میدانم که جریدهٔ مبارکهٔ وطن(ایالاخبار افغانیه)موجب بیداری و آگاهی ملت نجیبهٔ افغانیه ماست خواستم بمساعی اینای وطن عزیز خود بآن واسطهٔ چیزیک مقاله ناچیزانه خوبرا بنگارم

اینجانب مقاله که بخط خود بحضور جناب مدیر صاحب قدرجریده تا آنکه دیده تا رصفحات آن جریدهٔ مبارکهٔ مزبوره بنشرمقاله توفیق ابد ارشا خواستم پرسم که آیا بچه طور جناب مدیر صاحب خواهند قبولانید که مقالهٔ من برانظار مطالعین اینای وطن عزیز من جلوه گر بشوند وآیا نزول میفرمایند بخواندن آن یانی ؟

من بجواب او گفتم .

برادر ! هیچ گاه بخاطرت نیاورید که جناب استاد معظم مدیر صاحب مقاله‌های اینای وطن بیدار هوشیار خودرا قبول نفرمایند . نی بلکه بکمال محبوبیت ومسرورت مقاله‌های مفیدرا قبول می کنند پس اگر بینند که لایق نشر است به بسیار خوشی درج جریده های اخبار مو می کنند واگرفرضاً مناسب ندیدند که داخل اخبار شود بازشما حق را که مکتید و امید نشوید بلکه کوشش ورزید که ازاویچ وخم بنویسید ومن صباح منتظر قدوم شما هستم که مقالهٔ مذکورهٔ شمارا ازنظر جناب مولانا مدیر صاحب بگذرانم .

بحسب وعدهٔ خود فردا در زد من آمد ومقالهٔ که نوشته بود بمن تسلیم نمود ومن نیز مقالهٔ مذکوررا بجناب مدیرصاحب تقدیم نمودم مسرور شدند وفرمودند که مقاله ! هرچه که باشد درج می کنم باشد بهرکس و هرکسان در اولاد وطن افزون شود وهرداعیهای شان هست دین بپردازند. ملت وطن خدمگر گردد .

از پرده بازهای سفر سنه ۱۳۳۰

جلال آباد

یک دار جیتوتی در یکی از مزارکها

مقصد این ناچیز از نوشتن این سطور اولا اینست که یک حس شاگردی در خودحس کرده که بحضرت عرفان وآیهٔ فان اطیعضرت مراجاتنا والدین و حسن اداءٔ شایسته جواهات معظم من الشاعته صاحب افخم وروشن ضمیر مقتدر افغانستان عزیزمان مدرجهٔ رسیده است که اولاد وطن شوق ورغبت کامل درتحصیل علوم وفنون دارند کهاین مسئله موجب سعادت است .

ثانیاً ـ خواستم تااولاد وطن روشن شوند که جناب استاد معظم مدیر صاحب مقاله‌های اولاد وطن را بکمال رغبت قبول میفرمایند .

محمد ادیب

حکمت

حکمت طلبد وزرکی آموز باده اگر ندروزت ازروز

بر عقلان و دانشمندان مخفی و پوشیده نه بوده و نخست وه جنبوه که فضیلت انسان کهتران از حیوان ناطق است بر حیوان غیر ناطق بل و دانش دیگر چیز بست .

(بیت)

بعاقل آدمی بهتر است از دواب دواب از تو به گر نکوئی صواب

(سوال) ـ انسان چیست ؟

(جواب) انسان حیوانست کامل ناطق علاوه برجوانیت جوهر نامی نیز علاوه بر نامی حساس نیز علاوه بر حساس متحرک بارادهٔ نیز علاوه بر متحرک بارادهٔ ناطق نیز علاوه بر ناطق که انسان باشد پس انسان از تعریف است که صفات و لوازم جوهر حساس روی هم جوهر است ـ خوردن ـ نوشیدن ـ حرکت کردن ـ بلوغ ـ تناسل ـ تعذی کردن ـ دویدن ـ تنفس ـ نامی ـ توالد کشیدن ـ مرگ ۲۴

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1663 of 1786

بزرگوار ـ وازمکروه زمین ـ وغیره وغیره ـ آنچه صفات جمیع حیوانات است دروی موجود است البته باید حیوان باشد بلکه حیوان باشد که خصوصیات جمیع حیوانات دروی موجود است وعلاوه براینچیزی است که وجود او موجب تمیز وجدائی او ازباقی حیوانات است وهمهٔ علم ودانش است ـ

حکمت مراد ازعلم ـ وعلم یعنی لفظ ـ خصوصا علم یزدان که بهترین صفات ودین یزدان بهترین ادیان وپیغمبر یزدان بهترین پیغمبران ـ همین دین پیغمبر برحق که حضرت خلاق مطلق در شان آن حزب خود فرموده است که (لولاک لولاک لما خلقت الافلاک) پس ای برادران دین مبین بیدار باش کنید که شما را خداوند بچه نعمت های گوناگون که مراد ازعلم ودین وپیغمبر است سرافراز فرمود وبدیوی گردانیده ـ بشکر این نعمت های عظمی را بجا آرید که خداوند بما علاوه بر دیوی دنیوی شما را در ترقی پیشدارد حضرت خداوند عزاسمه وعده کرده است ـ ان وعدالله حق ـ که (وان شکرتم لازیدنکم) یعنی اگر شکر کنید هر آینه شما را زیاد می کنم ـ پس باید که علم یاموزید وطلب کنید بفرمودهٔ حضرت شاهنشاه دین جناب سیدالمرسلین صلی الله تعالی علیه وعلی آله واصحابه اجمعین ـ که فرموده اند ـ (طلب العلم فریضة علی کل مرد ومسلمة) یعنی طلب کردن علم فرض است برجمیع اسلام زنان ومرد ـ وباز فرموده اند که (اطلبوا العلم ولوبالصین) یعنی طلب کنید علم را اگر چه باشد در چین وقتیکه حضرت خاتم النبیین (ص) فرموده اند پس چگونه علم یاموزید وباز زبان بدرد کوهر نثار خویش فرموده اند که (علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل) وباز در حدیث شریف وارد شده است ـ که (العلماء وارث الانبیاء) ـ

ای برادران مسلمان وقتیکه عزیزهٔ دانای امت آنحضرت (ص) باندازهٔ نبیای بنی اسرائیل علیهم السلام باشند پس چگونه علم نیاموزید وطلب نکنید که ترقی دینی ودنیوی شما بان در علم است ودس ـ

سوال ـ آن علم ودانش که حقیقت انسان و کمال حقیقی وحقیقی می باشد ترقی وموجب فرقزار کاوی وحری او میباشد چیست وچگونه ـ وچند است ـ

جواب چهار قسم است ـ اول علم رافع ـ دوم علم صانع ـ سوم علم نافع ـ چهارم علم ضایع ـ علم رافع مراد ازعلم علمائست که قولهتعالی (یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات) وعلم صانع علم سیاست که مراد ازان علم مقاتلهاست ـ وعلم نافع علم حکمت است ـ وعلم ضایع علم نجوم ـ پس باید همان علمی که برای شما باید ومیرساند وترقی شما بان است کوشش کنید تاقسمه یابید ـ

هر کسیکه از همهای درجهٔ ترقی کرده اند از همین علمهای کرده اند ـ هزار که ترقی کرده باشند مرتبهٔ آنان بدرجهٔ مرتبهٔ ما بان نیست ـ بفرمودهٔ حضرت خداوند جل علی شانه که (متاع قلیل ثم مأواهم جهنم) که جناب آلسرور علیه صلوات الملک الاکبر ودرشان علمای امت خود فرموده اند ـ و ما بان که کوشش نکردیم وروش متقدمین خود را ترک کردیم وازعلم آن بقدر دین بهره هستیم ـ نمیدانیم که فائدهٔ آن چیست ؟!

ای برادران دین باید که کوشش کنید که ما بشنوید تافائدهٔ آن برای شما معلوم گردد ـ

فائدهٔ آن معرفت هرچیزاست ازمعنوی ـ وصوری ـ وظاهری ـ باطنی ـ و حقیقی ـ ومجازی ـ تاحدی که معرفت حضرت حق جل وعلی شانه در علم است ـ چنانچه علمای متأخرین (رح) فرموده اند ـ

چوشمع ازپی عزیزی گداخت — که بی علم نتوان خدارا شناخت
بی آدم از علم یابد کمال — وه ازحشمت و جاه و مال ومنال
برو دامن علم گیر استوار — که علمت رساند بدار القرار
بیاموز جز علم کز عاقلی — که بی علم بودن بود عاقلی
ترا علم دردین ودنیا تمام — که کار تو از علم گیرد نظام

سید محمد داود طالب العلم مدرسهٔ دار المعلمین

حوادث خارجیه

خبر های جنگ اوروپا
قضیه لاینحل سالونیک

قضیهٔ سالونیک یک موضوعی که هر کس در ابتدای امر آن را یک زمان درجه دوم فرض می کرد متدریجا توسعی دوچار عقده های پیچ اندر پیچی شده است که درحقیقت دیپلوماتها وخبره های قضایی را از تعبیر وحل آن عاجز نموده و مناسب باجریان سریع حوادث یکی از قضایای تیره اول بشمار می رود .

مسئله مزبور در حالیکه ازنقطه نظر تردید ارتباط آنان بامشرق زمینها مبهم بود لیکن امتکاف قوای متحدین اروپای مرکزی از حله به سالونیک و پهت وحیرت زایدالوصفی تزد مؤلفین حادث کرده ومتدریجا افکار مقامات مربوطه کرفتار تردید ومو جبات عدیده در اطراف آن تولید کردیده است .

افکار دی علاقه داران دوچار تشویش است که آیا در حقیقت نقای عساکر مؤلفین در آن قسمت فایده دارد یا آنکه اکثاروز آنان دران موزه عی ماند و قابل پولی و خیط وانشاله کرده ورای آنکه اقرار بحقای خویش نماید متجاوز از ربع ملیون قشون را معطل کذارده اند .

دراین موضوع گویا شبهه باقی نباشد که چنانچه دول ائتلاف خوب میدانستند که یونان مساعدت آنها اقداماتی نمایدو موقع و صربستان و از چنگال خصم خلاص می شود ازهمان ابتدای امرقشون به سالونیک و اعزام نمی دادند . لیکن حالیه اقامت قشون چه صورتی دارد خیلی قابل تأمل است .

دراین موقع که مؤلفین اعظم توجه برای تقویت قوای خویش بدانصوب می فرستند و کم و بیش خبر غرق جهازات ایشان و عملیات تحت البحریهای آنان درمحر الرمی رسد دائماعتراضات وسیع ترمی کردد عدهٔ ازخبره ها ونویسندکان فرانسه مخصوصا دراین موقع خیلی بنای اعتراض را نهاده ومیکویند آنانها اینک صفوف عساکرخویش رابه « نوابون » ومجاور « رمس » رسانده در صورتیکه میدان حقیقی ما دراین جاست ودرهمین فرونت مقدرات جنک ما را آنان حل خواهند داد برای چه سربازان خودرا ازوطن خویش بقاره متفرقه دنیا پراکنده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1664 of 1786

می کنیم وچنانچه بواسطه کم شدن قشون دراین میدان دشمن موفق بشکستن خطوط مملکت ما شد مسؤل چنین سانحه کیست ؟

مسیو پیشون وزیر امور خارجه سابق ومسیو کلمانسو ، رئیس الوزرای معروف اسبق فرانسه در جراید خویش بالهجه شدید تری روحیهٔ فرانسه ومؤلفین را درساکونیک تحت دقت قرار داده ودر یک مقاله اخیراً می نویسد :

« آنان محتاج است که قوای مارا در نقاط بعیده پراکنده نمایند واین فرونت مصنوعی در « ساکونیک » در حقیقت بشکنجه جنگی است که آلمانها متعاقب کاری چون یک چنین مقدار قوای نجیبی را از ما گرفتار آن کرده اند درصورت لازم است ماهم مطابق خویش عمل ودرین تله آنان بیافتیم » .

بدیهی است دراین باره که حالات آنان بمصنوف فرانسه وانگلیس قوی تر ازسابق شده است وحتی درچند موقع خطوط مؤلفین دو بار لطمات گردیده این نوع اعتراضات است بسابق زیادتر خواهد بود.

صرف نظر ازعدهٔ که اساساً جای قشون خویش را در آن نقطه بکلی بی فایده می دانند قضیه مهمی که مطلب دراطراف آن جریان دارد این است که آیقوای مؤلفین درساکونیک می توانند بخطوط انصار حمله برده وموجبات مزاحمت متحدین اروپای مرکزی را فراهم سازند یا نه : در صورتیکه می توانند علت آنکه قشون مزبور درخندق ها قرار گرفته و منتظر هستند که چه وقت متحدین آنان بدانجاها می آورند کدفع نمایند چیست . ودر حالی که انگلیس استطاعت حمه بردن را ندارند چرا به میدان دیگری که از وجود آنها فایده دید شود منتقل نمی سازند .

تعمق دراین نکته نیز لازم است که آیا مقصود از عملیات اخیری که آلمان در بالکان انجام داد چه بوده است ؟

جواب این مسئله اشکال ندارد . آلمان برای گشودن راه بمشرق زمین خواست بشرق تروپک راه پیدا کند وبایتخت کراد مزبور برای کلیه دول متحده اروپای مرکزی باز شده است آیا چه علاقه خواهند داشت که دراین نقطه ساحل بالکان مقداری قوای مؤلفین توقف داشته باشند ؟

درحالیکه قوای انگلیس وفرانسه نتوانند زحمتی براه غرب وشرقی برسانند مسلم است آلمان بدیل نیست که یک چنین قوه از دشمن بی فایده دراین گوشه اقامت کند

مسئله ساکونیک نتیجهٔ مسئله عمومی نیست وبواسطه اشتراک بحریه مؤلفین دردریای اژه وتأثیراتی اقامت قوای مزبور در یونان و بالکان شامل کردن ازمسائل بحری وسیاسی نیز محسوب است .

طرفداران عملیات قشون در « ساکونیک » نیز دلایلی دارند ویکی از اشتباهات مؤلفین را همین میدانند که بکمک متحدین آنان تمام توجهات خودرا بفرونت های جبهه شرق وغرب معطوف داشته و خارج از محیط اروپا بمسائل کوچکتر که منجر بزرگ شده ومانند قضیه بالکان وصدرمسائل بحدود ذات عظیمی را آنان تولید مینماید توجهی نکرده اند لیکن این عقیده در مقابل این اظهار مست میشود که چنانچه باقامت قشون مزبور حتی های سابق جوان نشود خود این مطلب بی مصرف کردن این مقدار قشون انتظامی است که بضبط های سابق افزوده شده است .

بهرصورت همهمائیهای که دراین موضوع ازچندی قبل در مقالات مؤلفین اظهار شده عقریب باتحاد یکی ازاین دو شق مجبور خواهد شد : یا آنکه واقعاً از حالت تدافعی بیرون آمده خویش را مهیای وعید معرفی نمایند یا آنکه واقعاً « ساکونیک » را تخلیه کرده ودقت لازمه‌ای که شاید وقت ضرر اروپا شد قوای مزبور را انتقال خواهند داد

کلوله های جدید آلمان

از طرف یک روز نامه « برلن » باوجود موشی « مینویسد » یکی از کلوله های توپ دشمن ازروی وقت مورد معاینه وتطبیق شماست درسر کلوله مزبور که ازچدن ساخته شده ، چندین سوراخ کوچک ودروسط آن یک میله‌ای اندازه دوسانتیمتر موجوداست کهازاین میله متن عامه یا ۵ — ۵ سانتیمتر که از مدت انفجار کلوله مزبور میکند چوی جوهر گوگرد بشدت تابیده میشود .

کلوله وقتیکه زمین میرسد ، مقداری میکردد واجزای کلوله با تکه هائیکه ازمحافظ مزبور حرکت میکنند آلوده شده وهریک ازاین اجزای آن بدن انسان مصادف میشود ، جراحت مسموم میسازد .

ازاین کلوله‌ها کدامیک حتی زخم بسیار خفیفی دارند زودی تلف میشوند .

۲۰ خروار اوراق حسومی !

برحسب معلوماتیکه ازساکونیک رسیده است تمام اوراق ومکتوباتیکه در قونسولخانهای آلمان واطریش بدست متفقین ضبط شده بود کما از گمرک ملاحظه گذشته است فقط مقدار وزنه سابق که راجع بجاسوسی بوده است بالغ برچهار صد پوط میباشد .

قسمت عمده این مکتوبات در « قونسولخانه اطریش بدست آمده است . « کیوپانکو هنگ » قونسول اطریش با کارکنان « آژانس » خود حتی بازبان روسی در عبارات بوده است .

از جراید فرانسه

مساعی آلمان برای مشرق زمین

بموجب اطلاعاتیکه ازمنابع مربوطه رسیده است وزجراید آلمان و بالغارستان نیز انتشار شده است هزار ها کار گران و استاد آلمانی واطریشی مخصوصاً از صنعت گران ماهر وشریفی قونیه از طرف لیهستان واطریش بالاجبار روانه‌اوس ازانکه بخاک ترکیه ازقسطنطنیه تعلیمات وخط حرکت ایشان معین شده وشهرهای عمده آسیا ومشرق زمین حرکت می نمایند که درهریک مدخول دارالحکومه ورود نمایند شده ویک رشته کارهای جنگی وابنیه های دفاعی وسا نمایند .

دولت آلمان این استادان وکار گران ماهررا با کار تحمیل الدام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1665 of 1786

... افزایش واردات اراضی متصرفه ارقبیل ایستان استخدام کرده ... های آسیا میفرستد .

... اینها آنانها سی دارند که از ایستان ولیتوانی این رژیمهای ... را کالازم دارند استخدام نمایند وبس ازانکه عده زیادی ... فرستادرا برای یک نوع شغل بقطعه آسیا میفرستد : روزنامه ... ، مطبعه ، لودز ، شرح جالب توجهی درخصوص عدم وجود ... روزه برای این مقصد اهتمام میشود می نگارد .

... های ، لودز ، و ، ورشو ، لازما کر بسیار مهمی شده اند ... کنان کار گررا دولت آلمان برای اتمام مقاصد مشرق زمین ... می سازد . درحالیکه دلار استخدام ومهاجرت شهر ورشوه ... قریب ۲۶۰۰ نفر اشتاکر کرده اند دلار استخدام ... از این شهر مانجستر ایستان یعنی ، لودز ، متجاوز از بیست و سه ... هزار آنها ساخته وازاین عده تخمینا دوهزار نفرشان زن مشغول ... که قسمت عمده از زنان و مردان مزبور تقریبا از تراد ... یل هستند .

... ن آنکه در ، لودز ، این مقدار زیاد یعنی ۲۳ هزار نفر برای ... رت و کثرات خدمت حاضر شده اند برای آنست که در آن ... ن ازراق وکمی کار وجود دارد ودر حقیقت میتوان گفت ... ۲۰۰ نفر از عالیشغلان صنایع بواسطه فشار مجازات حاضر ... داده گماشته سایرکار گران ازتحلکات خویش خارج نگه متحول ... کب شوند .

... گربه کار خانجات ، لودز ، متحول کار شده اند لیکن بواسطه ... ن تجارت خارجی قلت مواد اولیه قریب ۴۰ هزار نفر عمله جات ... کر گران بیکار موجود میباشد و آنانها بایشان تکلیف می نمایند ... ایشان هارا آسیا رفته شروع بکارهان گذارند بیشتر بکنند لیکن ... ور ضروریکه کاز بیکاری تحمل میتوانند ویا آنکه مأمورین آلمان ... ردهای خوش بدانها میدهند معهذا ازمهاجرت بمشرق استنکاف ... کرده وجلای وطن را خوش ندارند .

... کاران نکته شایان توجهاست : در نواحی صنعتی ایستان ازقبیل ... سنویک ، زیبا تیتر ، پیوتر کوف ، که کار خانه جات عظیمه ... وجود هستند تا کنون فقط هفت نفر استاد کار و کار گر ... واجر آلان کرده اند لیکن مأمورین آلمانی بآن اندازه قناعت ... کرده وبیسته کوشش مینمایند که عده های دیگری را گنتراکت نمایند ... آلان واطریش فقدان کار گر میلی احساس میشود ودربار ، بران ، تمام ... بران کار خانه جات متحدین خویش را بایستی اداره کنند لیکن کار ... این فوق العاده کررا برای اتمام بسمت آسیا استخدام می نماید .

کفایت مواد محترقه آلمان

... روزنامه ، طمس ، شرح جالب توجهی درخصوص مقادیر عظیمی ... که آلمان درکار خانجات خود آسید نیترک و آروت برای ساختن باروت ... ، مهمات و سایر مواد محترقه تحصیل میکند نوشته است شاید اغلبی ازمردم ... باشند که آلرت واسید نیتریک مواد اصلی برای ساختن مواد محترقه ... جدید میباشند

رئیس شرکتهای صنعت شیمیائی انگلیس مسافرتی دوسه روز ... نموده وتحقیقات ذیل را راپورت داده است .

شرکت بزرگ آلمانی برای ساختن آلوان مشوره قبل ازجنگ چنان ... مخصوصی که علمای شیمی کشف کرده اند سالی مقدار ۱۵۰ ... هزار تن (یک کرور و ۱۵ هزار خروار) آلمانیا می ساخت ومانده ... مزبور برای ساختن مولدات بکار میرفت .

ازابتدای جنگ به بعد کار خانه مزبور شروع کرده است که سالی ... ۲۰۰ هزار تن ازآن مانده بسازد وعلاوه بوسیله یک کشف مخصوص دیگری ... آلمانیا کرا مبدل به اسید نترک کرده وسیر مانده جدیدا برای ساختن ... مواد محترقه بکار می برد .

این کارخانه وچندین کارخانجات کوچک ازابتدای جنگ تا کنون ... پیوسته مشغول ساختن آسید نیترک میباشند

بعلاوه آن مسای عظیمه دیگرازطرف مخترعین دولتی و کارخانجات ... وادوات سازی بعمل آمده است که مقدار بدست آوردن این ماده ... را زیادتر سازند —

مهندس شیمی معروف کارو ، مخترع طرقه ساختن مادهٔ میباشد ، ... ساکن است ، دوچیانف ، دولت آلمان در ، وست فال ، یک کارخانه ... جدیدی برای ساختن کار بنا کرده است که قوه ده هزار اسب دارد ... ودر آنجا ماده کاربید و کالسیوم ، میسازد و همین ماده ، کاربید را ... بوسیله یک کانی نیسپولت مبدل بالمانیاک میتاید وسپس بامید نیتریک ... استحاله می نمود .

از قرار یکه تخمین شده است همین کارخانه نیز سالی ۲۰۰ هزار تن ... آسید نیتریک بکارخانجات اسلحه سازی وغیره خانه آلمان تحویل میدهد .

باشاخه یک کارخانه شیمیائی طریقه ، کارو ، دیگر موجود است که ... سالی ۳۰ هزار تن ، سیانکید ، میدهد و کارخانه دیگری در ، کلن ، ... میباشد که لااقل سالی ۱۵ هزار تن ازآن ماده شیمیائی میسازد .

کارخانه زرنگ ، کارو ، دوره بیترقه ، ازابتدای جنگ تا کنون میباشی ... شروع بتسلیم مقادیر عظیمه آسید نیترک نماید لیکن از قرار معلوم ... قدری عقب افتاده است .

بنابراین صبو ، بازرگان ، رئیس شرکتهای شیمی انگلستان اظهار ... میدارد که باین حال دولت ممالک آلمان مواد اولیه که برای ساختن ... مقادیر بسیار عظیمی آسید نیتریک لازم دارد برای او حاضر ومهیاست ... ودرینصورت هرمقدار خواسته ومواد محترقه خواهد میتواند بسرعت ... وسهولت بسازد .

مشار الیه تحقیق نموده است که کارخانه جات صنعتی آلمان بعضی ... ماشین هائی که برای ساختن مواد محترقه واسلحه لازم است ازممالک ... خارجه خریده ومشغول کار شده اند درصورتی که اوایل جنگ آلمان ... بطرف این قسم ماشین هارا بدولت خنثی نمی فروختند .

فوت یکی ازقشقه ولیعهد اطریش

از قرار اطلاعات واصله ازوینه ، کارو ، یوغ ، نام که در واقعه ... سراجوا شرکت فرمانده قشون فرمانروای فرونسه ولیعهد اطریش بوده وحکوم ... چهست سالحبس شده بود اجبارا درحبس کرونشتاد وفات یافته است .

فوت مشار الیه بواسطه مرض (برق) بوده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1666 of 1786

از جراید المان

پایان جنگ دور است

نویسنده درطی مقاله که مورخه دسامبر درصفحه دوم روزنامهٔ المانی نوشته‌است مطمئن میباشد که پایان جنگ هنوز خیلی دوراست . ابتدای مقاله‌مزبور نظربه‌کنفرانس‌ویلسن‌وبیانات مقاصد مختلفه‌متفقین‌راجع‌به‌پایان جنگ شرح میدهد وسپس میرساند که متفقین هنوز امیدوارند که مقصود خواهند رسید ! متفقین پیش از پیش ازفتح دور هستند . درجبهات های اطالی شکست یافته وازنقطه مقصوده دور شده اند .

لیکن انگلستان هنوز دروغ شکست نخورده . تجارت المان مفلوج گشته وه مستمرات وی‌درر فاحش رسیده وخزینهٔ‌انگلستان‌واسطه کوشه گیری‌واتحادش بمحدوداست‌باوجود این انگلستان ازجمله متحاصمین کمتر زحمت وخسارت یافته‌است ازاین‌روبه المتفاوی‌ساروپاولی‌تازه حق دارند که سودای صلح راهرچه زودتر بپرورش دهند . زیرا ازنقطهٔ نظرنظامی شکست یافته‌اند . آنها در حالهٔ متفقین هستند لیکن متفقین درحالهٔ اتحاد نیستند چه باید دانست که کابنی وآزاس را اهمیت وقدر وقیمتی نیست .

باوجود این مابین ما وسایه جنگ‌مسافتی بعید خیال‌است . حقیقت مطلب آن است که بعد ازاین همه فداکاریهای جان ومالی هنوز المان یک فرسخ بسیار هنگفتی مطالبه می‌کنند . جاده چون در فرونت بسیار جنگ جریان دارد . گرفتن این فرسخ مشکل میباشد روسیه‌یک موقع فوری میخواهد جنگ‌را دوام دهد وفقط یک انقلاب وشورش داخلی آن دولت‌را ازدوام جنگ میتواند بازدارد . بدان باید منافع رقیق دارد باوقای آن بعی عثمان را باید حفظ کرد .

راه اتحاد درمصر است . المان وعثمانی هردو دراین سمت دارای منافع زیادی هستند زیرا عثمانی بی اندازه مایل است تملک مصر را که ازدوره زمانی متعلق بادوحه است‌تصرف نماید . والمان‌از کوشش‌بکند که کانال سوئز را گرفته قوهٔ بحری انگلستان را درهم شکند . اما این اقدام خیلی مشکل خواهد گردید .

اشرف ضرب اولین قدمی است که دراین راه برداشته می‌شود . ارتباط اسلامبول یافته جزیرهٔ سینا بوسیلهٔ قطار شمه راه آهن حجاز که ازسامره سینا عبوره یک مسافه خیلی مشکل است . امابوجود این باهمام این کار برای المان نهایت اهمیت را دارد تاتوانند انگلستان را خراب ونابود سازند . وقتیکه این کارهم انجام یافت هنوز خاتمه جنگ خیلی دوراست انگلستان حتی خانوادهٔ سلطنتیش ازالمان انوارد تاحال باندازه بالمان خصومت ورزیده که تصادم باوی یک‌مسئله حتمی الوقوع است . هرگاه این تصادم فعلی بوقوع نپیوندد رشته مطلب عقد جنگ اطالی منتهی خواهد شد . ازاین جهت قبل از آنکه المان بطور قطع ضعیف شود گفتگوی صلح کردن خطاست .

فرانسه‌وایطالیا تقاضاهای ارضی شان‌صورت خواهد گرفت لیکن تاوقتیکه انگلستان مایل‌باشد این‌دوملک رای‌وی‌جنگ خواهند کرد .

حدوث یک شورش واغتشاش درروسیه وشکست انگلستان‌درمصر فرانسه وایطالیارا مجبور خواهد کرد که در خواست صلح نمایند . المان بمنظهار فتوحات در خشان فنلون وتحت البحر پیمای خود

وبا همراهی متفقین پیروزمندش جنگ‌را مداومت خواهد داد تاکامل و جایگاهی در خورشید پیدا کند .

آلمان توردی قیصر آلمان

ازآغاز جنگ تاکنون امیر اطور آلمان همیشه در میدانهای جنگ حاضر بوده سنگرها واستحکامات نظامی‌را بازدید کرده‌ازفرونت نیز بضرب حرکت کرده آنی ازعنایات جنگی اردوهای خودش درصفحه های مختلفه غفلت نورزیده و همواره در میدانهای جنگ باقطع های مهرهای سربازان وافراد اطالی‌را تشویق و تشجیع وبحمایات وطن نموده گهگاهی بامقالات واخبار متعدده ومتنوعه جراید از خیل خبر درج وانتشار داده‌اند ولی این‌دفعه‌یک مهم وحیرت انگیزی درخصوص سیاحت هوائی وبلیغ منتشر گردیده گهگاهی عالمیان و لعجب فوق العاده است زیرا کسر کلی قیصر آلمان بفرونت های جنگی ومطارات وقلاعی مشار الیه در عملیات جهادات وانوای قوای امپر اطوری گمتخصصا زمامدار وفرمانده کل قوای بری وبحری است چندان قابل توجه واهمیت نبوده بلکه سیاحت هوائی وبلیغ جنرال مذکوره گهگاه از تهور و رشادت شخصی امپر اطور آلمان که بزرگ پگاه اداره کننده بناص وقایع سرنوشت ملت‌جرمن درعمارات قوای بالغ فرض گردد دارای یک عقده مهمهٔ سری است گهآنکار وشاید بعدها واضح ومعلوم خواهد شدودلیل اهم گمان این مسئله است دربار ران حتی‌الامکان جلو گیری ازانتشار این‌خبر نمود .

این مسئله را قبلا ازیک مقالهٔ که روز نامهٔ نظامی آلمان برلن موسوم و اعضای اتحاد بمطارزه چی هائی که سبب سلامتی امپر اطوری شده) درج کرده بود کشف نمودند گاز عبارات ومطالب مندرجه آن بخوبی واضح ومشهود بود که شخص قیصر باطیاره پرواز کرده ولی ازکجا و بلیغ بآن سیاحت هوائی شروع کرده و بکجا مسافرت نموده وچه‌ترتیب وازچه‌راه طیران کرده هنوز بصریح وقطعی چیزی نیامده بود . تاآنکه یکنوشته جات و اسنادیکه از صاحب منصبان آرو پلان های آلمانی کماسیر افتاده‌اند بدست آمده معلوم ومکشوف گشته که امپر اطورو بلیغ یک زبان مخصوص خودش باهم صحبت کرده و بسیاحت هوائی مبادرت ورزیده است . در زبان مذکور اطلق علیحضرت بجهة امپر اطور موجود بوده گهدر آنجا بزبان فرانسه جواب وسیار فوار و قبلاتیه دیده شده قیصر بامدعی ازصاحب منصبان ارکان حرب خودش سوار گشته مشغول سیاحت بوده‌اند . درحالت امپرا طوری بعلاوه ازقیصر واعزای خود یک کاپتان یک مکانیسین ودونفر معاون برای اداره طیران زپلین موجود بودند .

امپرا طور دفعه اول باطیاره صعود کرده مدتی درهوا بوقوف تمام سیر وسیاحت نموده بعد بزمین آمده ودر دفعه دوم کی ماده‌ها گهخود را بمرض خطر انداخته و تلف شود زیرا گهسیاحت هوائی پس ازآنکه امپر اطور را درفضا طیران داده کاپتان آن فتاح بالغیر بیکاره های پیچ چرخهای طیاره چیزهای گهمتعلق باداره مخصوص قیصر بوده گه رفتن و برداشتن آن بتناسب تحصیل اجازه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1667 of 1786

جناب (دوست محمد خان) امیر کابل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1668 of 1786

وتحلیلات بدون تأمل حرکت کردند وغلط ودرنظر نیامده یافتند .

یك کشتی امپراطوری

وقایع نگار بحری تایمس درشماره ۱۰ ژانویه مینویسد :

بواسطه غرق کشتی ادوارد هفتم بحریهٔ انگلستان از وجود یك کشتی جنگی عیسی محروم شده است این کشتی خصوصا دارای اهمیت است زیرا ادوارد هفتم پادشاه انگلستان جوبلی سال ۱۹۰۲ درکار خانه کشتی سازی دان پورت قسمت تحتانی آنرا کار گذارده وملکهٔ سازی زمانی که شوهرش هنوز ولیعهد بود سال بعد جوبلی کشتی مزبور را به آب انداخت . دران موقع ژرژ پادشاه انگلستان ویرانس ویلز دان پورت

از مناظر هندوستان

یك بنای عجیب زیارت معصوم شاه در سیکهر

انگلستان را تماشا دیدن کنیم در اروپا بادین اموال رادفورد در کشتی ادوارد هفتم نهار خورده وسپس بدون انکه تماشای این دلگیر و دیدنی اموال وطرز تحمل کشتی مزبور خدری در ما تأثر کرد تحریرات فرق شدن این جهاز را تحاظر می آورم حزن وتأسف زاید میشود . فقط این مسئله خدری انسان لیکن دانش خواهی است که تمام اطلاعات کشتی تحات یافته .

کشتی ادوارد هفتم وخدمات وی

کشتی ادوارد هفتم در سال ۱۹۰۲ دربوار پورت ساخته ودرژون سال آنیه بآب انداخته شد . این کشتی ۱۹۰۳۵ تن بار گرداشت طولش ۱۴۲۵ پا . ارتفاع وی عبارت بود . از ۴ عراده توپ ۹ انچی چهارده عراده توپ ۹ انچی دو عراده توپ ۹ انچی دوازده توپ چندانچی ودوازده توپ ۳ پوندر و چهار توپ تربیل انداز .

قوهٔ آن معادل قوه ۱۸۰۱۳۸ اسب وسرعتش ۱۹ گره بود . این کشتی در سنوات مختلفه کشتی مخصوص امپراطوری زیارت بوده است .

از جراید خارج

آلمانها در روسیه

زمستان را چطور میگذرانند

دراین اواخر موضوع دیدهای شروع عملیات آلمانها در ایالت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1669 of 1786

گذر موده بحرشده است : حقیقةً (مارشال زمستان) دراین کار از وسایل نظامی اظهار فعالیت نمی کند و بلکه میتوان آن را تقویت (ژنرال سرما) باحرکات چابک اردوهای متخاصمین یاری کرده است .

بدبختانه کدامصورت اقدام کوتاه ورومان توسان عسکری در میان نیامده شاید وضعیت ونتایج زمستان سال ۱۸۱۷ در زمستان دیگر تکرار شود . چندان قرن حقیقت وواقعیت نشده است . جملهٔ (روسکویه سلوو) روزنامه معروف روسی ازاعتراف میکند آنها میخواهند خط وخطای ناپلیون را تکرار کرده وخودرا بزیر شدیدزمستان دوچار زحمات وخسارات خوف العاده نمایند . چنین میتوان گفت که قوای آنان بقسط برای محافظت خطوط که انتخاب کرده اند حاضر هستند بلکه حقیقت تدارکات آنها بصورت وخیالات است .

(روسکویه سلوو) مینویسد : قشون آلمان درمقابل برف وسرمای زمستان طور کهافراد انسانومتوجه این برای خودشان وسایل استراحت آنان کامل فراهم میسازند . تدارکات دیده وتمام مخاطرات را پیش بینی کرده اند .

آنانیکه در هر کاری یک نوع سابقه و مهارت مخصوص نشان میدهند درروی خود هر کوه قالبسیاه پوشا آبهای گرم ومشه‌های دوروبشا وسایگاه‌های بی حد وحصر تدارک نموده‌اند برای جلو گیری از کشیدن طاره های خصم سطح تمام سنگرهای خودشان را یکسان تدارک کرده اند ساعاتیک صاعدی وساده یکه مخصوص ما آنها است تصور میکردیم که قشون آنان ازشدت سرمای زمستان دچار بیحالی خواهند شد : در صورتیکه آنانها سعی کرده اند قابلیت‌ها را بوسع آسایش خود تطبیق میدهند .

در مقابل این تدارکات آنان ، پادشاه روسیه سپاه وعسکرخودرا از مرتبه دوم به مرتبه یکم صدرجه زیادتر فاید .

در سنگرهای آنان وسائط ، وشرایط حفظ الصحه‌ی الی ماشاءالله موجود است . برای افراد قشون آنان چوبتها تهیه شده ، وقصبها وورده های داخلی سنگرهارا از خار ترتیب داده اند . سطح داخلی سنگرهارا لحاف فرش کرده‌اند زیرلحاف‌ها کاهدخته شده و سنگرهارا باطاقهای خشک لطیف وپرحرارت تبدیل ساخته اند .

از طرف مارشال هندنبورگ فرمان یک دستور عمومی انتشاریافته که هیچ یک از افراد قشون درسنگرها ازاثر سرمای زمستان نمیرد ، مرتکب مسئول آن شخص خواهند شد : بتقدم اعدام آن درای جمعه‌ای مخصوص کهاقوام تعیین کرده میشود . در یکی از سنگرها تدارک شده اند که بقدر کافی حرارت داشته وسائر افراد قشون گرمی کند . و برسب اوامر مؤکده که صادرشده در سنگرها مواضبت مخصوص وبدقت فوق‌العاده در محسوس لطافت هوا کرده که عمل میآید . بطوریکه یک‌نفر نمانده که گرمه و خاشاک درمیان سنگرها قدم وحمل نیست . جریک ازافراد قشون مقدارمعینی

الکلی داده شده که بدنهای خودرا با آن مالش بدهند .

آنانها برای جریک ازفروع وجزئیات کارها ازروی دقت مخصوص تدارکدیده وباملاحظات عمیقوفرصت کامل تدابیر لازمه‌اتخاذ نموده‌اند . برای جابجا کردن توپهای سنگین ازطرف مهندسین ماهر کارخانه کروپ مسافای لازم بعمل آمده در قاطرکاریست وبوسیله‌اتصال وسیله‌ییل وکابل قابل حمل بسته یک نوع مادهٔ مشتعله بکار میبرند که در ظرف چند دقیقه زمین راسست کرده وهرگونه عملیات حفرراباسهولت انجام میدهند .

در مجبوحاطوفان شدیدبرف اگرخواهند حرکتنمایند (اسکوموتیف) های مخصوص برف روی‌دارند که‌بهورت کاروبارا ازخطرحرکت آنها برمیدارند . خلاصه اینکه آنانبرای مقابل زمستان روسیه‌بهیچوجه عاجز نمانده وسبوت سرما بقدر ذرهٔ درجسارت آلمان زحمت وفتوری حاصل نکرده بلکه برعکس عزم وشدت آنان را زیاد کرده است . روزنامه روسی پس ازشرح مراتب فوق تاکیدمیکند که باید تمام مسائل را درنظر گرفته وبرای اردوی روس بهرسوگونه وسایط ولوازم جنگ زمستان را کاملا تدارک نمود .

« خاتمه »

خبر های بیتاک اوروپا

از جراید انگلیسی

روش قیصر به پاریس

بموجب تلگرافی که ازپاریس رسیده درمجلس ملاقات قیصر وفرزندانش شهریار باهمار چنین گفت که در ۲۱۵ سال قبل ازین فرد زیرک اول دیوم پادشاهی برسر گذاشت و ۴۵ سال قبل امپرا طوری جدیداً آنان کاسیس گشت وامروز قیصر بعداز فتح پاریس میتواند سلامت وارد قلعهٔ رومی باشد سپس فرزندانش قیصر را تفکر کرده چنین گفت : امروزه علم باصحیح وتحسین قوت‌وقدرت الی وایران ویرانی‌داده وفهمیده است کهقشون آنانرا درتحت‌سروری وسالاری‌قیصر خویش شکست ناپذیر است .

پادشاه باهمار چنین گفت امید وارم صاحب پایداری که هیچوه مقدس قلوبات است درسال ۱۹۱۶ واقع شود یک صاحب که در زیر سایه‌آن جنگ باهمار نیز نتواند درقلعه تحدی الان تسلیم نکند لیکن اگر تقدیر بدوام‌جنگ حکم کرد ملت‌من صلح آخرین‌دقیقه وظیفه‌خویش را انجام خواهند داد .

سلام برتوباد ای‌قیصر والی شهریار . توفتح وجلال هستی ، جمع ملل مشرق زمین ترا درپیش قدم سلام می کنند ای کسانی دهنده که مقصودرا بسعادت وکامیابی نشارت میدهی .

جواب امپراطوری

قیصر چنین جواب داد : —

اعلیحضرت منظم امروز بواقعه مهم اشارت می کند که در یک چنین روزی وقوع پیوسته است . درواقع جوانی مکرر در کتاب جه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1670 of 1786

خویش و بعدها زمانی که خود امپراطور شد این روز کارخی جشن گرفتار در حالی که شوالیه های این درجه و مقام گردن حضور داشته اند .

مقصود قیصر از شوالیه هائی که بدان اشارت میکند انتظامی است که دارای درجهٔ عقاب سیاه میباشند . فردریک اول در ۱۸ ژانویه ۱۷۰۱ یعنی روز تاج گذاری خویش این درجه و مقام را برقرار نمود و از این رو چنین میفهم که مکاتبات قیصر و فردریک و لطفیهائی که مبادله شده است در روز ۱۸ ژانویه که در بست و یازده همین جشن سیصد تاج گذاری فردریک اول و استقرار درجه عقاب سیاه میباشد وقوع پیوسته است قیصر علاوه کرد :

« لا رومین دفعه ایست که بحکم خداوند قهار در میدان کارزار این جشن را می گیرم و این مرتبه در بلاد زمین قدیم کارخی گشتجات وشهامت قشون بلغار آنرا فتح کرده و شهریار آن خطه مرا در میان سپاه دائم و مدر کردکان ثابتاً خویش پذیرائی کرده و اعطاء یک درجه بلندی دسته منصب کالی را زیان ۱۲ پیاده نظام بالکار مراتب افتخار و مباهات فرمود است . من بطریق اطمینان شما نسبت بمن احترام و افتخاری میدون داشته باشید که بالاترازان متصور نبوده و نیست .

امروز شما آرزوئی که از دیرزمان در قلب من بوده است را آورده و کفایت شما ثابت می کنید که میدان ساعت دارای احساسات واحده هستیم دشمنان ما که رسعادت و پیشرفت صلح حواهٔ آنان و اطرافش همگی حسد میبرند مارا میدان نبرد طلبیدند و بالطبع سبک کردن تمام اروپا را در خطر انداخته فقط بدین مقصود کهنیان وحدتهٔ مارا محو وکاهد سازند .

بایک جانشینی گردیم که زوده دایرهٔ آن وسعت خواهد یافت .

مثال وبافشار

زمانی که جان دشمن ها جنان را از تهدید کردند اوهم با ملحق شده باحتاط سخت مقام خودرا حفظ نمود .

هوشمندی و رأی اندیشی آن اعلیحضرت آنروز او کوفت است که درنگت . وزیر خویش بلغاریا بنادی حفظ خود برسانید و در لشکر دام خودرا برای یک آینده درخشانی صاف سازید . این بود که باستظر وزارتی ملت آن اعلیحضرت مسلح شده جنبش های فکاهه خویش را شروع کردند و در تحت ریاست و رهنمائی خداوند جنگ خویش پذیرفتی و دران دیگر دیگر بحال بلغار افزودند برای آنکه احساسات صمیمانه خود و تمام ملت آنان را ظاهر سازم من از اعلیحضرت شما درخواست کرده ام که در چه قابل شان روسی را قبول فرمائید و من نقشه سردار و قائدهام کلیا خود این مقام خودرا یکی از شما باشناسم .

چون وزیری زبرده کار قادر فعی دران عرفت و درکام فرونشای دیگر عملیات ترک صورت گرفته است .

اینک من شکر و سپاس خاصانه خویش را درگاه خدای متعال تقدیم میدارم و زیرا مرا فرصت داد که دران خطه تاریخی که یکمرتبه دیگر بقوت دلیران ما وطنا تقدیس یافته در میان قشون دلیر خویش دست اعلیحضرت شما را فشار دهم و کلمات اعلیحضرت شما را استماع نمایم کمال گذاری عزیمت شما در دوام جنت برای حصول یک صلح دائم معلوم است و اینمعنی میدارد که روابط و دلایلی که در موقع پرمهن طوفان جنت استقرار یافته است همواره برای سعادت ملت ما برقرار خواهد بود .

من نیز باطمینانات کامله این مقصد را تعقیب می کنم و پیاله خود را برای سعادت آن اعلیحضرت و دود دائمی و افتخار فتح قشون شد و آنیه بلغار بلندی کنم (زیتر) رطبق پلتدارتی کمپتوسط تلگرافی قیصر از وین رسیده امپراطور فرانسوا ژوزف به پادشاه بلغار درمقام دیگر مارشالی اطریش هنگری را داده است .

یک بار دیگر سلی دیگر

راپورت ذیل نیز از منابع آلمانی رسیده است : « امپراطور آلمان وارد پتگراد شده است . از زمان بار باروسا کمتر یک از جانشینهای صدهزار شوابه آلمانی را در پتگراد ندیده هیچ یک از امپراطور آلمان تا امروز رفته و قصر پتگراد ندیده مگر امپراطور و ولیعهد دران روز . هنگامیکه هوای خوبی فلسفه را بهجت ناک کرده وسیاست و جدال فوق العاده وارد شده و یک کلمه اقتصادی اطریش هنگری و موریت طلبی اعلیحضرت اورا سلام گفته و خروشوف وزراء هم مردم اعلیحضرتش را پذیرائی کرده .

امپراطور پادشاه آهن جدید را دیدن نموده و سپس در میان اهالی پتگراد پیشرفته و آنها بحرکت می گرفتند گردش کرده و بعد به تفریحگاه قالی دکان رفت .

امپراطور بسیاران قشون آنان را که از اداب عبور کرده بود سان دیده لطف اوافرمود و احوال تجارت آنان شنید . قیصر تمام نشان آهن اسپارها عطا نمود . تایمس

زن حقوق خاب معروف

پارلمانتکپورت زن حقوق طلب معروف انگلیس که عملیات وحشیانه وی قبل از جنت برای تحصیل حقوق انتخابات نسوان هیاهو بپا نیست ، کتابی وارد « بیو یورک » شده .

اداره مهاجرت امریکا منع شده است کارشناسان اینها وارد آنجا شوند و میدان ندارند مادام حرور در انجا رحل اقامت افکنند و دیگر در انگلیس چون حبس شده نمی پذیرم .

بالاخره بعدادات از اتباع نادیدای کمار کتی پیوسته سیم جواب عرضه که مدت داده است میشود .

از جراید فرانسه

رسمیت مذهب اسلام در مجارستان

پادشاه مودت هنگری و دیگر

وزیر مذاهب طایفه « هنگری » یک فقره لایحه قانونی بمجلس شورای ملی تقدیم کرد که موجب آن مذهب اسلام در تحت حمایت دارای آزادی تام و رسمیت گردد و در نتیجه مدارس اسلامیه در هنگری با بیت نوع شاه سائی و هیجان غیر قابل توصیف را تشکیل نمودند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1671 of 1786

مجلس عسکری بعلاوه تصمیم گرفته است کمیته فقره تلگرافی بحضور حضرت سلطان عثمانی عارض و عملیات باسالی را تحسین و آفرین کفته و تداوم حسن عثمانی عسکری را عمدا انتظار دارد.

از این مقدار تحت واختیارات بیانیه دیگر در مملکت های خودشان بعد بایست اسباب تعجب کردد چرا آنها سا کن عسکری خاطر از کزارش عارها باسالر شعبانزاده او کروفلاندی ـ آرتلات مقول بلغاریا که باتاصل منتخب میشود یک هستند و در درجات تمدن آسان ارتباطی کرفته متداول میباشند واین هیجانهای زرکی که باقدام از آنان بظهور میرسد دلیل روحیات طبیعی آنها میباشد.

خبرهای راجع باران علل اخبار های ایران

رشد :

دستگیری سفیر کبیر

روز چهار شنبه هیراجع بدستگیری سفیر کبیر دولت عثمانی بادرسید تلگرافی درجه تحت خبر مذکور را عی والسلام خودداری اورد ج آن بورم اینک اطلاع یافتیم تحقیق نموده ایم دیلا میکاریم سفیر کبیر دولت عثمانی وکیل اکاذ نظامی سفارت اطریش وبانکدار روفسر الفال و آقای شیخ الاسلام وعده از اجزاء اداره هفته کذشته بطرف تلگرافخانه دولتی رفته بودند عصر روز مذکور متعاقب مذکور مشغول تلگراف بوده اند بعد از نظامیان روس که از طرف کرج بخانه آنها میآمدند سوار شده نظامیان مزبور فوراً سفیر کبیر را دستگیر وبطرف کرج حرکت میدهند این خبر تمام روز چهار شنبه بطهران میرسد فوراً بطرف وزارت امور خارجه از سفارت روس حقیقت امر را استعلام نمایند سفارت اظهار بی اطلاعی نموده و کوارای تحقیق مسئله وقت میخواهد تمام اعضاء سفارت را بکرج روانه میدارند در اثنار دولت اطریش عصر روز چهار شنبه هزار آمده باشاهزاده رئیس الوزرا وآقای وزیر امور خارجه ملاقات وبان حرکت نظامیان روس اعتراض مینماید. در این دو روزه هر وزارت امور خارجه مشغول اقدامات دولتی بوده تا کنون نتیجه بدست نیامده سفیر کبیر و سایر توقیف شده فقط کونت بنکندورف توقیف نشده وزیر دکر سفارت طهران مراجعت کرده.

راجع به سفیر کبیر

قرار تحقیقاتیکه از وزارت امور خارجه شده است هیئت دولت برای خلاص سفیر کبیر عثمانی اقداماتی نموده اند ودر ظرف این دو روزه از وزارت روس والکلیس مذاکرات شده تلگرافاتی بهر دو کرام اتابل عارضه کرده ولی تا کنون جواب راجع بحال ایشان نتیجه بدست نیامده واز قرار معلوم رحسب دستور دربار بطرف کرا سفیر کبیر عثمانی را کرج بالاحترامات بطرف روسیه روانه خواهند داشت وکسیر حد مرده مقصد را میرسانند وسپس آزاد در حرکت بطرف که مایل شده خواهند بود لکن آنشه مبایز سفارت اطریش وسایرین را بعنوان تبعه حرب در روسیه توقیف خواهند کرد.

در اصفهان

قرار اطلاعاتیکه از اصفهان میرسد قطعا هر یک جمعی از مجاهدین اصفهان اقوت دارند وبعضی عملیات هم بعرصه اشکال میکذارند داخلی هم از شیراز تلگرافاتی به اصفهان عارضه میشود.

مجلس کنفرانسی که مقرر داده شد در اصفهان تشکیل خواهد شد تشکیل نشده است وسابورتی از کی هم در شهر اقامت دارند.

در ظرف این دو روز هم تلگرافاتی از والی ایالت فارس از اصفهان رسیده است واز قرار معلوم حقوق دو رجعه ایشان هم باحال تأخیر نکر میده.

استقبال

دیروز قبل مقارن ورود بلندسته قشون روس بقم بوده وجمعی از رؤسای موجودی آنجا باموزیک به استقبال آمده اند ولی قشون وارد نشده مراجعت می نمایند آنچه کفتکو شده دراین دو روزه وارد خواهد شد.

در سفارت امریک

بقرار یکه اطلاع حاصل نموده ایم اعضاء سفارت عثمانی وسفارت اطریش در طهران نظر بعضی ملاحظات بسفارت امریکا رفته ودر آنجا میباشند.

حرکت بطرف اصفهان

وزیر مختار اسپانیول نظر بدوستی باسیو کیر مازو حرکت باصفهان میباشند که عائله سفیر کبیر عثمانی را بطرف طهران حرکت دهند در ظرف این دو روزه بالتومبیل حرکت خواهند کرد عائله سفیر کبیر عازل وبادکوبه بایشان خواهند رسید واز آنجا بطرف سوئد خواهند رفت.

در اروپا

شارع شب هشتم شهر ربیع الاول قریب سیصد نفر قزاق روس ساعت شش از شب کذشته از پشت باغ داخل عائله والی شده اند اهل عائله مقدار الیه مدهوش کردیده بمقدار داد وفریاد مظفر الملک امیر بیج را دستکیر واز قرار یکه کفته اند مقداری هم اشیاء وعلقات زنانه از قبیل طلا آلات وغیره برده اند کار کذاری هم دراین خصوص بدوش قونسولخانه کذارات نموده است ولی آخره موکول به تبعید مظفر الملک کردیده است.

در کاشان

از کاشان خبر میدهند که چند روز قبل قریب پانزده نفر از مجاهدین وبعضی سوارهای دیکر بآنجا وارد کاشان شده اند حکومت هم آنها را دستکیر کرده جمع ملاح نموده است وفعلا در توقیف میباشند.

خبرهای خارجه

خبرهای خارجه

لندن ۲۷ ماه اپریل ۲۴ جمادی الثانی —

دردار الامارة لارد لیدون در باب وجود جرمنی برای فرود آوردن اسلحه بساحل آرلند بیان کرد که دو هر دیار که بمرام سردار جرمنی است که سر عقاد اولی طالبان آرلند بود وسالیها درجرمنی برای آزادی مملکت خود کوشش مینمود وبساحل آورده اند افسران جرمنی بودند جهاز جرمنی را که اسلحه برای آرلند آورده بود جهاز جنگی رطانیه اسقاده کرده حکم داد که در عقب آن طرف کوشش کنان بیاید

جهاز بعد از انکه اسلحه را به آرلند رانورده بود الی چند فرسخ در عقب آن رفت و بعد از ان چرق دولتی جرمنی را بلند کرده خود را غرقاب کرد — کل سواران را نجات داده بساحل آورده شد —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1672 of 1786

اخبار دیلی میل میباشد که سورا جر گیس منتدا گنون دو بنای منایه محسوس می باشد — بتاریخ ۱۴ ماه اپریل (۲۱ جمادی الثانی) در کوین هکی مشهور گردیده بود که سورا جر گیس منت در جرمنی ماموز گردیده بود — حالا اینکه او همان روز رمضان کیل ریک انکر کلین تحت البحر جرمنی موار شده بعیت یک انگریز چهار گانه مسافرین ضرر معلوم میشده و برقدولی هایدداشت به بیست نفر خبر مکاران عمده جرمنی روانه شد و چهاز مذکور ۲۰ هزار تفنگ و اواب آتی نشان و سامان حرب گمرز رسانده اند و در مندرجه بوشیده و مارچ ۲۱ اپریل ۲۱ جمادی الثانی در دربار دارالسلطنه آژاید شورش نهایت خوفناک برا گردید — بلوه گنندگان بقلعهٔ دیلی حمله کرده و را کمخانه قبضه کرده بند و سیم های تلگرافی را بریده شد — علاوه بران بلوه کنندگان در اطراف اجلاس بلدیه و ادارهٔ صحت و دیگر عمارات شعله حاصل کرده شد — و بیا هران را که بطرف چیاولی های خود میرفتند ایستاده کرده شد — تحریک دهندگان و مرکز حسی ملک مذکور سرایت کرده بود مرکزهای سارش مذکور الخصوص گوتی کانوی و انس کوروند —

اتفاقات دیلی —

لندن ۳۰ ماه اپریل — ۲۷ جمادی الثانی

درباب اتلاف ۲۷ نفر افسران افواج مرکزی انگلستان (مقتول و مجروح و مفقود اخبر) درمیان بطور رسمی اعلان کرده شده است

لندن ۱ ماه می ۲۸ جمادی الثانی

بایران در کوچه سیکول اعلانها بین روانی سوخانده می روند — لاکن دستهٔ اعدای شیر روسی کوشش مارکی و کرز را شامل میباشد

لندن جمادی — ۲ رجب المرجب

گیطال وایم زید سوئدن کی بارلمنت زد مسترجون زید موند یک مکانوب بان مضمون نوشته است که جرمن ها پیشروی شدید های خود کمتقابل دوزن آزاید واقع و وقعه اشتهارات بالاطرفی چسپانیده —

در آژاید بلوه خونخوار برپا گردیده است آقایان رعایا و اعضای نیا کوکه اداری می کنند — مسوده قانون خدمت جبریه نظام انگلستان مسترد شده است — در اشتهار مذکور نیز گفته شده بود که غیر مقدوم شیا بگان خوش بیت کرده خواهد شد

(خبر دیگر)

یکم ماه می سنه ۱۹۱۶ خبر لندن — درملک (آژاید) در تمام ملک یک بلوای عمار آشوبش ناک بخلاف دولت برطانیه برپا گردیده آژاید یک قطعه جزیره است متصل سه قطعه جزائر مسمی به (انگلند) (اسکاتلند) (آژاید) که همین هیسه جزایر باهم متحده شده (برطانیه) گفته میشود — گیفیت بلوائی مذکور چنین بیان کرده میشود که اکثر اهالیان ملک آژاید یاغی شده بلوه و هیجان کرده اعلان جمهوریت را نمودند و شهر (دبلن را) که پایتخت مملکت مذکور است مرکز جنات خودها قرارداده قامهٔ جنگی و را کمخانه وغیره عمارات سرکاری شهر مذکور را قبضه کرده چهل سیمهای تیلگراف راهم قطعه کرده بعضی دسته های فوج راهم همراه خود شریک بلوا نموده علانیه اعلان مخالفت سلطنت موجوده را نمودند اگرچه در بعضی جاهای بلوی فرو کرده شده است ولی باز هم بلوائیان جاهای مستحکم را هنوز بدست دارند —

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — و دوم

وند کان جلوهای مرغوب وملت (نگرج آست . (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . (زیرا از آغاز شکل واسس دولت افغانیهٔ حالیه بحث میرانند که برای حال واستقبال ملت چه اندازه عبرت . وخوشتر ازین انباء ملت تصور نمیشود . هرفرد ملت را واجب است که یک نسخهٔ این اثر را بدست آرند وساینده جزوه در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به بیت خاصه وغیر خواهان استفادهٔ عمومی بامر وفرمان نامدار صفات پادشاه مقدس سالعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف شده ودرمطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل زیور طبع آراسته وتزئین یافته است

جلد اول این کتاب تاریخ ابتدای سلطنت خاندان درانی (سادوزائی) یعنی از آغاز تأسیس و استقلال دولت علیهٔ افغانستان تا دوره امارت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان از هند در کابل تخت نشین وجلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان که اول حکمران اعلیحضرت « ضیاء الله والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه بکار نجدار تا جامع میباشد و قاطبة اعلا حروف نیز طبع دیده است . طبع کتاب مذکور است زینت و خوش تجلید آن از افزار دل است

نمبر (۱) یکی جزوی جزوه نصواری داغدار کابل بقیمت چهار جلدان علاوه کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلائی اجزوه بندی شده مبلغ نازده روپیهٔ بخهٔ کابلی —

نمبر (۲) یکی ملوا دوه گرستانی چهار گنج وزجزوجزو جلدبندی واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جمله نیزده روپیهٔ بخهٔ کابلی

نمبر (۳) یکی ملوا دوبه گره لاجوردی چهار گنج وزجزو جلدبندی سرخه کابلی بخت عالیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جزوبندی شده یازده روپیه بخهٔ کابلی دوه شاهی —

نمبر (٤) یکی ملوا دوه اری چهار گنج وزجزو جلدبندی سرخه کابلی بخت عالیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جمله کوه شده ده روپیه بخهٔ کابلی دوه شاهی —

نمبر (۵) یکی ملوا دوه اری سرخ چهار گنج وزجزو جلدبندی واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جمله کوه شده ه روپیهٔ بخهٔ کابلی یازده شاهی —

محل فروخت

درخانهٔ ارک مبارکه از محویلی خانهٔ جناب عبدالرحمن سرحدی در بازار ارگ کان ازدکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر یک دوجلد دیده شود هم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت هایون و لا امر نمودند که جلد اول ودوم دریک دوجلد و جلد سوم وچهارم آن که هنوز دوزیر طبع میباشد وبعد از اتمام طبع برآمده طبوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همه‌طلبه هائیکه بسنخط دارند از طرف جدید و سر محمد محرر

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1673 of 1786

اعلان

محترم مشتریان گرام خود را
یاد آوری میکنیم

مفتخریم و کوشش کردیم که از شکایت راجع باخبار مشترکین گرام دار السلطنه کابل خودداری نموده باشد لهذا گاهگاه مشترکین گرام دار السلطنه کابل که بنده نموده یا گاهگاه مشترکین قدیم و جدید اخبار ما را که بعهده مشترکین گرامی ولسوالی بعهده است جواب طلب نموده . مشترکین گرام دار السلطنه خود را متنبه داد گوری میکنیم که عنقریب اخبار های شان دون واسطه غیر فرد فرد واسطه آزمایشی دا تعاقه خود شان میرسد

شرایط عرضداری	
دار السلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هفت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
مرحباً که باشد با اجرت پوست	
قیمت سالیانه دوازده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه شش روپیه انگلیزی	
به تعهد اشتراک قبول نمیشود	
یک ملاحظه چهار انگلیزی یا دوازده روپیهٔ کابلی است از همین قرار حساب کنند	

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار اعلانیه اعلان والتهار کردن میخواهند وارباب هرفن اعلان والتهار یکه باشند از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود .

اعلان یکه درمن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درهر سطر ۱ یک روپیه کابلی وا گر از پنج بار بیشتر کردن میخواهند فی سطر فی بار نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر فی بار نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر ثانی اجرت گرفته میشود . طول سطر بتون اخبار ما (۳۱ — انچ — ۴ — سوت) میباشد

مکاتب تعلق اعلان خود را مبادا یکماه سابق نشر کردن خواهند وموعد یکماه را پیشتر اطلاع دادن لازم است بغیر سطری ۱۰ اجرت گرفته میشود

اعلان

جنتا مه سه قطعه نقشه دنیا

در ۲۹ ورق

آسیا ✠ اوروپا ✠ افریقا

(مطبعهٔ عنایت) یک اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوشکاران عرض جلوه عرض میدهد . بدست آرید . خواهید در ظرف ۲۴ روز یک مدت کمی به قطعهٔ زمین را بامتیاز آن نقشه وهمراه بود وبیرکنید . ملکیان را که دوار میکنید متصل ومکمل جغرافیا رکاج آنرا خواهید متوانید . چه چیزها می بینید . چه چیزها میشنوید . چه لذتها چه سرورها میکنید ! علمی ، ادبی ، سیاسی در بین زمان تاجراه عاشقانه هوسات رانگیزانه ـ بیشمار !

این اثر نامه حظ مرکب دوران وقایع محفظ میباشد . قریباً (۷۰۰) تحریر . دا (۱۰۵) قطعه تصاویر ساطر عجائب وتشخاص متنوعه وقطعه های جهان متزین است . قیمت با پوسته خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ بیش . کاند اعلا . چاپ حروفی . تصاویر بانکو گراف . جلد عالی دلنشین . اگرچه بیخواهید ! خریدید . کاپی های مطبعهٔ مبارکه دوازده افغانی به (عبدالرحیم) خان سرمهتاب مطبعهٔ مبارکه پادشاه ازاد قندهار کابل (بازار حاجی) امر کنید در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ نسفی هکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب دوازده دا بلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگری کاری ملک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1674 of 1786

(اعلان)

پراکنده

آثار مفیده کارخانهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، از یک مجموعهٔ اشعار ابدار عقده آگای میباشد که رقائق انشا، وحوری طبع دلربا، بالصور بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است، اگرچه از سخن خط وخال عیب است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست، قیمت هر پهای عاشری ومعنویش بیشتر خیلی ارزان، حق طبع (۱) دو روپیهٔ کابلی درجوف مطبعهٔ عنایت از آزه عبد الرؤف خان سر خریطه، ودر بازار ارگ از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان ماسی غلام محمد خان تاجر کتب هرکس هرده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

موسیقاران مطالعه آثار ادبیه را مزده از این وبسر رسیدهٔ کزار، مطبعهٔ عنایت، کلبهٔ را شیرین عالیه ا، جزیره پنهان، یک تالیفیست که قوت عقل وصرفت وسعی وهمت را برای اساس (مکان) نوع بشر بنظر ثابت وحسوله گردیداره، هر حکایت، هر عبرت عرض، هر عنایت ا حوی جلب، حوی بافد، حوی تصویر شیرین الاوه، قیمتش نظر بحو پهای باطنی وعاشریش بسیار ارزان ا تنها (۶) شش روپیه فعل فروخت عنی مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، و با بازار محمد در بازار ارگ، و دکان ماسی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی،

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابل

- ... دیوان رهرو بورزمی بهشاد روز خط ۲
- ... در جو هوا خط ۲
- ... سیاحت دارزه خیر مصور خط ۲
- ... از هرطرفی وازهرجنسی سی خط ۲
- ... روسهٔ حکم خط ۲
- ... پراکنده مصور رنگین خط ۲
- ... جزیرهٔ پنهان مصور خط ۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مفوقرا داشته باشد از جمله مطبعهٔ عنایت دره افغانان ازاره عبدالرؤف خان سر خریطه و از دکان باز محمد خان کتابفروش در بازار ارگ و از دکان ماسی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی عمدش خریداری کرده میتوانند.

و اگر از جزایر افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا داشته باشد در سراج الاخبار افغانیه مطالعه کند.

اعلان

کتابهای آتیهٔ سراج الاخبار افغانیه، و کتابچه‌های علاوتان وشماره های متفرقهٔ آن، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند اورد دکان ماسی ملا غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، وازدکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارگ بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در جمیع ادارهٔ درمنتظار میباشد که، ودر جمیع مطبعهٔ عنایت دره افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1675 of 1786

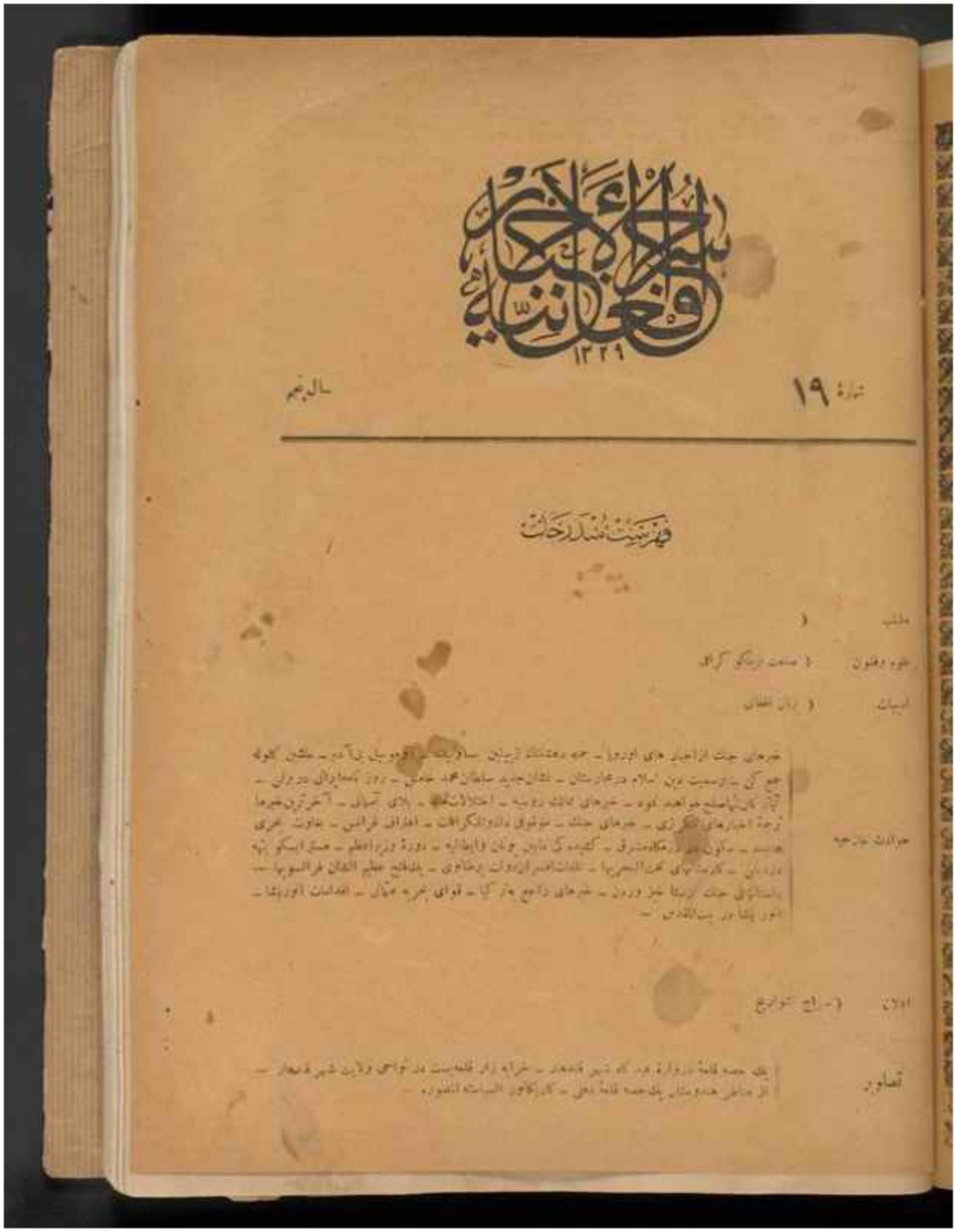

سال نهم

نمرهٔ ۱۹

فهرست مندرجات

مطلب (

علوم وفنون (صنعت رنگی کرباس

ادبیات (زبان انگلیسی

حوادث خارجه — خبرهای جنت از اخبار های اوروپا — جنگ دهستان تازیان — سلاویک — اوروپیل بی آدم — ملتین کلوله جمع کن — رسمیت دین اسلام در هندوستان — نشان جدید سلطان محمد خامس — روز نامجاری در برلن — تلگراف بی‌سیم مواصلت خواهد نمود — خبرهای تازهٔ روسیه — اختلافات — بلای آسمانی — آخرترین خبرها — ترجمهٔ اخبارهای تلگرافی — خبرهای جنگ — موقوف داشتن اعزام — اعزای فرانسه — بقایوت بحری هلند — سکون در مکدونیه شرقی — کنفرنس لندن — کنفرنس پاریس — دورهٔ وزراعظم — عمل ایسکو بنهٔ بردبان — کارنامهای لجنة الحربیه — تلگرافات امپراتور روسیا — پادشاه جلیل الشان فرانسویا — پادشاه جلیل الشان ایتالیا خبر ورود — خبرهای راجع هر کز — قوای بحریه عثمانی — اعدامات اوربیا — امور بلقان در بیت المقدس —

اعلان (رواج توزیع

تصاویر — یک جمله قلعهٔ دردانل هر کاه تسخیر قلعه‌در — جزایر زار قلعه‌سی در نواحی دلاین شهر قلعه‌در — از مناظر هندوستان یک جمله قلعهٔ دهلی — کارکاتور السنه المصوره —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1676 of 1786

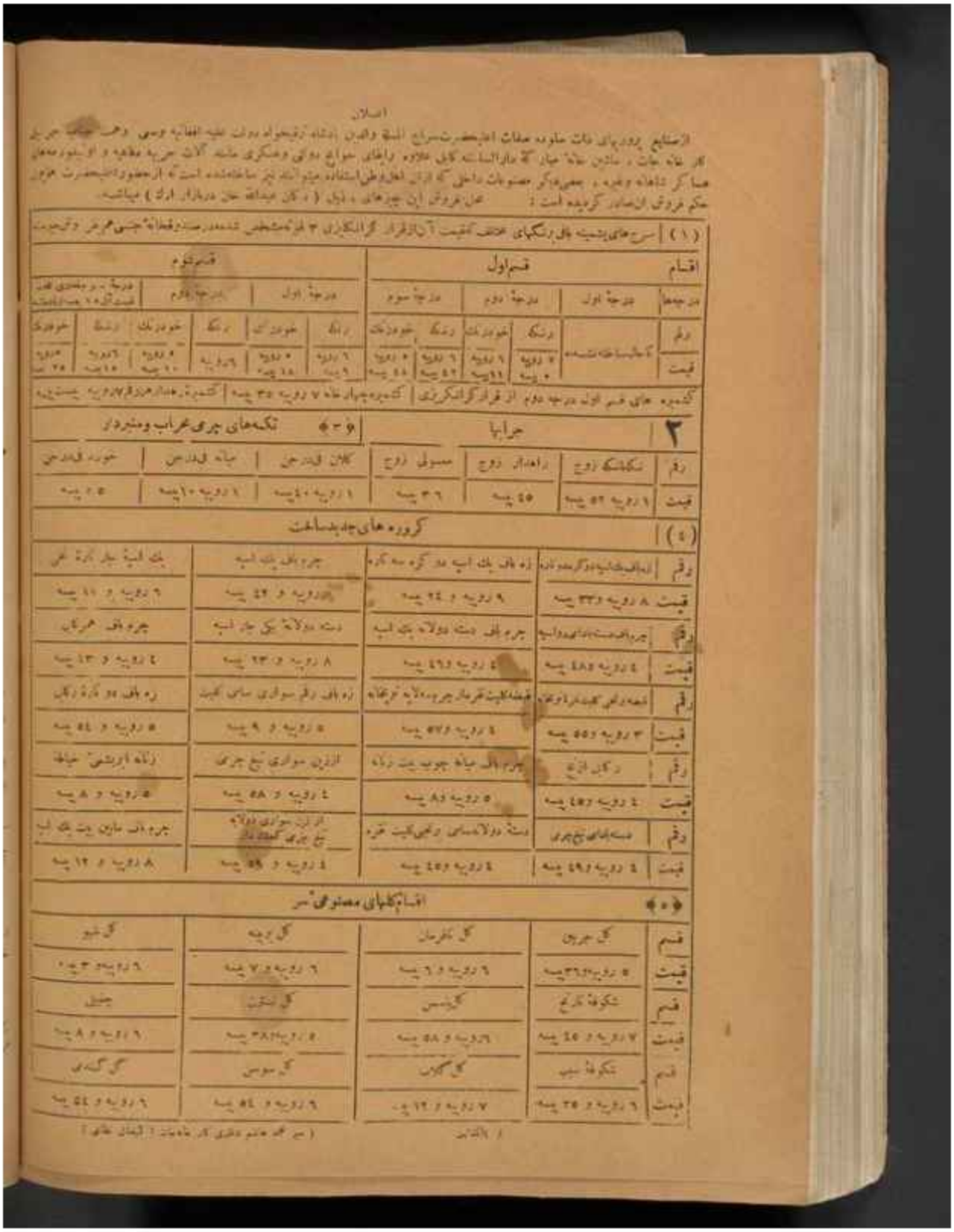

اعلان

از مطابع پرورپای مات مانوده عطات اعتبحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت ابد اقتضایه وسی وهف جیات هر یک کار خانه جات ، ماشین خانه جات ، کارخانه کاغذ علاوه راجای صنایع دولتی وعسکری مانند آلات حربیه مطبعه و اثاثیه معدن هما کر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از آن انطرف استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعتبحضرت هزور حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عیادة خان دربار اردو) میباشد .

(۱) سرخ های پشمینه بالی رنگهای مختلف کمیت آن از قرار گز انگریزی ۳ فوت مشخص شده در رصد قطعه جنسی هر هر وقتی جدید

اقسام	قسم اول			قسم دوم					
درجه	درجه اول		درجه دوم			درجه سوم			
رقم	کیفیات نشسته			رنگ	خودرنگ		رنگ	خودرنگ	
قیمت				۵ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه		۵ روپیه ۵۲ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	

قسم دوم								
درجه اول			درجه دوم			درجه سوم و بعضی اقمشه قیمت آن ۲۰ پیسه		
رنگ	خودرنگ	خوشرنگ	رنگ	خودرنگ	خوشرنگ	رنگ	خودرنگ	خوشرنگ
۶ روپیه ۹ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۴ روپیه ۱۰ پیسه	۴ روپیه ۱۱ پیسه	۵ روپیه ۱۰ پیسه

کشیده های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی | کشیده چهار خانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشیده هفت هزار ۱۲ روپیه بیست پیسه

۲ جرابها

رقم	تنکه تنک زوج	راه دار زوج	مسولی زوج	کلان قندهاری	میانه قندهاری	خورد قندهاری
قیمت	۱ روپیه ۶۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۲۵ پیسه

۳ تنکه های چرمی عراب ومشروع

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زنانه کتاب دار کروره دار	زنانه بالی یک اسپه دو کروه سه کروه	چروبالی یک اسپه	یک اسپه جلد کروه غیر
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۱۲ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چروبالی دست دولاله یک اسپه	چروبالی دست دولاله یک اسپه	دست دولاله یک جلد اسپه	چروبالی عربان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	زنانه رقم کلیدار اوتنی	قضا کلیت عربدار چروبالی ترجمانه	زنانه رقم سواری ساس کلیت	زنانه بالی دو کروه زیاد
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۴۲ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۴۷ پیسه
رقم	رکاب دار	چروبالی میانه جوبیت زناه	ازرق سواری تیغ چرمی	زناه ابریشمی میانه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته ابریشمی تیغ چرمی	دست دولاله ساس رنگین کلیت عربه	ازرق سواری دولاله تیغ چرمی گهنه دار	چروبالی مارین بیت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

۵ اقسام کلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرمن	گل نکوهار	گل پرنیه	گل نیلو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۹ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۹ روپیه و ۳ پیسه
قسم	نکوفه تاریخ	گل نسرین	گل لیلون	جنبل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۹ روپیه و ۵۸ پیسه	۸ روپیه و ۳۸ پیسه	۹ روپیه و ۸ پیسه
قسم	نکوفه سیب	گل گلدون	گل سوسن	گل گیندی
قیمت	۹ روپیه و ۲۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۹ روپیه و ۵۴ پیسه	۹ روپیه و ۵۴ پیسه

(از اکاذیب) (سر محمد هاشم دکنی کار مانده (اقبال خانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1677 of 1786

صفحه (۱) سال پنجم (شماره) ۱۹

قیمت اشتراک سالیانه
در دار السلطنة کابل ۸ روپیه کابلی
در ولایات داخله تجارتی
در ولایات خارجه ۱۰ روپیه انگلیزی
هر نمره روز پنجشنبه انشاء الله منتشر میشود
قیمت اشتراک در اول یکسال امد
(بی اشتراک درج نمیشود اعلانات میشود)

سراج الاخبار افغانیه

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ اخبار و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنة (کابل)
عه امور ات تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غره شعبان ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۳ جون عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۳ جوزا ۱۲۹۵

مکتب

علمست چون جان ، جمعست مکتب
نور است عرفان ، چشمست مکتب

— ۱ —

ای جوانان ، ای چشم و نور ما — گر دور مائی ، مائی تو بس دور
این چند ابیات پشتو بشنوید — یکیک شمارم ، تا کردی آنگاه

— ۲ —

اول ز انسان ، دور افتی از امان — نادان باشی ، ایمان نه انسان
انسانیتی ، و بی عرفان شدن — با قول قرآن ، باشی تو کافر

— ۳ —

گر راه آن را ، باید بدانی — کو مکتب کجاست ، ره را نپرسی
آخر چه کردی ، آیا تو دانی ؟ — در جاهلانه ، ماهر نشینی
چاره همین ، چاره کن ای برادر !

— ٤ —

ره را تو از چه ، نشناسی اول — فرموده ما را ، استاد اول
خویست راهبر ، یعنی انسان — در انفس (خویش) ، مضمر شده (عدل)
(بد) نظر شده ، ای خالی سر !

— ٥ —

این عدل و این ظلم ، مخصوص اند — در جمله انسان ، نی بر شاهان
هر فردی وی ، مجبور باشد — بر عدل و احسان ، یا ظلم و عصیان
عدالت (خوبی) ظلم است (بدی)

— ٦ —

هر کس چو رای زد ، گردید مسئول — از گفتهٔ خود ، یعنی زملت
گر خوبی آموخت ، گردید مقبول — هر کار و بارش ، شد خیر و برکت
از بهر ملت ، هم بهر آن شاه

— ۷ —

آن پادشاهی ، کو خیر خواهست — اتباعش را ، پشت و پناه است
اسلامیان را ، امید گاه است — (خوبی) خواهد ، از (بد) چه خواهست
خوبی بر است ، ای هم آگاه

— ۸ —

گر عدل یعنی ، خوبی نباشد — از گو انسان ، باید بشر هم
اشرف از آن شد ، انسان که باید — خوبی نماید ، زاحسان و ترحم
اخبار و ترحم از هر میخواه

— ۹ —

جنگ خزان ، از جهل آید — جنگ بهبها ، از عشق زاید
هر صلح و خوبی ، از علم آید — بعمل کاری ، از تو نیاید
از بهر قوت ، رو جهد خواه

— ۱۰ —

آرام جانی ، کوکاه و ژغیک — از خوبی علم ، از زشتی جهل
داری چه فائده ؟ ظلمی بدتر ازیک — انسان گناهکار است ، آن جوهر عقل
داد کنان فعل ، شد فعل گراه

— ۱۱ —

اما گر سنه ، چون ماند انسان — از حق و تحقیق ، نبود گریزان
پیر همیشه ، از امر وجدان — دوری جستن ، باید خزان
بشنو چه گفت دیران آگاه

— ۱۲ —

گر دم زند حق ، گر نام شد حق — (بدی) نیاید ، هرگز مکرر
ایدا صباح ، آن زائلهٔ حق — گردد فراوان ، از بهر ملت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1678 of 1786

ساحت خاک ، داری به این راه

— ۱۳ —

افزون چو شد عز ، صنعت از و زاد صنعت چو شد پیش ، سد کوه ایجاد
گردید پیدا ، یکدانت بنیاد عدلو تمدن ، گردید انشاء
از پهر ملت ، هیکله و پیکاه

— ۱۴ —

کر صلح خواهی ، عزالست و مکتب کر جنك جوئی ، عزالست و مکتب
کر خواهی راحت عزالست و مکتب خواهی سعادت ، عزالست و مکتب
بی مکتب امروز ، نبود بنا کاه

— ۱۵ —

اما چه مکتب ، مکتب هزاران درجه اعلی ، اکنافی افغان
تا کردهایش ، صدها هزاران زاولاد افغان ، از پهر افغان
کردند باقی ، کردند آکاه

— ۱۶ —

اما چه قهرما ، قهای این عصر کان فی نبوده ، هرچیز را حصر
بر حاکیت ، رفعوز و برتر چونه محدود ، کردهاست هر عصر :
بدانی و فکر ، صد حشمت و جاه

— ۱۷ —

ای اهل افغان ، ای یك ایمان ای جمله اخوان ، این را بخوبدان
بی صنعت وکان ، بی علم و عرفان بی جهد و اقدام ، بی سعی واتقان
هرکز نکردیم ، بلقوم راه

— ۱۸ —

یوروپ بزرکون ساخت مارا قوت چو باشد ، عزالست و صنعت
طیاره و توپ ، رق طبیعت فی ساخت ماهر ، از پهر ملت
عزو سعادت ، آزادی وکاه

— ۱۹ —

کفتیم کاذبم ، سودی ندیدم هر روز از پیش ، پستر دویدم
صدها نصیحت ، هردم شنیدم صد کونه عبرت ، هرروز دیدم
اما چو مائیم ، در خواب بی کاه

— ۲۰ —

هرکز نیائیم ، زه را بفهمیم هرکز نا بینیم ، خیر و شر خود
ماخواب هائیم ، دزدان چو زده آید زپائیم ، هرنیك و هر بد
ویواه وویواه ، ویواه وویواه

— ۲۱ —

ای مست مغرور ، ای چشم کور مسئول هستی ، در نزد خالق
از خواب برخیز ، از خود بکن دور : بیدکری و نوم ، میباش شایق : —
پر معارف ، ای کار آکاه

— ۲۲ —

غیر از معارف ، نبود فلاحی از کر خواهیم ، صنایع و سلاحی
مکتب کشائیم ، درهر نواحی از فن بیابیم ، در کف سلاحی
در چهل آرچوبت جهیا کاه

— ۲۳ —

الله احکم ، الله احکم الله احکم ، الله احکم
غیر خدا نیست ، الله دکر بعد از محمد ، نبود پیمبر
الله الله ، الله الله

— ۲۴ —

یارب خدا کی ما را هدایت از خود وطن کی ، رحما عنایت
فرشته میدار ، این تخت دولت هم فرشته را ، داری سلامت
ملت وطن را دکن حفظ از جلد ،
چشم بدور از میهن کوتاه ،
الله الله ، الله الله !

[از روزنامه افغان کابل ق ۲۵ رجب سنه ۱۳۳۴]

صنعت زینکو کرافی

معلومات تاریخیه در خصوص فن رسامی و هیکلتراشی

نظر باحتیاج بی صور ساختن (سراج الاخبار افغانیه)

یکی از مآثر عظیمهٔ دورههای عصر حجری ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما ، سراج الملة والدین ، امام الفضلاء ، مؤسس و مبادر فن در الصناعة (زینکو کرافی) ست در سالنین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل این صنعت ، درین عصر و این زمان یك اهمیت بسیار بزرك و یك موقع بسیار بلندی را در بابر معارف و صنایع احراز کرده است . (فن رسامی) خیلی قدیم نیست که تقریباً از اواسط خلف در انسانها شایع شده است . زیرا (فن هیکلتراشی) ـ که برادر کامل رسامی شمرده میشود ـ از بسیار بسیار پیش در انسانها شایع ورواج شده آمده است . انسانها پیش ازانکه خطوط و کتابت یاموزند ، و دیکر اصول مدنیت آموخته شوند پیش از همه چیز بفن رسامی ـ یعنی منصوری و نقاشی ـ میل و هوس کرده (در از منهٔ قبل التاریخیه) ـ یعنی در زمانهای که هنوز تاریخ نویسی و خط و کتابت در انسانها نبوده انسانها چیزهای طبیعی را جلوی خود کذاشته و کتابت در انسانها نبوده هاوقتهای سنکهای بلاق ساخته خود شان را یعنی سنکهای حقانی صف و هموار و یا معنی استخوان انسان فیل وغیره یعنی تصاویر انسان و حیوان ، و درخت وغیره نقش و رسم کرده کذاشته اند . کمالات برای نقشهای جسمهٔ انسانها بر هیکلها و بتها تراشیده کذاشته کرفته رفته آن هیکلها و جسمه های بیانکه شان موجب پرستش پس آینده کان شده بت پرستی نامی دنیا را کرفت و فن رسامی ـ یعنی حک و زدی سنکها و تخته ها و چشمها ، و استخوانها و دیکرها ـ حاجه برای فن رسامی یك شیراه نشان داد همچنان هیکل فن رسامی ـ بنام دیکر نقاشی ـ بنا دیکر منصوری را موجود پیدا کرده (خط و کتابت) بکونهٔ هم میباشد . زیرا پیش از انکه خط و کتابت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1679 of 1786

رسامی ظهور نموده رفته‌رفته انسانها فن رسامی را برای فهمانیدن مقصد وسخنهای خود شاخا یکدیگر را بر آورده برای بعضی کلمه‌ها بعضی نشانها را بروی چوب یا خشت یا فلزات وغیره نقش ورسم میکردند که بنصورت اول یا خط بسیار قدیم (هیروغلیف) ایجاد گردید . این خط هیروغلیف مادا عبارت از بعضی رسوم ونقوش است .

مثلا در یک لوحه چوب یا یک (کاغذ) صورت یک مرد آدم نشستهٔ کاتب که تنها هیئت شکل آدمی را دارد و صورت سیما وشکل اعضا بعلوم نمیشود به بیند ، و یکنفر خط مستقیم افقی از سر هر کدام آنها لا کشیده شده، یک خط صورت یک شاهین یک خط صورت یک پلنگ ، یک خط صورت یک بوم رسم شده باشد. وبر عکس صحیفه نخه در طرف دیگران صورت سه نفر یا استاده مانند صورت مردان نشسته دیده میشود گذاردادی" سر هر کدام یک یک خط منحنی قوس بسوی آن سه عدد نشستهٔ طرف مقابل کشیده شده که بدرد ادی وی هر خط یا یکی از جانوران را بالشارا رسم کرده می بینید . مثلا یک کبوتر ، یک زاغ ، یک سنگ نخه وغیره .

حالا در اول نظر این را کسی نمیداند که چه مدعاست . اما چون در این عصرهای ترقی وکمال انسانها بنی انجمنهای علمیه وفنیه تشکیل یافته درباب تحقیق وتدقیق خطوط عتیقه ـ یعنی نوشته های کهنهٔ زمانه های قبل التاریخیه خون جگرها خوردند ، وبسیار پیچ‌ها صرف کردند یا بالسر ارهای بسیاری از خطوط کهنه کامیاب آمدند وآنشاعه های مجهول زبان یادگارهای زمانهای پیش از تاریخ را زبان آور وخود انها احوال گرفته توانستند . لاجرم باز بتعریف وبیان حال لغهٔ چوبی" خط هیروغلیفی رجعت نموده میگوئیم که آن لغه یک مکتوبیست که کاتب آنهم عبارت از همان نقشهای روی آنست :

آن سه نفر صورت نشستهٔ یک طرف لوحه یکی (شاهین) یکی پلنگ یکی (شاه‌وم) نامداره که بجنگ آمده اند از این طرف سه نفر روحیه های آنهاست که یکی (کبوتر) ویکی (زاغ) ویکی (سنگ نخه) نام دارند روحیه‌ها برای شوهرها سلام میفرستند .

مقصد اینکه (فن رسامی) چون مولد وموجد خط و کتابت شمرده میشود درخصوص علم ومعارف انسانها یک موقع بلندی احراز کرده است . وچون انسانها رفته رفته مدنیت گرفتند وترقی کرده رفتند . وواسطهٔ ارشادات و هدایات انبیاء عظام وکتب مقدسهٔ سماویه که در موقع وزمان یکدیگری ظهور نموده بت پرستی را از انسانها بطرف گردانده وعلی الخصوص در آخر دین مقدس اسلام انوار هدایت را بدلایل وبراهین قاطعهٔ قرآنیه واقدامات مجاهدانهٔ مربوطه در تمام عالم منتشر ساخته بت پرستی را چنان از بیخ و بن برانداختند که بعد ازان در هیچ جا هیچ کس در راست نمیتواند این دین مبین رحمتی را از طهور قدسیت و سعادت غشوش رجحان اساسهای متین وگه بنیای رصین بنیاد یافت که جهان گیر شده تمدن رفیعه ارباب بصیرت پیدا نموده آوری، برادری، دلاوری، راستی، درستی، آزادی، (۱) عدالت، چنان

(۱) آزادی را آزیا کی فرق بافتداد . آزادی عبارت که کی یا کی هیچ چیزی بایند نبودنست که فرق عظیم هردو نمایانست .

سنگهای اساس این بنای معظم را تشکیل داده وچون توحید مطلق ذات اقدس خالق کائنات جل علا روح یگانهٔ این دین مقدس شمرده میشد ، پیشوای مقدس ما حضرت خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم برای احیای بعدی که بالطبع برای انرک وبت پرستی تمام صورتها را هدم فرموده اند . رفته رفته آن صافی وپاکی که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وزمانهای خلفای راشدین رضوان الله اجمعین موجود بود ، بعد ازان بامضی مدیدها وسامانه های مدنیتهای گوناگون آلوده شده ، حکومتهای معظمهٔ اسلامیه باهرهٔ ثروت وحشمت مدنیه و علمیه و صناعیه در آسیا ، وافریقیا ، واندلس ، وروم ایلی" اوروپا تشکیل یافت . مرکزهای عین حکومتهای اسلامیه مرکز علوم وفنون وصنایع تمام دنیا گردیده بود .

از الجمله فن سنگ تراشی ، حکاکی ، رسامی ، نقاشی ، خطاطی ، بزحیل ترقی کرده رفت . در قسطنطنیه ـ اندلس ـ شام ، بغداد ، ایران ، هندوستان که حکومتهای معظمهٔ اسلامیه یکی بعد دیگر تشکیل دولت وسلطنت نمودند ، چنان بناهاو کتابخانه های عظیمهٔ دی قیمتی بوجود آوردند که درحسن خط ، وزینت خطیب ، ورسم وصورت در بنصر حاضر نیز هرکتابی از کتابهای آن کتابخانه های سلطنتهای اسلامیه ، مدار زینت ومفخرت کتابخانه هسای موجودهٔ پادشاهای دول معظمهٔ اوروپا شمرده میشوند . تنها درعصر سلاطین عثمانیه که درهفت ستان یک دولت معظمهٔ اسلامیه تشکیل داده بودند ، فن رسامی بدرجهٔ بالا رفته بود که آثار باقیماندهٔ آن انسان را حیران میسازد . (اکبر جلال الدین) که یکی از پادشاهان معظم آن دودمان بود . مدرسه‌های بسیار زیاد رسامی وجود آورده بود ، وبالغ بسیار گراف ، بسیاری از استادان ماهر ، وصوران کامل را بانجا جمع آورده چنان آثار نفیسهٔ بدیعهٔ رسامی بجهان آورده اند که بسا کن بحیران قیمت شناس فن رسامی این زمان نیز تحسین خوان اتقان صنعت نقاشی وزحمت کشی" آن میباشند .

رفته رفته مرکز نجمهای درخشان فیروزی، وهوشمندی از افق آسیا افول نموده آفاق غرب بانوار علم وفن درخشان هسای قوت وسطوت پیدا کردن گرفت مرکزهای اوروپا دارالفنونها ودارالصناعه های عالم گردید . مانند فنون دیگر، [فن رسامی، فن هیکلتراشی ، فن شعر ، فن موسیقی] عنوان فنون نفیسهٔ عالیه را گرفته ترقیها وقدمهای عجیب وغریبی روی کار آورد . اگر چه در تراکت وتجسم دادن اشکال اشیاء اسامیهای شرقیانند ، ورسامیهای غربیان گرد شمرده میشوند، لکن رسامیهای غرب رفته رفته فن رسامی را از نقطهٔ نظر اتیان تجسم دادن اشکال ومناظر بحد ترقی دادن کوشش ورزیدند ، وچنان لوحه های بدیعهٔ بوجود آوردند که در نمایش کاههای عظیمه مظهر پسند ورغبت عامه گردیده میلغهای بسیار عظیمی بیع وشرا شده اند . اما بایه قاعده که پیش از ایجاد (فن عکاسی) ـ وعمل المصوص (فن زینکو گراف) ـ از فن رسامی یک استفادهٔ عمومی حاصل نمیشد . ولکن که این فن مهمهٔ صنایع نفیسه ظهور آمد ، علوم وفنون را یک رونق اعلا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1680 of 1786

وشکوه دوره‌لایی بخشید . کتابها ، رساله‌ها ، اخباره‌ای علمی فی‌مباحث خودرا بالاشکال وصور حقیقی موضوع بحث خودشان درانظار عام جلوه گر ساخته ، ودرشبراه تحصیل باگام های فراخی بقطع مسافه آغاز نهادند . اکثر علوم وفنون حاضره که مدار ترقی دنیا شمرده میشوند ، مانند جبر ، هندسه ، هیئت ، جغرافیا ، طبو غرافیا ، ژه لوژی ، کیمیا ، حکمت ، طبیعیات ، میکانیك ، معماری ، وغیره وغیره بفن رسامی بدرجهٔ احتیاج دارند که انسانهاموفنون ! . . .

فن خیاطت ، فن رسامی ، فن حکاکی ، وفن عکاسی ، وزینکوگرافی امروزه روز بدرجهٔ غذای زندگانی علوموفنون حاضره شمرده میشود . بدلیل کتابهای فی حیوانات ونباتات ومعادن وکیمیاوغیره وغیره برای اینکه مکتب های پك مملکت بکار است که اشکال ورسوم وصور آنها بفن رسامی اشد احتیاج دارد . مثلا یك کتاب که بفن معماری ، یاحکمت ، یاحیوانات ونباتات وامثال آن علوم متعلق است ، هر گاه اشکال ورسوم آن را حاوی باشد تحصیل وتعلیم آن بدرجه به کتاب که اشکال ورسوم لازمهٔ آنرا حاوی نباشد خیلی آسانتروغریب الفهم ترمیشود . حالا اینکه اگر صنعت بسیار مهمهٔ (زینکو گراف) نباشد آیا این شدت احتیاج علوم وفنون را که بفن رسامی دارد کداهد چیز رفع ودفع خواهد توانست ؟

آن عصرها ، زمانهایی که یك خطاط شوم یك کتابی را بدومه سال بخط وخون جگر بنویسد ویك مذهب قادر نیز بهمان مدت بحلا کاری وسرلوحه سازی آن بپردازد ، ویك رسام ماهر درباب تصاویر ورسوم آن گمرد دوگانه کرده یکعددی را صرف نماید ، ودرنتیجه یك عدد کتاب گرانبهایی که موجب زینت وافتخار یك کتابخانهٔ پادشاهی شود بگذشت وزمان حالاً فقط بدرجهٔ عدداوحدا محتاج زید گانی بافزت و شرف انسانها گردیده است . و این امر مسلم همه انسانهای روی زمین شده است که بدون علم ، فن ، کتاب ، مکتب خواندن ، آموختن هیچ چیزی ، بی‌هیچ چیز ، درهیچ دوران ، وبلکه درآینده واستقبال هم سود وپیشرفت حقیقی ندارد ، چنانکه همین جاهلان نبی ، و بعضی متلاشی نفس شوم دلی بگویند که علم ومعارف مکتب واخبار وجرائد و کتاب جلب کردن واز علم وفن بحث راندن ازقبیل خسارات مضره است که تخریب وعدوآن بسیار ضرور است ! . . . بحق اینچنین فرینه گان آدمی زاد ، نجز مانند خود شان فریب خورده گان راه حقیقت وسداد ، دیگر هیچ تصدیق کنندهٔ از ذوی العقول درقاموس خواهید یافت ! آنچنانها میگویند که اگر حال هرچه خواهی کن ، ! اما این را نشنیده اند که : ـ (نحو افشان ، فردا فی کن) !

جوش وخروش اندوه ، احتمالی تصور ماندن سراج الاخبار افغانیه مدت ازانسانها بحیرانیون انداخت . حالا بازجواب استفهام اینکه آیا اگر ، فن زینکوگرافی ، نبود این احتیاج کلی ومبرم علوم وفنون عصر حاضره را که به ، فن رسامی ، دارند کداهد چیز دفع کرده میتواند ؟ ، رجعت کرده می گوئیم که هیچ چیزی جسمهای رسامی را بعلوم وفنون رهبری ومباشی گری نمیتواند ، مگر صنعت زینکوگراف !

واقعاً ، حکاکی رسامی ، ـ بی‌شبهه تصاویر ومناظررا بروی فلزی چوب نمشاء بآسانی حك کرده بتواند ـ پیش از اختراع فن زینکوگرافی جسمهای بزرگ بمبلغ معلومات رسانیده است ، وکتاب های صورت دار چاپی آنوقتها اکثر بامصول (فن حکاکی رسامی) تاپاکدرجه دفع احتیاج کرده توانسته‌اند ، ولی بهرصورت آثارمطلوبه مسوده کسب عمومیت نمیتوانست ، زیرا کلفت وزحمت آن بسیار ، وتلفات وخرافتی کثر ، وبازارتوسعت وانتشارش محدودبود . حالا که ، فن زینکوگراف ، غیر از این که عیناً تصویر قوتو گرافی انسان ، یاجسام ، یامناظررا برجس نقل داده وحتی عملیات کیمیویه اجرا کرده قابلی از ان بوجودمی آورده میشود که آن قالب راه بلندی حروفات چاپ رانخه میع کرده بحروفات یکجا عجلهٔ اخبار یا کتابها ازان ترتیب میدهند ، ویك بار بهزارها هزار ازان چاپ میشود . بالجمله خدمات جلیله که ازفن رسامی وفن عکاسی بواسطهٔ مباشیگری زینکوگرافی بعلوم وفنون این عصر وابن زمان میرسد ، دیگر هیچ واسطهٔ منعت بخش عمومی درعالم حاضر دیده نمیشود ، المنة لله که چنین آسایش است ، تاچه زاید سحر ! »

پادشاه‌طرفدارپناه دانش‌پژوه مقدس‌مآثر ثوکتابیات اعلیحضرت سراج الملة‌والدین ، چون درحق وطن عزیز شاهانهٔ شان ابوالمعارفی را بروی ملت باز فرمودند لزوم واهمیت فن زینکوگرافی را بدرجهٔ نشر کتابها واخبار همایونی که برای مکتبها ، واستفادهٔ عامهٔ درایت شاهانهٔ شان لازم دیده شود ، تصدیق فرموده بنیادوابجادیك بنای خوشنمای درمانتین حدیقهٔ پیش ازین امروفرمان‌فرمای رسای شاهانهٔ شان شرف اصدارفرمودند . این بنادروقت حاضر برسه قسم مرتبی تقسیم یافته ، قسم اول آراه زینکو گرافخانه ، قسم دوم آرادهٔ‌ستگاه فن‌مصورات ، وقسم سوم آرا دائرهٔ سراج الاخبار افغانیه ، وقسم چارم آرا بنای فن حکاکی وخطاطی درنظر گرفته است .

اول کسیکه نوبهٔ فن زینکوگرافی را ازخارج بدار السلطنهٔ کابل بحضور اعلیحضرت همایونی عرض وتقدیم نموده وعهده‌دار فعالیتگاه زینکوگرافی شده بود ، محمد فضل ، یانکام جوان باهوش ودرهنگ بود که بحسن صورت عیرهٔ خودرا بکمال جدو غیرت ایفا نموده بیاد تعلیم شاگرد اولاد وطن را بدرجهٔ خود دران فن قابل ساخت ، چه فعلا دران شعبه کنجایش ندارد انشاءالله در آینده ازکارخانهٔ تأسیس وکار ترقی واخلاقات زینکوگرافخانه بتفصیل بحث میدارم ، اما درهمانجا افسوس بیاد بایدکرد احتیاج بعد ازتصویر ماندن جریدهٔ خود نمونه‌ها بقدر نوشته ، اکتفا ورزیدیم ، نمایه از مراحم خسروانهٔ اعلیحضرت پادشاه ترقی اکتناف عدلش خود امیدوار گردانیده ترقی روز افزون درامور معارف پیش آمده این چنین احتیاجات میدان ندهد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1681 of 1786

ادبیات

زبان افغانی

(مخمس بر غزل رحمن)

دور عمر څنا کوی ژړ ګنه د ځوان جو چې ژړنیا کوی ژړ ګنه
دیته یې محبوب خدا کوی ژړ ګنه افتاد ه پر دنیا ټوی ژړ ګنه
د اړ کار په پس شا کوی ژړ ګنه

ځوبه ګرزی چې دنیا پس زهیره ځوژ ځوبه چې ه ګی ل دل زیره
زړ خیل نفس وهوا چې دا مانیره ځوچې ټه ګرمې ګرزی سینه زیره
پروشانه روزه غلا کوی ژړ ګنه

ځوژ ځوبه آسان ډډ یا لوازی ځوژ ځوبه چې ه چې ل عمر د غا لوازی
ناخاند هر ډیل دی ګی لوازی چې د د هر ګه یا راو د وا لوازی
صیادی د دغه دا ټوی ژړ ګنه !

عمر ټوټه ټرسوبه لهوو به لعب کی زندګی موده چرغ اوبه نصب کی
معیج ټوبه رهګی پرده چل ریښی ټکره کوهر چوی به عصب کی
ځوبه هوف او د ریا کوی ژړ ګنه !

ځوچې دادی ږی کی چې دنیا کی یا ځوه سز کوچې دږی یا عطا کی
شیرین عمر دی ټرچې دی هوا کی چښتې ټیره کی چې خوبیدو زه ځه دا کی
ځوبه دا محبوب د خدا کوی ژړ ګنه !

دروغ پرزړه د ننه نیا وا یې کښته د خوا هی د ه ګه ټی کخوا دا وه د هر یا
هر دغه دی نصیحت زما ګانه د اسه د اسه فلاح وا یه دسته
د اهیت پس شا کیوی ژړ ګنه !

چې د خدای د ته د ه وطن حق دا دا کی ځوچې عمر د ته ځوانی د ښا کی
بلکه هر ځوت جوړ وی چې د پیدا کی ملک ناموس د یه ځوی لاس وړ ندا کی
د وطن یه حق جدا کوی ژړ ګنه !

یک حصهٔ قلعه و دروازهٔ معروف به (عید ګاه)
شهر قندهار

چې د دین پښتورا نیزی پالا دسته چرتوت کوی جوړ یزی پالا دسته
ګناهونه مړا نیزی پالا دسته روزې روزیګی ګیزی پالا دسته
ځوبه د مړی ډډ وا کوی ژړ ګنه

زړ ګی د وطن دادی ځان خبر ګه ځوبه غوا ړه ګاه د یه لاس ور سر ګه
خپلوی د وطن چې د ادر ګه د ورورۍ لاس یه لاس ورکه ځورکه
د اسه پرزړه ټرورنیا کوی ژړ ګنه !

ځوبه غلا وشمی کوی ګاه ر وزه ورته د ورګه د سپی د ه واری ژ ګوره
ځان نیک ګه ځان ګه خلاص یه ګی پیوره د غه وسع ده خورا یه هر کوره
ځوبه دار نګه سپیڅا کوی ژړ ګنه !

باخبره د مسلمه د جهان ګه چې قضا ته خاوند شته ویښان ګه

چې د چې د ته صبح د ه ګاهان ګه ځوبه پښتونی نامنج ور ځن ګه
ژغاټ د ه مقصد ا کوی ژړ ګنه !

(صایل هلمند)

(مخمس برغزل عبدالرحمن مرمندی)

ځوتاچې د ر ځپل وطن وی ځه د ه خوب ګا
منګر چه کابدن وی ځه د ه خوب ګا
مثلاچه پښتون وی ځه د ه خوب ګا
همه ځوت چې وی ښه وی ځه د ه خوب ګا
چې هر هاوند ګو هان وی ځه د ه خوب ګا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1682 of 1786

داجیان دی یه ناهیم لعماه
وقصا جاره خسوه ئی له لعماه
"خوش گری ماتی علاج دمرگ دواه
هرطس دسری ئهدی لهدیماه
چون هرساعت زلفدوی "حمه خوب کا
له خوتی اومدرت نه خدا کیرزی
یه بیلون که خدماه وی زرا کیری
خوب بمنز باد سره داشتا گیری
چه دماتق له خیله زاره جدا عسکیرزی
که دستوپیه گرمن وی "حمه خوب کا

چه مفتون ئی "خوش اوریل دده پزدشی
تا اشتاله خوا که خوبه لیه شه
عاتق مدی حضه پیاره دی وبدمتی
در قیبه جوره خوب دعاتق ممتی
دهموچه پار دشمن وی چاوه خوب کا
ی کیره هر گزه شو غمکساره
فراده لک لاهیم له مسکزاره
کمانی نه نام زاری پشماره
چاوبل چه له "حمه ئل ی قراره
چه اور که ژوطن وی "حمه خوب کا

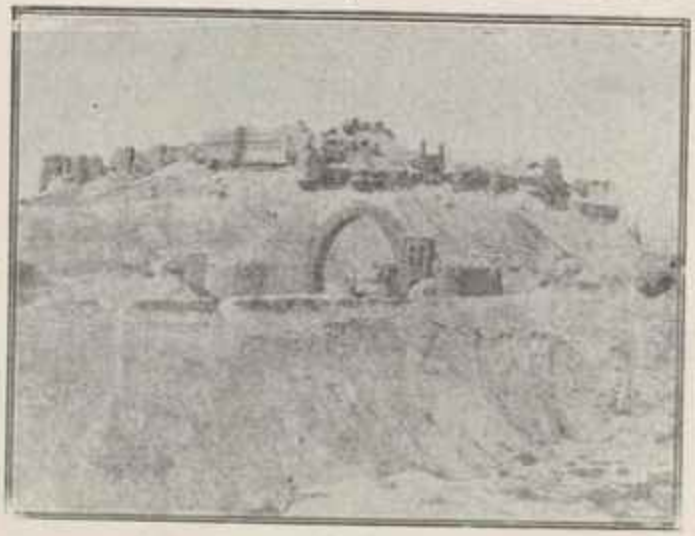

خرابه زار (قلعه بست)

که از آثار قلعهٔ مشهوره است در نواحی ولایت شهر قندهار

زچندان دکوا کی شیدنده دارم
هرمکزیم ستو گیبی ی قرارم
هرسحر زله زدا دره دو جارم
نامن چیم که داشتا خیل در افکارم
"خوش جدا ی زار عزیزوی "حمه خوب کا
دجا کار چه شکایت سره کرمان
کم کی مدی جمه بروی ئی له راه
امید مکره خوب جدا شو زه ناه
خوب خدایه زرحمی کیری اعطاه
چاوبل آتش چون وی "حمه خوب کا

ایضا

غزل در فضیلت اهل کلام

ی کلام خدا کلام حق دی هرقیمت کله کوهر دهژدی
با کمال سری دمثل دیاد امدی چه ناهره که مثلس اوقلندر دی
کلامس دین کاپدوی دزر هتو دآل "حل دی دحرز روحه خزدی
کلامس دیا کلامدوی چه کریانو کلام دمدرسه خانقه دی هم زوردی
"خوش "حمه شتری کلامدوی دافغانه کمتی دی لا خوکاه حلس کردی

احقر العباد غلام محی الدین افغان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1683 of 1786

اخبار خارجه

خبرهای جنگ از اخبار های اوروپا
جمعهٔ دهشتناک زپلن بسالونیك

از آن روزنامه « پرزاویدو موسی » خبرمیدهند کهشرح هجوم زپلن های آلمانی بتفصیل ذیل ازسالونیك رسیده است :

ازروی تحقیق معلوم شده است که بسالونیك نه طیاره زپلن یکبارگی بهوای مرکبازچهاردین زپلن وطیارات آروپلان هجوم کرده بود . این عدهٔ هوائی درساعت ۳ صبح درآسمان سالونیك ظاهر شده (۱۲) بمب به شهر انداختند . توپخانهٔ متفقین بسلا فاصله شروع بهدفع نموده طیارات را مجبور به فرار کردند .

ازبمبهای منفجر درچندین نقطهٔ شهر حریق واقع شده انبار های متعدد که مخصوص (بانك ترنی) و (بانك سالونیك) بوده ، یکلی سوخته اند . عدهٔ تلفات انسان هنوز از میصد نفر است . ودرین قسم ازبمبها پیاده طرمقتولیدرهر دوازده طور سخت مجروح شده اند .

عدهٔ بسیاری ازفراریهای یونان وعده جائیکه دربندرسالونیك کار میکردند ، درین حمله مقتول یامجروح گردیده اند . اهالی سالونیك ازین حادثهٔ سخت دلگیر شده اند .

[این خبر اخصوصاً درج کردیم اگرچه پیش ازین دراخبارهای انگلیزی نشر شده بودولی مادامیکه ما نمی گنیم کهمعلومشود کهاخبار های اوروپا چسان واخبار های انگلیزی مخابرهٔ هندستان چه گونه طرز تحریر دارند . سراج الاخبار]

اتومبیل پرآتم

از فرانسه یکی ازمخترعین امریکا میخواسته اجرا بتواند اتومبیل خود رواختراع نموده است که بقوه تلگراف بی سیم بدون دراوردن حرکت میکند . اتومبیل مزبور رادر « هامیلتا » بموقع امتحان گذاشته اند . درظرف پنج دقیقه بتاخیر بیفراه رسیده است . قوهٔ تلگراف بی سیم درمسافت یکی از موقفهای راه آهن امده شده ودر داخل اتومبیل مرحلهای مخصوصی برای داخل و خارج کردادین آن ترتیب داده اند اتومبیل مزبور بدون آدم طوری راه میرود که سایر اتومبیلهای معمول وسیله دراور همانطور حرکت می کنند . این اختراع جدیدرا درعملیات محاربه بیزخوبی استعمال میتوان کرد . مثلا : برای شکستن حصار های مفتولی که ازسیمهای خاردار ترتیب میدهند .

وهمچنین ممکن است که آثار بمواد محترقه پر کرده بطرف قطعات عدو فرستاده واز این قبیل نتایج عمده ممکن است حاصل نماید .

ماشین کوله جمع کن

درارضی ومزارعی که حرکت توپ جنگی ویا عبورت میدانهای حرب واقع شده اند ، غالبا کوله های زیادریخته وبعضی ازان کوله ها منجر نشده ودرمیان خاك وعفت مانده اند واز انکه برای عملیات لاحق و کسانیکه مقصدی غیر کاری وزراعت هستند موجب مضرت میشود ان اراضی رابعد از حرب هرچه دقت واحتیاط جستجو کرده کوله های توپ وبمبا وگرانواع را جمع نمایند باز ممکن است که مقداری از انها که در بن وسایط مانده اند ، وزیر خاك وخاشاك مانده و برای

فلاحین درموقع زراعت موجب هلاکت گردد ازین رو اخیرا درفرانسه ماشینی اختراع کرده اند که دارای یك (مگنیطون) بوده بواسطهٔ دوسیم مفتول قوهٔ الکتریکی درزمینهای آن جریان دارد ، این ماشین هنگامیکه بحاورت پارچه فلزی میرسد صدای مرتبی ازآن شنیده میشود وچون پارچه فلزی را ازحاورت آن برمیدارند هیچ صدائی ازآن شنیده نمیشود .

گرفتاری مردان بن اتلی

بازمکی هیئت اعضای سازمان بن اتلی که خود شان را بنمایند گی صلیب احمر معرفی میکردند ، درکارست ازطرف ادارهٔ پلیس کشف وحبس شده اند مردان معروف درظرف مدت قلیل متجاوز ازدویست هزار مارك بسرقت برده اند .

رسمیت دین اسلام درهندستان

دراین اواخر تلگرافات وجرائد خارجه خبرداده اند که یك فقره لایحه دولت درمجلس شورای ملی هندستان پیشنهاد شده است که بموجب آن مذهب اسلام درتمامك هندی بشمذهب آزاد وقوانین ونظامات آن ازطرف دولت رسمیت شناخته شود . برحسب اطلاعات اخیره که از منبوعات خارجه بدست آمده است قانون مزبور درمجلس ، ملی وداییت ، باکثریت هیجده وشانزده صوتی باقلیت کم نمایندگان ملی هندستان تصویب شده است ، درین موضوع مقاله مبسوطی در روزنامهٔ (وقت) منتشرهٔ اورنبورگ انتشار یافته عکسه بصور خلاصه در اینجا اقتباس و ترجمه میشود .

درمقدمهٔ این لایحه قانونی درحق اقلیت های واقوام ترك وابسته باتحاد اتراك (که شامل اهالی ترکستان ، تاتارستان وعثمانی میباشند) اهالی هندستان حل مسائل بسیار زیرك موفق گردیده شد . انتشار وشهرت شده است ، ودر نتیجه عموم میشود کهپس ازین مذهب اسلام درهندستان ازطرف قوانین حکومتی حمایت وحمایت شده وایشان را یك دین رسمی شناخته احکام وقواعد آنرا معمول وبموقع اجرا خواهند گذاشت وحتی دربعضی ازقوانین شرع اسلام که بقواعد واحکام جاریهٔ اروپ موافقت ندارند ، ازقبیل طلاق ، تعدد زوجات واصول میراث مسلمانان هندستان تعهد خواهند کرد که احکام موافق شریعت اسلام درمابین مسلمانان معمول میباشند ازطرف قانون تملکی هندی بطور رسمی تصدیق ومورد حمایت خواهند بود .

الجزایر فقط از
نشان جدید سلطان محمد خامس

ازکپنهاك روزنامهٔ (پرزاویدو موسی) خبرمیدهند که امپراطور ویلهلم در روز ولادت خود نشان ژنرال فیلد مارشالی اردوی پروس را بانطیحضرت سلطان محمد خامس پادشاه عثمانی عطا نموده اند .

تعین امپراطور ویلهلم بمناسبت فیلد مارشالی قشون عثمانی درانعلامیون اعلام شده است .

روزنامهٔ ایران در برلن

یازده کی روزنامهٔ ایرانی موسوم به (استقلال) دربرلن شروع به انتشار نموده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1684 of 1786

آیا ترکان تنها صلح خواهند نمود؟

رأی پانصد نگار از اخبار (شرق)

درین روزها زمان خبر ارادهٔ صلح کردن ترکیه تنها در جرائد انگلیس شیوع یافته ـ وموضوع مقالات طویله گردیده ـ سبب خیر عقول درممالک شرقیه شده است ـ برای رفع کردن زده از خواطر مسلمین توضیح مسئله ذیلا لازم آمد ـ

نخستین چیزی که دانستنش ضروری است این است که این خبر اصل وحقیقتی ندارد ـ اشاعتش مبنی است برغرض سیاسی ـ سقوط قسطنطنیه البته عظمت وشوکت عسکری ترکان را درعالم متمدن میهن ومنزلت ساخته است ـ ودولت معظمهٔ انگلیس را درخاور شرق چشم زخمی سخت رسانیده ـ برای کسر شان ترکان واصلاح حال پریشان دولت خود شان ـ ارباب مطبوعات انگلیس چنین اراجیف را ایجاد مینمایند ـ "بریشانی" حالت ترکان را وانمود دل مسلمانان را بشکنند ـ دومین علت غائیهٔ این جنگ بانگیزدادشان وسبب شمول ترکان درین جنگ را بخود تذکر نمودن هم واجب است ـ "استحالهٔ" مسئلهٔ صلح نمودن ترکان تنها واضح گردد ـ

موافقین رموز سیاست دول معظمهٔ یورپ خوب دانند که درقرن نوزدهم عیسوی ادعای روس بگرفتن بلدقطب قسطنطنیه وقبضه در آسیای باسفورس ودارداییل وتسلط برولایت اناطولیا وهمچنین ادعای فرانسه برملک شام وفلسطین وادعای انگلیس برخطهٔ عراق وجزیرة العرب ازجهة اسرار مکشوفهٔ نامتمدن بود باوجود "بیاهی" حالت دولت عثمانیه این آرزوهای حریصان زور آور وحیله ساز از قوة بعمل نیامدن را گذاشتند ـ دولت انان واطریش هردو باین قسمت طبعاً راضی نبودند ـ (۱) افزودن روس کاسن ایشان بودی ـ (۲) قسمت ممالک عثمانیه درمیان هرسه دول متحده موازنهٔ قوای یورپ را برهم میزدی ـ

قدری قبل از آغاز این جنگ جهانسوز، درهمان سنه ۱۹۱۴ ع یکنفر روسی مورخ ـ پروفیسر میخروفسکی نامی درجریدهٔ پرجوش جیوه مورخ یک مقالهٔ طاهره بطبع گرده بدلکوت ودانشمندی ملت المان التجا کرده بود که چرا مسئلهٔ اصلیهٔ منافع اصلیه روسیه والمانیه را بطور معقولانه حل نکنند ـ یعنی چرا دولت المان سدّ راه مطلوب مهم روس که عبارت از تسخیر قسطنطنیه وقبضه برآبهای باسفورس ودارداییل است میباشد! در مطبوعات المانیه درخصوص قضیه مباحث طویله پراز حماقت وتهدید جنگ بوقوع پیوسته بود خصوصاً از جهت گفته شدن وایعهد دولت آستریا هنگری درمقیام سراجیوو که هنگام هیجان مباحث برمسئلهٔ مذکوره بوجود آمده بود میدانیم المانی که درسالهای ماقبل الدول سند بودند بحقیقت جنگ حاضره پیش ازوقوع آن ایجاد مادهای داده بودند ـ وگفته بودند که حسب خواهش روس قسطنطنیه وآبهای باسفورس ودار دانیل را بدست روس گذاشتن ممکن نیست ـ

[درین هفته (اخیرماه مارچ ۱۹۱۶ ع) دوما (مجلس ملی) روسی مسئلهٔ قسطنطنیه و آبهای باسفورس ودارداییل بحث کرد ـ اگرچه تفصیلات مباحثه چنین بنظر خاطر ما نبود ـ ولیکن از شنوای تلگراف که مختصر آبدرجهٔ سیم تلگرافی بادرسیده برظاهر است که مقصود اصلی ازین جنگ حاضره گذشتن دل مردم روس راضع شده وقابل تغیر ونیست این است که آبهای باسفورس ودارداییل برای استعمال دولت روس بچه وقت صلح وبچه حکم جنگ دائماً آزاده باشد ـ واز نجا است کمال وعنا گروس حصول این مرام را یکی از مقاصد دائمهٔ اجنگ میشمارد ودرین باب هیچ دلیل مخالف را نمیتوانند ـ همه متمدن روس امیدوار کابه مثلاً مظفریت قطعی بشکستن طوق اهل حربی درمملکت ماچیزه بازه کردن قوت عسکری حربی را درهنگام تر کردن شرائط صلح بعرض بیان آوردهاند ـ اما مورد رویی این خیالات دیده را بصور شخصیه بچه بسلسلهٔ حضور ذهنی آوردهاند یعنی مظفریت قطعی بشکستن طوق اهل حربی درمملکت مچیزه بازه کردن قوت عسکری حربی همان وقت از حیز احتمال بدرجهٔ تحقق درآید که روسیان دارای آبهای باسفورس ودار دانیل و قسطنطنیه پس ازجنگ باشند

ازین فقره شده کورنیلا که ازرسالهٔ "پیش لشکر مطبوعهٔ یکماه پیش" ماخوذ است هویدا است که سبب اصلی این جنگ جهان گیر هوس روس وشریکانش بتسخیر وتقسیم ممالک عثمانیه بوده است ـ پس شرکت دولت علیهٔ عثمانیه درین جنگ ازاده خط رفته است ـ وهیچ امکان ندارد که دولت عثمانیه بامقصدیکه مقصود اصلی ایشان ازین جنگ چیزی نیست عزم جزم کردن هویت استقلالیه دولت عثمانیه تنها بدون مشورت دول المان و اطریش که شریکان در رفع وراحت ومرفه وآیندهٔ صلح باید ـ عرب ترین چیزی این است که کسانیکه ترکان رای صلح کردن تنها میدهند ـ بعض ازایشان امید وار هستند که قسطنطنیه با باسفورس ودارداییل همه بالطرف روس در آید وبعضی دیگر میگویند که حکومت قسطنطنیه وهردو آبهای دست و کلای دول معظمه بوده شود ـ وبرخی چنان گمان میکنند

که اگر هردو آبهای برای سفاین حربیه وتجاریهٔ روس چه درزمان صلح وچه درزمان جنگ گشاده شود روس راضی خواهند شد ـ اما روس آن خطهٔ ملک عثمانی را که مسکن اجداده است آزاد خواهد نمود، این سه شق که مذکور شد بشرف دولت عثمانیه که صاحب مظهر ومنصورش چه درمعارک گل چنق وچه درمصاف عراق عرب جوهر جوانمردی فوق العاده را ظاهر نموده اند مناسبت ندارد ـ وهیچ یکی را ازین شقوق ثلاثه قبول نخواهد کرد ـ خصوصاً درین ایام که عیان گردوس دولتهای متحدهٔ ما که درقفقازیه است پیاپی مغلوب شده اند ـ حسبان غالبه فالحین فقط المانده وقهرمانان بر محاربات دار دانیل چنین ذلت را هرگز روا نخواهند داشت، دولت المان و اطریش که بشرف حلیفان دولت علیه عثمانیه اند وروس را از بورپ وپرورد گان روس را از بلغارستان قطعیه نابود کرده اند ـ بکمال حلیف عزیز وشان تمند بوده ـ دشمنان را بایک خواهند نمود ـ پس خیال صلح تنها ترکان ـ که مرادف محو شدن اسلام واهم شدن خلافت فعلی وباقی ماندن هیچ دولت مستقلهٔ اسلامیه است خیالی است خام یا خوابی است بی هنگام ـ باید که اسلامیان این باقی خام خیالان رابچه حاضر باشند، ونیز باید که فراغتنا آن حلیفان درحق جوانمردی ترکان هم واضحه خواهد شد، این چ دارالمعدات کارزا بصورت امن ایشان پیش نمیکنند ... تو چه میدانی جاهلا میدی اورا بشهنشاهی درمصر نگاهدی!!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1685 of 1786

خبر های مختلف روسیه

از مرو مینویسند :

دو هفته ۲۷ ماه از عملهٔ کولاب توابع بخارای شریف سوال رسید که مأمورین حکام روس مانند سرسام شدگان که تیان بسته باشند بالای مردمان رحیمی آنجانه والیان خریداری حواله بوده وجه وبی داده ومردم آنجا نیز بجان رسیده بودند که دربارهٔ این دست نظر را دراز نموده بودند . از طرف امیر بخارا برای باشان احوالات رسید که غله خریداری والیان خریداری را بروی چاریه حکم جبر نموده موقوف نموده از جبر زدن وموقوف والیان خریداری روسها مردمان رعایای ولایشان اسی خرسند شده دیگویند که گویا دولت علیهٔ عثمانیه برای امیر بخارا فرمان نوشته (مطابق روسها از مملکت خود ها چیزی ندهید نظر بقرب ملت تا از خواهد شد واز بن) . گذرهرا ن نکنید که بدولت روسی چنان بری رسیده که مسلمانان دست اندازی بتواند فقط .

خبر دیگر

درموضع (بنود) که مردمان آنجا (انکوزکان) میباشند دوسه لک نفوس هستند ومردمان بسیار شجاع وبهادرند مردمان روسی بالای آنها بر والیانه مالی زیاد مینمودند همه‌گی اتفاق کرده بالای روسها بلوای نموده بعدد نفر عسکری روس را قتل رسانیده مردمان روسها اطراف خبرنده عسکری زیادی بالایشان مقرر نموده باجدالوقتال بدول میباشند وهنوز کیفیت معلوم نیست . فقط

خبر دیگر

روسها از خراب و رهی خود ها اکثر اجناس را از برون امان منع کرده بودند از جمله آن آهن وفولاد بود سید ریاکبخارا تالانی چندپوت آهن را درعلاقهٔ کولاب بنهای خریداری کرده بودند و برای مردم قاضی آزولا داده بود که قاضی کشتیها باید قاضی مذکور فی الحال آنرا در قابق انداخته بدریای (آمو) جان نموده بودند پرهٔ روسی بالای شان اطلاع بلند صدا کرده بودند ای نکنته بود از ان سبب بالای قایق هم تفنگ کرده بودند قاضی رم جان خود قایق را گفتانده ومالها باصاحب آن دست گیر نموده بخارا رها دادند که بخانهٔ خود رسیدند فقط

خبر دیگر :

از حصار توابع بخارا شخصی داد لا رسیده کیفیت پریشانی کبفیه ای را بیان نمود که بسیار پریشان وسر گردان میباشند امیر بخارا بر کمال قوت پیکها وحکام خود خبر داده اند که بالای مردم روسی غله واسپ وهر اجناسی که بانند نفروشند ومیگویند که بانتاره دولت علیهٔ عثمانیه شده است این هم از زلیخ و پریشانی روس است والامیر بخارا بدولت روسی یکدفعوت جواب میتوانست دست . فقط

« اخلاقان هنده

« دارد درپشاور »

نامه نگار باران می نویسد :- در (۳۰) مارچ درپشاور درمحله بازار در خانه یک هندو ۱۵ خر با بار دلاوری درآمده صاحب خانه

ویک همسایه اورا که درعمارات نخستی بود دعوی . وات وکوب کرده مبلغ ۱۸۰۰ روپیه کتمار جلساً ربودند .

عجب تر آن است که پولیس دروقت بیرون کردن آمده ولی تماشا تدبیر می کردند وبارها رفتند ! ...

سامیه بارها ازسنگسار پشاور ویران شده است ! ...

« بلای آسمانی »

یکی از اعضای مهمه جمعیت دفاعیه زیبان ها ، در انگلستان دربارهٔ مجلس تقریر کرده اظهار نموده که زیبان هزارها مابه چشم کشیده می توانیم . زیبان ها بلاهای آسمانی اند . من چند سال قبل ازین بلاها می ترسیدم . اما تاتجربه نکردیم آفت های مدهش زیبان هارا کما حقها فهمیده نتوانستیم . امروز باوجود یکه اسباب مدافعه ومحافظه عاصر گردیم مگر گدام های خرمن مانند گله ، بارود ، غله ، و کار خانهای که برای تهیه وذخیرهٔ جنگ کاری کنند دایما زخطر وعدهٔ زیبان های دهشت آورند .

چگونه روز خواهد بود ؟ نه که جیشالات هوائی دشمنان ما با گروه های بحری شان متفقاً آمده طوفان برپا کنند ، چاپهای دسته های جیالات مارا یافته کثرت جیالها بانوب هوا مارا بپاید سازند .

ماراست که از جان ودل درمقاومهٔ این آفت جهان سوز کوشش ورزیم . این بلارا از سروطن خود دور کنیم . بصرف قیمت دو دید الث ۱۷ هزار آنها طیاره ساخته میشود .

« اعضای نمات »

جریدهٔ روزانهٔ « نمات » منطبعهٔ لاهور در شمارهٔ ۱۸ خود که شمارهٔ آخرین اوست علت بند شدن خودرا می نگارد :-

در ۷ اپریل جناب میر اخلاق علیخان ورایه غلام قادر خان طابع نمات مدعا دینی میرحات خوانده شده . میر ناظر نمات بها چنان بیان کرده

(۱) من حاکمی که برزمینداران بلد شده نمات هم باید میشود . زیرا نمات هم از همان مطبعه واز زیردست همان طابع وناشر وتحت همان هیئت وبهمان تقطیع وکاندوهن شیوهٔ بن اسلامیه) یعنی اتحاد بین المسلمین است که « زمیندار » نور وسرور « نعاره » آنرا کرده

اقتضم توره وتوکره الشرکون

(بالفعات چشم خیره کننده) میدر حقیر

یعنی بعد ازین نمات احوالات متعلقه مارا انشاء نخواهد داد

وصیر مذکور به جناب اخلاق علیخان (پسر جناب خیر علیخان) یک محکمانهٔ « نظر بندی » نشانداده که اگر اصلاح وضع خود را کنید الیه حکم آن « اخراجنامه » توقیف وحظر بند خواهد شد

لهذا روی رخشان مسلمانان از جهات از خارجت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1686 of 1786

آخرین خبرها
ترجمهٔ اخبار رسمی انگریزی

۲۲ ماه اپریل خرداد ـ معلوم شده که تقریباً سه راه های آهن بغداد و حجاز راه های آهن دولت جرمن پیوست خواهند شده و در موقع افتتاح اتصال این های مذکور قیصر جرمن همراه بعضی همراهان وایلچیان های اجازات حاضر خواهند شد ـ

۲۴ ماه اپریل خرداد ـ در باب جنات عراق عرب اعلان سرکاری بقرار ذیل منتشر شده که بتاریخ ۹۸ ماه جاری قوجهای ترک با تعداد بسیار جسیم منهزم شده وقت فرو رفتن آفتاب از هر طرف از سنگرهای انواج انگریزی واقع (سیه) یک حمله بسیار سخت نموده و گاوالری بسیار بشدت نمودند این جنگ مغلوبه دست بدست تا نیمشب الی ٤ بجه وقت صبح جاری بود توپخانه انگریزی هر یکجواب شان بمناسبی نمود اگرچه سپاه انگریزی قبل ازانکه توپخانه خودرا از صدمهای خطرناک بدون هیچگونه نقصان گذرانیده بودند مگرچند میل توپهای پی در پی ما که در صدمهای اولین بودند دست انواج ترک آمده ـ گفته میشود که انواج ترک درین جنگ آخرین بجوشیده لاوری جمع نموده اند گاهی بعضی مقامات در بین انواج انگریزی داخل شده بودند ولی روشنی صبح از خود خبری نداشته ـ سپاه سلاح انگریزی از عراق رجوت می نماید اینکه انواج انگریزی در مقام (سیه) در جنگ اخیر تا کجا یاب شده که در وقت حمله قوجهای انگریزی روبروی یکدیگر حمله آور انگریزی سراسر بسیار سخت آمده با وجود آنکه هر یک مدکور حمله کرده یک بدیگر را عبور نموده پرچمهای دشمن حمله نموده مگر بعد از آن هر یک مدکور جای خود قایم مانده نتوانست و دسته های فوج عساکر هر از یافت آنش باری ساختن کی دل بدل را عبور کرده و به کهنه نشان رسانده نتوانستند و هر یک مدکور دربرده های خود را کامیاب گردید ـ و انواج انگریزی آنطرف دریاهم در حمله خود را کامیاب شده ـ

۲۴ ماه اپریل خرداد ـ از مقام مصر بقرار رسمی رجوت رسیده که دسته های عرده های عرب بمعیت جرمن ها و ترک بحمله های دو صدانی پنجه پنج صدر سمت شرق (القنطره) رمضانیت (بوپیار) رجوع کی انگریزی و (قطیه) حمله نموده صد از یک جنگ بسیار شدید اول پای رسیده انگریزی از جا کنده شد مگر چون اسب های اکثر سوران انگریزی ولاک شده بودند وای بین زمان شان گوناه شده بود دوباره خودرا قایم کرده نتوانستند ـ

۲۷ ماه اپریل خرداد ـ در شب ۲۵ و شب ۲۶ و ۲۷ ماه جاری متعدد جهاز هوائی قسم زپلین جرمنی بر علاقه جات (نارفک) و (ایسکس) و (کنت) و (لوستافت) و (یارموته) واقع ملک انگلستان وقوع علاقه جات ان حمله کرده اپای بسیار انداخته گفته میشود که ازین حمله های جهازات دشمن اطراف سابق شان آنقدر نقصان نرسیده قریب چهل نفر از ربا علاقه زخمی شده و یک اسپتال و یک دیگر وجد خراب و چند باب عمارات در علاقه (لوستافت) ویران شده و دو سه باب عمارت را در مقام مدکور نقصان رسیده و در علاقه (یارموته) یک عمارت بسیار بزرگ آتش گرفته و بعضی عمارات را نقصان رسید جهازات هوائی انگریزی مقابلشان پرواز نموده جهازات انگریزی بعد از اخراج جهازات دشمن واپس آمدند مگر تا ان جهت هیچ جهاز هوائی مفقود است که تا حال درک آن معلوم نیست ـ

۲۸ ماه اپریل سنه ۱۹۱۶ خرداد ـ از مقام مصر خبر رسیده [illegible] درجنات (قطیه) که قبل ازین در سرحد مقام مصر درجنگ انگریزی و مردم عرب وترک پیش آمده بود یک افسر فوج انگریزی (کرنیل ـ می جی ـ کوردنر) با گاندان فوج انگریزی همه مردم عرب گرفتار شده ـ

۲۸ ماه اپریل خرداد ـ دولت امریکا یک نوتس بمی اظهار نامه بنام دولت برطانیه فرستاده در آن مطالبه نموده که جان بک رعیتی جرمنی را که حکم دولت برطانیه از جهاز (جانسا) گرفتار کرده بودند ـ رهانائید

۳۰ اپریل خرداد ـ درین دول متحده دولت برطانیه و فرانس و روس واطالیه وغیره دولت چنان صورت حال بسیار نازک شده ـ دول چنان از حال وحرکت قوجهای دولت مزبوره بذریعه ریل های بی انکار قطعی نمود که بهیچصورت اجازه نمیدهم که فوج های دولت مزبوره بذریعهٔ ریل من درمیدان جنگ رسیده شود ـ از دولت مزبوره همراه وزیران دولت چنان ملاقات کرده رای دادن چنان ظاهر نمود که درصورت که اطاعت امتناعات ریل های دولت چنان صدمهٔ بسیار سخت برای دولت مزبوره خواهد رسید ـ مگر دولت چنان باز هم انکار نموده ـ ازین وجه گذیده که بسیار سخت بیانات وسفرای دول متحده در باب قطع تعلق ودوانکی خودها انتظار همان حکومت های خودهارا می نمایند

۲۸ ماه اپریل خرداد ـ یک لنکر جهاز جنگی (دسپل) نام دولت برطانیه در نزدیکی ده همراه یک مرتبه بحری اصابه نموده غرق گردید ازجمله عمله وغیری که در جهاز مذکور سوار بودند ۲۷۴ نفر اشخاص غرقابی نجات یافته ۱۲۴ نفر غرقی شده اند ـ

۳۰ ماه اپریل خرداد ـ یک نامه نگار اخبار لندن رویتر انواج جرمنی را در محاذ روسیه چنین می نویسد که از نقطه (ر) الی مقام (پریست) در خط ٤٥٠ میل قریب ٤٨ دویزن فوج جرمن که تعداد مجموعی شان که ۱۲۱ تا خواهد بود که نصف آن توپخانه پیادهٔ تقلیل جی و نصف آن رساله و توپخانه می باشد انواج مذکور گاندان جرمنی بقدر ضرورت موقعه بدین قدم تقسیم نموده گاردسه خطرناک که احتمال حمله دشمن کرده می شود سپرده در خلف همه دین حصر فوج که تعین کرده و به تعداد بسیار توپهای سنگین کی و صدا کنیرسیهای خاردار هم در نزد شان مهیا است و در عقب تمام خط دین های ربل به بسیار دوستی و انتظام منشروتب دوره خندقها آسپلیه آلوده مصروف میباشند ـ ازین معلوم می شود که جرمن درین موسم بهار خیال کلام حمله سخت را بر محاذ روسیه دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1687 of 1786

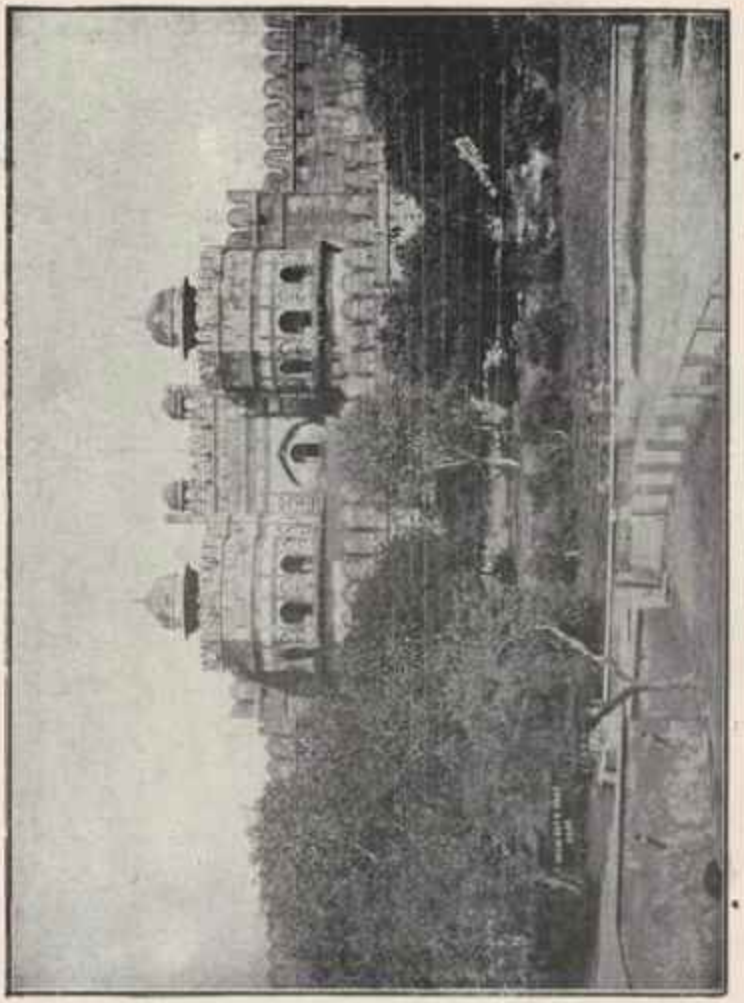

از منظر هندنبرگ

پایتخت قلعه دهلی از اکرو ایالت دهلی لاهور

ارتکاب نموده و تحقیقات کورت مارشل هم جاری است که بعد جنایات بالای کی که جرم ثابت میشود باورا بتوپ می پرانند می گمایند .

۲۱ ماه می سنه ۱۹۱۹ خبر لندن — ازپترو گراد خبر رسیده از جنگ سابقهٔ دولت روس که قبل ازین بجرم غداری متهم شده

روزنامه وجراید دارند که ازسمت برو بخبر وشهر مذکور یک حمله بسیار سخت نمایند .

۱۱ می خبر لندن — مستر اسکوبیهوز بر اعظم دولت برطانیه برای استقبال معاونه جوای آنزاینه بطرف (دلی) روانه گردید — شورش آنزاینه هنوز بکلی فرونشنده دولت برطانیه تاحال دوهزار نفر را بجرم

بعد از تحقیقات کورت مارشل و ثابتهٔ سیت بالمقید گردیده شد —

۸ ماه می خبر لندن — از تحقیقات بی تات دولت روسانیه معلوم شده که هفتاد هزار سپاه ژک وچهل هزار قوای دولن باقاره جمع شده اند که در مقابل قوای بلشویک جرمن فرستاده خواهند شد —

۹ ماه می خبر لندن — محکمه حرب دولت برطانیه بموجب رجوت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1688 of 1786

جنرال لیك کاماندان عراقی عرب اعلان نموده که کاروان بادیه انواع چادروزخی انگریزی موصل را وارد ترك در عراق عرب قرار گرفت وتاحال ۱۰۷۳ نفر عوض کرده شد

۹ ماه می جرمنان ـ دوعدد جیارات هوائی دشمن درشب مذکور ریمدرکام (پورت سعید) ۵۶ بوده ۹۰ عدد بم انداخته که ازان سی نفر مردم رقیق زخمی شدند ـ

خبرهای جنك از جبهه اخبار های انگلیزی

لندن ۳ ماه می ـ ٤ ماه رجب ـ

پانزده رساله امریکه یك جمعیت کلان پیروان دلاما کهان کاهب از جمعیت مذکوره ٤٢ نفر هلاك و اکثر نفر مجروح شده بودند ـ ازرساله امریکه هیچکس صانع نشده است ـ

لندن ٤ ماه می غره رجب المرجب ـ

پیرس ـ ازسبب حادثه ترقیدن در کارخانه لاروتیل فرانس پانصد نفر هلاك و پانصد نفر زخمی شده اند ـ

لندن ۲۵ اپریل ۲۲ جمادی الثانی ـ

امروز صدا ازجانب قبل از اعلان نظارت بحریه امیرال اوبنك بیان کرده که امروز بعمل چهارنقطه صبح بساحل انگلستان کوچاری نهایت خوفناك وقوع آمد که ای پنج وشوخ صبح جاری مانده بود ـ

کاریکاتور

لسان الصوره

(لسانی ـ عرب)

اوروپ ، امریکا ، زاپان سرعت برق رهوا میتازند ـ سودای بیای قاقوزك ، بخارای مرا گوی بیای خرچنك ، هندی بیای ... مصری بیای باگو ، چین وایرانی بیای سلت پشت محولان تازی مانده اند ـ ژاپان فریاد کرده میکوید ـ اووو امیرال ناپوودم ایچه رفارت

لندن ۲ ماه می ـ ۲۹ جمادی الثانی ـ

نامه نگاران پترو گراد بان خیال که جنك وجدال روزبی وجنه درموسم تابستان باقی میماند بیان میکنند گفتا که ازین لشجر فقط ازانجا فارغ شده اند اکنون آنها برای مقابله روسیان آماده خواهد شد ـ

لندن ۵ ماه می ـ ۲ رجب ـ

کیفیتان جیارات که برمقام مالو رسیده اند رجوت می دهند که جیارات جنگی جرمنی درنجیره بالتك درامده اند ـ

موفق دالا وتلگرافات ـ

اعلان کرده میشود که باطلاع تان بطرف عراق عرب دیگر مکتوبات وتلگرافات رواله کرده نخواهد شد فقط ـ

اعتراف فرانس

لندن ٦ ماه می ـ ۳ رجب ـ

اعلان رسمی پیرس میگوید که ازسبب حرارت موسوم تابستان بر کی بحواز مزاحمت واقع شده است ـ درانجا فقط کوچاری جوان ریمشود درمغرب میوز درحلاله کوه ۳۰٤ کوچاری نهایت جوان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1689 of 1786

... در مشرق میتوز کلوله‌باری معمولی را کرده‌است اعلان ... کمیته ازان شائع شده بود بیان می‌کند که در مغرب میتوز ... از کلوله باری خوفناک که در مدت ۳۰٤ پیمراه کلوله ... آن‌گیر که وقت شب شدت عدیم المثال اختیار کرده بود ... فرانسوی‌ها یک حصهٔ تپه‌ها را که از کلوله باری جرمن‌ها کاملاً ... بود خالی کرده معلوم کرده شده است که جرمن‌ها که روز ... عایه بوده بودند ـ روزیان گاه دو مقابل بودند دوزبان ... متحمل خسارات خوفناک شده بود ـ کلوله باری شدید در خط ... ا مورث هوس الگیو میزرز جاری میباشد ـ

لندن ۸ ماه می ـ ۵ رجب ـ

... رسمی جرنیل هلگ بیان می‌کند که شب گذشته برطا ملت ... مقاومت برطانوی سر گرمی بظهور آمده ـ علیم بعد از کلوله ... خوفناک در خندق های ما واقع مشرق جنگل تیوال داخل شد ... مارا قبل ازوامدن هلاک کرد ـ

بغاوت بحری هالیند

به صد نفر فرار شدند ـ

لندن ۱۲ ماه می ـ ۹ ماه رجب ـ

اسٹرده ـ پرسه لنگر جهاز جنگی هالیند مقیم جاوا بغاوت را ... ید ٦٠ نفر سپاهیان جهاز دی زوین پرونشن سزا دادند سعصد ... جهاز از واپسی بطرف جهازات مذکور انکار نمودند و در کوچه ... گوله می کردند پولیس در کوچه و بازار گشت می کند ـ فقط ... سکون در زمکاه مشرقی ـ

لندن ۱۱ ماه می ـ ۸ رجب ـ

... نگار دیلی تیلیگراف مقیم پترو گرید بیان می‌کند فرصه کار ... شرقی از مدت لائق عبارت شده است و موسم از حد گرم شده ... مکاه طاعی از سبب سکوت و سکون گذرانها منتشر میشود از حد ... میباشد و ازین خصوص آرای مختلف اند ـ گرچه سبب است ... جهاز گلوله باری معجزات جرمن‌ها چرا وقوع نمی آید ـ آیندهای ... ی ازان چنین کار روائی از امتحان تقویت خط مدافعت روسی است ... سپاهیان را فریب دادن دریاب نجاوز خود یا کدام چیزی دیگر مدعا ... لیمون نامه‌نگار سنت پیوز مقیم پترو گرید می گوید که افواج ... ی بحرش ابقای وعده که آن پهمراه آرکیف از سقوط ارض‌روم ... وجود در قفقاز دیده‌اند ـ این خبر بقدری اندیشه ناک برای ... پنداشته میشود ـ

کشیده گی مابین چرمان و ایطالیه ـ

لندن ۱۱ ماه می ـ ۸ رجب ـ

... نگار مارننگ پوست مقیم ایتهز مینویسد گفتگوهای دوستی ... مابین جرمانیان و ایطالوی‌ها گفتگوهای جدیه بوقوع می آید چرمان ... اخیرین حدیثه‌ی مسئله نجوز نموده بود لاکن ایطالیه از این ... نموده است ـ باز چرمان دریاب تعین حدود دولته غیر جنبدار ... کرده دگر باز ایطالیه انکار نمود ـ خط و کتابت تاحال جاری ...

دورهٔ وزارت اعظم ـ

لندن ۱۰ ماه می ـ ۷ رجب ـ

... دارالعوامه مسٹر اسکوئیته بیان کرد که اکنون ضروری معلوم ... می شود که در خلای پائیان آزادیه تجویز مزید جاریه عمل آورده ... شود ـ بزیان کرد کابینی کهنهٔ برای تطبیق امر اتب شورش آزادیه ... مکلف خواهندشد لارد هار دنگ وسٹر چشرتن و سر میکنزی ... بیاسرز شریک خواهندشد لارد هار دنگ رئیس آن مقرر خواهندشد ـ

مسٹر ریدموند تاسف ظاهر کرد چرا کهکاروائی تجویزات ریفارم ... وسیع کرده نخواهندشد ـ

لارد ومبورن لارد لفتنت آزادیه مستعفی شده است ـ غالباً یوکاف ... چون شانزالارد دربی جای لارد ومبورن مقرر خواهندشد ـ ومسٹر بیات ... وزیر آزادیه منتخب خواهندشد ـ فرقه نیشنلست جائیکه آزادیه ... اعتماد نموده است که تائید تحریک جیوریت خواهند چرا که از عرصه ... یازده سال گذشته در حق آزادیه از حد مفید ثابت شده است و دولت اس ... را متنبه می سازد که چیزان هر گام کار روائی که عملی آورده شد ... باعث اخلال فضول وبدانی خواهد بود ـ امید میرود که عنقریب ... آزادی کامله را آزادیتیان مالک شوند ـ

مسٹر اسکوئیته در دبلن ـ

لندن ۱۲ ماه می ـ ۹ ماه رجب ـ

مسٹر اسکوئیته شب گذشته بطرف دبلن رخت تاباً او در ایشدان ... آینده واپس خواهد آمد ـ

بیان میشود که فرق نیشنلست (اگرچه پهمراه آنها مشوره کرده ... شده است) چنین دارند که مسٹر اسکوئیته درباب لصفیه مسئله هوم رول (حکومت خود ایی) خیالات اهل آزادیه را معلوم خواهد کرد ـ

روزنامه شرق جدید

میگوینده که جرمن ها مابین ازدن جن وریز کر ۲ لک و چهار هزار نفر ترکان را فراهم آورده آنها را تعلیم وریت میدهند ـ

اخرین میرها

کار مناهای تحت البحریها

جهازهای که از دست تحت البحریهای جرمنی از تاریخ ۲۵ ماه اپریل تا ۲۳ ماه می خراب شده اند از قرار اخبار های انگلیزی :

جهاز تجارتی هالیند موسومه (گلستارم) ـ جهاز تجارتی برطانوی موسومه (پاریسته) ـ جهار تجارتی برطانوی موسومه (ارس) کشتی جنگی تحت البحر برطانوی نمبر (۲۲) جهاز مسلح برطانوی موسومه (او گیمه) جهاز تجارتی موسومه (ماندرو) ـ جهاز تجارتی برطانوی موسومه (بل) جهاز تجارتی نارویی موسومه (مود) جهاز تجارتی سویدن موسومه (نیوا) جهاز تجارتی انگلیزی موسومه (اسی اوی لکنهو) ـ جهاز تجارتی انگلیزی موسومه (هنان هال) ـ جهاز تجارتی سویدن موسومه (فریدند) جهاز تجارتی برازیل موسومه (را جوفریسکو) ـ جهاز جنگی برطانوی موسومه (ریبل) بمعهٔ ٢٤ افسر و ٧٩ نفر سپاهیان ـ جهاز تجارتی برطانوی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1690 of 1786

موسوم به (آمستری) جهاز تجارتی فرانسوی موسوم (ژی‌دیت) جهاز تجارتی سوئدن موسوم به (بارن) ـ جهاز تجارت انگلیزی موسوم (راوان) ـ جهاز تجارتی فرانسوی موسوم به (مرسوی توش) ـ جهاز تجارتی سوئدن موسوم به (کوتیر) جهاز کپنی واپت استار انگلیزی موسوم به (سمرنا) رازمان واسباب جهاز تجارتی انگلیزی موسوم به (سانفرد) جهاز انگلیزی موسوم به (کالکیوت) جهاز تجارتی انگلیزی موسوم به (دوکوریه) جهاز تجارت انگلیزی موسوم به (توایون) ـ جهاز تجارتی دولت انگلیز موسوم به (دول کوریه) جهاز تجارتی سوئدن موسوم به (هند) جهاز جنگی انگلیزی موسوم به (ژالر) جهاز دولت فرانس موسوم به (میرا) ـ جهاز دولت هالیند موسوم به (تیار هرینه) ـ جهاز دولت هالیند موسوم به (پو تیژوی) جهاز تجارتی فرانس موسوم به (لونکومدوک) جهاز بار برداری ایطالیه موسوم به (سانت آیندر) ـ جهاز تجارتی سوئدن موسوم به (روز الند) ـ جهاز برطانوی موسوم به (دی سرج) غرقاب لجه فنا گردیده اند .

تلفات افسران دولت برطانوی

از تاریخ ۳۰ اپریل الی ۱۹ مای از قرار ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی .

اپریل	تعداد تلفیات	می	تعداد تلفیات
۳۰	۱۱۷	۱۱	۳۹
می		۱۲	٤٤
۱	٥٤	۱۵	۳
۲	۳۳	۱٦	۳۳
٤	۱۳٦	۱۷	۲۲
٥	۳۳	۱۹	۱۰٤
٦	۱۷	جمع کل	۸۳۲
۷	۱۱۷		
۹	۸۰	مقتولین ومجروحین دولتین نیز درین داخلست .	
جمع میزان	٥۸۷		

لندن ۱۷ مای ۱٤ رجب ـ

کوچانه عیال پاشا لشکر جهاز جنگی برطانوی را رواه کرده است

لندن ۱۷ مای ـ ۱٤ رجب ـ

ایطالوی ها در باب شکست خیف خود در تریپتو اعتراف نموده اند ـ واستروی‌ها ادعادارند که آنها سه هزار نفر ایطالوی‌ها را اسیر کرده اند

لندن ۱۷ مای ۱۵ رجب

تایمز وقت رسیدن مستر اسکوپه بساحل موجود چنین بیان می کنند که مستر مذکور از کشتی متلیکاز حمله شده بکوکه شده را آمده بود ـ واولین متفکر پیشتر کاهی دیده شده بود ـ او راه راست بطرف جای سکونتی وایسرای اتریشه رفته بود ـ

مستر اسکوپه امروز بعداز جاشت در قلعه دیلن بحضور سراپرت پیرز وملتفین الی عرصه دراز گفت وشنید نمود .

۱۶ مای ـ ۱۳ رجب ـ

(یک فتح عظیم الشان فرانسویها)

پیرس ـ اعلان رسمی شب گذشته بیان میدارد که فرانسویها در مرتفع میور پلتفرم شاندار خورده حاصل کرده اند بقدر ۲ میل حدود های عمیقرا بدست آورده اند

لندن ۲۱ مای ـ ۱۸ رجب

پیرس ـ جنگ جدال خونناک بوردون شروع میباشد اعلان میکند که امروز بعد ازجاشت تابع شده بود بیان میکند که جرمنها در تجدید حملات خود رجعت هوی نموده ـ رتلیب متروک گردید وجهد عظیم کرده شد لاکن رتلیب متروکه در حصار قریه رصف اول حدفهای ما کامیاب شد

لندن ۲۳ مای ـ ۲۰ رجب ـ

درخبر تلگراف پیرس که دراخبار تلگرتائم شده است کیپ جنرال ورمن گاه وقت ظهر روز شنبه شروع شده است درمیباشد آن میباشد که کوه ۲۹۵ واقع موت هوی کاملاً از دست فرانسه برامده است گله کومند کوراز کوه مذکور بکلی تکه شده

۲۱ مای ۱۹۱۶ جرمنان ـ بنا بق رسمی اعلان شده است که وقت ۲ نیمه عدد حیارات هوائی دولت جرمن بساحل متروک انگلستان حمله نموده قریب یک درجن بمردم تهاجمت انداخته که بعضی خانه‌ها شکسته و ۲۵ عدد بمب علاوه (گیت) انداخته بود که تقریبا همه‌ها یک نفر مجروح شده

۲۱ مای ۱۶ جرمنان ـ ازمقام مصر بطریق سر کاری خبر میدهد دو عدد جهازات هوائی دشمن برافواج انگریزی درشهر (قصر حنایه) بمبهای بسیار انداخته اند ۱ کثر بمبها در خانه‌ها افتاده واز سه زن و هلاک و سیزده نفر مجروح وازقوچی‌ها پنج نفر زخمی شدند .

داستانهای جنگ

رستاخیز وردون

اوضاع الم انگیز نواحی بیان کرده شده

قصبهٔ « وا » که در کنت چمپاق موسوم به « وادون » میباشد و عمارات فوق العاده دهشتنا کی گاوبکاه جدیدطرف راست آلمان وفرانسه در اطراف آن جاری ودر ابلاغیه های دولت سه مکرر اسم آنذکر میشود این نقطه اهمیت فوق العاده در تاریخ دنیا خواهد داشت یک قصبه‌ایست کاودخانوار دراطمینان وآرامش زندگانی میکردند

۹ کیلومتر (یک فرسخ و کسری) مسافت دارد .

دوسلسله قلاع جنگی عظیم البنیان ودو سلسله استحکامات سنگر استراتژی درطرفین این قریه موجود است یک قلاع « وا » که کارجیت دهشت وسطوت درعمارات آنقوی شهرت خویش داشته کاه است و دوامولت « میباشد .

این قریه کوچک بین این دو خطوط محافظ وردون « واین طاقی در قعر یک دره مانندی نزدیک « کوت دوجوادو » واز اواین ساحات این زرکترین وهول آمیز ترین ساحه‌ایست که تا حال آنراه جنگ وردون « خواهند نامید ناظر مناظر وقایع هم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1691 of 1786

که کمتر از ساعت زاد ایم ابوالبشر چنین حوادث فوق‌التصور ... توری را دیده بوده است .

... ب ضروری‌ترک سره و لازم کون است . منا کن و ایه آن که بطرز ... ی وای و فورن » ساخته شده بودیکر وجود خارجی ندارند . ... رکه و کنار سقف های شکم دریده و دیوار های رو درآمده ... ر حریق مشاهده میکرده

... دیدانی اطراف آن زمین ها بکلی تغییر منظر داده . توپهای ... کارخصم کاری‌دان صفحه نبوده است که آفتاب‌رخی وسماوی ... ی توانسته است بدین صورت غم خیز آنجا را مبدل نماید .

... ای صدا وبانگ براز سره وکاهی که باعث افتخار وعظمت این ... را میگفت از کثرات توپخانه مانند طلسمهای کارنگ درمقابل یک ... نه تنها زمین رخنه است بلکه درتلال از نقاط آتری عمدیده ... و تقریبا مشابه بانک زمینی گردیده که مدتها دوچار زلزلهٔ کثرین ... ای آتش‌فشان دنیا باشد .

... آتشهای این قریه مصیبت‌زدهٔ « وا » که حرف آن ابتدا آنها خطوط ... خون و آتش درافق دنیای خاندن ثبت خواهد بود . واره ... گردیده است . مشارالیه موسوم بمیو « کاپریل» ورق از اهالی ... وشوح نزاد « فورن » میباشد . این شخص وعیالش ازاراضی ... خود حرکت نکرده است مگر وقتی که آلمانها حکم‌صریح ... که اهالی بمحله باید فرار کنند وبس از اشغال ۹۲۵ نفر ... خویش که تعدادی‌مزبور ازمیان‌جاده وآتش‌بیرون آمده‌است . ... روز گذشته ملاقات‌وی رفتم . باوجودمخاطرات ومتاعب‌طاقت ... کوی‌واردشده‌است هنوز پای‌رانجود راه‌نداده ودراظهارات ... ی علائم امید هویدا ست وسر گذشت غم انگیز راچنین ... است

... ه قریه پنج ساعت قبل ازظهر بود که ازطرف خطوط المانها ... اطراف قریه ما بمباردمان شروع گشت زیرا من توصیف آن ... است . همینقدر میگویم مثل‌طوفان حقیق دور های قبل از حلقت ... چیزه و کهن‌پاره وسرب‌وفولاد بخطوط‌دوم قشون‌واستحکامات ... رفت دشمنه یک قلعه آهنین بین خطوط اول و دوم ما خلق شد ... بوجوه مقطوع نگردید . از همان ساعت اول نقشه مهاجمه معلوم ... آنها میخواستند خطوط اول را محصور سازند بدین ترتیب ... مرا که آتش وآهن‌را پیوسته بخطوط عقب فرورنجه . آنان ... افزوده راممارا عقب مسدودساخته خطوط ارتباطیه وآذوقه ... وع و داخله های کاوه مقامات مقدمه جنگ و قشون را بهم ... دهد .

... شد . بمباردمان رشدت وسطوت افزود فلاع وخطوط جنگ ... فشرک جواب میدادند . بدون‌خطأ سکوت انواع کلوله‌های ... کوچک مثل‌ستارگان آسمان که‌دفعتاً ازمقام‌خود ساقط‌میشوند ... مطیونها عبرت واجنه که درجوهوا شهب ثاقب بهم میرسند ... جنگی بمیدان آمده ودهوای‌مافوق قریه کوچک بدخلق‌من ... که پرنده‌های غیر مرئی بالهربدان فلزی دران پرواز نمایند مانند ... بدر حال توزش می‌بود

... وحشی مقطوع‌نشدنی توپ کهنگی‌یک‌صدای زلزله‌پیوسته ... اتصال داشت بی‌اندازه رعب خیز بود وتقریباً روزی چهارهزار ... کلوله توپهای سنگین بهمان‌یک نقطه محدود یعنی قلعه دواه فرو میریخت ... زلزلقلوب وآتشکی حالات‌درونی مازیادبود زیرا کهرکس عزرائیل را درمقابل خود میدید وقرار از حیطهٔ کار متکلی بنظرمی‌آمدبقای هر کز پس را بخود راه نمی دادند . زیرا که مشاهدهٔ مادر زیبا‌تر حد ومنطقه جنگ شاه بشاه سربازهای خود زنده‌گی کرده . قوای روحیه وشجاعت آنها را کاملا اطلاع داشتیم .

مخصوصاً خمپاره ها وتوپهای دوست وده میلیمتری انان بحد می کرد درست مثل‌کرگ کلوله میبارید . ازین الطلوعین آفتاب‌غروب وغرش توپهای دهان فراخ‌تر ۳۰۵ و ۳۸۰ میلیمتری زمین و زمان را به عذاب آورده ودرست مانند خط زلزله خطوط عقب را محصور ساخت . ماساعت دردست گرفته وحساب می کردیم . یک کلوله‌کی توپخانهٔ خصم که میرسید چندثانیه طول داشت تابفر که وما میتوانستیم درست‌بفهمیم مقصداو کجاست . بهرصورت ازکاوه ۲۳ فوربه‌اطلاعات مارسید که خود شهر « وردون » هم دزیر آتش بمباردمان دشمن مستور است .

تیپ صوافی هول بار کلوله‌های چندین خرواری بدون دقیقه تعطیل مزارع وآبادیهای اطراف وعمارات مارا تبدیل منظر میداد وبشدت تاثیرات آن هرساعت‌زمین‌هارا ازوضعیات جغرافیایی دورمیساخت .

هنگی اهل قصبه فرار کرده بودند وفقط من وعیالم ویک‌نفر ملتی من ودشتبان و رفیق او که پنج نفر بودیم در یک سرداب عمیق زیر خانه بود وآنجا شب و روز را بسر می‌بردیم وبدخانه محال بود که بتوانیم از آنجا بیرون آییم .

یک‌رشته ازخطوط تلفون متعلق‌بقشون کهنه ازمواقع مهمه را مربوط میساخت قطع شده‌ویک‌دسته ازدستجات شعبه‌تلفون نظامی که‌افراد آن ازشجاع‌ترین شجاعان نامی روز کاربودند داوطلب ارتباط آن شدند کهرقه وخط مقطوع را وصل سازند . ازاین‌دسته که بیرون رفتند دانها یک‌نفر آنها برنگشت بلکه کثرت آتری ازآثار نعشهای ایشان هم بدست نیامد

دران سردابه عمیق که پناه‌برده بودیم غیالمن رای‌ما ودوسه نفر صاحبمنصبان دیگر که دران عبور بودند غذا ترتیب میداد . باوجود آنکه بیرون زمین مصیبت خیز تلفون چها دیده ودرس عبرت گرفته بود بازهم واسطه حس هدا کاره زنده خود حرات کرده وغذیه‌اه ازمابرون رفت که‌غذای رای‌ما بدست آورده ودرین مورد مقدرات او را بدست خوش هلاکت نساخت .

دراولین حملاتی که بباعیان انان برای استیلای بقلعه « اون » بعمل آوردند بادوربین دوچشم ازیک‌ارتفاع عمق نگاه می کردم در آن وحله عدا کر انان سه مرتبه منهزمانه بامصنوف بر ومتراکم حمله آورده وتوخانها صفوف آنانرا مثل داس درو کرده وزمین‌میرخت وبازهم دفعه ثانی حمله ورمیشدند .

سرانیپ‌های تند وجادههای سرازیر وسربالا مثل اغی‌های زرنگ در اطراف دشتستان بامقابل « فورن » حلقه زده مترالیوزها وتوپهای ۷۵ میلیمتری درتمام خطوط ودامنه های مزبور صف بندی و دفیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1692 of 1786

ترتیب داده وعده واجبات گردیده چهارمین مجلس
محفل‌های سرخ اطراف را پوشانده بودند . آه ! چقدر منظره عم
افزا بود . امان ! چه‌قیافه از انگیزی را بخود داده بودند . قهرمان
زنده ! چن از حزن آمیز که گل‌های آن از لعلی وجوانان جنگ
آور ترتیب یافته بود .

وادی دره غوری و موز و چاچه مرتفعات مرجع ترا غلط ترکی
ودر حقیقت ملاح حقیقی غوری تجارت فراشه میباشد .

چاچکه و قمر و بابل و دشتوری اجزای درستیلا و تصرف این
نقاط نمایند . لکن خواهد دید که صدها هزار از مردان وی بابسی
دره سواحل و بور و وسراتیپ های کل واطلاق آغا و و ثور و
مراکم بملک قهرستان صیب و وردون و غروروند .

پس از عزیمت گرات سپه و کابل و ترجی از اوامر ما کدوروده
واجع بمیرون فرستادن اهالی وحتی الامکان حل اموال منقوله واحشام
فرهذکر کرده وانتظار داشت که بسرعت از شیوه اسناد متعلق به وا و
وزیر ما خلاص کرده است .

نمره‌ی راجع به ترکیا

قوای جریحهٔ عثمانی

از لندن روزنامه برازیل ورد دموسی میرسد که دو فروند
کشتی جنگی زرهدار از طرف دولت برمرا کو کشتی سازی آوردن
بطور علنی برای عثمانی ساخته شده ودر شرف انجام میباشد . در حال
حاضر عثمانیها اراده جمع کردن من‌هادر بنادر ایلی مدهوش تشبثات زرگی
هستند . قوای جریحه عثمانی در عدد هر کدام باطراف بحر مرمره وده
وان اعلان بالعموم اخبر عثمانیها ملاقات میباشد .

اقدامات انور پاشا

از کپنهاگ روزنامه برلنگ تایدنگ دموسی خبر میدهد که از قلمرو سی
عثمانی ضرورت دارد و هنگامیکه انور پاشا اطلاع داده است مقدار الیاس از
ورود دربه روضه حضرت پیغمبر صرا زیارت کرده و در انجا برای
موفقیت قیام نموده اند . وبعمال مدینه‌مکن وغیره تقسیم کرده از انجا
بطرف ترکیا رفته اند . از قرار اطلاعات واصله مقصود انور پاشا از این مسافرت
اینست که اهالی آسیای صغیر را بجهاد دعوت نماید . برای این مقصد ،
انور پاشا در مدینه مرتبه‌ای دو حال مسلمانان مراکش ، تونس ، هندوستان
وجاوه را بایک خطبه واحترام زرگی پذیرائی کرده است .

اخبار ذیل گه روزنامه « توجه ورپیا » از بکارست رسیده ،
خبر مسافرت انور پاشا وجهاد پشارا بجهه زیادت علامات مهم گ
تائید مینماید .

(انور پاشا در بیت‌المقدس)

از بکارست روزنامهٔ « روسکیا ویدو موسی » خبر میدهد که
وحسب الامارات جدیده اعلان . بتاریخ انور پاشا درحدود جاف پاشا
فرمانده اردوی چهارم عثمانی وارد بیت‌المقدس گردیده در جامع عمر از
طرف علما ومشایخ عرب استقبال شده است بطریق عموم از ولایات
انور پاشا آمده واز سن رفتاری که نسبت بجوکلیها در عثمانی اظهار
شده ، اظهار تشکر نموده است انور پاشا در خارج بیت‌المقدس مشکرها
واستحکامات را بازدید کرده است .

اعلان

سراج‌التواریخ

جلد اول — و دوم

زهی کان جاودان مرغوب وملت (گنج آگنت) (سراج‌التواریخ
آئینهٔ حیات بای ملت جلیل اقبالست . زیرا از آغاز تشکیل وکس
دولت افغانیهٔ سایه بحدمراحد که برای حال واستقبال ملت بهتر
درسکار بود ، وخوشتر ازین انتباه ملت تصور نمیشد ، هرفرد
ملت را واجب است که بلافاصله آنرا بدست آورده دمبانه مرد
در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی‌الخصوص که کتابخانه
به بیت خاصه وغیر خواهان استفادهٔ عمومی بامر وفرمان نامدار
سلطان پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج‌الملوک‌الدین » تألیف شده
ودر مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل بزیور طبع آراسته وکتابخانه

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان دیشان و سدوزی
یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت
امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم وجنت مکان از هد در کابل عزیز
وجلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل‌الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای
حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا ایام دولت
اعلیحضرت « سراج‌الملت والدین امیر عبدالرحمن خان » خلد الله ملکه
گردیده را جامع میباشد وکاملا اعلا بحروف جیر طبع رسیده است . در
کتاب مذکور نسبت زینت و خوبی تجلید آن اقرار دارد است

قیمت (۱) پشتی چرمی جرم‌صوادی عاجدار کابل پخت چهار
جلدی طلا بر کار نشان دولت . واسم کتاب از ورق طلایی اعلا
بهای شده مبلغ شانزده روپیهٔ بخته کابلی —

قیمت (۲) پشتی مقوا روپه گچ‌مشقی چهار گنج وزرجرم
حاشیه اسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جمله سیزده روپیه بخته کا

قیمت (۳) پشتی مقوا روپه گچه لاجوردی چهار گنج وزر
مشی سرخه کابل پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جمله
جزء بهای شده یازده روپیه بخته کابل دوده شاهی —

قیمت (٤) پشتی مقوا روپه اری چهار گنج وزرجرم جنی
کابل پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جمله گونه
شده ده روپیه بخته کابل نه شاهی —

قیمت(۵)پشتی مقوا روپه اری سرخ چهار گنج وزر گوشه‌ها
ونشان دولت ورق طلا جمله گونه بندی شده ه روپیه بخته
ونزده شاهی — محل فروخت

درکتب خانهٔ مبارکه که از تحویل خانهٔ جناب محمدولیخان سرد
در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج‌التواریخ چهار جلد میباشد و کا
وقیمه وشیرازه مبتدعه کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضر
همایون و لا امر نمودند که جلد اول ودوم در یک وقیمه شیرازه
وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وبعد از
اتمام طبع برآمده طبوع گردیده اشتهاره اعلان فروش آنرا
خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همه‌مقاله هائیکه دستخط نداره از طرف مدیر ومسئول محترم

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1693 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرامی اخبار خودرا
یاد آوری میکنیم

مرهون همت و کوشش گردیم که از شکایت از پیدن اخبار مشترکین گرامی دار السلطنه کابل خودداری نمائیم لهذا خواهشمند است هرگاه در مرکز دار السلطنه کابل یک نماینده دارید که وظیفه توزیع و تقسیم اخبار ما را بعهده گرفته باشد ما را مطلع سازید تا ما نیز بعهده او حسب خواهش شما توزیع

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1694 of 1786

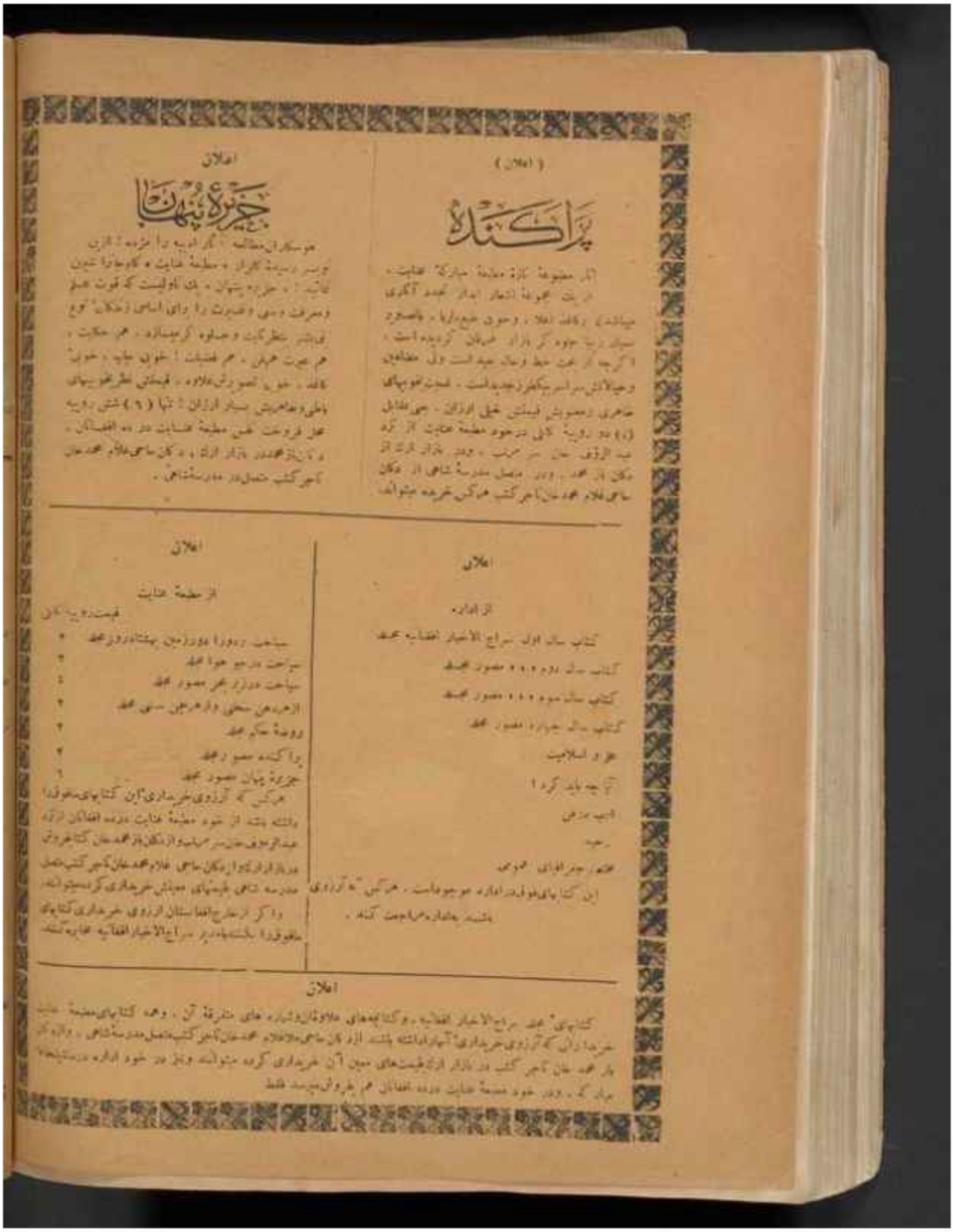

(اعلان)

پراکنده

اثر مجموعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، در بین مجموعهٔ اشعار امیر محمد آگاهی میباشد، رباعیات اعلا، و حسن خیال را بالصوره بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است، اگرچه از بعض خط و سیاه چیدگی است ولی مضامین و خیالاتش سراسر بیکر و جدیداست، قیمت مجموعهای حاضری و جلدش قیمتش خیلی ارزان، یعنی عوض (۱) یک روپیهٔ کابلی در جلد مطبعهٔ عنایت از کوچه قزلباش خان سرخ، و در بازار ارزان از دکان باز محمد، و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسداران مطالب نگار دلپذیر را مژده! ازین پس رسیدهٔ کابل و مطبعهٔ عنایت و کاوخانهٔ شین کابینه! جزیره پنهان، یک ناولیست که قوت علم و معرفت و سی و عبرت را رای اساسی (مکالمه) وقوع بی‌نظیر بنظرگاه و جلوه گر میسازد، هر حالات، هر حیرت خیزش، هر غضبات! خوبی جاپ، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه، قیمتش نظر بهای باطلی و ظاهریش بسیار ارزان! تنها (۹) شش روپیه عوض فروخت نقد مطبعهٔ عنایت در دهٔ افغانان، و تا یکماه در بازار ارزان، و دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابل

سیاحت دوره از دور زمین پیشاور در جلد	۲
سیاحت در جو هوا جلد	۲
سیاحت در زیر بحر جلد	۲
از هر دهن سخن و از هر چمن سمن جلد	۲
روضهٔ حکم جلد	۲
پراکنده جلد	۲
جزیرهٔ پنهان جلد	۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مطبوعه را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در دهٔ افغانان از کوچه عبدالرحمن خان سرخ، و از دکان باز محمد خان کتابفروش در بازار ارزان و از دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی خریدهای مجلدش خریداری کرده میتواند، و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مطبوعه را داشته باشند باید در سراج الاخبار افغانیه عنایت کنند.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ۲ ۲ ۲ مجلد

کتاب سال سوم ۲ ۲ ۲ مجلد

کتاب سال چهارم مجلد

طرز استادیت

آنچه باید کرد!

ادب مرضی

رجز

علم جغرافیای مجلد

این کتابها فقط در اداره موجود است، هرکس که آرزوی خریداری داشته باشد مراجعت کند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، و کتابچه‌های علاوه و شماره‌های متفرقهٔ آن، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، و از دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارزان قیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند، و نیز در خود اداره در سنگ‌بست بیاید که، و در خود مطبعهٔ عنایت در دهٔ افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1695 of 1786

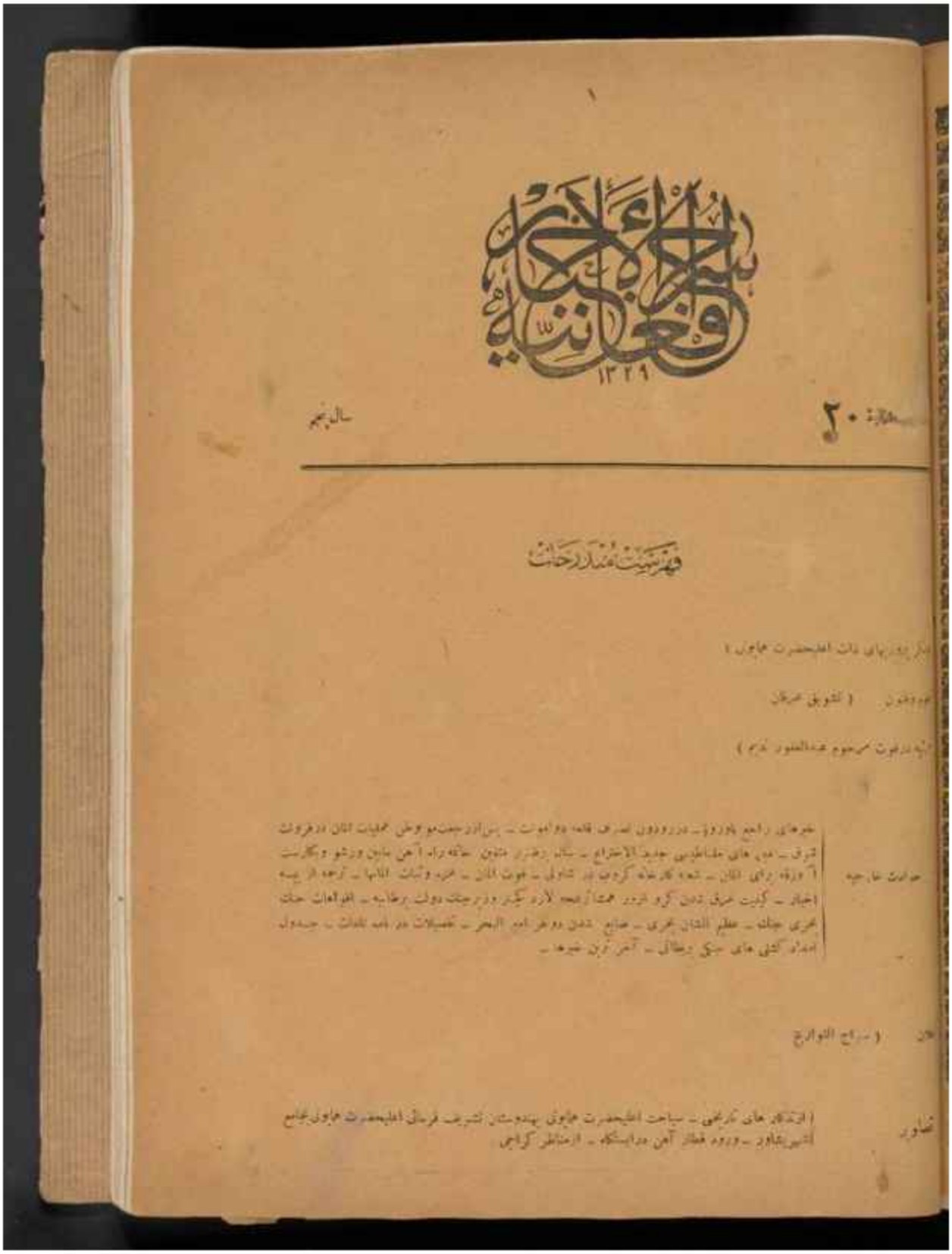

سال پنجم

شماره ۳۰

فهرست مندرجات

مقدار روزهای ذات اعلیحضرت همایون ؛

ورودشان (تشویق عرفان

آیه درغوث مرحوم عبدالغفور ندیم)

حوادث خارجه | خبرهای راجع بلاروی ـ ورودشان بصرف قاهره واموات ـ پس ازرجعت موطن محبوبات آنان درغوث آباد ـ مدح های مطابق جدید الاختراع ـ بنای دهنده راه آهن مابین ورشو وبکارست آ ورده رای آنان ـ تعدد کارخانه کردن در تاشکند ـ هوت آنان ـ غزه وثبات آنها ـ ترجمه از پیمه اخبار ـ کیفیت غرق شدن کره نروژ همشار بعده لازه نگر ودرجنت دولت برطانیه ـ اتفاقات حالت بحری جنگ ـ عظم الشان بحری ـ صانع شدن دوخر امیر البحر ـ تفصیلات در باب تلفات ـ جدول تعداد کشتی های سنگ برطانی ـ آخر ترین خبرها ـ

اعلان (سراج التواریخ

تصاویر (اقتدار های تاریخی ـ سیاحت اعلیحضرت همایونی پیشاوران تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون بجانب پشاور ـ ورود قطار آهن درایستگاه ـ ازمناظر کراچی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1696 of 1786

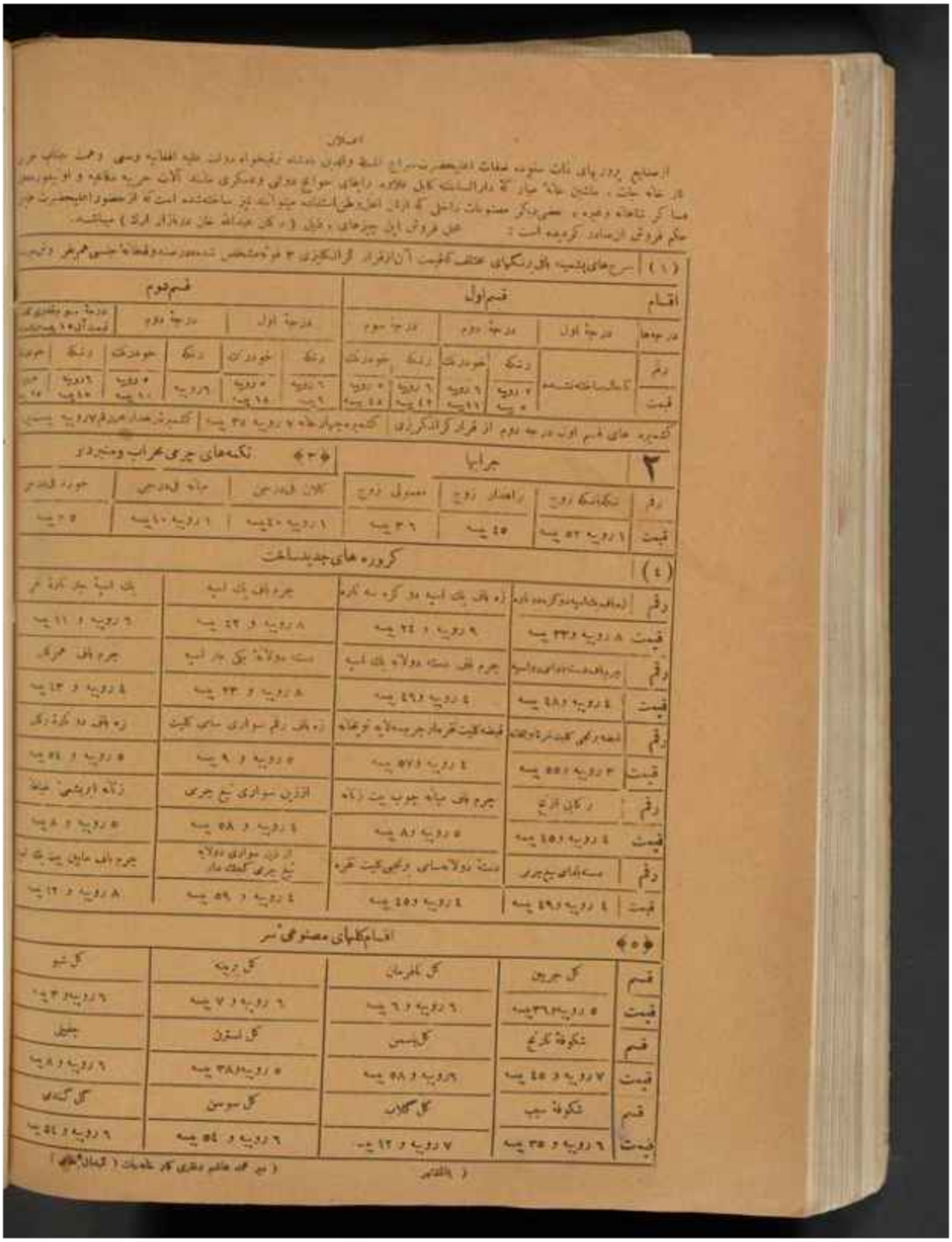

اعلان

از صنایع پرور یای ذات ستوده صفات اعلیحضرت شاهنشاه والاجاه پناه رفیعجواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب حرری دار خانه جات ، ملتین جامهٔ عمار که دارالسلطنت کابل علاوه راجای جواغ دولتی ودستگری سایر آلات حربیه مقابله و او یونیورسل ساکر شاهانه وغیره ، سعی دیگر مصنوعات داخل که از دار اخترع طی شاهانه میتواند پز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت حرر حکم فروختی از صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای نفیس (دکان عبدالله خان بازار قرغه) میباشد.

(۱) | سرخ های پشمینه باقی رنگهای مختلف قیمت آن از قرار قرانگیزی ۳ مونه مختص تدبیر سنه وقطعهٔ جنسی هریکی دلخواه

اقسام	قسم اول			قسم دوم			
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم	
رقم	کاشانات نمبر ۱	رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ	خودرنگ
قیمت	۲ روپیه ۰ پیه	۹ روپیه ۱۱ پیه	۹ روپیه ۴۲ پیه	۰ روپیه ۱۸ پیه	۰ روپیه ۹۰ پیه	۹ روپیه	۹ روپیه ۱۰ پیه

کشیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانگیزی | کشیره چهارخانه ۲ روپیه ۳۰ پیه | کشیره نمبر ۱ مدرقم ۷ روپیه بیست

(۲) | جرابها | تکه های چرمی عراب ومنبردو

رقم	تنکه تنکه روح	راصاد روح	معمول روح	کلان قندهاری	میانه قندهاری	خورد قندهاری
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیه	۴۵ پیه	۳۶ پیه	۱ روپیه ۲۰ پیه	۱ روپیه ۱۰ پیه	۲۰ پیه

(۴) | کروره های جدیدساخت

رقم	زه باف خانه دوکره دار	زه باف یک اسپه دو کره سه کره	چرم باف یک اسپه	یک اسپه یک کره تر
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیه	۹ روپیه و ۲۲ پیه	۸ روپیه و ۴۲ پیه	۹ روپیه و ۱۱ پیه
رقم	چرم باف دست دولاب	چرم باف دست دولاب یک اسپه	دست دولاب یک اسپه	چرم باف حرکه
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیه	۴ روپیه و ۴۹ پیه	۸ روپیه و ۲۳ پیه	۴ روپیه و ۱۴ پیه
رقم	قیصه کلیت قرمان چرمه لایه توغاه	قیصه کلیت قرمان چرمه لایه توغاه	زه باف رقم سواری ساچ کلیت	زه باف دو کره زنگ
قیمت	۴ روپیه و ۵۵ پیه	۴ روپیه و ۴۷ پیه	۴ روپیه و ۹ پیه	۴ روپیه و ۴۷ پیه
رقم	رکاب ازرع	چرم باف پایه چوب پت زاه	ازدن سواری تیغ چرمی	زاه ابریشمی خیاط
قیمت	۴ روپیه و ۴۵۱ پیه	۴ روپیه و ۸۱ پیه	۴ روپیه و ۵۸ پیه	۴ روپیه و ۴ پیه
رقم	مسه باقلای تیغ چرمی	دست دولاسای دکلی کلیت قمره	از زن سواری دولایه تیغ چرمی کمک دار	چرم باف ماچن پیه یک تر
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیه	۴ روپیه و ۴۵۱ پیه	۴ روپیه و ۵۹ پیه	۸ روپیه و ۱۲ پیه

(۵) | اقسام گلهای مصنوعی ابریشم

قسم	گل جرمن	گل نارمان	گل زرینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیه	۶ روپیه و ۶ پیه	۶ روپیه و ۷ پیه	۶ روپیه و ۴ پیه
قسم	شکوفهٔ کارنج	گل یاسمن	گل استرن	جلیل
قیمت	۷ روپیه و ۵۵ پیه	۶ روپیه و ۹۸ پیه	۵ روپیه و ۳۸ پیه	۶ روپیه و ۸ پیه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلان	گل سوسن	گل گندم
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیه	۷ روپیه و ۱۲ پیه	۶ روپیه و ۵۷ پیه	۶ روپیه و ۵۷ پیه

(میر محمد عاشم دفتری کار خانجات (کتابدار) طبع)

(بالقلم)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1697 of 1786

قیمت اشتراک سالیانه

در السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف و داخله مملکت

خارجات دائم ۱۰ روپیه کابلی

در خارج مملکت

خارجات دائم ۱۰ روپیه انگلیزی

دوازده روز یکبار نشر میشود

قیمت اشتراک آن در کابل یکسال است

(قیمت درج نمیشود اعلانات)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

صاحب امتیاز

محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)

جمیع امورات تحریریه باداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

کابل قمری ۱۵ شعبان ۱۳۳۴ کابل انگریزی ۱۷ جون عیسوی ۱۹۱۶ کابل شمسی ۲۷ جوزا ۱۲۹۵

عسکر و رویهای ذات اعلیحضرت هایون

تشکیلات جدیده

عسکر چه گونه بدن ، چه عنوان بسکون ، چه گونهٔ آهنین است کهاد درشتی و خشونت ان دلدشمنان به طپش ، وهوش شان بجوش ، اعصاب شان رعشه و لرزش می‌افتد ، وازسکینی وسکانت آن اعضای شان راقوت ، و اعصاب شانرا طاقت ، وعروق شانرا قدرت حرکت فی میماند ، وبالمقابل قلب وحواس روحشانرا ازتشویش تام آن جمعافکار و انظمت واقتدار ، وجه حاضرات باهمیت و شاهداری احاطه واستیلا دیگر که بمناع ازدرک حقیقت معنوی آن جهان مناظر عالیٔ تام خیال نمیرسد می تابد که وجود و تجسیت ظاهری میتواند وسعات روحی وحسیات قلبی را کمالیدهای بلند ، وارزوهای رومندی روحاملا گردیده اند داخل حرمهٔ سبط وجود داری حفظ ، وتحت رده سلوانطا پوشیده وپنهان دارد . لفظ درخشنده وتابناک عسکر آنچنان تاثیر وحرارتی را مالک است کهقوای روحیهٔ انسان درمقابل شدت آن قدرت ، وسائر مادهٔ یک تورش وهیجان وجوش وغلیان عمومی صادق نمیورزد - مرآئینه اشخاصی که بخوبی میتوانند قدر واهمیت عسکر را قیاس و اندازه نمایند لابد از زبان آوردن این اسم جلیل و کلهٔ مؤثر وثقیل یک حال وجدمانندی کهازخود بخود شده درتقدیر ذکی وعظمت وشریف سهم وهیبت آن محو وفنا شده باشند دوچار خواهشند . بلی ! عسکر که گفته‌شد مجسمه‌های بأسات وقار وسکانت وهنگامهای ذیحیات رعب وصلابت ، و تمثالهای زنده و روان توانائی ومقاومت ، وپیکرهای باثبات وتوان عزم واستقامت را درزیر نظر فکر وملاحظه باید آورد . عسکر هیئ تنظیمات وترتیبات نظام قویم واصول راست ومستقیم مادرا بوجود آورده وهم جمیع قواعد امن ورفاه عمومی را باعث وتمامی ترقیات مادی ومعنوی بشریت‌دانای ومؤسس گردیده است اگر قوهٔ عسکریه دردنیا موجود نمیبود بی شبهه انسانیت محوراً بیاک رجعت خیلی‌سرعت باکمال یأس وحسرت دوباره ومکرر جانب وادی عدم وعدم باخطوه های بسیار فراخی قدم میانداخت . و کرهٔ ارضی یکسال دهشت ناک هلاکت وهلاکت عظیمی‌میدرامد . خلاصه بی بشر ازصفحهٔ آن بکلی‌سلب وضایع ، ونسل انسانی ازماوا ومسکن وسبل خود سراسرعاجز ومنقطع گردیده‌ازاستیلا وتسلط‌حیوش منحوس وحشت وجوزریزی ، وقتل وسفاکی طرف این‌جرم خاکی از شرافت سکونت انسانی میبرا وخالی ، واز زیادت آثار عمران و آبادی محروم وعاری می گشت .

بوجود آمدن هیئ عسکری دردنیا چیزی‌است جدید واموری بی‌انتهای تشکیلات اردوی عسکری وقوای حربیه‌داخیلی قدیم وکهنه باید بدانند ، یعنی ازوقتی که بشریت بجمعیات مختلفه ، وقبیلهجدا گانه تقسیم‌وترتیب یافته وبترقیات متنوعهٔ تهذیب ومدنیت متشول ومکلف گردیده ونخستین بار آیین سلطنت وقوانین پادشاهی را اقامه و تأسیس داده تشکیل اردوی عسکری نیز باآن یک‌جا و توأم آمده است قوهٔ عسکریه ازنخست پیر ایجای همین منصب اعظم ووظیفهٔ لازم ، محتاجالیه دیده شده کهتوسط آن هیئ متحدهٔ یک‌ملت کهعبارت ازپادشاه‌ودولت باشد دراتخاذ واجرای احکام ولوامر خود برهمه‌موانع محیهٔ والقدامات مضره‌کهرخلاف امن‌وسکون عمومی‌ورشد‌حفظ‌حقوق‌ملی‌وصیانت‌حدود وطنی انگیخته شوند چیره وغالب گردد ، وبدریعهٔ آن‌اصول موضوعه وقوانین متنوعهٔ کهرای ترقی و کامیابی مقاصد وامراض خودانتخاب واتخاذ نموده درسایر تأس نشر واشاعه دهد . عسکر چنان یک‌تیغ تیز بران ودرخشانی است که ازپیری خودوست کسانی‌را که آرزو دارند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1698 of 1786

بشرف و ناموس وطن دست درازی نماید قطع و جدا و بایستی که ودرخشند کی خود چشم دشمنانی را که بخواهند سوی آن بانظر حرص وطمعی ببینند کور واعمی بنماید . عسکر برای حفظ صحت جسم وتن وطن جنان بانها کبیر مربع التأثیری است کها کمال فعالیت وموفقیت همه مکروبهای را کهدروجود ملت وممالک باعث نقص ومضرت میباشند عدو واتلف واز دارهٔ ظاهرهٔ وطن آنها را سراسر نفی واخراج مینماید عسکر برای اضاعه واعدام اربابان فتنه وفساد ، وطرفداران بی‌نظامی کار از ارتکاب اعمال سیهٔ و از اسباب افعال شنیعه دراعی وآسایش داخلی خلل اخلال میکردند بمنزلهٔ سم قاتل وزهر هلاهل . کار کرومؤثر است حقیقتاً قوهٔ عسکریه در عروق واعصاب دولت وملت مقام رقیع روح ، وموقع عالی ومنیع جوهر حیات را حائز وداراست . زیرا درصورت عدم آن نمیتواند یک ملت و مالی حیات بالامن و استراحتی بسر آرد ، بلکه بوجود عظمت آسودهٔ خیال صعب ودشوار وبکلی غیر ممکن ومحال است هیئت دولتی تنها سرانجام دادن امور لازمهٔ ملت خودرا تعهد وتکفل تواند ، مثلیکه قوهٔ عسکریه آن نسبتاً ضعیف وتحیف بوده ورحفظ وادارهٔ قاصر و خودرا قدرت نداشته . وازدست شان کار بقی نظم واسق امور مذکوره سهل وسیر نیامده اخیراً با کمال یاس وحسرت دیده شده که ناموس ملی وشرف وطنی خودشان را بجور بدست ضبط وتسلط اغیار ترک ووا گذار نموده اند . ومقابل این ملاحظه میشود که ملتیکه دارای یک اردوی پرقوت وتوانائی بوده وباخوبترین سلاح وا کملترین تعلیمات نظامی اورا تجهیز و تربیه کرده ، و همیشه درو سعت وافزونی ان کوشیده بالاخر بانهام حیرت وتحسین مشاهده افتاده که در یک مدت اندك برجمیع مال باقیه عزت وعظمت قومی ، وحقوق ومفاخرت ملی خویش راثابت وصیانت داشته است ، زندگی ملتها عین بوجود قوهٔ عسکری مبنی وموطداست ، یعنی هرقدر اردوی عسکری ملتی بیشتر وتواناباشد هاهمقدر جلال وجبروت وشوکت وابهت ان نزد هرکسان جاوی ومقتدر ، وهکذا جنانکه این نیز کارهرمین قوهٔ معنویه موقوف و منحصر است دائما مکمل ومنتظم ، و همواره در پیشرفت واتقاد افراض ومقاصد خود اسبت بدیگران لایق ومقدم میباشد ، وهکذا آن هراقدر ملتی ازوجود یک اردوی پرقوت عسکری محروم وبی‌نصیب باشد بهمان اندازه درچشم دوست ودشمن حیثیتش بگوقلیل ومانند یک جسدی که حیات روحیه وحرارت غریزیه ازان سلب وضایع شده باشد خوار ودلیل گردیده .

از اینجا است که ذات ملوکانهٔ اعلیحضرت پادشاه ترفیخواه عسکر پرور رعیت نواز معظم محبوب‌القلوب مقدس مالی همه یکانه صرو ریدرا که دران ترقی دین ودولت مستور ومضمراست بقوهٔ فهم ودکای خارقه نمای شاهانهٔ خود حس وادراك فرموده ترتیب وتربیت عسکری وترقی وتوسیع قوای حربی را دروطن عزیز خود اقتضا نمان صانها الله عن الآفات والخسران از جملهٔ امور لازمه ، ووظایف مهمه که خاص بتوجهات جهاندرجات ملوکانه محتاج است قرار داده اند واز فرط توجه ومرحمتی که درحق عموم رعایای لطف و احسان مشفقانهٔ پدرانه می‌فرمایند همت بلند ارشد واز جمله خویش حضرت عالی شهزادهٔ حواجگان معظم معین‌السلطنه ، سردار فتاح‌الله خان ، را که یک نوجوان وشجاعخواه بیدارمغز پرجوش بافکر وهوش ویك ذات جرار کار گذار متین باوقاری است بنظارت امور عسکریه وریاست ادارهٔ حربیه‌از طرف قرن‌الشرف هایونی شان نایل وسزاوار فرموده اند که دایما با کمال صداقت واخلاصمندی وباقدام فعالیت وسعی گرمی درتنظیم امورات عسکری ودر حصول رضای سعادت اقتضای اعلیحضرت پدرتاجدار اعظم‌خود جاهد وساعی‌است ، وعلاوه‌برفضایل اخلاق وبرافت استعدادی که ذات عالی توسط آن‌از مقام‌منیع ومنصب رفیع را کسب وتحصیل نموده اند حقاً هم وضع‌وقیافت شان باوصف جلیل عسکر خیلی مقارنت ومناسبت میساند زیرا اگر انسان حرکات حضره وسکنات ، وچهرهٔ متین وباوقار ، واوضاع پرشوکت وهیئتم واعضای مرتب ومنتظم شانرا ببیند حقیقتاً یک هیکل پرجلال غیرت وحمیت یک تمثال فعال‌نظام وعسکریت‌را درپیشروی خود ثابت وقایم‌خواهد یافت .

وچون فطرت همون شاهانه ازابتدا طبعاً مفطور شده و مربوط کار های عسکری راغب ومایل بوده ازاول همواره همت عالی بهمت وتوجه جهانمطیعت ملوکانه را درتنظم واصلاح آن یک ذوق والتفات خصوصی معروف و شاغل داشته ، و در اکثر مواقع مخلصانه پای بتربیت و افزونی آنخواه همومی ، وگاه بگاه انعام واحسان بار تبعی وسعی تحسینات رافع ، ووقتی بترفیع مناصب ، وترقی مراتب وارهین قبول اوضاع مرغوب و مناسب دائما قلوب بصداقت مجبوب جمیع افراد مرباز وصاحبمنصب را بالوار مراحم خسروانه ، و عواطف ملوکانهٔ خویش پرواده وار گردیده و مجذوب میسازد ، جنانچه درهفتهٔ گذشته بموقع دیدار مخصوص عسکری یک جمعیت بزرگی که تخمیناً از (۶۰) نفر ما حضر منصب اشکیل یافته بود به اعطای مناصب بالاتر شان افتخار واکرام نموده ، وهرکدام را باکمال لطف ومرحمت بلسان فیض‌رسان شاهانهٔ شان تبریك وتشکر فرمودند ، کهذیلا بعرض اعلام واخبار قارئین کرام از همهٔ کیفیات این دربار معالی بار و بعضه از تفصیلات کلی‌مراسم احتفال پرشوکت وجلالیکه درداریهٔ عالی جناب فخامتمآب ناظر حربیه بافتخار عزت شکوه اجرا یافت بالترتیب تحت ویان میراج :

روز شنبه ۲۴ رجب ۹

بساعت ۱۱ جمیع ما حضرات صاحبمنصبان عسکریکه مخصوصاً بموجب رقعه های خبری اینشنبه آقامی نظامی بدربار معالیمدار دعوت واخبار گردیده بودند باسعی‌ازشا کردان مکتب حربیه کهجدیداً فارغ التحصیل گشته اند والان نزد سلاحخانه حاضر ، وهریک حسب مراتب‌خود طاقیه شرفیابی حضور پرنور اعلیحضرت پادشاه‌زرگ خویش‌را منتظر بودند بگهساعت ۱۱ وربع بعدازانکه امرواحکام حکمت انجام هایونی ازقصر دلکشا بدریهٔ یک عراده عسکر بصوب سالار رسیده و از طرف جناب سپهسالارسردار محمدداود خان رطبق حدودوآداب عسکری حضور عالی شهزادهٔ حواجگان معظم‌حضرت معین‌السلطنه‌صاحب اعظم‌تقدیم گردیده‌بین ازوقوف ومضمون هدایات مشحونهٔ آن‌ذات عالی ناظر حربیه‌دام‌عزه‌بکه سالار صاحب هم بصحبت شان عراقی داشت بسواری موتر باره قصر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1699 of 1786

[illegible] دقیقه [illegible] دقیقه ۱۰ ، ۱۵ دقیقه [illegible] صاحبمنصبان که داخل سلاخانه انتظار نتیجهٔ آنیه را با اوضاع [illegible] و تدویشی داشتند نیز طلب فرموده تمدید دقیقهٔ ثانی بر علاوه [illegible] کال درستی و انتظام دو صف متوازی همدیگر کشیده جانب قلعهٔ [illegible] متوجه گشته ، و پس از چند دقیقهٔ که در اثنای راه رایشان [illegible] بود خودشانرا درهمن برده مقابل دروازهٔ جنوبی قصر شوکت [illegible] دیدند که از طرف یکی از افسران ارزنده [illegible] جا وقف ورزیدند . ذات عالی ناظر حربیه نیز همدرین اثنا [illegible] همدیگر بعد یک قدم از صف اول پیشتر رویده و در عقب شان قدری [illegible] سه یالار وقف داشت یک وصیت نثاری رموقع فرمانداری [illegible] و امر « نیازمی » را داده بمجردیکه ذات شوکتسمات [illegible] حضرت تاجدار اعظم و سر افسر کل اردوی معظم افغانستان [illegible] دروازهٔ قصر برسطح فوقانی برده که عقب یک یکتیم متراژ زمین [illegible] بلند بارد یا قدم هیبت وشکوه قدم گذاشتند ازطرف ذات اقدس شاهانه [illegible] « سلام گی » یا موزیکهٔ دلنواز عسکری سلامی » بزرگ شاهانه [illegible] نواخته شد که از حضور اشرف هایون هم بکمال حسن قبول رد [illegible] واب گردیده بصدا متصلاً یک امر « راحتسی » که ازجان ذات [illegible] شنیده شد ، همدان یکدوضع درست ومتعلمی منتظر بشرف ارزاد [illegible] صدا امکام و اعلانات حاضت آیات اعلیحضرت اولی الامر مقدس [illegible] شده جانبه بصدا یک کی انتظار سکون و یک سکوت سهمگیی [illegible] ن جلب پناه پادشاه ترفیخواه عسکر پرور حقایق آگاه معظم [illegible] زمانهٔ عصر اوراق درخشت ثبات پیوست هایون شان موجود [illegible] قوم حضار را خطاب نموده زبان حقیقت بیان شاهانه چنین ارشاد [illegible] فرمودند که « چون بیان ابتدائی این ورقها از خصوص ترتیب وتشکیل [illegible] اردوی حضرتما وان کابینت جدید وارزوم آن بحث میرانم وهرقسمی [illegible] ما از اصل حقیقت این تشکیل لاتحاله کم وبیشی واقف خواهید بود [illegible] از ما خواهدن و اعادهٔ آن بحض بیوده وبی ثمر است ، و بدون [illegible] گردان وتضییع اوقات نتیجهٔ دیگر نمی‌خشد . چرا که درینجا مراد [illegible] العاده تشکیل » است و آن چنانست که ولا معین السلطنه وسپه سالار [illegible] اردو بشورهٔ همدیگر صورت آنرا ساخته وبعد بحضور آورده که [illegible] رازمندا کرده وتحقیق من هم آنرا تصدیق ومنظور فرمودم ، وتشکیل [illegible] عبارت استازان که فعلاً چون عسکر حاضرهٔ دارالسلطنه کابل با [illegible] قدهای اردلی واریف وکوتوالی ومعاد السلطنه متشکل ومرکب بود [illegible] لحاظ این عسکر بنام « اردوی هایون » یعنی دلواه گیری را « قوای [illegible] ه » و دیگری را « قوای دوم » گفته میشود تقسیم وتنظیم شد ، در [illegible] قوای اول » « قند اردلی ، واریف ، واسپور این هردو قند گیتهام [illegible] رسالهٔ توپخانه موسوم است داخل میباشد ، ودر « قوای دوم » قند [illegible] کوتوالی ، ومعاد السلطنه و اسپور آن شامل است ، وهم چند قشنه [illegible] ملی ازروی این تشکیل در « قوای اول » محسوب است مگر چنیکه [illegible] سا گر خاصهٔ حضور را حاوی است ازاره بهمه حال ازهیکر اصناف [illegible] ده ضرور خصوصیت وامتیازی را باید داشته باشد [درچنین مواقع

اکثر ذات عالی بیانات هایونی را تأیید و تأکید مینمودند] وچون تشکیل جدید اردوی عسکری ما حال از همین دوقوا ترکیب یافت ، لهذا لازم دیدم که هریک ازین دوقوا درتحت حکم وسر پرستی یکنفر بقدر زورک باشد ، پس جرنیل صاحب محمد جان [جرنیل صاحب محمدجان ازصف خود جدانشده پیشرفت وسلام کرده استاده شد] در « قوای اول » بمنصب نایب سالاری مقررشد ! مبارکباشد ! [بنابرین جرنیل موصوف ازین مرحمت شاهانه بمطابق آداب وتعظیمات عسکری عرض تشکرات نموده دوباره بصف وردیف خود داخل گشت] ورگاه محمد ولی خان بمنصب جرنیلی در « قوای دوم » مقرر شد ! مبارکباشد ! [جرنیل محمد ولی خان هم حسب قاعده و اصول اولا پیشرفته وبعد واپس بصف خود داخل شد] بعد ذات اعلیحضرت هایون اقدس والا ازروی جدولی که بدست داشتند نامهای افسردا زبان شیرین بیان شاهانه گفته وهر کدام آنها بقرار تریبانی که ذکر شده بوت بثبوت ازصف خودجدا گشته وازحضور بمنصب جدید خود نایل شده واپس بموقف اولی خود مراجعت مینمود ، و عیناً نقل جدول موصوف غرض اطلاع ووقوف حضرات قارئین عظام و مشترکین دی احترام الشاعه درانجا درج واشاعه میشود .

سپس ذات ملکوتی صفات قومانداں اعظم ، وسر عسکر زورآگل از دوی محتشم افغانستان اعلیحضرت پادشاه ترفیخواه رعیت پرور عسکر وازاسلام پناه دولت ! گشاده مقدس ماهوم صاحبمنصبان عظام راعی حزب المشروع وافتخارورفیع ، مناصب شان با کمال حسن نیت وصفوت قلب بلسان فوایدرسان خودشان وبراعای وظایف شان تحسین وتقدیر فرموده ، وازجانب سپه سالار سردار محمد نادر خان باظهار اظهار خوشنودی ورضامندی تودههٔ جانبازان پادشاهی را از لطف وکرم ملوکانهٔ خویش تواخت واخیراً هم کشان را دادا وتکمیل خدمات محولهٔ خودشان سفارش وتوصیه فرموده بدین عبارت « که بایدهریک ازشما درسر انجام دادن امورمحوله خودتان بوجه احسن کوشش ورزید ، ودرخدمت دین ودولت باهمهٔ جدوجهد سروهمت کوشید لازمکه متفقاً درراه ترقی وطن سروجان خودرافدا سازید » کلام حکمت پادشاهانهرا ختام والجام دادند .

درین اثنا ذات عالی ناظر حربیه درحالیکه اعلیحضرت پدرتاجداران بایک چهرهٔ فرخنده وبشاشی همه حرکات وسکنات ومتعلقات سکنهٔ مشارالیه راانتباه میفرمودند ازطرف خودوالاصاله وازطرف عموم باوکالهٔ بایک لهجهٔ مؤثر وبلیغ پیام درستی وسلامت بعرض حضور شوکتمو فور هایون والا رسانید که « چون باحاضران دین ودولت بیچگونه لایق ومستحق این اندازه تحسینات وتلطیفات شاهانه نمیباشیم ، وکاهمان هیچ ادنا خدمتی درخور وسزاوار اینهمه عواطف خسروانه والطاف ملوکانه ازما سر نزده ، ومطابقاً ذات شاهانه بما غلامان ویا کران کهنهٔ خود شاد کامیکه بقدرحسن سلوک ومراحم گرانمایهٔ خویش تلقی میفرمایند ازاینرو ما را است که باهمهٔ موجودیت خودها سروجان خودرا درراه رضای معالی ارتضای شاهانه صرف وتصدق نمائیم ! وهم الحمدلله چون

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1700 of 1786

دولت ما یک دولت اسلامی است پس ما واجبات که در خدمت دولت خود بدل و جان و تاب توان بکوشیم و در اطاعت و پرستاری ذات اعلیحضرت اولی الامر مقدس خودیا که دیناً و فراتاً رعایت است سر از اطاعت نتابیم بحد قدرت و توانائی که داریم سعی و مجاهدت و زیم و مانند داریم . که در نقطهٔ مرکز خود طواف میکند باید ساعی بر نقطهٔ مرکزی خودیا که عبارت از ذات مقدس پادشاه است هوار بدور و طواف تائم و چون تا در کار هیچوقت سر از اطاعت مرکز بیرون نکشیم باری اگر الصافاً باخود فکر و ملاحظهٔ کنیم و بکفدری اندیشهٔ و تفکر بدایم آیا کافی وجود خودها را کافیه لایق این همه آب و خیت و جاه وحشمتی که داریم خواهیم یافت ؛ هیچگاه هیچگاه ! مگر چیست که امروزه روز هرقدر جاه و منصب ، و ثروتی که فعلاً داریم واجب است همه از این وجهات و ترک فیوضات ذات اعلیحضرت پادشاهی است که بما احسان وارزانی فرموده اند . زیرا بما فی الحقیقت هیچ یک لیاقت شخصی نداریم که خودرا سزاوار آن بدانیم و هیچ کدام حیثیاتی را مالک نیستیم که آن قدر و ضرور جانبهای مدعیت باشد که ما خاطر حصول رضای شاهانه کوشش و ورزیم و پادشاه خودرا مقدس نشناسیم و همیشه از وی در خوف و در هراس باشیم . و بلکه همواره خود را از لطف و مرحمت به ترس و بیم زندگی بدانیم . چرا که ذات ملوکانه چیز و چیزها هرگدام مارا میشناسند ، و عین و صادق هریک را بخوبی و درستی میدانند ، پس لازم که به عض اضافه تمدن این منصبها غیره و قابل نشویم و میباید بوجه صورت از اجزای و خلاف خودما فرو گذاشت و صرفنظر تائم ! و هیچ کدام با از هزار ، یک از تفکرات ناجزانهٔ خود در مقابل اینهمه مراحم عطوفانهٔ شاهانه که امروز سایهٔ آن نثار را به آن مفتخر و مباهی فرمودند ادا کرده نمیتوانیم پس نیز اینکه سلامتی وجود ذیجود مقدس نور ذات مقدس پادشاه معظم خودرا از پروردگار یکتا بخواهیم و بیاد مسالت نمائیم در مقابل آن دیگر چیزی مقدور ما نیست ، و بلازم همین دعا را جمع بفائده و سود خودمانست زیرا دیگری کیست ؟ کمارا بهمچنین لطفات و احسانات متعالیه پاداش باوجود چنین حال نالایق مایه اینکه خیر اندیشی و رواداری مرحمتکارانه لایق و سزاوار سازد . لهذا بنابرین ملاحظات لازمه که همه بادر راه خوشنودی و تحصیل رضای اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه خیر اندیش بزرگ اقدس خویش جانهای خودرا فدا و نثار سازیم . و از درگاه حضرتحاله تعالی باکمال تضرع و تضرع استدعا و استرحام تائم که سایهٔ ترقیا توانه این چنین یک مرافقت عسکر پرور رؤف ، و یک پدر شفقت گستر عطوف را از سرما کم و کوتاه نگرداند ، و در تحت ظل سعادت منزل شاهانهٔ شان دین و دولت ما را همگونه ترقیات دادی و معنوی نصیب گردد ! صدا های آمین از عموم حضار]

واخیراً ذات اعلیحضرت هایونی همه کارا اجرواجازهٔ خودت عطا فرموده و متصل آن از طرف ذات عالی نظارت پناهی یک اسکناس ۵ تیارسی هردو صف و نشیت عسکری خود نثارا کسب نموده و بعد از یک جیت تاک ۵ سلامتی ۵ سلام آخری ذات شاهانه از داخل موزیک عسکری ادا گردیده حسب قواعد و اصول نظامی همه کان از حضور هایون مرخص گشته بمسافت یک برای صرف طعام بدالان سلاخانهٔ عام وجه تزیین و انتظام عودت نمودند . و حضرت نایب قضی را خودذات اعلیحضرت پادشاهی بطعام مخصوص شاهانهٔ خویش افتخار و تشریف فرمودند و بدابنطریق مراسم دربار معلی بانمام شوکت و احتشام باتجاد و اتحاد تمام .

§

۵ ساعت ۳ بنار امریک از طرف ذات عالی نظارت پناهی حضرت نیزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه صاحب افخم فعلاً تبلیغ گردید بود عموم صاحبمنصبان نظامی بمیت و همراهی ذات افخمی شان داخل دایرهٔ مشاعرهٔ مخصوص عالی گردیده و در خیمه وسیعاً پردهٔ زرکی که بالخاصه برای همین مقصد بریک موقع بسیار خوش آب و هوا تدارک و افراشته بودند ، وچون میزهای خوب و اعلائی تهیه و ترتیب یافته بود وارد گشته متصلاً بصاقیه ، و مبادلهٔ تبریکات ، حسب رسم و آداب عسکری آغاز شد و هر صاحبمنصب نوبت بنوبت بدست بوسی ذات جامع الصفات افسر بزرگ و فرمانفرمای اول خویش حضرت ولی افخم مشرف گشته از حضور مبارک شان هم بادای تبریکات و حسن توامع نایل میگردید . چنانچه پس از کمی در همهٔ این تریبات بانام رسیده بعد از انکه همه کان فراغ یافتند ذات نظارت پناهی رمضان نظارت خودشان که بیکصورت ممتازی در جرگهٔ مجلس بریکجوک خلی رنگین و مزین که در مقابل آن یک میز بسیار متکین و مملو گذاشته شده و ترتیب یافته بود با کمال رعیومانات جلوس فرموده همه کارا بنشستن امر و اجازه نمودند . و بعجردیکه عموم حضار حسب درجات و مراتب در جاهای مناسب و چوکیهای مخصوص خودها احسنه مقام خود قرار گرفتند ، فی الحال به آوردن و صف دادن طرفهای دران انواع میوهای خشک و تازه موجود بود ، و بطریق تبرکی بمناسبت و غریب عیدند فرحت اندوز جشن رفیع مناسب تهیه و حاضر گشته بود آغاز و ابتدا کنند همهٔ قابها بر سطح میزها در پیشروی هر صاحبمنصب چیده شدند عالی صدر محفل همگنان را بصرف آن اجازه نموده ، و جناب سالار را باشتراک در میز خصوصی خودشان تلطیف فرموده ، در اثنای مذاکره و مکالمه بعموم بطوریکه توصیه و نصیحت لطف میز را دوبالا ارزانی فرمودند .

[هرچند لطف موصوف جیومتری و تسلسل که در ذیل نگاشته میشود ادا نکردیده چرا که در اثنای مذاکره و محاوره واقع شده دگر عادت و استاد ، و مراد حکمت مفاد آن عبارتست از قرار ذیل است که غرض اشتهار واخذ معلومات قارئین کرام درج میشود]

(صورت لطف عالی)

« این منصبهای جدید رحمهٔ ما وشما میارکباد ! ذات اعلیحضرت پادشاه ، معظم مقدس ما میبنار اینکه ما و شما در مقابل اینهمه لطفات شاهانهٔ شان کدام خدمتی لایق و سزاوار کرده ایم بلکه این ترفیع و مرحمت را مرحمت فرمودند بلکه محض از روی عذره روزی و لطفت کرده ملوکانه که در حق همگنا وشما یکسان دارند بدان عواطف همدردانهٔ خویش ثبارا نایل ساختند . پس ما را است که بمابیهه لطف و مرحمت هایون در رضای متعالی از اعضای اعلیحضرت شهریاری کمدران رضای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1701 of 1786

...ت تاجیکستان هم شامل میشود تمام ورزشهای و...ف کردیم ، ...ر هر گونه خدمت بادشاه خواه حرفه‌در صف ورزشوار باشد با کمال ...اسی وصداقت کوشیده حتی سرهای خودرا فداسازیم ، ودرهروقت ...ورد رضای اعلیحضرتش را از هر کار اقدم واسق شناسیم ، چنانچه ...ن رضامندی که امروزدات هایونی پادشاهوا پدرسان مبارندخویش ...ایه سالار فرمودند من خیلی بی اندازه ممنون ومسرور گشتم زیرا ...شیخاله تعالی ذات بادشاه بزرگ مقدس ما چنان یک فهم وفرا ست ...یل وکیاست فوق العادهٔ عطا واحسان فرموده که صداقت و خدمت ...گزاری هر کسیرا بسیار خوبی ودرستی درك واحساس میفرمایند ، ...یدا هم میباید که با این مقرور نکویم که تمام ملك یک جثیت

از اقدامهای تاریخی
یاد کار سیاحت ذات اعلیحضرت هایونی پادشاه
سنه ۱۹۰۷
مراسم احتفال در ایستگاه حیرود

...ایای وظیفهٔ منصبی خودرا جهد وکوشش نمایند ، واگر یك کاری ...شد که ازدست‌شما حل وفصل آن میسر نیاید فوراً سررشته وقانون آنرا ...صاحبمنصب بالادست خود بیابید وهیچ‌گاه اگر کاری هم پیش نشد ...رجیدرجواب آمده بدسیسه مسلاریکوئیدوا گرکاری هم پیش‌رفت ...خود ، فلان مراجعت کنید ودافرض اگر من هم اجرای آنرا محال ...انوار دیدم البته بدست خود آنرا بحضور اعلیحضرت ولی‌نعمت مقدس ...خود برده باختیار شاهانهٔ شان تفویض وتسلیم خواهم نمود ! هر کسیکه ...ازاوامر اطاعت بالادست وصاحب‌منصب بلندتر ازخود در تعمیل امور ...قوانین عسکری فرو گذاشت وصرفنظر نماید ، وامر امیر خودرا

...دال‌وبات شخصیت مستقل هستیم ، لیکن ما از خودهیچ چیزی نداریم ...اینهمه از حسن نیت ونوجه ذات اعلیحضرت بادشاه معظم ما است که ...هریك ازما را بدینگونه مراتب ومناصب لایق وعالی فایزومباهی فرموده ...اند ، والاما در حقیقت اصلا یك قابلیت ولیاقت شخصی را دارا نیستیم ...پس ما واجبات کهاقدام موجودی که داریم بکمال‌صفوت واخلاص ...قلب خودرا درخدمت وحصول رضای شهریار عطوفت آثار مراهم ...گردار خودبالطبع وفداساز جانوالی خود الایق سازیم اهتشار انوسیعی ...کنیم کهابدد هیچوقت کروفردرانخودراه نعهدوفا آن وفاومتانت راهم ...ازدست‌ماکدار دزدرا ای نا میل یك چیزضروریست ولازمکه‌ما حسب ...مناصب ومراتب نظامی ازحدود و آداب عسکری خود تجاوز نورزیده

که موافق بحاصول اعطاء باشد بجانیاورد ، لاعذرطرف من درمورد ...بازرس وعتاب خیلی شدیدی خواهد آمد ، وهیچ نمیتوانم که از چنین ...گناه‌وعصیان وی عفو وسمیح کنم‌وبسیار آسان کنم ! اتحادهٔ ...همانا وحدهٔ یك‌ملت ، یك وجود ، ویك‌جنس افغان میباشیم پس‌چیست ...ما ! که‌درحق‌همدیگر خود کینه‌ومغرضت‌راپروراییم واتفاق‌ومؤاخات‌را ...ازدست داده نفاق وکفرفدارا اختیار نمائیم ، وبرادر همدین وهم‌وطن ...همزمان خویش بدفن وخیانت وغدر وخدعه پیش آئیم ، بلکه‌لازمست ...همانا وشما بایکدیگر خود با کمال‌جوش وحرارت‌ملاقات کنیم وباصلاح ...احوال‌خودما پردازیم بی اویکدیگر جوش داشته باشیم ، ما را بحمدله

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1702 of 1786

گذاشته‌اید اخذ نمود بنده‌های پادشاه اسلامیت و افغانیت و حب‌الوطنی و وطنیت موجزن است ؟ تا بحال اگر شما از طرف من بکوضع افسرده مشاهده مینمودید بنی که خودرا از خصوص پاچنان مسئول نمیدانستم عذر آمرتک آن چنان بات مسلکی بودم . اما چون کنون خودرا بحضور اعلیحضرت پدر تاجدار اعظم خود مسئول تام الاروس بعدالیه درزا توجه خویش را بکارهای صنف اطفال بیشتر از پیشتر مبذول و ملتفت خواهم ساخت و هر حرکت و گفتار شما را بانک نظر تیز و دقت تحقیق و ملاحظه خواهم کرد ، و آگاه باشید که اگر از شما ضدیت یا سوء عقیدت و خیانت ملاحظه کنم ، با شما بیلاحظه بسیار خشن و درشتی پیش خواهم شد ، زیرا در چنین معاملاتی که دران شائبهٔ خیانت بالمقدس بیطاقیت و خیانت وجود داری نیتوانم و نمیخواهم خائن را با بچه‌های بولادری مؤاخذه نمایم ، و نمیخواهم بگویم که کیک مرتک همچنین اعمالشده گردیده باشد بلکه آن اوقاتی که آتش قهر و غضب بسوزد ، بلکه در خصوصیا خود ظاهر گردیده ممنوع خواهد بود که من در هنگام یا خواست چنین امور تابعه اندازه شدید الطبع میباشم ، اما باید کمتر از حساب هر اعلیحضرت طبیعی من قیاس و اخلاق قائید چرا که تردد من غضب منشاء یکی از خاصیات عدل و شعار داد گری ست و هیچ صنف انصاف از حقیقت این امر انکار نمیتواند کرد ، چنانچه مقارن اینوقت دلی

کذا

اندر یف فرمان ذات اعلیحضرت بجامع در شهر پشاور

بخاطر آمد ، که عبارتی شایان میکنم در عهد سلطان محمود (رح) کی از خواص بار گاهیانش عرض رسانیده و بدیلطرز لطیف و متانتی این مطلب را ادا کرد که چون حضرت سلطان در اکثر مواقع حال خودرا بکمال شدت مؤاخذه مینماید و در سایر معاملات خیلی کاوش و تحقیق میفرماید و در همه‌سایل ملکی که احتیاج باتخاذ تدابیر جدی و ارتکاب اقدامات شدید پیش آید همیشه بعد از تروی و تحقیق کامل و تفکر بسیار حتمی و قاطع صادر میفرماید که هر کس بخود میگوید که اگر بادشاه سخت گیری چه حکمت خواهد بود که وزیر ملایم یعنی اشخاص سلطان را مظلوم انگاشته گمان کنند ، گماشتگان سلطان محمود گفت بلی ! من این همه شدت را برای آن بحری میدارم

کار بر آن نتوانند طغیان و سرکشی کرد و باجزای دستگاه دولت ضرر عمده نتوانند رسانید ، و خیانتی نتوانند کرد ، و آرزوهای باطلهٔ خود موفق و کامیاب آیند ، پس در حضرت حضور حکمفرما این شیوه‌عمل است بطریق مثل ! حضرت مولانای روم در مثنوی خویش بحواله عدل چه خوب وضع اندر موضعش علاوه خود وضع در ناموضعش

پس هر چیزی کمال و موقع ، مناسب باشد آنرا عقلا گفته‌اند ، و عقلا را توجه و بشارت میدهم ، و امیدوار گردیم که بشاهد صدق و جان نثاری حسب آداب وظیفهٔ عسکری در راه خدمت دولت و مهربان خود ها کوشش و رزید انشاء الله بالضرور سزاوار حسن عنایت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1703 of 1786

از فرض بکفایت خواهد رسید. و چون این یک قاعدهٔ عمومیه بشمرده شده است که کثیره و نتیجهٔ هرچون وچگی قدری بنائی و دوری بیشتر در بصورت زشیه آه وقتی که بانجام واگرام خود نایل شویم انتظار قلیل بیهمه حال شیالازم خواهدشد. مگر تحقیق بدانید که بصداقت واطاعت در اکردر مزیدهٔ قلب خود کاشید اخیراً آثار حلاوت بار آرا خواهید خورد هرچند در انتظار دیدن آن مدتها گذرد رهنما گذرده آید! وبالقابل خداوندما وتیارا از حیات پادشاه دیانت حفظ فرماید زیرا دائمهٔ اقبال رشت وقیمه خیل زود بار آور وبهره شونده است! ذات اعلیحضرت اولوالامرمتبوع مقدس ماچون پدر دلسوز ما رحیم ومهربان وبهر گونه لطف واحسان شاملمروشیارا تدریجیرمایند وبتوجه مبذولهٔ الامتیازی متعلق بامور نظامی مفروض دارند وهمه وقت حاضر ساز گران کیه خویش را بانواع مرحمت وانعام خصوص ملوکانه شان مباهات میباشند. پس بایدماخودبکقدری نگرو تأمل تاجوسرنگریبان خود کرده ببینیم کهآیا حقیقتاً لایق وقابل این همه التفات وتلطیفات همایون شان هستیم. یاخیر! بمدخود خود بدوشن خواهد گشت که بانواع جنایت بدترین همه قدرومرتبی کهازان اعلیحضرت پادشاهی منصرف بارتکب حس رحم وشفقت گردیده خویش راناهموار نیل بستوانا است. واگر خلل دارید وازاظهار نمیکنید باری خودتان را ازین متنفس که درخلدارید جداوبیگانه ساخته وبرتک تملکت اجنبی دیگری هرچند که یک دولت اسلامی باشد فرض کنید. وبدیده انصاف خود بینید وانصاف فرمایید که آیا ارکان ادارهٔ حربیهٔ آن دولت اجنبی از نیاهارا چو چنین منصبهائیکه فی الحال چین فیوضات پادشاه لشکر زور وبدد دولت کشتر خویش در وطن عزیز خود دارید دارد خواهند بود! چرا که بک درجه و لیاقت و یک حیثیت شخصیت غیر معمولی را که دلیل دعوی واستحقاق ما شود بمانک نمیابیم. پس چون صورت معامله چنین است لازمکه باهزار زبان شکر نعمت حضرت حضیجانه شان را بجا آورده کمور نشوبزارا اجرئه خدا را در آغوش وطن مقدس ما ودر تحت سایه ترقیات وافیهٔ دولت علیهٔ پادشاه خیرخواه بزرگ معظم خود مثل گذشته امنیت وراحت داده است! یکانه مدارش من بشما اینست که بایدهر کدام شما مطابق اصول وآداب نظامی در نامی سررشته های عسکری بدوی تبلیغات افسر بزرگ تر از خود را بکنید. واگر بخلاف آن عمل بزا گردید البته برشما لعنت عسکرزا اطلاق نباید کرد. وکلی از مقام عسکریت محروم وعزی خواهید ماند. وغیر از ان مثلا چون بموجب امر واراده ذات اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه مقدس یک نفر کمیسار مقرر کرده شد. پس در صورتیکه یک عسکری بیت نفر مامورمنصب ما تحتی حکم را قبول نکرد کویاً فی الحقیقت حکم پادشاه را لغو نموده گناهی توسط آن بعوالمه خدای خود عصیان ورزیده است زیرا ذات اعلیحضرت پادشاه مسلمان رعموم مسلمین از طرف حضرت مقدس خلافت پناهی عرض گردانیده شده است وچون اولوالامر زبان مقدس خود کسی را دیگران ما کم ساخت حکم هرچند که یک آدمی بانداز برای ضابط وحفظ حقوق اولوالامر رهمکان فرض وواجب میگردد؛ نازمانی که از دست من بکی وبیش آید در تربیه و اصلاح عسکری خواهم کوشید وتا کنان فعالیت جانانکه خودمن میدانم ازهر گونه جزئی وکلی ابقا هر کرده. واگر مافی بیهم آنرا بانام قوت وتوانائی خود دفع خواهم کرد. واین ملاحظات من در نظر هر گونه دوراندیشه آیدهی قدر که ازدستش مقدوراست در منع آن صرفه نکند. واگر احیاً دیدم که لیشتوبرخصوریادشاه وولینعمی وبادار خود ایستاده شده هرگونه احوال وکیفیت خود را عرض کرده پیش پاگذارزن شاهانه معامله خودرا بحول وقوس خواهم نمود! سر افسر بزرگ اردوی هر ملت بادشاه آنست حضرت حق وقدر مطلق جل وعلا. ذات اقدس اعلیحضرت همایونی را بحق قدیم خودزاول لایق وسزاوار تخت وتاج سلطنت مدیده برما بادشاه واولوالامر معین فرموده است. ازاینرو اعلیحضرت او امر هرگونه کارها وادارات عسکری وملکی مالست. پس جای بسیار فخر ومباهات است که ما وشما را در تحت سرافسری شاهانه شان زمامنصب نایل لطافی خویش فرموده اند لهذا ما را بایدکه بشرف ومفاخرت وجود منصب آمود بادشاه ترفیخواه معظم خویش مطابقاً دولت خودرا از همهٔ دولتها اول وعسکر خودرا از همه عسکرها اکمل سازیم وبای وتومیدی راهیچ بخودراه نداده بالقاه موجودیت خود بهمهٔ کروفر وهست وبود خودما درتحصیل رضای سعادت اقتضای ذات مراحم آیات اولوالامرا قدس اعظم واب اشفق ازهر خود ها وترقی وطن ومملت. ودین ودولت خویش بی وکوشش ورزیده، ازبارگاه حضرت ازلد سبحان درانجرا واجرای اوامر واحکام سعادت انجام شاهانه، وتحصیل رضایق وموافقت اقدامات وافر شادان حکمت آیات همایون شان که هرکدام آنرای مایهٔ بانعامات وعنایت است همهٔ امتنان واستحسان توفیق وتوان آنرو ومسئلت نمایم!»

[درینجا که هرتعلق مارضاً خاطرگرفت وهم ازمهاجومعاکره مراج حاصل شده ودیگر حاضر گردیدن موقع عکس گرفتن هم گذارآنار انعقاد مجلس درباب خویش وتنظیم آن با مورعسکری حکم شده بود بحضور مبارک رسید. که بناران بموجب امرصدر عقل عموم صاحب منصبان از جهتهای خود رخسته بعیت دلی شان بموقع بانصای خوشنمائی که برای عکس اندازی باصول منتظمی ترتیب وزینت یافته ویقدم نهاده، درحالیکه ذات نظارتپناهی درمیوسط، وعموم افسران راطراف شان صف بسان شوکی گشته، وصمیمان مخلصانه بهی در حال قیام وجلوس چندنقطه تصویر گرفته بعد ازانکه ازانداختن عکس بکل فراغ دست داد ذات علی بالعموم حضار رخواسته دست دعابیار گاه حضرت حق بگانهٔ بیهتاجل وعلا بانداء صدق وصفا برداشته بسلامتی وجود ذیجود مراحم نمود اعلیحضرت پادشاه ترفیخواه حقایق آگاه دیانت اکتناه معظم محبوب القلوب مقدس افغانستان را رحمتام نموده واخیراً عموم حاضرین را امرعودت عطا فرموده بمسافت پنج هزار میاسم احتفالغرب دل عسکری که درعکس دایرهٔ دلی رسم گردیده بود با کمال راحت وسرور وفرحت وحبوره بایان رسید!

[محرر اداره (عبدالرحمن) که مأموراً حاضر مجلس بوده]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1704 of 1786

تشویق عرفان

جهان بگشتم و وردا بهیچ داد و دیار
نیافتم که بجز علم و مکتب بسیار

شود رقی دولت ، سعادت ملت

رود هلاکت وذلت ، نظام یابد کار

آری ، آری ! ممکن نیست ، زیرا از چیزهای بدیهی و آشکار ، انکار کردن ممکن نیست ! ! اگر بگوئیم که آیا اروپا چرا بر تمام قسمتهای روی زمین مستولی شده توانسته ، وترقی را زمین خود ساخته ! بجز همین امر بدیهی وآشکار ظاهر وهویدا دیگر چیزی گفته ودیده نمیشود که از وفن آموخته ، واز آن قوت وزور حاصل کرده دنیا مستولی شده ، وترقرا زمین خود ساخته !

درترقی دولت (ژاپون) را چرا زمین خود نتوانسته بسازد ؟ حل آنکه دولت چین که دربیش بین (ژاپون) افتاده ، بچه ار دولت (ژاپون) بزرگتر است ! آیا از این سبب نتوانسته که بوقت وزمانی پیدار گردد ، ویک جنبه وجهد بابی که امروز حیرت وبدهد بکار آغاز نهاده ودرجهٔ بسیار قلیلهٔ خود را بدرجهٔ مکملیت اوروپ رسانیده توانسته ، واین را نکرده مکرر اینکه درجهٔ علوم وفنون وصنایع وتجارت وفنون حربیهٔ وبحریه ، اوروپ را تقلید وتعلیب کرده ، وسوی تقلید وتعلیب شعشعه های ظاهری اوروپ — یعنی بالاهای فیشن وعشرت ، وسفاهت اوروپ هیچ چیز هم نخورده ، وصحت عقاید واخلاق وعادات وطرز معیشت وپوشاک خودرا هیچ تغییر نداده ، هرچه که کرده مکتبهای طرز جدیدرا که منبع ترقی وحاکمیت اوروپ خود افزونی یافته ، تحصیل ابنای — یعنی جوانانیکه ونیستکه ، بالصورت چیزی بم ساخته ، وفکر کرده ملت ازاین راه بزرگترین وحزین ترین شاهد وعمارتها مکتبهارا خواهد دید که عمارتها وشاهدهای وزراوزرکان شیرین زده آیا کاهدهای بسیار عظیمی معلوم میشود ، سعادت ملت اگر بازاول درمکتبهای فنون حربیه وبحریه اوروپ رفته درفنون بحریه بدرجهٔ انگلیزها ، ودرفنون حربیهٔ بدرجهٔ آلمانها بالا شده بازآمده ، وامور صنعتی وتجارتی داخلی خود شارا بصنعتهای نوینه وتجارت واسعهٔ اوروپ آمیخته کرده وتطبیق داده ازاعلا ترین دولتهای اوروپ درخصوصیا وگیا ورزیده ، آیا اینها همه ازچه شد ؟ همه از مکتب وآموزش ، همه ازعلم وکوشش !

حالا یکدفعه بامریکا نظر اندازیم ! — مکتب ، یگانه ماشین حاله آدم سازی درجمیع مملکهٔ امریکا ، آنچنان یک میدانگاه معرفت ، وآنچنان یک بیان مدنیت شمرده میشود که هزاره قدر وقیمت آرا ، ورثهٔ اعتبار وحرمت آرا دیگر هیچ چیزی نداده .

« مکتب » درنظر اهالی امریکا سنگ نخستین تمدنای دولت جمهوریت شالست . « ویلیامز » ، « لیرنس شان » ، واشینگتن تمریس شان که اساس وبنیاد مدنیت امریکا را وضع نموده اند ، وصیت ونصیحت اول وآخرشان همین بوده که : — رهارا بخوانید ! » .

یعنی کهمردمان هوشیار امریکا درباب مکتب مهر ورزیده ، یگانه موجب افزونی وبسیاری ، وترقیات وبلندیهای امور معارف شان شده است . همه حکومتهای متفقه که ازان حکومتها بکدولت متفقه آراز روی بنیاد باشو کت وعظمتی بوجود آمده است دراول امر که تأسیس حکومت نموده اند یک حصهٔ درازمیدای منحصرا برای « مکتب معارف » یعنی ماشین خانه‌های آدم سازی — تاک وتربع نموده ، ازین تخمش جوانمردانهٔ معارف خواهانهٔ حکومت ، آنچنان میدانهای واسع وفراخ ومزرعها وعمارتهای شاهانه‌گان ، ازقبیل « مکتب » های عرفان منبع بوجود آمده است که « مساحهٔ مطمحهٔ همهٔ ارامی ازمیدانهای مذکوره مکتبهای منحصر امریکا مساحهٔ مطمحهٔ قاعدهٔ فرانسیز اطرسکیا پکنده

درسعی ولایتهای حاکمنشین امریکا ، یکثلث تمام حاصلات مالیات آنولایت یکتنها تزک کرده شده است . اهالی آن ولایت بچون این عدل و احسان حکومت را مشاهده نموده اند بجرئت آمده توانگران تشکیک ومعارف خواهان ملت جمیعا تشکیل داده اند . و اسمها — یعنی چندها — جمع آورده اند ، ودرپهلوی مکتبهای موجوده مدارس دیگر مکتب افزوده اند .

مثلا : « چنانم » « نیویک توانگر عرفان پروری درولایت « دی » رایی‌انا » بنیاد « فانزیک » « مکتب عالی » بیکدفعه (۳) ملیون روپیه میدهد . و درنیک طرف دیگر ، چند نفر ازاهل خیرات وسران جم آمده برای بازنودن یک « مکتب عالی » درشهر (نور ویچ) . مبلغ (٤) ملیون (۲۵) هزار روپیه درتعیین خود آغاز میکنند . درنیک سوی دیگر میبینی « که یکی از سوداگران اهل خیرات عالی جناب دست سخا وانگارانهٔ خودرا دراز کرده برای آنکه دارشهر « نیویارک » برای دختران صغیرهٔ ملت یک مکتب بسیار عالیشان ومعظمی ساخته مبلغ دو ملیون — یعنی (۲۰) لک روپیه هبه میکند .

« (امریکا) عزت واعتبار یک معلم ومتعلمهای « مکتبهای ابتدائیه دارند . « درمیان جمعیتهای عالیه و غیره مقامهای بالائی را که آنها فرا گرفته اند دلیل روشن وحجت برنیک اهالی آن سرزمین از آنجا چندین وتحصیل آنچه درجه علمی و معلومات مفرطه دارند وصف معلمین ومعلمات مکاتب « ابتدائیه امریکا بمقام ومنزلهٔ روحهای بنظر حرمت ورعایت می بیند درام

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1705 of 1786

... بطور مخصوص نوشته‌اند ، مثلاً آنکه جریده‌ها روزنامه‌هایی که مربی برای اطفال مخصوصست بیش از صدها متجاوز است ، ومعهذا این جریده‌ها وروزنامه‌ها بیشمار ها خواننده ومشتری هم دارند ، آیا پاریس (بوستون) در سنهٔ ۱۸۵۷ یک روزنامهٔ بنام (کلفت بچه) داشته که بعد از سنهٔ ۱۸۶۱ — یعنی چهار سال بعد از انتشار آن ، (۳) نمره خوانده ومشترک پیدا کرده است ؟

ای ترک ! واپارچی که تازه‌بچه تحصیل کرده آمده‌ایم واقعاً چیست که بین دو جلد وپنج‌سال وقفشده است . تصور شود که آیا این تحصیلی که نموده‌ایم که شان بالمجاله خرمنها خرمنها حاصلات ومنافع بار آورده باید ! چیزیکه معلومست همینقدر است که در همین جنگ بالکن حاضره ... ملیاردها دینار های خزینه‌های قمرتاب اوروپارا پرزهای زیادهٔ آهن وآس کنید ، ودار الصناعه های امریکارا یکباره کتله جمعیه مقناطیس!

ملاحظه کنید که ترجمهٔ شعر یک شاعر مشهور فرانسیسی را که معروف ... (وکتور هوگو) ست ، واز شعرا و حکماء مشهور عصر ... میباشد درپیشگاه نظرتان عرض کنم :

این منظومه‌را (وکتور هوگو) بمقدار مباحث وگرمی زندان نظم آورده بوده است : بشنو !

« هرگاه وطن را که خواسته کردی ، یک آدم بوطن افزودی ، وهرگاه را که جاهل گذاشتی ، یک آدم ازوطن کم کردی !

« یکنفر دوست خود (زندان) را زیارت کرده ، در صدی نود از بیچارا ناخوان ناتوبس دیده که در مدت عمر خود یک بارک هم بروی کاغذ مکتوب قلم نزدانته اند !

« اعضا — یعنی دستخط — شان عبارت ازیک نقش بچگانه کشیدن، یا بر لکت خودرا بیاض مالیده وضع نمودن میباشد !

واین است که آن چهارمعادن میان تاریکی جهالت چون شده مانده‌اند آنها مانیتوانیم یک چاره برای زندگانی خودپیدا بکنند ، چه‌راهی رفته‌اند چرا که جهالت یک راه مظلم و تاریکیست که انسانرا در گردابی که آرامی بند میاندازد ، وروشنیک عقل وحکمت زایل شود ، ناموس وحیثیت بسم‌آباد فراموشی نقصان نقصان میرود !

« حضرت خلاق کائنات که موجودات را خلق وتألیف فرموده شهای سریع پرواز افکار انسانهای نقاط را کوروی این کرهٔ زمین ... لایعقل افتاده‌اند ، ودرصفحه‌های کتابها گنجانیده‌است ! هرآدمی یک کتابی را بکشاید ، ودرآنجا یک پروبالی میابد که آن پروبال هزار ... انسان اوهام‌خیال پروازهای آرزو را ساکت میشود ، وسوی تام عین حقیقت سرراست بلندشده پرواز می‌کند ! (مکتب) چنانچه یک ... فلسفی میباشد ، همچنان یک دارالامان هم‌هست ! درزیرهر حرف کتابهای الفبا که بچه‌گکهای خورد ، بالکتابهای کوچک خودهما ... میکنند بلکه‌تور فضیلت میدرخشد ، ومانع ، درزیرتو این‌بیاآهسته ... بدوشش شدن روی نهد ! این چون چیزیست ، بچه‌گکهای کوچکترا کتابهای کوچک کوچک‌خریده‌دهید! تامعلمهای معارف ... دردستهای خودشان گرفته‌پیش بروند که آنها همانرا پیروی کنند ، ... تاریکی رهایی یابند .

« زیرا تاریکی ، خطاها را ، وخطاها جنایتها را تولید می کنند ، عدوم مادون الاشرف تحصیل ندارند ، انسانهارا بدرکات حیوانات پستی میدهد که ازهمین خط حرکت خود حاضر باشند وراه روند ! آری آری ! افکاررا باید روشن نمائیم . تحسین ومقدس قانون ما همین باید بود . باکمال قوتها ومو جودیتهای خود بدرخشان ساختن شمع معارف کوشش ورزیم . ذکا ، همیشه درحاضر شدن وخیلی زودن استعداد وقابلیت دارد . چنانچه کم وبیش شدن ونشو ونما محتاج است افکار نیز روشن شدن عرض احتیاج می‌کنند . اگر انسان متفکر نباشد زندگانی نمی‌کند . اگر متفکر نباشد معاً همه حال برذلحکوم میشود !

« حال آنکه این دردها وبن فلاکتهای جنایتکاررا که درزندان نالان وگریان وازحیات بی‌نصیب ورو گردان می‌بینیم ، هیچشبه نیست که بزندان حق صریح داشتند ، آنها را خوب باید بیندیشیم مکتب و من‌را خلا می‌کنند ، حال آنکه (جهالت) خلا را به اسرت تحویل میدهد .

« من می گویم ، که این دردها ، یک نقروهای بسیار درخشان وبیک فکربسیار مستعد ، بلکه یک کتلهٔ جانملک بودند ، حال چون باین احوال مردوچار شدهاند ، ازبزرگترین اخلاق دریای سعادت وبچار گی ، بسوی ماها — کمطالعها بسیار دور میجوید ، وروزهای دنیا باما قسم می‌کند — درباب این‌فلاکت دوچار آمدگی خودمادر حق بدست دارند کلاماحسابات بپرسند .

« من می گویم ، کهاینها انسان بودند ، اینهارا ماوحشی ساختیم من می گویم ، کهازحال ایشان ماعیباید خودمارا قضاوت بدهیم ودرین اثر در اعماق آنها داد بیموزاچه ، من می گویم ، که اصل مقولها همه قابلیتها ، واصل مسروقها ، همین‌سارقها میباشند ، من می گویم که مسئول حقیقی جنایتهائی که کرده اند خود آنها نی ، بلکه چون مقدمهٔ حقیقت‌را ازانها جمعیت بشریه پنهان کرده‌است ازالتباب مسئول حقیقی جمعیت است ، من اینها را بدرجهٔ میشمارم ، زیرا جنایت اول پرتها اجرائشده‌است اینها خوانده نشده‌اند — یعنی هیئت اجتماعیه روح آنهارا میرانده است ، ویک حق‌زندگانی آنهارا غصب کرده‌است» (اینها) ای اهل وطن عزیز! (مراح الاخبار ادبیه) باید قوه وقیه خود — یعنی باید اوراق جرائد وا مردوبدل افکار ، و گفتگوی سیاسی کرد ، نتیجه برهمین قراریافت که بیرون افزودن مکتبهای عرفان ، وروشن‌شدن افکار واذهان چارهٔ نجات وترقی درینعصر وا زمان برای قومها وملتهای دنیا خواهد بود ، ازین است که ازانقلاب افکار خود ناچار زبان ترکی ، زبان اخلاق ، زبان اتحاد فریاد ! وآوازهای رقیرقم بلند کرده وخواهد کرد ! اما چه فایده « لقد اسمعت لوناديت حيّا ولكن لاحبّ من تنادى » .

یکبار تصور شود که اگرمدرسهٔ سلیمیهٔ این بدرجهٔ حیه وسعی زائیها بامریکاییها گر هن نمیبودند و روزنامه‌های روانی انتشار ومشعله‌های رهنمای معارف ومکتبهارا نمی افروختند ، وصدها صدها

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1706 of 1786

اولادهای وطن با صدها صدمات روبرو می‌آموختند ، و مانند نحل‌های عسل پر هر ظرف دسترا که دیده و خلاصه‌ها و شیره های گیاهای صنایع وفنون مختلفه را گرفته بآرزوی نشان دادن وطن مقدس خود عودت میکردند . حالا چه‌ها نتیجه نرفیا نبود که ما بآن نایل و سرافراز نمیشدیم ! بارهم وقتیکه ، در هر وقت خوش که دست بعد مقتدر ، گذشته بکار آغاز باید کرد ، (استقبال) را ! اگر خود نیران هیچوقت نمیمیرد ، زمانیکه (استقبال) را میپرداز همین است که میگویم « دنیا پس هرکسا چه دنیا چه سرای آه ... »

آخرین کلامیا بزمین است ، وهمین خواهد بود :

اولاد وطنی را بگیرید تأیید

حالو استقبال خودرا بیندیشید

(مرثیه در فوت مرحوم)

عبدالغفور

(بدیع)

(رفت از بام گلزار سمن رفت حیف)

(زهره وجبرئیل زند کان زرفت حیف)

(زدل اربابدانش داغ حسرتها نهاد)

(رفت شمع انجمنها زایکان رفت حیف)

(سروشد آیات خدارا گرمی بازار گل)

(عندلیب گلشن شیرین زبان رفت حیف)

(چون نگردد دوستان امروز رحلت دیم)

(بازآید باردیگر بودنی رفت حیف)

(آمدو رفتست محال کاروان هستیش)

(جنبش عمر عدم الزمام فانی رفت حیف)

(بینی ازین اگرچه خودداری ودفرمارا)

(چرا گشته ندیم اهل جوانی رفت حیف)

(شاعر شیرین کلام سخن لعظ متین)

(شهسوار عرصه کاوشکده دانی رفت حیف)

(آنکه کلی میکرد از قدرو کاهی سخن)

(چون صدف پران گهر پاصد نشانی رفت حیف)

(باز عرض آرزوی استقامت داشتیم)

(زود بیاشد سر آمد روانی رفت حیف)

(بحر وصلش لشه (منشی) بیکام وداع)

(در حجاب خاک از چشم نهانی رفت حیف)

حوادث خارجه

خبرهای رادیو اروپا

وردون

مکتوب از خطوط آلمان

از ورنه

هشت نفر از وقایع نگاران بیطرف که از آن جمله چهار خبرنگار میباشند روز یکشنبه اجازت حاصل کردند که بخطوط تانها در اطراف وردون بروند و آنقصه وقایع نگار ما این بود که چندین درفرودت جنت توقف نمایند ، لیکن تاکنان حکم شد که بدین مراجعت کنند یکی از وقایع نگارهای مزبوره که (ون ویکند) نامیدارد شرح بسیوره دارد تذکراف میکند بدین تفصیل از زیرکی وردون تا آخر خانه آلمان در آنجا . شرق قلعه دوامونت مورخه ۵ مارس (توانهای آلمان ملاحظه فرموده‌اند که چگونه حیات سربازان خویش را بحفظ نمایند بعوض آنکه هزاران عسکر را مانند سیل مامور گردن یک موقع خیر قابل نسخ نمایند حمله اول سیر میکنند تا وقتیکه راه را کاملا صاف نمایند در این موقع که بیوتنی این راپورت انتشار یافت ما هم در فرودت وردون نسبتا ساکوت و آرامش برقرار است . آلمانها بطور کندی و تعلق اما منظما مشغول پیشرفت هستند آلمانها بایک علم و ترتیبی که مخصوص خود شان است حلقات خودرا بدور وردون متوجه میدارند و هر حرکت وجنبشی یک نقشه کامل طرح مینمایند ، و حتی الظاهر هیچ عجله وشتاب ندارند .

دراین مسافرت هادی ما یک نفر کاپتان از ارکان حربیه و اصحاب اثر بود مشارالیه مارا در نزدیکی « این » ملاقات کرد و اما در دشت و در اثنای مجادله واقع بود که مواضع فرانسویها در آن اوان فرانسوا دالن ویالیا مارا مورد شلیک خود قرار میدادند از آنجه ۳۰۵ و ۲۱۰ سانتی متر و در « سکرهای ایستادن آلمان واقع بود تا چند میل خون خلایق بحرانی را میتوانستیم مشاهده نمائیم . در جلو سیمهای خاردار هزار و نفر سرباز فرانسوی با تلوارهای فرمیاقی مانده بودند . از اوضاع دقتی بود گفته شده بودند و سرآنها از بدنشان مفقودی بود لکه چون همین که از میان جنگل‌های توتوم عبور کردیم بیک نفر بیرق کمارقلعه دوامونت کمتر از یک میل مسافت داشت . قریه دوامونت در عمق آلمانها میباشد هیچکه شخص از خط سیرقشون مهاجم آلمان حرکت را ملاحظه میکند که تلفات آلمانها در این جنگ بسیار کم بوده است با خاطر آنها رادار برای پیاده نظام وقشون سواره تهیه کرده است جنگ‌های اطراف وردون مانند سایر جنگهای فرونت غربی غیر متحرک شخص هرقدر بخطوط جنگ نزدیک میشود کمتر چیز می‌بیند مگر حرکت از کنار باطریهای سیار توخانه گذشتیم ، تا خال در حوزه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1707 of 1786

...رون‌های جنگ من این‌مقدار توپخانه ندیده‌ام . بعضی از توپ‌ها را پیش فرستاده بودند تا برای ما جا باز کنند . بعضی‌ها را آشکار نموده بودند چنانچه گوئی آنها پیش فرانسوی‌ها می‌شمارند . برای عظیم‌الجثه‌سیار برای عبارتمان و تسخیر قلعه آورده‌اند . دریک نقطه بالای از توپهای سب انداز و در امتداد جاده یک قطار توپ برای بشلیک اشتغال دارند . همین که قدری ما کم‌می شوند داده از آنها را مبتوب که مجدداً و بشلیک میکنند . تزلزل انقلاب هوا تقریباً کلاهای ما را از سر ما ربوده‌اند .

تصرف قلعه دوامونت

یکی از دیدبانها که صاحب منصب موزه‌ای بود مرا اجازت داد که ... دوربین پرقوت اورا نگاه کنم . دوامونت که بالنسبه کوچک می‌نماید

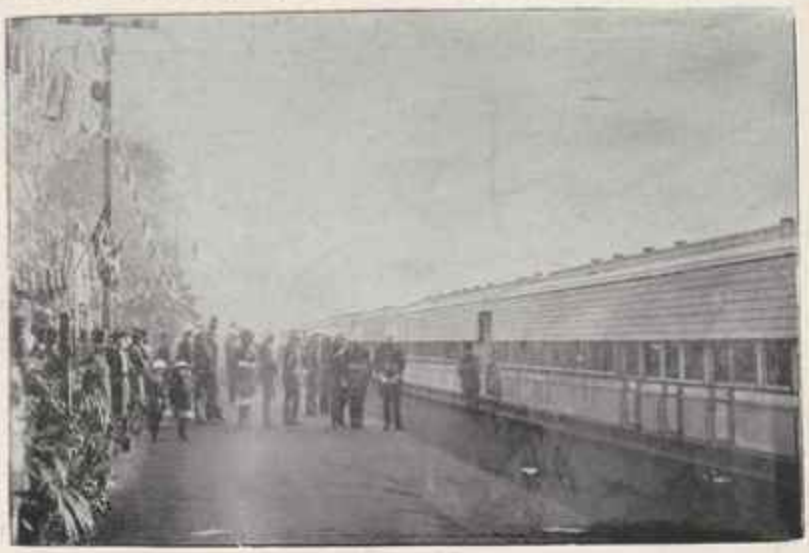

سکتا

ورود قطار راه‌آهن در ایستگاه

...ورا از طرف فرستاده آنان حکم شد که توپخانه عقب قلعه دوامونت ... پاره کند تا قوای امدادیه برای مستحفظین فرانسوی رسیدهان ... نظام قلعه حمله کردند و در مقابل از طرف قشون فرانسه مقاومتی ... نشد در حوالی قلعه بخروج بالنصاحب منصب توپخانه کار ۲۰ سال ... تجاوز است .

صاحب منصب توپخانه ساکت نبود که بالنسبا نزدیک شده‌اند ... یک وقتی دیده باز کرده انها نمایند و از توپها دو قبر تلف شد .

واین دو نفر هم بیرون رفته بودند که خطوط تلفون را تعمیر نمایند ... صاحب منصبان باده نظام خارج قلعه درستگر بودند . علی‌الظاهر ... که توپخانه آنان تلف کرده صاحب‌منصبان خواستند صحبت ... تلفون را دادند بدهند و چند دقیقه زمینه نداده و قلعه را تسلیم مگر وقتی

کلی خراب شده است . این قریه در تصرف آلمانها است و اکنون فرانسویها در مدخل آن یک سنگر محکمی دارند . فرانسویان کوشش میکنند بتوسط همان دیوار مذکور آلمانها را از ادامه پیشرفت باز دارند و تا وقتی که مشغول اینکار هستند یک‌هزار و پانصد نفر از آنها را در حرارتها غرق میکرده و قسمتی از قریه مزبور در اثر دود و غبار مستور میشود .

قلعه که در مرتفع‌ترین نقطه سمت شمال واقع می‌باشد در تصرف آلمانها است و این قلعه برای توپخانه جنگی آلمانها مفید است : آلمانها صبح زود قلعه دوامونت را تصرف درآوردند . آتش هوائی آلمانها پیاده نظام فرانسوی را از مواقع خویش بیرون راند آلمانها مانند ده دانش توپخانه خود ۳۰۰۰ نفر را که از ژانویه بست و چهارم راه تیر کی تشکیل یافته بود نزدیک جنگل اورده

که آلمانها انجا بودند فرستادند و در موقع دخول قلعه تقدیری نزدیک به آتش فرانسویان است که جز در شب دیجور و مرور ممکن نمیشود تعیین

پس از رجعت موطن

رلن ـ کشتی معروف به موبه پس از چند ماه مسافرتهای پرخطر وارد بندر و یلیمشافن گردیده و عدهٔ از اعضاء بحریه انگلیس را با مقداری طلا و جواهر بغنیمت آورده بود . رسیدن کشتی مزبور موجب یک مسرت فوق العاده گردید .

پس از اقتدار از ورث مسافرت که معادل ۵۸ هزار تن جواهرات مؤلفین را غرق و اسیر ساخته و علاوه دوسه اهل انگلستان مجروح کرده بوده است اهالی بوجد و شعف طلاق و فرمانده او را پذیرائی کردند .

صبح روز کشتی معروف مزبور با سرعت فوق‌العاده در لنگر انداخت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1708 of 1786

یافته واستقبال شایان ازآنها بعمل آمد .

دوتن صاحب منصب فرستاده کشور به نشان صلیب آهن درجه اول وسایر عده جات بهنشان صلیب آهن درجهٔ دوم مفتخر شدند درتمام حضور به صاحب منصبان و مو ، حکم رسید که بازدوکاه عمومی رفته وبحضور قیصر شرفیاب گردند واورا طور میل دارد که باآنها صحبت کرده حکایات مسافرت وعملیات آنرا ازایشان بشنود .

عملیات آلمان درفرونت شرقی

روز نامه ، روسکی اینوالید ، مینویسد که آلمانها درساحل غربی خلیج ریکا تدابیر احتیاطیه بکار برده وعملیات بزرگی انجام میدهند که قوای روسیه نتواند موفقیت حاصل نموده وفشون خودرا پیاده کنند .

حصار های محکم کشیده وحفره‌های زیادترتیب داده اند وسیمهای خاردارتعبیه نموده آمدوشد بین جبهه اوساط فشون وسایروسایل ارتباطیه بامرا کز پشت سرارد و های خود اتصال میدهند بطور عموم گمانها

از مناظر کراچی

کنند وآزاد برای آلمان تمام کرده اند این روزها مطاوع نامیده امضا خواهد شد .

مین های مقناطیسی جدید الاختراع

در روزنامه اسود می کنند که کشتیهای موسوم به (نوبلیا) و (بالامبان کو) که اخیرا غرق شده اند ، به مین های آلمان یکی جدید الاختراع آلمان مصادف شده وازاثر مینهای مزبور خلاصی گردیده اند .

سال وضرر متفقین خاتمه میابد

برای دشمنان آلمان سال جدی خاتمه میابد درین النهرین پانصد فشون انگلیس نابودشده است درمصروایه فشون انگلیس وفرانسه ازخاك ضربت طلب شسته اند وعلاوه براینکه نتوانسته اند به ضرب های وارد یکی نمایند خود شان هم درخطر هستند . اعتبار متفقین در شرق زیاد در هم شکسته شده ودر شرق اقصی کار خود بجود مشکل کشته است .

راین مرکایك درفصل بهار ازطرف روسیه انتظار میرود خود راحاضر ومهیای کنند وتدابیر لازمه را پیش ازوقت اتخاذ مینماید .

درجبهه دوبیاد اطراف با کو نشانه وجنایتهای منکرهای ، دوسیك ، ارمنیان بسیار بزرگ از آنها مشاهده میشود . ظاهرا انها دراین حدود مشغول ترتیب وتدارکات لازمه هستند درقفقاز قوای روسیه فقط عملیات معمولی کشفیات جریان دارد . درجبهه جنوب غربی اشتات آلمان اتریش بیشتر وسخت است . درانجا تابحال مصادمه درست قوای روسی است .

راه آهن مابین ورشو وبکارست

نظر باشعارات جراید برلن ، درمابین ورشو وبکارست حرکت قطار های راه آهن شروع شده است .

اتوف رای آلمان

از دوروجه ، میرسد که عده اسیر رومانیا بالغ صد هزار واکنون

هرین کمپانك نظر قهرمانی وشجاعتی را که ۱۲ ماه اخیر جنك نظر فکنه ملاحظه می کنیم کامیروزی وموفقیت آلمان درمیدان جنك نظر قوت قوی ۱۴ بلیون کیر بوده است . لهستان وصربستان توانیا آلمان فتح کرده وبلغاریول راباز کوده وباقار راباخود همراه ساخته است درسمت مغرب ازپیشرفت حلات مخالفه متفقین ممانعت نموده وازمان احتلاء جنك های فلاندر به منفعت آلمان خطوط جنگی تحالت سابق ساخته اند .

ایکی اظهار این مسئله لازم است که درمشرق ودرمغرب قشیالت بوده است درفرانسه ودربازیك آلمان متعهد شده که ازپیشرفت متحال خود جلو گیری نماید وچنین گرد از روسیه قصد کرد که ورتوا بگیرد وفشون روس را از کارخانجات بدان سمت تعیین راند وعقده مهم را انجام داد . اخرالامر متوجه بالکان شده وبا سرعت زیاد فتح قطعی حاصل نموده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1709 of 1786

در اثر سال جدیدالبان ومتفقین وی هنوز قانع ومطمئن وضعیات بهای شان ازسال قبل بهتر است .

شعلهٔ کار خانه کروپ در (شاولی)

ژنرو گزارد خبر میدهند که بحسب اطلاعاتیکه از امرای جنگ رسیده است . در شهر « شاولی » یک شعلهٔ از کارخانه کروپ تولید یافته است . امرای فرانسه واهالی بومی درانجا کار می کنند .

« اجیق سوز ۳۰ - ٤ ربیع الثانی »

خبرهای راجع بقوت آلمان

وقایع نگار فرانکفورتر زیتونگ ورلیشده ۵ مارس خبرداد که ژرانسویها دوروردون تخریباً ۶۵۰۰۰ قشون تلف شده است.

ودرجائی میگوید :

دشمنان ماقوای آلمان را دوروردون ۶۷ دیویژن تخمین میکنند. نه ماه آنها خبرخواهیم داد . که قوای مابچه اندازه است اما همین در خاطرنشان مینمائیم که تلفات ما در دوردون فقط یک عده قلیلی از قوای مارا مشغول میدارد بطور یکه درسایر نقاط فرونت جنگ درفت خواهیم توانست بمقام تعرضی داشته باشیم چنانچه در تمامیان همین مسئله ثابت شد این مقام عالی بدست ما امر اطوری آلمان متمکن تر ودوجمیع طرفها آزادانه نظر داشته باشند . ما در دوردون خسته نشدیم وعادت نیست که مثل هرژوفر دستجات سواره نظام برای خط حاضر کنیم . همچنین عادت نمایست که خوشحال شویم که در مواقع خود بانام چنانکه فرانسویان درشامپان کردند . رؤسای ماقشون آلمان را دور خطر نگاه میدارند والا آلمانها تلفات دیگر را تحمل کرده پیش میروند قبل از آنکه مواضعشان تثبیت کرده باشند .

مورخه ۸ مارس

از جراید قفقاز

علوم وبیانات آلمانها

(فلسفهٔ فعالیت در جنگ ودرون بیانات یک صاحب منصب آلمانی)

(پتروف) محرر معروف روزنامهٔ « روسکویه اسلوو » درمقاله اخیر خود عظمت حیرت انگیز جنگ ودرون را موضوع بحث قرار داده ضمناً اظهارات یکی از صاحب منصبان آلمانی را درین موضوع مندرج داشته است که نظر باهمیت جالب توجه وغرابت آن ذیلا ترجمهٔ مقاله مزبور خیردازیم . پتروف میگوید :

حملات آلمانها درجبهه ورودون ، عین همان جریان دهشتناکی است که درسال گذشته اردوهای آلمان در فرونت روس بوقع عملیات گذاشتند در آنوقع آلمانها از امتداد فصل زمستان استفاده کرده ودر قوای خود افزوده وبایک مهارت استثنائی از راههای متعدد بطور عمق مواقع دشمن خود توپهای صحرائی وتوپهای سنگین قلعه کوب آورده بودند . نتیجه این شد که بافوران آتش شدید النظیر جنگ برگالیسیا وکوههای کارپات مانند سیل دهشتناک آلمانیها بنای هجوم به اردوهای روس گذاشته آنهای آن مرزوبوم را بادعات وقصبات ، آنها کله های موانعی ، وهرچه را که درمسیر جریان خود تصادف میکرده ، از میان برداشت . اینک دراینهای بهار امسال نیز آلمانها همان نقشه را درحدود فرانسه بموقع اجرا گذاشته ومیخواهند بهمچه هرچه تمامتر از طرف ورودون خود را بپاریس برسانند وچون وسیله بافرانسه ها برای صلح اقراری بکنارند . مطبوعات بیطرف وبعضی ازمحررین نظامی مااظهار حیرت وتعجب میکنند که آلمانها چه ملاحظه این خطرا برای عملیات خود اختیار کرده اند . درصورتیکه مسافت ورودون تاپاریس خیلی دوراست ودر خطوط جنگ فرانسه نقاط متعددی که پاریس زدیکتر هستند موجود میباشد حتی درخطوط مزبور عدهٔ فرسخها وورستهایکه در هم ایر میشارند . ولیکن خود آلمانها مطلب را بطور دیگر تصور می کنند . مثلا یکی ازصاحبمنصبان آلمانی که درعقب خطوط جنگ نهر (دوینا) اسیر روسها شده ، درین موضوع بیانات جالب توجهی تحریر نموده است که خلاصه آنرا درانجا نقل میکنیم ، درضمن مصاحبه باصاحب منصب مزبور اظهار تعجب شد که آلمانها چه ملاحظه ورودون را برای عملیات خود انتخاب کردند . صاحب منصب آلمانی نسبه غرور آمیز خودرا پنهان نکرده واظهارات ذیل را نمود :

آیا جای تعجب است ! درینجا چیزوجه مطلب تعجب آوری نیست . شما روسها ضرب اثقل دارید که (ارزان است ولیکن پوسیده وگران است لیکن خوب) این نکته را بدانید که بعضی چیز های ارزان آخر الامر گرانتر از چیز های گران تمام میشود و گاهی ممکن است که یک راه نزدیک ، انسانرا از مقصد دورمیسازد . اینجا است که گفته اند : (آهسته برو تا زود تر برسی) اینک ورودون درمقابل اردوی آلمان مانند شاخ گاو یکنوع برآمدگی پیدا کرده ومارا تهدید می کند . شما چه تصور می کنید آیا این شاخرا درهمان مرکزها کنده واز طرف دیگر پیش رویم ؟ البته اگر مطابق همین تصور است درخطوط دیگر ساپیشقدمی اختیار می نمودیم . در تصورت این شاخ انرژیت سرنیزه های فشار می گذاشت . درموضوع تقدمات عملیات اخیر آلمان .

صاحب منصب آلمانی سر خودرا تکان داده گفت : شما غرب آدمهائی هستید . در اداره از کار عرب ما روز نامه های دشمنانرا بدقت خوانده واز اظهار حیرت شما تعجب می کنند . یکنوع حالت عصبانی درخصوص عملیات ما گفته وگوئت میشود . یکنوع حالت ولاقل بی اراده وبی فائده است . خوشبختانه ما تا کنون فقط بطوریکه خودمان میخواهیم رفتار کرده ایم وظاهر راضی بوده باشید که تا کنون ازاقدامات ما نتایج بدی حاصل نشده واز عملیات خویش راضی نیستیم .

اظهارشد که صحیح است نتایج خوبی گرفته اید ، ولیکن آیا میدانید که این نتایج برای شما چه قیمتی تمام شده اند ؟

صاحب منصب اسیر مجددا تبسم کرده گفت : چه قیمتی ! قیمت یعنی چه ؟ اگر تحصیل موفقیت لازم است . درآنصورت مسئله قیمت درد رجه سوم واقع میشود . علاوه چیزدرجه یا گران است . پس چه جای تعجب است که فتح وغلبه بر گران تمام شود ؟ بلی ، جنگ بین المللی همین است . غلبه یک متاع ارزان نیست . کسیکه غلبه میخواهد هر قیمتی که باشد باید آنرا بدست بیاورد . موفقیت فقط بامصارف فوق التصور وتلفات مافوق حد وصف حاصل تواند بود . حالا تفتیش کنید کان اظهار حیرت می کنند که آلمان هایکونه بادستجات بزرگ هجوم کرده وبدها هزار تلفات را متحمل میشوند . آری ، ماده هزاران تلفات درمیدان جنگ ازدست میدهیم ودرعوض آنها صد هزاران قوای تازه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1710 of 1786

آورده الاقاصیه در حلات خویش مداومت مینمایم و بطرف مقصود نائله از کنتیا پشتیا ترتیب میدهیم . و غیر ازین ترتیب هم نمیتوان کار کرد . اصول محاربه تبدیل یافته و بیک مقیاس رسیده که بالطبع میزان تلفات هم باید تغیر بیابد .

تخمین مینمایند که اگر یک تشکیلی بیش از سایر تشکیلات دنیا وجود تمرات انسان محتاج باشد همان تشکیل آلمان است و باوجود هر فردی از افراد قشون خودمان را خیلی غنیمت میشماریم فقط بجه توان کرد که دهانه توپهای اژدر مثال خیلی وسعت یافته و بهلک خون آشام جنگ بالنتهای تخیل معین گشوده و باید برای تغذیه این جانور های آدم خور مقدار خوراک افزوده شود . جنگ عمومی در آمد بشکل یک کرکس خونخواری جلوه کرد که دهانهٔ منتظر یک پارچه مرده را خورد کرده است .

در میدانهای جنگ از طرف دشمنان هزاران توپ غارت میشود این توپها ملیونها گلوله و خمپاره میریزند که اغلب آنها از چندین رطل تا چندین خروار وزن دارند . آلات قتاله و ادوات مشتعله دشمنان فوق تصور و خیال است در مقابل این هوران اتش فشان جنگ یک سیل مواج انسانی لازم است و اگر این (دو کان) انبار ها را کسی بخواهد پاک و نابود کند قابل استقبال نباید . مثل این است که گوله آتش فشان را با لب پاشهال که مخصوص اب دادن گل و گیاه میباشد . مقابله کرده باشد . ما نمیخواستیم چنین کار مضحکی را تمایش بدهیم . در مقابل آتش شدید دشمن ، ستونهای عسکر باید جلو روند . ما باید بقصد رسیدن و اینکه بحمالک هلاک بخلیم .

این نکته هنوز مجهول مانده است . هر ساعت جوهر وقیقه خیلی گران است بلکه هر تاکتیک بقیمت زرگ دارد ما قام تاکید هارا در نظر دقت گرفته و از چشمه های بزرگ قشون سیلهای انسانرا روان کرده ما جریان این سیلهای خروشان پیش میرویم . باز هم تنها میگوئید که این نتایج برای ما گران تمام شده اند ، خیلی هم گران است . فقط باید دانست مغلوبیت از پیهم گران تر است . از پرو هجان چیزی که در نظر دیگران گران تصور میشود ، در نظر ما بی ارزش است ، ما برای قلع خویش میجنگیم ، شما بدانید که ما در صرف قوای خود بطور سبک مغزی و بی تدبیری رفتار نمی نمیم نمایند . در همان حینی که ما را تنقید می کنید . خودتان را بیک معرق نکنید . اصول تعلیمات مکاتب قدیم جنگی بکار امروز نخورده . تمام جهات ترقی یافته . و ابط و مقتضیات زمان وفق اصول تکامل تغیر پیدا کرده . و اصول مبارزه تحولات بی تبدلات عمومی حاصل نموده است .

محرر روزنامه « روسکویه اسلوو » پس از نقل شرح فوق میگوید . خیلی احتمال میرود که در اثنای بهار امسال ، نظیر حملات و دون و همان جریانیکه قبل از حملات مزوریا قادر فرونت گالیسیا وقوع پیوست ، عیناً از طرف المانها در میدانهای روسیه بعمل آمدت بنای تعلیم بگذارد .

[redacted]

ترجمه از پسه اخبار

کیفیت غرق شدن کروازور (همشایر)

بمعاونت (لارد کچنر) وزیر جنگ دولت

بریطانیه

شنبه ۷ جون

برای جناب وینستن چرچیل وزیر بحریه بتاریخ ۶ جون سنه ۱۹۱۶ این تلگراف ذیل موصول شده است

(کنه رالکیف) نهایت غم و غصه خبر میدهد که جهاز جنگی (همشایر) بهمراه کپتان اول لارد کچنر وارکان حرب او که بجهاز مذکور روانه روس بودند در آبهای بابک مرتبک بابک پیدو در حین مغرق جزایر (اورکنی) غرق گردیده شد . بحر در آن وقت طوفانی امیز بود . اگرچه دو دو زورقها فرستاده شد لاکن هزار افسوس که هیچ یک جان رهای داده نشد .

(همشایر) یک کروازور زرهوش اخرترین سیستم بود و گنون آن (۱۰۵۸۰) تن بود این جهازات سنه ۱۹۰۲ تا سنه ۱۹۰۵ ساخته شده بود و دارا چهار طوپ هفت انچی و شش طوپ شش انچی موجود بود . رفتار آن در ساعت بیست و سه میل میرفت . و ۶۵۵ عسکر جهاز را حاوی بود و بلغ (۸۶۶۵۴۷) پوند ساخته شده است

لارد کچنر یک حصار ساخت بود که سابق گردید . بروقت از در (شمله) یک صدمهٔ کلانی رسانید . علی الصباح اقوام الناس انتشار که ساختن را کدام صدمهٔ بزرگی رسیده خواهد بود چرا که بیرقهای دولتی را سرنگون کرده شده دیدند . و در نیمهٔ روز بعی مردمان معلوم گردید که یک افسر قوی بسیار اهل در انگلستان مرده خواهد بود . بعد از آن یک اعلان مختصر سرکاری از طرف مخالف جاری گردید که عمر وفات لارد کچنر از انگلستان موصول شده است و بعد ازانکی بطور سرکاری اعلان گردید که کروازور همراه این سپاهی بهادر غرقاب فنا فنا گردید پیش از چند سالان کچنر در هندستان (کنه رالکیف) بود . و در فنون جنگ افسری ماهر گذارده کس ماهر تر بود این هم از اتفاقات غریب است که لارد کچنر در ماه جون سنه ۱۸۵۰ پیدا شده بود و در هژدهم ماه جون امد در سنه ۱۹۱۶ در بحر تباه غرق گردید که بان حساب ۶۶ سال از مرحلهٔ زندگانی طی کرده است و این هیچ یک سخن نمیست که با وجود این قدر رتبه و عزت کسب کرده بود در مدت عمر خود زن نگرفته بود و مجرد مانده بود .

آخرین خبرها از ترجمهٔ اخبارهای الکزنی

اقوامات جنگ بحری

لندن ۲۱ ماه می ۲۸ ماه رجب

اخبار نمسناوی پرونیک ماهی گیران داده اند شایع نموده است ان ظاهر میشود که جهازات جنگی بریطانیه که دیگر جهازات را غرقه جنوب زیر حفاظت خود میبردند دریاه بهمراه کشتی های تجارتی جرمنی بر سر پیکار آمدند و در حین تکادو یک جنگ بزرگ طرفین واقع شد بعد از ان جهازات مذکور غائب شدند . نتیجهٔ جنگ معلوم نیست .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1711 of 1786

(جنگ عظیم الشان بحری)

لندن ۲ ماه جون ـ سلخ رجب ـ

اعلان رسمی بیان می کند که جنگ بحری بتاریخ ۳۱ ماهی (رجب) بعد ازجلشت درساحل شیلند بوقوع آمد مقدمهٔ الجیش بری پر کمساه کروزر های جنگی وچند ذکر دیگر کروزرهای زره دلان وچهار ذکر جهاز جنگی نیز رفتار مشتمل بود ـ دسته جات جنگی جرمنی بسرداری "کنتیهای جنگ" انگلیزی برسر مصاف آمد کروزرهای مصاق موسوم به کوئین مری واندی فیلتیك ایل واو ن ویکس ویلیك پرانس کمان انگلز غرقاب شدهاند ـ کروزر مصاق سویفوار ثیرانکلیز بیکار شدهاست الی چند ساعت ادا کشیده رفتند لا کن ر اهل جهاز برای گذاشتن ان مجبور شدند ـ معلوم شده است ن شاه کی موسوم بشیدری و تولیلت وفور جون وسیر داآردیت انگلیزی نیز ضائع شدهاند ـ

اعلان غیر نهایت خوشحالکودکه ازکل بشمار ذکر کروازور مصاق غیم ه کرده شده است ـ رجوت امده است که درجین حمله شبانه ذکر جهازجنگ جرمنی را کروزرهای ماغرقاب کرده بودند دوذکر ز کروزر های خورد را بیکاره ساخته شده بود کهتالباً غرقاب اند تعداد در ست جهازات غیم که غرق کرده شده اند بطور ی معلوم نمیباشد ـ

جهازات و کشتی های هالیند که درآردم ویومین رسیده اند امین ومقتولین وسپاهیان غیر مجروح را که ازبحر رهانیده بودند اند ـ

اعلان رسمی دولن تسلیم مینماید که دولت ذکر کروازور خورد موسوم ن ولومین ضائع شدهاند وچند ذکر دیگر کشتی های کار بسیار طور شدهاند اعلان مذکور نیز می کوید که حرمتها کل بحری جهاز رطانیه موسوم باندی فیلتیك ایلرا رهانیده اند وسه ذکر ز تباه کن رطانیرا غرقاب کرده اند ـ

دونفر امیرا البحر ضائع شدند ـ

لندن ۳ ماه جون ـ

امیرالبحر جلیکه درجنگ مرتبهٔ امیرالبحرها ضائع کرده است بیان دولت که او بوقت جنگ رهبری دوبرن خود را بکمال تهور جاعت میکرد ـ امیرالبحر دربابمرتبهٔ کپتانان جهازات اندی فیلتیك و اولیسیل و کوئین مری بتاسف اظهار می کند ـ

لندن ۳ ماه جون ـ غره شعبان ـ

طور رسمی اعلان کرده میشود که ازجهازجنگ رطانیهموسوم کوئن مری ماسوای چهار نفر افسران باقی کل افسران ضائع شده ـ ازجهاز اونسیبل کل افسران ماسوای کپتان افسر دیگر نفت شدهاند ـ کل افسران جهازات رطانوی موسوم باندی فیلتیك ویکس ویلیك پرانس ضائع شدهاند لا کن کل افسران وازمیژ سالم رهانیده اند ـ

لندن ٤ ماه جون ـ ۲ ماه شعبان ـ

کماکان ۴۳۰ نفر افسران و ۲۵۰ نفر سپاهیان سلامت رهانیده شد درزمره مفروقین امیر البحر اروتیه ثات وامیرالبحر سکات پسر سر رمی سکات نیز شامل میباشند که امیرالبحران مذکور درشفاخانه مقرر بودند

خسارات در باب تلفات ـ

لندن ۵ ماه جون ـ ۳ شعبان ـ

نظارت بحره فهرست ۳۳۳ نفر افسران هلاك شده یمهٔ افسران اندی فیلتیك ایل ویکس ویلیك پرانس را شائع کرده است از افسران کوئن مری فقط ٤ نفر افسران و از اونسیل فقط دونفر افسران سلامت رهانیده اند ـ

یك فهرست الاف (٤٣) نفر افسران خورد و سپاهیان نیز شائع شده است ازانجمله ۸ نفر مجروح میباشند که ازجهازات کوئین مری واونسیل وفور جون واردیت وشارك رهانیده اند (درباب شارك پیشتر مذکور نشده است ازین معلوم میشود که ان علاوه از ۱٤ ذکر جهاز دیگر غرقاب شده میباشد) از جهازات موسوم به اندی فلیتیك ایل ده پنس ویلیك پرانس وتن زدی لیند وطن ویت وتومد ویستویك بخرعم زنده وسلامت رهانیده است (گویا از ٤٤ ۲۷ نفر سپاهیان وافسران هیچ کس زنده وسلامت رهانیده است) ازخبری جهاز وارسپر ٦٦ نفر هلاك و۲۷ نفر زخمی شدهاند وازسپاهیان جهازات مذکر ۱۱۷ نفر هلاك و۷۳ نفر زخمی شده اند ـ

جزئیات کشتیهای جنگ" انگلیزی در محاربهٔ عظیم الشان بحری ازقسم سپردید ثاوت ، وگرووازور ، وسیاه کی وغیره کماکان که اعتراف شده است ۱۹ قطعه میباشد . جدول مفصل آن ذیل درج می کنیم ـ

جدول تعداد کشتیهای جنگ بریطانی که در جنگ بحری مؤرخهٔ ۳۱ ماهی در بحر شمال ازطرف کشتیهای جنگ جرمنی غرقاب شده است

نام کشتی	سنهٔ تعمیر	کیفیت
کوئن مری	۱۹۱۵	وزن (۲۷) هزار تن ـ طوپ (۸) عدد طوپ ۱۳ و نیم انچه، و ۱٤ طوپ چار انچه ـ قیمت علاوه مواز (۲) ملیون پوند ـ تعداد مرتبات (۱۰۰۰) نفر سپاهی ـ سرعت فی ساعت (۲۸) ثات ـ ازقسم سپردید ثاوت.
اندی فیلتیك ایل	۱۹۱۱	وزن ۱۸۷۵۰ تن ـ طوپ (۸) عدد طوپ ۱٤ انچهو (۱٤) طوپ ٤ انچه ـ قیمت یك و نیم ملیون پوند ـ تعداد مرتبات (۷۹۰) نفر سپاهی ـ سرعت فی الساعة (۲۵) ثات ـ ازقسم سپردید ثاوت
اونسیبل	۱۹۰۹	وزن (۱۷۲۵۰) تن ـ طوپ ۸ عدد طوپ (۱۲) انچهو (۱٤) طوپ (٤) انچه ـ قیمت علاوه ازدو ملیون پوند . ـ تعداد مرتبات (۷۹۰) نفر سپاهی ـ سرعت فی الساعت (۲۷) ثات ـ ازقسم سپردید ثاوت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1712 of 1786

		وزن (۱۳۵۵۰) تن طوپ (۶) عدده
پیک پرنس	۱۹۰۵	طوپ (۹ انچ ودوسوت) و(۱۰)طوپ
		(٤) ، انچه قیمت (۱۱) لک و (۹۳)
		هزار و (٤) صد پوند ـ تعداد مرتبات
		(۷۰٤) نفر سپاهی ـ سرعت فی الساعه
		۱
		(۲۲۳) بات ـ ازقسم کروزور
		وزن (۱٤٦۰۰) تن ـ طوپ (٤)
دیفنس	۱۹۰۹	عدد طوپ (۱۰) انچه و (۱۰) طوپ
		(۸) انچه ـ قیمت (۱۳) لک و (۵۳)
		و (۷۰۰) دوچهل وچهار پوند ـ تعداد
		مرتبات (۸۵۰) نفر سپاهی سرعت فی الساعه
		۱
		(۲۲۳) بات ـ ازقسم کروزور
		وزن (۱۳۵۲۰) تن طوپ (٤)
وار ایر	۱۹۰۷	عدد طوپ (۷ انچه ۵) و (٦) طوپ
		(۲) (۹) انچه ـ قیمت (۱) ـ تعداد
		مرتبات (۷۰٤) نفر سپاهی سرعت فی الساعت
		(۹ : ۲) بات ـ از قسم کروزور
تیه زری	۱۹۱٤	وزن (۱۸۶۰) تن ـ طوپ (٦) عدد
		طوپ (٤) انچه قیمت (۲) ـ تعداد
		مرتبات (۱۰۰) نفر سپاهی ـ رفتار (۳۱)
		بات ـ ازقسم کرو زور
مارل بارد		ازقسم سپردرید نوت اعلا
ترو لیند		ازقسم تیاه کی
فور جون		ازقسم تیاه کی
میروهاك		ازقسم تیاه کی
از دمت		ازقسم تیاه کی
السکاندرا		ازقسم تیاه کی
توده		ازقسم تیاه کی
فنتر		ازقسم تیاه کی

غیر ازینها دوسه جهاز دیگر نیز روزهای شنبه گذشته بمعبور نامهایشان معلوم نیست . وچون جهاز هیپ شارژ که بالارد بگیرغرق شده است همرا داخل حساب کنیم ۱۷ لشکر جهاز جنگ انگلیزی درهمین تاریخ درین جنگ بحری غرقاب لجهٔ فنا گردیده است .

آخرترین خبرها

لندن۸جون ٦ شعبان

حکام بحری باور نمی کنند که پرهیب شارژ گریدو افتاده است موسم ازحد طوفانی میباشد ودر موقعه واردات شب وروز جهازات کشتی حمل وحرکت می نمودند ـ درگر گوان بیان کرده میشود که جهاز درظرف ۲۰ دقیقه غرق شده بود ـ مرده‌های چند نفرسپاهیان شده است ـ

اعلان

سراج‌التواریخ

جلداول ـ و دوم

زند گانی جاودانی هرقوم ودلت (گرچ آنست ،(سراج‌التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتاسیس دولت افغانیهٔ حالیه بحث میداند که برای حال واستقبال ملت بهتر ازین درسگاه نیست . وخوشتر ازین اشیاء ملت ضرور نمیداند . هرفردی ازملت را واجب است که یک نسخهٔ ازآنرا بدست آرد وپیاپی هرزمان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به بیت خاصه وغیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامروفرمان ذات عزیز صفات پادشاه مقدس ماانعلیحضرت ، سراج‌الملة والدین ، تألیف ودرین مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل بزیورطبع آراسته وتزیین یافته است

جلد اولیان کتاب ازابتدای سلطنت غازیان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تاسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبرامیردوست محمدخان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل بحضیض وجلد دوم آن ازحکومت غازیان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبر امیر دوست محمد خان تاه اول جلوس اعلیحضرت ضیاء الله والدین امیر عبدالرحمن خان ، طاب ثراه وبقای تاریخ‌را جامع میباشد وتاکنون اعلا بحروفی نیک طبع نرسیده است . قیمت کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی مجلد آن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم‌صوزی داغدار کابل بحث چهارمت جدول طلاو کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل مزین بندی شده مبلغ نازده روپیهٔ بحثهٔ کابل —

نمبر (۲) پشتی مقوا روپه گیرمشکی چهار گنج وزرچرم حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق‌طلاعجه سیزده روپیه بحثهٔ کابل

نمبر (۳) پشتی مقوا روپه گیره لاجوردی چهار گنج وزرچرم مینی سرحه کابل بحث‌جلیه واسم کتاب ونشان دولت ورق‌طلاعجه حزه بندی شده یازده روپیه بحثه کابل ودهه شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روپه‌اری چهار گنج وزرچرم مینی سرحه کابل بحث‌جلیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاعجه گوشه بندی شده ده روپیه بحثه کابل ونه شاهی —

نمبر(۵)پشتی مقوا روپه اری سرخ چهار گنج وزرگیرشیرازه‌اسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جه گوشه بندی شده نه روپیهٔ بحثهٔ کابل ویازده شاهی —

محل فروخت

درقلعهٔ ارگ مبارکه از تحویل خانهٔ جناب محمدولیخان سرحه

در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج‌التواریخ چهارجلد میباشد اگرچه وقیمه وشیرازه میشدهیم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر نمودند که جلد اول ودوم دریک وقیمه شیرازه وجلد سوم وچهارم آن که هنوز دوزو طبع میباشد وبمرور ازطبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آنرا نیز خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همه‌نقاشیهٔ دستخط دارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافت

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1713 of 1786

اعلان

محموله مشترکین گرامی خودرا

یاد آوری میکنیم

میخواهیم در کوشش کردیم که از شکایت در میان اخبار مشترکین گرامی دارالسلطنه کابل خودرا رفع بکنی نشده‌ایم لذا کتابه مرکزی دارالسلطنه کابل بک علاوه بر وده را کتابه مقدار ایه تعمیم و توزیع اخبار مارا که بهده مشترکین گرامیا رسانه درعهده خود قبول نمود. مشترکین گرامی دارالسلطنه خود را کتبی واد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های‌شان بدون واسطه غیر فردا فردا واسطه آدمهای را کتابه خود نان بدهند

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایات داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه یازده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
مربوط بکاشتهٔ اجرت پوست	
قیمت سالیانه دوازده انگلیزی قیمت ششماهه یازده انگلیزی	
به بلغاریه اشتراک میشود	
یک علاوی بود انگلیزی واژده روپیهٔ کابلی قرار است از من قرار حساب کنند	

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا میخواهند اخبار اعلان وانتشار کردن میخواهند، وهرکس هرنوع اعلان وانتشار یکه مفید از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود

اعلانها که در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود بسطر هر سطر ۱ یک روپیه کابلی و اگر از پنج بار زیاد نشر کردن خواهند فی سطر یک قران هندی یعنی ۳ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در بین ورق وقیه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران هندی یعنی ۳ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار زیاد نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطر یک ستون اخبار (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هریک تنخصی اعلان خودرا مبادیاً بایک سال نشر کردن خواهند وچه یک سالرا پیشکی ادا نخواهند ورق باشی زیاد سطری بیشتر اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ قطعهٔ سه‌گوشهٔ زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ افریقا

(مقدمهٔ طابعت) یک اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوسکاران عرض جلوه عرض میدهد. بدست آرید، خواهید درظرف ۲۹ روز یک مدت کمی سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید. ملکهای را که وان میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خواهید مطالعه. چه چیزها می‌بینید، چه چیزها میشنوید، چه قیمتها چه سرورها میکنید! الحق، این، سیاحی دوچین زمان شاهراه عالمگیر هوسات رانگیزانه یک اثر!

این اثر نامه جلد مرکب ودورنگ وقیه طبع میباشد. تقریباً (۷۰۰) صفحه، ودا (۲۰۵) قطعه تصاویر مناظر طبیعی والتحاص مشهوره وقشه های مهمه مزین است. قیمت با اینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست. کاغذ اعلا، چاپ حروفی، تصاویر زینکو گرافی، جلد محکم ودلنواز: دیگرچه میخواهید؟ همقدر کتابهای مطبعهٔ مبارکه وزوده افغانیه (عبدالرؤف) خان در حریف مطبعهٔ مبارکه پدر از ارزانترند کل (از محمد) تاجر کتب در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی دکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده وبا جمیع فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگری کار نمی‌ماند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1714 of 1786

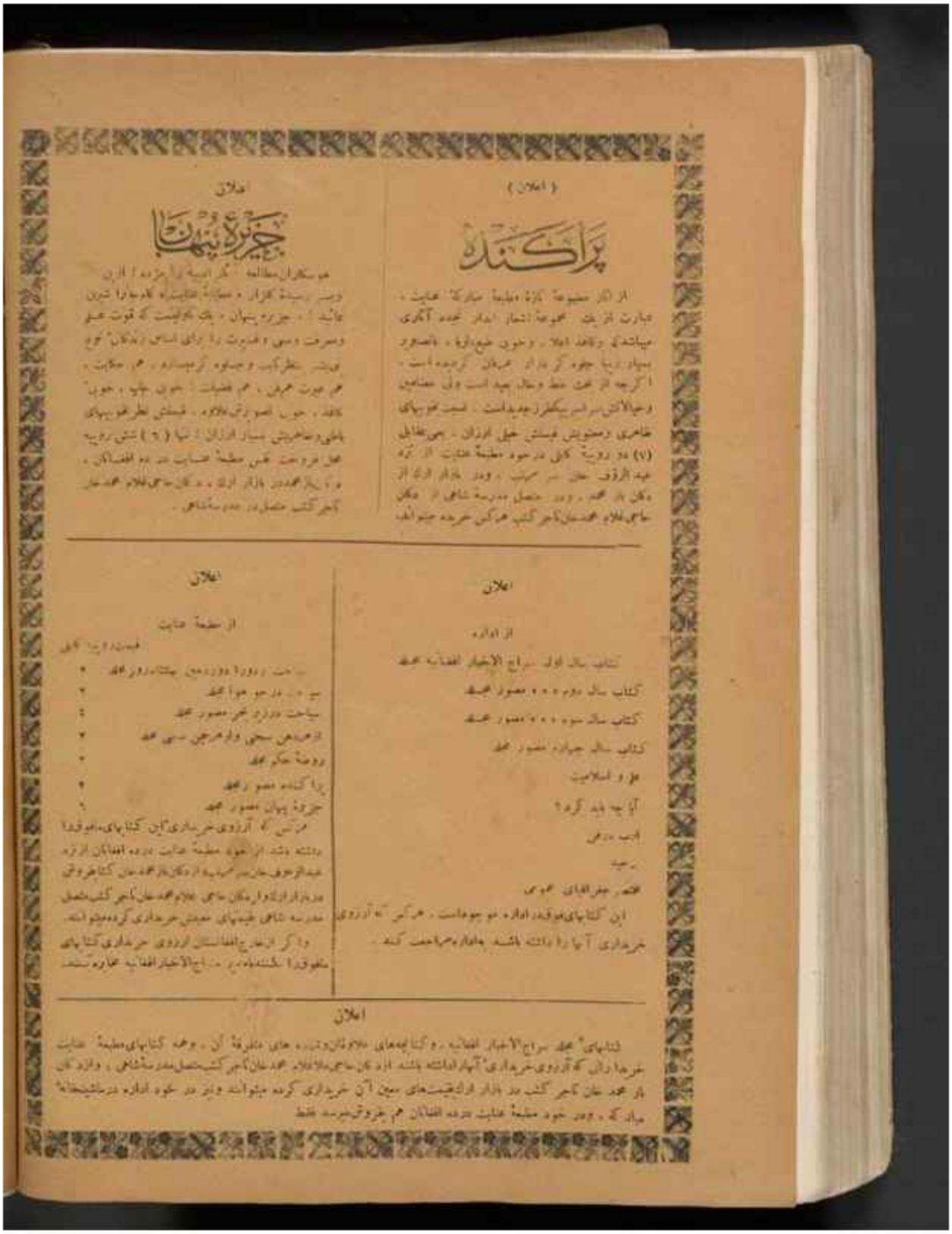

(اعلان)

پراگنده

از آثار مطبوعهٔ کارهٔ مطبعهٔ سراج‌الاخبار افغانیه. عبارت از یک مجموعهٔ انشاء لطیف آمیخته بنظم و نثر که بقلم اعلا، و خطوط بدیع‌الوضع، با تصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از لحاظ خط و سطر جدید است ولی مضامین و خیالاتش سراسر یکطرز جدید است. قیمت مطبوعهای حاضری و ممتازش فیلش خیلی ارزان. یعنی فقط (۷) دو روپیهٔ کابلی در حوزه مطبعهٔ عنایت از کوچه عبدالرزاق خان سر سرای، و در بازار از دکان حاجی محمد، و در مکتب مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هر یکی از مطالعه کنندگان این رساله را از اول تا آخر با دقت و متانت کامل مطالعه نماید، یک حقیقت که قوت عمل و صرفت و سعی و ضرورت را برای اساس زندگانی قوم میباشد بنظر تحقیق و جستجو گرفته، هر حکایت، هر عبرت هرفن، هر فضیلت، چون جلوه، چون کاغذ، چون تصویرش دلکش و... فیلش نظر خوبیهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان (نیما (۶) شش روپیه فقط هر دو جلد فی مطبعهٔ عنایت در دو افغانستان، و در بازار محمد در بازار ارزان، و دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج‌الاخبار افغانیه فقط

کتاب سال دوم ... مصور فقط

کتاب سال سوم ... مصور فقط

کتاب سال چهارم مصور فقط

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درس

رحیله

فقط جغرافیای عمومی

این کتابهای موقوف‌الاداره موجوداست، هرکس که آرزوی خریداری آنها را داشته باشد بادارهٔ مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت اجرا کابلی

سیاحت دور دنیا دور دوم بیشتر دور فقط ۲

سیر در جو هوا فقط ۲

سیاحت دور زمین مصور فقط ۲

از هر طرف سخنی دارم حرفی نیست فقط ۲

روضهٔ حکم فقط ۲

پراگنده مصور فقط ۲

جزیرهٔ پنهان مصور فقط ۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای موقوف را داشته باشد از حوزه مطبعهٔ عنایت دروازه افغانان از زنده عبدالرزاق خان سر سرای و از دکان بازار محمدخان کتابفروش در بازار ارزان و از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای جدیدش خریداری کرده میتوانند.

و اگر از اطراف افغانستان آرزوی خریداری کتابهای موقوف را داشته باشد به... سراج‌الاخبار افغانیه مراجعت نماید.

اعلان

کتابهای فقط سراج‌الاخبار افغانیه، و کتابچه‌های ملاتوانی و... های دلفریبهٔ آن، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، و از دکان بازار محمدخان تاجر کتب در بازار ارزان قیمتهای جدید آن خریداری کرده میتوانند و نیز در حوزه ادارهٔ مرسلهٔ سراج‌الاخبار افغانیه، و در حوزه مطبعهٔ عنایت دروازه افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1715 of 1786

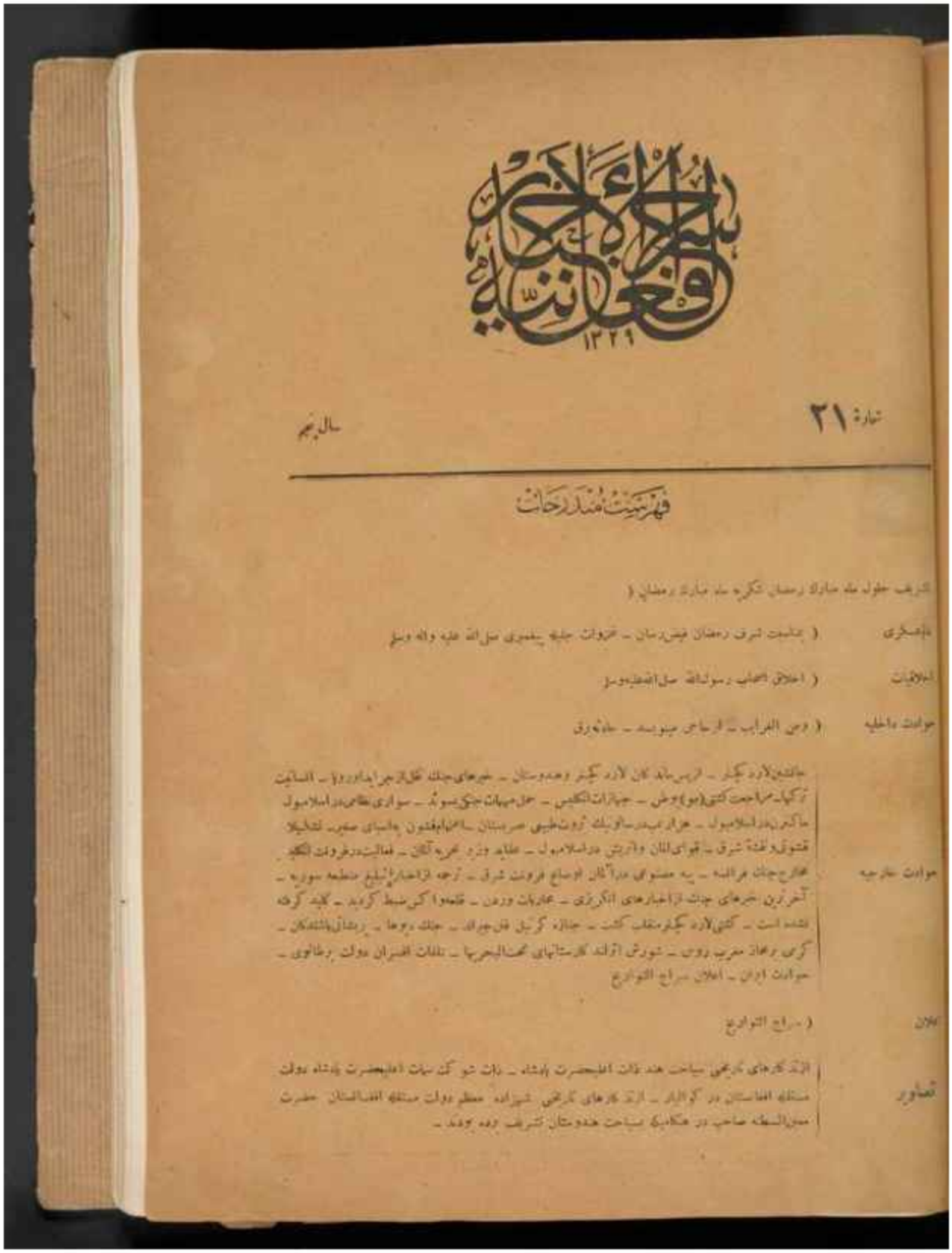

شمارهٔ ۳۱ سال پنجم

فهرست مندرجات

شرف حلول ماه مبارک رمضان تکرره ماه مبارک رمضان (

دلگشای (بشارت شرف رمضان فیض رسان ـ فتوحات جلیه پیغمبری صلی الله علیه وآله وسلم

اخلاقیات (اخلاق اصحاب رسولنا صلی الله علیه وسلم

حوادث داخله (وحی الغراب ـ ارجاعی مینویسد ـ جاده ری

حوادث خارجه حالتین لارد کچنر ـ فرمیاند کان لارد کچنر وهندوستان ـ خبرهای جنك تلگرافچی اداره رو ـ انسانیت ترکها ـ مراجعت کشتی (مو) وطن ـ جنایات انگلیس ـ حل مهمات جنگ میشود ـ سواری طیاره در اسلامبول ماکسیم در اسلامبول ـ هزار لیره در سالونیك ثروت طبیعی صربستان ـ اغتیاب فتون وسائر صنایع ـ تشکیلات فتوت و فتوة شرق ـ قوای الفان وآرتش در اسلامبول ـ عاید وزیر خزینه آلمان ـ فعالیت در فروت انگلیس خارج جنك فرانسه ـ یه مصنوعی در آلمان توسع فروت شرق ـ ترجمه از اخبار تبلیغ منطقه سوریه ـ آخرین خبرهای جنك از اخبارهای انگریزی ـ عملیات ورمن ـ قلعه وا کی ضبط کردید ـ کلید کرفه نشده است ـ کشتی لارد کچنر منقلب کشت ـ جنازه کریل فن جیراند ـ جنك روسیا ـ ریشتای باشقدکان ـ کرمی رعاد مغرب روس ـ شورش اوغاند کارستانهای تحت البحریها ـ تلفات افسران دولت بریطانیه ـ حوادث ایران ـ اعلان سراج التوازع

اعلان (سراج التوازع

تصاویر ازند کارهای تاریخی سیاحت هند ذات اقدسحضرت پادشاه ـ زیارت شوکت سیاحت اقدسحضرت پادشاه دولت منتظله افغانستان در کوالیار ـ ازند کارهای تاریخی شهزاده معظم دولت منتظله افغانستان حضرت معین السلطنه صاحب در هنکامیکه سیاحت هندوستان تشریف فرما بودند ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1716 of 1786

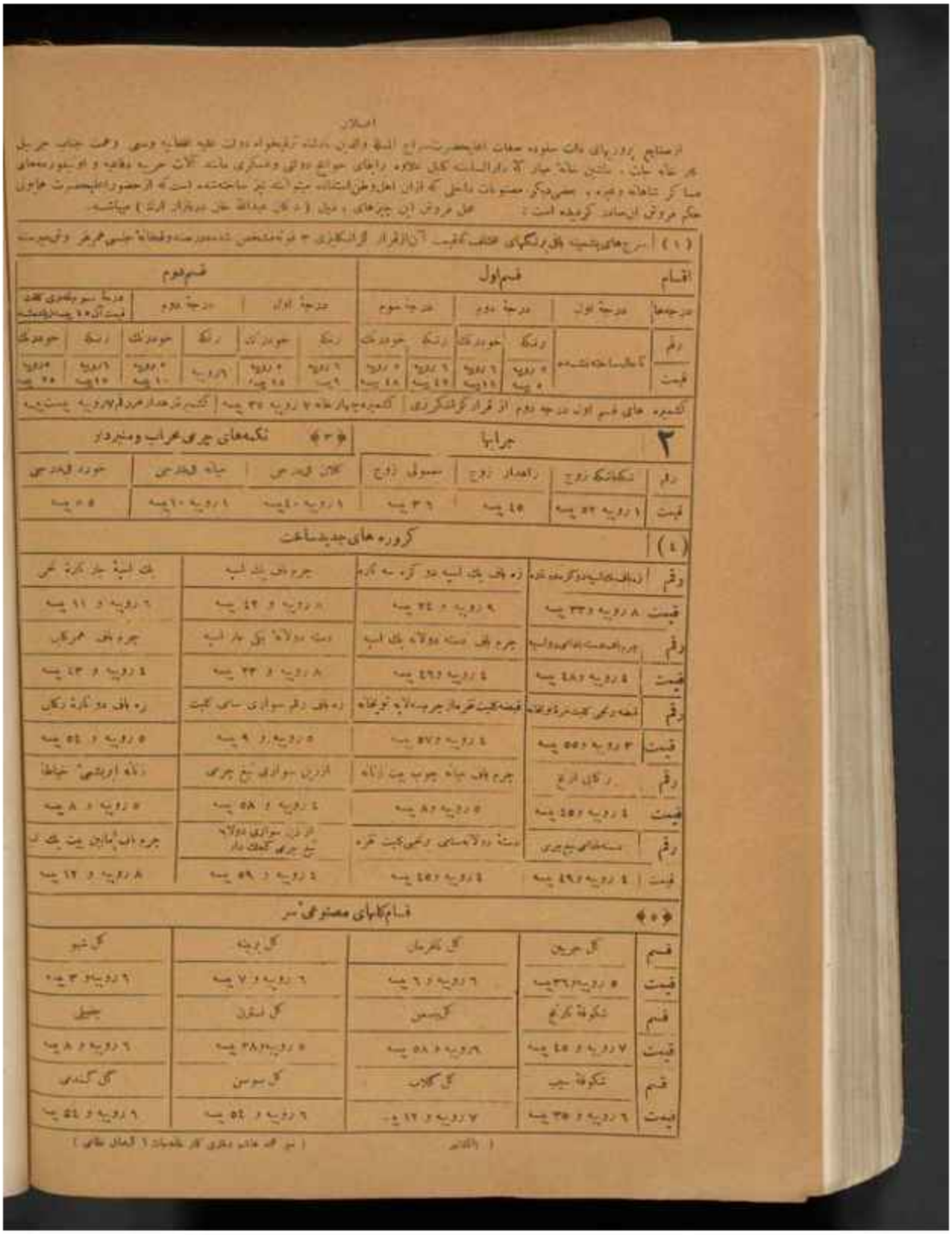

اعلان

از صنایع پرورهای مالک محروسه صفحات اعلیحضرت شهریاری ابد مدت تاجبخواه دولت علیه ایران وسعی وهمت جناب جریل بار خانه ثبان ، ساکنین خانهٔ چهار آلا دارالسلطنت کابل علاوه راجای صنایع دولتی وعسکری مانند آلات حربه وقلعه و توپخانه‌های مساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم عروض ایشان گردیده است : محل عروض این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دروازهٔ لاهور) میباشد.

(۱) | نرخ های پتو پاک رنگهای مختلف کشمیر آن از قرار گوشکزی ۳ توته مشتمل شده سورت وقطعهٔ جنسی هریکی وضع سورت

اقسام	قسم اول			قسم دوم			
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم	درجهٔ سوم یکدری کلفت قیمت آن ۲۰ پیسه
رقم	تا مالساخته نشده	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ	خودرنگ	رنگ خودرنگ	
قیمت	۰ روپیه ۰ پیسه	۲ روپیه ۱۵ پیسه	۲ روپیه ۴۰ پیسه	۲ روپیه ۹۰ پیسه	۰ روپیه ۵۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۱ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گوشکزی | کشمیره چهار تاره ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیر تر هدار هر قم ۱۰ روپیه پیسه

۲ جرابها

رقم	تکمه تکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قندهاری	میانه قندهاری	خورد قندهاری
قیمت	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۰۵ پیسه

(۳) نکمه‌های چرمی عراب ومنبردار

(٤) کروره های جدید ساعت

رقم	از بافت کتاب دوکرسه کاره	زه بافت یک لیپه دو کرسه کاره	چرم بافت یک لیپه	یک لیپهٔ جار کارهٔ غیر
قیمت	۸ روپیه ۳۳ پیسه	۹ روپیه ۰ ۲۴ پیسه	۸ روپیه ۰ ۴۲ پیسه	۶ روپیه ۰ ۱۱ پیسه
رقم	چرم بافت دسته دولاه یک لیپه	چرم بافت دسته دولاه یک لیپه	دسته دولاه یک جار لیپه	چرم بافت عمرکان
قیمت	۴ روپیه ۴۸۲ پیسه	۴ روپیه ۴۹۲ پیسه	۸ روپیه ۰ ۲۳ پیسه	۴ روپیه ۰ ۱۳ پیسه
رقم	قیمه کلیت قرمار چرم بافت لایه توخاله	قیمه کلیت قرمار چرم بافت لایه توخاله	زه بافت رقم سواری ساعی کلیت	زه بافت دو کارهٔ دکان
قیمت	۴ روپیه ۵۵۰ پیسه	۴ روپیه ۴۷۲ پیسه	۵ روپیه ۰ ۹ پیسه	۵ روپیه ۰ ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ارغ	چرم بافت جاه چوب پت ازاله	ازدن سواری تیغ چرمی	زاله اوریشمی خیاطا
قیمت	۴ روپیه ۴۵۲ پیسه	۵ روپیه ۸۲ پیسه	۴ روپیه ۰ ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۰ ۸ پیسه
رقم	مسطحهای تیغ چرمی	دستهٔ دولاه سازی رنگی کلیت قره	از زن سواری دولاه تیغ چرمی کمک دار	چرم بافت پایان پت یک ل
قیمت	۴ روپیه ۴۹۲ پیسه	۴ روپیه ۴۵۲ پیسه	۴ روپیه ۰ ۵۹ پیسه	۸ روپیه ۰ ۱۲ پیسه

◆۰◆ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل حریر	گل نگرمان	گل پرنیه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه ۰ ۳۶ پیسه	۶ روپیه ۰ ۶ پیسه	۶ روپیه ۰ ۷ پیسه	۹ روپیه ۰ ۳ پیسه
قسم	نکوفهٔ نارنج	گیسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه ۰ ۴۵ پیسه	۹ روپیه ۰ ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۰ ۳۸۲ پیسه	۶ روپیه ۰ ۸ پیسه
قسم	نکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل یاسمن	گل گندنی
قیمت	۶ روپیه ۰ ۳۵ پیسه	۷ روپیه ۰ ۱۲ پیسه	۶ روپیه ۰ ۵۴ پیسه	۹ روپیه ۰ ۵۴ پیسه

(الاعلان) (میر محمد هادی دکاندار کابل خیابان (الحاج علی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1717 of 1786

صحیفه (۱) سال بیم (شمارهٔ) ۲۱

یهصت تیمالیلاه

دربار السلطنهٔ کابل به رویه دافی

براطراف واجه تعلق

باعزاز مالک ۱۰ روپیه کابلی

در خارج تعلق

باعزازت مالک ۱۰ روپیه انگلیزی

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

صدق سیحانی در قولی یکصدایی است

(قول کاذب بالشوا اداده نمیشود)

مدیر و صاحب امتیاز

محمود طرزی

الادره خانه و مطبعه

(در شاهدشاه دار السلطنهٔ کابل)

جمیع امورات تحریریه باداره مذکوره

باسم مدیر فرستاده میشود

۱۳۲۹

تاریخ قمری یکم رمضان ۱۳۳۲ تاریخ انگریز ۲ سپتامبر عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۱ سرطان ۱۲۹۵

تشریف حلول ماه مبارک رمضان تهنیت و تبریک را به سراج الاخبار افغانیه و بر جملهٔ مؤمنین و مؤمنات میادر کیاد میکوید، دعای ترقی و تعالی دین مبین اسلام را ورد زبان صداقت می نماید.

شکریه ماه رمضان میرسد رسان
شکر که مکه ماه رمضان باز آمده

انکه مهمان عزیز است چو جان باز آمد
باز در خانه ما وه که پس از یک سالی

پیدا کرده بصد عظمت و شان باز آمد
صالحان راست ازین مژده نشاط عید

طالحان را بدل اندوه گران باز آمد
مومنان را همه جا خاص بافغانستان

در کف از اوهر مقصود جنان باز آمد
زانکه ماهات باریه تعلم قرآن

شاه ماجهٔ امیان و سران باز آمده
یعنی ان خسرو کیتی که سراج الملت

نقش در همه افاق عیان باز آمد
سکه شوق نمازو به عبادت دارد

از پی طاعت شهر رمضان باز آمد
سوی جامع بتراویح روان شد از ارک

داوی ان حافظ فرخنده لسان باز آمده

جریده روزه قائمات بحضور
قرة زارت او نور فشان باز آمده

جمعه و باز که شاه به کوی و به چمن
چون بهاری زپی رفع خزان باز آمد

پس کردید مباد شکر او کیمن
(دلکشا) عود و رویه و جوان باز آمد

در جوان نهی یافت صلاحیش و عوام
بهرور از نعمتی خلق جهان باز آمد

بعد افطار همان جمع کثیری باشاه
سوی مسجد همه با حور و غلمان باز آمد

مسجد جامع عیدین درین ده هرشب
رسمی صوم معها قصر کنان باز آمد

خاطر آن بدهم شب چو پذیرفت انعام
مومنان را زغم باز امان باز آمده

بادیهان خسرو اسلام کفیض کرمش
همچو دریا بهمه اهل جهان باز آمد

تا یکی بود آمد شهد ماه رمضان
خلق کوید که چنین رفت و چنان باز آمد

بهرور ماه بافزول عمرو دولت
که باسلام از و امن و امان باز آمد

هست تبریک مخلص چو دلا کوی درش
شاعل ادعیه افی روز و شبان باز آمده

الراقم داعی صداقت دستور حاجی شیر احمد شاعر حضور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1718 of 1786

عاشری شوی رمضان قیصر سان

غزوات جلیلهٔ پیغمبری

(مقدمه)

دیشب ، در کتابخانهٔ نامزد اقدام قرار داشت مستمری کتب و کتابخانهٔ نام عریان داشتم ، چنانچه هیچ یک از کتابهارا کرفته چندین یکساعت پیش فرصتم مطالعه می کنم ـ دیشب بهمین عنوان جلیل مأنوس کتابی بدستم افتاده ـ با وجود یکه بیشتر پیش ازین سرتا پا مطالعه این بوده بودم باز هم بنا بر قدمیت تحمیم آن هرزجان ـ یعنی کتاب حلویت برهان ـ کتاب نور مقامات نشده ـ دوسه شبرا که باتمام مطالعهٔ آن مدر اوردم چنان سرشار لذهٔ موضوع خورشید طلوعش کردید که وجدانم صاحبور نبود باورن لذهٔ ـ نام فضیلت پرادران وطن عزیزم رابز بچره نکذاشته ترجمهٔ بعضی پارچهای ازاوراق فارسی وعثمانی اخبار صحایف که زمان امکار این عهد بایکار است بنایم ،

اما ازهمه پیشتر یک چند که ازاصل موضوع این کتاب مستطاب بحث باید داد ، که چیست ، وازچه بحث میراند :

این کتاب ، بعنوان [تحفیه های مفاخر عسکریه] ویاورز زعارت مذکوره بنام (غزوات جلیلهٔ پیغمبری) ، ازطرف یک عسکر ـ هم بنام مسلمان یک عسکر ـ (احمد رفیق) نامیلک (یوزباشی) صنف اعلای دولت علیه قابیه تألیف شده است ، جزاه الله خیرا ،

مؤلف مقدار ایه درمقدمهٔ کتاب خود چنین آثار سخن میکشد :

« در حرب ، شاهد مظفریت را بدست اوردن ، وجود دوقوت مهمه لابدودائم میباشد ـ یکی (قوة مادیه) ، دیکری (قوة معنویه) . قوة مادیه ، ازقوتیست که مدارت از الات وادوات واسباب علمی وعملی جنك است ، مانند احوال ووضعیت وقت وزمان را ملاحظه کردن ، ترقیات فنیهٔ حربیه را بروی کار اوردن ، وان ترقیات فنیه را بموضع وجریکات دشمن درزیر مدنظر تدقیق وتطبیق کرفته استعمال کردن ، وآثار فنیه که تاحالا آن برای فنون حربیه بوجود آمده است باهمهٔ آنها تطبیقات وعملیات حربیه را اجرا کردن ازجملهٔ چیزهائیست که (قوة مادیه) بآن حاصل میشود وبدست میآید .

« اما (قوة معنویه) یك قوت غیرمرئی ـ یعنی یك قوتیست که بچشم دیده نمیشود ولی آثارش (از قوت مادیه) زیاد تراست ، و ازعبارتست ازحسیات درونی ، واخلاق وطبایع فطری وحالات وتربیه های مرتبو وعبادات ،

« (قوة مادیه) وقوة معنویه) دوقوتی که بایکدیکر جنك میکنند بصورت معادله ومساوی موجود شده میتواند ، مثلا چون کونه اسلحهٔ جنکی وفنون حربی که یك دولت مسلح تجهیز باشد دولت مقابل وهمعارضش نیز ازان ترقیات عسکریه استفاده کرده میتواند ، حال انکه قوة معنویه یك چیزیست که سنکهای تهٔ داعیانهٔ اساس وبنیاد طبایع هرقوم وهرملت را درخطرت تشکیل داده است » .

این سخن مؤلف بسیار راست ومقبول است ، ومقصد فی الزمن تمهید همین است که (قوة معنویه) که دین مبین بسیار متین اسلام ، برای مسلمانها حاضر وآماده کرده چنان یك قوت لایتزلزل ، وفضیلت لایتبدلیست که برای کوشمات وامنی دست داده است ، مثلا ، اولا سبق درپرده جانبازی است حرفش ، دیوان عشق دارد درسپاهیها ، بلی ـ بلی ! همین کام ذوق وتعالی قوة معنویه اسلامیه هاتاحضر داشتن جان باهمان است در راه مجاهدات کلمهٔ حق ، واعتقاد راسخ راست که پرآخرت بهتر جاودان ، و دردیانمحافت بیکران درپیش دارد ، همه قوة معنویه دروقت حرب درهمین نکته مصدر ومستند افتاده است ، چراچنین نباشد ! اسباب یکانهٔ ظفر درجنك ، موت را محبت جنت وظیفه خیل اساتردانش است که اهم ترین ارکان رصین قوة معنویهٔ یاد عسکریهٔ اسلامیه همین نکته است وبس .

احمد رفیق پانتدرین آثرهزخود ، اولا از (اصول حرب نبوی) (ص) بصورت مدخل ـ یعنی راه ورا مدخت ، برداشت سخن را نمونه از (غزوات جلیلهٔ پیغمبری) بر صحیح ترین استادات کرفته ومتین ترین کتب سیرنبوی بحث وبیان میراند .

این چیزی نیست ! زیرا فضیلات غزوات جلیله ورا کز کتب تاریخیه واضح وروشن ذکروبیان شده است ، اما صنعت ومهارتی که رابر رفیقنا (وکیل مشر) علامی (احمد رفیق) بیك دورین از فواید مطیر خویش قوة قلمیهٔ حربیه بکار برده است اینست که ان غزوات مبجلهٔ حضرت قافله سالار انبیا علیه اکمل التحیات را اصول فنون حربیهٔ عاصره تطبیق ورازی داده تحریر نموده است ، اصل جالب نظر دقت همین مسئله است ، حتی بعضی نقطه ها ، و (فروکی ها ـ [فروکی آن نقطه هائی جنکهای موقی را میکویند که نهاد قطعهٔ دارالحرب و وضعیت لعبهٔ جنك انکارا نشان بدهد] ـ از غزوات جلیله را نیز ازقطعهٔ نظر ارکان حربیهٔ اینزمان کذرانده است دیکر فضیلتی که دارد این است : ـ که درتألیف وتحریر این اثر محرر سخن پرور ، نیت خالصانه ، وخدمت خدایسندانه تقویه وتحریه قوة معنویهٔ افراد از دوی خلر نموی عثمانیه را درپیش نظر کرفته است .

حال آنکه همه افراد وهای عسکریهٔ دول اسلامیه دواحساسات معنویه یکسان وبرابر میباشند ـ یعنی هرانصول وقواعد حربیهٔ که مبنی برنظام واتظام ، صداقت واطاعت ، حمیت ، اخوت اسلامیت وعلای اسلامیت بوده ، رهبرورهبای عموم افرادهای عسکریه الوار تصریه میشود که آیا بعلمی را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1719 of 1786

لاجرم چنانچه ان برادردینی ما برای استفادهٔ قوهٔ معنویهٔ اردوی سطحهٔ عالیه محرر نمود ، هرگاه ما هم برای استفادهٔ اردوی دولت متبوعهٔ ملتبسهٔ افغانیهٔ خود حسن نیتان برادرخود ما را ازحیث ترجمه تعقیب رویدی کنیم چنانچه میدانسته خواهدبود ! ومن اللهالتوفیق .

بسم الله الرحمن الرحیم

اصول حرب نبوی

فهرست

(۱) انوار جلیهٔ حضرت پیغمبری ـ (۲) مأذونیت بجهاد ـ (۳) فضیلت جهاد ـ (٤) غزوات مشهورهٔ پیغمبری ـ (٥) فضایل اقاهدین : اطاعت ـ حب وطن ، شجاعت محبت بحریق ، آرزوی شهادت ، ـ (٦) اسلحهٔ حربیه : شمشیر ، تیر ، نیزه ـ (۷) صنوف اساسیهٔ عسکریهٔ نبوی (۸) وظایف قتلهٔ پیاده وسواری ـ (۹) اصول حرب : تدارکات حربیه ، سوق ـ یعنی عسکر رانی ـ ، کشف ـ یعنی احوال عسکریهٔ دشمن را معلوم کردن وظیفهٔ قراولیش ، اهمیت وعلویت پیره ، ـ (۱۰) هیئه های مختلفهٔ محاربه ـ (۱۱) غنایم واسیران ـ (۱۲) حقوق حرب در عید رسا کنیاتی ـ (۱۳) قوت مجموع اردوی جناب نبوت پناهی درغزوات مختلفه

هنگامیکه خورشید جهان افروز ناصیهٔ پاک جناب رسول الثقلین باطوار حقیقت نشور وحدانیت احدیت ، لمعهٔ نور ولایت گردید ، وفصاحت وبلاغت پرحکمت کتاب کریم ، یلهای مشهورهٔ عربرا درمقابل اعجاز بیان حکمت آیات مقدس خویش بوسیلهٔ حرمت و تکریم نمود ، و نورمبین احدی بایک شعشعهٔ پاک سرمدی ، فضای بیکران دلهای مومنین موحدرا مستفیض نوراسلامیت فرموده قد میت عیای بازغهٔ اسلامیه در پیشگاه انظار مومنین با کلات غا رقه ای اعجاز افزای مروج افشان گردید .

اما هزار افسوس که آن ضیای درخشندهٔ انوار محمدی (س) دیدهٔ بعضی خفاش منشان (قریش) را از نعمت فیوضات دین واد راک نبودن محروم ساخته چشمهای ، بصیرت شان را پارده ای ترک وتعالی پوشیده گذاشت . وبه نصوص درمابین فرقهٔ ناجیهٔ اسلامیه ، و کفار قریش اختلاف وعداوت پیدا شد ، وان اختلاف بایک نوع تدریجی کلان شده رفته تا خر الامر سبب هجرت جلیهٔ محمدی از مکهٔ مکرمه بمدینهٔ منوره گردید .

هجرت مبارکهٔ پیغمبری ، اگرچه درظاهر حال برای قریش یک نوع موفقیت وکامیابی دیده میشد ، ولی درباطن حال برای فرقهٔ ناجیهٔ محمدیه (س) یک مقدمهٔ عظیمهٔ ظفر گردید ، حضرت رسول اکرم واقدس صلی الله تعالی علیه وسلم ، بایاردلسوز شفیق خویش حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنه به (جبل ثور) التجا برده ، بامعجزات باهرهٔ نبویه ازانجا بسوی (مدینهٔ منوره) حرکت ، واهالی آن شهر فیوضات بیررا مظهر فیوضات وبرکت فرمودند .

قضیت جلیهٔ اسلامیه درمدینهٔ منوره وهمه اطراف ونواحی آن اولایت سرعت برق متالی بالاقتدار نمودن آغازنهاد . قضیایی که انصار کرام درراه خدمات دین حق برکاب حضرت رسول برحق پاک نبوت جانسپارانه ابراز نمودند ، برای مکارم جلیهٔ اسلامیه یک اساس بسیار بلند وپاکی بوجود آورد ، تعالی شوکت اسلام ودولتهای کافران یک حس عظیم عداوت حاصل نمود ، این عداوت روزافزونی گرفته بدرجهٔ رسید که سبب بی راحتی وناگرامی انصار کرام گردید ، لاجرم بعضی ازانصار کرام واصحاب عظام ازین تشددات کفار بجان آمده ، برای نظم احوال بحضور جلیل نبوی آمده عرض واستدعا نمودند که حضور وجنابی کفار روز روز افزونی می کند ، هرگاه برای اعلان شان اسلامیت بجهاد امرو فرمان شود چه معنایی خواهد بود ، اما چون همهٔ حرکات وافعال قدسیت اشتمال حضرت نبوت پناهی براوامر جلیهٔ صمدانی مستند بود ، لهذا بوحی آسمانی مامور شدند که هنوز براعدای جهاد مأذونیت حضرت رب جلیل تبرفرز نشده است .

— ۲ —

این حال قدر پنج شنبه دوام ورزید ، امت نجیبهٔ اسلامیه بایک متانت صبورانه پیرکوه تجاوزات وتعدیات کفار ناهنجار مقاومت وتوانایی نمودند ، دوسال بعد ازهجرت نبویه بود که آیت جلیهٔ ذیل شرف نزول فرموده مقدمات فوز ونصرت را برای علو برافرازی جهانگیری دین حق حاضر وآماده نمود ، ـ ملاک جلیل آیهٔ کریمه چنین است : ـ « مشرکهایی که ملائکه محاربه می کنند ، بسبی که برمؤمنین جفا روا میدارند ، بقابل آن مؤمنین را بجهاد اذن داده شد ، جناب حق قادر است برینکه بکمکان مؤمنی خودرا ظفر ونصرت احسان بکند ، » این آیهٔ کریمه برای مظلومیت اسلامیه یک بشارت عظیمهٔ تشکیل داد ، سرانجام روز ازمهاجرین کرام بایک فرقه ترتیب داده شده وبایک فرقه درزیر کمان افسری غزا کرده حضرت پیغمبری جناب (حمزه) وبایک فرقه درزیرکمان افسری عزادهٔ حضرت رسول علیه افضل التحایا جناب (عبیدبن الحارث) رضی الله عنهما تشکیل وترتیب داده شده ، وبهریکی از کوماندان های مکرم این دو فرقه یکیک پرچق سفیدی عطا فرموده شده رکاب مانهای مجاری مشرکین مکه سوق کرده شدند ، این فرقه های عسکریه که ازطرف قدسیت شرف حضرت رسالتپناهی بطرز واسلوب مخصوصی ترتیب یافته وسوق شده بودند ، کامیابیهای درخشان درخشان احراز نمودند ، این کامیابیها جنبهٔ جهانداری زیادتر افزونی داد ، سنرهای حرب هراقدر که افزونی گرفت ، درباب آداب وحقوق وقواعد جهانداری آیات کریمه شرف نازل شده میرفت که آن آیات جلیه دستورالعمل متین جهاد وعاهدین را بصورت بسیار واضح وصریح بیان میفرمود ، [مؤلف کتاب چون اصل آیات کریمه را در کتاب خود درج نکرده ، ونیز بترجمه وما آنرا بزبان ترکی عثمانی به تحریر آورده است ، لهذا مانیز بترجمهٔ همان ترجمه اکتفا میورزیم .]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1720 of 1786

ـ مآل آن آیات کریمه چنین است ـ « ستایید فرمان ! اگر ناشا عبادت و عطای نکنید ، شما نیز با آنها فی سبیل الله مقاتل و جهاد کنید ! اگر آنها ناشا بخال آمدن نکنند شما آنها تجاوز ننمائید . جناب حق تجاوز کنندگان را دوست ندارد » .

دیگر : ـ « آنانیکه حیات دنیا را بالعیم آخرت سودا می کنند فی سبیل الله بایشان مقاتل باید بکنند . هرکس که در راه خدا مقاتل کرده شهید بشود ، یا آنکه اخراز علیه کرده غالب ظفر بشود ، در آنوقت مأجورا اجر عظیم میدهیم » .

دیگر : ـ « بایکون وسبک بارانید ـ [خفیف وثقیل را مؤلف عسکر پیاده وعسکر سواری تعبیر کرده است] ـ در راه عدالتهای خود ، و نفسهای خود جهاد بکنید این جهاد برای شما خیر است اگر شما بدانید که جهاد چقدر ثواب ، و تخلف از امر جهاد چقدر عقاب دارد » .

دیگر : ـ « ای مسلمانها ! برای محافظهٔ دین اسلام ، جهاد برشما فرض کرده شد ، اگرچه نفسانیتان باید لعابسیار چیزهائیست که شمارا خوش نمی آید ، آنچیزها برای شما نافع و خیرمناسب ـ مانند جهاد وغزا ـ اگرچه درظاهر حال در امر جهاد وغزا ، فدا کردن جان و صرف مال شما میشود و آن دنیا دشوار می آید ـ اما نتیجهٔ آنها دردنیا برای شما نعمت مظفریت وغنیمت تازی آورد ، ودرآخرت دین و دولت شمارا جبر میشود ، و در آخرت نعمت جنت ورتبهٔ جلیلهٔ شهادت را مظهر میشوید ، کافی میشود که چیزهائی را که شما خوشکوار میبینید ، آنچیزها برای شما موجب مصیبت و ادبار است ، مانند تخلف ورزیدن از جهاد وغزا ، ازتخلف ورزیدن جهاد وغزا دشمن دین و دولت شما غلبه میکند ، وموجب محرومیت شما ازغم وثواب آخرت میشود ، جناب حق بکافهٔ امور شما واقف است شما آگرا میباشید » .

دیگر : ـ « ای مؤمنان درراه حق وطریق قیاس مطابق ، قاعدهای فلوبیت خالص جهاد بکنید ، زیرا جناب حق شمارا برای تعمیر دین اسلام حائق فرموده است » .

دیگر : ـ « اگر دشمنان شما برشما اعلان حرب واظهار عداوت بکنند وبالشما بمقابل پیش آیند ، شما هم آنهارا قتل بکنید » .

دیگر : ـ « چنانچه مشرکین جمعاً بالشما حرب میکنند ، شما نیز باآنها جمعاً جهاد بکنید » .

این است مآل ومضمون آیات کریمهٔ قرآن مجید وفرقان حمید که دستورالعمل اصول حرب دین مبین اسلامرا عقده بعقده نشان میدهد باین آیات جلیلهٔ قدسیهٔ قرآن عظیم الشان ، بایک لسان آسمانیهٔ سیار بلیغ دین مبین اسلامرا برحرب ومقاتل درراه حائق متعال بدارهٔ عدل وانصاف امرومنشور میفاید که چون بنظرغور تدقیق شود ، معلوم میشود که قاعدههای اساسیهٔ آنهٔ این دین راصول حرب وفنون عسکریه بنیافته است ، علی الخصوص در آیهٔ کریمهٔ آخرین که دربالا مذکور گردید اصول (مکلفیت عامه) درقواعد حربیهٔ اسلامیه اساس گرفته شده است مکلفیت عامه ، اینست که عموم افراد امت مکلف ومجبور باشند بامور عسکری چنانچه درینوقت حاضر در زدعموم دولتها جزء بعضی همین قواعد واصول مکلفیت عامه درامور عسکریه اساس اتخاذ شده است . افراد ازدوی حضرت رسالتپناهی باصول مکلفیت عامه جمع میشدند . باجرت ومزدوری ، یاعامن جد قدی اصلا عسکر گرفته نمیشد ، حتی دریک حدیث شریف چنین فرموده شده است که مآلان ازقرار ذیل است :

« قریباً شهرها فتح میشود . ازهرطرف اعوان وانصار پیدا میشود هراقدر که دراطراف واکناف مسلمین افزون گردد ، امامالمسلمین غدری که حاجت داشته باشد ازین عسکر مسلمین ـ برای آنکه کفار ومسلمین محجوار خودشان غلبه نکنند ، از پی جهاد بدون اجرت عسکر می کند ، اگر ازمیان این عسکرها یکی بدون اجرت محاربرا مکروه دیده فرار بکند ، و دیگری بجای او به اجرت خدمت بکند آن امر ازشرف غازی گری محروم میشود ، وبه اجر وثواب نایل میشود » [کوکب الدرری فی کوکبة الحروب ، ص ۱۸]

واحاصل این اصول اتخاذ عسکر بطریق مکلفیت عامه که درینعصرهای اخیر فوق العادهٔ فن عسکری ، دولتهارا ازیم وهیبتهٔ پی عسکر ماهن فارغ البال ساخته این اساس ابرا اصول حرب نبوی وضع نموده است .

در آیات کریمهٔ که دربالا مذکور گردید ـ جلا ازشاد فرموده شده که بدشمن رجحان اقدام وحرکاتی که موجب اعلان حرب بشود اقدام نکنید ، بدون سلب جاده راه جهاد نباید شد ، درغزا باید اعلای دین اسلام را مقصد یگانه ، ورهرحرکت اتخاذ کنید ، وباصدای دلوجلوس جان مجاهده بکنید ، ولی قضیهٔ رتبه که رافرقههای مسلمانها سبب جهاد فی سبیل الله آن نایل میشوند چنان لسان بلیغ الحریه تبشیر فرموده شده که درپیش جلالت ونهایت آن بحر تسلیم وانقیاد شدن وگرد راه مستقیمی چیست ، این است که ازآغاز شرف نزول این آیات قرآنیهٔ طرق شتی مجاهدین اسلام دستور مظفریات اتخاذ گردید .

احادیث شریفهٔ که ازلسان حکمت بیان جناب نبوتپناهی شرف صادر شده بدرجهٔ که شان عسکری یک قضیت سرمدی نمایش فرموده است که مآلان ومضمون بعضی احادیث شریفه ازقرار ذیل است :

(بالی درشمارهٔ آینده)

اخلاق اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم

بار امانت

حضرت (عباس) عم حضرت پیغمبری
آن صحابی جلیل آن شاه اوج سروری
یك روایت میشود ازوی حکایت بشنوید
بشنوید وعبرتی گیرید وهم آ محکه شوید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1721 of 1786

گفت چون در مدرسه در زمان آن حر
آن حر گوید خیز و ناگوه وداع کن
یک شبی در مومنم حرما که بگذرد وحشت
چیز بیدار حر وخیز اسم ا جا بیک
یک عما ردوش افکند رون گفتم زیت
زاو بپرسم بیان کو چیا بی صوت وصیت
بغرب چشت هرسو ساکن بود وسکوت
تا گهان یک هیکلی در پیش روم شد بیوت
هیکلی احرار باهیبتی قیامت باشه
یک ردای اس سفیدی در آن هوشمنه
چون شدم نزدیک بدم بود آن هیکل حر
با ادب دادم سلامو گفتمش ای داد گر

درچنین وقتی که بودم غرقه در خواب خوشت
غیر خاموشی و آرامی نشسته صوتی باشد
این چسان گردی فدا آرامی وخواب خوشت
میروی آیا کجا ؟ ای من فدای سیرت
گفت من را حق گذارده بدان بار گران
کردن ودوشم بودم زیارتش چون گمان
گر تو بیداری خلافت سهل وآسان وصغیر
هیچ . هرگز نخواهی گشت سرداروامیر
واگذار اع ..... مگر نشنیدی از پیرانشر
چون تو بودستو اویس در کوچسان خواهد غیر ؟
باوجود اینکه بی خوابی و بیداری کشم
باز هرهز گز نخواهم رست از خسر وستم

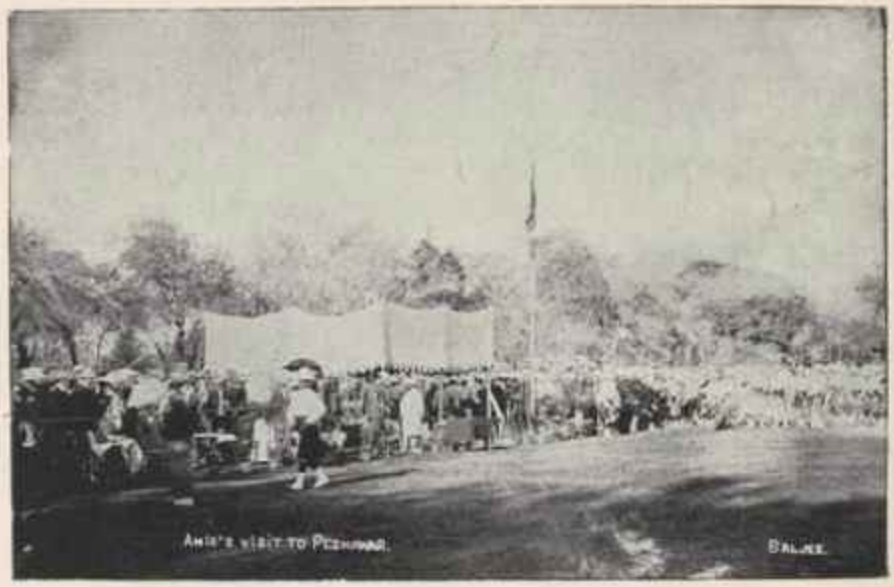

از یادگار های تاریخی سیاحت هند
زیارت اعلیحضرت پادشاه در پشاور در سنه ۱۹۰۷

گر نیاید باورت باش بیا و سیر کن
تا بچشی راز های باز سنگین زیر کن
بود آن شمعی جمالت پیش ومن دنبال او
سایه آسایی زدم با او قدم بی جا وهو

همچنین رفتیم بیرون شدیم از شهر و کوی
خارج شهری مدینه شد امیر بیک خوی
غزنی احرار را دیدو استاده آن حر
بود در غزنی سه طفل وزنه زال چون قمر
بود پیدا از جبینش حزن و اندوه و کدر
داشته پیش دیگ زاو سعی شعله ور

کنجکاو میزد یک را وطفلکان گریان وزار
چیره زن با یک صدایی گریه آلودی فگار
چیز تسکین دل طفلان زار خویشش
گو گریسه بود و بکان از غیری وهی
دم بدم میگفت اینک میشود حاضر طعام
گشته سیری یکی باقیش کرده تمام
ساعتی من باحر استاده در بیرون در
منتظر بودم کیفیسم طبخ ما حضر
لیکتوقت اندر آمدش بوده دیگش هرچوش
طفلکان ، پی صبروی آرامو گریان درخروش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1722 of 1786

شد عمر پیش و سالهی داد کفت ای دوانه
چیست این لفت که هرگز نمی کردد مابده
خدا نکان را نیکو دارای چرخ کردان وزار
هرچه داشت فتند ، دیدو هیچ نازد انتظار
آنحضرت بر کشید از پیر زالی ، خوش لقا
صد آفرین و سلامش کفت : اهلاً مرحبا ـ
ـ بوئی آشکر طعام بد که کردی باخم
بکفا باخاست ـ خوب فتوی بده از هر دو شر
چون شنید زدیک دیدا آنزمان در بایداد
باره منکی در میان آب جوشان سو بسو
میرود : کاهی بالا که زر آن باره سنك
نیست دیکر چیز در دیك زن آواره زنك

شد عمر حیران و زیرش که چیست این طبخ و طبع
منصب از سنك بخش چیست کفار ، سازیع
کفت زن این بی عدا باشد دیکر مقصداست
مقصدم حوا باشد اطفال و بازی دادنست
چونکه از ما کول و از اسباب دفع جوع شان
هیچ چیزی نیست در دیکم که کردد شادمان
شادمان باهیچ نتوان شد مکر کان باطعام
نیست کز آن وطعمهای غیر سنك بی نظام
زینسخن افسرده خاطر کفت شاه داد کر
کفت کو شوهر و فرزندی داری زدد ؟
تا که هر غلمهٔ بکن کار بنشاند با کمر ؟
کفت نه فرزند ندادتم ، شوهر ، پدر

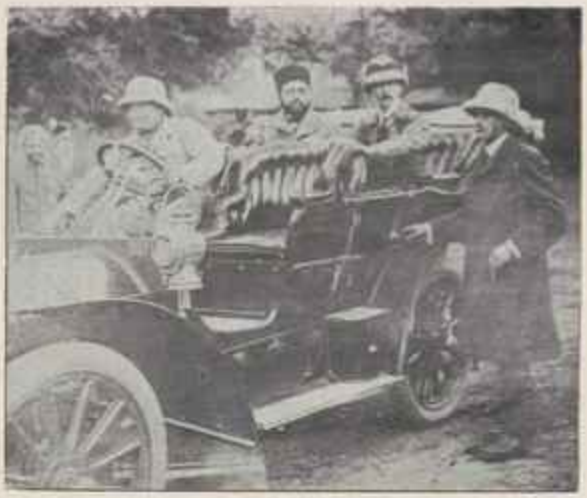

از تذکار های کارلی سیاحت هند
دات توکر بیان اعلیحضرت پادشاه دولت مستقله افغانستان در کوالیار در سنه ۱۹۰۷

چه شان پیرا در خاك شاپور وم وعمر
رفته چون وشهید افتاده یا در قید اسر
این سه اطفال صغیر احفاد من باشند بدان
کو چه شان شد ند و رفتند سوی جاودان
این سوم شب شد که من باین پایان کرسنه
مانده ایم غیر در بار خدا نیروینه
زین سخن نالان و کریان شد امیرالمؤمنین
کفتم ای مادر چرا غفلت نمودی اینچنین
چون لازم بر تو کران ما چرای حال خویش
ننمود ای باخبر دات امیر داد کیش

چیست این لفت که هرگز نمی کردد مابده
خدا نکان را نیکو دارای چرخ کردان وزار
هرچه داشت فتند ، دیدو هیچ نازد انتظار
آنحضرت بر کشید از پیر زالی ، خوش لقا
صد آفرین و سلامش کفت : اهلاً مرحبا ـ
ـ بوئی آشکر طعام بد که کردی باخم
بکفا باخاست ـ خوب فتوی بده از هر دو شر
چون شنید زدیک دیدا آنزمان در بایداد
باره منکی در میان آب جوشان سو بسو
میرود : کاهی بالا که زر آن باره سنك
نیست دیکر چیز در دیك زن آواره زنك

شد عمر حیران و زیرش که چیست این طبخ و طبع
منصب از سنك بخش چیست کفار ، سازیع
کفت زن این بی عدا باشد دیکر مقصداست
مقصدم حوا باشد اطفال و بازی دادنست
چونکه از ما کول و از اسباب دفع جوع شان
هیچ چیزی نیست در دیکم که کردد شادمان
شادمان باهیچ نتوان شد مکر کان باطعام
نیست کز آن وطعمهای غیر سنك بی نظام
زینسخن افسرده خاطر کفت شاه داد کر
کفت کو شوهر و فرزندی داری زدد ؟
تا که هر غلمهٔ بکن کار بنشاند با کمر ؟
کفت نه فرزند ندادتم ، شوهر ، پدر

از تذکار های کارلی سیاحت هند
دات توکر بیان اعلیحضرت پادشاه دولت مستقله افغانستان در کوالیار در سنه ۱۹۰۷

چه شان پیرا در خاك شاپور وم وعمر
رفته چون وشهید افتاده یا در قید اسر
این سه اطفال صغیر احفاد من باشند بدان
کو چه شان شد ند و رفتند سوی جاودان
این سوم شب شد که من باین پایان کرسنه
مانده ایم غیر در بار خدا نیروینه
زین سخن نالان و کریان شد امیرالمؤمنین
کفتم ای مادر چرا غفلت نمودی اینچنین
چون لازم بر تو کران ما چرای حال خویش
ننمود ای باخبر دات امیر داد کیش

زینسخن افسرده شد خاطر شه دادکر
شد حزین و رنجور و کف بر لب غضب لرزه
کفت : نه خواهم از خدا تا آزادیی خبر
کو ندارد هیچ غم زاحوال خلق الله بنر
غره کرده ، زوه کرده بر نکون اقبال او
زود کرده بد زار جام همه احوال او
در غضب رفتم ، بکفتم : والده ! این بدها
نیست حق چو عمر ، باشد سرانسر کاروا
او چه کرده با تو تا شد مستحق این عتاب
او چه داند حال تو ، انصاف فرمای جناب !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1723 of 1786

گفت الصاف اچنین باشد که من باری دهم
این پنهان را ، و او خواهد بیارد هیچ غم :
دار ما یابم ور دستانی امانت از خدا
داد ما را حق از او خواهد ستد روز جزا
گفتمش حق با تو باشد ای نجیب والده
لیک گر او باخبر میبود ، بودی فایده
گفت : باید باخبر باشد زحال بنده کار
او بگردد او بپرسد او بجوید تا چوان
گفتمش چار مرا صدها هزار ان کاروبار
باشد و کی میرسد تنها به این صدها هزار
گفت : عبدالست چون بار خلافت را گران
بین چرا اول فروتش کرد چون ابر روان
عدل را عهده دار آوقت شد فاروقیا
کو خلافت را بدوش خود نهاده برملا
تو هیکوبن که کارش هست افزون بشمار
کار را اول اطاعی ده سپس شو کاردار
کار او آیا بجز جنگ و هیا دیگر چه بود
بر فتح سنگها لشکر کشا دیگر چه بود
مرده شهر مدینه کرسه حیران گذار
شهرها گیرد غنیمت باب و در تقسیم آر
این سخن را جان بابائی و باری وقهر
می ، رود آری که سامع را هیکردی بزجر
در چنین احوالشان آواز غلغل شد بلند
کز همه اطراف (الجوع) کویان شد بلند
شد از ین فریاد ها اعرابیه نالان و زار
رو بسوی آسمان برداشت و گفت ای کردگار
یا تو اطفی او فریاد ایشان صفدار
یا بر آر از ان خطان که هست او طامه کار
ای عمر تو پنهان را یکی باران گران
صاعقه باشد که رعدش رزه بر کیهان کنان
این وجودش را تو از بهر غنا بودی سوق
از پیهاش جمع گیری نشد بهر تو ذوق
گر مراعات این بود من آبرو داری کنم
چون گدا پیش گویان پیش تو خواری کنم
حاش لله ! بدعا پای که جا کردم ز تو
او بین تعلیم کی داده که آدم سر فرو
شد خلیفه زمستحجوب و بتابید از جون
گفت ای مادر بدستست حق زبهر فزون
باش تا یکدم روم آیم ، تو این اطفال را
باری بنده کشود آرام من آیم هلا !
این بگفت و زود بزنشه عمر منبر زنی
بادسرعت میدوید او پیش و منبر همچو (ق)

(۱) ق ساده را گوید

درمیان کوچه های تنگ و تاریک بلد
او چپ و راست میرفتو باشد مستعد
پیش روی هاریکی در وازهٔ مقفول و بسته
یک گلیم از جیب آوردن عمر آن هوشمند
بار کرد او و روان شد تا به پشت دوش قلب
در میان آن دو گلیم و پشت با جوش حبیب
جستجو میبود عمر در طرف تاریک و تار
شمع بیدا کرد و از آهو حبس شد آشکار
یک جوان آمد بود و یک سبوی رو غنی
گفت برداشتم زین بار این جوانمرد منی
این سبو را نیز خود بردار و جایک شو بکار
تا که زار پشتهایم گشوده بیقرار
او در پشت خلیفه آن جوان دین نبود :
او در دستو قلب میرفتو او پیش رو
در بستد و روان شد از هان راه نخست
راه بدور و بادیه و دوباره سنگین عمر بیشت
گفتمش ای یار پیغمبر امیر با وقار
میرانی کی بده بارت مرا شوم گذار
گفت حاشا کز پیره تو منگی بنی جده
شد دوان من بی باید همه از بیک وجه
تو مگر نشنیدی ای عباسی زان اعرابیه
کو همی گفت از دل پرسوز بیک زاگیه
بار سنگین خلافت را بدوش خود چرا
میکنی کز بیدلست برداشتن دورا ؛
در کنار دجله گر گرگی رباید یک بره
میشود مسؤل عمر زان هم و بدعت یک سره
گر فتاد یک زنی میگین عمر مسؤل شد
گر شبی گرسنه ماند عمر مسؤل شد
خانهٔ بیچاره را گر کنه باران خراب
زیر بار آن بود دوش عمر در پیچ و تاب
قطرهٔ خونی اگر ریزد شاعق فلان
میشود کرداب و میگردد عمر غرقاب آن
چون خلیفه شد عمر آیا کر مسؤل کیست ؟
چون کند آیا عمر ادراک سخن مقبول نیست
از محمد آنچه بدمحبوب ، خواهد از عمر
حق بدست شان بود ، زیرا خلیفه شد عمر
ای عمر باری خلافت را چسان کردی بدوش
چون کرفتی بار سنگین را هیکنی عمر بکوش
این سخنها را هیکفت و قدم میزد عمر
تا که واصل شد بپیش خیمهٔ پرمرده فر
رفتند از دوش جوانا آن مرد اندر کوشه اش
من نهادم نیز روغن را برای توشه اش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1724 of 1786

شد هر دریش دیگ وسکرا چون کنید
آردرا دراب افکندم گی روغن خرید

کرد . آتش افروزان لیلة هزیمة خلاص
چند چوب تر در انداخت بصد غوروسقاص

ذات والای حلیمه آن امیر محتشم
درمیان خانهٔ دریش او جاغ آرزده هم

طبیهٔ بیضای ذات الثرف بکسو مفش
درمیان خانه و بالها دمیدی القشش

چوب تر چوه دود اردید های ان جناب
قطره های اشك بارانی هم چون در رکاب

تا که آتش در گرفت وشعله شد آتش طعام
گفت مادر قابها در تا شود طعامان بانظام

قاب چو بن زرگی وه پیش اورد حلی
در امیج کرد وجرب امد بخوان تا دهان

داغ ودوحوردش مشکل بدار بهرصبر
زان سبب بف کرده حورالیعشان ذات امیر

جمله گه ناصر این بود یکدم پیش ازین
این زمان بنگر که مانند رشك فردوس برین

زمن خانم . شدند ور افزا درو دیوار او
خطخطان بزی کنان شادی کنان در های وهو

حضرت فاروق اعظم گفت ای مادر بگو
رحمتم کی صادقین هرمرسد حقش بگو

در جوین ان شهامت مند رانم ختم
گفت بیمار وح فرحت انجه اش شدمبتسم

انواع گفتم وزان جمله برون شدبی وه
لفت دیدی لفت بازخلافت را بجوی

گفتش گرتو بسوی از تو بپرهم بود
گوید وش خود بلیزه با این بسته وگشوه

ای محزن توملك هستی نه ملك طلق امیر
لیك در دست تو امانت چه مانند . چون تو ای امین خبیر

عدل سعافی هر حق مرو یکری را مدعی نیست
غیر انسان خلوت الدر غیر اخلاص نیست

لیك سی وجد غدر خائف وسع شر
بر عدو خون این بدانه که کرده ان غدر

عبد سلام وصید تحیه یادر جان بی
بعد از ان رانم هم رحمة یاران بی

اللهم صل علی محمد وعلی اله وصحبه وبارك وسلم

ازده افغان کابل ۲۲ جمادی الثانی سنه ۱۳۳٤

جوابیه

ومن القرایب

فضیلتمند (ملا عبدالخبار) آمده داده برای ما مینویسد : امروز بتاریخ ۲۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۳٤ از لیو کرد علاقه مرحاب کاهل ومسلی ابتدا تو امدرسیده کهیاهان مکتوب راهم همه علی آن نجیبه انتصار حاضر مبارك ارسال خدمت خالی بوده بلاز مطالعه مبارك گشت وا گرقابل درج جریدهٔ باشد امرفرمایند آن فرمایند که یکی ازبدایع خارقه الهی است ودرجور انکار است

علی حضرت مد کور

در یوم دوشنبه ۲۵ ثور ۱۲ رجب المرجب سنه ۱۳۳٤ در قریهٔ سلطان خیل طایفهٔ کوچی قوم احمدزائی کوچی قدرونادرزوجهٔ محمدنادر که حامله شده بود ازوقتی که شنیده بودکه مادرموضع جلالاباد تشریف آورده می گرد وچون گفته علی مد کوره گذشته دریك شبانروز ازطفل واحدمذکر ودوختر دوتوءم بوجود آمده ورای هرواحد پلتساده زمظهر گردیده که طفل هارا شیر میدهد ـ انتهی ـ مکرر عرض می شود که چون کوچی ها در یك خانهیم بسته بنادار قریه مد کور حسب معمول درزده است فقط (عبدالخبار)

از ناصر مینویسد

ازطرف ساکنان حاجی وکوکی خبررسیده که تاریخ ۱۲ سنه ثور در علاقه حاجی بوعدد دو ساعت کامل وه مد کور رف بارزی ود فردای آن آسمانشانه درهرموضع مد کور منعقد ومنعقد گردیده بود وازابتدای ماه ثور الیوما در شبانروز چهار مرتبه بیخ مرتبه هر دوره بارندگی در شدت ودر بعضی موضعات خانه ها ناریدن شروع از جریان دارد درهرشیه وکوار کوه ودشت و کشت زار سیلی رآب کشته ان مانند بحرروان وهر رقبهٔ زمین ان خاك آبستونی کثرت ووفورت دارند که رودها عبور نهایت بخشونی می شود واطلاع متصل رودار ازشدت وفورت آب وخرابی آورده اطلاعدهی الارسالت اطلاعدهی نبوده ورد اکثرموضعات خانه افتاده ویرانه شد ـ ذکر فضل الهی ظل لامع حضرت اولی الامر والاجناب اعلیحضرت مالك تخار مسعودا رای غربی وموانی مد ر وخصان زسایه دار باد

نمبر ۱۳ مؤرخهٔ ثور ۲۰ جمادی الثانی سنه ۱۳۳٤

حادثهٔ برقی

حاکم کهسان بدوار مکتوبی عرات مفروضه داده است که درتاریخ ۱۲ جمادی الثانی در یوم شنبه باران شدید ورعدو برق های مزبوحرات داشته درین اثنا ـ صدای رعد و آتش برق شدت کرده مادهٔ مذکور برق جدا شده بخانهٔ سیاه خزیر که بفاصلهٔ سه کروه بطرف شمال قوراقام بی الی واقع است داخل شده علاوهٔ مذکوره می افتد خود خزیر نام که از شدت صدای رعد ازخانه رامده بوده واسطهٔ نزول برق ازخانه رامده بوده واسطهٔ نزول برق ازهوش رفته بعد ازمدتی که بهوش آمده ازمیان خانه بود آواز بلا رامیشنود که موجم درمیان خانه خود آمده ازجهه دیگر آمده ودوختر انش که درانخانه بوده چهار هر جان ویك پسر بازده ساله که خواب بوده بادوختر انش واسطهٔ احتراق برق مذکور فوت و هلاك شده بودند غله غزی خانهٔ مذکور که احتراق آن چه اندازه جان شان کثر موتر کرجیه وجاسی خانه بوده آمده الطلاع نداده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1725 of 1786

... جهٔ جناب های هوی یکنفر عیال وپسر کوچکی خواب بوده از ... بری مادرش را سوخته علاج ساخته و پسرك صغیرش کمتر حرقی ... زیده که حال پسرك مذکور سلامتی حاصل کرده است .

خبرهای جنگ

جانشین لارد کچنر

اخبارات بالعموم اظهارات نموده‌اند که بجای لارد کچنر کدام شخص یکی مقرر خواهد گردید نامهای لایدجارج وچرچیل ولارد ... در معرض بحث آمده‌اند ـ تصدیق این رویت که لارد فریچ را ... وزارت جنگ پیش کرده شده است کامل شده است ـ دیلی ... گرافیکل می‌گوید که مستر اسکوئیث عاقباً کدام رکن پارلیمنت را جای کچنر مقرر خواهد کرد ـ

پس ماند کان

بطور رسمی اعلان کرده میشود که یک نفر افسر و ۹ نفر سپاهیان ... بر اثر شلزار که بریك محموله جو وارد کرده بودند وفات یافته است ـ

لارد کچنر وهمدستان

شمه ۹ جون ۷ شعبان

متسلسل اعلان رسمی اداره مورخه ۷ ماه جون گماشته‌ها ... دستان همدیگر را می‌کشند که یاد کار قبل مارشل کچنر در آسمه دا ... از اندازه خواهد شود ـ ودرهمین وقت ده یوق را سرنگون کرده شود و ۱۹ فیر توپ بطور سلامی کرده شود در گل مقامات نظامی ... یوق نیز سرنگون کرده خواهد شد ودرهر مقام که توپ ... وجود باشد فیر توپ کرده شود مزید بران گماشته‌ها بجیف هدایت میکنند ... احکام واقسران

... های اتی همدیگر روزنشان ماتم پیوشند ـ

... وتارنج ووقت دفن تاز جنازه تعداد نشر کرده خواهد شد

دفن ۱۷ ماه جون ـ ۵ شعبان ـ

بعداشت عوض لارد کچنر ... وزیست مستر گرت تابع بوده است ... لارد کچرشب وروز در حاصل کردن عهده ووسیران هند مشغول بود ... طریکه عهده مذکور بعهده‌اش داده شده است همیاوش شده گوای دنیا اکنون ما سوای فوریکر هیچ چیز عاید است لاکن از خبر ... در مصر قدری تسکین خاطر او شده بود

دفن ۷ ماه جون ـ ۵ ماه شعبان

مسئله‌کوینه بطور عارضی وزیر جنگ مقرر گردیده است ـ

دفن ۷ ماه جون ـ ۵ ماه شعبان ـ

تلفات در جهازات که غرقاب نشده‌اند قرار ذیل میباشد ـ

۱۲ نفر هلاکو ۱۲۸ نفر زخمی و ۵ نفر مفقودالخبر اند ـ

خبرهای جنگ نقل از جراید اوروپا

اقدامات ترکیا

یکی از صاحبمنصبان انگلیس که چند ماه دوران الهرین خدمت ... کرده بود تحریر میکند پست مورخه ۷ فوریه ، بقوی توشته راطلاعات‌نامه ترافت‌وانسایت ترکیا می‌افزاید ، صاحبمنصب مزبور میگوید :ـ حسن اخلاق واطوار ترکها مرا چنان محظوظ کرده که تعجب دارم چگونه دردام آلمانها افتاده‌اند (البته مقصود من ترکهای حقیقی هستند نه گردهای وحتی گذشته قصابی وارامنه کشوردار ترکهای عرب نژاد که در بغداد میزان دارند)

تعداد وظیفه‌لیقون از آنها بکلی عملی مانده شده تعلیم وتجدید است ، یک دوره ما که بیشتر هر تجربه داشت به گفتگو وحضور شدیم که چند نفر پرستار برای ما گذارده ترکان گوئیم .

از کمپاردوفرا بخطاب بسمت خود کشیده یوقسیدوار آن نصب نموده وبدون هیچ مراعات وادبی بادوی انگلیس شان فرستادند .

در حدت همان شب دوفر صاحبمنصب انگلیسی که عروجیشده بودند درمیدان ماندند و گرفتار کشاندند ، جوانمردان ترک گرسنه وبرفور واسباب ودور بین این دوفر اسیر را گرفته وخودشان را زده‌فرستادند ، یکی از آنها حکایت‌میکرد که بمن داده بودند بانیوشه بایستی را باز کرده بودند باراحت باشد

مراجعت حکتنی (مو) عوض

بیانیهٔ اداره بحری آلمان

مین‌زدن جانوارد هلتم

از استکهلم مورخه ۵ مارس

بطبق اخباری که از زبان رسیده اداره بحری آلمان بیانیه صادر کرده است بمضمون

کشتی « مو » در تحت فرماندهی کنت‌وناند زوده ، تانیکلو دین تعداد چند ماه جولان در دریاها امروز یکی ازبنادر آلمان رسید در حالتی که ۷ صاحب منصب انگلیسی و ۲۹ نفر بحری و ۱۹۹ نفر اجزاء جهازات دشمن که ازان جمله ۱۰۳ نفر هندی هستند بشارت آورده و یکربع ملیون مارك که معادل ۵۰۰۰۰۰ لیره است طلای نقد ازدشمن گرفته است

کشتی (مو) جهازات ذیل را غرق کرده یافیر نموده و بعنوان غنیمت بحری بنادر زیرطرف فرستاده است .

جهازات انگلیسی

کشتی کوربرج	۳۶۸۷ ن ۰
کشتی آور	۳۱۹۶ ۰
ترایدر	۳۶۰۸ ۰
ازابل	۳۰۳۵ ۰
دره حوس	۲۹۲۷ ۰
فار نگفورد	۳۱۴۶ ۰
کان مکناوج	۵۱۱۹ ۰
ایم	۲۷۸۱ ۰
دست یورن	۴۳۰۰ ۰
هوراس	۴۴۳۵ ۰

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1726 of 1786

فلاسکو ۰ ٤٦٢٩
سا کنون رانی ۰ ۳٤۷۱
کشتی بادی ادن ورنا ۰ ۱٤۷۳
چهار فرانسوی ماروتی ۰ ۳۱۰۹
چهار بازیگ توگر امبورنا ۰ ٤۳۲۲

در چند قطعه از سواحل دشمن کشتی موجن گذارده و از جمله چهارتای که بواسطهٔ مین آن کشتی غرق شده کشتی ادوارد هنری است (رویتر)

حل مهمات جنگی سوئد

آژانس پتروگراد از استکهلم خبر میدهد که از قرار اطلاعات واصله باینجا این اوقات از طرف کارخانهٔ کروپ آلمان مهمات و ذخایر جنگی بمالک سوئد حمل و نقل میشود .

شورای نظامی در اسلامبول

خبر روزنامه ویمور یا از بخارست خبر میدهد که از قرار اطلاعات واصله از اسلامبول چندروز قبل در آنجا یک شورای نظامی بحضور فیلدمارشال کنراتن فون هاتزندورف ، المانی ، اورباشا و مانکو سگ ژنرال آرنیا و چهار صاحبمنصب از دولتهای آلمان و عثمانی تشکیل یافته دراین شورای نظامی مسئلهٔ حرکات جنگی آتیه و اردیفوا و استحکامات عثمانی در جبههٔ روسیه مطرح مذاکره بوده است و کوپیهای اظهارات حین جلسه بلافاصله تحویل و نقل کوپهای سکرتر آرنیا بدولتهای دول وعثمانی شروع شده است

ژنرال کنراتن در اسلامبول

تلگراف آژانس پتروگراد مورخه ۱۵ مارت (۲۳ جمادی الاول) حاکی است که فیلد مارشال ماکنزن بتاریخ ۷ وارد اسلامبول شده است . بحسب اخبار رسیده روم مقام اولیه باسلامبول برای این است که لقب فیلد مارشالی آنان را بسلطان عثمانی تقدیم کند ولیکن حقیقت مطلب این است که فرستادن یکی قوای عثمانی در آسیای صغیر تحت مقام اولیه گذارده خواهد شد .

هزار نفر عرب در سالونیک

آژانس پتروگراد خبر میدهد که بحسب اطلاعات واصله بسالونیک آنانها ۱۰۰۰ نفر عرب سالونیک اعدام نموده اند .

ثروت طبیعی صربستان

بار (نورلسبورن) واقعه در روزنامهٔ روز نامهٔ « توپه ورپا » خبر میدهد که حکومت بلغارستان برای استفاده از منابع ثروت طبیعی صربستان عدهٔ زیاد و وسیعی حاضر کرده است . این نقشه حکومت بلغار از طرف دولتین آلمان واطریش نیز تصویب شده است .

این دو دولت که بر کوه اقدامات بلغارستان اظهار مساعدت کرده اند درضمن منافع خود را نیز بیشتر ملحوظ داشته اند فعلا برای تحقیقات وتفتیش معادن صربستان یک کمیسیون مرکب از نمایندگان آلمان واطریش تشکیل یافته کمیسیون مزبور شروع بکار نموده در درهٔ نیر (تیوک) وجود معادن مس ، ارژر ، روی ، آهن و چند معدن دیگر را کشف کرده است این اوقات از طرف متخصصین معادن آلمان واطریش و بلغار برای اکتشافات و تکمیل اقدامات معادن مزبوره مشغول تهیهٔ نقشه‌های لازمه هستند و در این ماده (روی) شروع بعملیات نموده اند .

اعدام قشون جاسوسی صغیر

از قرار اطلاعات اخیره ، در اطراف اسلامبول لا یقطع حرکت قطارهای راه آهن متداومت یافته واز جمعیت ترکیا اعمالا قشون حمل و نقل میشود . این عمل کراهیت عظیم بالاروی روسیه جهة اسیری صغیر اعظام میشود .

تشکیلات قشون دهمهٔ شرق

تلگرافا از پتروگراد اشعار میدارند که مسافرت مارشال ماکنزن باسلامبول بمسئلهٔ تشکیلات جدید قشون عثمانی و ترتیب یک نقشه‌ای برای عملیات شرق کاملا علاقه دار میباشد .

قوای آلمان واطریش در اسلامبول

از بخارست روزنامه « پرزا » بدو موسی ، اطلاع میدهد که اسلامبول در موقع ایراد مراسم سلام ، طرزهای خوب سکنای از واردش نیز اتخاذ نمودند . بحسب معلوماتی که از این مسئله در اسلامبول عده کثیری از قوای عسکری آلمان واطریش موجود و این خبر از منابع عدیده تأیید شده است .

عقاید وزیر خارجه آلمان

از قرار معلوماتیکه از بخارست روزنامه « پ . ه . ه » موسی رسیده آقای (فون کیلمن) وزیر خارجه جدید آلمان سعی میکند تا تحاد عساکر آلمان را بدین عقیده متقاعد سازد که هرچه زودتر فعالیت حرکات خارجه آلمان شروع میشود . وزیر مشارالیه کاملا بر خلاف این عقیده است کقوای خارجه آلمان کاملا السابق بحرکت مانده و فعالیت نکنند .

فعالیت در فرانسه انگلیس

اخبارنامه از لندن حرب انگلیس در جبهه فرانسه اظهار میدارد که آنها در تزدیکی بپوالنی و پیوآلان و اقدام چندین پست تحقیق نامه کوه‌الهائی را که بواسطه انفجار مینها تشکیل یافته بود تصاحب کرده اند ماعدا سنگرهای مجاور دیگر ، اگرچه کوه‌ها را گرفتیم ولیکن جهة دشمن مجبور بود آنها را تخلیه کنیم . در اطراف مارن ، و هوجوار جنگهای شدید با قنات وبین وجبارهای جنگی جریان یافته ، دشمن اطراف فوریه ، کروسولیت ، هوشه سنزان ، و کوتوس را بالای قوا گرفته مانیز درمقابل انهایک انبار مهمات حربیه را در نزدیکی سوا وردن خرق ساختیم خبارات ما که برای اجرای تشکیلات رفته بود مراجعت نکرده اند .

« آمیین سوز » ۲٤ جمادی الاول

تجارت جنگ فرانسه

این روزها در مجلس مبعوثان فرانسه راجع بتجارت خارجی فرانسه در سال ۱۹۱٦ خواهد میشود در این راپور که از تجارت خارجه فرانسه بقلم آمده داده شده است :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1727 of 1786

از آغاز جنك حاضر تا آخر سال ۱۹۱۶ مخارج جنك فرانسه بالغ
بر شش میلیارد وهفتصد و هشتاد و دو ملیون فرانك (قریب بدوازده
کرور تومان) میباشد. ازاین مبلغ ۳۷ میلیارد فرانك برای مخارج
جنك و ۷۸۲ ملیون فرانك برای مصارف وزارت

خزینه ووزارت مستعمرات تخصیص داشته است . وکیفیت ازدیاد تدریجی
مخارج جنك قرار ذیل نشان داده شده است :

درشش ماه اول سال ۱۹۱۵ مقدار مخارج عبارت بوده است از ۸
میلیارد وهشتصد ملیون فرانك ودرسه ماه بعد بالغ بربیع میلیارد وشش

ازنقاشیهای تاریخی : شهزادهٔ معظم دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان
(معین السلطنه ـ برادرعنایت الله خان) درهنگامیکه بسیاحت هندستان تشریف برده بود درسنه ۱۳۲۲

ملیون فرانك بوده ودرسه ماه اخیر سال مزبور بالغ بر ۹ میلیارد
وچهارصد ملیون فرانك بالغ خواهد شد .

بیه مصنوعی در آلمان

ازکپنهاك روزنامه « برلنوی » وبده موسی « لنگرافا » اطلاع میدهد
که درحسب معلومات جریدهٔ « برلنر تاگبلات » رو فیسر « لیشتر »

درسه ماه اول سال ۱۹۱۶ میزان مخارج عبارت بوده است از ۷
میلیارد وهفتصد ملیون فرانك . ودرسه ماه بعد بالغ بهمیلیارد وهفتصد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1728 of 1786

در خطابهٔ مخصوصی که در جلسهٔ علنای شبی قرائت نموده دلائل علمی اثبات کرده است که وسایل علمی مقدار کافی به مصنوعی برای آنسان تهیه میتوان کرد . پروفسور مزبور ادعا میکند که این به اختراعی را از حشرات کوچک و کرمهائیکه الآن احیاء حیوانات تعدیه میکنند ، ممکن است بعمل آورد .

اوضاع فرونت شرقی

الدیلی‌تلگراف خبرمیدهد که روزنامهٔ روسکی‌اینوالید در خصوص عملیات میدانهای شرقی مقالات ذیل را انتشار داده است:

آلمانها در جبههٔ فرانسه وانگلیس تاکونون‌های تعیینات خواهند گذاشت و فشار های سخت وارد خواهند آورد که در فرونت مامقیان آنها مقاومت دارد . در میدانهای متفقین ما ممکن است آمبلنسهای بسیار دهشتناکی وقوع یافته ومصحات جدیدی پیش آید ، لیکن شدت عملیات آلمانها دران خطوط وری نمی نماید و آن ضربتهای سخت چندان امتداد نمی‌یابد . درنتیجه آن خسارات زیادی ، طغیان آب در فرونت روسیه فرونتهای واریو های روس باروبکر مصادفاتهای وخیمت بمتفقین خواهد بود . آلمانها همین نکات را در نظر گرفته و پیش بینی میکنند و اهمیت حاصلی برآنها داده می میکنند که توجه ما را از جناحین اروپ بمتفاد وبکر جلب نمایند . درفرونت (روسیا) آلمانها زیر کترین فعالیت وجدیت خود را در اطراف ریگا وایکسکول نشان داده ودر نواحی (بارانوویچ) نیز جدیت مخصوص بعمل میاورند .

در فرونت جنوب خیلی عجیب است رغم یک نوع سکوت قاصری که بنظر میاید ، اطریشیها از نقطه‌نظرهای جدیت و فعالیت مهم کفایت اند این اقدامات بابیوندراه در فرونت ما و با موفقیت آلمانها در جبههٔ فرانسه علاقه دار میباشد اطریشیها در طول مدتی که در کالیسیا و کارپن استقرار یافته و اقامت ورزیده اند ، متجاوز از هزار ورست (قریب صدوپنجاه فرسخ) راه آهن کشیده اند . درصورتیکه راههای بارپک متعدد که در هجرها امتداد یافته ، جزو این حساب میباشد .

اعلان

سراج التواریخ

برهمه آزرده کنان هر و مرز کتاب مستطاب سراج التواریخ که کیفیت آن در اعلان کلا آخرین اخبار مندرج است ؛ در شهر یکشنبه بعرض عالیجاه میرزا غلامحیدرخان سررشته‌دار دفتر عدالتگستری افغانستان همه‌ای متین آن بفروش میرسد . خواهندگان خریداری و مطالعهٔ آنرا هندوستان ، و سایر ممالک خارجه به سررشته دار موصی الیه مراجعت کرده صدیات میشود .

قسمتهای کتاب نمبر وار در کلا اخری اخبار مندرج است . هر کتاب مایقیمت روپیه و یک‌عدد کارت خارج از رسالهٔ کتاب از کابل الی پشاور خرچ وعلاوه گردیده است . خریداران کلا دیگر اطراف از پیشاور طلب کنند . قیمت اجرت پرسل مالا انگریزی الیه روپیهٔ خود شان میباشد .

از این اعلانی که جدید انتشار یافته بازاری دوشعبه وبدوشنبه است . واز اینجا معلوم میشود که اطریشی ها برای جنگ های سخت کدر فرونتهای مهیما وقوع خواهند پیوست باچه فعالیت وجدیتی حاضر میشوند ، وچه تدارکات بزرگی فراهم کرده اند .

آچی سوی — ۹ — ۷ — ۲

تحسین جرمنها وعلویهم ترکی

توانیدارا باهر مافوق پتاری امتدادهای شان از یکدیگر جدا است

(ترجمه از اخبار (تیتو) منطبعهٔ سوریه)

اخبار گیان هنگامهٔ سیاست مارچ الدوله درین رویکی زمان از آمدن اعضای عظمی تی روسی بلشن و تقدیم تبریکات خصوص پادشاه انگلستان و خطابهٔ پرجوش وجزوین وزیر اعظم برطانیه باشان و خصوصاً از کلام مسا اینکه پیشه که از اتحاد انگلیس وروس حریت نوع بشر تعلیم کرده ـ احوالنقطه ازاین حل وعقد دولتین را فهمیده . چون مصرت چنین واقع شده کدر اصل شك و شبهه ای که در کلام رای رهبر آنها باشد ـ پس آن‌ها گیدند اظهار دوستی واستواری اتحاد بین انگلیس وروس درین هنگ که مظاهر زیست ومرگ دولتین باهم بگره است میباید چه دلیل ضروری داشته باشد ، چرا مشغلهٔ موسیو ساز الکوزار خارجهٔ دولت روس درباب تکرر واستمرار شاوصف انگلیس عالب بعض رموز خفیه خلیل قابل انگلیسی خبر ظهور کند ، تحسین قلت موسیو سازا خبرا بعرض غور و فکر باید آورد ـ کلمهٔ پاکتی یا پکتی میاشد دولتین در تحصیل مرام خودشان هویدا کردند ـ مفهوم کلمات موسیو سازا خلی چنین است ـ : اظهار سرّ ایکونیه در باب اتحاد کامل میان دولت انگلیس وروس رسمالی شرقیه از طلوع فجر جدید در سیاست عالم ومعامله مابین‌الدول خبرمیدهد ـ وفاق حکم میان انگلیس وروس عبارت است ازین که فعالیهٔ شان خلاف دیگر عالم کماشته شده است ـ درهمه اوقات باقی خواهد ماند ومبنای اتحاد منافع هردو دولت درصادق دوستی ایشان ـ مطبوعهٔ دولتی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1729 of 1786

ی اولاندا واولاد اولاندا . تحقق شدن این خیال که فرانس
ی روس را ازپاشنه‌بکر بیکاه کردن ممکن نیست — این امردا
ان میاید که دول متوسطه (یعنی جرمنی و آسترا) زیاده‌شد
ه ایشان روز شامت غیر معهود خودرا هرچندتاخیر کرده‌باشند.
یال که روس ارادهٔ تغلب بخلاف یورپ دارد کفایت امکان
رانسی است وطریق جای خروج (بحر اعظم) جانب جنوب
روس بطوریکه قابل هیچ تغیر و تبدل نباشد حاصل شود —
ملک روس باسلوب مناسب درست کرده‌شود . وهمه همچنان
ا حقوق خود را یابند . وهمه آرزو های روس در غرب
حل‌میاید — روس‌خطر دائمی‌برای ناروی وسوئیدن نیست.
ن مانعی شود وعوضا دریاب جزاآوراند مانند دخان پریشان
گفت — درباب ملک‌پولند فی‌الحال تشکیل نظام ازپیش بودن
یست . ولیکن استقلال ادارهٔ‌ملک خود ازروی انصاف بدرجهٔ
پولند داده خواهد شد — وترقی مالی وصناعی پولند هم
پذیر خواهد گردید —

اعظم انگلستان و وزیر امور خارجهٔ روس حتماً اعلان
ه دولت انگلیس وروس هردو رامور یکه تعلق دارد بممالک
اتفاق خاصی حاصل کرده‌اند وممالک شرقیه عبارت است ازممالک
وارایه وافغانیه وچینیه — ازساحل شرقی‌بحر اوسط تاساحل
ر کامل — یعنی درصورت مظفریت ایشان — انگلیس وروس
دارای همه راعظم آسیا خواهند بود — و رقی و فتق این
دانسته حسب خواهش این دودولت خواهدبود — وزیر وزر
اقوام شرقیه ز مصلحت و منفعت ایشان موقوف باشد
راست است آنچه‌که موسیو سازانف میگوید کهاتحاد انگلیس
درسیاست عالم ومعامله‌ٔ مابین الدول‌طلوع طرزوم جدید وقوع
ن . ازین فقره ظاهر است که جنك نادر دواقع خواهد کرد .
اصل‌ٔاین جنك‌جهان آنستوصرف ادعای‌روس وانگلیس
ی عالم شرقی‌بود — اما انقلاب روس درآسیای صغرای و اختلال
ر‌درعراق عرب‌چنان استوار نمی‌ماند کهدارائی راعظم آسیارا
سهل کرده باشد —

ان فقرهٔ موسیو سازانف که « مدای خروج بحر اعظم جانب
ای روس بطوریکه قابل هیچ تغیر وتبدل نباشد حاصل شود»
منعای جان گزا دردل سیاسیان انگلیس پیدا کرده است . مثلا
انگلستین گفته میگوید که « مسترانسکوپنه » وموسیو سازا
واد معاهده کهدرباب ممالک شرقیه بوده اند اشارت نموده —
جان میاید که تازمان دوام جنك آن مواد معاهده را عملی
ده داشت — یاقل درجه تا آزمان که طرفان احوال خود را
ین و اطمینان نسازند . ازین سبب درباب مواد معاهده قوت
ه را روا دادن معنی نخواهد بخشید و لیکن اینقدر میرانسر
ی است تصاعید میکنیم که دولت روس بالآخر این امر را قبول
ه است که ما (انگلیس) در خلیج فارس استحقاق خصوصی
و انگلیس بلاشرکت داریم واین‌هم امید میکنیم کهاین خطه بلاشك

وشه داخل منطقهٔ نفوذ برطانی باشد » .

حالت روس عجیب افسوس انگیز است . آسمای پاسفیوس وفلو
مایل ازجهت عالمت جرمنی و آسترا درین فرون اخیره بدست روس
نیامده وخواهد آمد — وخلیج فارس را انگلیس که دوست روس
است نمی گذارد که‌دست روس دراید — و دریای بالو را جاپان زیر
نفوذ خود آورده است . پس چگونه این شرط که‌جای خروج بحر
اعظم جانب جنوب برای روس بطوریکه قابل هیچ تغیر وتبدل نباشد
حاصل شود ، درست خواهد بود !

غریب ترین چیز این است که عالمت وانسهٔ پولند بنوعی بدست
جرمن‌درامده است که‌وزیر امور خارجهٔ دولت‌روس درباب استخلاص
آن ازدست دشمن چنان مأیوس‌شده که‌میگوید که درباب ملک پولند
فی‌الحال تشکیل‌نظام ازپیش نمودن ممکن نیست . ولیکن استقلال ادارهٔ
ملک خود ازروی انصاف بدرجهٔ غایت بپولند داده خواهد شد —
وترقی مالی وصناعی پولند هم اصلاح‌پذیرخواهد گردید » ازکلام وزیر
اعظم جرمنی ظاهر است که همین طور امتیازات را جرمنی بپولند
عطا خواهد نمود — پس پولند از دست روس رفته است اما جای
خروج بحر اعظم جانب جنوب ، هنوز گنجشکی است بالای درخت!
واین گرده عما کر روس در جولانگاه ارض‌روم وطرازون وکرمان
شاه یکن گفتهٔ این حکایت دیل کرده !

شبانیکه یکبار در دجلهٔ سخن گفت با عابدی گله
که من فربه از مادهی داشتم پسر از گله میهن داشتم
سپهر بمددگردد دولت عراق کرفتم بازوی دولت عراق
طمع کرده بودم که کرمان خورم گهاکه خورند کرمان سرم

اخیر ترین خبر های جنك نقل ترجمه اخبار های انگلزی

عالمات وزمن

لندن ۸ جون ۶ شعبان —

پیرس — اعلان رسمی که امروز درپیرس شائع شده است بیان
می کند که قلعه وا کس کاملاً خراب شده است ودر انجا بجز یك
مقام مشاهده‌بود هیچ آثار نه بهای گران گرفته است واورا برای
تسخیر وزمن چندی زودتر آورده است .

قلعهٔ وا کس ضبط گردید .

لندن ۸ جون ۹ شعبان

اعلان رسمی که امروز بعد ازجاشت شائع شده بود بیان می کند
که جرمنها ازقلعه وا کس رفته شده بعد از جنك وجدال نهایت
خوفناك که این‌یك هفته جاری مانده بود بعض شهداء در علاقه نجات
رووا مونت وتیوه‌دوات وهاز فدیس وبلر کلوه باری نهایت خوفناك
وقوع می آید

کلید کرفته نشده است

لندن ۹ جون ۷ شعبان

پیرس — از جرمنها درتسخیر قلعه جان وا کس ۲۰ اروز صرف
شده است — جرمنها کل جمعیت خود را برای تسخیر قلعه مذکور

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1730 of 1786

فراهم آورده بودند وقلوله باری بجای ابواب معمولی بهمراه ابواب کلان گرده شده بود تا هم قلعه را کی مدافعت ومقابله قلوله باری خوفناک وحمله جات شدید الی ۹۰ روز توقف است لاکن کلید حالت مقامی آنرا تاحال جرمنها نیافته اند ـ قلعه را کی ریاستی ۱۱۵۰ فت واقع است وکلان آن بقدر ۱۲۷۵ فت بلند میباشد قلعه زردست ونهایت مستحکم سویل وهال که واقع است ـ اکنون قلعه جات تازه نیز وفردی وی سری قلعه کور خط مدافعت جدید میسازد درتسخیر این قلعهٔ زردست از جرمنها تلفات کثیره رقم عظیم بالضرور درج خواهد شد ـ [میگویند کدر خانهٔ کدامشخص مزدور آمده یك صندوقچه جواهراتش را برد ورفقاء برای احوال پرسی آمدند صاحب خانه به آنها گفت اگرچه دزد صندوقچه را برده است لاکن باکی ندارد چرا که کلید آن نزدمن مانده ـ جرمنها اگرچه بقلعه جات واکی قابض شده اند لاکن کلید آنها تاحال بدست فرانسوی‌ها میباشد ـ المترجم]

لندن ۹ جون ۷ شعبان

روما ـ اعلان رسمی می کنند که مباحثه استروی ها بدستور شروع می باشد عنیم گفته مزید بقله بعد ازقلوله باری خوفناك بازحمله جات شدید را شروع کرده است دفعیه دسته های حمله آور عنیم بار بار کرده شده است بلکه برآنها بتوازی پوچه ها حمله جات بالمقابل نیز کرده شده است بغرض حاصل کردن نجات ازقلوله باری مسلسل عنیم بوقت شام باقدر یك صد گز پسپاشده بود ـ رفقای حصص عمارت دفعیه حمله جات عنیم نیز کرده شده است ـ

لندن ۷ ماه جون ۵ شعبان ـ

اعلان رسمی امشب جرنیل هیك بیان می کند که شب گذشته وامروز درمشرق پپ رس مقابله شدید توپخانه ها وقوع آمده است عنیم دروز رخندق های صف اول ما که درقریه ریاندده هوج واقع بودند قابض شده است بدیگر حصص عمارت حمله جات اوسرا سر ناکام بات شده اند ـ امروز در مغرب هوج دفعیه یك حمله خورده جرمن ها کرده شده است ـ

لندن ۶ ماه جون ـ

ایتز ـ یوان رتود قانون عسکری درسانوتیکا اعزا صادر کرده است چرا که ازاین سزا سر خلاف ورزی حقوق شاهی آن می شود

لندن ۶ ماه جون ـ ٤ ماه شعبان ـ

شانگهی ـ یوان شی کای روز دوشنبه وقت صبح مرد ـ

لندن ۷ ماه جون ۵ شعبان ـ

یوان شی کای ازسبب مرض کرده مرده است

لندن ۶ماه جون ۴شعبان ـ

نامه نگاران عنیم صدر عنیم جنگی رضاعوی جنادجدال پپ رس واقع جنوب هوج را ازحد خوفناك وخون ریز بیان می کنند ـ عمارتی اگرچه ازدومیل تجاوز نکرده است لاکن درین محاذ تنك وضیق عمارات نهایت شدید بوقوع می آید ـ تلفات جرمن وکنیدا

ازحد کثیر گفته میشود ـ قلوله باری بقدرت عنیم امتداد حاصل میباشد ومصرف کارتوسها نسبت به سابق ازحد زیادتر می باشد ـ

کشتی لارد کچنر مغلب گشت

لندن ۹ ماه جون ـ

اطلاعات بحریه اعلان می نماید که جهاز اپ شاتر بعمل ۸ عنیم بهمراه قلب متصادم گشته درظرف دقیقه غرقاب شده بود ـ دوازده جهاز تباه کن بهمراه آن بطور حفاظت مقرر بودند که از سبب آن های بحری ازان جدا شده بودند ـ

لندن ۱۰ ماه جون ـ ۸ شعبان ـ

جهازاتیکه از اور کنی در ایردین رسیده بودند بیان میکنند لارد کچنر از گوشهٔ نهایت شمالی سکاتلند بعمل ۷ بجه شام بر بی سوار شده بود درالوقت بر قطعات سنك لاخ جزیرهٔ مذکور صدمه کرداه پیدا شده بود ـ بعلاوه غرقاب جهاز مذکور بعمل ۸ بجه وقوع آمده بود وقت تخمینی که یك ساعت بعد از حادثه رسیده بود رپوت داد که ان یك لنگر جهاز جنگی را در انتزدیکی شعلهٔ دیده بود ـ بظاهر چنان معلوم می شد که از اثر چیزی آتشیده شده است ودرظرف ۲۰ دقیقه غرقاب شده بود انتزدیکی سکنه‌گان ساحل نیز دیده بودند وانهانیز دیده بودند که جهاز کشتی ازجهاز مذکور درنحر اصابت شده بودند که بهمراه سنك متصادم شده پاش پاش شده بودند کشتی که ازان لارد کچنر وهمراهان شده بود ازسبب تلاطم‌ها منقلب گشته بود ـ جهازات را درظرف طلب کرده شد لاکن انها هیچ نشان جهاز جنگی مذکور یا کدام کشتی جهاز ودساحل خالی دیده شد حالا بحه دوازده نفر از یك سنك لاخ دستیاب شد سواران حالا از سبب تعب و سقوط پیوش شده بودند ـ بعض درجات پیوشی فرقر کردند که از رتخته جهاز مانده است ـ مرده های ۷۵ نفر الزیر سنگلاخ شده اند ـ انهارا ریپهاها بالا گذیده شد ـ از بعض مرده ها کف های دست و ناخن های وا کنده شده بودند ازین معلوم میشد که برای بالاشدن ازحد جدوجهد نموده بودند ـ

جنازه کرنیل فتر جرالد

لندن ۱۰ ماه جون ـ ۸ شهر شعبان ـ

امروز تجهیز کرنیل فتر جرالد رجماء ایست‌وون بعمل آمد بمظاهی بوقوع آمده ـ و اکثر معززین انگلستان وقت حاضر بودند ـ

لندن ۲۳ ماه می ۲۰ ـ ماه رجب ـ

درمجلس العوامه امشب مستر اسکوئیته درباب قرضه بی گزارش تجویز کرد باین طریق مقدار کل قرضه جنك ۲ ارب ۳۸۷ کرور لیره خواهد شد درحالیکه ازعرصه چهار روز نخست ۱۷ کرور جدیدیه بطور مصارف جنك ـ ـ ـ شده است اگرچه بدانجه انواع قدری تخفیف شده است لاکن ازسبب مصارف افتاده به انها بطور قرض داده است درمصارف ازحد زیادتی شده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1731 of 1786

...ی انگلستان از یکم ماه آوریل الی ۳ ماه می داده شده است ۷۴۰ ملیون ... شده است تجویز فرموده به اتحاق آراء منظور گردیده شد —

... ۲۴ ماه می ۲۱ — ۲۱ ماه رجب —

... رسمی رومانی گوید که زیوت آمده است که غلیم ماین ... اجیح اقوام را مراهم آورده می‌رود — ایطالوی‌ها پی‌هم ... میرود —

... ۲۵ ماه می — ۲۲ ماه رجب —

... رسمی رومانی بیان می‌کند که ایطالوی عاطفی دریای یونیا ... را بطریق احسن وباقاعده کاملاً خالی کرده اند — ایطالوی‌ها ... خط مدافعت واقع طاس دریای ادریاتیک را مضبوط کرده ... کل انواب را که بدون انهاانیک بود تباه کرده ایم دیروز ... استحکامات ما واقع والارسه هتار خوفناک آورد —

... ایطالوی‌ها درواری سوکاه ازتاریخ ۲۲ ماه می (۱۹ ماه رجب) ... زنده بود تاروز جاری بود لا کن باقاعده —

جنگ دریا —

لندن ۲۵ ماه می — ۲۲ ماه رجب —

... نگار اخبار میلان می گوید که طیاره های خوفناک جنگ ... که درعرصه کار زار ترول دیده شده اند درجنگ دریا دیده ... وند کلوله های استروی دراطراف کوه‌ها شکاف‌ها می‌ساختند ... را قلبه می‌کردند وتنگ های سنت بهمراه تانکها درواری مثل ... می‌انداختند تدافع ومقاومت اهل ایطالیه دراین حالات از معجزه ... معلوم نمی شود

لندن ۳ ماه جون — غره شعبان

اعلان رسمی منجانب جنرال هیگ بیان می کند که در علاقه ... ماین هوج و میرفه زیاد میدان وسیع جنگ خوفناک هی ... جاری میباشد غلیم بحملات کامیابی دروزه باز وقت شب هجوم ... آورده ودراستحکامات ما درامده درسمت دلیبک بقدر ۸ صد گز ... گرده —

پریشان ماندن کان

لندن ۲ ماه جون

خبرنگار فرانسوی گاشیکا مظهر است که ۲۵ هزار نفر بلغاریه درعلاقه ... داخل شده اند هزارها نفر انها بهمراه توپ‌های جرمنی ... جون ماندن کان سرحدات یونان دهشت زده گریخته میروند ... وهشت را منتشر کرده اند —

سیر کردن رهاد معرف روس

لندن ۲ جون

اعلان رسمی پترو گرد می گوید که در قفقاز ما در علاقه باتی ... دفعهٔ جانشدید ترکان نموده ایم — یک جمعیت زردست ترکان ... ما خاتون راستحکامات ما هجوم خوفناک آورد مایل‌را رها ... ما خاتون را خالی کرده ایم —

لندن ۲۷ می — ۲۴ رجب الرجب —

واشنگتن — چونکه بریطانیه وفرانس جهازات دالک تجارت غیر ... دار را گرفتار کرده بودند که نزدیک ترین رده خریطه های ... دالک راضبط می کنند اعتراض متحده امریکه دراین باب اعتراضات نموده است وبیتاید داشت سخت درمحالک مذکور فرستاده است —

لندن ۲۷ ماه می

پیتر گرد — امپران جنگ بیان می کند که جرمن‌ها پرهاد روسی درعقب خود استحکامات تدافعیرا سر کرمی تمام تعمیر کرده میروند — چرا که انها درعقب جبهه روسیان متوقع اند انها تعمیر دو سرک دیل کرده اندیکی ازمیوالی شاول دوم ازمیدل‌الی موراوجود —

رمینو یک شاخ کارخانه کرپس نیز قائم کرده شده است ولیاورد را مرکز بحری درجه اول ساخته‌اند —

شورش اثر لیند —

قانون عسکری کماکان جاریست

لندن ۲۷ ماه می —

اعلان مندرجه ذیل دردبلن شائع شده است —

چونکه تاراضکی وبدامنی کماکان در اکثر حصص ایرلینه منتشر میباشد لهذا قانون عسکری در کل ایرلند کماکان جاری وساری خواهد ماند —

لندن ۲۷ می ۲۴ رجب —

پیرس — درباب وفات جنرال گلیانی محافظ مشهور ومعروف پیرس اعلان کرده می‌شود متوقع دریک وقت وزیر جنگ فرانس بپژوهد —

کارستانهای تحت البحریها

جهازهای تجارتی که از تاریخ ۲۶ ماه می الی ۹ ماه جون واسطه تحت البحرهای جرمنی غرقاب شده‌اند ازقرارترجمهٔ اخبارهای انگلیزی

جهاز برطانوی موسوم به (ریتان) — جهاز دولت دانمارک موسوم به (کارلا) — جهاز ایطالوی موسومه (ارمینا) — جهاز یونان موسوم به (ایدموس کوراس) — جهاز دولت ایطالیا موسوم به (فیزی کوئیف) — جهاز دولت ناروی موسومه (نجوپو) — جهاز دولت فرانس موسومه (موسوس) — جهاز دولت ایطالیا موسومه (رومانیه) جهاز دولت اسپانیه موسوم به (اوریرا) — جهاز دولت برطانیه موسوم به (لیکودیوک) — جهاز برطانوی موسوم به (ایلیاس) — جهاز ایطالوی موسوم به (والیون زد) — جهاز ایطالوی موسوم به (گریبلا) جهاز دولت یونان موسوم به (درپاماتا) — جهاز دولت یونان موسوم به (ایدین تاوس) — جهاز دولت یونان موسوم به (آستروس) — جهاز دولت سویدن موسومه (روزالیند) — جهاز دولت برطانوی موسوم به (ارجنتو) — جهاز ایطالوی موسوم به (استرایا) — جهاز برطانوی موسومه (درنوود) — جهاز دولت بلجیم — جهاز برطانوی موسوم به (هرکو لیز) — جهاز برطانوی موسوم به (موراما) جهاز ایطالوی موسوم به (ایشا) — جهاز برطانوی موسوم به (سوتکیه گرنج) — جهاز برطانوی موسوم به (دن گرنج) جهاز دولت ناروی موسوم به (روما) — جهاز برطانوی موسومه (گولکنده) جهاز برطانوی موسوم به (دایم گرود) جهاز ایطالوی موسوم به (دیوس لیند) — جهاز برطانوی موسوم به (سالون جول) جهاز برطانوی موسوم به (توید موتهه) — جهاز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1732 of 1786

موجی ایطالوی - جهاز دولت موجن موسوم به (اینلی) - جهاز دولت کاروی موسوم به (دلفن) - جهاز دولت کاروی موسوم به (امر کیدل) - جهاز دولت کاروی موسوم به (پرنسز ثالث) جهاز دولت موجن موسوم به (پارا) - جهاز دولت موجن موسوم به (هیدی) - جهاز دولت کاروی موسوم به (رپابارا) است

بعی در عرصهٔ ۱۳ روز چهل و یك جهاز واسطهٔ بحر البحرهای جرمیها شرقاب گردیده است

تلفات افسران دولت رطانوی

از تاریخ ۱۹ سپتامبر الی ۱۲ ماه جون از قرار ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی

سنه	عدد	ماه جون	عدد
۱۹	۲۱	۱	۳۸
۲۰	۲۴	۲	۴۴
۲۲	۴۴	۵	۳۰
۲۳	۲۳	۸	۳۴
۲۴	۷۶	۹	۵۸
۲۸	۴۳	۸	۶۶
۲۹	۱۰۶	۱۲	۳۱
۳۱	۹۶		

مجموع کل (۹۳۹)

حوادث اروپا از اخبار های ایران

تشکر افی اعلیحضرت امپراطور آلمان - نظر به مراهی که اعلیحضرت امپراطوری همیشه نسبت دولت اسلامی نموده اند در این موقع که این جانب ریاست قوای ملی ایران را دعهده گرفته عالیجاه خود را تقدیم حضور اعلیحضرت امپراطوری نموده واز مساعدتیکه آن اعلیحضرت الی حال برای پیشرفت این مقصد ملی واسلامی نموده اند امتنان وتشکر خودرا تقدیم میدارم امیدوارم که بمراهی صاحبمنصبان فنون منصور آلمانی و کشتیهای عالیجاه دولت امپراطوری ومامورین حربی وسلحه که به ایرانیان تسلیم خواهشده این جانب موفق شود که صفحه ایران را از لوث وجود دشمنان دین به اتی پاك نماید از خداوند تبارك وتعالی بمعرفت مقصد مقدس مشترکا خواهانم

نظام السلطنه

جواب تشکر افی نظام السلطنه

بحکم اعلیحضرت امپراطوری - ازمزدهٔ گذشت حضور رهپوه کرفتن ریاست قوای ملی ایران بمن ابلاغ کردیده بود مشکر واطمینان نمودارم که بواسطه حمیت حضرت مستطاب عالی ومساعدت وطن پرستان وجنك جویان عیور موفق خواهید شد که مقام قدیم ایران را بین سایر ملل کسب نماید - افسران مارشال یارن فوجد کلر و صاحبمنصبان آلمان بامتیاز کماندوی امپراطوری مرجوع مساعدت وهراهی کامل میباشد بلی اقدام مقدس حضرت مستطاب عالی خواهد بود - از خداوند باری تعالی موفقیت قوای ایران را خواهانم .

با کف وزیر امور خارجه

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول - و دوم

زند کانی جاودانی مفهوم وملت (کریخ آنست ، سراج التواریخ ، آئینهٔ حیات تمای ملت جلیل افغانست ، زیرا از آغاز تشکیل وکشمکش پاون دولت افغانیهٔ حالیه تحت میرآید که برای حالیه استقلال ملت بهترین درسکاه عبرت ، وجوشن ازین ابتداء ملت تصور نمیشود ، هرفردی ملت را واجب است که پانشخصهٔ از آنرا بدست آرند وبیشه سرجلد در کتابخانهٔ قلوب خودشان نکهدارند ، علی الخصوص که کتاب مذکور به چت خاصه و جبر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بهاسرو فرمان بانی مراحم جنات بادشاه مقدس ما اعلیحضرت ، سراج الملوك الدین ، تالیف شده ودر مطبعهٔ حروفی دار السلطنه کابل زیور طبع آراسته و تکثیر یافته است

جلد اولیان کتاب از ابتدای سلطنت خاندان دلشان و سدوزائی یعی از آغاز تاسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان بکرده اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم وجنت مکان از هجرت در کابل تحت سرد وجلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا آنه اول جلوس اعلیحضرت ، سیاه الله والدین امیر عبدالرحمن خان ، خان زاده وقت تاریخ نکاشته طابع میباشد ، لهذا اغلاط تحریری تبیر طبع رسیده است ، قیمت کتاب مذکور نسبت زیادت وخوبی تحلیدآن اظهر از بیان است

نمبر (۱) پشتی جرمی جرم واصوادی داخل کابل تحت چهار جلد جدول خلاصه کار نشان دولت وانمبر کتاب از ورق خلاصه اجزاء بندی شده مبلغ تاریه روپیهٔ تحفهٔ کابلی

نمبر (۲) پشتی مقوا وجرم کیرمطلی چهار کنج وزرجرم سبز مذهب حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق خلاصه سبزه روپیه تحفهٔ کابلی

نمبر (۳) پشتی مقوا روغن کرده لاجوردی چهار کنج وزرجرم منبتی سرخ تحت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق خلاصه اجزاء بندی شده یازده روپیه تحفه کابلی وده شاهی

نمبر (٤) پشتی مقوا روغنداری چهار کنج وزرجرم منبتی سرخ کابل تحت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق خلاصه کوتاه بندی شده ده روپیه تحفه کابلی وسه شاهی

نمبر (٥) پشتی مقوا روغنداری سرخ چهار کنج وزرکرم شبابلم کتاب ونشان دولت ورق خلاصه جلد کوتاه بندی شده ۵ روپیهٔ تحفهٔ کابلی ویازده شاهی

محل فروخت

در قلعهٔ ارك مبارك از تحویل خانهٔ جناب محمد نیمان سرحلقه در بازار ارکی از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اکثر بك وقته وشیرازه بیشتر حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون دلا امر فرمودند که جلد اول ودوم درین وقته شیرازه شود وجلدسوم وچهارم آن که هنوز مدوزر طبع میباشد وبعد از اتمام طبع برآمده مهیا کرده شد اشتهارات اعلان فروش آزاد کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع کردید

عریضه هائیکه مشتمل خارج از طرف مدیر و سر محرر نخواهد بود

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1733 of 1786

اعلان

عموم مشتریان گرامی خود را

به آوری میکنیم

میخواهیم و کوشش کردیم که از شکایت راجع به اخبار مشتریان گرامی دارالسلطنه کابل خودداری نمائیم لیکن نظر به اینکه ما کتابچه مرکزی دارالسلطنه کابل را مطالعه نموده یا کتابچه مقدار الیه تعمیم و توزیع اخبار را که بهمه مشتریان گرامی رسانیده وعده خدمت خود قبول نموده، مشتریان گرامی دارالسلطنه خود را تحذیر داده آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه غیر فردا فردا واسطه کمپنی یا کتابچه خود شان میرسد

شرایط خریداری

دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیه کابلی
قیمت شش ماهه پنج روپیه کابلی	شش ماهه هفت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

مرسلیکه باشد اجرت پست

قیمت سالیانه	دو روپیه انگلیزی	قیمت شش ماهه	یک روپیه انگلیزی

به بلغاریه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای روسی انگلیزی دارنده روپیهٔ اخبار است از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال خود، و مستمندان که صنعت خود، شاید در سراج الاخبار افغانیه اعلان وانتشار کردن میخواهند، و یا دیگر هر قسم اعلان وانتشار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود در هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران هم یک روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود. اعلانیکه درین ورق وقایع درج شود اگر یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران هم یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. بقبول سطر یک سون اخبارها (۳ — اپنج — ۱ — سون) میباشد

هریک شخصی اعلان خودرا مثلاً یکسال نشر کردن خواهد دوسه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی زیر سطری سه شاهی اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ سال

آسیا ✖ اوروپا ✖ آفریقا

(مقدمهٔ کتاب) یک آرزوی دیرینهٔ در نظر هوسکاران جریان جلوهٔ عرض میدهد. بدست آرید، خواهید در ظرف ۲۹ سال یک مدت کل سطحهٔ زمین را با سیاح آن یکه و همراه دور و سیر میکنید، ملکهای را که زیر میکذرید مفصل ومکمل جغرافیا رکرج آرا خواهد متوانید. چه چیزها که نمیبینید، چه چیزها میشنوید، چه قسمها چه سرورها میکنید ! علمی، ادبی، سیاسی درین زمان شاهزاده بالنفاده هوسناک دانشگواه تان باشد !

این آثار نفیسه جلد مرکب دو جلد وقیمه مجلد میباشد. تقریباً (۷۰۰) صفحه، و با (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر طبیعیه واشخاص مشهوره دقطعه های مهمه جزو است. قسمت ما بهمه خوبیهای آن قسمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ است. کاغذ اعلا، چاپ خوبی، تصاویر رنگی گراف، جلد محکم واستوار : دیگر چه میخواهید ! همینقدر گویم قلمی مطبعهٔ میار گذرده افغانیه (عبدالرؤف) خان سر مراب مطبعهٔ میار که، شارع ارگ شاهی (از ۱۳۸۶) کابل کتب وبازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی دکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو کوچه چلم فروش کتاب مذکور را بدست آرید دیگری کاری نباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1734 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از اکثر مصنوعات مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت. عبارت از یک مجموعهٔ انتخاب اشعار آبدار گوینده آگاهی میباشد که واقعاً اعلا، و متون طبع دلربا، بالصور بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از عهد خط و حال عید است ولی مطالعین وخواهانش سراسر یکقرار جدیداست. قسمت خوبهای ظاهری و معنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بطبای (۷) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از کوچه عبدالرؤف خان سر حوض، ودر بازار ارگ از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان ماجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هر شکار ان مطالعه آثار ادبیه را مژده! ازین ویسر رسیدهٔ بازار و مطبعهٔ عنایت، کلمتارا تبدیل عاید! «جزیره پنهان» یک ناولیست که قوت علم و معرفت وسعی و غیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظر ثابت وجلوه گر میسازد. هم حکایت، هم عبرت خیز، هم فضیلت آموز جالب، خوب، کاغذ، خوب، کمپوزش علاوه، قیمتش نظر بخوبیهای مادی و ظاهریش بسیار ارزان! آنها (۶) شش روپیه. محل فروخت غیر مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، و دکان باز محمد در بازار ارگ، و دکان ماجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه محمد

کتاب سال دوم ... محمود محمد

کتاب سال سوم ... محمود محمد

کتاب سال چهارم محمود محمد

عزو اسلامیت

تاریخ یمن کرده؟

ادب درس

ترجمه

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای هوقدر اداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنها را داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی

سیاحت دورهٔ دورزمین پیشاهنگ روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت دوزخ بحر محمود مجلد	٤
ازهرهش سعی وازهرجش سعی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده محمود مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان محمود مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای هوقدرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دوده افغانان ازده عبدالرؤف خان سر حوض و از دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار ارگ و از دکان ماجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی طبعهای مطبوعهٔ خود را میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا داشته باشند به مدیر سراج الاخبار افغانیه مراجعه کنند.

اعلان

کتابهای خط سراج الاخبار افغانیه، و کتابچه‌های علاوتان و شماره های متفرقهٔ آن، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدار دارد که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان ماجی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، و از دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارگ قیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند و نیز در خود اداره در ماه بخط یکبار که، و در خود مطبعهٔ عنایت دوده افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1735 of 1786

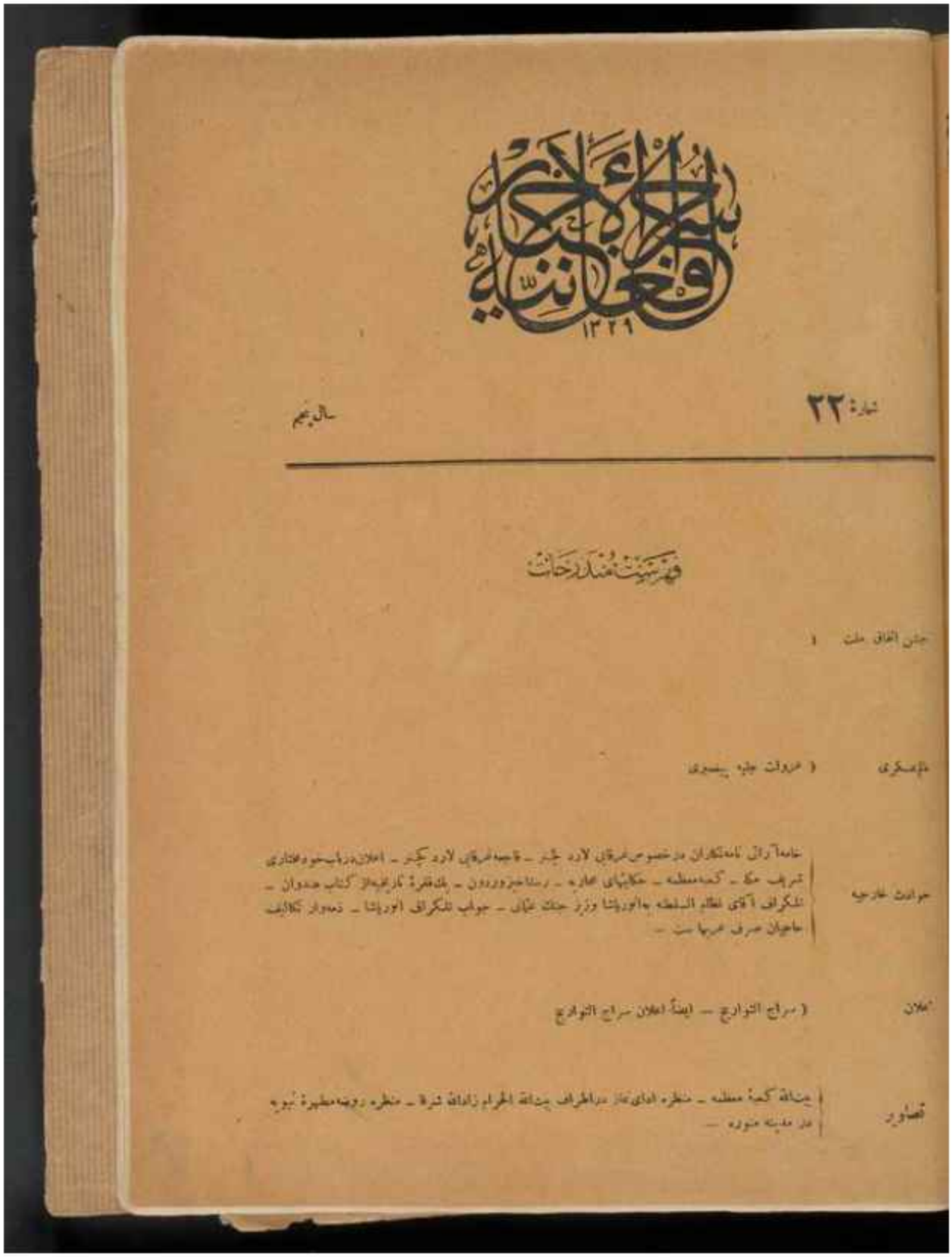

شماره: ۲۲ سال پنجم

فهرست مندرجات

جنس اتفاق ملت ۱

مأموری (عروسک جلوه پیشروی

حوادث خارجیه | خاتمه آرای نامه‌نگاران مخصوص غزتهای لاوه تجنر ـ قاعده غزتهای لاوه تجنر ـ اعلان دربابحرو عتاری شریف مکه ـ کعبه معظمه ـ حکایتهای عجاره ـ رسلاجیزوردون ـ یك فقره کارغیاز کتاب هدوان ـ تلگراف آقای نظام السلطنه بهاوریانا وزیر جنك عثمانی ـ جواب تلگراف اوریانا ـ زمهوار تکالیف عاجزان صرف عربها ست ـ

اعلان (سراج التوارخ ـ اینك اعلان سراج التوارخ

تصاویر | مناقه کعبهٔ معظمه ـ منظره ادای نماز در اطراف مناقه الحرام زادالله شرفا ـ منظره روضه مطهرهٔ نبویه در مدینه منوره ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1736 of 1786

ازصنایع پرورپای دات منوعه صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه زیبجواه دوران ظله الفغانیه وسعی وهمت جناب جریل بر جاه ثبت . ماذن عالم مبار که دارالسلطنه کابل علاوه براجای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه طاهیه و اونیورمهای سیا گر شاهانه وغیره . بعضی دیگر مصنوعات باطنی که از ان اهالی وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ازصادر گردیده است : اهل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان درباز ار اول) میباشد.

(۱) | سرخ های پشمینه بال رنگهای مختلف کمپنی آن ازقرار گرانکلیزی ۳ نوع مشخص شده درسه درجه وقطعات جنسی هرهفت وقن میرساند

اقسام	قسم اول			قسم دوم			قسم سوم		
درجه	درجه اول	درجه دوم	درجه سوم	درجه اول	درجه دوم	درجه سوم وقطری کلان قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده			
رقم	کالسا ساخته نشده	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ	رنگ خودرنگ			
قیمت	۲ روپیه ۰ پیسه	۲ روپیه ۲۱ پیسه	۲ روپیه ۱۲ پیسه	۲ روپیه ۱۵ پیسه	۲ روپیه ۱۰ پیسه	۲ روپیه ۹ پیسه	۲ روپیه ۲۵ پیسه	۲ روپیه ۲۰ پیسه	۲ روپیه ۱۵ پیسه

کمپنیه های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکزی | کمپنیه چهار خانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کمپنیه ذرعدار هرقواره ۱ روپیه پیست پیسه

۲ جرابها

رقم	تکمه تک زوج	راهدار زوج	مسنون زوج	کلان قهرجی	میانه قهرجی	خورد قهرجی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

۳ تکمه های چرمی عراب ومتبردار

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زره بالی دو کره سه کاره	زره بالی یک اسپه دو کره سه کاره	چرم بالی یک اسپه	یک اسپهٔ یک کارهٔ نعلی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم راهدار عراب	چرم بالی دسته دولاه یک اسپه	دسته دولاه یک یک اسپه	چرم بالی هرکان
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قیمت دلخی کلیدی زره بالی	قیمت کلیت قره باز چرمه لاپه توپخانه	زره بالی رقم سواری ساس کلیت	زره بالی دو کارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی اژدع	چرم بالی میانه چوب پت زناه	ازدن سواری تیغ چرمی	زناه اوزلقی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته های تیغ چرمی	دسته دولاه سیاسی وکلی کلیت قره	از ازن سوانی دولاه تیغ چرمی کمتلف دار	چرم بالی جاوین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

۵ قسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرون	گل نارمان	گل رزیه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گلیس	گل بنفشه	جقیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۸ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل کلان	گل سوسن	گل گندم
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(سید محمد طاهر دکتری کار خانجات (انعال خانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1737 of 1786

صحیفه (۱) سال پنجم (شمارهٔ) ۲۲

قیمت سالیانه
دار السلطنه کابل ۴ روپیه کابلی
سایر محل داخله افغانستان
ممالک خارجه ۱۰ روپیه انگلیزی
هر دوازده روز یکبار نشر میشود
قیمت اعلان در کابل یکصد پول
(ارقامی که درج میشود اضافه کرده میشود)

مقاله در ترجمه
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در مملکتخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
هر قسم تحریرات باداره خانه
باسم مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۳۱

تاریخ قمری ۱۵ رمضان ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ۱۱ جولای عیسوی ۱۹۱۴ تاریخ شمسی ۲۵ سرطان ۱۲۹۳

﴿ جشن اتفاق ملت ﴾ که از مراسم بسیار مقدس ومعزز دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما ، ومات نجیبهٔ افغانیهٔ ما میباشد بفضل وعنایت رحمانی ، درزیر سایه مراحمواریهٔ ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه معالی پایگاه بادانش ودرایت ، ومتبوع واولی الامر مقدس باعطافت ومدارا شفق وارحم مات ، در یوم دو شنبه ۲ ماه مبارك رمضان فیضرسان بکمال عزوشان شرف انعقادیافت . ازدرگاه خالق لیل ونهار تاسالهای بیشمار دوام داشتن این جشن مبارك را درزیر سایه پادشاه بسیار خوب محبوب القلوب خویش ، برای ملت ووطن عزیز خودمان تضرع ونیاز میکنیم . انشاءالله در شمارهٔ آینده راجع تفصیلات این مراسم جشن مبارك و مراسم عمدهٔ دیگهٔ ختم قرآن عظیم الشان در عبادت خالق کون ومکان بپادشاه اسلامیان متصلاً عرض وبیان می نمائیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1738 of 1786

غزوات جلیهٔ پیغمبری
اصول حرب نبوی
ما بعد از شمارهٔ
(۲۱)

مضمون شریف بعضی احادیث نبویه علیه الف تحیه که در اصول حرب نبوی مدار فخر علم عسکریهٔ اسلامیه ودستورالعمل امت ناحیه شده است ازقرار ذیل است :

— : « من از طرف جلیل صمدانی ، به آخر زمان بالشمشیر فرستاده شده ام . من و امت من ، تا او قیکه بجناب حق عبادت واطاعت کامله حاصل آید شمشیررا ازدست نخواهیم گذاشت . رزق من درزیر شمشیراست. کسانیکه بمخالف امرمن حرکت بکنند حقیرودلیل میشوند » . « دروازه های جنت اعلادرزیر سایه های شمشیراست » . « خیر وسلامت بشمشیر است . درشمشیر است باشمشیر یکجاست » . « زبونکترین مردمان اردوی دره یعنی آنها مجاهدین اسلام است » . « پدرزد خداوندی فی سبیل الله یکبار عجاره کردن ، ازچهل بارحج رفتن مقبولتر است » . « افضل اعمال مؤمنها همین است که بادشمنهای کافرجان مخاصمه بکنند . برای محافظهٔ دین ودولت کیدباخرمحاربه بکنند » .

این است که اردوی ظفر آرای اسلام ، تاک و مقصد این آیات جلیهٔ فرقانیه واحادیث شریفه نبویه را رهبر وپیشوای مظفریات خود اتخاذ نموده ، وفضایل وکرامت حضرت پیغمبری راهمیشه محافظهٔ احترام ساخته ، به احراز نمودن ظفرها وکامیابیای بیشمار درخشانی آغاز نهاده .

غزاهای بدر ، احد ، خندق ، خیبر ، فتح مکه ، حنین ، طایف ، وتبوک از چنان غزاهای ورز مکاهیای جلیله بوده که خورشید سیمای اقتدار اسلامیت را بافک ظلمهٔ بی نهایهٔ مظفریت آفاق گیر جهان انسانیت گردانیده ، فوسعات جلیلهٔ وحمایت قدسیهٔ آلیه را بدامنهٔ عالم واصل گردانیده .

[برای تعریف معنای شرعی غزا گفته میشود که همان سفرهای جنگ ، که سوق یعنی عسکرداں — واداره یعنی دور دادن وبحرکت آوردن آن اردوی عسکری — بالذات بالنفس خودذات حضرت رسالتپناهی اجرائیه باشد . ووجوه مقدسهٔ شان زمامبرکنان اقتدری آن اردوی سفرجنگ راجست عبارة کرده باشد آن سفر جنگ را (غزا) میگویند . و آن سفرهای جنگ ، که ازطرف حضرت رسالتپناهی واسطه یک سردار وامیر لشکر ، درداخل یک (منطقهٔ الحرکات) جنگ اجرائیه باشد آن را (سریه) میگویند .]

درکتاب (کوکب السموط کوکبة الجنود) مذکور است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بیست بار بالذات بالنفس خویش میمون به (غزا) بر افراختهٔ شوکت واجلال شده اند ، وچهل وهشت بار هم افراز (سریه) شده اند ، ودر عهده غزا مظهر مظفریت کامله گردیده ، غنایم وسرزمین بدست آورده اند که اینهم دلیل واضحیست که دین مبین اسلام از آغاز بعسکری وفتوحات بالا برای انتشار حق وسداد اساس وبنیاد نهاده است .

والحاصل هرقدر که غزوات مبارکه پی هم بوقوع آمده میرفت ، موجبات وترقیٔ فضایلهای نظام وانتظام مجاهدین کرام بیشتر میرفت افراد اردوی جلالت قوی حضرت پیغمبری بجنان فضایل جنت آورا ، وخصایل مرضیه آرایش ذات وصفات نموده رفتند که بیک نظر هم فضائل ومکارم را برای هرآدمیا نشان میدادند ، درواقع ، ازاحکام عظمت وجلیه بقدر یکدره انحراف ورزیده نمیشد پیروی سنت سنیهٔ نبویه سرمایهٔ فخر وسباهات شمرده میشد . اینهمه چیز از جملهٔ فضایل عمده وواجبات ذمهٔ قوهٔ نظامیهٔ مجاهدین اسلام بود

اطاعت ، حب غزا ، شجاعت ، بیرحمی بحیث ، صداقت ، ازروی شیمان

﴿ اطاعت ﴾

حضرت سردار کتیبهٔ انبیا علیه افضل الصلوة والتحیا هرروز وزمانیکه برای تحصیل رضای ربانی ، ومقصد خدا پسندانهٔ اعلای وحمایت سبحانی عازم غزا ایجاد میشدند ، بآنکه سرسری یک سوق عسکریهٔ سریه میفرمودند ، برعساکر ظفرمآثر همراه بلوا وعسکری که درزیر امر وکوماندای سردار وامیر لشکر بغزا میرفت اول از اجر عظیم و ثواب جسیمی که از (اطاعت) عسکر ، سردار وکوماندان محصول میآید اعلان وبیان میفرمودند . مثلا بمضمون حدیث شریف ذیل مزایای اطاعت را تجلیل میفرمودند « کسانیکه بسردار وقائدلشکر تعصب کردهام اطاعت بکند . کسانیکه بسردار عسکر من اطاعت نکنند ، بدانند که بمن هم اطاعت نکرده اند » .

این گونه کلام های قدسیت التیام حضرت پیغمبری ، تلقی وبا محافظهٔ احترام مجاهدین اسلام گردیده ، درأثنای غزا اطاعت مفروضهٔ مدار سعادتهای دنیا و آخرت میدانستند .

چنانچه درسال هشتم هجرت نبویه ، برای تأدیب و سرزنش یعنی قبایل متمرکین که حیوانات وموانع مدینهٔ منوره را یغما وتاراج کرده بودند ، جناب (عمر وبن عاص) رضی الله عنه را بالک قوهٔ قلیلهٔ که عبارت از سیصد نفر بودند به اجرای سفر حرب مأمور فرموده ، درعقب آن برای قوهٔ امدادیهٔ آن قوهٔ اول ، در معیت حضرت (ابوعبیده بن الجراح) رضی الله عنه بالک قطعهٔ عسکریهٔ دیگر که مرکب از دویست نفر بود اعزام فرموده بودند . هنگامیکه حضرت ابوعبیده اردوی حضرت عمروبن العاص ملاقی شد ، خواست که بر بالک قوم اردو را دو عهده بزند . اما حضرت بن عاص رضی الله عنه که کمت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1739 of 1786

برای امداد ومعاونت من فرستاده شدهٔ . امااین سرداری و مسئولیت زیاد در عهدهٔ منست : »

پس یا برین گفتهٔ حضرت عمرو بن عاص ، حضرت عبیده فرموده حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را که پیش از رسیدنش بر حرب چاو فرموده بودند بخاطر آورده گفت :

- بن، حضرت رسول الله امر فرموده بودند که « اختلاف نکنید ». پس اگر تو بمن اطاعت نکنی من بتو اطاعت میکنم .

حضرت عبیده به این حرکت خود شان ، درجهٔ وجوب واهمیت اطاعت امر آمرو کومان افسر را یک مثال بسیار جلی" وجود آورده . هرکدام صفحات مختلفهٔ همین سفر حرب دارپیش نظر دقیق گذرانیده ، درباب اطاعت امیرالجیش بمثالهای جلیل برخورده میشود. درهمین سفر حرب بود که کمان افسر اردوی حضرت عمرو بن عاص رضی الله عنه برای اینکه قوت ، و تربیات جنگی" اردوی اسلامرا از نظر دشمن پنهان بدارد ، امر کرده بود که در اردو گاه بشب آتش افروخته نشود . اماهوا سرد بود ، وافراد عسکره از شدت برودت زیاد متاثر میشدند . این حال نظر دقت حضرت (عمرالفاروق) رضی الله عنه را که همسفران اردو بودند جلب نموده به حضرت ابوبکر (الصدیق) رضی الله عنه را گمدر نزدیک شان نشسته بودند گفت :

« واقعه حالست ! این آدمها یا عسکر را زسردی میخواهند هلاک بسازند »

حضرت ابوبکر بایک استدلال صدیقانه بجواب چنین فرمودند .

« عمر، دارمقوی امر ! حضرت پیغمبر اورا بنبی گویا جواب حربه قوی و کافی" گاهی" دارد . و مجاهدین اسلام سردار نصب فرموده اند ، چون در بوقت سردار میباشد ، اطاعت کردن او بر شما واجبات . »

حضرت فاروق چون این بیان حقیقت را از رفیق صدیق شنید ، بایک توکل فاروقانه اظهار تسلیمیت نمود . ایست که اطاعت اردوی عسکر اسلامیه چنین درجهٔ خارق العاده رسیده بود و اساساً این الاساس حضرت که صادر از امر (اطاعت) است ، در فرقان عظیم بصورت صریح بیان گردیده شده است . مثلاً آیه ومضمون این آیات کریمه که میفرماید :

« ای مؤمنها ! بالله تعالی ، و رسول او اطاعت کنید . عملهای خود را بی اطاعتی باطل نسازید . »

دیگر ... « ای مؤمنها ! اگر شما بدین الله تعالی ، و رسول او مدد نمائید ، جانب حق نیز بشما نصرت میدهد ، و در یوم قیامت ثبات و متانت شما را تأیید می کند . »

نزول این چنین آیات کریمه ، برای اطاعت در عمدهٔ دین حق زیاده موجب اطاعت وفضیلت وغیرت وحمیت اردوی اسلام میگردید . بالخصوص که قائد اعلای انبیا علیه افضل التحایا ، بسی که اطاعت را بآن فضیلت مادی ومعنوی نشان داده بودند ، و مدار سعادت دنیا وآخرت شمرده بودند ، از اربوبیت خود حرکت را که برخلاف اطاعت بود تکویر وتصویب نمیفرمودند .

درغزای مشهور « خیبر » که در سال هفتم هجرت نبویه وقوع یافته بود ، بعد از انکه حضرت نبی" ذیشان سپهسالار قسمت چهار بالف صلوة من الرحمان یکعدل عساکر اسلامیه فرمودند ، باعطای عساکر فرمان نمودند . این امر رسالتپناهی بمجرد یکه شرف صدور یافت ـ بموجب نظام اصول حرب نبوی ـ همهٔ منادیها برای اعطای حرب ندا کردند وعساکر مرکبی از مجاهدین وهفتاد دست رمانته بیکبارگی حرب معطل شد . امااز افراد اردوی همایون یکنفر عسکر نبود که بمجرد از آوازهای منادیها نیز از حربه وقتال دست ورمانته بسیاری از گفتارها تلف نموده خودش نیز تلف گردید . بعد از اختام محاربه ، یکی از اصحاب بحضور حضرت رسالتپناهی عرض نمود که :

« فلان آدم شهید شده » . آنحضرت فرمودند که : ـ « چون او بامر اطاعت نکرده ، غازی نمرده میشود ، وغازی را جنت حلال نمیشود ... » پس ازهمین یک نکته بخوبی استدراک کرده که باوجودیکه رتبهٔ اقتضای مراتب اسلامیه رتبهٔ جلیلهٔ شهادت میباشد ، بازهم بی اطاعتی امرکمان افسر اعلا موجب محرومیت آن رتبهٔ جلیله می گردد . پس جلا تامل شود که همین حکمهای کان افسرهای کمدرین جنگهای حاضره غزی های عسکر را دردرهای آتش میدواند بجز همین امر جلیل اطاعت دگر چیزست ؟ الماقتدار ولیاقت کان افسر هم ازانشد ضروریات شمرده شده است

(حب غزا)

در اردوی حضرت پیغمبری (حب غزا) بدرجهٔ خارق العاده حکمفرما ، وجایگیر دلها شده بود ـ عموم مجاهدین ، غیرت دینیه را ازهرچیزی افضل واقدم میدانستند . ازغزا افسر همهٔ افراد اردو ازجهت وحدت اسلامیه متحد ومتفق بودند . چون یقین وتحقیق میدانستند که اگر شهید بشوند سرراست بجهنت اعلا میروند ، ازانجهت درد همهٔ افراد اردو ، عزیزتر وداغلاتر ازحب غزا وآرزوی شهادت هیچ چیزی نبود ، دراردو آرزوی بدست آوردن مال وغنیمت که اساس آمال اصول حربیهٔ نبوی پیش ازیک هزار وبیست سال وضع فرموده هیچ نبود ، زیرا حضرت رسول اکرم صلی الله تعالی علیه وآله وسلم کسانرا که آرزوی غنیمت را بدل میپرورانیدند ، ورای غنیمت بجهاد میرفتند ، آنچنان اشخاص را ازاردو طرد واخراج میفرمودند چنانچه هنگامیکه بغزای خیبر امر حاضری سفر حربرا عطا میفرمودند چنین فرمان نمودند :ـ

« نمیخواهم که دراردوی من بغیر آن کسانیکه برای اعلای دین جهاد می کنند دیگر کسی موجود باشد . » ایترا فرموده وهمان اشخاصی را که بآرزوی غنیمت میخواستند بااردوی همایون الحاق بکنند آنهارا قبول نفرمودند .

آرزو وحب بلند کردن برق جهاد ، برای اعلای کلمهٔ حق دردلهای عموم مجاهدین یک شوق وسرور عظیمی حاصل می کرد ، بمجردیکه ازطرف جلیل حضرت پیغمبری ، رقبایل مشرکین اعلان حرب میشد درصدد گرد اسلامیه یک جوش وخروش عظیمی پیدا شده ، برای لازم شدن راه جهاد بایکدیگر بساعقه وداوطلبی میافتادند ، کسانیکه ازشرف غزا محروم میماندند دریک لب بیان حسرت واندوسوزان میشدند چنانچه درهنگامیکه برای غزای (بدر) ، در مدینهٔ منوره تدارکات حربیه اجرا میشد ، بحضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عرض شده بود که ـ (سعدبن حثیمه) رضی الله عنه که ازانصار کرام بودند باپدر خود یکجا بمیدان جهاد رفتن آرزو می کنند ، رسول الله صلی الله

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1740 of 1786

طلبه [illegible] بازار اسلحه [illegible] را انجام فرموده بودند ، در این وقت [illegible] ، عرض کرد که [illegible] بدهند ، [illegible] ، [illegible] ، [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1741 of 1786

نخستین برقی که ازطرف حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوة والتسلیمات عطاگردیده شده ، درسنهٔ یکم هجرت نبویه است که بجناب ابوسرشد) احسان فرموده اند ، وبعد ازان به عمزادهٔ حضرت رسول ابی (عبدمناف الحارث) ، وبعدازان بحضرت (حمزه) وحضرت (علی) رضی الله تعالی عنهم یکم (دو) تادیق عطافرموده شده است ، ازان وای بدست قوماندان و کل افسری که داده میشد ، خواه عموافراد عسکریه

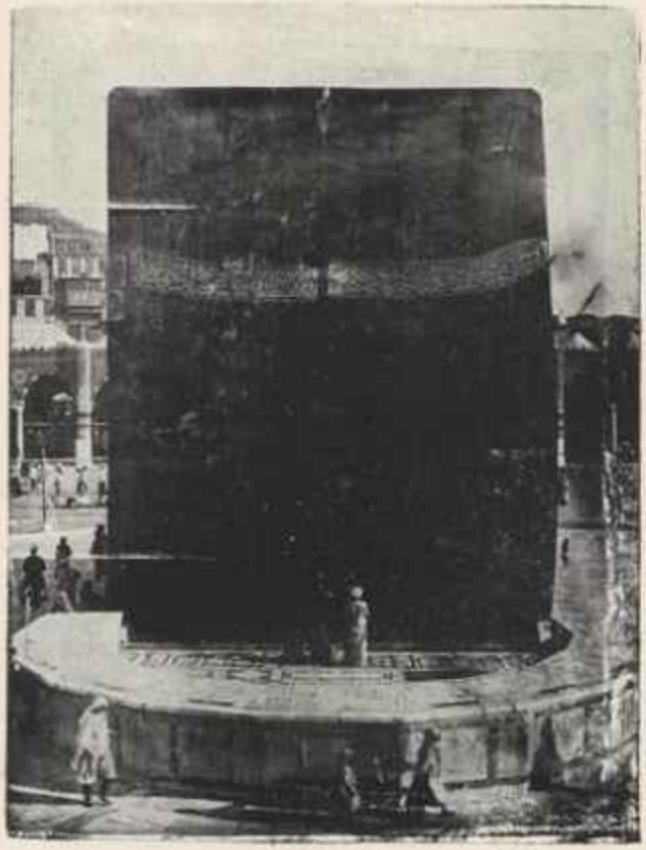

بیت الله ، کعبهٔ معظمه
عظمهٔ بیت شریف از جهت عظیم مبارک که درینوقت بخربه و فشار دشمنان عصیان دران رینشده است

بود که امثال آن در عجایب تاریخ گذریده میشود .

درین عاریه ، که بمهارت عسکریهٔ کوماندان دیتشان ، وسردار شجاعت بنیان اسلام جناب (خالد ولید) رضی الله عنه نتیجهٔ کامیابی وثمرهٔ فتح وظفریابی برای اردوی اسلامیت داده شد ، دراول عاریه علمدار عسا کرمظفرهٔ اسلامیه حضرت (زید) رضی الله عنه بود ، لیا آن اردو ، وخواه خود آن ذات شریفی که حامل آن سنجاق شریف میبود ، درزمانه حافظه وتکهبانی آن فدای جان نمودن ، سرانامهٔ عنوان فخر ومباهات خودشان میدانستند ، ودر خصوص فدا کاریهای خارق العاده ابراز مینمودند ، چنانچه در سال هشتم هجری در (موته) نام عاریه که درمابین عسا کراسلام ودولت روم وقوع آمده بود ، در خصوص محافظهٔ برقی چنان بت اثر دلاوری وقهرمانی بظهور آمده

درانثنای عاریه برجناب علمدار شجاعت مدار یک حملهٔ سختی ازدشمن آمده ، حضرت زید ، بشجاعتهای مردانه مدافعه مینمود که درین اثنا ضربت نیزهٔ دشمن شربت شهادت را نوشید .

حضرت (جعفر ابیطالب) برادر حضرت (علی) رضی الله عنهما بمجردیکه شهادت زید ، و افتادن برقرا مشاهده نمود ، سرعت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1742 of 1786

وقتمالی خودرا رسانیده پیش ازانکه برق زرین رسد بیانه‌لاکی خارق‌العاده برقشریف رادست شجاعت وحماست علی خودرو رود، اما ، تاخودرانمیرسانید ، وبرقرارنگرفت ، ایمان دشمن کهصورت بسیار دهشتناکی جای جود وجود مبارک آن یگانه جوهر شجاعت ومردانگی را ازچند برعدار نمود ، حضرت حیدرصفدرکه شرارهٔ شجاعت وجلالت ازآن جعفار خون بار ، ودرمقابل سیلاب دهشت مآب صفوف اعداء ثبات وپایداری نموده ثانیه‌ئی نیاسود ، وبرق‌الحمشه‌ئی کهدردیگردست داشت درگلوی دشمن کوتاهی نمیورزید ، رفته رفته آتش برق صاعقه مانند تیغ های آبدار ، وبگاهگاه نکرهٔ زرینهٔ ایمان جان شکار اوزوی برگرفت واز هر طرف جمعهای سخت سخت ، برهم خورد رهم اسلامی درهم ریخت ، ولکن حضرت حیدر کرار هم در ثبات وانتظامات حیدرانهٔ خویش قدرت خلل‌ناپذیر خودرا تمام برهمهٔ اتباع دین ومملت اسلام بدوا ثبوت رسانید ، تا کرطرفین صورت بسیار جانبازانه وفداکارانه ، پیدا نمود ، و کاوبکو دست و گریبان شده بودند ، درین اثنا دست راست شیر میدان و تابع قدر وجودی یکی ازطرفداران کربلا ، کفار راپاره‌پاره ، اساطیر وناموس وشرف عسکری وتعلیمات متین اصول حرب نبوی را بچشند که آن عظیم میدان شجاعت عالمیان بی‌آنکه بکنار برق اسلام سرنگون گردند ، برقرار دست بکار گرفت ، وپای ثبات ومردانگی آلعباشی را درمدافعهٔ اعداء محکم‌تر ، هزار افسوس ! اگر نمیگفتند بود که دست چپ مبارک نیز بردهٔ تیغ حرب گردید .

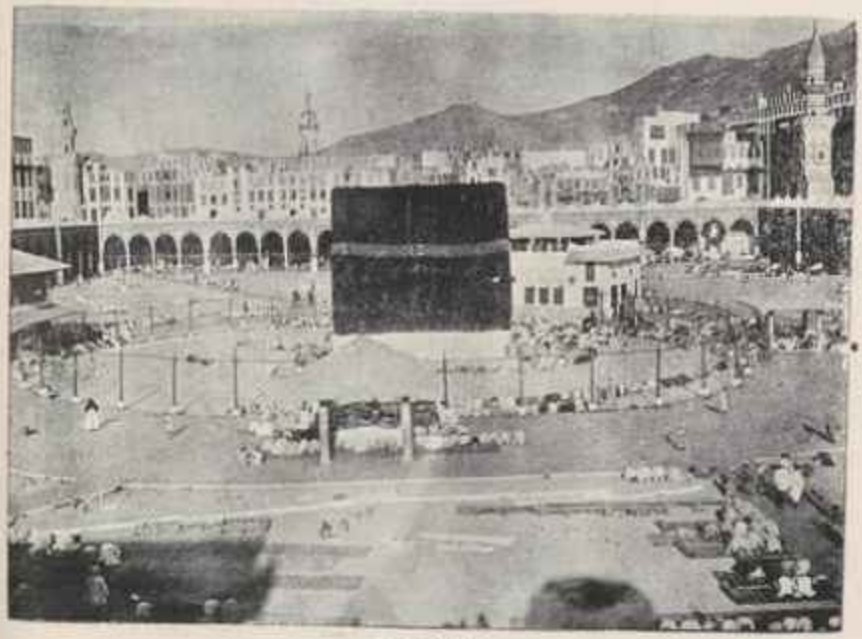

منظرهٔ اولی نماز
در اطراف بیت‌الله‌الحرام زادها الله شرفا

درانحال از چشمهای شرارهٔ ان قهرمان دلاوری آن سردار علمدار عدا گردابر اسلام ، اشک غیر و غضب ریزان ، ودل شجاعت مزلزل مبارکش ملبوب دلاوری سوزان گردیده ، بلندیکی دیده برقرا درانبوهی دین خون آلوده کشیده ، نگذاشت تا آن لوای مقدس رزمین افتدوناوقتی که حضرت (عبدالله بن زبیر رضی الله عنه) که طرز قاعدهٔ اصول حرب نبوی بسردار ان منصب سرداری مأمور و مقرر بود مانند برق خودرا رسانیده برقرار نه رود ، حضرت جعفر خودرا بان علمدارون غیرقابل سرنگون نیایده ، وه شکنها ، وجنبهای ان علم علیرغم که مانیم فوزونصرت توج میکرد چشمها وروی مبارکرا

مانیده ، وبوسیده ، در حالیکه درانه ، یدان وتوان مانده بودند ، دیگر شریف الحضرت (عبدالله بن زبیر رضی الله عنه) تسلیم کردند ، وبعدازنمودن نظیر مستغرق ، در حالیکه از هشاد وپنج جا مجروح بودند ، بعد ازین پاک کردند دهشتناک ایمان دشمن تسلیم روح نموده در راه دین واعلای لوای مقدس احتوای اسلامی درانحال عار وایمان بقیالیا ثبوشانده

حضرت (جعفر ابن ابیطالب) رضی الله عنه از کوماندانهای سپهسالار شجاعت ، ودلاور های شیردار ، درجلال حضرت پیغمبری بوده کهمن روایت کتب تاریخیه وسیره ، برحق گذ دلاورانهٔ ان قهرمان شجاعت دلیل روشن وبرهان مبرهنیست کهدراوراق مکرر بنظر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1743 of 1786

دلیل اینکه فضیلت بحث عن شراف تو آبهیچ دیگر نظیری ندارد .

حضرت جعفر ، ازخاندان درگرد کان حضرت فاطمه سلام الله علیها علی الصلوات واکمل التحایا بودند که افتخرت ازشهید سعید تجلیل را بسیار دوست میداشتند ، وازجمله نشانهای نامداری بودند که خبر شهادت ایشان موجب کدر ودلسوزی فوق العادهٔ حضرت پیغمبری صلی الله علیه وآله وسلم شده است . وزبان معجز بیان مبارک در اثنای تسلی دادن ودلداری کردن زوجهٔ محترمهٔ حضرت جعفر فرموده اند که « گریه میکنید ، گریه میکنید ، اشکهای چشمهای تانرا خشک کنید ، جناب جعفر ای دوبازوی بریدهٔ او ، دوشیزگان عطا فرموده که دوچون کش بان دوشیزگان ، در همین وقت در جنت اعلا پرواز کنند » . [اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی آله واصحابه وبارك وسلم]

(ارزوی شهادت)

ازین قبیل توجه‌های شفقت ، که حضرت قاهر کائنات علیه افضل الصلوات والتسلیمات در نظر مجاهدین اسلام نشان میدادند ، در خصوص حمایت قهرمانان ودلاوری کهدرراه حضرت پیغمبری قیمت واهمیت فوق العاده‌داشت ، همهٔ مجاهدین اسلامرا چنان شوق وغیرت ، وچنان میل والتفات درمجاهدات ومجاربات میبخشید که همهٔ افراد عسکری اردوی اسلامی برای احراز کردن نامهدنحضرت النبیهداری ودلاوری بایکدیگر دوستان مسابقه ومداولعلی شتاب میکردند ، وچون این نام ، بدون آنکه دیگر افتخار شاملش ، ودرای مبنا جایهٔ شهادت بجان ومال ارزو کنی وبدیگر چیزی میسر نمیشد ، ازاردوی عسکری اسلامی در زمرهٔ مدهشترین محاربها ، حائز نیها وخونینهای بالیترین خودرا کار میبردند .

افسراد عسکریه از دوی حضرت پیغمبری ، ابهمه خدا و دنیا وجانسپاریهای را کارساز میکردند ، بحدی ازین بود که اولا فیض قدسی جودانی دین مبین اسلامی انهاجان فضیلتپرا ترانده وپیراسته گردانیده بود که هیچ یکی ازافراد اردوی اسلامی نبود که بقدر یکذره ازهیچیک ازین فضیلتهایش که اکنون مذکور کردید مخالف ومجاوز بتواند ، ثانیا تاثیر قوی خصایل چنین وعدالت و مساوات بود که از طرف الشرف حضرت نبی ذیشان بطالبان مجاهدین اسلام میان ابراز فرموده میشد حضرت قاهره سالار انبیا ، وسرور وسردار کل انبیاعلیه افضل التحیات والعدل وحقانیت بدرجهٔ رعایت میفرمودند که اگر تهایك نفر سپاهی بازهم دیگر اصحاب کرانوقیت سوار میشدند ، درانثنای سایر هیچ یك عسکری را بعیده خاطر نمیساختند ، هرفرد عسکری راجدا جدا ، کمال تلطف والتفات مینواختند ، تلطفهای فاخره وتلویحات مؤثر برای افزونی حماست وشجاعت شان بیان میفرمودند .

در اثنای طایف ، درانثنای سوق رهکار عسکری ، کنار یك جای تنگ می گذشت ، دریك بعل شتر سواری الحضرت شتر یکنفر اعرابی ازافراد عسکری مجبوریت بفکار وتطبیق درمی گذشت کهاین سبب قدومبارك الحضرت را در مابین شترخود وشتر سواری الحضرت خیلی فشارداد الحضرت برای یکقدری دور کردن شترخود ، اهسته باوتوك قمچین که دست مبارك شان بودبرای اعرابی زده داد ، اما چون که مبادا اول

بك نفر افراد عسکری را ازرده نموده باشند ، فردای ان غرهٔ کورا بحضور خود طلبیدند ، ازیم مجازات برخود لرزید ، حال آنکه حضرت رسولنا کرم ، بموجب مجازات بدالتفات وخاطر نوازی فرموده ، خاطر شکستهٔ اعرابی را به تعمیر فرمودن حد عنایت فرمودند .

دیگر چیزی که موجب جانسپاری وحرکات فدا کاری افراد واعضای اردوی اسلام میشد ، این بود که ان خلاصه وزبدهٔ کائنات ، حضرت پیغمبر معالی صفات علیه افضل التحیات بوجود مقدس خودشان بالذات چنان یك جوهر مقدس شجاعت ودلاوری ، وچنان یك هیکل مجسمهٔ بسالت وبهادری بودند که درمقابل تیرباران دهشتناك اعدای دین حق ، درجهٔ ثبات وتمکین نبوت پناهی شان ، نمونهٔ امثال ، ورهنمای عساکر اطاعت خصال اسلامیه میگردید ، زیرا درشجاعت وثبات ، واستقامت بشدت مصادمات ، وجود مقدس حضرت قوماندان اعظم والمقدس اردوی قدسیت قوی اسلامی علیه الصلوة والسلام ، برتمام افراد مجاهدین اردوی عرعرکاب همایونی شان تفوق وبرتری داشت ، در تاکترین ودهشت آورترین هنگامه‌های رستاخیز حرب ، هیچ اضطراب ، وهیجان اضطرار نمودن ازخصایل برگزیدهٔ خدابسندانهٔ شان نبود . حضرت (علی) کرم الله وجهه که حماست وشجاعت حیدری شان مانند شمشیر کان عیان است میفرموده اند که : « دربدترین کثرین زمانهای محاربه که بفشارهای سلوب الطاقه گرفتار می آمدیم ، همهٔ ما بحضور مبارك التجا میبردیم » . همهٔ افراد مجاهدین ، بروی نمودن شجاعت واستقامت حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم برای خودمقدار تیزوافتخار ، و یك شرف واقتخار میشمردند ، بحیرد یکه ازطرف حضرت پیغمبر امرهموم وحیه بدون وقوماندهٔ (الله اکبر !) عطا میشد ، زیرا بر چابکی تمام رخصای خودرا بدرجهٔ ممکن بسته کرده ، برای اظهار نمودن به اطاعت امرهموم وحیه ، یك دیگر مسابقه وپیشدستی میورزیدند .

ازین جهت بود که (آرزوی شهادت) برای مجاهدین اسلام افضایل برگزیده ، وخصایل پسندیدهٔ شمرده میشد ، مآل ومضمون آیات کریمهٔ که درخصوص شرف نزول فرموده افتخار نازل شده است :

« شما برای آن کسانیکه درراه حق سبحانه تعالی شهید شوند مرده نگوئید ، نی ، بلکه آنها زنده هستند ، لکن شما آنرا نمیدانید » .

« ما گرفتار حرب میبریم ، وبزودی خداشهید بشوید ، البته جناب حق بثواب نایل میشوید » .

احادیث حقی که ازلسان افتخار بیان آنحضرت صلی الله علیه وسلم ازفم صدور یافته ، مآل ومضمون حکمت مشحون بعضی ازانها از قرارذیلست :

« بآنجناب باریتعالی که نفسم همهٔ اشیاء دست قدرت ربانی اوست قسم میکنم که درراه دین خدا کرده شوم شدن ، وبمیدان زنده شده بازشهید شدن ، باززنده وشهید شدن را آرزو وتقاضا میکنم » .

« شهادتی که باشمشیر بدست بیاید ، غیر ازشرك همهٔ گناهارا محو می کند » .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1744 of 1786

در درد خداوندی مطوتر و محبوبتر از قطرهٔ خون کافی‌سبیل الله ریخته شود ، دیگر چیزی نیست . »

معلمکه‌یکصدای عدالت اسلامیه ، وصدای عدالت کردشمن‌بایکدیگر دارد مقابل می‌آیند ، دراوقت «ملائکه» کرام بمیدان حرب فرود آمده مژدهٔ هریك ازمجاهدین را میدهند مثلا فلان برای دنیا ، وفلان حب‌ریاست ، وفلان بشوق حضیت غارمی‌کند . برای کسی‌نگوئید که فلان فی‌سبیل الله شهید گردید مگر که آنکس برای اعمال دین اسلام حرب بکند . خدای فی‌سبیل الله این است . »

این آیات جلیلهٔ قرآنیه ، واین احادیث مبنیهٔ نبویه که شرف صدور میافت آرزوی شهادت ، وجانبازی بشهادت شائرا دوبالا میساخت . هرافرادرا بالذوق وشغف عظیمی درخصوص حاصل بودن رتبهٔ شهادت مبتلا مینمود ، بدرجه که امی وعوامانهٔ قوم نیز میدادمیدند ، بسیاری ازافرادرا برای آنکه رتبهٔ جلیلهٔ شهادت سرفراز شوند ، زرههای خودرا از انداخته ، وبراه وغضاراه خودرا بمیدان حرب پرتاب مینمودند . درخبراست ، وصی فرزند مار گاه دیگر جانبازیها وفداکاریهای که اصحاب جلیل و افراد اردوی ظفرمآل ازاز خودداد ، حالتیکه رسیده که آرزوی شهادت وخطر پیدانش مرگ درافراد عسکریهٔ اردوی نبویه تاچه درجه وجه زده بود .

اسلحه

شمشیر — تیر

دردور جلیل پیغمبری اسلحه بقدر وقیمت امروز مالک بود . فی الخصوص (تیر) که امروز استعمال میشد ، و « شمشیر » که از ترکه‌استعمال میگردید خیلی‌بقدر وقیمت شمرده‌میشدند . درفضیلت ومزیت این‌دواسلحهٔ مهمه ، بسیار احادیث مبنیهٔ نبویه ترقصا درشده است . حتی درقرآن مبین اسلام ، چنانچه اصول مکالمات ماده — یعنی مجبور بودن عموم افراد عسکری ازاحکام جلیهٔ دینیه شمرده شده است . کذالك تعلیم‌وتربیهٔ عسکریهٔ نیز ضروریات احکام دینیه‌میباشد . مثلا مضمون ومآل این آیه کریمه که : « برای مقاتلهٔ اعدا بقدر قوهٔ که قدرت آن رسد ، اسلحه وآلات حربیه ، وقطر بهروقت ملازمهٔ جرادرا حاضر وآماده کنید ، ودرطوفیه اسپهای ساده و پرورش یافته بدرجهٔ قدرت خود مهیا نمائید . » صریحاً ثابت مینماید که دین مبین اسلام تاچه درجه برای تدارکات عظیمهٔ عسکریهٔ حربیه حاضر و آماده بودن را امر وفرمان میدهد .

کذالك احادیث نبویهٔ که در خصوص وارد شده است حربت واهمیت اسلحه (فی‌الجمله) را که ازمهمترین ملازمه فنون حربیه شمرده میشود خیلی اعلاوه وبالا فرموده اند . مالك ومضمون بعضی ازان احادیث مبنیه ازقرار ذیلست :

« تیرهندازید ، وراکب سوار شوید ، تیر انداختن نان درپیش من خوشتر واو لتر است . »

« جناب حق ، بهرکس تیر دسته کمی را بجنت میدهد یکی آن که درراه‌ای‌طلب ثواب واحتساب جوهرمیاورد ، دیگر آنکه تیرانداختن سلاحه جهاد انداز معاونت میکند ، دیگر آنکه تیرا زمینهٔ دشمن دین ومات میاندازد . »

وین آیات کریمه ، واحادیث مبنیه‌مرتبه اسلحه‌سازی ، وتیراندازی ، وتدارکات عاجزی جنگ برچنان اساسهای‌متین بنیاد گرفت که نه‌تنها آن تاکنون ـ بلکه تاابد ودرعموم دنیون حربیه ملتهای رهبای‌فاتح وظفر هرقوم وملتی که به آن پیروی کرده اند وخواهند شد . [علی‌الخصوص درمضمون حدیث شریف اول بترجیح دین تیر اندازی‌درا رسواری ، دستور مرجح بودن عساکر پیاده ، درعساکر سواری نیزانا فرموده شده است که نتیجهٔ آن دربعضی‌ها وحربهای موجوده درعموم عساکر پیاده وضبط دین قلعه‌های خارق‌العاده بظهور پیوست .]

فی‌الجمله [کماولیان‌از تیر آندازی کنند ، و آخر زدین خودرا عظیمهٔ کهدرپیوقت‌تارستاخیز ازاد رادجنتهای موجودهیشود بیاموزید] حضرت سرور جلیل الیا علیه آلاف التحیه والثنا میفرماید ، وگمانرا که فن تیر اندازی مشهور بودند خیلی معزز ومکرم میداشته ، ازاثر مبارك کندکان این شمهٔ مبهمرا تکلیفات وتلمیحات حضرت غایت بیوپایا لطیف وغریب میفرمودند .

درخبرای مشهور (احد) جناب (سعد ابن‌وقاص) رضی‌الله‌عنه ، زیاده ازهزار تیر کنار انداخته بودند ، ودرهر انداخت خود تیرها را خطاکرده بودند ، چون میدان محاربه کرم گردیده بود ، وحضرت رسول ذیشان این مبارت کانکشانهٔ جانبسعدرا مشاهده فرمودند بتار تشویق وتقدیر این احسن الحال فرمودند که : « تیر بیندار ، سعد ! پدرومادرم‌فدای‌تواد . » . باین خطاب جلیل حضرت پیغمبری ، آن محاربهٔ جلیل صرف فیوضات حضرت سرور اولاد آدم وسرافراز ا گردیدکه علیه صلی‌الله علیه‌وسلم گردیده وجودتوقف دوالا ، وهن وهیبتش شدت افزا گردید .

درمحاربه های این زمان ، ومنون عسکریهٔ این‌عصر واوان چون نظر گردیده (فی‌الجمله) ازمهمترین تعلیمات وتربیه‌عسکریه شمرده میشود ، حالانکه برای عسکر عصر رهبر اسلام درهرجا که یافته این تیر انداخت ودیگر همه تعلیمات وتربیه های عسکریه از آنجمله قطعیهٔ دیه شمرده شده آمده است . حضرت سرور وسردار اصفیاءیه افضل‌التحایا ، چنانچه‌فی‌الجمله‌درا تقدیر وتحسین‌میفرمودند کذالك قیمت شمشیر را که بکله حرب نایبه وتردید (فکر نمیشود) میباشد بزتجیل وتوقیر میفرمودند ، مثلا فرموده اند که : « جنت در زیر سایه های شمشیر هاست . » باین کلام فخیمت اختتام درجه وحرمتهٔ شمشیر را اعلا فرموده اند .

جواد خارجیه

نامه آرایان نامه نگاران

درخصوص قرقان لارد کیچنر

نقل از جریدهٔ جبل‌الثبوت :

یکی از سیاحت رزگ

لارد کچنر وزیر جنگ که مردوی ترین رجال انگلستان حالا وبزرگ ترین سرعسکران وجرنالان جنگی عالم بود بقصوت اطبا ...

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1745 of 1786

بطور یکلخی دوم بانجام هیئت اداری خود در جهار جنگ هشیار
ی منظور اصلاح امور مالی وقشون روی رهسپار بطرف کرانه
ساحل آبرلاند کشتی وی مصادم باسرنگ بامونتلبانجری آمده غرقی
گردید چون موسم خراب بود بالینکه از هرطرف برای نجات مغروقین
اقدامات اجدی نجات بافت وبتاه ۱۵ نفر از ۱۰۰ نفر ۱۰۰ نفر آب بیان ساخت
لارد کچنر بیست سال تمام دور در مصر خدمات لشکری را انجام داد
و بجانب حکومت مصر و نیز لقب پاشائی یافت وقشون مصر را بطرز
جدید مرتب ساخت جنگ سودانرا بانجامید داد فتح خرطوم و آزادسازی
سودان و مناقشه (فشود) را با دولت وزیری و مرام انگلستان قسمی تصفیه
کرد که منجر جنگ بافرانسه نگردید .

در جنگ ترانسوال افرطای جنوبی از ورداش و خدمات ارزشمندش
بدیدار هوا نکرد؛ بکلم دولت انگلیس ساخت وتاریخ به مالاریا هندوستان
در اصلاحات عمده در ادارهٔ لشکری هندوستان و در حقیقت یک کوچک استقلالی
در ادارهٔ لشکری هند تحدوده که تا کنون هم تحت اقتدار کامله فرما
فرمای هندوستان بروز است دلالت ونکته سنجی و قابلیت تحریری وی
در مناقشهٔ بالا زکرزن لغوی ظاهر گردید که لارد کرزن مجبور به استعفای
از فرمانفرمائی هندوستان شد .

در موقع حملهٔ ایطالی به طرابلس غرب وزیر سیاسی مصر کرومر
در آن موقع تأییدات کافی از روی سیاست به اقدامات انگلستان
نمود در جنگ هم لارد کچنر پس از کلیهٔ رجال انگلستان حصه
از ورزیده وار بود وبان شخص اطمینان بود که بوزارت جنگ رسید
دلیل اروپی در انگلستان وزارت جنگ را یک مرد سیاسی دانسته وجود
ادارهٔ عمدهٔ لارد کچنر دولت انگلیس را دارای یک قوت قوی بری
ساخت که تاامروز تاریخ انگلستان نبود یاد دارد امسالی لارد کچنر
بود که دولت انگلیس ازهمت صدهزار لشکر در عرصهٔ دو سال چنین
قشون قابل آمد واول شخصی بود که آواز بلندعظمت واهمیت
این جنگ را تسلیم کرده اقل مدت آنرا سه سال گفت اگرچه لارد
کچنر رجی مخالفین مسلک در انگلستان داشت ولی دوست ودشمن قائل
بودند که درقشون جنگی واقدار آنرای لارد کچنر کافی ندارد وخودش
در ملت انگلیسیه بانداز بود که در رجال انگلستان احدی دارای این پایه
وسابقه نمیشود لارد کچنر چه در مرتبه بمیاوین فرانسه رفت ودر ایطالی
وانکلان گردش نمود وپادشاه جنان را از میت بالان باز داشت واز انجا
مصر رفته وضع قشونی آنجا را تکمیل نمود حالا روسیه عزم
مصر رفته وضع قشونی آنجا را تکمیل نمود حالا روسیه عزم
که اصلاحات عمدهٔ در قشون روس بعمل که دست اجنبی کرسانش را
کوته فرست نداد .

عمده سبب رفتن لارد کچنر روسیه تصفیهٔ مسئلهٔ شرقی بود مسلماً
جنان هوا خواهٔ در این چندسال اخیر در شرق نفوذ پیش آمده کمسائل
شرقیه یکدفعه تصفیه پذیرد چه در حقیقت حل مسئلهٔ شرقی امروزه نصف
جنگ را تصفیه خواهد کرد اگر لارد کچنر روسیه موفقت قریباً بتفاهم
واران و آسیای صغیر وعربستان عرب هم هموار میگردید زیاده اثر نداشت
خدا که این نقشهٔ زرلارا هرکدام دلخواه داده مانند مصر تاجنین حالت
خودش را بچشم خود بیند .

از چندسال باین طرف لارد کچنر شخص دوم جنگ انگلستان
بود پس از لارد رابرتس لارد کچنر از روی سال گذشته آن یک
مرد تاریخی درمیدان فرانسه وداع زندگی گفت واسمش این بکلاه
سردار جلیل القدر انگلستان تاریخیات مذیت بود ، هرقدر انگلستان
درمانم ایروز زرگ مبالغه نماید کم است دل میتوان گفت که اینگونه
رجال زرگ که بوده واینین وطن محبوب خود خدمت نموده هرگز
نمیرند وزمنهٔ جاوید هستند مسلماً فقدان لارد کچنر باهالی انگلستان
خیلی مؤثر واقع گردیده میتوان گفت کیتنر مصائب تاریخی انگلستان
بشمار است .

وجههٔ فرقانی لارد کچنر

اخبار (کوآر اسلام) مینویسد :

واقعاً موت هرکس گمانند چیزی است عرانگیز ووحشت خیز —
مرگ فرق دوستی ودشمنی را از میان بر دارد ، قصور مرگ یکبارگی
معمای تیرگی مارا پیش نظر آورده عقل انسانی را مبهوت میماند ،
اگرچه موت هیچ کس ، چه بزرگ باشد چه خرد ، در کارخانهٔ دنیا را
معطل نمیکند ، و گمان مرد کهنوچون گذری جهان رگذشت ، هزار
شمع بگذشته والجمن باقی است ، ولیکن تاریخ شاهد است که حیات
بعضی اشخاص اگرچه درقرون بکار باشد مانع حیات ملل میباشد ،
وبان چنین اشخاص حال عظیم در جریان احوال جموعات انسان پیدا
میکند ، مثلاً وجود اسکندر اعظم کوئی دلخواهی بشری بود کلمات
یونانیان قدیم را بلغات خود واسطه برای انتشار علم قوی عرفان
مراجعه ومداخله وجود کرده بود ، نپولیون بوناپارت هم چنانچه مسلم
بود که فولاد سپه گری را بخود کشیده گیتی را زیر و زبر مینمود —
لارد کچنر در حالت موجوده در تحالف واتحاد دولتهٔ سپه بالاری
بود عزیز او بود — که دستگاه عسکری را درست کرده بود — و در
حالیکه امور عسکری جوی خالفت وجود او قیمت بود ، والامرتبه او
از حد حریف مردم خارق العاده را مشهور آفرینی بود — این قصور او
از نقص جزء او نبود ، بلکه اسباب می او چنین واقع شده بود
که کس کفایت مطلقهٔ عسکریه را کردن نمیتوانست ، دولت انگلیس
رخنهٔ بدون غیر متعمده تعمیر یافته است ، این از عجائبات نپولیان
انگلیس دوین صد سال گذشته بالسابقه میباشد ترین قلوبهای آسیائی
وافریقی که در اساحهٔ خوب داشتند وه از هر چیره — جنات کرده
مظفریتهای آسان دست آورده بود ، درین صورت تاجین غیر از
انگلیسیه چگونه در کفایات عسکریهٔ مطلقهٔ مانند میتوان بر اعظم
پوریه توانسته شد ؟

اکثر جولاکاههایت لارد کچنر مقتدر بود ، چون پس از بیست سال
در ابتدای سنه ۱۸۹۶ع دولت انگلیه در مصر از دولت جوش
شکست فاش خورد ، خوف پیدائته که مبادا دراویش سودان رگیاه
کماسکر کله انگلیه بود خلل کنند ، دولت رعایه بری انگلیت دولت
انگلیه بود غیر از کچنر و انگلیس را زیر ریاست لارد کچنر بدانه
بلاش در ویشان سودان فرستاد ، فتح وی دران سال ودوسال بعد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1746 of 1786

فتح‌الرحمان ازجمله "کارنامهای عسکری" لارد کچنر درکارچ ثبت کردید ولیکن این واقعات "استحکامات عسکری" لارد کچنر حسب اصول جدیده نبودند ، زرا که درویشان مسلح بشمشیر ونیزه بیدان کشادهپیش توپهای نوایجاد جوق جوق در آمدند ـ ودر چندساعت آماج توپهای مرگ زاشده هیچ اثری ازایشان باقی نماند ـ البته جوانمردی" درویشان درجهٔ فوقالعاده رسیده بود ـ یك جماعت ازرهداران ایشان پیش لشکر میرفت ، هرگاه یك پرق رهبار گفته شد دیگری پرق را گرفته بکمال سکون قلب پیش رفتی گرفت ـ همه افراد آن جماعت کشته شدند ، مؤرخین مینویسند که دران موقع لارد کچنر اقتدار انگلیزرا تیزتر نموده چندهزار درویشان زخمی را تیغ بیدریغ بیرحمی کشید ـ ودر تخریب مزار مهدی" سودانیرا خارج بود و برون آوردن جسد نواز گورواداختن درمعای لاشرا در آب نیل و سر شرا بر نیزه انگلستان فرستادن نمودداری لارد کچنر ولارد کرومر معاصر مرتبهٔ اصل آورده بودند ـ درجنك آفریکای جنوبی (۱۸۹۹ع ـ تاریخ ۱۹۰۲) هم چون سپه کری عارفالعاده از لارد کچنر ظاهر نمیشود ، وایشان که اخیراً قریباً بی‌هزار مانده بودند بدولت لشکر انگلیسی تاآخر مغلوب نشده بودند لارد کچنر خانهای اهالی و ثالثالیت ایشان وزراعتهای ایشانرا سوخت بود و کلهای کرده و نان وغیرها را گفته اما ایشان اسباب رسد وامانات انگلیس را اسیر نموده و چندیدون گن جوق جاری نداشتند ولی ـ لارد کچنر تازه بخیال بودن راه جیمه‌هائیکه درزمین کی ولای ونپ زده بودند مکن داده بود ـ ازین طرف هست الیوا بخیال بوایران باین گفت مردن آغاز کردند که در رای حریدهٔ دیلی نیوز لندن ظن غالب بود که درمدت دوسال همدیگی بوایران ازدنیا نخواهند بود بنابرخوف انقطاع نسل بوایران ووعدهٔ دولت برطانیه بامضای استقلال کلی زبردی انگلیسی‌والمانی وان برای اصلاح احوال شان ، وخواهش نامبارده‌ولیعهد که "کاجرنی" اوهنگاسلیمانیه ـ این‌همه اسباب جمع‌شده بوایران زارضی مسلح گردانید ـ

اگرچه کارنامهای عسکری" لارد کچنر ازروی اصول جدیده از درجهٔاولی نبوده ـ ولیکن درمیان ملت‌انگلیس موجب سرافرازی نامش گردید ـ ازنخاست کهلورلاردیکر مصرفرستاده‌بودند ـ وزمامسیاسی بدست اونهاده ـ "ادارهٔ سیاسی" اودر مصر کمتر ازادارهٔ لارد کرومر نبود ، وظرز او منصب وزارت حرب هنگام آمدنش ازجنك بنگیر خروج لارد کچنررا باوج رسانیده بود ـ اعظام موج انگلیسی پیش از اعلان جنك وقانون خدمت عسکری جبری‌در کارچ انگلستان ازلیاقات لارد کچنر خواهد ماند ـ ولیکن قصور منصوبهای جنگی او ـ چندین تبدیل وتوش‌وجه در کیرونیه‌وعراق‌عرب درمیان‌ماهران فن‌حرب مبرهنشده است ـ شاید که هوای مصر خاصیت خود برسی دارد ـ لارد کچنر برادراحرالذکر ، ادمیای‌انگلیس‌الاصل از فرعون مشهور ـ علیه‌السلطنه بوجوهه کی بود ـ وفرزان "مردوار علیان آب بحروطوف هواسپهم غایات مدافرا بایه‌غیرت خواهدبود

در خاتمه ازین سخن گفتنی چاره نیست که مرگ ناگهانی لارد کچنر درین احوال نکبت برای ملت انگلیس زیان است چندوبار کهصدمات همه‌میزرا شکسته است ـ جای‌تسلی اودر قلب انگلستان موجود نیست البته ملت انگلیس قابل‌رحم وغمخواری است ـ

یك حادثهٔ کوی درعالم اسلامیت

(نقل از ترجمهٔ اخبار سول اینه)

مقدی کرت

اعلان درباب خود مختاری شریف اعظم مکه

برای‌ما بغرض اشاعت اعلان مقدرجهذیل اختیارات‌داده شده‌است ازدرایع قابل اعتبار معلوم شده است کهحضرت شریف اعظم مکهٔ معظمه به استعداد قابل و سطی و دفتری عرب در باب آزادی از حکومت خارجه عثمانی وخود مختاری خود اعلان نموده است ملت عرب از عربستهٔ دراز زیر یوغ حکومت ناگوار عثمانی اغتشاشه مصائب والامرا قسیاقسم رسانیده شده بود ـ مار روانی از تاریخ ۹ ماه جون ۷ شعبان شروع شده بود و بتاریخ عظیم الشان شریف مکهٔمعظمه منتهی شده است ـ مکهٔ معظمه وجوده شریفه وطالب قضیه کرده شده‌است واهل قلعه اظهار اطاعت نموده اند مأمورای دولتیه خودرا خالف کاحال ملاقی ومخالفت میبابند ـ تعدادافواج کهدرمکهٔ معظمه وجده اطاعت قبول کرده‌اند تاحال معلوم نمیباشد لاکن درجده شریف با نفران و ۱۴۰۰ نفرسپاهیان اظهار اطاعت نموده‌اند وششصد خوب‌بار بدست آورده شده‌اند ـ مدینهٔمنوره بزرار خیرهای تازه‌زار حضور میرانند و سایله های آمده رفت وار سال و مرسول هرقسم علاوه حجاز کاملاً بدست شریف میباشد ـ چونکه جده شریف‌کاملاً زیرتنگین شریف اعظم آمده است بنابرین امکان دارد که مکهٔ معظمه که وقت ازاوقات بازقائم گردیدوتجارت پیرامه بنادر حجازاز سر شروع شود ـ اکنون امیدکرده میشود که اکثر مشکلات ومصائب زائرین اماکن مقدسه که درعرصه دوسال گذشته برآنها نازل شده بودند برطرف خواهد شد ـ لاکن باید دانست که از سبب قلت جهازات علاوه از قلت زخائر خوراك حاجات عامهٔ ضروری معیشتی بود که امسال زیارت بیت‌الله شریف را اکثر اکثر ظن میشود یکصد ازحد حاسب خواهد بود ـ (این خبر پیمر او خبر مورخه ۲۲ ماجون کهازقاهره رسیده‌است از آنجا تطبیق میشود)

کعبهٔ معظمه

« چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی »

اگر این‌خبر فلاك کوری که از آتاس (تروئز) تلاً اخبار های انگلیزی واردو بنظر داده‌اند حقیقت داشته‌باشد ، هیچ شبهه کرد که مضمون خیال" مصرع فوق ، عمدهٔ حقیقت را دربر خواهد بود یعنی اگر اداره" مقدسهٔ حجاز مقتدراعظم در زیرتنگ‌جبل وعساکر جنگیوت دلیوس درآمده باشد ، حکم بدگرکه (مسلمانی) نخواهد ماند ! واگر بادهم ، ناقص الاعضا ، شکسته ، زخمی ، یا شده یك چیزی خواهد ماند !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1747 of 1786

باب (اجتهاد) مسدود است . وباعث همچنین واقعهٔ هائله چگر خراشی درعالم اسلام بوقوع پیوسته است که (بیانه) (کمنمونه) (مکهٔ مکرمه) مسلمانان ، درزیر نفوذ حکمرانی ، یادشمال بیرقعایت ، بکرانی کفر درآمده باشد . الحمدلله والمنه ، از هنگامیکه درسنهٔ هجرت نبویه علیه‌افضل الصلوة والتحیه ، اردوی همایون ظفر مقرون اسلامیه ، زیر قیادت وسرافسری سرور وسردارانبیا (محمد مصطفی) علیه افضل الصلوة والتحایا مکهٔ مکرمه فتح کرمیده است ، بانجاب انهزار و نیمه و کسور سال میشود هیچوقت نشده است که دران حضارت قدس اسلام ، وآن ارواح مقدس اسلام همچنین هلاکت و مصیبت عظیمهٔ وارد شده باشد . پس جای سوال این است که (فریضهٔ حج بیانه) که یکی ازرکنهای پنجگانه مسلمانیست ، آیا کدام درجه باقی خواهد ماند ، وچه حکم وچه کیف حاصل خواهد کرد !

میگویند (شریف مکه) بدولت متبوعهٔ مقدسهٔ اسلامیهٔ خویش اعلان (عصیان) نمود !... همین کار (عصیان) ، در چنین وقت

منظره روضهٔ مطهرهٔ نبویه درمدینهٔ منوره که از فراز خیمه‌های جزایر انگلیسی گویا درنیوقت ازطرف باغیهای محاصره شده

واردان بخاطرمن آید ، بعضی وکلای دادگستری یکنفر صاحب واقعیت برای افتتاح تحقیقات وجیه وظریفه که دشمنان دین مبین سید المرسلین تحریر یا وحروف ها ازان درهم جیب دارند ، علاج‌بیقم گرسنه‌گی عمر ، دور یازده زنه گفتار یک‌چند ملیون فرانک — زمی خرج یکنفر وزیر یادوزیر جنات !

چیزی که خودمن درمجاورت جزایر ازمجاورت (محمدخان افغانی) دانستان بابک دا کثر انگلیزی در سنهٔ (۱۳۰۰) هجری یعنی پیش ازمی و چارسال در (گراچی) شنیده ومخاطرهارم ازقرار ذیل است :

دا کثر — آیا دولت عثمانیه چقدر نفوس مسلمان دعایا دارد ؟

خان — تقریباً عشده بیست ملیون .

دا کثر — حال آنکه دولت برطانیه تقریباً صد ملیون دعایا از نفوس اسلام را مالک میباشد . پس آیا خودان (خلیفة المومنین) در جواب (ویکتوریا) لاعلم خواهد بود ؟

وادوان برای مجبور کردن معیار (شرافت) و (کفاف) شریف مکه بانکه‌فیاس وعات کافی وافی شمرده میشود . (وافکر) .

امابد دانست که شریف مکه اعلان عصیان نکرده است . واگر کرده باشد مسلمه دیانت بریک قوة الطیریست که عان قوة الطیر درنیک وقی قوة‌الطیر اعلان حرمت اسلاً بنسلاً ازبهر مصریها شده بود . وازنیجه آن بامحال برق آسمر روتق شیرعقدس درنده ، واسب شاخ دار گردنه دان سرزنجیها نوح بای اسپلا گردیده ماندهاست !

لارد کیچنر مفروق گشته‌بود "مکه ومدینه‌را چنین‌وچنان میکنم" بآن آرزو بحورات ساعان گردید ! پیروان اوا کرانی آرزوی شدیدهٔ اورا درچنین حال عمده که رمق رای شان باقی نمانده ، وبیر کوه وسایل مانند شخص مدرپا افتاده دست وپا میزنند ازقوه فعل بیاورد پس کدام وقت خواهد آورد !

اهالی" حجاز بدو بابای عظیمهٔ مثلا هستند که یکی جهالت وامانی" مدرسهٔ عموی ، ودیگر حماسی وگرسنه گی" عمومی کار نتیجهٔ بیطرفی

خان — بلی ، حقا ! این عنوان جزیان اشتباه بسیاری وکی" نفوس موقوف نیست ، بلکه بنی نوعانست ذکر هر بکار دارد که ازاحمدیه مقتایر حرمین الشریفین را مالک بودیست و آنهم ازعصر هاست که بدست سلاطین دولت علیهٔ عثمانیه میباشد .

دا کتر — اگر همچنین باشد ، آرام چندی‌صد خواهد دید

اگرچه فوایک دا کترجندان چیزی نیست کهدلیل افکار سیاسیهٔ یکدولت بتواند شد . اما چون بدقت نظر کرده شود این یک تهدید معمیدا ریست که مثت نمونهٔ خروار افکار ملیهٔ انگلیزیه را در باب مسلمانی نشان میدهد ! حال آنکه افکار سیاسیشان بزچیزی نیست کهپایان باشد ، مصررا مرکز خلافت اسلامیهٔ انگلیزیه ساختن ، وهمه اراضیٔ فلسطین وسوریه وعراقرا بآن ملحق کردن ، ومکهرا نیز بکامارت اسلامیهٔ انگلیزیه اتحاد کردن ، وهمهٔ جزیرة العربرا بآن الحاق کردن ، ودرای همهٔ مقامات مقدسهٔ اسلامیه غیر یک آلت دکرمی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1748 of 1786

واهمیت آثار علیهٔ‌کی شان دیگر هیچ‌اهمیت واعتباری باقی نگذاشتی، وقرآن واحکام آنرا مراسر ازروی‌دنیا برداشتی وغیره‌وغیره چیزهایی نیست که رکنی پوشیده مانده‌باشد ، عوانیها چون طرز تحریر وتحریر اخبار های انگلیزی دقت نمود ، بازهم علناً ظاهر وهویدا میگردد که عرق وقته ر انگلزمهٔ این عصیان کیست و چیست ؟ از حالا لقب (هرهایس) رادادن ، ۲ یف اعظم کفتی ، مسلمانانرا وعده‌های رفع‌شدن مشکلات حاج وآسایشهای شان درسفر وشادمانی رانکبعض ازچیز هایی نیست که مسلمانرا آقایی نسازد .

لهذا (سراج‌الاخبار افغانیه) کهنه جریدهٔ مدافع دین‌مبین اسلامی خودرا شمرده هاآن فخر میکند ، بکمال غیرت وشدت این‌عمل قبیح عصیان نمودن شریف مکه‌را علیه عثمانیان مکرراً لعن وتقبیح میکند ، ودورا ماضی وحالی ، خاطی مبان عدالت‌مشوحه ودین‌مقدسه‌اش میشمارد . اگر این عصیان واعلان آزادی خودرا در یک وقت دیگری میکردهمچه که بود بود . اما درچنین وقت ودر چنین‌زمان این‌عصیان ازچنان گناه های نیست مکفره عفو شدنی باشد .

باب اجتهاد چون مقفول ومسدوداست البته کسی جرأت رچیزی گفتگوی نخواهد توانست؟ که (فریضهٔ حج) را کهدر زیر حمایت بیرقی انگلیزی‌باشدچه‌حکم است‌وچه این سبب ناجیهای که نصب خشك دارند درزیر بیرقی بیرقی انگلیزمکلزندهوچشمهای خودرا پوشیده ودر خودرا بیل انداخته جلك خود را کرده واپس خواهند آمد، اما یکی که نصب دینی شان یکقدری ترباشد ، اولا رچنین حج‌جرأت نخواهد کرد، واگر بکنند هم‌بوس رجزیاطین، میباشد کهرروی‌همدیگر خودشان‌قربان باران‌اند ، زیرا هین مسلمانان این عصر و زمانست که عامهٔ خدا ومرشد رسول خدارا که ازهزار سال بابنطرف گذشته کافرشان درزیر بیرقی اسلامی محافظه کردند این باخطهایی مسلمانان دوی‌زمین این‌زمان بمالقدمهای لعن کفارش خواهند ساخت ! لاسمح الله ولا قدر الله

اعلان

سراج التواریخ

رهده آرزو گلتان دار وعرفان گلشن‌خارجه اعلان میشود که کتاب‌مستطاب(سراج‌التواریخ)- که کهنه آن‌در اعلان ۵۵ آخرین اخبار مندرج است : درشیرپشکور تعرفت‌تألیف‌میرزا غلام‌حیدرخان سررشته‌دار دا کعطاء دوات علیه‌مستقلهٔ افغانستان بچاپخانهای‌متعین آن بفروش میرسد . خواهشمندان خریداری‌ومطالعهٔ آثار هندوستان ، وسایر ممالك خارجه به سررشته دار مومی الیه مراجعت کرده دستیاب میشوند .

قیمتهای کتاب نیز دار در کاغذ اخری اخبار مندرج است‌وهر کتاب مایخطلبه‌وبه وکلاءعالی کابل خارج ازرسالهٔ کتاب از کابل الی پشاور ضم وعلاوه کردهاست ، خریدارانی‌کاردیگراطراف ازپشاور طلب کنند ، قیمت اجرت پارسل دالهٔ انگریزی البته برذمهٔ خود شان میباشد .

نتیجهٔ این‌عصیان چه‌خواهدشد ؟ این خواهد شد که دولت علیهٔ‌عثمانیه یعنی که حیات معنوی وروحانی خود را بوجود مکه ومدینه قایم می‌بیند بقدرجهٔ که ممکن باشد ازان ازاضی" مقدسه دست برداز‌خواهد شد ، ولابد ازراه شام یك اردوی مکمل سوق خواهد نمود ، حال اگر نکند ، بالاخره بهمه حال خواهد نمود ، اینهم معلوم است که شریف مکه که توپی دارد وله جبه خانه لابد وضرور است که برتبانه کدام توپ والای جبه خانه دار بالا شده این بلند پروازی را خیال کرده است ، پس وقتیکه جنك شروع وبای مد گرفت عابدین‌پاشا وعمرلطفی باهمین‌دردکی‌پیدان میراید که در اوقت عموم مسلمانها بحساب گرفتن ازان حاجی وعمرك فساد صور خواهند شد ....

معوقالك مابین خیرا باور کرده‌نیتوانم ، و شریف مکه (حسین) بلندرا کمسالهای‌در از در استامبول اقامت داشته وبکی از فحول رجال دول علیهٔ عثمانیه میباشد وبکونه یکنفر مجردعالم ، فاضل ، وقا ، دیندار مسلمان هستدازینسب بوجه‌صورت‌حکم کرده‌نیتوانم که رچنین‌رجل عصیان‌درچنین وقت‌خوان اسلامیان‌صرتك شده‌باشد ، اگرباشدهم مانند (ادریسی) را کهدر (بن) دوی دولت متبوعه‌اش رابطه بودند ، حاضر بلکه بعضی مشایخ‌جاهل عرب را اغوا آورده توانسته باشند ، اما شریف مکه کهمر بلادان نبوت منبع است و هم به اماریت عسیار با اقتداری بمأموریهٔ جلیلهٔ و زارت از طرف دولت متبوعهٔ مقدسه اش در ماشه مکهٔ معظم یك جای قدسیت مآبی که روح همهٔ امت محمدیه" شرقی وغربی کرهٔ زمین شمرده میشود جالست وتراقت مآب مور باشد آیا چسان میشود که همهٔ این چیز هارا بیك دوره واهمه وخیال بلاوسلطنت جدا کانه" عربی عالم اسلام را بتزلزله وتفرقهٔ پریشانی اندازه وخود را درپیش خدا ورسول وامام امت محمدی ورسولی سمر سازد ؟

بالفرض والتقدیر اگر کرده‌باشد ، اولا به بطلان ثانیاً بتفاوت ثالثاً به تمکحرامی ، را بمأمه فرقه الداری درعالم اسلامی [که است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1749 of 1786

وتنهای حج واتحاد اسلامی درعروقت وهرزمان بتابنده است [illegible] عبادت وعماری بیك دولت اسلامی که متبوع اوست . ساعتها بادد رساندن بکفار بیك دولت اسلام می جنگند که متبوع اوست سابقاً به نفس خودش قوت یك دولت اسلام را در مقابل خودش ، کماً و تاوان ساختن کفار وکریان ساختن اسلام ، کماً بالنتیجه جداخلت وهابیت . ودرقه رفته باشیلای کفررا بران مقامات مقدسه سبب شدن مرتکب شده خواهند بود که این ارتکاب عبارت ازنه غیب شر می است که دهر آنرا قرین کرام ندرت خواهد فرمود . خلاصه اگر شریف مکه همچنین یك بی دینی ازخص خودواسلام نبودمانند ، درزه اسلام همچنان منفور ومدفوع یك شخصیت که درزه انکلیز سرعه زن باطیان آیرلند ، ولایق هان سزا وجزائیست که باطیان آیرلند را انکلیزهاشان داده وبادرند خودتصور دارند کدهند سراج الاخبار الغایه - تهاحساب خود . همینقدر نادر افکار را وظیفه اسلامیت خود دانسته نوشت . باقی واه الخیر بصواب ..

(حکایتهای عجاره)

رستا خیز ور دون

یه داشت یك سرباز جوان

یکنفر ازسربازان جوان کدر حباحل خوف رستاخیز ، وردون ، حضور داشته وتأثیرات صاعقه های مرگبار گلوله توپی آنانرا دیده یك سانیك جالب توجه حکایات ماموریت های خطرناك راجیدر ومادر خوش نوشته ودر ابتدای مراسله این مختصر مقدمه را مینویسد :

تصور میکنم که خواندن این مراسله من خیلی توجه شما را جلب نماید زیرا که خواهید فهمید که در این اپو هولناك در مقابل تجاربات دهشت فزای هوردوین چگونه زندگانی کرده وماموریت های سر اسر خاطره من چه بوده است . خواهش دارم این مراسله را شکافدارید که اگر سلامت عودت کردم قرائت آن در آینده برای خود من خوش خواهد بود .

از آنوقتی که درتاریخ ماه اکتبر رژیمان ما از ه سون ، حرکت کرد ما را به وردون ، آوردند ودر هانجا اقامت داشتیم ، من جزو دسته بودم که خطوط ارتباطیه رساندن گلوله را بتوپخانه حراست میکرد ، ۱۹ مارس سه ازشب رفته سرعت ما را خبر کردند که بلا فاصله باید مقدار زیادی گلوله بتلاع مقدم رسانید . یك دسته دیگر ما را مقطعه اخبار کردند که علی الصباح انبار گلوله با طرفهای توپ بود .

در آن شب ما بهشکر های سه رسیدیم وتاحال گلوله های آنسان در نقاط دورتر الزما زمینرا کاوش مینماید .

متاسفانه این حالت دوام نیافت وپس ازچند لحظه که کمیارمهای قتال خصم نزدیکتر ما میرفتند . اول در صد متری و بعد پنجاه متری وسپس نزدیکتر ما را طوری در فشار قرار داده اند که ناچار هریك الزما بسوراخی الزمین فرو رفته وهرکس هرچیدرا میبیند برای سنگر اطراف خودش میسازد ولی معهذا تلفاتی وارد نکرده است .

تاظهر همین حالت زندگانی توده وتکرك گلوله های آنان بدون تزلزل سطح زمین اطراف مارا دائما تشیح کرده وبهرشکل خودرو را بشب رسانده ودرصدد برآمدیم که گودالها وسوراخهای چپ وراست درازمین حفر نمائیم که شاید بعضی وایما بوده باشد . مثلا یکی دوهر پهلوی انسان استاده وعضی دیگر میخواهند زیر باران گلوله ومتراليوز طبك بتوانند بخوابند .

دقایق بکنفر رفیق خودش سوراخی برای جای خود حفر کرده وقدری الزشاخه های درختان را که گلوله‌های خصم خرکرده وزمین ریخته بود اطراف کوبال قرار دادیم کما اگر خپاره و گلوله بالای سرما برگ شاید این شاخه های کلفت درجت قدری از قوت آن بکاهند واسباب هلاکتما نگردد .

خواستیم بخواب رویم خیلی مشکل بود رفیقم گفت سوراخ خود مان را عوض دائم لیکن دو مرتبه خیال کردیم اگر الزینجا بدون رویم کسی دیگر جایمارا خواهد گرفت وخودمان مکان بهتری بدست نیاریم . بهرصورت سعی کردیم بخوابیم .

خط طول نکشید که یك خپاره مدهش نزدیکما افتاده ومارا از خواب پراند . رفقای اطراف مارا صدا کردند که بهیئت زده ایم بالف شدهایم . سپس یك گلوله دیگر افتاده و دوانسی که آنجا بودند ازهم متلاشی ساخت . انسان دیگر زه خورده فرار باطراف کردند . رفقا رفتند آنهارا بگیرند گلوله دیگر صفیرهول آوری زده چهاراسب دیگر را کشت وسه نفر از رفقا را مجروح کرد . اسب من را هم که از میان سوراخ دهانه آنرا بردست داشتم ازپای در آورد کار خیلی سخت میشد رفیق من اجودان مصمم شد که الزانجا رفته ومکان مستحا امن تری بدست آرد . برف وباران بهم مخلوط بخشر می کند وسرمای بی اندازهٔ سختی شدت وفشار مارا زیادتر میسازد .

جای دیگری کمدر نزدیکهای سوراخ اولی بدست آوردیم موقتا قدری بهتر وامنتر است . نزدیك های طلوع طراست اجودان رفیقم همین حکمداد کمزین ورتاب نخفته خودرا الزیشت جوان مقتول برداریم . باوجود آنکه گلوله‌های آتش زمین وزمان را متزلزل کردهاند نزدیك اسب رفته وبنجاه متریه اینطرف وآن طرف غلطیدم زیرا که حرکت دادن اسب مرده آسان نیست وجان نه اسب دراین مدت بانك سنگری برای من شده کمالا تکه پارههای شرابنل وخپاره صاعقوط می‌داشت . حالاوبار الزهان گمیزسیدیم دوچار آن شدهایم . گلوله‌های زرنك وکوچك درهانجا فرودی آید . ودراین لحظه تحدمه جان شش هفت نفری قرار داریم تمارمان تحشر می‌کند .

نمیدانم چگونه وباچه عبارتی آن منظره بهت آور غم خیز را برای شما شرح دهم ! کثرت پوست وخون اسب های پارچه پارچه مثل خودمارا درمیان گرفته . مرتبه که در اطراف ما بافت میتوند مخلوط و ممزوج پارچهای اجسام این حیوانات بیچاره شده است بعضی الزاین اسپان یك قطعه الزید نشان را شرابنل برده زمین افتاده ویا حالت راز وحشت واضطراب دست ویا چوا میزنند . برخی دیگر بالصاف یك عضو قطع شده سرهای دوپارهشده وگنبدهای متلاشی بانگم دریده مانوساسپی برای فرار می‌نمایند . توده گرم وخونین الزاسپ وخون وزین ویراق ترتیب یافته است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1750 of 1786

غرب وغرش بمباردمان مختصری تخفیف‌یافته فوراشروع بملاحظه اطراف وتنظیم امور خویش نمودیم. بدخانه عده کثیری ازرفقای‌ما درآن سرزمین وقطعه برخطر باقی‌مانده بودند درراهی که‌بقطعه نظامی (ب)میرفت میتالیوزهای خصم مانند تگرگ گلوله می‌ریختند وعبور از آن خطرناک ترین اقدام‌وجود اجساد سربازان مقتول واسب های کشته درتمام آن‌خط وقطعه علائق بحدست بکردن دیگ وهردقیقه گلوله ریزی خصم بتشنجات متناوبه می افزودند تمام‌آن میدان مرتفع ازیک دودسیاه وزردی مستور مینمود ومیبایستی چوزه بندهای خودرا نگذاریم زیرا که کار های عقب کشیده نیز همراه گلوله ها برای ما نیز میرستادند .

در آنوقت یک منظره ظالمانه وبک نمایش سفاکانه در آن محیط خوف وهراس رخ میداد . مالی ازرفقا وجنگ آزمایان ازپا درآمده وفقط پنج‌نفر آدم سالم الما باقی مانده بود وحکم داشتیم کهآ آخرین نفر وقتی آنجارا نگاهداریم .

من فعلا حالات فوق التصور مهیب وهول اور آنوقت‌را برای‌شما ذکر نمی نمایم چون فقر میگویم که هم رای‌ما وهم رای الهاما دروز یکی ازسخت ترین روز های دوزخ بود کهیچ کس نمیتواند خیال نماید ازکام اهریمن جهنمی ان ورطه هراگز خلاص گردد .

بهر حالی بود تحمل کردیم . چهار ساعت بعد ازظهر بود که حکم بازگشت وعقب نشینی بادادند کهاز طرف (ب) به استحکامات (پ) دریاچه‌سنگر مراتب نمدی گهاجارا هرچ میدانم بروم .

دروز باران خمپاره‌های قاتلانان بایستی عجلتا ترتیبات کار خودرا بدهیم برای انکه بتوانیم حتی الامکان با کشته شدن انسان حامل قوت خانه مهمات جنگی‌را الجا ببریم . موفق میشدیم لیکن باچه مخاطرات هراوان وباچه خونریزی هسای سخت چرا که الهاما مارا بافشارانهای خودشان پیوسته بدرقه می‌نمودند. الهاما متدرجا اراضی وخطوط مارا گرفته پیش میایند لیکن توپخانه ما نیز پیوسته فعالیت بخرج میدهد . فقط بایستی خط زنجیر حرکت را عقب بریم که بتوانیم قسمتی ترتیب کار خودرا بدهیم .

اسب ها معدوم شده‌اند دیگر اسب حمل نداریم . من پیاده راه می روم وبک اسب بد بخت جراحت بافته را که نمیتواند بافدمهای من همراهی کند ومهمات خودرا بارآن کرده‌ایم سخت لمشاق میزنم وباید بهر صورت بارمارا بمرکز برساند وسایر اسبها کمزخم ان سخت‌تر ضرب گلوله رو نمودن کشتیم .

اولیشب دران خطوط مراتب رسیده وقرار یافتیم من اسیرهای مجروح را کرفتم تمام رفقا وسربازان الجا میدانند چهمیشود وتکلیف چه خواهد بود . من ازشدت خستگی درزیرانوی خویش روی‌زمین خوابیدم . همگی‌هم از شدت خستگی روی زمین افتادند لمکن است خواب رود ! دیگر برف روی زمین وسرمای هولناک شدیدا فکر می کنیم هیچقدر خمپاره های خصم بسرما فرود می‌ایند وان قضیه‌این است مکرانکه طرق ارتباطیه الجارا شدیداً بمباردمه می‌نمایند ودرطول راه خمپاره های باز کش واسپان کشته شده الها در اطراف متفرقه متلاشی هستند و هدف این بمباردمان انهما برای استحکامات (پ) میباشد :

باوجود برف زمین وسرمای شدید ازفرط خستگی بخواب رفتیم لیکن خواب ما نمیبایستی طول بکشد . پس از لحظهٔ چند که نمیدانم چقدر شمارا بیدار کردند وعمدتا معین نمودندکه اسیران توپخانه وحامل قورخانه‌را که عجروح بودند بسربار خانه‌عقب ، وبرویم بمیدان بمباردمان حکم حرکت وسواری دادند ومن چند سرباز که دستیار رفیق مجروح بود ازوی گرفتم .

دران دل شب‌بود که بامرهای توپخانه لایقطع مشغول بمباردمی بودند ودقیقه زمین وهوارا راحت نمی گذاردند واین خبرشایع میشد که فشون آلمان پیش‌میایند وبیوسته تردیک بواقع میشدند وبنابراین بالاجبار هرگونه‌خطر وبامرفیت حکیشده‌است برویم بامرهای توپهای مقدم‌راه عقب حرکت دهیم .

امید واجبال موفقیت وخلاصی بامرهما قریبا قطع است معهذا می توانیم عده ازرفقا وسربازان‌مجروح کهفعلاتمام‌نوشته‌جات واسناد خودرا معدوم کرده بودند که بدست خصم نیافتند دراینجاها بگذاریم وبرویم .

راهی که بطرف آنهامیرفت مستقیم بودوازان گذشته باوجود آنکه خمپاره ها وبمباردمان آلمان باوضع مدهشی ازراه راهبارده می کردند بازهم نسبتاازسایر راهها که گلوله‌های خصم زیروزبر می کرد امن ترنظر میامد . باین حالات وباعبور دون بانک اززیر گلوله‌های آنان امور بسامانیم قاعده تابک راه کمتر خطر ناکرا باید انتخاب کنیم ولی برای تکمیل بحثی در گرفتاری ماها آن سرباز بریکباره که بقدام ماننده ومارا باید بنقطهٔ معهود برساند خودش هم راه بلدنبود ودرچنین شب تاریک هراس آوری که فقط برق گلوله توپ‌چراغ‌باشد بی‌جهت‌خودرا دوچارچنین نوع بلیه کردن مذاهب مصوب بود .

بجلطه « ل » که رسیدیم قدری توقف کردیم وبنی از مشاوره مصمم شدیم کهراه امن تری‌را پیدا کنیم . بنابراین ازسرانشیب تپه که صبح در آنجا وردیم فرود آمده وتمام خطرا لانه انسان واسبانها سد کرده بودند . دراینجا خطرات واقعی‌است که‌بقله‌میرود باآنکه گلوله های پیاپی خصم میرزد تاچار بچهار نعل‌اسب حرکت کردیم وصحیح وارد نقله .

ازاین نقطه ببعد راه بزرگ داخل شده ومنظرهٔ این‌جاده واقعاً هولناک وهراس آوربود تمامت راه مزبور را ازفشنگهای آده واسب مقتول هم واز عراده های شکسته شده وغیره مستور بود وحالا هم گلوله‌های توپهای دورنی ۴۸۰ میلیمتری آلمان جسیم واقعی رادراطراف ایجاد کرده وبلاتردید گلوله میزنند . هرچقدمه که برق توپهای مزبور میدرخشید وهوارا روشن میساخت بلافاصله فوق‌التصور دهشت‌بار درنظر آمده وقلوب مارا سخت فشار میدهد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1751 of 1786

باور نکند وملازم غیر از حرکت کردن زیر عباره های الان که زمین را مثل لکوکتیو سیراب میکند راه میپیماید گرچه نسبت بدیگر چیزی است بدرد چنین آتش وفولادی غیر ازینکه انسان قهرا قضا وقدری شده وبدون فکر جان حرکت کند چاره وعلاجی ندارد .

بالاخره پس از صدمات زیاد بمراتب دیگری رسیدیم که عراب مراحل اولیه عبور وحرکت ماخطر ناکتر میبود . باطریهای توپ که برای استحلاص وبردن آنها به نصب میرفتیم دریک تپه عجاوری است ویکدراه باریکی ازان قطعه بمحل مزبور میرود وبایستی پیر قیمت وبیاندازه خاطره بتپه مذکور خود را برسانیم .

تا کنون خاطرات عظیمی بانصادف نشده است لیکن دراین جا یک عباره بزرگ عرض کنان رسیده انسان جلورا قطعه قطعه ساخت واسب های عنی الرشدت وحشت رم خورده وهمگی دریک کودالی که عباره های سابق کنده بودند افتاده تمامت متون وسنجات ماسر جای خود ایستادند وبایستی انسانرا بیرون کشیده وباز حرکت کنیم دیگر من چیزی ازقیافه مصیبت خیز آن ساعت نمی نویسم وخودتان تصور نمایید که درمان ساعت بآن حال زیرباران آهن وآتش انسان حالت ما چسان گذشت ! معلوماست دراین موقع نیراز گفته ومتلاشی گذاشتن و کشتن چارپایست باری پس ازرحمت قدری دیگر راه رفتیم کهازهم یک کیلو متر الان رسیده ویک عراده زرد قورخانه را بگل وا گذاشت .

بالاخره پس ازتحمل مشقت های زیادی و اضطراب های سخت باطری مای معهود رسیدیم توپچی ها ازمشاهده ما خیلی خورسند شدند ولی این قطعه را نیز الان ها کشف کرده ویومیه کلوله وعباره بدانجا میفرستادند من باچشم اطراف را کاوش کرده یک تپه درخت قطع شده را بفاصله کلیه دوری ومسرت مثل انکه درمیدان جنگی هستم ازرا در مقابل خود قرار داده که ازینکه پاره های عباره شاید محفوظ بمانم .

صاحبمنصب باطری های انجا خیال حرکت داشت واز ما سئوال کرد که درروئیه حالرا که امدهاید دشمن بمباردمان میکند - پس ازشنیدن جواب ما که عمدا دوچارکلوله های خصم است چنین حکم داده وگفت « فرزندان عزیزم خیلی کاربد شده است بایدازاین جاخارج گردیم . » حالا دیگر باید ازهمان منطقه های مخاطره که عبور کرده ایم دومرتبه حرکت کنیم .

بسرعت کارهامان را مرتب کرده باطری هارا جمع کردیم عده صدمات ان ماموریت بمن ورفقایم رسید زیرا که برای پس دادن توپها نسبب بقدر کفایت نیست و علاوه براین زمین های اطراف را طوری بمباردمان غیر شکل داده وکودال وتپه ایجاد کرده است که برای حرکت هرتوپ نصب زیاده لازم است وبنابراین درنهایت مشقت میبایستی لااقل دوسه یک توپ رسته وبعد ازانکه انرا بجای زمین مسطحی رسانیدیم فقط

یک نظرهٔ تاریخیه

از کتاب هندوان

میگویند کهدرزمانه قدیمیتر هزارسال قبل یک مهاراجه دروسط هند بنام کنس بود که نهایت ظالم وبا انصاف بود — و دیگر راجه کوچک باسدیو نامی ورای آن اقلیم کرده بود وهریچه انها را که پیدا میشد می کشت زیرا که کنس را یک نجومی گفته بود که یک بچه باسدیو ترا خواهد کشت .

همین طور هفت بچه های باسدیورا کشته بود — وقتیکه هشتمین بچه پیدائشد باسدیو او را بایک دختر دوست تبدیل کرده و کنس را فقط این خبرداد که دختر پیدائشد ومرض نبود که برای خدا دخترزا بخشید کنس چاره دخترزا هرزور برد وکشت — امادقیقه ی که کشت آواز از غیب آمد کهای ظالم کنس توسخت کناه کردی — این یکنامرا ناحق کشتی - دشمن تو کهرا خواهد کشت بجای محفوظ رفته هست — کنس بسیار متحیرشد وفهمید کهدشمن بهطور دیگرست — اوازهمین روزهمه مسکین بچه های مملکترا کشتن آغاز کرد — اما بچه باسدیو را کهام آن کرشن بود ودر برند ان میماند کشتن نتوانست اگرچه بسیار مردمان پی ایجاد را برای کشتن کرشن هم فرستاده بود اما کرشن همه قاتل هارا خود کشت —

آخر وقتیکه شری کرشن دید که برای خود کنس این قدر بچه هارا می کشد وباز هارا زحمت میدهد ازبرند این حرکت نموده جای کنس رفته اورا کشت وملک خودرا ازظلم آزاد کرد کهنام شری کرشن تامروز مشهور ومحبوب گردید —

ازین قصه دوسبق میگیریم اول که بالاخره ظالم چه میشود و الهام قوم پرست چه .

ضروری نیست — این هم برای انصاف تواریخ شری کرشن کشتن لازم هست که کرشن هرگز کشت و خون کردن نه خواست او فقط تعلیم محبت کرده است کهتا امروز مقبول هست — او چاره مجبورشد کهزهرا بازهم بکند — دیگر شری کرشن کنس را برای خواهش حکمران هم نکشت بعد از موت راجه کنس تخت را بخلفاز سلطنه داد کهاو را هم کنس قید کرده بود و خود وپدر خود بطور رعایا ونوکر ماندند .

این نظرهٔ تاریخیه بنده کهدر روایات مختلفهٔ اقوام ومللی یک نونه برای تطبیقات مسایل تاریخیه باشد درج نمودم . زیرا در باین این روایت (کتاب هندوان) وقصه پرحصهٔ حضرت موسی و فرعون یکمناسبت ومشابهت وقویاً بنظر برمیخورد کهازخرافات خالی نیست .

تذکراف آقای نظام السلطنه

به انور پاشا وزیر جنگ عثمانی

در این موقع که ریاست قوای ملی ایران رابرای دفاع از دشمنان ایران ومسلمین دین مقدس اسلام برعهده میگیریم ازحضرتعالی خواهش مینمایم که باحسان وتدبر فنون مهارت عسا کر منصور دولت علیه عثمانی کهبارها ی رشید خود برای کمک وهراهی زدما میفرستند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1752 of 1786

تدریس بدارید ومطمئن دارم که بعون الله تعالی فتح ونصرت بقوای متفقه اسلامی خواهد بود

نظام السلطنه

جواب تلگراف حضرت دولتلو انور پاشا

تلگراف نامه حضرت اشرف با کمال محویت واصل اینکه قوای علی ارزان در دست خرم حضرت اشرف است عن‌صمیم الفواد تبریک‌میبرام قویا امیدوارم که دراین آن نارضی از شهرت وسائر اعداء خودمان علیهم حواهیم شد رشد دشمنان خودمان‌مشترکا‌سعی نموده بعون قادر کامل مظفریت خواهیم‌بود رای امین عملیات تنها هر گونه معاونت‌از طرف‌ما اظهارخواهد شد قوا ومیمانیکه برای معاونت احضار حضرت اشرف‌شده است در راه است کمای موفقیت میرام

انور

زنده دار تکالیف ما جان صرف غرب هست

سابق ازین نوشته بودیم که از دنیای کهن ، دنیای عربان دارای زنده ر میباشد ، ودر یکدیگر ما نوشته شده بود که زنده دار تکلیف ماجیان صرف شرف مکه میشود ، زیرا از کان را باین سبحان پیش ازین هم یک اعانی بود ، امروز ماجی کرم داد صاحب جریدهٔ یک حظر فرستاده است که ما آنرا درینجا عیناً درج میکنیم :

ترجمهٔ خلاصهٔ خط ماجی کرم داد جریدهٔ

سبب ازادی حواجی وزیادت شریف مکه نیا در همستان بی‌بلکه در بارات انگلند نیز رای سیوات ، وامن ماجیها از شریف مکه امید ها کرده شده است ، وامید می‌کنند که شریف تمام این خرابیها وبدنظمی هارا وقتیکه خود مختار شود دور کرده میتواند شاید که این در دست باشد اما شرط اینکه او از ایمان داری کار بگیرد که در اصل باعث تکلیف ماجیان عربها میباشد ، وشریف مکه ماجی آنها میباشد شریف عون پاشا که سلف این شریف بود ، هرانچه که می‌کرد ، وآن خلاصهٔ سریعی که روا میداشت رهیچ کسی پوشیده نیست ، اگر در حقیقت دیده‌شود ، این هم از کروری ارکان بود ، که چرا رای‌این‌مقامات مقدسه وعربها قوتکامله سوق می‌کرده‌انهارا سرزنش وتأنیب نمی نمود ! ماجیها هیچگاه ازارکان شکایت نمی کنند بلکه‌عربان ترکارا بکار ماجیان هیچ دخل کردن نمی گذارند آیا بدونهای حوکاری که رای بلد ربلد قتال بلغالسارا مانندقتال‌یک ملکی هم نمیدانند آیا ترک است یاعرب ! عرب باعث این همهٔ تکالیف است رای من بنده وبسی خود اظهارها عربها ازپیش‌هم ثابت شده است که‌عرب‌بود ، ورای ماجیان آنقدر تکالیف پیدا شده‌بود که‌فقط‌عربها مریضان‌فن حیرانده کرده‌بودند ، سخن انصاف همین است کهاگر موجب تکلیف ماجیان نبود بلکه‌خود عرب بود ، ماجیان که غیر این بقاوت را میشنوند می گویند ! — کاش ! ملاحیج هم رفت وعمره و غیره

زنده از اخبار دیده

اعلان

سراج‌التواریخ

جلد اول — و دوم

زنده باد خودان مرحوم ومغفرت (کنج آست) « سراج‌التواریخ » آئینهٔ حیات تمای ملت جلیل افغانست ، زیرا از آثار تشکیل وتأسیس دولت افغانیهٔ حالیه تحریرمیرانه که رای حاوداستقلال ملت بهترازین درسکه نبود ، وهوشتر ازین اتحاد ملت تصور نمیشود ، هرفرد از ملت را واجب است که یکنسخهٔ ازآنرا بدستآرند وسایه حرزجان در کتابخانهٔ مخصوص خودشان نگهدارند ، علی‌الخصوص که کتابخانه‌کوز به بیت سلطنه وغیر خواهانهٔ استقامهٔ عمومی پامرومرمان دات‌حرمین صفات پادشاه مقدس ماالیحضرت « سراج‌الملوالدین » ناایضح دوری ودرمطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل بزیورطبع آراسته‌وتر تین‌یافته‌است

حصهٔ اولیان کتاب ازابتدای‌سلطنت خاندان دیشان (سدوزائی) یعنی از آثار تأسیس واستقلال‌دولت علیهٔ‌افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیرامیردوست‌محمدخان مرحومیحث مکان‌ازهند در کابل‌تحت‌میرانه وجلد دوم آن‌ازحکومت خاندان جلیل‌الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تاپه اول جلوس اعلیحضرت « سراج‌الملة والدین امیر حبیب‌الله خان ، طاب ثراه وطاب ثاز هردورا حاوی میباشد رکاهنه‌اعلا حروفی بیطبع‌رسیده است ، قیمت کتاب مذکور قیمت زینت وحسن تجلیدآن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم‌صوازی داخدار کابل پخت‌چهار مئته جلدوی طلاکار نام نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل‌جوه بندی شده مبلغ شازده روپیهٔ بخهٔ کابل —

نمبر (۲) پشتی مقوا روپه گرمسالی چهار گنجوزرچرمطرحدیده حاشیه‌اسم کتاب ونشان دولت ورقوطلاجه میزده روپیهٔ کابل

نمبر (۳) پشتی مقوا روپه کپره لاجوردی چهار گنج وزرچرم میشی سرحه کابل پخت‌حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورقوطلاجه جزء بندی شده یازده روپیه بخه کابل ودوه شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روپه‌اری چهار گنج وزرچرم میشی سرحه کابل پخت‌حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه گوک بندی شده نه روپیهٔ بخه کابل ویازده شاهی —

نمبر(٥)پشتی‌مقواروپه اری سرچهارگنج وزرگوشه‌اسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جه گوک بندی شده نه روپیهٔ بخه کابل ویازده شاهی — محل فروخت

درکتب ارزی مبار که از تحویل خانهٔ جناب محمدویحان سرحه در بازار ارگ قرب کان عبدالله خان

چون کتاب مذکور سراج‌التواریخ چهارجلد میشد اگر درنگ وتاخیر میشد هیچ کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر نمودند که جلد اول ودوم درینوقت طبع شود وجلد سوم وچهارم آن که هنوز مدوزد طبع میباشد وبس ازانکه ازطبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آنرا نشر کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همسایه هائیکه دستخط ندارند از طرف مدیر وسر محرر خواهش

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1753 of 1786

اعلان

عموم مشترکین گرام خودرا
به آگاهی میکنیم

مرهون سعی و کوشش گردیم که اشکالات رسیدن اخبار مشترکین گرام دارالسلطنه کابل خودرا رفع نمائیم لیکن نتوانستیم تا کنون مرکزی دارالسلطنه کابل را علاوه نموده تا کنون مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار ما را که بهده مشترکین گرامی بسیار دشوار بود بعهده خود قبول نمود . مشترکین گرام دارالسلطنه خود را تبلیغ وقت آگاهی میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه هر فردا فردا واسطه آدرسهای دا تحانه گویا شان میرسد .

شرایط خریداری	
دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت شش ماهه پنج روپیه کابلی	شش ماهه هفت روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
مرحله یکه باشد اجرت پوست	
قیمت سالیانه ده روپیه انگلیزی قیمت شش ماهه پنج روپیه انگلیزی	
به ماهه انتزاع قبول نمیشود	
یک طلای چهل انگلیزی و نزده روپیهٔ کابلی است از همین قرار حساب کنند	

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود تازه بدرواج الاخیر اعلانات واشتهار کردن میخواهند ، وهابیکر هردو اعلان واشتهار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمدن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورقی وقایع درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۴ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

هریک شخصی اعلان خودرا مثلاً یکماه نشر کردن خواهد ودرمه یک ماه را بیشتر یا کمتر درین ورقی بشتی درسر سطری سه اجرت گرفته میشود .

اعلان

حسنا اوقیانوس سیاه

در ۲۹ روز

آسیا ⇄ اورپا ⇄ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یک آژانس جدیدی در نظر هوسکاران عزیز جلوه گر میشود . بدست آرید ، بخوانید درظرف ۲۹ روز یک مدت کمی سه قطعهٔ زمین را بسیاح گرانمایه دور و سیر میکنید . عاشقیان را که بزان میکذرید مفصل ومکمل جغرافیا رکنج آنرا خواهید مشاهده نمود . چه چیزها می بینید . چه چیزها میشنوید . چه لذتها چه سرورها میکنید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درعین زمان شاهراه هوسات والنگیزه ـ یک اثر !

این آژانس جلد مرک ودرک وقایع محل میباشد . تقریباً (۷۰۰) صفحه ، ویا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص مختلفه وقطعه های مهمه مزین است . قیمت با البومه خوبصورتی آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ زیاد نیست . کاغذ اعلا ، چاپ خوبی ، تصاویر زیبا و گرانی ، جلد محکم ودلنواز ، اگرچه میخواهید ؟ هیچقدر کتابهای مطبعهٔ میارکه درده افغانان » (عبدالرؤف) خان مرحوم مطبعهٔ میارکه ، بازار زرنگار کابل (افغانستان) تاجر کتب وبازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده بمباغ فوق کتابهای مذکور را بدست آرید دیگری کاری نماند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1754 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت. عبارت از یک مجموعهٔ اشعار آبدار محمد آگاهی میباشد که بکاغذ اعلا، وحروف جلیه زیبا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز وجودیداست. قیمت نحو پهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بقابل (۷) دو روپیهٔ کابلی درحوه مطبعهٔ عنایت از دره عبدالرؤف خان سر میرسد. ودر بازار ارگ از دکان باز محمد. ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده! از زیر دست زیدهٔ کلزار، مطبعهٔ عنایت، کم تا زه تبرز مایند! جزیره پنهان، یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگان نوع بشر بطرز ثابت وجلوه گرمیسازد. هر حکایت، هر عبرت هرفن، هر فضیلت! چون جاذبه، چون باقند. چون تصویر شن علاوه. قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وخاصیتش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه فعلا فروخت تنها مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، و کابل باز محمد بازار ارگ، و دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از ادارهٔ

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه بحجم

کتاب سال دوم ... مصور بحجم

کتاب سال سوم ... مصور بحجم

کتاب سال چهارم مصور بحجم

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درفن

رشید

تلخیص جغرافیای عمومی

این کتابهای خوب در اداره موجود است. هرکس که آرزوی خریداری آنها را داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی

سیاحت زهره و عطارد بیشتر روپیه

سیاحت در چرخ هوا بحجم ۲

سیاحت در زیر بحر مصور بحجم ٤

از هیدجی سیلی و از هرجهتی سیلی بحجم ۲

روضهٔ حکم بحجم ۲

پراکنده مصور بحجم ۲

جزیرهٔ پنهان مصور بحجم ۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای ماخوذه را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دره افغانان از دره عبدالرؤف خان سر میرسد و از دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار ارگ و از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی قیمتهای حقیقی خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای ماخوذه را داشته باشند به سراج الاخبار افغانیه اطلاع کنند.

اعلان

کتابهای بحجم سراج الاخبار افغانیه، وکتابچه های علاوتی دوره های متفرقهٔ آن، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدارانی که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارگ بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درمطبعهٔ عنایت. ودر خود مطبعهٔ عنایت دره افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1755 of 1786

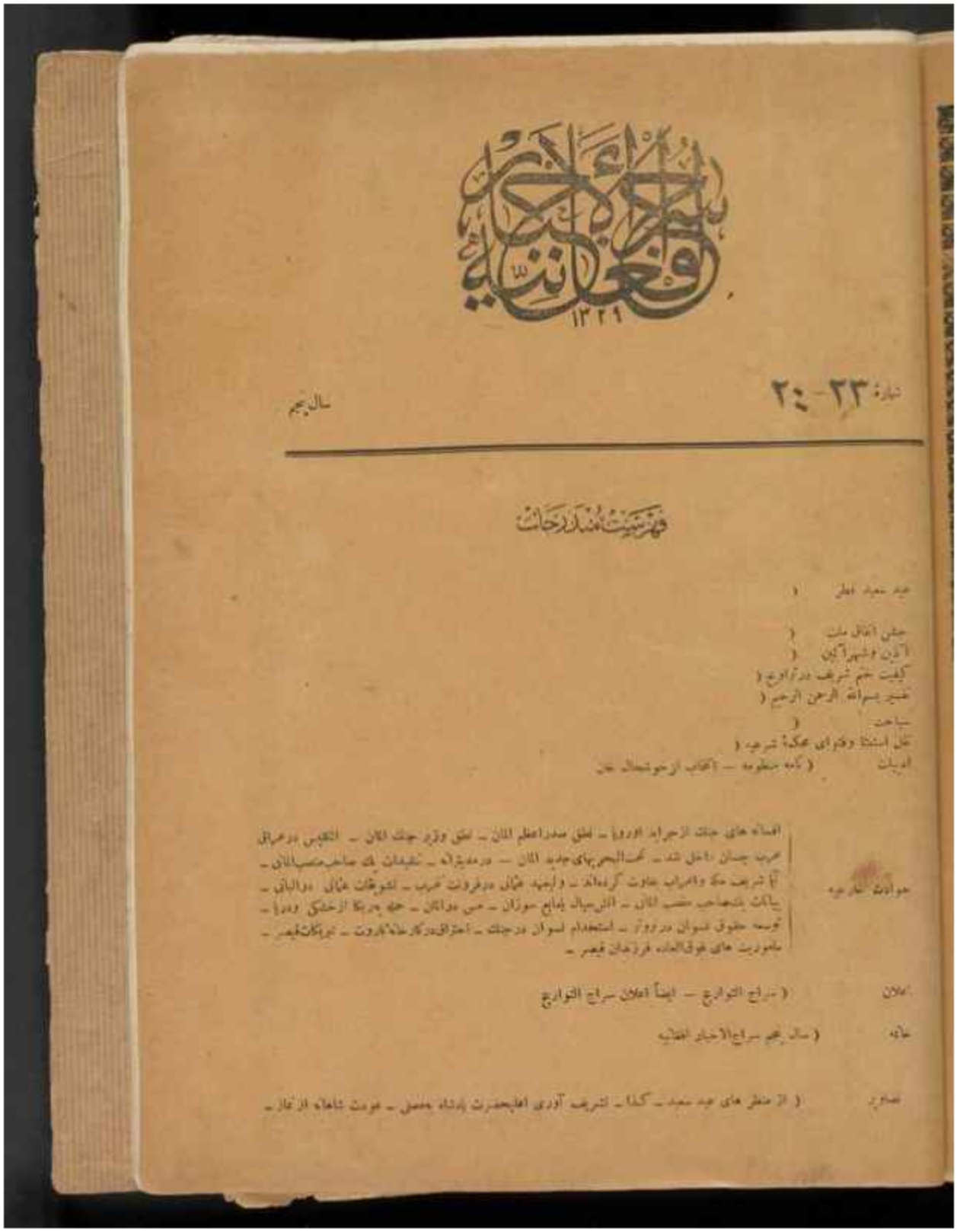

نمرهٔ ۲۳ - ۲۰ سال پنجم

فهرست مندرجات

عید سعید فطر (

حفظ اتحاد ملت (
آذین و شهرآیین (
کیفیت ختم شریف در تراویح (
تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم (
سیاحت (
حل استفتا و فتوای محکمهٔ شرعیه (
ادبیات (کلمه منظومه — انقلاب از حوتسمال خان

حوادث داخله — اعضاء های جنایت از حراید اروپا — لغو صدراعظم الان — لغو وزیر جنگ الان — انتخابی در عراق عرب بیان داخل شد — تحت الحمایهای جدید الان — در مدینه — تبعیدان یك صاحب منصب الانی — آیا شریف مکه و اعراب جاوت کرده اند — و ایمنه عثمانی در فرودن عرب — لشوقات عثمانی در البانی — یاکات بدصاحب منصب الان — الان سیاك یدایع سوزان — می در الان — حمله بمرکا از خلق و دوا — توسعه حقوق نسوان در روتر — استخدام نسوان در جنك — اعزاق در کار خانه لندن — تریکات قیصر — مامورین های فوق العاده فرزندان قیصر —

اعلان (سراج التواریخ — ایضاً اعلان سراج التواریخ

علاوه (سال پنجم سراج الاخبار افغانیه

تصاویر (از منظر های عید سعید — کذا — تشریف آوری اعلیحضرت پادشاه معظم — عودت شاهانه از غار —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1756 of 1786

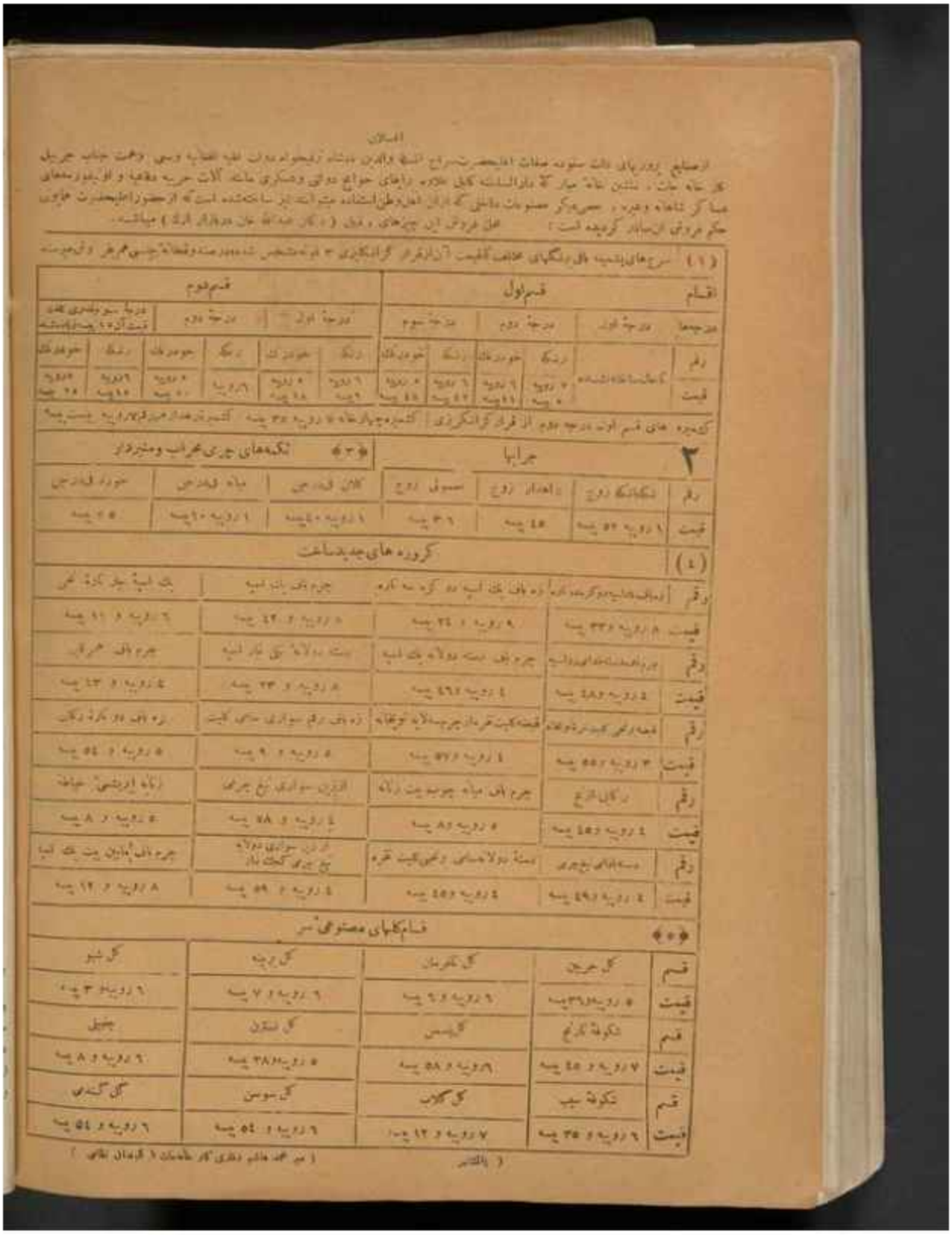

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1757 of 1786

صحیفه (۱) سال نهم (شماره) ۲۳-۲۴

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با خراجات داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با خراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
صدور نسخه آن در کابل یکصدی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و مسئول محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه
در مطبعهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
عند امورات تحریریه یادداشت خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

تاریخ قمری غره شوال ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۱۶ اگست عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۲۵ اسد ۱۲۹۵

عید سعید میمن پدید (فطر) این سال فرخ فال ۱۳۳۴ هجری نبوی صلی الله علیه وآله وسلم را «سراج الاخبار افغانیه» بر همه مومنین ومؤمنات امت ناجیهٔ اسلامیه تبریک صمیم دل مبارکباد میکوید. خطوط وسیاسات دین ومیهن مقدس را از شر دشمنان آن از بارگاه صمدانی تضرع وتوسل میکند

﴿ جشن مقدس اتفاق ملت ﴾

چون این یک درجهٔ اثبات و تحقیق پیوسته است که جمیع اسباب ترقی ومدنیت وفرحتمندی وسعادت، وکامیابی ومظفریت، وامن ورفاهیت وفیروزی وغالبیت ازین فیوضات اتفاق تزشح وتولد نموده‌اند. لهذا مقتضای عنوان مقدس ومعظم «اتفاق ملت» عبارت از شر و کمال افتخار عموم افراد ملت است بر جنان یک خط واحد، ویک مرکز کتلهٔ الواحدی که از آنجا روزی و سهولت وصول وشمول شان بشاهراه ترقی وتمدن نزدیک ومیسر باشد. و آنهم بجرایان از هدایون بر اعلم واجا، و اداره واجرای جمیع امور، وکارهای ضرور خویش بخصیت فاعل، ویک هیأت مختاری انتخاب واتحاد تمام بکلی عدیم الامکان وغیر متصور است که بمطلب ومرام فایزوکامیاب شوند. یعنی خیل یک مسئله پراشکال ویک اجتماع محال عدیم الاخلاق است که بک ملی بیوجود یک آمر ومشوع بتواند. آزادی واستقلال ملی، وانواع مال واستقبال وطنی خویش را حفظ وصیانت نماید. پس مراسم ذی مکارم، جشن مقدس اتفاق ملت وکهه ساله بتاریخ دوازدهم سرطان در جمیع مملکت محروسهٔ استقلال وطن عزیز افغانستان صانها الله عن الآفات والخسران از طرف عموم ملت نجیبهٔ افغان بانک وق و مسرت بسیار درخشان، ویک حظ وافر فوق العادهٔ عظیم الشانی اجرا میشود. فی الحقیقت یک یادگار پرشوق و هوس ویک تذکار خیلی بزرگ ومقدس آرزو فیروز سعادت اندوز میامن افروزی است کهدوران همهٔ افغانان بالخصوص بار جمع وفراهم کننده ویکدیگر صدای اتحاد، وصلای اتفاق درداده از نفس خودها بکمال فرحت ورضا، وصدق وصفا یک قرار وکرشمه بر خویش پذیرفته واولو الامر مقرر وتعیین نموده همکان بالاتفاق، بیاور امر واراده حضرت آفریندهٔ خلاق، وقادر علی الاطلاق، بآنام رغبت وانشراق وقبول حال از اعماق، اطاعت حکم حاکم وحامی حدمتش را چست بمیان ربط واخلاق نموده، واز غیرت ذاتی وشجاعت فطری خود دوستان را یاوری واخطار، ودشمنان را تعریف، وانکار فرموده، در مقابل هجومات، وسایرانم، خود شانرا یک ارتال معظم، واقوام ذی همم بلو آورده، استقلال ملی، وحریت قومی خویش را ثابت ومبرز داشته چنانچه درین بازار برای اعاده وتکرار آروز فیوضات آثار سعادت آثار اتفاق، جشن موصوف اتفاق ملی، دوشادوش ورمزوانی، از طرف عموم اهالی بانام فرحت و مسرت، و جراغان وزینت، در زیر سایهٔ زیبا توابع ذات شوکتنمایات بادشاه ترقیخواه مقدس محبوب القلوبات جلیلهٔ افغان، اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان، ادامة دولته الی اخر الدوران بکمال ترتیب و انتظام قرار ذیل آغاز وانجام یافت

﴿ مراسم دربار معالی بار جشن مقدس اتفاق ملت ﴾

امسال چون جشن مقدس اتفاق ملت از حسن اتفاق تاریخ ۲ رمضان سعادت فیضان تصادف ورزیده بود، ازاین از چندروز درهمهٔ مردم طبعاً یک مرتبی درباب حسن میشد که آیا مراسم پرمکارم این جشن بزرگ ملی بچه نهج وصورت انتظام وسرانجام خواهد یافت؟ که بناران روزی چندقبل از تکشریف سامد رمضان فیضرسان از طرف جناب ایشک آقاسی ملکی که بالخصوص بامور اداره و تنظیمات همچنان دربار های بزرگ جشن هاو عیدها وغیره مأمور میباشند اعلانهای رسمی برای رفع شبهٔ واردهٔ فوق کدر خیال عموم تجمیع داشت در خانهٔ مهمهٔ شهر منتشر عرایضا چسپانده و آویزان شده بودند که اهالی آنرا دیده ازان کیفیت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1758 of 1786

انتظار درباز جشن را داشته ودر ضیق آن محل پرا گردیده خواهش خودرا اطمینان وقلوب خودرا تسکین دهند . بنابر موجب هدایت اعلان مذکور جمع ارباب مناصب ملکی وعسکری، واصناف علماء واشراف شهرواطراف دارالسلطنه کابل بتوسط رقعه‌های مخصوص وتکتهای خبری دوروز قبل ازطرف ایشیك آقاسیان ملکی و نظامی و سایرین مبجر دعوت واخبار گردیده بودند ساعت ۹ وبعصر دوباره حاضر سلاملك عام شده وبعد از توقف اندساعت بازگاهی که در جن لطافت پیرامن سمت غربی قصر شوکت احتوای دلکشا تهیه وتعریش شده بود برای ادای صلوت مغرب مازه کنند بمدار مرور جار بخدمتگاری کمر آستای راه صرف شد هرمنصب مدرستی وانتظام تمام داخل صفهای نماز گردیده ، وبازپیاهای باریك ودرازی نسوه وترتیب صفوف قرار اصول معمول بعمل آمده همگان برجایهای خودقرار گرفتند ، سپس در پشوسهای خوش رنك ، و طریف ، لوله هسای کاغذی رنگارنك ولطیفی که در هرکدام آن سه ده تاه عمل چیده وملو ق بود درعموم صفوف فی نفر یك لوله ، دولوله بغرض افطار که امجیل آن ازستن سید الابرار است توزیع وتقسیم شد ، درین اثناء چون هنگامیکه هرکس، بادهشوقی وهوس اذریف شوکت ردیف ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه معظم ومقدس خود را یك آرزو وامید ، ویك حرمان شدیدی می‌روایید ، ازقلب صفوف وازدامنه شمال نماز گاه تا کاه بسواری اسپ صبا رفتار چهرهٔ ملاحت بار فرحت آثار فرخنده فکر سعادت تنار شهریار مرام گردار عطوفت شعار ملت نجیبهٔ افغان ، اعلیحضرت سراج الله والدین امیر حبیب الله خان ، صانه الله بالحفظ والامان ازدور ظاهر وتابان گشته همگان بالاتفاق آداب سلام ووفای مراسم تعظیم واکرام را بحاشیه غرض وتقدیم تحیات شاهانه و ادعیات متواله برداخته صفهای عزت واحترام گردیدند ، ذات مکارم صفات مراحم آیات اعلیحضرت همایون اقدس والا بعدازاتکه عموم صفوف را بهیئت عمومی درانتهای مرور ، ضمناً ملاحظه وعبور فرمودند عنان عزیمت موکب شوکت موهب همایون را بسواری خطوط صفوف عطف داده در مقابل صف اول عین رقعهٔ وسط توقف ورزیده در حالیکه جمیع حضار چهرهٔ بشاشت شهریاری را بانوار باکمال ذوق وسرور مشاهده وتماشا می کردند عموم را بخطاب نموده چنین بکلام حکمت انجام ابتدا فرمودند ، جشن اتفاق ملت ، جشن خوشی و آزادی افغانستان است از درگاه حق سبحانه تعالی همیشه آرزو دارم کهاین جشن‌ها را دائما برمابتوالی آزادی وشادمانی بگذارند امسال چون جشن مذکور درماه رمضان اتفاق افتاد و مرکبی لاتعال باین خیال بود که سررشته وانتظام آن بچه اصول کرده خواهدشد ؟ خودمن بفکرخود خواستم شمارا ازقرار سابق بعده یازده روز هم مناسب ندیدم چرا که درآنصورت رعیهٔ ما دراین روزه داری بسیار تکلیف بود که بیهوده و بیکار رجایهای خود می‌نشستند ، وهرکس درفکر زود گذشتن روز خودرا زاهو افگنده دیدم ، و برخلاف ازهم درست نبود که شما را بکلی بیخواستم ، لهذا همین وقت عصر را مناسب دانم که یك جا باهم دیده وافطار کرده وهرکس شهری خودرا گرفته مرخص شود ، وامسال اینهم نمیشد که مانند سالهای سابق همهٔ شمارا صف بصف مفصل از نظر بگذرانم ، چرا که درآنصورت چنین روزه داری بسیار سخت ودشوار میبود وبالنتیجه برای شماهایکه کارسبل وآسانی خود امادارای من سخت تکلیف داشت کهشما یك آدم همه‌تانرا ازنظر بگذرانم ، این جشن بهمراهاسیان دوسال دیکر هردرماه مبارك رمضان خواهد آمد، وبامحال این دوروزهٔ که کرده ایم خودمن ذاتاً هیچ تکلیفی دران حس نکرده ام وهوا هم امسال چند روز پیشتر قدری ، و شده انشاء الله برایهم امیدانست بصحت وعافیت گذشته باشد ،وازان رهی ندیده‌باشید ، والغرض اگر یك تکلیف ومشقتی هم ازان بارسد باید آنرا بصروطاعت ملك کنیم چرا که بنده هستیم ، وحالق ما را حاوای فرایض خود امرفرموده میباید کهبهرصورتیکه ممکن باشد دربجاآوردن آن حتی‌الوسع کوشش ورزیم درین اثنا چون وقت افطار خیلی قریب بود ازاروحات شو کتنشان اعلیحضرت همایون اشرف والا همه کس را بدانش امر واجازه نموده وخودهم ازبالای اسپ شرف نزول فرموده رمصلای امامت مسندآرای عزت وتمکنت گردیده منتظر رسیدن وقت افطار واذای نماز گشتند ، چنانچه بصدیك وقتهٔ مختصر ازبالاخانهٔ یارو کهموقع اذاعت توپ است اول یك دود صدرت اندود متصل آن یك آواز مهابت اندازاکه وقت افطار را اشعار نمود،سامعه نواز گردید که بنا بران هر کس باشیرینی کاملاً پاسخ داده شده وهردوزهٔ خودرا بازکوده نیّهٔ نماز آغازنمود ومؤذن هریك آواز معتدل ومتوسط بکمال خوش الحانی اذان کفته وازصف اول هر صدای اقامت بلند گردیده عموم حضار با کمال ذوق وسرور بادای نماز مغرب مرحت شعار وپرتوفیض جوامرتوقیق شفقت کردگار خود شان اقتدا ورزیده بحضور قلب و صفای عقیدت یك نماز بسیار باثر وحرارتناك را بجا آوردند ، بعد چون صلوت الطهر وردا خلاص پذیرفت ، همه کس جانب عمارت باشو کت سلاملك عام متوجه کشته ، وبعد از چند دقیقه جمیع علمای عظام وخوانین ذی احترام واهل مناصب ملکی وعسکری حسب مراتب برچوکیهای مخصوص وجایهای مناسب خودها نشسته وصحبت داخل دالان زرنگار سلاملك عام چنان یك منظرهٔ خوشنمای طربناك وانتظامی‌را تشکیل داده بود که زبان ازتقدیر ، وقلم ازتحریر وصف وتعریف آن عاجز وقاصر است ، جارهای لطیف وبلوری که ازسقف حزین ودرین دالان توشه ودران شمعهای کافوری‌لطیف ورنکینی افروخته‌شده‌بودند رطرفی واوانی قیمتدار بسیار زیبا و افطاریکه‌برسم زرنگ حضور بکمال دقت واهتمام چیده شده بود هکس انداز وپرتو نثار تجلیات وانوار گردیده زینت والطافت صوری آنها را دوبالا میساخت ، رتبهٔ خارجی سمت شمال سلاملك وزدآن موقع باصدای خوش هوائی که برای میزانها ودفترها وکارکر های ماتحن خانها و معلمهای مکتبها و غلامها وغیره تخصیص داشت ودران هرصنف بکمال درستی وانتظام احد مقام خودبود ، باقلیهای زیبا وفرشهای اعلا ، وتجیرهای خوشنمای زرین وطلائیهای زرنگ وکران بهای تنویر یافته بود که انسان چون هنگام زینات وتنطیمات ، وچراغان ها وتزیینات را میدید یك حظ وفرحت وذوق وانبساط عظیمی درقلب وجناح خود حس می‌نمود .

بعد از وقفهٔ نصف ساعت عین هنگامیکه از صف دادن چراغهای ناتموری فراغ کلی حاصل شده بود ، ازبرون سلاملك اواز دادو

میدوانیدن ، ازقلب صفوف وازدامنه شمال نماز گاه تا کاه بسواری اسپ صبا رفتار چهرهٔ ملاحت بار فرحت آثار فرخنده فکر سعادت تنار شهریار مرام گردار عطوفت شعار ملت نجیبهٔ افغان ، اعلیحضرت سراج الله والدین امیر حبیب الله خان ، صانه الله بالحفظ والامان ازدور ظاهر وتابان گشته همگان بالاتفاق آداب سلام ووفای مراسم تعظیم واکرام را بحاشیه غرض وتقدیم تحیات شاهانه و ادعیات متواله برداخته صفهای عزت واحترام گردیدند ، ذات مکارم صفات مراحم آیات اعلیحضرت همایون اقدس والا بعدازاتکه عموم صفوف را بهیئت عمومی درانتهای مرور ، ضمناً ملاحظه وعبور فرمودند عنان عزیمت موکب شوکت موهب همایون را بسواری خطوط صفوف عطف داده در مقابل صف اول عین رقعهٔ وسط توقف ورزیده در حالیکه جمیع حضار چهرهٔ بشاشت شهریاری را بانوار باکمال ذوق وسرور مشاهده وتماشا می کردند عموم را بخطاب نموده چنین بکلام حکمت انجام ابتدا فرمودند ، جشن اتفاق ملت ، جشن خوشی و آزادی افغانستان است از درگاه حق سبحانه تعالی همیشه آرزو دارم کهاین جشن‌ها را دائما برمابتوالی آزادی وشادمانی بگذارند امسال چون جشن مذکور درماه رمضان اتفاق افتاد و مرکبی لاتعال باین خیال بود که سررشته وانتظام آن بچه اصول کرده خواهدشد ؟ خودمن بفکرخود خواستم شمارا ازقرار سابق بعده یازده روز هم مناسب ندیدم چرا که درآنصورت رعیهٔ ما دراین روزه داری بسیار تکلیف بود که بیهوده و بیکار رجایهای خود می‌نشستند ، وهرکس درفکر زود گذشتن روز خودرا زاهو افگنده دیدم ، و برخلاف ازهم درست نبود که شما را بکلی بیخواستم ، لهذا همین وقت عصر را مناسب دانم که یك جا باهم دیده وافطار کرده وهرکس شهری خودرا گرفته مرخص شود ، وامسال اینهم نمیشد که مانند سالهای سابق همهٔ شمارا صف بصف مفصل از نظر بگذرانم ، چرا که درآنصورت چنین روزه داری بسیار سخت ودشوار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1759 of 1786

موزیکهٔ عسکری که سلامی زوال شاهنشاه را نواخت ، ورود مسعود هایونی را بعده کان اعلان واخبار نمود ذات اقدس اعلیحضرت پادشاه معظم عیوب القلوب مقدس ما از دروازهٔ سمت غربی با کال شوکت و احتشام بحیث شاهزاد کان عظام داخل بالان سلاملخانه‌عام گردیده عموم حضار برای ادای سلام صف بسته با عزت واحترام کشتند ذات اعلیحضرت هایونی بعدازانکه درمقابل میزمخصوص تاجوری شاهانهٔ شان قدم عز وشکوه‌جلوس فرمودند هنگام راه نشان دادن و معرفی نمودن رجال دولت و اعضای دارالشوری ملی و اعضای محترم دیوانعالی تمیز و اعضای دیوان محاسبات و رؤسای ادارات و دیپلوماتان خارجه حاضر گردیده بودند اعضای پلیتیکی کمپانیهای خارجه و چای خوری مرور نمود ، به آوردن دسپلن های شیرینی ابتدا ورزیده شد ، نیم ساعت دیگر هم قهوه و انواع شیرینی دوام ورزید ، واخیراً بساعت ۱۰ چون طعاً یک قرائت دعوت عمومی بعمل داده شود ذات اعلیحضرت هایونی همه کان را رخصت عمومیت عطافرموده پس ازانکه موزیک درخارج سلاملخانه با کال هیبت سلامی آخری پادشاهی را نواخت هرکس بسمت عزیت خود متوجه گردیده بدستور سابق در بار فرحت بارسلاملخانهٔ تاریخانه ترتیب وانتظام انجام واختتام یافت، درشب دوم جمیع ارباب مناصب ملکی و عسکری وعلمای عظام ، وخواتین ذی احترام بالتساهای مخصوص درباری شان به جن وبعت پیرامن قصر معالیعصر استور دعوت شده بودند ، وبسمت موقع خیلی زیبا ، و هوش ربا یک منظرهٔ را تشکیل داده بود هرطرف با چراغها وزینهای بسیار مکلی بنور وزاین یافته بود ، همه تن بعد وافراد عساکر اقطار کاه وقت سحری موزیک ها نغمه های بسیار لطیف دلنواز ، وسرود های ذوق آور نشاط انگیزی را بمیان عساکر عظام سحری وقوب صبح جمیع حاضرین را از طرف قرن الشرف هایونی رخصت عودت ، واجازه عزیت عطاومرحمت گردیده پس ازانکه سلاح آخری ذات ملوکانه ازطرف عموم بخاک آورده شد هرکس بسمت مقصود خود بازم ومتوجه گشته بدستور سابق با کمال فرحت وسرور ، وقدت وحبور مراسم مجلس نیاه بار که دوم چنان گذرسماً درجن صفا پیرامن قصر معالیعصر استور ترتیب وانعقاد یافته بود خاتمه یافت .

§

(آذین وتزیین آذین)

برای شبهای یکشنبه و همه عموم دکانداریهای عمده بازارهای شهر عزیز مینو بهرما از طرف دایرهٔ بلدیه حریق آذین وتزیین عمومی بازار ها تبلیغ گردیده بود کسبه یاران از ابتدای روز چهار شنبه هرکس با آرایش وزینت دادن دکان خود بکمال جدیت اشتغال ورزیده تا وقت عصر روز مذکور همهٔ بازارهای دارالسلطنهٔ با غبطهٔ کامل را یک مسرت وشادی ، ونشاط وفرحندگی فوق العادهٔ احاطه واستیلا نموده خواتین خوش ذوق دیده میشدند که درمقابل هردکان برای تماشای قطعه‌های تصاویر یک از جهة دکان آویخته شده بودند ایستاده درصورتیکه زینت وزوق آن سراسر محو ومستغرق بودند . عرض اول ذات ملوکانی صفات اعلیحضرت پادشاه ترفیخواه رعیت پرور وبیدار خیرخواه ملت گستر ملت باعموم شهزاد کان عظام که چهر کان هایونی شاهانه شان حیث داشتند بسواری موتر همهٔ بازارها را سیر وتماشا فرموده وهر دکانداری که دکان خودرا قبلاً بتکلیفات وتزیینات زیادی آراسته

وعموماً حضار تحسین والعاد واطلاق هایونی میکردید ، در اینوقت هم ذات اعلیحضرت پادشاهی وعموم شهزاد کان گرانمایه بسیار بازدید وانتظام بازار ارزه را بعموم میمنت لزوم خودشان مشرف ساخته ، ویکان یکان اسبابهای جدید وغیریرا قدماً قیمت‌های بسیار بلندی خریداری فرموده وازان احد وعطای شاهانه بلند ومنت کان صاحبان مال راجع وباد کننده بدستور قلوب عموم اهالی را ازان وسیع مرغوب ولذت ومرحمت عمیم شاهانهٔ شان مخمور سرشار گردیده ومحظوظ ساخته ، بعد ازساعت ۳ صبح روز جمعه جمیع مراسم پرستاری حضرت مقدس اعلیحضرت هایونی بانهایت آرامی وفرحت ونشاط ومسرت بپایان رسید فقط .

(کیفیت ختم شریف بخارا)

بر کنار غربی کولباسهای خوش آب وهوا جمعیتها وسراپرده‌های بسیار محزن واقعاً برای ذات اعلیحضرت هایون اقدس والا ، وباقی شهزادکان ، واکابر واعیان مملکت یکان یکان اعضا وقوف پیدا کرده بود ، عموم اهل مناصب ملکی وعسکری وعلمای عظام ، وخواتین ذی احترام ، بالتساهای مخصوص شاهانهٔ خودشان بانک جمعیت زیاد زیبای صاحبقرانیه که مخصوصاً بتوسط تلگرافهای خیریهٔ ایشیک آقاسی صاحب ملکی دعوت واخبار گردیده بودند جمعه از تاریخ ۱۰ رمضان سعادت فیضان بساعت ۹ و ۳ عصر حاضر حضور ومسمت پیرامن گردیده ، و از انجا هرکس بطوع ورغبت خود بکدام طراوت بارکوت لطیف خو شکوار آمده وعضو کتابی سواری را که حیلی از زان ومسمت آنهم از طرف قرن الشرف اعلیحضرت پدر تاجدار ذات راجع بایشیک خانه است ، ادا کرده بعرض تفریح وتنزه جوق ، جوق در کنتها وقیطها زای میر وتماشای باغ آب که عیناً نمونه بگیاهات خارجی را نشان میداد سوار میشدند ، چنانچه بساعت ۷ کتی ، واری دوام میورزید ، بعد عموم خارجی مجتمعین درحین صدای آن برای ادای نماز دیگر که مخصوص که درحین حسن نیت واقعه گردیده بود فراهم گشته منتظر رسیدن وقت نماز وشنیدن توپ افطار میباشند ، درین اثنا جمیع حاضرین پلتیکی مختصری که نیا افطار را کفایت کند میگیرند ، چون بعد ۲۰ دقیقهٔ چند از ساعت ۷ توپ افطار داده بلند فرحت وصدای پلک آواز دلنوازی طنین انداز میگردید هرکس روزهٔ خودرا باز کرده بادای نماز نیته وآغاز مینهاد ، بعد از فراغ نماز دیگر عموم خارجی بمجلس بزرگ مقسم میگشت چنانچه اول آن عبارت از مجلس خصوصی حضور هایونی بود ، که درآن ارباب مناصب ملکی وعسکری وعلما وخواتین درکار اشتراک داشتند ، وبالای چوکیهای اعلا ومیزهای زیبا درحین جن باصفا صورت وتشکیل یافته بود ، ومجلس دومقدار مسافتی دور از مجلس اول مجلسی بود که به خارجی رعایا تخصیص داشت وباقاینها وخرشهای بسیار زیبا ورنگین یک مسافهٔ درازی فرش وتزین شده ودساعت ۸ آوردن وصف دادن میزها ، وگذشتن خوانهای بسیار بزرگ پها که برهر کدام آنها انواع طعامها وميوها یکان اعضا چیده شده بودند ابتدا مینمود ، وبعنکامیکه ازادای نماز یک قرائت عمومی دست میداد ظروف طعام بانظام ترتیب وانتظام درهمدو مجلس آماده ومهیا میگشت ، چنانچه این فرصتهٔ سلوت هرکس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1760 of 1786

برای خصوص ومعین خودمتوجه گشته درپذیرائی خود بلاسدوحائل خوان توال بادشاهی را مانند مائدهٔ آسمانی نثار و گسترده دیده بکمال آزادی بمصرف آن مشغول میشد . تاساعت ۸ ویم ازطعام وچای وهمه لوازم یك فراغ کلی حاصل گردیده ، بعد هیئت تهیهٔ وضو و نماز برداخته به ساعت ۹ پس ازانکه جمع نظری" نماز گذاران درنمازگاه جمع وفراهم آمده ترتیب وتسویه" صفوف النظام میدادند . توپ کوچکی که درحین مسجد معالی وبگاه عید گاه نهاده شده بود بکمال شدت صدا برآورده رسیدن وقت نماز را برهمه کان اخبار واعلان مینمود . که بناران ذات ملکوتی سمات اعلیحضرت بادشاه دیانت آگستاه معظم محبوب القلوب بسیار مقدس ملاذهٔ شهزاد کان عظام وغیره نظری" هم رکاب شاهانهٔ شان بسواری موتر ازحین تاقصر گاه تشریف فرمای عزواجلال گردیده بایك شان وشوکت بی اندازه ، وبك ذوق ومسرت فوق العادهٔ بادای صلوة قیام ونیاز ورزیده میشد وصحبت ادای نماز خیلی پرجوش ، وجالب فکر وهیجان بك منظرهٔ را تشکیل مینمود ، صداهای بلند پرتأثیر تکبیر مکبران ، وسکوت عموم سامعان ، وریزشهای سیل انوار چراغهای کهربی بسیار سبز درخشان ، وخوش آوازی وفصاحت طرازی جناب حافظ حمد جوش الحان ، ومتانت وعظمت الفاظ کلمات حضرت قرآن عظیم الشان هریك برقلب وحواس چندان تأثیرات بعد وبقیاس اجرامینمود که اذان درمقابل قدرت وکبریا ، وجلال وجبروت ذات مالك الملك والملکوت ، داله وحیرت می کشت . بعدازخروج امام رکعت درانثنای توقفی که درهر دوگانه تازه میشد گیاهیکه نشنه ویاسوی تازه احتیاج میبودند بآب الهای برف ، وجوی های آب سرد که برهرطرف نصب شده بودند حوائجت کرده دفع تشنگی وغیره لوازم خود مینمودند ، وهر شب بهمین نهج وصول تاساعت ۱۱ صلوت تراویح بدوام میپوزید . تاجنب عبدالرحیم نوبت ختم شریف کلام حضرت ملك العلام دررسید ، چنانچه وقت عصر روز شانزدهم اگر کسی جرارهات برای کشتی سواری وتماشا حاضر جن متوجه میشد ، برخلاف ایام سابق دفعتاً دروصیت کنارهای گول بك تبدل واطلاب عظیمی ملاحظه میکرد ، یعنی نظری" خیمه ها وسراپرده هائی را که قبل ازین برساحل نظری گول دیده بود سراسر نمیدید ، وعموض آن سمت شرقی" گول انتکاب یعنی درختها وسروهای آتش بازی را ایستاده ورویافت ، درشب هفدهم بعد ازانکه ازختم شریف وتقسیم شیرینی" متداوله آن فراغ حاصل شده ساعت ۹۰ عموم نظری حضار ختم ، وغیره اهالی" شهر شهر عزیزها که تقریباً هفت ، هشت هزار نفر میشدند برای تماشای آتش بازی عازم سمت گول گردیده ازیکسر تابیکر سرساحل آنرا اشغال نمودند . وبجزیره یك ذات اعلیحضرت همایون اشرف اعلا بسواری موتر ازمسجد عیدگاه پولیس که در کنار نظری" گول واقع است تشریف آورده ورای نظری" مجلس خصوصی" حضور شاهانه تهیه شده بود تشریف فرمای توگشت واعلان گشته به افروختن آتشبازیها ابتدا ورزیده شد . ازهمه اول صدای توپ کهربی هوائی که عبارت ازآتشبازی است شروع شدن تماشا وازعموم اعلان نمود ، هوائی که این کهربی هوائی صدا میکرد تا ۲۰ ، ۳۰ متر عموداً بطرف سیاه یك خط آتشین کشیده وباز بریکعدد خصوصی کشیده ازان گلهای آتشین سرخ وسبز بسیار خوشرنگی مانند ستارهها برزمین میریخت سپس متصلاً به افروختن اقسام چرخها ودروازهها ، ودرختها وسروهای آتشبازی که هرکدام ازدرتاب ساکن وبموج گول منظره های بس لطیف وزیبائی را تشکیل میداد افتاد . ازیکسو مهتاب نیز که توطلوع شروع نموده بود ازدیگر سوی خود که درتاب صدا تاب گول انداخت پاکستون رائق وتابانهٔ سیمین غریبهٔ ، شرفاً ازیك سرتابیکر سرگول بوجوداًورده رونق ولطافت موقع وتماشارا دوبالا ساخت . عمدتین آنها ذات اعلیحضرت هزاوزوالاجاهٔ شهزاد کان دانی تبار ، وا تذ نظری" ممتاز دربار برای سیر وتماشای منظرهٔ گول طراوت بار که ازروشنی ورنگینی چراغان آتشبازی بك جلوهٔ خیلی عجیب وغریب داشت تجمیع میداد جاهها و کنتی های مخصوص شان بسواران شده دروسط گول راندند . و آتشبازی ، ناه ناکسات کامیل دوام ورزیده بساعت ۱۱ بمدار انکه حروف الفبی توحهٔ ، شب شما خوش ، درپیش نظر عموم ظاهر کشت تماشای آتشبازی باختام رسید بعد ازاتمام تماشا ذات اعلیحضرت هزاوزوالاجاهٔ شهزاد کان ، ونظری معیت رکاب شاهانهٔ شان بسواری صباهای موتر ازحین عزیمت فرمود وباقی تماشا کنان نیز بموجب صدور کلته بدینصورت مراسم بااحترام مقدس ختم شریف با کمال عزت واحترام وترتیب وانتظام انجام واختتام پذیرفت .

[محرر اداره ، عبد الرحمن]

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بسیار رحمت گسترده وبسیار مهربان آغاز میکنم .

در آغاز هر کار یاد کردن کسیرا موجب برکت است . انعام آن ذات پاك است که موجود بوجود خود است . ووجود جمیع کائنات وهمی آنها وابسته ووابسته بوجود او . رحمن لغة عبارت است از میل فعلی که ازآن دوح ورقت قلبی باشد . واین کیفیت فعلی مصدر جمیع موجودات میباشد . پس الرحمن والرحیم هردو دلالت کنند برآن صفات بمعنائی که شامل است رحمتی کائنات وازلطف خاص بمعنائی که مخصوص است بهریك ازافراد جنس واولیاء الشخص مخلوقات . خدا رحمن است بمعنی لطف کلی او بهمه ذرات ملك محیط است . ورحیم است . بمعنی عنایت بخصوص بهرجنس ونوع وشخص بطور خاص متعلق شده . مثلاً صفت رحمت ازهمه انبیاء علیهم واجبات سلسله وارواح واملی را بوجود آورده وبسلطنت حکم جمیرا باهم مربوط داشته . وصفت رحیمیت او هریکرا بطور مخصوص امتیاز بخشیده . مثلاً جمادات ونباتات وحیوانات وغیره هریك ظهوری خاص دارد . ومیتوان گفتن که مادهٔ کلی که همه جا ساری است مظهر رحمانیت ازلی پاك است . وحیاة خصوصی که مثلاً نظام شجری مارا دربرداشته است گویا " تجلی" رحیمیت او است . پس رحمت صفاتی آن قوت مکونه است که نظام کائنات ودوام جمیت الشرف المخلوقات بآن وابسته است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1761 of 1786

از لحاظ دیگر از حمایت حیوانات بحث آمیا و از آن کتب برای تلاج نوع بشر بدون تفاوت ملل و اقوام ـ و از رحمیت او لطف فرمودن رحمان کتابیکه هدایت را هبوط کرده و بحاسن اخلاق دولت خویش را مبرز و مزین نموده در تحصیل فضائل گوی سبقت ربوده ـ و از رحمت بنده و شفقت مصنوعات باری تعالی هنگام آغاز کردن هر امر از زبان وحی حسب منطوق حدیث شریف کل امری باذی لا یبدأ بسم الله فهو ابتر و هر کار ذی شان که بسم الله الرحمن الرحیم آغاز گردد مشمول از خیر وخوبی باری میباشد) تلقین این اصل عظیم است که بدون مرحمت بامر های حیوانات انسانی و ترقی تمدن و تقدم معارف و مصالح صورت پذیرفته نمیتواند ـ در خیر القرون اسلامی همین حساسیات رحمت و رأفت بود که وحشیان صحرا گرد جزیرة العرب را دارای بهترین حصه های دنیا ساخته متمدن روی کره حقیق گردانیده بود ـ و درین عصر ترقیات هوش ربا هم در بلاد غربیه از اروپ و امریکا همین حس مرحمت و شفقت انسانی است که همه افراد ملت را زیر بیرق وحدت ترقی تمدن را بأوج رفعت رسانده است از همه مظاهر رحمت انسانی در بلاد غربیه اجرای قوانین حمایت در همه طبقات ملت است یعنی بنای راهها و خانها و شهرها و دکانها و صنایع آنها حسب قانون حمایت ـ و بنای بیمارخانها برای خواص و عوام ـ و همچنین بنای کتب خانها در شهرها و قریه ها برای بار بردادن کتابهای تاریخی و اخلاق

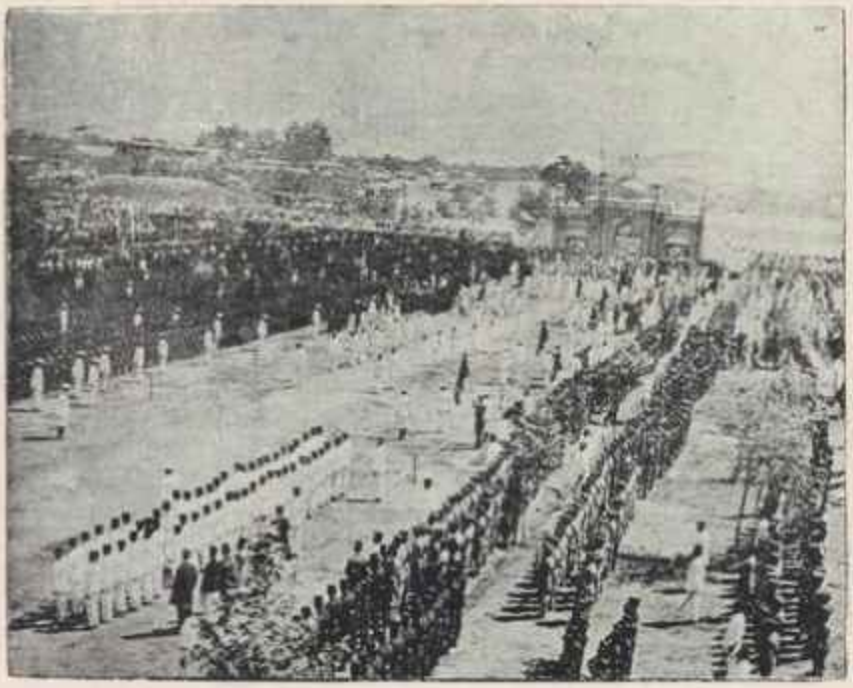

از منظره های عید سعید

انتظار تا شب سعادت ردیف بادشاه تا کی سپاه اعلیحضرت همایون در محل جامع قیوسان لامع عید گاه

وغیرها عوام ـ و بنای خانها برای یتیمان و بیوه گان و کوران و معلولین هرقسم ـ و ادارهٔ آسیا توقیکه گدا گری از ملت کشنده و بنای مدارس فنیه و صناعیه برای تعلیم اولاد فقرا و مساکین ـ خصوصاً حسن ادارهٔ زندانها که حقیقتاً محل عقول است ـ اولا محرمین و محبوسین را در محلهای بسته از جائی بجائی میبرند تا جای فراری از بنجا زائل نشود تا با آنها دین و مرتکبین جنایات کبیره را از مجرمین جرمهای صغیره جدا جدا و علی حده در حبسخانه های مخصوصه میگذارند ـ و ثانیاً انتظام سیر و سلوک بحدی است که از طرز عیش و اوضاع معلومات وزرگان قوم و عوام اخلاق دائماً در حال خوب دارند ـ و راساً و اعظان دین و کتابهای محاسن اخلاق و رسائل علمی و روزنامها بمیان میدهند تا ایشان از محسن نیك و احوال مساعد آگاه گردد خود بخود قلب خود را تبدیل نمایند ـ و هنگام اختتام میعاد حبس کوشیا از مادر زاده در حمیت انسانی پاك در آیند ـ برای نوجوانان خطا کار که مرتکب اضاعت زر یا شکایا و غیره هنگام ضعف کبری شده باشند اصلاح خانها دارند آنها چیزی بس کمالی شرف عمر باشد ـ برای درستی اخلاق چنین نوعی بنیان مساعی شدیده بعمل می آرند ـ و عمر اصلاح ایشان هرچه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1762 of 1786

خدمت بزرگان دولت میرسد ـ ووقتیکه پی بند که خطا کار از کار خود نادمشده تیاک میرث گردید ـ اورا بجای خود مناسب لایق تعین کنند ـ وزرین اصل الثالث من التب کن لاذب کار فرموده اورا مانند مردم معصوم در معاشرت قبول میکنند ـ این معامله مرحمت وشفقت بالسیان خصوصاً در ممالک متحدهٔ امریکائی ازحسیات زیبا است ـ نخستین انسان در فردوس بگناه پیدا شده ـ الله صدور جرم از انسان خارجیه جدیداست ـ شرط عقل است که تبدیل احوال واسیاء نموده ومراسم اصلاح بعمل آورده که گمشده راه راه راست در آرد ـ وگرنه مایه جوهر انسانی را بعقاب ضایع نکنند ـ

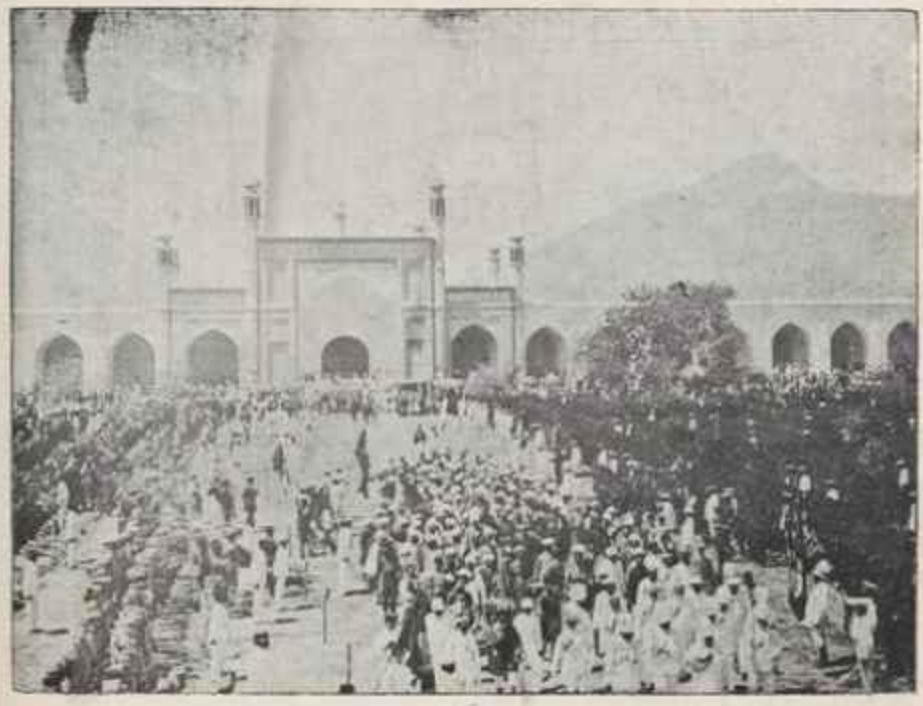

کیا

تشریف بران اعلیحضرت پادشاه دولت آکاه دولت مستقله افغانستان به مصلا

توبه کردن عصیان از گناههای خویش ورجوع ایشان بخداپرستی تعالی وعفو شدن خطاهای شان هنگام دامن حقیقی یکی از ارکن اعظم اسلام است که مبنی است برحرف محض ازدی ـ واز خدا است که ذکر کردن رحمانیت ورحیمیت خدا درابتدای هرکار تشویق است بگناه کاران توبه والتجات الی الله ـ و اصل مقصود ازدین الهی پاک کردن مردم است ازگندگی عیبات وتزئین ایشان باوصاف صالحات ـ تاهمه ای بدرجه پاک ملائکه رسانیده گردند وهمه کرهٔ الارض بلد دارالامن رحیمیه شود ـ حضرت مسیح علیه السلام درانجیل رحمت خداوشفقت اورجاء توبه کنندگان از گناههای خویش وباز آیندگان بدرگاه الهی ازگمراهی

دیگر چه سبب بود تعالی زار تا بهار آیات عفتش مذکر می باشند ـ دومین ازحکمه فرائض ملت پکی این است که بدریعه اخلاق وتهذیب رو حانی افراد بحقدر وسیع بکوشد ـ اگر قصوری در اخلاق افراد راه یابد البته حصهٔ آن قصور بملت هم عاید میشود پس لازم آمد که در باب مجرمین ملت تلافی ماقات نموده باصلاح ایشان بکوشد ـ همین درهر انسان حس وجدان موجود است ـ تاماینکه انسان قابی القلب کابی نشود ـ امیدصلاح اوباقی است ـ پس چرا کوشش را دریغ داشته باشند. این امرمو کداسلامی، انصاری امتثال نموده مال بسعادت دنیوی شده اند ومسلمانان کویا این مرحمت وشفقت باهمی رافراموش کرده اند !!

بیان هرموده دار فصاحت وبلاغت داده است علامه اقبال است ما

وقتیکه یک گوسفند از گله صد گوسفند دربیابان گم میشود ـ چوپان هرگله نوبوه ازگمشده دربی تاریک گشته دربیابان میگردد وبکمال مشقت وجستجو آنرا بازیافته بپشت خود میسپارد وخانه بازگشته دوستان همسایکان خود شادمانی میکند ومیگوید که من گمشده خویش بازیافتم ـ بیائید وبامن شادمانی کنید یقین بدانید که بچون گمشکی دربیابان روز کار ازگردهٔ خود پنهان شده بسوی پروردگار خویش باز گردد ـ درمیان گروهیان آسمانی توبه آن یک گنهکار زیاده قدمه میباشد که برخوای نودونه متقیان که احتیاج بتوبه ندارند ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1763 of 1786

هنگامیکه پرده‌ی ازدواج های فرزند یک مسکوت قرار خویش را برشب که میکند لاجرم را روشن کرده درهمه زوایا وخبایای به تلاش میکند ـ ودر آخر آرافاز در یافته باجناب اظهار شادمانی میاید ومیگوید بیائید وبامن شادمانی کنید که من پول گم شدهٔ خویش را باز یافتم ـ بیشک چون گفتار خدای پاک توبه کنند ـ ایزد تعالی ازبار آمدن او ازراز پیره زن شادمان ترشود به یک صاحب ثروت ودولت بهره‌مند باشد ـ کوچکترین ایشان پسر کمتر که بحصهٔ مرا ازمال ومنالش میرسد ـ پدر حق اورا داد ـ او همه مال خویش را درآنمان زمان درعیش ونشاط ونعمه وسرور ـ وشراب وکباب وزنان رقاصه وبدبان قمار باخته باخت ـ وحتاج بان شیبه شده ازجانب خدای پریشان گشته بخانهٔ کشاشی پناه گیرند ـ ودنیای گله خوکهارا بیشه گرفت ـ وازپس ماده‌خوران خوکها شکم پرکرد ـ زمانی برین منوالی وزاری ودلت وخواری گذشت ـ روزی این خاطر بدل اودر آمد ـ که پدرمن مالک مال ودولت دنیا است واز خوان نعمت اوتعالی برمیخورد ـ وهنوز بزوت او ازفراوانی زوال نپرسد ـ پس من چرا خود را درین ورطه بیموالی هلاک کنم ! باید که پیش پدرخودم روم وبگویم ـ کهای پدر من ظلمهای تو کرده وعصیان خدای عزوجل نمودم ـ من سزاوار فرزندی تو نیستم ـ مرابجای یکی از نوکران خود قبول کن ـ پس او ایستاده شد وبسوی پدر خویش روان گشت هنوز او دور نه دیدپدراو اورادید ورحمت وشفقت اوبجوش آمد ـ دویده اورا بچنگ گرفت وروی بگردنش نهاد وبوسید ـ وباوجوه اظهار تابلیت ازپسر پدر اوراانعام فرستاد ـ جامه اودربرش کرد ـ وخاتمی بانگشت او نهاد ـ وبکفش کوسالهٔ بقدوم فرزند ذبح کرده ضیافتی رنگف درست نمود چون پسر بزرگ که درکشت زار بود آواز موسیقی ورقص بگوشش ازخانه رسید ـ او جوابداد که برادرتو باز آمده است وپدر توبشادی قدوم توضیافت بسوسالهٔ فربه را کشته ضیافت درست کرده است. اوخشم او آمدوخانه در نرفت ـ پدرش چون آمده دلجوئی کرد ـ پسر بزرگ جواب گفت که من درین سالهای دراز خدمت تو کردم وهیچگاه فرمان تو سرموانحراف نورزیدم ـ وتوهرگاهیچگاهیک بزهٔ کوچک هم بمادوستان خودمیچشن آراسته شادمانی کنم ـ ولیکن بمجردیکه این پسر تو که مال ودولت ترا درصحبت زنان فاحشه ضائع کرده باز آمد برای او کوسالهٔ فربهرا ذبح کردی ـ پدر جواب داد ـ پسر اتوهمیشه بامن هستی وهرچه که من دارم همه ملک است ـ لیکن اکنون سزا است که جشن آراسته کنیم وشادمانی نمائیم ـ زیرا که این برادر تومرده بود کنون بازنده شد ـ وگم شده بود ـ وبازیافته شد ـ

جناب مسیح علیه‌السلام درین تمثیلات سه‌حالت تمدن را بیان فرموده است یعنی درابتدای تشکیل هیئت انسانی که هنوز مردم خانه بدوش باشند ـ خصلت ودولت ایشان منحصر بحیواناتی از گوسفند وگاو وشتر میباشد ـ ووقتیکه مردم بقریه وشهر اقامت گزیدن عادت کردند ـ وزر وسیم ذریعهٔ تبدیل اشیا گردید ـ لاجرم تعلق قلب بسیم وزر میباشد تا مردم طبقهٔ اعلی که بسیم وزر مالک باشند ـ عیب ایشان بالاوجود عظمتی است ـ درین همه صورت مرحمت حق وعبت انسانی حسب قانون فطرتی مادی کاملا بیان کرده شد که گویا بعرضتمثال یک صنف رحمت انسانرا مظهری واقع شده است ـ ومقصود عیسی علیه السلام این است که مرحمت وشفقت ازدی خود درخطاب گم گشتگان میرود ـ

وهنگامیکه گمرهان رامیابد می‌درآید شادمانی ملائکه‌ازشادمانی انسانی زیادتر میباشد ـ اما جناب سید لولاک صلی‌الله علیه وسلم تمثیل بیان فرموده است که شادمانی باری‌تعالی درامیافتن گم گشته ازشادمانی انسانی فوق‌العاده هم زیادتر میباشدمفهوم تمثیل حضرت رسول کریم علیه‌السلام چنین است ـ : مسافری درمیابان بی‌آب وریگستان دور ودرازهمه اسباب خوردنی و نوشیدنی راشتر خود بارکرده‌قطع مسافت مینمود ـ وقت پیروز شب نزدیک آفتاب نیاورده درسایهٔ سنگ زیرک که ازحس اتفاق درقرب گذرا نمودار گشت برای استراحت فرود آمد وسنگ را باین ساخته زمینرا برای خویش دراز کشید ـ ازماندگی زود خوابش برد ـ اماسوار شتررا بدست خود استوار گرفته بود قدری ازآن درخواب نوشین گذشت ـ وقتیکه بیدار شد . دید که اشترش رفته است . درحالت پریشانی جستجوی او همی‌نمود ـ اماهیچ‌نشانی نیافت ـ بقیهٔ‌الامر خسته‌گردیده خاطر خای خواب خود بازآمد ودل برهلاک نهاده همانجا باز خواب رفت . پس‌ازمانی بازبیدار شد چون چشم کشاد . دید که اشترش بسوی اردوان می‌آید از ملاحظهٔ این‌امرقلب وضریب چنان شادوخرم شد که ازفرط سرور ازخود دور گشت ودران حالت بیوشی زبان جنبانا وصحت باری تعالی گفتار وکردن گرفتن ـ

الهی أنت عبدی وأنا ربك ـ (ای خدای من تو بندهٔ من‌هستی ومن پروردگار توهستم) ودرحالت غیوبت این گفتار را بارها برزبان میراند وگمان می‌کند که او از خواص بندگان رحمت خدای پاک افتخار میباید جناب سرورکائنات علیه‌الف‌تحیت میفرماید که هرگاه گناهکاری ازراه دور افتاده تائب شدهدرگاه ازلی تعالی‌قریبی می‌آید شادمانی . خدای پاک‌وباز آمدن آن بنده گم گشته زیاده‌ترازان است که آن مسافر بیابانی ازباز یافتن شتر گم‌گشتهٔ خود کرده بود وازفرط شادمانی بجای الهی ابت ربی‌وأنا عبدك ـ اوقضیه‌را برعکس کرده ـ الهی انت عبدی وأنا ربك گفته بود !

ازجادصفات رحمت‌دار کردن ـ وصیغهٔ مابعدی رحمن راعظم وصیغهٔ خاص‌یعنی رحیم‌را موخرداشتن وازهردو صفت رحمت‌را بالمبدات معظم کرده‌بار بارزبان‌زد هرمسلمان کردانیدن‌اشارت است‌باین امرجلیل که بعنت عقدی بالخصوص مظهر «الرحمن علت‌تشریع واقع شده است ـ وبخلق باخلاق‌الله شیوهٔ اسلامی است . رای‌تبع رحمانیت‌ازدوالجلال این فرمان وارد شده است.«والراهون برحیم الرحمن تبارك وتعالی» ـ «ارحموامن‌فی‌الارض یرحمکم‌من‌فی‌السماء» کسانیکه‌رحم میکنند . برایشان رحمن تبارك وتعالی رحم میکند ـ رحم بکنید برانکه برزمین اند . آنکه درآسمان است برشما رحم خواهد کرد) ـ این‌رحمت رحمانی‌عام است‌بهمه افراد نوع بشر خصوصیت بسلام ندارد ، حتی که شامل‌است بدی‌روح‌حیات هم ـ چنانکه فرموده است ـ «فی‌کل‌ذی‌کبد رطبة اجر» (نیکوئی‌باحیوان جانور که جگرتازه دارد موجب‌اجراست) وظهور صفت رحیمیت درمسلمانان چنان‌وقوع پیوسته ـ «انه‌اول‌الکفار رحماً» پیغمبرما هم شفیق ومهربان اخوان صفت اطوارشان «رحماء بینهم» چون شیرزنان در رزم زیب‌الحسن ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1764 of 1786

خدای پاک بعض از مرحمت وشفقت خود بی‌ازحمه را مبعوث فرمود — وحسب وعدهٔ پاک خود که در تورات وزبور وفرقان کریم بود امت مرحومهٔ محمدیه را وارث بهترین حصهٔ کرة الارض هم کرد لیکن ضعیف که مسلمانان در ایام عظمت وشوکت خود زود دانها پیروی بر حمایت ازبر مثال را فراموش نمودند — بلکه در نشاه جنگی مبتلا شده وبحب حکمت بالغه «سباب المؤمن فسوق وقتاله کفر» (دشنام دادن مومن را کناهی است بزرك وجنك کردن با او کفر است)، هیچ طائفه نشده تام اسلامی را که ازفیضان چندصد سالهٔ تمدن ونور توحید فردوس برین روی زمین بود تاتم که مساخته وعقول عالیه را که ثمرهٔ علیهٔ آبیاری باطمان شریعت مصطفوی بدیع می بست و باوجود بوده خلقانان را بادراکی عالیه وامده گذاشته چون رحمیت بر ازایشان زائل شده تیرهٔ حمیت اسلامیه ازهم گسیخت . اقوام نصرانیه که در قرون اخیر مرحمت وشفقت انسانی را درمیان قبائل خودشان دستور العمل معاشرت ساخته بودند . غالب اسلامیه را بیمار گرفتند — تادرزمان ما دولت اسلام غایت رسید — ونزدیك بود که بالمره حلقه‌اعدا چراغ کورستان اسلامی راهم خاموش کند — رحمت ازدی بجوش آمد — وفوجهارا که همه تام مرکش قوی داشت وجود ازراقوه خود بحصهٔ غیبیه آورد . وبالمره اسلامیان قرون اولی صفات عالیه از ایمان خالص وقلب صاف وهمت قوی وارادهٔ راسخ وفداکاری جان ومال درین وملت ومرحمت وشفقت وعطایان متصل ساخته ایشان را ازهمه تام برای دستگیری اسلام گزید — درحق ایشان این آیت کریمه صادق شد فسوف یاتی الله بقوم یحبهم ویحبونه الله علی المؤمنین واعزة علی الکافرین (عنقریب خدا قومی رابیارد که اورا بیارا دوست دارد وایشان اورا دوست دارند ایشان بمومنین بتواضع ومرحمت پیش می‌آیند ودشمنان دین ودولت تمدن وشرف نعمی میایند هرمسلمانی و از هر کجا که امروز غیظ‌طبیه زود — در قوم و دولت ترك که سینه را از شش صد سال با نظرف نفسانیهٔ مزاجات نفسا را مسح کرده مرده‌اند در حفظ شرف اسلام جان ومالرا فدا میکنند یك نمونهٔ اخوت اسلامی خلق خواهد دید — وفریبکه ایشان در مردم فتنه وفساد ونعی دهاد دست بکشند . ازروی مرحمت وشفقت هم جنایت پیشه بد کاران را که در مدت سی و سه سال یك مالیرا زیر وزبر کرده بودند عفو الله عما سلف — کلیه فرصتهای اصلاح اخلاق وتهذیب خوش دادند . برای احیای ملت ابواب علوم وفنون حقیقی بروی هر که و مه کشادند . نظام مالیرا ازهمن وحیات پاك نمودند . و درنمونهٔ قوت عسکری حسب کارترین اصول هیچ دقیقه ازدقائق فروگذاشتند . اخلاقیان ازاقوام دیگران ناطق راست ونیز قوم ودولت افغانستان که دولت مستقله اسلامیه است امیدکه مسلمانان است . از جوانمردی ابن ملت اسلام درایمه بسیار امیدها دارد . فیارحم وارحیم . کثرالله امثالهم ووفقهم بالنظر الدین وبارك فی اعمالهم . واجمع شمل المسلمین بهم واصلح بالهم — انت مجیب الداعین وانت ارحم الراحمین

کابل ششم رمضان المبارك ۱۳۳۴ هجری

عبد ربه عبد الله

(سیاحت)

« سیروا فی الارض سفرخاه بیدلی کردیم »

« جولان تورکی بخت جلادی وطن است »

رسیع کتاب محاسن اطلاعات مطبوعات جدیده ، وتماشایان صفحات آثار غریبهٔ قدیمه چشیده نیست ، که درزمرهٔ اسباب وعلل ترقی دول وملل مختلفه سیاحت پله‌وقوع بن میهن را علاوه است .

« سیاحت » ازافادهٔ نصرتیه ، افزاد معلومات نظری ، موجب حصول حسرت وتحصیل فرحت ، منشاء فکر وعبرت است وداخلیه وعبرت ، استفاده‌ازنیم خداوندی کار باخرفان است بیهوده گذاشتن مخلوقات آن مبدع حکیم ، پیشه جاهلان وشیطان ویکنوع کفران .

وارهٔ بصارت را وسعت دادن ، دنیایا افقهای جدید پیدا کردن آب‌های مختلف مزه‌چشیدن ، وهواهای مطبوعه‌تنفس کردن ، وکوهها ودریاها ، وادیهای غیر مؤلفه گذر کردن ، دین های مغایر یکدیگر دیدن ، تبدلات نوا کون ، ازقبیل قلت وکثرت ، وشکل وصورت مزه وخاصیت محصولات زمینی ، معاینه کردن وتغیرات کثیره‌درا حوالات اقوام عدیم موافق مشاهده نمودن ، خواهش فطری واحتیاج طبیعی انسان است .

آیا دقت فرموده‌اید ! که فرق ظاهری وتمیز اولین درجه‌ذوات باحیوان همین حرکت است وبس ، پس هرقدر دایرهٔ گشتن وسیاحت کردنرا توسیع وتمدید دهید زیادتر ازجماد ونبات خود را دورتر کرده خواهید بود .

بازهم اگر سیاحت خودرا فقط قطع کردن مسافه‌های نعیده حصر سازید ، درشها ویك مرتع بپرید ، درشها ویك‌دریل بادر ، درشها ویك ربع باسف عدد هیچ‌فرق نخواهد بود . لیکن ! بلکه هرگام آنها نسبت بقبل سریعتر وتو ازانها بیستری .

پس لازم است که درسیاحتها بایدهٔ بازحکمت وعبرت ، وسیع کوشید وتوار عبرت وعبرت راه روید ، بجای آنکه افکار کارانها درمعاینه وقبول مناظر طبیعیه صرف نمائید ، براحوالات مختلفهٔ اقوام غیر موافقه خوض وامعان کنید ، اوضاع واطوار آنهارا دیده باحساب ترقی - وتنزل شان تطبیق داده عبرت بگیرید .

این گونه سیاحتها لازم ومفیدترین سیاحتها است ، موجب ترقی باعث اصلاح ، سبب فلاح است .

بیچید ! که دین مبین اسلام اینگونه سیاحت را برپروان خود ایضاح وفرمان عظیم‌الشان درجهای متعدد سیروافی‌الارض را امر کرده است . نمود

« قل سیروا فی‌الارض فانظروا کیف کان عاقبة الظالمین »

عبرت ازاحوال اقوام تمام وظیفه دینی مسلمانان است ولی هزار افسوس که مسلمانان بطرف آن خیلی کم توجه کرده‌اند

حیف اوقات وتاریخ که این‌باب سیاحت‌های عجیب وغریب خیلی چیز است ، انسانرا درجهٔ ازاحوالات مادواوضاع واطوار مختلفه می‌آرد ، فایدهٔ سیاحت که عبرت است ازان کاملا بدست میتواند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1765 of 1786

مسلمانها آنها را علوم فرنگستان گفته خود را از تشنه بازنشان نگاه بداریم ، ودرمعالی و کنایات قرآن مجید دقت کرده آنرا کنار میگذاریم ، ... گمشده کلام ازدست رود مجدداً از توجهات مسلمانان سلف وابن سعید جلیل یعنی سیاحت کنی بحث راجع بیکایک این عنوانات از خاطرهای دین گرام دور کرده بتعارف آشنائی و پرسه شان کوشش ورزیم

دین مقدس اسلام مقصدیکانه که داردادعای توحید واعلای کلمة الله است ، دین مبین هدا برخلاف ادیان دیگر نیا برای یکقوم یایک قبیله طرف نزول فرموده بلکه برای اصلاح کل بنی نوع ازمان نزول تاروز قیام ارسال شده است ، پی برای اعلای کلمة الله وانتشار توحید درتمام دنیا سیاحت های گوناگون وکشتی ها درکار ، سفرهادرخشکی ، بصورت امن وحرب ، صلح وجنگ لازم ولابدست .

قرآن عظیم‌الشان درجاهای مختلف (چنانکه ذکرشد) بسیاحت‌ها سیرها درارض امرها نموده است و ازان عبرت گرفتن فرموده است ازان وا انما ! که تمامی ما فرنگیان بامان پی برده ارض‌هارا تحت سیر درآن سیاحت کرده و آثار عالیه ومدنیت های گذشته را نشان یافته دنیا ! اگر ازخانه کاسمجد خودرا برکب کرده توانستیم ، خودرا مثل صوفی وعارف می‌شناسیم وهمین ! گفتا کرده آنرا واقعی میدانیم

بیخوش بودی ! ! اگرما این نکات را خوروخوش کرده مدنیت های مجهول‌الحصول گذشته‌را تحقیق وتقدیر کرده وسبب عبرت وبادی آنرا که تکذیب دین و بی الهی‌است دانسته ، رعایت خلاق مؤثرتر ودوام نموده ، فایدهٔ مقصدهٔ آنرا که فرنگیان امروز کرفته توانسته‌اند ، ما بی گرفتیم ، و آنهم بست جز « عبرت » که نتیجه آن ، « راحت و فرحت » است .

حضرت نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند اطلبوا العلم ولو بالصین یعنی ما آنرا دقت بکردیم و بفکریم که اینهمه رفتن تا « صین » یعنی دورترین نقاط ازمکه مکرمه بامدینهٔ منوره ، چرا آیا ، رای چیست؟

اگر یک کمی درتاریخ وروبار حیات پرنکات حضرت سیدالکنین نظر امعان بپیچیم ، خواهیم یافت که کاینه وطن

وده حرکتی بکردند ، گونه گونه آزارها ، نوع نوع بلاها برای اشاعه‌اسلام یافته

هرکه زید وطن ندیدی کند آزارها
پای گل اندرچمن دارم زدست ازخارها

تاآنکه دران اوقات سورهٔ یوسف شروف نزول ارزانی فرموده از هجرت ودوری رو ازوطن ودر سرزمین غربت جا کرفتن ذکر نموده کنایة هجرت موجود بود واشارت زهی مرتع وهیجان هم شد بجریدیکه ازقید نفس رهیده بیابانهای سفررا قطع کردند ، روزبروز مواقع ومشکلات دفع وسنگ علاء دشمنان دفع کردید ورفته رفته اهل میاه شدند .

در وطن گرمی ندیدی هرکس با آسایش بود
کی زآغوش پدر یوسف زدامن آمدی

یکی ازفضایل بی‌شمار حضرت صدیق رضی‌الله تعالی عنه که درقرآن مذکورست ذکر مصاحبت سفرحضرت رسولنا کرم صلی الله علیه وسلم است ، ثانی اثنین اذ هما فی الغار .

خلاصه مسلمانانرا این تعلیمات قرآنی ، وتصریحات حضرت سوی اطراف دیکر ممالک ، وبوار هایدن تاثرازممالک زمهالک ظلم وکفرمتوجه ساخته‌بهت مسلمانانه خودازاقدامی کاچین یعنی ازشرق کاغرب دوده دوده علم توحید واسلامیا فرازرمه خلایدند .

ایشیا ، یوروپ افریقا همه را یعنی همه دنیارا سیر وسیاحت وزر عرا صلاح دانسته آوردند .

راه های مستظم ساختند ، شهر های متین انداکردند ، نهایا رهای اطمینا سیر وتفریح کردند یک بحرهای کبیررا دور وکنار نمودند .

ابن خلدون می کوید که اقوام بحری ی امیه اعلاترین اقوام دنیا بود ، ودران زمان کتاب های بسیاری در فن تجارت تالیف وتصنیف شد .

غیربحری مسلمانها بعدبل ولاکن بود فتح جزیرهٔ سیلی درزمان مأمون ومتصرف‌ازطرف مسلمانان اندان‌دلیل‌قوی‌قوهٔ‌بحریه مسلمان‌است

واسطهٔ (امبارل) کهدرزبان های یوروپین یعنی رئیس بحریه‌است ازلفظ (امیر البحر) کرفته شد است .

درعهدی عباس سفرهای بحری وپیمایش های بحری اجرا شده است ، قطعهٔ مشهور آن بدرماست .

مسلمانها در جهاز ران خود (قطب نما) را استعمال کرده اند ازبصره ، بعدد چین ، افریقا تجارت های زرکی جاری بود تجارتان شان که ازان دلیل زرکتره نباشد چنان تعجب کورانسط اروپ واسپین بزجاری بود ، مابطالی وفرانس وسایر بعدهای بیان‌است .

اجبا واکثر جغرافیه رانهم مسلمانان کرده اند در آخر عصر نهم عیسوی بکمال شوق وذوق جغرافیه می خواندند وکتاب ها دران می‌نوشتند که این همه دلایل جهان کردی ایشان است .

مسعودی ، البرونی ، یعقوبی ، وغیره جغرافیون کل ودهالبرونی بالخصوص عرنوی درهندوستان سیاحت کرده در ۱۰۳۸ ع وفات یافت .

ناصر خسرو که در ۱۰۶۴ تولد شده سیاحتها کرده وبیاد کرده است ، یاقوت حموی مورخ درآخر عصر سوم وآغاز عصر چارم هجرت جغرافیه وتاریخ ، بین وجنوب عرب تحریر کرد ، کتاب های بسیاری دراسلام درخصوص فوایدسفر تحریر شده است .

در مسلمانها سیاح های بسیاری آمده است که باوجود همه چون زیل حتی یک هم این همه قطعات‌را طی کرده‌اند مانند ابن‌بطوطه ابن جبیر ، ابن سعید المغربی وغیره که همه سیاحت نامه های خود را تحریر کرده اند .

ابن‌سعید المغربی الغرناطی که در ۶۸۵ هجری درتونس فوت شده دراثر شاه « نصف الارض » دو نسخ الکون دارد که نسخهٔ آن درکتب خانه سپین پترو کراد ویک نسخه آن در کتاب خانه ۳۵ کمبرد ویک نسخه از دوه آن نیز در اکسفورد موجود است ، این آثارها درباب جغرافیه بوده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1766 of 1786

از کسانیکه نام آنرا میدانم حضرت شیخ سعدی است علیه الرحمه که این دو بیت درباب سیاحت ازایشان است .

تا بدکان وخانه در کروی
هرگزای خام آدمی نشوی
رو اندر جهان تفرج کن
پیش ازانروز کز جهان روی

وزبان خسود شان هم سیاحت های بزرگی درهند وفارس وشام اجرا کرده ولی بجای آنکه سیاحت نامه خود را بنویسند ماحصل سیاحت وعبرت های سفر خودرا که بوستان وگلستان است نوشته‌اند گذاین دو کتاب اخلاقی درفارسی نظیر ونایاب است وامروز واسطهٔ همین دو کتاب شیخ مذکور مشهور ماو بر زبان هر کلان و کم است حتی کتاب های شان در زبانهای مختلف اوروپ ترجمه وتدریس وتحسین شده اند .

بلند نام کردد کسی که در وطن است
زعلتی نشده چو کعقیق در یمن است

کلهٔ مورخین اتفاق دارند که درزمانه که عزوفن آشیان خودرا درمسلمانان ودر واندلس برگرفته بود عدهٔ عیسائی ها ازملک‌های خود سیاحت کرده کرده باکجاها آمده تعلیم گرفته وبعد از اکمال تعلیم به جاها وطن های خود رفته اشاعت تعلیم می کردند . وبنیاد جنگ های صلیبی که قریب دوصد سال درمسلمانان وعیسائیان جاری بود ، وافواج های عیسائی به قشها غیر آمده جنگ کرده شکست خورده پس بملک های خود میرفتند ، عادات و اوضاع وشان عرب ها درایشان تاثیرات نمایان کرده بودند وهمین سیاحت ها ایشان را هشیار وبیدار ساخته اقتدار پیرارا ازسر نوه پس کرده باین ترقی های نمایان رسیدند که امروز همهٔ ممالک اسلامیرا تابع وقوت کردن میخواهند .

پس دران ! برای اثبات فواید سیاحت بجاهای نهایت دور و دراز سفر کرده عصر های بسیار طول زیاد آوری کردیم ولی اگر اینقدر دور نرفته در خود چشم می کشادیم هم همین مدعارا اثبات کرده میتوانستیم .

مملکت وطن عزیزما افغانستان بلندکوه اخلاقات جهان و دوره تبدلات احوال زمان است ، کاهی دولت معظم آسیا بوده و کاهی ممالک اغیار برجها

اما پس ازان که از اختلافات مابین وزراع خانه کی خلافی یافته برخلاف سابق روبترقی نهاده است ، واز روزی که دست تربیت اعلیحضرت حضرتشیان امیر حبیب الرحمن خان مرحوم یافته آناناً رویترقی گذارده است بالحال امروزه رسیده است .

پیش ازعصر (اعلیحضرت سراج الملة والدین مرحوم) تمام ترقی وتمدن چون خود تمام نظام وانتظام خیریه ازمعارف وصنایع آنجا موجود بود وچون کاربدست اعلیحضرت مرحوم مغفور میرسید ، سررشته چابکی کونا کون وانتظامات معقول درهریاب مهیا کرده دولت را آن

روز افزون ، وامروز بیشتر وزیاده از ان ظاهر وترقم آشکار است . اینهمه از کتابهای سیاحت است ! سیاحت ! ...

بکروزی اعلیحضرت خلد آرامکاه مغفور افرمودند مصالب زمانه

سالزموده‌ایم درین شهرخلق خویش
باید برون کنید ازین ورطه رخت خویش

کلمه ، بیك طرف رفت ، ودر اینسیاحت خود چرهائی بسیاری دیدند ، وشنیدند ، وازان عبرت کرفته ، روزی که بی وطن خود مراجعت کردند ، وطن‌را از مغرض دلت روانه باوج رفعت رسانیده زیاده مغتنم حیات نمودند .

پس ازینجاست تو کنسیات اعلیحضرت متبوع مقدس سراج الملة والدین) جنوه ازانی سریر سلطنت شده ، چون از فواید سیاحت دانسته ثروت ملك خودرا ومملك متعلق وحمایهٔ ملك خودرا بدان خوانده بهندوستان تشریف بردند ، ودرانجا سیاحت خودرا بقصدی که مبدء وبی بخشیده‌اند حکمت دیده بس تشریف اورده‌اند ، واساس ترقی را که اعلیحضرت مغفور مرحوم حضرت سیاالله والدین کذاشته بود به بلند کردن کوشش ورزیده‌بهای اعلیترین کارکیا پشمینه‌ای وغیره هنرهای دیکهان سیاحت پادشاه‌بیدارما وطن آمده وچون ازفوایدعبرت‌نمود بودند خبری را که غریب اوطن بودند طایفه تعرت وحرمت داشته وازانها درراه وطن عزیز مقدس خود ازراه‌فکر بیشتر فایده رسانده توانستند ، که آنرا جوده مسعود جناب مستطاب سرعسکر صاحب سراج الاخبار افغانیه ملت که چون دایرهٔ سیاحت شان وسیع ودوخط حرکت شان دراثر بوده در خدمات وطن عزیز مقدس خود ازراه فکر بیشتر فایده رسانده توانستند ، که هریده ملت مرهون احسان وتحسین وتقدیر کننده خدمات شان است .

از احوالات سیاحت اعلیحضرت امیر مرحوم نوشن تحصیل حاصل است زیرا کتاب تاج التواریخ فارسی را انکه هر کس دیده و خوانده می‌تواند ، و سیاحت های مدیر صاحب محترم انکه خریده ومطالعه میشود .

اما یك کتاب یادکاری ازسیاحتهای والاحضرات پادشاه زنجیره معدات کستردا درفارسی موجود نیست تاهالی وطن عزیزما طرز سیاحت و سایهٔ جهان کشی که بایدهٔ باز عبرت می یابند ، به بینند ، لهذا بعضی فقرات وجمله های سیاحتنامه‌را ازیك کتاب اردو که (سیاحت حبیب) نام دارد جمع و ترجمه کرده هدیه فکر اهل کرام خود می کنیم وایشانرا هم بزین کونه سیاحت های را استفاده تشویق وترغیب می‌نماییم

من بره بکمال آدم خاکی زسفر
میشود کاسهٔ کل ، ساخته از کردیدن

حالسیاحت هند زمان شوکت سایات اعلیحضرت همایون از طرف اکثر اخبارات هند واسمانامه نکار ها اشاعت یافته ولی کتابسیاحت حبیبا کردیدی‌های خود مولف وچشیدی بسیار محقق است که جمع کرده ، ما ازان فقط بسیار جمل همان فقرات و نکات راجع وزیده می‌کنیم که مطالب اصلی سیاحت (یعنی ازاد معلومات) ازان ظاهرشود .

دروقتی که از طرف دولت انکلیز برای سفر اعلیحضرت همایون پیشنهاد شده ، اعلیحضرت همایون در جواب (برای رفع شبه های انکلیزها که در وقت موجود بود ، وافغانستانرا دوست صمیمی خودان شمردند) فرمودند که :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1767 of 1786

گفته است در طرفتها گذشته است آئین ما است سینه چو آئینه داشتن

وتهیه سفر نمودند . درین حاضر به جواب امریکائیان فرمودند که مقصد از رفتن تحصیل معلومات است ودیدن اختراعات وایجادات جدیده واوردن انها دروطن خود وبس

چنانچه شاهدی که اعلیحضرت هایون درسفر حیرت‌آور خودرای تماشا رفته اند . ملاحظهٔ انواع برد . پیمایهٔ کارخانها یعنی مکاتب ومدارس وبعضی مزارات مشهور بوده است . ترقی صنایع آب وتاب صارف انتظام عساکر تعمیرات . قلعه عاهد اثر وصنایع جان دیدنی ها بود که بعد از تشریف شان وطن در کارخانه وهوز چپا وچپا خواهد بود که نتیجه انها عنقریب وقت است ووقت اجرای شان رسیده .

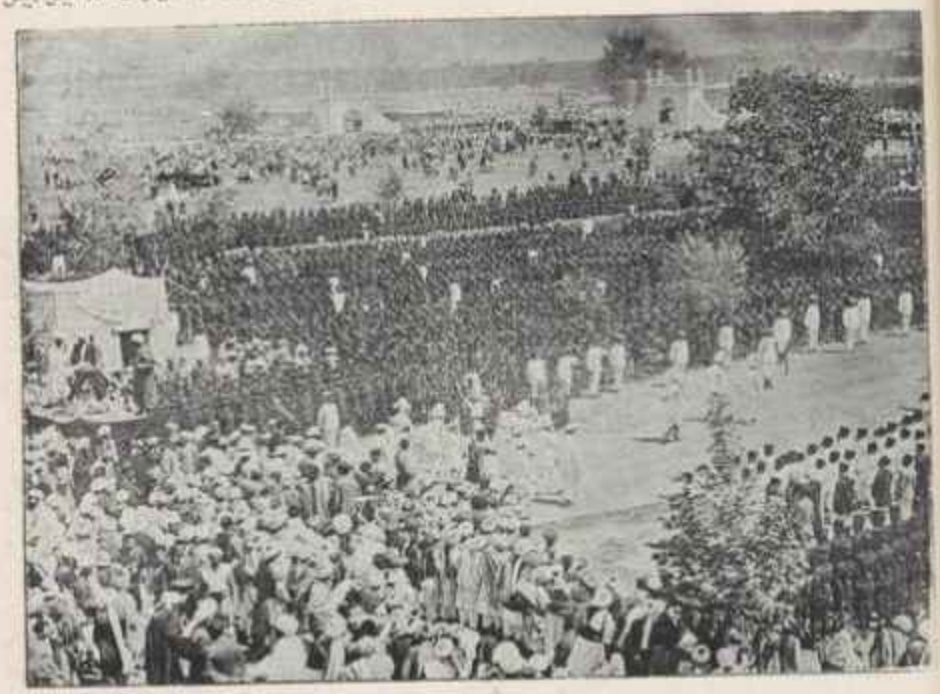

گنبد

عودت شاهانه از راز کا

کردن حیوانات وی من بگوش شدت نمیشنیدم . زیرا درین واقعه ندوها دلیا آزرده می‌شدند وفریادی هم بگوشند . و وغیره‌ها وغیره

میانی درین آزار وهی چه خواهی کن
که درطرفت ماغیر ازین گناهی نیست

پس آیا تنها گمان می‌کنید که شیعه‌ها را من ازهندو هاهم بتری‌یم ؟ درهایی من . شیعه . هندو . آتش پرست . یهود هرگونه زده هستند من نه آنهارا بیک نظر می‌بینم وصلاح وفلاح همدرا زیر قانون مساوات اجرا میکنم .

فیرازان اعلیحضرت درهر مکتب پرده ودرسهٔ ثانی رفته امداد های درمی کرده اند . ودرهر هزار وهرچند پتولیان حسب مراتبهاعطا کرده اند، درهرمکتب وهرخانقاه ومضمون این بیت دانگراو فرموده اند

ما چو پر کاریم یکپا وتشریف مستقیم
پای فیکر سرجنداند و دوملت می کنیم

وبعداً بنفس نفیس هایون امتحان دینیات کرفته اند ورأی خودرا ظاهر داشته اند . وسنك بنیاد کالج جامعه اسلامیه لاهور را بدست خود نصب نموده اند .

زیرا اعلیحضرت تماشای بندرگاهها وبحرها ، ریل هاوجهازها هم نموده‌اند . البته هرچیز را بامعان وتدقیق دیده اند ! ...

اعلیحضرت هایون پادشاهی هند . هندو . مسلمان شیعه . سنی یك وتیره مرحمتها وملاطفت های شاهانه کرده اند . دلهای همدرا خوبی بدست آورده اند . یك بیان اعلیحضرت را که بیکی از علمای شیعی فداحسین صاحب معلم دینیات مدرسهٔ العلوم علیکده کرده اند زیر عنوان سیاست پروری شان ترجمه می کنیم :—

اعلیحضرت هایون باسمع صاحب مذکور پس ازتعارف فرمود ، هرچندن مردم مراسی منصب می کنند مگر تنها خبر خواهید بود که مسلمانان دهلی بتاریخ من دروقت عیدالاضحی قربانی کاورا پیش ازپیش

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1768 of 1786

تمامای کار کنها و ریاست مقدمانه ماموریها کرده اند و بکارهای بقایه را تمام پشن گوئی بلک صریح منع فرموده اند ، چنانچه قصبه های پی‌شماری که مردم ساخته بودند همدرا طرد نمودند ، این سیاحت شان از ۲ ماه جنوری سنه ۱۹۰۷ آغاز شده بمقدار ۲۶ روز و ۷۰ مارچ ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۵ هجری اختتام یافته ، باخیالات نو ، معلومات نو ، اراده‌های نو وارد جلال آباد شدند . وان معلومات و خیالات ترقی‌های جلالی و ترقی های آینده مارا حیرت دارد .

ایقدر معلومات درباب فواید سیاحت ، قارئین کرام خودرا داده علنو تصدیع میخواهم .

(محرر ادارہ : عبدالهادی)

﴿ نقل استفتاء وافتای محکمهٔ شرعیه ﴾

چون جناب عزت وفطانت نشان کرامی خیرخواه و خدمتگار دولت سعادت بنیان اسلامی محمد یک خان طرزی مدیر و سر محرر سراج الاخبار بفضائل یک مکتوب بصورت استفتای ارسالی ، بمدعایت رسوله تصریح ترجمهٔ باس ربی هندوستان را درمحکمهٔ شرعیهٔ دار السلطنه فرستاده طلب فتوی شد لهذا مکتوب و استفتای اورا نقل نموده در تحتش طریق افتا جواب نوشته شد

نقل مکتوب

بعالیجناب قدوة السالکین زبدة العارفین جناب اخوی صاحب مدت

فیوضهم — السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته — احوال اینست که درین بلک آبان ثانیهٔ جمعه قریب میرا ندیم حاجی عبدالله و غیره علم فاضل شهیر ما جناب مولانا مولوی الحاج مفتی احمد رضا خان صاحب قبله این اذان ثانیهٔ جمعه تحریر فرموده است که این اذان ثانیهٔ جمعه چون خوف مسجد رو روی امام حاضر باشد اندرون مسجد اذان گفتن مکروه و خلاف ادب دربار آلهی است زیرا که روح درمسجد نباید شد هرآنچه حضور اکرم سرور عالم صلی الله علیه وسلم باخلفای راشدین حضور رضوان الله تعالی علیهم عمل فرموده است زیادتش لایجیست بلکه این هم تحریر فرموده است که شخصیکه این سنت را زنده خواهد کرد اورا ثواب یکصد شهید خواهد شد الفرض در آنکه وی این حدیث پیش کرده است و علیکم بسنتی وسنة الخلفاء الراشدین من بعدی قال کان یؤذن بین یدی رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم اذا جلس علی المنبر یوم الجمعة علی باب المسجد وابی بکر رضی الله عنه وعمر رضی الله عنه) علاوه ازان دیگر چند ثبوت بین پیش کرده الدلیل بلکه هم تحریر فرموده است که بغایت مستند وثبوت کافی معلوم شود الا در فتاوی دیگر مقامات علمای وهابیه اختراعات کرده الدلیل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1769 of 1786

در عوام الناس شورش پیدا شده است و بیشتر فتنه و اجرا بر خود محوط میدارند و هم برین قضیه‌ای دعایه میکویند که اذان ثانیهٔ جمعه قریب میز دوری امام باید شد چرا که از سنت در جمیع اعصار اسلام همچنین جاریست در روی حضور کاهی اذان برون مسجد نشده و بعد علیه علماء واین حدیث را ضعیف میکویند و استادش را باور نمیکنند — مناسب دانسته یک استفتا در قسطنطنیه بخدمت جناب شیخ الاسلام صاحب ارسال کرده شده بود والاسبب آغاز جنك وبند شدن باك جواب نیامد اکنون دوباره از حضور رجوع کرده شده است که حضور ضرور باید رود خود در دار الافتاء اعلیحضرت امیر صاحب داخل فرموده و مواجه جمیع علما و مفتیان کابل بر استفتا ثبت کتابچه بسبیل داك بسیار جلدتر هرقدر که عجلت دارد تکل باشد میتواند بنابرا قم حسب فتان و سراج منیر به ذیل ارسال فرمایند که اورا در مطبع طبع نموده شایع کنایه مقصود بالذات رفع نزاع و اختلاف میباشد استفتا مشروح عریضه‌هذا است والسلام — علاوه ازین هم یک نقل استفتا مده جواب در رجمهٔ سراج الاخبار شایع فرموده یک رجمه بسبیل دالله مرا ارسال فرمائید قیمت اوراحسب تحریر جناب ارسال خواهم کرد — بنده (هیچمدان سید محمد نایب رسول کمری از بلدهٔ اذان برای علیهٔ کرز سوی خان زده جامع مسجد مالك هندوستان) تحریر شده در ۲۵ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۴ (نقل فتوات استانبول)

چه میفرمایند علمای دین متین ومفتیان شرع مبین درین مسئله (۱) اذان ثانیهٔ جمعه که روزوی منبر میشود در وقت رسول الله صلی الله علیه وسلم اندرون مسجد میشد یابیرون مسجد — (۲) در زمانهٔ خلفای راشدین کجا میشد (۳) در کتب معتمده فقه حنفیه اذان کفتن اندرون مسجد منع کفته ومکروه فرموده یاك (٤) اکر در زمان رسول الله صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم وخلفای راشدین رضی الله عنهم اذان برون مسجد میشد وائمهٔ متاخرین اذان اندرون مسجد را مکروه فرموده‌اند بخاطر مانشان عجدیرا درین عمل باوجود پابند رواج ورسم باید کرد ورسم ورواجی که مخالف حدیث وفقه افتد در آنحالت مسلمانان را پیروی فقه وحدیث لازم است یاپابندی رسم ورواج (٥) بدلیل واضح جواب آن است که مطابق حکم رسول خدا صلی الله علیه وسلم وخلفای راشدین واحکام فقهاء باشد یا آنکه خلاف آن همه کفر در خلوق مروج شده باشد (٦) در مکهٔ معظمه ومدینهٔ منوره این اذان مطابق حدیث وفقه میشود یا خلاف اکر خلاف میشود ارشاد علمای کرام آنجا در بارهٔ عامهٔ خلق الله فصال مؤذنان کجاوه داران آنجاهاند باشند اکرچه خلاف شریعت وحدیث وفقه باشند (۷) در احادیث نه کره زنده کردن سنت هست بلکه در آن اجر بکفت شود وعده فرموده است یاه واکر هست سنت زنده کردن مراد باشد یا نه سنت مرده است مرده آنوقت کفته خواهند که خلاف آن در خلق رواج افتاده یا آنکه خود آنها نه سنت مرده قرار خواهند داد (۸) رعلما لازم است یا که به سنت مرده زنده کنند و در آن این اعتراض جائز میتوانند که پیش ازینها علمای دین نبوده‌اند کران اعتراض باشد صورت زنده کردن چه باشد (۹) در وسط مسجد یک حوض واقع باشد در فصل او ایستاده شخصی منبر اذان داده شود در یصورت اذان برون مسجد ادا خواهد شد یا نه (۱۰) در مساجدیکه روزوی منبر وار واقع باشد اکر مؤذن برون مسجد اذان کوید روزوی خطیب ناشد در انصورت چه باید کرد بینوا توجروا

الفتا

رمضانیان ابن القمه عفی وعوفیه مباد — کفتار در داخل مسجد روایتی مکروه است (کافی کتاب النظم) و روایتی مکروه نیست (کافی الحلوانی) مکفتاق جامع الرموزی باب الاذان — توفیق در میان روایتین اینکه روایت کراهیت در جائیست که اذان خانه برون مسجد باشد — و روایت عدم کراهیت در جائیست که اذان خانه داخل مسجد باشد — واین اختلاف در اینجاست که برای اعلام تاخیر باشد بدخول وقت (چون اذان پنجکانه واذان اول جمعه در زوال) واما اینکه برای اعلام تاخیر نباشد بلکه در داخل مسجد بیت اذن مکروه نیست اذان دوم جمعه زیرا که آن برای اعلام تاخیر بدخول وقت نیست — چنانچه صاحب درمختار در باب اذان تصریح برین نموده — و نیز در فتح الباری شرح صحیح بخاری از مهلب نقل کرده که حکمت در تقرر کردن اذان روز جمعه در پیش منبر برای اعلام مردم است بخطبهٔ امام و منبر برای خطبهٔ امر مردم سکوت و ورزیدن از سخن — پس ازین تصریح بر ثابت است که وضع آن برای اعلام تاخیر نیست — فائده این اذان اعلام حاضرین است برای استماع خطبه — نه اقامت اعلام حاضرین است برای شروع نماز —

اکر اعتراض شود که وضع اذان برای اعلام تاخیر است پس چکونه اذان جمعه برای اعلام حاضرین باشد جواب آنکه این تخصیص برای آن حکمتی است نه اذان جمعه را که اینکار در جمعه سنت است و همه اصحاب کرام برای اقامت این سنت در روز جمعه دیکر نبوده و اکر احیاناً اینکار از یک در اوقات فوت شده منع مکروه پس به اعلام تاخیر در اوقات حاجت نبوده — و مؤید این قول صاحب مرقاة است که چون اهل مدینه بسیار شدند وصحت ندا بکار در آن ظاهر کردید لهذا بفرمود حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم زوراء منبر مدینه کنار برای اعلام همه اهل مدینه نبود لهذا جناب عثمان غنی رضی الله عنه اذان دیکر برون مسجد بزور آء اجتهاداً مقرر نمود تا که همه اهل مدینه بشنوند — وایضاً در کرفتح الباری شرح صحیح البخاری وین دعوی از عثمان احدث لاعلام الناس بدخول وقت الصلوة قیاساً علی غیرها من الصلوة واقی خصوصیتها بالاذان بین یدی الخطیب الذی وقع فی عهد ابن احمد العینی فی شرحه علی الصحیح البخاری علما کانت علامة عمر رضی الله عنه حتی کر المسلمون امر مؤذنین ان یؤذنا بین یدیه اذا جلس علی المنبر یوم الجمعة حتی یسمع الناس الاذان واعتراض بدون این وجه که کان یفعل الاذان بین یدی رسول الله صلی الله علیه وسلم وبین یدی ابی بکر رضی الله عنه ثم قال عمر رضی الله عنه ان الناس الاول لم یکن استدخال لکثرة المسلمین الذی وقع فی عهدی کان الاذان الاول زمان عمر رضی الله عنه کان بین یدی الخطیب کما هو کذلك فی زمانه لکن لا لاعلام الحاضرین بل لاعلام الحاضرین بجلوس الامام الی الناس لیستمعوا — و آنچه امام سیوطی رحمة الله در توضیح در باب کردن اذان داخطبه مرقوم موید است که حکمت در اذان بین یدی الخطیب این است که حاضرین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1770 of 1786

گردند مردم ازمحل واز بانگ وخروش لغوه سمع خطبه ـ درحالا نیکه واضح است که اذان درروی خطیب بانداقامت درنزدیکی مسجد امام اثنی برای اعلام حاضرین است مرا ذکر اهیت ـ

واگچه درمعنی ازاحادیث اذان قدیم درابواب مسجد آورده اندمتمسك بروایتی گردیده اند که ابوداود درسنن خود آورده ودر سند روات اوان اسحق مندرج است اسحاق بن اسحق زوجدان مطعون وحدیث مروی او ضعیف است که قابل تمسك نمیباشد وعلامه محمود ان احمد العینی درح ابوداود نقل نموده که حفاظ حدیث ازقول عدهٔ ازعلمای این اسحق دران منفرد یافته برهر موردیکه خلاف آنچه دیگران نقل منفرد است وانشه لاکی برقی تحریرت زیرا که درصحیح اوسعی گفته شده بانواع سخنهائی که اصلاصلاحیت رجحان نسبت کتاب گردیده وبسیاری ازمحدثین اورامدلس میگویند واین هر درتهذیب وتقریب تهذیب گفته که محمدان اسحق صدوق است اسحاق مدلس وعنعن بتتبع وقدراست واطلق ازقی روایة محمد بن اسحق عندر بعنی اذا جاء الی النبی صلی الله علیه وسلم قال النبی بین یدیه عند مناداة المؤذن فی باب المسجد فالاضافة مخصوصة بغیاب المسجد کان فی زمن النبی صلی الله علیه وسلم والشیخین ثم جعل عثمان رضی الله عنه هذا النداء بالمقام مخصوصة علی مکان مال هوا زوراء علی ماصرح به فی الزوائد فهذا هوا التحقیق الحقیق بالقبول ویدارفع التعارض من الروایات الفحول ـ

واگر فرضاً تسلیم گردد شود که اذان درزمان حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بیرون مسجد مقرر ود پس هیچ شك وشبه نیست درینکه جناب عثمان رضی الله عنه علیهٔ ثالث اذان ثانی جمعه اندرون مسجد قریب منبر جاری نمود وچون جلیفه رحق مطاع بود بسبب قول رسول الله صلی الله علیه وسلم (علیکم بسنتی وسنت الخلفاء الراشدین من بعدی) بصنایع نواحدی انکاره نموده اجماع سکوتی برانعقاد شده واجماع اصحاب قطعی است کاین فی موضعه پس ازین جهة ارباب هرچهار مذهب ائمهٔ اتباع شان غیرازوتر قائمتفق اندبرینکه درروز جمعه دو اذان میگویند یکی بیرون مسجد برای اعلام عامتین ویکی درون مسجد قریب منبرای اعلام حاضرین واستحضار آنها برای سماع خطبه ساعات اقامت کهبرای شروع نماز است پس هرگاه اجماع هرچهار مذهب را که مرتب است باجماع اصحاب کرام رضی الله عنهم بسنداداهو وان عمل که تابدیم یاواحدی گوش نکرده و کرده ـ

لزام (این شخص که میگوید اذان ثانیه نماز جمعه بیرون مسجد جناب او روبروی امام باید شد واندرون مسجد اذان کردن مکروه وخلاف ادب درباز الهی است) آیا خود را مقلد یکی ازمذاهب اربعه میداند یانه اگر نخاهد پس ازروی احادیث میگوید باز رای خود را گرازاحادیث میگوید این خلاف واقع است چنانچه درفوق مفصلاً مرقوم شد کهاذان درزمان حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم درون مسجد قریب منبر بود واگر ازرای خود میگوید نخاهد او مسلمارا روانیست واگر خود را داخل یکی از مذاهب اربعه میداند احوال مذاهب اربعه مختصراً در فوق مرقوم گردیده ومفصلاً درضمن مسایل مرقومهٔ ذیل میآید ازیدالله تعالی تاخاتمه خلاصه آنکه ماحفظان را نمیرسد کهدرة ازاقوال مجتهدین فی الشرع والمذهب مخالفت نمائیم واجماع مجتهدین هرچهار مذهب بر همین است که آذان ثانیهٔ نماز جمعه درصف اول قریب منبر گفته میشود و توارث و معمولهٔ جمیع اهالی مذاهب اربعه درمکهٔ معظمه ومدینهٔ منوره وشامی بلاد اسلامیه ازشرق تاغرب همین طریق جاریست پس رجحیع اهالی مذاهب اربعه لازم است که از تقلید ایشان مخالفت نخاید ؟ اگر بفرض یك حدیث صحیح غیرمعلوم درینباب ظاهر گردد واعتراض نماید کهحضرت امام اعظم صاحب صوفی اوحنیفه کوفی رحمة الله علیه فرموده که (اذاصح الحدیث و خالفه قولی فهو مذهبی) ودرار قولناو (اگرکو اقول قول رسول الله صلی الله علیه وسلم وخلافه) پس میباید مقلدان مذهب امام هما همدوح حدیث مفروضهٔ منقوله اهل نابمذوق مذهب گشته جوابش اینکه ان کلامه فی العموم مراد نیست بلکه درحق مجتهدین فی المذهب است زیرا که اجماع امت براین است که رغیر مجتهد تقلید مجتهد وقول قولاو واجب است ونیست حلال مرورا حکم وفتوا بمقتضای خود ازآیات و حدیث وقیاس واخذ نیست حکم اورا غیر تقلید بلکه گناه کار دمنهود و حکم کردن بغیر از تقلید (وقوله اگرکو اقول) خطاب رمجتهدین فی المذهب است که شاگردان امامهدوح اندوخطاب نیست برای هرکس چنانکه چندفیود درین کلام مقدراست (فیداول) اینکه ثابت باشد ازمقلد که حدیث صحیح است ورد وسیع وغیره ازطرف امام سخن گفته نشده باشد وان قید ازقول امام ممدوح میراید (که اذا صح الحدیث) لانه اذا کان سمعاً او مکلما فیه من جانبه و یکن صحیحاً ـ (قیددوم) اینکه ثابت باشد حدیث صحیح عینانکه در مقابل آن حدیث قول امام قوی نباشد وبایقید ازین قولوی مخالفه قوی پیدا وهویدا استزیرا که وقتی که ثابت شد حدیث صحیح ودرمقابله آن اجماع یا کتاب یاحدیث صحیح تر ودرد معلومات شده باشد مثل مسئله وجوب بسمله جزء ازقرآن عجزء ازفاتحه و مسئله اخفای بسمله درنماز وغیره آن که در کتب مبسوط مذکور است آنرانقول خاص امام گفته نمیشود (وقد سبق) اینکه صاحب خطاب مجتهد فی المذهب است واین قید ازقول وی ـ فاصح الحدیث فهو قولی فهو مذهبی ـ میراید زیرا که معرفت مخالفت قول امام از حدیث ازشان هرمقلد نیست بلکه از شان مجتهدفی المذهب است پس بنابر این مخالفت قول امام هرگز ازمجتهدفی المذهب نمیشود سهگاه میباید مقلد مجبور ماذون نیست فقط محرره ۲٤ جمادی الثانی سنه ۱۳۳٤

قال مواهر حضرت قاضی القضاة اعلی الحکام ثم بارالسلطنة کابل

ادبیات

لمعهٔ منظومه تخدمت جناب فیض مآب مدیر و سرمحرر صاحب سراج الاخبار مبارکباد عرض نمود

ای مکتبه سفینهٔ در هاو گوهر اسرار
مبادین گلدسته گلشن اخبار
عناصاری و طراوت زلست کامل را
که لمعهٔ سخت میوده بصنعت چنار
فنت بباغ هر هجو سرو آزادست
لیت به نکته سرائیست بلبل گلزار
گفت زغنچه عریان چوهر بودرجوش
دلت زعشق بگردش چو گنبددوار
پس از دعا گم اظهار مدعای ضمیر
که هزار کاست و نیست جای مدار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1771 of 1786

نوشته ام سخن چند را بخدمت تو
زعشق شمهٔ در وصف شاه عدلدثار
کنی زحیلهٔ دنیا وشورش ایام
شکایتی د گر از جور دور این بر کار
بخدمت تو فرستاده ام امید کنان
که مثل در کنی اورا برشتهٔ اخبار
بیا که اندکی از گرمی زمان کوبم
که خلق زرچه سودا وسود ازین بازار
زمین زشورش جنگ وجدل خراب شده
به کشت وقصر بلندش کرفته چندقرار
خلاف زسر تاسی جامه کرده سبز و کبود
بصانجیکه بپوید هزار کلرستار
چنان موافقت مختلف او فتاده بهم
که جمله ملت و کشور بودبهم غمخوار
چه سرو پا چه بلجیت چه فرانسه چه روس
فرنگ اطاله باسردم بلند شعار
بتوپ زیر وتفنك وجنج رنکارنك
ز بهر حیفهٔ دنیا کشند زار و نزار
کرفته روی زمین اتش فساد چنان
که فرق باقده سوخت اهل این بازار
ازین طرف شده سلطان از انطرف جرمن
کشیده تیغ مکافات بسر کذار
زاری باند کسی روی جهان
زبن و بره دوسه سالدا کرشود بیکار
نمانده هیچ کسی چم اندرین دنیا
که لوله بسته عزاداد میوه زین اشجار
خوشا کسیکه زنعمای جدید فردوسی
کهبوشت هزاران کتاب از اسرار
بچه کفم لو بشنیدم ز کفتهٔ خود
که صد کتاب چنان است در چند اخبار
چنان ورطهٔ حیرت فرو شدی ایدل
که - عجیب نمودی زفکرت سیار
سروش غیب به کوش چکر صدا زد داد
کنیست رسته ازین امر هیچکس بکنار
مکر که کشور سلطان مراد ملت دین
زفضل حضرت ازله بود بامن قرار
خصومتی نبود در میان دو دشمن
عرض حلت و دیار حلته کرده وقار
زبس بعدل وسخاوت چو فریدون
که نام حاتم و نوشروان نشد اظهار
بود حکیم برای علاج هر مرضی
بعد دوای موافق بدرد هر بیمار
مدینت از پی اجوج کفرد رمدین
به بست تردن دشمن برشتهٔ افکار
جهان بظل همایون او همایونست
ملایوسانی هردولت ست در اعصار

زمن اوست راحت چو کاهٔ قبلام
جهان چرانکند آن بقدمش ایثار
کسیکه شکر وجود شریف او نکند
مدام باد وجودش نشانهٔ سوفار
دکر دعایه رفیقان اهل دین این ست
که باد دایم ایمان هریکی بکنار
مقیم دشت فنائیم چون حباب بموج
رحیلست ازین منزل غریب تزار
چه اختیار چو رعنای زلف جانان
همیشه باد کامیم در خریف وبهار
عنا وقوت بی آدمست خون جکر
عبث به زده هوا هوس زنند قمار
همه فنوده و جنبان بلوا بر کوش است
تواقند زمکر سماء کرفتار
فسون دمد که کلاهت بدر بهد لیکن
بحیله حیله رباید زفرق وسر دستار
فرو بخلق بردم زالکین و عمل که در مدافق وکاوبر بخت زهرمار
چو وضع خلق جنکروز برشته (صابر) توحویشتن بخدا وندکرد کار سپار
امضا میرا کبر صابر از افغانستان

انقلاب

(از خوشحال خان)

پشتانه که آدم زاد دی چخوبو توکنی عاد دی
به حکمت ازی به عقل خوش هر کوره شاد دی
نه دیلار چول کار کا نه به نعمت و استاد دی
چه بدوی کنی وی شاوی ده هغه در جلاد دی
چو دنیه کمی است دی حکه تل به بلا باد دی
اول زده ما ورد پسه خوشته واره داهدادی
به خلائق واره ورتاکل که شجاع دی که جوادی
نه قدر شته نه پدل وزر موروثر جراد دی
دالا شکر کره خوشحاله چه بنده ندی آزاد دی

خوادث خارجیه

اقسامه های جنك ملل از جراید اوروپ
اطق صدر اعظم آلمان

کپنهاك ۷ آوریل - از برلن خبر میرسد : وفق مندرجات آخر الی روز امروز جلسه رایشتاك مفتوح شد . هنکام مراجعه آوی بودجه صدر اعظم امپراطوری در حضور و کلاوزراء نطق ذیل را ادا نمود :
حرفی جوانات اخیره آنچه را که من سابقا قبل در خصوص وضعیت و موقعیت اطالی امپراتوری آلمان در پیشکاه مجلس رایشتاك بیان داشتم عیناً بطور وضوح تائید و تصدیق نموده بعرض جلوه می کنارد - جنك حاضر در تمام عرصات عمدهٔ کلوزارد نیا کا کان مساعد بحال طالبان غیور و شجاعانه است .
دشمنان ما خیال دارند که برای موفقیت و پیشرفت مقاصد سوء خویش مناسبات و روابط آنان را با دول دیکر قطع کرده آنرا بوسیله قحط و اضمحلال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1772 of 1786

سازند . درک این مطلب برای هیچ کس دشوار است که اشخاص باهوش و فراست بطور بسیار تعارف زیاد ۱۹۱۵ بازاید ضحط و فلاکتی آنان دارند و با منتظر هستند که آنان در گرسنگی تلف شود . محصول ۱۹۱۵ ما بسیار بد بود ولی توجب را ورتهائیکه متوالیاً میرسد محصول امسالهٔ ما نیز هرچند وجیه امیدبخش است . انگلیس روز بروز خاصره بحری سواحل آنان را تقویت می نماید مگر نیست که از اینگونه عبارات واقعیات اوپه خسارات گزیرناپذیر دولتی طرف عموماً و اکرونی خصوصاً وارد آمده است . حکومت اکرون رطیه خاصره بحری و خسارات وارده جداً اعتراض نموده است .

اشخاص باطل واهد . کدول بیطرف ابدائی توانند ازما تعارف نمایند کماسطعه خودرا برای حفظ حقوق خویش استعمال نکنیم . ما بلاغ خودرا علیه کدانیکه حقوق بین الملل را ضایع نموده بایدرفت قابلات سوء خود می خواهند ما را از گرسنگی معدوم سازند بکار برده وبی رحم سلیوسله منع حقوق ملل بیطرف راضی و عازم داشته ایم و در مقابل انتظار داریم که دیگران هم حقوق مقتضاء ازما بیت نموده ازما حق بدانند .

از بیانات دشمنان چنین مستفاد می شود که هرچیک از آنها میل انعقاد صلح ندارند .

اعلان میکرد که مذاکرات صلح آمیز شروع خواهد شد مگر بعد از یکه قدرت و توانائی لطمه بی (میلیتاریزم) پروسی بکلی منهدم و منهزم گردد .

در رابطه پیشنهاد دشمنان مابنه جواب دارم و آن جواب راهم شمشیر آبدار خواهد داد .

ما فقط برای حفظ دفاع و حقوق حقه خود دست بقبضهٔ شمشیر زدیم و اگر صلح چندی قبل ازین می توانست وجود خارجی پیدا کند حالا دیگر آن امتیاز و امکان بکلی از میان رفت زیرا که راه عزت و طلب نشستن سیاهیان ما در جنگجوی ما منقطع و مسدود شد .

حوادث و واقعات جنگ واضحه میباشد اینها را مطرح کرده است امپراطور ما بسیار بکار و خایف عدهٔ آنان و اطرافش و هنگری است و طولی نمی کشد که آنان وظیفهٔ خودرا ایفا می نمایند .

بدولت روس اجازه خواهیم داد که در مدت دفاع آنان قشونهای خودرا بحدود شرقی و جنوبی روس سوق دهد .

ایالات متحده امریکا باید یکدفعه دیگر با دولت فرانسه متحد و متوازی شود که از آنها بتواند ممالک آنان حفظ نماید . ما باید آنچه بلژیک را تامین و تأمین کرده بود کرده باشد مجبور شد شاهدهٔ انگلیس و فرانسه نشود و دولتین مذکور این را برای کدام باشد آنها را مجبور بانتخاب طلبی و اقتصادی خود نکند .

حکومت آنان اجازه خواهد داد که فرانسه یک دفعه دیگر قبایل ملاسد سلمدیه را تحت حوزهٔ تمدن خود قرار دهد .

سپس ما حکومت روس را مجبور خواهیم کرد که تمام آنانیها ثبرا که در نهضت اروپا هستند و هزاران جور و تعدی در حق آنان نموده و اموال و دارائی آنها را بچاول و غارت برده و آنها را بدون جهة تبعید کرده متقاعد سازد و تمام خسارات وارده را جبران نماید .

ما راه نجات و رستگاری هموطن خود را که در قید عبودیت و اسارت روسها اسیر هستند خواهیم کرد صلحی که بعد از جنگ کنونی منعقد خواهد شد باید متین و پایدار و بزوال ناپذیر باشد .

برتانیای کبیرا کمال جدیت کوشش دارد که بعد از جنگ و بعد از انعقاد صلح عمومی بازدر زمینه اقتصادی تشمکش خود را با ما مداومت دهد . ولی تمام وجود و مساعی او کافی السابق بیجه و ثمرهٔ حاصل نخواهد کرد .

ما اکنون هیچیک از ممالک را تهدید یا متصرف و ناپدید نمودیم . برای تصرف قطعه زمین دیگران فرزندان و نوجوانان ما چون رستان خود آغشته نمی نمود .

قلوبیا و اعصابیا و عروقیا و حتی تا وطن مالی ما مارا و نظامیان ما در ورشید ما را تقویت نموده روبه پیش می گذشتند .

باین ساقه درخشان با چون تبه آینه تمام امید بخش و درخشان خواهد بود

نطق وزیر جنگ آلمان
بلی ملت شکست ناپذیر

از آمستردام مورخه ۱۰ آوریل

رطبق تلگرافات واصله از برلن در پارلمان آلمان از طرف وزارت جنگ آلمان دائر برکذیه یک وجه معنی به سرداران نامدار شدهٔ جنگ جهانگیر پیشنهاد شده بود در تالار وایدون هوهن ورن وزیر جنگ چنین گفت :

در این موقع لازم میدانم راجع بموضوعات نظامی توضیحاتی در زمینهٔ اظهارات شاهنشور امپراطوری و رأی و رتهای رسمی مرا کز نظامی داده اطلاعات کاملی بمردم ملت بدهم تا بتوانند عملیات قاکهاهنون آنها در کام فرونشانی جنگ درک کنند . رأی و رتهای مرا کز نظامی عقیده و موافق رسم نظام انشاء میشود لیکن برخلاف رأی و رتهای دشمن ما هیچ وقت درست نمیباشد . تمام ما هیچ اخلاقی و بالله احتیاجی ندارد .

از یک نظر سطحی برنقشه فتوحات معلوم میشود ، دشمنان ما ایران مستهزم شده اند اما اشتباه میکنند ، اراده و عزم ملت ، قوای روحیه افراد آنان و موجود بودن جمع تمام کات لازمه نظامی فتوحات ما را تامین میکنند ما را بسیه شجاعت سپاهیان ما بآخرین مقصود خواهد رسانید .

راجع بمذاکرات روسیه و جنگ و دون وزیر جنگ آلمان چنین گفت ، دشمنان ما میگویند که عملیات آنان در حقیقت قاعدهٔ ساده ایست که یک ملت خسته فرسوده عمل میاورد .

اما چنین نیست عملیات ما در حقیقت اعمالی است که یک ملت قاهر شکست ناپذیری وارد میآورد یک ملتی که جمیع لوازم و تدارکات را موجود دارد و با آنها قدرتی دشمنان خویش مشت خواهد زد تا کهارا خسته و فرسوده نماید .

برای حصول این مقصود من تمام قوای خویش متمول کارخانه صدها مزرع سنگر در طرفین از قشنگ ترین نقاط پتروگراد است نقطه بلیغ در خصوص فتح جنگ کنونی را خاتمه خواهد داد ، نمیدانم که جنگ را خاتمه میدهد اولا اعصاب سختی است که در میدان جنگ دشمن وارد آید و ثانیا استقامت ملت است که اعصاب مردم را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1773 of 1786

وارد آورد . وتا آخر پافشاری نماید . که پافشاری قاصر از آنست کشور وشوق سپاهیان ما را تغییر نماید . ما میخواهیم با نیروی سپاهیان خویش جنگ را بطبع قطعی خویش خاتمه دهیم . قشون درصورتی میتواند کار کند که ملت پایداری نماید . بالفعل هیچ دولتی مثل انگلستان دارد خریدا وسعت داده وبآن وجه جنگ نکرده است . امروز ما که ما در دست داریم یکوقوی ویسیعند که انگلستان از عهده برخواهد آمد که ما را از کنار خط وخلا نماید .

مشار الیه واتحاد ملت آلمان دراین جنگ ازحیث مسائل داخلی تاریخ است . قشون آلمان عزت وافتخار ملت خویش را سپاس گذار است وانتظار روح ملت قشون آلمان هرچیز خود را فدای تحصیل پیشرفتی خواهد کرد که بالفعل وعدا کارهای مناسب باشد وآنچه ما را تامین داد . تازمانیکه یک چنین حاضر متحد کرده پایدار وتحمل کرد . از جهات خصوصیات این جنگ آنست که تمرات آن رای ما خوب است امیدوارم که ما بطور کامل بما خواهد بود وباید درمسئله اطمینان داشته باشیم .

حکایت های تجاریه

انگلیس در عراق عرب چسان داخل شد ؟

در پائیز ۱۹۱۴ دول انگلیس قشون بعراق عرب اعزام داشته ودرصدد آمد که بطرف بغداد رود وبآن قشون خشکی را تامین و عراست معادن نفتی بورد که انگلستان در اراضی ایران داشت بشکه رای تامین انظریات و منافع حیاتی مهم تری بریطانیای کبیر انقاد بدان نمود .

آنان انگلستانرا تهدید میکرد که ازدوی بزرگی از قشون ترک را بطرف هندوستان سوق داده و مسلمانان سا کن آن دیار و نواحی را روی بشورانند .

انگلیس رای آنکه راه مزبور را مسدود ساخته و طرق این مقاصد را رای آلمان و عثمانی سد سازد باقطاع روسیه داخل عملیاتی شدند که انگلیس درعراق عرب وروسیه در قفقاز متفقا کار کنند .

چنانچه ورود و حضور قشون انگلستان در بغداد صورت فعلیت میگرفت مقاصد آلمانرا در آسیای مرکزی وشرق بکلی معدوم وخلاصی میساخت وشروع بعملیات ونتیجات آنان در داخله آسیا مدتها قبل ازشروع حرب بین المللی شروع گشته بود .

عدم موفقیت انگلیس وازدحام گماشتگان بحکومت هندوستان که مامور اشکالات این قشون کشی بود خود آن است که قوای عظیمه ومقدار قشون مکفی رای یک چنین امر مهمی تدارک نشده وخلاصه مشکلاتی که ممکن بود رای این امر مهم دربیش آید پیشبینی نکرده .

اولین مرحله این قشون کشی مساعدتند ولصرف بصره خیلی رای آنها بمطبوع واقع شد زیرا کشتیهای البرز را مانند یکی ازمتصرفات خودشان می پنداشتند .

پس از استقرار مواقع خویش در بصره قشون انگلیس بسوی شط العرب بالا رفته و « قورنه » را کلید محل التقاء دجله وفرات واقع است اشغال کرد . سپس قشون مزبور بدوستون منقسم شد . مرکز عمومی اردوگاه در خود قورنه قرار گرفت و هیئت ازستونها بطرف یکی از دورود دجله وفرات بالا رفت .

در اوایل امر او ضاع پیشرفت رای قسمت قشون که در تحت ریاست ژنرال توشاند درکنار دجله بسمت بغداد بامرفت مساعد گردید وژنرال مزبور بامنوطیت تا « کوت العماره » رفت ودراینجا یک فقره جنگ بالوای عثمانی نبود . پس ازاین فتح ژنرال توشاند پیاده انتظام وتوپخانه خودرا سوار کشتی وکرجی های بخاری نموده ومعجلا بانتظار قشون بسوی بغداد حرکت نمود .

در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۱۵ قوای ژنرال توشاند وارد تسیفون گشت . درآن موقع قوای عثمانی درتحت فرماندهی ژنرال نور الدین پاشا درمقابل وی ایکی منظر بودند تاقابل آن شاید که بتواند ازپیشرفت قوای انگلیس جلو گیری کرده وبغداد را حفظ نماید وبنابراین حین انتظار وصول این خبر حرکت کهنقریب قشون انگلیس داخل بازقت قدیم خلفای عباسی گردند .

درتاریخ ۲۵ نوامبر دورود بمدار ورود توشاند بانسیفون امتداد نیرومند و عساکر مقتدری بکمک نور الدین پاشا رسیده وبلا فاصله حملات شدیده و تعرضات قاهرانه عثمانیها رعلیه قوای انگلیس شروع شده و در نتیجه آن جنگ ناگهانه ژنرال توشاند را بالوای اوانجیدی « کوت العماره » درعقب راندند .

عرضه بژنرال توشاند تنگ شد وتوانست درست ملتفت شود که چه مقدار قشون عثمانی درمقابل دارد واشتباها تصور کرد که میتواند در « کوت العماره » توقف نموده و انتظار امدادیه جدیدی که مهیا رای او میگردانند داشته باشد وقتیکه کوت العماره درنقطه مهم استراتژی درحل واقع است کهدچه پیچ میخورد وبرای مدافعه خیلی سهل ومناسب است خیال کرد که تارسیدن مدد ممکن است بدون اطمینه وخطر دراینجا اقامت کرده .

ازطرف هم ژنرال نور الدین یک قشون معتنابهی مهیا داشت وی توانست ازاطراف قوای ژنرال توشاندرا محاصره نماید وبنابراین عمل محاصره را خوب انجام داده و مقداری در اطراف آنجا به محاصره گذاشته و مقدار دیگر را جلو برد که قوای امدادیه جدید انگلیس نتواند بژنرال توشاند ملحق شوند .

درهمین حین عساکر عثمانی شروع بحمله باستحکامات کوت العماره نمودند ویکدفعه ازهر طرف « الفاء » درساحل دجله ودرمشارق بالاقاپهای سوا کیه اقدام کرده وکار بحضورت انگلیس عسا کملا انجام یافت .

موقعیت عساکر ژنرال توشاند اضطراب آمیز میشد . مخصوصا تهدید استحکامات آن بیشتر گردید . مقدار عساکر وی ۱۰ هزار وتقریبا ۶۰ هزار نفر قشون عثمانی اورا احاطه کرده ومسافت کوت العماره وژنرال توشاند تقریبا ۴۰۰ کیلومتر بود .

اردوگاه مرکزی انگلیس که درقورنه قرار داشت برای استخلاص ژنرال توشاند از محاصره دوستون قشون یکی درتحت فرماندهی ژنرال ایلمر ودیگری درتحت ریاست ژنرال ایلدیطرف کوت العماره ازطرفین ساحل چپ وراست دجله اقدام داشت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1774 of 1786

ارتوی جنرال ایلمر که در جناب ساحل شرقی بیش میرفت در تاریخ ۶ زانویه نزدیک نطنهٔ و شیخ سعد و رسید و در آنجا ناچار گردید اندکی توقف نماید زیرا که قشون دشمن که تعداد آن بقول بعضی از اسرا بیش از ۱۵ هزار نفر بود در مقابل او سنگر گرفته و مشغول حفر خندق و استحکامات بودند و قشون ژنرال ایلمر که از حیث عده و عدت بمراتب ضعیف تر بود نمیتوانست بدون توپخانه و قوای کمکی بدشمن حمله نماید.

ژنرال ایلمر بعد از ورود بنطنه و شیخ سعد تلگرافی بمقام وزارت جنگ انگلیس راپورت داد که قشون او در مقابل قشون بسیار قوی دشمن قرار گرفته و برای حمله بدشمن محتاج بقوای کمکی است و تقاضا کرد که قشون کمکی بفرماندهی ژنرال کوریک بسرعت ممکن بطرف او اعزام شود.

ژنرال کوریک در تاریخ ۲۵ فوریه با قشون خود از بصره حرکت کرد و در تاریخ ۶ مارس بقشون ژنرال ایلمر ملحق گردید و فرماندهی کل قشون بدست ژنرال کوریک افتاد.

ژنرال کوریک بعد از ورود بقشون ژنرال ایلمر تصمیم گرفت که قشون خود را بدو قسمت تقسیم نماید و یک قسمت را از راه خشکی و قسمت دیگر را از راه رودخانه دجله بطرف کوت العماره حرکت دهد.

قشونی که از راه خشکی حرکت کرد در تاریخ ۷ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳۱ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۴ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۵ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۶ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۷ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۸ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۹ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۰ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۱ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۲ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۳ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۴ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۵ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۶ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۷ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۸ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۹ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۰ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۱ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۲ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۳ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۴ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۵ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۶ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۷ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۸ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۹ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳۰ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۴ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۵ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۶ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۷ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۸ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۹ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۰ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۱ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۲ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۳ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۴ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۵ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۶ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۷ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۸ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۹ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۰ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۱ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۲ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۳ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۴ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۵ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۶ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۷ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۸ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۹ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳۰ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۱ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ ژوئیه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳۱ ژوئیه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۴ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۵ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۶ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۷ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۸ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۹ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۰ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۱ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۲ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۳ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۴ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۵ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۶ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۷ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۸ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۹ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۰ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۱ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۲ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۳ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۴ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۵ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۶ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۷ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۸ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۹ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳۰ اوت بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۱ اوت بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ سپتامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ سپتامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ اکتبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ اکتبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ نوامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ نوامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ دسامبر بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ دسامبر بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ ژانویه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ ژانویه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ فوریه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ فوریه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۵ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۶ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۷ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۸ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۹ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۰ مارس بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳۱ مارس بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۴ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۵ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۶ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۷ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۸ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۹ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۰ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۱ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۲ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۳ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۴ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۵ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۶ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۷ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۸ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۹ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۰ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۱ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۲ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۳ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۴ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۵ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۶ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۷ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۸ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۹ آوریل بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳۰ آوریل بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۴ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۵ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۶ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۷ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۸ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۹ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۰ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۱ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۲ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۳ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۴ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۵ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۶ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۷ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۸ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۹ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۰ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۱ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۲ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۳ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۴ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۵ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۶ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۷ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۸ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۹ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳۰ مه بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۳۱ مه بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۳ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۴ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۵ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۶ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۷ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۸ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۹ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۰ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۱ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۲ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۳ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۴ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۵ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۶ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۷ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۱۸ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۱۹ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۰ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۱ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۲ ژوئن بقریهٔ نطنه رسید و در تاریخ ۲۳ ژوئن بقریهٔ شیخ سعد رسید و در تاریخ ۲۴ ژوئن بقریهٔ نط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1775 of 1786

عقیده می‌شود که آلمانها بتازگی زیردریاهای خیلی عظیم‌الجثه ساخته و مخصوصاً به نحو مدیرانه فرستاده‌اند که دوکار از آنها صورت می‌گیرد یکی آنکه از زیر آب جنگ کرده و جهازات را بازیل غرق و بمباردمانی جنگی می‌نماید دیگر آنکه توپهای زیاد و متعددی در آنها تعبیه شده است که علاوه جنگ زیرآبی روی آب هم آمده و با کشتی های سطح دریا عملیات بحری زیاد و بزرگی این قسم تحت‌البحرها مثل جهازات متوسط جنگی است

متعاقب این خبر اطلاع دیگری رسیده و تأیید شده است که مقارن تحت‌البحری های جسیم و درعرض وطول کار خائنین بحری آلمان تحت‌البحرهای خیلی کوچکی را به‌کارگ اختراع و تدارک کرده‌اند که حجم وقطر آن خیلی کم کوچک و مخصوص برای عملیات در دریاهای کوچک خلیج‌های تنگ است واین قسم تحت‌البحرها کمتر می‌توانند از مرزهای بحری خویش دورتر روند

این دو قسم تحت‌البحری تازه‌گی عرض وجود نموده و بعضی ها تصور می‌کردند تازه آن قسم هم است لیکن مطالب هم نیست . دو قسم ساخته شده وعبارت از آنهاست برای انجام مأموریتی که از عهده اوساخته می‌شود معین شده اند

در خصوص این تحت‌البحرهای کوچک جدید آلمان اطلاعات قرار دی رسیده است لیکن هیچیک از آنها شاید اطلاعات عمیقه وقابل معبوطه را حاوی نبوده و اگرچه اخبار منتشره می‌رسد ولی در میان آنها چیزهائی که صحیح‌تر بنظر می‌آید باینجا اختصار کرد .

اینک اطلاعاتی را که کاپیتان کراوت فرمانده کل اسکادر تحت‌البحرهای آلمانی در کنفرانس ایالت کانزاس است دراین مورد ذکر می‌نمائیم . اسرار مزبور شرحی از تحت‌البحری‌های جدیدالاختراع آلمان که در حین حرکت روی آب ۷۵۰ تن بود وقت حرکت زیر آن ۹۰۰ تن طرف بار تحری دارند انتشار داشته وچنین گفته است .

مرکز عمده وتکیه گاه زیردریاهای آلمان جزیره هلگولند میباشد و تحت‌البحرهای مزبوره در ماه های عدیده اول جنگ تاحدود فاصله ۱۳۵۰ میل (قریب ۳۹۰ فرسنگ) دور از آن نقطه آمدورفت ودائره عملیات داشته اندازقرار یکه ملوانیم تصور نمایم تحت‌البحرهای مذکور بسرعت ۲۰ تود سرعت سیر دارند لیکن بطور عموم درحین عملیات بسرعت ۱۷ تا ۱۸ تود حرکت نموده وغالباً در روی آب هشتصدی ۱۲ تود راه می‌روند وهیچگونه اطلاعات دقیقه بدست نمایانده که دو زیر آب چه سرعت طی طریق راهی کنند

این تحت‌البحرها ۱۳۵۰ میل دور میروند ورفتن وآمدن آنها بمرکز خودشان بومقابل آن ۲۷۰۰ میل (۷۸۰ فرسنگ) میباشد واین مسافرت را درده روز می‌توانند صورت دهند یعنی روزی ۳۰۰ میل راه می‌پیمایند لیکن مدت مأموریت وعملیات آنها بیست روز است که رفته وبس ازانجام کار لامحاله عودت نمایند مگر آنکه قبل ازبیست روز تیرهای وقود خانه خود شان راصرف کرده باشند لهذا در آنصورت زودتر بمرکز خودشان رجعت می‌نمایند .

عده عاملین و ملاحان تحت‌البحرها ۳۸ نفر یعنی ۶ ضابط و ۳۲ ملاح است همینکه تحت‌البحرها رجعت کرد ۳۸ نفر مزبور ۱۲ روز مرخصی دارند که رفع خستگی کرده وراحت شوند وبنا برین ترتیب چنان است که از هرسه کشتی تحت‌البحری پیوسته یک فروند درتکیه گاه بحری است ویکی درکار حرکت و دیگری مشغول عملیات متوسط در اقیانوس

از حساب کردن ایام عملیات هر یک تحت‌البحری ۹ روز برای مسافرت به میدان زدوخورد دریا و ۲۰ روز برای مشغول جنگ و غرق جهازات جمعاً ۲۹ روز مرخصی و استراحت اعضا چنین مفهوم می‌گردد که طیاس ساختن وبکار انداختن تحت‌البحرهای کوچکی وزیردریائی نسبتاً بسیط‌تری کوچک تر قدری کم وضعیف است وبنا براین خوب فهمیده میشود که اداره بحریه آلمان باتمام وکاملاً کی که از جنگهای تحت‌البحری بدست آورده وباتمام وافرات زیادی که برای آینده لطیب میباید شروع بساختن وتدارک سیستم های جدید از تحت‌البحرهای تازه نوی نموده است که باز نیات معینه کاملاً تمام مهمه را انشاء الله بامضای و کوشش های کوچک تر تحصیل نماید یعنی تحت‌البحرهای کوچک سیستم تازه بسازد وقوای زیردریائی آن بکاره از طرف توجه چنین نکته نیز خیلی لازم است که تحت‌البحرهای خیلی درشت وخیلی کوچک از حیث تر پیل وغرق سفاین حتم بالطبع اسلحه دارند وقوه آنها درجنگ زیرآبی متساوی است وهر دو قسم میتوانند همان آثار منتظره وهمان ماموریت هارا انجام دهند

درست درهمین موقعی که جنگ های تحت‌البحری آلمان شدت وقوت یافته ودوازده عملیات خود را توسعه داده اند تحت‌البحرهای جدیدالاختراع وی پرون آمده وشروع بکار کرده اند : آلمان ازاین قسم تحت‌البحرها خیلی ساخته وآماده کرده است . زیرا طور یکه امریکا گفته است برای فعالیت ومداومت درعملیات باید سه تحت‌البحری باشد که یکی از آنها مشغول عمل بوده باشد وبنا برین عده باینطرز باید گردد که از هرسه فروند یکی بماموریت اشتغال یابد و در اینصورت تحت‌البحری های جدید اغلب ازسیستم کوچک ساخته شده اند . چرا که بیشتراین تحت‌البحرها را آلمان میخواهد درقعر شمال و دریای بالتی برضد جهازات انگلیس وفرانسه کار کنند واین خط زیردریائی مرا کز عمده وتکیه گاههای بحری آلمان است ومیتوانند پیوسته مراکز خودرا تذوقه وقورخانه تبدیل دهند واحتیاجات خواهندداشت که تحت‌البحرهای خیلی عظیم‌الجثه برای حمراه بردادن مقدار زیاد مهمات وسوخت دراینجا بکار برند مگر در دریاهای دورمثل مدیترانه واقعه که سیستم های کوچک می‌روند .

آیا ظرفیت وحجم این تحت‌البحرهای سیستم جدید چقدر میباشد ؟ آلمانها مایل ندارند که اسرار خودرا بکلی گفته وهیچکس راطرف اطمینان خود قرار دهند . لیکن رسماً اطلاع حاصل شده است که یک تحت‌البحری آلمانی توسط جهازات انگلیس وفرانسه درمیانش غرق شده وتحت‌البحری مزبور خیلی کوچک واعضاء آن خیلی کم بودند

برحسب حدس وتخمین هائی که زده شده است حجم وظرفیت این تحت‌البحرهای تازه درسطح آب از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن میباشد ودورهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1776 of 1786

عملیات آنها زود شروع وختم می‌کرده . توجه باین نکته خیلی ضرور است که برای استعمال این تحت البحری ها حتما مرکز ونکته کافی لازم است که در سواحل نزدیک و کله و ساخته شده است که از قواصل ومسافات کوتاهی بتوانند درخرشماک ودریای مالش آمده‌مبادرت بامورات وعملیات نمایند . این‌مسئله را باید‌خاطر آورد که مکرر خبر رسیده است تحت‌البحری های که آلمان در کار خانهای جدید « هوبکس » و « اورس » ساخته است در کانال های زیردریا حرکت کرده واز آنجا داخل دریا شده است .

تحسنات وتفاوتی که بوسیله این‌تحت‌البحری های جدید کوچك برای عملیات محیط های نزدیك حاصل می‌شود از این قرار است اولا ساختن آنها کم است و باسانی می توان عده زیاد حاضر ساخت . ثانیا زمان ساختن آنها کم است ودر قلیل مدت از کار خانه بیرون آمده وشروع بکار می‌کنند . ثالثا یك‌عده معدودی ازصاحب‌منصبان وملاحان کاردان را می‌توان بچندین‌تحت‌البحری گماشت ومثل تحت‌البحری‌های بزرگ عمله جات زیاد لازم ندارد

احتیاج بگفتن وتوضیح نیست که چنانچه فواید وتحسنات این سیستم جدید باوضعیات معین مدلل گشته است . تحت‌البحری‌های خیلی بزرگ هم درحیطه‌های بزرگ وبخصوص خود مستقلا کار میکنند . اداره امیرالبحری آلمان هر یك از اسلحه و آلات جنك تحت‌البحری را برای یك کار مبنی تخصیص داده واز هرکدام آنها هر خاصیتی که می خواهند بهمان کارا‌ستعمال می کنند . کلن ۱۹ اوریل

حکایتهای تجارب

درحدیقه

کشتی روسی چطور غرق شد

مراسله ایست کهازجزیرهٔ مالطه مسیو و کاتوسکی نماینده سن‌راجع بچگونگی تریبل خوردن وغرق شدن کشتی روسی دربحر حدیقه به رئیس جمهور فرانسه نوشته است .

آقای رئیس جمهور بدون شبه اطلاع دارید که دست قضا وقدر چه مقدرات مبتوعی برای کشتی روسی پیش آورد .

برای آنکه لااقل اندوه ومصیبت فرانسه را قدری تخفیف دهد بشما مینویسم که حالت اشخاصی که در آن موقع در حین غرق شدن بین آسمان وآب قرارداشتند چمنظره تکلف انگیزی داشته وچگونه خویشتن را برای فدا شدن در راه وطن میپیماسخته .

دراین کشتی یك‌طالیون سرباز وعده از نفرات دژبان سوییاده بودند ودر مقابل آن خطرعینی غرق واعدادیك سکوت حیرت آمیزی ازخود بظهور رسانیدند .

درموقعی که تریبل خصم به پیکر کشتی خورده ومفتا اورا دچار لرزه وتشنج کرد من باقرمانده کشتی ومعاون وی وچندین ازصاحب منصبان مالی روی عرشه کشتی بودیم . فوری بنای ندارك را نهاده سعی کردیم بلکه زمام آرانگاه داریم وسپس کمربند خلاص تقسیم کرده کرجی های نجات‌هرچه مقدور بود باب انداختیم .

اصلافریاد وناله برخواسته نشد . مطلقا زاری‌وگریه شنیده‌نمیشد وبچیچوجه اضطراب وتزلزل‌مشاهده نگشت . سکوت وسکوت مناعت کارانه بین این اشخاص که برای پیشرفت مقصود حاضر فدا کاری بودند حکمفرما می‌بود .

اگر خلاصی ونجات را کسین این کشتی تنها بدست وزما امکان پذیر میشد مسلما خیلی را خلاصی ممکن بود ولی متاسفانه کشتی بایك سرعت وشدت غم انگیزی در آب فرومی رفت .

بلا فاصله ودر کال شدت آب دریا داخل دیك های بخار وکوره های آتش میشد . وقتیکه دیك هاشروع بانفجار وتر کیدن را نمایند من خویش را به دریا افکنده وبسرعت شنا‌میکردم کهازمنطقه انفجار واطمینان شکه پاره های کشتی دورتر روم .

دقیقه چند پیش طول نکشید که عرش انفجار واحتراق بایك صدای‌مهیب وبایك وضع هراس آمیزی برخواست من‌سر خویش را بعقب برگردانده - خاتمه‌حیات کشتی رادرای العین مشاهده نمودم فرمانده کشتی کاپیتن « وینکو » دربالای برج عرشه هماطور باقی مانده بود وبایك صدای رسائی که همهمه اشخاص را ساکت کرد فریاد برآورد « فرزندان عزیزم خدا حافظ » اشخاص که در کشتی باقی مانده وروی عرشه وپل پهنت اجتماع جمع شده بودند بنوبه خویش بایك لحن هیجان انگیزی جوابدادند « زنده‌باد فرانسه » .

در اطراف کشتی معروفی اشخاصی کهاگر خلاص شنا میکردند پدر کرجیها وتخته پارچه‌ها سوار بودند خوب مشاهده کردند که جیهاز روسی فرو رفت .

دقیقه‌اول بعنا کشتی یك‌تکان بزرگی بخود داده وسطح عرشه‌مساوی باسطح آب گردید وهمان وقتی که باقیمانده کان کشتی وشنا وران دریا بیك صدا فریاد « زنده باد فرانسه » کشیدند وفاصله آن پنج دقیقه طول کشید .

منظره مهیب وواهیبی بود . پس از آنکه من قریب نیم ساعت شناوری کرده یك کرجی خلاص رسیدم که جمعی در آن بودند ومن هم بنوبه خویش بدان آویزان گشتم ومرا بالا کشیدند .

شب شنبه است بایك‌باد قدروی مد کال سردی میوزد و کوشت های بدن‌مارا بدندان وزش مودی خویش می‌گزد ونالهٔ اسفا هائکی لحن هستند وحتی یك جامه خیس شده از آب هم در بر نداریم .

آن شب زمهریر وعذاب بیچوجه تصور نمیشد ومثل یك سال بنظر می آمد ومثل آن بود که صبح حتی نخواهد شد ولی بالمحال آن محنت شکنجهٔ ازلف هاچیزی کم نمی آمد .

رفقای بدخت وهمراهان مصیبت کشیده من برای رهائی خویش که در کشتی مانده وبآن حالتیاس درکام نهنك اجل‌فرو رفته بیوسته دوچار اندوه وجده واندازی وغم خواری غرق شد کان منصرف نمی شدند وکلمات آنان فقط فحش وناسزائی بود که بمحت البحری خصم می دادند که نه قبل وبه بعد ازجهنمدارانه وتریبل زدن بکشتی جرات نکرده که بالای آب امده وبرق خویش را نشان‌دهد که گا وچگاره است .

تمام مدت شب وقسمی از روز تا کمر درآب بودیم ودهانهای ما ازشدت سرما بیوسته بهم‌میخورد وفقط علاقه بزندگانی وعشق بانکه زنده باشیم و بتوانیم انتقام خویش را بکشیم مارا از مردن ودر آب افتادن حفظ می کرد . بالاخره بعد ازمدای ۱۸ ساعت دراین حالت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1777 of 1786

حرانی یك کشتی ماهی گیری رسید ومارا از این مهلکه نجات داد .

عده از کشتی یکه در کرجها ولنگه پاره ها بودند در همان شب از کثرت سرما ورنج جان تسلیم کرده وجمعی قریب بموت بودند وعده کثیر ازشدت هول وعذاب متاثرشان مختل ودیوانه شده بودند .

یك کشتی عسس انگلیس ویك کروازر فرانسوی نجات یافته کان را جمع ومکرده جمعی را بسوی جزیره « میلو » ودرجی را بطرف « مالطه » روند ومن جزو اهالی جزیره میلو که جنگیه کما انگلیس رسیدم .

البته میل خواهید داشت که پاره ازوقایع اثناءت بهت آور را برای شما حکایت نمایم ولیکن اختصار نژاد ما این داستان شایسته برای اخلاق باقی ماند .

کاپتن « وسکو » باصاحب منصبان تا اخیرین ساعت زندگانی کشتی بر برج عرشه خودرا بند کرده وبایك حس فداکاری عملیات میدادند که حتی الامکان مسافرین را بتوانند نجات دهند .

توپچیهای توپهای عقب کشتی پروائی بخرج نمیدادن کشتی توپهای خودش را پر کرده وسعی مینمودند که شاید تحت البحری غدار را بتوانند درکوته مشاهده کرده وسزایش را بدهند وانتقدر درانتظار ماندند تا انکه لوله های توپ یکی در آب دریا فرو رفت .

بجزیره که کشتی موسوم به « کاکادا » ی انگلیس غلامت بحری عرق راشنید به استخلاص شتافت و باتفاق کروازر فرانسوی قریب سیصد نفر ازسربازان ورا کرن کشتی خلاصی یافته .

ازجراید انگلیس

تفصیلات یك صاحب منصب اتالی
ازارکان حربیه انگلستان

هرقدر که فرانسویان کفایت دارند انگلیس ها بی کفایت اند توپهای ضد طیارات فرانسویان تکنیك انکیز است . صدی نودوپنج ازانفجارات هوائی ماتواسطه توپهای فرانسوی وصدی پنج بواسطه توپهای ضد طیارات انگلیسی است . طیارات فرانسوی روی هم رفته حتی وطیارات انگلیس مزیت وبرتری دارند اما آنهای پیمایان انگلیس از حیث رشادت و وحدت تمارند وخود را بی محابا در خطر میاندازند ودرمبارزه علنی وتعقیب وطرز ساختمان طیارات فرانسویان ازطیارات متخاصمین بالاتراند .

خواندن جراید انگلیس ماداخلی مرکز ومشغول میدارد مطالب یکشیکی تمام صفحات آنرا پرکرده است . درنمرات اخیر جراید انگلیس مشروحات مفصل راجع باین مسئله مینوشتند که آیا حقوق اجزاء پارلمان کمسرباز نمیماند دوباره شود یاخیر ولی ازجنگهای وردون وازعملیات بین النهرین تقریباً هیچ چیز نمی نوشتند .

انگلیس ها هنوز دردلا نکرده اند که ! اگر دراین جنگ غلبه قطعی بامانباشد اقلاتکست هم نخواهیم یافت . درتمام میدانها قشون ما اراضی را که گرفته اند نگاه داشته اند .

ایالات شمالی فرانسه ، بلژیك ، صربستان ، ایالات غربی روسیه وقراطاغ درتصرف ماهستند . راست است که درآسیای صغیر درمیان حمله کرده اند اما قشون ترك انگلیس هارا ازکلی پولی اخراج نموده وعاقبه باستمداد روحیه مشغول خفه کردن قشون انگلیس وهند میباشند واسطه خیانت اعوان هما کیاجو ازتصرف ما خارج شده ومستعمرات افریقائی مارا متزلزع ساخته اند لیکن باید دانست که میدان های کیاجو وافریقا اهمیتی ندارند ونتیجة جنك در روسیه وفرانسه معلوم خواهد شد .

انگلستان شاید هنوز بدل خود را خوش کند که ملکه وعالم دریا میباشد اما مشکل اینست که پروفرنوت شاه وسلطنه وی دراموال دریاهای قدر میباشند که برآسیاها غلبه دارد . بخرید انگلستان جهازات یعنوف را از آمدن بسواحل ما ممانعت میباید ونمیگذارند که کشتی های تجارتی ما سیر کنند اما تحت البحریهای ما در دریا هما مشغول حرکت هستند وقعر اقیانوس را آرامگاه کشتی شکسته های انگلیس کرده اند . ما بتوسط زیلین های خویش بدون هیچ مزاحمت درآسیان انگلستان سیر میکنیم ونیاهی وبوار را آنها میدانیم وا کرجان خوش بی گناه دراین جنگ هائلف خودمارا چه گناه است واآیا انگلستان که میخواهد بوسیله محاصره کردن سواحل ما اطفال معصوم وزنان بی گناه آنان را از کار سیکی معدوم نماید عندی کرده اند بیاورد ! ما از این جنك متضرر هستیم . شاهلور ما در جو جنگ بام اعلام نمیکنند حقیقه مقصود آنست دراین جنك مهیم ساختن قوای منابع انگلیس است درصورتی که مستر اسکویت درتمام نطق های خویش اعلام میدارد که متفقین میخواهند قوای آلمانرا منهدم سازند و عظمت نظامی مارامعدوم کنند درصورتیکه عین قومیت مارا صمانت میباید .

تعجبی نیست که ما جنك میکنیم . مگر انگلستان بخواب میبیند که درجنگ آلمان شکست باید هروقت بخاطر میاوریم که لرد کرزان گفته بود که هندیها درمقابل قشون فاتح متفقین وارد آلمان میشوند بی اختیار میخندیم .

آیاشریف مکه واعراب بغاوت کرده اند ؟

لکهنو - ۲۸ - جون .

در مجلس عام مسلمانان قرار یافت که ایشان از حرکت نهایت باخیان عرب اظهار برائت مینمایند وعمل قبیح آن فتنه انگیزان را سراسر خلاف دین اسلام می پندارند . وکسانی را که بان اشرار اعراب همکاری میکنند خارج از دائرهٔ دین می انگارند . وچنین عموم بی ناموس را اعدای اسلام واسلامیان می شمارند واز مضمون تلیگرافی ازانکه که بعض مسلمانان ازخبر بغاوت اعراب شادشده اند اظهارتعزیت سخت وبیزاری وبحت میکنند !

جناب محترم مدیر سراج الاخبار افغانیه -

از اشاعت غیر قابل اعتبار خبر هوش ربا که شریف مکه بخلاف خلافت عظمی علم بغاوت را فرانشته وباتفاق قبایل بین دوشط جزیرة العرب عساکر عثمانیرا درمکه وطائف وجده اسیر کرده . وبرامون مدینه منوره محاصره نموده . وسکه خلیفه را ازمدینه تابسیار مسافت درشمال خراب ساخته درعه بام اعلامی یك هیجان جهان آشوبی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1778 of 1786

پیدا نموده است حسب منطوق کلام جزب متعاون ما "کا فاسق بأمر دواء (اگر کار شخصی بشما خبری بیارد ، رشما لازم است که در تحقیق وتفحص آن خبر دقت نمائید) رزکان ملت مرحومه رائید که از محض شنیدن این خبر وحشت آرمتأثر نشوند ـ بلکه تدقیق وامعان نظر را کارفرموده ازرع شاهد حقیقت روا نمائند . این خبر وزیه دراحوال موجوده ـ زیده ترامیان کذب داره، بشهادت قرآن ربی ـ اولاهین شریف مکه بود که فرزند خودرا رئیس عسکر عثمانی کرده بقلع ناعیان جنوبی فرستاده بود . ثانیاهین شریف بود که هنگام اعلان جهاد اکبر پیش ازیست پنجماه برق هایون سیدولاتلرا درمدینهٔ منوره علی رؤس الأشهادیرون آورده بود تأثیرات عالیهٔ ازمقام حاصل نمایند بلکه مرسال بازدهم رمضان درقصر هایون سلطانی درقسطنطنیه مراسم هایون که عبارت است از ارسال کردن وظائف شریف مکه ومشایخ وعلما وعجاورین حرمین شریفین بکمال تجمل وشان ادا کرده میشود ، صره های طلا جلس رلشتران و قاطران عراه لشکر معظم جانب الله روان کرده میشود ـ

شریف مکه که عقل سلیم شیرت دارد ، بکونه میدان تصادمات ظاهری واقع نبود ! در حالت موجوده وادی ، اردی زرع قابلیت تحاصل کافی ندارد ـ

رأساً شریف لشکر ندارد وته برای پیدا کردن لشکر منابع قوت دارد خاصتاً اگر شریف زیرحمایت دولت نصرانی استقلال اسمی اختیار کرده باشد ، فرمن النظر وفر تحت الذراب ، درحق اوصادق خواهد آمد ـ دران صورت دار اسلامی این پی آموی را هرگز قبول نخواهد کرد .

واقعاً اسرار سیاست دول معظمه یورپ اشاعت چنین اراجیف راضرورة استکشاف رای دانسته سمت هوای حسیات خلایق می آمند ایشانرا قرآن کریم دائرجنون قرائتنامه افیدامه بود ـ مثلاً هزیمت قاطن مخالفین درگیلی پولی وسقوط قسطنطنیه وصائمات عظیمهٔ بحره درمصر که جائد وغیرهای تازه بکثر ـ این واقعات مفزعه درمدت قلیله ، وعلاوه بران أسکان غالب سقوط وزبون همه متفق شده مخالفین را مجبور کرده است باشاعت چنین دروغهای بی بیاد !

یک امکانی دیگر باقی است که مخالفین دولت علیهٔ عثمانیه بیدند که روزانه تقریباً پنج ملیون درمرج صرف میشود ، خواستند که پول کرانی وموعدهٔ امان عساکری واسلحه ومهمات جنت شریف مکه را ازجادهٔ صواب منحرف کنند ، یا کرده اند ، البته ، الغریق یتشبث بالحشیش ، امالین سی ایشان صورت الاهای میلکه برای سی کنند کان خواهد بود .

ا گرابن خیال حقیقت باشدمن شریف مکه‌نوای دولت نصرانی وبعدآن این رجعه در اسلام انداخته وبخلاف آن دولت اسلامی که دنیا در عالم استقلال خویش را نگاه داشته جه های زر کثیرن دول دنیارا متحمل میشود ورای شرف وخای اسلام جان ومال را فدا میکند خروج نموده ، الله مرتک جنایتی کبیر شده است ، این عمل وضع شریف رانسلهای موجوده وقرون آیندهٔ اسلامیه عفو خواهند کرد ـ زیرا که خداالعواسته باشدمرین نازلات از خانه جنگ امتداد عوشدن دولت علیه وهم جه دولتهای اسلامیه میباشد این عداوتی را چگونه امت مرحومه از کسی که خود را از اولاد رسول کریم میخواند عفو نماید !

چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی !

خصوصاً خراب کردن سکهٔ الحدید حجاز که ازپول مسلمانان دنیا ساخته آند ودرهنگام بنایش صدهامسلمین جان خود را طوعاً نثار کرده‌وند خیانتست بهمه عالم اسلامی ـ برای هزارها حجاج زحمی شدید پیدشد ، چگونه خواهد انگلیسی ازتسهیل حجاج ازجهت این بضاعت لافی میزند ! الا خراب اند کفراً ونفاقاً درحق شریف مافی ثابت شود ! گر او در حقیقت مرتک این جنایت کبری شده است واظهارغرض ولعن وغضب از مسلمانان لکهنو در حق این جانیان عین صواب باشد .

مسلمانان حقیق را باید که درصورت ثبوت خیر بضاعت شریف اعوان اوهم عذررا نیابند ، بلکه‌میدوار عظمت اسلامیان حقیق باشند پیشین گوئی حضرت رسول کریم است که بدأ الاسلام غریباً وسیعود غریباً کما بدأ فطوبی للغرباء [اسلام در آغاز در دار غربت مدینه)مأل ثبوت وعظمت شد ، وبعد دار ظهور (مکه) ورود زمانی آید که باز اسلام در دار غربت (استنبول) وبعد بلاد عرب ثانیاً غربت وحاثر خواهد شد چنانکه درجنایت شده بود پس آفرین بران مسلمانان حقیق که درملاد غربت اسلام را بجان ومال خودرا واقعه حاثر بمعاونت دارین باشند درحاشیه باید که شریف ودیگر سادات طیبهند ... : الطمئنة جنة وهی من بیت الیوت احسن والیة بیة وهی من دار الغرورة آذین (نیکی نیکی است اما از خانهٔ پیمبر نیکو ترن میباید وبدی بدیست ولیکن ازدیار الغرور بدتر است)

خبرهای متنوعهٔ جنت ازجرائد اوروپا

ولیعهد عثمانی درفرونت غرب

ازبکارست روزنامهٔ « اوزوروسی » خبرمیدهد که برحسب معلومات واصله ازاسلامبول ، وحیدالدین افندی ولیعهد عثمانی برحسب دعوت امپراطور ویلیم بمیدان غرب مسافرت می کند کهدراتمام وقت اختتام جنك وزمان درفرونت مزبور حضور داشته باشد .

تلوفونات عثمانی درالبانی

از سالونیك اخبارلرا خبر میدهند که پنج نفر صاحب منصب عثمانی ازراه (سازدن) بهالبانی مسافرت کردهاندصاحب‌منصبان مزبورقرای شیخ‌الاسلام عثمانی‌راهمراه خودبردهاند که درالبانی انتشار دهند.این فتوی الان وبخارا دین اسلامیعرق نموده والبانیان دعوت کرده که باردوهای آنها ملحق شوند الزفرار مظلوم صاحب‌منصبان مزبور امیدوار بودهاند کهجمع آوری ومسلح نمودن چندهزار نفر از آنها موفق شده اند .

بیانات یك صاحب منصب المانی

ازاستکهلم اخبارلرا خبرمیدهند که یکی ازصاحب منصبان عثمانی المانی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1779 of 1786

درضمن مصاحبه بعضی ازمخبرین جراید سوئد اظهار داشته است که چکهای بزرگ بخرجه آنان درفصل پائیز ذروع خواهند شد . ودرهمان موقع اتلب کشتیهای جدید آنانرا که فعلا مشغول ساختن آنهاهستند بآب انداخته شروع بمحاربات فعلی درپیش خواهند نمود .

آتش سیاه بتابع سودان

روزنامهٔ « آن » در خصوص یکنوع شمشهای سیاه که اهالیسودان مخصوص بطرف دشمن می اندازند . تحقیقات ذیل را مندرج نموده است :

اتباع آتش سودان امتداد آب جریان دارد وتوسط آن مخصوص درجهت استعمال می گردند . این ماشین بامنجنیق شعله پاش شکل یک استوانه فلزی ساخته شده وطول آن یک متر است ویک لوله طویل بقدر یکمتر باستوانه مزبور نصب شده است این لوله را دونفر سرباز نگاه میدارند ویکنفر دیگر نیز هیزم سودان را اداره می کند . ماشین مزبور شعله های سیاه خود را بمسافت یکهزار متر اندازه و حرکت وجریان این شعلها علی الظاهر با یکنوع مواد نفتی مداومت مینماید .

مس در لندن

روزنامهٔ (توده دریا) نقل می کند که امپراطور ویلیام فرمانی صادر کرده ودر جراید لندن اعلان داده مقرر داشته باید تمام لنگرهای مس را از سقف عمارات برداشته وسقفهارا از آهن یا چوب دیگر ترتیب دهند . برحسب این فرمان سقف عمارات قشنگ وشیکی که از مس بود برداشته شده ودرسایر عمارات تازه دراین نیز شروع بجریان داشتن طبقه های مس نموده اند . وبدین ترتیب در نقاط مختلفه لندن سقفهای تمام وبیع عمارت را تغییر خواهند داد وبدین وسیله هزاران (قریب سه هزار و پانصد تن) مس تحصیل خواهد شد واز قراری که (توده دریا) مینویسد استعداد مس برای مصرف کار خانه های مهمات جنگی تا یکسال کفایت تواند کرد .

خانهٔ

سال پنجم سراج الاخبار افغانیه

فضل وعنایت قادر حکیم لایزال جلت عظمته وتوجهات عرفان آیات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه مویدملت خصال ترقی آمال ، ابن کرامی نامهٔ اسلامیه وطنیه — یعنی جریدهٔ (سراج الاخبار افغانیه) سال پنجمین خودرا بان نسخهٔ بیست وچهارم خود به اتمام رسانید . وهزار سالهای سلوه دربار نیز بنام (معلم حکمت) بیت (هدیه) تاجیزانه ، وبیت آرزو عقرانه پیشگاه اقطار فرین عظام خود نمود .

اینکه ازدعوت جلیلهٔ تصریح وتیار میکنیم که درزیر ظل ظلیل عرفان دلیل پادشاه دهاتیل دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان (اعلیحضرت سراج الملة والدین ابوحبیب الله خان) ادام الله دولته الی مدیدالزمان ، دین ، دولت ، ملت وطن ترقیها وتعالیها ، مصدور بنهای روزافزون چیند . واین گرامینامهٔ وطنیه که بخدمت علمیهٔ ذی حضرت این خدمات افتخار جلیه تابسیار سالها برابای وطنیهٔ مقدسهٔ خود دوام ورزد ومن الله توفیق اعلیحضرت متبوع واولی الامر اعظم مقدس خود را تاسی زمانها بازیت توسعهٔ افتخار خود سازد . آمین

حمله دریکا از خشکی ودریا

ازبطرزگراد تلگراف می نمایند که اتباع جدیدا دولت دریکا مقدار زیادی توپهای بحری آورده واز بازور گردوس رسیدن توپهای بحری آنانرا درفروت دریکا تصدیق مینماید جریده الوالید ارکان وزارت جنگ روس چنین اظهار میدارد که یقینست این نوع توپها دراین قسمت از میدان وشروع به تعرضات بحری آنان درفصل بهار بضد خلیج وسواحل دریکا علاقه مستقیم وعملی موجود میباشد .

جریده مزبور مینویسد : درصورتیکه قوای بحری که فعلا در آن خلیج رحلیه سفاین جنگی آنان جلت میباید حمله توپخانه بحری آنان نتواند به ساحل ریفت شود توپهای مزبور آنان قوای خشکی خود شانرا کمک نموده میتواند مواقع جناح یسار اردوی فروت دریکا مورد حمله وتعرض قرار دهند وبدین ترتیب میدان وسواحی دریکا ازدوطرف یکی ازجانب کانکر وجزایر دوانون ودیگری ازجانب سواحل خلیج مورد تعرضات قوای بری وبحری آنان خواهند شد .

توسعهٔ حقوق نسوان در نروژ

ازاستکهلم تلگرافا خبر میدهند که مجلس ملی نروژ تصویب نموده است که قانون اساسی تبدیل یافته وبنسوان مملکت حق عضویت درشورای ولایات داده شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1780 of 1786

استخدام نسوان در جنگ

از پاریس روزنامهٔ « اوروروستی » خبر میدهد که از طرف وزارت جنگ فرانسه حکمی صادر شده است مبنی براینکه در مواقعی که مشغولیتهای لازم وظایفی که مستقیماً و بواسطه مربوط بامور جنگی نباشد تمام افراد مقدور حتی الامکان از طبقه نسوان معین خواهد شد از قرار اشعارات جراید فرانسه از روی تجربه معلوم شده است که این ترتیب نتایج خوبی ظاهر ساخته است .

احتراق در کارخانه باروت

از کلکته روز نامهٔ « ویو » خبر میدهد که وحسب معلومات شمارهٔ مطبوعات انگلیس وزیر قورخانه اطلاع داده است که هفتهٔ گذشته در کارخانهٔ باروت « کاند » احتراق بزرگی وقوع یافته و واسطهٔ احتراق مزبور چندین انفجار حادث شده است حریقی که موافق شیر آن روز واقع شده است اتاق و هیأت آخرین انفجار در ساعت دو بعد از ظهر واقع گردیده است .

عدهٔ ضرر دیدگان این حادثه بطور تخمین دویست نفر میباشد .

تبرکات قیصر

امستردام مورخه ۲۶ مارس ـ برطبق تلگرافی که از برلن رسیده قیصر تلگراف ذیل را بهرهیلترش مخابره نموده است .

از اینکه قریحه چهارده چنگ خیلی مسرورم . اینک تمام وجمیع کسانی که در این مسابقه گنگ کرده تبرکات وتشکرات خودرا اظهار میدارم . این امتحانات دلیل بر آنست که ملت آلمان دارای یک قوت وقدرت تزلزل ناپذیری است و من بواسطهٔ آنها درخشنگی خورده دواقع این قوت وقدرت اخلاقی را باید در ردیف شجاعت وشهامتی قرار داد که هر روزه سپاهیان ما در میدان جنگ بروز میدهند .

ملتی که با یک چنین روحیه ثابت موجود و ضد دشمنانش مقاومت می کند وبر خداوند اقتدار دارد میتواند بفتح وعده خودش امیدوار باشد (روتر)

از جراید فرانسه

ماموریت های فوق العاده فرزندان قیصر

اگوست ویلیم نایب السلطنه بلژیک

از استرداد اخبار اطلاع میدهند که پرنس اگوست ویلیم چهارمین پسر قیصر ویلیم عنقریب بمقام انتخاس ویلک موگه مهمی وارد و وکیل وی کمت بلژیک خواهد شد پرنس مزبور بجای « دون بیسیلک » فرمانفرمای کل آن مملکت برقرار و لقب نایب السلطنه بلژیک را خواهد گرفت .

از سوئیس تلگرافات وارده اظهار میدارد که روزنامه « طین » منطبعه اسلامبول خبر داده است که پرنس ایتل فردریک فرزند دوم قیصر آلمان بمین زودی وارد قسطنطنیه خواهد شد و در حین ماموریت از جانب پدرش قیمه شمشیر مرصع خیلی نفیس هدیه امپراطوری را بسلطان عثمان تقدیم میدارد

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول ـ و دوم

زهی کان جلدهای مرغوب و ملت (تمرج آنست) ، (سراج التواریخ) ائینهٔ حیات تمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتاسیس یافتن دولت اعلیهٔ حالیه بحث میرساند که برای حال واستقبال ملت پرتلاش درسکاه عبرت . وخوشتر ازین انتباه ملت تصور نمیشود . هرفردی از ملت را واجب است که یک نسخهٔ از آنرا بدست آرد ومانند جواهر در گنجینهٔ قلوب خویشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به پیت حالیانه وخیر خواهانه اشتهارهٔ عمومی بامر وفرمان ذات حریفان صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملوکین » تألیف ودرین ومطبعهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل بزیور طبع آراسته و تر این یافته است .

جلد اولیان کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم بحث مکان از هند در کابل بحث میرآید وجلد دوم از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا به اول جلوس اعلیحضرت « سراج الله والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه وقایع تاریخیرا جامع میباشد و تا عهد اعلا بحروف تهجی طبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور فیمت پرنت وخوش تجلید آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرمصوازی فاخر کابل بحث چهار مئیه جدول طلا بر کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل حرف بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ بحثهٔ کابل .

نمبر (۲) پشتی مقوا روپه گرسائی چهار کنج وزرچرم مذهب عنابیه اسم کتاب ونشان دولت ورق طلا سجته سوده روپیه بحثهٔ کابل .

نمبر (۳) پشتی مقوا روپه گیره لاجوردی چهار کنج وزرچرم میشی سرخه کابل بحث عنابیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا سجته جزء بندی شده یازده روپیه بحث کابل وسه شاهی .

نمبر (٤) پشتی مقوا روپه اوی چهار کنج وزرچرم میشی سرخه کابل بحث عنابیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا سجته کوته بندی شده نه روپیهٔ بحثهٔ کابل وپازده شاهی .

نمبر (٥) پشتی مقوا روپه اوی سرچپار کنج وزرکرشیا اسم کتاب ونشان دولت ورق طلا سجته کوته بندی شده نه روپیهٔ بحثهٔ کابل وپازده شاهی .

محل فروخت

در خانه اربار که از تحویل خانهٔ جناب عمدهٔ ملیان سرخانه در بازار ارگ از طرف کان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر دیگ وقایع وشیرازه مقدم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر فرمودند که جلد اول ودوم دریک وقایع شیرازه شود وجلد سوم وچهارم آن که هنوز در طبع میباشد وچون اکثر از طبع برآمده مهیا گردیده اند انشاءالله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

همه ماهه هفتهٔ نشر خط دارد از طرف مدیر ومسئول محرر مجله

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1781 of 1786

اعلان

عموم مشتریان گرامی خود را

به توری میکنیم

مفتخر میسی و گوشش گردیم که از امکانات در دسترس
اخبار مشتریان گرامی دار السلطنه کابل خود را دایم
تکمیل نشانیها دار کلمات مرکزی دار السلطنه کابل یک
متباوله نموده دار کلمات متداوله کشیر و توزیع نشریات را
که عهده مشتریان گرامی بسته دار عهده ما میبود
عمل نموده . مشتریان گرامی دار السلطنه خود را بدون
دیر توری میکنیم که عدد از اخبار های شان بدون
واسطه بر مرا فرد واسطه گردیدن دار کلمات
محروم نمایند .

شرایط خریداری	
دار السلطنه	ولایات داخل افغانستان
جهت سالیانه هشت روپیه کابلی	سالیانه شش روپیه کابلی
جهت شش ماهه پنج روپیه کابلی	شش ماهه چار روپیه کابلی
در خارج افغانستان	
مرحبا یک مشترک اجرت پوست	
مدت سالیانه عدد نمبر انگلیزی عدد نمبر انگلیزی	
به ماهه اشتراک قبول نمیشود	
یک سلاکی وند انگلیزی دارند روپیه کلدار قیمت دارد	
قرار حساب کنند	

(شرایط درج گردن اعلانها)

سودا گران که مال خارجی ، وصنعتگران که صنعت خود را دار سراج الاخبار اعلان والیه کردن
میخواهند ، دایکر هر قسم اعلان والیه که باشد از قرار شرایط ذیل درج و نشر میشود :

اعلانیکه درمن اخبار در یکبار که پیوند نشر و نشر نموده هر سطر ۱ یک روپیه کابلی دار کرار پنج بار
پیوند نشر کردن خواهند فی سطریک قرار بیست روپیه کابلی اجرت گرفته میشود . اعلانیکه درین ورق دوره
نموده الی یکسال ماه پنج بار فی سطریک قرار بیست روپیه کابلی دار کرار پنج بار پیوند نشر کردن خواهند فی سطر سه
شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطرهای اخبار ما ۲۰ - اینچ و ۸ - سوت میباشد

هرگاه شخصی اعلان خود را مثلاً یکساله نشر کردن خواهند وی به یک ساله را پیشکی ادا نمایند ورق
یکی در سطر شان اجرت گرفته میشود .

اعلان

جنتا قطعه روی مین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ افریقا

(مطبعهٔ جنت) یک آژانس جهانی در نظر هر نگاران عزیز جلوه گر میباشد . هست گرید . بخواهید
در ظرف ۲۹ روز یک دست گل مطلوبانه را در اختیار شما وهمراه بلد و دیر میکشید . ملکهای را که دوست
میگیرید مفصل ومکمل جغرافیا زکاریخ آنرا خواهید مطالعه . چه چیزها می چید . چه چیزها میپوشید . چه قسمها
چه . ورها میگرید ؟ علمی ، ادبی . سیاسی در طی زمان ۲۹ روز بلا اشتباه هر مملکت را بگیرید به یک آژانس

این آژانس چه مرکب دیر های وقوع عجیبه . تقریباً (۷۰۰) عکس ، و (۵۰۰) قطعه تصاویر مناظر طبیعی
والتماس مشتری وقطعه های مهمه حربی است . قیمت با بیمه حریصای آن قیمت (۷) هفت روپیه کابلی آن هیچ
چیست . کاغذ اعلا ، چاپ خروی ، تصاویر رنگو گراف ، جلد عکو والتنوار ! اگرچه میخواهید ؟ عینیکه کتابهای
فی مطبعهٔ سراج گذرده الفانکه (برادرزوف) جان مرحوم مطبعهٔ مبارکه ، بازار ارزانتر شد کان (فارمند) تاجر کتب
وبازار بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی دکان ساجی ملا (غلام محمد) جان تاجر مشهور کتب رو آورده
بلغ فوق کتاب مذکور را جست آژانس دیکری کاری نماید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1782 of 1786

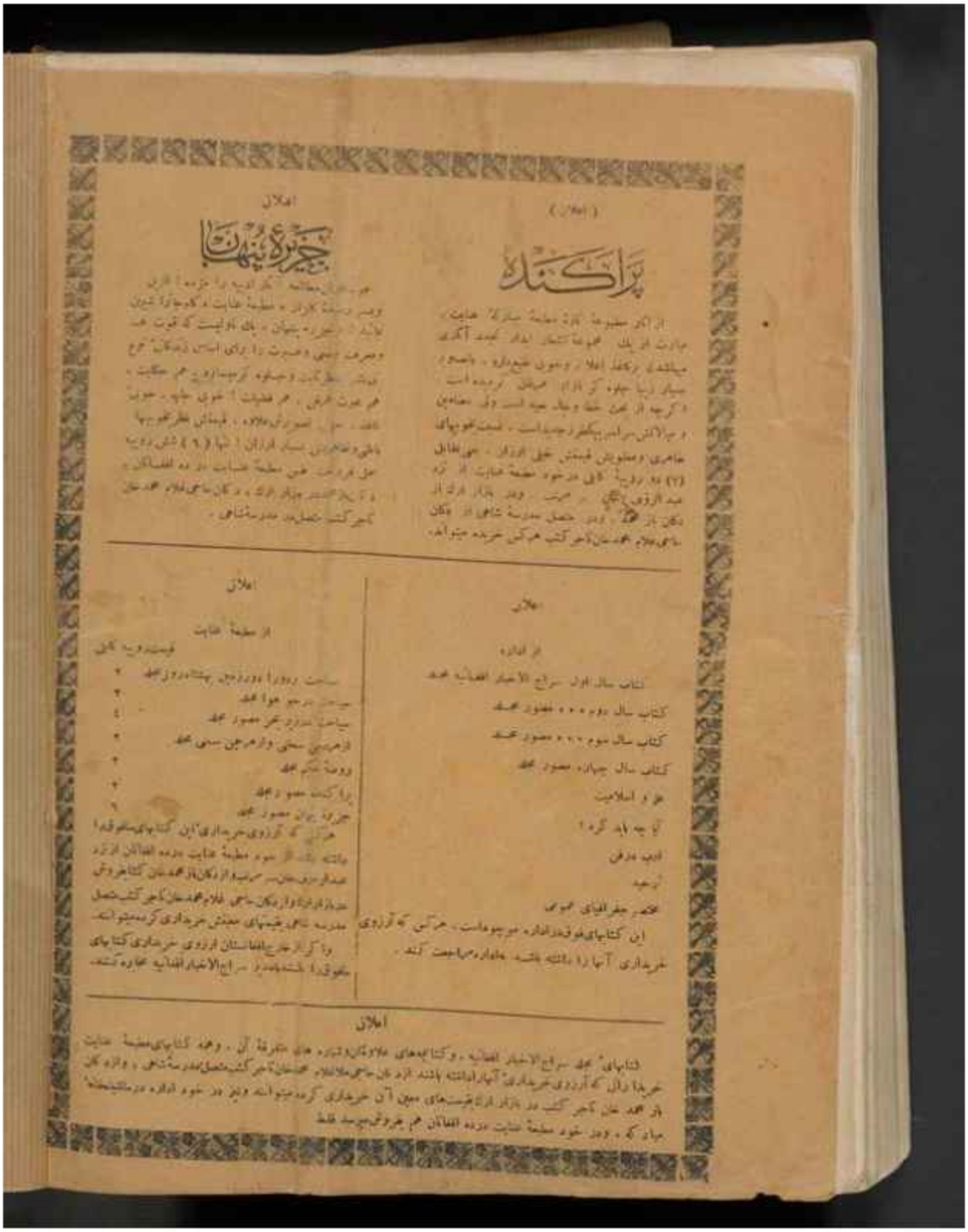

(اعلان)

پراکنده

از اکثر مطبوعهٔ کابل مطبعهٔ سراج الاخبار افغانیه، عبارت از یک مجموعهٔ انتشار دارد کیمد آنکه میباشد در یکعدد اعلان، و نمون طبع داده، باصور بسیار زیبا چاپ، کر بازار خریدار میباشد، و گرچه از حسن خط و بیان عبده است ولی معاصرین و بالاتش سراج الاخبار یکقدر جدیداست، قیمت طبوعهای عامری و معنویش قیمتش خیلی ارزان، حق تعالی (۲) ده روپیهٔ کابی در حدود مطبعهٔ عنایت از توره عبد الرزوق بیگی سر میرسد، و در بازار کابل باز هم، و در حصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی ملا محمد خان تاجر کتب هر کس خریده میتواند.

(اعلان)

جریدهٔ پیغام

هر خریدار مطالعه کتب ادبیه را مژده از اینکه در مطبعهٔ عنایت دکانچه باز شده، جریدهٔ پیغام که قوت هر معرفت پیغمبر و صنعت را برای اساس زندگانی نوع بشر نظر کنان و جلوه کر جمیع ارباب هر مملکت، هر صنعت طرفی، هر فضیلت آموزی جلوه، خواهد شد، حق تعالی تصدق این جلوه، قیمتش نظر بحجم بها باقی و تفاوتش بسیار ارزان (نیما ۹) شش روپیه حل قرار شد، هین مطبعهٔ عنایت در دره افغانان و تا پنج اکتبر چهار ماه، و دکان حاجی ملا محمد خان تاجر کتب متصل بدرسهٔ شاهی.

(اعلان)

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه عدد

کتاب سال دوم ... مجلد عدد

کتاب سال سوم ... مجلد عدد

کتاب سال چهارم مجلد عدد

طب و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب مدرن

ترجمه

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای خوب در اداره موجود است، هر کس که آرزوی خریداری آنها را داشته باشد، مراجعت کند.

(اعلان)

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابی
ساعت روشنا در دو جزو پیشاور و جلد	۲
سیاحت مرسو هوا جلد	۲
سیاحت اندرون بحر محمود جلد	۴
ازهر بی سخی و از هر جن سخی جلد	۲
روضهٔ شکم جلد	۲
پراکنده مجلد	۲
جریدهٔ پیغام مجلد	۶

هر کس که آرزوی خریداری این کتابهای مطبوعه را داشته باشد از سوی مطبعهٔ عنایت مژده افغانان از توره عبد الرزوق بیگی سر میرسد و از دکان حاجی ملا محمد خان کتابفروش خریدار آنرا و از دکان حاجی ملا محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی قیمتهای مجلدش خریداری کرده میتواند.

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مطبوعه را داشته باشد مراسلهٔ سراج الاخبار افغانیه عاید کند.

(اعلان)

کتابهای عدد سراج الاخبار افغانیه، و کتابچه های علاوه و شماره های متفرقهٔ آن، و عدد کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدارانی که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان حاجی ملا محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، و از دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار آرا فرصتهای معین آن خریداری کرده میتوانند و نیز در خود اداره در مطبعهٔ عنایت میباشد که، و در خود مطبعهٔ عنایت مژده افغانان هم بفروش میرسد فقط